



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



قوانین

حقوقی

قوانین و مقررات کشور

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قوانین حقوقی (قوانین و مقررات کشور)

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸۰	قوانین حقوقی (قوانین و مقررات کشور)
۸۰	مشخصات کتاب
۸۰	قوانین حقوقی
۸۰	قانون اساسی و مدنی
۸۰	قانون اساسی
۸۰	مقدمه قانون اساسی
۸۳	اصول قانون اساسی
۹۸	نمایه قانون اساسی
۱۰۲	قانون مدنی
۱۰۲	مقدمه قانون مدنی
۱۰۲	جلد اول - در اموال
۱۰۲	کتاب اول در بیان اموال و مالکیت بطور کلی
۱۰۲	باب اول در بیان انواع اموال
۱۰۳	اشاره
۱۰۳	فصل اول در اموال غیرمنقول
۱۰۳	فصل دوم در اموال منقوله
۱۰۳	فصل سوم در اموالی که مالک خاص ندارد (ماده ۲۳ الی ۲۸)
۱۰۴	باب دوم در حقوق مختلفه که برای اشخاص نسبت به اموال (ماده ۲۹)
۱۰۴	اشاره
۱۰۴	فصل اول در مالکیت
۱۰۴	فصل دوم در حق انتفاع
۱۰۶	فصل سوم در حق ارتفاق نسبت به ملک غیر و در احکام و آثا

- ۱۰۹ کتاب دوم در اسباب تملک
- ۱۰۹ اشاره
- ۱۰۹ قسمت اول در احیاء اراضی موات و حیازت اشیاء مباحه
- ۱۰۹ باب اول در احیاء اراضی موات و مباحه
- ۱۰۹ باب دوم در حیازت مباحات
- ۱۱۰ باب سوم در معادن
- ۱۱۰ باب چهارم در اشیا پیداشده و حیوانات ضاله
- ۱۱۱ باب پنجم در دفینه
- ۱۱۱ باب ششم در شکار
- ۱۱۱ قسمت دوم در عقود و معاملات و الزامات
- ۱۱۱ باب اول در عقود و تعهدات بطور کلی (ماده ۱۸۳ الی ۳۰۰)
- ۱۱۶ باب دوم در الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می‌شود
- ۱۱۸ باب سوم در عقود معینه مختلفه
- ۱۳۵ قسمت سوم در اخذ به شفعه
- ۱۳۶ قسمت چهارم در وصایا و ارث
- ۱۳۶ باب اول در وصایا
- ۱۳۸ باب دوم در ارث
- ۱۴۲ کتاب سوم در مقررات مختلفه
- ۱۴۳ جلد دوم در اشخاص
- ۱۴۳ کتاب اول در کلیات
- ۱۴۴ کتاب دوم در تابعیت
- ۱۴۶ کتاب سوم در اسناد سجل احوال
- ۱۴۷ کتاب چهارم در اقامتگاه
- ۱۴۷ کتاب پنجم در غایب مفقودالائثر

- ۱۴۸ کتاب ششم در قرابت
- ۱۴۹ کتاب هفتم در نکاح و طلاق
- ۱۴۹ باب اول در نکاح
- ۱۵۲ باب دوم در انحلال عقد نکاح (ماده ۱۱۲۰ الی ۱۱۵۷)
- ۱۵۴ کتاب هشتم در اولاد
- ۱۵۴ باب اول در نسب (ماده ۱۱۵۸ الی ۱۱۶۷)
- ۱۵۴ باب دوم در نگاهداری و تربیت اطفال
- ۱۵۵ باب سوم در ولایت قهری پدر و جدپدری (ماده ۱۱۸۰ الی ۱۱۹۴)
- ۱۵۶ کتاب نهم در خانواده
- ۱۵۶ فصل اول در الزام به انفاق (ماده ۱۱۹۵ الی ۱۲۰۶)
- ۱۵۷ کتاب دهم در حجر و قیمومت
- ۱۵۷ فصل اول در کلیات (ماده ۱۲۰۷ الی ۱۲۱۷)
- ۱۵۷ فصل دوم در موارد نصب قیم و ترتیب آن (ماده ۱۲۱۸ الی ۱۲۳۴)
- ۱۵۸ فصل سوم در اختیارات و وظایف و مسئولیت قیم و حدود آن (ماده ۱۲۳۵ الی ۱۲۴۷)
- ۱۵۹ فصل چهارم در موارد عزل قیم (ماده ۱۲۴۸ الی ۱۲۵۲)
- ۱۵۹ فصل پنجم در خروج از تحت قیمومت (ماده ۱۲۵۳ الی ۱۲۵۶)
- ۱۶۰ جلد سوم در ادله اثبات دعوی (ماده ۱۲۵۷ الی ۱۲۵۸)
- ۱۶۰ کتاب اول در اقرار
- ۱۶۰ اشاره
- ۱۶۰ باب اول در شرایط اقرار (ماده ۱۲۵۹ الی ۱۲۷۴)
- ۱۶۰ باب دوم در آثار اقرار (۱۲۷۵ الی ۱۲۸۳)
- ۱۶۱ کتاب دوم در اسناد (ماده ۱۲۸۴ الی ۱۳۰۵)
- ۱۶۲ کتاب سوم در شهادت
- ۱۶۲ باب اول در موارد شهادت (ماده ۱۳۰۶ الی ۱۳۱۴)

- ۱۶۳ باب دوم در شرایط شهادت (ماده ۱۳۱۵ الی ۱۳۲۰)
- ۱۶۳ کتاب چهارم در امارات (ماده ۱۳۲۱ الی ۱۳۲۴)
- ۱۶۳ کتاب پنجم در قسم (ماده ۱۳۲۵ الی ۱۳۳۵)
- ۱۶۴ قانون استفساریه تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶ - مصوب ۱۳۸۴
- ۱۶۴ دادرسی و احرا
- ۱۶۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب کتاب اول - در امور مدنی
- ۱۶۵ کتاب اول - در امور مدنی
- ۱۶۵ کلیات (ماده ۱ الی ۹)
- ۱۶۵ باب اول - در صلاحیت دادگاهها
- ۱۶۵ فصل اول - در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاهها (ماده ۱۰ الی ۲۵)
- ۱۶۶ فصل دوم - اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن (ماده ۲۶ الی ۳۰)
- ۱۶۶ باب دوم - وکالت در دعاوی (ماده ۳۱ الی ۴۷)
- ۱۶۸ باب سوم - دادرسی نخستین
- ۱۶۹ فصل اول - دادخواست (ماده ۴۸ الی ۶۰)
- ۱۷۰ فصل دوم - بهای خواسته (ماده ۶۱ الی ۶۳)
- ۱۷۰ فصل سوم - جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی (ماده ۶۴ الی ۹۲)
- ۱۷۳ فصل چهارم - جلسه دادرسی (ماده ۹۳ الی ۱۰۴)
- ۱۷۴ فصل پنجم - توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست (ماده ۱۰۵ الی ۱۰۷)
- ۱۷۴ فصل ششم - امور اتفاقی (ماده ۱۰۸ الی ۱۴۸)
- ۱۷۷ فصل هفتم - تأمین دلیل و اظهارنامه (ماده ۱۴۹ الی ۱۵۷)
- ۱۷۸ فصل هشتم - دعوی تصرف عدوانی ممانعت از حق و مزاحمت (ماده ۱۵۸ الی ۱۷۷)
- ۱۸۰ فصل نهم - سازش و درخواست آن (ماده ۱۷۸ الی ۱۹۳)
- ۱۸۱ فصل دهم - رسیدگی به دلایل (ماده ۱۹۴ الی ۲۹۴)
- ۱۸۸ فصل یازدهم - رأی (ماده ۲۹۵ الی ۳۲۵)

- ۱۹۰ باب چهارم - تجدیدنظر
- ۱۹۱ فصل اول - احکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر (ماده ۳۲۶ الی ۳۲۹)
- ۱۹۱ فصل دوم - آرای قابل تجدیدنظر (ماده ۳۳۰ الی ۳۳۵)
- ۱۹۱ فصل سوم - مهلت تجدیدنظر (ماده ۳۳۶ الی ۳۳۸)
- ۱۹۱ فصل چهارم - دادخواست و مقدمات رسیدگی (ماده ۳۳۹ الی ۳۴۷)
- ۱۹۳ فصل پنجم - جهات تجدید نظر (ماده ۳۴۸ الی ۳۶۵)
- ۱۹۴ باب پنجم - فرجام خواهی
- ۱۹۴ فصل اول - فرجام خواهی در امور مدنی (ماده ۳۶۶ الی ۴۱۶)
- ۱۹۸ فصل دوم - اعتراض شخص ثالث (ماده ۴۱۷ الی ۴۲۵)
- ۱۹۹ فصل سوم - اعاده دادرسی (ماده ۴۲۶ الی ۴۴۱)
- ۲۰۰ باب ششم - مواعد
- ۲۰۰ فصل اول - تعیین و حساب مواعد (ماده ۴۴۲ الی ۴۴۹)
- ۲۰۰ فصل دوم - دادن مهلت و تجدید موعد (ماده ۴۵۰ الی ۴۵۳)
- ۲۰۱ باب هفتم - داوری (ماده ۴۵۴ الی ۵۰۱)
- ۲۰۴ باب هشتم - هزینه دادرسی و اعسار
- ۲۰۵ فصل اول - هزینه دادرسی (ماده ۵۰۲ الی ۵۰۳)
- ۲۰۵ فصل دوم - اعسار از هزینه دادرسی (ماده ۵۰۴ الی ۵۱۴)
- ۲۰۶ باب نهم - مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد
- ۲۰۶ فصل اول - کلیات (ماده ۵۱۵ الی ۵۱۸)
- ۲۰۶ فصل دوم - خسارات (ماده ۵۱۹ الی ۵۲۲)
- ۲۰۶ فصل سوم - مستثنیات دین (ماده ۵۲۳ الی ۵۲۹)
- ۲۰۷ قانون اجرای احکام مدنی
- ۲۰۷ فصل اول - قواعد عمومی
- ۲۰۷ مبحث اول - مقدمات اجرا (ماده ۱ الی ۱۱)

- مبحث دوم - دادورزها (مأمورین اجرا) (ماده ۱۲ الی ۱۸) ۲۰۸
- مبحث سوم - ترتیب اجرا (ماده ۱۹ الی ۴۸) ۲۰۸
- فصل دوم - توقیف اموال ۲۱۱
- مبحث اول - مقررات عمومی (ماده ۴۹ الی ۶۰) ۲۱۱
- مبحث دوم - در توقیف اموال منقول (ماده ۶۱ الی ۶۶) ۲۱۲
- مبحث سوم - صورت‌برداری اموال منقول (ماده ۶۷ الی ۷۲) ۲۱۲
- مبحث چهارم - ارزیابی اموال منقول (ماده ۷۳ الی ۷۶) ۲۱۳
- مبحث پنجم - حفظ اموال منقول توقیف شده (ماده ۷۷ الی ۸۶) ۲۱۳
- مبحث ششم - توقیف اموال منقول محکوم علیه که نزد شخص ثالث است (ماده ۸۷ الی ۹۵) ۲۱۴
- مبحث هفتم - توقیف حقوق مستخدمین (ماده ۹۶ الی ۹۸) ۲۱۵
- مبحث هشتم - توقیف اموال غیرمنقول (ماده ۹۹ الی ۱۰۴) ۲۱۵
- مبحث نهم - صورت‌برداری اموال غیرمنقول (ماده ۱۰۵ الی ۱۰۹) ۲۱۵
- مبحث دهم - ارزیابی و حفظ اموال غیرمنقول (ماده ۱۱۰ الی ۱۱۲) ۲۱۶
- فصل سوم - فروش اموال توقیف شده ۲۱۶
- مبحث اول - فروش اموال منقول (ماده ۱۱۳ الی ۱۳۶) ۲۱۶
- مبحث دوم - فروش اموال غیرمنقول (ماده ۱۳۷ الی ۱۴۵) ۲۱۶
- فصل چهارم - اعتراض شخص ثالث (ماده ۱۴۶ الی ۱۴۷) ۲۱۷
- فصل پنجم - حق تقدم (ماده ۱۴۸ الی ۱۴۹) ۲۱۷
- فصل ششم - تأدیه طلب (ماده ۱۵۰ الی ۱۵۷) ۲۱۸
- فصل هفتم - هزینه‌های اجرایی (ماده ۱۵۸ الی ۱۶۸) ۲۱۸
- فصل هشتم - احکام و اسناد لازم‌الاجرای کشورهای خارجی (ماده ۱۶۹ الی ۱۸۰) ۲۱۹
- قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب (۲۸ ۱ ۱۳۷۹ - ۵۲۹ ماده) ۲۲۰
- آیین‌نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب (۱۵ ۳ ۱۳۷۳ - ۴۳ ماده) ۲۲۷
- قانون مسؤولیت مدنی مصوب (۲۷ ۱۳۳۹ - ۱۶ ماده) ۲۳۱

- قانون اعسار مصوب (۲۰ ۹ ۱۳۱۳ - ۴۰ ماده) ۲۳۳
- قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب (۱۵ ۸ ۶۵ - ماده واحده و ۲ تبص ۲۳۴
- آیین نامه طرز پرداخت حق النسبی متصدیان اجرا ۲۳۴
- قانون اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب - مصوب ۱۳۸۵ ۲۳۵
- آئین‌نامه و دستورالعمل اجرایی ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و مادتين ۱۸ و ۴۰ ق ۲۳۶
- اصلاحیه آیین‌نامه ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۲۵/۱۱/۱۳۸۶ ۲۳۹
- امور حسبی و خانواده ۲۳۹
- قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۵۳ (م ۱ تا م ۲۸) ۲۳۹
- قانون راجع به انکار زوجیت مصوب ۱۳۱۱ (م ۱ تا م ۳) ۲۴۳
- قانون راجع به تعیین قییم اتفاقی مصوب ۱۳۱۶ (ماده واحده) ۲۴۴
- قانون راجع به رشد متعاملین مصوب ۱۳۱۳ (ماده واحده) ۲۴۴
- قانون لزوم ارائه گواهی‌نامه پزشک قبل از وقوع ازدواج . مصوب ۱۳۱۷ . (م ۱ تا م ۶) ۲۴۴
- قانون مربوط به حق حضانت مصوب ۶۴ (ماده واحده در ۴ تبصره ۲۴۵
- موادی از قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ (م ۱ تا م ۲۰) ۲۴۵
- نحوه محاسبه مهریه به نرخ روز ۲۴۵
- نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۰ (م ۱ تا م ۱۶) ۲۴۶
- نظامنامه ماده ۲ ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۰ (م ۱ تا م ۲) ۲۴۷
- واحد ارشاد و امداد در کنار دادگاه‌های مدنی خاص مصوب ۷۰ (م ۱ تا م ۵) ۲۴۷
- قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور. مصوب ۸۲ (م ۱ تا م ۵) ۲۴۸
- قانون حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها. مصوب ۶۵ (ماه واحده) ۲۴۹
- قانون ثبت احوال . مصوب ۱۳۵۵ ۲۴۹
- فصل اول - کلیات (ماده ۱ الی ۹) ۲۴۹
- فصل دوم - اسناد و دفاتر ثبت احوال (ماده ۱۰ الی ۱۱) ۲۵۱
- فصل سوم - ثبت ولاد (ماده ۱۲ الی ۲۱) ۲۵۱

- فصل چهارم - ثبت وفات (ماده ۲۲ الی ۳۰) ۲۵۲
- فصل پنجم - ازدواج و طلاق (ماده ۳۱ الی ۳۴) ۲۵۳
- فصل ششم - صدور شناسنامه (ماده ۳۵ الی ۳۷) ۲۵۴
- فصل هفتم - صدور کارت شناسایی (ماده ۳۸ الی ۳۹) ۲۵۴
- فصل هشتم - نام خانوادگی (ماده ۴۰ الی ۴۲) ۲۵۵
- فصل نهم - تعویض شناسنامه‌های موجود و نقل آن به دفاتر ثبت کل وقایع (ماده ۴۳ الی ۴۶) ۲۵۵
- فصل دهم - تهیه مقدمات اجرای قانون (ماده ۴۷) ۲۵۶
- فصل یازدهم - مقررات کیفری (ماده ۴۸ الی ۵۵) ۲۵۶
- قانون تفسیر تبصره‌های ۳ و ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق. مصوب ۷۳ (ماده واحده) ۲۵۶
- قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش. مصوب ۷۶ (ماده واحده) ۲۵۷
- قانون تصدیق انحصار وراثت. مصوب ۱۳۰۹ (م ۱ تا م ۱۴) با اصلاحات بعدی ۲۵۷
- قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ ۲۵۹
- باب اول در کلیات (م ۱ الی م ۴۷) ۲۵۹
- باب دوم در قیمومیت (م ۴۸ تا م ۵۴) ۲۶۱
- فصل اول صلاحیت دادگاه قیمومیت ۲۶۱
- فصل دوم ترتیب تعیین قیم (م ۵۵ تا م ۷۳) ۲۶۲
- فصل سوم اختیارات و مسؤولیت قیم (م ۷۴ تا م ۹۵) ۲۶۳
- فصل چهارم عزل قیم م ۹۶ تا م ۱۰۲) ۲۶۴
- باب سوم راجع به امین (م ۱۰۳ تا م ۱۲۵) ۲۶۴
- باب چهارم راجع به غایب مفقودالاثر ۲۶۵
- فصل اول در صلاحیت دادگاه (م ۱۲۶ تا م ۱۲۹) ۲۶۵
- فصل دوم در تعیین امین م ۱۳۰ تا م ۱۳۵) ۲۶۶
- فصل سوم دادن اموال به طور موقت به تصرف ورثه م ۱۳۶ تا م ۱۵۲) ۲۶۶
- فصل چهارم در حکم موت فرضی م ۱۵۳ تا م ۱۶۱) ۲۶۷

- ۲۶۷ باب پنجم در امور راجع به ترکه
- ۲۶۸ فصل اول در صلاحیت (م ۱۶۲ تا م ۱۶۵)
- ۲۶۸ فصل دوم در مهر و موم (م ۱۶۶ تا م ۱۹۳)
- ۲۷۰ فصل سوم : در برداشتن مهر و موم م ۱۹۴ تا م ۲۰۵)
- ۲۷۱ فصل چهارم در تحریر ترکه م ۲۰۶ تا م ۲۲۴)
- ۲۷۲ فصل پنجم دیون متوفی
- ۲۷۲ مبحث اول استیفاء دین از ترکه (م ۲۲۵ تا م ۲۴۱)
- ۲۷۳ مبحث دوم قبول ترکه (م ۲۴۲ تا م ۲۴۸)
- ۲۷۳ مبحث سوم رد ترکه (م ۲۴۹ تا م ۲۵۴)
- ۲۷۳ مبحث چهارم قبول دیون مطابق صورت تحریر ترکه (م ۲۵۵ تا ۲۵۹)
- ۲۷۴ مبحث پنجم تصفیه (م ۲۶۰ تا ۲۷۵)
- ۲۷۵ فصل ششم راجع به وصیت (م ۲۷۶ تا م ۲۹۹)
- ۲۷۶ فصل هفتم در تقسیم (م ۳۰۰ تا م ۳۲۶)
- ۲۷۸ فصل هشتم در ترکه متوفای بلاوارث (م ۳۲۷ تا م ۳۳۶)
- ۲۷۸ فصل نهم راجع به ترکه اتباع خارجه (م ۳۳۷ تا م ۳۵۹)
- ۲۸۰ فصل دهم در تصدیق انحصار وراثت (م ۳۶۰ تا م ۳۷۴)
- ۲۸۱ باب ششم در هزینه (م ۳۷۵ تا م ۳۷۸)
- ۲۸۱ قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی در خصوص مهریه. مصوب ۷۷ (م ۱ تا م ۷)
- ۲۸۲ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق. مصوب ۷۱ (ماده واحده + ۷ تبصره)
- ۲۸۲ قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های موضوع اصل (۲۱) قانون اساسی دادگاه خانواده .
- ۲۸۳ قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲ (ماده واحده + ۳ بند)
- ۲۸۳ قانون «رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی کلیمی و مسیحی
- ۲۸۳ دستورالعمل راجع به افزایش بهای ترکه
- ۲۸۴ تصویب نامه در خصوص آزمایش تالاسمی قبل از ازدواج. مصوب ۷۶ (فاقد ماده قانونی)

- آیین‌نامه نحوه اجرای احکام و تصمیمات دادگاه خانواده. مصوب ۵۴. (م ۱ تا م ۷) ۲۸۴
- آیین‌نامه زناشویی بانوان با اتباع بیگانه غیرایرانی. مصوب ۱۳۴۵ (م ۱ تا م ۴) ۲۸۴
- آیین‌نامه راجع به مواد ۲۷۹ و ۲۸۸ قانون امور حسبی. مصوب ۱۳۲۲ (م ۱ تا م ۵) ۲۸۵
- آیین‌نامه راجع به ماده ۲۹۹ قانون امور حسبی. مصوب ۱۳۲۲ (م ۱ تا م ۱۴) ۲۸۵
- آیین‌نامه حق الزحمه مدیر تصفیه و مدیر ترکه بر طبق قانون امور حسبی. مصوب ۱۳۲۶ (م ۱ تا م ۵) ۲۸۷
- آیین‌نامه اجرایی تبصره یک ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق. مصوب ۷۱ (م ۱ تا م ۹) ۲۸۷
- آیین‌نامه ماده ۳ قانون ازدواج. مصوب ۱۳۱۰ (م ۱ تا م ۷) ۲۸۸
- آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده. مصوب ۱۳۵۴ (م ۱ تا م ۱۳) ۲۸۹
- آیین‌نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی. مصوب ۷۷. (م ۱ تا م ۷) ۲۸۹
- آیین‌نامه نحوه اجرای احکام و تصمیمات دادگاه خانواده. مصوب ۵۴. (م ۱ تا م ۷) ۲۹۰
- آیین‌نامه متحد الشكل شدن ثبت ازدواج و طلاق. مصوب ۱۳۱۱ (مصوبه در ۹ بند) ۲۹۱
- آیین‌نامه ماده اول قانون ازدواج. مصوب ۱۳۱۲ (م ۱ تا م ۳) ۲۹۲
- آیین‌نامه ماده ۳ قانون ازدواج در صلاحیت محکمه ازدواج (در ۲ بند) ۲۹۲
- قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۵۳ ۲۹۲
- قانون تسهیل ازدواج جوانان - مصوب ۱۳۸۴ ۲۹۶
- لایحه پیشنهادی حمایت خانواده - ۱۳۸۶ ۲۹۸
- وکالت و کارشناسی ۳۰۳
- مقررات خاص وکالت ۳۰۳
- قانون وکالت. مصوب ۱۳۱۵ ۳۰۳
- فصل اول - وکیل و شرایط وکالت م ۱ تا م ۱۵) ۳۰۳
- فصل دوم - تشکیلات وکلاء (م ۲۲ تا م ۲۴) ۳۰۴
- فصل سوم - حقوق و وظایف م ۲۷ تا م ۴۵) ۳۰۴
- فصل چهارم - در تعقیب و مجازات انتظامی وکلا (م ۵۵) ۳۰۶
- فصل پنجم - مقررات مختلفه (م ۵۶ تا م ۵۸) ۳۰۶

- ۳۰۶ آیین‌نامه قانون وکالت . مصوب ۱۳۱۶
- ۳۰۶ فصل اول - در تعیین وکلای محدوده و کارگشایان و درخواست پروانه وکالت . (م ۳ تا م ۱۸)
- ۳۰۷ فصل دوم - در تشکیلات کانون وکلاء و معاضدت قضایی (م ۳۴ تا م ۴۹)
- ۳۰۸ فصل سوم - در تکالیف و تشکیلات دارالوکاله (م ۵۴ تا م ۶۵)
- ۳۰۹ فصل چهارم - در لباس (م ۶۶ تا م ۷۰)
- ۳۰۹ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری. مصوب ۷۶ (م ۱ تا م ۷)
- ۳۱۰ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری تری مصوب پنجم اسفند ماه ۱۳۳۳ کمیسیونهای مشترک مجلسین (م)
- ۳۱۴ آیین‌نامه لایحه قانون استقلال کانون وکلاء دادگستری. مصوب ۱۳۳۴
- ۳۱۴ بخش اول - انتخاب هیأت مدیره م ۱ تا م ۱۶
- ۳۱۵ بخش دوم - انتخاب هیأت ریسه و عامله کانون و وظایف آن م ۱۷ تا م ۲۷
- ۳۱۵ بخش سوم - پروانه وکالت و کارآموزی م ۲۸ تا م ۴۶
- ۳۱۷ بخش چهارم - ترفیعات م ۴۷ تا ۵۲
- ۳۱۸ بخش پنجم - دادسرا و دادگاه انتظامی م ۵۳ تا ۷۵
- ۳۲۰ بخش ششم - تخلفات و مجازات آنها (م ۷۶ تا م ۸۹)
- ۳۲۱ از قانون متمم سازمان دادگستری و اصلاح قسمتی از لایحه قانونی اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات
- ۳۲۱ قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی (مصوب ۱۳۱۵)
- ۳۲۲ قانون رد لایحه مربوط به تشکیل اداره دعاوی وزارت دارایی (مصوب سال ۱۳۳۸ شمسی)
- ۳۲۲ لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی
- ۳۲۶ آیین‌نامه صدور جواز وکالت اتفافی (شماره ۲۱۱۴/۷۸/۱ مورخ ۳/۳/۱۳۷۸). (م ۱ تا م ۷)
- ۳۲۶ آیین‌نامه تعرفه حق‌الوکاله و هزینه سفر وکلای دادگستری (مصوب ۲۵/۳/۷۸ قوه قضائیه . (م ۱ تا م ۱۷)
- ۳۲۸ آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. مصو
- ۳۳۱ قانون استفاده بعضی از دستگاهها از نماینده حقوقی در مراجع قضایی (مصوب ۷/۳/۱۳۷۴)
- ۳۳۱ از قانون مالیاتهای مستقیم (مصوب اسفند ۱۳۶۶). (ماده ۱۰۳ + ۳ تبصره)
- ۳۳۲ تجویز دادرسی غیابی در امور جنایی (مصوب ۲/۳/۱۳۳۹)

- قانون نحوه اصلاح کانونهای وکلاء دادگستری جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۶/۷/۱۳۷۰) ۳۳۲
- لایحه قانونی راجع به تصفیه و پاکسازی در کانون وکلای دادگستری ۳۳۳
- قانون حمایت قضایی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح (مصوب ۲۹/۷/۷۶). (ماده واحده در تبصره) ۳۳۳
- قانون تشکیل صندوق حمایت وکلاء و کارگشایان دادگستری (مصوب ۲۹ دی ماه ۵۵). (م ۱ تا م ۱۸) ۳۳۳
- قانون اجازه پرداخت ۵۰ درصد از حق الوکاله‌های وصولی نمایندگان قضایی و کارمندان موثر در پیشرفت دعاوی ۳۳۵
- قانون تشکیل صندوق تعاون وکلاء و تأمین هزینه‌های کانون وکلای دادگستری (مصوب ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۰). (..... ۳۳۵
- قانون اجازه وکالت دادگستری به افسران قضائی لیسانسیه حقوق بازنشسته نیروهای مسلح. (ماده واحده + ۴ بند) ۳۳۵
- مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص «انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی ۳۳۵
- قانون راجع به لیسانسیه‌های حقوق و وکلاء (مصوبه اول و نهم مرداد ۱۳۰۹) ۳۳۶
- وکالت در قانون اساسی ۳۳۶
- قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۸۱ (م ۱ تا م ۴۱) ۳۳۶
- قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی. مصوب ۱۳۱۶ (م ۱ تا م ۹) ۳۳۸
- آیین‌نامه رسیدگی به تخلفات کارشناسان رسمی (م ۵۹ تا م ۷۰) ۳۳۹
- آیین‌نامه اجرایی اصلاح ماده ۳ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی مصوب سال ۱۳۱۶ ۳۴۱
- فصل اول - تشکیلات ۳۴۱
- بخش اول انتخاب اشتغال تمدید (م ۱ تا م ۱۷) ۳۴۱
- بخش دوم شورای عالی ترجمه (م ۱۸ تا ۲۸) ۳۴۳
- فصل دوم - نحوه اداره م ۲۹ تا ۳۷) ۳۴۴
- فصل سوم - وظایف مترجم رسمی و مقررات انتظامی م ۳۸ تا م ۵۲) ۳۴۵
- فصل چهارم - حق الزحمه مترجم (م ۵۳ تا م ۵۹) ۳۴۶
- آیین‌نامه مترجمان رسمی ۳۴۷
- آیین‌نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری - مصوب ۱۳۸۲ ۳۵۱
- آیین‌نامه نظارت و ارزیابی دادستانی انتظامی قضات - مصوب ۱۳۸۲ ۳۵۸
- اصلاح تبصره ماده ۵۵ آیین‌نامه اجرایی قانون ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر اسناد رسمی - مصوب ۳۶۰

- ۳۶۱ تصویب‌نامه در مورد تمدید مهلت مقرر در تبصره (۲) ماده (۱۴) آیین‌نامه اجرایی ماده (۸) قانون تشکیل صندوق
- ۳۶۱ تصویب‌نامه در خصوص لغو ماده (۳۲) آیین‌نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری - مصوب ۱۳۸۴
- ۳۶۱ اصلاحیه ماده (۳۲) آیین‌نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری - مصوب ۱۳۸۴
- ۳۶۱ اصلاح ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستر
- ۳۶۱ اصلاح ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری - مصوب ۱۳
- ۳۶۲ تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۲۳/۵/۱۳۸۴ رئیس محترم قوه قضائیه
- ۳۷۱ اصلاح موادی از آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری - مصوب ۱۳۸۴
- ۳۷۱ مسکن و اجاره
- ۳۷۱ قانون روابط موجر و مستأجر - ۵۶
- ۳۷۱ فصل اول کلیات
- ۳۷۲ فصل دوم میزان اجاره بها و ترتیب پرداخت آن
- ۳۷۳ فصل سوم در تنظیم اجاره‌نامه
- ۳۷۴ فصل چهارم موارد فسخ اجاره و تخلیه عین مستأجره
- ۳۷۵ فصل پنجم حق کسب یا پیشه یا تجارت
- ۳۷۶ فصل ششم تعمیرات
- ۳۷۷ آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۹ قانون روابط موجر و مستأجر - ۵۶
- ۳۷۸ قانون روابط موجر و مستأجر - ۶۲
- ۳۷۸ فصل اول - کلیات
- ۳۷۸ فصل دوم - اجاره بها
- ۳۷۹ فصل سوم - در اجاره‌نامه
- ۳۷۹ فصل چهارم - موارد فسخ
- ۳۸۰ فصل پنجم - تعمیرات
- ۳۸۰ قانون الحاق یک ماده به قانون روابط موجر و مستأجر ۶۲
- ۳۸۱ قانون روابط موجر و مستأجر - ۷۶

۳۸۱	فصل اول - روابط موجر و مستأجر
۳۸۱	فصل دوم - سرقتی
۳۸۲	آیین‌نامه اجرایی قانون روابط موجر و مستأجر ۷۶
۳۸۴	قانون تملک آپارتمانها
۳۸۶	قانون خرید و تملک اماکن آموزشی استیجاری
۳۸۶	قانون ضرورت عدم تخلیه خوابگاههای دانشجویی
۳۸۷	قانون محل مطب پزشکان
۳۸۷	قانون ممنوعیت تخلیه اماکن و واحدهای آموزشی و پرورشی در اختیار وزارت آموزش و پرورش
۳۸۷	لایحه قانونی الغاء قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی
۳۸۷	لایحه قانونی تقلیل اجاره‌بهای واحدهای مسکونی
۳۸۸	لایحه قانونی راجع به مستثنی شدن شهرداری تهران در مورد واگذاری قسمتی از پارکها و میادین و اموال عمو
۳۸۸	لایحه قانونی واگذاری و تخلیه اماکن و محلها در فرودگاههای کشور
۳۸۹	لایحه قانونی نحوه تخلیه ساختمانهای استیجاری بوسیله وزارتخانه‌ها و شرکتهای و سازمانهای دولتی
۳۸۹	مصوبه مجمع مصلحت نظام در خصوص حق کسب یا پیشه یا تجارت
۳۸۹	آیین‌نامه اجرایی قانون تملک آپارتمانها با اصلاحات بعدی
۳۸۹	بخش اول قسمتهای مختلف ساختمان
۳۸۹	فصل اول قسمتهای اختصاصی
۳۹۰	فصل دوم قسمتهای مشترک
۳۹۰	بخش دوم اداره امور ساختمان
۳۹۰	فصل اول مجمع عمومی
۳۹۱	فصل دوم اختیارات و وظایف مدیر یا مدیران
۳۹۱	فصل سوم هزینه‌های مشترک
۳۹۲	فصل چهارم حفظ و نگاهداری تعمیر بنا
۳۹۲	آیین‌نامه اجرایی قانون خرید و تملک اماکن آموزشی استیجاری

۳۹۳	آیین‌نامه نحوه تعدیل و تثبیت اجاره‌بهای واحدهای مسکونی
۳۹۴	دستورالعمل اجرایی تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون روابط موجر و مستأجر
۳۹۵	فهرست شهرهای مشمول اجرای قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶ در رابطه با محل کسب و پیشه یا تجا
۳۹۵	آ
۳۹۵	الف
۳۹۵	ب
۳۹۵	پ
۳۹۶	ج
۳۹۶	چ
۳۹۶	د
۳۹۶	ر
۳۹۶	ز
۳۹۶	س
۳۹۶	ش
۳۹۷	ص
۳۹۷	ط
۳۹۷	ع
۳۹۷	ف
۳۹۷	ق
۳۹۷	ک
۳۹۷	گ
۳۹۷	ل
۳۹۸	م
۳۹۸	ن

- و ۳۹۸
- قانون الزام تخلیه ساختمانهای وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت درمان و آموزش پزشکی و مؤس ۳۹۸
- قانون تخلیه واحدهای آموزشی وزارت آموزش و پرورش و مراکز آموزشی دیگر که در اختیار سایر دستگاهها، ارگا ۳۹۸
- قانون تمدید مدت ممنوعیت مقرر در قانون ضرورت عدم تخلیه خوابگاههای دانشجویی مصوب ۱۶/۷/۱۳۶۸ ۳۹۹
- آیین‌نامه نحوه پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به مستأجران کم‌درآمد - مصوب ۱۳۸۴ ۳۹۹
- آیین‌نامه احداث و عرضه مسکن اجاره‌ای - مصوب ۱۳۸۴ ۴۰۰
- تجارت ۴۰۰
- قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ با اصلاحات بعدی ۴۰۰
- باب اول - تجار و معاملات تجاری (م ۱ تا م ۵) ۴۰۰
- باب دوم - دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری ۴۰۱
- فصل اول - دفاتر تجاری (م ۶ تا م ۱۵) ۴۰۱
- فصل دوم - دفتر ثبت تجاری (م ۱۶ تا م ۱۹) ۴۰۲
- باب سوم - شرکتهای تجاری ۴۰۲
- فصل اول - در اقسام مختلفه شرکتهای و قواعد راجع به آنها (م ۲۰) ۴۰۲
- اشاره ۴۰۲
- مبحث اول - شرکتهای سهامی مصوب ۲۶ / ۱ / ۴۸ ۴۰۲
- بخش ۱ - تعریف و تشکیل شرکت سهامی (م ۱ تا م ۲۳) ۴۰۲
- بخش ۲ - سهام (م ۲۴ تا م ۴۲) ۴۰۵
- بخش ۳ - تبدیل سهام (م ۴۳ تا م ۵۰) ۴۰۷
- بخش ۴ - اوراق قرضه (م ۵۱ تا م ۷۱) ۴۰۸
- بخش ۵ - مجامع عمومی (م ۷۲ تا م ۱۰۶) ۴۱۰
- بخش ۶ - هیأت مدیره (م ۱۰۷ تا م ۱۴۳) ۴۱۳
- بخش ۷ - بازرسان (م ۱۴۴ تا م ۱۵۶) ۴۱۶
- بخش ۸ - تغییرات در سرمایه شرکت (م ۱۵۷ تا م ۱۹۸) ۴۱۷

- بخش ۹ - انحلال و تصفیه (م ۱۹۹ تا م ۲۳۱) ۴۲۱
- بخش ۱۰ - حسابهای شرکت (م ۲۳۲ تا م ۲۴۲) ۴۲۴
- بخش ۱۱ - مقررات جزائی (م ۲۴۳ تا ۲۶۹) ۴۲۵
- بخش ۱۲ - مقررات مختلف مربوط به شرکتهای سهامی (م ۲۷۰ تا م ۳۰۰) ۴۲۸
- مبحث دوم - شرکت با مسؤولیت محدود (م ۹۴ تا ۱۱۵) ۴۳۲
- مبحث سوم - شرکت تضامنی (م ۱۱۶ تا م ۱۴۰) ۴۳۳
- مبحث چهارم - در شرکت مختلط غیرسهامی (م ۱۴۱ تا م ۱۶۱) ۴۳۵
- مبحث پنجم - شرکت مختلط سهامی (م ۱۶۲ تا م ۱۸۲) ۴۳۶
- مبحث ششم - شرکت نسبی (م ۱۸۳ تا م ۱۸۹) ۴۳۷
- مبحث هفتم - شرکتهای تعاونی تولید و مصرف (م ۱۹۰ تا م ۱۹۴) ۴۳۸
- فصل دوم - در مقررات راجعه به ثبت شرکتهای و نشر شرکت نامه (م ۱۹۵ تا م ۲۰۱) ۴۳۸
- فصل سوم - در تصفیه امور شرکتهای (م ۲۰۲ تا ۲۱۸) ۴۳۹
- فصل چهارم - مقررات مختلفه (م ۲۱۹ تا ۲۲۲) ۴۴۰
- باب چهارم - برات - فته طلب - چک ۴۴۰
- فصل اول - برات ۴۴۰
- مبحث اول - صورت برات (م ۲۲۳ تا ۲۲۷) ۴۴۰
- مبحث دوم - در قبول و نکول (م ۲۲۸ تا ۲۳۸) ۴۴۱
- مبحث سوم - در قبولی شخص ثالث (م ۲۳۹ تا ۲۴۰) ۴۴۱
- مبحث چهارم - در وعده برات (م ۲۴۱ تا م ۲۴۴) ۴۴۱
- مبحث پنجم - ظهورنویسی (م ۲۴۵ تا م ۲۴۸) ۴۴۲
- مبحث ششم - مسؤولیت (م ۲۴۹ تا ۲۵۱) ۴۴۲
- مبحث هفتم - در پرداخت (م ۲۵۲ تا م ۲۶۹) ۴۴۲
- مبحث هشتم - تأدیه وجه برات به واسطه شخص ثالث (م ۲۷۰ تا م ۲۷۳) ۴۴۳
- مبحث نهم - حقوق و وظایف دارنده برات (م ۲۷۴ تا م ۲۹۲) ۴۴۳

- ۴۴۴ مبحث دهم - در اعتراض (پروتست) (م ۲۹۳ تا ۲۹۷)
- ۴۴۵ مبحث یازدهم - برات رجوعی (۲۹۸ تا ۳۰۴)
- ۴۴۵ مبحث دوازدهم - قوانین خارجی (م ۳۰۵ تا م ۳۰۶)
- ۴۴۶ فصل دوم - در فته طلب (م ۳۰۷ تا م ۳۰۹)
- ۴۴۶ فصل سوم - چک (م ۳۱۰ تا م ۳۱۷)
- ۴۴۶ فصل چهارم - در مرور زمان (م ۳۱۸ تا م ۳۱۹)
- ۴۴۷ باب پنجم - اسناد در وجه حامل (م ۳۲۰ تا م ۳۳۴)
- ۴۴۸ باب ششم - دلالی
- ۴۴۸ فصل اول - کلیات (م ۳۳۵ تا م ۳۴۷)
- ۴۴۸ فصل دوم - اجرت دلال و مخارج (م ۳۴۸ تا م ۳۵۵)
- ۴۴۹ فصل سوم - دفتر (م ۳۵۶)
- ۴۴۹ باب هفتم - حق العمل کاری (کمیسیون (م ۳۵۷ تا ۳۷۶)
- ۴۵۰ باب هشتم - قرارداد حمل و نقل (م ۳۷۷ تا م ۳۹۴)
- ۴۵۱ باب نهم - قائم مقام تجارتي و سایر نمایندگان تجارتي (م ۳۹۵ تا ۴۰۱)
- ۴۵۲ باب دهم - ضمانت (م ۴۰۲ تا ۴۱۱)
- ۴۵۲ باب یازدهم - در ورشکستگی
- ۴۵۲ فصل اول - در کلیات (م ۴۱۲)
- ۴۵۲ فصل دوم - دراعلان ورشکستگی و اثرات آن (م ۴۱۳ تا ۴۲۶)
- ۴۵۳ فصل سوم - در تعیین عضو ناظر (م ۴۲۷ تا ۴۳۲)
- ۴۵۴ فصل چهارم - در اقدام به مهروموم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته (م ۴۳۳ تا م ۴۳۹)
- ۴۵۴ فصل پنجم - در مدیر تصفیه (م ۴۴۰ تا م ۴۴۲)
- ۴۵۴ فصل ششم - در وظایف مدیر تصفیه
- ۴۵۴ مبحث اول - در کلیات (م ۴۴۳ تا ۴۵۰)
- ۴۵۵ مبحث دوم - در رفع توقیف و ترتیب صورت دارایی (م ۴۵۱ تا م ۴۵۵)

- ۴۵۵ ----- مبحث سوم - در فروش اموال و وصول مطالبات (م ۴۵۶ تا م ۴۶۰)
- ۴۵۶ ----- مبحث چهارم - در اقدامات تأمینیه (م ۴۶۱)
- ۴۵۶ ----- مبحث پنجم - در تشخیص مطالبات طلبکارها(م ۴۶۲ تا م ۴۷۵)
- ۴۵۷ ----- فصل هفتم - در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته
- ۴۵۷ ----- مبحث اول - در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها (م ۴۷۶ تا م ۴۷۸)
- ۴۵۷ ----- مبحث دوم - در قرارداد ارفاقی
- ۴۵۷ ----- فقره اول - در ترتیب قرارداد ارفاقی (م ۴۷۹ تا م ۴۸۸)
- ۴۵۸ ----- فقره دوم- در اثرات قرارداد ارفاقی(م ۴۸۹ تا م ۴۹۱)
- ۴۵۹ ----- فقره سوم- در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی (م ۴۹۲ تا م ۵۰۳)
- ۴۵۹ ----- مبحث سوم - در تفریغ حساب و ختم عمل ورشکستگی(م ۵۰۴ تا م ۵۱۳)
- ۴۶۰ ----- فصل هشتم - در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هر یک از آنها
- ۴۶۰ ----- مبحث اول - در طلبکارهایی که رهینه منقول دارند(م ۵۱۴ تا م ۵۱۷)
- ۴۶۰ ----- مبحث دوم - در طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حق تقدم دارند (م ۵۱۸ تا م ۵۲۱)
- ۴۶۱ ----- فصل نهم - در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول(م ۵۲۲ تا م ۵۲۷)
- ۴۶۲ ----- فصل دهم - در دعوی استرداد (م ۵۲۸ تا ۵۳۵)
- ۴۶۲ ----- فصل یازدهم - در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی (م ۵۳۶ تا ۵۴۰)
- ۴۶۳ ----- باب دوازدهم - در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب
- ۴۶۳ ----- فصل اول - در ورشکستگی به تقصیر (م ۵۴۱ تا ۵۴۸)
- ۴۶۳ ----- فصل دوم - در ورشکستگی به تقلب (م ۵۴۹ تا م ۵۵۰)
- ۴۶۴ ----- فصل سوم - در جنحه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می شوند (م ۵۵۱ تا م
- ۴۶۴ ----- فصل چهارم - در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته در صورت ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب (م ۵۵۹ تا م ۵۶۰)
- ۴۶۴ ----- باب سیزدهم - در اعاده اعتبار (م ۵۶۱ تا م ۵۷۵)
- ۴۶۵ ----- باب چهاردهم - اسم تجاری (م ۵۷۶ تا م ۵۸۲)
- ۴۶۶ ----- باب پانزدهم - شخصیت حقوقی

- فصل اول - اشخاص حقوقی (م ۵۸۳ تا م ۵۸۷) ۴۶۶
- فصل دوم - حقوق و وظایف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی (م ۵۸۸ تا م ۵۹۱) ۴۶۶
- باب شانزدهم - مقررات نهایی (م ۵۹۲ تا ۶۰۰) ۴۶۶
- مواد ۲۱ الی ۹۳ قانون تجارت مصوب ۱۳/۲/۱۳۱۱ ۴۶۷
- اول - کلیات (م ۱ تا م ۳۵) ۴۶۷
- دوم - تشکیل شرکت (م ۳۶ تا م ۴۷) ۴۶۸
- سوم - مدیرهای شرکت و وظایف آنها (م ۴۸ تا م ۶۱) ۴۶۹
- چهارم - مفتشین شرکت و وظایف آنها (م ۶۲ تا م ۶۴) ۴۷۰
- پنجم - مجمع عمومی شرکت (م ۶۵ تا م ۷۵) ۴۷۰
- ششم - در تبدیل سهام (م ۷۶ تا م ۸۱) ۴۷۱
- هفتم - بطلان شرکت و یا بطلان اعمال و تصمیمات (م ۸۲ تا م ۸۸) ۴۷۲
- هشتم - مقررات جزائی (م ۸۹ تا م ۹۲) ۴۷۳
- نهم - در انحلال شرکت (م ۹۳) ۴۷۳
- قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۲۴/۴/۱۳۱۸ ۴۷۴
- مبحث اول - سازمان اداره تصفیه (م ۱ تا م ۱۲) ۴۷۴
- مبحث دوم - اقدامات تأمینی اداره تصفیه (م ۱۳ تا م ۲۲) ۴۷۴
- مبحث سوم - دعوت بستانکاران (م ۲۳ تا م ۲۵) ۴۷۴
- مبحث چهارم - اداره اموال (م ۲۶ تا م ۲۹) ۴۷۴
- مبحث پنجم - رسیدگی به مطالبات (م ۳۰ تا م ۳۷) ۴۷۴
- مبحث ششم - تصفیه (م ۳۸ تا م ۴۵) ۴۷۴
- مبحث هفتم - تقسیم وجوه حاصله از فروش (م ۴۶ تا م ۴۸) ۴۷۴
- مبحث هشتم - خاتمه ورشکستگی (م ۴۹ تا م ۵۰) ۴۷۴
- مبحث نهم - مقررات مالی (م ۵۱ تا م ۵۷) ۴۷۴
- مبحث دهم - مقررات مخصوص (م ۵۸ تا م ۶۰) ۴۷۴

- آیین‌نامه اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸ ۴۷۴
- فصل اول - صورتمجلسها و حسابداری ۴۷۴
- مبحث اول - مقررات عمومی (م ۱ تا م ۶) ۴۷۴
- مبحث دوم - صورت مجلس‌ها (م ۷ تا م ۹) ۴۷۵
- مبحث سوم - نگاهداری اسناد ورشکستگی (م ۱۰ تا م ۱۲) ۴۷۵
- مبحث چهارم - نگاهداری دفاتر حسابداری (م ۱۳ تا م ۲۳) ۴۷۶
- فصل دوم - اجرای مقررات مربوط به مراحل مختلفه ورشکستگی ۴۷۶
- مبحث اول - تهیه صورت دارایی (م ۲۴ تا م ۳۱) ۴۷۶
- مبحث دوم - دعوت بستانکاران (م ۳۲ تا م ۳۳) ۴۷۷
- مبحث سوم - ادعای اشخاص ثالث (م ۳۴ تا م ۳۷) ۴۷۸
- مبحث چهارم - رسیدگی به مطالبات (م ۳۸ تا م ۴۶) ۴۷۸
- مبحث پنجم - تصفیه (م ۴۷ تا م ۵۳) ۴۷۹
- مبحث ششم - تقسیم وجوه حاصله (م ۵۴ تا م ۵۹) ۴۷۹
- مبحث هفتم - خاتمه ورشکستگی (م ۶۰ تا م ۶۲) ۴۸۰
- مبحث هشتم - تصفیه اختصاری (م ۶۳) ۴۸۰
- مبحث نهم - مقررات مخصوص (م ۶۴ تا م ۶۷) ۴۸۱
- قانون معادن مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۷۷ ۴۸۱
- فصل اول - تعاریف و کلیات (م ۱ تا م ۴) ۴۸۱
- فصل دوم - اکتشاف (م ۵ تا م ۸) ۴۸۳
- فصل سوم - بهره‌برداری (م ۹ تا م ۱۷) ۴۸۳
- فصل چهارم - مقررات عمومی (م ۱۸ تا م ۳۶) ۴۸۴
- قانون صدور چک مصوب ۸ / ۴ / ۱۳۵۵ (م ۱ تا م ۲۳) ۴۸۷
- تصویب‌نامه در خصوص الحاق یک تبصره به بند «ب» ماده (۹) آیین‌نامه بند «ه» ماده (۲۹) قانون برگزاری من ۴۹۰
- کار و تامین اجتماعی ۴۹۰

- قانون کار جمهوری اسلامی ایران - مصوب مهرماه ۱۳۶۸ ۴۹۰
- فصل اول تعاریف کلی و اصول (م ۱ تا م ۶) ۴۹۰
- فصل دوم قرارداد کار ۴۹۱
- مبحث اول تعریف قرارداد کار و شرایط اساسی انعقاد آن (م ۷ تا م ۱۳) ۴۹۱
- مبحث دوم تعلیق قرارداد کار (م ۱۴ تا م ۲۰) ۴۹۲
- مبحث سوم خاتمه قرارداد کار (م ۲۱ تا م ۲۸) ۴۹۲
- مبحث چهارم جبران خسارت از هر قبیل و پرداخت مزایای پایان کار (م ۲۹ تا م ۳۳) ۴۹۴
- فصل سوم شرایط کار ۴۹۴
- مبحث اول حق السعی (م ۳۴ تا م ۵۰) ۴۹۴
- مبحث دوم مدت (م ۵۱ تا م ۶۱) ۴۹۶
- مبحث سوم تعطیلات و مرخصی‌ها (م ۶۲ تا م ۷۴) ۴۹۷
- مبحث چهارم شرایط کار زنان (م ۷۵ تا م ۷۸) ۴۹۸
- مبحث پنجم شرایط کار نوجوانان (م ۷۹ تا م ۸۴) ۴۹۹
- فصل چهارم حفاظت فنی و بهداشت کار ۴۹۹
- مبحث اول کلیات (م ۸۵ تا م ۹۵) ۴۹۹
- مبحث دوم بازرسی کار (م ۹۶ تا م ۱۰۶) ۵۰۱
- فصل پنجم آموزش و اشتغال ۵۰۲
- مبحث اول کارآموز و مراکز کارآموزی ۵۰۲
- اول - مراکز کارآموزی (م ۱۰۷ تا م ۱۱۱) ۵۰۲
- دوم - کارآموز و قرارداد کارآموزی (م ۱۱۲ تا م ۱۱۸) ۵۰۳
- مبحث دوم اشتغال (م ۱۱۹) ۵۰۴
- مبحث سوم اشتغال اتباع بیگانه (م ۱۲۰ تا م ۱۲۹) ۵۰۴
- فصل ششم تشکلهای کارگری و کارفرمایی (م ۱۳۰ تا م ۱۳۸) ۵۰۵
- فصل هفتم مذاکرات و پیمانهای دسته جمعی کار (م ۱۳۹ تا م ۱۴۶) ۵۰۷

- فصل هشتم خدمات رفاهی کارگران م ۱۴۷ تا م ۱۵۶) ۵۰۸
- فصل نهم مراجع حل اختلاف (م ۱۵۷ تا م ۱۶۶) ۵۰۹
- فصل دهم شورای عالی کار (م ۱۶۷ تا م ۱۷۰) ۵۱۰
- فصل یازدهم جرایم و مجازاتها (م ۱۷۱ تا م ۱۸۶) ۵۱۱
- فصل دوازدهم مقررات متفرقه م ۱۸۷ تا م ۲۰۳) ۵۱۳
- قانون تأمین اجتماعی ۵۱۴
- فصل اول تعاریف - کلیات (م ۱ تا م ۱۱) ۵۱۴
- فصل دوم ارکان و تشکیلات (م ۱۲ تا م ۲۷) ۵۱۶
- فصل سوم منابع درآمد - مأخذ احتساب حق بیمه و نحوه وصول آن (م ۲۸ تا م ۵۰) ۵۱۷
- فصل چهارم مقررات مالی (م ۵۱ تا م ۵۳) ۵۲۰
- فصل پنجم حوادث و بیماریها و بارداری (م ۵۴ تا م ۶۹) ۵۲۰
- فصل ششم از کارافتادگی (م ۷۰ تا م ۷۵) ۵۲۲
- فصل هفتم بازنشستگی (م ۷۶ تا م ۷۹) ۵۲۳
- فصل هشتم مرگ (م ۸۰ تا م ۸۴) ۵۲۴
- فصل نهم ازدواج و عائله‌مندی (م ۸۵ تا م ۸۷) ۵۲۵
- فصل دهم مقررات کلی راجع به کمک‌ها (م ۸۸ تا م ۹۶) ۵۲۶
- فصل یازدهم تخلفات - مقررات کیفری (م ۹۷ تا م ۱۰۹) ۵۲۷
- فصل دوازدهم مقررات مختلف (م ۱۱۰ تا م ۱۱۸) ۵۲۸
- قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور ۵۲۹
- قانون بیمه بیکاری مصوب (۲۶ / ۶ / ۶۹) (م ۱ تا م ۱۴) ۵۳۱
- قانون اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در کارگاه‌ها مصوب ۸۴ و ۸۵ ۵۳۴
- قانون اصلاح بند ب و تبصره ۳ ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۶۶ (م ۱ تا م ۱۰) ۵۳۴
- قانون الزام سازمان تأمین اجتماعی به اجرای بندهای الف و ب ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۶۸ (ماده و) ۵۳۵
- قانون الغاء تبصره ۳ ماده ۱۱ قانون تشکیل وزارت بهداشتی (بهنیستی) ۵۳۶

- قانون دریافت جرایم از کارفرمایان کارگاههای مشمول قانون تأمین اجتماعی که ظرف مهلت مقرر نسبت به ارسال ۵۳۶
- قانون راجع به افزایش مستمری دریافت‌کنندگان مستمری از کارافتادگی جزئی ناشی از کار ۵۳۷
- قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند. مصوب ۶۱ (ماده واحده و ۶ ت ۵۳۷
- قانون نحوه تأثیر سوابق منتقله بر سازمان تأمین اجتماعی برای استفاده از مزایای مقرر در قانون تأمین اجت ۵۳۸
- قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب ۶۵ (ماده واحده) ۵۳۸
- لایحه قانونی یکسان شدن ساعات کار کارمندان و کارگران در سراسر کشور و میزان آن ۵۳۹
- مصوبه چهل و سومین جلسه شورای عالی بیمه خدمات درمانی ۵۳۹
- آئین نامه ادامه بیمه به طور اختیاری ۵۳۹
- آئین نامه اجرائی بیمه خدمات درمانی خویش فرمایان ۵۴۰
- آئین نامه اجرائی قانون اصلاح بند (ب) و تبصره ۳ ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی ۵۴۱
- آئین نامه اجرائی کمیسیون‌های پزشکی بدوی و تجدید نظر ۵۴۳
- آئین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی . مصوب ۶۵ . (م ۱ تا م ۱۰) ۵۴۴
- آئین نامه ضوابط و نحوه اعمال ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی در مورد اشخاص حقوقی که دفاتر قانونی ارائه ۵۴۶
- آیین نامه اجرایی طرح طبقه‌بندی و ارزیابی مشاغل کارگاهها. شماره ۴۸۱۰ . مصوب ۵۳ . (م ۱ تا م ۱۱) ۵۴۶
- آیین نامه اجرایی قانون بیمه بیکاری. مصوب ۶۹ (م ۱ تا م ۲۴) ۵۴۷
- آیین نامه اجرایی ماده ۱۲۹ قانون کار جمهوری اسلامی ایران. مصوب ۷۱ همراه با اصلاحات بعدی (م ۱ تا م ۱۷) ۵۵۰
- آیین نامه طرز اجرای آرای قطعی هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف (موضوع تبصره ۲ ماده ۳۵ ق.ک) (ماده ۱) ۵۵۱
- اشاره ۵۵۱
- فصل اول نظام کارمزدی (م ۲ تا م ۱۱) ۵۵۲
- فصل دوم نظام مزد ساعتی (م ۱۲ تا م ۲۰) ۵۵۲
- فصل سوم نظام کارمزد ساعتی (م ۲۱ تا م ۳۰) ۵۵۳
- آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به بند (۱) ماده (۸۱) قانون تأمین اجتماعی . مصوب ۷۵ . (م ۱ تا ۵۵۴
- آیین نامه انتخابات قانون شوراهاى اسلامی کار (مصوب ۶۴) (م ۱ تا م ۲۳) ۵۵۴
- آیین نامه چگونگی بازرسی کار موضوع تبصره ماده ۹۹ قانون کار. مصوب ۷۷ . (م ۱ تا م ۱۹) ۵۵۶

- آیین‌نامه چگونگی تشکیل جلسات و نحوه رسیدگی هیأت حل اختلاف . مصوب ۶۹ . (م ۱ تا م ۱۰) ۵۵۸
- آیین‌نامه چگونگی تشکیل حدود وظایف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط - موضوع ماده (۱۳۱) قانون کار. مصوب
فصل اول چگونگی تشکیل انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط (م ۱ تا م ۶) ۵۵۸
- فصل دوم هیأت مؤسس و ارکان انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط م ۷ تا م ۱۱) ۵۵۹
- فصل سوم چگونگی ثبت و انحلال انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط م ۱۲ تا م ۲۰) ۵۶۰
- فصل چهارم وظایف و اختیارات انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط (م ۲۱ تا م ۲۴) ۵۶۱
- آیین‌نامه کارهای سخت و زیان‌آور مصوب ۷۱ (م ۱ تا م ۲۰) ۵۶۲
- آیین‌نامه نحوه تشکیل حدود وظایف و اختیارات و عملکرد کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان و کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار
فصل اول کانون هماهنگی شوراهای کار استان ۵۶۳
- فصل دوم کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور ۵۶۴
- فصل سوم مقررات مشترک و نحوه ثبت و انحلال کانونهای هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان و کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار
اساسنامه سازمان تأمین اجتماعی - مصوب ۱۵/۶/۱۳۵۸ هیأت وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران با آخرین اصلاحات ۵۶۵
- بخش اول - کلیات (هدف و وظایف) (م ۱ تا م ۵) ۵۶۵
- بخش دوم - ارکان سازمان م ۶ تا م ۱۹) ۵۶۶
- بخش سوم - امور مالی (م ۲۰ تا م ۲۲) ۵۶۸
- نمونه قرارداد بیمه اختیاری ۵۶۹
- اصلاحیه آیین‌نامه اجرایی بند (۵) جز (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلا ۵۷۰
- آیین‌نامه چتر ایمنی رفاه اجتماعی - مصوب ۱۳۸۴ ۵۷۰
- تصویب‌نامه راجع به افزایش حق مسکن کارگران - مصوب ۱۳۸۴ ۵۷۲
- آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی ۵۷۲
- اصلاح آیین‌نامه بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر - مصوب ۱۳۸۴ ۵۷۵
- اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی بند (۵) جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده ۵۷۶
- تصویب‌نامه راجع به تمدید مدت معافیت کارگاههای کوچک کمتر از ده نفر از قانون کار - مصوب ۱۳۸۴ ۵۷۶
- اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی بند (۵) جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده ۵۷۶

- قانون اصلاح تبصره ماده (۱۴) قانون کار و الحاق یک تبصره به آن . مصوب ۸۴ (م ۱ تا م ۵) ۵۷۶
- اصلاح ماده (۱۴) آیین‌نامه نحوه تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و عملکرد کانون هماهنگی شوراهای اسلامی ک ۵۷۷
- قانون اصلاح تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب ۲۷/۷/۱۳۷۶ - مصوب ۱۳۸۶ ۵۷۷
- قانون پرداخت مستمری به فرزندان زنان متوفی مشمول قانون تأمین اجتماعی و سایر صندوقهای بازنشستگی - مصوب ۵۷۸
- تصویب‌نامه در خصوص تعیین مشاغل سخت و زیان‌آور در شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۶/۸/۲۱ ۵۷۸
- قانون اصلاح تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب ۲۷/۷/۱۳۷۶ - مصوب ۲۶/۱۲/۱۳۸۶ ۵۷۹
- آیین‌نامه اجرایی قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت - مصوب ۱۰/۱۰/۱۳۸۶ ۵۷۹
- دستورالعمل چگونگی تشکیل و نحوه اداره شورای عالی کار موضوع ماده (۱۷۰) قانون کار - مصوب ۱۳۸۷ ۱ ۵ ۵۸۱
- قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی - مصوب ۱۳۸۶ ۵۸۲
- بیمه ۵۸۴
- قانون بیمه - (مصوب ۷/۲/۱۳۱۶) ۵۸۴
- معاملات بیمه ۵۸۴
- فسخ و بطلان ۵۸۵
- مسئولیت بیمه‌گر ۵۸۶
- قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری - مصوب ۳۰ خردادماه ۱۳۵۰ ۵۸۷
- بخش اول - بیمه مرکزی ایران ۵۸۷
- قسمت اول - تشکیل و موضوع ۵۸۷
- قسمت دوم - وظایف و اختیارات ۵۸۷
- قسمت سوم - ارکان بیمه مرکزی ایران ۵۸۸
- اشاره ۵۸۸
- فصل اول - مجمع عمومی ۵۸۸
- فصل دوم - شورای عالی بیمه ۵۸۸
- فصل سوم - هیأت عامل ۵۸۹
- فصل چهارم - بازرسان ۵۸۹

۵۹۰	بخش دوم - بیمه گری
۵۹۰	قسمت اول - مؤسسات بیمه
۵۹۰	فصل اول - کلیات
۵۹۱	فصل دوم - صدور پروانه
۵۹۱	فصل سوم - ابطال پروانه
۵۹۲	فصل چهارم - مقررات مربوط به مؤسسات بیمه خارجی
۵۹۲	قسمت دوم - انحلال و ورشکستگی
۵۹۳	قسمت سوم - انتقال عملیات و ادغام
۵۹۳	قسمت چهارم - مقررات مختلف
۵۹۵	لایحه قانونی ملی شدن مؤسسات بیمه و مؤسسات اعتباری
۵۹۵	قانون اداره امور شرکتهای بیمه
۵۹۶	قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث
۵۹۷	قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی
۵۹۸	قانون اجازه عضویت بیمه مرکزی ایران در اتحادیه نظارت کنندگان بر شرکتهای بیمه در کشورهای در حال توسعه
۵۹۸	قانون چگونگی اداره صندوق ضمانت صادرات ایران
۵۹۹	قانون بیمه محصولات کشاورزی
۶۰۰	قانون تأسیس مؤسسات بیمه غیردولتی
۶۰۱	مقررات تأسیس و فعالیت مؤسسات بیمه در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران
۶۰۱	فصل اول - تعاریف
۶۰۱	فصل دوم - تأسیس
۶۰۲	فصل سوم - مجوز ثبت و پروانه فعالیت
۶۰۲	فصل چهارم - لغو پروانه و محدود نمودن فعالیت
۶۰۳	فصل پنجم - نحوه فعالیت
۶۰۳	فصل ششم - نظارت

- فصل هفتم - سایر مقررات ۶۰۴
- قانون الحاق دولت ایران به سیستم بین‌المللی بیمه مسئولیت مدنی وسایط نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ۶۰۵
- قانون حق‌الثبت شرکتهای بیمه ۶۰۵
- قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی ۶۰۶
- قانون کنوانسیون وین راجع به نمایندگی دول در روابط خود با سازمانهای بین‌المللی جهانی ۶۰۷
- اجازه پذیرفتن پرداختی مؤسسات بیمه به صندوق تأمین خسارتهای بدنی هزینه‌های قابل قبول ۶۰۷
- قانون الزام سازمانهای بیمه‌گر درمانی به پرداخت خسارتهای متفرقه ۶۰۷
- اصلاح ماده (۹) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی بیمه خدمات درمانی خویش‌فرمایان - مصوب ۱۳۸۲ ۶۰۸
- اصلاح تبصره (۱) ماده (۹) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی بیمه خدمات درمانی خویش‌فرمایان - مصوب ۱۳۸۴ ۶۰۸
- تصویب‌نامه راجع به تعیین حق سرانه بیمه پایه درمان خویش‌فرمایان - مصوب ۱۳۸۴ ۶۰۸
- تصویب‌نامه در مورد تعیین حق سرانه بیمه پایه درمان ماهیانه صندوق خویش‌فرمایان - مصوب ۲۷/۱۲/۱۳۸۶ ۶۰۹
- قانون عضویت بیمه مرکزی ایران در شرکت بیمه اتکایی آسیا ۶۰۹
- اوقاف ۶۰۹
- قانون اوقاف ۶۰۹
- قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه ۶۱۲
- قانون راجع به دعاوی بین اشخاص و اداره اوقاف ۶۱۵
- لایحه قانونی راجع به تشکیل شورای مرکزی اوقاف ۶۱۵
- لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امناء و نظار اماکن مت ۶۱۶
- نظریه فقهای شورای نگهبان در خصوص ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه ۶۱۶
- قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه ۶۱۷
- آیین‌نامه چگونگی هزینه وجوه حاصل از محل هدایای مستقل و حق التولیه و حق النظاره و اداره امور اماکن مذ ۶۱۸
- اصلاح بند «ه» ماده (۱۱) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه ۶۱۹
- اصلاح ماده (۶) آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و هدایای - مصوب ۱۳۸۴ ۶۱۹
- قوانین متفرقه ۶۱۹

- سیاست های کلی قضائی قوه قضائیه ۶۱۹
- آیین‌نامه کمیسیونهای مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین ۶۲۰
- قانون اصلاح قانون استفاده بعضی از دستگاهها از نماینده حقوقی در مراجع قضایی و معافیت بنیاد شهید ۶۲۲
- قانون مربوط به وحدت رویه قضایی ۶۲۲
- قانون نحوه وصول مطالبات بانکها ۶۲۲
- قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه ۶۲۳
- قانون الحاق ماده واحده به قانون انتخابات ۶۲۳
- قانون الحاق یک تبصره به ماده (۹) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی ۶۲۳
- تصویب‌نامه راجع به فوق‌العاده ویژه قضات - ۱۳۸۴ ۶۲۴
- اصلاح تصویب‌نامه در خصوص فوق‌العاده ویژه قضات - مصوب ۱۳۸۴ ۶۲۴
- قانون ساماندهی مد و لباس - مصوب ۱۳۸۵ ۶۲۴
- آیین‌نامه اجرایی شوراهای حل اختلاف تخصصی دیوان عدالت اداری - مصوب ۱۳۸۶/۸/۲۰ ۶۲۵
- قانون جامع حمایت از حقوق معلولین ۶۲۷
- آیین‌نامه اجرایی تبصره (۴) ماده (۹) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان - مصوب ۱۳۸۷ ۱ ۵ ۶۳۰
- ثبتي و اراضی ۶۳۱
- ثبت اسناد و املاک ۶۳۱
- قانون ثبت اسناد و املاک - مصوب ۲۶/۱۲/۱۳۱۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی ۶۳۱
- باب اول - تشکیلات اداری ثبت (ماده ۱ تا ۸) ۶۳۱
- باب دوم - ثبت عمومی ۶۳۱
- فصل اول - اعلان ثبت و تحدید حدود (ماده ۹ تا ۱۵) ۶۳۱
- فصل دوم - اعتراض (ماده ۱۶ تا ۲۰) ۶۳۲
- فصل سوم - آثار ثبت (ماده ۲۱ تا ۴۵) ۶۳۴
- باب سوم - ثبت اسناد ۶۴۰
- فصل اول - مواد عمومی (ماده ۴۶ تا ۶۹) ۶۴۰

- فصل دوم - آثار ثبت اسناد (ماده ۷۰ تا ۷۴) ۶۴۲
- فصل سوم - در امانت اسناد (ماده ۷۵ تا ۸۰) ۶۴۲
- باب چهارم - دفاتر اسناد رسمی (ماده ۸۱ تا ۹۱) ۶۴۳
- باب پنجم - اجرای مفاد اسناد رسمی (ماده ۹۲ تا ۹۹) ۶۴۴
- باب ششم - جرایم و مجازات (ماده ۱۰۰ تا ۱۱۷) ۶۴۴
- باب هفتم - تعرفه و مخارج ثبت اسناد و املاک (ماده ۱۱۸ تا ۱۳۶) ۶۴۶
- باب هشتم - مواد مخصوصه (ماده ۱۳۷ تا ۱۴۱) ۶۴۷
- باب نهم - مواد الحاقی به قانون ثبت اسناد و املاک (از ماده ۱۴۲ به بعد الحاقی مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۱۸) ۶۴۸
- قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۲ ۶۵۳
- قانون اصلاح مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد - مصوب ۳۱/۴/۱۳۶۵ و ال ۶۵۳
- قانون متمم قانون ثبت اسناد و املاک - مصوب ۹ تیر ماه ۱۳۵۴ ۶۵۴
- آیین نامه قانون ثبت املاک - مصوب سال ۱۳۱۷ با اصلاحیه‌های بعدی ۶۵۵
- فصل اول - دفاتر ثبت اسناد و املاک (ماده ۱ تا ۴) ۶۵۵
- فصل دوم - در شماره گذاری املاک و توزیع اظهارنامه (ماده ۵ تا ۱۹) ۶۵۶
- فصل سوم - در درخواست ثبت (ماده ۲۱ تا ۵۱) ۶۵۸
- فصل چهارم - در آگهی‌های نوبتی و تحدیدی و تعیین حدود املاک (ماده ۵۲ تا ۸۵) ۶۶۰
- فصل پنجم - در اعتراض (ماده ۸۶ تا ۱۰۲) ۶۶۲
- فصل ششم - در ثبت املاک در دفتر املاک و ثبت انتقالات ملک (ماده ۱۰۳ تا ۱۲۶) ۶۶۴
- فصل هفتم - محققین ثبت (مواد ۱۲۷ تا ۱۶۰) ۶۶۹
- فصل هشتم - در مقررات مختلفه (ماده ۱۶۱ تا ۱۶۴) ۶۶۹
- قانون تمدید مدت مواد اصلاحی ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت اسناد و املاک کشور - مصوب ۱۸/۸/۱۳۷۸ ۶۶۹
- قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر رسمی - مصوب ۲۷ شهریور ماه ۱۳۲۲ و ۱۳۳۵ ۶۶۹
- لایحه قانونی راجع به اشتباهات ثبتی و اسناد مالکیت معارض - مصوب دی ماه ۱۳۳۳ ۶۷۰
- فهرست اشتباهات ثبتی - مصوب ۲۸ ۲ ۱۳۵۳ ۶۷۱

- قانون راجع به رشد متعاملین - مصوب شهریور ماه ۱۳۱۳ ۶۷۳
- قانون تعیین تکلیف پرونده های معترضین ثبتی که فاقد سابقه بوده و با اعتراض آنها در مراجع ق ۶۷۳
- قانون نحوه صدور اسناد مالکیت املاکی که اسناد ثبتی آنها در اثر جنگ یا حوادث غیر مترقبه‌ای ما ۶۷۴
- آیین نامه اجرایی قانون نحوه صدور اسناد مالکیت املاکی که اسناد ثبتی آنها در اثر جنگ یا حوادث غیرمترقبه ای مانند زلزله ، سیل و آتش س ۶۷۶
- بخش اول - املاک (ماده ۱ تا ۲۱) ۶۷۶
- بخش دوم - اسناد و ثبت شرکت‌ها - (ماده ۲۲ تا ۲۶) ۶۷۸
- بخش سوم - امور متفرقه (ماده ۲۷ تا ۳۳) ۶۷۸
- آیین نامه اجرایی رسیدگی اسناد مالکیت معارض و هیات نظارت و شو رای عالی - مصوب ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۲ وزارت دادگستری - ۶۷۹
- فصل اول - اسناد مالکیت معارض و هیات نظارت و شورای عالی (ماده ۱ تا ۱۶) ۶۷۹
- فصل دوم - مواد متفرقه (مواد ۱۷ تا ۲۰) ۶۸۲
- قانون افراز و فروش املاک مشاع - مصوب آبان ماه ۱۳۵۷ ۶۸۲
- آیین‌نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع - مصوب ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۸ وزارت دادگستری ۶۸۳
- قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران - مصوب ۲۲ ۱۲ ۱۳۵۱ با اصلاحات ۶۸۴
- قانون ثبت آثار ملی - مصوب ۱۲ ۹ ۱۳۵۲ ۶۸۵
- آیین نامه اجرایی تصویب نامه قانونی راجع به استملاک اتباع بیگانه در ایران - مصوب ۵ ۵ ۱۳ ۶۸۵
- آیین نامه استملاک اتباع خارجه - مصوب سال ۱۳۲۸ ۶۸۶
- آیین نامه چگونگی تملک اموال غیرمنقول توسط اتباع خارجی غیرمقیم در جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۶۸۷
- آیین نامه چگونگی تملک اموال غیرمنقول توسط اتباع خارجی غیرمقیم در جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۶۸۸
- آیین نامه اجرایی صدور اسناد مالکیت اراضی کشاورزی - مصوب ۱۳۸۴ ۶۸۹
- قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی - ۱۳/۶/۱۳۸۵ ۶۹۰
- قانون اصلاح ماده (۳۴) اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۵۱ و حذف ماده (۳۴) مکرر آن - مصوب ۱۲/۱۲/۱۳۸۶ ۶۹۱
- آیین‌نامه اجرایی قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی - مصوب ۲۶/۱۲/۱۳۸۶ ۶۹۱
- دفاتر اسناد رسمی ۶۹۳
- قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران - مصوب ۲۵ تیرماه ۱۳۵۴ ۶۹۴

- اول - تشکیلات دفترخانه (ماده ۱ تا ۵) ۶۹۴
- فصل دوم - انتخاب سردفتران و دفترباران و صلاحیت آنها (ماده ۶ تا ۱۷) ۶۹۴
- فصل سوم - مقررات مربوط به دفترخانه و وظایف سردفتران و دفترباران (ماده ۱۸ تا ۳۱) ۶۹۶
- فصل چهارم - تعقیب و مجازات انتظامی سردفتران و دفترباران (ماده ۳۲ تا ۴۹) ۶۹۷
- فصل پنجم - امور مالی (ماده ۵۰ تا ۵۷) ۶۹۹
- فصل ششم - کانون سردفتران و دفترباران (ماده ۵۸ تا ۶۸) ۷۰۰
- فصل هفتم - مقررات مختلفه (ماده ۶۹ تا ۷۶) ۷۰۱
- قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران - مصوب ۲۵ ۴ ۵۴ ۷۰۲
- آیین نامه قانون دفاتر اسناد رسمی - مصوب ۱۳۱۷ با اصلاحات و الحاقات ۷۰۲
- در کلیات - (ماده ۱ تا ۱۵) ۷۰۲
- باب اول - در تنظیم اسناد و ثبت آن (ماده ۱۶ تا ۲۶) ۷۰۳
- فصل اول - در معاملات و قراردادهای (ماده ۲۶ تا ۳۰) ۷۰۳
- فصل دوم - در معاملات غیرمنقول (ماده ۳۱ تا ۴۶) ۷۰۴
- باب دوم - در صدور ورقه اجراییه (ماده ۴۷ تا ۵۱) ۷۰۴
- باب سوم - در حق الثبت و تعرفه حق التحریر (ماده ۵۲ تا ۵۹) ۷۰۵
- در موارد مختلفه (ماده ۶۰ تا ۶۴) ۷۰۶
- آیین نامه موضوع تبصره ماده ۳ قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون دفاتر اسناد رسمی - مصوب ۷۱ ۷۰۶
- آیین نامه اصلاحی ماده ۶۱ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران مصوب تیرماه ۵۴ ۷۰۶
- آیین نامه تشکیل صندوق تعاون سردفتران و دفترباران دفاتر اسناد رسمی - مصوب ۱۸ ۱۰ ۱۳۷۴ با اصلا ۷۰۷
- آیین نامه بیمه و بازنشستگی سردفتران و دفترباران اسناد رسمی - مصوب ۱۲ آبان ۱۳۸۱ ۷۰۸
- اشاره ۷۰۸
- فصل اول - تعاریف (اصطلاحات) (ماده ۱) ۷۱۰
- فصل دوم - تکالیف دفاتر اسناد رسمی (ماده ۲) ۷۱۰
- فصل سوم - بیمه بازنشستگی (ماده ۳ تا ۱۲) ۷۱۰

- فصل چهارم - امور مالی (ماده ۱۳ تا ۱۸) ۷۱۲
- اصلاح موادی از آیین نامه تشکیل صندوق تعاون سردفتران و دفتریاران دفاتر اسناد رسمی - مصوب ۱۳ ۷۱۳
- قانون توزیع حق التحریر دفاتر اسناد رسمی- موضوع ماده ۵۴ مصوب ۴ ۲۵-مصوب ۲۸ ۲ ۱۳۷۳ ۷۱۳
- قانون تفسیر ماده (۴۲) قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران - مصوب ۳۶ ۳ ۱۳۷۵ ۷۱۳
- دستورالعمل ماده ۱۲ آیین نامه بیمه بازنشستگی سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی - مصوب ۱۰ ۱۰ ۱۰ ۷۱۴
- تصویبنامه برای تقسیم و تنظیم ثبت اسناد - مصوب ۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۶ هیات وزیران ۷۱۴
- دستورالعمل نقل و انتقال سردفتران اسناد رسمی - مصوب ۱۷ ۸ ۱۳۷۸ ۷۱۵
- تعرفه حق التحریر دفاتر اسناد رسمی - ۱۳۸۳ ۷۱۵
- آیین نامه مربوط به روشهای نگهداری دفاتر و اسناد و مدارک و نحوه ثبت وقایع مالی و چگونگی تنظیم صورتهای مالی نهایی موضوع تبصره ۲ ، ۷۱۵
- فصل اول - کلیات ۷۱۶
- فصل دوم - مشخصات دفاتر قانونی (ماده ۲ تا ۷) ۷۱۷
- فصل سوم - سایر دفاتر اسناد حسابداری و مدارک حساب (ماده ۸ تا ۱۰) ۷۱۷
- فصل چهارم - نحوه تحریر و نگهداری دفاتر قانونی (ماده ۱۱ تا ۱۷) ۷۱۸
- فصل پنجم - چگونگی تنظیم صورتهای مالی نهایی (ماده ۱۸ تا ۱۹) ۷۱۹
- فصل ششم - موارد رد دفاتر (ماده ۲۰ تا ۲۱) ۷۱۹
- آیین نامه های بند ۴ ماده ۶ و تبصره ۲ ماده ۶ و مواد ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۷ و ۵۳ قانون دفاتر ۷۲۰
- قانون راجع به رشد متعاملین - مصوب ۱۳ شهریور ماه ۱۳۱۳ ۷۲۴
- قانون اصلاح ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا و الحاق دو تبصره به آن- مصوب ۲۸ اسفند ۱۳۶ ۷۲۴
- قانون تسری مفاد برخی از قوانین و مقررات مربوط به بانکها به صندوق تعاون - مصوب ۲۷.۱.۱۳۸۱ ۷۲۵
- لایحه قانونی نحوه نقل و انتقالات و سایل نقلیه موتوری - مصوب ۴ ۲۵ ۱۳۵۹ ۷۲۵
- آیین نامه ثبت انتقالات و معاملات کشتی ها - مصوب ۱۳ ۶ ۱۳۴۴ با اصلاحات ۷۲۶
- قانون اجازه تاسیس بانکهای غیردولتی - مصوب ۱ ۲۱ ۱۳۷۹ ۷۲۷
- قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره - مصوب ۶ ۸ ۱۳۶۲ ۷۲۸
- فصل اول - اهداف و وظایف نظام بانکی در جمهوری اسلامی ایران (ماده ۱ تا ۲) ۷۲۸

- فصل دوم - تجهیز منابع پولی (ماده ۳ تا ۶) ۷۲۸
- فصل سوم - تسهیلات اعطایی بانکی (ماده ۷ تا ۱۷) ۷۲۹
- فصل چهارم - بانک مرکزی ایران و سیاست پولی (ماده ۱۸ تا ۲۰) ۷۳۰
- فصل پنجم - متفرقه (ماده ۲۱ تا ۲۷) ۷۳۱
- قانون تسری امتیازات خاص بانکها به موسسات اعتباری غیربانکی مجاز - مصوب ۲۷.۱.۱۳۸۱ ۷۳۱
- آیین نامه اجرایی اصلاح ماده ۳ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی مصوب سال ۱۳۱۶ ۷۳۱
- فصل اول - تشکیلات بخش اول انتخاب ، اشتغال ، تمدید ۷۳۱
- الف ترتیب انتخاب (ماده ۱ تا ۱۱) ۷۳۱
- ب - محل و شرایط اشتغال (ماده ۱۲ تا ۱۶) ۷۳۳
- ج - تمدید پروانه (ماده ۱۷) ۷۳۳
- اشاره ۷۳۳
- بخش اول - شورای عالی ترجمه (ماده ۱۸ تا ۲۸) ۷۳۳
- فصل دوم - نحوه اداره (ماده ۲۹ تا ۳۷) ۷۳۴
- فصل سوم - وظایف مترجم رسمی و مقررات انتظامی ۷۳۵
- الف - وظایف مترجم رسمی (ماده ۳۸ تا ۴۵) ۷۳۵
- ب مقررات انتظامی (ماده ۴۶ تا ۵۲) ۷۳۶
- فصل چهارم - حق الزحمه مترجم (ماده ۵۳ تا ۵۹) ۷۳۷
- قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی - مصوب ۲۰ خردادماه ۱۳۱۶ و اصلاحات ۷۳۸
- قانون منع فروش و واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی برای امر مسکن به شرکتهای تعاونی مسکن ۷۳۹
- آیین نامه اجرایی قانون منع فروش و واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی برای امر مسکن به شرک ۷۴۰
- قانون معافیت کلیه دانشجویان بورسیه و اعضای هیات علمی که جهت تحصیلات عالی یا استفاده از فر ۷۴۲
- لایحه قانونی نحوه نقل و انتقالات و سایل نقلیه موتوری - مصوب ۲۵.۴.۱۳۵۹ ۷۴۳
- قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایر ۷۴۳
- آیین نامه اجرایی قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و و

۷۴۸	فصل اول تعاریف (ماده ۱)
۷۴۹	فصل دوم - تکالیف تولید کنندگان کالا (ماده ۲ تا ۵)
۷۴۹	فصل سوم - تکالیف ارائه دهندگان خدمات (ماده ۶ تا ۹)
۷۵۱	فصل چهارم تکالیف اشخاص ثالث (ماده ۱۲ تا ۱۷)
۷۵۲	فصل پنجم- مقررات عمومی (ماده ۱۸ تا ۳۴)
۷۵۳	قانون تسری امتیازات خاص بانکها به موسسات اعتباری غیربانکی مجاز - مصوب ۲۷.۱.۱۳۸۱
۷۵۳	اصلاح ماده ۶۹ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی - مصوب ۱۳۸۵
۷۵۴	اجرای اسناد
	آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۶ تیر ۱۳۵۵ وزارت دادگستری با اصلاحیه
۷۵۴	فصل اول - صدور اجراییه (مواد ۱ تا ۱۳)
۷۵۶	فصل دوم - کلیات (مواد ۱ تا ۶)
۷۵۶	فصل سوم - ابلاغ (مواد ۱۴ تا ۱۹)
۷۵۸	فصل چهارم - ترتیب اجرا (مواد ۲۰ تا ۴۶)
۷۶۰	فصل پنجم - بازداشت اموال منقول (مواد ۴۷ تا ۸۰)
۷۶۳	فصل ششم - بازداشت اموال نزد شخص ثالث (مواد ۸۱ تا ۹۱)
۷۶۴	فصل هفتم - بازداشت اموال غیر منقول (مواد ۹۲ تا ۱۰۴)
۷۶۶	فصل هشتم - ارزیابی (مواد ۱۰۵ تا ۱۱۱)
۷۶۶	فصل نهم - در وثیقه (مواد ۱۱۲ تا ۱۳۹)
۷۶۹	فصل دهم - در حراج (مواد ۱۴۰ تا ۲۰۰)
۷۷۷	فصل یازدهم - تخلیه (مواد ۲۰۱ تا ۲۱۳)
۷۷۸	فصل دوازدهم - هزینه‌های اجرایی (مواد ۲۱۴ تا ۲۲۸)
۷۷۹	فصل سیزدهم - شکایت از عملیات اجرایی و طرز رسیدگی به شکایات (مواد ۲۲۹ تا ۲۳۲)
۷۸۰	فصل چهاردهم - امور متفرقه (مواد ۲۳۳ تا ۲۶۰)
۷۸۲	قانون منع توقیف اشخاص در قبال تخلف از انجام تعهدات و الزامات مالی - مصوب ۲۲ آبان ۱۳۵۲

- آیین نامه کیفیت هزینه و نحوه نگهداری حساب از درآمد موضوع ماده ۳۹ اصلاحی قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری ۷۸۳
- فصل اول - جمع آوری درآمدها و نگهداری حساب آنها (مواد ۱ تا ۵) ۷۸۳
- فصل دوم - هزینه (مواد ۶ تا ۱۰) ۷۸۳
- نظریه شورای نگهبان در خصوص دریافت بهره و خسارات تاخیر تادیه از دولتها و موسسات و شرکتهای و ۷۸۳
- قانون اعسار - مصوب آذر ماه ۱۳۱۳ با اصلاحات بعدی ۷۸۴
- فصل اول - اعسار در مورد مخارج محاکمه (مواد ۱ تا ۱۹) ۷۸۴
- فصل دوم - اعسار در مورد محکوم به (ماده ۲۰ تا ۲۶) ۷۸۴
- فصل سوم - مقررات جزایی (ماده ۲۷ تا ۳۲) ۷۸۴
- فصل چهارم - مقررات مختلفه (مواد ۳۳ تا ۴۰) ۷۸۵
- قانون اجازه کسر اقساط معوقه و استیفای مطالبات بانک مسکن از محل حقوق و دریافتی های بدهکارا ۷۸۵
- قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری ها - مصوب ۱۴ ۲ ۱۳۶۱ ۷۸۶
- آیین نامه نحوه اجرای حراج و نوبت آن و تشکیل مراکز حراج و نحوه توقیف حق بدهکار نسبت به مازاد ورد وثیقه و طرز استیفای حقوق توقیف ۷۸۶
- فصل اول - کلیات (مواد ۱ تا ۶) ۷۸۶
- فصل دوم - تهیه مقدمات حراج (مواد ۷ تا ۱۵) ۷۸۷
- فصل سوم - حراج اموال منقول و غیر منقول و تنظیم سند انتقال (مواد ۱۶ تا ۴۴) ۷۸۸
- فصل چهارم - مقررات مختلفه (ماده ۴۵ تا ۵۴) ۷۹۲
- آیین نامه طرز اجرائیه معاملات شرطی و رهنی و با حق استرداد - مصوب ۱۶ ۲ ۱۳۵۲ با اصلاحات بعدی ۷۹۴
- قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی - مصوب ۱۰ آبانماه ۱۳۷۷ ۷۹۹
- آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی - مصوب ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۸ ۸۰۰
- آیین نامه ترتیب وصول درآمد حراج و محل مصرف آن - مصوب ۲۱ ۱۲ ۱۳۳۱ ۸۰۱
- آیین نامه طرز پرداخت حق النسبی متصدیان اجرا - مصوب ۱ ۱۰ ۱۳۵۴ ۸۰۲
- لایحه قانونی اصلاح بعضی از مواد قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری - مصوب ۲۶ ۶ ۱۳۵۸ ۸۰۳
- نظریه شورای نگهبان در خصوص خسارت تاخیر تادیه ۸۰۳
- قانون نحوه وصول مطالبات بانکها - مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مورخ ۵ ۱۰ ۱۳۶۸ ۸۰۴

- قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تامین و توقیف اموال دولتی ۸۰۴
- ثبت شرکت ها ۸۰۵
- قانون ثبت شرکتها - مصوب خرداد ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی ۸۰۵
- طرح اصلاحی آیین نامه ثبت شرکتها - مصوب شهریور ماه ۱۳۴۰ ۸۰۶
- نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکتها - مصوب خرداد ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی ۸۰۷
- آیین نامه ماده ۸ قانون ثبت شرکت ها درمورد شرکت‌های بیمه - مصوب ۹ ۶ ۱۳۱۰ شماره ۲۵۷۵۹ با اصلا ۸۱۰
- قانون حق الثبت شرکت‌های بیمه - مصوب ۹ ۶ ۱۳۱۰ کمیسیون قوانین عدلیه ۸۱۰
- آیین نامه قانون ثبت شرکت های بیمه - مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ ۸۱۱
- نظامنامه ثبت شرکت‌های بیمه - مصوب ۹ ۶ ۱۳۱۰ ۸۱۱
- نظامنامه ثبت فرمولهای سند بیمه صادره شرکت های بیمه خارجی - مصوب ۱ ۲۱ ۱۳۱۱ ۸۱۲
- آیین نامه دفتر ثبت تجاری - مصوب فروردین ۱۳۲۵ ۸۱۲
- قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت های خارجی - مصوب ۲۱ ۸ ۱۳۷۶ ۸۱۴
- آیین نامه اجرایی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت های خارجی - مصوب ۱ ۱۱ ۱۳۷۸ ۸۱۴
- آیین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری - مصوب ۱۳۳۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی ۸۱۵
- مقدمه (مواد ۱ تا ۴) ۸۱۵
- فصل اول - درتسلیم اظهارنامه و ثبت مجامع و موسسات غیرتجاری (مواد ۵ تا ۹) ۸۱۶
- فصل دوم - در انحلال تشکیلات و موسسات غیرتجاری (مواد ۱۰ تا ۱۱) ۸۱۶
- فصل سوم - حق الثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری (مواد ۱۲ تا ۱۴) ۸۱۷
- ضوابط ثبت شرکت ها و مالکیت های صنعتی و معنوی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران ۸۱۷
- فصل اول - تعاریف (ماده ۱) ۸۱۷
- فصل دوم - ایجاد و وظایف واحد ثبتی (ماده ۲ تا ۳) ۸۱۷
- فصل سوم - تشریفات قانونی ثبت شرکت‌ها و مالکیت های صنعتی و معنوی (ماده ۴ تا ۱۸) ۸۱۸
- فصل چهارم - سایر مقررات (ماده ۱۹ تا ۲۲) ۸۱۹
- نظامنامه راجع به مواد ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۹ قانون تجارت - مصوب ۱۵ ۳ ۱۳۱۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی ۸۲۰

- ۸۲۱ آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
- ۸۲۱ الف - تشکیلات (ماده ۲ تا ۴)
- ۸۲۲ ب - شرایط متقاضیان (ماده ۵)
- ۸۲۳ ج - مدارک و نحوه درخواست (ماده ۶ تا ۷)
- ۸۲۳ د - نحوه رسیدگی ، انتخاب و آموزش (ماده ۸ تا ۲۸)
- ۸۲۶ ثبت علائم و اختراعات
- ۸۲۶ قانون ثبت علائم و اختراعات - مصوب اول تیر ماه ۱۳۱۰ شمسی کمیسیون قوانین عدلیه)
- ۸۲۶ فصل اول - ثبت علائم تجاری (ماده ۱ تا ۲۵)
- ۸۲۹ فصل دوم - ثبت اختراع (ماده ۲۶ تا ۴۵)
- ۸۳۰ فصل سوم - مقررات مشترکه (ماده ۴۶ تا ۵۱)
- ۸۳۱ آیین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات - مصوب ۱۳۳۷ با اصلاحات بعدی
- ۸۳۱ باب اول - مقررات مربوط به علائم تجاری
- ۸۳۱ فصل اول - در تسلیم اظهارنامه (ماده ۱ تا ۹)
- ۸۳۲ فصل دوم - ثبت علامت (ماده ۱۰ تا ۱۳)
- ۸۳۳ فصل سوم - تغییرات (ماده ۱۴ تا ۱۹)
- ۸۳۳ فصل چهارم - تجدید ثبت (ماده ۲۰)
- ۸۳۴ فصل پنجم - طبقه‌بندی کالا (ماده ۲۱)
- ۸۳۴ باب دوم - در ثبت اختراع
- ۸۳۴ فصل اول - در اظهارنامه اختراع (ماده ۲۲ تا ۲۹)
- ۸۳۵ فصل دوم - ثبت اختراع (ماده ۳۰ تا ۳۳)
- ۸۳۶ فصل سوم - تغییرات (ماده ۳۴ تا ۴۴)
- ۸۳۶ باب سوم - مقررات مشترکه
- ۸۳۶ فصل اول (ماده ۴۵ تا ۴۶)
- ۸۳۷ فصل دوم - آیین دادرسی مربوط به علائم تجاری و اختراعات

- ۸۳۷ ----- مبحث اول - در شکایت از رد تقاضای ثبت (ماده ۴۸ تا ۵۰) -----
- ۸۳۷ ----- مبحث دوم - در اعتراض به ثبت قبل از این که علامت یا اختراع ثبت شده باشد (ماده ۵۱ تا ۶۰) -----
- ۸۳۸ ----- باب چهارم - هزینه مربوط به علایم تجارتي و اختراعات (ماده ۶۶ تا ۶۷) -----
- ۸۳۸ ----- اشاره -----
- ۸۳۸ ----- مبحث سوم - در اعتراض به علایم یا اختراعات ثبت شده (ماده ۶۱ تا ۶۲) -----
- ۸۳۸ ----- فصل سوم - در طرق تامین (ماده ۶۳ تا ۶۵) -----
- ۸۳۹ ----- اصلاح جدول طبقه بندی علایم صنعتی و تجاری موضوع باب چهارم آیین نامه اصلاحی اجرای قانون -----
- ۸۴۱ ----- آیین نامه ماده ۹ قانون ثبت شرکتها و ماده ۴۵ قانون ثبت علایم -----
- ۸۴۱ ----- تصویب نامه در خصوص تعیین نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی مالکیت معنوی - مصوب ۱۳۸۲ -----
- ۸۴۲ ----- قانون ثبت اختراعات ، طرحهای صنعتی و علائم تجاری - مصوب ۲۹/۱۱/۱۳۸۶ -----
- ۸۵۱ ----- ثبت احوال -----
- ۸۵۱ ----- قانون ثبت احوال - مصوب ۱۶ ۴ ۱۳۵۵ با اصلاحات و الحاقیه های بعدی سال ۱۳۶۳ -----
- ۸۵۱ ----- فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۹) -----
- ۸۵۲ ----- فصل دوم - اسناد و دفاتر ثبت احوال (ماده ۱۰ تا ۱۱) -----
- ۸۵۲ ----- فصل سوم - ثبت ولادت (ماده ۱۲ تا ۲۱) -----
- ۸۵۴ ----- فصل چهارم - ثبت وفات (ماده ۲۲ تا ۳۰) -----
- ۸۵۵ ----- فصل پنجم - ازدواج و طلاق (ماده ۳۱ تا ۳۴) -----
- ۸۵۶ ----- فصل ششم - صدور شناسنامه (ماده ۳۵ تا ۳۷) -----
- ۸۵۶ ----- فصل هفتم - صدور کارت شناسایی (ماده ۳۸ تا ۳۹) -----
- ۸۵۶ ----- فصل هشتم - نام خانوادگی (ماده ۴۰ تا ۴۲) -----
- ۸۵۷ ----- فصل نهم - تعویض شناسنامه های موجود و نقل آن به دفاتر ثبت کل وقایع (ماده ۴۳ تا ۴۶) -----
- ۸۵۸ ----- فصل دهم - تهیه مقدمات اجرای قانون (ماده ۴۷) -----
- ۸۵۸ ----- فصل یازدهم - مقررات کیفری (ماده ۴۸ تا ۵۵) -----
- ۸۵۸ ----- آیین نامه اجرایی ماده ۳۵ اصلاحی قانون ثبت احوال - مصوب ۲ ۵ ۱۳۶۴ -----

- ۸۵۹ آیین نامه طرز رسیدگی هیات های حل اختلاف - مصوب ۱۶ ۸ ۱۳۵۶
- ۸۶۰ قانون ازدواج - مصوب ۲۲ ۵ ۱۳۱۰
- ۸۶۲ نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق - مصوب ۱۷ مهرماه ۱۳۱۰
- ۸۶۳ آیین نامه متحد الشکل شدن ثبت عقد ازدواج و طلاق - مصوب ۲۰ ۵ ۱۳۱۱ با اصلاحات بعدی
- ۸۶۴ آیین نامه ماده اول قانون ازدواج - مصوب تیر ماه ۱۳۱۲
- ۸۶۴ نظامنامه ماده ۲ قانون ثبت ازدواج و طلاق - مصوب آبان ماه ۱۳۱۰
- ۸۶۴ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق - مصوب ۲۱ ۱۲ ۷۰ مجلس شورای اسلامی و ۲۸ ۸ ۱۳۷۱ مجمع تشخیص
- ۸۶۵ قانون تفسیر تبصره‌های ۳ و ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق - مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب
- ۸۶۶ آیین نامه اجرایی تبصره یک ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق - مصوب ۲ اسفندماه
- ۸۶۶ قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش - مصوب آبانماه ۱۳۷۶
- ۸۶۷ تعرفه حق التحریر اسناد ازدواج و طلاق - مصوب ۶ ۶ ۱۳۷۹
- ۸۶۷ قانون حمایت خانواده - مصوب سال ۱۳۵۳
- ۸۷۱ آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده - مصوب اردیبهشت ۱۳۵۴ هیأت وزیران
- ۸۷۲ آیین نامه نحوه اجرای احکام و تصمیمات دادگاه خانواده - مصوب ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۴
- ۸۷۳ قانون حفظ اعتبار اسناد سجل و جلوگیری از تزلزل آنها - مصوب دوم بهمن ۱۳۶۷
- ۸۷۳ قانون لغو قانون انگشت نگاری عمومی مصوب ۲۷ ۲ ۱۳۶۲
- ۸۷۳ آیین نامه اجرایی تبصره ذیل ماده واحده لغو قانون انگشت نگاری عمومی - مصوب ۷ ۵ ۱۳۶۸
- ۸۷۴ قانون تخلفات ، جرایم و مجازات های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه - مصوب ۱۰ ۵ ۱۳۷۰
- ۸۷۶ قانون الزام اختصاص شماره ملی و کد پستی برای کلیه اتباع ایرانی - مصوب ۱۷ ۲ ۱۳۷۶
- ۸۷۶ آیین نامه اجرایی قانون الزام اختصاص شماره ملی و کدپستی برای کلیه اتباع ایرانی - مصوب ۱۳
- ۸۷۸ آیین نامه رسیدگی به تخلفات اداری سردفتران ازدواج و طلاق و تعیین کیفر آنان - مصوب ۱۳۲۰
- ۸۷۸ نظامنامه مربوط به انتخاب سران دفاتر ازدواج و طلاق و نقل و انتقال آنان
- ۸۷۹ قانون راجع به انکار زوجیت - مصوب ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱
- ۸۷۹ قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم - مصوب دهم مردادماه ۱۳۱۲

- قانون راجع به خیانت ولی قهری - مصوب ۱۳۱۳ ۸ ۱ ۸۸۰
- قانون منع ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه - مصوب ۱۳۴۵ ۱۰ ۲۵ ۸۸۰
- قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست - مصوب اسفند ماه ۱۳۵۳ ۸۸۰
- قانون لزوم ارایه گواهینامه پزشک قبل از وقوع ازدواج - مصوب ۱۳ آذر ماه ۱۳۱۷ ۸۸۱
- قانون الزام تزریق واکسن ضد کزاز برای بانوان قبل از ازدواج - مصوب ۱۳۶۷ ۱ ۲۳ ۸۸۲
- تصویبنامه در خصوص آزمایش تالاسمی قبل از ازدواج - مصوب ۱۳۷۶ ۱ ۱۰ ۸۸۲
- قانون حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها - مصوب ۱۳۶۵ ۴ ۲۲ ۸۸۲
- قانون مربوط به حق حضانت - مصوب ۱۳۶۵ ۴ ۲۲ ۸۸۳
- قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست - مصوب ۱۳۷۱ ۸ ۲۴ ۸۸۳
- آیین نامه اجرایی قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست - مصوب ۱۳۷۴ ۵ ۱۱ ۸۸۴
- قانون رسیدگی به دعوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی ، کلیمی ۸۸۶
- قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی - مصوب ۱۳۷۴ ۹ ۲۲ ۸۸۶
- آیین نامه اجرایی قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی - مصوب ۱ ۸۸۷
- قانون اعتبار گواهی بنیاد شهید انقلاب اسلامی در خصوص صدور حکم موت فرضی غایبان مفقودالاثرائق ۸۸۹
- قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی درخصوص مهریه ۸۸۹
- آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی - مصوب ۱۳۱۷۷ ۸۸۹
- نحوه محاسبه ارزش مهریه وجه رایج کشور ۸۹۰
- قانون واگذاری قیمومت محجورین تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور به سازمان مذکور - مصوب سال ۲۹ ۸۹۰
- آیین نامه ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی آواره - مصوب ۱۳۸۲ ۱ ۲۱ ۸۹۰
- آیین نامه زناشویی بانوان با اتباع بیگانه غیرایرانی - مصوب ۱۳۴۵ ۷ ۶ هیات وزیران ۸۹۱
- اوقاف ۸۹۲
- آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه - مصوب ۱۳۶۵ ۲ ۱۰ ۸۹۲
- آیین نامه اجرایی تبصره ماده یک لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و ۹۰۰
- آیین نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه - مصوب ۱۳۷۴ ۲ ۳ ۹۰۱

- ۹۰۵ آیین نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان حج و اوقاف و امور خیریه - مصوب ۱۳۶۵ ۹ ۳۰
- ۹۰۹ آیین نامه نحوه انتخاب و بر کناری ، شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیات امنای اماکن
- ۹۱۱ آیین نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی - مصوب ۱۳۶۵ ۲ ۱۰
- ۹۱۲ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه - مصوب ۱۳۸۶ ۱
- ۹۱۳ قانون ابطال اسناد فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه - مصوب ۱۳۷۱ ۱۱ ۲۵
- ۹۱۴ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه - مصوب ۱۳۶۳ ۱۰ ۲
- ۹۱۷ قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها - مصوب مجمع تشخیص مصلحت ۱۳۷۰ ۱۲ ۱۵
- ۹۱۷ قانون تفسیر قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها - مصوب ۱۳۷۳ ۹ ۳ مجمع تشخیص مصلحت
- ۹۱۸ قانون راجع به اراضی دولت و شهرداری ها و اوقاف و بانکها - مصوب ۱۳۳۵ ۶ ۸
- ۹۱۹ قانون راجع به اصلاح قانون اراضی دولت و شهرداری ها و اوقاف و بانکها - مصوب ۱۳۳۹ ۹ ۲۰
- ۹۲۳ قانون تفسیر مصوبه مورخه ۱۳۶۷ ۵ ۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص حل مشکل اراضی بایر - مصوب
- ۹۲۳ لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امنا و نظار
- ۹۲۴ اراضی و املاک
- ۹۲۴ آیین نامه اجرایی قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۷۱ ۳ ۲۴
- ۹۲۴ فصل اول - تعاریف و مقررات مربوط به عمران زمین ها (ماده ۱ تا ۵)
- ۹۲۵ فصل دوم - مقررات تشخیص زمین ها (ماده ۶ تا ۹)
- ۹۲۶ فصل سوم - نحوه خرید و تملک زمینها (ماده ۱۰ تا ۲۱)
- ۹۳۰ فصل چهارم - نحوه آماده سازی و عمران و واگذاری زمین ها (ماده ۲۲ تا ۳۶)
- ۹۳۲ فصل پنجم - مقررات متفرقه (ماده ۳۷ تا ۴۰)
- ۹۳۳ آیین نامه قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن - مصوب ۱۳۵۸ ۵ ۲۲ هیات وزیران
- ۹۳۳ فصل اول - نحوه اعلام به مالکین (ماده ۱)
- ۹۳۳ فصل دوم - مقررات تشخیص اراضی موات و عمران و آبادی (ماده ۲ تا ۴)
- ۹۳۴ فصل سوم اراضی مشمول تبصره ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن
- ۹۳۴ فصل چهارم - تعیین تکلیف اراضی موات (ماده ۹ تا ۱۵)

- فصل پنجم - نحوه واگذاری اراضی (ماده ۱۶ تا ۲۳) ۹۳۵
- آیین نامه اجرایی قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن - مصوب سال ۱۳۶۶ ۷ ۸ ۹۳۶
- آیین نامه اجرایی قانون تملک آپارتمانها - با اصلاحات بعدی ۹۳۸
- بخش اول - قسمتهای مختلف ساختمان ۹۳۸
- فصل اول - قسمتهای اختصاصی (ماده ۱ تا ۲) ۹۳۸
- فصل دوم - قسمتهای مشترک (ماده ۳ تا ۴) ۹۳۹
- بخش - دوم اداره امور ساختمان ۹۳۹
- فصل اول - مجمع عمومی (ماده ۵ تا ۱۳) ۹۳۹
- فصل دوم - اختیارات و وظایف مدیر یا مدیران (ماده ۱۴ تا ۲۲) ۹۴۰
- فصل سوم - هزینه‌های مشترک (ماده ۲۳ تا ۲۵) ۹۴۰
- فصل چهارم - حفظ و نگاهداری تعمیر بنا (ماده ۲۶ تا ۲۷) ۹۴۱
- اصلاحیه قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن - مصوب ۱۳۵۸ ۶ ۵ ۹۴۱
- قانون اصلاح قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۸ ۴ ۲۸ ۹۴۱
- قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداری ها - مصوب آبان ماه ۱۳۶۷ ۹۴۲
- قانون تملک آپارتمانها - مصوب ۱۳۴۳ ۱۲ ۱۶ با اصلاحات و الحاقات ۹۴۲
- قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶ ۶ ۲۲ ۹۴۵
- قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن - مصوب ۱۳۵۸ ۴ ۵ ۹۴۸
- قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن - مصوب سال ۱۳۶۵ ۹ ۳۰ ۹۴۸
- قانون نحوه تقویم و ابنیه ، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها - مصوب آبانماه ۱۳۷۰ ۹۴۹
- لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی ، عمرانی و نظامی ۹۵۰
- لایحه قانونی الحاق سه ماده و دو تبصره به قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران ۹۵۲
- لایحه قانونی خرید اراضی و املاک مورد احتیاج دولت و شهرداریها - سال ۱۳۵۸ ۹۵۳
- مصوبه مجمع مصلحت نظام در خصوص حق کسب یا پیشه یا تجارت - مصوب ۱۳۶۹ ۱۰ ۲۵ ۹۵۵
- کارشناسان، دلالان و مشاورین ۹۵۵

- ۹۵۵ آیین نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری - مصوب ۲۷ ۱۳۸۲ هیات وزیران
- ۹۵۵ فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۳)
- ۹۵۵ فصل دوم - شورای عالی (ماده ۴ تا ۲۲)
- ۹۵۸ فصل سوم - مجامع عمومی (ماده ۲۳ تا ۴۲)
- ۹۵۹ فصل چهارم - هیات مدیره (ماده ۴۳ تا ۴۸)
- ۹۶۰ فصل پنجم - بازرسان (ماده ۴۹ تا ۵۰)
- ۹۶۱ فصل ششم - آزمون ، کارآموزی ، صدور پروانه کارشناسی (ماده ۵۱ تا ۵۶)
- ۹۶۱ فصل هفتم - کمیسیون صلاحیت و اولویتهای اخلاقی (ماده ۵۷ تا ۵۸)
- ۹۶۲ فصل هشتم - دادسرا و دادگاههای انتظامی (ماده ۵۹ تا ۷۰)
- ۹۶۳ تصویب نامه در خصوص تعرفه جرایم سردفتران و دفتریاران و تعرفه صدور یا تمدید پروانه اشتغال شغ
- ۹۶۳ دستورالعمل اجرایی نحوه صدور پروانه تخصص اشتغال برای مشاورین املاک و خودرو
- ۹۶۳ فصل اول - کلیات و تعاریف (ماده ۱ تا ۲)
- ۹۶۴ فصل دوم - شرایط و ضوابط دریافت پروانه تخصصی اشتغال (ماده ۳)
- ۹۶۴ فصل سوم - وظایف و اختیارات مشاورین (ماده ۴ تا ۲۴)
- ۹۶۵ فصل چهارم - امور اداری و مالی (ماده ۲۵ تا ۳۱)
- ۹۶۶ فصل پنجم - نظارت بر عملکرد و نحوه رسیدگی به تخلفات مشاورین (ماده ۳۲ تا ۳۴)
- ۹۶۶ قانون کانون کارشناسان رسمی - مصوب ۱۸ ۱ ۱۳۸۱
- ۹۷۳ دستورالعمل اجرایی نحوه صدور پروانه تخصصی اشتغال برای مشاورین املاک و خودرو - مصوب ۱۳۸۴
- ۹۷۵ راهنمایی و رانندگی
- ۹۷۵ وزارت کشور
- ۹۷۵ قانون تاسیس شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور - مصوب ۸/۱۲/۱۳۷۲
- ۹۷۶ آیین نامه موضوع ماده (۵) قانون تاسیس شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور - مصوب ۲/۷/۱۳۷۴ هیات وز
- ۹۷۷ تصویبنامه در خصوص اجرای طرح تعویض پلاک خودروها - مصوب ۱۳۸۲
- ۹۷۷ تصمیم نمایندگان ویژه رییس‌جمهور در خصوص دریافت کارت هوشمند سوخت خودرو - مصوب ۱۳۸۶/۸/۲۱

- ۹۷۷ شهرداری تهران
- ۹۷۸ آیین نامه اجرایی قانون الحاق سه تبصره به بند (۱۲) ماده (۳) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
- ۹۷۹ قانون الحاق یک تبصره به قانون واگذاری امور مربوط به راهنمایی و رانندگی شهر تهران به شهرداری پایتخت
- ۹۷۹ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی - مصوب ۳۰/۳/۱۳۵۰ و اصلاحیه های بعدی
- ۹۸۳ قانون واگذاری امور مربوط به راهنمایی و رانندگی شهر تهران به شهرداری پایتخت - مصوب ۷/۱۲/۱۳۵۳
- ۹۸۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین - مصوب ۲۸/۱۲/۷۳
- ۹۸۴ قانون الحاق سه تبصره به بند (۱۲) ماده (۴) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ - مصوب
- ۹۸۴ قانون لغو موارد مصرف قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین - مصوب ۲۳/۹/۷۶
- ۹۸۵ سازمان حمل و نقل
- ۹۸۵ آیین نامه اجرایی تبصره ۳ ماده واحده قانون تشدید مجازات موتور سیکلت سواران متخلف - مصوب ۲۸/۴/۱۳۶۶
- ۹۸۵ فصل اول - شهر تهران (ماده ۱ تا ۷)
- ۹۸۵ فصل دوم - شهرها ، شهرک ها ، روستاها و راههای کشور (ماده ۸ تا ۱۲)
- ۹۸۶ فصل سوم - مقررات عمومی (ماده ۱۲ تا ۱۳)
- ۹۸۶ لایحه قانونی راجع به مجازات متخلفین از اجرای مقررات طرح جدید ترافیک (مرحله سوم) - مصوب ۱۷/۳/۱۳۵۹ ش
- ۹۸۶ آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۶) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب ۱۴/۲/۱۳۷۶ هیات وزیران
- ۹۸۶ فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۲)
- ۹۸۷ فصل دوم - نحوه صدور مجوز تردد و چگونگی نظارت بر اجرای محدودیت ها (ماده ۳ تا ۶)
- ۹۸۷ فصل سوم - ساماندهی حمل و نقل شهری (ماده ۷ تا ۱۴)
- ۹۸۹ قانون تشدید مجازات موتور سیکلت سواران متخلف - مصوب ۲۴/۲/۱۳۵۶
- ۹۸۹ الحاقیه آیین نامه اجرایی تبصره ۳ ماده واحده قانون تشدید مجازات موتورسیکلت سواران متخلف - مصوب ۲۱/
- ۹۸۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب ۳/۱۱/۱۳۷۴
- ۹۸۹ فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۳)
- ۹۹۰ فصل دوم - وسایل نقلیه موتوری (ماده ۴ تا ۱۱)
- ۹۹۱ فصل سوم - کارخانجات و کارگاه ها و نیروگاه ها (ماده ۱۲ تا ۲۱)

- فصل چهارم - منابع تجاری ، خانگی و منابع متفرقه (ماده ۲۲ تا ۲۷) ----- ۹۹۲
- فصل پنجم - مجازاتها (ماده ۲۸ تا ۳۲) ----- ۹۹۳
- فصل ششم - مقررات مختلف (ماده ۳۳ تا ۳۶) ----- ۹۹۴
- آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۶) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب ۲۲/۳/۱۳۸۱ ----- ۹۹۴
- فصل اول - کلیات (ماده ۱) ----- ۹۹۴
- فصل دوم - نحوه اعمال محدودیت و صدور مجوز تردد و چگونگی نظارت بر اجرای محدودیت ها (ماده ۲ تا ۶) ----- ۹۹۴
- فصل سوم - ساماندهی حمل و نقل شهری (ماده ۷ تا ۱۵) ----- ۹۹۵
- اساسنامه سازمان حمل و نقل و ترافیک پایتخت - مصوب ۱۸/۱۰/۱۳۵۳ ----- ۹۹۶
- فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۵) ----- ۹۹۶
- فصل دوم - ارکان سازمان (ماده ۶ تا ۱۶) ----- ۹۹۷
- فصل سوم - طرز انتخاب و وظایف ناظر انجمن شهر (ماده ۱۷ تا ۱۸) ----- ۹۹۸
- فصل چهارم - امور مالی و استخدامی (ماده ۱۹ تا ۳۰) ----- ۹۹۸
- شرکت واحد ----- ۹۹۹
- قانون تفسیر تبصره یک ماده واحده قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی عمومی - مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۵۱ ----- ۹۹۹
- آیین نامه اجرای قانونی تاسیس شرکت اتوبوسرانی - مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۳۴ با اصلاحات بعدی ----- ۹۹۹
- قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی عمومی در شهرها - مصوب ۱۶/۱۱/۱۳۳۱ با اصلاحات بعدی ----- ۱۰۰۰
- تاکسیرانی ----- ۱۰۰۱
- اصلاحیه آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده واحده قانون راجع به تمرکز امور مربوط به تاکسیر ----- ۱۰۰۱
- آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده واحده قانون راجع به تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی شهر تهران زیر نظر شهرداری تهران - ه ----- ۱۰۰۱
- فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۳) ----- ۱۰۰۲
- فصل دوم - پروانه اشتغال به حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری با تاکسی (ماده ۴ تا ۸) ----- ۱۰۰۲
- فصل سوم - پروانه بهره برداری از امتیاز سرویسهای تاکسی شهری (ماده ۹ تا ۱۲) ----- ۱۰۰۳
- فصل چهارم - نحوه نقل و انتقال حقوق پروانه بهره برداری (ماده ۱۴ تا ۱۹) ----- ۱۰۰۵
- لایحه قانونی راجع به تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی شهر تهران زیر نظر شهرداری تهران - مصوب ۲۸ خرداد ----- ۱۰۰۶

- قانون الحاق یک تبصره به ماده واحده قانون راجع به تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی شهر تهران زیر نظر شهر ۱۰۰۷
- آیین نامه جایگزینی و امحای تاکسی های فرسوده - مصوب ۱۳۸۲ ۱۰۰۷
- اصلاح آیین‌نامه جایگزینی و امحای تاکسی‌های فرسوده - مصوب ۱۳۸۴ ۱۰۰۸
- تصویب‌نامه در خصوص اتخاذ تدابیر در مورد ممنوعیت بکارگیری رانندگان بدون گواهینامه و... در شرکتهای تاکسی ۱۰۰۸
- ترمینال مسافربری ۱۰۱۰
- قانون مجازات متخلفین از تعرفه نرخ حمل کالا و مسافر - مصوب ۲۳/۱/۶۷ ۱۰۱۰
- آیین نامه حمل بار و مسافر و مدت تعطیل موسسات مسافربری و حمل و نقل زمینی - مصوب ۶ و ۱۷/۴/۱۳۵۲ ۱۰۱۰
- آیین نامه اجرایی ماده (۶) قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه های مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیل ۱۰۱۱
- قانون الزام شرکت ها و موسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه - مصوب ۳۱/۲ ۱۰۱۵
- آیین نامه اجرایی موارد معافیت استفاده از اوراق صورت وضعیت مسافری و بارنامه - مصوب ۱۶/۳/۱۳۶۹ هیات ۱۰۱۶
- لایحه قانونی احداث ترمینالهای مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافربری بین شهری در داخل شهر تهران ۱۰۱۷
- قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه های مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیل های مسافربری برون شهری د ۱۰۱۷
- آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۲) قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه های مسافربری و ممنوعیت تردد ۱۰۱۸
- قانون استفساریه در مورد قانون بیمه اجتماعی رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین شهری - مصوب ۱۳/۱۱/۱۳۸۶ ۱۰۱۹
- اداره راهنمایی رانندگی ۱۰۱۹
- آیین نامه راهنمایی و رانندگی - مصوب ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۴۷ با اصلاحات بعدی ۱۰۱۹
- فصل اول - تعاریف (ماده ۱) ۱۰۱۹
- فصل دوم - شماره‌گذاری و کارت مشخصات (ماده ۲ تا ۲۰) ۱۰۲۱
- فصل سوم - گواهینامه رانندگی و کارت شهری (ماده ۲۱ تا ۳۶) ۱۰۲۳
- فصل چهارم - معاینه وسایل نقلیه (ماده ۳۷ تا ۴۵) ۱۰۲۵
- فصل پنجم - تجهیزات ۱۰۲۵
- قسمت اول - تجهیزات وسایل نقلیه موتوری (ماده ۴۶ تا ۶۶) ۱۰۲۶
- قسمت دوم - تجهیزات اختصاصی موتورسیکلت و دوچرخه (ماده ۶۷ تا ۶۸) ۱۰۲۸
- فصل ششم - مقررات حمل بار (ماده ۶۹ تا ۷۸) ۱۰۲۸

- فصل هفتم - تصادفات (ماده ۷۹ تا ۸۵) ۱۰۲۹
- فصل هشتم - علایم راهنمایی و رانندگی ۱۰۲۹
- قسمت اول - علایمی که مقامات و مأموران انتظامی به کار می‌برند (ماده ۸۶ تا ۹۴) ۱۰۲۹
- قسمت دوم - علایمی که رانندگان باید به کار برند (ماده ۹۵ تا ۹۶) ۱۰۳۰
- قسمت سوم - علایم اختصاصی و استثنایی بعضی از وسایل نقلیه (ماده ۹۸ تا ۱۰۴) ۱۰۳۱
- فصل نهم - مقررات رانندگی ۱۰۳۱
- قسمت اول - مسیر و جهت عبور (ماده ۱۰۵ تا ۱۱۲) ۱۰۳۱
- قسمت دوم - سرعت (ماده ۱۱۳ تا ۱۱۷) ۱۰۳۲
- قسمت سوم - سبقت (ماده ۱۱۸ تا ۱۲۰) ۱۰۳۲
- قسمت چهارم - حق تقدم (ماده ۱۲۱ تا ۱۲۷) ۱۰۳۳
- قسمت پنجم - استفاده از چراغها (ماده ۱۲۸ تا ۱۳۳) ۱۰۳۳
- قسمت ششم - گردش (ماده ۱۳۴ تا ۱۳۷) ۱۰۳۴
- قسمت هفتم - توقف (ماده ۱۳۸ تا ۱۴۴) ۱۰۳۴
- قسمت هشتم - مقررات اختصاصی موتور سیکلت و دوچرخه (ماده ۱۴۵ تا ۱۵۰) ۱۰۳۵
- فصل دهم - مقررات مختلف (ماده ۱۵۱ تا ۱۹۲) ۱۰۳۵
- فصل یازدهم - مجازات ها (ماده ۱۹۳ تا ۱۹۶) ۱۰۳۸
- قانون جلوگیری از تردد موتور سیکلت های فاقد شماره راهنمایی و رانندگی - مصوب ۱۳۷۲ ۱۰۳۸
- قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث - مصوب آذر ۱۳۴۷ ۱۰۳۸
- قانون استفاده از نظر افسران راهنمایی در تصادفات وسایط نقلیه - مصوب ۷/۹/۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی ۱۰۴۰
- جدول جرایم موضوع ماده ۲ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی در کلیه نقاط کشور به استثنای ۱۰۴۰
- قانون استفاده اجباری از کمربند و کلاه ایمنی - مصوب ۲۶/۱۱/۱۳۷۶ ۱۰۴۲
- آیین نامه اجرایی قانون استفاده اجباری از کمربند و کلاه ایمنی مصوب ۱۳۷۶ - مصوب ۲۷/۱۲/۱۳۷۹ ۱۰۴۲
- آیین نامه اجرایی قانون بیمه اجتماعی رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین شهری - مصوب ۹/۳/۱۳۸۰ ۱۰۴۳
- آیین نامه اجرایی قانون جلوگیری از تردد موتور سیکلت‌های فاقد شماره راهنمایی و رانندگی - مصوب ۱۳۷۵ ۱۰۴۴

- فصل اول - نحوه احراز مالکیت و شماره گذاری (ماده ۱ تا ۳) ۱۰۴۴
- فصل دوم - نحوه نگهداری موتورسیکلت‌های توقیف شده و تعیین تکلیف آنها (ماده ۴ تا ۶) ۱۰۴۵
- فصل سوم - وجوه دریافتی از متقاضیان بابت ایجاد تسهیلات لازم و نحوه هزینه آن (ماده ۷ تا ۱۱) ۱۰۴۵
- اصلاح آییننامه اجرایی آموزشگاههای رانندگی - مصوب ۱۳۸۴ ۱۰۴۵
- آئین‌نامه راهنمایی و رانندگی - مصوب ۱۳۸۴ ۱۰۴۵
- آیین‌نامه اجرایی قانون استفاده اجباری از کمربند و کلاه ایمنی - مصوب ۱۳۸۴ ۱۰۷۷
- اصلاح بند « ۸۰ » ماده (۱) آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی - مصوب ۱۳۸۴ ۱۰۷۸
- مصوبه راجع به میزان سرعت مجاز انواع وسایل نقلیه در راههای برون شهری - مصوب ۱۳۸۴ ۱۰۷۸
- مجاز اخذ عوارض صدور گواهینامه رانندگی و تجدید آزمایش در شهر تهران - ۱۳۸۵ ۱۰۷۹
- تصمیم نمایندگان ویژه رییس‌جمهور در خصوص تخصیص سهمیه بنزین خودروهای دوگانه سوز شخصی تا پایان مهرماه س ۱۰۸۰
- اصلاح ماده (۱۸) آیین‌نامه اجرایی آموزشگاههای رانندگی مورخ ۱۵/۱۲/۱۳۸۳ - مصوب ۸ ۲۸ ۱۳۸۶ ۱۰۸۰
- اصلاحیه مواد ۵ و ۸ پیوست شماره ۲ آئین‌نامه راهنمایی و رانندگی کشور - مصوب ۱۳۸۶ ۱۰۸۰
- قطار شهری تهران ۱۰۸۱
- قانون تاسیس شرکت راه آهن شهری تهران و حومه - مصوب ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۴ ۱۰۸۱
- لایحه قانونی اصلاح قانون تاسیس شرکت راه آهن شهری تهران و حومه مصوب ۱۵ تیر ۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی ۱۰۸۱
- جرایم تخلفات رانندگی ۱۰۸۲
- قانون مجازات عاملین متخلف در امر حمل و نقل کالا - مصوب ۲۳/۱/۶۷ ۱۰۸۲
- قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی - مصوب ۲۵ خرداد ماه ۱۳۵۴ ۱۰۸۳
- آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی - مصوب ۵/۳/۱۳۵۴ ۱۰۸۳
- از قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین - مصوب ۱۳۷۳ ۱۰۸۴
- قانون مجازات استفاده از پلاکهای تقلبی وسایط نقلیه موتوری - مصوب آبان ۱۳۴۷ ۱۰۸۴
- قانون اصلاح ماده (۱۴) اصلاحی قانون رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی - مصوب ۲۱/۵/۱۳۷۶ ۱۰۸۵
- طرح قانونی مربوط به تشدید مجازات رانندگان متخلف - مصوب ۵/۱۰/۱۳۳۵ ۱۰۸۶
- قانون رسیدگی فوری به خسارات ناشیه از تصادفات رانندگی به‌وسیله نقلیه موتوری - مصوب ۲۳/۸ و ۱۳/۹/۱۳۴ ۱۰۸۶

- قانون ممنوعیت بازداشت کسانی که مصدومین را به مراکز درمانی منتقل می‌نمایند. - مصوب ۳/۲/۱۳۸۰ - ۱۰۸۶
- از قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۲۷/۱۱/۱۳۸۰ - ۱۰۸۶
- موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ در ارتباط با جرایم ناشی از تخلفات رانندگی - ۱۰۸۷
- تصویب‌نامه در خصوص تعیین تاریخ اجرای جدول میزان جرایم تخلفات رانندگی در شهرها و جاده‌های کل کشور مربوط - ۱۰۸۹
- دستورالعمل تشکیل شوراهای حل اختلاف ویژه امور راهنمایی و رانندگی - مصوب ۱۳۸۴ - ۱۰۸۹
- قوانین متفرقه - ۱۰۹۱
- قانون مسئولیت مدنی - مصوب ۷/۲/۱۳۳۹ - ۱۰۹۱
- قانون ایمنی راهها و راه آهن - مصوب ۷/۴/۱۳۴۹ با اصلاحات بعدی - ۱۰۹۳
- تصویب نامه راجع به اصلاح ماده ۴ اساسنامه شرکت سهامی خاص پایانه‌های عمومی وسایل نقلیه باربری - ۱۰۹۵
- قانون الحاق ایران به کنوانسیون عبور و مرور در جاده ها و کنوانسیون مربوط به علائم راهها - مصوب ۲۶/۱۱ - ۱۰۹۵
- کنوانسیون راجع به ترافیک راهها - مصوب ۸ نوامبر ۱۹۶۸ مطابق با ۱۷/۸/۱۳۴۷ شمسی - ۱۰۹۵
- فصل اول - مقررات عمومی (ماده ۱ تا ۴) - ۱۰۹۵
- فصل دوم - مقررات راه (ماده ۵ تا ۳۴) - ۱۰۹۸
- فصل سوم - شرایط پذیرفتن وسایل نقلیه موتوری و یدک در عبور و مرور بین المللی (ماده ۳۵ تا ۴۰) - ۱۱۱۰
- فصل چهارم - رانندگان وسایل نقلیه موتوری (ماده ۴۱ تا ۴۳) - ۱۱۱۱
- فصل پنجم - شرایط پذیرفتن دوچرخه و چرخ موتوری در عبور و مرور بین المللی (ماده ۴۴) - ۱۱۱۳
- فصل ششم - مقررات نهایی (ماده ۴۵ تا ۵۵) - ۱۱۱۳
- قانون کیفر بزه های مربوط راه آهن - مصوب ۳۱/۱/۱۳۲۰ با اصلاحات بعدی - ۱۱۱۶
- آئین نامه راهنمایی و رانندگی مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۹/۷/۷۳ - ۱۱۱۸
- فصل اول - تعاریف (ماده ۱) - ۱۱۱۸
- فصل دوم - شماره‌گذاری و نقل انتقال مالکیت (ماده ۲ تا ۱۶) - ۱۱۲۰
- فصل سوم - گواهینامه رانندگی (ماده ۱۷ تا ۱۸) - ۱۱۲۱
- فصل چهارم - معاینه وسایل نقلیه (ماده ۱۹ تا ۳۲) - ۱۱۲۱
- فصل پنجم - تصادفات (ماده ۳۳ تا ۴۲) - ۱۱۲۲

- فصل ششم - تجهیزات (ماده ۴۳ تا ۶۹) ----- ۱۱۲۳
- فصل هفتم - مقررات حمل و نقل بار و مسافر (ماده ۷۰ تا ۸۴) ----- ۱۱۲۴
- فصل هشتم - مقررات مختلف (ماده ۸۵ تا ۱۳۱) ----- ۱۱۲۵
- فصل نهم - علائم راهنمایی و رانندگی (ماده ۱۳۲ تا ۱۹۱) ----- ۱۱۲۷
- قانون اصلاح قانون تاسیس شرکت سهامی خاص پایانه‌های عمومی وسایل نقلیه باربری - مصوب ۲۵/۴/۷۴ ----- ۱۱۳۱
- قانون مقررات تردد وسایل نقلیه خارجی - مصوب ۱۲/۴/۷۳ ----- ۱۱۳۲
- آیین نامه اجرایی قانون مقررات تردد وسایل نقلیه خارجی ----- ۱۱۳۲
- فصل اول - تعاریف و کلیات (ماده ۱ تا ۵) ----- ۱۱۳۲
- فصل دوم - چگونگی ورود، تردد و توقف وسایل نقلیه خارجی در قلمروی جمهوری اسلامی ایران (ماده ۶ تا ۱۹) ----- ۱۱۳۳
- فصل سوم - مقررات حمل کالاهای وارداتی کشور (ماده ۲۰ تا ۲۷) ----- ۱۱۳۴
- مصوبات شورای عالی محیط زیست - مصوبه شماره ۱۳۴ شورای عالی ----- ۱۱۳۵
- قانون تاسیس شرکت سهامی خاص پایانه های عمومی وسایل نقلیه باربری - مصوب ۲۸ دی ماه ۱۳۶۷ ----- ۱۱۳۷
- آیین نامه تشکیل کمیسیون ایمنی راههای کشور - مصوب ۱۳۸۲ ----- ۱۱۳۷
- اصلاح آیین‌نامه اجرایی تبصره (۱) ماده (۱۷) اصلاحی قانون ایمنی راهها و راه‌آهن - مصوب ۱۳۷۹ - مصوب ۱۳۸ ----- ۱۱۳۹
- معاینه فنی ----- ۱۱۳۹
- آیین نامه نحوه از رده خارج کردن خودروهای فرسوده ----- ۱۱۳۹
- قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت - مصوب ۱/۱۰/۱۳۸۶ ----- ۱۱۴۰
- شهرداری ----- ۱۱۴۲
- شهرداری و شورا ----- ۱۱۴۲
- قانون شهرداری - مصوب ۱۱/۴/۱۳۳۴ با اصلاحات و الحاقات ----- ۱۱۴۲
- فصل اول - در تاسیس شهرداری (ماده ۱ تا ۳) ----- ۱۱۴۲
- فصل دوم - انتخابات انجمن شهر (ماده ۴ تا ۳۲) ----- ۱۱۴۲
- فصل سوم - در تشکیل انجمن شهر (ماده ۳۳ تا ۴۴) ----- ۱۱۴۷
- فصل چهارم - در وظایف انجمن (ماده ۴۵ تا ۴۹) ----- ۱۱۴۸

- ۱۱۴۹ ----- فصل پنجم - در انتخاب شهردار و معاون شهرداری (ماده ۵۰ تا ۵۴)
- ۱۱۵۲ ----- فصل ششم - در وظایف شهرداری (ماده ۵۵ تا ۵۷)
- ۱۱۵۶ ----- فصل هفتم - مقررات استخدامی و مالی (ماده ۵۸ تا ۸۵)
- ۱۱۵۸ ----- فصل هشتم - در مقررات جزایی (ماده ۸۶ تا ۹۲)
- ۱۱۵۹ ----- فصل نهم - خاتمه (ماده ۹۳ تا ۱۱۹)
- ۱۱۶۵ ----- قانون نوسازی و عمران شهری - مصوب ۷/۹/۱۳۴۷ با اصلاحات
- ۱۱۷۲ ----- آیین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۱۶ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱/۴/۴۸ با اصلاحات
- ۱۱۷۳ ----- آیین نامه اجرایی ماده ۳۱ قانون نوسازی و عمران شهری - مصوب ۶/۸/۱۳۴۸
- ۱۱۷۴ ----- آیین نامه اجرایی ماده ۱۲ قانون نوسازی و عمران شهری - مصوب ۳۰/۳/۱۳۴۹
- ۱۱۷۵ ----- قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قوانین مربوط به شهرداری و نوسازی و عمران شهری - مصوب ۳۱/۳/۱۳۵۱
- ۱۱۷۶ ----- لایحه قانونی اصلاح قسمتی از مقررات قانون نوسازی و عمران شهری - مصوب ۱۲/۶/۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری ا
- ۱۱۷۶ ----- آیین نامه ترتیب ممیزی و تشخیص و طرز وصول عوارض (موضوع تبصره ۱ ماده ۲ قانون نوسازی و عمران شهری -
- ۱۱۷۸ ----- تصویبنامه در خصوص تعیین بهای اراضی در شهرها
- ۱۱۷۸ ----- قانون استفساریه ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری
- ۱۱۷۹ ----- قانون تشکیلات ، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران - مصوب ۱/۳/۱۳۷۵
- ۱۱۷۹ ----- فصل اول - تشکیلات (ماده ۱ تا ۱۶)
- ۱۱۸۱ ----- فصل دوم - انتخابات (ماده ۱۷ تا ۶۷)
- ۱۱۸۶ ----- فصل سوم - وظایف و اختیارات شوراها (ماده ۶۸ تا ۷۸)
- ۱۱۹۱ ----- فصل چهارم - ترتیب رسیدگی به تخلفات (ماده ۷۹ تا ۸۲)
- ۱۱۹۳ ----- فصل پنجم - سایر مقررات (ماده ۸۳ تا ۹۵)
- ۱۱۹۴ ----- آیین نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی شهرستان ، استان و شورای عالی استانها - مصوب ۳۰/۴/۱۳۸۱ هی
- ۱۱۹۵ ----- آیین نامه اجرایی تشکیلات ، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی شهرک - مصوب ۱۱/۱/۱۳۷۸ هیات و
- ۱۲۰۰ ----- آیین نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی شهر و شهرک - مصوب ۱۶/۴/۱۳۸۱ هیات وزیران
- ۱۲۰۰ ----- فصل اول: کلیات (ماده ۱ تا ۲۰)

- فصل دوم: هیات اجرایی (ماده ۲۱ تا ۳۷) ----- ۱۲۰۱
- فصل سوم هیات‌های نظارت (ماده ۳۸ تا ۴۴) ----- ۱۲۰۳
- فصل چهارم اعلام داوطلبی ، بررسی سوابق و رسیدگی به صلاحیت داوطلبان (ماده ۴۵ تا ۶۰) ----- ۱۲۰۳
- فصل پنجم تبلیغات (ماده ۶۱ تا ۶۶) ----- ۱۲۰۴
- فصل ششم برنامه روز اخذ رای و قرائت آرا و اعلام نتیجه اخذ رای (ماده ۶۷ تا ۶۹) ----- ۱۲۰۶
- فصل هفتم بررسی شکایات (ماده ۷۰ تا ۷۶) ----- ۱۲۰۹
- فصل هشتم صدور کارت عضویت اعضا و امحای اوراق انتخاباتی (ماده ۷۷ تا ۷۹) ----- ۱۲۱۰
- آیین‌نامه اجرایی تشکیلات ، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی بخش - مصوب ۱۱/۱/۱۳۷۸ هیات وزی ----- ۱۲۱۱
- آیین‌نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی روستا و بخش - مصوب ۱۶ ۴ ۸۱ ----- ۱۲۱۴
- فصل اول کلیات (ماده ۱ تا ۱۹) ----- ۱۲۱۴
- فصل دوم هیات اجرایی (ماده ۲۰ تا ۳۶) ----- ۱۲۱۵
- فصل سوم هیات‌های نظارت (ماده ۳۷ تا ۴۵) ----- ۱۲۱۶
- فصل چهارم اعلام داوطلبی ، بررسی سوابق و رسیدگی به صلاحیت داوطلبان (ماده ۴۶ تا ۶۱) ----- ۱۲۱۷
- فصل پنجم تبلیغات (ماده ۶۲ تا ۶۷) ----- ۱۲۱۸
- فصل ششم برنامه‌ریزی رای و قرائت آرا و اعلام نتیجه اخذ رای (ماده ۶۸ تا ۷۰) ----- ۱۲۱۹
- فصل هفتم بررسی شکایات (ماده ۷۱ تا ۷۷) ----- ۱۲۲۱
- فصل هشتم انتخابات شورای اسلامی بخش (ماده ۷۸ تا ۸۳) ----- ۱۲۲۲
- فصل نهم صدور کارت عضویت اعضای شوراها و امحای اوراق انتخاباتی (ماده ۸۴ تا ۸۶) ----- ۱۲۲۳
- قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری ها - مصوب ۱۴/۲/۶۱ ----- ۱۲۲۴
- آیین‌نامه اجرایی تشکیلات ، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی روستا و نحوه انتخاب دهیار - م ----- ۱۲۲۴
- آیین‌نامه اجرای قانون تغییرعنوان اعضای شوراهای اسلامی روستاهایی که به شهر تبدیل شده‌اند - مصوب ۱۳۷ ----- ۱۲۲۸
- اصلاح آیین‌نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی شهر و شهرک - مصوب ۱۳۸۲ ----- ۱۲۲۹
- تصویب‌نامه در خصوص آیین‌نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی روستا و بخش - مصوب ۱۳۸۲ ----- ۱۲۲۹
- قانون اصلاح مواد (۱)، (۲) و (۷) قانون تشکیلات ، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرد ----- ۱۲۳۰

- قانون استفساریه ماده (۲۸) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۲۳۱
- قانون اصلاح موادی از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ ۱۲۳۱
- اصلاح ماده (۸) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی روستا و بخش - مصوب ۱۳۸۶/۷/۱ ۱۲۳۵
- قوانین شهرسازی ۱۲۳۶
- قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران - مصوب ۲۲/۱۲/۱۳۵۱ با اصلاحات ۱۲۳۶
- قانون نظام مهندسی ۱۲۳۷
- فصل اول - کلیات، اهداف و خط مشی (ماده ۱ تا ۴) ۱۲۳۷
- فصل دوم - تشکیلات، ارکان، وظایف و اختیارات سازمان (ماده ۵ تا ۲۷) ۱۲۳۸
- فصل سوم - امور کاردانه‌ها و صنوف ساختمانی (ماده ۲۸ تا ۲۹) ۱۲۴۳
- فصل چهارم - مقررات فنی و کنترل ساختمان (ماده ۳۰ تا ۳۵) ۱۲۴۳
- فصل پنجم - آموزش و ترویج (ماده ۳۶) ۱۲۴۴
- فصل ششم - متفرقه (ماده ۳۷ تا ۴۲) ۱۲۴۵
- قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران ۱۲۴۵
- آیین‌نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان - مصوب ۱۷/۱۱/۱۳۷۵ هیات وزیران ۱۲۴۷
- فصل اول کلیات (ماده ۱ تا ۳) ۱۲۴۷
- فصل دوم پروانه اشتغال به کار مهندسی حدود صلاحیت و ظرفیت اشتغال (ماده ۴ تا ۲۵) ۱۲۴۷
- فصل سوم پروانه اشتغال به کار کردانی و تجربی (ماده ۲۶ تا ۳۲) ۱۲۵۱
- فصل چهارم نظارت و کنترل ساختمان (ماده ۳۳ تا ۴۰) ۱۲۵۳
- فصل پنجم سازمان نظام مهندسی ساختمان استان (ماده ۴۱ تا ۹۴) ۱۲۵۴
- فصل ششم شورای انتظامی نظام مهندسی (ماده ۹۵ تا ۱۰۱) ۱۲۶۵
- فصل هفتم هیات عمومی (ماده ۱۰۲ تا ۱۰۷) ۱۲۶۶
- فصل هشتم شورای مرکزی (ماده ۱۰۸ تا ۱۱۴) ۱۲۶۷
- فصل نهم رییس سازمان (ماده ۱۱۵ تا ۱۱۶) ۱۲۶۹
- فصل دهم مقررات متفرقه (ماده ۱۱۷ تا ۱۲۴) ۱۲۶۹

- ۱۲۷۰----- مصوبه شورای عالی در خصوص هماهنگ نمودن صدور پروانه ، گواهی عدم خلاف و گواهی پایان ساختمان در سطح ش
- ۱۲۷۲----- آیین نامه طرح ساختمان در برابر زلزله - مصوب ۲۴ مهر ۱۳۶۷ هیات وزیران
- ۱۲۷۲----- آیین نامه اجرایی ماده (۲۷) قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان - مصوب ۳/۸/۱۳۷۹ هیات وزیران
- ۱۲۷۳----- مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری
- ۱۲۷۳----- دستورالعمل تشخیص اساس طرح جامع شهر - مصوب ۲۳/۱۲/۶۳ (بند ۱)
- ۱۲۷۴----- منع احداث و توسعه و ضرورت خروج تدریجی تاسیسات نظامی از محدوده و حریم استحفاظی شهر - مصوب ۲۳/۱۲/۶۳
- ۱۲۷۴----- تصویب طرحهای ملی موثر در توسعه شهرها توسط شورای عالی شهرسازی و معماری ایران - مصوبه مورخ ۲۳/۱۲/۶۳ (ب)
- ۱۲۷۵----- متن اصلاح شده مصوبه ۱۹/۱۱/۶۴ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران - مصوب ۷/۲/۶۶
- ۱۲۷۵----- مقررات ایمن سازی و احداث پناهگاه در ساختمانهای مسکونی و عمومی شهری مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری
- ۱۲۷۶----- ضوابط حفظ حریم و اراضی مجاور راهها در محدوده استحفاظی و حریم شهرها - مصوب مورخ ۱/۳/۶۸
- ۱۲۷۷----- ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای عبور و مرور معلولین - مصوب مورخ ۸/۳/۶۸
- ۱۲۷۸----- لزوم مطابقت کلیه طرحهای آماده‌سازی با طرحهای جامع تفصیلی و هادی - مصوب مورخ ۱۸/۱۰/۶۸ (بند ۴)
- ۱۲۷۸----- اصلاحیه بند ۳ ضوابط حفظ حریم و اراضی مجاور راهها در محدوده استحفاظی مصوب ۱/۳/۶۸ - از مصوبه ۳/۲/۶۹
- ۱۲۷۸----- بررسی مصوبات قبلی کمیسیونهای ماده ۵ - مصوب مورخ ۱۷/۱۰/۶۹
- ۱۲۷۸----- ضوابط و مقررات افزایش تراکم و بلند مرتبه سازی - از مصوبه مورخ ۲۴/۱۰/۶۹
- ۱۲۷۹----- مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری در مورد غیرقابل تفویض بودن اختیارات کمیسیون ماده ۵ - مصوب ۲/۲/۷۰
- ۱۲۷۹----- مشخصات پهنه‌بندی اقلیمی ایران و روشهای کلی طراحی مسکن ساختمان و شهرسازی - مصوب ۱۳/۳/۷۰
- ۱۲۸۰----- ضوابط نحوه استفاده از زمینهای واقع در معرض خطر بالا آمدن آب دریای خزر (اصلاحی ۷۱)
- ۱۲۸۱----- ضوابط و نحوه تعیین عرض بستر و حریم رودخانه ، انبار و مسیلهها واقع در شهرها و حریم استحفاظی آنها - م
- ۱۲۸۱----- نحوه بررسی و تصویب طرحهای جامع شهری - مصوب ۱/۴/۷۱
- ۱۲۸۲----- ضوابط شهرسازی و معماری در ارتباط با قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها - مصوب
- ۱۲۸۳----- ضوابط مربوط به تعیین مقدار زمین مورد نیاز موسسات آموزش عالی - مصوب ۲۳/۶/۷۱
- ۱۲۸۳----- مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص نحوه بررسی طرحهای جامع شهرهای مرکز استان با جمعیت ک
- ۱۲۸۳----- مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص نحوه بررسی و تصویب طرحهای جامع شهرستان - مصوب ۱/۱/۸

- مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص ضوابط جلوگیری از افزایش محدوده شهرها - مصوب ۱۰/۸/۱۳ مصوب ۱۲۸۴-----
- اراضی و املاک ----- ۱۲۸۵
- آیین نامه مربوط به استفاده از اراضی احداث بنا و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها - مصوب ۲۷/۲/۱۳۵۵ هیات وزیران با اد
- فصل اول - کلیات و تعاریف (ماده ۱ تا ۳) ----- ۱۲۸۵
- فصل دوم - ایجاد ساختمانها و تاسیسات غیرشهرک (ماده ۴ تا ۱۰) ----- ۱۲۸۶
- فصل سوم - احداث شهرک (ماده ۱۱ تا ۱۶) ----- ۱۲۸۹
- لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی ، عمرانی و نظامی دولت - مص ----- ۱۲۹۰
- قانون نحوه تقویم ابنیه ، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها - مصوب ۲۸/۷/۱۳۷۰ ----- ۱۲۹۳
- قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها - مصوب ۲۹/۸/۱۳۶۷ ----- ۱۲۹۴
- لایحه قانونی راجع به لغو مالکیت اراضی موات واقع بین محدوده بیست و پنج ساله قانونی شهر تهران و حریم ا ----- ۱۲۹۴
- قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن - سال ۱۳۵۸ ----- ۱۲۹۵
- اصلاحیه قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن - سال ۱۳۵۸ ----- ۱۲۹۵
- آیین نامه قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن - مصوب ۲۶/۵/۱۳۵۸ هیات وزیران ----- ۱۲۹۶
- فصل اول نحوه اعلام به مالکین (ماده ۱) ----- ۱۲۹۶
- فصل دوم مقررات تشخیص اراضی موات و عمران و آبادی (ماده ۲ تا ۴) ----- ۱۲۹۶
- فصل سوم اراضی مشمول تبصره ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن (ماده ۵ تا ۸) ----- ۱۲۹۷
- فصل چهارم تعیین تکلیف اراضی موات (ماده ۹ تا ۱۵) ----- ۱۲۹۷
- فصل پنجم نحوه واگذاری اراضی (ماده ۱۶ تا ۲۳) ----- ۱۲۹۸
- قانون اراضی شهری - سال ۲۷/۱۲/۱۳۶۰ ----- ۱۲۹۹
- اصلاحیه قانون اراضی شهری - سال ۱۳۶۷ ----- ۱۳۰۱
- تفسیر قانونی تبصره ۲ ماده ۱۰ و مواد ۱۴ و ۱۵ قانون اراضی شهری - مصوب ۵/۱۰/۱۳۶۰ ----- ۱۳۰۲
- آیین نامه اجرایی قانون اراضی شهری - مصوب ۲۰/۳/۱۳۶۱ ----- ۱۳۰۲
- فصل اول - مقررات محدوده شهرها و شهرکها (ماده ۱ تا ۲) ----- ۱۳۰۲
- فصل دوم - نحوه تشکیل کمیسیونها و مقررات تشخیص اراضی (ماده ۳ تا ۴۲) ----- ۱۳۰۲

- فصل سوم - نحوه اعلام برای خرید و تملک اراضی (ماده ۴۳ تا ۶۳) ----- ۱۳۰۹
- فصل چهارم نحوه واگذاری اراضی (ماده ۶۴ تا ۷۷) ----- ۱۳۱۲
- فصل پنجم نحوه تقویم دولت برای خرید و فروش و معاوضه اراضی (ماده ۷۸ تا ۸۰) ----- ۱۳۱۶
- فصل ششم - شیوه ادغام سازمانهای عمران اراضی شهری (ماده ۸۱ تا ۸۲) ----- ۱۳۱۶
- فصل هفتم - مقررات مربوط به رفع تصرف و تجاوز (ماده ۸۳ تا ۸۷) ----- ۱۳۱۷
- فصل هشتم - مقررات متفرقه (ماده ۸۸ تا ۱۰۰) ----- ۱۳۱۷
- آیین نامه اجرایی قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن - مصوب سال ۱۳۶۶ ----- ۱۳۱۸
- قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادهای - مصوب مجمع تشخیص مصلحت ۱۵/۱۲/۱۳۷۰ ----- ۱۳۱۸
- قانون تفسیر قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادهای - مصوب ۱۵/۱۲/۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام ----- ۱۳۱۹
- لایحه قانونی راجع به جلوگیری از تصرف و تملک اراضی متعلق به دولت موضوع قانون لغو مالکیت اراضی ----- ۱۳۱۹
- مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص تعیین مهلت اعتراض به نظریه وزارت مسکن و شهرسازی و موضوع ماده ۱۲ ----- ۱۳۲۰
- قانون راجع به اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانکها - مصوب ۸/۶/۱۳۳۵ ----- ۱۳۲۰
- قانون مربوط به تملک زمینها برای اجرای برنامه‌های شهرسازی - مصوب ۱۷/۳/۱۳۳۹ ----- ۱۳۲۱
- لایحه قانونی خرید اراضی و املاک مورد احتیاج دولت و شهرداریها - سال ۱۳۵۸ ----- ۱۳۲۳
- آیین نامه اجرایی قانون مربوط به تملک زمینها برای اجرای برنامه‌های شهرسازی - مصوب ۱۳۳۹ ----- ۱۳۲۵
- آیین نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه‌ها و انهار و مسیلها مرداب ها ، برکه های طبیعی و شبکه‌های آ ----- ۱۳۲۵
- لایحه قانونی مربوط به الحاق یک تبصره به ماده واحده قانون اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانکها ----- ۱۳۲۸
- آیین نامه مربوط به تعیین بستر و حریم رودخانه‌ها و انهار و مسیلها و شبکه‌های آبیاری و زهکشی - مصوب ----- ۱۳۲۸
- تصویبنامه راجع به انتقال صنایع آلوده کننده و مزاحم محیط زیست شهرتهران (تهران بزرگ و دامداریها و م ----- ۱۳۳۰
- آیین نامه اجرایی قانون اصلاح مواد یک و دو و سه قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت (با اصلاحات بعد ----- ۱۳۳۱
- اصلاحیه آیین نامه قانون اصلاح مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت مصوب ۱۹/۱/۷۱ - مصو ----- ۱۳۳۱
- آیین نامه اجرایی تبصره (۳) ماده (۲) قانون اصلاح مواد (۱۴۷) و (۱۴۸) اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک کش ----- ۱۳۳۲
- لایحه قانونی ثبت اراضی موات اطراف شهر تهران - مصوب ۲۵/۴/۱۳۳۱ ----- ۱۳۳۲
- مقررات مالی ----- ۱۳۳۲

- ۱۳۳۲ آیین نامه مالی شهرداریها - مصوب ۱۲/۴/۱۳۴۶
- ۱۳۳۳ قسمت اول - امور معاملات (ماده ۱ تا ۴)
- ۱۳۳۴ قسمت دوم - مناقصه (ماده ۵ تا ۸)
- ۱۳۳۴ قسمت سوم - انعقاد پیمان (ماده ۹ تا ۱۰)
- ۱۳۳۴ قسمت چهارم - ترتیب تحویل (ماده ۱۱ تا ۱۲)
- ۱۳۳۵ قسمت پنجم - مزایده (ماده ۱۳ تا ۱۴)
- ۱۳۳۵ قسمت ششم - سایر معاملات شهرداری (ماده ۱۵ تا ۱۶)
- ۱۳۳۵ قسمت هفتم - مقررات عمومی (ماده ۱۷ تا ۲۲)
- ۱۳۳۶ قسمت هشتم - امور مالی
- ۱۳۳۶ فصل اول - بودجه (ماده ۲۳ تا ۲۸)
- ۱۳۳۷ فصل دوم - درآمدها (ماده ۲۹ تا ۳۲)
- ۱۳۳۷ فصل سوم - هزینه‌ها (ماده ۳۳ تا ۳۶)
- ۱۳۳۸ فصل چهارم - صندوق و عملیات استقراضی شهرداری (ماده ۳۷ تا ۴۱)
- ۱۳۳۸ فصل پنجم - حسابداری (ماده ۴۲ تا ۴۳)
- ۱۳۳۹ فصل ششم - ممیزی و حسابرسی (ماده ۴۴)
- ۱۳۳۹ فصل هفتم - اموال (ماده ۴۵ تا ۴۸)
- ۱۳۳۹ آیین نامه معاملات شهرداری تهران - مصوب ۲۵/۱/۱۳۵۵ با اصلاحات
- ۱۳۳۹ فصل اول - نصاب معاملات (ماده ۱ تا ۴)
- ۱۳۴۰ فصل دوم - مناقصه (ماده ۵ تا ۲۳)
- ۱۳۴۳ فصل چهارم - ترتیب تحویل کالا یا خدمت (ماده ۲۴ تا ۲۷)
- ۱۳۴۴ فصل پنجم - مزایده (ماده ۲۸ تا ۳۰)
- ۱۳۴۵ فصل ششم - ترک مناقصه یا مزایده و حراج (ماده ۳۱ تا ۳۴)
- ۱۳۴۵ فصل هفتم - مقررات عمومی (ماده ۳۵ تا ۴۰)
- ۱۳۴۶ تصویبنامه در خصوص تغییر سقف ترک تشریفات مناقصه یا مزایده در معاملات عمده شهرداریها

- قانون تطبیق سقف معاملات شهرداریهای کشور و شهرداری تهران با نصابهای مذکور در قانون اصلاح بندهای الف ۱۳۴۶
- تصویبنامه در خصوص ماده (۶۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۴۶
- آیین نامه اجرایی بند (۳) از ماده (۲۴) قانون مالیاتهای مستقیم - مصوب ۱۳۶۶ ۱۳۴۷
- آیین نامه اجرای بندهای (الف و ب) ماده ۱۲۷ ق م م - مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ ۱۳۴۷
- قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت - مصوب ۳۰/۶/۷۶ ۱۳۴۸
- آیین نامه اجرایی قانون نحوه اوراق مشارکت - مصوب ۱۸/۵/۱۳۷۷ هیات وزیران ۱۳۵۰
- آیین نامه مربوط به شرایط و طرز انتخاب و حدود وظایف و مسولیت‌های امین اموال - مصوب ۵ بهمن ۱۳۷۶ هیات ۱۳۵۳
- قانون انحلال صندوق مشترک شهرداریها - مصوب ۱۲/۸/۱۳۶۲ ۱۳۵۶
- تصویبنامه راجع به تعیین مبنای پیمانها و شاخص‌های تعدیل توسط شورای عالی فنی سازمان برنامه و بودجه ۱۳۵۷
- موافقتنامه ، شرایط عمومی و شرایط خصوصی پیمان (بخشنامه به دستگاههای اجرایی ، مهندسان مشاور و پیمان ۱۳۵۷
- تصویب نامه راجع به ماده (۲۰) مکررالحاقی به قانون آیین نامه مالی شهرداری ها - مصوب ۱۳۸۲ ۱۳۸۳
- مقررات استخدامی ۱۳۸۳
- آیین نامه استخدامی کارکنان شهرداریهای کشور - مصوب ۱۵/۸/۱۳۸۱ هیات وزیران ۱۳۸۳
- فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۱۰) ۱۳۸۳
- فصل دوم - ورود به خدمت (ماده ۱۱ تا ۲۱) ۱۳۸۴
- فصل سوم - حقوق و مزایا (ماده ۲۲ تا ۳۸) ۱۳۸۶
- فصل چهارم - آموزش (ماده ۳۹) ۱۳۸۸
- فصل پنجم - رفاه (ماده ۴۰ تا ۴۵) ۱۳۸۹
- فصل ششم - بازنشستگی (ماده ۴۶ تا ۸۲) ۱۳۸۹
- فصل هفتم - سایر مقررات (ماده ۸۳ تا ۹۹) ۱۳۹۳
- مقررات بازنشستگی و وظیفه مستخدمین ثابت شهرداری تهران و موسسات وابسته - مصوب ۶/۴/۱۳۵۳ ۱۳۹۵
- لایحه قانونی راجع به تبدیل وضع استخدامی پیمانی (موقت شهرداری تهران به (ثابت - مصوب ۲۸/۹/۱۳۵۸ ۱۳۹۹
- لایحه قانونی شمول قانون استخدام کشوری درباره کارکنان شهرداریهای سراسر کشور (غیر از شهرداری پایتخت ۱۳۹۹
- آیین نامه امتحانات یا مسابقات استخدامی شهرداریها موضوع ماده هفت آیین نامه استخدامی شهرداریها ۱۳۹۹

- مقررات استخدامی مستخدمین موقت شهرداریها موضوع بند (پ ماده ۲ آیین نامه استخدامی شهرداریها - مصوب ۱ ۱۴۰۱
- آیین نامه حقوق و مزایای شهرداران - مصوب ۱۹/۳/۱۳۷۰ ۱۴۰۳
- آیین نامه اجرایی شرایط احراز تصدی سمت شهردار - مصوب ۱۱/۶/۱۳۷۷ هیات وزیران ۱۴۰۵
- اصلاحیه تصویب نامه موضوع تبصره الحاقی به ماده (۲۷) آیین نامه استخدامی شهرداریهای کشور - ۱۳۸۰ ۱۴۰۷
- اصلاحیه آیین نامه استخدامی کارکنان شهرداریهای کشور - مصوب ۱۳۸۲ ۱۴۰۷
- صنوف و اماکن عمومی ۱۴۰۷
- لایحه قانونی راجع به نحوه واگذاری اماکن و میادین و غرفه‌ها بمنظور ایجاد تسهیل در تهیه و توزیع میوه و ۱۴۰۷
- قانون نظام صنفی کشور - مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲ ۱۴۰۷
- فصل اول - تعاریف (ماده ۱ تا ۱۱) ۱۴۰۸
- فصل دوم - فرد صنفی (ماده ۱۲ تا ۲۰) ۱۴۰۸
- فصل سوم - اتحادیه ها (ماده ۲۱ تا ۳۱) ۱۴۱۰
- فصل چهارم - مجمع امور صنفی (ماده ۳۲ تا ۴۰) ۱۴۱۳
- فصل پنجم - شورای اصناف کشور (ماده ۴۱ تا ۴۷) ۱۴۱۵
- فصل ششم - کمیسیون نظارت (ماده ۴۸ تا ۵۲) ۱۴۱۶
- فصل هفتم - هیات عالی نظارت (ماده ۵۳ تا ۵۶) ۱۴۱۷
- فصل هشتم - تخلفات و جریمه ها (ماده ۵۷ تا ۷۴) ۱۴۱۸
- فصل نهم - سایر مقررات (ماده ۷۵ تا ۹۶) ۱۴۲۱
- آیین نامه آسیابانی - مصوب ۲۵/۷/۱۳۱۸ ۱۴۲۳
- آیین نامه ممنوعیت استعمال و عرضه سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی - مصوب ۷/۸/۱۳۷۶ هیات وزیران ۱۴۲۴
- آیین نامه اماکن عمومی - مصوب ۲۳/۳/۱۳۶۳ هیات وزیران با اصلاحات ۹/۱۱/۱۳۶۴ ۱۴۲۵
- آیین نامه چگونگی صدور پروانه کسب موقت و تبدیل آن به پروانه کسب دائم - مصوب ۶/۹/۱۳۷۹ ۱۴۲۷
- فصل اول - شرایط صدور پروانه کسب موقت (ماده ۱ تا ۵) ۱۴۲۷
- فصل دوم - چگونگی تبدیل پروانه کسب موقت به دائم (ماده ۶ تا ۷) ۱۴۲۸
- فصل سوم - سایر موارد (ماده ۸ تا ۲۰) ۱۴۲۸

- آیین نامه اجرایی قانون اصلاح ماده واحده قانون نحوه واگذاری اماکن و میادین و غرفه توزیع میوه مصوب ۱ - ۱۴۳۰
- آیین نامه مرده شویخانه و گورستان - مصوب ۱۳۱۹ - ۱۴۳۱
- فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۳) - ۱۴۳۱
- فصل دوم - شرایط حمل در گذشتگان (ماده ۴ تا ۹) - ۱۴۳۱
- فصل سوم - شرایط غسل و کفن در گذشتگان (ماده ۱۰ تا ۲۰) - ۱۴۳۲
- فصل چهارم - شرایط دفن و امانت گذاردن در گذشتگان (ماده ۲۱ تا ۲۵) - ۱۴۳۲
- فصل پنجم - گورستان (ماده ۲۶ تا ۲۸) - ۱۴۳۲
- فصل ششم - راجع به حمل درگذشتگان به اماکن متبرکه و یا سایر نقاط دیگر (ماده ۲۹) - ۱۴۳۳
- فصل هفتم - مواد متفرقه (ماده ۳۰ تا ۳۷) - ۱۴۳۳
- آیین نامه نامگذاری شهرها ، خیابانها ، اماکن و موسسات عمومی - مصوب ۶/۹/۱۳۷۵ - ۱۴۳۴
- حمل و نقل و ترافیک - ۱۴۳۴
- قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی عمومی در شهرها - مصوب ۱۶/۱۱/۱۳۳۱ با اصلاحات - ۱۴۳۴
- آیین نامه اجرای قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی - مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۳۴ با اصلاحات - ۱۴۳۵
- قانون تاسیس شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور - مصوب ۸/۱۲/۱۳۷۲ - ۱۴۳۶
- آیین نامه موضوع ماده (۵) قانون تاسیس شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور - مصوب ۲/۷/۱۳۷۴ هیات وز - ۱۴۳۷
- آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده واحده قانون راجع به تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی شهر تهران زیر نظر شهرداری تهران - مص
- فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۳) - ۱۴۳۸
- فصل دوم - پروانه اشتغال به حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری با تاکسی (پروانه تاکسیرانی) (ماده ۴ تا ۸) - ۱۴۳۸
- فصل سوم - پروانه بهره‌برداری از امتیاز سرویسهای تاکسی شهری (ماده ۹ تا ۱۳) - ۱۴۳۹
- فصل چهارم - نحوه نقل و انتقال حقوق پروانه بهره‌برداری (ماده ۱۴ تا ۱۹) - ۱۴۴۱
- قانون تفسیر تبصره یک ماده واحده قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی عمومی - مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۵۱ - ۱۴۴۲
- قانون واگذاری امور مربوط به راهنمایی و رانندگی شهر تهران به شهرداری پایتخت - مصوب ۷/۱۲/۱۳۵۳ - ۱۴۴۳
- قانون الحاق یک تبصره به قانون واگذاری امور مربوط به راهنمایی و رانندگی شهر تهران به شهرداری پایتخت - ۱۴۴۳
- قانون الحاق سه تبصره به بند (۱۲) ماده (۴) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ - مصوب ۱ - ۱۴۴۳

- قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی - مصوب ۳۰/۳/۱۳۵۰ و اصلاحیه‌های بعدی ۱۴۴۴
- آیین نامه اجرایی قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی - مصوب ۹/۵/۱۳۵۰ هیات وزیران ۱۴۴۸
- قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین - مصوب ۲۸/۱۲/۷۳ ۱۴۴۹
- قانون لغو موارد مصرف قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین - مصوب ۲۳/۹/۷۶ ۱۴۵۰
- لایحه قانونی راجع به مجازات متخلفین از اجرای مقررات طرح جدید ترافیک (مرحله سوم) - مصوب ۱۷/۳/۱۳۵۹ ۱۴۵۰
- قانون تشدید مجازات موتور سیکلت سواران متخلف - مصوب ۲۴/۲/۱۳۵۶ ۱۴۵۰
- آیین نامه اجرایی تبصره ۳ ماده واحده قانون تشدید مجازات موتور سیکلت سواران متخلف - مصوب ۲۸/۴/۱۳۶۶ ۱۴۵۱
- فصل اول - شهر تهران (ماده ۱ تا ۷) ۱۴۵۱
- فصل دوم - شهرها ، شهرکها ، روستاها و راههای کشور (ماده ۸ تا ۱۱) ۱۴۵۱
- فصل سوم - مقررات عمومی (ماده ۱۲ تا ۱۳) ۱۴۵۲
- آیین نامه اجرایی قانون جلوگیری از تردد موتور سیکلت‌های فاقد شماره راهنمایی و رانندگی - مصوب ۱۳۷۵ ۱۴۵۲
- فصل اول - نحوه احراز مالکیت و شماره‌گذاری (ماده ۱ تا ۳) ۱۴۵۲
- فصل دوم - نحوه نگهداری موتورسیکلت‌های توقیف شده و تعیین تکلیف آنها (ماده ۴ تا ۶) ۱۴۵۲
- فصل سوم - وجوه دریافتی از متقاضیان بابت ایجاد تسهیلات لازم و نحوه هزینه آن (ماده ۷ تا ۱۱) ۱۴۵۳
- قانون تاسیس شرکت راه آهن شهری تهران و حومه - مصوب ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۴ ۱۴۵۳
- لایحه قانونی اصلاح قانون تاسیس شرکت راه آهن شهری تهران و حومه مصوب ۱۵ تیر ۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی ۱۴۵۴
- لایحه قانونی احداث ترمینالهای مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیل‌های مسافربری بین شهری در داخل شهر تهران ۱۴۵۴
- آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۲) قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه‌های مسافربری و ممنوعیت تردد ۱۴۵۵
- قانون مجازات متخلفین از تعرفه نرخ حمل کالا و مسافر - مصوب ۲۳/۱/۶۷ ۱۴۵۶
- قانون الزام شرکتها و موسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه - مصوب ۱۳۶۸ ۱۴۵۷
- تصویب نامه در خصوص دریافت هزینه انتقال خودروها از محل ممنوعه به توقفگاه - مصوب ۵/۱۲/۱۳۷۵ ۱۴۵۸
- قانون ایمنی راهها و راه آهن - مصوب ۷/۴/۱۳۴۹ با اصلاحات بعدی ۱۴۵۹
- آیین نامه اجرایی آموزشگاههای تعلیم رانندگی - مصوب ۲۱/۱/۱۳۶۲ هیات وزیران ۱۴۶۱
- فصل اول - تعاریف (ماده ۱) ۱۴۶۱

- فصل دوم - نوع و شرایط آموزشگاههای تعلیم رانندگی (ماده ۲ تا ۱۸) ۱۴۶۱
- قانون کیفر بزه‌های مربوط راه آهن - مصوب ۳۱/۱/۱۳۲۰ با اصلاحات بعدی ۱۴۶۳
- قانون اجازه واگذاری امتیاز سرقفلی و مشارکت غرفه و فروشگاههای پایانه‌های عمومی بار و مسافر مجتمع ها ۱۴۶۶
- قانون تاسیس شرکت سهامی خاص پایانه‌های عمومی وسایل نقلیه باربری - مصوب ۲۸ دی ماه ۱۳۶۷ ۱۴۶۶
- قانون اصلاح قانون تاسیس شرکت سهامی خاص پایانه های عمومی وسایل نقلیه باربری - مصوب ۲۵/۴/۷۴ ۱۴۶۷
- فضای سبز ۱۴۶۷
- لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها - مصوب ۳/۳/۱۳۵۹ ۱۴۶۷
- قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب ۳/۲/۱۳۷۴ ۱۴۶۸
- فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۳) ۱۴۶۸
- فصل دوم - وسایل نقلیه موتوری (ماده ۴ تا ۱۱) ۱۴۶۹
- فصل سوم - کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها (ماده ۱۲ تا ۲۱) ۱۴۷۰
- فصل چهارم - منابع تجاری خانگی و منابع متفرقه (ماده ۲۲ تا ۲۷) ۱۴۷۱
- فصل پنجم - مجازات‌ها (ماده ۲۸ تا ۳۲) ۱۴۷۲
- فصل ششم - مقررات مختلف (ماده ۳۳ تا ۳۶) ۱۴۷۳
- آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا ۱۴۷۳
- فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۳) ۱۴۷۳
- فصل دوم - وسایل نقلیه موتوری (ماده ۴ تا ۶) ۱۴۷۴
- فصل سوم - منابع تجاری و متفرقه (ماده ۷ تا ۱۰) ۱۴۷۴
- آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۶) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب ۱۴/۲/۱۳۷۶ ۱۴۷۵
- فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۲) ۱۴۷۵
- فصل دوم - نحوه صدور مجوز تردد و چگونگی نظارت بر اجرای محدودیتها (ماده ۳ تا ۶) ۱۴۷۵
- فصل سوم - ساماندهی حمل‌ونقل شهری (ماده ۷ تا ۱۴) ۱۴۷۶
- تصویب نامه در خصوص ماده (۱۵) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ - مصوب ۲۸/۸/۱۳۷۹ ۱۴۷۷
- آیین نامه اجرایی تبصره ۸۲ قانون برنامه پنج ساله دوم اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۴۷۷

- ۱۴۷۸ تصویب نامه راجع به انتقال صنایع آلوده کننده و مزاحم محیط زیست شهر تهران (تهران بزرگ و دامداری‌ها و
- ۱۴۷۹ تصویب نامه راجع به انتقال دامداری‌ها و مرغداری‌ها به خارج از محدوده شهر - مصوب ۸/۵/۱۳۷۶
- ۱۴۷۹ تبصره ۱۳ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۶۸
- ۱۴۷۹ آیین نامه اجرایی تبصره ۱۳ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۴۸۲ فن آوری اطلاعات
- ۱۴۸۲ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای - مصوب ۱۰/۱۰/۱۳۷۹
- ۱۴۸۳ قانون تجارت الکترونیکی - مصوب ۵/۱۱/۱۳۸۲
- ۱۴۹۰ آئین نامه اجرائی مواد (۲) و (۱۷) قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای - مصوب ۲۴/۴
- ۱۴۹۹ تصویب نامه در خصوص برنامه جامع توسعه تجارت الکترونیکی - مصوب ۱۳۸۴
- ۱۵۰۵ آیین نامه گسترش بهره‌برداری از خدمات پول الکترونیک - مصوب ۱۳۸۴
- ۱۵۰۶ آیین نامه اجرایی ماده (۴۸) قانون تجارت الکترونیکی
- ۱۵۰۷ اساسنامه شورای عالی فناوری اطلاعات
- ۱۵۰۸ قانون اجازه اجرای موافقتنامه پروانه شبکه و خدمات ارتباطات سیار - مصوب ۱۳۸۴
- ۱۵۰۹ پیشنویس لایحه (قانون حمایت از سازندگان پایگاههای داده)
- ۱۵۱۱ دستورالعمل توسعه کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه قضایی و استقرار نرم‌افزار مدیریت پرونده
- ۱۵۱۳ بخشهای قوه قضائیه
- ۱۵۱۳ بخشنامه به مراجع قضائی سراسر کشور - ۱۳۸۴ ۱ ۱۰
- ۱۵۱۳ بخشنامه به رؤسای کل دادگستریها و دادستانهای عمومی و انقلاب سراسر کشور - ۱۳۸۴ ۲ ۱۱
- ۱۵۱۴ اصلاحیه بخشنامه به رؤسای کل دادگستریها و دادستانهای عمومی و انقلاب سراسر کشور - ۱۳۸۴ ۲ ۱۱
- ۱۵۱۴ بخشنامه به رؤسای کل دادگستریها و دادستانهای عمومی و انقلاب سراسر کشور - ۱۳۸۴ ۱ ۲۲
- ۱۵۱۴ بخشنامه به واحدهای قضائی سراسر کشور - ۱۳۸۴ ۲ ۱۵
- ۱۵۱۵ بخشنامه به رؤسای حوزههای قضائی و سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور - ۱۳۸۴ ۲ ۱۷
- ۱۵۱۶ بخشنامه به واحدهای قضائی سراسر کشور - ۱۳۸۴ ۳ ۱۶
- ۱۵۱۶ طرح جامع رفع اطاله دادرسی

- دستورالعمل ساماندهی نظارت بر تردد مراجعین و ارتقاء رفتار سازمانی در قوه قضائیه - مصوب ۱۳۸۴ ۱۵۲۴
- بخشنامه به رؤسای کل محترم دادگستری استان‌های سراسر کشور - ۱۳۸۴ ۹ ۴ ۱۵۳۴
- بخشنامه به رؤسای دادگستری استانهای سراسر کشور ۱۳۸۴ ۱۲ ۲۱ ۱۵۳۴
- بخشنامه به واحدهای قضایی سراسر کشور - مصوب ۱۳۸۵ ۱۵۳۴
- بخشنامه به رؤسای تمامی واحدهای قضایی سراسر کشور - ۱۳۸۵ ۱۰ ۱۷ ۱۵۳۴
- بخشنامه به معاونین، رؤسای سازمانهای تابعه، رؤسای دادگستری‌ها و دادستان‌های سراسر کشور، مدیران حوزه ۱۵۳۵
- بخشنامه به رؤسای محترم کل دادگستری‌های سراسر کشور - ۱۳۸۶ ۶ ۲۹ ۱۵۳۵
- بخشنامه به دادستان‌های عمومی و انقلاب دادگاه‌های انقلاب اسلامی کشور - ۱۳۸۶ ۶ ۳۱ ۱۵۳۷
- بخشنامه به مراجع قضایی سراسر کشور - ۱۳۸۶ ۷ ۳ ۱۵۳۸
- بخشنامه به دادستان کل کشور - رؤسای کل دادگستری‌ها، دادستان‌ها و رؤسای واحدهای قضایی سراسر کشور - ۱۵ ۱۵۳۸
- بخشنامه به واحدهای قضایی سراسر کشور - ۱۳۸۶ ۸ ۲۳ ۱۵۳۹
- بخشنامه به کلیه مراجع قضایی ۱۳۸۶ ۸ ۲۹ ۱۵۳۹
- بخشنامه به رؤسای کل دادگستری استان‌ها - مصوب ۱۳۸۶/۹/۱۰ ۱۵۴۰
- بخشنامه به رؤسای کل دادگستری‌های استان‌های سراسر کشور - ۱۳۸۶ ۹ ۲۶ ۱۵۴۰
- بخشنامه به مراجع قضایی سراسر کشور - ۱۳۸۶ ۱۱ ۱۳ ۱۵۴۰
- دستورالعمل ارزیابی عملکرد دادگستری‌ها، حوزه‌های ستادی و سازمان‌های وابسته قوه قضائیه - ۱۳۸۶ ۱۱ ۹ ۱۵۴۱
- آئین‌نامه نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضائیه ۱۵۴۳
- بخشنامه جلوگیری از دسترسی افراد غیرمجاز به پرونده‌های قضایی ۱۵۴۷
- راهنمای ثبت ۱۵۴۷
- ۱- قانون شرکتهای تجاری در ایران ۱۵۴۷
- ۲- کلیات حقوق شرکت‌ها در کشورهای مختلف ۱۵۴۸
- ۱- در حقوق فرانسه ۱۵۴۸
- ۲- در حقوق ژاپن ۱۵۴۹
- ۳- در حقوق انگلیس ۱۵۴۹

- ۴- در حقوق آلمان ۱۵۵۰
- ۵- در حقوق ایالات متحده آمریکا ۱۵۵۱
- ۳- طبقه بندی شرکتهای تجاری ۱۵۵۱
- ۴- مسئولیت مدنی و جزائی راجع به تشکیل شرکت ۱۵۵۱
- ۵- شرکت با مسئولیت محدود ۱۵۵۲
- ۱- وجوه افتراق و اشتراک شرکتهای سهامی خاص وبا مسئولیت محدود ۱۵۵۲
- ۲- اساسنامه شرکت با مسئولیت محدود ۱۵۵۳
- ۳- روش و مراحل ثبت شرکت با مسئولیت محدود ۱۵۵۴
- ۴- تعریف شرکت با مسئولیت محدود ۱۵۵۵
- ۵- یادآوریهای مهم قبل از تکمیل مدارک شرکت با مسئولیت محدود ۱۵۵۵
- ۶- تصفیه شرکت با مسئولیت محدود ۱۵۵۷
- ۷- مجمع عمومی و هیئت نظار ۱۵۵۸
- ۸- نتیجه ۱۵۶۰
- ۹- بطلان و انحلال شرکت با مسئولیت محدود ۱۵۶۰
- ۱۰- خصوصیات شرکت با مسئولیت محدود ۱۵۶۲
- ۱۱- سهم الشرکه و مسائل مربوط به نقل و انتقال آن ۱۵۶۳
- ۱۲- محاسن و معایب شرکت با مسئولیت محدود درمقایسه با شرکت سهامی ۱۵۶۵
- ۱۳- نحوه اداره شرکت قلمرو اختیارات و مسئولیت مدیران ۱۵۶۶
- ۶- ارگان تصمیم گیرنده شرکت با مسئولیت محدود ۱۵۶۸
- ۱- کلیات ۱۵۶۸
- ۲- تصمیمات عادی ۱۵۶۸
- ۳- تصمیمات فوق العاده ۱۵۶۸
- ۴- مسئولیت مدنی و جزایی ۱۵۶۹
- ۷- ارگان اداره کننده شرکت با مسئولیت محدود ۱۵۶۹

- ۱- مسئولیت مدنی و جزایی مدیران ۱۵۶۹
- ۲- محدودیت اختیارات مدیران ۱۵۶۹
- ۳- قلمرو اختیارات مدیران ۱۵۶۹
- ۴- انتخاب و عزل مدیران ۱۵۷۰
- ۸- ارگان کنترل کننده شرکت با مسئولیت محدود ۱۵۷۰
- ۹- انحلال و تصفیه شرکت با مسئولیت محدود ۱۵۷۱
- ۱- انحلال شرکت با مسئولیت محدود ۱۵۷۱
- ۲- تصفیه شرکت با مسئولیت محدود ۱۵۷۱
- ۱۰- تشکیل شرکت با مسئولیت محدود ۱۵۷۲
- ۱- مسئولیت مدنی و جزایی راجع به تشکیل شرکت ۱۵۷۲
- ۲- شرایط ماهوی ۱۵۷۲
- ۳- شرایط شکلی ۱۵۷۳
- ۱۱- تعریف و خصوصیات شرکت با مسئولیت محدود ۱۵۷۴
- ۱- تعریف شرکت ۱۵۷۴
- ۲- خصوصیات شرکت ۱۵۷۴
- ۱۲- تشکیل شرکت سهامی ۱۵۷۶
- ۱- تشکیل شرکت سهامی عام ۱۵۷۶
- ۲- تشکیل مجمع عمومی موسس ۱۵۸۰
- ۳- تشکیل شرکت سهامی خاص ۱۵۸۰
- ۱۳- تعریف و انواع شرکت سهامی ۱۵۸۱
- ۱- تعریف شرکت سهامی ۱۵۸۱
- ۲- انواع شرکت سهامی ۱۵۸۱
- ۳- جهات افتراق شرکت سهامی عام و خاص ۱۵۸۱
- ۱۴- ماهیت حقوقی شرکتهای سهامی ۱۵۸۲

- ۱- نظریات مختلف ۱۵۸۲
- ۲- شخص حقوقی در قانون تجارت ایران ۱۵۸۲
- ۱۵- شرکت های سهامی خاص و عام ۱۵۸۲
- ۱- تشریفات فروش سهام جدید ۱۵۸۲
- ۲- تعریف شرکت سهامی خاص ۱۵۸۵
- ۳- مسئولیت مدنی ۱۵۸۵
- ۴- جرایم مربوط به سهام ۱۵۸۷
- ۵- انحلال و تصفیه و اشکالات قانونی ۱۵۸۸
- ۶- ارگان تصمیم گیرنده ۱۵۸۹
- ۷- مزایای مدیران ۱۵۸۹
- ۸- منع تحصیل وام از شرکت ۱۵۹۱
- ۹- شرکتهای شخص ۱۵۹۱
- ۱۰- وجوه افتراق و اشتراک شرکتهای سهامی خاص و با مسئولیت محدود ۱۵۹۱
- ۱۱- اساسنامه شرکت سهامی خاص ۱۵۹۲
- ۱۲- یادآوریهای مهم قبل از تکمیل مدارک شرکت سهامی خاص ۱۵۹۸
- ۱۳- روش ومراحل ثبت شرکتهای سهامی خاص ۱۶۰۰
- ۱۴- مدارک مورد نیاز برای ثبت شرکت سهامی خاص ۱۶۰۱
- ۱۵- مسئولیت جزایی ۱۶۰۱
- ۱۶- کلیات ۱۶۰۲
- ۱۷- اساسنامه شرکت سهامی عام ۱۶۰۳
- ۱۶- شرکت های سهامی عام و خاص ۱۶۰۹
- ۱- محاسبه میزان حق تقدم ۱۶۰۹
- ۲- قلمرو محدودیت اختیارات بازرس یا بازرسان ۱۶۱۰
- ۳- مسئولیت مدنی و جزایی بازرس یا بازرسان ۱۶۱۱

- ۴- مجمع عمومی موسس ۱۶۱۲
- ۵- مجمع عمومی عادی صاحبان سهام ۱۶۱۳
- ۶- مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام ۱۶۱۶
- ۷- جرایم مربوط به مجامع عمومی شرکت سهامی خاص ۱۶۱۸
- ۸- اضافه ارزش سهامی یابهای انتشار ۱۶۲۱
- ۹- مقایسه طرق کاهش ۱۶۲۱
- ۱۰- تصفیه شرکت های سهامی ۱۶۲۲
- ۱۱- مسئولیت مدنی و جزایی در شرکت های سهامی ۱۶۲۷
- ۱۲- انتخاب وعزل بازرس یا بازرسان ۱۶۲۸
- ۱۳- نحوه فعالیت هیئت مدیره ۱۶۲۹
- ۱۴- نحوه انتخاب قلمرو و محدودیت اختیارات مدیران ۱۶۳۴
- ۱۵- ارگان کنترل کننده (بازرس یا بازرسان) و اشکالات قانونی ۱۶۳۷
- ۱۶- اشکالات قانونی از نظر کلیات و تاسیس ۱۶۳۷
- ۱۷- ارگان اداره کننده و اشکالات قانونی ۱۶۴۲
- ۱۸- نحوه انتخاب مدیران ۱۶۴۲
- ۱۹- قلمرو اختیارات مدیران ۱۶۴۶
- ۲۰- محدودیت اختیارات مدیران و مزایا ۱۶۴۸
- ۲۱- منع معامله با شرکت ۱۶۴۸
- ۲۲- منع مضمون عنه واقع شدن ۱۶۵۱
- ۲۳- منع رقابت با شرکت ۱۶۵۱
- ۲۴- منع دریافت حقوق یا پاداش ۱۶۵۲
- ۲۵- مسئولیت مدنی و جزایی مدیران ۱۶۵۲
- ۲۶- اهلیت قانونی و سهام و ثبته مدیران ۱۶۵۶
- ۱۷- طرز کار شرکت سهامی ۱۶۶۱

- ۱- ارگان تصمیم گیرنده شرکت سهامی ۱۶۶۱
- ۲- مسئولیت مدنی و جزائی ارگان تصمیم گیرنده ۱۶۶۱
- ۳- مجمع عمومی فوق العاده ۱۶۶۶
- ۴- مقررات مشترک راجع به مجامع عمومی عادی و فوق العاده ۱۶۷۱
- ۵- مجمع عمومی عادی ۱۶۷۲
- ۱۸- انحلال و تصفیه شرکت سهامی ۱۶۷۲
- ۱- انحلال شرکت سهامی ۱۶۷۲
- ۲- تصفیه شرکت سهامی ۱۶۷۳
- ۱۹- شرکت مختلط سهامی ۱۶۷۵
- ۱- علل مهجوریت شرکت مختلط سهامی ۱۶۷۵
- ۲- اداره شرکت ۱۶۷۵
- ۳- حدود مسئولیت شرکا ۱۶۷۶
- ۴- تفاوت شرکت مختلط سهامی با غیرسهامی ۱۶۷۶
- ۵- مشارکت اشخاص حقوقی در شرکت به عنوان شریک ضامن ۱۶۷۶
- ۲۰- شرکت مختلط غیرسهامی ۱۶۷۷
- ۱- علل مهجوریت شرکت مختلط سهامی ۱۶۷۷
- ۲- اداره شرکت ۱۶۷۸
- ۲۱- بررسی اشکالات قانونی شرکت های تضامنی- نسبی- مختلط. ۱۶۷۹
- ۱- عدم تعیین زمان برای تقسیم سود در شرکت های تضامنی ۱۶۷۹
- ۲- عدم تعیین حدود اختیارات و وظایف مدیران در شرکت های تضامنی ۱۶۷۹
- ۳- لزوم تعیین مدیر در شرکت های تضامنی ۱۶۷۹
- ۴- اصلاح عبارتی از ماده ۱۲۵ قانون تجار در خصوص شرکت تضامنی ۱۶۷۹
- ۵- دلایل عدم اقبال شرکت های تضامنی و نسبی ۱۶۷۹
- ۶- تشکیل شرکت و مشکلات موجود ۱۶۸۱

- ۱۶۸۲ ۲۲- افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی خاص و عام
- ۱۶۸۲ ۱- مقدمه
- ۱۶۸۴ ۲- توضیحات
- ۱۶۸۵ ۳- روش افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی عام
- ۱۶۸۶ ۲۳- سهام و اوراق قرضه
- ۱۶۸۶ ۱- تعریف سهام و انواع آن
- ۱۶۸۸ ۲- اوراق قرضه (اوراق سرمایه گذاری)
- ۱۶۸۹ ۳- مسئولیت مدنی و جزائی راجع به سهام و اوراق قرضه
- ۱۶۹۰ ۲۴- شرکت مختلط سهامی
- ۱۶۹۰ ۱- تشکیل شرکت مختلط سهامی
- ۱۶۹۰ ۲- ارگان اداره کننده شرکت مختلط سهامی
- ۱۶۹۱ ۳- ارگان کنترل کننده شرکت
- ۱۶۹۱ ۴- ارگان تصمیم گیرنده شرکت
- ۱۶۹۱ ۵- بطلان شرکت مختلط سهامی
- ۱۶۹۲ ۶- انحلال و تصفیه
- ۱۶۹۳ ۷- تعریف و وضعیت حقوقی شرکای شرکت
- ۱۶۹۳ ۲۵- شرکت مختلط غیر سهامی
- ۱۶۹۳ ۱- تعریف وضعیت حقوقی شرکای شرکت مختلط غیر سهامی
- ۱۶۹۴ ۲- تشکیل شرکت مختلط غیر سهامی
- ۱۶۹۴ ۳- ارگان اداره کننده شرکت مختلط غیرسهامی
- ۱۶۹۴ ۴- ارگان تصمیم گیرنده
- ۱۶۹۵ ۵- انحلال و تصفیه
- ۱۶۹۵ ۲۶- شرکت تعاونی
- ۱۶۹۵ ۱- مفهوم تعاون

- ۱۶۹۶ ۲- جایگاه شرکت های تعاونی در قوانین موضوعه
- ۱۶۹۷ ۳- استقلال شرکت های تعاونی
- ۱۶۹۸ ۲۷- تعریف و تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی
- ۱۶۹۸ ۱- تعریف و تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی
- ۱۶۹۹ ۲- ارگان اداره کننده
- ۱۷۰۰ ۳- ارگان تصمیم گیرنده
- ۱۷۰۰ ۴- ارگان کنترل کننده
- ۱۷۰۰ ۵- ادغام انحلال و تصفیه
- ۱۷۰۱ ۲۸- شرکت نسبی
- ۱۷۰۱ ۲۹- شرکت تضامنی
- ۱۷۰۱ ۱- کلیات
- ۱۷۰۲ ۲- موارد انحلال شرکت تضامنی
- ۱۷۰۲ ۳- اساسنامه شرکت تضامنی
- ۱۷۰۴ ۴- مسئولیت شرکای تضامنی در مقابل طلبکاران شرکت
- ۱۷۰۴ ۵- مسئولیت شرکا در مقابل طلبکار شخصی خود
- ۱۷۰۴ ۶- تعریف شرکت و وضعیت حقوقی شرکا
- ۱۷۰۵ ۳۰- تاسیس و اداره شرکت تضامنی
- ۱۷۰۵ ۱- اداره شرکت تضامنی
- ۱۷۰۵ ۲- تقسیم سود
- ۱۷۰۶ ۳- تاسیس شرکت تضامنی
- ۱۷۰۶ ۳۱- انحلال شرکت تضامنی
- ۱۷۰۷ ۳۲- ثبت شرکت داخلی و شعبه آن
- ۱۷۰۸ ۳۳- موسسات غیرتجاری
- ۱۷۰۸ ۱- کلیات

- ۱۷۰۹----- ۲- مدارک لازم برای ثبت موسسه غیر تجارتي
- ۱۷۱۰----- ۳- اساسنامه موسسه غیر تجارتي
- ۱۷۱۱----- ۳۴- موسسات غیر تجاري ثبت شرکتهای خارجی و داخلی و شعب
- ۱۷۱۲----- ۳۵- شرکتهای خارجی وثبت آن در ایران
- ۱۷۱۲----- ۱- روش ثبت شعبه شرکت خارجی
- ۱۷۱۲----- ۲- ثبت تغییرات در شرکتهای خارجی
- ۱۷۱۳----- ۳- روش ثبت شرکتهای خارجی
- ۱۷۱۳----- ۴- مقررات جزائی
- ۱۷۱۴----- ۳۶- راهنمای ثبت شعبه یانمایندهی شرکتهای خارجی
- ۱۷۱۴----- ۱- قانون اجازه ثبت شعبه یانمایندهی شرکتهای خارجی
- ۱۷۱۷----- ۲- روش و مراحل ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی
- ۱۷۱۸----- ۳- روش و مراحل ثبت شرکت (مشارکت ایرانی و خارجی)
- ۱۷۱۹----- ۴- شرکت های تضامنی ونسبی
- ۱۷۲۰----- ۳۷- راهنمای ثبت صندوق قرض الحسنه
- ۱۷۲۰----- ۱- مدارک مورد نیاز ثبت موسسه قرض الحسنه
- ۱۷۲۱----- ۲- اساسنامه صندوق قرض الحسنه
- ۱۷۲۴----- ۳۸- راهنمای اخذ کارت بازرگانی
- ۱۷۲۴----- ۱- مدارک مورد نیاز برای صدور اظهارنامه ثبت نام در دفاتر بازرگانی در اداره ثبت شرکتهای
- ۱۷۲۶----- ۲- ابطال کارت بازرگانی
- ۱۷۲۶----- ۳- مدارک مورد نیاز جهت ابطال کارت بازرگانی (ویژه اشخاص حقوقی)
- ۱۷۲۶----- ۳۹- مالکیت صنعتی(قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی، علائم تجاری)
- ۱۷۲۶----- ۱- اختراعات
- ۱۷۳۰----- ۲- طرحهای صنعتی
- ۱۷۳۱----- ۳- علائم تجاری

- ۱۷۳۳ ۴- مقررات عمومی
- ۱۷۳۵ ۴۰- اعاده اعتبار و حیثیت
- ۱۷۳۵ ۴۱- تصفیه امور ورشکستگی طبق قانون اداره تصفیه
- ۱۷۳۵ ۱- خاتمه ورشکستگی
- ۱۷۳۶ ۲- اداره تصفیه
- ۱۷۳۷ ۳- وظایف اداره تصفیه
- ۱۷۳۸ ۴۲- ورشکستگی و تصفیه اموال
- ۱۷۳۸ ۱- تصفیه امور ورشکستگی مطابق قانون تجارت
- ۱۷۴۰ ۲- انواع ورشکستگی
- ۱۷۴۱ ۳- اعلام ورشکستگی
- ۱۷۴۲ ۴- شرایط آغاز رسیدگی
- ۱۷۴۳ ۵- رسیدگی به دعوی و صدور حکم
- ۱۷۴۴ ۶- محتوی حکم به موجب قانون تجارت
- ۱۷۴۵ ۷- آثار حکم ورشکستگی نسبت به ورشکسته
- ۱۷۴۶ ۸- آثار حکم ورشکستگی نسبت به قراردادهای ورشکسته
- ۱۷۴۷ ۴۳- مقررات مالیاتی شرکتها و موسسات ایرانی و خارجی
- ۱۷۴۷ ۱- مالیات بر درآمد شرکتهای تجارتي و موسسات غیر تجارتي
- ۱۷۴۸ ۲- مالیات اشخاص حقوقی خارجی
- ۱۷۴۹ ۳- معافیت از مالیات بر درآمد - جرائم مالیاتی
- ۱۷۵۰ ۴۴- شرایط اشتغال به کار اتباع بیگانه در ایران
- ۱۷۵۰ ۱- شرایط اشتغال تبعه بیگانه از نظر قانون کار
- ۱۷۵۰ ۲- تشریفات صدور پروانه کار
- ۱۷۵۰ ۳- اشتغال به کار بیگانگان در ایران از نظر قانون تامین اجتماعی
- ۱۷۵۱ ۴۵- پیشنهاد اصلاحی به صورت پرسش و پاسخ

- ۱- شرکت های سهامی عام و خاص ۱۷۵۱
- ۲- شرکت با مسئولیت محدود ۱۷۵۵
- ۳- سایر شرکت ها ۱۷۵۸
- ۴۶- نتیجه ۱۷۶۰
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۷۶۱

قوانین حقوقی (قوانین و مقررات کشور)

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰ عنوان و نام پدیدآور: قوانین حقوقی (قوانین و مقررات کشور) / واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان. گرد آوری مطالب از کلیه سایت های حقوقی و قضائی ایران صورت گرفته است. مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۰. مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه ، رایانه و کتاب موضوع: قوانین و مقررات

قوانین حقوقی

قانون اساسی و مدنی

قانون اساسی

مقدمه قانون اساسی

بسم الله الرحمن الرحيم لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی اجتماعی سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می باشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می یافت این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلیعه این پیروزی بزرگ ملت ما با تمام وجود نیل به آن رامی طلبد. ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر، مکتبی و اسلامی بودن آن است ملت مسلمان ایران پس از گذراز نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت به این تجربه گرانبار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضتها، مکتبی نبودن مبارزات بوده است گرچه در نهضت‌های اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز سهم اصلی و اساسی را برعهده داشت ولی به دلیل دورشدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی جنبشها به سرعت به رکود کشانده شد. از این جا وجدان بیدار ملت به رهبری مرجع عالی قدر تقلید حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت و این بار روحانیت مبارز کشور که همواره در صف مقدم نهضت‌های مردمی بوده و نویسندگان و روشنفکران متعهد با رهبری ایشان تحرک نوینی یافت (آغاز نهضت اخیر ملت ایران در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو هجری قمری برابر با هزار و سیصد و چهل و یک هجری شمسی می باشد .) طلیعه نهضت اعتراض درهم کوبنده امام خمینی به توطئه آمریکایی «انقلاب سفید» که گامی در جهت تثبیت پایه‌های حکومت استبداد و تحکیم وابستگیهای سیاسی فرهنگی و اقتصادی ایران به امپریالیزم جهانی بود، عامل حرکت یکپارچه ملت گشت و متعاقب آن انقلاب عظیم و خونبار امت اسلامی در خرداد ماه ۴۲ که در حقیقت نقطه آغاز شکوفایی این قیام شکوهمند و گسترده بود، مرکزیت امام را به عنوان رهبری اسلامی تثبیت و مستحکم نمود و علی رغم تبعیدایشان از ایران در پی اعتراض به قانون ننگین کاپیتولاسیون مصونیت مستشاران آمریکایی پیوند مستحکم امت با امام همچنان استمرار یافت و ملت مسلمان و بویژه روشنفکران متعهد و روحانیت مبارز راه خود را در میان تبعید و زندان شکنجه و اعدام ادامه دادند. در این میان قشر آگاه و مسوول جامعه در سنگر مسجد، حوزه‌های علمیه و دانشگاه به روشنگری پرداخت و با الهام از مکتب انقلابی و پر بار اسلام تلاش پیگیر و ثمربخشی را

در بالابردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان آغاز کرد. رژیم استبداد که سرکوبی نهضت اسلامی را با حمله دژخیمانه به فیضیه و دانشگاه و همه کانونهای پرخروش انقلاب آغاز نموده بود، به مذبوحانه‌ترین اقدامات ددمنشانه جهت رهایی از خشم انقلابی مردم دست زد و در این میان جوخه‌های اعدام شکنجه‌های قرون وسطایی و زندانهای درازمدت بهایی بود که ملت مسلمان ما به نشانه عزم راسخ خود به ادامه مبارزه می‌پرداخت خون صدها زن و مرد جوان و باایمان که سحرگهان در میدانهای تیر، فریاد «الله اکبر» سر می‌دادند یا در میان کوچه و بازار هدف گلوله‌های دشمن قرار می‌گرفتند، انقلاب اسلامی ایران را تداوم بخشید، بیانیه‌ها و پیامهای پی در پی امام به مناسبتهای مختلف آگاهی و عزم امت اسلامی را عمق و گسترش هر چه فزونتر داد. حکومت اسلامی طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه که در اوج خفقان و اختناق رژیم استبدادی از سوی امام خمینی ارائه شد، انگیزه مشخص و منسجم نوینی را در مردم مسلمان ایجاد نمود و راه اصیل مبارزه مکتبی اسلام را گشود که تلاش مبارزان مسلمان و متعهد را در داخل و خارج کشور فشرده‌تر ساخت در چنین خطی نهضت ادامه یافت تا سرانجام نارضایی‌ها و شدت خشم مردم بر اثر فشار و اختناق روزافزون در داخل و افشاگری و انعکاس مبارزه به وسیله روحانیت و دانشجویان مبارز در سطح جهانی بنیانهای حاکمیت رژیم را بشدت متزلزل کرد و به ناچار رژیم و اربابانش مجبور به کاستن از فشار و اختناق و به اصطلاح باز کردن فضای سیاسی کشور شدند تا به گمان خویش در یقه اطمینانی به منظور پیشگیری از سقوط حتمی خود بکشایند امامت برآشفته و آگاه و مصمم به رهبری قاطع و خلل‌ناپذیر امام قیام‌پیروزمند و یکپارچه خود را به طور گسترده و سراسری آغاز نمود. خشم ملت انتشار نامه توهین آمیزی به ساحت مقدس روحانیت و بویژه امام خمینی در ۱۷ دی ۱۳۵۶ از طرف رژیم حاکم این حرکت را سریعتر نمود و باعث انفجار خشم مردم در سراسر کشور شد و رژیم برای مهار کردن آتشفشان خشم مردم کوشید این قیام معترضانه را بابه خاک و خون کشیدن خاموش کند اما این خود خون بیشتری در رگهای انقلاب جاری ساخت و تپشهای پی در پی انقلاب در هفتمها و چهلمهای یادبود شهدای انقلاب حیات و گرمی و جوشش یکپارچه و هر چه فزونتری به این نهضت در سراسر کشور بخشید و در ادامه و استمرار حرکت مردم تمامی سازمانهای کشور با اعتصاب یکپارچه خود و شرکت در تظاهرات خیابانی در سقوط رژیم استبدادی مشارکت فعالانه جستند، همبستگی گسترده مردان و زنان از همه اقشار و جناحهای مذهبی و سیاسی در این مبارزه به طرز چشمگیری تعیین کننده بود و مخصوصا زنان به شکل بارزی در تمامی صحنه‌های این جهاد بزرگ حضور فعال و گسترده‌ای داشتند، صحنه‌هایی از آن نوع که مادری را با کودکی در آغوش شتابان به سوی میدان نبرد و لوله‌های مسلسل نشان می‌داد، بیانگر سهم عمده و تعیین کننده این قشر بزرگ جامعه در مبارزه بود. بهایی که ملت پرداخت نهال انقلاب پس از یک سال و اندی مبارزه مستمر و پیگیر بباروری از خون بیش از شصت هزار شهید و صدهزار زخمی و معلول و با بر جای نهادن میلیاردها تومان خسارت مالی در میان‌فریادهای «استقلال آزادی حکومت اسلامی به ثمر نشست و این نهضت عظیم که با تکیه بر ایمان و وحدت و قاطعیت رهبری در مراحل حساس و هیجان‌آمیز نهضت و نیز فداکاری ملت به پیروزی رسید موفق به درهم کوبیدن تمام محاسبات و مناسبات و نهادهای امپریالیستی گردید که در نوع خود سرفصل جدیدی بر انقلابات گسترده مردمی در جهان شد. ۲۱ و ۲۲ بهمن سال یکهزار و سیصد و پنجاه و هفت روزهای فروریختن بنیاد شاهنشاهی شد و استبداد داخلی و سلطه خارجی متکی بر آن را درهم شکست و با این پیروزی بزرگ طلیعه حکومت اسلامی که خواست دیرینه مردم مسلمان است نوید پیروزی نهایی را داد. ملت ایران به طور یکپارچه و با شرکت مراجع تقلید و علمای اسلام و مقام رهبری در همه‌پرسی جمهوری اسلامی تصمیم نهایی وقاطع خود را بر ایجاد نظام نوین جمهوری اسلامی اعلام کرد و با اکثریت ۹۸/۲٪ به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت داد. اکنون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بیانگر نهادها و مناسبات سیاسی اجتماعی فرهنگی و اقتصادی جامعه بایدهاگشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه دهنده طرح نوین نظام حکومتی بر ویرانه‌های نظام طاغوتی قبلی گردد. شیوه حکومت در اسلام حکومت از دیدگاه اسلام برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی همکیش و همفکر است که به

خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود راپاک نمود و به مواضع فکری و جهان‌بینی اصیل اسلامی بازگشت و اکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه خود را بنا کند. بر چنین پایه‌ای رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزشهای والا- و جهان شمول اسلامی پرورش یابد. قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند بویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبشهای اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (ان هذمه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون) و استمرار به مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ قانون اساسی تضمینگر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. (و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم). در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است بر اساس تلقی مکتبی صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌گردند (ان الارض یرثها عبادی الصالحون) و قانونگذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت جریان می‌یابد. بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان عادل و پرهیزکار و متعهد (فقه‌های عادل امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (و الی الله مصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد. با توجه به این جهت قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیریهای سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست‌اندرکار و مسوول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود. (و نرید ان نمم علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین) ولایت فقیه عادل بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع‌الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود (مجاری الامور بید العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه) آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمانهای مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشد. اقتصاد وسیله است نه هدف در تحکیم بنیادهای اقتصادی اصل رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظامهای اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی زیرا که در مکاتب مادی اقتصاد خودهدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله‌انتظاری جز کار آیی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت با این دیدگاه برنامه اقتصاد اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تامین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است زن در قانون اساسی در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه‌جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است زن در چنین برداشتی از واحد خانواده از حالت شیء بودن و یا (ابزار کار بودن در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری در پرورش انسانهای مکتبی پیشاهنگ و خود هم‌رمز مردان در میدانهای فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسوولیتی خطیرتر و در دیدگاه

اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود. ارتش مکتبی در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب اساس و ضابطه باشد بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق شکل داده می‌شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه بار رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود. (و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدو کم و آخرین من دونهم). قضا در قانون اساسی مساله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی از این رو ایجاد سیستم قضائی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده است این نظام به دلیل حساسیت بنیادی ودقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد. (و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل) قوه مجریه قوه مجریه به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی به منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد و همچنین ضرورتی که این مساله حیاتی در زمینه‌سازی و وصول به هدف نهایی حیات خواهد داشت بایستی راهگشای ایجاد جامعه اسلامی باشد. نتیجتاً محصور شدن در هر نوع نظام دست و پاگیر پیچیده که وصول به این هدف را کند و یا خدشه‌دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد، بدین جهت نظام بوروکراسی که زاییده و حاصل حاکمیت‌های طاغوتی است بشدت طرد خواهد شد تا نظام اجرایی با کارآیی بیشتر و سرعت افزونتر در اجرای تعهدات اداری به وجود آید. وسایل ارتباط جمعی وسایل ارتباط جمعی (راديو - تلویزیون بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره‌جوید و از اشاعه و ترویج خصالت‌های تخریبی و ضداسلامی جدا پرهیز کنید. پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت انبای بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید بر عهده همگان است و لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسوولین کاردان و مومن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند، به امید این که در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد موفق گردد. (و كذلك جعلنا کم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس) نمایندگان مجلس خبرگان متشکل از نمایندگان مردم کار تدوین قانون اساسی را بر اساس بررسی پیش‌نویس پیشنهادی دولت و کلیه پیشنهادهایی که از گروه‌های مختلف مردم رسیده بود در دوازده فصل که مشتمل بر یکصد و هفتاد و پنج اصل می‌باشد در طلیعه پانزدهمین قرن هجرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و واله و سلم بنیانگذار مکتب رهایی بخش اسلام با اهداف و انگیزه‌های مشروح فوق به پایان رساند، به این امید که این قرن حکومت جهانی مستضعفین و شکست تمامی مستکبرین گردد.

اصول قانون اساسی

اصل اول - حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت الله العظمی امام خمینی در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رای داشتند به آن رای مثبت داد. اصل دوم - جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به ۱ - خدای یکتا (لااله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او. ۲ - وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین ۳ - معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا. ۴ - عدل خدا در خلقت و تشریح ۵ - امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام ۶ - کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسوولیت او در برابر خدا که از راه الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب

پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها. ج - نفی هر گونه ستمگری و ستمکشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تامین می‌کند. اصل سوم - دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ۱ - ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی ۲ - بالابردن سطح آگاهیهای عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر. ۳ - آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی ۴ - تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی فنی فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان ۵ - طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب ۶ - محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی ۷ - تامین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون ۸ - مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی خویش ۹ - رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی ۱۰ - ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور. ۱۱ - تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور. ۱۲ - پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه ۱۳ - تامین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها. ۱۴ - تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون ۱۵ - توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم ۱۶ - تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام تعهدبرادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان اصل چهارم - کلیه قوانین و مقررات مدنی جزائی مالی اقتصادی اداری فرهنگی نظامی سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است اصل پنجم - در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان شجاع مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد. اصل ششم - در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد. اصل هفتم - طبق دستور قرآن کریم «و امرهم شوری بینهم» و «شاوهم فی الامر» شوراها: مجلس شورای اسلامی شورای استان شهرستان شهر، محل بخش روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند. اصل هشتم - در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «و المومنون و المومنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» اصل نهم - در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی فرهنگی اقتصادی نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند. اصل دهم - از آن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزیهای مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. اصل یازدهم - به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه

ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. اصل دوازدهم - دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی شافعی مالکی حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج طلاق، ارث و وصیت و دعاوی مربوط به آن در دادگاهها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها برطبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب اصل سیزدهم - ایرانیان زرتشتی کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی برطبق آیین خود عمل می‌کنند. اصل چهاردهم - به حکم آیه شریه «لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند، این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که برضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند. فصل دوم زبان خط تاریخ و پرچم رسمی کشور اصل پانزدهم - زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است اصل شانزدهم - از آن جا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاسها و در همه رشته‌ها تدریس شود. اصل هفدهم - مبداء تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است اصل هجدهم - پرچم رسمی ایران به رنگهای سبز و سفید و سرخ باعلامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار «الله اکبر» است فصل سوم حقوق ملت اصل نوزدهم - مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. اصل بیستم - همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. اصل بیست و یکم - دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات بارعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ۱ - ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او. ۲ - حمایت مادران بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست ۳ - ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده ۴ - ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست ۵ - اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آ نهادر صورت نبودن ولی شرعی اصل بیست و دوم - حیثیت جان مال حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. اصل بیست و سوم - تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس رانمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد. اصل بیست و چهارم - نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن راقانون معین می‌کند. اصل بیست و پنجم - بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی افشای مخابرات تلگرافی و تلکس سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون اصل بیست و ششم - احزاب جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال آزادی وحدت ملی موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت اصل بیست و هفتم - تشکیل اجتماعات و راه پیماییها، بدون حمل سلاح به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است اصل بیست و هشتم - هر کس حق دارد شغلی را

که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. اصل بیست و نهم - برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی بیکاری پیری از کارافتادگی بی سرپرستی در راه ماندگی حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم خدمات و حمایتهای مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تامین کند. اصل سی ام - دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. اصل سی و یکم - داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند بخصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند. اصل سی و دوم - هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و تریبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود. اصل سی و سوم - هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد. اصل سی و چهارم - دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید، همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد. اصل سی و پنجم - در همه دادگاهها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. اصل سی و ششم - حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. اصل سی و هفتم - اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون معرّم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. اصل سی و هشتم - هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است اجبار شخص به شهادت اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود. اصل سی و نهم - هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است اصل چهلم - هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. اصل چهلم و یکم - تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید. اصل چهلم و دوم - اتباع خارجه می توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند. فصل چهارم اقتصاد و امور مالی اصل چهلم و سوم - برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، باحفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می شود: ۱ - تامین نیازهای اساسی مسکن خوراک پوشاک بهداشت درمان آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه ۲ - تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورتها حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد. ۳ - تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی فرصت و توان کافی برای

خودسازی معنوی سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد. ۴- رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری ۵- منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام ۶- منع اسراف و تبذیر در همه شؤون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف سرمایه‌گذاری تولید، توزیع و خدمات ۷- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور. ۸- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور. ۹- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تامین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند. اصل چهل و چهارم - نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ صنایع مادر، بازرگانی خارجی معادن بزرگ بانکداری بیمه تامین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی رادیو و تلویزیون پست و تلگراف و تلفن هوایمایی کشتیرانی راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است بخش تعاونی شامل شرکتها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی دامداری صنعت تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند. اصل چهل و پنجم - انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یارها شده معادن دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی کوهها، دره‌ها، جنگلها، نزارها، بیشه‌های طبیعی مراتعی که حریم نیست ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید، تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند. اصل چهل و ششم - هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند. اصل چهل و هفتم - مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است ضوابط آن را قانون معین می‌کند. اصل چهل و هشتم - در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استانها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استانها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد. به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد. اصل چهل و نهم - دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب رشوه اختلاس سرقت قمار، سوءاستفاده از موقوفات سوءاستفاده از مقاطعه کاریها و معاملات دولتی فروش زمینهای موات و مباحات اصلی دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود. اصل پنجاهم - در جمهوری اسلامی حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است اصل پنجاه و یکم - هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود. اصل پنجاه و دوم - بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. هر گونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود. اصل پنجاه و سوم - کلیه دریافت‌های دولت در حسابهای خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداختها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد. اصل پنجاه و چهارم - دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استانها به موجب قانون تعیین خواهد شد. اصل پنجاه و پنجم - دیوان محاسبات به کلیه حسابهای وزارتخانه‌ها، مؤسسات شرکت‌های دولتی و

سایر دستگاههایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات حسابها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریح بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود. فصل پنجم حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن اصل پنجاه و ششم - حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند. اصل پنجاه و هفتم - قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند. اصل پنجاه و هشتم - اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجراء قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد. اصل پنجاه و نهم - در مسائل بسیار مهم اقتصادی سیاسی اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد. اصل شصتم - اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً برعهده رهبری گذارده شده از طریق رئیس جمهور و وزراست اصل شصت و یکم - اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی پردازد. فصل ششم قوه مقننه مبحث اول مجلس شورای اسلامی اصل شصت و دوم - مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رای مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شونده‌گان و کیفیت انتخابات راقانون معین خواهد کرد. اصل شصت و سوم - دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد. اصل شصت و چهارم - عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال یکهزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال با در نظر گرفتن عوامل انسانی سیاسی جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند. اصل شصت و پنجم - پس از برگزاری انتخابات جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می‌یابد و تصویب طرحها و لوایح طبق آیین‌نامه مصوب داخلی انجام می‌گیرد مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد. برای تصویب آیین‌نامه داخلی موافقت دو سوم حاضران لازم است اصل شصت و ششم - ترتیب انتخاب رئیس و هیات رئیسه مجلس و تعداد کمیسیونها و دوره تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس به وسیله آیین‌نامه داخلی مجلس معین می‌گردد. اصل شصت و هفتم - نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم‌نامه را امضاء نمایند. بسم الله الرحمن الرحیم «من در برابر قرآن مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشم و دین خود را که ملت به ما سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف و کالت امانت و تقوا رارعايت نمايم و همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمات به مردم پایبند باشم از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهار نظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تامین مصالح آنها را مدنظر داشته باشم» نمایندگان اقلیت‌های دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد. نمایندگان آنی که در جلسه نخست شرکت ندارند باید در اولین

جلسه‌ای که حضور پیدا می‌کنند مراسم سوگند را به جای آورند. اصل شصت و هشتم - در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تایید شورای نگهبان انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می‌شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد. اصل شصت و نهم - مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد. اصل هفتادم - رئیس جمهور و معاونان او و وزیران به اجتماع یا به انفراد، حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می‌توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، وزرا مکلف به حضورند و هرگاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می‌شود. مبحث دوم اختیارات و صلاحیت مجلس شورای اسلامی اصل هفتاد و یکم - مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. اصل هفتاد و دوم - مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده برعهده شورای نگهبان است اصل هفتاد و سوم - شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان در مقام تمیز حق از قوانین می‌کنند نیست اصل هفتاد و چهارم - لوائح قانونی پس از تصویب هیات وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرحهای قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است اصل هفتاد و پنجم - طرحهای قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوائح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل در آمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تامین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد. اصل هفتاد و ششم - مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. اصل هفتاد و هفتم - عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. اصل هفتاد و هشتم - هرگونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور به شرط این که یک طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزنند و به تصویب چهار پنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد. اصل هفتاد و نهم - برقراری حکومت نظامی ممنوع است در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتا محدودیتهای ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند. اصل هشتادم - گرفتن و دادن وام یا کمکهای بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد. اصل هشتاد و یکم - دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است اصل هشتاد و دوم - استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی اصل هشتاد و سوم - بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد. اصل هشتاد و چهارم - هر نماینده در برابر تمام ملت مسوول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید. اصل هشتاد و پنجم - سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیاتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیونهای داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی

آنها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتهای، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت رابا رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیونهای ذی‌ربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد، در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد، تشخیص این امر به ترتیب مذکور دراصل نود و ششم با شورای نگهبان است علاوه بر این مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد. اصل هشتاد و ششم - نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی و اظهارنظر و رای خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آراییی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد. اصل هشتاد و هفتم - رئیس جمهور برای هیات وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رای اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف می‌تواند از مجلس برای هیات وزیران تقاضای رای اعتماد کند. اصل هشتاد و هشتم - در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسوول درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیرافتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی اصل هشتاد و نهم - ۱ - نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیات وزیران یا هر یک از وزرا را استیضاح کنند، استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود. هیات وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رای اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیات وزیران یا وزیر برای پاسخ نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را می‌دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رای عدم اعتماد خواهد کرد. اگر مجلس رای اعتماد نداد هیات وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود. در هر دو صورت وزرای مورد استیضاح نمی‌توانند در هیات وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می‌شود عضویت پیدا کنند. ۲ - در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس جمهور باید ظرف مدت یک‌ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس جمهور، اکثریت دوسوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رای دادند، مراتب جهت اجرای بند ۱۰ اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد. اصل نودم - هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند. اصل نود و یکم - به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود: ۱ - شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز، انتخاب این عده با مقام رهبری است ۲ - شش نفر حقوقدان در رشته‌های مختلف حقوقی از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رای مجلس انتخاب می‌گردند. اصل نود و دوم - اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می‌یابند و اعضای تازه‌ای به جای آنها انتخاب می‌شوند. اصل نود و سوم - مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان اصل نود

و چهارم - کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر بیند برای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است اصل نود و پنجم - در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهار نظر نهایی کافی نداند، می‌تواند از مجلس شورای اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت شود. اصل نود و ششم - تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است اصل نود و هفتم - اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما وقتی طرح یا لایحه‌ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند. اصل نود و هشتم - تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود. اصل نود و نهم - شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری ریاست جمهوری مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد. فصل هفتم شوراها اصل یکصد - برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی اقتصادی عمرانی بهداشتی فرهنگی آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده بخش شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراها مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد، قانون معین می‌کند. اصل یکصد و یکم - به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استانها مرکب از نمایندگان شوراها استانها تشکیل می‌شود. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند. اصل یکصد و دوم - شورای عالی استانها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد. اصل یکصد و سوم - استانداران فرمانداران بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند. اصل یکصد و چهارم - به منظور تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی شورایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران و در واحدهای آموزشی اداری خدماتی و مانند اینها شورایی مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می‌شود. چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می‌کند. اصل یکصد و پنجم - تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد. اصل یکصد و ششم - انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می‌کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند. فصل هشتم رهبر یا شورای رهبری اصل یکصد و هفتم - پس از مرجع عالیقدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی «قدس سره الشریف که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است خبرگان رهبری درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند، هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به

عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان ولایت امر و همه مسوولیت‌های ناشی از آن را برعهده خواهد داشت رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است اصل یکصد و هشتم - قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان کیفیت انتخاب آنها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است اصل یکصد و نهم - شرایط و صفات رهبر: ۱ - صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه ۲ - عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام ۳ - بینش صحیح سیاسی و اجتماعی تدبیر، شجاعت مدیریت و قدرت کافی برای رهبری در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد مقدم است اصل یکصد و دهم - وظایف و اختیارات رهبر: ۱ - تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام ۲ - نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام ۳ - فرمان همه‌پرسی ۴ - فرماندهی کل نیروهای مسلح ۵ - اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها. ۶ - نصب و عزل و قبول استعفا: الف - فقهای شورای نگهبان ب - عالی‌ترین مقام قوه قضائیه ج - رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران د - رئیس ستاد مشترک ه - فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و - فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی ۷ - حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه ۸ - حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام ۹ - امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تایید شورای نگهبان و در دوره اول به تایید رهبری برسد. ۱۰ - عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رای مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی براساس اصل هشتاد و نهم ۱۱ - عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند. اصل یکصد و یازدهم - هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می‌باشد. در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع با حفظ اکثریت فقها در شورا، به جای وی منصوب می‌گردد. این شورا در خصوص وظایف بندهای ۱ و ۳ و ۵ و ۱۰ و قسمتهای (د) و (ه) و (و) بند ۶ اصل یکصد و دهم پس از تصویب سه چهارم اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می‌کند. هرگاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگر موقتا از انجام وظایف رهبری ناتوان شود، در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده‌دار خواهد بود. اصل یکصد و دوازدهم - مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بدانند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تایید مقام رهبری خواهد رسید. فصل نهم قوه مجریه مبحث اول ریاست جمهوری و وزرا اصل یکصد و سیزدهم - پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسوولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیما به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد. اصل یکصد و چهاردهم - رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود و

انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است اصل یکصد و پانزدهم - رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی الاصل تابع ایران مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور. اصل یکصد و شانزدهم - نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند. نحوه برگزاری انتخاب رئیس جمهوری را قانون معین می‌کند. اصل یکصد و هفدهم - رئیس جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت کنندگان انتخاب می‌شود، ولی هرگاه در دور نخست هیچ‌یک از نامزدها چنین اکثریتی بدست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رای گرفته می‌شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آرای بیشتری داشته‌اند شرکت می‌کنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آرای بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه دو نفر که در دوره نخست بیش از دیگران رای داشته‌اند برای انتخاب مجدد معرفی می‌شوند. اصل یکصد و هجدهم - مسوولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری طبق اصل نود و نهم برعهده شورای نگهبان است ولی قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان برعهده انجمن نظارتی است که قانون تعیین می‌کند. اصل یکصد و نوزدهم - انتخاب رئیس جمهور جدید باید حداقل یک‌ماه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد و در فاصله انتخاب رئیس جمهور جدید و پایان دوره ریاست جمهوری سابق رئیس جمهور پیشین وظایف رئیس جمهوری را انجام می‌دهد. اصل یکصد و بیستم - هرگاه در فاصله ده روز پیش از رای‌گیری یکی از نامزدهایی که صلاحیت او طبق این قانون احراز شده فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تأخیر می‌افتد. اگر در فاصله دور نخست و دور دوم نیز یکی از دو نفر حایز اکثریت دور نخست فوت کند، مهلت انتخابات برای دو هفته تمدید می‌شود. اصل یکصد و بیست و یکم - رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضا می‌نماید. بسم الله الرحمن الرحیم «من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسوولتیهایی که برعهده گرفته‌ام بکار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم درحراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم» اصل یکصد و بیست و دوم - رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسوول است اصل یکصد و بیست و سوم - رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به‌وی امضا کند و برای اجرا در اختیار مسوولان بگذارد. اصل یکصد و بیست و چهارم - رئیس جمهور می‌تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد. معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی اداره هیات وزیران و مسوولیت هماهنگی سایر معاونتها را به عهده خواهد داشت اصل یکصد و بیست و پنجم - امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی اوست اصل یکصد و بیست و ششم - رئیس جمهور مسوولیت امور برنامه‌ها و بودجه و اموراداری و استخدامی کشور را مستقیماً برعهده دارد و می‌تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد. اصل یکصد و بیست و هفتم - رئیس جمهور می‌تواند در موارد خاص برحسب ضرورت با تصویب هیات وزیران نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد، تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیات وزیران خواهد بود. اصل یکصد و بیست و هشتم - سفیران به پیشنهاد

وزیر امور خارجه و تصویب رئیس جمهور تعیین می‌شوند. رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضا می‌کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر رامی‌پذیرد. اصل یکصد و بیست و نهم - اعطای نشانهای دولتی با رئیس جمهور است اصل یکصد و سی و یکم - رئیس جمهور استعفای خود را به رهبر تقدیم می‌کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می‌دهد. اصل یکصد و سی و یکم - در صورت فوت عزل استعفا، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل معاون اول رئیس جمهور با موافقت رهبری اختیارات و مسوولیت‌های وی را برعهده می‌گیرد و شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز، رئیس جمهور جدید انتخاب شود، در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور معاون اول نداشته باشد، مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند. اصل یکصد و سی و دوم - در مدتی که اختیارات و مسوولیت‌های رئیس جمهور برعهده معاون اول یا فرد دیگری است که به موجب اصل یکصد و سی و یکم منصوب می‌گردد، وزرا را نمی‌توان استیضاح کرد یا به آنان رای عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدیدنظر در قانون اساسی و یا امر همه‌پرسی اقدام نمود. اصل یکصد و سی و سوم - وزرا توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند با تغییر مجلس گرفتن رای اعتماد جدید برای وزرا لازم نیست تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند. اصل یکصد و سی و چهارم - ریاست هیات وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ‌سازی ساختن تصمیم‌های وزیران و هیات دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند. در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیات وزیران که به پیشنهاد رئیس جمهور اتخاذ می‌شود لازم‌الاجراست رئیس جمهور در برابر مجلس مسوول اقدامات هیات وزیران است اصل یکصد و سی و پنجم - وزرا تا زمانی که عزل نشده‌اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رای اعتماد، مجلس به آنها رای عدم اعتماد نداده است در سمت خود باقی می‌مانند. استعفای هیات وزیران یا هر یک از آنان به رئیس جمهور تسلیم می‌شود و هیات وزیران تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهند داد. رئیس جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید. اصل یکصد و سی و ششم - رئیس جمهور می‌تواند وزرا را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رای اعتماد بگیرد و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیات وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیات وزیران تقاضای رای اعتماد کند. اصل یکصد و سی و هفتم - هر یک از وزیران مسوول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیات وزیران می‌رسد، مسوول اعمال دیگران نیز هست اصل یکصد و سی و هشتم - علاوه بر مواردی که هیات وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیات وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تامین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیات وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیونهای متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیونها در محدوده قوانین پس از تایید رئیس جمهور لازم‌الاجراست تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیونهای مذکور در این اصل ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیات وزیران بفرستد. اصل یکصد و سی و نهم - صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیات وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوای خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به

تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند. اصل یکصد و چهل و یک - رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او وزیران در مورد جرایم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می‌شود. اصل یکصد و چهل و یکم - رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیات مدیره انواع مختلف شرکتهای خصوصی جز شرکتهای تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است سمتهای آموزشی در دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است اصل یکصد و چهل و دوم - دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق افزایش نیافته باشد. مبحث دوم ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اصل یکصد و چهل و سوم - ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را برعهده دارد. اصل یکصد و چهل و چهارم - ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به خدمت بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشند. اصل یکصد و چهل و پنجم - هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود. اصل یکصد و چهل و ششم - استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز باشد ممنوع است اصل یکصد و چهل و هفتم - دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی آموزشی تولیدی و جهادسازندگی با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید. اصل یکصد و چهل و هشتم - هر نوع بهره‌برداری شخصی از وسایل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد آنها به صورت گماشته راننده شخصی و نظایر اینها ممنوع است اصل یکصد و چهل و نهم - ترفیع درجه نظامیان و سلب آن به موجب قانون است اصل یکصد و پنجاهم - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می‌ماند، حدود وظایف و قلمرو مسوولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسوولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیله قانون تعیین می‌شود. اصل یکصد و پنجاه و یکم - به حکم آیه کریمه (و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم و آخرین من دونهم لا-تعلمونهم الله یعلمهم) دولت موظف است برای همه افراد کشور، برنامه و امکانات آموزش نظامی را برطبق موازین اسلامی فراهم نماید، به طوری که همه افراد همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازه مقامات رسمی باشد. فصل دهم سیاست خارجی اصل یکصد و پنجاه و دوم - سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحابر استوار است اصل یکصد و پنجاه و سوم - هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی فرهنگ ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است اصل یکصد و پنجاه و چهارم - جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. اصل یکصد و پنجاه و پنجم - دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر این که برطبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شوند. فصل یازدهم قوه قضائیه اصل یکصد و پنجاه و ششم - قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسوول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است ۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات تعدیات شکایات حل و فصل دعاوی

و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند. ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین ۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین اصل یکصد و پنجاه و هفتم - به منظور انجام مسوولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضائی و اداری و اجرایی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است اصل یکصد و پنجاه و هشتم - وظایف رئیس قوه قضائیه بشرح زیر است ۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسوولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم ۲- تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی ۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از اموراداری طبق قانون اصل یکصد و پنجاه و نهم - مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است اصل یکصد و شصتم - وزیر دادگستری مسوولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را برعهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند، انتخاب می‌گردد. رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیرقضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزرا به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود. اصل یکصد و شصت و یکم - دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و انجام مسوولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود، براساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد. اصل یکصد و شصت و دوم - رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند. اصل یکصد و شصت و سوم - صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود. اصل یکصد و شصت و چهارم - قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند، صورت می‌گیرد. اصل یکصد و شصت و پنجم - محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد. اصل یکصد و شصت و ششم - احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است اصل یکصد و شصت و هفتم - قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد. اصل یکصد و شصت و هشتم - رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب شرایط اختیارات هیات منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند. اصل یکصد و شصت و نهم - هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود. اصل یکصد و هفتادم - قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند. اصل یکصد و هفتاد و یکم - هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران

می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد. اصل یکصد و هفتاد و دوم - برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش ژاندارمری شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند، در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاههای نظامی بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند. اصل یکصد و هفتاد و سوم - به منظور رسیدگی به شکایات تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت‌اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تاسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند. اصل یکصد و هفتاد و چهارم - براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند. فصل دوازدهم صدا و سیما اصل یکصد و هفتاد و پنجم - در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تامین گردد. نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند. فصل سیزدهم شورای عالی امنیت ملی اصل یکصد و هفتاد و ششم - به منظور تامین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد. ۱ - تعیین سیاستهای دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاستهای کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری ۲ - هماهنگ نمودن فعالیتهای سیاسی اطلاعاتی اجتماعی فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی ۳ - بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی اعضاء شورا عبارتند از: رؤسای قوای سه‌گانه رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح مسوول امور برنامه و بودجه دو نماینده به انتخاب مقام رهبری وزرای امور خارجه کشور، اطلاعات حسب مورد وزیر مربوط و عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود، شوراهاى فرعى از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد. ریاست هر یک از شوراهاى فرعى با رئیس جمهور یا یکی از اعضاء شورای عالی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شود. حدود اختیارات و وظایف شوراهاى فرعى را قانون معین می‌کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد. مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تایید مقام رهبری قابل اجرا است فصل چهاردهم بازنگری در قانون اساسی اصل یکصد و هفتاد و هفتم - بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می‌گیرد: مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می‌نماید: ۱ - اعضاء شورای نگهبان ۲ - رؤسای قوای سه‌گانه ۳ - اعضاء ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام ۴ - پنج نفر از اعضاء مجلس خبرگان رهبری ۵ - ده نفر به انتخاب مقام رهبری ۶ - سه نفر از هیات وزیران ۷ - سه نفر از قوه قضائیه ۸ - ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۹ - سه نفر از دانشگاهیان شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می‌کند. مصوبات شورا پس از تایید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آرای عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت کنندگان در همه‌پرسی برسد. رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم در مورد همه‌پرسی «بازنگری در قانون اساسی لازم نیست محتوای اصل مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آرا عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است

نمایه قانون اساسی

آ: آزادیهای مشروع ۱۵۶ آموزش و پرورش ۱۶ آیین‌نامه‌های دولتی ۱۷۰ الف اجتهاد ۱۶۲، ۱۵۷ ارتش اعضای ۱۷۲ استراق سمع ۲۵ استقلال قوه قضائیه ۱۵۶ اسلام ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۸، ۱۵۶ اعاده حیثیت از متهم ۱۷۱ اعتراضات مردم ۱۷۳ اقلیتهای دینی ۶۷، ۲۶، ۶۴، ۱۴، ۱۳ امور اجرایی ۱۵۷ امور اداری ۱۵۸، ۱۵۷ امور حسبیه ۱۵۶ امور دولتی ۱۷۳ امور قضائی ۱۵۷ انتصابات ۱۶۲ ب بازداشت ۳۹، ۳۲ بازرسی کل کشور، سازمان ۱۷۴ بازرگانی خارجی ۴۴ بازنشستگی ۲۹ بانکداری ۴۴ بخش تعاونی ۴۴ بخش خصوصی ۴۴ بخشداران ۱۰۳ بخش دولتی ۴۴ برابری ۳ برنامه‌ریزی اقتصادی ۴۳ بسیج نیروها ۱۱۱، ۱۱۰ بودجه ۱۲۶، ۵۵، ۵۲ بهداشت ۱۰۰، ۴۳، ۲۹، ۳ بیت‌المال ۴۹ بی‌سرپرستان ۲۹، ۲۱ بیشه‌های طبیعی ۴۵ بیکاری ۲۹ بیمه ۴۴، ۲۹، ۲۱، ۳ بیوگان ۲۱ بیگانگان ۴۳ پ پایگاه نظامی خارجی ۱۴۶ پرچم رسمی ۱۸ پزشکی ۲۹ پست ۴۴ پناهندگی سیاسی ۱۵۵ پوشاک تأمین ۴۳ پیمانهای اتحادیه‌های بین‌المللی ۱۲۵ ت تابعیت ۱۱۵، ۴۲، ۴۱ تاریخ ۱۷ تأمین اجتماعی ۲۹ تبعید ۳۹، ۳۳ تبعیض ۴۸، ۳ تجدیدنظر ۱۳۸، ۱۰۸، ۹۴ تجسس ۲۵ تحقیق ۳ تصویب‌نامه‌ها ۱۷۰، ۱۳۸ تعاون ۴۴ تعرض به اشخاص ۲۲ تعطیلات رسمی ۱۷ تعقیب نمایندگان مجلس ۸۶ تغذیه ۳ تفویض اختیارات و وظایف رهبری ۱۱۰ تفویض مسئولیتهای ریاست جمهوری ۱۲۶ تلفن ۴۴ تلکس ۲۵ تلگراف ۴۴، ۲۵ تمامیت ارضی ۱۴۳، ۱۰۰، ۹، ۳، ۱۷۶، ۱۵۲ توزیع ۴۳ توسعه اقتصادی ۴۳ توقیف نمایندگان مجلس ۸۶ تولید ۱۴۷، ۱۰۴، ۴۴، ۴۳ تعدیات ۱۵۶ تعزیر ۱۵۶ تظلمات ۱۷۳، ۱۵۹، ۱۵۶ ث ثبوت شرعی در وظایف دولت ۴۹ ثروت عمومی ۴۵ ثروت ناشی از موارد نامشروع ۴۹ ج جرایم ۱۷۲، ۱۶۸، ۱۵۶، ۱۴۰، ۳۷ جمعیت آزادی ۲۶ جمهوری اسلامی ایران نظام ۳، ۲، ۱۲۱، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۱۰، ۱۰۰، ۶۷، ۴۴، ۱۷۷، ۱۴۳ جنگ ۱۱۱، ۱۱۰، ۷۹، ۶۸ جنگلها ۴۵ جهاد سازندگی ۱۴۷ ح حاکمیت مطلق خدا ۵۶ حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش ۶۱، ۵۶ حاکمیت ملی ۱۷۶ حدود الهی ۶۱ حق / حقوق ۲۴، ۲۱، ۲۲، ۱۹، ۱۰، ۱۵۶، ۱۲۱، ۶۱، ۵۶، ۴۰، ۳۵، ۳۴ مسکن ۳۱ مسلمانان و سیاست خارجی ۱۵۲ حقوقدانان شورای نگهبان ۹۱ حکم ۱۶۷ حکومت ۱۰۰، ۷۹، ۴۵، ۱۷۷، ۱۵۴ حوادث و سوانح ۲۹ حوزه انتخابیه ۶۴ حیثیت اشخاص ۲۲ خ خارجیان ۱۲۸، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۱۷۶، ۱۵۳، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۳۹ خانواده ۴۳، ۳۱، ۲۱، ۱۰ خدا ۶۷، ۵۶ خدمات ۱۰۴، ۴۴، ۴۳، ۲۹ خزانه‌داری و دریافتیهای دولت ۵۳ خصومات ۱۵۶ خط ۱۵ خودکامگی دولت ۳ خودکفایی ۴۳، ۳۰، ۳ دادخواهی ۳۴ دادرسان و تفسیر قوانین عادی ۷۳ دادستان کل ۱۶۴، ۱۶۲ دادستانی نظامی ۱۷۲ دادگاهها ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۲۱، ۱۲، ۱۶۸، ۱۶۶، ۱۶۱، ۱۵۹، ۱۰۶، ۳۷، ۱۷۲، ۱۷۰ دادگستری ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸، ۶۱ دادگستری وزیر ۱۶۰ دامداری ۴۴، ۴۳ درآمدها ۴۸، ۲۹ در راه ماندگی ۲۹ درمان تأمین ۴۳، ۲۹ دره‌ها ۴۵ دریاچه‌ها ۴۵ دریاها ۴۵ دفاع ملی ۳ دولت ۲۸، ۲۱، ۱۴، ۱۱، ۹، ۳، ۷۹، ۵۳، ۵۲، ۴۹، ۴۳، ۴۱، ۲۹، ۱۰۳، ۱۰۲، ۸۸، ۸۵، ۸۳، ۸۲ ۸۰ دین رسمی ایران ۱۲ دیوان محاسبات ۵۵ دیوان عالی کشور ۱۶۴، ۱۶۲، ۱۶۱ دیوان عدالت اداری ۱۷۳، ۱۷۰ ر: رادیو و تلویزیون ۶۹، ۴۴ راهها ۴۴ راه آهن ۴۴ راهپیمایی ۲۷ ریاست جمهوری و قوه قضائیه ۱۶۰ رأی / آرا ۸۷، ۸۷، ۶۲، ۵۹، ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۲، ۱۱۷، ۱۱۴، ۱۱۱، ۱۱۴، ۴۹، ۴۳، ۳۳ رسانه‌های گروهی ۱۵، ۳ رشد ۴۴، ۴۳ رشوه ۴۹ رفاه ۳ رنگین پوستها ۱۹ رودخانه‌ها ۴۵ روزنامه رسمی ۶۹ روستانشینان ۳۱ رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام ۱۰۷ رهبری ۱۰۷، ۹۱، ۸۹، ۶۰، ۲، ۱۳۱، ۱۱۳، ۱۲۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۵۷، ۱۴۲ ریاست جمهوری ۶۹، ۶۸، ۶۰، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۰، ۹۹، ۸۸، ۸۷، ۷۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۷۶، ۱۷۷ ز: زبان ۱۶، ۱۵ زرتشتیان ۶۴، ۱۳ زمین ۴۹، ۴۵ زن ۲۰، ۳ سازمانهای وابسته به دولت ۸۵ سازمانهای دولتی ۸۵ سالخوردگان ۲۱ سانسور ۲۵ سپاه پاسداران ۱۵۰، ۱۱۱، ۱۱۰ ستاد مشترک ۱۱۱، ۱۱۰ سد ۴۴ سرقت ۴۹ سرمایه و سرمایه گذاری ۴۸، ۴۳ سفیران ۱۲۸ سلاح ۲۷ سلطه ۴۳، ۲ سوگند ۳۸ سیاست ۱۵۵، ۱۵۲، ۱۱۵، ۹، ۳ شرکتها ۱۴۱، ۸۵، ۸۱، ۵۵، ۴۴ شغل ۴۶، ۴۳، ۲۸، ۲۲ شکایات ۱۷۳، ۱۵۹، ۱۵۶ شکنجه ۳۸ شوراها ۱۰۳، ۱۰۰، ۱۲، ۱۰۶۷، ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۷، ۷ شورای امنیت کشور ۱۷۶ شورای بخش ۱۰۰، ۷ شورای دفاع ۱۷۶ شورای روستا ۱۰۰ شورای رهبری ۱۰۷ شورای شهر ۷ شورای شهرستان ۷ شورای عالی استانها ۱۰۲، ۱۰۱ شورای عالی

۱۷۷ اموال و مالکیت ۸۳ امین ۹۳، ۱۶۷، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۲۰۷، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۶۹ انتقال عین ۹۰ انحلال عقد، ۲۵۸ انقضاء مدت ۸۹، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۱، ۱۷۱، ۱۶۶، ۱۸۰، ۱۸۶، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۶۱ انکار، ۱۳۰، ۱۹۳، ۲۱۰، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۹۴، ۲۹۶ اولاد، ۹۰، ۹۲، ۱۱۴، ۱۹۹، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۶، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۴ اهلیت ۸۲، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۲۶، ۲۲۵، ۲۸۴ اهلیت طرفین ۱۱۲، ۱۱۴ ایالت ۸۶ برائت ذمه ۱۹۷ بلاعوض ۱۹۳، ۲۷۳، ۲۷۴ بی شوهر، ۲۳۶، ۲۸۱ بیع خیاری ۱۳۹ بیهوشی ۱۱۳ تأدیة دین ۱۱۷، ۱۸۹ تبعض صفقه ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۰ تبعه خارجه ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۵۱ تبعه خارجی ۲۲۹ تبعیت خارجی ۲۲۹، ۲۳۶ تحجیر، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۷ تراضی ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۷ ترتب ۱۳۳ ترکه میت ۱۷۳، ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷ تسامح ۱۹۴ تسیب ۱۳۰ تعذر رد، ۱۷۹ تفریط ۸۹، ۱۲۵، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۷، ۱۷۵، ۱۷۰، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۲۴، ۲۷۹ تکدی گری ۲۶۷ تلف شدن ۹۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۸، ۱۴۲، ۱۵۸، ۱۶۶، ۱۷۱، ۲۷۴ تلف کننده ۱۹۸ تملک خصوصی ۸۶ تملیک کننده ۱۹۸ تنازع ۱۹۳، ۱۹۴ توقیف اموال ۸۴، ۱۱۵ تولیت ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴ تهاتر، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۲۸ تهیدید، ۱۱۳، ۱۱۴، ۳۰۰ ثلث ۱۶۲، ۱۶۶، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۴، ۲۰۸، ۲۰۴، ۲۲۱ ثلث ترکه ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۰، ۲۲۱ ثمن ۸۴، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۸۱، ۱۸۵، ۱۹۰، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۲۲ حجب ۲۱۱، ۲۱۲ حریت ۲۲۵ حریم ۱۰۳ حصه ۹۴، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۳۲، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۳، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۷۱ حق ارتفاق، ۸۴، ۸۷، ۸۹، ۹۱، ۹۶، ۱۷۳ حق الارتفاق، ۹۸ حق المجری ۸۴ حق انتفاع ۸۴، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۵، ۹۷ حق تقدم ۱۰۶ حق رجوع ۱۰۹، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۴۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۴۴، ۲۶۱، ۲۶۲ حق شفعه ۱۹۴، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲ حق فسخ ۱۱۱، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۳، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۴، ۲۵۹، ۲۶۰ حکم موت ۲۳۷، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳ حمل و نقل ۱۶۱، ۱۶۲، ۲۲۷ حواله ۱۴۵، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰ حیازت ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۰ حیوانات ۸۴، ۸۷، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۰۹، ۱۶۰، ۱۱۰، ۱۸۰ حیوان گمشده ۱۰۹ خالات ۲۰۷، ۲۴۴، ۲۴۸ خدمه ۹۲، ۱۶۱ خندق، ۸۵ خیار تأخیر، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵ خیار تبعض صفقه ۱۴۴، ۱۵۰ خیار تخلف شرط ۱۴۴، ۱۵۰ خیار تدلیس ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۰ خیار حیوان ۱۴۴ خیار رؤیت ۱۴۴، ۱۴۶ خیار شرط ۱۴۴، ۱۵۱ خیار عیب ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۹ خیار غبن ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷ خیار فسخ ۱۱۹، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۹۰، ۱۹۴، ۲۵۱، ۲۶۰ خیار مجلس ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۱، ۱۵۲ دادخواست ۱۱۵ داین ۱۲۴، ۱۸۷، ۱۹۵، ۱۹۹ درخت ۸۷، ۸۸، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۳، ۱۳۱، ۱۵۹، ۱۳۸، ۱۶۵، ۲۰۰ درختکاری ۱۰۴ دعاوی راجعه ۸۴، ۱۸۰، ۲۴۰ دینه ۱۱۰ دیون متعدده ۱۲۶ ذیحق ۱۹۱ رئیس جمهور، ۸۱ رئیس مجلس ۸۱ راهن ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸ رد عین ۱۳۰ رضاعی ۲۴۸، ۲۴۹ رضایت شوهر، ۲۳۹، ۲۷۸ رودخانه ۸۵، ۱۰۵، ۱۰۷ روزنامه رسمی ۸۱ رهن ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۹۵، ۱۹۵، ۱۸۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۸، ۲۷۹ زراعت ۸۴، ۱۰۴، ۱۳۸، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵ زناشویی ۲۴۹، ۲۵۹ زن شوهردار، ۲۳۹، ۲۴۹، ۲۵۰ زن و شوهر، ۲۱۰، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۶ سجل احوال ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹ سلس ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۱ سرتیری ۱۰۰ سفیه ۱۹۸، ۲۷۰، ۲۸۴ سن بلوغ ۲۴۷، ۲۷۳ سند رسمی ۲۸۷، ۲۹۱ سنگ چیدن ۱۰۴ شرط صفت ۱۱۸، ۱۱۹ شرط فعل ۱۱۸، ۱۱۹ شرط نتیجه ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰ شفیع ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲ شهادت ۱۹۲، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۱، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۶ شیر خوردن ۲۴۹ صحت معامله ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۹۵ صغیر، ۱۷۷، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۰۶، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۶۷، ۲۷۳، ۲۸۴، ۲۷۴، ۲۸۵، ۲۹۵، ۲۹۹ صلاحیت محاکم ۸۴، ۲۲۷ صلح ۱۸۷، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۴، ۲۴۲، ۲۷۳ ضامن ۹۰، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۳۰، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۴۳، ۲۴۰، ۲۵۴، ۲۷۴ ضمان درک ۱۴۳ ضمان عقدی ۱۸۴، ۱۸۶ ضمان قهری ۱۳۰، ۲۹۲ طلاق، ۸۲، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۵۶، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۷ عاریه ۱۳۰، ۱۷۸، ۱۷۹ عام المنفعه ۲۰۳، ۲۳۱

عذرخواهی ۳۰۰ عرف و عادت ۹۰، ۹۲، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۳، ۲۶۰، عقد اجاره ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، عقد بیع ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۹۷، ۲۰۱، عقد خیارى ۱۱۲، عقد ضمان ۱۸۴، ۱۸۵، عقد لازم ۱۱۱، ۱۷۰، ۱۹۴، ۲۵۸، عقود معینه ۱۳۵ عقود و تعهدات ۱۰۴، ۱۱۱، عمات ۲۰۷، ۲۴۴، ۲۴۸، عوض مال ۱۵۳، ۱۹۴، عین تلف شده ۱۳۰، عین مرهونه ۱۹۶، ۱۹۷، عین مستأجره ۸۴، ۸۵، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۷۷، عین موقوفه ۹۱، ۹۲، ۹۵، غاصب ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۲۳۸، غصب ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۶۳، غیر رشید، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۸، غیر مأذون ۱۷۰، غیر محصور، ۹۰، ۹۱، غیر منقول ۸۳، ۸۴، ۸۹، ۹۰، ۲۲۷، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۷۹، غیر منقوله ۸۲، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۲۳۳، ۲۳۶، فاضلاب ۹۶، فحشاء، ۲۶۶، ۲۶۷، فرار از دین ۱۱۵، فرض ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۴۱، ۲۷۹، فسخ اجاره ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، فسخ معامله ۹۰، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۷۰، ۱۸۳، فقرا، ۸۶، ۲۰۳، فوت ۸۹، ۹۳، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۸۷، ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۴، ۲۲۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۵۰، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۶۹، ۲۷۰، قاجاق، ۲۶۷، قایق، ۸۵، قبض ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۱۱۲، ۱۲۲، ۱۳۹، ۱۲۴، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۸۱، ۱۹۵، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۳، قرابت سببی ۲۴۴، ۲۴۵، قرابت نسبی ۲۴۴، ۲۴۵، قلاع ۸۵، قنات ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۷۲، قواعد عمومی ۱۱۶، قورخانه ۸۵، قیم ۱۷۷، ۲۲۶، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۶۶، ۲۷۳، ۲۶۸، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۹۵، کبوتر، ۱۱۱، کتابخانه ۸۶، کشتی ۸۵، ۱۳۴، ۲۴۲، ۲۹۲، کفالت ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۳۲، کفن میت ۲۰۸، کفیل ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، گاو، ۸۴، لازم الاتباع ۱۱۶، لازم الاجراء، ۸۱، ۲۲۸، لعان ۲۱۰، مادام الحیاة ۹۲، ما فی الذمه ۱۲۳، مافی الذمه ۱۲۷، ۱۲۸، مال الاجاره ۸۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، مالک زمین ۸۷، ۱۱۰، ۱۶۴، مالکیت زمین ۸۸، مالیت ۱۱۵، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۴۹، ۱۷۲، ۲۵۳، ۱۴۹، ۱۳۷، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۸۷، ۱۸۵، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، متعاقدين ۲۲۷، ۲۵۱، متعاملین ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۳، ۱۶۶، متعهده ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۷، متولی ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۱۵۸، ۲۰۰، متهب ۱۹۸، ۱۹۹، مثن ۱۱۳، مجانیین ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، مجسمه ۸۳، مجنون ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۶۱، ۲۶۸، ۲۷۳، ۲۷۰، ۲۷۴، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۹۵، ۲۹۹، مجهول ۹۲، ۲۰۹، ۲۵۵، ۲۸۴، مجهول المالک ۸۶، ۱۷۶، مجهول المصرف ۹۵، محال علیه ۱۸۹، ۱۹۰، محتال ۱۸۹، ۱۹۰، محجور، ۱۲۹، ۱۷۶، ۱۸۴، ۱۹۹، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۲، محجور شدن ۱۷۱، محجورین ۹۱، ۱۱۵، مدعی العموم ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۴۰، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۴۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۰، مدعی علیه ۲۸۶، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، مديون ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۷۹، ۲۹۷، مرتهن ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، مرهون ۱۹۵، ۱۹۶، مزارعه ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، مزد اجیر، ۱۶۱، مساقات ۱۶۲، ۱۶۵، مستأجر، ۸۴، ۸۵، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۷۷، مستحق للغیر، ۱۴۳، ۱۷۶، ۱۸۵، مستی ۱۱۳، مشاع ۸۹، ۹۰، ۱۳۷، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۸، ۲۰۵، مشروطه ۱۱۹، ۱۲۰، مشروطه له ۱۵۱، مصالح عامه ۹۰، ۹۱، ۹۲، مصالحه ۱۹۴، مضاربه ۱۶۶، ۱۶۷، مضمون عنه ۱۲۸، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، مضمون عنه ۱۸۷، ۱۸۸، مضمون له ۱۲۸، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۸۷، معامله فضولی ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۹، معدوم ۹۲، معلق ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۸۵، ۱۸۹، ۲۶۱، ۲۸۴، معوض ۱۹۹، مغضوب ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، مفروز، ۸۹، ۹۰، ۱۰۶، ۱۳۷، ۱۷۳، مفسد عقد، ۱۱۸، مفقود الاثر، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴، مفلس ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۶۶، ۱۹۶، ۲۸۴، مقترض ۱۷۹، ۱۸۰، مقرض ۱۸۰، مقرّله ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، مكفول ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، منافع ملی ۸۶، منجّز، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۶۶، ۲۶۱، منزّل ۹۳، ۲۰۷، ۲۶۹، ۲۸۱، موات ۸۶، ۱۰۴، مواد مخدر، ۲۶۶، موزه ۸۶، موصی به ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۶، موصی له ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵، موقت بودن ۱۹۱، موقوف ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۱۱۹، ۱۴۰، ۱۳۷، ۱۵۴، ۱۷۲، ۲۰۰، ۲۴۷، ۲۹۹، موقوفات ۹۵، موقوفه ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۱۳۷، موکل ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۵۲، ۲۹۶، مولی علیه ۲۶۹، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، موهوبه ۱۹۸، ۱۹۹، مهرالمثل ۲۵۴،

۲۵۵ مهریه ۲۴۵، ۲۵۳، ۲۵۳ ناکل ۲۹۵ نام‌خانوادگی ۲۳۸ نطفه ۲۰۹، ۲۹۹ نفقه ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۴۴، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲ نفقه زن ۲۵۶، ۲۶۰ نکاح ۸۲، ۲۲۷، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۸۲، ۲۹۵، ۱۲۱، ۱۵۱، ۱۷۶، ۱۸۷، ۲۰۲، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۴۱، ۲۴۱ واقف ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵ واهب ۱۹۸، ۱۹۹ وديعه ۱۳۰، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷ وراث ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۶، ۱۹۵، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۸۷ ورشکستگی ۱۹۵، ۲۷۲، ۲۷۷، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۱ وزن کردن ۱۴۱ وصی ۹۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۹۵ وصیت ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۲۷، ۲۹۰ وقف ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۱۳۷، ۱۷۲، ۱۵۸، ۲۰۰ وکالت ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۵۲ وکیل ۹۴، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۷۳ همخوابگی ۲۵۸، ۲۹۵، ۲۹۶ ولایت ۸۶، ۱۲۰، ۱۶۲، ۱۷۷، ۲۲۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۷، ۲۹۵ ولدالزنا، ۲۱۰ هبه ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۷۳ همخوابگی ۳۰۰ همسایه ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۷۹

قانون مدنی

مقدمه قانون مدنی

در انتشار و آثار و اجرای قوانین بطورعموم ماده ۱ - مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه‌پرسی پس از طی مراحل قانونی به رئیس جمهور ابلاغ می‌شود. رئیس جمهور باید ظرف مدت پنج روز آن را امضاء و به مجریان ابلاغ نماید و دستور انتشار آن را صادر کند و روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ منتشر نماید. تبصره - در صورت استتکاف رئیس جمهور از امضاء یا ابلاغ در مدت مذکور در این ماده به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید. ماده ۲ - قوانین پانزده روز پس از انتشار، در سراسر کشور لازم‌الاجراست مگر آن که در خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجراء مقرر شده باشد. ماده ۳ - انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید. ماده ۴ - اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد. ماده ۵ - کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد. ماده ۶ - قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارجه باشند، مجری خواهد بود. ماده ۷ - اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوطه به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود. ماده ۸ - اموال غیرمنقوله که اتباع خارجه در ایران بر طبق عهود، تملک کرده یا می‌کنند از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود. ماده ۹ - مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است ماده ۱۰ - قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است

جلد اول - در اموال

کتاب اول در بیان اموال و مالکیت بطور کلی

باب اول در بیان انواع اموال

اشاره

ماده ۱۱ - اموال بر دو قسم است منقول و غیرمنقول

فصل اول در اموال غیرمنقول

ماده ۱۲ - مال غیرمنقول آن است که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود، اعم از اینکه استقرار آن ذاتی باشد یا به واسطه عمل انسان بنحوی که نقل آن مستلزم خرابی یا نقص خود مال یا محل آن شود. ماده ۱۳ - اراضی و ابنیه و آسیا و هر چه که در بنا منصوب و عرفاً جز بنا محسوب می‌شود، غیرمنقول است و همچنین است لوله‌ها که برای جریان آب یا مقاصد دیگر در زمین یا بنا کشیده شده باشد. ماده ۱۴ - آینه و پرده نقاشی و مجسمه و امثال آنها، در صورتی که در بنای زمین به کار رفته باشد، بطوری که نقل آن موجب نقص یا خرابی خود آن یا محل آن بشود، غیرمنقول است ماده ۱۵ - ثمره و حاصل مادام که چیده یا درو نشده است غیرمنقول است اگر قسمتی از آن چیده یا درو شده باشد، تنها آن قسمت منقول است ماده ۱۶ - مطلق اشجار و شاخه‌های آن و نهال و قلمه مادام که بریده یا کنده نشده است غیرمنقول است ماده ۱۷ - حیوانات و اشیائی که مالک آن را برای عمل زراعت اختصاص داده باشد، از قبیل گاو و گاو میش و ماشین و اسباب و ادوات زراعت و تخم و غیره و بطور کلی هر مال منقول که برای استفاده از عمل زراعت لازم و مالک آن را به این امر تخصیص داده باشد، از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال جزو ملک محسوب و در حکم مال غیرمنقول است و همچنین است تلمبه و گاو و یا حیوان دیگری که برای آبیاری زراعت یا خانه و باغ اختصاص داده شده است ماده ۱۸ - حق انتفاع از اشیاء غیرمنقوله مثل حق عمری و سکنی و همچنین حق ارتفاق نسبت به ملک غیر، از قبیل حق العبور و حق المجری و دعاوی راجعه به اموال غیرمنقوله از قبیل تقاضای خلع ید و امثال آن تابع اموال غیرمنقول است

فصل دوم در اموال منقوله

ماده ۱۹ - اشیائی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد بدون اینکه به خود یا محل آن خرابی وارد آید، منقول است ماده ۲۰ - کلیه دیون از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستاجر از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است ولو اینکه مبیع یا عین مستاجر از اموال غیرمنقوله باشد. ماده ۲۱ - انواع کشتی‌های کوچک و بزرگ و قایقها و آسیاها و حمامهائی که در روی رودخانه و دریاها ساخته می‌شود و می‌توان آنها را حرکت داد و کلیه کارخانه‌هایی که نظر به طرز ساختمان جزو بنای عمارتی نباشد داخل در منقولات است ولی توقیف بعضی از اشیا مزبوره ممکن است نظر به اهمیت آنها موافق ترتیبات خاصه به عمل آید. ماده ۲۲ - مصالح بنائی از قبیل سنگ و اجر و غیره که برای بنائی تهیه شده یا به واسطه خرابی از بنا جدا شده باشد مادامی که در بنا به کار نرفته داخل منقول است

فصل سوم در اموالی که مالک خاص ندارد (ماده ۲۳ الی ۲۸)

ماده ۲۳ - استفاده از اموالی که مالک خاص ندارد مطابق قوانین مربوطه به آنها خواهد بود. ماده ۲۴ - هیچکس نمی‌تواند طرق و شوارع عامه و کوچه‌هایی را که آخر آنها مسدود نیست تملک نماید. ماده ۲۵ - هیچکس نمی‌تواند اموالی را که مورد استفاده عموم است و مالک خاص ندارد از قبیل پلها و کاروانسراها و آب انبارهای عمومی و مدارس قدیمه و میدان‌گاههای عمومی تملک کند. و همچنین است قنوات و چاه‌هایی که مورد استفاده عموم است ماده ۲۶ - اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندق‌ها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه و ذخیره و سفاین جنگی و همچنین اثاثیه و ابنیه و عمارات دولتی و سیمهای تلگرافی دولتی و موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و آثار تاریخی و امثال آنها و بالجمله آنچه که از

اموال منقوله و غیرمنقوله که دولت به عنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد، قابل تملک خصوصی نیست و همچنین است اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالت یا ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد. ماده ۲۷ - اموالی که ملک اشخاص نمی‌باشد و افراد مردم می‌توانند آنها را مطابق مقررات مندرجه در این قانون و قوانین مخصوصه مربوطه به هر یک از اقسام مختلفه آنها تملک کرده و یا از آنها استفاده کنند مباحث نامیده می‌شود مثل اراضی موات یعنی زمین‌هایی که معطل افتاده و آبادی و کشت و زرع در آنها نباشد. ماده ۲۸ - اموال مجهول‌المالک با اذن حاکم یا ماذون از قق بل او به مصارف فقرا می‌رسد.

باب دوم در حقوق مختلفه که برای اشخاص نسبت به اموال (ماده ۲۹)

اشاره

ماده ۲۹ - ممکن است اشخاص نسبت به اموال علاقه‌های ذیل را دارا باشند: ۱ - مالکیت (اعم از عین یا منفعت)؛ ۲ - حق انتفاع ۳ - حق ارتفاق به ملک غیر.

فصل اول در مالکیت

ماده ۳۰ - هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد. ماده ۳۱ - هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان بیرون کرد مگر به حکم قانون ماده ۳۲ - تمام ثمرات و متعلقات اموال منقوله و غیرمنقوله که طبعاً یا در نتیجه عملی حاصل شده باشد، بالتبع مال مالک اموال مزبوره است ماده ۳۳ - نما و محصولی که از زمین حاصل می‌شود، مال مالک زمین است چه به خودی خود روئیده باشد یا به واسطه عملیات مالک مگر اینکه نما یا حاصل از اصله یا حبه غیر حاصل شده باشد، که در این صورت درخت و محصول مال صاحب اصله یا حبه خواهد بود، اگرچه بدون رضای صاحب زمین کاشته شده باشد. ماده ۳۴ - نتاج حیوانات در ملکیت تابع مادر است و هر کس مالک مادر شد، مالک نتاج آن هم خواهد شد. ماده ۳۵ - تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. ماده ۳۶ - تصرفی که ثابت شود ناشی از سبب مملک یا ناقل قانونی نبوده معتبر نخواهد بود. ماده ۳۷ - اگر متصرف فعلی اقرار کند که ملک سابقاً مال مدعی او بوده است در این صورت مشارالیه نمی‌تواند برای رد ادعای مالکیت شخص مزبور، به تصرف خود استناد کند مگر اینکه ثابت نماید که ملک به ناقل صحیح به او منتقل شده است ماده ۳۸ - مالکیت زمین مستلزم مالکیت فضای محاذی آن است تا هر کجا بالا رود و همچنین است نسبت به زیر زمین بالجمله مالک حق همه‌گونه تصرف در هوا و قرار دارد مگر آنچه را که قانون استثنا کرده باشد. ماده ۳۹ - هر بنا و درخت که در روی زمین است و همچنین هر بنا و حفری که در زیر زمین است ملک مالک آن زمین محسوب می‌شود مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

فصل دوم در حق انتفاع

ماده ۴۰ - حق انتفاع عبارت از حقی است که به موجب آن شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد استفاده کند. مبحث اول در عمری و رقبی و سکنی ماده ۴۱ - عمری حق انتفاعی است که به موجب عقدی از طرف مالک برای شخص به مدت عمر خود یا عمر منتفع و یا عمر شخص ثالثی برقرار شده باشد. ماده ۴۲ - رقبی حق انتفاعی است که از طرف مالک برای مدت معینی برقرار می‌گردد. ماده ۴۳ - اگر حق انتفاع عبارت از سکونت در مسکنی باشد سکنی یا حق سکنی نامیده می‌شود و این حق ممکن است بطریق عمری یا بطریق رقبی برقرار شود. ماده ۴۴ - در صورتی که مالک برای حق انتفاع مدتی معین نکرده باشد حبس مطلق بوده و حق مزبور تا فوت مالک خواهد بود مگر اینکه مالک قبل از فوت خود رجوع کند. ماده ۴۵ - در

موارد فوق حق انتفاع را فقط درباره شخص یا اشخاصی می‌توان برقرار کرد که در حین ایجاد حق مزبور وجود داشته باشند ولی ممکن است حق انتفاع تبعاً برای کسانی هم که در حین عقد به وجود نیامده‌اند برقرار شود و مادامی که صاحبان حق انتفاع موجود هستند حق مزبور باقی و بعد از انقراض آنها حق زایل می‌گردد. ماده ۴۶ - حق انتفاع ممکن است فقط نسبت به مالی برقرار شود که استفاده از آن با بقای عین ممکن باشد اعم از اینکه مال مزبور منقول باشد یا غیر منقول و مشاع باشد یا مفروز. ماده ۴۷ - در حبس اعم از عمری و غیره قبض شرط صحت است ماده ۴۸ - منتفع باید از مالی که موضوع حق انتفاع است سوء استفاده نکرده و در حفاظت آن تعدی یا تفریط ننماید. ماده ۴۹ - مخارج لازمه برای نگاهداری مالی که موضوع انتفاع است برعهده منتفع نیست مگر اینکه خلاف آن شرط باشد. ماده ۵۰ - اگر مالی که موضوع حق انتفاع است بدون تعدی یا تفریط منتفع تلف شود، مشارالیه مسوول آن نخواهد بود. ماده ۵۱ - حق انتفاع در موارد ذیل زایل می‌شود: ۱ - در صورت انقضا مدت ۲ - در صورت تلف شدن مالی که موضوع انتفاع است ماده ۵۲ - در موارد ذیل منتفع ضامن تضررات مالک است ۱ - در صورتیکه منتفع از مال موضوع انتفاع سوء استفاده کند؛ ۲ - در صورتیکه شرایط مقرر از طرف مالک را رعایت ننماید و این عدم رعایت موجب خسارتی بر موضوع حق انتفاع باشد. ماده ۵۳ - انتقال عین از طرف مالک به غیر، موجب بطلان حق انتفاع نمی‌شود، ولی اگر منتقل‌الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت ماده ۵۴ - سایر کیفیات انتفاع از مال دیگری بنحوی خواهد بود که مالک قرار داده یا عرف و عادت اقتضا بنماید. مبحث دوم در وقف ماده ۵۵ - وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود. ماده ۵۶ - وقف واقع می‌شود به ایجاب از طرف واقف به هر لفظی که صراحتاً دلالت بر معنی آن کند و قبول طبقه اول از موقوف علیهم یا قائم مقام قانونی آنها در صورتی که محصور باشند مثل وقف بر اولاد و اگر موقوف علیهم غیر محصور یا وقف بر مصالح عامه باشد در این صورت قبول حاکم شرط است ماده ۵۷ - واقف باید مالک مالی باشد که وقف میکند و بعلاوه دارای اهلیتی باشد که در معاملات معتبر است ماده ۵۸ - فقط وقف مالی جایز است که با بقاء عین بتوان از آن منتفع شد اعم از اینکه منقول باشد یا غیر منقول مشاع باشد یا مفروز. ماده ۵۹ - اگر واقف عین موقوفه را به تصرف وقف ندهد وقف محقق نمی‌شود و هر وقت به قبض داد وقف تحقق پیدا میکند. ماده ۶۰ - در قبض فوریت شرط نیست بلکه مادامی که واقف رجوع از وقف نکرده است هر وقت قبض بدهد وقف تمام می‌شود. ماده ۶۱ - وقف بعد از وقوع آن به نحو صحت و حصول قبض لازم است و واقف نمی‌تواند از آن رجوع کند یا در آن تغییری بدهد یا از موقوف علیهم کسی را خارج کند یا کسی را داخل در موقوف علیهم نماید یا با آنها شریک کند یا اگر در ضمن عقد متولی معین نکرده بعد از آن متولی قرار دهد یا خود به عنوان تولیت دخالت کند. ماده ۶۲ - در صورتی که موقوف علیهم محصور باشند خود آنها قبض میکنند و قبض طبقه اولی کافی است و اگر موقوف علیهم غیر محصور یا وقف بر مصالح عامه باشد، متولی وقف والا - حاکم قبض میکنند. ماده ۶۳ - ولی و وصی محجورین از جانب آنها موقوفه را قبض میکنند و اگر خود واقف تولیت را برای خود قرار داده باشد قبض خود او کفایت میکند. ماده ۶۴ - مالی را که منافع آن موقتا متعلق به دیگری است می‌توان وقف نمود و همچنین وقف ملکی که در آن حق ارتفاق موجود است جایز است بدون اینکه به حق مزبور خللی وارد آید. ماده ۶۵ - صحت وقفی که بعلت اضرار دیان واقف واقع شده باشد، منوط به اجازه دیان است ماده ۶۶ - وقف بر مقاصد غیر مشروع باطل است ماده ۶۷ - مالی که قبض و اقباض آن ممکن نیست وقف آن باطل است لیکن اگر واقف تنها قادر بر اخذ و اقباض آن نباشد و موقوف علیه قادر به اخذ آن باشد صحیح است ماده ۶۸ - هر چیزی که طبعاً یا بر حسب عرف و عادت جز یا از توابع و تعلقات عین موقوفه محسوب می‌شود، داخل در وقف است مگر اینکه واقف آن را استثناً کند بنحوی که در فصل بیع مذکور است ماده ۶۹ - وقف بر معدوم صحیح نیست مگر به تبع موجود. ماده ۷۰ - اگر وقف بر موجود و معدوم معا واقع شود، نسبت به سهم موجود، صحیح و نسبت به سهم معدوم باطل است ماده ۷۱ - وقف بر مجهول صحیح نیست ماده ۷۲ - وقف بر نفس به این معنی که واقف خود را موقوف علیه یا جز موقوف علیهم نماید یا پرداخت دیون یا سایر مخارج خود را از منافع موقوفه قرار دهد،

باطل است اعم از اینکه راجع به حال حیات باشد یا بعد از فوت ماده ۷۳- وقف بر اولاد و اقوام و خدمه و واردین و امثال آنها صحیح است ماده ۷۴- در وقف بر مصالح عامه اگر خود واقف نیز مصداق موقوف علیهم واقع شود، می تواند منتفع گردد. ماده ۷۵- واقف می تواند تولیت یعنی اداره کردن امور موقوفه را مادام الحیاه یا در مدت معینی برای خود قرار دهد و نیز می تواند متولی دیگری معین کند که مستقلا یا مجتمعا با خود واقف اداره کند. تولیت اموال موقوفه ممکن است به یک یا چند نفر دیگر، غیر از خود واقف واگذار شود که هر یک مستقلا یا منضما اداره کنند و همچنین واقف می تواند شرط کند که خود او یا متولی که معین شده است نصب متولی کند و یا در این موضوع هر ترتیبی را که مقتضی بداند قرار دهد. ماده ۷۶- کسی که واقف او را متولی قرار داده می تواند بدو تولیت را قبول یا رد کند و اگر قبول کرد دیگر نمی تواند رد نماید و اگر رد کرد مثل صورتی است که از اصل متولی قرار داده نشده باشد. ماده ۷۷- هرگاه واقف برای دو نفر یا بیشتر بطور استقلال تولیت قرارداد داده باشد هر یک از آنها فوت کند، دیگری یا دیگران مستقلا تصرف میکنند و اگر به نحو اجتماع قرار داده باشد تصرف هر یک بدون تصویب دیگری یا دیگران نافذ نیست و بعد از فوت یکی از آنها، حاکم شخصی را ضمیمه آنکه باقی مانده است می نماید که مجتمعا تصرف کنند. ماده ۷۸- واقف می تواند بر متولی ناظر قرار دهد که اعمال متولی به تصویب یا اطلاع او باشد. ماده ۷۹- واقف یا حاکم نمی تواند کسی را که در ضمن عقد وقف متولی قرار داده شده است عزل کند مگر در صورتی که حق عزل شرط شده باشد و اگر خیانت متولی ظاهر شود، حاکم ضم امین میکند. ماده ۸۰- اگر واقف وصف مخصوصی را در شخص متولی شرط کرده باشد و متولی فاقد آن وصف گردد منعزل می شود. ماده ۸۱- در اوقاف عامه که متولی معین نداشته باشد، اداره موقوفه طبق نظر ولی فقیه خواهد بود. ماده ۸۲- هرگاه واقف برای اداره کردن موقوفه ترتیب خاصی معین کرده باشد متولی باید به همان ترتیب رفتار کند و اگر ترتیبی قرارداده باشد متولی باید راجع به تعمیر و اجاره و جمع آوری منافع و تقسیم آن بر مستحقین و حفظ موقوفه و غیره مثل وکیل امینی عمل نماید. ماده ۸۳- متولی نمی تواند تولیت را به دیگری تفویض کند مگر آن که واقف در ضمن وقف به او اذن داده باشد ولی اگر در ضمن وقف شرط مباشرت نشده باشد می تواند وکیل بگیرد. ماده ۸۴- جایز است واقف از منافع موقوفه سهمی برای عمل متولی قرار دهد و اگر حق التولیه معین نشده باشد متولی مستحق اجرت المثل عمل است ماده ۸۵- بعد از آن که منافع موقوفه حاصل و حصه هر یک از موقوف علیهم معین شد، موقوف علیه می تواند حصه خود را تصرف کند اگر چه متولی اذن نداده باشد مگر اینکه واقف اذن در تصرف را شرط کرده باشد. ماده ۸۶- در صورتی که واقف ترتیبی قرار نداده باشد، مخارج تعمیر و اصلاح موقوفه و اموری که برای تحصیل منفعت لازم است بر حق موقوف علیهم مقدم خواهد بود. ماده ۸۷- واقف می تواند شرط کند که منافع موقوفه مابین موقوف علیهم به تساوی تقسیم شود یا به تفاوت و یا اینکه اختیار به متولی یا شخص دیگری بدهد که هر نحو مصلحت می داند تقسیم کند. ماده ۸۸- بیع وقف در صورتی که خراب شود یا خوف آن باشد که منجر به خرابی گردد بطوری که انتفاع از آن ممکن نباشد در صورتی جایز است که عمران آن متعذر باشد یا کسی برای عمران آن حاضر نشود. ماده ۸۹- هرگاه بعضی موقوفه خراب یا مشرف به خرابی گردد بطوریکه انتفاع از آن ممکن نباشد، همان بعضی فروخته می شود مگر اینکه خرابی بعضی سبب سلب انتفاع قسمتی که باقی مانده است بشود، در این صورت تمام فروخته می شود. ماده ۹۰- عین موقوفه در مورد جواز بیع به اقرب به غرض واقف تبدیل می شود. ماده ۹۱- در موارد ذیل منافع موقوفات عامه صرف بریات عمومیه خواهد شد: ۱- در صورتی که منافع موقوفه مجهول المصرف باشد مگر اینکه قدر متیقنی در بین باشد؛ ۲- در صورتی که صرف منافع موقوفه در مورد خاصی که واقف معین کرده است متعذر باشد. مبحث سوم در حق انتفاع از مباحات ماده ۹۲- هر کس می تواند با رعایت قوانین و نظامات راجعه به هر یک از مباحات از آنها استفاده نماید.

مبحث اول در حق ارتفاق نسبت به ملک غیر ماده ۹۳- ارتفاق ، حقی است برای شخص در ملک دیگری ماده ۹۴- صاحبان املاک می‌توانند در ملک خود هر حقی را که بخواهند نسبت به دیگری قرار دهند در این صورت کیفیت استحقاق ، تابع قرارداد و عقیدست که مطابق آن حق داده شده است ماده ۹۵- هرگاه زمین یا خانه کسی مجرای فاضلاب یا آب باران زمین یا خانه دیگری بوده است صاحب آن خانه یا زمین نمی‌تواند جلوگیری از آن کند مگر در صورتی که عدم استحقاق او معلوم شود. ماده ۹۶- چشمه واقعه در زمین کسی محکوم به ملکیت صاحب زمین است مگر اینکه دیگری نسبت به آن چشمه عینا یا انتفاعا حقی داشته باشد. ماده ۹۷- هرگاه کسی از قدیم در خانه یا ملک دیگری مجرای آب به ملک خود یا حق مرور داشته صاحب خانه یا ملک نمی‌تواند مانع آب بردن یا عبور او از ملک خود شود و همچنین است سایر حقوق از قبیل حق داشتن در و شبکه و ناودان و حق شرب و غیره ماده ۹۸- اگر کسی حق عبور در ملک غیر ندارد ولی صاحب ملک اذن داده باشد که از ملک او عبور کنند، هر وقت بخواهد می‌تواند از اذن خود رجوع کرده و مانع عبور او بشود و همچنین است سایر اتفاقات ماده ۹۹- هیچ کس حق ندارد ناودان خود را بطرف ملک دیگری بگذارد یا آب باران از بام خود به بام یا ملک همسایه جاری کند و یا برف بریزد مگر به اذن او. ماده ۱۰۰- اگر مجرای آب شخصی در خانه دیگری باشد و در مجری خرابی بهم رسد بنحوی که عبور آب موجب خسارت خانه شود مالک خانه حق ندارد صاحب مجری را به تعمیر مجری اجبار کند بلکه خود او باید دفع ضرر از خود نماید چنانچه اگر خرابی مجری مانع عبور آب شود مالک خانه ملزم نیست که مجری را تعمیر کند بلکه صاحب حق باید خود رفع مانع کند در این صورت برای تعمیر مجری می‌تواند داخل خانه یا زمین شود ولیکن بدون ضرورت حق ورود ندارد مگر به اذن صاحب ملک ماده ۱۰۱- هرگاه کسی از آبی که ملک دیگری است بنحوی از انحا، حق انتفاع داشته باشد از قبیل دایر کردن آسیا و امثال آن صاحب آن نمی‌تواند مجری را تغییر دهد بنحوی که مانع از استفاده حق دیگری باشد. ماده ۱۰۲- هرگاه ملکی کلا یا جزئا به کسی منتقل شود و برای آن ملک حق الارتفافی در ملک دیگر یا در جزء دیگر همان ملک موجود باشد آن حق به حال خود باقی می‌ماند مگر اینکه خلاف آن تصریح شده باشد. ماده ۱۰۳- هرگاه شرکا ملکی دارای حقوق و منافع باشند و آن ملک مابین شرکا تقسیم شود هر کدام از آنها به قدر حصه مالک آن حقوق و منافع خواهد بود مثل اینکه اگر ملکی دارای حق عبور در ملک غیر بوده و آن ملک که دارای حق است بین چند نفر تقسیم شود هر یک از آنها حق عبور از همان محلی که سابقا حق داشته است خواهد داشت ماده ۱۰۴- حق الارتفاق مستلزم وسایل انتفاع از آن حق نیز خواهد بود مثل اینکه اگر کسی حق شرب از چشمه یا حوض یا آب انبار غیر دارد حق عبور تا آن چشمه یا حوض و آب انبار هم برای برداشتن آب دارد. ماده ۱۰۵- کسی که حق الارتفاق در ملک غیر دارد مخارجی که برای تمتع از آن حق لازم شود به عهده صاحب حق می‌باشد مگر اینکه بین او و صاحب ملک برخلاف آن قراری داده شده باشد. ماده ۱۰۶- مالک ملکی که مورد حق الارتفاق غیر است نمی‌تواند در ملک خود تصرفاتی نماید که باعث تضییع یا تعطیل حق مزبور باشد مگر با اجازه صاحب حق ماده ۱۰۷- تصرفات صاحب حق در ملک غیر که متعلق حق اوست باید به اندازه‌ای باشد که قرار داده‌اند و یا به مقدار متعارف و آنچه ضرورت انتفاع اقتضاء می‌کند. ماده ۱۰۸- در تمام مواردی که انتفاع کسی از ملک دیگری به موجب اذن محض باشد مالک می‌تواند هر وقت بخواهد از اذن خود رجوع کند مگر اینکه مانع قانونی موجود باشد. مبحث دوم در احکام و آثار املاک نسبت به املاک مجاور ماده ۱۰۹- دیواری که مابین دو ملک واقع است مشترک مابین صاحب آن دو ملک محسوب می‌شود مگر اینکه قرینه یا دلیلی برخلاف آن موجود باشد. ماده ۱۱۰- بنا، بطور ترصیف و وضع سرتیر از جمله قرائن است که دلالت بر تصرف و اختصاص می‌کند. ماده ۱۱۱- هرگاه از دو طرف بنا متصل به دیوار، به‌طور ترصیف باشد و یا از هر دو طرف به‌روی دیوار، سرتیر گذاشته شده باشد آن دیوار محکوم به اشتراک است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. ماده ۱۱۲- هرگاه قرائن اختصاصی فقط از یک طرف باشد تمام دیوار محکوم به ملکیت صاحب آن طرف خواهد بود مگر اینکه خلافش ثابت شود. ماده ۱۱۳- مخارج دیوار مشترک بر عهده کسانی است که در آن شرکت دارند. ماده ۱۱۴- هیچ یک از شرکا

نمی‌تواند دیگری را اجبار بر بنا و تعمیر دیوار مشترک نماید مگر اینکه دفع ضرر به نحو دیگری ممکن نباشد. ماده ۱۱۵ - در صورتی که دیوار مشترک خراب شود و احد شریکین از تجدید بنا و اجازه تصرف در مبنای مشترک امتناع نماید شریک دیگر می‌تواند در حصه خاص خود تجدید بنای دیوار را کند. ماده ۱۱۶ - هرگاه احد شرکا، راضی به تصرف دیگری در مبنا باشد ولی از تحمل مخارج مضایقه نماید شریک دیگر می‌تواند بنای دیوار را تجدید کند و در این صورت اگر بنای جدید با مصالح مشترک ساخته شود دیوار، مشترک خواهد بود و الاً مختص به شریکی است که بنا را تجدید کرده است ماده ۱۱۷ - اگر یکی از دو شریک دیوار مشترک را خراب کند در صورتی که خراب کردن آن لازم نبوده باید آنکه خراب کرده مجدداً آن را بنا کند. ماده ۱۱۸ - هیچیک از دو شریک حق ندارد دیوار مشترک را بالا ببرد یا روی آن بنا یا سرتیری بگذارد یا دریچه و رف باز کند یا هر نوع تصرفی نماید مگر به اذن شریک دیگر. ماده ۱۱۹ - هر یک از شرکا بر روی دیوار مشترک سرتیر داشته باشند نمی‌تواند بدون رضای شریک دیگر تیرها را از جای خود تغییر دهد و به جای دیگر از دیوار بگذارد. ماده ۱۲۰ - اگر صاحب دیوار به همسایه اذن دهد که بر روی دیوار اوسرتیری بگذارد یا روی آن بنا کند، هر وقت بخواهد می‌تواند از اذن خود رجوع کند مگر اینکه به وجه ملزومی این حق را از خود سلب کرده باشد. ماده ۱۲۱ - هرگاه کسی به اذن صاحب دیوار، بر روی دیوار، سرتیری گذارده باشد و بعد آن را بردارد نمی‌تواند مجدداً بگذارد مگر به اذن جدید از صاحب دیوار و همچنین است سایر تصرفات ماده ۱۲۲ - اگر دیواری متمایل به ملک غیر یا شارع و نحو آن شود که مشرف به خرابی گردد صاحب آن اجبار می‌شود که آن را خراب کند. ماده ۱۲۳ - اگر خانه یا زمینی بین دو نفر تقسیم شود یکی از آنها نمی‌تواند دیگری را مجبور کند که باهم دیواری مابین دو قسمت بکشند. ماده ۱۲۴ - اگر از قدیم سرتیر عمارتی روی دیوار مختصی همسایه بوده و سابقه این تصرف معلوم نباشد باید به حال سابق باقی بماند و اگر به سبب خرابی عمارت و نحو آن سرتیر برداشته شود صاحب عمارت می‌تواند آن را تجدید کند و همسایه حق ممانعت ندارد مگر اینکه ثابت نماید وضعیت سابق به صرف اجازه او ایجاد شده بوده است ماده ۱۲۵ - هرگاه طبقه تحتانی مال کسی باشد و طبقه فوقانی مال دیگری هر یک از آنها می‌تواند بطور متعارف در حصه اختصاصی خود تصرف بکند لیکن نسبت به سقف دو طبقه هر یک از مالکین طبقه فوقانی و تحتانی می‌تواند در کف یا سقف طبقه اختصاصی خود، بطور متعارف آن اندازه تصرف نماید که مزاحم حق دیگری نباشد. ماده ۱۲۶ - صاحب اطاق تحتانی نسبت به دیوارهای اطاق و صاحب فوقانی نسبت به دیوارهای غرفه بالا اختصاص و هر دو نسبت به سقف مابین اطاق و غرفه بالا اشتراک متصرف شناخته می‌شوند. ماده ۱۲۷ - پله فوقانی ملک صاحب طبقه فوقانی محسوب است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. ماده ۱۲۸ - هیچ یک از صاحبان طبقه تحتانی و غرفه فوقانی نمی‌تواند دیگری را اجبار به تعمیر یا مساعدت در تعمیر دیوارها و سقف آن بنماید. ماده ۱۲۹ - هرگاه سقف واقع مابین عمارت تحتانی و فوقانی خراب شود، در صورتی که بین مالک فوقانی و مالک تحتانی موافقت در تجدید بنا حاصل نشود و قرارداد ملزومی سابقاً بین آنها موجود نباشد هر یک از مالکین اگر تیرعا سقف را تجدید نموده چنانچه با مصالح مشترک ساخته شده باشد سقف مشترک است و اگر با مصالح مختصه ساخته شده متعلق به بانی خواهد بود. ماده ۱۳۰ - کسی حق ندارد از خانه خود به فضای خانه همسایه بدون اذن او خروجی بدهد و اگر بدون اذن خروجی بدهد ملزم به رفع آن خواهد بود. ماده ۱۳۱ - اگر شاخه درخت کسی داخل در فضای خانه یا زمین همسایه شود باید از آن جا عطف کند و اگر نکرد همسایه می‌تواند آن را عطف کند و اگر نشد از حد خانه خود قطع کند و همچنین است حکم ریشه‌های درخت که داخل ملک غیر می‌شود. ماده ۱۳۲ - کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که بقدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد. ماده ۱۳۳ - کسی نمی‌تواند از دیوار خانه خود به خانه همسایه در باز کند اگر چه دیوار، ملک مختصی او باشد لیکن می‌تواند از دیوار مختصی خود روزنه یا شبکه باز کند و همسایه حق منع او را ندارد ولی همسایه هم می‌تواند جلو روزنه و شبکه دیوار بکشد یا پرده بیاویزد که مانع رؤیت شود. ماده ۱۳۴ - هیچیک از اشخاصی که در یک معبر یا یک مجری شریکند نمی‌توانند شرکا دیگر را مانع از عبور یا بردن آب شوند. ماده

۱۳۵- درخت و حفیره و نحو آنها که فاصل مابین املاک باشد در حکم دیوار مابین خواهد بود. مبحث سوم در حریم املاک ماده
 ۱۳۶- حریم مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد. ماده ۱۳۷-
 حریم چاه برای آب خوردن (۲۰) گز و برای زراعت (۳۰) گز است ماده ۱۳۸- حریم چشمه و قنات از هر طرف در زمین رخوه
 (۵۰۰) گز و در زمین سخت (۲۵۰) گز است لیکن اگر مقادیر مذکوره در این ماده و ماده قبل برای جلوگیری از ضرر کافی نباشد به
 اندازه‌ای که برای دفع ضرر کافی باشد به آن افزوده می‌شود. ماده ۱۳۹- حریم در حکم ملک صاحب حریم است و تملک و
 تصرف در آن که منافی باشد با آنچه مقصود از حریم است بدون اذن از طرف مالک صحیح نیست و بنابراین کسی نمی‌تواند در
 حریم چشمه و یاقنات دیگری چاه یا قنات بکند ولی تصرفاتی که موجب تضرر نشود جائز است

کتاب دوم در اسباب تملک

اشاره

ماده ۱۴۰- تملک حاصل می‌شود: ۱- به احیا اراضی موات و حيازت اشیا مباحه ۲- به وسیله عقود و تعهدات ۳- به وسیله اخذ به
 شفعه ۴- به ارث

قسمت اول در احیاء اراضی موات و حيازت اشیا مباحه

باب اول در احیاء اراضی موات و مباحه

ماده ۱۴۱- مراد از احیا زمین آنست که اراضی موات و مباحه را بوسیله عملیاتی که در عرف آباد کردن محسوب است از قبیل
 زراعت درختکاری بنا ساختن و غیره قابل استفاده نمایند. ماده ۱۴۲- شروع در احیاء از قبیل سنگ چیدن اطراف زمین یا کندن چاه
 و غیره تحجیر است و موجب مالکیت نمی‌شود ولی برای تحجیر کننده ایجاد حق اولویت در احیا می‌نماید. ماده ۱۴۳- هر کس از
 اراضی موات و مباحه قسمتی را به قصد تملک احیا کند مالک آن قسمت می‌شود. ماده ۱۴۴- احیا اطراف زمین موجب تملک
 وسط آن نیز می‌باشد. ماده ۱۴۵- احیا کننده باید قوانین دیگر مربوط به این موضوع را از هر حیث رعایت نماید.

باب دوم در حيازت مباحات

ماده ۱۴۶- مقصود از حيازت تصرف و وضع ید است یا مهیا کردن وسایل تصرف و استیلا. ماده ۱۴۷- هر کس مال مباحی را با
 رعایت قوانین مربوط به آن حيازت کند مالک آن می‌شود. ماده ۱۴۸- هر کس در زمین مباح نهری بکند و متصل کند به رودخانه آن
 نهر را احیا کرده و مالک آن نهر می‌شود ولی مادامی که متصل به رودخانه نشده است تحجیر محسوب می‌شود. ماده ۱۴۹- هرگاه
 کسی به قصد حيازت میاه مباحه نهر یا مجری احداث کند آب مباحی که در نهر یا مجرای مزبور وارد شود ملک صاحب مجری
 است و بدون اذن مالک نمی‌توان از آن نهری جدا کرد یا زمینی مشروب نمود. ماده ۱۵۰- هرگاه چند نفر در کندن مجری یا چاه
 شریک شوند به نسبت عمل و مخارجی که موجب تفاوت عمل باشد مالک آب می‌شوند و به همان نسبت بین آنها تقسیم می‌شود.
 ماده ۱۵۱- یکی از شرکا نمی‌تواند از مجرای مشترک مجرای جدا کند یا دهنه نهر را وسیع یا تنگ کند یا روی آن پل یا آسیاب
 بسازد یا اطراف آن درخت بکارد یا هر نحو تصرفی کند مگر به اذن سایر شرکا. ماده ۱۵۲- اگر نصیب مفروز یکی از شرکا از آب
 نهر مشترک داخل مجرای مختصی آن شخص شود آن آب ملک مخصوص آن می‌شود و هر نحو تصرفی در آن می‌تواند بکند. ماده

۱۵۳- هرگاه نهري مشترك مابين جماعتی باشد و در مقدار نصیب هریک از آنها اختلاف شود، حکم به تساوی نصیب آنها می‌شود مگر اینکه دلیلی بر زیادتی نصیب بعضی از آنها موجود باشد. ماده ۱۵۴- کسی نمی‌تواند از ملک غیر، آب به ملک خود ببرد بدون اذن مالک اگر چه راه دیگری نداشته باشد. ماده ۱۵۵- هر کس حق دارد از نه‌های مباحه اراضی خود را مشروب کند یا برای زمین و آسیاب و سایر حوائج خود، از آن نه‌ جدا کند. ماده ۱۵۶- هرگاه آب نه‌ کافی نباشد که تمام اراضی اطراف آن مشروب شود و مابین صاحبان اراضی در تقدم و تاخر اختلاف شود و هیچیک نتواند حق تقدم را ثابت کند، با رعایت ترتیب هر زمینی که به منبع آب نزدیکتر است به قدر حاجت حق تقدم بر زمین پائین تر خواهد داشت ماده ۱۵۷- هرگاه دو زمین در دو طرف نه‌ محاذی هم واقع شوند و حق تقدم یکی بر دیگری محرز نباشد و هر دو در یک زمان بخواهند آب ببرند و آب کافی برای هر دو نباشد باید برای تقدم و تاخر در بردن آب به نسبت حصه قرعه زده و اگر آب کافی برای هر دو باشد به نسبت حصه تقسیم می‌کنند. ماده ۱۵۸- هرگاه تاریخ احیا اراضی اطراف رودخانه مختلف باشد زمینی که احیا آن مقدم بوده است در آب نیز مقدم می‌شود بر زمین متاخر در احیا، اگر چه پائین تر از آن باشد. ماده ۱۵۹- هرگاه کسی بخواهد جدیداً زمینی در اطراف رودخانه احیا کند اگر آب رودخانه زیاد باشد و برای صاحبان اراضی سابقه تزیقی نباشد می‌تواند از آب رودخانه زمین جدید را مشروب کند و الا حق بردن آب ندارد اگر چه زمین او بالاتر از سایر اراضی باشد. ماده ۱۶۰- هر کس در زمین خود یا اراضی مباحه به قصد تملک قنات یا چاهی بکند تا به آب برسد یا چشمه جاری کند مالک آب آن می‌شود و در اراضی مباحه مادامی که به آب نرسیده تحجیر محسوب است

باب سوم در معادن

ماده ۱۶۱- معدنی که در زمین کسی واقع شده باشد ملک صاحب زمین است و استخراج آن تابع قوانین مخصوصه خواهد بود.

باب چهارم در اشیا پیدا شده و حیوانات ضاله

فصل اول در اشیا پیدا شده ماده ۱۶۲- هر کس مالی پیدا کند که قیمت آن کمتر از یک درهم که وزن آن ۶/۱۲ نخود نقره باشد، می‌تواند آن را تملک کند. ماده ۱۶۳- اگر قیمت مال پیدا شده یک درهم که وزن آن ۶/۱۲ نخود نقره یا بیشتر باشد، پیدا کننده باید یک سال تعریف کند و اگر در مدت مزبور صاحب مال پیدا نشد، مشارالیه مختار است که آن را بطور امانت نگاه دارد یا تصرف دیگری در آن بکند، در صورتی که آن را بطور امانت نگاهدارد و بدون تقصیر او تلف شود، ضامن نخواهد بود. تبصره - در صورتی که پیدا کننده مال از همان ابتدا یا پیش از پایان مدت یک سال علم حاصل کند که تعریف بی‌فایده است و یا از یافتن صاحب مال مایوس گردد، تکلیف تعریف از او ساقط می‌شود. ماده ۱۶۴- تعریف اشیا پیدا شده عبارتست از نشر و اعلان بر حسب مقررات شرعی بنحوی که بتوان گفت که عادتاً به اطلاع اهالی محل رسیده است ماده ۱۶۵- هر کس در بیابان یا خرابه که خالی از سکنه بوده و مالک خاصی ندارد مالی پیدا کند می‌تواند آن را تملک کند و محتاج به تعریف نیست مگر اینکه معلوم باشد که مال عهد زمان حاضر است در این صورت در حکم سایر اشیا پیدا شده در آبادی خواهد بود. ماده ۱۶۶- اگر کسی در ملک غیر یا ملکی که از غیر خریده مالی پیدا کند و احتمال بدهد که مال مالک فعلی یا مالکین سابق است باید به آنها اطلاع بدهد، اگر آنها مدعی مالکیت شدند و به قرائن مالکیت آنها معلوم شد باید به آنها بدهد والا به طریقی که فوقاً مقرر است رفتار نماید. ماده ۱۶۷- اگر مالی که پیدا شده است ممکن نیست باقی بماند و فاسد می‌شود باید به قیمت عادلانه فروخته شود و قیمت آن در حکم خود مال پیدا شده خواهد بود. ماده ۱۶۸- اگر مال پیدا شده در زمان تعریف بدون تقصیر پیدا کننده تلف شود مشارالیه ضامن نخواهد بود. ماده ۱۶۹- منافی که از مال پیدا شده حاصل می‌شود قبل از تملک متعلق به صاحب آن است و بعد از تملک مال پیدا کننده است فصل دوم در حیوانات ضاله ماده ۱۷۰- حیوان گمشده (ضاله) عبارت از هر حیوان مملوکی است که بدون متصرف یافت شود ولی اگر حیوان

مزبور در چراگاه یا نزدیک آبی یافت شود یا متمکن از دفاع خود در مقابل حیوانات درنده باشد ضاله محسوب نمی‌گردد. ماده ۱۷۱ - هرکس حیوان ضاله پیدا نماید باید آن را به مالک آن رد کند و اگر مالک را نشناسد باید به حاکم یا قائم مقام او تسلیم کند والا ضامن خواهد بود اگر چه آن را بعد از تصرف رها کرده باشد. ماده ۱۷۲ - اگر حیوان گمشده در نقاط مسکونه یافت شود و پیدا کننده بادسترسی به حاکم یا قائم مقام او، آن را تسلیم نکند حق مطالبه مخارج نگاهداری آن را از مالک نخواهد داشت هرگاه حیوان ضاله در نقاط غیرمسکونه یافت شود پیداکننده می‌تواند مخارج نگاهداری آن را از مالک مطالبه کند مشروط بر اینکه از حیوان انتفاعی نبرده باشد و الا مخارج نگاهداری با منافع حاصله احتساب و پیدا کننده یا مالک فقط برای بقیه حق رجوع به یکدیگر را خواهند داشت

باب پنجم در دفینه

ماده ۱۷۳ - دفینه مالی است که در زمین یا بنایی دفن شده و برحسب اتفاق و تصادف پیدا می‌شود. ماده ۱۷۴ - دفینه که مالک آن معلوم نباشد ملک کسی است که آن را پیدا کرده است ماده ۱۷۵ - اگر کسی در ملک غیر، دفینه پیدا نماید باید به مالک اطلاع دهد، اگر مالک زمین مدعی مالکیت دفینه شد و آن را ثابت کرد، دفینه به مدعی مالکیت تعلق می‌گیرد. ماده ۱۷۶ - دفینه که در اراضی مباحه کشف شود متعلق به مستخرج آن است ماده ۱۷۷ - جواهری که از دریا استخراج می‌شود ملک کسی است که آن را استخراج کرده است و آنچه که آب به ساحل می‌اندازد ملک کسی است که آن را حیازت نماید. ماده ۱۷۸ - مالی که در دریا غرق شده و مالک از آن اعراض کرده است مال کسی است که آن را بیرون بیاورد.

باب ششم در شکار

ماده ۱۷۹ - شکار کردن موجب تملک است ماده ۱۸۰ - شکار حیوانات اهلی و حیوانات دیگری که علامت مالکیت در آن باشد موجب تملک نمی‌شود. ماده ۱۸۱ - اگر کسی کندو یا محلی برای زنبور عسل تهیه کند زنبور عسلی که در آن جمع می‌شوند ملک آن شخص است همین طور است حکم کبوتر که در برج کبوتر جمع شود. ماده ۱۸۲ - مقررات دیگر راجع به شکار به موجب نظامات مخصوصه معین خواهد شد.

قسمت دوم در عقود و معاملات و الزامات

باب اول در عقود و تعهدات بطور کلی (ماده ۱۸۳ الی ۳۰۰)

ماده ۱۸۳ - عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد. فصل اول در اقسام عقود و معاملات ماده ۱۸۴ - عقود و معاملات به اقسام ذیل منقسم می‌شوند: لازم جایز، خیاری منجز و معلق ماده ۱۸۵ - عقد لازم آنست که هیچیک از طرفین معامله حق فسخ آن را نداشته باشد مگر در موارد معینه ماده ۱۸۶ - عقد جایز آن است که هر یک از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد آنرا فسخ کند. ماده ۱۸۷ - عقد ممکن است نسبت به یک طرف لازم باشد و نسبت به طرف دیگر جایز. ماده ۱۸۸ - عقد خیاری آن است که برای طرفین یا یکی از آنها یا برای ثالثی اختیار فسخ باشد. ماده ۱۸۹ - عقد منجز آن است که تاثیر آن برحسب انشاء، موقوف به امر دیگری نباشد والا- معلق خواهد بود. فصل دوم در شرایط اساسی برای صحت معامله ماده ۱۹۰ - برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است ۱- قصد طرفین و رضای آنها؛ ۲- اهلیت طرفین ۳- موضوع معین که مورد معامله باشد؛ ۴- مشروعیت جهت معامله مبحث اول در قصد طرفین و رضای آنها ماده ۱۹۱ - عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند. ماده ۱۹۲ - در مواردی که برای طرفین یا یکی از آنها تلفظ ممکن

نباشد، اشاره که مبین قصد و رضا باشد کافی است ماده ۱۹۳ - انشاء معامله ممکن است به وسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد مثل قبض و اقباض حاصل گردد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد. ماده ۱۹۴ - الفاظ و اشارات و اعمال دیگر که متعاملین به وسیله آن انشاء معامله می نمایند باید موافق باشد بنحوی که احد طرفین، همان عقدی را قبول کند که طرف دیگر قصد انشاء آن را داشته است والا معامله باطل خواهد بود. ماده ۱۹۵ - اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله نماید آن معامله به واسطه فقد آن قصد باطل است ماده ۱۹۶ - کسی که معامله می کند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است مگر اینکه در موقع عقد، خلاف آن را تصریح نماید یا بعد، خلاف آن ثابت شود معذلتک ممکن است در ضمن معامله که شخص برای خود می کند تعهدی هم به نفع شخص ثالثی بنماید. ماده ۱۹۷ - در صورتی که ثمن یا ثمن معامله عین متعلق به غیر باشد، آن معامله برای صاحب عین خواهد بود. ماده ۱۹۸ - ممکن است طرفین یا یکی از آنها بوکالت از غیر اقدام بنماید و نیز ممکن است که یک نفر بوکالت از طرف متعاملین این اقدام را بعمل آورد. ماده ۱۹۹ - رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست ماده ۲۰۰ - اشتباه وقتی موجب عدم نفوذ معامله است که مربوط به خود موضوع معامله باشد. ماده ۲۰۱ - اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خللی وارد نمی آورد مگر در مواردی که شخصیت طرف علت عمده عقد بوده باشد. ماده ۲۰۲ - اکراه به اعمالی حاصل می شود که موثر در شخص با شعوری بوده و او را نسبت به جان یا مال یا ابروی خود تهدید کند بنحوی که عادتاً قابل تحمل نباشد. در مورد اعمال اکراه امیز سن و شخصیت و اخلاق و مرد یا زن بودن شخص باید در نظر گرفته شود. ماده ۲۰۳ - اکراه موجب عدم نفوذ معامله است اگرچه از طرف شخص خارجی غیر از متعاملین واقع شود. ماده ۲۰۴ - تهدید طرف معامله در نفس یا جان یا ابروی اقوام نزدیک او از قبیل زوج و زوجه و اباء و اولاد موجب اکراه است در مورد این ماده تشخیص نزدیکی درجه برای موثر بودن اکراه بسته به نظر عرف است ماده ۲۰۵ - هرگاه شخصی که تهدید شده است بداند که تهدید کننده نمی تواند تهدید خود را به موقع اجرا گذارد و یا خود شخص مزبور قادر باشد بر اینکه بدون مشقت اکراه را از خود دفع کند و معامله را واقع نسازد آن شخص مکره محسوب نمی شود. ماده ۲۰۶ - اگر کسی در نتیجه اضطرار، اقدام به معامله کند مکره محسوب نشده و معامله اضطراری معتبر خواهد بود. ماده ۲۰۷ - ملزم شدن شخص به انشاء معامله به حکم مقامات صالحه قانونی اکراه محسوب نمی شود. ماده ۲۰۸ - مجرد خوف از کسی بدون آن که از طرف آن کس تهدیدی شده باشد اکراه محسوب نمی شود. ماده ۲۰۹ - امضای معامله بعد از رفع اکراه موجب نفوذ معامله است مبحث دوم در اهلیت طرفین ماده ۲۱۰ - متعاملین باید برای معامله اهلیت داشته باشند. ماده ۲۱۱ - برای اینکه متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ و عاقل و رشید باشند. ماده ۲۱۲ - معامله با اشخاصی که بالغ یا عاقل یا رشید نیستند به واسطه عدم اهلیت باطل است ماده ۲۱۳ - معامله مجبورین نافذ نیست مبحث سوم در مورد معامله ماده ۲۱۴ - مورد معامله باید مال یا عملی باشد که هر یک از متعاملین تعهد تسلیم یا ایفاء آن را می کنند. ماده ۲۱۵ - مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد. ماده ۲۱۶ - مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است مبحث چهارم در جهت معامله ماده ۲۱۷ - در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود ولی اگر تصریح شده باشد، باید مشروع باشد والا معامله باطل است ماده ۲۱۸ - هرگاه معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین بطور صورتی انجام شده آن معامله باطل است ماده ۲۱۸ مکرر - هرگاه طلبکار به دادگاه دادخواست داده دلایل اقامه نماید که مدیون برای فرار از دین قصد فروش اموال خود را دارد، دادگاه می تواند قرار توقیف اموال وی را به میزان بدهی او صادر نماید، که در این صورت بدون اجازه دادگاه حق فروش اموال را نخواهد داشت فصل سوم در اثر معاملات مبحث اول در قواعد عمومی ماده ۲۱۹ - عقودی که برطبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا بعلت قانونی فسخ شود. ماده ۲۲۰ - عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می شود ملزم می باشند. ماده ۲۲۱ - اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند

یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسوول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد، عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد. ماده ۲۲۲ - در صورت عدم ایفاء تعهد با رعایت ماده فوق، حاکم می‌تواند به کسی که تعهد به نفع او شده است اجازه دهد که خود او عمل را انجام دهد و متخلف را به تادیه مخارج آن محکوم نماید. ماده ۲۲۳ - هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر اینکه فساد آن معلوم شود. ماده ۲۲۴ - الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه ماده ۲۲۵ - متعارف بودن امری در عرف و عادت بطوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد بمنزله ذکر در عقد است مبحث دوم در خسارات حاصله از عدم اجرای تعهدات ماده ۲۲۶ - در مورد عدم ایفاء تعهدات از طرف یکی از متعاملین طرف دیگر نمی‌تواند ادعای خسارت نماید مگر اینکه برای ایفاء تعهد مدت معینی مقرر شده و مدت مزبور منقضی شده باشد و اگر برای ایفاء تعهد، مدتی مقرر نبوده طرف وقتی می‌تواند ادعای خسارت نماید که اختیار موقع انجام با او بوده و ثابت نماید که انجام تعهد را مطالبه کرده است ماده ۲۲۷ - متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تادیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود. ماده ۲۲۸ - در صورتی که موضوع تعهد، تادیه وجه نقدی باشد، حاکم می‌تواند با رعایت ماده ۲۲۱ مدیون را به جبران خسارت حاصله از تاخیر در تادیه دین محکوم نماید. ماده ۲۲۹ - اگر متعهد به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست نتواند از عهده تعهد خود برآید، محکوم به تادیه خسارت نخواهد بود. ماده ۲۳۰ - اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی به عنوان خسارت تادیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند. مبحث سوم در اثر عقود نسبت به اشخاص ثالث ماده ۲۳۱ - معاملات و عقود فقط درباره طرفین متعاملین و قائم مقام قانونی آنها موثر است مگر در مورد ماده ۱۹۶. فصل چهارم در بیان شرایطی که در ضمن عقد می‌شود مبحث اول در اقسام شرط ماده ۲۳۲ - شروط مفصله ذیل باطل است ولی مفسد عقد نیست ۱ - شرطی که انجام آن غیر مقدور باشد؛ ۲ - شرطی که در آن نفع و فایده نباشد؛ ۳ - شرطی که نامشروع باشد. ماده ۲۳۳ - شروط مفصله ذیل باطل و موجب بطلان عقد است ۱ - شرط خلاف مقتضای عقد؛ ۲ - شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود. ماده ۲۳۴ - شرط بر سه قسم است ۱ - شرط صفت ۲ - شرط نتیجه ۳ - شرط فعل اثباتا یا نفیا. شرط صفت عبارت است از شرط راجعه به کیفیت یا کمیت مورد معامله شرط نتیجه آن است که تحقق امری در خارج شرط شود. شرط فعل آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارجی شرط شود. مبحث دوم در احکام شرط ماده ۲۳۵ - هرگاه شرطی که در ضمن عقد شده است شرط صفت باشد و معلوم شود آن صفت موجود نیست کسی که شرط به نفع او شده است خیار فسخ خواهد داشت ماده ۲۳۶ - شرط نتیجه در صورتی که حصول آن نتیجه موقوف به سبب خاصی نباشد آن نتیجه به نفس اشتراط حاصل می‌شود. ماده ۲۳۷ - هرگاه شرط در ضمن عقد، شرط فعل باشد اثباتا یا نفیا، کسی که ملتزم به انجام شرط شده است باید آن را به جا بیاورد و در صورت تخلف طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده تقاضای اجبار به وفای شرط بنماید. ماده ۲۳۸ - هرگاه فعلی در ضمن عقد شرط شود و اجبار ملتزم به انجام آن غیرمقدور ولی انجام آن به وسیله شخص دیگری مقدور باشد، حاکم می‌تواند به خرج ملتزم موجبات انجام آن فعل را فراهم کند. ماده ۲۳۹ - هرگاه اجبار مشروط علیه برای انجام فعل مشروط ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت ماده ۲۴۰ - اگر بعد از عقد، انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است کسی که شرط بر نفع او شده است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت مگر اینکه امتناع مستند به فعل مشروط له باشد. ماده ۲۴۱ - ممکن است در معامله شرط شود که یکی از متعاملین برای آنچه که به واسطه معامله مشغول الذمه می‌شود رهن یا ضامن بدهد. ماده ۲۴۲ - هرگاه در عقد، شرط شده باشد که مشروط علیه مال معین را رهن دهد و آن مال تلف یا معیوب شود مشروط له اختیار فسخ معامله را خواهد داشت نه حق مطالبه عوض رهن یا ارض عیب و اگر بعد از آن که مال را مشروط له به رهن گرفت آن مال

تلف یا معیوب شود دیگر اختیار فسخ ندارد. ماده ۲۴۳ - هرگاه در عقد، شرط شده باشد که ضامنی داده شود و این شرط انجام نگیرد مشروط له حق فسخ معامله را خواهد داشت ماده ۲۴۴ - طرف معامله که شرط به نفع او شده می تواند از عمل به آن شرط صرف نظر کند در این صورت مثل آن است که این شرط در معامله قید نشده باشد لیکن شرط نتیجه قابل اسقاط نیست ماده ۲۴۵ - اسقاط حق حاصل از شرط ممکن است به لفظ باشد یا به فعل یعنی عملی که دلالت بر اسقاط شرط نماید. ماده ۲۴۶ - در صورتی که معامله به واسطه اقاله یا فسخ بهم بخورد شرطی که در ضمن آن شده باطل می شود و اگر کسی که ملزم به انجام آن شرط بوده است عمل به شرط کرده باشد می تواند عوض او را از مشروط له بگیرد. فصل پنجم در معاملات که موضوع آن مال غیر است یا معاملات فضولی ماده ۲۴۷ - معامله به مال غیر، جز به عنوان ولایت یا وصایت یا وکالت نافذ نیست ولو اینکه صاحب مال باطنا راضی باشد ولی اگر مالک یا قائم مقام او پس از وقوع معامله آن را اجازه نمود در این صورت معامله صحیح و نافذ می شود. ماده ۲۴۸ - اجازه مالک نسبت به معامله فضولی حاصل می شود به لفظ یا فعلی که دلالت بر امضاء عقد نماید. ماده ۲۴۹ - سکوت مالک ولو با حضور در مجلس عقد، اجازه محسوب نمی شود. ماده ۲۵۰ - اجازه در صورتی موثر است که مسبوق به رد نباشد والا اثری ندارد. ماده ۲۵۱ - رد معامله فضولی حاصل می شود به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر عدم رضای به آن نماید. ماده ۲۵۲ - لازم نیست اجازه یا رد فوری باشد. اگر تاخیر موجب تضرر طرف اصیل باشد مشارالیه می تواند معامله را بهم بزند. ماده ۲۵۳ - در معامله فضولی اگر مالک قبل از اجازه یا رد فوت نماید اجازه یا رد، با وارث است ماده ۲۵۴ - هرگاه کسی نسبت به مال غیر معامله نماید و بعد آن مال بنحوی از آنحاء به معامله کننده فضولی منتقل شود، صرف تملک موجب نفوذ معامله سابقه نخواهد بود. ماده ۲۵۵ - هرگاه کسی نسبت به مالی معامله به عنوان فضولی نماید و بعد معلوم شود که آن مال ملک معامله کننده بوده است یا ملک کسی بوده است که معامله کننده می توانسته است از قبل او ولایت یا وکالتا معامله نماید در این صورت نفوذ و صحت معامله موکول به اجازه معامل است والا معامله باطل خواهد بود. ماده ۲۵۶ - هرگاه کسی مال خود و مال غیر را به یک عقدی منتقل کند یا انتقال مالی را برای خود و دیگری قبول کند معامله نسبت به خود او نافذ و نسبت به غیر، فضولی است ماده ۲۵۷ - اگر عین مالی که موضوع معامله فضولی بوده است قبل از اینکه مالک معامله فضولی را اجازه یا رد کند مورد معامله دیگر نیز واقع شود مالک می تواند هر یک از معاملات را که بخواهد اجازه کند در این صورت هر یک را اجازه کرد، معاملات بعد از آن نافذ و سابق بر آن باطل خواهد بود. ماده ۲۵۸ - نسبت به منافع مالی که مورد معامله فضولی بوده است و همچنین نسبت به منافع حاصله از عوض آن، اجازه یا رد از روز عقد موثر خواهد بود. ماده ۲۵۹ - هرگاه معامل فضولی مالی را که موضوع معامله بوده است به تصرف متعامل داده باشد و مالک آن معامله را اجازه نکند متصرف ضامن عین و منافع است ماده ۲۶۰ - در صورتی که معامل فضولی عوض مالی را که موضوع معامله بوده است گرفته و در نزد خود داشته باشد و مالک با اجازه معامله قبض عوض را نیز اجازه کند دیگر حق رجوع به طرف دیگر نخواهد داشت ماده ۲۶۱ - در صورتی که مبیع فضولی به تصرف مشتری داده شود هرگاه مالک معامله را اجازه نکرد مشتری نسبت به اصل مال و منافع مدتی که در تصرف او بوده ضامن است اگر چه منافع را استیفا نکرده باشد و همچنین است نسبت به هر عیبی که در مدت تصرف مشتری حادث شده باشد. ماده ۲۶۲ - در مورد ماده قبل مشتری حق دارد که برای استرداد ثمن عینا یا مثلا یا قیمتا به بایع فضولی رجوع کند. ماده ۲۶۳ - هرگاه مالک معامله را اجازه نکند و مشتری هم برفضولی بودن آن جاهل باشد حق دارد که برای ثمن و کلیه غرامات به بایع فضولی رجوع کند و در صورت عالم بودن فقط حق رجوع برای ثمن را خواهد داشت فصل ششم در سقوط تعهدات ماده ۲۶۴ - تعهدات به یکی از طرق ذیل ساقط می شود: ۱ - به وسیله وفای به عهد؛ ۲ - به وسیله اقاله ۳ - به وسیله ابراء؛ ۴ - به وسیله تبدیل تعهد؛ ۵ - به وسیله تهاتر؛ ۶ - به وسیله مالکیت ما فی الذمه مبحث اول در وفای به عهد ماده ۲۶۵ - هر کس مالی به دیگری بدهد ظاهر، در عدم تبرع است بنابراین اگر کسی چیزی به دیگری بدهد بدون اینکه مقروض آن چیز باشد می تواند استرداد کند. ماده ۲۶۶ - در مورد تعهداتی که برای متعهدله قانونا حق مطالبه نمی باشد اگر متعهد به

میل خود آن را ایفاء نماید دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود. ماده ۲۶۷ - ایفاء دین از جانب غیر مدیون هم جایز است اگر چه از طرف مدیون اجازه نداشته باشد ولیکن کسی که دین دیگری را ادا می‌کند اگر با اذن باشد حق مراجعه به او دارد والا حق رجوع ندارد. ماده ۲۶۸ - انجام فعلی در صورتی که مباشرت شخص متعهد شرط شده باشد به وسیله دیگری ممکن نیست مگر با رضایت متعهدله ماده ۲۶۹ - وفای به عهد وقتی محقق می‌شود که متعهد، چیزی را که می‌دهد، مالک و یا ماذون از طرف مالک باشد و شخصا هم اهلیت داشته باشد. ماده ۲۷۰ - اگر متعهد در مقام وفای به عهد، مالی تادیه نماید دیگری نمی‌تواند به عنوان اینکه در حین تادیه مالک آن نبوده استرداد آن را از متعهدله بخواهد مگر اینکه ثابت کند که مال غیر و با مجوز قانونی در ید او بوده بدون اینکه اذن در تادیه داشته باشد. ماده ۲۷۱ - دین باید به شخص داین یا به کسی که از طرف او وکالت دارد تادیه گردد یا به کسی که قانونا حق قبض دارد. ماده ۲۷۲ - تادیه به غیر اشخاص مذکور در ماده فوق وقتی صحیح است که داین راضی شود. ماده ۲۷۳ - اگر صاحب حق از قبول آن امتناع کند متعهد به وسیله تصرف دادن آن به حاکم یا قائم مقام او بری می‌شود و از تاریخ این اقدام مسئول خسارتی که ممکن است به موضوع حق وارد آید نخواهد بود. ماده ۲۷۴ - اگر متعهدله اهلیت قبض نداشته باشد تادیه در وجه او معتبر نخواهد بود. ماده ۲۷۵ - متعهدله را نمی‌توان مجبور نمود که چیز دیگری بغیر آنچه که موضوع تعهد است قبول نماید اگر چه آن شیء، قیمتا معادل یا بیشتر از موضوع تعهد باشد. ماده ۲۷۶ - مدیون نمی‌تواند مالی را که از طرف حاکم ممنوع از تصرف در آن شده است در مقام وفای به عهد تادیه نماید. ماده ۲۷۷ - متعهد نمی‌تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید ولی حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد. ماده ۲۷۸ - اگر موضوع تعهد عین معینی باشد، تسلیم آن به صاحبش در وضعیتی که حین تسلیم دارد موجب برائت متعهد می‌شود اگر چه کسر و نقصان داشته باشد، مشروط بر اینکه کسر و نقصان از تعدی و تفریط متعهد ناشی نشده باشد، مگر در مواردی که در این قانون تصریح شده است ولی اگر متعهد با انقضای اجل و مطالبه تاخیر در تسلیم نموده باشد مسئول هر کسر و نقصان خواهد بود اگر چه کسر و نقصان مربوط به تقصیر شخص متعهد نباشد. ماده ۲۷۹ - اگر موضوع تعهد عین شخصی نبوده و کلی باشد متعهد مجبور نیست که از فرد اعلای آن ایفا کند لیکن از فردی هم که عرفا معیوب محسوب است نمی‌تواند بدهد. ماده ۲۸۰ - انجام تعهد باید در محلی که عقد واقع شده بعمل آید مگر اینکه بین متعاملین قرارداد مخصوصی باشد یا عرف و عادت ترتیب دیگری اقتضا نماید. ماده ۲۸۱ - مخارج تادیه به عهده مدیون است مگر اینکه شرط خلاف شده باشد. ماده ۲۸۲ - اگر کسی به یک نفر دیون متعدده داشته باشد تشخیص اینکه تادیه از بابت کدام دین است با مدیون می‌باشد. مبحث دوم در اقاله ماده ۲۸۳ - بعد از معامله طرفین می‌توانند بتراضی آن را اقاله و تفاسخ کنند. ماده ۲۸۴ - اقاله به هر لفظ یا فعلی واقع می‌شود که دلالت بر بهم زدن معامله کند. ماده ۲۸۵ - موضوع اقاله ممکن است تمام معامله واقع شود یا فقط مقداری از مورد آن ماده ۲۸۶ - تلف یکی از عوضین مانع اقاله نیست در این صورت به جای آن چیزی که تلف شده است مثل آن در صورت مثلی بودن و قیمت آن در صورت قیمی بودن داده می‌شود. ماده ۲۸۷ - نمانت و منافع منفصله که از زمان عقد تا زمان اقاله در مورد معامله حادث می‌شود مال کسی است که به واسطه عقد مالک شده است ولی نمانت متصله مال کسی است که در نتیجه اقاله مالک می‌شود. ماده ۲۸۸ - اگر مالک بعد از عقد در مورد معامله تصرفاتی کند که موجب ازدیاد قیمت آن شود، در حین اقاله به مقدار قیمتی که به سبب عمل او زیاد شده است مستحق خواهد بود. مبحث سوم در ابراء ماده ۲۸۹ - ابراء عبارت از این است که دائن از حق خود به اختیار صرف نظر نماید. ماده ۲۹۰ - ابراء وقتی موجب سقوط تعهد می‌شود که متعهدله برای ابراء اهلیت داشته باشد. ماده ۲۹۱ - ابراء ذمه میت از دین صحیح است مبحث چهارم در تبدیل تعهد ماده ۲۹۲ - تبدیل تعهد در موارد ذیل حاصل می‌شود: ۱ - وقتی که متعهد و متعهدله به تبدیل تعهد اصلی به تعهد جدیدی که قائم مقام آن می‌شود به سببی از اسباب تراضی نمایند در این صورت متعهد نسبت به تعهد اصلی بری می‌شود؛ ۲ - وقتی که شخص ثالثی با رضایت متعهدله قبول کند که دین متعهد را اداء نماید؛ ۳ - وقتی که متعهد له مافی الذمه متعهد را به کسی دیگر منتقل نماید. ماده ۲۹۳ - در تبدیل تعهد، تضمینات

تعهد سابق به تعهد لاحق تعلق نخواهد گرفت مگر اینکه طرفین معامله آن را صراحتاً شرط کرده باشند. مبحث پنجم در تهاتر ماده ۲۹۴- وقتی دو نفر در مقابل یکدیگر مدیون باشند بین دیون آنها به یکدیگر به طریقی که در مواد ذیل مقرر است تهاتر حاصل می‌شود. ماده ۲۹۵- تهاتر، قهری است و بدون اینکه طرفین در این موضوع تراضی نمایند حاصل می‌گردد بنابراین به محض اینکه دو نفر در مقابل یکدیگر در آن واحد مدیون شدند هر دو دین تا اندازه ای که باهم معادله می‌نمایند بطور تهاتر برطرف شده و طرفین به مقدار آن در مقابل یکدیگر بری می‌شوند. ماده ۲۹۶- تهاتر فقط در مورد دو دینی حاصل می‌شود که موضوع آنها از یک جنس باشد با اتحاد زمان و مکان تادیه ولو به اختلاف سبب ماده ۲۹۷- اگر بعد از ضمان مضمون‌له به مضمون‌عنه مدیون شود موجب فراغ ذمه ضامن نخواهد شد. ماده ۲۹۸- اگر فقط محل تادیه دینین مختلف باشد تهاتر وقتی حاصل می‌شود که با تادیه مخارج مربوط به نقل موضوع قرض از محلی به محل دیگر یا بنحوی از أنحاء، طرفین حق تادیه در محل معین راساقت نمایند. ماده ۲۹۹- در مقابل حقوق ثابتة اشخاص ثالث تهاتر موثر نخواهد بود و بنابراین اگر موضوع دین به نفع شخص ثالثی در نزد مدیون مطابق قانون توقیف شده باشد و مدیون بعد از این توقیف از دائن خود طلبکار گردد دیگر نمی‌تواند به استناد تهاتر، از تادیه مال توقیف شده امتناع کند. مبحث ششم مالکیت مافی‌الذمه ماده ۳۰۰- اگر مدیون مالک مافی‌الذمه خود گردد ذمه او بری می‌شود مثل اینکه اگر کسی به مورث خود مدیون باشد پس از فوت مورث دین او به نسبت سهم الارث ساقط می‌شود.

باب دوم در الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می‌شود

فصل اول در کلیات ماده ۳۰۱- کسی که عمدا یا اشتباها چیزی را که مستحق نبوده است دریافت کند ملزم است که آن را به مالک تسلیم کند. ماده ۳۰۲- اگر کسی که اشتباها خود را مدیون می‌دانست آن دین را تادیه کند حق دارد از کسی که آن را بدون حق اخذ کرده است استرداد نماید. ماده ۳۰۳- کسی که مالی را من غیر حق دریافت کرده است ضامن عین و منافع آن است اعم از اینکه به عدم استحقاق خود عالم باشد یا جاهل ماده ۳۰۴- اگر کسی که چیزی را من غیر حق دریافت کرده است خود را محق می‌دانسته لیکن در واقع محق نبوده و آن چیز را فروخته باشد، معامله فضولی و تابع احکام مربوطه به آن خواهد بود. ماده ۳۰۵- در مورد مواد فوق صاحب مال باید از عهده مخارج لازمه که برای نگاهداری آن شده است برآید مگر در صورت علم متصرف به عدم استحقاق خود. ماده ۳۰۶- اگر کسی اموال غایب یا محجور و امثال آنها را بدون اجازه مالک یا کسی که حق اجازه دارد اداره کند باید حساب زمان تصدی خود را بدهد. در صورتی که تحصیل اجازه در موقع مقدور بوده یا تاخیر در دخالت موجب ضرر نبوده است حق مطالبه مخارج نخواهد داشت ولی اگر عدم دخالت یا تاخیر در دخالت موجب ضرر صاحب مال باشد دخالت کننده مستحق اخذ مخارجی خواهد بود که برای اداره کردن لازم بوده است فصل دوم در ضمان قهری ماده ۳۰۷- امور ذیل موجب ضمان قهری است ۱- غصب و آنچه که در حکم غصب است ۲- اتلاف ۳- تسبیب ۴- استیفاء. مبحث اول در غصب ماده ۳۰۸- غصب استیلاء بر حق غیر است بنحو عدوان اثبات ید برمال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است ماده ۳۰۹- هرگاه شخصی مالک را از تصرف در مال خود مانع شود بدون آنکه خود او تسلط بر آن مال پیدا کند غاصب محسوب نمی‌شود لیکن در صورت اتلاف یا تسبیب ضامن خواهد بود. ماده ۳۱۰- اگر کسی که مالی به عاریه یا به ودیعه و امثال آنها در دست اوست منکر گردد از تاریخ آنکار در حکم غاصب است ماده ۳۱۱- غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید و اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر بعلت دیگری رد عین ممکن نباشد باید بدل آن را بدهد. ماده ۳۱۲- هرگاه مال مغضوب مثلی بوده و مثل آن پیدا نشود غاصب باید قیمت حین‌الاداء را بدهد و اگر مثل موجود بوده و از مالیت افتاده باشد باید آخرین قیمت آن را بدهد. ماده ۳۱۳- هرگاه کسی در زمین خود با مصالح متعلقه به دیگری بنائی بسازد یا درخت غیر را بدون اذن مالک در آن زمین غرس کند صاحب مصالح یا درخت می‌تواند قلع یا نزع آن را بخواهد مگر اینکه به اخذ قیمت تراضی نمایند. ماده ۳۱۴- اگر در نتیجه

عمل غاصب قیمت مال مغضوب زیاد شود غاصب حق مطالبه قیمت زیادی را نخواهد داشت مگر اینکه آن زیادتی عین باشد که در این صورت عین زاید متعلق به خود غاصب است ماده ۳۱۵ - غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارده شده باشد هر چند مستند به فعل او نباشد. ماده ۳۱۶ - اگر کسی مال مغضوب را از غاصب غصب کند آن شخص نیز مثل غاصب سابق ضامن است اگر چه به غاصبیت غاصب اولی جاهل باشد. ماده ۳۱۷ - مالک می تواند عین و در صورت تلف شدن عین مثل یا قیمت تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از غاصب اولی یا از هر یک از غاصبین بعدی که بخواهد مطالبه کند. ماده ۳۱۸ - هر گاه مالک رجوع کند به غاصبی که مال مغضوب در ید او تلف شده است آن شخص حق رجوع به غاصب دیگر ندارد ولی اگر به غاصب دیگری بغیر آن کسی که مال در ید او تلف شده است رجوع نماید مشارالیه نیز می تواند به کسی که مال در ید او تلف شده است رجوع کند و یا به یکی از لاحقین خود رجوع کند تا منتهی شود به کسی که مال در ید او تلف شده است و بطور کلی ضامن برعهده کسی مستقر است که مال مغضوب در نزد او تلف شده است ماده ۳۱۹ - اگر مالک تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از یکی از غاصبین بگیرد حق رجوع به قدر ماخوذ به غاصبین دیگر ندارد. ماده ۳۲۰ - نسبت به منافع مال مغضوب هر یک از غاصبین به اندازه منافع زمان تصرف خود و مابعد خود ضامن است اگر چه استیفاء منفعت نکرده باشد لیکن غاصبی که از عهده منافع زمان تصرف غاصبین لاحق خود برآمده است می تواند به هر یک نسبت به زمان تصرف او رجوع کند. ماده ۳۲۱ - هر گاه مالک ذمه یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت مال مغضوب ابراء کند حق رجوع به غاصبین دیگر نخواهد داشت ولی اگر حق خود را به یکی از آنان بنحوی از انحاء انتقال دهد آن کس قائم مقام مالک می شود و دارای همان حقی خواهد بود که مالک دارا بوده است ماده ۳۲۲ - ابراء ذمه یکی از غاصبین نسبت به منافع زمان تصرف او موجب ابراء ذمه دیگران از حصه آنها نخواهد بود لیکن اگر یکی از غاصبین را نسبت به منافع عین ابراء کند حق رجوع به لاحقین نخواهد داشت ماده ۳۲۳ - اگر کسی ملک مغضوب را از غاصب بخرد آن کس نیز ضامن است و مالک می تواند برطبق مقررات مواد فوق به هر یک از بایع و مشتری رجوع کرده عین و در صورت تلف شدن آن مثل یا قیمت مال و همچنین منافع آن را در هر حال مطالبه نماید. ماده ۳۲۴ - در صورتی که مشتری عالم به غصب باشد حکم رجوع هر یک از بایع و مشتری به یکدیگر در آنچه که مالک از آنها گرفته است حکم غاصب از غاصب بوده تابع مقررات فوق خواهد بود. ماده ۳۲۵ - اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد او نیز می تواند نسبت به ثمن و خسارات به بایع رجوع کند اگر چه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد و اگر مالک نسبت به مثل یا قیمت رجوع به بایع کند بایع حق رجوع به مشتری را نخواهد داشت ماده ۳۲۶ - اگر عوضی که مشتری عالم بر غصب در صورت تلف مبیع به مالک داده است زیاده بر مقدار ثمن باشد به مقدار زیاده نمی تواند رجوع به بایع کند ولی نسبت به مقدار ثمن حق رجوع دارد. ماده ۳۲۷ - اگر ترتب ایادی بر مال مغضوب به معامله دیگری غیر از بیع باشد احکام راجعه به بیع مال غصب که فوقاً ذکر شده معجزی خواهد بود. مبحث دوم در اتلاف ماده ۳۲۸ - هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است ماده ۳۲۹ - اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را به مثل صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد باید از عهده قیمت برآید. ماده ۳۳۰ - اگر کسی حیوان متعلق به غیر را بدون اذن صاحب آن بکشد، باید تفاوت قیمت زنده و کشته آن را بدهد و اگر کشته آن قیمت نداشته باشد، باید تمام قیمت حیوان را بدهد ولیکن اگر برای دفاع از نفس بکشد یا ناقص کند، ضامن نیست مبحث سوم در تسیب ماده ۳۳۱ - هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن برآید. ماده ۳۳۲ - هر گاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشرتاً تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی باشد بنحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد. ماده ۳۳۳ - صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه مسئول خساراتی است که از خراب شدن آن وارد می شود مشروط بر اینکه خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد

که مالک مطلع بر آن بوده یا از عدم مواظبت او تولید شده است ماده ۳۳۴ - مالک یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می‌شود مگر اینکه در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد لیکن در هر حال اگر حیوان به واسطه عمل کسی منشا ضرر گردد فاعل آن عمل مسئول خسارات وارده خواهد بود. ماده ۳۳۵ - در صورت تصادم بین دو کشتی یا دو قطار راه‌آهن یا دو اتومبیل و امثال آنها، مسئولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادم در نتیجه عمد یا مسامحه او حاصل شده باشد و اگر طرفین تقصیر یا مسامحه کرده باشند هر دو مسئول خواهند بود. مبحث چهارم در استیفاء ماده ۳۳۶ - هرگاه کسی برحسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهیای آن عمل باشد عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که قصد تبرع داشته است ماده ۳۳۷ - هرگاه کسی برحسب اذن صریح یا ضمنی از مال غیراستیفا منفعت کند صاحب مال مستحق اجرت‌المثل خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که اذن در انتفاع، مجانی بوده است .

باب سوم در عقود معینه مختلفه

فصل اول در بیع مبحث اول در احکام بیع ماده ۳۳۸ - بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم ماده ۳۳۹ - پس از توافق بایع و مشتری در مبیع و قیمت آن، عقد بیع به ایجاب و قبول واقع می‌شود. ممکن است بیع به داد و ستد نیز واقع گردد. ماده ۳۴۰ - در ایجاب و قبول الفاظ و عبارات باید صریح در معنی بیع باشد. ماده ۳۴۱ - بیع ممکن است مطلق باشد یا مشروط و نیز ممکن است که برای تسلیم تمام یا قسمتی از مبیع یا برای تادیه تمام یا قسمتی از ثمن اجلی قرار داده شود. ماده ۳۴۲ - مقدار و جنس و وصف مبیع باید معلوم باشد و تعیین مقدار آن به وزن یا کیل یا عدد یا ذرع یا مساحت یا مشاهده تابع عرف بلد است ماده ۳۴۳ - اگر مبیع به شرط مقدار معین فروخته شود بیع واقع می‌شود اگر چه هنوز مبیع شمرده نشده یا کیل یا ذرع نشده باشد. ماده ۳۴۴ - اگر در عقد بیع شرطی ذکر نشده یا برای تسلیم مبیع یا اقیمت موعدی معین نگشته باشد بیع قطعی و ثمن حال محسوب است مگر اینکه برحسب عرف و عادت محل یا عرف و عادت تجارت در معاملات تجارته وجود شرط یا موعدی معهود باشد اگرچه در قرارداد بیع ذکر نشده باشد. مبحث دوم در طرفین معامله ماده ۳۴۵ - هریک از بایع و مشتری باید علاوه بر اهلیت قانونی برای معامله اهلیت برای تصرف در مبیع یا ثمن را نیز داشته باشد. ماده ۳۴۶ - عقد بیع باید مقرون به رضای طرفین باشد و عقد مکره نافذنیست ماده ۳۴۷ - شخص کور می‌تواند خرید و فروش نماید مشروط بر اینکه شخصاً به طریقی غیر از معاینه یا به وسیله کس دیگر ولو طرف معامله جهل خود را مرتفع نماید. مبحث سوم در مبیع ماده ۳۴۸ - بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است و یا چیزی که مالیت و یا منفعت عقلایی ندارد یا چیزی که بایع قدرت بر تسلیم آن ندارد باطل است مگر اینکه مشتری خود قادر بر تسلیم باشد. ماده ۳۴۹ - بیع مال وقف صحیح نیست مگر در موردی که بین موقوف علیهم تولید اختلاف شود بنحوی که بیم سفک دماء رود یا منجر به خرابی مال موقوفه گردد و همچنین در مواردی که در مبحث راجع به وقف مقرر است ماده ۳۵۰ - مبیع ممکن است مفروز باشد یا مشاع یا مقدار معین بطور کلی از شیء متساوی الاجزاء و همچنین ممکن است کلی فی‌الذمه باشد. ماده ۳۵۱ - در صورتی که مبیع کلی (یعنی صادق بر افراد عدیده باشد) بیع وقتی صحیح است که مقدار و جنس و وصف مبیع ذکر شود. ماده ۳۵۲ - بیع فضولی نافذ نیست مگر بعد از اجازه مالک بطوری که در معاملات فضولی مذکور است ماده ۳۵۳ - هرگاه چیز معین به عنوان جنس خاصی فروخته شود و در واقع از آن جنس نباشد بیع باطل است و اگر بعضی از آن، از غیر جنس باشد نسبت به آن بعض باطل است و نسبت به مابقی مشتری حق فسخ دارد. ماده ۳۵۴ - ممکن است بیع از روی نمونه بعمل آید در این صورت باید تمام مبیع مطابق نمونه تسلیم شود والا مشتری خیار فسخ خواهد داشت ماده ۳۵۵ - اگر ملکی به شرط داشتن مساحت معین فروخته شده باشد و بعد معلوم شود که کمتر از آن مقدار است مشتری حق فسخ معامله را خواهد داشت و اگر معلوم شود که بیشتر است بایع می‌تواند آن را فسخ کند مگر اینکه در هر دو صورت طرفین به محاسبه زیاده یا نقیصه تراضی نمایند. ماده ۳۵۶ - هر چیزی که برحسب عرف و عادت

جز یا از توابع مبیع شمرده شود یا قرائن دلالت بر دخول آن در مبیع نماید داخل در بیع و متعلق به مشتری است اگر چه در عقد، صریحا ذکر نشده باشد و اگر چه متعاملین جاهل بر عرف باشند. ماده ۳۵۷- هر چیزی که برحسب عرف و عادت جز یا تابع مبیع شمرده نشود داخل در بیع نمی‌شود مگر اینکه صریحا در عقد ذکر شده باشد. ماده ۳۵۸- نظر به دو ماده فوق، در بیع باغ اشجار و در بیع خانه ممر و مجری و هر چه ملصق به بنا باشد بطوری که نتوان آن را بدون خرابی نقل نمود متعلق به مشتری می‌شود و برعکس زراعت در بیع زمین و میوه در بیع درخت و حمل در بیع حیوان، متعلق به مشتری نمی‌شود مگر اینکه تصریح شده باشد یا برحسب عرف از توابع شمرده شود. در هر حال طرفین عقد می‌توانند به عکس ترتیب فوق تراضی کنند. ماده ۳۵۹- هر گاه دخول شیء در مبیع عرفا مشکوک باشد آن شیء داخل در بیع نخواهد بود مگر آنکه تصریح شده باشد. ماده ۳۶۰- هر چیزی که فروش آن مستقلا جایز است استثنا آن از مبیع نیز جایز است ماده ۳۶۱- اگر در بیع عین معین معلوم شود که مبیع وجود نداشته بیع باطل است مبحث چهارم در اثار بیع ماده ۳۶۲- اثار بیعی که صحیحا واقع شده باشد از قرار ذیل است ۱- به مجرد وقوع بیع مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن می‌شود؛ ۲- عقد بیع بایع را ضامن درک مبیع و مشتری را ضامن درک ثمن قرار می‌دهد؛ ۳- عقد بیع بایع را به تسلیم مبیع ملزم می‌نماید؛ ۴- عقد بیع مشتری را به ا ثمن ملزم می‌کند. فقره اول در ملکیت مبیع و ثمن ماده ۳۶۳- در عقد بیع وجود خیار فسخ برای متبایعین یا وجود اجلی برای تسلیم مبیع یا ثمن مانع انتقال نمی‌شود بنابراین اگر ثمن یا مبیع عین معین بوده و قبل از تسلیم آن، احد متعاملین مفلس شود طرف دیگر، حق مطالبه آن عین را خواهد داشت ماده ۳۶۴- در بیع خیاری مالکیت از حین عقد بیع است نه از تاریخ انقضا خیار و در بیعی که قبض شرط صحت است (مثل بیع صرف انتقال از حین حصول شرط است نه از حین وقوع بیع ماده ۳۶۵- بیع فاسد اثری در تملک ندارد. ماده ۳۶۶- هر گاه کسی به بیع فاسد مالی را قبض کند باید آن را به صاحبش رد کند و اگر تلف یا ناقص شود ضامن عین و منافع آن خواهد بود. فقره دوم در تسلیم ماده ۳۶۷- تسلیم عبارت است از دادن مبیع به تصرف مشتری بنحوی که متمکن از انحا تصرفات و انتفاعات باشد و قبض عبارت است از استیلاء مشتری بر مبیع ماده ۳۶۸- تسلیم وقتی حاصل می‌شود که مبیع تحت اختیار مشتری گذاشته شده باشد اگر چه مشتری آن را هنوز عملا- تصرف نکرده باشد. ماده ۳۶۹- تسلیم به اختلاف مبیع به کیفیات مختلفه است و باید بنحوی باشد که عرفا آن را تسلیم گویند. ماده ۳۷۰- اگر طرفین معامله برای تسلیم مبیع موعدی قرار داده باشند قدرت بر تسلیم در آن موعده شرط است نه در زمان عقد. ماده ۳۷۱- در بیعی که موقوف به اجازه مالک است قدرت بر تسلیم در زمان اجازه معتبر است ماده ۳۷۲- اگر نسبت به بعض مبیع بایع قدرت بر تسلیم داشته و نسبت به بعض دیگر نداشته باشد بیع نسبت به بعض که قدرت بر تسلیم داشته صحیح است و نسبت به بعض دیگر باطل است ماده ۳۷۳- اگر مبیع قبلا- در تصرف مشتری بوده باشد محتاج به قبض جدید نیست و همچنین است در ثمن ماده ۳۷۴- در حصول قبض اذن بایع شرط نیست و مشتری می‌تواند مبیع را بدون اذن قبض کند. ماده ۳۷۵- مبیع باید در محلی تسلیم شود که عقد بیع در آنجا واقع شده است مگر اینکه عرف و عادت مقتضی تسلیم در محل دیگر باشد و یا در ضمن بیع محل مخصوصی برای تسلیم معین شده باشد. ماده ۳۷۶- در صورت تاخیر در تسلیم مبیع یا ثمن ممتنع اجبار به تسلیم می‌شود. ماده ۳۷۷- هر یک از بایع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود مگر اینکه مبیع یا ثمن موجد باشد در این صورت هر کدام از مبیع یا ثمن که حال باشد باید تسلیم شود. ماده ۳۷۸- اگر بایع قبل از اخذ ثمن مبیع را به میل خود تسلیم مشتری نماید حق استرداد آن را نخواهد داشت مگر به موجب فسخ در موردخیار. ماده ۳۷۹- اگر مشتری ملتزم شده باشد که برای ثمن ضامن یا رهن بدهد و عمل به شرط نکند بایع حق فسخ خواهد داشت و اگر بایع ملتزم شده باشد که برای درک مبیع ضامن بدهد و عمل به شرط نکند مشتری حق فسخ دارد. ماده ۳۸۰- در صورتی که مشتری مفلس شود و عین مبیع نزد او موجود باشد بایع حق استرداد آن را دارد و اگر مبیع هنوز تسلیم نشده باشد می‌تواند از تسلیم آن امتناع کند. ماده ۳۸۱- مخارج تسلیم مبیع از قبیل اجرت حمل آن به محل تسلیم اجرت شمردن و وزن کردن و غیره به عهده بایع است مخارج تسلیم ثمن بر عهده مشتری است ماده ۳۸۲- هر گاه عرف و

عادت از بابت مخارج معامله یا محل تسلیم بر خلاف ترتیبی باشد که ذکر شده و یا در عقد برخلاف آن شرط شده باشد باید برطبق متعارف یا مشروط در عقد رفتار شود و همچنین متبایعین می توانند آنرا به تراضی تغییر دهند. ماده ۳۸۳ - تسلیم باید شامل آن چیزی هم باشد که از اجزاء و توابع مبیع شمرده می شود. ماده ۳۸۴ - هرگاه در حال معامله مبیع از حیث مقدار، معین بوده و در وقت تسلیم کمتر از آن مقدار درآید مشتری حق دارد که بیع را فسخ کند یا قیمت موجود را با ا حصه‌ای از ثمن به نسبت موجود قبول نماید و اگر مبیع زیاده از مقدار معین باشد زیاده مال بایع است ماده ۳۸۵ - اگر مبیع از قبیل خانه یا فرش باشد که تجزیه آن بدون ضرر ممکن نمی شود و به شرط بودن مقدار معین فروخته شده ولی در حین تسلیم کمتر یا بیشتر درآید در صورت اولی مشتری و در صورت دوم بایع حق فسخ خواهد داشت ماده ۳۸۶ - اگر در مورد دو ماده قبل معامله فسخ شود بایع باید علاوه بر ثمن مخارج معامله و مصارف متعارف را که مشتری نموده است بدهد. ماده ۳۸۷ - اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد مگر اینکه بایع برای تسلیم به حاکم یا قائم مقام او رجوع نموده باشد که در این صورت تلف از مال مشتری خواهد بود. ماده ۳۸۸ - اگر قبل از تسلیم در مبیع نقصی حاصل شود مشتری حق خواهد داشت که معامله را فسخ نماید. ماده ۳۸۹ - اگر در مورد دو ماده فوق ، تلف شدن مبیع یا نقص آن ناشی از عمل مشتری باشد مشتری حقی بر بایع ندارد و باید ثمن را تادیه کند. فقره سوم در ضمان درک ماده ۳۹۰ - اگر بعد از قبض ثمن مبیع کالا یا جزئا مستحق للغير درآید بایع ضامن است اگر چه تصریح به ضمان نشده باشد. ماده ۳۹۱ - در صورت مستحق للغير برآمدن کل یا بعض از مبیع بایع باید ثمن مبیع را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری به وجود فساد، بایع باید از عهده غرامات وارده بر مشتری نیز برآید. ماده ۳۹۲ - در مورد ماده قبل بایع باید از عهده تمام ثمنی که اخذ نموده است نسبت به کل یا بعض برآید اگر چه بعد از عقد بیع به علتی از علل در مبیع کسر قیمتی حاصل شده باشد. ماده ۳۹۳ - راجع به زیادتی که از عمل مشتری در مبیع حاصل شده باشد مقررات ماده ۳۱۴ مجری خواهد بود. فقره چهارم در ا ثمن ماده ۳۹۴ - مشتری باید ثمن را در موعد و در محل و برطبق شرایطی که در عقد بیع مقرر شده است تادیه نماید. ماده ۳۹۵ - اگر مشتری ثمن را در موعد مقرر تادیه نکند بایع حق خواهد داشت که برطبق مقررات راجعه به اختیار تاخیر ثمن معامله را فسخ یا از حاکم اجبار مشتری را به ا ثمن بخواهد. مبحث پنجم در اختیارات و احکام راجعه به آن فقره اول در اختیارات ماده ۳۹۶ - اختیارات از قرار ذیلند: ۱ - اختیار مجلس ۲ - اختیار حیوان؛ ۳ - اختیار شرط ۴ - اختیار تاخیر ثمن ۵ - اختیار رویت و تخلف وصف ۶ - اختیار غبن ۷ - اختیار عیب ۸ - اختیار تدلیس ۹ - اختیار تبعض صفقه ۱۰ - اختیار تخلف شرط اول در اختیار مجلس ماده ۳۹۷ - هر یک از متبایعین بعد از عقد، فی المجلس و مادام که متفرق نشده اند اختیار فسخ معامله را دارند. دوم در اختیار حیوان ماده ۳۹۸ - اگر مبیع حیوان باشد مشتری تا سه روز از حین عقد اختیار فسخ معامله را دارد. سوم در اختیار شرط ماده ۳۹۹ - در عقد بیع ممکن است شرط شود که در مدت معین برای بایع یا مشتری یا هر دو یا شخص خارجی اختیار فسخ معامله باشد. ماده ۴۰۰ - اگر ابتدا مدت اختیار ذکر نشده باشد ابتدا آن از تاریخ عقد محسوب است والا تابع قرارداد متعاملین است ماده ۴۰۱ - اگر برای اختیار شرط مدت معین نشده باشد هم شرط خیار و هم بیع باطل است چهارم در اختیار تاخیر ثمن ماده ۴۰۲ - هرگاه مبیع عین خارجی و یا در حکم آن بوده و برای تادیه ثمن یا تسلیم مبیع بین متبایعین اجلی معین نشده باشد اگر سه روز از تاریخ بیع بگذرد و در این مدت نه بایع مبیع را تسلیم مشتری نماید و نه مشتری تمام ثمن را به بایع بدهد بایع مختار در فسخ معامله می شود. ماده ۴۰۳ - اگر بایع بنحوی از انحا مطالبه ثمن نماید و به قرائن معلوم گردد که مقصود، التزام به بیع بوده است خیار او ساقط خواهد شد. ماده ۴۰۴ - هرگاه بایع در ظرف سه روز از تاریخ بیع تمام مبیع را تسلیم مشتری کند یا مشتری تمام ثمن را به بایع بدهد دیگر برای بایع اختیار فسخ نخواهد بود اگر چه ثانیاً بنحوی از انحا مبیع به بایع و ثمن به مشتری برگشته باشد. ماده ۴۰۵ - اگر مشتری ثمن را حاضر کرد که بدهد و بایع از اخذ آن امتناع نمود خیار فسخ نخواهد داشت ماده ۴۰۶ - خیار تاخیر، مخصوص بایع است و برای مشتری از جهت تاخیر در تسلیم مبیع این اختیار نمی باشد. ماده ۴۰۷ - تسلیم بعض ثمن یا دادن آن به کسی که حق قبض ندارد خیار بایع را ساقط نمی کند. ماده ۴۰۸

- اگر مشتری برای ثمن ضامن بدهد یا با بایع ثمن را حواله دهد بعد از تحقق حواله خیار تاخیر ساقط می‌شود. ماده ۴۰۹ - هرگاه مبیع از چیزهایی باشد که در کمتر از سه روز، فاسد و یا کم‌قیمت می‌شود ابتدا خیار از زمانی است که مبیع مشرف به فساد یا کسر قیمت می‌گردد. پنجم در خیار رویت و تخلف وصف ماده ۴۱۰ - هرگاه کسی مالی را ندیده و آن را فقط به وصف بخرد، بعد از دیدن اگر دارای اوصافی که ذکر شده است نباشد مختار می‌شود که بایع را فسخ کند یا به همان نحو که هست قبول نماید. ماده ۴۱۱ - اگر بایع مبیع را ندیده ولی مشتری آن را دیده باشد و مبیع غیر اوصافی که ذکر شده است دارا باشد فقط بایع خیار فسخ خواهد داشت

ماده ۴۱۲ - هرگاه مشتری بعضی از مبیع را دیده و بعض دیگر را به وصف یا از روی نمونه خریده باشد و آن بعض مطابق وصف یا نمونه نباشد می‌تواند تمام مبیع را رد کند یا تمام آن را قبول نماید. ماده ۴۱۳ - هرگاه یکی از متبایعین مالی را سابقا دیده و به اعتماد رویت سابق معامله کند و بعد از رویت معلوم شود که مال مزبور اوصاف سابقه را ندارد اختیار فسخ خواهد داشت ماده ۴۱۴ - در بایع کلی خیار رویت نیست و بایع باید جنسی بدهد که مطابق با اوصاف مقرر بین طرفین باشد. ماده ۴۱۵ - خیار رویت و تخلف وصف بعد از رویت فوری است ششم در خیار غبن ماده ۴۱۶ - هر یک از متعاملین که در معامله غبن فاحش داشته باشد بعد از علم به غبن می‌تواند معامله را فسخ کند. ماده ۴۱۷ - غبن در صورتی فاحش است که عرفا قابل مسامحه نباشد. ماده ۴۱۸ - اگر مغبون در حین معامله عالم به قیمت عادلانه بوده است خیار فسخ نخواهد داشت ماده ۴۱۹ - در تعیین مقدار غبن شرایط معامله نیز باید منظور گردد. ماده ۴۲۰ - خیار غبن بعد از علم به غبن فوری است ماده ۴۲۱ - اگر کسی که طرف خود را مغبون کرده است تفاوت قیمت را بدهد خیار غبن ساقط نمی‌شود مگر اینکه مغبون به اخذ تفاوت قیمت راضی گردد. هفتم در خیار عیب ماده ۴۲۲ - اگر بعد از معامله ظاهر شود که مبیع معیوب بوده مشتری مختار است در قبول مبیع معیوب با اخذ ارش یا فسخ معامله ماده ۴۲۳ - خیار عیب وقتی برای مشتری ثابت می‌شود که عیب مخفی و موجود در حین عقد باشد. ماده ۴۲۴ - عیب وقتی مخفی محسوب است که مشتری در زمان بیع عالم به آن نبوده است اعم از اینکه این عدم علم ناشی از آن باشد که عیب واقعا مستور بوده است یا اینکه ظاهر بوده ولی مشتری ملتفت آن نشده است ماده ۴۲۵ - عیبی که بعد از بیع و قبل از قبض در مبیع حادث شود در حکم عیب سابق است

ماده ۴۲۶ - تشخیص عیب بر حسب عرف و عادت می‌شود و بنابراین ممکن است بر حسب ازمنه و امکانه مختلف شود. ماده ۴۲۷ - اگر در مورد ظهور عیب مشتری اختیار ارش کند تفاوتی که باید به او داده شود به طریق ذیل معین می‌گردد: قیمت حقیقی مبیع در حال بی‌عیبی و قیمت حقیقی آن در حال معیوبی به توسط اهل خبره معین می‌شود. اگر قیمت آن در حال بی‌عیبی مساوی با قیمتی باشد که در زمان بیع بین طرفین مقرر شده است تفاوت بین این قیمت و قیمت مبیع در حال معیوبی مقدار ارش خواهد بود. و اگر قیمت مبیع در حال بی‌عیبی کمتر یا زیادتر از ثمن معامله باشد نسبت بین قیمت مبیع در حال معیوبی و قیمت آندر حال بی‌عیبی معین شده و بایع باید از ثمن مقرر بهمان نسبت نگاهداشته و بقیه را به عنوان ارش به مشتری رد کند. ماده ۴۲۸ - در صورت اختلاف بین اهل خبره حد وسط قیمت‌ها معتبر است ماده ۴۲۹ - در موارد ذیل مشتری نمی‌تواند بیع را فسخ کند و فقط می‌تواند ارش بگیرد: ۱ - در صورت تلف شدن مبیع نزد مشتری یا منتقل کردن آن به غیر؛ ۲ - در صورتی که تغییری در مبیع پیدا شود اعم از اینکه تغییر به فعل مشتری باشد یا نه ۳ - در صورتی که بعد از قبض مبیع عیب دیگری در آن حادث شود مگر اینکه در زمان خیار مختص به مشتری حادث شده باشد که در این صورت مانع از فسخ و رد نیست ماده ۴۳۰ - اگر عیب حادث بعد از قبض در نتیجه عیب قدیم باشد مشتری حق رد را نیز خواهد داشت ماده ۴۳۱ - در صورتی که در یک عقد، چند چیز فروخته شود بدون اینکه قیمت هر یک علیحده معین شده باشد و بعضی از آنها معیوب درآید مشتری باید تمام آن را رد کند و ثمن را مسترد دارد یا تمام را نگاهدارد و ارش بگیرد و تبعیض نمی‌تواند بکند مگر به رضای بایع ماده ۴۳۲ - در صورتی که در یک عقد، بایع یک نفر و مشتری متعدد باشد و در مبیع عیبی ظاهر شود یکی از مشتریها نمی‌تواند سهم خود را به تنهایی رد کند و دیگری سهم خود را نگاه دارد مگر بارضای بایع و بنابراین اگر در رد مبیع اتفاق نکردند فقط هر یک از آنها حق ارش خواهد داشت ماده ۴۳۳ - اگر در یک عقد، بایع متعدد

باشد مشتری می تواند سهم یکی را رد و دیگری را با اخذ ارش قبول کند. ماده ۴۳۴ - اگر ظاهر شود که مبیع معیوب اصلا مالیات و قیمت نداشته بیع باطل است و اگر بعض مبیع قیمت نداشته باشد بیع نسبت به آن بعض باطل است و مشتری نسبت به باقی از جهت تبعض صفت اختیار فسخ دارد. ماده ۴۳۵ - خیار عیب بعد از علم به آن، فوری است ماده ۴۳۶ - اگر بایع از عیوب مبیع تبری کرده باشد به اینکه عهده عیوب را از خود سلب کرده یا با تمام عیوب بفروشد مشتری در صورت ظهور عیب حق رجوع به بایع نخواهد داشت و اگر بایع از عیب خاصی تبری کرده باشد فقط نسبت به همان عیب حق مراجعه ندارد. ماده ۴۳۷ - از حیث احکام عیب ثمن شخصی مثل مبیع شخصی است هشتم در خیار تدلیس ماده ۴۳۸ - تدلیس عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود. ماده ۴۳۹ - اگر بایع تدلیس نموده باشد مشتری حق فسخ بیع را خواهد داشت و همچنین است بایع نسبت به ثمن شخصی در صورت تدلیس مشتری ماده ۴۴۰ - خیار تدلیس بعد از علم به آن، فوری است نهم در خیار تبعض صفت ماده ۴۴۱ - خیار تبعض صفت وقتی حاصل می شود که عقد بیع نسبت به بعض مبیع به جهتی از جهات باطل باشد در این صورت مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ نماید یا به نسبت قسمتی که بیع واقع شده است قبول کند و نسبت به قسمتی که بیع باطل بوده است ثمن را استرداد کند. ماده ۴۴۲ - در مورد تبعض صفت قسمتی از ثمن که باید به مشتری برگردد به طریق ذیل حساب می شود: آن قسمت از مبیع که به ملکیت مشتری قرار گرفته منفردا قیمت می شود و هر نسبتی که بین قیمت مزبور و قیمتی که مجموع مبیع در حال اجتماع دارد پیدا شود به همان نسبت از ثمن را بایع نگاهداشته و بقیه را باید به مشتری رد نماید. ماده ۴۴۳ - تبعض صفت وقتی موجب خیار است که مشتری در حین معامله عالم به آن نباشد ولی در هر حال ثمن تقسیط می شود. دهم در خیار تخلف شرط ماده ۴۴۴ - احکام خیار تخلف شرط بطوری است که در مواد ۲۳۴ الی ۲۴۵ ذکر شده است فقره دوم در احکام خیار بطور کلی ماده ۴۴۵ - هر یک از خیارها بعد از فوت منتقل به وارث می شود. ماده ۴۴۶ - خیار شرط ممکن است به قید مباشرت و اختصاص به شخص مشروط له قرار داده شود در این صورت منتقل به وارث نخواهد شد. ماده ۴۴۷ - هرگاه شرط خیار برای شخصی غیر از متعاملین شده باشد منتقل به ورثه نخواهد شد. ماده ۴۴۸ - سقوط تمام یا بعضی از خیارها را می توان در ضمن عقد شرط نمود. ماده ۴۴۹ - فسخ به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن نماید حاصل می شود. ماده ۴۵۰ - تصرفاتی که نوعا کاشف از رضای به معامله باشد امضای فعلی است مثل آنکه مشتری که خیار دارد با علم به خیار، مبیع را بفروشد یا رهن بگذارد. ماده ۴۵۱ - تصرفاتی که نوعا کاشف از به هم زدن معامله باشد، فسخ فعلی است ماده ۴۵۲ - اگر متعاملین هر دو خیار داشته باشند و یکی از آنها امضا کند و دیگری فسخ نماید معامله منفسخ می شود. ماده ۴۵۳ - در خیار مجلس و حیوان و شرط اگر مبیع بعد از تسلیم و در زمان خیار بایع یا متعاملین تلف یا ناقص شود بر عهده مشتری است و اگر خیار، مختص مشتری باشد تلف یا نقص به عهده بایع است ماده ۴۵۴ - هرگاه مشتری مبیع را اجاره داده باشد و بیع فسخ شود اجاره باطل نمی شود مگر اینکه عدم تصرفات ناقله در عین و منفعت بر مشتری صریحا یا ضمنا شرط شده که در این صورت اجاره باطل است ماده ۴۵۵ - اگر پس از عقد بیع مشتری تمام یا قسمتی از مبیع را متعلق حق غیر قرار دهد مثل اینکه نزد کسی رهن گذارد، فسخ معامله موجب زوال حق شخص مزبور نخواهد شد مگر اینکه شرط خلاف شده باشد. ماده ۴۵۶ - تمام انواع خیار در جمیع معاملات لازمه ممکن است موجود باشد مگر خیار مجلس و حیوان و تاخیر ثمن که مخصوص بیع است ماده ۴۵۷ - هر بیع لازم است مگر اینکه یکی از خیارها در آن ثابت شود. فصل دوم در بیع شرط ماده ۴۵۸ - در عقد بیع متعاملین می توانند شرط نمایند که هرگاه بایع در مدت معینی تمام مثل ثمن را به مشتری رد کند خیار فسخ معامله را نسبت به تمام مبیع داشته باشد و همچنین می توانند شرط کنند که هرگاه بعض مثل ثمن را رد کرد خیار فسخ معامله را نسبت به تمام یا بعض مبیع داشته باشد در هر حال حق خیار، تابع قرارداد متعاملین خواهد بود و هرگاه نسبت به ثمن قید تمام یا بعض نشده باشد خیار، ثابت نخواهد بود مگر با رد تمام ثمن ماده ۴۵۹ - در بیع شرط به مجرد عقد، مبیع ملک مشتری می شود با قید خیار برای بایع بنابراین اگر بایع به شرایطی که بین او و مشتری برای استرداد مبیع مقرر شده است عمل ننماید بیع قطعی شده و مشتری مالک قطعی مبیع می گردد و اگر بالعکس بایع به

شرایط مزبوره عمل نماید و مبیع را استرداد کند از حین فسخ مبیع مال بایع خواهد شد ولی نمات و منافع حاصله از حین عقد تا حین فسخ مال مشتری است ماده ۴۶۰ - در بیع شرط مشتری نمی تواند در مبیع تصرفی که منافی خیار باشد از قبیل نقل و انتقال و غیره بنماید. ماده ۴۶۱ - اگر مشتری در زمان خیار از اخذ ثمن خودداری کند بایع می تواند با تسلیم ثمن به حاکم یا قائم مقام او معامله را فسخ کند. ماده ۴۶۲ - اگر مبیع به شرط بواسطه فوت مشتری به ورثه او منتقل شود حق فسخ بیع در مقابل ورثه به همان ترتیبی که بوده است باقی خواهد بود. ماده ۴۶۳ - اگر در بیع شرط معلوم شود که قصد بایع حقیقت بیع نبوده است احکام بیع در آن مجری نخواهد بود. فصل سوم در معاوضه ماده ۴۶۴ - معاوضه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین مالی می دهد به عوض مال دیگر که از طرف دیگر اخذ می کند بدون ملاحظه اینکه یکی از عوضین مبیع و دیگری ثمن باشد. ماده ۴۶۵ - در معاوضه احکام خاصه بیع جاری نیست فصل چهارم در اجاره ماده ۴۶۶ - اجاره عقدی است که به موجب آن، مستاجر، مالک منافع عین مستاجر می شود، اجاره دهنده را موجر و اجاره کننده را مستاجر و مورد اجاره را عین مستاجر گویند. ماده ۴۶۷ - مورد اجاره ممکن است اشیا یا حیوان یا آنسان باشد. مبحث اول در اجاره اشیا ماده ۴۶۸ - در اجاره اشیا، مدت اجاره باید معین شود و الا اجاره باطل است ماده ۴۶۹ - مدت اجاره از روزی شروع می شود که بین طرفین مقرر شده و اگر در عقد اجاره ابتدای مدت ذکر نشده باشد از وقت عقد محسوب است ماده ۴۷۰ - در صحت اجاره قدرت بر تسلیم عین مستاجر شرط است ماده ۴۷۱ - برای صحت اجاره باید انتفاع از عین مستاجر با بقای اصل آن ممکن باشد. ماده ۴۷۲ - عین مستاجر باید معین باشد و اجاره عین مجهول یا مردد باطل است ماده ۴۷۳ - لازم نیست که موجر، مالک عین مستاجر باشد ولی باید مالک منافع آن باشد. ماده ۴۷۴ - مستاجر می تواند عین مستاجر را به دیگری اجاره دهد مگر اینکه در عقد اجاره خلاف آن شرط شده باشد. ماده ۴۷۵ - اجاره مال مشاع جایز است لیکن تسلیم عین مستاجر موقوف است به اذن شریک ماده ۴۷۶ - موجر باید عین مستاجر را تسلیم مستاجر کند و در صورت امتناع موجر اجبار می شود و در صورت تعذر اجبار، مستاجر خیار فسخ دارد. ماده ۴۷۷ - موجر باید عین مستاجر را در حالتی تسلیم نماید که مستاجر بتواند استفاده مطلوبه را بکند. ماده ۴۷۸ - هرگاه معلوم شود عین مستاجر در حال اجاره معیوب بوده مستاجر می تواند اجاره را فسخ کند یا به همان نحوی که بوده است اجاره را با تمام اجرت قبول کند ولی اگر موجر رفع عیب کند بنحوی که به مستاجر ضرری نرسد مستاجر حق فسخ ندارد. ماده ۴۷۹ - عیبی که موجب فسخ اجاره می شود عیبی است که موجب نقصان منفعت یا صعوبت در انتفاع باشد. ماده ۴۸۰ - عیبی که بعد از عقد و قبل از قبض منفعت در عین مستاجر حادث شود موجب خیار است و اگر عیب در اثنا مدت اجاره حادث شود نسبت به بقیه مدت خیار ثابت است ماده ۴۸۱ - هرگاه عین مستاجر به واسطه عیب از قابلیت انتفاع خارج شده و نتوان رفع عیب نمود اجاره باطل می شود. ماده ۴۸۲ - اگر مورد اجاره عین کلی باشد و فردی که موجر داده معیوب درآید مستاجر حق فسخ ندارد و می تواند موجر را مجبور به تبدیل آن نماید و اگر تبدیل آن ممکن نباشد حق فسخ خواهد داشت ماده ۴۸۳ - اگر در مدت اجاره عین مستاجر به واسطه حادثه کلا یا بعضا تلف شود اجاره از زمان تلف نسبت به مقدار تلف شده منفسخ می شود و در صورت تلف بعضی آن، مستاجر حق دارد اجاره را نسبت به بقیه فسخ کند یا فقط مطالبه تقلیل نسبی مال الاجاره نماید. ماده ۴۸۴ - موجر نمی تواند در مدت اجاره در عین مستاجر تغییری دهد که منافی مقصود مستاجر از استیجار باشد. ماده ۴۸۵ - اگر در مدت اجاره در عین مستاجر تعمیراتی لازم آید که تاخیر در آن موجب ضرر موجر باشد مستاجر نمی تواند مانع تعمیرات مزبوره گردد اگرچه در مدت تمام یا قسمتی از زمان تعمیر نتواند از عین مستاجر کلا یا بعضا استفاده نماید، در این صورت حق فسخ اجاره را خواهد داشت ماده ۴۸۶ - تعمیرات و کلیه مخارجی که در عین مستاجر برای امکان انتفاع از آن لازم است به عهده مالک است مگر آن که شرط خلاف شده یا عرف بلد برخلاف آن جاری باشد و همچنین است آلات و ادواتی که برای امکان انتفاع از عین مستاجر لازم می باشد. ماده ۴۸۷ - هرگاه مستاجر نسبت به عین مستاجر تعدی یا تفریط نماید و موجر قادر بر منع آن نباشد موجر حق فسخ دارد. ماده ۴۸۸ - اگر شخص ثالثی بدون ادعای حقی در عین مستاجر یا منافع آن، مزاحم مستاجر

گردد در صورتی که قبل از قبض باشد مستاجر حق فسخ دارد و اگر فسخ ننمود می تواند برای رفع مزاحمت و مطالبه اجرت‌المثل به خود مزاحم رجوع کند و اگر مزاحمت بعد از قبض واقع شود حق فسخ ندارد و فقط می تواند به مزاحم رجوع کند. ماده ۴۸۹ - اگر شخصی که مزاحمت می نماید مدعی حق نسبت به عین مستاجر یا منافع آن باشد مزاحم نمی تواند عین مزبور را از ید مستاجر آنتزاع نماید مگر بعد از اثبات حق با طرفیت مالک و مستاجر هر دو. ماده ۴۹۰ - مستاجر باید: اولاً - در استعمال عین مستاجر بنحو متعارف رفتار کرده و تعدی یا تفریط نکند. ثانياً - عین مستاجر را برای همان مصرفی که در اجاره مقرر شده در صورت عدم تعیین در منافع مقصوده که از اوضاع و احوال استنباط می شود استعمال نماید. ثالثاً - مال الاجاره را در مواعیدی که بین طرفین مقرر است تادیه کند و در صورت عدم تعیین موعد، نقداً باید بپردازد. ماده ۴۹۱ - اگر منفعتی که در اجاره تعیین شده است به خصوصیت آن، منظور نبوده مستاجر می تواند استفاده منفعتی کند که از حیث ضرر، مساوی یا کمتر از منفعت معینه باشد. ماده ۴۹۲ - اگر مستاجر، عین مستاجر را در غیر موردی که در اجاره ذکر شده باشد یا از اوضاع و احوال استنباط می شود استعمال کند و منع آن ممکن نباشد موجر حق فسخ اجاره را خواهد داشت ماده ۴۹۳ - مستاجر نسبت به عین مستاجر ضامن نیست به این معنی که اگر عین مستاجر بدون تفریط یا تعدی او کلاً یا بعضاً تلف شود مسئول نخواهد بود ولی اگر مستاجر تفریط یا تعدی نماید ضامن است اگرچه نقص در نتیجه تفریط یا تعدی حاصل نشده باشد. ماده ۴۹۴ - عقد اجاره به محض انقضا مدت برطرف می شود و اگر پس از انقضا آن، مستاجر، عین مستاجر را بدون اذن مالک مدتی در تصرف خود نگاه دارد موجر برای مدت مزبور مستحق اجرت‌المثل خواهد بود اگر چه مستاجر استیفاً منفعت نکرده باشد و اگر با اجازه مالک در تصرف نگاه دارد وقتی باید اجرت‌المثل بدهد که استیفاً منفعت کرده باشد مگر اینکه مالک اجازه داده باشد که مجازاً استفاده نماید. ماده ۴۹۵ - اگر برای مال الاجاره ضامنی داده شده باشد ضامن مسئول اجرت‌المثل مذکور در ماده فوق نخواهد بود. ماده ۴۹۶ - عقد اجاره به واسطه تلف شدن عین مستاجر از تاریخ تلف باطل می شود و نسبت به تخلف از شرایطی که بین موجر و مستاجر مقرر است خیار فسخ از تاریخ تخلف ثابت می گردد. ماده ۴۹۷ - عقد اجاره به واسطه فوت موجر یا مستاجر باطل نمی شود لیکن اگر موجر فقط برای مدت عمر خود مالک منافع عین مستاجر بوده است اجاره به فوت موجر باطل می شود و اگر شرط مباشرت مستاجر شده باشد به فوت مستاجر باطل می گردد. ماده ۴۹۸ - اگر عین مستاجر به دیگری منتقل شود اجاره به حال خود باقی است مگر اینکه موجر حق فسخ در صورت نقل را برای خود شرط کرده باشد. ماده ۴۹۹ - هرگاه متولی با ملاحظه صرفه وقف مال موقوفه را اجاره دهد اجاره به فوت او باطل نمی گردد. ماده ۵۰۰ - در بیع شرط مشتری می تواند مبیع را برای مدتی که با بیع حق خیار ندارد اجاره دهد و اگر اجاره منافی با بیع باشد باید به وسیله جعل خیار یا نحو آن، حق بیع را محفوظ دارد والا اجاره تاحدی که منافی با حق بیع باشد باطل خواهد بود. ماده ۵۰۱ - اگر در عقد اجاره مدت بطور صریح ذکر نشده و مال الاجاره هم از قرار روز یا ماه یا سالی فلان مبلغ معین شده باشد. اجاره برای یک روز یا یک ماه یا یک سال صحیح خواهد بود و اگر مستاجر، عین مستاجر را بیش از مدت‌های مزبوره در تصرف خود نگاه دارد و موجر هم تخلیه ید او را نخواهد موجر بموجب امراض حاصله برای بقیه مدت و به نسبت زمان تصرف مستحق اجرت مقرر بین طرفین خواهد بود. ماده ۵۰۲ - اگر مستاجر در عین مستاجر بدون اذن موجر تعمیراتی نماید حق مطالبه قیمت آن را نخواهد داشت ماده ۵۰۳ - هرگاه مستاجر بدون اجازه موجر در خانه یا زمینی که اجاره کرده وضع بنا یا غرس اشجار کند هر یک از موجر و مستاجر حق دارد هر وقت بخواهد بنا را خراب یا درخت را قطع نماید در این صورت اگر در عین مستاجر نقصی حاصل شود بر عهده مستاجر است ماده ۵۰۴ - هرگاه مستاجر به موجب عقد اجاره مجاز در بنا یا غرس بوده موجر نمی تواند مستاجر را به خراب کردن یا کندن آن اجبار کند و بعد از انقضا مدت اگر بنا یا درخت در تصرف مستاجر باقی بماند موجر حق مطالبه اجرت‌المثل زمین را خواهد داشت و اگر در تصرف موجر باشد مستاجر حق مطالبه اجرت‌المثل بنا یا درخت را خواهد داشت ماده ۵۰۵ - اقساط مال الاجاره که بعلت نرسیدن موعد پرداخت آن، بر ذمه مستاجر مستقر نشده است به موت او حال نمی شود. ماده ۵۰۶ - در اجاره عقار، افت زراعت از هر قبیل که باشد به

عهدہ مستاجر است مگر اینکه در عقد اجاره طور دیگری شرط شده باشد. مبحث دوم در اجاره حیوانات ماده ۵۰۷ - در اجاره حیوان، تعیین منفعت یا به تعیین مدت اجاره است یا به بیان مسافت و محلی که راکب یا محمول باید به آنجا حمل شود. ماده ۵۰۸ - در موردی که منفعت به بیان مدت اجاره معلوم شود تعیین راکب یا محمول لازم نیست ولی مستاجر نمی تواند زیاده بر مقدار متعارف حمل کند و اگر منفعت به بیان مسافت و محل معین شده باشد تعیین راکب یا محمول لازم است ماده ۵۰۹ - در اجاره حیوان ممکن است شرط شود که اگر موجر در وقت معین محمول را به مقصد نرساند مقدار معینی از مال الاجاره کم شود. ماده ۵۱۰ - در اجاره حیوان لازم نیست که عین مستاجر حیوان معینی باشد بلکه تعیین آن به نوع معینی کافی خواهد بود. ماده ۵۱۱ - حیوانی که مورد اجاره است باید برای همان مقصودی استعمال شود که قصد طرفین بوده است بنابراین حیوانی را که برای سواری اجاره داده شده است نمی توان برای بارکشی استعمال نمود. مبحث سوم در اجاره اشخاص ماده ۵۱۲ - در اجاره اشخاص کسی که اجاره می کند مستاجر و کسی که مورد اجاره واقع می شود اجیر و مال الاجاره اجرت نامیده می شود. ماده ۵۱۳ - اقسام عمده اجاره اشخاص از قرار ذیل است ۱ - اجاره خدمه و کارگران از هر قبیل ۲ - اجاره متصدیان حمل و نقل اشخاص یا مال التجاره اعم از راه خشکی یا اب یا هوا. فقره اول در اجاره خدمه و کارگر ماده ۵۱۴ - خادم یا کارگر نمی تواند اجیر شود مگر برای مدت معینی یا برای انجام امر معینی ماده ۵۱۵ - اگر کسی بدون تعیین انتهای مدت اجیر شود مدت اجاره محدود خواهد بود به مدتی که مزد از قرار آن معین شده است بنابراین اگر مزد اجیر از قرار روز یا هفته یا ماه یا سالی فلان مبلغ معین شده باشد مدت اجاره محدود به یک روز یا یک هفته یا یک ماه یا یک سال خواهد بود و پس از انقضای مدت مزبور، اجاره برطرف می شود ولی اگر پس از انقضای مدت اجیر به خدمت خود دوام دهد و موجر او را نگاه دارد، اجیر نظر به مواضات حاصله به همانظوری که در زمان اجاره بین او و موجر مقرر بود مستحق اجرت خواهد شد. فقره دوم در اجاره متصدی حمل و نقل ماده ۵۱۶ - تعهدات متصدیان حمل و نقل اعم از اینکه از راه خشکی یا اب یا هوا باشد برای حفاظت و نگاهداری اشیائی که به آنها سپرده می شود همان است که برای امانت داران مقرر است بنابراین در صورت تفریط یا تعدی مسوول تلف یا ضایع شدن اشیائی خواهند بود که برای حمل به آنها داده می شود و این مسئولیت از تاریخ تحویل اشیاء به آنان خواهد بود. ماده ۵۱۷ - مفاد ماده ۵۰۹ در مورد متصدیان حمل و نقل نیز مجری خواهد بود. فصل پنجم در مزارعه و مساقات مبحث اول در مزارعه ماده ۵۱۸ - مزارعه عقدی است که به موجب آن احد طرفین زمینی را برای مدت معینی به طرف دیگر می دهد که آن را زراعت کرده و حاصل را تقسیم کنند. ماده ۵۱۹ - در عقد مزارعه حصه هر یک از مزارع و عامل باید بنحواشاعه از قبیل ربع یا ثلث یا نصف و غیره معین گردد و اگر بنحودیکر باشد احکام مزارعه جاری نخواهد شد. ماده ۵۲۰ - در مزارعه جایز است شرط شود که یکی از دو طرف علاوه بر حصه ای از حاصل مال دیگری نیز به طرف مقابل بدهد. ماده ۵۲۱ - در عقد مزارعه ممکن است هر یک از بذر و عوامل مالق مزارع باشد یا عامل در این صورت نیز حصه مشاع هر یک از طرفین برطبق قرارداد یا عرف بلد خواهد بود. ماده ۵۲۲ - در عقد مزارعه لازم نیست که متصرف زمین مالک آن هم باشد ولی لازم است که مالک منافع بوده باشد یا به عنوانی از عناوین از قبیل ولایت و غیره حق تصرف در آن را داشته باشد. ماده ۵۲۳ - زمینی که مورد مزارعه است باید برای زرع مقصود، قابل باشد اگرچه محتاج به اصلاح یا تحصیل اب باشد و اگر زرع محتاج به عملیاتی باشد (از قبیل حفر نهر یا چاه و غیره و عامل در حین عقد جاهل به آن بوده باشد حق فسخ معامله را خواهد داشت ماده ۵۲۴ - نوع زرع باید در عقد مزارعه معین باشد مگر اینکه بر حسب عرف بلد، معلوم و یا عقد برای مطلق زراعت بوده باشد در صورت اخیر، عامل در اختیار نوع زراعت مختار خواهد بود. ماده ۵۲۵ - عقد مزارعه عقدی است لازم ماده ۵۲۶ - هر یک از عامل و مزارع می تواند در صورت غبن معامله را فسخ کند. ماده ۵۲۷ - هرگاه زمین به واسطه فقد آن اب یا علل دیگر از این قبیل از قابلیت انتفاع خارج شود و رفع مانع ممکن نباشد عقد مزارعه منفسخ می شود. ماده ۵۲۸ - اگر شخص ثالثی قبل از اینکه زمین مورد مزارعه تسلیم عامل شود آن را غصب کند عامل مختار بر فسخ می شود ولی اگر غصب بعد از تسلیم واقع شود حق فسخ ندارد. ماده ۵۲۹ -

عقد مزارعه به فوت متعاملین یا احد آنها باطل نمی‌شود مگر اینکه مباشرت عامل شرط شده باشد در این صورت به فوت او منفسخ می‌شود. ماده ۵۳۰- هر گاه کسی به مدت عمر خود مالک منافع زمینی بوده و آنرا به مزارعه داده باشد عقد مزارعه به فوت او منفسخ می‌شود. ماده ۵۳۱- بعد از ظهور ثمره زرع عامل مالک حصه خود از آنمی‌شود. ماده ۵۳۲- در عقد مزارعه اگر شرط شود که تمام ثمره مال مزارع یا عامل تنها باشد، عقد باطل است ماده ۵۳۳- اگر عقد مزارعه بعلتی باطل شود تمام حاصل مال صاحب بذر است و طرف دیگر که مالک زمین یا اب یا صاحب عمل بوده است به نسبت آنچه که مالک بوده مستحق اجرت‌المثل خواهد بود. اگر بذر، مشترک بین مزارع و عامل باشد حاصل و اجرت‌المثل نیز به نسبت بذر بین آنها تقسیم می‌شود. ماده ۵۳۴- هر گاه عامل در اثناء قید یا در ابتدای عمل آن، را ترک کند و کسی نباشد که عمل را به جای او انجام دهد حاکم به تقاضای مزارع عامل را اجبار به انجام می‌کند و یا عمل را به خرج عامل ادامه می‌دهد و در صورت عدم امکان، مزارع حق فسخ دارد. ماده ۵۳۵- اگر عامل زراعت نکند و مدت منقضی شود مزارع مستحق اجرت‌المثل است ماده ۵۳۶- هر گاه عامل بطور متعارف مواظبت در زراعت ننماید و از این حیث حاصل کم شود یا ضرر دیگر متوجه مزارع گردد عامل ضامن تفاوت خواهد بود. ماده ۵۳۷- هر گاه در عقد مزارعه زرع معینی قید شده باشد و عامل غیر آن را زرع نماید مزارعه باطل و برطبق ماده ۵۳۳ رفتار می‌شود. ماده ۵۳۸- هر گاه مزارعه در اثنای مدت قبل از ظهور ثمره فسخ شود حاصل مال مالک بذر است و طرف دیگر مستحق اجرت‌المثل خواهد بود. ماده ۵۳۹- هر گاه مزارعه بعد از ظهور ثمره فسخ شود هر یک از مزارع و عامل به نسبتی که بین آنها مقرر بوده شریک در ثمره هستند لیکن از تاریخ فسخ تا برداشت حاصل هر یک به اخذ اجرت‌المثل زمین و عمل و سایر مصالح‌الملاک خود که به حصه مقرر به طرف دیگر تعلق می‌گیرد مستحق خواهد بود. ماده ۵۴۰- هر گاه مدت مزارعه منقضی شود و اتفاقاً زرع نرسیده باشد مزارع حق دارد که زراعت را ازاله کند یا آن را به اخذ اجرت‌المثل ابقاء نماید. ماده ۵۴۱- عامل می‌تواند برای زراعت اجیر بگیرد یا با دیگری شریک شود ولی برای انتقال معامله یا تسلیم زمین به دیگری رضای مزارع لازم است ماده ۵۴۲- خراج زمین به عهده مالک است مگر اینکه خلاف آن شرط شده باشد سایر مخارج زمین بر حسب تعیین طرفین یا متعارف است مبحث دوم در مساقات ماده ۵۴۳- مساقات معامله ایست که بین صاحب درخت و امثال آن با عامل در مقابل حصه مشاع معین از ثمره واقع می‌شود و ثمره اعم است از میوه و برگ گل و غیر آن. ماده ۵۴۴- در هر مورد که مساقات باطل باشد یا فسخ شود تمام ثمره مال مالک است و عامل مستحق اجرت‌المثل خواهد بود. ماده ۵۴۵- مقررات راجعه به مزارعه که در مبحث قبل ذکر شده است در مورد عقد مساقات نیز مرعی خواهد بود مگر اینکه عامل نمی‌تواند بدون اجازه مالک معامله را به دیگری واگذار یا با دیگری شرکت نماید. فصل ششم در مضاربه ماده ۵۴۶- مضاربه عقدی است که به موجب آن احد متعاملین سرمایه می‌دهد با قید اینکه طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشد صاحب سرمایه مالک و عامل مضارب نامیده می‌شود. ماده ۵۴۷- سرمایه باید وجه نقد باشد. ماده ۵۴۸- حصه هر یک از مالک و مضارب در منافع باید جز مشاع از کل از قبیل ربع یا ثلث و غیره باشد. ماده ۵۴۹- حصه‌های مزبوره در ماده فوق باید در عقد مضاربه معین شود مگر اینکه در عرف منجزا معلوم بوده و سکوت در عقد منصرف به آن گردد. ماده ۵۵۰- مضاربه عقدی است جایز. ماده ۵۵۱- عقد مضاربه به یکی از علل ذیل منفسخ می‌شود: ۱- در صورت موت یا جنون یا سفه احد طرفین ۲- در صورت مفلس شدن مالک ۳- در صورت تلف شدن تمام سرمایه و ربح ۴- در صورت عدم امکان تجارتي که منظور طرفین بوده ماده ۵۵۲- هر گاه در مضاربه برای تجارت مدت معین شده باشد تعیین مدت موجب لزوم عقد نمی‌شود لیکن پس از انقضا مدت مضارب نمی‌تواند معامله بکند مگر به اجازه جدید مالک ماده ۵۵۳- در صورتی که مضارب مطلق باشد (یعنی تجارت خاصی شرط نشده باشد) عامل می‌تواند هر قسم تجارتي را که صلاح بداند بنماید ولی در طرز تجارت باید متعارف را رعایت کند. ماده ۵۵۴- مضارب نمی‌تواند نسبت به همان سرمایه با دیگری مضارب کند یا آن را به غیر واگذار نماید مگر با اجازه مالک ماده ۵۵۵- مضارب باید اعمالی را که برای نوع تجارت متعارف و معمول بلد و زمان است بجا آورد ولی اگر اعمالی را که برطبق عرف بایستی به اجیر رجوع کند خود شخصا

انجام دهد مستحق اجرت آنخواهد بود. ماده ۵۵۶- مضارب در حکم امین است و ضامن مال مضاربه نمی‌شود مگر در صورت تعدی یا تفریط ماده ۵۵۷- اگر کسی مالی برای تجارت بدهد و قرار گذارد که تمام منافع مال مالک باشد در این صورت معامله مضاربه محسوب نمی‌شود و عامل مستحق اجرت‌المثل خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که عامل عمل را تبرعا انجام داده است ماده ۵۵۸- اگر شرط شود که مضارب ضامن سرمایه خواهد بود و یا خسارات حاصله از تجارت متوجه مالک نخواهد شد عقد باطل است مگر اینکه بطور لزوم شرط شده باشد که مضارب از مال خود به مقدار خسارت یا تلف مجاناً به مالک تملیک کند. ماده ۵۵۹- در حساب جاری یا حساب به مدت ممکن است با رعایت شرط قسمت اخیر ماده قبل احکام مضاربه جاری و حق المضاربه به آن تعلق بگیرد. ماده ۵۶۰- بغیر از آنکه فوقاً مذکور شد مضاربه تابع شرایط و مقرراتی است که به موجب عقد بین طرفین مقرر است فصل هفتم در جعالة ماده ۵۶۱- جعالة عبارت است از التزام شخصی به ادا اجرت معلوم در مقابل عملی اعم از اینکه طرف معین باشد یا غیر معین ماده ۵۶۲- در جعالة ملتزم را جاعل و طرف را عامل و اجرت را جعل می‌گویند. ماده ۵۶۳- در جعالة معلوم بودن اجرت من جمیع الجهات لازم نیست بنابراین اگر کسی ملتزم شود که هر کس گمشده او را پیدا کند حصه مشاع معینی از آن، مال او خواهد بود جعالة صحیح است ماده ۵۶۴- در جعالة گذشته از عدم لزوم تعیین عامل ممکن است عمل هم مردد و کیفیات آن نامعلوم باشد. ماده ۵۶۵- جعالة تعهدی است جایز و مادامی که عمل به اتمام نرسیده است هر یک از طرفین می‌توانند رجوع کنند ولی اگر جاعل در اثنا عمل رجوع نماید باید اجرت‌المثل عمل عامل را بدهد. ماده ۵۶۶- هرگاه در جعالة عمل دارای اجزاء متعدد بوده و هر یک از اجزاء، مقصود بالاصالة جاعل بوده باشد و جعالة فسخ گردد عامل از اجرت‌المسمی به نسبت عملی که کرده است مستحق خواهد بود اعم از اینکه فسخ از طرف جاعل باشد یا از طرف خود عامل ماده ۵۶۷- عامل وقتی مستحق جعل می‌گردد که متعلق جعالة را تسلیم کرده یا انجام داده باشد. ماده ۵۶۸- اگر عاملین متعدد، به شرکت هم عمل را انجام دهند هر یک به نسبت مقدار عمل خود مستحق جعل می‌گردد. ماده ۵۶۹- مالی که جعالة برای آن واقع شده است از وقتی که به دست عامل می‌رسد تا به جاعل رد کند در دست او امانت است ماده ۵۷۰- جعالة بر عمل نامشروع و یا بر عمل غیر عقلایی باطل است فصل هشتم در شرکت مبحث اول در احکام شرکت ماده ۵۷۱- شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد بنحو اشاعه ماده ۵۷۲- شرکت اختیاری است یا قهری ماده ۵۷۳- شرکت اختیاری یا در نتیجه عقدی از عقود حاصل می‌شود یا در نتیجه عمل شرکا از قبیل مزج اختیاری یا قبول مالی مشاعاً در ازاء عمل چند نفر و نحو اینها. ماده ۵۷۴- شرکت قهری اجتماع حقوق مالکین است که در نتیجه امتزاج یا ارث حاصل می‌شود. ماده ۵۷۵- هر یک از شرکا به نسبت سهم خود در نفع و ضرر سهیم می‌باشد مگر اینکه برای یک یا چند نفر از آنها در مقابل عملی سهم‌زیادتری منظور شده باشد. ماده ۵۷۶- طرز اداره کردن اموال مشترک تابع شرایط مقرر بین شرکا خواهد بود. ماده ۵۷۷- شریکی که در ضمن عقد به اداره کردن اموال مشترک ماذون شده است می‌تواند هر عملی را که لازمه اداره کردن است انجام دهد و بهیچوجه مسئول خسارات حاصله از اعمال خود نخواهد بود مگر در صورت تفریط یا تعدی ماده ۵۷۸- شرکا همه وقت می‌توانند از اذن خود رجوع کنند مگر اینکه اذن در ضمن عقد لازم داده شده باشد که در این صورت مادام که شرکت باقی است حق رجوع ندارند. ماده ۵۷۹- اگر اداره کردن شرکت به عهده شرکا متعدد باشد بنحوی که هر یک بطور استقلال ماذون در اقدام باشد هر یک از آنها می‌توانند منفرداً به اعمالی که برای اداره کردن لازم است اقدام کنند. ماده ۵۸۰- اگر بین شرکا مقرر شده باشد که یکی از مدیران نمی‌تواند بدون دیگری اقدام کند مدیری که به تنهایی اقدام کرده باشد در صورت عدم امضا شرکا دیگر، در مقابل شرکا، ضامن خواهد بود اگر چه برای ماذونین دیگر امکان فعلی برای مداخله در امر اداره کردن موجود نبوده باشد. ماده ۵۸۱- تصرفات هر یک از شرکا در صورتی که بدون اذن یا خارج از حدود اذن باشد فضولی بوده و تابع مقررات معاملات فضولی خواهد بود. ماده ۵۸۲- شریکی که بدون اذن یا در خارج از حدود اذن تصرف در اموال شرکت نماید ضامن است ماده ۵۸۳- هر یک از شرکا می‌تواند بدون رضایت شرکا دیگر سهم خود را جزئاً یا کلاً به شخص ثالثی منتقل کند.

ماده ۵۸۴ - شریکی که مال‌الشر که در ید اوست در حکم امین است و ضامن تلف و نقص آن نمی‌شود مگر در صورت تفریط یا تعدی ماده ۵۸۵ - شریک غیرمادون در مقابل اشخاصی که با آنها معامله کرده مسئول بوده و طلبکاران فقط حق رجوع به او دارند.

ماده ۵۸۶ - اگر برای شرکت در ضمن عقد لازمی مدت معین نشده باشد هر یک از شرکا هر وقت بخواهد می‌تواند رجوع کند.

ماده ۵۸۷ - شرکت به یکی از طرق ذیل مرتفع می‌شود: ۱ - در صورت تقسیم ۲ - در صورت تلف شدن تمام مال شرکت ماده ۵۸۸ - در موارد ذیل شرکا، مادون در تصرف اموال مشترک نمی‌باشند: ۱ - در صورت انقضا مدت مادونیت یا رجوع از آن در صورت امکان رجوع ۲ - در صورت فوت یا محجور شدن یکی از شرکا. مبحث دوم در تقسیم اموال شرکت ماده ۵۸۹ - هر شریک‌المال می‌تواند هر وقت بخواهد تقاضای تقسیم مال مشترک را بنماید مگر در مواردی که تقسیم بموجب این قانون ممنوع یا شرکا به وجه ملزومی ملتزم بر عدم تقسیم شده باشند. ماده ۵۹۰ - در صورتی که شرکا بیش از دو نفر باشند ممکن است تقسیم فقط به نسبت سهم یک یا چند نفر از آنها بعمل آید و سهام دیگران به اشاعه باقی بماند. ماده ۵۹۱ - هرگاه تمام شرکا به تقسیم مال مشترک راضی باشند تقسیم بنحوی که شرکا تراضی نمایند بعمل می‌آید و در صورت عدم توافق بین شرکا، حاکم اجبار به تقسیم می‌کند مشروط بر اینکه تقسیم مشتمل بر ضرر نباشد که در این صورت اجبار جایز نیست و تقسیم باید به تراضی باشد. ماده ۵۹۲ - هرگاه تقسیم برای بعضی از شرکا مضر و برای بعضی دیگری ضرر باشد در صورتی که تقاضا از طرف متضرر باشد طرف دیگر اجبار می‌شود و اگر برعکس تقاضا از طرف غیرمتضرر بشود شریک متضرر اجبار بر تقسیم نمی‌شود. ماده ۵۹۳ - ضرری که مانع از تقسیم می‌شود عبارت است از نقصان فاحش قیمت به مقداری که عادتاً قابل مسامحه نباشد. ماده ۵۹۴ - هرگاه قنات مشترک یا امثال آن خرابی پیدا کرده و محتاج به تنقیه و تعمیر شود و یک یا چند نفر از شرکا بر ضرر شریک یا شرکا دیگر از شرکت در تنقیه یا تعمیر امتناع نمایند شریک یا شرکای متضرر می‌توانند به حاکم رجوع نمایند در این صورت اگر ملک قابل تقسیم نباشد حاکم می‌تواند برای قلع ماده نزاع و دفع ضرر، شریک ممتنع را به اقتضای موقع به شرکت در تنقیه یا تعمیر یا اجاره یا بیع سهم خود اجبار کند. ماده ۵۹۵ - هرگاه تقسیم متضمن افتادن تمام مال مشترک یا حصه یک یا چند نفر از شرکا از مالیت باشد تقسیم ممنوع است اگرچه شرکا تراضی نمایند. ماده ۵۹۶ - در صورتی که اموال مشترک متعدد باشد قسمت اجباری در بعضی از آنها ملازم با تقسیم باقی اموال نیست ماده ۵۹۷ - تقسیم ملک از وقف جایز است ولی تقسیم مال موقوفه بین موقوف علیهم جایز نیست ماده ۵۹۸ - ترتیب تقسیم آنست که اگر مال مشترک مثلی باشد به نسبت سهام شرکا افزای می‌شود و اگر قیمی باشد بر حسب قیمت تعدیل می‌شود و بعد از افزای یا تعدیل در صورت عدم تراضی بین شرکا حصص آنها به قرعه معین می‌گردد. ماده ۵۹۹ - تقسیم بعد از آنکه صحیحاً واقع شد لازم است و هیچ یک از شرکا نمی‌تواند بدون رضای دیگران از آن رجوع کند. ماده ۶۰۰ - هرگاه در حصه یک یا چند نفر از شرکا عیبی ظاهر شود که در حین تقسیم عالم به آن نبوده شریک یا شرکا مزبور حق دارند تقسیم را بهم بزنند. ماده ۶۰۱ - هرگاه بعد از تقسیم معلوم شود که قسمت بغلط واقع شده است تقسیم باطل می‌شود. ماده ۶۰۲ - هرگاه بعد از تقسیم معلوم شود که مقدار معینی از اموال تقسیم شده مال غیر بوده است در صورتی که مال غیر در تمام حصص مفروزا به تساوی باشد تقسیم صحیح والا باطل است ماده ۶۰۳ - ممر و مجرای هر قسمتی که از متعلقات آن است بعد از تقسیم مخصوص همان قسمت می‌شود. ماده ۶۰۴ - کسی که در ملک دیگری حق ارتفاق دارد نمی‌تواند مانع از تقسیم آن ملک بشود ولی بعد از تقسیم حق مزبور به حال خود باقی می‌ماند.

ماده ۶۰۵ - هرگاه حصه بعضی از شرکا مجرای آب یا محل عبور حصه شریک دیگر باشد بعد از تقسیم حق مجری یا عبور ساقط نمی‌شود مگر اینکه سقوط آن شرط شده باشد و همچنین است سایر حقوق ارتفافی ماده ۶۰۶ - هرگاه ترکه میت قبل از ادا دیون تقسیم شود و یا بعد از تقسیم معلوم شود که بر میت دینی بوده است طلبکار باید به هر یک از وراثت به نسبت سهم او رجوع کند و اگر یک یا چند نفر از وراثت معسر شده باشد طلبکار می‌تواند برای سهم معسر یا معسرین نیز به وراثت دیگر رجوع کند. فصل نهم در ودیعه مبحث اول در کلیات ماده ۶۰۷ - ودیعه عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد برای

آن که آن را مجاناً نگاه دارد. ودیعه‌گذار مودع و ودیعه‌گیر را مستودع یا امین می‌گویند. ماده ۶۰۸ - در ودیعه قبول امین لازم است اگرچه به فعل باشد. ماده ۶۰۹ - کسی می‌تواند مالی را به ودیعه‌گذار که مالک یا قائم‌مقام مالک باشد و یا از طرف مالک صراحتاً یا ضمناً مجاز باشد. ماده ۶۱۰ - در ودیعه طرفین باید اهلیت برای معامله داشته باشند و اگر کسی مالی را از کس دیگر که برای معامله اهلیت ندارد بعنوان ودیعه قبول کند باید آن را به ولی او رد نماید و اگر در ید او ناقص یا تلف شود ضامن است ماده ۶۱۱ - ودیعه عقدی است جایز. مبحث دوم در تعهدات امین ماده ۶۱۲ - امین باید مال ودیعه را بطوری که مالک مقرر نموده حفظ کند و اگر ترتیبی تعیین نشده باشد آن را بطوری که نسبت به آن مال متعارف است حفظ کند والا ضامن است ماده ۶۱۳ - هرگاه مالک برای حفاظت مال ودیعه ترتیبی مقرر نموده باشد و امین از برای حفظ مال تغییر آن ترتیب را لازم بداند می‌تواند تغییر دهد مگر اینکه مالک صریحاً نهی از تغییر کرده باشد که در این صورت ضامن است ماده ۶۱۴ - امین ضامن تلف یا نقصان مالی که به او سپرده شده است نمی‌باشد مگر در صورت تعدی یا تفریط ماده ۶۱۵ - امین در مقام حفظ مسئول وقایعی نمی‌باشد که دفع آن از اقتدار او خارج است ماده ۶۱۶ - هرگاه رد مال ودیعه مطالبه شود و امین از رد آن امتناع کند از تاریخ امتناع احکام امین به او مترتب نشده و ضامن تلف و هرنقص یا عیبی است که در مال ودیعه حادث شود اگرچه آن عیب یا نقص مستند به فعل او نباشد. ماده ۶۱۷ - امین نمی‌تواند غیر از جهت حفاظت تصرفی در ودیعه کند یا بنحوی از آنجا از آن منتفع گردد مگر با اجازه صریح یا ضمنی امانتگذار والا ضامن است ماده ۶۱۸ - اگر مال ودیعه در جعبه سربسته یا پاکت مختوم به امین سپرده شده باشد حق ندارد آن را باز کند والا ضامن است ماده ۶۱۹ - امین باید عین مالی را که دریافت کرده است رد نماید. ماده ۶۲۰ - امین باید مال ودیعه را به همان حالی که موقع پس دادن موجود است مسترد دارد و نسبت به نواقصی که در آن حاصل شده و مربوط به عمل امین نباشد ضامن نیست ماده ۶۲۱ - اگر مال ودیعه قهراً از امین گرفته شود و مشارالیه قیمت یا چیز دیگری بجای آن اخذ کرده باشد باید آنچه را که در عوض گرفته است به امانتگذار بدهد ولی امانتگذار مجبور به قبول آن نبوده و حق دارد مستقیماً به قاهر رجوع کند. ماده ۶۲۲ - اگر وارث امین مال ودیعه را تلف کند باید از عهده مثل یا قیمت آن برآید اگرچه عالم به ودیعه بودن مال نبوده باشد. ماده ۶۲۳ - منافع حاصله از ودیعه مال مالک است ماده ۶۲۴ - امین باید مال ودیعه را فقط به کسی که آن را از او دریافت کرده است یا قائم مقام قانونی او یا به کسی که ماذون در اخذ می‌باشد مسترد دارد و اگر به واسطه ضرورتی بخواهد آنرا رد کند و به کسی که حق اخذ دارد دسترس نداشته باشد باید به حاکم رد نماید. ماده ۶۲۵ - هرگاه مستحق‌للغیر بودن مال ودیعه محقق گردد باید امین آنرا به مالک حقیقی رد کند و اگر مالک معلوم نباشد تابع احکام اموال مجهول‌المالک است ماده ۶۲۶ - اگر کسی مال خود را به ودیعه‌گذار ودیعه به فوت امانتگذار، باطل و امین ودیعه را نمی‌تواند رد کند مگر به وراثت او. ماده ۶۲۷ - در صورت تعدد وراثت و عدم توافق بین آنها مال ودیعه باید به حاکم رد شود. ماده ۶۲۸ - اگر در احوال شخص امانتگذار تغییری حاصل گردد مثلاً اگر امانتگذار محجور شود عقد ودیعه منفسخ و ودیعه را نمی‌توان مسترد نمود مگر به کسی که حق اداره کردن اموال محجور را دارد. ماده ۶۲۹ - اگر مال محجوری به ودیعه‌گذار شده باشد آن مال باید پس از رفع حجر به مالک مسترد شود. ماده ۶۳۰ - اگر کسی مالی را به سمت قیمومت یا ولایت ودیعه‌گذاران مال باید پس از رفع سمت مزبور به مالک آن رد شود مگر اینکه از مالک رفع حجر نشده باشد که در این صورت به قیم یا ولی بعدی مسترد می‌گردد. ماده ۶۳۱ - هرگاه کسی مال غیر را به‌عنوانی غیر از مستودع متصرف باشد و مقررات این قانون او را نسبت به آن مال امین قرار داده باشد مثل مستودع است بنابراین مستاجر نسبت به عین مستاجر قیم یا ولی نسبت به مال صغیر یا مولی علیه و امثال آنها ضامن نمی‌باشد مگر در صورت تفریط یا تعدی و در صورت استحقاق مالک به استرداد از تاریخ مطالبه او و امتناع متصرف با امکان رد، متصرف مسئول تلف و هر نقص یا عیبی خواهد بود اگرچه مستند به فعل او نباشد. ماده ۶۳۲ - کاروانسرا دار و صاحب مهمانخانه و حمامی و امثال آنها نسبت به اشیاء و اسباب یا البسه واردین وقتی مسئول می‌باشند که اشیاء و اسباب یا البسه نزد آنها ایداع شده باشد و یا اینکه برطبق عرف بلد در حکم ایداع باشد.

مبحث سوم در تعهدات امانتگذار ماده ۶۳۳ - امانتگذار باید مخارجی را که امانتدار برای حفظ مال ودیعه کرده است به او بدهد. ماده ۶۳۴ - هرگاه رد مال مستلزم مخارجی باشد برعهده امانتگذار است فصل دهم در عاریه ماده ۶۳۵ - عاریه عقدی است که بموجب آن احد طرفین به طرف دیگر اجازه می‌دهد که از عین مال او مجانا منتفع شود. عاریه‌دهنده را معیر و عاریه گیرنده را مستعیر گویند. ماده ۶۳۶ - عاریه‌دهنده علاوه بر اهلیت باید مالک منفعت مالی باشد که عاریه می‌دهد اگر چه مالک عین نباشد. ماده ۶۳۷ - هر چیزی که بتوان با بقا اصلش از آن منتفع شد می‌تواند موضوع عقد عاریه گردد. منفعتی که مقصود از عاریه است منفعتی است که مشروع و عقلائی باشد. ماده ۶۳۸ - عاریه عقدی است جایز و به موت هر یک از طرفین منفسخ می‌شود. ماده ۶۳۹ - هرگاه مال عاریه دارای عیوبی باشد که برای مستعیر تولید خسارتی کند معیر مسئول خسارت وارده نخواهد بود مگر اینکه عرفا مسبب محسوب شود. همین حکم در مورد مودع و موجر و امثال آنها نیز جاری می‌باشد. ماده ۶۴۰ - مستعیر ضامن تلف یا نقصان مال عاریه نمی‌باشد مگر در صورت تفریط یا تعدی ماده ۶۴۱ - مستعیر مسئول منقصت ناشی از استعمال مال عاریه نیست مگر اینکه در غیر مورد اذن استعمال نموده باشد و اگر عاریه مطلق بوده برخلاف متعارف استفاده کرده باشد. ماده ۶۴۲ - اگر بر مستعیر شرط ضمان شده باشد مسئول هر کسر و نقصانی خواهد بود اگر چه مربوط به عمل او نباشد. ماده ۶۴۳ - اگر بر مستعیر شرط ضمان منقصت ناشی از صرف استعمال نیز شده باشد ضامن این منقصت خواهد بود. ماده ۶۴۴ - در عاریه طلا و نقره اعم از مسکوک و غیر مسکوک مستعیر ضامن است هر چند شرط ضمان نشده و تفریط یا تعدی هم نکرده باشد. ماده ۶۴۵ - در رد عاریه باید مفاد مواد ۶۲۴ و ۶۲۶ تا ۶۳۰ رعایت شود. ماده ۶۴۶ - مخارج لازمه برای انتفاع از مال عاریه برعهده مستعیر است و مخارج نگاهداری آن تابع عرف و عادت است مگر اینکه شرط خاصی شده باشد. ماده ۶۴۷ - مستعیر نمی‌تواند مال عاریه را به هیچ نحوی به تصرف غیر دهد مگر به اذن معیر. فصل یازدهم در قرض ماده ۶۴۸ - قرض عقدی است که بموجب آن احد طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آنرا از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر رد مثل قیمت یوم‌الرد را بدهد. ماده ۶۴۹ - اگر مالی که موضوع قرض است بعد از تسلیم تلف یا ناقص شود از مال مقترض است ماده ۶۵۰ - مقترض باید مثل مالی را که قرض کرده است رد کند اگر چه قیمتا ترقی یا تنزل کرده باشد. ماده ۶۵۱ - اگر برای ادا قرض به وجه ملزومی اجلی معین شده باشد مقرض نمی‌تواند قبل از انقضا مدت طلب خود را مطالبه کند. ماده ۶۵۲ - در موقع مطالبه حاکم مطابق اوضاع و احوال برای مقترض مهلت یا اقساطی قرار می‌دهد. ماده ۶۵۳ - منسوخ است فصل دوازدهم در قمار و گروبنندی ماده ۶۵۴ - قمار و گروبنندی باطل و دعاوی راجعه به آن مسموع نخواهد بود. همین حکم در مورد کلیه تعهداتی که از معاملات نامشروع تولید شده باشد جاری است ماده ۶۵۵ - در دوانیدن حیوانات سواری و همچنین در تیر اندازی و شمشیرزنی گروبنندی جائز و مفاد ماده قبل در مورد آنها رعایت نمی‌شود. فصل سیزدهم در وکالت مبحث اول در کلیات ماده ۶۵۶ - وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید. ماده ۶۵۷ - تحقق وکالت منوط به قبول وکیل است ماده ۶۵۸ - وکالت ایجاباً و قبولاً به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن کند واقع می‌شود. ماده ۶۵۹ - وکالت ممکن است مجانی باشد یا با اجرت ماده ۶۶۰ - وکالت ممکن است بطور مطلق و برای تمام امور موکل باشد یا مقید و برای امر یا امور خاصی ماده ۶۶۱ - در صورتی که وکالت مطلق باشد فقط مربوط به اداره کردن اموال موکل خواهد بود. ماده ۶۶۲ - وکالت باید در امری داده شود که خود موکل بتواند آن را بجا آورد وکیل هم باید کسی باشد که برای انجام آن امر اهلیت داشته باشد. ماده ۶۶۳ - وکیل نمی‌تواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد. ماده ۶۶۴ - وکیل در محاکمه وکیل در قبض حق نیست مگر اینکه قراین دلالت بر آن نماید و همچنین وکیل در اخذ حق وکیل در مرافعه نخواهد بود. ماده ۶۶۵ - وکالت در بیع وکالت در قبض ثمن نیست مگر اینکه قرینه قطعی دلالت بر آن کند. مبحث دوم در تعهدات وکیل ماده ۶۶۶ - هرگاه از تقصیر وکیل خسارتی به موکل متوجه شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب می‌گردد مسئول خواهد بود. ماده ۶۶۷ - وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید

و از آنچه که موکل بالصراحه به او اختیار داده یا برحسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیار اوست تجاوز نکند. ماده ۶۶۸ - وکیل باید حساب مدت و کالت خود را به موکل بدهد و آنچه را که به جای او دریافت کرده است به او رد کند. ماده ۶۶۹ - هرگاه برای انجام یک امر، دو یا چند نفر وکیل معین شده باشد هیچیک از آنها نمی تواند بدون دیگری یا دیگران دخالت در آن امر بنماید مگر اینکه هر یک مستقلا و کالت داشته باشد، در این صورت هر کدام می تواند به تنهایی آن امر را به جا آورد. ماده ۶۷۰ - در صورتی که دو نفر به نحو اجتماع وکیل باشند به موت یکی از آنها و کالت دیگری باطل می شود. ماده ۶۷۱ - وکالت در هر امر، مستلزم وکالت در لوازم و مقدمات آن نیز هست مگر اینکه تصریح به عدم وکالت باشد. ماده ۶۷۲ - وکیل در امری نمی تواند برای آن امر به دیگری وکالت دهد مگر اینکه صریحا یا به دلالت قرائن وکیل در توکیل باشد. ماده ۶۷۳ - اگر وکیل که وکالت در توکیل نداشته انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند هر یک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می شود مسوول خواهد بود. مبحث سوم در تعهدات موکل ماده ۶۷۴ - موکل باید تمام تعهداتی را که وکیل در حدود وکالت خود کرده است انجام دهد. در مورد آنچه که در خارج از حدود وکالت انجام داده است موکل هیچ گونه تعهد نخواهد داشت مگر اینکه اعمال فضولی وکیل را صراحتا یا ضمنا اجازه کند. ماده ۶۷۵ - موکل باید تمام مخارجی را که وکیل برای انجام وکالت خود نموده است و همچنین اجرت وکیل را بدهد مگر اینکه در عقد وکالت طور دیگر مقرر شده باشد. ماده ۶۷۶ - حق الوکاله وکیل تابع قرارداد بین طرفین خواهد بود و اگر نسبت به حق الوکاله یا مقدار آن قرارداد نباشد تابع عرف و عادت است و اگر عادت مسلمی نباشد وکیل مستحق اجرت المثل است ماده ۶۷۷ - اگر در وکالت مجانی یا با اجرت بودن آن تصریح نشده باشد محمول بر این است که با اجرت باشد. مبحث چهارم در طرق مختلفه انقضای وکالت ماده ۶۷۸ - وکالت به طرق ذیل مرتفع می شود: ۱ - به عزل موکل ۲ - به استعفای وکیل ۳ - به موت یا جنون وکیل یا موکل ماده ۶۷۹ - موکل می تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند مگر اینکه وکالت وکیل و یا عدم عزل در ضمن عقد لازمی شرط شده باشد. ماده ۶۸۰ - تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر عزل به او در حدود وکالت خود بنماید نسبت به موکل نافذ است ماده ۶۸۱ - بعد از اینکه وکیل استعفا داد مادامی که معلوم است موکل به اذن خود باقی است می تواند در آنچه وکالت داشته اقدام کند. ماده ۶۸۲ - محجوریت موکل موجب بطلان وکالت می شود مگر در اموری که حجر، مانع از توکیل در آنها نمی باشد و همچنین است محجوریت وکیل مگر در اموری که حجر مانع از اقدام در آن نباشد. ماده ۶۸۳ - هرگاه متعلق وکالت از بین برود یا موکل عملی را که مورد وکالت است خود انجام دهد یا بطور کلی عملی که منافعی با وکالت وکیل باشد به جا آورد مثل اینکه مالی را که برای فروش آن وکالت داده بود خود بفروشد وکالت منفسخ می شود. فصل چهاردهم در ضمان عقدی مبحث اول در کلیات ماده ۶۸۴ - عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد. متعهد را ضامن طرف دیگر را مضمون له و شخص ثالث را مضمون عنه یا مدیون اصلی می گویند. ماده ۶۸۵ - در ضمان، رضای مدیون اصلی شرط نیست ماده ۶۸۶ - ضامن باید برای معامله اهلیت داشته باشد. ماده ۶۸۷ - ضمان شدن از محجور و میت صحیح است ماده ۶۸۸ - ممکن است از ضامن ضمانت کرد. ماده ۶۸۹ - هرگاه چند نفر ضامن شخصی شوند ضمانت هر کدام که مضمون له قبول کند صحیح است ماده ۶۹۰ - در ضمان شرط نیست که ضامن مالدار باشد لیکن اگر مضمون له در وقت ضمان به عدم تمکن ضامن جاهل بوده باشد می تواند عقد ضمان را فسخ کند ولی اگر ضامن بعد از عقد، غیر ملی شود مضمون له خیارى نخواهد داشت ماده ۶۹۱ - ضمان دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده است باطل است ماده ۶۹۲ - در دین حال ممکن است ضامن برای تادیه آن اجلی معین کند و همچنین می تواند در دین موجب تعهد پرداخت فوری آن را بنماید. ماده ۶۹۳ - مضمون له می تواند در عقد ضمان از ضامن مطالبه رهن کند اگرچه دین اصلی رهنی نباشد. ماده ۶۹۴ - علم ضامن به مقدار و اوصاف و شرایط دینی که ضمانت آنرا می نماید شرط نیست بنابراین اگر کسی ضامن دین شخص بشود بدون اینکه بداند آن دین چه مقدار است ضمان صحیح است لیکن ضمانت یکی از چند دین به نحو تردید باطل است ماده ۶۹۵ - معرفت

تفصیلی ضامن به شخص مضمون‌له یا مضمون‌عنه لازم نیست ماده ۶۹۶ - هر دینی را ممکن است ضمانت نمود اگرچه شرط فسخی در آن موجود باشد. ماده ۶۹۷ - ضمان عهده از مشتری یا بائع نسبت به درک مبیع یا ثمن در صورت مستحق‌الغیر در آمدن آن جایز است مبحث دوم در اثر ضمان بین ضامن و مضمون‌له ماده ۶۹۸ - بعد از این که ضمان بطور صحیح واقع شد ذمه مضمون‌عنه بری و ذمه ضامن به مضمون‌له مشغول می‌شود. ماده ۶۹۹ - تعلیق در ضمان مثل اینکه ضامن قید کند که اگر مدیون ندادن ضامنم باطل است ولی التزام به تادیه ممکن است معلق باشد. ماده ۷۰۰ - تعلیق ضمان به شرایط صحت آن مثل اینکه ضامن قید کند که اگر مضمون‌عنه مدیون باشد، من ضامنم موجب بطلان آن نمی‌شود. ماده ۷۰۱ - ضمان، عقدی است لازم و ضامن یا مضمون‌له نمی‌توانند آن را فسخ کنند مگر در صورت اعسار ضامن بطوری که در ماده ۶۹۰ مقرر است یا در صورت بودن حق فسخ نسبت به دین مضمون‌به و یا در صورت تخلف از مقررات عقد. ماده ۷۰۲ - هرگاه ضمان مدت داشته باشد مضمون‌له نمی‌تواند قبل از انقضاء مدت مطالبه طلب خود را از ضامن کند اگرچه دین حال باشد. ماده ۷۰۳ - در ضمان حال مضمون‌له حق مطالبه طلب خود را دارد اگرچه دین موجد باشد. ماده ۷۰۴ - ضمان مطلق محمول به حال است مگر آن که به قرائن معلوم شود که موجد بوده است ماده ۷۰۵ - ضمان موجد به فوت ضامن حال می‌شود. ماده ۷۰۶ - حذف شد. ماده ۷۰۷ - اگر مضمون‌له ذمه مضمون‌عنه را بری کند ضامن بری نمی‌شود مگر اینکه مقصود، ابراء از اصل دین باشد. ماده ۷۰۸ - کسی که ضامن درک مبیع است در صورت فسخ بیع به سبب اقاله یا خیار از ضمان بری می‌شود. مبحث سوم در اثر ضمان بین ضامن و مضمون‌عنه ماده ۷۰۹ - ضامن حق رجوع به مضمون‌عنه ندارد مگر بعد از اداء دین ولی می‌تواند در صورتی که مضمون‌عنه ملتزم شده باشد که در مدت معینی براث او را تحصیل نماید و مدت مزبور هم منقضی شده باشد رجوع کند. ماده ۷۱۰ - اگر ضامن با رضایت مضمون‌له حواله کند به کسی که دین را بدهد و آن شخص قبول نماید مثل آن است که دین را اداء کرده است و حق رجوع به مضمون‌عنه دارد و همچنین است حواله مضمون‌له به عهده ضامن ماده ۷۱۱ - اگر ضامن دین را تادیه کند و مضمون‌عنه آن را ثانیا بپردازد ضامن حق رجوع به مضمون‌له نخواهد داشت و باید به مضمون‌عنه مراجعه کند و مضمون‌عنه می‌تواند از مضمون‌له آنچه را که گرفته است مسترد دارد. ماده ۷۱۲ - هرگاه مضمون‌له فوت شود و ضامن وارث او باشد حق رجوع به مضمون‌عنه دارد. ماده ۷۱۳ - اگر ضامن به مضمون‌له کمتر از دین داده باشد زیاده بر آنچه داده نمی‌تواند از مدیون مطالبه کند اگرچه دین را صلح به کمتر کرده باشد. ماده ۷۱۴ - اگر ضامن زیاده‌تر از دین به داین بدهد حق رجوع به زیاده‌ندارد مگر در صورتی که به‌اذن مضمون‌عنه داده باشد. ماده ۷۱۵ - هرگاه دین مدت داشته و ضامن قبل از موعد آن را بدهد مادام که دین حال نشده است نمی‌تواند از مدیون مطالبه کند. ماده ۷۱۶ - در صورتی که دین حال باشد هر وقت ضامن اداء کند می‌تواند رجوع به مضمون‌عنه نماید هر چند ضمان، مدت داشته و موعد آن نرسیده باشد مگر آن که مضمون‌عنه اذن به ضمان موجد داده باشد. ماده ۷۱۷ - هرگاه مضمون‌عنه دین را اداء کند ضامن بری می‌شود هر چند ضامن به مضمون‌عنه اذن در اداء نداده باشد. ماده ۷۱۸ - هرگاه مضمون‌له ضامن را از دین ابراء کند ضامن و مضمون‌عنه هر دو بری می‌شوند. ماده ۷۱۹ - هرگاه مضمون‌له ضامن را ابراء یا دیگری مجانا دین را بدهد ضامن حق رجوع به مضمون‌عنه ندارد. ماده ۷۲۰ - ضامنی که به قصد تبرع ضمانت کرده باشد حق رجوع به مضمون‌عنه ندارد. مبحث چهارم در اثر ضمان بین ضامنین ماده ۷۲۱ - هرگاه اشخاص متعدد از یک شخص برای یک قرض به نحو تسهیم ضمانت کرده باشند مضمون‌له به هر یک از آنها فقط به قدر سهم او حق رجوع دارد و اگر یکی از ضامنین تمام قرض را تادیه نماید به هر یک از ضامنین دیگر که اذن تادیه داده باشد می‌تواند به قدر سهم او رجوع کند. ماده ۷۲۲ - ضامن ضامن حق رجوع به مدیون اصلی ندارد و باید به مضمون‌عنه خود رجوع کند و به همین طریق هر ضامنی به مضمون‌عنه خود رجوع می‌کند تا به مدیون اصلی برسد. ماده ۷۲۳ - ممکن است کسی در ضمن عقد لازمی به دین دیگری ملتزم شود در این صورت تعلیق به التزام مبطل نیست مثل اینکه کسی التزام خود را به دین مدیون معلق به عدم او نماید. فصل پانزدهم در حواله ماده ۷۲۴ - حواله عقدی است که به موجب آن طلب شخصی از

ذمه‌مدیون به ذمه شخص ثالثی منتقل می‌گردد. مدیون را محیل طلبکار را محتال شخص ثالث را محال‌علیه می‌گویند. ماده ۷۲۵ - حواله محقق نمی‌شود مگر با رضای محتال و قبول محال‌علیه ماده ۷۲۶ - اگر در مورد حواله محیل مدیون محتال نباشد احکام حواله در آن جاری نخواهد بود. ماده ۷۲۷ - برای صحت حواله لازم نیست که محال‌علیه مدیون به محیل باشد در این صورت محال‌علیه پس از قبولی در حکم ضامن است ماده ۷۲۸ - در صحت حواله ملائت محال‌علیه شرط نیست ماده ۷۲۹ - هرگاه در وقت حواله محال‌علیه معسر بوده و محتال جاهل به اعسار او باشد محتال می‌تواند حواله را فسخ و به محیل رجوع کند. ماده ۷۳۰ - پس از تحقق حواله ذمه محیل از دینی که حواله داده‌بری و ذمه محال‌علیه مشغول می‌شود. ماده ۷۳۱ - در صورتی که محال‌علیه مدیون محیل نبوده بعد از اداء وجه حواله می‌تواند به همان مقداری که پرداخته است رجوع به محیل نماید. ماده ۷۳۲ - حواله عقدی است لازم و هیچ‌یک از محیل و محتال و محال‌علیه نمی‌تواند آن را فسخ کند مگر در مورد ماده ۷۲۹ و یا در صورتی که خیار فسخ شرط شده باشد. ماده ۷۳۳ - اگر در بیع با بیع حواله داده باشد که مشتری ثمن را به شخصی بدهد یا مشتری حواله داده باشد که با بیع ثمن را از کسی بگیرد و بعد بطلان بیع معلوم گردد حواله باطل می‌شود و اگر محتال ثمن را اخذ کرده باشد باید مسترد دارد ولی اگر بیع به واسطه فسخ یا اقاله منفسخ شود حواله باطل نبوده لیکن محال‌علیه بری و با بیع یا مشتری می‌تواند به یکدیگر رجوع کند. مفاد این ماده در مورد سایر تعهدات نیز جاری خواهد بود. فصل شانزدهم در کفالت ماده ۷۳۴ - کفالت عقدی است که به موجب آن احد طرفین در مقابل طرف دیگر احضار شخص ثالثی را تعهد می‌کند. متعهد را کفیل شخص ثالث را مکفول و طرف دیگر را مکفول‌له می‌گویند. ماده ۷۳۵ - کفالت به رضای کفیل و مکفول‌له واقع می‌شود. ماده ۷۳۶ - در صحت کفالت علم کفیل به ثبوت حقی بر عهده مکفول شرط نیست بلکه دعوی حق از طرف مکفول‌له کافی است اگرچه مکفول منکر آن باشد. ماده ۷۳۷ - کفالت ممکن است مطلق باشد یا موقت و در صورت موقت بودن باید مدت آن معلوم باشد. ماده ۷۳۸ - ممکن است شخص دیگری کفیل کفیل شود. ماده ۷۳۹ - در کفالت مطلق مکفول‌له هر وقت بخواهد می‌تواند احضار مکفول را تقاضا کند ولی در کفالت موقت قبل از رسیدن موعد، حق مطالبه ندارد. ماده ۷۴۰ - کفیل باید مکفول را در زمان و مکانی که تعهد کرده است حاضر نماید والا باید از عهده حقی که بر عهده مکفول ثابت می‌شود برآید. ماده ۷۴۱ - اگر کفیل ملتزم شده باشد که مالی در صورت عدم احضار مکفول بدهد باید بنحوی که ملتزم شده است عمل کند. ماده ۷۴۲ - اگر در کفالت محل تسلیم معین نشده باشد کفیل باید مکفول را در محل عقد تسلیم کند مگر اینکه عقد منصرف به محل دیگر باشد. ماده ۷۴۳ - اگر مکفول غایب باشد به کفیل مهلتی که برای حاضر کردن مکفول کافی باشد داده می‌شود. ماده ۷۴۴ - اگر کفیل مکفول را در غیر زمان و مکان مقرر یا برخلاف شرایطی که کرده اند تسلیم کند قبول آن بر مکفول‌له لازم نیست لیکن اگر قبول کرد کفیل بری می‌شود و همچنین اگر مکفول‌له برخلاف مقرر بین طرفین تقاضای تسلیم نماید کفیل ملزم به قبول نیست ماده ۷۴۵ - هر کس شخصی را از تحت اقتدار ذیحق یا قائم مقام او بدون رضای او خارج کند در حکم کفیل است و باید آن شخص را حاضر کند والا باید از عهده حقی که بر او ثابت شود برآید. ماده ۷۴۶ - در موارد ذیل کفیل بری می‌شود: ۱ - در صورت حاضر کردن مکفول بنحوی که متعهد شده است ۲ - در صورتی که مکفول در موقع مقرر شخصا حاضر شود؛ ۳ - در صورتی که ذمه مکفول بنحوی از انحا از حقی که مکفول‌له بر او دارد بری شود؛ ۴ - در صورتی که مکفول‌له کفیل را بری نماید؛ ۵ - در صورتی که حق مکفول‌له بنحوی از انحا به دیگری منتقل شود؛ ۶ - در صورت فوت مکفول ماده ۷۴۷ - هرگاه کفیل مکفول خود را مطابق شرایط مقرر حاضر کند و مکفول‌له از قبول آن امتناع نماید کفیل می‌تواند احضار مکفول و امتناع مکفول‌له را با شهادت معتبر نزد حاکم و یا احضار نزد حاکم اثبات نماید. ماده ۷۴۸ - فوت مکفول‌له موجب براءة کفیل نمی‌شود. ماده ۷۴۹ - هرگاه یک نفر در مقابل چند نفر، از شخصی کفالت نماید به تسلیم او به یکی از آنها در مقابل دیگران بری نمی‌شود. ماده ۷۵۰ - در صورتی که شخصی کفیل کفیل باشد و دیگری کفیل او و هکذا هر کفیل باید مکفول خود را حاضر کند و هر کدام از آنها که مکفول اصلی را حاضر کرد او و سایرین بری می‌شوند و هر کدام

که به یکی از جهات مزبور در ماده ۷۴۶ بری شد کفیل‌های مابعد او هم‌بری می‌شوند. ماده ۷۵۱- هرگاه کفالت به‌اذن مکفول بوده و کفیل با عدم تمکن از احضار حقی را که به‌عهده او است اداء نماید و یا به اذن او اداء حق کند می‌تواند به مکفول رجوع کرده آنچه را که داده اخذ کند و اگر هیچ‌یک به‌اذن مکفول نباشد حق رجوع نخواهد داشت فصل هفدهم در صلح ماده ۷۵۲- صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله و غیر آن واقع شود. ماده ۷۵۳- برای صحت صلح طرفین باید اهلیت معامله و تصرف در مورد صلح داشته باشند. ماده ۷۵۴- هر صلح نافذ است جز صلح بر امری که غیر مشروع باشد. ماده ۷۵۵- صلح با آنکار دعوا نیز جایز است بنابراین درخواست صلح اقرار محسوب نمی‌شود. ماده ۷۵۶- حقوق خصوصی که از جرم تولید می‌شود ممکن است مورد صلح واقع شود. ماده ۷۵۷- صلح بلاعوض نیز جایز است ماده ۷۵۸- صلح در مقام معاملات هر چند نتیجه معامله را که به جای آن واقع شده است می‌دهد لیکن شرایط و احکام خاصه آن معامله را ندارد بنابراین اگر مورد صلح عین باشد در مقابل عوض نتیجه آنهمان نتیجه بیع خواهد بود بدون اینکه شرایط و احکام خاصه بیع در آن مجری شود. ماده ۷۵۹- حق شفعه در صلح نیست هر چند در مقام بیع باشد. ماده ۷۶۰- صلح عقد لازم است اگرچه در مقام عقود جائزه واقع شده باشد و بر هم نمی‌خورد مگر در موارد فسخ به‌خیار یا اقاله ماده ۷۶۱- صلحی که در مورد تنازع یا مبنی بر تسامح باشد قاطع بین طرفین است و هیچ‌یک نمی‌تواند آن را فسخ کند اگرچه به ادعای غبن باشد مگر در صورت تخلف شرط یا اشتراط خیار. ماده ۷۶۲- اگر در طرف مصالحه و یا در مورد صلح اشتباهی واقع شده باشد صلح باطل است ماده ۷۶۳- صلح به‌اکراه نافذ نیست ماده ۷۶۴- تدلیس در صلح موجب خیار فسخ است ماده ۷۶۵- صلح دعوی مبتنی بر معامله باطله باطل است ولی صلح دعوی ناشی از بطلان معامله صحیح است ماده ۷۶۶- اگر طرفین بطور کلی تمام دعاوی واقعی و فرضیه خود را به صلح خاتمه داده باشند کلیه دعاوی داخل در صلح محسوب است اگرچه منشاء دعوی در حین صلح معلوم نباشد مگر اینکه صلح به‌حسب قرائن شامل آن نگردد. ماده ۷۶۷- اگر بعد از صلح معلوم گردد که موضوع صلح منتفی بوده است صلح باطل است ماده ۷۶۸- در عقد صلح ممکن است احد طرفین در عوض مال‌الصلحی که می‌گیرد متعهد شود که نفقه معینی همه ساله یا همه ماهه تا مدت معین تادیه کند این تعهد ممکن است به نفع طرف مصالحه یا به نفع شخص یا اشخاص ثالث واقع شود. ماده ۷۶۹- در تعهد مذکوره در ماده قبل به نفع هر کس که واقع شده باشد ممکن است شرط نمود که بعد از فوت منتفع نفقه به وراث او داده شود. ماده ۷۷۰- صلحی که بر طبق دو ماده فوق واقع می‌شود به‌ورسکستگی یا افلاس متعهد نفقه فسخ نمی‌شود مگر اینکه شرط شده باشد. فصل هجدهم در رهن ماده ۷۷۱- رهن عقدی است که بموجب آن مدیون مالی را برای وثیقه به داین می‌دهد. رهن دهنده را رهن و طرف دیگر را مرتهن می‌گویند. ماده ۷۷۲- مال مرهون باید به قبض مرتهن یا به تصرف کسی که بین طرفین معین می‌گردد داده شود ولی استمرار قبض شرط صحت معامله نیست ماده ۷۷۳- هر مالی که قابل نقل و انتقال قانونی نیست نمی‌تواند مورد رهن واقع شود. ماده ۷۷۴- مال مرهون باید عین معین باشد و رهن دین و منفعت باطل است ماده ۷۷۵- برای هر مالی که در ذمه باشد ممکن است رهن داده شود ولو عقدی که موجب اشتغال ذمه است قابل فسخ باشد. ماده ۷۷۶- ممکن است یک نفر مالی را در مقابل دو یا چند دین که به‌دو یا چند نفر دارد رهن بدهد در این صورت مرتهنین باید به تراضی معین کنند که رهن در تصرف چه کسی باشد و همچنین ممکن است دو نفر یک مال را به یک نفر در مقابل طلبی که از آنها دارد رهن بدهند. ماده ۷۷۷- در ضمن عقد رهن یا به موجب عقد علیحده ممکن است رهن را وکیل کند که اگر در موعد مقرر رهن قرض خود را اداء ننمود مرتهن از عین مرهونه یا قیمت آن طلب خود را استیفاء کند و نیز ممکن است قرار دهد و کالت مزبور بعد از فوت مرتهن با ورثه او باشد و بالاخره ممکن است که وکالت به شخص ثالث داده شود. ماده ۷۷۸- اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد باطل است ماده ۷۷۹- هرگاه مرتهن برای فروش عین مرهونه وکالت نداشته باشد و رهن هم برای فروش آن و اداء دین حاضر نگردد مرتهن به حاکم رجوع می‌نماید تا اجبار به بیع یا اداء دین به نحو دیگر بکند. ماده ۷۸۰- برای استیفاء طلب خود از قیمت رهن مرتهن بر هر

طلبکار دیگری رجحان خواهد داشت ماده ۷۸۱- اگر مال مرهون به قیمتی بیش از طلب مرتهن فروخته شود مازاد مال مالک آن است و اگر برعکس حاصل فروش کمتر باشد مرتهن باید برای نقیصه به راهن رجوع کند. ماده ۷۸۲- در مورد قسمت اخیر ماده قبل اگر راهن مفلس شده باشد مرتهن با غرماء شریک می‌شود. ماده ۷۸۳- اگر راهن مقداری از دین را اداء کند حق ندارد مقداری از رهن را مطالبه نماید و مرتهن می‌تواند تمام آن را تا کامل دین نگاه دارد مگر اینکه بین راهن و مرتهن ترتیب دیگری مقرر شده باشد. ماده ۷۸۴- تبدیل رهن به مال دیگر به تراضی طرفین جائز است ماده ۷۸۵- هر چیزی که در عقد بیع بدون قید صریح به عنوان متعلقات جز مبیع محسوب می‌شود در رهن نیز داخل خواهد بود. ماده ۷۸۶- ثمره رهن و زیادتیی که ممکن است در آن حاصل شود در صورتی که متصل باشد جزو رهن خواهد بود و در صورتی که منفصل باشد متعلق به راهن است مگر اینکه ضمن عقد بین طرفین ترتیب دیگری مقرر شده باشد. ماده ۷۸۷- عقد رهن نسبت به مرتهن جائز و نسبت به راهن لازم است و بنابراین مرتهن می‌تواند هر وقت بخواهد آن را بر هم زند ولی راهن نمی‌تواند قبل از اینکه دین خود را ادا نماید و یا بنحوی از انحاء قانونی از آن بری شود رهن را مسترد دارد. ماده ۷۸۸- به موت راهن یا مرتهن رهن منفسخ نمی‌شود ولی در صورت فوت مرتهن راهن می‌تواند تقاضا نماید که رهن به تصرف شخص ثالثی که به تراضی او و ورثه معین می‌شود داده شود. در صورت عدم تراضی شخص مزبور از طرف حاکم معین می‌شود. ماده ۷۸۹- رهن در ید مرتهن امانت محسوب است و بنابراین مرتهن مسئول تلف یا ناقص شدن آن نخواهد بود مگر در صورت تقصیر. ماده ۷۹۰- بعد از براءت ذمه مدیون رهن در ید مرتهن امانت است لیکن اگر با وجود مطالبه آن، را رد نماید ضامن آن خواهد بود اگرچه تقصیر نکرده باشد. ماده ۷۹۱- اگر عین مرهونه به واسطه عمل خود راهن یا شخص دیگری تلف شود باید تلف کننده بدل آن را بدهد و بدل مزبور رهن خواهد بود. ماده ۷۹۲- وکالت مزبور در ماده ۷۷۷ شامل بدل مزبور در ماده فوق نخواهد بود. ماده ۷۹۳- راهن نمی‌تواند در رهن تصرفی کند که منافی حق مرتهن باشد مگر به اذن مرتهن ماده ۷۹۴- راهن می‌تواند در رهن تغییراتی بدهد یا تصرفات دیگری که برای رهن نافع باشد و منافی حقوق مرتهن هم نباشد بعمل آورد بدون اینکه مرتهن بتواند او را منع کند، در صورت منع اجازه با حاکم است فصل نوزدهم در هبه ماده ۷۹۵- هبه عقدی است که به موجب آن یک نفر مالی را مجاناً به کس دیگری تملیک می‌کند، تملیک کننده واهب طرف دیگر رامتهب مالی را که مورد هبه است عین موهوبه می‌گویند. ماده ۷۹۶- واهب باید برای معامله و تصرف در مال خود اهلیت داشته باشد. ماده ۷۹۷- واهب باید مالک مالی باشد که هبه می‌کند. ماده ۷۹۸- هبه واقع نمی‌شود مگر با قبول و قبض متهب اعم از اینکه مباشر قبض خود متهب باشد یا وکیل او و قبض بدون اذن واهب اثری ندارد. ماده ۷۹۹- در هبه به صغیر یا مجنون یا سفیه قبض ولی معتبر است ماده ۸۰۰- در صورتی که عین موهوبه در ید متهب باشد محتاج به قبض نیست ماده ۸۰۱- هبه ممکن است معوض باشد و بنابراین واهب می‌تواند شرط کند که متهب مالی را به او هبه کند یا عمل مشروعی را مجاناً بجا آورد. ماده ۸۰۲- اگر قبل از قبض واهب یا متهب فوت کند هبه باطل می‌شود. ماده ۸۰۳- بعد از قبض نیز واهب می‌تواند با بقاء عین موهوبه از هبه رجوع کند مگر در موارد ذیل ۱- در صورتی که متهب پدر یا مادر و یا اولاد واهب باشد؛ ۲- در صورتی که هبه معوض بوده و عوض هم داده شده باشد؛ ۳- در صورتی که عین موهوبه از ملکیت متهب خارج شده یا متعلق حق غیر واقع شود خواه قهراً مثل اینکه متهب به واسطه فلس محجور شود خواه اختیاراً مثل اینکه عین موهوبه به رهن داده شود؛ ۴- در صورتی که در عین موهوبه تغییری حاصل شود. ماده ۸۰۴- در صورت رجوع واهب نمات عین موهوبه اگر متصل باشد مال واهب و اگر منفصل باشد مال متهب خواهد بود. ماده ۸۰۵- بعد از فوت واهب یا متهب رجوع ممکن نیست ماده ۸۰۶- هرگاه داین طلب خود را به مدیون ببخشد حق رجوع ندارد. ماده ۸۰۷- اگر کسی مالی را به عنوان صدقه به دیگری بدهد حق رجوع ندارد.

ماده ۸۰۸- هرگاه مال غیر منقول قابل تقسیمی بین دو نفر مشترک باشد و یکی از دو شریک حصه خود را به قصد بیع به شخص ثالثی منتقل کند شریک دیگر حق دارد قیمتی را که مشتری داده است به او بدهد و حصه مبیعه را تملک کند. این حق را حق شفعه و صاحب آن را شفیع می گویند. ماده ۸۰۹- هرگاه بنا و درخت بدون زمین فروخته شود حق شفعه نخواهد بود. ماده ۸۱۰- اگر ملک دو نفر در ممر یا مجری مشترک باشد و یکی از آنها ملک خود را با حق ممر یا مجری بفروشد دیگری حق شفعه دارد اگرچه در خود ملک مشاعا شریک نباشد ولی اگر ملک را بدون ممر یا مجری بفروشد دیگری حق شفعه ندارد. ماده ۸۱۱- اگر حصه یکی از دو شریک وقف باشد متولی یا موقوف علیهم حق شفعه ندارد. ماده ۸۱۲- اگر مبیع متعدد بوده و بعضی آن قابل شفعه و بعضی دیگر قابل شفعه نباشد حق شفعه را می توان نسبت به بعضی که قابل شفعه است به قدر حصه آن بعضی از ثمن اجرانمود. ماده ۸۱۳- در بیع فاسد، حق شفعه نیست ماده ۸۱۴- خیار بودن بیع مانع از اخذ به شفعه نیست ماده ۸۱۵- حق شفعه را نمی توان فقط نسبت به یک قسمت از مبیع اجرا نمود. صاحب حق مزبور یا باید از آن صرف نظر کند یا نسبت به تمام مبیع اجرا نماید. ماده ۸۱۶- اخذ به شفعه هر معامله ای را که مشتری قبل از آن و بعد از عقد بیع نسبت به مورد شفعه نموده باشد، باطل می نماید. ماده ۸۱۷- در مقابل شریکی که به حق شفعه تملک می کند مشتری ضامن درک است نه بایع لیکن اگر در موقع اخذ به شفعه مورد شفعه هنوز به تصرف مشتری داده نشده باشد شفیع حق رجوع به مشتری نخواهد داشت ماده ۸۱۸- مشتری نسبت به عیب و خرابی و تلفی که قبل از اخذ به شفعه در ید او حادث شده باشد ضامن نیست و همچنین است بعد از اخذ به شفعه و مطالبه در صورتی که تعدی یا تفریط نکرده باشد. ماده ۸۱۹- نما آتی که قبل از اخذ به شفعه در مبیع حاصل می شود در صورتی که مفصل باشد مال مشتری و در صورتی که متصل باشد مال شفیع است ولی مشتری می تواند بنایی را که کرده یا درختی را که کاشته قلع کند. ماده ۸۲۰- هرگاه معلوم شود که مبیع حین البیع معیوب بوده و مشتری ارش گرفته است شفیع در موقع اخذ به شفعه مقدار ارش را از ثمن کسر می گذارد. حقوق مشتری در مقابل بایع راجع به درک مبیع همان است که در ضمن عقد بیع مذکور شده است ماده ۸۲۱- حق شفعه فوری است ماده ۸۲۲- حق شفعه قابل اسقاط است و اسقاط آن به هر چیزی که دلالت بر صرف نظر کردن از حق مزبور نماید واقع می شود. ماده ۸۲۳- حق شفعه بعد از موت شفیع به وارث یا وراث او منتقل می شود. ماده ۸۲۴- هرگاه یک یا چند نفر از وراث حق خود را اسقاط کند باقی وراث نمی توانند آن را فقط نسبت به سهم خود اجرا نمایند و باید یا از آن صرف نظر کنند یا نسبت به تمام مبیع اجرا نمایند.

قسمت چهارم در وصایا و ارث

باب اول در وصایا

فصل اول در کلیات ماده ۸۲۵- وصیت بر دو قسم است تملیکی و عهدی ماده ۸۲۶- وصیت تملیکی عبارت است از اینکه کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجاناً تملیک کند. وصیت عهدی عبارت است از اینکه شخصی یک یا چند نفر را برای انجام امر یا اموری یا تصرفات دیگری مامور می نماید. وصیت کننده موصی کسی که وصیت تملیکی به نفع او شده است موصی له مورد وصیت موصی به کسی که به موجب وصیت عهدی ولی بر مورد ثلث یا بر صغیر قرار داده می شود وصی نامیده می شود. ماده ۸۲۷- تملیک به موجب وصیت محقق نمی شود مگر با قبول موصی له پس از فوت موصی ماده ۸۲۸- هرگاه موصی له غیر محصور باشد مثل اینکه وصیت برای فقرا یا امور عام المنفعه شود قبول شرط نیست ماده ۸۲۹- قبول موصی له قبل از فوت موصی موثر نیست و موصی می تواند از وصیت خود رجوع کند حتی در صورتی که موصی له موصی به را قبض کرده باشد. ماده ۸۳۰- نسبت به موصی له رد یا قبول وصیت بعد از فوت موصی معتبر است بنابراین اگر موصی له قبل از فوت موصی وصیت را رد کرده باشد بعد از فوت می تواند آن را قبول کند و اگر بعد از فوت آن را قبول و موصی به را قبض کرد دیگر نمی تواند آن را رد

کند لیکن اگر قبل از فوت قبول کرده باشد بعد از فوت قبول ثانوی لازم نیست ماده ۸۳۱- اگر موصی له صغیر یا مجنون باشد رد یا قبول وصیت باولی خواهد بود. ماده ۸۳۲- موصی له می‌تواند وصیت را نسبت به قسمتی از موصی به قبول کند در این صورت وصیت نسبت به قسمتی که قبول شده صحیح و نسبت به قسمت دیگر باطل می‌شود. ماده ۸۳۳- ورثه موصی نمی‌تواند در موصی به تصرف کند مادام که موصی له رد یا قبول خود را به آنها اعلام نکرده است اگر تاخیر این اعلام موجب تضرر ورثه باشد حاکم موصی له را مجبور می‌کند که تصمیم خود را معین نماید. ماده ۸۳۴- در وصیت عهدی قبول شرط نیست لیکن وصی می‌تواند مادام که موصی زنده است وصایت را رد کند و اگر قبل از فوت موصی رد نکرد بعد از آن حق رد ندارد اگر چه جاهل بروصایت بوده باشد. فصل دوم در موصی ماده ۸۳۵- موصی باید نسبت به مورد وصیت جایزالتصرف باشد. ماده ۸۳۶- هرگاه کسی به قصد خودکشی خود را مجروح یا مسموم کند یا اعمال دیگر از این قبیل که موجب هلاکت است مرتکب گردد و پس از آن وصیت نماید آن وصیت در صورت هلاکت باطل است و هرگاه اتفاقاً منتهی به موت نشد وصیت نافذ خواهد بود. ماده ۸۳۷- اگر کسی به موجب وصیت یک یا چند نفر از ورثه خود را از ارث محروم کند وصیت مزبور نافذ نیست ماده ۸۳۸- موصی می‌تواند از وصیت خود رجوع کند. ماده ۸۳۹- اگر موصی ثانیاً وصیتی برخلاف وصیت اول نماید وصیت دوم صحیح است فصل سوم در موصی به ماده ۸۴۰- وصیت به صرف مال در امر غیر مشروع باطل است ماده ۸۴۱- موصی به باید ملک موصی باشد و وصیت به مال غیر ولوبا اجازه مالک باطل است ماده ۸۴۲- ممکن است مالی را که هنوز موجود نشده است وصیت نمود. ماده ۸۴۳- وصیت به زیاده بر ثلث ترکه نافذ نیست مگر به اجازه وراثت و اگر بعضی از ورثه اجازه کند فقط نسبت به سهم او نافذ است ماده ۸۴۴- هرگاه موصی به مال معینی باشد آن مال تقویم می‌شود اگر قیمت آن بیش از ثلث ترکه باشد مازاد، مال ورثه است مگر اینکه اجازه کند. ماده ۸۴۵- میزان ثلث به اعتبار دارایی موصی در حین وفات معین می‌شود نه به اعتبار دارایی او در حین وصیت ماده ۸۴۶- هرگاه موصی به منافع ملکی باشد دائماً یا در مدت معین بطریق ذیل از ثلث اخراج می‌شود: بدو عین ملک با منافع آن تقویم می‌شود سپس ملک مزبور با ملاحظه مسلوب‌المنفعه بودن در مدت وصیت تقویم شده تفاوت بین دو قیمت از ثلث حساب می‌شود. اگر موصی به منافع دائمی ملک بوده و بدین جهت عین ملک قیمتی نداشته باشد قیمت ملک با ملاحظه منافع از ثلث محسوب می‌شود. ماده ۸۴۷- اگر موصی به کلی باشد تعیین فرد با ورثه است مگر اینکه در وصیت طور دیگر مقرر شده باشد. ماده ۸۴۸- اگر موصی به جزء مشاع ترکه باشد مثل ربع یا ثلث موصی له با ورثه در همان مقدار از ترکه مشاعاً شریک خواهد بود. ماده ۸۴۹- اگر موصی زیاده بر ثلث را به ترتیب معینی وصیت به اموری کرده باشد و ورثه زیاده بر ثلث را اجازه نکنند به همان ترتیبی که وصیت کرده است از ترکه خارج می‌شود تا میزان ثلث و زاید بر ثلث باطل خواهد شد و اگر وصیت به تمام یکدفعه باشد زیاده از همه کسر می‌شود. فصل چهارم در موصی له ماده ۸۵۰- موصی له باید موجود باشد و بتواند مالک چیزی بشود که برای او وصیت شده است ماده ۸۵۱- وصیت برای حمل صحیح است لیکن تملک او منوط است بر اینکه زنده متولد شود. ماده ۸۵۲- اگر حمل در نتیجه جرمی سقط شود موصی به به ورثه او میرسد مگر اینکه جرم مانع ارث باشد. ماده ۸۵۳- اگر موصی لهم متعدد و محصور باشند موصی به بین آنها بالسویه تقسیم می‌شود مگر اینکه موصی طور دیگر مقرر داشته باشد. فصل پنجم در وصی ماده ۸۵۴- موصی می‌تواند یک یا چند نفر وصی معین نماید، در صورت تعدد، اوصیا باید مجتمعاً عمل به وصیت کنند مگر در صورت تصریح به استقلال هر یک ماده ۸۵۵- موصی می‌تواند چند نفر را به نحو ترتیب وصی معین کند به این طریق که اگر اولی فوت کرد دومی وصی باشد و اگر دومی فوت کرد سومی باشد و هكذا. ماده ۸۵۶- صغیر رامی‌توان به اتفاق یک نفر کبیر وصی قرار داد. در این صورت اجرا وصایا با کبیر خواهد بود تا موقع بلوغ و رشد صغیر. ماده ۸۵۷- موصی می‌تواند یک نفر را برای نظارت در عملیات وصی معین نماید. حدود اختیارات ناظر به طریقی خواهد بود که موصی مقرر داشته است یا از قرائن معلوم شود. ماده ۸۵۸- وصی نسبت به اموالی که بر حسب وصیت در ید او می‌باشد حکم امین را دارد و ضامن نمی‌شود مگر در صورت تعدی و تفریط ماده ۸۵۹- وصی باید بر طبق

وصایای موصی رفتار کند والا ضامن و منعزل است ماده ۸۶۰- غیر از پدر و جد پدری کس دیگر حق ندارد بر صغیر وصی معین کند.

باب دوم در ارث

فصل اول در موجبات ارث و طبقات مختلفه وراث ماده ۸۶۱- موجب ارث دو امر است نسب و سبب ماده ۸۶۲- اشخاصی که به موجب نسب ارث می‌برند سه طبقه اند: ۱- پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد. ۲- اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها. ۳- اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها. ماده ۸۶۳- وارثین طبقه بعد وقتی ارث می‌برند که از وارثین طبقه قبل کسی نباشد. ماده ۸۶۴- از جمله اشخاصی که به موجب سبب ارث می‌برند هر یک از زوجین است که در حین فوت دیگری زنده باشد. ماده ۸۶۵- اگر در شخص واحد موجبات متعدده ارث جمع شود به جهت تمام آن موجبات ارث می‌برد مگر اینکه بعضی از آنها مانع دیگری باشد که در این صورت فقط از جهت عنوان مانع می‌برد. ماده ۸۶۶- در صورت نبودن وارث امر ترکه متوفی راجع به حاکم است فصل دوم در تحقق ارث ماده ۸۶۷- ارث به موت حقیقی یا به موت فرضی مورث تحقق پیدامی‌کند. ماده ۸۶۸- مالکیت ورثه نسبت به ترکه متوفی مستقر نمی‌شود مگر پس از اداء حقوق و دیونی که به ترکه میت تعلق گرفته ماده ۸۶۹- حقوق و دیونی که به ترکه میت تعلق می‌گیرد و باید قبل از تقسیم آن اداء شود از قرار ذیل است ۱- قیمت کفن میت و حقوقی که متعلق است به اعیان ترکه مثل عینی که متعلق رهن است ۲- دیون و واجبات مالی متوفی ۳- وصایای میت تا ثلث ترکه بدون اجازه ورثه و زیاده بر ثلث با اجازه آنها. ماده ۸۷۰- حقوق مزبوره در ماده قبل باید به ترتیبی که در ماده مزبوره مقرر است تادیه شود و مابقی اگر باشد بین وراث تقسیم گردد. ماده ۸۷۱- هرگاه ورثه نسبت به اعیان ترکه معاملاتی نمایند مادام که دیون متوفی تادیه نشده است معاملات مزبوره نافذ نبوده و دیان می‌توانند آن را بر هم زنند. ماده ۸۷۲- اموال غائب مفقود الاثر تقسیم نمی‌شود مگر بعد از ثبوت فوت او یا انقضا مدتی که عادتاً چنین شخصی زنده نمی‌ماند. ماده ۸۷۳- اگر تاریخ فوت اشخاصی که از یکدیگر ارث می‌برند مجهول و تقدم و تاخر هیچیک معلوم نباشد اشخاص مزبور از یکدیگر ارث نمی‌برند مگر آنکه موت به سبب غرق یا هدم واقع شود که در این صورت از یکدیگر ارث می‌برند. ماده ۸۷۴- اگر اشخاصی که بین آنها توارث باشد بمیرند و تاریخ فوت یکی از آنها معلوم و دیگری از حیث تقدم و تاخر مجهول باشد فقط آنکه تاریخ فوتش مجهول است از آن دیگری ارث می‌برد. فصل سوم در شرایط و جمله از موانع ارث ماده ۸۷۵- شرط وراثت زنده بودن در حین فوت مورث است و اگر حاملی باشد در صوتی ارث می‌برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد. ماده ۸۷۶- با شک در حیات حین ولادت حکم وراثت نمی‌شود. ماده ۸۷۷- در صورت اختلاف در زمان انعقاد نطفه امارات قانونی که برای اثبات نسب مقرر است رعایت خواهد شد. ماده ۸۷۸- هرگاه در حین موت مورث حاملی باشد که اگر قابل وراثت متولد شود مانع از ارث تمام یا بعضی از وراث دیگر می‌گردد تقسیم ارث بعمل نمی‌آید تا حال او معلوم شود و اگر حمل مانع از ارث هیچیک از سایر وراث نباشد و آنها بخواهند ترکه را تقسیم کنند باید برای حمل حصه‌ای که مساوی حصه دو پسر از همان طبقه باشد کنار گذارند و حصه هر یک از وراث مراعا است تا حال حمل معلوم شود. ماده ۸۷۹- اگر بین وراث غایب مفقود الاثری باشد سهم او کنار گذارده می‌شود تا حال او معلوم شود در صورتی که محقق گردد قبل از مورث مرده است حصه او به سایر وراث بر می‌گردد والا به خود او یا به ورثه او می‌رسد. ماده ۸۸۰- قتل از موانع ارث است بنابراین کسی که مورث خود را عمداً بکشد از ارث او ممنوع می‌شود اعم از اینکه قتل بالمباشره باشد یا بالتسبیب و منفردا باشد یا به شرکت دیگری ماده ۸۸۱- در صورتی که قتل عمدی مورث به حکم قانون یا برای دفاع باشد مفاد ماده فوق مجری نخواهد بود. ماده ۸۸۱ مکرر- کافر از مسلم ارث نمی‌برد و اگر در بین ورثه متوفای کافری مسلم باشد وراثت کافر ارث نمی‌برند اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند. ماده ۸۸۲- بعد از لعان زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند و

همچنین فرزندی که به سبب انکار او، لعان واقع شده از پدر و پدر از او ارث نمی‌برد لیکن فرزند مزبور از مادر و خویشان مادری خود و همچنین مادر و خویشان مادری از او ارث می‌برند. ماده ۸۸۳ - هرگاه پدر بعد از لعان رجوع کند پسر از او ارث می‌برد لیکن از ارحام پدر و همچنین پدر و ارحام پدری از پسر ارث نمی‌برند. ماده ۸۸۴ - ولدالزنا از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی‌برد لیکن اگر حرمت رابطه که طفل ثمره آن است نسبت به یکی از ابویین ثابت و نسبت به دیگری به واسطه اکراه یا شبهه زنا نباشد طفل فقط از این طرف و اقوام او ارث می‌برد و بالعکس ماده ۸۸۵ - اولاد و اقوام کسانی که به موجب ماده ۸۸۰ از ارث ممنوع می‌شوند محروم از ارث نمی‌باشند بنابراین اولاد کسی که پدر خود را کشته باشد از جد مقتول خود ارث می‌برد اگر وراثت نزدیکتری باعث حرمان آنان نشود. فصل چهارم در حجب ماده ۸۸۶ - حجب حالت وارثی است که به واسطه بودن وارث دیگر از بردن ارث کلا - یا جزئا محروم می‌شود: ماده ۸۸۷ - حجب بر دو قسم است قسم اول آن است که وارث از اصل ارث محروم می‌گردد مثل برادرزاده که به واسطه بودن برادر یا خواهر متوفی از ارث محروم می‌شود یا برادر ابی که با بودن برادر ابویین از ارث محروم می‌گردد؛ قسم دوم آن است که فرض وارث از حد اعلی به حد ادنی نازل می‌گردد مثل تنزل حصه شوهر از نصف به ربع در صورتی که برای زوجه اولاد باشد و همچنین تنزل حصه زن از ربع به ثمن در صورتی که برای زوج او اولاد باشد. ماده ۸۸۸ - ضابطه حجب از اصل ارث رعایت اقریبیت به میت است بنابراین هر طبقه از وراثت طبقه بعد را از ارث محروم می‌نماید مگر در مورد ماده ۹۳۶ و موردی که وارث دورتر بتواند به سمت قائم مقامی ارث ببرد که در این صورت هر دو ارث می‌برند. ماده ۸۸۹ - در بین وراثت طبقه اولی اگر برای میت اولادی نباشد اولاد او هر قدر که پائین بروند قائم مقام پدر یا مادر خود بوده و با هر یک از ابویین متوفی که زنده باشد ارث می‌برند ولی در بین اولاد، اقرب به میت ابعد را از ارث محروم می‌نماید. ماده ۸۹۰ - در بین وراثت طبقه دوم اگر برای متوفی برادر یا خواهری نباشد اولاد اخوه هر قدر که پائین بروند قائم مقام پدر یا مادر خود بوده با هر یک از اجداد متوفی که زنده باشد ارث می‌برند لیکن در بین اجداد یا اولاد اخوه اقرب به متوفی ابعد را از ارث محروم می‌کند. مفاد این ماده در مورد وارث طبقه سوم نیز مجری می‌باشد. ماده ۸۹۱ - وراثت ذیل حاجب از ارث ندارند: پدر - مادر - پسر - دختر - زوج و زوجه ماده ۸۹۲ - حجب از بعض فرض در موارد ذیل است الف - وقتی که برای میت اولاد یا اولاد اولاد باشد: در این صورت ابویین میت از بردن بیش از یک ثلث محروم می‌شوند مگر در مورد ماده ۹۰۸ و ۹۰۹ که ممکن است هر یک از ابویین به عنوان قرابت یا رد بیش از یک سدس ببرد همچنین زوج از بردن بیش از یکربع و زوجه از بردن بیش از یک ثمن محروم می‌شود. ب - وقتی که برای میت چند برادر یا خواهر باشد: در این صورت مادر میت از بردن بیش از یک سدس محروم می‌شود مشروط بر اینکه اولاد - لااقل دو برادر یا یک برادر با دو خواهر یا چهار خواهر باشند؛ ثانیاً - پدر آنها زنده باشد؛ ثالثاً - از ارث ممنوع نباشد مگر به سبب قتل رابعا - ابویین یا ابی تنها باشند. فصل پنجم در فرض و صاحبان فرض ماده ۸۹۳ - وراثت بعضی به فرض بعضی به قرابت و بعضی گاه به فرض و گاهی به قرابت ارث می‌برند. ماده ۸۹۴ - صاحبان فرض اشخاصی هستند که سهم آنان از ترکه معین است و صاحبان قرابت کسانی هستند که سهم آنها معین نیست ماده ۸۹۵ - سهام معینه که فرض نامیده می‌شود عبارتست از: نصف ربع ثمن دوثلث ثلث و سدس ترکه ماده ۸۹۶ - اشخاصی که به فرض ارث می‌برند عبارتند: از مادر و زوج و زوجه ماده ۸۹۷ - اشخاصی که گاه به فرض و گاهی به قرابت ارث می‌برند عبارتند: از پدر، دختر و دخترها، خواهر و خواهرهای ابی یا ابویینی و کلاله امی ماده ۸۹۸ - وراثت دیگر به غیر از مذکورین در دو ماده فوق به قرابت ارث می‌برند. ماده ۸۹۹ - فرض سه وارث نصف ترکه است ۱ - شوهر در صورت نبودن اولاد برای متوفا اگرچه از شوهر دیگر باشد؛ ۲ - دختر اگر فرزند منحصر باشد؛ ۳ - خواهر ابویینی یا ابی تنها در صورتی که منحصر به فرد باشد. ماده ۹۰۰ - فرض دو وارث ربع ترکه است ۱ - شوهر در صورت فوت زن با داشتن اولاد؛ ۲ - زوجه یا زوجه‌ها در صورت فوت شوهر بدون اولاد. ماده ۹۰۱ - ثمن فریضه زوجه یا زوجه‌هاست در صورت فوت شوهر با داشتن اولاد. ماده ۹۰۲ - فرض دو وارث دوثلث ترکه است ۱ - دو دختر و بیشتر در صورت نبودن اولاد ذکور؛ ۲ - دو خواهر و بیشتر ابویینی یا ابی تنها با نبودن برادر. ماده ۹۰۳ - فرض دو وارث ثلث ترکه

است ۱- مادر متوفی در صورتی که میت اولاد و اخوه نداشته باشد؛ ۲- کلاله امی در صورتی که بیش از یکی باشد. ماده ۹۰۴-

فرض سه وارث سلس ترکه است: پدر و مادر و کلاله امی اگر تنها باشد. ماده ۹۰۵- از ترکه میت هر صاحب فرض حصه خود را می برد و بقیه به صاحبان قرابت می رسد و اگر صاحب قرابتی در آن طبقه مساوی با صاحب فرض در درجه نباشد باقی به صاحب فرض رد می شود مگر در مورد زوج و زوجه که به آنها رد نمی شود لیکن اگر برای متوفی وارثی به غیر از زوج نباشد زائد از فریضه به او رد می شود. فصل ششم در سهم الارث طبقات مختلفه وراثت مبحث اول در سهم الارث طبقه اولی ماده ۹۰۶- اگر برای متوفی اولاد یا اولاد اولاد از هر درجه که باشد موجود نباشد هر یک از ابوین در صورت انفراد تمام ارث را می برد و اگر پدر و مادر میت هر دو زنده باشند مادر یک ثلث و پدر دو ثلث می برد لیکن اگر مادر حاجب داشته باشد سلس از ترکه متعلق به مادر و بقیه مال پدر است ماده ۹۰۷- اگر متوفی ابوین نداشته و یک یا چند نفر اولاد داشته باشد ترکه به طریق ذیل تقسیم می شود: اگر فرزند، منحصر به یکی باشد خواه پسر خواه دختر تمام ترکه به او می رسد. اگر اولاد متعدد باشند ولی تمام پسر، یا تمام دختر، ترکه بین آنها بالسویه تقسیم می شود. اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آنها پسر و بعضی دختر، پسر دو برابر دختر می برد. ماده ۹۰۸- هرگاه پدر یا مادر متوفی یا هر دو ابوین او موجود باشد بایک دختر فرض هر یک از پدر و مادر سلس ترکه و فرض دختر نصف آن خواهد بود و مابقی بین تمام وراثت به نسبت فرض آنها تقسیم شود مگر اینکه مادر حاجب داشته باشد که در این صورت مادر از مابقی چیزی نمی برد. ماده ۹۰۹- هرگاه پدر یا مادر متوفی یا هر دو ابوین او موجود باشند با چند دختر، فرض تمام دخترها دو ثلث ترکه خواهد بود که بالسویه بین آنها تقسیم می شود و فرض هر یک از پدر و مادر یک سلس و مابقی اگر باشد بین تمام ورثه به نسبت فرض آنها تقسیم می شود مگر اینکه مادر حاجب داشته باشد در این صورت مادر از باقی چیزی نمی برد. ماده ۹۱۰- هرگاه میت اولاد داشته باشد گرچه یک نفر، اولاد اولاد او ارث نمی برند. ماده ۹۱۱- هرگاه میت اولاد بلا واسطه نداشته باشد اولاد اولاد او قائم مقام اولاد بوده و بدین طریق جزو وراثت طبقه اول محسوب و با هر یک از ابوین که زنده باشد ارث می برد. تقسیم ارث بین اولاد بر حسب نسل بعمل می آید: یعنی هر نسل حصه کسی را می برد که به توسط او به میت می رسد بنابراین اولاد پسر دو برابر اولاد دختر می برند. در تقسیم بین افراد یک نسل پسر دو برابر دختر می برد. ماده ۹۱۲- اولاد اولاد تا هر چه که پایین بروند به طریق مذکور در ماده فوق ارث می برند با رعایت اینکه اقرب به میت ابعدا را محروم می کند. ماده ۹۱۳- در تمام صور مذکوره در این مبحث هر یک از زوجین که زنده باشد فرض خود را می برد و این فرض عبارت است از نصف ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه در صورتی که میت اولاد یا اولاد اولاد نداشته باشد و از ربع ترکه برای زوج و ثمن آن برای زوجه در صورتی که میت اولاد یا اولاد اولاد داشته باشد و مابقی ترکه بر طبق مقررات مواد قبل مابین سایر وراثت تقسیم می شود. ماده ۹۱۴- اگر به واسطه بودن چندین نفر صاحبان فرض ترکه میت کفایت نصیب تمام آنها را نکند نقص بر بنت و بنتین وارد می شود و اگر پس از موضوع کردن نصیب صاحبان فرض زیادتی باشد و وارثی نباشد که زیاده را به عنوان قرابت ببرد این زیاده بین صاحبان فرض بر طبق مقررات مواد فوق تقسیم می شود لیکن زوج و زوجه مطلقا و مادر اگر حاجب داشته باشد از زیادی چیزی نمی برد. ماده ۹۱۵- آنگشتی که میت معمولا استعمال می کرده و همچنین قرآن و رختهای شخصی و شمشیر او به پسر بزرگ او می رسد بدون اینکه از حصه او از این حیث چیزی کسر شود مشروط بر اینکه ترکه میت منحصر به این اموال نباشد. مبحث دوم در سهم الارث طبقه دوم ماده ۹۱۶- هرگاه برای میت وارث طبقه اولی نباشد ترکه او به وارث طبقه ثانیه می رسد. ماده ۹۱۷- هر یک از وراثت طبقه دوم اگر تنها باشد تمام ارث را می برد و اگر متعدد باشند ترکه بین آنها بر طبق مواد ذیل تقسیم می شود. ماده ۹۱۸- اگر میت اخوه ابوینی داشته باشد اخوه ابی ارث نمی برند در صورت نبودن اخوه ابوینی اخوه ابی حصه ارث آنها را می برند. اخوه ابوینی و اخوه ابی هیچ کدام اخوه امی را از ارث محروم نمی کنند. ماده ۹۱۹- اگر وراثت میت چند برادر ابوینی یا چند برادر ابی یا چند خواهر ابوینی یا چند خواهر ابی باشند ترکه بین آنها بالسویه تقسیم می شود. ماده ۹۲۰- اگر وراثت میت چند برادر و خواهر ابوینی یا چند برادر و خواهر ابی باشند حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود.

ماده ۹۲۱- اگر وراثت چند برادر امی یا چند خواهر امی یا چند برادر و خواهر امی باشند ترکه بین آنها بالسویه تقسیم می‌شود. ماده ۹۲۲- هرگاه اخوه ابوینی و اخوه امی با هم باشند تقسیم به طریق ذیل می‌شود: اگر برادر یا خواهر امی یکی باشد سدس ترکه را می‌برد و بقیه مال اخوه ابوینی یا بی است که به طریق مذکور در فوق تقسیم می‌نمایند. اگر کلاله امی متعدد باشد ثلث ترکه به آنها تعلق گرفته و بین خود بالسویه تقسیم می‌کنند و بقیه مال اخوه ابوینی یا بی است که مطابق مقررات مذکور در فوق تقسیم می‌نمایند. ماده ۹۲۳- هرگاه ورثه اجداد یا جدات باشد ترکه به طریق ذیل تقسیم می‌شود: اگر جد یا جدّه تنها باشد اعم از بی یا امی تمام ترکه به او تعلق می‌گیرد. اگر اجداد و جدات متعدد باشند در صورتی که بی باشند ذکور دو برابر انث می‌برد و اگر همه امی باشند بین آنها بالسویه تقسیم می‌گردد. اگر جد یا جدّه بی و جد یا جدّه امی با هم باشند ثلث ترکه به جد یا جدّه امی می‌رسد و در صورت تعدد اجداد امی آن ثلث بین آنها بالسویه تقسیم می‌شود و دو ثلث دیگر به جد یا جدّه بی می‌رسد و در صورت تعدد، حصه ذکور از آن دو ثلث دو برابر حصه انث خواهد بود. ماده ۹۲۴- هرگاه میت اجداد و کلاله با هم داشته باشد دو ثلث ترکه به وراثتی می‌رسد که از طرف پدر قرابت دارند و در تقسیم آن حصه ذکور دو برابر انث خواهد بود و یک ثلث به وراثتی می‌رسد که از طرف مادر قرابت دارند و بین خود بالسویه تقسیم می‌نمایند لیکن اگر خویش مادری فقط یک برادر یا یک خواهر امی باشد فقط سدس ترکه به او تعلق خواهد گرفت ماده ۹۲۵- در تمام صور مذکوره در مواد فوق اگر برای میت نه برادر باشد و نه خواهر، اولاد اخوه قائم مقام آنها شده و با اجداد ارث می‌برند در این صورت تقسیم ارث نسبت به اولاد اخوه بر حسب نسل به عمل می‌آید: یعنی هر نسل حصه کسی را می‌برد که به واسطه او به میت می‌رسد بنابراین اولاد اخوه ابوینی یا بی حصه اخوه ابوینی یا بی تنها و اولاد کلاله امی حصه کلاله امی را می‌برند. در تقسیم بین افراد یک نسل اگر اولاد اخوه ابوینی یا بی تنها باشند ذکور دو برابر انث می‌برد و اگر از کلاله امی باشند بالسویه تقسیم می‌کنند. ماده ۹۲۶- در صورت اجتماع کلاله ابوینی و بی و امی کلاله بی ارث نمی‌برد. ماده ۹۲۷- در تمام مواد مذکور در این مبحث هر یک از زوجین که باشد فرض خود را از اصل ترکه می‌برد و این فرض عبارت است از نصف اصل ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه متقریبین به مادر هم اعم از اجداد یا کلاله فرض خود را از اصل ترکه می‌برند. هرگاه به واسطه ورود زوج یا زوجه نقصی موجود گردد نقص بر کلاله ابوینی یا بی یا بر اجداد بی وارد می‌شود. مبحث سوم در سهم الارث وراثت طبقه سوم ماده ۹۲۸- هرگاه برای میت وراثت طبقه دوم نباشد ترکه او به وراثت طبقه سوم می‌رسد. ماده ۹۲۹- هر یک از وراثت طبقه سوم اگر تنها باشد تمام ارث را می‌برد و اگر متعدد باشند ترکه بین آنها بر طبق مواد ذیل تقسیم می‌شود. ماده ۹۳۰- اگر میت اعمام یا احوال ابوینی داشته باشد اعمام یا احوال بی ارث نمی‌برند در صورت نبودن اعمام یا احوال ابوینی اعمام یا احوال بی حصه آنها را می‌برند. ماده ۹۳۱- هرگاه وراثت متوفی چند نفر عمو یا چند نفر عمه باشند ترکه بین آنها بالسویه تقسیم می‌شود در صورتی که همه آنها ابوینی یا همه بی یا همه امی باشند. هرگاه عمو و عمه با هم باشند در صورتی که همه امی باشند ترکه را بالسویه تقسیم می‌نمایند و در صورتی که همه ابوینی یا بی باشند حصه ذکور دو برابر انث خواهد بود. ماده ۹۳۲- در صورتی که اعمام امی و اعمام ابوینی یا بی با هم باشند عم یا عمه امی اگر تنها باشند سدس ترکه به او تعلق می‌گیرد و اگر متعدد باشند ثلث ترکه و این ثلث را مابین خود بالسویه تقسیم می‌کنند و باقی ترکه به اعمام ابوینی یا بی می‌رسد که در تقسیم ذکور دو برابر انث می‌برد. ماده ۹۳۳- هرگاه وراثت متوفی چند نفر دایی یا چند نفر خاله یا چند نفر دایی و چند نفر خاله با هم باشند ترکه بین آنها بالسویه تقسیم می‌شود خواه همه ابوینی خواه همه بی و خواه همه امی باشند. ماده ۹۳۴- اگر وراثت میت دایی و خاله بی یا ابوینی با دایی و خاله امی باشند طرف امی اگر یکی باشد سدس ترکه را می‌برد و اگر متعدد باشند ثلث آن را می‌برند و بین خود بالسویه تقسیم می‌کنند و مابقی مال دایی و خاله‌های ابوینی یا بی است که آنها هم بین خود بالسویه تقسیم می‌نمایند. ماده ۹۳۵- اگر برای میت یک یا چند نفر اعمام با یک یا چند نفر احوال باشد ثلث ترکه به احوال و دو ثلث آن به اعمام تعلق می‌گیرد. تقسیم ثلث بین احوال بالسویه بعمل می‌آید لیکن اگر بین احوال یک نفر امی باشد سدس حصه احوال به او می‌رسد و

اگر چند نفر می باشند ثلث آن حصه به آنها داده می شود و در صورت اخیر تقسیم بین آنها بالسویه بعمل می آید. در تقسیم دو ثلث بین اعمام حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود لیکن اگر بین اعمام یک نفر می باشد سدس حصه اعمام به او می رسد و اگر چند نفر می باشند ثلث آن حصه به آنها می رسد و در صورت اخیر آن ثلث را بالسویه تقسیم می کنند. در تقسیم پنج سدس و یا دو ثلث که از حصه اعمام باقی می ماند بین اعمام ابوینی یا ابی حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود. ماده ۹۳۶ - با وجود اعمام یا احوال اولاد آنها ارث نمی برند مگر در صورت انحصار وارث به یک پسرعموی ابوینی با یک عموی ابی تنها که فقط در این صورت پسرعمو، عمو را از ارث محروم می کند لیکن اگر با پسرعموی ابوینی خال یا خاله باشد یا اعمام متعدد باشند ولو ابی تنها، پسرعمو ارث نمی برد. ماده ۹۳۷ - هرگاه برای میت نه اعمام باشد و نه احوال اولاد آنها به جای آنها ارث می برند و نصیب هر نسل نصیب کسی خواهد بود که به واسطه او به میت متصل می شود. ماده ۹۳۸ - در تمام موارد مزبوره در این مبحث هر یک از زوجین که باشد فرض خود را از اصل تر که می برد و این فرض عبارت است از نصف اصل تر که برای زوج و ربع آن برای زوجه متقرب به مادر هم نصیب خود را از اصل تر که می برد باقی تر که مال متقرب به پدر است و اگر نقصی هم باشد بر متقربین به پدر وارد می شود. ماده ۹۳۹ - در تمام موارد مذکوره در این مبحث و دو مبحث قبل اگر وارث خنثی بوده و از جمله وراثی باشد که ذکور آنها دو برابر اناث می برند سهم الارث او به طریق ذیل معین می شود: اگر علائم رجولیت غالب باشد سهم الارث یک پسر از طبقه خود و اگر علائم اناثیت غلبه داشته باشد سهم الارث یک دختر از طبقه خود را می برد و اگر هیچ یک از علائم غالب نباشد نصف مجموع سهم الارث یک پسر و یک دختر از طبقه خود را خواهد برد. مبحث چهارم در میراث زوج و زوجه ماده ۹۴۰ - زوجین که زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند از یکدیگر ارث می برند. ماده ۹۴۱ - سهم الارث زوج و زوجه از ترکه یکدیگر بطوری است که در مواد ۹۱۳ - ۹۲۷ و ۹۳۸ ذکر شده است ماده ۹۴۲ - در صورت تعدد زوجات ربع یا ثمن ترکه که تعلق به زوجه دارد بین همه آنان بالسویه تقسیم می شود. ماده ۹۴۳ - اگر شوهر زن خود را به طلاق رجعی مطلقه کند هر یک از آنها که قبل از انقضا عده بمیرد دیگری از او ارث می برد لیکن اگر فوت یکی از آنها بعد از انقضا عده بوده و یا طلاق بائن باشد از یکدیگر ارث نمی برند. ماده ۹۴۴ - اگر شوهر در حال مرض زن خود را طلاق دهد و در ظرف یکسال از تاریخ طلاق به همان مرض بمیرد زوجه از او ارث می برد اگرچه طلاق بائن باشد مشروط بر اینکه زن شوهر نکرده باشد. ماده ۹۴۵ - اگر مردی در حال مرض زنی را عقد کند و در همان مرض قبل از دخول بمیرد زن از او ارث نمی برد لیکن اگر بعد از دخول یا بعد از صحت یافتن از آن مرض بمیرد زن از او ارث می برد. ماده ۹۴۶ - زوج از تمام اموال زوجه ارث می برد لیکن زوجه از اموال ذیل ۱ - از اموال منقول از هر قبیل که باشد، ۲ - از ابنیه و اشجار. ماده ۹۴۷ - زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می برد و نه از عین آنها و طریقه تقویم آن است که ابنیه و اشجار با فرض استحقاق بقا در زمین بدون اجرت تقویم می گردد. ماده ۹۴۸ - هرگاه در مورد ماده قبل ورثه از اداء قیمت ابنیه و اشجار امتناع کند زن می تواند حق خود را از عین آنها استیفاء نماید. ماده ۹۴۹ - در صورت نبودن هیچ وارث دیگر بغیر از زوج یا زوجه شوهر تمام ترکه زن متوفات خود را می برد لیکن زن فقط نصیب خود را و بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلاوارث و تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود.

کتاب سوم در مقررات مختلفه

ماده ۹۵۰ - مثلی که در این قانون ذکر شده عبارت از مالی است که اشباه و نظایر آن نوعاً زیاد و شایع باشد مانند حبوبات و نحو آن و قیمی مقابل آن است معذالک تشخیص این معنی با عرف می باشد. ماده ۹۵۱ - تعدی تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری ماده ۹۵۲ - تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است ماده ۹۵۳ - تقصیر اعم است از تفریط و تعدی ماده ۹۵۴ - کلیه عقود جایزه به موت احد طرفین منفسخ می شود و همچنین به

سفه در مواردی که رشد معتبر است ماده ۹۵۵ - مقررات این قانون در مورد کلیه اموری که قبل از این قانون واقع شده معتبر است

جلد دوم در اشخاص

کتاب اول در کلیات

ماده ۹۵۶ - اهلیت برای دارابودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود. ماده ۹۵۷ - حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود. ماده ۹۵۸ - هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچکس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد. ماده ۹۵۹ - هیچکس نمی‌تواند بطور کلی حق تمتع و یا حق اجرا تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند. ماده ۹۶۰ - هیچکس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرف نظر نماید. ماده ۹۶۱ - جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود: ۱ - در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است ۲ - در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده ۳ - در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد. ماده ۹۶۲ - تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن بر حسب قانون دولت متبوع او خواهد بود معذکک اگر یک نفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد در صورتی که مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده و یا اهلیت ناقصی داشته‌است آن شخص برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتیکه قطع نظر از تابعیت خارجی او، مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد. حکم اخیر نسبت به اعمال حقوقی که مربوط به حقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی بوده و یا مربوط به نقل و انتقال اموال غیر منقول واقع در خارج ایران می‌باشد شامل نخواهد بود. ماده ۹۶۳ - اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود. ماده ۹۶۴ - روابط بین ابوبین و اولاد، تابع قانون دولت متبوع پدر است مگر اینکه نسبت طفل فقط به مادر مسلم باشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود. ماده ۹۶۵ - ولایت قانونی و نصب قیم بر طبق قوانین دولت متبوع مولی علیه خواهد بود. ماده ۹۶۶ - تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول یا غیر منقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آن جا واقع می‌باشند معذکک حمل و نقل شدن شیئی منقول از مملکتی به مملکت دیگر نمی‌تواند به حقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی شیئی نسبت به آن تحصیل کرده باشند خللی آورد. ماده ۹۶۷ - ترکه منقول یا غیر منقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلیه از قبیل قوانین مربوطه به تعیین وراثت و مقدار سهم الارث آنها و تشخیص قسمتی که متوفی می‌توانسته‌است به موجب وصیت تملیک نماید تابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود. ماده ۹۶۸ - تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند. ماده ۹۶۹ - اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود می‌باشند. ماده ۹۷۰ - مامورین سیاسی یا قونسولی دول خارجه در ایران وقتی می‌توانند به اجرای عقد نکاح مبادرت نمایند که طرفین عقد هر دو تبعه دولت متبوع آنها بوده و قوانین دولت مزبور نیز این اجازه را به آنها داده باشد. در هر حال نکاح باید در دفاتر سجل احوال ثبت شود. ماده ۹۷۱ - دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آن جا اقامه می‌شود مطرح بودن همان دعوا در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود. ماده ۹۷۲ - احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجراء تنظیم شده در خارجه را نمی‌توان در

ایران اجراء نمود مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر به اجرای آنها صادر شده باشد. ماده ۹۷۳ - اگر قانون خارجه که باید مطابق ماده ۷ جلد اول این قانون و یا بر طبق مواد فوق رعایت گردد به قانون دیگری احاله داده باشد محکمه مکلف به رعایت این احاله نیست مگر اینکه احاله به قانون ایران شده باشد. ماده ۹۷۴ - مقررات ماده ۷ و مواد ۹۶۲ تا ۹۷۴ این قانون تا حدی به موقع اجرا گذارده می شود که مخالف عهود بین المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده و یا مخالف با قوانین مخصوصه نباشد. ماده ۹۷۵ - محکمه نمی تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا بعثت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می شود بموقع اجرا گذارد اگر چه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.

کتاب دوم در تابعیت

ماده ۹۷۶ - اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می شوند: ۱ - کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد، تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد؛ ۲ - کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند؛ ۳ - کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشند؛ ۴ - کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده اند؛ ۵ - کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به هجده سال تمام لا اقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است ۶ - هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند؛ ۷ - هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد. تبصره - اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنصلی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود. ماده ۹۷۷ - الف - هرگاه اشخاص مذکور در بند ۴ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند تابعیت پدر خود را قبول کنند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند. ب - هرگاه اشخاص مذکور در بند ۵ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند به تابعیت پدر خود باقی بمانند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند. ماده ۹۷۸ - نسبت به اطفالی که در ایران از اتباع دولی متولد شده اند که در مملکت متبوع آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را به موجب مقررات تبعه خود محسوب داشته و رجوع آنها را به تبعیت ایران منوط به اجازه می کنند معامله متقابل خواهد شد. ماده ۹۷۹ - اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند می توانند تابعیت ایران را تحصیل کنند: ۱ - به سن هجده سال تمام رسیده باشند؛ ۲ - پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند؛ ۳ - فراری از خدمت نظامی نباشند؛ ۴ - در هیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیر سیاسی محکوم نشده باشند. در مورد فقره دوم این ماده مدت اقامت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است. ماده ۹۸۰ - کسانی که به امور عام المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند و همچنین اشخاصی که دارای عیال ایرانی هستند و از او اولاد دارند و یا دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام المنفعه می باشند و تقاضای ورود به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران را می نمایند در صورتیکه دولت ورود آنها را به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران صلاح بداند بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیات وزیران به تابعیت ایران قبول شوند. ماده ۹۸۱ - حذف شده است. ماده ۹۸۲ - اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره مند می شوند لیکن نمی توانند به مقامات ذیل نائل گردند: ۱ - ریاست جمهوری و معاونین او. ۲ - عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه ۳ - وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری ۴ - عضویت در مجلس شورای اسلامی ۵ - عضویت شوراهای استان و

شهرستان و شهر. ۶- استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هرگونه پست و ماموریت سیاسی ۷- قضاوت ۸- عالی ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی ۹- تصدی پستهای مهم اطلاعاتی و امنیتی ماده ۹۸۳- درخواست تابعیت باید مستقیماً یا بتوسط حکام یا ولات به وزارت امور خارجه تسلیم شده و دارای منضمات ذیل باشد: ۱- سواد مصدق اسناد هویت تقاضاکننده و عیال و اولاد او؛ ۲- تصدیق نامه نظمیه دائر به تعیین مدت اقامت تقاضاکننده در ایران و نداشتن سوء سابقه و داشتن مکنت کافی یا شغل معین برای تامین معاش وزارت امور خارجه در صورت لزوم اطلاعات راجعه به شخص تقاضاکننده را تکمیل و ان را به هیات وزراء ارسال خواهد نمود تا هیات مزبور در قبول یا رد آن تصمیم مقتضی اتخاذ کند در صورت قبول شدن تقاضا، سند تابعیت به درخواست کننده تسلیم خواهد شد. ماده ۹۸۴- زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می نمایند تبعه دولت ایران شناخته می شوند ولی زن در ظرف یک سال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یک سال از تاریخ رسیدن به سن هجده سال تمام می توانند اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر و یا پدر را قبول کند لیکن به اظهاریه اولاد اعم از ذکور و اناث باید تصدیق مذکور در ماده ۹۷۷ ضمیمه شود. ماده ۹۸۵- تحصیل تابعیت ایرانی پدر بهیچوجه درباره اولاد او که در تاریخ تقاضا نامه به سن هجده سال تمام رسیده اند موثر نمی باشد. ماده ۹۸۶- زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی می شود می تواند بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را کتبا مطلع کند ولی هر زن شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمی تواند مادام که اولاد او به سن هجده سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند و در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه می شود حق داشتن اموال غیر منقوله نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق به اتباع خارجه داده شده باشد و هر گاه دارای اموال غیر منقول بیش از آنچه که برای اتباع خارجه داشتن ان جایز است بوده یا بعداً به ارث اموال غیر منقولی بیش از حد ان به او برسد باید در ظرف یک سال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا داراشدن ملک در مورد ارث مقدار مازاد رابنحوی از انحاء به اتباع ایران منتقل کند والا اموال مزبور با نظارت مدعی العموم محل به فروش رسیده پس از وضع مخارج فروش قیمت به آنها داده خواهد شد. ماده ۹۸۷- زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود ولی در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به ان مجدداً به او تعلق خواهد گرفت تبصره ۱- هر گاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج منخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد به شرط تقدیم تقاضا نامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد. تبصره ۲- زنهای ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می کنند حق داشتن اموال غیر منقول را در صورتی که موجب سلطه خارجی گردد ندارند تشخیص این امر با کمیسیون متشکل از نمایندگان وزارتخانه های امور خارجه و کشور و اطلاعات است مقررات ماده ۹۸۸ و تبصره ان در قسمت خروج ایرانیانی که تابعیت خود را ترک نموده اند شامل زنان مزبور نخواهد بود. ماده ۹۸۸- اتباع ایران نمی توانند تبعیت خود را ترک کنند مگر به شرایط ذیل ۱- به سن ۲۵ سال تمام رسیده باشند؛ ۲- هیات وزراء خروج از تابعیت انان را اجازه دهد؛ ۳- قبلاً تعهد نمایند که در ظرف یک سال از تاریخ ترک تابعیت حقوق خود را بر اموال غیر منقول که در ایران دارا می باشند و یا ممکن است بالوراثه دارا شوند ولو قوانین ایران اجازه تملک ان را به اتباع خارجه بدهد بنحوی از انحاء به اتباع ایرانی منتقل کنند. زوجه و اطفال کسی که بر طبق این ماده ترک تابعیت می نمایند اعم از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایرانی خارج نمی گردند مگر اینکه اجازه هیات وزراء شامل آنها هم باشد؛ ۴- خدمت تحت السلاح خود را انجام داده باشند. تبصره الف- کسانی که بر طبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن بند (۳) از این ماده درباره انان

مقرر است باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور سند ترک تابعیت از ایران خارج شوند چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود و تمدید مهلت مقرر فوق حداکثر تا یک سال موقوف به موافقت وزارت امور خارجه می باشد. تبصره ب - هیات وزیران می تواند ضمن تصویب ترک تابعیت زن ایرانی بی شوهر ترک تابعیت فرزندان او را نیز که فاقد پدر و جد پدری هستند و کمتر از ۱۸ سال تمام دارند و یا به جهات دیگری محجورند اجازه دهد فرزندان زن مذکور نیز که به سن ۲۵ سال تمام نرسیده باشند می توانند به تابعیت از درخواست مادر، تقاضای ترک تابعیت نمایند. ماده ۹۸۹ - هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می شود ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقول او با نظارت مدعی العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن به او داده خواهد شد و بعلاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمنهای ایالتی و ولایتی و بلدی و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود. تبصره - هیات وزیران می تواند بنا به مصالحی به پیشنهاد وزارت امور خارجه تابعیت خارجی مشمولین این ماده را به رسمیت بشناسد. به این گونه اشخاص با موافقت وزارت امور خارجه اجازه ورود به ایران یا اقامت می توان داد. ماده ۹۹۰ - از اتباع ایران کسی که خود یا پدرشان موافق مقررات تبدیل تابعیت کرده باشند و بخواهند به تبعیت اصلی خود رجوع نمایند به مجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهند شد مگر آن که دولت تابعیت آنها را صلاح نداند. ماده ۹۹۱ - تکالیف مربوط به اجرای قانون تابعیت و اخذ مخارج دفتری در مورد کسانی که تقاضای تابعیت یا ترک تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران و تقاضای بقا بر تابعیت اصلی را دارند به موجب ائین نامه ای که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید معین خواهد شد.

کتاب سوم در اسناد سجل احوال

ماده ۹۹۲ - سجل احوال هر کس به موجب دفاتری که برای این امر مقرر است معین می شود. ماده ۹۹۳ - امور ذیل باید در ظرف مدت و به طریقی که به موجب قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است به دایره سجل احوال اطلاع داده شود: ۱ - ولادت هر طفل و همچنین سقط هر جنین که بعد از ماه ششم از تاریخ حمل واقع شود؛ ۲ - ازدواج اعم از دائم و منقطع ۳ - طلاق اعم از بائن و رجعی و همچنین بذل مدت ۴ - وفات هر شخص ماده ۹۹۴ - حکم موت فرضی غایب که بر طبق مقررات کتاب پنجم از جلد دوم این قانون صادر می شود باید در دفتر سجل احوال ثبت شود. ماده ۹۹۵ - تغییر مطالبی که در دفاتر سجل احوال ثبت شده است ممکن نیست مگر بموجب حکم محکمه ماده ۹۹۶ - اگر عدم صحت مطالبی که به دایره سجل احوال اظهار شده است در محکمه ثابت گردد یا هویت کسی که در دفتر سجل احوال به عنوان مجهول الهویه قید شده است معین شود و یا حکم فوت فرضی غایب ابطال گردد مراتب باید در دفاتر مربوطه سجل احوال قید شود. ماده ۹۹۷ - هر کس باید دارای نام خانوادگی باشد. اتخاذ نامهای مخصوصی که بموجب نظامنامه اداره سجل احوال معین می شود، ممنوع است ماده ۹۹۸ - هر کس که اسم خانوادگی او را دیگری بدون حق اتخاذ کرده باشد می تواند اقامه دعوا کرده و در حدود قوانین مربوطه تغییر نام خانوادگی غاصب را بخواهد. اگر کسی نام خانوادگی خود را که در دفاتر سجل احوال ثبت کرده است مطابق مقررات مربوطه به این امر تغییر دهد هر ذی نفع می تواند در ظرف مدت و به طریقی که در قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است اعتراض کند. ماده ۹۹۹ - سند ولادت اشخاصی که ولادت آنها در مدت قانونی به دایره سجل احوال اظهار شده است سندرسمی محسوب خواهد بود. ماده ۱۰۰۰ - سایر مطالب راجع به سجل احوال بموجب قوانین و نظامنامه های مخصوصه مقرر است ماده ۱۰۰۱ - مامورین قونسولی ایران در خارجه باید نسبت به ایرانیان مقیم حوزه ماموریت خود وظایفی را که بموجب قوانین و نظامات جاریه به عهده دوایر سجل احوال مقرر است انجام دهند.

کتاب چهارم در اقامتگاه

ماده ۱۰۰۲ - اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آن جا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آن جا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود. ماده ۱۰۰۳ - هیچکس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد. ماده ۱۰۰۴ - تغییر اقامتگاه به وسیله سکونت حقیقی در محل دیگر بعمل می‌آید مشروط بر اینکه مرکز مهم امور او نیز به همان محل انتقال یافته باشد. ماده ۱۰۰۵ - اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است معذک زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و همچنین زنی که با رضایت شوهر خود و یا با اجازه محکمه مسکن علیحده اختیار کرده می‌تواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد. ماده ۱۰۰۶ - اقامتگاه صغیر و محجور همان اقامتگاه ولی یا قیم آنهاست ماده ۱۰۰۷ - اقامتگاه مامورین دولتی محلی است که در آن جاماموریت ثابت دارند. ماده ۱۰۰۸ - اقامتگاه افراد نظامی که در ساخلو هستند محل ساخلو آنهاست ماده ۱۰۰۹ - اگر اشخاص کبیر که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت می‌کنند در منزل کارفرما یا مخدوم خود سکونت داشته باشند اقامتگاه آنها همان اقامتگاه کارفرما یا مخدوم آنها خواهد بود. ماده ۱۰۱۰ - اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله یا یکی از آنها برای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت به دعاوی راجعه به آن معامله محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد و همچنین است در صورتی که برای ابلاغ اوراق دعوی و احضار و اخطار محلی را غیر از اقامتگاه حقیقی خود معین کند.

کتاب پنجم در غایب مفقود الاثر

ماده ۱۰۱۱ - غایب مفقود الاثر کسی است که از غیبت او مدت بالنسبه مدیدی گذشته و از او به هیچ وجه خبری نباشد. ماده ۱۰۱۲ - اگر غایب مفقود الاثر برای اداره اموال خود تکلیفی معین نکرده باشد و کسی هم نباشد که قانوناً حق تصدی امور او را داشته باشد محکمه برای اداره اموال او یک نفر امین معین می‌کند و تقاضای تعیین امین فقط از طرف مدعی العموم و اشخاص ذینفع در این امر قبول می‌شود. ماده ۱۰۱۳ - محکمه می‌تواند از امینی که معین می‌کند تقاضای ضامن یا تضمینات دیگر نماید. ماده ۱۰۱۴ - اگر یکی از وراثت غایب تضمینات کافیه بدهد محکمه نمی‌تواند امین دیگری معین نماید و وارث مزبور به این سمت معین خواهد شد. ماده ۱۰۱۵ - وظایف و مسئولیت‌های امینی که به موجب مواد قبل معین می‌گردد، همان است که برای قیم مقرر است ماده ۱۰۱۶ - هرگاه هم فوت و هم تاریخ فوت غایب مفقود الاثر مسلم شود اموال او بین وراثت موجود حین الموت تقسیم می‌گردد اگر چه یک یا چند نفر آنها از تاریخ فوت غایب به بعد فوت کرده باشد. ماده ۱۰۱۷ - اگر فوت غایب بدون تعیین تاریخ فوت ثابت گردد محکمه باید تاریخی را که فوت او در آن تاریخ محقق بوده معین کند در این صورت اموال غایب بین وراثتی که در تاریخ مزبور موجود بوده‌اند، تقسیم می‌شود. ماده ۱۰۱۸ - مفاد ماده فوق در موردی نیز رعایت می‌گردد که حکم موت فرضی غایب صادر شود. ماده ۱۰۱۹ - حکم موت فرضی غایب در موردی صادر می‌شود که از تاریخ آخرین خبری که از حیات او رسیده است مدتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمی‌ماند. ماده ۱۰۲۰ - موارد ذیل از جمله مواردی محسوب است که عادتاً شخص غایب زنده فرض نمی‌شود: ۱ - وقتی که ده سال تمام از تاریخ آخرین خبری که از حیات غایب رسیده است گذشته و در انقضا مدت مزبور سن غایب از هفتاد و پنج سال گذشته باشد؛ ۲ - وقتی که یک نفر به عنوانی از عناوین جز قشون مسلح بوده و در زمان جنگ مفقود و سه سال تمام از تاریخ انعقاد صلح بگذرد بدون اینکه خبری از او برسد هرگاه جنگ منتهی به انعقاد صلح نشده باشد مدت مزبور پنج سال از

تاریخ ختم جنگ محسوب می‌شود؛ ۳- وقتی که یک نفر حین سفر بحری در کشتی بوده که آن کشتی در آن مسافرت تلف شده است سه سال تمام از تاریخ تلف شدن کشتی گذشته باشد بدون اینکه از آن مسافر خبری برسد. ماده ۱۰۲۱- در مورد فقره اخیر ماده قبل اگر با انقضا مدتهای ذیل که مبداء آن از روز حرکت کشتی محسوب می‌شود کشتی به مقصد نرسیده باشد و در صورت حرکت بدون مقصد به بندری که از آن جا حرکت کرده برنگشته و از وجود آن بهیچوجه خبری نباشد کشتی تلف شده محسوب می‌شود:

الف- برای مسافرت در بحر خزر و داخل خلیج فارس یک سال ب- برای مسافرت در بحر عمان- اقیانوس هند- بحرا حمر- بحر سفید (مدیترانه- بحر سیاه و بحر آزوف دو سال ج- برای مسافرت در سایر بحار سه سال ماده ۱۰۲۲- اگر کسی در نتیجه واقعه‌ای به غیر آنچه در فقره ۲ و ۳ ماده ۱۰۲۰ مذکور است دچار خطر مرگ گشته و مفقود شده و یا در طیاره بوده و طیاره مفقود شده باشد وقتی می‌توان حکم موت فرضی او را صادر نمود که پنج سال از تاریخ دچار شدن به خطر مرگ بگذرد بدون اینکه خبری از حیات مفقود رسیده باشد. ماده ۱۰۲۳- در مورد مواد ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲ محکمه وقتی می‌تواند حکم موت فرضی غایب را صادر نماید که در یکی از جرایم محل و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران اعلانی در سه دفعه متوالی هر کدام به فاصله یک‌ماه منتشر کرده و اشخاصی را که ممکن است از غایب خبری داشته باشند دعوت نماید که اگر خبر دارند به اطلاع محکمه برسانند. هر گاه یکسال از تاریخ اولین اعلان بگذرد و حیات غایب ثابت نشود حکم موت فرضی او داده می‌شود. ماده ۱۰۲۴- اگر اشخاص متعدد در یک حادثه تلف شوند فرض بر این می‌شود که همه آنها در آن واحد مرده‌اند. مفاد این ماده مانع از اجرا مقررات مواد ۸۷۳ و ۸۷۴ جلد اول این قانون نخواهد بود. ماده ۱۰۲۵- وراثت غایب مفقود الاثر می‌توانند قبل از صدور حکم موت فرضی او نیز از محکمه تقاضا نمایند که دارائی او را به تصرف آنها بدهد مشروط بر اینکه اولاً غایب مزبور کسی را برای اداره کردن اموال خود معین نکرده باشد و ثانیاً دو سال تمام از آخرین خبر غایب گذشته باشد بدون اینکه حیات یا ممات او معلوم باشد. در مورد این ماده رعایت ماده ۱۰۲۳ راجع به اعلان مدت یک‌سال حتمی است ماده ۱۰۲۶- در مورد ماده قبل وراثت باید ضامن و یا تضمینات کافی بدهند تا در صورتی که اشخاص ثالث حقی بر اموال او داشته باشند از عهده اموال و یا حق اشخاص ثالث برآیند. تضمینات مزبور تا موقع صدور حکم موت فرضی غایب باقی خواهد بود. ماده ۱۰۲۷- بعد از صدور حکم فوت فرضی نیز اگر غایب پیدا شود کسانی که اموال او را به عنوان وراثت تصرف کرده‌اند باید آنچه را که از اعیان یا عوض و یا منافع اموال مزبور حین پیداشدن غایب موجود می‌باشد مسترد دارند. ماده ۱۰۲۸- امینی که برای اداره کردن اموال غایب مفقود الاثر معین می‌شود باید نفقه زوجه دائم یا منقطع که مدت او نگذشته و نفقه او را زوج تعهد کرده باشد و اولاد غایب را از دارائی غایب تادیه نماید در صورت اختلاف در میزان نفقه تعیین آن به عهده محکمه است ماده ۱۰۲۹- هر گاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقود الاثر باشد زن او می‌تواند تقاضای طلاق کند در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۳ احاکم او را طلاق می‌دهد. ماده ۱۰۳۰- اگر شخص غایب پس از وقوع طلاق و قبل از انقضا مدت عده مراجعت نماید نسبت به طلاق حق رجوع دارد ولی بعد از انقضا مدت مزبور حق رجوع ندارد.

کتاب ششم در قرابت

ماده ۱۰۳۱- قرابت بر دو قسم است قرابت نسبی و قرابت سببی. ماده ۱۰۳۲- قرابت نسبی به ترتیب طبقات ذیل است طبقه اول- پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد؛ طبقه دوم- اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها؛ طبقه سوم- اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها. در هر طبقه درجات قرب و بعد قرابت نسبی به عده نسلهای در آن طبقه معین می‌گردد مثلاً در طبقه اول قرابت پدر و مادر با اولاد در درجه اول و نسبت با اولاد اولاد در درجه دوم خواهد بود و هکذا در طبقه دوم قرابت برادر و خواهر و جد و جدو در درجه اول از طبقه دوم و اولاد برادر و خواهر و جد پدر در درجه دوم از طبقه دوم خواهد بود و در طبقه سوم قرابت عمو و دایی و عمه و

خاله در درجه اول از طبقه سوم و درجه اولاد آنها در درجه دوم از آن طبقه است ماده ۱۰۳۳ - هر کس در هر خط و به هر درجه که با یک نفر قرابت نسبی داشته باشد در همان خط و به همان درجه قرابت سببی با زوج یا زوجه او خواهد داشت بنابراین پدر و مادر زن یک مرد اقرابای سببی درجه اول آن مرد و برادر و خواهر شوهر یک زن از اقرابای سببی درجه دوم آن زن خواهند بود.

کتاب هفتم در نکاح و طلاق

باب اول در نکاح

فصل اول در خواستگاری ماده ۱۰۳۴ - هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد می‌توان خواستگاری نمود. ماده ۱۰۳۵ - وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند اگرچه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخته شده باشد بنابراین هر یک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده می‌تواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمی‌تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارتی نماید. ماده ۱۰۳۶ - حذف شده است ماده ۱۰۳۷ - هر یک از نامزدها می‌تواند در صورت بهم خوردن وصلت منظور، هدایائی را که به طرف دیگر یا ابوی او برای وصلت منظور داده است مطالبه کند. اگر عین هدایا موجود نباشد مستحق قیمت هدایائی خواهد بود که عادتاً نگاه داشته می‌شود مگر اینکه آن هدایا بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده باشد. ماده ۱۰۳۸ - مفاد ماده قبل از حیث رجوع به قیمت در موردی که وصلت منظور در اثر فوت یکی از نامزدها بهم بخورد مجری نخواهد بود. ماده ۱۰۳۹ - حذف شده است ماده ۱۰۴۰ - هر یک از طرفین می‌تواند برای انجام وصلت منظور از طرف مقابل تقاضا کند که تصدیق طیب به صحت از امراض مسریه مهم از قبیل سفلیس و سوزاک و سل ارائه دهد. فصل دوم قابلیت صحی برای ازدواج ماده ۱۰۴۱ - عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح ماده ۱۰۴۲ - حذف شده است ماده ۱۰۴۳ - نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند اجازه او ساقط و در این صورت دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج نماید شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده پس از اخذ اجازه ازدادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید. ماده ۱۰۴۴ - در صورتی که پدر یا جد پدری در محل حاضر نباشد و استیذان از آنها نیز عادتاً غیرممکن بوده و دختر نیز احتیاج به ازدواج داشته باشد، وی می‌تواند اقدام به ازدواج نماید. تبصره - ثبت این ازدواج در دفترخانه منوط به احراز موارد فوق در دادگاه مدنی خاص می‌باشد. فصل سوم در موانع نکاح ماده ۱۰۴۵ - نکاح با ارقاب نسبی ذیل ممنوع است اگرچه قرابت حاصل از شبهه یا زنا باشد: ۱ - نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر که بالا برود؛ ۲ - نکاح با اولاد هر قدر که پائین برود؛ ۳ - نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هر قدر که پائین برود؛ ۴ - نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات ماده ۱۰۴۶ - قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است مشروط بر اینکه اولاد - شیرزن از حمل مشروع حاصل شده باشد؛ ثانیاً - شیر مستقیماً از پستان مکیده شده باشد؛ ثالثاً - طفل لااقل یک شبانه روز و یا ۱۵ دفعه متوالی شیر کامل خورده باشد بدون اینکه در بین غذای دیگر یا شیر زن دیگر را بخورد؛ رابعاً - شیر خوردن طفل قبل از تمام شدن دو سال از تولد او باشد؛ خامساً - مقدار شیری که طفل خورده است از یک زن و از یک شوهر باشد بنابراین اگر طفل در شبانه روز مقداری از شیر یک زن و مقداری از شیرزن دیگر بخورد موجب حرمت نمی‌شود اگرچه شوهر آن دو زن یکی باشد و همچنین اگر یک زن یک دختر و یک پسر رضاعی داشته باشد که هر یک را از شیر متعلق به شوهر دیگر شیر داده باشد آن پسر و یا آن دختر برادر و خواهر رضاعی نبوده و ازدواج بین آنها از این حیث ممنوع نمی‌باشد. ماده ۱۰۴۷ - نکاح بین اشخاص ذیل به واسطه

مصاهره ممنوع دائمی است ۱- بین مرد و مادر و جدات زن او از هر درجه که باشد اعم از نسبی و رضاعی ۲- بین مرد و زنی که سابقا زن پدر و یا زن یکی از اجداد یا زن پسر یا زن یکی از احفاد او بوده است هر چند قرابت رضاعی باشد؛ ۳- بین مرد با اناث از اولاد زن از هر درجه که باشد ولو رضاعی مشروط بر اینکه بین زن و شوهر زناشویی واقع شده باشد. ماده ۱۰۴۸- جمع بین دو خواهر ممنوع است اگرچه به عقد منقطع باشد. ماده ۱۰۴۹- هیچکس نمی‌تواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود. ماده ۱۰۵۰- هر کس زن شوهردار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل و آن زن مطلقا بر آن شخص حرام مؤبد می‌شود. ماده ۱۰۵۱- حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهل به تمام یا یکی از امور مذکوره فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمی‌شود. ماده ۱۰۵۲- تفریقی که با لعان حاصل می‌شود موجب حرمت ابدی است ماده ۱۰۵۳- عقد در حال احرام باطل است و با علم به حرمت موجب حرمت ابدی است ماده ۱۰۵۴- زنای با زن شوهردار یا زنی که در عده رجعیه است موجب حرمت ابدی است ماده ۱۰۵۵- نزدیکی به شبهه و زنا اگر سابق بر نکاح باشد از حیث مانعیت نکاح در حکم نزدیکی با نکاح صحیح است ولی مبطل نکاح سابق نیست ماده ۱۰۵۶- اگر کسی با پسری عمل شنیع کند نمی‌تواند مادر یا خواهر یا دختر او را تزویج کند. ماده ۱۰۵۷- زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده بر آن مرد حرام می‌شود مگر اینکه به عقد دائم به زوجیت مرد دیگری درآمده و پس از وقوع نزدیکی با او به واسطه طلاق یا فسخ یا فوت فراق حاصل شده باشد. ماده ۱۰۵۸- زن هر شخصی که به نه طلاق که شش‌تای آنها عدی است مطلقه شده باشد بر آن شخص حرام مؤبد می‌شود. ماده ۱۰۵۹- نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست ماده ۱۰۶۰- ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است ماده ۱۰۶۱- دولت می‌تواند ازدواج بعضی از مستخدمین و مامورین رسمی و محصلین دولتی را با زنی که تبعه خارجه باشد موکول به اجازه مخصوص نماید. فصل چهارم شرایط صحت نکاح ماده ۱۰۶۲- نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحا دلالت بر قصد ازدواج نماید. ماده ۱۰۶۳- ایجاب و قبول ممکن است از طرف خود مرد و زن صادر شود یا از طرف اشخاصی که قانونا حق عقد دارند. ماده ۱۰۶۴- عاقد باید عاقل و بالغ و قاصد باشد. ماده ۱۰۶۵- توالی عرفی ایجاب و قبول شرط صحت عقد است ماده ۱۰۶۶- هرگاه یکی از متعاقبین یا هر دو لایل باشند عقد به اشاره از طرف لال نیز واقع می‌شود مشروط بر اینکه بطور وضوح حاکی از انشا عقد باشد. ماده ۱۰۶۷- تعیین زن و شوهر بنحوی که برای هیچیک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد شرط صحت نکاح است ماده ۱۰۶۸- تعلیق در عقد موجب بطلان است ماده ۱۰۶۹- شرط خیار فسخ نسبت به عقد نکاح باطل است ولی در نکاح دائم شرط خیار نسبت به صداق جایز است مشروط بر اینکه مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آن است که اصلا مهر ذکر نشده است ماده ۱۰۷۰- رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هرگاه مکره بعد از زوال کره عقد را اجازه کند نافذ است مگر اینکه اکراه به درجه‌ای بوده که عاقد فاقد قصد باشد. فصل پنجم و کالت در نکاح ماده ۱۰۷۱- هر یک از مرد و زن می‌تواند برای عقد نکاح و کالت به غیر دهد. ماده ۱۰۷۲- در صورتی که وکالت بطور اطلاق داده شود وکیل نمی‌تواند موکله را برای خود تزویج کند مگر اینکه این اذن صریحا به او داده شده باشد. ماده ۱۰۷۳- اگر وکیل از آنچه که موکل راجع به شخص یا مهر یا خصوصیات دیگر معین کرده تخلف کند صحت عقد متوقف بر تنفیذ موکل خواهد بود. ماده ۱۰۷۴- حکم ماده فوق در موردی نیز جاری است که وکالت بدون قید بوده و وکیل مراعات مصلحت موکل را نکرده باشد. فصل ششم در نکاح منقطع ماده ۱۰۷۵- نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد. ماده ۱۰۷۶- مدت نکاح منقطع باید کاملا معین شود. ماده ۱۰۷۷- در نکاح منقطع احکام راجع به وراثت زن و به مهر او همان است که در باب ارث و در فصل آتی مقرر شده است فصل هفتم در مهر ماده ۱۰۷۸- هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد می‌توان مهر قرار داد. ماده ۱۰۷۹- مهر باید بین طرفین

تا حدی که رفع جهالت آنها بشود معلوم باشد. ماده ۱۰۸۰ - تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است ماده ۱۰۸۱ - اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تادیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است ماده ۱۰۸۲ - به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید. تبصره - چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تادیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند. ماده ۱۰۸۳ - برای تادیه تمام یا قسمتی از مهر می‌توان مدت یا اقساطی قرار داد. ماده ۱۰۸۴ - هرگاه مهر، عین معین باشد و معلوم گردد قبل از عقد معیوب بوده و یا بعد از عقد و قبل از تسلیم معیوب و یا تلف شود شوهر ضامن عیب و تلف است ماده ۱۰۸۵ - زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظائفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود. ماده ۱۰۸۶ - اگر زن قبل از اخذ مهر به اختیار خود به ایفا و وظائفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود دیگر نمی‌تواند از حکم ماده قبل استفاده کند معذلک حقی که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد. ماده ۱۰۸۷ - اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود. ماده ۱۰۸۸ - در مورد ماده قبل اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمیرد زن مستحق هیچگونه مهری نیست ماده ۱۰۸۹ - ممکن است اختیار تعیین مهر به شوهر یا شخص ثالثی داده شود در این صورت شوهر یا شخص ثالث می‌تواند مهر را هر قدر بخواهد معین کند. ماده ۱۰۹۰ - اگر اختیار تعیین مهر به زن داده شود زن نمی‌تواند بیشتر از مهرالمثل معین نماید. ماده ۱۰۹۱ - برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود. ماده ۱۰۹۲ - هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند. ماده ۱۰۹۳ - هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهرالتمعه است و اگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهرالمثل خواهد بود. ماده ۱۰۹۴ - برای تعیین مهرالتمعه حال مرد از حیث غنا و فقر ملا حظه می‌شود. ماده ۱۰۹۵ - در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است ماده ۱۰۹۶ - در نکاح منقطع موت زن در اثناء مدت موجب سقوط مهر نمی‌شود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند. ماده ۱۰۹۷ - در نکاح منقطع هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهر را بدهد. ماده ۱۰۹۸ - در صورتی که عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر می‌تواند آن را استرداد نماید. ماده ۱۰۹۹ - در صورت جهل زن به فساد نکاح و وقوع نزدیکی زن مستحق مهرالمثل است ماده ۱۱۰۰ - در صورتی که مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا ملک غیر باشد در صورت اول و دوم زن مستحق مهرالمثل خواهد بود و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید. ماده ۱۱۰۱ - هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهتی فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتی که موجب فسخ عن باشد که در این صورت با وجود فسخ نکاح زن مستحق نصف مهر است فصل هشتم در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر ماده ۱۱۰۲ - همین که نکاح بطور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود. ماده ۱۱۰۳ - زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. ماده ۱۱۰۴ - زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند. ماده ۱۱۰۵ - در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است ماده ۱۱۰۶ - در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است ماده ۱۱۰۷ - نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض. ماده ۱۱۰۸ - هرگاه زن بدون مانع

مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود. ماده ۱۱۰۹ - نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت ماده ۱۱۱۰ - در ایام عده وفات، مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تامین می گردد. ماده ۱۱۱۱ - زن می تواند در صورت استتکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد. ماده ۱۱۱۲ - اگر اجرای حکم مذکور در ماده قبل ممکن نباشد مطابق ماده ۱۱۲۹ رفتار خواهد شد. ماده ۱۱۱۳ - در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد. ماده ۱۱۱۴ - زن باید در منزلی که شوهر تعیین می کند سکنی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد. ماده ۱۱۱۵ - اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرربدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می تواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود. ماده ۱۱۱۶ - در مورد ماده فوق مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته محل سکونت زن به تراضی طرفین معین می شود و در صورت عدم تراضی محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین منزل زن را معین خواهد نمود و در صورتیکه اقربائی نباشد خود محکمه محل مورد اطمینانی را معین خواهد کرد. ماده ۱۱۱۷ - شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند. ماده ۱۱۱۸ - زن مستقلا می تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می خواهد بکند. ماده ۱۱۱۹ - طرفین عقد ازدواج می توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند: مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب شود یا ترک انفاق نماید یا بر علیه حیات زن سو قصد یا سو رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهائی خود را مطلقه سازد.

باب دوم در انحلال عقد نکاح (ماده ۱۱۲۰ الی ۱۱۵۷)

ماده ۱۱۲۰ - عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می شود. فصل اول در مورد امکان فسخ نکاح ماده ۱۱۲۱ - جنون هریک از زوجین به شرط استقرار، اعم از اینکه مستمر یا ادواری باشد برای طرف مقابل موجب حق فسخ است ماده ۱۱۲۲ - عیوب ذیل در مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود: ۱ - خصا؛ ۲ - عنن به شرط اینکه ولو یک بار عمل زناشویی را انجام نداده باشد؛ ۳ - مقطوع بودن آلت تناسلی به اندازه ای که قادر به عمل زناشویی نباشد. ماده ۱۱۲۳ - عیوب ذیل در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود. ۱ - قرن ۲ - جذام ۳ - برص ۴ - افضا؛ ۵ - زمین گیری ۶ - نابینایی از هر دو چشم ماده ۱۱۲۴ - عیوب زن در صورتی موجب حق فسخ برای مرد است که عیب مزبور در حال عقد وجود داشته است ماده ۱۱۲۵ - جنون و عنن در مرد هرگاه بعد از عقد هم حادث شود موجب حق فسخ برای زن خواهد بود. ماده ۱۱۲۶ - هر یک از زوجین که قبل از عقد عالم به امراض مذکوره در طرف دیگر بوده بعد از عقد حق فسخ نخواهد داشت ماده ۱۱۲۷ - هرگاه شوهر بعد از عقد مبتلا به یکی از امراض مقاربتی گردد زن حق خواهد داشت که از نزدیکی با او امتناع نماید و امتناع بعلت مزبور مانع حق نفقه نخواهد بود. ماده ۱۱۲۸ - هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متباینا بر آن واقع شده باشد. ماده ۱۱۲۹ - در صورت استتکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه زن می تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه ماده ۱۱۳۰ - در صورتی که

دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند، چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود. تبصره - عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد: ۱- ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت شش ماه متوالی و یا نه ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه ۲- اعتیاد زوج به یکی از انواع مواد مخدر و یا ابتلا وی به مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و امتناع یا عدم امکان الزام وی به ترک آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیاد لازم بوده است ۳- محکومیت قطعی زوج به حبس پنج سال یا بیشتر. ۴- ضرب و شتم یا هرگونه سوء رفتار مستمر زوج که عرفاً با توجه به وضعیت زوجه قابل تحمل نباشد. ۵- ابتلا زوج به بیماری‌های صعب‌العلاج روانی یا ساری یا هرعارضه صعب‌العلاج دیگری که زندگی مشترک را مختل نماید. موارد مندرج در این ماده مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی که عسر و حرج زن در دادگاه احراز شود، حکم طلاق صادر نماید. ماده ۱۱۳۱- خیار فسخ فوری است و اگر طرفی که حق فسخ دارد بعد از اطلاع بعلت فسخ نکاح را فسخ نکند خیار او ساقط می‌شود به شرط اینکه علم به حق فسخ و فوریت آن داشته باشد تشخیص مدتی که برای امکان استفاده از خیار لازم بوده به نظر عرف و عادت است ماده ۱۱۳۲- در فسخ نکاح رعایت ترتیباتی که برای طلاق مقرر است شرط نیست فصل دوم در طلاق مبحث اول در کلیات ماده ۱۱۳۳- مرد می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در این قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید. تبصره - زن نیز می‌تواند با وجود شرایط مقرر در مواد (۱۱۱۹)، (۱۱۲۹) و (۱۱۳۰) این قانون، از دادگاه تقاضای طلاق نماید. ماده ۱۱۳۴- طلاق باید به صیغه طلاق و در حضور لاقول دو نفر مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع گردد. ماده ۱۱۳۵- طلاق باید منجز باشد و طلاق معلق به شرط باطل است ماده ۱۱۳۶- طلاق دهنده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد. ماده ۱۱۳۷- ولی مجنون دائمی می‌تواند در صورت مصلحت مولی‌علیه زن او را طلاق دهد. ماده ۱۱۳۸- ممکن است صیغه طلاق را به توسط وکیل اجرائنمود. ماده ۱۱۳۹- طلاق مخصوص عقد دائم است و زن منقطعه با انقضا مدت یا بذل آن از طرف شوهر از زوجیت خارج می‌شود. ماده ۱۱۴۰- طلاق زن در مدت عادت زنانگی یا در حال نفاس صحیح نیست مگر اینکه زن حامل باشد یا طلاق قبل از نزدیکی با زن واقع شود یا شوهر غایب باشد بطوری که اطلاع از عادت زنانگی بودن زن نتواند حاصل کند. ماده ۱۱۴۱- طلاق در طهر موقوفه صحیح نیست مگر اینکه زن یائسه یا حامل باشد. ماده ۱۱۴۲- طلاق زنی که با وجود اقتضای سن عادت زنانگی نمی‌شود وقتی صحیح است که از تاریخ آخرین نزدیکی با زن سه ماه گذشته باشد. مبحث دوم در اقسام طلاق ماده ۱۱۴۳- طلاق بر دو قسم است بائن و رجعی ماده ۱۱۴۴- در طلاق بائن برای شوهر حق رجوع نیست ماده ۱۱۴۵- در موارد ذیل طلاق، بائن است ۱- طلاق که قبل از نزدیکی واقع شود؛ ۲- طلاق یائسه ۳- طلاق خلع و مبارات مادام که زن رجوع به عوض نکرده باشد؛ ۴- سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی به عمل آید اعم از اینکه وصلت در نتیجه رجوع باشد یا در نتیجه نکاح جدید. ماده ۱۱۴۶- طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی که به شوهر می‌دهد طلاق بگیرد اعم از اینکه مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد. ماده ۱۱۴۷- طلاق مبارات آن است که کراهت از طرفین باشد ولی در این صورت عوض باید زائد بر میزان مهر نباشد. ماده ۱۱۴۸- در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع است ماده ۱۱۴۹- رجوع در طلاق به هر لفظ یا فعلی حاصل می‌شود که دلالت بر رجوع کند مشروط بر اینکه مقرون به قصد رجوع باشد. مبحث سوم در عده ماده ۱۱۵۰- عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند. ماده ۱۱۵۱- عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر است مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده او سه ماه است ماده ۱۱۵۲- عده فسخ نکاح و بذل مدت و انقضا آن در مورد نکاح منقطع

در غیر حامل دو طهر است مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت ۴۵ روز است ماده ۱۱۵۳ - عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضا آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است ماده ۱۱۵۴ - عده وفات چه در دائم و چه در منقطع در هر حال چهار ماه و ده روز است مگر اینکه زن حامل باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد والا مدت عده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود. ماده ۱۱۵۵ - زنی که بین او و شوهر خود نزدیکی واقع نشده و همچنین زن یائسه نه عده طلاق دارد و نه عده فسخ نکاح ولی عده وفات در هر مورد باید رعایت شود. ماده ۱۱۵۶ - زنی که شوهر او غایب مفقودالاثراثر بوده و حاکم او را طلاق داده باشد باید از تاریخ طلاق عده وفات نگاه دارد. ماده ۱۱۵۷ - زنی که به شبهه با کسی نزدیکی کند باید عده طلاق نگاه دارد.

کتاب هشتم در اولاد

باب اول در نسب (ماده ۱۱۵۸ الی ۱۱۶۷)

ماده ۱۱۵۸ - طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد. ماده ۱۱۵۹ - هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه مادر هنوز شوهر نکرده و از تاریخ انحلال نکاح تا روز ولادت طفل بیش از ده ماه نگذشته باشد مگر آن که ثابت شود که از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت کمتر از ششماه و یابیش از ده ماه گذشته باشد. ماده ۱۱۶۰ - در صورتی که عقد نکاح پس از نزدیکی منحل شود و زن مجددا شوهر کند و طفلی از او متولد گردد طفل به شوهری ملحق می شود که مطابق مواد قبل الحاق او به آن شوهر ممکن است در صورتی که مطابق مواد قبل الحاق طفل به هر دو شوهر ممکن باشد طفل ملحق به شوهر دوم است مگر آن که امارات قطعیه برخلاف آن دلالت کند. ماده ۱۱۶۱ - در مورد مواد قبل هر گاه شوهر صریحا یا ضمنا اقرار به ابوت خود نموده باشد دعوی نفی ولد از او مسموع نخواهد بود. ماده ۱۱۶۲ - در مورد مواد قبل دعوی نفی ولد باید در مدتی که عاداتا پس از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل برای امکان اقامه دعوی کافی می باشد اقامه گردد و در هر حال دعوی مزبور پس از انقضا دو ماه از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل مسموع نخواهد بود. ماده ۱۱۶۳ - در موردی که شوهر مطلع از تاریخ حقیقی تولد طفل نبوده و تاریخ تولد را بر او مشتبه نموده باشند به نوعی که موجب الحاق طفل به او باشد و بعدها شوهر از تاریخ حقیقی تولد مطلع شود مدت مرور زمان دعوی نفی دو ماه از تاریخ کشف خدعه خواهد بود. ماده ۱۱۶۴ - احکام مواد قبل در مورد طفل متولد از نزدیکی به شبهه نیز جاری است اگرچه مادر طفل مشتبه نباشد. ماده ۱۱۶۵ - طفل متولد از نزدیکی به شبهه فقط ملحق به طرفی می شود که در اشتباه بوده و در صورتی که هر دو در اشتباه بوده اند ملحق به هر دو خواهد بود. ماده ۱۱۶۶ - هر گاه به واسطه وجود مانعی نکاح بین ابویین طفل باطل باشد نسبت طفل به هر یک از ابویین که جاهل بر وجود مانع بوده مشروع و نسبت به دیگری نامشروع خواهد بود. در صورت جهل هر دو، نسب طفل نسبت به هر دو مشروع است ماده ۱۱۶۷ - طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی شود.

باب دوم در نگاهداری و تربیت اطفال

ماده ۱۱۶۸ - نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است ماده ۱۱۶۹ - برای حضانت و نگهداری طفلی که ابویین او جدا از یکدیگر زندگی می کنند، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است. تبصره - بعد از هفت سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه می باشد. (اصلاحی ۸/۹/۱۳۸۲ مجمع

تشخیص نظام) ماده ۱۱۷۰ - اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با او است مبتلا به جنون شود یا به دیگری شوهر کند حق حضانت با پدر خواهد بود. ماده ۱۱۷۱ - در صورت فوت یکی از ابوبین حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد. ماده ۱۱۷۲ - هیچیک از ابوبین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده آنهاست از نگاهداری او امتناع کنند، در صورت امتناع یکی از ابوبین حاکم باید به تقاضای دیگری یا تقاضای قیم یا یکی از اقربا و یا به تقاضای مدعی العموم نگاهداری طفل را به هر یک از ابوبین که حضانت به عهده اوست الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یا موثر نباشد حضانت را به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد به خرج مادر تامین کند. ماده ۱۱۷۳ - هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضائی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند. موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است ۱ - اعتیاد زیان آور به الکل مواد مخدر و قمار. ۲ - اشتهار به فساد اخلاق و فحشا. ۳ - ابتلا به بیماری های روانی با تشخیص پزشکی قانونی ۴ - سواستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشا، تکدی گری و قاچاق. ۵ - تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف ماده ۱۱۷۴ - در صورتی که بعثت طلاق یا به هر جهت دیگر ابوبین طفل در یک منزل سکونت نداشته باشند هر یک از ابوبین که طفل تحت حضانت او نمی باشد حق ملاقات طفل خود را دارد تعیین زمان و مکان ملاقات و سایر جزئیات مربوطه به آنها در صورت اختلاف بین ابوبین با محکمه است ماده ۱۱۷۵ - طفل را نمی توان از ابوبین و یا از پدر و یا از مادری که حضانت با اوست گرفت مگر در صورت وجود علت قانونی ماده ۱۱۷۶ - مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد. ماده ۱۱۷۷ - طفل باید مطیع ابوبین خود بوده و در هر سنی که باشد باید به آنها احترام کند. ماده ۱۱۷۸ - ابوبین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند. ماده ۱۱۷۹ - ابوبین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی توانند طفل خود را خارج از حدود تادیب تنبیه نمایند.

باب سوم در ولایت قهری پدر و جد پدری (ماده ۱۱۸۰ الی ۱۱۹۴)

ماده ۱۱۸۰ - طفل صغیر، تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می باشد و همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتی که عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد. ماده ۱۱۸۱ - هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند. ماده ۱۱۸۲ - هرگاه طفل هم پدر و هم جد پدری داشته باشد و یکی از آنها محجور یا بعثتی ممنوع از تصرف در اموال مولی علیه گردد ولایت قانونی او ساقط می شود. ماده ۱۱۸۳ - در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی مولی علیه ولی نماینده قانونی او می باشد. ماده ۱۱۸۴ - هرگاه ولی قهری طفل رعایت غبطه صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی علیه گردد به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به درخواست رئیس حوزه قضایی پس از اثبات دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می نماید. همچنین اگر ولی قهری به واسطه کبر سن و یا بیماری و امثال آن قادر به اداره اموال مولی علیه نباشد و شخصی را هم برای این امر تعیین ننماید، طبق مقررات این ماده فردی به عنوان امین به ولی قهری منضم می گردد. ماده ۱۱۸۵ - هرگاه ولی قهری طفل محجور شود مدعی العموم مکلف است مطابق مقررات راجعه به تعیین قیم قیمی برای طفل معین کند. ماده ۱۱۸۶ - در مواردی که برای عدم امانت ولی قهری نسبت به دارایی طفل امارات قویه موجود باشد مدعی العموم مکلف است از محکمه ابتدائی رسیدگی به عملیات او را بخواهد محکمه در این مورد رسیدگی کرده در صورتی که عدم امانت او معلوم شد مطابق ماده ۱۱۸۴ رفتار می نماید. ماده ۱۱۸۷ - هرگاه ولی قهری منحصر، به واسطه غیبت یا حبس به هر علتی که نتواند به امور مولی علیه رسیدگی کند و کسی را هم از طرف خود معین نکرده باشد حاکم یک نفر امین به

پیشنهاد مدعی العموم برای تصدی و اداره اموال مولی علیه و سایر امور راجعه به او موقتاً معین خواهد کرد. ماده ۱۱۸۸ - هر یک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری می تواند برای اولاد خود که تحت ولایت او می باشد وصی معین کند تا بعد از فوت خود در نگاهداری و تربیت آنها مواظبت کرده و اموال آنها را اداره نماید. ماده ۱۱۸۹ - هیچیک از پدر و جد پدری نمی تواند با حیات دیگری برای مولی علیه خود وصی معین کند. ماده ۱۱۹۰ - ممکن است پدر و یا جد پدری به کسی که به سمت وصایت معین کرده اختیار تعیین وصی بعد از فوت خود را برای مولی علیه بدهد. ماده ۱۱۹۱ - اگر وصی منصوب از طرف ولی قهری به نگاهداری یا تربیت مولی علیه و یا اداره امور او اقدام نکند یا امتناع از انجام وظایف خود نماید منزل می شود. ماده ۱۱۹۲ - ولی مسلم نمی تواند برای امور مولی علیه خود وصی غیر مسلم معین کند. ماده ۱۱۹۳ - همین که طفل کبیر و رشید شد از تحت ولایت خارج می شود و اگر بعداً سفیه یا مجنون شود قیمی برای او معین می شود. ماده ۱۱۹۴ - پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان ولی خاص طفل نامیده می شود.

کتاب نهم در خانواده

فصل اول در الزام به انفاق (ماده ۱۱۹۵ الی ۱۲۰۶)

ماده ۱۱۹۵ - احکام نفقه زوجه همان است که به موجب فصل هشتم از باب اول کتاب هفتم مقرر شده و بر طبق همین فصل مقرر می شود. ماده ۱۱۹۶ - در روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی ملزم به انفاق یکدیگرند. ماده ۱۱۹۷ - کسی مستحق نفقه است که نادر بوده و نتواند به وسیله اشتغال به شغلی وسائل معیشت خود را فراهم نماید. ماده ۱۱۹۸ - کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد؛ یعنی بتواند نفقه بدهد بدون اینکه از این حیث در وضع معیشت خود دچار مضیقه گردد. برای تشخیص تمکن باید کلیه تعهدات و وضع زندگانی شخصی او در جامعه در نظر گرفته شود. ماده ۱۱۹۹ - نفقه اولاد بر عهده پدر است پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق به عهده اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها نفقه بر عهده مادر است هر گاه مادر هم زنده و یا قادر به انفاق نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقریب مساوی باشند نفقه را باید به حصه مساوی تادیه کنند. ماده ۱۲۰۰ - نفقه ابویین با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اولاد و اولاد اولاد است ماده ۱۲۰۱ - هر گاه یک نفر، هم در خط عمودی صعودی و هم در خط عمودی نزولی اقارب داشته باشد که از حیث الزام به انفاق در درجه مساوی هستند نفقه او را باید اقارب مزبور به حصه متساوی تادیه کنند بنابر این اگر مستحق نفقه پدر و مادر و اولاد بلافضل داشته باشد نفقه او را باید پدر و اولاد او متساوی تادیه کنند بدون اینکه مادر سهمی بدهد و همچنین اگر مستحق نفقه مادر و اولاد بلافضل داشته باشد نفقه او را باید مادر و اولاد متساوی بدهند. ماده ۱۲۰۲ - اگر اقارب واجب النفقه متعدد باشند و منفق نتواند نفقه همه آنها را بدهد اقارب در خط عمودی نزولی مقدم بر اقارب در خط عمودی صعودی خواهند بود. ماده ۱۲۰۳ - در صورت بودن زوجه و یک یا چند نفر واجب - النفقه دیگر، زوجه مقدم بر سایرین خواهد بود. ماده ۱۲۰۴ - نفقه اقارب عبارت است از: مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق ماده ۱۲۰۵ - در موارد غیبت یا استنکاف از پرداخت نفقه چنانچه الزام کسی که پرداخت نفقه بر عهده اوست ممکن نباشد دادگاه می تواند بامطالبه افراد واجب النفقه به مقدار نفقه از اموال غایب یا مستنکف در اختیار آنها یا متکفل مخارج آنان قرار دهد و در صورتی که اموال غایب یا مستنکف در اختیار نباشد همسر وی یا دیگری با اجازه دادگاه می تواند نفقه را به عنوان قرض بردازند و از شخص غایب یا مستنکف مطالبه نمایند. ماده ۱۲۰۶ - زوجه در هر حال می تواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوا نماید و طلب او از

بابت نفقه مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر، زن مقدم بر غرما خواهد بود ولی اقارب فقط نسبت به آتیه می‌توانند مطالبه نفقه نمایند.

کتاب دهم در حجر و قیمومت

فصل اول در کلیات (ماده ۱۲۰۷ الی ۱۲۱۷)

ماده ۱۲۰۷ - اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند: ۱ - صغار؛ ۲ - اشخاص غیر رشید؛ ۳ - مجانین ماده ۱۲۰۸ - غیر رشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلایی نباشد. ماده ۱۲۰۹ - حذف شده است ماده ۱۲۱۰ - هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد. تبصره ۱ - سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است تبصره ۲ - اموال صغیری را که بالغ شده است در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد. ماده ۱۲۱۱ - جنون به هر درجه که باشد موجب حجر است ماده ۱۲۱۲ - اعمال و احوال صغیر تا حدی که مربوط به اموال و حقوق مالی او باشد باطل و بلا اثر است معذکک صغیر ممیز می‌تواند تملک بلاعوض کند مثل قبول هبه و صلح بلاعوض و حیازت مباحات ماده ۱۲۱۳ - مجنون دائمی مطلقا و مجنون ادواری در حال جنون نمی‌تواند هیچ تصرفی در اموال و حقوق مالی خود بنماید ولو با اجازه ولی یا قیم خود لکن اعمال حقوقی که مجنون ادواری در حال افاقه می‌نماید نافذ است مشروط بر آن که افاقه او مسلم باشد. ماده ۱۲۱۴ - معاملات و تصرفات غیر رشید در اموال خود نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم او اعم از اینکه این اجازه قبلا داده شده باشد یا بعد از انجام عمل معذکک تملکات بلاعوض از هر قبیل که باشد بدون اجازه هم نافذ است ماده ۱۲۱۵ - هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز و یا مجنون بدهد صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود. ماده ۱۲۱۶ - هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است ماده ۱۲۱۷ - اداره اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید به عهده ولی یا قیم آنان است بطوری که در باب سوم از کتاب هشتم و مواد بعد مقرر است

فصل دوم در موارد نصب قیم و ترتیب آن (ماده ۱۲۱۸ الی ۱۲۳۴)

ماده ۱۲۱۸ - برای اشخاص ذیل نصب قیم می‌شود: ۱ - برای صغاری که ولی خاص ندارند؛ ۲ - برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند؛ ۳ - برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها نباشد. ماده ۱۲۱۹ - هر یک از ابوین مکلف است در مواردی که به موجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را به دادستان حوزه اقامت خود و یا به نماینده او اطلاع داده و از او تقاضا نماید که اقدام لازم برای نصب قیم بعمل آورد. ماده ۱۲۲۰ - در صورت نبودن هیچیک از ابوین یا عدم اطلاع آنها انجام تکلیف مقرر در ماده قبل به عهده اقریبایی است که با شخص محتاج به قیم در یک جا زندگی می‌نمایند. ماده ۱۲۲۱ - اگر کسی به موجب ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود زن یا شوهر داشته باشد زوج یا زوجه نیز مکلف به انجام تکلیف مقرر در ماده ۱۲۱۹ خواهند بود. ماده ۱۲۲۲ - در هر موردی که دادستان بنحوی از انحا به وجود شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود مسبوق گردید باید به دادگاه مدنی خاص رجوع و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب می‌داند به آن دادگاه معرفی کند. دادگاه مدنی خاص از میان اشخاص مزبور یک یا چند نفر را به سمت قیم معین و حکم نصب او را صادر می‌کند و نیز دادگاه مذکور می‌تواند علاوه بر قیم یک یا چند نفر را به عنوان ناظر معین نماید در این صورت دادگاه باید حدود اختیارات ناظر را نیز تعیین کند. اگر دادگاه مدنی

خاص اشخاصی را که معرفی شده‌اند معتمد ندید اشخاص دیگری را از دادسرا خواهد خواست ماده ۱۲۲۳ - در مورد مجانین دادستان باید قبلاً رجوع به خبره کرده نظریات خبره را به دادگاه مدنی خاص ارسال دارد در صورت اثبات جنون دادستان به دادگاه رجوع می‌کند تا نصب قیم شود در مورد اشخاص غیررشید نیز دادستان مکلف است که قبلاً به وسیله مطلعین اطلاعات کافی در باب سفاهت او بدست آورده و در صورتی که سفاهت را مسلم دید در دادگاه مدنی خاص اقامه دعوا نماید و پس از صدور حکم عدم رشد برای نصب قیم به دادگاه رجوع نماید. ماده ۱۲۲۴ - حفظ و نظارت در اموال صغار و مجانین و اشخاص غیررشید مادام که برای آنها قیم معین نشده به عهده مدعی‌العموم خواهد بود طرز حفظ و نظارت مدعی‌العموم به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد. ماده ۱۲۲۵ - همین که حکم جنون یا عدم رشد یک نفر صادر و به توسط محکمه شرع برای او قیم معین گردید مدعی‌العموم می‌تواند حجر آن را اعلان نماید انتشار حجر هر کسی که نظر به وضعیت دارائی او ممکن است طرف معاملات بالنسبه عمده واقع گردد الزامی است ماده ۱۲۲۶ - اسامی اشخاصی که بعد از کبر و رشد بعثت جنون یا سفه محجور می‌گردند باید در دفتر مخصوص ثبت شود. مراجعه به دفتر مزبور برای عموم آزاد است ماده ۱۲۲۷ - فقط کسی را محاکم و ادارات و دفاتر اسناد رسمی به قیمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط دادگاه بعمل آمده باشد. ماده ۱۲۲۸ - در خارج ایران کنسول ایران و یا جانشین وی می‌تواند نسبت به ایرانیانی که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آنها قیم نصب شود و در حوزه ماموریت او ساکن یا مقیم‌اند موقتاً نصب قیم کند و باید تا ۱۰ روز پس از نصب قیم مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستد. نصب قیم مزبور وقتی قطعی می‌گردد که دادگاه مدنی خاص تهران تصمیم کنسول یا جانشین او را تنفیذ کند. ماده ۱۲۲۹ - وظایف و اختیاراتی که بموجب قوانین و نظامات مربوطه در مورد دخالت مدعیان عمومی در امور صغار و مجانین و اشخاص غیررشید مقرر است در خارج ایران به عهده مامورین قنسولی خواهد بود. ماده ۱۲۳۰ - اگر در عهد و قراردادهای منعقدہ بین دولت ایران و دولتی که مامور قنسولی ماموریت خود را در مملکت آن دولت اجرامی کند ترتیبی برخلاف مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشد مامورین مذکور مفاد آن دو ماده را تاحدی که با مقررات عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد. ماده ۱۲۳۱ - اشخاص ذیل نباید به سمت قیمومت معین شوند: ۱ - کسانی که خود تحت ولایت یا قیمومت هستند؛ ۲ - کسانی که بعثت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل بموجب حکم قطعی محکوم شده باشند: سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس - هتک ناموس - یا منافیات عفت - جنحه نسبت به اطفال - ورشکستگی به تقصیر. ۳ - کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آنها تصفیه نشده است ۴ - کسانی که معروف به فساد اخلاق باشند؛ ۵ - کسی که خود یا اقربا طبقه اول او دعوائی بر محجور داشته باشد. ماده ۱۲۳۲ - با داشتن صلاحیت برای قیمومت اقربای محجور مقدم بر سایرین خواهند بود. ماده ۱۲۳۳ - زن نمی‌تواند بدون رضایت شوهر خود، سمت قیمومت را قبول کند. ماده ۱۲۳۴ - در صورتی که محکمه بیش از یک نفر را برای قیمومت تعیین کند می‌تواند وظایف آنها را تفکیک نماید.

فصل سوم در اختیارات و وظایف و مسئولیت قیم و حدود آن (ماده ۱۲۳۵ الی ۱۲۴۷)

ماده ۱۲۳۵ - مواظبت شخص مولی‌علیه و نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی او با قیم است ماده ۱۲۳۶ - قیم مکلف است قبل از مداخله در امور مالی مولی‌علیه صورت جامعی از کلیه دارائی او تهیه کرده و یک نسخه از آن را به امضای خود برای دادستانی که مولی‌علیه در حوزه آن سکونت دارد بفرستد و دادستان یا نماینده او باید نسبت به میزان دارائی مولی‌علیه تحقیقات لازمه بعمل آورد. ماده ۱۲۳۷ - مدعی‌العموم یا نماینده او باید بعد از ملاحظه صورت دارایی مولی‌علیه مبلغی را که ممکن است مخارج سالانه مولی‌علیه بالغ بر آن گردد و مبلغی را که برای اداره کردن دارائی مزبور ممکن است لازم شود معین نماید قیم نمی‌تواند بیش از مبالغ مزبور خرج کند مگر با تصویب مدعی‌العموم ماده ۱۲۳۸ - قیمی که تقصیر در حفظ مال مولی‌علیه بنماید

مسئول ضرر و خساراتی است که از نقصان یا تلف آن مال حاصل شده اگرچه نقصان یا تلف مستند به تفریط یا تعدی قیم نباشد. ماده ۱۲۳۹ - هرگاه معلوم شود که قیم عامداً مالی را که متعلق به مولی علیه بوده جزو صورت دارائی او قید نکرده و یا باعث شده است که آن مال در صورت مزبور قید نشود مسئول هر ضرر و خساراتی خواهد بود که از این حیث ممکن است به مولی علیه وارد شود بعلاوه در صورتی که عمل مزبور از روی سوئیت بوده قیم معزول خواهد شد. ماده ۱۲۴۰ - قیم نمی‌تواند به سمت قیمومت از طرف مولی علیه با خود معامله کند اعم از اینکه مال مولی علیه را به خود منتقل کند یا مال خود را به او انتقال دهد. ماده ۱۲۴۱ - قیم نمی‌تواند اموال غیر منقول مولی علیه را بفروشد و یا رهن گذارد یا معامله‌ای کند که در نتیجه آن خود، مدیون مولی علیه شود مگر با لحاظ غبطه مولی علیه و تصویب مدعی‌العموم در صورت اخیر شرط حتمی تصویب مدعی‌العموم ملائت قیم می‌باشد و نیز نمی‌تواند برای مولی علیه بدون ضرورت و احتیاج قرض کند مگر با تصویب مدعی‌العموم ماده ۱۲۴۲ - قیم نمی‌تواند دعوی مربوط به مولی علیه را به صلح خاتمه دهد مگر با تصویب مدعی‌العموم ماده ۱۲۴۳ - در صورت وجود موجبات موجه دادستان می‌تواند از دادگاه مدنی خاص تقاضا کند که از قیم تضمیناتی راجع به اداره اموال مولی علیه بخواهد. تعیین نوع تضمین به نظر دادگاه است هرگاه قیم برای تعیین نوع تضمین حاضر نشد از قیمومت عزل می‌شود. ماده ۱۲۴۴ - قیم باید لااقل سالی یک مرتبه حساب تصدی خود را به مدعی‌العموم یا نماینده او بدهد و هرگاه در ظرف یک‌ماه از تاریخ مطالبه مدعی‌العموم حساب ندهد به تقاضای مدعی‌العموم معزول می‌شود. ماده ۱۲۴۵ - قیم باید حساب زمان تصدی خود را پس از کبر و رشد یا رفع حجر به مولی علیه سابق خود بدهد. هرگاه قیمومت او قبل از رفع حجر خاتمه یابد حساب زمان تصدی باید به قیم بعدی داده شود. ماده ۱۲۴۶ - قیم می‌تواند برای انجام امر قیمومت مطالبه اجرت کند میزان اجرت مزبور با رعایت کار قیم و مقدار اشتغالی که از امر قیمومت برای او حاصل می‌شود و محلی که قیم در آن جا اقامت دارد و میزان عایدی مولی علیه تعیین می‌گردد. ماده ۱۲۴۷ - مدعی‌العموم می‌تواند اعمال نظارت در امور مولی علیه را کلاً یا بعضاً به اشخاص موثق یا هیئت یا مؤسسه واگذار نماید. شخص یا هیئت یا مؤسسه که برای اعمال نظارت تعیین شده در صورت تقصیر یا خیانت مسئول ضرر و خسارت وارده به مولی علیه خواهند بود.

فصل چهارم در موارد عزل قیم (ماده ۱۲۴۸ الی ۱۲۵۲)

ماده ۱۲۴۸ - در موارد ذیل قیم معزول می‌شود: ۱ - اگر معلوم شود که قیم فاقد صفت امانت بوده و یا این صفت از او سلب شود؛ ۲ - اگر قیم مرتکب جنایت و یا مرتکب یکی از جنحه‌های ذیل شده و بموجب حکم قطعی محکوم گردد: سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس - هتک ناموس - منافیات عفت - جنحه نسبت به اطفال - ورشکستگی به تقصیر یا تقلب ۳ - اگر قیم به علتی غیر از علل فوق محکوم به حبس شود و بدین جهت نتواند امور مالی مولی علیه را اداره کند؛ ۴ - اگر قیم ورشکسته اعلان شود؛ ۵ - اگر عدم‌لیاقت یا توانایی قیم در اداره اموال مولی علیه معلوم شود؛ ۶ - در مورد مواد ۱۲۳۹، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴ با تقاضای مدعی‌العموم ماده ۱۲۴۹ - اگر قیم مجنون یا فاقد رشد گردد منعزل می‌شود. ماده ۱۲۵۰ - هرگاه قیم در امور مربوطه به اموال مولی علیه یا جنحه یا جنایت نسبت به شخص او مورد تعقیب مدعی‌العموم واقع شود محکمه به تقاضای مدعی‌العموم موقتاً قیم دیگری برای اداره اموال مولی علیه معین خواهد کرد. ماده ۱۲۵۱ - هرگاه زن بی‌شوهری ولو مادر مولی علیه که به سمت قیمومت معین شده است اختیار شوهر کند باید مراتب را در ظرف یک‌ماه از تاریخ انعقاد نکاح به دادستان حوزه اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد. در این صورت دادستان یا نماینده او می‌تواند بارعایت وضعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قیم جدید و یا ضم‌ناظر کند. ماده ۱۲۵۲ - در مورد ماده قبل اگر قیم ازدواج خود را در مدت مقرر به مدعی‌العموم یا نماینده او اطلاع ندهد مدعی‌العموم می‌تواند تقاضای عزل او را بکند.

فصل پنجم در خروج از تحت قیمومت (ماده ۱۲۵۳ الی ۱۲۵۶)

ماده ۱۲۵۳ - پس از زوال سببی که موجب تعیین قیم شده قیومت مرتفع می‌شود. ماده ۱۲۵۴ - خروج از قیومت را ممکن است خود مولی‌علیه یا هر شخص ذینفع دیگری تقاضا نماید، تقاضانامه ممکن است مستقیماً یا توسط دادستان حوزه‌ای که مولی‌علیه در آن جا سکونت دارد یا نماینده او به دادگاه مدنی خاص همان حوزه داده شود. ماده ۱۲۵۵ - در مورد ماده قبل مدعی‌العموم یا نماینده او مکلف است قبلاً- نسبت به رفع علت تحقیقات لازم به عمل آورده مطابق نتیجه حاصله از تحقیقات در محکمه اظهار عقیده نماید. در مورد کسانی که حجر آنها مطابق ماده ۱۲۲۵ اعلان می‌شود رفع حجر نیز باید اعلان گردد. ماده ۱۲۵۶ - رفع حجر هر محجور باید در دفتر مذکور در ماده ۱۲۲۶ و در مقابل اسم آن محجور قید شود.

جلد سوم در ادله اثبات دعوی (ماده ۱۲۵۷ الی ۱۲۵۸)

کتاب اول در اقرار

اشاره

ماده ۱۲۵۷ - هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی‌علیه هرگاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات امر بر عهده او است ماده ۱۲۵۸ - دلایل اثبات دعوی از قرار ذیل است ۱- اقرار، ۲- اسناد کتبی ۳- شهادت ۴- امارات ۵- قسم

باب اول در شرایط اقرار (ماده ۱۲۵۹ الی ۱۲۷۴)

ماده ۱۲۵۹ - اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر بر ضرر خود. ماده ۱۲۶۰ - اقرار واقع می‌شود به هر لفظی که دلالت بر آن نماید. ماده ۱۲۶۱ - اشاره شخص لال که صریحاً حاکی از اقرار باشد صحیح است ماده ۱۲۶۲ - اقرارکننده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد بنابراین اقرار صغیر و مجنون در حال دیوانگی و غیرقاصد و مکره موثر نیست ماده ۱۲۶۳ - اقرار سفیه در امور مالی موثر نیست ماده ۱۲۶۴ - اقرار مفلس و ورشکسته نسبت به اموال خود بر ضرر دیان نافذ نیست ماده ۱۲۶۵ - اقرار مدعی افلاس و ورشکستگی در امور راجعه به اموال خود به ملا-حظه حفظ حقوق دیگران منشا اثر نمی‌شود، تا افلاس یا عدم افلاس او معین گردد. ماده ۱۲۶۶ - در مقرله اهلیت شرط نیست لیکن برحسب قانون باید بتواند دارای آنچه که به نفع او اقرار شده است بشود. ماده ۱۲۶۷ - اقرار به نفع متوفی درباره ورثه او موثر خواهد بود. ماده ۱۲۶۸ - اقرار معلق موثر نیست ماده ۱۲۶۹ - اقرار به امری که عقلاً- یا عادتاً ممکن نباشد و یا برحسب قانون صحیح نیست اثری ندارد. ماده ۱۲۷۰ - اقرار برای حمل در صورتی موثر است که زنده متولد شود. ماده ۱۲۷۱ - مقرله اگر بکلی مجهول باشد اقرار اثری ندارد و اگر فی الجمله معلوم باشد مثل اقرار برای یکی از دو نفر معین صحیح است ماده ۱۲۷۲ - در صحت اقرار، تصدیق مقرله شرط نیست لیکن اگر مفاد اقرار را تکذیب کند اقرار مزبور در حق او اثری نخواهد داشت ماده ۱۲۷۳ - اقرار به نسب در صورتی صحیح است که اولاً تحقق نسب برحسب عادت و قانون ممکن باشد ثانیاً کسی که به نسب او اقرار شده تصدیق کند مگر در مورد صغیری که اقرار بر فرزند او شده به شرط آنکه منازعی در بین نباشد. ماده ۱۲۷۴ - اختلاف مقر و مقرله در سبب اقرار، مانع صحت اقرار نیست

باب دوم در آثار اقرار (۱۲۷۵ الی ۱۲۸۳)

ماده ۱۲۷۵ - هرکس اقرار به حقی برای غیر کند ملزم به اقرار خودخواهد بود. ماده ۱۲۷۶ - اگر کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود آن اقرار اثری نخواهد داشت ماده ۱۲۷۷ - انکار بعد از اقرار مسموع نیست لیکن اگر مقرر ادعا کند اقرار او فاسد یا مبنی بر اشتباه یا غلط بوده شنیده می‌شود و همچنین است در صورتی که برای اقرار خود عذری ذکر کند که قابل قبول باشد: مثل اینکه بگوید اقرار به گرفتن وجه در مقابل سند یا حواله بوده که وصول نشده لیکن دعاوی مذکوره مادامی که اثبات نشده مضرر به اقرار نیست ماده ۱۲۷۸ - اقرار هرکس فقط نسبت به خود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آن راملزم قرار داده باشد. ماده ۱۲۷۹ - اقرار شفاهی واقع در خارج از محکمه را در صورتی می‌توان به شهادت شهود اثبات کرد که اصل دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد و یا ادله و قرائنی بر وقوع اقرار موجود باشد. ماده ۱۲۸۰ - اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است ماده ۱۲۸۱ - قید دین در دفتر تجارت به منزله اقرار کتبی است ماده ۱۲۸۲ - اگر موضوع اقرار در محکمه مقید به قید یا وصفی باشد مقرله نمی‌تواند آن را تجزیه کرده از قسمتی از آن که به نفع او است بر ضرر مقرر استفاده نماید و از جزء دیگر آن صرف نظر کند. ماده ۱۲۸۳ - اگر اقرار دارای دو جزء مختلف‌الاثراثر باشد که ارتباط تامی بایکدیگر داشته باشند (مثل اینکه مدعی علیه اقرار به اخذ وجه از مدعی نموده و مدعی رد شود) مطابق ماده ۱۳۳۴ اقدام خواهد شد.

کتاب دوم در اسناد (ماده ۱۲۸۴ الی ۱۳۰۵)

ماده ۱۲۸۴ - سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد. ماده ۱۲۸۵ - شهادتنامه سند محسوب نمی‌شود و فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت ماده ۱۲۸۶ - سند بر دو نوع است رسمی و عادی ماده ۱۲۸۷ - اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مامورین رسمی در حدود صلاحیت آنها برطبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی است ماده ۱۲۸۸ - مفاد سند در صورتی معتبر است که مخالف قوانین نباشد. ماده ۱۲۸۹ - غیر از اسناد مذکوره در ماده ۱۲۸۷ سایر اسناد عادی است ماده ۱۲۹۰ - اسناد رسمی درباره طرفین و وراث و قائم مقام آنان معتبر است و اعتبار آنها نسبت به اشخاص ثالث در صورتی است که قانون تصریح کرده باشد. ماده ۱۲۹۱ - اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را داشته درباره طرفین و وراث و قائم مقام آنان معتبر است ۱ - اگر طرفی که سند بر علیه او اقامه شده است صدور آن را از منتسب‌الیه تصدیق نماید؛ ۲ - هرگاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آن را تکذیب یا تردید کرده فی‌الواقع امضا یا مهر کرده است ماده ۱۲۹۲ - در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار سند رسمی را دارد انکار و تردید مسموع نیست و طرف می‌تواند ادعای جعلیت به اسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد مزبور به جیتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است ماده ۱۲۹۳ - هرگاه سند به وسیله یکی از مامورین رسمی تنظیم اسناد، تهیه شده لیکن مامور، صلاحیت تنظیم آن سند را نداشته و یارعايت ترتیبات مقرر قانونی را در تنظیم سند نکرده باشد سند مزبور در صورتی که دارای امضا یا مهر طرف باشد، عادی است ماده ۱۲۹۴ - عدم رعایت مقررات راجعه به حق تمبر که به اسناد تعلق می‌گیرد سند را از رسمیت خارج نمی‌کند. ماده ۱۲۹۵ - محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آن جا تنظیم شده دارا می‌باشد مشروط بر اینکه اولاً - اسناد مزبوره به علتی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد؛ ثانیاً - مفاد آنها مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد؛ ثالثاً - کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده بموجب قوانین خود یا عهد، اسناد تنظیم شده در ایران را نیز معتبر بشناسد؛ رابعاً - نماینده سیاسی یا قنصلی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده یا نماینده سیاسی و قنصلی کشور مزبور در ایران تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل تنظیم یافته است ماده ۱۲۹۶ - هرگاه موافقت اسناد مزبور در ماده قبل با قوانین محل تنظیم خود به توسط نماینده سیاسی یا قنصلی خارجه در ایران تصدیق شده باشد قبول شدن سند در محاکم ایران متوقف بر این است که

وزارت امور خارجه و یا در خارج تهران حکام ایالات و ولایات امضای نماینده خارجه را تصدیق کرده باشند. ماده ۱۲۹۷ - دفاتر تجارتي در موارد دعوی تاجری بر تاجر دیگر در صورتی که دعوی از محاسبات و مطالبات تجارتي حاصل شده باشد دلیل محسوب می شود مشروط بر اینکه دفاتر مزبوره مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشد. ماده ۱۲۹۸ - دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود لیکن اگر کسی به دفتر تاجر استناد کرد نمی تواند تفکیک کرده آنچه را که بر نفع او است قبول و آنچه که بر ضرر او است رد کند مگر آنکه بی اعتباری آنچه را که بر ضرر اوست ثابت کند. ماده ۱۲۹۹ - دفتر تجارتي در موارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمی شود: ۱- در صورتی که مدلل شود اوراق جدیدی به دفتر داخل کرده اند یا دفتر تراشیدگی دارد؛ ۲- وقتی که در دفتر بی ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد؛ ۳- وقتی که بی اعتباری دفتر، سابقا به جهتی از جهات در محکمه مدلل شده باشد. ماده ۱۳۰۰ - در مواردی که دفاتر تجارتي بر نفع صاحب آن دلیل نیست بر ضرر او سندیت دارد. ماده ۱۳۰۱ - امضایی که در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضاء کننده دلیل است ماده ۱۳۰۲ - هرگاه در ذیل یا حاشیه یا ظهر سندی که در دست ابراز کننده بوده مندرجاتی باشد که حکایت از بی اعتباری یا از اعتبار افتادن تمام یا قسمتی از مفاد سند نماید مندرجات مزبوره معتبر محسوب است اگرچه تاریخ و امضا نداشته و یا به وسیله خط کشیدن و یا نحو دیگر باطل شده باشد. ماده ۱۳۰۳ - در صورتی که بطلان مندرجات مذکوره در ماده قبل ممضی به امضاء طرف بوده و یا طرف بطلان آن را قبول کند و یا آن که بطلان آن در محکمه ثابت شود مندرجات مزبور بلا اثر است ماده ۱۳۰۴ - هرگاه امضای تعهدی در خود تعهدنامه نشده و در نوشته علیحده شده باشد آن تعهدنامه بر علیه امضاء کننده دلیل است در صورتی که در نوشته مصرح باشد که به کدام تعهد یا معامله مربوط است ماده ۱۳۰۵ - در اسناد رسمی تاریخ تنظیم معتبر است حتی بر علیه اشخاص ثالث ولی در اسناد عادی تاریخ فقط درباره اشخاصی که شرکت در تنظیم آنها داشته و ورثه آنان و کسی که به نفع او وصیت شده معتبر است

کتاب سوم در شهادت

باب اول در موارد شهادت (ماده ۱۳۰۶ الی ۱۳۱۴)

مواد ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸ حذف شده اند. و ماده ۱۳۰۹ - در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه معزز شده دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد به شهادت اثبات نمی گردد. مواد ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ حذف شده اند. و ماده ۱۳۱۲ - احکام مذکور در فوق در موارد ذیل جاری نخواهد بود: ۱- در مواردی که اقامه شاهد برای تقویت یا تکمیل دلیل باشد مثل اینکه دلیلی بر اصل دعوی موجود بوده ولی مقدار یا مبلغ مجهول باشد و شهادت بر تعیین مقدار یا مبلغ اقامه گردد، ۲- در مواردی که به واسطه حادثه ای گرفتن سند ممکن نیست از قبیل حریق و سیل و زلزله و غرق کشتی که کسی مال خود را به دیگری سپرده و تحصیل سند برای صاحب مال در آن موقع ممکن نیست ۳- نسبت به کلیه تعهداتی که عادتاً تحصیل سند معمول نمی باشد مثل اموالی که اشخاص در مهمانخانه ها و قهوه خانه ها و کاروانسراها و نمایشگاه ها می سپارند و مثل حق الزحمه اطبا و قابله همچنین انجام تعهداتی که برای آن عادتاً تحصیل سند معمول نیست مثل کارهایی که به مقاطعه و نحو آن تعهد شده اگرچه اصل تعهد به موجب سند باشد، ۴- در صورتی که سند به واسطه حوادث غیر منتظره مفقود یا تلف شده باشد، ۵- در موارد ضمان قهری و امور دیگری که داخل در عقود و ایقاعات نباشد. ماده ۱۳۱۳ - در شاهد، بلوغ عقل عدالت ایمان و طهارت مولد شرط است تبصره ۱ - عدالت شاهد باید با یکی از طرق شرعی برای دادگاه احراز شود. تبصره ۲ - شهادت کسی که نفع شخصی به صورت عین یا منفعت یا حق رد دعوی داشته باشد و نیز شهادت کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند پذیرفته نمی شود. ماده ۱۳۱۳ مکرر - و تبصره آن حذف گردید. ماده ۱۳۱۴ - شهادت اطفالی را که به سن پانزده سال تمام نرسیده اند فقط ممکن است برای مزید اطلاع استماع نمود مگر در

مواردی که قانون شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد.

باب دوم در شرایط شهادت (ماده ۱۳۱۵ الی ۱۳۲۰)

ماده ۱۳۱۵ - شهادت باید از روی قطع و یقین باشد نه بطور شک و تردید. ماده ۱۳۱۶ - شهادت باید مطابق با دعوی باشد ولی اگر در لفظ مخالف و در معنی موافق یا کمتر از ادعا باشد ضرری ندارد. ماده ۱۳۱۷ - شهادت شهود باید مفادا متحد باشد، بنابراین اگر شهود به اختلاف شهادت دهند قابل اثر نخواهد بود مگر در صورتی که از مفاد اظهارات آنها قدر متیغنی به دست آید. ماده ۱۳۱۸ - اختلاف شهود در خصوصیات امر اگر موجب اختلاف در موضوع شهادت نباشد اشکالی ندارد. ماده ۱۳۱۹ - در صورتی که شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم شود برخلاف واقع شهادت داده است به شهادت او ترتیب اثر داده نمی‌شود. ماده ۱۳۲۰ - شهادت بر شهادت در صورتی مسموع است که شاهد اصل وفات یافته یا به واسطه مانع دیگری مثل بیماری و سفر و حبس و غیره نتواند حاضر شود.

کتاب چهارم در امارات (ماده ۱۳۲۱ الی ۱۳۲۴)

ماده ۱۳۲۱ - اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود. ماده ۱۳۲۲ - امارات قانونی اماراتی است که قانون آن را دلیل بر امری قرار داده مثل امارات مذکور در این قانون از قبیل مواد ۳۵ و ۱۰۹ و ۱۱۰ - ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ و غیر آنها و سایر امارات مصرحه در قوانین دیگر. ماده ۱۳۲۳ - امارات قانونی در کلیه دعاوی (اگرچه از دعاوی باشد که به شهادت شهود قابل اثبات نیست معتبر است مگر آنکه دلیل برخلاف آن موجود باشد. ماده ۱۳۲۴ - اماراتی که به نظر قاضی واگذار شده عبارت است از اوضاع و احوالی در خصوص مورد و در صورتی قابل استناد است که دعوا به شهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را تکمیل کند.

کتاب پنجم در قسم (ماده ۱۳۲۵ الی ۱۳۳۵)

ماده ۱۳۲۵ - در دعاوی که به شهادت شهود قابل اثبات است مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی علیه است منوط به قسم او نماید. ماده ۱۳۲۶ - در موارد ماده فوق مدعی علیه نیز می‌تواند در صورتی که مدعی سقوط دین یا تعهد یا نحو آن باشد حکم به دعوی را منوط به قسم مدعی کند. ماده ۱۳۲۷ - مدعی یا مدعی علیه در مورد دو ماده قبل در صورتی می‌تواند تقاضای قسم از طرف دیگر نماید که عمل یا موضوع دعوا منتسب به شخص آن طرف باشد. بنابراین در دعاوی بر صغیر و مجنون نمی‌توان قسم را بر ولی یا وصی یا قیم متوجه کرد مگر نسبت به اعمال صادره از شخص آنها آن هم مادامی که به ولایت یا وصایت یا قیمومت باقی هستند و همچنین است در کلیه مواردی که امر، منتسب به یک طرف باشد. ماده ۱۳۲۸ - کسی که قسم متوجه او شده است در صورتی که بطلان دعوی طرف را اثبات نکند یا باید قسم یاد نماید یا قسم را به طرف دیگر رد کند و اگر، نه قسم یاد کند و نه آن را به طرف دیگر رد نماید با سوگند مدعی به حکم حاکم مدعی علیه نسبت به ادعایی که تقاضای قسم برای آن شده است محکوم می‌گردد. ماده ۱۳۲۸ مکرر - دادگاه می‌تواند نظر به اهمیت موضوع دعوی و شخصیت طرفین و اوضاع و احوال موثر مقرر دارد که قسم با تشریفات خاص مذهبی یاد شود یا آن را به نحو دیگری تغلیظ نماید. تبصره - چنانچه کسی که قسم به او متوجه شده تغلیظ را قبول نکند و قسم بخورد، ناکل محسوب نمی‌شود. ماده ۱۳۲۹ - قسم به کسی متوجه می‌گردد که اگر اقرار کند

اقرارش نافذ باشد. ماده ۱۳۳۰ - تقاضای قسم قابل توکیل است و وکیل در دعوی می‌تواند طرف را قسم دهد لیکن قسم یاد کردن قابل توکیل نیست و وکیل نمی‌تواند به جای موکل قسم یاد کند. ماده ۱۳۳۱ - قسم قاطع دعوا است و هیچ‌گونه اظهاری که منافی با قسم باشد از طرف پذیرفته نخواهد شد. ماده ۱۳۳۲ - قسم فقط نسبت به اشخاصی که طرف دعوی بوده‌اند و قائم مقام آنها، موثر است. ماده ۱۳۳۳ - در دعوی بر متوفی در صورتی که اصل حق ثابت شده و بقای آن در نظر حاکم ثابت نباشد حاکم می‌تواند از مدعی بخواهد که بر بقای حق خود قسم یاد کند. در این مورد کسی که از او مطالبه قسم شده است نمی‌تواند قسم را به مدعی علیه رد کند. حکم این ماده در موردی که مدرک دعوا سند رسمی است جاری نخواهد بود. ماده ۱۳۳۴ - در مورد ماده ۱۲۸۳ کسی که اقرار کرده است می‌تواند نسبت به آنچه که مورد ادعای اوست از طرف مقابل تقاضای قسم کند. مگر اینکه مدرک دعوی مدعی سند رسمی یا سندی باشد که اعتبار آن در محکمه محرز شده است. ماده ۱۳۳۵ - توسل به قسم وقتی ممکن است که دعوی مدنی نزد حاکم به موجب اقرار یا شهادت یا علم قاضی بر مبنای اسناد یا امارات ثابت نشده باشد، در این صورت مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی علیه است منوط به قسم او نماید.

قانون استفسار به تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶ - مصوب ۱۳۸۴

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمدخاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران طرح استفسار به تبصره ذیل ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶ که به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز سهشنبه مورخ ۲۷/۲/۱۳۸۴ مجلس مطرح و نظر تفسیری مجلس به شرح پیوست تصویب و در تاریخ ۴/۳/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسید، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال میگردد.

دادرسی و اجرا

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب کتاب اول - در امور مدنی

ماده ۱ - آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاههای عمومی، انقلاب تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن میباشند به کار میرود. ماده ۲ - هیچ دادگاهی نمیتواند به دعوی رسیدگی کند مگر این که شخص یا اشخاص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونیان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند. ماده ۳ - قضات دادگاهها موظفند موافق قوانین به دعوی رسیدگی کرده حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمیتوانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند والا مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد. تبصره - چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد. ماده ۴ - دادگاهها مکلفند در مورد هر دعوا به طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به صورت عام و کلی حکم صادر کنند. ماده ۵ - آرای دادگاهها قطعی است مگر در موارد مقرر در باب چهارم این قانون یا در مواردی که به موجب سایر قوانین قابل نقض یا تجدیدنظر باشند. ماده ۶ - عقود و قراردادهایی که محل نظم عمومی یا بر خلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست. ماده ۷ - به ماهیت هیچ دعوی نمیتوان در مرحله بالا-تر رسیدگی نمود تا زمانی که در مرحله نخستین در آن دعوا حکمی صادر

نشده باشد، مگر به موجب قانون ماده ۸- هیچ مقام رسمی یا سازمان یا اداره دولتی نمیتواند حکم دادگاه را تغییر دهد و یا از اجرای آن جلوگیری کند مگر دادگاهی که حکم صادر نموده و یا مرجع بالاتر، آن هم در مواردی که قانون معین نموده باشد. ماده ۹- رسیدگی به دعاوی که قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه شده به ترتیب مقرر در این قانون ادامه مییابد. آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان میباشد مگر این که آن قوانین خلاف شرع شناخته شود. نسبت به کلیه قرارهای عدم صلاحیتی که قبل از تاریخ اجرای این قانون از دادگاهها صادر شده و در زمان اجرای این قانون در جریان رسیدگی تجدیدنظر یا فرجامی است به ترتیب مقرر در این قانون عمل میشود.

کتاب اول - در امور مدنی

کلیات (ماده ۱ الی ۹)

باب اول - در صلاحیت دادگاهها

فصل اول - در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاهها (ماده ۱۰ الی ۲۵)

ماده ۱۰- رسیدگی نخستین به دعاوی حسب مورد در صلاحیت دادگاههای عمومی و انقلاب است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد. ماده ۱۱- دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خواننده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خواننده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد و هرگاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیرمنقول داشته باشد، دعوا در دادگاهی اقامه می شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است و هرگاه مال غیرمنقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود، اقامه دعوا خواهد کرد. تبصره - حوزه قضایی عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه در آن واقع است تقسیم بندی حوزه قضایی به واحدهایی از قبیل مجتمع یا ناحیه تغییری در صلاحیت عام دادگاه مستقر در آن نمی دهد. ماده ۱۲- دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول اعم از دعاوی مالکیت مزاحمت ممانعت از حق تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است اگرچه خواننده در آن حوزه مقیم نباشد. ماده ۱۳- در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد، خواهان می تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می بایست در آنجا انجام شود. ماده ۱۴- درخواست تامین دلایل و امارات از دادگاهی می شود که دلایل و امارات مورد درخواست در حوزه آن واقع است ماده ۱۵- در صورتی که موضوع دعوا مربوط به مال منقول و غیرمنقول باشد، در دادگاهی اقامه دعوا می شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است به شرط آن که دعوا در هر دو قسمت ناشی از یک منشا باشد. ماده ۱۶- هرگاه یک ادعا راجع به خوانندگان متعدد باشد که در حوزه های قضایی مختلف اقامت دارند یا راجع به اموال غیرمنقول متعددی باشد که در حوزه های قضایی مختلف واقع شده اند، خواهان می تواند به هر یک از دادگاههای حوزه های یادشده مراجعه نماید. ماده ۱۷- هر دعوی که در اثنای رسیدگی به دعوی دیگر از طرف خواهان یا خواننده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود، دعوی طاری نامیده می شود. این دعوا اگر با دعوی اصلی مرتبط یا دارای یک منشا باشد، در دادگاهی اقامه می شود که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است ماده ۱۸- عنوان احتساب تهاثر یا هر اظهاری که دفاع محسوب شود، دعوی طاری نبوده مشمول ماده (۱۷) نخواهد بود. ماده ۱۹- هرگاه رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است رسیدگی به دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیتدار متوقف می شود. در این مورد، خواهان مکلف است

ظرف یک ماه در دادگاه صالح اقامه دعوا کند و رسید آن را به دفتر دادگاه رسیدگی کننده تسلیم نماید، در غیر این صورت قرار رد دعوا صادر می شود و خواهان می تواند پس از اثبات ادعا در دادگاه صالح مجدداً اقامه دعوا نماید. ماده ۲۰ - دعاوی راجع به ترکه متوفی اگر چه خواسته دین و یا مربوط به وصایای متوفی باشد تا زمانی که ترکه تقسیم نشده در دادگاه محلی اقامه می شود که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران آن محل بوده و اگر آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد، رسیدگی به دعاوی یاد شده در صلاحیت دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی در ایران در حوزه آن بوده است ماده ۲۱ - دعاوی راجع به توقف یا ورشکستگی باید در دادگاهی اقامه می شود که شخص متوقف یا ورشکسته در حوزه آن اقامت داشته است و چنانچه در ایران اقامت نداشته باشد، در دادگاهی اقامه می شود که متوقف یا ورشکسته در حوزه آن برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی داشته یا دارد. ماده ۲۲ - دعاوی راجع به ورشکستگی شرکتهای بازرگانی که مرکز اصلی آنها در ایران است همچنین دعاوی مربوط به اصل شرکت و دعاوی بین شرکت و شرکا و اختلافات حاصله بین شرکا و دعاوی اشخاص دیگر علیه شرکت تا زمانی که شرکت باقی است و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است در مرکز اصلی شرکت اقامه می شود. ماده ۲۳ - دعاوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت در محلی که تعهد در آنجا واقع شده یا محلی که کالا باید در آنجا تسلیم گردد یا جایی که پول باید پرداخت شود اقامه می شود. اگر شرکت دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه یا اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است اقامه شود، مگر آن که شعبه یاد شده برچیده شده باشد که در این صورت نیز دعاوی در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد. ماده ۲۴ - رسیدگی به دعاوی اعسار به طور کلی با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی نخستین به دعاوی اصلی را دارد یا ابتدا به آن رسیدگی نموده است ماده ۲۵ - هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذی نفع مقیم خارج از کشور باشد رسیدگی با دادگاه محل صدور سند است و اگر محل تنظیم سند و اقامت خواهان هر دو خارج از کشور باشد در صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان تهران خواهد بود.

فصل دوم - اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن (ماده ۲۶ الی ۳۰)

ماده ۲۶ - تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه نسبت به دعاوی که به آن رجوع شده است با همان دادگاه است مناط صلاحیت تاریخ تقدیم دادخواست است مگر در موردی که خلاف آن مقرر شده باشد. ماده ۲۷ - در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به دادگاه صلاحیتدار ارسال می نماید. دادگاه مرجوع الیه مکلف است خارج از نوبت نسبت به صلاحیت اظهار نظر نماید و چنانچه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد، پرونده را جهت حل اختلاف به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می کند. رای دادگاه تجدیدنظر در تشخیص صلاحیت لازم الاتباع خواهد بود. تبصره - در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاههای دو حوزه قضایی از دو استان باشد، مرجع حل اختلاف به ترتیب یاد شده دیوان عالی کشور می باشد. ماده ۲۸ - هرگاه بین دادگاههای عمومی نظامی و انقلاب در مورد صلاحیت اختلاف محقق شود همچنین در مواردی که دادگاهها اعم از عمومی نظامی و انقلاب به صلاحیت مراجع غیرقضایی از خود نفی صلاحیت کنند و یا خود را صالح بدانند، پرونده برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد. رای دیوان عالی کشور در خصوص تشخیص صلاحیت لازم الاتباع می باشد. ماده ۲۹ - رسیدگی به قرارهای عدم صلاحیت در دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور، خارج از نوبت خواهد بود. ماده ۳۰ - هرگاه بین دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان و یا دادگاه تجدیدنظر استان با دادگاه بدوی در مورد صلاحیت اختلاف شود حسب مورد، نظر مرجع عالی لازم الاتباع است

باب دوم - وکالت در دعاوی (ماده ۳۱ الی ۴۷)

ماده ۳۱- هریک از متداعیین می‌توانند برای خود حداکثر تا دو نفر وکیل انتخاب و معرفی نمایند. ماده ۳۲- وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی و وابسته به دولت شرکتهای دولتی نهادهای انقلاب اسلامی و موسسات عمومی غیردولتی شهرداریها و بانکها می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری برای طرح هرگونه دعوا یا دفاع و تعقیب دعاوی مربوط از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود با داشتن یکی از شرایط زیر به عنوان نماینده حقوقی استفاده نمایند: ۱- دارا بودن لیسانس در رشته حقوق با دو سال سابقه کارآموزی در دفاتر حقوقی دستگاههای مربوط ۲- دو سال سابقه کار قضایی یا وکالت به شرط عدم محرومیت از اشتغال به مشاغل قضاوت یا وکالت تشخیص احراز شرایط یاد شده به عهده بالاترین مقام اجرایی سازمان یا قائم مقام قانونی وی خواهد بود. ارائه معرفی نامه نمایندگی حقوقی به مراجع قضایی الزامی است ماده ۳۳- وکلای متداعیین باید دارای شرایطی باشند که به موجب قوانین راجع به وکالت در دادگاهها برای آنان مقرر گردیده است ماده ۳۴- وکالت ممکن است به موجب سند رسمی یا غیررسمی باشد. در صورت اخیر، در مورد وکالت‌نامه‌های تنظیمی در ایران وکیل می‌تواند ذیل وکالت‌نامه تایید کند که وکالت نامه را موکل شخصا در حضور او امضا یا مهر کرده یا انگشت زده است در صورتی که وکالت در خارج از ایران داده شده باشد باید به گواهی یکی از مامورین سیاسی یا کنسولی جمهوری اسلامی ایران برسد. مرجع گواهی وکالت نامه اشخاص مقیم در کشورهای فاقد مامور سیاسی یا کنسولی ایران به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت دادگستری با همکاری وزارت امور خارجه ظرف مدت سه ماه تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. اگر وکالت در جلسه دادرسی داده شود، مراتب در صورتجلسه قید و به امضای موکل می‌رسد و چنانچه موکل در زندان باشد، رییس زندان یا معاون وی باید امضا یا اثر انگشت او را تصدیق نمایند. تبصره - در صورتی که موکل امضاء، مهر یا اثر انگشت خود را انکار نماید، دادگاه به این موضوع نیز رسیدگی خواهد نمود. ماده ۳۵- وکالت در دادگاهها شامل تمام اختیارات راجع به امر دادرسی است جز آنچه را که موکل استثنا کرده یا توکیل در آن خلاف شرع باشد، لیکن در امور زیر باید اختیارات وکیل در وکالت‌نامه تصریح شود: ۱- وکالت راجع به اعتراض به رای تجدیدنظر، فرجام خواهی و اعاده دادرسی ۲- وکالت در مصالحه و سازش ۳- وکالت در ادعای جعل یا انکار و تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند. ۴- وکالت در تعیین جاعل ۵- وکالت در ارجاع دعوا به داوری و تعیین داور. ۶- وکالت در توکیل ۷- وکالت در تعیین مصدق و کارشناس ۸- وکالت در دعوی خسارت ۹- وکالت در استرداد دادخواست یا دعوا. ۱۰- وکالت در جلب شخص ثالث و دفاع از دعوی ثالث ۱۱- وکالت در ورود شخص ثالث و دفاع از دعوی ورود ثالث ۱۲- وکالت در دعوی متقابل و دفاع در قبال آن ۱۳- وکالت در ادعای اعسار. ۱۴- وکالت در قبول یا رد سوگند. تبصره ۱- اشاره به شماره‌های یاد شده در این ماده بدون ذکر موضوع آن تصریح محسوب نمی‌شود. تبصره ۲- سوگند، شهادت اقرار، لعان و ایلا قابل توکیل نمی‌باشد. ماده ۳۶- وکیل در دادرسی در صورتی حق درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات آن و اخذ محکوم به و وجوه ایداعی به نام موکل را خواهد داشت که در وکالت‌نامه تصریح شده باشد. ماده ۳۷- اگر موکل وکیل خود را عزل نماید، مراتب را باید به دادگاه و وکیل معزول اطلاع دهد. عزل وکیل مانع از جریان دادرسی نخواهد بود. اظهار شفاهی عزل وکیل باید در صورت جلسه قید و به امضای موکل برسد. ماده ۳۸- تا زمانی که عزل وکیل به اطلاع او نرسیده است اقدامات وی در حدود وکالت همچنان ابلاغیایی که از طرف دادگاه به وکیل می‌شود موثر در حق موکل خواهد بود، ولی پس از اطلاع دادگاه از عزل وکیل دیگر او را در امور راجع به دادرسی وکیل نخواهد شناخت ماده ۳۹- در صورتی که وکیل استعفای خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار می‌کند که شخصا یا توسط وکیل جدید، دادرسی را تعقیب نماید و دادرسی تا مراجعه موکل یا معرفی وکیل جدید حداکثر به مدت یک ماه متوقف می‌گردد. وکیلی که دادخواست تقدیم کرده در صورت استعفا مکلف است آن را به اطلاع موکل خود برساند و پس از آن موضوع استعفای وکیل و اخطار رفع نقص توسط دادگاه به موکل ابلاغ می‌شود، رفع نقص به عهده موکل است ماده ۴۰- در صورت فوت

وکیل یا استعفا یا عزل یا ممنوع شدن یا تعلیق از وکالت یا بازداشت وی چنانچه اخذ توضیحی لازم نباشد، دادرسی به تأخیر نمی‌افتد و در صورت نیاز به توضیح دادگاه مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند و با ذکر موارد توضیح به موکل اطلاع می‌دهد که شخصا یا توسط وکیل جدید در موعد مقرر برای ادای توضیح حاضر شود. ماده ۴۱ - وکلا مکلفند در هنگام محاکمه حضور داشته باشند مگر این که دارای عذر موجهی باشند. جهات زیر عذر موجه محسوب می‌شود: ۱ - فوت یکی از بستگان نسبی یا سببی تا درجه اول از طبقه دوم ۲ - ابتلا به مرضی که مانع از حرکت بوده یا حرکت مضر تشخیص داده شود. ۳ - حوادث قهری از قبیل سیل و زلزله که مانع از حضور در دادگاه باشد. ۴ - وقایع خارج از اختیار وکیل که مانع از حضور وی در دادگاه شود. وکیل معذور موظف است عذر خود را به طور کتبی با دلایل آن برای جلسه محاکمه به دادگاه ارسال دارد. دادگاه در صورتی به آن ترتیب اثر می‌دهد که عذر او را موجه بداند، در غیر این صورت جریان محاکمه را ادامه داده و مراتب را به مرجع صلاحیتدار برای تعقیب انتظامی وکیل اطلاع خواهد داد. در صورتی که جلسه دادگاه به علت عذر وکیل تجدید شود، دادگاه باید علت آن و وقت رسیدگی بعدی را به موکل اطلاع دهد. در این صورت جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل تجدید نخواهد شد. ماده ۴۲ - در صورتی که وکیل همزمان در دو یا چند دادگاه دعوت شود و جمع بین آنها ممکن نباشد، لازم است در دادگاهی که حضور او برابر قانون آیین دادرسی کیفری یا سایر قوانین الزامی باشد، حاضر شود و به دادگاههای دیگر لایحه بفرستد و یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری معرفی نماید. ماده ۴۳ - عزل یا استعفای وکیل یا تعیین وکیل جدید باید در زمانی انجام شود که موجب تجدید جلسه دادگاه نگردد، در غیر این صورت دادگاه به این علت جلسه را تجدید نخواهد کرد. ماده ۴۴ - در صورتی که یکی از اصحاب دعوا در دادرسی دو نفر وکیل معرفی کرده و به هیچ یک از آنها به طور منفرد حق اقدام نداده باشد، ارسال لایحه توسط هر دو یا حضور یکی از آنان با وصول لایحه از وکیل دیگر برای رسیدگی دادگاه کافی است و در صورت عدم وصول لایحه از وکیل غایب دادگاه بدون توجه به اظهارات وکیل حاضر، رسیدگی را ادامه خواهد داد. چنانچه هر دو وکیل یا یکی از آنان عذر موجهی برای عدم حضور اعلام نموده باشد، در صورت ضرورت جلسه دادرسی تجدید و علت تجدید جلسه و وقت رسیدگی به موکل نیز اطلاع داده می‌شود. در این صورت جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل تجدید نخواهد شد. ماده ۴۵ - وکیلی که در وکالت نامه حق اقدام یا حق تعیین وکیل مجاز در دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور را داشته باشد، هرگاه پس از صدور رای یا در موقع ابلاغ آن استعفا و از رویت رای امتناع نماید، باید دادگاه رای را به موکل ابلاغ نماید در این صورت ابتدای مدت تجدیدنظر و فرجام روز ابلاغ به وکیل یاد شده محسوب است مگر این که موکل ثابت نماید از استعفای وکیل بی اطلاع بوده در این صورت ابتدای مدت از روز اطلاع وی محسوب خواهد شد و چنانچه از جهت اقدام وکیل ضرر و زیانی به موکل وارد شود، وکیل مسوول می‌باشد. در خصوص این ماده دادخواست تجدیدنظر و فرجام وکیل مستعفی قبول می‌شود و مدیر دفتر دادگاه مکلف است به طور کتبی به موکل اخطار نماید که شخصا اقدام کرده یا وکیل جدید معرفی کند و یا اگر دادخواست ناقص باشد، نقص آن را برطرف نماید. ماده ۴۶ - ابلاغ دادنامه به وکیلی که حق دادرسی در دادگاه بالاتر راندارد یا برای وکالت در آن دادگاه مجاز نباشد و وکیل در توکیل نیز نباشد، معتبر نخواهد بود. ماده ۴۷ - اگر وکیل بعد از ابلاغ رای و قبل از انقضای مهلت تجدیدنظر و فرجام خواهی فوت کند یا ممنوع از وکالت شود یا به واسطه قوه قهریه قادر به انجام وظیفه وکالت نباشد، ابتدای مهلت اعتراض از تاریخ ابلاغ به موکل محسوب خواهد شد. تبصره - در مواردی که طرح دعوا یا دفاع به وسیله وکیل جریان یافته و وکیل یاد شده حق وکالت در مرحله بالاتر را دارد کلیه آرای صادره باید به او ابلاغ شود و مبدا مهلت‌ها و مواعد از تاریخ ابلاغ به وکیل محسوب می‌گردد.

فصل اول - دادخواست (ماده ۴۸ الی ۶۰)

مبحث اول - تقدیم دادخواست ماده ۴۸ - شروع رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست می‌باشد. دادخواست به دفتر دادگاه صالح و در نقاطی که دادگاه دارای شعب متعدد است به دفتر شعبه اول تسلیم می‌گردد. ماده ۴۹ - مدیر دفتر دادگاه پس از وصول دادخواست باید فوری آن را ثبت کرده رسیدی مشتمل بر نام خواهان خوانده، تاریخ تسلیم روز و ماه و سال با ذکر شماره ثبت به تقدیم‌کننده دادخواست بدهد و در برگ دادخواست تاریخ تسلیم را قید نماید. تاریخ رسید دادخواست به دفتر، تاریخ اقامه دعوا محسوب می‌شود. ماده ۵۰ - هرگاه دادگاه دارای شعب متعدد باشد مدیر دفتر باید فوری پس از ثبت دادخواست آن را جهت ارجاع به یکی از شعب به نظر رییس شعبه اول یا معاون وی برساند. مبحث دوم - شرایط دادخواست ماده ۵۱ - دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگهای چاپی مخصوص نوشته شده و حاوی نکات زیر باشد: ۱ - نام نام خانوادگی نام پدر، سن اقامتگاه و حتی الامکان شغل خواهان تبصره - در صورتی که دادخواست توسط وکیل تقدیم شود مشخصات وکیل نیز باید درج گردد. ۲ - نام نام خانوادگی اقامتگاه و شغل خوانده ۳ - تعیین خواسته و بهای آن مگر آن که تعیین بها ممکن نبوده و یا خواسته مالی نباشد. ۴ - تعهدات و جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه می‌داند به طوری که مقصود واضح و روشن باشد. ۵ - آنچه که خواهان از دادگاه درخواست دارد. ۶ - ذکر ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد، از اسناد و نوشتجات و اطلاع مطلعین و غیره ادله مثبت به ترتیب و واضح نوشته می‌شود و اگر دلیل گواهی گواه باشد، خواهان باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان را به طور صحیح معین کند. ۷ - امضای دادخواست دهنده و در صورت عجز از امضا، اثر انگشت او. تبصره ۱ - اقامتگاه باید با تمام خصوصیات از قبیل شهر و روستا و دهستان و خیابان به نحوی نوشته شود که ابلاغ به سهولت ممکن باشد. تبصره ۲ - چنانچه خواهان یا خوانده شخص حقوقی باشد، در دادخواست نام و اقامتگاه شخص حقوقی نوشته خواهد شد. ماده ۵۲ - در صورتی که هریک از اصحاب دعوا، عنوان قیم یا متولی یا وصی یا مدیریت شرکت و امثال آن را داشته باشد در دادخواست باید تصریح شود. مبحث سوم - موارد توقیف دادخواست ماده ۵۳ - در موارد زیر دادخواست توسط دفتر دادگاه پذیرفته می‌شود لکن برای به جریان افتادن آن باید به شرح مواد آتی تکمیل شود: ۱ - در صورتی که به دادخواست و پیوستهای آن برابر قانون تمبرالصاق نشده یا هزینه یاد شده تادیه نشده باشد. ۲ - وقتی که بندهای (۵، ۴، ۳، ۲ و ۶) ماده (۵۱) این قانون رعایت نشده باشد. ماده ۵۴ - در موارد یاد شده در ماده قبل مدیر دفتر دادگاه ظرف دوازده روز نقایص دادخواست را به طور کتبی و مفصل به خواهان اطلاع داده و از تاریخ ابلاغ به مدت ده روز به او مهلت می‌دهد تا نقایص را رفع نماید. چنانچه در مهلت مقرر اقدام به رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قراری که مدیر دفتر و در غیبت مشارالیه جانشین او صادر می‌کند، رد می‌گردد. این قرار به خواهان ابلاغ می‌شود و نامبرده می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به همان دادگاه شکایت نماید. رای دادگاه در این خصوص قطعی است ماده ۵۵ - در هر مورد که هزینه انتشار آگهی ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ اخطاریه دفتر تادیه نشود، دادخواست به وسیله دفتر رد خواهد شد. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در دادگاه می‌باشد، جز در مواردی که خواهان دادخواست اعسار از هزینه دادرسی تقدیم کرده باشد که در این صورت مدت یک ماه یاد شده از تاریخ ابلاغ دادنامه رد اعسار به نامبرده محسوب خواهد شد. ماده ۵۶ - هرگاه در دادخواست خواهان یا محل اقامت او معلوم نباشد ظرف دو روز از تاریخ رسید دادخواست به موجب قراری که مدیر دفتر دادگاه و در غیبت مشارالیه جانشین او صادر می‌کند، دادخواست رد می‌شود. مبحث چهارم - پیوستهای دادخواست ماده ۵۷ - خواهان باید رونوشت یا تصویر اسناد خود را پیوست دادخواست نماید. رونوشت یا تصویر باید خوانا و مطابقت آن با اصل گواهی شده باشد. مقصود از گواهی آن است که دفتر دادگاهی که دادخواست به آنجا داده می‌شود یا دفتر یکی از دادگاههای دیگر یا یکی از ادارات ثبت اسناد یا دفتر اسناد رسمی و در جایی که هیچ‌یک از آنها نباشد بخشدار محل یا یکی از ادارات دولتی مطابقت آنرا با اصل گواهی کرده باشد. در صورتی که رونوشت یا تصویر سند در خارج از کشور تهیه شده باشد مطابقت آن با

اصل در دفتر یکی از سفارتخانه‌ها و یا کنسولگری‌های ایران گواهی شده باشد. هرگاه اسنادی از قبیل دفاتر بازرگانی یا اساسنامه شرکت و امثال آنها مفصل باشد، قسمت‌هایی که مدرک ادعاست خارج نویس شده پیوست دادخواست می‌گردد. علاوه بر اشخاص و مقامات فوق، وکلای اصحاب دعوا نیز می‌توانند مطابقت رونوشت‌های تقدیمی خود را با اصل تصدیق کرده پس از الصاق تمبر مقرر در قانون به مرجع صالح تقدیم نمایند. ماده ۵۸ - در صورتی که اسناد به زبان فارسی نباشد، علاوه بر رونوشت یا تصویر مصدق، ترجمه گواهی شده آن نیز باید پیوست دادخواست شود. صحت ترجمه و مطابقت رونوشت با اصل را مترجمین رسمی یا مامورین کنسولی حسب مورد گواهی خواهند نمود. ماده ۵۹ - اگر دادخواست توسط ولی قیم و کیل و یا نماینده قانونی خواهان تقدیم شود، رونوشت سندی که مثبت سمت دادخواست دهنده است به پیوست دادخواست تسلیم دادگاه می‌گردد. ماده ۶۰ - دادخواست و کلیه برگه‌های پیوست آنان باید در دو نسخه و در صورت تعدد خواننده به تعداد آنها به علاوه یک نسخه تقدیم دادگاه شود.

فصل دوم - بهای خواسته (ماده ۶۱ الی ۶۳)

ماده ۶۱ - بهای خواسته از نظر هزینه دادرسی و امکان تجدیدنظرخواهی همان مبلغی است که در دادخواست قید شده است مگر این که قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد. ماده ۶۲ - بهای خواسته به ترتیب زیر تعیین می‌شود: ۱ - اگر خواسته پول رایج ایران باشد، بهای آن عبارت است از مبلغ مورد مطالبه و اگر پول خارجی باشد، ارزیابی آن به نرخ رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ تقدیم دادخواست بهای خواسته محسوب می‌شود. ۲ - در دعاوی چند خواهان که هر یک قسمتی از کل را مطالبه می‌نماید بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع تمام قسمت‌هایی که مطالبه می‌شود. ۳ - در دعاوی راجع به منافع و حقوقی که باید در مواعد معین استیفا و یا پرداخت شود، بهای خواسته عبارت است از حاصل جمع تمام اقساط و منافی که خواهان خود را ذی حق در مطالبه آن می‌داند. در صورتی که حق نامبرده محدود به زمان معین نبوده و یا مادام‌العمر باشد بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع منافع ده سال یا آنچه را که ظرف ده سال باید استیفا کند. ۴ - در دعاوی راجع به اموال بهای خواسته مبلغی است که خواهان در دادخواست معین کرده و خوانده تا اولین جلسه دادرسی به آن ایراد و یا اعتراض نکرده مگر این که قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد. ماده ۶۳ - چنانچه نسبت به بهای خواسته بین اصحاب دعوا اختلاف حاصل شود و اختلاف موثر در مراحل بعدی رسیدگی باشد، دادگاه قبل از شروع رسیدگی با جلب نظر کارشناس بهای خواسته را تعیین خواهد کرد.

فصل سوم - جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی (ماده ۶۴ الی ۹۲)

مبحث اول - جریان دادخواست ماده ۶۴ - مدیر دفتر دادگاه باید پس از تکمیل پرونده آن را فوراً در اختیار دادگاه قرار دهد. دادگاه پرونده را ملاحظه و در صورتی که کامل باشد پرونده را با صدور دستور تعیین وقت به دفتر اعاده‌مینماید تا وقت دادرسی (ساعت و روز و ماه و سال را تعیین و دستور ابلاغ دادخواست را صادر نماید. وقت جلسه باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ وقت به اصحاب دعوا و روز جلسه کمتر از پنج روز نباشد. در مواردی که نشانی طرفین دعوا یا یکی از آنها در خارج از کشور باشد فاصله بین ابلاغ وقت و روز جلسه کمتر از دو ماه نخواهد بود. ماده ۶۵ - اگر به موجب یک دادخواست دعاوی متعدد اقامه شود که با یکدیگر ارتباط کامل نداشته باشند و دادگاه نتواند ضمن یک دادرسی به آنها رسیدگی کند، دعوی اقامه شده را از یکدیگر تفکیک و به هر یک در صورت صلاحیت جداگانه رسیدگی میکند و در غیراین صورت نسبت به آنچه صلاحیت ندارد با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به مراجع صالح ارسال می‌نماید. ماده ۶۶ - در صورتی که دادخواست ناقص باشد و دادگاه نتواند رسیدگی کند جهات نقص را قید نموده پرونده را به دفتر اعاده می‌دهد. موارد نقص طی اخطاریه به خواهان ابلاغ می‌شود، خواهان مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نواقص اعلام شده را تکمیل نماید و گرنه دفتر دادگاه به موجب صدور قرار،

دادخواست را رد خواهد کرد. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در همان دادگاه می‌باشد، رای دادگاه در این خصوص قطعی است. مبحث دوم - ابلاغ ماده ۶۷ - پس از دستور دادگاه دایر به ابلاغ اوراق دعوا، مدیر دفتر یک نسخه از دادخواست و پیوسته‌های آن را در پرونده بایگانی می‌کند و نسخه دیگر را با ضمایم آن و اخطاریه جهت ابلاغ و تسلیم به خواننده ارسال می‌دارد.

ماده ۶۸ - مامور ابلاغ مکلف است حداکثر ظرف دو روز اوراق را به شخص خواننده تسلیم کند و در برگ دیگر اخطاریه رسید بگیرد. در صورت امتناع خواننده از گرفتن اوراق امتناع او را در برگ اخطاریه قید و اعاده مینماید. تبصره ۱ - ابلاغ اوراق در هریک از محل سکونت یا کار به عمل می‌آید. برای ابلاغ در محل کار کارکنان دولت و موسسات مامور به خدمات عمومی و شرکتها، اوراق به کارگزینی قسمت مربوط یا نزد رئیس کارمند مربوط ارسال میشود. اشخاص یاد شده مسوول اجرای ابلاغ می‌باشند و باید حداکثر به مدت ده روز اوراق را اعاده نمایند، در غیر این صورت به مجازات مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم میگردند.

تبصره ۲ - در مواردی که زن در منزل شوهر سکونت ندارد ابلاغ اوراق در محل سکونت یا محل کار او به عمل می‌آید. ماده ۶۹ - هرگاه مامور ابلاغ نتواند اوراق را به شخص خواننده برساند باید در نشانی تعیین شده به یکی از بستگان یا خادمان او که سن و وضعیت ظاهری آنان برای تمیز اهمیت اوراق یاد شده کافی باشد، ابلاغ نماید و نام و سمت گیرنده اخطاریه را در نسخه دوم قید و آن را اعاده کند. ماده ۷۰ - چنانچه خواننده یا هریک از اشخاص یاد شده در ماده قبل در محل نباشند یا از گرفتن برگهای اخطاریه استنکاف کنند، مامور ابلاغ این موضوع را در نسخ اخطاریه قید نموده نسخه دوم را به نشانی تعیین شده الصاق میکند و برگ اول را با سایر اوراق دعوای عودت میدهد. در این صورت خواننده میتواند تا جلسه رسیدگی به دفتر دادگاه مراجعه و با دادن رسید، اوراق مربوط را دریافت نماید. ماده ۷۱ - ابلاغ دادخواست در خارج از کشور به وسیله ماموران کنسولی یا سیاسی ایران به عمل می‌آید.

ماموران یاد شده دادخواست و ضمایم آن را وسیله مامورین سفارت یا هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد برای خواننده میفرستند و مراتب را از طریق وزارت امور خارجه به اطلاع دادگاه میرسانند. در صورتی که در کشور محل اقامت خواننده ماموران کنسولی یا سیاسی نباشند این اقدام را وزارت امور خارجه به طریقی که مقتضی بداند انجام میدهد. ماده ۷۲ - هرگاه معلوم شود محلی را که خواهان در دادخواست معین کرده است نشانی خواننده نبوده یا قبل از ابلاغ تغییر کرده باشد و مامور هم نتواند نشانی او را پیدا کند باید این نکته را در برگ دیگر اخطاریه قید کند و ظرف دو روز اوراق را عودت دهد. در این صورت برابر ماده (۵۴) رفتار خواهد شد مگر در مواردی که اقامتگاه خواننده برابر ماده (۱۰۱۰) قانون مدنی تعیین شده باشد که در همان محل ابلاغ خواهد شد. ماده ۷۳ - در صورتی که خواهان نتواند نشانی خواننده را معین نماید یا در مورد ماده قبل پس از اخطار رفع نقص از تعیین نشانی اعلام ناتوانی کند بنا به درخواست خواهان و دستور دادگاه مفاد دادخواست یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار به هزینه خواهان آگهی خواهد شد. تاریخ انتشار آگهی تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از یک ماه باشد. ماده ۷۴ - در دعاوی راجع به اهالی معین اعم از ده یا شهر یا بخش یا شهر که عده آنها غیر محصور است علاوه بر آگهی مفاد دادخواست به شرح ماده قبل یک نسخه از دادخواست به شخص یا اشخاصی که خواهان آنها را معارض خود معرفی میکند ابلاغ میشود. ماده ۷۵ - در دعاوی راجع به ادارات دولتی و سازمانهای وابسته به دولت و موسسات مامور خدمات عمومی و شهرداریها و نیز موسساتی که تمام یا بخشی از سرمایه آنها متعلق به دولت است اوراق اخطاریه و ضمایم به رئیس دفتر مرجع مخاطب یا قائم مقام او ابلاغ و در نسخه اول رسید اخذ می‌شود.

در صورت امتناع رئیس دفتر یا قائم مقام او از اخذ اوراق مراتب در برگ اخطاریه قید و اوراق اعاده می‌شود. در این مورد استنکاف از گرفتن اوراق اخطاریه و ضمایم و ندادن رسید تخلف از انجام وظیفه خواهد بود و به وسیله مدیر دفتر دادگاه به مراجع صالحه اعلام و به مجازات مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهد شد. تبصره - در دعاوی مربوط به شعب مراجع بالا یا وابسته به دولت به مسوول دفتر شعبه مربوط یا قائم مقام او ابلاغ خواهد شد. ماده ۷۶ - در دعاوی راجع به سایر اشخاص حقوقی دادخواست و ضمایم آن به مدیر یا قائم مقام او یا دارنده حق امضاء و در صورت عدم امکان به مسوول دفتر موسسه با رعایت

مقررات مواد (۶۸،۶۹،۷۲) ابلاغ خواهد شد. تبصره ۱ - در مورد این ماده هرگاه ابلاغ اوراق دعوا در محل تعیین شده ممکن نگردد، اوراق به آدرس آخرین محلی که به اداره ثبت شرکتها معرفی شده ابلاغ خواهد شد. تبصره ۲ - در دعاوی مربوط به ورشکسته دادخواست و ضمایم آن به اداره تصفیه امور ورشکستگی یا مدیر تصفیه ابلاغ خواهد شد. تبصره ۳ - در دعاوی مربوط به شرکتهاى منحل شده که داراى مدیر تصفیه نباشند، اوراق اخطاریه و ضمایم آن به آخرین مدیر قبل از انحلال در آخرین محلی که به اداره ثبت شرکتها معرفی شده است ابلاغ خواهد شد. ماده ۷۷ - اگر خواننده در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته باشد دادخواست و ضمایم آن توسط دفتر آن دادگاه به هر وسیله‌ای که ممکن باشد ابلاغ میشود و اگر در محل اقامت خواننده دادگاهینباشد توسط مامورین انتظامی یا بخشداری یا شورای اسلامی محل یا با پست سفارشی دو قبضه ابلاغ میشود. اشخاص یاد شده برابر مقررات مسوول اجرای صحیح امر ابلاغ و اعاده اوراق خواهند بود. در صورتی که خواننده در بازداشتگاه یا زندان باشد، دادخواست و اوراق دعوا به وسیله اداره زندان به نامبرده ابلاغ خواهد شد. ماده ۷۸ - هر یک از اصحاب دعوا یا وکلای آنان می توانند محلی را برای ابلاغ اوراق اخطاریه و ضمایم آن در شهری که مقر دادگاه است انتخاب نموده به دفتر دادگاه اعلام کنند، در این صورت کلیه برگهای راجع به دعوا در محل تعیین شده ابلاغ میگردد. ماده ۷۹ - هرگاه یکی از طرفین دعوا محلی را که اوراق اولیه در آن محل ابلاغ شده یا محلی را که برای ابلاغ اوراق انتخاب کرده تغییر دهد و همچنین در صورتی که نشانی معین در دادخواست اشتباه باشد باید فوری محل جدید و مشخصات صحیح را به دفتر دادگاه اطلاع دهد. تا وقتی که به این ترتیب عمل نشده است اوراق در همان محل سابق ابلاغ میشود. ماده ۸۰ - هیچ یک از اصحاب دعوا و وکلای دادگستری نمی توانند مسافرتهاى موقتی خود را تغییر محل اقامت حساب کرده ابلاغ اوراق دعواى مربوط به خود را در محل نامبرده درخواست کنند. اعلام مربوط به تغییر محل اقامت وقتی پذیرفته می شود که محل اقامت برابر ماده (۱۰۰۴) قانون مدنی به طور واقعی تغییر یافته باشد. چنانچه بر دادگاه معلوم شود که اعلام تغییر محل اقامت برخلاف واقع بوده است اوراق به همان محل اولیه ابلاغ خواهد شد. ماده ۸۱ - تاریخ و وقت جلسه به خواهان نیز برابر مقررات این قانون ابلاغ میگردد. تبصره - تاریخ امتناع خواننده از گرفتن اوراق یاد شده در ماده (۶۷) و ندادن رسید به شرح مندرج در ماده (۶۸)، تاریخ ابلاغ محسوب خواهد شد. ماده ۸۲ - مامور ابلاغ باید مراتب زیر را در نسخه اول و دوم ابلاغ نامه تصریح و امضا نماید:

- ۱ - نام و مشخصات خود به طور روشن و خوانا. ۲ - نام کسی که دادخواست به او ابلاغ شده با تعیین این که چه سمتی نسبت به مخاطب اخطاریه دارد. ۳ - محل و تاریخ ابلاغ با تعیین روز، ماه و سال با تمام حروف ماده ۸۳ - در کلیه مواردی که به موجب مقررات این مبحث اوراق به غیرشخص مخاطب ابلاغ شود در صورتی دارای اعتبار است که برای دادگاه محرز شود که اوراق به اطلاع مخاطب رسیده است مبحث سوم - ایرادات و موانع رسیدگی ماده ۸۴ - در موارد زیر خواننده میتواند ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوا ایراد کند: ۱ - دادگاه صلاحیت نداشته باشد. ۲ - دعوا بین همان اشخاص در همان دادگاه یا دادگاه هم عرض دیگری قبلا اقامه شده و تحت رسیدگی باشد و یا اگر همان دعوائیست دعوائی باشد که با ادعای خواهان ارتباط کامل دارد. ۳ - خواهان به جتهی از جهات قانونی از قبیل صغر، عدم رشد، جنون یا ممنوعیت از تصرف در اموال در نتیجه حکم ورشکستگی، اهلیت قانونی برای اقامه دعوا نداشته باشد. ۴ - ادعا متوجه شخص خواننده نباشد. ۵ - کسی که به عنوان نمایندگی اقامه دعوا کرده از قبیل وکالت یا ولایت یا قیمومت و سمت او محرز نباشد. ۶ - دعوائی طرح شده سابقا بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوا قائم مقام آنان هستند، رسیدگی شده و نسبت به آن حکم قطعی صادر شده باشد. ۷ - دعوا بر فرض ثبوت اثر قانونی نداشته باشد از قبیل وقف و هبه بدون قبض ۸ - مورد دعوا مشروع نباشد. ۹ - دعوا جزمی نبوده بلکه ظنی یا احتمالی باشد. ۱۰ - خواهان در دعوائی مطروحه ذی نفع نباشد. ۱۱ - دعوا خارج از موعد قانونی اقامه شده باشد. ماده ۸۵ - خواهان حق دارد نسبت به کسی که به عنوان وکالت یا ولایت یا قیمومت یا وصایت پاسخ دعوا را داده است در صورتی که سمت او محرز نباشد، اعتراض نماید. ماده ۸۶ - در صورتی که خواننده اهلیت نداشته باشد می تواند از پاسخ در ماهیت دعوا امتناع کند. ماده ۸۷ - ایرادات و اعتراضات باید تا پایان اولین

جلسه دادرسی به عمل آید مگر این که سبب ایراد متعاقب حادث شود. ماده ۸۸- دادگاه قبل از ورود در ماهیت دعوا، نسبت به ایرادات و اعتراضات وارده اتخاذ تصمیم مینماید. در صورت مردود شناختن ایراد، وارد ماهیت دعوا شده رسیدگی خواهد نمود. ماده ۸۹- در مورد بند (۱) ماده (۸۴) هرگاه دادگاه خود را صالح نداند مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت مینماید و طبق ماده (۲۷) عمل میکند و در مورد بند (۲) ماده (۸۴) هرگاه دعوا در دادگاه دیگری تحت رسیدگی باشد، از رسیدگی به دعوا خودداری کرده پرونده را به دادگاهی که دعوا در آن مطرح است میفرستد و در سایر موارد یاد شده در ماده (۸۴) قرار رد دعوا صادر مینماید. ماده ۹۰- هرگاه ایرادات تا پایان جلسه اول دادرسی اعلام نشده باشد دادگاه مکلف نیست جدا از ماهیت دعوا نسبت به آن رای دهد. ماده ۹۱- دادرس در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع نموده و طرفین دعوا نیز میتوانند او را رد کنند. الف- قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس بایکی از اصحاب دعوا وجود داشته باشد. ب- دادرس قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد و یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور دادرس یا همسر او باشد. ج- دادرس یا همسر یا فرزند او، وارث یکی از اصحاب دعوا باشد. د- دادرس سابقاً در موضوع دعوی اقامه شده به عنوان دادرس یا داوور یا کارشناس یا گواه اظهار نظر کرده باشد. ه- بین دادرس و یکی از طرفین و یا همسر یا فرزند او دعوی حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد. و- دادرس یا همسر یا فرزند او دارای نفع شخصی در موضوع مطروح باشند. ماده ۹۲- در مورد ماده (۹۱) دادرس پس از صدور قرار امتناع از رسیدگی با ذکر جهت رسیدگی نسبت به مورد را به دادرس یا دادرسان دیگر دادگاه محول می نماید. چنانچه دادگاه فاقد دادرس به تعداد کافی باشد، پرونده را برای تکمیل دادرسان یا ارجاع به شعبه دیگر نزد رییس شعبه اول ارسال می دارد و در صورتی که دادگاه فاقد شعبه دیگر باشد، پرونده را به نزدیکترین دادگاه هم عرض ارسال می نماید.

فصل چهارم - جلسه دادرسی (ماده ۹۳ الی ۱۰۴)

ماده ۹۳- اصحاب دعوا می توانند در جلسه دادرسی حضور یافته یا لایحه ارسال نمایند. ماده ۹۴- هریک از اصحاب دعوا می توانند به جای خود وکیل به دادگاه معرفی نمایند ولی در مواردی که دادرس حضور شخص خواهان یا خواننده یا هر دو را لازم بداند این موضوع در برگ اخطاریه قید می شود. در این صورت شخصاً مکلف به حضور خواهند بود. ماده ۹۵- عدم حضور هریک از اصحاب دعوا و یا وکیل آنان در جلسه دادرسی مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نیست در موردی که دادگاه به اخذ توضیح از خواهان نیاز داشته باشد و نامبرده در جلسه تعیین شده حاضر نشود و با اخذ توضیح از خواننده هم دادگاه نتواند رای بدهد، همچنین در صورتی که با دعوت قبلی هیچ یک از اصحاب دعوا حاضر نشوند و دادگاه نتواند در ماهیت دعوا بدون اخذ توضیح رای صادر کند، دادخواست ابطال خواهد شد. ماده ۹۶- خواهان باید اصل اسنادی که رونوشت آنها را ضمیمه دادخواست کرده است در جلسه دادرسی حاضر نماید. خواننده نیز باید اصل و رونوشت اسنادی را که می خواهد به آنها استناد نماید در جلسه دادرسی حاضر نماید. رونوشت اسناد خواننده باید به تعداد خواهانها به علاوه یک نسخه باشد. یک نسخه از رونوشتهای یاد شده در پرونده بایگانی و نسخه دیگر به طرف تسلیم می شود. در مورد این ماده هرگاه یکی از اصحاب دعوا نخواهد یا نتواند در دادگاه حاضر شود، چنانچه خواهان است باید اصل اسناد خود را، و اگر خواننده است اصل و رونوشت اسناد را به وکیل یا نماینده خود برای ارایه در دادگاه و ملاحظه طرف بفرستد والا در صورتی که آن سند عادی باشد و مورد تردید و انکار واقع شود، اگر خواننده باشد از عداد دلایل او خارج می شود و اگر خواهان باشد و دادخواست وی مستند به ادله دیگری نباشد در آن خصوص ابطال می گردد. در صورتی که خواننده به واسطه کمی مدت یا دلایل دیگر نتواند اسناد خود را حاضر کند حق دارد تاخیر جلسه را درخواست نماید، چنانچه دادگاه درخواست او را مقرون به صحت دانست با تعیین جلسه خارج از نوبت نسبت به موضوع رسیدگی می نماید.

ماده ۹۷- در صورتی که خواننده تا پایان جلسه اول دادرسی دلایلی اقامه کند که دفاع از آن برای خواهان جز با ارایه اسناد جدید مقدور نباشد در صورت تقاضای خواهان و تشخیص موجه بودن آن از سوی دادگاه مهلت مناسب داده خواهد شد. ماده ۹۸- خواهان می‌تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده در تمام مراحل دادرسی کم کند ولی افزودن آن یا تغییر نحوه دعوا یا خواسته یا درخواست در صورتی ممکن است که با دعوی طرح شده مربوط بوده و منشا واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه آن را به دادگاه اعلام کرده باشد. ماده ۹۹- دادگاه می‌تواند جلسه دادرسی را به درخواست و رضایت اصحاب دعوا فقط برای یکبار به تاخیر بیندازد. ماده ۱۰۰- هرگاه در وقت تعیین شده دادگاه تشکیل نشود و یا مانعی برای رسیدگی داشته باشد به دستور دادگاه نزدیکترین وقت رسیدگی ممکن معین خواهد شد. تبصره- در مواردی که عدم تشکیل دادگاه منتسب به طرفین نباشد، وقت رسیدگی حداکثر ظرف مدت دو ماه خواهد بود. ماده ۱۰۱- دادگاه می‌تواند دستور اخراج اشخاصی را که موجب اختلال نظم جلسه شوند با ذکر نحوه اختلال در صورت جلسه صادر کند و یا تا بیست و چهار ساعت حکم حبس آنان را صادر نماید. این حکم فوری اجرا می‌شود و اگر مرتکب از اصحاب دعوا یا وکلای آنان باشد به حبس از یک تا پنج روز محکوم خواهد شد. ماده ۱۰۲- در موارد زیر عین اظهارات اصحاب دعوا باید نوشته شود: ۱- وقتی که بیان یکی از آنان مشتمل بر اقرار باشد. ۲- وقتی که یکی از اصحاب دعوا بخواهد از اظهارات طرف دیگر استفاده نماید. ۳- در صورتی که دادگاه به جهتی درج عین عبارت را لازم بداند. ماده ۱۰۳- اگر دعوی دیگری که ارتباط کامل با دعوی طرح شده دارند در همان دادگاه مطرح باشد، دادگاه به تمامی آنها یکجا رسیدگی می‌نماید و چنانچه در چند شعبه مطرح شده باشد در یکی از شعب با تعیین رئیس شعبه اول یکجا رسیدگی خواهد شد. در مورد این ماده و کلا یا اصحاب دعوا مکلفند از دعوی مربوط دادگاه را مستحضر نمایند. ماده ۱۰۴- در پایان هر جلسه دادرسی چنانچه به جهات قانونی جلسه دیگری لازم باشد، علت مزبور، زیر صورتجلسه قید و روز و ساعت جلسه بعد، تعیین و به اصحاب دعوا ابلاغ خواهد شد. در صورتی که دعوا قابل تجزیه بوده و فقط قسمتی از آن مقتضی صدور رای باشد، دادگاه نسبت به همان قسمت رای می‌دهد و نسبت به قسمتی دیگر رسیدگی را ادامه خواهد داد.

فصل پنجم - توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست (ماده ۱۰۵ الی ۱۰۷)

ماده ۱۰۵- هرگاه یکی از اصحاب دعوا فوت نماید یا محجور شود یا سمت یکی از آنان که به موجب آن سمت داخل دادرسی شده زایل گردد دادگاه رسیدگی را به طور موقت متوقف و مراتب را به طرف دیگر اعلام می‌دارد. پس از تعیین جانشین و درخواست ذی‌نفع جریان دادرسی ادامه می‌یابد مگر این که فوت یا حجر یا زوال سمت یکی از اصحاب دعوا تاثیری در دادرسی نسبت به دیگران نداشته باشد که در این صورت دادرسی نسبت به دیگران ادامه خواهد یافت ماده ۱۰۶- در صورت توقیف یا زندانی شدن یکی از اصحاب دعوا یا عزیمت به محل ماموریت نظامی یا ماموریت دولتی یا مسافرت ضروری دادرسی متوقف نمی‌شود. لکن دادگاه مهلت کافی برای تعیین وکیل به آنان می‌دهد. ماده ۱۰۷- استرداد دعوا و دادخواست به ترتیب زیر صورت می‌گیرد: الف- خواهان می‌تواند تا اولین جلسه دادرسی دادخواست خود را مسترد کند. در این صورت دادگاه قرار ابطال دادخواست صادر می‌نماید. ب- خواهان می‌تواند مادامی که دادرسی تمام نشده دعوی خود را استرداد کند. در این صورت دادگاه قرار رد دعوا صادر می‌نماید. ج- استرداد دعوا پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوا در موردی ممکن است که یا خواننده راضی باشد و یا خواهان از دعوی خود به کلی صرف‌نظر کند. در این صورت دادگاه قرار سقوط دعوا صادر خواهد کرد.

فصل ششم - امور اتفاقی (ماده ۱۰۸ الی ۱۴۸)

مبحث اول - تامین خواسته ۱- درخواست تامین ماده ۱۰۸- خواهان می‌تواند قبل از تقدیم دادخواست یا ضمن دادخواست راجع به

اصل دعوا یا در جریان دادرسی تا وقتی که حکم قطعی صادر نشده است در موارد زیر از دادگاه درخواست تامین خواسته نماید و دادگاه مکلف به قبول آن است الف - دعوا مستند به سند رسمی باشد. ب - خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد. ج - در مواردی از قبیل اوراق تجاری وخواست شده که به موجب قانون دادگاه مکلف به قبول درخواست تامین باشد. د - خواهان خساراتی را که ممکن است به طرف مقابل وارد آید نقداً به صندوق دادگستری بپردازد. تبصره - تعیین میزان خسارت احتمالی با نظر گرفتن میزان خواسته به نظر دادگاهی است که درخواست تامین را می‌پذیرد. صدور قرار تامین موکول به ایداع خسارت خواهد بود. ماده ۱۰۹ - در کلیه دعاوی مدنی اعم از دعاوی اصلی یا طاری و درخواستهای مربوط به امور حسبی به استثنای مواردی که قانون امور حسبی مراجعه به دادگاه را مقرر داشته است خوانده می‌تواند برای تادیه خسارات ناشی از هزینه دادرسی و حق الوکاله که ممکن است خواهان محکوم شود از دادگاه تقاضای تامین نماید. دادگاه در صورتی که تقاضای مزبور را با توجه به نوع و وضع دعوا و سایر جهات موجه بداند، قرار تامین صادر می‌نماید و تا وقتی که خواهان تامین ندهد، دادرسی متوقف خواهد ماند و در صورتی که مدت مقرر در قرار دادگاه برای دادن تامین منقضی شود و خواهان تامین ندهد به درخواست خوانده قرار رد درخواست خواهان صادر می‌شود. تبصره - چنانچه بر دادگاه محرز شود که منظور از اقامه دعوا تاخیر در انجام تعهد یا ایذا طرف یا غرض ورزی بوده دادگاه مکلف است در ضمن صدور حکم یا قرار، خواهان را به تادیه سه برابر هزینه دادرسی به نفع دولت محکوم نماید. ماده ۱۱۰ - در دعاوی که مستند آنها چک یا سفته یا برات باشد و همچنین در مورد دعاوی مستند به اسناد رسمی و دعاوی علیه متوقف خوانده نمی‌تواند برای تامین خسارات احتمالی خود تقاضای تامین نماید. ماده ۱۱۱ - درخواست تامین از دادگاهی می‌شود که صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد. ماده ۱۱۲ - در صورتی که درخواست کننده تامین تا ده روز از تاریخ صدور قرار تامین نسبت به اصل دعوا دادخواست ندهد، دادگاه به درخواست خوانده قرار تامین را لغو می‌نماید. ماده ۱۱۳ - درخواست تامین در صورتی پذیرفته می‌شود که میزان خواسته معلوم یا عین معین باشد. ماده ۱۱۴ - نسبت به طلب یا مال معینی که هنوز موعد تسلیم آن نرسیده است در صورتی که حق مستند به سند رسمی و در معرض تضییع یا تفریط باشد می‌توان درخواست تامین نمود. ماده ۱۱۵ - در صورتی که درخواست تامین شده باشد مدیر دفتر مکلف است پرونده را فوری به نظر دادگاه برساند، دادگاه بدون اخطار به طرف به دلایل درخواست کننده رسیدگی نموده قرار تامین صادر یا آن را رد می‌نماید. ماده ۱۱۶ - قرار تامین به طرف دعوا ابلاغ می‌شود، نامبرده حق دارد ظرف ده روز به این قرار اعتراض نماید. دادگاه در اولین جلسه به اعتراض رسیدگی نموده و نسبت به آن تعیین تکلیف می‌نماید. ماده ۱۱۷ - قرار تامین باید فوری به خواننده ابلاغ و پس از آن اجرا شود. در مواردی که ابلاغ فوری ممکن نباشد و تاخیر اجرا باعث تضییع یا تفریط خواسته گردد ابتدا قرار تامین اجرا و سپس ابلاغ می‌شود. ماده ۱۱۸ - در صورتی که موجب تامین مرتفع گردد دادگاه قرار رفع تامین را خواهد داد. در صورت صدور حکم قطعی علیه خواهان یا استرداد دعوا و یا دادخواست تامین خود به خود مرتفع می‌شود. ماده ۱۱۹ - قرار قبول یا رد تامین قابل تجدیدنظر نیست ماده ۱۲۰ - در صورتی که قرار تامین اجرا گردد و خواهان به موجب رای قطعی محکوم به بطلان دعوا شود و یا حقی برای او به اثبات نرسد، خواننده حق دارد ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ حکم قطعی خسارتی را که از قرار تامین به او وارد شده است با تسلیم دلایل به دادگاه صادر کننده قرار مطالبه کند. مطالبه خسارت در این مورد بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی صورت می‌گیرد. مفاد تقاضا به طرف ابلاغ می‌شود تا چنانچه دفاعی داشته باشد ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ با دلایل آن را عنوان نماید. دادگاه در وقت فوق العاده به دلایل طرفین رسیدگی و رای مقتضی صادر می‌نماید. این رای قطعی است در صورتی که خواننده در مهلت مقرر مطالبه خسارت ننماید وجهی که بابت خسارت احتمالی سپرده شده به درخواست خواهان به او مسترد می‌شود. ۲ - اقسام تامین ماده ۱۲۱ - تامین در این قانون عبارت است از توقیف اموال اعم از منقول و غیر منقول ماده ۱۲۲ - اگر خواسته عین معین بوده و توقیف آن ممکن باشد، دادگاه نمی‌تواند مال دیگری را به عوض آن توقیف نماید. ماده ۱۲۳ - در صورتی که خواسته عین معین نباشد یا عین

معین بوده ولی توقیف آن ممکن نباشد، دادگاه معادل قیمت خواسته از سایر اموال خوانده توقیف می‌کند. ماده ۱۲۴ - خوانده می‌تواند به عوض مالی که دادگاه می‌خواهد توقیف کند و یا توقیف کرده است وجه نقد یا اوراق بهادار به میزان همان مال در صندوق دادگستری یا یکی از بانکها ودیعه بگذارد. همچنین می‌تواند درخواست تبدیل مالی را که توقیف شده است به مال دیگر بنماید مشروط به این که مال پیشنهاد شده از نظر قیمت و سهولت فروش از مالی که قبلاً توقیف شده است کمتر نباشد. در مواردی که عین خواسته توقیف شده باشد تبدیل مال منوط به رضایت خواهان است ماده ۱۲۵ - درخواست تبدیل تامین از دادگاهی می‌شود که قرار تامین را صادر کرده است دادگاه مکلف است ظرف دو روز به درخواست تبدیل رسیدگی کرده قرار مقتضی صادر نماید. ماده ۱۲۶ - توقیف اموال اعم از منقول و غیرمنقول و صورت برداری و ارزیابی و حفظ اموال توقیف شده و توقیف حقوق استخدامی خوانده و اموال منقول وی که نزد شخص ثالث موجود است به ترتیبی است که در قانون اجرای احکام مدنی پیش بینی شده است ماده ۱۲۷ - از محصول املاک و باغها به مقدار دو سوم سهم خوانده توقیف می‌شود. اگر محصول جمع آوری شده باشد مامور اجرا سهم خوانده را مشخص و توقیف می‌نماید. هرگاه محصول جمع آوری نشده باشد برداشت آن خواه دفعتا و یا به دفعات با حضور مامور اجرا به عمل خواهد آمد. خوانده مکلف است مامور اجرا را از زمان برداشت محصول مطلع سازد. مامور اجرا حق هیچ گونه دخالت در امر برداشت محصول را ندارد و فقط برای تعیین میزان محصولی که جمع آوری می‌شود حضور پیدا خواهد کرد. خواهان یا نماینده او نیز در موقع برداشت محصول حق حضور خواهد داشت تبصره - محصولاتتی که در معرض تضییع باشد فوراً ارزیابی و بدون رعایت تشریفات با تصمیم و نظارت دادگاه فروخته شده وجه حاصل در حساب سپرده دادگستری تودیع می‌گردد. ماده ۱۲۸ - در ورشکستگی چنانچه مال توقیف شده عین معین و مورد ادعای متقاضی تامین باشد درخواست کننده تامین بر سایر طلبکاران حق تقدم دارد. ماده ۱۲۹ - در کلیه مواردی که تامین مالی منتهی به فروش آن گردد رعایت مقررات فصل سوم از باب هشتم این قانون (مستثنیات دین الزامی است مبحث دوم - ورود شخص ثالث ماده ۱۳۰ - هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوی اصلی برای خود مستقلاً حقی قایل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی نفع بداند، می‌تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است وارد دعوا گردد، چه این که رسیدگی در مرحله بدوی باشد یا در مرحله تجدیدنظر. در این صورت نامبرده باید دادخواست خود را به دادگاهی که دعوا در آنجا مطرح است تقدیم و در آن منظور خود را به طور صریح اعلان نماید. ماده ۱۳۱ - دادخواست ورود شخص ثالث و رونوشت مدارک و ضمایم آن باید به تعداد اصحاب دعوی اصلی بعلاوه یک نسخه باشد و شرایط دادخواست اصلی را دارا خواهد بود. ماده ۱۳۲ - پس از وصول دادخواست شخص ثالث وقت رسیدگی به دعوی اصلی به وی نیز اعلام می‌گردد و نسخه‌ای از دادخواست و ضمایم آن برای طرفین دعوی اصلی ارسال می‌شود. در صورت نبودن وقت کافی به دستور دادگاه وقت جلسه دادرسی تغییر و به اصحاب دعوا ابلاغ خواهد شد. ماده ۱۳۳ - هرگاه دادگاه احراز نماید که دعوی ثالث به منظور تبانی و یا تاخیر رسیدگی است و یا رسیدگی به دعوی اصلی منوط به رسیدگی به دعوی ثالث نمی‌باشد دعوی ثالث را از دعوی اصلی تفکیک نموده به هر یک جداگانه رسیدگی می‌کند. ماده ۱۳۴ - رد یا ابطال دادخواست و یا رد دعوی شخص ثالث مانع از ورود او در مرحله تجدیدنظر نخواهد بود. ترتیبات دادرسی در مورد ورود شخص ثالث در هر مرحله چه نخستین یا تجدیدنظر برابر مقررات عمومی راجع به آن مرحله است مبحث سوم - جلب شخص ثالث ماده ۱۳۵ - هر یک از اصحاب دعوا که جلب شخص ثالثی را لازم بداند، می‌تواند تا پایان جلسه اول دادرسی جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز پس از جلسه با تقدیم دادخواست از دادگاه درخواست جلب او را بنماید، چه دعوا در مرحله نخستین باشد یا تجدیدنظر. ماده ۱۳۶ - محکوم علیه غیابی در صورتی که بخواهد درخواست جلب شخص ثالث را بنماید، باید دادخواست جلب را با دادخواست اعتراض توأماً به دفتر دادگاه تسلیم کند، معترض علیه نیز حق دارد در اولین جلسه رسیدگی به اعتراض جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز دادخواست جلب شخص ثالث را تقدیم دادگاه نماید. ماده ۱۳۷ - دادخواست جلب شخص

ثالث و رونوشت مدارک و ضمایم باید به تعداد اصحاب دعوا بعلاوه یک نسخه باشد. جریان دادرسی در مورد جلب شخص ثالث شرایط دادخواست و نیز موارد رد یا ابطال آن همانند دادخواست اصلی خواهد بود. ماده ۱۳۸ - در صورتی که از موقع تقدیم دادخواست تا جلسه دادرسی مدت تعیین شده کافی برای فرستادن دادخواست و ضمایم آن برای اصحاب دعوا نباشد دادگاه وقت جلسه دادرسی را تغییر داده و به اصحاب دعوا ابلاغ می‌نماید. ماده ۱۳۹ - شخص ثالث که جلب می‌شود خواننده محسوب و تمام مقررات راجع به خواننده درباره او جاری است هرگاه دادگاه احراز نماید که جلب شخص ثالث به منظور تاخیر رسیدگی است می‌تواند دادخواست جلب را از دادخواست اصلی تفکیک نموده به هر یک جداگانه رسیدگی کند. ماده ۱۴۰ - قرار رد دادخواست جلب شخص ثالث با حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظر است در صورتی که قرار در مرحله تجدیدنظر فسخ شود، پس از فسخ قرار، رسیدگی به آن با دعوی اصلی در دادگاهی که به عنوان تجدیدنظر رسیدگی می‌نماید به عمل می‌آید. مبحث چهارم - دعوی متقابل ماده ۱۴۱ - خواننده می‌تواند در مقابل ادعای خواهان اقامه دعوا نماید. چنین دعوی در صورتی که با دعوی اصلی ناشی از یک منشا بوده یا ارتباط کامل داشته باشد، دعوی متقابل نامیده شده و تا رسیدگی می‌شود و چنانچه دعوی متقابل نباشد، در دادگاه صالح به طور جداگانه رسیدگی خواهد شد. بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هر یک موثر در دیگری باشد. ماده ۱۴۲ - دعوی متقابل به موجب دادخواست اقامه می‌شود، لیکن دعوی تهاوتر، صلح فسخ رد خواسته و امثال آن که برای دفاع از دعوی اصلی اظهار می‌شود، دعوی متقابل محسوب نمی‌شود و نیاز به تقدیم دادخواست جداگانه ندارد. ماده ۱۴۳ - دادخواست دعوی متقابل باید تا پایان اولین جلسه دادرسی تقدیم شود و اگر خواهان دعوی متقابل را در جلسه دادرسی اقامه نماید، خواننده می‌تواند برای تهیه پاسخ و ادله خود تاخیر جلسه را درخواست نماید. شرایط و موارد رد یا ابطال دادخواست همانند مقررات دادخواست اصلی خواهد بود. مبحث پنجم - اخذ تامین از اتباع دولتهای خارجی ماده ۱۴۴ - اتباع دولتهای خارج چه خواهان اصلی باشند و یا به عنوان شخص ثالث وارد دعوا گردند، بنا به درخواست طرف دعوا، برای تادیه خسارتی که ممکن است بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله به آن محکوم گردند باید تامین مناسب بسپارند. درخواست اخذ تامین فقط از خواننده تبعه ایران و تا پایان جلسه اول دادرسی پذیرفته می‌شود. ماده ۱۴۵ - در موارد زیر اتباع بیگانه اگر خواهان باشند از دادن تامین معاف می‌باشند: ۱ - در کشور متبوع وی اتباع ایرانی از دادن چنین تامینی معاف باشند. ۲ - دعوی راجع به برات سفته و چک ۳ - دعوی متقابل ۴ - دعوی که مستند به سند رسمی می‌باشد. ۵ - دعوی که بر اثر آگهی رسمی اقامه می‌شود از قبیل اعتراض به ثبت و دعوی علیه متوقف ماده ۱۴۶ - هرگاه در اثنا دادرسی تابعیت خارجی خواهان یا تجدیدنظر خواه کشف شود و یا تابعیت ایران از او سلب و یا سبب معافیت از تامین از او زایل گردد، خواننده یا تجدیدنظر خواننده ایرانی می‌تواند درخواست تامین نماید. ماده ۱۴۷ - دادگاه مکلف است نسبت به درخواست تامین رسیدگی و مقدار و مهلت سپردن آن را تعیین نماید و تا وقتی تامین داده نشده است دادرسی متوقف خواهد ماند. در صورتی که مدت مقرر برای دادن تامین منقضی گردد و خواهان تامین نداده باشد در مرحله نخستین به تقاضای خواننده و در مرحله تجدیدنظر به درخواست تجدیدنظر خواننده قرار رد دادخواست صادر می‌گردد. ماده ۱۴۸ - چنانچه بر دادگاه معلوم شود مقدار تامینی که تعیین گردیده کافی نیست مقدار کافی را برای تامین تعیین می‌کند. در صورت امتناع خواهان یا تجدیدنظر خواه از سپردن تامین تعیین شده برابر ماده فوق اقدام می‌شود.

فصل هفتم - تأمین دلیل و اظهارنامه (ماده ۱۴۹ الی ۱۵۷)

مبحث اول - تامین دلیل ماده ۱۴۹ - در مواردی که اشخاص ذی نفع احتمال دهند که در آینده استفاده از دلایل و مدارک دعوی آنان از قبیل تحقیق محلی و کسب اطلاع از مطلعین و استعلام نظر کارشناسان یا دفاتر تجاری یا استفاده از قراین و امارات موجود در محل و یا دلایلی که نزد طرف دعوا یا دیگری است متعذر یا متعسر خواهد شد می‌توانند از دادگاه درخواست تامین آنها را بنمایند.

مقصود از تامین در این موارد فقط ملاحظه و صورت برداری از این گونه دلایل است ماده ۱۵۰ - درخواست تامین دلیل ممکن است در هنگام دادرسی و یا قبل از اقامه دعوا باشد. ماده ۱۵۱ - درخواست تامین دلیل چه کتبی یا شفاهی باید حاوی نکات زیر باشد: ۱ - مشخصات درخواست کننده و طرف او. ۲ - موضوع دعوایی که برای اثبات آن درخواست تامین دلیل می شود. ۳ - اوضاع و احوالی که موجب درخواست تامین دلیل شده است ماده ۱۵۲ - دادگاه طرف مقابل را برای تامین دلیل احضار می نماید ولی عدم حضور او مانع از تامین دلیل نیست در اموری که فوریت داشته باشد دادگاه بدون احضار طرف اقدام به تامین دلیل می نماید. ماده ۱۵۳ - دادگاه می تواند تامین دلیل را به دادرس علی البدل یا مدیر دفتر دادگاه ارجاع دهد مگر در مواردی که فقط تامین دلیل مبنای حکم دادگاه قرار گیرد، در این صورت قاضی صادر کننده رای باید شخصا اقدام نماید یا گزارش تامین دلیل موجب وثوق دادگاه باشد. ماده ۱۵۴ - در صورتی که تعیین طرف مقابل برای درخواست کننده تامین دلیل ممکن نباشد، درخواست تامین دلیل بدون تعیین طرف پذیرفته و به جریان گذاشته خواهد شد. ماده ۱۵۵ - تامین دلیل برای حفظ آن است و تشخیص درجه ارزش آن در موارد استفاده با دادگاه می باشد. مبحث دوم - اظهارنامه ماده ۱۵۶ - هر کس می تواند قبل از تقدیم دادخواست حق خود را به وسیله اظهارنامه از دیگری مطالبه نماید، مشروط بر این که موعده مطالبه رسیده باشد. به طور کلی هر کس حق دارد اظهاراتی را که راجع به معاملات و تعهدات خود با دیگری است و بخواهد بطور رسمی به وی برساند ضمن اظهارنامه به طرف ابلاغ نماید. اظهارنامه توسط اداره ثبت اسناد و املاک کشور یا دفاتر دادگاهها ابلاغ می شود. تبصره - اداره ثبت اسناد و دفتر دادگاهها می توانند از ابلاغ اظهارنامه هایی که حاوی مطالب خلاف اخلاق و خارج از نزاکت باشد، خودداری نمایند. ماده ۱۵۷ - در صورتی که اظهارنامه مشعر به تسلیم چیزی یا وجه یا مال یا سندی از طرف اظهار کننده به مخاطب باشد باید آن چیز یا وجه یا مال یا سند هنگام تسلیم اظهارنامه به مرجع ابلاغ تحت نظر و حفاظت آن مرجع قرار گیرد، مگر آن که طرفین هنگام تعهد محل و ترتیب دیگری را تعیین کرده باشند.

فصل هشتم - دعاوی تصرف عدوانی ممانعت از حق و مزاحمت (ماده ۱۵۸ الی ۱۷۷)

ماده ۱۵۸ - دعوی تصرف عدوانی عبارت است از: ادعای متصرف سابق مبنی بر این که دیگری بدون رضایت او مال غیر منقول را از تصرف وی خارج کرده و اعاده تصرف خود را نسبت به آن مال درخواست می نماید. ماده ۱۵۹ - دعوی ممانعت از حق عبارت است از: تقاضای کسی که رفع ممانعت از حق ارتفاق یا انتفاع خود را در ملک دیگری بخواهد. ماده ۱۶۰ - دعوی مزاحمت عبارت است از: دعوایی که به موجب آن متصرف مال غیر منقول درخواست جلوگیری از مزاحمت کسی را می نماید که نسبت به متصرفات او مزاحم است بدون این که مال را از تصرف متصرف خارج کرده باشد. ماده ۱۶۱ - در دعاوی تصرف عدوانی ممانعت از حق و مزاحمت خواهان باید ثابت نماید که موضوع دعوا حسب مورد، قبل از خارج شدن ملک از تصرف وی و یا قبل از ممانعت و یا مزاحمت در تصرف و یا مورد استفاده او بوده و بدون رضایت او و یا به غیر وسیله قانونی از تصرف وی خارج شده است ماده ۱۶۲ - در دعاوی تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق ابراز سند مالکیت دلیل بر سبق تصرف و استفاده از حق می باشد مگر آن که طرف دیگر سبق تصرف و استفاده از حق خود را به طریق دیگر ثابت نماید. ماده ۱۶۳ - کسی که راجع به مالکیت یا اصل حق ارتفاق و انتفاع اقامه دعوا کرده است نمی تواند نسبت به تصرف عدوانی و ممانعت از حق طرح دعوا نماید. ماده ۱۶۴ - هرگاه در ملک مورد تصرف عدوانی متصرف پس از تصرف عدوانی غرس اشجار یا احداث بنا کرده باشد، اشجار و بنا در صورتی باقی می ماند که متصرف عدوانی مدعی مالکیت مورد حکم تصرف عدوانی باشد و در ظرف یک ماه از تاریخ اجرای حکم در باب مالکیت به دادگاه صلاحیت دار دادخواست بدهد. ماده ۱۶۵ - در صورتی که در ملک مورد حکم تصرف عدوانی زراعت شده باشد، اگر موقع برداشت محصول رسیده باشد متصرف عدوانی باید فوری محصول را برداشت و اجرت المثل را تادیه نماید. چنانچه موقع برداشت محصول نرسیده باشد، چه این که بذر روییده یا نرویده باشد محکوم له پس از جلب رضایت متصرف عدوانی مخیر است

بین این که قیمت زراعت را نسبت به سهم صاحب بذر و دسترنج او پرداخت کند و ملک را تصرف نماید یا ملک را تا پایان برداشت محصول در تصرف متصرف عدوانی باقی بگذارد و اجرت المثل آن را دریافت کند. همچنین محکوم له می تواند متصرف عدوانی را به معدوم کردن زراعت و اصلاح آثار تخریبی که توسط وی انجام گرفته مکلف نماید. تبصره - در صورت تقاضای محکوم له دادگاه متصرف عدوانی را به پرداخت اجرت المثل زمان تصرف نیز محکوم می نماید. ماده ۱۶۶ - هرگاه تصرف عدوانی مال غیر منقول و یا مزاحمت یا ممانعت از حق در مری و منظر ضابطین دادگستری باشد، ضابطین مذکور مکلفند به موضوع شکایت خواهان رسیدگی و با حفظ وضع موجود از انجام اقدامات بعدی خواننده جلوگیری نمایند و جریان را به مراجع قضایی اطلاع داده برابر نظر مراجع یاد شده اقدام نمایند. تبصره - چنانچه به علت یکی از اقدامات مذکور در این ماده احتمال وقوع نزاع و تحقق جرمی داده شود، ضابطین باید فوراً از وقوع هرگونه درگیری و وقوع جرم در حدود وظایف خود جلوگیری نمایند. ماده ۱۶۷ - در صورتی که دو یا چند نفر مال غیرمنقولی را به طور مشترک در تصرف داشته یا استفاده می کرده اند و بعضی از آنان مانع تصرف یا استفاده و یا مزاحم استفاده بعضی دیگر شود حسب مورد در حکم تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق محسوب و مشمول مقررات این فصل خواهد بود. ماده ۱۶۸ - دعاوی مربوط به قطع انشعاب تلفن گاز، برق و وسایل تهویه و نقاله (از قبیل بالابر و پله برقی و امثال آنها) که مورد استفاده در اموال غیرمنقول است مشمول مقررات این فصل می باشد مگر این که اقدامات بالا از طرف موسسات مربوط چه دولتی یا خصوصی با مجوز قانونی یا مستند به قرارداد صورت گرفته باشد. ماده ۱۶۹ - هرگاه شخص ثالثی در موضوع رسیدگی به دعوی تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق در حدود مقررات یاد شده خود را ذی نفع بدانند، تا وقتی که رسیدگی خاتمه نیافته چه در مرحله بدوی یا تجدیدنظر باشد، می تواند وارد دعوا شود. مرجع مربوط به این امر رسیدگی نموده حکم مقتضی صادر خواهد کرد. ماده ۱۷۰ - مستاجر، مباشر، خادم کارگر و به طور کلی اشخاصی که ملکی را از طرف دیگری متصرف می باشند می توانند به قائم مقامی مالک برابر مقررات بالا شکایت کنند. ماده ۱۷۱ - سرایدار، خادم کارگر و به طور کلی هر امین دیگری چنانچه پس از ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه مالک یا مأذون از طرف مالک یا کسی که حق مطالبه دارد مبنی بر مطالبه مال امانی از آن رفع تصرف ننماید متصرف عدوانی محسوب می شود. تبصره - دعوی تخلیه مربوط به معاملات با حق استرداد و رهنی و شرطی و نیز در مواردی که بین صاحب مال و امین یا متصرف قرارداد و شرایط خاصی برای تخلیه یا استرداد وجود داشته باشد، مشمول مقررات این ماده نخواهند بود. ماده ۱۷۲ - اگر در جریان رسیدگی به دعوی تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق سند ابرازی یکی از طرفین با رعایت مفاد ماده (۱۲۹۲) قانون مدنی مورد تردید یا انکار یا جعل قرار گیرد، چه تعیین جاعل شده یا نشده باشد، چنانچه سند یاد شده موثر در دعوا باشد و نتوان از طریق دیگری حقیقت را احراز نمود، مرجع رسیدگی کننده به اصالت سند نیز رسیدگی خواهد کرد. ماده ۱۷۳ - به دعوی تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق که یک طرف آن وزارتخانه یا موسسات و شرکتهای دولتی یا وابسته به دولت باشد نیز برابر مقررات این قانون رسیدگی خواهد شد. ماده ۱۷۴ - دادگاه در صورتی رای به نفع خواهان می دهد که به طور مقتضی احراز کند خواننده ملک متصرفی خواهان را عدواناً تصرف و یا مزاحمت یا ممانعت از حق استفاده خواهان نموده است چنانچه قبل از صدور رای خواهان تقاضای صدور دستور موقت نماید و دادگاه دلایل وی را موجه تشخیص دهد، دستور جلوگیری از ایجاد آثار تصرف و یا تکمیل اعیانی از قبیل احداث بنا یا غرس اشجار یا کشت و زرع یا از بین بردن آثار موجود و یا جلوگیری از ادامه مزاحمت و یا ممانعت از حق را در ملک مورد دعوا صادر خواهد کرد. این دستور با صدور رای به رد دعوا مرتفع می شود مگر این که مرجع تجدیدنظر دستور مجددی در این خصوص صادر نماید. ماده ۱۷۵ - در صورتی که رای صادره مبنی بر رفع تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق باشد، بلافاصله به دستور مرجع صادر کننده توسط اجرای دادگاه یا ضابطین دادگستری اجرا خواهد شد و درخواست تجدیدنظر مانع اجرا نمی باشد. در صورت فسخ رای در مرحله تجدیدنظر، اقدامات اجرایی به دستور دادگاه اجرا کننده حکم به حالت قبل از اجرا اعاده می شود و در

صورتی که محکوم به عین معین بوده و استرداد آن ممکن نباشد، مثل یا قیمت آن وصول و تادیه خواهد شد. ماده ۱۷۶ - اشخاصی که پس از اجرای حکم رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق دوباره مورد حکم را تصرف یا مزاحمت یا ممانعت از حق بنمایند یا دیگران را به تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق مورد حکم وادار نمایند، به مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد. ماده ۱۷۷ - رسیدگی به دعاوی موضوع این فصل تابع تشریفات آیین دادرسی نبوده و خارج از نوبت به عمل می‌آید.

فصل نهم - سازش و درخواست آن (ماده ۱۷۸ الی ۱۹۳)

مبحث اول - سازش ماده ۱۷۸ - در هر مرحله از دادرسی مدنی طرفین می‌توانند دعوی خود را به طریق سازش خاتمه دهند. ماده ۱۷۹ - در صورتی که در دادرسی خواهان یا خوانده متعدد باشند، هر کدام از آنان می‌توانند جدا از سایرین با طرف خود سازش نمایند. ماده ۱۸۰ - سازش بین طرفین یا در دفتر اسناد رسمی واقع می‌شود یا در دادگاه و نیز ممکن است در خارج از دادگاه واقع شده و سازش نامه غیررسمی باشد. ماده ۱۸۱ - هرگاه سازش در دفتر اسناد رسمی واقع شده باشد، دادگاه ختم موضوع را به موجب سازش نامه در پرونده مربوط قید می‌نماید و اجرای آن تابع مقررات راجع به اجرای مفاد اسناد لازم‌الاجرا خواهد بود. ماده ۱۸۲ - هرگاه سازش در دادگاه واقع شود، موضوع سازش و شرایط آن به ترتیبی که واقع شده در صورت مجلس منعکس و به امضای دادرس و یا دادرسان و طرفین می‌رسد. تبصره - چنانچه سازش در حین اجرای قرار واقع شود، سازش نامه تنظیمی توسط قاضی مجری قرار در حکم سازش به عمل آمده در دادگاه است ماده ۱۸۳ - هرگاه سازش خارج از دادگاه واقع شده و سازش نامه غیررسمی باشد طرفین باید در دادگاه حاضر شده و به صحت آن اقرار نمایند. اقرار طرفین در صورت مجلس نوشته شده و به امضای دادرس دادگاه و طرفین می‌رسد در صورت عدم حضور طرفین در دادگاه بدون عذر موجه دادگاه بدون توجه به مندرجات سازش نامه دادرسی را ادامه خواهد داد. ماده ۱۸۴ - دادگاه پس از حصول سازش بین طرفین به شرح فوق رسیدگی را ختم و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید مفاد سازش نامه که طبق مواد فوق تنظیم می‌شود نسبت به طرفین و وراثت و قائم مقام قانونی آنها نافذ و معتبر است و مانند احکام دادگاهها به موقع اجرا گذاشته می‌شود، چه این که مورد سازش مخصوص به دعوی مطروحه بوده یا شامل دعاوی یا امور دیگری باشد. ماده ۱۸۵ - هرگاه سازش محقق نشود، تعهدات و گذشتهایی که طرفین هنگام تراضی به سازش به عمل آورده‌اند لازم‌الرعایه نیست مبحث دوم - درخواست سازش ماده ۱۸۶ - هرکس می‌تواند در مورد هر ادعایی از دادگاه نخستین به طور کتبی درخواست نماید که طرف او را برای سازش دعوت کند. ماده ۱۸۷ - ترتیب دعوت برای سازش همان است که برای احضار خوانده مقرر است ولی در دعوت نامه باید قید گردد که طرف برای سازش به دادگاه دعوت می‌شود. ماده ۱۸۸ - بعد از حضور طرفین دادگاه اظهارات آنان را استماع نموده تکلیف به سازش و سعی در انجام آن می‌نماید. در صورت عدم موفقیت به سازش تحقیقات و عدم موفقیت را در صورت مجلس نوشته به امضای طرفین می‌رساند. هرگاه یکی از طرفین یا هر دو طرف نخواهند امضا کنند، دادگاه مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند. ماده ۱۸۹ - در صورتی که دادگاه احراز نماید که طرفین حاضر به سازش نیستند آنان را برای طرح دعوا ارشاد خواهد کرد. ماده ۱۹۰ - هرگاه بعد از ابلاغ دعوت نامه طرف حاضر نشد یا به طور کتبی پاسخ دهد که حاضر به سازش نیست دادگاه مراتب را در صورت مجلس قید کرده و به درخواست کننده سازش برای اقدام قانونی اعلام می‌نماید. ماده ۱۹۱ - هرگاه طرف بعد از ابلاغ دعوت نامه حاضر شده و پس از آن استنکاف از سازش نماید، برابر ماده بالا عمل خواهد شد. ماده ۱۹۲ - استنکاف طرف از حضور در دادگاه یا عدم قبول سازش بعد از حضور در هر حال مانع نمی‌شود که طرفین بار دیگر از همین دادگاه یا دادگاه دیگر خواستار سازش شوند. ماده ۱۹۳ - در صورت حصول سازش بین طرفین برابر مقررات مربوط به سازش در دادگاه عمل خواهد شد. تبصره - درخواست سازش با پرداخت هزینه دادرسی دعاوی غیرمالی و بدون

تشریفات مطرح و مورد بررسی قرار خواهد گرفت

فصل دهم - رسیدگی به دلایل (ماده ۱۹۴ الی ۲۹۴)

مبحث اول - کلیات ماده ۱۹۴ - دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌نمایند. ماده ۱۹۵ - دلایلی که برای اثبات عقود یا ایقاعات یا تعهدات یا قراردادهای اقامه می‌شود، تابع قوانینی است که در موقع انعقاد آنها مجری بوده است مگر این که دلایل مذکور از ادله شرعی‌ای باشد که مجری نبوده و یا خلاف آن در قانون تصریح شده باشد. ماده ۱۹۶ - دلایلی که برای اثبات وقایع خارجی از قبیل ضمان قهری نسب و غیره اقامه می‌شود، تابع قانونی است که در موقع طرح دعوا مجری می‌باشد. ماده ۱۹۷ - اصل براءت است بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بردیگری باشد باید آن را اثبات کند، در غیر این صورت باسوگند خوانده حکم براءت صادر خواهد شد. ماده ۱۹۸ - در صورتی که حق یا دینی بر عهده کسی ثابت شد، اصل بر بقای آن است مگر این که خلاف آن ثابت شود. ماده ۱۹۹ - در کلیه امور حقوقی دادگاه علاوه بر رسیدگی به دلایل مورد استناد طرفین دعوا، هر گونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد، انجام خواهد داد. ماده ۲۰۰ - رسیدگی به دلایلی که صحت آن بین طرفین مورد اختلاف و موثر در تصمیم نهایی باشد در جلسه دادرسی به عمل می‌آید مگر در مواردی که قانون طریق دیگری معین کرده باشد. ماده ۲۰۱ - تاریخ و محل رسیدگی به طرفین اطلاع داده می‌شود مگر در مواردی که قانون طریق دیگری تعیین کرده باشد. عدم حضور اصحاب دعوا مانع از اجرای تحقیقات و رسیدگی نمی‌شود. مبحث دوم - اقرار ماده ۲۰۲ - هرگاه کسی اقرار به امری نماید که دلیل ذی حق بودن طرف او باشد، دلیل دیگری برای ثبوت آن لازم نیست ماده ۲۰۳ - اگر اقرار در دادخواست یا حین مذاکره در دادگاه یا در یکی از لوایحی که به دادگاه تقدیم شده است به عمل آید، اقرار در دادگاه محسوب می‌شود، در غیر این صورت اقرار در خارج از دادگاه تلقی می‌شود. ماده ۲۰۴ - اقرار شفاهی است وقتی که حین مذاکره در دادگاه به عمل آید و کتبی است در صورتی که در یکی از اسناد یا لوایحی که به دادگاه تقدیم گردیده اظهار شده باشد. در اقرار شفاهی طرفی که می‌خواهد از اقرار طرف دیگر استفاده نماید باید از دادگاه بخواهد که اقرار او در صورت مجلس قید شود. ماده ۲۰۵ - اقرار و کیل علیه موکل خود نسبت به اموری که قاطع دعوا است پذیرفته نمی‌شود اعم از این که اقرار در دادگاه یا خارج از دادگاه به عمل آمده باشد. مبحث سوم - اسناد الف - مواد عمومی ماده ۲۰۶ - رسیدگی به حسابها و دفاتر در دادگاه به عمل می‌آید و ممکن است در محلی که اسناد در آنجا قرار دارد انجام گیرد. در هر صورت دادگاه می‌تواند رسیدگی را به یکی از دادرسان دادگاه محول نماید. ماده ۲۰۷ - سندی که در دادگاه ابراز می‌شود ممکن است به نفع طرف مقابل دلیل باشد، در این صورت هرگاه طرف مقابل به آن استناد نماید ابراز کننده سند حق ندارد آن را پس بگیرد و یا از دادگاه درخواست نماید سند او را نادیده بگیرد. ماده ۲۰۸ - هرگاه یکی از طرفین سندی ابراز کند که در آن به سند دیگری رجوع شده و مربوط به دادرسی باشد، طرف مقابل حق دارد ابراز سند دیگر را از دادگاه درخواست نماید و دادگاه به این درخواست ترتیب اثر خواهد داد. ماده ۲۰۹ - هرگاه سند معینی که مدرک ادعا یا اظهار یکی از طرفین است نزد طرف دیگر باشد، به درخواست طرف باید آن سند ابراز شود. هرگاه طرف مقابل به وجود سند نزد خود اعتراف کند ولی از ابراز آن امتناع نماید دادگاه می‌تواند آن را از جمله قرائین مثبت بداند. ماده ۲۱۰ - چنانچه یکی از طرفین به دفتر بازرگانی طرف دیگر استناد کند، دفاتر نامبرده باید در دادگاه ابراز شود. در صورتی که ابراز دفاتر در دادگاه ممکن نباشد، دادگاه شخصی را مامور می‌نماید که با حضور طرفین دفاتر را معاینه و آنچه لازم است خارج نویسی نماید. هیچ بازرگانی نمی‌تواند به عذر نداشتن دفتر از ابراز و یا ارائه دفاتر خود امتناع کند مگر این که ثابت نماید که دفتر او تلف شده یا دسترسی به آن ندارد. هرگاه بازرگانی که به دفاتر او استناد شده است از ابراز آن خودداری نماید و تلف یا عدم دسترسی به آن را هم نتواند ثابت کند، دادگاه می‌تواند آن را از قرائین مثبت اظهار طرف قرار دهد. ماده ۲۱۱ - اگر ابراز سند در دادگاه مقدور نباشد یا ابراز تمام یا قسمتی از آن یا

اظهار علنی مفاد آن در دادگاه برخلاف نظم یا عفت عمومی یا مصالح عامه یا حیثیت اصحاب دعوا یا دیگران باشد رییس دادگاه یا دادرس یا مدیر دفتر دادگاه از جانب او در حضور طرفین آنچه را که لازم و راجع به مورد اختلاف است خارج نویس می نماید. ماده ۲۱۲- هرگاه سند یا اطلاعات دیگری که مربوط به مورد دعواست در ادارات دولتی یا بانکها یا شهرداریها یا موسساتی که با سرمایه دولت تاسیس و اداره می شوند موجود باشد و دادگاه آن را موثر در موضوع تشخیص دهد، به درخواست یکی از اصحاب دعوا به طور کتبی به اداره یا سازمان مربوط ارسال رونوشت سند یا اطلاع لازم را با ذکر موعد، مقرر می دارد. اداره یا سازمان مربوط مکلف است فوری دستور دادگاه را انجام دهد؛ مگر این که ابراز سند با مصالح سیاسی کشور و یا نظم عمومی منافات داشته باشد که در این صورت باید مراتب با توضیح لازم به دادگاه اعلام شود. چنانچه دادگاه موافقت نمود، جواز عدم ابراز سند محرز خواهد شد، در غیر این صورت باید به نحو مقتضی سند به دادگاه ارائه شود. در صورت امتناع کسی که مسوولیت عدم ارائه سند متوجه اوست پس از رسیدگی در همین دادگاه و احراز تخلف به انفسال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. تبصره ۱- در مورد تحویل اسناد سری دولتی باید با اجازه رییس قوه قضاییه باشد. تبصره ۲- ادارات دولتی و بانکها و شهرداریها و سایر مؤسسات یاد شده در این ماده در صورتی که خود نیز طرف دعوا باشند، ملزم به رعایت مفاد این ماده خواهند بود. تبصره ۳- چنانچه در موعدی که دادگاه معین کرده است نتواند اسناد و اطلاعات لازم را بدهند، باید در پاسخ دادگاه با ذکر دلیل تاخیر، تاریخ ابراز اسناد و اطلاعات را اعلام نمایند. ماده ۲۱۳- در مواردی که ابراز اصل سند لازم باشد ادارات سازمانها و بانکها پس از دریافت دستور دادگاه اصل سند را به طور مستقیم به دادگاه می فرستند. فرستادن دفاتر امور جاری به دادگاه لازم نیست بلکه قسمت خارج نویسی شده از آن دفاتر که از طرف اداره گواهی شده باشد کافی است ماده ۲۱۴- هرگاه یکی از اصحاب دعوا به استناد پرونده کیفری ادعایی نماید که رجوع به آن پرونده لازم باشد، دادگاه می تواند پرونده را مطالبه کند. مرجع ذی ربط مکلف است پرونده درخواستی را ارسال نماید. ماده ۲۱۵- چنانچه یکی از اصحاب دعوا استناد به پرونده دعوی مدنی دیگری نماید، دادگاه به درخواست او خطاب به مرجع ذی ربط تقاضانامه‌ای به وی می دهد که رونوشت موارد استنادی در مدت معینی به او داده شود. در صورت لزوم دادگاه می تواند پرونده مورد استناد را خواسته و ملاحظه نماید. ب- انکار و تردید ماده ۲۱۶- کسی که علیه او سند غیر رسمی ابراز شود می تواند خط یا مهر یا امضا و یا اثر انگشت منتسب به خود را انکار نماید و احکام منکر بر او مترتب می گردد و اگر سند ابرازی منتسب به شخص او نباشد می تواند تردید کند. ماده ۲۱۷- اظهار تردید یا انکار نسبت به دلایل و اسناد ارائه شده حتی الامکان باید تا اولین جلسه دادرسی به عمل آید و چنانچه در جلسه دادرسی منکر شود و یا نسبت به صحت و سقم آن سکوت نماید حسب مورد آثار انکار و سکوت بر او مترتب خواهد شد. در مواردی که رای دادگاه بدون دفاع خواننده صادر می شود، خواننده ضمن و خواهی از آن انکار یا تردید خود را به دادگاه اعلام می دارد. نسبت به مدارکی که در مرحله و خواهی مورد استناد واقع می شود نیز اظهار تردید یا انکار باید تا اولین جلسه دادرسی به عمل آید. ماده ۲۱۸- در مقابل تردید یا انکار، هرگاه ارائه کننده سند، سند خود را استرداد نماید، دادگاه به اسناد و دلایل دیگر رجوع می کند. استرداد سند دلیل بر بطلان آن نخواهد بود، چنانچه صاحب سند، سند خود را استرداد نکرد و سند موثر در دعوا باشد، دادگاه مکلف است به اعتبار آن سند رسیدگی نماید. ج- ادعای جعلیت ماده ۲۱۹- ادعای جعلیت نسبت به اسناد و مدارک ارائه شده باید برابر ماده (۲۱۷) این قانون با ذکر دلیل اقامه شود، مگر این که دلیل ادعای جعلیت بعد از موعد مقرر و قبل از صدور رای یافت شده باشد در غیر این صورت دادگاه به آن ترتیب اثر نمی دهد. ماده ۲۲۰- ادعای جعلیت و دلایل آن به دستور دادگاه به طرف مقابل ابلاغ می شود. در صورتی که طرف به استفاده از سند باقی باشد، موظف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اصل سند موضوع ادعای جعل را به دفتر دادگاه تسلیم نماید. مدیر دفتر پس از دریافت سند، آن را به نظر قاضی دادگاه رسانیده و دادگاه آن را فوری مهر و موم می نماید. چنانچه در موعد مقرر صاحب سند از تسلیم آن به دفتر خودداری کند، سند از عداد دلایل او خارج خواهد شد. تبصره- در مواردی که وکیل یا نماینده قانونی دیگری در

دادرسی مداخله داشته باشد، چنانچه دسترسی به اصل سند نداشته باشد حق استمهال دارد و دادگاه مهلت مناسبی برای ارائه اصل سند به او می‌دهد. ماده ۲۲۱ - دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم راجع به ماهیت دعوا نسبت به سندی که در مورد آن ادعای جعل شده است تعیین تکلیف نموده اگر آن را مجعول تشخیص ندهد، دستور تحویل آن را به صاحب سند صادر نماید و در صورتی که آن را مجعول بداند، تکلیف این که باید تمام سند از بین برده شود و یا قسمت مجعول در روی سند ابطال گردد یا کلماتی محو و یا تغییر داده شود تعیین خواهد کرد. اجرای رای دادگاه در این خصوص منوط است به قطعی شدن حکم دادگاه در ماهیت دعوا و گذشتن مدت درخواست تجدیدنظر یا ابرام حکم در مواردی که قابل تجدیدنظر می‌باشد و در صورتی که وجود اسناد و نوشته‌های راجع به دعوی جعل در دفتر دادگاه لازم نباشد، دادگاه دستور اعاده اسناد و نوشته‌ها را به صاحبان آنها می‌دهد. ماده ۲۲۲ - کارمندان دادگاه مجاز نیستند تصویر یا رونوشت اسناد و مدارکی را که نسبت به آنها ادعای جعلیت شده مادام که به موجب حکم قطعی نسبت به آنها تعیین تکلیف نشده است به اشخاص تسلیم نمایند، مگر با اجازه دادگاه که در این صورت نیز باید در حاشیه آن تصریح شود که نسبت به این سند ادعای جعلیت شده است تخلف از مفاد این ماده مستلزم محکومیت از سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی خواهد بود. د - رسیدگی به صحت و اصالت سند ماده ۲۲۳ - خط مهر، امضا و اثر انگشت اسناد عادی را که نسبت به آن انکار یا تردید یا ادعای جعل شده باشد، نمی‌توان اساس تطبیق قرارداد، هر چند که حکم به صحت آن شده باشد. ماده ۲۲۴ - می‌توان کسی را که خط یا مهر یا امضا یا اثر انگشت منعکس در سند به او نسبت داده شده است اگر در حال حیات باشد، برای استکتاب یا اخذ اثر انگشت یا تصدیق مهر دعوت نمود. عدم حضور یا امتناع او از کتابت یا زدن انگشت یا تصدیق مهر می‌تواند قرینه صحت سند تلقی شود. ماده ۲۲۵ - اگر اوراق و نوشته‌ها و مدارکی که باید اساس تطبیق قرار گیرد در یکی از ادارات یا شهرداریها یا بانکها یا موسساتی که با سرمایه دولت تاسیس شده است موجود باشد، برابر مقررات ماده (۲۱۲) آنها را به محل تطبیق می‌آورند. چنانچه آوردن آنها به محل تطبیق ممکن نباشد و یا به نظر دادگاه مصلحت نباشد و یا دارنده آنها در شهر یا محل دیگری اقامت داشته باشد به موجب قرار دادگاه می‌توان در محلی که نوشته‌ها، اوراق و مدارک یاد شده قرار دارد، تطبیق به عمل آورد. ماده ۲۲۶ - دادگاه موظف است در صورت ضرورت دقت در سند، تطبیق خط امضا، اثر انگشت یا مهر سند را به کارشناس رسمی یا اداره تشخیص هویت و پلیس بین الملل که مورد وثوق دادگاه باشند، ارجاع نماید. اداره تشخیص هویت و پلیس بین الملل هنگام اعلام نظر به دادگاه ارجاع کننده باید هویت و مشخصات کسی را که در اعلام نظر دخالت مستقیم داشته است معرفی نماید. شخص یاد شده از جهت مسوولیت و نیز موارد رد، در حکم کارشناس رسمی می‌باشد. ماده ۲۲۷ - چنانچه مدعی جعلیت سند در دعوی حقوقی شخص معینی را به جعل سند مورد استناد متهم کند، دادگاه به هر دو ادعا یک جا رسیدگی می‌نماید. در صورتی که دعوی حقوقی در جریان رسیدگی باشد، رای قطعی کیفری نسبت به اصالت یا جعلیت سند، برای دادگاه متبع خواهد بود. اگر اصالت یا جعلیت سند به موجب رای کیفری ثابت شده و سند یاد شده مستند دادگاه در امر حقوقی باشد، رای کیفری برابر مقررات مربوط به اعاده دادرسی قابل استفاده می‌باشد. هر گاه در ضمن رسیدگی دادگاه از طرح ادعای جعل مرتبط با دعوی حقوقی در دادگاه دیگری مطلع شود، موضوع به اطلاع رییس حوزه قضایی می‌رسد تا با توجه به سبق ارجاع برای رسیدگی توأم اتخاذ تصمیم نماید. ماده ۲۲۸ - پس از ادعای جعلیت سند، تردید یا انکار نسبت به آن سند پذیرفته نمی‌شود، ولی چنانچه پس از تردید یا انکار سند، ادعای جعل شود فقط به ادعای جعل رسیدگی خواهد شد. در صورتی که ادعای جعل یا اظهار تردید و انکار نسبت به سند شده باشد، دیگر ادعای پرداخت وجه آن سند یا انجام هر نوع تعهدی نسبت به آن پذیرفته نمی‌شود و چنانچه نسبت به اصالت سند همراه با دعوی پرداخت وجه یا انجام تعهد، تعرض شود فقط به ادعای پرداخت وجه یا انجام تعهد رسیدگی خواهد شد و تعرض به اصالت قابل رسیدگی نمی‌باشد. مبحث چهارم - گواهی ماده ۲۲۹ - در مواردی که دلیل اثبات دعوا یا موثر در اثبات آن گواهی گواهان باشد برابر مواد زیر اقدام می‌گردد. ماده ۲۳۰ - در دعوی مدنی (حقوقی تعداد و جنسیت گواه همچنین ترکیب

گواهان با سوگند به ترتیب ذیل می‌باشد: الف - اصل طلاق و اقسام آن و رجوع در طلاق و نیز دعاوی غیرمالی از قبیل مسلمان بودن بلوغ جرح و تعدیل عفو از قصاص و کالت وصیت با گواهی دو مرد. ب - دعاوی مالی یا آنچه که مقصود از آن مال می‌باشد از قبیل دین ثمن مبیع معاملات وقف اجاره وصیت به نفع مدعی غضب جنایات خطایی و شبه عمد که موجب دیه است با گواهی دو مرد یا یک مرد و دو زن چنانچه برای خواهان امکان اقامه بینه شرعی نباشد می‌تواند با معرفی یک گواه مرد یا دو زن به ضمیمه یک سوگند ادعای خود را اثبات کند. در موارد مذکور در این بند، ابتدا گواه واجد شرایط شهادت می‌دهد، سپس سوگند توسط خواهان ادا می‌شود. ج - دعاوی که اطلاع بر آنها معمولاً در اختیار زنان است از قبیل ولادت رضاع بکارت عیوب درونی زنان با گواهی چهار زن دو مرد یا یک مرد و دو زن د - اصل نکاح با گواهی دو مرد و یا یک مرد و دو زن ماده ۲۳۱ - در کلیه دعاوی که جنبه حق الناسی دارد اعم از امور جزایی یا مدنی (مالی و غیر آن به شرح ماده فوق هرگاه به علت غیبت یا بیماری سفر، حبس و امثال آن حضور گواه اصلی متعذر یا متعسر باشد گواهی بر شهادت گواه اصلی مسموع خواهد بود. تبصره - گواه بر شاهد اصلی باید واجد شرایط مقرر برای گواه و گواهی باشد. ماده ۲۳۲ - هر یک از طرفین دعوا که متمسک به گواهی شده‌اند، باید گواهان خود را در زمانی که دادگاه تعیین کرده حاضر و معرفی نمایند. ماده ۲۳۳ - صلاحیت گواه و موارد جرح وی برابر شرایط مندرج در بخش چهارم از کتاب دوم در امور کیفری این قانون می‌باشد. ماده ۲۳۴ - هر یک از اصحاب دعوا می‌توانند گواهان طرف خود را با ذکر علت جرح نمایند. چنانچه پس از صدور رای برای دادگاه معلوم شود که قبل از ادای گواهی جهات جرح وجود داشته ولی بر دادگاه مخفی مانده و رای صادره هم مستند به آن گواهی بوده مورد از موارد نقض می‌باشد و چنانچه جهات جرح بعد از صدور رای حادث شده باشد، موثر در اعتبار رای دادگاه نخواهد بود. تبصره - در صورتی که طرف دعوا برای جرح گواه از دادگاه استمهال نماید دادگاه حداکثر به مدت یک هفته مهلت خواهد داد. ماده ۲۳۵ - دادگاه گواهی هر گواه را بدون حضور گواههایی که گواهی نداده‌اند استماع می‌کند و بعد از ادای گواهی می‌تواند از گواهها مجتمعاً تحقیق نماید. ماده ۲۳۶ - قبل از ادای گواهی دادگاه حرمت گواهی کذب و مسوولیت مدنی آن و مجازاتی که برای آن مقرر شده است را به گواه خاطر نشان می‌سازد. گواهان قبل از ادای گواهی نام و نام خانوادگی شغل سن و محل اقامت خود را اظهار و سوگند یاد می‌کنند که تمام حقیقت را گفته و غیر از حقیقت چیزی اظهار ننمایند. تبصره - در صورتی که احقاق حق متوقف به گواهی باشد و گواه حاضر به اتیان سوگند نشود الزام به آن ممنوع است ماده ۲۳۷ - دادگاه می‌تواند برای این که آزادی گواه بهتر تأمین شود گواهی او را بدون حضور اصحاب دعوا استماع نماید. در این صورت پس از ادای گواهی بلافاصله اصحاب دعوا را از اظهارات گواه مطلع می‌سازد. ماده ۲۳۸ - هیچ یک از اصحاب دعوا نباید اظهارات گواه را قطع کند، لکن پس از ادای گواهی می‌توانند توسط دادگاه سولاتی را که مربوط به دعوا می‌باشد از گواه به عمل آورند. ماده ۲۳۹ - دادگاه نمی‌تواند گواه را به ادای گواهی ترغیب یا از آن منع یا او را در کیفیت گواهی راهنمایی یا در بیان مطالب کمک نماید، بلکه فقط مورد گواهی را طرح نموده و او را در بیان مطالب خود آزاد می‌گذارد. ماده ۲۴۰ - اظهارات گواه باید عیناً در صورت مجلس قید و به امضای اثر انگشت او برسد و اگر گواه نخواهد یا نتواند امضا کند، مراتب در صورت مجلس قید خواهد شد. ماده ۲۴۱ - تشخیص ارزش و تاثیر گواهی با دادگاه است ماده ۲۴۲ - دادگاه می‌تواند به درخواست یکی از اصحاب دعوا همچنین در صورتی که مقتضی بداند گواهان را احضار نماید. در ابلاغ احضاریه مقرراتی که برای ابلاغ اوراق قضایی تعیین شده رعایت می‌گردد و باید حداقل یک هفته قبل از تشکیل دادگاه به گواه یا گواهان ابلاغ شود. ماده ۲۴۳ - گواهی که برابر قانون احضار شده است چنانچه در موعد مقرر حضور نیابد، دوباره احضار خواهد شد. ماده ۲۴۴ - در صورت معذور بودن گواه از حضور در دادگاه و همچنین در مواردی که دادگاه مقتضی بداند می‌تواند گواهی گواه را در منزل یا محل کار او یا در محل دعوا توسط یکی از قضات دادگاه استماع کند. ماده ۲۴۵ - در صورتی که گواه در مقر دادگاه دیگری اقامت داشته باشد دادگاه می‌تواند از دادگاه محل توقف او بخواهد که گواهی او را استماع کند. ماده ۲۴۶ - در موارد مذکور در مادتين (۲۴۴) و (۲۴۵) چنانچه مبنای

رای دادگاه گواهی گواه باشد و آن گواه طبق مقررات ماده (۲۳۱) از حضور در دادگاه معذور باشد استنادکننده به گواهی فقط می‌تواند به گواهی شاهد بر گواه اصلی استناد نماید. ماده ۲۴۷ - هرگاه گواه برای حضور در دادگاه درخواست هزینه آمد و رفت و جبران خسارت حاصل از آن را بنماید، دادگاه میزان آن رامعین و استنادکننده را به تادیه آن ملزم می‌نماید. مبحث پنجم - معاینه محل و تحقیق محلی ماده ۲۴۸ - دادگاه می‌تواند راسا یا به درخواست هریک از اصحاب دعوا قرار معاینه محل را صادر نماید. موضوع قرار و وقت اجرای آن باید به طرفین ابلاغ شود. ماده ۲۴۹ - در صورتی که طرفین دعوا یا یکی از آنان به اطلاعات اهل محل استناد نمایند، اگرچه به طور کلی باشد و اسامی مطلعین را هم ذکر نکنند، دادگاه قرار تحقیق محلی صادر می‌نماید. چنانچه قرار تحقیق محلی به درخواست یکی از طرفین صادر گردد، طرف دیگر دعوا می‌تواند در موقع تحقیقات مطلعین خود را در محل حاضر نماید که اطلاع آنها نیز استماع شود. ماده ۲۵۰ - اجرای قرار معاینه محل یا تحقیق محلی ممکن است توسط یکی از دادرسان دادگاه یا قاضی تحقیق به عمل آید. وقت و محل تحقیقات باید از قبل به طرفین اطلاع داده شود. در صورتی که محل تحقیقات خارج از حوزه دادگاه باشد، دادگاه می‌تواند اجرای تحقیقات را از دادگاه محل درخواست نماید مگر این که مبنای رای دادگاه معاینه و یا تحقیقات محلی باشد که در این صورت باید اجرای قرارهای مذکور توسط شخص قاضی صادرکننده رای صورت گیرد یا گزارش مورد وثوق دادگاه باشد. ماده ۲۵۱ - متصدی اجرای قرار معاینه محل یا تحقیقات محلی صورت جلسه تنظیم و به امضای مطلعین و اصحاب دعوا می‌رساند. ماده ۲۵۲ - ترتیب استعلام و اجرای تحقیقات از اشخاص یاد شده در ماده قبل به نحوی است که برای گواهان مقرر گردیده است هریک از طرفین می‌تواند مطلعین طرف دیگر را برابر مقررات جرح گواه رد نماید. ماده ۲۵۳ - طرفین دعوا می‌توانند اشخاصی را برای کسب اطلاع از آنان در محل معرفی و به گواهی آنها تراضی نمایند. متصدی تحقیقات صورت اشخاصی را که اصحاب دعوا انتخاب کرده‌اند نوشته و به امضای طرفین می‌رساند. ماده ۲۵۴ - عدم حضور یکی از اصحاب دعوا مانع از اجرای قرار معاینه محل و تحقیقات محلی نخواهد بود. ماده ۲۵۵ - اطلاعات حاصل از تحقیق و معاینه محل از امارات قضایی محسوب می‌گردد که ممکن است موجب علم یا اطمینان قاضی دادگاه یا موثر در آن باشد. ماده ۲۵۶ - عدم تهیه وسیله اجرای قرار معاینه محل یا تحقیق محلی توسط متقاضی موجب خروج آن از عداد دلایل وی می‌باشد و اگر اجرای قرار مذکور را دادگاه لازم بداند، تهیه وسایل اجرا در مرحله بدوی با خواهان دعوا و در مرحله تجدیدنظر با تجدیدنظر خواه می‌باشد. در صورتی که به علت عدم تهیه وسیله اجرای قرار مقدور نباشد و دادگاه بدون آن نتواند انشای رای نماید دادخواست بدوی ابطال و در مرحله تجدیدنظر، تجدیدنظر خواهی متوقف ولی مانع اجرای حکم بدوی نخواهد بود. مبحث ششم - رجوع به کارشناس ماده ۲۵۷ - دادگاه می‌تواند راسا یا به درخواست هریک از اصحاب دعوا قرار ارجاع امر به کارشناس را صادر نماید. در قرار دادگاه موضوعی که نظر کارشناس نسبت به آن لازم است و نیز مدتی که کارشناس باید اظهار عقیده کند، تعیین می‌گردد. ماده ۲۵۸ - دادگاه باید کارشناس مورد وثوق را از بین کسانی که دارای صلاحیت در رشته مربوط به موضوع است انتخاب نماید و در صورت تعدد آنها، به قید قرعه انتخاب می‌شود. در صورت لزوم تعدد کارشناسان عده منتخبین باید فرد باشد تا در صورت اختلاف نظر، نظراکثریت ملاک عمل قرار گیرد. تبصره - اعتبار نظر اکثریت در صورتی است که کارشناسان از نظر تخصص با هم مساوی باشند. ماده ۲۵۹ - ایداع دستمزد کارشناس به عهده متقاضی است و هرگاه ظرف مدت یک هفته از تاریخ ابلاغ آن را پرداخت نکند، کارشناسی از عداد دلایل وی خارج می‌شود. هرگاه قرار کارشناسی به نظر دادگاه باشد و دادگاه نیز نتواند بدون انجام کارشناسی انشای رای نماید، پرداخت دستمزد کارشناسی در مرحله بدوی به عهده خواهان و در مرحله تجدیدنظر به عهده تجدیدنظر خواه است در صورتی که در مرحله بدوی دادگاه نتواند بدون نظر کارشناس حتی با سوگند نیز حکم صادر نماید، دادخواست ابطال می‌گردد و اگر در مرحله تجدیدنظر باشد تجدیدنظر خواهی متوقف ولی مانع اجرای حکم بدوی نخواهد بود. ماده ۲۶۰ - پس از صدور قرار کارشناسی و انتخاب کارشناس و ایداع دستمزد، دادگاه به کارشناس اخطار می‌کند که ظرف مهلت تعیین شده در قرار کارشناسی نظر

خود را تقدیم نماید. وصول نظر کارشناس به طرفین ابلاغ خواهد شد، طرفین می توانند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ به دفتر دادگاه مراجعه کنند و با ملاحظه نظر کارشناس چنانچه مطلبی دارند نفی یا اثباتا به طور کتبی اظهار نمایند. پس از انقضای مدت یاد شده دادگاه پرونده را ملاحظه و در صورت آماده بودن مبادرت به انشای رای می نماید. ماده ۲۶۱ - کارشناس مکلف به قبول امر کارشناسی که از دادگاه به اوارجاع شده می باشد، مگر این که دارای عذری باشد که به تشخیص دادگاه موجه شناخته شود، در این صورت باید قبل از مباشرت به کارشناسی مراتب را به طور کتبی به دادگاه اعلام دارد. موارد معذور بودن کارشناس همان موارد معذور بودن دادرس است ماده ۲۶۲ - کارشناس باید در مدت مقرر نظر خود را کتبا تقدیم دارد، مگر این که موضوع از اموری باشد که اظهار نظر در آن مدت میسر نباشد. در این صورت به تقاضای کارشناس دادگاه مهلت مناسب دیگری تعیین و به کارشناس و طرفین اعلام می کند. در هر حال اظهار نظر کارشناس باید صریح و موجه باشد. هرگاه کارشناس ظرف مدت معین نظر خود را کتبا تقدیم دادگاه ننماید، کارشناس دیگری تعیین می شود. چنانچه قبل از انتخاب یا اخطار به کارشناس دیگر نظر کارشناس به دادگاه واصل شود، دادگاه به آن ترتیب اثر می دهد و تخلف کارشناس را به مرجع صلاحیت دار اعلام می دارد. ماده ۲۶۳ - در صورت لزوم تکمیل تحقیقات یا اخذ توضیح از کارشناس دادگاه موارد تکمیل و توضیح را در صورت مجلس منعکس و به کارشناس اعلام و کارشناس را برای ادای توضیح دعوت می نماید. در صورت عدم حضور، کارشناس جلب خواهد شد. هرگاه پس از اخذ توضیحات دادگاه کارشناسی را ناقص تشخیص دهد، قرار تکمیل آن را صادر و به همان کارشناس یا کارشناس دیگر محول می نماید. ماده ۲۶۴ - دادگاه حق الزحمه کارشناس را با رعایت کمیت و کیفیت ارزش کار تعیین می کند. هرگاه بعد از اظهار نظر کارشناس معلوم گردد که حق الزحمه تعیین شده متناسب نبوده است مقدار آن را به طور قطعی تعیین و دستور وصول آن را می دهد. ماده ۲۶۵ - در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد. ماده ۲۶۶ - اگر یکی از کارشناسان در موقع رسیدگی و مشاوره حاضر بوده ولی بدون عذر موجه از اظهار نظر یا حضور در جلسه یا امتناع نماید، نظر اکثریت کارشناسانی که از حیث تخصص با هم مساوی باشند ملاک عمل خواهد بود. عدم حضور کارشناس یا امتناعش از اظهار نظر یا امضای رای باید از طرف کارشناسان دیگر تصدیق و به امضا برسد. ماده ۲۶۷ - هرگاه یکی از اصحاب دعوا از تخلف کارشناس متضرر شده باشد در صورتی که تخلف کارشناس سبب اصلی در ایجاد خسارات به متضرر باشد می تواند از کارشناس مطالبه ضرر نماید. ضرر و زیان ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست ماده ۲۶۸ - طرفین دعوا در هر مورد که قرار رجوع به کارشناس صادر می شود، می توانند قبل از اقدام کارشناس یا کارشناسان منتخب کارشناس یا کارشناسان دیگری را با تراضی انتخاب و به دادگاه معرفی نمایند. در این صورت کارشناس مرضی الطرفین به جای کارشناس منتخب دادگاه برای اجرای قرار کارشناسی اقدام خواهد کرد. کارشناسی که به تراضی انتخاب می شود ممکن است غیر از کارشناس رسمی باشد. ماده ۲۶۹ - اگر لازم باشد که تحقیقات کارشناسی در خارج از مقرر دادگاه رسیدگی کننده اجرا شود و طرفین کارشناس را با تراضی تعیین نکرده باشند، دادگاه می تواند انتخاب کارشناس را به طریق قرعه به دادگاهی که تحقیقات در مقر آن دادگاه اجرا می شود واگذار نماید. مبحث هفتم - سوگند ماده ۲۷۰ - در مواردی که صدور حکم دادگاه منوط به سوگند شرعی می باشد، دادگاه به درخواست متقاضی قرار اتیان سوگند صادر کرده و در آن موضوع سوگند و شخصی را که باید سوگند یاد کند تعیین می نماید. ماده ۲۷۱ - در کلیه دعاوی مالی و سایر حقوق الناس از قبیل نکاح طلاق، رجوع در طلاق، نسب و کالت و وصیت که فاقد دلایل و مدارک معتبر دیگر باشد سوگند شرعی به شرح مواد آتی می تواند ملاک و مستند صدور حکم دادگاه قرار گیرد. ماده ۲۷۲ - هرگاه خواهان (مدعی) فاقد بینه و گواه واجد شرایط باشد خوانده (مدعی علیه منکر ادعای خواهان بوده به تقاضای خواهان منکر ادای سوگند می نماید و به موجب آن ادعا ساقط خواهد شد. ماده ۲۷۳ - چنانچه خوانده از ادای سوگند امتناع ورزد و سوگند را به خواهان واگذار نماید، با سوگند وی ادعایش ثابت می شود و در صورت نکول ادعای او ساقط و به موجب آن حکم صادر می گردد. ماده ۲۷۴ - چنانچه

منکر از ادای سوگند و رد آن به خواهان نکول نماید دادگاه سه بار جهت اتیان سوگند یا رد آن به خواهان به منکر اخطار می‌کند، در غیر این صورت ناکل شناخته خواهد شد. با اصرار خواننده بر موضع خود، دادگاه ادای سوگند را به خواهان واگذار نموده و با سوگند وی ادعا ثابت و به موجب آن حکم صادر می‌شود و در صورت نکول خواهان از ادای سوگند، ادعای او ساقط خواهد شد. ماده ۲۷۵ - هرگاه خواننده در پاسخ خواهان ادعایی مبنی بر براءت ذمه از سوی خواهان یا دریافت مال مورد ادعا یا صلح و هبه نسبت به آن و یا تملیک مال به موجب یکی از عقود ناقله نماید، دعوا منقلب شده خواهان خواننده و خواننده خواهان تلقی می‌شود و حسب مورد با آنان رفتار خواهد شد. ماده ۲۷۶ - هرگاه خواننده در جلسه دادرسی در قبال ادعای خواهان به علت عارضه‌ای از قبیل لکنت زبان یا لال بودن سکوت نماید قاضی دادگاه راسا یا به وسیله مترجم یا متخصص امر، مراد وی را کشف یا عارضه را بر طرف می‌نماید و چنانچه سکوت خواننده واستنکاف وی از باب تعمد و ایذا باشد دادگاه ضمن تذکر عواقب شرعی و قانونی کتمان حقیقت سه بار به خواننده اخطار می‌نماید که در نتیجه استنکاف ناکل شناخته می‌شود، در این صورت با سوگند خواهان دعوا ثابت و حکم بر محکومیت خواننده صادر خواهد شد. ماده ۲۷۷ - در کلیه دعاوی مالی که به هر علت و سببی به ذمه تعلق می‌گیرد از قبیل قرض ثمن معامله مال الاجاره دیه جنایات مهریه نفقه ضمان به تلف یا اتلاف همچنین دعاوی که مقصود از آن مال است از قبیل بیع صلح اجاره هبه وصیت به نفع مدعی جنایت خطایی و شبه عمد موجب دیه - چنانچه برای خواهان امکان اقامه بینه شرعی نباشد می‌تواند با معرفی یک گواه مرد یا دو گواه زن به ضمیمه یک سوگند ادعای خود را اثبات کند. تبصره - در موارد مذکور در این ماده ابتدا گواه واجد شرایط شهادت می‌دهد سپس سوگند توسط خواهان ادا می‌شود. ماده ۲۷۸ - در دعاوی بر میت پس از اقامه بینه سوگند خواهان نیز لازم است و در صورت امتناع از سوگند، حق وی ساقط می‌شود. ماده ۲۷۹ - هرگاه خواهان در دعاوی بر میت وارث صاحب حق باشد و بر اثبات ادعای خود اقامه بینه کند علاوه بر آن باید ادای سوگند نماید. در صوت عدم اتیان سوگند حق مورد ادعا ساقط خواهد شد. تبصره ۱ - در صورت تعدد وراث هر یک نسبت به سهم خود باید ادای سوگند نمایند چنانچه بعضی ادای سوگند نموده و بعضی نکول کنند ادعا نسبت به کسانی که ادای سوگند کرده ثابت و نسبت به نکول کنندگان ساقط خواهد شد. تبصره ۲ - چنانچه وراث خواننده متعدد باشند و خواهان شخص دیگری باشد پس از اقامه بینه توسط خواهان ادای یک سوگند کفایت می‌کند. ماده ۲۸۰ - در حدود شرعی حق سوگند نیست مگر در سرقت که فقط نسبت به جنبه حق الناسی آن سوگند ثابت است ولی حد سرقت با آن سوگند ثابت نخواهد شد. ماده ۲۸۱ - سوگند باید مطابق قرار دادگاه و با لفظ جلاله (والله - بالله - تالله یا نام خداوند متعال به سایر زبانها ادا گردد و در صورت نیاز به تغلیظ دادگاه کیفیت ادای آن را از حیث زمان مکان و الفاظ تعیین می‌نماید. در هر حال فرقی بین مسلمان و غیرمسلمان در ادای سوگند به نام خداوند متعال نخواهد بود. مراتب اتیان سوگند صورت جلسه می‌گردد. ماده ۲۸۲ - در صورتی که طرفین حاضر نباشند، دادگاه محل ادای سوگند، تعیین وقت نموده و طرفین را احضار می‌نماید. در احضار نامه علت حضور قید می‌گردد. ماده ۲۸۳ - دادگاه نمی‌تواند بدون درخواست اصحاب دعوا سوگند دهد و اگر سوگند داد اثری بر آن مترتب نخواهد بود و چنانچه پس از آن درخواست اجرای سوگند شود باید سوگند تجدید گردد. ماده ۲۸۴ - درخواست سوگند از سوی متقاضی ممکن است شفاهی یا کتبی باشد. درخواست شفاهی در صورت مجلس نوشته شده و به امضای درخواست کننده می‌رسد و این درخواست را تا پایان دادرسی می‌توان انجام داد. ماده ۲۸۵ - در صورتی که سوگند از سوی منکر باشد، سوگند بر عدم وجود یا عدم وقوع ادعای مدعی یاد خواهد شد و چنانچه سوگند از سوی مدعی باشد، سوگند بر وجود یا وقوع ادعا علیه منکر به عمل خواهد آمد. به هر حال باید مقصود درخواست کننده سوگند معلوم و صریح باشد که کدامیک از این امور است ماده ۲۸۶ - بعد از صدور قرار اتیان سوگند، در صورتی که شخصی که باید سوگند یاد کند حاضر باشد، دادگاه در همان جلسه سوگند می‌دهد و در صورت عدم حضور تعیین وقت نموده طرفین را دعوت می‌کند. اگر کسی که باید سوگند یاد کند بدون عذر موجه حاضر نشود یا بعد از حضور از سوگند امتناع نماید نکول محسوب و دادگاه اتیان سوگند را به طرف دعوا رد می‌کند

و با اتیان سوگند، حکم صادر خواهد شد و گرنه دعوا ساقط می‌گردد. در برگ احضاریه جهت حضور و نتیجه عدم حضور باید قید گردد. ماده ۲۸۷ - اگر کسی که باید سوگند یاد کند برای قبول یا رد سوگند مهلت بخواهد، دادگاه می‌تواند به اندازه‌ای که موجب ضرر طرف نشود به او یک بار مهلت بدهد. ماده ۲۸۸ - اتیان سوگند باید در جلسه دادگاه رسیدگی کننده به دعوا انجام شود. در صورتی که اداکننده سوگند بواسطه عذر موجه نتواند در دادگاه حضور یابد، دادگاه حسب اقتضای مورد، وقت دیگری برای سوگند معین می‌نماید یا دادرس دادگاه نزد او حاضر می‌شود یا به قاضی دیگر نیابت می‌دهد تا او را سوگند داده و صورت مجلس را برای دادگاه ارسال کند و براساس آن رای صادر می‌نماید. ماده ۲۸۹ - هرگاه کسی که درخواست سوگند کرده است از تقاضای خود صرف نظر نماید دادگاه با توجه به سایر مستندات به دعوا رسیدگی نموده و رای مقتضی صادر می‌نماید. مبحث هشتم - نیابت قضایی ماده ۲۹۰ - در هر موردی که رسیدگی به دلایلی از قبیل تحقیقات از مطلعین و گواهان یا معاینه محلی و یا هر اقدام دیگری که می‌بایست خارج از مقر دادگاه رسیدگی کننده به دعوا انجام گیرد و مباشرت دادگاه شرط نباشد، مرجع مذکور به دادگاه صلاحیتدار محل نیابت می‌دهد تا حسب مورد اقدام لازم معمول و نتیجه را طی صورت مجلس به دادگاه نیابت دهنده ارسال نماید. اقدامات مذکور در صورتی معتبر خواهد بود که مورد وثوق دادگاه باشد. ماده ۲۹۱ - در مواردی که تحقیقات باید خارج از کشور ایران به عمل آید، دادگاه در حدود مقررات معهود بین دولت ایران و کشور مورد نظر، به دادگاه کشوری که تحقیقات باید در قلمرو آن انجام شود نیابت می‌دهد تا تحقیقات را به عمل آورده و صورت مجلس را ارسال دارد. ترتیب اثر بر تحقیقات معموله در خارج از کشور متوقف بر وثوق دادگاه به نتیجه تحقیقات می‌باشد. ماده ۲۹۲ - دادگاههای ایران می‌توانند به شرط معامله متقابل نیابتی که از طرف دادگاههای کشورهای دیگر راجع به تحقیقات قضایی به آنها داده می‌شود قبول کنند. ماده ۲۹۳ - دادگاههای ایران نیابت تحقیقات قضایی را برابر قانون ایران انجام می‌دهند، لکن چنانچه دادگاه کشور خارجی ترتیب خاصی برای رسیدگی معین کرده باشد، دادگاه ایران می‌تواند به شرط معامله متقابل و در صورتی که مخالف با موازین اسلام و قوانین مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد برابر آن عمل نماید. ماده ۲۹۴ - در نیابت تحقیقات قضایی خارج از کشور، دادگاه نحوه بررسی و تحقیق را برابر قوانین ایران تعیین و از دادگاه خارجی که به آن نیابت داده می‌شود می‌خواهد که براساس آن کار تحقیقات را انجام دهد. در صورتی که دادگاه یاد شده به طریق دیگری اقدام به بررسی و تحقیق نماید اعتبار آن منوط به نظر دادگاه خواهد بود.

فصل یازدهم - رای (ماده ۲۹۵ الی ۳۲۵)

مبحث اول - صدور و انشای رای ماده ۲۹۵ - پس از اعلام ختم دادرسی در صورت امکان دادگاه در همان جلسه انشا رای نموده و به اصحاب دعوا اعلام می‌نماید در غیراین صورت حداکثر ظرف یک هفته انشا و اعلام رای می‌کند. ماده ۲۹۶ - رای دادگاه پس از انشای لفظی باید نوشته شده و به امضای دادرس یا دادرسان برسد و نکات زیر در آن رعایت گردد: ۱ - تاریخ صدور رای ۲ - مشخصات اصحاب دعوا یا وکیل یا نمایندگان قانونی آنان با قید اقامتگاه ۳ - موضوع دعوا و درخواست طرفین ۴ - جهات دلایل مستندات اصول و مواد قانونی که رای براساس آنها صادر شده است ۵ - مشخصات و سمت دادرس یا دادرسان دادگاه ماده ۲۹۷ - رای دادگاه باید ظرف پنج روز از تاریخ صدور پاکت پیوسته شده و به امضای دادرس یا دادرسان صادرکننده رای برسد. ماده ۲۹۸ - در صورتی که دعوا قابل تجزیه بوده و فقط قسمتی از آن مقتضی صدور رای باشد با درخواست خواهان دادگاه مکلف به انشای رای نسبت به همان قسمت می‌باشد و نسبت به قسمت دیگر رسیدگی را ادامه می‌دهد. ماده ۲۹۹ - چنانچه رای دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طور جزئی یا کلی باشد، حکم و در غیراین صورت قرار نامیده می‌شود. مبحث دوم - ابلاغ رای ماده ۳۰۰ - مدیر دفتر دادگاه موظف است فوری پس از امضای دادنامه رونوشت آن را به تعداد اصحاب دعوا تهیه و در صورتی که شخصاً یا وکیل یا نماینده قانونی آنها حضور دارند به آنان ابلاغ نماید والا به مامور ابلاغ تسلیم و توسط وی به اصحاب دعوا ابلاغ گردد. ماده ۳۰۱ -

مدیر یا اعضای دفتر قبل از آن که رای یادادنامه به امضای دادرس یا دادرس‌ها برسد، نباید رونوشت آن را به کسی تسلیم نمایند. در صورت تخلف مرتکب به حکم هیاتهای رسیدگی به تخلفات اداری به مجازات بند (ب ماده ۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری - مصوب ۱۳۷۲ - و بالاتر محکوم خواهد شد. ماده ۳۰۲ - هیچ حکم یا قراری را نمی‌توان اجرا نمود مگر این که به صورت حضوری و یا به صورت دادنامه یا رونوشت گواهی شده آن به طرفین یا وکیل آنان ابلاغ شده باشد. نحوه ابلاغ دادنامه و رونوشت آن برابر مقررات مربوط به ابلاغ دادخواست و سایر اوراق رسمی خواهد بود. تبصره - چنانچه رای دادگاه غیابی بوده و محکوم علیه مجهول‌المكان باشد، مفاد رای به وسیله آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز یا محلی با هزینه خواهان برای یکبار به محکوم علیه ابلاغ خواهد شد. تاریخ انتشار آگهی تاریخ ابلاغ رای محسوب می‌شود. مبحث سوم - حکم حضوری و غیابی ماده ۳۰۳ - حکم دادگاه حضوری است مگر این که خواننده یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و به طور کتبی نیز دفاع ننموده باشد و یا خطاریه ابلاغ واقعی نشده باشد. ماده ۳۰۴ - در صورتی که خوانندگان متعدد باشند و فقط بعضی از آنان در جلسه دادگاه حاضر شوند و یا لایحه دفاعیه تسلیم نمایند، دادگاه نسبت به دعوی مطروحه علیه کلیه خوانندگان رسیدگی کرده سپس مبادرت به صدور رای می‌نماید، رای دادگاه نسبت به کسانی که در جلسات حاضر نشده و لایحه دفاعیه نداده‌اند و یا خطاریه ابلاغ واقعی نشده باشد غیابی محسوب است مبحث چهارم - وخواهی ماده ۳۰۵ - محکوم علیه غایب حق دارد به حکم غیابی اعتراض نماید. این اعتراض وخواهی نامیده می‌شود. دادخواست وخواهی در دادگاه صادرکننده حکم غیابی قابل رسیدگی است ماده ۳۰۶ - مهلت وخواهی از احکام غیابی برای کسانی که مقیم کشورند بیست روز و برای کسانی که خارج از کشور اقامت دارند دوماه از تاریخ ابلاغ واقعی خواهد بود مگر این که معترض به حکم ثابت نماید عدم اقدام به وخواهی در این مهلت به دلیل عذر موجه بوده است در این صورت باید دلایل موجه بودن عذر خود را ضمن دادخواست وخواهی به دادگاه صادرکننده رای اعلام نماید. اگر دادگاه ادعا را موجه تشخیص داد قرار قبول دادخواست وخواهی را صادر و اجرای حکم نیز متوقف می‌شود. جهات زیر عذر موجه محسوب می‌گردد: ۱ - مرضی که مانع حرکت است ۲ - فوت یکی از والدین یا همسر یا اولاد. ۳ - حوادث قهریه از قبیل سیل زلزله و حریق که بر اثر آن تقدیم دادخواست وخواهی در مهلت مقرر ممکن نباشد. ۴ - توقیف یا حبس بودن به نحوی که نتوان در مهلت مقرر دادخواست وخواهی تقدیم کرد. تبصره ۱ - چنانچه ابلاغ واقعی به شخص محکوم علیه میسر نباشد و ابلاغ قانونی به عمل آید، آن ابلاغ معتبر بوده و حکم غیابی پس از انقضای مهلت قانونی و قطعی شدن به موقع اجرا گذارده خواهد شد. در صورتی که حکم ابلاغ واقعی نشده باشد و محکوم علیه مدعی عدم اطلاع از مفاد رای باشد می‌تواند دادخواست وخواهی به دادگاه صادرکننده حکم غیابی تقدیم دارد. دادگاه بدو خارج از نوبت در این مورد رسیدگی نموده قرار رد یا قبول دادخواست را صادر می‌کند. قرار قبول دادخواست مانع اجرای حکم خواهد بود. تبصره ۲ - اجرای حکم غیابی منوط به معرفی ضامن معتبر یا اخذتأمین متناسب از محکوم‌له خواهد بود. مگر این که دادنامه یا اجراییه به محکوم علیه غایب ابلاغ واقعی شده و نامبرده در مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ دادنامه وخواهی نکرده باشد. تبصره ۳ - تقدیم دادخواست خارج از مهلت یاد شده بدون عذر موجه قابل رسیدگی در مرحله تجدیدنظر برابر مقررات مربوط به آن مرحله می‌باشد. ماده ۳۰۷ - چنانچه محکوم علیه غایب پس از اجرای حکم وخواهی نماید و در رسیدگی بعدی حکم به نفع او صادر شود، خواهان ملزم به جبران خسارت ناشی از اجرای حکم اولی به وخواه می‌باشد. ماده ۳۰۸ - رای که پس از رسیدگی وخواهی صادر می‌شود فقط نسبت به وخواه و وخواننده موثر است و شامل کسی که وخواهی نکرده است نخواهد شد مگر این که رای صادره قابل تجزیه و تفکیک نباشد که در این صورت نسبت به کسانی که مشمول حکم غیابی بوده ولی وخواهی نکرده‌اند نیز تسری خواهد داشت مبحث پنجم - تصحیح رای ماده ۳۰۹ - هرگاه در تنظیم و نوشتن رای دادگاه سهو قلم رخ دهد مثل از قلم افتادن کلمه‌ای یا زیاد شدن آن و یا اشتباهی در محاسبه صورت گرفته باشد تا وقتی که از آن درخواست تجدیدنظر نشده دادگاه راسا یا به درخواست ذی‌نفع رای را تصحیح می‌نماید. رای تصحیحی به طرفین

ابلاغ خواهد شد. تسلیم رونوشت رای اصلی بدون رونوشت رای تصحیحی ممنوع است حکم دادگاه در قسمتی که مورد اشتباه نبوده در صورت قطعیت اجرا خواهد شد. تبصره ۱- در مواردی که اصل حکم یا قرار دادگاه قابل واخواهی یا تجدیدنظر یا فرجام است تصحیح آن نیز در مدت قانونی قابل واخواهی یا تجدیدنظر یا فرجام خواهد بود. تبصره ۲- چنانچه رای مورد تصحیح به واسطه واخواهی یا تجدیدنظر یا فرجام نقض گردد رای تصحیحی نیز از اعتبار خواهد افتاد. مبحث ششم - دادرسی فوری ماده ۳۱۰- در اموری که تعیین تکلیف آن فوریت دارد، دادگاه به درخواست ذی نفع برابر مواد زیر دستور موقت صادر می نماید. ماده ۳۱۱- چنانچه اصل دعوا در دادگاهی مطرح باشد مرجع درخواست دستور موقت همان دادگاه خواهد بود و در غیر این صورت مرجع درخواست دادگاهی می باشد که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد. ماده ۳۱۲- هرگاه موضوع درخواست دستور موقت در مقر دادگاهی غیر از دادگاههای یاد شده در ماده قبل باشد، درخواست دستور موقت از آن دادگاه به عمل می آید اگرچه صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا رانداشته باشد. ماده ۳۱۳- درخواست دستور موقت ممکن است کتبی یا شفاهی باشد. درخواست شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای درخواست کننده می رسد. ماده ۳۱۴- برای رسیدگی به امور فوری دادگاه روز و ساعات مناسبی را تعیین و طرفین را به دادگاه دعوت می نماید. در مواردی که فوریت کار اقتضا کند می توان بدون تعیین وقت و دعوت از طرفین و حتی در اوقات تعطیل و یا در غیر محل دادگاه به امور یاد شده رسیدگی نمود. ماده ۳۱۵- تشخیص فوری بودن موضوع درخواست با دادگاهی می باشد که صلاحیت رسیدگی به درخواست را دارد. ماده ۳۱۶- دستور موقت ممکن است دایر بر توقیف مال یا انجام عمل و یا منع از امری باشد. ماده ۳۱۷- دستور موقت دادگاه به هیچ وجه تاثیری در اصل دعوا نخواهد داشت ماده ۳۱۸- پس از صدور دستور موقت در صورتی که از قبل اقامه دعوا نشده باشد، درخواست کننده باید حداکثر ظرف بیست روز از تاریخ صدور دستور، به منظور اثبات دعوی خود به دادگاه صالح مراجعه و دادخواست خود را تقدیم و گواهی آن را به دادگاهی که دستور موقت صادر کرده تسلیم نماید. در غیر این صورت دادگاه صادر کننده دستور موقت به درخواست طرف از آن رفع اثر خواهد کرد. ماده ۳۱۹- دادگاه مکلف است برای جبران خسارت احتمالی که از دستور موقت حاصل می شود از خواهان تامین مناسبی اخذ نماید. در این صورت صدور دستور موقت منوط به سپردن تامین می باشد. ماده ۳۲۰- دستور موقت پس از ابلاغ قابل اجراست و نظر به فوریت کار، دادگاه می تواند مقرر دارد که قبل از ابلاغ اجرا شود. ماده ۳۲۱- در صورتی که طرف دعوا تامینی بدهد که متناسب با موضوع دستور موقت باشد، دادگاه در صورت مصلحت از دستور موقت رفع اثر خواهد نمود. ماده ۳۲۲- هرگاه جهتی که موجب دستور موقت شده است مرتفع شود، دادگاه صادر کننده دستور موقت آن را لغو می نماید و اگر اصل دعوا در دادگاه مطرح باشد، دادگاه رسیدگی کننده دستور را لغو خواهد نمود. ماده ۳۲۳- در صورتی که برابر ماده (۳۱۸) اقامه دعوا نشود و یا در صورت اقامه دعوا، ادعای خواهان رد شود، متقاضی دستور موقت به جبران خساراتی که طرف دعوا در اجرای دستور متحمل شده است محکوم خواهد شد. ماده ۳۲۴- در خصوص تامین اخذ شده از متقاضی دستور موقت یا رفع اثر از آن چنانچه ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رای نهایی برای مطالبه خسارت طرح دعوا نشود، به دستور دادگاه از مال مورد تامین رفع توقیف خواهد شد. ماده ۳۲۵- قبول یا رد درخواست دستور موقت مستقلاً قابل اعتراض و تجدیدنظر و فرجام نیست لکن متقاضی می تواند ضمن تقاضای تجدیدنظر به اصل رای نسبت به آن نیز اعتراض و درخواست رسیدگی نماید. ولی در هر حال رد یا قبول درخواست دستور موقت قابل رسیدگی فرجامی نیست تبصره ۱- اجرا دستور موقت مستلزم تایید رییس حوزه قضایی می باشد. تبصره ۲- درخواست صدور دستور موقت مستلزم پرداخت هزینه دادرسی معادل دعاوی غیرمالی است

فصل اول - احکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر (ماده ۳۲۶ الی ۳۲۹)

ماده ۳۲۷ - چنانچه قاضی صادرکننده رای متوجه اشتباه خود شود مستدلاً پرونده را به دادگاه تجدیدنظر ارسال می‌دارد. دادگاه یاد شده با توجه به دلیل ابرازی رای صادره را نقض و رسیدگی ماهوی خواهد کرد. ماده ۳۲۸ - در صورتی که هریک از مقامات مندرج در تبصره ۱) ماده (۳۲۶) پی به اشتباه رای صادره ببرند با ذکر استدلال پرونده را به دادگاه تجدیدنظر ارسال می‌دارند. دادگاه یاد شده در صورت پذیرش استدلال تذکردهنده رای را نقض و رسیدگی ماهوی می‌نماید والا رای را تأیید و برای اجرا به دادگاه بدوی اعاده می‌نماید. ماده ۳۲۹ - در صورتی که عدم صلاحیت قاضی صادرکننده رای ادعا شود، مرجع تجدیدنظر ابتدا به اصل ادعا رسیدگی و در صورت احراز، رای را نقض و دوباره رسیدگی خواهد کرد.

فصل دوم - آرای قابل تجدیدنظر (ماده ۳۳۰ الی ۳۳۵)

ماده ۳۳۰ - آرای دادگاههای عمومی و انقلاب در امور حقوقی قطعی است مگر در مواردی که طبق قانون قابل درخواست تجدیدنظر باشد. ماده ۳۳۱ - احکام زیر قابل درخواست تجدیدنظر می‌باشد: الف - در دعای مالی که خواسته یا ارزش آن از سه میلیون (۳۰۰۰۰۰۰) ریال متجاوز باشد. ب - کلیه احکام صادره در دعای غیرمالی ج - حکم راجع به متفرعات دعوا در صورتی که حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظر باشد. تبصره - احکام مستند به اقرار در دادگاه یا مستند به رای یک یا چند نفر کارشناس که طرفین کتبا رای آنان را قاطع دعوا قرار داده باشند قابل درخواست تجدیدنظر نیست مگر در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده رای ماده ۳۳۲ - قرارهای زیر قابل تجدیدنظر است در صورتی که حکم راجع به اصل دعوا قابل درخواست تجدیدنظر باشد: الف - قرار ابطال دادخواست یا رد دادخواست که از دادگاه صادر شود. ب - قرار رد دعوا یا عدم استماع دعوا. ج - قرار سقوط دعوا. د - قرار عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا. ماده ۳۳۳ - در صورتی که طرفین دعوا با توافق کتبی حق تجدیدنظرخواهی خود را ساقط کرده باشند تجدیدنظرخواهی آنان مسموع نخواهد بود مگر در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده رای ماده ۳۳۴ - مرجع تجدیدنظر آرای دادگاههای عمومی و انقلاب هر حوزه‌ای دادگاه تجدیدنظر مرکز همان استان می‌باشد. ماده ۳۳۵ - اشخاص زیر حق درخواست تجدیدنظر دارند: الف - طرفین دعوا یا وکلا و یا نمایندگان قانونی آنها. ب - مقامات مندرج در تبصره ۱) ماده (۳۲۶) در حدود وظایف قانونی خود.

فصل سوم - مهلت تجدیدنظر (ماده ۳۳۶ الی ۳۳۸)

ماده ۳۳۶ - مهلت درخواست تجدیدنظر اصحاب دعوا، برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ یا انقضای مدت و اخواهی است ماده ۳۳۷ - هرگاه یکی از کسانی که حق تجدیدنظرخواهی دارند قبل از انقضای مهلت تجدیدنظر ورشکسته یا محجور یا فوت شود، مهلت جدید از تاریخ ابلاغ حکم یا قرار در مورد ورشکسته به مدیر تصفیه و در مورد محجور به قیم و در صورت فوت به وراث یا قائم مقام یا نماینده قانونی وارث شروع می‌شود. ماده ۳۳۸ - اگر سمت یکی از اشخاص که به عنوان نمایندگی از قبیل ولایت یا قیمومت و یا وصایت در دعوا دخالت داشته‌اند قبل از انقضای مدت تجدیدنظرخواهی زایل گردد، مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ حکم یا قرار به کسی که به این سمت تعیین می‌شود شروع خواهد شد و اگر زوال این سمت به واسطه رفع حجر باشد، مهلت تجدیدنظرخواهی از تاریخ ابلاغ حکم یا قرار به کسی که از وی رفع حجر شده است شروع می‌گردد.

فصل چهارم - دادخواست و مقدمات رسیدگی (ماده ۳۳۹ الی ۳۴۷)

ماده ۳۳۹ - متقاضی تجدیدنظر باید دادخواست خود را ظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاه صادرکننده رای یا دفتر شعبه اول دادگاه تجدیدنظر یا به دفتر بازداشتگاهی که در آنجا توقیف است تسلیم نماید. هریک از مراجع یاد شده در بالا باید بلافاصله پس از وصول دادخواست آن را ثبت و رسیدی مشتمل بر نام متقاضی و طرف دعوا، تاریخ تسلیم شماره ثبت و دادنامه به تقدیم کننده تسلیم و در روی کلیه برگه‌های دادخواست تجدیدنظر همان تاریخ را قید کند. این تاریخ تاریخ تجدیدنظر خواهی محسوب می گردد. تبصره ۱ - در صورتی که دادخواست به دفتر مرجع تجدیدنظر یا بازداشتگاه داده شود به شرح بالا - اقدام و دادخواست را به دادگاه صادرکننده رای ارسال می دارد. چنانچه دادخواست تجدیدنظر در مهلت قانونی تقدیم شده باشد، مدیر دفتر دادگاه بدوی پس از تکمیل آن پرونده را ظرف دو روز به مرجع تجدیدنظر ارسال می دارد. تبصره ۲ - در صورتی که دادخواست خارج از مهلت داده شود و یا در مهلت قانونی رفع نقص نگردد، به موجب قرار دادگاه صادرکننده رای بدوی رد می شود. این قرار ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ در مرجع تجدیدنظر قابل اعتراض است رای دادگاه تجدیدنظر قطعی است تبصره ۳ - دادگاه باید ذیل رای خود، قابل تجدیدنظر بودن یا نبودن رای و مرجع تجدیدنظر آن را معین نماید. این امر مانع از آن نخواهد بود که اگر رای دادگاه قابل تجدیدنظر بوده و دادگاه آن را قطعی اعلام کند، هریک از طرفین درخواست تجدیدنظر نماید. ماده ۳۴۰ - در صورتی که در مهلت مقرر دادخواست تجدیدنظر به مراجع مذکور در ماده قبل تقدیم نشده باشد، متقاضی تجدیدنظر بادلایل و بیان عذر خود تقاضای تجدیدنظر را به دادگاه صادرکننده رای تقدیم می نماید. دادگاه مکلف است ابتدا به عذر عنوان شده که به موجب عدم تقدیم دادخواست در مهلت مقرر بوده رسیدگی و در صورت وجود عذر موجه نسبت به پذیرش دادخواست تجدیدنظر اتخاذ تصمیم می نماید. تبصره - جهات عذر موجه همان موارد مذکور در ذیل ماده (۳۰۶) می باشد. ماده ۳۴۱ - در دادخواست باید نکات زیر قید شود: ۱ - نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات تجدیدنظر خواه و وکیل او در صورتی که دادخواست را وکیل داده باشد. ۲ - نام خانوادگی اقامتگاه و سایر مشخصات تجدیدنظر خوانده ۳ - حکم یا قراری که از آن درخواست تجدیدنظر شده است ۴ - دادگاه صادرکننده رای ۵ - تاریخ ابلاغ رای ۶ - دلایل تجدیدنظر خواهی ماده ۳۴۲ - هرگاه دادخواست دهنده عنوان قیمومت یا ولایت یا وصایت یا وکالت یا مدیریت شرکت و امثال آن را داشته باشد باید رونوشت یا تصویر سندی را که مثبت سمت او می باشد، پیوست دادخواست نماید. ماده ۳۴۳ - دادخواست و برگه‌های پیوست آن باید در دو نسخه و در صورت متعدد بودن طرف به تعداد آنها بعلاوه یک نسخه باشد. ماده ۳۴۴ - اگر مشخصات تجدیدنظر خواه در دادخواست معین نشده و معلوم نباشد که دادخواست دهنده چه کسی می باشد یا اقامتگاه او معلوم نباشد و قبل از انقضای مهلت دادخواست تکمیل یا تجدیدنظر نشود پس از انقضای مهلت دادخواست یاد شده به موجب قرارداد گاهی که دادخواست رادریافت نموده رد می گردد. این قرار نسبت به اصحاب دعوا ظرف ده روز از تاریخ الصاق به دیوار دادگاه قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر، خواهد بود. تبصره - مهلت مقرر در این ماده و ماده (۳۳۶) شامل موارد نقض مذکور در ماده (۳۲۶) نخواهد بود. ماده ۳۴۵ - هر دادخواستی که نکات یاد شده در بندهای (۲، ۳، ۴، ۵ و ۶) ماده (۳۴۱) و مواد (۳۴۲) و (۳۴۳) در آن رعایت نشده باشد به جریان نمی افتد و مدیر دفتر دادگاه بدوی ظرف دو روز از تاریخ وصول دادخواست نقایص را به طور تفصیل به دادخواست دهنده به طور کتبی اطلاع داده و از روز ابلاغ ده روز به او مهلت می دهد که نقایص را رفع کند و اگر محتاج به تجدیدنظر دادخواست است آن را تجدیدنظر نماید، در غیر این صورت برابر تبصره (۲) ماده (۳۳۹) اقدام خواهد شد. ماده ۳۴۶ - مدیر دفتر دادگاه بدوی ظرف دوروز از تاریخ وصول دادخواست و ضمایم آن و یا پس از رفع نقص یک نسخه از دادخواست و پیوست های آن را برای طرف دعوا می فرستد که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ پاسخ دهد، پس از انقضای مهلت یاد شده اعم از این که پاسخی رسیده یا نرسیده باشد، پرونده را به مرجع تجدیدنظر می فرستد. ماده ۳۴۷ - تجدیدنظر خواهی از آرای قابل تجدیدنظر که در قانون احصاء گردیده مانع اجرای حکم خواهد بود، هر چند دادگاه صادرکننده رای آن را قطعی اعلام نموده باشد مگر در مواردی که طبق قانون استثنا شده باشد.

فصل پنجم - جهات تجدید نظر (ماده ۳۴۸ الی ۳۶۵)

ماده ۳۴۸ - جهات درخواست تجدید نظر به قرار زیر است الف - ادعای عدم اعتبار مستندات دادگاه ب - ادعای فقدان شرایط قانونی شهادت شهود. ج - ادعای عدم توجه قاضی به دلایل ابرازی د - ادعای عدم صلاحیت قاضی یا دادگاه صادرکننده رای ه - ادعای مخالف بودن رای با موازین شرعی و یا مقررات قانونی تبصره - اگر درخواست تجدید نظر به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده به عمل آمده باشد در صورت وجود جهات دیگر، مرجع تجدید نظر به آن جهت هم رسیدگی می‌نماید. ماده ۳۴۹ - مرجع تجدید نظر فقط به آنچه که مورد تجدید نظرخواهی است و در مرحله نخستین مورد حکم قرار گرفته رسیدگی می‌نماید. ماده ۳۵۰ - عدم رعایت شرایط قانونی دادخواست و یا عدم رفع نقص آن در موعد مقرر قانونی در مرحله بدوی موجب نقض رای در مرحله تجدید نظر نخواهد بود. در این موارد دادگاه تجدید نظر به دادخواست‌دهنده بدوی اخطار می‌کند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص اقدام نماید. در صورت عدم اقدام و همچنین در صورتی که سمت دادخواست‌دهنده محرز نباشد دادگاه رای صادره را نقض و قرارداد دعوی بدوی را صادر می‌نماید. ماده ۳۵۱ - چنانچه دادگاه تجدید نظر در رای بدوی غیر از اشتباهاتی از قبیل اعداد، ارقام سهو قلم مشخصات طرفین و یا از قلم افتادگی در آن قسمت از خواسته که به اثبات رسیده اشکال دیگری ملاحظه نکند ضمن اصلاح رای آن را تایید خواهد کرد. ماده ۳۵۲ - هرگاه دادگاه تجدید نظر، دادگاه بدوی را فاقد صلاحیت محلی یا ذاتی تشخیص دهد رای را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌دارد. ماده ۳۵۳ - دادگاه تجدید نظر در صورتی که قرار مورد شکایت رامطابق با موازین قانونی تشخیص دهد آن را تایید می‌کند. در غیر این صورت پس از نقض پرونده را برای رسیدگی ماهوی به دادگاه صادرکننده قرار عودت می‌دهد. ماده ۳۵۴ - قرار تحقیق و معاینه محل در دادگاه تجدید نظر توسط رییس دادگاه یا به دستور او توسط یکی از مستشاران شعبه اجرایی شود و چنانچه محل اجرای قرار در شهر دیگر همان استان باشد دادگاه تجدید نظر می‌تواند اجرای قرار را از دادگاه محل درخواست نماید و در صورتی که محل اجرای قرار در حوزه قضایی استان دیگر باشد با اعطای نیابت قضایی به دادگاه محل درخواست اجرای قرار را خواهد نمود. تبصره - در مواردی که مبنای رای دادگاه فقط گواهی گواه یا معاینه محل باشد توسط قاضی صادرکننده رای انجام خواهد شد مگر این که گزارش مورد وثوق دادگاه باشد. ماده ۳۵۵ - در صورتی که دادگاه تجدید نظر قراردادگاه بدوی را در مورد رد یا عدم استماع دعوا به جهت یاد شده در قرار، موجه نداند ولی به جهات قانونی دیگر دعوا را مردود یا غیر قابل استماع تشخیص دهد، در نهایت قرار صادره را تایید خواهد کرد. ماده ۳۵۶ - مقرراتی که در دادرسی بدوی رعایت می‌شود در مرحله تجدید نظر نیز جاری است مگر این که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. ماده ۳۵۷ - غیر از طرفین دعوا یا قائم مقام قانونی آنان کس دیگری نمی‌تواند در مرحله تجدید نظر وارد شود، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد. ماده ۳۵۸ - چنانچه دادگاه تجدید نظر ادعای تجدید نظرخواه را موجه تشخیص دهد، رای دادگاه بدوی را نقض و رای مقتضی صادر می‌نماید. در غیر این صورت با رد درخواست و تایید رای پرونده را به دادگاه بدوی اعاده خواهد کرد. ماده ۳۵۹ - رای دادگاه تجدید نظر نمی‌تواند مورد استفاده غیر طرفین تجدید نظرخواهی قرار گیرد، مگر در مواردی که رای صادره قابل تجزیه و تفکیک نباشد که در این صورت نسبت به اشخاص دیگر هم که مشمول رای بدوی بوده و تجدید نظرخواهی نکرده‌اند تسری خواهد داشت ماده ۳۶۰ - هرگاه در تنظیم و نوشتن رای دادگاه تجدید نظر، سهو یا اشتباهی رخ دهد همان دادگاه با رعایت ماده (۳۰۹) آن را اصلاح خواهد کرد. ماده ۳۶۱ - تنظیم دادنامه و ابلاغ آن به ترتیب مقرر در مرحله بدوی می‌باشد. ماده ۳۶۲ - ادعای جدید در مرحله تجدید نظر مسموع نخواهد بود ولی موارد زیر ادعای جدید محسوب نمی‌شود: ۱ - مطالبه قیمت محکوم به که عین آن موضوع رای بدوی بوده و یا مطالبه عین مالی که قیمت آن در مرحله بدوی مورد حکم قرار گرفته است ۲ - ادعای اجاره بها و مطالبه بقیه اقساط آن و اجرت المثل و دیونی که موعد پرداخت آن در جریان رسیدگی بدوی

رسیده و سایر متفرعات از قبیل ضرر و زیان که در زمان جریان دعوا یا بعد از صدور رای بدوی به خواسته اصلی تعلق گرفته و مورد حکم واقع نشده یا موعد پرداخت آن بعد از صدور رای رسیده باشد. ۳- تغییر عنوان خواسته از اجرت المسمی به اجرت المثل یا بالعکس ماده ۳۶۳- چنانچه هریک از طرفین دعوا دادخواست تجدیدنظر خود را مسترد نمایند، مرجع تجدیدنظر قرار ابطال دادخواست تجدیدنظر را صادر می‌نماید. ماده ۳۶۴- در مواردی که رای دادگاه تجدیدنظر مبنی بر محکومیت خواننده باشد و خواننده یا وکیل او در هیچ یک از مراحل دادرسی حاضر نبوده و لایحه دفاعیه و یا اعتراضیه‌ای هم نداده باشند رای دادگاه تجدیدنظر ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ واقعی به محکوم علیه یا وکیل او قابل اعتراض و رسیدگی در همان دادگاه تجدیدنظر می‌باشد، رای صادره قطعی است ماده ۳۶۵- آرای صادره در مرحله تجدیدنظر جز در موارد مقرر در ماده (۳۲۶) قطعی می‌باشد.

باب پنجم - فرجام خواهی

فصل اول - فرجام خواهی در امور مدنی (ماده ۳۶۶ الی ۴۱۶) .

مبحث اول - فرجام خواهی و آرای قابل فرجام ماده ۳۶۶- رسیدگی فرجامی عبارت است از تشخیص انطباق یا عدم انطباق رای مورد درخواست فرجامی با موازین شرعی و مقررات قانونی ماده ۳۶۷- آرای دادگاههای بدوی که به علت عدم درخواست تجدیدنظر قطعیت یافته قابل فرجام خواهی نیست مگر در موارد زیر: الف- احکام ۱- احکامی که خواسته آن بیش از مبلغ بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد. ۲- احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن طلاق، نسب حجر، وقف ثلث حبس و تولیت ب - قرارهای زیر مشروط به این که اصل حکم راجع به آنها قابل رسیدگی فرجامی باشد: ۱- قرار ابطال یا رد دادخواست که از دادگاه صادر شده باشد. ۲- قرار سقوط دعوا یا عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا. ماده ۳۶۸- آرای دادگاههای تجدیدنظر استان قابل فرجام خواهی نیست مگر در موارد زیر: الف- احکام احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن طلاق، نسب حجر و وقف ب- قرارهای زیر مشروط به این که اصل حکم راجع به آنها قابل رسیدگی فرجامی باشد: ۱- قرار ابطال یا رد دادخواست که از دادگاه تجدیدنظر صادر شده باشد. ۲- قرار سقوط دعوا یا عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا. ماده ۳۶۹- احکام زیر اگر چه از مصادیق بندهای (الف) در دو ماده قبل باشد حسب مورد قابل رسیدگی فرجامی نخواهد بود: ۱- احکام مستند به اقرار قاطع دعوا در دادگاه ۲- احکام مستند به نظریه یک یا چند نفر کارشناس که طرفین به طور کتبی رای آنها را قاطع دعوا قرار داده باشند. ۳- احکام مستند به سوگند که قاطع دعوا باشد. ۴- احکامی که طرفین حق فرجام خواهی خود را نسبت به آن ساقط کرده باشند. ۵- احکامی که ضمن یا بعد از رسیدگی به دعاوی اصلی راجع به متفرعات آن صادر می‌شود، در صورتی که حکم راجع به اصل دعوا قابل رسیدگی فرجامی نباشد. ۶- احکامی که به موجب قوانین خاص غیر قابل فرجام خواهی است مبحث دوم - موارد نقض ماده ۳۷۰- شعبه رسیدگی کننده پس از رسیدگی با نظر اکثریت اعضا در ابرام یا نقض رای فرجام خواسته اتخاذ تصمیم می‌نماید. چنانچه رای مطابق قانون و دلایل موجود در پرونده باشد ضمن ابرام آن پرونده را به دادگاه صادر کننده اعاده می‌نماید والا طبق مقررات آتی اقدام خواهد شد. ماده ۳۷۱- در موارد زیر حکم یا قرار نقض می‌گردد: ۱- دادگاه صادر کننده رای صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به موضوع رانداشته باشد و در مورد عدم رعایت صلاحیت محلی وقتی که نسبت به آن ایراد شده باشد. ۲- رای صادره خلاف موازین شرعی و مقررات قانونی شناخته شود. ۳- عدم رعایت اصول دادرسی و قواعد آمره و حقوق اصحاب دعوا در صورتی که به درجه‌ای از اهمیت باشد که رای را از اعتبار قانونی بیندازد. ۴- آرای مغایر با یکدیگر، بدون سبب قانونی در یک موضوع و بین همان اصحاب دعوا صادر شده باشد. ۵- تحقیقات انجام شده ناقص بوده و یا به دلایل و مدافعات طرفین توجه نشده باشد. ماده ۳۷۲- چنانچه رای صادره با قوانین حاکم در زمان صدور آن مخالف نباشد، نقض نمی‌گردد. ماده ۳۷۳- چنانچه مفاد رای صادره با یکی از مواد قانونی مطابقت داشته باشد،

لکن اسباب توجیهی آن با ماده‌ای که دارای معنای دیگری است تطبیق شده رای یاد شده نقض می‌گردد. ماده ۳۷۴ - در مواردی که دعوا ناشی از قرارداد باشد، چنانچه به مفاد صریح سند یا قانون یا آیین نامه مربوط به آن قرارداد معنای دیگری غیر از معنای مورد نظر دادگاه صادر کننده رای داده شود، رای صادره در آن خصوص نقض می‌گردد. ماده ۳۷۵ - چنانچه عدم صحت مدارک اسناد و نوشته‌های مبنای رای که طرفین در جریان دادرسی ارایه نموده‌اند ثابت شود، رای صادره نقض می‌گردد. ماده ۳۷۶ - چنانچه در موضوع یک دعوا آرای مغایری صادر شده باشد بدون این که طرفین و یا صورت اختلاف تغییر نماید و یا به سبب تجدید نظر یا اعاده دادرسی رای دادگاه نقض شود، رای موخر بی اعتبار بوده و به درخواست ذی نفع بی اعتباری آن اعلام می‌گردد. همچنین رای اول در صورت مخالفت با قانون نقض خواهد شد، اعم از این که آرای یاد شده از یک دادگاه و یا دادگاههای متعدد صادر شده باشند. ماده ۳۷۷ - در صورت وجود یکی از موجبات نقض رای مورد تقاضای فرجام نقض می‌شود اگر چه فرجام خواه به آن جهت که مورد نقض قرار گرفته استناد نکرده باشد. مبحث سوم - ترتیب فرجام خواهی ماده ۳۷۸ - افراد زیر می‌توانند بارعایت مواد آتی درخواست رسیدگی فرجامی نمایند: ۱- طرفین دعوا، قائم مقام نمایندگان قانونی و وکلای آنان ۲- دادستان کل کشور. ماده ۳۷۹ - فرجام خواهی با تقدیم دادخواست به دادگاه صادر کننده رای به عمل می‌آید. مدیر دفتر دادگاه مذکور باید دادخواست را در دفتر ثبت و رسیدی مشتمل بر نام فرجام خواه و طرف او و تاریخ تقدیم دادخواست با شماره ثبت به تقدیم کننده تسلیم و در روی کلیه برگه‌های دادخواست تاریخ تقدیم را قید نماید. تاریخ تقدیم دادخواست ابتدای فرجام خواهی محسوب می‌شود. ماده ۳۸۰ - در دادخواست باید نکات زیر قید شود: ۱- نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات فرجام خواه و وکیل او در صورتی که دادخواست را وکیل داده باشد. ۲- نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات فرجام خوانده ۳- حکم یا قراری که از آن درخواست فرجام شده است ۴- دادگاه صادر کننده رای ۵- تاریخ ابلاغ رای ۶- دلایل فرجام خواهی ماده ۳۸۱ - به دادخواست فرجامی باید برگه‌های زیر پیوست شود: ۱- رونوشت یا تصویر مصدق حکم یا قراری که از آن فرجام خواسته می‌شود. ۲- لایحه متضمن اعتراضات فرجامی ۳- وکالتنامه وکیل یا مدرک مثبت سقم تقدیم کننده دادخواست فرجامی در صورتی که خود فرجام خواه دادخواست را نداده باشد. ماده ۳۸۲ - دادخواست و برگه‌های پیوست آن باید در دو نسخه و در صورت متعدد بودن طرف دعوا به تعداد آنها به علاوه یک نسخه باشد، به استثنای مدرک مثبت سمت که فقط به نسخه اول ضمیمه می‌شود. ماده ۳۸۳ - دادخواستی که برابر مقررات یاد شده در دو ماده قبل تقدیم نشده و یا هزینه دادرسی آن پرداخت نگردیده باشد به جریان نمی‌افتد. مدیر دفتر دادگاه در موارد یاد شده ظرف دو روز از تاریخ رسیدن دادخواست نقایص آن را به طور مشخص به دادخواست دهنده اخطار می‌نماید و از روز ابلاغ ده روز به او مهلت می‌دهد که نقایص رافع کند. در صورتی که دادخواست خارج از مهلت داده شده یا در مدت یاد شده تکمیل نشود به موجب قرارداد گاهی که دادخواست به آن تسلیم گردیده رد می‌شود. این قرار ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در دیوان عالی کشور می‌باشد. رای دیوان قطعی است ماده ۳۸۴ - اگر مشخصات فرجام خواه در دادخواست فرجامی معین نشده و در نتیجه هویت دادخواست دهنده معلوم نباشد، دادخواست بلا اثر می‌ماند و پس از انقضای مهلت فرجام خواهی به موجب قرارداد گاهی که دادخواست به آنجا داده شده رد می‌شود. قرار یاد شده ظرف بیست روز از تاریخ الصاق به دیوار دفتر دادگاه صادر کننده قابل شکایت در دیوان عالی کشور می‌باشد. رای دیوان قطعی است ماده ۳۸۵ - در صورتی که دادخواست فرجام خواهی تکمیل باشد، مدیر دفتر دادگاه یک نسخه از دادخواست و پیوستهای آن را برای طرف دعوا، ارسال می‌دارد تا ظرف بیست روز به طور کتبی پاسخ دهد. پس از انقضای مهلت یاد شده اعم از این که پاسخی رسیده یا نرسیده باشد، پرونده را همراه با پرونده مربوط به رای فرجام خواسته به دیوان عالی کشور می‌فرستد. ماده ۳۸۶ - درخواست فرجام اجرای حکم را تا زمانی که حکم نقض نشده است به تاخیر نمی‌اندازد و لکن به ترتیب زیر عمل می‌گردد: الف - چنانچه محکوم به مالی باشد، در صورت لزوم به تشخیص دادگاه قبل از اجرا از محکوم له تامین مناسب اخذ خواهد شد. ب - چنانچه محکوم به غیر مالی باشد و به تشخیص

دادگاه صادر کننده حکم محکوم علیه تامین مناسب بدهد اجرای حکم تاصدور رای فرجامی به تاخیر خواهد افتاد. ماده ۳۸۷ - هرگاه از رای قابل فرجام در مهلت مقرر قانونی فرجام خواهی نشده یا به هر علتی در آن موارد قرار رد دادخواست فرجامی صادر و قطعی شده باشد و ذی نفع مدعی خلاف شرع یا قانون بودن آن رای باشد، می تواند از طریق دادستان کل کشور تقاضای رسیدگی فرجامی بنماید. تقاضای یاد شده مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی فرجامی است تبصره - مهلت تقدیم دادخواست یک ماه حسب مورد از تاریخ انقضای مهلت فرجام خواهی یا قطعی شدن قرار رد دادخواست فرجامی یا ابلاغ رای دیوان عالی کشور در خصوص تایید قرار رد دادخواست فرجامی می باشد. ماده ۳۸۸ - دفتر دادستان کل کشور دادخواست رسیدگی فرجامی رادریافت و در صورت تکمیل بودن آن از جهت ضمایم و مستندات و هزینه دادرسی برابر مقررات آن را ثبت و به ضمیمه پرونده اصلی به نظر دادستان کل کشور می رسانند. دادستان کل چنانچه ادعای آنها را در خصوص مخالفت بین رای با موازین شرع یا قانون مقرون به صحت تشخیص دهد از دیوان عالی کشور درخواست نقض آن را می نماید. در صورت نقض رای در دیوان عالی کشور، برابر مقررات مندرج در مبحث ششم این قانون اقدام خواهد شد. تبصره - چنانچه دادخواست تقدیمی ناقص باشد دفتر دادستان کل کشور به تقدیم کننده دادخواست ابلاغ می نماید که ظرف ده روز از آن رفع نقص کند. هرگاه در مهلت مذکور اقدام به رفع نقص نشود دادخواست قابل ترتیب اثر نخواهد بود. دادخواست خارج از مهلت نیز قابل ترتیب اثر نیست ماده ۳۸۹ - پس از درخواست نقض از طرف دادستان کل محکوم علیه رای یاد شده می تواند با ارایه گواهی لازم به دادگاه اجرا کننده رای تقاضای توقف اجرای آن را بنماید. دادگاه مکلف است پس از اخذ تامین مناسب دستور توقف اجرا را تا پایان رسیدگی دیوان عالی کشور صادر نماید. مبحث چهارم - ترتیب رسیدگی ماده ۳۹۰ - پس از وصول پرونده به دیوان عالی کشور، رییس دیوان یایکی از معاونان وی پرونده را با رعایت نوبت و ترتیب وصول به یکی از شعب دیوان ارجاع می نماید شعبه مرجوع الیه به نوبت رسیدگی می کند مگر در مواردی که به موجب قانون یا به تشخیص رییس دیوان عالی کشور، رسیدگی خارج از نوبت ضروری باشد. ماده ۳۹۱ - پس از ارجاع پرونده نمی توان آن را از شعبه مرجوع الیه اخذ و به شعبه دیگر ارجاع کرد مگر به تجویز قانون رعایت مفاد این ماده در مورد رسیدگی کلیه دادگاهها نیز الزامی است ماده ۳۹۲ - رییس شعبه موضوع دادخواست فرجامی را مطالعه و گزارش تهیه می کند یا به نوبت به یکی از اعضای شعبه برای تهیه گزارش ارجاع می نماید. گزارش باید جامع یعنی حاوی جریان ماهیت دعوا و بررسی کامل در اطراف اعتراضات فرجام خواه و جهات قانونی مورد رسیدگی فرجامی با ذکر استدلال باشد. عضو شعبه مکلف است ضمن مراجعه به پرونده برای تهیه گزارش چنانچه از هریک از قضات که در آن پرونده دخالت داشته اند تخلف از مواد قانونی یا اعمال غرض و بی اطلاعی از مبانی قضایی مشاهده نمود، آن را به طور مشروح و با استدلال در گزارش خود تذکر دهد. به دستور رییس شعبه رونوشتی از گزارش یاد شده به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال خواهد شد. ماده ۳۹۳ - رسیدگی در دیوان عالی کشور بدون حضور اصحاب دعوا صورت می گیرد مگر در مواردی که شعبه رسیدگی کننده دیوان حضور آنان را لازم بداند. ماده ۳۹۴ - برگهای احضاریه به دادگاه بدوی محل اقامت هر یک از طرفین فرستاده می شود. آن دادگاه مکلف است احضاریه را به محض وصول ابلاغ و رسید آن را به دیوان عالی کشور ارسال نماید. ماده ۳۹۵ - در موقع رسیدگی عضو ممیز گزارش پرونده و مفاد اوراقی را که لازم است قرائت می نماید و طرفین یا وکلای آنان در صورت حضور می توانند با اجازه رییس شعبه مطالب خود را اظهار نمایند و همچنین نماینده دادستان کل در موارد قانونی نظر خود را اظهار می نماید. اظهارات اشخاص فوق الذکر در صورت جلسه قید و به امضای آنان می رسد. عضو ممیز با توجه به اظهارات آنان می تواند قبل از صدور رای گزارش خود را اصلاح نماید. ماده ۳۹۶ - پس از اقدام طبق مقررات مواد فوق، شعبه رسیدگی کننده طبق نظر اکثریت در ابرام یا نقض رای فرجام خواسته اتخاذ تصمیم می نماید اگر رای مطابق قانون و دلایل موجود در پرونده باشد ضمن ابرام آن پرونده را به دادگاه صادر کننده اعاده می نماید والا طبق مقررات آتی اقدام خواهد شد. مبحث پنجم - مهلت فرجام خواهی ماده ۳۹۷ - مهلت درخواست فرجام خواهی برای اشخاص ساکن

ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج دو ماه می‌باشد. ماده ۳۹۸ - ابتدای مهلت فرجام خواهی به قرار زیر است الف - برای احکام و قرارهای قابل فرجام خواهی دادگاه تجدید نظر استان از روز ابلاغ ب - برای احکام و قرارهای قابل تجدید نظر دادگاه بدوی که نسبت به آن تجدید نظر خواهی نشده از تاریخ انقضای مهلت تجدید نظر. ماده ۳۹۹ - اگر فرجام خواهی به واسطه مغایر بودن دو حکم باشد ابتدای مهلت تاریخ آخرین ابلاغ هر یک از دو حکم خواهد بود. ماده ۴۰۰ - مقررات مواد (۳۳۷) و (۳۳۸) این قانون در مورد فرجام خواهی از احکام و قرارها نیز لازم الرعایه می‌باشد. مبحث ششم - اقدامات پس از نقض ماده ۴۰۱ - پس از نقض رای دادگاه در دیوان عالی کشور، رسیدگی مجدد به دادگاهی که به شرح زیر تعیین می‌گردد ارجاع می‌شود و دادگاه مرجوع‌الیه مکلف به رسیدگی می‌باشد: الف - اگر رای منقوض به صورت قرار بوده و یا حکمی باشد که به علت نقص تحقیقات نقض شده است رسیدگی مجدد به دادگاه صادر کننده آن ارجاع می‌شود. ب - اگر رای به علت عدم صلاحیت دادگاه نقض شده باشد، به دادگاهی که دیوان عالی کشور صالح بداند ارجاع می‌گردد. ج - در سایر موارد نقض پرونده به شعبه دیگر از همان حوزه دادگاه که رای منقوض را صادر نموده ارجاع می‌شود و اگر آن حوزه بیش از یک شعبه دادگاه نداشته باشد به نزدیکترین دادگاه حوزه دیگر ارجاع می‌شود. ماده ۴۰۲ - در صورت نقض رای به علت نقص تحقیقات دیوان عالی کشور مکلف است نواقص را به صورت یکجا و مشروح ذکر نماید. ماده ۴۰۳ - اگر رای مورد درخواست فرجام از نظر احتساب محکوم به یا خسارات یا مشخصات طرفین دعوا و نظیر آن متضمن اشتباهی باشد که به اساس رای لطمه وارد نکند، دیوان عالی کشور آن را اصلاح و رای را ابرام می‌نماید. همچنین اگر رای دادگاه به صورت حکم صادر شود ولی از حیث استدلال و نتیجه منطبق با قرار بوده و متضمن اشکال دیگری نباشد، دیوان عالی کشور آن را قرار تلقی و تایید می‌نماید و نیز آن قسمت از رای دادگاه که خارج از خواسته خواهان صادر شده باشد، نقض بلا ارجاع خواهد شد. تبصره - هرگاه سهو یا اشتباه یاد شده در این ماده در رای فرجامی واقع شود، تصحیح آن با دیوان عالی کشور خواهد بود. ماده ۴۰۴ - رای فرجامی دیوان عالی کشور نمی‌تواند مورد استفاده غیر طرفین فرجام خواهی قرار گیرد، مگر در مواردی که رای یاد شده قابل تجزیه و تفکیک نباشد که در این صورت نسبت به اشخاص دیگر هم که مشمول رای فرجام خواسته بوده و درخواست فرجام نکرده‌اند، تسری خواهد داشت ماده ۴۰۵ - دادگاه مرجوع‌الیه به شرح زیر اقدام می‌نماید: الف - در صورت نقض حکم به علت نقص تحقیقات تجدید نظر دیوان عالی کشور را انجام داده سپس با در نظر گرفتن آن مبادرت به صدور رای می‌نماید. ب - در صورت نقض قرار، دادگاه مکلف است برابر رای دیوان عالی کشور به دعوا رسیدگی کند مگر این که بعد از نقض سبب تازه‌ای برای امتناع از رسیدگی به ماهیت دعوا حادث گردد. در این خصوص چنانچه قرار منقوض ابتدائاً در مرحله تجدید نظر صادر شده باشد، به دادگاه صادر کننده قرار ارجاع می‌شود و اگر در تایید قرار دادگاه بدوی بوده پرونده برای رسیدگی به همان دادگاه بدوی ارجاع می‌گردد. ماده ۴۰۶ - در مورد ماده قبل و سایر موارد نقض حکم دادگاه مرجوع‌الیه با لحاظ رای دیوان عالی کشور و مندرجات پرونده اگر اقدام دیگری را لازم نداند، بدون تعیین وقت رسیدگی کرده و مبادرت به انشای رای می‌نماید والا - با تعیین وقت و دعوت از طرفین اقدام لازم را معمول و انشای رای خواهد نمود. ماده ۴۰۷ - هرگاه یکی از دو رای صادره که مغایر با یکدیگر شناخته شده موافق قانون بوده و دیگری نقض شده باشد، رای معتبر لازم‌الاجرا می‌باشد و چنانچه هر دو رای نقض شود برابر ماده قبل ماده ۴۰۶ اقدام خواهد شد. ماده ۴۰۸ - در صورتی که پس از نقض حکم فرجام خواسته در دیوان عالی کشور دادگاه با ذکر استدلال طبق رای اولیه اقدام به صدور رای اصراری نماید و این رای مورد درخواست رسیدگی فرجامی واقع شود، شعبه دیوان عالی کشور در صورت پذیرش استدلال رای دادگاه را ابرام در غیر این صورت پرونده در هیات عمومی شعب حقوقی مطرح و چنانچه نظر شعبه دیوان عالی کشور مورد ابرام قرار گرفت حکم صادره نقض و پرونده به شعبه دیگری ارجاع خواهد شد. دادگاه مرجوع‌الیه طبق استدلال هیات عمومی دیوان عالی کشور حکم مقتضی صادر می‌نماید. این حکم در غیر موارد مذکور در ماده (۳۲۶) قطعی می‌باشد. ماده ۴۰۹ - برای تجدید رسیدگی به دعوا پس از نقض

تقدیم دادخواست جدید لازم نیست ماده ۴۱۰ - در رای دیوان عالی کشور نام و مشخصات و محل اقامت طرفین و حکم یا قراری که از آن فرجام خواسته شده است و خلاصه اعتراضات و دلایلی که موجب نقض یا ابرام حکم یا قرار می شود به طور روشن و کامل ذکر می گردد و پس از امضای آن در دفتر مخصوص با قید شماره و تاریخ ثبت خواهد شد. ماده ۴۱۱ - منسوخ شده است ماده ۴۱۲ - منسوخ شده است مبحث هفتم - فرجام تبعی ماده ۴۱۳ - فرجام خوانده می تواند فقط در ضمن پاسخی که به دادخواست فرجامی می دهد از حکمی که مورد شکایت فرجامی است نسبت به جهتی که آن را به ضرر خود یا خلاف موازین شرعی و مقررات قانونی می داند تبعا درخواست رسیدگی فرجامی نماید در این صورت درخواست فرجام تبعی به طرف ابلاغ می شود که ظرف مدت بیست روز به طور کتبی پاسخ دهد، هرچند مدت مقرر برای درخواست فرجام نسبت به او منقضی شده باشد. ماده ۴۱۴ - فرجام تبعی فقط در مقابل فرجام خواه و از کسی که طرف درخواست فرجام واقع شده پذیرفته می شود. ماده ۴۱۵ - اگر فرجام خواه دادخواست فرجامی خود را استرداد نماید و یا دادخواست او رد شود حق درخواست فرجام تبعی ساقط می شود و اگر درخواست فرجام تبعی شده باشد بلا اثر می گردد. ماده ۴۱۶ - هیچ یک از شرایط مذکور در مواد (۳۸۰) و (۳۸۱) در فرجام تبعی جاری نیست

فصل دوم - اعتراض شخص ثالث (ماده ۴۱۷ الی ۴۲۵)

ماده ۴۱۷ - اگر درخصوص دعوایی رای صادر شود که به حقوق شخص ثالث خللی وارد آورد و آن شخص یا نماینده او در دادرسی که منتهی به رای شده است به عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشد، می تواند نسبت به آن رای اعتراض نماید. ماده ۴۱۸ - در مورد ماده قبل شخص ثالث حق دارد به هرگونه رای صادره از دادگاههای عمومی انقلاب و تجدید نظر اعتراض نماید و نسبت به حکم داور نیز کسانی که خود یا نماینده آنان در تعیین داور شرکت نداشته اند می توانند به عنوان شخص ثالث اعتراض کنند. ماده ۴۱۹ - اعتراض شخص ثالث بر دو قسم است الف - اعتراض اصلی عبارت است از اعتراضی که ابتدا از طرف شخص ثالث صورت گرفته باشد. ب - اعتراض طاری (غیر اصلی عبارت است از اعتراض یکی از طرفین دعوا به رای که سابقا در یک دادگاه صادر شده و طرف دیگر برای اثبات مدعای خود، در اثنای دادرسی آن رای را ابراز نموده است ماده ۴۲۰ - اعتراض اصلی باید به موجب دادخواست و به طرفیت محکوم له و محکوم علیه رای مورد اعتراض باشد. این دادخواست به دادگاهی تقدیم می شود که رای قطعی معترض عنه را صادر کرده است ترتیب دادرسی مانند دادرسی نخستین خواهد بود. ماده ۴۲۱ - اعتراض طاری در دادگاهی که دعوا در آن مطرح است بدون تقدیم دادخواست به عمل خواهد آمد، ولی اگر درجه دادگاه پایین تر از دادگاهی باشد که رای معترض عنه را صادر کرده معترض دادخواست خود را به دادگاهی که رای را صادر کرده است تقدیم می نماید و موافق اصول در آن دادگاه رسیدگی خواهد شد. ماده ۴۲۲ - اعتراض شخص ثالث قبل از اجرای حکم مورد اعتراض قابل طرح است و بعد از اجرای آن در صورتی می توان اعتراض نمود که ثابت شود حقوقی که اساس و ماخذ اعتراض است به جهتی از جهات قانونی ساقط نشده باشد. ماده ۴۲۳ - در صورت وصول اعتراض طاری از طرف شخص ثالث چنانچه دادگاه تشخیص دهد حکمی که در خصوص اعتراض یاد شده صادر می شود موثر در اصل دعوا خواهد بود، تا حصول نتیجه اعتراض رسیدگی به دعوا را به تاخیر می اندازد. در غیر این صورت به دعوای اصلی رسیدگی کرده رای می دهد و اگر رسیدگی به اعتراض برابر ماده (۴۲۱) با دادگاه دیگری باشد به مدت بیست روز به اعتراض کننده مهلت داده می شود که دادخواست خود را به دادگاه مربوط تقدیم نماید. چنانچه در مهلت مقرر اقدام نکند دادگاه رسیدگی به دعوا را ادامه خواهد داد. ماده ۴۲۴ - اعتراض ثالث موجب تاخیر اجرای حکم قطعی نمی باشد. در مواردی که جبران ضرر و زیان ناشی از اجرای حکم ممکن نباشد دادگاه رسیدگی کننده به اعتراض ثالث به درخواست معترض ثالث پس از اخذ تامین مناسب قرار تاخیر اجرای حکم را برای مدت معین صادر می کند. ماده ۴۲۵ - چنانچه دادگاه پس از رسیدگی اعتراض ثالث را وارد تشخیص دهد، آن قسمت از حکم را که مورد اعتراض قرار گرفته نقض می نماید و

اگر مفاد حکم غیر قابل تفکیک باشد، تمام آن الغا خواهد شد.

فصل سوم - اعاده دادرسی (ماده ۴۲۶ الی ۴۴۱)

فصل سوم - اعاده دادرسی (ماده ۴۲۶ الی ۴۴۱) فصل سوم - اعاده دادرسی فصل سوم - اعاده دادرسی مبحث اول - جهات اعاده دادرسی ماده ۴۲۶ - نسبت به احکامی که قطعیت یافته ممکن است به جهات ذیل درخواست اعاده دادرسی شود: ۱- موضوع حکم مورد ادعای خواهان نبوده باشد. ۲- حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد. ۳- وجود تضاد در مفاد یک حکم که ناشی از استناد به اصول یا به مواد متضاد باشد. ۴- حکم صادره با حکم دیگری در خصوص همان دعوا و اصحاب آن که قبلاً توسط همان دادگاه صادر شده است متضاد باشد بدون آن که سبب قانونی موجب این مغایرت باشد. ۵- طرف مقابل درخواست کننده اعاده دادرسی حيله و تقلبی به کار برده که در حکم دادگاه موثر بوده است ۶- حکم دادگاه مستند به اسنادی بوده که پس از صدور حکم، جعلی بودن آنها ثابت شده باشد. ۷- پس از صدور حکم اسناد و مدارکی به دست آید که دلیل حقانیت درخواست کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود اسناد و مدارک یادشده در جریان دادرسی مکتوم بوده و در اختیار متقاضی نبوده است مبحث دوم - مهلت درخواست اعاده دادرسی ماده ۴۲۷ - مهلت درخواست اعاده دادرسی برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دوماه به شرح زیر می باشد: ۱- نسبت به آرای حضوری قطعی، از تاریخ ابلاغ. ۲- نسبت به آرای غیابی، از تاریخ انقضای مهلت واخواهی و درخواست تجدید نظر. تبصره - در مواردی که درخواست کننده اعاده دادرسی عذر موجهی داشته باشد طبق ماده (۳۰۶) این قانون عمل می شود. ماده ۴۲۸ - چنانچه اعاده دادرسی به جهت مغایر بودن دو حکم باشد ابتدای مهلت از تاریخ آخرین ابلاغ هر یک از دو حکم است ماده ۴۲۹ - در صورتی که جهت اعاده دادرسی جعلی بودن اسناد یا حيله و تقلب طرف مقابل باشد، ابتدای مهلت اعاده دادرسی، تاریخ ابلاغ حکم نهایی مربوط به اثبات جعل یا حيله و تقلب می باشد. ماده ۴۳۰ - هرگاه جهت اعاده دادرسی وجود اسناد و مدارکی باشد که مکتوم بوده، ابتدای مهلت از تاریخ وصول اسناد و مدارک یا اطلاع از وجود آن محاسبه می شود. تاریخ یاد شده باید در دادگاهی که به درخواست رسیدگی می کند، اثبات گردد. ماده ۴۳۱ - مفاد مواد (۳۳۷) و (۳۳۸) این قانون در اعاده دادرسی نیز رعایت می شود. مبحث سوم - ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی ماده ۴۳۲ - اعاده دادرسی بر دو قسم است الف - اصلی که عبارت است از این که متقاضی اعاده دادرسی به طور مستقل آن را درخواست نماید. ب - طاری که عبارت است از این که در اثنای یک دادرسی حکمی به عنوان دلیل ارایه شود و کسی که حکم یاد شده علیه او ابراز گردیده نسبت به آن درخواست اعاده دادرسی نماید. ماده ۴۳۳ - دادخواست اعاده دادرسی اصلی به دادگاهی تقدیم می شود که صادر کننده همان حکم بوده است و درخواست اعاده دادرسی طاری به دادگاهی تقدیم می گردد که حکم در آنجا به عنوان دلیل ابراز شده است تبصره - پس از درخواست اعاده دادرسی طاری باید دادخواست لازم ظرف سه روز به دفتر دادگاه تقدیم گردد. ماده ۴۳۴ - دادگاهی که دادخواست اعاده دادرسی طاری را دریافت می دارد مکلف است آن را به دادگاه صادر کننده حکم ارسال نماید و چنانچه دلایل درخواست را قوی بداند و تشخیص دهد حکمی که در خصوص درخواست اعاده دادرسی صادر می گردد موثر در دعوا می باشد، رسیدگی به دعوی مطروحه را در قسمتی که حکم راجع به اعاده دادرسی در آن موثر است تا صدور حکم نسبت به اعاده دادرسی به تأخیر می اندازد و در غیر این صورت به رسیدگی خود ادامه می دهد. تبصره - چنانچه دعوی در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی باشد و درخواست اعاده دادرسی نسبت به آن شود، درخواست به دادگاه صادر کننده حکم ارجاع می گردد. در صورت قبول درخواست یاد شده از طرف دادگاه رسیدگی در دیوان عالی کشور تا صدور حکم متوقف خواهد شد. ماده ۴۳۵ - در دادخواست اعاده دادرسی مراتب زیر درج می گردد: ۱- نام و نام خانوادگی و محل اقامت و سایر مشخصات درخواست کننده و طرف او. ۲- حکمی که مورد درخواست اعاده دادرسی است ۳- مشخصات دادگاه صادر

کننده حکم ۴- جهتی که موجب درخواست اعاده دادرسی شده است در صورتی که درخواست اعاده دادرسی را وکیل تقدیم نماید باید مشخصات او در دادخواست ذکر و وکالتنامه نیز پیوست دادخواست گردد. تبصره - دادگاه صالح بدوا در مورد قبول یا رد درخواست اعاده دادرسی قرار لازم را صادر می نماید و در صورت قبول درخواست مبادرت به رسیدگی ماهوی خواهد نمود. سایر ترتیبات رسیدگی مطابق مقررات مربوط به دعاوی است ماده ۴۳۶- در اعاده دادرسی به جز آنچه که در دادخواست اعاده دادرسی ذکر شده است جهت دیگری مورد رسیدگی قرار نمی گیرد. ماده ۴۳۷- با درخواست اعاده دادرسی و پس از صدور قرار قبولی آن به شرح ذیل اقدام می گردد: الف - چنانچه محکوم به غیر مالی باشد اجرای حکم متوقف خواهد شد. ب - چنانچه محکوم به مالی است و امکان اخذ تأمین و جبران خسارت احتمالی باشد به تشخیص دادگاه از محکوم له تأمین مناسب اخذ و اجرای حکم ادامه می یابد. ج - در مواردی که درخواست اعاده دادرسی مربوط به یک قسمت از حکم باشد حسب مورد مطابق بندهای (الف و ب) اقدام می گردد. ماده ۴۳۸- هرگاه پس از رسیدگی دادگاه درخواست اعاده دادرسی را وارد تشخیص دهد، حکم مورد اعاده دادرسی را نقض و حکم مقتضی صادر می نماید. در صورتی که درخواست اعاده دادرسی راجع به قسمتی از حکم باشد، فقط همان قسمت نقض یا اصلاح می گردد. این حکم از حیث تجدید نظر و فرجام خواهی تابع مقررات مربوط خواهد بود. ماده ۴۳۹- اگر جهت اعاده دادرسی مغایرت دو حکم باشد، دادگاه پس از قبول اعاده دادرسی حکم دوم را نقض و حکم اول به قوت خود باقی خواهد بود. ماده ۴۴۰- نسبت به حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می گردد، دیگر اعاده دادرسی از همان جهت پذیرفته نخواهد شد. ماده ۴۴۱- در اعاده دادرسی غیر از طرفین دعوا شخص دیگری به هیچ عنوان نمی تواند داخل در دعوا شود.

باب ششم - مواعد

فصل اول - تعیین و حساب مواعد (ماده ۴۴۲ الی ۴۴۹)

ماده ۴۴۲- مواعدی را که قانون تعیین نکرده است دادگاه معین خواهد کرد. موعد دادگاه باید به مقداری باشد که انجام امر مورد نظر در آن امکان داشته باشد. موعد به سال یا ماه یا هفته و یا روز تعیین خواهد شد. ماده ۴۴۳- از نظر احتساب موارد قانونی سال دوازده ماه ماه سی روز، هفته هفت روز و شبانه روز بیست و چهار ساعت است ماده ۴۴۴- چنانچه روز آخر موعد، مصادف با روز تعطیل ادارات باشد و یا به جهت آماده نبودن دستگاه قضایی مربوط امکان اقدامی نباشد، آن روز به حساب نمی آید و روز آخر موعد، روزی خواهد بود که ادارات بعد از تعطیل یا رفع مانع باز می شوند. ماده ۴۴۵- مواعدی که ابتدای آن تاریخ ابلاغ یا اعلام قبیل و خواهی و تکمیل دادخواست برای افراد مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ می باشد. ماده ۴۴۷- چنانچه در یک دعوا خواندگان متعدد باشند، طولانی ترین مواعدی که در مورد یک نفر از آنان رعایت می شود شامل دیگران نیز خواهد شد. ماده ۴۴۸- چنانچه در روزی که دادگاه برای حضور اصحاب دعوا تعیین کرده است مانعی برای رسیدگی پیش آید، انقضای موعد، روزی خواهد بود که دادگاه برای رسیدگی تعیین می کند. ماده ۴۴۹- مواعدی که دادگاه تاریخ انقضای آن را معین کرده باشد در همان تاریخ منقضی خواهد شد.

فصل دوم - دادن مهلت و تجدید موعد (ماده ۴۵۰ الی ۴۵۳)

ماده ۴۵۰- مهلت دادن در مواعدی که از سوی دادگاه تعیین می گردد، فقط برای یک بار مجاز خواهد بود، مگر در صورتی که در اعلام موعد سهو یا خطایی شده باشد و یا متقاضی مهلت ثابت نماید که عدم انجام کار مورد درخواست دادگاه به علت وجود

مانعی بوده که رفع آن در توان او نبوده است تبصره - مقررات مربوط به مواعد شامل تجدید جلسات دادرسی نمی‌باشد. ماده ۴۵۱ - تجدید مهلت قانونی در مورد اعتراض به حکم غیابی و تجدید نظر خواهی و فرجام خواهی و اعاده دادرسی ممنوع است مگر در موردی که قانون تصریح کرده باشد. ماده ۴۵۲ - مهلت دادن پس از انقضای مواعیدی که قانون تعیین کرده در غیر موارد یاد شده در ماده فوق در صورتی مجاز است که در اعلام موعد سهو یا خطایی شده باشد و یا متقاضی مهلت ثابت نماید که عدم استفاده از موعد قانونی به علت وجود یکی از عذرهای مذکور در ماده ۳۰۶ این قانون بوده است ماده ۴۵۳ - در صورت قبول استمهال مهلت جدیدی متناسب با رفع عذر که در هر حال از مهلت قانونی بیشتر نباشد تعیین می‌شود

باب هفتم - داوری (ماده ۴۵۴ الی ۵۰۱)

ماده ۴۵۴ - کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند باتراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاهها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند. ماده ۴۵۵ - متعاملین می‌توانند ضمن معامله ملزم شوند و یا به موجب قرارداد جداگانه تراضینمایند که در صورت بروز اختلاف بین آنان به داوری مراجعه کنند و نیز می‌توانند داور یا داوران خود را قبل یا بعد از بروز اختلاف تعیین نمایند. تبصره - در کلیه موارد رجوع به داور، طرفین می‌توانند انتخاب داور یا داوران را به شخص ثالث یا دادگاه واگذار کنند. ماده ۴۵۶ - در مورد معاملات و قراردادهای واقع بین اتباع ایرانی و خارجی، تا زمانی که اختلافی ایجاد نشده است طرف ایرانی نمیتواند به نحوی از انحاء ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آن را به داور یا داوران یا هیاتی ارجاع نماید که آنان دارای همان تابعیتی باشند که طرف معامله دارد. هر معامله و قراردادی که مخالف این منع قانونی باشد در قسمتی که مخالفت دارد باطل و بلااثر خواهد بود. ماده ۴۵۷ - ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داور پیس از تصویب هیات وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. در مواردی که طرف دعوا خارجی و یا موضوع دعوا از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است ماده ۴۵۸ - در هر مورد که داور تعیین می‌شود باید موضوع و مدت داوری و نیز مشخصات طرفین و داور یا داوران به طوری که رافع اشتباه باشد تعیین گردد. در صورتی که تعیین داور بعد از بروز اختلاف باشد، موضوع اختلاف که به داوری ارجاع شده باید به طور روشن مشخص و مراتب به داوران ابلاغ شود. تبصره - قراردادهای داوری که قبل از اجرای این قانون تنظیم شده‌اند با رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی تابع مقررات زمان تنظیم می‌باشند. ماده ۴۵۹ - در مواردی که طرفین معامله یا قرارداد متعهد به معرفی داور شده ولی داور یا داوران خود را معین نکرده باشند و در موقع بروز اختلاف نخواهند و یا نتوانند در معرفی داور اختصاصی خود اقدام و یا در تعیین داور ثالث تراضی نمایند و تعیین داور به دادگاه یا شخص ثالث نیز محول نشده باشد، یک طرف میتواند داور خود را معین کرده به وسیله اظهار نامه رسمی به طرف مقابل معرفی و درخواست تعیین داور نماید و یا نسبت به تعیین داور ثالث تراضی کند. در این صورت طرف مقابل مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه داور خود را معرفی و یا در تعیین داور ثالث تراضی نماید. هر گاه تا انقضای مدت یاد شده اقدام نشود، ذینفع میتواند حسب مورد برای تعیین داور به دادگاه مراجعه کند. ماده ۴۶۰ - در مواردی که مقرر گردیده است حل اختلاف به یک نفر داور ارجاع شود و طرفین نخواهند یا نتوانند در انتخاب داور تراضینمایند و نیز در صورتی که داور یکی از طرفین فوت شود، یا استعفا دهد و طرف نامبرده نخواهد جانشین او را معین کند و یا در هر موردی که انتخاب داور به شخص ثالث واگذار شده و آن شخص از تعیین داور امتناع نماید یا تعیین داور از طرف او غیر ممکن باشد، هر یک از طرفین می‌توانند با معرفی داور مورد نظر خود وسیله اظهارنامه از طرف مقابل درخواست نمایند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه نظر خود را در مورد داور واحد اعلام کند و یا حسب مورد در

تعیین جانشین داور متوفی یا مستعفی یا داوری که انتخاب او وسیله ثالث متعذر گردیده اقدام نماید. در صورتی که با انقضای مهلت اقدامی به عمل نیاید، برابر قسمت اخیر ماده قبل عمل خواهد شد. ماده ۴۶۱ - هرگاه نسبت به اصل معامله یا قرارداد راجع به داوریین طرفین اختلافی باشد دادگاه ابتدا به آن رسیدگی و اظهار نظر مینماید. ماده ۴۶۲ - در صورتی که طرفین نسبت به دادگاه معینی برای انتخاب داور تراضی نکرده باشند، دادگاه صلاحیتدار برای تعیین داور، دادگاهی خواهد بود که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد. ماده ۴۶۳ - هرگاه طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف بین آنها شخص معینی داوری نماید و آن شخص نخواهد یا نتواند به عنوان داور رسیدگی کند و به داور یا داوران دیگری نیز تراضی ننمایند، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاه خواهد بود. ماده ۴۶۴ - در صورتی که در قرارداد داوری، تعداد داور معین نشده باشد و طرفین نتوانند در تعیین داور یا داوران توافق کنند، هر یک از طرفین باید یک نفر داور اختصاصی معرفی و یک نفر به عنوان داور سوم به اتفاق تعیین نمایند. ماده ۴۶۵ - در هر مورد که داور یا داوران وسیله یک طرف یا طرفین انتخاب میشود، انتخاب کننده مکلف است قبولی داوران را اخذ نماید. ابتدای مدت داوری روزی است که داوران قبول داوری کرده و موضوع اختلاف و شرایط داوری و مشخصات طرفین و داوران به همه آنها ابلاغ شده باشد. ماده ۴۶۶ - اشخاص زیر را هر چند با تراضی نمیتوان به عنوان داور انتخاب نمود: ۱- اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند. ۲- اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه و یا در اثر آن از داور محروم شده‌اند. ماده ۴۶۷ - در مواردی که دادگاه به جای طرفین یا یکی از آنان داور تعیین می کند، باید حداقل از بین دو برابر تعدادی که برای داوری لازم است و واجد شرایط هستند داور یا داوران لازم را به طریق قرعه معین نماید. ماده ۴۶۸ - دادگاه پس از تعیین داور یا داوران و اخذ قبولی، نام و نام خانوادگی و سایر مشخصات طرفین و موضوع اختلاف و نام و نام خانوادگی داور یا داوران و مدت داوری را کتبا به داوران ابلاغ می نماید. در این مورد ابتدای مدت داوری تاریخ ابلاغ به همه داوران میباشد. ماده ۴۶۹ - دادگاه نمیتواند اشخاص زیر را به سمت داور معین نماید مگر با تراضی طرفین ۱- کسانی که سن آنان کمتر از بیست و پنج سال تمام باشد. ۲- کسانی که در دعوا ذینفع باشند. ۳- کسانی که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند. ۴- کسانی که قیم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوا میباشند یا یکی از اصحاب دعوا مباشر امور آنان باشد. ۵- کسانی که خود یا همسرانشان وارث یکی از اصحاب دعوا باشند. ۶- کسانی که با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوا دارند، در گذشته یا حال دادرسی کیفری داشته باشند. ۷- کسانی که خود یا همسرانشان و یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او با یکی از اصحاب دعوا یا زوجه و یا یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دادرسی مدنی دارند. ۸- کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان ماده ۴۷۰ - کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضائینمی توانند داوری نمایند هر چند با تراضی طرفین باشد. ماده ۴۷۱ - در مواردی که داور با قرعه تعیین می شود، هر یک از طرفین می توانند پس از اعلام در جلسه در صورت حضور و در صورت غیبت از تاریخ ابلاغ تا ده روز، داور تعیین شده را رد کنند، مگر این که موجبات رد بعدا حادث شود که در این صورت ابتدای مدت روزی است که علت رد حادث گردد. دادگاه پس از وصول اعتراض رسیدگی مینماید و چنانچه اعتراض را وارد تشخیص دهد داور دیگری تعیین میکند. ماده ۴۷۲ - بعد از تعیین داور یا داوران طرفین حق عزل آنان را ندارند مگر با تراضی. ماده ۴۷۳ - چنانچه داور پس از قبول داوری بدون عذر موجه از قبیل مسافرت یا بیماری و امثال آن در جلسات داوری حاضر نشده یا استعفا دهد و یا از دادن رای امتناع نماید، علاوه بر جبران خسارات وارده تا پنج سال از حق انتخاب شدن به داوری محروم خواهد بود. ماده ۴۷۴ - نسبت به امری که از طرف دادگاه به داوری ارجاع می شود اگر یکی از داوران استعفا دهد یا از دادن رای امتناع نماید و یا در جلسه داوری دوبار متوالی حضور پیدا نکند دو داور دیگر به موضوع رسیدگی و رای خواهند داد. چنانچه بین آنان در صدور رای اختلاف حاصل شود، دادگاه به جای داوری که استعفا داده یا از دادن رای امتناع نموده یا دوبار متوالی در جلسه داوری حضور پیدا نکرده ظرف مدت ده روز داور

دیگری به قید قرعه انتخاب خواهد نمود، مگر این که قبل از انتخاب به اقتضای مورد، طرفین داور دیگری معرفی کرده باشند. در این صورت مدت داوری از تاریخ قبول داور جدید شروع میشود. در صورتی که داوران در مدت قرارداد داوری یا مدتی که قانون معین کرده است نتوانند رای بدهند و طرفین به داوری اشخاص دیگر تراضی نکرده باشند، دادگاه به اصل دعوا وفق مقررات قانونی رسیدگی و رای صادر مینماید. تبصره - در موارد فوق رای اکثریت داوران ملاک اعتبار است مگر این که در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد. ماده ۴۷۵ - شخص ثالثی که برابر قانون به دادرسی جلب شده یا قبل یا بعد از ارجاع اختلاف به داوری وارد دعوا شده باشد، میتواند با طرفین دعوای اصلی در ارجاع امر به داوری و تعیین داور یا داوران تعیین شده تراضی کند و اگر موافقت حاصل نگردد، به دعوای او برابر مقررات به طور مستقل رسیدگی خواهد شد. ماده ۴۷۶ - طرفین باید اسناد و مدارک خود را به داوران تسلیم نمایند. داوران نیز می توانند توضیحات لازم را از آنان بخواهند و اگر برای اتخاذ تصمیم جلب نظر کارشناس ضروری باشد، کارشناس انتخاب نمایند. ماده ۴۷۷ - داوران در رسیدگی و رای، تابع مقررات قانون آیین دادرسی نیستند ولی باید مقررات مربوط به داوری را رعایت کنند. ماده ۴۷۸ - هرگاه ضمن رسیدگی مسایلی کشف شود که مربوط به وقوع جرمی باشد و در رای داور مؤثر بوده و تفکیک جهات مدنی از جزایی ممکن نباشد و همچنین در صورتی که دعوا مربوط به نکاح یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امری که رجوع به داوری شده متوقف بر رسیدگی به اصل نکاح یا طلاق یا نسب باشد، رسیدگی داوران تا صدور حکم نهایی از دادگاه صلاحیتدار نسبت به امر جزایی نکاح یا طلاق یا نسب متوقف میگردد. ماده ۴۷۹ - ادعای جعل و تزویر در سند بدون تعیین عامل آن و یا در صورتی که تعقیب وی به جهتی از جهات قانونی ممکن نباشد مشمول ماده قبل نمیشود. ماده ۴۸۰ - حکم نهایی یاد شده در ماده (۴۷۸) توسط دادگاه ارجاع کننده دعوا به داوری یا دادگاهی که داور را انتخاب کرده است به داوران ابلاغ میشود و آنچه از مدت داوری در زمان توقف رسیدگی داوران باقی بوده از تاریخ ابلاغ حکم یاد شده حساب میشود. هرگاه داور بدون دخالت دادگاه انتخاب شده باشد، حکم نهایی وسیله طرفین یا یک طرف به او ابلاغ خواهد شد. داوران نمی توانند برخلاف مفاد حکمی که در امر جزایی یا نکاح یا طلاق یا نسب صادر شده رای بدهند. ماده ۴۸۱ - در موارد زیر داوری از بین میرود: ۱- با تراضی کتبی طرفین دعوا. ۲- با فوت یا حجر یکی از طرفین دعوا. ماده ۴۸۲ - رای داور باید موجه و مدلل بوده و مخالف با قوانین موجد حق نباشد. ماده ۴۸۳ - در صورتی که داوران اختیار صلح داشته باشند می توانند دعوا را با صلح خاتمه دهند. در این صورت صلح نامه‌ای که به امضای داوران رسیده باشد معتبر و قابل اجراء است ماده ۴۸۴ - داوران باید از جلسه‌ای که برای رسیدگی یا مشاوره و یا صدور رای تشکیل میشود مطلع باشند و اگر داور از شرکت در جلسه یا دادن رای یا امضای آن امتناع نماید، رای که با اکثریت صادر میشود منوط اعتبار است مگر این که در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد. مراتب نیز باید در برگ رای قید گردد. ترتیب تشکیل جلسه و نحوه رسیدگی و دعوت برای حضور در جلسه توسط داوران تعیین خواهد شد. در مواردی که ارجاع امر به داوری از طریق دادگاه بوده دعوت به حضور در جلسه به موجب اخطاریه دفتر دادگاه به عمل می آید. تبصره - در مواردی که طرفین به موجب قرارداد ملزم شده‌اند که در صورت بروز اختلاف بین آنان شخص یا اشخاص معینی داوری نمایند اگر مدت داوری معین نشده باشد مدت آن سه ماه و ابتدای آن از روزیاست که موضوع برای انجام داوری به داور یا تمام داوران ابلاغ می شود. این مدت با توافق طرفین قابل تمدید است ماده ۴۸۵ - چنانچه طرفین در قرارداد داوری طریق خاصی برای ابلاغ رای داوری پیش بینی نکرده باشند، داور مکلف است رای خود را به دفتر دادگاه ارجاع کننده دعوا به داور یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد تسلیم نماید. دفتر دادگاه اصل رای را بایگانی نموده و رونوشت گواهی شده آن را به دستور دادگاه برای اصحاب دعوا ارسال میدارد. ماده ۴۸۶ - هرگاه طرفین رای داور را به اتفاق به طور کلی و یا قسمتی از آن رد کنند، آن رای در قسمت مردود بلا اثر خواهد بود. ماده ۴۸۷ - تصحیح رای داوری در حدود ماده (۳۰۹) این قانون قبل از انقضای مدت داوری راسا با داور یا داوران است و پس از انقضای آن تا پایان مهلت اعتراض به رای داور، به درخواست طرفین یا یکی از آنان با داور

یا داوران صادرکننده رای خواهد بود. داور یا داوران مکلفند ظرف بیست روز از تاریخ تقاضای تصحیح رای اتخاذ تصمیم نمایند. رای تصحیحی به طرفین ابلاغ خواهد شد. در این صورت رسیدگی به اعتراض در دادگاه تا اتخاذ تصمیم داور یا انقضای مدت یادشده متوقف میماند. ماده ۴۸۸ - هرگاه محکوم علیه تا بیست روز بعد از ابلاغ رای داور را اجرا ننماید، دادگاه ارجاع کننده دعوا به داوری و یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد مکلف است به درخواست طرف ذی نفع طبق رای داور برگ اجرایی صادر کند. اجرای رای برابر مقررات قانونی میباید. ماده ۴۸۹ - رای داوری در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد: ۱- رای صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد. ۲- داور نسبت به مطلبی که موضوع داوری نبوده رای صادر کرده است ۳- داور خارج از حدود اختیار خود رای صادر نموده باشد. در این صورت فقط آن قسمت از رای که خارج از اختیارات داور است ابطال میگردد. ۴- رای داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد. ۵- رای داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد. ۶- رای به وسیله داورانی صادر شده که مجاز به صدور رای نبوده اند. ۷- قرارداد رجوع به داوری بیاعتبار بوده باشد. ماده ۴۹۰ - در مورد ماده فوق هر یک از طرفین می تواند ظرف بیست روز بعد از ابلاغ رای داور از دادگاهی که دعوا را ارجاع به داوری کرده یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، حکم به بطلان رای داور را بخواهد در این صورت دادگاه مکلف است به درخواست رسیدگی کرده هرگاه رای از موارد مذکور در ماده فوق باشد حکم به بطلان آن دهد و تا رسیدگی به اصل دعوا و قطعی شدن حکم به بطلان رای داور متوقف میماند. تبصره - مهلت یادشده در این ماده و ماده (۴۸۸) نسبت به اشخاصیکه مقیم خارج از کشور میباشند دوماه خواهد بود. شروع مهلت های تعیین شده در این ماده و ماده (۴۸۸) برای اشخاصی که دارای عذر موجه به شرح مندرج در ماده (۳۰۶) این قانون و تبصره (۱) آن بوده اند پس از رفع عذر احتساب خواهد شد. ماده ۴۹۱ - چنانچه اصل دعوا در دادگاه مطرح بوده و از این طریق به داوری ارجاع شده باشد، در صورت اعتراض به رای داور و صدور حکم به بطلان آن رسیدگی به دعوا تا قطعی شدن حکم بطلان رای داور متوقف میماند. تبصره - در مواردی که ارجاع امر به داوری از طریق دادگاه نبوده و رای داور باطل گردد، رسیدگی به دعوا در دادگاه با تقدیم دادخواست به عمل خواهد آمد. ماده ۴۹۲ - در صورتی که درخواست ابطال رای داور خارج از موعد مقرر باشد دادگاه قرار رد درخواست را صادر مینماید. این قرار قطعی است ماده ۴۹۳ - اعتراض به رای داور مانع اجرای آن نیست مگر آن که دلایل اعتراض قوی باشد. در این صورت دادگاه قرار توقف منع اجرا را تا پایان رسیدگی به اعتراض و صدور حکم قطعی صادر مینماید و در صورت اقتضاء تأمین مناسب نیز از معترض اخذ خواهد شد. ماده ۴۹۴ - چنانچه دعوا در مرحله فرجامی باشد، و طرفین با توافق تقاضای ارجاع امر به داوری را بنمایند یا مورد از موارد ارجاع به داوری تشخیص داده شود، دیوان عالی کشور پرونده را برای ارجاع به داوری به دادگاه صادر کننده رای فرجام خواسته ارسال می دارد. ماده ۴۹۵ - رای داور فقط درباره طرفین دعوا و اشخاصی که دخالت و شرکت در تعیین داور داشته اند و قائم مقام آنان معتبر است و نسبت به اشخاص دیگر تاثیری نخواهد داشت ماده ۴۹۶ - دعاوی زیر قابل ارجاع به داوری نیست ۱- دعاوی ورشکستگی. ۲- دعاوی راجع به اصل نکاح فسخ آن طلاق و نسب ماده ۴۹۷ - پرداخت حق الزحمه داوران به عهده طرفین است مگر آن که در قرارداد داوری ترتیب دیگری مقرر شده باشد. ماده ۴۹۸ - میزان حق الزحمه داوری بر اساس آیین نامه ای است که هر سه سال یکبار توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه خواهد رسید. ماده ۴۹۹ - در صورت تعدد داور، حق الزحمه بالسویه بین آنان تقسیم میشود. ماده ۵۰۰ - چنانچه بین داور و اصحاب دعوا قراردادی در خصوص میزان حق الزحمه منعقد شده باشد، برابر قرارداد عمل خواهد شد. ماده ۵۰۱ - هرگاه در اثر تدلیس تقلب یا تقصیر در انجام وظیفه داوران ضرر مالی متوجه یک طرف یا طرفین دعوا گردد، داوران برابر موازین قانونی مسوول جبران خسارت وارده خواهند بود.

فصل اول - هزینه دادرسی (ماده ۵۰۲ الی ۵۰۳)

ماده ۵۰۲ - هزینه دادرسی عبارت است از: ۱ - هزینه بر گهایی که به دادگاه تقدیم می‌شود. ۲ - هزینه قرارها و احکام دادگاه ماده ۵۰۳ - هزینه دادخواست کتبی یا شفاهی اعم از دادخواست بدوی و اعتراض به حکم غیابی و متقابل و ورود و جلب ثالث و اعتراض شخص ثالث و دادخواست تجدید نظر و فرجام و اعاده دادرسی و هزینه وکالتنامه و برگهای اجرایی و غیره همان است که در ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ و یا سایر قوانین تعیین شده است که به صورت الصاق و ابطال تمبر و یا واریز وجه به حساب خزانه پرداخت می‌گردد.

فصل دوم - اعسار از هزینه دادرسی (ماده ۵۰۴ الی ۵۱۴)

ماده ۵۰۴ - معسر از هزینه دادرسی کسی است که به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود به طور موقت قادر به تادیه آن نیست ماده ۵۰۵ - ادعای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی ضمن درخواست نخستین یا تجدید نظر یا فرجام مطرح خواهد شد. طرح این ادعا به موجب دادخواست جداگانه نیز ممکن است اظهار نظر در مورد اعسار از هزینه تجدید نظر خواهی و یا فرجام خواهی با دادگاهی می‌باشد که رای مورد درخواست تجدید نظر و یا فرجام را صادر نموده است ماده ۵۰۶ - در صورتی که دلیل اعسار شهادت شهود باشد، باید شهادت کتبی حداقل دو نفر از اشخاصی که از وضعیت مالی و زندگانی او مطلع می‌باشند به دادخواست ضمیمه شود. در شهادت نامه مشخصات و شغل و وسیله امرار معاش مدعی اعسار و عدم تمکن مالی او برای تادیه هزینه دادرسی با تعیین مبلغ آن باید تصریح شده و شهود منشا اطلاعات و مشخصات کامل و اقامتگاه خود را به طور روشن ذکر نمایند. ماده ۵۰۷ - مدیر دفتر دو روز از تاریخ وصول دادخواست اعسار، پرونده را به نظر قاضی دادگاه می‌رساند تا چنانچه حضور شهود را در جلسه دادرسی لازم بداند به مدعی اعسار اخطار شود که در روز مقرر شهود خود را حاضر نماید. مدیر دفتر نسخه دیگر دادخواست را برای طرف دعوای اصلی ارسال و در ضمن روز جلسه دادرسی را تعیین و ابلاغ می‌نماید. به هر حال حکم صادره در خصوص اعسار، حضوری محسوب است ماده ۵۰۸ - معافیت از هزینه دادرسی باید برای هر دعوا به طور جداگانه تحصیل شود ولی معسر می‌تواند در تمام مراحل مربوط به همان دعوا از معافیت استفاده کند. ماده ۵۰۹ - در مورد دعاوی متعددی که مدعی اعسار بر یک نفر همزمان اقامه می‌نماید حکم اعساری که نسبت به یکی از دعاوی صادر شود نسبت به بقیه دعاوی نیز موثر خواهد بود. ماده ۵۱۰ - اگر معسر فوت شود، ورثه نمی‌توانند از حکم اعسار هزینه دادرسی مورث استفاده نمایند، لکن فوت مورث در هر یک از دادرسیهای نخستین و تجدید نظر و فرجام مانع جریان دادرسی در آن مرحله نیست و هزینه دادرسی از ورثه مطالبه می‌شود، مگر آن که ورثه نیز اعسار خود را ثابت نمایند. ماده ۵۱۱ - هرگاه مدعی اعسار در دعوای اصلی محکوم له واقع شود و از اعسار خارج گردد، هزینه دادرسی از او دریافت خواهد شد. ماده ۵۱۲ - از تاجر، دادخواست اعسار پذیرفته نمی‌شود. تاجری که مدعی اعسار نسبت به هزینه دادرسی می‌باشد باید برابر مقررات قانون تجارت دادخواست ورشکستگی دهد. کسبه جز مشمول این ماده نخواهند بود. ماده ۵۱۳ - پس از اثبات اعسار، معسر می‌تواند از مزایای زیر استفاده نماید: ۱- معافیت موقت از تادیه تمام یا قسمتی از هزینه دادرسی در مورد دعوایی که برای معافیت از هزینه آن ادعای اعسار شده است ۲- حق داشتن وکیل معاضدتی و معافیت موقت از پرداخت حق الوکاله ماده ۵۱۴ - هرگاه معسر به تادیه تمام یا قسمتی از هزینه دادرسی متمکن گردد، ملزم به تادیه آن خواهد بود. همچنین اگر با درآمدهای خود بتواند تمام یا قسمتی از هزینه دادرسی را بپردازد دادگاه با در نظر گرفتن مبلغ هزینه دادرسی و میزان درآمد وی و هزینه‌های ضروری زندگی مقدار و مدت پرداخت هزینه دادرسی را تعیین خواهد کرد.

باب نهم - مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد**فصل اول - کلیات (ماده ۵۱۵ الی ۵۱۸)**

ماده ۵۱۵- خواهان حق دارد ضمن تقدیم دادخواست یا در اثنای دادرسی و یا به طور مستقل جبران خسارات ناشی از دادرسی یا تاخیر انجام تعهد یا عدم انجام آن را که به علت تقصیر خواننده نسبت به ادای حق یا امتناع از آن به وی وارد شده یا خواهد شد، همچنین اجرت المثل را به لحاظ عدم تسلیم خواسته یا تاخیر تسلیم آن از باب اتلاف و تسبیب از خواننده مطالبه نماید. خواننده نیز می‌تواند خسارتی را که عمداً از طرف خواهان با علم به غیر محق بودن در دادرسی به او وارد شده از خواهان مطالبه نماید. دادگاه در موارد یاد شده میزان خسارت را پس از رسیدگی معین کرده و ضمن حکم راجع به اصل دعوا یا به موجب حکم جداگانه محکوم علیه را به تادیه خسارت ملزم خواهد نمود. در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد برابر قرارداد رفتار خواهد شد. تبصره ۱- در غیر مواردی که دعوای مطالبه خسارت مستقلاً یا بعد از ختم دادرسی مطرح شود مطالبه خسارتهای موضوع این ماده مستلزم تقدیم دادخواست نیست تبصره ۲- خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست و خسارت تاخیر تادیه در موارد قانونی قابل مطالبه می‌باشد. ماده ۵۱۶- چنانچه هر یک از طرفین از جهتی محکوم‌له و از جهتی محکوم علیه باشند در صورت تساوی خسارت هر یک در مقابل خسارت طرف دیگر به حکم دادگاه تهاثر خواهد شد در غیر این صورت نسبت به اضافه نیز حکم صادر می‌گردد. ماده ۵۱۷- دعوایی که به طریق سازش خاتمه یافته باشد، حکم به خسارت نسبت به آن دعوا صادر نخواهد شد. مگر این که ضمن سازش نسبت به خسارات وارده تصمیم خاصی اتخاذ شده باشد. ماده ۵۱۸- در مواردی که مقدار هزینه و خسارات در قانون یا تعرفه رسمی معین نشده باشد، میزان آن را دادگاه تعیین می‌نماید.

فصل دوم - خسارات (ماده ۵۱۹ الی ۵۲۲)

ماده ۵۱۹- خسارات دادرسی عبارت است از هزینه دادرسی و حق الوکاله و کیل و هزینه‌های دیگری که به طور مستقیم مربوط به دادرسی و برای اثبات دعوا یا دفاع لازم بوده است از قبیل حق الزحمه کارشناسی و هزینه تحقیقات محلی ماده ۵۲۰- در خصوص مطالبه خسارت وارده خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلا واسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تاخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است در غیر این صورت دادگاه دعوای مطالبه خسارت را رد خواهد کرد. ماده ۵۲۱- هزینه‌هایی که برای اثبات دعوا یا دفاع ضرورت نداشته نمی‌توان مطالبه نمود. ماده ۵۲۲- در دعوایی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و بامطالبه داین و تمکن مدیون مدیون امتناع از پرداخت نموده در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سر رسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر این که طرفین به نحوه دیگری مصالحه نمایند.

فصل سوم - مستثنیات دین (ماده ۵۲۳ الی ۵۲۹)

ماده ۵۲۳- در کلیه مواردی که رای دادگاه برای وصول دین به موقع اجرا گذارده می‌شود اجرای رای از مستثنیات دین اموال محکوم علیه ممنوع می‌باشد. تبصره- احکام جزایی دادگاههای صالح مبنی بر استرداد کل یا بخشی از اموال محکوم علیه یا ضبط آن مستثنی می‌باشد. ماده ۵۲۴- مستثنیات دین عبارت است از: الف- مسکن مورد نیاز محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی با رعایت شوون عرفی ب- وسیله نقلیه مورد نیاز و متناسب با شان محکوم علیه ج- اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوایج ضروری محکوم علیه خانواده و افراد تحت تکفل وی لازم است د- آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم علیه و افراد تحت تکفل

وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می‌شود. هـ- کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب باشند آنان و - وسایل و ابزار کار کسبه پیشه‌وران کشاورزان و سایر اشخاصی که وسیله امرار معاش محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی می‌باشد. ماده ۵۲۵- در صورت بروز اختلاف نسبت به متناسب بودن اموال و اشیای موصوف در ماده قبل با شوون و نیاز محکوم علیه تشخیص دادگاه صادر کننده حکم لازم الاجرا، ملاک خواهد بود. چنانچه اموال و اشیای مذکور بیش از حد نیاز و شوون محکوم علیه تشخیص داده شود و قابل تجزیه و تفکیک نباشد به دستور دادگاه به فروش رسیده مازاد برشان بابت محکوم به یا دین پرداخت می‌گردد. ماده ۵۲۶- مستثنیات دین تا زمان حیات محکوم علیه جاری است ماده ۵۲۷- چنانچه رای دادگاه مبنی بر استرداد عین مالی باشد مشمول مقررات این فصل نخواهد بود. سایر مقررات ماده ۵۲۸- دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت که براساس دستور ولایت رهبر کبیر انقلاب امام خمینی ره تشکیل گردیده طبق اصول پنجم (۵) و پنجاه و هفتم (۵۷) قانون اساسی تا زمانی که رهبر معظم انقلاب اسلامی ادامه کار آن را مصلحت بدانند به جرایم اشخاص روحانی‌رسیدگی خواهد کرد و پرداخت حقوق و مزایای قضات و کارکنان آن تابع مقررات مربوط به قوه قضاییه می‌باشد. ماده ۵۲۹- از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ و الحاقات و اصلاحات آن و مواد (۱۸)، (۱۹)، (۲۱)، (۲۳) و (۳۱) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ و سایر قوانین و مقررات در موارد مغایر ملغی می‌گردد.

قانون اجرای احکام مدنی

فصل اول - قواعد عمومی

مبحث اول - مقدمات اجرا (ماده ۱ الی ۱۱)

قانون اجرای احکام مدنی مصوب اول آبان ماه ۱۳۵۶ فصل اول - قواعد عمومی مبحث اول - مقدمات اجرا ماده ۱ - هیچ حکمی از احکام دادگاههای دادگستری به موقع اجرا گذارده نمی‌شود مگر این که قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین می‌کند صادر شده باشد. ماده ۲ - احکام دادگاههای دادگستری وقتی به موقع اجرا گذارده می‌شود که به محکوم علیه یا وکیل یا قائم مقام قانونی او ابلاغ شده و محکوم له یا نماینده و یا قائم مقام قانونی او کتبا این تقاضا را از دادگاه بنماید. ماده ۳ - حکمی که موضوع آن معین نیست قابل اجراء نمی‌باشد. ماده ۴ - اجرای حکم با صدور اجرائیه به عمل می‌آید مگر این که در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. در مواردی که حکم دادگاه جنبه اعلامی داشته و مستلزم انجام عملی از طرف محکوم علیه نیست از قبیل اعلام اصالت یا بطلان سند، اجرائیه صادر نمی‌شود. همچنین در مواردی که سازمانها و موسسات دولتی و وابسته به دولت طرف دعوی نبوده ولی اجرای حکم باید به وسیله آنها صورت گیرد صدور اجرائیه لازم نیست و سازمانها و موسسات مزبور مکلفند به دستور دادگاه حکم را اجرا کنند. ماده ۵ - صدور اجرائیه با دادگاه نخستین است ماده ۶ - در اجرائیه نام و نام خانوادگی و محل اقامت محکوم له و محکوم علیه و مشخصات حکم و موضوع آن و این که پرداخت حق اجرا به عهده محکوم علیه می‌باشد نوشته شده و به امضای رییس دادگاه و مدیر دفتر رسیده به مهر دادگاه ممهور و برای ابلاغ فرستاده می‌شود. ماده ۷ - برگ‌های اجرائیه به تعداد محکوم علیه به علاوه دو نسخه صادر می‌شود یک نسخه از آن در پرونده دعوی و نسخه دیگر پس از ابلاغ به محکوم علیه در پرونده اجرائی بایگانی می‌گردد و یک نسخه نیز در موقع ابلاغ به محکوم علیه داده می‌شود. ماده ۸ - ابلاغ اجرائیه طبق مقررات آیین دادرسی مدنی به عمل می‌آید و آخرین محل ابلاغ به محکوم علیه در پرونده دادرسی برای ابلاغ اجرائیه سابقه ابلاغ محسوب است ماده ۹ - در مواردی که ابلاغ اوراق راجع به دعوی طبق ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی به عمل آمده و تا قبل از صدور اجرائیه

محکوم علیه محل اقامت خود را به دادگاه اعلام نکرده باشد مفاد اجراییه یک نوبت به ترتیب مقرر در مادتين ۱۱۸ و ۱۱۹ این قانون آگهی می گردد و ده روز پس از آن به موقع اجرا گذاشته می شود. در این صورت برای عملیات اجرایی ابلاغ یا اخطار دیگری به محکوم علیه لازم نیست مگر این که محکوم علیه محل اقامت خود را کتبا به قسمت اجرا اطلاع دهد. مفاد این ماده باید در آگهی مزبور قید شود. ماده ۱۰- اگر محکوم علیه قبل از ابلاغ اجراییه محجور یا فوت شود اجراییه حسب مورد به ولی قیم امین وصی ورثه یا مدیر ترکه او ابلاغ می گردد و هرگاه حجر یا فوت محکوم علیه بعد از ابلاغ اجراییه باشد مفاد اجراییه و عملیات انجام شده به وسیله ابلاغ اخطاریه به آنها اطلاع داده خواهد شد. ماده ۱۱- هرگاه در صدور اجراییه اشتباهی شده باشد دادگاه می تواند راسا یا به درخواست هریک از طرفین به اقتضای مورد اجراییه را ابطال یا تصحیح نماید یا عملیات اجرایی را الغا کند و دستور استرداد مورد اجرا را بدهد.

مبحث دوم - دادورزها (مأمورین اجرا) (ماده ۱۲ الی ۱۸)

ماده ۱۲- مدیر اجرا تحت ریاست و مسوولیت دادگاه انجام وظیفه می کند و به قدر لزوم و تحت نظر خود دادورز (مامور اجرا) خواهد داشت ماده ۱۳- اگر دادگاه دادورز (مامور اجرا) نداشته باشد و یا دادورز (مامور اجرا) به تعداد کافی نباشد می توان احکام را به وسیله مدیر دفتر یا کارمندان دیگر دادگاه یا مامورین شهربانی یا ژاندارمری اجرا کرد. ماده ۱۴- در صورتی که حین اجرای حکم نسبت به دادورزها (مامورین اجرا) مقاومت یا سوءرفتاری شود می توانند حسب مورد از مامورین شهربانی ژاندارمری و یا دژبانی برای اجرای حکم کمک بخواهند، مامورین مزبور مکلف به انجام آن می باشند. ماده ۱۵- هرگاه مامورین مذکور در ماده قبل درخواست دادورز (مامور اجرا) را انجام ندهند دادورز (مامور اجرا) صورت مجلسی در این خصوص تنظیم می کند تا توسط مدیر اجرا برای تعقیب به مرجع صلاحیتدار فرستاده شود. ماده ۱۶- هرگاه نسبت به دادورز (مامور اجرا) حین انجام وظیفه توهین یا مقاومت شود مامور مزبور صورت مجلسی تنظیم نموده به امضای شهود و مامورین انتظامی (در صورتی که حضور داشته باشند) می رساند. این صورت مجلس توسط مدیر اجرا به دادسرای شهرستان فرستاده خواهد شد. ماده ۱۷- کسانی که مانع دادورز (مامور اجرا) از انجام وظیفه شوند علاوه بر مجازات مقرر در قوانین کیفری مسوول خسارات ناشی از عمل خود نیز می باشند. ماده ۱۸- مدیران و دادورزها (مامورین اجرا) در موارد زیر نمی توانند قبول مأموریت نمایند: ۱- امر اجرا راجع به همسر آنها باشد. ۲- امر اجرا راجع به اشخاصی باشد که مدیر و یا دادورز (مامور اجرا) با آنان قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارد. ۳- مدیر یا دادورز (مامور اجرا) قیم یا وصی یکی از طرفین یا کفیل امور او باشد. ۴- وقتی که امر اجرا راجع به کسانی باشد که بین آنان و مدیر یا دادورز (مامور اجرا) یا همسر آنان دعوی مدنی یا کیفری مطرح است در هریک از موارد مذکور در این ماده اجرای حکم از طرف رییس دادگاه به مدیر یا دادورز (مامور اجرا) دیگری محول می شود و اگر در آن حوزه مدیر یا مامور دیگری نباشد اجرای حکم به وسیله مدیر دفتر یا کارمند دیگر دادگاه یا حسب مورد ماموران شهربانی و ژاندارمری به عمل خواهد آمد.

مبحث سوم - ترتیب اجرا (ماده ۱۹ الی ۴۸)

ماده ۱۹- اجراییه به وسیله قسمت اجرای دادگاهی که آن را صادر کرده به موقع اجرا گذاشته می شود. ماده ۲۰- هرگاه تمام یا قسمتی از عملیات اجرایی باید در حوزه دادگاه دیگری به عمل آید مدیر اجرا انجام عملیات مزبور را به قسمت اجرای دادگاه آن حوزه محول می کند. ماده ۲۱- مدیر اجرا برای اجرای حکم پرونده ای تشکیل می دهد تا اجراییه و تقاضاها و کلیه برگ های مربوط

به ترتیب در آن بایگانی شود. ماده ۲۲ - طرفین می‌توانند پرونده اجرایی را ملا-حظه و از محتویات آن رونوشت یا فتوکپی بگیرند، هزینه رونوشت یا فتوکپی به میزان مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی اخذ می‌شود. ماده ۲۳ - پس از ابلاغ اجراییه مدیر اجرا نام دادورز (مامور اجرا) را در ذیل اجراییه نوشته و عملیات اجرایی را به عهده او محول می‌کند. ماده ۲۴ - دادورز (مامور اجرا) بعد از شروع به اجرا نمی‌تواند اجرای حکم را تعطیل یا توقیف یا قطع نماید یا به تاخیر اندازد مگر به موجب قرار دادگاهی که دستور اجرای حکم را داده یا دادگاهی که صلاحیت صدور دستور تاخیر اجرای حکم را دارد یا با ابراز رسید محکوم له دایر به وصول محکوم به یا رضایت کتبی او در تعطیل یا توقیف یا قطع یا تاخیر اجرا. ماده ۲۵ - هرگاه در جریان اجرای حکم اشکالی پیش آید دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجرا می‌شود رفع اشکال می‌نماید. ماده ۲۶ - اختلافات ناشی از اجرای احکام راجع به دادگاهی است که حکم توسط آن دادگاه اجرا می‌شود. ماده ۲۷ - اختلافات راجع به مفاد حکم همچنین اختلافات مربوط به اجرای احکام که از اجمال یا ابهام حکم یا محکوم به حادث شود در دادگاهی که حکم را صادر کرده رسیدگی می‌شود. ماده ۲۸ - رأی داوری که موضوع آن معین نیست قابل اجرایی باشد. مرجع رفع اختلاف ناشی از اجرای رأی داوری دادگاهی است که اجراییه صادر کرده است ماده ۲۹ - در مورد حدوث اختلاف در مفاد حکم هر یک از طرفین می‌تواند رفع اختلاف را از دادگاه بخواهد. دادگاه در وقت فوق العاده رسیدگی و رفع اختلاف می‌کند و در صورتی که محتاج رسیدگی بیشتری باشد رونوشت درخواست را به طرف مقابل ابلاغ نموده طرفین را در جلسه خارج از نوبت برای رسیدگی دعوت می‌کند ولی عدم حضور آنها باعث تاخیر رسیدگی نخواهد شد. ماده ۳۰ - درخواست رفع اختلاف موجب تاخیر اجرای حکم نخواهد شد مگر این که دادگاه قرار تاخیر اجرای حکم را صادر نماید. ماده ۳۱ - هرگاه محکوم علیه فوت یا محجور شود عملیات اجرایی حسب مورد تا زمان معرفی ورثه ولی وصی قیم محجور یا امین و مدیر ترکه متوقف می‌گردد و قسمت اجرا به محکوم له اخطار می‌کند تا اشخاص مذکور را با ذکر نشانی و مشخصات کامل معرفی نماید و اگر مالی توقیف نشده باشد دادورز (مامور اجرا) می‌تواند به درخواست محکوم له معادل محکوم به از ترکه متوفی یا اموال محجور توقیف کند. ماده ۳۲ - حساب مواعد مطابق مقررات قانون آیین دادرسی مدنی است و مدتی که عملیات اجرایی توقیف می‌شود به حساب نخواهد آمد. ماده ۳۳ - هرگاه محکوم علیه بازرگان بوده و در جریان اجرا ورشکسته شود مراتب از طرف مدیر اجرا به اداره تصفیه یا مدیر تصفیه اعلام می‌شود تا طبق مقررات راجع به تصفیه امور ورشکستگی اقدام گردد. ماده ۳۴ - همین که اجراییه به محکوم علیه ابلاغ شد محکوم علیه مکلف است ظرف ده روز مفاد آن را به موقع اجرا بگذارد یا ترتیبی برای پرداخت محکوم به بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای حکم و استیفای محکوم به از آن میسر باشد و در صورتی که خود را قادر به اجرای مفاد اجراییه نداند باید ظرف مهلت مزبور صورت جامع داری خود را به قسمت اجرا تسلیم کند و اگر مالی ندارد صریحا اعلام نماید. هرگاه ظرف سه سال بعد از انقضای مهلت مذکور معلوم شود که محکوم علیه قادر به اجرای حکم و پرداخت محکوم به بوده لیکن برای فرار از آن اموال خود را معرفی نکرده یا صورت خلاف واقع از داری خود داده به نحوی که اجرای تمام یا قسمتی از مفاد اجراییه متعسر گردیده باشد به حبس جنحه‌ای از شصت و یک روز تا شش ماه محکوم خواهد شد. تبصره - شخص ثالث نیز می‌تواند به جای محکوم علیه برای استیفای محکوم به مالی معرفی کند. ماده ۳۵ - بدهکاری که در مدت مذکور قادر به پرداخت بدهی خود نبوده مکلف است هر موقع که به تأدیه تمام یا قسمتی از بدهی خود متمکن گردد آن را بپردازد و هر بدهکاری که ظرف سه سال از تاریخ انقضای مهلت مقرر قادر به پرداخت تمام یا قسمتی از بدهی خود شده و تا یک ماه از تاریخ امکان پرداخت آن را نپردازد و یا مالی به مسوول اجرا معرفی نکند به مجازات مقرر در ماده قبل محکوم خواهد شد. تبصره ۱ - محکوم له می‌تواند بعد از ابلاغ اجراییه و قبل از انقضای مهلت مقرر در مواد قبل اموال محکوم علیه را برای تامین محکوم به به قسمت اجرا معرفی کند و قسمت اجرا مکلف به قبول آن است پس از انقضای مهلت مزبور نیز در صورتی که محکوم علیه مالی معرفی نکرده باشد که اجرای حکم و استیفای محکوم به از آن میسر باشد محکوم له می‌تواند هر وقت مالی از محکوم علیه بدست آید استیفای محکوم به را از آن مال

بخواهد. تبصره ۲ - تعقیب کیفری جرایم مندرج در مواد ۳۴ و ۳۵ منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت او تعقیب یا اجرای مجازات موقوف می‌گردد. ماده ۳۶ - در مواردی که مفاد اجراییه از طریق انتشار آگهی به محکوم علیه ابلاغ می‌شود در صورتی که به اموال او دسترسی باشد به تقاضای محکوم له معادل محکوم به از اموال محکوم علیه توقیف می‌شود. ماده ۳۷ - محکوم له می‌تواند طریق اجرای حکم را به دادورز (مامور اجرا) ارایه دهد و در حین عملیات اجرایی حاضر باشد ولی نمی‌تواند در اموری که از وظایف دادورز (مامور اجرا) است دخالت نماید. ماده ۳۸ - دادورز (مامور اجرا) محکوم به را به محکوم له تسلیم نموده برگ رسیده می‌گیرد و هرگاه محکوم به نباید به مشارالیه داده‌شود یا دسترسی به محکوم له نباشد مراتب را جهت صدور دستور مقتضی به دادگاهی که اجراییه صادر کرده است اعلام می‌کند. ماده ۳۹ - هرگاه حکمی که به موقع اجرا گذارده شده بر اثر فسخ یا نقص یا اعاده دادرسی به موجب حکم نهایی بلا اثر شود عملیات اجرایی به دستور دادگاه اجراکننده حکم به حالت قبل از اجرا برمی‌گردد و در صورتی که محکوم به عین معین بوده و استرداد آن ممکن نباشد دادورز (مامور اجرا) مثل یا قیمت آن را وصول می‌نماید. اعاده عملیات اجرایی به دستور دادگاه به ترتیبی که برای اجرای حکم مقرر است بدون صدور اجراییه به عمل می‌آید. ماده ۴۰ - محکوم له و محکوم علیه می‌توانند برای اجرای حکم قراری گذارده و مراتب را به قسمت اجرا اعلام دارند. ماده ۴۱ - هرگاه محکوم علیه طوعاً حکم دادگاه را اجرا ننماید دادورز (مامور اجرا) به ترتیب مقرر در این قانون اقدام به اجرای حکم می‌کند. ماده ۴۲ - هرگاه محکوم به عین معین منقول یا غیر منقول بوده و تسلیم آن به محکوم له ممکن باشد دادورز (مامور اجرا) عین آن را گرفته و به محکوم له می‌دهد. ماده ۴۳ - در مواردی که حکم خلع ید علیه متصرف ملک مشاع به نفع مالک قسمتی از ملک مشاع صادر شده باشد از تمام ملک خلع ید می‌شود؛ ولی تصرف محکوم له در ملک خلع ید شده مشمول مقررات املاک مشاعی است ماده ۴۴ - اگر عین محکوم به در تصرف کسی غیر از محکوم علیه باشد این امر مانع اقدامات اجرایی نیست مگر این که متصرف مدعی حقی از عین یا منافع آن بوده و دلایلی هم ارایه نماید در این صورت دادورز (مامور اجرا) یک هفته به او مهلت می‌دهد تا به دادگاه صلاحیتدار مراجعه کند و در صورتی که ظرف پانزده روز از تاریخ مهلت مذکور قراری دایر به تاخیر اجرای حکم به قسمت اجرا ارایه نگردد عملیات اجرایی ادامه خواهد یافت ماده ۴۵ - هرگاه در محلی که باید خلع ید شود اموالی از محکوم علیه یا شخص دیگری باشد و صاحب مال از بردن آن خودداری کند و یا به اود دسترسی نباشد دادورز (مامور اجرا) صورت تفصیلی اموال مذکور را تهیه و به ترتیب زیر عمل می‌کند: ۱ - اسناد و اوراق بهادار و جواهر و وجه نقد به صندوق دادگستری یا یکی از بانکها سپرده می‌شود. ۲ - اموال ضایع شدنی و اشیایی که بهای آنها متناسب با هزینه نگاهداری نباشد بفروش رسیده و حاصل فروش پس از کسر هزینه‌های مربوط به صندوق دادگستری سپرده می‌شود تا به صاحب آن مسترد گردد. ۳ - در مورد سایر اموال دادورز (مامور اجرا) آنها را در همان محل یا محل مناسب دیگری محفوظ نگاه داشته و یا به حافظ سپرده و رسید دریافت می‌دارد. ماده ۴۶ - اگر محکوم به عین معین بوده و تلف شده یا به آن دسترسی نباشد قیمت آن با تراضی طرفین و در صورت عدم تراضی به وسیله دادگاه تعیین و طبق مقررات این قانون از محکوم علیه وصول می‌شود و هرگاه محکوم به قابل تقویم نباشد محکوم له می‌تواند دعوی خسارت اقامه نماید. ماده ۴۷ - هرگاه محکوم به انجام عمل معینی باشد و محکوم علیه از انجام آن امتناع ورزد و انجام عمل به توسط شخص دیگری ممکن باشد محکوم له می‌تواند تحت نظر دادورز (مامور اجرا) آن عمل را وسیله دیگری انجام دهد و هزینه آن را مطالبه کند و یا بدون انجام عمل هزینه لازم را به وسیله قسمت اجرا از محکوم علیه مطالبه نماید. در هر یک از موارد مذکور دادگاه با تحقیقات لازم و در صورت ضرورت با جلب نظر کارشناس میزان هزینه را معین می‌نماید. وصول هزینه مذکور و حق الزحمه کارشناس از محکوم علیه به ترتیبی است که برای وصول محکوم به نقدی مقرر است تبصره - در صورتی که انجام عمل توسط شخص دیگری ممکن نباشد مطابق ماده ۷۲۹ آیین دادرسی مدنی انجام خواهد شد. ماده ۴۸ - در صورتی که در ملک مورد حکم خلع ید زراعت شده و تکلیف زرع در حکم معین نشده باشد به ترتیب زیر رفتار می‌شود: اگر موقع برداشت محصول رسیده

باشد محکوم علیه باید فوراً محصول را بردارد والا- دادورز (مامور اجرا) اقدام به برداشت محصول نموده و هزینه‌های مربوط را تا زمان تحویل محصول به محکوم علیه از او وصول می‌نماید. هرگاه موقع برداشت محصول نرسیده باشد اعم از این که بذر روییده یا روییده باشد محکوم له مخیر است که بهای زراعت را بپردازد و ملک را تصرف کند یا ملک را تا زمان رسیدن محصول به تصرف محکوم علیه باقی بگذارد و اجرت‌المثل بگیرد. تشخیص بهای زراعت و اجرت‌المثل با دادگاه خواهد بود و نظر دادگاه در این مورد قطعی است

فصل دوم - توقیف اموال

مبحث اول - مقررات عمومی (ماده ۴۹ الی ۶۰)

ماده ۴۹- در صورتی که محکوم علیه در موعدی که برای اجرای حکم مقرر است مدلول حکم را طوعاً اجرا ننماید یا قراری بامحکوم له برای اجرای حکم ندهد و مالی هم معرفی نکند یا مالی از او تامین و توقیف نشده باشد محکوم له می‌تواند درخواست کند که از اموال محکوم علیه معادل محکوم به توقیف گردد. ماده ۵۰- دادورز (مامور اجرا) باید پس از درخواست توقیف بدون تاخیر اقدام به توقیف اموال محکوم علیه نماید و اگر اموال در حوزه دادگاه دیگری باشد توقیف آن را از قسمت اجرای دادگاه مذکور بخواهد. ماده ۵۱- از اموال محکوم علیه به میزانی توقیف می‌شود که معادل محکوم به و هزینه‌های اجرایی باشد ولی هرگاه مال معرفی شده ارزش بیشتری داشته و قابل تجزیه نباشد تمام آن توقیف خواهد شد، در این صورت اگر مال غیر منقول باشد مقدار مشاعی از آن که معادل محکوم به و هزینه‌های اجرایی باشد توقیف می‌گردد. ماده ۵۲- اگر مالی از محکوم علیه تامین و توقیف شده باشد استیفای محکوم به از همان مال به عمل می‌آید مگر آن که مال تامین شده تکافوی محکوم به را نکند که در این صورت معادل بقیه محکوم به از سایر اموال محکوم علیه توقیف می‌گردد. ماده ۵۳- هرگاه مالی از محکوم علیه در قبال خواسته یا محکوم به توقیف شده باشد محکوم علیه می‌تواند یک بار تا قبل از شروع به عملیات راجع به فروش درخواست تبدیل مالی را که توقیف شده است به مال دیگری بنماید مشروط بر این که مالی که پیشنهاد می‌شود از حیث قیمت و سهولت فروش از مالی که قبلاً توقیف شده است کمتر نباشد. محکوم له نیز می‌تواند یک بار تا قبل از شروع به عملیات راجع به فروش درخواست تبدیل مال توقیف شده را بنماید. در صورتی که محکوم علیه یا محکوم له به تصمیم قسمت اجرا معترض باشند می‌توانند به دادگاه صادرکننده اجراییه مراجعه نمایند. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است ماده ۵۴- اگر مالی که توقیف آن تقاضا شده وثیقه دینی بوده یا در مقابل طلب دیگری توقیف شده باشد قسمت اجرا به درخواست محکوم له توقیف مازاد ارزش مال مزبور را حسب مورد به اداره ثبت یا مرجعی که قبلاً مال را توقیف کرده است اطلاع می‌دهد. در این صورت اگر مال دیگری به تقاضای محکوم له توقیف شود که تکافوی طلب او را بنماید از توقیف مازاد رفع اثر خواهد شد. در صورت فک و وثیقه یا رفع توقیف اصل مال توقیف مازاد خود به خود به توقیف اصل مال تبدیل می‌شود در این مورد هرگاه محکوم علیه به عنوان عدم تناسب بهای مال با میزان بدهی معترض باشد به هزینه او مال ارزیابی شده از مقدار زاید بر بدهی رفع توقیف خواهد شد. ماده ۵۵- در مورد مالی که وثیقه بوده یا در مقابل مطالباتی توقیف شده باشد محکوم له می‌تواند تمام دیون و خسارات قانونی را با حقوق دولت حسب مورد در صندوق ثبت یا دادگستری تودیع نموده تقاضای توقیف مال و استیفای حقوق خود را از آن بنماید در این صورت وثیقه و توقیف‌های سابق فک و مال بابت طلب او و مجموع وجوه تودیع شده بلافاصله توقیف می‌شود. ماده ۵۶- هرگونه نقل و انتقال اعم از قطعی و شرطی و رهنی نسبت به مال توقیف شده باطل و بلااثر است ماده ۵۷- هرگونه قرارداد یا تعهدی که نسبت به مال توقیف شده بعد از توقیف به ضرر

محکوم له منعقد شود نافذ نخواهد بود مگر این که محکوم له کتبا رضایت دهد. ماده ۵۸ - در صورتی که محکوم علیه ، محکوم به و خسارات قانونی را تادیه نماید قسمت اجرا از مال توقیف شده رفع توقیف خواهد کرد. ماده ۵۹ - محکوم علیه می تواند با نظارت دادورز (مامور اجرا) مال توقیف شده را بفروشد مشروط بر این که حاصل فروش به تنهایی برای پرداخت محکوم به و هزینه های اجرایی کافی باشد و اگر مال در مقابل قسمتی از محکوم به توقیف شده حاصل فروش نباید از مبلغی که در قبال آن توقیف به عمل آمده کمتر باشد. ماده ۶۰ - عدم حضور محکوم له و محکوم علیه مانع از توقیف مال نمی شود ولی توقیف مال به طرفین اعلام خواهد شد.

مبحث دوم - در توقیف اموال منقول (ماده ۶۱ الی ۶۶)

ماده ۶۱ - مال منقولی که در تصرف کسی غیر از محکوم علیه باشد و متصرف نسبت به آن ادعای مالکیت کند یا آن را متعلق به دیگری معرفی نماید به عنوان مال محکوم علیه توقیف نخواهد شد. در صورتی که خلاف ادعای متصرف ثابت شود مسوول جبران خسارت محکوم له خواهد بود. ماده ۶۲ - اموال منقولی که خارج از محل سکونت یا محل کار محکوم علیه باشد در صورتی توقیف می شود که دلایل و قراین کافی بر احراز مالکیت او در دست باشد. ماده ۶۳ - از اموال منقول موجود در محل سکونت زوجین آنچه معمولاً و عادتاً مورد استفاده اختصاصی زن باشد متعلق به زن و آنچه مورد استفاده اختصاصی مرد باشد متعلق به شوهر و بقیه از نظر مقررات این قانون مشترک بین آنان محسوب می شود مگر این که خلاف آن ثابت گردد. ماده ۶۴ - اگر مال معرفی شده در جایی باشد که در آن بسته باشد و از باز کردن آن خودداری نمایند دادورز (مامور اجرا) با حضور مامور شهربانی یا ژاندارمری یا دهبان محل، اقدام لازم برای باز کردن در و توقیف مال معمول می دارد و در مورد باز کردن محل که کسی در آن نیست حسب مورد نماینده دادستان یا دادگاه بخش مستقل نیز باید حضور داشته باشد. ماده ۶۵ - اموال زیر برای اجرای حکم توقیف نمی شود. ۱ - لباس و اشیا و اسبابی که برای رفع حوایج ضروری محکوم علیه و خانواده او لازم است ۲ - آذوقه موجود به قدر احتیاج یک ماهه محکوم علیه و اشخاص واجب النفقه او. ۳ - وسایل و ابزار کار ساده کسبه و پیشه‌وران و کشاورزان ۴ - اموال و اشیایی که به موجب قوانین مخصوص غیر قابل توقیف می باشند. تبصره - تصنیفات و تالیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده بدون رضایت مصنف و مولف و مترجم و در صورت فوت آنها بدون رضایت ورثه یا قائم مقام آنان توقیف نمی شود. ماده ۶۶ - اموال ضایع شدنی بلافاصله و اموالی که ادامه توقیف آن مستلزم هزینه نامتناسب یا کسر فاحش قیمت است فوراً ارزیابی و با تصویب دادگاه بدون رعایت تشریفات راجع به توقیف و مزایده بفروش می رسد لیکن قبل از فروش باید صورتی از اموال مزبور برداشته شود.

مبحث سوم - صورت برداری اموال منقول (ماده ۶۷ الی ۷۲)

ماده ۶۷ - دادورز (مامور اجرا) باید قبل از توقیف اموال منقول صورتی که مشتمل بر وصف کامل اموال از قبیل نوع - عدد - وزن - اندازه و غیره که با تمام حروف و اعداد باشد تنظیم نماید، در مورد طلا و نقره عیار آنها (هرگاه عیار آنها معین باشد) و در جواهرات اسامی و مشخصات آنها و در کتاب نام کتاب و مولف و مترجم و خطی یا چاپی بودن آن با ذکر تاریخ تحریر یا چاپ و در تصویر و پرده نقاشی خصوصیات و اسم نقاش (اگر معلوم باشد) و در مصنوعات ساخت و مدل و در مورد فرش بافت و رنگ و در مورد سهام و اوراق بهادار نوع و تعداد و مبلغ اسمی آن و به طور کلی در هر مورد مشخصات و خصوصیات که معرف کامل مال باشد نوشته می شود. ماده ۶۸ - تراشیدن و پاک کردن و الحاق و نوشتن بین سطرها در صورت اموال ممنوع است و اگر سهو و

اشتباهی رخ داده باشد دادورز (مامور اجرا) در ذیل صورت آن را تصحیح و به امضای حاضران می‌رساند. ماده ۶۹ - هرگاه اشخاص ثالث نسبت به اموالی که توقیف می‌شود اظهار حقی نمایند دادورز (مامور اجرا) مشخصات اظهارکننده و خلاصه اظهارات او را قید می‌کند. ماده ۷۰ - هرگاه محکوم له و محکوم علیه یا نماینده قانونی آنها حاضر بوده و راجع به تنظیم صورت ایراد و اظهاری نمایند دادورز (مامور اجرا) ایراد و اظهار آنان را با جهات رد یا قبول در آخر صورت قید می‌کند. طرفین اگر حاضر باشند ظرف یک هفته از تاریخ تنظیم صورت حق شکایت خواهند داشت والا - صورت اموال از طرف قسمت اجرا به طرف غایب ابلاغ می‌شود و طرف غایب حق دارد ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ شکایت نماید. ماده ۷۱ - در صورت اموال باید تاریخ و ساعت شروع و ختم عمل نوشته شود و به امضای دادورز (مامور اجرا) و حاضران برسد هرگاه محکوم له و محکوم علیه یا نماینده قانونی آنها از امضای ذیل صورت اموال امتناع نمایند مراتب در صورت قید می‌شود. ماده ۷۲ - دادورز (مامور اجرا) به تقاضای محکوم له یا محکوم علیه رونوشت گواهی شده از صورت اموال را به آنها خواهد داد.

مبحث چهارم - ارزیابی اموال منقول (ماده ۷۳ الی ۷۶)

ماده ۷۳ - ارزیابی اموال منقول حین توقیف به عمل می‌آید و در صورت اموال درج می‌شود. قیمت اموال را محکوم له و محکوم علیه به تراضی تعیین می‌نمایند و هرگاه طرفین حین توقیف حاضر نباشند یا حاضر بوده و در تعیین قیمت تراضی نمایند ارزیاب معین می‌شود. ماده ۷۴ - ارزیاب به تراضی طرفین معین می‌شود. در صورت عدم تراضی یا عدم حضور محکوم علیه دادورز (مامور اجرا) از بین کارشناسان رسمی و در صورت نبودن کارشناس رسمی از بین اشخاص معتمد و خبره ارزیاب معین می‌کند و هرگاه در حین توقیف به ارزیاب دسترسی نباشد قیمتی که محکوم له تعیین کرده برای توقیف مال ملاک عمل خواهد بود. در این صورت دادورز (مامور اجرا) به قید فوریت نسبت به تعیین ارزیاب و تقویم مال اقدام خواهد کرد. ماده ۷۵ - قسمت اجرا ارزیابی را بلافاصله به طرفین ابلاغ می‌نماید. هر یک از طرفین می‌تواند ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ ارزیابی به نظریه ارزیاب اعتراض نماید. این اعتراض در دادگاهی که حکم به وسیله آن اجرا می‌شود، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و در صورت ضرورت با تجدید ارزیابی قیمت مال معین می‌شود، تشخیص دادگاه در این مورد قطعی است ماده ۷۶ - حق الزحمه ارزیاب با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت و ارزش کار به وسیله دادورز (مامور اجرا) معین می‌گردد و پرداخت آن به عهده محکوم علیه است هرگاه نسبت به میزان حق الزحمه اعتراضی باشد دادگاه در این مورد تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد. هرگاه محکوم علیه از پرداخت حق الزحمه ارزیاب امتناع نماید محکوم له می‌تواند آن را بپردازد. در این صورت دادورز (مامور اجرا) وجه مزبور را ضمن اجرای حکم از محکوم علیه وصول و به محکوم له خواهد داد. پرداخت حق الزحمه در مورد ماده قبل به عهده معترض است و اگر ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ اخطار نپردازد به اعتراض او ترتیب اثر داده نخواهد شد.

مبحث پنجم - حفظ اموال منقول توقیف شده (ماده ۷۷ الی ۸۶)

مبحث پنجم - حفظ اموال منقول توقیف شده مبحث پنجم - حفظ اموال منقول توقیف شده ماده ۷۷ - اموال توقیف شده در همان جا که هست حفظ می‌شود مگر این که نقل اموال به محل دیگری ضرورت داشته باشد. ماده ۷۸ - اموال توقیف شده برای حفاظت به شخص مسوولی سپرده می‌شود. حافظ با توافق طرفین تعیین می‌گردد و در صورتی که طرفین حین توقیف حاضر نباشند و یا در انتخاب حافظ تراضی نمایند دادورز (مامور اجرا) شخص قابل اعتمادی را معین می‌کند. اوراق بهادار و جواهر و امثال آنها در

صورت اقتضا در یکی از بانکها به امانت گذاشته می‌شود. ماده ۷۹- اموال توقیف شده بدون تراضی کتبی طرفین به اشخاص ذیل سپرده نمی‌شود: ۱- اقربای نسبی و سببی دادورز (مامور اجرا) تا درجه سوم ۲- محکوم له و محکوم علیه و همسر آنان و کسانی که با طرفین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارند. ماده ۸۰- اموال توقیف شده و رونوشت صورت اموال به شخصی که مسوولیت حفظ را به عهده گرفته تحویل و رسید اخذ می‌گردد. ماده ۸۱- شخص حافظ می‌تواند اجرت بخواهد و هرگاه در میزان اجرت تراضی نشود مدیر اجرا با توجه به کمیت و کیفیت مال و مدت حفاظت میزان آن را تعیین می‌نماید. ماده ۸۲- اجرت حافظ را اگر محکوم علیه تادیه نکند محکوم له می‌پردازد و از حاصل فروش اشیای توقیف شده استیفاء می‌نماید. در صورت مطالبه اجرت از طرف حافظ و عدم تادیه آن مدیر اجرا به محکوم له اخطار می‌کند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطار اجرت حافظ را بپردازد. ماده ۸۳- حافظ نسبت به اموال توقیف شده امین است و حق ندارد اموال توقیف شده را مورد استفاده قرار داده یا به کسی بدهد و به طور کلی هرگاه حافظ مرتکب تعدی یا تفریط گردد مسوول پرداخت خسارت وارده بوده و حق مطالبه اجرت هم نخواهد داشت ماده ۸۴- هرگاه اموال توقیف شده منفعی داشته باشد حافظ باید حساب آن را بدهد. ماده ۸۵- در صورتی که حافظ از تسلیم اموال توقیف شده امتناع کند از تاریخ امتناع ضامن محسوب است و دادورز (مامور اجرا) معادل ارزش مال توقیف شده را از اموال حافظ استیفا می‌نماید. ماده ۸۶- هرگاه حافظ نخواهد یا نتواند اموال توقیف شده را نگاهداری کند و یا اوضاع و احوال تغییر او را ایجاب نماید دادورز (مامور اجرا) پس از تصویب دادگاه حافظ دیگری معین خواهد کرد.

مبحث ششم - توقیف اموال منقول محکوم علیه که نزد شخص ثالث است (ماده ۸۷ الی ۹۵)

ماده ۸۷- هرگاه مال متعلق به محکوم علیه نزد شخص ثالث اعم از حقوقی یا حقیقی باشد یا مورد درخواست توقیف طلبی باشد که محکوم علیه از شخص ثالث دارد اخطاری در باب توقیف مال یا طلب و میزان آن به پیوست رونوشت اجراییه به شخص ثالث ابلاغ و رسید دریافت می‌شود و مراتب فوراً به محکوم علیه نیز ابلاغ می‌گردد. ماده ۸۸- شخص ثالث پس از ابلاغ اخطار توقیف نباید مال یا طلب توقیف شده را به محکوم علیه بدهد و مکلف است طبق دستور مدیر اجرا عمل نماید، در صورت تخلف مسوول جبران خسارت وارده به محکوم له خواهد بود. ماده ۸۹- هرگاه مالی که نزد شخص ثالث توقیف شده عین معین یا وجه نقد یا طلب حال باشد شخص ثالث باید در صورت مطالبه آن را به دادورز (مامور اجرا) بدهد و رسید دریافت دارد این رسید بمنزله سند تادیه وجه یا دین یا تحویل عین معین از طرف شخص ثالث به محکوم علیه خواهد بود. ماده ۹۰- در موردی که شخص ثالث دین خود را به اقساط یا اجورو عوایدی را به تدریج به محکوم علیه می‌پردازد و محکوم له تقاضای استیفاء محکوم به را از آن بنماید دادورز (مامور اجرا) به شخص ثالث اخطار می‌کند که اقساط یا عواید و اجور مقرر را به قسمت اجرا تسلیم نماید. ماده ۹۱- هرگاه شخص ثالث منکر وجود تمام یا قسمتی از مال یا طلب یا اجور و عواید محکوم علیه نزد خود باشد باید ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه مراتب را به قسمت اجرا اطلاع دهد. ماده ۹۲- هرگاه شخص ثالث به تکلیف مقرر در ماده قبل عمل نکند و یا برخلاف واقع منکر وجود تمام یا قسمتی از مال یا طلب یا اجور و عواید محکوم علیه نزد خود گردد و یا اطلاعاتی که داده موافق با واقع نباشد و موجب خسارت شود محکوم له می‌تواند برای خسارت به دادگاه صلاحیتدار مراجعه نماید. ماده ۹۳- اگر شخص ثالث از تسلیم عین مال توقیف شده امتناع نماید و دادورز (مامور اجرا) هم به آن مال دسترسی پیدا نکند معادل قیمت آن از دارایی او برای استیفاء محکوم به توقیف خواهد شد. در صورتی که شخص ثالث مدعی باشد که مال قبل از مطالبه قسمت اجرا بدون تعدی و تفریط او از بین رفته می‌تواند به دادگاه دادخواست دهد دادگاه در صورتی که دلایل او را موجه تشخیص دهد قراری در باب توقیف عملیات اجرایی تا تعیین تکلیف نهایی صادر می‌کند. ماده ۹۴- هرگاه شخص ثالث از تادیه وجه نقد یا طلب حال که نزد او توقیف شده

امتناع نماید به میزان وجه مزبور از دارایی او توقیف خواهد شد. ماده ۹۵ - شخص ثالثی که مال محکوم علیه نزد او توقیف شده می‌تواند مال مزبور را هر وقت بخواهد به قسمت اجرا تسلیم کند و قسمت اجرا باید آن را قبول نماید.

مبحث هفتم - توقیف حقوق مستخدمین (ماده ۹۶ الی ۹۸)

ماده ۹۶ - از حقوق و مزایای کارکنان سازمانها و موسسات دولتی یا وابسته به دولت و شرکتهای دولتی و شهرداری ها و بانکها و شرکتهای و بنگاههای خصوصی و نظایر آن در صورتی که دارای زن یا فرزند باشند ربع والا ثلث توقیف می‌شود. تبصره ۱ - توقیف و کسر یک چهارم حقوق بازنشستگی یا وظیفه افراد موضوع این ماده جایز است مشروط بر این که دین مربوط به شخص بازنشسته یا وظیفه‌بگیر باشد. تبصره ۲ - حقوق و مزایای نظامیانی که در جنگ هستند توقیف نمی‌شود. ماده ۹۷ - در مورد ماده فوق مدیر اجرا مراتب را به سازمان مربوط ابلاغ می‌نماید و رییس یا مدیر سازمان مکلف است از حقوق و مزایای محکوم علیه کسر نموده و به قسمت اجرا بفرستد. ماده ۹۸ - توقیف حقوق و مزایای استخدامی مانع از این نیست که اگر مالی از محکوم علیه معرفی شود برای استیفای محکوم به توقیف گردد ولی اگر مال معرفی شده برای استیفای محکوم به کافی باشد توقیف حقوق و مزایای استخدامی محکوم علیه موقوف می‌شود.

مبحث هشتم - توقیف اموال غیر منقول (ماده ۹۹ الی ۱۰۴)

ماده ۹۹ - قسمت اجرا توقیف مال غیر منقول را با ذکر شماره پلاک و مشخصات ملک به طرفین و اداره ثبت محل اعلام می‌کند. ماده ۱۰۰ - اداره ثبت پس از اعلام توقیف در صورتی که ملک به نام محکوم علیه ثبت شده باشد مراتب را در دفتر املاک و اگر ملک در جریان ثبت باشد در دفتر املاک بازداشتی و پرونده ثبتی قید نموده به قسمت اجرا اطلاع می‌دهد و اگر ملک به نام محکوم علیه نباشد فوراً به قسمت اجرا اعلام می‌دارد. ماده ۱۰۱ - توقیف مال غیر منقولی که سابقه ثبت ندارد به عنوان مال محکوم علیه وقتی جایز است که محکوم علیه در آن تصرف مالکانه داشته باشد و یا محکوم علیه به موجب حکم نهایی مالک شناخته شده باشد. در موردی که حکم بر مالکیت محکوم علیه صادر شده ولی به مرحله نهایی نرسیده باشد توقیف مال مزبور در ازای بدهی محکوم علیه جایز است ولی ادامه عملیات اجرایی موقوف به صدور حکم نهایی است ماده ۱۰۲ - در صورتی که عواید یک ساله مال غیر منقول به تشخیص دادگاه برای ادای محکوم به و هزینه اجرایی کافی باشد و محکوم علیه حاضر شود که از عواید آن ملک محکوم به داده شود عین ملک توقیف نمی‌شود و فقط عواید توقیف و محکوم به از آن وصول می‌گردد. در این صورت قسمت اجرا مکلف است مراتب را به ثبت محل اعلام نماید. ماده ۱۰۳ - توقیف مال غیر منقول موجب توقیف منافع آن نمی‌گردد. ماده ۱۰۴ - توقیف محصول املاک و باغات با رعایت مقررات مواد ۲۵۴ تا ۲۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی به عمل می‌آید.

مبحث نهم - صورت برداری اموال غیر منقول (ماده ۱۰۵ الی ۱۰۹)

ماده ۱۰۵ - دادورز (مامور اجرا) پس از توقیف اموال غیر منقول صورت اموال را تنظیم و نسخه‌ای از آن را به محکوم علیه ابلاغ می‌نماید تا اگر شکایتی داشته باشد ظرف یک هفته کتبا به قسمت اجرا تسلیم دارد. مدیر اجرا به شکایات مزبور رسیدگی و در صورتی که شکایت وارد باشد صورت مشخصات مال توقیف شده را اصلاح یا تجدید می‌نماید. ماده ۱۰۶ - مراتب زیر باید در

صورت اموال غیرمنقول قید شود: ۱- تاریخ و مفاد ورقه اجراییه ۲- محلی که مال غیرمنقول در آنجا واقع است ۳- وصف مال غیرمنقول با ذکر مشخصات ملک و مالک و این که ملک مشاع است یا مفروز و اشخاص دیگر نسبت به آن حقی دارند یا نه و اگر حقی دارند چه نوع حقی است و منافع ملک به کسی واگذار شده است یا خیر؟ ۴- حدود ملک و مجاورین آن ماده ۱۰۷- در صورتی که مساحت ملک معین نباشد دادورز (مامور اجرا) مساحت تقریبی آن را در صورت قید می‌کند. ماده ۱۰۸- محکوم علیه حین تنظیم صورت باید اسناد راجع به ملک یا مال غیرمنقول را به دادورز (مامور اجرا) ارائه دهد. ماده ۱۰۹- هرگاه راجع به تمام یا قسمتی از ملک توقیف شده دعوایی در جریان باشد مراتب در صورت قید و تصریح می‌شود که دعوی در چه مرجعی مورد رسیدگی است

مبحث دهم - ارزیابی و حفظ اموال غیرمنقول (ماده ۱۱۰ الی ۱۱۲)

ماده ۱۱۰- ارزیابی اموال غیرمنقول به ترتیب مقرر در مواد ۷۳ تا ۱۷۶ این قانون به عمل خواهد آمد. ماده ۱۱۱- مال غیرمنقول بعد از تنظیم صورت و ارزیابی حسب مورد موقتاً به مالک یا متصرف ملک تحویل می‌شود و مشارالیه مکلف است ملک را همان طوری که طبق صورت تحویل گرفته تحویل دهد. ماده ۱۱۲- در صورتی که عواید موجود مال غیرمنقول توقیف شود به امینی که طرفین معین کرده‌اند سپرده می‌شود و در صورت عدم تراضی به شخص امینی که دادورز (مامور اجرا) معین می‌کند سپرده خواهد شد ولی اگر عواید وجه نقد باشد به قسمت اجرا تسلیم می‌گردد.

فصل سوم - فروش اموال توقیف شده

مبحث اول - فروش اموال منقول (ماده ۱۱۳ الی ۱۳۶)

ماده ۱۱۰- ارزیابی اموال غیرمنقول به ترتیب مقرر در مواد ۷۳ تا ۱۷۶ این قانون به عمل خواهد آمد. ماده ۱۱۱- مال غیرمنقول بعد از تنظیم صورت و ارزیابی حسب مورد موقتاً به مالک یا متصرف ملک تحویل می‌شود و مشارالیه مکلف است ملک را همان طوری که طبق صورت تحویل گرفته تحویل دهد. ماده ۱۱۲- در صورتی که عواید موجود مال غیرمنقول توقیف شود به امینی که طرفین معین کرده‌اند سپرده می‌شود و در صورت عدم تراضی به شخص امینی که دادورز (مامور اجرا) معین می‌کند سپرده خواهد شد ولی اگر عواید وجه نقد باشد به قسمت اجرا تسلیم می‌گردد.

مبحث دوم - فروش اموال غیرمنقول (ماده ۱۳۷ الی ۱۴۵)

ماده ۱۳۷- ترتیب فروش اموال غیرمنقول به استثنای مواردی که در این مبحث معین گردیده مانند فروش اموال منقول است ماده ۱۳۸- در آگهی فروش باید نکات ذیل تصریح شود: ۱- نام و نام خانوادگی صاحب ملک ۲- محل وقوع ملک و توصیف اجمالی آن و تعیین این که ملک محل سکونت یا کسب و پیشه یا تجارت یا زراعت و غیره است ۳- تعیین این که ملک ثبت شده است یا نه ۴- تعیین این که ملک در اجاره است یا نه و اگر در اجاره است مدت و میزان اجاره ۵- تصریح به این که ملک مشاع است یا مفروز و چه مقدار از آن فروخته می‌شود. ۶- تعیین حقوقی که اشخاص نسبت به آن ملک تحت هر عنوان دارند. ۷- قیمتی که مزایده از آن

شروع می‌شود. ۸- ساعت و روز و محل مزایده ماده ۱۳۹- آگهی فروش به ترتیب مقرر در مبحث قبل منتشر خواهد شد. آگهی مزبور در محل ملک نیز الصاق می‌گردد. ماده ۱۴۰- هرگاه ملک مشاع باشد فقط سهم محکوم علیه به فروش می‌رسد مگر این که سایر شرکا فروش تمام ملک را بخواهند در این صورت طلب محکوم له و هزینه‌های اجرایی از حصه محکوم علیه پرداخت می‌شود. ماده ۱۴۱- پس از انجام مزایده صورت مجلس تنظیم و در آن نام و نام خانوادگی مالک و خریدار و خصوصیات ملک و قیمتی که به فروش رسیده نوشته می‌شود و به ضمیمه پرونده اجرایی به دادگاهی که قسمت اجرای آن دادگاه اقدام به فروش کرده است تسلیم می‌گردد. ماده ۱۴۲- شکایت راجع به تنظیم صورت ملک و ارزیابی آن و تخلف از مقررات مزایده و سایر اقدامات دادورز (مامور اجرا) ظرف یک هفته از تاریخ وقوع به دادگاهی که دادورز (مامور اجرا) در آنجا ماموریت دارد داده می‌شود دادگاه در وقت فوق العاده به موضوع شکایت رسیدگی و در صورتی که شکایت را وارد و موثر دانست اقدامی را که برخلاف مقررات شده است ابطال و دستور مقتضی صادر خواهد نمود. قبل از این که دادگاه در موضوع شکایت اظهار نظر نماید سند انتقال داده نمی‌شود. ماده ۱۴۳- دادگاه در صورت احراز صحت جریان مزایده دستور صدور سند انتقال را به نام خریدار می‌دهد و این دستور قطعی است ماده ۱۴۴- در مواردی که ملک خریدار نداشته و محکوم له آن را در مقابل طلب خود قبول نماید مالک ظرف دو ماه از تاریخ انجام مزایده می‌تواند کلیه بدهی و خسارات و هزینه‌های اجرایی را پرداخته و مانع انتقال ملک به محکوم له شود. دادگاه بعد از انقضای مهلت مزبور دستور انتقال تمام یا قسمتی از ملک را که معادل طلب محکوم له باشد خواهد داد. ماده ۱۴۵- هرگاه مالک حاضر به امضای سند انتقال به نام خریدار نشود نماینده دادگاه سند انتقال را در دفترخانه اسناد رسمی به نام خریدار امضا می‌نماید.

فصل چهارم - اعتراض شخص ثالث (ماده ۱۴۶ الی ۱۴۷)

ماده ۱۴۶- هرگاه نسبت به مال منقول یا غیرمنقول یا وجه نقد توقیف شده شخص ثالث اظهار حقی نماید اگر ادعای مزبور مستند به حکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است توقیف رفع می‌شود در غیر این صورت عملیات اجرایی تعقیب می‌گردد و مدعی حق برای جلوگیری از عملیات اجرایی و اثبات ادعای خود می‌تواند به دادگاه شکایت کند. ماده ۱۴۷- شکایت شخص ثالث در تمام مراحل بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی رسیدگی می‌شود. مفاد شکایت به طرفین ابلاغ می‌شود و دادگاه به دلایل شخص ثالث و طرفین دعوی به هر نحو و در هر محل که لازم بداند رسیدگی می‌کند و در صورتی که دلایل شکایت را قوی یافت قرار توقیف عملیات اجرایی را تا تعیین تکلیف نهایی شکایت صادر می‌نماید. در این صورت اگر مال مورد اعتراض منقول باشد دادگاه می‌تواند با اخذ تامین مقتضی دستور رفع توقیف و تحویل مال را به معترض بدهد. به شکایت شخص ثالث بعد از فروش اموال توقیف شده نیز به ترتیب فوق رسیدگی خواهد شد. تبصره - محکوم له می‌تواند مال دیگری را از اموال محکوم علیه به جای مال مورد اعتراض معرفی نماید. در این صورت آن مال توقیف و از مال مورد اعتراض رفع توقیف می‌شود و رسیدگی به شکایت شخص ثالث نیز موقوف می‌گردد.

فصل پنجم - حق تقدم (ماده ۱۴۸ الی ۱۴۹)

ماده ۱۴۸- در هر مورد که اجرائیه‌های متعدد به قسمت اجرا رسیده باشد دادورز (مامور اجرا) باید حق تقدم هر یک از محکوم لهم را به ترتیب زیر رعایت نماید: ۱- اگر مال منقول یا غیرمنقول محکوم علیه نزد محکوم له رهن یا وثیقه یا مورد معامله شرطی و امثال آن یا در توقیف تامینی یا اجرایی باشد محکوم له نسبت به مال مزبور به میزان محکوم به بر سایر محکوم لهم حق تقدم خواهد داشت ۲- خدمه خانه و کارگر و مستخدم محل کار محکوم علیه نسبت به حقوق و دستمزد شش ماه خود. ۳- نفقه زن و هزینه نگهداری

اولاد صغیر محکوم علیه برای مدت شش ماه و مهریه تا میزان دویست هزار ریال ۴ - بستانکاران طبقات مذکور در بندهای دوم و سوم نسبت به بقیه طلب خود و سایر بستانکاران ماده ۱۴۹ - پس از این که بستانکاران به ترتیب هر طبقه طلب خود را از اموال محکوم علیه وصول نمودند اگر چیزی زاید از طلب آنها باقی بماند به طبقه بعدی داده می‌شود و در هر یک از طبقات دوم تا چهارم اگر بستانکاران متعدد باشند مال محکوم علیه به نسبت طلب بین آنها تقسیم می‌گردد.

فصل ششم - تأدیه طلب (ماده ۱۵۰ الی ۱۵۷)

ماده ۱۵۰ - وجوهی که در نتیجه فروش مال توقیف شده یا به طریق دیگر از محکوم علیه وصول می‌شود به میزان محکوم به و هزینه‌های اجرایی به محکوم له داده خواهد شد و اگر زاید باشد بقیه به محکوم علیه مسترد می‌شود. ماده ۱۵۱ - در صورتی که وجوه حاصل کمتر از میزان محکوم به و هزینه‌های اجرایی باشد به درخواست محکوم له برای وصول بقیه طلب او از سایر اموال محکوم علیه توقیف می‌شود. ماده ۱۵۲ - در مقابل وجهی که به محکوم له داده می‌شود دو [نسخه رسید اخذ می‌گردد یک نسخه از آن به محکوم علیه تسلیم و نسخه دیگر در پرونده اجرایی بایگانی می‌گردد. ماده ۱۵۳ - در موردی که محکوم له بیش از یک نفر باشد و دارای دیگری برای محکوم علیه غیر از مال توقیف شده معلوم نشود و هیچ یک از طلبکاران بر دیگری حق تقدم نداشته باشند از وجه وصول شده معادل هزینه اجرایی به کسی که آن را پرداخته است داده می‌شود و بقیه بین طلبکارانی که تا آن تاریخ اجراییه صادر و درخواست استیفای طلب خود را نموده‌اند به نسبت طلبی که دارند با رعایت مواد ۱۵۴ و ۱۵۵ تقسیم می‌شود. ماده ۱۵۴ - تقسیم‌نامه را دادورز (مامور اجرا) تنظیم و به طلبکاران اخطار می‌نماید تا از میزان سهم خود مطلع گردند. ماده ۱۵۵ - هر یک از طلبکاران که شکایتی از ترتیب تقسیم داشته باشد می‌تواند ظرف یک هفته از تاریخ اخطار دادورز (مامور اجرا) راجع به ترتیب تقسیم به دادگاه مراجعه کند. دادگاه در جلسه اداری به شکایت رسیدگی و تصمیم قطعی اتخاذ می‌نماید در این صورت تقسیم پس از تعیین تکلیف شکایت در دادگاه به عمل می‌آید. ماده ۱۵۶ - در صورتی که به طلبکاری زاید از سهم او داده شده باشد مقدار زاید بنحوی که در ماده ۳۹ مقرر گردیده مسترد می‌شود. ماده ۱۵۷ - خسارت تاخیر تادیه در صورتی که حکم دادگاه تا تاریخ وصول مقرر شده باشد تا زمان تنظیم تقسیم‌نامه جزء طلب محکوم له محسوب خواهد شد.

فصل هفتم - هزینه‌های اجرایی (ماده ۱۵۸ الی ۱۶۸)

ماده ۱۵۸ - هزینه‌های اجرایی عبارت است از: ۱ - پنج درصد مبلغ محکوم به بابت حق اجرای حکم که بعد از اجرا وصول می‌شود. در دعاوی مالی که خواسته وجه نقد نیست حق اجرا به ماخذ بهای خواسته که در دادخواست تعیین و مورد حکم قرار گرفته حساب می‌شود مگر این که دادگاه قیمت دیگری برای خواسته معین نموده باشد. ۲ - هزینه‌هایی که برای اجرای حکم ضرورت داشته باشد مانند حق الزحمه خیره و کارشناس و ارزیاب و حق حفاظت اموال و نظایر آن ماده ۱۵۹ - در تخلیه مورد اجاره غیر منقول صدی ده اجاره‌بهای سه ماه و در سایر مواردی که قانوناً تعیین بهای خواسته لازم نیست از هزار ریال تا پنج هزار ریال به تشخیص دادگاه بابت حق اجرا دریافت می‌شود. ماده ۱۶۰ - پرداخت حق اجرا پس از انقضای ده روز از تاریخ ابلاغ اجراییه بر عهده محکوم علیه است ولی در صورتی که طرفین سازش کنند یا بین خود ترتیبی برای اجرای حکم بدهند نصف حق اجرادر یافت خواهد شد. و در صورتی که محکوم به بیست هزار ریال یا کمتر باشد حق اجرا تعلق نخواهد گرفت ماده ۱۶۱ - اگر محکوم به وجه نقد باشد حق اجرا هم ضمن آن وصول می‌گردد و هرگاه محکوم له بعد از شروع اقدامات اجرایی راسا محکوم به را وصول نموده باشد و محکوم علیه حاضر به پرداخت حق اجرا نشود حق مزبور از اموال محکوم علیه طبق مقررات اجرای احکام وصول می‌گردد. در این صورت هزینه‌هایی که

برای توقیف و فروش اموال محکوم علیه لازم باشد از صندوق دادگستری پرداخت شده و پس از وصول آن به صندوق مسترد می‌گردد. ماده ۱۶۲ - دادورز (مامور اجرا) باید حق اجرا را بلافاصله پس از وصول در قبال اخذ دو نسخه رسید به صندوق دادگستری پرداخت کند و یک نسخه از رسید مزبور را به محکوم علیه تسلیم و نسخه دیگر را پیوست پرونده اجرایی نماید. ماده ۱۶۳ - دادورز (مامور اجرا) باید جریمه نقدی مقرر در حکم قطعی را نیز به ترتیب مذکور در این قانون وصول نماید. ماده ۱۶۴ - اجرای موقت حکم حق اجرا ندارد ولی اگر اجرای موقت به اجرای قطعی حکم منتهی شود حق اجرا وصول می‌گردد. ماده ۱۶۵ - راجع به احکامی که قبل از خاتمه رسیدگی فرجامی نسبت به آنها اجراییه صادر گردیده حق اجرا پس از وصول در صندوق دادگستری می‌ماند تا در صورت نقض حکم به محکوم علیه مسترد گردد. ماده ۱۶۶ - پنجاه درصد از حق اجرا طبق آیین‌نامه وزارت دادگستری به مصرف تهیه و بهبود وسایل لازم برای تسریع اجرای احکام و پاداش متصدیان اجرا می‌رسد و بقیه به حساب درآمد اختصاصی وزارت دادگستری منظور می‌گردد. ماده ۱۶۷ - مقررات این قانون شامل اجراییه‌هایی نیز خواهد بود که قبل از این قانون صادر گردیده و در جریان اجرا می‌باشند لیکن آن مقدار از اقدامات اجرایی که مطابق قانون سابق به عمل آمده معتبر است ماده ۱۶۸ - هرگاه از تاریخ صدور اجراییه بیش از پنج سال گذشته و محکوم له عملیات اجرایی را تعقیب نکرده باشد اجراییه بلااثر تلقی می‌شود و در این مورد اگر حق اجرا وصول نشده باشد دیگر قابل وصول نخواهد بود. محکوم له می‌تواند مجدداً از دادگاه تقاضای صدور اجراییه نماید ولی در مورد اجرای هر حکم فقط یکبار حق اجرا دریافت می‌شود.

فصل هشتم - احکام و اسناد لازم‌الاجرای کشورهای خارجی (ماده ۱۶۹ الی ۱۸۰)

ماده ۱۶۹ - احکام مدنی صادر از دادگاههای خارجی در صورتی که واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل اجراست مگر این که در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد: ۱ - حکم از کشوری صادر شده باشد که به موجب قوانین خود یا عهد یا قراردادها احکام صادر از دادگاههای ایران در آن کشور قابل اجرا باشد یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل نماید. ۲ - مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد. ۳ - اجرای حکم مخالف با عهد بین‌المللی که دولت ایران آن را امضا کرده یا مخالف قوانین مخصوص نباشد. ۴ - حکم در کشوری که صادر شده قطعی و لازم‌الاجرا بوده و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد. ۵ - از دادگاههای ایران حکمی مخالف حکم دادگاه خارجی صادر نشده باشد. ۶ - رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاههای ایران نداشته باشد. ۷ - حکم راجع به اموال غیرمنقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد. ۸ - دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیتدار کشور صادرکننده حکم صادر شده باشد. ماده ۱۷۰ - مرجع تقاضای اجرای حکم دادگاه شهرستان محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه است و اگر محل اقامت یا سکونت محکوم علیه در ایران معلوم نباشد دادگاه شهرستان تهران است ماده ۱۷۱ - در صورتی که در معاهدات و قراردادهای بین دولت ایران و کشور صادرکننده حکم ترتیب و شرایطی برای اجرای حکم مقرر شده باشد همان ترتیب و شرایط متبع خواهد بود. ماده ۱۷۲ - اجرای حکم باید کتباً تقاضا شود و در تقاضانامه مزبور نام محکوم له و محکوم علیه و مشخصات دیگر آنها قید گردد. ماده ۱۷۳ - به تقاضانامه اجرای حکم باید مدارک زیر پیوست شود: ۱ - نسخه‌ای از رونوشت حکم دادگاه خارجی که صحت مطابقت آن با اصل به وسیله مامور سیاسی یا کنسولی کشور صادرکننده حکم گواهی شده باشد با ترجمه رسمی گواهی شده آن به زبان فارسی ۲ - رونوشت دستور اجرای حکمی که از طرف مرجع صلاحیتدار مربوط صادر شده با ترجمه گواهی شده آن ۳ - گواهی نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که حکم از آنجا صادر شده یا نماینده سیاسی یا کنسولی کشور صادرکننده حکم در ایران راجع به صدور و دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیتدار. ۴ - گواهی امضای نماینده سیاسی یا کنسولی کشور خارجی مقیم ایران از طرف وزارت امور خارجه ماده ۱۷۴ - مدیر دفتر دادگاه عین تقاضا و پیوستهای آن را به دادگاه می‌فرستد و دادگاه در جلسه اداری فوق العاده با بررسی تقاضا و

مدارک ضمیمه آن قرار قبول تقاضا و لازم‌الاجرا بودن حکم را صادر و دستور اجرا می‌دهد و یا با ذکر علل و جهات رد تقاضا را اعلام می‌نماید. ماده ۱۷۵ - قرار رد تقاضا باید به متقاضی ابلاغ شود و نامبرده می‌تواند ظرف ده روز از آن پژوهش بخواهد. ماده ۱۷۶ - دادگاه مرجع پژوهش در جلسه اداری فوق العاده به موضوع رسیدگی و در صورت وارد بودن شکایت با فسخ رای پژوهش خواسته امر به اجرای حکم صادر می‌نماید و در غیر این صورت آن را تایید می‌کند. رای دادگاه قابل فرجام نخواهد بود. ماده ۱۷۷ - اسناد تنظیم شده لازم‌الاجرا در کشورهای خارجی به همان ترتیب و شرایطی که برای اجرای احکام دادگاههای خارجی در ایران مقرر گردیده قابل اجرا می‌باشد و به علاوه نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده باشد باید موافقت تنظیم سند را با قوانین محل گواهی نماید. ماده ۱۷۸ - احکام و اسناد خارجی طبق مقررات اجرای احکام مدنی به مرحله اجرا گذارده می‌شود. ماده ۱۷۹ - ترتیب رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای احکام و اسناد خارجی و اشکالاتی که در جریان اجرا پیش می‌آید، همچنین ترتیب توقیف عملیات اجرایی و ابطال اجرائیه به نحوی است که در قوانین ایران مقرر است مرجع رسیدگی دادگاههای مذکور در ماده ۱۷۰ می‌باشد. ماده ۱۸۰ - موارد مندرج در باب ششم قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ قمری و مواد راجع به اجرای احکام در قانون تسریع محاکمات و سایر قوانینی که مخالف این قانون باشد ملغی است

قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب (۱۳۷۹ - ۵۲۹ ماده)

ماده ۱ - به منظور رسیدگی و حل و فصل کلیه دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی و ایجاد مرجع قضایی واحد، دادگاههایی با صلاحیت عام به شرح مواد آتی تشکیل می‌شوند. ماده ۲ - تاسیس دادگاههای عمومی در هر حوزه قضایی و تعیین قلمرو محلی و تعداد شعب دادگاههای مزبور به تشخیص رییس قوه قضاییه است ماده ۳ - در حوزه قضایی هر شهرستان یک دادسرا نیز در معیت دادگاههای آن حوزه تشکیل می‌گردد. تشکیلات حدود صلاحیت و وظایف و اختیارات دادسرای مذکور که (دادسرای عمومی و انقلاب نامیده می‌شود تا زمان تصویب آیین دادرسی مربوطه طبق قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی و مقررات مندرج در این قانون به شرح ذیل می‌باشد:

الف - دادسرا که عهده دار کشف جرم تعقیب متهم به جرم اقامه دعوی از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی اجرای حکم و همچنین رسیدگی به امور حسبه وفق ضوابط قانونی است به ریاست دادستان می‌باشد و به تعداد لازم معاون دادیار، بازپرس و تشکیلات اداری خواهد داشت اقدامات دادسرا در جرائمی که جنبه خصوصی دارد با شکایت شاکی خصوصی شروع می‌شود. در حوزه قضایی بخش وظیفه دادستان را دادرس علی البدل برعهده دارد. ب - ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط برعهده دارند با دادستان است ج - مقامات و اشخاص رسمی در مواردی که باید امر جزایی را تعقیب نمود، موظفند مراتب را فوراً به دادستان اطلاع دهند. د - بازپرس وقتی اقدام به تحقیقات مقدماتی می‌نماید که قانوناً این حق را داشته باشد. جهات قانونی برای شروع به تحقیقات بازپرس عبارت است از: ۱ - ارجاع دادستان ۲ - شکایت یا اعلام جرم به بازپرس در مواقعی که دسترسی به دادستان ممکن نیست و رسیدگی به آن فوریت داشته باشد. ۳ - در جرائم مشهود در صورتی که بازپرس شخصاً ناظر وقوع آن باشد. ه - دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می‌شود حق نظارت و دادن تعلیمات لازم را خواهد داشت و در صورتی که تحقیقات بازپرس راناقص بیند می‌تواند تکمیل آن را بخواهد ولو این که بازپرس تحقیقات خود را کامل بداند. بازپرس در جریان تحقیقات تقاضای قانونی دادستان را اجراء نموده مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند و هرگاه مواجه با اشکال شود به نحوی که انجام آن مقدور نباشد مراتب را به دادستان اعلام و منتظر حل مشکل می‌شود. و - تحقیقات مقدماتی کلیه جرائم برعهده بازپرس می‌باشد. در جرائمی که در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری استان نیست دادستان نیز دارای کلیه وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس مقرر می‌باشد. در مورد جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است

دادستان تا قبل از حضور و مداخله بازپرس اقدامات لازم را برای حفظ و جمع آوری دلایل و آثار جرم به عمل می آورد و در مورد سایر جرایم دادستان می تواند انجام بعضی از تحقیقات و اقدامات را از بازپرس درخواست نماید بدون این که رسیدگی امر را به طور کلی به آن بازپرس ارجاع کرده باشد. ز - کلیه قرارهای دادیار بایستی با موافقت دادستان باشد و در صورت اختلاف نظر بین دادستان و دادیار، نظر دادستان متبع خواهد بود. ح - بازپرس راسا و یا به تقاضای دادستان می تواند در تمام مراحل تحقیقاتی در موارد مقرر در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی قرار بازداشت موقت متهم و همچنین قرار اخذ تامین و تبدیل تامین را صادر نماید. در صورتی که بازپرس راسا قرار بازداشت موقت صادر کرده باشد مکلف است ظرف بیست و چهار ساعت پرونده را برای اظهار نظر نزد دادستان ارسال نماید. هرگاه دادستان با قرار بازداشت به عمل آمده موافق نباشد، نظر دادستان متبع است و چنانچه علتی که موجب بازداشت بوده است مرتفع شده و موجب دیگری برای ادامه بازداشت نباشد بازداشت با موافقت دادستان رفع خواهد شد و همچنین در موردی که دادستان تقاضای بازداشت کرده و بازپرس با آن موافق نباشد حل اختلاف حسب مورد با دادگاه عمومی یا انقلاب محل خواهد بود. هرگاه متهم موجبات بازداشت را مرتفع بیند می تواند از بازپرس درخواست رفع بازداشت خود را بنماید که در این صورت بازپرس مکلف است ظرف ده روز از تاریخ تسلیم درخواست نظر خود را جهت اتخاذ تصمیم نزد دادستان ارسال نماید. به هر حال متهم نمی تواند در هر ماه بیش از یک مرتبه از این حق استفاده کند. در صورت حدوث اختلاف بین بازپرس و دادستان در خصوص صلاحیت محلی و ذاتی و همچنین نوع جرم حسب مورد حل اختلاف با دادگاه عمومی یا انقلاب محل خواهد بود. ط - هرگاه در جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری استان تا چهار ماه و در سایر جرایم تا دو ماه به علت صدور قرار تامین متهم در بازداشت به سر برد و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشده باشد، مرجع صادر کننده قرار مکلف به فک یا تخفیف قرار تامین متهم می باشد مگر آن که جهات قانونی یا علل موجهی برای بقاء قرار تامین صادر شده وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علل و جهات مزبور قرار ابقاء می شود و متهم حق دارد از این تصمیم ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ به وی حسب مورد به دادگاه عمومی یا انقلاب محل شکایت نماید. فک قرار بازداشت متهم از طرف بازپرس با موافقت دادستان به عمل می آید و در صورت حدوث اختلاف بین دادستان و بازپرس حل اختلاف با دادگاه خواهد بود. چنانچه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این بند حسب مورد هر چهار ماه یا هر دو ماه اعمال می شود. به هر حال مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز نماید. ی - درخواست دادستان و بازپرس را باید ضابطین مقامات رسمی و ادارات فوراً اجرا نمایند. بازپرس می تواند به تحقیقات ضابطین دادگستری رسیدگی نموده و هرگاه تغییری در اقدامات آنان یا تکمیلی در تحقیقات لازم باشد به عمل آورد. تخلف از مقررات این بند علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی برابر قانون مربوط مستوجب تعقیب کیفری نیز خواهد بود. ک - پس از آن تحقیقات پایان یافت بازپرس آخرین دفاع متهم را استماع نموده با اعلام ختم تحقیقات و اظهار عقیده خود، پرونده را نزد دادستان می فرستد. در صورتی که به عقیده بازپرس عمل متهم متضمن جرمی نبوده یا اصولاً جرمی واقع نشده و یا دلایل کافی برای ارتکاب جرم وجود نداشته باشد قرار منع تعقیب و در صورت عقیده بازپرس بر تقصیر متهم قرار مجرمیت درباره ایشان صادر می نماید و چنانچه متهم در آخرین دفاع دلیل مؤثری بر کشف حقیقت ابراز نماید بازپرس مکلف به رسیدگی می باشد. دادستان نیز مکلف است ظرف پنج روز از تاریخ وصول پرونده را ملاحظه نموده و نظر خود را اعلام دارد. ل - هرگاه دادستان با نظر بازپرس در مورد مجرمیت متهم موافق باشد کیفرخواست صادر، پرونده را از طریق بازپرسی به دادگاه صالحه ارسال می نماید و در صورت توافق بازپرس و دادستان با منع یا موقوفی تعقیب متهم بازپرس دستور ابلاغ قرار صادره به شاکی خصوصی را می دهد و در مورد اخیر چنانچه متهم زندانی باشد فوراً آزاد می شود. هرگاه بین بازپرس و دادستان توافق عقیده نباشد (یکی عقیده به مجرمیت یا موقوفی و یا منع تعقیب متهم و دیگری عقیده عکس آن را داشته باشد) رفع اختلاف حسب مورد در دادگاه عمومی و

انقلاب محل به عمل می‌آید و موافق تصمیم دادگاه رفتار می‌شود. م - در کیفرخواست باید نکات ذیل تصریح شود: ۱ - نام و نام خانوادگی نام پدر، سن شغل محل اقامت متهم با سواداست یا نه مجرد است یا متأهل ۲ - نوع قرار تامین با قید این که متهم بازداشت است یا آزاد. ۳ - نوع اتهام ۴ - دلایل اتهام ۵ - مواد قانونی مورد استناد. ۶ - سابقه محکومیت کیفری در صورتی که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری باشد. ۷ - تاریخ و محل وقوع جرم ن - قرارهای بازپرس که دادستان با آنها موافق باشد، در موارد ذیل قابل اعتراض در دادگاه صالحه بوده و نظر دادگاه که در جلسه اداری خارج از نوبت و بدون حضور دادستان به عمل می‌آید قطعی خواهد بود: ۱ - اعتراض به قرارهای منع تعقیب و موقوفی تعقیب به تقاضای شاکی خصوصی ۲ - اعتراض به قرارهای عدم صلاحیت بازداشت موقت تشدید تامین و تامین خواسته به تقاضای متهم ۳ - اعتراض به قرار اناطه به تقاضای شاکی خصوصی و دادستان اعتراض به قرارهای مذکور در بالا ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ آن می‌باشد. اعتراض به قرارها باعث توقف جریان تحقیقات و مانع اجرای قرارنموده و کلیه اقدامات بازپرسی تا اخذ تصمیم دادگاه به قوت خود باقی خواهد بود و چنانچه نتیجه قرار صادره آزادی متهم زندانی باشد فوراً اجرا می‌شود. هرگاه به علت عدم کفایت دلیل قرار منع تعقیب متهم صادر و قطعی شده باشد دیگر نمی‌توان به همین اتهام او را تعقیب کرد، مگر بعد از کشف دلایل جدید که در این صورت فقط برای یک مرتبه می‌توان به درخواست دادستان وی را تعقیب نمود. هرگاه دادگاه تعقیب مجدد متهم را تجویز کند بازپرس رسیدگی و قرار مقتضی صادر می‌نماید. این امر مانع از رسیدگی به دادخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی نمی‌باشد. تبصره ۱ - حوزه قضایی عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان و یا نقاط معینی از شهرهای بزرگ تبصره ۲ - رسیدگی جرائم داخل صلاحیت دادگاههای نظامی از شمول این قانون خارج است و در دادرسی و دادگاه نظامی انجام می‌شود. تبصره ۳ - پرونده‌هایی که موضوع آنها جرایم مشمول حد زنا و لواط است همچنین جرائمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال می‌باشد و جرائم اطفال مستقیماً در دادگاههای مربوط مطرح می‌شود، مگر آن که به تشخیص دادستان تحقیقات راجع به سایر جهات ضرورت داشته باشد. تبصره ۴ - جرائمی که تا تاریخ اجرای این قانون مستقیماً در دادگاه مطرح شده است در همان دادگاه بدون نیاز به کیفرخواست و رسیدگی دادرسی خواهد شد و چنانچه نیاز به انجام تحقیقات و یا اقداماتی جهت کشف جرم باشد دادگاه باید راساً نسبت به انجام آن اقدام کند. تبصره ۵ - با ارجاع دادستان یا در غیاب وی معاون دادرسی یا دادیار، عهده دار انجام تمام یا برخی از وظایف و اختیارات قانونی دادستان خواهد بود. تبصره ۶ - در حوزه قضایی بخشها، رئیس یا دادرس علی‌البدل دادگاه در جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است به جانشینی بازپرس تحت نظارت دادستان مربوطه اقدام می‌نماید و در سایر جرائم مطابق قانون رسیدگی و اقدام به صدور رای خواهد نمود. ماده ۴ - هر حوزه قضایی که دارای بیش از یک شعبه دادگاه عمومی باشد آن شعب به حقوقی و جزایی تقسیم می‌شوند. دادگاههای حقوقی صرفاً به امور حقوقی و دادگاههای جزایی فقط به امور کیفری رسیدگی خواهند نمود. تخصیص شعبی از دادگاههای حقوقی و کیفری برای رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزایی خاص مانند امور خانوادگی و جرایم اطفال با رعایت مصالح و مقتضیات از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است در صورت ضرورت ممکن است به شعبه جزایی پرونده حقوقی و یا به شعبه حقوقی پرونده جزایی ارجاع شود. تبصره - رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا قصاص عضو یا رجم یا صلب یا اعدام یا حبس ابد است و همچنین رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی به نحوی که در مواد بعدی ذکر می‌شود در دادگاههای کیفری استان به عمل خواهد آمد. رسیدگی به کلیه اتهامات اعضاء تشخیص مصلحت نظام شورای نگهبان نمایندگان مجلس شورای اسلامی وزراء و معاونین آنها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه سفرا، دادستان و رئیس دیوان محاسبات دارندگان پایه قضایی استانداران فرمانداران و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استانها در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می‌باشد به استثناء مواردی که در صلاحیت سایر مراجع قضایی است ماده ۵ - به تعداد مورد نیاز، دادگاههای انقلاب در مرکز

هر استان و مناطقی که ضرورت تشکیل آن را رییس قوه قضائیه تشخیص می‌دهد تحت نظارت و ریاست اداری حوزه قضایی تشکیل می‌گردد و به جرایم ذیل رسیدگی می‌نماید: ۱- کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض ۲- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری ۳- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات به منظور مقابله با نظام ۴- جاسوسی به نفع اجانب ۵- کلیه جرایم مربوط به قاچاق و مواد مخدر. ۶- دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی ماده ۶- طرفین دعوا در صورت توافق می‌توانند برای احقاق حق و فصل خصومت به قاضی تحکیم مراجعه نمایند. ماده ۷- احکام دادگاههای عمومی و انقلاب قطعی است مگر در مواردی که در این قانون قابل نقض و تجدیدنظر پیشینی شده است ماده ۸- قضات دادگاهها و دادسراهای عمومی و انقلاب مکلفند به دعاوی و شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه و اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کنند و تصمیم قضایی را اتخاذ نمایند. ماده ۹- قرارها و احکام دادگاهها باید مستدل بوده و مستند به قانون یا شرع و اصولی باشد که بر مبنای آن حکم صادر شده است تخلف از این امر و انشای رای بدون استناد موجب محکومیت انتظامی خواهد بود. ماده ۱۰- هر حوزه قضایی به تعداد لازم شعبه دادگاه دادرس علی‌البدل دفتر دادگاه واحد ابلاغ و اجرای احکام و در صورت لزوم یک واحد ارشاد و معاضدت قضایی خواهد داشت و در صورت تعدد شعب دارای یک دفتر کل نیز خواهد بود. تبصره- ترتیب تشکیل این واحدها، تعداد اعضای هر واحد، طریقه انتخاب و شرایط آن میزان صلاحیت و اختیار هر واحد یا هر یک از اعضای آن و نحوه اقدامات و تصمیم‌گیریها به موجب آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد و تهیه وزیر دادگستری به تصویب رییس قوه قضائیه خواهد رسید. ماده ۱۱- رییس شعبه اول دادگاههای عمومی در هر حوزه قضایی رییس حوزه قضایی است و با تصویب رییس قوه قضائیه می‌تواند به تعداد لازم معاون داشته باشد. ماده ۱۲- در شهرستان رییس دادگستری رئیس حوزه قضایی و رئیس شعبه اول دادگاه بر دادگاهها ریاست اداری دارد و در مرکز استان رییس کل دادگستری استان رئیس کل دادگاههای تجدیدنظر و کیفری استان است و بر کلیه دادگاهها و دادسراها و دادگستری‌های حوزه آن استان نظارت و ریاست اداری خواهد داشت همچنین رئیس دادگستری هر حوزه بر دادرسای آن حوزه نظارت و ریاست اداری دارد. ماده ۱۳- برای تامین کادر قضایی دادسراها، رئیس قوه قضائیه از قضات تحقیق فعلی و دادرسان علی‌البدل دادگاهها و سایر قضاتی که مقتضی بداند استفاده خواهد نمود و شعبی از دادگاهها را که با تاسیس دادرس غیرلازم تشخیص دهد منحل خواهد کرد و حتی الامکان حذف شعب اضافی از آخرین شعب دادگاهها انجام خواهد شد. تبصره ۱- گروه شغلی «دادستانها» برابر گروه شغلی «رئیس دادگستری شهرستان و گروه شغلی «دادستان تهران برابر گروه شغلی رئیس کل دادگستری استان تهران خواهد بود. تبصره ۲- گروه شغلی «معاون دادستان و بازپرس برابر گروه شغلی رئیس شعبه دادگاه عمومی و گروه شغلی «دادیار» برابر گروه شغلی دادرس علی‌البدل دادگاه خواهد بود. تبصره ۳- به جز موارد ضروری به تشخیص رئیس قوه قضائیه رئیس کل دادگستری استان باید حداقل دارای ده سال سابقه کارقضایی رئیس دادگاه تجدیدنظر حداقل هشت سال و دادستان و رئیس دادگستری شهرستان حداقل شش سال سابقه کار قضایی داشته باشند. ماده ۱۴- الف- دادگاههای عمومی حقوقی با حضور رییس دادگاه یا دادرس علی‌البدل تشکیل می‌شود و تمام اقدامات و تحقیقات به وسیله رییس دادگاه یا دادرس علی‌البدل وفق قانون آیین دادرسی مربوط انجام می‌گردد و اتخاذ تصمیم قضایی و انشای رای با قاضی دادگاه است ب- دادگاههای خانواده حتی المقدور با حضور مشاور قضایی زن که دارای پایه قضایی است اقدام به رسیدگی نموده و نظر مشورتی آنان قبل از صدور حکم توسط رئیس دادگاه اخذ خواهد شد. ج- دادگاههای عمومی جزایی و انقلاب با حضور رییس دادگاه یا دادرس علی‌البدل و دادستان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان تشکیل می‌گردد و فقط به جرائم مندرج در کیفرخواست وفق قانون آیین دادرسی مربوط رسیدگی می‌نماید و انشای رای پس از استماع نظریات و مدافعات دادستان یا نماینده او وفق قانون برعهده قاضی دادگاه است تبصره ۱- هرگاه دادگاه نقصی در تحقیقات مشاهده نموده یا انجام اقدامی را لازم بداند خود تکمیل می‌نماید و نیز

می‌تواند رفع نقص و تکمیل پرونده را با ذکر موارد نقص از دادسرای مربوط درخواست کند. تبصره ۲ - هرگاه تحقیق یا اقدامی در حوزه دادگاه دیگری لازم باشد یا اطلاعاتی از حوزه قضایی آن دادگاه باید جمع‌آوری شود دادگاه رسیدگی کننده می‌تواند با اعطای نیابت قضایی از دادگاه آن حوزه انجام آن تحقیقات و اقدامات یا جمع‌آوری اطلاعات را بخواهد. ماده ۱۵ - دادرسان علی‌البدل عهده دار انجام کلیه اموری هستند که از طرف روسای دادگاهها در چارچوب قوانین به آنان ارجاع می‌شود و درغیاب رئیس شعبه دادگاه حسب تعیین رئیس کل دادگاهها شعبه بلامتصدی را تصدی و اداره می‌نمایند. ماده ۱۶ - ترتیب رسیدگی در دادگاهها طبق مقررات مزبور در آیین دادرسی مربوط به دادگاهها خواهد بود. ماده ۱۷ - قاضی دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی ظرف یک هفته مکلف به انشای رای می‌باشد. ماده ۱۸ - آرای غیر قطعی و قابل تجدیدنظر یا فرجام همان می‌باشد که در قوانین آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و مدنی مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی و ۲۱/۱/۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی ذکر گردیده است در مورد آرای قابل تجدیدنظر یا فرجام تجدیدنظر و فرجام خواهی برطبق مقررات آیین دادرسی مربوط انجام می‌شود. در مورد آرای قطعی جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر است نمی‌توان رسیدگی مجدد نمود مگر اینکه رای خلاف بین قانون یا شرع باشد که در آن صورت به درخواست محکوم علیه (چه در امور مدنی و چه در امور کیفری و یادادستان مربوط (در امور کیفری ممکن است مورد تجدیدنظر واقع شود. تبصره ۱ - مراد از خلاف بین این است که رای بر خلاف نص صریح قانون و یا در موارد سکوت قانون مخالف مسلمات فقه باشد. تبصره ۲ - درخواست تجدیدنظر نسبت به آراء قطعی مذکور در این ماده اعم از اینکه رای در مرحله نخستین صادر شده و به علت انقضای مهلت تجدیدنظر خواهی قطعی شده باشد یا قانوناً قطعی باشد و یا از مرجع تجدیدنظر صادر گردیده باشد باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رای به شعبه یا شعبی از دیوان عالی کشور که «شعبه تشخیص نامیده می‌شود تقدیم گردد. شعبه تشخیص از پنج نفر از قضات دیوان مذکور به انتخاب رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌شود. در صورتی که شعبه تشخیص وجود خلاف بین را احراز نماید، رای رانقض و رای مقتضی صادر می‌نماید. چنانچه وجود خلاف بین را احراز نکند، قرار رد درخواست تجدیدنظر خواهی را صادر خواهد نمود. تصمیمات یاد شده شعبه تشخیص در هر صورت قطعی و غیرقابل اعتراض می‌باشد، مگر آنکه رئیس قوه قضاییه در هر زمانی و به هر طریقی رای صادره را خلاف بین شرع تشخیص دهد که در این صورت جهت رسیدگی به مرجع صالح ارجاع خواهد شد. تبصره ۳ - خواهان تجدیدنظر باید هزینه تجدیدنظر خواهی را وفق قانون پرداخت کند و چنانچه ظرف ۱۰ روز پس از اخطار دفتر شعبه تشخیص بدون عذر، هزینه را پرداخت ننماید، شعبه تشخیص قرار رد درخواست او را صادر خواهد نمود. این قرار قطعی و غیرقابل اعتراض می‌باشد. اگر تجدیدنظر خواهی از سوی دادستان مربوط باشد، دادستان از پرداخت هزینه دادرسی معاف است این معافیت شامل سایر مواردی هم که دادستان تقاضای تجدیدنظر نماید می‌باشد. تبصره ۴ - جز در مورد اختیار ذیل تبصره ۲ این ماده از هیچ حکم قطعی یا قطعیت یافته بیش از یک بار نمی‌توان به عنوان خلاف بین درخواست تجدیدنظر نمود. تبصره ۵ - در مواردی که برحسب قانون دیوان عالی کشور باید اعاده دادرسی را تجویز کند، این امر با شعبه تشخیص مذکور در تبصره ۲ این ماده خواهد بود. ماده ۱۹ - نسخ شده است ماده ۲۰ - به منظور تجدیدنظر در آرای دادگاههای عمومی و انقلاب در مرکز هر استان دادگاه تجدیدنظر به تعداد مورد نیاز مرکب از یک نفر رئیس و دو عضو مستشار تشکیل می‌شود. جلسه دادگاه با حضور دونفر عضو رسمیت یافته پس از رسیدگی ماهوی رای اکثریت که به وسیله رئیس یا عضو مستشار انشاء می‌شود قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود. تبصره ۱ - رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب و یا حبس ابد باشد و نیز رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی ابتدائاً در دادگاه تجدیدنظر استان به عمل خواهد آمد و در این مورد، دادگاه مذکور «دادگاه کیفری استان نامیده می‌شود. دادگاه کیفری استان برای رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب یا حبس دائم باشد از پنج نفر (رئیس و چهار مستشار یا دادرس علی‌البدل دادگاه تجدیدنظر استان و برای رسیدگی

به جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو و جرائم مطبوعاتی و سیاسی باشد از سه نفر (رئیس و دو مستشار یا دادرس علی‌البدل دادگاه تجدیدنظر استان تشکیل می‌شود. تشکیلات ترتیب رسیدگی کیفیت محاکمه و صدور رای این دادگاه تاتصویب قانون آیین دادرسی مناسب مطابق مقررات این قانون و قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی خواهد بود. دادگاه کیفری استان در رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی و با حضور هیات منصفه تشکیل خواهد شد. تبصره ۲- در مرکز هر استان حسب نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه تجدیدنظر به عنوان «دادگاه کیفری استان برای رسیدگی به جرائم مربوط اختصاص می‌یابد. تعداد شعبه یا شعبی که برای این امر اختصاص می‌یابد به تشخیص رئیس قوه قضائیه خواهد بود. دادستان شهرستان مرکز استان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان وظایف دادستان را در دادگاه کیفری استان انجام می‌دهد. قبل از استماع اظهارات شاکی و متهم اظهارات دادستان یا نماینده وی و شهود و اهل خبره‌ای که دادستان معرفی کرده بیان می‌شود. تبصره ۳- برای تسهیل یا تسریع در امر دادرسی رئیس قوه قضائیه می‌تواند موقتا امر به تشکیل دادگاه کیفری استان در شهرستان محل وقوع جرم بدهد. در این صورت دادستان همان محل یا معاون او یا یکی از دادیاران آن حوزه وظایف دادستان را در دادگاه مذکور به عهده خواهند داشت دادگاه کیفری استان با حضور رئیس و تمامی مستشاران رسمیت می‌یابد. تبصره ۴- دادگاه کیفری استان پس از ختم رسیدگی با استعانت از خداوند سبحان و وجدان مشاوره نموده و با توجه به محتویات پرونده مبادرت به صدور رای می‌نماید و نظر اکثریت اعضای دادگاه مناط اعتبار است این رای ظرف مهلت مقرر قابل تجدیدنظرخواهی در دیوان عالی کشور می‌باشد. ترتیب رسیدگی همان است که در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مقرر شده است تبصره ۵- اشخاص ذیل می‌توانند از رای دادگاه کیفری استان تقاضای تجدیدنظر نمایند. الف- محکوم علیه یا نماینده قانونی وی ب- دادستان ج- مدعی خصوصی یا نماینده قانونی وی از حیث ضرر و زیان تبصره ۶- اجرای احکام کیفری «دادگاه کیفری استان توسط دادسرای شهرستان مرکز استان وفق مقررات مربوط در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی خواهد بود. تبصره ۷- در شهرستان مرکز استان رئیس کل دادگستری استان رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد و رئیس شعبه اول دادگاههای عمومی مرکز استان رئیس کل دادگاههای آن شهرستان خواهد بود و در غیر مرکز استان رئیس هر حوزه قضایی رئیس شعبه اول دادگاه عمومی آن حوزه قضایی است ماده ۲۱- مرجع تجدیدنظر آراء قابل تجدیدنظر دادگاههای عمومی حقوقی و جزایی و انقلاب دادگاه تجدیدنظر استانی است که آن دادگاهها در حوزه قضایی آن استان قرار دارند. آراء دادگاههای کیفری استان و آن دسته از آراء دادگاههای تجدیدنظر استان که قابل فرجام باشد ظرف مهلت مقرر برای تجدیدنظرخواهی قابل فرجام در دیوان عالی کشور است ماده ۲۲- رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان به درخواست تجدیدنظر از احکام قابل تجدیدنظر دادگاههای عمومی جزایی و انقلاب وفق مقررات قانونی آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با حضور دادستان یا یکی از دادیاران یا معاونان وی به عمل می‌آید و در مورد آراء حقوقی وفق قانون آیین دادرسی مربوط خواهد بود. تبصره ۱- اگر در دادگاه تجدیدنظر متهم بی گناه شناخته شود حکم بدوی فسخ و متهم تبرئه می‌گردد، هر چند که درخواست تجدیدنظر نکرده باشد و در این صورت اگر متهم در زندان باشد فوراً آزاد می‌شود. تبصره ۲- هرگاه دادگاه تجدیدنظر پس از رسیدگی محکوم علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند ضمن تایید حکم بدوی مستدلامی تواند مجازات او را تخفیف دهد، هر چند که محکوم علیه تقاضای تجدیدنظر نکرده باشد. تبصره ۳- در امور کیفری موضوع مجازاتهای تعزیری یا بازدارنده مرجع تجدیدنظر نمی‌تواند مجازات مقرر در حکم بدوی را تشدید کند، مگر اینکه دادستان یا شاکی خصوصی درخواست تجدیدنظر کرده باشد. تبصره ۴- اگر حکم تجدیدنظر خواسته از نظر محاکمه محکوم به یا خسارات یا تعیین مشخصات طرفهای دعوا یا تعیین نوع و

میزان مجازات و تطبیق عمل با قانون متضمن اشتباهی باشد که به اساس حکم لطمه‌ای وارد نسازد، مرجع تجدیدنظر با اصلاح حکم آن را تایید می‌نماید و تذکر لازم را به دادگاه بدوی خواهد داد. ماده ۲۳ - نسخ شده است ماده ۲۴ - مرجع رسیدگی پس از نقض در دیوان عالی کشور به شرح ذیل اقدام می‌نماید: الف - در صورت نقض قرار در دیوان عالی کشور، باید از نظر دیوان متابعت نماید و وارد رسیدگی ماهوی شود. ب - در صورت نقض حکم به علت نقض تحقیقات باید تحقیقات مورد نظر دیوان را انجام دهد سپس مبادرت به انشای حکم نماید. ج - در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور دادگاه می‌تواند رای اصراری صادر نماید. اگر یکی از کسانی که حق درخواست تجدیدنظر دارد تقاضای تجدیدنظر نماید پرونده مجدداً در دیوان عالی کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد، هرگاه شعبه دیوان عالی کشور استدلال دادگاه را بپذیرد حکم را ابرام می‌نماید و در غیر این صورت پرونده در هیات عمومی شعب حقوقی یا کیفری دیوان عالی کشور حسب مورد مطرح و چنانچه نظر شعبه دیوان عالی کشور مورد تایید قرار گرفت حکم نقض و پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع خواهد شد دادگاه مرجوع الیه با توجه به استدلال هیات عمومی دیوان عالی کشور حکم مقتضی صادر و این حکم قطعی است تبصره - قطعیت حکم در صورتی است که از موارد سه گانه مذکور در ماده ۱۸ نباشد. ماده ۲۵ - جهات درخواست تجدیدنظر به قرار زیر است ۱ - ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه یا دروغ بودن شهادت شهود یا فقدان شرایط قانونی شهادت در شهود. ۲ - ادعای مخالف بودن رای با قانون ۳ - ادعای عدم صلاحیت دادگاه یا عدم صلاحیت قاضی صادرکننده رای ۴ - ادعای عدم توجه قاضی به دلایل یا مدافعات تبصره - اگر درخواست تجدیدنظر به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده به عمل آمده باشد مرجع تجدیدنظر در صورت وجود جهتی دیگر می‌تواند به آن جهت هم رسیدگی نماید. ماده ۲۶ - در موارد مذکور در این قانون اشخاص زیر حق درخواست تجدیدنظر را دارند: ۱ - در مورد احکام حقوقی هریک از طرفین دعوا یا نماینده قانونی یا قائم مقام آنان مانند وراثت، وصی انتقال گیرنده که از رای دادگاه متضرر می‌شود. ۲ - در مورد احکام کیفری الف - محکوم علیه یا نماینده قانونی او. ب - شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او. ۳ - در مورد قرارها: هر یک از طرفین دعوا که قرار دادگاه به ضرر او صادر شده باشد یا نماینده قانونی آنان ج - دادستان از حکم برائت یا محکومیت غیرقانونی متهم ماده ۲۷ - مهلت درخواست تجدیدنظر در موارد مذکور در ماده ۱۹ برای اشخاص ساکن ایران بیست روز و برای کسانی که خارج از کشور می‌باشند دو ماه از تاریخ ابلاغ رای می‌باشد. ماده ۲۸ - متقاضی تجدیدنظر باید دادخواست و یا درخواست خود را ظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاه صادر کننده رای و یا دفتر بازداشتگاهی که در آن جا توقیف است تسلیم نماید. مدیر دفتر دادگاه یا بازداشتگاه باید بلافاصله آن را ثبت و رسیدی مشتمل بر نام متقاضی و طرف دعوا و تاریخ تسلیم و ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده بدهد و در روی کلیه برگه‌های دادخواست یا درخواست تجدیدنظر همان تاریخ را قید نماید. این تاریخ تاریخ تجدیدنظرخواهی محسوب می‌گردد. دفتر بازداشتگاه مکلف است که پس از ثبت تقاضای تجدیدنظر بلافاصله آن را به دادگاه صادر کننده رای ارسال نماید. دفتر دادگاه صادر کننده رای در صورتی که تقاضای تجدیدنظر در مهلت قانونی باشد پس از تکمیل پرونده بلافاصله آن را به مرجع تجدیدنظر ارسال می‌دارد. تبصره ۱ - دادگاه باید در ذیل رای خود قابل تجدیدنظر بودن یا نبودن رای و مرجع تجدیدنظر آن را معین نماید. تبصره ۲ - هرگاه نزد دادگاه تجدیدنظر ثابت شود که به علت قوه قهریه امکان استفاده از حق تجدیدنظرخواهی در مهلت مقرر نبوده است ابتدای مهلت از تاریخ رفع قوه قهریه خواهد بود. تبصره ۳ - متقاضی تجدیدنظر در آرای کیفری باید مبلغ ده هزار ریال بابت هزینه دادرسی بپردازد و در آرای حقوقی هزینه دادرسی برابر مقررات آیین دادرسی مدنی خواهد بود. ماده ۲۹ - متقاضی تجدیدنظر باید تمام علل و جهات تقاضای خود را در دادخواست یا درخواست تجدیدنظر تصریح نماید مگر این که آن جهت بعداً حادث شده باشد که در صورت اخیر می‌تواند برابر مقررات اعاده دادرسی اقدام کند. ماده ۳۰ - در صورتی که تقاضای تجدیدنظر ظرف مهلت مقرر داده شده باشد چنانچه بر اجرای حکم در امور کیفری فساد مترتب باشد، تا اتخاذ تصمیم مرجع تجدیدنظر اجرای حکم متوقف خواهد شد. ماده ۳۱ - نسخ شده است ماده ۳۲ - تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت

هر دادگاه نسبت به دعوی مطروحه با همان دادگاهی است که قانونا مکلف به رسیدگی به پرونده بوده است ماده ۳۳ - در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به دادگاه ذیصلاح ارسال می نماید، چنانچه دادگاه مرجوع الیه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد پرونده جهت حل اختلاف توسط دادگاه مرجوع الیه به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می شود. تبصره - در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاههای دو حوزه قضایی از دو استان باشد مرجع حل اختلاف دیوان عالی کشور خواهد بود. ماده ۳۴ - از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون رییس قوه قضاییه مکلف است حداکثر ظرف مدت پنج سال با تشکیل تدریجی دادگاههای عمومی و انحلال دادسراهای عمومی و انقلاب و اتخاذ تصمیمات ضروری در زمینه تعلیم و تربیت نیروی قضایی واجد شرایط موجبات اجرای این قانون را در سراسر کشور فراهم نماید. ماده ۳۵ - دادگستری مجاز است به منظور تکمیل اعضای دفتری دادگاههای عمومی و انقلاب نسبت به استخدام کارمند اداری به تعداد لازم اقدام کند. اجازه مذکور صرفا برای تشکیلات مربوط به دادگاههای عمومی است ماده ۳۶ - دولت مکلف است در اسرع وقت امکان تهیه وسایل و تجهیزات لازم دادگاههای عمومی از قبیل محل استقرار، ملزومات و وسایط نقلیه و دیگر لوازم و وسایل را فراهم کند و اعتبار لازم مربوطه برای این وسایل و تجهیزات را در اختیار دادگستری قرار دهد. ماده ۳۷ - آیین نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. ماده ۳۸ - دولت مکلف است در قالب قانون بودجه سالانه اعتبارات لازم را برای تهیه وسایل و تجهیزات لازم و به کارگیری نیروی انسانی جهت اجرای این قانون تامین نماید. ماده ۳۹ - از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون مواد (۲۳۵) و (۲۶۸) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی و مواد (۳۲۶)، (۴۱۱) و (۴۱۲) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۲۱/۱/۱۳۷۹ نسخ می گردد. همچنین از تاریخ اجرای این قانون در هر حوزه قضایی کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون در آن قسمت که مغایرت دارد در همان حوزه ملغی می شود.

آیین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب (۱۵ ۳ ۱۳۷۳ - ۴۳ ماده

با استناد به قانون اصلاح پاره ای از مواد قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۲۸/۷/۱۳۸۱ مجلس شورای اسلامی که از این پس به اختصار قانون نامیده می شود، آیین نامه قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۲۵/۴/۷۳ به شرح زیر اصلاح می گردد. ماده ۱ - در هر حوزه قضایی که بیش از یک شعبه دادگاه عمومی وجود دارد، به تشخیص رئیس قوه قضاییه یا مقامات مجاز از طرف وی شعب دادگاه بر اساس نیاز و به نسبت تراکم کار به حقوقی و جزایی تقسیم می شوند. همچنین تعیین شعبه یا شعبی از دادگاههای تجدیدنظر استان به دادگاه کیفری استان و تشکیل شعبه یا شعب تشخیص دیوانعالی کشور بر اساس نیاز و تراکم کار با تصویب رئیس قوه قضاییه خواهد بود. ماده ۲ - از تاریخ تخصیص شعب دادگاههای عمومی و انقلاب به دادگاههای حقوقی و جزایی رسیدگی به دعاوی و شکایات مطابق مقررات قانون خواهد بود. لکن هر شعبه به پرونده هایی که قبلا به آن ارجاع شده است صرفنظر از نوع آنها رسیدگی خواهد کرد. ماده ۳ - از تاریخ تخصیص شعبی از دادگاههای تجدیدنظر به دادگاههای کیفری استان دادگاههای تجدیدنظر استان کلیه پرونده هایی را که در مرحله تجدیدنظر مطرح بوده است کماکان مورد رسیدگی قرار داده و اتخاذ تصمیم خواهند نمود هر چند موضوع این پرونده ها در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری استان باشد. ماده ۴ - به پیشنهاد رییس کل دادگستری استان و تصویب رئیس قوه قضاییه شعب دادگاههای عمومی حقوقی و عمومی جزایی و دادسرا در هر حوزه قضایی به تناسب امکانات و ضرورت جهت انجام تحقیقات و رسیدگی به جرایم و دعاوی خاص تخصیص می یابند از قبیل الف - دادسراها و دادگاههای عمومی جزایی شامل - جرایم اطفال - سرقت و آدم ربایی - صدور چک پرداخت نشدنی - جرایم صنفی (خوراکی بهداشتی دارویی و سایر صنوف - جرایم مربوط به مفاسد اجتماعی - جعل و کلاهبرداری - جرایم کارکنان دولت

ب - دادگاههای عمومی حقوقی شامل - دعاوی تجاری - امور حسبی - دعاوی ثبتی مالکیت‌های معنوی و صنعتی - اعتراض به تصمیمات مراجع غیردادگستری - دعاوی خانواده - دعاوی موجر و مستاجر - دعاوی بین‌المللی ماده ۵ - موارد ضرورت مقید در ماده ۴ قانون عبارتند از: الف - دعاوی حقوقی ناشی از جرم ب - دعاوی جزایی مرتبط با دعاوی خانوادگی ج - محدود بودن شعب حوزه قضایی به نحوی که به لحاظ جهات رد و معذوریت امکان رسیدگی نباشد. د - سایر موارد به تشخیص رئیس قوه قضائیه یا مقامات مجاز از طرف ایشان ماده ۶ - حوزه قضایی بخش شهرستان و استان با رعایت ضوابط و مقررات تقسیمات کشوری خواهد بود. تبصره - هرگاه مرکز بخش فاقد دادگاه باشد، رسیدگی به امور قضایی آن به عهده نزدیکترین دادگاه همان استان یا حوزه قضایی شهرستان مربوط است همچنین چنانچه در شهرستان دادگاه یا دادسرا تشکیل نشده باشد رسیدگی به امور قضایی آن به عهده نزدیکترین حوزه قضایی شهرستان تابع همان استان خواهد بود. ماده ۷ - رئیس کل دادگستری استان رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر و رئیس دادگاههای کیفری استان است و بر دادگاههای تجدیدنظر، کیفری استان و کلیه دادگستری‌ها، دادگاهها و دادرهای حوزه آن استان نظارت و ریاست اداری خواهد داشت رئیس شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استان رئیس کل دادگاههای آن شهرستان خواهد بود. در غیر مرکز استان رئیس شعبه اول دادگاه عمومی رئیس دادگاههای آن شهرستان است و بر دادگاهها و دادرهای مربوط و همچنین دادگاههای مستقر در بخش نظارت و ریاست اداری دارد. در صورت تعدد شعب دادگاههای عمومی در حوزه قضایی مستقر در مرکز بخش رئیس شعبه اول دادگاه عمومی بر شعب دیگر نظارت و ریاست اداری خواهد داشت ماده ۸ - با تصویب رئیس قوه قضائیه رئیس کل دادگاههای شهرستان مرکز استان می‌تواند تمام یا بخشی از اختیارات خود را در خصوص دادگاههای انقلاب به رئیس شعبه اول آن دادگاهها تفویض نماید. در این صورت رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی در سمت معاون وی انجام وظیفه خواهد کرد. در صورتی که در شهرستان غیرمرکز استان دادگاه انقلاب شعب متعدد داشته باشد، رئیس دادگستری آن شهرستان نیز می‌تواند به ترتیبی که ذکر شد اقدام نماید. تبصره - سرپرستان مجتمع‌های قضایی به عنوان معاون رئیس کل دادگاههای شهرستان مرکز استان انجام وظیفه خواهند نمود. ماده ۹ - روسای کل دادگستری استانها، رئیس کل دادگاههای شهرستان مرکز استان روسای دادگستری شهرستانها و سرپرستان حوزه قضایی نقاط معینی از شهرهای بزرگ می‌توانند با تصویب رئیس قوه قضائیه به تعداد لازم معاون داشته باشند. ماده ۱۰ - از تاریخ اجرای قانون در هر حوزه قضایی اختیارات دادستان که در اجرای قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ به رئیس حوزه قضایی تفویض شده بود مجدداً به دادستان محول می‌گردد. ماده ۱۱ - در صورت ضرورت یکی از معاونان دادستان شهرستان مرکز استان وظایف وی را در رابطه با جرایمی که در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی است به عهده خواهد گرفت معاون دادستان در اموردادگاههای انقلاب به تعداد لازم بازپرس دادیار و کارمند اداری در اختیار خواهد داشت ماده ۱۲ - ارجاع شکایات درخواستها و گزارشهای ضابطین به شعب بازپرسی و دادیاری و سایر امور مربوط به دادسرا با دادستان است معاون دادستان یا دادیاران به ترتیب تقدم در غیاب وی عهده‌دار درانجام تمام یا برخی از وظایف و اختیارات دادستان خواهند بود. ماده ۱۳ - ارجاع پرونده به بازپرس و یا دادیار در حدود صلاحیت و اختیارات قانونی آنها به تناسب اهمیت موضوع تجربه تبحر و سابقه کار خواهد بود. ماده ۱۴ - به جز اتهام مقامات موضوع تبصره ماده ۴ قانون که تحقیقات مقدماتی تعقیب و اقامه دعوی نسبت به آنها منحصرأ توسط دادرای تهران صورت خواهد گرفت تعقیب بقیه مقامات موضوع تبصره ۱ ماده ۸ لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی مصوب ۱۳۵۸/۷/۱۰ شورای انقلاب اسلامی و اصلاحیه‌های بعدی آن توسط دادرای شهرستان مرکز استان مربوط به عمل خواهد آمد. ماده ۱۵ - در موارد مقرر قانونی که پرونده مستقیماً در دادگاه کیفری استان مطرح می‌گردد، کلیه تحقیقات توسط و تحت‌الامر دادگاه خواهد بود در این صورت کلیه ضابطین نسبت به انجام دستورات و تکمیل موارد خواسته شده مکلف خواهند بود. لکن در مواردی که پرونده باکیفر خواست در دادگاه مزبور مطرح گردیده است چنانچه دادگاه نقصی در تحقیقات مشاهده نماید یا انجام اقدامی را لازم بداند می‌تواند رفع

نقص و تکمیل پرونده را با ذکر موارد نقص از دادسرای مربوط درخواست کند. ماده ۱۶ - تعقیب متهم تحقیقات مقدماتی و اقامه دعوی در خصوص جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری استان توسط دادسرای حوزه قضایی صلاحیت دار به عمل خواهد آمد.

دادگاه عمومی جزایی دادگاه کیفری استان و دادگاه انقلاب به جرایم مندرج در کیفرخواست و نیز جرایمی که در اجرای تبصره ۳ ماده ۳ قانون مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود، رسیدگی می‌نماید، دفاع از کیفرخواست در دادگاه کیفری استان و دادگاه انقلاب توسط دادستان شهرستان مرکز استان و یا معاون او و یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان به عمل خواهد آمد، مگر اینکه دادگاههای مذکور در شهرستانهای غیر مرکز تشکیل شود که در این صورت وظیفه فوق را دادستان همان شهرستان به عهده خواهد گرفت در دادگاه عمومی مستقر در شهرستان وظیفه فوق با دادستان همان شهرستان است ماده ۱۷ - تحقیقات مقدماتی جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری استان که محل ارتکاب آنها حوزه قضایی بخش است به عهده رئیس یا دادرس علی البدل دادگاه می‌باشد که پس از صدور قرار نهایی پرونده را نزد دادستان شهرستان حوزه قضایی مربوط ارسال می‌نمایند تا عنداللزوم با تنظیم کیفرخواست به دادگاه کیفری استان ذریب ارسال نماید. ماده ۱۸ - شروع به رسیدگی در دادگاه عمومی جزایی در موارد و جهات مقرر قانونی حسب مورد منوط به ارجاع رئیس حوزه قضایی و یا معاون وی می‌باشد. شروع به رسیدگی در دادگاه انقلاب با ارجاع رئیس حوزه قضایی و یا رئیس شعبه اول خواهد بود. ماده ۱۹ - امر ارجاع در دادگاههای تجدیدنظر و کیفری استان با رئیس کل دادگستری استان است رئیس کل دادگستری استان می‌تواند این وظیفه را به یکی از معاونین خود تفویض نماید. ماده ۲۰ - از تاریخ تشکیل دادگاه کیفری استان دادگاههای عمومی و انقلاب استان مربوط صلاحیت رسیدگی به جرایم موضوع تبصره ۴ قانون را نخواهند داشت تبصره ۱ - پرونده‌های موضوع تبصره فوق الذکر که تا قبل از تشکیل دادگاه کیفری استان در دادگاههای عمومی و انقلاب مطرح رسیدگی بوده است مورد رسیدگی و اتخاذ تصمیم قرار می‌گیرند. تبصره ۲ - مرجع تجدیدنظر آراء موضوع پرونده‌های فوق، دیوانعالی کشور است مگر در مورد جرایم مربوط به مواد مخدر که مرجع تجدیدنظر آنها مطابق مقررات قانونی دادستان کل کشور و رئیس دیوانعالی کشور می‌باشد. ماده ۲۱ - با تصویب رئیس قوه قضائیه شعب تشخیص به تعداد لازم در دیوانعالی کشور تشکیل می‌شود. هر شعبه تشخیص مرکب از یک رئیس و چهار مستشار دیوانعالی کشور است رسمیت جلسات با حضور کلیه اعضاء و تصمیمات آن با اکثریت آراء خواهد بود. تبصره - شعب تشخیص به تعداد لازم عضو معاون خواهند داشت که با ابلاغ رئیس قوه قضائیه برای شعب تشخیص منصوب می‌گردند. عضو معاون می‌تواند وظایف هر یک از اعضاء شعبه تشخیص را عهده‌دار شود. ماده ۲۲ - شعب تشخیص به کیفری و حقوقی تقسیم خواهند شد. ماده ۲۳ - هر شعبه تشخیص یک دفتر با تعداد لازم کارمند دفتری خواهد داشت در رأس دفاتر شعب تشخیص یک دفتر کل وجود دارد که مدیر کل این دفتر از بین قضات دیوانعالی کشور با ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب می‌گردد. ماده ۲۴ - تجدیدنظر خواهی در دیوان عالی کشور پرداخت نمایند. ماده ۲۵ - در خواست تجدیدنظر باید منضم به رای قطعی و حاوی نکات زیر باشد: ۱ - نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات تجدیدنظر خواه یا وکیل یا نماینده قانونی او. ۲ - نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات تجدیدنظر خوانده ۳ - تاریخ ابلاغ رای قطعی ۴ - دادگاه صادر کننده رای قطعی ۵ - دلایل تجدیدنظر خواهی ماده ۲۶ - با وصول تقاضا، دفتر کل شعب تشخیص آن را ثبت و رسیدی مشتمل بر نام متقاضی طرف او و تاریخ تقدیم تقاضا با شمار ثبت به تجدیدنظر خواه تسلیم نموده و بر روی کلیه اوراق، تاریخ تقدیم درخواست را قید می‌نماید. تاریخ مزبور تاریخ تجدیدنظر خواهی محسوب می‌شود. ماده ۲۷ - در خواستی که برابر مقررات یاد شده تقدیم نشده و یا هزینه دادرسی آن پرداخت نگردیده باشد به جریان نمی‌افتد. مدیر دفتر شعبه تشخیص ظرف دو روز از تاریخ وصول درخواست نقایص آن را مطابق با قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ به درخواست دهنده اخطار می‌دهد و از روز ابلاغ ۱۰ روز به او مهلت می‌دهد که نقایص را رفع کند. در صورتی که درخواست خارج از مهلت داده شده باشد

یا در مدت یاد شده تکمیل نشود به موجب قرار شعبه تشخیص رد می‌شود. این قرار قطعی و غیر قابل اعتراض می‌باشد. ماده ۲۸ - ارجاع پرونده‌ها به شعب تشخیص توسط رئیس دیوان عالی کشور و یا معاون وی در شعب تشخیص که با ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب می‌گردد، صورت می‌گیرد. شعبه مرجوع الیه به نوبت رسیدگی می‌نماید مگر در مواردی که به موجب قانون یا به تشخیص رئیس دیوان عالی کشور یا رئیس شعبه رسیدگی خارج از نوبت ضروری باشد. رئیس شعبه پرونده‌های ارجاعی را شخصا بررسی و گزارش آن را تنظیم و یا به نوبت به یکی از اعضای شعبه ارجاع می‌نماید. عضو مذکور گزارشی از پرونده را که متضمن جریان دادرسی و نیز بررسی کامل جهات قانونی تجدیدنظر خواهی است به صورت مستند و مستدل تهیه می‌نماید. صرف درخواست تجدیدنظر در شعب تشخیص مانع از اجرای حکم نیست لکن چنانچه عضو مذکور در گزارش خود پیشنهاد توقف اجرای حکم را بدهد، در صورتی اجرای حکم متوقف خواهد شد که در جلسه فوق العاده پیشنهاد یاد شده به تصویب اکثریت اعضاء شعبه برسد.

ماده ۲۹ - رسیدگی و اتخاذ تصمیم در شعب تشخیص و وظایف دفاتر شعب مزبور مطابق قواعد مقرر در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری و مدنی مصوب ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹) در حدی که قابل انطباق با وظایف و اختیارات این شعب باشد به عمل خواهد آمد. ماده ۳۰ - شعب تشخیص می‌توانند در صورت ضرورت از اصحاب دعوی دعوت به عمل آورند.

ماده ۳۱ - نسبت به پرونده‌های موضوع مواد ۲۳۵ و ۲۶۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و مواد ۳۲۶ و ۳۸۷ و ۴۱۱ و ۴۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی به ترتیب زیر اقدام خواهد شد. الف - پرونده‌هایی که با اعلام اشتباه توسط مقامات مذکور در مواد یاد شده به مراجع مربوط ارسال گردیده است در همان مرجع مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت ب - پرونده‌هایی که تقاضای اعمال مواد مذکور در مورد آنها پذیرفته شده و هنوز به مراجع مربوطه ارسال نشده است جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم عینا به مراجع قانونی مربوط حسب مورد دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد. ج - پرونده‌هایی که در اجرای ماده ۲۶۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و ماده ۳۸۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی در دادرسی دیوان عالی کشور مطرح گردیده و هنوز در خصوص آنها اعلام اشتباه نگردیده پس از تهیه گزارش در صورت تشخیص اشتباه به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد. د - پرونده‌هایی که در اجرای مواد ۲۳۵، ۳۲۶، ۴۱۱ و ۴۱۲ قانون مارالذکر در مراجع مذکور در این مواد مطرح گردیده و هنوز در خصوص آنها اظهار نظر به عمل نیامده است پس از تهیه گزارش و در صورت تشخیص اشتباه عینا در اجرای ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸ به قوه قضائیه ارسال خواهد شد تا پس از بررسی و اعلام نظر در صورت اقتضا به مراجع قانونی مربوط حسب مورد دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور ارسال گردد. ماده ۳۲ - در حوزه‌هایی که پس از لازم الاجرا شدن قانون دادرسی تشکیل نگردیده است چنانچه رئیس حوزه قضایی حکم کیفری را خلاف بین قانون یا شرع تشخیص دهد، جهت رسیدگی به شعب تشخیص ارسال می‌گردد. ماده ۳۳ - در صورتی که رئیس قوه قضائیه رای صادره از شعبه تشخیص را خلاف بین شرع تشخیص دهد پرونده را برای ارجاع به شعبه هم عرض شعبه تشخیص نزد رئیس دیوان عالی کشور ارسال می‌نماید. ماده ۳۴ - هر حوزه قضایی شهرستان دارای واحد اجرای احکام کیفری و مدنی است واحد اجرای احکام مدنی به تعداد لازم مدیر اجراء، دادورز و متصدی دفتری و واحد احکام کیفری به تعداد لازم دادیار، مدیر اجراء، متصدی دفتری و مامور اجراء خواهد داشت رئیس واحد اجرای احکام مدنی رئیس حوزه قضایی یا معاون وی و رئیس اجرای احکام کیفری دادستان یا معاون و یا یکی از دادیاران می‌باشد. در حوزه‌های قضایی بخش اجرای احکام مدنی و کیفری توسط رئیس حوزه قضایی یا دادرس علی البدل خواهد بود. واحد اجرای احکام مدنی تحت نظر دادگاه صادر کننده رای بدوی مطابق قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و سایر قوانین و مقررات مربوط اقدام می‌نماید. ماده ۳۵ - در حوزه قضایی شهرهای بزرگ با تصویب رئیس قوه قضائیه دارای مجتمع‌های جزایی مستقل می‌باشند. اجرای احکام مدنی صادره از دادگاه عمومی جزایی به عهده واحد اجرای احکام مدنی مستقر در این مجتمع‌ها و تحت ریاست دادگاه صادر کننده حکم است ماده ۳۶ - اجرای

احکام کیفری دادگاه کیفری استان یا دادسرای شهرستان مرکز استان است اجرای احکام حقوقی آن در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم وفق قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ با واحد اجرای مدنی شهرستان مرکز استان خواهد بود. اجرای احکام کیفری شعبه تشخیص دیوانعالی کشور با دادسرای عمومی و انقلاب حوزه قضایی دادگاه صادر کننده رای بدوی است ماده ۳۷ - با اجرای قانون ادامه اجرای احکام باقیمانده دادگاههای عمومی و انقلاب در هر حوزه قضایی شهرستان با دادستان خواهد بود. ماده ۳۸ - در مواردی که اجرای حکم باید توسط ماموران یاسازمانهای دولتی به عمل آید مسئول اجرای حکم ضمن ارسال رونوشت حکم و صدور دستور اجراء و آموزش لازم نظارت کامل بر چگونگی اجرای حکم و اقدامات آنان به عمل خواهد آمد. ماده ۳۹ - کلیه ضابطین دادگستری نیروهای انتظامی و نظامی و روسای سازمانهای دولتی و وابسته به دولت و یا موسسات عمومی در حدود وظایف خود دستورات صادره از مراجع قضایی را در مقام اجرای حکم رعایت خواهند کرد. تخلف از مقررات این ماده علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی مستوجب تعقیب کیفری برابر قانون مربوط می‌باشد. ماده ۴۰ - صدور اجرائیه با رعایت مقررات ماده ۵ قانون اجرای احکام مدنی با شعبه بدوی صادر کننده رای خواهد بود هر چند حکم مورد اجراء از مرجع تجدیدنظر صادر شده باشد. ماده ۴۱ - هر حوزه قضایی دارای یک یا چند واحد ابلاغ خواهد بود. رئیس واحد ابلاغ توسط رئیس حوزه قضایی از میان قضات یا کارمندان اداری تعیین می‌گردند. واحد ابلاغ به تعداد لازم مامور ابلاغ و متصدی دفتری خواهد داشت ماده ۴۲ - در صورت لزوم هر حوزه قضایی واحدهای ارشاد و معاضدت قضایی و صلح و سازش زیر نظر رئیس حوزه قضایی یادادستان جهت ارشاد و راهنمایی مراجعین و انجام صلح و سازش با تعداد لازم قاضی کارشناس و کارمند تشکیل می‌شود. ماده ۴۳ - روسای کل دادگستریها در امر جابجایی نیروها، مرخصی و سایر امور اداری مربوط به دادسرا مکلفند حسب مورد، نظر دادستان محل را جلب نمایند. این آیین نامه مشتمل بر ۴۳ ماده و ۵ تبصره در تاریخ ۹/۱۱/۱۳۸۱ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید و پس از ابلاغ لازم الاجراء می‌باشد.

قانون مسؤولیت مدنی مصوب (۱۳۳۹ ۲۷ - ۱۶ ماده)

ماده ۱ - هر کس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. ماده ۲ - در موردی که عمل وارد کننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر، او را به جبران خسارات مزبور محکوم می‌نماید و چنانچه عمل وارد کننده زیان موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود. ماده ۳ - دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را باتوجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد، جبران زیان را به صورت مستمری نمی‌شود تعیین کرد مگر آن که مدیون تامین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آن که قانون آن را تجویز نماید. ماده ۴ - دادگاه می‌تواند میزان خسارات را در موارد زیر تخفیف دهد: ۱ - هرگاه پس از وقوع خسارت وارد کننده زیان به نحو موثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد؛ ۲ - هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی بوده که عرفا قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی وارد کننده زیان شود؛ ۳ - وقتی که زیان دیده بنحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت وارد کننده زیان را تشدید کرده باشد. ماده ۵ - اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده در بدن او نقضی پیدا شود یا قوه کار زیان دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود وارد کننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است دادگاه جبران زیان را با رعایت اوضاع و احوال قضیه به طریق مستمری و یا

پرداخت مبلغی دفعتاً واحده تعیین می‌نماید و در مواردی که جبران زیان باید به طریق مستمری بعمل آید تشخیص اینکه به چه اندازه و تا چه مبلغ می‌توان از واردکننده زیان تامین گرفت با دادگاه است اگر در موقع صدور حکم تعیین عواقب صدمات بدنی بطور تحقیق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدیدنظر نسبت به حکم خواهد داشت ماده ۶ - در صورت مرگ آسیب دیده زیان شامل کلیه هزینه‌ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن می‌باشد، اگر مرگ فوری نباشد هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب خواهد شد. در صورتی که در زمان وقوع آسیب زیان دیده قانوناً مکلف بوده یا ممکن است بعدها مکلف شود شخص ثالثی را نگاهداری نماید و در اثر مرگ او شخص ثالث از آن حق محروم گردد واردکننده زیان باید مبلغی به عنوان مستمری متناسب مدتی که ادامه حیات آسیب‌دیده عادتاً ممکن و مکلف به نگاهداری شخص ثالث بوده به آن شخص پرداخت کند در این صورت تشخیص میزان تامین که باید گرفته شود با دادگاه است در صورتی که در زمان وقوع آسیب نطفه شخص ثالث بسته شده و یا هنوز طفل به دنیا نیامده باشد شخص مزبور استحقاق مستمری را خواهد داشت ماده ۷ - کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر، قانوناً یا برحسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر، زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید بنحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده زیان نباشد. ماده ۸ - کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورده مسئول جبران آن است شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مخالف باحسن‌نیت مشتریانش کم و یا در معرض از بین رفتن باشد می‌تواند موقوف‌شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر، زیان وارده را از واردکننده مطالبه نماید. ماده ۹ - دختری که در اثر اعمال حيله یا تهدید و یا سوءاستفاده از زیر دست بودن حاضر برای همخوابگی نامشروع شده می‌تواند از مرتکب علاوه بر زیان مادی مطالبه زیان معنوی هم بنماید. ماده ۱۰ - کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید. ماده ۱۱ - کارمندان دولت و شهرداری‌ها و موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارات وارده می‌باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و موسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تامین منافع اجتماعی طبق قانون بعمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود. ماده ۱۲ - کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارده شده است مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده بعمل آورده یا اینکه اگر احتیاط‌های مزبور را بعمل می‌آوردند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود کارفرما می‌تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید. ماده ۱۳ - کارفرمایان مشمول ماده ۱۲ مکلفند تمام کارگران و کارکنان اداری خود را در مقابل خسارات وارده از ناحیه آنان به اشخاص ثالث بیمه نمایند. ماده ۱۴ - در مورد ماده ۱۲ - هرگاه چند نفر مجتمعاً زیانی وارد آورند، متضامناً مسئول جبران خسارات وارده هستند. در این مورد میزان مسئولیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد. ماده ۱۵ - کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعددی شود، مسئول خسارت نیست مشروط بر اینکه خسارت وارده برحسب متعارف متناسب با دفاع باشد. ماده ۱۶ - وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون است

قانون اعسار مصوب (۱۳۱۳۹۲۰ - ۴۰ ماده)

ماده ۱- معسر کسی است که به واسطه عدم کفایت دارائی یا عدم دسترسی به مال خود قادر به تادیه مخارج محاکمه یا دیون خود نباشد. فصل اول - اعسار در مورد مخارج محاکمه مواد ۲ تا ۱۹ ملغی شده است فصل دوم - اعسار در مورد محکوم به ماده ۲۰ - مرجع رسیدگی به دعوای اعسار در مورد محکوم به محکمه‌ای است که بدایه به دعوی اصلی رسیدگی کرده است دعوی اعسار در مقابل اوراق اجرائیه ثبت اسناد در محکمه محل اقامت مدعی اعسار اقامه خواهد شد. ماده ۲۱ - دعوی اعسار در مورد محکوم به به طرفیت محکوم له دعوی اصلی و در مورد ورقه لازم الاجرای ثبت اسناد به طرفیت متعهدله اقامه خواهد شد. ماده ۲۲ - در رسیدگی به دعوی اعسار در مورد محکوم به هرگاه محکوم علیه برای معافیت موقتی از پرداخت مخارج عدلیه نیز ادعای اعسار کند موقتا بدون رسیدگی مخصوص از مخارج مربوطه به دعوی اعسار معاف است ماده ۲۳ - مدعی اعسار باید شهادت کتبی لااقل چهار نفر از اشخاصی که از وضع معیشت و زندگانی او مطلع باشند به عرض حال خود ضمیمه نماید. در شهادت نامه مذکور باید اسم و شغل و وسایل گذران مدعی اعسار و عدم تمکن او برای پرداخت محکوم به یا دین با تعیین مبلغ آن تصریح شود. ماده ۲۴ - مقررات مواد ۸ و ۹ و قسمت اول از ماده ۱۰ و ماده ۱۱ و ۱۲ (جز اخطار به مدعی العموم در مورد اعسار نسبت به محکوم به یا دین نیز رعایت خواهد شد. ماده ۲۵ - در صورت غیبت مدعی اعسار در جلسه محاکمه یا عدم تعقیب او تقاضای مدعی علیه برای رسیدگی به دعوی مزبور کافی است ماده ۲۶ - حکم رد یا قبول اعسار در مورد محکوم به قابل استیناف و تمیز است فصل سوم - مقررات جزائی ماده ۲۷ - در مورد رد عرض حال اعسار به طریق ذیل رفتار می‌شود: (بند ۱ و شقوق الف و ب آن مربوط به رد اعسار از هزینه دادرسی بوده که به ماده ۷۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی مراجعه شود.) ۲ - در صورتی که ادعای اعسار در مورد محکوم به باشد محکمه در ضمن حکم رد اعسار مدعی را به پرداخت وجوه ذیل محکوم می‌نماید: الف - مخارج محاکمه اعسار معادل دو برابر مخارج معمولی ب - حق الوکاله و کیل از بابت محاکمه اعسار به شرح مذکور در قسمت (ب فقره اول همین ماده ماده ۲۸ - مفاد ماده ۲۷ در مورد رد اعسار در مقابل اوراق اجرائیه ثبت اسناد نیز لازم‌الرعايه است ماده ۲۹ - اگر پس از صدور حکم اعسار معلوم شود که مدعی اعسار برخلاف واقع خود را معسر قلمداد کرده به حبس تادیبی از یک ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد. ماده ۳۰ - اگر پس از قبول اعسار ثابت شود که شهود قضیه عامدا شهادت دروغ کتبی یا شفاهی داده به مجازات مذکور در قسمت اخیر ماده ۲۱۸ قانون مجازات عمومی محکوم خواهند شد. ماده ۳۱ - هرگاه معلوم شود پس از صدور حکم اعسار از معسر رفع عسرت شده و معهدا از حکم اعسار استفاده کرده است به تقاضای محکوم له یا متعهدله جزاا تعقیب و به حبس تادیبی تا دو ماه محکوم خواهد شد. ماده ۳۲ - هر کس به نحوی از انحاء برای معسر قلمداد کردن کسی که معسر نیست با او تبنانی کرده و یا برخلاف حقیقت خود را طلبکار معسر قلمداد و در این موضوع با معسر تبنانی کند شریک جرم مذکور در ماده فوق محسوب خواهد شد. فصل چهارم - مقررات مختلفه ماده ۳۳ - از تاجر عرض حال اعسار پذیرفته نمی‌شود. تاجری که مدعی اعسار باشد باید مطابق مقررات قانون تجارت عرض حال توقف دهد. کسبه جزء مشمول این ماده نخواهند بود. ماده ۳۴ - در هر موقع که معسر به تادیه تمام یا قسمتی از بدهی خود متمکن گردد ملزم به تادیه آن است نسبت به ورقه اجرائیه که بر علیه معسر صادر شده مرور زمان از تاریخ تمکن جاری می‌شود و مدت آن ده سال است ماده ۳۵ - اگر کسی که معافیت از مخارج محاکمه را تحصیل کرده است در دعوای اصلی خود محکوم به بی حقی گردد محکوم له نیز از پرداخت بقیه محاکمه که به محکومیت معسر منتهی شده معاف خواهد بود. ماده ۳۶ - در کلیه اختیارات و حقوق مالی مدعی اعسار که استفاده از آن موثر در تادیه دیون او باشد طلبکاران او قائم مقام قانونی مدعی اعسار بوده و حق دارند به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کنند. ماده ۳۷ - اشخاصی که دارایی نداشته یا دارایی آنها کافی برای تادیه تمام بدهی نباشد ولی با عایدات شغلی و حرفه خود بتوانند تمام یا قسمتی از بدهی خود را بپردازند محکمه (در مورد محکوم به و

اداره ثبت (در مورد اوراق لازم الاجراء) با در نظر گرفتن مبلغ بدهی و عایدات بدهکار و معیشت ضروری او میزان و مدت وعده اقساطی را که باید داده شود تعیین خواهد کرد. ماده ۳۸ - کسی که طلب خود را به غیر مدیون انتقال داده و بعد از انتقال آن را از مدیون سابق خود دریافت کرده و یا به دیگری انتقال دهد کلاهبردار محسوب می‌شود. هرگاه مدیون بدهی خود را بعد از انتقال به داین سابق تادیه نماید منتقل الیه حق رجوع به او نخواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید که قبل از تادیه دین انتقال را به اطلاع مدیون رسانیده و یا اینکه مدیون به وسیله دیگری از انتقال مستحضر بوده است ماده ۳۹ - از تاریخ اجرای این قانون دیگر دعوی به عنوان دعوی افلاس پذیرفته نخواهد شد و نسبت به دعوی افلاسی که قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه شده بر طبق نظامنامه مخصوصی که وزارت عدلیه تنظیم خواهد نمود اقدام می‌شود. ماده ۴۰ - قانون اعسار و افلاس مصوب ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۰ نسخ و مواد ۶۲۴ و ۶۲۵ و ۶۲۶ و ۷۹۸ و ۷۹۹ و ۸۰۰ و ۸۰۱ و ۸۰۲ و ۸۰۳ و ۸۰۴ قانون اصول محاکماتی که به موجب قانون مزبور نسخ شده به حال منسوخ باقی می‌ماند و این قانون از تاریخ تصویب به موقع اجرا گذارده می‌شود.

قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب (۱۵ ۸ ۶۵ - ماده واحده و ۲ تبصی

ماده واحده - وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی که درآمد و مخارج آنها در بودجه کل کشور منظور می‌گردد، مکلفند وجوه مربوط به محکوم به دولت در مورد احکام قطعی دادگاهها و اوراق لازم الاجرائی ثبتی و دفاتر اسناد رسمی و یا اجرای دادگاهها و سایر مراجع قانونی را با رعایت مقررات از محل اعتبار مربوط به پرداخت تعهدات بودجه مصوب سالهای قبل منظور در قانون بودجه کل کشور و در صورت عدم وجود اعتبار و عدم امکان تأمین از محلهای قانونی دیگر در بودجه سال بعد خود منظور و پرداخت نمایند، اجرای دادگستری و ادارات ثبت اسناد و املاک و سایر مراجع قانونی دیگر مجاز به توقیف اموال منقول و غیر منقول وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی که اعتبار و بودجه لازم را جهت پرداخت محکوم به ندارند تا تصویب و ابلاغ بودجه یک سال و نیم و بعد از سال صدور حکم نخواهند بود. ضمناً دولت از دادن هر گونه تأمین در زمان مذکور نیز معاف می‌باشد، چنانچه ثابت شود وزارتخانه‌ها و موسسات یادشده با وجود تأمین اعتبار از پرداخت محکوم به استنکاف نموده‌اند، مسوول یا مسوولین مستنکف توسط محاکم صالحه به یک سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد و چنانچه متخلف به وسیله استنکاف سبب وارد شدن خسارت بر محکوم له شده باشد، ضامن خسارت وارده می‌باشد. تبصره ۱ - دستگاه مدعی علیه با تقاضای مدعی باید تضمین بانکی لازم را به عنوان تأمین مدعی به دادگاه بسپارد. در صورتی که دعوی یا مقداری از خواسته رد شود، به حکم دادگاه تضمین یا مبلغ ماند به دستگاه مدعی علیه رد خواهد شد. تبصره ۲ - تبصره ۵۳ قانون بودجه سال ۱۳۵۷ و تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۳۳۴ لغو می‌شود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره در جلسه روز پنجشنبه پانزدهم آبان ماه یکهزار و سیصد و شصت و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۱/۷/۱۳۶۵ به تأیید شورای نگهبان رسیده است

آیین نامه طرز پرداخت حق النسبی متصدیان اجرا

ماده ۱ - ادارات کل امور مالی وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در مرکز و دوائر حسابداری ادارات دادگستری و ثبت اسناد و املاک در شهرستانها مکلفند حق نسبی از حقوق اجرائی که باید به موجب تبصره ۷۳ قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۳ و بودجه سال ۱۳۵۴ کل کشور بر اساس ماده ۱۵ قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۷ به متصدیان اجرا داده شود از حقوق اجرائی (برحسب مورد ده یک یا ده نیم جدا و طبق مواد زیر به تشخیص روسای مربوط به متصدیان و ماموران اجرا پرداخت نمایند. ماده ۲ - از اول فروردین ماه ۱۳۵۴ به بعد وجوهی که به طریق ماده یک جمع و نگهداری می‌شود باید به ترتیب زیر در طول سال در مرکز تحت نظر روسای دادگاهها یا رئیس اجرای ثبت و در شهرستانها تحت نظر روسای دادگاهها و

روسای ثبت بین متصدیان مربوط تقسیم شود. ۱- در مورد اجرای دادگستری الف - مسئولان اجرای دادگاه‌ها که حکم تحت نظر آنها اجرا می‌شود یا روسای اجرای سایر مراجعی که در امر وصول ده یک‌دخالت دارند ۵۰٪. ب - کارمندان و مأموران اجرا که در امر وصول ده یک‌دخالت داشته‌اند ۵۰٪. ۲- در مورد اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور: الف - رئیس و معاونان اداره اجرای ثبت و رئیس و معاونان دوائر اجرای ثبت و سرمیزان و میزان اداره و دوائر اجرای ثبت در مرکز، مسئولان اجرای ثبت شهرستانها و میزان اجرا ۷۰٪. ب - کارمندان و مأموران اجرا و کارمندان حسابداری و رسیدگی اجرا که در امر وصول ده نیم‌دخالت داشته‌اند ۳۰٪. تبصره - سهم هر یک از افرادی که به موجب این آیین نامه استحقاق دریافت حق نسبی دارند از طرف روسای مربوط با در نظر گرفتن طرز کار و فعالیت آنها در امر وصول حقوق اجرائی براساس ضوابطی که در این مورد از طرف وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور معین و ابلاغ خواهد شد تعیین می‌شود. ماده ۳- برای اجرای ماده فوق باید دفتری در حسابداری مربوط نگاهداری شود که کلیه درآمد وصولی اجرا بابت (ده یک‌یاده نیم در آن ثبت گردد و ماخذ احتساب پرداخت حق نسبی واقع شود. ماده ۴- وجوه حاصل از حق نسبی فقط باید طبق مواد فوق به کارمندان و خدمتگزاران پرداخت شود و هزینه دیگری از این محل مجاز نیست ماده ۵- نحوه نگاهداری وجوه مذکور و به هزینه منظور نمودن آن به موجب دستورالعملی خواهد بود که از طرف وزارت اموراتصادی و دارائی به ادارات کل مالی وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و ادارات مربوط در شهرستانها ابلاغ خواهد شد. ماده ۶- در مورد وجوه اضافه دریافتی مربوط به حقوق اجرائی (ده یک یا ده نیم طبق مقررات مالی مربوط در استرداد آن اقدام می‌شود و نسبت به حق نسبی اضافی پرداخت شده مبلغ اضافی از اولین حق نسبی که بعدا پرداخت می‌شود کسر خواهد شد.

قانون اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب - مصوب ۱۳۸۵

شماره ۱۷۳۰۸۵/۵۰۶ ۸/۱۱/۱۳۸۵ جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران عطف به نامه شماره ۴۸۵۵۸/۳۳۸۸۳ مورخ ۲۴/۸/۱۳۸۴ در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب که با عنوان لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی مورخ ۲۴/۱۰/۱۳۸۵ و تأیید شورای محترم نگهبان به پیوست ارسال می‌گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل شماره ۱۴۶۵۳۵ ۲۱/۱۱/۱۳۸۵ وزارت دادگستری قانون اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و چهارم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۴/۱۱/۱۳۸۵ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۷۳۰۸۵/۵۰۶ مورخ ۸/۱۱/۱۳۸۵ واصل گردیده است به پیوست جهت اجراء ابلاغ می‌گردد. رئیس جمهور - محمود احمدی‌نژاد قانون اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ماده واحده - ماده (۱۸) قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۲۷/۷/۱۳۸۱ به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۱۸- آراء غیرقطعی و قابل تجدیدنظر یا فرجام همان است که در قانون آئین دادرسی ذکر گردیده، تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی طبق مقررات آئین دادرسی مربوط انجام خواهد شد. آراء قطعی دادگاههای عمومی و انقلاب، نظامی و دیوان عالی کشور جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر گردیده قابل رسیدگی مجدد نیست مگر در مواردی که رأی به تشخیص رئیس قوه قضائیه خلاف بین شرع باشد که در این صورت این تشخیص به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی محسوب و پرونده حسب مورد به مرجع صالح برای رسیدگی ارجاع می‌شود. تبصره ۱- مراد از خلاف بین شرع، مغایرت رأی صادره با مسلمات فقه است و در موارد اختلاف نظر بین فقها ملاک عمل نظر ولی فقیه و یا مشهور فقها خواهد بود. تبصره ۲- چنانچه دادستان کل کشور، رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح و روسای کل دادگستری استانها

دبیرخانه یا مسئول هر دو مرجع به منظور حفظ حقوق معترضین از جهت تسلیم مستندات و مدارک در موعد تعیین شده مکلفند درخواست معترضین را پذیرفته و پس از ثبت برای انجام مراحل بعدی به مرجع مربوطه ارسال نمایند و متقاضی معترض را نیز از این اقدام مطلع سازند تا برای پیگیری به آن مرجع مراجعه نماید. ماده ۶- دادگستریهای استانها بایستی پس از وصول درخواست و مستندات و ثبت آن و بررسی از جهت موعد در صورتی که درخواست در موعد تعیین شده در تبصره ۵ باشد وسیله رئیس دادگستری یا نماینده حوزه نظارت قضائی ویژه در استان به یک نفر از قضاتی که برای انجام این کار تعیین گردیده جهت بررسی ارجاع شود، قاضی مذکور مکلف است پرونده را دقیقاً مطالعه نموده با تهیه گزارش اظهارنظر نماید. این پرونده پس از اظهارنظر در جلسه‌ای متشکل از رئیس دادگستری استان و نماینده حوزه نظارت قضائی ویژه استان و قاضی بررسی کننده مطرح چنانچه حکم قطعی صادره خلاف بین شرع تشخیص داده شد با تنظیم صورت جلسه پرونده را به حوزه نظارت قضائی ارسال می‌دارند تا با کسب نظر یکی از مشاورین حوزه نظارت قضائی ویژه بنظر ریاست قوه قضائیه برسد و چنانچه ادعای خلاف بین شرع را نپذیرفتند با تنظیم صورت مجلس پرونده را بایگانی و نتیجه را با نامه جهت درج در سوابق به حوزه نظارت قضائی اعلام می‌نمایند. ماده ۷- درخواست و مستندات تسلیم شده به دبیرخانه دادستانی کل در صورتی که در موعد مقرر در تبصره ۵ باشد به وسیله معاون دادستانی کل کشور جهت بررسی و تهیه گزارش به یک نفر از دادیاران دادرسی دیوانعالی کشور ارجاع می‌شود تا با مطالعه پرونده و تهیه گزارش اظهارنظر نماید. سپس این پرونده در جلسه‌ای متشکل از دادستان کل کشور و معاون مربوطه و دادیار بررسی کننده مطرح و چنانچه حکم صادره را خلاف بین شرع تشخیص دادند با تنظیم صورت مجلس به حوزه نظارت قضائی ویژه ارسال می‌دارند تا پس از ثبت و عندالاقضاء اخذ نظر یکی از مشاوران حسب دستور رئیس قوه قضائیه پرونده به نظر رئیس قوه قضائیه برسد و چنانچه ادعای معترض را از جهت خلاف بین شرع نپذیرفتند با تنظیم صورت مجلس پرونده را بایگانی و نتیجه را از طریق حوزه نظارت قضائی ویژه به رئیس قوه قضائیه اعلام می‌نمایند. ماده ۸- سازمان قضائی نیروهای مسلح در هر استان نیز به همین ترتیب عمل نموده و در هر پرونده با اخذ نظر سه نفر از قضات آن سازمان در صورتی که خلاف بین شرع تشخیص داده شد پرونده را با اظهارنظر به حوزه نظارت قضائی ارسال می‌نمایند تا پس از اخذ نظر یک نفر مشاور یا بازرس قضائی به نظر رئیس قوه قضائیه برسد و چنانچه خلاف بین شرع تشخیص داده نشد با تنظیم صورت مجلس بایگانی و نتیجه را به حوزه نظارت قضائی اعلام می‌نمایند. ماده ۹- چون به استناد ماده ۱۸ اصلاحی به رئیس قوه قضائیه اختیار داده شده پس از تشخیص خلاف بین شرع بودن حکم تصمیم به تجویز اعاده دادرسی گرفته و پس از اتخاذ این تصمیم در صورت ضرورت و لزوم با توجه به مقررات مربوط به اعاده دادرسی و رأی وحدت رویه شماره ۵۳۸ - ۱/۸/۱۳۶۹ هیئت عمومی دیوانعالی کشور اجرای حکم را متوقف و پرونده را جهت رسیدگی مجدد با عنایت به این تصمیم به مرجع صالح ارسال دارد لذا اقتضاء دارد هر سه مرجع بررسی کننده در پیشنهادات ارسالی در خصوص توقف اجرای حکم و چگونگی جریان امر نیز اعلام نظر نمایند تا در موقع تصمیم گیری مشکلی پیش نیاید. ماده ۱۰- هر متقاضی بیش از یک بار نمی‌تواند این درخواست را تسلیم نماید و بدیهی است پس از اتخاذ تصمیم درخواست مجدد قابل پذیرش نیست. دفاتر ثبت درخواستها در استانها و دادستانی کل و سازمان قضائی و حوزه نظارت ریاست قوه لازم است با مجهز شدن به سیستم رایانه‌ای کلیه درخواستها را در رایانه ثبت و از پذیرش مکرر آنها جلوگیری بعمل آورد. ماده ۱۱- رؤسای کل دادگستری استانها و دادستان کل کشور و رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح چنانچه رأساً پس از صدور حکم و قطعیت آن با ملاحظه پرونده یا به طریق دیگر از خلاف بین شرع بودن حکمی مطلع شده یا در جریان آن قرار گیرند مکلفند با در نظر گرفتن موعد مقرر در تبصره ۵ قانون طبق تکلیف مندرج در مواد قبل اقدام نموده و پرونده را با اظهارنظر از طریق حوزه نظارت قضائی ویژه به رئیس قوه قضائیه ارسال و اعلام نمایند. ماده ۱۲- چنانچه رؤسای دادگستری و دادستان شهرستانها و رؤسای دادگاههای بخش مستقل ضمن ملاحظه پرونده یا بررسی به احکام قطعی برخورد نمایند که آن را خلاف بین شرع می‌دانند بایستی سریعاً پرونده را با گزارش برای رئیس کل

دادگستری استان بفرستند تا رئیس کل دادگستری استان طبق مواد قبلی این آئین‌نامه عمل نماید. ماده ۱۳- چون در این قانون مرجع تشخیص خلاف بین شرع رئیس قوه قضائیه بوده و تجویز اعاده دادرسی نیز با مشارالیه می‌باشد لذا با توجه به عدم ذکر هزینه دادرسی در این قانون و اینکه دریافت هر وجهی از اشخاص مستلزم ذکر صراحت قانونی می‌باشد لذا از متقاضیان معترض به احکام قطعی صادره نبایستی وجهی بعنوان هزینه دادرسی اخذ شود، لیکن لازم است هر متقاضی درخواست خویش را با لایحه‌ای که بوسیله وکیل یا مشاور حقوقی رسمی تنظیم شده باشد و به امضاء و مهر او مهور شده باشد تسلیم کند. وکلاء و مشاوران حقوقی مکلفند در صورت عدم مخالفت بین حکم با مسلمات فقهی متقاضی را ارشاد نموده از درخواست خود صرف نظر کند. ماده ۱۴- با توجه به مفاد لایحه اصلاحی ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ضروری است برای تعیین مغایرت آراء صادره با مسلمات فقه از همکاری قضات با سابقه و با تجربه و آشنا به مسائل فقهی استفاده شود و همچنین در پرونده‌های پیچیده و مشکل و مهم به منظور اطمینان بیشتر در مرحله مقدماتی در هر سه مرجع دو یا سه نفر قاضی شرکت نموده و اظهار نظر نمایند. ماده ۱۵- بعد از لازم‌الاجرا شدن این قانون چنانچه از اشخاص درخواستی مبنی بر اعتراض به حکم به حوزه نظارت قضائی ویژه یا اداره کل نظارت و پیگیری و یا دفتر رئیس قوه قضائیه واصل گردد بایستی ثبت و برای اقدامات بعدی به دادگستری استانها یا سازمان قضائی نیروهای مسلح یا دادستانی کل کشور ارسال شود تا طبق مواد قبلی آن مراجع اقدام نمایند. ماده ۱۶- رئیس حوزه نظارت قضائی بایستی پس از دریافت پرونده و گزارش و اخذ نظر یک نفر مشاور نتیجه را عیناً به نظر ریاست قوه قضائیه برساند و طبق نظر ایشان عمل نماید بدیهی است چنانچه رئیس قوه قضائیه اخذ نظر مشاور یا بازرس قضائی دیگری را لازم بداند دستور مقتضی صادر خواهد نمود.

ماده ۱۷- چون منظور از تشکیل نمایندگی در دادگستریهای سراسر کشور عدم مراجعه متقاضیان به تهران و سهولت و سرعت در پاسخگویی به آنها می‌باشد لذا مقتضی است رؤسای کل و نمایندگان حوزه نظارت قضائی در استانهای کشور پس از دریافت شکایت و اعتراض، دستور لازم صادر و نسبت به راهنمایی و هدایت آنها و رفع مشکلاتشان اقدام مقتضی و قانونی بعمل آورند و در نهایت چنانچه آراء قطعی را خلاف بین شرع تشخیص دادند مراتب را طبق مواد قبل اعلام نمایند. ماده ۱۸- رسیدگی و بررسی شکایات و پرونده‌های موضوع اعمال ماده واحده لایحه اصلاحی ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب بایستی بصورت فوق‌العاده و بدون نوبت و معطلی انجام شود مگر اینکه تعداد آنها از امکانات نیروی انسانی و ظرفیت پذیرش این گونه درخواستها بیشتر باشد در اینصورت با تنظیم دفتر اوقات و با رعایت اولویت‌ها اقدام گردد. ماده ۱۹- نسبت به درخواستهای اعمال ماده ۲ که قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون در نمایندگی حوزه نظارت قضائی ویژه در استانها و سازمان قضائی نیروهای مسلح و اداره کل نظارت و پیگیری و حوزه نظارت قضائی ویژه در مرحله بررسی و رسیدگی می‌باشد هر چهار مرجع مکلفند حداکثر ظرف سه ماه از اجرای این قانون آنها را بررسی نموده و با اظهار نظر طبق مواد قبل یا رویه سابق پرونده‌ها و سوابق جهت اقدامات بعدی بنظر ریاست قوه قضائیه برسد. ماده ۲۰- احکامی که قبل از اجرای این قانون بررسی شده و خلاف بین شرع آنها باستناد ماده ۲ مورد پذیرش رئیس قوه قضائیه قرار نگرفته و درخواست متقاضیان رد شده است قابل بررسی مجدد به اعتبار این قانون نیست. ماده ۲۱- چون در تبصره سه این قانون مقرر گردیده آراء خلاف بین شرع شعب تشخیص در یکی از شعب دیوان بایستی رسیدگی شود لذا پس از تجویز اعاده دادرسی از طرف رئیس قوه قضائیه برای رسیدگی مجدد شعب دیوان بایستی مطابق مقررات زمان و ورود به شعبه تشخیص نسبت به این پرونده‌ها رسیدگی مجدد نمایند. ماده ۲۲- نسبت به مواد ۱۸ و ۴۰ قانون دیوان عدالت اداری مصوب بهمن ماه ۱۳۸۵ به شرح زیر بایستی عمل و اقدام گردد: نسبت به ماده ۱۸ متقاضیان خلاف بین قانون و شرع آراء دیوان عدالت اداری بایستی به رئیس دیوان عدالت اداری مراجعه و درخواست خودشان را به آن مرجع تسلیم نمایند تا رئیس دیوان به تکلیف مقرر در ماده ۱۸ عمل نماید و چنانچه در این مورد به رئیس قوه قضائیه یا حوزه نظارت قضائی ویژه یا دفتر نظارت و پیگیری مراجعه شود درخواست آنها جهت بررسی و تهیه گزارش توأم با اظهار نظر به دیوان عدالت اداری ارجاع می‌گردد و دیوان عدالت اداری

بایستی پس از بررسی و تنظیم گزارش نتیجه را همراه گزارش از طریق حوزه نظارت قضائی ویژه برای رئیس قوه قضائیه ارسال نماید. در صورتی که رئیس قوه قضائیه رأی دیوان عدالت اداری را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص داد از طریق رئیس دیوان به شعبه تشخیص دیوان بفرستد. نسبت به ماده ۴۰ در صورتی که رئیس قوه قضائیه به هر نحو از مغایرت یک مصوبه با شرع یا قانون یا خروج آن از اختیارات مقام تصویب کننده مطلع شود پس از بررسی موضوع و اخذ نظر کارشناسی به وسیله مشاوران از طریق حوزه نظارت قضائی ویژه موضوع را به هیئت عمومی دیوان عدالت ارسال و ابطال مصوبه را درخواست می نماید. ماده ۲۳- به منظور استمرار و حسن نظارت قضائی بر امر دادرسی و بموجب دستور رئیس قوه قضائیه و با ابلاغ صادره از ناحیه رئیس حوزه نظارت قضائی ویژه بازرسان قضائی اداره کل نظارت و پیگیری نسبت به روند دادرسی ها در پرونده های قضائی در حال رسیدگی یا در حال اجرا با عزمیت به محل بازرسی نموده و گزارش امر را جهت استحضار ریاست قوه قضائیه ارائه می نماید. این آئین نامه در ۲۳ ماده و یک تبصره در تاریخ ۲۵/۱۱/۱۳۸۵ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید.

اصلاحیه آیین نامه ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۲۵/۱۱/۱۳۸۶

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور به پیوست یک نسخه اصلاحیه آیین نامه ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۲۵/۱۱/۱۳۸۶ که در تاریخ ۷/۱۲/۱۳۸۶ به تایید و توشیح ریاست محترم قوه قضائیه نیز رسیده، جهت درج در روزنامه رسمی کشور ارسال می گردد. رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه - موحدی اصلاحیه آیین نامه ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۲۵/۱۱/۱۳۸۶ (الف) متن زیر به عنوان تبصره های ۱ و ۲ به ماده ۶ الحاق می شود: تبصره ۱- برای تسریع در پاسخگویی به تعداد لازم هیئت فرعی تشکیل می شود که نظریه آنان در هیئت اصلی مطرح و تصمیم نهایی اتخاذ می گردد. تبصره ۲- منظور از ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و اصلاحیه های بعدی آن اعاده دادرسی فقط نسبت به آرای است که خلاف بین شرع و مسلمات فقه باشد. بنابراین تسری آن به هر نوع تقاضا جایز نمی باشد. هیئت های موضوع این آیین نامه موظفند با استفاده از منابع معتبر فقهی دقت لازم در رسیدگی به درخواست های مذکور به عمل آورند. ب) ماده ۱۳ به شرح زیر اصلاح می گردد: ماده ۱۳- رسیدگی به تقاضاهای موضوع این آیین نامه بدون اخذ هزینه دادرسی خواهد بود. متقاضی می تواند شخصاً یا توسط وکیل رسمی دادگستری و یا مشاور حقوق درخواست خود را به طور مستدل تنظیم و تسلیم مرجع مربوط نماید. مراجع مربوط موظفند از پذیرش تقاضای بدون لایحه مستند حقوقی خودداری و متقاضیان را ارشاد نموده تا لایحه حقوقی ارائه نمایند. تبصره - نظر به این که در رسیدگی به درخواست تنفیذ حکم قصاص، به موضوع خلاف بین شرع نیز رسیدگی می شود، بنابراین از رسیدگی به اعتراض محکومان به قصاص در هیئت های موضوع این آیین نامه خودداری و عین تقاضا به حوزه نظارت قضایی ویژه ارسال گردد. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

امور حسبی و خانواده

قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۵۳ (م ۱ تا م ۲۸)

ماده ۱- به کلیه اختلافات مدنی ناشی از امر زناشویی و دعاوی خانوادگی و امور مربوط به صغار از قبیل نصب و عزل قیم و ضم امین در دادگاه های شهرستان و در نقاطی که دادگاه شهرستان نباشد در دادگاه بخش رسیدگی می شود و رسیدگی به امور مذکور در تمام مراحل دادرسی بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی خواهد بود. ماده ۲- منظور از دعاوی خانوادگی دعاوی مدنی بین هر یک از زن و شوهر و فرزندان و جد پدری و وصی و قیم است که از حقوق و تکالیف مقرر در کتاب هفتم در نکاح و طلاق

(منجمله دعوی مربوط به جهیزیه و مهر زن و کتاب هشتم در اولاد و کتاب نهم در خانواده و کتاب دهم در حجر و قیمومت قانون مدنی همچنین از مواد ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰ قانون مذکور و مواد مربوط در قانون امور حسبی ناشی شده باشد. ماده ۳ - دادگاه می‌تواند هر نوع تحقیق و اقدامی را که برای روشن شدن موضوع دعوی و احقاق حق لازم بداند از قبیل تحقیق از گواهان و مطلعین و استمداد از مددکاران اجتماعی و غیره به هر طریق که مقتضی باشد انجام دهد. ماده ۴ - دادگاه هر یک از طرفین را که بی بضاعت تشخیص دهد از پرداخت هزینه دادرسی و حق کارشناسی و حق داوری و سایر هزینه‌ها معاف می‌نماید. همچنین در صورت لزوم راسا و کیل معاضدتی برای او تعیین خواهد کرد. در صورتی که طرف بی‌بضاعت محکوم له شود محکوم علیه اگر بضاعت داشته باشد به موجب رای دادگاه ملزم به پرداخت هزینه‌های مذکور و حق الوکاله و کیل معاضدتی خواهد گردید. و کلا - و کارشناسان مذکور مکلف به انجام دستور دادگاه می‌باشند. ماده ۵ - دادگاه در صورت تقاضای هر یک از طرفین مکلف است موضوع دعوی را به استثنای رسیدگی به اصل نکاح و طلاق به یک تا سه داور ارجاع نماید همچنین دادگاه در صورتی که مقتضی بداند راسا نیز دعوی را به داوری ارجاع خواهد کرد. داوری در این قانون تابع شرایط داوری مندرج در قانون آیین دادرسی نمی‌باشد. مدت اعلام نظر داوران از طرف دادگاه تعیین خواهد شد. در صورت عدم وصول نظر مذکور تا پایان مدت مقرر دادگاه راسا رسیدگی خواهد کرد مگر اینکه طرفین به تمدید مدت تراضی نمایند یا دادگاه تمدید مدت را مقتضی تشخیص دهد. تبصره - در صورتی که طرفین به تعیین داور تراضی نکرده یا داور خود را معرفی نمایند دادگاه داور یا داوران را به ترتیب از اقربا یا دوستان یا آشنایان آنان انتخاب خواهد کرد هرگاه اشخاص مذکور از قبول داوری امتناع کرده یا انتخاب آنان از جهت عدم حضور در محل یا جهات دیگر میسر نباشد افراد دیگری به داوری انتخاب می‌شوند. ماده ۶ - داور یا داوران سعی در سازش بین طرفین خواهند کرد و در صورتی که موفق به اصلاح نشوند نظر خود را در ماهیت دعوی ظرف مدت مقرر کتبا به دادگاه اعلام می‌نمایند. این نظر به طرفین ابلاغ می‌شود تا ظرف مدت ده روز نظر خود را به دادگاه اعلام نمایند. در صورتیکه طرفین با نظر داور موافق باشند دادگاه دستور اجرای نظر داور را صادر می‌نماید مگر اینکه رای داور مغایر قوانین موجد حق باشد که در این صورت ملغی الاثر می‌شود. هرگاه یکی از طرفین به نظر داور معترض بوده یا در موعد مقرر جوابی ندهد یا رای داور مغایر قوانین موجد حق باشد دادگاه به موضوع رسیدگی نموده حسب مورد رای مقتضی یا گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد. ماده ۷ - هرگاه زن و شوهر دعاوی ناشی از اختلافات خانوادگی را علیه یکدیگر طرح نمایند دادگاهی که دادخواست مقدم به آن داده شده صلاحیت رسیدگی خواهد داشت و هرگاه دو یا چند دادخواست در یک روز به دادگاه تسلیم شده باشد دادگاه حوزه محل اقامت زن صالح به رسیدگی خواهد بود. در صورتی که یکی از زوجین مقیم خارج از کشور باشد دادگاه محل اقامت طرفی که در ایران مقیم است صلاحیت رسیدگی دارد و اگر طرفین مقیم خارج باشند دادگاه شهرستان تهران صلاحیت رسیدگی خواهد داشت تبصره - در موارد مذکور در این قانون اگر طرفین اختلاف مقیم خارج از کشور باشند می‌توانند به دادگاه یا مرجع صلاحیتدار محل اقامت خود نیز مراجعه نمایند. در این مورد هرگاه ذینفع نسبت به احکام و تصمیمات دادگاه‌ها و مراجع خارجی معترض و مدعی عدم رعایت مقررات و قوانین ایران باشد می‌تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ حکم یا تصمیم قطعی اعتراض خود را با ذکر دلایل و پیوست نمودن مدارک و مستندات آن از طریق کنسولگری ایران در کشور محل توقف به دادگاه شهرستان تهران ارسال نماید دادگاه به موضوع رسیدگی کرده و رای مقتضی صادر می‌کند و به دستور دادگاه رونوشت رای برای اقدام قانونی به کنسولگری مربوط ارسال می‌گردد. ثبت احکام و تصمیمات دادگاه‌ها و مراجع خارجی در مواردی که قانونا باید در اسناد سجلی یا دفتر کنسولگری ثبت شود در صورت توافق طرفین یا در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر بلا- اشکال است و الا- موکول به اعلام رای قطعی دادگاه شهرستان تهران خواهد بود. ماده ۸ - در موارد زیر زن یا شوهر حسب مورد می‌تواند از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش نماید و دادگاه در صورت احراز آن موارد گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد: ۱ - توافق

زوجین برای طلاق ۲- استنکاف شوهر از دادن نفقه زن و عدم امکان الزام او به تادیه نفقه همچنین در موردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او به ایفا هم ممکن نباشد. ۳- عدم تمکین زن از شوهر ۴- سوء رفتار و یا سو معاشرت هر یک از زوجین به حدی که ادامه زندگی را برای طرف دیگر غیرقابل تحمل نماید. ۵- ابتلا- هر یک از زوجین به امراض صعب العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای طرف دیگر در مخاطره باشد. ۶- جنون هر یک از زوجین در مواردی که فسخ نکاح ممکن نباشد. ۷- عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به کار یا حرفه‌ای که منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیات شوهر یا زن باشد. ۸- محکومیت زن یا شوهر به حکم قطعی به مجازات پنج سال حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی که بر اثر عجز از پرداخت منجر به پنج سال بازداشت شود یا به حبس و جزای نقدی که مجموعاً منتهی به پنج سال یا بیشتر حبس و بازداشت شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد. ۹- ابتلا به هر گونه اعتیاد مضر که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و ادامه زندگی زناشویی را غیرممکن سازد. ۱۰- هرگاه زوج همسر دیگری اختیار کند یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود اجرای عدالت ننماید. ۱۱- هر یک از زوجین خانوادگی را ترک کند تشخیص ترک زندگی خانوادگی با دادگاه است ۱۲- محکومیت قطعی هر یک از زوجین در اثر ارتکاب جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون طرف دیگر باشد. تشخیص اینکه جرمی مغایر با حیثیت و شئون خانوادگی است با توجه به وضع و موقع طرفین و عرف و موازین دیگر با دادگاه است ۱۳- در صورت عقیم بودن یکی از زوجین به تقاضای طرف دیگر همچنین در صورتی که زوجین از جهت عوارض و خصوصیات جسمی نتوانند از یکدیگر صاحب اولاد شوند. ۱۴- در مورد غایب مفقودالثر با رعایت مقررات ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی تبصره - طلاق که موجب این قانون و بر اساس گواهی عدم امکان سازش واقع می‌شود فقط در صورت توافق کتبی طرفین در زمان عده قابل رجوع است ماده ۹- در مورد ماده ۴ قانون ازدواج هرگاه یکی از طرفین عقد بخواهد از وکالت خود در طلاق استفاده نماید باید طبق ماده قبل به دادگاه مراجعه کند و دادگاه در صورت احراز تخلف از شرط گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد. ماده ۱۰- اجرای صیغه طلاق و ثبت آن پس از رسیدگی دادگاه و صدور گواهی عدم امکان سازش صورت خواهد گرفت متقاضی گواهی عدم امکان سازش باید تقاضانامه‌ای به دادگاه تسلیم نماید که در آن علل تقاضا به طور موجه قید گردد. پس از وصول تقاضانامه دادگاه راساً یا به وسیله داور یا داوران سعی در اصلاح بین زن و شوهر و جلوگیری از وقوع طلاق خواهد کرد هرگاه مساعی دادگاه برای حصول سازش به نتیجه نرسد با توجه به ماده ۸ این قانون گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد. دفتر طلاق پس از دریافت گواهی مذکور به اجرای صیغه طلاق و ثبت آن اقدام خواهد نمود. هر یک از طرفین عقد بدون تحصیل گواهی عدم امکان سازش مبادرت به طلاق نماید به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا یکسال محکوم خواهد شد. همین مجازات مقرر است برای سردفتری که طلاق را ثبت نماید. ماده ۱۱- دادگاه می‌تواند به تقاضای هر یک از طرفین در صورتی که صدور گواهی عدم امکان سازش مستند به سو رفتار و قصور طرف دیگر باشد او را با توجه به وضع و سن طرفین و مدت زناشویی به پرداخت مقرری ماهانه متناسبی در حق طرف دیگر محکوم نماید مشروط به اینکه عدم بضاعت متقاضی و استطاعت طرف دیگر محرز باشد. پرداخت مقرری مذکور در صورت ازدواج مجدد محکوم له یا ایجاد درآمد کافی برای او یا کاهش درآمد یا عسرت محکوم علیه یا فوت محکوم له به حکم همان دادگاه حسب مورد تقلیل یافته یا قطع خواهد شد. در موردی که گواهی عدم امکان سازش به جهات مندرج در بندهای ۵ و ۶ ماده ۸ صادر شده باشد مقرری ماهانه با رعایت شرایط مذکور به مریض یا مجنون نیز تعلق خواهد گرفت مشروط به اینکه مرض یا جنون بعد از عقد ازدواج حادث شده باشد و در صورت اعاده سلامت به حکم دادگاه قطع خواهد شد. ماده ۱۲- در کلیه مواردی که گواهی عدم امکان سازش صادر می‌شود دادگاه ترتیب نگاهداری اطفال و میزان نفقه ایام عده را با توجه به وضع اخلاقی و مالی طرفین و مصلحت اطفال معین می‌کند و اگر قرار شود فرزندان نزد مادر یا شخص دیگری بمانند ترتیب نگاهداری و میزان هزینه آنان را مشخص می‌نماید نفقه زوجه از عواید و دارایی مرد و نفقه اولاد و مبلغ ماهانه مقرر در ماده ۱۱ از عواید و دارایی مرد یا زن یا هر دو و

حتی از حقوق بازنشستگی استیفا خواهد گردید. دادگاه مبلغی را که باید از عواید یا دارایی مرد یا زن یا هر دو برای هر فرزند استیفا گردد تعیین و طریقه اطمینان بخشی برای پرداخت آن مقرر می کند دادگاه همچنین ترتیب ملاقات اطفال را برای طرفی معین می کند حق ملاقات با طفل در صورت غیبت یا فوت پدر یا مادر به تشخیص دادگاه با سایر اقربا خواهد بود. تبصره ۱ - اطفالی که والدین آنان قبل از تصویب این قانون از یکدیگر جدا شده‌اند در صورتی که به طریق اطمینان بخشی ترتیب هزینه و نگاهداری و حضانت آنان داده نشده باشد مشمول مقررات این قانون خواهند بود. تبصره ۲ - پرداخت نفقه قانونی زوجه و اولاد بر سایر دیون مقدم است ماده ۱۳ - در هر مورد حسب اعلام یکی از والدین یا اقربای طفل یا دادستان یا اشخاص دیگر تشخیص شود که تغییر در وضع حضانت طفل ضرورت دارد (اعم از اینکه قبلاً تصمیمی در این مورد اتخاذ شده یا نشده باشد) و یا به طریق اطمینان بخشی ترتیب نگاهداری و حضانت طفل داده نشده باشد دادگاه پس از رسیدگی حضانت طفل را به هر کسی که مقتضی بداند محول می کند و هزینه حضانت به عهده کسی است که به موجب تصمیم دادگاه مکلف به پرداخت آن می شود. ماده ۱۴ - هرگاه دادگاه خانواده تشخیص دهد کسی که حضانت طفل به او محول شده از انجام تکالیف مربوط به حضانت خودداری کرده یا مانع طفل با اشخاص ذیحق شود او را برای هربار تخلف به پرداخت مبلغی از هزار ریال تا ده هزار ریال و در صورت تکرار به حداکثر مبلغ مذکور محکوم خواهد کرد. دادگاه در صورت اقتضا می تواند علاوه بر محکومیت مزبور حضانت طفل را به شخص دیگری واگذار نماید. در هر صورت حکم این ماده مانع از تعقیب متهم چنانچه عمل او طبق قوانین جزایی جرم شناخته شده باشد نخواهد بود. تبصره ۱ - پدر یا مادر کسانی که حضانت طفل به آنها واگذار شده نمی توانند طفل را به شهرستانی غیر از محل اقامت مقرر بین طرفین و یا غیر از محل اقامت قبل از وقوع طلاق و یا به خارج کشور بدون رضایت والدین بفرستند مگر در صورت ضرورت با کسب اجازه ازدادگاه تبصره ۲ - وجوه موضوع این ماده و ماده ۱۱ به صندوق حمایت خانواده که از طرف دولت تاسیس می شود پرداخت خواهد شد. نحوه پرداخت وجوه مذکور به اشخاص ذینفع طبق آیین نامه‌ای است که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۵ - طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر خود می باشد در صورت ثبوت حجر یا خیانت یا عدم قدرت و لیاقت او در اداره امور صغیر یا فوت پدر به تقاضای دادستان و تصویب دادگاه شهرستان حق ولایت به هر یک از جد پدری یا مادر تعلق می گیرد مگر اینکه عدم صلاحیت آنان احراز شود که در این صورت حسب مقررات اقدام به نصب قیم یا ضم امین خواهد شد دادگاه در صورت اقتضا اداره امور صغیر را از طرف جد پدری یا مادر تحت نظارت دادستان قرار خواهد داد. در صورتی که مادر صغیر شوهر اختیار کند حق ولایت او ساقط خواهد شد در این صورت اگر صغیر جد پدری نداشته یا جد پدری صالح برای اداره امور صغیر نباشد دادگاه به پیشنهاد دادستان حسب مورد مادر صغیر یا شخص صالح دیگری را به عنوان امین یا قیم تعیین خواهد کرد. امین به تشخیص دادگاه مستقلاً یا تحت نظر دادستان امور صغیر را اداره خواهد کرد. ماده ۱۶ - مرد نمی تواند با داشتن زن همسر دوم اختیار کند مگر در موارد زیر: ۱ - رضایت همسر اول ۲ - عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی ۳ - عدم تمکین زن از شوهر ۴ - ابتلاء زن به جنون یا امراض صعب العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۵۸ - محکومیت زن وفق بند ۸ ماده ۶۸ - ابتلاء زن به هر گونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۷۸ - ترک زندگی خانوادگی از طرف زن ۸ - عقیم بودن زن ۹ - غائب مفقودالاثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸. ماده ۱۷ - متقاضی باید تقاضا نامه‌ای در دو نسخه به دادگاه تسلیم و علل و دلایل تقاضای خود را در آن قید نماید. یک نسخه از تقاضا نامه ضمن تعیین وقت رسیدگی به همسر او ابلاغ خواهد شد. دادگاه با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند یک ماده ۱۶ اجازه اختیار همسر جدید خواهد داد. به هر حال در تمام موارد مذکور این حق برای همسر اول باقی است که اگر بخواهد تقاضای گواهی عدم امکان سازش از دادگاه بنماید. هرگاه مردی با داشتن همسر بدون تحصیل اجازه دادگاه مبادرت به ازدواج نماید به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد همین مجازات مقرر است برای عاقد و سردفتر ازدواج و زن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد باشند. در صورت گذشت همسر

اولی تعقیب کیفری یا اجرای مجازات فقط درباره مرد و زن جدید موقوف خواهد شد. ماده ۱۸ - شوهر میتواند با تایید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند. زن نیز می‌تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید. دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می‌کند.

ماده ۱۹ - تصمیم دادگاه در موارد زیر قطعی است و در سایر موارد فقط پژوهش پذیر می‌باشد: ۱ - صدور گواهی عدم امکان سازش ۲ - تعیین نفقه ایام عده و هزینه نگاهداری اطفال ۳ - حضانت اطفال ۴ - حق ملاقات با اطفال ۵ - اجازه مقرر در ماده ۱۶ تبصره - در مورد بندهای ۲ و ۳ و ۴ این ماده هرگاه در وضع طفل یا والدین یا سرپرستی که از طرف دادگاه معین شده تغییری حاصل شود که تجدید نظر در میزان نفقه یا هزینه نگاهداری یا حضانت یا حق ملاقات با اطفال را ایجاب کند دادگاه می‌تواند در تصمیم قبلی خود تجدیدنظر نماید. ماده ۲۰ - طرفین دعوی یا هر یک از آنها می‌توانند از دادگاه تقاضا کنند قبل از ورود به ماهیت دعوی مسئله حضانت و هزینه نگاهداری اطفال یا نفقه زن را مورد رسیدگی فوری قرار دهد و قراری در این باره صادر کند دستور موقت دادگاه فوراً به مورد اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۲۱ - مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش سه ماه از تاریخ صدور است در صورتی که ظرف این مدت گواهی مذکور به دفتر طلاق تسلیم نشود از درجه اعتبار ساقط می‌گردد. دفاتر طلاق پس از ارائه گواهی عدم امکان سازش از ناحیه هر یک از زوجین به طرف دیگر اخطار می‌نماید ظرف مهلتی که از یک ماه تجاوز نماید برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن حاضر شود. در صورتی که ظرف مهلت مقرر حاضر نشود دفتر طلاق مکلف است حسب تقاضای یک از طرفین صیغه طلاق را جاری و ثبت نماید. ماده ۲۲ - هر کس با داشتن استطاعت نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع نماید به حبس جنحه‌ای از سه ماه یا یک سال محکوم خواهد شد. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت یا وقوع طلاق در مورد زوجه تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد. ماده ۲۳ - ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام ممنوع است معذک در مواردی که مصالحی اقتضا کند استثنائاً در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال تمام کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است معافیت از شرط سن اعطا شود. زن یا مردی که برخلاف مقررات این ماده با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده مزاجت کند حسب مورد به مجازات‌های مقرر در ماده ۳ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ محکوم خواهد شد. تبصره - در نقاطی که وزارت دادگستری اعلام می‌کند دفاتر ازدواج مکلفند علاوه بر مطالبه گواهینامه مذکور در ماده ۲ قانون ازدواج مصوب سال ۱۳۱۷ گواهی صحت مزاج نسبت به عوامل یا بیماری‌های دیگری که موجب بروز بیماری یا عوارض سو در اولاد یا زوجین خواهد شد نیز مطالبه نماید. نوع عوامل و بیماری‌های مذکور را وزارت بهداشت و وزارت دادگستری تعیین خواهند نمود. ماده ۲۴ - رسیدگی به اموال خانوادگی در دادگاه بدون حضور تماشاجی انجام خواهد گرفت ماده ۲۵ - اجرای احکام دادگاه به موجب آیین‌نامه‌ای است که از طرف وزارت دادگستری تهیه خواهد شد. تبصره - در مورد وجوهی که به موجب حکم دادگاه باید ماهانه و مستمراً از محکوم علیه وصول شود یک بار تقاضای صدور اجرائیه کافی است و مامورین اجرا مکلفند عملیات اجرایی را مادام که دستور دیگری از دادگاه صادر نشده است ادامه دهند. ماده ۲۶ - مقررات این قانون در مورد پرونده‌هایی که تا کنون منتهی به صدور حکم نهایی نشده است قابل اجرا خواهد بود. ماده ۲۷ - آیین‌نامه اجرایی این قانون را وزارت دادگستری تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به مورد اجرا خواهد گذاشت ماده ۲۸ - قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۴۶ و سایر مقرراتی که مغایر با این قانون است همچنین ماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی از تاریخ اجرای این قانون ملغی است

ماده ۱- هرگاه مردی در مقابل دعوی زن راجع به حقوق مالی ناشی از عقد ازدواج اعم از صداق و نفقه و غیره انکار زوجیت کند و بعدمعلوم شود این انکار بی اساس بوده محکمه‌ای که به دعوی مالی رسیدگی می‌نماید مرد را علاوه بر تادیه حقوق مالی به یازده روز الی دو ماه حبس تادیبی و پانصد تا هزار ریال جزای نقدی و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد نمود. حکم فوق درباره کسانی نیز جاری است که پس از فوت مرد طرف دعوی ارث یا حقوق مالی دیگر ناشی از عقد و ازدواج شده و با علم به زوجیت زن آن را انکار نماید. ماده ۲- هر زنی که برخلاف واقع ادعای زوجیت و مطالبه حقوق مالی ناشی از ازدواج کرده و همچنین کسی که به عنوان قائم مقام قانونی زنی برای مطالبه حقوق مالی ناشی از عقد ازدواج با علم به عدم زوجیت اقامه دعوی نماید به مجازات حبس از ۱۱ روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از صد تا هزار ریال و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۳- این قانون از اول خردادماه ۱۳۱۱ به موقع اجرا گذارده می‌شود.

قانون راجع به تعیین قیم اتفاقی مصوب ۱۳۱۶ (ماده واحده)

ماده واحده در مواردی که تعقیب جرم موقوف به شکایت متضرر از جرم است اگر متضرر از جرم صغیر باشد و ولی یا قیم ندارد مدعی العموم مکلف است موافق قانون برای صغیر قیم معین کند و هرگاه تعیین قیم موجب فوت وقت یا توجه ضرر و زیان نسبت به صغیر باشد تا تعیین قیم مدعی العموم موقتا کسی را به عنوان قیم اتفاقی تعیین می‌نماید و در مواقع ضرورت قبل از تعیین قیم اقدامات فوری را که برای حفظ آثار و دلایل جرم و تعقیب آن لازم است دستور می‌دهد ولی ادامه تعقیب منوط است به اینکه قیم مصلحت صغیر را در تعقیب امر تشخیص کند و شکایت نماید. در مواردی که صغیر ولی یا قیم دارد و ولی یا قیم او شخصا مرتکب عمل شده و یا مداخله در جرم داشته و موافق قانون مدنی قیم اتفاقی هنوز معین نشده است نیز به همین ترتیب عمل خواهد شد و اگر قیم اتفاقی تعیین شده وظیفه اقدام بر عهده او است

قانون راجع به رشد متعاملین مصوب ۱۳۱۳ (ماده واحده)

ماده واحده - از تاریخ اجرای این قانون در مورد کلیه معاملات و عقود و ایقاعات به استثناء نکاح و طلاق ، محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی باید کسانی را که به سن ۱۸ سال شمسی تمام نرسیده‌اند اعم از ذکور و اناث غیر رشید بشناسند مگر آنکه رشد آنها قبل از اقدام به انجام معامله یا عقد و یا ایقاع به طرفیت مدعی العموم در محاکم ثابت شده باشد. اشخاصی که به سن ۱۸ سال شمسی تمام رسیده‌اند در محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی رشید محسوب می‌شوند مگر اینکه عدم رشد آنها به طرفیت مدعی العموم در محاکم ثابت گردد. مناط تشخیص سن اشخاص اوراق هويت آنهاست مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

قانون لزوم ارائه گواهینامه پزشک قبل از وقوع ازدواج . مصوب ۱۳۱۷ . (م ۱ تا ۶)

ماده ۱- (جمله اضافه شده به ماده ۱ قانون ازدواج است به ماده یک الحاق گردیده است) ماده ۲- کلیه دفاتر ازدواج مکلفند که قبل از وقوع ازدواج از نامزدها گواهینامه پزشک را برنداشتن امراض مسریه مهم که نوع آنها از طرف وزارت دادگستری معین و اعلام می‌گردد مطالبه نموده و پس از بایگانی آن به عقد و ازدواج و ثبت آن با قید موجود بودن گواهی پزشک بر تندرستی نامزدها اقدام نمایند. تبصره - دختران از داشتن گواهینامه پزشک در قسمت امراض زهروی معاف هستند. ماده ۳- پزشک‌هایی می‌توانند گواهینامه صادر نمایند که پروانه مخصوص از وزارت دادگستری برای این کار داشته باشند. تبصره - ترتیب صدور گواهینامه پزشک و تعیین دستمزد آنها به موجب آیین نامه‌ای است که به تصویب وزارت دادگستری و وزارت کشور خواهد رسید. ماده ۴- هر سردفتری که

بدون رعایت ماده ۲ این قانون به عقد و ثبت ازدواج مبادرت نماید به حبس تادیبی از دو ماه الی یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۵- هر پزشکی که برخلاف واقع گواهی تندرستی به نامزد بدهد و یا بدون جهت و از روی غرض از دادن گواهینامه خودداری نماید به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. ماده ۶- اجرای مواد ۲ و ۳ و ۴ و ۵ این قانون در هر محل از تاریخی که از طرف وزارت دادگستری معین و اعلام خواهد شد.

قانون مربوط به حق حضانت مصوب ۶۴ (ماده واحده در ۴ تبصره

ماده واحده - چنانچه به حکم دادگاه مدنی خاص یا قائم مقام آن دادگاه حضانت طفل به عهده کسی قرار گیرد و پدر یا مادر و یا شخص دیگری مانع اجرای حکم شود و یا از استرداد طفل امتناع ورزد دادگاه صادر کننده حکم وی را الزام به عدم ممانعت یا استرداد طفل می نماید و در صورت مخالفت به حبس تا اجرا حکم محکوم خواهد شد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه روز یکشنبه بیست و دوم تیرماه یکهزار و سیصد و شصت و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۶/۴/۱۳۶۵ به تایید شورای نگهبان رسیده است

موادی از قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ (م ۱ تا م ۲۰)

ماده ۲- قبالة ازدواج و طلاقنامه در صورتی که مطابق نظامنامه‌های وزارت عدلیه به ثبت رسیده باشد سند رسمی والا سند عادی محسوب خواهد شد. برای ثبت ازدواج و طلاق دولت حق الثبت نخواهد گرفت ماده ۴- طرفین عقد ازدواج می توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل این که شرط شود هرگاه شوهر در مدت معینی غایب شده یا ترک انفاق نموده یا بر علیه حیات زن سو قصد کرده یا سوء رفتاری نماید که زندگانی زناشویی غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم قطعی خود را به طلاق بائن مطلقه سازد. تبصره - در مورد این ماده محاکمه بین زن و شوهر در محکمه ابتدایی مطابق اصول محاکمات حقوقی به عمل خواهد آمد. حکم بدایت قابل استیناف و تمیز است مدت مرور زمان شش ماه از وقوع امری است که حق استفاده شرط می دهد. ماده ۸- زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. ماده ۱۴- زن می تواند در دارایی خود بدون اجازه شوهر هر تصرفی را که می خواهد بکند. ماده ۱۵- نسبت به حق نگاهداری اطفال مادر تا دو سال از تاریخ ولادت اولویت خواهد داشت پس از انقضای این مدت حق نگاهداری با پدر است مگر نسبت به اطفال اناث که تا سال هفتم آنها حق حضانت با مادر خواهد بود.

نحوه محاسبه مهریه به نرخ روز

این محاسبه بر اساس شاخص کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران و اعداد سالانه شاخص در سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۸۰ (برطبق جدول صفحه بعد) می باشد. روش محاسبه ابتدا عدد شاخص سال مورد محاسبه (یا سال قبل مطالبه مهریه را تقسیم بر عدد شاخص سال ازدواج می کنیم سپس حاصل این تقسیم را، در میزان و مقدار مهریه مندرج در سند ازدواج ضرب می نمایم آنگاه میزان مهریه به نرخ روز بدست می آید. مثال: چنانچه مهریه زنی در سال ۱۳۵۳، مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال بوده و در سال ۱۳۷۷، مطالبه مهریه نماید، ابتدا باید عدد شاخص کل بهای کالا در سال ۷۶ را که طبق جدول بانک مرکزی ۱۰۰ بوده را تقسیم بر شاخص کل بهای کالا در سال ۵۳ که بر اساس جدول مذکور ۴۸/۱ می باشد، کرده و حاصل بدست آمده را ضربدر مبلغ مهریه مندرج در سند ازدواج وی (۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال نموده تا میزان مهریه زوجه در سال ۷۶ بدست آید. ریال ۱/۱۰۱/۳۵۱/۳۵۱ = ۱/۵۰۰/۰۰۰ * ۴۸/۱۰۰۱ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شاخص کل سهامی کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران (اعداد سالانه شاخص

در سالهای (۱۳۸۰ - ۱۳۱۵) سال عددشاخص ۱۳۱۵/۰۵/۰ ۱۳۱۶/۰۷/۰ ۱۳۱۷/۰۷/۰ ۱۳۱۸/۰۷/۰ ۱۳۱۹/۰۸/۰ ۱۳۲۰/۰۹/۰ ۱۳۲۱/۱۳/۰ ۱۳۲۲/۲۵/۰
 ۱۳۲۳/۵۴/۰ ۱۳۲۴/۵۵/۰ ۱۳۲۵/۴۷/۰ ۱۳۲۶/۴۲/۰ ۱۳۲۷/۴۴/۰ ۱۳۲۸/۴۹/۰ ۱۳۲۹/۵۱/۰ ۱۳۳۰/۴۲/۰ ۱۳۳۱/۴۶/۰ ۱۳۳۲/۴۹/۰
 ۱۳۳۳/۵۳/۰ ۱۳۳۴/۶۲/۰ ۱۳۳۵/۶۳/۰ ۱۳۳۶/۶۸/۰ ۱۳۳۷/۷۱/۰ ۱۳۳۸/۷۲/۰ ۱۳۳۹/۸۱/۰ ۱۳۴۰/۸۸/۰ ۱۳۴۱/۸۹/۰ ۱۳۴۲/۹۰/۰
 ۱۳۴۳/۹۱/۰ ۱۳۴۴/۹۵/۰ ۱۳۴۵/۹۵/۰ ۱۳۴۶/۹۶/۰ ۱۳۴۷/۹۶/۰ ۱۳۴۸/۹۸/۰ ۱۳۴۹/۰۱/۰ ۱۳۵۰/۰۳/۰ ۱۳۵۱/۰۹/۰ ۱۳۵۲/۱۵/۰
 ۱۳۵۳/۲۸/۰ ۱۳۵۴/۴۸/۰ ۱۳۵۵/۶۳/۰ ۱۳۵۶/۹۰/۰ ۱۳۵۷/۳۷/۰ ۱۳۵۸/۶۱/۰ ۱۳۵۹/۹۱/۰ ۱۳۶۰/۴۲/۰ ۱۳۶۱/۲۶/۰ ۱۳۶۲/۰۴/۰
 ۱۳۶۳/۶۷/۰ ۱۳۶۴/۱۳/۰ ۱۳۶۵/۸۲/۰ ۱۳۶۶/۲۶/۰ ۱۳۶۷/۵۲/۰ ۱۳۶۸/۰۵/۰ ۱۳۶۹/۵۸/۰ ۱۳۷۰/۴۳/۰ ۱۳۷۱/۲۷/۰ ۱۳۷۲/۲۶/۰
 ۱۳۷۳/۲۶/۰ ۱۳۷۴/۳۲/۰ ۱۳۷۵/۱۹/۰ ۱۳۷۶/۲۶/۰ ۱۳۷۷/۰۰/۰ ۱۳۷۸/۰۸/۰ ۱۳۷۹/۸۳/۰ ۱۳۸۰/۷۱/۰ ۱۳۸۱/۱۷۷/۰

نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۰ (م ۱ تا م ۱۶)

نظر به مدلول ماده ۱ قانون ثبت ازدواج و طلاق وزارت عدلیه موارد ذیل را مقرر می‌دارد: ماده اول - دفاتر ثبت ازدواج و طلاق مجلد بوده و کلیه صفحات آن به امضای مدعی‌العموم یا نماینده او رسیده و به مهر پار که ممهور خواهد شد و به علاوه در ظهر صفحه اول و آخر دفتر نیز تعداد کلیه صفحات با تمام حروف قید و از طرف مدعی‌العموم یا نماینده او ممضی و ممهور می‌شود. تبصره - مدعی‌العموم می‌تواند با اجازه وزارت عدلیه برای امضا و مهر ترتیب دیگری را مقرر دارد. ماده دوم - عبارت ثبت باید خوانا و واضح بوده مبلغ و تاریخ و نمره ثبت باید لااقل یک مرتبه با تمام حروف در خود دفتر و در روی اوراق ازدواج و طلاق نوشته شود در صورت اختلاف آنچه که با تمام حروف نوشته شده معتبر است ماده سوم - فاصله سطور باید به یک اندازه باشد. سطور از حدودی که در روی دفتر برای ابتدا و انتهای سطور معین شده نباید تجاوز کند. ماده چهارم - بالا بردن سطور در آخر سطر ممنوع و هر جا که سطر به انتها رسید باید بقیه مطلب را به سطر بعد برد جای سفید گذاردن و تصحیح و اضافه مجاز نیست ماده پنجم - اگر صاحب دفتر اشتباها جای سفید گذارد یا مجبور به تصحیح و اضافات شد مطابق مقررات ذیل باید عمل شود: ۱ - جای سفید باید به وسیله دو خطی که همدیگر را تقاطع کند از حیز استفاده انداخته شود. ۲ - روی کلمات زیادی باید خط نازکی کشیده شود. ۳ - تصحیح و اضافات باید در ستون ملاحظات دفتر نوشته شده و به امضای صاحب دفتر برسد و ربط آن به وسیله راده معین گردد و ابطال جای سفید و همچنین حذف کلمات زیادی و تصحیح و اضافات باید در آخر ثبت سند ازدواج یا طلاق قبل از امضا قید شود. ماده ششم - تراشیدن و پاک کردن و الحاق کردن به هر نحوی از انحای در دفاتر ثبت ازدواج و طلاق ممنوع است به الحاقات و آنچه که به جای کلمات تراشیده یا پاک شده نوشته شده باشد ادارات و محاکم عدلیه ترتیب اثر نخواهند داد. ماده هفتم - در صورتی که هویت زوجین نزد صاحب دفتر محرز نباشد بایستی دو نفر از اشخاص معروف و معتمد حضورا هویت آنان را تصدیق و مراتب در دفتر قید و به امضای معرفین رسیده و این نکته در روی اوراق نیز قید شود - مانعی نیست که معرفین یک طرف معرف طرف دیگر نیز باشند. ماده هشتم - اشخاص کور یا گنگ یا کر یا محجور یا غیربالغ یا غیر رشید نمی‌توانند معرف یا شاهد باشند. ماده نهم - در صورتی که هویت طرفین با یک طرف نزد صاحب دفتر محرز نشود باید از ثبت امتناع کند. ماده دهم - برای ثبت عقد مزاجت زوج و زوجه باید شخصا یا به توسط وکیل ثابت الوکاله ذیل ثبت عقد را در دفتر و ذیل ورقه ازدواج مذکور در ماده ۱۴ را امضا کنند. برای ثبت طلاق، طلاق دهنده باید ذیل ثبت طلاق را در دفتر ذیل طلاق نامه مذکوره در ماده ۱۴ را شخصا یا به توسط وکیل ثابت الوکاله امضا نماید. هرگاه زوجین یا یکی از آنها بی سواد باشند باید یک نفر مطلع باسواد که طرف اعتماد شخص بی سواد باشد در دفتر حاضر گردد و اگر چه از جمله شهود یا معرفین زوجین باشد. شخص معتمد باسواد باید ثبت سند ازدواج یا طلاق را برای شخص بی سواد قرائت نماید و این قرائت و رضایت شخص بی سواد به مفاد ثبت باید در ذیل ثبت سند مزبور قید گردد و علامت انگشت شخص بی سواد ذیل آن گذارده شود مراتب مزبوره و علامت انگشت شخص بی سواد را شخص معتمد تصدیق و

امضا نماید. کلیه مقرراتی که مخالف با مواد فوق است منسوخ می‌باشد. ماده یازدهم - در صورتی که امضا مذکور در ماده فوق به توسط وکیل به عمل آید وکالت نامه باید به تصدیق کمیساریا و یا امین صلح و یا نایب الحکومه و یا یکی از دفاتر اسناد رسمی رسیده و ضبط شود مگر اینکه موکل شخصا در نزد صاحب دفتر حاضر و به شخصی که وکالتا امضا می‌نماید وکالت دهد که در این صورت صاحب دفتر باید وقوع وکالت را نیز قید و امضا کند. ماده دوازدهم - هرگاه زوجین یا یک طرف از آنها کر یا گنگ و یا کور باشند علاوه بر معرفین هر یک باید در معیت خود یک نفر از معتمدین خود را حاضر نمایند. شخص معتمد مزبور در مورد اشخاص کر و گنگ باید از اشخاصی باشند که بتوانند به آنها با اشاره مطلب را بفهماند و این نکته صراحتا باید در متن دفتر و در ستون ملاحظات قید و به امضا صاحب دفتر برسد. ماده سیزدهم - در دفتر ثبت نکاح و طلاق باید نکات ذیل قید شود: الف - برای عقد مزاجت ۱ - نمره و تاریخ ثبت با تمام حروف ۲ - تاریخ وقوع (روز - ماه - سال با تمام حروف ۳ - اسم زوج و زوجه به نحوی که در هویت آنها تردیدی نباشد. ۴ - نکاح دائم است یا منقطع و در صورت انقطاع مدت آن چیست ۵ - مهر. ۶ - سایر شرایط ضمن عقد نکاح و یا ضمن عقد لازم دیگر که بین زوجین مقرر شده است ۷ - امضا اشخاص مذکور در ماده ۱۰. ب - برای طلاق: ۱ - نمره و تاریخ ثبت با تمام حروف ۲ - تاریخ وقوع طلاق (روز - ماه - سال با تمام حروف ۳ - اسم زوج و زوجه به نحوی که در هویت آنان تردیدی نباشد. ۴ - نوع طلاق از رجعی و بائن و در صورت رجعی بودن تصریح به اینکه دفعه چندم است ۵ - امضا اشخاص مذکور در ماده ۱۰. ماده چهاردهم - صاحب دفتر مکلف است که فوراً پس از ثبت نکاح یا طلاق دو نسخه از سواد ثبت را تهیه و پس از امضا اشخاصی که دفتر ثبت را امضا کرده اند به هر یک از زوجین یا زوجین سابق یک نسخه بدهد. ماده پانزدهم - اوراق عقد و طلاق که مطابق مقررات این نظامنامه به ثبت برسد سند رسمی بوده و تمام محتویات و امضاهای مندرجه در آن معتبر خواهد بود مگر اینکه مجعولیت آن ثابت شود. در مورد مهریه سند رسمی ازدواج بدون احتیاج حکمی از محاکم عدلیه لازم الاجراء به تقاضای زوجه یا قائم مقام قانونی او صادر خواهد شد. ماده شانزدهم - ملغی شده است

نظامنامه ماده ۲ ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۰ (م ۱ تا م ۲)

نظامنامه ماده ۲ ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۰ (م ۱ تا م ۲) نظامنامه ماده ۲ ثبت ازدواج و طلاق نظامنامه ماده ۲ ثبت ازدواج و طلاق مصوب آبان ماه ۱۳۱۰ نظر به مدلول ماده ۲ قانون ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۲۳ مرداد ۱۳۱۰ و در تعقیب نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق مورخه ۱۷ مهرماه ۱۳۱۰ وزارت عدلیه مقرر می‌دارد: ماده ۱ - ذیل ثبت ازدواج و طلاق در دفتر به امضای مجری یا مجریان صیغه ازدواج یا طلاق خواهد رسید. ماده ۲ - سند ازدواج یا طلاق برای اینکه سند رسمی محسوب شود لازم است علاوه بر سایر شرایط مقرر در نظامنامه مذکور فوق به امضا اشخاص ذیل برسد: ۱ - زن و شوهر در سند ازدواج - شوهر در طلاقنامه ۲ - مجری یا مجریان صیغه ازدواج یا طلاق ۳ - امضا دو شاهد یا بیشتر به نحوی که سند مجموعاً دارای لاقول شش امضا باشد. تبصره - هرگاه زن و شوهر یا بعضی از شهود سواد نداشته باشند به جای امضا علامت انگشت خواهند گذارد.

واحد ارشاد و امداد در کنار دادگاههای مدنی خاص. مصوب ۲۰ (م ۱ تا م ۵)

ماده ۱ - اهداف بانظر به بندهای ۱ و ۳ و ۷ آئین‌نامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان که برنامه‌ریزی برای تقویت هرچه بیشتر نهاد مقدس خانواده و پاسداری از قد است آن و استواری پیوند خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی از اهم اهداف آن و از دیگر اهداف پیشگیری از ایجاد محرومیت‌های مادی و معنوی مادران و فرزندان آنها است و نیز برای رعایت حقوق همه جانبه زن بر پایه موازین اسلامی که طبق اصل ۲۱ قانون اساسی و اصل ۱۵۶، دولت موظف به حفظ کیان و بقای خانواده و حمایت از مادران و فرزندان است و با هدف حسن اجرای فرمان حکمیت در دادگاههای مدنی خاص و با توجه به این موارد، تشکیل واحد ارشاد و

امداد در کنار دادگاه‌های مدنی خاص تصویب می‌گردد: ۱- اصلاح بین زوجین به منظور استحکام بنای خانواده و جلوگیری از شقاق. ۲- بررسی کارشناسانه دعاوی خانواده ۳- کمک به تشخیص مصلحت کودک (برای حمایت مادران و حضانت فرزندان مطرح شده در قانون اساسی. ۴- ارشاد خانواده در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند. ماده ۲- تشکیلات ۱- واحد ارشاد و امداد خانواده در هر شعبه دادگاه مدنی خاص تشکیل می‌شود. ۲- واحد دارای سه عضو است ۳- انتخاب اعضا به وسیله رئیس دادگاه‌های مدنی خاص است ماده ۳- مشخصات اعضا: ۱- مسوول و سرپرست واحد، از بانوان متعهد و متاهل آشنا به مسائل فقهی و حقوقی و اجتماعی (لیسانس حقوق یا معادل حوزوی آشنا به قوانین مدون راجع به خانواده تبصره ۱- در صورتی که رئیس شعبه نتواند از میان بانوان سرپرست واجد شرایط را انتخاب کند، انتصاب از میان آقایان واجد شرایط بلامانع است تبصره ۲- در صورتی که اعضای واحد، دارای سابقه کارآموزی در دادگاه‌های مدنی خاص نباشند موظفند شش ماه یا بیشتر در دادگاه‌های مدنی خاص کارآموزی کنند. ۲- دو نفر کارشناس (یک مرد و یک زن متعهد و متاهل آشنا به مسائل اسلامی و حقوقی و دارای لیسانس در یکی از زمینه‌های تعلیم و تربیت مددکاری اجتماعی حقوق و مشاوره و تجربه بیش از شش ماه کارآموزی در دادگاه‌های مدنی تبصره - علاوه بر اعضای رسمی به تعداد مورد نیاز از زنان و مردان کارشناس متعهد و باتجربه در زمینه‌های پزشکی روان‌پزشکی و روان‌شناسی و غیره به عنوان مشاوره استفاده می‌شود. ماده ۴- وظایف و اختیارات وظایف واحد ارشاد و امداد خانواده برای رفع مسائل و مشکلات خانواده‌هایی که به دادگاه مدنی خاص مراجعه می‌کنند بدین قرار است ۱- رسیدگی به کلیه پرونده‌های راجع به دعاوی خانواده که در دادگاه مطرح می‌شود. تبصره - دادگاه پرونده‌های مطرح شده را برای بررسی کارشناسی به واحد ارشاد و امداد خانواده می‌فرستد. ۲- بررسی شکایات و سعی در رفع و حل مشکلات خانواده‌ها در حیطه وظایف و اختیارات دادگاه مدنی خاص براساس روش‌های اسلامی مانند دعوت از طرفین دعوا یا نزدیکان آنها و راهنمایی برای انتخاب حکمین قبل از طرح دعوا در دادگاه تبصره - در صورت لزوم از بانوان حقوقدان واجد شرایط و کالت به منظور دفاع از زنان بی‌بضاعت دعوت می‌شود. ۳- نظریه واحد همراه با مستندات پرونده به دادگاه ارائه می‌شود تا در حد نظریه کارشناسی برای دادگاه قابل اعتبار باشد. ۴- راهنمایی کامل طرفین برای پیگیری اجرای احکام صادر شده از دادگاه ۵- پیگیری اجرای احکام ارجاع شده از طرف دادگاه در بخش امداد و ارائه گزارش عملکرد نیروهای انتظامی به دادگاه ماده ۵- شیوه اجرای طرح ۱- آئین‌نامه اجرایی این طرح به تصویب رئیس دادگاه مدنی خاص می‌رسد. ۲- اعتبارات مالی واحد همه ساله در بودجه وزارت دادگستری منظور می‌شود. ۳- ارزیابی عملکرد سالیانه این واحد به وسیله قوه قضائیه انجام می‌شود و نتیجه مورد بهره‌برداری شورای فرهنگی و اجتماعی زنان به منظور اجرای بند ۱ آئین‌نامه تشکیل شورا قرار می‌گیرد.

قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور. مصوب ۸۲ (م ۱ تا م ۵)

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدمحمد خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران طرح نحوه اهدا جنین به زوجین نابارور که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۲۹/۴/۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی تصویب و به تایید شورای نگهبان رسیده است در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می‌گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کربوبی شماره ۲۶۷۰۹ ۲۳/۵/۱۳۸۲ وزارت دادگستری - وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی قانون نحوه اهدا جنین به زوجین نابارور که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و نهم تیر ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۸/۵/۱۳۸۲ به تایید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۳۳۷۰۴ مورخ ۱۴/۵/۱۳۸۲ واصل گردیده است به پیوست جهت اجرا ابلاغ می‌گردد. رئیس جمهور - سیدمحمد خاتمی قانون نحوه اهدا جنین به زوجین نابارور ماده ۱- به موجب این قانون کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذی صلاح مجاز خواهند بود با رعایت ضوابط

شرعی و شرایط مندرج در این قانون نسبت به انتقال جنین های حاصله از تلقیح خارج از رحم زوجهای قانونی و شرعی پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی ناباروری آنها (هر یک به تنهایی یا هر دو) به اثبات رسیده اقدام نمایند. ماده ۲- تقاضای دریافت جنین اهدایی باید مشترکا از طرف زن و شوهر تنظیم و تسلیم دادگاه شود و دادگاه در صورت احراز شرایط ذیل مجوز دریافت جنین را صادر می کند: الف- زوجین بنا به گواهی معتبر پزشکی، امکان بچه دار شدن نداشته باشند و زوجه استعداد دریافت جنین را داشته باشد. ب- زوجین دارای صلاحیت اخلاقی باشند. ج- هیچ یک از زوجین محجور نباشند. د- هیچ یک از زوجین مبتلا به بیماری صعب العلاج نباشند. ه- هیچ یک از زوجین معتاد به مواد مخدر نباشند. و- زوجین بایستی تابعیت جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند. ماده ۳- وظایف و تکالیف زوجین اهدا گیرنده جنین و طفل متولد شده از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر است. ماده ۴- بررسی صلاحیت زوجین متقاضی در محاکم خانواده، خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی صورت خواهد گرفت. و عدم تایید صلاحیت زوجین قابل تجدیدنظر می باشد. ماده ۵- آیین نامه اجرایی این قانون ظرف مدت سه ماه توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با همکاری وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر پنج ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و نهم تیر ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۸/۵/۱۳۸۲ به تایید شورای نگهبان رسیده است. رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی

قانون حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها. مصوب ۶۵ (ماه واحد)

ماده واحده - حضانت فرزندان صغیر یا محجوری که پدرانشان به مقام والای شهادت رسیده و یا فوت شده باشند با مادران آنها خواهد بود و هزینه متعارف زندگی این فرزندان چنانچه از اموال خودشان باشد در اختیار ولی شرعی است و اگر از طریق بودجه دولت یا بنیاد شهید پرداخت می شود در اختیار مادرانشان قرار می گیرد مگر آنکه دادگاه صالح در موارد ادعای عدم صلاحیت مادر حکم به عدم صلاحیت بکند. تبصره ۱- مقصود از محجور در این قانون مجنون یا سفیه ای است که حجرش متصل به صغر باشد. تبصره ۲- ازدواج مادرانی که در ماده واحده ذکر شده است مانع از حق حضانت آنها نمی گردد. تبصره ۳- حدود هزینه متعارف توسط دادگاه معین و به مادر یا نماینده قانونی او پرداخت خواهد شد. تبصره ۴- در مواردی که تعیین حدود هزینه متعارف یا عدم صلاحیت مادر به فرزندان شهدا، در دادگاه مطرح باشد بنیاد موظف است کارشناس خود را به دادگاه معرفی کند. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و چهار تبصره در جلسه روز یکشنبه ششم مرداد ماه یکهزار و سیصد و شصت و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳/۵/۱۳۶۴ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون ثبت احوال . مصوب ۱۳۵۵

فصل اول - کلیات (ماده ۱ الی ۹)

ماده ۱- وظایف سازمان ثبت احوال کشور به قرار زیر است الف- ثبت ولادت و صدور شناسنامه ب- ثبت واقعه وفات و صدور گواهی وفات ج- تعویض شناسنامه های موجود در دست مردم د- ثبت ازدواج و طلاق و نقل تحولات ه- صدور گواهی ولادت برای اتباع خارجه و- تنظیم دفاتر ثبت کل جمع آوری و تهیه کل وقایع و نام خانوادگی ز- جمع آوری و تهیه آمار انسانی سراسر کشور و انتشار آن ح- وظایف مقرر دیگری که طبق قانون به عهده سازمان گذاشته شده است ماده ۲- برای مطالعه و پیشنهاد روش های فنی و اظهار نظر درباره اصلاح یا تغییر فرم ها و نمونه های سجلی و آماری و نحوه جمع آوری و انتشار آنها و تهیه

دستورالعمل‌ها و روش‌های فنی سجلی و طرز جمع‌آوری اوراق باطله و تنظیم و نگهداری و حفاظت اسناد و مدارک سجلی در مرکز سازمان ثبت احوال کشور شورایی به نام شورای عالی ثبت احوال تشکیل می‌شود. اعضای شورای عالی ثبت احوال عبارت خواهند بود از رئیس سازمان ثبت احوال کشور یا قائم مقام او و یک نفر از استادان دانشکده حقوق به انتخاب رئیس دانشگاه تهران و یک نفر از قضات دادگستری با انتخاب وزیر دادگستری و یک نفر از کارمندان مطلع ثبت احوال به انتخاب رئیس سازمان ثبت احوال و نماینده مرکز آمار ایران ریاست شورا با معاون وزارت کشور و رئیس سازمان ثبت احوال کشور یا قائم مقام او می‌باشد و رای اکثریت لازم‌الاجرا خواهد بود. تبصره - نحوه جمع‌آوری و انتشار آمار انسانی و تهیه نمونه‌های مربوط به پیشنهاد سازمان ثبت احوال کشور پس از جلب نظر مرکز آمار ایران و تصویب شورای عالی ثبت احوال تعیین خواهد شد. ماده ۳- در مقر هر اداره ثبت احوال هیاتی به نام هیات حل اختلافات مرکب از رئیس اداره ثبت احوال و مسوول بایگانی یا معاونین یا نمایندگان آنان و یکی از کارمندان مطلع اداره مزبور به انتخاب رئیس اداره ثبت احوال استان تشکیل می‌شود، وظائف هیات حل اختلاف به قرار زیر است ۱- تصحیح هر نوع اشتباه در تحریر مندرجات دفتر ثبت کل وقایع و وفات بعد از امضای سند و قبل از تسلیم شناسنامه و گواهی ولادت یا وفات و تکمیل سند از نظر مشخصاتی که «نامعلوم بوده است مندرج در ماده ۲۹ این قانون ۲- رفع اشتباهات ناشی از تحریر ضمن ثبت وقایع یا نقل مندرجات اسناد و اعلامیه‌ها و مدارک به دفاتر ثبت کل وقایع و سایر دفاتر. ۳- ابطال اسناد و شناسنامه‌هایی که بیگانگان مورد استفاده قرار داده‌اند و طبق ماده ۴۴/ اعلام می‌شود. ۴- ابطال اسناد مکرر و یا موهوم و تصحیح اشتباه در ثبت جنس صاحب سند و تغییر نامهای ممنوع ۵- حذف کلمات زاید، غیر ضروری و یا ناشی از اشتباه در اسناد سجلی اشخاص ترتیب تقاضا و گردش کار دفاتر هیاتها و نحوه رسیدگی و ابلاغ تصمیمات در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. تبصره - تصحیح هر نوع اشتباه در تحریر مندرجات دفتر ثبت کل وقایع و وفات اگر قبل از امضا باشد با توضیح مراتب در حاشیه سند به عمل می‌آید و امضای کنندگان سند ذیل توضیح را امضای خواهند نمود. ماده ۴- رسیدگی به شکایات اشخاص ذی‌نفع از تصمیمات هیات حل اختلاف و همچنین رسیدگی به سایر دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال با دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش مستقل محل اقامت خواهان به عمل می‌آید و رای دادگاه فقط پژوهش پذیر است مهلت شکایت از تصمیم هیات حل اختلاف ده روز از تاریخ ابلاغ است تبصره - هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذی‌نفع مقیم خارج از کشور باشد رسیدگی با دادگاه محل صدور سند و اگر محل تنظیم سند و اقامت خواهان هر دو در خارج از کشور باشد با دادگاه شهرستان تهران خواهد بود. ماده ۵- سازمان ثبت احوال کشور در اجرای وظایفی که بر عهده دارد می‌تواند از وجود کارکنان سازمانهای دولتی و ارگانها و نهادهای انقلاب اسلامی موجود در محل استفاده نمایند. تبصره ۱- ماموران دولت و کارکنان بیمارستانها و گورستانها مکلفند با سازمان ثبت احوال کشور در اجرای وظایف قانونی همکاری نمایند. تبصره ۲- نحوه استفاده از خدمات افراد و سازمانها و ارگانها و نهادها به موجب آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ماده ۶- نماینده یا مامور ثبت احوال کسی است که از طرف سازمان ثبت احوال کشور و یا ادارات تابعه برای ثبت وقایع یا دریافت اطلاعات منصوب شده باشد. تبصره ۱- اعلام کننده کسی است که مکلف به اعلام واقعه می‌باشد و می‌تواند به شخص دیگری رسماً و کالت دهد تا از طرف او واقعه را اعلام نماید. تبصره ۲- گواه از لحاظ این قانون کسی است که صحت اظهارات اعلام کننده را گواهی می‌کند. ماده ۷- سن گواه و اعلام کننده نباید کمتر از ۱۸ سال تمام باشد. پدر و مادری که قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ازدواج کرده‌اند می‌توانند ولادت یا وفات فرزند خود را اعلام نمایند. ماده ۸- دفتر ثبت کل وقایع و وفات و شناسنامه و گواهی ولادت اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌ها و دفاتر ثبت کل وقایع و نام خانوادگی از اسناد رسمی است و تا زمانی که به موجب تصمیم هیات حل اختلاف یا رای دادگاه برحسب مورد تصحیح یا باطل نشده به قوت خود باقی می‌باشد. ماده ۹- رونوشت یا فتوکپی شناسنامه یا گواهی ولادت مراجعین به ادارات و موسسات دولتی و شهرداری و بخش خصوصی که برای انجام مراجعات آنها ضرورت دارد مستقیماً توسط آن مراجع تهیه خواهد شد.

فصل دوم - اسناد و دفاتر ثبت احوال (ماده ۱۰ الی ۱۱)

ماده ۱۰ - وقایع حیاتی هر فرد (ولادت ازدواج طلاق ، رجوع بذل مدت وفات در دفاتری به شرح زیر به ثبت می‌رسد: الف - دفتر ثبت کل وقایع - که در آن بدوا ولادت هر فرد ثبت و وقایع مربوط به ازدواج و طلاق ، رجوع و بذل مدت و وفات همسر، ولادت و وفات اولاد و وفات صاحب سند از روی مندرجات اعلامیه‌ها و مدارک در آن ثبت می‌گردد. ب- دفتر ثبت وفات- که در آن واقعه مربوط به وفات هر فرد به ثبت می‌رسد. تبصره ۱ - صفحات دفتر ثبت کل وقایع باید شماره گذاری شود و با تعیین تعداد کل صفحات نخ کشی و سرب و منگنه شده به امضای دادستان شهرستان یا نماینده او برسد. تبصره ۲ - دفتر ثبت کل وقایع هر سال پس از انقضای مدت صد و بیست سال از جریان خارج و به بایگانی راکد منتقل می‌شود. تبصره ۳ - هرگاه اسناد یا دفاتر از بین برود در صورت وجود سابقه از روی سوابق و در صورت نبودن سابقه با دعوت صاحبان اسناد به وسیله آگهی طبق مدارک موجود در دست آنان پس از رسیدگی دفاتر یا اسناد معدوم تجدید می‌گردد. ماده ۱۱ - دفتر ثبت کل وقایع و وفات پس از ثبت باید به امضای اعلام کننده و گواهان و مامور یا نماینده ثبت احوال برسد و مهر شود و در صورت وجود گواهی ماما یا پزشک نیازی به گواهان نخواهد بود. پس از تکمیل و امضای اسناد مزبور تصحیح یا تغییر مندرجات آن منحصرأ به موجب مقررات این قانون خواهد بود.

فصل سوم - ثبت ولاد (ماده ۱۲ الی ۲۱)

ماده ۱۲ - ولادت هر طفل در ایران اعم از این که پدر و مادر طفل ایرانی یا خارجی باشند باید به نماینده یا مامور ثبت احوال اعلام شود و ولادت اطفال ایرانیان مقیم خارج از کشور به مامور کنسولی ایران در محل اقامت و اگر نباشد به نزدیکترین مامور کنسولی و یاب‌سازمان ثبت احوال کشور اعلام شود. ماده ۱۳ - ولادت واقع در ایران به وسیله نماینده یا مامور ثبت احوال و ولادت واقع در خارج از کشور به وسیله ماموران کنسولی ایران دفتر ثبت کل وقایع به ثبت می‌رسد در این دفتر اطلاعات زیرقید می‌شود: ۱ - ساعت روز، ماه سال و محل ولادت استان و شهرستان - بخش دهستان (شهرروستا) و تاریخ ثبت آن ۲ - نام و نام خانوادگی صاحب سند و جنس ۳ - نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه یا شماره پروانه اقامت و یا گذرنامه و محل صدور شناسنامه یا پروانه اقامت یا گذرنامه و محل اقامت پدر و مادر. ۴ - نام و نام خانوادگی و محل اقامت و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه و نسبت اعلام کننده در صورتی که غیر از پدر و مادر صاحب سند باشد. ۵ - نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه و محل اقامت گواهان ۶ - نام و نام خانوادگی و امضای نماینده یا مامور و مهر ثبت احوال ۷ - شماره و سری برگ مخصوص دفتر ثبت کل وقایع ۸ - محل مخصوص ثبت و شماره کلاسمان آثار انگشتان صاحب سند. ۹ - محل مخصوص ثبت خلاصه اطلاعات راجع به ازدواج طلاق و یا وفات همسر. ۱۰ - محل مخصوص ثبت شماره مسلسل و سری شناسنامه‌های صادره ۱۱ - محل مخصوص ثبت خلاصه اطلاعات راجع به اولاد ۱۲ - محل مخصوص ثبت وفات ۱۳ - محل توضیحات تبصره - پس از ثبت ولادت اگر طفل ایرانی باشد شناسنامه صادر و تسلیم می‌گردد و اعلامیه برای ثبت واقعه در دفتر ثبت کل وقایع صفحه مخصوص پدر و مادر به اداره ثبت احوال محل صدور شناسنامه آنان فرستاده می‌شود و در صورتی که طفل خارجی باشد گواهی ولادت صادر و تسلیم می‌گردد. ماده ۱۴ - برای هر فرد شماره شناسنامه که مخصوص به او خواهد بود تعیین می‌گردد و شماره شناسنامه هر شخص در کلیه مدارک مربوط به ثبت احوال او باید قید گردد. ماده ۱۵ - ثبت ولادت باید مستند به تصدیق پزشک یا مامای رسمی یا موسسه‌ای که طفل در آنجا متولد گردیده است باشد، در غیر این صورت واقعه به تصدیق دو نفر گواه ثبت می‌شود. تبصره - مهلت اعلام ولادت پانزده روز از تاریخ ولادت طفل است روز ولادت و تعطیل رسمی بعد از آن آخرین روز مهلت به حساب نمی‌آید و در صورتی که ولادت در اثنای سفر زمینی یا هوایی یا دریایی رخ دهد مهلت اعلام آن از تاریخ رسیدن به مقصد محسوب می‌شود. ماده ۱۶ - اعلام

و امضای دفتر ثبت کل وقایع به ترتیب به عهده اشخاص زیر خواهد بود: ۱- پدر یا جد پدری ۲- مادر در صورت غیبت پدر و در اولین موقعی که قادر به انجام این وظیفه باشد. ۳- وصی یا قیم یا امین ۴- اشخاصی که قانوناً عهده دار نگهداری طفل می باشند. ۵- متصدی یا نماینده موسسه‌ای که طفل به آنجا سپرده شده است ۶- صاحب واقعه که سن او از ۱۸ سال تمام به بالا باشد. تبصره - در صورتی که ازدواج پدر و مادر طفل به ثبت نرسیده باشد اعلام ولادت و امضای اسناد متفقا به عهده پدر و مادر خواهد بود و هرگاه اتفاق پدر و مادر در اعلام ولادت میسر نباشد سند طفل با اعلام یکی از ابویین که مراجعه می کند با قید نام کوچک طرف غائب تنظیم خواهد شد. اگر مادر اعلام کننده باشد نام خانوادگی مادر به طفل داده می شود. ماده ۱۷- هرگاه ابویین طفل معلوم نباشند سند با نام خانوادگی آزاد و نامهای فرضی در محل اسامی ابویین تنظیم می گردد. تصحیح اسامی فرضی یا تکمیل مشخصات ناقص به موجب اقرارنامه موضوع ماده ۱۲۷۳ قانون مدنی یا حکم دادگاه یا مدارک حصر وراثت به عمل خواهد آمد و نام خانوادگی طبق احکام مربوط به نام خانوادگی اصلاح خواهد شد. موضوع فرضی بودن اسامی پدر و مادر در شناسنامه منعکس نخواهد شد. ماده ۱۸- نماینده یا مامور ثبت احوال ولادت طفل فاقد ولی راثبت و مراتب را برای اقدام قانونی به دادستان اطلاع خواهد داد. تبصره - در صورتی که طفل در مکانی متولد شود که خروج از آن ممنوع یا محتاج به اجازه مخصوص باشد نظیر ندامتگاه کانون اصلاح تربیت و غیره متصدیان این سازمان مکلف به اطلاع واقعه و ایجاد تسهیلات لازم برای انجام وظائف صاحب واقعه می باشند. ماده ۱۹- ماما یا پزشکی که در حین ولادت حضور و در زایمان دخالت داشته مکلف به صدور گواهی ولادت و ارسال یک نسخه از آن به ثبت احوال محل در مهلت اعلام می باشد. ماده ۲۰- انتخاب نام با اعلام کننده است برای نامگذاری یک نام ساده یا مرکب (حسین محمد مهدی و مانند آن که عرفاً یک نام محسوب می شود انتخاب خواهد شد. تبصره ۱- انتخاب نامهایی که موجب هتک حیثیت مقدسات اسلامی می گردد و همچنین انتخاب عناوین و القاب و نامهای زننده و مستهجن یا نامتناسب با جنس ممنوع است تبصره ۲- تشخیص نامهای ممنوع با شورای عالی ثبت احوال می باشد و این شورا نمونه های آن را تعیین و به سازمان اعلام می کند. تبصره ۳- انتخاب نام در مورد اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی تابع زبان و فرهنگ دینی آنان است تبصره ۴- در اسناد سجلی اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی کشور نوع دین آنان قید می شود. تبصره ۵- ذکر سیادت در اسناد سجلی ساداتی که سیادت آنان در اسناد سجلی پدر یا جد پدری مندرج باشد و یا سیادت آنان با دلایل شرعی ثابت گردد الزامی است مگر کسانی که خود را سید ندانند و یا عدم سیادت آنان شرعاً احراز شود. تبصره ۶- مراتب تشرف پیروان ادیان دیگر به دین مبین اسلام همراه با تغییرات مربوط به نام و نام خانوادگی آنان در اسناد سجلی ثبت می شود. ماده ۲۱- هرگاه از وضع حمل بیش از یک طفل متولد شود برای هریک دفتر ثبت کل وقایع جداگانه به ترتیب تولد و با ذکر ساعت ولادت تنظیم خواهد شد.

فصل چهارم - ثبت وفات (ماده ۲۲ الی ۳۰)

ماده ۲۲- وفات هر کس اعم از ایرانی یا خارجی و همچنین ولادت طفلی که مرده به دنیا آمده یا بلافاصله پس از ولادت بمیرد باید به مامور یا نماینده ثبت احوال اعلام شود. وفات ایرانیان در خارج از کشور به ماموران کنسولی محل اقامت یا به نزدیکترین ماموران کنسولی ایران یا به سازمان ثبت احوال کشور اعلام می شود. وفات ایرانیان و خارجیان ساکن کشور را ماموران و نمایندگان ثبت احوال و وفات ایرانیان در خارج از کشور را برحسب محل اعلام ماموران کنسولی ایران یا ماموران و یا نمایندگان ثبت احوال ثبت می کنند، وفات باید در سند ثبت وفات و همچنین در دفتر ثبت کل وقایع در صفحات مربوط به در گذشته و پدر و مادر او و شناسنامه متوفی ثبت و امضای و مهر گردد. وفات خارجیان پس از ثبت به شهربانی محل اعلام می شود و یک نسخه گواهی به سازمان ثبت احوال کشور فرستاده خواهد شد که به وزارت امور خارجه ارسال گردد. تبصره - گواهی وفات به هر شخصی که درخواست کند تسلیم می گردد. ماده ۲۳- در سند ثبت وفات باید اطلاعات زیر قید گردد: ۱- محل روز، ماه و سال وفات و تاریخ

ثبت ۲- نام و نام خانوادگی و جنس و تاریخ تولد و شغل و شماره شناسنامه یا پروانه اقامت و تاریخ و محل صدور شناسنامه یا پروانه اقامت در گذشته ۳- علت فوت در صورتی که مشخص باشد. ۴- نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه پدر و مادر در گذشته ۵- نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه و محل اقامت و سمت اعلام کننده ۶- نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه و محل اقامت و شغل گواهان ۷- نام و نام خانوادگی و امضای نماینده یا مامور ثبت احوال و اثر مهر. ۸- شماره و سری برگ مخصوص ثبت وفات ۹- محل توضیحات ماده ۲۴- واقعه وفات باید طبق تصدیق پزشک و در صورت نبودن پزشک با حضور دو نفر گواه ثبت گردد. در مورد طفلی که مرده به دنیا آمده یا بلافاصله پس از تولد بمیرد در صورت وجود پزشک در محل تصدیق پزشک ضروری است و در صورت نبودن پزشک گواهی دو نفر کافی است پزشکی که وقوع وفات به او اطلاع داده می شود در هر مورد مکلف به معاینه جسد و صدور تصدیق یا اظهار نظر می باشد و در صورت امکان تشخیص علت وفات باید تصدیق شود و به هر حال یک نسخه از تصدیق یا اظهار نظر خود را باید به ثبت احوال محل در مهلت مقرر ارسال نمایند. ماده ۲۵- مهلت اعلام وفات ده روز از تاریخ وقوع یا وقوف بر آن است روز وفات و تعطیل رسمی بعد از آخرین روز مهلت به حساب نمی آید و در صورتی که وفات در اثنای سفر رخ دهد مهلت اعلام آن از تاریخ رسیدن به مقصد احتساب خواهد شد. تبصره - ترتیب ثبت وقایع ولادت و وفات که پس از انقضا مهلت مقرر اعلام شود در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. ماده ۲۶- اعلام وفات و امضای سند ثبت وفات به ترتیب به عهده یکی از اشخاص زیر است ۱- نزدیکترین خویشاوند متوفی که در موقع وفات حاضر بوده است ۲- متصدی یا صاحب مکانی که وفات در آن رخ داده است یا نماینده او. ۳- هر شخصی که در موقع وفات حاضر بوده است ۴- ماموران انتظامی یا کدخدا. تبصره - متصدیان گورستان یا دفن مکلف به اطلاع وفات به ثبت احوال هستند. ماده ۲۷- در صورتی که وفات یا ولادت طی نامه رسمی از طرف ماموران انتظامی یا قضایی و یا سایر مقامات اعلام شود شماره و تاریخ اعلامنامه در سند درج و به منزله امضای سند خواهد بود. ماده ۲۸- در موارد زیر اعلام وفات به عهده مقامات زیر است ۱- در صورتی که وفات در اثر بروز سوانح از قبیل زلزله سیل طوفان و آتش سوزی شود مقامات انتظامی یا گروههای امدادی حاضر در محل مکلفند واقعه وفات را ضمن ارسال صورت حاوی نام و نام خانوادگی و حتی المقدور شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه و سن متوفی اعلام نمایند. ۲- وفات نظامیانی که در زمان صلح در سربازخانه و یا ضمن مانورهای نظامی یا در زمان جنگ واقع می شود وسیله فرمانده قسمت با تعیین نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه اعلام می گردد. ماده ۲۹- در مواردی که مشخصات متوفی معلوم نشود یا به بعضی از اطلاعاتی که باید در سند قید شود دسترسی نباشد در سند ثبت وفات به جای مشخصات عبارت (نام معلوم نوشته می شود تکمیل مشخصات نام معلوم با هیات حل اختلاف خواهد بود. ماده ۳۰- مدرک ثبت وفات فرضی غایب مفقود الاثر حکم قطعی دادگاه است مدیران دفاتر دادگاههایی که حکم قطعی وفات فرضی غائب مفقود الاثر از آن دادگاه صادر شده مکلفند یک نسخه از رای صادره را طی نامه رسمی به ثبت احوال محل ارسال دارند.

فصل پنجم - ازدواج و طلاق (ماده ۳۱ الی ۳۴)

ماده ۳۱- دارندگان دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مکلفند وقایع ازدواج و طلاق و رجوع را که در دفاتر مربوط ثبت می کنند در شناسنامه زوجین نیز درج و امضای و مهر نمایند و حداکثر هر پانزده روز یکبار وقایع ازدواج و طلاق و رجوعی را که در دفاتر به ثبت می رسد روی نمونه های مربوط تهیه و به ثبت احوال محل تحویل و رسید دریافت دارند. ازدواج و طلاق و رجوع ایرانیان در خارج از کشور باید به وسیله کنسولگریهای مربوط در دفاتری که از طرف ثبت احوال تهیه می شود ثبت و حداکثر هر یک ماه یکبار وقایع ازدواج و طلاق و رجوعی را که در دفاتر به ثبت می رسد روی نمونه های مخصوص تهیه و از طریق وزارت امور خارجه

به‌سازمان ثبت احوال کشور فرستاده شود. ماده ۳۲- طلاق، رجوع و بذل مدت که در دفتر رسمی طلاق به ثبت نرسیده باشد با ارائه اقرار نامه رسمی در اسناد ثبت احوال طرفین ثبت خواهد شد. ازدواج هایی که در دفاتر رسمی ازدواج به ثبت نرسیده باشد در صورت وجود شرائط زیر در اسناد سجلی زن و شوهر ثبت خواهد شد: ۱- ارائه اقرار نامه رسمی مبنی بر وجود رابطه زوجیت بین متقاضیان ثبت واقعه ازدواج ۲- در موقع تنظیم اقرار نامه سن زوج از بیست سال تمام و سن زوجه از هجده سال تمام کمتر نباشد. ۳- گواهی ادارات ثبت احوال محل صدور شناسنامه‌های زوجین به این که در تاریخ اعلام واقعه طرفین در قید ازدواج دیگری نمی‌باشند. تبصره - نمایندگان ثبت احوال مکلفند پس از ثبت واقعه رونوشت اقرارنامه را به دادسرای محل ارسال نمایند. ماده ۳۳- کل وقایع ازدواج و طلاق یا وفات زوج یا زوجه و رجوع و بذل مدت و فسخ نکاح باید در دفاتر ثبت کل وقایع ثبت شود ولی در شناسنامه به شرح زیر انعکاس خواهد یافت در المثنای شناسنامه مرد یا زن آخرین نکاح و طلاق یا بذل مدت و در صورت تعدد زوجات آن تعداد ازدواج که به قوت خود باقی است منعکس خواهد شد. ازدواج و طلاق غیر مدخوله در المثنای شناسنامه درج نخواهد شد. ماده ۳۴- افشای اطلاعات مذکور در دفاتر ثبت کل وقایع و اسناد سجلی جز برای صاحب سند و مقامات قضایی و دولتی ذی صلاح ممنوع است

فصل ششم - صدور شناسنامه (ماده ۳۵ الی ۳۷)

ماده ۳۵- صدور شناسنامه و سایر خدمات سجلی در مقابل دریافت وجه انجام خواهد شد که نحوه اخذ وجوه و میزان و نوع این خدمات به موجب آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ماده ۳۶- شناسنامه از روی دفاتر ثبت کل وقایع صادر و دارای مشخصات و اطلاعات زیر می‌باشد: ۱- آرم جمهوری اسلامی ایران ۲- محل مخصوص انگشت نگاری و شماره کلاسمان ۳- محل الصاق عکس ۴- شماره شناسنامه ۵- نام و نام خانوادگی و جنس دارنده آن ۶- تاریخ تولد به ترتیب روز و ماه و سال هجری شمسی و قمری تبصره - ذکر تاریخ هجری قمری از هنگام اجرای طرح تعویض شناسنامه برای نوزادان الزامی است ۷- محل تولد به ترتیب شهرستان بخش دهستان (شهر / روستا) ۸- نام و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه ابوبین ۹- تاریخ تنظیم سند به ترتیب روز و ماه و سال هجری شمسی ۱۰- محل تنظیم سند به ترتیب حوزه شهرستان بخش دهستان شهر / روستا) ۱۱- نام و نام خانوادگی مامور تنظیم کننده سند و امضای مامور صدور و مهر اداره ۱۲- شماره مسلسل و سری مخصوص شناسنامه ۱۳- محل مخصوص ثبت ازدواج طلاق و وفات همسر، ولادت فرزندان و وفات صاحب شناسنامه ۱۴- محل توضیحات ۱۵- محل مخصوص و مهر انتخابات تبصره ۱- شناسنامه‌های نمونه جدید افرادی که به سن ۱۵ سال تمام می‌رسند باید ملصق به عکس همان سال و اثر انگشت و کلاسمان انگشت نگاری صاحب آن باشد. تبصره ۲- شناسنامه اولیه باید در سی سالگی تمام با عکس همان سال صاحب آن تجدید شود. صاحب شناسنامه پس از رسیدن به سن سی سال ملتفت است ظرف یک سال برای تجدید آن مراجعه کنند. تبصره ۳- صدور شناسنامه مجدد و یا گواهی ولادت اتباع خارجه مطابق مقررات آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. تبصره ۴- به استثنای سازمان ثبت احوال کشور، دفاتر اسناد رسمی ازدواج و طلاق نمایندگی های دولت جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، اداره تشخیص هویت و پلیس بین الملل و اداره کل انتخابات هیچ یک از ارگانها و نهادها و موسسات دولتی و بخش خصوصی حق نقش مهر و درج هیچگونه مطلب و یا آثار دیگری بر روی شناسنامه ندارد. متخلف از این امر تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت ماده ۳۷- سازمان ثبت احوال کشور مکلف است به مجرد وصول اعلام ترک تابعیت و یا اخراج از تابعیت اشخاص از طرف وزارت امور خارجه ترک تابعیت و یا اخراج تابعیت را در دفاتر و اسناد مربوط منعکس و برگ ولادت یا شناسنامه را معدوم نماید.

فصل هفتم - صدور کارت شناسایی (ماده ۳۸ الی ۳۹)

ماده ۳۸- در نقاطی که دولت مقتضی بداند و اعلام کند کسانی که سن آنان از پانزده سال به بالا است باید دارای کارت شناسایی بوده و همیشه آن را همراه داشته باشند. کارت شناسایی حاوی مشخصات و اثر انگشت و عکس و نشانی محل سکونت و گروه‌های اصلی خون خواهد بود. ترتیب صدور و ترتیب درج مشخصات دارنده کارت شناسایی و چگونگی تحصیل اطلاعات مربوط به سکونت و سایر اطلاعات از قبیل گروه خون و اشخاصی که برای صغار و مجانین کارت شناسایی اخذ نمایند در آیین‌نامه اجرایی تعیین خواهد شد. ماده ۳۹- و تبصره‌های آن لغو شده است

فصل هشتم - نام خانوادگی (ماده ۴۰ الی ۴۲)

ماده ۴۰- تغییر نام خانوادگی با تصویب سازمان ثبت احوال کشور خواهد بود. تبصره - موارد تغییر نام خانوادگی مطابق آیین‌نامه اجرایی این قانون می‌باشد. ماده ۴۱- حق تقدم نام خانوادگی با رعایت تاریخ تقدم صدور اسناد مختص اشخاصی است که به نام آنان در دفاتر مخصوص نام خانوادگی ادارات ثبت احوال به ثبت می‌رسد و دیگری حق اختیار آن را در آن اداره ندارد مگر با اجازه دارنده حق تقدم و این حق پس از وفات به ورثه قانونی انتقال می‌یابد. هر یک از وراث می‌تواند شخصی که نام خانوادگی او را اختیار کرده مورد اعتراض قرار داده و تغییر نام خانوادگی او را از دادگاه بخواهد ولی وراث بالاتفاق می‌توانند به دیگری اجازه دهند که نام خانوادگی آنها را اختیار نماید. تبصره - نام خانوادگی فرزند همان نام خانوادگی پدر خواهد بود اگرچه شناسنامه فرزند در قلمرو اداره ثبت احوال دیگری صادر گردد. فرزندان کبیر می‌توانند برای خود نام خانوادگی دیگری انتخاب نمایند. ماده ۴۲- زوجه می‌تواند با موافقت همسر خود تا زمانی که در قید زوجیت می‌باشد از نام خانوادگی همسر خود بدون رعایت حق تقدم استفاده کند و در صورت طلاق ادامه استفاده از نام خانوادگی موکول با اجازه همسر خواهد بود.

فصل نهم - تعویض شناسنامه‌های موجود و نقل آن به دفاتر ثبت کل وقایع (ماده ۴۳ الی ۴۶)

ماده ۴۳- سازمان ثبت احوال کشور مکلف است شناسنامه‌های موجود در دست مردم را به تدریج تعویض نماید و کلیه افراد نیز مکلفند در مهلت‌های معین که سازمان ثبت احوال کشور طی آگهی در وسایل ارتباط جمعی و به ترتیب گروه سنی تعیین خواهد نمود به ماموران ثبت احوال محل اقامت خود برای اعلام هويت خود و وقایع حیاتی خود و ارائه مدارک و دریافت شناسنامه نمونه جدید مراجعه نمایند وفات ثبت نشده زوج و زوجه و فرزندان نیز ضمن این مراجعه باید اعلام شود. تبصره - چنانچه در طول اجرای طرح اشخاصی اعلام فقدان و یا درخواست تعویض شناسنامه نمایند که مشمول دوره تجدید آن گروه نباشد برای آنان طبق مقررات گواهی موقت صادر خواهد شد. ماده ۴۴- اشخاصی که در مهلت‌های معین در آگهی منتشره ماموران ثبت احوال را از داشتن شناسنامه مکرر یا استفاده از شناسنامه غیر یا دریافت شناسنامه موهوم یا استفاده از شناسنامه ایرانی با داشتن تابعیت خارجی مطلع نمایند از تعقیب و مجازات معاف خواهند بود والا پس از انقضای مهلت‌های معین جرائم مزبور مستمر شناخته شده و مشمول مجازات مصرح در مواد ۴۸ و ۴۹ این قانون خواهند بود. هويت دارندگان شناسنامه مکرر به انتخاب صاحبان و یا نمایندگان قانونی آنان تثبیت و هويت اشخاصی که از شناسنامه غیر استفاده نموده‌اند و همچنین مدارک ازدواج و طلاق و شناسنامه قانونی که صادر می‌شود خواهد بود. تبصره - تعویض شناسنامه همسر و فرزندان ضمن گروه سنی همسری که در مهلت مقرر مراجعه می‌کنند به عمل خواهد آمد و همچنین در موقع ثبت ولادت طفل شناسنامه پدر و مادر و افراد خانواده تعویض خواهد شد اگرچه مهلت مراجعه معین و آگهی نشده باشد. ماده ۴۵- هرگاه هويت تابعیت افراد مورد تردید واقع گردد و مدارک لازم جهت اثبات آن ارائه نشود مراتب برای اثبات هويت به مراجع انتظامی و برای اثبات تابعیت به شورای تامین شهرستان ارجاع و در صورت تایید طبق مقررات

اقدام خواهد شد. تبصره - در جلسات شورای تامین شهرستان که به منظور فوق تشکیل می گردد. رئیس اداره ثبت احوال محل نیز با داشتن حق رای شرکت خواهد داشت ماده ۴۶ - سازمان ثبت احوال کشور، پایان مهلت تعویض شناسنامه هر دوره را از طریق وسایل ارتباط جمعی آگهی خواهد داد. و پس از پایان مهلت اعلام شده شناسنامه و گواهیهای صادره قبلی از درجه اعتبار ساقط خواهد شد و منحصرأ شناسنامه‌های جدید جمهوری اسلامی ایران سند رسمی هویت و تابعیت افراد خواهد بود. تبصره - افرادی که در مهلت های مقرر مراجعه نکنند پس از تشخیص تخلف مراتب به دادگاه اعلام و طبق مقررات با آنان رفتار خواهد شد.

فصل دهم - تهیه مقدمات اجرای قانون (ماده ۴۷)

ماده ۴۷ - وزارت کشور مکلف است در مدت یکسال از تاریخ تصویب این قانون مقدمات اجرای آن را از حیث تهیه وسایل کار و تجهیزات و تامین کارکنان لازم و آموزش آنان فراهم نماید. دولت اعتبار لازم برای اجرای این قانون را تامین خواهد نمود

فصل یازدهم - مقررات کیفری (ماده ۴۸ الی ۵۵)

ماده ۴۸ - اشخاصی که از وظایف مذکور در مواد ۱۶ و ۱۹ و ۲۴ و ۲۶ و ۳۵ و تبصره ماده ۲۶ و تبصره یک ماده ۳۶ و مواد ۳۸ و ۴۳ خودداری کنند یا با در دست داشتن شناسنامه اقدام به اخذ المثنی نمایند مورد تعقیب قرار گرفته و علاوه بر الزام به انجام تکالیف مقرربه پرداخت دویست و یک هزار تا پنج هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. ولی هرگاه ماموران و مسوولینی که به موجب این قانون وظایفی برعهده دارند در اجرای آن تاخیر یا تعلل نمایند در دادگاههای اداری یا انتظامی طبق ضوابط مربوط تحت تعقیب قرار خواهند گرفت ماده ۴۹ - اشخاص زیر به حبس جنحه‌ای از شصت و یک روز تا شش ماه محکوم خواهند شد: الف - اشخاصی که در اعلام ولادت یا وفات یا هویت برخلاف واقع اظهاری نمایند. ب - اشخاصی که عالماً عامداً پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام از شناسنامه مکرر استفاده و یا به دریافت شناسنامه مکرر برای خود یا مولی علیه یا به دریافت شناسنامه موهوم مبادرت کنند و یا از شناسنامه دیگری خواه صاحب آن زنده یا مرده باشد بنام هویت خود استفاده نمایند. ج - ماما یا پزشکی که در مورد ولادت و وفات گواهی خلاف واقع صادر کند. د - اشخاصی که در مورد ولادت و وفات شهادت دروغ بدهند که شهادت آنان منجر به تنظیم دفتر ثبت کل وقایع و یا وفات گردد. ماده ۵۰ - افراد بیگانه که قبل از احراز تابعیت ایرانی به منظور ایرانی قلمداد کردن خود موجب تنظیم اسناد سجلی یا دریافت شناسنامه شوند به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد. ماده ۵۱ - هر کس عالماً عامداً پدر و یا مادر طفل را به غیر از پدر یا مادر واقعی در اسناد و دفاتر ثبت احوال اظهار و شناسنامه دریافت کند به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. تبصره - در مواردی که پدر یا مادر طفل معلوم نباشد و همچنین موارد مذکور در قانون حمایت کودکان بدون سرپرست از شمول این ماده مستثنی می باشد. ماده ۵۲ - مامورانی که عالماً عامداً در جرائم مذکور در مواد ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ این قانون به هر نحوی از انحاء کمک نمایند یا گواهی‌های خلاف را ملاک اجرای وظایف قانونی خود قرار دهند به مجازات مرتکب اصلی محکوم خواهند شد. ماده ۵۳ - آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون و نمونه‌های اوراق و اسناد مربوط وسیله وزارت کشور و وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۵۴ - از تاریخ اجرای این قانون و پایان مهلتهای معین قوانین ثبت احوال مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۰۷ و ۱۱ آذر ۱۳۱۰ و اول بهمن ۱۳۱۲ و دوم اردیبهشت ۱۳۱۹ لغو و هر قانونی که در مقام اجرا معارض این قانون باشد بلااثر است ماده ۵۵ - وزارت کشور، وزارت امور خارجه و وزارت دادگستری مامور اجرای این قانون هستند.

موضوع استفساریه نظر به اینکه در مورد تبصره ۳ و ۶ «قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق» که با اصلاحاتی در تاریخ ۲۸/۸/۱۳۷۱ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است جمعی معتقدند که مستفاد از تبصره ۳ قانون مذکور این است که تمام حقوق زوج نسبت به زوج اعم از نفقه و جهیزیه و مهر و غیر آن (که اجرت المثل خدمات زوج و نحله که در تبصره ۶ آمده نیز از حقوق زوج است باید قبل از اجرای صیغه طلاق به زوج تادیه شود و در حقیقت تبصره ۶ مصداق برای تبصره ۳ تعیین می‌کند، و مکمل آن است و جمع دیگر معتقدند که تبصره ۶ مستقل از تبصره ۳ هست و اجرت المثل و نحله که در این تبصره آمده پس از اجرای صیغه طلاق با درخواست مجدد زوج از دادگاه رسیدگی و حکم داده می‌شود و رسیدگی به آنها قبل از اجرای صیغه طلاق وجه قانونی ندارد. مستدعی است نظریه مجمع تشخیص مصلحت نظام در این خصوص اعلام گردد.

قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش. مصوب ۲۶ (ماده واحده)

ماده واحده - گواهی صادره از مراجع قضایی در خصوص عدم امکان سازش بین زن و شوهر، چنانچه ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ به دفتر ثبت طلاق تسلیم نشود، از اعتبار ساقط خواهد بود. در صورتی که ظرف مدت مقرر گواهی یاد شده جهت اجرای طلاق تسلیم دفتر ثبت طلاق شود سردفتر مکلف است به طرفین اعلام نماید تا جهت اجرای صیغه طلاق و ثبت آن حضور یابند، در صورت عدم حضور هر یک از طرفین در وقت مقرر، برای مرتبه دوم حداکثر ظرف مدت یک ماه دعوت و به شرح ذیل عمل خواهد شد: الف - در صورت امتناع زوج از حضور، زوج صیغه طلاق را جاری و پس از ثبت به وسیله دفتر خانه به اطلاع زوج رسانده می‌شود. ب - در صورت امتناع زوج از حضور و اجرای طلاق، دفتر مراتب را تایید و به دادگاه صادرکننده گواهی اعلام می‌دارد. دادگاه به درخواست زوج را احضار و در صورت امتناع از حضور، دادگاه با رعایت جهات شرعی صیغه طلاق را جاری و دستور ثبت و اعلام آن را به دفتر ثبت طلاق صادر می‌کند. ج - در صورتی که زوج به دفترخانه مراجعه ولی از اجرای صیغه طلاق امتناع نماید مطابق بند (ب) عمل خواهد شد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ یازدهم آبان ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۸/۸/۱۳۷۶ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون تصدیق انحصار وراثت. مصوب ۱۳۰۹ (م ۱ تا م ۱۴) با اصلاحات بعدی

ماده ۱- در هر موردی که یک یا چند نفر بخواهند مال متعلق به متوفایی را اعم از منقول یا غیر منقول یا اسنادی که نزد غیر است به عنوان وراثت اخذ نمایند و یا طلب متوفایی را به این عنوان وصول کنند و متصرف یا مدیون بدون انکار وجود مال یا دین یا اسناد تصدیقی برای سمت یا انحصار وراثت از آنها بخواهد باید به طریق ذیل رفتار شود. ماده ۲- شخص یا اشخاص مزبور باید برای تحصیل تصدیق وراثت و عده وراثت تقاضای کتبی به یکی از محاکم صلح محل اقامت دایمی متوفی یا محاکم بدایتی که وظایف صلحیه را، انجام می‌دهد تقدیم کند در صورتی که محل اقامت دایمی متوفی در خارج از مملکت باشد به یکی از محاکم صلح تهران باید مراجعه شود. تبصره در غیر این مورد خواه اختلاف در وراثت بوده و خواه شخصی که متصرف مال منقول یا غیر منقول است منکر باشد امر به اقامه دعوی در محاکم صالحه خاتمه خواهد یافت ماده ۳- امین صلح یا حاکم بدایتی که وظیفه صلحیه را انجام می‌دهد باید تمام ادله و اسناد مستدعی و یا مستدعیان تصدیق را از ورثه سجل احوال و شهادت شهود و غیره تحت نظر گرفته شرحیدر مجله رسمی و یکی از جراید محل به خرج مستدعی یا مستدعیان سه دفعه متوالیا ماهی یک دفعه اعلان کرده و پس از انقضای سه ماه از تاریخ نشر اولین اعلان در صورتی که معترضی نبوده تصدیقی مشعر بر وراثت و تعیین عده وراثت به مستدعی یا مستدعیان می‌دهد و در صورت اعتراض امین صلح و یا حاکم بدایتی که وظیفه صلحیه را انجام می‌دهد و مطابق اصول رسیدگی کرده حکم خواهد داد و این حکم قابل استیناف و تمیز خواهد بود در صورتی که معترض ادعای خود را تا دو ماه تعقیب نکرد به تقاضای

مستدعی یا مستدعیان حق اعتراض او ساقط و محکوم به ادای خسارت می شود. هر گاه مال منقول متعلق به متوفی که مورد مطالبه واقع شده بیش از پانصد ریال قیمت نداشته باشد انتشار اعلان مذکور فوق به عمل نخواهد آمد و امین صلح یا حاکم بدایت باید خارج از نوبت به تمام ادله و اسناد مستدعی تصدیق رسیدگی کرده و شهادت شهود را در صورتی که باشد استماع نموده رای مقتضی به دادن تصدیق یا رد تقاضا بدهد و در هر حال در این مورد مخارج مذکور در ماده ۸ اخذ نخواهد شد - رای محکمه دایر به رد تقاضای تصدیق قابل استیناف و تمیز است در کلیه مواردی که مدعی العموم تشخیص بدهد که متوفی بلا وراثت بوده و تقاضای شخص یا اشخاص برای صدور تصدیق بی اساس است مثل مدعی خصوصی می تواند بر تقاضای مذکور اعتراض کند و در موردی هم که مال منقول متعلق به متوفی بیش از ۵۰۰ ریال قیمت نداشته و بر اثر تقاضای شخص یا اشخاص تصدیق انحصار وراثت صادر شده باشد در صورتی که مدعی العموم متوفی را بلا وراثت بداند می تواند بر تصدیق مذکور اعتراض کند و در هر حال مدعی العموم حق دارد از رای محکمه که علیه او صادر شده استیناف و تمیز بخواهد، در مواردی که اشخاص به استناد تصدیق انحصار وراثت که قبل از اجرای این قانون صادر شده مطالبه مال یا حقی از دولت بنمایند مدعی العموم تا سه ماه از تاریخ اجرای این قانون حق اعتراض بر تصدیق مذکور خواهد داشت (اصلاحی به موجب قانون مصوب تیر ماه ۱۳۱۳). ماده ۴- در صورتی که با نبودن معترض رای امین صلح یا حاکم بدایتی که وظیفه صلحیه را انجام می دهد دایر به رد تقاضای مستدعی یا مستدعیان تصدیق باشد مستدعی یا مستدعیان تصدیق می توانند در ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ رای به نزدیکترین محکمه بدایت شکایت کنند و رای محکمه بدایت پس از استماع عقیده مدعی العموم قاطع خواهد بود. ماده ۵- مدیون یا متصرف مال متوفی باید در مقابل اخذ اصل و یاسواد مصدق تصدیق امین صلح یا حاکم بدایت دین خود را که به متوفی داشته و مال متعلق به او را که نزد خود دارد به صاحب یا صاحبان تصدیق تادیه و یا تسلیم کند در صورت استتکاف مسوول خسارات وارده بر دارندگان تصدیق خواهد بود و در صورت تادیه دین و یا تسلیم مال در مقابل هر مدعی وراثت بری محسوب خواهد شد و مدعی مزبور حق رجوع به شخص یا اشخاصی خواهد داشت که طلب متوفی را وصول و یا مال متعلق به او را دریافت نموده اند. ماده ۶- اگر اموال منقول و غیر منقول و وجه نقد متعلق به اشخاص مجهول الوارث که در تصرف دولت یا موسسات تجارتي و یا صرافیه و غیره و یا اشخاص است در ظرف ۱۰ سال نسبت به مال منقول و وجه نقد و بیست سال نسبت به مال غیر منقول از تاریخ فوت مالک کسی به عنوان وراثت ادعا نماید دیگر ادعایی پذیرفته نخواهد شد و اموال مزبور متعلق به دولت است که به مصرف موسسات خیریه برساند. تبصره موسسات تجارتي و صرافیه و غیره و یا اشخاصی که اموال مجهول الوارث نزد آنها است مکلفند به وسیله پارکه های بدایت هر محل آن اموال را تسلیم و یا تادیه به دولت نمایند. ماده ۷- مفاد مواد فوق در موردی نیز باید رعایت شود که اداره ثبت اسناد و املاک برای صدور سند مالکیت و یا تبدیل ملک که به نام متوفی ثبت شده است به اسم وراثت یا وارث او یا برای هر مقصود دیگری از تقاضاکننده سند مالکیت یا تبدیل و غیره تصدیقی برای وراثت و عده وراثت بخواهد. ماده ۸- مستدعی و مستدعیان تصدیق باید در موقع تقدیم دادخواست پانصد ریال تمبر الصاق نمایند. (افزایش به موجب قانون بودجه ۶۲). ماده ۹- هر گاه معلوم شود که مستدعی تصدیق با علم به عدم وراثت خود تحصیل تصدیق وراثت نموده یا با علم به وجود وراثتی غیر از خود تحصیل تصدیق برخلاف حقیقت کرده است کلاهبرداری محسوب و علاوه بر ادای خسارت به مجازاتی که به موجب قانون برای این جرم مقرر است محکوم خواهد شد. ماده ۱۰- هر شاهی که در موضوع تحصیل تصدیق وراثت برخلاف حقیقت شهادت دهد برای شهادت دروغ تعقیب و به مجازاتی که برای این جرم مقرر است محکوم خواهد شد. ماده ۱۱- هر گاه متصرفین مال متعلق به اشخاص مجهول الوارث و یا مدیونین به اشخاص مزبور بعد از انقضای مدتی که به موجب ماده ۶ مقرر است مال و یا دین و یا منافع حاصله از آن را مطابق تبصره ماده مذکور به دولت تسلیم و یا تادیه نمایند به مجازاتی که به موجب قوانین جزائی برای خیانت در امانت مقرر است محکوم خواهند شد. در صورتی که متصرف یا مدیون شرکت باشد مدیر شرکت و یا شعبه آن متصرف و یا مدیون است مسوول اجرای مقررات

تبصره ماده ۶ بوده و در صورت تخلف به مجازات مذکور فوق محکوم خواهد شد. ماده ۱۲- اگر مال در معرض تلف و تضییع بوده و یا اعتبار مدیون و یا کسی که مال نزد اوست مشکوک باشد محکمه می تواند برای حفظ مال اقدامات لازمه را اعم از فروش یا تودیع آن به محل معتبری و یا گرفتن ضامن به عمل آورد. ماده ۱۳- امین صلح یا حاکم بدایتی که وظیفه صلحیه را انجام میدهد در صورتی که مدرک استشهادنامه بوده و هويت شهود یا انتساب امضا یا مهر به منتسب‌الیه در نزد محکمه معلوم نبوده و یا مفاد شهادت مجمل و مبهم باشد میتواند شهود را احضار کرده و شهادت آن را استماع کند. چنانچه شاهد در خارج از مقر محکمه ساکن باشد تحقیق از شاهد به وسیله محکمه محل اقامت شاهد یا نزدیکترین محکمه محل اقامت شاهد به عمل خواهد آمد. در تصدیق انحصار وراثت امین صلح یا حاکم بدایت باید نسبتی را که مستدعی یا مستدعیان تصدیق با مورث خود دارند و همچنین نسبت سهم الارث آنها را از متروکات به نحو اشاعه معین نماید. (الحاقی به موجب قانون مصوب آذر ۱۳۱۳). ماده ۱۴- هرگاه تقاضای تصدیق انحصار وراثت برای تقدیم اظهارنامه ثبت املاک و یا به طور کلی مربوط به امور مذکور در ماده ۷ به عمل آید تقاضاکننده باید تصدیقی از اداره ثبت مشعر بر لزوم اثبات انحصار وراثت تحصیل کرده و به تقاضانامه خود ضمیمه نماید. (الحاقی به موجب قانون مصوب آذر ۱۳۱۳). در این صورت امین صلح یا حاکم بدایت اعلان مذکور در ماده ۳ رابه اداره ثبت محل ارسال می دارد تا جز اعلانات ثبت منتشر شده و مخارج اعلان نیز مثل اعلانات ثبت محسوب گردد. در مورد این ماده فقط نصف مخارج مذکور در ماده ۸ اخذ خواهد شد.

قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹

باب اول در کلیات (م ۱ الی م ۴۷)

ماده ۱- امور حسبی اموری است که دادگاهها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون این که رسیدگی به آنها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوی از طرف آنها باشد. ماده ۲- رسیدگی به امور حسبی تابع مقررات این باب می باشد مگر آن که خلاف آن مقرر شده باشد. ماده ۳- رسیدگی به امور حسبی در دادگاههای حقوقی به عمل می آید. ماده ۴- در موضوعات حسبی هرگاه امری در خارج از مقر دادگاهی که کار در آن جا مطرح است باید انجام شود دادگاه مزبور می تواند انجام امر را به دادگاهی که کار در حوزه آن باید بشود ارجاع نماید و در این صورت دادگاه نامبرده امر ارجاع شده را انجام و نتیجه را به دادگاه ارجاع کننده امر می فرستد. ماده ۵- مقررات راجع به نیابت قضائی که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده شامل امور حسبی خواهد بود. ماده ۶- در صورتی که دو یا چند دادگاه برای رسیدگی به موضوع صالح باشند دادگاهی که بدوا به آن رجوع شده است رسیدگی می نماید. ماده ۷- در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت دادگاهها رفع اختلاف به ترتیب مقرر در آیین دادرسی مدنی به عمل می آید. ماده ۸- دادرس باید در موارد زیر از مداخله در امور حسبی خودداری کند. ۱- اموری که در آنها ذینفع است ۲- امور راجع به زوجه خود (زوجه که در عده طلاق رجعی است در حکم زوجه است. ۳- امور اقربای نسبی و سببی خود درجه یک و دو از طبقه اول و درجه یک از طبقه دوم ۴- امور راجع به اشخاصی که سمت ولایت یا قیمومت یا نمایندگی نسبت به آنها دارد. ماده ۹- در موارد خودداری دادرس هرگاه در آن حوزه دادرسی صلاحیت دار برای رسیدگی نباشد رسیدگی به دادگاه نزدیکتر ارجاع می شود. ماده ۱۰- در موارد ماده ۸ دادرس باید از رسیدگی خودداری نماید ولی اشخاص ذینفع نمی توانند به استناد این ماده دادرسی را رد نمایند. ماده ۱۱- عدم صلاحیت محلی دادگاه یا خودداری دادرس از مداخله در خصوص اموری رافع آثار قانونی اقدام یا تصمیمی که به عمل آمده است نخواهد بود. ماده ۱۲- روزهای تعطیل مانع از رجوع به دادرس در امور حسبی نیست ولی دادرس می تواند رسیدگی را در روزهای تعطیل به تاخیراندازد مگر این که امر از امور فوری باشد. ماده ۱۳-

درخواست در امور حسبی ممکن است کتبی یا زبانی باشد - درخواست زبانی در صورت مجلس نوشته شده و به امضای درخواست کننده می‌رسد. ماده ۱۴- در امور حسبی دادرس باید هر گونه بازجویی و اقدامی که برای اثبات قضیه لازم است به عمل آورد، هر چند درخواستی از دادرس نسبت به آن اقدام نشده باشد و در تمام مواقع رسیدگی می‌تواند دلایلی که مورد استناد واقع می‌شود قبول نماید. ماده ۱۵- اشخاص ذینفع می‌توانند شخصا در دادگاه حاضر شوند یا نماینده بفرستند و نیز می‌توانند کسی را به سمت مشاور همراه خود به دادگاه بیاورند و در صورتی که نماینده به دادگاه فرستاده شود نمایندگی او باید نزد دادرس محرز شود. تبصره - نماینده اعم از وکلای دادگستری یا غیر آنهاست ماده ۱۶- حساب مواعد به ترتیبی است که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده است و اگر روز آخر موعد مصادف با تعطیل شود آخر موعد روز بعد از تعطیل خواهد بود. ماده ۱۷- در مهلت‌هایی که مسافت رعایت می‌شود ترتیب آن مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به مسافت است ماده ۱۸- اشخاص ذینفع می‌توانند پرونده‌های امور حسبی را ملاحظه نموده و از محتویات آن رونوشت گواهی شده یا گواهی نشده از دفتر دادگاه بگیرند. ماده ۱۹- هر گاه ضمن رسیدگی به امور حسبی دعوایی از طرف اشخاص ذینفع حادث شود که رسیدگی به امور حسبی متوقف به تعیین تکلیف نسبت به آن دعوی باشد دادرس در صورت درخواست دستور موقتی در موضوع آن دعوی مطابق مقررات دادرسی فوری صادر می‌نماید. ماده ۲۰- اقدام و دخالت دادستان در امور حسبی مخصوص به مواردی است که در قانون تصریح شده است ماده ۲۱- در مواردی که دادستان مکلف به اقدام می‌باشد اقدام به عهده دادرسی دادگاه شهرستانی است که رسیدگی در حوزه آن دادگاه به عمل می‌آید. ماده ۲۲- دادرس پس از تمام شدن بازجویی و رسیدگی منتهی در ظرف دو روز تصمیم خود را اعلام می‌نماید. ماده ۲۳- تصمیم دادرس باید موجه و مدلل باشد. ماده ۲۴- در مواردی که تصمیمات دادگاه باید ابلاغ شود ترتیب ابلاغ مانند مقررات آیین دادرسی مدنی است ماده ۲۵- در صورتی که ابلاغ در کشور بیگانه باید به عمل آید دادرس می‌تواند ترتیب سهلتری برای ابلاغ در نظر گرفته و دستور دهد. ماده ۲۶- هر گاه شخصی که تصمیم دادگاه باید به او ابلاغ شود در دادگاه حاضر باشد تصمیم دادگاه به او اعلام و این عمل ابلاغ محسوب است و رونوشت نیز به او داده می‌شود. ماده ۲۷- تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش و فرجام نیست جز آنچه در قانون تصریح شده باشد. ماده ۲۸- مرجع شکایت پژوهشی از تصمیمات قابل پژوهش در امور حسبی دادگاهی است که مطابق آیین دادرسی مدنی صلاحیت رسیدگی پژوهشی به احکام دادگاه صادر کننده تصمیم در مورد دعاوی دارد. ماده ۲۹- مدت پژوهش همان است که برای پژوهش احکام در آیین دادرسی مدنی مقرر شده است ماده ۳۰- در صورتی که پژوهش خواه اثبات کند که پژوهش نخواستن او در موعد به واسطه عذر موجه بوده و در ظرف ده روز از تاریخ رفع عذر، پژوهش بخواهد دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهشی است می‌تواند مهلت پژوهش را تجدید نماید مشروط به این که از تاریخ انقضای مدت پژوهش بیش از ششماه نگذشته باشد. ماده ۳۱- مهلت جدید نباید بیش از موعد پژوهشی باشد و درخواست تجدید مهلت بیش از یک دفعه پذیرفته نیست ماده ۳۲- شکایت پژوهشی به دفتر دادگاهی که صادر کننده تصمیم مورد شکایت بوده داده می‌شود و دفتر نامبرده باید فوراً شکایت نامه را ثبت و رسید آن را به شاکی داده و منتهی در ظرف دو روز شکایت نامه را با برگهای مربوط به آن به دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهشی است بفرستد. ماده ۳۳- شکایت پژوهشی ممکن است شفاهی باشد در این صورت شکایت نامبرده در صورت مجلس دادگاه درج و به امضای شاکی و دادرس می‌رسد و این صورت مجلس با برگهای مربوط به دادگاه مرجع رسیدگی پژوهشی فرستاده خواهد شد. ماده ۳۴- شکایت پژوهشی ممکن است مبنی بر جهات یا ادله جدید باشد. ماده ۳۵- شکایت پژوهشی موجب تعویق اجرا تصمیم مورد شکایت نمی‌شود مگر این که دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌کند قرار تاخیر اجرای آن را بدهد. ماده ۳۶- تصمیم دادگاه استان به اتفاق یا به اکثریت آرا معلوم می‌شود. ماده ۳۷- دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌نماید هر گونه رسیدگی و تحقیقی را که مفید و لازم بداند بدون احتیاج به درخواست به عمل می‌آورد و پس از رسیدگی اگر تصمیم مورد شکایت را صحیح بداند آن را تایید و چنانچه نقصی در تصمیم نامبرده مشاهده کند موافق نظر خود آن را تکمیل

می‌نماید و هرگاه تصمیم مورد شکایت را صحیح نداند آن را الغا نموده و تصمیم مقتضی را اعلام می‌نماید. ماده ۳۸- هرگاه در تصمیم دادگاه اشتباهی در حساب یا سهو قلم یا اشتباهات دیگری رخ دهد مثل از قلم افتادن نام یکی از اشخاص ذینفع یا زیاد شدن نامی - مادام که آن تصمیم به وسیله شکایت به دادگاه بالاتر از دادگاه خارج نشده باشد دادگاه صادر کننده تصمیم مستقلاً یا به درخواست یکی از اشخاص ذینفع آن را تصحیح می‌نماید و این تصحیح زیر تصمیم دادگاه یا برگ دیگری که پیوست آن می‌شود نوشته خواهد شد. دادن رونوشت از تصمیم دادگاه بدون پیوست نامبرده ممنوع است تصحیح به اشخاص که تصمیم دادگاه باید ابلاغ شود، ابلاغ می‌شود و در مواردی که تصمیم دادگاه قابل پژوهش است تصحیح آنها در مدت مقرر برای پژوهش قابل پژوهش خواهد بود. ماده ۳۹- هرگاه تصمیم دادگاه از اعتبار افتاده باشد تصحیح هم از اعتبار خواهد افتاد. ماده ۴۰- هرگاه دادگاه راسا یا برحسب تذکر به خطای تصمیم خود برخورد در صورتی که آن تصمیم قابل پژوهش نباشد می‌تواند آن را تغییر دهد. ماده ۴۱- تصمیمی که در زمینه درخواستی به عمل آمده است تغییر آن هم محتاج به درخواست است ماده ۴۲- هرگاه در استنباط از مواد قانون بین دادرس‌هایی که رسیدگی پژوهشی می‌کنند اختلاف نظر باشد دادگاهی که به امرحسبی رسیدگی پژوهشی می‌نماید می‌تواند به توسط دادستان دیوان کشور نظر هیات عمومی دیوان کشور را بخواهد و در این صورت دادگاه نظر خود را با دلایل آن برای دادستان دیوان کشور می‌فرستد و پس از آن که دیوان کشور نظر خود را اعلام کرد دادگاه مکلف است مطابق آن عمل نماید. ماده ۴۳- دادستان دیوان کشور از هر طریقی که مطلع به سو استنباط از مواد این قانون در دادگاهها بشود یا به اختلاف نظر دادگاهها راجع به امورحسبی اطلاع حاصل کند که مهم و مؤثر باشد نظر هیات عمومی دیوان کشور را خواسته و به وزارت دادگستری اطلاع می‌دهد که به دادگاهها ابلاغ شود و دادگاهها مکلفند برطبق نظر مزبور رفتار نمایند. ماده ۴۴- کسانی که تصمیم دادگاه را در امور حسبی برای خود مضربدانند می‌توانند بر آن اعتراض نمایند خواه تصمیم از دادگاه نخست صادر شده و یا از دادگاه پژوهشی باشد و حکمی که در نتیجه اعتراض صادر می‌شود قابل پژوهش و فرجام است ماده ۴۵- مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به نظم جلسه رسیدگی شامل امور حسبی نیز خواهد بود. ماده ۴۶- در امور حسبی اگر دادرس آشنا به زبان اشخاص باشد ملزم به مداخله دادن مترجم نیست و در صورت احتیاج به مترجم دادرس می‌تواند کسی که طرف اعتماد او است برای ترجمه انتخاب نماید. مترجم نباید از اشخاص مذکور در ماده ۸ انتخاب شود. ماده ۴۷- در مورد دعوی خیانت یا عدم لیاقت و سایر موجبات عزل وصی یا قیم یا ضم امین ترتیب رسیدگی مطابق مقررات این قانون است و حکمی که در این خصوص صادر می‌شود مطابق آیین دادرسی مدنی قابل پژوهش و فرجام است

باب دوم در قیمومیت (م ۴۸ تا م ۵۴)

فصل اول صلاحیت دادگاه قیمومیت

ماده ۴۸- امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن دادگاه است و اگر محجور در ایران اقامتگاه نداشته باشد دادگاهی که محجور در حوزه آن دادگاه سکنی دارد برای امور قیمومت صالح است ماده ۴۹- هرگاه محجور در خارج از ایران اقامت یا سکنی داشته باشد امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستان تهران است ماده ۵۰- در صورتی که محجور در خارج ایران اقامت یا سکنی دارد و مطابق ماده ۱۲۲۸ قانون مدنی مامور کنسولی ایران قیم موقت برای محجور معین نماید اگر دادگاه تهران تصمیم مامور کنسولی را تنفیذ نکند تعیین قیم با دادگاه نامبرده خواهد بود. ماده ۵۱- در صورتی که متوفی دارای صغاری باشد که اقامتگاه آنها مختلف است دادگاهی که برای یک نفر از صغار بدوا تعیین قیم کرده است می‌تواند برای صغاری هم

که در حوزه آن دادگاه اقامت ندارند قیم معین نماید و اگر قیم معین نشده باشد دادگاهی که کوچکترین صغیر در حوزه آن اقامت دارد برای تعیین قیم نسبت به تمام صغار صلاحیت خواهد داشت و اگر معلوم نباشد کدام یک از صغار کوچکترند هر یک از دادگاهها که صغیر در حوزه آن دادگاه اقامت دارد صالح است ماده ۵۲- هرگاه در اقامتگاه محجور دادگاه صلاحیتدار برای امور قیمومت نباشد، امور مزبور با نزدیکترین دادگاه صلاحیتدار به اقامتگاه محجور خواهد بود. ماده ۵۳- در صورتی که اقامتگاه محجور معلوم نباشد امور قیمومت با دادگاهی است که محجور در حوزه آن دادگاه یافت می‌شود. ماده ۵۴- عزل و تعیین قیم جدید و تعیین قیم موقت و سایر امور محجور که راجع به دادگاه است با دادگاهی است که بدو تعیین قیم کرده است

فصل دوم ترتیب تعیین قیم (م ۵۵ تا م ۷۳)

ماده ۵۵- علاوه بر اشخاص مذکور در ماده ۱۲۱۹ و ۱۲۲۰ و ۱۲۲۱ قانون مدنی شهرداری و اداره آمار و ثبت احوال و مامورین آنها و دهقان و بخشدار در هر محل مکلفند پس از اطلاع به وجود صغیری که محتاج به تعیین قیم است به دادستان شهرستان شهرستان حوزه خود اطلاع دهند. ماده ۵۶- هر یک از دادگاهها که در جریان دعوی مطلع به وجود محجوری شود که ولی یا وصی یا قیم نداشته باشد باید به دادستان برای تعیین قیم اطلاع بدهد. ماده ۵۷- در رسیدگی به درخواست حجر دادگاه نسبت به اشخاصی که مجنون یا سفیه معرفی شده‌اند هرگونه تحقیقی که لازم بداند به عمل می‌آورد و می‌تواند اشخاصی که اطلاعات آنها را قابل استفاده بداند احضار نموده و یا برای تحقیق از اشخاص نامبرده نماینده بفرستد و پس از رسیدگی و تحقیقات لازم و احراز حجر حکم به حجر می‌دهد و در صورت عدم احراز حجر درخواست حجر را رد می‌نماید. ماده ۵۸- هرگاه دادگاه لازم بداند از کسی که محجور معرفی شده تحقیق کند و آن شخص نتواند در دادگاه به واسطه عذر موجه حاضر شود دادرس دادگاه شخصا یا به وسیله نماینده در خارج از دادگاه از او تحقیق می‌نماید. ماده ۵۹- هرگاه صغیری که ولی خاص ندارد در زمان رسیدن به سن رشد سفیه یا مجنون باشد قیم باید به دادستان جنون یا سفیه او را اطلاع دهد و دادستان پس از اطلاع به این امر مکلف است در موضوع جنون و سفاهت تحقیق نموده و دلایل آن را اعم از نظریات کارشناس و اطلاعات مطلعین و غیره به دادگاه بفرستد و دادگاه پس از رسیدگی و احراز جنون یا سفیه حکم به استمرار و بقا حجر صادر می‌نماید در این صورت ممکن است قیم سابق را هم به قیمومت ابقا نمود. ماده ۶۰- برای چند نفر از اشخاص محتاج به قیم می‌توان یک قیم معین نمود مگر آن که اداره امور هر یک از آنها محتاج به قیم علیحده باشد. ماده ۶۱- پدر یا مادر محجور مادام که شوهر ندارد با داشتن صلاحیت برای قیمومت بر دیگران مقدم می‌باشد. ماده ۶۲- در صورت محجور شدن زن شوهر با داشتن صلاحیت برای قیمومت بر دیگران مقدم است ماده ۶۳- در مورد تعدد قیم و همچنین در موردی که ناظر معین شده است دادگاه معین می‌کند که در صورت اختلاف نظر بین قیم‌ها یا بین قیم و ناظر به دادگاه یا شخص ثالثی رجوع نماید و یا ترتیب دیگری را برای رفع اختلاف پیش‌بینی نماید. ماده ۶۴- دادگاه می‌تواند شخصی را که درخواست حجر او شده است قبل از صدور حکم و یا بعد از صدور حکم و قبل از قطعی شدن آن از بعضی یا تمام تصرفات در اموال موقتا ممنوع نماید و در این صورت دادگاه امینی موقتا برای حفظ اموال و تصرفاتی که ضرورت دارد معین می‌نماید. ماده ۶۵- بعد از قطعی شدن حکم حجر به واسطه انقضا مدت پژوهش یا صدور حکم پژوهشی به حجر اقدام به تعیین قیم می‌گردد. ماده ۶۶- دادستان و محجور و قیم محجور نسب به تصمیمات دادگاه در موارد زیر می‌توانند پژوهش بخواهند، اگر قیم متعدد باشد هر یک از آنها حق پژوهش دارند. ۱- حکم حجر. ۲- حکم بقا حجر. ۳- رفع حجر. ۴- رد درخواست حجر. ۵- رد درخواست بقا حجر. ۶- رد درخواست رفع حجر. ماده ۶۷- نصب قیم در صورتی که قیم در دادگاه حاضر باشد حضورا به او اعلام و اگر در دادگاه حاضر نباشد باید فوراً به او ابلاغ گردد. ماده ۶۸- قیم باید در ظرف سه روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت قبول یا عدم قبول قیمومت را به دادستان اطلاع دهد و اگر

در این مدت قبولی خود را اطلاع نداد یا قیمومت را قبول نکرد دادستان دادگاه را برای تعیین شخص دیگری به سمت قیمومت مطلع می‌کند و هرگاه قبل از تعیین قیم جدید شخصی که قبلاً به قیمومت معین شده قبول قیمومت را به دادستان اطلاع دهد شخص دیگری معین نخواهد شد. ماده ۶۹- دادگاه در تمام امور تصمیمات خود را به هر طریقی که مقتضی بداند به دادستان اطلاع می‌دهد. ماده ۷۰- اثر حجر از تاریخ قطعیت حکم مترتب می‌شود لیکن اگر ثابت شود که علت حجر قبل از تاریخ حجر وجود داشته اثر حجر از تاریخ وجود علت حجر مترتب می‌شود. ماده ۷۱- در مواردی که علت حجر بعد از رشد حادث شده باشد دادگاه باید ابتدای تاریخ حجر را که بر او معلوم شده است در حکم خود قید نماید. ماده ۷۲- حکم حجر یا رفع حجر مانع نیست که اگر اهلیت یا عدم اهلیت یکی از متعاملین در دادگاهی قبل از حکم حجر و یا بعد از رفع حجر ثابت شود دادگاه به آنچه نزد او ثابت شده است ترتیب اثر دهد. ماده ۷۳- در صورتی که محجور ولی یا وصی داشته باشد دادستان و دادگاه حق دخالت در اداره امور او ندارند و فقط دادرس بعد از رسیدگی لازم می‌تواند وصایت وصی را تصدیق نماید.

فصل سوم اختیارات و مسؤولیت قیم (م ۷۴ تا م ۹۵)

ماده ۷۴- قیم از تاریخی که سمت قیمومت به او اطلاع داده می‌شود شروع به اعمال قیمومت خواهد نمود. ماده ۷۵- هرگاه قیم پس از تاریخ نصب و قبل از ابلاغ به او عملی به عنوان قیمومت نسبت به محجور کرده باشد نافذ است ماده ۷۶- قیم در سیاهه اموال محجور که در ابتدای دخالت خود تنظیم می‌کند باید بر گهایی که دارای اهمیت است ذکر نماید و بر گهایی که بها و اهمیتی ندارد، هر نوعی از آنها را علیحده بایگانی و عدد بر گها را در سیاهه دارایی قید کند. ماده ۷۷- قیم باید اجرت کسی که برای حفظ اموال از طرف دادستان یا دادرس معین شده است از مال محجور بپردازد. ماده ۷۸- قیم می‌تواند هزینه تهیه صورتحساب و تسلیم اموال را اگر از اموال محجور برداشته است پس از زوال سمت خود از محجوری که رفع حجر او شده یا کسی که به جای او به سمت قیمومت منصوب شده است مطالبه نماید. ماده ۷۹- قیم باید در تربیت و اصلاح خود محجور سعی و اهتمام نماید و در امور او رعایت مصلحت را بنماید. ماده ۸۰- قیم باید اموال ضایع شدنی محجور را بفروشد و از پول آن با رعایت مصلحت محجور مالی خریداری و یا به ترتیب دیگری که مصلحت باشد رفتار نماید. ماده ۸۱- قیم می‌تواند با رعایت مصلحت اموال منقوله‌ای که مورد احتیاج محجور نیست فروخته و نسبت به پول آن مطابق ماده فوق عمل نماید. ماده ۸۲- قیم باید هزینه زندگانی محجور و اشخاص واجب‌التفقه و همچنین هزینه معالجه آنها را در بیمارستان و غیره و هزینه لازم دیگر از قبیل هزینه تربیت اطفال محجور را بپردازد و اگر محجور دیوانه باشد باید به حسب اقتضا در خانه یا بیمارستان تحت معالجه قرار داده شود. ماده ۸۳- اموال غیر منقول محجور فروخته نخواهد شد مگر با رعایت غبطه او و تصویب دادستان ماده ۸۴- اسناد و اشیا قیمتی باید با اطلاع دادستان در محل امنی نگاهداری شود و وجوه نقدی که محل احتیاج نیست باید در یکی از بانکهای معتبر گذاشته شود. ماده ۸۵- ولی یا قیم می‌تواند در صورتی که مقتضی بداند به محجور اجازه اشتغال به کار یا پیشه‌ای بدهد و در این صورت اجازه نامبرده شامل لوازم آن کار یا پیشه هم خواهد بود. ماده ۸۶- محجور ممیز می‌تواند اموال و منافی را که به سعی خود او حاصل شده است با اذن ولی یا قیم اداره نماید. ماده ۸۷- قیم باید بعد از رفع حجر اموال محجور را به تصرف او بدهد و اگر در مدت حجر سمت قیمومت از قیم سلب و به جای او شخص دیگری معین شد اموال را به تصرف قیم بعدی بدهد. ماده ۸۸- در صورتی که پزشک ازدواج مجنون را لازم بداند قیم با اجازه دادستان می‌تواند برای مجنون ازدواج نماید و هرگاه طلاق زوجه مجنون لازم باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه قیم طلاق می‌دهد. ماده ۸۹- در صورت فوت قیم ورثه کبیر او اگر باشند مکلف هستند به دادستان اطلاع دهند و مادام که قیم جدید معین نشده حفظ و نظارت در اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید که قیم آنها فوت شده به عهده دادستان خواهد بود.

ماده ۹۰- وجوه زائد از احتیاج صغیر را قیم در صورت امکان نباید بدون سود بگذارد و اگر بیش از شش ماه بدون سود گذاشت مسوول تادیه خسارت به میزان خسارت تاخیر تادیه خواهد بود. ماده ۹۱- در صورتی که پس از تعیین قیم مورث محجور فوت نماید قیم مکلف است در ظرف ۱۰ روز درخواست مهر و موم و تحریر ترکه متوفی را بنماید. ماده ۹۲- بعد از زوال قیمومت قیم مسوول حفظ اموال محجور است تا به تصرف شخصی که باید تصرف نماید، بدهد. ماده ۹۳- هرگاه قیم در پول محجور به سود خود تصرف نماید از تاریخ تصرف مسوول خسارت تاخیر تادیه می‌باشد. ماده ۹۴- در صورتی که قیم متعدد بوده و با شرکت یکدیگر در اموال محجور تعدی یا تفریط نمایند هر یک از آنها مسوولیت تضامنی دارند و اگر بعضی از قیمین بدون شرکت دیگران تعدی یا تفریط در اموال محجور نمایند مسوولیت متوجه به کسی خواهد بود که تعدی یا تفریط کرده است ماده ۹۵- هزینه حفظ و اداره اموال محجور و هزینه‌ای که برای رسیدگی به امور محجور و انجام وظایف قیمومت لازم می‌شود از اموال محجور تادیه می‌گردد.

فصل چهارم عزل قیم م ۹۶ تا م ۱۰۲

ماده ۹۶- محجور ممیز می‌تواند از قیم برای ندادن هزینه و کوتاهی او در تربیت و نگاهداری خود شکایت نماید در این صورت هرگاه دادگاه شکایت او را وارد دید دستوری که مناسب است می‌دهد و قیم باید برطبق آن دستور عمل کند. مفاد این ماده در موردی که دادستان کوتاهی قیم را در تربیت و نگاهداری محجور و دادن هزینه او به دادگاه اطلاع بدهد اجرا خواهد شد. ماده ۹۷- محجور و هر ذی‌علاقه‌ای می‌توانند به دادستان وجود سبب عزل قیم را اطلاع دهند، در این صورت اگر دادستان سبب عزل را موجود دید از دادگاه درخواست عزل قیم را می‌نماید. ماده ۹۸- برای رسیدگی به درخواست عزل قیم باید قیم و در صورت لزوم دادستان احضار شوند حکمی که راجع به عزل صادر می‌شود باید مدلل و موجه باشد. ماده ۹۹- قیم از تصمیم دادگاه راجع به عزل خود و دادستان از رد درخواست عزل قیم می‌توانند پژوهش بخواهند و مادامی که تکلیف قطعی معین نشده امور صغیر به وسیله دادستان یا قیمی که موقتاً برای محجور معین می‌شود انجام خواهد شد. ماده ۱۰۰- اعمال قیم بعد از ابلاغ حکم عزل او نافذ نیست ماده ۱۰۱- در مورد ماده ۱۲۴۴ قانون مدنی اگر قیم قبل از تعیین شخص دیگری به جای او صورت حساب را فرستاده یا معلوم شد که تاخیر در فرستادن صورت حساب به واسطه عذر موجه بوده است ممکن است همان شخص را به قیمومت ابقا یا مجدداً او را به قیمومت معین نمود. ماده ۱۰۲- محجور می‌تواند در موارد رفع حجر اعلام خروج از قیمومت را از دادگاه بخواهد و دادگاه پس از رسیدگی و احراز موجب رفع حجر و خروج محجور را از تحت قیمومت اعلام می‌نماید.

باب سوم راجع به امین (م ۱۰۳ تا م ۱۲۵)

ماده ۱۰۳- علاوه بر مواردی که مطابق قانون مدنی تعیین امین می‌شود در موارد زیر نیز امین معین خواهد شد: ۱- برای اداره سهم‌الارثی که ممکن است از ترکه متوفی به جنین تعلق گیرد در صورتی که جنین ولی یا وصی نداشته باشد. ۲- برای اداره اموالی که به مصارف عمومی اختصاص داده شده و مدیری نداشته باشد. ماده ۱۰۴- کسی که در اثر کبر سن یا بیماری و امثال آن از اداره تمام و یا بعض اموال خود عاجز شده می‌تواند از دادگاه بخواهد که برای اداره اموال او امین معین شود. ماده ۱۰۵- تعیین امین برای جنین در دادگاه شهرستانی به عمل می‌آید که مادر جنین در حوزه آن دادگاه اقامت دارد و برای کسی که عاجز از اداره اموال خود است دادگاه شهرستانی که شخص نامبرده در حوزه آن اقامت دارد و در سایر مواردی که احتیاج به تعیین امین پیدا می‌شود دادگاه شهرستانی صالح است که در حوزه آن دادگاه احتیاج به تعیین امین حاصل شده است ماده ۱۰۶- سایر امور مربوط به امین با دادگاهی است که امین را تعیین کرده است ماده ۱۰۷- در مورد جنین دادستان و اقربای جنین و در مورد مصارف عمومی دادستان و

هر ذینفعی می‌تواند از دادگاه درخواست تعیین امین نماید. ماده ۱۰۸- دادستان می‌تواند اشخاصی را که برای سمت امانت مناسب باشند به دادگاه معرفی نموده و دادگاه پس از احراز لزوم تعیین امین از بین اشخاص نامبرده یا اشخاص دیگر که طرف اعتماد باشند یک یا چند نفر را به سمت امین معین می‌نماید. ماده ۱۰۹- مادر جنین در صورت داشتن صلاحیت بر دیگران مقدم است و در صورت عدم صلاحیت یا عدم قبول او اقربای نسبی و سببی جنین بر دیگران مقدم خواهند بود. ماده ۱۱۰- در غیر مورد جنین پدر و جد و مادر و اولاد و زن و شوهر کسی که امین برای اداره اموال او معین می‌شود با داشتن صلاحیت به ترتیب مذکور بر دیگران حق تقدم دارند و در صورت نبودن اشخاص مذکور سایر اقربا بر دیگران مقدم هستند. ماده ۱۱۱- دادگاه می‌تواند علاوه بر امین یک یا چند نفر را به عنوان نظار معین نماید. ماده ۱۱۲- در صورت تعدد امین و ناظر دادگاه باید حدود اختیارات آنها را معین نماید و نیز می‌تواند وظایف امنای متعدد را تفکیک کند. ماده ۱۱۳- حفظ و نظارت اموال در مواردی که محتاج به تعیین امین است مادام که امین معین نشده به عهده دادستانی است که اموال در حوزه او یافت می‌شود. ماده ۱۱۴- در خارج ایران مامورین کنسولی ایران حق دارند برای اداره اموال ایرانیان که محتاج به تعیین امین و واقع در حوزه ماموریت آنها است موقتاً نصب امین نمایند و باید تا ۱۰ روز پس از نصب امین مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستند - نصب امین نامبرده وقتی قطعی می‌گردد که دادگاه شهرستان تهران تصمیم مامور کنسولی را تنفیذ کند. ماده ۱۱۵- وظایف و اختیاراتی که به موجب قانون و نظامات مربوطه در مورد دخالت دادستانها در امور محتاج به تعیین امین مقرر است در خارج ایران بعهد مامورین کنسولی خواهد بود. ماده ۱۱۶- اگر در عهد و قراردادهای منعقد بین دولت ایران و دولتی که مامور کنسولی ماموریت خود را در کشور آن دولت اجرا می‌کند ترتیبی برخلاف مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشد مامورین مذکور مفاد آن دو ماده را تاحدی که با مقررات عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد. ماده ۱۱۷- اشخاصی که نباید به قیمومت منصوب شوند به سمت امین معین نخواهند شد. ماده ۱۱۸- کسی که به عنوان عجز از اداره اموال برای او امین معین شده اگر تصرفی در اموال خود بنماید نافذ است و امین نمی‌تواند او را ممانعت نماید. ماده ۱۱۹- مقررات راجع به وظایف و اختیارات و مسوولیت قیم شامل امین غایب و جنین هم می‌شود. ماده ۱۲۰- سمت امینی که برای جنین معرفی شده است پس از تولد طفل زایل می‌شود و در غیر این مورد پس از زوال سببی که موجب تعیین امین شده است سمت امین زایل خواهد شد. ماده ۱۲۱- مقررات راجع به عزل قیم نسبت به امین هم جاری است ماده ۱۲۲- امینی که برای اداره اموال مربوطه به مصارف عمومی تعیین می‌شود باید به ترتیبی که مقرر شده و موافق مصلحت اموال را اداره و در مصارف مخصوصه که مقرر شده است صرف نماید. ماده ۱۲۳- امینی که برای اداره اموال عاجز معین می‌شود به منزله وکیل عاجز و احکام وکیل نسبت به او جاری است ماده ۱۲۴- امین باید در ظرف سه روز پس از ابلاغ با رعایت مدت مسافت مذکور در آیین دادرسی مدنی قبول یا عدم قبول سمت امانت را به دادگاه اطلاع دهد و اگر در این مدت قبولی خود را اطلاع نداد شخص دیگری معین خواهد شد مگر این که قبل از تعیین دیگری قبول سمت امانت را به دادگاه اطلاع دهد که در این صورت همان شخص به سمت امانت باقی خواهد ماند. ماده ۱۲۵- هزینه حفظ و اداره اموالی که برای آن زحمت کشیده شده است.

باب چهارم راجع به غایب مفقودالثر

فصل اول در صلاحیت دادگاه (م ۱۲۶ تا م ۱۲۹)

ماده ۱۲۶- امور راجع به غایب مفقودالثر با دادگاه شهرستان محلی است که آخرین اقامتگاه غایب در آن محل بوده است ماده

۱۲۷- هرگاه اقامتگاه غایب در خارج از ایران باشد دادگاهی برای رسیدگی به امور غایب صالح است که آخرین محل سکونت غایب در حوزه آن دادگاه بوده است ماده ۱۲۸- هرگاه غایب در ایران اقامتگاه یا محل سکونی نداشته یا اقامتگاه و محل سکون او در ایران معلوم نباشد دادگاه محلی برای رسیدگی به امور غایب صالح است که ورثه غایب در آن محل اقامت یا سکونی دارند. ماده ۱۲۹- در صورتی که ورثه غایب در ایران معلوم نباشد دادگاهی صالح است که غایب در آن جا مال دارد.

فصل دوم در تعیین امین م ۱۳۰ تا م ۱۳۵

ماده ۱۳۰- دادستان و اشخاص ذینفع از قبیل وارث و بستانکار حق دارند از دادگاه درخواست تعیین امین برای اداره اموال غایب نمایند. ماده ۱۳۱- پس از وصول درخواست تعیین امین دادگاه درخصوص غیبت و این که غایب کسی را برای اداره اموال خود معین کرده است یا نه تحقیق نموده و پس از احراز غیبت و وجود شرایط ماده ۱۰۱۲ قانون مدنی تعیین امین می نماید. ماده ۱۳۲- کسی که در زمان غیبت غایب عملاً متصدی امور او باشد در موقع تعیین امین برای غایب آن شخص بر دیگران مقدم خواهد بود. ماده ۱۳۳- غایبی که تابعیت او مشکوک است تابع مقررات راجع به تبعی ایران است ماده ۱۳۴- سایر احکام امین غایب مطابق احکام مذکور در قانون مدنی و باب سوم این قانون است ماده ۱۳۵- بعد از صدور حکم موت فرضی غایب یا معلوم شدن موت حقیقی یا زنده بودن غایب سمت امین زایل می شود.

فصل سوم دادن اموال به طور موقت به تصرف ورثه م ۱۳۶ تا م ۱۵۲

ماده ۱۳۶- بعد از گذشتن دو سال تمام از آخرین خبر غایب ورثه او می توانند از دادگاه درخواست کنند که دارایی غایب به تصرف آنها داده شود. ماده ۱۳۷- درخواست باید کتبی و مشتمل بر امور زیر باشد: ۱- نام و مشخصات درخواست کننده ۲- مشخصات غایب ۳- تاریخ غیبت ۴- ادله و جهاتی که به موجب آن درخواست کننده حق این درخواست را برای خود قایل است ماده ۱۳۸- پس از وصول درخواست نامه دادگاه با حضور درخواست کننده و دادستان به دلایل درخواست رسیدگی می نماید و نیز راجع به اقامتگاه غایب و تاریخ غیبت و معلوم نبودن محل او بازجویی لازم نموده و در صورت احراز صلاحیت درخواست کننده آگهی مشتمل بر درخواست نامبرده و دعوت اشخاصی که از غایب اطلاعی دارند برای اظهار اطلاع به دادگاه ترتیب می دهد. ماده ۱۳۹- آگهی مذکور فوق در سه دفعه متوالی هر کدام به فاصله یک ماه منتشر می شود و پس از یک سال از تاریخ نشر آخرین آگهی در صورت وجود شرایط مذکور در ماده ۱۰۲۵ و ۱۰۲۶ قانون مدنی اموال غایب به تصرف ورثه او داده می شود. ماده ۱۴۰- در صورتی که غایب برای اداره اموال خود کسی را معین کرده باشد و آن کس فوت شود یا به جهت دیگری صلاحیتش برای اداره اموال از بین برود امین برای اداره اموال معین می گردد و اموال به تصرف ورثه داده نمی شود تا حکم موت فرضی غایب صادر شود. ماده ۱۴۱- هرگاه در بین اموال غایب مال ضایع شدنی باشد ورثه یا امین که اموال غایب به تصرف آنها داده شده آن مال را فروخته و از نتیجه فروش با رعایت مصلحت غایب مالی خریداری و یا اقدام دیگری که به صرفه غایب باشد، می نماید. ماده ۱۴۲- هر یک از امین و ورثه که اموال غایب به تصرف آنها داده شده است می توانند با اجازه دادستان اموال منقوله غایب را که مورد احتیاج نیست فروخته و از پول آن مال دیگری که موافق مصلحت غایب باشد، خریداری و یا اقدام دیگری که به صرفه غایب باشد نمایند. ماده ۱۴۳- در موردی که اموال غایب به ورثه تسلیم می شود هرگاه وصیتی شده باشد، اموال مورد وصیت به وصی یا موصی له داده می شود مشروط به این که مطابق ماده ۱۰۲۶ قانون مدنی تامین بدهند. ماده ۱۴۴- ورثه و وصی و موصی له که اموال غایب موقتاً به آنها تسلیم می شود

باید اموال را با رعایت مصلحت غایب حفظ و اداره نمایند و آنها در اداره اموال غایب به منزله وکیل او خواهند بود. ماده ۱۴۵- در مورد تسلیم اموال به امین یا ورثه دادگاه به درخواست یکی از ورثه یا امین صورتی از اموال و اسناد غایب تنظیم می‌نماید و این صورت در دفتر دادگاه بایگانی می‌شود و اشخاص ذینفع می‌توانند از آن رونوشت بگیرند. ماده ۱۴۶- در صورتی که ورثه درخواست کنند صورت اموال باحضور دادستان تنظیم و بهای اموال به توسط کارشناس معین و در صورت اموال بهای آنها قید شود، دادگاه درخواست نامبرده را می‌پذیرد و هزینه ارزیابی از مال غایب برداشته خواهد شد. ماده ۱۴۷- نفقه اشخاص واجب‌النفقه غایب و دیون غایب از وجه نقد یا منافع اموال او داده می‌شود و در صورت عدم کفایت از اموال منقوله فروخته خواهد شد و اگر اموال منقول هم کافی نباشد از اموال غیرمنقول فروخته می‌شود. ماده ۱۴۸- در غیر مورد ماده قبل ورثه و امین حق ندارند اموال غیرمنقول غایب را بفروشند یا رهن بگذارند. ماده ۱۴۹- در دعوی بر غایب ورثه یا امین حق دارند برای وصول مطالبات غایب اقامه دعوی نمایند. ماده ۱۵۰- در موردی که اموال غایب به تصرف ورثه یا امین داده شده باشد دادگاه می‌تواند حق الزحمه متناسبی از درآمد برای ورثه یا امین معین نماید هزینه حفظ و اداره اموال غایب از اموال غایب برداشته می‌شود. ماده ۱۵۱- هرگاه بین ورثه غایب غایبی بوده که محتاج به تعیین امین باشد، برای او نیز امینی معین و سهم شخص غایب به امین سپرده می‌شود. ماده ۱۵۲- هرگاه بین ورثه غایب محجوری باشد سهم او به ولی یا قیم یا وصی سپرده خواهد شد.

فصل چهارم در حکم موت فرضی م ۱۵۳ تا م ۱۶۱

ماده ۱۵۳- اشخاص زیر می‌توانند از دادگاه درخواست صدور حکم موت فرضی غایب را بنمایند: ۱- ورثه غایب ۲- وصی و موصی له ماده ۱۵۴- درخواست باید کتبی و مشتمل بر امور زیر باشد: ۱- مشخصات غایب ۲- تاریخ غیبت ۳- دلایلی که به موجب آن درخواست کننده حق درخواست صدور حکم موت فرضی را دارد. ۴- ادله و اسنادی که مطابق ماده ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲ قانون مدنی ممکن است به موجب آن ادله و اسناد درخواست حکم موت فرضی غایب را نمود. ماده ۱۵۵- پس از وصول درخواست نامه دادگاه اظهارات و دلایل درخواست کننده را در نظر گرفته و در صورتی که اظهارات و دلایل نامبرده را موجه دانست آگهی مطابق ماده ۱۰۲۳ قانون مدنی ترتیب می‌دهد و این آگهی در ۳ نوبت متوالی و هر کدام به فاصله یک ماه منتشر می‌شود و جلسه رسیدگی به درخواست به فاصله یک سال از تاریخ نشر آخرین آگهی معین می‌گردد. مقررات این ماده در صورتی اجراء می‌شود که قبلاً در زمینه درخواست تصرف اموال آگهی نشده باشد و چنانچه مطابق ماده ۱۰۲۵ قانون مدنی آگهی شده باشد دادگاه به آن آگهی اکتفا می‌نماید. ماده ۱۵۶- رسیدگی با حضور درخواست کننده و دادستان به عمل می‌آید - عدم حضور درخواست کننده مانع رسیدگی نیست ماده ۱۵۷- دادگاه می‌تواند هرگونه تحقیق که مقتضی بداند، بنماید و پس از احراز موجبات صدور حکم موت فرضی حکم می‌دهد. ماده ۱۵۸- حکم باید مشتمل بر امور زیر باشد: ۱- نام و نام خانوادگی درخواست کننده ۲- مشخصات غایب ۳- دلایل و مستندات حکم ۴- تاریخ صدور حکم ماده ۱۵۹- درخواست کننده می‌تواند از رد درخواست خود و دادستان از حکم موت فرضی پژوهش بخواهد و رای پژوهش قابل فرجام نیست ماده ۱۶۰- بعد از قطعی حکم موت فرضی تأمیناتی که از امین یا ورثه گرفته شده است مرتفع می‌شود. ماده ۱۶۱- در هر موقع موت حقیقی یا زنده بودن غایب معلوم شود اقداماتی که راجع به موت فرضی او به عمل آمده است بلااثر خواهد شد، مگر اقداماتی که برای حفظ و اداره اموال غایب شده است

باب پنجم در امور راجع به ترکه

فصل اول در صلاحیت (م ۱۶۲ تا م ۱۶۵)

ماده ۱۶۲- امور راجع به ترکه عبارت است از اقداماتی که برای حفظ ترکه و رسانیدن آن به صاحبان حقوق می‌شود از قبیل مهر و موم و تحریر ترکه و اداره ترکه و غیره ماده ۱۶۳- امور راجع به ترکه با دادگاه بخشی است که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران در حوزه آن دادگاه بوده و اگر متوفی در ایران اقامتگاه نداشته با دادگاهی است که آخرین محل سکناى متوفی در حوزه آن دادگاه بوده است ماده ۱۶۴- هرگاه متوفی در ایران اقامتگاه یا محل سکنی نداشته دادگاهی صالح است که ترکه در آنجا واقع شده و اگر ترکه در جاهای مختلف باشد، دادگاهی که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است صلاحیت خواهد داشت و اگر اموال غیرمنقول در حوزه‌های متعدد باشد صلاحیت با دادگاهی است که قبلاً شروع به اقدام کرده است ماده ۱۶۵- هرگاه تمام یا قسمتی از اموال متوفی در حوزه دادگاهی غیر از دادگاهی که مطابق مواد فوق صالح است باشد، دادگاهی که اموال در حوزه آن دادگاه است اقدامات راجع به حفظ اموال متوفی را از قبیل مهر و موم به عمل آورده رونوشت صورتمجلس عملیات خود را به دادگاهی که مطابق دو ماده فوق برای رسیدگی به امور ترکه صالح است می‌فرستد.

فصل دوم در مهر و موم (م ۱۶۶ تا م ۱۹۳)

ماده ۱۶۶- دادگاه بخش مهر مخصوصی برای مهر و موم ترکه خواهد داشت و نمونه آن باید نزد رئیس دادگاه شهرستان باشد. ماده ۱۶۷- اشخاص مذکور زیر می‌توانند درخواست مهر و موم ترکه را بنمایند: ۱- هر یک از ورثه متوفی یا نماینده قانونی آنها. ۲- موصی له در صورتی که وصیت به جز مشاع شده باشد. ۳- طلبکار متوفی که طلب او مستند به سند رسمی یا حکم قطعی باشد به مقدار طلب در صورتی که در مقابل طلب رهن نبوده و ترتیب دیگری هم برای تامین طلب نشده باشد. ۴- کسی که از طرف متوفی به عنوان وصایت معین شده باشد. ماده ۱۶۸- دادگاه بخش در موارد زیر پس از اطلاع اقدام به مهر و موم می‌نماید: ۱- در موردی که کسی که در خانه استیجاری یا مهمانخانه و امثال آن فوت شده و کسی برای حفظ اموال او نباشد. ۲- در صورتی که از اموال دولتی یا عمومی نزد متوفی امانت باشد. در مورد شق اول این ماده مالک خانه یا مدیر مهمانخانه و امثال آنها مکلفند به دادگاه بخش اطلاع بدهند. ماده ۱۶۹- در مورد شق ۲ ماده فوق، مهر و موم فقط نسبت به اموال دولتی یا عمومی که نزد متوفی امانت بوده است به عمل می‌آید مگر این که اشخاص صلاحیتدار درخواست مهر و موم نسبت به درخواست بقیه اموال را بنمایند. ماده ۱۷۰- در صورتی که قبل از حضور دادرس دادگاه بخش در محل ترکه اقدام فوری برای حفظ ترکه لازم باشد، اقدام مزبور به توسط دادستان و در جایی که دادستان نباشد به توسط کلانتری محل و اگر مامورین شهربانی نباشند به توسط دهبان با حضور دو نفر معتمد محلی به عمل می‌آید و در مورد مداخله دهبان دادستان می‌تواند در هر دهستان که مقتضی بداند دهبان را از مداخله منع کرده و صاحب دفتر رسمی یا یکی از مامورین دولتی یا دو نفر معتمد محلی را متفقا به انجام این کار مامور نماید، مامورین نامبرده مراتب را در صورتمجلس نوشته و آن را به دادگاه بخش می‌فرستند. ماده ۱۷۱- در هر موردی که از طرف مامورین مذکور در ماده قبل ترکه مهر و موم می‌شود مامورین نامبرده کلید قفلهایی را که بر روی آن مهر و موم خورده است در پاکت یا لفافی مهر و موم نموده و به دادگاه بخش می‌فرستند. ماده ۱۷۲- در صورتی که بین ورثه محجوری باشد که ولی یا وصی یا قیم نداشته باشد، دادرس باید پس از مهر و موم مراتب را به دادستان اطلاع دهد که جهت تعیین قیم اقدام نماید. ماده ۱۷۳- در صورتی که بین ورثه غایبی باشد که برای اداره اموال خود نماینده نداشته باشد اگر محل غایب معلوم است دادرس مهر و موم ترکه را به او اطلاع می‌دهد و اگر محل غایب معلوم نباشد به دادستان اطلاع خواهد داد که در صورت اقتضا جهت تعیین امین برای او اقدام کند. ماده ۱۷۴- رئیس دادگاه در

مواردی که باید اقدام به مهر و موم شود فوراً باید خود یا به وسیله کارمند علی‌البدل اقدام به مهر و موم نماید و اگر علتی موجب تاخیر این اقدام گردد علت مذکور را در صورت مجلس می‌نویسد. ماده ۱۷۵- وقت مهر و موم را دادگاه به اشخاصی که ذینفع بدانند اطلاع می‌دهد ولی نباید این امر موجب تاخیر مهر و موم شود. ماده ۱۷۶- در موقع مهر و موم صورت مجلس مشتمل بر امور زیر تنظیم می‌شود: ۱- تاریخ سال و ماه و روز و ساعتی که اقدام به مهر و موم شده است ۲- نام و مشخصات کسی که مباشر مهر و موم است ۳- علتی که موجب مهر و موم شده است ۴- نام و مشخصات و محل اقامت کسی که درخواست مهر و موم نموده و اگر دادرسی به نظر خود اقدام به مهر و موم کرده باشد این نکته را در صورت مجلس می‌نویسد. ۵- نام و مشخصات و اظهارات اشخاص ذینفع که در موقع مهر و موم حاضر بوده‌اند. ۶- تعیین جایی که ترکه در آن جا مهر و موم شده از قبیل اطاق صندوقخانه و گنجه ۷- وصف اجمالی از اشیایی که مهر و موم شده است ۸- اموال در محل خود مهر و موم شده است یا محل آن تغییر داده شده ۹- نگهبان در صورتی که معین شده باشد با ذکر این که نگهبان را دادرسی مستقلاً معین کرده یا برحسب معرفی اشخاص ذینفع ۱۰- اظهار کتبی و صریح با قید التزام از کلیه اشخاصی که با متوفی در یک جا زندگی کرده و یا اموال در تصرف آنها بوده مشعر بر این که چیزی از اموال متوفی را خارج یا مخفی نکرده و مطلع نیستند که دیگری به طور مستقیم یا غیرمستقیم اموال متوفی را برده یا مخفی کرده است ماده ۱۷۷- صورت مجلس مذکور فوق باید به امضاء کسی که مباشر مهر و موم است و اشخاص ذینفع برسد و در صورتی که اشخاص مزبور نخواهند یا نتوانند امضاء کنند مراتب در صورت مجلس ذکر می‌شود. ماده ۱۷۸- کلید قفلهایی که روی آن مهر و موم شده در دادگاه بخش بایگانی و این امر در صورت مجلس قید می‌شود. ماده ۱۷۹- نسبت به اموالی که مهر و موم آن ممکن نیست صورت اجمالی از آن برداشته شده و در صورت لزوم نگهبانی بر آن می‌گمارند. ماده ۱۸۰- در صورتی که از اموال دولتی یا عمومی نزد متوفی امانت باشد اموال نامبرده در همان محلی که متوفی گذارده است مهر و موم خواهد شد مگر این که موجبی برای تغییر محل باشد. ماده ۱۸۱- هرگاه در مهر و موم ترکه وصیت‌نامه یا برگهای دیگری پیدا شود که در لفافی مهر و موم شده باشد دادرسی مشخصات اوراق و چگونگی مهر و موم و عنوانی که روی آن نوشته شده و نشانه روی لفاف را در صورت مجلس نوشته دادرسی و حاضرین اگر معروف باشند و بتوانند امضا کنند، امضا و اگر امتناع از امضا نمایند امتناع آنها از امضا نوشته می‌شود. ماده ۱۸۲- لفاف مذکور در ماده فوق، به دادگاهی که برای رسیدگی به امور ترکه صالح است فرستاده می‌شود. ماده ۱۸۳- اگر از عنوان روی لفاف یا علایم دیگری معلوم شود که برگها متعلق به غیر متوفی است دادرسی برگها را به صاحبان آن رد نموده و رسید دریافت می‌نماید و مشخصات آن را در صورت مجلس می‌نویسد و اگر صاحبان برگها حاضر نباشند آن را تامین می‌نماید تا صاحبان آنها مطالبه نمایند. حکم این ماده در موردی جاری است که معارضی نباشد والا مطابق ماده قبل رفتار خواهد شد. ماده ۱۸۴- هرگاه وصیت‌نامه در لفاف نباشد، دادرسی اوصاف آن را در صورت مجلس نوشته آن را به دادگاهی که برای رسیدگی به امور ترکه صالح است می‌فرستد. ماده ۱۸۵- دادگاهی که لفاف مذکور در مواد فوق به آن جا فرستاده شده است آن را باز می‌کند و در صورتی که برگها جزو ترکه باشد امانت نگاه می‌دارد والا اگر صاحبان آن حاضر باشند به آنها داده می‌شود و اگر حاضر نیستند محفوظ می‌ماند تا صاحبان آن حاضر شوند و اگر معلوم نباشد که برگها متعلق به کیست برگها در دادگاه می‌ماند تا صاحب آن معلوم شود. ماده ۱۸۶- اگر به دادرسی در ضمن عملیات مهر و موم اطلاعی راجع به وجود وصیت‌نامه داده شود، دادرسی جستجو نموده و چنانچه وصیت‌نامه موجود باشد به ترتیب مذکور در ماده ۱۸۴ عمل می‌کند. ماده ۱۸۷- در مواردی که وصیت‌نامه معتبری به نظر دادرسی می‌رسد که آن وصیت‌نامه مشتمل بر امور فوری باشد، دادرسی اجازه می‌دهد که امور مذکور انجام داده شود. ماده ۱۸۸- در موقع مهر و موم یا برداشتن مهر و موم اشیا یا نوشتجاتی که داخل در ترکه نبوده و متعلق به زن یا شوهر متوفی یا متعلق به غیر باشد به صاحبان آنها رد و مشخصات اشیاء نامبرده در صورت مجلس نوشته می‌شود. ماده ۱۸۹- آن مقدار از اثاث‌الیه و غیره که برای زندگانی عیال و اولاد متوفی ضرورت دارد و همچنین اشیایی که قابل مهر و موم نیست مهر و موم نمی‌شود و اشیا مزبور در صورت مجلس توصیف

می‌گردد. ماده ۱۹۰- هزینه‌ای که برای کفن و دفن متوفی با رعایت شوون او لازم و ضروری است از وجوه نقد برداشته می‌شود و اگر وجه نقد نباشد از ترکه برداشته شده و به فروش می‌رسد و بقیه مهر و موم خواهد شد. ماده ۱۹۱- در صورتی که متوفی مال نداشته یا مال قابل مهر و موم نباشد، دادرس صورتمجلسی تنظیم نموده و آن مطلب را در آن قید می‌نماید. ماده ۱۹۲- بعد از تحریر ترکه درخواست مهر و موم پذیرفته نمی‌شود و اگر در اثنا تحریر ترکه درخواست مهر و موم بشود فقط آن مقداری که تحریر نشده است مهر و موم می‌گردد. ماده ۱۹۳- اشیا ضایع‌شدنی یا اشیایی که نگاهداری آنها مستلزم هزینه بی‌تناسب است یا اموال کم‌قیمتی که حمل و نقل و نگاهداری آنها مستلزم زحمت و اشغال مکان وسیعی است ممکن است مهر و موم نشود و در این صورت اگر اشیا نامبرده مورد احتیاج اشخاص واجب‌النفقه نباشد فروخته شده و پول آن در صندوق دادگستری یا یکی از بانکهای معتبر تودیع می‌شود.

فصل سوم: در برداشتن مهر و موم م ۱۹۴ تا م ۲۰۵

ماده ۱۹۴- کسانی که حق درخواست مهر و موم ترکه را دارند می‌توانند رفع مهر و موم را هم درخواست نمایند. ماده ۱۹۵- درخواست برداشتن مهر و موم از دادگاه بخشی می‌شود که برای رسیدگی به امور ترکه صالح است و هرگاه ترکه در حوزه دادگاه بخش دیگری باشد دادگاه بخش محل وجود ترکه به دستور دادگاه مذکور اقدام به رفع مهر و موم می‌نماید و صورتمجلس مربوط به این عمل را به دادگاهی که دستور برداشتن مهر و موم راداده است می‌فرستد. ماده ۱۹۶- دادگاه بخشی که مهر و موم را برمی‌دارد روز و ساعت برداشتن مهر و موم را معین و به عموم وراث و وصی و موصی‌لهم که معروف و محل اقامت آنها در حوزه آن دادگاه بخش باشد، ابلاغ می‌نماید. ماده ۱۹۷- نسبت به اشخاص ذینفع که محل اقامت آنها خارج از حوزه دادگاه بخش باشد ابلاغ وقت به آنها لازم نیست و اگر وقت به اشخاص مذکور اطلاع داده نشود دادگاه به جای آنها متصدی دفتر رسمی یا یک نفر از معتمدین محل را معین و او را دعوت می‌کند که با حضور او مهر و موم برداشته شود. ماده ۱۹۸- عدم حضور اشخاصی که وقت برداشتن مهر و موم به آنها اطلاع داده شده مانع از برداشتن مهر و موم نخواهد بود. ماده ۱۹۹- در صورتی که بین ورثه غایب یا محجور باشد رفع مهر و موم بعد از تعیین وکیل یا امین برای غایب و تعیین قیم برای محجور به عمل خواهد آمد. ماده ۲۰۰- دادرس دادگاه بخش می‌تواند برداشت مهر و موم را خود انجام دهد یا به کارمند علی‌البدل رجوع نماید. ماده ۲۰۱- در موقع برداشتن مهر و موم صورتمجلسی مشتمل بر امور زیر تنظیم می‌شود: ۱- تاریخ - ساعت - روز - ماه - سال با تمام حروف ۲- نام و مشخصات درخواست کننده ۳- حضور و اظهارات اشخاص ذینفع و نمایندگان آنها و اشخاصی که دادگاه بخش دعوت کرده است ۴- مهر و موم صحیح و بی‌عیب بوده یا دست‌خورده با توصیف کامل از دست‌خوردگی ۵- نام و سمت کسی که مهر و موم را برمی‌دارد. ۶- امضا کسی که مهر و موم را برمی‌دارد و سایر حاضرین ماده ۲۰۲- در موقع برداشتن مهر و موم ریز آن چه از ترکه مهر و موم شده مطابق ترتیب مذکور در تحریر ترکه برداشته خواهد شد و اگر تنظیم صورت ریز ترکه در یک جلسه تمام نشود در آخر هر جلسه آن قسمتی از ترکه که مهر و موم آن برداشته شده مجدداً مهر و موم می‌شود. ماده ۲۰۳- اگر در ضمن ترکه اشیا یا نوشتجاتی متعلق به غیر باشد و صاحبان آنها استرداد آن را درخواست نمایند باید به کسی که حق گرفتن اشیا و نوشتجات را دارد رد شود و هرگاه صاحبان اشیا و نوشتجات حاضر نباشند اشیا و نوشتجات نامبرده حفظ می‌شود تا به صاحبان آنها رد شود. ماده ۲۰۴- در موارد زیر مهر و موم بدون تنظیم صورت ریز ترکه برداشته می‌شود: ۱- در صورتی که درخواست کننده مهر و موم درخواست رفع مهر و موم را بدون تنظیم صورت ریز ترکه نماید و بین ورثه محجور یا غایب و علت دیگری برای مهر و موم یا تحریر ترکه نباشد. ۲- در صورتی که مهر و موم به درخواست بستانکار به عمل آمده و ورثه پرداخت طلب او را تعهد نمایند یا بستانکار با برداشتن مهر و موم بدون

تنظیم صورت ریز ترکه رضایت دهد و علت دیگری برای مهر و موم یا تحریر ترکه نباشد. ۳- اگر علت مهر و موم قبل از برداشتن مهر و موم یا در جریان آن مرتفع شود. ماده ۲۰۵- هرگاه بین ورثه غایب یا محجور باشد و همچنین در صورتی که وراث متوفی معلوم نباشد در موقع برداشتن مهر و موم ترکه باید تحریر شود.

فصل چهارم در تحریر ترکه م ۲۰۶ تا م ۲۲۴)

ماده ۲۰۶- مقصود از تحریر ترکه تعیین مقدار ترکه و دیون متوفی است ماده ۲۰۷- درخواست تحریر ترکه از ورثه یا نماینده قانونی آنها و وصی برای اداره اموال پذیرفته می‌شود. ماده ۲۰۸- امین غایب و قیم محجور باید در ظرف ۱۰ روز از تاریخ تعیین و ابلاغ سمت نامبرده به آنها در صورتی که ترکه تحریر نشده باشد درخواست تحریر ترکه نمایند. ماده ۲۰۹- در صورتی که سهم محجور از ترکه متوفایی قبل از تعیین قیم معین نشده باشد قیم باید به محض انتصاب خود درخواست تحریر ترکه نماید و همچنین است در صورتی که پس از تعیین قیم سهمی از ترکه متوفایی به محجور برسد. ماده ۲۱۰- دادگاه بخش برای تحریر ترکه وقتی را که کمتر از یک ماه و بیش از سه ماه از تاریخ نشر آگهی نباشد، معین کرده و در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی می‌دهد که ورثه یا نماینده قانونی آنها، بستانکاران و مدیونین به متوفی و کسان دیگری که حقی برترکه متوفی دارند در ساعت و روز معین در دادگاه برای تحریر ترکه حاضر شوند. علاوه بر آگهی فوق برای هر یک از ورثه یا نماینده قانونی آنها و وصی و موصی‌له اگر معین و در حومه دادگاه مقیم باشند برای حضور در وقت احضاریه فرستاده می‌شود. ماده ۲۱۱- هرگاه میزان ترکه کمتر از یک هزار ریال باشد آگهی مذکور در ماده فوق لازم نیست و دادگاه وقتی را برای تحریر ترکه معین کرده و به اشخاص ذینفع که معلوم و در حوزه دادگاه مقیم باشند اطلاع می‌دهد. ماده ۲۱۲- غیبت اشخاصی که احضار شده‌اند مانع از تحریر ترکه نخواهد بود. ماده ۲۱۳- برای تحریر ترکه صورتی از ترکه برداشته می‌شود و این صورت باید مشتمل بر امور زیر باشد: ۱- توصیف اموال منقول با تعیین بهای آن ۲- تعیین اوصاف و وزن و عیار نقره و طلا آلات ۳- مبلغ و نوع نقدینه ۴- بها و نوع برگهای بهادار. ۵- اسناد با ذکر خصوصیات آنها. ۶- نام رقبات غیرمنقول ماده ۲۱۴- ارزیابی اموال منقول به توسط ارزیابی که مورد تراضی ورثه یا مورد اعتماد دادرس باشد به عمل می‌آید. ماده ۲۱۵- مطالبات و بدهی متوفی که به موجب احکام نهایی و اسناد رسمی یا دفاتر و برگهای مربوط به متوفی یا اقرار مدیونین و ورثه مسلم است نیز در صورت ترکه نوشته می‌شود. ماده ۲۱۶- در موقع تحریر ترکه صورت مجلسی برداشته می‌شود که مشتمل بر امور زیر باشد: ۱- نام و سمت متصدی تحریر ترکه ۲- نام و مشخصات کسانی که احضار شده و کسانی که حاضر شده‌اند. ۳- محلی که تحریر ترکه در آن جا صورت می‌گیرد. ۴- اظهارات اشخاص راجع به دارایی و بدهی و ترکه متوفی ۵- نام و مشخصات کسی که اسناد و اموال به او داده می‌شود. ماده ۲۱۷- اگر در ضمن ترکه دفاتر بازرگانی باشد جاهای سفید آن بادو خط متقاطع پر می‌شود و اگر دفاتر مطابق قانون پلمپ نشده باشد متصدی تحریر ترکه صفحات دفتر را امضاء می‌نماید و اگر بین صفحه‌هایی که نوشته شده جای سفیدی مانده باشد آن جا دو خط متقاطع کشیده می‌شود. ماده ۲۱۸- در مدتی که ترکه تحریر می‌شود تصرف در ترکه ممنوع است مگر تصرفاتی که برای اداره و حفظ ترکه لازم است ماده ۲۱۹- عملیات اجرایی راجع به بدهی متوفی در مدت تحریر ترکه معلق می‌ماند. ماده ۲۲۰- مرور زمان نسبت به مطالبات متوفی در مدت تحریر ترکه جاری نمی‌شود. ماده ۲۲۱- دعاوی راجع به ترکه یا بدهی متوفی در مدت تحریر ترکه توقیف می‌شود ولی به درخواست مدعی ممکن است خواسته تامین شود. ماده ۲۲۲- صورت ترکه و همچنین صورت مجلس تحریر ترکه در دفتر دادگاه بایگانی می‌شود و اشخاص ذینفع می‌توانند به آن مراجعه نموده و رونوشت بگیرند. ماده ۲۲۳- هرگاه در موقع تحریر ترکه اختلافی بین ورثه راجع به اداره ترکه باشد، دادگاه سعی می‌کند که اختلاف آنها به طریق مسالمت مرتفع شود والا به درخواست یکی از ورثه کسی را از ورثه یا غیر آنها برای حفظ ترکه

موقتا معین می‌نماید. ماده ۲۲۴- خاتمه تحریر ترکه به ورثه اطلاع داده می‌شود و هرگاه ورثه یا اقامتگاه آنها معین نباشد اطلاع مزبور به وسیله آگهی در روزنامه خواهد شد.

فصل پنجم دیون متوفی

مبحث اول استیفاء دین از ترکه (م ۲۲۵ تا م ۲۴۱)

ماده ۲۲۵- دیون و حقوقی که به عهده متوفی است بعد از هزینه کفن و دفن و تجهیز متوفی و سایر هزینه‌های ضروری از قبیل هزینه حفظ و اداره ترکه باید از ترکه داده شود. ماده ۲۲۶- ورثه ملزم نیستند غیر از ترکه چیزی به بستانکاران بدهند و اگر ترکه برای ادا تمام دیون کافی نباشد ترکه مابین تمام بستانکاران به نسبت طلب آنها تقسیم می‌شود مگر این که آن را بدون شرط قبول کرده باشند که در این صورت مطابق ماده ۲۴۶ مسوول خواهند بود. در موقع تقسیم دیونی که به موجب قوانین دارای حق تقدم و رجحان هستند رعایت خواهد شد، بستانکاران زیر هر یک به ترتیب حق تقدم بر دیگران دارند: طبقه اول الف - حقوق خدمه خانه برای مدت سال آخر قبل از فوت ب - حقوق خدمتگزاران بنگاه متوفی برای مدت شش ماه قبل از فوت ج - دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می‌گیرند برای مدت سه ماه قبل از فوت طبقه دوم طلب اشخاصی که مال آنها به عنوان ولایت یا قیمومت تحت اداره متوفی بوده نسبت به میزانی که متوفی از جهت ولایت و یا قیمومت مدیون شده است این نوع طلب در صورتی دارای حق تقدم خواهد بود که موت در دوره قیمومت یا ولایت و یا در ظرف یک سال بعد از آن واقع شده باشد. طبقه سوم طلب پزشک و داروفروش و مطالباتی که به مصرف مداوای متوفی و خانواده‌اش در ظرف سال قبل از فوت رسیده است طبقه چهارم الف - نفقه زن مطابق ماده ۱۰۲۶ قانون مدنی ب - مهریه زن تا میزان ۱۰ هزار ریال طبقه پنجم سایر بستانکاران ماده ۲۲۷- اگر چیزی از ترکه در مقابل دینی رهن باشد مرتبه نسبت به مال مرهون بر سایر بستانکاران مقدم است و اگر بهای مال مرهون از طلب مرتبه زاید باشد مقدار زاید مابین بستانکاران تقسیم می‌شود و اگر کمتر باشد مرتبه نسبت به باقیمانده طلب خود مانند سایر بستانکاران خواهد بود. ماده ۲۲۸- ورثه می‌توانند دیون را از ترکه یا از مال خود ادا نمایند. ماده ۲۲۹- تصرفات ورثه در ترکه از قبیل فروش و صلح و هبه و غیره نافذ نیست مگر بعد از اجازه بستانکاران و یا ادا دیون ماده ۲۳۰- ورثه در مقابل بستانکاران ضامن نقص یا تلف ترکه نیستند مگر این که نقص یا تلف مستند به تقصیر آنها باشد. ماده ۲۳۱- دیون مؤجل متوفی بعد از فوت حال می‌شود. ماده ۲۳۲- دعوی بر میت اعم از دین یا عین باید به طرفیت ورثه و یا نماینده قانونی آنها اقامه شود هر چند ترکه در ید وراثت نباشد لیکن مادامی که ترکه به دست آنها نرسیده است مسوول ادا دیون نخواهند بود. ماده ۲۳۳- اثبات دعوی به طرفیت بعضی از ورثه نسبت به سهم همان بعض موثر است و وراثت دیگر که طرف دعوی نبوده می‌تواند بر حکمی که به طرفیت بعضی از ورثه صادر شده اعتراض نماید. ماده ۲۳۴- ورثه می‌توانند برای اثبات طلب یا حقی برای متوفی اقامه دعوی کنند هر چند بعد از ثبوت حق چیزی عاید آنها نشود مثل این که دین متوفی مستغرق ترکه او باشد. ماده ۲۳۵- بستانکار از متوفی نیز در صورتی که ترکه به مقدار کافی برای ادا دین در ید ورثه نباشد، می‌تواند بر کسی که او را مدیون متوفی می‌داند یا مدعی است که مالی از ترکه متوفی در ید اوست اقامه دعوی کند. ماده ۲۳۶- در مورد ماده قبل اگر طلب از متوفی محرز نباشد مدعی باید طلب خود را از متوفی به طرفیت ورثه اثبات و پس از آن دعوی خود را بر کسی که مدیون متوفی یا مالی از متوفی نزد او می‌داند، اقامه کند و می‌تواند بر هر دو در یک دادخواست اقامه دعوی نماید. ماده ۲۳۷- در مواردی که برای ادا دیون متوفی وصی معین شده است اثبات دین به طرفیت وصی و ورثه می‌گردد. ماده ۲۳۸- در مورد ترکه متوفای بلاوارث که مدیر ترکه معین می‌شود اثبات دین به طرفیت مدیر ترکه می‌گردد. ماده ۲۳۹- در دعاوی راجع به عین طرف دعوی کسی است که عین در دست اوست خواه وارث باشد یا غیروارث مگر این که آن کس مقرر باشد که عین

جزو ترکه است در این صورت مدعی باید برای اثبات ادعای خود بر تمام ورثه اقامه دعوی نماید. ماده ۲۴۰- ورثه متوفی می‌توانند ترکه را قبول کرده که دیون متوفی را بپردازند و یا ترکه را واگذار و رد کنند که به بستانکاران داده شود و نیز می‌توانند قبول یا رد خود را منوط به تحریر ترکه نمایند و پس از تحریر ترکه دیون و ترکه را مطابق صورت تحریر قبول یا رد نمایند و یا تصفیه ترکه را از دادگاه بخواهند. ماده ۲۴۱- قیم محجور و امین غایب نمی‌توانند ترکه و دیون را به‌طور مطلق قبول نمایند ولی می‌توانند مطابق صورت تحریر ترکه قبول کنند.

مبحث دوم قبول ترکه (م ۲۴۲ تا م ۲۴۸)

ماده ۲۴۲- قبول ترکه ممکن است صریح باشد یا ضمنی قبول صریح آن است که به موجب سند رسمی یا عادی قبول خود رابه دادگاه اطلاع دهند. قبول ضمنی آن است که عملیاتی در ترکه نمایند که کاشف از قبول ترکه و ادا دیون باشد از قبیل بیع و صلح و هبه و رهن و امثال آن که به‌طور وضوح کشف از قبول ترکه نماید. ماده ۲۴۳- حفظ ترکه و جمع‌آوری درآمد و وصول مطالبات و به‌طور کلی اقدامات راجع به اداره ترکه کاشف از قبول آن نخواهد بود. ماده ۲۴۴- اگر چیزی از ترکه در معرض تلف بوده یا حفظ آن محتاج به هزینه‌ای باشد که متناسب با بهای آن نیست وارث می‌تواند آن را بفروشد و این عمل قبول ضمنی ترکه محسوب نمی‌شود و همچنین در صورتی که برای هزینه کفن و دفن میت و هزینه ضروری دیگر، فروش قسمتی از ترکه لازم باشد این عمل قبول ضمنی ترکه محسوب نیست ماده ۲۴۵- اگر وارثی قبل از قبول یا رد ترکه فوت کند ورثه آن وارث به جای او می‌توانند ترکه را قبول یا رد نمایند. ماده ۲۴۶- هرگاه بعضی از ورثه ترکه را قبول و بعضی رد نمایند ترکه باید تحریر شود و بعد از تحریر هم می‌توانند قبول یا رد نمایند. ماده ۲۴۷- وارثی که ترکه را قبول کرده است مادامی که تصرف در ترکه نکرده می‌تواند رد نماید. ماده ۲۴۸- در صورتی که ورثه ترکه را قبول نمایند، هر یک مسوول ادا تمام دیون به نسبت سهم خود خواهند بود مگر این که ثابت کنند دیون زاید بر ترکه بوده یا ثابت کنند که پس از فوت متوفی ترکه بدون تقصیر آنها تلف شده و باقیمانده ترکه برای پرداخت دیون کافی نیست که در این صورت نسبت به زاید از ترکه مسوول نخواهند بود.

مبحث سوم رد ترکه (م ۲۴۹ تا م ۲۵۴)

ماده ۲۴۹- وارثی که ترکه را رد می‌کند، باید کتبا یا شفاهاً به دادگاه اطلاع بدهد، اطلاع مزبور در دفتر مخصوصی ثبت خواهد شد این رد نباید معلق یا مشروط باشد. ماده ۲۵۰- رد ترکه باید در مدت یک ماه از تاریخ اطلاع وارث به فوت مورث به عمل آید و اگر در مدت نامبرده رد ترکه به عمل نیاید در حکم قبول و مشمول ماده ۲۴۸ خواهد بود. ماده ۲۵۱- در صورتی که ترکه تحریر شده باشد مدت مذکور فوق از تاریخ ابلاغ خاتمه تحریر ترکه به وارث شروع می‌شود. ماده ۲۵۲- اگر وارثی قبل از رد ترکه فوت شود حق رد به ورثه او منتقل می‌شود. ماده ۲۵۳- اگر وارث عذر موجهی برای عدم اظهار رد در مدت مقرر داشته باشد. دادگاه می‌تواند مهلت مذکور را تمدید یا تجدید کند. ماده ۲۵۴- هرگاه تمام ورثه ترکه را رد نمایند در حکم ترکه متوفای بلاوارث بوده و مطابق مقررات فصل هشتم این باب رفتار می‌شود لیکن اگر از دیون متوفی زایدی بماند، مال ورثه خواهد بود.

مبحث چهارم قبول دیون مطابق صورت تحریر ترکه (م ۲۵۵ تا ۲۵۹)

ماده ۲۵۵- در صورتی که ورثه فقط مطابق صورت تحریر ترکه ترکه و دیون را قبول کنند باید در ظرف مدت یک ماه از تاریخ فوت مورث این مطلب را به دادگاه بخش اطلاع دهند در این صورت ورثه ملزمند که دیون متوفی را در حدود صورت ترکه بپردازند هر چند بعد از تنظیم صورت تحریر ترکه ادعای طلب شده باشد. ماده ۲۵۶- اطلاع مذکور در صورتی موثر است که قبلاً

ترکه تحریر شده یا بعدا تحریر شود. ماده ۲۵۷- بعد از تحریر ترکه نیز ورثه می‌توانند در ظرف یک ماه از تاریخ اطلاع به خاتمه تحریر ترکه قبول یا رد خود را اظهار نمایند و دادگاه بخش می‌تواند به حسب اقتضا این مدت را زیاد کند. ماده ۲۵۸- در صورتی که بعضی از ورثه ترکه را قبول کرده و بعضی رد نمایند وارثی که ترکه را قبول کرده است اقدامات لازمه را برای اداره ترکه و ادا دیون و حقوق و وصول مطالبات و غیره انجام می‌دهد و وارثی که ترکه را رد کرده است حق هیچ گونه اعتراضی به عملیات او ندارد لیکن اگر پس از تصفیه ترکه چیزی از ترکه بماند سهم الارث وارثی که ترکه را رد کرده است به او داده خواهد شد. در این صورت وارثی که ترکه را قبول کرده در ازای زحمتی که برای اداره کردن ترکه نسبت به سهم سایرین متحمل شده مستحق دستمزد خواهد بود، تشخیص میزان دستمزد در صورت عدم تراضی با دادگاه است ماده ۲۵۹- در صورت تحریر ترکه وارثی که در مدت مقرر قبول یارد خود را اظهار نکرده باشد در حکم کسی است که مطابق صورت تحریر ترکه دیون را قبول کرده باشد.

مبحث پنجم تصفیه (م ۲۶۰ تا ۲۷۵)

ماده ۲۶۰- مقصود از تصفیه ترکه تعیین دیون و حقوق بر عهده متوفی و پرداخت آنها و خارج کردن مورد وصیت از ماترک است ماده ۲۶۱- وصی و هر یک از ورثه می‌توانند از دادگاه کتبا تصفیه ترکه را بخواهند. ماده ۲۶۲- هرگاه بعضی از ورثه ترکه را قبول کرده باشند سایر ورثه نمی‌توانند تصفیه ترکه را بخواهند. ماده ۲۶۳- دادگاه بخش پس از درخواست تصفیه منتهی تا یک هفته یک یا چند نفر را به سمت مدیر تصفیه معین می‌نماید و آنها تحت نظر دادرس امور تصفیه را انجام می‌دهند. و اگر اداره تصفیه در محل موجود باشد آن را به اداره نامبرده مراجعه می‌نمایند. اداره تصفیه می‌تواند یک یا چند نفر را به سمت مدیر تصفیه معین نماید که تحت نظر آنها امور تصفیه را انجام دهند. ماده ۲۶۴- در صورتی که متوفی وصی برای اداره اموال داشته باشد، امر تصفیه به وصی واگذار می‌شود. ماده ۲۶۵- شکایت از عملیات مدیر تصفیه راجع به دادگاهی است که مدیر تصفیه را معین کرده و دادرس به حسب اقتضا مورد دستور لازم به مدیر تصفیه می‌دهد و نیز می‌تواند مدیر تصفیه را تغییر دهد. ماده ۲۶۶- پس از تعیین مدیر تصفیه اموال به مدیر تصفیه تسلیم می‌شود و در صورتی که ترکه تحریر نشده باشد مطابق فصل چهارم این باب تحریر می‌شود. ماده ۲۶۷- پس از تعیین حقوق و دیون متوفی و پرداخت آن و اخراج مورد وصیت اگر از ترکه چیزی باقی بماند، باقیمانده ترکه به ورثه داده می‌شود. ماده ۲۶۸- مدیر تصفیه باید مطالبات متوفی را وصول و از خراب و ضایع شدن اموالی که در معرض خرابی و تضييع است جلوگیری کرده و آنها را به فروش برساند، در نگاهداری اموال مواظبت نموده و تعمیرات ضروری اموال غیر منقول را بنماید، از تعطیل کارخانه و یا تجارتخانه متوفی در صورتی که دایر باشد، جلوگیری کند. در آمد ترکه و محصول را جمع آوری نموده و نظر به مقتضیات انبار نماید، و یا به فروش برساند، مواد اولیه را که برای دایر ماندن بنگاه صنعتی و بازرگانی متوفی لازم است تحصیل و یا تجدید کند. ماده ۲۶۹- مدیر تصفیه کلیه اقداماتی که برای اداره ترکه لازم است به عمل می‌آورد ولی نباید از حدود اقداماتی که عادتاً برای انجام ماموریت او لازم بوده خارج شود. ماده ۲۷۰- بعد از تحریر ترکه مدیر تصفیه وقتی را برای رسیدگی تعیین و به ورثه و بستانکاران و اشخاص ذینفعی که خود را معرفی کرده‌اند اطلاع می‌دهد که در وقت معین حاضر شوند. ماده ۲۷۱- مدیر تصفیه در وقت مقرر شروع به رسیدگی نموده و پس از رسیدگی کلیه دیون و حقوقی را که به ترکه تعلق می‌گیرد تادیه می‌نماید. ماده ۲۷۲- بستانکاری که در موعد مقرر برای تحریر ترکه خود را معرفی نکرده یا پس از معرفی طلب او تصدیق نشده باشد می‌تواند در دادگاه صلاحیتدار تا مقداری که از ترکه به ورثه داده شده است بر ورثه اقامه دعوی نماید و اگر چیزی به ورثه نرسیده یا آنچه رسیده است کافی برای تادیه طلب نباشد، می‌تواند بر بستانکاران دیگر که ترکه به آنها داده شده برای اخذ حصه غرمائی خود اقامه دعوی نماید. ماده ۲۷۳- کسی که ادعای طلبی نموده و طلب او تصدیق نشده باشد و نیز کسی که طلب او کسر شده یا حق رهن یا حق رجحان او منظور نشده می‌تواند در دادگاه صلاحیتدار اقامه دعوی نماید. ماده ۲۷۴- تصفیه ترکه متوفی در صورتی که متوفی بازرگان

باشد تابع مقررات تصفیه امور بازرگانان متوقف است ماده ۲۷۵- فروش اموال متوقفی به توسط مدیر تصفیه باید به طریق مزایده باشد مگر اموالی که دارای نرخ معینی است یا تمام اشخاص ذینفع در قیمت آن موافق باشند، ترتیب مزایده در آیین نامه وزارت دادگستری معین می شود.

فصل ششم راجع به وصیت (م ۲۷۶ تا م ۲۹۹)

ماده ۲۷۶- وصیت نامه اعم از این که راجع باشد به وصیت عهدی یا تملیکی منقول یا غیرمنقول ممکن است به طور رسمی یا خودنوشت یا سری تنظیم شود. ماده ۲۷۷- ترتیب تنظیم وصیت نامه رسمی و اعتبار آن به طوری است که برای اسناد تنظیم شده در دفاتر اسناد رسمی مقرر است ماده ۲۷۸- وصیت نامه خودنوشت در صورتی معتبر است که تمام آن به خط موصی نوشته شده و دارای تاریخ روز و ماه و سال به خط موصی بوده و به امضای او رسیده باشد. ماده ۲۷۹- وصیت نامه سری ممکن است به خط موصی یا به خط دیگری باشد ولی در هر صورت باید به امضا موصی برسد و به ترتیبی که برای امانت اسناد در قانون ثبت اسناد مقرر گردیده در اداره ثبت اقامتگاه موصی یا محل دیگری که در آیین نامه وزارت دادگستری معین می گردد، امانت گذارده می شود. ماده ۲۸۰- کسی که سواد ندارد نمی تواند به ترتیب سری وصیت نماید. ماده ۲۸۱- کسی که نمی تواند حرف بزند هرگاه بخواهد وصیت نامه سری تنظیم کند باید تمام وصیت نامه را به خط خود نوشته و امضا نماید و نیز در حضور مسوول دفتر رسمی روی وصیت نامه بنویسد که این برگ وصیت نامه اوست و در این صورت مسوول دفتر باید روی پاکت یا لفافی که وصیت نامه در اوست بنویسد که عبارت مزبور را موصی در حضور او نوشته است ماده ۲۸۲- وصیت نامه سری را موصی همه وقت می تواند به ترتیبی که برای استرداد اسناد امانتی مقرر است استرداد نماید. ماده ۲۸۳- در موارد فوق العاده از قبیل جنگ یا خطر مرگ فوری و امراض ساریه و مسافرت در دریا که مرادده نوعا مقطوع و به این جهت موصی نمی تواند به یکی از طرق مذکور وصیت کند، ممکن است وصیت به طریقی که در مواد بعد ذکر می شود واقع شود. ماده ۲۸۴- افراد و افسران نظامی یا کسانی که در ارتش اشتغال به کار دارند می توانند نزد یک نفر افسر یا هم ردیف او با حضور دو گواه وصیت خود را شفاها اظهار نمایند. ماده ۲۸۵- در صورتی که نظامی یا کسی که در ارتش اشتغال به کاری دارد بیمار یا مجروح باشد ممکن است وصیت خود را در حضور رئیس بهداری ارتش و مدیر بیمارستان که موصی در آنجاست اظهار نماید. ماده ۲۸۶- اشخاصی می توانند به ترتیب مذکور در دو ماده قبل وصیت نمایند که در جنگ یا مامور عملیات جنگی باشند و یا در محلی زندانی یا محصور باشند که مرادده ای با خارج نباشد. ماده ۲۸۷- در سایر موارد مذکور در ماده ۲۸۳ موصی می تواند در حضور دو نفر گواه وصیت خود را اظهار نماید و یکی از آن دو گواه اظهارات او را با تعیین تاریخ روز و ماه و سال و محل وقوع وصیت نوشته و موصی و گواهها آن را امضا می نمایند و اگر موصی نتواند امضا کند گواهها این نکته را در وصیت نامه قید می کنند. ماده ۲۸۸- اشخاصی که مطابق ماده ۲۸۴ و ۲۸۵ وصیت نزد آنها شده و همچنین گواههای مذکور در ماده قبل در اول زمان امکان باید در اداره ثبت اسناد یا محلی که در آیین نامه وزارت دادگستری تعیین می شود حاضر شده وصیت نامه را مطابق مقررات راجع به امانت گذاردن اسناد امانت بگذارند و ضمنا اعلام کنند که این آخرین وصیت موصی است که با داشتن اهلیت اظهار داشته است ماده ۲۸۹- در صورتی که اشخاص مذکور در ماده ۲۸۴ و ۲۸۵ اظهارات موصی را ننوشته باشند در اول زمان امکان نزد دادرس دادگاه بخشی که به او دسترسی دارند حاضر شده و اظهارات موصی را با تاریخ و محل وقوع وصیت و اهلیت موصی شفاها اظهار می دارند. اظهارات مزبور در صورت مجلس نوشته شده و به امضای دادرس دادگاه بخش و گواهها می رسد. ماده ۲۹۰- وصیتی که مطابق مواد قبل (در موارد غیرعادی واقع می شود بعد از گذشتن یک ماه از تاریخ مراجعه و رسیدن موصی به محلی که بتواند به یکی از طرق مذکور در ماده ۲۷۶ وصیت کند با گذشتن یک ماه از تاریخ بازشدن راه و

مرتفع شدن مانعی که به واسطه آن مانع نتوانسته موصی به یکی از طرق مذکور وصیت نماید بی اعتبار می شود مشروط به این که در مدت نامبرده موصی متمکن از وصیت باشد. ماده ۲۹۱- هر وصیتی که به ترتیب مذکور در این فصل واقع نشده باشد در مراجع رسمی پذیرفته نیست مگر این که اشخاص ذینفع در ترکه به صحت وصیت اقرار نمایند. ماده ۲۹۲- هر دادگاه اداره بنگاه یا شخصی که وصیت نامه به اوسپرده شود و نیز دادگاهی که در موارد فوق العاده وصیت در آن جا اظهار گردیده مکلف است بعد از اطلاع به فوت موصی وصیت نامه یا صورتمجلس راجع به وصیت را به دادگاه بخشی که برای رسیدگی به امور راجع به ترکه متوفی صالح است بفرستد اعم از این که وصیت نامه نامبرده به حسب قانون قابل ترتیب اثر باشد یا نباشد و هرگاه وصیت نامه متعدد باشد باید تمام آنها فرستاده شود. ماده ۲۹۳- هرگاه کسی که وصیت نامه نزد اوست خارج از مقر دادگاه بخش مذکور فوق باشد می تواند وصیت نامه را به دادگاه محل خود تسلیم نماید و آن دادگاه مکلف است فوراً وصیت نامه را به دادگاه بخش نامبرده بفرستد. ماده ۲۹۴- دادگاه بخش در آگهی که برای اداره یا تصفیه ترکه یا تصدیق حصر وراثت می شود قید می کند که هر کس وصیت نامه ای از متوفی نزد اوست در مدت سه ماه به دادگاهی که آگهی نموده بفرستد و پس از گذشتن این مدت هر وصیت نامه ای (جز وصیت نامه رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است ماده ۲۹۵- پس از گذشتن مدت مذکور فوق دادگاه بخش وقتی راجع به افتتاح وصیت نامه تعیین و به اشخاصی که وراثت آنها معلوم است اطلاع می دهد که در وقت مزبور حاضر شوند. ماده ۲۹۶- هنگام ابراز وصیت نامه دادرس دادگاه بخش باید با حضور نماینده دادستان یا مدیر دفتر صورت مجلسی مشتمل بر خلاصه وصیت و این که وصیت نامه در حضور او باز شده و خصوصیات وصیت نامه از قبیل مهر و موم و غیره تنظیم و به امضا حضار برساند. وصیت نامه سری را دادرس دادگاه بخش با حضور اشخاصی بازمی نماید که لفاف آن را امضاء یا مهر کرده و در تاریخ باز کردن زنده و در مقر دادگاه حاضر هستند. اصل وصیت نامه که مطابق این ماده نزد دادرس دادگاه بخش بازمی شود و به دفتر امانات ثبت فرستاده می شود و رونوشت آن در دفتر دادگاه می ماند، اشخاص ذینفع می توانند از آن رونوشت بگیرند. ماده ۲۹۷- بعد از باز شدن وصیت نامه دادگاه بخش به اشخاصی که وصیت به نفع آنها شده یا کسانی که وصی معین شده اند مراتب را اطلاع می دهد. ماده ۲۹۸- وصیت نامه وقتی معتبر است که تمام آن موجود باشد و ادعای فقدان وصیت نامه اعم از این که این دعوی نسبت به تمام وصیت نامه یا قسمتی از آن باشد مسموع نیست ماده ۲۹۹- ترتیب صدور سند مالکیت به نام ورثه یا موصی له نسبت به اموال غیر منقول که به نام مورث ثبت شده است در آیین نامه وزارت دادگستری معین می شود.

فصل هفتم در تقسیم (م ۳۰۰ تا م ۳۲۶)

ماده ۳۰۰- در صورت تعدد ورثه هر یک از آنها می توانند از دادگاه درخواست تقسیم سهم خود را از سهم سایر ورثه بخواهند. ماده ۳۰۱- ولی و وصی و قیم هر وارثی که محجور باشد و امین غایب و جنین و کسی که سهم الارث بعضی از ورثه به او منتقل شده است و همچنین موصی له و وصی راجع به موصی به در صورتی که وصیت به جز مشاع از ترکه شده باشد حق درخواست تقسیم را دارند. ماده ۳۰۲- نسبت به درخواست تقسیم مرور زمان جاری نیست و کسانی که ذیحق در درخواست تقسیم هستند همه وقت می توانند این درخواست را بنمایند. ماده ۳۰۳- هرگاه یکی از ورثه متوفی غایب مفقود الاثری باشد که وکیل نداشته باشد و درخواست تقسیم اموال متوفی بشود بدواً برای غایب امین معین می شود و بعد تقسیم به عمل می آید. ماده ۳۰۴- درخواست تقسیم باید کتبی و مشتمل بر امور زیر باشد: ۱- نام و مشخصات درخواست کننده و متوفی ۲- ورثه و اشخاص دیگری که ترکه باید بین آنها تقسیم شود و سهام هر یک ماده ۳۰۵- پس از وصول درخواست هرگاه دادگاه محتاج به توضیحاتی باشد درخواست کننده را احضار نموده و توضیحاتی که لازم است از او می خواهد. ماده ۳۰۶- دادگاه برای رسیدگی به موضوع درخواست تعیین جلسه نموده

و درخواست کننده و اشخاص ذینفع را احضار می نماید. ماده ۳۰۷- درخواست کننده تقسیم می تواند زمینه‌هایی برای تقسیم ترکه تهیه نموده و به دادگاه تسلیم نماید در این صورت مراتب در احضاریه نوشته شده و تذکر داده می شود که مراجعه به زمینه‌های نامبرده در دفتر دادگاه مانعی ندارد. ماده ۳۰۸- وقت رسیدگی باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ احضاریه و روز دادرسی کمتر از ده روز نباشد. ماده ۳۰۹- اشخاص ذینفع می توانند در دادگاه حاضر شده به تراضی قراری راجع به مقدمات تقسیم اموال بگذارند. در این صورت دادگاه صورتمجلسی مشتمل بر قرارداد نامبرده تنظیم می نماید. ماده ۳۱۰- هرگاه یک یا چند نفر از اشخاص ذینفع در تنظیم قرارداد مذکور فوق شرکت نداشته و رضایت خود را اظهار نموده باشند دادگاه نتیجه تصمیمی را که مربوط به شخص غایب است به او اعلام می نماید با ذکر این که می تواند در ظرف مدت معینی در دفتر دادگاه حاضر شده و به قرارداد مراجعه نموده و رضایت یا عدم رضایت خود را اعلام دارد. ماده ۳۱۱- در اخطار مذکور در فوق قید می گردد که هرگاه شخص غایب در مدت معینه در دفتر حاضر نگردد و یا رضایت و عدم رضایت خود را اظهار نکند برطبق قرار مذکور در ماده ۳۰۹ قضیه حل خواهد شد. ماده ۳۱۲- هرگاه شخص غایب در اثر عذر موجهی حاضر نشده باشد و درخواست وقت جدیدی نماید تا رضایت و عدم رضایت خود را اعلام دارد دادگاه وقت جدیدی برای او معین خواهد نمود. ماده ۳۱۳- در صورتی که تمام ورثه و اشخاصی که در ترکه شرکت دارند حاضر و رشید باشند به هر نحوی که بخواهند می توانند ترکه را مابین خود تقسیم نمایند لیکن اگر مابین آنها محجور یا غایب باشد تقسیم ترکه به توسط نمایندگان آنها در دادگاه به عمل می آید. ماده ۳۱۴- در صورتی که ورثه تراضی در بهای اموال غیرمنقول مورد درخواست تقسیم نمایند اموال نامبرده باید توسط کارشناس ارزیابی شود و اموال منقول در صورتی ارزیابی می گردد که به ارزیابی در موقع تحریر ترکه به جهاتی نتوان ترتیب اثر داد. ترتیب انتخاب کارشناس و مقررات راجع به کارشناس که در آیین دادرسی مدنی مقرر است در تقسیم رعایت می شود. ماده ۳۱۵- کارشناس باید بهای اموال مورد درخواست تقسیم و قابل قسمت بودن و قابل قسمت نبودن آنها را معین و سهام را تعدیل نماید. کارشناس باید برای ارزیابی اموال بهای روز ارزیابی را در نظر بگیرد. ماده ۳۱۶- تقسیم طوری به عمل می آید که برای هر یک از ورثه از هر نوع اموال حصه‌ای معین شود و اگر بعضی از اموال بدون زیان قابل تقسیم نباشد ممکن است آن را در سهم دیگران منظور نمود و اگر تعدیل محتاج به ضمیمه پول یا اموال باشد به ضمیمه آن تعدیل می شود. ماده ۳۱۷- در صورتی که مال اعم از منقول یا غیرمنقول قابل تقسیم و تعدیل نباشد، ممکن است فروخته شده بهای آن تقسیم شود. فروش اموال به ترتیب عادی به عمل می آید مگر آن که یکی از ورثه فروش آن را به طریق مزایده درخواست کند. ماده ۳۱۸- در صورتی که بعضی از ورثه مدیون متوفی باشند ممکن است دین را در سهم خود آنها قرار داد. ماده ۳۱۹- در صورتی که پس از تعدیل سهام ورثه به تعیین حصه تراضی نمایند سهام آنها به قرعه معین می شود. ماده ۳۲۰- در موردی که تقسیم از طریق قرعه انجام می گیرد باید جلسه‌ای که برای قرعه معین شده به اشخاص ذینفع اطلاع داده شود و اگر بعضی از اشخاص نامبرده حاضر نشوند دادگاه بخش به درخواست اشخاص حاضر اقدام به قرعه و تعیین سهام می نماید. ماده ۳۲۱- هرگاه یکی از ورثه غایب یا محجور باشد برای غایب و محجور امین یا قیم معین و پس از آن تقسیم به عمل می آید. ماده ۳۲۲- پس از تمام شدن تقسیم دادگاه صورت مجلسی تنظیم نموده و در آن مقدار ترکه و سهم هر یک از وراث و آنچه برای تادیه دیون و اجرای وصیت منظور شده تصریح می نماید. ماده ۳۲۳- صورت مجلس مذکور فوق باید به امضا یا مهر صاحبان سهام و امضای دادرس دادگاه برسد و هرگاه بعضی از صاحبان سهام نباشند یا نتوانند و یا نخواهند امضاء کنند، جهت امضا نکردن آنها در صورتمجلس قید می شود و این صورتمجلس در دفترخانه دادگاه باقی خواهد ماند. ماده ۳۲۴- دادگاه برطبق صورتمجلس مذکور در دو ماده فوق تقسیم نامه به عده صاحبان سهام تهیه نموده و به آنها ابلاغ و تسلیم می نماید. این تصمیم دادگاه حکم شناخته شده و از تاریخ ابلاغ در حدود قوانین قابل اعتراض و پژوهش و فرجام است ماده ۳۲۵- هر یک از ورثه پس از تقسیم مالک مستقل سهم خود خواهد بود و هر تصرفی که بخواهد می نماید و به حصه دیگران حقی ندارد. ماده ۳۲۶- مقررات قانون مدنی راجع به تقسیم در

مورد تقسیم ترکه جاری است و نیز مقررات راجع به تقسیم که در این قانون مذکور است در مورد تقسیم سایر اموال جاری خواهد بود.

فصل هشتم در ترکه متوفای بلاوارث (م ۳۲۷ تا م ۳۳۶)

ماده ۳۲۷- در صورتی که وارث متوفی معلوم نباشد به درخواست دادستان یا اشخاص ذینفع برای اداره ترکه مدیر معین می‌شود. ماده ۳۲۸- در مورد ماده فوق، دادستان مکلف است مراقبت نماید اقداماتی که برای حفظ ترکه لازم است به عمل آید و از دادگاه تعیین مدیر ترکه را بخواهد. ماده ۳۲۹- پس از وصول درخواست دادگاه باید منتهی تا یک هفته مدیر ترکه را معین نماید. ماده ۳۳۰- در صورتی که متوفی برای اجرای وصیت خود وصی معین کرده باشد اداره ترکه به وصی واگذار می‌شود. ماده ۳۳۱- هرگاه متوفی محجور بوده و وصی داشته است اداره ترکه به وصی یا قیم واگذار می‌شود. ماده ۳۳۲- در غیر موارد مذکور در دو ماده فوق اداره ترکه به کسی که مورد اعتماد دادرس است واگذار خواهد شد. ماده ۳۳۳- مقررات مواد ۲۶۵ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ نسبت به ترکه متوفایی هم که وارث او معلوم نیست جاری خواهد بود. ماده ۳۳۴- مدیر ترکه پس از تحریر ترکه دیون و واجبات مالی متوفی را ادا کرده مورد وصیت را در صورتی که وصیت شده باشد خارج و باقی مانده ترکه را از اموال منقول و غیرمنقول و وجه نقد که در تصرف دولت یا بنگاههای بازرگانی و صرافی و غیره یا اشخاصی است به دادستان تسلیم می‌کند که به ترتیب مقرر در آیین‌نامه وزارت دادگستری نگاهداری نماید. ماده ۳۳۵- اگر از تاریخ تحریر ترکه تا ۱۰ سال وارث متوفی معلوم نشود ترکه به او داده می‌شود و پس از گذشتن مدت نامبرده باقیمانده ترکه به خزانه دولت تسلیم می‌شود و ادعای حقی نسبت به ترکه از کسی به هر عنوان که باشد پذیرفته نیست ماده ۳۳۶- در صورتی که قبل از انقضای مدت مذکور فوق ادعای حقی بر متوفی بشود و حق نامبرده به موجب سند رسمی یا حکم قطعی دادگاه ثابت شده باشد مدیر ترکه باید پردازد و در صورتی که حقی به موجب نوشتجات یا دفاتر متوفی محرز شود مدیر ترکه با موافقت دادستان می‌تواند آن را پردازد و اگر ترکه به دادستان داده شده باشد او خواهد پرداخت و چنانچه ادعا به ترتیب مذکور ثابت و محرز نشود مدعی می‌تواند به طرفیت مدیر ترکه و در صورتی که ترکه به دادستان داده شده باشد به طرفیت او اقامه دعوی نماید.

فصل نهم راجع به ترکه اتباع خارجه (م ۳۳۷ تا م ۳۵۹)

ماده ۳۳۷- جز آنچه در این فصل ذکر می‌شود مهر و موم و برداشتن مهر و موم و تحریر و اداره ترکه اتباع خارجه به همان طریقی خواهد بود که مطابق این قانون برای ترکه اتباع ایران مقرر است ماده ۳۳۸- هرگاه تبعه خارجه در ایران یا در خارجه فوت شود و در ایران دارای مالی باشد دادرس دادگاه بخش محلی که مال متوفی در آنجا واقع است به درخواست هر ذینفع یا به درخواست کنسول دولت متبوع متوفی به حفظ و تصفیه امر ترکه اقدام می‌نماید و در صورتی که متوفی وارث یا قائم مقام در ایران نداشته باشد بدون درخواست هم دادرس پس از اطلاع اقدام به حفظ و تصفیه ترکه می‌نماید. ماده ۳۳۹- دادگاه بخش پس از وصول درخواست ذینفع یا کنسول و به محض اطلاع از فوت در مورد اخیر ماده فوق وقتی را که از تاریخ وصول درخواست یا اطلاع متجاوز از ۴۸ ساعت نباشد برای اقدام تأمین از قبیل مهر و موم و غیره معین کرده کتبا به کنسول دولت متبوع اطلاع می‌دهد که در موقع اقدام به تأمین حضور به هم رسانند. عدم حضور کنسول مانع از اقدام نخواهد بود ولی بعداً می‌تواند در محل حاضر شده مهر و موم خود را به مهر و موم دادگاه اضافه نماید. ماده ۳۴۰- در صورتی که کنسول دولت متبوع متوفی قبلاً از وفات مطلع شده و امر طوری باشد

که تا اطلاع به مامورین ایران بیم تضييع و تفریط تمام یا قسمتی از ترکه برود، می‌تواند شخصا اقدامات موقتی را برای حفظ آن به عمل آورده وضعیت موقتی را تا مداخله دادرس دادگاه بخش حفظ نماید. ماده ۳۴۱- در موقعی که دادگاه بخش برای مهر و موم تعیین وقت می‌کند باید بلافاصله و منتهی در ظرف یک هفته از تاریخ وصول درخواست یا اطلاع یک نفر را برای اداره ترکه معین و معرفی نماید. ماده ۳۴۲- دادگاه می‌تواند با رعایت ماده ۲۶۴ و با در نظر گرفتن مصلحت و منافع و ورثه و اشخاص ذینفع هر کس را که طرف اعتماد بدانند به سمت مدیر ترکه معین کند. اقدامات مدیر ترکه با نظارت دادستان به عمل خواهد آمد. در نقاطی که اداره تصفیه موجود است مدیر ترکه معین نمی‌شود و این وظیفه به اداره تصفیه رجوع می‌شود. ماده ۳۴۳- مدیر ترکه باید به محض ابلاغ انتصاب خود سه آگهی هریک به فاصله یک ماه در مجله رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محل و اگر در محل روزنامه نباشد در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران منتشر نموده اشخاصی را که به‌عنوانی از عناوین برای خود حقی بر ذمه متوفی و یا بر اعیان ترکه قایل هستند دعوت نماید. در ظرف شش ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی خود را معرفی و موضوع حق خود را معین کنند و رونوشت یا عکس گواهی شده مدارک طلب و حقانیت خود را به او تسلیم نمایند. هرگاه میزان ترکه کمتر از هزار ریال باشد، آگهی در روزنامه لازم نیست ماده ۳۴۴- پس از تعیین مدیر ترکه دادگاه بخش با حضور دادستان ترکه را تحریر و به او تسلیم می‌نماید. ماده ۳۴۵- برای تحریر ترکه روز و ساعت و محل تحریر به دادستان و اشخاص مشروحه اطلاع داده می‌شود: ۱- تمام وراثت که در ایران حاضر بوده و یا نماینده در آنجا دارند. ۲- وصی اگر معلوم و مقیم ایران باشد. ۳- کسانی که وصیت به نفع آنها شده اگر معلوم و مقیم ایران بوده و یا در ایران نماینده داشته باشند. ۴- شریک متوفی اگر باشد در صورتی که در ایران حاضر بوده یا نماینده داشته باشد. ۵- کنسول دولت متبوع متوفی ماده ۳۴۶- غیبت اشخاصی که اعلام‌نامه مندرج در ماده فوق برای آنها فرستاده شده مانع از تحریر ترکه نخواهد بود ولی در صورتی که کنسول دولت متبوع متوفی در موقع تحریر ترکه حاضر نباشد در صورت مجلس قید و رونوشتی از آن برای کنسول فرستاده می‌شود. ماده ۳۴۷- به صورت ریز ترکه باید صورتی از اموال غیرمنقول که در ایران واقع است با تعیین بهای تقریبی آنها پیوست شود. ماده ۳۴۸- در صورتی که ورثه یا وصی متوفی یا قائم مقام قانونی آنها حاضر شوند برای بهای ترکه تامین دهند که هرگاه در مدت یک سال از تاریخ انتشار اولین آگهی مذکور در ماده ۳۴۳ بستانکارانی پیدا شوند که تبعه ایران یا مقیم ایران باشند و طلب آنها ثابت گردد از عهده برآیند ترکه پس از وضع هزینه آگهی‌ها و هزینه‌های دیگر قانونی که به عمل آمده است به تصرف آنها داده می‌شود. ماده ۳۴۹- تامین ممکن است به وسیله تودیع وجه نقد یا وثیقه دادن اموال منقول و یا غیرمنقول یا دادن ضامن معتبر به عمل آید و نیز ممکن است درخواست کننده از همان اموال متوفی تامین بدهد. قبول یا رد تامین منوط به نظر دادگاهی است که مدیر ترکه را تعیین نموده است ماده ۳۵۰- مدیر ترکه با اجازه دادگاه بخش می‌تواند به ورثه متوفی که در حال استیصال و مقیم در ایران هستند تا موقع تصفیه ماترک مبلغی که برای معیشت آنها ضروری باشد، بپردازد. در موردی که اداره تصفیه وظیفه امین ترکه را انجام می‌دهد اجازه دادگاه بخش لازم نیست ماده ۳۵۱- پس از انقضا مدت مذکور در ماده ۳۴۳ مدیر ترکه وقتی را برای رسیدگی به دعاوی و مطالبات معین کرده به ورثه یا وصی یا قائم مقام قانونی آنها و کنسول دولت متبوع متوفی اگر در محل باشد، اطلاع می‌دهد و در وقت مقرر شروع به رسیدگی نموده و پس از رسیدگی کلیه دیون و تعهداتی را که بر ذمه متوفی ثابت و محقق است با اجازه دادستان تادیه می‌نماید و بقیه را به ورثه یا وصی یا قائم مقام قانونی آنها و در صورتی که اشخاص نامبرده اصلاً نباشند یا در ایران نباشند به کنسول یا سایر نمایندگان سیاسی دولت متبوع متوفی تسلیم می‌نماید. ماده ۳۵۲- اشخاصی که مدعی حقی بر ترکه بوده و دعوی آنها از طرف مدیر ترکه و دادستان یا مدیر تصفیه تصدیق نشده باشد می‌توانند دعوی خود را در دادگاه صلاحیتدار اقامه یا تعقیب نمایند. انقضا مدت مقرر در ماده ۳۴۳ موجب سقوط حق اشخاصی که در ظرف مدت حق خود را مطالبه نکرده‌اند، نمی‌باشد. ماده ۳۵۳- اگر نسبت به ترکه متوفی قرار تامین صادر شده باشد تسلیم اموال به اشخاص مذکور در ماده ۳۵۱ با رعایت قرار دادگاه به عمل خواهد آمد. ماده ۳۵۴- هرگاه متوفی بازرگان بود و

به موجب حکم دادگاه ورشکستگی او قبل یا بعد از فوت اعلام شود اداره تصفیه امور اوتابع مقررات راجع به تصفیه امور بازرگان متوقف است ماده ۳۵۵- رسیدگی به دعاوی راجع به ترکه اتباع خارجه در ایران از صلاحیت دادگاه ایران است ماده ۳۵۶- تصدیق صادره از مقامات صلاحیتدار کشور متوفی راجع به وراثت اتباع خارجه یا انحصار آن پس از احراز اعتبار آن در دادگاه ایران از حیث صدور و رعایت مقررات مربوطه به اعتبار اسناد تنظیم شده در خارجه قابل ترتیب اثر خواهد بود. ماده ۳۵۷- اگر تبعه خارجه که در ایران فوت شده مسافر موقتی باشد اشیاء متعلق به او فوراً به کنسول دولت متبوع او تسلیم می‌شود. ماده ۳۵۸- از هزینه‌هایی که برای اداره کردن ترکه می‌شود باید صورت کاملی به دادستان داده شود. ماده ۳۵۹- حقوقی که به موجب این فصل برای کنسول‌ها یا نمایندگان سیاسی خارجی مقرر شده مربوط به کنسول یا نماینده سیاسی دولی است که در خاک آن دول نسبت به کنسول‌ها یا نمایندگان سیاسی ایران معامله متقابله بشود.

فصل دهم در تصدیق انحصار وراثت (م ۳۶۰ تا م ۳۷۴)

ماده ۳۶۰- در صورتی که وارث متوفی یا سایر اشخاص ذینفع بخواهند تصدیق انحصار وراثت تحصیل کنند درخواست نامه کتبی مشتمل بر نام و مشخصات درخواست کننده و متوفی و ورثه و اقامتگاه آنها و نسبت بین متوفی و وراثت تنظیم نموده به دادگاه تسلیم می‌نماید. ماده ۳۶۱- دادگاه رسیدگی کننده درخواست متقاضی را یک نوبت در روزنامه‌های کثیرالانتشار یا محلی آگهی می‌نماید. (اصلاحی ۱۸/۴/۱۳۷۴) تبصره در نقاطی که روزنامه دایر نیست دادگاه می‌تواند به جای آگهی در روزنامه محلی به تعداد لازم به هزینه متقاضی گواهی حصر وراثت آگهی تهیه نموده و در معابر همان محل الصاق نماید. تاریخ الصاق آگهی‌ها که باید در یک روز به عمل آید به وسیله صورت جلسه که مامورین ابلاغ نسبت به این موضوع تهیه می‌نمایند رعایت خواهد گردید. (الحاقی ۲۰/۹/۱۳۳۷). ماده ۳۶۲- پس از انقضای یک ماه از تاریخ نشر آگهی در صورتی که معترضی نبود دادگاه تمام ادله و اسناد درخواست کننده تصدیق را از برگ شناسنامه و گواهی گواه و غیره در نظر گرفته تصدیقی مشعر بر وراثت و تعیین عده وراثت و نسبت آنها به متوفی صادر می‌نماید و در صورت اعتراض دادگاه جلسه‌ای برای رسیدگی به اعتراض معین نموده و به معترض و درخواست کننده تصدیق اطلاع می‌دهد و در جلسه پس از رسیدگی حکم خواهد داد و این حکم قابل پژوهش و فرجام است (اصلاحی ۱۸/۴/۱۳۷۴) ماده ۳۶۳- دادگاه بخش می‌تواند گواهیها را احضار کرده و گواهی آنانرا استماع کند، چنانچه گواه در خارج از مقر دادگاه ساکن باشد تحقیق از گواه به وسیله دادگاه محل اقامت گواه یا نزدیکترین دادگاه محل اقامت گواه به عمل خواهد بود. ماده ۳۶۴- در صورتی که بهای ترکه بیش از ده میلیون ریال نباشد دادگاه بدون انتشار آگهی به ادله درخواست کننده رسیدگی و درخواست تصدیق صدور گواهی حصر وراثت را حسب اقتضای دلایل قبول یا رد می‌نماید. و در مورد وراثت روستائیان در صورتی که بهای ترکه بیش از مبلغ فوق باشد فقط به الصاق آگهی برای یک بار و در یک روز در معابر و اماکن عمومی روستای محل اقامت متوفی اکتفا خواهد شد و پس از انقضای یک ماه از تاریخ الصاق رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند. وزارت دادگستری می‌تواند هر سه سال یک بار باتصویب رئیس قوه قضاییه با توجه به شاخص قیمت‌ها و هزینه زندگی مبلغ مذکور را افزایش یا کاهش دهد. (اصلاحی ۱۸/۴/۱۳۷۴) تبصره در مورد این ماده دادگاه باید در اولین فرصت و اسرع وقت نسب به درخواست تصدیق رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید. (الحاقی ۲۰/۹/۱۳۳۷) ماده ۳۶۵- در صورتی که به واسطه معلوم نبودن ورثه یا برای تصفیه ترکه و غیره قبلاً برای معرفی ورثه آگهی شده باشد صدور تصدیق انحصار وراثت محتاج به آگهی جدید نبوده و در صورت درخواست هر یک از ورثه یا اشخاص ذینفع تصدیق انحصار وراثت صادر خواهد شد. ماده ۳۶۶- رای دادگاه دایر به رد درخواست تصدیق قابل پژوهش و فرجام است ماده ۳۶۷- در کلیه موارد که دادستان تشخیص دهد که متوفی بلاوارث بوده و

درخواست اشخاص برای صدور تصدیق بی اساس است می تواند به درخواست تصدیق انحصار وراثت اعتراض نماید و نیز می تواند در صورتی که متوفی را بلاوارث بداند به تصدیق انحصار وراثت در موردی هم که تصدیق مسبوق به آگهی نبوده است اعتراض کند و در هر حال دادستان حق دارد از رای دادگاه پژوهش و فرجام بخواهد. ماده ۳۶۸- مادامی که برای محجور قیم و برای غایب امین معین نشده دادستان می تواند به نام محجور و غایب به درخواست تصدیق انحصار وراثت اعتراض نماید. ماده ۳۶۹- در مورد ماده ۳۶۴ اشخاص ذینفع می توانند به درخواست تصدیق و همچنین به تصدیقی که در موضوع وراثت صادر می شود اعتراض نمایند و رای دادگاه در این خصوص قابل پژوهش و فرجام است ماده ۳۷۰- اشخاصی که تصدیق انحصار وراثت تحصیل کرده اند می توانند مطابق تصدیق نامبرده ترکه و مطالبات متوفی را از کسانی که مدیون یا متصرف مال متوفی هستند مطالبه نمایند - مدیون یا متصرف اموال متوفی باید ترکه و مطالبات متوفی را به آنها تسلیم نماید و در صورت تادیه دین و یا تسلیم مال در مقابل هر مدعی وراثت بری محسوب خواهد شد و مدعی نامبرده حق رجوع به شخص یا اشخاصی خواهد داشت که طلب متوفی را وصول و یا مال متعلق به او را دریافت نموده اند. (تبصره ماده ۳۷۰ به موجب ماده واحده مصوب آذرماه ۱۳۳۷ منسوخ است. ماده ۳۷۱- مدیون که بدهی خود را به وراثت متوفی می دهد می تواند رونوشت گواهی شده انحصار وراثت را از وراثت بخواهد. ماده ۳۷۲- در تصدیق انحصار وراثت باید نسبتی که وراثت یا ورثه به مورث خود دارند از متروکات به نحو اشاعه معین شود. ماده ۳۷۳- در تصدیق انحصار وراثت به درخواست ورثه دادگاه حصه هر یک از ورثه را معین می نماید. ماده ۳۷۴- در صورتی که ورثه بخواهند ملک غیر منقولی که به نام مورث ثبت شده است به نام آنها ثبت گردد باید تصدیق انحصار وراثت یا رونوشت گواهی شده آن را که مشتمل بر تعیین سهام باشد به اداره ثبت تسلیم نمایند.

باب ششم در هزینه (م ۳۷۵ تا م ۳۷۸)

ماده ۳۷۵- هزینه رسیدگی به امور حسبی منحصر به موارد زیر بوده و در هر مورد موقع درخواست پانصد ریال گرفته می شود: ۱- درخواست تسلیم اموال غایب به ورثه ۲- درخواست حکم موت فرضی ۳- درخواست پژوهش از رد درخواست حکم فرضی ۴- درخواست مهر و موم ترکه ۵- درخواست برداشتن مهر و موم ترکه ۶- درخواست تحریر ترکه ۷- درخواست تصفیه ترکه ۸- درخواست تقسیم ترکه ۹- درخواست تصدیق انحصار وراثت ماده ۳۷۶- درخواست هایی که دادستان از دادگاه می نماید و همچنین اقداماتی که دادگاه بدون درخواست مکلف به انجام آن است هزینه ندارد. ماده ۳۷۷- هزینه آگهی تصدیق انحصار وراثت از درخواست کننده گرفته می شود و هزینه حفظ و اداره ترکه و تحریر و تصفیه و تقسیم ترکه از ترکه برداشته می شود. ماده ۳۷۸- وزیر دادگستری مجاز است آیین نامه های لازم را برای اجرای این قانون تهیه و به موقع اجرا بگذارد.

قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی در خصوص مهریه. مصوب ۷۷ (م ۱ تا م ۷)

ماده واحده - یک تبصره به شرح ذیل به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی الحاق می گردد: تبصره - چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تادیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند. آیین نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و نهم تیرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۸/۵/۱۳۷۶ به تایید شورای نگهبان رسیده است رئیس مجلس شورای اسلامی - علی اکبر ناطق نوری

قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق. مصوب ۷۱ (ماده واحده + ۷ تبصره)

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون زوجیهایی که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر را دارند بایستی جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه دعوی نمایند. چنانچه اختلاف فیما بین از طریق دادگاه و حکمین از دو طرف که برگزیده دادگاهند (آنطور که قرآن کریم فرموده است حل و فصل نگردید دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد. دفاتر رسمی طلاق حق ثبت طلاقهایی را که گواهی عدم امکان سازش برای آنها صادر نشده است ندارند. در غیر این صورت از سردفتر خاطی سلب صلاحیت به عمل خواهد آمد. تبصره ۱ - نحوه دعوت از حکمین و بررسی صلاحیت آنان به عهده دادگاه مدنی خاص است که آیین نامه اجرایی آن ظرف دو ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید. تبصره ۲ - گزارش کتبی مبنی بر عدم امکان سازش با توجه به کلیه شروط ضمن عقد و مطالب مندرج در اسناد ازدواج جمهوری اسلامی ایران و نیز تعیین تکلیف و صلاحیت سرپرستی فرزندان وحل و فصل مسائل مالی با امضای حکمین شوهر و زن مطلقه و همچنین گواهی کتبی سلامت روانی زوجین در صورتی که برای دادگاه مدنی خاص مشکوک باشد به دادگاه باید تحویل گردد. تبصره ۳ - اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفتر، موکول به تادیه حقوق شرعی و قانونی زوج (اعم از مهریه نفقه جهیزیه و غیر آن به صورت نقد می باشد مگر در طلاق خلع یا مبارات (در حد آنچه بذل شده و یا رضایت زوج و یا صدور حکم قطعی اعسار شوهر از پرداخت حقوق فوق الذکر. تبصره ۴ - در طلاق رجعی گواهی کتبی اسکان زوج مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده الزامی است و در صورت تحقق رجوع، صورتجلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع در مهلت مقرر، صورتجلسه طلاق تکمیل و ثبت می گردد، صورتجلسه تکمیلی طلاق با امضا زوجین و حکمین و عدلین و سردفتر و مهر دفترخانه معتبر است تبصره ۵ - دادگاه مدنی خاص در مواقع لزوم می تواند از بین بانوان واجد شرایط قانون شرایط انتخاب قضات مشاور زن داشته باشد. تبصره ۶ - [مصوب ۲۸/۸/۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از طلاق در صورت درخواست زوج مبنی بر مطالبه حق الزحمه کارهایی که شرعا به عهده وی نبوده است دادگاه بدوا از طریق تصالح نسبت به تامین خواسته زوج اقدام می نماید. و در صورت عدم امکان تصالح چنانچه ضمن عقد یا عقد خارج لازم در خصوص امور مالی شرطی شده باشد طبق آن عمل می شود، در غیر این صورت هرگاه طلاق بنا به درخواست زوج نباشد، و نیز تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سو اخلاق و رفتار وی نباشد، به ترتیب زیر عمل می شود: الف - چنانچه زوج کارهایی را که شرعا به عهده وی نبوده به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و بپردازد آن حکم می نماید. ب - در غیر مورد بند «الف» با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوج در خانه شوهر انجام داده و وسع مالی زوج دادگاه مبلغی را از باب بخشش (نحله برای زوج تعیین می نماید. تبصره ۷ - گواهی وجود یا عدم وجود جنین توسط پزشک ذیصلاح و آزمایشگاه مربوطه باید تحویل گردد.

قانون اختصاص تعدادی از دادگاههای موجود به دادگاههای موضوع اصل (۲۱) قانون اساسی دادگاه خانواده .

ماده واحده - رئیس قوه قضائیه مکلف است ظرف مدت سه ماه در حوزه های قضائی شهرستانها به تناسب جمعیت آن حوزه حداقل یک شعبه از شعب دادگاههای عمومی را برای رسیدگی به دعاوی خانواده اختصاص دهد، پس از تخصیص این شعب دادگاههای عمومی حق رسیدگی به دعاوی مربوط به این دادگاهها را نخواهند داشت صلاحیت دادگاه خانواده عبارت است از رسیدگی به دعاوی مربوط به ۱ - نکاح موقت و دائم ۲ - طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای مدت ۳ - مهریه ۴ - جهیزیه ۵ - اجرة المثل و نحله ایام زوجیت ۶ - نفقه معوقه و جاریه زوج و اقربای واجب النفقه ۷ - حضانت و ملاقات اطفال ۸ - نسب ۹ - نشوز و

تمکین ۱۰ - نصب قیم و ناظر و ضم امین و عزل آنها. ۱۱ - حکم رشد. ۱۲ - ازدواج مجدد. ۱۳ - شرایط ضمن عقد. تبصره ۱ - قضات دادگاه‌های خانواده باید متاهل و با سابقه حداقل چهار سال کار قضایی باشند. تبصره ۲ - در حوزه‌های قضایی بخش دادگاه عمومی بخش قائم مقام دادگاه خانواده خواهد بود. تبصره ۳ - هر دادگاه خانواده حتی المقدور با حضور مشاور قضائی زن شروع به رسیدگی نموده و احکام پس از مشاوره با مشاوران قضایی زن صادر خواهد شد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و سه تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ هشتم مردادماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۹/۵/۱۳۷۶ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون اجازه رعایت احوال شخصی ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲ (ماده واحده + ۳ بند)

ماده واحده - نسبت به احوال شخصی و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذاهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق ذیل رعایت نمایند: ۱ - در مسائل مربوط به نکاح و طلاق عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است ۲ - در مسائل مربوط به ارث و وصیت عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهب متوفی ۳ - در مسائل مربوط به فرزندخواندگی عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است

قانون «رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصی و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی کلیمی و مسیحی»

ماده واحده رای وحدت رویه شماره ۳۷ مورخ ۱۹/۹/۱۳۶۳ هیات عمومی دیوان عالی کشور، عینا و به شرح ذیل به تصویب رسید: نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و این که به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصی ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصی و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان در دادگاهها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده فلذا دادگاه در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیتنامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمة در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند این رای برابر ماده ۴۳ قانون امور حسبی و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مردادماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است قانون «رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصی و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی کلیمی و مسیحی» در اجرای بندهشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسه روز پنجشنبه مورخ سوم تیرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و دو مجمع تشخیص مصلحت نظام به شرح ماده واحده فوق به تصویب رسیده است رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام - اکبر هاشمی رفسنجانی

دستورالعمل راجع به افزایش بهای ترکه

احتراما به استحضار می‌رساند، قسمت اخیر ماده ۳۶۴ قانون امور حسبی اصلاحی سال ۱۳۷۴ وزیر دادگستری را مکلف نموده است هر سه سال یکبار ترکه را با توجه به شاخص قیمتها و هزینه زندگی تعیین و جهت تصویب به رئیس قوه قضائیه پیشنهاد نماید. بر این اساس چون برابر اعلام بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شاخص تورم از عدد ۲/۶۹ در سال ۱۳۷۴ به ۲۰۶ در سال ۱۳۸۱، تغییر و افزایش یافته است بنابراین بهای ترکه موضوع ماده مرقوم به مبلغ تقریبی سی میلیون ریال به شرح زیر بالغ خواهد شد. (۰۰۰/۰۰۰/۳۰) - ۷۸۶/۷۶۸/۲۹ = ۲/۶۹ : ۲۰۶ × ۰۰۰/۰۰۰/۱۰ خواهشمند است در صورت موافقت مراتب را امر به ابلاغ فرمایند.

وزیر دادگستری - محمد اسماعیل شوشتری

تصویب نامه در خصوص آزمایش تالاسمی قبل از ازدواج. مصوب ۷۶ (فقد ماده قانونی)

«نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۵۱۹۱ - ۹/۲/۱۳۷۶» هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۰/۱/۱۳۷۶، بنا به پیشنهاد شماره ۸۶۶/پ مورخ ۲۹/۱۰/۱۳۷۵ بنیاد امور بیماری‌های خاص تصویب نمود: آزمایش تشخیص ناقصین تالاسمی قبل از ازدواج اجباری شود و دفاتر ازدواج گواهی نامه مربوطه را از نامزدها مطالبه و پس از بایگانی آن به عقد و ازدواج و ثبت آن با قید موجود بودن گواهی نامه یاد شده اقدام نمایند. معاون اول رئیس جمهور - حسن حبیبی

آیین‌نامه نحوه اجرای احکام و تصمیمات دادگاه خانواده. مصوب ۵۴. (م ۱ تا م ۷)

ماده ۱- اجرای احکام و تصمیمات قطعی دادگاه خانواده جز در مواردی که در این آیین‌نامه استثنای شده محتاج به درخواست ذی نفع است تبصره - تسلیم گواهی عدم امکان سازش به دفتر طلاق و اجازه‌نامه ازدواج مجدد به دفتر ازدواج در حکم درخواست اجرای تصمیمات دادگاه است ماده ۲- در مورد تصمیمات راجع به حضانت و نفقه اطفال و تعیین تکلیف در امور حسبی و مورد ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده دادگاه راسا دستور اجرای تصمیم خود را به هر ترتیب مقتضی بداند به مامورین اجرا یا کارمندان دفتر دادگاه یا مامورین شهربانی یا ژاندارمری و سایر مامورین انتظامی می‌دهد. ماده ۳- اجرای سایر احکام و تصمیمات دادگاه به ترتیب مقرر در اجرای احکام مدنی با رعایت تبصره ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده به عمل خواهد آمد. ماده ۴- در مورد کلیه احکام و تصمیمات راجع به امور مالی هرگاه کسی که ملزم به پرداخت مورد حکم یا تصمیم دادگاه گردیده از هر یک از سازمان‌ها و موسسات عمومی یا بخش خصوصی حقوق و مستمری یا کارمزد دریافت نماید دادگاه می‌تواند دستور کسر حقوق یا مستمری یا کارمزد او را با میزانی که در اجرای احکام مدنی مقرر گردیده بدهد. کسر وجوه مذکور و تادیه آن به عهده رئیس یا مدیر یا مسئول سازمان یا موسسه یا کارفرما خواهد بود. ماده ۵- در مورد ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده روسا و مدیران و مسئولین سازمان‌ها و موسسات عمومی و خصوصی و کارفرمایان مکلفند تصمیم دادگاه را در مورد منع اشتغال زوج یا زوجه اجراء نمایند. ماده ۶- دفاتر طلاق مکلفند به محض ارائه گواهی عدم امکان سازش آن را در دفتر مخصوص ثبت کرده و رسید مشتمل بر نام زوج و زوجه و شماره و تاریخ ثبت از روز و ماه و سال به ارائه کننده گواهی تسلیم و به ترتیب مقرر در ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده اقدام نمایند. ماده ۷- دفاتر طلاق مکلفند رونوشت طلاق نامه را بلافاصله پس از ثبت طلاق به دفتر دادگاه صادر کننده گواهی عدم امکان سازش ارسال نمایند.

آیین‌نامه زناشویی بانوان با اتباع بیگانه غیر ایرانی. مصوب ۱۳۴۵ (م ۱ تا م ۴)

ماده ۱- به وزارت کشور اجازه داده می‌شود پروانه اجازه زناشویی بانوان ایرانی را با اتباع بیگانه با رعایت مقررات این آیین‌نامه صادر نماید. ماده ۲- با رای صدور پروانه فوق متقاضیان باید مدارک زیر را تهیه و تسلیم دارند: ۱- درخواست نامه مرد و زن مبنی بر تقاضای صدور پروانه اجازه زناشویی طبق نمونه وزارت کشور. ۲- گواهی‌نامه از مرجع رسمی کشور متبوع مرد مبنی بر بلامانع بودن ازدواج با زن ایرانی و به رسمیت شناختن ازدواج در کشور متبوع مرد. در صورتی که تهیه گواهی‌نامه مذکور برای متقاضی امکان پذیر نباشد وزارت کشور می‌تواند بدون دریافت مدرک فوق در صورت رضایت زن پروانه زناشویی را صادر نماید. ۳- در صورتی که مرد غیرمسلمان و زن مسلمان باشد، گواهی یا استشهاد تشریف مرد به دین مبین اسلام ماده ۳- وزارت کشور در صورت تقاضای زن علاوه بر مدارک مذکور در ماده ۲ مدارک زیر را نیز از مرد بیگانه مطالبه خواهد نمود: ۱- گواهی‌نامه مبنی بر اینکه مرد

مجرد است یا متاهل از مرجع رسمی محلی یا ماموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد. ۲- گواهی نداشتن پیشینه بد و محکومیت کیفری مرد از مراجع رسمی محلی یا ماموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد و همچنین گواهی عدم سوء پیشینه کیفری از مراجع کشور در صورتی که مرد بیگانه در ایران اقامت داشته باشد. ۳- گواهی از مراجع محلی یا ماموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد مبنی بر وجود استطاعت و مکنت زوج و همچنین تعهدنامه ثبتی از طرف مرد بیگانه مبنی بر اینکه متعهد شود هزینه و نفقه زن و اولاد و هر گونه حق دیگری که زن نسبت به او پیدا کند در صورت بد رفتاری یا ترک و طلاق پرداخت نماید. تبصره - در مواردی که وزارت کشور مصلحت بداند، برای حسن انجام وظایفی که طبق مقررات و قوانین ایران زوج در قبال زوجه دارد از قبیل حسن رفتار و انفاق در تمام مدت زناشویی و ادای واجبات مالی زوجه و اولاد تحت حضانت وی و امثال آن و همچنین در مواردی که تفریق پیش آید برای پرداخت هزینه مراجعت همسر مطلقه تا محل سکونت زن در ایران می تواند تضمین متناسب از شوهر مطالبه نماید. فرم تعهدنامه و تضمینی که در این قبیل موارد باید اخذ شود و چگونگی استفاده از ضمانت نامه را، وزارت کشور تهیه خواهد نمود. ماده ۴- وزارت کشور می تواند به استناداریها و فرمانداری های کل و همچنین با موافقت وزارت امور خارجه به بعضی از نمایندگان سیاسی و کنسولی ایران در خارجه اختیار دهد که طبق مقررات این آیین نامه پروانه زناشویی را مستقیمادار محل صادر نموده و مراتب را به ثبت احوال اعلام دارند.

آیین نامه راجع به مواد ۲۷۹ و ۲۸۸ قانون امور حسبی . مصوب ۱۳۲۲ (م ۱ تا م ۵)

ماده ۱- وزارت دادگستری به هر یک از دادگاههای شهرستان و بخش و دادستان شهرستان و دفتر امور محجورین و تحریر ترکه و دفتر اسناد رسمی که مقتضی بداند اجازه می دهد که وصیت نامه سری را در حوزه خود یا حوزه های که از طرف وزارت دادگستری معین می شود به طریق امانت نگهداری نمایند. ماده ۲- اشخاصی که بخواهند وصیت نامه سری خود را امانت گذارند باید در اداره ثبت اسناد یا یکی از محل های مذکور در ماده فوق که از طرف وزارت دادگستری مجاز باشد، امانت گذارند. ماده ۳- اتباع دولت ایران در خارجه می توانند وصیت نامه سری خود را در کنسولگری ایران امانت بگذارند و همچنین اتباع خارجه در ایران می توانند وصیت نامه سری خود را در کنسولگری متبوع خود امانت گذارند. ماده ۴- ترتیب امانت گذاردن وصیت نامه سری در هر یک از محل های نامبرده کنسولگری و استرداد آن به طریقی است که برای امانت گذاردن اسناد رسمی و استرداد آنها در اداره ثبت اسناد مقرر است و وظایفی که در قانون ثبت اسناد برای مسوول دفتر مقرر است به عهده متصدی یکی از محل های نامبرده که وصیت نامه در آنجا سپرده می شود خواهد بود. ماده ۵- هر یک از محل های مذکور که وصیت نامه سری به آنجا سپرده شده مکلف است به طریقی که در قانون امور حسبی مقرر است بعد از اطلاع به فوت موصی وصیت نامه را به دادگاه بخش که برای رسیدگی به امور راجع به ترکه متوفی صالح است بفرستند.

آیین نامه راجع به ماده ۲۹۹ قانون امور حسبی . مصوب ۱۳۲۲ (م ۱ تا م ۱۴)

ماده ۱- در موقعی که از طرف ورثه یا موصیله بر اموال درخواست شود ملکی که در دفتر املاک به نام مورث ثبت شده است به نام ورثه یا موصیله یا به عنوان وصیت ثبت گردد، به ترتیبی که در مواد بعد مذکور است رفتار خواهد شد. ماده ۲- هرگاه در ورقه انحصار وراثت که به اداره ثبت اسناد و املاک داده می شود، عده ورثه و سهام هر یک از آنها معین شده و وصیت نامه نیز که مطابق قانون امور حسبی بتوان به آن ترتیب اثر داد به اداره ثبت تسلیم نشده و قبلا- هم وصیتی ثبت نشده باشد حصه هر یک از ورثه از ملک به طریقی که در تصدیق انحصار وراثت معین شده یا بین ورثه مذکور در تصدیق انحصار وراثت توافق حاصل شده باشد ثبت میشود. ماده ۳- اگر کسی به عنوان وراثت یا به عنوان اعتراض بر تصدیق انحصار وراثت در دادگاه اقامه دعوی کرده باشد باید قبل

از آن که ملک به نام ورثه ثبت شود تصدیقی از دادگاه حاکی از اقامه دعوی گرفته به اداره ثبت تسلیم نماید. در این صورت ثبت ملک به نام ورثه تا معلوم شدن نتیجه نهایی ادعا، توقیف خواهد شد. ماده ۴- در موقعی که دادستان برطبق ماده ۳۶۷ قانون امورحسبی برتصدیق انحصار وراثت اعتراض میکند، در صورتی که در جزء ترکه ملک غیرمنقول ثبت شده باشد باید در همان موقع به اداره ثبت کتبا اطلاع دهد. در این صورت ثبت ملک موقوف به معلوم شدن نتیجه اعتراض خواهد شد. ماده ۵- در صورتی که نسبت به ملک غیرمنقول ثبت شده وصیت شده باشد که مورد اتفاق تمام ورثه و اشخاص ذینفع باشد مورد وصیت به نام موصیله یا مصرفی که برای آن وصیت شده ثبت میشود و بقیه ملک (اگر بقیه باشد) به نام ورثه ثبت میگردد. ماده ۶- هرگاه وصیت نامه‌ای که به موجب قانون قابل ترتیب اثر است بین ورثه و اشخاص ذینفع مورد اختلاف واقع شود ثبت ملک نسبت به آنچه مورد گفتگو است موقوف به رفع اختلاف در دادگاه به موجب حکم نهایی خواهد بود. ماده ۷- اگر قسمتی از ملک مورد اختلاف واقع شده و قسمت دیگر مورد اختلاف نباشد و نتیجه گفتگو در مورد اختلاف تأثیری در این قسمت نداشته باشد ممکن است ملک نسبت به آنچه مورد اختلاف نیست ثبت و نسبت به آنچه مورد اختلاف است موقوف به حل اختلاف گردد. ماده ۸- هرگاه توافق و اختلاف ورثه نسبت به وصیت نامه‌ای که به موجب قانون قابل ترتیب اثر است معلوم نباشد اداره ثبت به هزینه شخص ذینفع آگهی مینماید و در آگهی باید مفاد وصیت نامه و این که از طرف کی و در چه تاریخ ابراز شده قید و تذکر داده شود چنانچه کسی اعتراضی نسبت به وصیت نامه دارد در ظرف سه ماه از تاریخ انتشار آخرین آگهی اعتراض خود را به اداره ثبتی که آگهی را منتشر نموده تسلیم نماید و در صورت انقضای مدت مذکور و نرسیدن اعتراض ملک مورد وصیت به نام موصیله یا مصرفی که برای آن وصیت شده است در دفتر املاک ثبت خواهد شد. آگهی مذکور سه مرتبه هر ماه یک مرتبه در روزنامه کثیرالانتشار محل منتشر شده و در صورت نبودن روزنامه در محل در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران منتشر خواهد گردید. ماده ۹- در مورد متوفای بلاوارث اگر در ظرف ده سال مقرر در قانون امور حسبی وصیت نامه‌ای ابراز شود که قابل ترتیب اثر بوده و برای تحریر ترکه آگهی نشده باشد مفاد وصیت نامه به ترتیب مذکور در ماده فوق و با قید این که متوفی بلاوارث معرفی شده است آگهی می گردد و در صورتی که در مدت سه ماه از تاریخ انتشار آخرین آگهی اعتراض نرسیده مورد وصیت به نام موصیله یا مصرفی که برای آن وصیت شده است ثبت و باقی ملک پس از ۱۰ سال اگر وارثی پیدا نشد به نام دولت ثبت خواهد شد. ماده ۱۰- اگر از طرف ورثه یا اشخاص دیگر ذینفع وصیت نامه‌ای ابراز شود که موصی از وصیت اول خود رجوع کرده و آن وصیت نامه مورد تصدیق تمام ورثه و اشخاص ذینفع واقع شود ملک مطابق وصیت نامه ثانی ثبت خواهد شد و اگر مورد اختلاف واقع شود یا توافق و اختلاف ورثه معلوم نباشد در صورتی که وصیت نامه مطابق قانون قابل ترتیب اثر باشد برطبق ماده ۶ و ۷ و ۸ عمل خواهد شد. ماده ۱۱- در صورتی که در دادگاه بخش در موعد مقرر در ماده ۲۹۴ قانون امور حسبی وصیت نامه ابراز شد که قابل ترتیب اثر باشد دادگاه در تصدیق انحصار وراثت مفاد وصیت نامه و این که در موقع ابراز شده و قابل ترتیب اثر است درج خواهد کرد و اگر تصدیق انحصار وراثت صادر شده و این مطلب به جهتی در آن درج نشده باشد اشخاص ذینفع باید تصدیقی مبنی بر ابراز وصیت نامه در موعد مقرر و قابل ترتیب اثر بودن آن از دادگاه گرفته به ضمیمه سواد وصیت نامه به اداره ثبت اسناد تسلیم نمایند. ماده ۱۲- اگر ترکه متوفی به وسیله دادگاه تقسیم شده و حکم نهایی دادگاه در این خصوص به اداره ثبت داده شود و یا این که ورثه موصیله و وصی (در صورتی که وصیتی شده باشد) ترکه را تقسیم کرده باشند ملک مطابق تقسیمی که شده است ثبت می شود و در صورت اخیر اگر اختلافی مابین ورثه و موصیله یا وصی در تقسیم باشد ثبت ملک موقوف به رفع اختلاف در دادگاه خواهد بود. ماده ۱۳- در صورتی که وصیت به طور کلی باشد «مثل ثلث اموال ورثه میتوانند ملک معین را ثلث قرار داده و باقی املاک را به نام خود ثبت کنند یا ثلث را از اموال دیگر معین کرده و تمام ملک ثبت شده را به نام خود ثبت کنند مگر این که در وصیت نامه ترتیب دیگری مقرر شده باشد. ماده ۱۴- پس از ثبت ملک در دفتر املاک به نام ورثه یا موصیله ادعای وصیت یا هر ادعای دیگری که مخالف با ثبت ملک باشد مسموع نخواهد شد و هیچ

وصیت‌نامه اعم از رسمی و سری و غیر اینها پذیرفته نخواهد شد.

آیین‌نامه حق الزحمه مدیر تصفیه و مدیر ترکه بر طبق قانون امور حسبی . مصوب ۱۳۲۶ (م ۱ تا م ۵)

ماده ۱- در هر مورد که طبق قانون امور حسبی مدیر تصفیه یا مدیر ترکه انتخاب می‌شوند یا اداره تصفیه عهده‌دار امور تصفیه یا ترکه می‌گردد پس از وضع هزینه‌های مربوط از قبیل هزینه آگهی تصدیق انحصار وراثت و امثال آن و همچنین پس از پرداخت دیون مسلمه و ثابت متوفی و اخراج مورد وصیت به شرح مقررات مذکور در قانون امور حسبی از باقیمانده ترکه که به ورثه یا خزانه دولت تعلق می‌گیرد به نسبت زیر حق الزحمه مدیر ترکه یا مدیر تصفیه با پیشنهاد مراجع ذیربط و تصویب دادگاه پس از کسر مالیات مقرر قانونی پرداخت خواهد شد: الف- در مواردی که حفظ و اداره اموال و وصول عواید مستلزم تحمل و زحمات زیادی نباشد از قبیل جمع‌آوری عواید مستغلات و دکاکین و سهام و دریافت مطالبات و اقساط و انتقالات مربوط به اموال و امثال آن ۱- تا یک میلیون ریال ۲٪ تا ۴٪ - از یک میلیون ریال تا پنج میلیون ریال نسبت به مازاد یک میلیون ریال ۱٪ تا ۳٪ - از پنج میلیون ریال تا ده میلیون ریال نسبت به مازاد پنج میلیون ریال نیم تا ۲٪ - از ده میلیون ریال به بالا نسبت به مازاد ده میلیون ریال از یک چهارم تا ۱٪ ب- چنانچه حفظ و اداره اموال و جمع‌آوری و وصول عواید و اخذ مطالبات مستلزم تحمل زحمات فوق العاده از قبیل مراجعه به ادارات رسمی و مراجع قضائی و سایر سازمانهای خصوصی و شرکتها یا مسافرت و امثال آن باشد یا اموال غیر منقول زراعتی بوده که مدیر ترکه یا تصفیه طبعاً بایستی در موقع کاشت و داشت و برداشت و وصول عواید صرف وقت زیادتر و تحمل زحمت بیشتر نماید: ۱- تا یک میلیون ریال ۴٪ تا ۶٪ - از یک میلیون ریال تا پنج میلیون ریال نسبت به مازاد یک میلیون ریال ۳٪ تا ۵٪ - از پنج میلیون ریال تا ده میلیون ریال نسبت به مازاد پنج میلیون ریال ۲٪ تا ۴٪ - از ده میلیون ریال به بالا نسبت به مازاد ده میلیون ریال بین ۱٪ تا ۳٪ ج- در صورتی که ترکه وجه نقد بوده و مدیر ترکه یا تصفیه اقداماتی از حیث جمع‌آوری اوراق و اسناد و دفاتر و بررسی و تحریر آن انجام داده که متضمن تحصیل عایدات مستقیم چندانی نیز نبوده با نظر مراجع ذیربط و تصویب دادگاه حق الزحمه مناسبی به مدیر ترکه یا تصفیه پرداخت خواهد شد ولی به هر حال میزان این حق الزحمه از ۱٪ تجاوز نخواهد نمود. تبصره - مدیر ترکه یا مدیر تصفیه مکلف است هر سال یک بار گزارش عملیات و صورتحساب درآمد و هزینه مربوط به ماترک را به انضمام مدارک و اسناد آن به مراجع ذیربط (اداره امور سرپرستی دادرسی عمومی یا اداره تصفیه امور ورشکستگی تسلیم نماید، در صورت تخلف از این تکلیف یا مسامحه و قصور در انجام وظایف محوله علاوه بر مسؤولیت قانونی از میزان دستمزد وی به تصویب دادگاه کاسته خواهد شد. ماده ۲- در صورتی که مدیر تصفیه یا مدیر اداره ترکه متعدد باشد حق الزحمه مقرر به نسبت کاری که انجام می‌دهند بین آنها تقسیم می‌شود. ماده ۳- در مواردی که امر تصفیه طبق ماده ۲۴ قانون امور حسبی با وصی است وصی علاوه بر حق الوصایه به عنوان مدیر تصفیه حقی دریافت نخواهد داشت ماده ۴- مقررات این آیین‌نامه شامل اموری که قبل از اجرای این آیین‌نامه تصفیه و خاتمه یافته نمی‌شود. ماده ۵- این آیین‌نامه پس از ۱۰ روز از تاریخ انتشار در روزنامه رسمی کشور ایران قابل اجرا است

آیین‌نامه اجرایی تبصره یک ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق . مصوب ۷۱ (م ۱ تا م ۹)

ماده ۱- نسبت به درخواستهای طلاق که از طرف زوجین یا یکی از آنها به دادگاه مدنی خاص تسلیم می‌شود، چنانچه اختلاف فیما بین از طریق دادگاه حل و فصل نگردید، رسیدگی به موضوع با صدور قرار به داوری ارجاع می‌گردد. تبصره - داوری در این قانون تابع شرایط مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی نمی‌باشد. ماده ۲- پس از صدور قرار ارجاع امر به داوری هر یک از زوجین مکلفند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ یک نفر از اقارب خود را که واجد شرایط مقرر در این آیین‌نامه هستند، به عنوان داور به

دادگاه معرفی نمایند. ماده ۳- در صورتی که در بین اقارب فرد واجد شرایط نبوده یا دسترسی به آنان مقدور نباشد و یا اقارب از پذیرش داوری استنکاف نمایند، هریک از زوجین می‌تواند داور خود را از بین افراد دیگر که واجد صلاحیت هستند، تعیین و معرفی نماید و در صورت امتناع یا عدم توانایی در معرفی داور، دادگاه راسا از بین افراد واجد شرایط مبادرت به تعیین داور یا داوران خواهد کرد. ماده ۴- داوران منتخب و یا منصوب باید واجد شرایط زیر باشند: ۱- مسلمان ۲- آشنایی نسبی به مسائل شرعی خانوادگی و اجتماعی ۳- حداقل چهل سال تمام ۴- متاهل ۵- معتمد ۶- عدم اشتها به فسق و فساد. ماده ۵- پس از معرفی و انتخاب داوران دادگاه بلافاصله در وقت فوق العاده جلسه توجیهی تشکیل داده و وظایف آنان را گوشزد و ارشادات لازم خواهد نمود. ماده ۶- مهلت اعلام نظر داوران از سوی دادگاه تعیین می‌گردد، داوران می‌توانند از دادگاه تقاضای تمدید مهلت نمایند و در صورتی که دادگاه درخواست را ضروری تشخیص داد مهلت را تمدید می‌نماید. ماده ۷- داوران منتخب یا منصوب مکلفند با تشکیل حداقل دو جلسه با حضور زوجین سعی و اهتمام در رفع اختلاف و اصلاح ذات‌البین نمایند و در صورتی که رفع اختلاف به عمل نیامد یا یکی از زوجین از حضور در جلسات مقرر خودداری نمود، با تشکیل جلسات دیگر با حضور زوجین یا یکی از آنان و یا بدون حضور آنان نسبت به موارد اختلاف بررسی نموده و نظر خود را بر امکان یا عدم امکان سازش در مهلت تعیین شده به دادگاه تسلیم نمایند. ماده ۸- در هر مورد که داوران یا یکی از آنان درخواست حق الزحمه داوری نمایند، دادگاه حق الزحمه متناسبی برای وی تعیین و دستور اخذ آن و پرداخت به داور را خواهد داد. حق الزحمه مقرر در وهله اول از شخصی که داور از سوی وی انتخاب و یا برای وی نصب شده است دریافت خواهد شد و چنانچه دادگاه مقتضی بداند دستور وصول آن را بالمناصفه از طرفین و یا از متقاضی طلاق خواهد داد. ماده ۹- این آیین‌نامه در ۹ ماده و یک تبصره توسط وزیر دادگستری تهیه و در تاریخ ۲/۱۲/۷۱ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید.

آیین‌نامه ماده ۳ قانون ازدواج. مصوب ۱۳۱۰ (م ۱ تا م ۷)

ماده ۱- محکمه‌ای که باید در هر محل برای اجرا مقررات ماده ۳ قانون ازدواج مصوب ۲۳ مردادماه ۱۳۱۰ تاسیس گردد از یک نفر تشکیل خواهد شده ممکن است برای هر محکمه یک عضو علی‌البدل معین گردد. حاکم محکمه و عضو علی‌البدل را وزارت عدلیه از بین مستخدمین عدلیه تعیین می‌نماید. تبصره- تعیین مستخدمینی که تابع وزارت عدلیه نباشند پس از جلب موافقت وزارتخانه متبوع آنها به عمل خواهد آمد. ماده ۲- در هر محل سمت نمایندگانی دولت برای تعقیب متخلفین از مقررات ماده ۳ قانون ازدواج به عهده کسی خواهد بود که با رعایت تبصره ماده اول از طرف وزارت عدلیه معین می‌شود. ماده ۳- تعقیب متخلفین از مقررات ماده ۳ قانون مذکور مستقیماً در خود محکمه به عمل خواهد آمد بدون اینکه قبلاً مستنطق در آن امر دخالت نماید. ماده ۴- محکمه می‌تواند در موارد و به ترتیبی که به موجب قوانین توقیف متهم جایز می‌باشد قرار توقیف صادر نماید قرار مزبور قابل استیناف بوده و لیکن استیناف از آن قرار مانع ادامه رسیدگی و صدور حکم در اصل قضیه نخواهد بود. ماده ۵- شکایت استینافی از احکام و قرارهای صادر از محاکم مذکور فوق به محکمه‌ای مرکب از سه نفر که در تهران تاسیس می‌شود رجوع خواهد شد. رئیس و اعضا و مدعی‌العموم محکمه را وزارت عدلیه با رعایت تبصره ماده اول تعیین می‌نماید لاقلاً یک نفر از اعضا محکمه طبیب خواهد بود. ماده ۶- سایر ترتیبات رسیدگی خواه در مرحله بدوی و خواه در مرحله استینافی همان است که به موجب اصول محاکمات جزا برای رسیدگی به امور جنحه‌ای مقرر است ماده ۷- حوزه هر یک از محاکم را که به موجب ماده اول تشکیل می‌شود وزارت عدلیه در موقع تشکیل معین خواهد کرد معذکک وزارت عدلیه می‌تواند در هر موقعی که مقتضی بداند رسیدگی به یک موضوع مخصوص را از محکمه یک حوزه به محکمه حوزه دیگری احاله دهد. مدعی‌العموم محکمه ازدواج در موقع لزوم می‌تواند از ادارات نظمی و امنیه و حکومتی بخواهد که تحقیقات مقدماتی و تفتیشات مخفی راجع به احراز وقوع جرم را به عمل

آورند. احکام صادر از محاکمی که به دستور ماده سوم قانون ازدواج مصوب ۲۳/۵/۱۳۱۰ شده یا بشود غیرقابل تمیز است اعم از اینکه قبل از این تاریخ صادر شده یا بعد.

آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده. مصوب ۱۳۵۴ (م ۱ تا م ۱۳)

ماده ۱ - اقامه دعوی و تقاضای رسیدگی و اقدام در امور موضوع قانون حمایت خانواده به طور شفاهی یا وسیله درخواست کتبی به عمل می آید. هرگاه درخواست شفاهی باشد اظهار خواهان وسیله منشی یا مدیر دفتر دادگاه در صورت مجلس قید و به امضای او می رسد. ماده ۲ - درخواست شفاهی یا کتبی باید مشتمل بر امور زیر باشد: ۱ - نام و نام خانوادگی - شغل - محل کار یا محل سکونت طرفین با ذکر مشخصات کامل ۲ - موضوع درخواست با ذکر علل و دلایل آن ۳ - در صورتی که درخواست کننده عنوان قیمومت یا ولایت یا وصایت یا وکالت داشته باشد باید سمت خود را در درخواست تصریح و مدارک آن را تسلیم نماید. تبصره - در دادگاه خانواده طرفین می توانند به اقربا خود تا درجه سوم نیز وکالت دهند. ماده ۳ - تنظیم درخواست در اوراق چاپی مخصوص الزامی نیست ولی باید در دو نسخه تنظیم و یک نسخه آن در پرونده امر ضبط شده و نسخه دیگر برای طرف فرستاده شود. ماده ۴ - هزینه دادرسی به میزان مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی در موقع درخواست از خواهان وصول خواهد شد مگر این که دادگاه خواهان را بی بضاعت تشخیص دهد که در این صورت او را از پرداخت هزینه معاف خواهد نمود. ماده ۵ - در صورت عدم پرداخت هزینه دادرسی یا معلوم نبودن نشانی خوانده به خواهان اخطار می شود که ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ با رعایت مسافت نقص در خواست را رفع نماید. در صورت عدم رفع نقص و همچنین در صورتی که نشانی خواهان معلوم نباشد دادگاه دادخواست را ابطال خواهد کرد. تبصره - در صورتی که خواهان خوانده را مجهول المکان معرفی نماید باید آخرین محل اقامت او را به دادگاه اعلام کند. دادگاه به هر طریقی لازم بداند در این مورد تحقیق نموده ، تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد. ماده ۶ - پس از وصول درخواست نسخه دوم آن با ضمائم به دستور دادگاه جهت ابلاغ به خواننده ارسال و طرفین برای رسیدگی دعوت می شوند. در صورتی که درخواست شفاهی باشد مفاد درخواست باضمائم آن به وسیله اخطاریه به خواننده ابلاغ خواهد شد. ماده ۷ - عدم حضور طرفین یا یکی از آنها در جلسه با ابلاغ وقت مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نیست ولی اگر حضور خواهان جهت ادای توضیح لازم باشد دادگاه موارد توضیح را در صورت مجلس قید و مفاد آن را ضمن تعیین وقت برای جلسه دیگر به خواهان ابلاغ می نماید و اگر خواهان در این جلسه نیز حاضر نشود دادخواست او ابطال خواهد شد. ماده ۸ - در مواردی که دعوی به داوری ارجاع می شود دادگاه طرفین را برای انتخاب داور یا داوران دعوت می کند. ماده ۹ - هرگاه داور یا داوران از قبول داوری امتناع نموده یا استعفا کنند دادگاه به انتخاب داور یا داوران جدید اقدام می نماید و در صورتی که داور یا داوران بار دیگر از قبول داوری امتناع یا استعفا نمایند دادگاه راسا به موضوع رسیدگی خواهد کرد. ماده ۱۰ - در مواردی که تعداد داوران سه نفر بوده و یکی از آنها در نیمه دوم مهلت داوری استعفا کند رای اکثریت داوران مناط اعتبار است در این مورد و در مواردی که دو نفر داور انتخاب شده و رای آنها مختلف باشد دادگاه راسا به موضوع رسیدگی خواهد کرد. ماده ۱۱ - منظور از اعتیاد مضر هر نوع ابتلا به مواد مخدر یا نوشابه های الکلی یا قمار یا امثال و نظایر آنها است که استمرار داشته و موجب صدمات و خسارات جسمانی مادی و معنوی شخص معتاد یا همسر یا اولاد زوجین گردد. ماده ۱۲ - حق ملاقات با اطفال کمتر از یک بار در ماه نخواهد بود. ماده ۱۳ - ترتیب ثبوت حجر و خیانت و رفع حجر یا عدم قدرت و لیاقت و احراز عدم صلاحیت و عزل و نصب قیم و ضم امین و تعیین امین موقت در مورد مواد ۱ و ۱۵ قانون حمایت خانواده طبق مقررات قانون امور حسبی خواهد بود.

آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی . مصوب ۰۷۷ (م ۱ تا م ۷)

ماده ۱ - چنانچه مهریه وجه رایج باشد مرجع صالح بنا به درخواست هر یک از زوجین می‌توان آن را با توجه به تغییر شاخص قیمت سال زمان تادیه نسبت به سال وقوع عقد محاسبه و تعیین می‌نماید. تبصره - در صورتی که زوجین در حین اجرای عقد در خصوص محاسبه و پرداخت مهریه وجه رایج به نحو دیگری تراضی کرده باشند مطابق تراضی ایشان عمل خواهد شد. ماده ۲ - نحوه محاسبه مهریه وجه رایج بدین صورت است متوسط شاخص بها در سال قبل تقسیم بر متوسط شاخص در سال وقوع عقد ضربدر مهریه مندرج در عقدنامه ماده ۳ - در مواردی که مهریه زوج باید از ترکه زوج متوفی پرداخت شود تاریخ فوت مبنای محاسبه مهریه خواهد بود. ماده ۴ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف به انجام موارد زیر می‌باشد: الف - شاخص‌های بهای سالهای قبل از اجرای این قانون را تهیه و در اختیار قوه قضاییه قرار دهد. ب - شاخص‌های مربوط به هر سال را به طور سالیانه حداکثر تا پایان خرداد تهیه و به قوه قضاییه اعلام نماید. رای وحدت رویه ۶۴۷ - ۲۸/۱۰/۱۳۷۸ «... منظور مقنن از تصویب ماده واحده الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶ با توجه به عبارات صدر تبصره و فلسفه وضع آن حفظ ارزش ریالی مهریه زوج است که معمولاً به حسب وجه رایج (ریالی تعیین می‌شود اگرچه تاریخ وقوع عقد ازدواج مربوط به زمان قبل از تصویب تبصره مزبور باشد با این وصف قانون مرقوم (تبصره الحاقی با ماده ۴ قانون مباینتی ندارد.)» بخشنامه شماره ۶۰۹ مورخه ۲۸/۱/۱۳۷۸ رییس قوه قضاییه به دادگستریهای سراسر کشور «... درست است که قانون نسبت به قبل از تصویب خودش اثر ندارد اما قانون راجع به زمان عقد مطلبی ندارد پیام قانون این است که وقتی می‌خواهند مهریه را بپردازند باید تغییر شاخص قیمت سالانه را حساب کنند. بنابراین کسانی که قبل از قانون مهریه همسرشان را پرداخته‌اند طبعاً مشمول این قانون نیستند اما کسانی که پس از تصویب قانون می‌خواهند مهریه همسرشان را بپردازند باید رعایت کنند عقد هر زمانی واقع شده باشد...» ۲۵/۱۲/۱۳۷۷ رای وحدت رویه شماره ۶۳۳ - ۱۴/۲/۱۳۷۸ گرچه طبق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی مادام که مهریه زوج تسلیم نشده در صورت حال بودن مهر، زن می‌تواند از ایفا وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود لکن مقررات این ماده صرفاً به رابطه حقوقی زوج و عدم سقوط حق مطالبه نفقه زن مربوط است و از نقطه نظر جزایی با لحاظ مدلول ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده مصوب ۲/۳/۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی که به موجب آن حکم به مجازات شوهر به علت امتناع از تادیه نفقه زن به تمکین زن منوط شده است و با وصف امتناع زوج از تمکین ولو به اعتذار استفاده از اختیار حاصله از مقررات ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی حکم به مجازات شوهر نخواهد شد و در این صورت حکم شعبه دوم دادگاه عمومی تهران مشعر بر براءت شوهر از اتهام ترک انفاق زن که با این نظر مطابق دارد با اکثریت قریب به اتفاق آرا صحیح و قانونی تشخیص می‌شود. این رای وفق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مردادماه ۱۳۳۷ برای دادگاههای در موارد مشابه لازم‌الاتباع است

آیین‌نامه نحوه اجرای احکام و تصمیمات دادگاه خانواده. مصوب ۵۴. (م ۱ تا م ۷)

ماده ۱ - اجرای احکام و تصمیمات قطعی دادگاه خانواده جز در مواردی که در این آیین‌نامه استثنا شده محتاج به درخواست ذی نفع است تبصره - تسلیم گواهی عدم امکان سازش به دفتر طلاق و اجازه‌نامه ازدواج مجدد به دفتر ازدواج در حکم درخواست اجرای تصمیمات دادگاه است ماده ۲ - در مورد تصمیمات راجع به حضانت و نفقه اطفال و تعیین تکلیف در امور حسبی و مورد ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده دادگاه راساً دستور اجرای تصمیم خود را به هر ترتیب مقتضی بداند به مامورین اجرا یا کارمندان دفتر دادگاه یا مامورین شهربانی یا ژاندارمری و سایر مامورین انتظامی می‌دهد. ماده ۳ - اجرای سایر احکام و تصمیمات دادگاه به ترتیب مقرر در اجرای احکام مدنی با رعایت تبصره ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده به عمل خواهد آمد. ماده ۴ - در مورد کلیه احکام و تصمیمات راجع به امور مالی هرگاه کسی که ملزم به پرداخت مورد حکم یا تصمیم دادگاه گردیده از هریک از سازمان‌ها و

مؤسسات عمومی یا بخش خصوصی حقوق و مستمیری یا کارمزد دریافت نماید دادگاه می‌تواند دستور کسر حقوق یا مستمیری یا کارمزد او را با میزانی که در اجرای احکام مدنی مقرر گردیده بدهد. کسر وجوه مذکور و تادیه آن به عهده رئیس یا مدیر یا مسئول سازمان یا موسسه یا کارفرما خواهد بود. ماده ۵- در مورد ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده روسا و مدیران و مسئولین سازمان‌ها و مؤسسات عمومی و خصوصی و کارفرمایان مکلفند تصمیم دادگاه را در مورد منع اشتغال زوج یا زوجه اجراء نمایند. ماده ۶- دفاتر طلاق مکلفند به محض ارائه گواهی عدم امکان سازش آن را در دفتر مخصوص ثبت کرده و رسید مشتمل بر نام زوج و زوجه و شماره و تاریخ ثبت از روز و ماه و سال به ارائه کننده گواهی تسلیم و به ترتیب مقرر در ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده اقدام نمایند. ماده ۷- دفاتر طلاق مکلفند رونوشت طلاق نامه را بلافاصله پس از ثبت طلاق به دفتر دادگاه صادر کننده گواهی عدم امکان سازش ارسال نمایند.

آئین‌نامه متحد الشکل شدن ثبت ازدواج و طلاق. مصوب ۱۳۱۱ (مصوبه در ۹ بند)

وزیر عدلیه برای اینکه مسئله ثبت عقد ازدواج و طلاق در دفاتر مربوطه متحد الشکل بوده و کلیه دفاتر از روی یک اسلوب عمل ثبت را انجام بدهند دستورات ذیل را مقرر می‌دارد: ۱- در هر حوزه‌ای که از طرف وزارت عدلیه بر طبق ماده اول قانون ازدواج اعلام شده باشد کلیه ازدواج و طلاق هائی که در حوزه مزبور واقع بشود باید در یکی از دفاتر به ثبت برسد ولو اینکه طرفین ازدواج ساکن آن محل نباشد. ۲- برای تشخیص سن ورقه هویت صادره از سجل احوال مدرک بوده و دفاتر ملزم به خواستن تصدیق دیگر نخواهند بود. ۳- بر طبق دستور نظامنامه نمره ۲۳۴۳۴ برای اینکه سند ازدواج و طلاق سند رسمی محسوب شود علاوه بر سایر شرایط مقرر در نظامنامه لاقبل باید شش امضا را به طریق ذیل داشته باشد: ۱- زن و شوهر در سند ازدواج - شوهر در طلاقنامه ۲- مجری یا مجریان صیغه ازدواج یا طلاق ۳- امضای دو شاهد یا بیشتر به نحوی که سند لاقبل دارای ۶ امضاء باشد. و اگر مجری صیغه عقد ازدواج یک نفر باشد در این صورت لاقبل امضای ۳ نفر شاهد لازم است ۴- در مواردی که اموال غیر منقول مهر قرار داده می‌شود برای اینکه سند ازدواج نسبت به ملک هم رسمیت حاصل نماید اگر ملک ثبت شده باشد و صاحب دفتر ازدواج دارای دفتر اسناد رسمی هم باشد بایستی ورقه ازدواج را در دفتر اسناد رسمی هم مطابق مقررات ثبت نموده و خلاصه آن را مطابق مقررات قانون و نظامنامه ثبت تهیه نموده به دفتر املاک بفرستد و اگر ملک ثبت نشده باشد بایستی سند ازدواج را در دفتر اسناد رسمی ثبت کند. و در صورتی که صاحب دفتر ازدواج دارای دفتر اسناد رسمی نباشد بایستی سند ازدواج را تحت مسئولیت به یکی از دفاتر اسناد رسمی حوزه خود و اگر در آن حوزه دفتر اسناد رسمی نباشد به یکی از نزدیکترین دفاتر اسناد رسمی حوزه مربوطه ارسال دارد تا مطابق مقررات به ثبت برسد. و البته در همه موارد حق الثبت قانونی ملک برای ثبت در دفتر اسناد رسمی اخذ خواهد شد. ۵- عقد ازدواج و طلاقی که در خارج از حوزه ماموریت صاحب دفتر واقع شده و در محل وقوع عقد یا طلاق دفتر رسمی ازدواج و طلاق وجود نداشته در صورتی که متناکحین بخواهند به آن عقد یا طلاق رسمیت بدهند بایستی در یکی از دفاتر ازدواج و طلاق حاضر شده و بر طبق مقررات قانون و نظامنامه تشریفات ثبت را در دفتر و ورقه ازدواج یا طلاق تکمیل کنند. ۶- ملغی شده است ۷- در مورد عقد انقطاع در صورتی که زوج در حین مدت بخواهد از بقیه مدت صرفنظر کند بایستی در نزد صاحب دفتر حاضر شده و صاحب دفتر هم بذل بقیه مدت را در ستون ملاحظات دفتر و در ورقه عقدنامه قید و به امضای خود و زوج رسانیده و به علاوه سوادی از ورقه عقدنامه برداشته و بذل بقیه مدت را در آن قید نموده و به امضای خود و زوج رسانیده و آن سواد را به توسط اداره ثبت محل برای زوجه ارسال بدارد. در مورد طلاق و همچنین در مورد رجوع نیز به طریق فوق باید رفتار شود. ۸- در مواردی که هویت زوج یا زوجه نزد صاحب دفتر محرز نبوده و در بین شهود عقد اشخاصی باشند که معرفی آنها برای احراز هویت نزد صاحب دفتر کافی باشد شهود مزبور می‌توانند معرف واقع شوند و خواستن معرف علیحده الزامی نیست ۹- برای

اینکه بین ورقه عقد ازدواج و یا طلاقنامه و ثبت آن در دفتر هیچ قسم اختلافی بروز نکند صاحبان دفاتر بایستی بدوا صورت عقدنامه یا طلاقنامه را در خارج تهیه و بعد در دفتر وارد و ثبت کرده سواد آن را بر طبق دستور ماده ۱۴ نظامنامه روی اوراق چاپی در دو نسخه نقل کنند.

آئین‌نامه ماده اول قانون ازدواج. مصوب ۱۳۱۲ (م ۱ تا م ۳)

ماده اول - دفتر ازدواج و طلاق از یکدیگر تفکیک شده و هریک از دو دفتر مستقلا تهیه و طبع خواهد شد. ماده دوم - صاحبان دفاتر طلاق ممکن است دارای دفتر ازدواج هم باشند. ماده سوم - عده دفاتر طلاق هر شهر یا ناحیه از طرف وزارت عدلیه تعیین و اسامی صاحبان آنها برای اطلاع اهالی اعلان خواهد شد.

آئین‌نامه ماده ۳ قانون ازدواج در صلاحیت محکمه ازدواج (در ۲ بند)

۱ - محکمه ازدواج در موارد ذیل صالح می‌باشد: الف - در صورت وقوع جرم در حوزه ماموریت او. ب - وقتی که متهم یا مقصر در حوزه او دستگیر یا جرم در حوزه او کشف شده باشد. ج - وقتی که متهم یا مظنون به ارتکاب در حوزه او مقیم است ولو اینکه جرم در حوزه دیگر واقع شده باشد. ۲ - برای جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهمین که محاکمه آنها باید در محکمه ازدواج به عمل آید مدعی العموم محکمه مزبور می‌تواند قبل از صدور ادعانامه مطابق ماده ۱۲۹ اصول محاکمات جزائی اصلاح شده از محکمه بدایت ازدواج تقاضای اخذ تامین نموده و محکمه مطابق ماده فوق‌الذکر مکلف به اخذ تامین می‌باشد و در صورت اختلاف عقیده بین مدعی العموم و محکمه رفع اختلاف در تهران در محکمه استیناف ازدواج و در ولایات محکمه ابتدائی محل به عمل خواهد آمد و مراتب مندرجه در ماده ۳۸ قانون اصول محاکمات جزائی اصلاح شده در این مواقع باید رعایت شود.

قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۵۳

ماده ۱ - به کلیه اختلافات مدنی ناشی از امر زناشویی و دعاوی خانوادگی و امور مربوط به صغار از قبیل نصب و عزل قیم و ضم‌امین در دادگاههای شهرستان و در نقاطی که دادگاه شهرستان نباشد در دادگاه بخش رسیدگی می‌شود و رسیدگی به امور مذکور در تمام مراحل دادرسی بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی خواهد بود. ماده ۲ - منظور از دعاوی خانوادگی دعاوی مدنی بین هر یک از زن و شوهر و فرزندان و جد پدری و وصی و قیم است که از حقوق و تکالیف مقرر در کتاب هفتم در نکاح و طلاق (منجمله دعوی مربوط به جهیزیه و مهر زن و کتاب هشتم در اولاد و کتاب نهم در خانواده و کتاب دهم در حجر و قیمومت قانون مدنی همچنین از مواد ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰ قانون مذکور و مواد مربوط در قانون امور حسبی ناشی شده باشد. ماده ۳ - دادگاه می‌تواند هر نوع تحقیق و اقدامی را که برای روشن شدن موضوع دعوی و احقاق حق لازم بداند از قبیل تحقیق از گواهان و مطلعین و استمداد از مددکاران اجتماعی و غیره به هر طریق که مقتضی باشد انجام دهد. ماده ۴ - دادگاه هر یک از طرفین را که بی بضاعت تشخیص دهد از پرداخت هزینه دادرسی و حق کارشناسی و حق داوری و سایر هزینه‌ها معاف می‌نماید. همچنین در صورت لزوم راسا و کیل معاضدتی برای او تعیین خواهد کرد. در صورتی که طرف بی‌بضاعت محکوم له شود محکوم علیه اگر بضاعت داشته باشد به موجب رای دادگاه ملزم به پرداخت هزینه‌های مذکور و حق الوکاله و کیل معاضدتی خواهد گردید. و کلا - و کارشناسان مذکور مکلف به انجام دستور دادگاه می‌باشند. ماده ۵ - دادگاه در صورت تقاضای هر یک از طرفین مکلف است موضوع دعوی را به استثنای رسیدگی به اصل نکاح و طلاق به یک تا سه داور ارجاع نماید همچنین دادگاه در صورتی که مقتضی بداند راسا نیز دعوی را به داوری ارجاع خواهد کرد. داوری در این قانون تابع شرایط داوری مندرج در قانون آیین

دادرسی نمی‌باشد. مدت اعلام نظر داوران از طرف دادگاه تعیین خواهد شد. در صورت عدم وصول نظر مذکور تا پایان مدت مقرر دادگاه راسا رسیدگی خواهد کرد مگر اینکه طرفین به تمدید مدت تراضی نمایند یا دادگاه تمدید مدت را مقتضی تشخیص دهد. تبصره - در صورتی که طرفین به تعیین داور تراضی نکرده یا داور خود را معرفی ننمایند دادگاه داور یا داوران را به ترتیب از اقربا یا دوستان یا آشنایان آنان انتخاب خواهد کرد هرگاه اشخاص مذکور از قبول داوری امتناع کرده یا انتخاب آنان از جهت عدم حضور در محل یا جهات دیگر میسر نباشد افراد دیگری به داوری انتخاب می‌شوند. ماده ۶ - داور یا داوران سعی در سازش بین طرفین خواهند کرد و در صورتی که موفق به اصلاح نشوند نظر خود را در ماهیت دعوی ظرف مدت مقرر کتبا به دادگاه اعلام می‌نمایند. این نظر به طرفین ابلاغ می‌شود تا ظرف مدت ده روز نظر خود را به دادگاه اعلام نمایند. در صورتیکه طرفین با نظر داور موافق باشند دادگاه دستور اجرای نظر داور را صادر می‌نماید مگر اینکه رای داور مغایر قوانین موجد حق باشد که در این صورت ملغی الاثر می‌شود. هرگاه یکی از طرفین به نظر داور معترض بوده یا در موعد مقرر جوابی ندهد یا رای داور مغایر قوانین موجد حق باشد دادگاه به موضوع رسیدگی نموده حسب مورد رای مقتضی یا گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد. ماده ۷ - هرگاه زن و شوهر دعاوی ناشی از اختلافات خانوادگی را علیه یکدیگر طرح نمایند دادگاهی که دادخواست مقدم به آن داده شده صلاحیت رسیدگی خواهد داشت و هرگاه دو یا چند دادخواست در یک روز به دادگاه تسلیم شده باشد دادگاه حوزه محل اقامت زن صالح به رسیدگی خواهد بود. در صورتی که یکی از زوجین مقیم خارج از کشور باشد دادگاه محل اقامت طرفی که در ایران مقیم است صلاحیت رسیدگی دارد و اگر طرفین مقیم خارج باشند دادگاه شهرستان تهران صلاحیت رسیدگی خواهد داشت تبصره - در موارد مذکور در این قانون اگر طرفین اختلاف مقیم خارج از کشور باشند می‌توانند به دادگاه یا مرجع صلاحیتدار محل اقامت خود نیز مراجعه نمایند. در این مورد هرگاه ذینفع نسبت به احکام و تصمیمات دادگاه‌ها و مراجع خارجی معترض و مدعی عدم رعایت مقررات و قوانین ایران باشد می‌تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ حکم یا تصمیم قطعی اعتراض خود را با ذکر دلایل و پیوست نمودن مدارک و مستندات آن از طریق کنسولگری ایران در کشور محل توقف به دادگاه شهرستان تهران ارسال نماید دادگاه به موضوع رسیدگی کرده و رای مقتضی صادر می‌کند و به دستور دادگاه رونوشت رای برای اقدام قانونی به کنسولگری مربوط ارسال می‌گردد. ثبت احکام و تصمیمات دادگاه‌ها و مراجع خارجی در مواردی که قانونا باید در اسناد سجلی یا دفتر کنسولگری ثبت شود در صورت توافق طرفین یا در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر بلا- اشکال است و الا- موکول به اعلام رای قطعی دادگاه شهرستان تهران خواهد بود. ماده ۸ - در موارد زیر زن یا شوهر حسب مورد می‌تواند از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش نماید و دادگاه در صورت احراز آن موارد گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد: ۱- توافق زوجین برای طلاق ۲- استنکاف شوهر از دادن نفقه زن و عدم امکان الزام او به تادیه نفقه همچنین در موردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او به ایفا هم ممکن نباشد. ۳- عدم تمکین زن از شوهر ۴- سوء رفتار و یا سو معاشرت هر یک از زوجین به حدی که ادامه زندگی را برای طرف دیگر غیرقابل تحمل نماید. ۵- ابتلا- هر یک از زوجین به امراض صعب العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای طرف دیگر در مخاطره باشد. ۶- جنون هر یک از زوجین در مواردی که فسخ نکاح ممکن نباشد. ۷- عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به کار یا حرفه‌ای که منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیات شوهر یا زن باشد. ۸- محکومیت زن یا شوهر به حکم قطعی به مجازات پنج سال حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی که بر اثر عجز از پرداخت منجر به پنج سال بازداشت شود یا به حبس و جزای نقدی که مجموعاً منتهی به پنج سال یا بیشتر حبس و بازداشت شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد. ۹- ابتلا به هرگونه اعتیاد مضر که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و ادامه زندگی زناشویی را غیرممکن سازد. ۱۰- هرگاه زوج همسر دیگری اختیار کند یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود اجرای عدالت ننماید. ۱۱- هر یک از زوجین خانوادگی را ترک کند تشخیص ترک زندگی خانوادگی با دادگاه است ۱۲- محکومیت قطعی هر

یک از زوجین در اثر ارتکاب جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون طرف دیگر باشد. تشخیص اینکه جرمی مغایر با حیثیت و شئون خانوادگی است باتوجه به وضع و موقع طرفین و عرف و موازین دیگر با دادگاه است ۱۳- در صورت عقیم بودن یکی از زوجین به تقاضای طرف دیگر همچنین در صورتی که زوجین از جهت عوارض و خصوصیات جسمی نتوانند از یکدیگر صاحب اولاد شوند. ۱۴- در مورد غایب مفقودالاثر با رعایت مقررات ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی تبصره - طلاق که موجب این قانون و بر اساس گواهی عدم امکان‌سازش واقع می‌شود فقط در صورت توافق کتبی طرفین در زمان عده قابل رجوع است ماده ۹- در مورد ماده ۴ قانون ازدواج هرگاه یکی از طرفین عقد بخواهد از وکالت خود در طلاق استفاده نماید باید طبق ماده قبل به دادگاه مراجعه کند و دادگاه در صورت احراز تخلف از شرط گواهی عدم امکان‌سازش صادر خواهد کرد. ماده ۱۰- اجرای صیغه طلاق و ثبت آن پس از رسیدگی دادگاه و صدور گواهی عدم امکان‌سازش صورت خواهد گرفت متقاضی گواهی عدم امکان‌سازش باید تقاضانامه‌ای به دادگاه تسلیم نماید که در آن علل تقاضا به طور موجه قید گردد. پس از وصول تقاضانامه دادگاه راسا یا به وسیله داور یا داوران سعی در اصلاح بین زن و شوهر و جلوگیری از وقوع طلاق خواهد کرد هرگاه مساعی دادگاه برای حصول سازش به نتیجه نرسد با توجه به ماده ۸ این قانون گواهی عدم امکان‌سازش صادر خواهد کرد. دفتر طلاق پس از دریافت گواهی مذکور به اجرای صیغه طلاق و ثبت آن اقدام خواهد نمود. هر یک از طرفین عقد بدون تحصیل گواهی عدم امکان‌سازش مبادرت به طلاق نماید به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا یکسال محکوم خواهد شد. همین مجازات مقرر است برای سردفتری که طلاق را ثبت نماید. ماده ۱۱- دادگاه می‌تواند به تقاضای هر یک از طرفین در صورتی که صدور گواهی عدم امکان‌سازش مستند به سوء رفتار و قصور طرف دیگر باشد او را با توجه به وضع و سن طرفین و مدت زناشویی به پرداخت مقرری ماهانه متناسبی در حق طرف دیگر محکوم نماید مشروط به اینکه عدم بضاعت متقاضی و استطاعت طرف دیگر محرز باشد. پرداخت مقرری مذکور در صورت ازدواج مجدد محکوم له یا ایجاد درآمد کافی برای او یا کاهش درآمد یا عسرت محکوم علیه یا فوت محکوم له به حکم همان دادگاه حسب مورد تقلیل یافته یا قطع خواهد شد. در موردی که گواهی عدم امکان‌سازش به جهات مندرج در بندهای ۵ و ۶ ماده ۸ صادر شده باشد مقرری ماهانه با رعایت شرایط مذکور به مریض یا مجنون نیز تعلق خواهد گرفت مشروط به اینکه مرض یا جنون بعد از عقد ازدواج حادث شده باشد و در صورت اعاده سلامت به حکم دادگاه قطع خواهد شد. ماده ۱۲- در کلیه مواردی که گواهی عدم امکان‌سازش صادر می‌شود دادگاه ترتیب نگاهداری اطفال و میزان نفقه ایام عده را باتوجه به وضع اخلاقی و مالی طرفین و مصلحت اطفال معین می‌کند و اگر قرار شود فرزندان نزد مادر یا شخص دیگری بمانند ترتیب نگاهداری و میزان هزینه آنان را مشخص می‌نماید نفقه زوجه از عواید و دارایی مرد و نفقه اولاد و مبلغ ماهانه مقرر در ماده ۱۱ از عواید و دارایی مرد یا زن یا هر دو و حتی از حقوق بازنشستگی استیفا خواهد گردید. دادگاه مبلغی را که باید از عواید یا دارایی مرد یا زن یا هر دو برای هر فرزند استیفا گردد تعیین و طریق اطمینان بخشی برای پرداخت آن مقرر می‌کند دادگاه همچنین ترتیب ملاقات اطفال را برای طرفی معین می‌کند حق ملاقات با طفل در صورت غیبت یا فوت پدر یا مادر به تشخیص دادگاه با سایر اقربا خواهد بود. تبصره ۱- اطفالی که والدین آنان قبل از تصویب این قانون از یکدیگر جدا شده‌اند در صورتی که به طریق اطمینان بخشی ترتیب هزینه و نگاهداری و حضانت آنان داده نشده باشد مشمول مقررات این قانون خواهند بود. تبصره ۲- پرداخت نفقه قانونی زوجه و اولاد بر سایر دیون مقدم است ماده ۱۳- در هر مورد حسب اعلام یکی از والدین یا اقربای طفل یا دادستان یا اشخاص دیگر تشخیص شود که تغییر در وضع حضانت طفل ضرورت دارد (اعم از اینکه قبلاً تصمیمی در این مورد اتخاذ شده یا نشده باشد) و یا به طریق اطمینان بخشی ترتیب نگاهداری و حضانت طفل داده نشده باشد دادگاه پس از رسیدگی حضانت طفل را به هر کسی که مقتضی بداند محول می‌کند و هزینه حضانت به عهده کسی است که به موجب تصمیم دادگاه مکلف به پرداخت آن می‌شود. ماده ۱۴- هرگاه دادگاه خانواده تشخیص دهد کسی که حضانت طفل به او محول شده از انجام تکالیف مربوط به حضانت خودداری کرده یا مانع طفل با

اشخاص ذیحق شود او را برای هربار تخلف به پرداخت مبلغی از هزار ریال تا ده هزار ریال و در صورت تکرار به حداکثر مبلغ مذکور محکوم خواهد کرد. دادگاه در صورت اقتضا می‌تواند علاوه بر محکومیت مزبور حضانت طفل را به شخص دیگری واگذار نماید. در هر صورت حکم این ماده مانع از تعقیب متهم چنانچه عمل او طبق قوانین جزایی جرم شناخته شده باشد نخواهد بود. تبصره ۱ - پدر یا مادر کسانی که حضانت طفل به آنها واگذار شده نمی‌توانند طفل را به شهرستانی غیر از محل اقامت مقرر بین طرفین و یا غیر از محل اقامت قبل از وقوع طلاق و یا به خارج کشور بدون رضایت والدین بفرستند مگر در صورت ضرورت با کسب اجازه ازدادگاه تبصره ۲ - وجوه موضوع این ماده و ماده ۱۱ به صندوق حمایت خانواده که از طرف دولت تاسیس می‌شود پرداخت خواهد شد. نحوه پرداخت وجوه مذکور به اشخاص ذینفع طبق آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۵ - طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر خود می‌باشد در صورت ثبوت حجر یا خیانت یا عدم قدرت و لیاقت او در اداره امور صغیر یا فوت پدر به تقاضای دادستان و تصویب دادگاه شهرستان حق ولایت به هر یک از جد پدری یا مادر تعلق می‌گیرد مگر اینکه عدم صلاحیت آنان احراز شود که در این صورت حسب مقررات اقدام به نصب قیم یا ضم امین خواهد شد دادگاه در صورت اقتضا اداره امور صغیر را از طرف جد پدری یا مادر تحت نظارت دادستان قرار خواهد داد. در صورتی که مادر صغیر شوهر اختیار کند حق ولایت او ساقط خواهد شد در این صورت اگر صغیر جد پدری نداشته یا جد پدری صالح برای اداره امور صغیر نباشد دادگاه به پیشنهاد دادستان حسب مورد مادر صغیر یا شخص صالح دیگری را به عنوان امین یا قیم تعیین خواهد کرد. امین به تشخیص دادگاه مستقلا یا تحت نظر دادستان امور صغیر را اداره خواهد کرد. ماده ۱۶ - مرد نمی‌تواند با داشتن زن همسر دوم اختیار کند مگر در موارد زیر: ۱ - رضایت همسر اول ۲ - عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی ۳ - عدم تمکین زن از شوهر ۴ - ابتلاء زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۵۸ - محکومیت زن وفق بند ۸ ماده ۶۸ - ابتلاء زن به هر گونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۷۸ - ترک زندگی خانوادگی از طرف زن ۸ - عقیم بودن زن ۹ - غائب مفقودالاثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸. ماده ۱۷ - متقاضی باید تقاضانامه‌ای در دو نسخه به دادگاه تسلیم و علل و دلایل تقاضای خود را در آن قید نماید. یک نسخه از تقاضانامه ضمن تعیین وقت رسیدگی به همسر او ابلاغ خواهد شد. دادگاه با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند یک ماده ۱۶ اجازه اختیار همسر جدید خواهد داد. به هر حال در تمام موارد مذکور این حق برای همسر اول باقی است که اگر بخواهد تقاضای گواهی عدم امکان سازش از دادگاه بنماید. هرگاه مردی با داشتن همسر بدون تحصیل اجازه دادگاه مبادرت به ازدواج نماید به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد همین مجازات مقرر است برای عاقد و سردفتر ازدواج و زن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد باشند. در صورت گذشت همسر اولی تعقیب کیفری یا اجرای مجازات فقط درباره مرد و زن جدید موقوف خواهد شد. ماده ۱۸ - شوهر میتواند با تایید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند. زن نیز می‌تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید. دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می‌کند. ماده ۱۹ - تصمیم دادگاه در موارد زیر قطعی است و در سایر موارد فقط پژوهش پذیر می‌باشد: ۱ - صدور گواهی عدم امکان سازش ۲ - تعیین نفقه ایام عده و هزینه نگاهداری اطفال ۳ - حضانت اطفال ۴ - حق ملاقات با اطفال ۵ - اجازه مقرر در ماده ۱۶ تبصره - در مورد بندهای ۲ و ۳ و ۴ این ماده هرگاه در وضع طفل یا والدین یا سرپرستی که از طرف دادگاه معین شده تغییری حاصل شود که تجدید نظر در میزان نفقه یا هزینه نگاهداری یا حضانت یا حق ملاقات با اطفال را ایجاب کند دادگاه می‌تواند در تصمیم قبلی خود تجدیدنظر نماید. ماده ۲۰ - طرفین دعوی یا هر یک از آنها می‌توانند از دادگاه تقاضا کنند قبل از ورود به ماهیت دعوی مسئله حضانت و هزینه نگاهداری اطفال یا نفقه زن را مورد رسیدگی فوری قرار دهد و قراری در این باره صادر کند دستور موقت دادگاه فوراً به مورد اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۲۱ - مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش سه ماه از تاریخ صدور است در صورتی که

ظرف این مدت گواهی مذکور به دفتر طلاق تسلیم نشود از درجه اعتبار ساقط می‌گردد. دفاتر طلاق پس از ارائه گواهی عدم امکان سازش از ناحیه هر یک از زوجین به طرف دیگر اخطار می‌نماید ظرف مهلتی که از یک ماه تجاوز ننماید برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن حاضر شود. در صورتی که ظرف مهلت مقرر حاضر نشود دفتر طلاق مکلف است حسب تقاضای یک از طرفین صیغه طلاق را جاری و ثبت نماید. ماده ۲۲ - هر کس با داشتن استطاعت نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع نماید به حبس جنحه‌ای از سه ماه یا یک سال محکوم خواهد شد. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت یا وقوع طلاق در مورد زوجه تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد. ماده ۲۳ - ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام ممنوع است معذکک در مواردی که مصالحی اقتضا کند استثنائاً در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال تمام کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است معافیت از شرط سن اعطا شود. زن یا مردی که برخلاف مقررات این ماده با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده مزاجت کند حسب مورد به مجازات‌های مقرر در ماده ۳ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ محکوم خواهد شد. تبصره - در نقاطی که وزارت دادگستری اعلام می‌کند دفاتر ازدواج مکلفند علاوه بر مطالبه گواهینامه مذکور در ماده ۲ قانون ازدواج مصوب سال ۱۳۱۷ گواهی صحت مزاج نسبت به عوامل یا بیماری‌های دیگری که موجب بروز بیماری یا عوارض سو در اولاد یا زوجین خواهد شد نیز مطالبه نماید. نوع عوامل و بیماری‌های مذکور را وزارت بهداشتی و وزارت دادگستری تعیین خواهند نمود. ماده ۲۴ - رسیدگی به اموال خانوادگی در دادگاه بدون حضور تماشاچی انجام خواهد گرفت ماده ۲۵ - اجرای احکام دادگاه به موجب آیین‌نامه‌ای است که از طرف وزارت دادگستری تهیه خواهد شد. تبصره - در مورد وجوهی که به موجب حکم دادگاه باید ماهانه و مستمرا از محکوم علیه وصول شود یک بار تقاضای صدور اجرائیه کافی است و مامورین اجرا مکلفند عملیات اجرایی را مادام که دستور دیگری از دادگاه صادر نشده است ادامه دهند. ماده ۲۶ - مقررات این قانون در مورد پرونده‌هایی که تا کنون منتهی به صدور حکم نهایی نشده است قابل اجرا خواهد بود. ماده ۲۷ - آیین‌نامه اجرایی این قانون را وزارت دادگستری تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به مورد اجرا خواهد گذاشت ماده ۲۸ - قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۴۶ و سایر مقرراتی که مغایر با این قانون است همچنین ماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی از تاریخ اجرای این قانون ملغی است

قانون تسهیل ازدواج جوانان - مصوب ۱۳۸۴

جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران طرح تسهیل ازدواج جوانان که با عنوان طرح تسهیلات ازدواج جوانان به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۲۷/۹/۱۳۸۴ مجلس با اصلاحاتی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می‌گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل شماره ۶۴۷۲۴/۱۰/۱۳۸۴/۲۲ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور قانون تسهیل ازدواج جوانان که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و هفتم آذرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۷/۱۰/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۹۲۰۵۰/۳۱۶ مورخ ۱۲/۱۰/۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می‌گردد. رئیس جمهور - محمود احمدی‌نژاد قانون تسهیل ازدواج جوانان ماده ۱- به منظور توانمندسازی جوانان برای تشکیل خانواده، دولت مکلف است صندوق اندوخته ازدواج جوانان را ایجاد نماید. اساسنامه صندوق شامل ماهیت صندوق، منابع مالی، ارکان، شرح وظایف صندوق و نحوه عضویت در آن ظرف سه ماه از تصویب این قانون توسط دولت تهیه و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود. ماده ۲- دولت مکلف

است علاوه بر استفاده از منابع بودجه سنواتی پیش‌بینی شده، از محل « صندوق اندوخته ازدواج جوانان » به مزدوجین نیازمند به اجاره مسکن، حسب تشخیص کمیته سامان ازدواج با توجه به امکانات صندوق، وام ودیعه مسکن پرداخت کند. ماده ۳- با تأکید بر روشهای انبوه‌سازی، کوچک‌سازی، ارزان‌سازی و استفاده از روشهای نوین ساخت در امر مسکن، دولت مکلف است علاوه بر بهره‌مندی از تسهیلات متداول و رایج فعلی (انبوه‌سازی و اجاره به شرط تملیک) از طریق نهادهای عمومی نظیر شهرداری و اوقاف و امور خیریه و با بهره‌گیری از همکاری و امکانات وزارت مسکن و شهرسازی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و استفاده از زمین‌های دولتی یا زمین‌های اهدایی خیرین، واحدهای ساختمانی به عنوان « مسکن موقت » احداث کرده و آنها را در اختیار زوجهای جوان با اجاره مناسب قرار دهد. مدت استفاده هر زوج متقاضی از این واحدها حداکثر سه سال است. ماده ۴- الف - کلیه دستگاههای دولتی، نهادهای عمومی و شهرداریهای دارای تسهیلات رفاهی، فرهنگسرا و تالار، باشگاه و اردوگاه موظفند با هماهنگی کمیته سامان ازدواج، فضاهای مذکور را برای برگزاری جشن و مراسم ازدواج در اختیار زوجهای واجد شرایط قرار دهند. ب - به هریک از خانواده‌های جوان عضو صندوق که هیچیک از زوجین اشتغال به کار یا منبع درآمدی نداشته باشند، حداکثر تا مدت دو سال پس از تاریخ ازدواج مبلغی به عنوان کمک هزینه زندگی به صورت قرض‌الحسنه پرداخت می‌گردد. سقف مبلغ مزبور را کمیته سامان ازدواج متناسب با سرمایه صندوق تعیین خواهند نمود. ماده ۵- دولت مکلف است به منظور تکریم و ترویج سنت حسنه نبوی ازدواج، فرهنگ‌سازی و ترویج الگوهای مطلوب، با استفاده از امکانات رسانه ملی و دستگاههای فرهنگی و آموزشی اقدامات ذیل را انجام دهد: الف - تصحیح باورها و آداب و رسوم مانع و مزاحم ازدواج جوانان در مناطق کشور. ب - تشویق جوانان و خانواده‌ها به برپایی جشنهای گروهی و کاهش هزینه‌های تشریفات مراسم ازدواج. ج - روز اول ذی‌الحجه (روز ازدواج امیرالمؤمنین «ع» و فاطمه زهرا «س») به عنوان روز ازدواج جوانان نامگذاری شود. د - طرح مباحث مربوط به چگونگی تشکیل خانواده و روشها و آداب همسرگزینی و ازدواج آسان و شرعی از طریق رسانه‌های گروهی، صدا و سیما، کتب درسی مقطع متوسطه (سال سوم و پیش‌دانشگاهی) و آموزش عالی. ماده ۶- دولت موظف است به منظور سامان‌دهی فعالیتهای ازدواج در استانها و نظارت بر روند اجرایی این قانون در کلیه فرمانداریها، کمیته سامان ازدواج متشکل از فرماندار، امام جمعه شهر و رئیس شورای شهر تشکیل دهد. تبصره ۱- این کمیته حسب مورد می‌تواند از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی جهت شرکت در جلسات و تصمیم‌گیری‌های ذی‌ربط دعوت به عمل آورد. تبصره ۲- کلیه دستگاههای ذی‌ربط موظف به همکاری با این کمیته هستند. تبصره ۳- استانداران موظفند پس از دریافت گزارش اقدامات کمیته‌ها، نتیجه را از طریق دولت به تفکیک هر استان به صورت سالانه به کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گزارش کنند. ماده ۷- به منظور رفع موانعی که باعث تأخیر ازدواج می‌گردد و تشویق و ترغیب جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مکلف است پس از موافقت فرمانده کل نیروهای مسلح اقدامات ذیل را انجام دهد: الف - تعیین محل خدمت سربازان متأهل در نزدیکترین پادگان و مرکز نظامی محل سکونت. ب - پرداخت مستمری به میزان حداقل دوبرابر سربازان مجرد به سربازان متأهل که میزان افزایش مستمری متأهلین از محل صندوق اندوخته ازدواج جوانان تأمین می‌گردد. ماده ۸- دولت موظف است طرح جامع آموزش و مشاوره قبل و بعد از ازدواج مشتمل بر برنامه‌های: مشاوره برای همسریابی، تشکیل خانواده، آماده‌سازی زوج‌های جوان برای آغاز زندگی مشترک، آشنایی با حقوق خانوادگی و اخلاق همسرمداری و آمادگی برای داشتن فرزند را تهیه و ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون به مجلس ارائه دهد. ماده ۹- دولت مکلف است متأهلین واجد شرایط را در اولویت دسترسی به فرصتهای شغلی، وام اشتغال و وام مسکن قرار دهد. ماده ۱۰- وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مؤسسات دارای مرکز آموزشی، موظفند در چارچوب بودجه سنواتی نسبت به ساخت و واگذاری خوابگاهها برای متأهلین اقدام لازم را معمول دارند و همچنین نسبت به پرداخت کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان متأهل به میزان دو برابر دانشجویان مجرد، که افزایش آن از محل صندوق اندوخته ازدواج جوانان تأمین می‌شود، اقدام نمایند.

تبصره - دانشجویان متأهل رشته‌های پزشکی مجازند قبل از انجام خدمت سربازی و طرح خدمت نیروی انسانی در آزمون دوره‌های تخصصی شرکت کنند. ماده ۱۱- آیین‌نامه اجرایی این قانون پس از تصویب اساسنامه صندوق توسط مجلس شورای اسلامی، ظرف مدت سه ماه توسط دولت تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. ماده ۱۲- گزارش اجرای این قانون هر شش ماه یکبار توسط دولت تهیه و به کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود. ماده ۱۳- وزیر امور اقتصادی و دارایی، مسکن و شهرسازی و کشور در موارد مرتبط مسؤول حسن اجرای این قانون در برابر مجلس شورای اسلامی می‌باشند. قانون فوق مشتمل بر سیزده ماده و چهار تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و هفتم آذرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۷/۱۰/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

لایحه پیشنهادی حمایت خانواده - ۱۳۸۶

باسمه تعالی شماره ۶۸۳۵۷/۳۶۷۸۰ تاریخ ۱/۵/۱۳۸۶ جناب آقای دکتر حداد عادل رئیس محترم مجلس شورای اسلامی لایحه « حمایت خانواده» که بنا به پیشنهاد قوه قضاییه در مجلس در جلسه مورخ ۳/۴/۱۳۸۶ هیأت وزیران به تصویب رسیده است، جهت طی تشریفات قانونی به پیوست تقدیم می‌گردد. محمود احمدی نژاد رئیس جمهور با عنایت به نقش و جایگاه ویژه نهاد خانواده در نظام حقوقی و تربیتی اسلام و با توجه به غیرشرعی اعلام شدن بخشهایی از قوانین مربوط به حقوق خانواده و وجود خلاءهای قانونی در این زمینه و نظر به متشتت بودن مقررات این حوزه و معلوم نبودن نسخ و منسوخ آنها که موجب آثار زیانبار و مشکلات عدیده ای از جمله سردرگمی محاکم دادگستری در رسیدگی به دعاوی خانوادگی شده است و با لحاظ برخی کاستی ها و نواقص در قوانین موجود حاکم بر نهاد خانواده و عدم تطبیق آنها با واقعیت روز و به منظور تحقق بخشیدن به مفاد اصل (۲۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در راستای تحقق سیاست قضا زدایی و برای کاهش یا مرتفع نمودن مشکلات موجود در قواعد حقوق خانواده و رفع ابهام، تعارض و خلأ- از قوانین و مقررات کنونی خانواده و در اجراء بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی؛ لایحه زیر جهت طی تشریفات قانونی تقدیم می‌شود: لایحه حمایت خانواده فصل اول: دادگاه خانواده ماده ۱- در اجرای بند ۳ اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور رسیدگی به امور و دعاوی خانوادگی و جرایم موضوع این قانون، قوه قضاییه موظف است ظرف ۳ سال از تاریخ تصویب این قانون در تمامی حوزه های قضایی شهرستان، به تعداد کافی شعب دادگاه خانواده تشکیل دهد. تشکیل این دادگاه در حوزه های قضایی بخش به تناسب امکانات و به تشخیص رئیس قوه قضاییه خواهد بود. تبصره ۱- از زمان اجراء این قانون، در حوزه قضایی شهرستانهایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است، دادگاه حقوقی عمومی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون، به امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می‌کند. تبصره ۲- در حوزه قضایی بخشهایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده باشد، دادگاه مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به دعاوی خانوادگی رسیدگی می‌کند مگر دعاوی راجع به اصل نکاح و انحلال آن که در دادگاه خانواده نزدیکترین حوزه قضایی رسیدگی خواهد شد. ماده ۲- دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی البدل و دو مستشار تشکیل می‌شود که حتی المقدور یکی از مستشاران دادگاه از بانوان دارنده پایه قضایی می‌باشد. رسمیت جلسه و صدور رای با اکثریت امکان پذیر است. ماده ۳- رئیس یا دادرس علی البدل دادگاه خانواده باید متأهل و دارای حداقل چهار سال سابقه خدمت قضایی باشد. ماده ۴- امور و دعاوی زیر در دادگاه خانواده رسیدگی می‌شود: ۱- نامزدی و خسارات ناشی از بر هم خوردن آن؛ ۲- نکاح دائم، موقت و اذن در نکاح؛ ۳- طلاق، رجوع، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن؛ ۴- نفقه اقارب، مهریه و نفقه زوجه و سایر حقوق قانونی ناشی از رابطه زوجیت؛ ۵- جهیزیه؛ ۶- حضانت و ملاقات طفل؛ ۷- نسب؛ ۸- نشوز و تمکین زوجین؛ ۹- ولیت قهری، قیمومت و امور راجع به ناظر و امین محجوران؛ ۱۰- رشد، حجر و رفع آن؛ ۱۱- شروط ضمن عقد نکاح؛ ۱۲- سرپرستی کودکان بی

سرپرست؛ ۱۴- اهداء جنین ماده ۵- دادگاه خانواده به جرایم موضوع فصل ششم این قانون نیز رسیدگی می نماید. ماده ۶- دادگاه هریک از طرفین را که فاقد تمکن مالی تشخیص دهد، از پرداخت هزینه دادرسی، حق الزحمه کارشناسی، حق الزحمه داور و سایر هزینه ها معاف می نماید.. همچنین در صورت نیاز با الزام قانونی به داشتن وکیل، حسب مورد به درخواست فرد فاقد تمکن مالی یا راساً دادگاه برای وی اقدام به تعیین وکیل معاضدتی می نماید چنانچه طرف مذکور محکوم له واقع شود، دادگاه ضمن صدور رای، محکوم علیه را به پرداخت هزینه های مذکور و حق الوکاله وکیل معاضدتی محکوم می کند، مگر اینکه قبلاً در این پرونده عدم تمکن مالی وی احراز شده باشد. ماده ۷- مادر یا هر شخصی که حضانت طفل و یا نگهداری شخص محجور را ضرورتاً بر عهده دارد، هر چند که قیمومت را عهده دار نباشد، حق اقامه دعاوی مطالبه نفقه برای محجور را خواهد داشت. ماده ۸- دادگاه پیش از اتخاذ تصمیم نسبت به اصل دعوی، به درخواست یکی از طرفین در اموری که تعیین تکلیف آن فوریت دارد از قبیل حضانت، نگهداری، ملاقات طفل، نفقه زن و محجور، بدون اخذ تامین دستور موقت صادر می نماید. این دستور بدون نیاز به تایید رئیس حوزه قضایی قابل اجرا است و چنانچه دادگاه ظرف شش ماه مبادرت به اتخاذ راجع به اصل دعوی ننماید کان لم یکن گردیده و از آن رفع اثر می شود، مگر آن که دادگاه مطابق این ماده مجدداً دستور موقت صادر نماید. ماده ۹- رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی و مطابق آیین نامه اجرایی این قانون به عمل می آید. ماده ۱۰- ابلاغ در دادگاه خانواده می تواند از طریق پست، نامبر، پیامهای تلفنی، پست الکترونیکی و یا هر طریق دیگری که دادگاه مناسب با کیان خانواده تشخیص دهد صورت گیرد. در هر حال احراز صحت ابلاغ با دادگاه است. ماده ۱۱- دادگاه می تواند جهت فراهم نمودن فرصت صلح و سازش، جلسه دادرسی را به درخواست زوجین با یکی از آنان، حداکثر برای دو بار به تاخیر بیندازد. ماده ۱۲- در دعاوی موضوع این قانون، محکوم له پس از صدور حکم قطعی و تا بیش از شروع اجراء آن نیز می تواند از دادگاهی که حکم نخستین را صادر کرده است درخواست تامین محکوم به را بنماید. ماده ۱۳- چنانچه موضوع دعوا مطالبه مهریه منقول یا نفقه باشد، زوجه می تواند در محل اقامت خواننده و یا محل سکونت خود اقامه دعوی نماید. ماده ۱۴- هر گاه از سوی زوجین، امور دعاوی موضوع صلاحیت دادگاه خانواده در حوزه های قضایی متعدد مطرح شده باشد. دادگاهی که دادخواست یا شکایت مقدم به آن داده شده است، صلاحیت رسیدگی خواهد داشت و چنانچه دو یا چند دادخواست در یک روز تسلیم شده باشد، دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به دعوی اقامه شده از سوی زوجه را دارد، به تمامی دعاوی رسیدگی می نماید. ماده ۱۵- هر گاه یکی از زوجین طرف دعوا مقیم خارج کشور باشد، دادگاه محل اقامت طرفی که در ایران مقیم است صلاحیت رسیدگی دارد و اگر زوجین مقیم خارج از کشور باشند ولی یکی از آنان در ایران سکونت موقت داشته باشد دادگاه همان محل و اگر هر دو در ایران سکونت موقت داشته باشد، دادگاه محل سکونت موقت زوجه صالح به رسیدگی می باشد و هر گاه هیچ یک در ایران سکونت موقت نداشته باشند، دادگاه شهرستان تهران صلاحیت رسیدگی خواهد داشت، مگر آن که زوجین برای اقامه دعوی در محل دیگری توافق نمایند. ماده ۱۶- رئیس قوه قضاییه می تواند شعبی از دادگاه خانواده را برای رسیدگی به اختلافات خانوادگی ایرانیان مقیم خارج از کشور اختصاص داده و عندالاقضاء به قضات این شعب ماموریت دهد بنا به درخواست وزارت امور خارجه، در محل سفارتخانه ها و کنسول گری های ایران به امور مزبور رسیدگی نمایند احکام این شعب که در خارج از کشور صادر می شود مانند احکام دادگاه های مستقر در ایران به اجرا درمی آید. تبصره- هر گاه به دلیل عدم تشکیل شعب مذکور در این ماده یا عدم دسترسی به آنها ایرانیان مقیم خارج از کشور دعاوی خانوادگی خود را در محاکم و مراجع صلاحیتدار محل اقامت خود مطرح نمایند در صورتی احکام این مراجع یا محاکم در ایران به اجرا در می آید که دادگاه صلاحیتدار ایرانی احکام مزبور را بررسی نموده و حکم تنفیذی صادر نماید. فصل دوم: مراکز مشاوره خانواده ماده ۱۷- به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی به ویژه طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش، قوه قضاییه موظف است ظرف سه سال از

تاریخ تصویب این قانون در کنار دادگاه های خانواده (مراکز مشاوره خانواده) ایجاد نماید. ماده ۱۸- در حوزه های قضایی که مراکز مشاوره خانواده ایجاد شده است، دادگاه خانواده می تواند در صورت لزوم با مشخص نمودن موضوع اختلاف و تعیین مهلت، نظر مرکز مشاوره خانواده را خواستار شود. ماده ۱۹- مراکز مشاوره خانواده ضمن ارائه خدمات مشاوره ای، نسبت به اجراء خواسته دادگاه در مهلت مقرر اقدام و در مورد مربوط سعی در ایجاد سازش مینماید. در صورت حصول سازش مبادرت به تنظیم سازش نامه نموده و گرنه نظر کارشناسی خود را به طور کتبی و مستدل به دادگاه اعلام می نماید. تبصره- در صورتی که زوجین به صورت توافقی متقاضی طلاق باشند، مراکز مشاوره خانواده برابر ماده ۲۶ این قانون عمل می نماید. ماده ۲۰- دادگاه باید با در نظر گرفتن نظریه کارشناسی مراکز مشاوره خانواده مبادرت به صدور رای نماید مگر آنکه نظریه مزبور را برخلاف اوضاع و احوال مسلم قضایی تشخیص دهد. ماده ۲۱- اعضای مراکز مشاوره خانواده از کارشناسانی در رشته های مختلف مانند مطالعات خانواده، روانشناسی، مددکاری اجتماعی، حقوق، فقه و مبانی حقوق اسلامی انتخاب می شوند و لاقلاً نصف اعضاء هر مرکز باید از انوان متاهل واجد شرایط باشند. سایر شرایط، تعداد اعضاء، نحوه انتخاب، گزینش، آموزش و نحوه رسیدگی به تخلفات آنان، تشکیلات، شیوه انجام وظایف و تعداد مراکز مشاوره خانواده و نیز تعرفه خدمات مشاوره و نحوه پرداخت آن به موجب آیین نامه است که ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت دادگستری با همکاری وزارت رفاه و تامین اجتماعی تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه می رسد. تبصره ۱- جلسات مشاوره لزوماً با حضور افراد مورد اعتماد طرفین و ترجیحاً از خویشاوندان آنان برگزار می شود. تبصره ۲- کلیه اختلافات و منازعات خانوادگی قابل طرح در شوراهای حل اختلاف می باشد. در صورت مراجعه طرفین شوراهای یادشده با حضور کارشناس مربوط تشکیل و احکام صادره به استثناء حکم طلاق، لازم الاجراء است در صورتی که نظر بر اجراء حکم طلاق باشد پرونده به دادگاه ارجاع می شود. فصل سوم: ازدواج ماده ۲۲- ثبت عقد نکاح دائم، فسخ و انفساخ آن، طلاق، رجوع و اعلام بطلان نکاح و طلاق الزامی است. تبصره: ثبت نکاح موقت تابع آیین نامه ای که به تصویب وزیر دادگستری می رسد. ماده ۲۳- اختیار همسر دائم بعدی، منوط به اجازه دادگاه پس از احراز توانایی مالی مرد و تعهد اجراء عدالت بین همسران می باشد. تبصره- در صورت تعدد ازدواج چنانچه مهریه حال باشد و همسر اول آن را مطالبه نماید، اجازه ثبت ازدواج مجدد منوط به پرداخت مهریه زن اول است. ماده ۲۴- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است ظرف مدت یک ماه از تاریخ تصویب این قانون بیماری هایی را که باید طرفین بیش از ازدواج علیه آنها واکسینه شوند و بیماریهای واگیر خطرناک برای زوجین و فرزندان ناشی از ازدواج را معین و اعلام دارد. دفاتر ازدواج مکلفند پیش از ثبت نکاح، گواهی صادره از سوی پزشکان و مراکزی که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واجد صلاحیت، اعلام می نماید، مبنی بر نداشتن اعتیاد به مواد مخدر و بیماریهای موضوع این ماده و یا واکسینه شدن طرفین را از آنان مطالبه و بایگانی نمایند. ماده ۲۵- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است از مهریه های بالاتر از حد متعارف و غیر منطقی با توجه به وضعیت زوجین و مسایل اقتصادی کشور متناسب با افزایش میزان مهریه به صورت تصاعدی در هنگام ثبت ازدواج مالیات وصول نماید. میزان مهریه متعارف و میزان مالیات با توجه به وضعیت عمومی اقتصادی کشور به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به وسیله وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد و به تصویب هیات وزیران می رسد. فصل چهارم- طلاق ماده ۲۶- ثبت طلاق و سایر اسباب انحلال نکاح در دفاتر رسمی صرفاً پس از صدور گواهی عدم امکان سازش یا حکم مربوط از سوی دادگاه با گواهی مراکز مشاوره خانواده مبنی بر توافق زوجین بر طلاق مجاز می باشد. ماده ۲۷- در صورتی که زوجین به صورت توافقی متقاضی طلاق باشند باید به مراکز مشاوره خانواده مراجعه نمایند. این مراکز ضمن ارائه خدمات مشاوره ای، سعی در سازش و انصراف آنان از درخواست طلاق می نماید. در صورت حصول سازش و انصراف از طلاق، سازش نامه تنظیم و گرنه با ذکر دقیق موارد توافق، گواهی توافق زوجین بر طلاق صادر می نماید. ماده ۲۸- در صورتی که طلاق صرفاً به درخواست مرد باشد، دادخواست صدور گواهی عدم امکان سازش و اگر به

درخواست زوجه باشد، حسب مورد دادخواست صدور حکم الزام به طلاق یا احراز شرایط اعمال وکالت در طلاق تقدیم دادگاه می شود. ماده ۲۹- در تمامی موارد درخواست طلاق، به جز طلاق توافقی، دادگاه موظف است ضمن سعی در ایجاد صلح و سازش، موضوع را به داوری ارجاع نماید. دادگاه با توجه به نظر داوران گواهی عدم امکان سازش یا حکم طلاق صادر و چنانچه نظر آنان را نپذیرد مستلاً رد می نماید. ماده ۳۰- پس از صدور قرار ارجاع امر به داوری، هر یک از زوجین مکلفند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ، یک نفر از اقارب خود را که حداقل سی سال سن داشته و متاهل و آشنا به مسایل شرعی، خانوادگی و اجتماعی باشد به عنوان داور به دادگاه معرفی نمایند. تبصره ۱- افرادی که متاهل بوده اند ولی همسرشان فوت نموده است نیز می توانند به عنوان داور پذیرفته شوند. تبصره ۲- نحوه انتخاب و دعوت داوران، وظایف و تعداد جلسات آنها مطابق آئین نامه ای خواهد بود که ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون توسط وزارت دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد. ماده ۳۱- در صورتی که در بین اقارب، فرد واجد شرایط نموده یا دسترسی به آنها مقدور نباشد و یا اقارب از پذیرش داوری استنکاف نمایند. هر یک از زوجین می توانند داور خود را از بین افراد واجد صلاحیت دیگر تعیین و معرفی کنند و در صورت امتناع یا عدم توانایی در معرفی داور، دادگاه به درخواست هر یک از طرفین و یا راساً از میان اعضاء واجد شرایط داوری مراکز مشاوره خانواده مبادرت به تعیین داور می نمایند. ماده ۳۲- دادگاه ضمن صدور حکم طلاق یا گواهی عدم امکان سازش با توجه به شروط ضمن عقد و مطالب مندرج در اسناد ازدواج تکلیف جهیزیه، مهریه، نفقه زوجه، اولاد و حمل و ترتیب حضانت و نگهداری اطفال و هزینه آن و نحوه پرداخت را مشخص می کند. همچنین با توجه به وابستگی عاطفی و مصلحت طفل، ترتیب، زمان و مکان ملاقات را با پدر، مادر و سایر بستگان تعیین می نماید. ثبت طلاق موکول به تادیه حقوق مذکور می باشد، مگر با رضایت زوجه یا صدور حکم قطعی بر اعسار زوج یا تقسیت آن، در هر حال، هر گاه زن بدون دریافت حقوق مذکور به ثبت طلاق رضایت دهد، می تواند پس از ثبت طلاق جهت دریافت این حقوق از طریق اجراء احکام دادگاه مطابق مقررات مزبور اقدام نماید. تبصره: گواهی پزشکی ذی صلاح در مورد وجود یا عدم وجود جنین، باید تسلیم شود مگر آن که زوجین بر وجود جنین اتفاق نظر داشته باشند. ماده ۳۳- مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش برای تسلیم به دفتر طلاق، سه ماه از تاریخ ابلاغ رای قطعی یا قطعی شدن رای می باشد. چنانچه گواهی مذکور ظرف این مهلت تسلیم نشود و یا طرفی که آن را به دفتر طلاق تسلیم نموده است، ظرف مهلت سه ماه از تاریخ تسلیم در دفتر حاضر نشود یا مدارک لازم را ارائه ننماید، از درجه اعتبار ساقط است. تبصره ۱- چنانچه رای دادگاه قابل فرجام خواهی باشد، مهلت مذکور در صدر این ماده از تاریخ ابلاغ رای مرحله فرجام یا انقضای مهلت فرجام خواهی محاسبه می شود. تبصره ۲- گواهی قطعی و قابل اجرا بودن رای از سوی دادگاه صادر و همزمان به دفتر طلاق ارائه می شود. تبصره ۳- رسیدگی به فرجام خواهی از آراء طلاق نباید بیش از شش ماه به طول بیانجامد. تبصره ۴- هر گاه پس از قطعی شدن حکم طلاق، زوجه مطلقه گردیده و ازدواج کرده باشد دیگر نمی توان حکم به فسخ رای که طلاق بر اساس آن ثبت شده است، صادر کرد. ماده ۲۴- گواهی صادر از مراکز مشاوره خانواده مبنی بر طلاق توافقی نیز از زمان صدور تا سه ماه اعتبار دارد و با حضور طرفین اجراء می گردد. ماده ۳۵- هر گاه زوج در مهلت مقرر به دفتر طلاق مراجعه و گواهی عدم امکان سازش را تسلیم نماید، در صورتی که زوجه ظرف یک هفته حاضر نشود، سر دفتر به زوجین اخطار می کند برای اجراء صیغه طلاق و ثبت آن، در دفتر خانه حاضر شوند. در صورت عدم حضور زوجه و عدم اعلام عذری از سوی وی، صیغه طلاق جاری و ثبت می شود و در صورت اعلام عذر، یک نوبت دیگر به ترتیب مذکور دعوت به عمل می آید در موارد غیبت زوجه، مراتب به وسیله دفتر خانه به اطلاع وی می رسد. ماده ۳۵- هر گاه حکم طلاق از سوی زوجه به دفتر طلاق تسلیم شود، در صورتی که زوج ظرف یک هفته حاضر نشود، سر دفتر به زوجین اخطار می کند برای اجراء صیغه طلاق و ثبت آن، در دفتر خانه حاضر شوند. در صورت عدم حضور زوجه و عدم اعلام عذری از سوی وی یا امتناع وی از اجراء صیغه طلاق، صیغه طلاق جاری و ثبت شده و به زوج ابلاغ می گردد و در

صورت اعلام عذر ، یک نوبت دیگر به ترتیب مذکور دعوت به عمل می آید. تبصره- فاصله بین ابلاغ اخطاریه و جلسه اجراء صیغه طلاق مذکور در این ماده و ماده قبل نباید کمتر از یک هفته باشد. ماده ۳۷- اجراء صیغه طلاق با رعایت جهات شرعی در دفتر خانه یا در محل دیگری با حضور سر دفتر یا نماینده وی به عمل می آید. تبصره - فاصله بین ابلاغ اخطاریه و جلسه اجراء صیغه طلاق مذکور در این ماده و ماده قبل نباید کمتر از یک هفته باشد. ماده ۳۷- اجراء صیغه طلاق با رعایت جهات شرعی در دفتر خانه یا در محل دیگری با حضور سر دفتر یا نماینده وی به عمل می آید. ماده ۳۸- در طلاق رجعی ، صیغه طلاق مطابق مقررات مربوط جاری و مراتب صورتجلسه می شود ولی ثبت طلاق منوط به ارائه گواهی کتبی حداقل دو شاهد مبنی بر اسکان زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده می باشد، مگر اینکه زن رضایت به ثبت داشته باشد در صورت تحقق رجوع، صورتجلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع صورتجلسه تکمیل و طلاق ثبت می شود. صورتجلسه تکمیلی به امضای سر دفتر، زوجین یا نماینده آنان و دو شاهد طلاق می رسد. در صورت درخواست زوجه گواهی اجراء صیغه طلاق و عدم رجوع زوج، به وی اعطاء می شود. فصل پنجم: حضانت و نگهداری اطفال ماده ۳۹- هر گاه دادگاه تشخیص دهد توافق راجع به ملاقات ، حضانت، نگهداری و سایر امور مربوط به طفل بر خلاف مصلحت وی باشد یا در صورتی که مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر برای حضانت خودداری نماید یا مانع ملاقات طفل تحت حضانت یا اشخاص ذی حق شود می تواند هر تصمیمی که به مصلحت طفل باشد از جمله واگذاری امر حضانت به دیگری یا تعیین شخص ناظر با پیش بینی حدود نظارت وی و نظایر آن مقرر نماید. ماده ۴۰- طفل را نمی توان بدون رضایت ولی یا قیم، مادر و شخصی که حضانت و نگهداری طفل به او واگذار شده است از محل اقامت مقرر بین طرفین یا محل اقامت قبل از وقوع طلاق به محل دیگری یا خارج از کشور فرستاد مگر اینکه دادگاه آن را به مصلحت طفل دانسته و با در نظر گرفتن حق ملاقات اشخاص ذی حق اجازه دهد. دادگاه در صورت موافقت با خارج نمودن طفل از کشور بنا به درخواست ذی نفع، جهت تضمین بازگرداندن طفل، تامین مناسبی اخذ می نماید. ماده ۴۱- در صورتی که وزارت خانه ها ، شرکت ها و موسسات دولتی و موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی ، ملزم به تسلیم یا تملیک اموالی به صغیر یا سایر محجوران باشند، این اموال، در حدود تامین هزینه های متعارف زندگی، باید در اختیار شخصی قرار گیرد که حضانت و نگهداری محجور را عهده دار است، مگر آن که دادگاه به نحو دیگری مقرر نماید. ماده ۴۲- دادگاه در صورت درخواست زن یا سایر اشخاص واجب النفقه، میزان و ترتیب پرداخت نفقه آینده را تعیین می کند. تبصره- در مورد این ماده و سایر مواردی که به موجب حکم دادگاه باید و جوهی مستمراً از محکوم علیه وصول شود یک بار تقاضای صدور اجرائیه کافی است و عملیات اجرایی مادام که دستور دیگری از دادگاه صادر شده است ادامه می یابد. ماده ۴۳- پرداخت نفقه زوجه و نفقه و هزینه نگهداری اطفال و پرداخت تمامی دیون مقدم است. فصل ششم: مقررات کیفی ماده ۴۴- چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی اقدام به ازدواج دائم، طلاق، فسخ و رجوع نماید، ضمن الزام به ثبت واقعه، به پرداخت مبلغ بیست میلیون تا یک صد میلیون ریال جزای نقدی و یکی از محرومیت‌های اجتماعی متناسب محکوم می شود. ماده ۴۵- هر پزشکی که بر خلاف واقع ، گواهی موضوع ماده ۲۴ این قانون را صادر نماید از یک تا پنج سال از اشتغال به طبابت محروم می شود. ماده ۴۶- هر فرد خارجی بدون اخذ اجازه مذکور در ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی با زن ایرانی ازدواج نماید، به حبس از نود و یک روز تا یک سال محکوم می شود. در این صورت زن چنانچه به اختیار خود ازدواج کرده باشد ولی دختر در صورتی که ازدواج به اذن وی صورت گرفته باشد و همچنین عاقد به عنوان معاون در جرم مزبور محکوم خواهند شد. ماده ۴۷- هر سر دفتری که بدون اجازه دادگاه اقدام به ثبت ازدواج مجدد نماید یا بدون حکم دادگاه یا گواهی عدم امکان سازش یا حکم تنفیذ راجع به احکام خارجی یا گواهی مراکز مشاوره خانواده مبنی بر توافق زوجین بر طلاق، اقدام به ثبت هر یک از موجبات انحلال نکاح نماید، به انفصال دائم از اشتغال به سر دفتری محکوم می شود. ماده ۴۸- کسی که حضانت طفل به او محول شده است، هر گاه از انجام تکالیف مربوط به حضانت خودداری نماید یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی حق شود، به پرداخت پانصد

هزار تا پنج میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود. ماده ۴۹- هر کس که زوجیت را انکار نماید و ثابت شود که این انکار بی اساس بوده است یا بر خلاف واقع با طرح شکایت کیفری یا دعوی حقوقی مدعی داشتن رابطه زوجیت با دیگری شود، به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا ده میلیون تا چهل میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. این حکم در مورد قائم مقام قانونی آنان که با علم به زوجیت، آن را انکار نماید یا با علم به عدم زوجیت، ادعای زوجیت را مطرح نماید، نیز جاری می شود. ماده ۵۰- هر گاه مردی با دختری که به سن قانونی ازدواج نرسیده است بر خلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی ازدواج نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. چنانچه در اثر ازدواج بر خلاف مقررات فوق، واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به دو تا پنج سال حبس و اگر منتهی به فوت زن شود علاوه بر پرداخت دیه، به پنج تا ده سال حبس محکوم می شود. ماده ۵۱- میزان جزای نقدی موضوع این قانون، بر اساس نرخ تورم که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود، هر سه سال یک بار حسب مورد بنا به پیشنهاد وزارت دادگستری و تایید هیات وزیران افزایش است. ماده ۵۲- آیین نامه اجرائی این قانون بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری و تایید رئیس قوه قضاییه به تصویب هیات وزیران می رسد. ماده ۵۳- از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، قوانین زیر و تمامی قوانین و مقررات مغایر نسخ می شود: ۱- قانون راجع به ازدواج، مصوب ۲۳/۵/۱۳۱۰- قانون راجع به انکار زوجیت، مصوب ۲۰/۱۲/۱۳۱۱- قانون لزوم ارائه گواهینامه پزشکی قبل از وقوع ازدواج، مصوب ۱۳/۹/۱۳۱۷- قانون حمایت خانواده مصوب ۱۵/۱۱/۱۳۵۳- قانون مربوط به حق حضانت، مصوب ۲۲/۴/۱۳۶۵- قانون الزام تزیق واکسن ضد کزاز برای بانوان قبل از ازدواج مصوب ۲۳/۱/۱۳۶۷- قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق- مصوب ۲۱/۱۲/۱۳۷۰- قانون اختصاص تعدادی از دادگاههای موجود به دادگاه های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی، مصوب ۸/۵/۱۳۷۶- قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش، مصوب ۱۱/۸/۱۳۷۶- قانون مجازات اسلامی مواد (۶۴۵) و (۶۴۶) مصوب ۲/۳/۱۳۷۵

وکالت و کارشناسی

مقررات خاص وکالت

قانون وکالت. مصوب ۱۳۱۵

فصل اول - وکیل و شرایط وکالت م ۱ تا ۱۵

ماده ۱- وکالت در عدلیه دارای درجات ذیل است ۱- وکالت در محاکم صلح و بدایت و استیناف و تمیز. ۲- وکالت در محاکم صلح و بدایت و استیناف ۳- وکالت در محاکم صلح و بدایت تبصره - وزارت عدلیه می تواند بر حسب ضرورت و احتیاج از داوطلبان شغل وکالت که معلوماتشان کافی برای درجات سه گانه نیست مطابق نظامنامه مخصوص امتحان نموده اجازه وکالت در محاکم صلح یا نزد مامورین صلح و حوزه های معین بدهد - اگر داوطلب مزبور در حین اجرای این قانون مشغول وکالت بوده و صلاحیت او برای درجات سه گانه فوق تصدیق نشده است از امتحان معاف خواهد بود این اشخاص کارگشا نامیده می شوند. ماده ۲- اشخاصی که واجد معلومات کافی برای وکالت در عدلیه نباشند اگر بخواهند برای اقرای سببی یا نسبی خود تا درجه دوم از طبقه سوم وکالت بنمایند ممکن است به آنها در سال سه نوبت جواز وکالت اتفاقی داده شود. مواد ۳ تا ۵ نسخ شده است ماده ۶- اشخاصی که به موجب حکم محکمه انتظامی ممنوع الوکاله شده اند هرگاه موجب حکم صرفاً فقد معلومات بوده می توانند از

مقررات تبصره ۲ ماده یک استفاده نمایند - هرگاه ممنوعیت آنها فقط از جهات اخلاقی بوده پس از پنج سال از تاریخ صدور حکم می‌توانند اعاده حیثیت نمایند مشروط بر این که در مدت مزبور اعمال منافی اخلاقی از آنها مشاهده نشده باشد هرگاه ممنوعیت آنها از دو جهت بوده در صورت گذشتن پنج سال نیز می‌توانند از مورد تبصره ۲ ماده یک استفاده نمایند. ماده ۱۵ - پروانه وکالت باید همه ساله مطابق تعرفه ذیل تمبر شود: برای پروانه وکالت درجه اول ۴۰۰۰ ریال برای پروانه وکالت درجه دوم ۲۰۰۰ ریال برای پروانه وکالت درجه سوم ۱۵۰۰ ریال برای پروانه کارگشایی به تفاوت نقاط از ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ ریال برای پروانه وکالت اتفاقی هر دفعه ۱۰ ریال

فصل دوم - تشکیلات وکلاء (م ۲۲ تا م ۲۴)

ماده ۲۲ - دفتر اوراق راجعه به وکالت باید مطابق نمونه‌ای که کانون مرکز تعیین می‌نماید تهیه شود - درآمد کانون هر محل به مصرف خود آن کانون خواهد رسید. ماده ۲۳ - وکلای عدلیه مکلفند همه ساله در سه دعوی حقوقی به عنوان معاضدت قبول وکالت نمایند و چنانچه موکل محکوم له واقع شود حق الوکاله قانونی از آنچه که وصول شود به او پرداخت خواهد شد - پنج یک آن متعلق به کانون است ماده ۲۴ - کسانی که قدرت تادیه حق الوکاله ندارند می‌توانند از کانون تقاضای معاضدت نمایند مشروط به این که دعوی با اساس و راجع به شخص تقاضاکننده باشد. طرز تقاضا و سایر شرایط لازمه برای معاضدت قضایی را وزارت عدلیه به موجب نظامنامه معین خواهد نمود.

فصل سوم - حقوق و وظایف م ۲۷ تا م ۴۵)

ماده ۲۸ - در صورتی که وکیل در دو یا چند دادگاه اعم از جنایی و غیر آن دعوت شود و جمع بین اوقات ممکن نباشد باید حضور در دیوان جنایی و دیوان کیفر را مقدم بدارد و به دادگاه یا دادگاههای دیگر لایحه بفرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام بدارد. در صورتی که وکیل در دو یا چند دادگاه غیر از دادگاه جنایی و دیوان کیفر دعوت شود و جمع بین اوقات ممکن نباشد در دادگاهی که حضور خود را لازم می‌داند حاضر می‌شود و به دادگاههای دیگر لایحه می‌فرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام می‌دارد. جلسه رسیدگی در هر حال از این جهت تجدید نخواهد شد مگر آنکه حضور وکیل در دادگاه ضروری باشد که در این صورت یا به دادگاه مذکور وکیل دیگری می‌فرستد و یا اگر حق توکیل نداشته باشد نسخه‌ثانی اخطاریه دادگاه جنایی با دیوان کیفر را ضمن لایحه‌ای برای اعتذار از حضور تقدیم دادگاه می‌کند و در صورت اخیر فقط برای یک نوبت تجدید خواهد شد. تبصره ۱ - وکیل باید دادگاه جنایی را بر دیوان کیفر مقدم بدارد و در صورتی که در دو یا چند دادگاه جنایی یا دیوان کیفر دعوت شده باشد حضور وکیل در هر یک از دادگاههای مذکور بر حسب تقدم تاریخ ابلاغ از طرف دادگاه خواهد بود. تبصره ۲ - عزل یا استعفا یا تعیین وکیل جدید باید در موقعی به عمل آید که موجب تجدید جلسه نشود. در صورت عدم رعایت این ترتیب استعفا و عزل و تعیین وکیل جدید برای این جلسه پذیرفته نمی‌شود و دادگاه به رسیدگی ادامه می‌دهد. تبصره ۳ - هرگاه جلسه دادگاه جنایی یا هر دادگاه جزایی دیگر که حضور وکیل متهم در آن ضرورت دارد به معاذیر قانونی وکیل تجدید شود، رئیس دادگاه مکلف است بلافاصله وکیل انتخابی برای متهم تعیین کند و وقت دادرسی را به وکیل مذکور ابلاغ کند. هرگاه در جلسه بعد وکیل قبلی یا وکیل دیگری که متهم انتخاب و معرفی کرده است در دادگاه حضور یابد و از متهم دفاع نماید دادرسی با حضور او ادامه خواهد یافت و الا وکیل انتخابی دادگاه از متهم دفاع می‌کند و دادگاه حکم خواهد داد.

ماده ۲۹- از وکلایی که حق وکالت در توکیل دارند هیچ عذری برای عدم حضور در جلسه پذیرفته نمی‌شود. هرگاه وکیلی در یک ساعت در دو محکمه دعوت شده باشد باید به یکی از دو محکمه که نسبت به دعوی مطروح در آنجا وکالت در توکیل دارد وکیل بفرستد و در دیگری خود حاضر شود. ماده ۳۰- وکیل باید اسراری را که به وسیله وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوط به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید. ماده ۳۱- وکلا- باید وکالت انتخابی حقوقی و جزایی را که در حدود قوانین و نظامات به آنها ارجاع می‌شود قبول نمایند. تبصره- مقصود از وکالت انتخابی وکالتی است که از طرف محکمه در موارد جزایی و از طرف کانون در امور حقوقی به آنها ارجاع می‌شود. ماده ۳۲- وکلا باید با موکل خود قرارداد حق الوکاله تنظیم و مبادله نمایند و نسخه ثانی قرارداد را به‌ضمیمه وکالتنامه به دفتر محکمه تسلیم دارند قرارداد حق الوکاله و فهرست اسنادی که موکل به وکیل می‌سپارد و همچنین قبوض و جوهی که وکیل دریافت می‌دارد مطابق نمونه‌ای است که از طرف وزارت عدلیه معین خواهد شد. ماده ۳۳- قرارداد حق الوکاله که به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین می‌شود باید به ترتیب تصاعد نسبت به مدعی و نسبت به مراحل محاکمه بدایت و استیناف و تمیز معین شود. برای خسارتی که محکوم له می‌تواند از محکوم علیه مطالبه نماید، همچنین میزان مخارج مسافرتی که وکلا عدلیه برای امور وکالتی می‌نمایند نیز مطابق تعرفه‌ای است که وزارت عدلیه تنظیم می‌نماید. ماده ۳۴- دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیررسمی از او علاوه بر میزان مقرر به عنوان حق الوکاله و علاوه بر مخارج لازمه به هر اسم و هر عنوان که باشد ولو به‌عنوان وجه التزام و نذر ممنوع است و مرتکب به مجازات انتظامی از درجه پنجم به بالا- محکوم می‌شود و چنین سند و التزام در محاکم و ادارات ثبت منشا ترتیب اثر نخواهد بود. در صورتی که وکیل این عمل را به طور حيله انجام دهد مثل پول یا مال یا سندی در ظاهر به‌عنوان دیگری در باطن راجع به عمل وکالت باشد و یا در ظاهر به اسم شخص دیگر و در باطن برای خود بگیرد کلاهبرداری محسوب و مورد تعقیب جزایی واقع خواهد شد. ماده ۳۵- مخارج لازمه مذکور در ماده قبل عبارت است از: مخارج عدلیه و خرج مسافرت و خرج تحقیقات و معاینه محلی و حق الزحمه مصدقین و خبره و حق الحکمی و خرج تلگراف و پست و طبع اعلانات ماده ۳۶- در صورتی که وکیل بخواهد از وکالت استعفاء نماید باید قبلاً طوری به موکل و محکمه اطلاع دهد که موکل بتواند وکیل دیگری در موقع برای خود معین و به محکمه معرفی کند. ماده ۳۷- وکلا نباید بعد از استعفا از وکالت یا معزول شدن از طرف موکل یا انقضای وکالت به جهتی از جهات وکالت طرف مقابل یا اشخاص ثالث را در آن موضوع بر علیه موکل سابق خود یا قایم مقام قانونی او قبول نمایند و محاکم وکالت او را نباید در این مورد بپذیرند. ماده ۳۸- وکلا- نباید به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای رد قاضی یا حکم یا وکیل مدافع طرف یا به‌منظور تطویل محاکمه به وسیله خدعه آمیزی متوسل شوند. ماده ۳۹- وکیل حق ندارد دعاوی را به طور مصانعه یا در ظاهر به اسم دیگری و در باطن به اسم خودانتقال بگیرد و این قبیل دعاوی در محکمه پذیرفته نخواهد شد و متخلف به مجازات انتظامی از درجه چهارم به بالا محکوم خواهد شد. ماده ۴۰- وکلا- نمی‌توانند نسبت به موضوعی که قبلاً- به واسطه سمت قضایی یا حکمیت در آن اظهار عقیده کتبی نموده‌اند قبول وکالت نمایند. ماده ۴۱- در صورتی که خیانت وکیل نسبت به موکل ثابت شود از قبیل آنکه وکیل با طرف موکل ساخته و بالتیجه حق موکل را تضییع نماید به محرومیت ابدی از شغل وکالت محکوم خواهد شد و موکل می‌تواند خسارت وارده بر خود را از او مطالبه نماید. ماده ۴۲- وکلا باید در مذاکرات شفاهی در محکمه و لوایح کتبی احترام و نزاکت را نسبت به محاکم و تمام مقامات اداری و نسبت به وکلا و اصحاب دعوی مرعی دارند در صورت تخلف به مجازات انتظامی از درجه چهارم به بالا محکوم خواهند شد مگر این که عمل مشمول یکی از عناوین جزایی باشد که در این صورت به حداکثر مجازات مقرر در قانون محکوم خواهند شد. ماده ۴۳- وکلا- باید دارای دفتر منظم بوده و مراسلات و مکاتباتی که راجع به امر وکالت است ثبت و ضبط نمایند- طرز تنظیم و نگاهداری آن را دفتر بازرسی و تشکیلات وکلا معین خواهد نمود و حفظ دفتر و ته چک قبوض تا ده سال پس از تاریخ ختم آن اجباری است ماده ۴۴- وکلا باید پس از ابلاغ حکم یا قرار و یا اخطاری که مستلزم انجام امر یا دادن خرجی

از طرف موکل است به اسرع اوقات به موکل یا متصدی امور او کتبا اطلاع دهند به طوری که تفویض حقی از او نشود. ماده ۴۵ - وکلا باید اثر قانونی عدم پیشرفت دعوی موکل را در امری که نسبت به آن قبول وکالت می‌نماید اعم از امور حقوقی و جزایی مخصوصا در اقامه دعوی جزایی و دعاوی جعل و اعسار قبل از تنظیم قرارداد حق الوکاله به موکل خاطر نشان نمایند

فصل چهارم - در تعقیب و مجازات انتظامی وکلا (م ۵۵)

ماده ۵۵ - وکلای معلق و اشخاص ممنوع الوکاله و به طور کلی هر شخصی که دارای پروانه وکالت نباشد از هرگونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ممنوع است اعم از این که عناوین تدریس از قبیل مشاور حقوق و غیره اختیار کند یا این که به وسیله شرکت و سایر عقود یا عضویت در موسسات خود را اصیل دعوی قلمداد نماید متخلف از یک الی شش ماه به حبس تادیبی محکوم خواهد شد.

فصل پنجم - مقررات مختلفه (م ۵۶ تا م ۵۸)

ماده ۵۶ - در صورت فوت و حجر و کیل مدعی العمومی بدایت و در نقاطی که پارکه نیست امین یا مامور صلح به تقاضای اشخاص اسناد و اوراق راجعه به آنها را که نزد وکیل بوده با حضور متصدی امور متوفی و در صورت استنکاف ورثه و یا متصدی امور متوفی از تسلیم اوراق و اسناد مدعی العموم یا قایم مقام او با حضور نماینده محکمه بدایت یا صلح اسناد را اخذ و به صاحبش رد می‌نماید و صورت مجلسی در هر دو باب تنظیم و امضا می‌نماید و رسید اوراق را گرفته به متصدی امور متوفی می‌دهد. ماده ۵۷ - هرگاه محاکم و مدعیان عمومی در اجرای مواد این قانون بی نظمی یا مسامحه مشاهده کرده یا متوجه شوند و کیلی از عهده انجام وظیفه وکالتی بر نمی‌آید و همچنین هرگاه از سو اخلاق و اعمال و کیلی مطلع گردند مکلفند بدون تاخیر، مراتب را به وزیر عدلیه گزارش دهند، در صورت تخلف به مجازات انتظامی تا درجه چهار محکوم خواهند شد. ماده ۵۸ - فصل دوم قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۲۷ تیرماه ۱۳۰۷ و ماده ۶ قانون ۱۱ خرداد ۱۳۰۸ و قانون مصوبه اول مرداد ۱۳۰۹ و قانون وکالت مصوبه ۲۰ شهریور ماه ۱۳۱۴ نسخ می‌شود.

آیین‌نامه قانون وکالت . مصوب ۱۳۱۶

فصل اول - در تعیین وکلای محدوده و کارگشایان و درخواست پروانه وکالت . (م ۳ تا م ۱۸)

ماده ۳ - برنامه امتحانات کارگشایان عبارت است از: ۱ - کلیات قانون اصول محاکمات حقوقی ۲ - کلیات قانون اصول محاکمات جزایی ۳ - کلیات قانون اصول محاکمات مدنی ۴ - کلیات قانون اصول محاکمات مجازات عمومی ۵ - کلیات قوانین و نظامنامه‌های ثبت اسناد و املاک ۶ - قانون نظامات راجعه به وکالت ۷ - کلیات قوانین تجاری ماده ۴ - امتحان کتبی و شفاهی است و حداکثر نمرات شش است شش خیلی خوب - پنج خوب - چهار کافی - سه قابل قبول - دو بد - یک خیلی بد. ماده ۵ - برای قبول شدن در امتحان حداقل معدل امتحان کتبی و شفاهی نباید از سه کمتر باشد و معهدا هر داوطلبی که دارای یک نمره یک یا دو نمره دو باشد مردود است ماده ۱۶ - تقاضای رسیدگی از محکمه انتظامی که در ماده ۱۲ قانون وکالت مقرر است به وسیله عرضحال به عمل می‌آید و هرگاه معترض مستندات داشته باشد و ضمیمه عرضحال نماید پس از ابلاغ عرضحال به قسمت تشکیلات و کلاء دیگر

سندی از او پذیرفته نخواهد شد. ماده ۱۷ - عرضحال باید در دو نسخه تنظیم و یک نسخه از آن را دفتر دیوان عالی تمیز در ظرف پنج روز از تاریخ وصول به قسمت تشکیلات و کلا - بفرستد. ماده ۱۸ - هرگاه اختلاف صلاحیت علمی تقاضاکننده برای شغل وکالت یا برای درجه مورد تقاضا باشد محکمه انتظامی اختباری از معلومات او به عمل خواهد آورد اختبار مزبور کتبی و شفاهی است و هرگاه راجع به صلاحیت اخلاقی تقاضاکننده باشد محکمه عالی انتظامی اظهارات نماینده دفتر کل بازرسی تشکیلات و کلا را استماع خواهد نمود.

فصل دوم - در تشکیلات کانون وکلاء و معاضدت قضایی (م ۳۴ تا م ۴۹)

ماده ۳۴ - موسسه معاضدت قضایی در مرکز است و دارای شعب ذیل می باشد: ۱ - دبیرخانه ۲ - شعبه عرایض ۳ - شعبه قضایی ماده ۳۵ - کارکنان معاضدت قضایی باید حتی المقدور از بین وکلاء عدلیه انتخاب شوند و ممکن است برای آنها حق الزحمه در بودجه کانون منظور شود. ماده ۳۶ - تقاضای معاضدت در دبیرخانه موسسه مزبور داده می شود کسانی که دور از مرکز معاضدت قضایی هستند می توانند مستقیماً یا توسط کانون محل در صورتی که تشکیل شده باشد و یا به هر وسیله دفتر عدلیه اقامت خود را تقاضا نمایند. در این صورت کانون یا دفتر عدلیه محل موظف است تقاضانامه را به انضمام مستندات و مدارکی که به موجب ماده ۳۷ این نظامنامه مقرر است در اسرع اوقات به دبیرخانه معاضدت قضایی ارسال دارند مده ۳۷ - در صورتی که معاضدت قضایی لازم بداند که توضیحاتی از تقاضاکننده بخواهد مشارالیه به وسیله نامه یا اخطار احضار می شود ولی هرگاه اقامتگاه متقاضی خارج از مرکز معاضدت قضایی باشد تحقیقات به وسیله یکی از وکلاء یا دفتر عدلیه محل یا پار که محل اقامت تقاضاکننده به عمل می آید: ۱ - تصدیق از معتمدین یا کلانتری یا محل اقامت تقاضاکننده مبنی بر عدم قدرت او برای تادیه حق الوکالت. ۲ - رونوشت مدارک دعوی ماده ۳۸ - معاضدت قضایی می تواند تحقیقاتی در دلایل دعوی بنماید و هرگاه تشخیص دهد که مقصود تقاضاکننده سو استفاده و شرخری است از تعیین وکیل خودداری و تقاضا را رد نماید. ماده ۳۹ - در صورت رد، تقاضاکننده می تواند در ظرف (ده روز) به هیأت مدیره کانون شکایت کند. رای هیأت مدیره قطعی است ماده ۴۰ - کلیه ارجاعاتی که از طرف معاضدت قضایی در حدود صلاحیت مؤسسه به وکلاء یا دفاتر عدلیه یا پار که ها می شود باید به اسرع وقت انجام گردد. ماده ۴۱ - شعبه عرایض پس از وصول عرضحال به طریق ذیل اقدام خواهد نمود: هرگاه عرضحال ناقص باشد نواقص آن را به دفتر دستور خواهد داد و اگر عرضحال کامل باشد عقیده خود را در پیشرفت دعوی خواهد نوشت و در صورتی که پیشرفت داشته باشد آن را به شعبه قضایی تسلیم خواهد نمود. شعبه قضایی وکیل را برای تقاضاکننده معین می نماید. ماده ۴۲ - ابلاغات در سه نسخه صادر می شود: نسخه اول به تقاضاکننده داده خواهد شد و نسخه ثانی در پرونده مربوط بایگانی و نسخه ثالث برای ابلاغ به وکیل انتخابی به دفتر کانون ارسال می شود. ماده ۴۳ - وکیل منتخب مکلف است قرارداد حق الوکاله تنظیم نموده نسخه دوم آن را با رسید و کالتنامه به دبیرخانه معاضدت قضایی بفرستد و پس از ختم دعوی در صورتی که موکل محکوم له واقع شود خمس حق الوکاله را که در قرارداد تنظیمی مقرر است وصول و به صندوق کانون ایصال دارد مگر اینکه ثابت نماید که دریافت حق الوکاله قانوناً غیرمقدور است ماده ۴۴ - وکیل انتخابی باید از جریان کار مرجوع شعبه قضایی را مطلع دارد. ماده ۴۵ - وکیل انتخابی می تواند از شعبه موسسه راجع به طرز اقداماتی که لازم است مشورت کند. ماده ۴۶ - در مواردی که انجام مقدمات و تشریفات مربوطه به معاضدت قضایی موجب انقضای موعدی از تقاضاکننده بشود رئیس کانون می تواند مستقیماً وکیل انتخاب نماید مشروط به اینکه تقاضانامه از حیث ضمایم کامل باشد. ماده ۴۷ - قرارداد حق الوکاله معاضدت به اسم معاضدت قضایی تنظیم می شود و مامور وصول حق کانون محاسبات موسسه مزبور است ماده ۴۸ - نمونه اوراق تقاضانامه و سایر اوراق مربوطه به امور معاضدت را هیأت مدیره کانون

تعیین خواهد نمود. ماده ۴۹ - دفتر معاضدت مکلف است اطلاعاتی که از طرف وکیل انتخابی واصل می‌شود به موکل ابلاغ نماید. مواد ۵۰ تا ۵۳ مربوط به ترفیع است به مواد ۴۷ به بعد آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای ایران مراجعه شود.

فصل سوم - در تکالیف و تشکیلات دارالوکاله (م ۵۴ تا م ۶۵)

ماده ۵۴ - وکلای عدلیه مکلفند محل سکونت خود را کتبا به قسمت تشکیلات و کلا اطلاع دهند و در صورتی که محل سکونت خود را تغییر دهند مراتب را با قید محل اقامت جدید در ظرف ۲۴ ساعت به قسمت مزبور بنویسند. ماده ۵۵ - وکلا مکلفند دارای دفاتر ذیل باشند: ۱ - دفتر ثبت ۲ - دفتر رسید اسناد موکلین ۳ - دفتر درآمد و هزینه دارالوکاله و موکلین دفاتر مزبور مطابق دستور قسمت تشکیلات و کلا تنظیم و نگاهداری خواهد شد و باید در اولین اخطار قسمت مزبور یا پارکه و کلا ارائه و تسلیم شود. ماده ۵۶ - وکلای عدلیه مکلفند برای هر گونه وجهی که از موکل به منظور حق الوکاله یا مخارج محاکمه یا مسافرت و یا سایر مخارج قانونی دریافت می‌کنند قبض رسید مخصوص که مطابق نمونه موجود در دفتر کانون و کلا است به موکل بدهند و صریحا قید نمایند وجه ماخوذه بابت حق الوکاله است یا سایر مخارج قانونی ماده ۵۷ - وکلا باید در مقابل هر سندی که از موکل دریافت می‌کنند اعم از اینکه سند مزبور اصل باشد یا رونوشت مصدق رسیدی مطابق نمونه مخصوص که در کانون و کلا موجود است به موکل بدهند و نوع سند، مفاد و تاریخ آن را در ورقه رسید قید نمایند. ماده ۵۸ - وکلا مکلفند همه ساله در هر فروردین ماه صورتحساب شش ماه گذشته را برای موکل بفرستند صورتحساب تفصیلی است و رونوشت آن در پرونده مربوطه به موکل بایگانی می‌شود. ماده ۵۹ - وکلا مکلفند در ظرف ۲۴ ساعت پس از اعلام تعلیق پروانه وکالت و دفاتر وکالتی خود را در مرکز به قسمت تشکیلات و کلا و در ولایات به مدعیان عمومی که سمت نمایندگی دفتر کل بازرسی و تشکیلات و کلا را دارند تسلیم نمایند که تا تعیین تکلیف قطعی آنها در پرونده آنها بایگانی شود این ماده شامل اشخاصی که قبل از اجرای قانون وکالت معلق گردیده‌اند نیز می‌باشد و تا تعیین تکلیف قطعی پروانه و دفاتر در پرونده وکیل معلق موقتا بایگانی می‌شود متخلف به مجازات انتظامی از درجه چهار به بالا محکوم خواهد شد. ماده ۶۰ - وکلای عدلیه و کارگشایان نباید بالاتر از درجه‌ای که دارند قبول وکالت نمایند. ماده ۶۱ - وکلای عدلیه و کارگشایان نباید: ۱ - در امور وکالتی ایجاد وسایط نمایند. ۲ - برای تعویق حق طرف از وکالت موکل استعفاء داده و سپس به وسیله وکالتنامه جدیدی همان دعوی را تعقیب نمایند. ۳ - برای تطویل محاکمه و تعویق در احقاق حق ادعای جعل و یا تعیین جاعل نمایند و یا به طور کلی موجبات تطویل محاکمه را فراهم آورند. ماده ۶۲ - وکلا مکلفند لوایح و نوشتجات خود را طبق اوراق مخصوصی که در لوحه آن نام و محل اقامت خود و دارالوکاله مربوطه را قید کرده باشند به محاکم تسلیم نمایند و حتی المقدور ماشین تحریر استعمال نموده و یا مکاتبات را با خط خوب و خوانا بنویسند. ماده ۶۳ - وکلا مکلفند وکالتنامه‌هایی که از موکلین دریافت می‌دارند طبق اوراق مخصوصی که برای این کار مقرر است تنظیم و به موکل بدهند متخلف در وهله اول به سه ماه انفصال و در صورت تکرار ممنوع الوکاله خواهد شد. ماده ۶۴ - وکلای درجه اول مکلفند برای پذیرایی موکلین و انجام وظایف وکالتی خود دارای دارالوکاله که مطابق نظامات ذیل باشد، باشند: ۱ - محل آن مناسب و به قسمت تشکیلات و کلا اطلاع داده شده باشد. ۲ - لااقل دارای یک نفر وکیل که قسمت معاونت دارالوکاله را خواهد داشت و به اندازه کافی عضو تحریری باشد. ۳ - همه روزه لااقل چهار ساعت برای پذیرایی ارباب رجوع مفتوح و ساعات پذیرایی در درب ورود اعلام شده باشد و یک نفر عضو برای انجام تقاضای ارباب رجوع حاضر باشد. ۴ - دارای ثبت و بایگانی منظم باشد و برای هر موکل پرونده که محتوی کلیه اقداماتی که شده باشد. ۵ - دفتر نماینده به نام موکلین داشته باشد. ماده ۶۵ - وکلای عدلیه نباید به هیچ عنوان و عذری عرضحال که از حیث تمبر

فصل چهارم - در لباس (م ۶۶ تا م ۷۰)

ماده ۶۶ - وکلای درجه اول و دوم عدلیه مکلفند در موقع محاکمات جنایی و در سایر محاکماتی که قضات با لباس قضایی هستند و همچنین در مواردی که از طرف قسمت تشکیلات وکلا به آنها ابلاغ می‌شود با لباس مخصوص وکالت حاضر شوند استعمال لباس وکالت غیر از موارد فوق ممنوع است ماده ۶۷ - لباس مخصوص وکالت عبارت است از لباده و کلاه مشکی و یقه لب شکسته سفید و دستمال گردن سفید چین دار مطابق نمونه که در قسمت تشکیلات وکلا موجود است با شلوار و کفش و جوراب مشکی استعمال می‌شود. ماده ۶۸ - داشتن لباس وکالت برای وکلای درجه اول و دوم اجباری است ماده ۶۹ - لباس اعضای هیات مدیره دارای مشخصات ذیل است مغزی طلایی در طرفین پارچه که از شانه چپ به طرف جلو آویخته شده (اپی تژ) و علامت کانون که روی آن در قسمت پایین مليله دوزی شده باشد. دوره کلاه و روی (اپی تژ) لباس رئیس کانون مليله دوزی به شکل برگ گل سرخ که طرفین آن دارای نوار مليله دوزی به عرض دو سانتی متر است لباس نایب رئیس مطابق لباس رئیس است به استثنای مليله دوزی طرفین برگ گل سرخ ماده ۷۰ - علامت ممیزه لباس وکلا - یی که دارای درجه علمی لیسانس هستند عبارت از پوست سفیدی است به عرض شش سانتی متر که در آخر (اپی تژ) در جلو و پشت دوخته می‌شود اعضای موسسه کانون مرکزی می‌توانند علامت کانون را در روی (اپی تژ) استعمال نمایند. برای استعمال علامت - یی مندرجه در این ماده باید قبلا - از طرف دفتر کل بازرسی و تشکیلات وکلا تحصیل اجازه نمود.

قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری. مصوب ۷۶ (م ۱ تا م ۷)

ماده ۱ - از تاریخ تصویب این قانون کانونهای وکلای دادگستری جمهوری اسلامی ایران مکلفند حداقل یکبار در سال نسبت به پذیرش متقاضیان پروانه کارآموزی وکالت از طریق آزمون با آگهی در جراید اقدام نموده و حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از برگزاری آزمون ضمن اعلام نتایج نسبت به صدور پروانه کارآموزی وکالت برای پذیرفته شدگان اقدام نمایند. تبصره - تعیین تعداد کارآموزان وکالت برای هر کانون بر عهده کمیسیون متشکل از رئیس کل دادگستری استان رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب و رئیس کانون وکلای مربوط می‌باشد که به دعوت رئیس کانون وکلای هر کانون حداقل یکبار در سال تشکیل و اتخاذ تصمیم می‌نماید. ماده ۲ - برای اشخاص پروانه کارآموزی وکالت صادر می‌شود که علاوه بر دارا بودن دانشنامه لیسانس یا بالاتر حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی یا معادل آن از دروس حوزوی و دانشگاهی دارای شرایط ذیل باشند: الف - اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام ب - اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران ولایت فقیه قانون اساسی ج - نداشتن پیشینه محکومیت موثر کیفری د - نداشتن سابقه عضویت و فعالیت در گروههای الحادی و فرقه ضاله و معاند با اسلام و گروههایی که مرامنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی می‌باشد. ه - عدم وابستگی به رژیم منحوس پهلوی و تحکیم پایه‌های رژیم طاغوت و - عدم عضویت و هواداری از گروهکهای غیرقانونی و معاند با جمهوری اسلامی ایران ز - عدم اعتیاد به مواد مخدر و استعمال مشروبات الکلی تبصره ۱ - کانونهای وکلا - مکلفند به منظور احراز شرایط فوق از مراجع ذیصلاح مربوطه استعلام نمایند و مراجع مزبور مکلفند حداکثر ظرف مدت دو ماه پاسخ لازم را اعلام نمایند. تبصره ۲ - برای اشخاصی که مطابق قانون از کارآموزی معاف هستند در صورتی پروانه وکالت صادر می‌شود که دارای شرایط این ماده باشند. تبصره ۳ - مدت کارآموزی اعضای هیات علمی دانشکدهای حقوق نصف مدت سایر کارآموزان خواهد بود. تبصره ۴ - اقلیتهای مذهبی رسمی از دارا بودن شرایط مندرج در بند (الف) مستثنی می‌باشند. تبصره ۵ - اعتبار پروانه وکالت سه سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی می‌باشد.

هرگاه وکیل فاقد یکی از شرایط این قانون تشخیص داده شود، کانون موظف است موضوع و دلایل آن را به دادگاه انتظامی و کلا، اعلام و درخواست رسیدگی نماید. دادگاه مذکور پس از رسیدگی نسبت به تمدید یا عدم تمدید پروانه رای مقتضی صادر می‌کند. پروانه این اشخاص تا صدور حکم قطعی معتبر خواهد بود مگر در مواردی که دادگاه با توجه به ضرورت حکم تعلیق صادر نماید. ماده ۳- سی درصد سهمیه مورد نیاز کانون و کلاهی هر حوزه به ایثارگران (رزمندگان) که شش ماه سابقه حضور داوطلبانه در جبهه جنگ داشته و یا در اسارت دشمن بوده‌اند و یا جانبازان ۲۵٪ و بالاتر وبستگان درجه اول شهدا و جانبازان (۵۰٪ به بالا) اختصاص می‌یابد که از بین ایثارگرانی که بیشترین نمره را آورده‌اند انتخاب خواهند شد. تبصره - استفاده از این سهمیه مانع از پذیرش ایثارگرانی که نمره قبولی سهمیه آزاد را آورده‌اند نمی‌باشد. ماده ۴- اعضای هیات مدیره (اعم از اصلی و علی البدل کانون و کلا از بین و کلاهی پایه یک هر حوزه که علاوه بر دارا بودن شرایط مندرج در بندهای (الف تا (ز) ماده (۲) واجد شرایط زیر باشند، برای مدت دو سال انتخاب می‌گردند: الف - داشتن حداقل ۳۵ سال سن ب - حداقل هشت سال سابقه وکالت یا چهار سال قضاوت به انضمام چهار سال وکالت داشته و از طرف دادگاه انتظامی صلاحیت قضایی آنها سلب نشده باشد. ج - عدم محکومیت انتظامی درجه چهار و بالاتر. د - عدم اشتها به فساد اخلاق (سوء شهرت). ه - عدم ارتکاب اعمال خلاف حیثیت و شرافت و شوون شغل وکالت تبصره ۱- مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدها، دادگاه عالی انتظامی قضات بوده که مکلف است ظرف حداکثر دو ماه ضمن استعلام سوابق از مراجع ذی ربط صلاحیت آنان را بررسی و اعلام نظر کند و مراجع ذی صلاح قانونی که از نامزدها، سوابق یا اطلاعاتی دارند در صورت استعلام موظف به اعلام آن می‌باشند. تبصره ۲- انتخاب اعضای هیات مدیره کانون به‌طور متوالی برای بیش از دو دوره ممنوع می‌باشد. تبصره ۳- وزارت دادگستری موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون انتخابات کانونهای و کلاهی دادگستری را بر اساس این قانون تجدید نماید. ماده ۵- در صورت تخلف هریک از اعضای هیات مدیره کانونهای و کلاهی دادگستری از مفاد این قانون به حکم دادگاه عالی انتظامی قضات علاوه بر محرومیت دایم از عضویت در هیاتهای مدیره کانونهای و کلا به انفصال از وکالت به مدت دو تا پنج سال محکوم خواهند شد. ماده ۶- وکلا نمی‌توانند در غیر از محلی که برای آنجا پروانه وکالت دریافت کرده‌اند دفتر وکالت تاسیس نمایند و همچنین نمی‌توانند عملاً فعالیت وکالتی خود را در محل دیگری متمرکز نمایند. تخلف از این حکم مستوجب مجازات انتظامی درجه سه در نوبت اول و درجه چهار در نوبت دوم و درجه پنج در نوبت سوم خواهد بود. به این تخلف در دادسرا و دادگاه انتظامی کانونی رسیدگی خواهد شد که تخلف درحوزه آن انجام شده است در صورت عدم توجه و رسیدگی کانون اخیر، کانون متبوع وکیل مزبور نیز حق رسیدگی خواهد داشت تبصره ۱- ادامه وکالت در پرونده‌هایی که قبل از تصویب این ماده مطرح گردیده و همچنین با اجازه کانون و کلاهی متبوع وکالت از خویشاوندان تا درجه سوم از شمول این ماده مستثنی است در صورتی که حوزه اخیر تابع کانون و کلاهی دیگری باشد اجازه کانون مزبور نیز لازم است تبصره ۲- محدوده حوزه هر کانون به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رئیس قوه قضائیه مشخص خواهد شد. تبصره ۳- کارآموزان وکالت در دوران کارآموزی باید حسن اخلاق و حسن رفتار داشته باشند چنانچه به تشخیص کمیسیون کارآموزی خلاف آن احراز شود با تایید رئیس کانون و رای دادگاه انتظامی کانون پروانه کارآموزی آنان ابطال خواهد شد. کارآموزان وکالت قبل از اخذ پروانه وکالت حق وکالت در دعاوی بی که مرجع تجدیدنظر از احکام آنها دیوان عالی کشور می‌باشد را ندارند. تبصره ۴- کسانی که دارای رتبه قضایی بوده‌اند به مدت سه سال در آخرین محل خدمت خود حق وکالت نخواهند داشت متخلف از این مقرر به ترتیب تکرار مستوجب مجازاتهای درجه سه الی شش خواهد بود. ماده ۷- از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن لغو می‌گردد.

ماده ۱ - کانون وکلای دادگستری موسسه‌ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در مقر هر دادگاه استان تشکیل می‌شود. در نقاطی که تا این تاریخ کانون وکلا وجود ندارد تشکیل کانون مشروط بر این است که در آن حوزه حداقل ۶۰ نفر وکیل دادگستری به شغل وکالت اشتغال داشته باشد و تا وقتی که عده وکلا به حد نصاب مزبور نرسیده وکلای آن حوزه تابع مقررات و نظامات کانون وکلای مرکز خواهند بود. کانون وکلای دادگستری از قسمتهای ذیل تشکیل می‌شود: الف - هیات عمومی ب - هیات مدیره ج - دادسرای انتظامی د - دادگاه انتظامی وکلا ماده ۲ - کانون وکلا هر محل به وسیله هیات مدیره اداره خواهد شد. هیات مدیره کانون وکلای مرکز از دوازده نفر عضو اصلی و شش نفر عضو علی‌البدل تشکیل می‌شود و در سایر مراکز دادگاههای استان مرکب از پنج نفر عضو اصلی و سه نفر عضو علی‌البدل خواهد بود. هیات مدیره عهده دار اداره امور مربوط به کانون بوده و رئیس هیات سمت ریاست کانون را دارد و نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است رئیس کانون کلیه اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام خواهد داد. تبصره - بقا عضویت هیات مدیره مشروط بر این است که محل اقامت وکیل منتخب در تمام مدت عضویت در مرکز همان استان باشد. ماده ۳ - هیات عمومی کانون وکلا هر استان از وکلایی که در آن حوزه اشتغال به وکالت دارند و حائز شرایط زیر باشند تشکیل می‌شود و هر دو سال یک بار برای انتخاب اعضا هیات مدیره تشکیل جلسه می‌دهد. وکلایی که واجد شرایط زیر باشند می‌توانند در انتخاب اعضا هیات مدیره کانون شرکت نمایند: الف - وکلا پایه یک دادگستری مشروط بر اینکه ۱ - محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا نداشته باشند. ۲ - در حال تعلیق از وکالت نباشند. ماده ۴ - اعضا هیات مدیره کانون وکلا از بین وکلا پایه یک هر حوزه که واجد شرایط زیر باشند برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند: الف - لااقل سی و پنج سال داشته باشند. ب - لیسانس حقوق بوده و لااقل ده سال سابقه وکالت یا قضاوت داشته باشند به شرط آنکه پنج سال آن سابقه وکالت پایه یک باشد. ج - وکلایی که فاقد دانشنامه لیسانس می‌باشند در صورتی می‌توانند انتخاب شوند که دارای مدت بیست سال سابقه وکالت و یا بیست سال سابقه وکالت و قضاوت باشند مشروط بر آنکه پنج سال از مدت مزبور سابقه وکالت پایه یک داشته باشند. د - محکومیت انتظامی بالاتر از درجه چهار نداشته باشند. ه - سو شهرت نداشته باشند. تبصره رئیس و اعضا هیات مدیره کانون وکلا روسا و اعضای دادگاههای انتظامی وکلا و دادستان و دادیاران دادسرای انتظامی وکلا نباید عضویت احزاب ممنوعه را داشته باشد و در صورت تخلف دادگاه عالی انتظامی قضات آنان را به محرومیت از عضویت هیات مدیره دادگاه و دادسرای انتظامی وکلا محکوم خواهد کرد. دادگاه عالی انتظامی قضات مکلف است به محض اطلاع به موضوع رسیدگی کند. رای دادگاه قطعی است ماده ۵ - هیات مدیره کانون وکلای مرکز از بین اعضای خود یک نفر رئیس و دو نفر نایب رئیس و دو منشی و دو بازرس به رای مخفی برای مدت یک سال انتخاب می‌نماید و در سایر حوزه‌ها هیات مدیره مرکب از یک رئیس و یک نایب رئیس و یک منشی و یک بازرس خواهد بود. ماده ۶ - وظایف کانون وکلا به قرار زیر است الف - دادن پروانه وکالت به داوطلبانی که واجد شرایط قانونی باشند. ب - اداره امور راجع به وکالت دادگستری و نظارت بر اعمال وکلا و کارگشایان ج - رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی وکلا و کارگشایان دادگستری به وسیله دادسرا و دادگاه انتظامی وکلا د - معاضدت قضایی ه - فراهم آوردن وسایل پیشرفت علمی و عملی وکلا. ماده ۷ - از تاریخ اجرای این قانون فقط به کسانی پروانه وکالت داده می‌شود که از دانشکده‌های حقوق داخله یا خارجه دارای دانشنامه لیسانس باشند. اشخاص مزبور پس از اخذ پروانه وکالت مکلف هستند لااقل یک سال به کارآموزی اشتغال ورزند - پس از اختبار و قبول آنان پروانه وکالت پایه یک داده می‌شود. ماده ۸ - به اشخاص زیر پروانه وکالت درجه اول از طرف کانون وکلا داده می‌شود: الف - به کسانی که دارای ۱۰ سال متوالی یا ۱۵ سال متناوب سابقه خدمات قضائی بوده و لااقل پنج سال ریاست یا عضویت دادگاه داشته باشند و سلب صلاحیت قضائی از آنها از طرف دادگاه عالی انتظامی قضات نشده باشد. ب - کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده و ۵ سال سابقه خدمت قضائی داشته باشند و سلب صلاحیت قضائی از طرف دادگاه عالی انتظامی از آنها نشده باشد. ج (اصلاحی ۷۳) - نمایندگان مجلس شورای اسلامی با گذراندن یک دوره کامل نمایندگی که دارای

لیسانس قضائی یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالی از حوزه علمیه قم و ۵ سال سابقه کارقضائی در محاکم باشند. د (الحاقی ۷۳) - کلیه کسانی که دارای لیسانس حقوق قضائی یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالی از حوزه قم با حداقل پنج سال سابقه کار متوالی یا ۱۰ سال متناوب در سمتهای حقوقی در دستگاههای دولتی و وابسته به دولت و نهادها و نیروهای مسلح باشند و بعد از اجرای این قانون با داشتن سی سال سابقه خدمت بازنشسته شوند بدون رعایت شرط سن با انجام نصف مدت مقرر کارآموزی تبصره ۱ - کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده دو سال سابقه خدمت قضائی داشته باشند از انجام دوره کارآموزی معاف می‌باشند ولی در این مورد مدت خدمت از لحاظ اخذ پروانه و کالت جز خدمت محسوب نمی‌شود. تبصره ۲ - کانون ملزم است در مورد تقاضاهای پروانه کارآموزی یا وکالت ظرف مدت شش ماه اتخاذ تصمیم نماید. ماده ۹ - کسانی که تا این تاریخ دارای پروانه وکالت بوده و سلب صلاحیت از آنان نشده و کیل دادگستری شناخته می‌شوند. ماده ۱۰ - به اشخاص زیر اجازه وکالت داده نمی‌شود: ۱ - اتباع خارجه ۲ - قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و بنگاههایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت است در حین اشتغال به خدمت به استثنای استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس در یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه شورای دانشگاه ۳ - مجبورین و همچنین کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد. ۴ - محکومین به انفصال ابد از خدمت دولتی ۵ - اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر و افیون و اعمال منافی عفت ۶ - محکومین به جنایت مطلقا و محکومین به جنحه‌هایی که منافی با امانت و عفت و شئون و کالت است به تشخیص هیات مدیره کانون و یا آنکه به موجب قانون مستلزم محرومیت از بعضی از حقوق اجتماعی است ۷ - کسانی که به اتهام و ارتکاب جنایت یا جنحه‌های مذکور در ماده فوق تحت محاکمه هستند. ۸ - اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده‌اند. ماده ۱۱ - وکلانی که تقاضای ترفیع می‌نمایند باید علاوه بر شرایط مقرر قانونی گواهی حسن انجام وظیفه و کالتی به ترتیبی که ذیلا درج می‌گردد اخذ نمایند: در نقاطی که در محل اقامت وکیل دادگاه بخش یا شهرستان یا قائم مقام آنان باشد و در صورتی که اقامتگاه وکیل در مرکز استان باشد گواهی مزبور باید علاوه بر تصدیقات مذکور به گواهی رئیس کل دادگاههای استان و دادستان استان برسد. تبصره مقامات قضائی فوق در صورت احتیاج پس از استعمال از دوایر تابعه مبادرت به صدور گواهی می‌نمایند. ماده ۱۲ - در صورتی که وکیل دادگستری یا زوجه او با دادرسی یا دادستان یا دادیار یا بازپرس قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته باشد مستقیما یا با واسطه از قبول وکالت در آن دادگاه یا نزد آن دادستان یا دادیار یا بازپرس ممنوع است ماده ۱۳ - دادرسی انتظامی و کلا مرجع رسیدگی به تخلفات و کلا و کارگشایان دادگستری و تعقیب آنان بوده و از دادستان عده لازم دادیار که از طرف هیات مدیره کانون برای مدت ۲ سال به‌رای مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد. دادرسی انتظامی و کلا پس از رسیدگی به تخلفات و شکایات در صورتی که عقیده بر تخلف داشته باشد کیفرخواست صادر می‌کند و در غیر این صورت قرار منع تعقیب خواهد داد. قرار منع تعقیب از طرف شاکی و رئیس کانون ظرف مدت ۱۰ روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آئین دادرسی مدنی قابل شکایت در دادگاههای انتظامی و کلا خواهد بود. در صورتی که دادگاه انتظامی و کلا قرار منع تعقیب را صحیح ندانست به موضوع رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می‌نماید. ماده ۱۴ - رسیدگی به تخلفات و کلا و کارگشایان دادگستری به عهده دادگاه انتظامی و کلا است دادگاه مزبور از ۳ نفر وکیل درجه یک که به انتخاب هیات مدیره کانون برای مدت دو سال تعیین می‌گردد، تشکیل می‌شود و برای مدت مزبور هیات مدیره دو نفر عضو علی‌البدل از بین و کلا پایه یک انتخاب می‌نماید که در مورد غیبت یا معذوریت اعضا اصلی در دادگاه انتظامی شرکت نمایند. مجازاتهای درجه یک و دو و سه نسبت به وکیل مورد تعقیب قطعی است ولی شاکی خصوصی که تعقیب به موجب شکایت او به عمل آمده از کلیه آرا صادره و همچنین دادرسی انتظامی و کلا - و رئیس کانون از حکم برائت و از مجازاتهای درجه چهار به بالا می‌توانند ظرف مدت ۱۰ روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آئین دادرسی مدنی تقاضای تجدید نظر نمایند. ماده ۱۵ - در صورتی که رئیس دادگاه یا دادستان شهرستان یا رئیس دادگاه استان یا

دادستان تخلفی از وکیل مشاهده نمایند که قابل تعقیب باشد باید مراتب را کتبا به دادسرای انتظامی وکلا اطلاع دهند در صورتی که دادسرای مزبور موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را با صدور کیفرخواست به دادگاه انتظامی وکلا ارجاع می‌کند و در غیر این صورت نظر خود را با ذکر دلیل به دادستان اطلاع می‌دهد و اگر دادستان مزبور به نظر دادسرای انتظامی وکلا تسلیم نشد راسا از دادگاه انتظامی وکلا رسیدگی به موضوع را تقاضا می‌نماید. ماده ۱۶ - هرگاه وزیر دادگستری به جهتی از جهات وکیلی را قابل تعقیب دانست می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلا - با ذکر دلایل امر، تقاضای رسیدگی نماید و نیز در صورتی که به حکم دادگاه مزبور تسلیم نباشد می‌تواند تقاضای تجدیدنظر کند. ماده ۱۷ - از تاریخ اجرای این قانون هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل وکالت معلق یا ممنوع نمود، مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی ماده ۱۸ - در صورتی که وزیر دادگستری یا رئیس هیات مدیره کانون وکلا به جهتی از جهات اشتغال وکیل مورد تعقیب را به کار وکالت مقتضی نداند می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلا تعلیق موقت او را بخواهد و دادگاه موظف است در جلسه خارج از نوبت به این درخواست رسیدگی نموده و در صورتی که رای بر تعلیق صادر شود این رای قابل اجرا خواهد بود و همچنین در صورت درخواست ۶ نفر از اعضای هیات مدیره کانون رئیس کانون مکلف است از دادگاه تقاضای تعلیق وکیل مورد تعقیب را بنماید. از رای مزبور وکیل معلق می‌تواند تقاضای تجدیدنظر نماید و نیز از رای عدم تعلیق وزیر دادگستری یا رئیس کانون وکلا حق تقاضای تجدیدنظر دارند. ماده ۱۹ - میزان حق الوکاله در صورتی که قبلا - بین طرفین توافق نشده باشد طبق تعرفه‌ای است که با پیشنهاد کانون و تصویب وزیر دادگستری تعیین خواهد شد و در قبال اشخاص ثالث این تعرفه معتبر خواهد بود مگر در صورتی که قرارداد حق الوکاله کمتر از میزان تعرفه وکالتی باشد. ماده ۲۰ - هرکس نسبت به وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه وکالتی یا به سبب آن توهین نماید به حبس تأدیبی از ۱۵ روز الی ۳ ماه محکوم خواهد گردید. ماده ۲۱ - در مواردی که وزیر دادگستری در امور مربوط به وظایف یکی از اعضا هیات مدیره کانون و یا دادرسان و دادستان دادگاه انتظامی وکلا تخلفی مشاهده نماید رسیدگی به امر را به دادستان دیوانعالی کشور ارجاع می‌نماید. دادستان کل به وسیله‌ای که مقتضی بداند تحقیقات نموده در صورتی که تخلف را محرز دانست پرونده را به منظور رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات احاله خواهد نمود. ماده ۲۲ - کانون وکلا - با رعایت مقررات این قانون آئین‌نامه‌های مربوط به امور کانون از قبیل انتخابات کانون و طرز رسیدگی به تخلفات و نوع تخلفات و مجازات آنها و ترفیعات و کارآموزی و پروانه وکالت را در مدت ۲ ماه از تاریخ تصویب این قانون تنظیم می‌نماید و پس از تصویب وزیر دادگستری به موقع اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۲۳ - برای تصفیه وکلای فعلی دادگستری دادسرای انتظامی وکلا تهران موظف است از تاریخ تصویب این قانون در مدت ۶ ماه به سوابق کلیه وکلا دادگستری مرکز و در مدت یک سال به سوابق وکلا - دادگستری خارج از مرکز رسیدگی کرده و کسانی را که تشخیص دهد صلاحیت تصدی شغل وکالت را ندارند پرونده آنان را به دادگاه انتظامی وکلا برای رسیدگی بفرستد و دادگاه مزبور باید از تاریخ وصول هر پرونده به دادگاه حداکثر در مدت ۲ ماه رسیدگی کرده در صورتی که تشخیص دهد که وکیل صلاحیت ادامه اشتغال به وکالت را ندارد از او سلب صلاحیت نماید. از حکم دادگاه انتظامی وکلا - وزیر دادگستری و دادستان انتظامی وکلا - و وکیل محکوم می‌توانند تجدیدنظر بخواهند. مرجع تجدیدنظر دادگاه عالی انتظامی قضات است که رای آن قطعی خواهد بود. ماده ۲۴ - لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب اسفند ماه ۱۳۳۱ و آن قسمت از قانون وکالت مصوب بهمن ماه ۱۳۱۵ و بند ۸ از ماده اول قانون بودجه سال ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی و سایر قوانین و مقررات راجع به وکالت که با مواد این قانون مغایرت داشته باشند نسخ می‌شود. ماده ۲۵ - وزارت دادگستری می‌تواند با تصویب شورای عالی قضائی وکلا پایه یک دادگستری را برای خدمات قضائی انتخاب و تعیین نماید. در این صورت سنین وکالت درجه یک در حکم سابقه قضائی منظور و بر طبق آن رتبه قضائی شخصی که انتخاب می‌شود، معین خواهد شد. ماده ۲۶ - وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون است

آیین‌نامه لایحه قانون استقلال کانون وکلاء دادگستری. مصوب ۱۳۳۴

بخش اول - انتخاب هیأت مدیره م ۱ تا م ۱۶

ماده ۱- هیأت مدیره دو ماه به انقضای هر دوره از بین وکلایی که حق حضور در هیأت عمومی دارند چهار نفر به عنوان عضو اصلی و دو نفر به عنوان عضو علی‌البدل به رای مخفی از خارج هیأت مدیره انتخاب می‌نماید که به ریاست رئیس کانون هیأت نظارت انتخاب هیأت مدیره بعد از تشکیل داده و به انتخاب آن اقدام نماید. تبصره - هریک از اعضای اصلی حاضر نشوند یا معذور از مداخله شوند عضو علی‌البدل به جای او دخالت خواهد کرد. ماده ۲- صورت اسامی و مشخصات و کلایی که به موجب قانون حق انتخاب کردن و انتخاب شدن رادارند در ظرف یک هفته از تاریخ انتخاب هیأت نظارت از طرف کانون به هیأت مزبور داده می‌شود. ماده ۳- وقت و محل تشکیل هیأت عمومی برای انتخاب هیأت مدیره باید از طرف هیأت نظارت تعیین و تا دهم بهمن ماه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار (به تشخیص هیأت نظارت آگهی شود و فاصله بین انتشار آگهی و روز جلسه نباید کمتر از بیست روز باشد. و یک نسخه از آگهی به وسیله پست سفارشی باید برای کسانی که حق حضور در هیأت عمومی دارند فرستاده شود. ماده ۴- اگر روز جلسه مصادف با تعطیل شد روز بعد تشکیل می‌شود و احتیاج به دعوت مجدد نخواهد بود. ماده ۵- در وقت مقرر جلسه هیأت عمومی با حضور هر عده که حاضر شده باشند تشکیل و بدو هیأت نظارت صندوق ضبط آرا را برای اطمینان از خالی بودن آن به حاضرین ارائه داده آن را لاک و مهر می‌نماید و بعد شروع به گرفتن آرا می‌کند و هیچ گونه اظهار یا اقدام دیگری در جلسه هیأت عمومی جایز نیست و تبلیغ به موافقت یا مخالفت اشخاص به کلی ممنوع است ماده ۶- انتخاب جمعی و مخفی است و باید رای روی اوراقی که به مهر هیأت نظارت رسیده نوشته شود و رای دهنده پس از ارائه پروانه و کالت رای خود را در صندوق آرا بیندازد و در صورت اسامی واجدین شرایط انتخاب کردن مقابل اسم خود را امضاء نماید. ماده ۷- حق رای کسانی که تا پایان جلسه حاضر نشده و رای ندهند ساقط است ماده ۸- پس از اتمام اخذ آرا اگر وقت کافی باشد شروع به قرائت آن می‌شود والا- هیأت نظارت صندوق را لاک و مهر کرده و روز بعد شروع به استخراج می‌نماید و بر هر ورقه که قرائت شد مهر قرائت شد زده و ضبط خواهد شد. ماده ۹- آرای که دارای نشان یا امضا باشد باطل است و اسامی مکرر حساب نمی‌شود و اسامی زاید بر عده که باید انتخاب شوند قرائت نخواهد شد. ماده ۱۰- آرای قرائت شده پس از اتمام آن در صندوق ضبط و از طرف هیأت نظارت لاک و مهر شده و تا انقضای مدت شکایت یا حصول نتیجه شکایت محفوظ خواهد ماند تا در صورت احتیاج مورد رسیدگی واقع شود و بعد ابطال خواهد شد. ماده ۱۱- از واجدین شرایط انتخاب شدن کسانی که دارای رای بیشتر هستند عضو اصلی و کسانی که بعد از اعضای اصلی بیش از سایرین دارای رای می‌باشند عضو علی‌البدل هستند. ماده ۱۲- مدت شکایت از جریان انتخابات تا سه روز بعد از اتمام قرائت آرا می‌باشد و شکایت از کسانی که حق رای دادن دارند پذیرفته است ماده ۱۳- مرجع رسیدگی به شکایت هیأت نظارت انتخابات است و مکلف است ظرف سه روز به شکایات رسیدگی و نظر خود را در محل اخذ آرا اعلام نماید. ماده ۱۴- کسی که بر تصمیم هیأت نظارت معترض است می‌تواند به وسیله دفتر کانون به دادگاه عالی انتظامی قضات شکایت نماید مدت این شکایت سه روز از تاریخ اعلام تصمیم هیأت نظارت است و دادگاه مزبور منتهی در ظرف ده روز از تاریخ وصول شکایت رسیدگی و رای خواهد داد و رای مزبور قطعی است ماده ۱۵- پس از اتمام انتخاب و تعیین نتیجه قطعی رئیس هیأت نظارت اسامی منتخبین را اعلام و آنرا برای تشکیل هیأت مدیره (قبل از تاریخ هفتم اسفند ماه که روز جشن کانون است دعوت می‌نماید. ماده ۱۶- در صورت ابطال انتخاب تجدید آن بر طبق مقررات بالا خواهد بود در این صورت تا تعیین هیأت مدیره جدید، هیأت مدیره سابق انجام وظیفه خواهد نمود.

بخش دوم - انتخاب هیأت ریسه و عامله کانون و وظایف آن م ۱۷ تا م ۲۷)

ماده ۱۷ - جلسه هیات مدیره برای انتخاب رئیس به ریاست مسن ترین اعضای اصلی حاضر هیات مدیره تشکیل می شود و دو نفر جوانترین اعضا موقتا سمت منشیگری خواهند داشت ماده ۱۸ - رئیس کانون و کلای مرکز باید لااقل بیست سال سابقه و کالت درجه اول داشته و سن او کمتر از پنجاه سال نباشد و نواب رئیس باید لااقل ده سال سابقه و کالت درجه اول داشته و سن ایشان کمتر از چهل سال نباشد و در خارج مرکز بدون رعایت دو شرط فوق رئیس و نواب رئیس از بین اعضای هیات مدیره انتخاب می شوند.

ماده ۱۹ - انتخاب هیات ریسه کانون از بین اعضای اصلی به طور فردی و مخفی و به اکثریت نسبی به عمل می آید مگر در موردی که اکثریت مخصوصی در این آیین نامه برای آن مقرر شده باشد و در آن مورد هم اگر در دفعه اول اکثریت مخصوصی حاصل نشد در دفعه دوم اکثریت نسبی معتبر خواهد بود. تبصره - رئیس کانون باید در تهران لااقل دارای هشت رای و در سایر کانونها دارای چهل رای باشد. ماده ۲۰ - رئیس کانون و کلا نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است و اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام می دهد و ریاست هیات مدیره به عهده او است و مرجع رسیدگی به شکایات و اختلافات و کلا و کارآموزان و کارگشایان از یکدیگر در امور مربوط به شغلشان می باشد و همچنین ناظر اعمال و رفتار کلیه و کلا و کارآموزان و کارگشایان بوده می تواند خبط و خطا و انحرافات شغلی آنان را کتبا تذکردهد و تعقیب انتظامی و کیل متخلف را از دادسرای انتظامی بخواهد اجرای تصمیمات هیات مدیره کانون نیز به عهده او خواهد بود. ماده ۲۱ - رئیس کانون نسبت به کلیه کارمندان اداری و دفتر کانون سمت ریاست مستقیم دارد. ماده ۲۲ - رئیس کانون و کلای مرکز از حیث شوون تشریفات رسمی در ردیف دادستان کل کشور است و روسای سایر کانونها در ردیف دادستان استان هستند. ماده ۲۳ - دعوت هیات مدیره و هیات عمومی و کلا به عهده رئیس کانون است ماده ۲۴ - انتخاب رئیس و نواب رئیس و سایر اعضای هیات ریسه هرچند نوبت جایز است ماده ۲۵ - اداره جلسات هیات مدیره در غیبت رئیس با یکی از نواب رئیس می باشد. تقسیم کار وظایف بین اعضای هیات ریسه ضمن آیین نامه داخلی کانون تعیین خواهد شد. ماده ۲۶ - انتخاب بازرسان و منشیان هیات مدیره پس از انتخاب رئیس و نواب رئیس به عمل خواهد آمد. ماده ۲۷ - در صورتی که یکی از اعضای اصلی هیات مدیره سه ماه متوالی بدون عذر موجه غیبت نمایند یکی از اعضای علی البدل که رای او بیشتر است به عضویت اصلی قایم مقام او خواهد شد عضو غایب قایم مقام عضو مزبور خواهد گردید.

بخش سوم - پروانه و کالت و کارآموزی م ۲۸ تا م ۴۶)

ماده ۲۸ - پروانه و کالت به عده لازم داده می شود و به نسبت هر ده نفر و کیل یک پروانه کارآموزی علاوه بر عده معین داده خواهد شد. ماده ۲۹ - عده و کیل لازم برای هر محل به وسیله کمیسیون متشکل از روسای کل دادگاههای استان مرکز و دادگاههای شهرستان تهران و دادگاههای بخش تهران و سه نماینده از طرف کانون به دعوت رئیس کانون تعیین خواهد شد. ماده ۳۰ - در صورتی که عده و کیل در محلی زاید بر عده معین از طرف کمیسیون باشد به استناد رای کمیسیون نمی توان مانع و کالت عده زاید شد و در صورتی که کمتر باشد تا عده معین پروانه داده می شود. تبصره - صورت نقاطی که محتاج به و کیل است در دفتر کانون به دیوار نصب می شود که داوطلبان شغل و کالت با توجه به آن تقاضا نامه بدهند. ماده ۳۱ - در تقاضای پروانه و کالت و کارآموزی باید نکات ذیل تصریح شود: ۱ - نام شخصی و خانوادگی و نام پدر متقاضی ۲ - محل اقامت متقاضی به طوری که مأمور کانون دادگستری یا پست بتواند بدون زحمت اوراق را در محل مزبور ابلاغ نماید. ۳ - اشتغالاتی که قبل از تاریخ تقاضا داشته و در حین تقاضا دارد. ۴ - تصریح به اینکه محکومیت جنحه و جنایی ندارد و در صورت داشتن چنین سابقه به چه عنوان و به چه مجازاتی

محکوم شده است ۵- تصریح به عدم اعتیاد به افیون و سایر مواد مخدره ۶- ذکر مجوز قانونی تقاضا. ۷- تعیین و معرفی محلی که می‌خواهد در آن اشتغال به وکالت داشته باشد. ۸- معرفی شخصی که متقاضی می‌خواهد نزد او کارآموزی نماید. ماده ۳۲- تقاضا باید دارای ضمایم ذیل باشد: ۱- رونوشت گواهی شده شناسنامه ۲- چهار قطعه عکس ۳- گواهینامه عدم سوء سابقه ۴- در صورت داشتن سابقه در وزارتخانه‌ها یا اداره دولتی و مملکتی و بلدی یا بنگاههایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است گواهینامه حسن سابقه خدمت از مراجع مربوطه تبصره - کانون می‌تواند برای تشخیص حسن سابقه خدمت قضات دادگستری خلاصه پرونده کارگزینی آنان را مطالبه نماید. ۵- گواهینامه عدم اعتیاد به افیون و سایر مواد مخدره ۶- رونوشت مصدق مستند تقاضا از دانشنامه یا سابقه شغل قضایی و مقاماتی که دارا بوده و مدت آن ۷- گواهینامه شورای عالی فرهنگ راجع به ارزش دانشنامه که از دانشگاههای خارج صادر شده ۸- گواهینامه اداره کل بازنشستگی راجع به عدم اشتغال به مشاغل دولتی و بازنشستگی ماده ۳۳- در صورتی که تقاضای پروانه وکالت یا کارآموزی برای محلی باشد که به قدر احتیاج دارای وکیل است عدم قبول آن از طرف دفتر به متقاضی اخطار می‌شود و در صورتی که برای محلی باشد که محتاج وکیل است و تقاضانامه یا ضمایم آن ناقص باشد بلااثر می‌ماند تا از طرف متقاضی تکمیل شود در این صورت تاریخ تکمیل تاریخ تقاضا محسوب است ماده ۳۴- تقاضانامه پروانه وکالت و کارآموزی در صورتی که نقصی نداشته باشد و در صورتی که دارای نقص باشد پس از رفع نقص از طرف دفتر کانون به نظر رئیس کانون می‌رسد و رئیس کانون رسیدگی به هریک از تقاضاها را به یکی از اعضای کانون و یا کارمندان اداری کانون یا کارآموزان رجوع می‌نماید که در ظرف یک هفته رسیدگی کرده و گزارش خود را به رئیس کانون تسلیم نماید گزارش مزبور در هیات مدیره طرح می‌شود و در صورت قبول تقاضای وکالت پروانه صادر خواهد شد. و اگر دادن پروانه کارآموزی به متقاضی تصویب شد به کمیسیون کارآموزی رجوع می‌شود و در صورت رد تقاضاهای پروانه وکالت یا کارآموزی متقاضی می‌تواند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم هیات مدیره به دادگاه عالی انتظامی قضات شکایت نماید و دادگاه مزبور رسیدگی کرده در صورت عدم ورود شکایت تصمیم کانون را استوار و در صورت ورود شکایت حکم می‌دهد پروانه مورد نظر دادگاه به متقاضی داده شود و حکم دادگاه عالی انتظامی قطعی و اجرای آن به عهده ریاست کانون است و متخلف از آن مستوجب تعقیب انتظامی است ماده ۳۵- کمیسیون کارآموزی از پنج نفر وکلایی که واجد شرایط عضویت هیات مدیره باشند از بین اعضای هیات مدیره یا از خارج اعضای هیات یا به طور مختلط از طرف هیات مدیره تعیین می‌شود. ماده ۳۶- کارآموز موظف است در دوره کارآموزی تکالیف ذیل را تحت نظر کانون انجام دهد: ۱- کارهای معاضدت قضایی که از طرف شعبه معاضدت قضایی یا ریاست کانون رجوع می‌شود. ۲- حضور در سخنرانیها. ۳- حضور در جلسات دادرسی مدنی و کیفری لااقل ماهی چهار مرتبه ۴- تهیه گزارش چند پرونده که به او رجوع می‌شود. ۵- کار کردن در کانون اعم از دادسرا یا دادگاه یا شعبه معاضدت قضایی یا راهنمایی یا سایر کارهای اداری و دفتری ۶- کار کردن نزدیکی از وکلای با سابقه دادگستری ماده ۳۷- هر کارآموزی دارای کارنامه مخصوص خواهد بود که از طرف کانون به او داده می‌شود در این کارنامه باید حضور در جلسات دادگاهها به گواهی روسای دادگاهها و کارهایی که نزد وکیل سرپرست انجام داده است و حسن اخلاق در دوره کارآموزی به گواهی وکیل سرپرست و کارهای معاضدت قضایی به گواهی شعبه معاضدت قضایی یا ریاست کانون و تمرینات و سخنرانیها به گواهی رئیس شعبه سخنرانیهای کانون و کارهایی که در کانون انجام می‌دهند به گواهی مدیر داخلی کانون برسد. ماده ۳۸- انجام تکالیف کارآموزی افتخاری و مجانی است ولی از کارهای که کارآموز، خود قبول می‌نماید و تحت نظر وکیل سرپرست انجام می‌دهد می‌تواند حق الزحمه از صاحب کار دریافت نماید. ماده ۳۹- پس از حاضر شدن پروانه وکالت و قبل از تسلیم به متقاضی مشارالیه باید در حضور ریاست کانون و لااقل دو نفر از اعضای هیات مدیره به شرح ذیل قسم یاد کرده و صورت مجلس قسم و قسمنامه را امضا نماید. «در این موقع که می‌خواهم به شغل شریف وکالت نایل شوم به خداوند قادر متعال قسم یاد می‌کنم که همیشه قوانین و

نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و برخلاف شرافت قضاوت و وکالت اقدام و اظهاری ننمایم و نسبت به اشخاص و مقامات قضایی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام را نموده و از اعمال نظریات سیاسی و خصوصی و کینه‌توزی و انتقام‌جویی احتراز نموده و در امور شخصی و کارهایی که از طرف اشخاص انجام می‌دهم راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع از حق باشم و شرافت من وثیقه این قسم است که یاد کرده و ذیل قسمنامه را امضا می‌نمایم « تبصره - در صورتی که وکیل در خارج از محل کانون باشد در حضور رئیس عالیترین دادگاه محل اقامت خود و دو نفر از وکلای آن محل به دعوت رئیس دادگاه باید قسم یاد نماید و اگر در محل وکیل نباشد در حضور رئیس دادگاه قسم یاد خواهد کرد. ماده ۴۰ - کارآموزانی که در محل سکونت آنان جلسات سخنرانی و کانون نیست یا کانون به وجودایشان احتیاج ندارد از سخنرانی و کارکردن در آن مرجع معافند. ماده ۴۱ - پس از انجام تکالیف مقرر در دوره کارآموزی کارآموز می‌تواند از کانون درخواست اعلام طی دوره کارآموزی را بنماید و رئیس کانون رسیدگی به تقاضای مزبور را به شعبه کارآموزی ارجاع و شعبه مزبور مدارک کارآموزی را مورد مذاقه قرار داده و اختبار کتبی و شفاهی از او به عمل آورده گزارش آن را به رئیس کانون خواهد داد تا در هیات مدیره مطرح و تصمیم مقتضی نسبت به آن اتخاذ شود. ماده ۴۲ - در صورتی که تقاضای اعلام طی دوره کارآموزی مورد موافقت هیات مدیره واقع نشد باید تجدید شود و در هر دفعه به ترتیبی که در نوبت اول مقرر است عمل خواهد شد. ماده ۴۳ - کارآموزان و همچنین وکلای دادگستری نمی‌توانند به شغل دیگری که منافی با حیثیت و شوون وکالت است اشتغال ورزند. ماده ۴۴ - چنانچه کارآموز تکالیف مقرر را انجام داده و از عهده اختبار برآید پروانه وکالت درجه یک به او داده خواهد شد. ماده ۴۵ - کانون می‌تواند بر حسب ضرورت و احتیاج از داوطلبان کارگشایی طبق آیین‌نامه امتحان‌نموده و پروانه کارگشایی برای حوزه معینی به آنان بدهد. ترتیب تقاضای کارگشایی همان است که برای پروانه وکالت مقرر گردیده به جز مدرک علمی که لازم نیست ولی باید در محل مورد تقاضا وکیل به قدر کافی وجود نداشته باشد و ترتیب دادن پروانه نیز مطابق پروانه وکالت است ماده ۴۶ - مادام که کارآموز دوره کارآموزی را طی نکرده و پروانه وکالت مستقل به وی داده نشده نام او در فهرست اسامی وکلا - درج نخواهد شد.

بخش چهارم - ترفیعات م ۴۷ تا ۵۲

ماده ۴۷ - با احراز شرایط ذیل وکیل می‌تواند به درجه بالاتر وکالت نایل گردد: ۱ - اشتغال به وکالت لااقل دو سال در درجه سوم سه سال در درجه دوم ۲ - حسن انجام وظیفه در دادگاههای مربوطه و حسن انجام معاضدتهایی که به او رجوع شده ۳ - ترقی علمی و عملی که از طریق اختبار باید احراز شود. ۴ - رعایت نظامات مربوطه به امر وکالت طبق آیین‌نامه‌ها. تبصره - مدت ترفیع نسبت به کسانی که به تنزیل درجه محکوم شده‌اند از تاریخ حکم قطعی خواهد بود. ماده ۴۸ - تقاضای ترفیع باید بعد از انقضای مواعد مقرر در ماده قبل به دفتر کانون داده شود و گواهی‌نامه حسن انجام وظیفه در دادگاهها از روسای دادگاهها و حسن انجام کارهای معاضدت قضایی یا عدم رجوع آن از شعبه معاضدت قضایی و گواهی رعایت آیین‌نامه‌ها از دادسرای انتظامی وکلا باید ضمیمه تقاضا باشد. ماده ۴۹ - تقاضاهایی که با رعایت شرایط مقرر در ماده ۴۷ و ۴۸ تا آخر فروردین هر سال شده باشد از طرف دفتر به نظر رئیس کانون می‌رسد و برای رسیدگی به کمیسیون ترفیع رجوع خواهد شد و تقاضاهایی که بدون رعایت شرایط مزبور باشد بلااثر می‌ماند. ماده ۵۰ - کمیسیون در اردیبهشت ماه هر سال از متقاضیان ترفیع که دارای دانشنامه لیسانس یا بالاتر هستند اختبار عملی و از غیر ایشان اختبار علمی و عملی به عمل آورده و با توجه به سایر شرایط نظر خود را بر قبول یا رد تقاضای ترفیع اظهار می‌دارد. ماده ۵۱ - رد تقاضای ترفیع در ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در هیات مدیره است و تصمیم هیات مزبور قطعی است ماده

۵۲- کمیسیون ترفیع به ترتیب مقرر در ماده ۳۵ این آیین‌نامه تشکیل می‌شود.

بخش پنجم - دادسرا و دادگاه انتظامی م ۵۳ تا ۷۵)

ماده ۵۳- دادستان انتظامی باید در مرکز لااقل دارای چهل سال سن و پانزده سال سابقه وکالت و معاون اول او دارای سی و پنج سال سن و ده سال سابقه وکالت و سایر معاونین دارای سی سال سن و پنج سال سابقه وکالت بوده و هیچ یک محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا- و سو شهرت نداشته باشند و از بین معاونین خارج مرکز کسی که سابق وکالتش بیشتر است سمت معاونت اول خواهد داشت ماده ۵۴- دادرسان دادگاه انتظامی باید دارای شرایط عضویت هیات مدیره بوده و محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا نداشته باشند. ماده ۵۵- دادگاه انتظامی در مرکز ممکن است دارای شعب متعدد باشد در این صورت پرونده‌ها برای رسیدگی از طرف رئیس کانون به هریک از دادگاهها رجوع می‌شود. ماده ۵۶- انتخاب دادستان و معاونین و دادرسان از طرف هیات مدیره به رای مخفی و با اکثریت دوثلث اعضای حاضر در جلسه به عمل می‌آید. ماده ۵۷- از بین دادرسان اصلی کسی که سابقه وکالت او زیادتر است سمت ریاست دادگاه را دارد و اگر سابقه وکالت معلوم نباشد مستترین دادرس اصلی سمت ریاست خواهد داشت و در صورت تساوی سن یا سابقه دادرسان به رای مخفی یا قرعه از بین خود رئیس دادگاه را تعیین می‌نمایند. ماده ۵۸- موارد رد و امتناع دادستان و معاونین ایشان و دادرسان همان است که طبق آیین دادرسی مدنی برای دادرسان دادگاههای عمومی مقرر است به علاوه در موردی که وکیل شاکی یا مشتکی عنه یا شریک یا وکیل یکی از طرفین بوده ولو شرکت به طور کلی باشد باید از رسیدگی امتناع نمایند. ماده ۵۹- در صورتی که متصدی تحقیقات ممنوع از رسیدگی باشد رسیدگی به معاون دیگر رجوع می‌شود و اگر دادستان ممنوع از رسیدگی باشد معاون اول مستقلا در آن مورد وظیفه دادستان را انجام می‌دهد و اگر معاون اول هم ممنوع باشد یکی از نواب رئیس وظیفه دادستان را انجام خواهد داد. ماده ۶۰- در مورد غیبت یا ممنوع بودن دادرس اصلی دادرس علی البدل در رسیدگی دخالت می‌نماید و اگر عده کافی برای رسیدگی نباشد از دادرسان شعبه دیگر تکمیل می‌شود و اگر شعبه دیگر نباشد هیات مدیره به جای اشخاص غایب و ممنوع از بین اشخاص واجد شرایط اشخاص دیگری را به عنوان عضویت علی البدل تعیین می‌نماید که در رسیدگی دخالت نمایند. ماده ۶۱- شکایت از تخلفات و اخلاق و رفتار و کلام ممکن است کتبی باشد یا شفاهی شکایت کتبی در دفتر کانون ثبت و رسید داده می‌شود و نزد دادستان فرستاده خواهد شد و شکایت شفاهی در صورت مجلس درج و به امضای شاکی می‌رسد. دادستان شخصا یا به وسیله یکی از معاونین نسبت به شکایات رسیدگی و اظهار عقیده می‌نماید. ماده ۶۲- از هر طریقی اطلاع راجع به تخلف یا سو اخلاق و رفتار وکیل به رئیس کانون برسد و آن را قابل توجه تشخیص دهد به دادسرا رجوع می‌نماید و دادسرا باید به موضوع رسیدگی کرده اظهار عقیده نماید. ماده ۶۳- در صورتی که دادستان حضور مشتکی عنه را برای ادای توضیحات و کشف حقیقت لازم بداند و او احضار نماید و بدون عذر موجه حاضر نشود ممکن است عدم حضور قرینه صدق نسبتی که به او داده شده تلقی شود. تبصره - عذر موجه همان است که در قانون وکالت و آیین دادرسی مقرر است و باید کتبا به ضمیمه دلیل آن در موقع معین برای رسیدگی به متصدی تحقیقات داده شود. ماده ۶۴- دادستان پس از رسیدگی در صورتی که عقیده بر تعقیب داشته باشد ادعانامه صادر و به دادگاه می‌فرستد و در صورتی که عقیده بر منع تعقیب داشته باشد قرار منع تعقیب صادر خواهد کرد. در صورتی که بین دادستان و معاون او که متصدی تحقیقات بوده در تعقیب و تطبیق موضوع با ماده آیین‌نامه اختلاف حاصل شود نظر دادستان متبع است ماده ۶۵- قرار منع تعقیب از طرف شاکی و رئیس کانون در ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در دادگاه انتظامی وکلا- است و در صورتی که دادگاه قرار منع تعقیب را صحیح دانست آن را استوار می‌نماید و در صورتی که موضوع را قابل تعقیب تشخیص داد رسیدگی کرده حکم می‌دهد. ماده ۶۶- پس از رسیدن

ادعانامه یا تقاضای رسیدگی از طرف اشخاصی که حق تقاضا دارند و آماده‌بودن موضوع برای رسیدگی رونوشت ادعانامه یا تقاضا به وسیله مامور کانون یا پست سفارشی دوقبضه به شخص مورد تعقیب ابلاغ می‌شود که در مرکز و اطراف آن تا شعاع شصت کیلومتر در ظرف ده‌روز پس از ابلاغ و در خارج مرکز که فاصله آن بیش از شصت کیلومتر تا مرکز باشد در ظرف یک‌ماه هرگونه جوابی دارد، بدهد. ماده ۶۷- پس از رسیدن جواب یا انقضای مهلت وقت رسیدگی به اطلاع دادستان می‌رسد و در وقت مزبور دادگاه رسیدگی کرده حکم می‌دهد و اگر توضیحی دادستان لازم بداند یا دادگاه توضیحی از دادستان بخواهد در جلسه رسیدگی استماع می‌شود و اگر توضیحی از شخص مورد تعقیب لازم باشد صریحا در صورت‌مجلس ذکر و ضمن اخطار وقت رسیدگی به او اخطار می‌شود که در موقع معین حاضر شده شفاها توضیح دهد یا توضیحات خود را کتبا به دادگاه بفرستد چنانچه پاسخ مشتکی عنه در موقع نرسید و شخصا هم حاضر نشده باشد دادگاه رسیدگی کرده حکم می‌دهد و حکم مزبور حضوری محسوب است ماده ۶۸- دادگاه باید نسبت به موضوعاتی که به آن رجوع می‌شود رسیدگی کرده رای بدهد و در صورت ثبوت تخلف می‌تواند مجازات شدیدتر از مورد تقاضا تعیین نماید و در مورد تقاضای تعلیق باید خارج از نوبت رسیدگی کرده رای بدهد و در موردی که موضوع متضمن جنبه کیفری باشد که تفکیک آن از جنبه انتظامی ممکن نباشد باید رسیدگی را موقوف به فراغ از جنبه کیفر نماید. ماده ۶۹- مرجع شکایت انتظامی از دادرسان دادگاه انتظامی و دادستان و معاونین ایشان و روسا و اعضای شعب و کمیسیونها راجع به انجام وظایفشان هیات مدیره است و در صورت احراز تخلف پرونده نزد دادستان کل فرستاده می‌شود که به ترتیب مقرر در ماده ۱۲ لایحه استقلال کانون عمل شود. ماده ۷۰- وکلا- مکلفند محل سکونت خود را به طور صریح و روشن به کانون اطلاع دهند که مامور کانون یا دادگستری یا پست بتواند هرگونه اوراقی را در آن محل به ایشان ابلاغ نمایند و در صورت تغییر محل باید محل جدید را ظرف ده روز به نحوی که ذکر شده کتبا به کانون اطلاع دهند و اوراقی که به محل مزبور فرستاده می‌شود ابلاغ شده محسوب است ماده ۷۱- کلیه اوراقی که از کانون و دادرسان و دادگاه به وسیله پست سفارشی برای اشخاص فرستاده می‌شود در مرکز تا شعاع شصت کیلومتر پنج روز پس از تسلیم به دفتر پست و در خارج مرکز که فاصله آن بیش از شصت کیلومتر باشد بیست روز پس از تسلیم به دفتر پست ابلاغ شده محسوب است مگر کسی که اوراق برای او فرستاده شده ثابت نماید که بعد از مهلت مقرر رسیده که در این صورت تاریخ رسیدن به او تاریخ ابلاغ محسوب است یا ثابت نماید اصلا نرسیده که در این صورت ابلاغ تجدید می‌شود و اوراقی که به وسیله مامور فرستاده می‌شود تاریخ رساندن آن به رویت طرف تاریخ ابلاغ محسوب است و در موردی که از گرفتن اوراق از مامور کانون یا دادگستری یا پست و رویت آنها امتناع شود ابلاغ شده محسوب خواهد شد. ماده ۷۲- مراجع رسمی مکلفند به اسرع وقع اطلاعاتی را که دادگاه یا دادرسان یا هیات مدیره و شعب کانون می‌خواهد بدهند مگر در موردی که دادن اطلاع قانونا ممنوع باشد و دادستانها یا نمایندگان ایشان مکلفند تحقیقاتی را که کانون از شاکی یا مشتکی عنه یا مطلعین تقاضا می‌نماید انجام داده بفرستد و تخلف از آن مستوجب تعقیب انتظامی است ماده ۷۳- چنانچه نسبتی که به شخص مورد تعقیب داده شده متضمن جنبه کیفری باشد که تفکیک آن از جنبه انتظامی ممکن نیست رسیدگی انتظامی موقوف به فراغ از جنبه کیفری در مراجع عمومی خواهد شد. ماده ۷۴- در مورد ماده ۱۵ لایحه استقلال کانون و همچنین در مورد تقاضا از طرف رئیس کانون یا هیات مدیره در صورتی که دادستان مخالف با تعقیب باشد صدور ادعانامه لازم نیست و رسیدگی به دادگاه انتظامی رجوع می‌شود. ماده ۷۵- نسبت به احکام دادگاه انتظامی و کلا رئیس کانون و دادستان و سایر اشخاص و مقامات مذکور در ماده ۱۵ و ۱۶ لایحه استقلال کانون و نسبت به احکام مجازات از درجه چهار به بالا محکوم علیه در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ با رعایت مسافت طبق آیین دادرسی مدنی می‌توانند از دادگاه عالی انتظامی قضات درخواست تجدیدنظر نمایند و دادگاه مزبور رسیدگی کرده در صورت عدم ورود اعتراض حکم را استوار والا حکمی را که به نظر خود مقتضی می‌دانند صادر نمایند.

بخش ششم - تخلفات و مجازات آنها (م ۷۶ تا م ۸۹)

ماده ۷۶- مجازاتهای انتظامی عبارت است از: ۱- اخطار کتبی ۲- توبیخ با درج در پرونده ۳- توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون ۴- تنزل درجه ۵- ممنوعیت از سه ماه تا سه سال ۶- محرومیت دائم از شغل و کالت تبصره- در موردی که برای قبول وکالت یا انتقال یا گرفتن سند مجازات انتظامی تعیین شده وکالت و انتقال مال و سندی که از اشخاص گرفته شده در دادگاهها و سایر مراجع رسمی قابل ترتیب اثر نخواهد بود. ماده ۷۷- مجازات تخلف از نظاماتی را که کانون برای وکلای دادگستری تعیین می نماید درجه ۱ و ۲ است که از طرف رئیس کانون مستقلا یا به پیشنهاد دادستان انتظامی تعیین و اجرا می شود و اختیاررئیس کانون مانع صلاحیت دادگاه برای تعیین مجازات درجه یک و دو نخواهد بود. ماده ۷۸- متخلف از هریک از موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه سه محکوم خواهد شد: ۱- چنانچه به دو یا چند محکمه دعوت شود و جمع بین اوقات مزبور ممکن نباشد باید حضور در دیوان کیفر و دیوان جنایی را مقدم بدارد و در سایر محاکم در محکمه که وقت آن زودتر ابلاغ شده حاضر گردد. ۲- کارهای معاضدت قضایی را که از طرف کانون و دفاع از متهمین را که از طرف دادگاهها و در حدود قانون و نظامات به ایشان ارجاع می شود به خوبی و با علاقمندی انجام هد. ۳- کلیه اوراق فرستاده از کانون را اعم از نامه یا اخطار یا رونوشت ادعانامه یا حکم که به وسیله مامور یا پست فرستاده می شود به محض ارائه قبول و رویت کرده رسید بدهد. ماده ۷۹- متخلف از هریک از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه سه و یا چهار محکوم خواهد شد: ۱- از تجاهر به استعمال مُسکر و افیون و سایر مواد مخدره و مراده در اماکن فساد اجتناب نماید. ۲- در مقابل وجه یا مال دیگری که از موکل دریافت می نماید رسید بدهد. ۳- در صورتی که بعد از انقضای مدت تمبر پروانه بدون تجدید تمبر و ثبت پروانه وکالت نماید. ۴- در صورتی که بدون عذر موجه در دادگاه حاضر نشود و به واسطه عدم حضور او کار دادگاه به تاخیرافتد. ماده ۸۰- در موارد ذیل متخلف به مجازات انتظامی درجه چهار محکوم می شود: ۱- در صورتی که به کار دیگری اشتغال پیدا کند که منافی با شوون وکالت است و با تذکر این نکته از طرف کانون به شغل مزبور ادامه دهد یا مرتکب اعمال و رفتاری شود که منافی شوون وکالت است ۲- در صورتی که به وسیله اوراق چاپی یا تابلو یا مسایل دیگر درجه خود را بالاتر از پروانه که دارد معرفی نماید. ۳- در صورتی که به وسیله فریبنده تحصیل وکالت نماید. ۴- در صورتی که زاید بر حق الوکاله که به تراضی با موکل قرارداد داده و در موردی که قرارداد در بین نباشد زاید بر تعرفه وزارتت یا زاید بر هزینه های قانونی وجه یا مال دیگر یا سندی به نام خود یا دیگری بگیرد. ۵- در صورتی که استعفای خود را از وکالت به موکل و دادگاه اطلاع ندهد یا وقتی اطلاع دهد که موکل مجال کافی برای تعیین وکیل دیگر و معرفی به دادگاه نداشته باشد. ۶- در صورتی که پس از ابلاغ حکم یا قرار یا اخطاری که مستلزم دادن خرج یا اقدامی از طرف موکل است به اسرع اوقات به موکل یا متصدی امور او اطلاع ندهد و موجب تضییع حقی از موکل شود. ۷- در صورتی که نسبت به موضوعی که قبلا به مناسبت سمت قضایی یا داوری اظهار عقیده کتبی کرده قبول وکالت نماید. ۸- در صورتی که در یکی از وزارتخانه ها یا ادارات دولتی یا مملکتی یا شهرداری یا بنگاههایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است سمت وکالت یا مشاور حقوقی داشته و علیه آنها قبول وکالت نماید. ۹- در صورتی که برای تطویل دادرسی به وسیله خدعه آمیز از قبیل رد دادرسی یا داور یا استعفای از وکالت و قبول مجدد وکالت متوسل شود. ۱۰- در صورتی که در مذاکرات کتبی و شفاهی نسبت به دادگاه یا سایر مقامات رسمی و وکلا واصحاب دعوی و سایر اشخاص برخلاف احترام اظهاری بنماید. ماده ۸۱- متخلف در موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه ۵ محکوم خواهد شد: ۱- در صورتی که دعوی را به طور مصانعه یا در ظاهر به نام دیگر و در باطن برای خود انتقال بگیرد. ۲- در صورتی که به واسطه وکالت از اسرار موکل مطلع شده و آن را افشا نماید اعم از اینکه اسرار مزبور مربوط به امر وکالت یا شرافت و حیثیت و اعتبار موکل باشد. ۳- در صورت تخلف از قسم ماده ۸۲- متخلف از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه ۶ محکوم

خواهد بود: ۱- کسانی که برخلاف قانون خود را واجد شرایط وکالت معرفی کرده و پروانه گرفته باید در ظرف یک‌ماه از تاریخ اجرای این آیین‌نامه کتبا به کانون اطلاع داده و پروانه خود را تسلیم نماید و در صورتی که درحین دریافت پروانه واجد شرایط بوده و بعد فاقد یکی از شرایط گردد باید در ظرف ده روز از تاریخ فاقدشدن شرط کانون را کتبا مطلع نموده و پروانه خود را تسلیم نماید. ۲- در صورتی که بعد از استعفا یا عزل از طرف موکل یا انقضای وکالت به جهت دیگر وکالت طرف موکل یا اشخاص ثالث را در آن موضوع علیه موکل سابق خود یا قایم مقام قانونی او قبول نماید. ۳- در صورتی که ثابت شود وکیل با طرف موکل خود ساخته که حق موکل را تضییع نماید یا خیانت دیگری نسبت به موکل کرده باشد. ۴- در صورتی که خلاف عذری که برای حضور به دادگاه یا سایر مراجع یا دادسرا یا دادگاه انتظامی وکلا اعلام کرده ثابت شود. ماده ۸۳- هیچ تخلفی را نمی‌شود عفو کرد و اگر موجبی برای تخفیف باشد دادگاه در موردی که مجازات‌دارای حداقل و اکثر است می‌تواند مجازات حداقل را تعیین نماید و در سایر موارد یک درجه تخفیف بدهد. ماده ۸۴- هر کس محکوم به مجازات انتظامی شده و در مدت سه سال از تاریخ قطعی شدن حکم مرتکب تخلفی نظیر تخلف مورد حکم شود به یک یا دو درجه بالاتر مجازات مورد حکم محکوم خواهد شد. ماده ۸۵- استرداد شکایت یا استعفای مشتکی عنه مانع تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست لیکن استرداد شکایت موجب تخفیف مجازات است ماده ۸۶- مدت مرور زمان تعقیب انتظامی دو سال از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب است و درموردی که تعقیب به عمل آمده دو سال از تاریخ آخرین اقدام انتظامی است ماده ۸۷- در صورتی که نسبت به وکیلی به اتهام ارتکاب جنحه یا جنایت کیفرخواست صادر شود دادستان باید رونوشت آن را به کانون بفرستد و از طرف کانون به دادگاه انتظامی وکلا رجوع می‌شود و در صورتی که دادگاه دلایل را قوی و ادامه وکالت وکیل را منافی با شوون وکالت تشخیص دهد حکم تعلیق موقت او را صادر می‌نماید و حکم مزبور موقتا قابل اجراست و مفاد آن به دادگاهها ابلاغ می‌شود و در مورد محکومیت قطعی وکیل به ارتکاب جنایت مطلقا و در مورد جنحه‌هایی که به تشخیص دادگاه انتظامی وکلا- ادامه وکالت منافی شوون وکالت است محرومیت وکیل از شغل وکالت در روزنامه رسمی و مجله کانون آگهی و به دادگاهها ابلاغ می‌شود. ماده ۸۸- کارآموزان مشمول مقررات انتظامی در این آیین‌نامه خواهند بود. ماده ۸۹- تعقیب انتظامی مانع تعقیب مدنی یا کیفری نیست

از قانون متمم سازمان دادگستری و اصلاح قسمتی از لایحه قانونی اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات

ماده ششم - صاحبان رتبه‌های قضایی دادگستری که به تقاضای خود بازنشسته یا منتظر خدمت می‌شوند در آخرین حوزه‌ای که قبل از بازنشسته شدن یا انتظار خدمت انجام وظیفه می‌نموده‌اند تا سه سال حق اشتغال به وکالت دادگستری را نخواهند داشت

قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی (مصوب ۱۳۱۵)

ماده ۱- هر کس به دعوی اعتبارات و نفوذی در نزد یکی از مستخدمین دولتی یا شهرداری یا کشوری یا مامورین به خدمات عمومی وجه نقد یا فایده دیگری برای خود یا شخص ثالث در ازا اعمال نفوذ نزد مامورین مزبوره از کسی تحصیل کند و یا وعده و یا تعهدی از او بگیرد علاوه بر ردوجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس جنحه‌ای از یک سال تا سه سال و به جزای نقدی از دو هزار ریال الی پانزده هزار ریال محکوم خواهد شد. ماده ۲- هر کس از روابط خصوصی که با مامورین یا مستخدمین مذکوره در ماده یک دارد سو استفاده نموده و در کارهای اداری که نزد آنها است به نفع یا ضرر کسی بر خلاف حق و مقررات قانونی اعمال نفوذ کند از یک الی یک سال حبس جنحه‌ای محکوم خواهد شد. ماده ۳- مستخدمین دولتی یا شهرداری یا کشوری یا مامورین به خدمات عمومی که نفوذ اشخاص را در اقدامات یا تصمیمات اداری خود تاثیر دهند به محرومیت از شغل دولتی از دو

الی پنج سال محکوم می‌شوند و در صورتی که اقدام یا تصمیم مزبور مستلزم تفویت حقی از اشخاص یا دولت باشد محکوم به انفصال ابد از خدمات دولتی خواهند شد مگر آنکه این عمل مشمول قوانین دیگر جزایی باشد. ماده ۴- هر وکیل عدلیه که به دعوی داشتن اعتبار و نفوذ در نزد مامورین قضایی یا اداری یا حکم یا شهود یا اهل خبره وجه یا مال یا فایده دیگری برای خود یا شخص ثالث از موکل خود به عنوان اینکه باید به یکی از اشخاص مذکوره پردازد یا مساعدت آنها را جلب کند تحصیل نماید یا وعده آنرا قبول کند علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس جنحه‌ای از یک سال الی سه سال محکوم خواهد شد.

قانون رد لایحه مربوط به تشکیل اداره دعاوی وزارت دارایی (مصوب سال ۱۳۳۸ شمسی)

ماده ۱- برای تعقیب و دفاع از کلیه دعاوی بر له و علیه وزارت دارایی و ادارات و بنگاه‌های وابسته به آن وزارتخانه که در محاکم عمومی طرح و نیز کلیه دعاوی که بعداً بر له و علیه وزارت دارایی در محاکم از طرف اشخاص طرح و یا طرح آن از طرف وزارت دارایی لازم تشخیص داده شود اداره‌ای به نام اداره دعاوی تشکیل می‌شود. ماده ۲- از تاریخ تشکیل این اداره، دفاع و تعقیب کلیه دعاوی مشروحه در ماده اول از وظایف اداره مزبور خواهد بود. ماده ۳- اداره دعاوی تشکیل می‌شود از یک رئیس و به قدر لزوم نماینده قضایی ماده ۴- رئیس و نمایندگان قضایی اداره دعاوی، وکیل و نماینده وزارت دارایی و دادگاههای باشند و دادگاهها آنان را به این سمت خواهند پذیرفت تبصره در دعاوی که اداره دعاوی محکوم‌له می‌شود حق مطالبه خسارت از محکوم‌علیه را برطبق آیین‌نامه قانون وکالت دارد.

لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی

ماده ۱- کانون کارشناسان رسمی دارای شخصیت حقوقی است که در مقرر دادگاه استان تشکیل می‌شود. تشکیل کانون کارشناسان رسمی هر استان منوط بر این است که تعداد کارشناسان رسمی آن استان به سی نفر برسد و تا وقتی که عده کارشناسان به حد نصاب مذکور نرسیده کارشناسان رسمی آن استان تابع مقررات و نظامات کانون کارشناسان رسمی تهران خواهند بود. کلیه کارشناسان رسمی عضو کانون کارشناسان رسمی محسوب می‌شوند و تابع مقررات این قانون و نظامات کانون می‌باشند. ماده ۲- ارکان کانون به شرح زیر است الف- مجمع عمومی ب- هیات مدیره ج- بازرسان د- شورای کارشناسی ه- دادسرای انتظامی و- دادگاه انتظامی ماده ۳- مجمع عمومی کانون کارشناسان هر استان از کارشناسانی که در حوزه آن استان اشتغال به کارشناسی دارند و حایز شرایط زیر باشند تشکیل می‌گردد: الف- پروانه کارشناسی آنان دارای اعتبار باشد. ب- حق عضویت خود را تا تاریخ تشکیل مجمع عمومی پرداخت کرده باشند. ج- در حال تعلیق از کارشناسی نباشند. ماده ۴- طرز تشکّل مجمع عمومی عادی به شرح زیر است ۱- مجمع عمومی عادی ظرف سه ماه اول هر سال در مرکز کانون یا محل مناسب دیگری که در آگهی تعیین خواهد شد به دعوت هیات مدیره منعقد می‌شود. هیات مدیره مکلف به دعوت مجمع عمومی می‌باشد. ۲- دعوت به وسیله انتشار آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران یا مرکز استان حسب مورد و همچنین ارسال دعوتنامه با پست به عمل خواهد آمد و دستور جلسه باید در متن آگهی و دعوتنامه قید شود. ۳- آگهی و دعوتنامه باید لااقل پانزده روز قبل از تاریخ تشکیل مجمع در روزنامه منتشر یا به وسیله پست ارسال گردد. ۴- مجمع عمومی با حضور دوسوم اعضای کانون رسمیت خواهد داشت و در صورتی که در جلسه اول نصاب مزبور حاصل نشود دعوت به ترتیب فوق تجدید خواهد شد و جلسه دوم با حضور هر عده که حاضر شوند رسمیت خواهد داشت و تصمیمات مجمع با اکثریت نافذ و معتبر است ۵- مجمع عمومی دارای یک نفر رئیس و دو نفر منشی خواهد بود که از بین اعضای حاضر در جلسه تعیین می‌شوند برای تعیین رئیس و منشیان بدو مسن‌ترین عضو حاضر اداره جلسه را به

عاهده می‌گیرد. ۶- هیات مدیره و بازرسان با رای مخفی در مجمع عمومی انتخاب خواهند شد و برای نظارت در اخذ رای و قرائت آرا سه نفر به عنوان هیات نظارت از بین اعضای حاضر از طرف مجمع انتخاب خواهند شد کسانی که برای عضویت در هیات مدیره و یا سمت بازرسی داوطلب باشند نمی‌توانند به عضویت هیات نظارت انتخاب شوند. ۷- هیات نظارت آرای ماخوذه را شمارش و پس از تطبیق تعداد آن با عده حاضر به قرائت آرا اقدام و نتیجه را در صورت مجلس قید می‌کند. ۸- رای باید کتبی و مخفی و بدون علامت مشخصه باشد و آرای که دارای علامت مشخصه یا امضا باشد باطل است و اسامی مکرر و همچنین اسامی زاید بر عده‌ای که باید انتخاب شوند قرائت نخواهد شد. ۹- از انتخاب شدگان کسانی که به ترتیب دارای رای بیشتری هستند عضو اصلی و کسانی که بعد از اعضای اصلی دارای رای بیشتری باشند عضو علی‌البدل خواهند بود و برای بازرسان جداگانه اخذ رای خواهد شد. ماده ۵- وظائف و اختیارات مجمع عمومی به شرح زیر است ۱- بررسی گزارش هیات مدیره و بازرسان و اظهار نظر درباره آن ۲- بررسی و تصویب ترانزنامه سال گذشته ۳- بررسی و تصویب بودجه سال آینده ۴- تعیین خط مشی برنامه‌های کانون ۵- انتخاب هیات مدیره و بازرسان در صورت انقضای دوره آنها. ۶- انتخاب اعضای هیات مدیره در صورت سلب شرایط یا فوت یا استعفای بعضی از آنان به نحوی که تعداد اعضای هیات مدیره از حداقل مقرر کمتر شود و اعضای علی‌البدل کافی برای تصدی محلهای خالی در هیات مدیره نباشند در این مورد مجمع عمومی به‌طور فوق‌العاده دعوت خواهد شد. ۷- مذاکره و اتخاذ تصمیم درباره سایر اموری که در دستور جلسه قرار دارد. ماده ۶- هیات مدیره کانون کارشناسان استان تهران مرکب از یازده نفر عضو اصلی و سه نفر عضو علی‌البدل و دو نفر بازرس اصلی و یک نفر بازرس علی‌البدل و در سایر استانها دارای پنج نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی‌البدل و دو نفر بازرس خواهد بود که برای مدت چهار سال از طرف مجمع عمومی انتخاب می‌شوند جلسات هیات مدیره کانون در تهران با حضور حداقل هفت نفر و در سایر استانها با حضور حداقل سه نفر رسمیت خواهد داشت ماده ۷- اعضا هیات مدیره از بین کارشناسان رسمی هر استان انتخاب می‌شوند که علاوه بر شرایط مذکور در ماده ۳ باید واجد شرایط زیر نیز باشند: الف- داشتن لااقل ۳۵ سال سن ب- داشتن مدرک تحصیلی از لیسانس به بالا و حداقل پنج سال سابقه کارشناسی و در صورت نداشتن مدرک لیسانس حداقل ده سال سابقه کارشناسی متوالی ج- اقامت در حوزه استان مربوط د- داشتن حسن شهرت ه- نداشتن محکومیت انتظامی و محرومیت موقت یا دائم از کارشناسی ماده ۸- هیات مدیره کانون استان تهران از بین خود یک نفر رئیس دو نفر نایب رئیس دو نفر منشی یک نفر مسوول امور مالی و در سایر کانونها هیات مدیره از بین خود یک نفر رئیس - یک نفر نایب رئیس - یک نفر منشی - یک نفر مسوول امور مالی با رای مخفی برای مدت دو سال انتخاب خواهند کرد. تجدید انتخابات اعضای مذکور برای دو ساله دوم بلامانع است رئیس هیات مدیره مکلف است یک ماه قبل از انقضای دو سال اول اعضای هیات مدیره را برای انتخاب هیات رئیسه جدید دعوت کند و تا زمانی که هیات رئیسه جدید تعیین نشده است هیات رئیسه قبلی وظایف خود را کماکان انجام خواهد داد. ماده ۹- وظایف هیات مدیره کانون به قرار زیر خواهد بود: الف- رسیدگی به صلاحیت علمی و فنی و اخلاقی متقاضیان کارشناسی (بعد از اظهار نظر کمیسیونهای تشخیص صلاحیت علمی و فنی هر رشته و دادن پروانه کارآموزی و کارشناسی به داوطلبانی که واجد شرایط باشند. ب- اداره امور کانون و نظارت بر رفتار کارشناسان در امور مربوط به کارشناسی ج- قبول شکایت و عندالاقضا ارجاع آن به دادسرای انتظامی کانون برای تعقیب کارشناس متخلف هیات مدیره در صورت اطلاع از تخلف کارشناس راسا نیز می‌تواند تعقیب کارشناس متخلف را از دادسرای انتظامی کانون بخواهد. د- فراهم آوردن وسایل پیشرفت علمی و عملی کارشناسان ه- تمدید پروانه کارشناسی هر دو سال یک بار. و- انتخاب اعضای کمیسیونهای آزمون و کمیسیونهای تشخیص صلاحیت علمی و فنی هیات مدیره می‌تواند عنداللزوم به تشکیل کمیسیونهای دیگر نیز اقدام نماید. ز- تعداد اعضای کمیسیونهای آزمون و تشخیص صلاحیت علمی و فنی سه نفر خواهد بود که از بین پنج نفر کارشناس پیشنهاد شده از طرف رشته مربوطه وسیله هیات مدیره انتخاب می‌شود تعداد اعضای سایر کمیسیونها بسته به نظر هیات مدیره خواهد بود. تبصره ۱- دوره

کارآموزی داوطلبان کارشناسی یک سال خواهد بود و داوطلبان تحت نظر کارشناسان رسمی که لااقل ده سال سابقه کارشناسی داشته باشند با معرفی داوطلب و تایید کانون کارآموزی خواهند کرد. تبصره ۲ - در رشته‌های جدید کارشناسی داوطلب از کارآموزی معاف است و در رشته‌هایی که سابقه کارشناسی کمتر از ده سال است و یا کارشناسان آن رشته کمتر از ده سال سابقه کارشناسی دارند شرط مقرر در تبصره یک از حیث مدت ده سال سابقه رعایت نخواهد شد. ماده ۱۰ - به اشخاص زیر حسب نیاز و اعلام وزارت دادگستری از طرف کانون پروانه کارشناسی داده می‌شود: الف - کسانی که دارای دانشنامه لیسانس یا بالاتر در رشته مورد درخواست بوده و دارای پنج سال سابقه کار در رشته مزبور در ادارات دولتی یا شرکتهای معتبر خصوصی باشند و دوره کارآموزی را با موفقیت به پایان رسانیده باشند. ب - متقاضیان باید فاقد پیشینه محکومیت کیفری جرائم مذکور در ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی و تبصره ۱ آن باشند. ج - سو شهرت نداشته باشند. د - سن آنان کمتر از سی سال نباشد. ه - به مواد مخدر معتاد نباشند. تبصره - کسانی که تا تاریخ تصویب این قانون دارای پروانه کارشناسی معتبر بوده و سلب صلاحیت از آنان نشده باشد کماکان کارشناس رسمی شناخته می‌شوند. ماده ۱۱ - کارشناسان رسمی جدید در مواقع اخذ پروانه باید در جلسه رسمی هیات مدیره سوگند یاد کنند. متن سوگندنامه به شرح زیر است «به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم در امور کارشناسی که به من ارجاع می‌گردد خداوند متعال را حاضر و ناظر دانسته به راستی و درستی عقیده خود را اظهار نمایم و نظریات خصوصی را در آن دخالت ندهم و تمام نظر خود را نسبت به موضوع کارشناسی اظهار نمایم و هیچ چیز را مکتوم ندارم و برخلاف واقع چیزی نگویم و ننویسم. ماده ۱۲ - در صورت وجود جهات رد هرگاه کارشناسی شخصا آن را اعلام نکند و در امر کارشناسی اظهار نظر نماید متخلف محسوب و به مجازات انتظامی محکوم می‌شود. جهات رد همان است که در قانون آیین دادرسی مدنی مقرر است ماده ۱۳ - شورای کارشناسی از روسا یا نمایندگان رشته‌های مختلف کارشناسی با انتخاب کارشناسان رشته تشکیل می‌شود. ترتیب انتخاب روسا و نمایندگان رشته‌ها و طرز تشکیل و تعداد اعضای شورا و مدت عضویت و نحوه اجرای وظائف شورا بر طبق آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیات مدیره کانون خواهد رسید. ماده ۱۴ - وظایف شورای کارشناسی به قرار زیر است الف - مطالعه و اظهار نظر درباره رشته‌های مختلف کارشناسی ب - تهیه و تدوین طرحهای اصلاحی در رشته‌های مختلف کارشناسی و پیشنهاد آن به هیات مدیره ج - مطالعه و اظهار نظر مشورتی درباره موضوعاتی که از طرف هیات مدیره ارجاع می‌شود. ماده ۱۵ - دادرسی انتظامی کارشناسی رسمی مرجع رسیدگی به تخلفات کارشناسان و تعقیب آنان می‌باشد و دادستان دادرسی انتظامی از بین کارشناسان رسمی به وسیله مجمع عمومی عادی برای مدت چهار سال انتخاب خواهد شد و دایاران دادرسی انتظامی با پیشنهاد دادستان و تصویب هیات مدیره به تعداد لازم تعیین می‌شوند دادرسی انتظامی کارشناسان رسمی پس از رسیدگی به تخلفات و شکایات در صورتی که عقیده بر تخلف داشته باشند کیفرخواست صادر می‌کند و در غیراین صورت قرار منع تعقیب خواهد داد. قرار منع تعقیب ظرف ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت از طرف شاکی یارئیس هیات مدیره کانون قابل اعتراض در دادگاه انتظامی کانون کارشناسان می‌باشد و چنانچه دادگاه انتظامی کانون قرار منع تعقیب را صحیح ندانست به موضوع رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌نماید. ماده ۱۶ - مرجع رسیدگی به تقاضای تعقیب کارشناسان رسمی دادگاه انتظامی کارشناسان رسمی است دادگاه مذکور مرکب از سه نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی‌البدل خواهد بود که از بین کارشناسان رسمی در مجمع عمومی عادی برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند. احکام دادگاه انتظامی به جز در مورد محرومیتهای موقت و دائم از کارشناسی قطعی است در مورد مجازاتهای محرومیت موقت یا دائم محکوم علیه می‌تواند پس از ابلاغ ظرف ده روز با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی تقاضای تجدیدنظر نماید مرجع تجدیدنظر دادگاه عالی انتظامی قضات بوده و رای دادگاه مزبور قطعی است تبصره ۱ - اعضای دادگاه انتظامی و دادستان انتظامی کانون باید دارای همان شرایطی باشند که برای اعضای هیات مدیره مقرر است تبصره ۲ - دادستانی انتظامی کانون نیز می‌تواند در مدت مقرر از حکم برائت درخواست تجدیدنظر نماید. ماده ۱۷ - مرور زمان نسبت به تعقیب انتظامی کارشناسان

رسمی دو سال از تاریخ وقوع تخلف (در صورت عدم تعقیب یا آخرین اقدام تعقیبی خواهد بود. ماده ۱۸ - هر موقع وزیر دادگستری یا رئیس هیات مدیره کانون کارشناسان رسمی از سو رفتار یا اعمال منافی با حیثیت کارشناسی اطلاع حاصل کنند می‌توانند از دادگاه انتظامی کانون تعلیق موقت او را تاصدور حکم نهایی بخواهند و دادگاه در جلسه خارج نوبت به این درخواست رسیدگی می‌کند در صورتی که رای به تعلیق موقت صادر شود قابل اجراء خواهد بود، همچنین در صورتی که شش نفر از اعضای هیات مدیره کانون به جهات مذکور درخواست تعلیق کارشناسی را بنمایند کانون مکلف است از دادگاه تقاضای تعلیق آن کارشناس را بنماید کارشناس معلق می‌تواند از رای مزبور تقاضای تجدیدنظر نماید و همچنین وزیر دادگستری و یا رئیس کانون در صورت رد تقاضای تعلیق حق درخواست تجدیدنظر دارند دادگاه انتظامی قضات به کلیه این درخواستها خارج از نوبت رسیدگی می‌کند و رای دادگاه انتظامی قضات قطعی است تبصره - آیین‌نامه انواع تخلفات کارشناسی و میزان مجازات کارشناسان را کانون کارشناسان رسمی تهیه می‌کند و پس از تصویب وزیر دادگستری قابل اجرا خواهد بود. ماده ۱۹ - میزان دستمزد کارشناسی رسمی طبق تعرفه‌ای است که به پیشنهاد کانون به تصویب وزارت دادگستری خواهد رسید و در قبال اشخاص حقیقی و حقوقی این تعرفه معتبر خواهد بود این تعرفه هر پنج سال یک بار قابل تجدیدنظر خواهد بود. ماده ۲۰ - با توجه به ماده ۸۶ قانون تعزیرات منسوخ است ماده ۲۱ - در مواردی که وزیر دادگستری از دادستان انتظامی یا اعضای دادگاه انتظامی تخلفی مشاهده نماید رسیدگی به آن را به دادستان کل کشور ارجاع می‌نماید دادستان کل به وسیله مقتضی تحقیقات لازم را نموده در صورتی که تخلف را محرز دانست پرونده را به منظور رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات احاله خواهد نمود و رای دادگاه قطعی است ماده ۲۲ - کانون با رعایت مقررات این قانون آیین‌نامه‌های مربوط به امور شورای کارشناسی کارآموزی تعداد کمیسیونها - صدور پروانه و نظایر آن را ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون تنظیم و پس از تصویب شورای کارشناسی و هیات مدیره به موقع اجرا خواهد گذاشت ماده ۲۳ - کارشناسان رسمی دادگستری در رشته‌های مختلف حسابداری در صورت داشتن لیسانس یا مدارک بالاتر و دارا بودن پنج سال سابقه کارشناسی دارای همان صلاحیت و وظائف و مسوولیت‌های حسابداران رسمی موضوع تبصره ۲ ماده ۲۷۶ قانون مالیات‌های مستقیم و ماده ۲۴۲ قانون تجارت و تبصره ذیل آن خواهند بود گزارش این قبیل کارشناسان در حدود صلاحیت مندرج در پروانه کارشناسی آنان در مورد رسیدگی به دفاتر حسابداری و ترازنامه شرکتها اشخاص حقیقی و حقوقی دارای همان ارزش و اعتبار گزارش حسابداران رسمی است ماده ۲۴ - از تاریخ تصویب این قانون تشخیص صلاحیت علمی و صدور پروانه کارشناسان رشته‌های مختلف فنون توسعه منابع آب و آبیاری موضوع ماده ۶۴ قانون آب و نحوه ملی شدن آن به عهده کانون کارشناسان رسمی دادگستری محول می‌گردد. ماده ۲۵ - هزینه‌های کانون از محل‌های زیر تامین می‌گردد: الف - حق عضویت سالیانه ب - کمک‌های دولت ج - کمک‌های نقدی غیر نقدی اشخاص حقیقی یا حقوقی د - صدی پنج از حق الزحمه کارشناسان ه - هزینه تمدید پروانه کارشناسی از قرار سالی یک هزار ریال تبصره ۱ - حق عضویت سالیانه به پیشنهاد هیات مدیره کانون و تصویب وزیر دادگستری تعیین می‌شود. تبصره ۲ - میزان حق عضویت سالیانه و هزینه تمدید پروانه کارشناسی هر پنج سال یک بار به پیشنهاد هیات مدیره کانون و تصویب وزیر دادگستری ممکن است کاهش یا افزایش یابد. تبصره ۳ - وزارتخانه‌ها - سازمانها - موسسات - شرکتهای دولتی و شهرداریها موظفند مبلغ موضوع بند (د) این ماده را از دستمزد کارشناسان رسمی کسر و به حساب کانون واریز کنند. ماده ۲۶ - سن بازنشستگی کارشناسان رسمی ۷۵ سال خواهد بود. ماده ۲۷ - مترجمین رسمی زبانهای مختلف از تاریخی که وزارت دادگستری اعلام می‌کند در عداد کارشناسان رسمی محسوب و عضو کانون کارشناسان رسمی دادگستری خواهند بود. ماده ۲۸ - در هر مورد که هیات مدیره کانون لازم بداند می‌تواند با جلب نظر شورای کارشناسی در حدود صلاحیت فنی هر یک از کارشناسان تجدیدنظر نماید. ماده ۲۹ - کارشناسانی که مستخدم شاغل دولت یا موسسات وابسته به دولت هستند نمی‌توانند در دعاوی و اموری که مربوط به وزارتخانه‌ها یا اداره یا موسسه متبوع آنهاست به عنوان کارشناس مداخله و اظهار نظر کنند مگر این که در آن رشته کارشناس رسمی دیگری وجود

نداشته باشد یا آنکه کارمند مذکور طبق مقررات مربوط به آن سازمان قانوناً ملزم به اظهار نظر باشد. دادگاهها و دادرها و ادارات دادگستری و ثبت نمی‌توانند امر کارشناسی را به کارشناسانی که کارمندشاغل قضایی یا اداری دادگستری یا ثبت هستند رجوع کنند مگر این که در آن رشته جز قاضی و یا کارمندشاغل کارشناس دیگری وجود نداشته باشد. ماده ۳۰ - آن قسمت از قوانین مربوط به کارشناسان رسمی مصوب سال ۱۳۱۷ و ۱۳۳۹ و سایر قوانین و مقررات راجع به کارشناسان که با مواد این قانون مغایرت داشته باشد از تاریخ تصویب این قانون لغو می‌شود.

آیین‌نامه صدور جواز وکالت اتفاقی (شماره ۱/۷۸/۲۱۱۴ مورخ ۱۳۷۸/۳/۳). (م ۱ تا م ۷)

در اجرای ماده ۲ قانون وکالت مصوب سال ۱۳۱۵ و به تجویز ماده ۲۲ لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ و به منظور تنظیم امور مربوط به صدور جواز وکالت اتفاقی و شرایط درخواست آن ضوابط زیر تعیین و اعلام می‌گردد: ماده ۱ - درخواست اخذ جواز وکالت اتفاقی باید توسط شخص متقاضی به عمل آمده و در آن ضمن معرفی کامل خود و اعلام میزان تحصیلات و تجربیات و سایر جهات و دلایل احتمالی موثر در قضیه مشخصات کامل و نشانی موکل یا موکلین مورد نظر و درجه قرابت آنان و نیز مشخصات موضوعی که متقاضی قرار است طرح نموده و یا عهده دار دفاع از آن شود را اعلام و مدارک مورد استناد را پیوست کرده و پس از امضاء ذیل درخواست آنرا در دفتر کانون وکلا ثبت نماید. ماده ۲ - به همراه درخواست صدور جواز وکالت اتفاقی باید فتوکپی مصدق مدارک زیر نیز به کانون وکلا - تسلیم شود: الف - فتوکپی شناسنامه و آخرین مدرک تحصیلی و دو قطعه عکس ب - فتوکپی شناسنامه موکل یا موکلین و مدارک مثبت قرابت وفق ماده ۲ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ ج - اصل درخواست موکل به عنوان کانون وکلا (به شرح فرم تهیه شده که امضاء موکل توسط کانون و یا یکی از دفاتر اسناد رسمی گواهی شده باشد. د - اخطاریه یا گواهی مرجع قضایی در مورد مشخصات پرونده و وقت رسیدگی آن نسبت به دعاوی طرح شده ه - فتوکپی کارت پایان خدمت یا معافیت دائم برای متقاضیانی که مشمول خدمت نظام وظیفه می‌باشند. تبصره - مدارک فوق به هیچ صورتی قابل استرداد نیست ماده ۳ - برای هر مورد وکالت اتفاقی باید درخواست جداگانه با ضمائم کامل تهیه و تسلیم شود و این قاعده در مورد پرونده‌هایی که از دو یا چند دعوی مرتبط تشکیل شده باشد نیز رعایت خواهد شد مگر اینکه به تشخیص کانون وکلا تکرار اصل تقاضا یا مدارک و مستندات و اطلاعات ضروری نباشد. ماده ۴ - کانون می‌تواند از متقاضیان جواز وکالت اتفاقی پس از احراز شرایط اختباری به منظور بررسی توان عملی و تجربی دفاع از دعوی اعلام شده به عمل آورد و صدور جواز وکالت منوط به موفقیت متقاضی در اختبار به تشخیص کانون وکلاست ماده ۵ - تشکیل پرونده جهت بررسی درخواست متقاضی اخذ جواز وکالت اتفاقی منوط به واریز مبلغی است که توسط کانون وکلا در هر سال تعیین و اعلام خواهد شد. تبصره - مبلغ مذکور به هیچ صورتی مسترد نخواهد شد. ماده ۶ - هیات مدیره کانون برای صدور جواز وکالت اتفاقی هر سال مبلغی را تعیین و اعلام خواهد نمود. ماده ۷ - این آیین‌نامه در ۷ ماده و ۲ تبصره تدوین و به تصویب رسید

آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله و هزینه سفر وکلای دادگستری (مصوب ۲۵/۳/۷۸ قوه قضائیه). (م ۱ تا م ۱۷)

با توجه به ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و پیشنهاد کانونهای وکلای دادگستری کشور، آیین‌نامه حق الوکاله و هزینه سفر وکلا به شرح ذیل تصویب شد: ماده ۱ - قرارداد حق الوکاله طبق ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا دادگستری مصوب سال ۱۳۳۳، بین وکیل و موکل معتبر است اعتبار قرارداد مذکور نسبت به محکوم علیه و شخص ثالث در صورتی است که متجاوز از مبلغ مندرج در این آیین‌نامه نباشد. ماده ۲ - به منظور تشخیص مالیات و سهم تعاون و تعیین حق الوکاله در

صورتی که قرارداد در بین نباشد و نیز در مورد محکوم علیه میزان حق الوکاله طبق این آیین نامه تعیین خواهد شد. در صورت اخیر، چنانچه قرارداد بین محکوم له و وکیل او مبلغی کمتر از مبلغ مندرج در این آیین نامه راقمقر دارد مبلغ مذکور ملاک عمل خواهد بود. تبصره - کلیه دادگاههای دادگستری و مراجع غیر دادگستری در مواردی که طبق قانون تکلیف به تعیین حق الوکاله دارند، میزان حق الوکاله را بر اساس این ماده محاسبه و در رای ذکر خواهند کرد. ماده ۳ - در دعاوی مالی اعم از مدنی یا کیفری میزان حق الوکاله در موردی که حکم دادگاه بدوی از حیث بهای خواسته قطعی است ده درصد بهای خواسته و در موردی که حکم از حیث بهای خواسته قطعی نیست به ترتیب ذیل تعیین می شود: الف - تا مبلغ سی میلیون ریال یازده درصد از بهای خواسته ب - نسبت به مازاد مبلغ سی میلیون ریال هفت درصد از بهای خواسته ماده ۴ - شصت درصد حق الوکاله مقرر در بندهای الف و ب ماده ۲ به مرحله نخستین و چهل درصد بقیه به مرحله تجدید نظر تعلق می گیرد. حق الوکاله هر مرحله در آغاز همان مرحله به وکیل پرداخت می گردد. ماده ۵ - الف - حق الوکاله دفاع از دعاوی جلب ثالث تقابل ورود ثالث و اعتراض ثالث نصف میزانی است که در بندهای الف و ب ماده ۲ مقرر است ولی حق الوکاله دعاوی ورود ثالث جلب ثالث تقابل و اعتراض ثالث مطابق تمام حق الوکاله مرحله ای است که ثالث در آن مرحله وارد یا جلب شده یا دعوی تقابل مطرح و یا به رای صادره در آن مرحله اعتراض نموده است ب - حق الوکاله حکم غیابی و اعتراض به حکم مذکور به میزان مقرر در بندهای الف و ب ماده ۲ است لیکن چنانچه به حکم غیابی اعتراض شود از جهت تعقیب و دفاع از دعوی حق الوکاله دیگری به وکیل محکوم له حکم غیابی تعلق نمی گیرد. ج - حق الوکاله وکیل در دادرسیها نظیر دادرسی نظامی و دادرسی دیوان عالی کشور و غیره نصف میزان حق الوکاله مذکور در ماده ۲ است و چنانچه وکیل دعوی را در دادگاه نیز تعقیب کند، علاوه بر مبلغ مذکور، حق الوکاله مرحله نخستین نیز طبق این آیین نامه به وی تعلق می گیرد. ماده ۶ - در مواردی که دعوی به یکی از نتایج ذیل منتهی شود حق الوکاله به ترتیب زیر تعیین می شود: الف - برای قرار ابطال دادخواست پیش از پاسخ و دفاع از دعوی ربع حق الوکاله مرحله نخستین ب - برای قرار ابطال دادخواست پس از پاسخ و دفاع از دعوی نصف حق الوکاله مرحله نخستین ج - برای قرار سقوط دعوی تجدید نظر قبل از پاسخ و دفاع از دعوی ربع حق الوکاله مرحله تجدید نظر. د - برای قرار سقوط دعوی تجدید نظر پس از پاسخ و دفاع از دعوی نصف حق الوکاله مرحله تجدید نظر. ه - برای قرار رد دعوی به علت قبول ایراد مرور زمان و قرار سقوط دعوی اعتراض بر ثبت و رد تقاضای اعاده دادرسی و قرار رد دعوی به علت اعتبار امر مختومه تمام حق الوکاله ای که برای حکم مقرر است و - برای سایر قرارهایی که مستقلاً قابل تجدید نظر است میزان حق الوکاله نصف حق الوکاله آن مرحله می باشد و در صورتی که این نوع قرارها فسخ و نقض شود، حق الوکاله ای اضافه بر آنچه برای رسیدگی ماهوی مقرر است برای رسیدگی پس از فسخ و نقض تعلق نخواهد گرفت ماده ۷ - حق الوکاله رسیدگی بعد از نقض نصف حق الوکاله قبل از نقض است ماده ۸ - در دعاوی که تعیین بهای خواسته قانوناً لازم نیست از قبیل تخلیه ملک تصرف عدوانی و تقسیم و افراز و امثال آن یا خواسته مالی نیست مانند طلاق، تمکین اصلاح شناسنامه موارد مربوط به امور حسبی و در دعاوی کیفری دادگاه میزان حق الوکاله و خسارات مورد مطالبه از طرف محکوم له را تعیین خواهد کرد اعم از اینکه خود متهم یا دادگاه وکیل تعیین کرده باشد، لیکن حق الوکاله هر مرحله از دادرسی نباید کمتر از مبلغ ۵۰۰ ۰۰۰ ریال باشد و حق الوکاله خواسته مالی هم طبق این آیین نامه به آن اضافه خواهد شد. ماده ۹ - حق الوکاله در دیوان عدالت اداری و مراجع غیر قضایی (از قبیل سازمان تعزیرات حکومتی هیئت های مندرج در قانون کار و غیره طبق این آیین نامه است که ۶۰ درصد آن به مرحله نخستین و ۴۰ درصد به مرحله تجدید نظر تعلق می گیرد. ماده ۱۰ - حق الوکاله امری که خارج از دادگستری یا پس از طرح آن در دادگاه به داوری ارجاع می گردد و منجر به صدور رای داور می شود و نیز موردی که دعوی در دادگاه یا خارج دادگاه به صلح ختم می شود، به میزان حق الوکاله مرحله نخستین است ماده ۱۱ - در مورد عزل وکیل یا انتفای موضوع وکالت به جهتی از جهات قانونی دیگر، اگر کار وکیل تمام شده یا پرونده برای صدور حکم مهیا باشد، تمام حق الوکاله آن مرحله به وکیل تعلق خواهد گرفت در غیر این صورت

میزان حق‌الوکاله وکیل به تناسب کاری که در آن مرحله انجام داده‌است به تشخیص قانون وکلا یا مراجع قضایی تعیین خواهد شد. ماده ۱۲ - در دعاوی که خواسته دعوی از طرف خواهان قانوناً تقویم می‌شود حق‌الوکاله به نسبت ارزش واقعی خواسته باید تعیین شود. در صورت عدم توافق طرفین در تعیین ارزش واقعی خواسته دادگاه میزان واقعی ارزش خواسته را با ارجاع امر به کارشناس تعیین و ملاک حکم قرار می‌دهد. ماده ۱۳ - میزان حق‌الوکاله امور اجرایی در دادگاهها و شعب اجرایی ثبت حداکثر ۴ درصد نسبت به محکوم‌به یا مورد اجرا تعیین می‌شود و ممکن است به تناسب آنچه اجرا می‌شود دریافت شود. در مورد سایر اجرائیه‌ها تعیین میزان حق‌الوکاله به نظر دادگاه صلاحیت دار است ماده ۱۴ - چنانچه مطالعه پرونده قبل از قبول وکالت در موضوع دعوی به تشخیص وکیل ضرورت داشته باشد، حق‌الوکاله مطالعه پرونده در کلیه مراجع قضایی دیوان عدالت اداری و مراجع غیر قضایی ۲۰۰،۰۰۰ ریال تعیین می‌شود و در صورت قبول وکالت در موضوع دعوی مبلغ مزبور جزو حق‌الوکاله وکیل منظور خواهد شد. ماده ۱۵ - وکلای دادگستری و کارگشایان مکلفند معادل نصف آنچه بابت مالیات طبق قانون مالیاتهای مستقیم تمبر به وکالتنامه الصاق می‌کنند برای صندوق حمایت وکلا و کارگشایان و نیز یک چهارم مالیات را بابت هزینه کانون به حسابداری دادگستری پرداخت کنند و صندوق دادگستری مکلف است سهم صندوق حمایت از وکلا و کارگشایان را در هر مورد قبول و در آخر هر ماه به کانون وکلای دادگستری مربوطه بپردازد. دو درصد از آنچه وصول می‌شود حق‌الزحمه متصدیان وصول خواهد بود. ماده ۱۶ - هزینه مسافرت وکلا، کیلومتری ۵۰۰ ریال رفت و برگشت می‌باشد، مگر هزینه‌های مذکور از سوی موکل تقبل شود. و فوق العاده روزانه مبلغ ۳۰۰ ۰۰۰ ریال تعیین می‌گردد. ماده ۱۷ - این آیین‌نامه از تاریخ لازم‌الاجرا و آیین‌نامه تعرفه حق‌الوکاله و هزینه سفر وکلای دادگستری مصوب تیر ماه ۱۳۴۱ از تاریخ فوق ملغی است

آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. مصوب

الف - تشکیلات ماده ۱ - انجام امور مربوط به اجرای ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به حوزه معاونت قضائی قوه قضائیه محول می‌گردد که طبق مقررات این آیین‌نامه اقدام نماید. ماده ۲ - به منظور بررسی صلاحیت کسانی که متقاضی تاسیس موسسه مشاوره حقوقی و یا کارشناسی می‌باشند هیاتی مرکب از معاون قضایی رئیس قوه قضائیه (به عنوان رئیس هیات و مدیر کل آموزش و مدیر کل گزینش و استخدام قوه قضائیه به علاوه دو یا سه تن از اساتید دانشگاه در رشته حقوق یا قضات عالی‌رتبه با تعیین رئیس قوه قضائیه به ریاست معاون قضایی قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. وظایف هیات مذکور به شرح ذیل است الف - تعیین تعداد مشاور حقوقی یا کارشناس مورد نیاز در هر سال ب - بررسی و تعیین صلاحیت متقاضیان ج - نظارت و پیگیری نسبت به عملکرد مشاورین حقوقی و کارشناسان موضوع این آیین‌نامه ه - پیگیری و رسیدگی به تخلفات مشاورین و کارشناسان موضوع این آیین‌نامه راساً یا حسب درخواست شاکی خصوصی و - تعیین تکلیف برای سایر موارد ضروری که در این آیین‌نامه مسکوت است با توجه به روح این آیین‌نامه و قوانین و مقررات موجود ب - شرایط متقاضیان ماده ۳ - متقاضیان اخذ مجوز تاسیس موسسه مشاوره حقوقی یا کارشناسی باید دارای شرایط ذیل باشند: الف - تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران ب - داشتن حداقل ۲۵ سال تمام سن ج - داشتن دانشنامه معتبر کارشناسی از دانشکده‌های معتبر داخلی یا خارجی (در حالت اخیر، به شرط ارزشیابی رسمی در رشته حقوق برای متقاضیان مشاوره حقوقی و در رشته مورد تقاضا برای متقاضیان کارشناسی د - انجام خدمت وظیفه عمومی یا معافیت دائم برای آقایان ه - عدم سو پیشینه کیفری و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی و - عدم اعتیاد به مواد مخدر به تایید سازمان پزشکی قانونی ز - عدم اشتغال اعم از رسمی، قرارداد و پیمانی در وزارتخانه‌ها، سازمانها، ادارات و شرکتهای دولتی نهادهای انقلابی شهرداریها و موسسات مامور به خدمات عمومی و عدم اشتغال به سردفتری یا دفتریاری در زمان صدور مجوز. ح - نداشتن سو شهرت ط - داشتن وثاقت و تعهد به اصل نظام و قانون اساسی ی - عدم محکومیت به انفصال

دائم از خدمات قضایی یا وکالت دادگستری و یا سلب صلاحیت برای متقاضیان شغل مشاوره حقوقی و عدم محکومیت به انفصال دائم از شغل کارشناسی برای متقاضیان کارشناسی تبصره - مشاغل آموزشی یا پژوهشی در دانشگاهها از مقررات بند (ز) مستثنی است ج - مدارک و نحوه درخواست ماده ۴ - در مهر ماه هر سال صورت نفاذی که احتیاج به مشاور حقوقی یا کارشناس رسمی دارد با تعیین تعداد مورد نیاز برای هر محل در روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی می‌گردد. متقاضیان باید ظرف مدت مقرر در آگهی درخواست خود را با درج مراتب ذیل در آن به معاونت قضایی قوه قضائیه تسلیم یا ارسال نمایند: الف - مشخصات کامل طبق شناسنامه و میزان تحصیلات متقاضی ب - محل اقامت و نشانی پستی ج - سوابق شغلی قبل از درخواست د - تعیین محل مورد درخواست برای تاسیس موسسه مشاوره حقوقی یا کارشناسی ماده ۵ - درخواست متقاضیان باید دارای پیوستهای ذیل باشد: الف - یک برگ تصویر مصدق از کلیه صفحات شناسنامه ب - شش قطعه عکس ۳*۴ ج - گواهی‌های مذکور در ماده ۳ د - گواهی وثاقت به امضای کسی که فرد مورد نظر را برای مشاوره حقوقی یا کارشناسی مناسب معرفی کند ه - گواهی سوابق اشتغال به همراه مستندات مربوطه در صورت داشتن سابقه اشتغال د - نحوه رسیدگی انتخاب و آموزش ماده ۶ - درخواست متقاضیان به ترتیب وصول در معاونت قضایی ثبت و برای هر متقاضی پرونده جداگانه‌ای تشکیل می‌شود. معاونت مذکور، سوابق متقاضی را از مراجع اطلاعاتی و قضایی محل اقامت و اشتغال و از موسسه آموزش عالی مربوطه استعلام و درباره صلاحیت وی به نحو مقتضی تحقیق و نتیجه را در پرونده منعکس و به هیات موضوع ماده ۲ این آیین‌نامه تسلیم می‌نماید. ماده ۷ - معاون قضایی یا هیات مذکور در ماده ۲ می‌تواند انجام اقداماتی در رابطه با بررسی صلاحیت متقاضیان را از هسته‌های گزینش قوه قضائیه در استانها درخواست نماید. هسته گزینش مربوطه مکلف است نتیجه بررسی را ظرف مهلت مقرر به هیات اعلام نماید. ماده ۸ - از کلیه داوطلبان واجد شرایط به ترتیب مقرر در مواد آتی امتحان کتبی به عمل خواهد آمد. زمان و مکان برگزاری امتحان از طریق روزنامه‌های کثیرالانتشار اعلام می‌گردد. تبصره - اعضای هیات علمی رسمی دانشکده‌های حقوق به شرط داشتن مدرک دکتری تایید شده و حداقل سه سال سابقه تدریس در دروس حقوقی از شرکت در این آزمون معاف می‌باشند. ماده ۹ - مواد امتحانی برای داوطلبان مشاوره حقوقی عبارتند از: متون فقه در حد تحریرالوسیله قانون آیین دادرسی کیفری و مدنی قانون مدنی و امور حسبی قانون تجارت قانون مجازات اسلامی و قانون ثبت اسناد و املاک ماده ۱۰ - مواد امتحانی برای داوطلبان کارشناسی رسمی عبارتند از: الف - دروس تخصصی و فقهی مربوط به رشته مورد تقاضا ب - قوانین و مقررات مربوط به کارشناسی ماده ۱۲ - چگونگی و نحوه انجام امتحان و امور مربوط به آن از جمله انجام مصاحبه پس از قبولی در آزمون کتبی را هیات موضوع ماده ۲ این آیین‌نامه مشخص می‌کند. ماده ۱۳ - هیات اسامی داوطلبانی را که صلاحیت آنان محرز تشخیص داده شده است جهت دستور صدور پروانه به اطلاع رئیس قوه قضائیه خواهد رسانید. ماده ۱۴ - پروانه مشاورین و کارشناسان رسمی موضوع این آیین‌نامه به امضای کسی که از طرف رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود خواهد رسید. اعتبار پروانه مذکور دو سال خواهد بود که پس از آن برای مدت‌های مشابه قابل تمدید می‌باشد. در صورت عدم تمدید پروانه وکالت این افراد در مراجع قضایی پذیرفته نخواهد شد. همچنین ارجاع امر کارشناسی از سوی مراجع قضایی به کارشناسی که پروانه وی تمدید نشده است ممنوع می‌باشد. ماده ۱۵ - متقاضیان مشاوره حقوقی پس از احراز صلاحیت پذیرش آنان به مدت ۶ ماه دوره کارآموزی را مانند کارآموزان قضایی زیر نظر اداره کل آموزش قوه قضائیه طی می‌کنند. تبصره ۱ - هر کارآموز دارای کارنامه مخصوصی خواهد بود که از طرف معاونت قضایی یا اداره کل آموزش به او داده می‌شود. در این کارنامه حسن اخلاق کارآموز و عملکرد دوره کارآموزی وی از سوی اداره کل آموزش ثبت خواهد شد. تبصره ۲ - پذیرفته‌شدگانی که حداقل ۶ ماه سابقه کار قضایی به تأیید مراجع مربوطه داشته باشند و نیز اعضا رسمی هیات‌های علمی دانشکده‌های حقوق داخل کشور که دارای مدرک تحصیلی دکتری در یکی از رشته‌های حقوقی باشند و حداقل پنج سال از آغاز استخدام رسمی آنها گذشته باشد، از انجام دوره کارآموزی معاف خواهند بود. ماده ۱۶ - پذیرفته‌شدگان کارشناسی رسمی باید به

مدت ۶ ماه نزد یکی از کارشناسان رسمی در رشته مربوط که حداقل ۵ سال سابقه کارشناسی داشته باشد کارآموزی نمایند. در رشته‌های جدید کارشناسی شخص پذیرفته شده از کارآموزی معاف خواهد بود مگر آنکه هیات مذکور در ماده ۲ ترتیب دیگری را مقرر نماید. ماده ۱۷ - پذیرفته شده هنگام اخذ پروانه با حضور اکثریت اعضای هیات مذکور در ماده ۲ به ترتیب ذیل سوگند یاد نموده و سوگندنامه و صورتجلسه مربوطه را امضاء می‌نماید. متن سوگندنامه مشاور به شرح ذیل می‌باشد: بسم الله الرحمن الرحیم در این موقع که می‌خواهم به شغل (مشاوره حقوقی نائل شوم به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و برخلاف شرافت شغلی‌ام اقدام و اظهاری ننمایم و احترام اشخاص مقامات قضایی اداری و همکاران و اصحاب دعوی را رعایت نموده و از اعمال نظر شخصی و کینه توزی و انتقام جویی احتراز و در امور و کارهایی که انجام می‌دهم راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع حق باشم و شرافت من وثیقه این سوگند است که یاد کرده و ذیل سوگندنامه را امضاء می‌نمایم متن سوگند نامه کارشناس رسمی به شرح ذیل می‌باشد: بسم الله الرحمن الرحیم به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم در امور کارشناسی که به من ارجاع می‌گردد خداوند متعال را حاضر و ناظر دانسته به راستی و درستی عقیده خود را اظهار نمایم و نظریات شخصی را در آن دخالت ندهم و نظر خود را نسبت به موضوع کارشناسی به طور کامل اظهار نمایم و هیچ چیز را مکتوم ندارم و بر خلاف واقع چیزی نگویم و ننویسم ماده ۱۸ - پذیرفته شدگان مشاوره حقوقی منفردا یا مشترکا اقدام به تشکیل موسسه می‌نمایند. دارندگان پروانه مکلف‌اند حداکثر ظرف مدت ۶ ماه طبق مقررات مربوط به ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری نسبت به ثبت موسسه اقدام نمایند در غیر این صورت مجوز باطل و بی اعتبار خواهد بود مگر آنکه هیات مذکور در ماده ۲، این مدت را حداکثر برای یک بار به مدت ۶ ماه دیگر تمدید نماید. تبصره ۱ - ثبت موسسه در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستانی انجام می‌شود که پروانه تاسیس موسسه برای آن محل صادر شده است تبصره ۲ - ثبت موسسات حقوقی موکول به ارائه پروانه تاسیس از قوه قضاییه برای مدتی که در پروانه تعیین شده است خواهد بود. تمدید ثبت تابع تمدید پروانه می‌باشد. تبصره ۳ - موسسه مشاوره حقوقی تابع ضوابط و مقررات مربوط به موسسات غیرتجاری خواهد بود. ماده ۱۹ - موسسه مشاوره حقوقی باید در محلی که در پروانه صادره درج شده است دایر شود و نمی‌توان عملا فعالیت آن را در محل دیگری متمرکز نمود. در غیر این صورت پروانه صادره ابطال می‌گردد مگر اینکه در خصوص تغییر محل قبلا موافقت هیات مذکور در ماده ۲ کسب شده باشد. تبصره - مفاد این ماده مانع از حضور شخص مشاور حقوقی در محاکم یا سایر مراجع شهرهای دیگر به عنوان وکیل نمی‌باشد. ماده ۲۰ - دارندگان پروانه فقط مجاز به تشکیل یک موسسه می‌باشند. ایجاد شعب و موسسات فرعی ممنوع و مستوجب تعقیب و تعطیلی موسسه و تمام شعب آن خواهد بود. ماده ۲۱ - وظایف و تکالیف و مسئولیتهای مشاورین حقوقی و کارشناسان موضوع این آیین‌نامه همان است که در قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط به وکلای دادگستری و کارشناسان رسمی مقرر است ماده ۲۲ - مشاوران حقوقی موضوع این آیین‌نامه پس از اخذ پروانه به مدت دو سال مشاوره حقوقی پایه ۲ محسوب می‌شوند و تنها حق شرکت در محاکم کیفری که به جرائم مستوجب تعزیر رسیدگی می‌کنند و نیز در محاکم حقوقی که به دعاوی با خواسته کمتر از صد میلیون ریال یا خواسته غیرمالی رسیدگی می‌کنند را دارند. پس از انقضای این مدت و به شرط نداشتن تخلف پروانه مشاوره پایه (۱) ارتقا می‌یابد. دارندگان پروانه پایه (۱) حق شرکت در کلیه محاکم اعم از حقوقی کیفری و غیره را دارند. تبصره ۱ - اعمال مفاد این ماده مانع از حق ارائه مشاوره حقوقی از سوی مشاور در کلیه پرونده‌ها نمی‌باشد. تبصره ۲ - قبول شدگان در آزمون و مصاحبه مشاوره حقوقی باید قبل از اخذ پروانه متعهد شوند که حسب ارجاع هیات موضوع ماده ۲ این آیین‌نامه ارائه خدمات و مشاوره حقوقی از سوی آنان به متهمان شاکیان و اصحاب دعوی که امکانات مالی لازم را برای استخدام وکیل ندارند با نرخهای کمتر و شرایط سهل خواستار شود. تبصره ۳ - آن دسته از مشاوران حقوقی که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد به بالامی باشند می‌توانند درخواست صدور پروانه تخصصی در رشته‌ای که در آن رشته مدرک تحصیلی خود را اخذ کرده‌اند بنمایند.

در چنین صورتی حق‌الوکاله و حق‌المشاوره آنها در پرونده‌های مرتبط بارشته تخصصی آنان ۲۵ درصد بیش از مبالغ مذکور در ماده ۲۳ خواهد بود. ماده ۲۳ - حق‌الوکاله مشاورین و حق‌الزحمه کارشناسان حداکثر تا ۶۰٪ تعرفه و کلای پایه یک‌دادگستری و کارشناسان رسمی حسب مورد خواهد بود. میزان حق‌المشاوره توسط هیات موضوع ماده ۲ همه ساله تعیین خواهد شد. ماده ۲۴ - موارد تخلف مشاورین حقوقی و کارشناسان موضوع این آیین‌نامه حسب مورد همان است که در مورد وکلا و کارشناسان رسمی دادگستری در سایر قوانین و مقررات مقرر گردیده است تنبیهات انتظامی این افراد عبارت است از توییح کتبی بدون درج در پرونده توییح کتبی با درج در پرونده عدم تمدید پروانه مشاوره حقوقی یا کارشناسی به طور موقت و لغو یا عدم تمدید پروانه مشاوره حقوقی یا کارشناسی به طور دائم تبصره - مرجع اعمال این تنبیهات هیات موضوع ماده ۲ آیین‌نامه خواهد بود.

قانون استفاده بعضی از دستگاهها از نماینده حقوقی در مراجع قضایی (مصوب ۱۳۷۴/۳/۷)

ماده واحده - به موجب این قانون بنیاد شهید انقلاب اسلامی بنیاد پانزده خرداد، کمیته امداد امام خمینی بنیاد مستضعفان جانبازان انقلاب اسلامی ستاد رسیدگی به امور آزادگان شهرداریها، بانکها و دانشگاههای غیر دولتی می‌توانند نماینده حقوقی خود را جهت طرح دعوا یا دفاع از دعاوی مربوط در مراجع قضایی معرفی نمایند. ۱ - مورخ ۳۰/۶/۱۳۷۶ عبارت زیر به این ماده واحده اضافه شد: «و شرکتهای دولتی و موسسات انتفاعی وابسته به دولت از جمله شرکتهای دولتی و موسسات انتفاعی وابسته به دولت که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی»

از قانون مالیاتهای مستقیم (مصوب اسفند ۱۳۶۶). (ماده ۱۰۳ + ۳ تبصره)

ماده ۱۰۳ - وکلا دادگستری و کسانی که در محاکم اختصاصی و کالت می‌کنند مکلفند در وکالتنامه‌های خود رقم حق‌الوکاله‌ها را قید نمایند و معادل پنج درصد آن بابت علی‌الحساب مالیاتی روی وکالتنامه تمبر الصاق و ابطال نمایند که در هر حال مبلغ تمبر، حسب مورد نباید کمتر از میزان مقرر در زیر باشد: الف - در دعاوی و اموری که خواسته آنها مالی است پنج درصد حق‌الوکاله مقرر در تعرفه برای هر مرحله ب - در مواردی که موضوع و کالت مالی نباشد یا تعیین بهای خواسته قانونا لازم نیست و همچنین در دعاوی کیفری که تعیین حق‌الوکاله به نظر دادگاه است پنج درصد حداقل حق‌الوکاله مقرر در آئین‌نامه حق‌الوکاله برای هر مرحله ج - در دعاوی کیفری نسبت به مورد ادعای خصوصی که مالی باشد، برطبق مفاد حکم بند الف این ماده د - در مورد دعاوی و اختلافات مالی که در مراجع اختصاصی غیرقضایی رسیدگی و حل و فصل می‌شود و برای حق‌الوکاله آنها تعرفه خاصی مقرر نشده است از قبیل اختلافات مالیاتی و عوارض توسعه معابر شهرداری و نظایر آنها، میزان حق‌الوکاله صرفا از لحاظ مالیاتی به شرح زیر: تا یک میلیون ریال مابه‌الاجتلاف پنج درصد تا سه میلیون ریال مابه‌الاجتلاف چهاردرصد نسبت به مازاد یک میلیون ریال از سه میلیون ریال مابه‌الاجتلاف به بالا سه درصد نسبت به مازاد سه میلیون ریال منظور می‌شود و معادل پنج درصد آن تمبر باطل خواهد شد. مفاد این بند درباره اشخاصی که وکالتا در مرجع مذکور در این بند اقدام می‌نمایند (ولو اینکه وکیل دادگستری نباشند) نیز جاری است جز در مورد کارمندان مودی یا پدر - مادر - برادر - خواهر - پسر - دختر - نواده و همسر مودی تبصره ۱ - در هر مورد که طبق مفاد این ماده عمل نشده باشد وکالت وکیل با رعایت قانون مقررات قانون آئین دادرسی مدنی در هیچ یک از دادگاهها و مراجع مزبور قابل قبول نخواهد بود مگر در مورد وکالتهای مرجوعه از طرف وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و شرکتهای دولتی و شهرداریها و موسسات وابسته به دولت و شهرداریها که محتاج به ابطال تمبر روی وکالتنامه نمی‌باشند. تبصره ۲ - وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و شرکتهای دولتی و شهرداریها و موسسات وابسته به دولت و شهرداریها مکلفند از وجوهی که بابت حق‌الوکاله به

وکلا- پرداخت می کنند پنج درصد آنرا کسر و بابت علی الحساب مالیاتی وکیل ظرف ده روز به حوزه مالیاتی محل پرداخت نمایند. تبصره ۳- در صورتی که پس از ابطال تمبر، تعقیب دعوی به وکیل دیگری واگذار شود، وکیل جدید مکلف به ابطال تمبر روی وکالتنامه مربوطه نخواهد بود. تبصره ۴- در مواردی که دادگاهها حق الوکاله یا خسارت حق الوکاله را بیشتر یا کمتر از مبلغی که ماخذ ابطال تمبر روی وکالتنامه قرار گرفته است تعیین نمایند، مدیران دفتر دادگاهها مکلفند میزان مورد حکم قطعی را به حوزه مالیاتی مربوطه اطلاع دهند تا مابه التفاوت مورد محاسبه قرار گیرد. ماده ۱۸۸- متصدیان فروش و ابطال تمبر براساس مقررات این قانون به میزان مقرر در روی هر وکالتنامه تمبر باطل و میزان آن را در دفتری که اختصاصا جهت تمبر مصرفی باید وسیله هر یک از وکلا- نگهداری شود ثبت و گواهی نمایند. دفتر مزبور باید در موقع رسیدگی به حساب مالیاتی وکیل به دفتر ممیزی ارائه شود وگرنه از موجبات عدم قبول دفتر وکیل از نظر مالیاتی خواهد بود.

تجویز دادرسی غیابی در امور جنایی (مصوب ۲/۳/۱۳۳۹)

ماده واحده- در امور جنایی هر گاه متهم متواری بوده و احضار و جلب او برای تعیین وکیل یا انجام سایر تشریفات راجع به تشکیل جلسه مقدماتی یا دادرسی مقدور نباشد و دادگاه حضور متهم را برای دادرسی ضروری تشخیص ندهد، دادگاه اقدام به تعیین وکیل و تشکیل جلسه مقدماتی نموده و در غیاب متهم اقدام به دادرسی خواهد نمود مگر آنکه دادستان رسیدگی حضوری را ممکن دانسته و از دادگاه تقاضای اعاده پرونده را به منظور احضار و جلب متهم بنماید. در رسیدگی غیابی به دادخواست مدعی خصوصی نمی توان رسیدگی نمود.

قانون نحوه اصلاح کانونهای وکلاء دادگستری جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۶/۷/۱۳۷۰)

ماده ۱- به منظور اصلاح کانونهای وکلا دادگستری جمهوری اسلامی ایران هیات بازسازی کانونهای وکلا مرکب از شش نفر از وکلا- دادگستری و سه نفر از قضات شاغل به انتخاب رئیس قوه قضائیه برای مدت یک سال تعیین می شوند که مامور اجرای این قانون می باشند. به منظور تسریع در رسیدگی هیات متشکل از سه شعبه مستقل هر یک با عضویت دو نفر وکیل و یک نفر قاضی خواهد بود. رئیس شعبه اول ریاست اداری بر شعب سه گانه را دارد. تبصره ۱- هیات مزبور آیین نامه نحوه رسیدگی و تشکیل جلسات و صدور رای را ظرف یک ماه تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهند رساند. تبصره ۲- تا پایان مهلت اجرای این قانون انتخابات هیات مدیره کانونهای وکلا متوقف و بلافاصله پس از آن برگزار خواهد شد. ماده ۲- کلیه وزارتخانهها، سازمانها، ارگانها و دستگاههای عمومی کشور موظفند در ارائه اطلاعات مورد درخواست در مهلتی که از طرف هیات تعیین می شود، همکاری نمایند. ماده ۳- وکلا می توانند هنگام رسیدگی در شعبه حضور یابند و از خود دفاع کرده یا لایحه ارسال دارند. ماده ۴- موارد رد دادرسی در مورد این قانون لازم الاجراست و در صورت وجود موارد رد، پرونده وکیل مربوطه به شعب دیگر هیات احاله می گردد. ماده ۵- شعب رسیدگی کننده در موارد زیر حکم به انفصال دائم از وکالت دادگستری می دهند: الف- شاغلین مشاغل زیر در رژیم سابق ۱- وزرا رژیم قبل و معاونین آنها، نمایندگان مجلس شورای ملی و سنا بعد از خرداد ۱۳۴۲، سفرا و استانداران بعد از خرداد ۱۳۴۲ و مجلس موسسان سابق ۲- مامورین و منابع ساواک منحل ۳- دبیران حزب منحل رستاخیز در سطح شهرستان استان و همچنین مقامات بالاتر حزب ۴- عضویت در تشکیلات فراماسونری و سازمانهای وابسته به آن و عوامل صهیونیسم ۵- افرادی که از امکانات کانون وکلا برای پیشبرد اهداف حزب رستاخیز و رژیم گذشته استفاده کرده اند. ب- کسانی که به اتهام یکی از جرائم زیر محکومیت قطعی یافته اند: ۱- افرادی که علیه جمهوری اسلامی قیام یا فعالیت موثر به نفع گروههای غیر قانونی کرده اند. ۲-

عضویت در سازمانهای جاسوسی به نفع بیگانگان قبل یا بعد از انقلاب اسلامی ۳- همکاری با قوای نظامی بیگانه علیه جمهوری اسلامی یا افشاء اسرار و اسناد سری کشور. ۴- قاچاق، ارتشا، اختلاس کلاهبرداری سرقت جعل جرائم منافی عفت و شرب خمر. ج - کسانی که مشمول یکی از موارد ذیل هستند: ۱- اشتهار به فساد اخلاق. ۲- اعتیاد به مشروبات الکلی و مواد مخدر. ۳- ارتکاب اعمال و رفتار خلاف شرافت و حیثیت و شئون شغل و کالت. ۴- عضویت در فرق ضاله یا عضویت در سازمانهایی که مرامنامه آن مبتنی بر نفی ادیان الهی باشد. ۵- بقاء مستمر بر عضویت و هواداری تشکیلاتی از گروههای غیر قانونی پس از اعلام غیرقانونی بودن آنها. ماده ۶- آرا شعب که مبنی بر انفصال و کیل باشد ظرف ده روز قابل تجدید نظر خواهی محکوم علیه در دادگاه عالی انتظامی قضات است و تا صدور رای در دادگاه مزبور به هر حال و کیل محکوم علیه ممنوع الوکاله خواهد بود. تبصره - دادگاه عالی انتظامی قضات طبق این قانون و خارج از نوبت ظرف سه ماه به تقاضاهای تجدید نظر رسیدگی و رای قطعی صادر می نماید. ماده ۷- این قانون از تاریخ ۱۶/۷/۱۳۷۰ لازم الاجرا خواهد بود.

لایحه قانونی راجع به تصفیه و پاکسازی در کانون وکلای دادگستری

ماده واحده به شورای سرپرستی وزارت دادگستری اجازه داده می شود به منظور تصفیه و پاکسازی در کانون وکلای هیات مدیره مرکب از پنج نفر از وکلای دادگستری برای تصویب به شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد کند و تا تصفیه کامل در کانون وکلای دادگستری، انتخابات هیئت مدیره جدید برگزار نمی شود و هیئت مدیره فعلی کانون وکلای دادگستری کماکان اختیارات قانونی خود را خواهد داشت تبصره ۱- مدت اختیار این هیات از تاریخ شروع به کار ۶ ماه خواهد بود. سایر قوانین مغایر این قانون ملغی است تبصره ۲- جرایم و تخلفاتی که معیار پاکسازی است همان است که در لایحه پاکسازی کارمندان دولت مصوب شورای انقلاب

قانون حمایت قضایی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح (مصوب ۲۹/۷/۷۶). (ماده واحده در تبصره)

ماده واحده تمام وزارتخانه ها، شرکت ها، موسسات و سازمان های دولتی و دستگاه هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است همچنین نیروهای مسلح (نظامی و انتظامی) مکلفند بنا به درخواست کارکنان خود در زمان حیات و یا وراثت درجه اول آنان پس از فوت در دعوایی که از انجام وظیفه آنان ناشی می شود یا به نحوی با وظایف ایشان مرتبط است با استفاده از کارشناسان حقوقی شاغل به آنان خدمات حقوقی ارائه کنند. تبصره ۱: مقررات این قانون شامل کارکنانی که دستگاه های دولتی از آنان شاکی باشند نخواهد شد. تبصره ۲: کارشناسان حقوقی موضوع این قانون باید دارای حداقل مدرک کارشناسی و رشته حقوق قضایی و در موارد یاد شده بدون الزام به دریافت پروانه و ارائه پروانه وکالت و با الزام به رعایت بخشی از مقررات راجع به وظایف و تکالیف وکلای دادگستری که در آئین نامه اجرایی این قانون مشخص می شود با درخواست اشخاص مذکور در ماده واحده حسب مورد در تمامی مراحل دادرسی به عنوان وکیل شرکت کنند. تبصره ۳: آئین نامه اجرایی این قانون توسط وزارت دادگستری با همکاری وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان اداری و استخدامی کشور ظرف مدت سه ماه تهیه و به تصویب هیات وزیران می رسد.

قانون تشکیل صندوق حمایت وکلاء و کارگشایان دادگستری (مصوب ۲۹ دی ماه ۵۵). (م ۱ تا م ۱۸)

ماده ۱- وکلا و کارگشایان دادگستری طبق مقررات این قانون از طریق بیمه اجباری در برابر اثرات ناشی از پیری و از کار افتادگی

و فوت حمایت میشوند. تبصره - وکلا و کارگشایانی که مشمول مقررات قانون استخدام کشوری یا قانون استخدام نیروهای مسلح یا قانون تامین اجتماعی یا مقررات بازنشستگی دیگری هستند از مشمول مقررات حمایتی این قانون مستثنی میباشند. ماده ۲ - برای اجرای این قانون صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری که در این قانون صندوق نامیده می شود تشکیل می گردد. ماده ۳ - صندوق دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و از پرداخت مالیات و عوارض معاف میباشد. ماده ۴ - اساسنامه صندوق از طرف کانون وکلای دادگستری مرکز با مشارکت نماینده یا جلب نظر کانونهای دیگر تهیه و پس از تایید وزارت دادگستری و وزارت بهداشت و بهزیستی و تصویب شورای عالی تامین اجتماعی به موقع اجرا گذاشته می شود. ماده ۵ - منابع مالی صندوق به شرح زیر است : ۱ - حق بیمه‌ای که مشمولین این قانون مستقیماً به صندوق می پردازند. ۲ - وجوهی که کانونهای وکلا به صندوق می پردازند. ۳ - سود حاصل از درآمد وجوه صندوق ۴ - کمکها و هدایایی که از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی به صندوق داده می شود. ماده ۶ - کلیه دارایی و تعهدات صندوق تعاون وکلای دادگستری به صندوق منتقل می شود. ماده ۷ - وجوه مذکور در تبصره ۷۹ قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور همچنین کسور بازنشستگی قضات و کارمندانی که قبل از بازنشستگی مستعفی شده یا بشوند پروانه وکالت گرفته یا بگیرند باید به صندوق واریز شود. ماده ۸ - (اصلاحی ۷۵) نرخ و ترتیب پرداخت حق بیمه از طرف بیمه شده و کانون وکلا - و شرایط استفاده از مزایا و میزان و نحوه بهره برداری از وجوه صندوق طبق آیین‌نامه‌ای است که به وسیله وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید. تبصره - وکلای دادگستری و کارگشایان مکلفند معادل نصف آنچه که بابت مالیات طبق قانون مالیاتهای مستقیم تمبر به وکالتنامه الصاق می کنند همچنین معادل نصف مالیات وجوهی که به عنوان حق المشاوره و حق الوکاله به طور مقطوع دریافت می دارند به صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری پرداخت نمایند. ماده ۹ - از تاریخ اجرای این قانون وجوه موضوع مواد ۳ و ۴ قانون تشکیل صندوق تعاون وکلا (مصوب سال ۱۳۵۰) به کانون وکلای مربوط پرداخت میشود. ماده ۱۰ - دولت به پیشنهاد وزارت دادگستری هر سال مبلغی بابت حق الوکاله‌های تسخیری و معاضدتی در بودجه کل کشور پیش بینی و به کانونهای وکلا خواهد پرداخت ماده ۱۱ - تجدید پروانه سالانه وکلا - و کارگشایان مشمول این قانون موقوف به ارائه مفصاحساب پرداخت حق بیمه می باشد. ماده ۱۲ - وکلا - و کارگشایانی که طبق مقررات مربوط تقاضای بازنشستگی می کنند مکلفند تمام حق بیمه سنوات گذشته خود را به ترتیبی که در آیین‌نامه موضوع ماده ۸ این قانون تعیین خواهد شد بپردازند. ماده ۱۳ - سوابق خدمت رسمی قضات و کارمندان دولت و مدت نمایندگی مجلسین سنا و شورای ملی و مدت خدمت وظیفه کسانی که مشمول مقررات این قانون قرار می گیرند از لحاظ بازنشستگی به شرط پرداخت تمام حق بیمه سنوات مذکور با احتساب وجوه پرداختی بابت بازنشستگی متقاضی که به صندوق واریز شده است جز سابقه وکالت محسوب خواهد شد. تبصره - وکالتهایی که قبل از صدور حکم بازنشستگی به وکلای بازنشسته داده شده و محاکمات آن در جریان رسیدگی است به قوت خود باقی و تعقیب دعاوی مذکور تا مرحله نهایی از طرف وکلای بازنشسته بلامانع است ماده ۱۵ - وکلا و کارگشایان دادگستری میتوانند با رعایت ماده ۱۴ در صورت داشتن ۳۰ سال سابقه وکالت و یا دارا بودن حداقل ده سال سابقه وکالت و شصت سال سن و پرداخت حق بیمه به ترتیب مقرر در آیین‌نامه تقاضای بازنشستگی نمایند. تبصره - مدت کارآموزی وکلای دادگستری جز مدت سی سال مذکور در ماده فوق الذکر محسوب می گردد و از تاریخ اجرای این قانون پروانه کارآموزی وکالت دادگستری برای حوزه قضایی استان مرکز فقط به کسانی داده می شود که سن آنها از چهل سال تمام بیشتر نباشد و برای سایر حوزه‌های قضایی پروانه کارآموزی به کسانی داده می شود که سن از پنجاه سال تمام بیشتر نباشد و چنین پروانه‌هایی قابل انتقال به حوزه قضایی استان مرکز نمیشود. ماده ۱۶ - وجوهی که از طرف وکلای دادگستری و کارگشایان به حساب تعاونی آنها به صندوق تعاون وکلای دادگستری پرداخت شده است همچنین وجوه موضوع ماده ۷ این قانون بابت حق بیمه آنها که باید راساً به صندوق بپردازد محاسبه خواهد شد. ماده ۱۷ - هر گونه برداشت یا تصرف غیر قانونی از وجوه یا

اموال صندوق در حکم اختلاس یا تصرف غیر قانونی در اموال دولت است ماده ۱۸ - از تاریخ اجرای این قانون مواد ۱ و ۲ قانون تشکیل صندوق تعاون و کلا و آن قسمت از قوانین و مقررات دیگری که در مقام اجرا با این قانون مغایر است لغو میشود.

قانون اجازه پرداخت ۵۰ درصد از حق‌الوکاله‌های وصولی نمایندگان قضایی و کارمندان موثر در پیشرفت دعاوی

ماده واحده - به وزارت دارایی اجازه داده می‌شود نسبت به دعاوی که دولت در محاکم قضایی محکوم‌له واقع و طرف به پرداخت خسارت حق‌الوکاله در حق دولت محکوم می‌گردد سی درصد از حق‌الوکاله وصولی مورد حکم را به نماینده قضایی ذی مدخل مشروط بر اینکه کارمند وزارتخانه مربوطه بوده و دادرسی بدون دخالت و کیل انجام گرفته باشد و بیست درصد آن را به تشخیص وزارتخانه مربوطه به کارمندی که در پیشرفت دادرسی موثر شناخته می‌شوند پرداخت نماید و در هر صورت میزان پرداختی در هر دعوی نباید در مورد نماینده قضایی از چهار ماه حقوق و در مورد سایر کارمندان از دو ماه حقوق تجاوز نماید. تبصره - نماینده قضایی در صورتی مجاز به اقامه دعوی یا دفاع از آن است که از طرف وزارتخانه مربوطه مجاز به اقدام باشد.

قانون تشکیل صندوق تعاون و کلاء و تأمین هزینه‌های کانون وکلای دادگستری (مصوب ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۰).

مواد ۱ و ۲ - به موجب ماده ۱۸ قانون تشکیل صندوق حمایت و کلا لغو گردید. ماده ۳ - وکلای دادگستری و کارگشایان مرکز و استانها باید هر سال مبلغی به عنوان عضویت به کانون و کلا دادگستری حوزه خود بپردازند. ماده ۴ - هر یک از وکلای دادگستری و کارگشایان باید هنگام پرداخت حق تعاون مذکور در ماده ۲ این قانون مبلغی هم معادل نصف آن پرداخت نمایند. وجوه حاصل از اجرای این ماده و ماده ۳ به مصرف تأمین هزینه‌های کانون وکلای دادگستری مربوط خواهد رسید. ماده ۵ - کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و موسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها و بانکها و شرکتهای وابسته به آنها مکلفند موقع کسر مالیات و ابطال تمبر مالیاتی وجوه مندرج در مواد ۲ و ۴ را وصول کنند و هر ماه به کانون و کلا حوزه مربوط ارسال دارند. ماده ۶ - صدور پروانه وکلای دادگستری و کارگشایان و ثبت تمدید مدت اعتبار آن موکول به پرداخت وجوه مذکور در این قانون است و هیچ وکیلی قبل از تمدید مدت اعتبار پروانه خود حق وکالت ندارد. ماده ۷ - نحوه تشکیل و اداره صندوق تعاون و مصرف وجوه آن و همچنین تعیین میزان و طرز وصول حق عضویت سالانه و شرایط معافیت از آن به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که از طرف هیات مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز تهیه می‌شود و پس از تصویب وزیر دادگستری قابل اجرا است

قانون اجازه وکالت دادگستری به افسران قضائی لیسانسیه حقوق بازنشسته نیروهای مسلح. (ماده واحده + ۴ بند)

ماده واحده - افسران نیروهای مسلح که واجد شرایط زیر باشند پس از بازنشستگی با رعایت مقررات ماده ۱۰ قانون استقلال کانون وکلا مصوب اسفند ماه ۱۳۳۳ می‌توانند بدون طی کارآموزی به کار وکالت بپردازند و کانون وکلای دادگستری به این قبیل افسران پروانه وکالت درجه یک اعطا خواهد کرد. الف - دارا بودن حداقل دانشنامه در رشته حقوق. ب - دارا بودن حداقل پنج سال سابقه خدمت متوالی و یا هشت سال خدمت متناوب در مشاغل سازمانی قضائی زیر: ۱ - رئیس و عضو دادگاه عالی انتظامی و دادستان و دادیار دادسرای انتظامی قضات ارتش ۲ - دادستان ارتش و معاون او. ۳ - رئیس و عضو دادگاههای نظامی ۴ - دادستان دادیار و بازپرس و معاون بازپرس نظامی

مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص «انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی

ماده واحده - اصحاب دعوی حق انتخاب و کیل دارند و کلیه دادگاههایی که به موجب قانون تشکیل می‌شوند مکلف به پذیرش و کیل می‌باشند. تبصره ۱ - اصحاب دعوی در دادگاه ویژه روحانیت نیز حق انتخاب و کیل دارند، دادگاه تعدادی از روحانیون صالح را به عنوان و کیل مشخص می‌کند تا از میان آنان به انتخاب متهم و کیل انتخاب گردد. تبصره ۲ - هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه‌ای حق و کیل گرفتن را از متهم سلب نماید، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه سه و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی می‌باشد. تبصره ۳ - وکیل در موضوع دفاع از احترام و تامينات شاغلین شغل قضا، برخوردار می‌باشد. موضوع «انتخاب و کیل توسط اصحاب دعوی که در تاریخ یازدهم دی ماه یکهزار و سیصد و شصت و نه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و مورد اختلاف مجلس و شورای نگهبان قرار گرفته در اجرای اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی در جلسه روز پنجشنبه مورخ یازدهم مهر ماه یک هزار و سیصد و هفتاد به شرح فوق به تصویب نهایی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است

قانون راجع به لیسانس‌های حقوق و وکلاء (مصوبه اول و نهم مرداد ۱۳۰۹)

ماده ۱ - اشخاصی که دارای دیپلم لیسانس حقوق از مدارس داخله یا خارجه بوده و واجد شرط اول از ماده اول قانون استخدام قضات باشند ممکن است به خدمت قضائی قبول شده و یا تحصیل جواز و کالت نمایند این اشخاص در صورتی که محل ماموریت آنها در خارج از مرکز باشد با رتبه ۲ قضائی و هرگاه در مرکز باشد با رتبه یک قضائی استخدام خواهند شد. رتبه ۲ در صورتی برای اشخاص فوق باقی خواهد ماند که یکسال در خارج از مرکز اشتغال به خدمت داشته باشند. ماده ۲ - در هر حوزه صلح یا بدایتی که به قدر لزوم و کلا - مجاز در آنجا مقیم نباشد وزارت عدلیه می‌تواند مطابق نظام‌نامه مخصوص از داوطلبان شغل و کالت امتحان نموده اجازه و کالت بدهد. این قبیل اشخاص فقط در نقاطی که مطابق نظام‌نامه مذکور در فوق معین می‌شوند حق و کالت خواهند داشت ماده ۳ - این قانون از اول شهریور ماه ۱۳۰۹ به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

وکالت در قانون اساسی

- اصل ۳۵ قانون اساسی در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود و کیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب و کیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین و کیل فراهم گردد. ۲ - اصل ۱۴۱ قانون اساسی رئیس جمهور و معاونان رئیس جمهور و وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در موسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا موسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیات مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی جز شرکت‌های تعاونی ادارات و موسسات برای آنان ممنوع است سمت‌های آموزشی در دانشگاهها و موسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است

قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۸۱ (م ۱ تا م ۴۱)

ماده ۱ - در حوزه‌هایی که وزارت دادگستری اعلام می‌کند هر وقت رجوع به کارشناسی لازم باشد دادگاهها و پارک‌های و هر مقام رسمی دیگر باید منحصرأ از بین کارشناسان رسمی انتخاب کند. تبصره - در هر مورد که تعیین کارشناس مطابق قانون با اصحاب دعوی است طرفین در صورت تراضی می‌توانند از غیر کارشناسان رسمی انتخاب نمایند. ماده ۲ - این ماده و ماده ۳ با توجه به ماده ۱۰ لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۵۸ منسوخ است ماده ۴ - کارشناسانی که تحت

تعقیب جزایی برای جرائم مذکور در شق از ماده ۲ قرار بگیرند از شغل کارشناسی رسمی معلق می شوند. مقصود از تعقیب جزایی صدور ادعانامه است ماده ۵- این ماده و ماده ششم به لحاظ مغایرت با لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی طبق ماده ۳۰ آن لایحه منسوخ است ماده ۷- کارشناسانی که سوگند یاد کرده اند برای تجدید پروانه در سنوات بعد از یاد کردن سوگند معاف خواهد بود. ماده ۸- کارشناس رسمی باید وظایف مرجوعه را در اسرع اوقات انجام داده و به هیچ وسیله و عنوان اظهار عقیده خود را به تاخیر نیندازد. ماده ۹- در صورتی که کارشناس در عقیده خود اشتباه نموده و این اشتباه در اثر مسامحه به عمل آمده باشد متخلف به سه ماه تا دو سال محرومیت از کارشناسی رسمی محکوم خواهد شد. این محکومیت انتظامی مانع از تعقیب حقوقی نخواهد بود. ماده ۱۰- کارشناس رسمی مکلف است در موقعی که مقام صلاحیتدار معین می کند در جلسه دادرسی یا محلی که مقرر شده حاضر شود مگر این که عذر موجهی داشته از قبیل فوت یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم و همچنین در موقعی که موانع خارجی غیر قابل رفع که اراده او در آنها مداخلت نداشته مانع از حرکت او باشد و در صورت امکان باید عذر خود را قبلاً به اطلاع دادگاه یا مقام صلاحیتدار دیگر برساند. ماده ۱۱- در صورتی که کارشناس در دو یا چند مقام صلاحیتدار احضار شده و جمع بین اوقات ممکن نباشد باید حضور در دیوان جزا و دیوان جنایی را مقدم بدارد و در مورد سایر مقامات نزد مقامی که وقت آن زودتر ابلاغ شده حاضر شود در این صورت کارشناس مکلف است نسخه ثانی اخطار یا گواهی دفتر را به لایحه ای که برای اعتذار به مقام بعدی می فرستد ضمیمه نماید والا غایب متخلف محسوب خواهد شد. ماده ۱۲- کارشناس مکلف است اسراری را که در اثر انجام شغل خود مطلع شده است حفظ نماید، در صورت تخلف علاوه بر مجازات انتظامی به شش ماه تا دو سال حبس تادیبی محکوم خواهد شد. ماده ۱۳- کارشناس هنگام مراجعه مقام صلاحیتدار اگر جهت ردی موجود باشد مکلف است آن را به آن مقام اظهار دارد و تشخیص کفایت یا عدم کفایت جهت رد با مقام ارجاع کننده است جهات رد کارشناس همان جهات رد حاکم است ماده ۱۴- دریافت هر وجه یا مالی از اشخاص ذی نفع غیر از آنچه که دادگاه معین می کند و یا آیین نامه وزارت دادگستری مقرر می نماید ممنوع است و متخلف به مجازات مرتشی محکوم خواهد شد. ماده ۱۵- کارشناس نمی تواند از قبول کاری که به او رجوع شده خودداری نماید. ماده ۱۶- کارشناس باید در گزارشهایی که می دهد نزاکت را مراعات نماید. ماده ۱۷- کارشناس رسمی باید دارای دفتر منظمی بوده و نامه هایی که راجع به کارشناسی است در آنجا بایگانی نماید. ماده ۱۸- در کلیه مواردی که تادیه دستمزد کارشناس کلا یا بعضاً به عهده معسر است کارشناس رسمی باید نسبت به معسر موقتاً به طور مجانی رسیدگی و اظهار عقیده نماید و نیز نسبت به دعاوی که مدعی به آن کمتر از یک هزار ریال است در صورتی که دادگاه یا مقامی که تعیین کارشناس نموده نظر به عدم اهمیت موضوع رسیدگی مجانی را مقتضی بداند هر یک از کارشناسان رسمی مکلفند این گونه ارجاعات دادگاه یا مقام صلاحیتدار دیگر را که تعداد آن نسبت به هر یک نباید در سال از سه تجاوز کند بدون مطالبه حق الزحمه رسیدگی کرده اظهار عقیده نمایند. ماده ۱۹- مرجع تعقیب کارشناس اداره فنی وزارت دادگستری است و مطابق آیین نامه وزارت دادگستری دادرسی خواهد شد. ماده ۲۰- وزیر دادگستری می تواند همین قدر که از سو رفتار و اخلاق کارشناس رسمی مطلع شد امر به تعقیب انتظامی او داده و در موردی که اشتغال به کارشناسی او منافی با حیثیت کارشناسان رسمی باید او را از شغل کارشناس رسمی معلق نماید. ماده ۲۱- مجازاتهای انتظامی کارشناسان رسمی به قرار زیر است ۱- توبیخ شفاهی ۲- توبیخ کتبی با درج در پرونده ۳- جریمه نقدی از ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ ریال ۴- توبیخ با درج در مجله رسمی ۵- ممنوعیت موقت از سه ماه تا دو سال ۶- محرومیت دائم از شغل کارشناسی ماده ۲۲- مرور زمان نسبت به تعقیب انتظامی کارشناس دو سال از تاریخ وقوع تخلف و یا آخرین تعقیب انتظامی است ماده ۲۳- کارشناسی که بعد از قبول کارشناسی در انجام کارشناسی مسامحه کرده و دستور مقامی که کارشناسی را به او رجوع نموده رعایت نکرده یا دعوت آن مقام را برای ادای توضیحات اجابت ننموده یا توضیحاتی را که خواسته شده نداده یا نقص کارشناسی را رفع ننموده یا از اظهار عقیده یا از امضای نظری که اظهار کرده امتناع نموده یا در مهلت بدوی یا

تمدیدی عقیده خود را نرسانده یا بدون عذر موجه استعفا نموده یا در مجلس کارشناسان برای رسیدگی و اظهار عقیده حاضر نشده است مستحق حق الزحمه نیست و دادگاه پس از اخطار به او که اگر بخواهد در مقام مدافعه برآید نظر به اهمیت تخلف او رابه تادیبه جرمه نقدی از یکصد الی پانصد ریال محکوم می نماید و این گونه جرائم در صندوق دادگستری که در این مورد عنوان صندوق جرائم را خواهد داشت جمع آوری شده و به تصویب وزارت دادگستری به مصرفی که معین می شود می رسد. ماده ۲۴ - هرگاه کارشناسی در وقت مقرر حاضر شود و به واسطه تخلف یکی از صاحبان کار از حضور در وقت مقرر یا عدم تهیه وسایل کار اجرای کارشناسی به تعویق افتد جبران تضییع وقت کارشناس و هزینه ای که کرده باشد به عهده طرف متخلف است و دادگاه حقی را که در مقابل تضییع وقت کارشناس باید داده شود و به درخواست او معین و وصول و ایصال می نماید و نیز در مواردی که به واسطه صلح و غیره اجرا کارشناسی مقتضی نباشد حق مزبور رعایت می شود. ماده ۲۵ - دادگاه و پارکه و هر مقام رسمی دیگری که کارشناس معین می کند باید طرز رفتار و اخلاق آنها را مراقبت نموده و هرگونه تخلف که مشاهده نمودند به اداره فنی گزارش دهند. عدم رعایت مقررات این ماده برای مامورین دولت مستلزم تعقیب انتظامی است ماده ۲۶ - طرز رفتار و اعمال یکساله کارشناسان رسمی در تجدید انتخاب آنان برای سال بعد موثر خواهد بود. ماده ۲۷ - در صورت فوت و حجر کارشناس رئیس اداره فنی وزارت دادگستری در مرکز و مدعی العموم بدایت در سایر حوزه ها برگها و اسناد راجع به امور کارشناسی را جمع کرده بایگانی می نماید. در صورتی که بین آنهاشیا یا اسنادی متعلق به مردم باشد به صاحبان آنها رد می کند. ماده ۲۸ - هرگاه کارشناس ضمن اظهار عقیده برخلاف مشهودات خود چیزی بنویسد جاعل در اسناد رسمی محسوب می شود. هرگاه کارشناس در اظهار عقیده کتبی یا زبانی خود راجع به امر جنحه و یا حقوقی تمام واقع را ذکر نکند به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال و اگر برخلاف واقع چیزی ذکر کرده باشد به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال محکوم می شود. هرگاه کارشناس در اظهار عقیده کتبی یا زبانی راجع به امر جنایی تمام واقع را ذکر نکند به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال و اگر برخلاف واقع چیزی ذکر کرده باش به حبس با کار از سه سال تا پنج سال محکوم خواهد شد. هرگاه کارشناس در چیزی که برای آزمایش در دسترس او گذاشته شده با سوءنیت تغییر بدهد اگر کارشناسی برای امر جنحه یا حقوقی باشد به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال و اگر برای امر جنایی باشد به حبس مجرد از سه سال تا پنج سال محکوم خواهد شد. مجازاتهای مذکور در این قانون در صورتی اعمال می شود که عمل مشمول مقررات شدیدتری نباشد و گرنه مجازات اخیر اعمال خواهد شد. اگر گزارش خلاف واقع در حکم دادگاه موثر شده باشد کارشناس به یک درجه مجازات بالاتر از مجازات مذکور در فوق محکوم خواهد شد. مفاد این ماده نسبت به کارشناسان غیررسمی نیز رعایت خواهد شد. ماده ۲۹ - هرگاه در فن معینی کارشناس رسمی نباشد دادگاهها و پارکه ها و مقامات صلاحیتدار می توانند هر موقع که احتیاج به انتخاب کارشناس در آن فن داشته باشند از بین کسانی که شغل و حرفه و معلومات آنها مربوط به آن فن باشد یک یا چند نفر معتمد را به سمت کارشناس انتخاب کنند کارشناسانی که به این ترتیب انتخاب می شوند باید در پیشگاه دادگاه یا پارکه انتخاب کننده یا مقامات صلاحیتدار مطابق ماده ۵ سوگند یاد کنند و از حیث تخلف تابع مقررات بدون عذر قانونی مورد تعقیب واقع شده به یک الی سه سال محرومیت از اشتغال به شغل یا حرفه مربوطه محکوم خواهند شد. ماده ۳۰ - این قانون تا اندازه ای که راجع به مترجمین رسمی قابل اعمال است در مورد آنها لازم الرعایه خواهد بود.

قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی. مصوب ۱۳۱۶ (م ۱ تا ۹)

ماده ۱ - هرگاه یکی از طرفین دعوی یا شهود و اهل خبره در محاکم و ادارات و طرفین معامله یا شهود در دفاتر اسناد رسمی زبان فارسی را ندانند اظهارات آنها توسط مترجم رسمی ترجمه خواهد شد. تبصره - در نقاطی که از طرف وزارت عدلیه مترجمین رسمی برای هر یک از زبانهای غیرفارسی تعیین نشده باشد محاکم و ادارات ثبت دفاتر اسناد رسمی مترجمین که طرف اعتماد باشد

برای ترجمه تعیین می‌نماید. ماده ۲ - ترجمه اسناد ذیل باید از طرف مترجمین رسمی یا مامورین سیاسی و قنصلی تصدیق شده باشد: الف - اسنادی که در یکی از کشورهای بیگانه یا در ایران به یکی از زبانهای غیرفارسی تنظیم شده و در یکی از محاکم و ادارات ایران مورد استفاده باشد. ب - اسنادی که در ایران تنظیم شده و ترجمه آن به منظور استفاده در یکی از کشورهای بیگانه مورد حاجت باشد. ماده ۳ - به متقاضیان با احراز شرایط ذیل پروانه مترجمی رسمی اعطا می‌گردد: الف - داشتن حداقل ۲۵ سال سن ب - موفقیت در آزمون و اختبار علمی و کتبی ج - نداشتن پیشینه موثر کیفری د - عدم اشتغال به فساد اخلاقی عقیدتی ه - عدم اعتیاد به مواد مخدر. و - عدم محکومیت به انفصال از خدمات دولتی ز - مورد وثوق و اعتماد باشد. ماده ۴ - اعتبار پروانه مترجمی سه سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی و پرداخت هزینه مطابق تعرفه قانونی می‌باشد چنانچه متقاضی تمدید فاقد یکی از شرایط مقرر قانونی تشخیص داده شود مراتب با ذکر دلایل آن به مرجع انتظامی مترجمان اعلام و درخواست رسیدگی می‌شود. مرجع انتظامی پس از رسیدگی نسبت به تمدید یا عدم تمدید پروانه مترجمی رای مقتضی صادر می‌نماید. تا زمان رسیدگی مرجع انتظامی اعتبار پروانه به قوت خود باقی است ماده ۵ - مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی مترجمین رسمی هیاتی مرکب از یک نفر قاضی و دو نفر از مترجمین رسمی به انتخاب رئیس قوه قضائیه می‌باشد که انشا رای با قاضی هیات خواهد بود. ماده ۶ - در صورت ارتکاب هر یک از تخلفات ذیل مرتکب برای بار اول به مدت یک سال و بار دوم به مدت دو سال و در صورت تکرار برای همیشه از مترجمی رسمی محروم می‌شود: الف - ترجمه و تطبیق با پروانه ای که مدت آن منقضی شده است ب - امتناع از قبول امور ارجاعی متقاضیان ترجمه بدون عذر موجه ج - امتناع از حضور در مراجع قضایی بدون عذر موجه د - نداشتن دفاتر و اسناد و لوازم مربوط به امور ترجمه طبق مقررات قانونی ه - عدم رعایت تعرفه حق الزحمه مترجمی و - ترجمه و تطبیق و تصدیق خلاف واقع تبصره - مجازاتهای فوق علاوه بر مجازات مندرج در سایر قوانین می‌باشد. ماده ۷ - در صورت ارتکاب هر یک از تخلفات ذیل مرتکب به توبیخ کتبی با درج در پرونده و در صورت تکرار تا یک سال از مترجمی محروم می‌شود: الف - امتناع از حضور در مراجع قانونی غیرقضایی بدون عذر موجه ب - تاخیر در انجام امور ترجمه بدون عذر موجه ج - عدم رعایت ضوابط ترجمه د - عدم ارائه دفاتر، اسناد و لوازم مربوط به ترجمه در موارد بازرسی ماده ۸ - تشکیل دفتر یا موسسه و ترجمه اسناد و اظهارات افراد بدون رعایت مقررات این قانون ممنوع است و مرتکب به مجازات کلاهبرداری محکوم می‌گردد. ماده ۹ - تشکیلات و نحوه اداره دفتر، ضوابط ترجمه تعرفه حق الزحمه مترجم و مرجع تشخیص شرایط مذکور در این قانون به موجب آیین‌نامه‌ای می‌باشد که توسط وزارت دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید .

آیین‌نامه رسیدگی به تخلفات کارشناسان رسمی (م ۵۹ تا م ۷۰)

به استناد تبصره ماده ۱۸ قانون استقلال کانون کارشناسان رسمی رسیدگی به تخلفات کارشناسان و مجازاتها به طریق زیر خواهد بود: ماده ۱ - شکایت از تخلفات کارشناسی باید کتبی و با امضای شاکی و شامل الف - نام و نشانی شاکی ب - نام و نشانی کارشناس ج - موضوع شکایت و مدارک مورد استناد باشد. این شکایت در دفتر کانون کارشناسان رسمی ثبت می‌شود و هیات مدیره کانون عندالاقضا ظرف مدت یک ماه آن را به دادسرای انتظامی کانون کارشناسان رسمی ارجاع و دادسرا پس از دریافت بدان رسیدگی و اظهار عقیده می‌نماید. ماده ۲ - در صورتی که دادسرا یا دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی حضور شاکی یا کارشناسی را برای ادای توضیحات و کشف حقیقت لازم بداند او را احضار می‌کند. عدم حضور بدون عذر موجه می‌تواند قرینه‌ای برای کذب و یا صدق نسبت وارده تلقی گردد. عذر موجه برای کارشناس علاوه بر مقررات مندرج در ماده ۶۹ مکرر آیین دادرسی مدنی شامل دعوت دادگاهها، دادسراها بازپرسیها و مراجع قانونی دیگر جهت اجرای قرار کارشناسی و یا ادای توضیحات در نزد مراجع مذکور است کارشناس باید عذر خود را پیش از وقت با ذکر دلیل به دادسرا و یا دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی

اعلام کند. ماده ۳- در صورتی که دادرسی انتظامی کانون کارشناسان رسمی تعقیب کارشناس را لازم بداند کیفرخواست صادر نموده و یک نسخه آن را ظرف مدت ده روز از طریق کانون کارشناسان رسمی به وسیله مامور کانون و یا پست سفارشی به کارشناس ابلاغ می‌کند. کارشناس می‌تواند ظرف مهلت قانونی (که در تهران و شعاع شصت کیلومتری آن ده روز پس از ابلاغ و در خارج از شعاع شصت کیلومتری تهران طبق ماده ۶۱۵ قانون آیین دادرسی خواهد بود) پاسخ خود را کتبا از طریق دفتر کانون به دادگاه انتظامی تسلیم و رسید دریافت دارد. درخواست تمدید مهلت برای دادن جواب پذیرفته نمی‌شود. ماده ۴- دادگاه انتظامی پس از وصول پاسخ کارشناس و یا انقضای مهلت مندرج در ماده ۳ این آیین‌نامه وقت رسیدگی تعیین می‌کند و از طریق دفتر کانون با اطلاع دادرسی انتظامی و کارشناس خواهد رساند. عدم حضور دادستان و یا کارشناس و یا دادیار دادرسی انتظامی مانع رسیدگی نخواهد شد و دادگاه در وقت مقرر رسیدگی و حکم مقتضی صادر خواهد کرد و حکم مذکور حضور تلقی می‌گردد. در صورتی که موضوع شکایت متضمن جنبه کیفری نیز باشد به نحوی که به نظر دادگاه انتظامی تفکیک آن از جنبه انتظامی میسر نباشد رسیدگی و اتخاذ تصمیم و صدور حکم دادگاه انتظامی پس از صدور حکم قطعی کیفری انجام خواهد یافت ماده ۵- در صورتی که دادرسی انتظامی تعقیب کارشناس را لازم نداند و قرار منع تعقیب صادر کند یک نسخه از آن را از طریق دفتر کانون به شاکی ابلاغ می‌کند و شاکی پس از رویت آن حق دارد ظرف مهلت مقرر در ماده ۳ به قرار مذکور اعتراض کند. مرجع رسیدگی به این اعتراض دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی است دادگاه مذکور اگر قرار منع تعقیب را صحیح تشخیص داد آن را استوار و در غیر این صورت آن را نقض و سپس موضوع را رسیدگی و حکم صادر می‌کند. تبصره- قطعیت احکام صادره از دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی و یا قبول اعتراض نسبت به آنها طبق مفاد ماده ۱۶ قانون استقلال کانون کارشناسان رسمی خواهد بود. ماده ۶- نشانی کارشناسان رسمی همان است که در موقع درخواست و یا تمدید پروانه کارشناسی به کانون اعلام شده است در صورت تغییر نشانی کارشناس مکلف است ظرف مدت ده روز از تاریخ تغییر نشانی جدید خود را کتبا و به طور دقیق و روشن به نحوی که مامور کانون یا پست بتواند اوراق را در محل به وی تسلیم کند به دفتر کانون اطلاع دهد رسید دریافت کند. در غیر این صورت اوراق به آخرین نشانی کارشناس ارسال که پس از انقضای مهلت مذکور در ماده ۳ ابلاغ شده تلقی می‌گردد مگر اینکه کارشناس ثابت کند که اوراق بعد از مهلت مقرر به وی رسیده است که در این صورت تاریخ ابلاغ و وصول محسوب می‌گردد. ماده ۷- چنانچه دادرسی و یا دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی برای رسیدگی به شکایات مطروحه علیه کارشناسان رسمی نیازمند اطلاع یا سند و یا مدرکی باشد، کلیه دادگاهها، دادرهای عمومی و موسسات دولتی و غیر دولتی مکلفند در اسرع وقت اطلاع یا سند و یا مدرک مورد نیاز را از طریق دفتر کانون در اختیار دادرسی و یا دادگاه انتظامی کانون قرار دهند، مگر در مواردی که تسلیم آنها قانوناً منع شده باشد، که در این صورت مرجع مذکور در بالا عذر خود را مستند به کانون اعلام خواهد نمود. ماده ۸- درجات مجازات انتظامی به قرار زیر است - توییح بادرچ در پرونده - محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی از سه ماه تا یک سال - محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی از یک سال تا سه سال محرومیت دائم از شغل کارشناسی ماده ۹- عدم رعایت مراتب زیر دارای مجازات انتظامی درجه ۱ مندرج در ماده ۸ این آیین‌نامه خواهد بود: هرگاه کارشناس رسمی به دو یا چند دادگاه و دادرسی و دیگر مراجع رسمی دعوت شود و جمع بین اوقات میسر نگردد باید حضور در دادگاههای عمومی را جهت اجرای قرار کارشناسی یا ادای توضیح مقدم بدارد - در صورتی که برای حضور در دادگاههای عمومی دعوت نشده باشد در مرجعی که وقت آنزودتر ابلاغ شده باید حاضر گردد و از سایر مراجع با ذکر علت درخواست تجدید وقت کند. ماده ۱۰- عدم رعایت مراتب زیر دارای مجازات انتظامی تا درجه ۲ مندرج در ماده ۸ این آیین‌نامه خواهد بود: الف - هرگاه کارشناس رسمی بدون عذر موجه در دادگاهها و یا دادرسی عمومی و یا بازپرسی و یا مراجع دیگر که دعوت شده حضور پیدا نکند. ب - هرگاه خلاف عذری که برای عدم حضور در مراجع اعلام کرده ثابت شود. ماده ۱۱- عدم رعایت مراتب زیر دارای مجازات انتظامی درجه ۳ مندرج در ماده ۸

این آیین‌نامه خواهد بود: الف - هر گاه نسبت به موضوع کارشناسی قبلاً به‌عنوان کارشناس رسمی اظهار نظر کرده باشد و مجدداً کارشناسی را قبول کند. ب - هر گاه کارشناس بعد از انقضای مدت اعتبار پروانه کارشناسی بدون انجام مقررات مربوط به تمدید پروانه مبادرت به قبول کارشناسی کند. ج - هر گاه در موردی که جهات ردی آن برای کارشناسی موجود بوده به‌انجام کارشناسی مبادرت نماید. د - هر گاه در رشته‌ای که خارج از صلاحیت او باشد به‌انجام امر کارشناسی مبادرت نماید، مگر اینکه مراتب را کتبا به مرجع مربوط اعلام کرده باشد. ه - هر گاه کارشناس رسمی بر اثر مسامحه یا سهل‌انگاری اعلام نظری بر خلاف واقع نموده که در رای دادگاه یا قرار دادسرا یا بازپرسی یا تصمیمات مراجع قانونی دیگر موثر واقع شده باشد. تبصره ۱ - در صورتی که اعلام نظر خلاف واقع کارشناس به نحو مذکور در بنده موثر واقع نشده باشد کارشناس به مجازات بند ۲ ماده ۸ این آیین‌نامه محکوم خواهد شد. تبصره ۲ - تشخیص صلاحیت کارشناس رسمی با کمیسیون تشخیص صلاحیت علمی و فنی رشته مربوطه موضوع ماده ۹ قانون استقلال کانون کارشناسان رسمی می‌باشد که از طرف کانون به مراجع متقاضی اعلام خواهد شد. ماده ۱۲ - عدم رعایت مراتب زیر داری مجازاتهای انتظامی درجه ۴ مندرج در ماده ۸ این آیین‌نامه خواهد بود: الف - هر گاه در مدتی که از کارشناس رسمی سلب صلاحیت شده به‌انجام امر کارشناسی مبادرت نموده باشد. ب (اصلاحی ۱۳۶۳) - هر گاه ثابت شود که کارشناس رسمی عمداً یا با تبانی با یکی از اصحاب دعوی اعلام نظری بر خلاف واقع نموده باشد. ج - هر گاه کارشناس رسمی دادگستری به جرائم جنحه‌ای یا جنایی باب دوم و سوم قانون جزای عمومی محکومیت قطعی یافته و معذالک به‌انجام امر کارشناسی مبادرت ورزیده باشد. د - هر گاه کارشناس رسمی علاوه بر دستمزد و هزینه‌های تعیین شده و منعکس در پرونده وجه یا مالی را از یکی از طرفین دعوی قبول نماید. ماده ۱۳ - استرداد شکایت شاکی و یا استعفای کارشناس رسمی از انجام وظیفه کارشناسی مربوطه مانع تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست ماده ۱۴ - مرور زمان نسبت به تعقیب انتظامی کارشناسان رسمی دو سال از تاریخ وقوع تخلف (در صورت عدم تعقیب یا آخرین اقدام تعقیبی خواهد بود. ماده ۱۵ - آیین‌نامه رسیدگی به تخلفات کارشناسان رسمی و میزان مجازاتها در جلسه مورخ چهاردهم دیماه ۵۹ هیات مدیره کانون کارشناسان رسمی مشتمل بر ۱۵ ماده و سه تبصره تصویب شد و پس از تأیید و تصویب شورای عالی قابل اجرا خواهد بود.

آیین‌نامه اجرایی اصلاح ماده ۳ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی مصوب سال ۱۳۱۶

فصل اول - تشکیلات

بخش اول انتخاب اشتغال تمدید (م ۱ تا م ۱۷)

الف ترتیب انتخاب ماده ۱ - قوه قضائیه در صورت نیاز از طریق روزنامه‌های کثیرالانتشار از داوطلبان واجد شرایط مترجمی رسمی دعوت می‌نماید تا درخواست خود را ظرف مهلت معینه در تهران به اداره فنی قوه قضائیه از طریق پست ارسال نمایند. ماده ۲ - درخواست مترجمی رسمی باید دارای پیوستهای زیر باشد: ۱ - یک برگ تصویر مصدق از کلیه صفحات شناسنامه ۲ - ۲ قطعه عکس ۳*۳ - تصویر مصدق بالاترین مدرک تحصیلی (داوطلبانی که تحصیلاتی در ارتباط با زبان مربوط دارند در شرایط مساوی از اولویت برخوردار خواهند بود) ۴ - گواهی عدم سو پیشینه (برای کارمندان رسمی دولت گواهی اداره مربوط مبنی بر اشتغال کافی است) ۵ - گواهی عدم اعتیاد به مواد مخدر. ماده ۳ - درخواست مترجمی رسمی به ترتیب تاریخ وصول در دفتری ثبت و برای هر داوطلب پرونده جداگانه‌ای تشکیل می‌شود. اداره فنی قبل از صدور پروانه مترجمی رسمی از طریق دادگستری محل و یاب طریق مقتضی دیگر درباره صلاحیت داوطلب تحقیق به عمل آورده نتیجه را در پرونده وی منعکس می‌نماید. ماده ۴ - اداره فنی پرونده

داوطلبان را در کمیسیونی مرکب از رئیس یا معاون اداره فنی و یک نفر که به زبان خارجی مربوطه تسلط کامل داشته باشد و یک نفر از قضات به انتخاب معاون قضایی ریاست قوه قضائیه مطرح می‌سازد و واجدین صلاحیت را با تعیین تاریخ برای شرکت در امتحان دعوت می‌کند. دعوت کتبا و حداقل یک ماه قبل از تاریخ امتحان به عمل می‌آید. ماده ۵- امتحان از کلیه واجدین صلاحیت در تهران در تاریخ معین که از طرف اداره فنی از طریق روزنامه‌های کثیرالانتشار اعلام خواهد شد زیر نظر اداره فنی به وسیله هیات ممتحنه مذکور در ماه ۴ به عمل آمده و در سه مرحله به صورت امتحان عمومی زبان امتحان تخصصی ترجمه و شفاهی خواهد بود. تبصره - هیات ممتحنه از سه نفر اشخاص متبحر در زبان مورد نظر به انتخاب اداره فنی تشکیل می‌گردد در صورت عدم دسترسی به تعداد مذکور ممکن است از تعداد کمتر استفاده شود. ماده ۶- امتحان عمومی زبان به صورت کتبی و طرح سئوالات چهارگزینه‌ای در سطح تافل در زبان انگلیسی و هم سطح آن در سایر زبانها خواهد بود. سئوالات امتحان به صورت تشریحی از بان فارسی به زبان مورد نظر و بالعکس خواهد بود. تبصره ۱- داوطلبانی که در امتحان مرحله عمومی حد نصاب نمره قبولی را احراز نکرده باشند می‌توانند درخواست تجدید نظر بدهند. در این مرحله ورقه امتحان توسط استاد مصحح بازبینی خواهد شد. تبصره ۲- برای انجام امتحان مرحله عمومی از بانک سئوالات که به همین منظور تشکیل می‌گردد استفاده خواهد شد. تبصره ۳- استفاده از فرهنگ لغات در امتحانات تخصصی تشریحی مجاز است ماده ۷- سئوالات امتحان مرحله تخصصی به صورت ترجمه از زبان فارسی به زبان خارجی و بالعکس می‌باشد و طرح سئوالات و تصحیح اوراق امتحان زیر نظر کمیسیون مذکور در ماده ۴ و توسط هیات ممتحنه مذکور در تبصره ماده ۵ صورت می‌گیرد و نمره‌ای که به هر یک از سه مرحله داده می‌شود از عدد ۱۰۰ منظور می‌گردد و نمره هر ورقه در ذیل یا ظهر آن به حروف و عدد ثبت شده و به امضای هیات ممتحنه می‌رسد. تبصره ۱- حداقل نمره قبولی برای هر یک از سه امتحان ۷۵ خواهد بود. تبصره ۲- هر داوطلب می‌تواند در خواست اعتراض به ورقه خود را ظرف مهلت بیست روز از تاریخ اعلام نتیجه امتحان کتبی به اداره فنی تسلیم نماید و رئیس اداره فنی می‌تواند ورقه داوطلب را به شخص یا هیات ممتحنه دیگری واگذار نماید. ماده ۸- قبولی در امتحان به نحو مذکور در ماده ۷ و تبصره ۱ برای شرکت در امتحان شفاهی الزامی است ماده ۹- اداره فنی از قبول شدگان به ترتیب مذکور در تبصره ۱ ماده ۷ برای انجام امتحان شفاهی دعوت می‌نماید. امتحان شفاهی زیر نظر کمیسیون مذکور در ماده ۴ انجام می‌گیرد اداره فنی تعداد مترجم رسمی مورد احتیاج را به ترتیب از بین کسانی که دارای نمره بیشتری می‌باشند انتخاب می‌کند. ماده ۱۰- انتخاب شدگان باید حداقل یک سال نزدیک مترجم رسمی هم‌زبان که حداقل ده سال تجربه مترجمی رسمی داشته باشند با معرفی داوطلب و تایید مترجم رسمی مذکور و اداره فنی کارآموزی نموده و کارآموز باید در مدت کارآموزی زیر نظر مترجم سرپرست خود گواهی اتمام دوره کارآموزی و پیشرفت تجربی را از مترجم سرپرست خود اخذ نماید. در غیر این صورت دوره کارآموزی برای یک بار دیگر تمدید خواهد شد. تبصره - در رشته‌هایی که سابقه مترجمی رسمی کمتر از ده سال است شرط مقرر در فوق از حیث مدت ده سال رعایت نخواهد شد. ماده ۱۱- قبول شدگان در حضور کمیسیون مذکور در ماده ۴ به شرح زیر سوگند یاد می‌کنند: «به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم که در امر ترجمه قلم و زبان خود را جز به راستی و حقیقت به کارنبرم و در سمت مترجمی راز دار و امین باشم پس از انقضای مدت کارآموزی و ارائه گواهی اداره فنی برحسب تخصص داوطلب پروانه مترجمی رسمی تخصصی والا پروانه مترجمی رسمی به نام داوطلب صادر و پس از الصاق تمبر به مبلغ مقرر قانونی به آنان تسلیم می‌کند پروانه مترجمی باید دارای عکس و نمونه امضا باشد. ب محل و شرایط اشتغال ماده ۱۲- مترجم رسمی در غیر حوزه قضایی محل و آدرسی که در پروانه وی منعکس می‌باشد حق اشتغال ندارد و در صورت عدم اقامت در محل مذکور پروانه تمدید نخواهد شد. ماده ۱۳- اداره فنی در صورت نیاز مشخصات کامل مترجمان را به وسیله روزنامه رسمی و دفترچه‌های مخصوص منتشر می‌کند. ماده ۱۴- مترجم رسمی حق تغییر محل کار را از حوزه‌ای که در پروانه وی درج گردیده به حوزه دیگر ندارد و هر گونه تغییر محل از شهرستان به تهران به تقاضای مترجم رسمی و موافقت کتبی رئیس دادگستری و اداره فنی

پس از موفقیت در امتحان شفاهی و مصاحبه و تصویب معاونت قضایی رئیس قوه قضائیه ممکن خواهد بود و مراتب در پروانه مترجمی درجه خواهد گردید. ماده ۱۵ - مترجم رسمی می‌تواند فقط یک دارالترجمه یا موسسه ترجمه رسمی دایر نماید. در غیراین صورت به عنوان متخلف از ادامه کار وی توسط اداره فنی قوه قضائیه جلوگیری به عمل خواهد آمد. تبصره - اداره فنی موظف است علاوه بر تعقیب قانونی مسوول یا مسوولین دارالترجمه‌هایی که برخلاف مقررات این آیین‌نامه دایر هستند از ادامه فعالیت آنها با کمک نیروی انتظامی جلوگیری به عمل آورد. ماده ۱۶ - دایر کردن موسسه‌ای با نام دارالترجمه یا تحت عنوان دیگر که بدون مسوولیت رسمی یک نفر دارنده پروانه رسمی مترجمی به امر ترجمه اشتغال داشته باشد ممنوع است و مدیران و مسوولین این گونه موسسات طبق مقررات کیفی با اعلام اداره فنی تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت ج تمديد پروانه ماده ۱۷ - مترجم رسمی باید با در دست داشتن مفصلا حساب مالیاتی سنوات گذشته یا گواهی مراجعه به دارایی به منظور تصفیه حساب مالیاتی هر سه سال یک نوبت در اردیبهشت ماه برای تمدید پروانه خود به اداره فنی مراجعه نماید، در صورتی که موجبی برای عدم تمدید نباشد پس از الصاق تمبر به مبلغ مقرر قانونی پروانه وی برای سه سال توسط اداره فنی تمدید می‌شود. اداره فنی و دادگستری شهرستان از تصدیق امضای مترجمی که پروانه وی تمدید نشده ممنوع می‌باشند، اداره فنی تمدید پروانه را به دادگستری اطلاع می‌دهد.

بخش دوم شورای عالی ترجمه (م ۱۸ تا ۲۸)

ماده ۱۸ - نظر به ماده ۹ این قانون شورایی تحت عنوان «شورای عالی ترجمه به ریاست معاون قضایی رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. ماده ۱۹ - شورای عالی ترجمه علاوه بر معاون قضایی که رئیس شورا می‌باشد و رئیس اداره فنی که درشورا عضویت ثابت دارد دارای هفت عضو دیگر است که یک نفر از مترجمان رسمی زبان انگلیسی و یک نفر از زبان آلمانی و یک نفر زبان فرانسه و یک نفر زبان عربی و یک نفر از اساتید زبان انگلیسی و یک نفر از اساتید زبان آلمانی و یک نفر از اساتید زبان عربی از بین برجسته‌ترین مترجمان رسمی و استادان رشته‌های زبان و مترجمی دانشگاهها و موسسات عالی به حکم ریاست قوه قضائیه منصوب می‌شوند. تبصره - مترجمان رسمی عضو شورا به پیشنهاد اداره فنی و اساتید دانشگاه با هماهنگی وزارت علوم و آموزش عالی انتخاب و پیشنهاد می‌شوند. ماده ۲۰ - وظایف شورای عالی انتخاب ترجمه به قرار زیر است ۱ - رسیدگی به موضوعاتی که مترجمان رسمی در ارتباط با انجام ترجمه‌های قوه قضائیه ارائه طریق و راهنمایی می‌کنند. ۲ - رسیدگی و اعلام نظر مشورتی در باب سئوالاتی که از طرف رئیس اداره فنی قوه قضائیه در باب ترجمه رسمی مطرح می‌گردد. ۳ - ارائه نظر مشورتی در اختلاف بین مترجم رسمی و صاحبان اسناد ترجمه شده که پرونده آن در هیات رسیدگی به تخلفات مترجمین رسمی مطرح است ۴ - اتخاذ تصمیم درباره تعیین بهترین و مطلوبترین معادلها در زبانهای خارجی و برای لغات و اصطلاحات فارسی در مواردی که مترجمان رسمی به یک نتیجه واحد دست نیافته‌اند و از لغات اصطلاحات و تعبیرات متفاوتی در یک مورد خاص استفاده می‌نمایند و ایجاد وحدت رویه نسبی در امر ترجمه از فارسی به زبانهای خارجی و بالعکس و تهیه الگوهای مناسب و مطلوب در این زمینه تبصره - شورای عالی ترجمه نمی‌تواند به وضع لغات جدید فارسی به عنوان معادلهای خارجی که از وظایف فرهنگستان زبان است پردازد لکن می‌تواند معادلهای برای کلمات خارجی که در زبان فارسی وارد شده‌اند به فرهنگستان زبان پیشنهاد نماید. ۵ - بررسی و اعلام نظر نسبت به موضوعاتی که اطراف دستگاههای دولتی و مراکز علمی و آموزشی کشور و نظایر آن به شورا ارجاع می‌شود. ماده ۲۱ - شورای عالی ترجمه می‌تواند نتیجه بررسیهای خود را به صورت مقالات و نشریات ادواری یا به صورت فرهنگهای تخصصی نظیر فرهنگهای حقوقی اداری اقتصادی پزشکی فنی و غیره منتشر نماید و در این زمینه می‌تواند از نظر مشورتی استادان علوم تخصصی و فقها استفاده نماید، پدید آورندگان این گونه کتب و فرهنگها از مزایای حقوقی مؤلفین و مترجمین و حق التالیف قانونی بهره‌مند

خواهند شد. ماده ۲۲ - به اعضای شورای عالی طبق مقررات حق حضور پرداخت خواهد شد. ماده ۲۳ - شورای عالی ترجمه می‌تواند در چهارچوب همکاریهای علمی و پژوهشی در زمینه امر ترجمه با دانشگاهها و سایر مؤسسات علمی و پژوهشی در داخل و خارج از کشور قراردادهای همکاری برای اجرای طرحهای ویژه منعقد نماید. تبصره - مواردی از وظایف شورای عالی که انجام آن مستلزم هزینه‌های مالی است پس از تایید معاونت اداری و مالی وزارت دادگستری و تامین اعتبارات مربوطه قابل اجرا می‌باشد. ماده ۲۴ - شورای عالی ترجمه براساس نیاز جامعه و میزان مراجعات و تعداد ارباب رجوع در هر زمان اولویتهای لازم را در انجام وظایف فوق در نظر خواهد گرفت و زبانهای مهجور که طبق آمار اداره فنی کمتر محل مراجعه واقع می‌شوند از آخرین اولویتها برخوردار هستند و در حال حاضر زبانهای انگلیسی و آلمانی در درجات اول و دوم اولویت قرار دارند. ماده ۲۵ - امور اداری و دفتری شورای عالی ترجمه در اداره فنی قوه قضائیه متمرکز است و اداره مذکور وظایف دبیرخانه آن شورا را به عهده خواهد گرفت ماده ۲۶ - شورای عالی در اولین جلسه خود یک نایب رئیس و یک منشی انتخاب خواهد کرد و برای انجام وظایف خود می‌تواند با دعوت از صاحب‌نظران کمیته‌های تخصصی فرعی تشکیل دهد. ماده ۲۷ - برای تشکیل هر جلسه با ذکر موضوعاتی که در دستور جلسه است دعوتنامه با امضای رئیس یا نایب رئیس شورای عالی ترجمه برای کلیه اعضا به نشانی آنان ارسال خواهد شد. جلسات شورای عالی ترجمه با حضور حداقل بیش از نصف اعضا رسمیت یافته و تصمیمات به رای اکثریت اتخاذ خواهد شد. ماده ۲۸ - در صورت استعفا یا فوت هر یک از اعضای شورای عالی ترجمه عضو جانشین به پیشنهادشورا و با حکم ریاست محترم قوه قضائیه منصوب می‌گردد و در صورت غیبت بدون عذر موجه هریک از اعضا در سه جلسه متوالی عضو مذکور مستعفی شناخته شده و جانشین وی تعیین و منصوب خواهد شد.

فصل دوم - نحوه اداره م ۲۹ تا ۳۷

ماده ۲۹ - چنانچه مترجمین رسمی به صورت موسسه به ترجمه زبانهای مختلف اشتغال داشته باشند موسسه مذکور باید یکی از مترجمین را به عنوان مدیر موسسه به اداره فنی معرفی نماید فرد معرفی شده مسوول نظارت بر اداره کلیه امور موسسه خواهد بود. لکن این امر رافع مسوولیت دیگر مترجم رسمی زبان مورد نظر در قبال تخلفات مرتکب شده نخواهد بود. ماده ۳۰ - دادگاه یا هر مقام رسمی دیگر که به مترجم کار ارجاع می‌کند باید طرز رفتار او را مراقبت و هرگونه تخلفی را که مشاهده نماید به اداره فنی گزارش دهد. ماده ۳۱ - اداره فنی موظف است اسناد و مدارک تحصیلی و کلا اوراقی را که از طرف مراجع رسمی ذیصلاح برای ترجمه به آن اداره فرستاده می‌شود در صورت پرداخت هزینه به مترجم رسمی ارجاع و پس از ترجمه و گواهی امضا اعاده نماید. ماده ۳۲ - برای مترجمی زبانهایی که در آن زبان مورد نظر مترجم رسمی وجود ندارد اداره فنی و دادگستریهای شهرستانها می‌توانند از خبرگان محلی پس از اتیان سوگند التزام به صحت گفتار استفاده کنند. ماده ۳۳ - سازمان ثبت شرکتها تقاضای ثبت مؤسسات مترجمی را خواهد پذیرفت که علاوه برداشتن شرایط قانونی پروانه مترجمی رسمی معتبر نیز داشته باشد. ماده ۳۴ - دارالترجمه‌هایی که قبل از تاریخ تصویب این آیین‌نامه دایر بوده‌اند موظفند از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این آیین‌نامه وضع خود را با مقررات آن تطبیق داده و ادامه فعالیت آنها منوط به قبول مسوولیت دارالترجمه از طرف یک نفر مترجم رسمی و موافقت اداره فنی قوه قضائیه می‌باشد. ماده ۳۵ - مترجم مسوول باید در دارالترجمه‌ای که مسوولیت آن را به عهده گرفته است حضور و نظارت داشته باشد و تغییراتی که در اداره دارالترجمه موثر است به اطلاع اداره فنی قوه قضائیه برساند. ماده ۳۶ - علامت قوه قضائیه نام و نام خانوادگی مترجم مسوول و شماره پروانه وی باید در تابلو دارالترجمه بدین شرح قید گردد. قوه قضائیه دارالترجمه رسمی شماره مترجم مسوول شماره پروانه مترجمی رسمی ماده ۳۷ - کسانی که بدون داشتن پروانه مترجمی از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این

آیین نامه مبادرت به تاسیس دارالترجمه و یا ادامه فعالیت غیر قانونی دارالترجمه بنمایند با اعلام اداره فنی تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت و مسوولیت نظارت بر صحت اجرا و پیگیریهای لازم بر عهده اداره فنی است اداره مزبور موظف است نسبت به شناسایی دارالترجمه‌هایی که بر خلاف مقررات مشغول فعالیت هستند اقدام و اداره اماکن نیروهای انتظامی نیز از ادامه کار آنها جلوگیری به عمل آورد.

فصل سوم - وظایف مترجم رسمی و مقررات انتظامی م ۳۸ تا م ۵۲

الف وظایف مترجم رسمی ماده ۳۸ - وظایف مترجم رسمی به قرار زیر است ۱ - ترجمه رسمی اسناد و اوراق مورد درخواست متقاضی که به این منظور به مترجم تسلیم می گردد. ۲ - ترجمه اظهارات اصحاب دعوا یا وکلای آنان یا شهود یا کارشناسان در مراجع قضایی و طرفین معامله یا وکلای آنان یا شهود در دفاتر اسناد رسمی ۳ - گواهی صحت ترجمه رسمی اسنادی که در ایران یا یکی از کشورهای بیگانه ترجمه یا تنظیم شده است ماده ۳۹ - مترجم رسمی باید دارای دفتر ثبت و برگ رسید و مهر به شرح زیر باشد. ۱ - دفتر ثبت که شماره ردیف و مشخصات کارهای ارجاعی شامل نوع و تعداد و نام صاحب سند یا نام متقاضی اگر غیر از صاحب سند باشد و تعداد نسخ اضافی و نشانی کامل او و تاریخ ارجاع و تاریخ استرداد ترجمه و میزان دستمزد در آن ثبت می شود. این دفتر به وسیله اداره فنی تهیه و برگ شماری و منگنه و مهر و در اختیار مترجمین رسمی قرار خواهد گرفت ۲ - برگ رسید که نوع و تعداد و نام صاحب سند یا نام متقاضی (اگر غیر از صاحب سند باشد) و تاریخ استرداد و میزان دستمزد ترجمه در آن ثبت و هنگام دریافت سند به متقاضی ترجمه داده می شود. ۳ - مهر که در آن نام و نام خانوادگی مترجم و زبانی که مترجم رسمی آن است و شماره پروانه مترجمی رسمی قید شده و مترجم با آن ذیل اوراق ترجمه را مهر می کند. دفتر و رسید و مهر مذکور طبق نمونه موجود در اداره فنی تهیه می شود. ماده ۴۰ - مترجم رسمی موظف است ۱ - ترجمه سند را روی برگ مخصوص که شکل و اندازه آن از طریق اداره فنی تعیین می شود بدون غلط و قلم خوردگی و حک و اصلاح به هزینه خود ماشین و در پایان آن مطابقت ترجمه را با اصل تصدیق و با قید تاریخ ترجمه امضا کند هرگاه ترجمه سندی از یک صفحه تجاوز کند مترجم باید زیر هر صفحه تصریح کند که بقیه در صفحه بعد ترجمه شده است و ذیل تمام صفحات را امضا و آنها را منگنه یا پلمپ نماید و بین امضای مترجم و متن ترجمه شده نباید فاصله باشد. تبصره - مترجم رسمی باید در نگهداری اوراق مخصوص ترجمه که با قید شماره و ترتیب در اختیار وی قرار می گیرد نهایت دقت را نماید اوراق مذکور نباید به صورت سفید مهر و امضا شده در اختیار دیگران قرار گیرد و چنانچه هنگام استفاده اوراق مذکور مخدوش و غیر قابل استفاده گردد باید در محل مطمئن آن را تا سه سال نگهداری نماید. ۲ - گواهی مطابقت رونوشت یا فتوکپی با اصل اسناد خارجی باید ذیل اوراق مورد گواهی به عمل آید و در صورت تعدد صفحات ذیل هر صفحه گواهی و امضا و به ترتیب بند یک با ذکر تعداد و منضمات منگنه یا پلمپ شود. ۳ - مترجم رسمی موظف است تصویری از اصل سند را به انضمام یک نسخه تایید شده از ترجمه آن برای بایگانی خود تهیه و تا سه سال نگهداری نماید و در صورت مطالبه اداره فنی یا سایر مراجع ذیصلاح آن را ارائه دهد. ماده ۴۱ - مترجم رسمی نمی تواند از قبول کاری که از طرف اداره فنی یا دادگستری محل به او رجوع می شود بدون عذر موجه خودداری کند و یا آن را به تاخیر بیندازد. وقت لازم برای ترجمه اسناد و مدارک عنداللزوم از طرف اداره فنی یا دادگستری محل تعیین خواهد شد. ماده ۴۲ - در صورتی که مترجم رسمی به لحاظ بیماری یا ماموریت یا هر علت دیگری قادر به انجام کار ترجمه نباشد باید به فوریت مراتب را به اداره فنی در مرکز و دادگستری محل در شهرستانها و به متقاضی اعلام نماید و هرگاه اسناد و اوراق برای ترجمه نزد او باشد این اسناد و اوراق را سریعاً مسترد دارد. ماده ۴۳ - با دعوت کتبی مقام صلاحیتدار مترجم رسمی مکلف است در محل مقرر حاضر شود مگر اینکه عذر موجهی داشته باشد

و در صورت امکان باید عذر خود را قبلا به اطلاع آن مقام برساند. ماده ۴۴ - مترجم رسمی باید ضمن رعایت امانت تمام اظهارات و مندرجات اسناد و مدارک و اوراق را که برای ترجمه به او داده می‌شود جزء به جزء و کلمه به کلمه به نحوی که از لحاظ مضمون و مفهوم کاملاً با اصل برابر باشد ترجمه نماید و حق ندارد چیزی را حذف و یا اضافه کند و در صورتی که سند مخدوش باشد مراتب را در ترجمه و برگ رسیدی که به صاحب سند می‌دهد قید کند. تبصره ۱ - مترجم رسمی می‌تواند ترجمه رسمی اسناد را با ذکر نام مترجم و تاریخ ترجمه سند به زبان دیگری ترجمه رسمی نماید. تبصره ۲ - در مورد اسناد رسمی تشخیص مواردی که ترجمه آنها ضرورتی ندارد با اداره فنی است و رعایت دستورات اداره مذکور در این مورد برای مترجم الزامی است تبصره ۳ - ترجمه فاکس و تلکس که صحت متن آن توسط دستگاه مربوطه تعیین شده باشد بلاشکال است تبصره ۴ - مترجم موظف است تصویر اصل سند را به متن ترجمه شده ضمیمه و پلمپ نماید. ماده ۴۵ - مترجم رسمی مسوول حفظ و مراقبت از اسنادی است که برای ترجمه به او سپرده می‌شود و موظف است اسناد را به همان صورتی که تحویل گرفته مسترد دارد. ب مقررات انتظامی ماده ۴۶ - هرگاه اشتباه مترجم رسمی به تصدیق دو نفر از مترجمین رسمی دیگر به انتخاب اداره فنی و در امر ترجمه محرز شود و خسارتی بابت وجه تمبر و تصدیق امضاء و سایر هزینه‌های مربوط به امر ترجمه متوجه صاحب سند گردد مترجم موظف است با اخطار اداره فنی در جبران خسارت وارده یا جلب رضایت صاحب سند اقدام کند در غیر این صورت توسط اداره فنی تحت تعقیب انتظامی قرار خواهد گرفت تبصره - در خصوص این ماده و ماده ۴۳ در صورت احراز عمد مترجم رسمی چنانچه عمل وی مطابق با ماده ۲۸ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳/۱۱/۱۳۱۷ باشد قابل تعقیب کیفری خواهد بود. ماده ۴۷ - مرجع تعقیب انتظامی مترجم رسمی اداره فنی است و همین که از تخلف مترجم در تهران و سایر شهرستانها راسا یا حسب اعلام مراجع رسمی یا شکایت اشخاص اطلاع حاصل نماید مکلف است تقاضای تعقیب وی را از هیات رسیدگی به تخلفات انتظامی که محل تشکیل آن در اداره فنی خواهد بود درخواست نماید. تبصره - دفتر اداره فنی عهده دار امور دفتری هیات رسیدگی به تخلفات انتظامی نیز خواهد بود. ماده ۴۸ - اداره فنی در هر رشته از زبانهایی که برای آنها مترجم رسمی وجود دارد دو نفر را به عنوان اعضای هیات رسیدگی به تخلفات انتظامی به معاونت قضایی قوه قضائیه معرفی می‌نماید که پس از تصویب رئیس قوه قضائیه کتبا به این سمت منصوب خواهند شد. ماده ۴۹ - دفتر همزمان با تسلیم درخواست رسیدگی اداره فنی برای تعقیب مترجم رسیم به مرجع انتظامی شکایت اداره فنی را به مترجم ابلاغ و وی می‌تواند ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ پاسخ خود را به دفتر ارسال یا تسلیم نماید. ماده ۵۰ - دفتر با وصول پاسخ یا عدم وصول آن ظرف مهلت مقرر مراتب را به مرجع انتظامی گزارش و مرجع مذکور با دعوت از نماینده اداره فنی و مترجم رسمی مورد تعقیب رسیدگی خواهند نمود. عدم حضور مترجم رسمی یا نماینده اداره فنی مانع رسیدگی به مورد یا موارد تخلف نخواهد بود. ماده ۵۱ - معاون قضایی می‌تواند همین که از سو رفتار و اخلاق مترجم رسمی مطلع شد و یا اینکه نامبرده را فاقد یکی از شرایط بندهای (ج الی (ز) از ماده ۱۳ این قانون تشخیص داد امر به تعقیب انتظامی او بدهد و همچنین در مواردی که اشتغال او را به مترجمی منافی با حیثیت مترجمی رسمی تشخیص داد تقاضای تعلیق وی را از شغل مترجمی از هیات رسیدگی به تخلفات انتظامی می‌نماید. تعلیق مترجم رسمی موکول به رای هیات رسیدگی به تخلفات انتظامی خواهد بود. ماده ۵۲ - چنانچه مترجم رسمی به اتهام ارتکاب بزهی تحت پیگرد مراجع قضایی قرار گیرد و عمل ارتكابی به تشخیص مرجع انتظامی مغایر با شئون مترجم رسمی باشد از سمت مترجمی رسمی معلق خواهد شد و در صورت صدور رای قطعی برائت یا منع پیگرد یا موقوفی تعقیب رفع تعلیق به عمل خواهد آمد. چنانچه درباره متهم قرار تعلیق تعقیب کیفری یا حکم به تعلیق اجرای مجازات صادر شود رفع تعلیق وی با مرجع انتظامی خواهد بود.

ماده ۵۳ - حق الزحمه مترجم رسمی به قرار زیر است ۱ - برای ترجمه از زبان بیگانه به فارسی و بالعکس هر کلمه هشتاد ریال ۲ - برای ترجمه‌های فوری هر کلمه ۱۲۰ ریال ۳ - برای ترجمه کلمات مشکل تخصصی و فنی غیر فوری از زبان بیگانه به فارسی یا بالعکس و به تناسب تعداد کلمات فنی و تخصصی هر کلمه از یکصد ریال تا یکصد شصت ریال ۴ - برای ترجمه کلمات مشکل تخصصی و فنی فوری از زبان بیگانه به فارسی یا بالعکس هر کلمه صد و بیست ریال تا صد و هشتاد ریال به تشخیص اداره فنی یا دادگستری محل ۵ - کلمات مرکب از قبیل کتابخانه و دهکده یک کلمه محسوب می‌شود. ۶ - حروف ربط و اضافه یک کلمه محسوب خواهد شد. ۷ - در ترجمه اعداد تا ۵ رقم مستقل یک کلمه به شماره می‌رود. ۸ - چنانچه متقاضی از ترجمه‌ای بیش از یک نسخه بخواهد بابت نسخ اضافی تا سه نسخه اول دو هزار ریال برای نسخ بعدی به ازای هر سه نسخه اضافی پانزده درصد بر مبلغ قبل آن اضافه خواهد شد و حق امضای مترجم برای نسخه‌های اضافی تا سه نسخه هزار و پانصد ریال است ۹ - حق الزحمه گواهی مطابقت رونوشت سند با اصل که طبق ماده ۷۵ ق. آ. د. م. وسیله مترجم رسمی انجام شود هر صفحه هزار و پانصد ریال است ۱۰ - حق الزحمه مترجم برای ترجمه شفاهی تا یک ساعت پنجاه هزار ریال و مازاد بر یک ساعت به ازای هر ساعت اضافی پانزده هزار ریال خواهد بود که متقاضی باید قبل از تشکیل جلسه حداقل حق الزحمه را به طور علی الحساب در صندوق دادگستری تودیع و قبض آن را ارائه نماید. ۱۱ - هزینه سفر مترجمان رسمی بر طبق تعرفه کارشناسان رسمی دادگستری مندرج در آیین نامه مربوطه و اصطلاحات بعدی خواهد بود. ۱۲ - پول تمبر ترجمه و نسخ اضافی و هزینه پلمپ به عهده متقاضی است ماده ۵۴ - در صورت اقتضا از طرف اداره فنی در خرداد ماه هر سال کمیسیونی مرکب از رئیس یا معاون اداره فنی و نماینده معاونت قضایی رئیس قوه قضائیه و دو نفر مترجم رسمی به انتخاب اداره فنی تشکیل و با توجه به افزایش یا کاهش هزینه زندگی نسبت به تعدیل حق الزحمه ترجمه رسمی مندرج در ماده ۵۳ آیین نامه اقدام خواهد شد. ماده ۵۵ - امضای مترجم ذیل ترجمه یا رونوشت یا فتوکپی اسناد و اوراق در مرکز وسیله اداره فنی و در شهرستانها وسیله یکی از قضات دادگستری محل که به پیشنهاد اداره فنی و تصویب معاون قضایی تعیین خواهد شد تصدیق و به مبلغ مقرر قانونی تمبر الصاق می‌شود. ماده ۵۶ - در صورت تعلیق یا انفصال یا غیبت طولانی یا حجر یا بیماری طولانی یا فوت مترجم رسمی بنا به تقاضای اداره فنی در مرکز و دادگستری محل در شهرستانها بر گها و اسناد و دفاتر راجع به امور ترجمه جمع آوری و به اداره فنی یا دادگستری محل ارسال می‌گردد در صورتی که بین آنها اشیا یا اسنادی متعلق به مردم باشد باید در قبال اخذ رسید به صاحبان آنها مسترد شود. ماده ۵۷ - از تاریخ قابل اجرا شدن این آیین نامه کلیه آیین نامه‌های مربوط به مترجمان رسمی ملغی است ماده ۵۸ - این آیین نامه پانزده روز پس از درج در روزنامه رسمی قابل اجرا است ماده ۵۹ - این آیین نامه در ۵۸ ماده و ۱۸ تبصره تصویب می‌شود.

آیین نامه مترجمان رسمی

نظر به ماده ۳ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی مصوب ۲۰ خرداد ۱۳۱۶ آیین نامه مترجمان رسمی در ۳۷ ماده و ۱۲ تبصره به شرح زیر تصویب می‌شود: الف - ترتیب انتخاب مترجمان رسمی ماده ۱ - قوه قضائیه در صورت احتیاج به وسایل مقتضی از داوطلبان واجد صلاحیت مترجمی رسمی دعوت می‌کند تا درخواست خود را در تهران به اداره فنی تسلیم کنند. ماده ۲ - شرایط مترجمی رسمی از قرار زیر است ۱ - داشتن تسلط در ترجمه زبان مورد احتیاج و نگارش فارسی ۲ - داشتن بیش از ۲۵ سال سن ۳ - عدم شهرت به فساد اخلاقی و داشتن صداقت و امانت و رشد به تشخیص کمیسیون ماده ۵، ۴ - عدم محکومیت به مجازاتی که به تشخیص اداره فنی منافی با شغل مترجمی رسمی باشد. ماده ۳ - درخواست مترجمی رسمی باید دارای پیوستهای زیر باشد: ۱ - یک برگ رونوشت یا فتوکپی مصدق از کلیه صفحات شناسنامه ۲ - دو قطعه عکس ۳*۴ (برقی) ۳ - عدم شهرت به فساد

اخلاقی و داشتن صداقت و امانت و رشد به تشخیص کمیسیون ماده ۵.۴ - عدم محکومیت به مجازاتی که به تشخیص اداره فنی منافی با شغل مترجمی رسمی باشد. ماده ۴ - درخواست مترجمی رسمی به ترتیب تاریخ وصول در دفتری ثبت و برای هر داوطلب پرونده جداگانه‌ای تشکیل می‌شود اداره فنی قبل از صدور پروانه مترجمی رسمی از طریق دادگستری محل و یابه هر طریق مقتضی درباره صلاحیت داوطلب تحقیق به عمل آورده نتیجه را در پرونده وی منعکس می‌نماید. ماده ۵ - اداره فنی پرونده داوطلبان را در کمیسیون مرکب از رئیس اداره فنی و در غیاب وی معاون اداره فنی و یک نفر که به زبان خارجی مربوط تسلط کامل داشته باشد و یک نفر از قضات به انتخاب معاون قضایی مطرح می‌سازد و واجدین صلاحیت را با تعیین تاریخ برای شرکت در امتحان دعوت می‌کند. دعوت کتبا و لااقل یک ماه قبل از تاریخ امتحان باید به عمل آید. ماده ۶ - امتحان در تهران زیر نظر اداره فنی به وسیله هیات ممتحنه به عمل می‌آید و به صورت ترجمه از زبان فارسی به زبان خارجی و بالعکس خواهد بود و استفاده از فرهنگ لغت در جلسه امتحان مجاز است سئوالات امتحانی در جلسه‌ای که روز امتحان تشکیل می‌شود تهیه و تکثیر و بلافاصله در اختیار داوطلبان گذارده خواهد شد. تبصره - هیات ممتحنه از سه نفر اشخاص متبحر در زبان مورد نیاز که لااقل یکی از آنها مترجم رسمی آن زبان باشد به انتخاب اداره فنی تشکیل می‌گردد و در صورت عدم دسترسی به تعداد مذکور ممکن است از تعداد کمتر استفاده شود. ماده ۷ - طرح سئوالات و تصحیح اوراق امتحانی زیر نظر کمیسیون مذکور در ماده ۵ توسط هیات ممتحنه مذکور در ماده ۶ و تبصره آن صورت می‌گیرد و نمره‌ای که به اوراق داده می‌شود از صد منظور می‌گردد و حداقل نمره قبولی هشتاد می‌باشد. نمره هر ورقه ذیل یا ظهر آن ورقه ثبت شده و به امضای هیات ممتحنه می‌رسد. ماده ۸ - برای داوطلبان مترجمان رسمی اظهارات (موضوع ماده یک قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی مصوب ۲۰ خرداد ۱۳۱۶) شرکت در امتحان شفاهی الزامی است و قبولی در امتحان به نحو مذکور در ماده ۷ خواهد بود. ماده ۹ - اداره فنی از بین قبول شدگان به ترتیب نمره دو برابر تعداد مورد لزوم را برای انجام مصاحبه دعوت می‌نماید. مصاحبه زیر نظر کمیسیون مذکور در ماده ۵ انجام می‌گیرد. اداره فنی تعداد مورد احتیاج را به ترتیب از بین کسانی که دارای نمره بیشتری بوده و در مصاحبه قبول شده‌اند انتخاب می‌کند. ماده ۱۰ - انتخاب شدگان در حضور کمیسیون مذکور در ماده ۵ به شرح زیر سوگند یاد می‌کنند: «به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم که در امر ترجمه قلم و زبان خود را جز به راستی و حقیقت به کار نبرم و در سمت مترجمی رازدار و امین باشم» سپس اداره فنی به نام آنان پروانه مترجمی رسمی صادر و پس از الصاق تمبر به مبلغ مقرر قانونی به آنان تسلیم می‌کند. پروانه مترجم رسمی باید دارای عکس و نمونه امضا باشد. ماده ۱۱ - مترجم رسمی حق تغییر محل کار خود را ندارد و هر گونه تغییر محل با موافقت اداره فنی و معاونت قضایی رئیس قوه قضائیه بوده و در پروانه مترجمی درج خواهد گردید. تبصره ۲ - دایر کردن موسسه‌ای با نام دارالترجمه یا تحت هر عنوان دیگری که بدون حضور مترجمان رسمی به امر ترجمه و تأیید اسناد اشتغال داشته باشند ممنوع است و مدیران و مسوولین این موسسات طبق مقررات کیفری با اعلام اداره فنی تحت پیگرد قرار خواهند گرفت ب - تمدید پروانه ماده ۱۲ - مترجم رسمی باید هر دو سال یک نوبت در اردیبهشت ماه برای تمدید پروانه خود به اداره فنی مراجعه نماید در صورتی که موجهی برای عدم تمدید نباشد پس از الصاق تمبر به مبلغ مقرر قانونی پروانه وی برای دو سال توسط اداره فنی تمدید می‌شود. اداره فنی و دادگستری شهرستانها از تصدیق امضا مترجمی که پروانه وی تمدید نشده ممنوع می‌باشند. اداره فنی تمدید پروانه را به دادگستری محل اطلاع می‌دهد. تبصره - چنانچه مترجمی چند سال مبادرت به تمدید پروانه خود نکند در زمان تمدید مکلف به الصاق تمبر سنوات گذشته خواهد بود. ماده ۱۳ - دادگاه یا دادرسی یا هر مقام رسمی دیگری که به مترجم کار ارجاع می‌کند باید طرز رفتار او را مراقبت و هرگونه تخلفی را که مشاهده نماید به اداره فنی گزارش دهد. ماده ۱۴ - اداره فنی موظف است اسناد و مدارک تحصیلی و کلا اوراقی را که از طرف مراجع رسمی ذیصلاح برای ترجمه به آن اداره فرستاده می‌شود در صورت پرداخت هزینه به مترجم رسمی ارجاع و پس از ترجمه و گواهی امضای مترجم اعاده کند. ج - وظایف مترجم رسمی و مقررات انتظامی ماده ۱۵ - وظایف مترجم

رسمی با توجه به قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر اسناد رسمی و ماده ۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی حسب مورد به قرار زیر است ۱- ترجمه اسناد و اوراق مورد درخواست متقاضی که به این منظور به مترجم تسلیم می‌گردد. ۲- ترجمه اظهارات اصحاب دعوی یا وکلای آنان یا شهود یا کارشناسان در مراجع قضایی و طرفین معامله یا وکلای آنان یا شهود در دفاتر اسناد رسمی ۳- گواهی صحت ترجمه اسنادی که در ایران یا یکی از کشورهای بیگانه ترجمه یا تنظیم شده است ماده ۱۶- مترجم رسمی باید دارای دفتر ثبت و برگ رسید و مهر به شرح زیر باشد: ۱- دفتر ثبت که شماره ردیف و مشخصات کارهای ارجاعی (نوع و تعداد و نام صاحب سند یا نام متقاضی اگر غیر از صاحب سند باشد و نشانی کامل او و تاریخ ارجاع و تاریخ استرداد ترجمه و میزان دستمزد) در آن ثبت می‌شود این دفتر به وسیله اداره فنی برگ شماری و منگنه و مهر خواهد شد. ۲- برگ رسید که نوع و تعداد و نام صاحب سند یا نام متقاضی (اگر غیر از صاحب سند باشد) و تاریخ استرداد و میزان دستمزد ترجمه در آن ثبت و هنگام دریافت سند به متقاضی ترجمه داده می‌شود و مترجم مکلف است نسخه‌ثانی رسید دستمزد ترجمه را منضم به اوراق ترجمه به اداره فنی ارسال دارد. ۳- مهر که در آن نام و نام خانوادگی مترجم و زبانی که مترجم رسمی آن است و شماره پروانه مترجمی رسمی قید شده و مترجم با آن ذیل اوراق ترجمه را مهر می‌کند دفتر و رسید مهر مذکور طبق نمونه موجود در اداره فنی تهیه می‌شود. ماده ۱۷- مترجم موظف است ۱- ترجمه هر سند را روی برگ مخصوص که شکل و اندازه آن از طریق اداره فنی تعیین می‌شود پاکیزه و بدون قلم خوردگی و حک و اصلاح به هزینه خود ماشین و در پایان آن مطابقت ترجمه را با اصل تصدیق و با قید تاریخ امضا کند. هرگاه ترجمه سندی از یک صفحه تجاوز کند مترجم باید زیر هر صفحه تصریح کند که بقیه در صفحه بعد ترجمه شده است و ذیل تمام صفحات را امضا و آنها را منگنه و پلمپ می‌نماید. در مورد مدارک تحصیلی و اسناد مربوط به آن می‌توان به تقاضای متقاضی آنها را یکجا منگنه و پلمپ کرد. ۲- گواهی صحت ترجمه یا مطابقت رونوشت یافتگی با اصل باید ذیل اوراق مورد گواهی به عمل آید و در صورت تعدد صفحات ذیل هر صفحه مستقلاً یا قید اینکه بقیه در صفحه دیگر است گواهی و به ترتیب بند یک منگنه و پلمپ می‌شود. تبصره ۱- هزینه پلمپ به میزان مقرر قانونی است که متقاضی باید بپردازد. تبصره ۲- مترجم موظف است علاوه بر نسخ مورد احتیاج متقاضی یک نسخه تأیید شده برای بایگانی خود تهیه و تا پنج سال نگهداری نماید در صورت مطالبه اداره فنی یا سایر مراجع ذیصلاح آن را ارائه دهد. ماده ۱۸- مترجم نمی‌تواند از قبول کاری که به او رجوع می‌شود بدون عذر موجه خودداری کند و یا آن را به تاخیر بیندازد. وقت لازم برای ترجمه اسناد و مدارک عنداللزوم از طرف اداره فنی و یا دادگستری محل تعیین خواهد شد. تبصره تخلف از ماده ۱۸ موجب انفصال مترجم به مدت شش ماه از شغل مترجمی به پیشنهاد اداره فنی و تصویب معاونت قضایی ریاست قوه قضائیه خواهد گردید. ماده ۱۹- در صورتی که مترجم به لحاظ بیماری یا ماموریت یا هر علت دیگری قادر به انجام کار ترجمه نباشد، باید به فوریت مراتب را با ذکر دلیل به اداره فنی در مرکز و دادگستری محل در شهرستانها و متقاضی اعلام کند و هرگاه اسناد و اوراقی برای ترجمه نزد او باشد، این اسناد و اوراق را سریعاً مسترد دارد. ماده ۲۰- مترجم رسمی مکلف است در موقعی که مقام صلاحیتدار تعیین می‌کند در محل مقرر حاضر شود مگر اینکه عذر موجهی داشته باشد و در صورت امکان باید عذر خود را قبلاً به اطلاع آن مقام برساند. ماده ۲۱- مترجم رسمی موظف است تمام اظهارات و مندرجات اسناد و مدارک و اوراقی را که برای ترجمه به او داده می‌شود جز به جز و کلمه به کلمه ترجمه نماید و حق ندارد چیزی را حذف و یا اضافه کند و چنانچه مورد تخلف منطبق با ماده ۲۸ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۲۳/۱۱/۱۳۱۷ باشد به مجازات مقرر در ماده مرقوم خواهد رسید. تبصره ۱- مترجم رسمی نباید ترجمه اسناد را ترجمه نماید و در صورت تخلف اداره فنی یا دادگستری محل امضای او را گواهی نخواهد کرد. تبصره ۲- در مورد اسناد رسمی تشخیص موادی که ترجمه آنها ضرورتی ندارد با اداره فنی است و رعایت دستورات اداره مذکور در این مورد برای مترجم الزامی است ماده ۲۲- مترجم رسمی مسوول حفظ و مراقبت اسنادی است که برای ترجمه به او سپرده می‌شود و موظف است اسناد را به همان صورتی که تحویل گرفته رد کند. ماده

۲۳- مترجم رسمی موظف است در صورتی که سند و مدرک مخدوش باشد مراتب را در ترجمه و برگ رسیدی که به صاحب سند می‌دهد، قید کند. ماده ۲۴- هرگاه اشتباه مترجم به تصدیق دو نفر از مترجمان رسمی دیگر به انتخاب اداره فنی در امر ترجمه محرز شود و خسارتی بابت وجه تمبر و تصدیق امضاء و سایر هزینه‌های مربوط به امر ترجمه متوجه صاحب سند گردد مترجم موظف است با اخطار اداره فنی در جبران خسارت وارده یا جلب رضایت صاحب سند اقدام کند و تحت تعقیب انتظامی نیز قرار خواهد گرفت تبصره - در خصوص ماده فوق در صورت احراز عمد مترجم عمل وی مطابق ماده ۲۸ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۲۳/۱۱/۱۳۷۱ قابل تعقیب کیفری خواهد بود. ماده ۲۵- مترجم مکلف است اسراری که در اثر امر ترجمه به آنها واقف می‌شود حفظ کند و در صورت افشای اسرار مراجعین به مجازات مندرج در ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ ه. ش. محکوم خواهد گردید. ماده ۲۶- دریافت هر وجه یا مال یا تحمیل خدمتی بابت ترجمه بیش از آنچه این آیین‌نامه مقرر می‌دارد ممنوع است و مرتکب طبق ماده ۱۴ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ قابل تعقیب کیفری خواهد بود. ماده ۲۷- در صورت تخلف مترجم رسمی از مقررات این آیین‌نامه اداره فنی می‌تواند از تمدید پروانه او برای یک یا چند دوره خودداری نماید و این امر مانع تعقیب انتظامی یا کیفری او حسب قوانین مربوطه نخواهد بود. د- دستمزد مترجم رسمی ماده ۲۸- حق الزحمه مترجم رسمی به‌قرار زیر است ۱- برای ترجمه از زبان بیگانه به فارسی و بالعکس هر کلمه پانزده ریال ۲- کلمات مرکب از قبیل کتابخانه و دهکده یک کلمه محسوب می‌شود. ۳- حروف ربط و اضافه یک کلمه محسوب خواهد شد. ۴- در ترجمه اعداد هر پنج عدد مستقل یک کلمه به‌شمار می‌رود. ۵- حداقل دستمزد مترجم ۱۵۰۰ ریال است ۶- چنانچه متقاضی از ترجمه‌ای بیش از یک نسخه بخواهد باید هزینه ماشین نویسی و حق امضای مترجم را پردازد. هزینه ماشین نویسی برای هر نسخه اضافی ۲۰۰ ریال است و حق امضای مترجم برای نسخه‌های اضافی هر صفحه ۱۰۰ ریال خواهد بود. ۷- حق الزحمه گواهی مطابقت رونوشت سند با اصل که طبق ماده ۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی وسیله مترجم رسمی انجام شود، هر صفحه یکصد ریال است ۸- حق الزحمه مترجم برای ترجمه شفاهی هر ساعت پنج هزار ریال است که از طرف متقاضی پرداخت می‌شود چنانچه مدت از پنج ساعت تجاوز کند نسبت به بقیه ساعات هر ساعت دو هزار ریال حق الزحمه دریافت خواهد شد. حداقل حق الزحمه شفاهی پنج هزار ریال خواهد بود. اگر مترجم حاضر شود ولی به‌علت غیبت یکی از اصحاب دعوی ترجمه انجام نشود پرداخت حداقل حق الزحمه به عهده متخلف است ۹- هزینه سفر مترجمان رسمی کیلومتری چهل ریال و روزی ۸۰۰۰ ریال است که متقاضی باید پردازد. ۱۰- حق الزحمه مترجم برای ترجمه از زبان فارسی به زبانهای بیگانه در مورد مدارکی که با شکل ثابت از مراجع مختلف صادر می‌شود به‌قرار زیر است (پول تمبر نسخ اصلی و اضافی و هزینه پلمپ به عهده متقاضی است. ۱- شناسنامه فرد متاهل ۱۵۰۰ ریال ۲- شناسنامه فرد مجرد ۱۲۰۰ ریال ۳- گواهی عدم سو پیشینه ۱۲۰۰ ریال ۴- برگ پایان خدمت نظام وظیفه ۱۲۰۰ ریال ۵- برگ معافیت از خدمت نظام وظیفه ۱۲۰۰ ریال ۶- کارنامه هر کلاس غیر دانشگاهی ۸۰۰ ریال ۷- ریز نمرات هر ترم دانشگاهی ۱۰۰۰ ریال ۸- گواهینامه پایان تحصیلات ۱۰۰۰ ریال ۹- تائیدیه گواهینامه پایان تحصیلات ۱۰۰۰ ریال ۱۰- گواهینامه رانندگی ۱۰۰۰ ریال ۱۱- کارت شناسایی ۱۰۰۰ ریال ۱۲- کارت تحصیلی ۱۰۰۰ ریال ۱۳- پروانه کسب ۱۲۰۰ ریال ۱۴- سند ازدواج جدید ۴۰۰۰ ریال ۱۵- سند ازدواج قدیم ۳۰۰۰ ریال ۱۶- طلاق نامه اعم از دفترچه یا ورقه ۳۰۰۰ ریال ۱۷- سند مالکیت فاقد درج انتقالات بعدی ۳۰۰۰ ریال ۱۸- سند مالکیت با درج انتقالات بعدی ۴۰۰۰ ریال تبصره ۱- هرگاه صاحب سند متقاضی ترجمه فوری باشد کتبا درخواست و ۵۰ درصد اضافه بر تعرفه پرداخت کند. منظور از فوری ترجمه بیش از ۵ برگ در ظرف سه روز و کمتر از پنج برگ در یک روز است تبصره ۲- هرگاه سند داری اصطلاحات مشکل فنی و حرفه‌ای باشد از قبیل اوراق حقوقی و قراردادهای تجاری و فنی و صنعتی با تشخیص رئیس اداره فنی یا معاونین وی در مرکز و رئیس دادگستری محل در شهرستانها تا ۲۰۰ درصد اضافه بر تعرفه پرداخت می‌شود. ماده ۲۹- در خردادماه هر سال کمیسیونی مرکب از رئیس یا معاون اداره فنی و نماینده معاونت قضایی رئیس قوه قضائیه و

یک نفر مترجم رسمی به انتخاب اداره فنی تشکیل و با توجه به افزایش یا کاهش هزینه زندگی نسبت به تعدیل تعرفه حق الزحمه مترجم رسمی مندرج در ماده ۲۸ آیین‌نامه اقدام خواهند نمود. ماده ۳۰ - امضای مترجم ذیل ترجمه یا رونوشت یا فتوکپی اسناد و اوراق در مرکز وسیله اداره فنی و در شهرستانهایی که مترجم رسمی در آنجا مقیم است بوسیله یکی از قضات دادگستری محل که به پیشنهاد اداره فنی و تصویب معاون قضایی تعیین خواهد شد، تصدیق و برای هر تصدیق به مبلغ مقرر قانونی تمبر الصاق می‌شود. ماده ۳۱ - در صورت تعلیق یا انفصال یا غیبت طولانی یا حجر یا فوت مترجم رسمی بنا به تقاضای اداره فنی در مرکز و دادگستری محل در شهرستانها از طرف دادسرای عمومی محل برگها و اسناد و دفاترراجع به امور ترجمه جمع‌آوری و به اداره فنی یا دادگستری محل ارسال می‌گردد. در صورتی که بین آنها اشیا یا اسنادی متعلق به مردم باشد، باید در قبال اخذ رسید به صاحبان آنها مسترد شود. ماده ۳۲ - مرجع تعقیب انتظامی مترجم رسمی اداره فنی است ماده ۳۳ - معاون قضایی می‌تواند همین که از سو رفتار و اخلاق مترجم رسمی مطلع شد امر به تعقیب انتظامی او داده و در مواردی که اشتغال او به مترجمی منافی با حیثیت مترجمان رسمی باشد وی را از شغل مترجمی معلق نماید و رفع تعلیق مترجم رسمی موقوف به نظر معاونت قضایی خواهد بود. ماده ۳۴ - چنانچه مترجم رسمی به اتهام ارتکاب بزهی تحت پیگرد مراجع قضایی قرار گیرد و عمل ارتكابی به تشخیص اداره فنی مغایر با شئون مترجمی رسمی باشد تا اعلام رای نهایی از محکمه صالحه به دستور اداره فنی از سمت مترجمی رسمی معلق خواهد شد و در صورت صدور رای قطعی برائت یا منع پیگرد یا موقوفی تعقیب رفع تعلیق به عمل خواهد آمد. چنانچه درباره متهم قرار تعلیق تعقیب کیفری یا حکم به تعلیق اجرای مجازات صادر شود رفع تعلیق وی با اجازه کتبی معاون قضایی ریاست قوه قضائیه ممکن خواهد بود. ماده ۳۵ - اداره فنی در صورت نیاز مشخصات کامل مترجمان را به وسیله روزنامه رسمی و دفترچه‌های مخصوص منتشر می‌کند. ماده ۳۶ - مواد ۳۱ و ۳۲ نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکتها مصوب ۲/۳/۱۳۱۰ و بند یک (قسمتهای الف و ب ماده ۵۸ نظامنامه اجرای قانون علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱/۴/۱۳۱۰ و کلیه آیین‌نامه‌های مربوط به مترجمان رسمی از تاریخ قابل اجرا شدن این آیین‌نامه ملغی است ماده ۳۷ - این آیین‌نامه پانزده روز پس از درج در روزنامه رسمی قابل اجرا است رئیس قوه قضائیه

آیین‌نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری - مصوب ۱۳۸۲

هیات وزیران در جلسه مورخ ۷/۲/۱۳۸۲ بنا به پیشنهاد شماره ۲۷۹۷/۰۲/۱۱۱ مورخ ۲۸/۷/۱۳۸۱ وزارت دادگستری و به استناد ماده (۴۰) قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری - مصوب ۱۳۸۱ - آیین‌نامه اجرایی قانون یادشده را به شرح زیر تصویب نمود: «آیین‌نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری» فصل اول - کلیات: ماده ۱ - در این آیین‌نامه، واژه‌های اختصاری زیر در مفاهیم مشروح مربوط به کار می‌رود: الف - قانون: «قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری». ب - کانون: «کانون کارشناسان رسمی دادگستری». ج - شورای عالی: «شورای عالی کارشناسان رسمی». ماده ۲ - ملاک تعیین کارشناس رسمی مقیم در مورد تعیین نصاب تشکیل کانون در مراکز هر استان، محل اقامتی می‌باشد که در پروانه کارشناسی آنان تعیین گردیده است. ماده ۳ - معیار تشخیص نزدیکترین کانون، فاصله نزدیکترین مرکز هر استان با مرکز استان دیگر، براساس جداول تعیین فاصله شهرها که به وسیله وزارت راه و ترابری تهیه می‌شود بوده و در صورت بروز هرگونه ابهام و اختلاف در تشخیص نزدیکترین کانون، نظر شورای عالی ملاک عمل می‌باشد. فصل دوم - شورای عالی: ماده ۴ - تعداد نصاب هر کانون برای عضویت در شورای عالی، متناسب با تعداد کارشناسان رسمی آن کانون، حداقل سه ماه قبل از برگزاری انتخابات در هر دوره انتخاباتی به وسیله شورای عالی تعیین و اعلام می‌گردد. ماده ۵ - نصاب کانونها برای عضویت در شورای عالی با در نظر گرفتن نسبت کل کارشناسان رسمی به تعداد هجده نفر اعضا شورای عالی تعیین می‌گردد چنانچه تعداد کارشناسان رسمی یک کانون (اعم از کارشناسان آن استان و کارشناسان استان دیگری که به دلیل نداشتن کانون مستقل عضو آن کانون محسوب می‌گردند) کمتر از نصاب لازم برای

معرفی یک عضو باشند، کارشناسان آن کانون به ترتیب با کارشناسان نزدیکترین کانون یا کانونهای دیگر تجمیع و تعداد نصاب اعضای برای شورای عالی تعیین خواهد شد. تبصره - پس از تعیین و اعلام تعداد نصاب اعضای هر کانون، داوطلبان عضویت در شورای عالی یک ماه مهلت دارند تا در کانون مربوط داوطلبی خود را ثبت نمایند کانونها موظفند ظرف حداکثر پانزده روز از تاریخ پایان مهلت ثبت نام، اسامی و آخرین وضعیت پروانه کارشناسی داوطلبان را به شورای عالی و در دوره اول به کانون استان تهران اعلام نمایند. ماده ۶ - شورای عالی بلافاصله پس از وصول تمامی اسامی داوطلبان که ثبت نام کرده اند فهرست اسامی و وضعیت پروانه آنان را در اختیار کمیسیون تشخیص صلاحیت موضوع ماده (۱۳) قانون قرار می دهد. تبصره ۱ - داوطلبان باید در زمان ثبت نام و اخذ رای دارای پروانه معتبر کارشناسی بوده و در حالت تعلیق نباشند. تبصره ۲ - شورای عالی پس از اخذ نظر کمیسیون ماده (۱۳) بلافاصله فهرست اسامی داوطلبان واجد شرایط را به کانونهای مربوط اعلام می نماید داوطلبانی که صلاحیت آنها رد شده می توانند از تاریخ اعلام کانون مربوط به آنان، ظرف مدت پنج روز اعتراض خود را به کانون مربوط تسلیم نمایند. کانون مزبور بلافاصله اعتراضات واصله را به کمیسیون ماده (۱۳) منعکس نموده و کمیسیون یادشده ظرف یک هفته نظریه قطعی خود را به کانون مربوط اعلام خواهد کرد. ماده ۷ - به منظور انتخاب اعضا شورای عالی پس از تعیین نصاب هر استان در روز و ساعت معینی در کانون مربوط در سراسر کشور انتخابات برگزار می شود. کارشناسان رسمی دادگستری عضو کانون مربوط می توانند به تعداد دو برابر نصاب تعیین شده به کاندیداهای مورد نظر خود رای دهند. انتخاب شوندگان به ترتیب فوق در جلسه ای که در محل شورای عالی تشکیل می شود و تاریخ آن از قبل تعیین و به اطلاع منتخبین رسیده از بین خود ۱۸ نفر را به عنوان اعضا شورای عالی انتخاب می نمایند. در هر صورت تعداد انتخاب شدگان در استان باید دو برابر نصاب تعیین شده باشد. تبصره ۱ - کلیه هجده نفر باقیمانده از منتخبان مرحله اول، به عنوان افراد ذخیره کانونهای مربوط در شورای عالی محسوب می گردند تا چنانچه اعضا اصلی کانون مربوط به هر دلیل از جمله فوت، استعفای، تعلیق، ابطال پروانه کارشناسی یا غیبت غیرموجه عضویت خود را از دست دهند، افراد ذخیره آن کانون که به ترتیب حایز اکثریت آرا بوده برای بقیه مدت به عضویت اصلی شورای عالی درآیند. تبصره ۲ - چنانچه افراد ذخیره نیز به دلایل فوق وجود نداشته باشند، انتخابات میان دوره ای در کانون مربوط انجام شده و دو برابر نصاب تعیین شده مذکور انتخاب و معرفی می گردند تا در شورای عالی با حضور تمامی اعضا اصلی و نیز افراد ذخیره کانونها که حداکثر سی و شش نفر خواهند بود، اعضا اصلی مورد نیاز تا حد نصاب را انتخاب نمایند در هر صورت رعایت نصاب تعیین شده برای کانونها اعم از اصلی و ذخیره باید مدنظر باشد بقیه منتخبان مذکور، افراد ذخیره کانون مربوط برای باقیمانده مدت محسوب می گردند. ماده ۸ - مسئولیت اجرای انتخابات به عهده شورای عالی خواهد بود. معرفی کارشناسان موضوع ماده (۱۳) قانون به رئیس قوه قضائیه و اجرای انتخابات شورای عالی و کلیه وظایفی که در قانون و این آیین نامه به عهده شورای عالی است، در دوره اول و قبل از تشکیل شورای عالی به عهده کانون استان تهران می باشد. ماده ۹ - محل برگزاری مرحله اول انتخابات شورای عالی، کانون استانها و در مرحله دوم کانون استان تهران یا شورای عالی می باشد. در مواردی که طبق قسمت اخیر ماده (۵) این آیین نامه دو یا چند کانون و نمایندگی با یکدیگر تجمیع و رای می دهند، محل برگزاری مرحله اول انتخابات در کانونهای مذکور خواهد بود که اعضا هر کانون برای اخذ رای به کانون استان خود مراجعه می نمایند حائزان اکثریت آرای در این محاسبه کارشناسی می باشد که بیشترین رای را در صندوق کانونهای مذکور کسب نموده باشد، اعم از آرا اعضای مقیم کانونها و آرا اعضای استانهای دیگری که به دلیل نداشتن کانون مستقل عضو نمایندگی آن کانون می باشند. ماده ۱۰ - به منظور همکاری و هماهنگی کانونها در امر انتخابات شورای عالی و انتخاب سی و شش نفر مربوط (هجده نفر اعضای اصلی و هجده نفر افراد ذخیره)، بدوا با تشکیل مجمع عمومی مرکب از اعضای هیئت مدیره کلیه کانونهای کشور که به دعوت کانون استان تهران تشکیل می گردد از بین کارشناسان معتبر نسبت به تعیین هیئت نظارت بر انتخابات شورای عالی برای هر استان به پیشنهاد هریک از هیئت مدیره های

استانها اقدام می گردد تعداد اعضای هیئت نظارت مذکور باید به نحوی باشد که برای هر استان لااقل سه نفر به عنوان ناظر بر انتخابات، به شرط آنکه ناظران خود داوطلب عضویت در شورای عالی نباشند، انتخاب شوند نحوه تشکیل، حدنصاب، اداره جلسه و سایر ضوابط مجمع عمومی هیئت مدیره کانونها، طبق نظامات و تشریفات مقرر در قانون و این آیین نامه می باشد که برای مجمع عمومی پیش بینی شده است. ماده ۱۱ - انتخابات اعضای شورای عالی در یک روز و ساعت معین در کل کشور انجام و صندوق اخذ رای در محل کانونهای مربوط یا نمایندگیهای کانون ذی ربط مستقر می گردد کارشناسان واجد شرایط رای دادن در ساعات تعیین شده برای تکمیل تعرفه منضم به رای و اخذ برگ مخصوص رای گیری شخصا با دردست داشتن پروانه کارشناسی معتبر در محل صندوق کانون استان یا نمایندگی مربوط مراجعه و به طور مخفیانه رای خواهند داد. صندوقها باید قبلا با نظارت ناظران منتخب مجمع عمومی هیئت مدیره ها -لاک و مهرشده و برگهای آرای نیز قبلا توسط ناظران مذکور امضا و مهر گردد. تبصره - مجمع عمومی هیئت مدیره استانها می توانند در صورت داشتن امکانات اخذ رای در استانهایی که در آنها کانون تشکیل نشده و به صورت نمایندگی یکی از کانونها اداره می شوند ناظران را معرفی و در همان روز و ساعت و تاریخ اخذ رای، در استانهای مذکور نیز صندوق اخذ رای مستقر نمایند. ماده ۱۲ - پس از خاتمه مهلت اخذ رای، صندوقها در محل کانون یا محل نمایندگی مربوط، با حضور ناظران منتخب مجمع عمومی هیئت مدیره کانونها و دو نفر نمایندگان هیئت مدیره کانون مربوط که خود داوطلب انتخاب در شورای عالی نمی باشند، مفتوح گردیده، شمارش و قرائت آرا انجام می گیرد سپس اسامی منتخبان براساس آرای ماخوذه صندوق یا صندوقهای اخذ رای آن استان به ترتیب آرای مکتسبه صورتمجلس و به امضا اعضا جلسه رسیده و برای شورای عالی ارسال می شود. ماده ۱۳ - اولین جلسه شورای عالی، حداکثر پانزده روز پس از انتخابات مرحله دوم، با حضور کلیه اعضای اصلی تشکیل می گردد در این جلسه، اعضا از بین خود رئیس، نایب رئیس، خزانه دار، کارپرداز، دو نفر منشی و دو نفر بازرس با اکثریت آرا انتخاب می نمایند. تبصره ۱ - دعوت اعضا برای تشکیل جلسه به وسیله رئیس شورای عالی صورت می گیرد و در اولین دوره به دعوت رئیس کانون استان تهران می باشد. تبصره ۲ - چنانچه در جلسه اول همه اعضای شرکت نمایند، ظرف یک هفته جلسه بعدی تشکیل و با حضور نصف به علاوه یک اعضا اصلی رسمیت خواهد یافت رای دو سوم حاضران در جلسه معتبر است. تبصره ۳ - جلسات شورای عالی در هر ماه یک بار تشکیل می شود و در صورت ضرورت جلسات فوق العاده تشکیل خواهد شد. ماده ۱۴ - چگونگی ایجاد تشکیلات سازمانی و تقسیم وظایف اعضای شورای عالی طبق دستورالعمل داخلی شورای مزبور صورت خواهد گرفت. ماده ۱۵ - عضویت در شورای عالی افتخاری است و بابت عضویت و شرکت در جلسات حق الزحمه ای پرداخت نمی شود. تبصره - چنانچه هریک از اعضا به تشخیص و تصویب شورای عالی به صورت موظف در این شورا مشغول به کار گردند، با تصویب شورای یادشده حق الزحمه ای متناسب برای دوران اشتغال به آنان پرداخت می گردد. ماده ۱۶ - هزینه های جاری شورای عالی در بودجه ای که همه ساله توسط شورای مزبور تصویب می گردد، از محل درآمد کانون استانها به نسبت بودجه سالانه هرکانون تامین می شود کانونها مکلف به پرداخت این هزینه ها در ظرف سال می باشند. ماده ۱۷ - شورای عالی می تواند از طریق کانونهای مستقل مربوط، محدوده مورد عمل کارشناسان رسمی را به حوزه معینی منحصر نماید. کارشناسان رسمی موظفند نظاماتی را که از طریق شورای عالی با رعایت قانون و این آیین نامه اعلام می گردد رعایت نمایند. ماده ۱۸ - شورای عالی می تواند از میان کارشناسان رسمی کانونهای کشور در هر رشته، هیئت یا هیئتهایی مرکب از حداقل سه نفر کارشناس رسمی به عنوان کمیسیونهای مشورتی علمی و فنی کارشناسان آن رشته انتخاب نماید تا ضمن همکاری لازم در تهیه سئوالات آزمون و نیز اعطا صلاحیت اولیه یا اضافی به کارشناسان رسمی یا متقاضیان کارشناسی، نظر مشورتی خود را به شورای عالی و یا به کانونهایی که شورای عالی به آنها تفویض اختیار نموده اعلام نمایند. ماده ۱۹ - به منظور هماهنگی و امکان استفاده از کارشناسان رسمی کشور در دعاوی خارجی و محاکم و مراجع بین المللی، شورای عالی موظف است کارت و پروانه کارشناسان رسمی کل کشور را علاوه

بر زبان فارسی به زبان انگلیسی نیز تهیه و جهت استفاده آنها در اختیار کانونهای کشور قرار دهد. ماده ۲۰ - اعضای شورای عالی برای مدت چهارسال با رای کارشناسان رسمی کل کشور انتخاب می شوند و انتخاب مجدد تنها برای یک دوره دیگر بلامانع است.

ماده ۲۱ - مکاتبات شورای عالی صرفاً از طریق رئیس شورا و در غیاب وی با نایب رئیس خواهد بود. ماده ۲۲ - مقررات، دستورالعملها و ضوابطی که در حدود مقررات قانون و این آئین نامه توسط شورای عالی تصویب و ابلاغ می گردد و همچنین در کلیه مواردی که در اجرای این آئین نامه ابهاماتی پیش آید، نظر شورای عالی که با در نظر گرفتن مقررات قانون و این آیین نامه اعلام می گردد معتبر بوده و برای کلیه کارشناسان رسمی کانونها و مراجع مربوط لازم الرعایه می باشد. فصل سوم - مجامع عمومی: ماده ۲۳ - اعضای مجامع عمومی هر کانون از کارشناسان رسمی آن کانون و همچنین کارشناسان رسمی نزدیکترین استان مجاور که به لحاظ فقدان کانون مستقل عضو آن کانون هستند و دارای پروانه کارشناسی معتبر بوده و در حال تعلیق نباشند تشکیل می گردد. ماده ۲۴ - چنانچه مجامع عمومی براساس بند (الف) ماده (۶) قانون در دومین جلسه نیز نصاب لازم را نداشته باشند، دعوت از اعضا تا تشکیل مجمع با نصاب لازم قانونی تجدید می شود. ماده ۲۵ - در هیچ یک از مجامع، وکالت از اعضای دارای اعتبار نمی باشد. ماده ۲۶ - در مواردی که مهلت تشکیل مجمع عمومی عادی رسماً نیافته و منتج به نتیجه نشده باشد مجمع عمومی فوق العاده تشکیل می گردد. ماده ۲۷ - در مواردی که نیاز به انتخابات میان دوره ای باشد و همچنین در سایر مواردی که ضرورت تشکیل مجمع فوق العاده را با رعایت دیگر مقررات قانون بنا به تشخیص هیئت مدیره کانون مربوط ایجاب نماید و تصمیمات متخذ جزو وظائف مجمع عمومی عادی نباشد، مجمع عمومی فوق العاده تشکیل می گردد. ماده ۲۸ - نصاب رسمیت جلسات مجامع عمومی عادی در مورد جلسات مجامع عمومی فوق العاده نیز لازم الرعایه است. ماده ۲۹ - مهلت ثبت نام داوطلبان برای عضویت در هیئت مدیره کانون و بازرسان و دادستان انتظامی قبل از تشکیل مجامع عمومی، از سوی شورای عالی از طریق درج در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار اعلان و توسط کانون مربوط اعلام می گردد. داوطلبان باید در مهلت تعیین شده به صورت کتبی تقاضای خود را در دفتر کانون مربوط ثبت نمایند. ماده ۳۰ - منظور از شهر محل کانون مندرج در تبصره (۱) ماده (۹) قانون، حوزه فعالیت کارشناس می باشد که در پروانه کارشناسی وی مشخص شده است. ماده ۳۱ - پس از پایان مهلت ثبت نام داوطلبان، دفتر کانون مربوط موظف است تقاضاهای ثبت شده و وضع پروانه داوطلبان و مشخصات کامل آنان را در اختیار کمیسیون ماده (۱۳) قانون قرار دهد. کمیسیون موظف است ظرف مدت هفت روز شرایط داوطلبان را با شرایط مندرج در ماده (۹) قانون تطبیق و نظر خود را به کانون مربوط اعلام نماید. ماده ۳۲ - نظر کمیسیون بلافاصله در محل کانون مربوط اعلان می گردد. کارشناسان داوطلب که به نظر کمیسیون اعتراض دارند می توانند ظرف سه روز از تاریخ اعلان، اعتراض خود را به کانون مربوط تسلیم نمایند، اعتراضات واصله توسط کانون مربوط بلافاصله به شورای عالی ارسال می گردد و شورای مزبور حداکثر ظرف یک هفته رسیدگی و نظر خود را اعلام می نماید نظر شورای عالی قطعی است. ماده ۳۳ - پس از اعلام اسامی داوطلبان واجد صلاحیت، مجمع عمومی در مهلت مقرر قانونی تشکیل می گردد و برای انتخاب رئیس و منشیان، از بین اعضای حاضر در مجمع یک نفر به عنوان رئیس سنی و یک نفر منشی اداره جلسه را به عهده می گیرند و سپس رئیس و دو نفر منشی مجمع عمومی از سوی حاضران در مجمع و از بین اعضا حاضر انتخاب می شوند. ماده ۳۴ - هیئت نظارت از بین اعضای حاضر در جلسه مجمع عمومی انتخاب می گردند. داوطلبان برای هیئت مدیره، بازرسان و دادستان انتظامی نمی توانند به عضویت هیئت نظارت انتخاب شوند. ماده ۳۵ - اعضا شورای عالی و هیئت مدیره کانونها و سایر اعضا ارکان کانونها موظفند همانند سایر کارشناسان رسمی ضمن اقدام برای تمدید به موقع پروانه کارشناسی خود، سایر نظامات مربوط را از طریق کانون ذی ربط رعایت نمایند. ماده ۳۶ - وظایف هیئت رئیسه و هیئت نظارت مجامع عمومی عبارتند از: الف - ایجاد نظم در برگزاری انتخابات. ب - توزیع اوراق اخذ رای پس از امضای و مهر نمودن. ج - مراقبت در جمع

آوری، شمارش و قرائت آرا. د - تنظیم و امضا صورتجلسه برگزاری انتخابات و تهیه فهرست منتخبان به ترتیب تعداد آرا مکتسبه. ه - اعلام نتیجه انتخابات به شورای عالی جهت صدور احکام مربوط. تبصره - هیئت نظارت مکلف است قبل از اخذ رای صندوق خالی اخذ آرا را به رویت مجمع عمومی رسانیده و سپس آن را لاک و مهر نماید. ماده ۳۷ - انتخابات به صورت جمعی و مخفی انجام می گیرد و رای باید روی اوراق چاپی دو قسمتی تاییدشده به مهر و امضای هیئت نظارت به شرح زیر نوشته شود. در قسمتی از ورقه که نزد کانون باقی می ماند مشخصات کامل رای دهنده شامل موارد ذیل ثبت می گردد: الف - نام و نام خانوادگی و نام پدر. ب - شماره پروانه کارشناسی. ج - نام کانون محل اخذ رای. د - امضا رای دهنده. پس از ثبت مشخصات مذکور، قسمت دوم ورقه که باید فاقد هرگونه امضا، شماره و علامت مشخصه بوده و فقط دارای محل مناسب و کافی برای درج اسامی به تعداد اعضا اصلی و علی البدل ارکان کانون باشد، از ورقه جدا و به رای دهنده تسلیم می گردد، تا رای خود را در آن به صورت مخفی نوشته و در صندوق بیاورد. ماده ۳۸ - پس از پایان مهلت اخذ رای، صندوق آرای توسط هیئت رئیسه مجمع عمومی و هیئت نظارت مفتوح و آرای ماخوذه شمارش و قرائت می شود و فهرست منتخبان به ترتیب آرای ماخوذه تهیه و امضا می گردد. تبصره - آرای قرائت شده مجددا در صندوق ضبط و توسط هیئت نظارت لاک و مهر می گردد و تا پایان رسیدگی به اعتراضات احتمالی و اعلام نتیجه قطعی انتخابات محفوظ می ماند تا در صورت نیاز به بازبینی و بازرسی مورد استفاده قرار گیرد و سپس معدوم می شود. ماده ۳۹ - مدت اعتراض، از جریان انتخابات تا سه روز پس از اعلام نتایج اولیه انتخابات می باشد و اعتراض از کسانی پذیرفته می شود که در مجمع عمومی حضور داشته اند. ماده ۴۰ - اعتراض به صورت کتبی به کانون مربوط تسلیم و در جلسه ای مرکب از هیئت رئیسه مجمع عمومی و هیئت نظارت و نماینده شورای عالی رسیدگی می شود رای اکثریت حاضران معتبر می باشد. ماده ۴۱ - کانون مربوط ظرف سه روز از تاریخ قطعی شدن انتخابات، اسامی منتخبان را به شورای عالی ارسال کرده و شورای مزبور احکام لازم را در اسرع وقت صادر و ابلاغ می نماید. ماده ۴۲ - چنانچه در جلسه رسیدگی به اعتراضات، اعتراض وارد تشخیص داده شود، مراتب جهت اتخاذ تصمیم لازم به شورای عالی اعلام می گردد. فصل چهارم - هیئت مدیره: ماده ۴۳ - اعضا اصلی هیئت مدیره کانون به ترتیب تعداد آرا مکتسبه از بین منتخبان تعیین و بقیه نیز به ترتیب تعداد آرا و تا حدنصاب مقرر در ماده (۱۰) قانون عضو علی البدل خواهند بود. ماده ۴۴ - اولین جلسه هیئت مدیره منتخب ظرف حداکثر یک هفته پس از صدور احکام اعضا توسط شورای عالی به ترتیب به دعوت رئیس، نایب رئیس هیئت مدیره قبلی و یا ناظر شورای عالی در مجمع عمومی با حضور تمامی اعضا تشکیل و نسبت به انتخاب رئیس و نایب رئیس و منشی و مسئول امور مالی تصمیم گیری خواهند نمود. تبصره ۱ - چنانچه در جلسه اول تمامی اعضا حضور نیابند جلسه بعدی ظرف یک هفته با رعایت نصاب مندرج در ماده (۱۰) قانون تشکیل یافته و مسئولان یادشده، انتخاب می گردند. تبصره ۲ - جلسات هیئت مدیره باید حداقل هر پانزده روز یک بار تشکیل و خلاصه مذاکرات و نتیجه تصمیمات قرائت و تصویب و سپس صورتجلسه به امضا حاضران در جلسه برسد. ماده ۴۵ - از اعضای اصلی و علی البدل جهت شرکت در جلسات هیئت مدیره دعوت به عمل می آید و اعضای علی البدل در صورتی حق رای خواهند داشت که به علت عدم حضور اعضای اصلی حدنصاب قانونی حاصل نشده باشد در این صورت تا حصول نصاب قانونی اعضای علی البدل به ترتیب آرا به عنوان اعضای اصلی صرفا در همان جلسه حق رای خواهند داشت. ماده ۴۶ - در صورت فوت یا استعفا و یا سلب صلاحیت و یا غیبت غیرموجه در شش جلسه متوالی و یا هر دلیل قانونی دیگر که باعث برکناری عضو اصلی شود، عضو علی البدلی که دارای بیشترین رای بوده به عنوان عضو اصلی جایگزین می گردد و حکم وی با معرفی رئیس کانون توسط رئیس شورای عالی صادر می شود. ماده ۴۷ - هیئت مدیره هر کانون مکلف است هزینه متناسبی را که شورای عالی برابر تبصره ذیل ماده (۳۰) قانون به عنوان سهم آن کانون از هزینه های جاری شورای عالی تعیین و ابلاغ می نماید همه ساله در بودجه خود منظور و به تدریج طی سال مالی مربوط حداکثر تا پایان سال مالی به شورای عالی بپردازد. ماده ۴۸ - هیئت مدیره هر کانون موظف است به منظور اطمینان از ارتقای

کیفیت خدمات حرفه ای کارشناسان کانون مربوط، هماهنگی در روشهای انجام کارشناسی، کیفیت گزارشهای کارشناسی، پیشگیری از رفتار ناسازگار با شیون حرفه ای و ضرورت گذراندن دوره های بازآموزی کارشناسان عضو، همچنین دقت در رعایت مقررات قانونی، آیین نامه ها و دستورالعملهای اجرایی و ضوابط و نظامنامه های تدوینی و تصویبی شورای عالی، بر کار حرفه ای کارشناسان رسمی آن کانون نظارت مستمر نماید. نظارت کانون بر فعالیتهای حرفه ای اعضا با جلب نظر گروه های تخصصی ذی ربط انجام می گیرد. کارشناسان رسمی موظفند پرونده ها، اطلاعات، مدارک موردنیاز را برای رسیدگی در اختیار کانون و گروههای مذکور قراردهند گزارشها و مدارک مربوط جزو اسناد طبقه بندی شده محسوب و به کارگیری و یا افشای آن در غیرمورد ممنوع می باشد. فصل پنجم - بازرسان: ماده ۴۹ - وظایف و اختیارات بازرسان در شورای عالی عبارتست از: الف - مانند سایر اعضای شورای عالی در جلسات شورای مزبور با داشتن حق رای شرکت نموده و در تعیین خط مشی و سایر تصمیمات سهیم می باشند. ب - هر زمان که لازم بدانند می توانند امور مالی شورای عالی را مورد بررسی و حسابرسی قرار داده و اگر در زمینه نگهداری حسابها و مسائل مالی به مواردی از وجود نقص و یا سوی جریان برخورد نمودند موضوع را به رئیس شورای عالی جهت طرح در جلسات آن شورا گزارش نمایند و چنانچه رئیس شورای عالی از طرح موضوع خودداری نماید، بازرسان می توانند موضوع نواقص احتمالی را مستقیماً در شورای عالی مطرح نمایند. ماده ۵۰ - وظایف و اختیارات بازرسان در هیئت مدیره کانونها به شرح زیر است: الف - بازرسان می توانند در جلسات هیئت مدیره بدون داشتن حق رای شرکت نمایند. ب - بازرسان اختیار دارند بدون دخالت در امور اجرایی بر عملیات کانون نظارت داشته و دفاتر و اسناد و مدارک و اطلاعات موردنیاز را بدون آنکه وقفه ای در فعالیتهای اجرایی کانون ایجاد شود مطالبه و مورد بررسی قراردهند. ج - بازرسان موظفند صورتهای مالی مصوب هیئت مدیره کانون را که حداقل دو هفته قبل از تشکیل مجمع عمومی سالیانه تهیه و در اختیارشان قرار می گیرد، مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را ظرف حداکثر پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی در اختیار هیئت مدیره جهت طرح در مجمع عمومی قراردهند و گزارش سالیانه خود را براساس ماده (۲۰) قانون به مجمع عمومی ارائه نمایند. فصل ششم - آزمون، کارآموزی، صدور پروانه کارشناسی: ماده ۵۱ - شورای عالی همه ساله طی یک نوبت آگهی که حداقل در دو روزنامه کثیرالانتشار کشور منتشر می شود تعداد کارشناسان موردنیاز در رشته های مختلف را به تفکیک نیاز استانها اعلان خواهد نمود. تبصره ۱ - شورای عالی قبل از انتشار آگهی نظرات ادارات کل دادگستری های استانها و کانونها را در مورد نیاز استان مربوط کسب و بر مبنای آن تصمیم مقتضی اتخاذ می نماید. تبصره ۲ - کانونها می توانند آگهی منتشره از سوی شورای عالی در بخش مربوط به حوزه فعالیت خود را در یک روزنامه محلی نیز منتشر نمایند. ماده ۵۲ - داوطلبان درخواست پروانه کارشناسی باید تقاضای خود را با مشخصات زیر به دفتر کانون مربوط یا دفتر نمایندگی استانهایی که کانون کارشناسان در آن استان تشکیل داده است تسلیم نمایند: الف - مشخصات کامل داوطلب. ب - محل اقامت داوطلب برای ابلاغ اوراق. ج - تصریح به نداشتن سو پیشینه. د - تعهد به عدم اعتیاد به افیون و مواد مخدر. ه - مدرک تحصیلی موردنیاز و چنانچه دانشنامه از دانشگاههای خارج از کشور اخذ شده باشد ارائه تاییدیه از مرجع ذی صلاح. و - رشته مورد درخواست پروانه کارشناسی. ز - محل مورد درخواست برای کارشناسی. ح - اعلام آدرس و مشخصات دوفنر معرف. ط - گواهی از مراجع معتبر مورد قبول کانونها مبنی بر داشتن پنج سال سابقه کار تجربی در رشته مورد تقاضا بعد از اخذ مدرک تحصیلی لیسانس در رشته مورد تقاضا با توجه به بند (و) ماده (۱۵) قانون و در مورد رشته هایی که دانشنامه لیسانس مربوط نداشته باشد اخذ گواهی از مراجع معتبر مورد قبول کانونها مبنی بر پانزده سال سابقه کار تجربی در رشته مورد تقاضا با داشتن مدرک کارشناسی یا بالاتر در هر رشته و درخصوص متقاضیان مشمول تبصره (۲) ماده (۱۵) قانون ارائه گواهی ده سال سابقه در امور ثبتی یا نقشه برداری ثبتی. ماده ۵۳ - به منظور انتخاب کارشناسان موردنیاز از لحاظ علمی و تجربی و صلاحیت اولویتهای اخلاقی و سایر موارد مقرر در ماده (۱۵) قانون، در هر دوره آزمون شورای عالی کسانی را که در آزمون علمی و تجربی

موفق و نصاب نمره قبولی کسب کرده اند به کمیسیون ماده (۱۳) قانون معرفی می نماید. ماده ۵۴ - برگزاری آزمون به صورت کتبی و شفاهی خواهد بود و منابع سئوالات امتحانی عبارتست از منابع کتب دانشگاهی در رشته مربوط که با رعایت استانداردها و تجارب لازم مربوط به هر رشته انتخاب و معرفی می گردد. تبصره - موعده اعلام نتیجه قبولی داوطلبان حداکثر ظرف دو ماه از تاریخ اخذ آزمون می باشد. ماده ۵۵ - داوطلبان کارشناسی که جهت اخذ پروانه کارشناسی انتخاب می گردند موظفند، دوره کارآموزی خود را زیر نظر کارشناس راهنما که از سوی کانون مربوط معرفی می گردد با موفقیت بگذرانند کارشناس راهنما هر سه ماه یکبار نظر خود را نسبت به کارآموز به کانون مربوط گزارش می نماید و در صورتی که نظر کارشناس راهنما نسبت به کارآموز منفی باشد دوره کارآموزی برای مدتی که لازم باشد اضافه می گردد. تبصره - وظایف کارآموز عبارتست از انجام امور کارشناسی آموزشی و مطالعه قوانین و مقررات مربوط و شناخت وظایف کارشناسی که از سوی کارشناس راهنما به وی محول می گردد و موفقیت در کلاسهای آموزشی که از طرف کانونها تشکیل می شود. ماده ۵۶ - دستورالعمل جزئیات طرح سئوالات آزمون، نحوه برگزاری آزمون، نصاب نمره قبولی، مصاحبه علمی و تجربی، کارآموزی و نظارت بر آن و همچنین مقررات رشته ها و گروه های کارشناسی و تشکیل نمایندگی کانون استانها و شهرستانها، به وسیله شورای عالی تدوین، تصویب و جهت اجرا به کانونها ابلاغ می گردد. فصل هفتم - کمیسیون صلاحیت و اولویتهای اخلاقی: ماده ۵۷ - به منظور تطبیق موارد مندرج در مواد (۹) و (۱۵) قانون و گزینش صلاحیت اولویتهای اخلاقی متقاضیان کارشناسی و همچنین اظهار نظر در خصوص صلاحیت داوطلبان عضویت در ارکان کانون و عضویت در شورای عالی کمیسیونی به شرح مندرج در ماده (۱۳) قانون تشکیل می گردد که اهم وظایف آن به شرح ذیل می باشد: الف - تطبیق شرایط داوطلبان کارشناسی (متقاضیان امر کارشناسی) با موارد مندرج در ماده (۱۵) قانون و گزینش صلاحیت اولویتهای اخلاقی و اعلام نتیجه به شورای عالی. ب - تطبیق شرایط داوطلبان عضویت در ارکان کانون با شرایط مندرج در ماده (۹) قانون و اعلام نظریه خود ظرف مهلت هفت روز به کانونهای مربوط. ج - تطبیق شرایط داوطلبان عضویت در شورای عالی با شرایط مندرج در بندهای یادشده در ماده (۲۷) قانون و اعلام نظر در مهلت هفت روز به شورای عالی. ماده ۵۸ - واحد حراست کانون مکلف است هرگونه همکاری را با کمیسیون ماده (۱۳) قانون به عمل آورده و تحقیقات مورد نظر کمیسیون را در مهلتی که تعیین می شود انجام و نتیجه را اعلام دارد، همچنین کلیه مراجع قضایی و انتظامی، وزارتخانه ها، سازمانها، موسسات، شرکتهای، بانکها، شهرداریها، بنیادها، نهادهای انقلاب اسلامی و اشخاص حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی و سایر مراجع عمومی ودولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا ذکر صریح نام است موظفند به استعلامات کمیسیون ماده (۱۳) و حراست کانون پاسخ داده و همکاریهای لازم را معمول دارند. تبصره - در صورتی که وزارت اطلاعات در مهلت مقرر در تبصره (ه) ماده (۱۵) به استعلامات انجام شده پاسخ ندهد، کمیسیون براساس اطلاعات کسب شده تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد نمود. فصل هشتم - دادسرا و دادگاههای انتظامی: ماده ۵۹ - شکایت از تخلفات کارشناس رسمی باید کتبی و با امضای شاکی بوده و حاوی مشخصات زیر باشد: الف - نام و نشانی شاکی. ب - موضوع شکایت با تصویر گزارش کارشناس و ذکر مدارک مورد استناد. شکایت در دفتر کانون مربوط ثبت می شود و هیئت مدیره کانون عندالاقضا شکایت را جهت رسیدگی و اظهار نظر به دادسرای انتظامی کانون کارشناسان رسمی ارسال می نماید. ماده ۶۰ - در صورتی که دادسرای انتظامی پس از اقدامات اولیه و بررسی و تفهیم اتهام به تعقیب کارشناس معتقد باشد، کیفرخواست صادر و ضمن ارسال به دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی، یک نسخه از آن را ظرف مهلت ده روز از طریق کانون مربوط به وسیله پست سفارشی پیشتاز به کارشناس ابلاغ می نماید کارشناس می تواند ظرف مهلت یک ماه از تاریخ ابلاغ پاسخ خود را کتبا از طریق دفتر کانون و یا مستقیماً به دفتر دادگاه انتظامی تسلیم نماید. ماده ۶۱ - در صورتی که دادسرا یا دادگاههای انتظامی کانون حضور شاکی یا کارشناس را برای ادای توضیحات و کشف حقیقت لازم بدانند حسب مورد احضاریه صادر می نمایند عدم حضور در وقت مقرر بدون عذرموجه مانع از رسیدگی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود. ماده

۶۲ - عذر موجه برای کارشناس علاوه بر مقررات مندرج در ماده (۴۱) قانون آیین دادرسی مدنی شامل دعوت دادگاهها و مراجع قانونی دیگر جهت قرار کارشناسی یا ادای توضیحات نزد مراجع مذکور نیز می باشد. ماده ۶۳ - دادگاههای انتظامی پس از وصول پاسخ کارشناس یا انقضای مهلت های مذکور در ماده (۵۹) وقت رسیدگی تعیین می کنند و از طریق دفتر دادگاه به اطلاع دادرسی انتظامی و کارشناس و ریاست کانون مربوط و در مورد دعاوی تجدیدنظر به شورای عالی جهت معرفی دیگر اعضای دادگاه خواهند رساند اعضای معرفی شده در هر پرونده تا پایان رسیدگی و صدور رای قابل تعویض نخواهند بود. عدم حضور کارشناس یا معاون دادرسی انتظامی مانع رسیدگی و صدور حکم نخواهد بود. ماده ۶۴ - چنانچه به نظر شورای عالی نیاز به شعبه یا شعب دیگر تجدیدنظر انتظامی باشد، با درخواست رییس شورای مزبور و تصویب رئیس قوه قضاییه تشکیل خواهد شد ارجاع پرونده به شعبه یا شعب تجدیدنظر به عهده رئیس شعبه اول تجدیدنظر است. ماده ۶۵ - در صورتی که مراجع قضائی از کارشناسان تخلفی مشاهده نمایند که قابل تعقیب در دادگاه انتظامی باشد مراتب را کتبا به کانون مربوط اطلاع می دهند هرگاه کانون موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را جهت رسیدگی به دادرسی انتظامی کانون ارجاع می نماید و چنانچه معتقد به تعقیب نباشد مراتب را به مرجع مذکور اطلاع می دهد در صورتی که نظر کانون مورد پذیرش مرجع قضایی قرار نگیرد راسا جهت رسیدگی به دادرسی انتظامی کانون ارجاع می نماید. ماده ۶۶ - مراجع قضایی رسیدگی کننده به شکایات علیه کارشناسان رسمی چنانچه عمل انتسابی را جرم ندانند لکن موضوع را منطبق با یکی از تخلفات مندرج در ماده (۲۶) قانون تشخیص دهند پرونده را با صدور قرار مقتضی جهت رسیدگی به دادرسی انتظامی کانون مربوط ارسال خواهند نمود. ماده ۶۷ - کلیه شکایات واصله علیه اعضای هیئت مدیره، دادستان و بازرسان کانونها به شورای عالی ارسال می گردد. شورای عالی موظف است موضوع را ضمن بررسیهای لازم عندالاقضا با سوابق امر در اجرای بند «ط» ماده (۷) قانون جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم به دادرسی انتظامی قضات ارسال نماید. ماده ۶۸ - دادستان انتظامی هر کانون مکلف است دو برابر دادیاران مورد نیاز را از بین کارشناسان رسمی آن کانون انتخاب و معرفی نماید هیئت مدیره کانون مربوط دادیاران مورد نیاز را تایید و جهت صدور حکم انتصاب به دادستان انتظامی معرفی می کند. تبصره - دادستان انتظامی کانون می تواند افرادی را از بین حقوقدانان پس از تامین بودجه آنان از طریق هیئت مدیره و مجمع عمومی به عنوان معاون دادستان انتخاب و ابلاغ لازم صادر نماید. ماده ۶۹ - در صورتی که مراجع قضایی و انتظامی وزارتخانه ها، ادارات، سازمانها، موسسات و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت، بانکها، نهادها، بنیادها، شهرداریها و اشخاص حقیقی و حقوقی، کارشناس رسمی از کانونها خواسته باشند مکلفند دستمزد کارشناسی را در امور ارجاعی به حساب کانون یا نمایندگی کانون مربوط واریز نمایند تا پس از کسر پنج درصد (۵٪) سهم کانون و سایر کسورات قانونی مابقی به کارشناس پرداخت گردد. تبصره ۱ - در صورتی که به هر علت حق الزحمه کارشناسی در صندوق کانون تودیع نگردید مراجع مذکور در این ماده مکلفند پنج درصد (۵٪) سهم کانون را کسر و در وجه کانون واریز و به اطلاع کانون یا نمایندگی کانون مربوط برسانند کارشناسان نیز موظفند فهرست پنج درصد (۵٪) وجوه مکسوره از حق الزحمه کارشناسیهای خود را به اطلاع کانون برسانند. تبصره ۲ - کارشناسان متخلف از مفاد این ماده در حکم مرتکبان خلاف شئون شغلی مصرح در بند (ه) ماده (۲۶) قانون بوده و تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت. ماده ۷۰ - در تخلفات انتظامی که دو سال از تاریخ وقوع آن منقضی گردیده و تعقیب نشده باشد و یا دو سال از تاریخ آخرین اقدام انتظامی آن گذشته و منتهی به صدور حکم نشده، تعقیب موقوف خواهد شد. معاون اول رئیس جمهور - محمدرضا عارف

آیین نامه نظارت و ارزیابی دادستانی انتظامی قضات - مصوب ۱۳۸۲

در اجرای دقیق قانون وظایف و اختیارات رییس قوه قضاییه مصوب ۸ اسفند ۱۳۷۸ ماده ۳۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری، مصوب ۱۴ اسفند ماه ۱۳۳۳ و ماده ۲۷ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری، مصوب ۲۵ خرداد ماه

۱۳۵۶ آیین نامه ای به شرح ذیل تنظیم می گردد: ماده ۱: به منظور اعمال نظارت و ارزیابی مستمر دادرسی انتظامی قضات، به دستور دادستان انتظامی قضات، هیات های نظارت و ارزیابی، به کلیه واحدهای قضائی سراسر کشور اعزام می شوند. ماده ۲: نظارت و ارزیابی دادرسی انتظامی قضات به شرح ذیل می باشد: الف: نظارت و ارزیابی مستمر و دوره ای. ب: نظارت و ارزیابی فوق العاده. ماده ۳: نظارت و ارزیابی مستمر و دوره ای: براساس برنامه ریزی قبلی حتی المقدور یکبار در سال با ابلاغ صادره از سوی دادستان انتظامی قضات انجام می شود. ماده ۴: نظارت و ارزیابی فوق العاده: به دستور رییس قوه قضائیه و یا در صورت وصول شکایت و یا گزارش امر مهم به تشخیص دادستان انتظامی احد از دادیاران انتظامی و یا هیاتی از دادرسی انتظامی به محل عزیمت و مبادرت به انجام نظارت و ارزیابی فوق العاده می نماید. ماده ۵: برنامه نظارت و ارزیابی های مستمر و دوره ای ابتدای هر سال توسط معاونت مربوطه تنظیم و مطابق جدول زمان بندی شده پس از تصویب دادستان انتظامی انجام خواهد شد. ماده ۶: در نظارت و ارزیابی فوق العاده، در صورت لزوم واحدهای قضائی به نحو مقتضی به صورت غیر محسوس و بدون اطلاع قبلی هم مورد نظارت و ارزیابی قرار می گیرند. ماده ۷: موضوعات مورد نظارت و ارزیابی مستمر اموری است از قبیل: الف: کیفیت و کمیت کار قضائی. ب: دانش قضائی. ت: قدرت استنباط و شم قضائی. ج: حسن خلق با همکاران و ارباب رجوع. ح: رعایت شیون قضائی. خ: رعایت نظم و انضباط اداری. د: نظارت بر امور دفتری. ذ: حسن شهرت. تبصره ۱- مدیریت های واحدهای قضائی در حسن اعمال مدیریت توسط هیات های نظارت و ارزیابی دادرسی انتظامی قضات نیز مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرند. تبصره ۲- روسای سازمانهای وابسته و معاونین قوه قضائیه در صورتی که قاضی باشند و همچنین روسای کل دادگستری استانها با مجوز ریاست قوه قضائیه مورد نظارت و ارزیابی قرار می گیرند. ماده ۸: اعضاء هیات بوسیله دادستان انتظامی یا با تفویض اختیار به یکی از معاونان دادستان از بین دادیاران انتظامی و عندالاقضاء با سرپرستی احد از معاونان و یا یکی از دادیاران تشکیل می گردد. ماده ۹: هیات اعزامی پس از ورود به استان در جلسه قضات شرکت ضمن معارفه، توسط سرپرست هیات اهداف ماموریت تشریح می گردد. ماده ۱۰: به منظور تمهید محل استقرار و تسهیل انجام وظیفه هیات اعزامی در شهرستان و یا استان محل ماموریت باید قبلاً بوسیله دادستان انتظامی یا یکی از معاونین که امور ماموریتها به عهده او واگذار شده با روسای کل دادگستریها هماهنگی لازم به عمل آید. ماده ۱۱: عملکرد قضات شاغل و مامور به خدمت در سازمان بازرسی کل کشور و حفاظت اطلاعات کل قوه قضائیه و سازمان زندانهای کشور و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و سایر دستگاهها همانند قضات شاغل در دادگستری ها و دادرسیها مورد نظارت و ارزیابی دادستانی انتظامی قضات قرار می گیرند. ماده ۱۲: هیات های اعزامی از دادرسی انتظامی قضات موظفند گزارشات هیاتهای بازرسی قبلی را مورد مطالعه قرار داده تا تغییراتی که در این فاصله به عمل آمده در گزارش خود منظور دارند. ماده ۱۳: نظارت و ارزیابی از اول وقت اداری شروع و در پایان وقت اداری خاتمه و در صورت ضرورت خارج از وقت اداری نیز ادامه می یابد. ماده ۱۴: چنانچه هر یک از دادیاران انتظامی از حوزه ماموریت، گزارش یا پرونده ای مطالبه کرده و در مدت زمان متعارف خواسته دادیار اجابت نشده، دادیار مزبور می تواند شماره پیگیری را در اختیار هیات قرار دهد تا هیات تسریع در پاسخ را پیگیری نماید. ماده ۱۵: هیات اعزامی در صورت لزوم با رعایت موازین قانونی می تواند پیرامون عملکرد قضائی از قاضی پرونده و یا کارمند دلیل اقدامات مورد نظر را جويا شود. ماده ۱۶: به منظور ملاحظه و بررسی کیفی عملکرد قضائی قضات، هیات اعزامی چند فقره پرونده مورد عملکرد آنان را از دفاتر ثبت کلاسه و دادنامه و اجرای احکام مطالبه و مطالعه و اظهار عقیده می نماید. هیات موظف است نظرات و ارزیابیهای مدیران را راجع به قضات زیر مجموعه خود نیز اخذ کرده و در ارزیابی خود منظور بدارند. ماده ۱۷: هیات اعزامی حسن اجرای بخشنامه های رییس قوه قضائیه را بررسی، در صورت مشاهده تخلف جهت تعقیب انتظامی مراتب را صورتجلسه و در گزارش خود منعکس می نماید. ماده ۱۸: علاوه بر مسئولیت دادرسی انتظامی در امر نظارت و ارزیابی روسای کل دادگستریها به عنوان نمایندگان قوه قضائیه در استانها در راستای وظیفه مدیریتی و نظارتی و به منظور حسن تمشیت امور در

حوزه قضائی خود باید هیات نظارت و ارزیابی استانی تشکیل و هیات مزبور را در فواصل زمانی معین به کلیه مناطق استان جهت نظارت و ارزیابی اعزام نمایند. مشروح بررسی و ارزیابی توسط رییس کل دادگستری استان هر شش ماه یکبار به دادستان انتظامی قضات گزارش شود. تبصره - در نظارت و ارزیابی در مواردی که ایرادات مورد لحاظ جزئی باشد هیات ها می توانند جهت رفع آن تذکر شفاهی بدهند. ماده ۱۹: در صورت ضرورت، مدت ماموریت از سوی دادستان انتظامی تمدید خواهد شد. ماده ۲۰: هرگاه هیات اعزامی دادرسی انتظامی قضات ضمن انجام ماموریت با موضوعاتی برخورد کند که واجد اهمیت است ولی در احکام ماموریت آنها منظور نشده باشد مراتب را فوراً به دادستان انتظامی گزارش و کسب تکلیف می نمایند. ماده ۲۱: دادیاران انتظامی و نیز هیات های نظارت و ارزیابی گزارش کار خود را مستقیماً به دادستان انتظامی تسلیم خواهند نمود. ماده ۲۲: گزارشات نظارت و ارزیابی محرمانه بوده و هرگونه اطلاعی در رابطه با موضوع ماموریت و نتیجه نظارت و ارزیابی به هر مقامی به جز رییس قوه قضائیه و دادستان انتظامی ممنوع است. ماده ۲۳: اقدامات هیات نظارت و ارزیابی نباید بهانه ای برای ایجاد وقفه در کارهای جاری قسمتهای تحت نظارت و ارزیابی گردد. ماده ۲۴: چنانچه در حین انجام وظیفه هیات اعزامی فساد یا عملی بر خلاف قانون که واجد وصف مجرمانه یا منافی با حیثیت و شیون منصب قضاء کشف شود و قبح عمل ارتكابی در حدی باشد که محاکمه مرتکب را ایجاب نماید هیات مکلف است فوراً مراتب را به دادستان انتظامی قضات گزارش کرده و کسب تکلیف کند. ماده ۲۵: هیات نظارت و ارزیابی حق دخالت در وظایف روزمره قضات و مدیران و کارکنان را نداشته و ملزم به رعایت کامل آداب و احترامات مناسب با شان قضات و دستگاه قضائی می باشد و چنانچه موجبات هتک حیثیت و حرمت قضات و یا تضعیف دستگاه قضائی را ایجاد کنند توسط دادستان مورد تعقیب انتظامی قرار خواهد گرفت. ماده ۲۶: هیات نظارت و ارزیابی می تواند اطلاعات مورد نیاز را به نحو مقتضی از جمله با استفاده از مشاهدات، مطالعه سوابق و پرونده های موجود و تهیه مدارک لازم از آنها، مصاحبه و استطلاع و کسب نظر از مقام مسوول جمع آوری نماید. اطلاعات و گزارشات می بایستی مستند و علمی بوده و به دور از هرگونه گرایش شخصی و یا جناحی و گروهی تنظیم شده باشد. ماده ۲۷: در پایان ماموریت و قبل از ترک استان هیات اعزامی در جلسه قضات دادگستری استان شرکت و استنباط اجمالی خود را از وضعیت دادگستری استان مطرح می نماید. ماده ۲۸: هیات اعزامی در گزارش تقدیمی که از سوی دادستان انتظامی عندالاقضاء جهت استحضار و صدور دستور مقتضی تقدیم رییس قوه قضائیه می شود قضاتی را که استحقاق تشویق داشته باشند پیشنهاد تشویق از قبیل اعطاء پایه، ارتقاء سمت و غیره و نسبت به قضات متخلف پیشنهاد تنزل پایه یا سمت یا تغییر محل ماموریت و یا از دادگاه عالی انتظامی قضات درخواست تعقیب انتظامی و یا پیشنهاد تعلیق از شغل قضاء را جهت تعقیب کیفی حسب مورد می نماید و به دستور دادستان انتظامی مراتب در سوابق حفاظتی نظارت و ارزشیابی قضات ضبط و نگهداری می شود. ماده ۲۹: این آیین نامه در ۲ ماده و سه تبصره تنظیم و در تاریخ ۱۳۸۲/۴/۸ به تصویب رییس قوه قضائیه رسیده است. رییس قوه قضائیه - هاشمی شاهرودی

اصلاح تبصره ماده ۵۵ آیین نامه اجرایی قانون ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر اسناد رسمی - مصوب

جناب آقای امیرحسین پورسینا رییس محترم هیئت مدیره و مدیرعامل روزنامه رسمی کشور متن تبصره الحاقی به ماده ۵۵ آیین نامه اجرائی راجع به قانون ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶ با اصلاحات بعدی که به پیشنهاد وزیر محترم دادگستری به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده و برابر نامه شماره ۳۶۸۹/۸۲/۱ - ۱۹/۳/۱۳۸۲ جهت اقدام مقتضی به وزیر محترم دادگستری ابلاغ گردیده است بشرح بین الهالین می باشد. تبصره ماده ۵۵ آیین نامه اجرائی قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر اسناد رسمی (در صورتی که قاضی تعیین شده از شهرستان مربوطه منتقل، بازنشسته و یا به هرعلتی از خدمت منفصل شود یا حضور نداشته باشد؛ تا تعیین قاضی دیگر یا حضور وی، وظیفه مزبور بعهدہ رئیس حوزه قضایی و در

غیاب وی بعهدہ معاون قضایی او خواهد بود) رئیس نهاد قوه قضائیه - محمود شیرج

تصویب نامه در مورد تمدید مهلت مقرر در تبصره (۲) ماده (۱۴) آیین نامه اجرایی ماده (۸) قانون تشکیل سندو

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۷/۱/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۶۸۳۲/۰۲/۱۱۱ مورخ ۱۹/۱۲/۱۳۸۳ وزارت دادگستری و به استناد ماده واحده قانون اصلاح ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت و کلا و کارگشایان دادگستری - مصوب ۱۳۷۵ - تصویب نمود: مهلت مقرر در تبصره (۲) ماده (۱۴) آیین نامه اجرایی ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت و کلا و کارگشایان دادگستری، موضوع تصویب نامه های شماره ۸۱۸۱۷/ت/۱۷۹۸۵ هـ مورخ ۲۶/۱۲/۱۳۷۷ و شماره ۲۵۰۶۳/ت/۲۳۴۶۶ هـ مورخ ۲/۵/۱۳۸۱ تا پایان سال ۱۳۸۴ تمدید می گردد. معاون اول رئیس جمهور - محمدرضا عارف

تصویب نامه در خصوص لغو ماده (۳۲) آیین نامه اجرایی قانون کارشناسان رسمی دادگستری - مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۸/۲/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۸۴/۳۹/هـ مورخ ۲۴/۱/۱۳۸۴ دیوان عدالت اداری و به استناد ماده (۱۳) قانون کارشناسان رسمی دادگستری - مصوب ۱۳۸۱ - تصویب نمود: ماده (۳۲) آیین نامه اجرایی قانون کارشناسان رسمی دادگستری، موضوع تصویب نامه شماره ۶۸۱۱/ت/۲۷۴۵۵ هـ مورخ ۱۵/۲/۱۳۸۳ لغو می گردد. معاون اول رئیس جمهور - محمدرضا عارف

اصلاحیه ماده (۳۲) آیین نامه اجرایی قانون کارشناسان رسمی دادگستری - مصوب ۱۳۸۴

نظر به اینکه در تصویب نامه شماره ۱۲۷۷۷/ت/۳۲۹۸۳ هـ مورخ ۳/۳/۱۳۸۴ موضوع لغو ماده (۳۲) آیین نامه اجرایی قانون کارشناسان رسمی دادگستری که براساس طرح پیشنهادی تهیه و تنظیم شده است، تاریخ ۱۵/۲/۱۳۸۲ به اشتباه ۱۵/۲/۱۳۸۳ تحریر شده است، مراتب جهت اصلاح اعلام می شود. دبیر هیأت دولت - عبدالله رمضانزاده

اصلاح ماده یک آیین نامه اجرایی قانون اصلاح ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت و کارگشایان دادگستر

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲/۵/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۱۱۱/د۴۶۸۷/۲ مورخ ۵/۱۲/۱۳۸۱ وزارت دادگستری و به استناد ماده واحده قانون اصلاح ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت و کلا - و کارگشایان دادگستری - مصوب ۱۳۷۵ - تصویب نمود: آیین نامه اجرایی ماده یاد شده، موضوع تصویب نامه شماره ۸۱۸۱۷/ت/۱۷۹۸۵ هـ مورخ ۲۶/۱۲/۱۳۷۷ به شرح زیر اصلاح می گردد: ۱- ماده (۲۱) به شرح زیر اصلاح می شود: « ماده ۲۱- مستمریهای موضوع این آیین نامه هر سال با توجه به تغییرات شاخص هزینه زندگی بر اساس پیشنهاد وزارت دادگستری و تصویب هیئت وزیران اصلاح می شود.» ۲- متن زیر به عنوان تبصره به ماده (۲۱) اضافه می شود: « مستمریهای استحقاقی موضوع مواد (۸) و (۱۰) و تبصره ماده (۱۲) این آیین نامه که تا پایان سال ۱۳۸۰ قابل پرداخت بوده است از تاریخ ۱/۱/۱۳۸۱ به میزان بیست و پنج درصد (۲۵٪) افزایش می یابد. چنانچه میزان مستمری که به این ترتیب محاسبه می شود از حداقل مقرر در ماده (۱۸) این آیین نامه کمتر باشد حداقل یاد شده قابل پرداخت خواهد بود.» معاون اول رئیس جمهور - محمدرضا عارف

اصلاح ماده (۲) آیین نامه اجرایی ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت و کارگشایان دادگستری - مصوب ۱۳

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۹/۵/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد وزارت دادگستری و به استناد ماده واحده قانون اصلاح ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت و کلا و کارگشایان دادگستری - مصوب ۱۳۷۵ - تصویب نمود: ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت و کلا - و کارگشایان دادگستری، موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۱۸۱۷/ت/۱۷۹۸۵ - مورخ ۲۶/۱۲/۱۳۷۷ به شرح زیر اصلاح می‌گردد: « ماده ۲- درامد مأخذ محاسبه حق بیمه موضوع این آیین‌نامه به عنوان پایه برای سال اول اشتغال به وکالت وکلای پایه دو و سه و کارگشایان (۱) برابر و برای وکلای پایه یک (۲/۱) برابر حداقل حقوق مبنای قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت در هر سال خواهد بود که به ازای هر سال اشتغال به وکالت ده درصد (۱۰٪) مبلغ پایه به هر گروه به عنوان اضافه سالانه به مبلغ پایه آن گروه اضافه می‌شود. » معاون اول رئیس‌جمهور - محمدرضا عارف

تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۲۳/۵/۱۳۸۴ رئیس محترم قوه قضائیه

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور نامه شماره ۳۷۱۴/ش - ۱۷/۳/۱۳۸۴ رئیس محترم شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری در رابطه با تعرفه دستمزد کارشناسان که با انجام اصلاحاتی به استحضار ریاست محترم قوه قضائیه رسید مرقوم فرمودند: « بسمه تعالی مورد تأیید است به کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانها ابلاغ شود. » لذا تصویر نامه فوق به همراه یک نسخه از پیشنهاد اصلاحی جهت درج در روزنامه رسمی کشور به پیوست ارسال می‌گردد. رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه - عبدالرضا ایزدپناه تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۲۳/۵/۱۳۸۴ رئیس محترم قوه قضائیه تعرفه حق الزحمه کارشناسان رسمی دادگستری بر اساس ماده ۲۹ قانون کارشناسان رسمی دادگستری که شامل کارشناسان رسمی قوه قضائیه موضوع ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه نیز می‌گردد. فصل اول - مقررات عمومی ماده ۱- دستمزد کارشناسان پس از گزارش و اظهار نظر کارشناسی در حدود صلاحیت آنها از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی طبق مقررات این تعرفه محاسبه و پرداخت می‌گردد. ماده ۲- مراجع قضائی، وزارتخانه‌ها، سازمانهای دولتی و ارگانها و نهادها و شهرداریها و مؤسسات وابسته به آنها در تعیین دستمزد کارشناس بر اساس مقررات این تعرفه عمل نمایند. تبصره ۱- در مواردی که مرجع قضائی برای کشف جرم و تعیین علت و علل و مشخص نمودن واقعیت اقدام به تعیین کارشناس می‌نماید تعیین دستمزد متناسب با کمیت و کیفیت کار با همان مرجع می‌باشد. تبصره ۲- در صورت عدم استطاعت مالی اشخاص حقیقی یا حقوقی متقاضی کارشناسی به تشخیص قاضی پرونده از پرداخت حق الزحمه کارشناسی معاف شده یا حق الزحمه کارشناسی تا میزان معینه بوسیله دادگاه کاهش می‌یابد ولی در هر حال پرداخت هزینه‌ها یا وسیله اجرای قرار کارشناسی مانند ایاب و ذهاب کارشناس به عهده متقاضی است. تبصره ۳- هر کارشناس حداقل موظف به ارائه ۳ مورد کارشناسی مجانی یا کاهش یافته در هر سال می‌باشد. ماده ۳- دستمزد تأمین دلیل با توجه به کمیت و کیفیت خدمات کارشناسی مورد نیاز از طرف دادگاه مربوطه تعیین می‌شود و حداقل آن مبلغ ۲۵۰.۰۰۰ ریال می‌باشد. ماده ۴- در کارشناسی‌ها چنانچه موضوع کارشناسی مربوط به جزئی از کل بوده ولی اظهار نظر کارشناسی مستلزم بررسی در کل کار مربوطه باشد، دستمزد کارشناس بر مبنای کل کار انجام شده محاسبه و پرداخت خواهد شد. ماده ۵- در مواردی که موضوع کارشناسی توسط چند کارشناس رسمی انجام می‌شود به هر یک از کارشناسان بخشی از دستمزد کامل کارشناسی در یک پرونده پرداخت می‌شود به شرط اینکه کمتر از حداقل دستمزد کارشناسی برای یک نفر نباشد. ماده ۶- کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی مکلفند در صورت درخواست کارشناس یا کارشناسان مربوطه، دستمزد کارشناسی را طبق این تعرفه و در صورتی که قبلاً قابل برآورد نباشد بطور علی‌الحساب به حساب مخصوص تودیع و قبض آن را در پرونده مربوطه پیوست نمایند در این صورت کارشناسان رسمی مکلفند پس از تودیع دستمزد نسبت به انجام کارشناسی اقدام نمایند. ماده ۷- در صورتی که کارشناس اقدام به انجام کار کارشناسی نموده ولی به علت یا دلیلی که خارج از

حیطه اختیار وی باشد اجرای کارشناسی منتفی گردد، محق به دریافت بخشی از دستمزد متناسب با کارهای انجام شده و یا وقت صرف شده خواهد بود بشرط اینکه از حداقل مقرر در این تعرفه بیشتر نباشد بعلاوه چنانچه در این رابطه به محل کار مسافرت نموده باشد هزینه سفر، اقامت و فوق‌العاده روزانه وی بر مبنای ضوابط این تعرفه پرداخت می‌شود. ماده ۸- در صورتی که اجرای قرار کارشناسی مستلزم عزیمت به خارج از حوزه فعالیت و محل اقامت کارشناس باشد، تأمین وسیله ایاب و ذهاب و محل اقامت مناسب و غذا به عهده متقاضی بوده و علاوه بر دستمزد کارشناسی، فوق‌العاده مأموریت کارشناس برای هر روز مسافرت به مأخذ روزانه به مبلغ ۱۲۵۰۰۰۰ ریال به کارشناس پرداخت خواهد شد. چنانچه متقاضی از تأمین وسیله ایاب و ذهاب و اقامت خودداری نماید و کارشناس برای انجام کارشناسی راساً و به هزینه خود نسبت به تهیه موارد فوق‌الذکر اقدام نماید علاوه بر دستمزد و فوق‌العاده مأموریت، هزینه‌های مربوطه مورد مطالبه در حد متعارف در وجه کارشناس پرداخت خواهد شد. تبصره ۱- در صورتی که انجام کارشناسی مستلزم عزیمت به خارج از کشور باشد، اخذ روادید و هزینه‌های مربوط اعم از پرداخت عوارض خروج از کشور و تهیه بلیط هواپیما، هزینه اقامت و همچنین سایر هزینه‌های سفر و پرداخت فوق‌العاده روزانه (برابر مصوبه هیأت دولت هم‌ردیف کارشناسان) به عهده متقاضی می‌باشد. تبصره ۲- در صورتی که مبلغ مورد رسیدگی به ارز باشد پس از تسعیر آن به ریال براساس نرخ واریزنامه رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر طبق جدول رشته مربوطه محاسبه خواهد گردید. ماده ۹- هزینه انجام کلیه آزمایش‌ها و تهیه نمونه‌های لازم و گمانه‌زنی که طبق نظر کارشناس ضروری باشد، به عهده متقاضی است و در صورت اختلاف در ضرورت انجام این اقدامات نظر کانون کارشناسان رسمی که توسط ریاست آن اعلام می‌شود معتبر است. ماده ۱۰- در مواردی که برای بعضی از امور کارشناسی در این تعرفه دستمزد تعیین نشده باشد دستمزد آن حسب مورد توسط دادگاه یا کمیسیون موضوع ماده ۱۵ تعرفه تعیین می‌شود و حداقل دستمزد ۲۵۰۰۰۰۰ ریال خواهد بود. تبصره ۱- دادگاهها حسب استطاعت مالی افراد می‌توانند نسبت به معافیت متقاضی و تعدیل دستمزد کارشناسی اقدام نمایند. ماده ۱۰ مکرر - بمنظور عدالت در امر کارشناسی کمیسیونی مرکب از ۳ عضو: ۱- نماینده کانون کارشناسان رسمی دادگستری ۲- نماینده مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلاء، کارشناسان قوه قضائیه ۳- نماینده ریاست قوه قضائیه تشکیل می‌شود تا نسبت به توزیع امور ارجاعی اقدام نمایند. ماده ۱۱- کارشناسان فقط از یک ردیف تعرفه دستمزد استفاده خواهند کرد مگر در مواردی که عمل کارشناسی از دو یا چند نوع خدمات کارشناسی و یا چند محل مختلف ترکیب شده باشد که در آن صورت برای هر قسمت یا محل از تعرفه مربوط به خود بطور جداگانه استفاده خواهد شد. تبصره - در مواردی که موضوع کارشناسی مربوط به سال‌های قبل از تاریخ انجام کارشناسی باشد، دستمزد طبق قیمت روز بر اساس این تعرفه محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه علت تأخیر در انجام کارشناسی ناشی از اقدام کارشناس رسمی باشد. ماده ۱۲- دستمزد ارزیابی کالا، اشیاء، قطعات یدکی، ابزارالات، محصولات و مواد اولیه، به شرح زیر است: ۱- تا ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال ۵/۲ درصد و حداقل ۲۰۰۰۰۰۰ ریال. ۲- از ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال نسبت به مازاد یک درصد. ۳- از ۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال تا ۲۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال نسبت به مازاد چهار در هزار. ۴- از ۲۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال تا ۷۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۵/۲ در هزار. ۵- از ۷۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال به بالا نسبت به مازاد یک در هزار تا حداکثر مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال. ماده ۱۳- در مورد ارزیابی و کارشناسی اموال و املا-کی که در پلاک‌های ثبتی و آدرسهای متفاوت واقع شده‌اند دستمزد بطور جداگانه محاسبه می‌گردد. ماده ۱۴- در صورتی که رسیدگی به مستندات و مدارک مربوط به کارشناسی به زبان خارجی باشد علاوه بر تعرفه قانونی در هر رشته هزینه ترجمه رسمی بر اساس آئین‌نامه تعرفه مترجمین رسمی، بنابر تشخیص قاضی یا رضایت متقاضی اضافه می‌شود. ماده ۱۵- در صورت بروز اختلاف در نحوه محاسبه دستمزد، تفسیر موادی از این تعرفه و همچنین به منظور تعدیل و ایجاد تناسب میان میزان و نوع کار کارشناس با حق‌الزحمه، مقرر است چنانچه حق‌الزحمه قانونی کارشناسی وفق آئین‌نامه و تعرفه بیش از ده میلیون ریال باشد موضوع در کمیسیون مقرر در ماده ۱۳ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب

۱۳۸۱ مطرح گردد تا در خصوص میزان حق الزحمه کارشناسی اظهار نظر نماید. نظریه اکثریت کمیسیون مذکور به شرطی که متضمن نظر حداقل دو نفر از اعضاء حقوقدان منتخب رئیس محترم قوه قضائیه خواهد بود قطعی و برای متقاضی انجام کارشناسی و کارشناس منتخب لازم‌الاتباع است. وزارتخانه‌ها و سازمانها و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت و شهرداریها و نهادها و مؤسسات عمومی مجاز به پرداخت وجهی بیش از آنچه در کمیسیون مذکور تعیین شده نخواهند بود و با متخلف از این امر وفق موازین قانونی برخورد خواهد شد. فصل دوم - تعرفه دستمزد کارشناسان قسمت اول - تعرفه دستمزد کارشناسان گروه ۱- مهندسی آب شامل رشته‌های (آب - فلزات - معادن) رشته مهندسی آب دستمزد اندازه‌گیری آب چاهها، چشمه‌ها، قنوات، کانالها و انهار و زهکش‌ها و رودخانه‌ها به شرح زیر خواهد بود: ماده ۱۶- دستمزد اندازه‌گیری آب: ۱- تا ۱۰۰ لیتر در ثانیه مقطوعاً ۲۵۰.۰۰۰ ریال. ۲- مازاد ۱۰۰ لیتر تا یک‌هزار لیتر در ثانیه به ازاء هر لیتر ۱۰۰ ریال تا حداکثر مبلغ ۵.۰۰۰.۰۰۰ ریال. ماده ۱۷- دستمزد تعیین کیفیت شیمیائی و آلودگی آب با توجه به مسائل زیست محیطی: ۱- برای اظهار نظر نسبت به نتایج آزمایش شیمیائی آب به لحاظ کارپذیری، بهداشتی، زراعی و صنعتی مقطوعاً ۲۵۰.۰۰۰ ریال. ۲- برای بررسی آلودگی آب از نقطه نظر مواد آلوده کننده و اظهار نظر نسبت به آن مقطوعاً ۲۵۰.۰۰۰ ریال. ماده ۱۸- دستمزد بررسی مشخصات سفره آب اعم از آب‌گذاری، تراوش یا نفوذ در آب و فاضلاب و تعیین حریم ضرری منابع استحصال آب روی یکدیگر مقطوعاً ۳۰۰.۰۰۰ ریال. تبصره - در صورتی که انجام امر کارشناسی مستلزم عملیات نقشه‌برداری باشد دستمزد آن طبق تعرفه قسمت هفتم پرداخت خواهد شد. ماده ۱۹- دستمزد ارزیابی قنوات، چاهها و منصوبات آن، شبکه‌های آبیاری و زهکشی آب و فاضلاب به شرح زیر خواهد بود: ۱- تا ده میلیون ریال ۲۵۰.۰۰۰ ریال. ۲- مازاد بر ده میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال ۲ در هزار. ۳- مازاد بر یکصد میلیون ریال یک در هزار حداکثر تا مبلغ ۳.۰۰۰.۰۰۰ ریال. ماده ۲۰- دستمزد اندازه‌گیری و تشخیص حبابه‌ها معادل دستمزد اندازه‌گیری آب، به اضافه ده درصد خواهد بود. ماده ۲۱- تعیین نوع و بررسی کیفیت حفاری چاهها و قنوات و بهسازی چشمه‌ها مقطوعاً ۴۰۰.۰۰۰ ریال. ماده ۲۲- دستمزد رسیدگی به اختلاف مهندسين مشاور و پیمانکاران و کارفرمایان در رابطه با امور تخصصی آب طبق تعرفه قسمت‌های ۸ و ۹ تعیین می‌گردد. ماده ۲۳- دستمزد رسیدگی به اختلافات مربوط به حریم و بستر رودخانه‌ها و کانالها و انهار به شرح زیر تعیین می‌گردد: ۱- حریم کانالها و انهار تا عرض بستر ۱۲ متر از قرار هر کیلومتر ۲۵۰.۰۰۰ ریال حداکثر تا مبلغ ۳.۰۰۰.۰۰۰ ریال. ۲- حریم رودخانه‌ها و کانالهای با عرض بستر بیش از ۱۲ متر از قرار هر کیلومتر ۳۵۰.۰۰۰ ریال حداکثر تا مبلغ ۵.۰۰۰.۰۰۰ ریال. ماده ۲۴- دستمزد رسیدگی به وضع فاضلاب به لحاظ تشخیص بار آلودگی بر حسب کمیت و کیفیت مقطوعاً ۳۵۰.۰۰۰ ریال. ماده ۲۵- دستمزد برآورد خسارات وارده به تجهیزات منابع استحصال آب و تأسیسات تبعی آن تا ده میلیون ریال مقطوعاً ۲۵۰.۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ده میلیون ریال دو در هزار حداکثر تا مبلغ ۳.۰۰۰.۰۰۰ ریال. ماده ۲۶- دستمزد رسیدگی و تهیه صورت وضعیت حفاری چاهها و قنوات و بهسازی چشمه‌ها و کانالهای آبرسانی و انهار طبق دستمزد قسمت‌های هشتم و نهم این تعرفه تعیین می‌گردد. تعرفه دستمزد کارشناسان رشته فلزات و معادن ماده ۲۷- تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی رشته فلزات طبق تعرفه دستمزد کارشناسان گروه ۷ صنعت و فن و تعرفه دستمزد کارشناسان رشته معادن مربوط به ارزیابی ذخائر معدنی (احتمالی - ممکن - قطعی) را حسب مورد قاضی یا کمیسیون ماده ۱۵ تعرفه تعیین می‌نمایند. قسمت دوم - تعرفه دستمزد کارشناسان گروه ۲- اموال منقول و نفقه شامل رشته‌های: (اشیاء نفیسه، عتیقه و احجار کریمه، تعیین نفقه، ساعت و جواهرات، فرش، لوازم خانگی و اداری) ماده ۲۸- دستمزد کارشناسی رشته‌های فوق به شرح زیر می‌باشد: ۱- حداقل دستمزد کارشناسی تا مبلغ ده میلیون ریال مقطوعاً ۲۵۰/۰۰۰ ریال و در حومه شهر ۳۰۰/۰۰۰ ریال. ۲- از ده میلیون ریال تا ۱۰۰ میلیون ریال نسبت به مازاد ۸ در هزار. ۳- از ۱۰۰ میلیون ریال به بالا نسبت به مازاد ۱۷۸۰/۰۰۰ در هزار حداکثر تا مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ماده ۲۹- دستمزد تعیین نفقه با توافق مقام ارجاع کننده تعیین می‌شود و حداقل مبلغ ۲۵۰/۰۰۰ ریال و حداکثر تا مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعیین می‌شود. قسمت سوم - تعرفه دستمزد

کارشناسان گروه ۳- امور پزشکی داروئی و غذائی شامل رشته‌های (پزشکی و پیراپزشکی، داروسازی و سم شناسی، مواد غذائی و مسمومیت‌های ناشی از آن) ماده ۳۰- دستمزد کارشناسی رشته‌های فوق بر حسب اهمیت و حساسیت و پیچیدگی موضوع و با توجه به کمیت و کیفیت حسب مورد توسط قاضی یا کمیسیون ماده ۱۵ همین تعرفه تعیین می‌شود. تبصره - کلیه هزینه‌های آزمایشگاهی نمونه برداری (بیوپسی) رادیوگرافی و نظائر آن به عهده متقاضی (شاکی) می‌باشد. قسمت چهارم - تعرفه دستمزد کارشناسان گروه ۴ - رشته حسابداری و حسابرسی ماده ۳۱- دستمزد کارشناسی امور حسابداری و حسابرسی نسبت به جمع ارقام حسابهای مورد رسیدگی بر اساس جدول زیر تعیین می‌گردد: - تا ده میلیون ریال مقطوعاً ۲۵۰/۰۰۰ ریال. - از ده میلیون ریال تا ۵۰ میلیون ریال نسبت به مازاد سی در هزار. - از ۵۰ میلیون ریال تا ۱۰۰ میلیون ریال نسبت به مازاد ده در هزار. - از ۱۰۰ میلیون ریال تا ۳۰۰ میلیون ریال نسبت به مازاد پنج در هزار. - از ۳۰۰ میلیون ریال تا ۵۰۰ میلیون ریال نسبت به مازاد سه در هزار. - از ۵۰۰ میلیون ریال تا ۱۰ میلیارد ریال نسبت به مازاد دو در هزار. - از ۱۰ میلیارد ریال به بالانسبت به مازاد نیم در هزار تا حداکثر مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال. تبصره - در صورتی که رسیدگی مربوط به حساب‌های فاقد دفاتر قانونی یا تولیدی و صنعتی یا سیاق بوده باشد برای هر یک از موارد در قسمت مربوطه ۱۵٪ به دستمزد کارشناسی اضافه می‌شود. ماده ۳۲- دستمزد کارشناسی امور ذیل به شرح زیر پرداخت می‌گردد: ۱- درخصوص ارزش سهام و سهم‌الشرکه مجموع دارائی‌های جاری و بدهی‌ها و ذخائر ارزیابی شده به اضافه قیمت تمام شده دفتری دارائی‌های ثابت به شرح جدول فوق. تبصره - علاوه بر دارائی‌های ثابت سایر دارائی‌هایی که توسط کارشناسان رسمی رشته مربوطه ارزیابی می‌شود فقط قیمت دفتری آن در محاسبه دستمزد این رشته منظور می‌شود. ۲- درخصوص رسیدگی و حسابرسی ترازنامه و حساب سود و زیان و امور توقف و ورشکستگی مجموع اقلام ترازنامه به شرح جدول فوق. ۳- درخصوص تعیین قیمت تمام شده کالا ارقام تشکیل دهنده قیمت تمام شده به شرح جدول فوق. قسمت پنجم - تعرفه دستمزد کارشناسان گروه ۵ - امور وسائط نقلیه شامل رشته‌های: (وسائط نقلیه هوایی، وسائط نقلیه دریائی و غواصی، وسائط نقلیه موتوری زمینی و ریلی) (دستمزد کارشناسی رشته‌های وسائط نقلیه هوایی و ریلی وفق ماده ۱۰ مقررات عمومی خواهد بود). ماده ۳۳- دستمزد کارشناسی رشته وسائط نقلیه موتوری زمینی برای هر یک از امور تشخیص اصالت خودرو، تعیین میزان سوخت، اظهارنظر فنی، تعیین اجاره بها و اجرت‌المثل به شرح ذیل می‌باشد: - برای هر دستگاه مقطوعاً ۱۵۰/۰۰۰ ریال و چنانچه خارج از شهر باشد طبق تعرفه عمومی هزینه ایاب و ذهاب و فوق‌العاده مأموریت محاسبه و دریافت خواهد شد. تبصره - در مورد وسائط نقلیه بدون موتور مقطوعاً ۱۰۰/۰۰۰ ریال. ماده ۳۴- دستمزد رسیدگی به تشخیص علت تصادف و تعیین خسارت: هر مورد مقطوعاً ۱۵۰/۰۰۰ ریال در داخل شهر و برای حومه ۲۰۰/۰۰۰ ریال. ماده ۳۵- دستمزد ارزیابی: ۱- به ازای هر دستگاه تا ده میلیون ریال ۱۲۰/۰۰۰ ریال. ۲- از ده میلیون ریال به بالا نسبت به مازاد، یک در هزار حداکثر تا مبلغ ۱۷۷۶۸۰۰/۲۰۰ ریال. تبصره - برای وسائط نقلیه کمتر از چهار چرخ به میزان ۵۰٪ تعرفه فوق. تعرفه رشته وسائط نقلیه دریایی و غواصی ۱- برای دعوی مربوط به حمل و نقل (مسئولیت صادر کننده اسناد حمل) میزان خواسته به ریال میزان دستمزد به ریال تا ۵ میلیون حداقل دویست و پنجاه هزار از ۵ میلیون تا ۵۰ میلیون نسبت به مازاد ده در هزار از ۵۰ میلیون تا ۱۵۰ میلیون نسبت به مازاد پنج در هزار از ۱۵۰ میلیون تا ۵۰۰ میلیون نسبت به مازاد سه در هزار از ۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد نسبت به مازاد یک در هزار حداکثر تا مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تبصره - تعیین میزان خسارت وارده به کالا به عهده کارشناس ذیربط طبق تعرفه مربوطه می‌باشد. ۲- تعیین ارزش وسائط نقلیه آبی ارزش وسیله نقلیه آبی به ریال میزان تعرفه کارشناسی تا یکصد میلیون ده در هزار از یکصد میلیون تا پانصد میلیون نسبت به مازاد پنج در هزار از پانصد میلیون تا دو میلیارد نسبت به مازاد سه در هزار از دو میلیارد به بالا نسبت به مازاد یک در هزار حداکثر تا مبلغ ۷/۵۰۰/۰۰۰ ریال ۳- تعیین مقصر در تصادم دریائی یا تصادم در آبهای داخلی الف - در صورت تصادم بین قایق‌های تفریحی و مسافری در آبهای داخلی: حداقل ۲۵۰/۰۰۰ ریال و حداکثر ۱۰۰۰۰۰۰ ریال. ب - در صورت تصادم بین دو یا چند فروند شناور در دریا. - برای شناورهای با ظرفیت کمتر از ۵۰۰ تن

(ظرفیت ناخالص یا GT): یک و نیم میلیون ریال. - برای شناورهای با ظرفیت بالاتر از ۵۰۰ تن (ظرفیت ناخالص یا GT): دو میلیون ریال. تبصره - منظور از «شناور» هر وسیله نقلیه آبی اعم از مسافری یا باربر است که در آب، روی آب یا زیر آب تردد نماید. پ - در صورت تصادم شناور با تأسیسات دریائی. - برای شناورهای با ظرفیت کمتر از ۵۰۰ تن (ظرفیت ناخالص یا GT): یک میلیون ریال. - برای شناورهای با ظرفیت بالاتر از ۵۰۰ تن (ظرفیت ناخالص یا GT): یک و نیم میلیون ریال. تبصره ۱- منظور از تأسیسات دریائی هر نوع تأسیسات از جمله اسکله، بویه، لوله‌های کف دریا و سکوهای دریائی می‌باشد. تبصره ۲- ظرفیت ناخالص هر فروند شناور طبق کنوانسیون بین‌المللی ظرفیت سال ۱۹۶۶ اندازه‌گیری گردیده و در گواهینامه ثبت شناور درج می‌گردد. توجه: ظرفیت‌های مذکور در این قسمت به ازاء هر «تن» برابر با یکصد فوت مکعب می‌باشد. ۴- تعیین میزان خسارت وارده در تصادم میزان خسارت وارده به ریال میزان تعرفه کارشناسی به ریال تا ۵۰ میلیون حداقل پانصد هزار از ۵۰ میلیون تا ۲۰۰ میلیون نسبت به مازاد ده در هزار از ۲۰۰ میلیون تا ۵۰۰ میلیون نسبت به مازاد پنج در هزار از ۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد نسبت به مازاد سه در هزار از یک میلیارد به بالا نسبت به مازاد یک در هزار حداکثر تا مبلغ $1776 \& \times 10^7$ ریال ۵- تعیین مقصر برای حوادث مربوط به صدمه یا اتلاف جان اشخاص در دریا و آبهای داخلی الف - در آبهای داخلی: حداقل دویست و پنجاه هزار ریال. ب - در دریا: حداقل یک میلیون ریال و حداکثر تا سه میلیون ریال. ۶- در مورد غواصی و عملیات زیرآبی، ماده ۱۰ مقررات عمومی جداول تعرفه دستمزد کارشناس رسمی دادگستری ملاک عمل می‌باشد. قسمت ششم - تعرفه دستمزد کارشناسان گروه ۶- راه و ساختمان و نقشه‌برداری شامل رشته‌های: (راه و ساختمان و نقشه‌برداری - معماری و شهرسازی - معماری داخلی و تزئینات مهندسی ترافیک و مهندسی محیط زیست - ابنیه و آثار باستانی امور ثبتی - برنامه‌ریزی شهری) ماده ۳۶- دستمزد ارزیابی اراضی غیر مزروعی و ابنیه و مصالح ساختمانی و تعیین حقوق کسب و پیشه و تجارت و سرفقلى. ۱- تا پنجاه میلیون ریالی مقطوعاً 250×10^6 ریال. ۲- از ۵۰ میلیون ریال تا ۵۰۰ میلیون ریال نسبت به مازاد، $5/1$ در هزار. ۳- از ۵۰۰ میلیون ریال به بالا، نسبت به مازاد، ۱ در هزار و حداکثر تا مبلغ $500/7 \times 10^6$ ریال. ماده ۳۷- دستمزد تعیین اجاره بها برای هر واحد یا مجموعه مستقل: ۱- تا پانصد هزار ریال ماهانه مقطوعاً 250.000 ریال. ۲- از پانصد هزار ریال به بالا ماهانه، نسبت به مازاد، ده درصد و حداکثر تا مبلغ سه میلیون ریال. تبصره - دستمزد تعیین اجرت‌المثل و یا اجور گذشته بر مبنای ماده فوق به اضافه ۲۵٪ خواهد بود. ماده ۳۸- دستمزد تشخیص علت خسارت: - دستمزد تشخیص علت خسارت حداقل مبلغ 250×10^6 ریال و در صورتی که کمیت و کیفیت کار ایجاب نماید دستمزد با نظر قاضی (یا کمیسیون ماده ۱۵ تعرفه) تعیین می‌شود. ماده ۳۹- تعیین مبلغ خسارت و برآورد هزینه تعمیرات: ۱- تا ۵ میلیون ریال مقطوعاً دویست هزار ریال. ۲- از ۵ میلیون ریال تا ۱۰۰ میلیون ریال نسبت به مازاد، چهار در هزار. ۳- از ۱۰۰ میلیون ریال به بالا، نسبت به مازاد، دو در هزار حداکثر تا مبلغ دو میلیون ریال. تبصره - در صورتی که تشخیص و تعیین مبلغ خسارت و برآورد هزینه تعمیرات هر دو، موضوع کارشناسی باشد هر دستمزد جداگانه محاسبه و مجموع آن پرداخت خواهد شد. ماده ۴۰- دستمزد رسیدگی و تهیه صورت وضعیت: الف - دستمزد رسیدگی به مقادیر کار و صورت وضعیت ساختمان: ۱- تا ده میلیون ریال، دو درصد (بیست در هزار). ۲- از ده میلیون ریال تا پانصد میلیون ریال نسبت به مازاد، ده در هزار. ۳- از پانصد میلیون ریال به بالا، ۵ در هزار تا حداکثر مبلغ $500/7 \times 10^6$ ریال. ب - دستمزد تهیه مقادیر و صورت وضعیت بر مبنای نرخ‌های بند (الف) این ماده به اضافه بیست درصد محاسبه می‌گردد. پ - در مورد رسیدگی و تهیه مقادیر کار و صورت وضعیت مربوط به عملیات راه‌سازی، خیابان‌سازی و کانال‌سازی دستمزد مربوطه ۵۰ درصد نرخ‌های مذکور در بندهای (الف) و (ب) این ماده خواهد بود. ت - دستمزد بررسی و تعیین کیفیت آسفالت و بتن بر اساس ۳۰٪ هزینه‌های آزمایشگاهی مربوط محاسبه و پرداخت خواهد شد و حداقل $500/500 \times 10^6$ (پانصد هزار) ریال و حداکثر تا مبلغ $300/300 \times 10^6$ ریال خواهد بود. ث - در صورتی که برای رسیدگی یا تهیه مقادیر کار نیاز به تطبیق کار انجام شده با نقشه‌ها و مشخصات باشد به دستمزدهای ردیف (الف) و (ب) برابر ده درصد اضافه خواهد شد. ج - برای ساختمانهای تکراری

(بلوک مجزا) در مورد بندهای (الف) و (ب) به ازاء هر واحد تکراری فقط ده درصد دستمزد یک واحد تعلق می‌گیرد. ماده ۴۱- دستمزد تطبیق نقشه‌های ساختمانی با وضعیت محل و بنا: برای هر متر مربع مساحت زیر بنا ۱۰۰۰ (یکهزار) ریال و حداقل ۱۵۰.۰۰۰ (یکصد و پنجاه هزار) ریال و حداکثر تا ۳۰۰۰.۰۰۰ ریال. ماده ۴۲- دستمزد تطبیق مشخصات قراردادی ساختمان‌ها با وضعیت محل و بنا: برای هر متر مربع مساحت زیر بنا ۱۵۰۰ (یکهزار و پانصد) ریال و حداقل ۲۰۰/۰۰۰ (دویست هزار) ریال و حداکثر تا مبلغ ۴۰۰۰.۰۰۰ ریال. ماده ۴۳- دستمزد تهیه نقشه‌های معماری، سازه یا برق و تأسیسات از ساختمان موجود: ۱- معماری کلی هر متر مربع ۷۵۰ ریال حداکثر تا مبلغ ۷.۵۰۰.۰۰۰ ریال. ۲- سازه هر متر مربع ۱۰۰۰ ریال حداکثر تا مبلغ ۱۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال. ۳- برق و تأسیسات هر متر مربع ۵۰۰ ریال حداکثر تا مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال. تبصره ۱- در مواردیکه طبقات همانند باشند دستمزد طبقه اول به میزان مقرر در بندهای (۱) و (۲) محسوب و برای طبقات مشابه ۱۰٪ دستمزد مربوطه پرداخت خواهد شد. تبصره ۲- چنانچه به جای نقشه‌های کامل معمول ردیفهای فوق، مقدار کمتری نقشه موردنیاز باشد و یا ساختمان از پیچیدگی خاصی برخوردار باشد دستمزد را کمیسیون ماده ۱۵ تعرفه تعیین می‌کند. قسمت هفتم - دستمزد کارشناسی نقشه‌برداری ماده ۴۴- پیاده کردن محدوده املاک بر روی نقشه هوایی: ۱- پیاده کردن هر پلاک ثبتی در داخل مناطق شهری که گذراندی‌های موجود منطقه در نقشه هوایی مشخص باشد تا مساحت ۱۰۰۰ متر مربع مقطوعاً مبلغ ۰۰۰/۴۵۰ ریال (چهارصد و پنجاه هزار ریال) برای مساحت بیش از هزار متر مربع نسبت به مازاد هر متر مربع ۶۰ ریال (شصت ریال) تا حداکثر ۰۰۰/۰۰۰/۱۰ ریال. ۲- پیاده کردن هر پلاک ثبتی در مناطقی که گذراندی‌ها در نقشه‌های هوایی مشخص نباشد تا مساحت ۱۰۰۰ متر مربع مقطوعاً مبلغ ۰۰۰/۶۰۰ ریال (ششصد هزار ریال) و از ۱۰۰۰ متر مربع نسبت به مازاد هر متر مربع ۱۰۰ (یکصد) ریال تا حداکثر مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۱۰ ریال. ماده ۴۵- نقشه‌برداری اراضی به مقیاس: ۵۰۰/۱ - نقشه‌برداری در اراضی دشت و کم عارضه با منحنی میزان ۲۵ سانتیمتر تا یک هکتار مقطوعاً ۰۰۰/۵۰۰ ریال (پانصد هزار ریال) و برای هر هکتار اضافه بعدی تا پنج هکتار ۰۰۰/۱۲۰ ریال (یکصد و بیست هزار ریال) و از ۵ هکتار به بالا نسبت به مازاد، هر هکتار ۰۰۰/۶۰ ریال (شصت هزار ریال) تا حداکثر مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۱۰ ریال. ۲- در نقشه‌برداری از اراضی تپه ماهور و عوارض متوسط با منحنی میزان ۵۰ سانتیمتر، پنجاه درصد و از اراضی پر عارضه و مناطق کوهستانی با نقاط ارتفاعی و برداشت عوارض با منحنی میزان حداقل ۲ متر، صد در صد به ارقام فوق اضافه می‌شود. ۳- دستمزد نقشه‌برداری بدون برداشت منحنی میزان (مسطحاتی) پنجاه درصد ارقام فوق می‌باشد. ماده ۴۶- دستمزد نقشه‌برداری از اراضی بیش از یک هکتار در مقیاس‌های ۱۰۰۰/۱ و ۲۰۰۰/۱ با مشخصات فوق به ترتیب هر کدام ۲۰٪ و ۴۰٪ از تعرفه‌های بند فوق کمتر خواهد بود. تبصره - در مناطق جنگلی و باغات به علت محدودیت دید ۳۰٪ به ارقام مواد ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ اضافه می‌گردد. ماده ۴۷- برداشت و تهیه مقاطع و محاسبات مربوط به حجم عملیات خاکی: - تا میزان هزار متر مکعب ۰۰۰/۲۵۰ ریال مازاد بر آن به ازای هر متر مکعب ۵۰ ریال حداکثر تا مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۵ ریال. ماده ۴۸- تفسیر عکس‌های هوایی: تفسیر عکس هوایی برای هر پلاک ثبتی و تعیین موقعیت آن از روی عکسهای هوایی سنوات مختلف برای یک سند مقطوعاً ۰۰۰/۵۰۰ (پانصد هزار) ریال. تبصره ۱- در صورتیکه پلاک متعدد و متصل به هم باشند به ازاء هر پلاک اضافی، به دستمزد متعلق به پلاک اول ۲۰٪ اضافه خواهد شد. تبصره ۲- برای سنوات مختلف به ازای هر سند ۲۰٪ اضافه خواهد شد. ماده ۴۹- دستمزد تشخیص حدود ثبتی و رسیدگی به اختلافات ثبتی: - دستمزد مطالعه پرونده ثبتی و پیاده نمودن پلاک مورد نظر و تشخیص حدود آن در املاک تا هزار متر مربع حداقل ۰۰۰/۵۰۰ ریال و در مواردی که مساحت ملک بیش از یک هزار متر مربع باشد برای هر متر مربع اضافه دویست ریال به دستمزد فوق اضافه خواهد شد و حداکثر از مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۱۰ ریال تجاوز نمی‌نماید. تبصره - در صورتی که نیاز به نقشه‌برداری و تهیه نقشه از محل مورد اختلاف باشد حق الزحمه نقشه‌برداری برابر تعرفه نقشه‌برداری موضوع مواد قسمت هفتم به این ردیف اضافه خواهد شد. ماده ۵۰- دستمزد افراز و قطعه‌بندی (مستلزم تهیه نقشه دقیق قطعات افرازی و صورت ارزیابی آنها - طرح قطعات مفروزه بطور واضح و روشن) به شرح زیر است: ۱- دستمزد افراز املاک و

مستغلات بر اساس تعرفه ارزیابی موضوع ماده (۳۶) به اضافه ۵۰٪ خواهد بود. در مواردی که موضوع کارشناسی تقسیم ترکه باشد، ۴۰٪ به دستمزد ارزیابی افزوده می‌شود. ۲- در صورتی که نقشه ملک مورد افراز تهیه نشده باشد هزینه تهیه نقشه براساس تعرفه نقشه برداری مربوطه علاوه بر دستمزد ردیف یک محاسبه شود. ماده ۵۱- دستمزد نقشه برداری و تهیه نقشه موقعیت قنات و مسیر انهار و کانالها و رودخانه‌ها به شرح زیر است: - نقشه برداری و تهیه نقشه موقعیت قنات با مقیاس ۱/۱۰۰۰ به صورت پیمایش با تعیین محل چاه‌ها، حق الزحمه مربوط با توافق تعیین می‌گردد و حداقل آن مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. ماده ۵۲- حق الزحمه پیاده کردن و میخکوبی و برداشت برای هر کیلومتر از مسیر: ۱- در دشت: پانصد هزار ریال. ۲- در تپه ماهور ۵۰٪ به حق الزحمه ردیف یک اضافه می‌گردد. ۳- در کوهستان ۱۰۰٪ به حق الزحمه ردیف یک اضافه می‌گردد. ۴- برداشت مسیر در بهسازی راه‌ها هر کیلومتر ۵۰۰/۰۰۰ ریال و حداکثر تا مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال. قسمت هشتم - تعرفه دستمزد کارشناسی برای رسیدگی به موارد اختلاف بین کارفرمایان و پیمانکاران ۳- دستمزد کارشناسی تشخیص موجه یا غیر موجه بودن فسخ قرارداد: ماده ۵۳- دستمزد موجه یا غیر موجه بودن فسخ قرارداد: ۱- برای قراردادهائی که مبلغ ابلاغ شده آنها تا یکصد میلیون ریال باشد، مقطوعاً ۷۵۰/۰۰۰ ریال. ۲- برای قراردادهائی که مبلغ ابلاغ شده آنها از یکصد میلیون ریال تا یک میلیارد ریال باشد، نسبت به مازاد، یک و نیم در هزار. ۳- برای قراردادهائی که مبلغ ابلاغ شده آنها از یک میلیارد ریال تا پنج میلیارد ریال باشد، نیم در هزار نسبت به مازاد. ۴- برای قراردادهائی که مبلغ ابلاغ شده آنها از پنج میلیارد ریال بیشتر باشد نیم در هزار نسبت به مازاد تا حداکثر مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ماده ۵۴- دستمزد کارشناسی تعیین میزان خسارت وارده: دستمزد تعیین میزان خسارت وارده از عدم انجام تعهدات طرفین قرارداد تا مبلغ بیست میلیون ریال، مقطوعاً ۵۰۰/۰۰۰ ریال و از بیست میلیون ریال به بالا، نسبت به مازاد دو در هزار تا حداکثر مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال. قسمت نهم - تعرفه دستمزد کارشناسی برای رسیدگی به اختلاف بین کارفرمایان و مهندسان مشاور ماده ۵۵- الف - دستمزد کارشناسی رسیدگی به اختلافات در قراردادهائی که مبلغ کل حق الزحمه مهندس مشاور کمتر از ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال باشد: ۱- دستمزد رسیدگی به اضافه شدن مدت قرارداد و تشخیص موجه یا غیر موجه بودن تأخیرات مهندس مشاور ۴ درصد حق الزحمه مهندس مشاور در مرحله مربوطه و حداقل مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ۲- دستمزد تشخیص موجه یا غیر موجه بودن فسخ قرارداد مهندس مشاور ۲ درصد حق الزحمه مشاور تا مقطع فسخ قرارداد. ۳- دستمزد تعیین حق الزحمه مهندس مشاور نسبت به امور مورد اختلافی که حق الزحمه مربوطه در قرارداد تصریح نشده باشد ۲ درصد حق الزحمه موارد اختلاف. ۴- دستمزد تعیین حق الزحمه مهندس مشاور برای خدمات انجام شده تا تاریخ فسخ یا خاتمه دادن به قرارداد ۲ درصد حق الزحمه موارد اختلاف. ۵- دستمزد بررسی مطالعات و گزارش و طرح‌های تهیه شده بوسیله مهندس مشاور ۵ درصد حق الزحمه مهندس مشاور در مرحله مربوطه. ب - در قراردادهائی که مبلغ کل حق الزحمه مهندس مشاور از دویست میلیون ریال به بالا باشد دستمزد کارشناسی نسبت به مازاد دویست میلیون ریال برابر ۲۰ درصد دستمزد بند الف خواهد بود. قسمت دهم - تعرفه دستمزد کارشناسان گروه ۷- صنعت و فن شامل رشته‌های: (الکتروشمی و پتروشیمی - فراورده‌های شیمیایی - امور انرژی هسته‌ای - صنایع نفت - برق (الکترونیک و مخابرات) - برق (ماشین و تاسیسات کارخانجات) - تاسیسات ساختمانی - کامپیوتر (رایانه) - صنایع گاز و گازرسانی - مهندسی پزشکی (لوازم و تجهیزات پزشکی) - مهندسی هوافضا - نساجی و رنگرزی) ماده ۵۶- دستمزد کارشناسی رشته‌های فوق به شرح ذیل می‌باشد: ۱- ارزیابی. ۱-۱- تا سی میلیون ریال مقطوعاً ۲۵۰/۰۰۰ ریال. ۱-۲- از سی میلیون تا یکصد پنجاه میلیون ریال، نسبت به مازاد ۴ در هزار. ۱-۳- از یکصد و پنجاه میلیون ریال تا پانصد میلیون ریال، نسبت به مازاد ۵/۲ در هزار. ۱-۴- از پانصد میلیون ریال به بالا نسبت به مازاد ۱ در هزار و حداکثر تا مبلغ ۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال. تبصره - کارشناس موظف است ارزش کلیه اقلام را ضمن تهیه مشخصات فنی به تفکیک تعیین نماید. حق الزحمه براساس مجموع ارزش‌های تعیین شده برای هر کارخانه و یا واحد صنعتی یا غیر صنعتی در هر محل بطور یکجا محاسبه خواهد شد. ماده ۵۷- دستمزد تعیین اجاره بها و اجرت المثل ماهانه ماشین آلات، تاسیسات فنی دستگاههای برقی

الکترونیکی و ماشین آلات کارخانجات و موارد مختلف در رابطه با این گروه: ۱- تا ده میلیون ریال ۲۰۰/۲۰۰ ریال. ۲- از ده میلیون ریال به بالا، نسبت به مازاد برای اجاره بهای ماهانه هر کارخانه یا کارگاه، ۱۵ درصد تا حداکثر مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ماده ۵۸ - دستمزد رسیدگی یا تهیه صورت وضعیت نسبت به امور تأسیسات آب، برق، گاز، مخبرات، آسانسور و موارد مختلف در رابطه با این گروه براساس تعرفه مربوطه در ماده ۴۰ محاسبه خواهد شد. ماده ۵۹ - دستمزد رسیدگی به امور مهندسی مشاور بر طبق تعرفه رسیدگی به موارد اختلاف بین کارفرمایان، مهندسی مشاور و پیمانکاران براساس تعرفه مربوط به قسمتهای ۸ و ۹ محاسبه خواهد شد. قسمت یازدهم - تعرفه دستمزد کارشناسان گروه ۸- فنی و هنری شامل رشته‌های: (امور ورزشی - شعر و سرود - تئاتر و سینما و هنرهای نمایشی - موسیقی - تشخیص اصالت خط و امضاء و اثر انگشت - چاپ و چاپخانه - تمبر - چینی و سرامیک - کاشی - سفالگری طراحی عمومی و گرافیک - فیلم و عکاسی - تألیفات - صنایع دستی) ماده ۶۰ - دستمزد کارشناسی رشته‌های گروه ۸ بجز رشته عکاسی و امور سینمایی که جداگانه در ذیل آمده بشرح ذیل است: الف - دستمزد کارشناسی رشته‌های گروه ۸ در پرونده های غیر مالی و در هر مورد بررسی (هر مستند) حداقل ۲۰۰/۲۰۰ ریال در صورتی که کم و کیف کار ایجاب نماید با توافق قاضی یا متقاضی با کارشناس و حداکثر ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ب - دستمزد کارشناسی رشته‌های فوق در پرونده مالی: ۱- تا ده میلیون ریال مقطوعاً دویست هزار ریال. ۲- از ده میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال نسبت به مازاد پنج در هزار. ۳- از یکصد میلیون ریال به بالا نسبت به مازاد یک در هزار تا حداکثر مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ماده ۶۱ - دستمزد کارشناسی مربوط به عکاسی و امور سینمایی. الف - امور مربوط به عکاسی و سینمایی. دستمزد رسیدگی به مسائل فنی عکس و فیلم شامل: اختلاف رنگها - شرایط نوری - کمپوزسیون « ترکیب بندی » - پرسپکتیو - ظهور و چاپ حداقل دویست هزار ریال و حداکثر تا ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ب - امور مربوط به فیلمبرداری و سینما. دستمزد رسیدگی به موارد اختلاف فیما بین کارفرمایان و تهیه کنندگان اعم از نویسنده - کارگردان - تصویر بردار - تدوین کننده - لابراتوار و صدابردار شامل: ۱- برنامه‌های کوتاه مدت و مستند اعم از فیلم و یا ویدئو (به استثنای انیمیشن) حداقل دویست هزار ریال در صورتی که کم و کیف کار ایجاب نماید و یا برای برنامه‌های بلند مدت سینمایی حداکثر تا مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال. ۲- برنامه‌های انیمیشن با توجه به حجم و میزان و نوع کار براساس ماده ۵۹ خواهد بود. پ - دستمزد ارزیابی فیلم - وسائل و لوازم عکاسی و فیلمبرداری و سینما و ویدئو به شرح زیر است: ۱- تا ده میلیون ریال مقطوعاً دویست هزار ریال. ۲- از ده میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال نسبت به مازاد سه در هزار. ۳- از یکصد میلیون ریال به بالا نسبت به مازاد یک در هزار و حداکثر تا مبلغ سه میلیون ریال. ت - هزینه‌های مربوط به آزمایشگاه - استفاده از لوازم مونتاژ - دستگاههای نمایش جهت بازدید فیلم و تصاویر تابع ماده ۹ فصل اول مقررات عمومی خواهد بود. قسمت دوازدهم - تعرفه دستمزد کارشناسان گروه ۹- کشاورزی شامل رشته‌های: (کشاورزی و منابع طبیعی، دامپروری و دامپزشکی، آبیاری و شیلات، سم و سم‌شناسی، گیاه پزشکی، صنایع چوب، محصولات دامی (پوست و چرم، سالامبور و روده) و محیط زیست طبیعی) ماده ۶۲ - دستمزد ارزیابی املاک مزروعی، باغها، جنگلها، مراتع و اراضی جنگلی، اراضی بایر، ساختمانهای روستایی به شرح زیر است: ۱- تا مبلغ بیست میلیون ریال مقطوعاً ۲۰۰/۲۰۰ ریال. ۲- از مبلغ بیست میلیون ریال تا پانصد میلیون ریال نسبت به مازاد ۵/۱ در هزار. ۳- از پانصد میلیون ریال تا یک میلیارد ریال نسبت به مازاد یک در هزار. ۴- از یک میلیارد ریال به بالا نسبت به مازاد نیم در هزار و حداکثر تا مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ماده ۶۳ - دستمزد ارزیابی محصولات و فراورده‌های کشاورزی و جنگلی و مراتع و دامی و شیلات بر مبنای ارقام بالا به اضافه ۲۰٪ می‌باشد. تبصره ۱- دام شامل اغنام و احشام و چهارپایان - طیور - زنبور عسل و کرم ابریشم می‌باشد. تبصره ۲- دستمزد کارشناسی و ارزیابی و تعیین مال‌الاجاره و اجرت المثل ماشین‌آلات و تجهیزات و تأسیسات کشاورزی - دامپروری و دامپزشکی - دام، آبیاری و شیلات به شرح مواد ۵۶ و ۵۷ حسب مورد می‌باشد. ماده ۶۴ - دستمزد تعیین اجاره بهای سالانه املاک مزروعی، باغها، مراتع و جنگلها به شرح زیر است: ۱- تا مبلغ ده میلیون ریال ۲۰۰/۲۰۰ ریال. ۲- از مبلغ ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال نسبت به

مازاد ۱۵ در هزار. ۳- از مبلغ پنجاه میلیون ریال به بالا نسبت به مازاد ۵ در هزار حداکثر تا مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ماده ۶۵- دستمزد تعیین حق آبادانی و حق ریشه و زراعت و نسق زارخانه و تعیین هزینه احیاء و اصلاح تسطیح زمینهای کشاورزی و باغات و حق غارسی به شرح زیر می‌باشد: ۱- تا مبلغ ۵ میلیون ریال ۲۰۰/۰۰۰ ریال. ۲- از پنج میلیون ریال تا ده میلیون ریال نسبت به مازاد ۱۵ در هزار. ۳- از ده میلیون ریال به بالا- نسبت به مازاد ۵ در هزار حداکثر تا مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال. ماده ۶۶- دستمزد نمونه برداری بمنظور تعیین کیفیت و طبقه‌بندی محصولات زراعی، باغی، دامی، آبزیان، خوراک دام، مکمل و داروهای مصرفی دامی با توافق قاضی یا متقاضی با کارشناس و حداکثر یک میلیون ریال. ماده ۶۷- دستمزد تشخیص اراضی (دایر و بایر و موات) تا مساحت ۱۰۰۰ مترمربع ۲۰۰/۰۰۰ ریال و برای هر یک هزار مترمربع اضافه ۱۰ درصد به دستمزد فوق اضافه می‌شود. ماده ۶۸- دستمزد تشخیص علت و برآورد خسارت ناشی از زیان‌های وارده به مزارع و باغها - جنگلها - مراتع - شیلات - شبکه‌های آبیاری و زهکشی و آبیاری تحت فشار - دام و محصولات و فراورده‌های کشاورزی و دامی و تأسیسات کشاورزی و دامپروری و شیلات و تجهیزات کشاورزی و خسارات ناشی از آفات نباتی و حیوانی - مصرف مواد شیمیایی و داروئی نامناسب - آلودگی آب و خاک و مواد غذایی به شرح زیر است: الف - تشخیص علت خسارت ۲۰۰/۰۰۰ ریال. ب - برآورد خسارت تا ده میلیون ریال ۲۰۰/۰۰۰ ریال. پ - از ده میلیون ریال به بالا نسبت به مازاد ۲ در هزار تا حداکثر ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال. ماده ۶۹- دستمزد افزاز املاک کشاورزی براساس تعرفه ارزیابی موضوع ماده ۶۲ به اضافه سی درصد خواهد بود در مواردی که موضوع افزاز املاک کشاورزی تقسیم ترکه باشد بیست درصد به دستمزد ارزیابی مربوطه افزوده می‌گردد. ماده ۷۰- در صورتی که انجام امر کارشناسی مستلزم تهیه نقشه باشد دستمزد نقشه‌برداری بر طبق تعرفه مربوطه محاسبه خواهد شد. ماده ۷۱- دستمزد ارزیابی تجهیزات و مواد اولیه و محصولات و فراورده‌های کشاورزی و دامی و جنگلی و شیلات و غیره موجود در انبارها براساس تعرفه ماده ۱۲ محاسبه خواهد شد. ماده ۷۲- دستمزد کارشناسی در امور مهندسین مشاور و پیمانکاران در این گروه کارشناسان براساس تعرفه رسیدگی به موارد اختلاف بین کارفرمایان و پیمانکاران و مهندسین مشاور تعیین می‌شود. ماده ۷۳- دستمزد تشخیص حدود ثبتی و رسیدگی به اختلافات آن املاک خارج از محدوده شهرها: - دستمزد مطالعه پرونده ثبتی و پیاده نمودن پلاک مورد نظر و تشخیص حدود آن در املاک مزروعی حداقل پانصد هزار ریال. - در مواردی که مساحت ملک بیش از یک هکتار باشد به ازای هر هکتار مازاد ۱۰۰/۰۰۰ ریال حداکثر تا سه میلیون ریال. ماده ۷۴- دستمزد آزمایشات مربوط به خاک‌شناسی و تهیه نمونه‌های مورد لزوم بر مبنای تعرفه مؤسسه تحقیقات خاک و آب (خاک‌شناسی و حاصلخیزی خاک) و ضوابط مربوطه از طرف متقاضی پرداخت می‌شود. قسمت سیزدهم - تعرفه دستمزد کارشناسان گروه ۱۰- مدیریت و خدمات عمومی و اداری شامل رشته‌های: (آمار امور اداری و استخدامی - امور آموزشی - امور گمرکی - بیمه - امور کتاب و کتابداری - ثبت شرکتها و علائم تجاری و اختراعات - جهانگردی و ایرانگردی فناوری اطلاعات (ICT/IT) - امور خبرنگاری و روزنامه نگاری - امور کار و کارگری - مدیریت بازرگانی) ماده ۷۵- دستمزد کارشناسی در مورد کلیه رشته‌های فوق: با توجه به کم و کیف کار با توافق تعیین می‌شود و حداقل دستمزد ۲۰۰/۰۰۰ ریال و حداکثر سه میلیون ریال می‌باشد. قسمت چهاردهم - تعرفه دستمزد کارشناسان گروه ۱۱- ایمنی و حوادث شامل رشته‌های: امور آتش سوزی و آتش نشانی، اسلحه شناسی، تأمین و امنیتی، حوادث ناشی از کار، مواد محترقه و منفجره (ناریه) ماده ۷۶- دستمزد کارشناسی در کلیه رشته‌های فوق با توجه به کم و کیف کار با توافق تعیین می‌شود و حداقل دستمزد ۲۰۰/۰۰۰ ریال و حداکثر ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. قسمت پانزدهم - تعرفه دستمزد کارشناسان سایر رشته‌ها ماده ۷۷- حق الزحمه کارشناسان سایر رشته‌هایی که بعد از تصویب این تعرفه به تصویب شورای عالی کارشناسان رسمی می‌رسد حسب مورد، براساس تعرفه گروه‌های مربوطه یا طبق مفاد ماده ۱۰ تعرفه تعیین خواهد شد. ماده ۷۸- با توجه به محرومیت بعضی از مناطق کشور ارقام تعرفه مورد عمل در مورد مناطق محروم و یا اشخاص حقیقی که استطاعت کافی ندارند به تشخیص قاضی پرونده یا کانون کارشناسان رسمی دادگستری تا ۴۰٪ (چهل درصد) کاهش

می‌یابد. این تعرفه در اجرای ماده ۲۹ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱ در تاریخ ۲۳/۵/۱۳۸۴ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید و پانزده روز پس از انتشار در روزنامه رسمی، در سراسر کشور لازم‌الاجراست.

اصلاح موادی از آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری - مصوب ۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی بدینوسیله اصلاح موادی از آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری که به موافقت ریاست محترم قوه قضائیه رسیده جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. معاون حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه - علیرضا جمشیدی شماره ۱۶۸۱۵/۲۸/۸/۱۳۸۴ جناب آقای دکتر جمشیدی ریاست محترم مرکز توسعه قضایی نظر به اینکه اصلاح موادی از آیین‌نامه سال ۱۳۳۳ درخصوص شرح وظایف کاراموزان، تاکنون در روزنامه رسمی منتشر نشده است خواهشمند است جهت اجراء در روزنامه رسمی منتشر گردد. رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز - سیدمحمد جندقی کرمانی پور شماره ۱۵۰۹۰/ح/م/۲۵/۵/۱۳۸۴ جناب آقای جندقی ریاست محترم کانون وکلای دادگستری موارد پیشنهاد اصلاح موادی از آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری (پیوست) به استحضار ریاست محترم قوه قضائیه رسید. تصویرنامه شماره ۵۵۷۶/۸۴/۱ مورخ ۱۲/۵/۱۳۸۴ رئیس محترم حوزه ریاست قوه قضائیه به پیوست ایفاد می‌گردد. معاون حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه - علیرضا جمشیدی شماره ۵۵۷۶/۸۴/۱ جناب آقای دکتر جمشیدی معاون محترم حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه نامه شماره ۸/۵/۱۳۸۴/ح/م - ۸/۵/۱۳۸۴ به همراه پیشنهاد اصلاحی برخی از مواد آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، باستحضار ریاست محترم قوه قضائیه رسید، مرقوم فرمودند: (باسمه تعالی - منحصرا با اصلاحیه ماده (۳۵) و بند ۳ ماده ۳۶ موافقت می‌شود). لذا بدینوسیله مراتب ابلاغ می‌گردد. رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه - عبدالرضا ایزدپناه حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی (دام‌ظله‌العالی) رییس محترم قوه قضائیه حسب‌الامر حضرت‌عالی پیشنهاد اصلاحی برخی از مواد آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب پنجم اسفند ماه ۱۳۳۳ کمیسیون‌های مشترک مجلسین مطرح شده از سوی کانون وکلای دادگستری مورد بررسی قرار گرفت و پس از هماهنگی نهایی با رئیس کانون جهت تصویب و ابلاغ بشرح پیوست تقدیم می‌گردد. معاون حقوقی و توسعه قضایی - علیرضا جمشیدی با اجازه حاصله از ماده ۲۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب پنجم اسفندماه ۱۳۳۳ کمیسیون‌های مشترک مجلسین موادی از آیین‌نامه لایحه مذکور بشرح ذیل اصلاح می‌شود: تبصره ذیل به ماده ۳۱ آیین‌نامه مصوب سال ۱۳۳۴ اضافه می‌شود: تبصره - چنانچه قضات بازنشسته ظرف ۶ ماه پس از صدور حکم بازنشستگی برای دریافت پروانه وکالت مراجعه نمایند از ارائه گواهینامه‌های موضوع بند ۳، ۴ و ۵ معاف می‌باشند. ماده ۳۵ آیین‌نامه مصوب سال ۱۳۳۴: کمیسیون یا کمیسیونهای کارآموزی که تعداد اعضای آنها به وسیله هیأت مدیره انتخاب خواهد شد از بین اعضای هیأت مدیره یا وکلایی که واجد شرایط عضویت هیئت مدیره باشند یا بطور مختلط از طرف هیأت مدیره تعیین می‌شود. بند ۳ ماده ۳۶ به شرح ذیل اصلاح می‌شود: بند ۳- حضور در جلسات دادرسی مدنی و کیفری لااقل ماهی ۲ مرتبه و کاراموزان مکلفند در کارگاههای آموزشی شرکت نمایند. ماده ۴۲- در صورتی که تقاضای اعلام طی دوره کارآموزی مورد موافقت هیأت مدیره واقع نشد مدت دوره کارآموزی به تشخیص هیأت مدیره معین خواهد شد. در هر صورت مدت مذکور فراتر از مدت نوبت اول نخواهد بود

مسکن و اجاره

قانون روابط موجر و مستأجر - ۵۶

فصل اول کلیات

ماده ۱- هر محلی که برای سکنی یا کسب یا پیشه یا تجارت یا به منظور دیگری اجاره داده شده یا بشود در صورتی که تصرف متصرف بر حسب تراضی با موجر یا نماینده قانونی او به عنوان اجاره یا صلح منافع و یا هر عنوان دیگری به منظور اجاره باشد اعم از اینکه نسبت به مورد اجاره سند رسمی یا عادی تنظیم شده یا نشده باشد، مشمول مقررات این قانون است ماده ۲- موارد زیر مشمول مقررات این قانون نمی‌باشد: ۱- تصرف ناشی از معاملات با حق استرداد یا معاملات رهنی ۲- اراضی مزروعی محصور و غیر محصور و توابع آنها و باغهایی که منظور اصلی از اجاره بهره‌برداری از محصول آنها باشد. ۳- ساختمانها و محلهایی که به منظور سکونت عرفا به طور فصلی برای مدتی که از ششماه تجاوز نکند اجاره داده می‌شود. ۴- کلیه واحدهای مسکونی واقع در محدوده خدماتی شهرها و در شهرکها که گواهی خاتمه ساختمانی آنها از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون معاملات زمین مصوب سال ۱۳۵۴ صادر شده و می‌شود. ۵- خانه‌های سازمانی و سایر محلهای مسکونی که از طرف وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت یا اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی به مناسبت شغل در اختیار و استفاده کارکنان آنها قرار می‌گیرد. در این مورد رابطه متصرف با سازمان یا اشخاص مربوط تابع قوانین و مقررات مخصوص بخود یا قرارداد فی مابین می‌باشد. هرگاه متصرف خانه یا محل سازمانی که به موجب مقررات یا قرارداد مکلف به تخلیه محل سکونت باشد از تخلیه خودداری کند بر حسب مورد از طرف دادستان یا رئیس دادگاه بخش مستقل به او اخطار می‌شود که ظرف یکماه محل را تخلیه نماید در صورت امتناع به دستور همان مقام محل مزبور تخلیه شده و تحویل سازمان یا موسسه یا اشخاص مربوط داده می‌شود. ۶- واحدهای مسکونی که پس از اجرای این قانون به اجاره واگذار گردد.

فصل دوم میزان اجاره بها و ترتیب پرداخت آن

ماده ۳- در مواردی که اجاره‌نامه تنظیم شده باشد میزان اجاره‌بها همان است که در اجاره‌نامه قید شده و هرگاه اجاره‌نامه تنظیم نشده باشد به میزانی است که بین طرفین مقرر یا عملی شده است و در صورتی که میزان آن معلوم نشود با رعایت مقررات این قانون از طرف دادگاه میزان اجاره بها به نرخ عادلانه روز تعیین می‌شود. ماده ۴- موجر یا مستاجر می‌تواند به استناد ترقی یا تنزل هزینه‌زندگی درخواست تجدیدنظر نسبت به میزان اجاره بها را بنماید، مشروط به اینکه مدت اجاره منقضی شده و از تاریخ استفاده مستاجر از عین مستاجر یا از تاریخ مقرر در حکم قطعی که بر تعیین یا تعدیل اجاره‌بها صادر شده سه سال تمام گذشته باشد، دادگاه با جلب نظر کارشناس اجاره‌بها را به نرخ عادلانه روز تعدیل خواهد کرد حکم دادگاه در این مورد قطعی است ماده ۵- موجر می‌تواند مابه‌التفاوت اجاره‌بها را ضمن دادخواست تعدیل نیز مطالبه نماید. در این صورت دادگاه ضمن صدور حکم راجع به تعدیل مستاجر را به پرداخت مابه‌التفاوت از تاریخ تقدیم دادخواست تا روز صدور حکم محکوم می‌نماید. دایره اجرا مکلف است خسارت تاخیر تادیه از تاریخ قطعیت تا تاریخ اجرای حکم را به قراردادهای درصد در سال احتساب و از مستاجر وصول و به موجر بپردازد مستاجر نیز می‌تواند ضمن تقاضای تعدیل اجاره‌بها مابه‌التفاوت پرداخت شده را به انضمام خسارت تاخیر تادیه به شرح فوق درخواست کند. تبصره- مقررات این ماده در مواردی که دادگاه حکم به تعیین اجاره‌بها صادر می‌نماید نیز جاری خواهد بود. ماده ۶- مستاجر مکلف است در موعد معین در اجاره‌نامه اجرت‌المسمی و پس از انقضای مدت اجاره اجرت‌المثل را به میزان اجرت‌المسمی آخر هرماه جاری ظرف ده روز به موجر یا نماینده قانونی او بپردازد و هرگاه اجاره‌نامه‌ای در بین نباشد اجاره‌بها را به میزانی که بین طرفین مقرر و یا عملی شده و در صورتیکه میزان آن معلوم نباشد به عنوان اجرت‌المثل مبلغی که متناسب با اجاره املاک مشابه تشخیص می‌دهد برای هرماه تا دهم ماه بعد به موجر یا نماینده قانونی او پرداخت یا در صندوق ثبت و یا بانکی که از طرف سازمان ثبت تعیین می‌شود سپرده و قبض رسید را اگر اجاره‌نامه رسمی است به دفترخانه تنظیم کننده سند هرگاه اجاره‌نامه

عادی بوده یا اجاره‌نامه‌ای در بین نباشد قبض رسید را با تعیین محل اقامت موجر به یکی از دفاتر رسمی نزدیک ملک تسلیم و رسید دریافت دارد. دفترخانه باید منتهی ظرف ده روز بوسیله اداره ثبت محل مراتب را به موجر یا نماینده قانونی او اخطار کند که برای دریافت وجه تودیع شده با دفترخانه مزبور مراجعه نماید.

فصل سوم در تنظیم اجاره‌نامه

ماده ۷- در مواردی که بین موجر و کسی که ملک را به عنوان مستاجر در تصرف دارد اجاره‌نامه تنظیم نشده یا اگر تنظیم شده مدت آن منقضی گشته طرفین راجع به تنظیم اجاره‌نامه با تعیین اجاره‌بها و شرایط آن اختلاف داشته باشند هریک می‌تواند برای تعیین اجاره‌بها (در مواردی که اجاره‌نامه در بین نباشد) و تنظیم اجاره‌نامه به دادگاه مراجعه کند. دادگاه میزان اجاره‌بها را از تاریخ تقدیم دادخواست تعیین می‌کند، ولی این امر مانع صدور حکم نسبت به اجرت‌المثل زمان قبل از تقدیم دادخواست و خسارت تاخیر تادیه آن نخواهد بود. تبصره ۱- هرگاه از طرف موجر تقاضای تخلیه عین مستاجر شده باشد رسیدگی به درخواست تنظیم اجاره‌نامه از طرف مستاجر متوقف بر خاتمه دادرسی در موضوع تخلیه خواهد بود این حکم در موردی که از طرف مالک درخواست خلع ید از ملک شده باشد نیز جاری است ماده ۸- دادگاه شرایط اجاره‌نامه جدید را طبق شرایط مرسوم و متعارف در اجاره‌نامه‌ها و شرایط مندرج در اجاره‌نامه سابق (در صورتی که قبلاً اجاره‌نامه تنظیم شده باشد) با رعایت مقررات این قانون تعیین خواهد کرد. ماده ۹- در تمام مدتی که دادرسی در جریان است مستاجر باید طبق ماده ۶ این قانون و شرایط قبلی مال الاجاره را بپردازد و از تاریخ ابلاغ حکم قطعی طرفین مکلفند ظرف یک ماه به ترتیب مقرر در حکم اجاره‌نامه تنظیم کنند. هرگاه در این مدت اجاره‌نامه تنظیم نشود به تقاضای یکی از طرفین دادگاه رونوشت حکم را جهت تنظیم اجاره‌نامه به دفتر اسناد رسمی ابلاغ و به طرفین اخطار می‌کند که در روز و ساعت معین برای امضای اجاره‌نامه در دفترخانه حاضر شوند. هرگاه موجر حاضر به امضای اجاره‌نامه نشود نماینده دادگاه اجاره‌نامه را به مدت یک سال از طرف او امضا خواهد کرد و اگر مستاجر تا ۱۵ روز از تاریخ تعیین شده حاضر به امضا نشود دادگاه در صورتی که عذر مستاجر را موجه نداند به تقاضای موجر حکم به تخلیه عین مستاجر صادر می‌کند و این حکم قطعی است ماده ۱۰- مستاجر نمی‌تواند منافع مورد اجاره را کالا یا جزئا یا به نحو اشاعه به غیر انتقال دهد یا واگذار نماید مگر اینکه کتبا این اختیار به او داده شده باشد. هرگاه مستاجر تمام یا قسمتی از مورد اجاره را به غیر اجاره دهد مالک می‌تواند در صورت انقضای مدت یا فسخ اجاره درخواست تنظیم اجاره‌نامه با هر یک از مستاجرین را بنماید. در صورتی که مستاجر حق انتقال مورد اجاره را به غیر داشته باشد هریک از مستاجرین نیز می‌تواند در صورت فسخ و یا انقضای مدت اجاره اصلی درخواست تنظیم اجاره‌نامه را با مالک یا نماینده قانونی او بنمایند. و ماده ۱۱- دفاتر اسناد رسمی مکلفند علاوه بر نکاتی که به موجب قوانین و مقررات باید رعایت شود نکات زیر را در اجاره‌نامه تصریح بنمایند: ۱- شغل موجر و مستاجر و اقامتگاه موجر بطور کامل و مشخص ۲- نشانی کامل مورد اجاره و قید اینکه از لحاظ رابطه اجاره این محل اقامتگاه قانونی مستاجر می‌باشد مگر اینکه طرفین به ترتیب دیگری تراضی نموده باشند. ۳- عین مستاجر در تصرف کدام یک از طرفین می‌باشد و در صورتی که در تصرف مستاجر نیست تحویل آن در چه مدت و با چه شرایطی صورت خواهد گرفت ۴- مهلت مستاجر برای پرداخت اجاره‌بها منتهی ده روز از تاریخ سررسید هر قسط خواهد بود، مگر اینکه طرفین به ترتیب دیگری زائد بر این مدت توافق کرده باشند که در این صورت ترتیب مذکور باید در سند قید گردد. ۵- اجاره به منظور سکنی یا کسب یا پیشه یا تجارت با تعیین نوع کسب و پیشه و تجارت و هرگاه به منظور دیگری باشد قید آن به طور صریح ۶- مستاجر حق انتقال به غیر را کالا- یا جزئا یا به نحو اشاعه دارد یا خیر. ۷- تعهد مستاجر به پرداخت اجرت‌المثل پس از انقضای مدت و یا فسخ اجاره تا موقع تجدید اجاره یا تخلیه ملک به میزان اجرت‌المسمی

فصل چهارم موارد فسخ اجاره و تخلیه عین مستأجره

ماده ۱۲- در موارد زیر مستاجر می‌تواند صدور حکم به فسخ اجاره را از دادگاه درخواست کند: ۱- در صورتی که عین مستاجر با او صافی که در اجاره‌نامه قید شده منطبق نباشد. (با رعایت ماده ۴۱۵ قانون مدنی ۲- اگر در اثنای مدت اجاره عیبی در عین مستاجر حادث شود که آن را از قابلیت انتفاع خارج نموده و رفع عیب مقدور نباشد. ۳- در مواردی که مطابق شرایط اجاره حق فسخ مستاجر تحقق یابد. ۴- در صورت فوت مستاجر در اثنا مدت اجاره و درخواست فسخ اجاره از طرف کلیه ورثه ۵- هرگاه مورد اجاره کلا- یا جزئا در معرض خرابی بوده و قابل تعمیر نباشد و یا برای بهداشت و سلامت مضر بوده و باید خراب شود. ماده ۱۳- هرگاه مستاجر به علت انقضای مدت اجاره یا در مواردی که به تقاضای او حکم فسخ اجاره صادر شده مورد اجاره را تخلیه کند و موجر از تحویل گرفتن آن امتناع کند مستاجر مکلف است بوسیله اظهارنامه از موجر یا نماینده قانونی او تقاضا کند که برای تحویل مورد اجاره حاضر شود. در صورتی که موجر ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه حاضر نگردد مستاجر باید به دادگاه محل وقوع ملک مراجعه و تخلیه کامل مورد اجاره را تامین دلیل نماید و کلید آن را به دفتر دادگاه تسلیم کند. از این تاریخ رابطه استیجاری قطع می‌شود و دفتر دادگاه ظرف ۲۴ ساعت به موجر یا نماینده قانونی او اخطار می‌کند که برای تحویل گرفتن مورد اجاره و دریافت کلید حاضر شود. تا زمانی که مستاجر به ترتیب فوق عمل نکرده باشد تعهدات او به موجب مقررات این قانون و شرایط اجاره‌نامه برقرار است ماده ۱۴- در موارد زیر موجر می‌تواند حسب مورد صدور حکم فسخ اجاره یا تخلیه را از دادگاه درخواست کند دادگاه ضمن حکم فسخ اجاره دستور تخلیه مورد اجاره را صادر می‌نماید و این حکم علیه مستاجر یا متصرف اجرا و محل تخلیه خواهد شد.

۱- در موردی که مستاجر مسکن بدون داشتن حق انتقال به غیر در اجاره‌نامه و یا موردی که اجاره‌نامه‌ای در بین نباشد مورد اجاره را کلا یا جزئا به هر صورتی که باشد به غیر واگذار نموده یا عملاً از طریق وکالت یا نمایندگی و غیره در اختیار و استفاده دیگری جز اشخاص تحت‌الکفاله قانونی خود قرار داده باشد. ۲- در موردی که عین مستاجر به منظور کسب یا پیشه و یا تجارت خود مستاجر اجاره داده شده و مستاجر آن را به عناوینی از قبیل وکالت یا نمایندگی و غیره عملاً به غیر واگذار کند بدون اینکه طبق ماده ۱۹ این قانون با مستاجر لاحق اجاره‌نامه تنظیم شده باشد. ۳- در صورتی که در اجاره‌نامه محل سکنی حق فسخ اجاره هنگام انتقال قطعی شرط شده باشد مشروط به اینکه خریدار بخواهد شخصاً در مورد اجاره سکونت نماید و یا آن را برای سکونت اولاد یا پدر یا مادر یا همسر خود تخصیص دهد. در این صورت اگر خریدار تا سه ماه از تاریخ انتقال ملک برای تخلیه مراجعه ننماید درخواست تخلیه به این علت تا انقضای مدت اجاره پذیرفته نمی‌شود. ۴- در صورتی که مورد اجاره محل سکنی بوده و مالک پس از انقضای مدت اجاره احتیاج به مورد اجاره برای سکونت خود یا اشخاص مذکور در بند فوق داشته باشد. ۵- هرگاه مورد اجاره محل سکنی در معرض خرابی بوده و قابل تعمیر نباشد. ۶- در صورتی که از مورد اجاره محل سکنی بر خلاف منظوری که در اجاره‌نامه قید شده استفاده گردد. ۷- در مورد محل کسب و پیشه و تجارت هرگاه مورد اجاره برای شغل معینی اجاره داده شده و مستاجر بدون رضای موجر شغل خود را تغییر دهد مگر اینکه شغل جدید عرفاً مشابه شغل سابق باشد. ۸- در صورتی که مستاجر در مورد اجاره تعدی یا تفریط کرده باشد. ۹- در صورتی که مستاجر در مهلت مقرر در ماده ۶ این قانون از پرداخت مال الاجاره یا اجرت‌المثل خودداری نموده و با ابلاغ اخطار دفترخانه تنظیم‌کننده سند اجاره یا اظهارنامه (در موردی که اجاره‌نامه عادی بوده یا اجاره‌نامه‌ای در بین نباشد) ظرف ده روز قسط یا اقساط عقب افتاده را نپردازد. در این مورد اگر اجاره‌نامه رسمی باشد موجر می‌تواند از دفترخانه یا اجرای ثبت صدور اجرائیه بر تخلیه و وصول اجاره‌بها را درخواست نماید. هرگاه پس از صدور اجرائیه مستاجر اجاره‌بهای عقب افتاده را تودیع کند اجرای ثبت تخلیه را متوقف می‌کند ولی موجر می‌تواند به استناد تخلف مستاجر از پرداخت اجاره‌بها از دادگاه درخواست تخلیه عین مستاجر را بنماید. هرگاه اجاره‌نامه عادی بوده یا سند اجاره تنظیم نشده باشد موجر می‌تواند

برای تخلیه عین مستاجر و وصول اجاره‌بها به دادگاه مراجعه کند. در موارد فوق هرگاه مستاجر قبل از صدور حکم دادگاه اضافه بر اجاره‌بهای معوقه صدی بیست آن را به نفع موجر در صندوق گستره تودیع نماید حکم به تخلیه صادر نمی‌شود و مستاجر به پرداخت خسارت دادرسی محکوم و مبلغ تودیع شده نیز به موجر پرداخت می‌گردد، ولی هر مستاجر فقط یکبار می‌تواند از این ارفا استفاده کند، حکم دادگاه در موارد مذکور در این بند قطعی است تبصره ۱- در صورتی که مستاجر دوبار ظرف یکسال در اثراخطار یا اظهارنامه مذکور در بند ۹ این ماده اقدام به پرداخت اجاره‌بها کرده باشد و برای بار سوم اجاره‌بها را در موعد مقرر به موجر نپردازد و یا در صندوق ثبت تودیع ننماید موجر می‌تواند با تقدیم دادخواست مستقیماً از دادگاه درخواست تخلیه عین مستاجر را بنماید. حکم دادگاه در این مورد قطعی است تبصره ۲- در صورتی که مورد اجاره به منظوری غیر از کسب یا پیشه یا تجارت اجاره داده شود از هر حیث تابع مقررات مربوط به اجاره محل سکونی خواهد بود. تبصره ۳- در مورد بند شش این ماده اگر مستاجر مرکز فساد که قانوناً دایر کردن آن ممنوع است در مورد اجاره دایر نماید. دادستان علاوه بر انجام وظایف قانونی خود به محض صدور کیفرخواست به درخواست موجر مورد اجاره را در اختیار موجر قرار می‌دهد. تبصره ۴- در صورتی که مستاجر محل سکونی در شهر محل سکونت خود مالک یک واحد مسکونی باشد موجر حق دارد پس از انقضای مدت اجاره تقاضای تخلیه مورد اجاره را بنماید. ماده ۱۵- علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل در موارد زیر نیز پس از انقضای مدت اجاره درخواست تخلیه محل کسب یا پیشه یا تجارت از دادگاه جائز است ۱- تخلیه به منظور احداث ساختمان جدید مشروط بر اینکه پروانه ساختمانی یا گواهی شهرداری مربوط ارائه شود. و شهرداریها مکلفند در صورت مراجعه مالک با رعایت مقررات مربوط پروانه ساختمان و یا گواهی مورد نظر را صادر و به مالک تسلیم نمایند. ۲- تخلیه به منظور احتیاج شخص موجر برای کسب یا پیشه یا تجارت ۳- در صورتی که محل کسب یا پیشه یا تجارت مناسب برای سکونی هم باشد و مالک برای سکونت خود یا اولاد یا پدر یا مادر یا همسر خود درخواست تخلیه نماید. در موارد سه گانه فوق دادگاه ضمن صدور حکم تخلیه به پرداخت حق کسب یا پیشه یا تجارت نیز حکم خواهد داد. ماده ۱۶- در موارد مذکور در ماده قبل و همچنین در موارد مذکور در بند ۳ و ۴ ماده ۱۴ هرگاه مالک حسب مورد تا ششماه از تاریخ تخلیه شروع به ساختمان نکند یا حداقل مدت یکسال از محل مورد اجاره به نحوی که ادعا کرده استفاده نماید به درخواست مستاجر سابق بپرداخت مبلغی معادل یکسال اجاره‌بها یا اجرت‌المثل مورد اجاره در حق او محکوم خواهد شد مگر آنکه ثابت شود تاخیر شروع ساختمان یا عدم استفاده از مورد اجاره در اثر قوه قاهره یا مبتنی بر علل و جهاتی خارج از اراده مالک بوده است تبصره- در صورتی که در ملک مورد تخلیه مستاجرین متعددی باشند و موجر تقاضای تخلیه سایر قسمت‌ها را نیز نموده باشد مهلت فوق از تاریخ تخلیه آخرین قسمت شروع خواهد شد. ماده ۱۷- در تمام مواردی که تخلیه عین مستاجر در نتیجه اجرای حکم یا به ترتیب مقرر در ماده ۱۳ صورت می‌گیرد باید از طرف دادگاه به دفترخانه تنظیم کننده سند اجاره اعلام شود تا در ستون ملاحظات ثبت اجاره قید گردد.

فصل پنجم حق کسب یا پیشه یا تجارت

ماده ۱۸- میزان حق کسب یا پیشه یا تجارت که در این قانون و قوانین دیگر قید شده است بر مبنای اصول و ضوابطی که آئین‌نامه آن از طرف وزارتخانه دادگستری و مسکن و شهرسازی تهیه و به تصویب کمیسیونهای مربوط مجلسین خواهد رسید، تعیین می‌گردد. ماده ۱۹- در صورتی که مستاجر محل کسب یا پیشه یا تجارت به موجب اجاره‌نامه حق انتقال به غیر داشته باشد می‌تواند برای همان شغل یا مشابه آن منافع مورد اجاره را با سند رسمی به دیگری انتقال دهد. هرگاه در اجاره‌نامه حق انتقال به غیر سلب شده یا اجاره‌نامه‌ای در بین نبوده و مالک راضی به انتقال به غیر نباشد باید در مقابل تخلیه مورد اجاره حق کسب یا پیشه یا تجارت مستاجر را بپردازد والا مستاجر می‌تواند برای تنظیم سند انتقال به دادگاه مراجعه کند، در این صورت دادگاه حکم به تجویز انتقال

منافع مورد اجاره به غیر و تنظیم سند انتقال در دفترخانه تنظیم کننده سند اجاره نامه سابق یا دفترخانه نزدیک ملک (اگر اجاره نامه رسمی در بین نباشد) صادر و رونوشت آن را به دفترخانه مربوط ارسال می نماید و مراتب را به موجر نیز اعلام خواهد نمود، مستاجر جدید از هر حیث نسبت به تمام شرایط اجاره قائم مقام مستاجر سابق خواهد بود. هرگاه ظرف ششماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی منافع مورد اجاره با سند رسمی به مستاجر جدید انتقال داده نشود حکم مزبور ملغی الاثر خواهد بود. تبصره ۱ - در صورتی که مستاجر بدون رعایت مقررات این ماده مورد اجاره را به دیگری واگذار نماید موجر حق درخواست تخلیه را خواهد داشت و حکم تخلیه علیه متصرف یا مستاجر اجرا خواهد شد. و در این مورد مستاجر یا متصرف حسب مورد استحقاق دریافت نصف حق کسب یا پیشه یا تجارت را خواهد داشت تبصره ۲ - حق کسب یا پیشه یا تجارت به مستاجر همان محل اختصاص دارد و انتقال آن به مستاجر جدید فقط با تنظیم سند رسمی معتبر خواهد بود.

فصل ششم تعمیرات

ماده ۲۰ - تعمیرات کلی و اساسی مورد اجاره که مربوط به اصل بنا یا تاسیسات عمده منصوبه در آن از قبیل دستگاههای حرارت مرکزی و تهویه و آسانسور باشد به عهده موجر است و تعمیرات جزئی و همچنین تزیین و تعمیری که مربوط به استفاده بهتر از مورد اجاره باشد یا مستاجر خواهد بود. ماده ۲۱ - رسیدگی به اختلاف بین موجر و مستاجر راجع به تعمیرات با دادگاه است در صورتی که موجر تعمیرات کلی مورد حکم دادگاه را در مهلتی که از طرف دادگاه تعیین می شود انجام ندهد مستاجر می تواند برای فسخ اجاره به دادگاه مراجعه کند یا از دادگاه درخواست کند به او اجازه داده شود تعمیرات مزبور را با نظارت دایره اجرا انجام داده مخارج آن را حداکثر تا معادل ششماه اجاره بهایه حساب موجر بگذارد. ماده ۲۲ - هرگاه مستاجر مانع مالک از انجام تعمیرات ضروری شود دادگاه مستاجر را به رفع ممانعت ملزم و مهلت مناسبی برای انجام تعمیرات تعیین می نماید. در صورت ادامه ممانعت دادگاه می تواند حکم به تخلیه موقت بنا برای مدت مذکور بدهد. در هر حال مستاجر مسوول خسارتی است که در نتیجه ممانعت از تعمیر بنا حاصل شده باشد. تبصره - رسیدگی به دعاوی مذکور در مادتين ۲۱ و ۲۲ خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات دادرسی صورت خواهد گرفت و حکم دادگاه قطعی است ماده ۲۳ - اقامه دعوی تخلیه از طرف موجر مانع رسیدگی به دعوی تعمیرات نیست هرگاه دادگاه حکم به تخلیه مورد اجاره صادر نموده باشد و حکم مزبور قطعی نباشد حکم الزام به تعمیر در صورت فسخ حکم تخلیه به ترتیب مقرر در ماده ۲۱ قابل اجرا خواهد بود. ماده ۲۴ - در صورتی که مستاجر در مورد اجاره حق استفاده از انشعاب آب یا برق یا تلفن یا گاز یا تاسیسات حرارت مرکزی یا تهویه یا آسانسور و امثال آن داشته باشد موجر نمی تواند جز در مورد تعمیرات ضروری آن را قطع یا موجبات قطع آن را فراهم نماید مگر اینکه مستاجر بهای مصرف خود را طبق شرایط اجاره پرداخته باشد. در صورت تخلف دادگاه به درخواست مستاجر فوراً بدون رعایت تشریفات دادرسی موضوع را مورد رسیدگی قرار داده عندالاقضا ترتیب وصل آن را خواهد داد. دستور دادگاه بلافاصله قابل اجرا است موجر می تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ دستور دادگاه به آن اعتراض کند. اعتراض در همان دادگاه رسیدگی می شود و تصمیم دادگاه قطعی است تبصره ۱ - هرگاه علت قطع جریان برق یا آب یا تلفن و غیربدهی موجر به سازمانهای مربوط بوده و اتصال مجدد مستلزم پرداخت بدهی مزبور باشد و مستاجر می تواند براساس قبوض سازمانهای مربوط وجوه مذکور را پردازد و از اولین اجاره بها کسر نماید. تبصره ۲ - تعمیرات تاسیسات و قسمتهای مشترک آپارتمانهای مشمول قانون تملک آپارتمانها تابع مقررات مربوط به خود خواهد بود. ماده ۲۵ - هرگاه مالک قصد فروش ملک خود را داشته یا بخواهد وضع ملک را از جهت امکان وجود خرابی یا کسر و نقصان در آن مشاهده نماید و متصرف ملک مانع از رویت خریدار یا مالک گردد، مالک یا نماینده قانونی او می تواند برای رفع ممانعت به دادستان یا دادرس دادگاه بخش مستقل محل وقوع ملک مراجعه کند. دادستان یا دادرس دادگاه حسب مورد به مامورین شهربانی یا ژاندارمری و یا مامورین اجرا

دستور می‌دهد تا خریدار و مالک به معیت مامورین ملک را رویت نمایند. تشخیص ضرورت امر در حدود متعارف با مقام صادرکننده دستور است ماده ۲۶- رسیدگی به کلیه دعاوی موضوع این قانون در دادگاه شهرستان و در نقاطی که دادگاه شهرستان نباشد در دادگاه بخش مستقل به عمل می‌آید. مگر دعاوی راجع به دولت که منحصرآ در دادگاه شهرستان رسیدگی می‌شود حکم دادگاه در هر صورت حضوری محسوب و فقط قابل پژوهش است مگر در مواردی که خلاف آن مقرر شده باشد رسیدگی به دعاوی مربوط به اتاقهای استیجاری کماکان در صلاحیت شورای داوری است تبصره - در موردی که میزان خواسته در تقاضای تعیین اجاره‌بهای ماهانه زاید بر چهار هزار ریال نباشد حکم دادگاه قطعی است ماده ۲۷- در مواردی که حکم تخلیه صادر می‌شود دادگاه ضمن صدور حکم مهلتی که از ده روز کمتر و از دو ماه بیشتر نباشد برای تخلیه تعیین می‌نماید. حکم تخلیه مدارسی که با اجازه رسمی مقامات صلاحیت‌دار تاسیس شده در تعطیلات تابستان اجرا خواهد شد. تبصره ۱- در مواردی که حکم تخلیه با پرداخت حق کسب یا پیشه یا تجارت صادر می‌شود مهلت‌های مذکور در این ماده از تاریخ تودیع یا پرداخت وجه مزبور شروع خواهد شد. تبصره ۲- در مواردی که حکم تخلیه به علت عدم پرداخت اجاره‌بها صادر می‌شود حداکثر مهلت ۱۵ روز خواهد بود. ماده ۲۸- در مواردی که حکم تخلیه عین مستاجر به با پرداخت حق کسب یا پیشه یا تجارت صادر و قطعی می‌شود موجر مکلف است ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی وجه معینه را در صندوق دادگستری تودیع یا ترتیب پرداخت آن را به مستاجر بدهد والا- حکم مزبور ملغی‌ال‌اثر خواهد بود مگر اینکه طرفین به مدت بیشتری توافق کرده باشند. در سایر موارد نیز هرگاه موجر ظرف یکسال از تاریخ ابلاغ حکم قطعی تقاضای صدور اجرائیه ننماید حکم صادر شده ملغی‌ال‌اثر است مگر اینکه بین موجر و مستاجر برای تاخیر تخلیه توافق شده باشد. تبصره - مدت‌های مذکور در ماده فوق نسبت به احکامی که در زمان اجرای قانون روابط مالک و مستاجر مصوب ۱۳۳۹ صادر و قطعی گردیده از تاریخ اجرای این قانون شروع می‌شود. ماده ۲۹- وزارت دادگستری از بین کارشناسان رسمی عده‌ای رابه منظور اجرای این قانون حداکثر برای دو سال انتخاب و به‌دادگاهها معرفی می‌نماید و تا زمانی که تجدید انتخاب به عمل نیامده دادگاهها از کارشناسان مزبور استفاده خواهند کرد. طرز تعیین و شرایط انتخاب و میزان حق‌الزحمه کارشناسان به‌موجب آیین‌نامه وزارت دادگستری است در نقاطی که وزارت دادگستری کارشناس معرفی ننماید طبق مقررات عمومی مربوط به کارشناسی عمل خواهد شد. ماده ۳۰- کلیه طرق مستقیم یا غیر مستقیم که طرفین به منظور جلوگیری از اجرای مقررات این قانون اتخاذ نمایند پس از اثبات در دادگاه بلااثر و باطل اعلام خواهد شد. ماده ۳۱- این قانون در نقاطی اجرا می‌شود که تاکنون قانون روابط مالک و مستاجر مصوب خرداد ۱۳۳۹ در آن نقاط به مرحله اجرا گذاشته شده یا وزارت دادگستری با جلب نظر وزارت مسکن و شهرسازی و لزوم اجرای آن را آگاهی نماید در سایر نقاط رابطه موجر و مستاجر براساس قوانین و مقررات عمومی خواهد بود. ماده ۳۲- از تاریخ اجرای این قانون قانون روابط مالک و مستاجر مصوب سال ۱۳۳۹ و سایر قوانین و مقرراتی که مغایر با این قانون است لغو می‌شود. قانون فوق مشتمل بر سی و دو ماده و هفده تبصره پس از تصویب مجلس سنا در جلسه فوق‌العاده روز چهارشنبه ۱۳۵۶/۴/۲۲، در جلسه فوق‌العاده روز یکشنبه دوم مرداد ماه ۱۳۵۶ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۹ قانون روابط موجر و مستاجر - ۵۶

در اجرای ماده ۲۹ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب سال ۱۳۵۶، آیین‌نامه زیر تصویب می‌شود: ماده ۱- کارشناسانی ممکن است به کارشناسی در امور مربوط به قانون روابط موجر و مستاجر انتخاب شوند که دارای شرایط زیر باشند: ۱- پروانه کارشناسی آنها مربوط به امور مذکور در قانون روابط موجر و مستاجر باشد. ۲- حداقل پنج سال از تاریخ صدور پروانه کارشناسی آنها گذشته باشد. ۳- سابقه محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا- نداشته به علاوه طی دو سال منتهی به زمان انتخاب هیچگونه محکومیت انتظامی نداشته باشند. ماده ۲- اداره فنی وزارت دادگستری هر دو سال یکبار در بهمن ماه اسامی کارشناسان واجد شرایط هر حوزه

را با توجه به ضوابط مذکور در ماده فوق تهیه می‌کند. ماده ۳ - کمیسیون مرکب از رئیس کل دادگاه استان مرکز و رئیس کل دادگاه شهرستان تهران و مدیر کل قضایی و مدیر کل دفتر تشکیلات و بودجه و رئیس اداره فنی وزارت دادگستری پس از بررسی گزارش اداره فنی اسامی کارشناسان لازم مربوط به هر حوزه را تعیین می‌کند و اداره فنی قبل از پایان سال صورت اسامی آنان را به دادگاهها اعلام می‌نماید. ماده ۴ - نام هر یک از کارشناسان منتخب که محکومیت انتظامی پیدا کند از صورت مزبور حذف می‌شود و این حذف نام هم بوسیله اداره فنی به دادگاههای حوزه قضایی مربوط اعلام می‌گردد. ماده ۵ - حق الزحمه کارشناسان در دعاوی موجر و مستاجر از طرف دادگاه با توجه به کمیت و کیفیت و شرایط کار و خواسته دعوی در حدود تعرفه زیر تعیین خواهد شد: الف - برای تعیین اجاره بها در موارد نامعلوم بودن میزان اجاره از سه هزار ریال تا یکصد و بیست هزار ریال ب - در مورد تعمیرات از پنجهزار ریال تا یکصد و پنجاه هزار ریال پ - در مورد تعیین حق کسب و پیشه یا تجارت از شش هزار ریال تا دویست هزار ریال

قانون روابط موجر و مستاجر - ۶۲

فصل اول - کلیات

ماده ۱ - اماکنی که برای سکنی با تراضی با موجر به عنوان اجاره یا صلح منافع و یا هر عنوان دیگری به منظور اجاره به تصرف متصرف داده شده یا بشود اعم از این که سند رسمی یا سند عادی تنظیم شده یا نشده باشد مشمول مقررات این قانون است ماده ۲ - موارد زیر مشمول این قانون نمی‌باشد: الف - تصرف ناشی از معاملات با حق استرداد یا معاملات رهنی ب - خانه‌های سازمانی و سایر محل‌های مسکونی که از طرف وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت یا اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی به مناسبت شغل در اختیار و استفاده کارکنان آنها قرار می‌گیرد. این موارد تابع قوانین خاص خود یا طبق قرارداد فیما بین است ج - محل کار پزشکان که تابع قرارداد فیما بین بوده و در صورت نبودن قرارداد تابع قانون مدنی است تبصره ۱ - وصول هر نوع وجهی تحت عنوان سرقفلی در مطب‌های استیجاری و واگذاری محل مطب به غیر در صورتی که در متن قرارداد بین موجر و مستاجر ذکر نشده باشد ممنوع است تبصره ۲ - استفاده از محل‌های مسکونی در محل‌هایی که در قرارداد موجر و مستاجر عنوان استفاده از مطب قید نگردیده بدون رضایت مالک ممنوع است

فصل دوم - اجاره بها

ماده ۳ - اجاره‌بهای هر محل همان است که در اجاره‌نامه قید شده و اگر اجاره‌نامه‌ای نباشد به مقداری است که بین طرفین مقرر یا عملی شده است و در صورتی که مقدار آن احراز نشود، دادگاه طبق موازین قضایی نسبت به تعیین مقدار مال الاجاره اقدام خواهد کرد. تبصره - در موارد بطلان اجاره و استیفای مستاجر از مورد اجاره موجر مستحق دریافت اجرت‌المثل می‌باشد. ماده ۴ - مستاجر باید در موعد تعیین شده اجاره بها را بپردازد و در صورت امتناع از پرداخت تمام اجاره بها به موجر یا نماینده قانونی او تا ده روز بعد از آخر هر ماه یا هر موعد تعیین شده دیگر موجر می‌تواند با رعایت این قانون در صورتی که اجاره‌نامه رسمی داشته باشد به دفترخانه تنظیم کننده سند مراجعه نماید. دفترخانه موظف است در تاریخ وصول تقاضا، اخطاریه‌ای به مستاجر ارسال و از تاریخ ابلاغ اگر تا ده روز بدهی خود را نپردازد یا رضایت موجر را فراهم نسازد مدارک را برای صدور اجرائیه جهت وصول اجور معوقه به ثبت محل ارسال نماید. در صورتی که مستاجر دلیل موجهی بر عدم پرداخت به دادگاه صالح ارائه کند دادگاه عملیات اجرائی را متوقف و اجرائیه را ابطال می‌نماید و در صورت اثبات استنکاف مستاجر از پرداخت اجاره بها موجر می‌تواند تقاضای وصول اجاره بها را معوقه بنماید.

فصل سوم - در اجاره‌نامه

ماده ۵- دفاتر اسناد رسمی مکلفند علاوه بر نکاتی که به موجب قوانین و مقررات باید رعایت شود نکات زیر را در اجاره‌نامه تصریح کنند: ۱- اقامتگاه موجر به طور کامل و مشخص ۲- نشانی کامل مورد اجاره و قید این که از لحاظ رابطه اجاره این محل اقامتگاه قانونی مستاجر می‌باشد مگر این که طرفین به ترتیب دیگری تراضی نموده باشند. ۳- عین مستاجر در تصرف کدام یک از طرفین می‌باشد و در صورتی که در تصرف مستاجر نباشد تحویل آن در چه مدت و یا با چه شرایط صورت خواهد گرفت ۴- تعیین اجاره‌بها و نحوه پرداخت و مهلت نهائی پرداخت هر قسط ۵- تصریح به آن که مستاجر حق انتقال به غیر را کلا یا جزئا یا به نحو اشاعه دارد یا ندارد. ۶- تعهد مستاجر به تخلیه و تحویل مورد اجاره به موجر پس از انقضا مدت اجاره یا تجدید اجاره با تراضی ۷- حق فسخ موجر در صورت تخلف مستاجر از پرداخت اجاره بها در موعد مقرر یا سایر شروط اجاره‌نامه تبصره - موجر و مستاجر می‌توانند برای یکی از طرفین عقد اجاره یا هر دو حق فسخ شرط کنند.

فصل چهارم - موارد فسخ

ماده ۶- در موارد زیر مستاجر می‌تواند اجاره را فسخ نماید: ۱- در صورتی که عین مستاجر با اوصافی که در اجاره‌نامه قید شده منطبق نباشد. (با رعایت ماده ۴۱۵ قانونی مدنی ۲- در مواردی که مطابق شرایط اجاره حق فسخ مستاجر تحقق یابد. ۳- هرگاه مورد اجاره کلا- یا جزئا در معرض خرابی واقع شود به نحوی که موجب نقص انتفاع گردد و قابل تعمیر نباشد. ماده ۷- هرگاه مستاجر به علت انقضا مدت اجاره یا در موارد فسخ اجاره مورد اجاره را تخلیه کند و موجر از تحویل گرفتن آن امتناع کند مستاجر می‌تواند به دادگاه محل وقوع ملک مراجعه و تخلیه کامل مورد اجاره را تامین دلیل نماید و کلید آن را به دفتر دادگاه تسلیم کند. از این تاریخ موجر حق مطالبه اجاره‌بها را نسبت به آینده ندارد و دفتر دادگاه ظرف ۲۴ ساعت به موجر یا نماینده قانونی او اخطار می‌کند که برای تحویل گرفتن مورد اجاره و دریافت کلید حاضر شود. ماده ۸- موجر می‌تواند در موارد زیر اجاره را فسخ و حکم تخلیه را از دادگاه درخواست کند: الف- در موردی که مستاجر با سلب حق انتقال به غیر مورد اجاره را کلا- یا جزئا به هر صورتی که باشد به غیر واگذار نموده و یا عملا از طریق وکالت و یا نمایندگی و غیره در اختیار و استفاده دیگری جز اشخاص تحت الفکاله قانونی خود قرار داده باشد. ب- در صورتی که در اجاره‌نامه حق فسخ اجاره هنگام انتقال قطعی شرط شده باشد. ج- در صورتی که از مورد اجاره برخلاف منظور و جهتی که در قرارداد اجاره قید شده استفاده گردد. د- در صورتی که مستاجر با تعهد به پرداخت اجاره‌بها در مهلت مقرر از آن شرط تخلف نماید. تبصره ۱- در صورتی که عین مستاجر برای مقصودی غیر از کسب یا پیشه و یا تجارت به اجاره داده شود از هر حیث تابع مقررات مربوط به اجاره محل سکونی است تبصره ۲- اگر مستاجر مورد اجاره را مرکز فساد قرار داده باشد به محض ثبوت آن در دادگاه به درخواست موجر مورد اجاره را تخلیه و در اختیار موجر قرار می‌دهد. ماده ۹- در مواردی که دادگاه تخلیه ملک مورد اجاره را به لحاظ کمبود مسکن موجب عسر و حرج مستاجر بداند و معارض با عسر و حرج موجر نباشد، می‌تواند مهلتی برای مستاجر قرار بدهد. تبصره ۱- در مواردی که دادگاه صدور حکم تخلیه اماکن آموزشی و دولتی و مورد اجاره مهاجرین جنگی و رزمندگان را به علت کمبود جای مناسب عسر و حرج تشخیص دهد دادگاه موظف است تا رفع عسر و حرج به مدت پنج سال از تاریخ ۲۸/۶/۱۳۶۴ از صدور حکم خودداری کند و مستاجرین اماکن آموزشی و دولتی مکلفند ظرف این مدت جهت رفع کمبود اماکن تدابیر لازم اتخاذ نمایند. این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجرا است تبصره ۲- شورای عالی قضائی مکلف است در اولین فرصت دادگاه‌های ویژه‌ای را تشکیل داده و کلیه احکام تخلیه که از طرف دادگاه‌ها یا اداره ثبت صادر گردیده و هنوز اجرا نشده است مورد تجدیدنظر قرار دهند چنانچه تخلیه منزل مستلزم عسر و حرج برای مستاجر باشد آن حکم را متوقف سازد.

تبصره ۳- در مواردی که دادگاه صدور حکم تخلیه اماکن مورد استفاده مهاجرین جنگی را به علت کمبود جای مناسب عسر و حرج تشخیص دهد موظف است تا رفع عسر و حرج حداکثر به مدت ۲ سال از تاریخ ۳/۷/۱۳۷۱ از صدور حکم تخلیه خودداری کند. این حکم مخصوص به صورتی است که عسر و حرج مذکور مزاحم با عسر و حرج مالک نباشد. تبصره ۴- در شهرها و بخش‌ها و روستاهایی که ساکنان آن به واسطه جنگ تحمیلی مهاجرت کرده‌اند و در حال حاضر در اماکن دولتی و شخصی ساکن هستند به محض این که اماکن جدید و یا قدیم آنها در محل قبلی سکونت آنان آماده شود لازم است با اعلام نظر ستاد بازسازی مهاجرین جنگ تحمیلی اماکن دولتی و شخصی را تخلیه نمایند.

فصل پنجم - تعمیرات

ماده ۱۰- تعمیرات کلی و اساسی مورد اجاره که مربوط به اصل بنا یا تاسیسات عمده منصوبه در آن از قبیل دستگاه‌های حرارت مرکزی و تهویه و آسانسور باشد، به عهده موجر است و تعمیرات جزئی و همچنین تزیین و تعمیری که مربوط به استفاده بهتر از مورد اجاره باشد با مستاجر خواهد بود. مگر آن که در قرارداد به صورت دیگری شرط شده باشد. ماده ۱۱- رسیدگی به اختلاف بین موجر و مستاجر راجع به تعمیرات با دادگاه است در صورتی که موجر تعمیرات مورد حکم دادگاه را در مهلتی که از طرف دادگاه تعیین می‌شود انجام ندهد، مستاجر می‌تواند حق فسخ خود را اعمال کند یا دادگاه به مستاجرا اجازه دهد که تعمیرات مزبور را به قدر متعارف با نظارت دایره اجرا انجام بدهد. ماده ۱۲- هرگاه مستاجر مالک را از انجام تعمیرات ضروری مانع شود دادگاه مستاجر را به رفع ممانعت ملزم و مهلت مناسب برای انجام تعمیرات تعیین می‌نماید. تبصره - رسیدگی به دعوی مذکور در مواد ۱۱ و ۱۲ خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات دادرسی صورت خواهد گرفت و حکم دادگاه قطعی است ماده ۱۳- اقامه دعوی تخلیه از طرف موجر مانع قبول و رسیدگی به دعوی تعمیرات نیست و در صورتی که دادگاه مورد را از موارد تخلیه نداند و آن را رد کند به دعوی تعمیرات رسیدگی و حکم خواهد داد. ماده ۱۴- نظر به مشکلات مسکن در شهرها و ضرورت تثبیت اجاره‌بها برای مدت پنج سال به وزارت مسکن و شهرسازی اجازه داده می‌شود ۲ ماه پس از تصویب این قانون بر اساس آئین‌نامه‌ای که توسط وزارتین دادگستری و مسکن و شهرسازی تهیه و به تصویب هیات دولت برسد اجاره‌بهای واحدهای مسکونی را با توجه به سطح زیربنا و کیفیت ساختمان و نوع بنا و مقتضیات محلی و منطقه‌ای تعیین و اعلام نمایند. تبصره ۱- شهرهای بزرگ مذکور در این ماده عبارتند از کلیه مراکز استان‌ها به انضمام قزوین کرج اردبیل دزفول آبادان نیشابور، بابل گرگان قم تبصره ۲- چنانچه موجر بیش از قیمت اعلام شده از مستاجر وجهی اضافی دریافت دارد به درخواست مستاجر و به حکم دادگاه به پرداخت مبلغ اضافی به نفع مستاجر محکوم می‌گردد. تبصره ۳- اگر مالک از اجاره دادن مستغل معد اجاره بدون عذر موجه امتناع نماید بنا به ضرورت تا مدت پنج سال به حاکم شرع هر محل اجازه داده می‌شود به قائم مقامی مالک نسبت به اجاره دادن محل‌های مسکونی خالی اقدام و اجاره‌بهای دریافتی رابه حساب مالک واریز نمایند. ماده ۱۵- از تاریخ تصویب این قانون اجاره محل‌هایی که برای سکونت واگذار می‌شود، تابع مقررات قانون مدنی و این قانون و شرایط مقرر بین طرفین می‌باشد. قانون فوق مشتمل بر پانزده ماده و ۹ تبصره در جلسه روز سه‌شنبه سیزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و شصت و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۸/۲/۱۳۶۲ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون الحاق یک ماده به قانون روابط موجر و مستاجر ۶۲

ماده واحده - بند زیر به عنوان بند ج با دو تبصره به ماده ۲ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب سال ۱۳۶۲ اضافه می‌گردد: ج -

محل کار پزشکان که تابع قرارداد فیما بین بوده و در صورت نبودن قرارداد تابع قانون مدنی است. تبصره ۱ - وصول هر نوع وجهی تحت عنوان سرقفلی در مطب های استیجاری و واگذاری محل مطب به غیر در صورتی که در متن قرارداد بین موجر و مستاجر ذکر نشده باشد ممنوع است. تبصره ۲ - استفاده از محلهای مسکونی در محلهایی که در قرارداد موجر و مستاجر عنوان استفاده از مطب قید نگردیده بدون رضایت مالک ممنوع است. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده (شامل الحاق یک بند و دو تبصره) در جلسه روز یکشنبه بیست و چهارم بهمن ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۷/۱۱/۱۳۷۲ به تایید شورای نگهبان رسیده است. رئیس مجلس شورای اسلامی - علی اکبر ناطق نوری

قانون روابط موجر و مستاجر - ۷۶

فصل اول - روابط موجر و مستاجر

ماده ۱ - از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون اجاره کلیه اماکن اعم از مسکونی تجاری محل کسب و پیشه اماکن آموزشی خوابگاههای دانشجویی و ساختمان های دولتی و نظایر آن که با قرارداد رسمی یا عادی منعقد می شود تابع مقررات قانون مدنی و مقررات مندرج در این قانون و شرایط مقرر بین موجر و مستاجر خواهد بود. ماده ۲ - قراردادهای عادی اجاره باید با قید مدت اجاره در دونسخه تنظیم شود و به امضای موجر و مستاجر برسد و به وسیله دونفر افراد مورد اعتماد طرفین به عنوان شهود گواهی گردد. ماده ۳ - پس از انقضای مدت اجاره بنا به تقاضای موجر یا قائم مقام قانونی وی تخلیه عین مستاجر در اجاره با سند رسمی توسط دوایر اجرای ثبت ظرف یک هفته و در اجاره با سند عادی ظرف یک هفته پس از تقدیم دادخواست تخلیه به دستور مقام قضایی در مرجع قضایی توسط ضابطین قوه قضاییه انجام خواهد گرفت ماده ۴ - در صورتی که موجر مبلغی به عنوان ودیعه یا تضمین یا قرض الحسنه و یا سند تعهد آور مشابه آن از مستاجر دریافت کرده باشد تخلیه و تحویل مورد اجاره به موجر موکول به استرداد سند یا وجه مذکور به مستاجر و یا سپردن آن به دایره اجراست چنانچه موجر مدعی ورود خسارت به عین مستاجر از ناحیه مستاجر و یا عدم پرداخت مال الاجاره یا بدهی بابت قبوض تلفن آب برق و گاز مصرفی بوده و متقاضی جبران خسارات وارده و یا پرداخت بدهی های فوق از محل وجوه یادشده باشد موظف است همزمان با تودیع وجه یا سند، گواهی دفتر شعبه دادگاه صالح را مبنی بر تسلیم دادخواست مطالبه ضرر و زیان به میزان مورد ادعا به دایره اجرا تحویل نماید. در این صورت دایره اجرا از تسلیم وجه یا سند به مستاجر به همان میزان خودداری و پس از صدور رای دادگاه و کسر مطالبات موجر اقدام به رد آن به مستاجر خواهد کرد. ماده ۵ - چنانچه مستاجر در مورد مفاد قرارداد ارایه شده از سوی موجر مدعی هر گونه حقی باشد ضمن اجرای دستور تخلیه شکایت خود را به دادگاه صالح تقدیم و پس از اثبات حق مورد ادعا و نیز جبران خسارات وارده حکم مقتضی صادر می شود.

فصل دوم - سرقفلی

ماده ۶ - هرگاه مالک ملک تجاری خود را به اجاره واگذار نماید می تواند مبلغی را تحت عنوان سرقفلی از مستاجر دریافت نماید. همچنین مستاجر می تواند در اثنا مدت اجاره برای واگذاری حق خود مبلغی را از موجر یا مستاجر دیگر به عنوان سرقفلی دریافت کند، مگر آن که در ضمن عقد اجاره حق انتقال به غیر از وی سلب شده باشد. تبصره ۱ - چنانچه مالک سرقفلی نگرفته باشد و مستاجر با دریافت سرقفلی ملک را به دیگری واگذار نماید پس از پایان مدت اجاره مستاجر اخیر حق مطالبه سرقفلی از مالک را ندارد. تبصره ۲ - در صورتی که موجر به طریق صحیح شرعی سرقفلی را به مستاجر منتقل نماید، هنگام تخلیه مستاجر حق مطالبه سرقفلی به قیمت عادلانه روز را دارد. ماده ۷ - هرگاه ضمن عقد اجاره شرط شود، تا زمانی که عین مستاجر در تصرف مستاجر باشد

مالک حق افزایش اجاره‌بها و تخلیه عین مستاجر را نداشته باشد و متعهد شود که هر ساله عین مستاجر را به همان مبلغ به او واگذار نماید در این صورت مستاجری تواند از موجر و یا مستاجر دیگر مبلغی به عنوان سرقفلی برای اسقاط حقوق خود دریافت نماید. ماده ۸- هرگاه ضمن عقد اجاره شرط شود که مالک عین مستاجر را به غیر مستاجر اجاره ندهد و هر ساله آن را به اجاره‌متعارف به مستاجر متصرف واگذار نماید، مستاجر می‌تواند برای اسقاط حق خود و یا تخلیه محل مبلغی را به عنوان سرقفلی مطالبه و دریافت نماید. ماده ۹- چنانچه مدت اجاره به پایان برسد یا مستاجر سرقفلی به مالک پرداخته باشد و یا این که مستاجر کلیه حقوق ضمن عقد را استیفاء کرده باشد هنگام تخلیه عین مستاجر حق دریافت سرقفلی را نخواهد داشت ماده ۱۰- در مواردی که طبق این قانون دریافت سرقفلی مجاز می‌باشد هرگاه بین طرفین نسبت به میزان آن توافق حاصل نشود بانظر دادگاه تعیین خواهد شد. تبصره - مطالبه هرگونه وجهی خارج از مقررات فوق در روابط استیجاری ممنوع می‌باشد. ماده ۱۱- اماکنی که قبل از تصویب این قانون به اجاره داده شده از شمول این قانون مستثنی و حسب مورد مشمول مقررات حاکم بر آن خواهند بود. ماده ۱۲- آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف مدت سه ماه توسط وزارتخانه‌های دادگستری و مسکن و شهرسازی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۳- کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو می‌شود. قانون فوق مشتمل بر دو فصل و سیزده ماده و سه تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و ششم مرداد ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۹/۵/۱۳۷۶ به تایید شورای نگهبان رسیده است

آیین‌نامه اجرایی قانون روابط موجر و مستاجر ۷۶

ماده ۱- منظور از واژه قانون «در این آیین‌نامه قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۲۶/۵/۱۳۷۶» می‌باشد. ماده ۲- موارد زیر مشمول مقررات قانون نمی‌باشد: ۱- روابط استیجاری قبل از اجرای قانون ۲- روابط ناشی از انتقال حقوق قانونی مستاجر سابق به مستاجر جدید با اجازه موجر در صورتی که قرارداد اجاره قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون باشد. ۳- روابط ناشی از صلح منافع یا هر عنوان دیگر و نیز تصرفات بر حسب تراضی شفاهی با موجر به عنوان اجاره ۴- موارد تخلیه اماکن استیجاری قبل از انقضای مدت مندرج در قرارداد. ۵- در صورتی که سند عادی اجاره بر طبق ضوابط مقرر در ماده (۲) قانون تنظیم نشده باشد. تبصره - رابطه استیجاری در اماکنی که ابتدائاً از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون به اجاره واگذار شده یا می‌شود یا پس از تاریخ یاد شده توسط طرفهای قرارداد اجاره تمدید می‌گردد، مشمول مقررات قانون مورد اشاره خواهد بود. ماده ۳- رسیدگی به درخواست تخلیه در مورد سند عادی موضوع ماده (۲) قانون بدون تقدیم دادخواست و با ابطال تمبر مربوط به دعاوی غیرمالی و بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی به عمل خواهد آمد. ماده ۴- رییس حوزه قضایی یا دادگاه مرجوع الیه با احراز مالکیت با ذی‌نفع بودن موجر حسب مورد مبادرت به صدور دستور تخلیه خواهد نمود. ماده ۵- ابلاغ اوراق قضایی و یا اوراق اجراییه به مستاجر در محل عین مستاجر و به موجر در محل مندرج در قرارداد صورت می‌گیرد؛ مگر اینکه طرفین ترتیب دیگری را مقرر نموده باشند. ماده ۶- اجرای دستور تخلیه صادره توسط مقام قضایی نیاز به صدور اجراییه ندارد و توسط مامور، ابلاغ و اجرا می‌گردد. مامور مکلف است آن را ظرف (۲۴) ساعت به شخص مستاجر ابلاغ و در نسخه ثانی رسید دریافت کند و در صورت امتناع مستاجر از دادن رسید، مراتب را در ابلاغ‌نامه قید و ظرف (۳) روز نسبت به اجرای مفاد دستور اقدام نماید. ماده ۷- چنانچه مستاجر در محل حضور نداشته باشد، مفاد دستور تخلیه به یکی از بستگان یا خادمان وی که سن ظاهری او برای تمیز اهمیت موضوع کافی باشد، ابلاغ می‌شود. ماده ۸- هرگاه اشخاص مذکور در ماده قبل در محل حضور نداشته باشند یا از دادن رسید امتناع ورزند، مامور مراتب را در اعلامیه‌ای قید و به محل الصاق می‌نماید. تبصره - در اعلامیه مراتب مراجعه مامور و استنکاف اشخاص و یا عدم حضور آنان و نیز مفاد دستور مقام قضایی درج شده و همچنین این مطلب قید خواهد شد که چنانچه ظرف (۳) روز مستاجر اقدام به تخلیه محل و

تحويل آن به موجر یا نماینده قانونی وی و یا دفتر دادگاه ننماید، امر تخلیه در روز و ساعت معین توسط مامور اجرا انجام می‌پذیرد.

ماده ۹- در مورد اسناد رسمی اجاره درخواست صدور اجرائیه جهت تخلیه مورد اجاره از دفترخانه تنظیم‌کننده سند به عمل خواهد آمد.

ماده ۱۰- درخواست نامه برای اسناد عادی اجاره در فرم مخصوص تنظیم می‌شود و شامل نکات زیر خواهد بود: الف- نام و نام خانوادگی و نام پدر و محل اقامت موجر یا نماینده قانونی و یا قایم مقام وی ب- نام و نام خانوادگی و محل اقامت مستاجر یا قایم مقام قانونی وی پ- مشخصات عین مستاجر ت- مشخصات و تاریخ سند اجاره تبصره ۱- تصویر مصدق قرارداد باید پیوست درخواست نامه یادشده باشد. تبصره ۲- در صورت فوت موجر یا مستاجر، وراث آنها و در صورت انتقال عین از ید موجر و یا منافع از ید مستاجر، ایادی منتقل البیهم و در صورت حجر موجر یا مستاجر، نماینده قانونی آنها، قایم مقام قانونی آنان می‌باشند. ماده ۱۱- سر دفتر پس از احراز هویت و صلاحیت درخواست‌کننده اوراق اجرائیه را ظرف (۲۴) ساعت در (۳) نسخه با قید تخلیه محل عین مستاجر موضوع سند تهیه و به مهر ویژه اجرا منقوش و جهت اقدام به دایره اجرای اسناد رسمی ثبت محل ارسال می‌نماید. ماده ۱۲- اجرای ثبت موظف است با وصول اوراق اجرائیه از دفترخانه ظرف حداکثر (۲۴) ساعت نسبت به تشکیل پرونده و صدور دستور ابلاغ و تخلیه به مامور اقدام نموده و مامور مکلف است ظرف (۴۸) ساعت اوراق اجرائیه را ابلاغ و طبق قسمت اخیر ماده (۶) و مواد (۷) و (۸) این آیین نامه عمل نماید. ماده ۱۳- چنانچه در زمان اجرای دستور تخلیه مراجع قضایی و دوائر اجرای ثبت به علت وقوع حوادث غیرمترقبه مستاجر قادر به تخلیه مورد اجاره نباشد و استمهال نماید، مراتب درخواست وی توسط مامور اجرا به مقام قضایی دستوردهنده گزارش می‌شود. مقام قضایی صالح مربوط می‌تواند با استمهال مستاجر برای یک نوبت به مدت حداکثر یک ماه موافقت کند. ماده ۱۴- دفاتر اسناد رسمی علاوه بر رعایت شرایط عمومی تنظیم اسناد اجاره مکلفند در سند اجاره اماکن با کاربری تجاری و اماکنی که با رعایت قوانین و مقررات مربوط به منظور استفاده تجاری واگذار می‌شوند، تصریح کنند که عقد اجاره با سرقفلی یا بدون سرقفلی واقع شده است و در قراردادهای عادی اجاره نیز، طرفین مکلفند سند اجاره را با قید همین مطلب تنظیم نمایند. ماده ۱۵- اجرای مقررات ماده (۷) قانون ناظر به مواردی است که در عقد اجاره شرط شده باشد که موجر هر ساله مکلف به تمدید مدت اجاره بدون افزایش اجاره بها می‌باشد. ماده ۱۵- مستاجر اماکن تجاری در مدت اجاره چنانچه حق انتقال به غیر از او سلب نشده باشد، می‌تواند با اخذ مبلغی به عنوان سرقفلی مورد اجاره را برای همان شغل و در صورتی که منع قانونی وجود نداشته باشد و با قرارداد اجاره منافات نداشته باشد، برای مشاغل دیگر با رعایت سایر شرایط مندرج در اجاره نامه به دیگری منتقل نماید.

ماده ۱۶- در غیر از موارد مذکور در ماده (۴) قانون چنانچه مستاجر مدعی حقی باشد می‌تواند طبق مقررات از دادگاه عمومی محل وقوع ملک درخواست احقاق حق کند، این امر مانع اجرای دستور تخلیه نمی‌باشد، فقط دادگاه پس از ثبوت ادعا، به تأمین حقوق مستاجر و جبران خسارت او حکم می‌نماید. در این خصوص مستاجر می‌تواند تأمین حقوق خود را از دادگاه درخواست نموده و دادگاه مکلف است نسبت به آن تصمیم مقتضی اتخاذ نماید. ماده ۱۷- در صورتی که دستور تخلیه مورد اجاره صادر شود و مستاجر نسبت به اصالت قرارداد مستند دستور، شکایتی داشته و یا مدعی تمدید قرارداد اجاره باشد، شکایت خود را به دادگاه عمومی محل وقوع ملک تقدیم می‌نماید. اعلام شکایت مانع اجرای دستور تخلیه می‌باشد، مگر اینکه دادگاه رسیدگی‌کننده شکایت مستاجر را مدلل بداند، در این صورت پس از اخذ تأمین متناسب با ضرر و زیان احتمالی موجر، قرار توقیف عملیات اجرایی تخلیه را صادر خواهد نمود. ماده ۱۸- چنانچه شکایت مستاجر مورد اشاره در ماده قبل به موجب حکم نهایی رد شود، موجر حق دارد خسارتی را که از توقیف اجرای دستور تخلیه به او وارد شده است بر طبق قوانین و مقررات مطالبه کند. ماده ۱۹- چنانچه موجر مبلغی به عنوان ودیعه یا تضمین یا قرض الحسنه و یا سند تعهد آور و مشابه آن از مستاجر دریافت کرده و در سند اجاره (عادی و یا رسمی درج شده باشد یا توسط خود موجر عنوان شود، در این صورت تخلیه و تحويل مورد اجاره به موجر موکول به استرداد سند یا وجه یاد شده به مستاجر و ارایه رسید آن به ضمیمه درخواست تخلیه به مرجع قضایی و یا ارایه آن به دایره اجرای ثبت و یا سپردن آن بر

حسب مورد به دایره اجرای دادگستری و یا دایره اجرای ثبت می‌باشد. تبصره - در صورتی که ودیعه یا تضمین یا قرض الحسنه و یا سند تعهد آور و مشابه آن در سند اجاره (عادی و یا رسمی ذکر نشده باشد و توسط موجر نیز هنگام درخواست و تقاضای تخلیه مطرح نشود و مستاجر از این جهت مدعی حقی شود، می‌تواند طبق ماده ۵) قانون اقدام به احقاق حق خود نماید. معاون اول رییس جمهور - حسن حبیبی

قانون تملک آپارتمانها

مصوب ۱۶/۱۲/۱۳۴۳ با اصلاحات و الحاقات ماده ۱ - مالکیت در آپارتمان‌های مختلف و محلهای پیشه و سکنای یک ساختمان شامل دو قسمت است مالکیت قسمتهای اختصاصی و مالکیت قسمتهای مشترک ماده ۲ - قسمتهای مشترک مذکور در این قانون عبارت از قسمتهایی از ساختمان است که حق استفاده از آن منحصر به یک یا چند آپارتمان یا محل پیشه مخصوص نبوده و به کلیه مالکین به نسبت قسمت اختصاصی آنها تعلق می‌گیرد بطور کلی قسمتهای که برای استفاده اختصاصی تشخیص داده نشده است یا در اسناد مالکیت ملک اختصاصی یک یا چند نفر از مالکین تلقی نشده از قسمتهای مشترک محسوب می‌شود مگر آنکه تعلق آن به قسمت معینی بر طبق عرف و عادت محل مورد تردید نباشد. ماده ۳ - حقوق هر مالک در قسمت اختصاصی و حصه او در قسمت‌های مشترک غیر قابل تفکیک بوده و در صورت انتقال قسمت مشترک قهری خواهد بود. ماده ۴ - حقوق و تعهدات و همچنین سهم هر یک از مالکان قسمت‌های اختصاصی از مخارج قسمت‌های مشترک متناسب است با نسبت مساحت قسمت اختصاصی به مجموع مساحت قسمت‌های اختصاصی تمام ساختمان به جز هزینه‌هایی که به دلیل عدم ارتباط با مساحت زیربنا به نحو مساوی تقسیم خواهد شد و یا اینکه مالکان ترتیب دیگری را برای تقسیم حقوق تعهدات و مخارج پیش‌بینی کرده باشند. پرداخت هزینه‌های مشترک اعم از اینکه ملک مورد استفاده قرار گیرد یا نگیرد الزامی است تبصره ۱ - مدیران مجموعه با رعایت مفاد این قانون میزان سهم هر یک از مالکان یا استفاده‌کنندگان را تعیین می‌کند. تبصره ۲ - در صورت موافقت مالکانی که دارای اکثریت مساحت زیربنای اختصاصی ساختمان می‌باشند هزینه‌های مشترک براساس نرخ معینی که به تصویب مجمع عمومی ساختمان می‌رسد، حسب زیربنای اختصاصی هر واحد، محاسبه می‌شود. تبصره ۳ - چنانچه چگونگی استقرار حیاط ساختمان یا بالکن یا تراس مجموعه به گونه‌ای باشد که تنها از یک یا چند واحد مسکونی امکان دسترسی به آن باشد، هزینه حفظ و نگهداری آن قسمت به عهده استفاده‌کننده یا استفاده‌کنندگان است ماده ۵ - انواع شرکتهای موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت که به قصد ساختمان خانه و آپارتمان و محل کسب به منظور سکونت یا پیشه یا اجاره یا فروش تشکیل می‌شود از انجام سایر معاملات بازرگانی غیر مربوط به کارهای ساختمانی ممنوعند. ماده ۶ - چنانچه قراردادی بین مالکین یک ساختمان وجود نداشته باشد کلیه تصمیمات مربوط به اداره امور مربوط به قسمت‌های مشترک به اکثریت آرا مالکینی است که بیش از نصف مساحت تمام قسمت‌های اختصاصی را مالک باشند. تبصره - نشانی مالکین برای ارسال کلیه دعوتنامه‌ها و اعلام تصمیمات مذکور در این قانون همان محل اختصاصی آنها در ساختمان است مگر اینکه مالک نشانی دیگری را در همان شهر برای این امر تعیین کرده باشد. ماده ۷ - هرگاه یک آپارتمان یا یک محل کسب دارای مالکین متعدد باشد مالکین یا قائم مقام قانونی آنها مکلفند یک نفر نماینده از طرف خود برای اجرای مقررات این قانون و پرداخت حصة مخارج مشترک تعیین و معرفی نمایند در صورتی که اشخاص مزبور به تکلیف فوق عمل نکنند رای اکثریت بقیه مالکین نسبت به تمام معتبر خواهد بود مگر اینکه عده حاضر کمتر از ثلث مالکین باشد که در این صورت برای یکدفعه تجدید دعوت خواهد شد. ماده ۸ - در هر ساختمان مشمول مقررات این قانون در صورتی که عده مالکین بیش از سه نفر باشد مجمع عمومی مالکین مکلفند مدیر یا مدیرانی از بین خود یا از خارج انتخاب نمایند طرز انتخاب مدیر از طرف مالکین و وظایف و تعهدات مدیر و امور مربوط به مدت مدیریت و سایر موضوعات مربوطه در آیین‌نامه این قانون تعیین خواهد شد. ماده ۹ - هر یک از مالکین می‌تواند با رعایت مقررات این قانون و سایر

مقررات ساختمانی عملیاتی را که برای استفاده بهتری از قسمت اختصاصی خود مفید می‌داند انجام دهد هیچیک از مالکین حق ندارند بدون موافقت اکثریت سایر مالکین تغییراتی در محل یا شکل در یا سردر یا نمای خارجی در قسمت اختصاصی خود که در مرئی و منظر باشد بدهند. ماده ۱۰ - هر کس آپارتمانی را خریداری می‌نماید به نسبت مساحت قسمت اختصاصی خریداری خود در زمینی که ساختمان روی آن بنا شده یا اختصاص به ساختمان دارد مشاعاً سهم می‌گردد مگر آنکه مالکیت زمین مزبور به علت وقف یا خالصه بودن یا علل دیگر متعلق به غیر باشد که در این صورت باید اجور آن را به همان نسبت بپردازد مخارج مربوط به محافظت ملک و جلوگیری از انهدام و اداره و استفاده از اموال و قسمتهای مشترک و به طور کلی مخارجی که جنبه مشترک دارد، و یا به علت طبع ساختمان یا تاسیسات آن اقتضا دارد یکجا انجام شود نیز باید به تناسب حصه هر مالک به ترتیبی که در آیین‌نامه ذکر خواهد شد پرداخت شود هر چند آن مالک از استفاده از آنچه که مخارج برای آنست صرف نظر نماید. ماده ۱۰ مکرر - در صورت امتناع مالک یا استفاده کننده از پرداخت سهم خود از هزینه‌های مشترک از طرف مدیر یا هیات مدیران وسیله اظهارنامه با ذکر مبلغ بدهی و صورت ریز آن مطالبه می‌شود. هر مالک یا استفاده کننده ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه سهم بدهی خود را بپردازد مدیر یا هیات مدیران می‌توانند به تشخیص خود و با توجه به امکانات از دادن خدمات مشترک از قبیل شوفاژ، تهویه مطبوع آب گرم بر، گاز و غیره به او خودداری کنند و در صورتی که مالک و یا استفاده کننده همزمان اقدام به تصفیه حساب نماید اداره ثبت محل وقوع آپارتمان به تقاضای مدیر یا هیات مدیران برای وصول وجه مزبور بر طبق اظهارنامه ابلاغ شده اجرائیه صادر خواهد کرد. عملیات اجرایی وفق مقررات اجرای اسناد رسمی صورت خواهد گرفت و در هر حال مدیر یا هیات مدیران موظف می‌باشند که به محض وجوه مورد مطالبه یا ارائه دستور موقت دادگاه نسبت به برقراری مجدد خدمات مشترک فوراً اقدام نمایند. تبصره ۱ - در صورتی که عدم ارائه خدمات مشترک ممکن یا موثر نباشد، مدیر یا مدیران مجموعه می‌توانند به مراجعه قضائی شکایت کنند. دادگاهها موظف‌اند این گونه شکایات را خارج از نوبت رسیدگی و واحد بدهکار را از دریافت خدمات دولتی که به مجموع ارائه می‌شود محروم کنند و تا دو برابر مبلغ بدهی به نفع مجموعه جریمه نمایند. استفاده مجدد از خدمات موقوف به پرداخت هزینه‌های معوی واحد مربوط بنا به گواهی مدیر یا مدیران و یا به حکم دادگاه و نیز هزینه مربوط به استفاده مجدد خواهد بود. تبصره ۲ - رونوشت مدارک مثبت سمت مدیر یا هیات مدیران و صورت ریز سهم مالک یا استفاده کننده از هزینه‌های مشترک و رونوشت اظهارنامه ابلاغ شده به مالک یا استفاده کننده باید ضمیمه تقاضانامه صدور اجرائیه گردد. تبصره ۳ - نظر مدیر یا هیات مدیران ظرف ده روز پس از ابلاغ اظهارنامه به مالک در دادگاه نخستین محل وقوع آپارتمان قابل اعتراض است دادگاه خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی به موضوع رسیدگی و رای می‌دهد این رای قطعی است در مواردی که طبق ماده فوق تصمیم به قطع خدمات مشترک اتخاذ شده رسیدگی سریع به اعتراض ممکن نباشد، دادگاه به محض وصول اعتراض اگر دلائل را قوی تشخیص دهد دستور متوقف گذاردن تصمیم قطع خدمات مشترک را تا صدور رای خواهد داد. تبصره ۴ - (الحاقی مصوب ۴/۷/۱۳۵۸ شورای انقلاب در صورتی که مالک یا استفاده کننده مجدداً و مکرراً در دادگاه محکوم به پرداخت هزینه‌های مشترک گردد علاوه بر سایر پرداختی‌ها مکلف به پرداخت مبلغی معادل مبلغ محکوم بها به عنوان جریمه می‌باشد. ماده ۱۱ - دولت مکلف است ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون آیین‌نامه‌های اجرایی آن را تهیه و بعد از تصویب هیات وزیران به مورد اجرا بگذارد. دولت مأمور اجرای این قانون است ماده ۱۲ - دفاتر اسناد رسمی موظف می‌باشند در هنگام تنظیم هر نوع سند انتقال اجاره رهن صلح هبه و غیره گواهی مربوط به تسویه حساب هزینه‌های مشترک را که به تایید مدیر یا مدیران ساختمان رسیده باشد از مالک یا قائم مقام او مطالبه نمایند و یا با موافقت مدیر یا مدیران تعهد منتقل الیه را به پرداخت بدهی‌های معوق مالک نسبت به هزینه‌های موضوع این قانون در سند تنظیمی قید نمایند. ماده ۱۳ - در صورتی که به تشخیص سه نفر از کارشناسان رسمی دادگستری عمر مفید ساختمان به پایان رسیده و یا به هر دلیل دیگری ساختمان دچار فرسودگی کلی شده باشد و بیم خطر یا ضرر مالی و جانی برود و

اقلیت مالکان قسمت‌های اختصاصی در تجدید بنای آن موافق نباشند، آن دسته از مالکان که قصد بازسازی مجموعه را دارند، می‌توانند براساس حکم دادگاه با تامین مسکن استیجاری مناسب برای مالک یا مالکان که از همکاری خودداری می‌ورزند نسبت به تجدید بنای مجموعه اقدام نمایند و پس از اتمام عملیات بازسازی و تعیین سهم هریک از مالکان از بنا و هزینه‌های انجام شده سهم مالک یا مالکان یاد شده را به اضافه اجوری که برای مسکن اجاری ایشان پرداخت شده است از اموال آن‌ها، از جمله همان واحد استیفا کنند. در صورت عدم توافق در انتخاب کارشناسان وزارت مسکن و شهرسازی با درخواست مدیر یا هیئت مدیره اقدام به انتخاب کارشناسان یاد شده خواهد کرد. تبصره ۱ - مدیر یا مدیران مجموعه به نمایندگی از طرف مالکان می‌توانند اقدامات موضوع این ماده را انجام دهند. تبصره ۲ - چنانچه مالک خودداری کننده از همکاری اقدام به تخلیه واحد متعلق به خود به منظور تجدید بنا نکند، حسب درخواست مدیر یا مدیران مجموعه رئیس دادگستری یا رئیس مجتمع قضائی محل با احراز تامین مسکن مناسب برای وی توسط سایر مالکان دستور تخلیه آپارتمان یاد شده را صادر خواهد کرد. ماده ۱۴ - مدیر یا مدیران مکلف‌اند تمام بنا را به عنوان یک واحد در مقابل آتش سوزی بیمه نمایند. سهم هریک از مالکان به تناسب سطح زیربنای اختصاصی آن‌ها وسیله مدیر یا مدیران تعیین و از شرکا اخذ و به بیمه گر پرداخت خواهد شد. در صورت عدم اقدام و بروز آتش سوزی مدیر یا مدیران مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند. ماده ۱۵ - ثبت اساسنامه موضوع این قانون الزامی نیست

قانون خرید و تملک اماکن آموزشی استیجاری

ماده ۱ - وزارت آموزش و پرورش و (نهضت سواد آموزی مجاز است با استفاده از تسهیلات اعتباری سیستم بانکی مطابق ماده ۲) این قانون املاک کلیه واحدهای آموزشی و پرورشی و اداری و استیجاری مورد نیاز خود را پس از توافق با مالکان آنها خریداری نماید. ماده ۲ - سیستم بانکی موظف است تسهیلات اعتباری لازم را برای پرداخت بهای املاکی که به موجب این قانون خریداری می‌شوند، طبق مصوبات شورای پول و اعتبار در هر سال تامین و املاک مذکور را براساس عقد اجاره بشرط تملیک به مدت حداکثر (۱۵) سال به وزارت آموزش و پرورش واگذار نماید. تبصره - دولت بازپرداخت دیون وزارت آموزش و پرورش را که ناشی از اجرای این قانون است تضمین می‌نماید. ماده ۳ - وزارت آموزش و پرورش موظف است مال الاجاره املاکی را که از طریق عقد قرارداد با سیستم بانکی در اختیار آن وزارت قرار گرفته‌اند از محل اعتبارات جاری یا از محل اعتبارات مندرج در قوانین بودجه جهت خرید مدارس تامین و به بانک ذیربط پرداخت نماید. ماده ۴ - وزارت مسکن و شهرسازی موظف است در صورت درخواست مالکین و با توافق آنها معوض عرصه املاک مذکور و یا معادل بهای آنها را در شهر محل وقوع ملک و یا در سایر شهرها به مالکین واگذار نماید. واگذاری زمین معوض از شرایط مندرج در قانون زمین شهری مستثنی و خارج از نوبت خواهد بود. ماده ۵ - آیین نامه اجرایی این قانون با همکاری وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و مسکن و شهرسازی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران حداکثر مدت دو ماه تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد. ماده ۶ - مهلت مقرر در قانون الحاق یک تبصره به عنوان تبصره یک به ماده ۹ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۲۸/۶/۱۳۶۴، نسبت به آن دسته از واحدهای آموزشی که مالکان آنها مطابق ماده ۱) این قانون با وزارت آموزش و پرورش توافق نمایند، پنج سال دیگر تمدید می‌گردد. قانون فوق مشتمل بر شش ماده و یک تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی و یکم شهریور ماه یک هزار و سیصد و هفتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱/۷/۱۳۷۰ به تایید شورای نگهبان رسیده است رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی

قانون ضرورت عدم تخلیه خوابگاههای دانشجویی

مصوب ۱۶/۷/۱۳۶۸ ماده واحده - به موجب این قانون تخلیه ساختمانهایی که در اختیار خوابگاههای دانشجویی قرار دارند، تا رفع

نیاز دانشگاهها و موسسات آموزش عالی (حداکثر به مدت پنج سال ممنوع است تبصره ۱ - انتقال دانشجو به دانشگاه محل سکونت یا همجوار) در صورت درخواست چه بلا-عوض چه با جانشین بلامانع است و وزارتخانه‌های مربوطه آیین‌نامه‌ای که تسهیل‌کننده این امر باشد ظرف دو ماه تهیه و تصویب نمایند. انتقال به تهران و دانشگاههای مادر منوط به وجود ظرفیت و جابجایی است تبصره ۲ - این قانون از زمان تصویب لازم‌الاجرا است قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ شانزدهم مهرماه یکهزار و سیصد و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۶/۷/۱۳۶۸ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون محل مطب پزشکان

مصوب ۲۰/۱۰/۱۳۶۶ ماده واحده - فعالیت شغلی پزشکان و صاحبان حرف و ایسته در ساختمانهای مسکونی و تجاری و ملکی و اجاری بلامانع است قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه بیستم دیماه یکهزار و سیصد و شصت و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۰/۱۰/۱۳۶۶ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون ممنوعیت تخلیه اماکن و واحدهای آموزشی و پرورشی در اختیار وزارت آموزش و پرورش

مصوب ۹ شهریور ۱۳۷۲ ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون تخلیه اماکن آموزشی و پرورشی که در تصرف وزارت آموزش و پرورش می‌باشد پس از احراز عسر و حرج طبق موازین قضائی توسط دادگاه تا رفع نیاز وزارت مذکور به مدت پنج سال ممنوع است و اعمال این قانون نافی مطالبه اجرت‌المثل یا اجرت‌المسمی حسب مورد برای مالک نمی‌باشد. تبصره - قانون تخلیه واحدهای آموزشی وزارت آموزش و پرورش و مراکز آموزشی دیگر که در اختیار سایر دستگاهها، ارگانها، سازمانها و نهادها است و تحویل آن به وزارت آموزش و پرورش مصوب ۲۰/۹/۱۳۶۷ با حذف تبصره ۳ آن و همچنین قانون الزام تخلیه ساختمانهای وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت درمان و آموزش پزشکی و موسسات وابسته و دانشگاهها که در اختیار سایر وزارتخانه‌ها و ارگانها می‌باشد مصوب ۱۳۶۸ لازم‌الاجرا خواهد بود.

لایحه قانونی الغاء قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی

مصوب آبان‌ماه ۱۳۵۸ ماده واحده - قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی مصوب تیرماه ۱۳۵۶ از تاریخ تصویب این ماده واحده لغو می‌گردد.

لایحه قانونی تقلیل اجاره‌بهای واحدهای مسکونی

مصوب ۷/۸/۱۳۵۸ ماده واحده - کلیه اجاره‌بهای خانه‌های استیجاری که به عنوان محل مسکونی به اجاره واگذار شده و مستاجر از عین مستاجر به صورت مسکن استفاده می‌کند از تاریخ اول آذر ۱۳۵۸ شمسی بیست درصد تقلیل داده می‌شود. تبصره ۱ - موجرین و مستاجرین خانه‌های مسکونی که بعد از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شمسی نسبت به مال‌الاجاره توافق کرده و میزان اجاره‌بها را از رقم مندرج در اسناد رسمی و عادی و یا میزانی که بین طرفین بطور شفاهی مقرر و یا عمل شده است تقلیل داده باشند برای طرفین معتبر می‌باشد، مگر اینکه مورد اعتراض مستاجر قرار گیرد که در این صورت می‌تواند میزان اجاره‌بها را از مبلغ قید شده در اسناد رسمی و عادی و توافقات قبلی تا بیست درصد کاهش دهد. تبصره ۲ - موجرینی که تنها محل درآمدشان وصول مال‌الاجاره از مستغلات بوده و جمع میزان اجاره‌بهای دریافتی آنان در ماه از پنجاه هزار ریال تجاوز نکند از تاریخ تصویب این قانون تاسی هزار ریال آن از پرداخت مالیات مستغلات موضوع ماده ۲۰ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۲۸ اسفند ۱۳۴۵ معاف خواهند بود و نسبت به مازاد آن تا

پنجاه هزار ریال مشمول پرداخت مالیات موضوع ماده ۲۰ قانون بوده و در صورتی که از پنجاه هزار ریال تجاوز کرد مشمول معافیت نخواهد بود. تبصره ۳- حکم این قانون مانع از اجرای مفاد ماده ۴ قانون روابط موجر و مستاجر نخواهد بود. سایر مقررات قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۲۲/۴/۱۳۵۶ به قوت خود باقی است و سایر قوانین در آن قسمت که مغایر با این قانون باشد ملغی الاثر می‌باشند.

لایحه قانونی راجع به مستثنی شدن شهرداری تهران در مورد واگذاری قسمتی از پارکها و میادین و اموال عمومی

مصوب ۳۱/۲/۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی ماده واحده - به منظور تسهیل و بهبود در عرضه خدماتی که در پارکها و میادین و سایر آنچه را که در محدوده شهر واقع و عنوان املاک و اموال عمومی متعلق به شهر دارد و همچنین در انجام تکالیفی که از حیث حفظ و نگاهداری و بهره‌برداری از املاک و مستغلات و اراضی و مستحدثاتی که در مالکیت شهرداری مستقر بوده و جنبه عمومی ندارد و به عهده شهرداری تهران است به شهرداری تهران اجازه داده می‌شود که در واگذاری قسمتی از پارکها و میادین و سایر اموال عمومی اعم از عرصه و اعیانی موجود در آن به نحوی که محل زیبایی یا مصلحت عامه نباشد و نیز در واگذاری عرصه و اعیان و مستحدثات ملکی خود واقع در محدوده شهر تهران با عقد قراردادهای رسمی یا عادی به اشخاص حقیقی یا حقوقی با رعایت مصلحت و دریافت اجور مناسب براساس آئین نامه معاملات شهرداری اقدام نمایند و این گونه واگذاری از شمول مقررات قانون مالک و مستاجر و هر نوع روابطی که عنوان اجاره داشته باشد خارج بوده و روابط طرفین براساس قراردادی خواهد بود که تنظیم و مبادله خواهد شد. در تمام موارد مزبور لدی الفسخ و یا پس از انقضای مدت در صورتی که شهرداری لازم بداند با اخطار کتبی و اعطاء دو ماه مهلت به متصرف و طرف قرارداد اقدام به تخلیه محل واگذار شده خواهد نمود. چنانچه در تخلیه و تحویل این گونه محلها در مهلت اعطائی از ناحیه طرف قرارداد و متصرف اقدامی نشود به درخواست شهرداری دادستان تهران بدون فوت وقت در معیت مأمورین انتظامی دستور تخلیه محل را صادر خواهد نمود. این دستور بدون وقفه و با تنظیم صورت مجلس در محل به موقع اجرا گذارده شده با خلع ید مورد واگذاری کالا- تحویل شهرداری خواهد شد. در صورتی که اسباب ولو از می اعم از منصوب یا غیر منصوب و از هر نوع در محل باشد از محل خارج خواهد شد و شهرداری در حفظ و نگهداری آنها مسئولیتی نداشته و متصرف و طرف قرار داد در تحت هیچ عنوانی حق اعتراض یا مطالبه خسارت و سرقتی و حقوق کسب و پیشه و غیره را نخواهد داشت تبصره ۱- کلیه اماکن و اراضی و مستحدثات و سایر اموال منقول و غیر منقول شهرداری و شهری که جنبه عمومی دارد و قبل از تصویب این ماده واحده واگذار شده از حیث تخلیه شهرداری مشمول مقررات این قانون است تبصره ۲- نسبت به قراردادهائی که با رضایت شهرداری تمدید شده یا می‌شود نیز طبق این قانون عمل خواهد شد.

لایحه قانونی واگذاری و تخلیه اماکن و محلها در فرودگاههای کشور

مصوب ۲/۷/۱۳۵۸ ماده ۱- به سازمان هواپیمایی کشوری اجازه داده می‌شود اماکن و محللهائی نظیر دفتر کار شرکتها و موسسات محل رستوران تریا، فروشگاه غرفه کیوسک زمین و غیره را در فرودگاههای کشور با احراز ارتباط با فعالیتهای هواپیمایی کشوری حسب ضرورت به تشخیص خود، به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط به اجاره واگذار نماید. تبصره - ترتیب نحوه و شرایط واگذاری به موجب آئین نامه‌ای خواهد بود که ظرف یکماه از تاریخ تصویب این قانون وسیله سازمان هواپیمایی کشوری تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲- واگذاری مکان و محل و تاسیسات در فرودگاهها، مشمول قانون روابط موجر و مستاجر مصوب مرداد ۱۳۵۶ و قانون محاسبات عمومی و آئین نامه‌های مربوط نبوده و از نظر تخلیه و تغییرات در طی و انقضای مدت قرارداد یا لزوم تخلیه و هر گونه تغییر به تشخیص و تقاضای سازمان هواپیمایی کشوری دادستان شهرستان محل یا جانشین او دستور

تخلیه و یا انجام تغییر را صادر می‌نماید. تبصره - سازمان هواپیمایی کشوری ضرورت تخلیه را به منظور بررسی در یک هیات سه نفری که اعضای آن از طرف وزیر راه تعیین می‌گردد، با ذکر جهت و علت مطرح و در صورت تایید هیات تخلیه تقاضا خواهد شد. نظر هیات به اکثریت مناط اعتبار است ماده ۳- این قانون نسبت به کلیه اماکن و محل‌هایی که قبلاً در فرودگاه‌های کشور واگذار گردیده یا در تصرف و اختیار اشخاص قرارداد اعم از این که به موجب قرارداد باشد یا به صورت دیگری نیز تسری داده می‌شود و کلیه قراردادهای مربوط ملغی اعلام و استفاده کنندگان از محلها و اماکن فرودگاهها مکلفند حسب مورد محل را تخلیه و یا آن دسته که ابقا و ادامه استفاده آنان ضروری تشخیص داده شود بر طبق این قانون و آئین‌نامه مربوط ظرف دو ماه با سازمان هواپیمایی کشوری قرارداد جدید امضا نمایند.

لایحه قانونی نحوه تخلیه ساختمانهای استیجاری بوسیله وزارتخانه‌ها و شرکتها و سازمانهای دولتی

ماده واحده - وزارتخانه‌ها و ادارات شرکتها و سازمانهای دولتی تابعه و وابسته می‌توانند هریک از ساختمانهای استیجاری را که در اختیار دارند و مدت آن منقضی نشده و نیازی هم به آن نداشته باشند با اعلام قبلی ظرف مدت ۱۵ روز مراتب را از طریق دفترخانه اسناد رسمی مربوط به موجد ابلاغ و ساختمان مزبور را تخلیه نمایند. در این صورت قرارداد اجاره از تاریخ تخلیه منفسخ بوده و موجراستحقاق دریافت بقیه مدت اجاره را نخواهد داشت چنانچه موجد ظرف مدت مذکور حاضر به تحویل مورد اجاره نگردد، حضور نماینده دادستان جهت تخلیه مورد اجاره کافی خواهد بود. ترتیب فوق نسبت به ساختمانهای تابعه که از اول فروردین ماه ۵۸ تخلیه گردیده نیز مجری می‌باشد. در مورد ساختمانهایی که مورد استفاده وزارتخانه ادارات دولتی و سازمانهای تابعه و وابسته قرار دارد و تاریخ تنظیم اجاره آنها قبل از ۲۲ بهمن ۵۷ است موسسات مزبور می‌توانند با نظر کارشناس رسمی وزارت دادگستری براساس نرخ عادلانه روز نسبت به تعدیل مال الاجاره اقدام نمایند. رای کارشناس رسمی دادگستری در حکم آرا صادره از دادگاه صالحه تلقی شده و قابل اجرا خواهد بود. تبصره - (الحاقی مصوب ۲۹/۸/۱۳۵۸) آرا صادره از محاکم دادگستری که به استناد ماده ۴ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب سال ۱۳۵۶ بر تعدیل مال الاجاره بر علیه دولت یا موسسات و سازمانهای دولتی و شرکتها و وابسته بعد از تاریخ ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ صادر شده و به مرحله اجرا در نیامده باشد به تقاضای مستاجر موقوف الاجرا است دادگاه مکلف است با جلب نظر کارشناس حکم صادره را با تعیین اجاره‌بهای عادلانه اصلاح کند. این حکم قطعی است

مصوبه مجمع مصلحت نظام در خصوص حق کسب یا پیشه یا تجارت

ماده واحده - در مورد «حق کسب یا پیشه یا تجارت مطابق قانون روابط موجر و مستاجر، مصوب دوم مرداد ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و شش عمل شود. ماده واحده الحاقیه به قانون روابط موجر و مستاجر مصوب یازدهم آبانماه یکهزار سیصد و شصت و پنج به قوت خود باقی است موضوع «حق کسب یا پیشه یا تجارت در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسه‌ای مورخ بیست و پنجم دیماه یکهزار و سیصد و شصت و نه مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و شرح ماده واحده فوق به تصویب رسید. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام - اکبر هاشمی رفسنجانی

آئین‌نامه اجرایی قانون نملک آپارتمانها با اصلاحات بعدی

بخش اول قسمتهای مختلف ساختمان

فصل اول قسمتهای اختصاصی

ماده ۱- قسمتهایی از بنا، اختصاصی تلقی می‌شود که عرفاً برای استفاده انحصاری شریک ملک معین یا قائم مقام او تخصیص یافته باشد. ماده ۲- علاوه بر ثبت اراضی زیربنا و محوطه باغ‌ها و پارک‌های متعلقه برای مالکیت قسمتهای اختصاصی نیز باید بطور مجزا سند مالکیت صادر شود، مشخصات کامل قسمت اختصاصی از لحاظ حدود طبقه شماره مساحت قسمتهای وابسته ارزش و غیره باید در سند قید گردد.

فصل دوم قسمتهای مشترک

ماده ۳- قسمتهایی از ساختمان و اراضی و متعلقات آنها که به‌طور مستقیم و یا غیر مستقیم مورد استفاده تمام شرکا می‌باشد قسمتهای مشترک محسوب می‌گردد و نمی‌توان حق انحصاری بر آنها قایل شد. تبصره - گذاردن میز و صندلی و هر نوع اشیای دیگر و همچنین نگاهداری حیوانات در قسمتهای مشترک ممنوع است قسمتهای مشترک در ملکیت مشاع تمام شرکای ملک است هر چند که در قسمتهای اختصاصی واقع شده باشد و یا از آن قسمتها عبور نماید. ماده ۴- قسمتهای مشترک مذکور در ماده ۲ قانون تملک آپارتمانها عبارت است از: الف- زمین زیربنا خواه متصل به بنا باشد یا بنا بوسیله پایه روی آن قرار گرفته باشد. ب- تاسیسات قسمتهای مشترک از قبیل چاه آب و پمپ منبع آب مرکز حرارت و تهویه رختشویخانه تابلوهای بر، کتورها، تلفن مرکزی انبار عمومی ساختمان اتاق سرایدار در هر قسمت بنا که واقع باشد، دستگاه آسانسور و محل آن چاه‌های فاضلاب لوله‌ها از قبیل (لوله‌های فاضلاب آب بر، تلفن حرارت مرکزی تهویه مطبوع گاز، نفت هواکش‌ها، لوله‌های بخاری گذرگاههای زباله و محل جمع‌آوری آن و غیره پ- اسکلت ساختمان تبصره - جدارهای فاصل بین قسمتهای اختصاصی، مشترک بین آن قسمتها است مشروط بر اینکه جزء اسکلت ساختمان نباشد. ت- درها و پنجره‌ها - راهروها - پله‌ها - پاگردها - که خارج از قسمتهای اختصاصی قرار گرفته‌اند. ث- تاسیسات مربوط به راه پله از قبیل وسایل تأمین کننده روشنایی تلفن و وسایل اخبار و همچنین تاسیسات مربوط به آنها به استثنای تلفن‌های اختصاصی شیرهای آتش‌نشانی آسانسور و محل آن محل اختتام پله و ورود به بام و پله‌های ایمنی ج- بام و کلیه تاسیساتی که برای استفاده عموم شرکا و یا حفظ بنا در آن احداث گردیده است ح- نمای خارجی ساختمان خ- محوطه ساختمان باغ‌ها و پارکها که جنبه استفاده عمومی دارد و در سند اختصاصی نیز ثبت نشده باشد.

بخش دوم اداره امور ساختمان

فصل اول مجمع عمومی

طرز انتخاب و وظائف و تعهدات مدیر ماده ۵- در صورتی که تعداد مالکین از سه نفر تجاوز کند، مجمع عمومی مالکین تشکیل می‌شود. ماده ۶- زمان تشکیل مجمع عمومی مالکین اعم از عادی یا فوق العاده در مواردی که توافقنامه‌ای بین مالکین تنظیم نشده است به موجب اکثریت مطلق آرای مالکینی خواهد بود که بیش از نصف مساحت تمام قسمت‌های اختصاصی را مالک باشند و در صورت عدم حصول اکثریت مزبور، زمان تشکیل مجمع عمومی با تصمیم حداقل سه نفر از مالکین تعیین خواهد شد. ماده ۷- در اولین جلسه مجمع عمومی ابتدا رئیس مجمع عمومی تعیین خواهد شد و سپس در همان جلسه مدیر یا مدیرانی از بین مالکین و یا اشخاصی خارج از انتخاب می‌شود. مجمع عمومی مالکین باید لااقل هر سال یک بار تشکیل شود. ماده ۸- برای رسمیت مجمع حضور مالکین بیش از نصف مساحت تمام قسمتهای اختصاصی با نماینده آنان ضروری است تبصره - در صورت عدم حصول

اکثریت مندرج در این ماده جلسه برای پانزده روز بعد تجدید خواهد شد، هرگاه در این جلسه هم اکثریت لازم حاصل نگردد جلسه برای پانزده روز بعد تجدید و تصمیمات جلسه اخیر با تصویب اکثریت عده حاضر معتبر است ماده ۹ - کسی که به عنوان نماینده یکی از شرکاء تعیین شده باشد قبل از تشکیل جلسه مجمع عمومی و کالتنامه معتبر خود را به مدیر یا مدیران ارائه نماید. تبصره - در صورتی که مالک قسمت اختصاصی شخصیت حقوقی باشد نماینده آن طبق قوانین مربوط به شخصیت‌های حقوقی معرفی خواهد شد. ماده ۱۰ - هرگاه چند نفر، مالک یک قسمت اختصاصی باشند باید طبق ماده ۷ قانون تملک آپارتمان‌ها از طرف خود یک نفر را برای شرکت در مجمع عمومی انتخاب و معرفی نمایند. ماده ۱۱ - مجمع عمومی شرکاء دارای وظایف و اختیارات زیر می‌باشد: الف - تعیین رئیس مجمع عمومی ب - انتخاب مدیر یا مدیران و رسیدگی اعمال آنها. پ - اتخاذ تصمیم نسبت به اداره امور ساختمان ت - تصویب گزارش مربوط به درآمد و هزینه‌های سالانه ث - اتخاذ تصمیم در ایجاد اندوخته برای امور مربوط به حفظ و نگاهداری و تعمیر بنا. ج - تفویض اختیار به مدیر یا مدیران به منظور انعقاد قراردادهای لازم برای اداره ساختمان ماده ۱۲ - کلیه تصمیمات مجمع عمومی شرکاء باید در صورت جلسه نوشته و به وسیله مدیر یا مدیران نگاهداری شود. تبصره - تصمیمات متخذه مجمع باید ظرف ده روز به وسیله مدیر یا مدیران به شرکاء غایب اطلاع داده شود. ماده ۱۳ - تصمیمات مجمع عمومی بر طبق ماده ۶ قانون برای کلیه شرکاء الزام آور است

فصل دوم اختیارات و وظایف مدیر یا مدیران

ماده ۱۴ - مدیر یا مدیران مسوول حفظ و اداره ساختمان و اجرای تصمیمات مجمع عمومی می‌باشند. ماده ۱۵ - اصلاحی مصوب ۲۸/۱۰/۱۳۵۳ - تعداد مدیران باید فرد باشد و مدت ماموریت مدیر یا مدیران دو سال است ولی مجمع عمومی می‌تواند این مدت را اضافه کند و انتخاب مجدد مدیر یا مدیران بلامانع خواهد بود. ماده ۱۶ - در صورت استعفا، فوت عزل یا حجر مدیر یا مدیران قبل از انقضای مدت مجمع عمومی فوق العاده به منظور انتخاب جانشین تشکیل خواهد شد. تبصره ۱ - در صورتی که سه نفر یا بیشتر از اعضای هیات مدیره به جهات فوق از هیات مدیره خارج شوند، مجمع عمومی فوق العاده باید به منظور تجدید انتخاب هیات مدیره تشکیل گردد. ماده ۱۷ - تصمیمات مدیران با اکثریت آرا معتبر است ماده ۱۸ - مجمع عمومی یک نفر از مدیران را به عنوان خزانه دار تعیین می‌نماید. خزانه دار دفتر ثبت درآمد و هزینه خواهد داشت که به پیوست قبوض و اسناد مربوطه برای تصویب ترازنامه به مجمع عمومی تسلیم و ارائه خواهد داد. ماده ۱۹ - مدیر یا مدیران امین شرکا بوده و نمی‌توانند فرد دیگر را بجای خود انتخاب نمایند. ماده ۲۰ - مدیر یا مدیران مکلفند تمام بنا را به عنوان یک واحد در مقابل آتش سوزی بیمه نمایند. سهم هر شریک از حق بیمه با توجه به ماده ۴ قانون بوسیله مدیر، تعیین و از شرکا اخذ و به بیمه گر پرداخت خواهد شد. ماده ۲۱ - مدیر یا مدیران مکلفند میزان هزینه مستمر و مخارج متعلق به هر شریک و نحوه پرداخت آن را قبل یا بعد از پرداخت هزینه بوسیله نامه سفارشی به نشانی قسمت اختصاصی یا نشانی تعیین شده از طرف شریک به او اعلام نمایند. ماده ۲۲ - در کلیه ساختمانهای مشمول قانون تملک آپارتمانها که بیش از ده (۱۰) آپارتمان داشته باشد، مدیر یا مدیران مکلفند برای حفظ و نگاهداری و همچنین تنظیف قسمتهای مشترک و انجام سایر امور مورد نیاز بنا، دربان استخدام نمایند.

فصل سوم هزینه‌های مشترک

ماده ۲۳ - شرکای ساختمان موظفند در پرداخت هزینه‌های مستمر و هزینه‌هایی که برای حفظ و نگاهداری قسمتهای مشترک بنا

مصرف می شود، طبق مقررات زیر مشارکت نمایند: در صورتی که مالکین ترتیب دیگری برای پرداخت هزینه های مشترک پیش بینی نکرده باشند، سهم هریک از مالکین یا استفاده کنندگان از هزینه های مشترک آن قسمت که ارتباط با مساحت زیربنای قسمت اختصاصی دارد از قبیل آب گازوئیل آسفالت پشت بام و غیره به ترتیب مقرر در ماده ۴ قانون تملک آپارتمانها و سایر مخارج که ارتباطی به میزان مساحت زیربنا ندارد از قبیل هزینه های مربوط به سرایدار، نگهبان متصدی آسانسور، هزینه نگاهداری تاسیسات باغبان تزیینات قسمتهای مشترک و غیره بطور مساوی بین مالکین یا استفاده کنندگان تقسیم می گردد. تعیین سهم هریک از مالکین یا استفاده کنندگان با مدیر یا مدیران می باشد. تبصره - چنانچه به موجب اجاره نامه یا قرارداد خصوصی پرداخت هزینه های مشترک به عهده مالک باشد و مالک از پرداخت آن استنکاف نماید، مستاجر می تواند از محل مال الاجاره هزینه های مزبور را پرداخت کند و در صورتی که پرداخت هزینه های جاری مشترک به عهده استفاده کننده باشد و از پرداخت استنکاف کند، مدیر یا مدیران می توانند علاوه بر مراجعه به استفاده کننده به مالک اصلی نیز مراجعه نمایند. ماده ۲۴ - هریک از شرکا که در مورد سهمیه یا میزان هزینه مربوط به سهم خود معترض باشد می تواند به مدیر مراجعه و تقاضای رسیدگی نسبت به موضوع را بنماید در صورت عدم رسیدگی یا رد اعتراض شریک می تواند به مراجع صلاحیت دار قضائی مراجعه کند. ماده ۲۵ - هزینه های مشترک عبارتست از: الف - هزینه های لازم برای استفاده حفظ و نگاهداری عادی ساختمان و تاسیسات و تجهیزات مربوطه ب - هزینه های اداری و حق الزحمه مدیر یا مدیران

فصل چهارم حفظ و نگاهداری تعمیر بنا

ماده ۲۶ - در صورتی که بین شرکا توافق شده باشد که هزینه های نگاهداری یک قسمت از بنا یا هزینه نگاهداری و عملیات یک جز از تاسیسات فقط به عهده بعضی از شرکا باشد، فقط همین شرکا ملزم به انجام آن بوده و در تصمیمات مربوط به این هزینه ها تعیین تکلیف خواهند نمود. ماده ۲۷ - مدیر یا مدیران به ترتیبی که مجمع عمومی تصویب می کند به منظور تامین هزینه های ضروری و فوری وجوهی به عنوان تنخواه گردان از شرکا دریافت دارند.

آیین نامه اجرایی قانون خرید و تملک اماکن آموزشی استیجاری

مصوب ۱۷/۳/۱۳۷۱ هیات وزیران ماده ۱ - وزارت آموزش و پرورش و نهضت سوادآموزی فهرست مشخصات املاک استیجاری در اختیار خود را که تملک آنها به صرفه و صلاح دولت و مورد نیاز می باشد، پس از کسب موافقت کتبی مالک مبنی بر فروش ملک همچنین تقاضای آن دسته از مالکان مدارس و اماکن آموزشی و پرورشی و اداری استیجاری وزارت آموزش و پرورش که مایل به فروش ملک خود می باشند رابه ضمیمه مدارک لازم به کمیسیون موضوع ماده ۲ این آیین نامه جهت اتخاذ تصمیم ارجاع نمایند. ماده ۲ - به منظور بررسی پیشنهادهای فروش مالکان مدارس اماکن آموزشی اداری و پرورشی و تشخیص مناسب بودن وضعیت این گونه اماکن با ضوابط و معیارهای فضای آموزشی و اداری و موافقت با خرید یا عدم خرید آنها و تشخیص اولویتها، کمیسیونی تحت عنوان «کمیسیون خرید واحدهای آموزشی و اداری استیجاری وزارت آموزش و پرورش بر اساس دستورالعمل وزیر آموزش و پرورش تشکیل می گردد. تبصره ۱ - خرید املاک کی که دارای کاربری آموزشی و اداری هستند در اولویت قرار دارد. تبصره ۲ - کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی و معماری بررسی درخواستهای تغییر کاربری اماکن آموزشی استیجاری مشمول قانون خرید و تملک اماکن آموزشی و استیجاری را با نظر مساعد در اولویت قرار خواهد داد. ماده ۳ - مالکان املاک استیجاری که مایل به فروش ملک خود باشند، در صورت موافقت با اخذ زمین معوض باید مراتب را به طور کتبی به

کمیسیون موضوع ماده ۵ این آیین‌نامه اعلام کنند. ماده ۴- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است نسبت به واگذاری معوض زمین یا معادل بهای املاک و واگذاری از سوی مالکین که از طرف کمیسیون موضوع ماده ۵ این آیین‌نامه معرفی می‌شوند، ظرف سه ماه تسهیلات لازم را خارج از نوبت جهت واگذاری زمین فراهم نماید و نتیجه را به کمیسیون مزبور اعلام نماید. ماده ۵- به منظور هماهنگی و توافق با مالکان در خصوص زمین معوض در هر استان کمیسیونی مرکب از نمایندگان اداره کل آموزش و پرورش و زمین شهری استان و با حضور مالک یا نماینده قانونی وی تشکیل می‌شود و تصمیمات لازم را اتخاذ می‌نمایند. تبصره - تقویم و تعیین بهای عرصه املاک خریداری شده و زمین معوض در زمان واحد و با نظر کارشناس موضوع ماده ۷ این آیین‌نامه خواهد بود. ماده ۶- وزارت آموزش و پرورش موظف است در ابتدای هر سال مالی اعتبارات لازم را برای پرداخت بهای املاک - کی که به موجب قانون خرید و تملک اماکن آموزشی استیجاری باید خریداری شوند، برآورد و به بانک مرکزی اعلام نماید. بانک مرکزی مکلف است با رعایت سیاستهای شورای پول و اعتبار، در هر سال تسهیلات اعتباری لازم را جهت خرید مدارس و اماکن استیجاری پیش‌بینی نماید. تبصره - وزارت آموزش و پرورش موظف است هنگام تدوین لایحه بودجه هر سال پیشنهاد اعتبار مورد نیاز برای بازپرداخت تسهیلات بانکی مورد نظر را به سازمان برنامه و بودجه ارسال نماید تا در بودجه منظور شود. ماده ۷- در مواردی که مالک با فروش مکان موضوع قانون موافق باشد، قیمت خرید این اماکن و قیمت زمین معوض حسب مورد، توسط هیاتی مرکب از کارشناسان رسمی دادگستری - یک نفر به انتخاب آموزش و پرورش و یک نفر به انتخاب مالک - تعیین خواهد شد. میانگین کارشناسیهای انجام شده و توافق فی‌مابین مالک و کمیسیون موضوع ماده ۲ به مالک ابلاغ خواهد شد. چنانچه مالک ظرف مدت یکماه از تاریخ ابلاغ موافقت خود را با فروش ملک به قیمت تعیین شده و نیز حسب مورد با قبول زمین معوض به قیمت تعیین شده به ترتیب فوق به کمیسیون اعلام نماید، وزارت آموزش و پرورش نسبت به خرید ملک یا انتقال معوض به مالک اقدام و نصف هزینه کارشناسی را به حساب مالک منظور خواهد نمود. تبصره - مالکینی که با فروش ملک خود به آموزش و پرورش با دریافت زمین به ترتیب مقرر در ماده ۷ موافقت داشته باشند، موظفند قبل از اعمال ماده ۷، نصف هزینه کارشناسی را بپردازند، بدیهی است در صورتی که پس از اعمال ماده ۷، مالک حاضر به فروش ملک یا دریافت زمین معوض نباشد، هزینه کارشناسی سهمی او مسترد نخواهد شد.

آیین‌نامه نحوه تعدیل و تثبیت اجاره‌بهای واحدهای مسکونی

مصوب ۶/۴/۱۳۶۳ هیات وزیران ماده ۱- حداکثر مبلغ اجاره‌بهای ماهانه واحد مسکونی نباید از ده برابر مبلغ تعیین شده در قبض عوارض سالیانه نوسازی شهرداری آن ملک در اسفند ۱۳۶۲ (قبل از وضع بخشودگی و بدون محاسبه جریمه دیر پرداخت و با توجه به تبصره ۲ این ماده و مبالغ مندرج در ماده ۲ آئین‌نامه تجاوز نماید. تبصره ۱- در صورتی که ساختمان مشتمل بر چند واحد بوده لکن سند تفکیکی نداشته باشد و مبلغ عوارض نوسازی سالیانه برای کل ساختمان تعیین شده باشد مبلغ عوارض نوسازی به نسبت مساحت زیربنای اختصاصی واحدهای مسکونی تقسیم و ملاک عمل قرار می‌گیرد. تبصره ۲- در صورتی که کف واحد مسکونی پایین‌تر از کف حیاط یا محوطه اصلی باشد (زیرزمین از مبلغ اجاره‌بهای ماهانه مذکور در این ماده ۱۵٪ کسر و برای طبقات بالاتر از هم کف در صورت داشتن آسانسور به ترتیب نیم درصد به ازای هر طبقه به مبلغ مذکور افزوده می‌شود. ماده ۲- در صورتی که مورد اجاره دارای وسائل و تسهیلات زیر باشد حداکثر تا مبالغ مندرج در این ماده می‌توان به اجاره‌بها اضافه نمود. الف - تلفن مستقل ۲۰۰۰ ریال در ماه (در صورتی که تلفن مشترک باشد مبلغ مذکور به نسبت تعداد مشترکین تقسیم می‌شود). ب - کولر ۵۰۰ ریال در ماه ج - استفاده از شبکه گازی شهری ۱۰۰۰ ریال در ماه د - پارکینگ اعم از مسقف یا غیر آن ۱۰۰۰ ریال در ماه ه - حق استفاده از حیاط یا محوطه مشترک ۱۰۰۰ ریال در ماه و - حمام با آب گرم ۱۰۰۰ ریال در ماه ز - واحد

مسکونی به صورت خانه درستی باشد ۲۰۰۰ ریال در ماه ماده ۳ - جهت تعیین اجاره‌بهای واحدهای مسکونی که از پرداخت عوارض نوسازی معاف می‌باشند همان مبلغی که طبق سوابق و ضوابط شهرداری محل در پرونده عوارض نوسازی مورد اجاره ضبط است به نحو مندرج در این آئین‌نامه ملاک عمل قرار می‌گیرد. ماده ۴ - در مواردی که اطاقهای یک واحد مسکونی به دو یا چند مستاجر اجاره داده می‌شود اجاره‌بهای متعلقه به هریک از مستاجرین عبارت خواهد بود از تقسیم اجاره‌بهای کل واحد مسکونی (مواد ۱ و ۲ آئین‌نامه به نسبت سطح زیربنای اختصاصی مورد استفاده هر مستاجر. تبصره - چنانچه از تسهیلات مندرج در ماده ۲ فقط بعضی از مستاجرین موضوع این ماده استفاده نمایند در این صورت پرداخت مبلغ مربوطه فقط به عهده مستاجر یا مستاجرین منتفع بوده و در احتساب اجاره‌بهای متعلقه به سایر مستاجرین ارقام مذکور نباید جز اجاره‌بهای کل واحد مسکونی به‌شمار آید. ماده ۵ - چنانچه مساحت عرصه از ۱۰۰۰ متر مربع و سه برابر مساحت اعیان تجاوز کند در این صورت مال الاجاره ماهانه آن به شرح زیر محاسبه می‌شود. مال الاجاره به دست آمد طبق مواد ۱ و ۲ آئین‌نامه * مساحت اعیان مساحت عرصه ماده ۶ - چنانچه میزان مال الاجاره قبلی ملک کمتر از مبلغ مال الاجاره حاصله از طریق این آئین‌نامه باشد، فعلاً تا پایان سال جاری همان مال الاجاره قبلی ملاک عمل خواهد بود. ماده ۷ - در صورتی که در مدت اعتبار این آئین‌نامه مبنای محاسبه عوارض نوسازی شهرداریها تغییر نماید به هر حال ملاک محاسبه مال الاجاره موضوع این آئین‌نامه تغییر نکرده و مبلغ مندرج در قبض عوارض نوسازی سالیانه اسفند ۱۳۶۲ مورد اجاره ملاک عمل خواهد بود.

دستور العمل اجرایی تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون روابط موجر و مستاجر

مصوب جلسه ۴۴۵ - ۱۹/۷/۱۳۶۲ شورای عالی قضایی ماده ۱ - در اجرای تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب اردیبهشت ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی به دادگاههای عمومی (صلح سراسر کشور و دادگاههای عمومی حقوقی قائم مقام دادگاههای عمومی صلح (در شهردارییکه دادگاه عمومی صلح تشکیل نشده اجازه داده می‌شود چنانچه مالک از اجاره دادن واحد مسکونی معد اجاره بدون عذر موجه امتناع نماید به قائم مقامی مالک نسبت به اجاره دادن محل‌های مسکونی خالی اقدام و اجاره بهای دریافتی را پس از کسر هزینه تنظیم سند اجاره و حق الزحمه کارشناس و سایر هزینه‌هایی که مالک قانوناً ملزم به پرداخت آن است به حساب مالک واریز نمایند. تبصره - شهرهاییکه دادگاههای عمومی صلح یا قائم مقام او دارای شعب متعدد است رئیس یا سرپرست دادگستری حسب نیاز یک یا چند شعبه را برای منظور فوق اختصاص خواهد داد. ماده ۲ - دادگاه پس از اطلاع از خالی بودن واحد مسکونی به هر طریقی که ممکن باشد منجمله به کمک مامورین پلیس قضایی و ابلاغ و اجرا و مامورین شهربانی و ژاندارمری کمیته‌ها و سایر اشخاص نسبت به صحت و سقم مورد و شناسائی مالک تحقیق پس از احراز خالی بودن واحد مسکونی مراتب را به طریق مقتضی از قبیل اخطاریه تلفن یا الصاق آگهی به مالک اعلام می‌نماید تا چنانچه منکر خالی بودن واحد مسکونی یا مدعی داشتن عذر موجه در اجاره ندادن آن باشد در موعد تعیین شده به دادگاه مراجعه نماید. دادگاه پس از رسیدگی به دلایل و مدارک مالک در صورت غیر موجه بودن ادعایش نسبت به اجاره دادن واحد مسکونی به طریق مقتضی اقدام خواهد نمود. تبصره - عدم حضور مالک با ابلاغ از جمله دلایل عدم عذر موجه خواهد بود. ماده ۳ - دادگاه باید هنگام اجاره دادن واحدهای مسکونی حتی الامکان رعایت ضرورتها و اولویتها و تجانسی افراد و تناسب تعداد عائله تحت تکفل مستاجر را با مساحت واحد مسکونی و تعداد اطاقها و غیره بنماید. ماده ۴ - سند رسمی اجاره برای حداقل مدت یکسال با ذکر شرایط مندرج در قانون روابط موجر و مستاجر و سلب حق انتقال به غیر از مستاجر تنظیم خواهد شد و در صورت امتناع مالک از امضا آن نماینده دادگاه به قائم مقامی مالک ممتنع سند اجاره را امضا خواهد کرد و چنانچه به لحاظ مشخص نبودن پلاک ثبتی واحد مسکونی و یا به هر علت دیگری تنظیم اجاره‌نامه رسمی قانوناً امکان‌پذیر نباشد تنظیم سند عادی اجاره کافی است ماده ۵ - اجاره‌بها بر مبنای آئین‌نامه

موضوع ماده ۱۴ قانون روابط موجر و مستاجر تعیین می‌شود و تا زمانیکه آیین‌نامه مذکور تصویب نشده دادگاه با جلب نظر کارشناس اجاره‌بهای عادلانه را تعیین می‌نماید و پس از تصویب آیین‌نامه به میزان مذکور در آیین‌نامه در صورت تقاضای یکی از طرفین تعدیل خواهد نمود. ماده ۶- در صورت وجود اثاثیه‌ای متعلق به مالک یا دیگران در محلهایی که به اجاره داده می‌شود، دادگاه ضمن صورت‌برداری نسبت به حفظ یا تحویل آنها به مالک اثاثیه یا امین اقدام خواهد کرد. ماده ۷- متقاضیان اجاره واحدهای مسکونی باید درخواستشان را بوسیله پست سفارشی ضمن ذکر مشخصات تقریبی واحد مسکونی مورد نیاز خود و تعداد عائله تحت تکفل و میزان اجاره‌بهای که قادر به پرداخت آن هستند و چگونگی نیاز به واحد مسکونی استیجاری را با ذکر نام و شغل و نشانی کامل خود و نیز واحد مسکونی خالی درخواستی و مشخصات مالک آنرا به دفتر دادگاه محل تسلیم نمایند. دادگاه نیز در صورتیکه احضار متقاضی را ضروری نداند توسط پست پاسخ خواهد داد. تبصره ۱- کسانی که خالی بودن واحد مسکونی را به دادگاه اعلام و خود هم متقاضی اجاره آن باشند در صورت ثبوت صحت اعلام و نیاز و تناسب موضوع ماده ۳ فوق‌الذکر نسبت به دیگران در اجاره آن واحد مسکونی حق تقدم دارند. تبصره ۲- در صورتی که عده‌ای از متقاضیان دارای شرایط والویت‌های مساوی نسبت به واحد مسکونی معینی باشند دادگاه از طریق قرعه اقدام خواهد نمود. ماده ۸- تقاضای اجاره واحد مسکونی و اعلان خالی بودن مستغل نیازی به تسلیم درخواست رسمی و پرداخت هزینه دادرسی ندارد و رسیدگی دادگاه نیز بدون رعایت تشریفات دادرسی است

فهرست شهرهای مشمول اجرای قانون روابط موجر و مستاجر مصوب سال ۱۳۵۶ در رابطه با محل کسب و پیشه یا تجا

آ

آبادان / خوزستان آباده / فارس آذران / سراسکندر سابق / آذربایجان شرقی آذر شهر / آذربایجان شرقی آزاد شهر / شاه پسند سابق / مازندران آستارا / گیلان آستانه اشرفیه / گیلان آمل / مازندران

الف

ابهر / زنجان اراک / مرکزی اردبیل / استان اردبیل اردکان / یزد ارسباران - اهر سابق / آذربایجان شرقی ارومیه - رضائیه سابق / آذربایجان غربی استهبانات / فارس اسدآباد / همدان اسفراین / خراسان اسلام آباد / شاه آباد عرب سابق / کرمانشاه اُسکو / آذربایجان شرقی اُشنویه / آذربایجان غربی اصفهان / اصفهان اقلید / فارس الیگودرز / لرستان املش / گیلان اندیمشک / خوزستان اهواز / خوزستان ایرانشهر / سیستان و بلوچستان ایلام / ایلام

ب

بابل / مازندران بابلسر / مازندران بانه / کردستان بجنورد / خراسان برازجان / بوشهر بردسکن / خراسان بروجرد / لرستان بروجن / چهارمحال و بختیاری بسطام شاهرود / سمنان بم / کرمان بناب مراغه / آذربایجان شرقی بندر انزلی پهلوی سابق گیلان بندر ترکمن شاه سابق مازندران بندرعباس / هرمزگان بندر گز / مازندران بندر لنگه / هرمزگان بوشهر / بوشهر بوکان / آذربایجان غربی بهبهان / خوزستان بهشهر / مازندران بیجار گروس / کردستان بیرجند / خراسان

پ

پارس آباد، مغان شهر سابق استان اردبیل پاوه / کرمانشاه پیرانشهر / آذربایجان غربی پیشوا / تهران تاکستان / زنجان تایباد / خراسان تبریز / آذربایجان شرقی تجریش / تهران تربت جام / خراسان تربت حیدریه / خراسان تفت / کرمان تفرش / مرکزی تکاف / آذربایجان غربی تنکابن شهسوار سابق مازندران تویسرکان / همدان تهران / تهران

ج

جلفا / آذربایجان شرقی جهرم / فارس جیرفت / کرمان

چ

چابکسر / گیلان چالوس / مازندران خاش / سیستان و بلوچستان خان به بین / مازندران خدا بنده / زنجان خرم آباد / لرستان خرم دره / زنجان خرمشهر / خوزستان خشک بیجار / گیلان خلخال / استان اردبیل خمام / گیلان خمین / مرکزی خمینی شهر، همایون شهر / اصفهان خواف / خراسان خوانسار / اصفهان خوراسگان / اصفهان خور موج / بوشهر خوی / آذربایجان غربی

د

داراب / فارس داران / اصفهان دامغان / سمنان درگز / خراسان دزفول / خوزستان درود / لرستان دشت آزادگان دشت میشان سابق / خوزستان دلیجان / مرکزی دماوند / تهران دو گنبدان / خوزستان دیر / بوشهر دیلم / بوشهر

ر

رامسر / مازندران رامهرمز / خوزستان رامیان / مازندران رحیم آباد / گیلان رشت / گیلان رفسنجان / کرمان رودبار / گیلان رودسر / گیلان رودهن / تهران

ز

زابل / سیستان و بلوچستان زاهدان / سیستان و بلوچستان زرنند کرمان / کرمان زنجان / زنجان

س

ساری / مازندران ساقی کلایه / متل قو سابق / مازندران ساوه / مرکزی سبزوار / خراسان سراب / آذربایجان شرقی سرابی همدان / همدان سرپل ذهاب / کرمانشاه سردرود تبریز / آذربایجان شرقی سردشت / آذربایجان غربی سقز / کردستان سمنان / سمنان سنقر و کلیائی / کرمانشاه سنگر / گیلان سنندج / کردستان سوریان بخش بوانات فارس / فارس سیاهکل / گیلان سیرجان / کرمان

ش

شادگان و مینو / خراسان شاهرود / سمنان شاهین دژ، صائین دژ سابق / آذربایجان غربی شاهین شهر / اصفهان شبستر / آذربایجان

شرقی شمیرانات / تهران شوشتر / خوزستان شهر ری / تهران شهرضا / اصفهان شهر کرد / چهارمحال وبختیاری شیراز / فارس
شیروان / خراسان شیشوان مراغه / آذربایجان شرقی

ص

صحنه / کرمانشاه صومعه سرا / گیلان صائین دژ - شاهین دژ سابق / آذربایجان غربی

ط

طبس / خراسان

ع

عباس آباد / مازندران عجب شیر / آذربایجان شرقی علی آباد / مازندران علیشاه عوض / مرکزی علمدار گر گر / آذربایجان شرقی

ف

فردوس / خراسان فرخ شهر / چهارمحال وبختیاری فسا / فارس فومن / گیلان فیروز آباد / فارس فیروز کوه / تهران

ق

قائم شهر، شاهی سابق / مازندران قائن / خراسان قرچک ورامین / تهران قروه / کردستان قزوین / قزوین قصر شیرین / کرمانشاه
قلهک / تهران قم / قم قوچان / خراسان

ک

کاروانسراسنگ / تهران کازرون / فارس کاشان / اصفهان کاشمر / خراسان کامیاران / کردستان کتالم و سادات محله / مازندران
کرج / تهران کرمان / کرمان کرمانشاه / کرمانشاه کلات نادری / خراسان کلاچای / گیلان کلاردشت / مازندران کلاله / مازندران
کنگان / بوشهر کنگاور / کرمانشاه کوچصفهان / گیلان کوه‌دشت / لرستان کیاکلا / مازندران

گ

گالیکش / مازندران گرگان / مازندران گرمسار / سمنان گرمی / استان اردبیل گلپایگان / اصفهان گلوگاه / مازندران گناباد /
خراسان گناوه / بوشهر گنبد کاوس / مازندران گوهردشت کرج / تهران

ل

لار / فارس لاهیجان / گیلان لشت نشا / گیلان لنگرود / گیلان لوشان / گیلان

م

ماکو / آذربایجان غربی ماه شهر / خوزستان محلات / مرکزی محمودآباد / مازندران مراغه / آذربایجان شرقی مرزن آباد / مازندران مرند / آذربایجان شرقی مرودشت / فارس مریوان / کردستان مشکین شهر / استان اردبیل مشهد / خراسان ملایر / همدان ملکان / آذربایجان شرقی منجیل / گیلان مهاباد / آذربایجان غربی میاندوآب / آذربایجان غربی میانه / آذربایجان شرقی مید / یزد میناب / هرمزگان مینودشت / مازندران

ن

نائین / اصفهان نجف آباد / اصفهان نشتارود / مازندران نظر / اصفهان نظرآباد مقدم کرج / تهران نقده / آذربایجان غربی نکا / مازندران نور / مازندران نورآباد ممسنی / فارس نوشهر / مازندران نهاوند / همدان نی ریز / فارس نیشابور / خراسان

و

ورامین / تهران وردآورد کن / تهران

قانون الزام تخلیه ساختمانهای وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت درمان و آموزش پزشکی و مؤس

مصوب ۲۹/۱۱/۱۳۶۸ ماده واحده - کلیه اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی و وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و نهادها و مقامات دولتی و شهرداری‌ها که اماکن و ساختمانها و خوابگاههای دانشجویی ساختمانهای استیجاری و املاک وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت درمان و آموزش پزشکی و موسسات وابسته ودانشگاهها و مراکز تحقیقاتی (اعم از پزشکی و غیر پزشکی را در تصرف دارند، مکلفند ظرف مدت حداکثر ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون اماکن مذکور را تخلیه و به وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت درمان آموزش پزشکی تحویل دهند و درمورد سپاه و مهاجرین جنگی در صورت تصویب شورای تامین استان مهلت فوق حداکثر یکسال می‌باشد والا حسب درخواست وزارتخانه و موسسات مذکور، دادسرای عمومی محل مکلف است خارج از نوبت به موضوع رسیدگی و دستور رفع ید و تخلیه و تحویل اماکن و ساختمانهای مذکور را صادر نماید. تبصره ۱ - در مواردی که وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت درمان و آموزش پزشکی و دانشگاهها اماکن و ساختمانها و املاک مورد بحث را با عقدی از عقود لازم در اختیار اشخاص یا موسسات خصوصی قرار داده است طبق مفاد قرارداد عمل می‌نماید. تبصره ۲ - تخلف از این قانون در حکم تصرف غیر قانونی در اموال دولتی است قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره در جلسه روز یکشنبه بیست و نهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و شصت و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۹/۱۲/۱۳۶۸ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون تخلیه واحدهای آموزشی وزارت آموزش و پرورش و مراکز آموزشی دیگر که در اختیار سایر دستگاهها، ارگا

مصوب ۲۰/۹/۱۳۶۷ ماده واحده - کلیه دستگاهها، سازمانها، نهادها، مقامات دولتی و اشخاص متفرقه که زمین و فضاهای آموزشی ساختمانهای اداری خانه‌های سازمانی خانه‌های پیشاهنگی سابق کانون‌های پرورش را در اختیار دارند موظفند ظرف مدت سه ماه از تصویب این قانون اماکن مذکور را تخلیه و تحویل وزارت آموزش و پرورش نمایند. در غیر این صورت بر حسب درخواست

آموزش و پرورش دادسرای عمومی محل موظف است خارج از نوبت و به فوریت رسیدگی و اماکن مورد نظر را تخلیه و تحویل نماید. تخلف از این قانون در حکم تصرف غیر قانونی در اموال دولتی است تبصره ۱- اماکنی که براساس تبصره ماده ۷ قانون تشکیل وزارت جهادسازندگی مصوب ۸/۹/۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی به تصرف و مالکیت جهاد سازندگی در آمده از این قانون مستثنی می‌باشد. تبصره ۲- در مواردی که آموزش و پرورش زمین و فضاهای مورد بحث را با عقدی از عقود لازم در اختیار اشخاص یا موسسات خصوصی قرار داده است طبق مفاد قرارداد عمل می‌نماید. تبصره ۳- در استانها و شهرستانها بنابر تشخیص شورای تامین استان یا شهرستان که مدیر کل و سایر رئیس آموزش و پرورش در آن شرکت می‌نماید، تا رفع نیاز همچنان در اختیار سپاه باقی می‌ماند. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و سه تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیستم آذرماه یکهزار و سیصد و شصت و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۳۰/۹/۱۳۶۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است

قانون تمدید مدت ممنوعیت مقرر در قانون ضرورت عدم تخلیه خوابگاههای دانشجویی مصوب ۱۶/۷/۱۳۶۸

با اصلاحات مصوب ۳/۹/۷۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام ماده واحده - به موجب این قانون مدت ممنوعیت مقرر در قانون ضرورت عدم تخلیه خوابگاههای دانشجویی مصوب ۱۶/۷/۱۳۶۸ به مدت سه سال دیگر تمدید می‌شود. اجاره بها به قیمت کارشناسی روز تعیین و به مالک پرداخت و در بودجه سالانه وزارتخانه‌های مذکور منظور شود. این ممنوعیت شامل اماکنی که از تاریخ - ۱۶/۷/۱۳۷۳ برابر قانون مدنی به اجاره واگذار می‌شود نخواهد بود. تبصره - کمیسیونی مرکب از وزرای دادگستری مسکن و شهرسازی فرهنگ و آموزش عالی بهداشت درمان و آموزش پزشکی و رئیس سازمان برنامه و بودجه موظف است ظرف شش ماه وضعیت خوابگاههای موضوع این قانون و امکانات و اعتبارات دستگاههای ذیربط را بررسی و ساختمانهایی را که تخلیه آنها در کوتاه مدت امکان پذیر است تعیین کرده و روش‌های مناسب جایگزینی ساختمانهای تخلیه شده را به دولت پیشنهاد نماید. دولت ترتیبی اتخاذ می‌کند تا پایان سه سال مذکور در این قانون کلیه خوابگاههای یاد شده در صورت درخواست مالکان آنها تخلیه شود.

آیین‌نامه نحوه پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به مستأجران کم‌درآمد - مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲/۱۱/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۰۲/۱۰۰/۳۶۱۹۶ مورخ ۲۸/۱۰/۱۳۸۴ وزارت مسکن و شهرسازی و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه نحوه پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به مستأجران کم‌درآمد را به شرح زیر تصویب نمود: آیین‌نامه نحوه پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به مستأجران کم‌درآمد ماده ۱- در سال ۱۳۸۴، معادل چهارصد میلیارد ریال از منابع قرض‌الحسنه بانک مسکن و طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸، همه ساله مبلغ هشتصد میلیارد ریال از منابع قرض‌الحسنه کلیه بانکهای کشور در اختیار بانک مسکن قرار گیرد تا توسط بانک مذکور و با رعایت این آیین‌نامه به مستأجران کم‌درآمد شهری پرداخت شود. ماده ۲- متقاضیان واجد شرایط عبارتند از ایثارگران تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران، خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی، سازمان بهزیستی و مستمری‌بگیران و بازنشستگان تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی و صندوقهای بازنشستگی کشوری و لشگری و نیز خانوارهای شاغل جوان و زنان شاغل سرپرست خانوار که مستمری و یا حقوق و مزایای دریافتی آنها از ۵/۱ برابر حداقل حقوق و دستمزد موضوع قانون کار بیشتر نباشد. ماده ۳- مبلغ قرض‌الحسنه متناسب با مساحت و نوع مسکن و حداکثر سی میلیون ریال است که با معرفی و تضمین سازمانها و نهادهای مذکور در ماده (۲) جهت پرداخت ودیعه به متقاضیان اعطا می‌گردد. متقاضیان دریافت قرض‌الحسنه اجاره در شهرهای بزرگ باید در زمان معرفی و به تأیید نهاد معرف، از حداقل ده سال سابقه سکونت در شهر محل تقاضا برخوردار باشند. ماده ۴- نرخ کارمزد تسهیلات موضوع این آیین‌نامه معادل چهاردرصد و مدت بازپرداخت آن پنج سال و به روش تقسیط پلکانی خواهد بود. ماده ۵- بانک

مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است اقدامهای لازم را به منظور افزایش سقف تسهیلات قرض الحسنه به مبلغ سی میلیون ریال فراهم کند. ماده ۶- دستورالعمل اجرایی این آیین نامه ظرف پانزده روز پس از ابلاغ، توسط وزارت مسکن و شهرسازی صادر خواهد شد. ماده ۷- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است اقدامهای لازم را برای ایجاد زمینه اجرای این آیین نامه تا زمان ابلاغ دستورالعمل یادشده معمول و مراتب را به سیستم بانکی ابلاغ کند. معاون اول رئیس جمهور - پرویز داودی

آیین نامه احداث و عرضه مسکن اجاره‌ای - مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲/۱۱/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۰۲/۱۰۰/۳۶۱۹۶ مورخ ۲۸/۱۰/۱۳۸۴ وزارت مسکن و شهرسازی و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آیین نامه احداث و عرضه مسکن اجاره‌ای را به شرح زیر تصویب نمود: ماده ۱- به استناد ماده (۶) قانون تشویق احداث و عرضه واحدهای مسکونی استیجاری - مصوب ۱۳۷۷- سالانه پنجاه هزار واحد مسکونی اجاره‌ای توسط بخش غیردولتی و با استفاده از تسهیلات و حمایت‌های دولت و سیستم بانکی احداث خواهد شد. ماده ۲- واحدهای یادشده باید حداقل به مدت پنج سال به طور اجاره‌ای بهره‌برداری شوند. ماده ۳- واگذاری زمین از طرف دولت با شرایط تخفیف و تقسیط صورت می‌گیرد و در طول پنج سال دوره اجاره، بهای زمین دریافت نمی‌گردد. بعد از اتمام این دوره در صورتی که سازنده بخواهد واحدهای خود را بفروشد، پول زمین به صورت یکجا دریافت و در صورت ادامه اجاره، بهای زمین تقسیط خواهد شد. ماده ۴- تسهیلات به ازای هر واحد در سال اول یکصد و بیست میلیون ریال بوده و از سال دوم متناسب با نرخ تورم افزایش خواهد یافت. دوره بازپرداخت تسهیلات مذکور پانزده سال و روش تقسیط پلکانی می‌باشد. به این تسهیلات سالانه چهار درصد یارانه سود تسهیلات بانکی تعلق می‌گیرد. ماده ۵- بانکها موظفند در اجرای ماده (۹) قانون یادشده و ماده (۱۰) آیین نامه اجرایی آن، نسبت به فروش اقساطی کل تسهیلات پرداختی به سازنده اقدام کنند. ماده ۶- هزینه خدمات انشعاب آب، برق، تلفن، گاز، فاضلاب و صدور پروانه ساخت شامل عوارض احداث و تراکم ساختمان واحدهای مسکونی موضوع این آیین نامه در بافتهای فرسوده شهری و شهرهای جدید با اعمال پنجاه درصد تخفیف محاسبه و دریافت خواهد شد. ماده ۷- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است اعتبار لازم را جهت تأمین مابه‌التفاوت نرخ سود تسهیلات در بودجه‌های سالانه منظور کند. ماده ۸- دستورالعمل اجرایی این آیین نامه ظرف پانزده روز پس از ابلاغ، توسط وزارت مسکن و شهرسازی صادر خواهد شد. ماده ۹- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است اقدامهای لازم را برای ایجاد زمینه اجرای این آیین نامه تا زمان ابلاغ دستورالعمل یادشده معمول و مراتب را به سیستم بانکی ابلاغ کند. معاون اول رئیس جمهور - پرویز داودی

تجارت

قانون تجارت - مصوب ۱۳/۲/۱۳۱۱ با اصلاحات بعدی

باب اول - تجار و معاملات تجاری (م ا تا م ۵)

ماده ۱- تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد. ماده ۲- معاملات تجاری از قرار ذیل است ۱- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از این که تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد. ۲- تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد. ۳- هر قسم عملیات دلالی یا حق‌العمل کاری (کمسیون و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تاسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره ۴- تاسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر این که برای رفع حوائج شخصی نباشد؛ ۵- تصدی به

عملیات حراجی ۶ - تصدی به هر قسم نمایشگاههای عمومی ۷ - هر قسم عملیات صرافی و بانکی ۸ - معاملات برواتی اعم از این که بین تاجر یا غیرتاجر باشد؛ ۹ - عملیات بیمه بحری و غیربحری ۱۰ - کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتی رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجع به آنها؛ ماده ۳ - معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتنی محسوب می شود: ۱ - کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانکها؛ ۲ - کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوایج تجارتنی خود می نماید؛ ۳ - کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتنی ارباب خود می نماید؛ ۴ - کلیه معاملات شرکت های تجارتنی ماده ۴ - معاملات غیرمنقول به هیچ وجه تجارتنی محسوب نمی شود. ماده ۵ - کلیه معاملات تاجر، تجارتنی محسوب است مگر این که ثابت شود معامله مربوط به امور تجارتنی نیست

باب دوم - دفاتر تجارتنی و دفتر ثبت تجارتنی

فصل اول - دفاتر تجارتنی (م ۶ تا م ۱۵)

ماده ۶ - هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظام نامه قائم مقام این دفاتر قرار می دهد داشته باشد: ۱ - دفتر روزنامه ۲ - دفتر کل ۳ - دفتر دارایی؛ ۴ - دفتر کپیه ماده ۷ - دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجارتنی و معاملات راجع به اوراق تجارتنی (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و به طور کلی جمیع واردات و صادرات تجارتنی خود را به هر اسم و رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت میکند در آن دفتر ثبت نماید. ماده ۸ - دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته ای یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر به طور خلاصه ثبت کند. ماده ۹ - دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامع یاز کلیه دارایی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضا نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد. ماده ۱۰ - دفتر کپیه دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید. تبصره - تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود، مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند. ماده ۱۱ - دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثناء دفتر کپیه قبل از آن که در آن چیزی نوشته شده باشد به توسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظام نامه وزارت عدلیه معین میشود) امضاء خواهد شد. برای دفتر کپیه امضاء مزبور لازم نیست، ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهد شد. حق امضاء از قرار هر صد صفحه یا کسور آن دو ریال و به علاوه مشمول ماده (۱۳۵) قانون ثبت اسناد است ماده ۱۲ - دفتری که برای امضاء به متصدی امضاء تسلیم می شود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضاء مکلف است صفحات دفتر را شمرده در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آن را با تصریح به اسم و رسم صاحب دفتر نوشته باقید تاریخ امضاء و دو طرف قیطان را با مهر سربی که وزارت عدلیه برای این مقصود تهیه مینماید منگنه کند. لازم است کلیه اعداد حتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود. ماده ۱۳ - کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود، تراشیدن و حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است و در حاشیه و یا بین سطور نوشتن ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سالی لااقل تا ده سال نگاه دارد. ماده ۱۴ - دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تاجر برای امور تجارتنی خود به کار می برند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تاجر، در امور

تجارتی، سندیت خواهد داشت و در غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود. ماده ۱۵ - تخلف از ماده ۶ و ماده ۱۱ مستلزم دویست تا ده هزار ریال جزای نقدی است این مجازات را محکمه حقوق راسا و بدون تقاضای مدعی العموم می تواند حکم بدهد و اجرای آن مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته که دفتر مرتب ندارد نخواهد بود.

فصل دوم - دفتر ثبت تجاری (م ۱۶ تا م ۱۹)

ماده ۱۶ - در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجاری تاسیس کند، کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثناء کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسانند والا- به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۱۷ - مقررات مربوطه به دفتر ثبت تجاری را وزارت عدلیه با تصریح به موضوعاتی که باید به ثبت برسد به موجب نظام نامه معین خواهد کرد. ماده ۱۸ - شش ماه پس از الزامی شدن ثبت تجاری هر تاجری که مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره به ثبت رسیده والا- علاوه بر مجازات مقرر در فوق به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم می شود. ماده ۱۹ - کسبه جزء مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظام نامه وزارت عدلیه تشخیص می شوند.

باب سوم - شرکتهای تجاری

فصل اول - در اقسام مختلفه شرکتهای و قواعد راجع به آنها (م ۲۰)

اشاره

ماده ۲۰ - شرکتهای تجاری بر هفت قسم است ۱ - شرکت سهامی ۲ - شرکت با مسوولیت محدود؛ ۳ - شرکت تضامنی ۴ - شرکت مختلط غیرسهامی ۵ - شرکت مختلط سهامی ۶ - شرکت نسبی ۷ - شرکت تعاونی تولید و مصرف قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۴/۱۲/۴۷

مبحث اول - شرکتهای سهامی مصوب ۲۶ / ۱ / ۴۸

بخش ۱ - تعریف و تشکیل شرکت سهامی (م ۱ تا م ۲۳)

ماده ۱ - شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسوولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است ماده ۲ - شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می شود ولو این که موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد. ماده ۳ - در شرکت سهامی تعداد شرکا نباید از سه نفر کمتر باشد. ماده ۴ - شرکت سهامی به دو نوع تقسیم می شود: نوع اول شرکتهایی که موسسین آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تامین می کنند. این گونه شرکتهای سهامی عام نامیده می شوند. نوع دوم شرکتهایی که تمام سرمایه آنها در موقع تاسیس منحصر توسط موسسین تامین گردیده است این گونه شرکتهای سهامی خاص نامیده می شوند. تبصره - در شرکتهای سهامی عام عبارت «شرکت سهامی عام و در شرکتهای سهامی خاص عبارت «شرکت سهامی خاص باید قبل از نام شرکت یا بعد از آن بدون فاصله با نام شرکت در کلیه اوراق و اطلاعیه ها و آگهی های شرکت به طور روشن و خوانا قید شود. ماده ۵ - در موقع تاسیس سرمایه شرکتهای سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه

شرکتهای سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد. در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تاسیس به هر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود باید ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام به عمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکتهای مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد و گرنه هر ذینفع می تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. هرگاه قبل از صدور رأی قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود. ماده ۶- برای تاسیس شرکتهای سهامی عام موسسین باید اقلابست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لاقفل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی به نام شرکت در شرف تاسیس نزد یکی از بانکها سپرده سپس اظهارنامه‌ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام که به امضاء کلیه موسسین رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکتهای و در شهرستانها به دایره ثبت شرکتهای و در نقاطی که دایره ثبت شرکتهای وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند. تبصره - هرگاه قسمتی از تعهد موسسین به صورت غیر نقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضمایم آن به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم نمایند. ماده ۷- اظهارنامه مذکور در ماده ۶ باید با قید تاریخ به امضاء کلیه موسسین رسیده و موضوعات زیر مخصوصا در آن ذکر شده باشد: ۱- نام شرکت ۲- هویت کامل و اقامتگاه موسسین ۳- موضوع شرکت ۴- مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک ۵- تعداد سهام با نام و بینام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که سهام ممتاز نیز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این گونه سهام ۶- میزان تعهد هر یک از موسسین و مبلغی که پرداخت کرده‌اند با تعیین شماره حساب و نام بانکی که وجوه پرداختی در آن واریز شده است در مورد آورده غیر نقد تعیین اوصاف و مشخصات و ارزش آن به نحوی که بتوان از کم و کیف آورده غیر نقد اطلاع حاصل نمود؛ ۷- مرکز اصلی شرکت ۸- مدت شرکت ماده ۸- طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضاء موسسین رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد: ۱- نام شرکت ۲- موضوع شرکت به طور صریح و منجز؛ ۳- مدت شرکت ۴- مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن اگر تاسیس شعبه مورد نظر باشد؛ ۵- مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک ۶- تعداد سهام بینام و با نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این گونه سهام ۷- تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود که به هر حال از پنج سال متجاوز نخواهد بود؛ ۸- نحوه انتقال سهام با نام ۹- طریقه تبدیل سهام با نام به سهام بینام و بالعکس ۱۰- در صورت پیش بینی امکان صدور اوراق قرضه ذکر شرایط و ترتیب آن ۱۱- شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت ۱۲- مواقع و ترتیب دعوت مجامع عمومی؛ ۱۳- مقررات راجع به حد نصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها؛ ۱۴- طریقه شور و اخذ رأی و اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی؛ ۱۵- تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت ماموریت آنها و نحوه تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا استعفاء می کنند یا محجور یا معزول یا به جهات قانونی ممنوع می گردند؛ ۱۶- تعیین وظایف و حدود اختیارات مدیران ۱۷- تعداد سهام تضمینی که مدیران باید به صندوق شرکت بسپارند؛ ۱۸- قید این که شرکت یک بازرس خواهد داشت یا بیشتر و نحوه انتخاب و مدت ماموریت بازرس ۱۹- تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه ۲۰- نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن ۲۱- نحوه تغییر اساسنامه ماده ۹- طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکور در ماده ۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱- نام شرکت ۲- موضوع شرکت و نوع فعالیتهایی که شرکت به منظور آن تشکیل می شود؛ ۳- مرکز اصلی شرکت و شعب آن در صورتی که تاسیس شعبه مورد نظر باشد؛ ۴- مدت شرکت ۵- هویت کامل و اقامتگاه و شغل موسسین در صورتی که تمام یا بعضی از موسسین در امور مربوط به موضوع شرکت یا امور مشابه با آن سوابق یا اطلاعات یا تجاری داشته باشند ذکر آن به اختصار؛ ۶- مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک و تعداد و نوع سهام در

مورد سرمایه غیرنقد شرکت تعیین مقدار و مشخصات و اوصاف و ارزش آن به نحوی که بتوان از کم و کیف سرمایه غیرنقد اطلاع حاصل نمود؛ ۷- در صورتی که موسسین مزایایی برای خود در نظر گرفته‌اند تعیین چگونگی و موجبات آن مزایا به تفصیل ۸- تعیین مقداری از سرمایه که موسسین تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده‌اند؛ ۹- ذکر هزینه‌هایی که موسسین تا آن موقع جهت تدارک مقدمات تشکیل شرکت و مطالعاتی که انجام گرفته است پرداخت کرده‌اند و برآورد هزینه‌های لازم تا شروع فعالیت‌های شرکت ۱۰- در صورتی که انجام موضوع شرکت قانونا مستلزم موافقت مراجع خاصی باشد ذکر مشخصات اجازه‌نامه یا موافقت اصولی آن مراجع ۱۱- ذکر حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره‌نویسی باید توسط پذیره‌نویسی تعهد شود و تعیین مبلغی از آن که باید مقارن پذیره‌نویسی نقدا پرداخت گردد؛ ۱۲- ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام‌مورد تعهد باید به آن حساب پرداخت شود و تعیین مهلتی که طی آن اشخاص ذی‌علاقه می‌توانند برای پذیره‌نویسی و پرداخت مبلغ نقدی به بانک مراجعه کنند؛ ۱۳- تصریح به این که اظهارنامه موسسین به انضمام طرح اساسنامه برای مراجعه به علاقه‌مندان به مرجع ثبت شرکتها تسلیم شده است ۱۴- ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه‌بعدی تا تشکیل مجمع عمومی موسس منحصر در آن منتشر خواهد شد. ۱۵- چگونگی تخصیص سهام به پذیره‌نویسان ماده ۱۰- مرجع ثبت شرکتها پس از مطالعه اظهارنامه و ضمایم آن و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی را صادر خواهد نمود. ماده ۱۱- اعلامیه پذیره‌نویسی باید توسط موسسین در جراید آگهی‌گردیده و نیز در بانکی که تعهد سهام نزد آن صورت می‌گیرد در معرض دید علاقه‌مندان قرار داده شود. ماده ۱۲- ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیره‌نویسی معین شده است علاقه‌مندان به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء و مبلغی را که نقدا باید پرداخت شود تادیه و رسید دریافت خواهند کرد. ماده ۱۳- ورقه تعهد سهم باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱- نام و موضوع و مرکز اصلی و مدت شرکت ۲- سرمایه شرکت ۳- شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی و مرجع صدور آن ۴- تعداد سهامی که مورد تعهد واقع میشود و مبلغ اسمی آن و همچنین مبلغی که از آن بابت نقدا در موقع پذیره‌نویسی باید پرداخت شود؛ ۵- نام بانک و شماره حسابی که مبلغ لازم توسط پذیره‌نویسان باید به آن حساب پرداخت شود؛ ۶- هویت و نشانی کامل پذیره‌نویس ۷- قید این که پذیره‌نویس متعهد است مبلغ پرداخت نشده سهام‌مورد تعهد را طبق مقررات اساسنامه شرکت پرداخت نماید. ماده ۱۴- ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم و با قید تاریخ به امضاء پذیره‌نویس یا قائم مقام قانونی او رسیده نسخه اول نزد بانک‌نگاهداری و نسخه دوم با قید رسید وجه و مهر و امضاء بانک به پذیره‌نویس تسلیم می‌شود. تبصره - در صورتی که ورقه تعهد سهم را شخصی برای دیگری امضاء کند هویت و نشانی کامل و سمت امضاءکننده قید و مدرک سمت او اخذ و ضمیمه خواهد شد. ماده ۱۵- امضاء ورقه تعهد سهم به خودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجمع عمومی صاحبان سهام می‌باشد. ماده ۱۶- پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره‌نویسی معین شده است و یا در صورتی که مدت تمدید شده باشد بعد از انقضای مدت تمدیدشده موسسین حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیره‌نویسان رسیدگی و پس از احراز این که تمام سرمایه شرکت صحیحا تعهد گردیده و اقلای و پنج درصد آن پرداخت شده است تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مجمع عمومی موسس را دعوت خواهند نمود. ماده ۱۷- مجمع عمومی موسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل میشود و پس از رسیدگی و احراز پذیره‌نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن اولین مدیران و بازرسان یا بازرسان شرکت را انتخاب میکند. مدیران و بازرسان شرکت باید کتبا قبول سمت نمایند؛ قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازرسان با علم به تکالیف و مسوولیت‌های سمت خود عهده‌دار آن گردیده‌اند. از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب میشود. تبصره - هرگونه دعوت و اطلاعیه برای صاحبان سهام تا تشکیل مجمع عمومی سالانه باید در دو روزنامه کثیرالانتشار منتشر شود یکی از این دو روزنامه به وسیله مجمع عمومی موسس و روزنامه دیگر از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی تعیین میشود. ماده ۱۸- اساسنامه‌ای که به تصویب مجمع عمومی موسس رسیده به ضمیمه صورت جلسه مجمع و اعلامیه

قبولی مدیران و بازرسان جهت ثبت شرکت به مرجع ثبت شرکتها تسلیم خواهد شد. ماده ۱۹ - در صورتی که شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده ۶ این قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هریک از موسسین یا پذیرهنویسان مرجع ثبت شرکتها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهینامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می دارد تا موسسین و پذیرهنویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه‌ای که برای تاسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده موسسین خواهد بود. ماده ۲۰ - برای تاسیس و ثبت شرکتهای سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها کافی خواهد بود: ۱ - اساسنامه شرکت که باید به امضاء کلیه سهامداران رسیده باشد؛ ۲ - اظهارنامه مشعر بر تعهد کلیه سهام و گواهینامه بانکی حاکی از تادیه قسمت نقدی آن که نباید کمتر از سی و پنج درصد کل سهام باشد. اظهارنامه مذکور باید به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. هرگاه تمام یا قسمتی از سرمایه به صورت غیرنقد باشد، باید تمام آن تادیه گردیده و صورت تقویم آن به تفکیک در اظهارنامه منعکس شده باشد و در صورتی که سهام ممتاز وجود داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه منعکس شده باشد؛ ۳ - انتخاب اولین مدیران و بازرسان یا بازرسان شرکت که باید در صورت جلسه‌ای قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد؛ ۴ - قبول سمت مدیریت و بازرسی با رعایت قسمت اخیر ماده ۱۷؛ ۵ - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه آگهی راجع به شرکت تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد؛ تبصره - سایر قیود و شرایطی که در این قانون برای تشکیل و ثبت شرکتهای سهامی عام مقرر است در مورد شرکتهای سهامی خاص لازم‌الرعایه نخواهد بود. ماده ۲۱ - شرکتهای سهامی خاص نمی توانند سهام خود را برای پذیرهنویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانکها عرضه نمایند یا به انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگر این که از مقررات مربوط به شرکتهای سهامی عام به نحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند. ماده ۲۲ - استفاده از وجوه تادیه شده به نام شرکتهای سهامی در شرف تاسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت و یا در مورد مذکور در ماده ۱۹. ماده ۲۳ - موسسین شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که به منظور تاسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می دهند مسوولیت تضامنی دارند.

بخش ۲ - سهام (م ۲۴ نام ۴۲)

ماده ۲۴ - سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می باشد. ورقه سهم سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. تبصره ۱ - سهم ممکن است با نام و یا بی نام باشد. تبصره ۲ - در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایایی قائل شوند این گونه سهام سهام ممتاز نامیده می شود. ماده ۲۵ - اوراق سهام باید متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب بوده و به امضای لااقل دو نفر که به موجب مقررات اساسنامه تعیین می شوند برسد. ماده ۲۶ - در ورقه سهم نکات زیر باید قید شود: ۱ - نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکتها؛ ۲ - مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن ۳ - تعیین نوع سهم ۴ - مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و به اعداد؛ ۵ - تعداد سهامی که هر ورقه نماینده آن است ماده ۲۷ - تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است شرکت باید به صاحبان سهام گواهی نامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد و نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن باشد. این گواهی نامه در حکم سهم است ولی در هر حال ظرف مدت یک سال پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم باید ورقه سهم صادر و به صاحب سهم تسلیم و گواهی نامه موقت سهم مسترد و ابطال گردد. ماده ۲۸ - تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یا گواهی نامه موقت سهم ممنوع است در صورت تخلف، امضاء کنندگان مسوول جبران خسارات اشخاص ثالث خواهند بود. ماده ۲۹ - در شرکتهای سهامی عام مبلغ اسمی هر سهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد. ماده ۳۰ - مادام که تمامی مبلغ

اسمی هر سهم پرداخت نشده صدور ورقه سهم بی نام یا گواهی نامه موقت بی نام ممنوع است به تعهدکننده این گونه سهام گواهی نامه موقت با نام داده خواهد شد که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهام با نام است ماده ۳۱- در مورد صدور گواهی نامه موقت سهم مواد ۲۵ و ۲۶ باید رعایت شود. ماده ۳۲- مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید متساوی باشد. ماده ۳۳- مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود. در غیر این صورت هیات مدیره شرکت باید مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را به منظور تقییل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند و تشکیل دهد و گرنه هر ذی نفع حق خواهد داشت که برای تقییل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند. تبصره- مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض به عمل آید. ماده ۳۴- کسی که تعهد اکتیاع سهمی را نموده مسوول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن می باشد و در صورتی که قبل از تأدیة تمام مبلغ اسمی سهم آن را به دیگری انتقال دهد بعد از انتقال سهم دارنده سهم مسوول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن خواهد بود. ماده ۳۵- در هر موقع که شرکت بخواهد تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام را مطالبه کند باید مراتب را از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن منتشر می شود به صاحبان فعلی سهام اطلاع دهد و مهلت معقول و متناسبی برای پرداخت مبلغ مورد مطالبه مقرر دارد. پس از انقضای چنین مهلتی هر مبلغ که تأدیة نشده باشد نسبت به آن خسارت دیرکرد از قرار نرخ رسمی بهره به علاوه چهار درصد در سال به مبلغ تأدیة نشده علاوه خواهد شد و پس از اخطار از طرف شرکت به صاحب سهم و گذشتن یک ماه اگر مبلغ مورد مطالبه و خسارت تاخیر آن تماما پرداخت نشود شرکت این گونه سهام را در صورتی که در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس و گرنه از طریق مزایده به فروش خواهد رسانید. از حاصل فروش سهم بدوا کلیه هزینه های مترتبه برداشت گردیده و در صورتی که خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سهم (بابت اصل و هزینه ها و خسارت دیرکرد) بیشتر باشد مازاد به وی پرداخت می شود. ماده ۳۶- در مورد ماده ۳۵ آگهی فروش سهم با قید مشخصات سهام مورد مزایده فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر و یک نسخه از آگهی به وسیله پست سفارشی برای صاحب سهم ارسال می شود. هرگاه قبل از تاریخی که برای فروش معین شده است کلیه بدهی های مربوط به سهام اعم از اصل - خسارات - هزینه ها به شرکت پرداخت شود شرکت از فروش سهام خودداری خواهد کرد. در صورت فروش سهام نام صاحب سهم سابق از دفاتر شرکت حذف و اوراق سهام یا گواهی نامه موقت سهام با قید کلمه المثنی به نام خریدار صادر و اوراق سهام یا گواهی نامه موقت سهام قبلی ابطال می شود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی می گردد. ماده ۳۷- دارندگان سهام مذکور در ماده ۳۵ حق حضور و رای در مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت را نخواهند داشت و در احتساب حد نصاب تشکیل مجامع عمومی تعداد این گونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد. بعلاوه حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت و همچنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت به این گونه سهام معلق خواهد ماند. ماده ۳۸- در مورد ماده ۳۷ هرگاه دارندگان سهام قبل از فروش سهام بدهی خود را بابت اصل و خسارات و هزینه ها به شرکت پرداخت کنند مجددا حق حضور و رای در مجامع عمومی را خواهند داشت و می توانند حقوق مالی وابسته به سهام خود را که مشمول مرور زمان نشده باشد مطالبه کنند. ماده ۳۹- سهم بی نام به صورت سند در وجه حامل تنظیم و ملک دارنده آن شناخته می شود مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال این گونه سهام به قبض و اقباض به عمل می آید. گواهی نامه موقت سهام بی نام در حکم سهام بی نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهام بی نام می باشد. ماده ۴۰- انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضاء کند. در موردی که تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است نشانی کامل انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید و به امضای انتقال گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او رسیده و از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم معتبر خواهد بود. هرگونه تغییر

اقامتگاه نیز باید به همان ترتیب به ثبت رسیده و امضاء شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق به عمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است ماده ۴۱- در شرکت‌های سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی‌تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهام بشود. ماده ۴۲- هر شرکت سهامی می‌تواند به موجب اساسنامه و همچنین تا موقعی که شرکت منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام سهام ممتاز ترتیب دهد. امتیازات این گونه سهام و نحوه استفاده از آن باید به طور وضوح تعیین گردد. هر گونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان نصف بعلاوه یک این گونه سهام انجام گیرد.

بخش ۳ - تبدیل سهام (م ۴۳ تا م ۵۰)

ماده ۴۳- هرگاه شرکت بخواهد به موجب مقررات اساسنامه یا بنا به تصمیم مجمع عمومی فوق العاده سهامداران خود سهام بی‌نام شرکت را به سهام با نام و یا آن که سهام با نام را به سهام بی‌نام تبدیل نماید باید بر طبق مواد زیر عمل کند. ماده ۴۴- در مورد تبدیل سهام بی‌نام به سهام با نام باید مراتب در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد سه نوبت هر یک به فاصله پنج روز منتشر و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد به صاحبان سهام داده شود تا برای تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. در آگهی تصریح خواهد شد که پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی‌نام شرکت باطل شده تلقی می‌گردد. ماده ۴۵- سهام بی‌نامی که ظرف مهلت مذکور در ماده ۴۴ برای تبدیل به سهام با نام به مرکز شرکت تسلیم نشده باشد باطل شده محسوب و برابر تعداد آن سهام با نام صادر و توسط شرکت در صورتی که سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس و گرنه از طریق حراج فروخته خواهد شد. آگهی حراج حداکثر تا یک ماه پس از انقضای مهلت شش ماه مذکور فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد منتشر خواهد شد. فاصله بین آگهی و تاریخ حراج حداقل ده روز و حداکثر یک ماه خواهد بود. در صورتی که در تاریخ تعیین شده تمام یا قسمتی از سهام به فروش نرسد حراج تا دو نوبت طبق شرایط مندرج در این ماده تجدید خواهد شد. ماده ۴۶- از حاصل فروش سهامی که بر طبق ماده ۴۵ فروخته می‌شود بدو هزینه‌های مترتبه از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق الزحمه کارگزار بورس کسر و مازاد آن توسط شرکت در حساب بانکی بهره‌دار سپرده می‌شود. در صورتی که ظرف ده سال از تاریخ فروش سهام باطل شده به شرکت مسترد شود مبلغ سپرده و بهره مربوطه به‌دستور شرکت از طرف بانک به مالک سهم پرداخت می‌شود. پس از انقضای ده سال باقی مانده وجوه در حکم مال بلاصاحب بوده و باید از طرف بانک و با اطلاع دادستان شهرستان به خزانه دولت منتقل گردد. تبصره - در مورد مواد ۴۵ و ۴۶ هرگاه پس از تجدید حراج مقداری از سهام به فروش نرسد صاحبان سهام بی‌نام که به شرکت مراجعه می‌کنند به ترتیب مراجعه به شرکت اختیار خواهند داشت از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده به نسبت سهام بی‌نامی که در دست دارند وجه نقد دریافت کنند و یا آن که برابر تعداد سهام بی‌نام خود سهام با نام تحصیل نمایند و این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده هر دو در اختیار شرکت قرار دارد رعایت خواهد شد. ماده ۴۷- برای تبدیل سهام با نام به سهام بی‌نام مراتب فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد منتشر و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد به صاحبان سهام داده می‌شود تا برای تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. پس از انقضای مهلت مذکور برابر تعداد سهامی که تبدیل نشده است سهام بی‌نام صادر و در مرکز شرکت نگاهداری خواهد شد تا هر موقع که دارندگان سهام با نام به شرکت مراجعه کنند سهام با نام آنان اخذ و ابطال و سهام بی‌نام به آنها داده شود. ماده ۴۸- پس از تبدیل کلیه سهام بی‌نام به سهام با نام و یا تبدیل سهام با نام به سهام بی‌نام و یا حسب مورد پس از گذشتن هر یک از مهلت‌های مذکور در مواد ۴۴ و ۴۷ شرکت باید مرجع ثبت شرکتها را از تبدیل سهام خود کتبا مطلع سازد تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسیده

و برای اطلاع عموم آگهی شود. ماده ۴۹- دارندگان سهامی که بر طبق مواد فوق سهام خود را تعویض ننموده باشند نسبت به آن سهام حق حضور و رای در مجامع عمومی صاحبان سهام را نخواهند داشت ماده ۵۰- در مورد تعویض گواهی نامه موقت سهام با اوراق سهام با نام یا بی نام بر طبق مفاد مواد ۴۷ و ۴۹ عمل خواهد شد.

بخش ۴- اوراق قرضه (م ۵۱ تا م ۷۱)

ماده ۵۱- شرکت سهامی عام می تواند تحت شرایط مندرج در این قانون اوراق قرضه منتشر کند. ماده ۵۲- ورقه قرضه ورقه قابل معامله ای است که معرف مبلغی وام است با بهره معین که تمامی آن یا اجزای آن در موعد یا مواعد معینی باید مسترد گردد. برای ورقه قرضه ممکن است علاوه بر بهره حقوق دیگری نیز شناخته شود. ماده ۵۳- دارندگان اوراق قرضه در اداره امور شرکت هیچ گونه دخالتی نداشته و فقط بستانکار شرکت محسوب می شوند. ماده ۵۴- پذیره نویسی و خرید اوراق قرضه عمل تجاری نمی باشد. ماده ۵۵- انتشار اوراق قرضه ممکن نیست مگر وقتی که کلیه سرمایه ثبت شده شرکت تادیه شده و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد. ماده ۵۶- هرگاه انتشار اوراق قرضه در اساسنامه شرکت پیش بینی نشده باشد مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام می تواند بنا به پیشنهاد هیات مدیره انتشار اوراق قرضه را تصویب و شرایط آن را تعیین کند. اساسنامه و یا مجمع عمومی می تواند به هیات مدیره شرکت اجازه دهد که طی مدتی که از دو سال تجاوز نکند یک یا چند بار به انتشار اوراق قرضه مبادرت نماید. تبصره- در هر بار انتشار مبلغ اسمی اوراق قرضه و نیز قطعات اوراق قرضه (در صورت تجزیه باید متساوی باشد. ماده ۵۷- تصمیم راجع به فروش اوراق قرضه و شرایط صدور و انتشار آن باید همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه کتبا به مرجع ثبت شرکتها اعلام شود. مرجع مذکور مفاد تصمیم را ثبت و خلاصه آن را همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه به هزینه شرکت در روزنامه رسمی آگهی خواهد نمود. تبصره- قبل از انجام تشریفات مذکور در ماده فوق هرگونه آگهی برای فروش اوراق قرضه ممنوع است ماده ۵۸- اطلاعیه انتشار اوراق قرضه باید مشتمل بر نکات زیر بوده و توسط دارندگان امضاء مجاز شرکت امضاء شده باشد. ۱- نام شرکت ۲- موضوع شرکت ۳- شماره و تاریخ ثبت شرکت ۴- مرکز اصلی شرکت ۵- مدت شرکت ۶- مبلغ سرمایه شرکت و تصریح به این که کلیه آن پرداخت شده است ۷- در صورتی که شرکت سابقا اوراق قرضه صادر کرده است مبلغ و تعداد و تاریخ صدور آن و تضمیناتی که احتمالا برای بازپرداخت آن در نظر گرفته شده است و همچنین مبالغ بازپرداخت شده آن و در صورتی که اوراق قرضه سابق قابل تبدیل به سهام شرکت بوده باشد مقداری از آن گونه اوراق قرضه که هنوز تبدیل به سهم نشده است ۸- در صورتی که شرکت سابقا اوراق قرضه موسسه دیگری را تضمین کرده باشد مبلغ و مدت و سایر شرایط تضمین مذکور؛ ۹- مبلغ قرضه و مدت آن و همچنین مبلغ اسمی هر ورقه و نرخ بهره ای که به قرضه تعلق می گیرد و ترتیب محاسبه آن و ذکر سایر حقوقی که احتمالا برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است و همچنین موعد یا مواعد و شرایط بازپرداخت اصل و پرداخت بهره و غیره و در صورتی که اوراق قرضه قابل بازخرید باشد شرایط و ترتیب بازخرید؛ ۱۰- تضمیناتی که احتمالا برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است ۱۱- اگر اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت یا قابل تبدیل به سهام شرکت باشد مهلت و سایر شرایط تعویض یا تبدیل ۱۲- خلاصه گزارش وضع مالی شرکت و خلاصه ترازنامه آخرین سال مالی آن که به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده است ماده ۵۹- پس از انتشار آگهی مذکور در ماده ۵۷ شرکت باید تصمیم مجمع عمومی و اطلاعیه انتشار اوراق قرضه را با قید شماره و تاریخ آگهی منتشر شده در روزنامه رسمی و همچنین شماره و تاریخ روزنامه رسمی که آگهی در آن منتشر شده است در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی کند. ماده ۶۰- ورقه قرضه باید شامل نکات زیر بوده و به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام مقرر شده است امضاء بشود: ۱- نام شرکت ۲- شماره و تاریخ ثبت شرکت ۳- مرکز اصلی شرکت ۴- مبلغ سرمایه شرکت ۵-

مدت شرکت ۶- مبلغ اسمی و شماره ترتیب و تاریخ صدور ورقه قرضه ۷- تاریخ و شرایط بازپرداخت قرضه و نیز شرایط بازخرید ورقه قرضه (اگر قابل بازخرید باشد)؛ ۸- تضمیناتی که احتمالاً برای قرضه در نظر گرفته شده است ۹- در صورت قابلیت تعویض اوراق قرضه با سهام شرایط و ترتیباتی که باید برای تعویض رعایت شود با ذکر نام اشخاص یا مؤسساتی که تعهد تعویض اوراق قرضه را کرده‌اند؛ ۱۰- در صورت قابلیت تبدیل ورقه قرضه به سهام شرکت مهلت و شرایط این تبدیل ماده ۶۱- اوراق قرضه ممکن است قابل تعویض با سهام شرکت باشد، در این صورت مجمع عمومی فوق العاده باید بنا به پیشنهاد هیات مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت مقارن اجازه انتشار اوراق قرضه افزایش سرمایه شرکت را اقلاً برابر با مبلغ قرضه تصویب کند. ماده ۶۲- افزایش سرمایه مذکور در ماده ۶۱ قبل از صدور اوراق قرضه باید به وسیله یک یا چند بانک و یا موسسه مالی معتبر پذیره نویسی شده باشد و قراردادی که در موضوع این گونه پذیره نویسی و شرایط آن و تعهد پذیره نویس مبنی بر دادن این گونه سهام به دارندگان اوراق قرضه و سایر شرایط مربوط به آن بین شرکت و این گونه پذیره نویسان منعقد شده است نیز باید به تصویب مجمع عمومی مذکور در ماده ۶۱ برسد و گرنه معتبر نخواهد بود. تبصره - شورای پول و اعتبار شرایط بانکها و مؤسسات مالی را که می‌توانند افزایش سرمایه شرکتها را پذیره نویسی کنند تعیین خواهد نمود. ماده ۶۳- در مورد مواد ۶۱ و ۶۲ حق رجحان سهامداران شرکت در خرید سهام قابل تعویض با اوراق قرضه خود به خود منتفی خواهد بود. ماده ۶۴- شرایط و ترتیب تعویض ورقه قرضه با سهم باید در ورقه قرضه قید شود. تعویض ورقه قرضه با سهم تابع میل و رضایت دارنده ورقه قرضه است دارنده ورقه قرضه در هر موقع قبل از سررسید ورقه می‌تواند تحت شرایط و به ترتیبی که در ورقه قید شده است آن را با سهم شرکت تعویض کند. ماده ۶۵- از تاریخ تصمیم مجمع مذکور در ماده ۶۱ تا انقضای موعده یا مواعید اوراق قرضه شرکت نمی‌تواند اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کند یا سرمایه خود را مستهلک سازد یا آن را از طریق بازخرید سهام کاهش دهد یا اقدام به تقسیم اندوخته کند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهد. کاهش سرمایه شرکت در نتیجه زیانهای وارده که منتهی به تقلیل مبلغ اسمی سهام و یا تقلیل عده سهام بشود شامل سهامی نیز که دارندگان اوراق قرضه در نتیجه تبدیل اوراق خود دریافت می‌دارند می‌گردد و چنین تلقی می‌شود که این گونه دارندگان اوراق قرضه از همان موقع انتشار اوراق مزبور سهامدار شرکت بوده‌اند. ماده ۶۶- از تاریخ تصمیم مجمع مذکور در ماده ۶۱ تا انقضای موعده یا مواعید اوراق قرضه صدور سهام جدید در نتیجه انتقال اندوخته به سرمایه و به طور کلی دادن سهم و یا تخصیص یا پرداخت وجه به سهامداران تحت عناوینی از قبیل جایزه یا منافع انتشار سهام ممنوع خواهد بود مگر آن که حقوق دارندگان اوراق قرضه که متعاقباً اوراق خود را با سهام شرکت تعویض می‌کنند به نسبت سهامی که در نتیجه معاوضه مالک می‌شوند حفظ شود. به منظور فوق شرکت باید تدابیر لازم را اتخاذ کند تا دارندگان اوراق قرضه که متعاقباً اوراق خود را با سهام شرکت تعویض می‌کنند بتوانند به نسبت و تحت همان شرایط حقوق مالی مذکور را استیفا نمایند. ماده ۶۷- سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می‌شود با نام بوده و تا انقضای موعده یا مواعید اوراق قرضه وثیقه تعهد پذیره نویسان در برابر دارندگان اوراق قرضه دایر به تعویض سهام با اوراق مذکور می‌باشد و نزد شرکت نگاهداری خواهد شد. این گونه سهام تا انقضای موعده یا مواعید اوراق قرضه فقط قابل انتقال به دارندگان اوراق مزبور بوده و نقل و انتقال این گونه سهام در دفاتر شرکت ثبت نخواهد شد مگر وقتی که تعویض ورقه قرضه با سهم احراز گردد. ماده ۶۸- سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می‌شود مادام که این تعویض به عمل نیامده است تا انقضای موعده یا مواعید اوراق قرضه قابل تأمین و توقیف نخواهد بود. ماده ۶۹- اوراق قرضه ممکن است قابل تبدیل به سهام شرکت باشد، در این صورت مجمع عمومی فوق العاده ای که اجازه انتشار اوراق قرضه را می‌دهد، شرایط و مهلتی که طی آن دارندگان این گونه اوراق خواهند توانست اوراق خود را به سهام شرکت تبدیل کنند تعیین و اجازه افزایش سرمایه را به هیات مدیره خواهد داد. ماده ۷۰- در مورد ماده ۶۹ هیات مدیره شرکت بر اساس تصمیم مجمع عمومی مذکور در همان ماده در پایان مهلت مقرر معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراق قرضه ای که جهت تبدیل به سهام شرکت عرضه شده

است سرمایه شرکت را افزایش داده و پس از ثبت این افزایش در مرجع ثبت شرکتها، سهام جدید صادر و به دارندگان اوراق مذکور معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراقی که به شرکت تسلیم کرده‌اند سهم خواهد داد. ماده ۷۱- در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم مجمع عمومی باید بنا به پیشنهاد هیات مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت اتخاذ تصمیم نماید و همچنین مواد ۶۳ و ۶۴ در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم نیز باید رعایت شود.

بخش ۵ - مجمع عمومی (م ۷۲ تا م ۱۰۶)

ماده ۷۲- مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می شود. مقررات مربوط به حضور عده لازم برای تشکیل مجمع عمومی و آراء لازم جهت اتخاذ تصمیمات در اساسنامه معین خواهد شد مگر در مواردی که به موجب قانون تکلیف خاص برای آن مقرر شده باشد. ماده ۷۳- مجامع عمومی به ترتیب عبارتند از: ۱- مجمع عمومی موسس ۲- مجمع عمومی عادی؛ ۳- مجمع عمومی فوق العاده ماده ۷۴- وظایف مجمع عمومی موسس به قرار زیر است ۱- رسیدگی به گزارش موسسین و تصویب آن و همچنین احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم ۲- تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن ۳- انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت ۴- تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد. تبصره - گزارش موسسین باید حداقل پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی موسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع تعیین شده است برای مراجعه پذیره نویسان سهام آماده باشد. ماده ۷۵- در مجمع عمومی موسس حضور عده‌ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد مجمع عمومی جدید فقط تا دو نوبت توسط موسسین دعوت می شوند مشروط بر این که لااقل بیست روز قبل از انعقاد آن مجمع آگهی دعوت آن با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشاری که در اعلامیه پذیره نویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لااقل یک سوم سرمایه شرکت در آن حاضر باشند. در هر یک از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت دو ثلث آراء حاضرین اتخاذ شود. در صورتی که در مجمع عمومی یک سوم اکثریت لازم حاضر نشد موسسین عدم تشکیل شرکت را اعلام میدارند. تبصره - در مجمع عمومی موسس کلیه موسسین و پذیره نویسان حق حضور دارند و هر سهم دارای یک رای خواهد بود. ماده ۷۶- هرگاه یک یا چند نفر از موسسین آورده غیرنقد داشته باشند، موسسین باید قبل از اقدام به دعوت مجمع عمومی موسس نظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری را در مورد ارزیابی آورده‌های غیرنقد جلب و آن را جزء گزارش اقدامات خود در اختیار مجمع عمومی موسس بگذارند. در صورتی که موسسین برای خود مزایایی مطالبه کرده باشند باید توجیه آن به ضمیمه گزارش مزبور به مجمع موسس تقدیم شود. ماده ۷۷- گزارش مربوط به ارزیابی آورده‌های غیرنقد و علل و موجبات مزایای مطالبه شده باید در مجمع عمومی موسس مطرح گردد. دارندگان آورده غیرنقد و کسانی که مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده‌اند در موقعی که تقویم آورده غیرنقدی که تعهد کرده‌اند یا مزایای آنها موضوع رای است حق رای ندارند و آن قسمت از سرمایه غیرنقد که موضوع مذاکره و رای است از حیث حد نصاب جزء سرمایه شرکت منظور نخواهد شد. ماده ۷۸- مجمع عمومی نمی تواند آورده‌های غیرنقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است قبول کند. ماده ۷۹- هرگاه آورده غیرنقد یا مزایایی که مطالبه شده است تصویب نگردد دومین جلسه مجمع به فاصله مدتی که از یک ماه تجاوز نخواهد کرد تشکیل خواهد شد و در فاصله دو جلسه اشخاصی که آورده غیرنقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل میتوانند تعهد غیرنقد خود را به تعهد نقد تبدیل و مبالغ لازم را تادیه نمایند و اشخاصی که مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده میتواند بانصراف از آن مزایا در شرکت باقی بمانند. در صورتی که صاحبان آورده غیرنقد و مطالبه کنندگان مزایا به نظر مجمع تسلیم نشوند، تعهد آنها نسبت به

سهام خود باطل شده محسوب میگردد و سایر پذیره نویسان میتوانند به جای آنها سهام شرکت را تعهد و مبالغ لازم را تادیه کنند. ماده ۸۰- در جلسه دوم مجمع عمومی موسس که بر طبق ماده قبل به منظور رسیدگی به وضع آورده‌های غیر نقد و مزایای مطالبه شده تشکیل می گردد باید بیش از نصف پذیره نویسان هر مقدار از سهام شرکت که تعهد شده است حاضر باشند. در آگهی دعوت این جلسه باید نتیجه جلسه قبل و دستور جلسه دوم قید گردد. ماده ۸۱- در صورتی که در جلسه دوم معلوم گردد که در اثر خروج دارندگان آورده غیر نقد و یا مطالبه کنندگان مزایا و عدم تعهد و تادیه سهام آنها از طرف سایر پذیره نویسان قسمتی از سرمایه شرکت تعهد نشده است و به این ترتیب شرکت قابل تشکیل نباشد موسسین باید ظرف ده روز از تاریخ تشکیل آن مجمع مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اطلاع دهند تا مرجع مزبور گواهینامه مذکور در ماده ۱۹ این قانون را صادر کند. ماده ۸۲- در شرکتهای سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی موسس الزامی نیست لیکن جلب نظر کارشناس مذکور در ماده ۷۶ این قانون ضروری است و نمیتوان آورده‌های غیر نقد را به مبلغی بیش از ارزیابی کارشناس قبول نمود. ماده ۸۳- هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصرا در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده میباشد. ماده ۸۴- در مجمع عمومی فوق العاده دارندگان بیش از نصف سهامیکه حق رای دارند باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت و با حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود به شرط آن که در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. ماده ۸۵- تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره به اکثریت دوم سوم آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود. ماده ۸۶- مجمع عمومی عادی می تواند نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی موسس و فوق العاده است تصمیم بگیرد. ماده ۸۷- در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلای بیش از نصف سهامی که حق رای دارند ضروری است اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود. به شرط آن که در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. ماده ۸۸- در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت نصف به علاوه یک آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود. در مورد انتخاب مدیران تعداد آراء هر رای دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می شود و حق رای هر رای دهنده برابر با حاصل ضرب مذکور خواهد بود. رای دهنده می تواند آراء خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند، اساسنامه شرکت نمیتواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد. ماده ۸۹- مجمع عمومی عادی باید سالی یک بار در موقعی که در اساسنامه پیش بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات و دیون شرکت و صورت حساب دوره عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی به گزارش مدیران و بازرسان و سایر امور مربوط به حسابهای سال مالی تشکیل شود. تبصره - بدون قرائت گزارش بازرسان یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود. ماده ۹۰- تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ده درصد از سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است ماده ۹۱- چنانچه هیات مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند بازرسان یا بازرسان شرکت مکلفند راسا اقدام به دعوت مجمع مزبور بنمایند. ماده ۹۲- هیات مدیره و همچنین بازرسان یا بازرسان شرکت می توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را به طور فوق العاده دعوت نمایند. در این صورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود. ماده ۹۳- در هر موقع که مجمع عمومی صاحبان سهام بخواهد در حقوق نوع مخصوصی از سهام شرکت تغییر بدهد تصمیم مجمع قطعی نخواهد بود مگر بعد از آن که دارندگان این گونه سهام در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب کنند و برای آن که تصمیم جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید دارندگان لااقل نصف این گونه سهام در جلسه حاضر باشند و اگر در این دعوت این حد نصاب حاصل نشود

در دعوت دوم حضور دارندگان اقل - یک سوم این گونه سهام کافی خواهد بود. تصمیمات همواره به اکثریت دو سوم آراء معتبر خواهد بود. ماده ۹۴ - هیچ مجمع عمومی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و یا هیچ اکثریتی نمی تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید. ماده ۹۵ - سهامدارانی که اقلای یک پنجم سهام شرکت را مالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیات مدیره خواستار شوند و هیات مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند در غیر این صورت درخواست کنندگان می توانند دعوت مجمع را از بازرسان یا بازرسان شرکت خواستار شوند و بازرسان یا بازرسان مکلف خواهند بود که با رعایت تشریفات مقرر مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نمایند و اگر نه آن گونه صاحبان سهام حق خواهند داشت مستقیماً به دعوت مجمع اقدام کنند به شرط آن که کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت به عدم اجابت درخواست خود توسط هیات مدیره و بازرسان تصریح نمایند. ماده ۹۶ - در مورد ماده ۹۵ دستور مجمع منحصرأ موضوعی خواهد بود که در تقاضانامه ذکر شده است و هیات رئیسه مجمع از بین صاحبان سهام انتخاب خواهند شد. ماده ۹۷ - در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای مربوط به شرکت در آن نشر می گردد به عمل آید. هر یک از مجامع عمومی سالیانه باید روزنامه کثیرالانتشاری را که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه بعد در آن منتشر خواهد شد تعیین نمایند. این تصمیم باید در روزنامه کثیرالانتشاری که تا تاریخ چنین تصمیمی جهت نشر دعوت نامه ها و اطلاعیه های مربوط به شرکت قبلاً تعیین شده منتشر گردد. تبصره - در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست ماده ۹۸ - فاصله بین نشر دعوت نامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن حداقل ده روز و حداکثر چهل روز خواهد بود. ماده ۹۹ - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر صاحب سهمی که مایل به حضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا تصدیق موقت سهم متعلق به خود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند. فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورود دریافت کرده باشند. از حاضرین در مجمع صورتی ترتیب داده خواهد شد که در آن هویت کامل و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آرای هر یک از حاضرین قید و به امضای آنان خواهد رسید. ماده ۱۰۰ - در آگهی دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع با قید ساعت و نشانی کامل باید قید شود. ماده ۱۰۱ - مجامع عمومی توسط هیات رئیسه ای مرکب از یک رئیس و یک منشی و دو ناظر اداره میشود. در صورتی که ترتیب دیگریدر اساسنامه پیش بینی نشده باشد ریاست مجمع با رئیس هیات مدیره خواهد بود مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزو دستور جلسه مجمع باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه به اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد. ناظران از بین صاحبان سهام انتخاب خواهند شد ولی منشی جلسه ممکن است صاحب سهم نباشد. ماده ۱۰۲ - در کلیه مجامع عمومی حضور وکیل یا قائم مقام قانونی صاحب سهم و همچنین حضور نماینده یا نمایندگان شخصیت حقوقی به شرط ارائه مدرک وکالت یا نمایندگی به منزله حضور خود صاحب سهم است ماده ۱۰۳ - در کلیه مواردی که در این قانون اکثریت آراء در مجامع عمومی ذکر شده است مراد اکثریت آراء حاضرین در جلسه است ماده ۱۰۴ - هرگاه در مجمع عمومی تمام موضوعات مندرج در دستور مجمع مورد اخذ تصمیم واقع نشود هیات رئیسه مجمع با تصویب مجمع می تواند اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند، تمدید جلسه محتاج به دعوت و آگهی مجدد نیست و در جلسات بعد مجمع با همان حد نصاب جلسه اول رسمیت خواهد داشت ماده ۱۰۵ - از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورت جلسه ای توسط منشی ترتیب داده میشود که به امضاء هیات رئیسه مجمع رسیده و یک نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد. ماده ۱۰۶ - در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی متضمن یکی از امور ذیل باشد یک نسخه از صورت جلسه مجمع باید جهت ثبت به مرجع ثبت شرکتها ارسال گردد: ۱ - انتخاب مدیران و بازرسان یا بازرسان ۲ - تصویب ترازنامه ۳ - کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر در

اساسنامه ۴ - انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن

بخش ۶ - هیأت مدیره (م ۱۰۷ تا م ۱۴۳)

ماده ۱۰۷ - شرکت سهامی به وسیله هیأت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد. ماده ۱۰۸ - مدیران شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می‌شوند. ماده ۱۰۹ - مدت مدیریت مدیران در اساسنامه معین می‌شود لیکن این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد. انتخاب مجدد مدیران بلامانع است ماده ۱۱۰ - اشخاص حقوقی را می‌توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود. در این صورت شخص حقوقی همان مسوولیت‌های مدنی شخص حقیقی عضو هیأت مدیره را داشته و باید یک نفر رابه نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید. چنین نماینده‌ای مشمول همان شرایط و تعهدات و مسوولیت های مدنی و جزائی عضو هیأت مدیره بوده از جهت مدنی با شخص حقوقی که او را به نمایندگی تعیین نموده است مسوولیت تضامنی خواهد داشت شخص حقوقی عضو هیأت مدیره می‌تواند نماینده خود را عزل کند به شرط آن که در همان موقع جانشین او را کتبا به شرکت معرفی نماید و گرنه غایب محسوب می‌شود. ماده ۱۱۱ - اشخاص ذیل نمی‌توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند: ۱ - محجورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است ۲ - کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت سرفت خیانت در امانت کلاهبرداری جنحه‌هایی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است، اختلاس تدلیس تصرف غیرقانونی در اموال عمومی تبصره - دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذی‌نفع حکم عزل هر مدیری را که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفاد این ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود. ماده ۱۱۲ - در صورتی که بر اثر فوت یا استعفا یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران تعداد اعضای هیأت مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود اعضای علی‌البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه والا - به ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آن را خواهند گرفت و در صورتی که عضو علی‌البدل تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضای علی‌البدل کافی برای تصدی محل‌های خالی در هیأت مدیره نباشد مدیران باقی مانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت را جهت تکمیل اعضای هیأت مدیره دعوت نمایند. ماده ۱۱۳ - در مورد ماده ۱۱۲ هرگاه هیأت مدیره حسب مورد از دعوت مجمع عمومی برای انتخاب مدیری که سمت او بلامتصدی مانده خودداری کند هر ذی‌نفع حق دارد از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد که به دعوت مجمع عمومی عادی جهت تکمیل عده مدیران بارعایت تشریفات لازم اقدام کنند و بازرس یا بازرسان مکلف به انجام چنین درخواستی می‌باشند. ماده ۱۱۴ - مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که به موجب اساسنامه جهت دادن رای در مجامع عمومی لازم است کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفرداً یا مشترکاً بر شرکت وارد شود. سهام مذکور با اسم بوده و قابل انتقال نیست و مادام که مدیری مفاسد حساب دوره تصدی خود در شرکت را دریافت نداشته است سهام مذکور در صندوق شرکت به عنوان وثیقه باقی خواهد ماند. ماده ۱۱۵ - در صورتی که مدیری در هنگام انتخاب مالک تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه نباشد و همچنین در صورت انتقال قهری سهام مورد وثیقه و یا افزایش یافتن تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه مدیر باید ظرف مدت یک ماه تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه را تهیه و به صندوق شرکت بسپارد و گرنه مستعفی محسوب می‌شود. ماده ۱۱۶ - تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت به منزله مفاسد حساب مدیران برای همان دوره مالی می‌باشد و پس از تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان دوره مالی که طی آن مدت مدیریت مدیران منقضی یا به هر نحو دیگری از آنان سلب سمت شده است سهام مورد وثیقه این گونه مدیران خود به خود از قید وثیقه آزاد خواهد شد. ماده

۱۱۷- بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند هرگونه تخلفی از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت در مورد سهام وثیقه مشاهده کنند به مجمع عمومی عادی گزارش دهند. ماده ۱۱۸- جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجمع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند مشروط بر آن که تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجمع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است ماده ۱۱۹- هیات مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیات یک‌رئیس و یک نایب رئیس که باید شخص حقیقی باشند برای هیات مدیره تعیین می‌نماید. مدت ریاست رئیس و نیابت نایب رئیس هیات مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیات مدیره نخواهد بود. هیات مدیره در هر موقع می‌تواند رئیس و نایب رئیس هیات مدیره را از سمتهای مذکور عزل کند. هر تریبی خلاف این ماده مقرر شود کان لم یکن خواهد بود. تبصره ۱- از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که به‌عنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیات مدیره معرفی شده باشد در حکم عضو هیات مدیره تلقی خواهد شد. تبصره ۲- هرگاه رئیس هیات مدیره موقتاً نتواند وظایف خود را انجام دهد وظایف او را نایب رئیس هیات مدیره انجام خواهد داد. ماده ۱۲۰- رئیس هیات مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیات مدیره موظف است که مجمع عمومی صاحبان سهام را در مواردی که هیات مدیره مکلف به دعوت آنها می‌باشد دعوت نماید. ماده ۱۲۱- برای تشکیل جلسات هیات مدیره حضور بیش از نصف‌اعضاء هیات مدیره لازم است تصمیمات باید با اکثریت آراء حاضرین اتخاذ گردد مگر آن که در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شده باشد. ماده ۱۲۲- ترتیب دعوت و تشکیل جلسات هیات مدیره را اساسنامه تعیین خواهد کرد. ولی در هر حال عده‌ای از مدیران که اقلاً یک سوم‌اعضاء هیات مدیره را تشکیل دهند می‌توانند در صورتی که از تاریخ تشکیل آخرین جلسه هیات مدیره حداقل یک ماه گذشته باشد با ذکر دستور جلسه هیات مدیره را دعوت نمایند. ماده ۱۲۳- برای هر یک از جلسات هیات مدیره باید صورت‌جلسه‌ای تنظیم و لااقل به امضای اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد. در صورت جلسه هیات مدیره نام مدیرانی که حضور دارند یا غایب می‌باشند و خلاصه‌ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات متخذه در جلسه با قید تاریخ در آن ذکر می‌گردد. هر یک از مدیران که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورت‌جلسه مخالف باشد نظر او باید در صورت جلسه قید شود. ماده ۱۲۴- هیات مدیره باید اقلاً یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق‌الزحمه او را تعیین کند. در صورتی که مدیرعامل عضو هیات مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیات مدیره بیشتر نخواهد بود. مدیرعامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رئیس هیات مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی تبصره- هیات مدیره در هر موقع می‌تواند مدیرعامل را عزل نماید. ماده ۱۲۵- مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیات مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد. ماده ۱۲۶- اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ نمی‌توانند به مدیریت عامل شرکت انتخاب شوند و همچنین هیچ‌کس نمی‌تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیرعاملی که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسوولیت‌های سمت مدیریت عامل شامل حال او خواهد شد. ماده ۱۲۷- هر کس برخلاف ماده ۱۲۶ به مدیریت عامل انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول ماده مذکور گردد دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل او را صادر خواهد کرد و چنین حکمی قطعی خواهد بود. ماده ۱۲۸- نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیرعامل باید با ارسال نسخه‌ای از صورت‌جلسه هیات مدیره به مرجع ثبت شرکتها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود. ماده ۱۲۹- اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین موسسات و شرکتهایی که اعضای هیات مدیره و یا مدیرعامل شرکت شریک یا عضو هیات مدیره یا مدیرعامل آنها باشند نمی‌توانند بدون اجازه هیات مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم طرف

معامله واقع و یا سهم شونند و در صورت اجازه نیز هیات مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله‌ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله‌ای به همان مجمع تقدیم کند. عضو هیات مدیره یا مدیرعامل ذی نفع در معامله در جلسه هیات مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور حق رای نخواهد داشت ماده ۱۳۰ - معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آن که توسط مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد جبران خسارت بر عهده هیات مدیره و مدیرعامل یا مدیران ذی نفع و مدیرانی است که اجازه آن معامله را داده‌اند که همگی آنها متضامنا مسؤول جبران خسارت وارده به شرکت می‌باشند. ماده ۱۳۱ - در صورتی که معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ این قانون بدون اجازه هیات مدیره صورت گرفته باشد هر گاه مجمع عمومی عادی شرکت آنها را تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می‌تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتی که معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن بطلان معامله را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. لیکن در هر حال مسوولیت مدیر و مدیران و یا مدیرعامل ذی نفع در مقابل شرکت باقی خواهد بود. تصمیم به درخواست بطلان معامله با مجمع عمومی عادی صاحبان سهام است که پس از استماع گزارش بازرس مشعر بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله در این مورد رای خواهد داد. مدیر یا مدیرعامل ذی نفع در معامله حق شرکت در رای نخواهد داشت مجمع عمومی مذکور در این ماده به دعوت هیات مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد. ماده ۱۳۲ - مدیرعامل شرکت و اعضاء هیات مدیره به استثناء اشخاص حقوقی حق ندارند هیچ گونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی‌تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. این گونه عملیات به خودی خود باطل است در مورد بانکها و شرکتهای مالی و اعتباری معاملات مذکور در این ماده به شرط آن که تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر خواهد بود. ممنوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیات مدیره در جلسات هیات مدیره شرکت می‌کنند و همچنین شامل همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاد اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می‌باشد. ماده ۱۳۳ - مدیران و مدیرعامل نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. هر مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد مسؤول جبران آن خواهد بود. منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت یا تفویت منفعت ماده ۱۳۴ - مجمع عمومی عادی صاحبان سهام می‌تواند با توجه به ساعات حضور اعضاء غیر موظف هیات مدیره در جلسات هیات مدیره مزبور پرداخت مبلغی را به آنها به طور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات تصویب کند. مجمع عمومی این مبلغ را با توجه به تعداد ساعات و اوقاتی که هر عضو هیات مدیره در جلسات هیات حضور داشته است تعیین خواهد کرد. همچنین در صورتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد مجمع عمومی می‌تواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت به عنوان پاداش به اعضاء هیات مدیره تخصیص داده شود. اعضاء غیر موظف هیات مدیره حق ندارند بجز آنچه در این ماده پیش‌بینی شده است در قبال سمت مدیریت خود به طور مستمر یا غیر مستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند. ماده ۱۳۵ - کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست ماده ۱۳۶ - در صورت انقضای مدت مأموریت مدیران تا زمان انتخاب مدیران جدید مدیران سابق کماکان مسؤول امور شرکت و اداره آن خواهند بود. هر گاه مراجع موظف به دعوت مجمع عمومی به وظیفه خود عمل نکنند هر ذی نفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکتها دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا نماید. ماده ۱۳۷ - هیات مدیره باید لااقل هر شش ماه یک بار خلاصه صورت‌داری و قروض شرکت را تنظیم کرده به بازرسان بدهد. ماده ۱۳۸ - هیات مدیره موظف است بعد از

انقضای سال مالی شرکت طرف مهلتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است مجمع عمومی سالیانه را برای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید. ماده ۱۳۹ - هر صاحب سهم می‌تواند از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی در مرکز شرکت به صورت حسابها مراجعه کرده و از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان رونوشت بگیرد. ماده ۱۴۰ - هیات مدیره مکلف است هر سال یک بیستم از سود خالص شرکت را به‌عنوان اندوخته قانونی موضوع نماید. همین که اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه شرکت رسید موضوع کردن آن اختیاری است و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش یابد کسر یک بیستم مذکور ادامه خواهد یافت تا وقتی که اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه بالغ گردد. ماده ۱۴۱ - اگر بر اثر زیانهای وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان‌برود هیات مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رای واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رای به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده ۶ این قانون سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در صورتی که هیات مدیره برخلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی که دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. ماده ۱۴۲ - مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد، منفردا یا مشترکا مسؤول می‌باشند و دادگاه حدود مسوولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود. ماده ۱۴۳ - در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تادیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیتدار می‌تواند به تقاضای هر ذی‌نفع هر یک از مدیران و یا مدیرعاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به‌نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است منفردا یا متضامنا به تادیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نماید.

بخش ۷ - بازرسان (م ۱۴۴ تا م ۱۵۶)

ماده ۱۴۴ - مجمع عمومی عادی در هر سال یک یا چند بازرس انتخاب می‌کند تا بر طبق این قانون به وظایف خود عمل کنند. انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان بلامانع است مجمع عمومی عادی در هر موقع می‌تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند به شرط آن که جانشین آنها را نیز انتخاب نماید. تبصره - در حوزه‌هایی که وزارت اقتصاد اعلام می‌کند وظایف بازرسی شرکتها را در شرکتهای سهامی عام اشخاصی می‌توانند ایفا کنند که نام آنها در فهرست رسمی بازرسان شرکتها درج شده باشد. شرایط تنظیم فهرست و احراز صلاحیت بازرسی در شرکتهای سهامی عام و درج نام اشخاص صلاحیتدار در فهرست مذکور و مقررات و تشکیلات شغلی بازرسان تابع آیین‌نامه‌ای می‌باشد که به پیشنهاد وزارت اقتصاد و تصویب کمیسیونهای اقتصاد مجلسین قابل اجرا خواهد بود. ماده ۱۴۵ - انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکتهای سهامی عام در مجمع عمومی موسس و انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکتهای سهامی خاص طبق ماده ۲۰ این قانون به عمل خواهد آمد. ماده ۱۴۶ - مجمع عمومی عادی باید یک یا چند بازرس علی‌البدل نیز انتخاب کند تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفاء یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرس یا بازرسان اصلی جهت انجام وظایف بازرسی دعوت شوند. ماده ۱۴۷ - اشخاص زیر نمی‌توانند به سمت بازرسی شرکت سهامی انتخاب شوند: ۱ - اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ این قانون ۲ - مدیران و مدیرعامل شرکت ۳ - اقرای سببی و نسبی مدیران و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم ۴ - هر کس که خود یا همسرش از اشخاص مذکور در بند ۲ موظفا حقوق دریافت می‌دارد. ماده ۱۴۸ - بازرس یا بازرسان علاوه بر وظایفی که در سایر مواد این قانون برای آنان مقرر شده است مکلفند درباره صحت و درستی صورت‌داری و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می‌کنند و

همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجامع عمومی گذاشته‌اند اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است به طور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را از آن آگاه سازند. ماده ۱۴۹ - بازرس یا بازرسان می‌توانند در هر موقع هر گونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند. بازرس یا بازرسان می‌توانند به مسوولیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند به شرط آن که آنها را قبلاً به شرکت معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردی که بازرس تعیین می‌کند مانند خود بازرس حق هر گونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت ماده ۱۵۰ - بازرس یا بازرسان موظفند با توجه به ماده ۱۴۸ این قانون گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند. گزارش بازرسان باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد. تبصره - در صورتی که شرکت بازرسان متعدد داشته باشد هر یک می‌تواند به تنهایی وظایف خود را انجام دهد لیکن کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظر بین بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید خواهد شد. ماده ۱۵۱ - بازرس یا بازرسان باید هر گونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید به مرجع قضائی صلاحیتدار اعلام نموده و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهند. ماده ۱۵۲ - در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس یا بر اساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ این قانون به عنوان بازرس تعیین شده‌اند صورت دارایی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد این تصویب به هیچ وجه اثر قانونی نداشته از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. ماده ۱۵۳ - در صورتی که مجمع عمومی بازرس معین نکرده باشد یا یک یا چند نفر از بازرسان به عللی نتوانند گزارش بدهند یا از دادن گزارش امتناع کنند رئیس دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذی نفع بازرس یا بازرسان را به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب خواهد کرد تا وظایف مربوط را تا انتخاب بازرس به وسیله مجمع عمومی انجام دهند. تصمیم رئیس دادگاه شهرستان در این مورد غیر قابل شکایت است ماده ۱۵۴ - بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می‌شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسوولیت مدنی مسوول جبران خسارت وارده خواهند بود. ماده ۱۵۵ - تعیین حق الزحمه بازرس با مجمع عمومی عادی است ماده ۱۵۶ - بازرس نمی‌تواند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌گیرد به طور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شود.

بخش ۸ - تغییرات در سرمایه شرکت (م ۱۵۷ تا م ۱۹۸)

ماده ۱۵۷ - سرمایه شرکت را می‌توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد. ماده ۱۵۸ - تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به یکی از طرق زیر امکان پذیر است ۱ - پرداخت مبلغ اسمی سهم به نقد؛ ۲ - تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سهام جدید؛ ۳ - انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت ۴ - تبدیل اوراق قرضه به سهام تبصره ۱ - فقط در شرکت سهامی خاص تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقد نیز مجاز است تبصره ۲ - انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع است ماده ۱۵۹ - افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نخواهد بود مگر آن که کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند. ماده ۱۶۰ - شرکت می‌تواند سهام جدید را برابر مبلغ اسمی بفروشد یا این که مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهم به عنوان اضافه ارزش سهم از خریداران دریافت کند. شرکت می‌تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهام فروخته شده را به اندوخته منتقل سازد یا

نقدا بین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا در ازای آن سهام جدید به صاحبان سهام سابق بدهد. ماده ۱۶۱ - مجمع عمومی فوق العاده به پیشنهاد هیات مدیره پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مورد افزایش سرمایه شرکت اتخاذ تصمیم می کند. تبصره ۱ - مجمع عمومی فوق العاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم می کند شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تادیه قیمت آن را تعیین یا اختیار تعیین آن را به هیات مدیره واگذار خواهد کرد. تبصره ۲ - پیشنهاد هیات مدیره راجع به افزایش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد. گزارش بازرس یا بازرسان باید شامل اظهارنظر درباره پیشنهاد هیات مدیره باشد. ماده ۱۶۲ - مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیات مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد. ماده ۱۶۳ - هیات مدیره در هر حال مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه حداکثر ظرف یک ماه مراتب را ضمن اصلاح اساسنامه در قسمت مربوط به مقدار سرمایه ثبت شده شرکت به مرجع ثبت شرکتها اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود. ماده ۱۶۴ - اساسنامه شرکت نمی تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیات مدیره باشد. ماده ۱۶۵ - مادام که سرمایه قبلی شرکت تماماً تادیه نشده است افزایش سرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود. ماده ۱۶۶ - در خرید سهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالکند حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است مهلتی که طی آن سهامداران می توانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند کمتر از شصت روز نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای پذیره نویسی تعیین می گردد شروع می شود. ماده ۱۶۷ - مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را از طریق فروش سهام جدید تصویب می کند یا اجازه آن را به هیات مدیره می دهد می تواند حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید از آنان سلب کند به شرط آنکه چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیات مدیره و گزارش بازرس یا بازرسان شرکت اتخاذ گردد و گرنه باطل خواهد بود. تبصره - گزارش هیات مدیره مذکور در این ماده باید مشتمل بر توجیه لزوم افزایش سرمایه و سلب حق تقدم از سهامداران و معرفی شخص یا اشخاصی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است و تعداد و قیمت این گونه سهام و عواملی که در تعیین قیمت در نظر گرفته شده است باشد. گزارش بازرس یا بازرسان باید حاکی از تأیید عوامل و جهاتی باشد که در گزارش هیات مدیره ذکر شده است ماده ۱۶۸ - در مورد ماده ۱۶۷ چنانچه سلب حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید از بعضی از صاحبان سهام به نفع بعضی دیگر انجام می گیرد سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است حق ندارند در اخذ رأی درباره سلب حق تقدم سایر سهامداران شرکت کنند. در احتساب حد نصاب رسمیت جلسه و اکثریت لازم جهت معتبر بودن تصمیمات مجمع عمومی سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است به حساب نخواهد آمد. ماده ۱۶۹ - در شرکتهای سهامی خاص پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید مراتب از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای مربوط به شرکت در آن نشر می گردد به اطلاع صاحبان سهام برسد. در این آگهی باید اطلاعات مربوط به مبلغ افزایش سرمایه و مبلغ اسمی سهام جدید و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم و تعداد سهامی که هر صاحب سهم به نسبت سهام خود حق تقدم در خرید آنها را دارد و مهلت پذیره نویسی و نحوه پرداخت ذکر شود. در صورتی که برای سهام جدید شرایط خاصی در نظر گرفته شده باشد چگونگی این شرایط در آگهی قید خواهد شد. ماده ۱۷۰ - در شرکتهای سهامی عام پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید آگهی به نحو مذکور در ماده ۱۶۹ منتشر و در آن قید شود که صاحبان سهام بی نام برای دریافت گواهی نامه حق خرید سهامی که حق تقدم در خرید آن را دارند ظرف مهلت معین که نباید کمتر از بیست روز باشد به مراکزی که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید شده است مراجعه کنند. برای صاحبان سهام با نام گواهی نامه های حق خرید باید توسط

پست سفارشی ارسال گردد. ماده ۱۷۱ - گواهی نامه حق خرید سهم مذکور در ماده فوق باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - نام و شماره ثبت مرکز اصلی شرکت ۲ - مبلغ سرمایه فعلی و همچنین مبلغ افزایش سرمایه شرکت ۳ - تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهی نامه حق خرید آن را دارد با ذکر مبلغ اسمی سهم و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش آن ۴ - نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود؛ ۵ - مهلتی که طی آن دارنده گواهی نامه می‌تواند از حق خرید مندرج در گواهی نامه استفاده کند؛ ۶ - هرگونه شرایط دیگری که برای پذیره‌نویسی مقرر شده باشد. تبصره - گواهی نامه حق خرید سهم باید به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرر است به امضاء برسد. ماده ۱۷۲ - در صورتی که حق تقدم در پذیره‌نویسی سهام جدید از صاحبان سهام سلب شده باشد یا صاحبان سهام از حق تقدم خود ظرف مهلت مقرر استفاده نکنند حسب مورد تمام یا باقی مانده سهام جدید عرضه و به متقاضیان فروخته خواهد شد. ماده ۱۷۳ - شرکتهای سهامی عام باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیره‌نویسی عمومی ابتدا طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید را به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم و رسید دریافت کنند. ماده ۱۷۴ - طرح اعلامیه پذیره‌نویسی مذکور در ماده ۱۷۳ باید به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - نام و شماره ثبت شرکت ۲ - موضوع شرکت و نوع فعالیت‌های آن ۳ - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن ۴ - در صورتی که شرکت برای مدتی محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن ۵ - مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه ۶ - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد، تعداد و امتیازات آن ۷ - هویت کامل اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل شرکت ۸ - شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی ۹ - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته و تقسیم دارایی بعد از تصفیه ۱۰ - مبلغ و تعداد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم که شرکت منتشر کرده است و مهلت و شرایط تبدیل اوراق قرضه به سهم ۱۱ - مبلغ بازپرداخت نشده انواع دیگر اوراق قرضه‌ای که شرکت منتشر کرده است و تضمینات مربوط به آن ۱۲ - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است ۱۳ - مبلغ افزایش سرمایه ۱۴ - تعداد و نوع سهام جدیدی که صاحبان سهام با استفاده از حق تقدم خود تعهد کرده‌اند؛ ۱۵ - تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیره‌نویسی ۱۶ - مبلغ اسمی و نوع سهامی که باید تعهد شود و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم ۱۷ - حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره‌نویسی باید تعهد شود؛ ۱۸ - نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود؛ ۱۹ - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهیهای شرکت در آن نشر می‌شود؛ ماده ۱۷۵ - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است باید به ضمیمه طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم گردد و در صورتی که شرکت تا آن موقع ترازنامه و حساب سود و زیان تنظیم نکرده باشد این نکته باید در طرح اعلامیه پذیره‌نویسی قید شود. ماده ۱۷۶ - مرجع ثبت شرکتهای پس از وصول طرح اعلامیه پذیره‌نویسی و ضمایم آن و تطبیق مندرجات آنها با مقررات قانونی اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود. ماده ۱۷۷ - اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای شرکت در آن نشر می‌گردد اقلاً در دو روزنامه کثیرالانتشار دیگر آگهی شود و نیز در بانکی که تعهد سهام در نزد آن به عمل می‌آید در معرض دید علاقه‌مندان قرار داده شود. در اعلامیه پذیره‌نویسی باید قید شود که آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است در نزد مرجع ثبت شرکتهای و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقه‌مندان آماده است ماده ۱۷۸ - خریداران ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید معین شده است و نباید از دو ماه کمتر باشد به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء کرده و مبلغی را که باید پرداخته شود تادیه و رسید دریافت خواهند کرد. ماده ۱۷۹ - پذیره‌نویسی سهام جدید به موجب ورقه تعهد خرید سهم که باید شامل نکات زیر باشد بعمل خواهد آمد: ۱ - نام و موضوع و مرکز اصلی و شماره ثبت شرکت ۲ - سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه ۳ - مبلغ افزایش سرمایه ۴ - شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید و مرجع صدور آن ۵ - تعداد و نوع سهامی که مورد تعهد واقع

می‌شود و مبلغ اسمی آن ۶ - نام بانک و شماره حسابی که بهای سهم در آن پرداخته می‌شود؛ ۷ - هويت و نشانی کامل پذیرهنویس ماده ۱۸۰ - مقررات مواد ۱۴ و ۱۵ این قانون در مورد تعهد خرید سهم جدید نیز حاکم است ماده ۱۸۱ - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیرهنویسی معین شده است و در صورت تمدید بعد از انقضای مدت تمدید شده هیات مدیره حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیرهنویسان رسیدگی کرده و تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مراتب را جهت ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکتها اطلاع خواهد داد. هرگاه پس از رسیدگی به اوراق پذیرهنویسی مقدار سهام خریداری شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد هیات مدیره مکلف است ضمن تعیین تعداد سهام هر خریدار دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری شده را به بانک مربوط بدهد. ماده ۱۸۲ - هرگاه افزایش سرمایه شرکت تا نه ماه از تاریخ تسلیم طرح اعلامیه پذیرهنویسی مذکور در ماده ۱۷۴ به مرجع ثبت شرکتها به ثبت نرسد به درخواست هر یک از پذیرهنویسان سهام جدید مرجع ثبت شرکت که طرح اعلامیه پذیرهنویسی به آن تسلیم شده است گواهی نامه‌ای حاکی از عدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می‌دارد تا اشخاصی که سهام جدید را پذیرهنویسی کرده‌اند به بانک مراجعه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه‌ای که برای افزایش سرمایه شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده شرکت قرار می‌گیرد. ماده ۱۸۳ - برای ثبت افزایش سرمایه شرکتها سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها کافی خواهد بود: ۱ - صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را تصویب نموده یا اجازه آن را به هیات مدیره داده است و در صورت اخیر صورت جلسه هیات مدیره که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرار داده است ۲ - یک نسخه از روزنامه‌ای که آگهی مذکور در ماده ۱۶۹ این قانون در آن نشر گردیده است ۳ - اظهارنامه مشعر بر فروش کلیه سهام جدید و در صورتی که سهام جدید امتیازاتی داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه قید شود؛ ۴ - در صورتی که قسمتی از افزایش سرمایه به صورت غیر نقد باشد باید تمام قسمت غیر نقد تحویل گردیده و با رعایت ماده ۸۲ این قانون به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده باشد. مجمع عمومی فوق العاده در این مورد با حضور صاحبان سهام شرکت و پذیرهنویسان سهام جدید تشکیل شده و رعایت مقررات مواد ۷۷ لغایت ۸۱ این قانون در آن قسمت که به آورده غیر نقد مربوط می‌شود الزامی خواهد بود و یک نسخه از صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده باید به اظهارنامه مذکور در این ماده ضمیمه شود. تبصره - اظهارنامه‌های مذکور در این ماده باید به امضای کلیه اعضاء هیات مدیره رسیده باشد. ماده ۱۸۴ - وجوهی که به حساب افزایش سرمایه تادیه می‌شود باید در حساب سپرده مخصوصی نگاهداری شود. تأمین و توقیف و انتقال وجوه مزبور به حسابهای شرکت ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت ماده ۱۸۵ - در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام افزایش سرمایه شرکت را از طریق تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت تصویب کرده باشد سهم جدیدی که در نتیجه این گونه افزایش سرمایه صادر خواهد شد با امضاء ورقه خرید سهم توسط طلبکارانی که مایل به پذیرهنویسی سهام جدید باشند انجام می‌گیرد. ماده ۱۸۶ - در ورقه خرید سهم مذکور در ماده ۱۸۵ نکات مندرج در بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۵ و ۷ و ۸ ماده ۱۷۹ باید قید شود. ماده ۱۸۷ - در مورد ماده ۱۸۵ پس از انجام پذیرهنویسی باید در موقع به ثبت رسانیدن افزایش سرمایه در مرجع ثبت شرکتها صورت کاملی از مطالبات نقدی حال شده بستانکاران پذیرهنویس را که به سهام شرکت تبدیل شده است به ضمیمه رونوشت اسناد و مدارک حاکی از تصفیه آن گونه مطالبات که بازرسان شرکت صحت آن را تأیید کرده‌باشند همراه با صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده و اظهارنامه هیات مدیره مشعر بر این که کلیه این سهام خریداری شده و بهای آن دریافت شده است به مرجع ثبت شرکتها تسلیم شود. ماده ۱۸۸ - در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت می‌گیرد کلیه افزایش سرمایه باید نقد پرداخت شود و نیز سهام جدیدی که در قبال افزایش سرمایه صادر می‌شود باید هنگام پذیرهنویسی بر حسب مورد کلاً پرداخته یا تهاثر شود. ماده ۱۸۹ - علاوه بر کاهش اجباری سرمایه مذکور در ماده ۱۴۱ مجمع عمومی فوق العاده شرکت می‌تواند به پیشنهاد هیات مدیره در

مورد کاهش سرمایه شرکت به طور اختیاری اتخاذ تصمیم کند مشروط بر آن که بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه‌ای وارد نشود و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده ۵ این قانون کمتر نگردد. تبصره - کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد یا مبلغ اسمی سهام صورت می‌گیرد و کاهش اختیاری سرمایه از طریق کاهش بهای اسمی سهام به نسبت مساوی و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام می‌گیرد. ماده ۱۹۰ - پیشنهاد هیات مدیره راجع به کاهش سرمایه باید حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرس یا بازرسان شرکت تسلیم گردد. پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و همچنین شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد. ماده ۱۹۱ - بازرس یا بازرسان شرکت پیشنهاد هیات مدیره را مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را طی گزارشی به مجمع عمومی فوق العاده تسلیم خواهد نمود و مجمع عمومی پس از استماع گزارش بازرس تصمیم خواهد گرفت ماده ۱۹۲ - هیات مدیره قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی را درباره کاهش حداکثر ظرف یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی کند. ماده ۱۹۳ - در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت هر یک از دارندگان اوراق قرضه و یا بستانکارانی که منشاء طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده ۱۹۲ باشد می‌تواند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی اعتراض خود را نسبت به کاهش سرمایه شرکت به دادگاه تقدیم کنند. ماده ۱۹۴ - در صورتی که به نظر دادگاه اعتراض نسبت به کاهش سرمایه وارد تشخیص شود و شرکت جهت تأمین پرداخت طلب معترض وثیقه‌ای که به نظر دادگاه کافی باشد نسپارد در این صورت آن دین حال شده و دادگاه حکم به پرداخت آن خواهد داد. ماده ۱۹۵ - در مهلت دو ماه مذکور در ماده ۱۹۳ و همچنین در صورتی که اعتراضی شده باشد تا خاتمه اجرای حکم قطعی دادگاه شرکت از کاهش سرمایه ممنوع است ماده ۱۹۶ - برای کاهش بهای اسمی سهام شرکت و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم هیات مدیره شرکت باید مراتب را طی اطلاعیه‌ای به اطلاع کلیه صاحبان سهام برساند. اطلاعیه شرکت باید در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد منتشر شود و برای صاحبان سهام با نام توسط پست سفارشی ارسال گردد. ماده ۱۹۷ - اطلاعیه مذکور در ماده ۱۹۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱ - نام و نشانی مرکز اصلی شرکت ۲ - مبلغ سرمایه شرکت قبل از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه ۳ - مبلغی که هر سهم به آن میزان کاهش می‌یابد یا بهای اسمی هر سهم پس از کاهش ۴ - نحوه پرداخت و مهلتی که برای بازپرداخت مبلغ کاهش یافته هر سهم در نظر گرفته شده و محلی که در آن این بازپرداخت انجام می‌گیرد. ماده ۱۹۸ - خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع است

بخش ۹ - انحلال و تصفیه (م ۱۹۹ تا م ۲۳۱)

ماده ۱۹۹ - شرکت سهامی در موارد زیر منحل می‌شود: ۱ - وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد. ۲ - در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد مگر این که مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد. ۳ - در صورت ورشکستگی ۴ - در هر موقع که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام به هر علتی رای به انحلال شرکت بدهد؛ ۵ - در صورت صدور حکم قطعی دادگاه ماده ۲۰۰ - انحلال شرکت در صورت ورشکستگی تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است ماده ۲۰۱ - در موارد زیر هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد: ۱ - در صورتی که تا یک سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتی که فعالیتهای شرکت در مدت بیش از یک سال متوقف شده باشد؛ ۲ - در صورتی که مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حسابهای هر یک از سالهای مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد؛ ۳ - در صورتی که سمت

تمام یا بعضی از اعضای هیأت مدیره و همچنین سمت مدیرعامل شرکت طی مدتی زاید بر شش ماه بلامتصدی مانده باشد. ۴- در مورد بندهای یک و دو ماده ۱۹۹ در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام جهت اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود و یا رای به انحلال شرکت ندهد. ماده ۲۰۲- در مورد بندهای ۱ و ۲ و ۳ ماده ۲۰۱ دادگاه بلافاصله برحسب مورد به مراجعی که طبق اساسنامه و این قانون صلاحیت اقدام دارند مهلت متناسبی که حداکثر از شش ماه تجاوز نکند می‌دهد تا در رفع موجبات انحلال اقدام نمایند. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود دادگاه حکم به انحلال شرکت می‌دهد. ماده ۲۰۳- تصفیه امور شرکت سهامی با رعایت مقررات این قانون انجام می‌گیرد، مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی می‌باشد. ماده ۲۰۴- امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر آن که اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق العاده‌ای که رای به انحلال می‌دهد ترتیب دیگری مقرر داشته باشد. ماده ۲۰۵- در صورتی که به هر علت مدیر تصفیه تعیین نشده باشد یا تعیین شده ولی به وظایف خود عمل نکند هر ذی‌نفع حق دارد تعیین مدیر تصفیه را از دادگاه بخواهد. در مواردی نیز که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه صورت می‌گیرد مدیر تصفیه را دادگاه ضمن صدور حکم انحلال شرکت تعیین خواهد نمود. ماده ۲۰۶- شرکت به محض انحلال در حال تصفیه محسوب می‌شود و باید در دنبال نام شرکت همه جا عبارت «در حال تصفیه ذکر شود و نام مدیر یا مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگهی‌های مربوط به شرکت قید گردد. ماده ۲۰۷- نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود مگر آن که به موجب تصمیم مجمع عمومی فوق العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شده باشد. ماده ۲۰۸- تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت می‌باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد. ماده ۲۰۹- تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنها با رعایت ماده ۲۰۷ این قانون باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکتها اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی شود. در مدت تصفیه منظور از روزنامه کثیرالانتشار روزنامه کثیرالانتشاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است ماده ۲۱۰- انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است ماده ۲۱۱- از تاریخ تعیین مدیر یا مدیران تصفیه اختیارات مدیران شرکت خاتمه یافته و تصفیه شرکت شروع می‌شود. مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل گرفته بلافاصله امر تصفیه شرکت را عهده‌دار شوند. ماده ۲۱۲- مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم را جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوا و ارجاع به داوری و حق سازش دارا می‌باشند و می‌توانند برای طرح دعوی و دفاع از دعوی و کیل تعیین نمایند. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کان لم یکن است ماده ۲۱۳- انتقال دارایی شرکت در حال تصفیه کلاً یا بعضاً به مدیر یا مدیران تصفیه و یا به اقارب آنها از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم ممنوع است هر نقل و انتقالی که برخلاف مفاد این ماده انجام گیرد باطل خواهد بود. ماده ۲۱۴- مدت ماموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند. اگر تا پایان ماموریت مدیران تصفیه امر تصفیه خاتمه نیافته باشد مدیر یا مدیران تصفیه باید با ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته‌اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده تمدید مدت ماموریت خود را خواستار شوند. ماده ۲۱۵- هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشند تمدید مدت ماموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده ۲۱۴ با دادگاه خواهد بود. ماده ۲۱۶- مدیر یا مدیران تصفیه توسط همان مرجعی که آنان را انتخاب کرده است قابل عزل می‌باشند. ماده ۲۱۷- مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته است مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در قانون و اساسنامه پیش‌بینی

شده است دعوت کرده صورت دارایی منقول و منقول ۱۶ غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند. ماده ۲۱۸ - در صورتی که به موجب اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام برای دوره تصفیه یک یا چند ناظر معین شده باشد ناظر باید به عملیات مدیران تصفیه رسیدگی کرده گزارش خود را به مجمع عمومی عادی صاحبان سهام تسلیم کند. ماده ۲۱۹ - در مدت تصفیه دعوت مجامع عمومی در کلیه موارد به عهده مدیران تصفیه است هر گاه مدیران تصفیه به این تکلیف عمل نکنند ناظر مکلف به دعوت مجمع عمومی خواهد بود و در صورتی که ناظر نیز به تکلیف خود عمل نکند یا ناظر پیش‌بینی یا معین نشده باشد دادگاه به تقاضای هر ذی‌نفع حکم به تشکیل مجمع عمومی خواهد داد. ماده ۲۲۰ - صاحبان سهام حق دارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حسابها در مدت تصفیه کسب اطلاع کنند. ماده ۲۲۱ - در مدت تصفیه مقررات راجع به دعوت و تشکیل مجامع عمومی و شرایط حد نصاب و اکثریت مجامع مانند زمان قبل از انحلال باید رعایت شود و هر گونه دعوت‌نامه و اطلاعیه‌ای که مدیران تصفیه برای صاحبان سهام منتشر می‌کنند باید در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد منتشر شود. ماده ۲۲۲ - در مواردی که به موجب این قانون مدیران تصفیه مکلف به دعوت مجامع عمومی و تسلیم گزارش کارهای خود می‌باشند هر گاه مجمع عمومی مورد نظر دو مرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت شده ولی تشکیل نگردد و یا این که تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد مدیران تصفیه باید گزارش خود و صورت حسابهای مقرر در ماده ۲۱۷ این قانون را در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد برای اطلاع عموم سهامداران منتشر کند. ماده ۲۲۳ - آن قسمت از دارایی نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست بین صاحبان سهام به نسبت سهام تقسیم می‌شود به شرط آن که حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعد تادیه آن نرسیده است موضوع شده باشد. ماده ۲۲۴ - پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و تادیه کلیه دیون دارایی شرکت بدو به مصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازاد به ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم خواهد شد. ماده ۲۲۵ - تقسیم دارایی شرکت بین صاحبان سهام خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست مگر آن که شروع تصفیه و دعوت بستانکاران قبلاً سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد آگهی شده و لاقلاً شش ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد. ماده ۲۲۶ - تخلف از ماده ۲۲۵ مدیران تصفیه را مسؤول خسارت بستانکارانی قرار خواهد داد که طلب خود را دریافت نکرده‌اند. ماده ۲۲۷ - مدیران تصفیه مکلفند ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام دارند تا به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکتها و دفتر ثبت تجاری حذف گردد. ماده ۲۲۸ - پس از اعلام ختم تصفیه مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوصی نزد یکی از بانکهای ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند نیز به آن بانک تسلیم و مراتب را طی آگهی مذکور در همان ماده به اطلاع اشخاص ذی‌نفع برسانند تا برای گرفتن طلب خود به بانک مراجعه کنند. پس از انقضای ده سال از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه هر مبلغ از وجوه که در بانک باقی مانده باشد در حکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه دولت منتقل خواهد شد. ماده ۲۲۹ - دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده باید تا ده سال از تاریخ اعلام ختم تصفیه محفوظ بماند. به این منظور مدیران تصفیه باید مقارن اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکتها دفاتر و اسناد و مدارک مذکور را نیز به مرجع ثبت شرکتها تحویل دهند تا نگهداری و برای مراجعه اشخاص ذی‌نفع آماده باشد. ماده ۲۳۰ - در صورتی که مدیر تصفیه قصد استعفا از سمت خود را داشته باشد باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت نماید.

در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند مدیر تصفیه جدیدی را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیر تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر تصفیه مکلف است که قصد استعفای خود را به دادگاه اعلام کند و تعیین مدیر تصفیه جدید را از دادگاه بخواهد. در هر حال استعفای مدیر تصفیه تا هنگامی که جانشین او به ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشده و مراتب طبق ماده ۲۰۹ این قانون ثبت و آگهی نشده باشد کان لم یکن است ماده ۲۳۱ - در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقی مانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته دعوت نمایند و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقی مانده مکلفند تعیین جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند. اگر امر تصفیه منحصرأ به عهده یک نفر باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورتی که مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذی نفع می تواند از مرجع ثبت شرکتها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هر ذی نفع می تواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد.

بخش ۱۰ - حسابهای شرکت (م ۲۳۲ تا م ۲۴۲)

ماده ۲۳۲ - هیات مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی صورت‌داری و دیون شرکت را در پایان سال و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت را به ضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم کند. اسناد مذکور در این ماده باید اقلابست روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرسان گذاشته شود. ماده ۲۳۳ - در تنظیم حساب عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه شرکت باید همان شکل و روشهای ارزیابی که در سال مالی قبل از آن بکار رفته است رعایت شود. با وجود این در صورتی که تغییری در شکل و روشهای ارزیابی سال قبل از آن مورد نظر باشد باید اسناد مذکور به هر دو شکل و هر دو روش ارزیابی تنظیم گردد تا مجمع عمومی با ملاحظه آنها و با توجه به گزارش هیات مدیره و بازرسان نسبت به تغییرات پیشنهادی تصمیم بگیرد. ماده ۲۳۴ - در ترازنامه باید استهلاک اموال و اندوخته‌های لازم در نظر گرفته شود ولو آن که پس از وضع استهلاک و اندوخته‌ها سود قابل تقسیم باقی نماند یا کافی نباشد. پایین آمدن ارزش دارایی ثابت خواه در نتیجه استعمال خواه بر اثر تغییرات فنی و خواه به علل دیگر باید در استهلاکات منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اقلام دارایی و زیانها و هزینه‌های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد. ماده ۲۳۵ - تعهداتی که شرکت آن را تضمین کرده است باید با قید مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شود. ماده ۲۳۶ - هزینه‌های تأسیس شرکت باید قبل از تقسیم هرگونه سود مستهلک شود. هزینه‌های افزایش سرمایه باید حداکثر تا پنج سال از تاریخی که این گونه هزینه‌ها به عمل آمده مستهلک شود. در صورتی که سهام جدیدی که در نتیجه افزایش سرمایه صادر می شود به قیمتی بیش از مبلغ اسمی فروخته شده باشد هزینه‌های افزایش سرمایه را می توان از محل این اضافه ارزش مستهلک نمود. ماده ۲۳۷ - سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارت است از درآمد حاصل در همان سال مالی منهای کلیه هزینه‌ها و استهلاکات و ذخیره‌ها. ماده ۲۳۸ - از سود خالص شرکت پس از وضع زیانهای وارده در سالهای قبل باید معادل یک بیستم آن بر طبق ماده ۱۴۰ به عنوان اندوخته قانونی موضوع شود. هر تصمیم برخلاف این ماده باطل است ماده ۲۳۹ - سود قابل تقسیم عبارت است از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیانهای

سالهای مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده ۲۳۸ و سایر اندوخته‌های اختیاری بعلاوه سود قابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده است ماده ۲۴۰ - مجمع عمومی پس از تصویب حسابهای سال مالی و احراز این که سود قابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آن را که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود تعیین خواهد نمود. علاوه بر این مجمع عمومی می‌تواند تصمیم بگیرد که مبالغی از اندوخته‌هایی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحا قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام یک از اندوخته‌ها باید برداشت و تقسیم گردد. هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود منافع موهوم تلقی خواهد شد. نحوه پرداخت سود قابل تقسیم توسط مجمع عمومی تعیین می‌شود و اگر مجمع عمومی در خصوص نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد هیات مدیره نحوه پرداخت را تعیین خواهد نمود ولی در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد. ماده ۲۴۱ - با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۳۴ نسبت معینی از سودخالص سال مالی شرکت که ممکن است جهت پاداش هیات مدیره در نظر گرفته شود به هیچ وجه نباید در شرکتهای سهامی عام از پنج درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود و در شرکتهای سهامی خاص از ده درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود تجاوز کند. مقررات اساسنامه و هرگونه تصمیمی که مخالف با مفاد این ماده باشد باطل و بلااثر است ماده ۲۴۲ - در شرکتهای سهامی عام هیات مدیره مکلف است که به حسابهای سود و زیان و ترازنامه شرکت گزارش حسابداران رسمی را نیز ضمیمه کند. حسابداران رسمی باید علاوه بر اظهار نظر درباره حسابهای شرکت گواهی نمایند که کلیه دفاتر و اسناد و صورت حسابهای شرکت و توضیحات مورد لزوم در اختیار آنها قرار داشته و حسابهای سود و زیان و ترازنامه تنظیم شده از طرف هیات مدیره وضع مالی شرکت را به نحو صحیح و روشن نشان می‌دهد. تبصره - منظور از حسابداران رسمی مذکور در این ماده حسابداران موضوع فصل هفتم قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند سال ۱۳۴۵ می‌باشد و در صورتی که به موجب قانون شرایط و نحوه انتخاب حسابداران رسمی تغییر کند و یا عنوان دیگری برای آنان در نظر گرفته شود شامل حسابداران مذکور در این ماده نیز خواهد بود.

بخش ۱۱ - مقررات جزائی (م ۲۴۳ تا ۲۶۹)

بخش ۱۱ - مقررات جزائی (م ۲۴۳ تا ۲۶۹) بخش ۱۱ - مقررات جزائی بخش ۱۱ - مقررات جزائی ماده ۲۴۳ - اشخاص زیر به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱ - هر کس که عالما و برخلاف واقع پذیره نویسی سهام را تصدیق کند و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیره نویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم کند و یا در تعیین ارزش آورده غیرنقد تقلب اعمال کند؛ ۲ - هر کس در ورقه سهم با نام یا گواهینامه موقت سهم مبلغ پرداخت شده را بیش از آنچه که واقعا پرداخت شده است قید کند؛ ۳ - هر کس از اعلام مطالبی که طبق مقررات این قانون باید به مرجع ثبت شرکتهای اعلام کند بعضا یا کلا خودداری نماید و یا مطالب خلاف واقع به مرجع مزبور اعلام دارد؛ ۴ - هر کس سهام یا قطعات سهام را قبل از به ثبت رسیدن شرکت و یا در صورتی که ثبت شرکت مزورانه انجام گرفته باشد صادر کند؛ ۵ - هر کس سهام یا قطعات سهام را بدون پذیره نویسی کلیه سرمایه و تادیه حداقل سی و پنج درصد آن و نیز تحویل کلیه سرمایه غیرنقد صادر کند؛ ۶ - هر کس قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهام بینام یا گواهینامه موقت بینام صادر کند. ماده ۲۴۴ - اشخاص زیر به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از پنجاه هزار ریال تا پانصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱ - هر کس عالما سهام یا گواهینامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمی صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد؛ ۲ - هر کس سهام بینام را قبل از آن که تمام مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد بفروشد یا به معرض فروش گذارد؛ ۳ - هر کس سهام با نام را قبل از آن که اقلای سی و پنج درصد مبلغ اسمی آن

پرداخت شده باشد صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد. ماده ۲۴۵- هر کس عالماً در هر یک از عملیات مذکور در ماده ۲۴۴ شرکت کند. یا انجام آن عملیات را تسهیل نماید برحسب مورد به مجازات شریک یا معاون محکوم خواهد شد. ماده ۲۴۶- رئیس و اعضاء هیات مدیره هر شرکت سهامی در صورت ارتکاب هر یک از جرایم زیر به حبس تادیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از سی هزار تا سیصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱- در صورتی که ظرف مهلت مقرر در این قانون قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی سهام شرکت را مطالبه نکنند و یا دو ماه قبل از پایان مهلت مذکور مجمع عمومی فوق العاده را جهت تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده دعوت نمایند؛ ۲- در صورتی که قبل از پرداخت کلیه سرمایه شرکت به صدور اوراق قرضه مبادرت کرده یا صدور آن را اجازه دهند. ماده ۲۴۷- در مورد بند یک ماده ۲۴۶ در صورتی که هر یک از اعضاء هیات مدیره قبل از انقضای مهلت مقرر در جلسه هیات مزبور صریحاً اعلام کند که باید به تکلیف قانونی برای سلب مسوولیت جزائی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر اعضاء هیات مدیره توجه نشود و جرم تحقق پیدا کند عضو هیات مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مجرم شناخته نخواهد شد. سلب مسوولیت جزائی از عضو هیات مدیره منوط به این است که عضو هیات مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیات مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هر یک از اعضاء هیات مدیره اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیات مدیره به هر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسوولیت جزائی از عضو هیات مدیره کافی است ماده ۲۴۸- هر کس اعلامیه پذیرهنویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه شرکت سهامی را بدون امضاهای مجاز و نام و نشانی مؤسسين یا مدیران شرکت منتشر کند به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار ریال محکوم خواهد شد. ماده ۲۴۹- هر کس با سوء نیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار شرکت سهامی به صدور اعلامیه پذیرهنویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد مبادرت نماید و یا از روی سوء نیت جهت تهیه اعلامیه یا اطلاعیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد و هر گاه اثری بر این اقدامات مترتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبردار بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد. ماده ۲۵۰- رئیس و اعضاء هیات مدیره هر شرکت سهامی عام که قبل از تادیه کلیه سرمایه ثبت شده شرکت و قبل از انقضای دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت و تصویب دو ترازنامه آن توسط مجمع عمومی مبادرت به صدور اوراق قرضه نمایند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۲۵۱- رئیس و اعضاء هیات مدیره هر شرکت سهامی عام که بدون رعایت مقررات ماده ۵۶ این قانون مبادرت به صدور اوراق قرضه بنمایند به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال و جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۲۵۲- رئیس و اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی عمومی که نکات مندرج در ماده ۶۰ این قانون را در اوراق قرضه قید نمایند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۲۵۳- اشخاص زیر به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱- هر کس عامداً مانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات مجمع عمومی صاحبان سهام بشود؛ ۲- هر کس با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات سهم معرفی کند و به این طریق در اخذ رای در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت نماید اعم از آن که این کار را شخصاً یا توسط دیگران انجام دهد. ماده ۲۵۴- رئیس و اعضاء هیات مدیره شرکت سهامی که حداکثر تا ۶ ماه پس از هر سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام رادعوت نکنند یا مدارک مقرر در ماده ۲۳۲ را به موقع تنظیم و تسلیم نمایند به حبس از دو تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد. ماده ۲۵۵- رئیس و اعضاء هیات مدیره هر شرکت سهامی که صورت حاضرین در مجمع را مطابق ماده ۹۹ تنظیم نکنند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۲۵۶- هیات رئیسه هر مجمع عمومی که صورت جلسه مذکور در ماده ۱۰۵ را تنظیم نکنند به مجازات مذکور در ماده قبل محکوم خواهد

شد. ماده ۲۵۷- رئیس و اعضای هیات رئیسه هر مجمع عمومی که مقررات راجع به حق رای صاحبان سهام را رعایت نکرده باشند به مجازات مذکور در ماده ۲۵۵ محکوم خواهند شد. ماده ۲۵۸- اشخاص زیر به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد: ۱- رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل شرکت که بدون صورت دارایی و ترازنامه یا به استناد صورت دارایی و ترازنامه مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشند؛ ۲- رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل شرکت که ترازنامه غیرواقع به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به صاحبان سهام ارائه یا منتشر کرده باشند؛ ۳- رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل شرکت که اموال یا اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می باشند مورد استفاده قرار دهند؛ ۴- رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل شرکت که با سوء نیت از اختیارات خود برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا به خاطر شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می باشند استفاده کنند. ماده ۲۵۹- رئیس و اعضای هیات مدیره شرکت که متعمداً مجمع عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که انتخاب بازرسان شرکت باید انجام پذیرد به این منظور دعوت نمایند و یا بازرسان شرکت را به مجامع عمومی صاحبان سهام دعوت نکنند به حبس از دو تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد. ماده ۲۶۰- رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل که عمداً مانع یا مخل انجام وظایف بازرسان شرکت بشوند یا اسناد و مدارکی را که برای انجام وظایف آنها لازم است در اختیار بازرسان قرار ندهند به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد. ماده ۲۶۱- رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که ثبت افزایش سرمایه مزورانه یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گرفته باشد سهام یا قطعات سهام جدید صادر و منتشر کنند به جزای نقدی از ده هزار تا یکصد هزار ریال محکوم خواهند شد و در صورتی که قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام سابق مبادرت به صدور و انتشار سهام جدید یا قطعات سهام جدید بنمایند به حبس تادیبی از دو ماه تا شش ماه و به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۲۶۲- رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که مرتکب جرایم زیر بشوند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد: ۱- در صورتی که در موقع افزایش سرمایه شرکت به استثنای مواردی که در این قانون پیش بینی شده است حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی و خرید سهام جدید رعایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیره نویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود به صاحبان سهام ندهند؛ ۲- در صورتی که شرکت قبلاً- اوراق قرضه قابل تعویض با سهم منتشر کرده باشد حقوق دارندگان این گونه اوراق قرضه را نسبت به تعویض اوراق آنها با سهام شرکت در نظر نگرفته یا قبل از انقضای مدتی که طی آن این قبیل اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت است اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کنند یا قبل از تبدیل یا تعویض اوراق قرضه یا بازپرداخت مبلغ آنها سرمایه شرکت را مستهلک سازند یا آن را از طریق بازخرید سهام کاهش دهند یا اقدام به تقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهند. ماده ۲۶۳- رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که عالماً برای سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذیره نویسی سهام جدید به مجمع عمومی اطلاعات نادرست بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند به حبس از شش ماه تا سه سال یا به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد. ماده ۲۶۴- رئیس و اعضای هیات مدیره هر شرکت سهامی که در مورد کاهش سرمایه عالماً مقررات زیر را رعایت نکنند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد: ۱- در صورت عدم رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام ۲- در صورتی که پیشنهاد راجع به کاهش سرمایه حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرس شرکت تسلیم نشده باشد؛ ۳- در صورتی که تصمیم مجمع عمومی دایر بر تصویب کاهش سرمایه و مهلت و

شرایط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اعلانات مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی نشده باشد. ماده ۲۶۵- رئیس و اعضای هیات مدیره هر شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیانهای وارده حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رای واقع شود و حداکثر تا یک ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام نمایند به حبس از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد. ماده ۲۶۶- هر کس با وجود منع قانونی عالما سمت بازرسی را در شرکت سهامی بپذیرد و به آن عمل کند به حبس تادیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا یکصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۲۶۷- هر کس در سمت بازرسی شرکت سهامی عالما راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارشهای خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد و یا این گونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. ماده ۲۶۸- مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالما مرتکب جرایم زیر بشوند به حبس تادیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱- در صورتی که ظرف یک ماه پس از انتخاب تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و نشانی خود را به مرجع ثبت شرکتها اعلام نکنند؛ ۲- در صورتی که تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را دعوت نکرده وضعیت اموال و مطالبات و قروض شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که جهت پایان دادن به امر تصفیه لازم میدانند به اطلاع مجمع عمومی نرسانند؛ ۳- در صورتی که قبل از خاتمه امر تصفیه همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون و اساسنامه شرکت پیش بینی شده است دعوت نکرده صورت دارایی منقول و منقول ۱۶ غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده اند به مجمع مذکور تسلیم نکنند؛ ۴- در صورتی که در خاتمه دوره تصدی خود بدون آن که تمديد مدت مأموریت خود را خواستار شوند به عملیات خود ادامه دهند؛ ۵- در صورتی که ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام نمایند؛ ۶- در صورتی که پس از اعلام ختم تصفیه وجوهی را که باقیمانده است در حساب مخصوصی در یکی از بانکهای ایرانی تودیع نمایند و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده اند به آن بانک تسلیم نکرده مراتب را طی آگهی ختم تصفیه به اطلاع اشخاص ذینفع نرسانند. ماده ۲۶۹- مدیر تصفیه یا مدیران هر شرکت سهامی که مرتکب جرایم زیر شوند به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد: ۱- در صورتی که اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را برخلاف منافع شرکت یا برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع میباشند مورد استفاده قرار دهند؛ ۲- در صورتی که برخلاف ماده ۲۱۳ به انتقال دارایی شرکت مبادرت کنند یا بدون رعایت حقوق بستانکاران و موضوع کردن قروضی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده دارایی شرکت را بین صاحبان سهام تقسیم نمایند.

بخش ۱۲ - مقررات مختلف مربوط به شرکتهای سهامی (م ۲۷۰ تا م ۳۰۰)

ماده ۲۷۰- هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می گردد رعایت نشود بر حسب مورد بنا به درخواست هر ذی نفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلان خواهد شد لیکن مؤسسين و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند. ماده ۲۷۱- در صورتی که قبل از صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان مرتفع شده باشد دادگاه قرار سقوط دعوی بطلان را صادر خواهد کرد. ماده ۲۷۲- دادگاهی که دعوی بطلان نزد آن اقامه شده است می تواند بنابه درخواست خوانده مهلتی که از شش ماه بیشتر نباشد برای رفع موجبات بطلان تعیین نماید. ابتدای

مهلت مذکور تاریخ وصول پرونده از دفتر به دادگاه است در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشده باشد دادگاه حکم مقتضی صادر خواهد کرد. ماده ۲۷۳ - در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات شرکت کسانی که مسوول بطلان هستند متضامنا مسوول خساراتی خواهند بود که از آن بطلان به صاحبان سهام و اشخاص ثالث متوجه شده است ماده ۲۷۴ - دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادر می نماید باید ضمن حکم خود یک یا چند نفر را به عنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا بر طبق مقررات این قانون انجام وظیفه نمایند. ماده ۲۷۵ - در هر مورد که بر اثر انحلال یا بطلان شرکت مدیر تصفیه باید از طرف دادگاه تعیین شود و مدیر یا مدیران تصفیه ای که توسط دادگاه تعیین شده اند حاضر به قبول سمت مدیریت تصفیه نباشند دادگاه امر تصفیه را به ادار تصفیه امور ورشکستگی حوزه خود ارجاع می نماید. تبصره - تعیین حق الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه ای که توسط دادگاه تعیین می شود به عهده دادگاه است ماده ۲۷۶ - شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد می توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضاء هیات مدیره و یا مدیرعامل به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل اقامه دعوا نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند. در صورت محکومیت رئیس یا هر یک از اعضای هیات مدیره یا مدیرعامل به جبران خسارات شرکت و پرداخت هزینه دادرسی حکم به نفع شرکت اجراء و هزینه ای که از طرف اقامه کننده دعوا پرداخت شده از مبلغ محکوم به وی مسترد خواهد شد. در صورت محکومیت اقامه کنندگان دعوا پرداخت کلیه هزینه ها و خسارات به عهده آنان است ماده ۲۷۷ - مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی نباید به نحوی از انحاء حق صاحبان سهام را در مورد اقامه دعوی مسوولیت علیه مدیران شرکت محدود نماید. ماده ۲۷۸ - شرکت سهامی خاص در صورتی می تواند به شرکت سهامی عام تبدیل شود که اولاً موضوع به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد ثانیاً سرمایه آن حداقل به میزانی باشد که برای شرکتهای سهامی عام مقرر شده است و یا شرکت سرمایه خود را به میزان مذکور افزایش دهد. ثالثاً دو سال تمام از تاریخ تاسیس و ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده باشد. رابعاً اساسنامه آن با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکتهای سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد. ماده ۲۷۹ - شرکت سهامی خاص باید ظرف یک ماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام تبدیل شرکت را تصویب کرده است صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده را به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم کند: ۱ - اساسنامه ای که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده است ۲ - دو ترازنامه و حساب سود و زیان مذکور در ماده ۲۷۸ که به تایید حسابدار رسمی رسیده باشد؛ ۳ - صورت دارایی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتهای که متضمن تقویم کلیه اموال منقول و منقول ۱۶ غیر منقول شرکت بوده و به تایید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد؛ ۴ - اعلامیه تبدیل شرکت که باید به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد: الف - نام و شماره ثبت شرکت ب - موضوع شرکت و نوع فعالیتهای آن ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن د - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضای مدت آن ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن ز - هویت کامل رئیس و اعضاء هیات مدیره و مدیرعامل شرکت ح - شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجامع عمومی ط - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است ک - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های شرکت در آن درج می گردد. ماده ۲۸۰ - مرجع ثبت شرکتهای پس از وصول مدارک مذکور در ماده ۲۷۹ و تطبیق مندرجات آنها با این قانون تبدیل شرکت را ثبت و مراتب را به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود. ماده ۲۸۱ - در آگهی تبدیل شرکت باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و دو ترازنامه و حساب سود و زیان آن مربوط به دو سال قبل از

اتخاذ تصمیم نسبت به تبدیل شرکت و همچنین صورت دارایی شرکت و اموال منقول و منقول ۱۶ غیر منقول آن در مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده می‌باشد. آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های شرکت در آن درج می‌گردد اقلا در یک روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود. ماده ۲۸۲ - شرکت سهامی خاص که بخواهد با افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شود باید سهام جدید خود را که در نتیجه افزایش سرمایه بوجود می‌آید با رعایت مواد ۱۷۳ لغایت ۱۸۲ و ماده ۱۸۴ این قانون برای پذیره نویسی عمومی عرضه نماید. مرجع ثبت شرکتها در این مورد پس از وصول تقاضا و مدارک مربوط به تبدیل شرکت سهامی خاص به شرکت سهامی عام و تطبیق آنها با مقررات قانون در صورتی که شرکت بتواند با افزایش سرمایه از طریق پذیره نویسی عمومی به شرکت سهامی عام تبدیل شود اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام را صادر خواهد نمود. در اعلامیه پذیره نویسی باید شماره و تاریخ اجازه نامه مزبور قید گردد. ماده ۲۸۳ - در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب مذکور در ماده قبل عرضه شده است تماما تادیه نشود شرکت نمی‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل گردد. ماده ۲۸۴ - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون باید ظرف ۴ سال از تاریخ اجرای این قانون به صورت شرکت سهامی خاص یا شرکت سهامی عام در آیند و وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند یا به نوع دیگری از انواع شرکتهای تجارتي مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ تبدیل شوند والا - منحل محسوب خواهند شد و از لحاظ مقررات انحلال مشمول قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ خواهند بود. تا هنگامی که شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون ظرف ۴ سال وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق نداده اند تابع مقررات مربوط به شرکتهای سهامی مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ و مقررات اساسنامه خود خواهند بود. تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون وقتی محقق می‌شود که مرجع ثبت شرکتها پس از احراز صحت تطبیق مراتب را ثبت و به هزینه شرکت آگهی کرده باشد، به استثنای هزینه آگهی اجرای این ماده در صورت عدم افزایش سرمایه شرکت مستلزم پرداخت هیچ گونه هزینه دیگری نیست و در صورت افزایش سرمایه هزینه های مربوط فقط شامل میزان افزایش سرمایه می‌شود. ماده ۲۸۵ - تغییر اساسنامه هر یک از شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون به منظور تطبیق وضع آنها با مقررات این قانون استثنائا ممکن است به موجب تصمیم مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت صورت گیرد مگر در مورد افزایش سرمایه که باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده برسد. ترتیب دعوت تشکیل و حد نصاب و اکثریت لازم برای مجامع عادی و فوق العاده به منظور تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون تابع مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ در مورد شرکتهای سهامی و همچنین اساسنامه معتبر شرکتهای موجود در تاریخ تصویب این قانون می‌باشد. ماده ۲۸۶ - برای آن که شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بتوانند به صورت شرکت سهامی خاص در آیند باید اولاً سرمایه آنها حداقل به میزانی باشد که برای شرکتهای سهامی خاص مقرر شده است یا سرمایه خود را با رعایت مقررات این قانون در مورد افزایش سرمایه شرکت سهامی خاص به آن میزان افزایش دهند ثانياً اساسنامه خود را به منظور تطبیق با مقررات این قانون اصلاح کرده مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام نمایند. مرجع ثبت شرکتها پس از احراز صحت تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون مراتب را ثبت و به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود. ماده ۲۸۷ - برای آن که شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بتوانند به صورت شرکت سهامی عام در آیند باید اولاً سرمایه آنها به میزانی باشد که برای شرکت سهامی عام مقرر شده است یا سرمایه خود را با رعایت مقررات این قانون در مورد افزایش سرمایه شرکت سهامی عام به آن میزان افزایش دهند. ثانياً در تاریخ تبدیل شرکت به شرکت سهامی عام یک سال از ثبت شرکت گذشته و یک ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی عادی رسیده باشد. ثالثاً اساسنامه خود را با مقررات این قانون وفق دهند. ماده ۲۸۸ - در صورتی که شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بخواهند برای تطبیق وضع خود با مقررات این قانون به افزایش سرمایه مبادرت کنند در صورتی که تمامی مبلغ اسمی سهام قبلی آنها تادیه نشده باشد نسبت مبلغ پرداخت شده قبلی نسبت به هر سهم در مورد سهام

جدید نیز لازم‌الرعايه است و در هر حال این نسبت نمی‌تواند از سی و پنج درصد مبلغ اسمی سهام کمتر باشد. در موارد مذکور در این ماده رعایت ماده ۱۶۵ این قانون در مورد تادیه تمامی سرمایه قبلی شرکت الزامی نیست ماده ۲۸۹ - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که بخواهند از طریق افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شوند باید سهام جدید خود را که در نتیجه افزایش سرمایه به وجود می‌آید با رعایت مقررات این قانون برای پذیره‌نویسی عمومی عرضه نمایند. در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب فوق عرضه شده است تماماً تعهد نشود و مبلغی که باید بر طبق مقررات این قانون تادیه گردد تادیه نشود شرکت نمی‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل گردد. ماده ۲۹۰ - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که بخواهند به شرکت سهامی عام تبدیل شوند و به این منظور به افزایش سرمایه مبادرت کنند باید مدارک زیر را به مرجع ثبت شرکتها تسلیم نمایند: ۱ - اساسنامه‌ای که برای شرکت سهامی عام به تصویب مجمع عمومی عادی یا فوق العاده رسیده است ۲ - صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرار داده است ۳ - صورت دارایی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتها؛ صورت مزبور باید متضمن تقویم کلیه اموال منقول و منقول ۱۶ غیر منقول شرکت بوده به تایید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد. ۴ - طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید که باید به ترتیب مقرر در ماده ۱۷۴ این قانون تنظیم شده باشد؛ ۵ - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید به تصویب مجمع عمومی و تایید حسابدار رسمی رسیده باشد. ماده ۲۹۱ - مرجع ثبت شرکتها پس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود. ماده ۲۹۲ - کلیه مقررات مذکور در مواد ۱۷۷ لغایت ۱۸۱ این قانون برای تحقق افزایش سرمایه و تبدیل شرکت سهامی به شرکت سهامی عام لازم‌الرعايه است در آگهی مربوط ضمن ذکر افزایش سرمایه موضوع تبدیل نیز قید خواهد شد. ماده ۲۹۳ - در صورت عدم تحقق افزایش سرمایه بر طبق ماده ۱۸۲ این قانون عمل خواهد شد. در هر صورت شرکت باید در مهلت مذکور در ماده ۲۸۴ وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهد. ماده ۲۹۴ - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که سرمایه آنها حداقل به میزان سرمایه شرکتهای سهامی عام مذکور در این قانون باشد و بخواهند به شرکت سهامی عام تبدیل شوند باید مدارک زیر را به مرجع ثبت شرکتها تسلیم کنند: ۱ - اساسنامه‌ای که برای شرکت سهامی عام به تصویب مجمع عمومی عادی یا فوق العاده رسیده است ۲ - صورت دارایی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتها که باید متضمن تقویم کلیه اموال منقول و منقول ۱۶ غیر منقول شرکت بوده و به تایید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد؛ ۳ - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید به تصویب مجمع عمومی و تایید حسابدار رسمی رسیده باشد؛ ۴ - اعلامیه تبدیل شرکت سهامی به شرکت سهامی عام که باید به امضا دارندگان امضاء مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد: الف - نام و شماره ثبت شرکت ب - موضوع شرکت و نوع فعالیت آن ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن د - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضا مدت آن ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن ز - هویت کامل رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل شرکت ح - شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجامع عمومی ط - مقررات اساسنامه جدید راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است ک - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت در آن منتشر می‌شود. ماده ۲۹۵ - مرجع ثبت شرکتها پس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با مقررات این قانون تبدیل شرکت سهامی را به شرکت سهامی عام ثبت و مراتب را به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود. ماده ۲۹۶ - در آگهی تبدیل شرکتها سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون به شرکت سهامی عام باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و صورت دارایی شرکت و اموال منقول و منقول ۱۶ غیر منقول و آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان آن در مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای

مراجعه علاقه‌مندان آماده می‌باشد. آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های شرکت در آن درج می‌گردد اقلا- در یک روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود. ماده ۲۹۷- در مواردی که برای تطبیق وضع یک شرکت سهامی با مقررات این قانون یا تبدیل آن به نوع دیگری از انواع شرکتهای تجاری مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق العاده صاحبان سهام شرکت یا تسلیم اسناد و مدارک خاصی به مرجع ثبت شرکتها لازم باشد و رئیس و اعضای هیات مدیره آن شرکت به دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق العاده یا تسلیم آن اسناد و مدارک به مرجع ثبت شرکتها اقدام نمایند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد و علاوه بر این متضامنا مسوول جبران خساراتی می‌باشند که بر اثر انحلال شرکت به صاحبان سهام و اشخاص ثالث وارد می‌شود. ماده ۲۹۸- در مورد ماده ۲۹۷ در صورتی که هر یک از اعضای هیات مدیره قبل از انقضای مهلت مقرر در جلسه هیات مزبور صریحا اعلام کند که باید به تکلیف قانونی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر اعضای هیات مدیره توجه نشود عضو هیات مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مسوولیت جزائی و مدنی نخواهد داشت سلب مسوولیت جزائی و مدنی از عضو هیات مدیره منوط به این است که عضو هیات مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیات مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هر یک از اعضای هیات مدیره اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیات مدیره به هر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسوولیت جزائی و مدنی از عضو هیات مدیره کافی است ماده ۲۹۹- آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ مربوط به شرکتهای سهامی که ناظر بر سایر انواع شرکتهای تجاری می‌باشد نسبت به آن شرکتها به قوت خود باقی است ماده ۳۰۰- شرکتهای دولتی تابع قوانین تاسیس و اساسنامه‌های خود می‌باشند و فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه‌های آنها ذکر نشده تابع مقررات این قانون می‌شوند.

مبحث دوم - شرکت با مسوولیت محدود (م ۹۴ تا ۱۱۵)

ماده ۹۴- شرکت با مسوولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکا بدون این که سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسوول قروض و تعهدات شرکت است ماده ۹۵- در اسم شرکت باید عبارت (با مسوولیت محدود) قید شود والا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود. اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچ یک از شرکا باشد والا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت ماده ۹۶- شرکت با مسوولیت محدود وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد. ماده ۹۷- در شرکت نامه باید صراحتا قید شده باشد که سهم الشرکه‌های غیر نقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است ماده ۹۸- شرکا نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم الشرکه‌های غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسوولیت تضامنی دارند. ماده ۹۹- مرور زمان دعاوی ناشی از مقررات فوق ده سال از تاریخ تشکیل شرکت است ماده ۱۰۰- هر شرکت با مسوولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکا در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان ندارند. ماده ۱۰۱- اگر حکم بطلان شرکت به استناد ماده قبل صادر شود شرکایی که بطلان مستند به عمل آنها است و هیات نظار و مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سرکار بوده و انجام وظیفه نکرده‌اند در مقابل شرکای دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشیه از این بطلان متضامنا مسوول خواهند بود. مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب بطلان است ماده ۱۰۲- سهم الشرکه شرکا نمی‌تواند به شکل اوراق تجاری قابل انتقال اعم از با اسم یا بی اسم و غیره درآید. سهم الشرکه را نمی‌توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده‌ای از شرکا که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت

عددی نیز داشته باشند. ماده ۱۰۳ - انتقال سهم الشرکه به عمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی ماده ۱۰۴ - شرکت با مسوولیت محدود به وسیله یک یا چند نفر مدیر موظف یا غیرموظف که از بین شرکا یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدودی معین می‌شوند اداره می‌گردد. ماده ۱۰۵ - مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر این که در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد هر قرارداد راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است ماده ۱۰۶ - تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لاقبل نصف سرمایه اتخاذ شود اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکا مجددا دعوت شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکا اتخاذ می‌شود اگرچه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد. اساسنامه شرکت می‌تواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد. ماده ۱۰۷ - هر یک از شرکا به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رای خواهد بود مگر این که اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد. ماده ۱۰۸ - روابط بین شرکا تابع اساسنامه است اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکا به عمل خواهد آمد. ماده ۱۰۹ - هر شرکت با مسوولیت محدود که عده شرکای آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیأت نظار بوده و هیأت مزبور لاقبل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکا را تشکیل دهد. هیأت نظار باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور مواد ۹۶ و ۹۷ رعایت شده است هیأت نظار می‌تواند شرکا را برای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده دعوت نماید. مقررات مواد ۱۶۵ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکت‌های با مسوولیت محدود نیز رعایت خواهد شد. ماده ۱۱۰ - شرکا نمی‌توانند تبعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آراء. ماده ۱۱۱ - هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید با اکثریت عددی شرکا که لاقبل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند به عمل آید مگر این که در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد. ماده ۱۱۲ - در هیچ مورد اکثریت شرکا نمی‌تواند شریکی را مجبور به ازدیاد سهم الشرکه خود کند. ماده ۱۱۳ - مفاد ماده ۷۸ این قانون راجع به تشکیل سرمایه احتیاطی در شرکت‌های با مسوولیت محدود نیز لازم‌الرعایه است ماده ۱۱۴ - شرکت با مسوولیت محدود در موارد ذیل منحل می‌شود: الف - در مورد فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۹۳؛ ب - در صورت تصمیم عده‌ای از شرکا که سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد؛ ج - در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکا تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکا حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می‌گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند؛ د - در مورد فوت یکی از شرکا اگر به موجب اساسنامه پیش‌بینی شده باشد. ماده ۱۱۵ - اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می‌شوند: الف - مؤسسين و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم الشرکه غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند؛ ب - کسانی که به وسیله متقلبانه سهم الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند؛ ج - مدیرانی که با نبودن صورت‌داری یا به استناد صورت‌داری مزور منافع موهومی را بین شرکا تقسیم کنند.

مبحث سوم - شرکت تضامنی (م ۱۱۶ تا م ۱۴۰)

ماده ۱۱۶ - شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوص برای امور تجاری بین دو یا چند نفر با مسوولیت تضامنی تشکیل می‌شود: اگر دارایی شرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکا مسوول پرداخت تمام قروض شرکت است هر فراری که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود. ماده ۱۱۷ - در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لاقبل اسم یک نفر از شرکا ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسمی تمام شرکا نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکا) یا (و برادران قید شود. ماده ۱۱۸ - شرکت تضامنی وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد. ماده ۱۱۹

- در شرکت تضامنی منافع به نسبت سهم‌الشرکه بین شرکا تقسیم می‌شود مگر آن‌که شرکت‌نامه غیر از این ترتیب را مقرر داشته‌باشد. ماده ۱۲۰- در شرکت تضامنی شرکا باید لااقل یک نفر از میان خود یا از خارج به سمت مدیری معین نمایند. ماده ۱۲۱- حدود مسوولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده است ماده ۱۲۲- در شرکتهای تضامنی اگر سهم‌الشرکه یک یا چند نفر غیر نقدی باشد باید سهم‌الشرکه مزبور قبلاً به تراضی تمام شرکا تقویم شود. ماده ۱۲۳- در شرکت تضامنی هیچ‌یک از شرکا نمی‌تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکا. ماده ۱۲۴- مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت می‌توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکا که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند و در هر حال هیچ‌یک از شرکا نمی‌توانند به استناد این که میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می‌نماید از تادیه قروض شرکت امتناع ورزد. فقط در روابط بین شرکا مسوولیت هر یک از آنها در تادیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آن هم در صورتی که در شرکت‌نامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد. ماده ۱۲۵- هر کس به‌عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجود داخل شود متضامناً با سایر شرکا مسوول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از این که در اسم شرکت تغییر داده شده یا نشده باشد. هر قراری که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص کان لم یکن خواهد بود. ماده ۱۲۶- هر گاه شرکت تضامنی منحل شود مادام که قروض شرکت از دارایی آن تادیه نشده هیچ‌یک از طلبکاران شخصی شرکا حقی در آن دارایی نخواهد داشت اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یافرد فرد شرکای ضامن مطالبه کنند ولی در این مورد طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شرکا حق تقدم نخواهند داشت ماده ۱۲۷- به ورشکستگی شرکت تضامنی بعد از انحلال نیز میتوان حکم داد مشروط به این که دارایی شرکت تقسیم نشده باشد. ماده ۱۲۸- ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکا و ورشکستگی بعضی از شرکا ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد. ماده ۱۲۹- طلبکاران شخصی شرکا حق ندارند طلب خود را از دارایی شرکت تامین یا وصول کنند ولی می‌توانند نسبت به سهمیه مدیون خود از منافع شرکت یا سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد به عمل آورند. طلبکاران شخصی شرکا در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارایی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تادیه طلب آنها نباشد می‌توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند (اعم از این که شرکت برای مدت محدود یا غیر محدود تشکیل شده باشد) مشروط بر این که لااقل شش ماه قبل قصد خود را به وسیله اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در این صورت شرکت یا بعضی از شرکا می‌توانند مادام که حکم نهایی انحلال صادر نشده با تادیه طلب داینین مزبور تا حد دارایی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان به طریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند. ماده ۱۳۰- نه مدیون شرکت می‌تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکا داشته باشد استناد به تهاتر کند نه خود شریک می‌تواند در مقابل قرضی که ممکن است طلبکار او به شرکت داشته‌باشد به تهاتر استناد نماید. معذک که کسی که طلبکار شرکت و مدیون به یکی از شرکا بوده و پس از انحلال شرکت طلب او را وصول مانده در مقابل آن شریک حق استناد به تهاتر خواهد داشت ماده ۱۳۱- در صورت ورشکستگی یکی از شرکا و همچنین در صورتی که یکی از طلبکاران شخصی یکی از شرکا به موجب ماده ۱۲۹ انحلال شرکت را تقاضا کرد سایر شرکا میتوانند سهمیه آن شریک را از دارایی شرکت نقداً تادیه کرده و او را از شرکت خارج کنند. ماده ۱۳۲- اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم‌الشرکه شرکا کم شود مادام که این کمبود جبران نشده تادیه هر نوع منفعت به شرکاممنوع است ماده ۱۳۳- جز در مورد فوق هیچ‌یک از شرکا را شرکت نمی‌تواند به تکمیل سرمایه که به علت ضررهای وارده کم شده است ملزم کرده و یا او را مجبور نماید بیش از آنچه که در شرکت‌نامه مقرر شده است به شرکت سرمایه دهد. ماده ۱۳۴- هیچ شریکی نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکا (به حساب شخص خود یا به حساب شخص ثالث

تجارتی از نوع تجارت شرکت نموده و یا به‌عنوان شریک ضامن یا شریک با مسوولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود. ماده ۱۳۵ - هر شرکت تضامنی میتواند با تصویب تمام شرکا به شرکت سهامی مبدل گردد در این صورت رعایت تمام مقررات راجعه به شرکت سهامی حتمی است ماده ۱۳۶ - شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می شود: الف - در مورد فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۹۳؛ ب - در صورت تراضی تمام شرکا؛ ج - در صورتی که یکی از شرکا به دلا-یلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلایل را موجه دانسته و حکم به انحلال بدهد؛ د - در صورت فسخ یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۷؛ ه - در صورت ورشکستگی یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۸؛ و - در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰. تبصره - در مورد بند ج - هرگاه دلایل انحلال منحصرًا مربوط به شریک یا شرکای معین باشد محکمه می تواند به تقاضای سایر شرکا به جای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد. ماده ۱۳۷ - فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکا سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد، تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتبا به شرکا اعلام شود. اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در مورد ختم محاسبه سالیانه به عمل می آید. ماده ۱۳۸ - در مورد ورشکستگی یکی از شرکا انحلال وقتی صورت میگیرد که مدیر تصفیه کتبا تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد. ماده ۱۳۹ - در صورت فوت یکی از شرکا بقای شرکت موقوف به رضایت سایر شرکا و قائم مقام متوفی خواهد بود. اگر سایر شرکا به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقای شرکت کتبا اعلام نماید، در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهم نخواهد بود. سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است ماده ۱۴۰ - در مورد محجوریت یکی از شرکا مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد.

مبحث چهارم - در شرکت مختلط غیرسهامی (م ۱۴۱ تا م ۱۶۱)

ماده ۱۴۱ - شرکت مختلط غیرسهامی شرکتی است که برای امور تجارتي در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسوولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می شود. شریک ضامن مسوول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. شریک با مسوولیت محدود کسی است که مسوولیت او فقط تا میزان سرمایه‌ای است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت شرکت مختلط و لاقلاً اسم یکی از شرکای ضامن قید شود. ماده ۱۴۲ - روابط بین شرکا با رعایت مقررات ذیل تابع شرکت نامه خواهد بود. ماده ۱۴۳ - هر یک از شرکا با مسوولیت محدود که اسمش جزء اسم شرکت باشد در مقابل طلبکاران شرکت شریک ضامن محسوب خواهد شد. هر قراری که برخلاف این ترتیب بین شرکا داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث بی اثر است ماده ۱۴۴ - اداره شرکت مختلط غیرسهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکا شرکت تضامنی مقرر است ماده ۱۴۵ - شریک با مسوولیت محدود نه به عنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارد نه اداره امور شرکت از وظایف او است ماده ۱۴۶ - اگر شریک با مسوولیت محدود معامله‌ای برای شرکت کند، در مورد تعهدات ناشیه از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم شریک ضامن را خواهد داشت مگر این که تصریح کرده باشد معامله را به سمت و کالت از طرف شرکت انجام می دهد. ماده ۱۴۷ - هر شریک با مسوولیت محدود حق نظارت در امور شرکت داشته و می تواند از روی دفاتر و اسناد شرکت برای اطلاع شخص خود راجع به وضعیت مالی شرکت صورت خلاصه ترتیب دهد. هر قراردادی که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شود از درجه اعتبار ساقط است ماده ۱۴۸ - هیچ شریک با مسوولیت

محدود نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکا شخص ثالثی را با انتقال تمام یا قسمتی از سهم‌الشرکه خود به او، داخل در شرکت کند. ماده ۱۴۹ - اگر یک یا چند نفر از شرکا با مسوولیت محدود حق خود را در شرکت بدون اجازه سایرین کلا یا بعضا به شخص ثالثی واگذار نمایند شخص مزبور نه حق دخالت در اداره شرکت و نه حق تفتیش در امور شرکت را خواهد داشت ماده ۱۵۰ - در مورد تعهداتی که شرکت مختلط غیرسهامی ممکن است قبل از ثبت شرکت کرده باشد شریک با مسوولیت محدود در مقابل اشخاص ثالث در حکم شریک ضامن خواهد بود مگر ثابت نماید که اشخاص مزبور از محدود بودن مسوولیت او اطلاع داشته‌اند. ماده ۱۵۱ - شریک ضامن را وقتی می‌توان شخصا برای قروض شرکت تعقیب نمود که شرکت منحل شده باشد. ماده ۱۵۲ - هرگاه شرکت به طریقی غیر از ورشکستگی منحل شود و شریک با مسوولیت محدود هنوز تمام یا قسمتی از سهم‌الشرکه خود را نپرداخته و یا پس از تادیه مسترد داشته است طلبکاران شرکت حق دارند معادل آنچه که از بابت سهم‌الشرکه باقی مانده است مستقیما بر علیه شریک با مسوولیت محدود اقامه دعوانمایند. اگر شرکت ورشکست شود حق مزبور را مدیر تصفیه خواهد داشت ماده ۱۵۳ - اگر در نتیجه قرارداد با شرکا ضامن و یا در اثر برداشت قبلی از سرمایه شرکت شریک با مسوولیت محدود از سهم‌الشرکه خود که به ثبت رسیده است بکاهد این تقلیل مادام که به ثبت نرسیده و بر طبق مقررات راجعه به نشر شرکتهای منتشر نشده است در مقابل طلبکاران شرکت معتبر نبوده و طلبکاران مزبور می‌توانند برای تعهداتی که از طرف شرکت قبل از ثبت و انتشار تقلیل سرمایه به عمل آمده است تادیه همان سرمایه اولیه شریک با مسوولیت محدود را مطالبه نمایند. ماده ۱۵۴ - به شریک با مسوولیت محدود فرع نمی‌توان داد مگر در صورتی که موجب کسر سرمایه او در شرکت نشود. اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم‌الشرکه شریک با مسوولیت محدود کسر شد مادام که این کمبود جبران نشده تادیه هر ربح یا منفعتی به او ممنوع است هرگاه وجهی برخلاف حکم فوق تادیه گردید شریک با مسوولیت محدود تا معادل وجه دریافتی مسوول تعهدات شرکت است مگر در موردی که با حسن نیت و به اعتبار بیلان مرتبی وجهی گرفته باشد. ماده ۱۵۵ - هر کس به عنوان شریک با مسوولیت محدود در شرکت مختلط غیرسهامی موجودی داخل شود تا معادل سهم‌الشرکه خود مسوول قروضی خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته خواه اسم شرکت عوض شده یا نشده باشد. هر شرطی که برخلاف این ترتیب باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود. ماده ۱۵۶ - اگر شرکت مختلط غیرسهامی ورشکست شود دارایی شرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده و طلبکاران شخصی شرکا در آن حقی ندارند، سهم‌الشرکه شرکا با مسوولیت محدود نیز جزو دارایی شرکت محسوب است ماده ۱۵۷ - اگر دارایی شرکت برای تادیه تمام قروض آن کافی نباشد طلبکاران آن حق دارند بقیه طلب خود را از دارایی شخصی تمام یا هر یک از شرکای ضامن وصول کنند در این صورت بین طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکای ضامن تفاوتی نخواهد بود. ماده ۱۵۸ - در صورت ورشکستگی یکی از شرکا با مسوولیت محدود خود شرکت یا طلبکاران آن با طلبکاران شخصی شریک مزبور متساوی الحقوق خواهند بود. ماده ۱۵۹ - مقررات مواد ۱۲۹ و ۱۳۰ در شرکتهای مختلط غیرسهامی نیز لازم‌الرعایه است ماده ۱۶۰ - اگر شریک ضامن بیش از یک نفر باشد مسوولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات راجع به شرکتهای تضامنی است ماده ۱۶۱ - مقررات مواد ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹ و ۱۴۰ در مورد شرکتهای مختلط غیرسهامی نیز جاری است مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکای با مسوولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی‌شود.

مبحث پنجم - شرکت مختلط سهامی (م ۱۶۲ تا م ۱۸۲)

ماده ۱۶۲ - شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین یک عده شرکای سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می‌شود. شرکای سهامی کسانی هستند که سرمایه آنها به صورت سهام یا قطعات سهام متساوی القیمه درآمده و مسوولیت آنها تا میزان همان سرمایه‌ای است که در شرکت دارند. شریک ضامن کسی است که سرمایه او به صورت سهام

دریافته و مسوول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. در صورت تعدد شریک ضامن مسوولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود. ماده ۱۶۳ - در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط و لااقل اسم یکی از شرکای ضامن قید شود. ماده ۱۶۴ - مدیریت شرکت مختلط سهامی مخصوص به شریک یا شرکای ضامن است ماده ۱۶۵ - در هر یک از شرکت‌های مختلط سهامی هیات نظاری لااقل مرکب از سه نفر از شرکا برقرار می‌شود و این هیات را مجمع عمومی شرکا بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی در امور شرکت معین می‌کند، انتخاب هیات برحسب شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تجدید می‌شود در هر صورت اولین هیات نظار برای یک سال انتخاب خواهد شد. ماده ۱۶۶ - اولین هیات نظار باید بعد از انتخاب شدن بلافاصله تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که تمام مقررات مواد ۲۸، ۲۹، ۳۸، ۳۹، ۴۱ و ۵۰ این قانون رعایت شده است ماده ۱۶۷ - اعضای هیات نظار از جهت اعمال اداری و نتایج حاصله از آن هیچ مسوولیتی ندارند لیکن هر یک از آنها در انجام ماموریت خود بر طبق قوانین معموله مملکتی مسوول اعمال و تقصیرات خود می‌باشند. ماده ۱۶۸ - اعضای هیات نظار دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را تحت تدقیق در آورده همه ساله راپرتی به مجمع عمومی می‌دهند و هرگاه در تنظیم صورت دارایی بی‌ترتیبی و خطایی مشاهده نمایند در راپرت مزبور ذکر نموده و اگر مخالفتی با پیشنهاد مدیر شرکت در تقسیم منافع داشته باشند دلایل خود را بیان می‌کنند. ماده ۱۶۹ - هیات نظار می‌تواند شرکا را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نماید و با موافقت رای مجمع مزبور بر طبق فقره (ب) ماده ۱۸۱ شرکت را منحل کند. ماده ۱۷۰ - تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی می‌تواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرکت حاضر شده از صورت بیلان و صورت دارایی و راپرت هیات نظارت اطلاع حاصل کند. ماده ۱۷۱ - ورشکستگی هیچ‌یک از شرکای ضامن موجب انحلال شرکت نخواهد شد مگر در مورد ماده ۱۳۸. ماده ۱۷۲ - حکم مواد ۱۲۴ و ۱۳۴ در مورد شرکت مختلط سهامی و شرکای ضامن آن جاری است ماده ۱۷۳ - هرگاه شرکت مختلط سهامی ورشکست شود و شرکای سهامی تمام قیمت سهام خود را پرداخته باشند مدیر تصفیه آنچه را که بر عهده آنها باقی است وصول می‌کند. ماده ۱۷۴ - اگر شرکت به طریقی غیر از ورشکستگی منحل شد هر یک از طلبکاران شرکت می‌تواند به هر یک از شرکای سهامی که از بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت است رجوع کرده در حدود بدهی آن شریک طلب خود را مطالبه نماید. مادام که شرکت منحل نشده طلبکاران برای وصول طلب خود حق رجوع به هیچ‌یک از شرکای سهامی را ندارند. ماده ۱۷۵ - اگر شرکت مختلط ورشکست شد تا قروض شرکت از دارایی آن تأدیه نشده طلبکاران شخصی شرکای ضامن حقی به دارایی شرکت ندارند. ماده ۱۷۶ - مفاد مواد ۲۸، ۲۹، ۳۸، ۳۹، ۴۱ و ۵۰ شامل شرکت‌های مختلط سهامی است ماده ۱۷۷ - هر شرکت مختلط سهامی که برخلاف مواد ۲۸، ۲۹، ۳۹ و ۵۰ تشکیل شود باطل است لیکن شرکا نمی‌توانند در مقابل اشخاص خارج به این بطلان استناد نمایند. ماده ۱۷۸ - هرگاه شرکت برحسب ماده قبل محکوم به بطلان شود مطابق ماده ۱۰۱ رفتار خواهد شد. ماده ۱۷۹ - مفاد مواد ۸۴، ۸۵، ۸۶ و ۸۷ این قانون در شرکت‌های مختلط نیز باید رعایت شود. ماده ۱۸۰ - مفاد مواد ۸۹، ۹۰، ۹۱ و ۹۲ این قانون در مورد شرکت مختلط نیز لازم‌الرعايه است ماده ۱۸۱ - شرکت مختلط در موارد ذیل منحل می‌شود: الف - در مورد فقرات ۱، ۲ و ۳ ماده ۹۳؛ ب - برحسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد؛ ج - برحسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکای ضامن د - در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکای ضامن مشروط بر این که انحلال شرکت در این موارد در اساسنامه تصریح شده باشد؛ در مورد فقرات ب و ج حکم ماده ۷۲ جاری است ماده ۱۸۲ - هرگاه در اساسنامه برای مجمع عمومی حق تصمیم به انحلال معین نشده و بین مجمع عمومی و شرکای ضامن راجع به انحلال موافقت حاصل نشود و محکمه دلایل طرفداران انحلال را موجه بیند حکم به انحلال خواهد داد. همین حکم در موردی نیز جاری است که یکی از شرکای ضامن به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نموده و محکمه آن دلایل را موجه بیند.

ماده ۱۸۳ - شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوص بین دو یا چند نفر تشکیل و مسوولیت هر یک از شرکا به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته ماده ۱۸۴ - در اسم شرکت نسبی عبارت (شرکت نسبی و لاقل اسم یک نفر از شرکا باید ذکر شود در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکا نباشد بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده عبارتی از قبیل (و شرکا) و (و برادران ضروری است ماده ۱۸۵ - دستور ماده ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲ و ۱۲۳ در مورد شرکت نسبی نیز لازم‌الرعايه است ماده ۱۸۶ - اگر دارایی شرکت نسبی برای تادیه تمام قروض شرکت کافی نباشد هر یک از شرکا به نسبت سرمایه که در شرکت داشته مسوول تادیه قروض شرکت است ماده ۱۸۷ - مادام که شرکت نسبی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید فقط پس از انحلال طلبکاران می‌توانند بارعایت ماده فوق به فرد فرد شرکا مراجعه کنند. ماده ۱۸۸ - هر کس به عنوان شریک ضامن در شرکت نسبی موجودی داخل شود به نسبت سرمایه‌ای که در شرکت می‌گذارد مسوول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از این که در اسم شرکت تغییری داده شده باشد یا نشده باشد. قرار شرکا برخلاف این ترتیب نسبت به اشخاص ثالث اثر ندارد. ماده ۱۸۹ - مفاد ماده ۱۲۶ (جز مسوولیت شرکا که به نسبت سرمایه آنهاست و مواد ۱۲۷ تا ۱۳۶ در شرکت های نسبی نیز جاری است

مبحث هفتم - شرکتهای تعاونی تولید و مصرف (م ۱۹۰ تا م ۱۹۴)

ماده ۱۹۰ - شرکت تعاونی تولید شرکتی است که بین عده‌ای از ارباب حرف تشکیل می‌شود و شرکا مشاغل خود را برای تولید و فروش اشیا یا اجناس به کار می‌برند. ماده ۱۹۱ - اگر در شرکت تولید یک عده از شرکا در خدمت دائمی شرکت نبوده یا از اهل حرفه که موضوع عملیات شرکت است نباشند لاقل دو ثلث اعضای اداره کننده شرکت باید از شرکایی انتخاب شوند که حرفه آنها موضوع عملیات شرکت است ماده ۱۹۲ - شرکت تعاونی مصرف شرکتی است که برای مقاصد ذیل تشکیل می‌شود: ۱ - فروش اجناس لازمه برای مصارف زندگانی اعم از این که اجناس مزبوره را شرکا ایجاد کرده یا خریده باشند؛ ۲ - تقسیم نفع و ضرر بین شرکا به نسبت خرید هر یک از آنها. ماده ۱۹۳ - شرکت تعاونی اعم از تولید یا مصرف ممکن است مطابق اصول شرکت سهامی یا بر طبق مقررات مخصوصی که با تراضی شرکا ترتیب داده شده باشد تشکیل بشود ولی در هر حال مفاد مواد ۳۲ و ۳۳ لازم‌الرعايه است ماده ۱۹۴ - در صورتی که شرکت تعاونی تولید یا مصرف مطابق اصول شرکت سهامی تشکیل شود حداقل سهام یا قطعات سهام ده ریال خواهد بود و هیچ‌یک از شرکا نمی‌توانند در مجمع عمومی بیش از یک رای داشته باشند.

فصل دوم - در مقررات راجعه به ثبت شرکتهای و نشر شرکت نامه (م ۱۹۵ تا م ۲۰۱)

ماده ۱۹۵ - ثبت کلیه شرکتهای مذکور در این قانون الزامی و تابع جمیع مقررات قانون ثبت شرکتهای است ماده ۱۹۶ - اسناد و نوشتجاتی که برای به ثبت رسانیدن شرکت لازم است در نظام نامه وزارت عدلیه معین می‌شود. ماده ۱۹۷ - در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت خلاصه شرکت نامه و منضمات آن طبق نظام نامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد. ماده ۱۹۸ - اگر به علت عدم رعایت دستور دو ماده فوق بطلان عملیات شرکت اعلام شد هیچ‌یک از شرکا نمی‌توانند این بطلان را در مقابل اشخاص ثالثی که با آنها معامله کرده‌اند عذر قرار دهند. ماده ۱۹۹ - هرگاه شرکت در چندین حوزه شعبه داشته باشد مقررات مواد ۱۹۵ - ۱۹۷ باید به قسمی که در نظام نامه وزارت عدلیه معین می‌شود در هر حوزه جداگانه انجام گردد. ماده ۲۰۰ - در هر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید مدت شرکت زاید بر مدت مقرر یا انحلال شرکت (حتی در مواردی که انحلال به واسطه انقضای مدت

شرکت صورت می‌گیرد) و تعیین کیفیت تفریغ حساب یا تبدیل شرکا یا خروج بعضی از آنها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ لازم‌الرعایه است همین ترتیب در موقع هر تصمیمی که نسبت به مورد معین در ماده ۷۹ این قانون اتخاذ می‌شود رعایت خواهد شد. ماده ۲۰۱ - در هر گونه اسناد و صورت‌حسابها و اعلانات و نشریات و غیره که به‌طور خطی یا چاپی از طرف شرکتهای مذکور در این قانون به استثنای شرکتهای تعاونی صادر می‌شود سرمایه شرکت صریحا باید ذکر گردد و اگر تمام سرمایه پرداخته نشده قسمتی که پرداخته شده نیز باید صریحا معین شود، شرکت متخلف به جزای نقدی از دو بیست تا سه هزار ریال محکوم خواهد شد. تبصره - شرکتهای خارجی نیز که به وسیله شعبه یا نماینده در ایران اشتغال به تجارت دارند در مورد اسناد و صورت‌حسابها و اعلانات و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده خواهند بود.

فصل سوم - در تصفیه امور شرکتهای (م ۲۰۲ تا ۲۱۸)

ماده ۲۰۲ - تصفیه امور شرکتهای پس از انحلال موافق مواد ذیل خواهد بود مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است ماده ۲۰۳ - در شرکتهای تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیرسهامی امر تصفیه با مدیر یا مدیران شرکت است مگر آن که شرکای ضامن اشخاص دیگری را از خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نمایند. ماده ۲۰۴ - اگر از طرف یک یا چند شریک ضامن تعیین اشخاص مخصوص برای تصفیه تقاضا شد و سایر شرکای ضامن آن تقاضا را نپذیرفتند محکمه بدایت اشخاصی را برای تصفیه معین خواهد کرد. ماده ۲۰۵ - در هر مورد که اشخاصی غیر از مدیران شرکت برای تصفیه معین شوند اسامی آنها باید در اداره ثبت اسناد ثبت و اعلان گردد. ماده ۲۰۶ - در شرکتهای مختلط (سهامی و غیرسهامی شرکای غیرضامن حق دارند یک یا چند نفر برای نظارت در امور تصفیه معین نمایند. ماده ۲۰۷ - وظیفه متصدیان تصفیه خاتمه دادن به کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت است به ترتیب مقرر در مواد ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱ و ۲۱۲. ماده ۲۰۸ - اگر برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود متصدیان تصفیه انجام خواهند داد. ماده ۲۰۹ - متصدیان تصفیه حق دارند شخصا یا به توسط وکیل از طرف شرکت محاکمه کنند. ماده ۲۱۰ - متصدی تصفیه وقتی حق اصلاح و تعیین حکم دارد که شرکای ضامن به او اجازه داده باشند. مواردی که به حکم قانون حکمیت اجباری است از این قاعده مستثنی است ماده ۲۱۱ - آن قسمت از دارایی شرکت که در مدت تصفیه محل احتیاج نیست به‌طور موقت بین شرکا تقسیم می‌شود ولی متصدیان تصفیه باید معادل قروضی که هنوز موعد تادیه آن نرسیده است و همچنین معادل مبلغی که در حساب بین شرکا مورد اختلاف است موضوع نمایند. ماده ۲۱۲ - متصدیان تصفیه حساب شرکا را نسبت به هم و سهم هریک از شرکا را از نفع و ضرر معین می‌کنند، رفع اختلاف در تقسیم به محکمه بدایت رجوع می‌شود. ماده ۲۱۳ - در شرکتهای سهامی و شرکتهای با مسوولیت محدود و شرکتهای تعاونی امر تصفیه به‌عهده مدیران شرکت است مگر آن که اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت ترتیب دیگری مقرر داشته باشد. ماده ۲۱۴ - وظیفه و اختیارات متصدیان تصفیه در شرکت سهامی و شرکتهای با مسوولیت محدود و تعاونی به ترتیبی است که در ماده ۲۰۷ مقرر شده با این تفاوت که حق اصلاح و تعیین حکم برای متصدیان تصفیه این شرکتهای (به استثنای مورد حکمیت اجباری فقط وقتی خواهد بود که اساسنامه یا مجمع عمومی این حق را به آنها داده باشد. ماده ۲۱۵ - تقسیم دارایی شرکتهای مذکور در ماده فوق بین شرکا خواه در ضمن مدت تصفیه و خواه پس از ختم آن ممکن نیست مگر آن که قبلا سه مرتبه در مجله رسمی و یکی از جراید اعلان و یک سال از تاریخ انتشار اولین اعلان در مجله گذشته باشد. ماده ۲۱۶ - تخلف از ماده قبل متصدیان تصفیه را مسوول خسارت طلبکارانی قرار خواهد داد که به طلب خود نرسیده‌اند. ماده ۲۱۷ - دفاتر هر شرکتی که منحل شده با نظر مدیر ثبت اسناد در محل معینی از تاریخ ختم تصفیه تا ده سال محفوظ خواهد ماند. ماده ۲۱۸ - هر شرکتی مجاز است در اساسنامه خود برای تصفیه

ترتیب دیگری مقرر دارد ولی در هر حال آن مقررات نباید مخالف مواد ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۱۶ و ۲۱۷ و قسمت اخیر ماده ۲۱۱ باشد.

فصل چهارم - مقررات مختلفه (م ۲۱۹ تا ۲۲۲)

ماده ۲۱۹ - مدت مرور زمان در دعاوی اشخاص ثالث بر علیه شرکا یا وراث آنها راجع به معاملات شرکت (در مواردی که قانون شرکا یا وراث آنها را مسوول قرار داده پنج سال است مبدا مرور زمان روزی است که انحلال شرکت یا کناره گیری شریک یا اخراج او از شرکت در اداره ثبت به ثبت رسیده و در مجله رسمی اعلان شده باشد. در صورتی که طلب پس از ثبت و اعلان قابل مطالبه شده باشد مرور زمان از روزی شروع می شود که طلبکار حق مطالبه پیدا کرده است تبصره - دعوایی که سنخا تابع مرور زمان کوتاه تری بوده یا به موجب این قانون مرور زمان طولانی تری برای آن معین شده از مقررات این ماده مستثنی است ماده ۲۲۰ - هر شرکت ایرانی که فعلا وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجاری خود را به صورت یکی از شرکتهای مذکور در این قانون در نیآورده و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی در مورد آن اجراء می گردد. هر شرکت تجاری ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکتهای مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خطی و یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده والا - محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال خواهد شد. این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکتهای برای عدم ثبت مقرر شده ماده ۲۲۱ - اگر شرکت سهام یا اوراق استقراضی داشته باشد که مطابق اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی قیمت آنها به طریق قرعه باید تادیه شود و قبل از تادیه قیمت آن سهام یا اوراق منافی که به آنها تعلق گرفته پرداخت شده باشد شرکت در موقع تادیه اصل قیمت نمی تواند منافع تادیه شده را استرداد نماید. ماده ۲۲۲ - هر شرکت تجاری می تواند در اساسنامه خود قید کند که سرمایه اولیه خود را به وسیله تادیه اقساط بعدی از طرف شرکا یا قبول شریک جدید زیاد کرده و یا به واسطه برداشت از سرمایه آن را تقلیل دهد. در اساسنامه حداقلی که تا آن میزان می توان سرمایه اولیه را تقلیل داد صراحتا معین می شود. کمتر از عشر سرمایه اولیه شرکت را حداقل قرار دادن ممنوع است

باب چهارم - برات - فته طلب - چک

فصل اول - برات

مبحث اول - صورت برات (م ۲۲۳ تا ۲۲۷)

ماده ۲۲۳ - برات علاوه بر امضا یا مهر برات دهنده باید دارای شرایط ذیل باشد: ۱ - قید کلمه (برات در روی ورقه ۲ - تاریخ تحریر (روز و ماه و سال ، ۳ - اسم شخصی که باید برات را تادیه کند، ۴ - تعیین مبلغ برات ۵ - تاریخ تادیه وجه برات ۶ - مکان تادیه وجه برات اعم از این که محل اقامت محال علیه باشد یا محل دیگر، ۷ - اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخته می شود، ۸ - تصریح به این که نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است ماده ۲۲۴ - برات ممکن است به حواله کرد شخص دیگر باشد یا به حواله کرد خود برات دهنده ماده ۲۲۵ - تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می شود. اگر مبلغ بیش از یک دفعه به تمام

حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر مناط اعتبار است اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است ماده ۲۲۶ - در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ ماده ۲۲۳ نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات تجارتنی نخواهد بود. ماده ۲۲۷ - برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود.

مبحث دوم - در قبول و نکول (م ۲۲۸ تا ۲۳۸)

ماده ۲۲۸ - قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده امضا یا مهر می‌شود. در صورتی که برات به وعده از رویت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد. اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ برات تاریخ رویت حساب می‌شود. ماده ۲۲۹ - هر عبارتی که محال‌علیه در برات نوشته امضا یا مهر کند قبولی محسوب است مگر این که صریحا عبارت مشعر بر عدم قبول باشد. اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جزء از برات باشد بقیه وجه برات قبول شده محسوب است در صورتی که محال‌علیه بدون تحریر هیچ عبارتی برات را امضا یا مهر نماید برات قبول شده محسوب می‌شود. ماده ۲۳۰ - قبول کننده برات ملزم است وجه آن را سر وعده تادیه نماید. ماده ۲۳۱ - قبول کننده حق نکول ندارد. ماده ۲۳۲ - ممکن است قبولی منحصر به یک قسمت از وجه برات باشد در این صورت دارنده برات باید برای بقیه اعتراض نماید. ماده ۲۳۳ - اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شد برات نکول شده محسوب می‌شود ولی مع هذا قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته مسوول پرداخت وجه برات است ماده ۲۳۴ - در قبولی براتی که وجه آن در خارج از محل اقامت قبول کننده باید تادیه شود تصریح به مکان تادیه ضروری است ماده ۲۳۵ - برات باید به محض ارائه یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود. ماده ۲۳۶ - نکول برات باید به موجب تصدیق نامه‌ای که رسماً تنظیم می‌شود محقق گردد، تصدیق نامه مزبور موسوم است به اعتراض پروتست نکول ماده ۲۳۷ - پس از اعتراض نکول ظهرنویسها و برات‌دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامنی برای تادیه وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه برات را به انضمام مخارج اعتراض نامه و مخارج برات رجوعی اگر باشد) فوراً تادیه نمایند. ماده ۲۳۸ - اگر بر علیه کسی که براتی را قبول کرده ولی وجه آن را نپرداخته اعتراض عدم تادیه شود دارنده براتی نیز که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است می‌تواند از قبول کننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند.

مبحث سوم - در قبولی شخص ثالث (م ۲۳۹ تا ۲۴۰)

ماده ۲۳۹ - هرگاه براتی نکول شد و اعتراض به عمل آمد شخص ثالثی می‌تواند آن را به نام برات‌دهنده یا یکی از ظهرنویسها قبول کند. قبولی شخص ثالث باید در اعتراض نامه قید شده و به امضای او برسد. ماده ۲۴۰ - بعد از قبولی شخص ثالث نیز تا برات تادیه نشده کلیه حقوقی که برای دارنده برات از نکول آن در مقابل برات‌دهنده و ظهرنویسها حاصل می‌شود محفوظ خواهد بود.

مبحث چهارم - در وعده برات (م ۲۴۱ تا ۲۴۴)

ماده ۲۴۱ - برات ممکن است به رویت باشد یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رویت برات یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از تاریخ برات ممکن است پرداخت به روز معینی موکول شده باشد. ماده ۲۴۲ - هرگاه برات بی‌وعده قبول شده باید فوراً پرداخته شود. ماده ۲۴۳ - موعد پرداخت براتی که یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رویت وعده دارد به وسیله تاریخ قبولی یا تاریخ اعتراض نامه نکول معین می‌شود. ماده ۲۴۴ - اگر موعد پرداخت برات با تعطیل رسمی تصادف کرد باید روز بعد از تعطیل تادیه شود. تبصره - همین قاعده در مورد سایر اوراق تجارتنی نیز رعایت خواهد شد.

مبحث پنجم - ظهرنویسی (م ۲۴۵ تا م ۲۴۸)

ماده ۲۴۵ - انتقال برات به وسیله ظهرنویسی به عمل می‌آید. ماده ۲۴۶ - ظهرنویسی باید به امضای ظهرنویس برسد، ممکن است در ظهرنویسی تاریخ و اسم کسی که برات به او انتقال داده می‌شود قید گردد. ماده ۲۴۷ - ظهرنویسی حاکی از انتقال برات است مگر این که ظهرنویس و کالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول ولدی‌الاقتضاء حق اعتراض و اقامه دعوا برای وصول خواهد داشت جز در مواردی که خلاف این در برات تصریح شده باشد. ماده ۲۴۸ - هرگاه ظهرنویس در ظهرنویسی تاریخ مقدمی قید کند مزور شناخته می‌شود.

مبحث ششم - مسؤلیت (م ۲۴۹ تا ۲۵۱)

ماده ۲۴۹ - برات‌دهنده کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویسها در مقابل دارنده برات مسؤلیت تضامنی دارند. دارنده برات در صورت عدم تادیه و اعتراض می‌تواند به هر کدام از آنها که بخواهد منفردا یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعا رجوع نماید. همین حق را هر یک از ظهرنویسها نسبت به برات‌دهنده و ظهرنویسهای ماقبل خود دارد. اقامه دعوا بر علیه یک یا چند نفر از مسوولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسوولین برات نیست اقامه کننده دعوا ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند. ضامنی که ضمانت برات‌دهنده یا محال علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسؤلیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است. ماده ۲۵۰ - هر یک از مسوولین تادیه برات می‌تواند پرداخت را به تسلیم برات و اعتراض نامه و صورت حساب متفرعات و مخارج قانونی که باید بپردازد موکول کند. ماده ۲۵۱ - هرگاه چند نفر از مسوولین برات ورشکست شوند دارنده برات می‌تواند در هر یک از غرما یا در تمام غرما برای وصول تمام طلب خود (وجه برات و متفرعات و مخارج قانونی داخل شود تا این که طلب خود را کاملا وصول نماید، مدیر تصفیه هیچ‌یک از ورشکستگان نمی‌تواند برای وجهی که به صاحب چنین طلب پرداخته می‌شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع نماید مگر در صورتی که مجموع وجهی که از دارایی تمام ورشکستگان به صاحب طلب تخصیص می‌یابد بیش از میزان طلب او باشد در این صورت مازاد باید به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداخته‌اند، جزء دارایی ورشکستگانی محسوب گردد که به سایر ورشکسته‌ها حق رجوع دارند. تبصره - مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری نیز که برای پرداخت یک دین مسؤلیت تضامنی داشته باشند مرعی خواهد بود.

مبحث هفتم - در پرداخت (م ۲۵۲ تا م ۲۶۹)

ماده ۲۵۲ - پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده به عمل می‌آید. ماده ۲۵۳ - اگر دارنده برات به برات‌دهنده یا کسی که برات را به او منتقل کرده است پولی غیر از آن نوع که در برات معین شده است بدهد و آن برات در نتیجه نکول یا امتناع از قبول و یا عدم تادیه اعتراض شود دارنده برات می‌تواند از دهنده برات یا انتقال‌دهنده نوع پولی را که داده یا نوع پولی که در برات معین شده مطالبه کند ولی از سایر مسوولین وجه برات جز نوع پولی که در برات معین شده قابل مطالبه نیست ماده ۲۵۴ - برات به وعده باید روز آخر وعده پرداخته شود. ماده ۲۵۵ - روز رؤیت در برواتی که به وعده از رؤیت است و روز صدور برات در برواتی که به وعده از تاریخ صدور است حساب نخواهد شد. ماده ۲۵۶ - شخصی که وجه برات را قبل از موعد، تادیه نموده در مقابل اشخاصی که نسبت به وجه برات حقی دارند مسوول است ماده ۲۵۷ - اگر دارنده برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظهرنویسهای ماقبل خود و برات‌دهنده که به مهلت مزبور رضایت نداده‌اند حق رجوع نخواهد داشت ماده ۲۵۸ - شخصی که در سر وعده وجه برات را می‌پردازد بری‌الذمه محسوب می‌شود مگر آن که وجه برات قانونا در نزد او توقیف شده باشد. ماده ۲۵۹ -

پرداخت وجه برات ممکن است به موجب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ به عمل آید در صورتی که در روی آن نسخه قید شده باشد که پس از پرداخت وجه به موجب این نسخه نسخ دیگر از اعتبار ساقط است ماده ۲۶۰ - شخصی که وجه برات را برحسب نسخه‌ای پردازد که در روی آن قبولی نوشته نشده در مقابل شخصی که نسخه قبولی شده را دارد مسوول پرداخت وجه آن است ماده ۲۶۱ - در صورت گم شدن براتی که هنوز قبول نشده است صاحب آن می‌تواند وصول وجه آن را برحسب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ تقاضا کند. ماده ۲۶۲ - اگر نسخه مفقود نسخه‌ای باشد که قبولی در روی آن نوشته شده تقاضای پرداخت از روی نسخه‌های دیگر فقط به موجب امر محکمه پس از دادن ضامن بعمل می‌آید. ماده ۲۶۳ - اگر شخصی که برات را گم کرده اعم از این که قبولی نوشته شده یا نشده باشد می‌تواند نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ را تحصیل نماید. پس از اثبات این که برات متعلق به او است می‌تواند با دادن ضامن تادیه وجه آن را به موجب امر محکمه مطالبه کند. ماده ۲۶۴ - اگر با وجود تقاضایی که در مورد مواد ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ به عمل آمده است از تادیه وجه برات امتناع شود صاحب برات مفقود می‌تواند تمام حقوق خود را به موجب اعتراض نامه محفوظ بدارد. ماده ۲۶۵ - اعتراض نامه مذکور در فوق باید در ظرف بیست و چهار ساعت از تاریخ وعده برات تنظیم شده و در مواعد و به ترتیبی که در این قانون برای ابلاغ اعتراض نامه معین شده است به برات‌دهنده و ظهرنویسها ابلاغ گردد. ماده ۲۶۶ - صاحب برات مفقود برای تحصیل نسخه ثانی باید به ظهرنویسی که بلافاصله قبل از او بوده است رجوع نماید. ظهرنویس مزبور ملزم است به صاحب برات اختیار مراجعه به ظهرنویس ماقبل خود داده و راهنمایی کند و همچنین هر ظهرنویس باید اختیار رجوع به ظهرنویس ماقبل خود بدهد تا به برات‌دهنده برسد. مخارج این اقدامات بر عهده صاحب برات مفقود خواهد بود. ظهرنویس در صورت امتناع از دادن اختیار مسوول تادیه وجه برات و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است ماده ۲۶۷ - در صورتی که ضامن برات مفقود (رجوع به مواد ۲۶۲ و ۲۶۳) مدتی برای ضمانت خود معین نکرده باشد مدت ضمانت سه سال است و هرگاه در ظرف این سه سال رسماً مطالبه یا اقامه دعوانشده باشد دیگر از این حیث دعوا بر علیه او در محکمه مسموع نخواهد بود. ماده ۲۶۸ - اگر مبلغی از وجه برات پرداخته شود به همان اندازه برات‌دهنده و ظهرنویسها بری می‌شوند و دارنده برات فقط نسبت به بقیه می‌تواند اعتراض کند. ماده ۲۶۹ - محاکم نمی‌توانند بدون رضایت صاحب برات برای تادیه وجه برات مهلتی بدهند.

مبحث هشتم - تادیه وجه برات به واسطه شخص ثالث (م ۲۷۰ تا م ۲۷۳)

ماده ۲۷۰ - هر شخص ثالثی می‌تواند از طرف برات‌دهنده یا یکی از ظهرنویسها وجه برات اعتراض شده را کارسازی نماید، دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراض نامه یا در ذیل آن قید شود. ماده ۲۷۱ - شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است ماده ۲۷۲ - اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف برات‌دهنده پرداخت تمام ظهرنویسها بری‌الذمه می‌شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهرنویسها به عمل آید ظهرنویسهای بعد از او بری‌الذمه‌اند. ماده ۲۷۳ - اگر دو شخص متفقاً هر یک از جانب یکی از مسوولین برات برای پرداخت وجه حاضر شوند پیشنهاد آن کس پذیرفته است که تادیه وجه از طرف او عده زیادتری از مسوولین را بری‌الذمه می‌کند، اگر خود محال‌علیه پس از اعتراض برای تادیه وجه حاضر شود بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.

مبحث نهم - حقوق و وظایف دارنده برات (م ۲۷۴ تا م ۲۹۲)

ماده ۲۷۴ - نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران به رویت یا به وعده از رویت تادیه شود اعم از این که برات در ایران صادر شده باشد یا در خارجه دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یک سال از تاریخ برات مطالبه نماید والا حق

رجوع به ظهنویسها و همچنین به برات‌دهنده که وجه برات را به محال علیه‌رسانیده است نخواهد داشت ماده ۲۷۵ - اگر در برات اعم از این که در ایران صادر شده باشد یا درخارج برای تقاضای قبولی مدت بیشتر یا کمتری مقرر شده باشد دارنده برات باید در همان مدت قبولی برات را تقاضا نماید والا حق رجوع به ظهنویسها و برات‌دهنده‌ای که وجه برات را به محال علیه‌رسانیده است نخواهد داشت ماده ۲۷۶ - اگر ظهنویسی برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد دارنده برات باید در مدت مزبور تقاضای قبولی نماید والا در مقابل آن ظهنویس نمی‌تواند از مقررات مربوط به بروات استفاده کند. ماده ۲۷۷ - هرگاه دارنده برات به رویت یا به وعده که در یکی از شهرهای ایران صادر و باید در ممالک خارج تادیه شود در مواعد مقرر در مواد فوق قبولی نوشتن یا پرداخت وجه را مطالبه نکرده باشد مطابق مقررات همان مواد حق او ساقط خواهد شد. ماده ۲۷۸ - مقررات فوق مانع نخواهد بود که بین دارنده برات و برات‌دهنده و ظهنویسها قرارداد دیگر مقرر گردد. ماده ۲۷۹ - دارنده برات باید روز وعده وجه برات را مطالبه کند. ماده ۲۸۰ - امتناع از تادیه وجه برات باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده به وسیله نوشته‌ای که اعتراض عدم تادیه نامیده می‌شود معلوم گردد. ماده ۲۸۱ - اگر روز دهم تعطیل باشد اعتراض روز بعد آن به عمل خواهد آمد. ماده ۲۸۲ - نه فوت محال علیه نه ورشکستگی او نه اعتراض نکولی دارنده برات را از اعتراض عدم تادیه مستغنی نخواهد کرد. ماده ۲۸۳ - در صورتی که قبول کننده برات قبل از وعده ورشکست شود حق اعتراض برای دارنده برات باقی است ماده ۲۸۴ - دارنده براتی که به علت عدم تادیه اعتراض شده است باید در ظرف ده روز از تاریخ اعتراض عدم تادیه را به وسیله اظهارنامه رسمی یا مراسله سفارشی دو قبضه به کسی که برات را به او واگذار نموده اطلاع دهد. ماده ۲۸۵ - هر یک از ظهنویسها نیز باید در ظرف ده روز از تاریخ دریافت اطلاع نامه فوق ، آن را به همان وسیله به ظهنویس سابق خود اطلاع دهد. ماده ۲۸۶ - اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تادیه شود و به علت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهد از حقی که ماده ۲۴۹ برای او مقرر داشته استفاده کند باید در ظرف یک سال از تاریخ اعتراض اقامه دعوا نماید. (اصلاحی ۵۸/۱۰/۲۶) تبصره - هرگاه محل اقامت مدعی علیه خارج از محلی باشد که وجه برات باید در آنجا پرداخته شود برای هر ۶ فرسخ یک روز اضافه خواهد شد. ماده ۲۸۷ - در مورد برواتی که باید در خارج تادیه شود اقامه دعوا بر علیه برات‌دهنده و یا ظهنویسهای مقیم ایران در ظرف دو سال از تاریخ اعتراض باید به عمل آید. (اصلاحی ۵۸/۱۰/۲۶) ماده ۲۸۸ - هر یک از ظهنویسها که بخواهد از حقی که در ماده ۲۴۹ به او داده شده استفاده نماید باید در مواعدی که به موجب مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ مقرر است اقامه دعوا کند و نسبت به او، موعد از فردای ابلاغ احضاریه محکمه محسوب است و اگر وجه برات را بدون این که بر علیه او اقامه دعوا شده باشد تادیه نماید از فردای روز تادیه محسوب خواهد شد. ماده ۲۸۹ - پس از انقضای مواعد مقرر در مواد فوق دعوا دارنده برات بر ظهنویسها و همچنین دعوا هر یک از ظهنویسها بر ید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد. ماده ۲۹۰ - پس از انقضای مواعد فوق دعوای دارنده و ظهنویسهای برات بر علیه برات‌دهنده نیز پذیرفته نمی‌شود مشروط بر این که برات‌دهنده ثابت نماید در سر وعده وجه برات را به محال علیه‌رسانیده و در این صورت دارنده برات فقط حق مراجعه به محال علیه خواهد داشت ماده ۲۹۱ - اگر پس از انقضای موعدی که برای اعتراض و ابلاغ اعتراض نامه یا برای اقامه دعوا مقرر است برات‌دهنده یا هر یک از ظهنویسها به طریق محاسبه یا عنوان دیگر وجهی را که برای تادیه برات به محال علیه رسانیده بود مسترد دارد دارنده برات برخلاف مقررات دو ماده قبل حق خواهد داشت که بر علیه دریافت کننده وجه اقامه دعوی نماید. ماده ۲۹۲ - پس از اقامه دعوا محکمه مکلف است به مجرد تقاضای دارنده براتی که به علت عدم تادیه اعتراض شده است معادل وجه برات را از اموال مدعی علیه به عنوان تامین توقیف نماید.

مبحث دهم - در اعتراض (پروتست) (م ۲۹۳ تا ۲۹۷)

ماده ۲۹۳ - اعتراض در موارد ذیل به عمل می‌آید: ۱ - در مورد نکول ۲ - در مورد امتناع از قبول یا نکول ۳ - در مورد عدم تادیه

اعتراض نامه باید در یک نسخه تنظیم و به موجب امر محکمه بدایت به توسط مامور اجراء به محل اقامت اشخاص ذیل ابلاغ شود: ۱ - محال علیه ۲ - اشخاصی که در برات برای تادیه وجه عندالافتضاء معین شده‌اند؛ ۳ - شخص ثالثی که برات را قبول کرده است اگر در محلی که اعتراض به عمل می‌آید محکمه بدایت نباشد و ظایف او با رعایت ترتیب به عهده امین صلح یا رئیس ثبت اسناد یا حاکم محل خواهد بود. ماده ۲۹۴ - اعتراض نامه باید مراتب ذیل را دارا باشد: ۱ - سواد کامل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبولی و ظهرنویسی و غیره ۲ - امر به تادیه وجه برات مامور اجراء باید حضور یا غیاب شخصی که باید وجه برات را بدهد و علل امتناع از تادیه یا از قبول و همچنین علل عدم امکان امضاء یا امتناع از امضا را در ذیل اعتراض نامه قید و امضاء کند. ماده ۲۹۵ - هیچ نوشته‌ای نمی‌تواند از طرف دارنده برات جای گیر اعتراض نامه شود مگر در موارد مندرجه در مواد ۲۶۱، ۲۶۲ و ۲۶۳ راجع به مفقود شدن برات ماده ۲۹۶ - مامور اجراء باید سواد صحیح اعتراض نامه را به محل اقامت اشخاص مذکور در ماده ۲۹۳ بدهد. ماده ۲۹۷ - دفتر محکمه یا دفتر مقاماتی که وظیفه محکمه را انجام می‌دهند باید مفاد اعتراض نامه را روز به روز به ترتیب تاریخ و نمره در دفتر مخصوصی که صفحات آن به توسط رئیس محکمه یا قائم مقام او نمره و امضاء شده است ثبت نمایند، در صورتی که محل اقامت برات‌دهنده یا ظهرنویس اولی در روی برات قید شده باشد دفتر محکمه باید آنها را توسط کاغذ سفارشی از علل امتناع از تادیه مستحضر سازد.

مبحث یازدهم - برات رجوعی (۲۹۸ تا ۳۰۴)

ماده ۲۹۸ - برات رجوعی براتی است که دارنده برات اصلی پس از اعتراض برای دریافت وجه آن و مخارج صدور اعتراض نامه و تفاوت نرخ به عهده برات‌دهنده یا یکی از ظهرنویسها صادر می‌کند. ماده ۲۹۹ - اگر برات رجوعی به عهده برات‌دهنده اصلی صادر شود تفاوت بین نرخ مکان تادیه برات اصلی و نرخ مکان صدور آن به عهده او خواهد بود و اگر برات رجوعی به عهده یکی از ظهرنویسها صادر شود مشارالیه باید از عهده تفاوت نرخ مکانی که برات اصلی را در آنجا معامله یا تسلیم کرده است و نرخ مکانی که برات رجوعی در آنجا صادر شده است برآید. ماده ۳۰۰ - به برات رجوعی باید صورت حسابی (حساب بازگشت ضمیمه شود، در صورت حساب مزبور مراتب ذیل قید می‌گردد: ۱ - اسم شخصی که برات رجوعی به عهده او صادر شده است ۲ - مبلغ اصلی برات اعتراض شده ۳ - مخارج اعتراض نامه و سایر مخارج معموله از قبیل حق‌العمل صراف و دلال و وجه تمبر و مخارج پست و غیره ۴ - مبلغ تفاوت نرخهای مذکور در ماده ۲۹۹. ماده ۳۰۱ - صورت حساب مذکور در ماده قبل باید توسط دو نفر تاجر تصدیق شود، به علاوه لازم است برات اعتراض شده و سواد مصدقی از اعتراض نامه به صورت حساب مزبور ضمیمه گردد. ماده ۳۰۲ - هرگاه برات رجوعی به عهده یکی از ظهرنویسها صادر شود علاوه بر مراتب مذکور در مواد ۳۰۰ و ۳۰۱ باید تصدیق نامه‌ای که تفاوت بین نرخ مکان تادیه برات اصلی و مکان صدور آن را معین نماید ضمیمه شود. ماده ۳۰۳ - نسبت به یک برات صورت حساب بازگشت متعدد نمی‌توان ترتیب داد و اگر برات رجوعی به عهده یکی از ظهرنویسها صادر شده باشد حساب بازگشت متوالیا به توسط ظهرنویسها پرداخته می‌شود تا به برات‌دهنده اولی برسد. تحمیلات براتهای رجوعی را نمی‌توان تماما بر یک نفر وارد ساخت هر یک از ظهرنویسها و برات‌دهنده اولی فقط عهده‌دار یک خرج است ماده ۳۰۴ - خسارت تاخیر تادیه مبلغ اصلی برات که به واسطه عدم تادیه اعتراض شده است از روز اعتراض و خسارت تاخیر تادیه مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعی فقط از روز اقامه دعوا محسوب می‌شود.

مبحث دوازدهم - قوانین خارجی (م ۳۰۵ تا م ۳۰۶)

ماده ۳۰۵ - در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین مملکت صدور است هر قسمت از سایر

تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهنویسی ضمانت قبولی و غیره نیز که در خارجه به وجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آن جا وجود پیدا کرده است مع ذالک اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود و یا تعهدات براتی موافق قانون ایران صحیح باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده اند حق استناد به این ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهدات آنها مطابق با قوانین خارجه نیست ماده ۳۰۶ - اعتراض و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشیه از برات و استفاده از آن در خارجه باید به عمل آید تابع قوانین مملکتی خواهد بود که آن اقدام باید در آن جا بشود.

فصل دوم - در فته طلب (م ۳۰۷ تا م ۳۰۹)

ماده ۳۰۷ - فته طلب سندی است که به موجب آن امضا کننده تعهد می کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید. ماده ۳۰۸ - فته طلب علاوه بر امضا یا مهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد: ۱ - مبلغی که باید تادیه شود با تمام حروف ۲ - گیرنده وجه ۳ - تاریخ پرداخت ماده ۳۰۹ - تمام مقررات راجع به بروات تجارتي (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب در مورد فته طلب نیز لازم الرعایه است

فصل سوم - چک (م ۳۱۰ تا م ۳۱۷)

ماده ۳۱۰ - چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال علیه دارد کلا یا بعضا مسترد یا به دیگری واگذار می نماید. ماده ۳۱۱ - در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادرکننده برسد، پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد. ماده ۳۱۲ - چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد، ممکن است به صرف امضا در ظهر به دیگری منتقل شود. ماده ۳۱۳ - وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود. ماده ۳۱۴ - صدور چک ولو این که از محلی به محل دیگر باشد ذاتا عمل تجارتي محسوب نیست لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهنویسها و اعتراض و اقامه دعوا و ضمان و مفقودشدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود. ماده ۳۱۵ - اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تادیه گردد دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن رامطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود. اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوی او بر علیه ظهنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود دعوی دارنده چک بر علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نیست ماده ۳۱۶ - کسی که وجه چک را دریافت می کند باید ظهر آن را امضا یا مهر نماید اگرچه چک در وجه حامل باشد. ماده ۳۱۷ - مقررات راجعه به چکهایی که در ایران صادر شده است در مورد چکهایی که از خارجه صادر شده است و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد، لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می تواند وجه چک را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است

فصل چهارم - در مرور زمان (م ۳۱۸ تا م ۳۱۹)

ماده ۳۱۸ - دعوی راجعه به برات و فته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتي صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراض نامه و یا آخرین تعقیب قضائی در محاکم مسموع نخواهد بود مگر این که در ظرف این مدت رسما اقرار به دین

واقع شده باشد که در این صورت مبدا مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضای مهلت اعتراض شروع می‌شود. تبصره - مفاد این ماده در مورد بروات و چک و فته طلب‌هایی که قبل از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ صادر شده قابل اجراء نبوده و این اسناد از حیث مرور زمان تابع مقررات مربوط به مرور زمان راجع به اموال منقوله است ماده ۳۱۹ - اگر وجه برات یا فته طلب یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج سال مطالبه کرد، دارنده برات یا فته طلب یا چک می‌تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است مطالبه نماید. تبصره - حکم فوق در موردی نیز جاری است که برات یا فته طلب یا چک یکی از شرایط اساسی مقرر در این قانون را فاقد باشد.

باب پنجم - اسناد در وجه حامل (م ۳۲۰ تا م ۳۲۴)

ماده ۳۲۰ - دارنده هر سند در وجه حامل مالک و برای مطالبه وجه آن محق محسوب می‌شود مگر در صورت ثبوت خلاف معذالک اگر مقامات صلاحیتدار قضائی یا پلیس تادیه وجه آن سند را منع کند تادیه وجه به حامل مدیون را نسبت به شخص ثالثی که ممکن است سند متعلق به او باشد بری نخواهد کرد. ماده ۳۲۱ - جز در موردی که حکم بطلان سند صادر شده مدیون سند در وجه حامل مکلف به تادیه نیست مگر در مقابل اخذ سند. ماده ۳۲۲ - در صورت گم شدن سند در وجه حامل که دارای ورقه‌های کوپن یا دارای ضمیمه‌ای برای تجدید اوراق کوپن باشد و همچنین در صورت گم شدن سند در وجه حامل که خود سند به دارنده آن حق می‌دهد ربح یا منفعتی را مرتباً دریافت کند برای اصدار حکم بطلان مطابق مقررات ذیل عمل خواهد شد. ماده ۳۲۳ - مدعی باید در محکمه محل اقامت مدیون معلوم نماید سند در تصرف او بوده و فعلاً گم شده است اگر مدعی فقط اوراق کوپن یا ضمیمه مربوط به سند خود را گم کرده باشد ابراز خود سند کافی است ماده ۳۲۴ - اگر محکمه ادعای مدعی را بنا بر اوضاع و احوال قابل اعتماد دانست باید به وسیله اعلان در جراید به دارنده مجهول سند اخطار کند هرگاه از تاریخ انتشار اولین اعلان تا سه سال سند را ابراز نمود حکم بطلان آن صادر خواهد شد محکمه می‌تواند لدی‌الاقضاء مدتی بیش از سه سال تعیین کند. ماده ۳۲۵ - به تقاضای مدعی محکمه می‌تواند به مدیون قدغن کند که وجه سند را به کسی نپردازد مگر پس از گرفتن ضامن یا تأمینی که محکمه تصویب نماید. ماده ۳۲۶ - در مورد گم شدن اوراق کوپن نسبت به کوپنهایی که در ضمن جریان دعوا لازم‌التادیه می‌شود به ترتیب مقرر در مواد ۳۳۲ و ۳۳۳ عمل خواهد شد. ماده ۳۲۷ - اخطار مذکور در ماده ۳۲۴ باید سه دفعه در مجله رسمی منتشر شود. محکمه می‌تواند بعلاوه اعلان در جراید دیگر را نیز مقرر دارد. ماده ۳۲۸ - اگر پس از اعلان فوق سند مفقود ابراز شود محکمه به مدعی مهلت متناسبی داده و اخطار خواهد کرد که هرگاه تا انقضای مهلت دعوی خود را تعقیب و دلایل خود را اظهار نکند محکوم شده و سند به ابرازکننده آن مسترد خواهد گردید. ماده ۳۲۹ - اگر در ظرف مدتی که مطابق ماده ۳۲۴ مقرر و اعلان شده سند ابراز نگردد محکمه حکم بطلان آن را صادر خواهد نمود. ماده ۳۳۰ - ابطال سند فوراً به وسیله درج در مجله رسمی و هر وسیله دیگری که محکمه مقتضی بداند به اطلاع عموم خواهد رسید. ماده ۳۳۱ - پس از صدور حکم ابطال مدعی حق دارد تقاضا کند به خرج او سند جدید یا لدی‌الاقضاء اوراق کوپن تازه به او بدهند اگر سند حال شده باشد مدعی حق تقاضای تادیه خواهد داشت ماده ۳۳۲ - هرگاه سند گم شده از اسناد مذکور در ماده ۳۲۲ نباشد به ترتیب ذیل رفتار خواهد شد: محکمه در صورتی که ادعای مدعی سبق تصرف و گم کردن سند را قابل اعتماد دید حکم می‌دهد مدیون وجه سند را فوراً در صورتی که حال باشد و پس از انقضای اجل در صورت موجد بودن به صندوق عدلیه بسپارد. ماده ۳۳۳ - اگر قبل از انقضای مدت مرور زمانی که وجه سند مفقود پس از آن مدت قابل مطالبه نیست سند ابراز شد مطابق ماده ۳۲۸ رفتار والا وجهی که در صندوق عدلیه امانت گذاشته شده به مدعی داده می‌شود. ماده ۳۳۴ - مقررات این باب شامل اسکناس نیست

باب ششم - دلالی**فصل اول - کلیات (م ۳۳۵ تا م ۳۴۷)**

ماده ۳۳۵ - دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدامی‌کند. اصولاً - قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است ماده ۳۳۶ - دلال می‌تواند در رشته‌های مختلف دلالی نموده و شخصاً نیز تجارت کند. ماده ۳۳۷ - دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معاملات مطلع سازد ولو این که دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند دلال در مقابل هر یک از طرفین مسوول تقلب و تقصیرات خود می‌باشد. ماده ۳۳۸ - دلال نمی‌تواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تادیه دین نماید و یا آن که تعهدات آنها را به موقع اجراء گذارد مگر این که اجازه‌نامه مخصوصی داشته باشد. ماده ۳۳۹ - دلال مسوول تمام اشیا و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده مگر این که ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیا یا اسناد مزبوره مربوط به شخص او نبوده است ماده ۳۴۰ - در موردی که فروش از روی نمونه باشد دلال باید نمونه مال‌التجاره را تا موقع ختم معامله نگاه بدارد مگر این که طرفین معامله او را از این قید معاف دارند. ماده ۳۴۱ - دلال می‌تواند در زمان واحد برای چند آمر در یک رشته یا رشته‌های مختلف دلالی کند ولی در این صورت باید آمرین را از این ترتیب و امور دیگری که ممکن است موجب تغییر رای آنها شود مطلع نماید. ماده ۳۴۲ - هرگاه معامله به توسط دلال واقع و نوشتجات و اسنادی راجع به آن معامله بین طرفین به توسط او رد و بدل شود در صورتی که امضاها راجع به اشخاصی باشد که به توسط او معامله را کرده‌اند دلال ضامن صحت و اعتبار امضاها و نوشتجات و اسناد مزبور است ماده ۳۴۳ - دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می‌کند و ضامن اجرای معاملاتی که به توسط او می‌شود نیست ماده ۳۴۴ - دلال در خصوص ارزش یا جنس مال‌التجاره‌ای که مورد معامله بوده مسوول نیست مگر این که ثابت شود تقصیر از جانب او بوده است ماده ۳۴۵ - هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله نمود دلال ضامن معامله است ماده ۳۴۶ - در صورتی که دلال در نفس معامله منتفع یا سهمیم باشد باید به طرفی که این نکته را نمی‌داند اطلاع دهد والا مسوول خسارات وارده بوده و بعلاوه به پانصد تا سه هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. ماده ۳۴۷ - در صورتی که دلال در معامله سهمیم باشد با آمر خود متضامناً مسوول اجرای تعهد خواهد بود.

فصل دوم - اجرت دلال و مخارج (م ۳۴۸ تا م ۳۵۵)

ماده ۳۴۸ - دلال نمی‌تواند حق دلالی را مطالبه کند مگر در صورتی که معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد. ماده ۳۴۹ - اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او ماموریت داده به نفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجارتهی محل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود بعلاوه محکوم به مجازات مقرر برای خیانت در امانت خواهد شد. ماده ۳۵۰ - هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد دلال پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود. ماده ۳۵۱ - اگر شرط شده باشد مخارجی که دلال می‌کند به او داده شود دلال مستحق اخذ مخارج خواهد بود ولو آن که معامله سر نگیرد. همین ترتیب در موردی نیز جاری است که عرف تجارتهی محل به پرداخت مخارجی که دلال کرده حکم کند. ماده ۳۵۲ - در صورتی که معامله به رضایت طرفین یا به واسطه یکی از اختیارات قانونی فسخ بشود

حق مطالبه دلالتی از دلالت سلب نمی‌شود مشروط بر این که فسخ معامله مستند به دلالت نباشد. ماده ۳۵۳ - دلالتی معاملات ممنوعه اجرت ندارد. ماده ۳۵۴ - حق الزحمه دلالت به عهده طرفی است که او را مامور انجام معامله نموده مگر اینکه قرارداد خصوصی غیر این ترتیب را مقرر بدارد.

فصل سوم - دفتر (م ۳۵۶)

ماده ۳۵۵ و ۳۵۶ نسخ گردیده است

باب هفتم - حق العمل کاری (کمیسیون (م ۳۵۷ تا ۳۷۶)

ماده ۳۵۷ - حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملات تی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می‌دارد. ماده ۳۵۸ - جز در مواردی که به موجب مواد ذیل استثناء شده مقررات راجعه به وکالت در حق العمل کاری نیز رعایت خواهد شد. ماده ۳۵۹ - حق العمل کار باید آمر را از جریان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصا در صورت انجام ماموریت این نکته را به فوریت به او اطلاع دهد. ماده ۳۶۰ - حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است نیست مگر این که آمر دستور داده باشد. ماده ۳۶۱ - اگر مال التجاره‌ای که برای فروش نزد حق العمل کار ارسال شده دارای عیوب ظاهری باشد حق العمل کار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع بر علیه متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارت بحری (آواری به وسایل مقتضیه و محافظت مال التجاره اقدامات لازمه به عمل آورده و آمر را از اقدامات خود مستحضر کند والا مسوول خسارات ناشیه از این غفلت خواهد بود. ماده ۳۶۲ - اگر بیم فساد سریع مال التجاره‌ای رود که نزد حق العمل کار برای فروش ارسال شده حق العمل کار می‌تواند و حتی در صورتی که منافع آمر ایجاب کند مکلف است مال التجاره را با اطلاع مدعی العموم محلی که مال التجاره در آنجا است یا نماینده او به فروش برساند. ماده ۳۶۳ - اگر حق العمل کار مال التجاره‌ای را به کمتر از حداقل قیمتی که آمر معین کرده به فروش رساند مسوول تفاوت خواهد بود مگر این که ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه آمر در موقع مقدور نبوده است ماده ۳۶۴ - اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید. ماده ۳۶۵ - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین نموده به فروش رساند حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آن را در حساب آمر محسوب دارد. ماده ۳۶۶ - اگر حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسیه بفروشد یا پیش قسطی دهد ضررهای ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بود مگر آنکه اگر فروش به نسیه داخل در عرف تجارته محل باشد حق العمل کار مازون به آن محسوب می‌شود مگر در صورت دستور مخالف آمر. ماده ۳۶۷ - حق العمل کار در مقابل آمر مسوول پرداخت وجوه و یا انجام سایر تعهدات طرف معامله نیست مگر این که مجاز در معامله به اعتبار نبوده و یا شخصا ضمانت طرف معامله را کرده و یا عرف تجارته بلد او را مسوول قرار دهد. ماده ۳۶۸ - مخارجی که حق العمل کار کرده و برای انجام معامله و نفع آمر لازم بوده و همچنین هر مساعده‌ای که به نفع آمر داده باشد باید اصلا و منفعتا به حق العمل کار مسترد شود. حق العمل کار می‌تواند مخارج انبارداری و حمل و نقل را نیز به حساب آمر گذارد. ماده ۳۶۹ - وقتی حق العمل کار مستحق حق العمل می‌شود که معامله اجراء شده و یا عدم اجرای آن مستند به فعل آمر باشد نسبت به اموری که در نتیجه علل دیگری انجام پذیر نشده حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل معین می‌نماید. ماده ۳۷۰ - اگر حق العمل کار کار نادرستی کرده و مخصوصا در موردی که به حساب آمر قیمتی علاوه بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت فروش محسوب دارد مستحق حق العمل نخواهد بود بعلاوه در دو صورت اخیر آمر می‌تواند خود حق العمل کار را خریدار یا فروشنده

محسوب کند. تبصره - دستور فوق مانع از اجرای مجازاتی که برای خیانت در امانت مقرر است نیست ماده ۳۷۱ - حق العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از اونسبت به اموالی که موضوع معامله بوده و یا نسبت به قیمتی که اخذ کرده حق حبس خواهد داشت ماده ۳۷۲ - اگر فروش مال ممکن نشده و یا آمر از اجازه فروش رجوع کرده و مال التجاره را بیش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد حق العمل کار می تواند آن را با نظارت مدعی العموم بدایت محل نمایندند او به طریق مزایده به فروش برساند. اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد فروش بدون حضور او یا نماینده او به عمل خواهد آمد ولی در هر حال قبلا باید به او اخطاریه رسمی ارسال گردد مگر این که اموال از جمله اموال سریع الفساد باشد. ماده ۳۷۳ - اگر حق العمل کار مامور به خرید یا فروش مال التجاره یا اسناد تجارتي یا سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بوری یا بازاری دارد می تواند چیزی را که مامور به خرید آن بوده خود شخصا به عنوان فروشنده تسلیم بکند و یا چیزی را که مامور به فروش آن بوده شخصا به عنوان خریدار نگاه دارد مگر این که آمر دستور مخالفی داده باشد. ماده ۳۷۴ - در مورد ماده فوق حق العمل کار باید قیمت را بر طبق مظنه بوری یا نرخ بازار در روزی که وکالت خود را انجام می دهد منظور دارد و حق خواهد داشت که هم حق العمل و هم مخارج عادیه حق العمل کاری را برداشت کند. ماده ۳۷۵ - در هر موردی که حق العمل کار شخصا می تواند خریدار یا فروشنده واقع شود اگر انجام معامله را به آمر بدون تعیین طرف معامله اطلاع دهد خود طرف معامله محسوب خواهد شد. ماده ۳۷۶ - اگر آمر از امر خود رجوع کرده و حق العمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع مستحضر گردد دیگر نمی تواند شخصا خریدار یا فروشنده واقع شود.

باب هشتم - قرارداد حمل و نقل (م ۳۷۷ تا م ۳۹۴)

ماده ۳۷۷ - متصدی حمل و نقل کسی است که در مقابل اجرت حمل اشیاء را به عهده می گیرد. ماده ۳۷۸ - قرارداد حمل و نقل تابع مقررات وکالت خواهد بود مگر در مواردی که ذیلا استثناء شده باشد. ماده ۳۷۹ - ارسال کننده باید نکات ذیل را به اطلاع متصدی حمل و نقل برساند: آدرس صحیح مرسل الیه محل تسلیم مال عده عدل یا بسته و طرز عدل بندی وزن و محتوای عدلها، مدتی که مال باید در آن مدت تسلیم شود؛ راهی را که حمل باید از آن راه به عمل آید، قیمت اشیائی که گرانها است خسارات ناشیه از عدم تعیین نکات فوق و یا از تعیین آنها بغلط متوجه ارسال کننده خواهد بود. ماده ۳۸۰ - ارسال کننده باید مواظبت نماید که مال التجاره به طرز مناسبی عدل بندی شود. خسارات بحری (آواری ناشی از عیوب عدل بندی به عهده ارسال کننده است ماده ۳۸۱ - اگر عدل بندی عیب ظاهر داشته و متصدی حمل و نقل مال را بدون قید عدم مسوولیت قبول کرده باشد مسوول آواری خواهد بود. ماده ۳۸۲ - ارسال کننده می تواند مادام که مال التجاره در ید متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده و خسارات او پس بگیرد. ماده ۳۸۳ - در موارد ذیل ارسال کننده نمی تواند از حق استرداد مذکوره در ماده ۳۸۲ استفاده کند: ۱ - در صورتی که بارنامه توسط ارسال کننده تهیه و به وسیله متصدی حمل و نقل به مرسل الیه تسلیم شده باشد؛ ۲ - در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده و ارسال کننده نتواند آن را پس بدهد؛ ۳ - در صورتی که متصدی حمل و نقل به مرسل الیه اعلام کرده باشد که مال التجاره به مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد؛ ۴ - در صورتی که پس از وصول مال التجاره به مقصد مرسل الیه تسلیم آن را تقاضا کرده باشد. در این موارد متصدی حمل و نقل باید مطابق دستور مرسل الیه عمل کند مع ذلک اگر متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده مادام که مال التجاره به مقصد نرسیده مکلف به رعایت دستور مرسل الیه نخواهد بود مگر این که رسید به مرسل الیه تسلیم شده باشد. ماده ۳۸۴ - اگر مرسل الیه مال التجاره را قبول نکند و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره تادیه نشود و یا به مرسل الیه دسترسی نباشد متصدی حمل و نقل باید مراتب را به اطلاع ارسال کننده رسانیده و مال التجاره را موقتا نزد خود به طور امانت نگاه داشته یا نزد ثالثی امانت گذارد و در هر دو صورت مخارج و هر نقص و عیب به عهده ارسال کننده خواهد بود. اگر ارسال کننده و یا مرسل الیه در مدت مناسبی تکلیف مال التجاره رامعین نکند

متصدی حمل و نقل می‌تواند مطابق ماده ۳۶۲ آن را به فروش برساند. ماده ۳۸۵ - اگر مال‌التجاره در معرض تضییع سریع باشد و یا قیمتی که می‌توان برای آن فرض کرد با مخارجی که برای آن شده تکافو ننماید متصدی حمل و نقل باید فوراً مراتب را به اطلاع مدعی‌العموم بدایت محل یا نماینده او رسانیده و با نظارت او مال را به فروش رساند. حتی‌المقدور ارسال‌کننده و مرسل‌الیه را باید از این که مال‌التجاره به فروش خواهد رسید مسبوق نمود. ماده ۳۸۶ - اگر مال‌التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسوول قیمت آن خواهد بود مگر این که ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال‌التجاره یا مستند به تقصیر ارسال‌کننده و یا مرسل‌الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده‌اند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی‌توانست از آن جلوگیری نماید. قرارداد طرفین می‌تواند برای میزان خسارات مبلغی کمتر یا زیاده‌تر از قیمت کامل مال‌التجاره معین نماید. ماده ۳۸۷ - در مورد خسارت ناشیه از تاخیر تسلیم یا نقص یا خسارات بحری (آواری مال‌التجاره نیز متصدی حمل و نقل در حدود ماده فوق مسوول خواهد بود. خسارات مزبور نمی‌تواند از خساراتی که ممکن بود در صورت تلف شدن تمام مال‌التجاره حکم به آن شود تجاوز نماید مگر این که قرارداد طرفین خلاف این ترتیب را مقرر داشته باشد. ماده ۳۸۸ - متصدی حمل و نقل مسوول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از این که خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل‌کننده دیگری را مامور کرده باشد. بدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع او به متصدی حمل و نقلی که از جانب او مامور شده محفوظ است ماده ۳۸۹ - متصدی حمل و نقل باید به محض وصول مال‌التجاره مرسل‌الیه را مستحضر نماید. ماده ۳۹۰ - اگر مرسل‌الیه میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت مال‌التجاره مطالبه می‌نماید قبول نکند حق تقاضای تسلیم مال‌التجاره را نخواهد داشت مگر این که مبلغ متنازع‌فیه را تا ختم اختلاف در صندوق عدلیه امانت گذارد. ماده ۳۹۱ - اگر مال‌التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تادیه شود دیگر بر علیه متصدی حمل و نقل دعوا پذیرفته نخواهد شد مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده بعلاوه متصدی حمل و نقل مسوول آواری غیر ظاهر نیز خواهد بود در صورتی که مرسل‌الیه آن آواری را در مدتی که مطابق اوضاع و احوال رسیدگی به مال‌التجاره ممکن بود به عمل آید و یا بایستی به عمل آمده باشد مشاهده کرده و فوراً پس از مشاهده به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد. در هر حال این اطلاع باید منتها تا هشت روز بعد از تحویل گرفتن مال‌التجاره داده شود. ماده ۳۹۲ - در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و مرسل‌الیه اختلاف باشد محکمه صلاحیتدار محل می‌تواند به تقاضای یکی از طرفین امر دهد مال‌التجاره نزد ثالثی امانت گذارده شده و یالیدی‌الاقتضاء فروخته شود، در صورت اخیر فروش باید پس از تنظیم صورت مجلسی حاکی از آن که مال‌التجاره در چه حال بوده به عمل آید. به وسیله پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت مال‌التجاره ادعا می‌شود و یا سپردن آن به صندوق عدلیه از فروش مال‌التجاره می‌توان جلوگیری کرد. ماده ۳۹۳ - نسبت به دعوی خسارت بر علیه متصدی حمل و نقل مدت مرور زمان یک سال است مبدء این مدت در صورت تلف یا گم شدن مال‌التجاره و یا تاخیر در تسلیم روزی است که تسلیم بایستی در آن روز به عمل آمده باشد و در صورت خسارات بحری آواری روزی که مال به مرسل‌الیه تسلیم شده ماده ۳۹۴ - حمل و نقل به وسیله پست تابع مقررات این باب نیست

باب نهم - قائم مقام تجارتي و ساير نمايندگان تجارتي (م ۳۹۵ تا ۴۰۱)

ماده ۳۹۵ - قائم مقام تجارتي کسی است که رئیس تجارتخانه او را برای انجام کلیه امور مربوط به تجارتخانه یا یکی از شعب آن نایب خود قرار داده و امضای او برای تجارتخانه الزام آور است سمت مزبور ممکن است کتبا داده شود یا عملاً. ماده ۳۹۶ - تجدید اختیارات قائم مقام تجارتي در مقابل اشخاصی که از آن اطلاع نداشته‌اند معتبر نیست ماده ۳۹۷ - قائم مقامی تجارتي ممکن است به چند نفر مجتمعاً داده شود با قید این که تا تمام امضا نکنند تجارتخانه ملزم نخواهد شد ولی در مقابل اشخاص ثالثی که از این قید اطلاع نداشته‌اند فقط در صورتی می‌توان از آن استفاده کرد که این قید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شده

باشد. ماده ۳۹۸- قائم مقامی تجارتي بدون اذن رئيس تجارتيخانه نمی‌تواند کسی را در کلیه کارهای تجارتيخانه نایب خود قرار دهد. ماده ۳۹۹- عزل قائم مقام تجارتي که وکالت او به ثبت رسیده و اعلان شده باید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شود والا- در مقابل ثالثی که از عزل مطلع نبوده وکالت باقی محسوب می‌شود. ماده ۴۰۰- با فوت یا حجر رئيس تجارتيخانه قائم مقام تجارتي منزله نیست با انحلال شرکت قائم مقام تجارتي منزله است ماده ۴۰۱- وکالت سایر کسانی که در قسمتی از امور تجارتيخانه یا شعبه تجارتيخانه سمت نمایندگی دارند تابع مقررات عمومی راجع به وکالت است

باب دهم - ضمانت (م ۴۰۲ تا ۴۱۱)

ماده ۴۰۲- ضامن وقتی حق دارد از مضمون له تقاضا نماید که بدو به مدیون اصلی رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب به او رجوع نماید که بین طرفین (خواه ضمن قرارداد مخصوص خواه در خود ضمانت نامه این ترتیب مقرر شده باشد. ماده ۴۰۳- در کلیه مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی باشد طلبکار می‌تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعا رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید. ماده ۴۰۴- حکم فوق در موردی نیز جاری است که چند نفر به موجب قرارداد یا قانون متضامنا مسوول انجام تعهدی باشند. ماده ۴۰۵- قبل از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم به تادیه نیست ولو این که به واسطه ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین موجد او حال شده باشد. ماده ۴۰۶- ضامن حال از قاعده فوق مستثنی است ماده ۴۰۷- اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به اخطار قبلی است این اخطار نسبت به ضامن نیز باید به عمل آید. ماده ۴۰۸- همین که دین اصلی به نحوی از انحاء ساقط شد ضامن نیز بری می‌شود. ماده ۴۰۹- همین که دین حال شد ضامن می‌تواند مضمون له را به دریافت طلب یا انصراف از ضامن ملزم کند ولو ضامن موجد باشد. ماده ۴۱۰- استنکاف مضمون له از دریافت طلب یا امتناع از تسلیم وثیقه اگر دین با وثیقه بوده ضامن را فوراً و به خودی خود بری خواهد ساخت ماده ۴۱۱- پس از آن که ضامن دین اصلی را پرداخت مضمون له باید تمام اسناد و مدارکی را که برای رجوع ضامن به مضمون عنه لازم و مفید است به او داده و اگر دین اصلی با وثیقه باشد آن را به ضامن تسلیم نماید، اگر دین اصلی وثیقه غیر منقول داشته مضمون عنه مکلف به انجام تشریفات است که برای انتقال وثیقه به ضامن لازم است

باب یازدهم - در ورشکستگی

فصل اول - در کلیات (م ۴۱۲)

ماده ۴۱۲- ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتي در نتیجه توقف از تادیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می‌شود. حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یک سال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر نمود.

فصل دوم - در اعلان ورشکستگی و اثرات آن (م ۴۱۳ تا ۴۲۶)

ماده ۴۱۳- تاجر باید در ظرف ۳ روز از تاریخ وقفه که در تادیه قروض یا سایر تعهدات نقدی او حاصل شده است توقف خود را به دفتر محکمه بدایت محل اقامت خود اظهار نموده صورت حساب دارایی و کلیه دفاتر تجارتي خود را به دفتر محکمه مزبوره تسلیم نماید. ماده ۴۱۴- صورت حساب مذکور در ماده فوق باید مورخ بوده و به امضای تاجر رسیده و متضمن مراتب ذیل باشد: ۱- تعداد

و تقویم کلیه اموال منقول و غیرمنقول تاجر متوقف به طور مشروح ، ۲- صورت کلیه قروض و مطالبات ۳- صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی در صورت توقف شرکتهای تضامنی مختلط یا نسبی اسامی و محل اقامت کلیه شرکای ضامن نیز باید ضمیمه شود. ماده ۴۱۵- ورشکستگی تاجر به حکم محکمه بدایت در موارد ذیل اعلام می‌شود: الف- برحسب اظهار خود تاجر، ب- به موجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکارها، ج- برحسب تقاضای مدعی‌العموم بدایت ماده ۴۱۶- محکمه باید در حکم خود تاریخ توقف تاجر را معین نماید و اگر در حکم معین نشد، تاریخ حکم تاریخ توقف محسوب است ماده ۴۱۷- حکم ورشکستگی به‌طور موقت اجرا می‌شود. ماده ۴۱۸- تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن موثر در تادیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند. ماده ۴۱۹- از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوایی از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند، کلیه اقدامات اجرایی نیز مشمول همین دستور خواهد بود. ماده ۴۲۰- محکمه هر وقت صلاح بداند می‌تواند ورود تاجر ورشکسته را به عنوان شخص ثالث در دعوی مطروحه اجازه دهد. ماده ۴۲۱- همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض موجب بارعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به قروض حال مبدل می‌شود. ماده ۴۲۲- هر گاه تاجر ورشکسته فته طلبی داده یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی را قبولی نوشته سایر اشخاصی که مسوول تادیه‌وجه فته‌طلب یا برات می‌باشند باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت وجه آن را نقدا بپردازند یا تادیه آن را در سر وعده تأمین نمایند. ماده ۴۲۳- هر گاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثر خواهد بود: ۱- هر صلح محاباتی یا هبه و به‌طور کلی هر نقل و انتقال بلا-عوض اعم از این که راجع به منقول یا غیرمنقول باشد، ۲- تادیه هر قرض اعم از حال یا موجب به هر وسیله که به‌عمل آمده باشد، ۳- هر معامله‌ای که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود. ماده ۴۲۴- هر گاه در نتیجه اقامه دعوا از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری بر اشخاصی که با تاجر طرف معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آنها ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله نموده که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین‌المعامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگر این که طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد. دعوا فسخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می‌شود. ماده ۴۲۵- هر گاه محکمه به موجب ماده قبل حکم فسخ معامله را صادر نماید محکوم علیه باید پس از قطعی شدن حکم مالی را که موضوع معامله بوده است عینا به مدیر تصفیه تسلیم و قیمت حین‌المعامله آن را قبل از آن که دارایی تاجر به غرما تقسیم شود دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد تفاوت قیمت را خواهد داد. ماده ۴۲۶- اگر در محکمه ثابت شود که معامله به‌طور صوری یا مسبوق به تبانی بوده است آن معامله خودبه‌خود باطل عین و منافع مالی که موضوع معامله بوده مسترد و طرف معامله اگر طلبکار شود جزو غرما حصه‌ای خواهد برد.

فصل سوم - در تعیین عضو ناظر (م ۴۲۷ تا ۴۳۲)

ماده ۴۲۷- در حکمی که به موجب آن ورشکستگی تاجر اعلام می‌شود محکمه یک نفر را به سمت عضو ناظر معین خواهد کرد. ماده ۴۲۸- عضو ناظر مکلف به نظارت در اداره امور راجعه به ورشکستگی و سرعت جریان آن است ماده ۴۲۹- تمام منازعات ناشیه از ورشکستگی را که حل آن از صلاحیت محکمه است عضو ناظر به محکمه راپورت خواهد داد. ماده ۴۳۰- شکایت از تصمیمات عضو ناظر فقط در مواردی ممکن است که این قانون معین نموده ماده ۴۳۱- مرجع شکایت محکمه‌ای است که عضو ناظر

را معین کرده ماده ۴۳۲ - محکمه همیشه می‌تواند عضو ناظر را تبدیل و دیگری را به جای او بگمارد.

فصل چهارم - در اقدام به مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته (م ۴۳۳ تا م ۴۳۹)

ماده ۴۳۳ - محکمه در حکم ورشکستگی امر به مهر و موم را نیز می‌دهد. ماده ۴۳۴ - مهر و موم باید فوراً به توسط عضو ناظر به عمل آید مگر در صورتی که به عقیده عضو مزبور برداشتن صورت دارایی تاجر در یک روز ممکن باشد در این صورت باید فوراً شروع به برداشتن صورت شود. ماده ۴۳۵ - اگر تاجر ورشکسته به مفاد ۴۱۳ و ۴۱۴ عمل نکرده باشد محکمه در حکم ورشکستگی قرار توقیف تاجر را خواهد داد. ماده ۴۳۶ - قرار توقیف ورشکسته در مواقعی نیز داده خواهد شد که معلوم گردد به واسطه اقدامات خود از اداره و تسویه شدن عمل ورشکستگی می‌خواهد جلوگیری کند. ماده ۴۳۷ - در صورتی که تاجر مقروض فرار کرده یا تمام یا قسمتی از دارایی خود را مخفی نموده باشد امین صلح می‌تواند بر حسب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران فوراً اقدام به مهر و موم نماید و باید بلافاصله این اقدام خود را به مدعی‌العموم اطلاع دهد. ماده ۴۳۸ - انبارها و حجره‌ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات و اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر باید مهر و موم شود. ماده ۴۳۹ - در صورت ورشکستگی شرکتهای تضامنی مختلط یا نسبی اموال شخصی شرکای ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر این که حکم ورشکستگی آنها در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا به موجب حکم جداگانه صادر شده باشد. تبصره - در مورد این ماده و ماده فوق مستثنیات دین از مهر و موم معاف است

فصل پنجم - در مدیر تصفیه (م ۴۴۰ تا م ۴۴۲)

ماده ۴۴۰ - محکمه در ضمن حکم ورشکستگی یا منتها در ظرف ۵ روز پس از صدور حکم یک نفر را به سمت مدیریت تصفیه معین می‌کند. ماده ۴۴۱ - اقدامات مدیر تصفیه برای تهیه صورت طلبکاران و اخطار به آنها و مدتی که در آن مدت طلبکاران باید خود را معرفی نمایند و به طور کلی وظایف مدیر تصفیه علاوه بر آن قسمتی که به موجب این قانون معین شده بر طبق نظام‌نامه‌ای که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می‌شود معین خواهد شد. ماده ۴۴۲ - میزان حق الزحمه مدیر تصفیه را محکمه در حدود مقررات وزارت عدلیه معین خواهد کرد.

فصل ششم - در وظایف مدیر تصفیه

مبحث اول - در کلیات (م ۴۴۳ تا ۴۵۰)

ماده ۴۴۳ - اگر مهر و موم قبل از تعیین مدیر تصفیه به عمل نیامده باشد مدیر مزبور تقاضای انجام آن را خواهد نمود. ماده ۴۴۴ - عضو ناظر به تقاضای مدیر تصفیه به او اجازه می‌دهد که اشیای ذیل را از مهر و موم مستثنی کرده و اگر مهر و موم شده است از توقیف خارج نماید: ۱- البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوایج ضروری تاجر ورشکسته و خانواده او لازم است ۲- اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شود یا کسر قیمت حاصل نماید؛ ۳- اشیائی که برای به کار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته و استفاده از آن لازم است در صورتی که توقیف آنها موجب خسارت ارباب طلب باشد. اشیاء مذکور در فقره ثانیه و ثالثه باید فوراً تقویم و صورت آن برداشته شود. ماده ۴۴۵ - فروش اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شده یا کسر قیمت حاصل کند و اشیائی که نگاه‌داشتن آنها مفید

نیست و همچنین به کار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته با اجازه عضو ناظر به توسط مدیر تصفیه به عمل می‌آید. ماده ۴۴۶ - دفتردار محکمه دفاتر تاجر ورشکسته را به اتفاق عضو ناظر یا امین صلحی که آنها را مهر و موم نموده است از توقیف خارج کرده پس از آن که ذیل دفاتر را بست آنها را به مدیر تصفیه تسلیم می‌نماید. دفتردار باید در صورت مجلس کیفیت دفاتر را به طور خلاصه قید کند، اوراق تجارتهای هم که وعده آنها نزدیک است یا باید قبولی آنها نوشته شود و یا نسبت به آنها باید اقدامات تأمینیه به عمل آید از توقیف خارج شده در صورت مجلس ذکر و به مدیر تصفیه تحویل می‌شود تا وجه آن را وصول نماید و فهرستی که از مدیر تصفیه گرفته می‌شود به عضو ناظر تسلیم گردد، سایر مطالبات را مدیر تصفیه در مقابل قبضی که می‌دهد وصول می‌نماید. مراسلاتی که به اسم تاجر ورشکسته می‌رسد به مدیر تصفیه تسلیم و به توسط او بازمی‌شود و اگر خود ورشکسته حاضر باشد در باز کردن مراسلات می‌تواند شرکت کند. ماده ۴۴۷ - تاجر ورشکسته در صورتی که وسیله دیگری برای اعاشه نداشته باشد می‌تواند نفقه خود و خانواده‌اش را از دارایی خود درخواست کند. در این صورت عضو ناظر نفقه و مقدار آن را با تصویب محکمه معین می‌نماید. ماده ۴۴۸ - مدیر تصفیه تاجر ورشکسته را برای بستن دفاتر احضار می‌نماید و برای حضور او منتها چهل و هشت ساعت مهلت داده می‌شود در صورتی که تاجر حاضر نشد با حضور عضو ناظر اقدام به عمل خواهد آمد، تاجر ورشکسته می‌تواند در موقع کلیه عملیات تأمینیه حاضر باشد. ماده ۴۴۹ - در صورتی که تاجر ورشکسته صورت دارایی خود را تسلیم ننموده باشد مدیر تصفیه آن را فوراً به وسیله دفاتر و اسناد مشارالیه و سایر اطلاعاتی که تحصیل می‌نماید تنظیم می‌کند. ماده ۴۵۰ - عضو ناظر مجاز است که راجع به تنظیم صورت دارایی و نسبت به اوضاع و احوال ورشکستگی از تاجر ورشکسته و شاگردها و مستخدمین او و همچنین از اشخاص دیگر توضیحات بخواهد و باید از تحقیقات مذکوره صورت مجلس ترتیب دهد.

مبحث دوم - در رفع توقیف و ترتیب صورت دارایی (م ۴۵۱ تا م ۴۵۵)

ماده ۴۵۱ - مدیر تصفیه پس از تقاضای رفع توقیف شروع به تنظیم صورت دارایی نموده و تاجر ورشکسته را هم در این موقع احضار می‌کند ولی عدم حضور او مانع از عمل نیست ماده ۴۵۲ - مدیر تصفیه به تدریجی که رفع توقیف می‌شود صورت دارایی را در دو نسخه تهیه می‌نماید. یکی از نخستین به دفتر محکمه تسلیم شده و دیگری در نزد او می‌ماند. ماده ۴۵۳ - مدیر تصفیه می‌تواند برای تهیه صورت دارایی و تقویم اموال از اشخاصی که لازم بداند استمداد کند. صورت اشیائی که موافق ماده ۴۴۴ در تحت توقیف نیامده ولی قبلاً تقویم شده است ضمیمه صورت دارایی خواهد شد. ماده ۴۵۴ - مدیر تصفیه باید در ظرف پانزده روز از تاریخ ماموریت خود صورت خلاصه‌ای از وضعیت ورشکستگی و همچنین از علل و اوضاعی که موجب آن شده و نوع ورشکستگی که ظاهراً به نظر می‌آید ترتیب داده به عضو ناظر بدهد. عضو ناظر صورت مزبور را فوراً به مدعی العموم ابتدایی محل تسلیم می‌نماید. ماده ۴۵۵ - صاحب منصبان پارکه می‌توانند فقط به عنوان نظارت به منزل تاجر ورشکسته رفته و در حین برداشتن صورت دارایی حضور به هم رسانند مامورین پارکه در هر موقع حق دارند به دفاتر و اسناد و نوشتجات مربوط به ورشکستگی مراجعه کنند این مراجعه نباید باعث تعطیل جریان امر باشد.

مبحث سوم - در فروش اموال و وصول مطالبات (م ۴۵۶ تا م ۴۶۰)

ماده ۴۵۶ - پس از تهیه شدن صورت دارایی تمام مال التجاره و وجه نقد و اسناد طلب و دفاتر و نوشتجات و اثاثیه (به غیر از مستثنیات دین و اشیای تاجر ورشکسته به مدیر تصفیه تسلیم می‌شود. ماده ۴۵۷ - مدیر تصفیه با نظارت عضو ناظر به وصول مطالبات مداومت می‌نماید و همچنین می‌تواند با اجازه مدعی العموم و نظارت عضو ناظر به فروش اثاث البیت و مال التجاره تاجر مباشرت نماید لیکن قبلاً باید اظهارات تاجر ورشکسته را استماع یا لاقلاً مشارالیه را برای دادن توضیحات احضار کند، ترتیب فروش

به موجب نظام نامه وزارت عدلیه معین خواهد شد. ماده ۴۵۸ - نسبت به تمام دعاوی که هیات طلبکارها در آن ذی نفع می باشند مدیر تصفیه با اجازه عضو ناظر می تواند دعوا را به صلح خاتمه دهد اگرچه دعاوی مزبوره راجع به اموال غیر منقول باشد و در این مورد تاجر ورشکسته باید احضار شده باشد. ماده ۴۵۹ - اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پنج هزار ریال باشد صلح لازم الاجراء نخواهد بود مگر این که محکمه آن صلح را تصدیق نماید، در موقع تصدیق صلح نامه تاجر ورشکسته احضار می شود و در هر صورت مشارالیه حق دارد که به صلح اعتراض کند، اعتراض ورشکسته در صورتی که صلح راجع به اموال غیر منقول باشد برای جلوگیری از صلح کافی خواهد بود تا محکمه تکلیف صلح را معین نماید. ماده ۴۶۰ - وجوهی که به توسط مدیر تصفیه دریافت می شود باید فوراً به صندوق عدلیه محل تسلیم گردد. صندوق مزبور حساب مخصوصی برای عمل ورشکسته اعم از عایدات و مخارج باز می کند. وجوه مزبور از صندوق مسترد نمی گردد مگر به حواله عضو ناظر و تصدیق مدیر تصفیه

مبحث چهارم - در اقدامات تأمینیه (م ۴۶۱)

ماده ۴۶۱ - مدیر تصفیه مکلف است از روز شروع به ماموریت ، اقدامات تأمینیه برای حفظ حقوق تاجر ورشکسته نسبت به مدیونین او به عمل آورد.

مبحث پنجم - در تشخیص مطالبات طلبکارها (م ۴۶۲ تا م ۴۷۵)

ماده ۴۶۲ - پس از صدور حکم ورشکستگی طلبکارها مکلفند، در مدتی که به موجب اخطار مدیر تصفیه در حدود نظام نامه وزارت عدلیه معین شده اسناد طلب خود یا سواد مصدق آن را به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می نماید به دفتردار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند. ماده ۴۶۳ - تشخیص مطالبات طلبکارها در ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور در ماده قبل شروع شده و بدون وقفه در محل و روز و ساعاتی که از طرف عضو ناظر معین می گردد، به ترتیبی که در نظام نامه معین خواهد شد، تعقیب می شود. ماده ۴۶۴ - هر طلبکاری که طلب او تشخیص یا جزء صورت حساب دارایی منظور شده می تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلبکارها حضور بهم رسانیده و نسبت به طلبهایی که سابقاً تشخیص شده یا فعلاً - در تحت رسیدگی است اعتراض نماید، همین حق را خود تاجر ورشکسته هم خواهد داشت ماده ۴۶۵ - محل اقامت طلبکارها و وکلای آنها در صورت مجلس تشخیص مطالبات معین و بعلاوه توصیف مختصری از سند داده می شود و تعیین قلم خوردگی یا تراشیدگی یا الحاقات بین السطور نیز باید در صورت مجلس قید و این نکته مسلم شود که طلب مسلم یا متنازع فیه است ماده ۴۶۶ - عضو ناظر می تواند به نظر خود امر به ابراز دفاتر طلبکارها دهد یا از محکمه محل تقاضا نماید صورتی از دفاتر طلبکارها استخراج کرده و نزد او بفرستد. ماده ۴۶۷ - اگر طلب مسلم و قبول شد مدیر تصفیه در روی سند عبارت ذیل را نوشته و امضاء می نماید و عضو ناظر نیز آن را تصدیق می کند. «جزو قروض ... مبلغ ... قبول شد به تاریخ ...» هر طلبکار باید در ظرف مدت و به ترتیبی که به موجب نظام نامه وزارت عدلیه معین می شود التزام بدهد طلبی را که اظهار کرده طلب حقیقی و بدون قصد استفاده نامشروع است ماده ۴۶۸ - اگر طلب متنازع فیه واقع شده عضو ناظر می تواند حل قضیه را به محکمه رجوع و محکمه باید فوراً از روی راپورت عضو ناظر رسیدگی نماید. محکمه می تواند امر دهد که با حضور عضو ناظر تحقیق در امر به عمل آید و اشخاصی را که می توانند راجع به این طلب اطلاعاتی دهند عضو ناظر احضار یا از آنها کسب اطلاع کند. ماده ۴۶۹ - در موقعی که اختلاف راجع به تشخیص طلبی به محکمه رجوع شده و قضیه طوری باشد که محکمه نتواند در ظرف پانزده روز حکم صادر کند باید بر حسب اوضاع امر دهد که انعقاد مجلس هیات طلبکارها برای ترتیب قرارداد ارفاقی به تاخیر افتد و یا این که منتظر نتیجه رسیدگی نشده و مجلس مزبور منعقد شود. ماده ۴۷۰ - محکمه می تواند در صورت تصمیم به انعقاد مجلس قرارداد دهد که صاحب طلب متنازع فیه معادل مبلغی که محکمه

در قرار مزبور معین می‌کند موقتا طلبکار شناخته شده در مذاکرات هیات طلبکارها برای مبلغ مذکور شرکت نماید. ماده ۴۷۱ - در صورتی که طلبی مورد تعقیب جزائی واقع شده باشد محکمه می‌تواند قرار تاخیر مجلس را بدهد ولی اگر تصمیم به عدم تاخیر مجلس نمود نمی‌تواند صاحب آن طلب را موقتا جزو طلبکاران قبول نماید و مادام که محاکم صالحه حکم خود را نداده‌اند طلبکار مزبور نمی‌تواند به هیچ‌وجه در عملیات راجعه به ورشکستگی شرکت کند. ماده ۴۷۲ - پس از انقضای مهلت‌های معین در مواد ۴۶۲ و ۴۶۷ به ترتیب قرارداد ارفاقی و به سایر عملیات راجعه به ورشکستگی مداومت می‌شود. ماده ۴۷۳ - طلبکارهایی که در مواعد معینه حاضر نشده و مطابق ماده ۴۶۲ عمل نکردند نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که راجع به تقسیم وجوه قبل از آمدن آنها به عمل آمده حق هیچ‌گونه اعتراضی ندارند ولی در تقسیماتی که ممکن است بعد به عمل آید جزء غرما حساب می‌شوند بدون این که حق داشته باشند حصه‌ای را که در تقسیمات سابق به آنها تعلق می‌گرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه نمایند. ماده ۴۷۴ - اگر اشخاصی نسبت به اموال متصرفی تاجر ورشکسته دعوی‌های خیراتی دارند و صرف نظر از آن نمی‌کنند باید آن را در حین تصفیه عمل ورشکستگی ثابت نموده و به موقع اجراء گذارند. ماده ۴۷۵ - حکم فوق درباره دعوی‌های خیراتی نیز مجری خواهد بود که تاجر ورشکسته نسبت به اموال متصرفی خود یا دیگران دارد مشروط بر این که بر ضرر طلبکارها نباشد.

فصل هفتم - در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته

مبحث اول - در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها (م ۴۷۶ تا م ۴۷۸)

ماده ۴۷۶ - عضو ناظر در ظرف هشت روز از تاریخ موعدی که به موجب نظام‌نامه مذکور در ماده ۴۶۷ معین شده به توسط دفتردار محکمه کلیه طلبکارهایی را که طلب آنها تشخیص و تصدیق یا موقتا قبول شده است برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی دعوت می‌نماید، موضوع دعوت مجمع عمومی طلبکارها در رقع‌های دعوت و اعلانات مندرجه در جراید باید تصریح شود. ماده ۴۷۷ - مجمع عمومی مزبوره در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین شده است در تحت ریاست مشارالیه منعقد می‌شود، طلبکارهایی که طلب آنها تشخیص و تصدیق شده است و همچنین طلبکارهایی که طلب آنها موقتا قبول گردیده یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر می‌شوند تاجر ورشکسته نیز به این مجمع احضار می‌شود مشارالیه باید شخصا حاضر گردد و فقط وقتی می‌تواند اعزام وکیل نماید که عذر موجه داشته و صحت آن به تصدیق عضو ناظر رسیده باشد. ماده ۴۷۸ - مدیر تصفیه به مجمع طلبکارها راپورتی از وضعیت ورشکستگی و اقداماتی که به عمل آمده و عملیاتی که با استحضار تاجر ورشکسته شده است می‌دهد، راپورت مزبور به امضای مدیر تصفیه رسیده به عضو ناظر تقدیم می‌شود و عضو ناظر باید از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع طلبکارها صورت مجلس ترتیب دهد.

مبحث دوم - در قرارداد ارفاقی

فقره اول - در ترتیب قرارداد ارفاقی (م ۴۷۹ تا م ۴۸۸)

ماده ۴۷۹ - قرارداد ارفاقی بین تاجر ورشکسته و طلبکارهای او منعقد نمی‌شود مگر پس از اجرای مراسمی که در فوق مقرر شده است ماده ۴۸۰ - قرارداد ارفاقی فقط وقتی منعقد می‌شود که لااقل نصف بعلاوه یک نفر از طلبکارها با داشتن لااقل سه ربع از کلیه مطالباتی که مطابق مبحث پنجم از فصل ششم تشخیص و تصدیق شده یا موقتا قبول گشته است در آن قرارداد شرکت نموده باشند والا بلااثر خواهد بود. ماده ۴۸۱ - هرگاه در مجلس قرارداد ارفاقی اکثریت طلبکارها عددا حاضر شوند ولی از حیث مبلغ دارای سه

ربع از مطالبات نباشند یا آن‌که دارای سه ربع از مطالبات باشند ولی اکثریت عددی را حائز نباشند نتیجه حاصله از آن مجلس معلق و قرار انعقاد مجلس ثانی برای یک هفته بعد داده می‌شود. ماده ۴۸۲ - طلبکارهایی که در مجلس اول خود یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر بوده و صورت مجلس را امضاء نموده‌اند مجبور نیستند در مجلس ثانی حاضر شوند مگر آن‌که بخواهند در تصمیم خود تغییری دهند ولی اگر حاضر نشدند تصمیمات سابق آنها به اعتبار خود باقی است اگر در جلسه ثانی اکثریت عددی و مبلغی مطابق ماده ۴۸۰ تکمیل شود قرارداد ارفاقی قطعی خواهد بود. ماده ۴۸۳ - اگر تاجر به عنوان ورشکسته به تقلب محکوم شده باشد قرارداد ارفاقی منعقد نمی‌شود، در موقعی که تاجر به عنوان ورشکسته به تقلب تعقیب می‌شود لازم است طلبکارها دعوت شوند و معلوم کنند که آیا با احتمال حصول برائت تاجر و انعقاد قرارداد ارفاقی تصمیم خود را در امر مشارالیه به زمان حصول نتیجه رسیدگی به تقلب موکول خواهند کرد یا تصمیم فوری خواهند گرفت اگر بخواهند تصمیم را موکول به زمان بعد نمایند باید طلبکارهای حاضر از حیث عده و از حیث مبلغ اکثریت معین در ماده ۴۸۰ را حائز باشند چنانچه در انقضای مدت و حصول نتیجه رسیدگی به تقلب بنای انعقاد قرارداد ارفاقی شود قواعدی که به موجب مواد قبل مقرر است در این موقع نیز باید معمول گردد. ماده ۴۸۴ - اگر تاجر به عنوان ورشکستگی به تقصیر محکوم شود انعقاد قرارداد ارفاقی ممکن است لیکن در صورتی که تعقیب تاجر شروع شده باشد طلبکارها می‌توانند تا حصول نتیجه تعقیب و با رعایت مقررات ماده قبل تصمیم در قرارداد را تاخیر بیاندازند. ماده ۴۸۵ - کلیه طلبکارها که حق شرکت در انعقاد قرارداد ارفاقی داشته‌اند می‌توانند راجع به قرارداد اعتراض کنند، اعتراض باید موجه بوده و در ظرف یک هفته از تاریخ قرارداد به مدیر تصفیه و خود تاجر ورشکسته ابلاغ شود والا از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. مدیر تصفیه و تاجر ورشکسته به اولین جلسه محکمه که بعمل ورشکستگی رسیدگی می‌کند احضار می‌شوند. ماده ۴۸۶ - قرارداد ارفاقی باید به تصدیق محکمه برسد و هر یک از طرفین قرارداد می‌توانند تصدیق آن را از محکمه تقاضا نمایند محکمه نمی‌تواند قبل از انقضای مدت یک هفته مذکور در ماده قبل تصمیمی راجع به تصدیق اتخاذ نماید، هرگاه در ظرف این مدت از طرف طلبکارهایی که حق اعتراض دارند اعتراضاتی بعمل آمده باشد محکمه باید در موضوع اعتراضات و تصدیق قرارداد ارفاقی حکم واحد صادر کند، اگر اعتراضات تصدیق شود قرارداد نسبت به تمام اشخاص ذی نفع بلا اثر می‌شود. ماده ۴۸۷ - قبل از آن‌که محکمه در باب تصدیق قرارداد رای دهد عضو ناظر باید راپورتی که متضمن کیفیت ورشکستگی و امکان قبول قرارداد باشد به محکمه تقدیم نماید. ماده ۴۸۸ - در صورت عدم رعایت قواعد مقرر محکمه از تصدیق قرارداد ارفاقی امتناع خواهد نمود.

فقره دوم - در اثرات قرارداد ارفاقی (م ۴۸۹ تا م ۴۹۱)

ماده ۴۸۹ - همین که قرارداد ارفاقی تصدیق شد نسبت به طلبکارهایی که در اکثریت بوده‌اند یا در ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آن را امضا نموده‌اند قطعی خواهد بود ولی طلبکارهایی که جزو اکثریت نبوده و قرارداد را هم امضا نکرده‌اند می‌توانند سهم خود را موافق آنچه از دارایی تاجر به طلبکارها می‌رسد دریافت نمایند لیکن حق ندارند در آتیه از دارایی تاجر ورشکسته بقیه طلب خود را مطالبه کنند مگر پس از تادیه تمام طلب کسانی که در قرارداد ارفاقی شرکت داشته یا آن را در ظرف ده روز مزبور امضا نموده‌اند. ماده ۴۹۰ - پس از تصدیق شدن قرارداد ارفاقی دعوای بطلان نسبت به آن قبول نمی‌شود مگر این که پس از تصدیق مکشوف شود که در میزان دارایی یا مقدار قروض حیلای به کار رفته و قدر حقیقی قلمداد نشده است ماده ۴۹۱ - همین که حکم محکمه راجع به تصدیق قرارداد قطعی شد مدیر تصفیه صورت حساب کاملی با حضور عضو ناظر به تاجر ورشکسته می‌دهد که در صورت عدم اختلاف بسته می‌شود. مدیر تصفیه کلیه دفاتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارایی ورشکسته را به استثنای آنچه که باید به طلبکارانی که قرارداد ارفاقی را امضا نکرده‌اند داده شود به مشارالیه رد کرده و رسید می‌گیرد و پس از آن که قرار تادیه سهم طلبکاران مذکور را داد ماموریت مدیر تصفیه ختم می‌شود، از تمام این مراتب عضو ناظر صورت مجلس تهیه می‌نماید و ماموریتش

خاتمه می‌یابد. در صورت تولید اختلاف محکمه رسیدگی کرده و حکم مقتضی خواهد داد.

فقره سوم - در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی (م ۴۹۲ تا م ۵۰۳)

ماده ۴۹۲ - در موارد ذیل قرارداد ارفاقی باطل است ۱ - در مورد محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب ۲ - در مورد ماده ۴۹۰. ماده ۴۹۳ - اگر محکمه حکم بطلان قرارداد ارفاقی را بدهد ضمانت ضامن یا ضامن‌ها (در صورتی که باشد) به خودی خود ملغی می‌شود. ماده ۴۹۴ - اگر تاجر ورشکسته شرایط قرارداد ارفاقی را اجراء نکرده، ممکن است برای فسخ قرارداد مزبور بر علیه او اقامه دعوا نمود. ماده ۴۹۵ - در صورتی که اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را یک یا چند نفر ضمانت کرده باشند طلبکارها می‌توانند اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را که ضامن دارد از او بخواهند و در مورد اخیر آن قسمت از قرارداد که ضامن نداشته فسخ می‌شود. در صورت تعدد ضامن مسوولیت آنها تضامنی است ماده ۴۹۶ - اگر تاجر ورشکسته پس از تصدیق قرارداد به عنوان ورشکستگی به تقلب تعقیب شده در تحت توقیف یا حبس در آید محکمه می‌تواند هر قسم وسایل تأمینیه را که مقتضی بداند اتخاذ کند ولی به محض صدور قرار منع تعقیب یا حکم تبرئه وسایل مزبوره مرتفع می‌شود. ماده ۴۹۷ - پس از صدور حکم ورشکستگی به تقلب یا حکم ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی محکمه یک عضو ناظر و یک مدیر تصفیه معین می‌کند. ماده ۴۹۸ - مدیر تصفیه می‌تواند دارایی تاجر را توقیف و مهر و موم نماید. مدیر تصفیه فوراً از روی صورت دارایی سابق اقدام به رسیدگی اسناد و نوشتجات نموده و اگر لازم باشد متممی برای صورت دارایی ترتیب می‌دهد. مدیر تصفیه باید فوراً به وسیله اعلان در روزنامه طلبکارهای جدید را اگر باشند دعوت نماید که در ظرف یک ماه اسناد مطالبات خود را برای رسیدگی ابراز کنند؛ در اعلان مزبور مفاد قرار محکمه که به موجب آن مدیر تصفیه معین شده است باید درج شود. ماده ۴۹۹ - بدون فوت وقت به اسنادی که مطابق ماده قبل ابراز شده رسیدگی می‌شود، نسبت به مطالباتی که سابقاً تشخیص یا تصدیق شده است رسیدگی جدید بعمل نمی‌آید، مطالباتی که تمام یا قسمتی از آنها بعد از تصدیق پرداخته شده است، موضوع می‌شود. ماده ۵۰۰ - معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نمی‌شود مگر در صورتی که معلوم شود به قصد اضرار بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد. ماده ۵۰۱ - در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی تاجر بین طلبکاران ارفاقی و اشخاصی که بعد از قرارداد ارفاقی طلبکار شده‌اند به غرماً تقسیم می‌شود. ماده ۵۰۲ - اگر طلبکاران ارفاقی بعد از توقف تاجر تا زمان فسخ یا ابطال چیزی گرفته‌اند ماخوذی آنها از وجهی که به ترتیب غرماً به آنها می‌رسد کسر خواهد شد. ماده ۵۰۳ - هرگاه تاجری ورشکست و امرش منتهی به قرارداد ارفاقی گردید و ثانیاً بدون این که قرارداد مزبور ابطال یا فسخ شود ورشکست شد مقررات دو ماده قبل در ورشکستگی ثانوی لازم‌الاجراء است

مبحث سوم - در تفریغ حساب و ختم عمل ورشکستگی (م ۵۰۴ تا م ۵۱۳)

ماده ۵۰۴ - اگر قرارداد ارفاقی منعقد نشد مدیر تصفیه فوراً به عملیات تصفیه و تفریغ عمل ورشکستگی شروع خواهد کرد. ماده ۵۰۵ - در صورتی که اکثریت مذکور در ماده (۴۸۰) موافقت نماید محکمه مبلغی را برای اعاشه ورشکسته در حدود مقررات ماده ۴۴۷ معین خواهد کرد. ماده ۵۰۶ - اگر شرکت تضامنی مختلط یا نسبی ورشکست شود طلبکارها می‌توانند قرارداد ارفاقی را با شرکت یا منحصر با یک یا چند نفر از شرکای ضامن منعقد نمایند. در صورت ثانی دارایی شرکت تابع مقررات این مبحث و به غرماً تقسیم می‌شود ولی دارایی شخصی شرکایی که با آنها قرارداد ارفاقی منعقد شده است به غرماً تقسیم نخواهد شد، شریک یا شرکای ضامن که با آنها قرارداد خصوصی منعقد شده نمی‌توانند تعهد حصه‌ای نمایند مگر از اموال شخصی خودشان شریکی که با او قرارداد مخصوص منعقد شده از مسوولیت ضمانتی مبری است ماده ۵۰۷ - اگر طلبکارها بخواهند تجارت تاجر ورشکسته را ادامه

دهندمی توانند برای این امر وکیل یا عامل مخصوصی انتخاب نموده یا به خود مدیر تصفیه این ماموریت را بدهند. ماده ۵۰۸ - در ضمن تصمیمی که وکالت مذکور در ماده فوق را مقرر می‌دارد باید مدت و حدود وکالت و همچنین میزان وجهی که وکیل می‌تواند برای مخارج لازمه پیش خود نگاه دارد معین گردد، تصمیم مذکور اتخاذ نمی‌شود مگر با حضور عضو ناظر و با اکثریت سه ربع از طلبکارها عددا و مبلغا، خود تاجر ورشکسته و همچنین طلبکارهای مخالف (با رعایت ماده ۴۷۳) می‌توانند نسبت به این تصمیم در محکمه اعتراض نمایند، این اعتراض اجرای تصمیم را به تاخیر نمی‌اندازد. ماده ۵۰۹ - اگر از معاملات وکیل یا عاملی که تجارت ورشکسته را ادامه می‌دهد تعهداتی حاصل شود که بیش از حد دارایی تاجر ورشکسته است فقط طلبکارهایی که آن اجازه را داده‌اند شخصا علاوه بر حصه‌ای که در دارایی مزبور دارند به نسبت طلبشان در حدود اختیاراتی که داده‌اند مسوول تعهدات مذکوره می‌باشند. ماده ۵۱۰ - در صورتی که عمل تاجر ورشکسته منجر به تفریغ حساب شود مدیر تصفیه مکلف است تمام اموال منقول و غیرمنقول تاجر ورشکسته را به فروش رسانیده مطالبات و دیون و حقوق او را صلح و مصالحه و وصول و تفریغ کند. تمام این مراتب در تحت نظر عضو ناظر و با حضور تاجر ورشکسته به عمل می‌آید اگر تاجر ورشکسته از حضور استنکاف نمود استحضار مدعی‌العموم کافی است فروش اموال مطابق نظام‌نامه وزارت عدلیه به عمل خواهد آمد. ماده ۵۱۱ - همین که تفریغ عمل تاجر به اتمام رسید عضو ناظر طلبکارها و تاجر ورشکسته را دعوت می‌نماید. در این جلسه مدیر تصفیه حساب خود را خواهد داد. ماده ۵۱۲ - هرگاه اموالی در اجاره تاجر ورشکسته باشد مدیر تصفیه در فسخ یا ابقای اجاره به نحوی که موافق منافع طلبکارها باشد اتخاذ تصمیم می‌کند، اگر تصمیم بر فسخ اجاره شد صاحبان اموال مستاجر از بابت مال‌الاجاره‌ای که تا آن تاریخ مستحق شده‌اند جزء غرما منظور می‌شوند اگر تصمیم بر ابقای اجاره بوده و تاميناتی هم سابقا به موجب اجاره‌نامه به موجد داده شده باشد آن تامينات ابقاء خواهد شد والا تاميناتی که پس از ورشکستگی داده می‌شود باید کافی باشد، در صورتی که با تصمیم مدیر تصفیه بر فسخ اجاره موجد راضی به فسخ نشود حق مطالبه تامين را نخواهد داشت ماده ۵۱۳ - مدیر تصفیه می‌تواند با اجازه عضو ناظر اجاره را برای بقیه مدت به دیگری تفویض نماید (مشروط بر این که به موجب قرارداد کتبی طرفین این حق منع نشده باشد) و در صورت تفویض به غیر باید وثیقه کافی که تامين پرداخت مال‌الاجاره را بنماید به مالک اموال مستاجر داده و کلیه شرایط و مقررات اجاره‌نامه را به موقع خود اجرا کند.

فصل هشتم - در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هریک از آنها

مبحث اول - در طلبکارهایی که رهنه منقول دارند (م ۵۱۴ تا م ۵۱۷)

ماده ۵۱۴ - طلبکارهایی که رهنه در دست دارند فقط در صورت غرما برای یادداشت قید می‌شوند. ماده ۵۱۵ - مدیر تصفیه می‌تواند در هر موقع با اجازه عضو ناظر طلب طلبکارها را داده و شیء مرهون را از رهن خارج و جزء دارایی تاجر ورشکسته منظور دارد. ماده ۵۱۶ - اگر وثیقه فک نشود مدیر تصفیه باید با نظارت مدعی‌العموم آن را به فروش برساند و مرتهن نیز در آن موقع باید دعوت شود. اگر قیمت فروش وثیقه پس از وضع مخارج بیش از طلب طلبکار باشد مازاد به مدیر تصفیه تسلیم می‌شود و اگر قیمت فروش کمتر شد مرتهن برای بقیه طلب خود در جزء طلبکارهای عادی در غرما منظور خواهد شد. ماده ۵۱۷ - مدیر تصفیه صورت طلبکارهایی را که ادعای وثیقه می‌نمایند به عضو ناظر تقدیم می‌کند. عضو مزبور در صورت لزوم اجازه می‌دهد طلب آنها از اولین وجوهی که تهیه می‌شود پرداخته گردد در صورتی که نسبت به حق وثیقه طلبکارها اعتراضی داشته باشند به محکمه رجوع می‌شود.

مبحث دوم - در طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حق تقدم دارند (م ۵۱۸ تا م ۵۲۱)

ماده ۵۱۸- اگر تقسیم وجوهی که از فروش اموال غیرمنقول حاصل شده قبل از تقسیم دارایی منقول یا در همان حین به عمل آمده باشد طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حقوقی دارند و حاصل فروش اموال مزبور کفایت طلب آنها را ننموده است نسبت به بقیه طلب خود جزء غرمای معمولی منظور و از وجوهی که برای غرمای مزبور مقرر است حصه می‌برند مشروط بر این که طلب آنها به طوری که قبلاً مذکور شده است تصدیق شده باشد. ماده ۵۱۹- اگر قبل از تقسیم وجوهی که از فروش اموال غیرمنقول حاصل شده وجهی از بابت دارایی منقول تقسیم شود طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حقوقی دارند و طلب آنها تصدیق و اعتراف شده است به میزان کلیه طلب خود جزء سایر غرما وارد و از وجوه مزبوره حصه می‌برند ولی عندالاقضاء مبلغ دریافتی در موقع تقسیم حاصل اموال غیرمنقول از طلب آنها موضوع می‌شود. ماده ۵۲۰- در مورد طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حقوقی دارند ولی به واسطه مقدم بودن سایر طلبکارها نمی‌توانند در حین تقسیم قیمت اموال غیرمنقول طلب خود را تماماً وصول کنند ترتیب ذیل مرعی خواهد بود: اگر طلبکارهای مزبور قبل از تقسیم حاصل اموال غیرمنقول از بابت طلب خود وجهی دریافت داشته باشند این مبلغ از حصه‌ای که از بابت اموال غیرمنقول به آنها تعلق می‌گیرد موضوع و به حصه‌ای که باید بین طلبکارهای معمولی تقسیم شود اضافه می‌گردد و بقیه طلبکارهایی که در اموال غیرمنقول ذی‌حق بوده‌اند برای بقیه طلب خود به نسبت آن بقیه جزء غرما محسوب شده حصه می‌برند. ماده ۵۲۱- اگر به واسطه مقدم بودن طلبکارهای دیگر بعضی از طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حقوقی دارند وجهی دریافت نکنند طلب آنها جزء غرما محسوب و بدین سمت هر معامله‌ای که از بابت قرارداد ارفاقی و غیره با غرما می‌شود با آنها نیز به عمل خواهد آمد.

فصل نهم - در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول (م ۵۲۲ تا م ۵۲۷)

ماده ۵۲۲- پس از وضع مخارج اداره امور ورشکستگی و اعانه‌ای که ممکن است به تاجر ورشکسته داده شده باشد و وجوهی که باید به صاحبان مطالبات ممتازه تادیه گردد مجموع دارایی منقول بین طلبکارها به نسبت طلب آنها که قبلاً تشخیص و تصدیق شده است تقسیم خواهد شد. ماده ۵۲۳- مدیر تصفیه برای اجرای مقصود مذکور در ماده فوق ماهی یک مرتبه صورت حساب عمل ورشکستگی را با تعیین وجوه موجوده به عضو ناظر می‌دهد. عضو مذکور در صورت لزوم امر به تقسیم وجوه مزبور بین طلبکارها داده مبلغ آن را معین و مواظبت می‌نماید که به تمام طلبکارها اطلاع داده شود. ماده ۵۲۴- در موقع تقسیم وجوه بین طلبکارها حصه طلبکارهای مقیم ممالک خارجه به نسبت طلب آنها که در صورت دارایی و قروض منظور شده است موضوع می‌گردد. چنانچه مطالبات مزبور صحیحاً در صورت دارایی و قروض منظور نشده باشد عضو ناظر می‌تواند حصه موضوعی را زیاد کند. برای مطالباتی که هنوز در باب آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی موضوع گردد. ماده ۵۲۵- وجوهی که برای طلبکارهای مقیم خارجه موضوع شده است تا مدتی که قانون برای آنها معین کرده به طور امانت به صندوق عدلیه سپرده خواهد شد. اگر طلبکارهای مذکور مطابق این قانون مطالبات خود را به تصدیق نرسانند مبلغ مزبور بین طلبکارهایی که طلب آنها به تصدیق رسیده تقسیم می‌شود. وجوهی که برای مطالبات تصدیق نشده موضوع گردیده در صورت عدم تصدیق آن مطالبات بین طلبکارهایی که طلب آنها تصدیق شده تقسیم می‌شود. ماده ۵۲۶- هیچ طلبی را مدیر تصفیه نمی‌پردازد مگر آن که مدارک و اسناد آن را قبلاً ملاحظه کرده باشد. مدیر تصفیه مبلغی را که پرداخته در روی سند قید می‌کند عضو ناظر در صورت عدم امکان ابراز سند می‌تواند اجازه دهد که به موجب صورت مجلسی که طلب در آن تصدیق شده وجهی پرداخته شود. در هر حال باید طلبکارها رسیدوجه را در ذیل صورت تقسیم ذکر کنند. ماده ۵۲۷- ممکن است هیات طلبکارها با استحضار تاجر ورشکسته از محکمه تحصیل اجازه نماید که تمام یا قسمتی از حقوق و مطالبات تاجر ورشکسته را که هنوز وصول نشده به طوری که صرفه و صلاح تاجر ورشکسته

هم منظور شود خودشان قبول و مورد معامله قرار دهند در این صورت مدیر تصفیه اقدامات مقتضیه را به عمل خواهد آورد در این خصوص هر طلبکار می‌تواند به عضو ناظر مراجعه کرده تقاضا نماید که طلبکارهای دیگر را دعوت نماید تا تصمیم خود را اتخاذ نمایند.

فصل دهم - در دعوی استرداد (م ۵۲۸ تا ۵۳۵)

ماده ۵۲۸- اگر قبل از ورشکستگی تاجر کسی اوراق تجارتي به او داده باشد که وجه آن را وصول و به حساب صاحب سند نگاه دارد و یا به مصرف معینی برساند و وجه اوراق مزبور وصول یا تادیه نگشته و اسناد عینا در حین ورشکستگی در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد صاحبان آن می‌توانند عین اسناد را استرداد کنند. ماده ۵۲۹- مال التجاره‌هایی که در نزد تاجر ورشکسته امانت بوده یا به مشارالیه داده شده است که به حساب صاحب مال التجاره به فروش برساند مادام که عین آنها کلا یا جزء نزد تاجر ورشکسته موجود یا نزد شخص دیگری از طرف تاجر مزبور امانت یا برای فروش گذارده شده و موجود باشد قابل استرداد است ماده ۵۳۰- مال التجاره‌هایی که تاجر ورشکسته به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است اگر قیمت آن پرداخته نشده باشد از طرف فروشنده والا از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است ماده ۵۳۱- هرگاه تمام یا قسمتی از مال التجاره‌ای که برای فروش به تاجر ورشکسته داده شده بود معامله شده و به هیچ نحوی بین خریدار و تاجر ورشکسته احتساب نشده باشد از طرف صاحب مال قابل استرداد است اعم از این که نزد تاجر ورشکسته یا خریدار باشد و به طور کلی عین هر مال متعلق به دیگری که در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد قابل استرداد است ماده ۵۳۲- اگر مال التجاره‌ای که برای تاجر ورشکسته حمل شده قبل از وصول از روی صورت حساب یا بارنامه که دارای امضای ارسال کننده است به فروش رسیده و فروش صوری نباشد دعوی استرداد پذیرفته نمی‌شود والا- موافق ماده ۵۲۹ قابل استرداد است و استرداد کننده باید وجوهی را که به طور علی الحساب گرفته یا مساعدتا از بابت کرایه حمل و حق کمیسیون و بیمه و غیره تادیه شده یا از این بابها باید تادیه بشود به طلبکارها بپردازد. ماده ۵۳۳- هرگاه کسی مال التجاره‌ای به تاجر ورشکسته فروخته ولیکن هنوز آن جنس نه به خود تاجر ورشکسته تسلیم شده و نه به کسی دیگر که به حساب او بیاورد آن کس می‌تواند به اندازه‌ای که وجه آن را نگرفته از تسلیم مال التجاره امتناع کند. ماده ۵۳۴- در مورد دو ماده قبل مدیر تصفیه می‌تواند با اجازه عضو ناظر تسلیم مال التجاره را تقاضا نماید ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر ورشکسته مقرر شده است بپردازد. ماده ۵۳۵- مدیر تصفیه می‌تواند با تصویب عضو ناظر تقاضای استرداد را قبول نماید و در صورت اختلاف محکمه پس از استماع عقیده عضو ناظر حکم مقتضی را می‌دهد.

فصل یازدهم - در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی (م ۵۳۶ تا ۵۴۰)

ماده ۵۳۶- حکم اعلان ورشکستگی و همچنین حکمی که به موجب آن تاریخ توقف تاجر در زمانی قبل از اعلان ورشکستگی تشخیص شود قابل اعتراض است ماده ۵۳۷- اعتراض باید از طرف تاجر ورشکسته در ظرف ده روز و از طرف اشخاص ذی نفع که در ایران مقیمند در ظرف یک ماه و از طرف آنهایی که در خارجه اقامت دارند در ظرف دو ماه به عمل آید ابتدای مدتهای مزبور از تاریخی است که احکام مذکوره اعلان می‌شود. ماده ۵۳۸- پس از انقضای مهلتی که برای تشخیص و تصدیق مطالبات طلبکارها معین شده است دیگر هیچ تقاضایی از طرف طلبکارها راجع به تعیین تاریخ توقف به غیر آن تاریخی که به موجب حکم ورشکستگی یا حکم دیگری که در این باب صادر شده قبول نخواهد شد، همین که مهلهای مزبور منقضی شد تاریخ توقف نسبت

به طلبکارها قطعی و غیرقابل تغییر خواهد بود. ماده ۵۳۹ - مهلت استیناف از حکم ورشکستگی ده روز از تاریخ ابلاغ است به این مدت برای کسانی که محل اقامت آنها از مقر محکمه بیش از شش فرسخ فاصله دارد از قرار هر شش فرسخ یک روز اضافه می‌شود. ماده ۵۴۰ - قرارهای ذیل قابل اعتراض و استیناف و تمیز نیست ۱ - قرارهای راجعه به تعیین یا تغییر عضو ناظر یا مدیر تصفیه ۲ - قرارهای راجعه به تقاضای اعانه به جهت تاجر ورشکسته یا خانواده او، ۳ - قرارهای فروش اسباب یا مال التجاره‌ای که متعلق به ورشکسته است ۴ - قرارهایی که قرارداد ارفاقی را موقتا موقوف یا قبول موقتی مطالبات متنازع فیه را مقرر می‌دارد، ۵ - قرارهای صادره در خصوص شکایت از اوامری که عضو ناظر در حدود صلاحیت خود صادر کرده است

باب دوازدهم - در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب

فصل اول - در ورشکستگی به تقصیر (م ۵۴۱ تا ۵۴۸)

ماده ۵۴۱ - تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می‌شود: ۱ - در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه‌مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی او فوق العاده بوده است ۲ - در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملات کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است ۳ - اگر به قصد تاخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازلتر از مظنه روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسایلی که دور از صرفه است به کار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از این که از راه استقراضی یا صدور برات یا به طریق دیگر باشد؛ ۴ - اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد. ماده ۵۴۲ - در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود: ۱ - اگر به حساب دیگری و بدون آن که در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات فوق العاده باشد؛ ۲ - اگر عملیات تجارتي او متوقف شده و مطابق ماده ۴۱۳ این قانون رفتار نکرده باشد؛ ۳ - اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی ترتیب بوده یا در صورت دارایی وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات به طور صحیح معین نکرده باشد (مشروط براین که در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد). ماده ۵۴۳ - ورشکستگی به تقصیر جنحه محسوب و مجازات آن از ۶ ماه تا سه سال حبس تادیبی است ماده ۵۴۴ - رسیدگی به جرم فوق بر حسب تقاضای مدیر تصفیه یا هر یک از طلبکارها یا تعقیب مدعی‌العموم در محکمه جنحه به عمل می‌آید. ماده ۵۴۵ - در صورتی که تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر از طرف مدعی‌العموم به عمل آمده باشد مخارج آن را به هیچ وجه نمی‌توان به هیات طلبکارها تحمیل نمود، در صورت انعقاد قرارداد ارفاقی مامورین اجرا نمی‌توانند اقدام به وصول این مخارج کنند مگر پس از انقضای مدتهای معینه در قرارداد. ماده ۵۴۶ - مخارج تعقیبی که از طرف مدیر تصفیه به نام طلبکارها می‌شود در صورت برائت تاجر به عهده هیات طلبکارها و در صورتی که محکوم شد به عهده دولت است لیکن دولت حق دارد مطابق ماده قبل به تاجر ورشکسته مراجعه نماید. ماده ۵۴۷ - مدیر تصفیه نمی‌تواند تاجر ورشکسته را به عنوان ورشکستگی به تقصیر تعقیب کند یا از طرف هیات طلبکارها مدعی خصوصی واقع شود مگر پس از تصویب اکثریت طلبکارهای حاضر. ماده ۵۴۸ - مخارج تعقیبی که از طرف یکی از طلبکارها به عمل می‌آید در صورت محکومیت تاجر ورشکسته به عهده دولت و در صورت برائت ذمه به عهده تعقیب کننده است

فصل دوم - در ورشکستگی به تقلب (م ۵۴۹ تا م ۵۵۰)

ماده ۵۴۹- هر تاجر ورشکسته که دفاتر خود را مفقود نموده یا قسمتی از دارایی خود را مخفی کرده و یا به طریق مواضعه و معاملات صوری از میان برده و همچنین هر تاجر ورشکسته که خود را به وسیله اسناد و یا به وسیله صورت دارایی و قروض به طور تقلب به میزانی که در حقیقت مدیون نمی‌باشد مدیون قلمداد نموده است ورشکسته به تقلب اعلام و مطابق قانون جزا مجازات می‌شود. ماده ۵۵۰- راجع به تقاضای تعقیب و مخارج آن در موارد ماده قبل مفاد مواد ۵۴۵ تا ۵۴۸ لازم‌الرعایه است

فصل سوم - در جنحه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می‌شوند (م ۵۵۱ تا م

ماده ۵۵۱- در مورد ورشکستگی اشخاص ذیل مجرم محسوب و مطابق قانون جزا به مجازات ورشکسته به تقلب محکوم خواهند شد: ۱- اشخاصی که عالماً به نفع تاجر ورشکسته تمام یا قسمتی از دارایی منقول یا غیرمنقول او را از میان ببرند یا پیش خود نگاه دارند یا مخفی نمایند؛ ۲- اشخاصی که به قصد تقلب به اسم خود یا به اسم دیگری طلب غیرواقعی را واقعی قلمداد کرده و مطابق ماده ۴۶۷ التزام داده باشند. ماده ۵۵۲- اشخاصی که به اسم دیگری یا به اسم موهومی تجارت نموده و اعمال مندرجه در ماده ۵۴۹ را مرتکب شده‌اند به مجازاتی که برای ورشکسته به تقلب مقرر است محکوم می‌باشند. ماده ۵۵۳- اگر اقوام شخص ورشکسته بدون شرکت مشارالیه اموال او را از میان ببرند یا مخفی نمایند یا پیش خود نگاه دارند به مجازاتی که برای سرقت معین است محکوم خواهند شد. ماده ۵۵۴- در موارد معینه در مواد قبل محکمه‌ای که رسیدگی می‌کند باید در خصوص مسائل ذیل ولو این که متهم تبرئه شده باشد، حکم بدهد: ۱- راجع به رد کلیه اموال و حقوقی که موضوع جرم بوده است به هیات طلبکارها، این حکم را محکمه در صورتی که مدعی خصوصی هم نباشد باید صادر کند؛ ۲- راجع به ضرر و خساراتی که ادعا شده است ماده ۵۵۵- اگر مدیر تصفیه در حین تصدی به امور تاجر ورشکسته وجهی را حیف و میل کرده باشد به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد. ماده ۵۵۶- هرگاه مدیر تصفیه اعم از این که طلبکار باشد یا نباشد در مذاکرات راجعه به ورشکستگی با شخص ورشکسته یا با دیگری تبانی نماید یا قرارداد خصوصی منعقد کند که آن تبانی یا قرارداد به نفع مرتکب و به ضرر طلبکارها یا بعضی از آنها باشد در محکمه جنحه به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود. ماده ۵۵۷- کلیه قراردادهایی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد نسبت به هر کس حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است طرف قرارداد مجبور است که وجوه یا اموالی را که به موجب قرارداد باطل شده دریافت کرده است به اشخاص ذی‌حق مسترد دارد. ماده ۵۵۸- هر حکم محکومیتی که به موجب این فصل یا به موجب فصول سابق صادر بشود باید به خرج محکوم علیه اعلان گردد.

فصل چهارم - در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته در صورت ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب (م ۵۵۹ تا م ۵۶۰)

ماده ۵۵۹- در تمام مواردی که کسی به واسطه ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب تعقیب و محکوم می‌شود رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی به غیر از آنچه در ماده ۵۵۴ مذکور است از صلاحیت محکمه جزا خارج خواهد بود. ماده ۵۶۰- مدیر تصفیه مکلف است در صورت تقاضای مدعی‌العموم بدایت کلیه اسناد و نوشتجات و اوراق و اطلاعات لازم را به او بدهد.

باب سیزدهم - در اعاده اعتبار (م ۵۶۱ تا م ۵۷۵)

ماده ۵۶۱- هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات وم خارجی که به آن تعلق گرفته است کاملاً- بپردازد حقا اعاده

اعتبار می‌نماید. ماده ۵۶۲- طلبکارها نمی‌توانند از جهت تاخیری که در ادای طلب آنها شده است برای بیش از پنج سال مطالبه متفرعات و خسارات نمایند و در هر حال متفرعاتی که مطالبه می‌شود در سال نباید بیش از صدی هفت طلب باشد. ماده ۵۶۳- برای آن که شریک ضامن یک شرکت ورشکسته که حکم ورشکستگی او نیز صادر شده بتواند حق اعاده اعتبار حاصل کند باید ثابت نماید که به ترتیب فوق تمام دیون شرکت را پرداخته است ولو این که نسبت به شخص او قرارداد ارفاقی مخصوصی وجود داشته باشد. ماده ۵۶۴- در صورتی که یک یا چند نفر از طلبکارها مفقودالثر یا غایب بوده یا این که از دریافت وجه امتناع نمایند؛ تاجر ورشکسته باید جوهری را که به آنها مدیون است با اطلاع مدعی‌العموم در صندوق عدلیه بسپارد و همین که تاجر معلوم کرد این جوهر را سپرده است ببری‌الذمه محسوب است ماده ۵۶۵- تاجر ورشکسته در دو مورد ذیل پس از اثبات صحت عمل در مدت پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی می‌تواند اعتبار خود را اعاده نمایند: ۱- تاجر ورشکسته که تحصیل قرارداد ارفاقی نموده و تمام جوهری را که به موجب قرارداد به عهده گرفته است پرداخته باشد. این ترتیب در مورد شریک شرکت ورشکسته‌ای که شخصا تحصیل قرارداد ارفاقی جداگانه نموده است نیز رعایت می‌شود؛ ۲- تاجر ورشکسته‌ای که کلیه طلبکاران ذمه او را بری کرده یا به‌اعاده اعتبار او رضایت داده‌اند. ماده ۵۶۶- عرض حال اعاده اعتبار باید به انضمام اسناد مثبته آن به مدعی‌العموم حوزه ابتدایی داده شود که اعلان ورشکستگی در آن حوزه واقع شده است ماده ۵۶۷- سواد این عرض حال در مدت یک ماه در اطاق جلسه محکمه ابتدائی و همچنین در اداره مدعی‌العموم بدایت الصاق و اعلان می‌شود. بعلاوه دفتردار محکمه باید مفاد عرض حال مزبور را به کلیه طلبکارهایی که مطالبات آنها در حین تصفیه عمل تاجر ورشکسته یا بعد از آن تصدیق شده و هنوز طلب خود را بر طبق مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ کاملاً دریافت نکرده‌اند به‌وسیله مکتوب سفارشی اعلام دارد. ماده ۵۶۸- هر طلبکاری که مطابق مقررات مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ طلب خود را کاملاً دریافت نکرده می‌تواند در مدت یک ماه از تاریخ اعلام مذکور در ماده قبل به عرض حال اعاده اعتبار اعتراض کند. ماده ۵۶۹- اعتراض به‌وسیله اظهارنامه که به ضمیمه اسناد مثبته به‌دفتر محکمه بدایت داده می‌شود به عمل می‌آید. طلبکار معترض می‌تواند به موجب عرض حال در حین رسیدگی به دعوی اعاده اعتبار به‌طور شخص ثالث ورود کند. ماده ۵۷۰- پس از انقضای موعد نتیجه تحقیقاتی که به‌توسط مدعی‌العموم به‌عمل آمده است به انضمام عرایض اعتراض به‌رئیس محکمه داده می‌شود، رئیس مزبور در صورت لزوم مدعی و معترضین را به جلسه خصوصی محکمه احضار می‌کند. ماده ۵۷۱- در مورد ماده ۵۶۱ محکمه فقط صحت مدارک را سنجیده در صورت موافقت آنها با قانون حکم اعاده اعتبار می‌دهد و در مورد ماده ۵۶۵ محکمه اوضاع و احوال را سنجیده به‌طوری که مقتضی عدل و انصاف بداند حکم می‌دهد و در هر دو صورت حکم باید در جلسه علنی صادر گردد. ماده ۵۷۲- مدعی اعاده اعتبار و همچنین مدعی عمومی و طلبکارهای معترض می‌توانند در ظرف ده روز از تاریخ اعلام حکم به‌وسیله مکتوب سفارشی از حکمی که در خصوص اعاده اعتبار صادر شده استیناف بخواهند، محکمه استیناف پس از رسیدگی برحسب مقررات ماده ۵۷۱ حکم صادر می‌کند. ماده ۵۷۳- اگر عرض حال اعاده اعتبار رد بشود تجدید ممکن نیست مگر پس از انقضای شش ماه ماده ۵۷۴- اگر عرض حال قبول شود حکمی که صادر می‌گردد در دفتر مخصوصی که در محکمه بدایت محل اقامت تاجر برای این کار مقرر است ثبت خواهد شد. اگر محل اقامت تاجر در حوزه محکمه‌ای که حکم می‌دهد نباشد، در ستون ملاحظات دفتر ثبت اسامی ورشکستگان که در دایره ثبت اسناد محل موجود است مقابل اسم تاجر ورشکسته با مرکب قرمز به حکم مزبور اشاره می‌شود. ماده ۵۷۵- ورشکستگان به تقلب و همچنین اشخاصی که برای سرقت یا کلاهبرداری یا خیانت در امانت محکوم شده‌اند مادامی که از جنبه جزائی اعاده حیثیت نکرده‌اند نمی‌توانند از جنبه تجارتي اعاده اعتبار کنند.

باب چهاردهم - اسم تجارتي (م ۵۷۶ تا م ۵۸۲)

ماده ۵۷۶- ثبت اسم تجارتي اختیاری است مگر در مواردی که وزارت عدلیه ثبت آن را الزامی کند. ماده ۵۷۷- صاحب

تجارت‌خانه‌ای که شریک در تجارت‌خانه ندارد نمی‌تواند اسمی برای تجارت‌خانه خود انتخاب کند که موهوم وجود شریک باشد. ماده ۵۷۸ - اسم تجاری ثبت شده را هیچ شخص دیگری در همان محل نمی‌تواند اسم تجاری خود قرار دهد ولو این که اسم تجاری ثبت شده با اسم خانوادگی او یکی باشد. ماده ۵۷۹ - اسم تجاری قابل انتقال است ماده ۵۸۰ - مدت اعتبار ثبت اسم تجاری پنج سال است ماده ۵۸۱ - در مواردی که ثبت اسم تجاری الزامی شده و در مورد مقرر ثبت به عمل نیاید اداره ثبت اقدام به ثبت کرده و سه برابر حق الثبت ماخوذ خواهد داشت ماده ۵۸۲ - وزارت عدلیه به موجب نظام‌نامه ترتیب ثبت اسم تجاری و اعلان آن و اصول محاکمات در دعاوی مربوط به اسم تجاری را معین خواهد کرد.

باب پانزدهم - شخصیت حقوقی

فصل اول - اشخاص حقوقی (م ۵۸۳ تا م ۵۸۷)

ماده ۵۸۳ - کلیه شرکتهای تجاری مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند. ماده ۵۸۴ - تشکیلات و موسساتی که برای مقاصد غیر تجاری تاسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند. ماده ۵۸۵ - شرایط ثبت موسسات و تشکیلات مذکور در ماده فوق به موجب نظام‌نامه وزارت عدلیه معین خواهد شد. حق الثبت موسسات و تشکیلات مطابق نظام‌نامه از پنج ریال طلا تا پنج پهلوی و بعلاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد و املاک است ماده ۵۸۶ - موسسات و تشکیلاتی را که مقاصد آنها مخالف با انتظامات عمومی یا نامشروع است نمی‌توان ثبت کرد. ماده ۵۸۷ - موسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.

فصل دوم - حقوق و وظایف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی (م ۵۸۸ تا م ۵۹۱)

ماده ۵۸۸ - شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قایل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت، بنوت و امثال ذلک. ماده ۵۸۹ - تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می‌شود. ماده ۵۹۰ - اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است ماده ۵۹۱ - اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است

باب شانزدهم - مقررات نهایی (م ۵۹۲ تا ۶۰۰)

ماده ۵۹۲ - در مورد معاملاتی که سابقا تجار یا شرکتهای و موسسات تجاری به اعتبار بیش از یک امضا کرده‌اند خواه بعضی از امضا کنندگان به عنوان ضامن امضا کرده باشند خواه به عنوان دیگر، طلبکار می‌تواند به امضا کنندگان مجتمعا یا منفردا رجوع نماید. ماده ۵۹۳ - در مورد ماده فوق مطالبه از هر یک از اشخاصی که طلبکار حق رجوع به آنها دارد قاطع مرور زمان نسبت به دیگران نیز هست ماده ۵۹۴ - به استثنای شرکتهای سهامی و شرکتهای مختلط سهامی به کلیه شرکتهای ایرانی موجود که به امور تجاری اشتغال دارند تا اول تیرماه ۱۳۱۱ مهلت داده می‌شود که خود را با مقررات یکی از شرکتهای مذکور در این قانون وفق داده و تقاضای ثبت نمایند والا نسبت به شرکت متخلف مطابق ماده دوم قانون ثبت شرکتهای مصوب خردادماه ۱۳۱۰ رفتار خواهد شد. ماده ۵۹۵ - هرگاه

مدت مذکور در ماده فوق برای تهیه مقدمات ثبت کافی نباشد ممکن است تا شش ماه دیگر از طرف محکمه صلاحیتدار مهلت اضافی داده شود مشروط بر این که در موقع تقاضای تمدید نصف حق الثبت شرکت پرداخته شود. ماده ۵۹۶- تاریخ اجرای ماده ۱۵ این قانون در آن قسمتی که مربوط به جزای نقدی است و تاریخ اجرای ماده ۲۰۱ و تبصره آن و قسمت اخیر ماده ۲۲۰ اول فروردین ۱۳۱۲ خواهد بود. ماده ۵۹۷- شرکتهای مختلط سهامی موجود مکلف هستند که در ظرف شش ماه از تاریخ اجرای این قانون هیات نظاری مطابق این قانون تشکیل دهند والا- هر صاحب سهمی حق دارد انحلال شرکت را تقاضا کند. ماده ۵۹۸- طلبکاران تاجر متوقفی که قبل از تاریخ اجرای این قانون طلب خود را مطالبه کرده‌اند مشمول مقررات ماده ۴۷۳ نبوده و از حقی که به موجب قانون سابق برای آنها مقرر بوده استفاده خواهند کرد. ماده ۵۹۹- نسبت به طلبکارانی که در امور ورشکستگیهای سابق قبل از تاریخ اجرای این قانون طلب خود را مطالبه نکرده‌اند مدیر تصفیه هر ورشکسته اعلانی منتشر کرده و یک ماه به آنها مهلت خواهد داد که مطابق ماده ۴۶۲ این قانون رفتار کنند والا مشمول مقررات ماده ۴۷۳ خواهند شد. ماده ۶۰۰- قوانین ذیل قانون تجارت مصوبه بیست و پنجم دلو ۱۳۰۳ دوازدهم فروردین و دوازدهم خرداد ۱۳۰۴، قانون اصلاح ماده ۳۰۶ قانون تجارت راجع به اعتراض عدم تادیه مصوب دوم تیرماه ۱۳۰۷ قانون اجازه عدم رعایت ماده ۲۳۷ و قسمتی از ماده ۴۴ قانون تجارت نسبت به تشکیلات و اساسنامه شرکت سهامی بانک ملی و شرکت سهامی بانک پهلوی مصوب ۳۰ تیرماه ۱۳۰۷ از تاریخ اول خردادماه ۱۳۱۱ نسخ و این قانون از تاریخ مزبور به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

مواد ۲۱ الی ۹۳ قانون تجارت مصوب ۱۳/۲/۱۳۱۱

اول - کلیات (م ۱ تا م ۳۵)

ماده ۲۱- شرکت سهامی شرکتی است که برای امور تجاری تشکیل و سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسوولیت صاحبان سهام محدود به سهام آنها است ماده ۲۲- در اسم شرکت سهامی نام هیچ‌یک از شرکا قید نخواهد شد. در اسم شرکت باید کلمه (سهامی) قید شود. ماده ۲۳- سهام ممکن است با اسم یا بی اسم باشد. ماده ۲۴- سهام بی اسم به صورت سند در وجه حامل مرتب و دارنده آن مالک شناخته می‌شود مگر آن که خلاف آن قانونا ثابت گردد. نقل و انتقال این نوع سهام به قبض و اقباض به عمل می‌آید. ماده ۲۵- انتقال سهام با اسم باید در دفتر شرکت به ثبت برسد. صاحب سهم باید شخصا یا به توسط وکیل انتقال را در دفتر شرکت تصدیق و امضا نماید. ماده ۲۶- سهام ممکن است نقدی باشد یا غیرنقدی سهام غیرنقدی سهامی است که در ازاء آن به جای وجه نقد چیز دیگری از قبیل کارخانه و امتیازنامه و غیره داده شود. ماده ۲۷- قیمت سهام و همچنین قیمت قطعات سهام (در صورت تجزیه متساوی خواهد بود. ماده ۲۸- در صورتی که سرمایه شرکتهای سهامی از دویست هزار ریال تجاوز نکند سهام یا قطعات سهام نباید کمتر از پنجاه ریال باشد و هرگاه سرمایه زاید بر دویست هزار ریال باشد سهام و قطعات سهام کمتر از یکصد ریال نخواهد بود. ماده ۲۹- مادام که شرکت سهامی تشکیل نشده سهام یا تصدیق موقتی اعم از با اسم یا بی اسم نمی‌توان صادر کرد. هر سهم یا تصدیق موقتی که قبل از تشکیل شرکت به کسی داده باشد باطل و صادرکنندگان متضامنا مسوول خساراتی هستند که به دارندگان این قبیل اوراق وارد شده است تا زمانی که پنجاه درصد قیمت اسمی سهام تادیه نشده نمی‌توان سهام بی اسم یا تصدیق موقتی بی اسم انتشار داد. ماده ۳۰- کسانی که تعهد ابتیاع سهام کرده‌اند تا موقعی که پنجاه درصد قیمت اسمی سهام خود را نپرداخته‌اند مسوول تادیه بقیه قیمت آن خواهند بود اگرچه سهام خود را به دیگری منتقل کرده و منتقل‌الیه نیز پرداخت بقیه را تعهد کرده باشد. ماده ۳۱- بعد از تادیه پنجاه درصد نیز کسی که تعهد ابتیاع سهمی را کرده است از تادیه بقیه قیمت آن بری نخواهد بود مگر این که اساسنامه شرکت آن را تجویز کرده باشد که در این صورت منتقل‌الیه مسوول تادیه آن بقیه است ماده ۳۲- هر کس تعهد

ابتیاع سهامی را کرده و در موعد مقرر وجه تعهد شده را نپردازد علاوه بر آن وجه به خسارات تاخیر تادیه از قرار صدی دوازده در سال و به نسبت مدت تاخیر) محکوم خواهد شد. ماده ۳۳ - اساسنامه شرکت می‌تواند نسبت به اشخاص مذکور در ماده فوق ترتیب دیگری اتخاذ نموده و حتی مقرر دارد که در صورت عدم تادیه بقیه قیمت سهام مقدار تادیه شده از آن بابت بلاعوض تعلق به شرکت یافته و تعهدکننده نسبت به سهام تعهدی هیچ حقی نداشته باشد لیکن در این صورت پرداخت وجه تعهد شده باید لااقل سه مرتبه به وسیله مکتوب با قبض رسید مطالبه و از تاریخ آخرین مکتوب یک ماه منقضی شده باشد. در مورد سهام بی‌اسم به جای مکتوب اعلان در جراید به عمل خواهد آمد. مفاد این ماده باید در موقع تعهد صریحا در دفتر شرکت قید شده و متعهد ذیل آن را امضا نماید. ماده ۳۴ - خواه در سهام با اسم و خواه در سهام بی‌اسم مادام که قیمت آنها کاملا تادیه نشده است باید آن مقدار از قیمت که پرداخته شده صریحا روی سهم قید شود. بعلاوه شرکت مکلف است در هر گونه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات و غیره که به طور خطی یا چاپی صادر یا منتشر می‌نماید میزان سرمایه خود و آن قسمتی را که تادیه شده است صریحا قید کند. ماده ۳۵ - هر شرکت سهامی می‌تواند به موجب رای مجمع عمومی که مطابق ماده (۷۴) این قانون تشکیل شده باشد سهام ممتازه ترتیب دهد که نسبت به سایر سهام رجحان و مزایایی داشته باشد ولی ایجاد این نوع سهام مشروط است به این که اساسنامه شرکت چنین اقدامی را تجویز کرده باشد.

دوم - تشکیل شرکت (م ۳۶ تا م ۴۷)

ماده ۳۶ - شرکت سهامی به موجب شرکت نامه که در دو نسخه نوشته شده باشد تشکیل می‌شود یکی از نسخین به طوری که در ماده ۵۰ مقرر است ضمیمه اظهارنامه مدیر شرکت و دیگری در مرکز اصلی شرکت ضبط خواهد شد. ماده ۳۷ - شرکت باید دارای اساسنامه‌ای باشد که نکات ذیل مخصوصا در آن تصریح بشود: ۱ - اسم و مرکز اصلی شرکت ۲ - موضوع شرکت ۳ - مدت شرکت در صورتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل شود، ۴ - مقدار سرمایه شرکت و مقدار قیمت سهام ۵ - نوع سهام (که سهام با اسم است یا بی‌اسم عده هر نوع از سهام و تعیین این که سهام با اسم و بی‌اسم به چه شکل ممکن است به هم تبدیل شود در صورتی که این تبدیل اساسا پذیرفته باشد، ۶ - هیأت‌های اداره و تفتیش ۷ - عده سهامی را که مدیران شرکت باید به صندوق شرکت بسپارند، ۸ - مقررات راجع به دعوت مجمع عمومی و حق رای صاحبان سهام و طریقه شور و اخذ رای ۹ - مطالبی که برای قطع آن در مجمع عمومی اکثریت مخصوصی لازم است ۱۰ - طرز ترتیب صورت حساب سالیانه و رسیدگی به آن و همچنین اصولی که برای حساب منافع و تقسیم آن باید رعایت شود، ۱۱ - طریق تغییر اساسنامه ماده ۳۸ - تشکیل شرکتهای سهامی محقق نمی‌شود مگر بعد از آن که تادیه تمام سرمایه شرکت تعهد شده باشد. بعلاوه هرگاه سهام یا قطعات آن زاید بر پنجاه ریال نباشد تعهدکنندگان باید تمام وجه را تادیه نمایند والا باید لااقل ثلث قیمت سهام را نقدا بپردازند و در هر حال وجهی که پرداخته می‌شود نباید کمتر از پنجاه ریال باشد. ماده ۳۹ - چیزی که در ازاء سهام غیرنقدی تعهد شده تماما باید تحویل شود. ماده ۴۰ - موسسین باید پس از تنظیم نوشته‌ای که حاکی از تعهد پرداخت سرمایه شرکت و تادیه واقعی ثلث سرمایه نقدی است مجمع عمومی شرکت را دعوت نمایند. این مجمع اولین مدیرهای شرکت و همچنین مفتش (کمیسر)هایی را که به موجب ماده (۶۲) مقرر است معین می‌کند. ماده ۴۱ - هرگاه یکی از تعهدکنندگان سهم غیرنقدی اختیار کند یا مزایای خاصی برای خود مطالبه نماید مجمع عمومی در جلسه اول که منعقد می‌شود امر به تقویم سهم غیرنقدی نموده یا موجبات مزایای مطالبه شده را تحت نظر می‌گیرد. تصویب قطعی تقویم یا موجبات مزایا به عمل نمی‌آید و تشکیل شرکت واقع نمی‌شود مگر در جلسه دیگر مجمع عمومی که بر حسب دعوت جدید منعقد خواهد شد و برای این که در جلسه دوم تقویم یا موجبات مزایا تصویب شود باید لااقل پنج روز قبل از انعقاد جلسه راپرتی در این خصوص طبع و بین تمام تعهدکنندگان توزیع شده باشد. تصویب امور مذکور باید به اکثریت دو ثلث تعهدکنندگان حاضر باشد و جلسه مجمع عمومی

قانونی نخواهد بود مگر این که عدداً نصف کل شرکایی که خرید سهام نقدی را تعهد کرده‌اند حاضر بوده و نصف کل سرمایه نقدی را دارا باشند، کسانی که دارای سهام غیرنقدی هستند یا مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده‌اند در موقعی که سهم غیرنقدی یا مزایای آنها موضوع رای است حق رای ندارند، آن قسمت از سرمایه غیرنقدی که موضوع مذاکره و رای است در جزء سرمایه شرکت محسوب نخواهد شد. اگر در جلسه دوم مجمع عمومی نصف تعهدکنندگان سهام نقدی و نصف سرمایه نقدی حاضر نشده مجمع به طور موقت تصمیم خواهد گرفت و مطابق قسمت اخیر ماده (۴۵) رفتار می‌شود. هرگاه سهام غیرنقدی یا موجبات مزایایی که مطالبه شده تصویب نشود هر یک از تعهدکنندگان می‌تواند از شرکت خارج شود. ماده ۴۲ - تصویب مراتب مذکور در ماده فوق مانع نیست از این که بعداً نسبت به آنها دعوی تزویر و تقلب اقامه شود. ماده ۴۳ - هرگاه شرکت بین اشخاصی منعقد شود که سرمایه‌های غیرنقدی مشاعاً و منحصرأ متعلق به خودشان باشد رعایت ترتیبات مذکوره در ماده (۴۱) راجع به تقویم سهام غیرنقدی لازم نخواهد بود. ماده ۴۴ - اظهارنامه‌ای که به موجب ماده ۵۰ به دایره ثبت اسناد باید تسلیم شود موسسین شرکت تهیه نموده با اسناد مربوطه به اولین مجمع تقدیم می‌نمایند تا مجمع صحت یا سقم آن را معین کند. ماده ۴۵ - مجمع عمومی که در باب صحت اظهارات موسسین اظهار رای و اولین مدیرها و مفتشین را انتخاب می‌نماید باید از یک عده صاحبان سهامی مرکب شود که لااقل نصف سرمایه شرکت را دارا باشند، اگر در مجمع عمومی عده‌ای که نصف سرمایه را دارا باشند حاضر نشوند تصمیمات مجمع موقتی خواهد بود. در این صورت مجمع عمومی جدیدی دعوت می‌شود و اگر پس از آن که لااقل یک‌ماه قبل از انعقاد مجمع دو دفعه متوالی به فاصله هشت روز به وسیله یکی از جراید محلی تصمیمات موقتی مجمع سابق اعلان و منتشر شد و مجمع جدید آن را تصویب نمود تصمیمات مزبوره قطعی می‌شود مشروط بر این که در مجمع جدید عده‌ای حاضر شوند که لااقل ثلث سرمایه شرکت را دارا باشند. تبصره - جرایدی که اعلانات فوق را باید منتشر نمایند همه ساله توسط وزارت عدلیه معین و اعلان خواهد شد. ماده ۴۶ - مجمع عمومی فوق اولین مدیرها و مفتشین شرکت را انتخاب می‌کند مفتشین برای سال اول و مدیران متتها برای مدت چهار سال معین می‌شوند مدیرها را می‌توان پس از انقضای مدت چهار سال مجدداً انتخاب نمود مگر آن که اساسنامه شرکت غیر از این مقرر داشته باشد. ولی در صورتی که برحسب مقررات اساسنامه تعیین آنها موکول به تصویب مجمع عمومی نباشد مدت مدیری آنها بیش از دو سال نخواهد بود. ماده ۴۷ - در صورتی که مدیرها و مفتشینی که از طرف مجمع عمومی انتخاب شده‌اند قبول انجام وظیفه نمایند قبولی آنها در صورت مجلس قید و شرکت از همان تاریخ تشکیل می‌گردد.

سوم - مدیرهای شرکت و وظایف آنها (م ۴۸ تا م ۶۱)

ماده ۴۸ - شرکت سهامی به واسطه یک یا چند نفر نماینده موظف یا غیرموظف که از میان شرکا به سمت مدیری و برای مدت محدودی معین شده و قابل عزل می‌باشند، اداره خواهد شد. ماده ۴۹ - در صورتی که چند نفر به سمت مدیری معین شده باشند باید یک نفر از میان خود به سمت ریاست انتخاب کنند، رئیس مزبور و هر یک از مدیران می‌توانند در صورتی که اساسنامه شرکت اجازه داده باشد با تصویب یکدیگر یک نفر شخص خارج را به جای خود معین کنند ولی مسوولیت اعمال شخص خارج به عهده خود آنها خواهد بود. ماده ۵۰ - برای این که تعهد و تادیه وجه سرمایه از طرف شرکا ثابت شود، باید مدیر شرکت وقوع آن را به موجب نوشته‌ای که به دایره ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت می‌سپارد و به ثبت می‌رسد، اعلام نماید و باید اسامی شرکا را با مقداری از سرمایه که پرداخته شده با یک نسخه از اساسنامه و یکی از نسخین شرکت‌نامه به نوشته مزبور منضم نماید. ماده ۵۱ - مسوولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا همان مسوولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد. ماده ۵۲ - مدیرها باید یک عده سهامی را که به موجب اساسنامه مقرر است دارا باشند، این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از اعمال اداری مدیرها مشترکاً یا منفرداً بر شرکت وارد شود. سهام مذکوره با اسم بوده و قابل انتقال نیست و به وسیله مهری که بر روی آنها زده می‌شود غیرقابل

انتقال بودن آنها معلوم و در صندوق شرکت ودیعه خواهد ماند. ماده ۵۳- مدیرهای شرکت نمی‌توانند بدون اجازه مجمع عمومی در معاملات که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم سهام شریک شوند و در صورت اجازه باید صورت مخصوص آن را همه ساله به مجمع عمومی بدهند. ماده ۵۴- مدیران هر شرکت سهامی باید شش ماه به شش ماه خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت را مرتب کرده به مفتشین بدهند. ماده ۵۵- مدیران هر شرکت سهامی باید مطابق ماده ۹ این قانون صورت حسابی که متضمن دارایی منقول و غیرمنقول و همچنین صورت مطالبات و قروض شرکت باشد مرتب کنند. این صورت حساب و همچنین بیلان حساب نفع و ضرر شرکت باید لااقل چهل روز قبل از انعقاد مجمع عمومی به مفتشین داده شود که به مجمع مزبور بدهند. ماده ۵۶- از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهم می‌تواند در مرکز شرکت به صورت حساب و صورت اسامی صاحبان سهام مراجعه کرده و از بیلان که متضمن خلاصه صورت حساب شرکت است و از راپرت مفتشین سواد بگیرد. ماده ۵۷- همه ساله لااقل یک بیستم از عایدات خالص شرکت برای تشکیل سرمایه احتیاطی موضوع خواهد شد، همین که سرمایه احتیاطی به‌عشر سرمایه شرکت رسید موضوع کردن این مقدار اختیاری است ماده ۵۸- اگر به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از میان برود مدیران شرکت مکلفند تمام صاحبان سهام را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رای شود، تصمیم این مجمع در هر حال منتشر خواهد شد. ماده ۵۹- هرگاه مدیران شرکت برخلاف ماده فوق مجمع عمومی را دعوت نکردند و یا مجمعی که دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات قانون منعقد گردد هر ذی‌حقی می‌تواند انحلال شرکت را از محاکم صالحه بخواهد. ماده ۶۰- هرگاه یک یا چند نفر از ارباب سهامی که مجموع سهام آنها لااقل معادل یک‌خمس سرمایه شرکت باشد کتبا تقاضای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده نمایند و منظور خود را در آن تقاضانامه تصریح نموده باشند باید مجمع عمومی به‌طور فوق العاده منعقد شود. ماده ۶۱- مدیرهای شرکت در مقابل شرکت یا اشخاص ثالث برای تخلف از مقررات این قانون و تقصیراتی که در اعمال اداری شرکت مرتکب شوند موافق قواعد عمومی مسوول می‌باشند مخصوصاً در موقعی که منافع موهومی را تقسیم نمایند یا از تقسیم منافع موهومی جلوگیری نکنند.

چهارم - مفتشین شرکت و وظایف آنها (م ۶۲ تا م ۶۴)

ماده ۶۲- مجمع عمومی سالیانه یک یا چند مفتش (کمیسر) معین می‌کند. مفتشین مزبور که ممکن است از غیر شرکا نیز انتخاب شوند مأموریت خواهند داشت که در موضوع اوضاع عمومی شرکت و همچنین در باب بیلان (خلاصه جمع و خرج و صورت حسابهایی که مدیرها تقدیم می‌کنند راپرتی به مجمع عمومی سال آینده بدهند؛ تصمیماتی که بدون این راپرت راجع به تصدیق بیلان و صورت حساب‌های مدیران اخذ می‌شود معتبر نخواهد بود. در صورتی که مجمع عمومی مذکور را معین نکرده باشد یا یک یا چند نفر از مفتشینی که معین شده‌اند نتوانند راپرت بدهند یا از دادن راپرت امتناع نمایند رئیس محکمه بدایت مرکز اصلی شرکت به تقاضای هر ذی‌حقی و پس از احضار مدیران شرکت مفتشین را انتخاب و یا به جای آنهایی که نتوانسته‌اند یا امتناع کرده‌اند مفتشین جدیدی معین می‌کند. ماده ۶۳- در ظرف سه ماه قبل از تاریخی که به موجب اساسنامه شرکت برای انعقاد مجمع عمومی معین است مفتشین می‌توانند به‌دفا تر شرکت مراجعه نموده و از عملیات آن تحقیقاتی بنمایند. مفتشین می‌توانند در مواقعی که ضرورت فوری دارد مجمع عمومی را دعوت نمایند. ماده ۶۴- حدود مسوولیت مفتشین و اثرات آن همان است که راجع به حدود مسوولیت و کلاء و اثرات آن در مقابل موکلین قانونا معین است

پنجم - مجمع عمومی شرکت (م ۶۵ تا م ۷۵)

ماده ۶۵ - مجمع عمومی شرکت باید لااقل سالی یک دفعه در موقعی که به موجب اساسنامه معین است منعقد شود. ماده ۶۶ - اساسنامه معین می‌کند برای حق ورود در مجمع چند سهم به‌عنوان وکالت یا مالکیت باید داشت ماده ۶۷ - عده آرائی که هر یک از شرکا به نسبت عده سهام خود دارند به موجب اساسنامه معین می‌گردند. ماده ۶۸ - در جلسات مجمع عمومی هیچ‌کدام از صاحبان سهام معمولی و صاحبان سهام ممتاز از حیث رای تفاوتی ندارند مگر این که اساسنامه شرکت طور دیگری مقرر کرده باشد. ماده ۶۹ - دارندگان سهامی که عده سهام هر یک از آنها برای حضور یا رای در مجمع عمومی کافی نیست می‌توانند به اندازه‌ای که مجموع عده سهام آنها برای داشتن حق حضور و رای کافی باشد با یکدیگر متفق شده یک نفر را از میان خود برای حضور و رای در مجمع مذکور معین نمایند. ماده ۷۰ - در مجامع عمومی که برای رسیدگی به سهم‌الشرکه و مزایا مطابق ماده ۴۱ و در مجامعی که برای تعیین اولین مدیرها و مفتشین و تصدیق اظهارات مؤسسين مطابق ماده ۴۵ منعقد می‌شود کلیه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهامی که دارند می‌توانند حضور به‌هم رسانند. ماده ۷۱ - مجمع عمومی شرکت جز در موارد مذکور در مواد (۴۱ و ۴۵ و ۷۴) باید مرکب از یک عده صاحبان سهامی باشد که لااقل ثلث سرمایه شرکت را دارا باشند و اگر در دفعه اول این حد نصاب حاصل نشد مجمع عمومی جدیدی مطابق شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تشکیل و تصمیمات این مجمع قطعی خواهد بود ولو این که حد نصاب فوق حاصل نشود. ماده ۷۲ - تصمیمات مجمع عمومی با اکثریت آراء خواهد بود. ماده ۷۳ - در مواردی که مجمع عمومی شرکا نسبت به حقوق نوع مخصوصی از سهام تصمیمی اتخاذ نماید که تغییری در حقوق آنها بدهد آن تصمیم قطعی نخواهد بود مگر بعد از آن که صاحبان سهام مزبوره در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب نمایند و برای این که آراء جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید حاضرین جلسه لااقل صاحب بیش از نصف سرمایه مجموع سهامی باشند که موضوع مذاکره است ماده ۷۴ - در مجامع عمومی که برای امتداد مدت شرکت یا برای انحلال شرکت قبل از موعد مقرر یا هر نوع تغییر دیگری در اساسنامه تشکیل می‌شود. باید عده‌ای از صاحبان سهام که بیش از سه ربع سرمایه شرکت را دارا باشند حاضر گردند. اگر در مجمع عمومی عده‌ای که سه ربع سرمایه شرکت را دارا باشند حاضر نشوند ممکن است مجمع عمومی جدیدی دعوت کرد مشروط بر این که لااقل یک ماه قبل از انعقاد مجمع دو دفعه متوالی به فاصله هشت روز به وسیله یکی از جراید محل (که سالیانه از طرف وزارت عدلیه معین می‌شود) دستور جلسه قبل و نتیجه آن اعلان گردد. مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لااقل نصف سرمایه شرکت حاضر باشند اگر این حد نصاب حاصل نشد ممکن است با رعایت تشریفات فوق مجمع عمومی دیگری دعوت نمود. این مجمع با حضور صاحبان لااقل ثلث سرمایه شرکت حق تصمیم خواهد داشت و در هر یک از سه مجمع فوق تصمیمات به اکثریت دو ثلث آراء حاضر گرفته می‌شود. در این مجامع کلیه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهام خود حق حضور و به نسبت هر یک سهم یک رای دارند ولو این که اساسنامه برخلاف این مقرر داشته باشد. هیچ مجمع عمومی تابعیت شرکت را نمی‌تواند تغییر بدهد. بر تعهدات صاحبان سهام با هیچ اکثریتی نمی‌توان افزود. ماده ۷۵ - در مجمع عمومی ورقه حاضر و غایبی خواهد بود حاوی اسم و محل اقامت و عده سهام هر یک از شرکا، ورقه مزبور پس از تصدیق هیأت رئیسه مجمع در مرکز شرکت حفظ و به هر کسی که تقاضا نماید ارائه می‌شود.

ششم - در تبدیل سهام (م ۷۶ تا م ۸۱)

ماده ۷۶ - هرگاه شرکت بخواهد به موجب مقررات اساسنامه سهام بی‌اسم خود را به سهام با اسم تبدیل نماید باید اعلانی در این موضوع منتشر کرده و مهلتی که کمتر از شش ماه نباشد به صاحبان سهام بدهد تا در ظرف مهلت مزبور سهام خود را به سهام جدید تبدیل نمایند. ماده ۷۷ - اعلان مذکور در فوق باید در مجله رسمی عدلیه و در یکی از جراید کثیرالانتشار مرکز اصلی شرکت دو دفعه و به فاصله ده روز منتشر شود. در صورتی که مرکز اصلی شرکت در خارج از تهران باشد باید در یکی از روزنامه‌های یومیه

تهران که همه ساله از طرف وزارت عدلیه برای انتشار این قبیل اعلانات معین می‌شود نیز منتشر گردد. ابتدای مهلت از تاریخ اولین انتشار اعلان در مجله رسمی خواهد بود. ماده ۷۸- هر صاحب سهمی که سهام خود را تا انقضای مهلت مذکوره در ماده ۷۶ به سهام جدید تبدیل نکند دیگر نمی‌تواند تقاضای تبدیل نماید و شرکت حق خواهد داشت سهام جدیدی را که در ازای سهام تبدیل نشده موجود می‌باشد به اشخاص دیگر به طریق مزایده ب فروشد. ماده ۷۹- قیمت سهامی که به طریق مذکور در فوق فروخته می‌شود در مرکز اصلی شرکت یا در بانک ملی ایران ودیعه گذاشته خواهد شد و هرگاه در ظرف ده سال از تاریخ فروش سهام صاحب سهم سهام سابق خود را نداده و وجهی را که به طریق فوق امانت گذاشته شده است مطالبه ننماید نسبت به حق او مرور زمان حاصل شده و وجه مزبور در حکم اموال بلاصاحب بوده و مدیر شرکت مکلف است آن را به مقامات صلاحیتدار تسلیم نماید. هر مدیر شرکت که به این تکلیف عمل نکند به تادیه سه برابر وجه مذکور محکوم خواهد شد. ماده ۸۰- در صورتی که شرکت بخواهد سهام با اسم خود را به سهام بی‌اسم تبدیل نماید باید مراتب را به طریقی که فوقاً مقرر است یک مرتبه اعلان نماید و اگر در ظرف مهلتی که معین می‌شود و نباید کمتر از دو ماه باشد صاحبان سهام با اسم خود را به سهام بی‌اسم تبدیل نکنند سهام با اسمی که در دست آنها باقی می‌ماند باطل و سهام جدید در مرکز اصلی شرکت به اسم آنها ودیعه خواهد بود. ماده ۸۱- در هر موقع که شرکت بخواهد تصدیقهای موقتی را که به اشخاص داده تبدیل به سهام کند در مورد تصدیقهای موقتی بی‌اسم مطابق مقررات مواد (۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹) و در مورد تصدیق موقتی با اسم مطابق ماده ۸۰ رفتار خواهد شد.

هفتم - بطلان شرکت و یا بطلان اعمال و تصمیمات (م ۸۲ تا م ۸۸)

ماده ۸۲- هر شرکت سهامی که مقررات یکی از مواد ۲۸، ۲۹، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷ و ۵۰ این قانون را رعایت نکرده باشد از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد بود لیکن شرکا نمی‌توانند در مقابل اشخاص خارج به این بطلان استناد نمایند. ماده ۸۳- در هر مورد که موافق مقررات ماده قبل محکمه بر بطلان شرکت یا اعمال و تصمیمات آن حکم کند موسسینی که مسوول این بطلان هستند و همچنین مفتشین و مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سر کار بوده و انجام وظیفه نکرده‌اند متضامنا مسوول خساراتی خواهند بود که از این بطلان به صاحبان سهام و اشخاص ثالث متوجه می‌شود. همین مسوولیت ممکن است به شرکایی متوجه شود که سهم غیر نقدی آنها تقویم و تصویب نشده یا مزایایی که مطالبه کرده‌اند به تصدیق نرسیده باشد. ماده ۸۴- هرگاه قبل از اقامه دعوا برای ابطال شرکت یا برای ابطال عملیات و قراردادهای شرکت موجبات بطلان مرتفع شود دعوی ابطال در محکمه پذیرفته نخواهد شد. ماده ۸۵- اگر از تاریخ رفع موجبات بطلان یک سال منقضی شده و اشخاص خارج از جهت معاملاتتی که با ایشان شده است به استناد اموری که موجب بطلان بوده و دعوی خسارت نکرده باشند دیگر دعوی مزبور از آنها پذیرفته نمی‌شود. ماده ۸۶- هرگاه مقرر شده باشد که مجمع عمومی مخصوصی برای رفع موجبات بطلان منعقد شود و دعوت اعضاء نیز برای انعقاد مجمع موافق اساسنامه به عمل آمده باشد دعوی بطلان از تاریخ دعوت مجمع در محکمه پذیرفته نخواهد شد مگر این که مجمع مزبور موجبات بطلان را رفع نماید. ماده ۸۷- هرگاه از تاریخ حدوث سبب بطلان شرکت ده سال گذشته و اقامه دعوی بطلان و خسارت نشده باشد دیگر دعوی مذکور پذیرفته نخواهد شد. ماده ۸۸- استرداد منافعی که بین شرکا تقسیم شده ممکن نیست مگر این که تقسیم بدون ترتیب صورت دارایی یا مخالف نتیجه حاصله از صورت مزبور به عمل آمده باشد در این صورت نیز فقط تا پنج سال اقامه دعوی استرداد می‌توان نمود. مبداء مرور زمان روز تقسیم منافع است ۸- مقررات جزائی ماده ۸۹- هر کسی سهام یا قطعات سهام شرکتی را که در مورد آن یکی از مواد ۲۸ و ۲۹ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۴ و ۵۰ این قانون رعایت نشده صادر نماید، به پانصد الی ده هزار ریال جزای نقدی علاوه بر خسارات وارده به شرکت یا افراد محکوم خواهد شد. در مواردی که عمل مشمول ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی است مرتکب به مجازات مقرر در آن ماده

نیز محکوم می‌شود. ماده ۹۰ - حکم فوق درباره اشخاصی نیز مقرر است که برخلاف واقع خود را صاحب سهام یا قطعات سهام قلمداد کرده و در مجمع عمومی وارد شوند یا در دادن رای شرکت نمایند و یا سهامی را برای این که به طور تقلب استعمال شود به دیگری بدهند. در مورد این ماده علاوه بر جزای نقدی متخلف را می‌توان به یک تا شش ماه حبس تادیبی نیز محکوم نمود. ماده ۹۱ - هر کس سهام یا قطعات سهامی را که در مورد آنها مقررات یکی از مواد ۲۸ و ۲۹ و ۳۸ و ۳۹ رعایت نشده با علم به عدم رعایت قانون معامله کرده یا شرکت در معامله داشته و یا قیمت آنها را اعلان نموده باشد، به پانصد الی ده هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. مقررات این ماده مانع نخواهد بود که اگر عمل مشمول ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی باشد مرتکب به مجازات حبس مذکور در آن ماده نیز محکوم شود. ماده ۹۲ - اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می‌شوند: ۱ - هر کس برخلاف حقیقت مدعی وقوع تعهد ابتیاع سهام یا تادیه قیمت سهام شده یا وقوع تعهد و یا تادیهای را که واقعیت ندارد اعلام یا جعلیاتی منتشر کند که به این وسایل دیگری را وادار به تعهد خرید سهام یا تادیه قیمت سهام نماید اعم از این که عملیات مذکور موثر شده یا نشده باشد، ۲ - هر کس به طور تقلب برای جلب تعهد یا پرداخت قیمت سهام اسم اشخاصی را برخلاف واقع به عنوانی از عناوین جزء شرکت قلمداد نماید، ۳ - مدیرهایی که با نبودن صورت دارایی یا به استناد صورت دارایی مزبور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم نموده باشند.

هشتم - مقررات جزائی (م ۸۹ تا م ۹۲)

ماده ۸۹ - هر کسی سهام یا قطعات سهام شرکتی را که در مورد آن یکی از مواد ۲۸ و ۲۹ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۴ و ۵۰ این قانون رعایت نشده صادر نماید، به پانصد الی ده هزار ریال جزای نقدی علاوه بر خسارات وارده به شرکت یا افراد محکوم خواهد شد. در مواردی که عمل مشمول ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی است مرتکب به مجازات مقرر در آن ماده نیز محکوم می‌شود. ماده ۹۰ - حکم فوق درباره اشخاصی نیز مقرر است که برخلاف واقع خود را صاحب سهام یا قطعات سهام قلمداد کرده و در مجمع عمومی وارد شوند یا در دادن رای شرکت نمایند و یا سهامی را برای این که به طور تقلب استعمال شود به دیگری بدهند. در مورد این ماده علاوه بر جزای نقدی متخلف را می‌توان به یک تا شش ماه حبس تادیبی نیز محکوم نمود. ماده ۹۱ - هر کس سهام یا قطعات سهامی را که در مورد آنها مقررات یکی از مواد ۲۸ و ۲۹ و ۳۸ و ۳۹ رعایت نشده با علم به عدم رعایت قانون معامله کرده یا شرکت در معامله داشته و یا قیمت آنها را اعلان نموده باشد؛ به پانصد الی ده هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. مقررات این ماده مانع نخواهد بود که اگر عمل مشمول ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی باشد مرتکب به مجازات حبس مذکور در آن ماده نیز محکوم شود. ماده ۹۲ - اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می‌شوند: ۱ - هر کس برخلاف حقیقت مدعی وقوع تعهد ابتیاع سهام یا تادیه قیمت سهام شده یا وقوع تعهد و یا تادیه‌ای را که واقعیت ندارد اعلام یا جعلیاتی منتشر کند که به این وسایل دیگری را وادار به تعهد خرید سهام یا تادیه قیمت سهام نماید اعم از این که عملیات مذکور موثر شده یا نشده باشد؛ ۲ - هر کس به طور تقلب برای جلب تعهد یا پرداخت قیمت سهام اسم اشخاصی را برخلاف واقع به عنوانی از عناوین جزء شرکت قلمداد نماید؛ ۳ - مدیرهایی که با نبودن صورت دارایی یا به استناد صورت دارایی مزبور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم نموده باشند.

نهم - در انحلال شرکت (م ۹۳)

ماده ۹۳ - شرکت سهامی در موارد ذیل منحل می‌شود: ۱ - وقتی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده بود انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد، ۲ - وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد، ۳ - در صورتی که شرکت

ورشکست شود، ۴- در صورت تصمیم مجمع عمومی

قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۲۴/۴/۱۳۱۸

مبحث اول - سازمان اداره تصفیه (م ۱ تا م ۱۲)

مبحث دوم - اقدامات تأمینی اداره تصفیه (م ۱۳ تا م ۲۲)

مبحث سوم - دعوت بستانکاران (م ۲۳ تا م ۲۵)

مبحث چهارم - اداره اموال (م ۲۶ تا م ۲۹)

مبحث پنجم - رسیدگی به مطالبات (م ۳۰ تا م ۳۷)

مبحث ششم - تصفیه (م ۳۸ تا م ۴۵)

مبحث هفتم - تقسیم وجوه حاصله از فروش (م ۴۶ تا م ۴۸)

مبحث هشتم - خاتمه ورشکستگی (م ۴۹ تا م ۵۰)

مبحث نهم - مقررات مالی (م ۵۱ تا م ۵۷)

مبحث دهم - مقررات مخصوص (م ۵۸ تا م ۶۰)

آیین‌نامه اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸

فصل اول - صورتمجلسها و حسابداری

مبحث اول - مقررات عمومی (م ۱ تا م ۶)

ماده ۱- اداره تصفیه باید دارای دفاتر زیر باشد: ۱- دفتر فهرست ورشکستگان ۲- دفتر فهرست ماموریت‌های اداره تصفیه ۳- دفتر روزنامه ۴- دفتر صندوق ۵- دفتر کل ۶- دفتر ترازنامه آزمایش ۷- دفتر نماینده که خلاصه کلیه نامه‌های وارده و فرستاده در آن ثبت میگردد. ماده ۲- اداره تصفیه باید دارای برگهای نمونه برای امور زیر باشد: ۱- برگ صورتمجلس ۲- برگ صورت دارایی ۳- برگ صورت ادعای بستانکاری ۴- برگ دعوت بستانکاران ۵- برگ طبقه‌بندی بستانکاران ۶- دعاوی مشکوک ۳۸ برگ انتقال دعاوی مشکوک ۷- برگ مزایده ۸- برگ هزینه‌ها و تقسیم وجوه حاصله ۹- برگ اعلام صورت تقسیم وجوه حاصله ۱۰- سند

عدم کفایت دارایی. ۱۱- آگهی های مربوط به شروع به عمل ورشکستگی و طبقه بندی بستانکاران و خاتمه ورشکستگی. ماده ۳- اداره تصفیه باید کلیه احکام ورشکستگی را بر حسب تاریخ در دفتر فهرست ورشکستگان ثبت نماید. در اول هر سال شماره گذاری تجدید خواهد شد. ورشکستگی هایی که تا آخر هر سال خاتمه نیافته باید به طور اختصار در اول دفتر سال بعد نوشته شود. در مقدمه این دفتر باید فهرست ورشکستگان به طور الفباء قید گردد. ماده ۴- ماموریت هایی که از سایر ادارات تصفیه برای انجام امور ورشکستگی می رسد باید در دفتر فهرست ماموریت های اداره تصفیه ثبت گردد. ماده ۵- اداره تصفیه باید پیش نویس نامه های فرستاده را که نامه روی برگهای نمونه نوشته نمی شود نگاهداری نماید. پول و برگهای بهادار و نامه های سفارشی باید در قبال قبض رسید اداره پیوست فرستاده شود. هرگاه اقدام اداره تصفیه به وسیله آگهی رسمی به عمل آید باید یک نسخه از آگهی یا قسمتی از روزنامه که شامل آگهی با قید تاریخ انتشار باشد در پرونده مربوط بایگانی شود. ماده ۶- در موقع تغییر رئیس تحویل اداره باید با حضور نماینده وزارت دادگستری به عمل آید. در این صورت تمام دفاتر تا آن تاریخ بسته شده و رئیس سابق زیر آن را امضا می نماید. سپس به حسابهای اداره رسیدگی به عمل آمده و موجودی صندوق باید با مندرجات دفاتر مربوطه وفق دهد. تاریخ شروع و خاتمه به کار رئیس سابق همچنین تاریخ شروع به کار رئیس لاحق باید زیر کلیه دفاتر نوشته شود و این تحویل باید در صورت مجلس اداری نوشته شده و کلیه حاضرین آن را امضا نمایند.

مبحث دوم - صورت مجلس ها (م ۷ تا م ۹)

ماده ۷- اداره تصفیه باید برای هر ورشکستگی و یا ماموریت هایی که به اداره تصفیه مراجعه شود صورت مجلس تنظیم نماید. برگ صورت مجلس به محض اعلام ورشکستگی یا وصول ماموریت های مرجوعه به اداره شروع شده و به ترتیب تاریخ خلاصه عملیات ورشکستگی و اموری که موثر در تصفیه بوده و دارای آثار حقوقی است در آن درج شده و هرگاه حکم یا قراری صادر شده باشد فقط قسمت مربوط به تصمیم دادگاه به طور خلاصه در آنجا نقل می شود شماره برگها و احکام و قرارهای مورد اقدام در ستون مربوطه به طور ترتیب قید می گردد. ماده ۸- صورت مجلس ها باید روی برگهای جداگانه که شماره گذاری شده به ترتیب تنظیم و در پوشه مخصوصی که به نام ورشکسته است مجلد شود. در موقع خاتمه عمل ورشکستگی زیر آخرین اقدامی که در صورت مجلس ثبت گردیده باید با قید تاریخ به امضای رئیس و مهر اداره تصفیه برسد. پس از خاتمه عمل ورشکستگی برگهای صورت دارایی - صورت ادعای بستانکاری - طبقه بندی بستانکاران - هزینه ها و تقسیم وجوه حاصله و گزارشی که کارمند مربوطه به رئیس اداره تصفیه مربوطه می دهد باید به آن پیوست شده و به طور مجلد نگاهداری شود. ماده ۹- برگهای اسامی را که به ترتیب بالا تنظیم گردیده فقط در صورتی می توان به دادگاه های مربوطه تسلیم نمود که به جهاتی نتوان به رونوشت گواهی شده آنها قناعت کرد.

مبحث سوم - نگاهداری اسناد ورشکستگی (م ۱۰ تا م ۱۲)

ماده ۱۰- هر برگ که به اداره تصفیه واصل شود باید تاریخ ورود روی آن قید گردد. کلیه برگهای مربوط به امور تصفیه باید بر حسب موضوع در پوشه های مخصوصی گذارده شده و در پرونده ای که به نام ورشکسته تهیه می شود بایگانی گردد. اسنادی که از طرف بستانکاران ارائه می شود باید با قید شماره مندرجه در برگ ادعای بستانکاری به ترتیب حروف الفبا در پوشه مخصوصی بایگانی شود. ماده ۱۱- پرونده غیرمجلدی که به دستور ماده بالا تنظیم گردیده ممکن است پس از ۱۰ سال اعلام خاتمه ورشکستگی نابود شده و این نکته در ملاحظات دفتر فهرست ورشکستگان قید خواهد شد. پرونده که به دستور ماده هشت تشکیل شده باید

همیشه نگاهداری شود. ماده ۱۲ - اداره تصفیه باید مقررات زیر را نسبت به حفظ دفاتر حسابداری و اسناد ورشکسته رعایت نماید: ۱ - هرگاه امور بازرگانی ورشکسته به شخص ثالثی واگذار شده باشد این شخص حق خواهد داشت دفاتر و اسناد مربوط را تحویل بگیرد. ۲ - هرگاه امور بازرگانی ورشکسته به شخص ثالثی واگذار نشده باشد نکات زیر باید رعایت گردد: الف - هرگاه ورشکسته فرد تاجر باشد دفاتر حسابداری و اسناد ورشکسته پس از خاتمه ورشکستگی در مقابل رسید به او رد گردیده و این نکته در صورت مجلس ورشکستگی قید خواهد شد. هرگاه ورشکسته شرکت تضامنی یا مختلط باشد دفاتر و اسناد نامبرده به شریکی که از طرف سایر شرکاء معرفی گردیده تحویل داده می‌شود. در صورتی که شرکاء نسبت به شخص معینی در این باب موافقت نمایند دفاتر و اسناد نامبرده به شخصی که از طرف اداره تصفیه معین می‌شود سپرده خواهد شد. ج - هرگاه ورشکسته شرکت سهامی یا تعاونی باشد دفاتر و اسناد باید در اداره تصفیه نگاهداری شود. ۳ - در صورتی که اداره تصفیه محل مناسبی برای حفظ این قبیل دفاتر و اسناد نداشته باشد آنها را به دفتر راكد ارسال خواهد داشت

مبحث چهارم - نگاهداری دفاتر حسابداری (م ۱۳ تا م ۲۳)

ماده ۱۰ - هر برگی که به اداره تصفیه واصل شود باید تاریخ ورود روی آن قید گردد. کلیه برگهای مربوط به امور تصفیه باید بر حسب موضوع در پوشه‌های مخصوصی گذارده شده و در پرونده‌ای که به نام ورشکسته تهیه می‌شود بایگانی گردد. اسنادی که از طرف بستانکاران ارائه می‌شود باید با قید شماره مندرجه در برگ ادعای بستانکاری به ترتیب حروف الفبا در پوشه مخصوصی بایگانی شود. ماده ۱۱ - پرونده غیرمجلدی که به دستور ماده بالا تنظیم گردیده ممکن است پس از ۱۰ سال اعلام خاتمه ورشکستگی نابود شده و این نکته در ملاحظات دفتر فهرست ورشکستگان قید خواهد شد. پرونده که به دستور ماده هشت تشکیل شده باید همیشه نگاهداری شود. ماده ۱۲ - اداره تصفیه باید مقررات زیر را نسبت به حفظ دفاتر حسابداری و اسناد ورشکسته رعایت نماید: ۱ - هرگاه امور بازرگانی ورشکسته به شخص ثالثی واگذار شده باشد این شخص حق خواهد داشت دفاتر و اسناد مربوط را تحویل بگیرد. ۲ - هرگاه امور بازرگانی ورشکسته به شخص ثالثی واگذار نشده باشد نکات زیر باید رعایت گردد: الف - هرگاه ورشکسته فرد تاجر باشد دفاتر حسابداری و اسناد ورشکسته پس از خاتمه ورشکستگی در مقابل رسید به او رد گردیده و این نکته در صورت مجلس ورشکستگی قید خواهد شد. هرگاه ورشکسته شرکت تضامنی یا مختلط باشد دفاتر و اسناد نامبرده به شریکی که از طرف سایر شرکاء معرفی گردیده تحویل داده می‌شود. در صورتی که شرکاء نسبت به شخص معینی در این باب موافقت نمایند دفاتر و اسناد نامبرده به شخصی که از طرف اداره تصفیه معین می‌شود سپرده خواهد شد. ج - هرگاه ورشکسته شرکت سهامی یا تعاونی باشد دفاتر و اسناد باید در اداره تصفیه نگاهداری شود. ۳ - در صورتی که اداره تصفیه محل مناسبی برای حفظ این قبیل دفاتر و اسناد نداشته باشد آنها را به دفتر راكد ارسال خواهد داشت

فصل دوم - اجرای مقررات مربوط به مراحل مختلفه ورشکستگی

مبحث اول - تهیه صورت دارایی (م ۲۴ تا م ۳۱)

ماده ۲۴ - در فصول جداگانه برگ صورت دارایی باید هر یک از اموال منقول و غیرمنقول و برگهای بهادار و بستانکاری و وجه نقد به ترتیب ذکر شود. جمع ارزیابی که به عمل آمده در آخر برگ نوشته می‌شود. هرگاه در فصل بخصوصی مالی موجود نباشد

این نکته در خلاصه ذکر خواهد شد. در برگ صورت دارایی باید محل وقوع هر مال بخصوص نوشته شود. ماده ۲۵ - صورت دارایی غیرمنقول باید با ذکر حقوق اشخاص ثالث و بر طبق نمونه تهیه شود. در صورتی که مال غیر منقول در اجاره باشد باید نام و مشخصات مستأجر و مدت اجاره و مال الاجاره با حق فسخ اجاره در برگ صورت دارایی قید گردد. منافع غیر منقولی که در جریان ورشکستگی حاصل می‌شود به ترتیب باید در فصل جداگانه صورت دارایی نوشته شود. ماده ۲۶ - اموال ورشکسته که در خارجه واقع است در فهرست ذکر خواهد شد در مواردی که اشخاص ثالث نسبت به اموال نامبرده حقی دارند نوع حق باید در برگ صورت دارایی نوشته شود. در برگ صورت دارایی باید تاریخ شروع به تصفیه و مدتی که برای تشخیص دارایی طول کشیده و نام کلیه اشخاصی که در تنظیم برگ نامبرده شرکت داشته‌اند ذکر شود. رئیس اداره یا کارمند مربوطه و کارشناسان باید قسمتهای مختلفه برگ صورت دارایی را امضا نمایند. پس از تهیه برگ صورت دارایی متصدی تنظیم باید ورشکسته را از کیفی که در ماده ۱۴ قانون تصفیه پیش‌بینی شده متذکر ساخته و به او اخطار نماید تا چنانچه نکات مذکور در برگ صورت دارایی مورد قبول او است مطابق دستور ماده ۲۰ قانون تصفیه عمل نماید. ماده ۲۷ - در صورتی که ورشکسته فوت شده یا فراری باشد ورثه و شرکا و خدمه و متصدیان امور و کلیه اشخاصی که به نحوی از انحاء در اموال ورشکسته تصرف و دخالت دارند مکلفند به جای او امضا نموده و گواهی دهند. در مورد شرکتهای تضامنی یا مختلط تکلیف مذکور در بالا به عهده هر یک از شرکا مسوول حاضر که اختیار اداره کردن امور شرکت را داشته‌اند محول خواهد بود. هرگاه ورشکسته شرکت سهامی یا شرکت تعاونی باشد مدیرانی که در حین اعلام ورشکستگی عهده‌دار امور شرکت بوده‌اند مسوول انجام تکلیف نامبرده شناخته خواهند شد. هرگاه تکلیف بالا انجام نگیرد علت آن باید در برگ صورت دارایی قید شود. ماده ۲۸ - اشیایی را که اداره تصفیه به عنوان مستثنیات دین برای ورشکسته باقی می‌گذارد باید با ذکر شماره‌های مندرجه در برگ صورت دارایی در آخر صورت نوشته شده و موضوع نیز به او اعلام گردد. هرگاه ورشکسته از حق خود صرف نظر کند این نکته در برگ صورت دارایی قید شده و به امضا او می‌رسد. ماده ۲۹ - تصمیم راجع به مستثنیات دین در اولین جلسه به بستانکاران اعلام گردیده و آنها حق دارند از تاریخ اعلام به مرجع صلاحیت‌دار شکایت نمایند. هرگاه شخص ثالثی نسبت به مالی ادعایی داشته باشد نوع ادعا در برگ مخصوص به آن نوشته شده و در آنجا نام کسی که ادعا دارد و شماره ترتیب مال و اسنادی که ارائه شده ذکر می‌شود. به علاوه در ستون ملاحظات برگ صورت دارایی این نکته نیز در مقابل شیء مورد ادعا قید می‌شود. اظهارات ورشکسته و تصمیمات اداره و دادگاه نیز به طور خلاصه و به ترتیب تاریخ در ستون ملاحظات این برگ نوشته خواهد شد. ماده ۳۰ - هرگاه اداره تصفیه ادامه دادن به تجارت یا صنعت ورشکسته را مقتضی بداند دفاتر ورشکسته را از روز اعلام ورشکستگی بسته و مجددا حسابهای جدیدی از آن تاریخ به بعد باز نموده و یا آنکه دفاتر مخصوصی برای این امر در نظر خواهد گرفت ماده ۳۱ - در موقع تهیه برگ صورت دارایی اداره تصفیه پرسشهای زیرین را از ورشکسته می‌نماید: ۱ - نام و محل اقامت بستانکارانی که دفاتر ورشکسته حکایت از مشخصات آنها نمی‌نماید. ۲ - دعاوی که نسبت به دارایی ورشکسته در جریان است ۳ - بیمه‌نامه‌هایی که ورشکسته بابت بیمه اشخاص یا خسارت و حوادث غیرمترقبه نسبت به اموال دارد. ۴ - حق ولایت یا قیمومتی که ورشکسته داشته و همچنین حقوق و دعاوی مربوطه آن

مبحث دوم - دعوت بستانکاران (م ۳۲ تا م ۳۳)

ماده ۳۲ - آگهی مذکور در ماده ۲۴ قانون اداره تصفیه علاوه بر اینکه برای بستانکاران فرستاده می‌شود برای اشخاص زیر نیز فرستاده خواهد شد: ۱ - قسمتهای اجرای حوزه ورشکسته ۲ - دادگاه‌هایی که دعاوی مربوطه به ورشکسته نزد آنها مطرح است ۳ - بنگاههای بیمه که ورشکسته قرارداد بیمه شخصی یا هر نوع بیمه دیگری که مؤثر در امر تجارتنی ورشکسته باشد با آنها منعقد

نموده است ۴- دادسرای مربوطه اگر اعمال ولایت یا قیمومیت می نماید. ۵- دفتر املاکی که ورشکسته در حوزه آن دارای اموال غیر منقول می باشد. صورت بستانکارانی که برای آنها یک نسخه آگهی بالا فرستاده شده باید در صورت مجلس ورشکستگی یا برگ جداگانه که به امضا رئیس اداره تصفیه یا کارمند مربوط رسیده و پیوست صورت مجلس می شود قید گردد. ماده ۳۳- اصول اسنادی که از طرف بستانکاران ارائه گردیده در صورتی به آنها رد خواهد شد که رونوشت گواهی شده آن اسناد را به اداره تسلیم نمایند.

مبحث سوم - ادعای اشخاص ثالث (م ۳۴ تا م ۳۷)

ماده ۳۴- برای هر جلسه بستانکاران باید صورت مجلس تنظیم شود. در این صورت مجلس نام تمام بستانکارانی که شخصا حاضر شده یا نماینده فرستاده اند قید خواهد شد، سپس گزارش مذکور در ماده ۲۶ قانون اداره تصفیه قرائت شده و در صورت مجلس ذکر می شود. کلیه پیشنهادات در صورت مجلس نوشته شده و تصمیم اداره نیز در آخر آن ذکر خواهد شد. ماده ۳۵- هرگاه اموال ورشکسته مورد مطالبه اشخاص ثالثی باشد اداره تصفیه تصمیم مقتضی خواهد گرفت فروش مال مورد ادعا مانع تصمیم اداره نخواهد بود مگر آنکه حاصل فروش بین بستانکاران تقسیم شده باشد. ماده ۳۶- همینکه اداره تصفیه تصمیم مقتضی راجع به ادعای شخص ثالثی گرفت مدلول آن را به اشخاص ذی نفع اعلام کرده و مخصوصا به کسانی که ادعا دارند باید تذکر داده بشود که در صورت عدم مراجعه به دادگاه صلاحیت دار در موعد مقرر ادعای آنها مسموع نخواهد بود. ماده ۳۷- هرگاه شخصی نسبت به شیئی که داخل در مستثنیات دین است حق رهن یا رجحان داشته و حق او را نیز اداره تصفیه شناخته باشد قبلا طلب صاحب حق رهن یا رجحان پرداخته شده و مازاد آن به ورشکسته تسلیم خواهد شد. هرگاه شیئی که داخل در مستثنیات دین است مورد ادعای دیگری قرار گیرد در این صورت مقررات بالارایت نشده و شخص ثالث می تواند بر علیه شخص ورشکسته اقامه دعوی نماید.

مبحث چهارم - رسیدگی به مطالبات (م ۳۸ تا م ۴۶)

ماده ۳۸- اطلاعاتی را که ورشکسته طبق ماده ۳۰ قانون اداره تصفیه راجع به مطالبات می دهد در برگ صورت ادعای طلب یا برگ جداگانه وارد شده و به امضا او می رسد. مقررات مذکور در ماده ۲۷ آیین نامه راجع به شرکتهای تضامنی و سهامی و تعاونی در اینجا نیز مراعات می شود. ماده ۳۹- برگ طبقه بندی بستانکاران به ترتیب زیر تنظیم می گردد: ۱- ذکر بستانکارانی که دارای حق رهن هستند. ۲- ذکر بستانکاران مذکور در ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه هرگاه در بند ۱ یا یکی از طبقات بند ۲ بستانکاری موجود نباشد باید در صورت طبقه بندی بستانکاران تذکر داده شود. ماده ۴۰- هرگونه ادعای بستانکاری باید در طبقه و ستون مخصوص به خود نوشته شود. تصمیم اداره تصفیه مبنی بر رد یا قبول آن نیز باید با ذکر خلاصه علت در آنجا قید گردد. هرگاه ادعای بستانکاری موجه شناخته نشود اداره تصفیه آن را رد خواهد کرد. رد یا قبول ادعایی به طور مشروط جایز نیست ماده ۴۱- مطالبات باید به ترتیب شماره گذارده شده و جهت بستانکاری در آنجا قید و به شماره برگ ادعای بستانکاری نیز اشاره شود. در برگ طبقه بندی بستانکاران باید اموال مورد رهن قید شود هرگاه منافع مالی مورد رهن باشد این موضوع نیز ذکر خواهد شد. ماده ۴۲- هرگاه در قبال طلبی اموال شخص ثالثی در رهن بوده باشد این قسمت جزء بستانکاری های عادی ثبت خواهد شد. در صورتی که مال مورد رهن قبل از تقسیم وجوه حاصله به فروش رسیده و بستانکار به حق خود برسد صاحب مال جانشین بستانکار شناخته شده و در سهم بندی به همان نسبت شرکت خواهد کرد. ماده ۴۳- هرگاه دعوی مربوط به طلبی در موقع اعلام ورشکستگی در جریان باشد این ادعا جزء صورت طبقه بندی بستانکاران ذکر شده ولی اداره تا تعیین تکلیف قطعی از طرف دادگاه تصمیمی در آن

باب نخواهد گرفت اداره تصفیه می‌تواند تصمیم خود را در ظرف مدت اعتراض راجع به بستانکاری تغییر دهد ولی این تغییر باید طبق ماده ۳۵ قانون اداره تصفیه آگهی شده و به اشخاص ذی‌نفع نیز اعلام گردد. ماده ۴۴ - هرگاه در نتیجه اعتراضی که طبق ماده ۳۶ قانون اداره تصفیه به عمل آمده دادگاه تصمیمی اتخاذ نماید این تصمیم در صورت طبقه‌بندی بستانکاران قید می‌گردد. ماده ۴۵ - آگهی مذکور در ماده ۳۵ قانون اداره تصفیه باید در همان روزنامه که توقف اعلام شده است ضبط گردد. در آگهی مندرج در قسمت ۲ ماده ۳۵ قانون اداره تصفیه باید اخطار شود که اگر اشخاص ذی‌نفع در ظرف مدت مقرر در ماده ۳۶ قانون به دادگاه مراجعه نمایند حق آنها از بین خواهد رفت ماده ۴۶ - در مورد تصفیه اختصاری نیز صورت طبقه‌بندی بستانکاران تنظیم خواهد شد و مقررات فوق تا اندازه‌ای که قابل اعمال است در آنجا نیز رعایت خواهد گردید.

مبحث پنجم - تصفیه (م ۴۷ تا م ۵۳)

ماده ۴۷ - در مورد ماده ۴۲ قانون اداره تصفیه برای هر مزایده باید صورت مخصوصی تنظیم شود. در این صورت مجلس باید نام اشخاصی که مباشر مزایده بوده و همچنین تاریخ و محل و مدت مزایده و بالاترین بهاء هر شیء در آن قید شود. صورت مجلس رارئیس یا کارمند اداره تصفیه امضا می‌نماید. ماده ۴۸ - هرگاه موضوع مزایده مال غیر منقول باشد اداء این عبارت از طرف رئیس یا کارمند اداره تصفیه که (فلان مال غیر منقول به بهاء فلان مبلغ به آقای ... واگذار می‌شود) باید در صورت مجلس قید گردد و برنده مزایده نیز آن را امضا نماید. هرگاه به بهاء ارزیابی شده خریداری پیدا نشود باید در صورت مجلس ذکر گردد که مال غیر منقول در مزایده به فروش نرسید. هرگاه مزایده تحت شرایطی به عمل آید این نکته نیز در صورت مجلس باید قید گردد. ماده ۴۹ - کسانی که در مزایده مال غیر منقول شرکت می‌کنند باید صدی پنج بهاء مال غیر منقول ارزیابی شده را به صندوق اداره تصفیه تا روزی که برای مزایده مقرر شده بسپارند. هرگاه پرداخت بهاء در موعد مقرر انجام نگیرد یا آنکه پیشنهاد دهنده حاضر به اجرای تعهد خود نگردد خسارت وارده از مبلغ سپرده برداشت خواهد شد. ماده ۵۰ - هرگاه مال غیر منقول موضوع مزایده مورد حق رهن و غیره واقع شده باشد باید اخطاریه‌ای که متضمن تاریخ و ساعت و محل مزایده باشد برای صاحب حق فرستاده شود. در صورتی که برنده مزایده غیر از صاحب حق رهن باشد باید شخص برنده مزایده و شخص صاحب حق و رئیس یا کارمند اداره تصفیه در یکی از دفترخانه‌های اسناد رسمی حضور بهم رسانیده و ضمن انتقال ملک به خریدار حق صاحب رهن را پرداخته و مازاد آن را به حساب ورشکسته منظور دارند. ماده ۵۱ - هرگاه اشیاء مورد مزایده بیمه شده باشد این نکته باید در موقع مزایده اعلام گردد. در صورتی که اشیاء مذکور یکجا به یک نفر واگذار شود این انتقال باید به بیمه‌کننده اعلام گردد. ماده ۵۲ - انتقال دعوی مشکوکی که طبق ماده ۴۵ قانون اداره تصفیه پیش‌بینی شده باید به وسیله برگ نمونه و تحت شرایطی که در آن ذکر شده به عمل آمده و هزینه‌ای که به آن تعلق می‌گیرد به عهده انتقال‌گیرنده خواهد بود. ماده ۵۳ - همین که قرارداد ارفاقی بسته شد اقدام دیگری برای فروش اموال به عمل نیامده و اداره تصفیه منتظر گواهی دادگاه مربوطه خواهد بود.

مبحث ششم - تقسیم وجوه حاصله (م ۵۴ تا م ۵۹)

ماده ۵۴ - اداره تصفیه باید برای تقسیم موقت سهام بر طبق ماده ۴۸ قانون اداره تصفیه صورت تقسیم موقت تهیه نموده و اعلام نماید که صورت تقسیم در ظرف مدت ده روز در دسترس بستانکاران گذارده خواهد شد. هرگاه دعوی مربوط به بستانکاری در موقع تقسیم موقت سهام به نتیجه نرسیده باشد سهمی که برای او منظور شده کنار گذارده می‌شود و همچنین بستانکارانی که طلب آنها

موجل است قبل از رسیدن موعد به آنها پرداخته نخواهد شد مگر آنکه برای برگشت فرع قانونی از طلب خود رضایت دهند. ماده ۵۵- صورت تقسیم نهایی وقتی تنظیم می‌شود که کلیه دعاوی مربوط به دارایی و بدهی ورشکسته قطعی شده باشد. برای تنظیم صورت قطعی لازم نیست منتظر مازاد مذکور در ماده ۴۵ قانون اداره تصفیه گردید. ماده ۵۶- صورت تقسیم به ترتیب زیر تنظیم می‌شود: قبل از هر چیز اموال مورد رهن یا وثیقه و وجهی که از حاصل فروش آن بدست می‌آید قید گردیده و هزینه که از بابت اداره کردن و فروش آن به عمل آمده ذکر خواهد شد. این گونه هزینه‌ها از حاصل فروش کسر شده و پس از پرداخت طلبهای وثیقه‌دار مازاد آن به حساب عمومی وجوه حاصله نقل خواهد شد. هر گاه وجه حاصل فروش کافی برای تادیه طلب بستانکار وثیقه‌دار نباشد نام او به نسبت بقیه طلب جزء طبقه پنجم مذکور در ماده ۵۷ قانون ذکر خواهد شد. از حاصل کل دارایی بدوا هزینه‌های ورشکستگی و هزینه امور ورشکستگی کسر گردیده و بقیه بین اشخاص مذکور در برگ صورت طبقه‌بندی بستانکاران تقسیم خواهد شد. ماده ۵۷- هر گاه به موجب ماده ۴۵ قانون دعوایی به بستانکاری واگذار شده و این دعوی به نتیجه مثبتی رسیده باشد اداره تصفیه ضمن صورت تقسیم یا به وسیله ضمیمه جداگانه آن را بین بستانکار انتقال گیرنده و سایر بستانکاران تقسیم خواهد نمود. ماده ۵۸- همینکه صورت تقسیم تهیه شد باید به بستانکاران اعلام گردد که صورت نامبرده در اداره تصفیه در دسترس آنها گذارده خواهد شد. هر گاه بعد از آگهی تغییری در صورت مزبور داده شود این نکته نیز به طریق فوق اعلام خواهد گردید. ماده ۵۹- قبل از اقدام به تقسیم اداره باید مطمئن شود که هیچ گونه اعتراضی در ظرف مدت مقرر نسبت به صورت تقسیم به عمل نیامده است در صورتی که نسبت به این صورت اعتراضی شده باشد اداره تصفیه برای تقسیم منتظر نتیجه رسیدگی به این اعتراض خواهد بود.

مبحث هفتم - خاتمه ورشکستگی (م ۶۰ تا م ۶۲)

ماده ۶۰- پس از خاتمه ورشکستگی کارمند مربوطه گزارشی مبنی بر خاتمه ورشکستگی به رئیس اداره خواهد داد. در این گزارش خلاصه عملیات تصفیه و جهت ورشکستگی و مبلغ دارایی و بدهی و میزان زمین خالی و سهمیه‌هایی که به موجب فقره ۴ ماده ۴۷ قانون اداره تصفیه به صندوق وزارت دادگستری سپرده شده ذکر خواهد شد. سپس خاتمه ورشکستگی از طرف رئیس اداره اعلام و انتشار خواهد یافت ماده ۶۱- گزارش نهایی در مورد تصفیه اختصاری نیز باید تنظیم شده و خاتمه ورشکستگی هم به موجب آگهی اعلام گردد. در مورد ماده ۲۲ قانون انتشار آگهی مبنی بر اعلام خاتمه ورشکستگی ضروری نیست ماده ۶۲- سند عدم کفایت دارایی باید بر طبق نمونه پیوست صادر شود.

مبحث هشتم - تصفیه اختصاری (م ۶۳)

ماده ۶۳- در مورد تصفیه اختصاری مذکور در فقره ۲ ماده ۲۳ قانون اداره تصفیه نکات زیر رعایت می‌شود: ۱- بستانکاران برای تشکیل جلسه دعوت نمی‌شوند مع ذلک هر گاه اداره مقتضی بداند ممکن است بوسیله تشکیل جلسه جلب نظر آنها را بنماید ولی در صورتی که ورشکسته پیشنهاد قرارداد ارفاقی نموده باشد در این مورد باید جلسه بستانکاران دعوت شود. ۲- در هر موقع بدون هیچ گونه شرطی ممکن است خواه از طریق عادی یا بطور مزایده اقدام به فروش اموال ورشکسته به عمل آید. مهلتی که برای پرداخت بها مال داده می‌شود نباید از سه ماه تجاوز کند. در صورت نبودن خریدار به بها ارزیابی شده اقدام به مزایده مجدد به عمل نیامده و اداره تصفیه به نحو مقتضی اقدام به فروش آن خواهد نمود. ۳- تقسیم وجوه حاصله طبق مدلول مواد ۴۶ و ۴۷ قانون به

عمل آمده و سند عدم کفایت دارایی صادر می شود ولی صورت تقسیم برای مراجعه اشخاص ذینفع در اداره تصفیه گذارده نشده و تقسیم موقت سهام نیز به عمل نخواهد آمد.

مبحث نهم - مقررات مخصوص (م ۶۴ تا ۶۷)

ماده ۶۴ - در هر حوزه که تشکیل اداره تصفیه اعلام شود امور ورشکستگی که تا آن تاریخ خاتمه نیافته تحویل اداره تصفیه گردیده و مدیران تصفیه و کارمندان ناظر باید از هرگونه اقدام خودداری نمایند. ماده ۶۵ - عملیات ورشکستگی اموری که تصفیه آن در موقع اعلام تشکیل اداره تصفیه خاتمه نیافته طبق مقررات قانون اداره تصفیه و این آیین نامه ادامه خواهد یافت ماده ۶۶ - هرگاه اعمال ورشکستگی که قبل از اعلام تشکیل اداره تصفیه انجام شده ناقص تشخیص شود با رعایت مقررات این آیین نامه تکمیل خواهد گردید. ماده ۶۷ - در موارد مذکور در مواد بالا که قسمتی از اعمال تصفیه به وسیله مدیران تصفیه و قسمت دیگر به وسیله اداره تصفیه انجام می شود هزینه امور تصفیه باید به تشخیص رئیس اداره بین مدیران و اداره تقسیم گردد.

قانون معادن مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۷۷

فصل اول - تعاریف و کلیات (م ۱ تا م ۴)

ماده ۱ - تعریف واژه‌های به کار رفته در این قانون به شرح زیر است الف - ماده معدنی (کانی) : هر ماده یا ترکیب طبیعی که به صورت جامد یا گاز یا مایع و یا محلول در آب در اثر تحولات زمین شناسی به وجود آمده است ب - کانه مواد معدنی یا کانیهای موجود در کانسار که دارای ارزش اقتصادی است پ - ذخیره معدنی (کانسار): تمرکز و یا انباشت طبیعی یک یا چند ماده معدنی در زیر یا روی زمین و یا محلول در آب می باشد. ت - معدن ذخیره معدنی است که بهره برداری از آن مقرون به صرفه باشد. ث - اکتشاف تجسس ارادی به منظور یافتن کانسار است که شامل عملیاتی از جمله موارد زیر می باشد: ۱ - آثاریابی و نمونه برداری و آزمایشات کمی و کیفی ۲ - بررسیهای زمین شناسی ژئوفیزیکی و ژئوشیمیایی و مانند آنها و انجام اموری که برای این گونه بررسیها لازم باشد. ۳ - حفاری روباز و زیرزمینی ۴ - تعیین شکل و کیفیت و کمیت ذخیره معدنی و تهیه نقشه‌های مربوطه ج - پروانه اکتشاف مجوزی است که برای انجام عملیات اکتشافی مواد معدنی در محدوده مشخص از طرف وزارت معادن و فلزات صادر می شود. چ - گواهی کشف تاییدیه‌ای است که توسط وزارت معادن و فلزات پس از اتمام عملیات اکتشافی و کشف کانه به نام دارنده پروانه اکتشاف صادر می شود. ح - بهره برداری مجموعه عملیاتی است که به منظور استخراج و کانه آریابی و به دست آوردن مواد معدنی قابل فروش انجام می گیرد. خ - بهره بردار: شخص حقیقی یا حقوقی اعم از دولتی تعاونی و خصوصی است که دارای پروانه بهره برداری از وزارت معادن و فلزات باشد. د - استخراج مجموعه عملیاتی است که به منظور جدا کردن کانه از کانسار و انتقال آن به محل انباشت مواد انجام می گیرد. ذ - اجازه برداشت مجوزی است که از طرف وزارت معادن و فلزات برای تامین مصالح ساختمانی مورد نیاز طرحهای عمرانی و برداشت واریزه‌ها و ذخایر محدود و جزئی و نیز عملیات آزمایشگاهی صادر می شود. ر - حقوق دولتی عبارت است از درآمد دولت ناشی از استخراج بهره برداری و برداشت هر واحد از ماده یا مواد معدنی ز - کانه آریابی عبارت است از کلیه عملیات فیزیکی شیمیایی و یا فیزیکی و شیمیایی که به منظور جدا کردن قسمتی از مواد باطله از کانه و یا تفکیک کانه‌ها از یکدیگر انجام می گیرد. ژ - فرآوری شامل کلیه عملیاتی است که بر روی مواد خام معدنی یا کانه آریابی شده آنها انجام و در نتیجه موجب تولید مواد اولیه صنعتی می شود. س - محل انباشت مواد: محلی است خارج از کارگاههای استخراج و

تونلها و چاهها که مواد مستخرجه در آنجا انباشته می‌شود. ش - مواد باطله عبارت است از موادی که در نتیجه استخراج یا کانه آرایبی از کانه جدا می‌گردد. ص - شن و ماسه معمولی شن و ماسه‌ای است که حاوی کانیهای با ارزش نبوده و یا تفکیک آنها مقرون به صرفه نباشد و عمدتاً در کارهای ساختمانی راه‌سازی بتن‌ریزی و نظایر آن استفاده می‌گردد. ض - خاک رس معمولی خاکی است که برای ساختن خشت و آجر معمولی (غیرنسوز) بکار می‌رود و نیز در عملیات ساختمانی و راه‌سازی و کشاورزی از آن استفاده می‌شود. ط - خاک صنعتی خاکی است که به علت داشتن خواص فیزیکی و یا شیمیایی خاص مصارف صنعتی مختلف دارد. ظ - سنگ لاشه و ساختمانی سنگهای مختلف موجود در طبیعت که حاوی کانه قابل تفکیک در شرایط کنونی نبوده و عمل آوری آن رایج و معمول و یا مقرون به صرفه نباشد و بنا به تشخیص وزارت معادن و فلزات سنگ تزئینی نیست و عموماً در پی یا دیوار چینی ساختمانها، راه‌سازی و دیواره‌سازی و امور نظیر آن به کار می‌رود. ع - سنگ تزئینی سنگهای متبلور و غیر متبلور رسوبی آذرین و دگرگونی که حاوی کانه قابل تفکیک در شرایط کنونی نبوده و عمل آوری آنها نظیر برش و صیقل رایج و مقرون به صرفه باشد از قبیل مرمر، شبه‌مرمر (مرمریت تراورتن گرانیت و امثالهم غ - پروانه بهره‌برداری مجوزی است که توسط وزارت معادن و فلزات برای بهره‌برداری از معادن در محدوده‌ای که مشخص شده است صادر می‌گردد. ف - طرح بهره‌برداری طرحی است که در آن جزئیات برنامه‌های اجرایی برای بهره‌برداری از معدن و زمان بندی اجرای عملیات و سایر اطلاعات براساس شناسنامه معدن در نمونه فرمهای ویژه وزارت معادن و فلزات توسط عاملین بهره‌برداری درج می‌گردد. ق - معادن بلامعارض به معادنی اطلاق می‌شود که فاقد بهره‌بردار بوده و یا واگذاری آن از نظر این قانون معنی نداشته باشد. ماده ۲ - در اجرای اصول چهل و چهارم و چهل و پنجم قانون اساسی مسوولیت اعمال حاکمیت دولت بر معادن کشور و حفظ ذخائر معدنی و نیز صدور اجازه انجام فعالیت‌های معدنی مقرر در این قانون و نظارت بر امور مزبور و فراهم آوردن موجبات توسعه فعالیت‌های معدنی دستیابی به ارزش افزوده ایجاد اشتغال در این بخش و نیز افزایش هم بخش معدن در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به عهده وزارت معادن و فلزات می‌باشد. اعمال حاکمیت مذکور در این ماده نمی‌تواند مانع اعمال مالکیت اشخاص حقیقی و حقوقی در محدوده مقررات باشد. ماده ۳ - مواد معدنی به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شوند: الف - مواد معدنی طبقه یک عبارت هستند از: سنگ آهک سنگ گچ شن و ماسه معمولی خاک رس معمولی صدف دریایی پوکه معدنی نمک‌آبی و سنگی مارن سنگ لاشه ساختمانی و نظایر آنها. ب - مواد معدنی طبقه دوم عبارت هستند از: ۱ - آهن طلا، کرم قلع جیوه سرب روی مس تیتان آنتیموان مولیبدن کبالت تنگستن کادمیوم و سایر فلزات ۲ - نیترا، فسفات، براتها، نمک‌های قلیایی سولفاتها، کربناتها، کلوروا (به استثنای مواد یاد شده در طبقه یک و نظایر آنها. ۳ - میکا، گرافیت تالک کائولن نسوزها، فلدسپات سنگ و ماسه سیلیسی پرلیت دیاتومیت زئولیت بوکسیت خاک سرخ خاک زرد، خاکهای صنعتی و نظایر آنها. ۴ - سنگهای قیمتی و نیمه قیمتی مانند الماس زمرد، یاقوت یشم فیروزه انواع عقیق و امثال آنها. ۵ - انواع سنگهای تزئینی و نما. ۶ - انواع زغال سنگها و شیل‌های غیرنفتی ۷ - مواد معدنی قابل استحصال از آبها و نیز گازهای هیدروکربوری ج - مواد معدنی طبقه سه عبارت هستند از: کلیه هیدروکربورها به استثنای ذغال سنگ مانند: نفت خام گاز طبیعی قیر، پلمه سنگهای نفتی سنگ آسفالت طبیعی و ماسه‌های آغشته به نفت و امثال آنها. قیر، پلمه سنگهای نفتی و سنگ آسفالت طبیعی در صورتی که مورد عمل وزارت نفت شرکتها و واحدهای تابعه و وابسته به آن وزارت نباشد جزو معادن طبقه دو محسوب می‌گردد. د - مواد معدنی طبقه چهار عبارت هستند از: کلیه مواد پرتوزا اعم از اولیه و ثانویه تبصره - طبقه آن دسته از مواد معدنی مرتبط با محدوده طبقات یک و دو که در طبقه بندی فوق مشخص نشده یا مورد تردید باشد و نیز طبقه موادی شامل چند ماده از یک طبقه و موادی از طبقه دیگر، بر حسب نوع اهمیت و ارزش این مواد توسط وزارت معادن و فلزات تعیین می‌شود. ماده ۴ - امور مربوط به مواد معدنی طبقات یک و دو به استثنای شن و ماسه معمولی و خاک رس معمولی در چهارچوب مقررات این قانون در حیطه وظایف وزارت معادن و فلزات می‌باشد. تبصره - تشخیص معمولی بودن شن و ماسه و خاک رس با وزارت معادن و فلزات است

فصل دوم - اکتشاف (م ۵ تا م ۸)

ماده ۵- اکتشاف ذخایر معدنی توسط بخشهای دولتی و تعاونی و خصوصی اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی انجام می‌شود. وزارت معادن و فلزات نیز مکلف است راسا یا توسط سازمانها و شرکتهای واحدهای تابعه و یا با استفاده از خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی ذی‌ربط واجد صلاحیت نسبت به اکتشاف و شناسایی ذخایر معدنی کشور اقدام نماید. ماده ۶- اکتشاف ذخایر معدنی منوط به صدور پروانه اکتشاف توسط وزارت معادن و فلزات است چگونگی اخذ پروانه ضوابط اکتشاف مدت اعتبار پروانه انتقال حقوق متعلق به آن پروانه و نیز سایر موارد ضروری مربوط برابر مفاد این قانون در آیین‌نامه اجرایی تعیین خواهد شد. تبصره - اکتشاف حین بهره‌برداری نیاز به صدور پروانه اکتشاف ندارد، لکن در صورت کشف ذخیره یا ماده معدنی جدید گواهی کشف دارنده پروانه بهره‌برداری به ترتیب با رعایت مفاد این قانون اصلاح یا گواهی جدید صادر خواهد شد. ماده ۷- وزارت معادن و فلزات مکلف است پس از رسیدگی و تایید عملیات اکتشافی نسبت به صدور گواهی کشف به نام دارنده پروانه اکتشاف اقدام نماید. در این گواهی نوع یا انواع ماده معدنی کشف شده کمیت کیفیت حدود، مساحت و هزینه عملیات اکتشافی باید ذکر شود. گواهی مزبور با تایید وزارت معادن و فلزات ظرف یک سال از تاریخ صدور، قابل انتقال به اشخاص ثالث خواهد بود. تبصره ۱- چگونگی اجرای ماده فوق به خصوص در صورت عدم تایید عملیات اکتشافی در آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. تبصره ۲- در صورت عدم دستیابی به کانه پس از انجام عملیات اکتشافی حقیقی برای دارنده پروانه اکتشاف ایجاد نمی‌شود. ماده ۸- دارندگان گواهی کشف می‌توانند حداکثر ظرف یک سال پس از صدور گواهی کشف درخواست خود را برای اخذ پروانه بهره‌برداری معدن کشف شده تسلیم وزارت معادن و فلزات نمایند. عدم تسلیم درخواست مزبور در مهلت مقرر موجب سلب حق اولویت یاد شده از آنان خواهد شد. تبصره - در صورت عدم تسلیم به موقع درخواست یاد شده هزینه‌های اکتشافی مندرج در گواهی کشف توسط بهره‌بردار ذخیره معدنی مکشوفه به دارنده گواهی مذکور به ترتیبی که در آیین‌نامه اجرایی این قانون مشخص خواهد شد پرداخت می‌گردد.

فصل سوم - بهره‌برداری (م ۹ تا م ۱۷)

ماده ۹- بهره‌برداری از ذخایر معدنی مستلزم اخذ پروانه بهره‌برداری از وزارت معادن و فلزات است این پروانه بر اساس شناسنامه معدن و طرح بهره‌برداری مصوب وزارت مذکور صادر خواهد شد. ماده ۱۰- عاملین بهره‌برداری از ذخایر معدنی عبارتند از: الف - اشخاص حقیقی و حقوقی زیر با تشخیص و اجازه مستقیم وزارت معادن و فلزات ۱- دارندگان گواهی کشف در مهلت مقرر در ماده ۸. ۲- واحدهای تولیدکننده مواد معدنی فرآوری شده با ارزش افزوده‌تر تا مرحله تولید مواد اولیه صنعتی از معادن بلامعارض تا زمانی که به تولید ادامه می‌دهند. ۳- واحدهای صنعتی مصرف‌کننده مواد معدنی از معادن بلامعارض تا زمانی که به تولید ادامه می‌دهند. ۴- متقاضیان بهره‌برداری که متخصص معدن یا زمین‌شناسی بوده و یا بین آنها حداقل یک نفر از متخصصین مذکور وجود داشته باشد، از معادن بلامعارض تا زمانی که ترکیب فوق را دارا باشد. ب- واحدها یا شرکتهای تابعه و وابسته به وزارت معادن و فلزات بنا به ضرورت واحدها و شرکتهای مذکور می‌توانند با استفاده از خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی صلاحیتدار و یا با مشارکت آنها از ذخایر معدنی بهره‌برداری کنند. ج- شرکتهای تعاونی معدنی متشکل از کارکنان معادن تبصره ۱- در صورتی که متقاضیان بهره‌برداری متعدد باشند و یا متقاضیان در عداد بندهای فوق نباشند، مقررات مربوط به بخش معاملات دولتی قانون محاسبات عمومی ملاک عمل می‌باشد. تبصره ۲- شناسنامه هر معدن در بردارنده مشخصات معدن کمیت و کیفیت ذخیره معدنی ارزیابی فنی و اقتصادی شامل نرخ بازگشت داخلی سرمایه الزامات اجرایی عملیات معدنی استخراج بهینه ذخیره مزبور و رعایت

اصول ایمنی و حفاظت فنی و سایر موارد ضروری است ذخیره معدنی قطعی مندرج در شناسنامه توسط وزارت معادن و فلزات تضمین خواهد شد و به عنوان وثیقه قابل قبول می‌باشد. تبصره ۳ - پروانه بهره‌برداری سندی است رسمی لازم الاجرا، حاوی مدت بهره‌برداری بر اساس شناسنامه معدن و طرح بهره‌برداری مصوب قابل تمدید، قابل معامله و انتقال به اشخاص ثالث که متضمن حق انتفاع دارنده پروانه از ذخیره معدنی و نیز بردارنده تعهدات وی در اجرای مفاد آن می‌باشد. مدت هر دوره بهره‌برداری با توجه به موارد فوق و ذخیره موجود تا حداکثر ۲۵ سال با حق اولویت تمدید برای دارنده پروانه تعیین می‌شود. ماده ۱۱ - وزارت معادن و فلزات مکلف است در صدور پروانه اکتشاف و بهره‌برداری از معادن به خانواده‌های شهدا و جانبازان و ایثارگران و شرکتهای تعاونی و سهامی افراد واجد شرایط محلی با رعایت مفاد این قانون اولویت دهد. ماده ۱۲ - معادن بزرگ با توجه به میزان ذخیره عیار، میزان استخراج ارزش ماده معدنی میزان سرمایه‌گذاری موقعیت جغرافیایی و ملاحظات سیاسی اجتماعی و اقتصادی به پیشنهاد وزارت معادن و فلزات و تصویب هیات وزیران تشخیص داده می‌شود و نحوه بهره‌برداری آن توسط هیات دولت تعیین می‌گردد. ماده ۱۳ - وزارت معادن و فلزات می‌تواند برای تامین مصالح ساختمانی مورد نیاز طرحهای عمرانی و نیز برداشت واریزه‌ها و ذخایر محدود کشف شده یا در صورت لزوم برداشت جزئی از یک ذخیره معدنی و همچنین برای عملیات آزمایشگاهی با تشخیص خود اجازه برداشت محدود صادر نماید. ماده ۱۴ - دارنده پروانه بهره‌برداری باید درصدی از بهای ماده معدنی سر معدن مندرج در پروانه را به نرخ روز، به عنوان حقوق دولتی سالانه به وزارت معادن و فلزات پرداخت نماید. وزارت مزبور می‌تواند در صورت لزوم معادل بهای آن ماده معدنی از بهره‌بردار اخذ کند. چگونگی اجرای این ماده و نیز ضوابط تعیین درصد یاد شده با توجه به عوامل موثر در آن از جمله محل و موقعیت معدن وضعیت ذخیره معدنی روش استخراج تعهدات و سود ترجیحی بهره‌بردار در آیین‌نامه اجرایی این قانون مشخص خواهد شد. بدیهی است کلیه درآمدهای حاصل از اجرای این ماده به حساب خزانه منظور خواهد شد. تبصره ۱ - مبنای قیمت پایه ماده معدنی معادنی که از طریق اعمال قانون محاسبات عمومی کشور واگذار می‌شوند، میانگین حقوق دولتی معادن مشابه مجاور آنها خواهد بود. تبصره ۲ - حقوق دولتی برای دارندگان اجازه برداشت میانگین حقوق دولتی معادن مجاور محل برداشت خواهد بود. بررسیهای آزمایشگاهی و کاربردی تا میزان یک تن از پرداخت حقوق مزبور معاف خواهد بود. تبصره ۳ - ماخذ درآمد موضوع قسمت اخیر بند (الف تبصره ۶۶) قانون بودجه سال ۱۳۶۳، درصد تعیین شده در ماده فوق خواهد بود. ماده ۱۵ - مواد باطله حاصل از عملیات استخراج و بهره‌برداری از معادن در صورت عدم استفاده بهره‌بردار از آن پس از انقضای مدت ذکر شده در پروانه یا اجازه برداشت متعلق به دولت بوده و به طریقی که وزارت معادن و فلزات صلاح بداند استفاده خواهد شد. ماده ۱۶ - وزارت معادن و فلزات موظف است به منظور تشویق سرمایه‌گذاری برای تولید مواد معدنی فرآوری شده واحدهای مربوطه را زیر پوشش نظارتی و حمایتی و هدایتی خود قرار داده و از سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی در این امور حمایت نماید و در این باره مطالعات امکان‌سنجی و تهیه طرحهای تیپ انجام دهد. چگونگی آن در آیین‌نامه اجرایی مشخص خواهد شد. ماده ۱۷ - دولت موظف است به منظور توسعه فرآوری و صادرات مواد معدنی با ارزش افزوده بیشتر و نیز گسترش فعالیتهای اکتشافی و بهره‌برداری پیشنهاد وزارت معادن و فلزات در رابطه با خط مشیهای تولیدی بازرگانی مالی و پولی مرتبطه را مورد بررسی قرار داده در صورت تصویب در برنامه‌های توسعه منظور نماید و برای تحقق آن در لویح بودجه سالانه کشور پیش‌بینی لازم را به عمل آورد. تبصره - وزارت معادن و فلزات مکلف است گسترش فرآوری مواد معدنی و صادرات آن را در اولویت برنامه‌های اجرایی خود قرار دهد.

فصل چهارم - مقررات عمومی (م ۱۸ تا م ۳۶)

ماده ۱۸ - وزارت معادن و فلزات مکلف است وضع بهره‌برداران فعلی را به تدریج پیش از انقضای اعتبار مجوزهای صادره با این قانون تطبیق داده در صورت انجام تعهدات مربوط برای آنان پروانه بهره‌برداری جدید صادر نماید. در هر حال اقدامات یاد شده

نباید به هیچ وجه به حقوق مکتسبه بهره‌برداران لطمه‌ای وارد سازد. ماده ۱۹ - هر کس بدون اخذ پروانه اکتشاف یا بهره‌برداری و یا اجازه برداشت اقدام به حفاریهای اکتشافی استخراج برداشت و بهره‌برداری مواد معدنی نماید، متصرف در اموال عمومی و دولتی محسوب می‌شود و با او برابر قوانین و مقررات مربوط رفتار خواهد شد. در این موارد ماموران انتظامی موظفند حسب درخواست وزارت معادن و فلزات بلافاصله از این گونه عملیات جلوگیری و متهم یا متهمان را برای صدور حکم به مرجع قضایی معرفی نمایند. وزارت معادن و فلزات مکلف است ضمن انجام اقدامات لازم به موقع درخواست ضرر و زیان ناشی از جرم را به مرجع قضایی مربوط تسلیم نماید. ماده ۲۰ - وزارت معادن و فلزات به دارندگان پروانه بهره‌برداری و اجازه برداشت که به تعهدات خود عمل نمایند و یا قادر به انجام آن نباشند با تعیین مهلتی متناسب اخطار خواهد نمود تا تعهد خود را ایفا نمایند. در صورتی که در انقضای مهلت مقرر اقدامی از سوی متعهد صورت نگیرد و یا اقدام انجام شده به طور کلی کافی نباشد، ملزم به پرداخت خسارات ناشی از عدم انجام تعهدات مربوط خواهد شد و یا در نهایت فاقد صلاحیت برای ادامه عملیات مربوط شناخته می‌شود. انجام این عمل در اعتبار پروانه بهره‌برداری و یا حقوق اشخاص ثالث تاثیری نخواهد داشت تبصره - وزارت معادن و فلزات موظف است شرایط مربوط به چگونگی جبران خسارات ناشی از عدم انجام تعهدات موضوع این ماده را در پروانه بهره‌برداری و اجازه برداشت درج نماید. ماده ۲۱ - بهره‌بردار و دارنده اجازه برداشت قبلی موظف است اموال و تجهیزات مربوط به معدن را که انتزاع آن به تشخیص کارشناسی وزارت معادن و فلزات موجب وارد آمدن لطمه و خسارت به معدن می‌شود به نرخ تعیین شده بر اساس ارزیابی کارشناس رسمی دادگستری به قیمت روز به بهره‌بردار جدید واگذار نماید. در صورت عدم واگذاری اموال و تجهیزات مربوط به معدن برابر شرایط یاد شده مسوول جبران خسارت وارده خواهد بود. ماده ۲۲ - چنانچه اجرای عملیات معدنی در محدوده املاک دایر یا مسبوق به احیای اشخاص واقع و نیاز به تصرف این املاک باشد، مجری عملیات پس از تایید وزیر معادن و فلزات مکلف است اجاره یا بهای آن را بدون محاسبه ذخایر معدنی واقع در آن برابر نظر کارشناس رسمی دادگستری به قیمت روز به صاحب ملک بپردازد و در صورت امتناع وی از دریافت آن در صندوق سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تودیع نماید که در این حالت زمینه انجام عملیات معدنی توسط وزارت معادن و فلزات با هماهنگی دستگاههای مسوول فراهم خواهد شد. تشخیص دایر یا مسبوق به احیاء بودن املاک و وضع مالکیت مالک یا مالکین به عهده مراجع مربوطه می‌باشد. تبصره ۱ - در صورتی که برای ادامه عملیات اکتشافی یا بهره‌برداری و استخراج معادن واقع در خارج از املاک یاد شده نیاز به حفر کانال یا تونل زیرزمینی باشد که در عمق عرفی املاک مزبور قرار گیرد، مشمول ماده فوق بوده در غیر این صورت تابع ملک نخواهد بود. تشخیص عمق عرفی موضوع این تبصره با توجه به نوع کاربری اراضی منطقه عملیات معدنی به عهده کارشناس رسمی دادگستری می‌باشد. تبصره ۲ - مالک یا مالکین املاک فوق الذکر یا قائم مقام قانونی آنها در اخذ پروانه اکتشاف ذخایر سنگ لاشه ساختمانی و سنگهای تزئینی و نما واقع در عمق عرفی املاک دایر یا مسبوق به احیای خود که به ترتیب مقرر در قسمت اخیر تبصره فوق تعیین می‌شود، مشروط به تسلیم درخواست به وزارت معادن و فلزات قبل از صدور پروانه اکتشاف برای سایرین نسبت به آنها حق تقدم خواهند داشت که در این صورت مواد مکشوفه تا عمق عرفی به تبع ملک متعلق به آنان بوده ضمن معافیت از پرداخت حقوق دولتی براساس مفاد ماده (۱۰) و بند (۱) شق (الف) ماده مذکور و با آنها رفتار خواهد شد. تبصره ۳ - ماموران انتظامی مکلفند در صورت ممانعت مالک از اجرای عملیات معدنی موضوع این ماده بلافاصله به درخواست وزارت معادن و فلزات طبق مقررات موضوعه رفع ممانعت و مزاحمت نمایند. ماده ۲۳ - هرگونه اقدام در محدوده‌های بهره‌برداری و برداشت مواد معدنی توسط دستگاههای اجرایی اعم از وزارتخانه‌ها، شرکتها و سازمانهای دولتی و موسسات عمومی غیرانتفاعی و نهادهای انقلاب و واحدهای تابعه آنها موکول به کسب مجوز از وزارت معادن و فلزات می‌باشد. ماده ۲۴ - جهت تسریع در امر اکتشاف و بهره‌برداری از معادن دستگاههای اجرایی مربوط مکلفند حداکثر ظرف چهار ماه نسبت به استعلام وزارت معادن و فلزات در مورد حریمهای قانونی مربوط به آنها و مناطق موضوع بند (الف) ماده

(۳) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحیه‌های تصویب شده آن و رعایت قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع کشور مصوب سال ۱۳۴۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن و نیز قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب سال ۱۳۷۴ هنگام صدور پروانه اکتشاف و بهره برداری اعلام نظر نمایند. عدم اعلام نظر در مهلت مقرر به منزله موافقت دستگاههای مزبور برای اجرای عملیات فوق تلقی می‌شود. ماده ۲۵ - چنانچه محدوده عملیات معدنی در منابع ملی و طبیعی واقع باشد، مطابق تبصره (۴) ماده (۳) قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحیه‌های تصویب شده آن اقدام لکن به جای بهره مالکانه و حق الارض مندرج در تبصره یاد شده به مأخذ سه درصد (۳٪) حقوق دولتی موضوع ماده (۱۴) این قانون و تبصره‌های (۱) و (۲) آن به منظور بازسازی مناطق عملیات معدنی علاوه بر حقوق دولتی مذکور توسط وزارت معادن و فلزات از بهره‌برداران و دارندگان اجازه برداشت دریافت و به حساب مربوطه واریز می‌شود. ماده ۲۶ - محدوده‌های مربوط به استخراج و انباشت و بهره برداری مواد معدنی و دفع مواد زائد معادن واقع در منابع ملی که مساحت این محدوده‌ها در مجوز صادره قید می‌شود، عرصه عملیاتی معدن مربوطه بوده و تا پایان عمر معدن به صورت اموال عمومی در مجوزهایی که صادر می‌شود به منزله تصرف در اموال عمومی محسوب می‌شود. ماده ۲۷ - وزارت معادن و فلزات موظف است به منظور استفاده مطلوب از خدمات متخصصان معدن و زمین‌شناسی و امور مربوط به آن این گروه را در قالب دفاتر فنی مهندسی ساماندهی کند. دولت موظف است لایحه نظام مهندسی معدن و زمین‌شناسی را تدوین نموده و ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون به مجلس ارائه نماید. ماده ۲۸ - دستگاههای اجرایی مکلفند با توجه به موقعیت جغرافیایی معادن و لزوم توسعه بخش معدن مناطق محل وقوع معادن را جزو اولویت اجرای طرحها و برنامه‌های توسعه‌ای و اعمال نرخهای تعرفه‌ای - ترجیحی خود قرار دهند. ماده ۲۹ - به منظور ایجاد ثبات در محاسبات اقتصادی تولید مواد معدنی مقرراتی که منجر به تحمیل هزینه غیرمرتبط و سربار برای تولید مواد مذکور می‌شود از تاریخ تصویب این قانون کان لم یکن تلقی می‌گردد. ماده ۳۰ - مطالبات وزارت معادن و فلزات از اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی بابت حقوق دولتی سه درصد بازسازی و جبران خسارت ناشی از عدم انجام تعهدات به ترتیب موضوع ماده (۱۴) و تبصره‌های (۱) و (۲) آن و مواد (۲۰) و (۲۵) این قانون در حکم مطالبات مستند به اسناد لازم الاجرا بوده و براساس ماده (۴۸) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱/۶/۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی بر طبق مقررات اجرایی مالیاتهای مستقیم قابل وصول خواهد بود. ضرر و زیان ناشی از دیرکرد براساس جدولی خواهد بود که به همراه آیین‌نامه اجرایی این قانون توسط وزارت معادن و فلزات تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۳۱ - به منظور تحقق توسعه پایدار در بخش معدن دولت موظف است صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیتهای معدنی را جهت تامین تمام یا قسمتی از خسارات احتمالی ناشی از عدم کشف کانه و سرمایه‌گذاریهای موجود، طبق اساسنامه‌ای که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید در وزارت معادن و فلزات تاسیس نماید و همه ساله در صورت لزوم اعتبار مورد نیاز سهم دولت را با توجه به سیاستهای تولیدی در لوایح بودجه سالانه پیشنهاد نماید. ماده ۳۲ - وزارت معادن و فلزات مجاز است در اجرای بند (۱۴) ماده (۱) قانون تاسیس وزارت مزبور مصوب سال ۱۳۶۳ مجلس شورای اسلامی به منظور تسریع در تحقق امر اکتشاف و شناسایی کانسارها و ضرورت تا سایر عملیات معدنی شرکتهای عملیاتی که اساسنامه آنها به تصویب هیات وزیران خواهد رسید، تاسیس نماید. ماده ۳۳ - کارکنان رسمی دولت در وزارت معادن و فلزات و شرکتهای سازمانهای تابعه دولتی در زمان اشتغال و تا یک سال بعد از قطع اشتغال نمی‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم در معاملات و امتیازات موضوع این قانون ذی سهم و یا ذی نفع باشند. در صورت تخلف به انفصال ابد از خدمات دولتی و محرومیت از پنج تا ده سال از هرگونه عقد قرارداد معدنی و اخذ هرگونه مجوز عملیات معدنی محکوم می‌گردند. ماده ۳۴ - وزارت معادن و فلزات مکلف است در کلیه معادن کشور برای جلوگیری از تخریب و تضييع ذخایر معدنی و اجرای تعهدات اکتشاف کنندگان و بهره‌برداران و رعایت اصول ایمنی و حفاظتی کارکنان معادن طبق آیین‌نامه اجرایی این قانون نظارت کامل بنماید. ماده ۳۵ - آیین‌نامه اجرایی این قانون توسط وزارت معادن و

فلزات با هماهنگی سایر وزارتخانه‌ها، سازمانها و ارگانهای ذی ربط در مدت سه ماه تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۳۶- از تاریخ تصویب این قانون قانون معادن و اصلاحات بعدی آن و نیز سایر قوانین و مقررات مربوط در قسمت مغایر لغو می‌گردد.

قانون صدور چک مصوب ۸ / ۴ / ۱۳۵۵ (م تا م ۲۳)

با اصلاحات ۲/۶/۱۳۸۲ ماده ۱- انواع چک عبارت است از: ۱- چک عادی چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادر کننده آن ندارد. ۲- چک تایید شده چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تایید می‌شود. ۳- چک تضمین شده چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می‌شود. ۴- چک مسافرتی چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هر یک از شعب آن بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می‌گردد. ماده ۲- چکهای صادر عهده بانکهایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده و یا می‌شوند، همچنین شعب آنها در خارج از کشور، در حکم اسناد لازم الاجراست و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد، می‌تواند طبق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقیمانده آن را از صادر کننده وصول نماید. برای صدور اجراییه دارنده چک باید عین چک و گواهینامه مذکور در ماده ۴ و یا گواهینامه مندرج در ماده ۵ را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم نماید. اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می‌کند که مطابقت امضای چک با نمونه امضای صادر کننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد. دارنده چک اعم است از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او پشت‌نویسی شده یا حامل چک (در مورد چکهای در وجه حامل یا قائم مقام قانونی آنان تبصره - دارنده چک می‌تواند محکومیت صادر کننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است اعم از آن که قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید، در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادر کننده حکم تقدیم نماید. ماده ۳- صادر کننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک خودداری نماید. هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد. ماده ۳ مکرر - چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود. ماده ۴- هرگاه وجه چک به علتی از علل مندرج در ماده ۳ پرداخت نگردد بانک مکلف است در برگ مخصوصی که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادر کننده در آن ذکر شده باشد، علت یا علل عدم پرداخت را صریحاً قید و آن را امضا و مهر نموده و به دارنده چک تسلیم نماید. در برگ مزبور باید مطابقت امضای صادر کننده با نمونه امضای موجود در بانک (در حدود عرف بانکداری و یا عدم مطابقت آن از طرف بانک تصدیق شود. بانک مکلف است به منظور اطلاع صادر کننده چک فوراً نسخه دوم این برگ را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است ارسال دارد. در برگ مزبور باید نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک نیز قید گردد. ماده ۵- در صورتی که موجودی حساب صادر کننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد، به تقاضای دارنده چک، بانک مکلف است مبلغ موجود در حساب را به دارنده چک بپردازد و دارنده چک با قید مبلغ دریافت شده در پشت

چک و تسلیم آن به بانک گواهی نامه مشتمل بر مشخصات چک و مبلغی که پرداخت شده از بانک دریافت می نماید. چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده بی محل محسوب و گواهی نامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک خواهد بود. در مورد این ماده نیز بانک مکلف است اعلامیه مذکور در ماده قبل را برای صاحب حساب ارسال نماید. ماده ۶ - بانکها مکلفند در روی هر برگ چک نام و نام خانوادگی صاحب حساب را قید نمایند. ماده ۷ - هر کس مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد به شرح ذیل محکوم خواهد شد: الف - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال باشد به حبس تا حداکثر شش ماه محکوم خواهد شد. ب - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰۰۰۰۰۰۰) ریال باشد از شش ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد. ج - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون (۵۰۰۰۰۰۰۰) ریال بیشتر باشد به حبس از یک سال تا دو سال و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال محکوم خواهد شد و در صورتی که صادر کننده چک اقدام به اصدار چکهای بلامحل نموده باشد، مجموع مبالغ مندرج در متون چکها ملاک عمل خواهد بود. تبصره - این مجازاتها شامل مواردی که ثابت شود چکهای بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا بهره رجوی صادر شده، نمی باشد. ماده ۸ - چکهایی که در ایران عهده بانکهای واقع در خارج کشور صادر شده و منتهی به گواهی عدم پرداخت شده باشند، از لحاظ کیفری مشمول مقررات این قانون خواهند بود. ماده ۹ - در صورتی که صادر کننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری وجه چک را نقدا به دارنده آن پرداخته یا با موافقت شاکی خصوصی ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد، یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال علیه فراهم نماید، قابل تعقیب کیفری نیست در مورد اخیر بانک مذکور مکلف است تا میزان وجه چک حساب صادر کننده را مسدود نماید و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک وجه آن را بپردازد. ماده ۱۰ - هر کس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید، عمل وی در حکم صدور چک بی محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیر قابل تعلیق است ماده ۱۱ - جرایم مذکور در این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست و در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند، یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید، دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت منظور از دارنده چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارایه داده است برای تشخیص این که چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک مراجعه کرده است بانکها مکلفند به محض مراجعه دارنده چک هویت کامل و دقیق او را در پشت چک با ذکر تاریخ ذکر نمایند. کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده حق شکایت کیفری نخواهد داشت مگر آن که انتقال قهری باشد. در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بی محل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح نمایندگی شخص مذکور در ظهر چک قید نماید، و در این صورت بانک اعلامیه مذکور در ماده ۴ و ۵ را به نام صاحب چک صادر می کند و حق شکایت کیفری او محفوظ خواهد بود. تبصره - هرگاه بعد از شکایت کیفری شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به هرنحو به دیگری واگذار نماید، تعقیب کیفری موقوف خواهد شد. ماده ۱۲ - هرگاه قبل از صدور حکم قطعی شاکی گذشت نماید و یا این که متهم وجه چک و خسارت تاخیر تادیه را نقدا به دارنده آن پرداخت کند، یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور را فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع نماید، مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد. صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه نسبت به سایر خسارات مورد مطالبه رسیدگی و حکم صادر کند. هرگاه پس از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت کند و یا این که محکوم علیه به ترتیب فوق موجبات پرداخت وجه چک و خسارات تاخیر تادیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید، اجرای حکم موقوف می شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد

بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد. تبصره - میزان خسارت و نحوه احتساب آن بر مبنای قانون الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک - مصوب ۱۰/۳/۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام - خواهد بود. ماده ۱۳ - الف - در صورتی که ثابت شود چک سفید امضاء داده شده باشد. ب - هرگاه در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد. ج - چنانچه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است. د - هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است. ه - در صورتی که ثابت گردد چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد. ماده ۱۴ - صادرکننده چک یا ذی نفع یا قائم مقام قانونی آنها با تصریح به این که چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگری تحصیل گردیده می‌تواند کتبا دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارایه چک بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می‌نماید. دارنده چک می‌تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و هرگاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت گردد، دستوردهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ این قانون به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد. تبصره ۱ - ذی نفع در مورد این ماده کسی است که چک به نام او صادر یا ظهرنویسی شده یا چک به او واگذار گردیده باشد (یا چک در وجه حامل به او واگذار گردیده). در موردی که دستور عدم پرداخت مطابق این ماده صادر می‌شود بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستوردهنده در حساب مسدودی نگهداری نماید. تبصره ۲ - دستور دهنده مکلف است پس از اعلام به بانک شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم و حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم نماید در غیر این صورت پس از انقضای مدت مذکور بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت کند. تبصره ۳ - پرداخت چکهای تضمین شده و مسافرتی رانمی‌توان متوقف نمود مگر آن که بانک صادر کننده نسبت به آن ادعای جعل نماید. در این مورد نیز حق دارنده چک راجع به شکایت به مراجع قضایی طبق مفاد قسمت اخیر ماده (۱۴) محفوظ خواهد بود. ماده ۱۵ - دارنده چک می‌تواند وجه چک و ضرر و زیان خود را در دادگاه کیفری مرجع رسیدگی مطالبه نماید. ماده ۱۶ - رسیدگی به کلیه شکایات و دعاوی جزایی و حقوقی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه تا خاتمه دادرسی فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد. ماده ۱۷ - وجود چک در دست صادرکننده دلیل پرداخت وجه آن و انصراف شاکی از شکایت است مگر این که خلاف این امر ثابت گردد. ماده ۱۸ - مرجع رسیدگی کننده جرائم مربوط به چک بلامحل، از متهمان در صورت توجه اتهام طبق ضوابط مقرر در ماده (۱۳۴) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) - مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی - حسب مورد یکی از قرارهای تأمین کفالت یا وثیقه (اعم از وجه نقد یا ضمانتنامه بانکی یا مال منقول و غیرمنقول) اخذ می‌نماید. ماده ۱۹ - در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب حساب متضامنا مسوول پرداخت وجه چک بوده و اجراییه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو صادر می‌شود. بعلاوه امضا کننده چک طبق مقررات این قانون مسوولیت کیفری خواهد داشت مگر این که ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی اوست که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسوول خواهد بود. ماده ۲۰ - مسوولیت مدنی پشت‌نویسان چک طبق قوانین و مقررات مربوط کماکان به قوت خود باقی است ماده ۲۱ - بانکها مکلفند کلیه حسابهای جاری اشخاصی را که بیش از یک بار چک بی‌محل صادر کرده و تعقیب آنها منتهی به صدور کیفرخواست شده باشد، بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری دیگر باز نمایند. مسوولین شعب هر بانکی که به تکلیف فوق عمل نمایند حسب مورد با توجه به شرایط و امکانات و دفعات و مراتب جرم به یکی از مجازاتهای مقرر در ماده

۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری توسط هیأت رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهند شد. تبصره ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است سوابق مربوط به اشخاصی را که مبادرت به صدور چک بلامحل نموده‌اند، به صورت مرتب و منظم ضبط و نگهداری نماید و فهرست اسامی این اشخاص را در اجرای مقررات این قانون در اختیار کلیه بانکهای کشور قرار دهد. تبصره ۲- ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص از افتتاح حساب جاری و نحوه پاسخ به استعلامات بانکها به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که ظرف مدت سه ماه توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تنظیم و به تصویب هیأت دولت می‌رسد. ماده ۲۲- در صورتی که به متهم دسترسی حاصل نشود، آخرین نشانی متهم در بانک محال علیه اقامتگاه قانونی او محسوب است و هرگونه ابلاغی به نشانی مزبور به عمل می‌آید. هرگاه متهم حسب مورد به نشانی بانکی یا نشانی تعیین شده شناخته نشود یا چنین محلی وجود نداشته باشد گواهی مأمور به منزله ابلاغ اوراق تلقی می‌شود و رسیدگی بدون لزوم احضار متهم به وسیله مطبوعات ادامه خواهد یافت ماده ۲۳- قانون صدور چک مصوب خرداد ۱۳۴۴ نسخ می‌شود.

تصویب‌نامه در خصوص الحاق یک تبصره به بند «ب» ماده (۹) آیین‌نامه بند «ه» ماده (۲۹) قانون برگزاری من

وزارت راه و ترابری هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۵/۷/۱۳۸۶ بنا به پیشنهاد شماره ۲۷۳۷/۱۱ مورخ ۲۵/۲/۱۳۸۶ وزارت راه و ترابری و به استناد بند «ه» ماده (۲۹) قانون برگزاری مناقصات - مصوب ۱۳۸۳- تصویب نمود: متن زیر به عنوان تبصره به بند «ب» ماده (۹) آیین‌نامه بند «ه» ماده (۲۹) قانون برگزاری مناقصات، موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۱۷۸/ت/۳۴۱۶۲-ه مورخ ۱۶/۷/۱۳۸۵ الحاق می‌گردد. «تبصره - موافقت قطعی انجام فعالیت‌های پژوهشی در زمینه‌های مربوط به دانشگاهها، مؤسسات تحقیقاتی و پژوهشی، مراکز رشد و پارکهای علم و فناوری و سایر مراکز تحقیقاتی قانونی که حسب مورد توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی صادر می‌شوند، به منزله گواهینامه صلاحیت برای ارجاع کارهای پژوهشی و تحقیقاتی که دارای اعتبارات پژوهشی هستند تلقی می‌شوند». ارجاع کارهای پژوهشی و تحقیقاتی به دانشگاهها، مؤسسات و مراکز یادشده با ترک تشریفات مناقصه انجام می‌گیرد. معاون اول رئیس جمهور - پرویز داودی

کار و تامین اجتماعی

قانون کار جمهوری اسلامی ایران - مصوب مهرماه ۱۳۶۸

فصل اول تعاریف کلی و اصول (م ۱ تا م ۶)

ماده ۱. کلیه کارفرمایان کارگران کارگاهها، مؤسسات تولیدی صنعتی خدماتی و کشاورزی مکلف به تبعیت از این قانون می‌باشند.
ماده ۲. کارگر از لحاظ این قانون کسی است که به هر عنوان در مقابل دریافت حق‌السعی اعم از مزد، حقوق، سهم سود و سایر مزایا به درخواست کارفرما کار می‌کند. ماده ۳. کارفرما شخصی است حقیقی یا حقوقی که کارگر به درخواست و به حساب او در مقابل دریافت حق‌السعی کار می‌کند. مدیران و مسوولان و به طور عموم کلیه کسانی که عهده‌دار اداره کارگاه هستند، نماینده کارفرما محسوب می‌شوند و کارفرما مسوول کلیه تعهداتی است که نمایندگان مذکور در قبال کارگر به عهده می‌گیرند. در صورتی که نماینده کارفرما خارج از اختیارات خود تعهدی بنماید و کارفرما آن را نپذیرد، در مقابل کارفرما ضامن است ماده ۴. کارگاه محلی است که کارگر به درخواست کارفرما یا نماینده او در آنجا کار می‌کند، از قبیل مؤسسات صنعتی کشاورزی، معدنی ساختمانی ترابری مسافربری خدماتی تجاری تولیدی اماکن عمومی و امثال آنها. کلیه تاسیساتی که به اقتضای کار متعلق به کارگاه‌اند، از قبیل نمازخانه ناهارخوری تعاونی‌ها، شیرخوارگاه مهدکودک، درمانگاه، حمام آموزشگاه حرفه‌ای قرائت خانه

کلاس‌های سوادآموزی و سایر مراکز آموزشی و اماکن مربوط به شورا و انجمن اسلامی و بسیج کارگران ورزشگاه و وسایل ایاب و ذهاب و نظایر آنها جزء کارگاه می‌باشند. ماده ۵. کلیه کارگران کارفرمایان نمایندگان آنان و کارآموزان و نیز کارگاه‌ها مشمول مقررات این قانون می‌باشند. ماده ۶. براساس بند چهار اصل چهل و سوم و بند شش اصل دوم و اصول نوزدهم بیستم و بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اجبار افراد به کار معین و بهره‌کشی از دیگری ممنوع و مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود و همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و هر کس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.

فصل دوم قرارداد کار

مبحث اول تعریف قرارداد کار و شرایط اساسی انعقاد آن (م ۷ تا م ۱۳)

ماده ۷. قرارداد کار عبارت است از قرارداد کتبی یا شفاهی که به موجب آن کارگر در قبال دریافت حقوق السعی کاری را برای مدت موقت یا مدت غیر موقت برای کارفرما انجام می‌دهد. تبصره ۱. حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت آنها جنبه غیر مستمر دارد توسط وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۲. در کارهایی که طبیعت آنها جنبه مستمر دارد، در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائمی تلقی می‌شود. ماده ۸. شروط مذکور در قرارداد کار یا تغییرات بعدی آن در صورتی نافذ خواهد بود که برای کارگر مزایایی کمتر از امتیازات مقرر در این قانون منظور ننماید. ماده ۹. برای صحت قرارداد کار در زمان بستن قرارداد رعایت شرایط ذیل الزامی است الف - مشروعیت مورد قرارداد ب - معین بودن موضوع قرارداد ج - عدم ممنوعیت قانونی و شرعی طرفین در تصرف اموال یا انجام کار مورد نظر تبصره اصل بر صحت کلیه قراردادهای کار است مگر آنکه بطلان آنها در مراجع ذی صلاح به اثبات برسد. ماده ۱۰. قرارداد کار علاوه بر مشخصات دقیق طرفین باید حاوی موارد ذیل باشد: الف - نوع کار یا حرفه یا وظیفه‌ای که کارگر باید به آن اشتغال یابد. ب - حقوق یا مزد مبنا و لواحق آن ج - ساعات کار، تعطیلات و مرخصیها د - محل انجام کار ه - تاریخ انعقاد قرارداد و - مدت قرارداد، چنانچه کار برای مدت معین باشد. ز - موارد دیگری که عرف و عادات شغل یا محل ایجاب نماید. تبصره در مواردی که قرارداد کار کتبی باشد قرارداد در چهار نسخه تنظیم می‌گردد که یک نسخه از آن به اداره کل محل و یک نسخه نزد کارگر و یک نسخه نزد کارفرما و یک نسخه دیگر در اختیار شورای اسلامی کار و در کارگاه‌های فاقد شورا در اختیار نماینده کارگر قرار می‌گیرد. ماده ۱۱. طرفین می‌توانند با توافق یکدیگر مدتی را به نام دوره آزمایشی کار تعیین نمایند. در خلال این دوره هر یک از طرفین حق دارد، بدون اخطار قبلی و بی آنکه الزام به پرداخت خسارت داشته باشد، رابطه کار را قطع نماید. در صورتی که قطع رابطه کار از طرف کارفرما باشد وی ملزم به پرداخت حقوق تمام دوره آزمایشی خواهد بود و چنانچه کارگر رابطه کار را قطع نماید کارگر فقط مستحق دریافت حقوق مدت انجام کار خواهد بود. تبصره مدت دوره آزمایشی باید در قرارداد کار مشخص شود. حداکثر این مدت برای کارگران ساده و نیمه ماهر یک ماه و برای کارگران ماهر و دارای تخصص سطح بالا سه ماه می‌باشد. ماده ۱۲. هر نوع تغییر حقوقی در وضع مالکیت کارگاه از قبیل فروش یا انتقال به هر شکل تغییر نوع تولید، ادغام در مؤسسه دیگر، ملی شدن کارگاه فوت مالک و امثال اینها، در رابطه قراردادی کارگرانی که قراردادشان قطعیت یافته است موثر نمی‌باشد و کارفرمای جدید، قائم مقام تعهدات و حقوق کارفرمای سابق خواهد بود. ماده ۱۳. در مواردی که کار از طریق مقاطعه انجام می‌یابد، مقاطعه‌دهنده مکلف است قرارداد خود

را با مقاطعه کار به نحوی منعقد نماید که در آن مقاطعه کار متعهد گردد که تمامی مقررات این قانون را در مورد کارکنان خود اعمال نماید. تبصره ۱. مطالبات کارگر جزء دیون ممتازه بوده و کارفرمایان موظف می‌باشند بدهی پیمانکاران به کارگران را برابر رای مراجع قانونی از محل مطالبات پیمانکار، من جمله ضمانت حسن انجام کار، پرداخت نمایند. تبصره ۲. چنانچه مقاطعه‌دهنده برخلاف ترتیب فوق به انعقاد قرارداد با مقاطعه کار پردازد و یا قبل از پایان ۴۵ روز از تحویل موقت تسویه حساب نماید، مکلف به پرداخت دیون مقاطعه کار درقبال کارگران خواهد بود.

مبحث دوم تعلیق قرارداد کار (م ۱۴ تا م ۲۰)

ماده ۱۴. چنانچه به واسطه امور مذکور در مواد آتی انجام تعهدات یکی از طرفین موقتا متوقف شود، قرارداد کار به حال تعلیق درمی‌آید و پس از رفع آنها قرارداد کار با احتساب سابقه خدمت (از لحاظ بازنشستگی و افزایش مزد) به حالت اول برمی‌گردد. تبصره مدت خدمت نظام وظیفه (ضرورت احتیاط و ذخیره و همچنین مدت شرکت داوطلبانه کارگران در جبهه جزء سوابق خدمت و کار آنان محسوب می‌شود. ماده ۱۵. در موردی که به واسطه قوه قهریه و یا بروز حوادث غیرقابل پیش‌بینی که وقوع آن از اراده طرفین خارج است تمام یا قسمتی از کارگاه تعطیل شود و انجام تعهدات کارگر یا کارفرما به‌طور موقت غیرممکن گردد، قراردادهای کار با کارگران تمام یا آن‌قسمت از کارگاه که تعطیل می‌شود به حال تعلیق درمی‌آید. تشخیص موارد فوق با وزارت کار و امور اجتماعی است ماده ۱۶. قرارداد کارگرانی که مطابق این قانون از مرخصی تحصیلی و یا دیگر مرخصی‌های بدون حقوق یا مزد استفاده می‌کنند، در طول مرخصی و به مدت دو سال به حال تعلیق درمی‌آید. تبصره مرخصی تحصیلی برای دو سال دیگر قابل تمدید است ماده ۱۷. قرارداد کارگری که توقیف می‌گردد و توقیف وی منتهی به حکم محکومیت نمی‌شود در مدت توقیف به حال تعلیق درمی‌آید و کارگر پس از رفع توقیف به کار خود باز می‌گردد. ماده ۱۸. چنانچه توقیف کارگر به سبب شکایت کارفرما باشد و این توقیف در مراجع حل اختلاف منتهی به حکم محکومیت نگردد، مدت آن جزء سابقه خدمت کارگر محسوب می‌شود و کارفرما مکلف است علاوه بر جبران ضرر و زیان وارده که مطابق حکم دادگاه به کارگر می‌پردازد، مزد و مزایای وی را نیز پرداخت نماید. تبصره کارفرما مکلف است تا زمانی که تکلیف کارگر از طرف مراجع مذکور مشخص نشده باشد، برای رفع احتیاجات خانواده وی حداقل پنجاه درصد از حقوق ماهیانه او را به طور علی‌الحساب به خانواده‌اش پرداخت نماید. ماده ۱۹. در دوران خدمت نظام وظیفه قرارداد کار به حالت تعلیق درمی‌آید، ولی کارگر باید حداکثر تا دو ماه پس از پایان خدمت به کار سابق خود برگردد و چنانچه شغل وی حذف شده باشد در شغلی مشابه آن به کار مشغول می‌شود. ماده ۲۰. در هر یک از موارد مذکور در مواد ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۹ چنانچه کارفرما پس از رفع حالت تعلیق از پذیرفتن کارگر خودداری کند، این عمل در حکم اخراج غیر قانونی محسوب می‌شود و کارگر حق دارد ظرف مدت ۳۰ روز به هیات تشخیص مراجعه نماید (در صورتی که کارگر عذر موجه داشته باشد) و هرگاه کارفرما نتواند ثابت کند که نپذیرفتن کارگر مستند به دلایل موجه بوده است به تشخیص هیات مزبور مکلف به بازگرداندن کارگر به کار و پرداخت حقوق یا مزد وی از تاریخ مراجعه به کارگاه می‌باشد و اگر بتواند آنرا اثبات کند به ازای هر سال سابقه کار ۴۵ روز آخرین مزد به وی پرداخت نماید. تبصره چنانچه کارگر بدون عذر موجه حداکثر ۳۰ روز پس از رفع حالت تعلیق آمادگی خود را برای انجام کار به کارفرما اعلام نکند و یا پس از مراجعه و استنکاف کارفرما، به هیات تشخیص مراجعه نماید، مستعفی شناخته می‌شود که در این صورت کارگر مشمول اخذ حق سنوات به ازای هر سال یک ماه آخرین حقوق خواهد بود.

مبحث سوم خاتمه قرارداد کار (م ۲۱ تا م ۲۸)

ماده ۲۱. قرارداد کار به یکی از طرق زیر خاتمه می‌یابد: الف - فوت کارگر. ب - بازنشستگی کارگر. ج - از کار افتادگی کلی کارگر. د - انقضای مدت در قراردادهای کار با مدت موقت و عدم تجدیدصریح یا ضمنی آن ه - پایان کار در قراردادهایی که مربوط به کار معین است و - استعفای کارگر. تبصره کارگری که استعفا می‌کند موظف است یک ماه به کار خود ادامه داده و بدوا استعفای خود را کتبا به کارفرما اطلاع دهد و در صورتی که حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز انصراف خود را کتبا به کارفرما اعلام نماید، استعفای وی منتفی تلقی می‌شود و کارگر موظف است رونوشت استعفا و انصراف از آن را به شورای اسلامی کارگاه و یا انجمن صنفی و یا نماینده کارگران تحویل دهد. ماده ۲۲. در پایان کار، کلیه مطالباتی که ناشی از قرارداد کار و مربوط به دوره اشتغال کارگر در موارد فوق است به کارگر و در صورت فوت او به وارث قانونی وی پرداخت خواهد شد. تبصره تا تعیین تکلیف وارث قانونی و انجام مراحل اداری و برقراری مستمری توسط سازمان تامین اجتماعی این سازمان موظف است نسبت به پرداخت حقوق متوفی به میزان آخرین حقوق دریافتی به طور علی‌الحساب و به مدت سه ماه به عائله تحت تکفل وی اقدام نماید. ماده ۲۳. کارگر از لحاظ دریافت حقوق یا مستمری‌های ناشی از فوت بیماری بازنشستگی بیکاری تعلیق از کارافتادگی کلی و جزئی و یا مقررات حمایتی و شرایط مربوط به آنها تابع قانون تامین اجتماعی خواهد بود. ماده ۲۴. در صورت خاتمه قرارداد کار، کار معین یا مدت موقت کارفرما مکلف است به کارگری که مطابق قرارداد، یک سال یا بیشتر، به کار اشتغال داشته است برای هر سال سابقه اعم از متوالی یا متناوب براساس آخرین حقوق مبلغی معادل یک ماه حقوق به‌عنوان مزایای پایان کار به وی پرداخت نماید. ماده ۲۵. هر گاه قرارداد کار برای مدت موقت و یا برای انجام کار معین منعقد شده باشد هیچ‌یک از طرفین به تنهایی حق فسخ آن را ندارد. تبصره رسیدگی به اختلافات ناشی از نوع این قراردادها در صلاحیت هیات‌های تشخیص و حل اختلاف است ماده ۲۶. هر نوع تغییر عمده در شرایط کار که برخلاف عرف معمول کارگاه و یا محل کار باشد و پس از اعلام موافقت کتبی اداره کار و اموراجتماعی محل قابل اجراست در صورت بروز اختلاف رای هیات حل اختلاف قطعی و لازم‌الاجراست ماده ۲۷. هر گاه کارگر در انجام وظایف محوله قصور ورزد و یا آیین‌نامه‌های انضباطی کارگاه را پس از تذکرات کتبی نقض نماید کارفرما حق دارد در صورت اعلام نظر مثبت شورای اسلامی کار علاوه بر مطالبات و حقوق معوقه به نسبت هر سال سابقه کار معادل یک ماه آخرین حقوق کارگر را به عنوان «حق سنوات به وی پرداخته و قرارداد کار را فسخ نماید. در واحدهایی که فاقد شورای اسلامی کار هستند نظر مثبت انجمن صنفی لازم است و در هر مورد از موارد یاد شده اگر مساله با توافق حل نشد به هیات تشخیص ارجاع و در صورت عدم حل اختلاف از طریق هیات حل اختلاف رسیدگی و اقدام خواهد شد. در مدت رسیدگی مراجع حل اختلاف قرارداد کار به حالت تعلیق درمی‌آید. تبصره ۱. کارگاه‌هایی که مشمول قانون شورای اسلامی کار نبوده و یا شورای اسلامی کار و یا انجمن صنفی در آن تشکیل نگردیده باشد یا فاقد نماینده کارگر باشند اعلام نظر مثبت هیات تشخیص موضوع ماده ۱۵۸ این قانون) در فسخ قرارداد کار الزامی است تبصره ۲. موارد قصور و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های انضباطی کارگاه‌ها، به موجب مقرراتی است که با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید. ماده ۲۸. نمایندگان قانونی کارگران و اعضای شوراهای اسلامی کار و همچنین داوطلبان واجد شرایط نمایندگی کارگران و شوراهای اسلامی کار، در مراحل انتخابات قبل از اعلام نظر قطعی هیات تشخیص (موضوع ماده ۲۲ قانون شوراهای اسلامی کار) و رای هیات حل اختلاف کماکان به فعالیت خود در همان واحد ادامه داده و مانند سایر کارگران مشغول کار و همچنین انجام وظایف و امور محوله خواهند بود. تبصره ۱. هیات تشخیص و هیات حل اختلاف پس از دریافت شکایت در مورد اختلاف فی‌مابین نماینده یا نمایندگان قانونی کارگران و کارفرما، فوراً و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی و نظر نهایی خود را اعلام خواهند داشت در هر صورت هیات حل اختلاف موظف است حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ دریافت شکایت به موضوع رسیدگی نماید. تبصره ۲. در کارگاه‌هایی که شورای اسلامی کار

تشکیل نگردیده و یا در مناطقی که هیات تشخیص (موضوع ماده ۲۲ قانون شوراهای اسلامی کار) تشکیل نشده و یا اینکه کارگاه مورد نظر مشمول قانون شوراهای اسلامی کار نمی‌باشد، نمایندگان کارگران و یا نمایندگان انجمن صنفی قبل از اعلام نظر قطعی هیات تشخیص (موضوع ماده ۲۲ قانون شوراهای اسلامی کار) و رای نهایی هیات حل اختلاف کماکان به فعالیت خود در همان واحد ادامه داده و مشغول کار و همچنین انجام وظایف و امور محوله خواهند بود.

مبحث چهارم جبران خسارت از هر قبیل و پرداخت مزایای پایان کار (م ۲۹ تا م ۳۳)

ماده ۲۹. در صورتی که بنا به تشخیص هیات حل اختلاف کارفرما موجب تعلیق قرارداد از ناحیه کارگر شناخته شود، کارگر استحقاق دریافت خسارت ناشی از تعلیق را خواهد داشت و کارفرما مکلف است کارگر تعلیقی از کار را به کار سابق وی بازگرداند. ماده ۳۰. چنانچه کارگاه بر اثر قوه قهریه (زلزله سیل و امثال اینها) و یا حوادث غیر قابل پیش‌بینی (جنگ و نظایر آن تعطیل گردد و کارگران آن بیکار شوند، پس از فعالیت مجدد کارگاه کارفرما مکلف است کارگران بیکار شده را در همان واحد بازسازی شده و مشاغلی که در آن به وجود می‌آید به کار اصلی بگمارد. تبصره دولت مکلف است با توجه به اصل بیست و نهم قانون اساسی و با استفاده از درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم و نیز از طریق ایجاد صندوق بیمه بیکاری نسبت به تامین معاش کارگران بیکار شده کارگاه‌های موضوع ماده ۴ این قانون و با توجه به بند ۲ اصل چهل و سوم قانون اساسی امکانات لازم را برای اشتغال مجدد آنان فراهم نماید. ماده ۳۱. چنانچه خاتمه قرارداد کار به لحاظ از کارافتادگی کلی و یا بازنشستگی کارگر باشد، کارفرما باید براساس آخرین مزد کارگر به نسبت هر سال سابقه خدمت حقوقی به میزان ۳۰ روز مزد به وی پرداخت نماید. این وجه علاوه بر مستمری از کارافتادگی و یا بازنشستگی کارگر است که توسط سازمان تامین اجتماعی پرداخت می‌شود. ماده ۳۲. اگر خاتمه قرارداد کار در نتیجه کاهش تواناییهای جسمی و فکری ناشی از کار کارگر باشد (بنا به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهداشت و درمان منطقه با معرفی شورای اسلامی کار و یا نمایندگان قانونی کارگر) کارفرما مکلف است به نسبت هر سال سابقه خدمت معادل دو ماه آخرین حقوق به وی پرداخت نماید. ماده ۳۳. تشخیص موارد از کار افتادگی کلی و جزئی و یا بیماریهای ناشی از کار یا ناشی از غیر کار و فوت کارگر و میزان قصور کارفرما در انجام وظایف محوله قانونی که منجر به خاتمه قرارداد کار می‌شود، براساس ضوابطی خواهد بود که به پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل سوم شرایط کار

مبحث اول حق السعی (م ۳۴ تا م ۵۰)

ماده ۳۴. کلیه دریافتهای قانونی که کارگر به اعتبار قرارداد کار، اعم از مزد یا حقوق، کمک عائله‌مندی هزینه‌های مسکن خواربار، ایاب و ذهاب مزایای غیرنقدی پاداش افزایش تولید، سود سالانه و نظایر آنها دریافت می‌نماید را حق السعی می‌نامند. ماده ۳۵. مزد عبارت است از وجوه نقدی یا غیر نقدی و یا مجموع آنها که در مقابل انجام کار به کارگر پرداخت می‌شود. تبصره ۱. چنانچه مزد با ساعت انجام کار مرتبط باشد، مزد ساعتی و در صورتی که براساس میزان انجام کار و یا محصول تولید شده باشد، کارمزد و چنانچه بر اساس محصول تولید شده و یا میزان انجام کار در زمان معین باشد، کارمزد ساعتی نامیده می‌شود. تبصره ۲. ضوابط و

مزایای مربوط به مزد ساعتی کارمزد ساعتی و کارمزد و مشاغل قابل شمول موضوع این ماده که با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید تعیین می‌گردد. حداکثر ساعات کار موضوع ماده فوق نباید از حداکثر ساعت قانونی کار تجاوز نماید. ماده ۳۶. مزد ثابت عبارت است از مجموع مزد شغل و مزایای ثابت پرداختی به تبع شغل تبصره ۱. در کارگاه‌هایی که دارای طرح طبقه‌بندی و ارزیابی مشاغل نیستند منظور از مزایای ثابت پرداختی به تبع شغل مزایایی است که بر حسب ماهیت شغل یا محیط کار و برای ترمیم مزد در ساعات عادی کار پرداخت می‌گردد، از قبیل مزایای سختی کار، مزایای سرپرستی فوق العاده شغل و غیره تبصره ۲. در کارگاه‌هایی که طرح طبقه‌بندی مشاغل به مرحله اجرا درآمده است مزد گروه و پایه مزد مبنا را تشکیل می‌دهد. تبصره ۳. مزایای رفاهی و انگیزه‌ای از قبیل کمک هزینه مسکن خواربار و کمک عائله‌مندی پاداش افزایش تولید و سود سالانه جزو مزد ثابت و مزد مبنا محسوب نمی‌شود. ماده ۳۷. مزد باید در فواصل زمانی مرتب و در روز غیر تعطیل و ضمن ساعات کار به وجه نقد رایج کشور یا با تراضی طرفین به وسیله چک عهده بانک و با رعایت شرایط ذیل پرداخت شود: الف - چنانچه براساس قرارداد یا عرف کارگاه مبلغ مزد به صورت روزانه یا ساعتی تعیین شده باشد، پرداخت آن باید پس از محاسبه در پایان روز یا هفته یا پانزده روز یکبار به نسبت ساعات کار و یا روزهای کارکرد صورت گیرد. ب - در صورتی که بر اساس قرارداد یا عرف کارگاه پرداخت مزد به صورت ماهانه باشد، این پرداخت باید در آخر ماه صورت گیرد. در این حالت مزد مذکور حقوق نامیده می‌شود. تبصره در ماههای سی و یک روز مزایا و حقوق باید براساس سی و یک روز محاسبه و به کارگر پرداخت شود. ماده ۳۸. برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می‌گیرد باید به زن و مرد مزد مساوی پرداخت شود. تبعیض در تعیین میزان مزد براساس سن جنس نژاد و قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است ماده ۳۹. مزد و مزایای کارگرانی که به صورت نیمه وقت و یا کمتر از ساعات قانونی تعیین شده به کار اشتغال دارند به نسبت ساعات کار انجام یافته محاسبه و پرداخت می‌شود. ماده ۴۰. در مواردی که با توافق طرفین قسمتی از مزد به صورت غیر نقدی پرداخت می‌شود، باید ارزش نقدی تعیین شده برای این گونه پرداختها منصفانه و معقول باشد. ماده ۴۱. شورای عالی کار همه ساله موظف است میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین نماید: ۱ - حداقل مزد کارگران باتوجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود. ۲ - حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگیهای کار محول شده را مورد توجه قرار دهد، باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تامین نماید. تبصره کارفرمایان موظفند که در ازای انجام کار در ساعات تعیین شده قانونی به هیچ کارگری کمتر از حداقل مزد تعیین شده جدید، پرداخت نمایند و در صورت تخلف ضامن تأدیه مابه التفاوت مزد پرداخت شده و حداقل مزد جدید می‌باشند. ماده ۴۲. حداقل مزد موضوع ماده ۴۱ این قانون منحصرأ باید به صورت نقدی پرداخت شود. پرداختهای غیر نقدی به هر صورت که در قراردادها پیش‌بینی می‌شود، به عنوان پرداختی تلقی می‌شود که اضافه بر حداقل مزد است ماده ۴۳. کارگران کارمزد برای روزهای جمعه و تعطیلات رسمی و مرخصی استحقاق دریافت مزد را دارند و ماخذ محاسبه میانگین کارمزد آنها در این روزها، کارکرد آخرین ماه کار آنهاست مبلغ پرداختی در هر حال نباید کمتر از حداقل مزد قانونی باشد. ماده ۴۴. چنانچه کارگر به کارفرمای خود مدیون باشد، در قبال این دیون وی تنها می‌تواند مازاد بر حداقل مزد را به موجب حکم دادگاه برداشت نمود. در هر حال این مبلغ نباید از یک چهارم کل مزد کارگر بیشتر باشد. تبصره نفقه و کسوه افراد واجب‌النفقه کارگر از قاعده مستثنی و تابع مقررات قانون مدنی می‌باشد. ماده ۴۵. کارفرما فقط در موارد ذیل می‌تواند از مزد کارگر برداشت نماید: الف - موردی که قانون صراحتاً اجازه داده باشد. ب - هنگامی که کارفرما به عنوان مساعده وجهی به کارگر داده باشد. ج - اقساط وامهایی که کارفرما به کارگر داده است طبق ضوابط مربوطه د - چنانچه در اثر اشتباه محاسبه مبلغی اضافه پرداخت شده باشد. ه - مال الاجاره خانه سازمانی (که میزان آن با توافق طرفین تعیین گردیده است در صورتی که اجاره‌ای

باشد با توافق طرفین تعیین می‌گردد. و - وجوهی که پرداخت آن از طرف کارگر برای خرید اجناس ضروری از شرکت تعاونی مصرف همان کارگاه تعهد شده است تبصره هنگام دریافت وام مذکور در بند ج با توافق طرفین باید میزان اقساط پرداختی تعیین گردد. ماده ۴۶. به کارگرانی که به موجب قرارداد یا موافقت بعدی به ماموریت‌های خارج از محل خدمت اعزام می‌شوند فوق العاده ماموریت تعلق می‌گیرد. این فوق العاده نباید کمتر از مزد ثابت یا مزد مبنای روزانه کارگران باشد، همچنین کارفرما مکلف است وسیله یا هزینه رفت و برگشت آنها را تامین نماید. تبصره ماموریت به موردی اطلاق می‌شود که کارگر برای انجام کار حداقل ۵۰ کیلومتر از محل کارگاه اصلی دور شود و یا ناگزیر باشد حداقل یک شب در محل ماموریت توقف نماید. ماده ۴۷. به منظور ایجاد انگیزه برای تولید بیشتر و کیفیت بهتر و تقلیل ضایعات و افزایش علاقمندی و بالا بردن سطح درآمد کارگران طرفین قرارداد دریافت و پرداخت پاداش افزایش تولید را مطابق آیین‌نامه‌ای که با تصویب وزیر کار و امور اجتماعی تعیین می‌شود منعقد می‌نمایند. ماده ۴۸. به منظور جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری وزارت کار و امور اجتماعی موظف است نظام ارزیابی و طبقه‌بندی مشاغل را با استفاده از استاندارد مشاغل و عرف مشاغل کارگری در کشور تهیه نماید و به مرحله اجرا در آورد. ماده ۴۹. به منظور استقرار مناسبات صحیح کارگاه با بازار کار در زمینه مزد و مشخص بودن شرح وظایف و دامنه مسئولیت مشاغل مختلف در کارگاه کارفرمایان مشمول این قانون موظفند با همکاری کمیته طبقه‌بندی مشاغل کارگاه و یا موسسات ذی صلاح طرح طبقه‌بندی مشاغل را تهیه کنند و پس از تایید وزارت کار و امور اجتماعی به مرحله اجرا در آورند. تبصره ۱. وزارت کار و امور اجتماعی دستورالعمل و آیین‌نامه‌های اجرایی طرح ارزیابی مشاغل کارگاه‌های مشمول این ماده را که ناظر به تعداد کارگران و تاریخ اجرای طرح است تعیین و اعلام خواهد کرد. تبصره ۲. صلاحیت موسسات و افرادی که به تهیه طرح‌های طبقه‌بندی مشاغل در کارگاه‌ها می‌پردازند باید مورد تایید وزارت کار و امور اجتماعی باشد. تبصره ۳. اختلافات ناشی از اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل با نظر وزارت کار و امور اجتماعی در هیات حل اختلاف قابل رسیدگی است ماده ۵۰. چنانچه کارفرمایان مشمول این قانون در مهلت‌های تعیین شده از طرف وزارت کار و امور اجتماعی مشاغل کارگاه‌های خود را ارزیابی نکرده باشند، وزارت کار و امور اجتماعی انجام این امر را به یکی از دفاتر موسسات مشاور فنی ارزیابی مشاغل و یا اشخاص صاحب صلاحیت (موضوع تبصره ۲ ماده ۴۹) واگذار خواهد کرد. تبصره کارفرما علاوه بر پرداخت هزینه‌های مربوط به این امر، مکلف به پرداخت جریمه‌ای معادل ۵۰٪ هزینه‌های مشاوره به حساب درآمد عمومی کشور نزد خزانه‌داری کل است از تاریخی که توسط وزارت کار و امور اجتماعی تعیین می‌شود کارفرما باید مابه‌التفاوت احتمالی مزد ناشی از اجرای طرح ارزیابی مشاغل را بپردازد.

مبحث دوم مدت (م ۵۱ تا م ۶۱)

ماده ۵۱. ساعت کار در این قانون مدت زمانی است که کارگر نیرو یا وقت خود را به منظور انجام کار در اختیار کارفرما قرار می‌دهد. به غیر از مواردی که در این قانون مستثنی شده است ساعات کار کارگران در شبانه روز نباید از ۸ ساعت تجاوز نماید. تبصره ۱. کارفرما با توافق کارگران نماینده یا نمایندگان قانونی آنان می‌تواند ساعات کار را در بعضی از روزهای هفته کمتر از میزان مقرر و در دیگر روزها اضافه بر این میزان تعیین کند، به شرط آنکه مجموع ساعات کار هر هفته از ۴۴ ساعت تجاوز نکند. تبصره ۲. در کارهای کشاورزی کارفرما می‌تواند با توافق کارگران نماینده یا نمایندگان قانونی آنان ساعات کار در شبانه روز را با توجه به کار، عرف و فصول مختلف تنظیم نماید. ماده ۵۲. در کارهای سخت و زیان آور و زیرزمینی ساعات کار نباید از شش ساعت در روز و ۳۶ ساعت در هفته تجاوز نماید. تبصره کارهای سخت و زیان آور و زیرزمینی به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط شورای عالی حفاظت فنی و بهداشت کار و شورای عالی کار تهیه و به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی و بهداشت

درمان و آموزش پزشکی خواهد رسید. ماده ۵۳. کار روز کارهایی است که زمان انجام آن از ساعت ۶ بامداد تا ۲۲ می‌باشد و کار شب کارهایی است که زمان انجام آن بین ۲۲ تا ۶ بامداد قرار دارد. کار مختلط نیز کارهایی است که بخشی از ساعات انجام آن در روز و قسمتی از آن در شب واقع می‌شود. در کارهای مختلط ساعتی که جزء کار شب محسوب می‌شود، کارگر از فوق العاده موضوع ماده ۵۸ این قانون استفاده می‌نماید. ماده ۵۴. کار متناوب کاری است که نوعاً در ساعات متوالی انجام نمی‌یابد، بلکه در ساعات معینی از شبانه روز صورت می‌گیرد. تبصره فواصل تناوب کار در اختیار کارگر است و حضور او در کارگاه الزامی نیست در کارهای متناوب ساعات کار و فواصل تناوب و نیز کار اضافه نباید از هنگام شروع تا خاتمه جمعا از ۱۵ ساعت در شبانه روز بیشتر باشد. ساعت شروع و خاتمه کار و فواصل تناوب با توافق طرفین و نوع کار و عرف کارگاه تعیین می‌گردد. ماده ۵۵. کار نوبتی عبارت است از کاری که در طول ماه گردش دارد، به نحوی که نوبتهای آن در صبح یا عصر یا شب واقع می‌شود. ماده ۵۶. کارگری که در طول ماه به طور نوبتی کار می‌کند و نوبتهای کار وی در صبح و عصر واقع می‌شود ۱۰٪ و چنانچه نوبتها در صبح و عصر و شب قرار گیرد ۱۵٪ و در صوتی که نوبتها به صبح و شب یا عصر و شب بیفتد ۲۲٪ علاوه بر مزد به عنوان فوق العاده نوبت کاری دریافت خواهد کرد. ماده ۵۷. در کار نوبتی ممکن است ساعات کار از ۸ ساعت در شبانه‌روز و چهل و چهار ساعت در هفته تجاوز نماید، لکن جمع ساعات کار در چهار هفته متوالی نباید از ۱۷۶ ساعت تجاوز کند. ماده ۵۸. برای هر ساعت کار در شب تنها به کارگران غیر نوبتی ۳۵٪ اضافه بر مزد ساعت کار عادی تعلق می‌گیرد. ماده ۵۹. در شرایط عادی ارجاع کار اضافی به کارگر با شرایط ذیل مجاز است الف - موافقت کارگر. ب - پرداخت ۴۰٪ اضافه بر مزد هر ساعت کار عادی تبصره ساعات کار اضافی ارجاعی به کارگران نباید از ۴ ساعت در روز تجاوز نماید (مگر در موارد استثنایی با توافق طرفین). ماده ۶۰. ارجاع کار اضافی با تشخیص کارفرما به شرط پرداخت اضافه کاری (موضوع بند ب ماده ۵۹) و برای مدتی که جهت مقابله با اوضاع و احوال ذیل ضرورت دارد مجاز است و حداکثر اضافه کاری موضوع این ماده ۸ ساعت در روز خواهد بود (مگر در موارد استثنایی با توافق طرفین: الف - جلوگیری از حوادث قابل پیش بینی و یا ترمیم خسارتی که نتیجه حوادث مذکور است ب - اعاده فعالیت کارگاه در صورتی که فعالیت مذکور به علت بروز حادثه یا اتفاق طبیعی از قبیل سیل زلزله و یا اوضاع و احوال غیر قابل پیش بینی دیگر قطع شده باشد. تبصره ۱. پس از انجام کار اضافی در موارد فوق، کارفرما مکلف است حداکثر ظرف مدت ۴۸ ساعت موضوع را به اداره کار و امور اجتماعی اطلاع دهد تا ضرورت کار اضافی و مدت آن تعیین شود. تبصره ۲. در صورت عدم تایید ضرورت کار اضافی توسط اداره کار و امور اجتماعی محل کارفرما مکلف به پرداخت غرامت و خسارات وارده به کارگر خواهد بود. ماده ۶۱. ارجاع کار اضافی به کارگرانی که کار شبانه یا کارهای خطرناک و سخت و زیان آور انجام می‌دهند ممنوع است

مبحث سوم تعطیلات و مرخصی‌ها (م ۶۲ تا م ۷۴)

ماده ۶۲. روز جمعه روز تعطیل هفتگی کارگران با استفاده از مزد می‌باشد. تبصره ۱. در امور مربوط به خدمات عمومی نظیر آب برق، اتوبوسرانی و یا در کارگاههایی که برحسب نوع یا ضرورت کار و یا توافق طرفین به طور مستمر روز دیگری برای تعطیل تعیین شود، همان روز در حکم روز تعطیل هفتگی خواهد بود و به هر حال تعطیل یک روز معین در هفته اجباری است کارگرانی که به هر عنوان به این ترتیب روزهای جمعه کار می‌کنند، در مقابل عدم استفاده از تعطیلی روز جمعه ۴۰٪ اضافه بر مزد دریافت خواهند کرد. تبصره ۲. در صورتی که روزهای کار در هفته کمتر از شش روز باشد، مزد روز تعطیل هفتگی کارگر معادل یک ششم مجموع مزد یا حقوق دریافتی وی در روزهای کار در هفته خواهد بود. تبصره ۳. کارگاههایی که با انجام ۵ روز کار در هفته و ۴۴ ساعت کار قانونی کارگزارانشان از دو روز تعطیل استفاده می‌کنند، مزد هر یک از دو روز تعطیل هفتگی برابر با مزد روزانه کارگران

خواهد بود. ماده ۶۳. علاوه بر تعطیلات رسمی کشور، روز کارگر (۱۱ اردیبهشت نیز جزء تعطیلات رسمی کارگران به حساب می‌آید. ماده ۶۴. مرخصی استحقاقی سالانه کارگران با استفاده از مزد و احتساب چهار روز جمعه جمعا یک ماه است سایر روزهای تعطیل جزء ایام مرخصی محسوب نخواهد شد. برای کار کمتر از یک سال مرخصی مزبور به نسبت مدت کار انجام یافته محاسبه می‌شود. ماده ۶۵. مرخصی سالیانه کارگرانی که به کارهای سخت و زیان آور اشتغال دارند ۵ هفته می‌باشد. استفاده از این مرخصی حتی الامکان در دو نوبت و در پایان هر شش ماه کار صورت می‌گیرد. ماده ۶۶. کارگر نمی‌تواند بیش از ۹ روز از مرخصی سالانه خود را ذخیره کند. ماده ۶۷. هر کارگر حق دارد به منظور ادای فریضه حج واجب در تمام مدت کار خویش فقط برای یک نوبت یک ماه به عنوان مرخصی استحقاقی یا مرخصی بدون حقوق استفاده نماید. ماده ۶۸. میزان مرخصی استحقاقی کارگران فصلی بر حسب ماه‌های کارکرد تعیین می‌شود. ماده ۶۹. تاریخ استفاده از مرخصی با توافق کارگر و کارفرما تعیین می‌شود و در صورت اختلاف بین کارگر و کارفرما نظر اداره کار و امور اجتماعی محل لازم الاجراست تبصره در مورد کارهای پیوسته (زنجیره‌ای و تمامی کارهایی که همواره حضور حداقل معینی از کارگران در روزهای کار را اقتضای نماید، کارفرما مکلف است جدول زمانی استفاده از مرخصی کارگران را ظرف سه ماه آخر هر سال برای سال بعد تنظیم و پس از تایید شورای اسلامی کار یا انجمن صنفی یا نماینده کارگران اعلام نماید. ماده ۷۰. مرخصی کمتر از یک روز کار جزء مرخصی استحقاقی منظور می‌شود. ماده ۷۱. در صورت فسخ یا خاتمه قرارداد کار یا بازنشستگی و از کار افتادگی کلی کارگر و یا تعطیل کارگاه مطالبات مربوط به مدت مرخصی استحقاقی کارگر به وی و در صورت فوت او به ورثه او پرداخت می‌شود. ماده ۷۲. نحوه استفاده از مرخصی بدون حقوق کارگران و مدت آن و شرایط برگشت آنها به کار پس از استفاده از مرخصی با توافق کتبی کارگر یا نماینده قانونی او و کارفرما تعیین خواهد شد. ماده ۷۳. کلیه کارگران در موارد ذیل حق برخورداری از سه روز مرخصی با استفاده از مزد را دارند: الف - ازدواج دائم ب - فوت همسر، پدر، مادر و فرزندان ماده ۷۴. مدت مرخصی استعلاجی با تایید سازمان تامین اجتماعی جزء سوابق کار و بازنشستگی کارگران محسوب خواهد شد.

مبحث چهارم شرایط کار زنان (م ۷۵ تا م ۷۸)

ماده ۷۵. انجام کارهای خطرناک سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگران زن ممنوع است دستور العمل و تعیین نوع و میزان این قبیل موارد با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید. ماده ۷۶. مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن جمعا ۹۰ روز است حتی الامکان ۴۵ روز از این مرخصی باید پس از زایمان مورد استفاده قرار گیرد. برای زایمان توامان ۱۴ روز به مرخصی اضافه می‌شود. تبصره ۱. پس از پایان مرخصی زایمان کارگر زن به کار سابق خود باز می‌گردد و این مدت با تایید سازمان تامین اجتماعی جزء سوابق خدمت وی محسوب می‌شود. تبصره ۲. حقوق ایام مرخصی زایمان طبق مقررات قانون تامین اجتماعی پرداخت خواهد شد. ماده ۷۷. در مواردی که به تشخیص پزشک سازمان تامین اجتماعی نوع کار برای کارگر باردار خطرناک یا سخت تشخیص داده شود، کارفرما تا پایان دوره بارداری وی بدون کسری حق السعی کارمناسبت و سبکتری به او ارجاع می‌نماید. ماده ۷۸. در کارگاه‌هایی که دارای کارگر زن هستند کارفرما مکلف است به مادران شیرده تا پایان دو سالگی کودک پس از هر سه ساعت نیم ساعت فرصت شیردادن بدهد. این فرصت جزء ساعات کار آنان محسوب می‌شود و همچنین کارفرما مکلف است متناسب با تعداد کودکان و با در نظر گرفتن گروه سنی آنها مراکز مربوط به نگهداری کودکان (از قبیل شیرخوارگاه مهد کودک و ...) را ایجاد نماید. تبصره آیین نامه اجرایی ضوابط تاسیس و اداره شیرخوارگاه و مهد کودک توسط سازمان بهزیستی کل کشور تهیه و پس از تصویب وزیر کار و

امور اجتماعی به مرحله اجراء گذاشته می‌شود.

مبحث پنجم شرایط کار نوجوانان (م ۷۹ تا م ۸۴)

ماده ۷۹. به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است ماده ۸۰. کارگری که سنش بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام باشد، کارگرنوجوان نامیده می‌شود و در بدو استخدام باید توسط سازمان تامین اجتماعی مورد آزمایش‌های پزشکی قرار گیرد. ماده ۸۱. آزمایش‌های پزشکی کارگرنوجوان حداقل باید سالی یک بار تجدید شود و مدارک مربوط در پرونده استخدامی وی ضبط گردد. پزشک درباره تناسب نوع کار با توانایی کارگرنوجوان اظهارنظر می‌کند و چنانچه کار مربوط را نامناسب بداند کارفرما مکلف است در حدود امکانات خود شغل کارگر را تغییر دهد. ماده ۸۲. ساعات کار روزانه کارگرنوجوان نیم ساعت کمتر از ساعت کار معمولی کارگران است ترتیب استفاده از این امتیاز باتوافق کارگر و کارفرما تعیین می‌شود. ماده ۸۳. ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان آور و خطرناک و حمل بار با دست بیش از حد مجاز و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگرنوجوان ممنوع است ماده ۸۴. در مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت آن یا شرایطی که کار در آن انجام می‌شود برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان ونوجوانان زیان‌آور است حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود. تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است

فصل چهارم حفاظت فنی و بهداشت کار

مبحث اول کلیات (م ۸۵ تا م ۹۵)

ماده ۸۵. برای صیانت نیروی انسانی و منابع مادی کشور، رعایت دستورالعملهایی که از طریق شورای عالی حفاظت فنی (جهت تامین حفاظت فنی و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی جهت جلوگیری از بیماری‌های حرفه‌ای و تامین بهداشت کار و کارگر و محیط کار) تدوین می‌شود، برای کلیه کارگاه‌ها، کارفرمایان کارگران و کارآموزان الزامی است تبصره کارگاه‌های خانوادگی نیز مشمول مقررات این فصل بوده و مکلف به رعایت اصول فنی و بهداشت کار می‌باشند. ماده ۸۶. شورای عالی حفاظت فنی مسوول تهیه موازین و آیین‌نامه‌های حفاظت فنی می‌باشد و از اعضای ذیل تشکیل می‌گردد: ۱- وزیر کار و امور اجتماعی یا معاون او که رییس شورا خواهد بود. ۲- معاون وزارت صنایع ۳- معاون وزارت صنایع سنگین ۴- معاون وزارت کشاورزی ۵- معاون وزارت نفت ۶- معاون وزارت معادن و فلزات ۷- معاون وزارت جهاد سازندگی ۸- رییس سازمان حفاظت محیط زیست ۹- دو نفر از استادان با تجربه دانشگاه در رشته‌های فنی ۱۰- دو نفر از مدیران صنایع ۱۱- دو نفر از نمایندگان کارگران ۱۲- مدیر کل بازرسی کار وزارت کار و امور اجتماعی که دبیر شورا خواهد بود. تبصره ۱. پیشنهادات شورا به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی رسیده و شورا در صورت لزوم می‌تواند برای تهیه طرح آیین‌نامه‌های مربوط به حفاظت فنی کارگران در محیط کار و انجام سایر وظایف مربوط به شورا، کمیته‌های تخصصی مرکب از کارشناسان تشکیل دهد. تبصره ۲. آیین‌نامه داخلی شورا با پیشنهاد شورای عالی حفاظت فنی به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید. تبصره ۳. انتخاب اساتید دانشگاه نمایندگان کارگران و نمایندگان مدیران صنایع مطابق دستورالعملی خواهد بود که توسط شورای عالی حفاظت فنی تهیه و به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید. ماده ۸۷. اشخاص حقیقی و حقوقی که بخواهند کارگاه جدیدی احداث نمایند یا

کارگاههای موجود را توسعه دهند، مکلفند بدو برنامه کار و نقشه‌های ساختمانی و طرحهای مورد نظر را از لحاظ پیش‌بینی در امر حفاظت فنی و بهداشت کار، برای اظهار نظر و تایید به وزارت کار و امور اجتماعی ارسال دارند. وزارت کار و امور اجتماعی موظف است نظرات خود را ظرف مدت یک ماه اعلام نماید. بهره‌برداری از کارگاه‌های مزبور منوط به رعایت مقررات حفاظتی و بهداشتی خواهد بود. ماده ۸۸. اشخاص حقیقی یا حقوقی که به ساخت یا ورود و عرضه ماشین‌ها می‌پردازند مکلف به رعایت موارد ایمنی و حفاظتی مناسب می‌باشند. ماده ۸۹. کارفرمایان مکلفند پیش از بهره‌برداری از ماشینها، دستگاهها، ابزار و لوازمی که آزمایش آنها مطابق آیین‌نامه‌های مصوب شورای عالی حفاظت فنی ضروری شناخته شده است آزمایشهای لازم را توسط آزمایشگاهها و مراکز مورد تایید شورای عالی حفاظت فنی انجام داده و مدارک مربوطه را حفظ و یک نسخه از آنها را برای اطلاع به وزارت کار و امور اجتماعی ارسال نمایند. ماده ۹۰. کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی که بخواهند لوازم حفاظت فنی و بهداشت را وارد یا تولید کنند، باید مشخصات وسایل را حسب مورد همراه با نمونه‌های آن به وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ارسال دارند و پس از تایید، به ساخت یا وارد کردن این وسایل اقدام نمایند. ماده ۹۱. کارفرمایان و مسوولان کلیه واحدهای موضوع ماده ۸۵ این قانون مکلفند براساس مصوبات شورای عالی حفاظت فنی برایتامین حفاظت و سلامت و بهداشت کارگران در محیط کار، وسایل و امکانات لازم را تهیه و در اختیار آنان قرار داده و چگونگی کاربرد وسایل فوق‌الذکر را به آنان بیاموزند و در خصوص رعایت مقررات حفاظتی و بهداشتی نظارت نمایند. افراد مذکور نیز ملزم به استفاده و نگهداری از وسایل حفاظتی و بهداشتی فردی و اجرای دستورالعملهای مربوطه کارگاه می‌باشند. ماده ۹۲. کلیه واحدهای موضوع ماده ۸۵ این قانون که شاغلین در آنها به اقتضای نوع کار در معرض بروز بیماری‌های ناشی از کار قرار دارند باید برای همه افراد مذکور پرونده پزشکی تشکیل دهند و حداقل سالی یکبار توسط مراکز بهداشتی - درمانی از آنها معاینه و آزمایشهای لازم را به عمل آورند و نتیجه را در پرونده مربوطه ضبط نمایند. تبصره ۱. چنانچه با تشخیص شورای پزشکی نظر داده شود که فرد معاینه شده به بیماری ناشی از کار مبتلا یا در معرض ابتلا باشد، کارفرما و مسوولین مربوطه مکلفند کار او را براساس نظریه شورای پزشکی مذکور بدون کاهش حق‌السعی در قسمت مناسب دیگری تعیین نمایند. تبصره ۲. در صورت مشاهده چنین بیمارانی وزارت کار و امور اجتماعی مکلف به بازدید و تایید مجدد شرایط فنی و بهداشت و ایمنی محیط کار خواهد بود. ماده ۹۳. به منظور جلب مشارکت کارگران و نظارت بر حسن اجرای مقررات حفاظتی و بهداشتی در محیط کار و پیشگیری از حوادث و بیماریها، در کارگاههایی که وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ضروری تشخیص دهند، کمیته حفاظت فنی و بهداشت کار تشکیل خواهد شد. تبصره ۱. کمیته مذکور از افراد متخصص در زمینه حفاظت فنی و بهداشت حرفه‌ای و امور فنی کارگاه تشکیل می‌شود و از بین اعضا، دو نفر شخص واجد شرایطی که مورد تایید وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی و بهداشت درمان و آموزش پزشکی باشند تعیین می‌گردند که وظیفه‌شان برقراری ارتباط میان کمیته مذکور با کارفرما و وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی می‌باشد. تبصره ۲. نحوه تشکیل و ترکیب اعضا براساس دستورالعملهایی خواهد بود که توسط وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی تهیه و ابلاغ خواهد شد. ماده ۹۴. در مواردی که یک یا چند نفر از کارگران یا کارکنان واحدهای موضوع ماده ۸۵ این قانون امکان وقوع حادثه یا بیماری ناشی از کار را در کارگاه یا واحد مربوطه پیش‌بینی نمایند، می‌توانند مراتب را به کمیته حفاظت فنی و بهداشت کار یا مسوول حفاظت فنی و بهداشت کار اطلاع دهند و این امر نیز بایستی توسط فرد مطلع شده در دفتری که به همین منظور نگهداری می‌شود ثبت گردد. تبصره چنانچه کارفرما یا مسوول واحد، وقوع حادثه یا بیماری ناشی از کار را محقق نداند، موظف است در اسرع وقت موضوع را همراه با دلایل و نظرات خود به نزدیکترین اداره کار و امور اجتماعی محل اعلام نماید. اداره کار و امور اجتماعی مذکور موظف است در اسرع وقت توسط بازرسین کار به موضوع رسیدگی و اقدام لازم را معمول نماید. ماده ۹۵. مسوولیت اجرای مقررات و ضوابط فنی و بهداشت کار برعهده کارفرما یا

مسئولین واحدهای موضوع ذکر شده در ماده ۸۵ این قانون خواهد بود. هرگاه بر اثر عدم رعایت مقررات مذکور از سوی کارفرما یا مسئولین واحد، حادثه‌ای رخ دهد، شخص کارفرما یا مسئول مذکور از نظر کیفری و حقوقی و نیز مجازات‌های مندرج در این قانون مسئول است تبصره ۱. کارفرما یا مسئولان واحدهای موضوع ماده ۸۵ این قانون موظفند کلیه حوادث ناشی از کار را در دفتر ویژه‌ای که فرم آن از طریق وزارت کار و امور اجتماعی اعلام می‌گردد، ثبت و مراتب را سریعاً به صورت کتبی به اطلاع اداره کار و امور اجتماعی محل برسانند. تبصره ۲. چنانچه کارفرما یا مدیران واحدهای موضوع ماده ۸۵ این قانون برای حفاظت فنی و بهداشت کار و وسایل و امکانات لازم را در اختیار کارگر قرار داده باشند و کارگر با وجود آموزشهای لازم و تذکرات قبلی بدون توجه به دستورالعمل و مقررات موجود، از آنها استفاده ننماید، کارفرما مسئولیتی نخواهد داشت در صورت بروز اختلاف رای هیات حل اختلاف نافذ خواهد بود.

مبحث دوم بازرسی کار (م ۹۶ تا م ۱۰۶)

ماده ۹۶. به منظور اجرای صحیح این قانون و ضوابط حفاظت فنی اداره کل بازرسی وزارت کار و امور اجتماعی با وظایف ذیل تشکیل می‌شود: الف - نظارت بر اجرای مقررات ناظر به شرایط کار به ویژه مقررات حمایتی مربوط به کارهای سخت و زیان آور و خطرناک مدت کار، رفاه کارگر، اشتغال زنان و کارگران نوجوان ب - نظارت بر اجرای صحیح مقررات قانون کار و آیین‌نامه‌ها و دستورالعملهای مربوط به حفاظت فنی ج - آموزش مسایل مربوط به حفاظت فنی و راهنمایی کارگران کارفرمایان و کلیه افرادی که در معرض صدمات و ضایعات ناشی از حوادث و خطرات ناشی از کار قرار دارند. د - بررسی و تحقیق پیرامون اشکالات ناشی از اجرای مقررات حفاظت فنی و تهیه پیشنهاد لازم جهت اصلاح میزانه‌ها و دستورالعملهای مربوط به موارد مذکور، مناسب با تحولات و پیشرفتهای تکنولوژی ه - رسیدگی به حوادث ناشی از کار در کارگاه‌های مشمول و تجزیه و تحلیل عمومی و آماری این گونه موارد به منظور پیشگیری حوادث تبصره ۱. وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مسئول برنامه‌ریزی کنترل ارزشیابی و بازرسی در زمینه بهداشت کار و درمان کارگری بوده و موظف است اقدامات لازم را در این زمینه به عمل آورد. تبصره ۲. بازرسی به صورت مستمر، همراه با تذکر اشکالات و معایب و نواقص و در صورت لزوم تقاضای تعقیب متخلفان در مراجع صالح انجام می‌گیرد. ماده ۹۷. اشتغال در سمت بازرسی کار منوط به گذراندن دوره‌های آموزش نظری و عملی در بدو استخدام است تبصره آیین‌نامه شرایط استخدام بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار با پیشنهاد مشترک وزارت کار و امور اجتماعی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و سازمان امور اداری و استخدامی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. این شرایط به نحوی تدوین خواهد شد که ثبات و استقلال شغلی بازرسان را تامین کند و آنها را از هر نوع تعرض مصون بدارد. ماده ۹۸. بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار در حدود وظایف خویش حق دارند بدون اطلاع قبلی در هر موقع از شبانه‌روز به موسسات مشمول ماده ۸۵ این قانون وارد شده و به بازرسی بپردازند و نیز می‌توانند به دفاتر و مدارک مربوطه در موسسه مراجعه و در صورت لزوم از تمام یا قسمتی از آنها رونوشت تحصیل نمایند. تبصره ورود بازرسان کار به کارگاههای خانوادگی منوط به اجازه کتبی دادستان محل خواهد بود. ماده ۹۹. بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار حق دارند به منظور اطلاع از ترکیبات موادی که کارگران با آنها در تماس می‌باشند و یا در انجام کار مورد استفاده قرار می‌گیرند، به اندازه‌ای که برای آزمایش لازم است در مقابل رسید، نمونه بگیرند و به روسای مستقیم خود تسلیم نمایند. تبصره سایر مقررات مربوط به چگونگی بازرسی کار مطابق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد شورای عالی حفاظت فنی و بهداشت کار حسب مورد به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی و وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی خواهد رسید. ماده ۱۰۰. کلیه بازرسان کار و کارشناسان بهداشت حرفه‌ای دارای کارت ویژه حسب مورد با امضای وزیر کار و امور

اجتماعی یا وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی هستند که هنگام بازرسی باید همراه آنها باشد و در صورت تقاضای مقامات رسمی مسوولین کارگاه ارائه شود. ماده ۱۰۱. گزارش بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار در موارد مربوط به حدود وظایف و اختیاراتشان در حکم گزارش ضابطین دادگستری خواهد بود. تبصره ۱. بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار می‌توانند به‌عنوان مطلع و کارشناس در جلسات مراجع حل اختلاف شرکت نمایند. تبصره ۲. بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار نمی‌توانند در تصمیم‌گیری مراجع حل اختلاف نسبت به پرونده‌هایی که قبلاً به‌عنوان بازرس در مورد آنها اظهار نظر کرده‌اند، شرکت کنند. ماده ۱۰۲. بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار نمی‌توانند در کارگاهی اقدام به بازرسی نمایند که خود یا یکی از بستگان نسبی آنها تا طبقه سوم و یا یکی از اقربای سببی درجه اول ایشان به طور مستقیم در آن ذی نفع باشند. ماده ۱۰۳. بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار حق ندارند در هیچ مورد حتی پس از برکناری از خدمت دولت اسرار و اطلاعات را که به مقتضای شغل خود به دست آورده‌اند و یا نام اشخاصی را که به آنان اطلاعاتی داده یا موارد تخلف را گوشزد کرده‌اند، فاش نمایند. تبصره متخلفین از مقررات این ماده مشمول مجازات‌های مقرر در قوانین مربوط خواهند بود. ماده ۱۰۴. کارفرمایان و دیگر کسانی که مانع ورود بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار به کارگاه‌های مشمول این قانون گردند و یا مانع انجام وظیفه ایشان شوند یا از دادن اطلاعات و مدارک لازم به آنان خودداری نمایند، حسب مورد به مجازات‌های مقرر در این قانون محکوم خواهند شد. ماده ۱۰۵. هرگاه در حین بازرسی به تشخیص بازرس کار یا کارشناس بهداشت حرفه‌ای احتمال وقوع حادثه و یا بروز خطر در کارگاه داده شود، بازرس کار یا کارشناس بهداشت حرفه‌ای مکلف هستند مراتب را فوراً و کتبا به کارفرما یا نماینده او و نیز به رئیس مستقیم خود اطلاع دهند. تبصره ۱. وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی حسب مورد گزارش بازرسان کار و کارشناسان بهداشت حرفه‌ای از دادسرای عمومی محل و در صورت عدم تشکیل دادسرا، از دادگاه عمومی محل تقاضا خواهند کرد فوراً قرار تعطیل و لاک و مهر تمام یا قسمتی از کارگاه را صادر نماید. دادستان بلافاصله نسبت به صدور قرار اقدام و قرار مذکور پس از ابلاغ قابل اجراء است دستور رفع تعطیل توسط مرجع مزبور در صورتی صادر خواهد شد که بازرس کار یا کارشناس بهداشت حرفه‌ای و یا کارشناسان ذی‌ربط دادگستری رفع نواقص و معایب موجود را تأیید نموده باشند. تبصره ۲. کارفرما مکلف است در ایامی که به علت فوق کار تعطیل می‌شود مزد کارگران را بپردازد. تبصره ۳. متضرران از قرارهای موضوع این ماده در صورت اعتراض به گزارش بازرس کار و یا کارشناس بهداشت حرفه‌ای و تعطیل کارگاه می‌توانند از مراجع مزبور، به دادگاه صالح شکایت کنند و دادگاه مکلف است به فوریت و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی نماید. تصمیم دادگاه قطعی و قابل اجراء است ماده ۱۰۶. دستورالعملها و آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط به این فصل به پیشنهاد مشترک وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل پنجم آموزش و اشتغال

مبحث اول کارآموز و مراکز کارآموزی

اول - مراکز کارآموزی (م ۱۰۷ تا م ۱۱۱)

ماده ۱۰۷. در اجرای اهداف قانون اساسی به منظور اشتغال مولد و مستمر جویندگان کار و نیز بالا بردن دانش فنی کارگران وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است امکانات آموزشی لازم را فراهم سازد. تبصره وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذی نفع موظف به همکاریهای لازم با وزارت کار و امور اجتماعی می‌باشند. ماده ۱۰۸. وزارت کار و امور اجتماعی موظف است برحسب نیاز و

باتوجه به استقرار نوع صنعت موجود در نقاط مختلف کشور برای ایجاد و توسعه مراکز کارآموزی ذیل در سطوح مختلف مهارت اقدام نماید: الف - مراکز کارآموزی پایه برای آموزش کارگران و کارجویان غیرماهر. ب - مراکز کارآموزی تکمیل مهارت و تخصصهای موردی برای بازآموزی، ارتقای مهارت و تعلیم تخصصهای پیشرفته به کارگران و کارجویان نیمه ماهر، ماهر و مربیان آموزش حرفه‌ای. ج - مراکز تربیت مربی برای آموزش مربیان مراکز کارآموزی. د - مراکز کارآموزی خاص معلولین و جانبازان با همکاری وزارتخانه‌ها و سازمانهای ذی ربط (مانند وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، بنیاد شهید، بنیاد جانبازان و ...) ماده ۱۰۹. مراکز آموزش مذکور در ماده ۱۰۸ این قانون از نظر مالیو اداری با رعایت قانون محاسبات عمومی به طور مستقل زیر نظر وزارت کار و امور اجتماعی اداره خواهند شد. ماده ۱۱۰. واحدهای صنعتی، تولیدی و خدماتی به منظور مشارکت در امر آموزش کارگر ماهر و نیمه ماهر مورد نیاز خویش مکلفند نسبت به ایجاد مراکز کارآموزی جوار کارگاه و یا بین کارگاهی، همکاریهای لازم را با وزارت کار و امور اجتماعی به عمل آورند. تبصره ۱. وزارت کار و امور اجتماعی، استانداردها و جزوات مربوط به امر آموزش در مراکز کارآموزی جوار کارگاه و بین کارگاهی را تهیه و در مورد تعلیم و تامین مربیان مراکز مزبور اقدام مینماید. تبصره ۲. دستورالعملها و مقررات مربوط به ایجاد مراکز کارآموزی جوار کارگاه و بین کارگاهی برحسب مورد به پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۱۱. علاوه بر تشکیل مراکز کارآموزی توسط وزارت کار و امور اجتماعی، آموزشگاه فنی و حرفه‌ای آزاد نیز به منظور آموزش صنعت یا حرفه معین به وسیله اشخاص حقیقی یا حقوقی، باکسب پروانه از وزارت کار و امور اجتماعی تاسیس می شود. تبصره آیین‌نامه مربوط به تشخیص صلاحیت فنی و موسسات کارآموزی آزاد و صلاحیت مسوول و مربیان و نیز نحوه نظارت وزارت کار و امور اجتماعی بر این مؤسسات با پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

دوم - کارآموز و قرارداد کارآموزی (م ۱۱۲ تا م ۱۱۸)

ماده ۱۱۲. از لحاظ مقررات این قانون کارآموز به افراد ذیل اطلاق می شود: الف - کسانی که فقط برای فرا گرفتن حرفه‌ای خاص بازآموزی یا ارتقا مهارت برای مدت معین در مراکز کارآموزی و یا آموزشگاههای آزاد، آموزش می بینند. ب - افرادی که به موجب قرارداد کارآموزی به منظور فراگرفتن حرفه‌ای خاص برای مدت معین که زاید بر سه سال نباشد، در کارگاهی معین به کارآموزی توأم با کار اشتغال دارند، مشروط بر آنکه سن آنها از ۱۵ سال کمتر نبوده و از ۱۸ سال تمام بیشتر نباشد. تبصره ۱. کارآموزان بند الف ممکن است کارگرانی باشند که مطابق توافق کتبی منعقد با کارفرما به مراکز کارآموزی معرفی می شوند و یا داوطلبانی باشند که شاغل نیستند و راسا به مراکز کارآموزی مراجعه مینمایند. تبصره ۲. دستورالعملهای مربوط به شرایط پذیرش حقوق و تکالیف دوره کارآموزی داوطلبان مذکور در بند «ب» با پیشنهاد شورای عالی کار، به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی میرسد. ماده ۱۱۳. کارگران شاغلی که مطابق تبصره یک ماده ۱۱۲ برای کارآموزی در یکی از مراکز کارآموزی پذیرفته می شوند، از حقوق زیر برخوردار خواهند بود: الف - رابطه استخدامی کارگر در مدت کارآموزی قطع نمیشود و این مدت از هر لحاظ جزء سوابق کارگر محسوب می شود. ب - مزد کارگر در مدت کارآموزی از مزد ثابت و یا مزد مبنا کمتر نخواهد بود. ج - مزایای غیر نقدی، کمکها و فوق العاده‌هایی که برای جبران هزینه‌زندگی و مسؤولیت‌های خانوادگی به کارگر پرداخت میشود در دوره کارآموزی کماکان پرداخت خواهد شد. چنانچه کارفرما قبل از پایان مدت بدون دلیل موجه ادامه کارآموزی شود و از این طریق خسارتی به کارگر وارد گردد، کارگر میتواند به مراجع حل اختلاف مندرج در این قانون مراجعه و مطالبه خسارت نماید. ماده ۱۱۴. کارگری که مطابق تبصره (۱) ماده ۱۱۲ برای کارآموزی در یکی از مراکز کارآموزی پذیرفته میشود مکلف است الف - تا پایان مدت مقرر به کارآموزی بپردازد و به طور منظم در برنامه‌های کارآموزی شرکت نموده و مقررات و آیین‌نامه‌های

واحد آموزشی را مراعات نماید و دوره کارآموزی رابا موفقیت به پایان برساند. ب - پس از طی دوره کارآموزی، حداقل دو برابر مدت کارآموزی در همان کارگاه به کار اشتغال ورزد. تبصره در صورتی که کارآموز پس از اتمام کارآموزی حاضر به ادامه کار در کارگاه نباشد، کارفرما می تواند برای مطالبه خسارت مندرج در قرارداد کارآموزی به مراجع حل اختلاف موضوع این قانون مراجعه و تقاضای دریافت خسارت نماید. ماده ۱۱۵. کارآموزان مذکور در بند «ب ماده ۱۱۲»، تابع مقررات مربوط به کارگران نوجوان مذکور در مواد ۷۹ الی ۸۴ این قانون خواهند بود ولی ساعت کار آنان از شش ساعت در روز تجاوز نخواهد کرد. ماده ۱۱۶. قرارداد کارآموزی علاوه بر مشخصات طرفین باید حاوی مطالب ذیل باشد: الف - تعهدات طرفین ب - سن کارآموز. ج - مزد کارآموز. د - محل کارآموزی. ه - حرفه یا شغلی که طبق استاندارد مصوب تعلیم داده خواهد شد. و - شرایط فسخ قرارداد (در صورت لزوم. ز - هر نوع شرط دیگری که طرفین در حدود مقررات قانونی ذکر آن رادر قرارداد لازم بدانند. ماده ۱۱۷. کارآموزی توام با کار نوجوانان تا سن ۱۸ سال تمام موضوع ماده ۸۰ این قانون در صورتی مجاز است که از حدود توانایی آنان خارج نبوده و برای سلامت و رشد جسمی و روحی آنان مضر نباشد. ماده ۱۱۸. مراکز کارآموزی موظفند برای آموزش کارآموز، وسایل و تجهیزات کافی را مطابق استانداردهای آموزشی وزارت کار و امور اجتماعی در دسترس وی قرار دهند و به طور منظم و کامل حرفه موردنظر را به او بیاموزند. همچنین مراکز مذکور باید برای تامین سلامت و ایمنی کارآموز در محیط کارآموزی امکانات لازم را فراهم آورند.

مبحث دوم اشتغال (م ۱۱۹)

ماده ۱۱۹. وزارت کار و امور اجتماعی موظف است نسبت به ایجاد مراکز خدمات اشتغال در سراسر کشور اقدام نماید. مراکز خدمات مذکور موظفند تا ضمن شناسایی زمینه‌های ایجاد کار و برنامه‌ریزی برای فرصت‌های اشتغال نسبت به ثبت نام و معرفی بیکاران به مراکز کارآموزی (در صورت نیاز به آموزش و یا معرفی به مراکز تولیدی، صنعتی کشاورزی و خدماتی اقدام نمایند. تبصره ۱. مراکز خدمات اشتغال در مراکز استانها موظف به ایجاددفتری تحت عنوان دفتر برنامه‌ریزی و حمایت از اشتغال معلولین خواهند بود و کلیه موسسات مذکور در این ماده موظف به همکاری با دفاتر مزبور می‌باشند. تبصره ۲. دولت موظف است تا در ایجاد شرکتهای تعاونی تولیدی کشاورزی صنعتی و توزیعی، معلولین را از طریق اعطای وامهای قرض‌الحسنه دراز مدت و آموزشهای لازم و برقراری تسهیلات انجام کار و حمایت از تولید یا خدمات آنان مورد حمایت قرار داده و نسبت به رفع موانع معماری در کلیه مراکز موضوع این ماده و تبصره‌ها که معلولین در آنها حضور می‌یابند اقدام نماید. تبصره ۳. وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است تا آیین‌نامه‌های لازم را در جهت برقراری تسهیلات رفاهی مورد نیاز معلولین شاغل در مراکز انجام کار با نظرخواهی از جامعه معلولین ایران و سازمان بهزیستی کشور تهیه و به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی برساند.

مبحث سوم اشتغال اتباع بیگانه (م ۱۲۰ تا م ۱۲۹)

ماده ۱۲۰. اتباع بیگانه نمی‌توانند در ایران مشغول به کار شوند مگر آنکه اولاد دارای روادید ورود با حق کار مشخص بوده و ثانیاً مطابق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوطه پروانه کار دریافت دارند. تبصره اتباع بیگانه ذیل مشمول مقررات ماده ۱۲۰ نمی‌باشند: الف - اتباع بیگانه‌ای که منحصراً در خدمت ماموریت‌های دیپلماتیک و کنسولی هستند با تایید وزارت امور خارجه ب - کارکنان و کارشناسان سازمان ملل متحد و سازمانهای وابسته به آنها با تایید وزارت امور خارجه ج - خبرنگاران خبرگزاریها و مطبوعات

خارجی به شرط معامله متقابل و تایید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ماده ۱۲۱. وزارت کار و امور اجتماعی با رعایت شرایط ذیل در مورد صدور روادید با حق کار مشخص برای اتباع بیگانه موافقت و پروانه کار صادر خواهد کرد: الف - مطابق اطلاعات موجود در وزارت کار و امور اجتماعی در میان اتباع ایرانی آماده به کار افراد داوطلب واجد تحصیلات و تخصص مشابه وجود نداشته باشد. ب - تبعه بیگانه دارای اطلاعات و تخصص کافی برای اشتغال به کار مورد نظر باشد. ج - از تخصص تبعه بیگانه برای آموزش جایگزینی بعدی افراد ایرانی استفاده شود. تبصره احراز شرایط مندرج در این ماده با هیات فنی اشتغال است ضوابط مربوط به تعداد اعضا و شرایط انتخاب آنها و نحوه تشکیل جلسات هیات به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که بایشهاد وزارت کار و امور اجتماعی به تصویب هیات وزیران می‌رسد. ماده ۱۲۲. وزارت کار و امور اجتماعی می‌تواند نسبت به صدور، تمدید و تجدید پروانه کار افراد ذیل اقدام نماید: الف - تبعه بیگانه‌ای که حداقل ده سال مداوم در ایران اقامت داشته باشد. ب - تبعه بیگانه‌ای که دارای همسر ایرانی باشد. ج - مهاجرین کشورهای بیگانه خصوصاً کشورهای اسلامی و پناهندگان سیاسی به شرط داشتن کارت معتبر مهاجرت و یاپناهندگی و پس از موافقت کتبی وزارتخانه‌های کشور و امور خارجه ماده ۱۲۳. وزارت کار و امور اجتماعی می‌تواند در صورت ضرورت و یا به عنوان معامله متقابل اتباع بعضی از دول و یا افراد بدون تابعیت را (مشروط بر آنکه وضعیت آنان ارادی نباشد) پس از تایید وزارت امور خارجه و تصویب هیات وزیران از پرداخت حق صدور، حق تمدید و یا حق تجدید پروانه کار معاف نماید. ماده ۱۲۴. پروانه کار با رعایت مواد این قانون حداکثر برای مدت یک سال صادر یا تمدید و یا تجدید می‌شود. ماده ۱۲۵. در مواردی که به هر عنوان رابطه استخدامی تبعه بیگانه با کارفرما قطع می‌شود کارفرما مکلف است ظرف پانزده روز، مراتب را به وزارت کار و امور اجتماعی اعلام کند. تبعه بیگانه نیز مکلف است ظرف پانزده روز پروانه کار خود را در برابر اخذ رسید، به وزارت کار و امور اجتماعی تسلیم نماید. وزارت کار و امور اجتماعی در صورت لزوم اخراج تبعه بیگانه را از مراجع ذی صلاح درخواست می‌کند. ماده ۱۲۶. در مواردی که مصلحت صنایع کشور اشتغال فوری تبعه بیگانه را به طور استثنایی ایجاب کند، وزیر مربوطه مراتب را به وزارت کار و امور اجتماعی اعلام می‌نماید و با موافقت وزیر کار و امور اجتماعی برای تبعه بیگانه پروانه کار موقت بدون رعایت تشریفات مربوط به صدور روادید با حق کار مشخص صادر خواهد شد. تبصره مدت اعتبار پروانه کار موقت حداکثر سه ماه است و تمدید آن مستلزم تایید هیات فنی اشتغال اتباع بیگانه خواهد بود. ماده ۱۲۷. شرایط استخدامی کارشناسان و متخصصین فنی بیگانه مورد نیاز دولت با در نظر گرفتن تابعیت و مدت خدمت و میزان مزد آنها و با توجه به نیروی کارشناسان داخلی پس از بررسی و اعلام نظر وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان امور اداری و استخدامی کشور، با تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد بود. پروانه کار جهت استخدام کارشناسان خارجی در هر مورد پس از تصویب مجلس شورای اسلامی از طرف وزارت کار و امور اجتماعی صادر خواهد شد. ماده ۱۲۸. کارفرمایان مکلفند قبل از اقدام به عقد هر گونه قراردادی که موجب استخدام کارشناسان بیگانه می‌شود، نظر وزارت کار و امور اجتماعی را در مورد امکان اجازه اشتغال تبعه بیگانه استعلام نمایند. ماده ۱۲۹. آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط به اشتغال اتباع بیگانه از جمله نحوه صدور، تمدید، تجدید و لغو پروانه کار و نیز شرایط انتخاب اعضای هیات فنی اشتغال اتباع بیگانه مذکور در ماده ۱۲۱ این قانون با پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل ششم تشکلهای کارگری و کارفرمایی (م ۱۳۰ تا م ۱۳۸)

ماده ۱۳۰. به منظور تبلیغ و گسترش فرهنگ اسلامی و دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی و در اجرای اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کارگران واحدهای تولیدی صنعتی کشاورزی خدماتی و صنفی می‌توانند نسبت به تاسیس انجمنهای اسلامی اقدام نمایند. تبصره ۱. انجمنهای اسلامی می‌توانند به منظور هماهنگی در انجام وظایف و شیوه‌های تبلیغی نسبت به تاسیس کانونهای هماهنگی انجمنهای اسلامی در سطح استانها و کانون عالی هماهنگی انجمنهای اسلامی در کل کشور اقدام نمایند.

تبصره ۲. آیین نامه چگونگی تشکیل حدود وظایف و اختیارات و نحوه عملکرد انجمنهای اسلامی موضوع این ماده باید توسط وزارتین کشور، کار و امور اجتماعی و سازمان تبلیغات اسلامی تهیه و به تصویب هیات وزیران برسد. ماده ۱۳۱. در اجرای اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور حفظ حقوق و منافع مشروع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی کارگران و کارفرمایان که خود متضمن حفظ منافع جامعه باشد، کارگران مشمول قانون کار و کارفرمایان یک حرفه یا صنعت می توانند مبادرت به تشکیل انجمنهای صنفی نمایند. تبصره ۱. به منظور هماهنگی در انجام وظایف محوله و قانونی انجمنهای صنفی می توانند نسبت به تشکیل کانون انجمنهای صنفی در استان و کانون عالی انجمنهای صنفی در کل کشور اقدام نمایند. تبصره ۲. کلیه انجمنهای صنفی و کانونهای مربوطه به هنگام تشکیل موظف به تنظیم اساسنامه با رعایت مقررات قانونی و طرح و تصویب آن در مجمع عمومی و تسلیم به وزارت کار و امور اجتماعی جهت ثبت می باشند. تبصره ۳. کلیه نمایندگان کارفرمایان ایران در شورای عالی کار، شورای عالی تامین اجتماعی شورای عالی حفاظت فنی و بهداشت کار، کنفرانس بین المللی کار و نظایر آن توسط کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان در صورت تشکیل انتخاب و در غیر این صورت توسط وزیر کار و امور اجتماعی معرفی خواهند شد. تبصره ۴. کارگران یک واحد، فقط می توانند یکی از سه مورد شورای اسلامی کار، انجمن صنفی یا نماینده کارگران را داشته باشند. تبصره ۵. آیین نامه چگونگی تشکیل حدود وظایف و اختیارات و نحوه عملکرد انجمنهای صنفی و کانونهای مربوطه حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط شورای عالی کار تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۶. آیین نامه نحوه انتخابات نمایندگان مذکور در تبصره ۳ این ماده ظرف یک ماه پس از تصویب این قانون به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید. ماده ۱۳۲. به منظور نظارت و مشارکت در اجرای اصل سی و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین براساس مفاد مربوطه در اصل چهل و سوم قانون اساسی کارگران واحدهای تولیدی صنفی صنعتی خدماتی و کشاورزی که مشمول قانون کار باشند، می توانند نسبت به ایجاد شرکتهای تعاونی مسکن اقدام نمایند. تبصره شرکتهای تعاونی مسکن کارگران هر استان می توانند نسبت به ایجاد کانون هماهنگی شرکتهای تعاونی مسکن کارگران استان اقدام نمایند و کانونهای هماهنگی تعاونیهای مسکن کارگران استانها می توانند نسبت به تشکیل کانون عالی هماهنگی تعاونیهای مسکن کارگران کشور (اتحادیه مرکزی تعاونیهای مسکن کارگران اسکان اقدام نمایند. وزارتخانه های کار و امور اجتماعی مسکن و شهرسازی و اموراتصادی و دارایی موظف به همکاری با اتحادیه اسکان بوده و اساسنامه شرکتهای مذکور توسط وزارت کار و امور اجتماعی به ثبت خواهد رسید. ماده ۱۳۳. به منظور نظارت و مشارکت در اجرای مفاد مربوط به توزیع و مصرف در اصول چهل و سوم و چهل و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کارگران واحدهای تولیدی صنفی صنعتی خدماتی و یا کشاورزی که مشمول قانون کار باشند، می توانند نسبت به ایجاد شرکتهای تعاونی مصرف (توزیع کارگری اقدام نمایند. تبصره شرکتهای تعاونی مصرف (توزیع کارگران می توانند نسبت به تاسیس کانون هماهنگی شرکتهای تعاونی مصرف کارگران استان اقدام نمایند و کانونهای هماهنگی تعاونیهای مصرف (توزیع کارگران استانها می توانند نسبت به تشکیل کانون عالی هماهنگی تعاونیهای مصرف کارگران «اتحادیه مرکزی تعاونیهای مصرف توزیع کارگران - امکان اقدام نمایند. وزارتخانه های کار و امور اجتماعی و بازرگانی و همچنین وزارتخانه های صنعتی موظف هستند تا همکاریهای لازم را با اتحادیه امکان به عمل آورند و اساسنامه شرکتهای تعاونی مذکور توسط وزارت کار و امور اجتماعی به ثبت خواهد رسید. ماده ۱۳۴. به منظور بررسی و پی گیری مسایل و مشکلات صنفی و اجتماعی و حسن اجرای آن قسمت از مفاد اصل بیست و نهم قانون اساسی که متضمن حفظ حقوق و تامین منافع و بهره مندی از خدمات بهداشتی درمانی و مراقبتهای پزشکی می باشد، کارگران و مدیران بازنشسته می توانند به طور مجزا نسبت به تاسیس کانونهای کارگران و مدیران بازنشسته شهرستانها و استانها اقدام نمایند. تبصره ۱. کانونهای کارگران و مدیران بازنشسته استانها می توانند نسبت به تاسیس کانونهای عالی کارگران و مدیران بازنشسته کشور اقدام نمایند. تبصره ۲. وزارتخانه های کار و امور

اجتماعی و بهداشت درمان و آموزش پزشکی و سازمان تامین اجتماعی موظف به همکاری با کانونهای عالی کارگران و مدیران بازنشسته کشور می‌باشند. ماده ۱۳۵. به منظور ایجاد وحدت روش و هماهنگی در امور و تبادل نظر در چگونگی اجرای وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی کار می‌توانند نسبت به تشکیل کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار در استان و کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار در کل کشور اقدام نمایند. تبصره آیین‌نامه چگونگی تشکیل حدود وظایف و اختیارات و نحوه عملکرد کانونهای شوراهای اسلامی کار موضوع این ماده باید توسط وزارتین کشور و کار و امور اجتماعی و سازمان تبلیغات اسلامی تهیه و به تصویب هیات وزیران برسد. ماده ۱۳۶. کلیه نمایندگان رسمی کارگران جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی کار، هیاتهای تشخیص هیاتهای حل اختلاف شورای عالی تامین اجتماعی شورای عالی حفاظت فنی و نظایر آن حسب مورد توسط کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون عالی انجمنهای صنفی کارگران و یا مجمع نمایندگان کارگران انتخاب خواهند شد. تبصره ۱. آیین‌نامه اجرایی این ماده با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۲. در صورتی که تشکلهای عالی کارگری و کارفرمایی موضوع این فصل ایجاد نشده باشند، وزیر کار و امور اجتماعی می‌تواند نسبت به انتخاب نمایندگان مزبور در مجامع شوراها و هیاتهای عالی اقدام نماید. ماده ۱۳۷. به منظور هماهنگی و حسن انجام وظایف مربوطه تشکلهای کارفرمایی و کارگری موضوع این فصل از قانون می‌توانند به طور مجزا نسبت به ایجاد تشکیلات مرکزی اقدام نمایند. تبصره آیین‌نامه‌های انتخابات شورای مرکزی و اساسنامه تشکیلات مرکزی کارفرمایان و همچنین کارگران جداگانه توسط کمیسیون مرکب از نمایندگان شورای عالی کار، وزارت کشور و وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۳۸. مقام ولایت فقیه در صورت مصلحت می‌تواند در هر یک از تشکلهای مذکور نماینده داشته باشند.

فصل هفتم مذاکرات و پیمانهای دسته جمعی کار (م ۱۳۹ تا م ۱۴۶)

ماده ۱۳۹. هدف از مذاکرات دسته جمعی پیشگیری و یا حل مشکلات حرفه‌ای و یا شغلی و یا بهبود شرایط تولید و یا امور رفاهی کارگران است که از طریق تعیین ضوابطی برای مقابله با مشکلات و تامین مشارکت طرفین در حل آنها و یا از راه تعیین و یا تغییر شرایط و نظایر اینها، در سطح کارگاه حرفه و یا صنعت با توافق طرفین تحقق می‌یابد. خواستههای طرح شده از سوی طرفین باید متکی به دلایل و مدارک لازم باشد. تبصره ۱. هر موضوعی که در روابط کار متضمن وضع مقررات و ایجاد ضوابط از طریق مذاکرات دسته جمعی باشد، می‌تواند موضع مذاکره قرار بگیرد، مشروط بر آنکه مقررات جاری کشور و از جمله سیاستهای برنامه‌ای دولت اتخاذ تصمیم در مورد آنها را منع نکرده باشد. مذاکرات دسته جمعی باید به منظور حصول توافق و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات با رعایت شوون طرفین و با خودداری از هرگونه عملی که موجب اختلال نظم جلسات گردد، ادامه یابد. تبصره ۲. در صورتی که طرفین مذاکرات دسته جمعی موافق باشند می‌توانند از وزارت کار و امور اجتماعی تقاضا کنند شخص بی‌طرفی را که در زمینه مسایل کار تبحر داشته باشد و بتواند در مذاکرات هماهنگی ایجاد کند، به عنوان کارشناس پیمانهای دسته جمعی به آنها معرفی نماید. نقش این کارشناس کمک به هر دو طرف در پیشبرد مذاکرات دسته جمعی است ماده ۱۴۰. پیمان دسته جمعی کار عبارت است از پیمان کتبی که به منظور تعیین شرایط کار فیما بین یک یا چند (شورا یا انجمن صنفی و یا نماینده قانونی کارگران از یک طرف و یک یا چند کارفرما و یا نمایندگان قانونی آنها از سوی دیگر و یا فیما بین کانونهای عالی کارگری و کارفرمایی منعقد می‌شود. تبصره در صورتی که مذاکرات دسته جمعی کار منجر به انعقاد پیمان دسته جمعی کار شود، باید متن پیمان در سه نسخه تنظیم و به امضای طرفین برسد. دو نسخه از پیمان در اختیار طرفین عقد پیمان دسته جمعی قرار گرفته و نسخه سوم ظرف سه روز در قبال اخذ رسید و به منظور رسیدگی و تایید، تسلیم وزارت کار و امور اجتماعی خواهد شد. ماده ۱۴۱. پیمانهای دسته جمعی کار هنگامی اعتبار قانونی و قابلیت اجرایی خواهند داشت که الف - مزایایی کمتر از آنچه در قانون کار پیش

بینی گردیده است در آن تعیین نشده باشد. ب - با قوانین و مقررات جاری کشور و تصمیمات و مصوبات قانونی دولت مغایر نباشد. ج - عدم تعارض موضوع یا موضوعات پیمان با بندهای الف و ب به تایید وزارت کار و امور اجتماعی برسد. تبصره ۱. وزارت کار و امور اجتماعی باید نظر خود در مورد مطابقت یا عدم تطابق پیمان با بندهای الف و ب مذکور در این ماده را ظرف ۳۰ روز به طرفین پیمان کتبا اعلام نماید. تبصره ۲. نظر وزارت کار و امور اجتماعی در مورد عدم مطابقت مفاد پیمان دسته جمعی با موضوعات بندهای الف و ب باید متکی به دلایل قانونی و مقررات جاری کشور باشد. دلایل و موارد مستند باید کتبا به طرفین پیمان ظرف مدت مذکور در تبصره یک همین ماده اعلام گردد. ماده ۱۴۲. در صورتی که اختلاف نظر در مورد مواد مختلف این قانون و یا پیمانهای قبلی و یا هر یک از موضوعات مورد درخواست طرفین برای انعقاد پیمان جدید، منجر به تعطیل کار ضمن حضور کارگر در کارگاه و یا کاهش عمدی تولید از سوی کارگران شود، هیات تشخیص موظف است بر اساس درخواست هریک از طرفین اختلاف و یا سازمانهای کارگری و کارفرمایی موضوع اختلاف را سریعاً مورد رسیدگی قرار داده و اعلام نظر نماید. تبصره در صورتی که هر یک از طرفین پیمان دسته جمعی نظر مذکور را نپذیرد می تواند ظرف مدت ده روز از تاریخ اعلام نظر هیات تشخیص (موضوع ماده ۱۵۸) به هیات حل اختلاف مندرج در فصل نهم این قانون مراجعه و تقاضای رسیدگی و صدور رای نماید. هیات حل اختلاف پس از دریافت تقاضا فوراً به موضوع اختلاف در پیمان دسته جمعی رسیدگی و رای خود را نسبت به پیمان دسته جمعی کار اعلام می کند. ماده ۱۴۳. در صورتی که پیشنهادات هیات حل اختلاف ظرف سه روز مورد قبول طرفین واقع نشود رییس اداره کار و امور اجتماعی موظف است بلافاصله گزارش امر را، جهت اتخاذ تصمیم لازم به وزارت کار و امور اجتماعی اطلاع دهد. در صورت لزوم هیات وزیران می تواند مادام که اختلاف ادامه دارد، کارگاه را به هر نحوی که مقتضی بداند به حساب کارفرما اداره نماید. ماده ۱۴۴. در پیمانهای دسته جمعی کار که برای مدت معینی منعقد می گردد، هیچ یک از طرفین نمی تواند به تنهایی قبل از پایان مدت درخواست تغییر آن را بنماید، مگر آن که شرایط استثنایی به تشخیص وزارت کار و امور اجتماعی این تغییر را ایجاب کند. ماده ۱۴۵. فوت کارفرما و یا تغییر مالکیت از وی در اجرای پیمان دسته جمعی کار موثر نمی باشد و چنانچه کار استمرار داشته باشد، کارفرمای جدید قائم مقام کارفرمای قدیم محسوب خواهد شد. ماده ۱۴۶. در کلیه قراردادهای انفرادی کار، که کارفرما قبل از انعقاد پیمان دسته جمعی کار منعقد ساخته و یا پس از آن منعقد می نماید، مقررات پیمان دسته جمعی لازم الاتباع است مگر در مواردی که قراردادهای انفرادی از لحاظ مزد دارای مزایایی بیشتر از پیمان دسته جمعی باشند.

فصل هشتم خدمات رفاهی کارگران م ۱۴۷ تا م ۱۵۶

ماده ۱۴۷. دولت مکلف است خدمات بهداشتی و درمانی را برای کارگران و کشاورزان مشمول این قانون و خانواده آنها فراهم سازد. ماده ۱۴۸. کارفرمایان کارگاههای مشمول این قانون مکلفند بر اساس قانون تامین اجتماعی نسبت به بیمه نمودن کارگران واحد خود اقدام نمایند. ماده ۱۴۹. کارفرمایان مکلفند با تعاونیهای مسکن و در صورت عدم وجود این تعاونیها مستقیماً با کارگران فاقد مسکن جهت تامین خانههای شخصی مناسب همکاری لازم را بنمایند و همچنین کارفرمایان کارگاههای بزرگ مکلف به احداث خانههای سازمانی در جوار کارگاه و یا محل مناسب دیگر می باشند. تبصره ۱. دولت موظف است با استفاده از تسهیلات بانکی وامکانات وزارت مسکن و شهرسازی شهرداریها و سایر دستگاههای ذی ربط همکاری لازم را بنماید. تبصره ۲. نحوه و میزان همکاری و مشارکت کارگران کارفرمایان و دستگاههای دولتی و نوع کارگاههای بزرگ مشمول این ماده طبق آیین نامه ای خواهد بود که توسط وزارتین کار و امور اجتماعی و مسکن و شهرسازی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۵۰. کلیه کارفرمایان مشمول این قانون مکلفند در کارگاه محل مناسب برای ادای فریضه نماز ایجاد نمایند و نیز در ایام ماه مبارک رمضان برای تعظیم شعائر مذهبی و رعایت حال روزه داران باید شرایط و ساعات کار را با همکاری انجمن اسلامی و شورای اسلامی

کار و یا سایر نمایندگان قانونی کارگران طوری تنظیم نمایند که اوقات کار مانع فریضه روزه نباشد. همچنین مدتی از اوقات کار را برای ادای فریضه نماز و صرف افطار یا سحری اختصاص دهند. ماده ۱۵۱. در کارگاههایی که برای مدت محدود به منظور انجام کاری معین (راه‌سازی و مانند آن دور از مناطق مسکونی ایجاد می‌شوند، کارفرمایان موظفند سه وعده غذای مناسب و ارزان قیمت (صبحانه نهار و شام برای کارگران خود فراهم نمایند، که حداقل یک وعده آن باید غذای گرم باشد. در این قبیل کارگاهها به اقتضای فصل محل و مدت کار، باید خوابگاه مناسب نیز برای کارگران ایجاد شود. ماده ۱۵۲. در صورت دوری کارگاه و عدم تکافوی وسیله نقلیه عمومی صاحب کار باید برای رفت و برگشت کارکنان خود وسیله نقلیه مناسب در اختیار آنان قرار دهد. ماده ۱۵۳. کارفرمایان مکلفند برای ایجاد و اداره امور شرکتهای تعاونی کارگران کارگاه خود، تسهیلات لازم را از قبیل محل وسایل کار و امثال اینها فراهم نمایند. تبصره دستورالعملهای مربوط به نحوه اجرای این ماده با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید. ماده ۱۵۴. کلیه کارفرمایان موظفند با مشارکت وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان تربیت بدنی کشور، محل مناسب برای استفاده کارگران در رشته‌های مختلف ورزش ایجاد نمایند. تبصره آیین‌نامه نحوه ایجاد و ضوابط مربوط به آن و همچنین مدت شرکت کارگران در مسابقات قهرمانی ورزشی یا هنری و ساعات متعارف تمرین توسط وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان تربیت بدنی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۵۵. کلیه کارگاهها موظفند بر حسب اعلام وزارت کار و امور اجتماعی و با نظارت این وزارت و سازمانهای مسؤول در امر سوادآموزی بزرگسالان به ایجاد کلاسهای سوادآموزی پردازند. ضوابط نحوه اجرای این تکلیف چگونگی تشکیل کلاس شرکت کارگران در کلاس انتخاب آموزش یاران و سایر موارد آن مشترکاً توسط وزارت کار و امور اجتماعی و نهضت سوادآموزی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره شرط ورود کارگران به دوره‌های مراکز کارآموزی حداقل داشتن گواهینامه نهضت سوادآموزی یا معادل آن است ماده ۱۵۶. دستورالعملهای مربوط به تاسیسات کارگاه از نظر بهداشت محیط کار مانند غذاخوری حمام و دستشویی برابر آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی تصویب و به مرحله اجرا در خواهد آمد.

فصل نهم مراجع حل اختلاف (م ۱۵۷ تا م ۱۶۶)

ماده ۱۵۷. هر گونه اختلاف فردی بین کارفرما و کارگر یا کارآموز که ناشی از اجرای این قانون و سایر مقررات کار، قرارداد کارآموزی موافقت‌نامه‌های کارگاهی یا پیمانهای دسته جمعی کار باشد، در مرحله اول از طریق سازش مستقیم بین کارفرما و کارگر یا کارآموز و یا نمایندگان آنها در شورای اسلامی کار و در صورتی که شورای اسلامی کار در واحدی نباشد، از طریق انجمن صنفی کارگران و یا نماینده قانونی کارگران و کارفرما حل و فصل خواهد شد و در صورت عدم سازش از طریق هیاتهای تشخیص و حل اختلاف به ترتیب آتی رسیدگی و حل و فصل خواهد شد. ماده ۱۵۸. هیات تشخیص مذکور در این قانون از افراد ذیل تشکیل می‌شود: ۱- یک نفر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی ۲- یک نفر نماینده کارگران به انتخاب کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان ۳- یک نفر نماینده مدیران صنایع به انتخاب کانون انجمنهای صنفی کارفرمایان استان در صورت لزوم و با توجه به میزان کارهیاتها، وزارت کار و امور اجتماعی می‌تواند نسبت به تشکیل چند هیات تشخیص در سطح هر استان اقدام نماید. تبصره کارگری که مطابق نظر هیات تشخیص باید اخراج شود، حق دارد نسبت به این تصمیم به هیات حل اختلاف مراجعه و اقامه دعوی نماید. ماده ۱۵۹. رای هیاتهای تشخیص پس از ۱۵ روز از تاریخ ابلاغ آن لازم‌الاجرا می‌گردد و در صورتی که ظرف مدت مذکور یکی از طرفین نسبت به رای مزبور اعتراض داشته باشد اعتراض خود را کتبا به هیات حل اختلاف تقدیم می‌نماید و رای هیات حل اختلاف پس از صدور، قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود. نظرات اعضای هیات بایستی در پرونده درج شود. ماده ۱۶۰. هیات حل اختلاف استان از سه نفر نماینده کارگران به انتخاب کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان یا کانون انجمنهای

صنفي کارگران و يا مجمع نمايندگان کارگران واحدهای منطقه و سه نفر نماينده کارفرمایان به انتخاب مديران واحدهای منطقه و سه نفر نماينده دولت (مدير کل کار و امور اجتماعی فرماندار و رييس دادگستری محل و يا نمايندگان آنها) برای مدت ۲ سال تشكيل می گردد. در صورت لزوم و با توجه به میزان کار هیاتها، وزارت کار و امور اجتماعی می تواند نسبت به تشكيل چند هیات حل اختلاف در سطح استان اقدام نماید. ماده ۱۶۱. هیاتهای حل اختلاف با توجه به حجم کار و ضرورت به تعداد لازم در محل واحدهای کار و امور اجتماعی و حتی الامکان خارج از وقت اداری تشكيل خواهد شد. ماده ۱۶۲. هیاتهای حل اختلاف از طرفین اختلاف برای حضور در جلسه رسیدگی کتبا دعوت می کنند. عدم حضور هر یک از طرفین یا نماينده تام الاختیار آنها مانع رسیدگی و صدور رای توسط هیات نیست مگر آنکه هیات حضور طرفین را ضروری تشخیص دهد. در این صورت فقط یک نوبت تجدید دعوت می نماید. در هر حال هیات حتی الامکان ظرف مدت یک ماه پس از وصول پرونده رسیدگی و رای لازم را صادر می نماید. ماده ۱۶۳. هیاتهای حل اختلاف می توانند در صورت لزوم از مسوولین و کارشناسان انجمنها و شوراهای اسلامی واحدهای تولیدی صنعتی خدماتی و کشاورزی دعوت به عمل آورند و نظرات و اطلاعات آنان را در خصوص موضوع استماع نمایند. ماده ۱۶۴. مقررات مربوط به انتخاب اعضای هیاتهای تشخیص و حل اختلاف و چگونگی تشكيل جلسات آنها توسط شورای عالی کار تهیه و به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید. ماده ۱۶۵. در صورتی که هیات حل اختلاف اخراج کارگر را غیرموجه تشخیص داد، حکم بازگشت کارگر اخراجی و پرداخت حق السعی او را از تاریخ اخراج صادر می کند و در غیر این صورت موجه بودن اخراج کارگر، مشمول اخذ حق سنوات به میزان مندرج در ماده ۲۷ این قانون خواهد بود. تبصره چنانچه کارگر نخواهد به واحد مزبور بازگردد، کارفرما مکلف است که بر اساس سابقه خدمت کارگر به نسبت هر سال ۴۵ روز مزد و حقوق به وی بپردازد. ماده ۱۶۶. آرای قطعی صادره از طرف مراجع حل اختلاف کار، لازم الاجرا بوده و به وسیله اجرای احکام دادگستری به مورد اجرا گذارده خواهد شد. ضوابط مربوط به آن به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به پیشنهاد وزارتین کار و امور اجتماعی و دادگستری به تصویب هیات وزیران می رسد.

فصل دهم شورای عالی کار (م ۱۶۷ تا م ۱۷۰)

ماده ۱۶۷. در وزارت کار و امور اجتماعی شورایی به نام شورای عالی کار تشكيل می شود. وظیفه شورا انجام کلیه تکالیفی است که به موجب این قانون و سایر قوانین مربوطه به عهده آن واگذار شده است اعضای شورا عبارتند از: الف - وزیر کار و امور اجتماعی که ریاست شورا را به عهده خواهد داشت ب - دو نفر از افراد بصیر و مطلع در مسایل اجتماعی و اقتصادی به پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی و تصویب هیات وزیران که یک نفر از آنان از اعضای شورای عالی صنایع انتخاب خواهد شد. ج - سه نفر از نمايندگان کارفرمایان (یک نفر از بخش کشاورزی به انتخاب کارفرمایان د - سه نفر از نمايندگان کارگران (یک نفر از بخش کشاورزی به انتخاب کانون عالی شوراهای اسلامی کار. شورای عالی کار از افراد فوق تشكيل که به استثنای وزیر کار و امور اجتماعی بقیه اعضای آن برای مدت دو سال تعیین و انتخاب می گردند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است تبصره هر یک از اعضای شرکت کننده در جلسه دارای یک رای خواهند بود. ماده ۱۶۸. شورای عالی کار هر ماه حداقل یک بار تشكيل جلسه می دهد. در صورت ضرورت جلسات فوق العاده به دعوت رييس و يا تقاضای سه نفر از اعضای شورا تشكيل می شود. جلسات شورا با حضور هفت نفر از اعضا رسمیت می یابد و تصمیمات آن با اکثریت آرا معتبر خواهد بود. ماده ۱۶۹. شورای عالی کار دارای یک دبیرخانه دائمی است کارشناسان مسایل کاری و اقتصادی و اجتماعی و فنی دبیرخانه مطالعات مربوط به روابط و شرایط کار و دیگر اطلاعات مورد نیاز را تهیه و در اختیار شورای عالی کار قرار می دهند. تبصره محل دبیرخانه شورای عالی کار در وزارت کار و امور اجتماعی است مسوول دبیرخانه به پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی و تصویب شورای عالی کار انتخاب می شود، که به عنوان دبیر شورا،

بدون حق رای در جلسات شورای عالی کار شرکت خواهد کرد. ماده ۱۷۰. دستورالعمل‌های مربوط به چگونگی تشکیل و نحوه اداره شورای عالی کار و وظایف دبیرخانه شورا و همچنین نحوه انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل کارگران و کارفرمایان در شورای عالی کار به موجب مقرراتی خواهد بود که حداکثر ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر کار و امور اجتماعی تهیه به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل یازدهم جرایم و مجازاتها (م ۱۷۱ تا م ۱۸۶)

ماده ۱۷۱. متخلفان از تکالیف مقرر در این قانون حسب مورد مطابق مواد آتی با توجه به شرایط و امکانات خا طی و مراتب جرم به مجازات حبس یا جریمه نقدی و یا هر دو محکوم خواهند شد. در صورتی که تخلف از انجام تکالیف قانونی سبب وقوع حادثه‌ای گردد که منجر به عوارضی مانند نقص عضو و یا فوت کارگر شود، دادگاه مکلف است علاوه بر مجازاتهای مندرج در این فصل نسبت به این موارد طبق قانون تعیین تکلیف نماید. ماده ۱۷۲. کار اجباری با توجه به ماده ۶ این قانون به هر شکل ممنوع است و متخلف علاوه بر پرداخت اجرت‌المثل کار انجام یافته و جبران خسارت با توجه به شرایط و امکانات خا طی و مراتب جرم به حبس از ۹۱ روز تا یک سال و یا جریمه نقدی معادل ۵۰ تا ۲۰۰ برابر حداقل مزد روزانه محکوم خواهد شد. هرگاه چند نفر به اتفاق یا از طریق یک مؤسسه شخصی را به کار اجباری بگمارند هر یک از متخلفان به مجازاتهای فوق محکوم و مشترکاً مسوول پرداخت اجرت‌المثل خواهند بود. مگر آنکه مسبب اقوی از مباشر باشد، که در این صورت مسبب شخصاً مسوول است تبصره چنانچه چند نفر به طور جمعی به کار اجباری گمارده شوند، متخلف یا متخلفین علاوه بر پرداخت اجرت‌المثل با توجه به شرایط و امکانات خا طی و مراتب جرم به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم خواهند شد. ماده ۱۷۳. متخلفان از هر یک از موارد مذکور در مواد ۱۴۹ - ۱۵۱ - ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۵۴ و ۱۵۵ و قسمت دوم ماده ۷۸، علاوه بر رفع تخلف در مهلتی که دادگاه با کسب نظر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد کرد، با توجه به تعداد کارگران و حجم کارگاه در کارگاههای کمتر از ۱۰۰ نفر برای هر بار تخلف به پرداخت جریمه نقدی از هفتاد تا یکصد و پنجاه برابر حداقل مزد روزانه رسمی یک کارگر در تاریخ صدور حکم محکوم خواهند شد و به ازای هر صد نفر کارگر اضافی در کارگاه ۱۰ برابر حداقل مزد به حداکثر جریمه مذکور اضافه خواهد شد. ماده ۱۷۴. متخلفان از هر یک از موارد مذکور در مواد ۳۸ - ۴۵ - ۴۹ - ۵۹ تبصره ماده ۴۱، برای هر مورد تخلف حسب مورد علاوه بر رفع تخلف یا تادیه حقوق کارگر و یا هر دو در مهلتی که دادگاه با کسب نظر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد کرد، به ازای هر کارگر به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد: ۱ - برای تا ۱۰ نفر، ۲۰ تا ۵۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. ۲ - برای تا ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰ نفر، ۵ تا ۱۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. ۳ - برای بالاتر از ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰۰ نفر، ۲ تا ۵ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. ماده ۱۷۵. متخلفان از هر یک از موارد مذکور در مواد ۷۸ (قسمت اول - ۸۰ - ۸۱ - ۸۲ و ۹۲ برای هر مورد تخلف حسب مورد علاوه بر رفع تخلف یا تادیه حقوق کارگر و یا هر دو در مهلتی که دادگاه با کسب نظر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد کرد، به ازای هر کارگر به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد: ۱ - برای تا ۱۰ نفر، ۳۰ تا ۱۰۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. ۲ - برای تا ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰ نفر، ۱۰ تا ۳۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. ۳ - برای بالاتر از ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰۰ نفر، ۵ تا ۱۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. در صورت تکرار تخلف متخلفان مذکور به ۱/۱ تا ۵/۱ برابر حداکثر جرایم نقدی فوق و یا به حبس از ۹۱ تا ۱۲۰ روز محکوم خواهند شد. ماده ۱۷۶. متخلفان از هر یک از موارد مذکور در مواد ۵۲ - ۶۱ - ۷۵ - ۷۷ - ۷۹ - ۸۳ - ۸۴ و ۹۱ برای هر مورد تخلف حسب مورد علاوه بر رفع تخلف یا تادیه حقوق کارگر یا هر دو در مهلتی که دادگاه با کسب نظر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد کرد، به ازای هر کارگر به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد: ۱ - برای تا ۱۰ نفر، ۲۰۰ تا ۵۰۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. ۲ - برای تا ۱۰۰ نفر

نسبت به مازاد ۱۰ نفر، ۲۰ تا ۵۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. ۳- برای بالا-تر از ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰۰ نفر، ۱۰ تا ۲۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. در صورت تکرار تخلف متخلفان مذکور به حبس از ۹۱ روز تا ۱۸۰ روز محکوم خواهند شد. ماده ۱۷۷. متخلفان از هر یک از موارد مذکور در مواد ۸۷ - ۸۹ (قسمت اول ماده و ۹۰ برای هر مورد تخلف حسب مورد علاوه بر رفع تخلف یا تادیبه حقوق کارگر و یا هر دو در مهلتی که دادگاه با کسب نظر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد کرد، به حبس از ۹۱ تا ۱۲۰ روز و یا جریمه نقدی به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد: ۱- در کارگاههای تا ۱۰ نفر، ۳۰۰ تا ۶۰۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. ۲- در کارگاههای ۱۱ تا ۱۰۰ نفر، ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. ۳- در کارگاههای ۱۰۰ نفر به بالا، ۸۰۰ تا ۱۵۰۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. در صورت تکرار تخلف متخلفان به حبس از ۱۲۱ تا ۱۸۰ روز محکوم خواهند شد. ماده ۱۷۸. هر کس شخص یا اشخاص را با اجبار و تهدید وادار به قبول عضویت در تشکلهای کاری یا کارفرمایی نماید، یا مانع از عضویت آنها در تشکلهای مذکور گردد و نیز چنانچه از ایجاد تشکلهای قانونی و انجام وظایف قانونی آنها جلوگیری نماید، با توجه به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم به جریمه نقدی از ۲۰ تا ۱۰۰ برابر حداقل مزد روزانه کارگر در تاریخ صدور حکم یا حبس از ۹۱ تا ۱۲۰ روز و یا هر دو محکوم خواهد شد. ماده ۱۷۹. کارفرمایان یا کسانی که مانع ورود و انجام وظیفه بازرسان کار و ماموران بهداشت کار به کارگاههای مشمول این قانون گردند یا از دادن اطلاعات و مدارک لازم به ایشان خودداری کنند، در هر مورد با توجه به شرایط و امکانات خاطی به پرداخت جریمه نقدی از ۱۰۰ تا ۳۰۰ برابر حداقل مزد روزانه کارگر پس از قطعیت حکم و در صورت تکرار به حبس از ۹۱ روز تا ۱۲۰ روز محکوم خواهند شد. ماده ۱۸۰. کارفرمایانی که برخلاف مفاد ماده ۱۵۹ این قانون از اجرای به موقع آرای قطعی و لازم الاجرای مراجع حل اختلاف این قانون خودداری نمایند، علاوه بر اجرای آرای مذکور، با توجه به شرایط و امکانات خاطی به جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ برابر حداقل مزد روزانه کارگر محکوم خواهند شد. ماده ۱۸۱. کارفرمایانی که اتباع بیگانه را که فاقد پروانه کارند و یا مدت اعتبار پروانه کارشان منقضی شده است به کار گمارند و یا اتباع بیگانه را در کاری غیر از آنچه در پروانه کار آنها قید شده است بپذیرند و یا در مواردی که رابطه استخدامی تبعه بیگانه با کارفرما قطع می گردد مراتب را به وزارت کار و امور اجتماعی اعلام نمایند، با توجه به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم به مجازات حبس از ۹۱ روز تا ۱۸۰ روز محکوم خواهند شد. ماده ۱۸۲. کارفرمایانی که برخلاف مفاد ماده ۱۹۲ این قانون از تسلیم آمار و اطلاعات مقرر به وزارت کار و امور اجتماعی خودداری نمایند، علاوه بر الزام به ارائه آمار و اطلاعات مورد نیاز وزارت کار و امور اجتماعی در هر مورد با توجه به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم به جریمه نقدی از ۵۰ تا ۲۵۰ برابر حداقل مزد روزانه کارگر محکوم خواهند شد. ماده ۱۸۳. کارفرمایانی که برخلاف مفاد ماده ۱۴۸ این قانون از بیمه نمودن کارگران خود خودداری نمایند، علاوه بر تادیبه کلیه حقوق متعلق به کارگر (سهم کارفرما) با توجه به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم به جریمه نقدی معادل دو تا ده برابر حق بیمه مربوطه محکوم خواهند شد. ماده ۱۸۴. در کلیه مواردی که تخلف از ناحیه اشخاص حقوقی باشد، اجرت المثل کار انجام شده و طلب و خسارت باید از اموال شخص حقوقی پرداخت شود، ولی مسوولیت جزایی اعم از حبس جریمه نقدی و یا هر دو حالت متوجه مدیرعامل یا مدیر مسوول شخصیت حقوقی است که تخلف به دستور او انجام گرفته است و کیفر درباره مسوولین مذکور اجرا خواهد شد. ماده ۱۸۵. رسیدگی به جرایم مذکور در مواد ۱۷۱ تا ۱۸۴ در صلاحیت دادگاههای کیفری دادگستری است رسیدگی مذکور در دادسرا و دادگاه خارج از نوبت به عمل خواهد آمد. ماده ۱۸۶. جرایم نقدی مقرر در این قانون به حساب مخصوصی در بانک واریز خواهد شد و این وجوه تحت نظر وزیر کار و امور اجتماعی به موجب آیین نامه‌ای که به تصویب هیات وزیران می‌رسد، جهت امور رفاهی آموزشی و فرهنگی کارگران به مصرف خواهد رسید.

فصل دوازدهم مقررات متفرقه م ۱۸۷ تا م ۲۰۳

ماده ۱۸۷. کارفرمایان مکلفند پس از پایان قرارداد کار بنا به درخواست کارگر، گواهی انجام کار با قید مدت زمان شروع و پایان و نوع کار انجام شده را به وی تسلیم نمایند. ماده ۱۸۸. اشخاص مشمول قانون استخدام کشوری یا سایر قوانین و مقررات خاص استخدامی و نیز کارگران کارگاههای خانوادگی که انجام کار آنها منحصرًا توسط صاحب کار و همسر و خویشاوندان نسبی درجه یک از طبقه اول وی انجام می‌شود، مشمول مقررات این قانون نخواهند بود. تبصره حکم این ماده مانع انجام تکالیف دیگری که در فصول مختلف نسبت به موارد مذکور تصریح شده است نمی‌باشد. ماده ۱۸۹. در بخش کشاورزی فعالیتهای مربوط به پرورش و بهره‌برداری از درختان میوه انواع نباتات جنگلها، مراتع پارکهای جنگلی و نیز دامداری و تولید و پرورش ماکیان و طیور، صنعت‌نوغان پرورش آبزیان و زنبور عسل و کاشت داشت و برداشت و سایر فعالیتهای در کشاورزی به پیشنهاد شورای عالی کار و تصویب هیات وزیران می‌تواند از شمول قسمتی از این قانون معاف گردد. ماده ۱۹۰. مدت کار، تعطیلات و مرخصی‌ها، مزد یا حقوق صیادان کارکنان حمل و نقل (هوایی زمینی و دریایی خدمه و مستخدمین منازل معلولین و نیز کارگرانی که طرز کارشان به نحوی است که تمام یا قسمتی از مزد و درآمد آنها به وسیله مشتریان یا مراجعین تامین می‌شود و همچنین کارگرانی که کار آنها نوعاً در ساعات متناوب انجام می‌گیرد، در آیین‌نامه‌هایی که توسط شورای عالی کار تدوین و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید تعیین می‌گردد. در موارد سکوت مواد این قانون حاکم است ماده ۱۹۱. کارگاههای کوچک کمتر از ده نفر را می‌توان بر حسب مصلحت موقتاً از شمول بعضی از مقررات این قانون مستثنا نمود. تشخیص مصلحت و موارد استثنا به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۹۲. کارفرمایان موظفند در مهلت مقرر، آمار و اطلاعات مورد نیاز وزارت کار و امور اجتماعی را طبق آیین‌نامه‌ای که به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی می‌رسد تهیه و تسلیم نمایند. ماده ۱۹۳. وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی حسب مورد به منظور تامین کادر متخصص سرپرستی در صورت لزوم به افرادی که در واحدها به عنوان سرپرست تعیین شده‌اند، آموزشهای لازم را در زمینه مسایل ناظر به روابط انسانی روابط کار و ایمنی و بهداشت کار خواهند داد. آیین‌نامه مربوط توسط شورای عالی کار تهیه و حسب مورد به تصویب وزرای کار و امور اجتماعی و بهداشت درمان و آموزش پزشکی می‌رسد. ماده ۱۹۴. کارفرمایان کارخانه‌ها مکلفند در زمینه آموزش نظامی کارگران واحدهای خود با نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همکاریهای لازم را مبذول دارند. تبصره آیین‌نامه اجرایی این ماده با همکاری مشترک وزارتین کار و امور اجتماعی و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۹۵. به منظور تشویق نیروهای کارگری مولد، متخصص مخترع و مبتکر، وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است همه ساله به طرق مقتضی در مورد انتخاب کارگران نمونه سال اقدام نماید. تبصره ضوابط اجرایی این ماده و چگونگی تشویق کارگران نمونه و نحوه اجرای آن و پیش‌بینی هزینه‌های متعارف مربوط توسط وزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد گردید. ماده ۱۹۶. وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است در جهت آگاهی و شکوفایی فکری بیشتر کارگران و رشد کارهای علمی عملی تخصصی در زمینه‌های علم و صنعت کشاورزی و خدماتی فیلم اسلاید و آموزشهای لازم دیگر را تدارک ببیند و این امکانات را از طریق رادیو، تلویزیون و رسانه‌های گروهی و یا هر نحو دیگری که لازم باشد در اختیار آنان قرار دهد. ماده ۱۹۷. دولت مکلف است با توجه به امکانات خود برای کارگرانی که قصد داشته باشند از شهر به روستا مهاجرت کنند و به کار کشاورزی بپردازند تسهیلات لازم را فراهم نماید. ماده ۱۹۸. وزارت کار و امور اجتماعی می‌تواند در موارد ضرورت برای تنظیم نیروی کار ایرانیان خارج از کشور، در نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران وابسته کار منصوب نماید. تبصره ۱. وابسته کار، توسط وزیر کار و امور اجتماعی تعیین و پس از موافقت وزیر امور خارجه منصوب و اعزام می‌گردد. تبصره ۲. وزارتین کار و امور

اجتماعی و امور خارجه و سازمان امور اداری و استخدامی موظفند پس از تصویب این قانون آیین‌نامه‌های اجرایی موضوع این ماده را تهیه و به تصویب هیات وزیران برسانند. ماده ۱۹۹. وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط را تهیه و به تصویب مراجع مذکور در این قانون برساند. تبصره آن دسته از آیین‌نامه‌های اجرایی قانون کار مصوب ۲۶/۱۲/۱۳۳۷ که با مقررات این قانون مغایر نباشد، تا تصویب آیین‌نامه‌های موضوع این ماده قابل اجرا می‌باشند. ماده ۲۰۰. با تصویب این قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی آن قوانین کار و کشاورزی مغایر این قانون لغو می‌گردند. ماده ۲۰۱. وزارت کار و امور اجتماعی باید کلیه حقوق و تکالیف مذکور در این قانون را با روشهای مناسب به اطلاع کارگران و کارفرمایان برساند. ماده ۲۰۲. وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است سازمان و تشکیلات خود را در ارتباط با قانون کار جدید، طراحی و به تصویب سازمان امور اداری و استخدامی کشور برساند. ماده ۲۰۳. وزارت کار و امور اجتماعی و دادگستری مأمور اجرای این قانون می‌باشند. تبصره مفاد این ماده رافع تکالیف و مسوولیت‌هایی نخواهد بود که در این قانون و یا سایر قوانین به عهده وزارتخانه‌های ذی ربط و موسسات و کارگاههای دولتی مشمول این قانون نهاده شده است قانون فوق که در تاریخ دوم مهرماه یکهزار و سیصد و شصت و هشت به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و موادی از آن مورد اختلاف مجلس و شورای نگهبان قرار گرفته است در جلسات متعدد مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و با اصلاح و متمم مواد ۳-۷-۸-۱۲-۱۵-۲۰-۲۴-۲۶-۲۷-۲۹-۳۱-۳۲-۳۳-۴۱-۴۶-۵۱-۵۲-۵۳-۵۶-۵۸-۵۹-۶۰-۶۲-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۹-۷۰-۷۳-۸۱-۱۰۵-۱۰۸-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۸-۱۱۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۴۳-۱۵۱-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۶-کل فصل مجازاتها(مواد ۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶) ۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۲۰۲-۲۰۳ مشتمل بر دویست و سه ماده و یکصد و بیست و یک تبصره در تاریخ بیست و نهم آبان‌ماه یکهزار و سیصد و شصت و نه به تصویب نهایی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام اکبر هاشمی رفسنجانی

قانون تأمین اجتماعی

فصل اول تعاریف - کلیات (م ۱ تا م ۱۱)

ماده ۱- به منظور اجرا و تعمیم و گسترش انواع بیمه‌های اجتماعی و استقرار نظام هماهنگ و متناسب با برنامه‌های تأمین اجتماعی همچنین تمرکز وجوه و درآمدهای موضوع قانون تأمین اجتماعی و سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از محل وجوه و ذخایر، سازمان مستقلی به نام «سازمان تأمین اجتماعی وابسته به وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی که در این قانون «سازمان نامیده می‌شود، تشکیل می‌گردد. سازمان دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و امور آن منحصر طبق اساسنامه‌ای که به تصویب هیات وزیران می‌رسد، اداره خواهد شد. تبصره ۱- صندوق تأمین اجتماعی موضوع ماده ۱۰ قانون تشکیل وزارت بهداشت و بهزیستی مصوب تیرماه ۱۳۵۵ در سازمان ادغام و کلیه وظایف و داری و مطالبات و دیون و تعهدات صندوق مذکور به سازمان منتقل می‌شود. تبصره ۲- کلیه واحدهای اجرایی تأمین اجتماعی سازمانهای منطقه‌ای بهداشتی و بهزیستی استانها، موضوع ماده ۶ قانون تشکیل وزارت بهداشت و بهزیستی مصوب تیرماه ۱۳۵۵، از سازمانهای مذکور منتزع و با کلیه وظایف و داری و مطالبات و دیون و تعهدات به «سازمان منتقل می‌شود. تبصره ۳- کلیه کارکنان سازمان تأمین اجتماعی سابق که در اجرای ماده ۶ قانون تشکیل وزارت بهداشت و بهزیستی به سازمانهای منطقه‌ای بهداشتی و بهزیستی استانها منتقل شده‌اند و همچنین کارمندان که توسط سازمانهای مذکور به منظور انجام وظایف مربوط به تأمین اجتماعی در نواحی بهداشتی و بهزیستی طبق آیین‌نامه استخدامی بیمه‌های اجتماعی استخدام شده و عملاً در کار تأمین اجتماعی اشتغال دارند و کلیه حقوق و مزایای خود را از محل اعتبارات پرسنلی و اداری

تأمین اجتماعی دریافت می‌دارند به سازمان منتقل می‌شوند. ماده ۲ - تعاریف ۱ - بیمه شده شخصی است که راسا مشمول مقررات تأمین اجتماعی بوده و با پرداخت مبالغی به‌عنوان حق بیمه حق استفاده از مزایای مقرر در این قانون را دارد. ۲ - خانواده بیمه شده شخص یا اشخاصی هستند که به تبع بیمه شده از مزایای موضوع این قانون استفاده می‌کنند. ۳ - کارگاه محلی است که بیمه شده به دستور کارفرما یا نماینده او در آنجا کار می‌کند. ۴ - کارفرما شخص حقیقی یا حقوقی است که بیمه شده به دستور یا به حساب او کار می‌کند. کلیه کسانی که به عنوان مدیر یا مسوول عهده‌دار اداره کارگاه هستند نماینده کارفرما محسوب می‌شوند و کارفرما مسوول انجام کلیه تعهداتی است که نمایندگان مزبور در قبال بیمه شده به عهده می‌گیرند. ۵ - مزد یا حقوق یا کارمزد در این قانون شامل هرگونه وجوه و مزایای نقدی یا غیرنقدی مستمر است که در مقابل کار به بیمه شده داده می‌شود. ۶ - حق بیمه عبارت از جوهی است که به حکم این قانون و برای استفاده از مزایای موضوع آن به سازمان پرداخت می‌گردد. ۷ - بیماری وضع غیرعادی جسمی یا روحی است که انجام خدمات درمانی را ایجاب می‌کند یا موجب عدم توانایی موقت اشتغال به کار می‌شود یا این که موجب هر دو در آن واحد می‌گردد. ۸ - حادثه از لحاظ این قانون اتفاقی است پیش‌بینی نشده که تحت تاثیر عامل یا عوامل خارجی در اثر عمل یا اتفاق ناگهانی رخ می‌دهد و موجب صدماتی بر جسم یا روان بیمه شده می‌گردد. ۹ - غرامت دستمزد به وجوهی اطلاق می‌شود که در ایام بارداری بیماری و عدم توانایی موقت اشتغال به کار و عدم دریافت مزد یا حقوق به حکم این قانون به جای مزد یا حقوق به بیمه شده پرداخت می‌شود. ۱۰ - وسایل کمک پزشکی (پروتزواتر) وسایلی هستند که به منظور اعاده سلامت یا برای جبران نقص جسمانی یا تقویت یکی از حواس به کار می‌رود. ۱۱ - کمک ازدواج مبلغی است که طبق شرایط خاصی برای جبران هزینه‌های ناشی از ازدواج به بیمه شده پرداخت می‌گردد. ۱۲ - کمک عائله‌مندی مبلغی است که طبق شرایط خاص در مقابل عائله‌مندی توسط کارفرما به بیمه شده پرداخت می‌شود. ۱۳ - از کارافتادگی کلی عبارت است از کاهش قدرت کار بیمه شده به نحوی که نتواند با اشتغال به کار سابق یا کار دیگری بیش از یک سوم درآمد قبلی خود را بدست آورد. ۱۴ - از کارافتادگی جزئی عبارت است از کاهش قدرت کار بیمه شده به نحوی که با اشتغال به کار سابق یا کار دیگر فقط قسمتی از درآمد خود را بدست آورد. ۱۵ - بازنشستگی عبارت است از عدم اشتغال بیمه شده به کار به سبب رسیدن به سن بازنشستگی مقرر در این قانون ۱۶ - مستمری عبارت از وجهی است که طبق شرایط مقرر در این قانون به منظور جبران قطع تمام یا قسمتی از درآمد به بیمه شده و در صورت فوت او برای تأمین معیشت بازماندگان وی به آنان پرداخت می‌شود. ۱۷ - غرامت مقطوع نقص عضو مبلغی است که بطور یکجا برای جبران نقص عضو یا جبران تقلیل درآمد بیمه شده به شخص او داده می‌شود. ۱۸ - کمک کفن و دفن مبلغ مقطوعی است که به منظور تأمین هزینه‌های مربوط به کفن و دفن بیمه شده در مواردی که خانواده او این امر را به عهده می‌گیرند پرداخت می‌گردد. ماده ۳ - تأمین اجتماعی موضوع این قانون شامل موارد زیر می‌باشد: الف - حوادث و بیماریها ب - بارداری ج - غرامت دستمزد د - از کار افتادگی ه - بازنشستگی و - مرگ ز - مقرری بیمه بیکاری تبصره ۱ - مشمولین این قانون از کمکهای ازدواج و عائله‌مندی طبق مقررات مربوط برخوردار خواهند شد. تبصره ۲ - ملاک تشخیص برای برخورداری از مزایای قانون تأمین اجتماعی شناسنامه‌ای است که در بدو بیمه شدن به سازمان تأمین اجتماعی ارائه شده یا می‌شود و هر گونه تغییراتی که پس از آن در شناسنامه به عمل آید برای سازمان یاد شده معتبر نخواهد بود. افراد تحت تکفل بیمه شده نیز مشمول این حکم خواهند بود. ماده ۴ - مشمولین این قانون عبارتند از: الف - افرادی که به هر عنوان در مقابل دریافت مزد یا حقوق کار می‌کنند. ب - ملغی شده ج - دریافت کنندگان مستمریهای بازنشستگی از کارافتادگی و فوت تبصره ۱ - مستخدمین وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکتهای دولتی و مستخدمین موسسات وابسته به دولت که طبق قوانین مربوط به نحوی از انحا از موارد مذکور در ماده سه این قانون بهره‌مند می‌باشند در سایر مواردی که قوانین خاص برای آنها وجود ندارد طبق آئین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کشور به تصویب هیات وزیران خواهد رسید تابع مقررات این قانون خواهند

بود. تبصره ۲- مشمولین قانون استخدام نیروهای مسلح و افزارمندان مشمول قانون تعاون و بیمه بازنشستگی افزارمندان ارتش از شمول این قانون خارج بوده و تابع قانون و مقررات خاص خود خواهند بود. تبصره ۳- ملغی گردیده تبصره ۴- مشمولین قانون حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی از پیری و از کار افتادگی و فوت کماکان تابع مقررات قانون مذکور خواهند بود، موسسات مشمول قانون مذکور مکلفند با اعلام سازمان تامین خدمات درمانی حق بیمه درمانی سهم خود و بیمه شده را کسر و توسط صندوق حمایت مربوط به سازمان نامبرده بپردازند. میزان حق بیمه درمانی موضوع قانون این ماده تابع ضوابط و مقررات بیمه خدمات درمانی موضوع تامین خدمات درمانی مستخدمین دولت است و نحوه وصول آن عینا به ترتیبی است که در قانون حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی از پیری و از کار افتادگی و فوت پیش بینی شده است ماده ۵- بیمه اتباع بیگانه که طبق قوانین و مقررات مربوط در ایران به کار اشتغال دارند تابع مقررات این قانون خواهد بود مگر در موارد زیر: الف- در صورتی که بین دول متبوع آنان و دولت جمهوری اسلامی ایران موافقتنامه‌های دو جانبه یا چند جانبه تامین اجتماعی منعقد شده باشد که در این صورت طبق موافقتنامه عمل خواهد شد. ب- هرگاه تبعه بیگانه طبق گواهی مقامات صالح دولت متبوع خود در مدت اشتغال در ایران در کشور خود یا در کشور دیگر در موارد پیش بینی شده در ماده ۳ این قانون کلا یا بعضا بیمه شده باشند که در این صورت در همان موارد از شمول مقررات این قانون معاف می‌باشند. تبصره- حوادث ناشی از کار اتباع کشورهای ملحق شده به مقاله نامه شماره (۹) سازمان بین المللی کار از شمول بند «ب» مستثنی می‌باشد و نرخ و مأخذ حق بیمه طبق آیین نامه‌ای خواهد بود که توسط سازمان تامین اجتماعی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. ماده ۶- اجرای هر یک از موارد مندرج در ماده سه این قانون درباره روستائیان و افراد خانواده آنها به تدریج در مناطق مختلف مملکت و به تناسب توسعه امکانات و مقدرات سازمان به پیشنهاد هیأت مدیره و تصویب شورای عالی سازمان با توجه به ماده ۱۱۷ این قانون خواهد بود. ماده ۷- افراد شاغل در فعالیتهائی که تا تاریخ تصویب این قانون مشمول بیمه‌های اجتماعی اعلام نشده‌اند به ترتیب زیر به پیشنهاد هیأت مدیره و تصویب وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی مشمول مقررات این قانون قرار خواهند گرفت الف- موارد مذکور در بندهای (ج، د، ه، و) ماده ۳ این قانون به تدریج و با توجه به امکانات سازمان اجراء خواهد شد و در این صورت میزان حق بیمه با توجه به ماده ۲۸ این قانون تا خاتمه سال ۱۳۵۴، ۱۹٪ حقوق یا مزد و از اول سال ۱۳۵۵ معادل ۲۱٪ حقوق و یا مزد خواهد بود که در سال ۱۳۵۴ کارفرما ۱۳٪ و بیمه شده ۴٪ و دولت ۲٪ و از سال ۱۳۵۵ کارفرما ۱۴٪ و بیمه شده ۵٪ و دولت ۲٪ می‌پردازند. ب- موارد مذکور در بندهای الف و ب ماده ۳ این قانون به تدریج و در صورتی اجراء خواهد شد که سازمان وسایل و امکانات درمانی لازم را برای بیمه شدگان فراهم نموده باشد. الزام کارفرمایان یا افرادی که به موجب این ماده مشمول مقررات این قانون می‌شوند به تادیه حق بیمه از تاریخی است که بیمه آنها از طریق انتشار آگهی در روزنامه و یا کتبا اعلام می‌شود. ماده ۸- بیمه افراد و شاغلین فعالیتهائی که تا تاریخ تصویب این قانون به نحوی از انحا مشمول مقررات قانون بیمه‌های اجتماعی یا قانون بیمه‌های اجتماعی روستائیان قرار گرفته‌اند با توجه به مقررات این قانون ادامه خواهد یافت تبصره- شرایط مربوط به ادامه تمام و یا قسمتی از بیمه‌های مقرر در این قانون برای کسانی که به علتی غیر از علل مندرج در این قانون از ردیف بیمه شدگان خارج شوند به موجب آئین نامه مربوط تعیین خواهد گردید و به هر حال پرداخت کلیه حق بیمه در این قبیل موارد به عهده بیمه شده خواهد بود. ماده ۹- ملغی شده است ماده ۱۰- از تاریخ اجرای این قانون سازمان بیمه‌های اجتماعی و سازمان بیمه‌های اجتماعی روستائیان در سازمان تامین اجتماعی ادغام می‌شوند و کلیه وظایف تعهدات دیون مطالبات بودجه دارائی و کارکنان آنها با حفظ حقوق و سوابق و مزایای استخدامی خود که تا تاریخ تصویب و اجرای آئین نامه موضوع ماده ۱۳ این قانون معتبر خواهد بود به سازمان منتقل می‌گردند. ماده ۱۱- و تبصره آن منتفی شده است

ماده ۱۲ تا ۱۷ منسوخ شده است ماده ۱۸ - آئین نامه داخلی شورای عالی سازمان پس از تصویب شورا به موقع اجرا گذارده خواهد شد. مواد ۱۹ تا انتهای ماده ۲۷ منسوخ شده است

فصل سوم منابع درآمد - مأخذ احتساب حق بیمه و نحوه وصول آن (م ۲۸ تا م ۵۰)

ماده ۲۸ - منابع درآمد سازمان به شرح زیر می باشد: ۱ - حق بیمه از اول مهر ماه تا پایان سال ۱۳۵۴ به میزان بیست و هشت درصد مزد یا حقوق است که هفت درصد آن به عهده بیمه شده و هیجده درصد به عهده کارفرما و سه درصد به وسیله دولت تامین خواهد شد. ۲ - درآمد حاصل از وجوه و ذخایر و اموال سازمان ۳ - وجوه حاصل از خسارات و جریمه های نقدی مقرر در این قانون ۴ - کمکها و هدایا. تبصره ۱ - از اول سال ۱۳۵۵ حق بیمه سهم کارفرما بیست درصد مزدا یا حقوق بیمه شده خواهد بود و با احتساب سهم بیمه شده و کمک دولت کل حق بیمه به سی درصد مزد یا حقوق افزایش می یابد. تبصره ۲ - دولت مکلف است حق بیمه سهم خود را به طور یکجا در بودجه سالانه کل کشور منظور و به سازمان پرداخت کند. تبصره ۳ - سازمان باید حداقل هر سه سال یکبار امور مالی خود را با اصول محاسبات احتمالی تطبیق و مراتب را به شورای عالی گزارش دهد. ماده ۲۹ - نه درصد از مأخذ محاسبه حق بیمه مذکور در ماده ۲۸ قانون حسب مورد برای تامین هزینه های ناشی از موارد مذکور در بندهای الف و ب ماده ۳ این قانون تخصیص می یابد و بقیه به سایر تعهدات اختصاص خواهد یافت تبصره - غرامت دستمزد ایام بیماری بیمه شدگان که از طرف کارفرما پرداخت نمی شود به عهده سازمان می باشد. ماده ۳۰ - کارفرمایان موظفند از کلیه وجوه و مزایای مذکور در بند ۵ ماده ۲ این قانون حق بیمه مقرر را کسر و به اضافه سهم خود به سازمان پرداخت نمایند. تبصره - ارزش مزایای غیر نقدی مستمر مانند مواد غذایی پوشاک و نظایر آنها طبق آئین نامه ای که به پیشنهاد هیات مدیره به تصویب شورای عالی خواهد رسید به طور مقطوع تعیین و حق بیمه از آن دریافت می گردد. ماده ۳۱ - در مورد بیمه شدگانی که تمام یا قسمتی از مزد و درآمد آنها به وسیله مشتریان یا مراجعین تامین می شود درآمد تقریبی هر طبقه یا حرفه مقطوعا به پیشنهاد هیات مدیره و تصویب شورای عالی تعیین و مأخذ دریافت حق بیمه قرار خواهد گرفت ماده ۳۲ - در مورد بیمه شدگانی که کارمزد دریافت می دارند حق بیمه به مأخذ کل درآمد ماهانه آنها احتساب و دریافت می گردد. این حق بیمه در هیچ مورد نباید از حق بیمه ای که به حداقل مزد کارگر عادی تعلق می گیرد کمتر باشد. ماده ۳۳ - حق بیمه کارآموزان باید به نسبت مزد یا حقوق آنها پرداخت شود و در هر حال میزان حق بیمه در این مورد نباید از میزانی که به حداقل مزد یا حقوق تعلق می گیرد کمتر باشد. در صورتی که مزد یا حقوق کارآموز کمتر از حداقل دستمزد باشد پرداخت ما به التفاوت حق بیمه سهم کارآموز به عهده کارفرما خواهد بود. ماده ۳۴ - در صورتی که بیمه شده برای دو یا چند کارفرما کار کند هر یک از کارفرمایان مکلفند به نسبت مزد یا حقوقی که می پردازند حق بیمه سهم بیمه شده را از مزد یا حقوق او کسر و به انضمام سهم خود به سازمان پرداخت نمایند. ماده ۳۵ - سازمان می تواند در موارد لزوم با تصویب شورای عالی سازمان مزد یا حقوق بیمه شدگان بعضی از فعالیتها را طبقه بندی نماید و حق بیمه را به مأخذ درآمد مقطوع وصول و کمک های نقدی را بر همان اساس محاسبه و پرداخت نماید. ماده ۳۶ - کارفرما مسوول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه شده به سازمان می باشد و مکلف است در موقع پرداخت مزد یا حقوق و مزایا سهم بیمه شده را کسر نموده و سهم خود را بر آن افزوده به سازمان تأدیه نماید. در صورتی که کارفرما از کسر حق بیمه سهم بیمه شده خودداری کند شخصا مسوول پرداخت آن خواهد بود. تاخیر کارفرما در پرداخت حق بیمه یا عدم پرداخت آن رافع مسوولیت و تعهدات سازمان در مقابل بیمه شده نخواهد بود. تبصره - بیمه شدگانی که تمام یا قسمتی از درآمد آنها به ترتیب مذکور در ماده ۳۱ این قانون تامین می شود مکلفند حق بیمه سهم خود را برای پرداخت به سازمان به کارفرما تأدیه نمایند ولی در هر حال کارفرما مسوول پرداخت حق بیمه خواهد بود. ماده ۳۷ - هنگام نقل و انتقال عین یا منافع مؤسسات و کارگاههای مشمول این قانون اعم از اینکه انتقال به صورت قطعی شرطی رهنی - صلح حقوق یا اجاره باشد و اعم از اینکه انتقال

بطور رسمی یا غیر رسمی انجام بگیرد انتقال گیرنده مکلف است گواهی سازمان را مبنی بر نداشتن بدهی معوق بابت حق بیمه و متفرعات آن از انتقال دهنده مطالبه نماید. دفاتر اسناد رسمی مکلفند در موقع تنظیم سند از سازمان راجع به بدهی واگذار کننده استعلام نمایند. در صورتی که سازمان ظرف ۱۵ روز از تاریخ ورود برگ استعلام به دفتر سازمان پاسخی به دفترخانه ندهد، دفترخانه معامله را بدون مفاصاحساب ثبت خواهد کرد. در صورتی که بنا به اعلام سازمان واگذار کننده بدهی داشته باشد می‌تواند با پرداخت بدهی معامله را انجام دهد بدون اینکه پرداخت بدهی حق واگذار کننده را نسبت به اعتراض به تشخیص سازمان و رسیدگی به میزان حق بیمه ساقط کند. در صورت انجام معامله بدون ارائه گواهی مذکور انتقال دهنده و انتقال گیرنده برای پرداخت مطالبات سازمان دارای مسوولیت تضامنی خواهند بود. وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی همچنین شهرداریها و اطاقهای اصناف و سایر مراجع ذیربط مکلفند در موقع تقاضای تجدید پروانه کسب یا هر نوع فعالیت دیگر مفاصاحساب پرداخت حق بیمه را از متقاضی مطالبه نمایند. در هر حال تجدید پروانه کسب موکول به ارائه مفاصاحساب پرداخت حق بیمه می‌باشد. تبصره - سازمان مکلف است حداکثر پس از یک ماه از تاریخ ثبت تقاضا، مفاصا حساب صادر و به تقاضاکننده تسلیم نماید. ماده ۳۸ - در مواردی که انجام کار بطور مقطعه به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار می‌شود کارفرما باید در قراردادی که منعقد می‌کند مقطعه کار را متعهد نماید که کارکنان خود و همچنین کارکنان مقطعه کاران فرعی را نزد سازمان بیمه نماید و کل حق بیمه را به ترتیب مقرر در ماده ۲۸ این قانون بپردازد. پرداخت پنج درصد بهای کل کار مقطعه کار از طرف کارفرما موکول به ارائه مفاصا حساب از طرف سازمان خواهد بود. در مورد مقطعه کارانی که صورت مزد و حق بیمه کارکنان خود را در موعد مقرر به سازمان تسلیم و پرداخت می‌کنند معادل حق بیمه پرداختی بنابه درخواست سازمان از مبلغ مذکور آزاد خواهد شد. هرگاه کارفرما آخرین قسط مقطعه کار را بدون مطالبه مفاصا حساب سازمان بپردازد مسوول پرداخت حق بیمه مقرر و خسارات مربوط خواهد بود و حق دارد وجوهی را که از این بابت به سازمان پرداخته است از مقطعه کار مطالبه و وصول نماید. کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی همچنین شهرداریها و اطاق اصناف و مؤسسات غیردولتی و مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه مشمول مقررات این ماده می‌باشند. تبصره - کلیه کارفرمایان موضوع این ماده و ماده ۲۹ قانون بیمه‌های اجتماعی سابق مکلفند مطالبات سازمان تامین اجتماعی را از مقطعه کاران و مهندسین مشاوره که حداقل یکسال از تاریخ خاتمه تعلیق و یا فسخ قرارداد آنان گذشته و در این فاصله جهت پرداخت حق بیمه کارکنان شاغل در اجرای قرارداد و ارائه مفاصاحساب سازمان تامین اجتماعی مراجعه ننموده‌اند ضمن اعلام فهرست مشخصات مقطعه کاران و مهندسین مشاور از محل پنج درصد کل کار و آخرین قسط نگهداری شده به این سازمان پرداخت نمایند. میزان حق بیمه پس از قطعی شدن طبق قانون و براساس آراء هیات تجدیدنظر موضوع ماده ۴۴ قانون تامین اجتماعی و ابلاغ مجدد به پیمانکار جهت پرداخت بدهی حق بیمه ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ توسط سازمان تامین اجتماعی اعلام خواهد شد. نحوه اجرای این تبصره بموجب آئین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط سازمان تامین اجتماعی تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد. ماده ۳۹ - کارفرما مکلف است حق بیمه مربوط به هر ماه را حداکثر تا آخرین روز ماه بعد به سازمان بپردازد. همچنین صورت مزد یا حقوق بیمه شدگان را به ترتیبی که در آئین‌نامه طرز تنظیم و ارسال صورت مزد که به تصویب شورای عالی سازمان خواهد رسید به سازمان تسلیم نماید. سازمان حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ دریافت صورت مزد، اسناد و مدارک کارفرما را مورد رسیدگی قرار داده و در صورت مشاهده نقص یا اختلاف یا مغایرت به شرح ماده ۱۰۰ این قانون اقدام و ما به التفاوت را وصول می‌نماید. هرگاه کارفرما از ارائه اسناد و مدارک امتناع کند سازمان ما به التفاوت حق بیمه را راسا تعیین و مطالبه و وصول خواهد کرد. ماده ۴۰ - در صورتی که کارفرما از ارسال صورت مزد مذکور در ماده ۳۹ این قانون خودداری کند سازمان می‌تواند حق بیمه را راسا تعیین و از کارفرما مطالبه و وصول نماید. ماده ۴۱ - در مواردی که نوع کار ایجاب کند سازمان می‌تواند به پیشنهاد هیات مدیره و تصویب شورای عالی سازمان نسبت مزد را به کل کارانجام یافته تعیین و حق بیمه متعلق را به همان نسبت مطالبه و وصول نماید. ماده ۴۲ - در

صورتی که کارفرما به میزان حق بیمه و خسارت تاخیر تعیین شده از طرف سازمان معترض باشد می‌تواند ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ اعتراض خود را کتبا به سازمان تسلیم نماید. سازمان مکلف است اعتراض کارفرما را حداکثر تا یک ماه پس از دریافت آن در هیات بدوی تشخیص مطالبات مطرح نماید. در صورت عدم اعتراض کارفرما ظرف مدت مقرر، تشخیص سازمان قطعی و میزان حق بیمه و خسارات تعیین شده طبق ماده ۵۰ این قانون وصول خواهد شد. ماده ۴۳ - هیاتهای بدوی تشخیص مطالبات سازمان از افراد زیر تشکیل می‌گردند: ۱ - نماینده وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی که ریاست هیات را به عهده خواهد داشت ۲ - یک نفر به عنوان نماینده کارفرما به انتخاب اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران در مورد بازرگانان و صاحبان صنایع یا یک نفر نماینده صنف مربوط به معرفی اصناف در مورد افراد صنفی و صاحبان حرف و مشاغل آزاد. ۳ - یک نفر به انتخاب شورای عالی تامین اجتماعی ۴ - نماینده کارگران در مورد کارگران مشمول قانون تامین اجتماعی حسب مورد به انتخاب کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران و یا مجمع نمایندگان کارگران در صورت تشکیل و در غیر این صورت به انتخاب وزیر کار و امور اجتماعی آراء هیاتهای بدوی در صورتی که مبلغ مورد مطالبه سازمان اعم از اصل حق بیمه و خسارات یک میلیون و پانصد هزار (۰۰۰/۱۵۰۰) ریال یا کمتر باشد و یا اینکه در موعد مقرر مورد اعتراض واقع نشود قطعی و لازم الاجرا خواهد بود. در صورتی که مبلغ مورد مطالبه بیش از یک میلیون و پانصد هزار (۰۰۰/۱۵۰۰) ریال باشد کارفرما و سازمان ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ واقعی یا قانونی رای هیات بدوی حق تقاضای تجدیدنظر خواهند داشت ماده ۴۴ - هیاتهای تجدیدنظر تشخیص مطالبات در مراکز استانها با شرکت افراد زیر تشکیل می‌شود: ۱ - نماینده وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی که ریاست هیات را به عهده خواهد داشت ۲ - یک نفر از قضات دادگستری به انتخاب وزارت دادگستری ۳ - یک نفر به انتخاب شورای عالی تامین اجتماعی ۴ - نماینده سازمان به انتخاب رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان ۵ - یک نفر به عنوان نماینده کارفرما به انتخاب اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران در مورد بازرگانان و صاحبان صنایع یا یک نفر نماینده شورای مرکزی اصناف در مورد افراد صنفی و صاحبان حرف و مشاغل آزاد. آراء هیات تجدیدنظر قطعی و لازم الاجرا است تبصره - هیاتهای بدوی و تجدیدنظر تاریخ رسیدگی را به کارفرما ابلاغ خواهند کرد و حضور کارفرما برای ادای توضیحات بلامانع است ماده ۴۵ - نحوه تسلیم اعتراض و درخواست تجدیدنظر و تشکیل جلسات هیاتها و ترتیب رسیدگی و صدور رای و ابلاغ به موجب آئین نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد هیات مدیره سازمان به تصویب شورای عالی سازمان خواهد رسید. ماده ۴۶ - سازمان می‌تواند به درخواست کارفرما بدهی او را حداکثر تاسی و شش قسط ماهانه تقسیط نماید و در این صورت کارفرما باید معادل دوازده درصد در سال نسبت به مانده بدهی خود بهره به سازمان بپردازد. در صورتی که کارفرما هر یک از اقساط مقرر را در اس موعده پرداخت نکند بقیه اقساط تبدیل به حال شده و طبق ماده ۵۰ این قانون وصول خواهد شد. تبصره - به موجب قانون منع دریافت خسارت و جرایم مصوب ۱۳۶۱ منتهی شده است ماده ۴۷ - کارفرمایان مکلفند صورت مزد و حقوق و مزایای بیمه‌شدگان همچنین دفاتر و مدارک لازم را در موقع مراجعه بازرسان سازمان در اختیار او بگذارند. بازرسان سازمان می‌توانند از تمام یا قسمتی از دفاتر و مدارک مذکور رونوشت یا عکس تهیه و برای کسب اطلاعات لازم به هر یک از رؤسا و کارمندان و کارگران کارگاه و مراجع ذیربط مراجعه نمایند. بازرسان سازمان حق دارند کارگاههای مشمول قانون را مورد بازرسی قرار دهند و دارای همان اختیارات و مسوولیت‌های مذکور در مواد ۵۲ و ۵۳ قانون کار خواهند بود. نتیجه بازرسی حداکثر ظرف یک ماه از طرف سازمان به کارفرما اعلام خواهد شد. ماده ۴۸ - از تاریخی که سازمان با توجه به ماده ۷ این قانون گروه جدیدی را مشمول بیمه اعلام نماید ملزم به انجام تعهدات قانونی طبق مقررات نسبت به بیمه شدگان خواهد بود و کارفرمایان موظفند حق بیمه را از همان تاریخی که گروه مزبور مشمول بیمه اعلام شده است به سازمان بپردازند. تبصره - در صورت عدم ارسال صورت مزد در موعد مقرر از طرف کارفرما سازمان می‌تواند مزد یا حقوق بیمه شدگان را بر اساس ماخذی که طبق ماده ۴۰ این قانون مبنای تعیین حق بیمه قرار گرفته است احتساب و ماخذ پرداخت مزایای نقدی قرار دهد.

در مواردی که تعیین مزد یا حقوق بیمه شده به طریق مذکور میسر نباشد سازمان می‌تواند مزایای نقدی را به‌ماخذ حداقل مزد یا حقوق بطور علی الحساب پرداخت نماید. ماده ۴۹ - مطالبات سازمان ناشی از اجرای این قانون در عداد مطالبات ممتاز می‌باشد. ماده ۵۰ - مطالبات سازمان بابت حق بیمه و خسارات تاخیر و جریمه‌های نقدی که ناشی از اجرای این قانون یا قوانین سابق بیمه‌های اجتماعی و قانون بیمه‌های اجتماعی روستائیان باشد، همچنین هزینه‌های انجام شده طبق مواد ۶۶ و ۹۰ خسارات مذکور در مواد ۹۸ و ۱۰۰ این قانون در حکم مطالبات مستند به اسناد لازم‌الاجرا بوده و طبق مقررات مربوط به اجرای مفاد اسناد رسمی به وسیله مامورین اجرای سازمان قابل وصول می‌باشد. آئین‌نامه اجرائی این ماده حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون از طرف سازمان تهیه و پس از تصویب وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و وزارت دادگستری به موقع اجراء گذارده خواهد شد. تا تصویب آئین‌نامه مزبور مقررات این ماده توسط مامورین اجرای احکام محاکم دادگستری بر اساس آئین‌نامه ماده ۳۵ قانون بیمه‌های اجتماعی اجراء خواهد شد.

فصل چهارم مقررات مالی (م ۵۱ تا م ۵۳)

ماده ۵۱ - هیات مدیره مکلف است تا اول دی ماه هر سال بودجه کل سازمان را برای سال بعد تنظیم و به شورای عالی سازمان پیشنهاد نماید. شورای عالی سازمان مکلف است حداکثر تا پانزدهم اسفندماه بودجه سال بعد را تصویب و به هیات مدیره ابلاغ نماید. تبصره - منتفی شده است ماده ۵۲ - مانده درآمد پس از وضع مخارج و کلیه درآمدهای حاصل از خسارات و زیان دیرکرد و بهره سپرده‌ها و سود اوراق بهادار و سود سرمایه‌گذاری‌ها و درآمد حاصل از فروش و یا واگذاری و یا بهره‌برداری از اموال سازمان کلاً به حساب ذخائر منظور خواهد شد. تبصره ۱ - شورای عالی سازمان هر سال به پیشنهاد هیات مدیره از محل ذخائر، مبلغی جهت خرید اموال غیرمنقول و ایجاد ساختمانها یا تاسیسات و تجهیزات جدید که اعتبار آن در بودجه سازمان تامین نشده باشد تخصیص خواهد داد. تبصره ۲ - منتفی شده است ماده ۵۳ - ذخایر سازمان نزد بانک رفاه کارگران متمرکز خواهد شد. بانک مذکور ذخائر مزبور را تحت نظر هیاتی با تصویب شورای عالی سازمان به کار خواهد انداخت .

فصل پنجم حوادث و بیماریها و بارداری (م ۵۴ تا م ۶۹)

ماده ۵۴ - بیمه شدگان و افراد خانواده آنها از زمانی که مشمول مقررات این قانون قرار می‌گیرند در صورت مصدوم شدن بر اثر حوادث یا ابتلاء به بیماری می‌توانند از خدمات پزشکی استفاده نمایند. خدمات پزشکی که به عهده سازمان تامین اجتماعی است شامل کلیه اقدامات درمانی سرپایی - بیمارستانی - تحویل داروهای لازم و انجام آزمایشات تشخیص طبی می‌باشد. ماده ۵۵ - خدمات درمانی موضوع این قانون به دو صورت انجام می‌گیرد: الف - اولویت درمان به روش درمان مستقیم داده شود. ب - استفاده از روش درمان غیرمستقیم با اختیار و تشخیص وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی به موجب آئین‌نامه‌ای خواهد بود که سازمان تامین اجتماعی ظرف مدت ۱۵ روز پس از تصویب این ماده تهیه و به مرحله اجرا در خواهد آمد. تبصره - به موجب قانون الزام سازمان تامین اجتماعی .. مصوب ۱۳۶۸ منتفی شده است ماده ۵۶ - به منظور توانبخشی ترمیم و تجدید فعالیت بیمه شدگان آسیب دیده که قدرت کار اولیه خود را از دست داده‌اند سازمان تامین اجتماعی برای اشتغال آنها به کارهای مناسب دیگر طبق آئین‌نامه‌هایی که از طرف شورای فنی سازمان مذکور پیشنهاد و به تصویب شورای عالی سازمان خواهد رسید از طریق موسسات حرفه‌ای معلولین اقدام خواهد نمود. ماده ۵۷ - در صورتی که معالجه بیمار مستلزم انتقال او از روستا یا از شهرستان به شهرستان دیگر باشد ترتیب نقل و انتقال طبق ضوابطی خواهد بود که از طرف سازمان تامین اجتماعی پیشنهاد و به تصویب شورای فنی سازمان

مذکور می‌رسد. ماده ۵۸ - افراد خانواده بیمه شده که از کمکهای مقرر در ماده ۵۴ این قانون استفاده می‌کنند عبارتند از: ۱ - همسر بیمه شده ۲ - شوهر بیمه شده در صورتی که معاش او توسط بیمه شده زن تامین می‌شود و سن او از شصت سال متجاوز باشد یا طبق نظر کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون از کار افتاده شناخته شود. ۳ - فرزندان بیمه شده که دارای یکی از شرایط زیر باشند: الف - کمتر از هیجده سال تمام داشته باشند و در مورد فرزندان اناث به شرط نداشتن شوهر تا بیست سالگی و یا منحصرأ طبق گواهی یکی از موسسات رسمی آموزشی به تحصیل اشتغال داشته باشند. ب - در اثر بیماری یا نقص عضو طبق گواهی سازمان تامین اجتماعی خدمات درمانی قادر به کار نباشند. ۴ - پدر و مادر تحت تکفل بیمه شده مشروط بر اینکه سن پدر از شصت سال و سن مادر از پنجاه و پنج سال متجاوز باشد و یا اینکه به تشخیص کمیسیونهای پزشکی موضوع ماده ۹۱ از کار افتاده باشند و در هر حال از سازمان مستمری دریافت نمایند. ماده ۵۹ - بیمه شدگانی که تحت معالجه و یا درمانهای توانبخشی قرار می‌گیرند و بنا به تشخیص سازمان تامین اجتماعی موقتاً قادر به کار نیستند به شرط عدم اشتغال به کار و عدم دریافت مزد یا حقوق، استحقاق دریافت غرامت دستمزد را با رعایت شرایط زیر خواهند داشت الف - بیمه شده بر اثر حوادث ناشی از کار و غیرناشی از کار یا بیماریهای حرفه‌ای تحت درمان قرار گرفته باشد. ب - در صورتی که بیمه شده به سبب بیماری و طبق گواهی پزشک احتیاج به استراحت مطلق یا بستری شدن داشته باشد و در تاریخ اعلام بیماری مشغول به کار بوده و یا در مرخصی استحقاقی باشد. ماده ۶۰ - حوادث ناشی از کار حادثی است که در حین انجام وظیفه و به سبب آن برای بیمه شده اتفاق می‌افتد. مقصود از حین انجام وظیفه تمام اوقاتی است که بیمه شده در کارگاه یا موسسات وابسته یا ساختمانها و محوطه آن مشغول کار باشد و یا به دستور کارفرما در خارج از محوطه کارگاه عهده‌دار انجام ماموریتی باشد. اوقات مراجعه به درمانگاه و یا بیمارستان و یا برای معالجات درمانی و توانبخشی و اوقات رفت و برگشت بیمه شده از منزل به کارگاه جزء اوقات انجام وظیفه محسوب می‌گردد مشروط بر اینکه حادثه در زمان عادی رفت و برگشت به کارگاه اتفاق افتاده باشد. حوادثی که برای بیمه شده حین اقدام برای نجات سایر بیمه شدگان و مساعدت به آنان اتفاق می‌افتد حادثه ناشی از کار محسوب می‌شود. ماده ۶۱ - بیماریهای حرفه‌ای به موجب جدولی که به پیشنهاد هیات مدیره به تصویب شورای عالی سازمان خواهد رسید تعیین می‌گردد. مدت مسوولیت سازمان تامین اجتماعی نسبت به درمان هر یک از بیماریهای حرفه‌ای پس از تغییر کار بیمه شده به شرحی است که در جدول مزبور قید می‌شود. ماده ۶۲ - مدت پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری و میزان آن به شرح زیر می‌باشد: ۱ - غرامت دستمزد از اولین روزی که بیمه شده یا بر اثر حادثه یا بیماری حرفه‌ای و به موجب تشخیص سازمان تامین اجتماعی قادر به کار نباشد پرداخت خواهد شد. در مواردی که عدم اشتغال به کار و معالجه به سبب بیماری باشد در صورتی که بیمار در بیمارستان بستری نشود غرامت دستمزد از روز چهارم پرداخت خواهد شد. ۲ - پرداخت غرامت دستمزد تا زمانی که بیمه شده به تشخیص سازمان تامین اجتماعی قادر به کار نبوده و به موجب مقررات این قانون از کار افتاده شناخته نشده باشد ادامه خواهد یافت ۳ - غرامت دستمزد بیمه شده‌ای که دارای همسر یا فرزند یا پدر و یا مادر تحت تکفل باشد به میزان سه چهارم آخرین مزد یا حقوق روزانه او پرداخت می‌گردد. ۴ - غرامت دستمزد بیمه شده‌ای که همسر یا فرزند یا پدر و مادر تحت تکفل نداشته باشد معادل دو سوم آخرین مزد یا حقوق روزانه او می‌باشد مگر اینکه بیمه شده به هزینه سازمان بستری شود که در این صورت غرامت دستمزد معادل یک دوم آخرین مزد یا حقوق روزانه وی خواهد بود. ۵ - هرگاه سازمان بیمه شده‌ای را برای معالجه به شهرستان دیگری اعزام دارد و درمان او را بطور سرپائی انجام دهد علاوه بر غرامت دستمزد متعلق معادل صد در صد غرامت دستمزد روزانه هم بابت هزینه هر روز اقامت او پرداخت خواهد شد. در صورتی که به تشخیص پزشک معالج مادام که بیمار احتیاج به همراه داشته باشد علاوه بر مخارج مسافرت معادل پنجاه درصد حقوق یا دستمزد بیمه شده نیز به همراه بیمار از طرف سازمان پرداخت خواهد شد. ماده ۶۳ - در مورد بیماریها یا حوادث آخرین مزد یا حقوق روزانه بیمه شده به منظور محاسبه غرامت دستمزد ایام بیماری عبارت است از جمع کل دریافتی بیمه شده که به مأخذ آن حق بیمه دریافت شده است در آخرین ۹۰

روز قبل از شروع بیماری تقسیم به روزهای کارو در مورد بیمه شدگانی که کارمزد دریافت می‌کنند آخرین مزد عبارت است از جمع کل دریافتی بیمه شده که به مأخذ آن حق بیمه دریافت شده است در آخرین ۹۰ روز قبل از شروع بیماری تقسیم بر ۹۰ مشروط براینکه غرامت دستمزد این مبلغ از غرامت دستمزدی که به حداقل مزد کارگر عادی تعلق می‌گیرد کمتر نباشد. در صورتی که بیمه شده دریافت کننده کارمزد ظرف سه ماه مذکور مدتی از غرامت دستمزد استفاده کرده باشد متوسط دستمزدی که مبنای محاسبه غرامت دستمزد مذکور قرار گرفته است به منزله دستمزد روزانه ایام بیماری تلقی و در محاسبه منظور خواهد شد. ماده ۶۴ - در مواردی که کارفرمایان طبق قوانین و مقررات دیگری مکلف باشند حقوق یا مزد بیمه شدگان بیمار خود را پرداخت نمایند سازمان فقط عهده‌دار معالجه آنها طبق مقررات این قانون خواهد بود. تبصره - در مواردی که کارفرمایان طبق قوانین و مقررات دیگری مکلف باشند حقوق کارگران مسلول خود را پرداخت نمایند سازمان فقط عهده‌دار معالجه آنها طبق مقررات این قانون خواهد بود. ماده ۶۵ - در صورت وقوع حادثه ناشی از کار، کارفرما مکلف است اقدامات لازم اولیه را برای جلوگیری از تشدید وضع حادثه دیده به عمل آورده و مراتب را ظرف سه روز اداری کتبا به اطلاع سازمان برساند. در صورتی که کارفرما بابت اقدامات اولیه مذکور متحمل هزینه‌ای شده باشد سازمان هزینه مربوط را خواهد پرداخت ماده ۶۶ - در صورتی که ثابت شود وقوع حادثه مستقیماً ناشی از عدم رعایت مقررات حفاظت فنی و بروز بیماری ناشی از عدم مقررات بهداشتی و احتیاط لازم از طرف کارفرما یا نمایندگان او بوده سازمان هزینه‌های مربوط به معالجه و غرامات و مستمری‌ها و غیره را پرداخته و طبق ماده ۵۰ این قانون از کارفرما مطالبه و وصول خواهد نمود. تبصره ۱ - مقصر می‌تواند با پرداخت معادل ده سال مستمری موضوع این ماده به سازمان از این بابت بری‌الذمه شود. تبصره ۲ - هرگاه بیمه شده مشمول مقررات مربوط به بیمه شخص ثالث باشد در صورت وقوع حادثه سازمان شخصاً کمکهای مقرر در این قانون را نسبت به بیمه شده انجام خواهد داد و شرکتهای بیمه موظفند خسارات وارده به سازمان را در حدود تعهدات خود نسبت به شخص ثالث بپردازند. ماده ۶۷ - بیمه شده زن یا همسر بیمه شده مرد در صورتی که ظرف یک سال قبل از زایمان سابقه پرداخت حق بیمه شصت روز را داشته باشد می‌تواند به شرط عدم اشتغال به کار از کمک بارداری استفاده نماید. کمک بارداری دو سوم آخرین مزد یا حقوق بیمه شده طبق ماده ۶۳ می‌باشد که حداکثر برای مدت دوازده هفته جمعا قبل و بعد از زایمان بدون کسر سه روز اول پرداخت خواهد شد. ماده ۶۸ - بیمه شده زن یا همسر بیمه شده مرد در صورتی که در طول مدت یکسال قبل از وضع حمل حق بیمه شصت روز را پرداخته باشد از کمک‌ها و معاینه‌های طبی و معالجات قبل از زایمان و حین زایمان و بعد از وضع حمل استفاده خواهد کرد. سازمان بنا به درخواست بیمه شده می‌تواند بجای کمکهای مذکور مبلغی وجه نقد به بیمه شده پرداخت نماید، مبلغ مزبور در آئین‌نامه‌ای که از طرف هیات مدیره سازمان تهیه و به تصویب شورای عالی سازمان می‌رسد تعیین خواهد شد. ماده ۶۹ - در صورتی که بیمه شده زن و یا همسر بیمه شده مرد به بیماریهایی مبتلا شود که شیردادن برای طفل او زیان آور باشد یا پس از زایمان فوت شود شیر مورد نیاز تا ۱۸ ماهگی تحویل خواهد شد.

فصل ششم از کارافتادگی (م ۷۰ تا م ۷۵)

ماده ۷۰ - بیمه شدگانی که طبق نظر پزشک معالج غیر قابل علاج تشخیص داده می‌شوند پس از انجام خدمات توانبخشی و اعلام نتیجه توانبخشی یا اشتغال چنانچه طبق نظر کمیسیونهای پزشکی مذکور در ماده ۹۱ این قانون توانائی خود را کلاً یا بعضاً از دست داده باشند به ترتیب زیر با آنها رفتار خواهد شد: الف - هرگاه درجه کاهش قدرت کار بیمه شده شصت و شش درصد و بیشتر باشد از کارافتادگی کلی شناخته می‌شود. ب - چنانچه میزان کاهش قدرت کار بیمه شده بین سی و سه تا شصت و شش درصد و به علت حادثه ناشی از کار باشد از کارافتاده جزئی شناخته می‌شود. ج - اگر درجه کاهش قدرت کار بیمه شده بین ده تا سی و سه درصد بوده و موجب آن حادثه ناشی از کار باشد استحقاق دریافت غرامت نقص مقطوع را خواهد داشت ماده ۷۱ - بیمه

شده‌ای که در اثر حادثه ناشی از کار یا بیماری حرفه‌ای از کارافتاده کلی شناخته شود بدون در نظر گرفتن مدت پرداخت حق بیمه استحقاق دریافت مستمری از کارافتادگی کلی ناشی از کار خواهد داشت ماده ۷۲ - میزان مستمری ماهانه از کارافتادگی کلی ناشی از کار عبارتست از یک سی‌ام مزد یا حقوق متوسط بیمه شده ضربدر سنوات پرداخت حق بیمه مشروط بر اینکه این مبلغ از پنجاه درصد مزد یا حقوق متوسط ماهانه او کمتر و از صد در صد آن بیشتر نباشد. در مورد بیمه شدگانی که دارای همسر بوده یا فرزند یا پدر یا مادر تحت تکفل داشته باشند و مستمری استحقاقی آنها از شصت درصد مزد یا حقوق متوسط آنها کمتر باشد علاوه بر آن معادل ده درصد مستمری استحقاقی به‌عنوان کمک مشروط بر آنکه جمع مستمری و کمک از ۶۰٪ تجاوز نکند پرداخت خواهد شد. تبصره ۱ - شوهر یا فرزند یا پدر یا مادر با شرایط زیر تحت تکفل بیمه‌شده محسوب می‌شوند: ۱ - سن شوهر از شصت سال متجاوز باشد و یا به تشخیص کمیسیونهای پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون از کار افتاده کلی بوده و در هر دو حالت به حکم این قانون مستمری دریافت ننماید و معاش او توسط زن تامین شود. ۲ - فرزندان بیمه شده که حائز شرایط مذکور در بند ۳ ماده ۵۸ این قانون باشند. ۳ - سن پدر از شصت و سن مادر از پنجاه و پنج سال بیشتر بوده یا اینکه به تشخیص کمیسیونهای پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون از کارافتاده باشند و معاش آنها توسط بیمه شده تامین و در هر حال به موجب این قانون مستمری دریافت ندارند. تبصره ۲ - مزد یا حقوق متوسط ماهانه بیمه شده موضوع این ماده عبارتست از جمع کل مزد یا حقوق او که به مأخذ آن حق بیمه دریافت گردیده ظرف هفتصد و بیست روز قبل از وقوع حادثه ناشی از کار یا شروع بیماری حرفه‌ای که منجر به از کارافتادگی شده است تقسیم به روزهای کار ضربدر سی ماده ۷۳ - به بیمه شده‌ای که در اثر حادثه ناشی از کار بین سی و سه تا شصت و شش درصد توانائی کار خود را از دست داده باشد مستمری از کارافتادگی جزئی ناشی از کار پرداخت خواهد شد. میزان مستمری عبارتست از حاصل ضرب درصد از کارافتادگی در مبلغ مستمری از کارافتادگی کلی استحقاقی که طبق ماده ۷۲ این قانون تعیین می‌گردد. ماده ۷۴ - بیمه شده‌ای که در اثر حادثه ناشی از کار بین ده تا سی و سه درصد توانائی کار خود را از دست داده باشد استحقاق دریافت غرامت نقص عضو را خواهد داشت میزان این غرامت عبارتست از سی و شش برابر مستمری استحقاقی مقرر در ماده ۷۲ این قانون ضربدر، درصد از کارافتادگی ماده ۷۵ - بیمه شده‌ای که ظرف ده سال قبل از وقوع حادثه غیرناشی از کار یا ابتلاء به بیماری حداقل حق بیمه یکسال کار را که متضمن حق بیمه نود روز کار ظرف یکسال قبل از وقوع حادثه یا بیماری منجر به از کارافتادگی باشد پرداخت نموده باشد در صورت از کارافتادگی کلی حق استفاده از مستمری از کارافتادگی کلی غیرناشی از کار ماهانه را خواهد داشت تبصره - محاسبه متوسط دستمزد و مستمری از کارافتادگی موضوع ماده فوق به ترتیب مقرر در ماده ۷۲ این قانون و تبصره ۲ آن صورت خواهد گرفت

فصل هفتم بازنشستگی (م ۷۶ تا م ۷۹)

ماده ۷۶ - مشمولین این قانون در صورت حائز بودن شرایط زیر حق استفاده از مستمری بازنشستگی را خواهند داشت ۱ - حداقل ده سال حق بیمه مقرر را قبل از تاریخ تقاضای بازنشستگی پرداخته باشند. ۲ - سن مرد به شصت سال تمام و سن زن به پنجاه و پنج سال تمام رسیده باشد. تبصره ۱ - کسانی که ۳۰ سال تمام کار کرده و در هر مورد حق بیمه مدت مزبور را به سازمان پرداخته باشند در صورتی که سن مردان ۵۰ سال و سن زنان ۴۵ سال تمام باشد می‌توانند تقاضای مستمری بازنشستگی نمایند. تبصره ۲ - افرادی که حداقل ۲۰ سال متوالی و ۲۵ سال متناوب در مناطق بد آب و هوا کار کرده و یا آنکه به کارهای سخت و زیان آور (مخل سلامتی اشتغال داشته باشند و در هر مورد حق بیمه مدت مزبور را به سازمان پرداخته باشند در صورتی که سن مردان ۵۰ سال و سن زنان ۴۵ سال تمام باشد می‌توانند تقاضای مستمری بازنشستگی نمایند. مناطق بد آب و هوا و کارهای سخت و زیان آور به موجب آئین‌نامه مربوطه خواهد بود. افزایش هزینه ناشی از این تبصره از کاهش هزینه سازمان ناشی از اجراء تبصره ۱ همین ماده تامین خواهد شد.

تبصره ۳ - بیمه شدگانی که دارای ۳۵ سال تمام سابقه پرداخت حق بیمه باشند می‌توانند بدون در نظر گرفتن شرط سنی مقرر در قانون تقاضای بازنشستگی نمایند. تبصره ۴ - زنان کارگر با داشتن ۲۰ سال سابقه کار و ۴۲ سال سن به شرط پرداخت حق بیمه با ۲۰ روز حقوق می‌توانند بازنشسته شوند. ماده ۷۷ - میزان مستمری بازنشستگی عبارتست از یک سی‌ام متوسط مزد یا حقوق بیمه شده ضربدر سنوات پرداخت حق بیمه مشروط بر آنکه از (۳۰/۳۵) سی و پنج سی‌ام متوسط مزد یا حقوق تجاوز ننماید. تبصره - متوسط مزد یا حقوق برای محاسبه مستمری بازنشستگی عبارتست از مجموع مزد یا حقوق بیمه شده که بر اساس آن حق بیمه پرداخت گردیده ظرف آخرین دو سال پرداخت حق بیمه تقسیم بر بیست و چهار. ماده ۷۸ - کارفرما می‌تواند بازنشستگی بیمه شدگانی را که حداقل پنج سال پس از رسیدن به سن بازنشستگی مقرر در این قانون به کار خود ادامه داده‌اند از سازمان تقاضا نماید. ماده ۷۹ - در مورد مستخدمین شرکتهای دولتی که به موجب قانون اکثریت سهام آنها متعلق به بخش خصوصی شده یا بشود به ترتیب زیر رفتار خواهد شد: ۱ - مستخدمین مشمول ماده ۳۳ مقررات استخدامی شرکتهای دولتی و مستخدمین شرکتهای دولتی که مشمول مقررات بازنشستگی و وظیفه خاص بوده‌اند تابع مقررات بازنشستگی و وظیفه مورد عمل خود خواهند بود. ۲ - مستخدمین شرکتهای دولتی که مشمول قانون بیمه‌های اجتماعی هستند مشمول مقررات این قانون خواهند شد. ۳ - سایر مستخدمین تابع مقررات قانون حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی از پیری و از کارافتادگی و فوت خواهند شد. ۴ - نحوه احتساب سوابق خدمت دولتی مستخدمین مذکور در بندهای ۱ و ۳ و میزان پرداخت کسور بازنشستگی توسط مستخدم و کارفرما و همچنین ترتیب تعیین حقوق بازنشستگی و وظیفه مستخدمین آنان به موجب آئین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی با همکاری سازمان امور اداری و استخدامی کشور به تصویب شورای عالی تامین اجتماعی می‌رسد.

فصل هشتم مرگ (م ۸۰ تا م ۸۴)

ماده ۸۰ - بازماندگان واجد شرایط بیمه شده متوفی در یکی از حالات زیر مستمری بازماندگان دریافت خواهند داشت ۱ - در صورت فوت بیمه شده بازنشسته ۲ - در صورت فوت بیمه شده از کارافتاده کلی مستمری بگیر ۳ - در صورت فوت بیمه شده‌ای که در ده سال آخر حیات خود حداقل حق بیمه یکسال کار، مشروط بر اینکه ظرف آخرین سال حیات حق بیمه ۹۰ روز کار را پرداخت کرده باشد. تبصره ۱ - بیمه شدگان مشمول قانون تامین اجتماعی که قبل از تصویب این ماده واحده فوت شده و به هر علت در مورد آنها مستمری برقرار نشده است حسب مورد مشمول شرایط مقرر در این بند یا تبصره ۲ می‌باشند. تبصره ۲ - چنانچه بیمه شده فاقد شرایط مقرر در این بند باشد ولی حداقل ۲۰ سال حق بیمه مقرر را قبل از فوت پرداخت کرده باشد، بازماندگان وی از مستمری برخوردار خواهند شد. در تعیین متوسط مزد یا حقوق ماهانه مشمولان این تبصره برای محاسبه میزان مستمری تبصره ماده ۷۷ قانون تامین اجتماعی ملاک عمل قرار می‌گیرد. تبصره ۳ - بیمه شده‌ای که از تاریخ تصویب این قانون به بعد فوت می‌شود و فاقد شرایط مقرر در این بند می‌باشد، چنانچه سابقه پرداخت حق بیمه او کمتر از ۲۰ و بیشتر از ده سال باشد، به بازماندگان وی در ازای هر سال سابقه پرداخت حق بیمه غرامت مقطوعی معادل یک ماه حداقل دستمزد کارگر عادی در زمان فوت بطور یکجا و به نسبت سهام مقرر در ماده ۸۳ قانون تامین اجتماعی پرداخت می‌شود. ۴ - در مواردی که بیمه شده بر اثر حادثه ناشی از کار یا بیماریهای حرفه‌ای فوت نماید. ماده ۸۱ - بازماندگان واجد شرایط متوفی که استحقاق دریافت مستمری را خواهند داشت عبارتند از: ۱ - عیال دائم بیمه شده متوفی مادام که شوهر اختیار نکرده است تبصره - همسران بیمه شدگان متوفی که شوهر اختیار نموده‌اند (عقد دائم در صورت فوت شوهر دوم توسط تامین اجتماعی مجدداً به آنها مستمری پرداخت خواهد شد. بار مالی ناشی از این تبصره از محل (۳٪) کمک دولت به بیمه شدگان تامین خواهد شد. آیین نامه اجرایی این تبصره ظرف مدت دو ماه توسط سازمان تامین اجتماعی پیشنهاد و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ۲ - فرزندان متوفی در صورتی که سن آنان کمتر از هیجده سال تمام باشد و یا منحصرأ به

تحصیل اشتغال داشته باشند یا به علت بیماری یا نقص عضو طبق گواهی کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون قادر به کار نباشند. ۳- پدر و مادر متوفی در صورتی که اولاً- تحت تکفل او بوده ثانیاً سن پدر از شصت سال و سن مادر از پنجاه و پنج سال تجاوز کرده باشد و یا آنکه به تشخیص کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون از کار افتاده باشند و در هر حال مستمری از سازمان دریافت ندارند. ماده ۸۲- بازماندگان بیمه شده زن با شرایط زیر از مستمری استفاده خواهند کرد: ۱- شوهر مشروط بر اینکه اولاً- تحت تکفل زن بوده ثانیاً سن او از شصت سال متجاوز باشد یا طبق نظر کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون از کار افتاده بوده و در هر حال مستمری از سازمان دریافت نکند. ۲- فرزندان در صورت حائز بودن شرایط زیر: الف- پدر آنها در قید حیات نبوده یا واجد شرایط مذکور در بند اول این ماده باشد و از مستمری دیگری استفاده نکند. ب- سن آنها کمتر از هیجده سال تمام باشد و یا منحصرأ به تحصیل اشتغال داشته باشند تا پایان تحصیل و یا به علت بیماری یا نقص عضو طبق گواهی کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون قادر به کار نباشند. ۳- پدر و مادر در صورتی که اولاً تحت تکفل او بوده ثانیاً سن پدر از شصت سال و سن مادر از پنجاه و پنج سال تجاوز کرده باشد و یا آنکه به تشخیص کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون از کار افتاده باشند و در هر حال مستمری از سازمان دریافت ندارند. ماده ۸۳- سهم مستمری هر یک از بازماندگان بیمه شده متوفی به شرح زیر می باشد: ۱- میزان مستمری همسر بیمه شده متوفی معادل پنجاه درصد مستمری استحقاقی بیمه شده است و در صورتی که بیمه شده مرد دارای چند همسر دائم باشد مستمری به تساوی بین آنان تقسیم خواهد شد. ۲- میزان مستمری هر فرزند بیمه شده متوفی معادل بیست و پنج درصد مستمری استحقاقی بیمه شده می باشد و در صورتی که پدر و مادر را از دست داده باشد مستمری او دو برابر میزان مذکور خواهد بود. ۳- میزان مستمری هر یک از پدر و مادر بیمه شده متوفی معادل بیست درصد مستمری استحقاقی بیمه شده می باشد. مجموع مستمری بازماندگان بیمه شده متوفی نباید از میزان مستمری استحقاقی متوفی تجاوز نماید. هر گاه مجموع مستمری از این میزان تجاوز کند سهم هر یک از مستمری بگیران به نسبت تقلیل داده می شود و در این صورت اگر یکی از مستمری بگیران فوت شود یا فاقد شرایط استحقاقی دریافت مستمری گردد سهم بقیه آنان با توجه به تقسیم بندی مذکور در این ماده افزایش خواهد یافت و در هر حال بازماندگان بیمه شده از صد در صد مستمری بازماندگان متوفی استفاده خواهند کرد. تبصره - منظور از مستمری استحقاقی بیمه شده متوفی مستمری حین فوت او می باشد. در مورد بیمه شدگانی که در اثر هر نوع حادثه یا بیماری فوت شوند مستمری استحقاقی عبارتست از مستمری که برای بیمه شده از کار افتاده کلی حسب مورد برقرار می شود. ماده ۸۴- هر گاه بیمه شده فوت کند هزینه کفن و دفن او از طرف سازمان تامین اجتماعی پرداخت خواهد شد.

فصل نهم از دواج و عائله مندی (م ۸۵ تا م ۸۷)

ماده ۸۵- به بیمه شده زن یا مرد که برای اولین بار ازدواج می کند مبلغی معادل یک ماه متوسط مزد یا حقوق با رعایت شرایط زیر به عنوان کمک ازدواج پرداخت می شود: ۱- در تاریخ ازدواج رابطه استخدامی او با کارفرما قطع نشده باشد. ۲- ظرف پنج سال قبل از تاریخ ازدواج حداقل حق بیمه هفتصد و بیست روز کار را به سازمان پرداخته باشد. ۳- عقد ازدواج دائم بوده و در دفتر رسمی ازدواج به ثبت رسیده باشد. تبصره ۱- مزد یا حقوق متوسط موضوع این ماده عبارتست از جمع دریافتی بیمه شده ظرف دو سال قبل از ازدواج که به ماخذ آن حق بیمه پرداخت شده است تقسیم بر ۲۴. تبصره ۲- در صورتی که طرفین عقد ازدواج واجد شرایط مذکور در این ماده باشند کمک ازدواج به هر دو نفر داده خواهد شد. ماده ۸۶- کمک عائله مندی منحصرأ تا دو فرزند بیمه شده پرداخت می شود مشروط بر آنکه ۱- بیمه شده حداقل سابقه پرداخت حق بیمه هفتصد و بیست روز کار را داشته باشد. ۲- سن فرزندان او از هیجده سال کمتر باشد و یا منحصرأ به تحصیل اشتغال داشته باشند تا پایان تحصیل یا در اثر بیماری یا نقص عضو طبق گواهی کمیسیونهای پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون قادر به کار نباشند. میزان کمک عائله مندی معادل سه برابر حداقل مزد

روزانه کارگر ساده در مناطق مختلف برای هر فرزند در ماه می‌باشد. ماده ۸۷- پرداخت کمک عائله‌مندی به‌عهده کارفرما می‌باشد و باید درموقع پرداخت مزد یا حقوق به بیمه شده پرداخت شود. تبصره - هرگاه در مورد پرداخت کمک عائله‌مندی اختلافی بین بیمه‌شده و کارفرما حاصل شود به‌طریق مذکور در فصل حل اختلاف قانون کار عمل خواهد شد.

فصل دهم مقررات کلی راجع به کمک‌ها (م ۸۸ تا م ۹۶)

ماده ۸۸- انجام خدمات بهداشتی مربوط به محیط کار به‌عهده کارفرمایان است بیمه شدگانی که در محیط کار با مواد زیان آور از قبیل گازهای سمی اشعه و غیره تماس داشته باشند باید حداقل هر سال یکبار از طرف سازمان معاینه پزشکی شوند. ماده ۸۹- افرادی که به‌موجب قوانین سابق بیمه‌های اجتماعی یا به‌موجب این قانون بازنشسته و یا از کارافتاده شده یا می‌شوند و افراد بلافصل خانواده آنها همچنین افرادی که مستمری بازماندگان دریافت می‌دارند با پرداخت دو درصد از مستمری دریافتی از خدمات مذکور در بندهای الف و ب ماده ۳ این قانون توسط سازمان برخوردار خواهند شد. ما به التفاوت وجوه پرداختی توسط بیمه شدگان موضوع این ماده تا مبالغی که طبق ضوابط قانون تامین درمان مستخدمین دولت باید پرداخت شود از طرف سازمان تامینخواهد شد. ماده ۹۰- افراد شاغل در کارگاهها باید قابلیت و استعداد جسمانی متناسب با کارهای مرجوع را داشته باشند بدین منظور کارفرمایان مکلفند قبل از به کار گماردن آنها ترتیب معاینه پزشکی آنها را بدهند. در صورتی که پس از استخدام مشمولین قانون معلوم شود که نامبردگان در حین استخدام قابلیت و استعداد کار مرجوع را نداشته و کارفرما در معاینه پزشکی آنها تعلل کرده است و بالتبلیجه بیمه شده دچار حادثه شده و یا بیماریش شدت یابد سازمان مقررات این قانون را درباره بیمه شده اجرا و هزینه‌های مربوط را از کارفرما طبق ماده ۵۰ این قانون مطالبه و وصول خواهد نمود. ماده ۹۱- برای تعیین میزان از کارافتادگی جسمی و روحی بیمه شدگان و افراد خانواده آنها کمیسیونهای بدوی و تجدیدنظر پزشکی تشکیل خواهد شد. ترتیب تشکیل و تعیین اعضاء و ترتیب رسیدگی و صدور رای براساس جدول میزان از کارافتادگی طبق آئین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد این سازمان به تصویب شورای عالی می‌رسد. ماده ۹۲- به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف درمانی ناشی از اجرای این قانون سه نفر از کارشناسان بیمه درمانی به انتخاب وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی در شورای فنی سازمان تامینخدمات درمانی موضوع ماده ۴ قانون تأمین خدمات درمانی مستخدمین دولت عضویت خواهند یافت ماده ۹۳- تغییر میزان از کارافتادگی در موارد زیر مستلزم تجدیدنظر در مبلغ مستمری می‌باشد: ۱- مستمری از کارافتادگی کلی در صورت از بین رفتن شرایط از کارافتادگی کلی به محض اشتغال مجدد مستمری بگير قطع می‌شود. در صورتی که تقلیل میزان از کارافتادگی ناشی از کار به میزان مندرج در مواد ۷۳ و ۷۴ این قانون باشد حسب مورد مستمری از کارافتادگی جزئی ناشی از کار یا غرامت نقص عضو پرداخت خواهد شد. ۲- مستمری از کارافتادگی جزئی ناشی از کار موضوع ماده ۷۳ این قانون ظرف پنج سال از تاریخ برقراری قابل تجدیدنظر می‌باشد. در صورتی که در نتیجه تجدیدنظر معلوم گردد که بیمه شده فاقد یکی از شرایط مقرر می‌باشد مستمری او قطع خواهد شد و در صورتی که مشمول ماده ۷۴ این قانون شناخته شود غرامت مذکور در آن ماده رادریافت خواهد نمود. ۳- هرگاه میزان از کارافتادگی جزئی ناشی از کار افزایش یابد و این تغییر نتیجه حادثه منجر به از کارافتادگی باشد مستمری از کارافتادگی جزئی حسب مورد به مستمری کلی ناشی از کار تبدیل و یا میزان مستمری از کارافتادگی جزئی افزایش خواهد یافت ماده ۹۴- هرگاه برای یک مدت دو یا چند کمک نقدی موضوع این قانون به بیمه شده تعلق گیرد فقط کمک نقدی که میزان آن بیشتر است پرداخت خواهد شد به استثنای کمک ازدواج و عائله‌مندی و نوزاد که دریافت آنها مانع استفاده از سایر کمکهای مقرر نخواهد بود. افراد تحت تکفل بیمه شدگان در ایام خدمت سربازی بیمه شده از مزایای قانونی بیمه‌های اجتماعی برخوردار خواهند بود. ماده ۹۵- مدت خدمت و وظیفه مشمولین این قانون پس از پایان خدمت و اشتغال مجدد در مؤسسات مشمول این قانون جزو سابقه پرداخت حق بیمه آنها منظور خواهد شد. ماده ۹۶-

سازمان مکلف است میزان کلیه مستمریهای بازنشستگی از کارافتادگی کلی و مجموع مستمری بازماندگان را در فواصل زمانی که حداکثر از سالی یکبار کمتر نباشد با توجه به افزایش هزینه زندگی با تصویب هیات وزیران به همان نسبت افزایش دهد.

فصل یازدهم تخلفات - مقررات کیفری (م ۹۷ تا م ۱۰۹)

ماده ۹۷ - هر کس به استناد اسناد و گواهی‌های خلاف واقع یا با توسل به عناوین و وسائل تقلبی از مزایای مقرر در این قانون به نفع خود استفاده نماید یا موجبات استفاده افراد خانواده خود یا اشخاص ثالث را از مزایای مذکور فراهم سازد به پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر خسارات وارده به سازمان و در صورت تکرار به حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا شش ماه محکوم خواهد شد. ماده ۹۸ - ماده ۹۹ - کارفرمایانی که ظرف یکسال از تاریخ تصویب این قانون در مورد ترتیب پرداخت بدهی معوقه متعلق به قبل از فروردین ۱۳۵۴ خود با سازمان توافق نمایند از تادیه خسارت تاخیر و جرائم معاف خواهند بود. همچنین ظرف مدت یک سال فوق کارفرمایانی که به تشخیص سازمان به پرداخت بدهی‌های سابق خود معترض می‌باشند و یا آنکه کارگران آنان عملاً امکان استفاده از قسمتی از کمکهای قانونی مقرر را نداشته‌اند می‌توانند به هیاتهای تشخیص مطالبات مقرر در مواد ۴۳ و ۴۴ مراجعه نمایند. هیاتهای مذکور به دلایل و مدارکی که از طرف کارفرما ابراز می‌شود رسیدگی نموده و تصمیم مقتضی اتخاذ خواهند کرد. در مورد بدهیهای زائد بر یک میلیون و پانصد هزار ریال به تقاضای کارفرما و یا سازمان موضوع قابل رسیدگی مجدد در هیات تجدیدنظر بوده و تصمیم متخذ قطعی و لازم الاجرا است هیاتهای فوق الذکر می‌توانند به درخواست کارفرما ترتیب پرداخت بدهی او را حداکثر در ۳۶ قسط ماهانه بدهند و در این مدت کارفرما باید به میزان ۱۲ درصد نسبت به مانده بدهی خود بهره به سازمان بپردازد. در مورد دیون قطعی اعم از اینکه قطعیت آن ناشی از انقضای مهلت اعتراض مقرر در قانون و یا صدور آراء هیاتهای موضوع مواد ۴۳ و ۴۴ این قانون بوده و مربوط به قبل از فروردین ۱۳۵۴ باشد در صورتی که کارفرمای مربوط تا تاریخ تصویب این قانون ترتیب پرداخت اصل بدهی خود را داده باشد از تادیه خسارت تاخیر که پرداخت ننموده معاف خواهد بود. در مورد دیون مربوط به قبل از فروردین ۱۳۵۴ در صورتی که کارفرما از انجام تعهدات و اجرای ترتیب پرداخت بدهی خود که مورد موافقت سازمان قرار گرفته تخلف نماید کلیه جرائم و خسارات بخشوده شده قابل وصول خواهد بود. ماده ۱۰۰ - ماده ۱۰۱ - سازمان مکلف است به صورت مزد ارسالی از طرف کارفرما ظرف شش ماه از تاریخ وصول رسیدگی کند و در صورتی که از لحاظ تعداد بیمه شدگان یا میزان مزد یا حقوق یا مدت کار اختلافی مشاهده نماید مراتب را به کارفرما ابلاغ کند در صورتی که کارفرما تسلیم نظر سازمان نباشد می‌تواند از هیاتهای تشخیص موضوع مواد ۴۳ و ۴۴ این قانون تقاضای رسیدگی کند هرگاه رای هیات مبنی بر تایید نظر سازمان باشد کارفرما علاوه بر پرداخت حق بیمه به تادیه خسارتی معادل یک دوازدهم ما به التفاوت ملزم خواهد بود که طبق ماده ۵۰ این قانون از طریق صدور اجرائیه وصول خواهد شد. ماده ۱۰۲ - در صورتی که کارفرما یا نماینده او از اقدامات بازرس سازمان جلوگیری نموده یا از ارائه دفاتر و مدارک مربوط و تسلیم رونوشت یا عکس آنها به بازرس خودداری کند به جزای نقدی از پانصد ریال تا ده هزار ریال محکوم خواهد شد گزارش بازرسان سازمان در این خصوص در حکم گزارش ضابطین دادگستری است ماده ۱۰۳ - کارفرمایانی که عمداً وجوهی زائد بر میزان مقرر در این قانون به عنوان حق بیمه از مزد یا حقوق و مزایای بیمه شدگان برداشت نمایند علاوه بر الزام به استرداد وجوه مذکور به حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا شش ماه محکوم خواهند شد. ماده ۱۰۴ - وجوه و اموال سازمان در حکم وجوه و اموال عمومی می‌باشد و هرگونه برداشت غیرقانونی از وجوه مذکور و تصرف غیرمجاز در اموال آن اختلاس یا تصرف غیرقانونی است و مرتکب طبق قوانین کیفری تعقیب خواهد شد. ماده ۱۰۵ - کلیه کسانی که گواهی آنان مجوز استفاده از مزایای مقرر در این قانون می‌باشد در صورت صدور گواهی خلاف واقع علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا شش ماه محکوم خواهد شد. ماده ۱۰۶ - کلیه خسارات و وجوه حاصل از جرائم نقدی مقرر در این قانون به حساب سازمان واریز و جزء

درآمدهای آن منظور خواهد شد. ماده ۱۰۷ - به شکایات و دعاوی سازمان در مراجع قضائی خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد. ماده ۱۰۸ - منسوخ شده است. ماده ۱۰۹ - در صورتی که کارفرما شخص حقوقی باشد، مسوولیت‌های جزائی مقرر در این قانون متوجه مدیر عامل شرکت یا هر شخص دیگری خواهد بود که در اثر فعل یا ترک فعل او موجبات ضرر و زیان سازمان یا بیمه شدگان فراهم شده است

فصل دوازدهم مقررات مختلف (م ۱۱۰ تا م ۱۱۸)

ماده ۱۱۰ - سازمان از پرداخت هر گونه مالیات و عوارض اعم از نوسازی و غیره و پرداخت هزینه تمیز دعاوی معاف است همچنین سازمان از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی آن قسمت از داروها و تجهیزات و لوازم بیمارستانها و درمانگاهها که معافیت آنها قبلاً مورد تایید وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار گرفته است معاف خواهند بود. ماده ۱۱۱ - مستمری از کارافتادگی کلی و مستمری بازنشستگی و مجموع مستمری بازمندگان در هر حال نباید از حداقل مزد کارگر عادی کمتر باشد. ماده ۱۱۲ - بیمه شدگانی که به موجب این قانون مستمری یا کمک نقدی دیگری از سازمان دریافت می کنند نسبت به وجوه دریافتی از پرداخت هر گونه مالیات معاف می باشند. ماده ۱۱۳ - ماده ۱۱۴ - ضوابط سنی و مدت خدمت برای احتساب مستمری بازنشستگی کارکنان سازمان قبل از موعد مقرر تابع ضوابط و مقررات قانون استخدام کشوری و تغییرات و اصلاحات بعدی آن خواهد بود. حقوق بازنشستگی این افراد برابر با متوسط حقوق و مزایای دریافت دو سال آخر خدمت که ماحذ پرداخت حق بیمه بوده است می باشد. ماده ۱۱۵ - افرادی که تا تاریخ تصویب این قانون طبق قوانین سابق بیمه‌های اجتماعی مستمری در حق آنان برقرار شده است مستمری خود را از سازمان دریافت خواهند داشت مفاد ماده ۹۶ در مورد مشمولین این ماده نیز رعایت خواهد شد. ماده ۱۱۶ - سوابق پرداخت حق بیمه افراد بیمه شده از نظر تعهدات مذکور در ماده یک این قانون نزد شرکت سهامی بیمه ایران بنگاه رفاه اجتماعی صندوق تعاون و بیمه کارگران و سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران و سازمان بیمه‌های اجتماعی و همچنین افرادی که بیمه اختیاری بوده‌اند برای استفاده از مزایای مذکور در این قانون جزء سابقه آنان محسوب خواهد شد مشروط بر اینکه ۱ - کارگاه یا مؤسسه‌ای که بیمه شده در آن به کار اشتغال داشته است کارگران و کارمندان خود را نزد یکی از مؤسسات مذکور بیمه نموده باشد و اشتغال بیمه شده نیز در آن کارگاه یا مؤسسه مسلم باشد. ۲ - کمک مورد تقاضا در قانونی که حق بیمه به موجب آن پرداخت گردیده پیش بینی شده باشد. ماده ۱۱۷ - میزان حق بیمه روستائیان مشمول قانون بیمه‌های اجتماعی روستائیان و ترتیب وصول آن و انواع کمکهای قانونی و منابع مالی تامین هزینه‌های مربوط به بیمه شدگان روستائی به موجب آئین نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد وزارت رفاه اجتماعی به تصویب کمیسیونهای مربوط مجلسین می رسد. تا زمان تصویب آئین نامه مذکور مقررات و آئین نامه‌های موجود قانون بیمه‌های اجتماعی روستائیان به قوت خود باقی است ماده ۱۱۸ - از تاریخ اجرای این قانون قانون بیمه‌های اجتماعی مصوب سال ۱۳۳۹ و اصلاحیه‌های آن و قانون افزایش مستمریهای بعضی از مستمری بگيران مشمول قانون بیمه‌های اجتماعی قانون تامین آموزش فرزندان کارگر و سایر قوانینی که با این قانون مغایرت دارد ملغی است تبصره ۱ - کلیه تعهدات مالی و اموال و دارائی صندوق تامین آموزش فرزندان کارگر به سازمان منتقل می شود. تبصره ۲ - کارکنان صندوق تامین آموزش فرزندان کارگر به سازمان منتقل و تابع مقررات و نظامات استخدامی سازمان خواهند بود. تبصره ۳ - آئین نامه‌های اجرائی قانون سابق بیمه‌های اجتماعی که با این قانون مغایرت نداشته باشد تا زمان تنظیم و تصویب آئین نامه‌های اجرائی این قانون قابل اجرا است قانون فوق مشتمل بر یکصد و هیجده ماده و چهل تبصره پس از تصویب مجلس سنا در جلسه روز دوشنبه ۱۹/۳/۱۳۵۴، در جلسه روز سه شنبه سوم تیرماه یکهزار و سیصد و پنجاه و چهار شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور

ماده ۱ - تعاریف ۱ - بیمه شده اصلی فردی است که راسا مشمول مقررات بیمه خدمات درمانی موضوع این قانون بوده و پس از پرداخت حق السهم توسط فرد یا مراجع مشمول در قانون مشمول استفاده از مزایای خدمات درمانی قرار می گیرد. ۲ - بیمه شده تبعی خانواده شخص یا اشخاصی هستند که به تبع سرپرستی و کفالت بیمه شده اصلی از مزایای مقرر در این قانون می توانند استفاده نمایند. ۳ - روستایی شخصی است که در روستا سکونت داشته باشد. عشایر کوچ رو در این قانون از مزایای روستاییان برخوردارند. ۴ - افراد نیازمند: به افرادی اطلاق می شود که به لحاظ شرایط اقتصادی اجتماعی جسمی و روانی توانایی اداره زندگی خود و خانواده تحت تکفل خود را ندارند. مصادیق افراد نیازمند حسب مورد به پیشنهاد کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی تعیین می شود. ۵ - صاحبان حرف و مشاغل آزاد: به کلیه اشخاصی اطلاق می شود که از نظر مقررات و قوانین خویش فرما باشند. ۶ - حق سرانه مبلغی است که بر مبنای خدمات مورد تعهد به مشمولین بیمه خدمات درمانی برای هر فرد در یک ماه تعیین می گردد. ۷ - فرانشیز: قسمتی از هزینه درمان است که بیمه شده باید در زمان دریافت خدمات درمانی پرداخت نماید. ۸ - قیمت واقعی خدمات عبارتست از قیمت تمام شده خدمات به اضافه سود سرمایه (دارایی های ثابت). در بخش دولتی سود سرمایه (دارایی های ثابت و استهلاک منظور نخواهد شد. ماده ۲ - به منظور توسعه و تعمیم بیمه خدمات درمانی و اعمال وظایف سیاستگذاری برنامه ریزی ایجاد هماهنگی های اجرایی هدایت نظارت و ارزشیابی سطح کمی و کیفی بیمه خدمات درمانی در چهارچوب این قانون شورای عالی بیمه خدمات درمانی کشور که بعد از این شورای عالی نامیده می شود، در وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی تشکیل می گردد. ماده ۳ - ترکیب شورای عالی به شرح زیر خواهد بود: ۱ - وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی (رئیس شورای عالی) ۲ - وزیر کار و امور اجتماعی ۳ - وزیر امور اقتصادی و دارایی ۴ - رئیس سازمان برنامه و بودجه ۵ - دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور ۶ - رئیس کل سازمان نظام پزشکی ۷ - مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی ۸ - مدیر عامل سازمان بیمه خدمات درمانی ۹ - مدیر عامل سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح ۱۰ - سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره) ۱۱ - معاون امور درمان وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی بدون حق رأی ۱۲ - دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از کمیسیونهای برنامه و بودجه و بهداری و بهزیستی (از هر کدام یک نفر) که در هر دوره مجلس به انتخاب مجلس تعیین خواهند شد، به عنوان ناظر در جلسات شورای عالی شرکت خواهند کرد. تبصره - دبیرخانه شورای عالی در وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی بوده و معاون امور درمان دبیر شورای عالی و مسؤول ابلاغ مصوبات آن می باشد. ماده ۴ - دولت موظف است شرایط لازم را برای تحت پوشش قرار دادن تمام گروهها و افراد جامعه که متقاضی بیمه خدمات درمانی هستند، فراهم نماید. پوشش و تعمیم بیمه خدمات درمانی برای کلیه گروههای مشمول این قانون حداکثر ظرف پنج سال پس از تصویب این قانون با اولویت نیازمندان و روستائیان طبق موازین این قانون انجام خواهد شد. ماده ۵ - به منظور تامین موجبات و امکانات بیمه خدمات درمانی کارکنان دولت افراد نیازمند، روستائیان و سایر گروههای اجتماعی سازمان بیمه خدمات درمانی که پس از این سازمان نامیده می شود تشکیل و به صورت شرکت دولتی اداره خواهد شد. و در صورتی تابع مقررات عمومی دولت و موسساتی که با سرمایه دولت تشکیل شده اند می شود که در مقررات مزبور صراحتاً از آن یاد شده باشد. تبصره ۱ - سازمان وابسته به وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی بوده و دارای شخصیت حقوقی مستقل است تبصره ۲ - وظایف اختیارات ارکان و تشکیلات منابع مالی و نحوه اداره و حدود و شمول عملیات و فعالیت سازمان بر طبق اساسنامه ای خواهد بود که حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون به پیشنهاد شورای عالی به تصویب هیات وزیران می رسد. تبصره ۳ - با تشکیل سازمان آن قسمت از وظایف اختیارات امکانات کارکنان دارایی ها و اعتبارات وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی که در امر بیمه خدمات درمانی کارکنان دولت به کار گرفته می شود به سازمان منتقل می گردد. تبصره ۴ - کلیه دارایی های منتقل شده به سازمان توسط هیاتی که ترکیب آن در

اساسنامه تعیین می‌شود، ارزیابی شده و به صورت سرمایه سازمان اعلام خواهد شد. تبصره ۵- هر یک از گروه‌های مذکور در ماده فوق دارای صندوق جداگانه‌ای خواهند بود. ماده ۶- کلیه شرکت‌های بیمه مجازند براساس موازین این قانون و بارعایت حق سرانه مصوب در امور بیمه خدمات درمانی گروه‌های مختلف همکاری مشارکت و فعالیت نمایند. تبصره - کلیه شرکت‌های بیمه علاوه بر فعالیت در بیمه خدمات درمانی مجازند در امور بیمه‌های مضاعف (مکمل براساس موازین قانونی خود از طریق عقد قراردادهای تکمیلی (خاص و مطابق این قانون همکاری مشارکت و فعالیت نمایند. ماده ۷- کلیه دستگاهها و سازمانهای دولتی و وابسته به دولت کمیته‌امداد امام خمینی (ره) و اشخاص حقیقی و حقوقی در انتخاب سازمان و یا شرکت‌های بیمه گر برای عقد قراردادهای بیمه خدمات درمانی در چهارچوب موازین و مفاد این قانون مخیر می‌باشند و تشکیل سازمان بیمه خدمات درمانی نافی این حق و اختیار نخواهد بود. تبصره ۱- دستگاههای مشمول قانون تامین اجتماعی و سازمان خدمات درمانی برای انعقاد قراردادهای بیمه خدمات درمانی با سازمانها و یا شرکت‌های بیمه گر موظفند طرح پیشنهادی خود را به سازمان تامین اجتماعی و سازمان خدمات درمانی حسب مورد ارائه و مجوز لازم را از سازمان‌های مذکور دریافت نمایند. در صورتی که سازمان تامین اجتماعی و یا سازمان خدمات درمانی با طرح پیشنهادی موافقت نمایند و این امر مورد اعتراض پیشنهاددهنده باشد، مراتب جهت تصمیم‌گیری نهایی به شورای عالی منعکس خواهد شد. تبصره ۲- دستگاههای موضوع تبصره ۱ به استثنای کمیته امداد امام خمینی (ره) موظفند دو نهم سهم درمان یا حق سرانه درمان را حسب مورد در اختیار سازمان تامین اجتماعی و یا سازمان خدمات درمانی قرار دهند تا برای تداوم استفاده بیمه شده از خدمات درمانی در دوران مستمری‌بگیری ذخیره شود. تبصره ۳- آئین نامه اجرائی این ماده حداکثر ظرف چهار ماه به پیشنهاد مشترک سازمان تامین اجتماعی و سازمان خدمات درمانی و تایید شورای عالی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۴- کمیته امداد امام خمینی (ره) علاوه بر سازمان‌ها و شرکت‌های بیمه گر دولتی می‌تواند با موسسات خدمات درمانی انعقاد قرارداد نماید. ماده ۸- تعرفه‌های خدمات تشخیصی و درمانی براساس قیمت‌های واقعی و نرخ سرانه حق بیمه درمانی مصوب به پیشنهاد مشترک سازمان برنامه و بودجه و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی با تایید شورای عالی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۹- حق بیمه سرانه خدمات درمانی برای گروه‌های تحت پوشش بیمه خدمات درمانی و میزان فرانشیز قابل پرداخت توسط بیمه‌شوندگان با در نظر داشتن سطح درآمد گروه‌های بیمه‌شونده و وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور به پیشنهاد مشترک سازمان برنامه و بودجه و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و تایید شورای عالی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره - مابه التفاوت سهم درمان مشمولین قانون تامین اجتماعی تاحق سرانه موضوع این ماده همه ساله در بودجه کل کشور منظور و به سازمان تامین اجتماعی پرداخت خواهد شد. ماده ۱۰- حداقل شمول و سطح خدمات پزشکی و دارو شامل خدمات پزشکی اورژانس عمومی و تخصصی (سرپایی و بستری که انجام و ارائه آن در نظام بیمه خدمات درمانی به‌عهده سازمان‌های بیمه گر قرار می‌گیرد و لیست خدمات فوق تخصصی که مشمول بیمه‌های مضاعف (مکمل می‌باشد به پیشنهاد وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و تایید شورای عالی و تصویب هیات وزیران تعیین و اعلام می‌شود. ماده ۱۱- تامین خدمات بهداشتی که از طریق شبکه بهداشتی و درمانی تابع وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی انجام می‌شود همچنان رایگان است تبصره - همه ساله وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی فهرست این گونه خدمات و اسامی و مشخصات داروها و ملزومات مصرفی رایگان در برنامه‌های استراتژیک بهداشتی را تعیین و اعلام می‌کند. ماده ۱۲- ارائه خدمات درمانی به روستائیان از طریق شبکه‌های بهداشتی درمانی و سیستم ارجاع بوده و میزان حق بیمه سرانه خدمات درمانی روستائیان در شروع برنامه معادل ۴۰٪ حق سرانه تعیین شده شهرنشینان خواهد بود. تبصره - به منظور حمایت از روستائیان و تعمیم بیمه خدمات درمانی در جوامع روستایی و عشایری دولت موظف است بخشی از هزینه سرانه بیمه خدمات درمانی روستائیان بیمه شده را تقبل و از محل بودجه عمومی تامین و به صورت ردیفی مستقل در قانون بودجه سالانه منظور و براساس موافقتنامه شرح فعالیت‌های جاری جهت حق بیمه سرانه خدمات

درمانی افراد مشمول این ماده و انعقاد قرارداد با سازمان‌ها و شرکت‌های بیمه‌گر به مصرف برساند. ماده ۱۳ - سهم مشمولان این قانون از حق بیمه سرانه خدمات درمانی بر حسب گروه‌های شغلی به ترتیب زیر خواهد بود: ۱ - کارکنان دولت یک پنجم تا یک سوم حق بیمه سرانه که متناسب با حقوق و مزایا با تصویب هیات وزیران تعیین می‌شود. ۲ - مشمولان قانون تامین اجتماعی بر طبق مقررات قانون تامین اجتماعی ۳ - روستائیان براساس مصوبات هیات وزیران ۴ - صاحبان حرف و مشاغل آزاد: تا ۱۰۰٪ حق بیمه سرانه به پیشنهاد شورای عالی و تصویب هیات وزیران ۵ - سایر اقشاری که در این قانون ذکری از آنها به عمل نیامده است براساس پیشنهاد شورای عالی و تصویب هیات وزیران ماده ۱۴ - تامین حق بیمه سرانه خدمات درمانی افراد نیازمند جامعه که فاقد توانائی پرداخت هستند به پیشنهاد مشترک کمیته امداد امام خمینی ره و سازمان برنامه و بودجه توسط دولت تعهد شده و به صورت ردیفی مستقل در قانون بودجه هر سال منظور و در اختیار کمیته یاد شده قرار می‌گیرد تا براساس موافقتنامه شرح فعالیت‌های جاری جهت حق بیمه سرانه خدمات درمانی افراد مذکور و انعقاد قرارداد با سازمانها و شرکتهای بیمه‌گر به مصرف برساند. تبصره ۱ - آئین‌نامه چگونگی تشخیص و تعیین افراد نیازمند مشتمل بر تعاریف ضوابط و موازین تشخیص به پیشنهاد مشترک کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان برنامه و بودجه به تصویب هیات وزیران می‌رسد. تبصره ۲ - کمیته امداد امام خمینی ره موظف است با رعایت مفاد موضوع تبصره ۱ این ماده ضمن استفاده از همکاری‌های وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی از جمله سازمان بهزیستی استانها، وزارت کشاورزی و وزارت جهاد سازندگی و دیگر سازمان‌ها و نهادهای، همه ساله اطلاعات آماری افراد تحت پوشش و مشمول دریافت خدمات را به تفکیک هر استان تهیه و پس از تایید شورای عالی جهت اقدامات اجرائی و پیش‌بینی و تامین اعتبار لازم به سازمان برنامه و بودجه اعلام نماید. ماده ۱۵ - سازمان برنامه و بودجه موظف است همه ساله اعتبارات مربوط به سهم دولت از حق بیمه خدمات درمانی کارمندان دستگاههایی را که از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند به صورت یک برنامه مشخص در قالب بودجه مصوب سالانه هر یک از دستگاههای اجرائی پیش‌بینی و منظور نماید. دستگاههای ذیربط موظفند راسا نسبت به انعقاد قرارداد با سازمان بیمه خدمات درمانی یا سایر شرکتهای و موسسات بیمه‌گر اقدام نمایند. تبصره - علاوه بر مواردی که در این قانون مشخص شده است سازمان برنامه و بودجه موظف است در مورد سایر بندهای ماده ۱۳ این قانون با توجه به درصدهای مذکور در همان ماده سهم دولت را متناسب با تعداد افراد بیمه شده هر گروه به صورت کمک در ردیف‌های خاص در قانون بودجه منظور نماید. ماده ۱۶ - سایر دستگاهها در صورت تمایل می‌توانند تابع این قانون باشند. ماده ۱۷ - کلیه بیمارستانها، مراکز بهداشتی و درمانی و مراکز تشخیصی و پزشکان کشور موظف به پذیرش و مداوای بیمه‌شدگان و ارائه وانجام خدمات و مراقبتهای پزشکی لازم براساس ضوابط و مقررات این قانون هستند. تبصره - وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی موظف است با همکاری سازمان نظام پزشکی و قوه قضائیه مقررات و نحوه نظارت بر امور بیمه خدمات درمانی همگانی را با توجه به اهداف این قانون و قوانین موجود تعیین و پس از تایید شورای عالی به تصویب هیات وزیران برساند. ماده ۱۸ - وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی موظف است در اجرای بیمه خدمات درمانی همگانی کشور حداکثر تا یک سال پس از تصویب این قانون کلیه موازین مقررات روش‌های نظارتی و آئین‌نامه‌های موضوع این قانون را با همکاری مبادی ذیربط تهیه نموده و به تصویب مراجع مربوط برساند. ماده ۱۹ - کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون لغو می‌گردد. قانون فوق مشتمل بر نوزده ماده و هفده تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ سوم آبان ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۱/۸/۱۳۷۳ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون بیمه بیکاری مصوب (۶۹/۶/۲۶) (م ۱ تا ۱۴)

ماده ۱. کلیه مشمولین قانون تامین اجتماعی که تابع قوانین کار و کار کشاورزی هستند مشمول مقررات این قانون می‌باشند. تبصره

گروه‌های زیر از شمول مقررات این قانون مستثنا هستند: ۱- بازنشستگان و از کارافتادگان کلی ۲- صاحبان حرف و مشاغل آزاد و بیمه‌شدگان اختیاری ۳- اتباع خارجی ماده ۲. بیکار از نظر این قانون بیمه‌شده‌ای است که بدون میل واراده بیکار شده و آماده کار باشد. تبصره ۱. بیمه‌شدگانی که به علت تغییرات ساختار اقتصادی واحد مربوطه به تشخیص وزارتخانه ذی ربط و تایید شورای عالی کاریکار موقت شناخته شوند نیز مشمول مقررات این قانون خواهند بود. تبصره ۲. بیمه‌شدگانی که به علت بروز حوادث قهریه و غیرمترقبه از قبیل سیل زلزله جنگ آتش‌سوزی و ... بیکار می‌شوند با معرفی واحد کار و امور اجتماعی محل از مقرری بیمه بیکاری استفاده خواهند کرد. ماده ۳. بیمه بیکاری به عنوان یکی از حمایت‌های تامین اجتماعی است و سازمان تامین اجتماعی مکلف است با دریافت حق بیمه مقرر، به بیمه‌شدگانی که طبق مقررات این قانون بیکار می‌شوند مقرری بیمه بیکاری پرداخت نماید. ماده ۴. بیمه شده بیکار با معرفی کتبی واحد کار و امور اجتماعی محل از مزایای این قانون منتفع خواهد شد. تبصره بیکاران مشمول این قانون کلیه حقوق و مزایا و خسارات مربوطه (موضوع قانون کار) را دریافت خواهند نمود. ماده ۵. حق بیمه بیکاری به میزان (۳٪) مزد بیمه شده می‌باشد که کلاً توسط کارفرما تامین و پرداخت خواهد شد. تبصره مزد بیمه شده و نحوه تشخیص تعیین حق بیمه بیکاری چگونگی وصول آن تکلیف بیمه‌شده و کارفرما و همچنین نحوه رسیدگی به اعتراض تخلفات و سایر مقررات مربوطه در این مورد براساس ضوابطی است که برای حق بیمه سایر حمایت‌های تامین اجتماعی در قانون و مقررات تامین اجتماعی پیش‌بینی شده است ماده ۶. بیمه‌شدگان بیکار در صورت احراز شرایط زیر استحقاق دریافت مقرری بیمه بیکاری را خواهند داشت الف - بیمه شده قبل از بیکار شدن حداقل ۶ ماه سابقه پرداخت حق بیمه را داشته باشد. مشمولین تبصره ۲ ماده ۲ این قانون از شمول این بند مستثنا می‌باشند. ب - بیمه شده مکلف است ظرف ۳۰ روز از تاریخ بیکاری با اعلام مراتب بیکاری به واحدهای کار و امور اجتماعی آمادگی خود را برای اشتغال به کار تخصصی و یا مشابه آن اطلاع دهد. مراجعه بعد از سی روز با عذر موجه و با تشخیص هیأت حل اختلاف تا سه ماه امکان‌پذیر خواهد بود. ج - بیمه شده بیکار مکلف است در دوره‌های کارآموزی و سوادآموزی که توسط واحد کار و امور اجتماعی و نهضت سوادآموزی و یا سایر واحدهای ذی ربط با تایید وزارت کار و امور اجتماعی تعیین می‌شود شرکت نموده و هر دو ماه یک بار گواهی لازم در این مورد را به شعب تامین اجتماعی تسلیم نماید. تبصره ۱. کارگرانی که در زمان دریافت مقرری بیمه بیکاری به شغل یا مشاغل گمارده شوند که میزان حقوق و مزایای آن از مقرری بیمه بیکاری متعلقه کمتر باشد مابه‌التفاوت دریافتی بیمه‌شده از حساب صندوق بیمه بیکاری پرداخت خواهد شد. تبصره ۲. مدت دریافت مقرری بیمه بیکاری جزء سوابق پرداخت حق بیمه بیمه‌شده از نظر بازنشستگی از کارافتادگی و فوت محسوب خواهد شد. ماده ۷. مدت پرداخت مقرری بیمه بیکاری و میزان آن به شرح زیر است الف - جمع مدت پرداخت مقرری از زمان برخورداری از مزایای بیمه بیکاری اعم از دوره اجرای آزمایشی و یا دائمی آن برای مجردین حداکثر ۳۶ ماه و برای متاهلین یا متکفلین حداکثر ۵۰ ماه براساس سابقه کلی پرداخت حق بیمه و به شرح جدول ذیل می‌باشد: سابقه پرداخت حق بیمه حداکثر مدت استفاده از مقرری جمعاً با احتساب دوره‌های قبلی برای مجردین برای متاهلین یا متکفلین از ۶ ماه لغایت ۲۴ ماه ۶ ماه ۱۲ ماه از ۲۵ ماه لغایت ۱۲۰ ماه ۱۲ ماه ۱۸ ماه از ۱۲۱ ماه لغایت ۱۸۰ ماه ۱۸ ماه ۲۶ ماه از ۲۴۱ ماه به بالا ۳۶ ماه ۵۰ ماه تبصره افراد مسن مشمول این قانون که دارای ۵۵ سال سن و بیشتر می‌باشند مادامی که مشغول به کار نشده‌اند می‌توانند تارسیدن به سن بازنشستگی تحت پوشش بیمه بیکاری باقی بمانند. ب - میزان مقرری روزانه بیمه‌شده بیکار معادل ۵۵٪ متوسط مزد یا حقوق و یا کارمزد روزانه بیمه‌شده می‌باشد. به مقرری افراد متاهل یا متکفل تا حداکثر ۴ نفر از افراد تحت تکفل به ازای هریک از آنها به میزان ۱۰٪ حداقل دستمزد افزوده خواهد شد. در هر حال مجموع دریافتی مقرری بگير نباید از حداقل دستمزد، کمتر و از ۸۰٪ متوسط مزد یا حقوق وی بیشتر باشد. ج - مقرری بیمه بیکاری از روز اول بیکاری قابل پرداخت است تبصره ۱. متوسط مزد یا حقوق روزانه بیمه‌شده بیکار به منظور محاسبه مقرری بیمه بیکاری عبارت است از جمع کل دریافتی بیمه‌شده که به مأخذ حق بیمه دریافت شده در آخرین ۹۰ روز قبل از شروع

بیکاری تقسیم بر روزهای کار و در مورد بیمه‌شدگانی که کارمزد دریافت می‌کنند آخرین مزد عبارت است از جمع کل دریافتی بیمه‌شده که به مأخذ آن حق بیمه دریافت شده در آخرین ۹۰ روز قبل از شروع بیکاری تقسیم بر ۹۰ در صورتی که بیمه‌شده کارمزد، ظرف ۳ ماه مذکور مدتی از غرامت دستمزد استفاده نموده باشد متوسط مزدی که مبنای محاسبه غرامت دستمزد قرار گرفته به منزله دستمزد ایام بیکاری تلقی و در محاسبه منظور خواهد شد. تبصره ۲. افراد تحت تکفل موضوع این ماده عبارتند از: ۱- همسر (زن یا شوهر). ۲- فرزندان اناث مادام که ازدواج ننموده و فاقد حرفه و شغل باشند. ۳- فرزندان ذکور که سن آنان کمتر از هجده سال تمام باشد و یا منحصراً به تحصیل اشتغال داشته و یا طبق نظر پزشک معتمد سازمان تامین اجتماعی از کارافتاده کلی باشند. ۴- پدر و مادر که سن پدر از ۶۰ سال متجاوز باشد و یا طبق نظر پزشک معتمد سازمان تامین اجتماعی از کارافتاده کلی باشند و در هر حال معاش آنان منحصراً توسط بیمه‌شده تامین گردد. ۵- خواهر و برادر تحت تکفل در صورت داشتن شرایط مربوط به فرزندان اناث و ذکور، مذکور در بندهای ۲ و ۳ این تبصره تبصره ۳. دریافت مقرری بیمه بیکاری مانع از دریافت مستمری جزئی نمی‌گردد. تبصره ۴. در صورت بیکاری زوجین فقط یکی از آنان (زن یا شوهر) محق به استفاده از افزایش مقرری به ازای هریک از فرزندان خواهد بود. تبصره ۵. بیمه‌شده بیکار و افراد تحت تکفل در مدت دریافت مقرری بیمه بیکاری از خدمات درمانی موضوع بندهای «الف» و «ب» ماده ۳ قانون تامین اجتماعی استفاده خواهند کرد. تبصره ۶. مقرری بیمه بیکاری مانند سایر مستمریهای تامین اجتماعی از پرداخت هرگونه مالیات معاف خواهد بود. ماده ۸. در موارد زیر مقرری بیمه بیکاری قطع خواهد شد: الف - زمانی که بیمه‌شده مجدداً اشتغال به کار یابد. ب - بنا به اعلام واحد کار و امور اجتماعی محل و یا نهضت سوادآموزی و سایر واحدهای ذی ربط از طریق وزارت کار و امور اجتماعی بیمه‌شده بیکار بدون عذر موجه از شرکت در دوره‌های کارآموزی یا سوادآموزی خودداری نماید. ج - بیمه‌شده بیکار از قبول شغل تخصصی خود و یا شغل مشابه پیشنهادی خودداری ورزد. د - بیمه‌شده بیکار ضمن دریافت مقرری بیمه بیکاری مشمول استفاده از مستمری بازنشستگی و یا از کارافتادگی کلی شود. ه - بیمه‌شده به نحوی از انحا با دریافت مزد ایام بلا تکلیفی به کار مربوطه اعاده گردد. تبصره ۱. در صورتی که پس از پرداخت مقرری بیمه بیکاری محرز شود که بیکاری بیمه‌شده ناشی از میل و اراده او بوده است کارگرموظف به استرداد وجوه دریافتی به سازمان تامین اجتماعی خواهد بود. مشمولین بند «ه» این ماده نیز مکلف به بازپرداخت مقرری بیمه بیکاری دریافتی به سازمان مذکور می‌باشند. تبصره ۲. چنانچه بیمه‌شده بیکار اشتغال مجدد خود را مکتوم داشته و مقرری بیمه بیکاری را دریافت کرده باشد، ملزم به بازپرداخت مقرری دریافتی از تاریخ اشتغال خواهد بود. تبصره ۳. دریافت کمک هزینه حین کارآموزی مانع استفاده از مقرری بیمه بیکاری نخواهد بود. ماده ۹. کارفرمایان موظفند با هماهنگی شوراهای اسلامی و یانمایندگان کارگران فهرست محل‌های خالی شغل را که ایجاد می‌شوند به مراکز خدمات اشتغال محل اعلام نمایند. محل‌های شغلی مذکور (به استثنای رده‌های شغلی کارشناسی به بالا) منحصراً توسط مراکز خدمات اشتغال و با معرفی بیکاران تامین می‌گردد. تبصره ۱. دولت مکلف است همه ساله از طریق سیستم بانکی و منابع اعتباری سازمان تامین اجتماعی و با استفاده از اعتبارات قرض الحسنه طرح‌های اشتغال‌زای مشخصی را جهت اشتغال به کاربیکاران مشمول این قانون در بودجه سالانه کشور پیش‌بینی و رأساً یا از طریق شرکتهای تعاونی و یا خصوصی و با نظارت وزارت کار و امور اجتماعی به مورد اجرا گذارد. تبصره ۲. بیکاران مشمول این قانون در اخذ پروانه‌های کسب و کار و موافقت اصولی و تأسیس واحدهای اقتصادی از وزارتخانه‌های صنعتی کشاورزی و خدماتی با معرفی وزارت کار و امور اجتماعی در اولویت قرار خواهند داشت تبصره ۳. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است همزمان با اجرای قانون بیمه بیکاری آموزش مهارت‌های مورد نیاز بازار کار و نیز بازآموزی و تجدید مهارت کارگران تحت پوشش بیمه بیکاری موضوع بند «ج» ماده ۱۶ این قانون را در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای و یا مراکز آموزش جوار کارخانجات فراهم نماید. هزینه‌های مربوط از محل اعتبارات حساب صندوق بیمه بیکاری مطابق آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد سازمان‌های آموزش فنی و حرفه‌ای کشور و تامین اجتماعی

تهیه و به تصویب وزرای کار و امور اجتماعی و بهداشت درمان و آموزش پزشکی خواهد رسید قابل پرداخت است تبصره ۴. نهضت سوادآموزی موظف است با همکاری کارفرمایان و وزارتخانه‌های ذی ربط نسبت به تشکیل کلاسهای سوادآموزی برای بی سوادان مشمول این قانون اقدام نماید. ماده ۱۰. سازمان تامین اجتماعی مکلف است حسابهای درآمد حق بیمه بیکاری و پرداخت مقرری بیمه بیکاری موضوع این قانون را جداگانه نگهداری و در صورتهای مالی خود منعکس نماید و گزارش عملکرد مالی خود را هر سال یک بار به وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی و وزیر کار و امور اجتماعی و شورای اقتصاد ارائه نماید. ماده ۱۱. وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان تامین اجتماعی مجری این قانون خواهند بود. ماده ۱۲. سازمان تامین اجتماعی مکلف است هزینه‌های موضوع این قانون را منحصر از محل درآمدهای ناشی از آن تامین نماید. هزینه‌های اداری و پرسنلی هر دو دستگاه مجری قانون به طوری که از ۱۰٪ میزان مقرری پرداختی به بیمه‌شدگان تجاوز ننماید با تایید وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی و وزیر کار و امور اجتماعی تعیین و تخصیص داده می‌شود. ماده ۱۳. زمان اجرای این قانون از زمان اتمام قانون آزمایشی بیمه بیکاری ۶/۵/۱۳۶۹ لازم الاجراست ماده ۱۴. آیین نامه اجرایی این قانون ظرف یک ماه توسط وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان تامین اجتماعی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر چهارده ماده و بیست و یک تبصره در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ بیست و ششم شهریور ماه یکهزار و سیصد و شصت و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۰/۷/۱۳۶۹ به تایید شورای نگهبان رسیده است رییس مجلس شورای اسلامی مهدی کروبی

قانون اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در کارگاه‌ها مصوب ۸۴ و ۸۵

مصوب ۷ اسفند ماه ۱۳۵۲ ماده واحده کارفرمایان مکلفند طرح طبقه‌بندی مشاغل در کارگاه‌های خود را که شامل شرح وظایف شرایط احراز و ارزیابی مشاغل - دستورالعمل اجرایی طرح و جدول مزد - تغییرات جداول مزد ناشی از تغییر حداقل مزد در مناطق و صنایع و همچنین سایر ضوابط فنی مربوط می‌باشد، طبق آیین نامه‌ای که به تصویب شورای عالی کار خواهد رسید در مهلت‌هایی که شورای مزبور تعیین خواهد کرد تهیه و به موقع اجرا بگذارند. تبصره ۱. وزارت کار و امور اجتماعی برای تسهیل طبقه‌بندی مشاغل در کارگاه‌ها به دفاتر مشاور فنی طبقه‌بندی مشاغل که صلاحیت فنی آنان مورد تایید شورای عالی کار قرار گیرد براساس ضوابطی که شورای مزبور تعیین خواهد کرد اجازه کار خواهد داد. تبصره ۲. در صورتی که کارفرمایان مشمول این قانون در پایان مهلت‌های تعیین شده مشاغل کارگاه‌های خود را طبقه‌بندی نمایند وزارت کار و امور اجتماعی انجام این امر را به یکی از دفاتر مشاور فنی طبقه‌بندی مشاغل واگذار خواهد نمود و کارفرما مکلف است هزینه‌های مربوط را با اعلام وزارت کار و امور اجتماعی به دفتر مشاور فنی مذکور بپردازد. به علاوه ۱۰٪ هزینه‌های مشاوره را به عنوان جریمه به حساب خزانه پرداخت نماید. تبصره ۳. مابه‌التفاوت احتمالی دستمزد ناشی از اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در کارگاه‌های موضوع این قانون همچنین کارگاه‌هایی که قبلاً به موجب مقررات مصوب ۷/۳/۴۹ شورای عالی کار مکلف به طبقه‌بندی مشاغل از لحاظ مزد گردیده‌اند از تاریخ خاتمه اولین مهلت قابل پرداخت است تبصره ۴. مرجع محاسبه و تعیین میزان مطالبات کارگران و همچنین میزان هزینه‌های موضوع تبصره ۲ در صورت بروز اختلاف هیات حل اختلاف مذکور در ماده ۴۰ قانون کار می‌باشد و رای هیات مزبور در این مورد قطعی و لازم‌الاجراست تبصره ۵. حداقل مزد ماده ۲۲ قانون کار با توجه به ضروریات و حوائج زندگی یک خانواده کارگری و تاثیر آن بر سایر سطوح مزد از تاریخ تصویب این قانون هر یک سال یکبار تعیین و پس از تصویب شورای عالی کار و امور اجتماعی به مورد اجرا گذاشته خواهد شد.

بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد ماده واحده - سازمان تامین اجتماعی مکلف است با استفاده از مقررات عام قانون تامین اجتماعی صاحبان حرف و مشاغل آزاد رابه صورت اختیاری در برابر تمام یا قسمتی از مزایای قانون تامین اجتماعی بیمه نماید. چگونگی انجام بیمه و نرخ حق بیمه و همچنین میزان مزایای مربوط به موجب آئین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیات دولت خواهد رسید. تبصره ۱ - بیمه شده مختار است که سطح درآمد ماهانه خود را که مبنای پرداخت حق بیمه قرار می‌گیرد بین حداقل و حداکثر دستمزد قانونی انتخاب نماید. تبصره ۲ - از تاریخ تصویب این قانون مفاد بند ب و تبصره ۳ ماده ۴ قانون و همچنین آئین‌نامه مربوط ملغی می‌گردد. تبصره ۳ - کلیه اتباع ایرانی اعم از شاغل و یا غیرشاغل در فعالیتهای مختلف در خارج از کشور که بیمه آنان با مقررات قانون تامین اجتماعی و تغییرات بعدی آن مغایرت نداشته باشد می‌توانند به‌طور اختیاری مشمول مقررات این قانون و آئین‌نامه‌های مربوط قرار گیرند، مشروط بر اینکه بیمه شده حق بیمه خود را به‌طور منظم پرداخت نماید، بدیهی است سازمان در مورد این قبیل از بیمه‌شدگان مانند سایر بیمه‌شدگان داخل کشور مکلف به ارائه خدمات و انجام تعهدات قانونی براساس آئین‌نامه و مقررات مربوط در ایران خواهد بود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و سه تبصره در جلسه روز یکشنبه سی‌ام شهریور ماه یکهزار و سیصد و شصت و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۳/۷/۱۳۶۵ به تأیید شورای نگهبان رسیده است رئیس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی

قانون الزام سازمان تامین اجتماعی به اجرای بندهای الف و ب ماده ۳ قانون تامین اجتماعی مصوب ۶۸ (ماده و

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون انجام تعهدات بندهای الف و ب ماده ۳ قانون تامین اجتماعی مصوب تیرماه ۱۳۵۴ به‌عهد سازمان تامین اجتماعی خواهد بود. سازمان مذکور موظف است کلیه تعهدات درمانی مزبور را از بخشهای دولتی و در صورت نیاز از بخش خصوصی با رعایت تعرفه‌های رسمی تامین نماید. تبصره ۱ - نحوه استفاده از واحدهای درمانی و بیمارستانی تحت مالکیت سازمان (اعم از واحدهای ملکی و استیجاری موجود) و واحدهایی که بدین منظور ایجاد خواهد شد و چگونگی پرداخت هزینه‌های درمان و نگهداری حسابها و نحوه خرید خدمت طبق آئین‌نامه اجرائی این قانون خواهد بود که توسط سازمان تامین اجتماعی حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این قانون بارعایت مفاد بندهای ذیل تهیه و به تصویب وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی، کار و امور اجتماعی و امور اقتصادی و دارایی خواهد رسید. الف - کل هزینه واحدهای درمانی و بیمارستانی تحت مالکیت سازمان به‌عهد سازمان تامین اجتماعی بوده و سازمان مزبور مکلف است بودجه هر سال آنرا از محل سهم درمان (۹٪) از مآخذ محاسبه حق بیمه مذکور در ماده ۲۹ قانون تامین اجتماعی) پیش‌بینی و در بودجه خود منظور نماید سازمان تامین اجتماعی به‌منظور انجام هزینه‌ها امین خود را تحت عنوان صاحب جمع اموال و مسوول امور مالی در واحدهای مذکور مستقر می‌نماید که بر امور مالی مطابق ضوابط نظارت مستقیم خواهد داشت سرپرست سازمان مسوول امور مالی را پیشنهاد و پس از تأیید وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی منصوب خواهد نمود. ب - کلیه واحدهای آموزشی موجود سازمان و بیمارستانی که در آینده دارای توان آموزشی می‌شوند براساس برنامه‌ریزی آموزشی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی به خدمات آموزشی خود ادامه خواهند داد. ج - کلیه بیمارستانهای تحت مالکیت سازمان مکلفند تا ۲۰٪ از ظرفیت تختهای خود را به پذیرش بیماران غیربیمه‌ای بیضاعت و همچنین بیمارانی که از خانواده‌های محترم شهدا، اسرا، مفقودین و جانبازان هستند بطور رایگان اختصاص دهند و در شهرهایی که منحصر به فرد هستند به تمام متقاضیان ارائه خدمت کنند. د - کلیه واحدهای درمانی وابسته به وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مکلفند نسبت به پذیرش بیماران بیمه شده تامین اجتماعی اقدام و هزینه‌های انجام شده را براساس تعرفه‌های مصوب از سازمان تامین اجتماعی دریافت نمایند. ه - سازمان تامین اجتماعی می‌تواند در صورت لزوم با عقد قرارداد از خدمات پزشکی بخش خصوصی جهت درمان بیمه‌شدگان تامین اجتماعی استفاده نموده و هزینه‌های مربوطه را طبق

تعرفه‌های مصوب مورد عمل وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی راسا از محل سهم درمان پرداخت نماید. و - درآمدهای حاصله از ارائه خدمات درمانی به غیربیمه شده در واحدهای تحت مالکیت سازمان مستقیماً به حساب جداگانه‌ای جهت کمک به ساخت و تعمیر و نگهداری بیمارستان‌های تحت مالکیت اختصاص مییابد. تبصره ۲ - از تاریخ تصویب این قانون به اعضای تشکیل دهنده شورای فنی موضوع ماده ۴ قانون تامین خدمات درمانی دو نفر به شرح زیر اضافه میگردند: ۱ - مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی یا نماینده او. ۲ - رئیس سازمان برنامه و بودجه یا نماینده او. تبصره ۳ - اجراء این قانون باید هماهنگ با سیاستهای کلی و بهداشتی درمانی کشور در قالب طرح گسترش شبکه‌های بهداشتی درمانی باشد. تبصره ۴ - از تاریخ تصویب این قانون آن دسته از مواد قانون تامین اجتماعی و سایر قوانینی که با این قانون مغایر است لغو میگردد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و چهار تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و یکم آبانماه یکهزار و سیصد و شصت و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۴/۸/۱۳۶۸ به تایید شورای نگهبان رسیده است رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی

قانون الغاء تبصره ۳ ماده ۱۱ قانون تشکیل وزارت بهداشتی (بهزیستی)

ماده واحده - از تاریخ اول آذرماه ۱۳۶۰ تبصره ۳ ماده ۱۱ قانون تشکیل وزارت بهداشتی (بهزیستی مصوب سال ۱۳۵۵ لغو و کلیه کارمندانی که طبق مقررات قانون سابق حمایت کارمندان بیمه شده‌اند و در حال حاضر حق بیمه آنها براساس ضوابط قانون سابق حمایت کارمندان در برابر حوادث ناشی از پیری و از کارافتادگی و فوت به سازمان تامین اجتماعی پرداخت می شود از هر جهت (نرخ حق بیمه ماخذ حقوق و مزد مبنای کسر حق بیمه و استفاده از مزایای قانون تامین اجتماعی مشمول مقررات قانون تامین اجتماعی می باشند ضمناً پرداخت حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی توسط سازمانهای منطقه‌ای بهداشتی استانیها در فاصله زمانی اول فروردین لغایت آذر ماه سال ۱۳۶۰ همان مقداری است که براساس قوانین گذشته یا اصلاح شده دریافت گردیده است قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه روز یکشنبه هفدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و شصت و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۶/۱/۱۳۶۵ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون دریافت جرایم از کارفرمایان کارگاههای مشمول قانون تامین اجتماعی که ظرف مهلت مقرر نسبت به ارسال

ماده ۱ - کارفرمایان کلیه کارگاههای مشمول قانون تامین اجتماعی مصوب تیرماه سال ۱۳۵۴ مکلفند صورت مزد و حقوق کلیه بیمه‌شدگان و حق بیمه و بیمه بیکاری مربوط به هر ماه را حداکثر تا پایان آخرین روز ماه بعد به سازمان تامین اجتماعی ارسال و پرداخت نمایند. تبصره ۱ - کارفرمایانی که از تنظیم و ارسال صورت مزد و حقوق بیمه‌شدگان به ترتیب مذکور در این قانون و آئین نامه موضوع ماده ۳۹ قانون تامین اجتماعی خودداری کنند و همچنین کارفرمایانی که در موعد مقرر در این قانون صورت مزد یا حقوق بیمه‌شدگان را به سازمان تامین اجتماعی ارسال ندارند یا به ترتیبی که با موافقت قبلی سازمان مزبور تعیین می شود در مورد ارسال صورت مزد یا حقوق عمل نکنند ملزم به پرداخت جریمه نقدی مقطوع به ترتیب زیر خواهند بود: الف - تا مبلغ ۰۰۰/۳۰۰ ریال حق بیمه ماهانه معادل ۵ درصد حق بیمه همان ماه ب - از مبلغ ۰۰۰/۳۰۰ ریال تا مبلغ ۰۰۰/۲۰۰/۱ ریال حق بیمه ماهانه معادل ۱۵ درصد حق بیمه همان ماه ج - از مبلغ ۰۰۰/۲۰۰/۱ ریال تا مبلغ ۰۰۰/۵۰۰/۲ ریال حق بیمه ماهانه معادل ۲۰ درصد حق بیمه همان ماه تبصره ۲ - کارفرمایانی که در موعد مقرر در این قانون تمام یا قسمتی از حق بیمه و بیمه بیکاری مربوط به هر ماه را پرداخت نمایند علاوه بر تادیه اصل حق بیمه و بیمه بیکاری ملزم به پرداخت جریمه نقدی مقطوع به ترتیب زیر خواهند بود: الف - تا مبلغ ۰۰۰/۳۰۰ ریال بدهی ماهانه معادل ۷ درصد تمام یا کسر بدهی پرداخت نشده همان ماه ب - از مبلغ ۰۰۰/۳۰۰ ریال تا مبلغ ۰۰۰/۲۰۰/۱ ریال بدهی ماهانه معادل ۱۲ درصد تمام یا کسری بدهی

پرداخت نشده همان ماه ج - از مبلغ ۰۰۰/۲۰۰/۱ ریال تا مبلغ ۰۰۰/۵۰۰/۲ ریال بدهی ماهانه معادل ۱۷ درصد تمام یا کسری بدهی پرداخت نشده همان ماه د - از مبلغ ۰۰۰/۵۰۰/۲ ریال به بالا بدهی ماهانه معادل ۲۲ درصد تمام یا کسری بدهی پرداخت نشده همان ماه تبصره ۳ - جریمه نقدی موضوع تبصره ۲ این ماده منحصر برای یک سال می باشد و چنانچه کارفرمایان به تکالیف قانونی تعیین شده در این قانون عمل ننمایند جرایم نقدی از ابتدای سالهای بعد، همه ساله معادل جریمه سال اول اضافه خواهد شد. ماده ۲ - کارفرمایانی که قبل از تاریخ تصویب این قانون دارای بدهی حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی می باشند در صورتی که ظرف یکسال از تاریخ تصویب این قانون در مورد ترتیب پرداخت بدهی قطعی با سازمان مزبور توافق نمایند از پرداخت جرایم موضوع این قانون معاف و در غیر این صورت مشمول پرداخت جرایم نقدی به شرح تبصره های ۲ و ۳ ماده ۱ از تاریخ اتمام مهلت مزبور، خواهند بود. تبصره - در مورد بدهی های قطعی نشده مهلت مقرر در این ماده از تاریخ قطعیت بدهی خواهد بود. ماده ۳ - کارفرمایانی که قبل از صدور اجرائیه اقدام به پرداخت کامل بدهی خود نمایند از ۳۰٪ جرایم مربوط معاف خواهند بود. تبصره - در صورت تقسیط بدهی چنانچه کارفرما هر یک از اقساط مقرر را راس موعد پرداخت نکند بقیه اقساط تبدیل به حال شده و جرایم نسبت به کل حق بیمه قبل از تقسیط با رعایت تبصره ۳ ماده ۱ این قانون بطور کامل دریافت خواهد شد. ماده ۴ - قانون جایگزینی تبصره ۳ الحاقی به قانون منع دریافت خسارات و جرایم بهره مندرج در قانون تامین اجتماعی مصوب ۲۹/۶/۱۳۶۶ از تاریخ اجرای این قانون لغو و اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی در خصوص خسارات و جرایم تابع این قانون می باشند. ماده ۵ - کلیه جرایم وصولی موضوع این قانون به حساب خزانه داری کل واریز می گردد. دولت مکلف است همه ساله معادل مبلغ جرایم واریز شده را در قانون بودجه منظور و به منظور تعمیم بیمه های اجتماعی در اختیار سازمان تامین اجتماعی قرار دهد. صددرصد اعتبار مذکور تخصیص یافته تلقی می گردد. ماده ۶ - جرایم موضوع این قانون طبق ماده ۵۰ قانون تامین اجتماعی از طریق صدور اجرائیه وصول خواهد شد. ماده ۷ - طرح های بازسازی مناطق جنگ زده و محلهایی که در اثر بمباران دشمن و یا تخریب ضد انقلاب بازسازی شده حداکثر به مدت ۳ سال از جرایم موضوع این قانون معاف خواهند بود. قانون فوق مشتمل بر ۷ ماده و ۵ تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ نهم مرداد ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۲/۵/۱۳۷۳ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون راجع به افزایش مستمری دریافت کنندگان مستمری از کارافتادگی جزئی ناشی از کار

ماده واحده - افزایش مستمری از کارافتادگی جزئی مشمولین مقررات تامین اجتماعی عینا تابع ضوابط و مقررات موضوع ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی مصوب تیرماه ۱۳۵۴ خواهد بود. سازمان تامین اجتماعی مکلف است افزایش های قبلی را که براساس ماده فوق الذکر صورت پذیرفته باشد، در مورد مستمری بگیران از کارافتادگی جزئی نیز معمول دارد. تبصره - تعیین حداقل و حداکثر جمع مستمری از کار افتادگی جزئی ناشی از این قانون و تاریخ پرداخت مابه التفاوت مستمری که به ترتیب فوق محاسبه خواهد شد با هیات وزیران خواهد بود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و یک تبصره در جلسه روز پنجشنبه پانزدهم دیماه یکهزار و سیصد و شصت و دو مجلس شورای اسلامی تصویب در تاریخ ۲۷/۱۰/۱۳۶۲ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند. مصوب ۶۱ (ماده واحده و ۶ ت

ماده واحده - از آغاز سال ۱۳۶۲ کارفرمایان کلیه کارگاه های تولیدی و صنعتی و فنی که از خدمات دولتی (از قبیل برق، آب تلفن راه استفاده می نمایند تا میزان ۵ نفر کارگر از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما معاف بوده و از ۵ نفر به بالا نسبت به مازاد ۵ نفر حق بیمه را خواهند پرداخت تبصره ۱ - دولت مکلف است هزینه مورد نیاز سال های آتی را در بودجه سال مربوطه پیش بینی و منظور

نماید. تبصره ۲- در مورد کارگاههایی که ظرفیت کاری کمتر از ۵ نفر کارگر رادارند، در صورتی که کارفرما افرادی را بدون اشتغال در کارگاه برای استفاده از مزایای این قانون به تامین اجتماعی به عنوان کارگرمعرفی نماید برای همیشه از مزایای این قانون و خدمات دولتی محروم خواهد شد. تبصره ۳- کارخانجات معادن پیمانکاران و شرکتهای خارجی از شمول این قانون مستثنی هستند. تبصره ۴- کارفرمایان مشمول قانون تامین اجتماعی که به علل بحران مالی قادر به پرداخت حق بیمه معوقه خود نبوده و پرداخت بدهی به صورت یکجا یا طبق ماده ۴۶ قانون تامین اجتماعی موجب تعطیل یا وقفه کار در کارگاه باشد هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی می تواند حسب مورد بدهی مذکور را حداکثر تا شصت قسط ماهانه تقسیط نماید. همچنین هیات مدیره سازمان می تواند در مورد بخشودگی بدهی معوقه قطعی تا پایان بهمن ۱۳۶۱ کارفرمایانی که بدهی آنان یکصد هزار ریال یا کمتر بوده و قادر به پرداخت آن نباشند اتخاذتصمیم نماید. تبصره ۵- آئین نامه اجرائی این قانون جهت تعیین نوع کارگاههای تولیدی صنعتی و فنی توسط وزارت بهداری از طرف دولت تهیه و توسط هیات دولت به تصویب خواهد رسید. تبصره ۶- در مورد کارفرمایانی که صورت مزد یا حقوق و نیز حق بیمه ماهانه سهم کارگر را تا دو ماه پس از مهلت قانونی ارسال و پرداخت نکنند بخشودگی موضوع این قانون برای آن مدت منتفی می شود و مکلف به پرداخت حق بیمه قانونی ماهانه خواهند بود.

قانون نحوه تأثیر سوابق منتقله بر سازمان تأمین اجتماعی برای استفاده از مزایای مقرر در قانون تأمین اجت

مصوب ۹/۲/۸۰ مجلس شورای اسلامی ماده واحده سوابق خدمت غیر مشمول قانون تامین اجتماعی بیمه شدگان که بابت آن حق بیمه یا کسور بازنشستگی به صندوق بازنشستگی ذی ربط پرداخت شده است با انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی و ما به التفاوت بر اساس محاسبات بیمه‌ای آن طبق قوانین و مقررات موجود صرفاً در تعیین مستمری بازنشستگی از کارافتادگی و بازماندگان قابل احتساب می باشد مشروط بر آن که افراد مذکور در حالت بازنشستگی دارای حداقل سابقه پرداخت حق بیمه مندرج در قانون تامین اجتماعی باشند

قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب ۶۵ (ماده واحده)

ماده واحده - حق بیمه یا بازنشستگی سوابق خدمت اشخاصی که وجوهی را به هریک از صندوقهای بیمه یا بازنشستگی یا صندوقهای مشابه پرداخت نموده‌اند در صورتی که محل کار یا خدمت آنان تغییر نموده و به تبع آن از شمول خدمات صندوق مربوط خارج شده باشند، یا طبق ضوابط قانونی مشترک صندوق دیگری شده‌اند به میزان ۴ درصد آخرین حقوق و مزایای آنان که مبنای برداشت حق بیمه یا بازنشستگی قرار گرفته است بابت هر ماه به صندوقی که مشمول به تبع شغل خود مشترک آن شده است منتقل می شود. در مورد اشخاصی که بعد از تاریخ تصویب این قانون از شمول خدمت صندوق بازنشستگی مربوط خارج شده و زیر پوشش صندوق بیمه یا بازنشستگی دیگری قرار گیرند به جای نرخ ۴ درصد مذکور در این ماده کلیه وجوهی که به صندوق بیمه یا بازنشستگی قبلی مستخدم پرداخت شده است پس از کسر حق درمان عیناً به صندوقی که مستخدم مشترک آن شده است واریز خواهد شد. تبصره ۱- انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی اشخاصی که قبل از تصویب این قانون به موجب قوانین مربوط حق بیمه یا کسور بازنشستگی آنان از یک صندوق بازنشستگی به صندوق بازنشستگی دیگر منتقل شده است مشمول مقررات این قانون نخواهد بود. تبصره ۲- آن قسمت از سنوات خدمت قابل قبول دولتی مستخدم که مبنای برداشت حق بیمه یا کسور بازنشستگی قرار گرفته با انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی جزء خدمت رسمی قرار می گیرد و مازاد بر آن مشمول مقررات صندوق بازنشستگی مربوط خواهد بود. تبصره ۳- در خصوص آن دسته از مشمولین تامین اجتماعی و صندوقهای مشابه که سهم بازنشستگی آنان به مأخذ مذکور در ماده واحده از سایر صندوقهای بازنشستگی دریافت گردیده است با اخذ مابه التفاوت سهم بازنشستگی

براساس قوانین و مقررات مربوط از مستخدم سنوات خدمت آنان محاسبه خواهد شد. میزان و نحوه‌اخذ سهم بازنشستگی مذکور در این تبصره بر اساس آئین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیات وزیران می‌رسد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و سه تبصره در جلسه روز سه‌شنبه بیست و هفتم خرداد ماه یک‌هزار و سیصد و شصت و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۹/۴/۱۳۶۵ به تایید شورای نگهبان رسیده است رئیس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی

لایحه قانونی یکسان شدن ساعات کار کارمندان و کارگران در سراسر کشور و میزان آن

مصوب ۲۳ تیرماه ۱۳۵۹ شورای انقلاب ماده واحده از اول شهریور ماه سال ۱۳۵۹ ساعت کار کلیه کارمندان و کارگران مشمول قانون استخدام کشوری و سایر قوانین خاص استخدامی و کارگران مشمول قانون کار یکسان و ۴۴ ساعت در هفته تعیین می‌گردد. تبصره ۱. تنظیم و تقسیم ساعات کار در طول هفته یا ماه در واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی طبق روال گذشته و براساس شرایط کار و قوانین طرفین می‌باشد. و در موسسات دولتی و وابسته به دولت کمافی‌السابق از سوی مقامات ذیربط انجام و اعلان می‌گردد. تبصره ۲. مقررات قوانین کار و استخدام کشوری و قوانین خاص استخدامی درباره ساعات کارهای سخت‌وزیان آور و فرجه‌های تعیین شده قانونی و سایر موارد کماکان به قوت خود باقی است تبصره ۳. قوانین خاص مذکور در این لایحه قوانین استخدام لشکری و قوای انتظامی را شامل نمی‌گردد. تبصره ۴. این قانون شامل کارگران مشمول قانون کار کشاورزی نمی‌شود. شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

مصوبه چهل و سومین جلسه شورای عالی بیمه خدمات درمانی

۱ - بیمه شدگان حرف و مشاغل آزاد و بیمه شدگان اختیاری برای درمان بستری منحصرأ مجاز به استفاده از واحدهای درمان ملکی و مراکز آموزشی درمانی تحت پوشش دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی و همچنین بیمارستانهای طرف قرارداد نیروهای مسلح می‌باشند و ۱۰ درصد از کل هزینه‌های درمانی انجام شده برابر تعرفه‌های مصوب به عهده آنان می‌باشد. ۲ - در صورت بستری شدن این قبیل بیماران در سایر بیمارستانهای خصوصی اعم از طرف قرارداد یا غیر طرف قرارداد کل هزینه درمان به عهده خود آنان می‌باشد و سازمان تعهدی در قبال هزینه‌های انجام شده ندارد. بدیهی است دفاتر اسناد پزشکی مجاز به پرداخت هزینه درمان بستری بیمه شدگان حرف و مشاغل آزاد و بیمه شدگان اختیاری که در بخش غیردولتی اعم از طرف قرارداد و غیر طرف قرارداد بستری می‌گردند نمی‌باشند و همچنین هزینه‌های درمانی آنان از طریق خسارت متفرقه قابل محاسبه و پرداخت نمی‌باشد تاریخ اجرای این بخشنامه از ۱۵/۱/۱۳۷۸ می‌باشد.

آئین نامه ادامه بیمه به طور اختیاری

ماده ۱ - افرادی که به عللی غیر از علل مندرج در لایحه قانونی بیمه‌های اجتماعی کارگران مصوب تیرماه ۱۳۳۴ و قانون بیمه‌های اجتماعی مصوب اردیبهشت ۱۳۳۹ و قانون تامین اجتماعی مصوب تیرماه ۱۳۵۴ و همچنین مشمولین قانون سابق حمایت کارمندان از ردیف بیمه شدگان خارج شده یا بشوند در صورتی که طبق قوانین فوق الذکر مشمول بیمه بازنشستگی و از کارافتادگی کلی و فوت بوده و لااقل دارای ۳۶۰ روز سابقه پرداخت حق بیمه متناوباً یا مستمراً از زمان اجرای قوانین ذکر شده به بعد باشند می‌توانند باتوجه به مقررات این آئین نامه بیمه خود را به طور اختیاری ادامه دهند. ماده ۲ - بیمه اختیاری افرادی که قبل از اجرای این آئین نامه طبق مقررات آئین‌نامه‌های مصوب ۲۶/۱۲/۴۱ و ۴/۳/۱۳۵۵، شورای عالی تامین اجتماعی به نحوی از انحاء برقرار گردیده است طبق مقررات این آئین نامه ادامه خواهد یافت ماده ۳ - ماخذ محاسبه حق بیمه ماهانه مشمولین این آئین نامه عبارتست از جمع کل

حقوق و مزایای مشمول کسر حق بیمه بیمه شده ظرف آخرین ۳۶۰ روز پرداخت حق بیمه قبل از تاریخ ثبت تقاضا تقسیم بر ۳۶۰ ضربدر ۳۰ که این مبلغ در هر حال نباید از حداقل دستمزد کارگر عادی کمتر باشد. تبصره - ماخذ محاسبه حق بیمه موضوع ماده ۳ این آئین نامه در صورت تقاضای بیمه شده هر دو سال یکبار به نسبت ۱۰٪ قابل افزایش می باشد و پس از هر بار افزایش رقم جدید مبنای محاسبه و وصول حق بیمه قرار خواهد گرفت چنانچه بیمه شده مدتی پس از انقضای موعده مقرر (دو سال درخواست افزایش ماخذ حق بیمه را بنماید در این حالت نیز نسبت افزایش همان ۱۰٪ خواهد بود و برای مدت اضافی زائد بر دو سال افزایش صورت نخواهد گرفت و افزایشهای بعدی نیز موکول به گذشت دو سال از تاریخ آخرین افزایش خواهد بود. ماده ۴ - مشمولین این آئین نامه با پرداخت حق بیمه مقرر می توانند به ترتیب زیر از حمایتهای موضوع قانون تامین اجتماعی بهره مند گردند: الف - بیمه بازنشستگی (شامل بازنشستگی و فوت بعد از بازنشستگی با نرخ حق بیمه ۱۲٪) ب - فوت و بازنشستگی (شامل بازنشستگی و فوت قبل و بعد از بازنشستگی با نرخ حق بیمه ۱۴٪) ج - بیمه بازنشستگی و از کارافتاده کلی و فوت (نرخ حق بیمه ۱۸٪) تبصره ۱ - بیمه شدگان می توانند علاوه بر پرداخت حق بیمه با نرخ تعیین شده در فوق با پرداخت حق بیمه به میزان مشخص شده در ماده ۲۹ قانون تامین اجتماعی و تغییرات بعدی آن از حمایتهای موضوع بندهای الف و ب ماده ۳ قانون تامین اجتماعی نیز استفاده نمایند. تبصره ۲ - درخواست کنندگان بیمه اختیاری موضوع بند ج این ماده بدو با معرفی سازمان براساس ماده ۹۱ قانون تامین اجتماعی موردعاینه قرار خواهند گرفت و چنانچه از کار افتاده کلی شناخته شوند تنها می توانند در قبال حمایتهای بند الف و ب این ماده مشمول مقررات بیمه اختیاری قرار گیرند. ماده ۵ - بیمه اختیاری از تاریخ ثبت تقاضا در دفتر شعبه مربوط و در صورتی که متقاضی واجد شرایط لازم جهت استفاده از مقررات بیمه اختیاری باشد شروع می شود. سازمان مکلف است ظرف مدت دو ماه استحقاق بیمه شده و استفاده از بیمه اختیاری را احراز و بلافاصله مراتب را ضمن تعیین نرخ حق بیمه کتبا به متقاضی اعلام نماید و متقاضی می تواند حق بیمه را از تاریخ ثبت تقاضا تا تاریخ ابلاغ یکجا به سازمان پرداخت و از سابقه امر برخوردار شود، در غیر این صورت پرداخت حق بیمه از تاریخ درخواست مجدد امکان پذیر خواهد بود. تبصره - در صورتی که پس از شروع بیمه اختیاری پرداخت حق بیمه از طرف بیمه شده متوقف گردد چنانچه بین تاریخ قطع پرداخت حق بیمه و تاریخ پرداخت مجدد بیش از شش ماه فاصله ایجاد نشده باشد بیمه شده می تواند حق بیمه معوقه را به سازمان پرداخت نماید، در غیر این صورت ارتباط بیمه شده با سازمان قطع و ادامه بیمه اختیاری موکول به تسلیم درخواست مجدد و موافقت سازمان خواهد بود. ماده ۶ - شرایط برقراری و میزان مستمریهای بازنشستگی و بازماندگان و از کار افتادگی کلی و همچنین استفاده از خدمات درمانی و بهداشتی در زمان اجرای بیمه اختیاری و پس از برقراری مستمریهای مذکور عینا به ترتیب تعیین شده در قانون تامین اجتماعی و تغییرات بعدی آن خواهد بود. ماده ۷ - در صورتی که مشمولین این آئین نامه پس از شروع بیمه اختیاری به نحوی از انحاء در رده سایر مشمولین قانون تامین اجتماعی یا قوانین موضوع تبصره های ۱ و ۲ و ۴ ماده ۴ قانون مذکور قرار گیرند موظفند مراتب را کتبا به آگاهی سازمان برسانند تا نسبت به قطع بیمه اختیاری آنان اقدام گردد. در صورت عدم اقدام بیمه شده در این زمینه از تاریخ اجرای هر یک از موارد فوق الذکر درباره مشمولین این آئین نامه بیمه اختیاری آنان قطع شده تلقی خواهد شد. ماده ۸ - این آئین نامه در ۸ ماده و ۴ تبصره در یکصد و پنجاهمین جلسه مورخ ۸/۸/۱۳۶۴ شورای عالی تامین اجتماعی مطرح و به تصویب رسید.

آئین نامه اجرائی بیمه خدمات درمانی خویش فرمایان

ماده ۱ - سازمان بیمه خدمات درمانی موظف است هر متقاضی را به صورت انفرادی بیمه نماید. ماده ۲ - بیمه خدمات درمانی خویش فرمایان از طریق پزشک خانواده و نظام ارجاع به مؤسسات طرف قرارداد سازمان اجرا خواهد شد و فرد متقاضی در انتخاب پزشک خانواده از بین پزشکان و مؤسسات درمانی طرف قرارداد (معرفی شده از سوی سازمان بیمه خدمات درمانی مخیر می باشد.

ماده ۳- حق سرانه بیمه خدمات درمانی خویش فرمایان همه ساله متناسب با عملکرد، فرانشیز و تعرفه‌های واقعی به پیشنهاد مشترک سازمان برنامه و بودجه وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و سازمان بیمه خدمات درمانی تهیه و پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیات وزیران می‌رسد. ماده ۴- خویش فرمایانی که به صورت خانوادگی بیمه می‌شوند به‌ازای تعداد افراد بیمه شده تحت تکفل خود از تخفیف برخوردار می‌گردند و این تخفیف شامل سرپرست و کلیه افراد تحت تکفل نیز خواهد شد. ماده ۵- خویش فرمایانی که بیمه خدمات درمانی خود را برای سالهای بعد نیز ادامه دهند، متناسب با سنوات تداوم بیمه از تخفیف برخوردار می‌شوند و در صورت انقطاع بیمه به میزان زمانی که تداوم بیمه قطع شده است از سابقه سنواتی بیمه شونده کسرمی‌گردد. ماده ۶- میزان تخفیف مورد فوق الذکر همه ساله با پیشنهاد مشترک سازمان برنامه و بودجه وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی سازمان بیمه خدمات درمانی و تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیات وزیران می‌رسد. ماده ۷- حداقل سرانه بیمه خویش فرمایان پس از اعمال تخفیفهای مقرر در این دستورالعمل نباید از سرانه کارمندان دولت کمتر و حداکثر آن نباید از حق سرانه مصوب خویش فرمایان در سال مزبور بیشتر باشد. ماده ۸- حق سرانه بیمه خویش فرمایان برای هر متقاضی به ترتیب زیر محاسبه می‌شود: $[100 - n \cdot x] \cdot 100$ [۱۰۰- n۱. x۱۰۰ a-۱۰۰] $[X2(n2-n3)100]$. حق سرانه برای هر متقاضی خویش فرما حق سرانه مصوب شورای عالی بیمه برای خویش فرما در سال مورد نظر = $0a$ تعداد عائله تحت تکفل بیمه شده = $1n$ سنوات استمرار بیمه شده = $2n$ سنوات انقطاع بیمه = $3n$ درصد تخفیف به ازای هر فرد بیمه شده = lx درصد تخفیف به ازای هر سال سابقه بیمه = $2x$ ماده ۹- سرانه بیمه خدمات درمانی خویش فرمایان با فرانشیز سی درصد (۳۰٪) خدمات سرپایی‌ها و بیست و پنج درصد (۲۵٪) خدمات بستری معادل شانزده هزار و پانصد (۵۰۰/۱۶) ریال تعیین می‌گردد. سرانه بیمه خدمات درمانی خویش فرمایان با فرانشیز بیست و پنج درصد (۲۵٪) خدمات بستری معادل یازده هزار (۰۰۰/۱۱) ریال تعیین می‌گردد. درصد تخفیف به ازای هر فرد بیمه شده پنج درصد (۵٪) و به ازای هر سال سابقه بیمه ده درصد (۱۰٪) می‌باشد. تبصره - به منظور ترغیب افراد به پوشش بیمه درمان سازمان بیمه خدمات درمانی می‌تواند در صورت بیمه گروهی و با شرایط خاص بیمه شوندگان تسهیلاتی برای بیمه خویش فرمایان منظور نماید.

آئین‌نامه اجرائی قانون اصلاح بند (ب و تبصره ۳ ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی

ماده ۱- صاحبان حرف و مشاغل آزاد در این آئین‌نامه به افرادی اطلاق می‌شود که برای انجام حرفه و شغل مورد نظر با داشتن کارگر (کارفرما) یا خود به تنهایی (خویش فرما) به استناد مجوز اشتغال صادره از سوی مراجع ذیصلاح یا به تشخیص هیات مدیره سازمان تأمین اجتماعی (که منبعت سازمان تأمین اجتماعی در این آئین‌نامه سازمان نامیده می‌شود) به کار اشتغال داشته و مشمول مقررات حمایتی خاص (مشابه موارد موضوع این آئین‌نامه نباشند). ماده ۲- مشمولین این آئین‌نامه عبارتند از: ۱- افراد موضوع ماده یک این آئین‌نامه ۲- اتباع ایرانی اعم از شاغل و یا غیرشاغل در فعالیتهای مختلف در خارج از کشور که بیمه آنان با مقررات قانون تأمین اجتماعی و تغییرات بعدی آن مغایرت نداشته باشد. تبصره - آن دسته از متقاضیان که دارای سابقه پرداخت حق بیمه به ماخذ کامل به مدت ۳۶۰ روز یا بیشتر می‌باشند با رعایت تبصره ماده ۵ این آئین‌نامه مشمول مقررات این آئین‌نامه قرار می‌گیرند. ماده ۳- اجرای مقررات این آئین‌نامه با رعایت مقررات ماده ۷ قانون تأمین اجتماعی خواهد بود. ماده ۴- مشمولین این آئین‌نامه با پرداخت حق بیمه مقرر می‌توانند به ترتیب زیر از حمایتهای مندرج در قانون تأمین اجتماعی مصوب تیرماه ۵۴ و تغییرات بعدی آن برخوردار گردند. الف - بیمه بازنشستگی با نرخ حق بیمه ۱۲ درصد. ب - بیمه بازنشستگی و فوت با نرخ حق بیمه ۱۴ درصد. ج - بیمه بازنشستگی و از کار افتادگی و فوت با نرخ حق بیمه ۱۸ درصد. تبصره ۱- بیمه شدگان موضوع ماده ۲ این آئین‌نامه می‌توانند علاوه بر پرداخت حق بیمه با نرخهای تعیین شده در فوق، با پرداخت حق بیمه به میزان مشخص شده در ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی و تغییرات بعدی آن از حمایتهای موضوع بندهای «الف و «ب ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی استفاده نمایند. تأمین اعتبار دفترچه

درمان بیمه شدگان هر سه ماه یکبار و با ارائه رسید پرداخت حق بیمه مقرر انجام خواهد گرفت تبصره ۲ - پرداخت دو درصد (۲٪) حق بیمه مربوط به حمایت‌های موضوع بندهای «الف» یا «ب» یا «ج» و نیز یک درصد (۱٪) حق بیمه موضوع تبصره یک این ماده (جمعا ۳ درصد) براساس ماده ۲۸ قانون تامین اجتماعی به عهده دولت خواهد بود. تبصره ۳ - درخواست متقاضیان حمایت‌های بند «ج» این ماده در صورتی پذیرفته خواهد شد که از سوی مراکز درمانی اعلام شده توسط این سازمان از کارافتاده کلی شناخته نشوند. تبصره ۴ - اتباع ایرانی خارج از کشور تا فراهم نمودن امکانات لازم از سوی سازمان منحصرأ معیر به استفاده از مزایای مندرج در بندهای الف و «ب» و تبصره یک این ماده در کشور ایران خواهند بود. تبصره ۵ - تشخیص حوادث ناشی از کار منجر به فوت یا از کارافتادگی کلی در مورد مشمولین بند یک ماده ۲ این آئین‌نامه به عهده کمیسیون مرکب از مسوول واحد کار و امور اجتماعی محل مسوول و بازرس واحد تامین اجتماعی مربوط خواهد بود و همچنین در صورت فراهم شدن امکانات مورد نظر در تبصره ۴ این ماده حوادث ناشی از کار در مورد اتباع ایرانی خارج از کشور موضوعیت نداشته و کلیه حوادث غیر ناشی از کار تلقی خواهد گردید. ماده ۵ - ماخذ کسر حق بیمه ماهانه مشمولین این آئین‌نامه به اختیار متقاضی بین حداقل و حداکثر دستمزد قانونی خواهد بود. بیمه شده می‌تواند هر بار با دارا بودن ۲ سال سابقه پرداخت حق بیمه موضوع این آئین‌نامه از تاریخ ثبت درخواست کتبی ۱۰ درصد میزان آن را افزایش دهد. چنانچه بیمه شده مدتی پس از انقضاء موعد مقرر (دو سال درخواست افزایش ماخذ حق بیمه را بنماید در این حالت نیز نسبت افزایش همان ۱۰ درصد خواهد بود و برای مدت اضافی زائد بر دو سال افزایشی صورت نخواهد گرفت و افزایش‌های بعدی نیز موکول به گذشت دو سال پرداخت حق بیمه موضوع این آئین‌نامه از تاریخ آخرین افزایش خواهد بود. تبصره - ماخذ کسر حق بیمه افرادی که به نحوی از انحاء دارای سابقه پرداخت حق بیمه بوده و مشمول این آئین‌نامه قرار می‌گیرند توسط وی به اختیار انتخاب می‌شود مشروط بر اینکه مبلغ انتخابی افزایشی بیش از ۱۰ درصد متوسط مبنای ماهانه کسر حق بیمه یکسال آخر نداشته باشد. ماده ۶ - بیمه مشمولین واجد شرایط از تاریخ ثبت تقاضا در هر یک از شعب سازمان شروع می‌شود. سازمان مکلف است ظرف مدت دو (۲) ماه استحقاق متقاضی را احراز و بلافاصله ضمن تعیین نرخ و میزان حق بیمه ماهانه مراتب را به متقاضی اعلام نماید و متقاضی نیز ظرف یک ماه فرصت پرداخت حق بیمه به واحد سازمان را خواهد داشت در غیر این صورت موضوع درخواست مزبور منتفی اعلام می‌گردد. ماده ۷ - چگونگی بیمه اتباع ایرانی شاغل یا غیر شاغل در کشورهای خارجی به ترتیب زیر خواهد بود: ۱ - متقاضی درخواست خود را طبق فرم مخصوصی که توسط سازمان تهیه می‌گردد، به نمایندگی‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران تسلیم و نمایندگی‌های سیاسی موظفند ظرف ۱۵ روز از تاریخ وصول این قبیل درخواستها ضمن تایید تابعیت ایرانی متقاضیان درخواست آنها را به انضمام فتوکپی مدارک شناسائی متقاضیان و افراد خانواده موضوع ماده ۵۸ قانون تامین اجتماعی به سازمان ارسال دارند. ۲ - سازمان مکلف است ظرف مدت یک ماه استحقاق متقاضی را احراز و ضمن تعیین نرخ و میزان حق بیمه ماهانه از طریق نمایندگی‌های سیاسی بلافاصله مراتب را به متقاضی اعلام نماید. ۳ - متقاضیان حق بیمه مربوط را به حساب بانکی که به نام سازمان تامین اجتماعی توسط نمایندگی‌های سیاسی افتتاح خواهد شد پرداخت و رسید پرداخت را به نمایندگی‌های مزبور ارسال نمایند. ۴ - نمایندگی‌های سیاسی مکلفند همه ماهه موجودی حساب مزبور را به حسابی که بانک مرکزی مشخص می‌نماید واریز و صورت وضعیت بانکی و رسیدهای پرداخت حق بیمه را به سازمان تامین اجتماعی ارسال دارند. ۵ - نحوه بیمه این قبیل افراد در سایر موارد تابع مواد این آئین‌نامه می‌باشد و پرداخت حق بیمه مقرر مشمولین این ماده بایستی به پولی صورت گیرد که در قرارداد فیما بین سازمان و متقاضی توافق گردیده است ۶ - نمایندگی‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای خارجی موظف به ابلاغ مفاد این آئین‌نامه به نحو مقتضی به اتباع ایرانی خواهند بود. ماده ۸ - در صورتی که پرداخت حق بیمه از طرف بیمه شده متوقف گردد و بین تاریخ قطع پرداخت حق بیمه و پرداخت مجدد بیش از ۳ ماه فاصله ایجاد نشده باشد بیمه شده می‌تواند حق بیمه معوقه را به سازمان پرداخت نماید در غیر این صورت ارتباط بیمه شده با سازمان قطع و ادامه بیمه وی موکول به تسلیم درخواست

مجدد و موافقت سازمان خواهد بود که در اینصورت مبنای کسر حق بیمه این قبیل متقاضیان همان مبنای قبلی خواهد بود. ماده ۹ - شرایط برقراری و میزان مستمریهای بازنشستگی و بازماندگان و از کارافتادگی کلی و همچنین استفاده از خدمات درمانی و بهداشتی عینا به ترتیب تعیین شده در قانون تامین اجتماعی و تغییرات بعدی آن خواهد بود. ماده ۱۰ - در صورتی که مشمولین این آئین نامه پس از شروع بیمه به نحوی از انحاء از شمول مقررات این آئین نامه خارج و یا طبق قانون تامین اجتماعی یا سایر قوانین مربوطه می بایست حق بیمه را خود بر اساس مقررات دیگری پرداخت نمایند، موظفند مراتب را کتبا به آگاهی سازمان برسانند تا نسبت به قطع بیمه آنان اقدام گردد. در صورت عدم اقدام بیمه شده در این زمینه و ادامه پرداخت حق بیمه حق بیمه‌های دریافتی پس از کسر هزینه‌های انجام شده مسترد خواهد شد. نخست وزیر - میرحسین موسوی

آئین نامه اجرائی کمیسیون‌های پزشکی بدوی و تجدید نظر

ماده ۱ - تشکیل کمیسیونهای پزشکی بدوی و تجدید نظر به عهده سازمان تامین اجتماعی که در این آئین نامه سازمان نامیده می شود خواهد بود. ماده ۲ - کمیسیونهای پزشکی بدوی و تجدید نظر بر حسب فراهم بودن امکانات در یکی از واحدهای سازمان و یا یکی از مراکز درمانی بنا به تشخیص سازمان تشکیل می گردد. ماده ۳ - چنانچه امکان تشکیل کمیسیونهای پزشکی بدوی و تجدید نظر با توجه به شرایط مندرج در این آئین نامه فراهم نباشد لازم است سازمان بیمه شده را به یکی از نزدیکترین کمیسیونهای متشکله در سایر شهرستانها معرفی نماید. ماده ۴ - کمیسیونهای پزشکی بدوی با حضور افراد زیر تشکیل می گردد: الف - یک نفر پزشک مرجحاً از بین پزشکان متخصص با انتخاب و ابلاغ اداره کل تامین اجتماعی استان به عنوان عضو که سمت ریاست کمیسیون را نیز عهده دار خواهد بود. ب - یک نفر پزشک متخصص داخلی با انتخاب و ابلاغ اداره کل تامین اجتماعی استان به عنوان عضو کمیسیون ج - یک نفر پزشک متخصص در رشته بیماری مربوطه به عنوان عضو کمیسیون با ابلاغ اداره کل تامین اجتماعی استان د - نماینده فنی سازمان با ابلاغ رسمی از طرف اداره کل تامین اجتماعی استان و تایید اداره کل فنی که سمت مشاور کمیسیون را خواهد داشت ه - یک نفر کارمند سازمان که با ابلاغ اداره کل تامین اجتماعی استان به عنوان دبیر کمیسیون وظیفه تهیه و تنظیم صورتجلسات را عهده دار خواهد بود. ماده ۵ - کمیسیونهای پزشکی تجدید نظر با حضور افراد زیر تشکیل می گردند: الف - یک نفر پزشک متخصص که با ابلاغ مدیر عامل سازمان به عنوان عضو کمیسیون منصوب و سمت ریاست کمیسیون را نیز عهده دار خواهد بود. ب - یک نفر پزشک متخصص داخلی به عنوان عضو کمیسیون با ابلاغ مدیر عامل سازمان ج - یک نفر پزشک متخصص در رشته بیماری مربوطه به عنوان عضو کمیسیون با ابلاغ اداره کل تامین اجتماعی استان د - نماینده فنی سازمان به عنوان مشاور به پیشنهاد اداره کل فنی و ابلاغ مدیر عامل سازمان ه - یک نفر کارمند سازمان که با ابلاغ اداره کل تامین اجتماعی استان به عنوان دبیر کمیسیون که وظیفه تهیه و تنظیم صورتجلسات را (بدون حق رای) عهده دار خواهد بود. تبصره ۱ - پزشکان عضو کمیسیونهای بدوی مادام که عضویت یک کمیسیون بدوی را دارند نمی توانند به عضویت کمیسیون پزشکی تجدید نظر منصوب شوند. تبصره ۲ - برای هر یک از اعضاء شرکت کننده در کمیسیونهای پزشکی افرادی با شرایط ذکر شده در این آئین نامه به عنوان عضو علی البدل تعیین می گردد. تبصره ۳ - ترتیب تشکیل کمیسیونها و دعوت اعضاء و بیمه شدگان طبق ضوابط و مقررات این آئین نامه با هماهنگی رئیس کمیسیون به عهده دبیر مربوطه می باشد. ماده ۶ - پرونده پزشکی بیمه شده که شامل کلیه مدارک کلینیکی و پاراکلینیکی نظریه پزشک معالج و همچنین شرح و سابقه بیماری باقید تاریخ شروع آن و تشخیص فعلی بیماری و خلاصه درمانهای انجام شده با ذکر نتیجه آن در مدت درمان و اظهار نظر نهائی درباره بیماری می باشد، با انعکاس علت ارجاع پرونده به کمیسیون بدوی توسط دبیر کمیسیون در دستور کار قرار می گیرد. ماده ۷ - تاریخ تشکیل کمیسیونهای پزشکی جهت حضور بیمه شده به وی اعلام خواهد گردید. چنانچه در شهرستان مربوطه امکان تشکیل کمیسیونهای پزشکی بدوی و تجدید نظر با توجه به شرایط مندرج در این آئین نامه

فراهم نباشد، در صورت اعزام بیمه شده به شهرستان دیگر هزینه سفر و اقامت بیمار و همراه (در صورت نیاز به داشتن همراه در شهرستان محل تشکیل کمیسیون با رعایت مقررات عام قانون تامین اجتماعی و از محل سهم درمان موضوع ماده ۲۹ قانون مزبور پرداخت خواهد گردید. ماده ۸- کمیسیون پزشکی بدوی با توجه به مدارک موضوع ماده ۶ و اقداماتی که لزوما براساس ضوابط قانونی به عمل می‌آورد مبادرت به صدور رای می‌نماید. تبصره - آراء کمیسیونهای پزشکی بدوی که جهت ادامه درمان صادر شده باشد قابل اعتراض نخواهد بود. ماده ۹- رای کمیسیونهای پزشکی بدوی توسط کمیسیون مربوطه به بیمه شده حاضر در جلسه ابلاغ خواهد شد و در صورتی که بیمه شده به رای صادره معترض باشد می‌تواند حداکثر ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ ابلاغ اعتراض کتبی خود را به شعبه تامین اجتماعی مربوطه تسلیم نماید و در صورت عدم حضور بیمه شده در کمیسیون پزشکی واحد تامین اجتماعی مربوطه موظف است مراتب را رأساً به بیمه شده ابلاغ نماید. تبصره ۱- اعتراض بیمه شده همراه با مدارک لازم از طرف شعبه تامین اجتماعی به کمیسیون تجدیدنظر ارسال و کمیسیون مزبور با توجه به مفاد ماده ۸ این آئین نامه اقدام به صدور رای می‌نماید. تبصره ۲- در مواردی که سازمان نسبت به آراء صادره از طرف کمیسیونهای بدوی و تجدیدنظر (اعم از اینکه به استناد آیین نامه قبلی یا آیین نامه فعلی صورت گرفته مشکوک یا معترض باشد مراتب در کمیسیون تجدیدنظری که زیر نظر مدیر عامل سازمان در تهران تشکیل می‌شود مطرح و نظر این کمیسیون قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود. ماده ۱۰- کمیسیونهای پزشکی بدوی و تجدیدنظر با حضور کلیه اعضا تشکیل خواهد شد و آراء کمیسیونهای بدوی و تجدیدنظر به اتفاق آراء معتبر خواهد بود. ماده ۱۱- آراء صادره از طرف کمیسیونهای پزشکی بدوی در صورتی که از طرف بیمه شده ظرف مدت مقرر در این آئین نامه مورد اعتراض قرار نگیرد آراء کمیسیونهای پزشکی تجدیدنظر قطعی و لازم‌الاجرا است تبصره - آراء کمیسیونهای پزشکی می‌بایست قابل انطباق با موازین قانونی صریح و فاقد هر گونه ابهام باشد و به منظور جلوگیری از سرگردانی بیمه‌شدگان حتی المقدور از تصویب تغییر شغل در آراء صادره توسط کمیسیونها خودداری گردد. ماده ۱۲- به شرکت کننده در کمیسیونهای بدوی و تجدیدنظر موضوع مواد ۴ و ۵ این آئین نامه حق حضوری به شرح زیر پرداخت خواهد شد: الف- هریک از پزشکان شرکت کننده در کمیسیونهای پزشکی موضوع بند الف و ب ماده ۴ و ۵) بابت هر جلسه ۸۰۰۰ ریال و در صورت افزایش از یک ساعت بابت هر ساعت ۶۰۰۰ ریال ب- هریک از پزشکان متخصص در بیماری مربوطه بابت هر جلسه ۸۰۰۰ ریال و در صورت افزایش از یک ساعت بابت هر ساعت ۶۰۰۰ ریال ج- دبیر و مشاور کمیسیونهای بدوی و تجدیدنظر بابت هر جلسه به ترتیب مبلغ ۱۵۰۰ و ۳۰۰۰ ریال تبصره - اعتبار مورد نیاز جهت انجام هزینه‌های فوق از محل اعتبارات موضوع ماده ۲۹ قانون تامین اجتماعی تامین خواهد شد. این آئین نامه مشتمل بر ۱۲ ماده و ۷ تبصره در یکصد و هشتاد و ششمین جلسه شورای عالی تامین اجتماعی مورخ ۶/۳/۱۳۶۶ تصویب و از تاریخ ۶/۳/۱۳۶۶ لازم‌الاجرا است و آئین نامه قبلی از این تاریخ ملغی تلقی می‌گردد.

آئین نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی . مصوب ۶۵ . (م ۱ تا م ۱۰)

ماده ۱- مشمولین قانون تامین اجتماعی و صندوقهای بازنشستگی و صندوقهای مشابه که حق بیمه یا کسور بازنشستگی به هر یک از صندوقهای مذکور پرداخت نموده‌اند در صورتی که طبق ضوابط محل کار یا خدمت آنان تغییر نموده و به تبع آن از شمول صندوق مربوط خارج شده یا بشوند یا طبق ضوابط قانونی مشترک صندوق دیگری شده یا بشوند چنانچه کسور بازنشستگی یا حق بیمه آنان به صندوق جدید منتقل نشده باشد از لحاظ پرداخت مابه‌التفاوت مندرج در تبصره ۳ قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی تابع مقررات این آئین نامه خواهند بود. ماده ۲- چنانچه حق بیمه یا کسور بازنشستگی شخصی که قبل از تاریخ ۲۷/۳/۶۵ از شمول خدمات صندوق بیمه یا بازنشستگی مربوط خارج شده و زیر پوشش صندوق دیگری قرار گرفته است انتقال نیافته باشد مقررات این آئین نامه در تعیین وجوه قابل انتقال و مابه‌التفاوت متعلقه وی مجری خواهد بود. ماده ۳- در مورد اشخاصی که طبق

ضوابط قانونی یا به لحاظ تغییر محل کار یا خدمت مشترک صندوق دیگری بشوند کسور بازنشستگی یا حق بیمه متعلقه (سهم شخص هر ماه از سنوات خدمت مورد نظر طبق ضوابط مورد عمل بر مبنای اولین حقوق و مزایای ماهانه در محل خدمت جدید که مبنای کسر حق بیمه یا بازنشستگی قرار می‌گیرد محاسبه و مابه التفاوت آن با حق بیمه یا کسور بازنشستگی (سهم شخص و کارفرما) که به صندوق جدید منتقل شده به ترتیب مقرر در این آئین‌نامه از شخص وصول خواهد شد. تبصره ۱ - در مورد اشخاصی که طبق ضوابط قانونی به سبب انتقال و تغییر ساختار سازمانی مشترک صندوق تامین اجتماعی شده یا بشوند، حق بیمه متعلقه هر ماه از سنوات خدمات مورد نظر به ماخذ هجده درصد (۱۸٪) - هفت درصد (۷٪) سهم مستخدم و یازده درصد (۱۱٪) سهم کارفرما - حقوق و مزایای ماهانه زمان تقاضا در محل خدمت جدید که مبنای کسر حق بیمه قرار می‌گیرد و یا آخرین حقوق و مزایای مبنای برداشت کسور بازنشستگی در محل خدمت قبلی (هر کدام بیشتر باشد) محاسبه و ما به التفاوت آن با کسور بازنشستگی (سهم شخص و کارفرما) که به صندوق جدید منتقل شده است به ترتیب مقرر در این تبصره از شخص و کارفرمای سابق وصول خواهد شد. تبصره ۲ - اشخاصی که به دلیل استعفا، بازخرید خدمت و اخراج رابطه استخدامی آنان با دستگاه مربوط قطع گردیده است و مشترک صندوق تامین اجتماعی شده یا می‌شوند و کسور بازنشستگی یا حق بیمه خود را به طور کلی یا جزئی از دستگاه مربوط وصول نموده‌اند به ماخذ (۱۸٪) هجده درصد به ترتیب مذکور در تبصره ۱) این ماده محاسبه و مابه التفاوت (سهم شخص و کارفرما) از شخص وصول خواهد شد. تبصره ۳ - در صورتی که مشمولین تبصره‌های (۱ و ۲) این ماده ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ نسبت به پرداخت ما به التفاوت اقدام نمایند و یا ترتیبی برای پرداخت آن ندهند بر اساس تقاضای مجدد و رعایت تبصره‌های مذکور، ما به التفاوت قابل وصول خواهد بود. تبصره ۴ - سوابق مشمولین تامین اجتماعی که به یکی از علل مندرج در تبصره (۲) این ماده با دستگاه متبوع قطع رابطه استخدامی نموده یا می‌نمایند محفوظ و از مزایای قانونی آن بهره‌مند می‌شوند. ماده ۴ - صندوقهای موضوع این آئین‌نامه چنانچه طبق مقررات مورد عمل علاوه بر پرداخت حقوق بازنشستگی از کارافتادگی و وظیفه‌وراث مشترکین خود را در برابر بیماریها بیمه خدمات درمانی نموده باشند، به هنگام انتقال کسور بازنشستگی یا حق بیمه از اینگونه صندوقها به صندوقهای دیگر بخشی از این کسور یا حق بیمه که در ازای تامین بیمه مزبور می‌باشد از جمع وجوه انتقالی کسر می‌گردد. تبصره - در صورتی که حق بیمه خدمات درمانی طبق مقررات مربوط رقم معینی از کسور بازنشستگی یا حق بیمه پرداختی را تشکیل ندهد، (یک چهارم مجموع حق بیمه یا کسور بازنشستگی سهم شخص و کارفرما از این بابت منظور می‌گردد. ماده ۵ - صرفاً آن قسمت از سنوات پرداخت حق بیمه یا بازنشستگی که در اجرای مقررات صندوق بیمه و بازنشستگی متبوع شخص قابل احتساب تلقی شده یا می‌شود در تعیین میزان مابه التفاوت ملاک عمل قرار می‌گیرد. ماده ۶ - حق بیمه یا کسور بازنشستگی مابه التفاوت متعلقه به شخص که طبق مقررات این آئین‌نامه یا سایر قوانین و مقررات مربوط از یک صندوق به صندوق دیگر منتقل شده است در صورتی که محل خدمت شخص مجدداً تغییر نموده یا بنماید یا طبق ضوابط قانونی مشترک صندوق دیگری شده یا بشود عیناً به صندوق جدید منتقل می‌گردد و از بابت اینگونه سوابق مابه التفاوتی وصول نخواهد شد. ماده ۷ - مابه التفاوت موضوع این آئین‌نامه به اقساط ماهانه وصول خواهد شد. میزان اقساط با توجه به کل مبلغ مابه التفاوت میزان حقوق و مزایای شخص و سایر ملاحظات طبق توافق شخص و صندوق مربوط تعیین می‌گردد. حداکثر مدت پرداخت مابه التفاوت معادل سنوات خدمت مورد محاسبه می‌باشد. ماده ۸ - در صورتی که رابطه استخدامی شخص با دستگاه متبوعش به لحاظ استعفا، اخراج بازخرید خدمت قطع شده یا می‌شود و کسور بازنشستگی یا حق بیمه خود را دریافت نموده باشد از لحاظ انتقال کسور بازنشستگی یا حق بیمه و احتساب مابه التفاوت متعلقه تابع مقررات این آئین‌نامه خواهد بود. در مورد اشخاصی که کسور بازنشستگی متعلقه را جزاً یا کلاً از صندوق بازنشستگی ذریب دریافت داشته‌اند مسئله نقل و انتقال کسور موضوعاً منتفی است ماده ۹ - در اجرای مقررات قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی و این آئین‌نامه صرفاً سوابق خدمت دولتی کارکنان که حق بیمه یا کسور بازنشستگی آنان طبق مقررات این

آئین نامه منتقل شده یامی شود جزء سنوات خدمت دولتی آنان از لحاظ بازنشستگی ووظیفه قابل احتساب می باشد. در مورد شرکتها و موسسات و واحدهای غیردولتی که تابع قانون تامین اجتماعی می باشند سوابق خدمت دولتی کارکنان با انتقال کسور بازنشستگی یا حق بیمه مربوط جزء سنوات خدمت آنان از لحاظ بازنشستگی و وظیفه محسوب و منظور می گردد. ماده ۱۰ - کسور بازنشستگی سوابق خدمت دولتی بیمه شدگانی که در اجرای مقررات قانون نقل و انتقال حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی منتقل شده یا می شود، برای متقاضیان بازنشستگی تنها در محاسبه میزان مستمری بازنشستگی به جمع سنوات پرداخت حق بیمه آنان اضافه می گردد و در سنوات پرداخت حق بیمه برای احراز شرایط بازنشستگی منظور نخواهد شد. کسور بازنشستگی سوابق خدمت دولتی بیمه شدگانی که از کار افتاده کلی یا فوت می شوند در احراز شرایط برقراری مستمری از کار افتادگی کلی و فوت و میزان مستمری آنان ملاک محاسبه قرار خواهد گرفت تبصره - آن گروه از مستخدمین که در اجرای لایحه قانونی نحوه انتقال مستخدمین وزارتخانه ها و موسسات دولتی مشمول قانون استخدام کشوری به موسسات مستثنی شده از قانون مزبور و بالعکس مصوب ۲۰/۲/۱۳۵۹ شورای انقلاب منتقل می شوند و نیز مستخدمین موسسات دولتی دارای مقررات استخدامی خاص که طبق مقررات مربوط به سایر دستگاههای دولتی منتقل شده یامی شوند تابع قوانین مربوط خواهند بود.

آئین نامه ضوابط و نحوه اعمال ماده ۴۰ قانون تأمین اجتماعی در مورد اشخاص حقوقی که دفاتر قانونی ارائه

ماده ۱ - اشخاص حقوقی که از ارائه دفاتر قانونی به سازمان خودداری و در تمام یا برخی از ماههای هر سال مالی صورت مزد و حقوق و حق بیمه کارکنان خود را به سازمان ارسال و پرداخت نکرده باشند مشمول اعمال ماده ۴۰ قانون منحصر برای سال مالی و یا ماههای مذکور قرار می گیرند. ماده ۲ - دستمزد کارکنان اشخاص حقوقی مذکور موجود در حوزه های مالیاتی که براساس آن مالیات تکلیفی تعیین و دریافت گردیده است در هر سال مالی مبنای محاسبه و مطالبه حق بیمه آنان به صورت علی الراس قرار می گیرد. تبصره - در مواردی که دستمزد مبنای پرداخت مالیات تکلیفی در حوزه مالیاتی موجود نباشد و یا امکان دسترسی به آن وجود نداشته باشد، هزینه های حقوق و دستمزد و سایر هزینه های مرتبط با آنها مندرج در اظهارنامه مالیاتی شخص حقوقی موجود در حوزه مالیاتی مربوط به سال مالی مورد نظر، مبنای محاسبه و مطالبه حق بیمه بصورت علی الراس قرار می گیرد. ماده ۳ - در کلیه مواردی که امکان دسترسی به هزینه های دستمزد از طرق مندرج در ماده ۲ و تبصره آن میسر نگردد، سازمان تامین اجتماعی مجاز است با بررسیهای کارشناسی و با در نظر گرفتن پروانه بهره برداری کارگاه تعداد کارکنان آن در سالها یا ماههایی که صورت مزد و حقوق و حق بیمه ارسال و پرداخت نموده است و عنداللزوم با استفاده از تعداد کارکنان شاغل در فعالیتهای مشابه تعداد کارکنان شخص حقوقی را تعیین نماید. در این حالت دستمزد مبنای محاسبه حق بیمه بصورت علی الراس از رابطه زیر بدست می آید. «جمع حداقل و حداکثر دستمزد ماهانه مشمول کسر حق بیمه زمان محاسبه ضربدر ۲، نتیجه آن تقسیم بر سه سپس ضربدر تعداد کارکنان برآورد شده و تعداد ماههای مورد نظر سال مالی ماده ۴ - این آئین نامه مشتمل بر ۴ ماده یک تبصره در دوست و نود و نهمین جلسه شورای عالی تامین اجتماعی مورخ ۵/۴/۷۸ به تصویب رسید.

آئین نامه اجرایی طرح طبقه بندی و ارزیابی مشاغل کارگاهها. شماره ۴۸۱۰. مصوب ۵۳. (م ۱ تا م ۱۱)

موضوع تبصره یک ماده ۴۹ قانون کار ماده ۱. در اجرای ماده ۴۹ قانون کار جمهوری اسلامی ایران کلیه کارفرمایان مشمول قانون مزبور که تاکنون طرح طبقه بندی مشاغل کارگاه خود را طبق نظام ارزیابی وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و اجرا ننموده اند مکلفند در تاریخهایی که توسط این وزارتخانه تعیین می شود طرح طبقه بندی مشاغل کارگاه خود را تهیه و پس از تایید وزارت کار و امور اجتماعی به مورد اجرا گذارند. تبصره ۱. کارگاهها می توانند قبل از تعیین مهلت های مقرر نسبت به تهیه و اجرای طرح طبقه بندی

مشاغل خود مبادرت نموده و آن رابه تایید وزارت کار و امور اجتماعی برسانند. در این صورت ماخذ شمول طرح در مورد کارکنان تاریخی است که تقاضای تهیه و اجرای طرح در این وزارتخانه به ثبت رسیده باشد. تبصره ۲. کارگاههایی که براساس ضوابط مبادرت به ثبت توافقنامه تهیه و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در وزارت کار و امور اجتماعی نموده‌اند و در تاریخ تصویب این آیین‌نامه طرح آنان به تایید نهایی نرسیده کماکان براساس توافقنامه قبلی عمل خواهند کرد. ماده ۲. تهیه و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در کارگاههایی که در تاریخ تصویب این آیین‌نامه یا بعد از آن دارای بیش از پانصد نفر کارگر تابع قانون کار بوده و مشمول مصوبه ۱۷/۴/۶۹ شورای عالی کار قرار نگرفته باشند، الزامی است تاریخ شمول طرح درباره کارگاههای مزبور، حسب مورد، تاریخ تصویب این آیین‌نامه و یا تاریخی است که به حد نصاب مزبور می‌رسند. ماده ۳. ملاک تعیین حد نصاب تعداد کارگران برای شمول این آیین‌نامه در مورد کارگاهها، تعداد کارگران دائم آنها می‌باشد. ماده ۴. واحدهایی که تحت عنوان گروه یا مجتمع و نظایر آنها تابع یک شخصیت حقوقی بوده و شامل چند کارگاه مختلف می‌باشند از نظر ماده یک این آیین‌نامه از لحاظ تعداد کارگران یک واحد محسوب می‌گردند. ماده ۵. هر نوع تغییر حقوقی در وضع مالکیت کارگاه از قبیل فروش یا انتقال به هر شکل تغییر نوع تولید، ادغام در مؤسسه دیگر، ملی شدن کارگاه فوت مالک و امثال آنها مانع از ادامه روند تهیه و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل نمی‌شود. و هنگام چنین تغییری تعهدات و آثار اقدامات کارفرما یا مدیریت قبلی در زمینه طرح مذکور عیناً به کارفرما یا مدیریت جدید منتقل می‌شود. ماده ۶. طرح طبقه‌بندی مشاغل که هدف آن استقرار مناسبات صحیح کارگاه با بازار کار در زمینه مزد و مشخص بودن شرح وظایف و دامنه مسؤولیت مشاغل شرح و وظایف جاری و ادواری شغل شرایط احراز، مهارتها، تواناییهای لازم برای تصدی هر شغل عوامل تعیین کننده امتیازات شغل جدول تخصیص امتیازات شغل جدول تخصیص امتیازات عوامل جدول مزد، دستورالعمل اجرایی طرح و لیست تطبیق وضع کارکنان با ضوابط طرح می‌باشد که تهیه و تنظیم و اجرای آن براساس ضوابط و رویه‌ها و دستورالعمل‌های وزارت کار و امور اجتماعی خواهد بود. تبصره برای دستیابی به استاندارد مشاغل در صنایع و حرف و فعالیت‌های مختلف در هر صنعت یا حرفه وزارت کار و امور اجتماعی با همکاری کارگاههای ذیربط مشاغل را از نظر رشته و شرایط احراز و مهارت‌ها و توانایی‌ها، گروه یا طبقه شغلی شرح وظایف امتیازات متعلقه و نظایر آنها به تدریج استاندارد نموده و به واحدهای ذیربط ابلاغ خواهد کرد. ماده ۷. کارفرمایان مکلفند مابه‌التفاوت احتمالی مزد ناشی از اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل را از تاریخی که کارگاه مشمول اجرای طرح می‌شود به کارگران مشمول پرداخت نمایند. ماده ۸. هرگونه اصلاح و تجدیدنظر در طرحهای طبقه‌بندی مشاغلی که به تایید رسیده‌اند، موکول به تایید مجدد وزارت کار و امور اجتماعی است این آیین‌نامه در هشت ماده و سه تبصره در تاریخ ۱۲/۲/۷۱ به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی رسیده است

آیین‌نامه اجرایی قانون بیمه بیکاری. مصوب ۶۹ (م ۱ تا م ۲۴)

ماده ۱. قانون بیمه بیکاری مصوب ۲۶/۶/۱۳۶۹ در این آیین‌نامه اختصاراً قانون نامیده می‌شود. ماده ۲. کلیه مدیران و کارفرمایان کارگاهها، موسسات تولیدی صنعتی و کشاورزی، خدماتی فنی و خدماتی دارای کارکنان مشمول قانون تامین اجتماعی که تابع قوانین کار یا کشاورزی هستند موظف به اجرای مقررات این آیین‌نامه می‌باشند. ماده ۳. بیکار از نظر این آیین‌نامه بیمه شده‌ای است که بدون میل و اراده بیکار شده و آماده کار باشد. تشخیص بیکاری بدون میل و اراده و تاریخ وقوع بیکاری به عهده واحد کار و امور اجتماعی محل است ماده ۴. هرگونه تغییر یا بازسازی خط تولید، جابجایی کارگاه و ماشین‌آلات به منظور کاهش وابستگی و بهینه کردن تولید که در راستای سیاستهای اقتصادی و اجتماعی دولت صورت گیرد تغییر ساختار اقتصادی تلقی می‌گردد و تصمیم‌گیری در مورد کارکنان این قبیل کارگاهها که موقتاً بیکار شناخته شده و در چارچوب بند «الف» ماده ۷ قانون از مقرری بیمه بیکاری استفاده خواهند نمود، به عهده شورای عالی کار می‌باشد. تبصره ۱. مدیران و کارفرمایان کارگاههای موضوع این

ماده موظفند طرح تغییر ساختار اقتصادی واحد خود را که به تصویب وزارتخانه ذی ربط (واحدهای تابعه در استانها) رسیده است همراه با تقاضای کتبی تعهدات لازم و فهرست اسامی کارکنان مشمول طرح که موقتا بیکار خواهند شد با ذکر مدت زمان استفاده از مقرری بیمه بیکاری به واحد کار و امور اجتماعی محل تسلیم نمایند و پس از تأیید طرح توسط شورای عالی کار نسبت به اجرای آن اقدام کنند. تبصره ۲. واحدهای کار و امور اجتماعی مکلفند حداکثر ظرف ۱۵ روز پس از دریافت طرح و تقاضای کتبی مدارک مربوط را همراه با گزارش بازرسی کار جهت اتخاذ تصمیم به شورای عالی کار ارسال نمایند. شورای عالی کار ظرف یک ماه پس از دریافت مدارک مربوط تصمیم خود را اعلام خواهد نمود. ماده ۵. کلیه مدیران و کارفرمایان و مجریان پروژه‌ها مکلفند حق بیمه بیکاری مشمولین قانون را به ترتیب مذکور در قانون تامین اجتماعی از تاریخ ۶/۵/۱۳۶۹ به شعب مربوط سازمان تامین اجتماعی پرداخت نمایند. تبصره ۱. مبنای پرداخت حق بیمه بیکاری مزد بیمه شده می‌باشد. تبصره ۲. سازمان تامین اجتماعی مکلف است با دریافت حق بیمه بیکاری طبق ضوابط قانون تامین اجتماعی به بیمه شدگانی که با توجه به مقررات این آیین نامه بیکار شناخته شده و از طریق واحدهای کار و امور اجتماعی معرفی می‌شوند، مقرری بیمه بیکاری پرداخت نماید. ماده ۶. بیمه شدگانی که به علت بروز حوادث قهریه و غیر مترقبه از قبیل سیل زلزله جنگ آتش سوزی و ... بیکار می‌شوند، در صورتی که سابقه پرداخت حق بیمه آنان کمتر از ۶ ماه باشد، مطابق با مشمولینی که دارای ۶ ماه سابقه پرداخت حق بیمه می‌باشند از مقرری بیمه بیکاری استفاده خواهند نمود. ماده ۷. بیمه شده بیکار موظف است ظرف ۳۰ روز از تاریخ بیکاری فرم تقاضای استفاده از مقرری بیمه بیکاری را تکمیل و به واحد کار و امور اجتماعی محل ارائه نماید. تبصره ۱. چنانچه بیمه شده بیکار در فاصله زمانی ۳۰ روز بعد از بیکاری امکان مراجعه و یا اعلام بیکاری به واحد کار و امور اجتماعی و ارائه یا ارسال تقاضای استفاده از مقرری بیمه بیکاری را پیدا نکند تا ۳ ماه از تاریخ وقوع بیکاری فرصت دارد مدارک خود را مبنی بر عذر موجه همراه با تقاضای کتبی به واحد کار و امور اجتماعی محل به منظور طرح در هیات حل اختلاف ارائه نماید. در صورتی که هیات حل اختلاف استان مربوط عذر متقاضی را موجه تشخیص دهد مراتب را اعلام خواهد نمود. تبصره ۲. بیمه شده بیکار از تاریخ ارائه تقاضای استفاده از مقرری بیمه بیکاری آمادگی خود را برای اشتغال به کار تخصصی و یا مشابه آن اعلام نموده است و موظف است در فاصله زمانهای معینی که توسط واحد کار و امور اجتماعی تعیین می‌گردد در اداره کار و امور اجتماعی محل حضور یافته و دفاتر مربوط را امضا نماید. ماده ۸. واحدهای کار و امور اجتماعی موظفند حداکثر ظرف ۳۰ روز پس از اخذ مدارک تکمیل شده (موضوع ماده ۷ این آیین نامه، نسبت به غیرارادی بودن بیکاری متقاضی اظهار نظر نموده و در صورت تأیید، وی را کتبا به سازمان تامین اجتماعی معرفی نمایند. واحدهای اجرایی سازمان تامین اجتماعی مکلفند ظرف ۱۰ روز پس از ثبت معرفی نامه فرد بیکار، نسبت به احراز شرایط مندرج در بند «الف» ماده ۶ قانون اظهار نظر و متعاقب آن مقرری بیمه بیکاری وی را برقرار نمایند. ماده ۹. بیکارانی که در زمان دریافت مقرری بیمه بیکاری با معرفی واحدهای کار و امور اجتماعی به شغل یا مشاغل گمارده شوند که میزان حقوق و مزایای آنان کمتر از مقرری بیمه بیکاری باشد، مابه‌التفاوت حقوق و مزایای دریافتی تا میزان مقرری بیمه بیکاری متعلقه توسط سازمان تامین اجتماعی به آنان پرداخت خواهد شد. در این گونه موارد اشتغال بیمه شده بیکار و میزان حقوق و مزایای وی توسط واحد کار و امور اجتماعی محل به شعبه تامین اجتماعی پرداخت کننده مقرری بیمه بیکاری اعلام خواهد شد. ماده ۱۰. پرداخت مقرری بیمه بیکاری به مقرری بگیران دارای ۵۵ سال سن و بیشتر در صورت عدم امکان اشتغال به کار آنان بدون رعایت بند «الف» ماده ۷ قانون تا رسیدن به سن بازنشستگی موضوع ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی ادامه می‌یابد. ماده ۱۱. مقرری بیمه شدگانی که در حین استفاده از مقرری بیمه بیکاری به خدمت و وظیفه عمومی اعزام می‌گردند در صورتی که متأهل نباشند قطع می‌گردد و پس از پایان خدمت و وظیفه عمومی در صورت عدم اشتغال با معرفی واحد کار و امور اجتماعی مجدداً نسبت به باقیمانده مدت استحقاقی مقرری آنان برقرار خواهد شد. ماده ۱۲. در مورد کارگرانی که در حین استفاده از مقرری بیمه بیکاری بر اساس حکم صادر شده از سوی مراجع ذی صلاح بازداشت یا زندانی

می‌گردند در صورت صدور رأی مراجع مذکور مبنی بر مجرمیت آنان مشروط بر آن که متأهل نباشند پرداخت مقرری بیمه‌بیکاری متوقف می‌گردد و پس از گذراندن دوره محکومیت به شرط عدم اشتغال با معرفی واحد کار و امور اجتماعی مجدداً برقرار خواهد شد. ماده ۱۳. چنانچه دریافت‌کننده مقرری بیمه‌بیکاری حائز شرایط استفاده از مستمریهای بازنشستگی و یا از کارافتادگی کلی گردد، مقرری بیمه‌بیکاری وی قطع و مستمریهای مذکور طبق قانون تامین اجتماعی برقرار می‌گردد. تبصره ملاک انجام حمایت‌های موضوع قانون تامین اجتماعی در ایام دریافت مقرری بیمه‌بیکاری حقوق و مزایای مبنای کسر حق بیمه زمان اشتغال بیمه‌شده بیکار خواهد بود. ماده ۱۴. در صورتی که در طول مدت دریافت مقرری بیمه‌بیکاری در تعداد افراد تحت تکفل بیمه‌شده تغییری حاصل شود، میزان مقرری وی طبق مقررات بند «ب» ماده ۷ قانون محاسبه و پرداخت خواهد شد. بیمه‌شده مکلف است تغییرات تعداد عائله خود را با ارائه مدارک مثبت به شعبه پرداخت‌کننده مقرری و واحد کار و امور اجتماعی محل اطلاع دهد. تبصره احراز کفالت خواهر و برادر بیمه‌شده بیکار به عهده وزارت کار و امور اجتماعی خواهد بود. ماده ۱۵. دریافت‌کننده مقرری بیمه‌بیکاری در صورت اشتغال مجدد مکلف است حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ اشتغال مراتب را به واحد کار و امور اجتماعی و شعبه پرداخت‌کننده مقرری کتبا اعلام نماید. ماده ۱۶. واحدهای کار و امور اجتماعی مکلفند مشخصات مقرری‌بگیرانی را که بدون عذر موجه از شرکت در دوره‌های کارآموزی یا سوادآموزی یا قبول شغل تخصصی یا شغل مشابه پیشنهادی خودداری می‌نمایند با ذکر تاریخ امتناع به سازمان تامین اجتماعی اعلام نمایند. سازمان تامین اجتماعی موظف است مقرری بیمه‌بیکاری این قبیل افراد را از تاریخ امتناع قطع نماید. ماده ۱۷. واحد کار و امور اجتماعی محل مکلف است در صورت اطلاع از اشتغال به کار بیمه‌شده که مقرری بیمه‌بیکاری دریافت می‌نماید، فوراً بررسی نموده و پس از احراز اشتغال به کار مقرری‌بگیر مراتب را به شعبه پرداخت‌کننده مقرری جهت قطع مقرری اعلام نماید. چنانچه سازمان تامین اجتماعی نیز به نحوی از انحاء از اشتغال به کار مقرری‌بگیر مطلع گردد، لازم است ضمن قطع مقرری بیمه‌شده مراتب را به واحد کار و امور اجتماعی محل اعلام نماید. تبصره در صورت اعتراض کارگر نسبت به قطع مقرری توسط سازمان تامین اجتماعی واحد کار و امور اجتماعی مکلف است مراتب را بررسی و اعلام نظر نماید. نظر واحد کار و امور اجتماعی قطعی و لازم‌الاجراست ماده ۱۸. مقرری بیمه‌بیکاری بیمه‌شدگانی که با دریافت مزد ایام بلا تکلیفی به کار اعاده می‌گردند قطع می‌شود و این قبیل افراد مکلفند مقرری دریافتی در دوران مزبور را طبق اعلام سازمان تامین اجتماعی مسترد نمایند. مدیران و کارفرمایان بیمه‌شدگان موضوع این ماده و واحدهای کار و امور اجتماعی مکلفند مراتب اعاده به کار مقرری‌بگیر را کتبا به شعبه پرداخت‌کننده مقرری اطلاع دهند. تبصره مدیران و کارفرمایان بیمه‌شدگان موضوع این ماده مکلفند حق بیمه‌های موضوع ماده ۲۸ قانون تامین اجتماعی و ماده ۵ قانون بیمه‌بیکاری مربوط به ایام بلا تکلیفی را طبق ضوابط مقرر به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نمایند. ماده ۱۹. در مواردی که بیمه‌شده بیکار تحت هر عنوان من غیر حق‌مبالغی را از صندوق بیمه‌بیکاری دریافت نموده باشد، ملزم به پرداخت وجوه دریافتی مذکور خواهد بود. سازمان تامین اجتماعی با استفاده از اختیارات اجرایی ناشی از قانون تامین اجتماعی نسبت به وصول وجوه موضوع این ماده اقدام می‌نماید. ماده ۲۰. در اجرای ماده ۹ قانون کلیه مدیران و کارفرمایان موظفند فرصت‌های اشتغال واحد خود را با هماهنگی شوراهای اسلامی کار یا نمایندگان کارگران به مراکز خدمات اشتغال محل اعلام نمایند. تبصره مراکز خدمات اشتغال مکلفند ظرف ۳۰ روز نسبت به تامین و معرفی نیروی کار مورد نیاز که از طرف مدیران و کارفرمایان به آنان اعلام می‌شود اقدام نمایند و در غیر این صورت مراتب عدم امکان تامین نیروی مذکور را کتبا به واحد درخواست‌کننده اطلاع دهند. ماده ۲۱. کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی که به نحوی از انحای پروانه کسب و کار و موافقت اصولی و اجازه تأسیس واحدهای تولیدی و صنعتی و کشاورزی و خدمات فنی را صادر می‌نمایند موظفند بیمه‌شدگانی را که مقرری بیمه‌بیکاری دریافت می‌نمایند بر اساس معرفی واحدهای کار و امور اجتماعی جهت اخذ مجوزهای کسب و کار و موافقت اصولی در اولویت قرار دهند. تبصره مقرری بیمه‌شدگان بیکاری که با استفاده از مزایای قانون بیمه‌بیکاری و این آیین‌نامه موفق به اخذ

پروانه کسب و کار و یا موافقت اصولی می‌شوند از تاریخ آغاز بهره‌برداری و کسب و کار طبق اعلام وزارت کار و امور اجتماعی قطع می‌گردد. ماده ۲۲. آن دسته از بیمه‌شدگانی که تاریخ وقوع بیکاری آنان قبل از تاریخ ۶/۵/۱۳۶۹ باشد از هر حیث مشمول قانون و مقررات و دستورالعمل‌های مربوط به قانون دوره آزمایشی بیمه بیکاری خواهند بود. ماده ۲۳. در اجرای ماده ۱۲ قانون اعتبار لازم جهت هزینه‌های اداری و پرسنلی وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان تامین اجتماعی در اجرای قانون بیمه بیکاری و این آیین‌نامه براساس توافق وزرای بهداشت درمان و آموزش پزشکی و کار و امور اجتماعی از محل درآمدهای ناشی از قانون بیمه بیکاری تعیین می‌گردد و به مصرف می‌رسد. ماده ۲۴. مقررات این آیین‌نامه از تاریخ اتمام دوره قانون آزمایشی بیمه بیکاری ۶/۵/۱۳۶۹ لازم الاجراست حسن حبیبی معاون اول رییس جمهور

آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۲۹ قانون کار جمهوری اسلامی ایران. مصوب ۷۱ همراه با اصلاحات بعدی (م ۱ تا م ۱۷)

الف - چگونگی صدور، تمدید، تجدید و لغو پروانه کار اتباع خارجی ماده ۱. پروانه کار اتباع خارجی که روادید با حق کار آنان مورد موافقت هیات فنی اشتغال اتباع خارجی موضوع تبصره ماده (۱۲۱) قانون کار قرار گرفته است توسط وزارت کار و امور اجتماعی - اداره کل اشتغال اتباع خارجی - صادر می‌شود. تبصره ۱. صدور روادید با حق کار در مورد اتباع خارجی موضوع ۹ ماده (۱۲۲) قانون کار جمهوری اسلامی ایران از شمول این ماده مستثنی بوده و وزارت کار و امور اجتماعی می‌تواند حسب مورد رأساً اقدام نماید. تبصره ۲. وزارت کار و امور اجتماعی مجاز است در موارد استثنایی موضوع ماده (۱۲۶) قانون کار جمهوری اسلامی ایران بدون رعایت تشریفات مربوط به صدور روادید کار و با رعایت سایر قوانین مربوط پروانه کار موقت سه ماه صادر نماید؛ ولی تمدید پروانه کار این گونه افراد، پس از تایید هیات فنی اشتغال مجاز خواهد بود. ماده ۲. کارفرمایانی که از خدمات اتباع خارجی استفاده می‌نمایند مکلفند مدارک لازم جهت صدور پروانه کار اتباع یاد شده را ظرف مدت یکماه از تاریخ ورود تبعه خارجی به کشور، به واحدهای ذی‌ربط در وزارت کار و امور اجتماعی ارائه نمایند. در غیر این صورت وزارت کار و امور اجتماعی به استناد ماده (۱۸۱) قانون کار، مراتب را به مراجع قضایی اعلام می‌نماید. ماده ۳. صدور پروانه کار جهت کارشناسان و متخصصین خارجی مورد نیاز دولت پس از تایید هیات فنی اشتغال اتباع خارجی و تصویب مجلس شورای اسلامی در هر مورد توسط اداره کل اشتغال اتباع خارجی انجام می‌گیرد. تبصره شرایط استخدامی کارشناسان و متخصصین فنی خارجی مورد نیاز بخش دولتی و اجازه صدور پروانه کار بنا به پیشنهاد وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان امور اداری و استخدامی کشور، به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید. ماده ۴. کارفرمایانی که از خدمات اتباع خارجی استفاده می‌نمایند، مکلفند در صورت تمایل به تمدید پروانه کار کارشناسان خارجی شاغل در واحدهای خود، مدارک لازم را جهت تمدید پروانه کار به انضمام گزارش عملکرد برنامه آموزشی حداقل یک ماه قبل از انقضای اعتبار پروانه کار به واحدهای ذی‌ربط وزارت کار و امور اجتماعی ارائه نمایند. ماده ۵. تمدید پروانه کار اتباع خارجی موضوع ماده (۳) این آیین‌نامه توسط وزارت کار و امور اجتماعی بلامانع است تبصره هر گونه افزایش در نیروی کار خارجی طرحها، یا تغییر در نوع تخصصهای مصوب قبلی منوط به طرح مجدد موضوع در هیات فنی اشتغال اتباع خارجی خواهد بود. ماده ۶. کلیه درخواستهای تمدید پروانه کار اتباع خارجی شاغل در بخش خصوصی - در هر نوبت تمدید - در هیات فنی اشتغال اتباع خارجی مطرح و تصمیم‌گیری خواهد شد. ماده ۷. اتباع خارجی دارای پروانه کار معتبر که قرارداد استخدامی آنان با کارفرما به هر دلیل فسخ می‌گردد، در صورت تغییر کارفرما، مشمول تمدید پروانه کار می‌شوند. ماده ۸. تجدید پروانه کار اتباع خارجی - در موارد تغییر کارفرما یا نوع کار - به استثنای اتباع موضوع ماده (۱۲۲) قانون کار، پس از موافقت هیات فنی اشتغال اتباع خارجی توسط واحدهای ذی‌ربط وزارت کار و امور اجتماعی انجام می‌گیرد. ماده ۹. در مواردی که رابطه استخدامی تبعه خارجی با کارفرما قطع می‌گردد، کارفرما مکلف است حداکثر ظرف پانزده روز مراتب را جهت ابطال و ضبط پروانه

کار تبعه خارجی به واحدهای ذیربط وزارت کار و امور اجتماعی اعلام نماید. با متخلفین در این زمینه طبق ماده (۱۸۱) قانون کار رفتار خواهد شد. تبصره اشتغال مجدد تبعه خارجی که پروانه کار وی ابطال گردیده است به هر صورت مشمول مراحل صدور پروانه کار خواهد شد. ماده ۱۰. وزارت کار و امور اجتماعی می‌تواند نسبت به لغو پروانه کار اتباع خارجی که شئون اسلامی قوانین و مقررات جاری کشور و موازین انسانی روابط کار را براساس گزارش و اعلام مراجع ذیصلاح رعایت ننمایند، اقدام نماید. تبصره ۱. وزارت کار و امور اجتماعی می‌تواند پس از لغو پروانه کار، اخراج تبعه خارجی از کشور را از مراجع ذیصلاح درخواست نماید. تبصره ۲. وزارت کار و امور اجتماعی در صورت لزوم می‌تواند از مراجع ذیصلاح ممنوعیت ورود اتباع بیگانه‌ای که بیش از دو بار مرتکب تخلفات موضوع این ماده شده‌اند را درخواست نماید. ماده ۱۱. روش اجرایی و مدارک لازم جهت صدور روادید ورود باحق کار و همچنین صدور، تمدید و تجدید پروانه کار اتباع خارجی به موجب دستورالعملی می‌باشد که بنا به پیشنهاد اداره کل اشتغال اتباع خارجی به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی می‌رسد. ب- هیات فنی اشتغال اتباع خارجی ماده ۱۲. هیات فنی اشتغال اتباع خارجی در خصوص اعطای اجازه کار به متخصصین خارجی با توجه به موارد زیر بررسی و اتخاذتصمیم خواهد نمود: ۱- استفاده از اطلاعات دقیق و به هنگام از عرضه و تقاضای بازار کار داخلی در اجرای سیاست‌های کلی اشتغال اتباع خارجی ۲- توجه و نظارت بر اعمال سیاست‌های کلی اشتغال اتباع خارجی در زمینه تأمین کمبود نیازهای بازار کار داخلی با رعایت قوانین و مقررات ۳- بررسی و نظارت و پیگیری برنامه‌های آموزش زمان‌بندی شده واحد استفاده‌کننده از خدمات تبعه خارجی ۴- بررسی و نظارت بر تحقق امر انتقال مهارت و جایگزینی افراد ایرانی به جای تبعه خارجی ۵- نظارت بر تعیین و تایید میزان مهارت تبعه خارجی در ظرف مدت اعتبار پروانه کار. ماده ۱۳. ترکیب اعضای هیات فنی اشتغال اتباع خارجی به شرح زیر است ۱- دو نفر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی به تشخیص وزیر و امور اجتماعی ۲- یک نفر نماینده دستگاه استفاده‌کننده از تبعه خارجی ۳- یک نفر نماینده سازمان امور اداری و استخدامی کشور. ۴- یک نفر نماینده سازمان برنامه و بودجه ماده ۱۴. جلسات هیات فنی اشتغال اتباع خارجی حداقل هفته‌ای دوبار با دعوت قبلی در محل وزارت کار و امور اجتماعی و به ریاست یکی از نمایندگان آن وزارتخانه به تشخیص وزیر کار و امور اجتماعی تشکیل می‌گردد. ماده ۱۵. جلسات با حضور چهار نفر از اعضاء، رسمیت می‌یابد و تصمیمات اتخاذ شده در صورت وجود حداقل سه رای موافق معتبر خواهد بود. ماده ۱۶. اداره کل اشتغال اتباع خارجی موظف به اجرای تصمیمات هیات فنی اشتغال اتباع خارجی خواهد بود. ماده ۱۷. وزارت کار و امور اجتماعی می‌تواند برحسب مورد، هیاتهای فنی اشتغال را در استانها تشکیل دهد و تمام یا قسمتی از اختیارات هیات فنی اشتغال در مرکز را به آنان محول نماید. تبصره ترکیب و چگونگی تشکیل هیات فنی اشتغال در استانها براساس دستورالعملی می‌باشد که به تصویب وزارت کار و امور اجتماعی می‌رسد. معاون اول رئیس‌جمهور - حسن حبیبی

آیین‌نامه طرز اجرای آرای قطعی هیاتهای تشخیص و حل اختلاف (موضوع تبصره ۲ ماده ۳۵ ق.ک) (ماده ۱)

اشاره

موضوع ماده ۱۶۶ قانون کار مصوب ۱۳۷۰/۳/۱۲ هیات وزیران ماده ۱. کلیه آرای قطعی هیات های تشخیص و حل اختلاف به وسیله «اجرای دادگاه‌های دادگستری به مورد اجراء گذاشته می‌شود. ماده ۲. مرجع صلاحیتدار برای اجرای آرای قطعی هیاتهای تشخیص و حل اختلاف «اجرای دادگاه محل کارگاهی است که موضوع اجرائیه از لحاظ نصاب در صلاحیت آن دادگاه می‌باشد و چنانچه موضوع اجرائیه غیرمالی باشد اجرای آن به عهده «اجرای دادگاه حقوقی یک و در صورتی که دادگاه حقوقی یک در محل نباشد به عهده «اجرای دادگاه حقوقی دو مستقل خواهد بود. ماده ۳. محکوم‌له احکام قطعی مذکور، باید در موقع تقاضای صدور اجرائیه

یک نسخه رونوشت مصدق ابلاغ شده رأی قطعی رایپوست تقاضانامه خود نموده و به «اجرای دادگاه تسلیم نماید. ماده ۴. ترتیب اجرای آرای قطعی هیات‌های تشخیص و حل اختلاف تابع احکام و مقررات اجرای احکام مربوط به محاکم دادگستری است معاون اول رییس جمهور - حسن حبیبی

فصل اول نظام کارمزدی (م ۲ تا م ۱۱)

ماده ۱. در اجرای تبصره ۲ ماده ۳۵ قانون کار جمهوری اسلامی ایران ضوابط و مزایا و مشاغل قابل شمول به نظام‌های کارمزدی مزد ساعتی و کارمزد ساعتی به موجب این آیین‌نامه به مورد اجرا گذاشته می‌شود. فصل اول نظام کارمزدی ماده ۲. کارمزد عبارت است از مزدی که بابت انجام مقدار کاری مشخص که از نظر کمی قابل اندازه‌گیری یا شمارش باشد به ازای هر واحد کار تعیین و پرداخت می‌شود. تبصره کارمزد برحسب آنکه حاصل کار مورد نظر مربوط به یک نفر یا یک گروه مشخصی از کارگران کارگاه باشد به ترتیب به صورت کارمزد انفرادی کارمزد گروهی و کارمزد جمعی تعیین می‌گردد. در نظام کارمزد گروهی و جمعی باید علاوه بر شغل هریک از کارگران سهم هریک در میزان فعالیت و کارمزد متعلقه از قبل مشخص گردد و موضوع مورد قبول کارگران باشد. ماده ۳. قرارداد کارمزدی برحسب آنکه اولین واحد یا قطعه ملاک محاسبه کارمزد قرار گیرد ساده و چنانچه برای مازاد بر تعداد مشخص باشد ترکیبی است در صورت ترکیبی بودن نرخ کارمزد تعیین شده نباید کمتر از جمع مزد ثابت تقسیم بر تعداد کاری که مزد ثابت بابت آن تعیین شده است باشد. ماده ۴. در صورت توقف کار به واسطه قوای قهریه یا حوادث غیرقابل پیش‌بینی که وقوع آن از اراده طرفین خارج باشد مقررات ماده ۱۵ قانون کار اجرا خواهد شد. ولی هرگاه عوامل توقف کار برای کارفرما قابل پیش‌بینی بوده و خارج از اختیار کارگر باشد، کارفرما علاوه بر مزد ثابت (در مورد قرارداد کار ترکیبی مکلف به پرداخت مزد مدت توقف کار به مأخذ متوسط کارمزد آخرین ماه کارکرد کارگر خواهد بود. در صورت بروز اختلاف تشخیص موارد فوق با وزارت کار و امور اجتماعی است تبصره مجموع مزد کارمزدی که براساس این آیین‌نامه پرداخت می‌شود نباید کمتر از حداقل مزد قانونی به نسبت ساعات عادی کار باشد. ماده ۵. ارجاع کار اضافی به کارگران کارمزدی علاوه بر ساعات عادی کار و نیز کار نوبتی و کار در شب برای آنان تابع مقررات مربوطه می‌باشد. مأخذ محاسبه فوق العاده اضافه کاری نوبت کاری یا شب کاری کارگران کارمزد نرخ کارمزد آنان است ماده ۶. چنانچه به جای روز جمعه روز دیگری به عنوان تعطیل هفتگی توافق شده باشد نرخ کارمزد و نیز مزد ثابت (در مورد قرارداد کار ترکیبی در روز جمعه ۴۰٪ اضافه می‌شود. ماده ۷. نحوه محاسبه مزد روزهای تعطیل و جمعه و روزهای تعطیل رسمی و مرخصی کارگران کارمزد تابع ماده ۴۳ قانون کار می‌باشد. ماده ۸. هرگاه قرارداد کارمزدی به صورت پاره‌وقت (کمتر از حداکثر ساعات قانونی کار) باشد، مزایای رفاهی و انگیزه‌ای به نسبت ساعات کار مورد قرارداد و به مأخذ ساعات کار قانونی محاسبه و پرداخت می‌شود. ماده ۹. مأخذ محاسبه مزد، حقوق، حق سنوات و خسارات و مزایای پایان کار موضوع مواد ۱۸، ۲۰، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۲ قانون کار در مورد کارگران کارمزد میانگین مجموع پرداختی‌ها در آخرین ۹۰ روز کارکرد کارگر است ماده ۱۰. در صورتی که به موجب عرف و رویه دیگری در کارگاه مزد و مزایای بیش از آنچه در این آیین‌نامه مقرر شده است جاری باشد، عرف و رویه مذکور برای کارگران مشمول و همچنین کارگرانی که بعداً به صورت کارمزدی در کارگاه استخدام می‌شوند جاری است ماده ۱۱. تغییر نظام کارمزدی به سایر نظام‌های مزدی یا بالعکس در مورد تمام یا قسمتی از کارکنان در کارگاه بایستی پس از تایید شورای اسلامی کار یا انجمن صنفی و یا نمایندگان قانونی کارگران کارگاه به تصویب وزارت کار و امور اجتماعی برسد.

فصل دوم نظام مزد ساعتی (م ۱۲ تا م ۲۰)

ماده ۱۲. مزد ساعتی مزدی است که بابت ساعاتی که وقت کارگر در اختیار کارفرماست محاسبه و پرداخت می‌شود. ماده ۱۳. در قراردادهای مزد ساعتی نوع کار (صرف نظر از مقدار و میزان آن و نیز ساعات کار در روز یا هفته یا ماه مشخص می‌گردد. ماده ۱۴. در نظام مزد ساعتی کارفرما مکلف است علاوه بر مزد ثابت مزایای رفاهی از قبیل حق مسکن حق خواربار و کمک‌عائله‌مندی را به نسبت ساعات کار محاسبه و به کارگر پرداخت نماید. ماده ۱۵. اعمال نظام کارمزد ساعتی در موارد زیر مجاز است الف - متصدیان حمل و نقل کالا و مسافر. ب - کارگران مطب‌های خصوصی پزشکان کلینیک‌های پزشکی و پیراپزشکی و دامپزشکی و نظایر آنها در صورتی که مدت فعالیت آنها کمتر از حداکثر ساعات قانونی کار در شبانه‌روز باشد. ج - مشاغل غیر تمام‌وقت در زمینه‌های مشاوره و نظایر آن د - مشاغل مربوط به نگهداری و مراقبت از اموال تأسیسات و ساختمان و حیوانات به شرطی که ساعات کار کمتر از حداکثر ساعات قانونی کار در شبانه‌روز باشد. ه - مشاغل آموزشی و پژوهشی تبصره ۱. حکم این ماده مانع از اعمال سایر نظام‌های مزدی در فعالیت‌های مذکور نخواهد بود. تبصره ۲. استفاده از نظام مزد ساعتی جز در موارد مصرحه در این ماده موکول به اخذ موافقت وزارت کار و امور اجتماعی است ماده ۱۶. مزد کارگرانی که مشمول نظام مزد ساعتی می‌باشند به تناسب ساعات کار عادی کار در شبانه‌روز نباید کمتر از مزد مشاغل مشابه در نظام روزمزدی باشد. ماده ۱۷. در کارگاه‌هایی که فعالیت آنها جنبه استمرار دارد یا به صورت فصلی فعالیت می‌کنند کارگران مشمول مزد ساعتی حق استفاده از مرخصی و تعطیلات رسمی با استفاده از مزد را دارند. هرگاه نوع کار طوری باشد که تعداد ساعات کار عادی و مجموع مزدهر روز مساوی باشند مزد ایام مذکور معادل روزهای کار است در غیر این صورت ماخذ محاسبه میانگین مزد ساعتی کارگر در روزهای آخرین ماه کار وی خواهد بود. مبلغ پرداختی در هر حال نباید کمتر از حداقل مزد قانونی باشد. ماده ۱۸. ماخذ محاسبه مزد، حقوق، حق سنوات و خسارات و مزایای پایان کار موضوع مواد ۱۸، ۲۰، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۲ قانون کار در مورد کارگران مشمول نظام مزد ساعتی میانگین مجموع پرداختی‌ها در آخرین ۹۰ روز کارکرد کارگر است ماده ۱۹. در کارگاه‌هایی که دارای عرف و رویه خاص در مورد مزد ساعتی می‌باشند در صورتی که براساس عرف و رویه موجود مزد و مزایایی بیش از ضوابط مقرر در این آیین‌نامه به کارکنان مشمول پرداخت نمایند عرف و رویه مذکور منطوق اعتبار است ماده ۲۰. تغییر نظام ساعتی به سایر نظام‌های مزدی در اجرای ماده ۲۶ قانون کار با موافقت کارکنان مشمول و تایید وزارت کار و امور اجتماعی امکان‌پذیر است

فصل سوم نظام کارمزد ساعتی (م ۲۱ تا م ۳۰)

ماده ۲۱. کارمزد ساعتی مزدی است که در مقابل انجام کار مشخص در زمان مشخص پرداخت می‌شود. در قرارداد کارمزد ساعتی باید میزان و مقدار کار متناسب با زمان مشخص باشد. ماده ۲۲. کارمزد ساعتی برحسب آنکه حاصل کار مورد نظر مربوط به یک نفر یا گروه مشخصی از کارگران یا مجموعه کارگران کارگاه باشد به ترتیب به صورت کارمزد ساعتی انفرادی کارمزد ساعتی گروهی و کارمزد ساعتی جمعی تعیین می‌گردد. در نظام کارمزد ساعتی گروهی و جمعی باید علاوه بر شغل هر یک از کارگران سهم هر یک در میزان فعالیت و کارمزد ساعتی متعلقه از قبل مشخص گردد و موضوع مورد قبول کارگران باشد. ماده ۲۳. در نظام کارمزد ساعتی کارفرما مکلف است علاوه بر کارمزد، مزایای رفاهی از قبیل حق مسکن حق خواربار و کمک‌عائله‌مندی را به نسبت ساعات کار محاسبه و به کارگر پرداخت نماید. ماده ۲۴. مزد کارگرانی که مشمول نظام کارمزد ساعتی می‌باشند به تناسب ساعات عادی کار در شبانه‌روز نباید کمتر از مزد مشاغل مشابه در نظام روزمزدی باشد. ماده ۲۵. در کارگاه‌هایی که فعالیت آنها جنبه مستمر دارد و یا به صورت فصلی فعالیت می‌کنند کارگران مشمول کارمزد ساعتی حق استفاده از مرخصی و تعطیلات رسمی با استفاده از مزد را دارند. هرگاه نوع کار طوری باشد که تعداد ساعات کار عادی و مجموع کارمزد هر روز مساوی باشند مزد ایام

مذکور معادل کارمزد روزهای کار است در غیر این صورت مأخذ محاسبه میانگین کارمزد ساعتی کارگر در روزهای کار آخرین ماه کار خواهد بود. مبلغ پرداختی در هر حال نباید کمتر از حداقل مزد قانونی باشد. ماده ۲۶. مأخذ محاسبه مزد، حقوق، حق سنوات و خسارات و مزایای پایان کار موضوع مواد ۱۸، ۲۰، ۲۷، ۲۹، ۳۱ و ۳۲ قانون کاردر مورد کارگران مشمول کارمزد ساعتی میانگین مجموع پرداختی‌ها در آخرین ۹۰ روز کارکرد کارگر است ماده ۲۷. در کارگاه‌هایی که دارای عرف و رویه خاص در مورد پرداخت کارمزد ساعتی می‌باشند در صورتی که براساس عرف و رویه موجود مزد و مزایایی بیش از ضوابط مقرر در این آیین‌نامه به کارکنان مشمول پرداخت می‌شود، عرف و رویه مذکور مناط اعتبار خواهد بود. ماده ۲۸. تغییر نظام کارمزد ساعتی به سایر نظام‌های مزدی در اجرای ماده ۲۶ قانون کار با موافقت کارکنان مشمول و تأیید وزارت کار و امور اجتماعی امکان‌پذیر است ماده ۲۹. مشاغل قابل شمول در نظام کارمزد ساعتی نوعاً مشاغلی هستند که استاندارد زمان انجام کار توسط ابزار و یا دستگاه مورد استفاده از قبل مشخص شده و قابل مشخص شدن باشند. استفاده از نظام کارمزد ساعتی در کارگاه‌هایی که فعالیت آنها جنبه مستمر دارد و یا به صورت فصلی یا در مقاطع زمانی خاص فعالیت دارند موقوف به اخذ موافقت اداره کار و امور اجتماعی محل است ماده ۳۰. سایر مقررات قانون کار و ضوابط و مقررات قانونی ناظر به کارگران که در این آیین‌نامه اشاره به آنها نگردیده در مورد کارگران مشمول نظام کارمزدی مزد ساعتی و کارمزد ساعتی نیز حاکم است تبصره فعالیت‌هایی که توسط صاحبان حرف پیشه و مشاغل آزاد مستقیماً به مصرف کننده عرضه می‌شود و در مدت معین و محدود انجام می‌گیرند مشمول این آیین‌نامه نخواهند بود. (مانند معلمان خصوصی که به طور پاره وقت و غیرمستمر انجام وظیفه می‌نمایند). این آیین‌نامه در اجرای تبصره ۲ ماده ۳۵ قانون کار مشتمل بر ۳۰ ماده و ۵ تبصره از طرف شورای عالی کار پیشنهاد و در تاریخ ۱۹/۱۱/۷۰ به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی رسیده است

آیین‌نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به بند (۱) ماده (۸۱) قانون تأمین اجتماعی . مصوب ۷۵ . (م ۱ تا ۱)

ماده ۱ - همسران بیمه شدگان متوفی که مجدداً ازدواج نداده‌اند و به تبع آن مستمری آنها قطع شده است از تاریخ فوت شوهر دوم مجدداً و با رعایت مقررات مربوط از مستمری یاد شده برخوردار می‌شوند. تبصره - مستمری آن دسته از همسران بیمه شدگان متوفی که مشمول قانون تأمین اجتماعی بوده و شوهر دوم آنها قبل از تاریخ اجرای این قانون فوت کرده است در صورتی که شوهر دایم دیگری اختیار نکرده باشند، از تاریخ مراجعه و ارایه درخواست کتبی پرداخت می‌شود. ماده ۲ - مستمری موضوع این آیین‌نامه شامل فوت همسر سوم و بعد از آن نمی‌شود. ملاک تشخیص و شناسایی شوهر دوم و فوت او مدارک رسمی مثبت است ماده ۳ - بار مالی ناشی از اجرای این قانون صرفاً از محل سه درصد (۳٪) حق بیمه سهم دولت تأمین می‌شود و سازمان برنامه و بودجه موظف است حق بیمه‌های سهم دولت را همه ساله و به طور علی‌الحساب در بودجه کل کشور منظور و به حساب سازمان تأمین اجتماعی واریز کند. معاون اول رییس جمهور - حسن حبیبی

آیین‌نامه انتخابات قانون شوراهای اسلامی کار (مصوب ۶۴) (م ۱ تا م ۲۳)

ماده ۱. در اجرای ماده ۱ قانون شوراهای اسلامی کار در واحدهای تولیدی صنعتی کشاورزی و خدمات که بیش از ۳۵ نفر شاغل دائم مشمول قانون کار (صنعتی و کشاورزی داشته باشند شورای اسلامی کار که در این آیین‌نامه به اختصار شورا نامیده می‌شود، توسط وزارت کار و امور اجتماعی تشکیل می‌گردد. تبصره ۱. ملاک تعیین تعداد کارکنان هر واحد فهرست حقوقی ماه گذشته کارکنان قبل از تشکیل شورا و در صورت اختلاف فهرست حقوقی سه ماه قبل از انتخابات می‌باشد. تبصره ۲. تعیین نوع فعالیت واحد مطابق تعریفی است که در اساسنامه آن واحد قید گردیده است تبصره ۳. از نظر این آیین‌نامه شاغل دائم به افرادی

اطلاق می‌شود که در یکی از مشاغل دائم واحد مربوطه مشغول فعالیت باشند. ماده ۲. واحدهایی که کار عمده آنها فصلی است چنانچه فصل کار آنها در دو سال متوالی در هر سال کمتر از ۶ ماه نباشد بنا به تشخیص وزارت کار و امور اجتماعی و با رعایت ماده یک این آیین‌نامه می‌توانند نسبت به تشکیل شورا اقدام نمایند. ماده ۳. تشخیص شرکتهای بزرگ دولتی و همچنین زمان تشکیل شورا در آنها با کسب نظر از دستگاه مربوطه به عهده شورای عالی کار (موضوع ماده ۵۵ قانون کار) می‌باشد. ماده ۴. به منظور انتخاب اعضای شورا، مجمع عمومی کارکنان موضوع تبصره ۱ ماده ۱ قانون که تعیین کننده خط مشی شورا در چهارچوب قانون و آیین‌نامه اجرایی آن می‌باشد از کلیه کارکنان واحد، به استثنای مدیریت تشکیل می‌شود. تبصره منظور از مدیریت در این آیین‌نامه اعضای اصلی و علی‌البدل هیات مدیره مدیرعامل و قائم مقام مدیرعامل و مدیر واحد می‌باشد. ماده ۵. وزارت کار و امور اجتماعی جهت تشکیل شورا و نظارت بر انتخاب آن نماینده‌ای تعیین و به کارکنان و مدیریت واحد معرفی می‌نماید. ماده ۶. نماینده وزارت کار و امور اجتماعی با هماهنگی مدیریت و از طریق نشر آگهی کارکنان واحد را به تشکیل اولین مجمع عمومی جهت انتخاب نماینده مجمع در هیات تشخیص صلاحیت دعوت می‌نماید. تبصره ۱. انتخابات برطبق تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار انجام خواهد شد. تبصره ۲. نماینده کارکنان در هیات تشخیص نباید داوطلب عضویت در شورا باشد. ماده ۷. وزارت کار و امور اجتماعی برای تشکیل مجمع عمومی کارکنان و انتخاب اعضای شورا اقدامات زیر را از طریق مقتضی و با جلب همکاری کارکنان و مدیریت واحدها انجام خواهد داد: الف - توجیه و راهنمایی کارکنان واحد در مورد قانون شوراهای و آیین‌نامه‌های مربوط ب - فراهم آوردن زمینه تشکیل مجمع عمومی و دعوت کارکنان برای شرکت در آن ج - تعیین دقیق تعداد اعضای مجمع عمومی در اجرای تبصره ۱ ماده ۱ و ماده ۱۵ قانون د - تعیین تعداد اعضای شورای اسلامی (موضوع ماده ۱۷ قانون ه - تعیین محل و زمان انتخابات پس از هماهنگی با مدیریت و - دریافت اسامی کاندیداهای عضویت در شورای اسلامی و ارائه آن به هیات تشخیص صلاحیت ز - همکاری با هیات تشخیص صلاحیت جهت تهیه اطلاعات و مدارک مورد نیاز. ح - نصب کلیه آگهی‌ها و اطلاعیه‌های مربوط به انتخابات و تشکیل مجمع عمومی در محل مناسب ط - اقدام لازم جهت تشکیل جلسه مجمع عمومی به منظور انتخاب اعضای شورا حداکثر ظرف یکماه پس از پایان مهلت اعلام داوطلبی با توجه به مواد ۱۰ و ۱۲ این آیین‌نامه ی - تهیه صندوقهای رای و برگه‌های انتخابات و مهر هیات نظارت بر انتخابات ک - اعلام اسامی کاندیداهای عضویت در شورای اسلامی پس از تأیید هیات تشخیص صلاحیت و حداقل یک هفته قبل از تشکیل مجمع عمومی تبصره ۱. مدیریت واحد در جهت تأمین امکانات لازم برای برگزاری صحیح انتخابات با نماینده وزارت کار و امور اجتماعی همکاری می‌نماید. تبصره ۲. داوطلبان عضویت در شورا، موظفند حداکثر ظرف مدت پنج روز از تاریخ انتشار آگهی مراتب داوطلبی خود را کتباً به واحد کار و امور اجتماعی محل اعلام و رسید دریافت نمایند. ماده ۸. چنانچه پس از ایجاد فرصتهای پیش‌بینی شده در قانون و این آیین‌نامه به دلیل عدم کفایت تعداد کاندیداهای عدم تشکیل مجمع عمومی و یا عدم حصول حد نصاب لازم در رای‌گیری (موضوع تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشکیل شورای اسلامی کار میسر نگردد، انتخابات برای یک سال به تعویق خواهد افتاد. ماده ۹. نماینده وزارتخانه مربوطه در هیات تشخیص صلاحیت موضوع بند ۲ تبصره ماده ۲ قانون در مورد واحدهای دولتی و وابسته به دولت نماینده وزارتخانه‌ای خواهد بود که واحد تابع یا وابسته به آن می‌باشد و در مورد نهادها و بخش خصوصی نماینده وزارتخانه‌ایست که فعالیت آن واحد در حیطه نظارت آن وزارت قرار دارد. ماده ۱۰. هیات تشخیص صلاحیت موظف است حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ پایان مهلت اعلام داوطلبی نسبت به بررسی صلاحیت داوطلبان و اعلام نتیجه آن اقدام نماید. تبصره هیات می‌تواند در رابطه با صلاحیت داوطلبان با توجه به شرایط مندرج در ماده ۲ قانون به طرق مقتضی تحقیق نماید و نظرات آن با اکثریت آرا قطعی است ماده ۱۱. هیاتهای تشخیص صلاحیت در مورد افرادی که قبل از ۲۲ بهمن سال ۵۷ عضو هیات مدیره سندیکا و یا نماینده کارگران در واحدها بوده‌اند برای احراز شرط اعتقاد و التزام عملی آنها به اسلام و ولایت فقیه و وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی دقت لازم معمول

خواهند داشت ماده ۱۲. مجمع عمومی حداکثر پس از ۱۵ روز از اعلام نظر هیات تشخیص صلاحیت تشکیل و با رعایت تبصره ۲ ماده ۱ قانون تحت نظارت هیات نظارت بر انتخابات (موضوع ماده ۱۳ این آیین نامه نسبت به انتخاب اعضای شورا رای گیری به عمل خواهد آورد. ماده ۱۳. وزارت کار و امور اجتماعی در اجرای ماده ۳ قانون به منظور حسن جریان امر انتخابات شوراها، از هیات تشخیص صلاحیت به عنوان هیات نظارت بر انتخابات دعوت به عمل می آورد. ماده ۱۴. تعداد نمایندگان منتخب مجمع عمومی کارکنان در شورا با توجه به مواد ۱ و ۱۷ قانون به نسبت های مقرر در زیر خواهد بود: از ۳۶ نفر تا ۱۵۰ نفر - ۲ نفر عضو اصلی ۲ نفر عضو علی البدل از ۱۵۱ نفر تا ۵۰۰ نفر - ۴ نفر عضو اصلی ۳ نفر عضو علی البدل از ۵۰۱ نفر تا ۱۰۰۰ نفر - ۶ نفر عضو اصلی ۴ نفر عضو علی البدل از ۱۰۰۱ نفر تا ۵۰۰۰ نفر - ۸ نفر عضو اصلی ۵ نفر عضو علی البدل از ۵۰۰۰ نفر به بالا - ۱۰ نفر عضو اصلی ۶ نفر عضو علی البدل تبصره در صورتی که در این انتخابات اعضای اصلی و علی البدل مورد نیاز انتخاب نشوند، انتخابات نسبت به داوطلب یا داوطلبانی که حدنصاب مقرر را به دست نیاورده اند ظرف مدت یک هفته الی ۱۵ روز تجدید خواهد شد. ماده ۱۵. نماینده مدیریت در شورا که حتی الامکان یکی از افراد مورد اشاره در تبصره ماده ۵ خواهد بود حداکثر ظرف مدت یک هفته از تاریخ اتمام انتخاب نمایندگان مجمع عمومی تعیین و کتبا به وزارت کار و امور اجتماعی معرفی می شوند. ماده ۱۶. اخذ رای به صورت مستقیم و مخفی بوده و هریک از شرکت کنندگان فقط حق دادن یک رای را خواهند داشت تبصره ۱. هریک از کارکنان شرکت کننده در مجمع عمومی ورقه سفیدی را که به امضای و مهر هیات نظارت رسیده باشد دریافت و با نوشتن نام و نام خانوادگی افراد مورد نظر خود (حداکثر به تعداد اعضای اصلی و علی البدل شورا) آن را در صندوق رای گیری خواهد انداخت تبصره ۲. کارکنانی که سواد نوشتن نداشته باشند، می توانند از افراد باسواد مورد اعتماد خویش کمک بگیرند. ماده ۱۷. پس از شمارش آرا، صورت جلسه ای در پنج نسخه با امضای هیات نظارت تنظیم و حائزین اکثریت آرا با رعایت ماده ۱۵ به ترتیب به عنوان اعضای اصلی و علی البدل تعیین می گردند، یک نسخه از صورت جلسه تنظیمی به وزارت کار و امور اجتماعی و یک نسخه به مدیریت و یک نسخه به هیات تشخیص موضوع ماده ۲۲ قانون و یک نسخه به شورا تسلیم و نسخه پنجم نیز جهت اطلاع کارکنان در واحد مربوطه الصاق خواهد شد. تبصره در صورت تساوی آرا تقدم و تأخر به قید قرعه تعیین می شود. ماده ۱۸. معترضین به انتخابات می توانند حداکثر ظرف یک هفته بعد از برگزاری انتخابات اعتراض خود را به هیات نظارت اعلام نمایند و هیات مذکور موظف است حداکثر ظرف مدت پنج روز به موضوع رسیدگی و نظر قطعی خود را در مورد صحت و سقم اعتراضات واصله اعلام نماید. تبصره در صورت ابطال کلیه و یا قسمتی از انتخابات نسبت به تجدید یا تکمیل قسمت باطل شده اقدام و کلیه مراحل مذکور در این آیین نامه برای آن تکرار می شود. ماده ۱۹. شورا حداکثر پس از یک هفته از خاتمه مراحل انتخابات جهت انجام وظایف مندرج در تبصره ۴ ماده ۳ قانون تشکیل جلسه می دهد چنانچه رییس نایب رییس یا منشی شورا به سمت های ریاست مدیریت عامل خزانه داری شرکتهای تعاونی یا عضویت شوراهای شهر، شهرستان استان و یا نمایندگی مجلس شورای اسلامی درایند شورا می تواند نسبت به تجدید انتخاب رییس نایب رییس و منشی اقدام نماید. ماده ۲۰. شورای اسلامی کار، پس از ثبت در وزارت کار و امور اجتماعی دارای شخصیت حقوقی بوده و مدت اعتبار آن دو سال خواهد بود. ماده ۲۱. در موارد ابهام این آیین نامه نظر وزارت کار و امور اجتماعی لازم الرعایه خواهد بود. ماده ۲۲. وزارتخانه ها، واحدهای دولتی و وابسته به دولت و نهادهای قانونی در جهت حسن اجرای قانون شوراها، همکاریهای لازم را با وزارت کار به عمل آورده و در صورت نیاز، تجهیزات و نیروی انسانی لازم را در اختیار آن قرار خواهند داد. ماده ۲۳. مهلت های مقرر در این آیین نامه بدون احتساب ایام تعطیل خواهد بود.

آیین نامه چگونگی بازرسی کار موضوع تبصره ماده ۹۹ قانون کار. مصوب ۰۷۷. (م ۱ تا م ۱۹)

ماده ۱. بازرسان کار موظفند در جهت نظارت بر حسن اجرای مقررات قانون کار و آیین نامه های مربوطه به ویژه

مصوبات شورای عالی حفاظت فنی مقررات حمایتی مربوط به مدت کار، مزد، رفاه کارگران اشتغال زنان کارگران نوجوان و اتباع خارجی مرخصی نوبت کاری کار شبانه اضافه کاری کمک هزینه مسکن و خواربار و ایاب و ذهاب کارگران کمک عائله مندی بیمه پاداش افزایش تولید و طبقه بندی مشاغل کارگران مراتب را مورد بررسی و تحقیق قرار داده و به مدارکی که مربوط به امور کار و کارگر کارگاه باشد مراجعه و در صورت نیاز از تمام و یا قسمتی از دفاتر، اسناد و مدارک مذکور رونوشت تحصیل نمایند. ماده ۲.

بازرسی از کارگاه‌های مشمول قانون کار به استثنای کارگاه‌های خانوادگی بدون اطلاع قبلی کارفرما و نیاز به اجازه وی براساس برنامه از پیش تعیین شده از طرف واحد مربوطه انجام می‌پذیرد. تبصره بازرسان کار موظفند هنگام بازرسی کارت شناسایی ویژه بازرسی را که به امضای وزیر کار و امور اجتماعی رسیده است همراه داشته باشند و به کارفرما یا نماینده وی ارائه نمایند. ماده ۳.

بازرسان کار موظفند به منظور نظارت بر حسن اجرای مقررات و آیین‌نامه‌های مصوب شورای عالی حفاظت فنی از همه قسمت‌های کارگاه بازرسی ایمنی به عمل آورند. ماده ۴. بازرسان کار باید هنگام بازرسی از کارگاه‌ها با توجه به نوع صنعت و نوع کار، به آیین‌نامه‌های مربوطه توجه و به مواد آن استناد نمایند. ماده ۵. بازرسان کار در مواردی که ادامه کار دستگاه یا قسمتی از کارگاه را خطرناک تشخیص می‌دهند، موظفند مراتب را کتبا و از طریق اداره متبوع خود جهت توقف کار و رفع خطر به کارفرما ابلاغ کنند. ماده ۶. بازرسان کار موظفند در موارد لزوم ضمن ارائه توضیحات کافی به کارگران و کارفرمایان نسبت به راهنمایی و آموزش حضوری آنان اقدام نمایند. ماده ۷. بازرسان کار موظفند در صورت مشاهده تولید ماشین آلات غیر ایمن و خطرناک با توجه به ماده ۸۸ و ۸۹ قانون کار، تذکرات و راهنمایی‌های لازم را کتبا و از طریق اداره متبوع خود به کارفرمایان مربوطه ابلاغ نمایند. ماده ۸.

بازرسان کار موظفند پس از انجام بازرسی در مورد کلیه مشاهدات خود، طبق دستورالعمل‌های اداره کل بازرسی کار از مشخصات کارگاه و نواقص موجود گزارش کتبی تهیه و به اداره متبوع خود تسلیم کنند. ماده ۹. بازرسان کار مکلفند نواقص و ایرادات موجود را حضوراً به مسئولین کارگاه اعلام و سپس مراتب را کتبا و از طریق اداره متبوع خود به کارفرما و با تعیین مهلت معقول و مناسب در جهت رفع نواقص و ایرادات ابلاغ نمایند. ماده ۱۰. در صورت عدم اجرای موارد ابلاغ شده و عدم رفع تمام یا برخی از نواقص و ایرادات بازرسان کار موظف به درخواست تعقیب متخلفین از مراجع قضایی از طریق اداره متبوع خود می‌باشند. ماده ۱۱. بازرسان کار موظفند کلیه حوادث ناشی از کار را براساس مقررات و دستورالعمل‌های مربوطه که از طرف اداره کل بازرسی کار صادر می‌شود، مورد بازرسی بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده و نسبت به تهیه و تنظیم گزارشات و ابلاغ دستورالعمل‌های لازم به کارفرما به منظور جلوگیری از وقوع حوادث مشابه اقدام نمایند. ماده ۱۲. بازرسان کار موظفند رونوشت گزارش حوادث را به مراجع درخواست کننده (انتظامی و قضایی از طریق اداره متبوع خود ارسال دارند. ماده ۱۳. در هنگام بررسی حوادث منجر به فوت و نقص عضو، بازرسان کار موظفند نظریه پزشکی قانونی را اخذ و مورد توجه قرار دهند. ماده ۱۴. بررسی حوادث منجر به فوت یا نقص عضو حتی الامکان توسط ۲ نفر از بازرسان کار انجام شود. تبصره بازرسان کار با کمتر از سه سال سابقه کار تجربی نمی‌توانند به بررسی حوادث منجر به فوت و نقص عضو مستقلاً اقدام نمایند. ماده ۱۵. بررسی مجدد حوادث ناشی از کار و ابراز نظریه کارشناسی صرفاً به درخواست مراجع قضایی امکان‌پذیر می‌باشد. ماده ۱۶. در بررسی حوادث ناشی از کار چنانچه حادثه به علت نواقص ایمنی کارگاه یا ماشین آلات مربوطه اتفاق افتاده باشد بازرسان کار موظف است طبق ماده ۱۰۵ قانون کار اقدام نمایند. ماده ۱۷. بازرسان کار مکلفند برای تشکیل و فعال نمودن کمیته‌های حفاظت فنی و بهداشت کار از کارگاه‌های مشمول با کارفرمایان همکاری نموده و در صورت لزوم با شرکت در جلسات متشکله با این کمیته‌ها تبادل نظر کنند. ماده ۱۸. جهت ارتقای فرهنگ ایمنی کارگران و کارفرمایان بازرسان کار باید در کلاسهای آموزشی که توسط وزارت کار و امور اجتماعی تشکیل می‌گردد شرکت و نسبت به تدریس دروس ایمنی و حفاظتی اقدام نمایند. ماده ۱۹. نماینده مورد نظر در مواد ۱۷۳ - ۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۶ - ۱۷۷ قانون کار (فصل یازدهم از بین بازرسان کار واحد کار و امور اجتماعی محل انتخاب می‌گردد. این آیین‌نامه مشتمل بر ۱۹ ماده و ۲ تبصره به استناد تبصره ماده ۹۹

قانون کار جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ ۱۹/۸/۷۷ شورای عالی حفاظت فنی تهیه و در تاریخ ۸/۹/۷۷ به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی رسید. جدول نرخ پایه در گروه‌ها در کلیه طرح‌های طبقه‌بندی مشاغل مصوب وزارت کار و امور اجتماعی ۷۸ ۹ ۱۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ گروه ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ نرخ پایه ۲۱۰ ۲۱۵ ۲۲۰ ۲۲۵ ۲۳۰ ۲۳۵ ۲۴۰ ۲۴۵ ۲۵۰ ۲۵۵ ۲۵۰ ۳۴۰ ۳۵۰ گروه ۲۶۰ ۲۷۰ ۲۸۰ ۲۹۰ ۳۰۰ ۳۱۰ ۳۲۰ ۳۳۰ نرخ پایه ابوالقاسم کرم بیگی مدیر کل بهره‌وری و مزد

آیین‌نامه چگونگی تشکیل جلسات و نحوه رسیدگی هیأت حل اختلاف . مصوب ۶۹ . (م ۱ تا م ۱۰)

مصوب ۱۲ اسفند ۱۳۶۹ شورای عالی کار ماده ۱. هیات حل اختلاف از سه نفر نماینده کارگران به انتخاب کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان یا کانون انجمن‌های صنفی کارگران استان و یا مجمع نمایندگان کارگران واحدهای منطقه و سه نفر نماینده کارفرمایان به انتخاب مدیران واحدهای منطقه و سه نفر نماینده دولت (مدیرکل کار و امور اجتماعی فرماندار و رئیس دادگستری محل و یا نمایندگان آنها برای مدت دو سال تشکیل می‌گردد. تبصره جهت تسریع در امر رسیدگی در هر استان به تعداد مورد نیاز هیات حل اختلاف تشکیل می‌گردد. ماده ۲. جلسات هیات حل اختلاف در محل کار و امور اجتماعی و حتی المقدور در خارج از وقت اداری به ریاست مدیرکل کار و امور اجتماعی و یا نماینده او تشکیل خواهد شد. تبصره ۱. در صورتی که جلسات هیات حل اختلاف در ساعات اداری تشکیل شود کارفرما مکلف است با مأموریت نماینده کارگر در جلسات هیات موافقت نماید. تبصره ۲. دعوت از اعضای هیات حل اختلاف برای تشکیل جلسات با واحد کار و امور اجتماعی خواهد بود. ماده ۳. جلسات هیات حل اختلاف با حضور حداقل هفت نفر از اعضای رسمیت خواهد داشت و تصمیمات هیات با اکثریت پنج‌رأی از آرای افراد حاضر معتبر خواهد بود. ماده ۴. در صورتی که هر یک از نمایندگان کارگران و کارفرمایان سه جلسه متوالی یا پنج جلسه غیر متوالی ظرف پانزده جلسه غیبت غیر موجه داشته باشند واحد کار و امور اجتماعی می‌تواند غیبت رادر حکم استعفا تلقی نماید. تبصره واحد کار و امور اجتماعی مکلف است بلافاصله نسبت به انتخاب جانشین نماینده مستعفی براساس مقررات اقدام نماید. ماده ۵. غیبت غیر موجه نمایندگان دولت در جلسات هیات حل اختلاف تقصیر اداری محسوب می‌شود و مراتب جهت پیگیری امر به وزیر کار و امور اجتماعی منعکس می‌گردد. ماده ۶. وظایف هیات حل اختلاف عبارت از انجام وظایفی است که طبق قانون کار و سایر قوانین و مقررات به عهده هیات حل اختلاف گذاشته شده است ماده ۷. رسیدگی به پرونده‌ها به ترتیب تاریخ وصول می‌باشد ولی هیات حل اختلاف می‌تواند به پیشنهاد واحد کار و امور اجتماعی به پرونده خاصی خارج از نوبت رسیدگی نماید. ماده ۸. تصمیمات هیات حل اختلاف در دفتر مخصوصی ثبت خواهد شد و ابلاغ آنها به طرفین با واحد کار و امور اجتماعی محل می‌باشد. اشخاص ذی نفع می‌توانند از آرای صادره هیات رونوشت اخذ نمایند. ماده ۹. میزان حضور اعضای هیاتهای حل اختلاف به پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۰. این آیین‌نامه شامل ۹ ماده و ۴ تبصره در جلسه مورخ ۱۲/۱۲/۶۹ شورای عالی کار تهیه و در تاریخ ۱۲/۱۲/۶۹ به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی رسید. نمایندگان دولت نمایندگان کارگران نمایندگان کارفرمایان

آیین‌نامه چگونگی تشکیل حدود وظایف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط – موضوع ماده (۱۳۱) قانون کار. مصوب ۷۱ هیات وزیران

فصل اول چگونگی تشکیل انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط (م ۱ تا م ۶)

ماده ۱. در اجرای ماده (۱۳۱) قانون کار جمهوری اسلامی ایران به منظور حفظ حقوق و منافع مشروع و قانونی و بهبود وضع

اقتصاد کارگران و کارفرمایان که خود متضمن منافع جامعه نیز باشد، کارگران مشمول قانون کار و کارفرمایان هر حرفه یا صنعت می‌توانند با رعایت مقررات قانونی و این آیین‌نامه مبادرت به تشکیل انجمن صنفی نمایند. ماده ۲. کمترین نصاب لازم برای تشکیل انجمن صنفی کارگری در سطح کارگاه ده نفر و در صنف دست کم پنجاه عضو از صنف مربوط از کارگاه‌های مختلف می‌باشد. انجمن صنفی کارفرمایی دست کم با عضویت ده شخصیت حقوقی یا حقیقی تشکیل می‌شود. تبصره عضویت کارگران و کارفرمایان به اعتبار شغل و فعالیتهای مختلف در انجمنهای صنفی متفاوت مجاز است ولی آنها نمی‌توانند در بیش از یک انجمن صنفی کارگری و کارفرمایی به‌عنوان عضو هیات مدیره یا بازرس انتخاب شوند. ماده ۳. به منظور هماهنگی در انجام وظایف محول شده و قانونی انجمنهای صنفی کارگری و کارفرمایی هر حرفه یا صنعت یک استان می‌تواند مطابق این آیین‌نامه نسبت به تشکیل قانون انجمنهای صنف آن صنعت یا حرفه در آن استان اقدام نمایند. تبصره کانونهای انجمنهای صنفی حرفه یا صنعت خاص در استانها از اجتماع اعضای اصلی هیات مدیره دست کم پنج انجمن صنفی مربوط تشکیل می‌شود. (این کانونها می‌توانند دارای تشکیلات مرکزی در سطح کشور باشند). ماده ۴. کانونهای انجمنهای صنفی صنعت یا حرفه خاص در هر استان می‌توانند جداگانه نسبت به تشکیل کانون انجمنهای صنفی حرف آن استان اقدام نمایند. تبصره کانون انجمنهای صنفی یا حرف در هر استان توسط نمایندگان معرفی شده از سوی کانونهای انجمنهای صنفی صنعت یا حرفه خاص آن استان به تعداد انجمنهای صنفی عضو و نمایندگان معرفی شده از طرف انجمنهای صنفی که کانون مربوط را ندارند، تشکیل می‌شود. ماده ۵. کانون انجمنهای صنفی هر استان از نمایندگان که کانون انجمنهای صنفی صنایع و کانون انجمنهای صنفی حرف آن استان معرفی می‌کنند، تشکیل می‌شود. تبصره تعداد پنج نفر از نه نفر اعضای اصلی و دو نفر از چهار نفر اعضای علی‌البدل هیات مدیره کانون استان را کانون انجمنهای صنفی صنایع انتخاب و معرفی می‌کند. ماده ۶. کانون عالی انجمنهای صنفی سراسر کشور توسط هیات مدیره کانون انجمنهای صنفی دست کم پنج استان تشکیل می‌شود.

فصل دوم هیات مؤسس و ارکان انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط م ۷ تا م ۱۱

ماده ۷. به منظور تاسیس انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط هیاتی به نام هیات مؤسس مرکب از دست کم سه نفر از افراد ذریبط با توجه به نوع شکل انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط برای فراهم آوردن مقدمات لازم تشکیل می‌شود. تبصره وظایف هیات مؤسس عبارتند از: ۱- تهیه و پیش‌نویس اساسنامه با رعایت مواد (۱۲) و (۱۳) این آیین‌نامه ۲- تهیه فهرست مشخصات داوطلبان عضویت ۳- دعوت از اعضاء جهت شرکت در مجمع عمومی به منظور تصویب اساسنامه و انجام انتخابات ماده ۸. ارکان انجمن صنفی عبارت است از: ۱- مجمع عمومی ۲- هیات مدیره ۳- بازرسان تبصره چگونگی تشکیل مجمع عمومی حدود وظایف و اختیارات هیات مدیره و بازرسان در اساسنامه انجمن تعیین خواهد شد. ماده ۹. ارکان کانون انجمنهای صنفی استان به شرح زیر می‌باشد: ۱- مجمع عمومی نمایندگان ۲- هیات مدیره کانون استان ۳- بازرسان تبصره چگونگی تشکیل مجمع عمومی نمایندگان حدود وظایف و اختیارات هیات مدیره کانون استان و بازرسان در اساسنامه انجمن تعیین می‌شود. ماده ۱۰. ارکان کانون عالی انجمنهای صنفی سراسر کشور بدین شرح است ۱- مجمع عمومی سراسری نمایندگان ۲- هیات مدیره کانون عالی ۳- بازرسان تبصره چگونگی تشکیل مجمع عمومی سراسری نمایندگان حدود وظایف و اختیارات هیات مدیره کانون عالی بازرسان در اساسنامه کانون عالی تعیین خواهد شد. ماده ۱۱. هیات مدیره انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط مکلفند دست کم سه ماه قبل از پایان دوره مجمع عمومی را برای تجدید انتخابات دعوت نمایند. هیات مدیره انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط تا تعیین هیات مدیره جدید کلیه مسوولیت‌های قبلی را به عهده خواهند داشت تبصره ۱. بازرسان یا یک سوم از اعضاء می‌توانند در هر زمانی که تشخیص می‌دهند نسبت به تشکیل جلسه مجمع عمومی اقدام نمایند. تبصره ۲. حداکثر دو ماه پس از پایان دوره بازرسان نسبت به

تشکیل مجمع عمومی و تجدید انتخابات اخطار می‌دهد. یک سوم اعضا حداکثر تا چهارماه فرصت دارند تا نسبت به تشکیل مجمع عمومی و تجدید انتخابات اقدام نمایند. تبصره ۳. چنانچه حداکثر شش ماه پس از پایان دوره تجدید انتخابات صورت نگرفته باشد، بازرسان مکلفند انحلال تشکل انجمن صنفی یا کانون مربوط را به وزارت کار و امور اجتماعی و سایر مراجع ذی ربط اعلام نمایند.

فصل سوم چگونگی ثبت و انحلال انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط م ۱۲ تا م ۲۰)

ماده ۱۲. کمترین اطلاعات و مشخصاتی که باید در اساسنامه انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط درج شود، ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این آیین‌نامه بنا به پیشنهاد وزارت کار و امور اجتماعی به تصویب شورای عالی کار خواهد رسید. ماده ۱۳. کلیه انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط کانون انجمنهای صنفی در استان و کانون عالی انجمنهای صنفی در کل کشور، به‌هنگام تشکیل موظف به تنظیم اساسنامه با رعایت مقررات قانونی و طرح و تصویب آن در مجمع عمومی مربوط و ثبت در وزارت کار و امور اجتماعی می‌باشند. ماده ۱۴. ثبت اساسنامه انجمنهای صنفی کارگری و کارفرمایی و کانونهای مربوط و هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه همچنین انتخاب یا تغییر مسوولان مستلزم تسلیم مدارک زیر به وزارت کار و امور اجتماعی است ۱- دو نسخه تقاضانامه تاسیس انجمنهای صنفی یا کانونهای مربوط در مرحله اول ۲- دو نسخه اساسنامه ۳- دو نسخه صورتجلسه مجمع عمومی در خصوص تصویب یا اصلاح اساسنامه یا انتخاب یا تجدید انتخاب اعضای هیاتهای مدیره هیاتهای مدیره کانون استان و کانون عالی و بازرسان ۴- آگهی منتشر شده هیات مؤسس مربوط به تاسیس انجمن صنفی کارگری یا کارفرمایی یا کانونهای مذکور در این آیین‌نامه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار یا روزنامه‌های محلی ۵- یک نسخه صورت اسامی شرکت کنندگان در مجمع عمومی که به امضای ایشان رسیده باشد. ماده ۱۵. وزارت کار و امور اجتماعی پس از دریافت مدارک یادشده در ماده (۱۴) در صورت تکمیل و صحت مدارک ظرف یک ماه نسبت به ثبت صدور گواهی صحت انتخابات و انتشار آگهی ثبت در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار به هزینه تشکل ذی ربط اقدام خواهد نمود. تبصره وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است هنگام ثبت مراقبت نماید که وظایف مصوب در اساسنامه با سایر قوانینی که وظایف خاصی را برای صنوف پیش‌بینی نموده است از قبیل قوانین نظام صنفی نظام پزشکی کانون وکلای دادگستری و ...، تداخل یا مغایرت نداشته باشد. ماده ۱۶. ثبت دو تشکل انجمن صنفی یا کانونهای مربوط با یک نام و تحت یک عنوان مجاز نیست ماده ۱۷. انحلال انجمنهای صنفی کارگری یا کارفرمایی یا کانونهای مربوط موجب تضييع حق یا اسقاط تکلیف دو طرف قرارداد در پیمانهای دسته‌جمعی منعقد شده قبلی نخواهد بود. تبصره ایفای تعهدات و تصفیه حسابها به عهده هیاتهای تصفیه تشکل انجمن صنفی کارگری یا کارفرمایی یا کانونهای مربوط به انتخاب مجمع عمومی خواهد بود. در صورت عدم انتخاب بازرسان و رییس هیات مدیره این وظیفه را عهده‌دار خواهند بود. ماده ۱۸. پس از انحلال انجمن صنفی کارگری یا کارفرمایی یا کانونهای مربوط ثبت آن از سوی وزارت کار و امور اجتماعی لغو و مراتب به هزینه آن تشکل در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار جهت اطلاع عموم درج خواهد شد. تبصره هزینه‌های نظارت بر انتخابات ثبت و آموزش انجمنها، توسط وزارت کار و امور اجتماعی از محل همکاریهای اعضا و خودیاری آنان تأمین می‌شود. میزان پرداختی هر انجمن پس از تعیین در شورای عالی کار، قابل وصول خواهد بود. چنانچه در زمان انحلال انجمن صنفی کارگری یا کارفرمایی کانونهای مربوط فاقد دارایی باشند، هزینه درج آگهی از محل درآمد حاصل از اجرای این تبصره پرداخت خواهد شد. ماده ۱۹. ثبت تشکل‌های صنفی موضوع این آیین‌نامه و نظارت بر انتخابات و فعالیت آنها به عهده وزارت کار و امور اجتماعی است در صورتی که اداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی در وزارتخانه یاد شده فعالیت انجمن صنفی یا یکی از اعضای هیات مدیره آن رامغایر با قوانین و مقررات تشخیص دهد، مراتب را جهت اخذ تصمیم حسب مورد به هیات حل اختلاف یا

دادگاه صالح ارجاع می‌کند. ماده ۲۰. کلیه انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط مکلفند تاریخ تشکیل مجامع عمومی خود را دست کم پانزده روز قبل از تشکیل و بدون احتساب ایام تعطیل به طور کتبی به وزارت کار و امور اجتماعی اعلام نمایند.

فصل چهارم وظایف و اختیارات انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط (م ۲۱ تا م ۲۴)

ماده ۲۱. وظایف و اختیارات انجمنهای صنفی کارگری به شرح زیر است ۱- کوشش در جهت استیفای حقوق و خواستههای مشروع و قانونی اعضا. ۲- دریافت حق عضویت و کمکهای داوطلبانه به ترتیبی که در اساسنامه مقرر می‌شود. ۳- همکاری در جهت تاسیس و تقویت شرکتهای تعاونی صندوق قرض الحسنه همچنین تلاش در جهت تامین امکانات رفاهی اعضا با رعایت مقررات مربوط ۴- همکاری با وزارت کار و امور اجتماعی در جهت شناخت مشکلات کارگری و اجرای قانون کار. ۵- عضویت در کانون انجمنهای صنفی استان پس از تصویب مجمع عمومی مربوط ۶- فعالیت مشترک با کانون انجمنهای صنفی استان و کانون عالی انجمنهای صنفی سراسر کشور در حدود قوانین و مقررات کشور. ۷- همکاری با سایر تشکلهای کارگری و کارفرمایی و انجام سایر وظایف و اختیاراتی که به موجب قانون بر عهده انجمنهای صنفی قرار داده شده است ماده ۲۲. وظایف و اختیارات کانونهای استان و کانون عالی انجمنهای صنفی کارگری به شرح زیر است ۱- ایجاد هماهنگی بین انجمنهای صنفی و کانونهای انجمنهای صنفی استانها. ۲- همکاری با دستگاههای اجرایی و مراجع ذی ربط به منظور حسن اجرای قوانین و مقررات مربوط به تشکلهای کارگری از راههای مختلف از جمله برگزاری گردهماییهای مربوط ۳- ارائه نظر مشورتی و حقوقی در خصوص تهیه لوایح و طرحهای مربوط به قوانین کار و تامین اجتماعی مسایل رفاهی و حقوق قانونی کارگران به مراجع ذی ربط ۴- انتخاب نمایندگان قانونی کارگران در مراجع و مجامع قانونی داخلی و بین المللی با توجه به آیین نامه ماده (۱۳۶) قانون کار و مقررات مربوط ۵- کوشش در جهت استیفای حقوق صنفی و خواستههای مشروع و قانونی اعضا. ماده ۲۳. وظایف و اختیارات انجمنهای صنفی و کانونهای انجمنهای صنفی استانی کارفرمایی به شرح زیر است ۱- کوشش در جهت استیفای حقوق صنفی و خواستههای مشروع و قانونی اعضا. ۲- جمع آوری اطلاعات بررسی و تحقیق درباره مشکلات شناخت نیازها و الویتها. ۳- برنامه ریزی برای تامین نیازها، توسعه و گسترش فعالیتها. ۴- کوشش در ارتقای ظرفیت تولید، انتقال و نوآوری تکنولوژیک ۵- سعی در بهبود و کیفیت تولید، با بررسی شناخت استقرار روشهای نوین کنترل کیفیت ۶- کوشش در جهت هماهنگی در آموزش و تامین نیروی انسانی مورد نیاز، همکاری با وزارت کار و امور اجتماعی و سایر دستگاهها و نهادهای ذی ربط برای انجام آموزشهای مربوط به حفاظت فنی و بهداشت کار. ۷- همکاری در جهت تاسیس و تقویت شرکتهای تعاونی مرتبط با وظایف انجمن ۸- قبول مسؤلیت و همکاری با وزارتخانه‌ها، سازمانها و نهادهای رسمی در انجام وظایف و تکالیفی که این دستگاهها به کانونهای استانی انجمن محول می‌کنند و آمادگی برای ارائه مشورتهای لازم به آنها. ۹- عضویت و ایجاد ارتباط با تشکلهای سازمانهای مرتبط با وظایف انجمنهای صنفی یا کانونهای استانی در داخل یا خارج از کشور در چهارچوب فعالیتها صنفی و قوانین و مقررات کشور. ۱۰- جمع آوری حق عضویت و کمکهای داوطلبانه به ترتیبی که در اساسنامه مقرر می‌شود. ۱۱- همکاری با انجمنهای صنفی کارگری یا کانونی استانی و دیگر انجمنهای صنفی و کارفرمایی و سایر تشکلهای کارفرمایی ۱۲- ارائه نظر مشورتی و حقوقی در خصوص تهیه لوایح و طرحهای مربوط به قوانین کار و تامین اجتماعی و مسایل رفاهی و حقوق قانونی کارفرمایان به مراجع ذی ربط ماده ۲۴. سایر اختیارات کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایی علاوه بر موارد مندرج در ماده (۲۳) به شرح زیر است ۱- ایجاد هماهنگی بین انجمنهای صنفی و کانونهای انجمنهای صنفی استانها. ۲- همکاری با دستگاههای اجرایی و مراجع ذی ربط جهت حسن اجرای قوانین و مقررات مربوط ۳- انجام تحقیقات لازم به منظور ارائه نظر مشورتی در خصوص تهیه لوایح و طرحهای مربوط به قوانین کار و تامین اجتماعی ۴- ارائه نظرات حقوقی جهت دفاع از حقوق اعضا. ۵- انتخاب نمایندگان قانونی کارفرمایان در مراجع و مجامع قانونی داخلی و

بین‌المللی یاد شده در قانون کار و آیین‌نامه‌های مربوط معاون اول رییس جمهور - حسن حبیبی

آیین‌نامه کارهای سخت و زیان‌آور مصوب ۷۱ (م ۱ نام ۲۰)

ماده ۱. کار سخت و زیان‌آور کارهایی است که در آنها عوامل فیزیکی شیمیایی مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار، غیر استاندارد بوده که در اثر اشتغال کارگر تنشی به مراتب بالاتر از ظرفیتهای طبیعی (جسمی و روانی در وی ایجاد می‌گردد که نتیجه آن بیماری شغلی و عوارض ناشی از آن می‌باشد. تبصره کارهایی که در آن عوامل و شرایط محیط کار به دلیل نقص یا عدم استفاده از امکانات فنی و مهندسی و موازین پیشگیری غیراستاندارد باشد چنانچه با رفع نقص و یا بکارگیری امکانات فوق بتوان این عوامل را به حد استاندارد و مجاز رسانید جزء کارهای سخت و زیان‌آور محسوب نمی‌گردد. تشخیص این امر به عهده کمیته ماده ۱۸ این آیین‌نامه خواهد بود. براین اساس کارهای سخت و زیان‌آور به شرح مواد آتی خواهد بود. ماده ۲. کار در معادن اعم از تحت‌الارضی یا سطح‌الارضی که ایجاب می‌نماید کارگران در تونلها و راهروهای سرپوشیده به استخراج پردازند. تبصره کار استخراج شامل جداکردن یا منفجر ساختن مواد از سطح کار، حمل مواد عملیات مربوط به انفجار، اداره تاسیسات آب و برق در داخل معدن و به طور کلی هرگونه مباشرت و نظارتی که ایجاب نماید کارگر در تونلها، راهروها یا میله‌های معدن انجام وظیفه نمایند، می‌باشد. ماده ۳. حفر قنوات و چاهها و فاضل آبها و تونلهای زیرزمینی و کاردر مخارج سربسته ماده ۴. تخلیه و حمل مواد مذاب از کوره‌های مشغول به کار و کارمستمر در مجاورت کوره‌های ذوب به نحوی که کارگر در معرض مستقیم حرارت یا بخارات زیان‌آور متصاعد از کوره باشد. ماده ۵. کارگرانی که مستقیماً و مستمراً در امر تولید در کارگاههای دباغی سالامبورسازی و روده پاک‌کنی اشتغال دارند و کار مستمر در گندآبروها - جمع‌آوری حمل و دفن زباله شهری ماده ۶. کارگرانی که مستمراً به امر جمع‌آوری و انتقال و انبار کردن کود (نظافت مستمر طویله اصطبل سالنهای پرورش طیور) در واحدهای دامداری و طیور اشتغال دارند. ماده ۷. کار مستمر و مداوم در فضای باز و در ارتفاع بیش از پنج متر از سطح زمین بر روی دکلها، اطاقکهای متحرک، داربست‌ها و اسکلتها. ماده ۸. کار مداوم بر روی خطوط و پستهای انتقال برق با فشارشصت و سه کیلو ولت و بالاتر. ماده ۹. مشاغل شن‌پاشی پخت‌اسفالت‌دستی قیرپاشی و مالچ‌پاشی ماده ۱۰. عملیات جوشکاری در داخل مخازن ماده ۱۱. کارهایی که استمرار آنها موجبات ابتلا به بیماری‌های حاصل از اشعه را فراهم می‌آورد نظیر کار با مواد رادیواکتیو و قرارگرفتن در معرض پرتوهای یونساز به تشخیص مراجع ذی صلاح و به استناد قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب جلسه مورخ بیستم فروردین ماه ۱۳۶۸ مجلس شورای اسلامی ماده ۱۲. کار در محلهای با فشار محیط بیش از حد مجاز از قبیل غواصی ماده ۱۳. کار مستمر در محیط‌هایی که با وجود رعایت مقررات حفاظتی و ایمنی موجبات بیماریهای گوشه و یا کری کارگر رافراهم سازد. ماده ۱۴. کار در امور سمپاشی باغات و اشجار و مزارع و ضدعفونی اماکن و طویله‌ها و آشیانه‌های مرغداری در زمان سمپاشی ماده ۱۵. کار کارگرانی که مستقیماً در امر تولید و ترکیب سموم و حشره‌کش‌ها اشتغال دارند در زمان انجام کار. ماده ۱۶. کار با وسایل دارای ارتعاش در حدی که برای سلامتی کارگر زیان‌آور باشد. ماده ۱۷. مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار حد مجاز و استاندارد هر یک از مواد شیمیایی و عوامل بیولوژیکی و فیزیکی که در این آیین‌نامه نام برده شده است پس از تشکیل کمیته‌های تخصصی تعیین و جهت تصویب به شورای عالی حفاظت فنی پیشنهاد می‌نماید. ترکیب کمیته‌های تخصصی تعیین و جهت تصویب به شورای عالی حفاظت فنی تعیین خواهد شد. ماده ۱۸. به منظور حسن اجرای مقررات این آیین‌نامه کمیته‌ای متشکل از اعضای زیر: ۱- مدیر کل کار و امور اجتماعی استان که ریاست کمیته را عهده‌دار خواهد بود. ۲- بازرس کار استان به انتخاب مدیر کل کار و امور اجتماعی ۳- یک نفر نماینده سازمان تامین اجتماعی استان ۴- یک نفر پزشک یا کارشناس بهداشت حرفه‌ای با معرفی سازمان منطقه‌ای بهداشت درمان و آموزش پزشکی استان ۵- یک نفر نماینده کارفرما به انتخاب و معرفی کانون اتحادیه‌های صنفی استان ۶- یک نفر نماینده کارگر

به انتخاب و معرفی کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان یا کانون انجمنهای کارگران استان یا مجمع نمایندگان کارگران استان ۷- یک نفر نماینده اداره کل صنایع استان ۸- یک نفر نماینده اداره کل صنایع سنگین استان ۹- یک نفر نماینده اداره کل معادن و فلزات استان ۱۰- یک نفر نماینده اداره کل کشاورزی استان ۱۱- یک نفر نماینده صنعت نفت استان ۱۲- یک نفر نماینده سازمان حفاظت محیط زیست استان ۱۳- یک نفر نماینده سازمان جهاد سازندگی استان ۱۴- یک نفر از اساتید دانشگاه با معرفی دانشگاه استان در هر استان و محل اداره کل کار و امور اجتماعی و با وظایف زیر تشکیل می‌گردد. الف- تطبیق مشاغل سخت و زیان‌آور با مواد این آیین‌نامه و اعلام آن به مراجع ذی‌ربط ب- بررسی مشاغلی که در این آیین‌نامه کارهای سخت و زیان‌آور ذکر نگردیده است و از طرف کارگران یا کارفرمایان و یاسایر مراجع سخت و زیان‌آوری آن تقاضا شده و اعلام به شورای عالی حفاظت‌فنی ج- بررسی مواردی که شغل یا مشاغل به اتخاذ تدابیر لازم حالت سختی و زیان‌آوری آنها از بین رفته و در عداد مشاغل عادی درآمده‌اند و اعلام آن به مراجع ذی‌ربط به منظور حذف مزایایی که به‌عنوان مزایای کار سخت و زیان‌آور پرداخت می‌گردیده است تبصره ۱. جلسات کمیته مذکور با حضور حداقل ۷ نفر از اعضا رسمیت یافته و تصمیمات کمیته با اکثریت آرای حاضرین در جلسه معتبر خواهد بود. تبصره ۲. کمیته قبل از اتخاذ تصمیم موظف است نظریات کارشناسی را درخصوص ارزیابی محیط کار از نظر حد مجاز عوامل فیزیکی و شیمیایی و مکانیکی شرایط کار و وسایل استحضاطی جمعی و فردی از مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار و یا سایر مراجع مورد تایید وزارت کار و امور اجتماعی تحصیل نماید. ماده ۱۹. کلیه کارفرمایان مکلفند قبل از ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور به کارگران جدیدالاستخدام و یا کارگرانی که می‌خواهند جدیداً به اینگونه کارها گمارده شوند ترتیب انجام معاینات پزشکی آنان را از لحاظ قابلیت و استعداد جسمانی متناسب با نوع کارهای مرجوع بدهند. ماده ۲۰. مقررات این آیین‌نامه به استناد تبصره ماده ۵۲ قانون کار جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و ارتباط به تصمیمات کمیته‌های موضوع قانون بازنشستگی پیش از موعد بیمه‌شدگان تامین اجتماعی موضوع مصوبات مورخ ۲۸/۲/۱۳۶۷ و ۲۴/۶/۱۳۷۰ مجلس محترم شورای اسلامی که مطابق با ضوابط و مقررات خاص خود و در ارتباط با شخص و شغل و زمان و موقعیت کار به مورد اجرا گذاشته شده است ندارد. این آیین‌نامه مشتمل بر ۲۰ ماده و ۴ تبصره به استناد ماده ۵۲ قانون کار جمهوری اسلامی ایران در جلسه نهایی مورخ ۴/۳/۱۳۷۰ شورای عالی کار تهیه و پس از بررسی مجدد و اصلاحاتی در جلسات متعدد شورای عالی حفاظت فنی در جلسه ۱۲/۸/۷۱ تایید و در تاریخ ۲۹/۹/۷۱ به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی و بهداشت درمان و آموزش پزشکی رسید. وزیر کار و امور اجتماعی وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی حسین کمالی رضا ملک‌زاده

آیین‌نامه نحوه تشکیل حدود وظایف و اختیارات و عملکرد کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان و کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور مصوب ۳۰/۳/۷۲

فصل اول کانون هماهنگی شوراهای کار استان

ماده ۱. کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار هر استان بنا به درخواست شوراهای اسلامی کار همان استان و براساس مقررات این آیین‌نامه تشکیل می‌شود. تبصره ۱. برای تشکیل کانون استان وجود حداقل ده شورا در هر استان الزامی است تبصره ۲. در هر استان بیش از یک کانون نمی‌تواند تشکیل شود. ماده ۲. ارکان کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان عبارتند از: الف- مجمع عمومی ب- هیات مدیره ج- بازرسان ماده ۳. مجمع عمومی عالی‌ترین رکن کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان است که از اجتماع اعضای اصلی به نمایندگی شوراهای اسلامی کار به ترتیب زیر تشکیل می‌شود: الف- شوراهای اسلامی کار ۳ و ۵ نفره یک نفر نماینده ب- شوراهای اسلامی کار ۷ و ۹ نفره دو نفر نماینده ج- شوراهای اسلامی کار ۱۱ نفره سه نفر نماینده تبصره جلسات

مجمع عمومی با حضور حداقل ۲۳ اعضا رسمیت می‌یابد. در صورت عدم تشکیل جلسه با نصاب یاد شده جلسه بعدی با حضور حداقل ۱۲ اعضا تشکیل می‌شود. در هر صورت تصمیمات آن با آرای نصف بعلاوه یک اعضای حاضر معتبر است ماده ۴. تعداد اعضای اصلی و علی‌البدل هیات مدیره و بازرسان کانون شوراهای اسلامی کار استان به شرح جدول زیر می‌باشد: تعداد شوراها اعضای اصلی اعضای بازرس بازرس هیات مدیره علی‌البدل اصلی علی‌البدل ۱۰ شورا ۳ نفر ۲ نفر ۱ نفر ۱ نفر ۱۱ تا ۳۰ شورا ۵ نفر ۲ نفر ۱ نفر ۱ نفر ۱ نفر ۳۱ تا ۶۰ شورا ۷ نفر ۲ نفر ۳ نفر ۲ نفر ۲ نفر تبصره ۱. مجمع عمومی شوراهای اسلامی کار استان از بین خود، اعضای هیات مدیره را برای مدت دو سال و بازرسان را برای مدت یکسال انتخاب می‌کند. انتخاب مجدد آنان بلامانع است تبصره ۲. انتخاب بیش از یک نفر از هر شورا برای عضویت در هیات مدیره کانون استان مجاز نیست و در مواردی که بازرسان متعدد هستند بیش از یک بازرس از هر شورا انتخاب نخواهد شد. ماده ۵. وظایف و اختیارات کانونهای هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان به شرح زیر است الف - ایجاد هماهنگی بین شوراهای اسلامی کار استان ب - همکاری با دستگاههای اجرایی و مراجع ذی‌ربط به منظور حسن اجرای قوانین و مقررات مربوط به شوراهای اسلامی کار استان ج - جمع‌بندی نظرات شوراهای اسلامی کار استان در خصوص مسائل و امور کار و کارگری و ارائه نظرات به صورت پیشنهاد در امور مذکور به کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور و مراجع ذی‌ربط استان د - کوشش در جهت استیفای حقوق صنفی و خواسته‌های مشروع و قانونی کارگران استان ه - انعقاد پیمانهای دسته‌جمعی با سازمانهای کارفرمایی مربوط و همچنین همکاری متقابل با سایر سازمانها و راهنمایی اعضا در عقد قراردادها. و - انتخاب نمایندگان قانونی کارگران در مراجع و مجامع قانونی مربوط در استان با توجه به مواد (۱۵۸)، (۱۶۰) و (۱۶۴) قانون کار.

فصل دوم کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور

ماده ۶. کانونهای هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان در صورتی که به حد نصاب کانون برسند می‌توانند نسبت به تشکیل کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور اقدام نمایند. ماده ۷. ارکان کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور عبارتند از: الف - مجمع عمومی ب - هیات مدیره ج - بازرسان ماده ۸. مجمع عمومی عالی‌ترین رکن کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور است که از اجتماع کلیه اعضای اصلی هیات مدیره کانونهای هماهنگی شوراهای اسلامی کار استانها تشکیل می‌شود. تبصره ۱. علاوه بر هیات مدیره مذکور در ماده فوق به ازای هر ۱۵ شورای اسلامی کار یک نفر اعضای شوراها به انتخاب مجمع عمومی کانون استان در مجمع عمومی کانون سراسر کشور شرکت می‌نماید. در استانهایی که حد نصاب موضوع ماده (۱) حاصل نشده یا کانون تشکیل نشده باشد، تا ده شورا سه نفر و مازاد بر آن به ازای هر پانزده شورا یک نفر به انتخاب آنان جهت شرکت در مجمع عمومی کانون سراسری معرفی می‌شود. تبصره ۲. جلسات مجمع عمومی با حضور حداقل ۱۲ اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیمات آن با نصف بعلاوه یک آرای حاضرین معتبر خواهد بود. ماده ۹. هیات مدیره کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور دارای ۱۱ نفر عضو اصلی و ۴ نفر عضو علی‌البدل می‌باشد که برای مدت ۲ سال توسط مجمع عمومی از بین اعضای مجمع انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان برای دوره‌های بعد بلامانع است ماده ۱۰. مجمع عمومی از بین اعضا دو نفر را به عنوان بازرس اصلی و یک نفر را به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب می‌کند و انتخاب مجدد آنان برای دوره‌های بعد بلامانع است ماده ۱۱. وظایف و اختیارات کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور عبارت است از: الف - ایجاد ارتباط و هماهنگی بین کانونهای هماهنگی شوراهای اسلامی کار استانها و فعالیتهای آنها. ب - همکاری با دستگاههای اجرایی و مراجع ذی‌ربط به منظور حسن اجرای قوانین و مقررات کانونها. ج - بررسی و جمع‌بندی نظرات کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استانها در خصوص مسایل و امور کار و کارگری و ارائه پیشنهادات و نظرات به وزارت کار و امور

اجتماعی یا دستگاه‌های ذی‌ربط د - انتخاب نمایندگان قانونی کارگران در مراجع و مجامع قانونی داخلی و بین‌المللی با توجه به قوانین و مقررات مربوطه - کوشش در جهت استیفای حقوق صنفی و خواسته‌های مشروع و قانونی کارگران سراسر کشور از طریق مراجع ذی‌ربط و - انعقاد پیمانهای دسته جمعی با سازمانهای کارفرمایی مشابه و همچنین همکاری متقابل با سایر سازمانها و راهنمایی اعضا در عقد قراردادها.

فصل سوم مقررات مشترک و نحوه ثبت و انحلال کانونهای هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان و کانون عالی هما

ماده ۱۲. به منظور تاسیس کانونهای هماهنگی شوراهای اسلامی کار هر استان هیات موسسی مرکب از حداقل سه کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کشور، هیات موسسی مرکب از حداقل سه کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تاسیس کانون عالی را از وزارت کار و امور اجتماعی درخواست می‌نماید. ماده ۱۳. وظایف هیات موسس به شرح زیر می‌باشد: الف - تهیه پیش‌نویس اساسنامه ب - دعوت از کلیه شوراهای اسلامی کار استان یا کلیه کانونهای شوراهای اسلامی کار استانها حسب مورد جهت شرکت در مجمع عمومی به منظور تصویب اساسنامه و انجام انتخابات ج - تهیه لیست داوطلبان عضویت ماده ۱۴. هیات موسس کانونهای هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان و کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور موظف به تنظیم اساسنامه با رعایت مقررات قانون و این آیین‌نامه و طرح و تصویب آن در مجمع عمومی موضوع ماده (۱۳) و ثبت در وزارت کار و امور اجتماعی می‌باشند. ماده ۱۵. ثبت اساسنامه کانونهای مذکور و هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه و همچنین انتخاب یا تغییر مسوولان مستلزم تسلیم مدارک ذیل به وزارت کار و امور اجتماعی خواهد بود: ۱ - دو نسخه تقاضانامه تاسیس کانون در مرحله اولیه ۲ - دو نسخه اساسنامه ۳ - یک نسخه صورتجلسه مجمع عمومی در خصوص تصویب یا اصلاح اساسنامه یا انتخاب یا تجدید مسوولین ۴ - آگهی منتشر شده به وسیله هیات موسس (در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار یا روزنامه محلی به منظور تاسیس کانون مربوط ۵ - یک نسخه از امضای کلیه شرکت‌کنندگان با اسامی خوانا. ۶ - یک نسخه فرم مشخصات اعضای هیات مدیره و بازرسان کانونها. ماده ۱۶. هیات مدیره کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان و نیز هیات مدیره کانون عالی هماهنگی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور مکلفند حداقل سه ماه قبل از پایان دوره اعضای مجمع عمومی را برای تجدید انتخاب دعوت نمایند. به طوری که انتخاب مورد نظر حداقل یکماه قبل از انقضای دوره قبل به پایان رسیده باشد. تبصره تعیین هیات مدیره کانونهای مذکور قبل از اتمام اعتبار قانونی به عهده مجمع عمومی است در صورتی که بنا به علل موجهی که از سوی وزارت کار و امور اجتماعی تایید می‌شود انتخابات صورت نگیرد هیات مدیره موجود انجام وظیفه نموده و موظف است حداکثر ظرف مدت سه‌ماه نسبت به برگزاری انتخابات اقدام نماید و پس از این مدت پایان کار کانون قبلی اعلام و وزارت کار و امور اجتماعی تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید. ماده ۱۷. کانونهای مذکور مکلفند تاریخ تشکیل مجامع خود را حداقل (۱۵) روز قبل از تشکیل به طور کتبی به وزارت کار و امور اجتماعی تسلیم نمایند. ماده ۱۸. کانونهای مذکور در موارد زیر منحل می‌شوند: الف - بنا به تصویب مجمع عمومی با توجه به مقررات پیش‌بینی شده در اساسنامه ب - در صورت صدور رای قطعی از طرف مراجع قضایی کشور. تبصره انحلال کانونهای مذکور تأثیری در رسمیت و اعتبار پیمانهای دسته جمعی منعقد شده قبل از انحلال نخواهد داشت معاون اول رییس جمهور - حسن حبیبی

اساسنامه سازمان تأمین اجتماعی - مصوب ۱۵/۶/۱۳۵۸ هیات وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران با آخرین اصلاحات

بخش اول - کلیات (هدف و وظایف) (م ۱ تا ۵)

مصوب ۱۵/۶/۱۳۵۸ هیات وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران با آخرین اصلاحات هیات وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ ۱۰/۶/۱۳۵۸ بنا به پیشنهاد شماره ۲۲۹۶ مورخ ۳/۲/۱۳۵۸ وزارت بهداشتی و بهزیستی اساسنامه سازمان تامین اجتماعی را به شرح زیر تصویب نمودند: بخش اول - کلیات (هدف و وظایف ماده ۱ - سازمان تامین اجتماعی که در این اساسنامه اختصاراً سازمان نامیده می‌شود و براساس «قانون تشکیل سازمان تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۸» تشکیل شده است دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و امور آن منحصرآ طبق مقررات این اساسنامه اداره خواهد شد. ماده ۲ - سازمان برای اجرای وظایف خود دارای تشکیلات مرکزی و واحدها و شعب و نمایندگیهای در تهران و شهرستانها خواهد بود. ماده ۳ - آئین‌نامه‌های مالی و معاملاتی با پیشنهاد هیات مدیره و تایید شورای عالی تامین اجتماعی و تصویب هیات وزیران قابل اجراء خواهد بود و همچنین آئین‌نامه استخدامی سازمان با پیشنهاد هیات مدیره و تایید شورای عالی تامین اجتماعی و تصویب سازمان اموراداری و استخدامی کشور قابل اجراء خواهد بود. سازمان مکلف است ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این اساسنامه آئین‌نامه‌های مذکور را تهیه و به شورا تقدیم دارد و تا تایید شورا و تصویب هیات‌وزیران آئین‌نامه‌های مالی و معاملاتی و استخدامی فعلی صندوق تامین اجتماعی معتبر خواهد بود. ماده ۴ - دارائی و درآمدهای سازمان عبارتست از: الف - کلیه وجوه و دارائی صندوق تامین اجتماعی موضوع ماده ۱۰ قانون تشکیل وزارت بهداشتی و بهزیستی مصوب تیر ماه ۱۳۵۵ ب - کلیه حق بیمه‌هایی که براساس قانون تامین اجتماعی و قانون تشکیل وزارت بهداشتی و بهزیستی و قانون تشکیل سازمان تامین اجتماعی دریافت می‌شود. ج - درآمدهای حاصل از به کار انداختن وجوه و ذخائر و اموال سازمان د - وجوه حاصل از خسارات و جزاهای نقدی موضوع قانون تامین اجتماعی ه - کمکها و هدایا ماده ۵ - وظایف و اختیارات سازمان عبارتست از: الف - جمع‌آوری و تمرکز کلیه وجوه موضوع حق بیمه مشمولین قانون تامین اجتماعی و سایر وجوه و درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از وجوه و ذخائر و اموال سازمان ب - انجام تعهدات موضوع قانون تامین اجتماعی ج - سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از وجوه ذخائر سازمان

بخش دوم - ارکان سازمان م ۶ تا م ۱۹

ماده ۶ - ارکان سازمان عبارتند از: الف - شورای عالی تامین اجتماعی که در این اساسنامه «شورا» نامیده می‌شود. ب - هیات مدیره ج - مدیر عامل د - هیات نظارت شورا ماده ۷ - اعضاء شورای عالی عبارتند از: الف - هشت نفر نمایندگان دولت به شرح زیر: - وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی که ریاست شورا را برعهده خواهد داشت - وزیر کار و امور اجتماعی یا معاون او - وزیر مشاور در سازمان برنامه و بودجه و یا معاون او و یا نماینده تام‌الاختیار وزیر - وزیر امور اقتصادی و دارائی و یا معاون او و یا نماینده تام‌الاختیار وزیر صنایع سنگین و یا معاون او و یا نماینده تام‌الاختیار وزیر - وزیر معادن و فلزات و یا معاون او و یا نماینده تام‌الاختیار وزیر - وزیر تعاون و یا نماینده وی ب - پنج نفر نمایندگان کارفرمایان بشرح زیر: - سه نفر کارفرمای واحدهای تولیدی صنعتی به انتخاب کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان در صورت تشکیل و در غیراین صورت به انتخاب وزیر کار و امور اجتماعی - دو نفر کارفرمای واحدهای صنفی و بازرگانی به انتخاب کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان در صورت تشکیل و در غیر این صورت به انتخاب وزیر کار و امور اجتماعی ج - سه نفر نمایندگان بیمه‌شدگان به شرح زیر: - یک نفر نماینده بیمه‌شدگان واحدهای تولیدی صنعتی حسب‌مورد به انتخاب کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون عالی انجمنهای صنفی کارگران و یا مجمع نمایندگان کارگران - یک نفر نماینده بیمه‌شدگان واحدهای اداری دولتی به انتخاب اتحادیه کارمندان دولت و مادام که اتحادیه مذکور تشکیل نشده است به انتخاب وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی - یک نفر نماینده بیمه‌شدگان واحدهای صنفی و بازرگانی حسب‌مورد به انتخاب کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون عالی انجمنهای صنفی کارگران و یا مجمع نمایندگان کارگران ماده ۸ - اعضای انتخابی شورا برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند

و تجدید انتخاب آنها بلامانع است تبصره ۱ - چنانچه هریک از اعضای گروه بیمه شده و کارفرمای شورافوت یا استعفاء کند یا بیش از سه جلسه متوالی بدون عذر موجه غیبت نماید جانشین او برای بقیه مدت مقرر به نحو مذکور در فوق انتخاب خواهد شد، تشخیص عذر موجه با رئیس شورا خواهد بود. تبصره ۲ - تصمیمات شورا با اکثریت آراء اتخاذ می‌شود. ماده ۹ - وظایف و اختیارات شورا به شرح زیر است - تصویب آئین‌نامه‌های اجرایی که طبق مقررات قانون تامین اجتماعی یا سایر قوانین به آن محول شده است - اتخاذ تصمیم درباره خط مشی و سیاست کلی تامین اجتماعی به پیشنهاد هیات مدیره سازمان - تصویب تشکیلات کلی سازمان به پیشنهاد هیات مدیره سازمان - رسیدگی به بودجه و گزارش مالی و ترازنامه و تصویب آن - تعیین حقوق و مزایای مدیر عامل و اعضای هیات مدیره با تایید شورای حقوق و دستمزد و حق حضور اعضای انتخابی شورا و حق الزحمه اعضای هیات نظارت - تصویب پیشنهادات هیات مدیره در خصوص سرمایه‌گذاری و به کار انداختن وجوه ذخائر سازمان - تصویب خرید و فروش اموال غیرمنقول سازمان - بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص سایر مواردی که بنا به پیشنهاد هیات مدیره سازمان در شورا مطرح می‌گردد. تبصره - شورا برای بررسی و اظهار نظر در خصوص مسائل تامین اجتماعی می‌تواند کمیته‌های تخصصی داشته باشد. ترتیب تشکیل جلسات شورا و کمیته‌های تخصصی آن طبق آئین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب شورا می‌رسد. هیات مدیره ماده ۱۰ -

اعضاء هیات مدیره مرکب از سه نفر به شرح زیر است - رئیس هیات مدیره که سمت مدیر عامل را دارا می‌باشد از بین افرادی که در امور تامین اجتماعی دارای بصیرت و سوابق ممتد باشد و با پیشنهاد وزیر بهداری و تصویب هیات وزیران تعیین می‌شود، منصوب می‌شود. - دو نفر عضو اصلی هیات مدیره با پیشنهاد وزیر بهداری و تصویب هیات وزیران تعیین می‌شوند. - یک نفر عضو علی‌البدل هیات مدیره که از بین اعضای عالی رتبه سازمان به ترتیب مذکور در مورد اعضای اصلی تعیین خواهد شد. تبصره - اعضای هیات مدیره موظفاً انجام وظیفه خواهند کرد و باید تمام اوقات در اختیار سازمان باشند و هیچ نوع شغل موظف در خارج از سازمان قبول نکنند. ماده ۱۱ - مدت ماموریت مدیر عامل و اعضاء هیات مدیره سه سال است و تجدید انتخاب آنها بلامانع می‌باشد. در مورد فوت یا استعفاء هریک یا در مواردی که به تشخیص وزیر بهداری و بهزیستی تغییر آنان ایجاب نماید جانشین هریک از آنها به ترتیب مذکور در فوق انتخاب خواهد شد. اعضاء هیات مدیره پس از اتمام مدت ماموریت خود تا تعیین هیات مدیره جدید کماکان به کار خود ادامه خواهند داد. ماده ۱۲ - وظایف و اختیارات هیات مدیره به شرح زیر است - پیشنهاد سیاست کلی و خط مشی و برنامه‌های اجرایی تامین اجتماعی به شورا - تایید آئین‌نامه‌های اجرایی موضوع قانون تامین اجتماعی و این اساسنامه جهت پیشنهاد به مراجع مربوط - تایید برنامه و بودجه و گزارش مالی و ترازنامه سازمان جهت تصویب شورا - پیشنهاد تشکیلات سازمان در حدود بودجه مصوب جهت تصویب شورا - بررسی در مورد بهره‌برداری و سرمایه‌گذاری از محل وجوه و ذخائر سازمان و تهیه پیشنهاد لازم جهت طرح و تصویب در شورا ماده ۱۳ - تصمیمات هیات مدیره با اکثریت آراء مناط اعتبار خواهد بود. ماده ۱۴ - رئیس هیات مدیره و مدیر عامل که مسوول اداره امور سازمان می‌باشد عالیترین مرجع اجرایی سازمان بوده و بر کلیه تشکیلات و کارکنان سازمان ریاست دارد. وظایف و اختیارات مدیر عامل به شرح زیر است - اجرای مصوبات شورا و هیات مدیره - تهیه و تنظیم بودجه و برنامه و گزارش مالی و ترازنامه سازمان و پیشنهاد آن به هیات مدیره - پیشنهاد تشکیلات سازمان به هیات مدیره جهت تایید و تقدیم آن به شورا جهت تصویب - پیشنهاد خط مشی عملیاتی اعم از استخدامی مالی معاملاتی و غیره به هیات مدیره جهت تصویب - اداره امور سازمان در حدود خط مشی و مقررات و اختیارات مصوب - مدیر عامل در مقابل اشخاص حقیقی یا حقوقی و کلیه مراجع قانونی نماینده سازمان می‌باشد و می‌تواند این اختیار را شخصا یا به وسیله وکلا یا نمایندگان که تعیین می‌کند اعمال نماید. ماده ۱۵ - مدیر عامل می‌تواند قسمتی از اختیارات و وظایف خود را به هیاتی یا به هریک از اعضای هیات مدیره یا هریک از کارکنان سازمان به مسوولیت خود تفویض نماید. هیات نظارت ماده ۱۶ - اعضاء هیات نظارت مرکب از سه نفر به شرح زیر است - یک نفر نماینده دولت به انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارائی - یک نفر نماینده کارفرمایان به انتخاب کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان و در

صورت عدم تشکیل به انتخاب وزیر کار و امور اجتماعی - یک نفر نماینده بیمه شدگان از بین اعضاء شوراهای اسلامی کار به انتخاب وزیر کار و امور اجتماعی ماده ۱۷ - وظایف و اختیارات هیات نظارت به شرح زیر است - نظارت بر حسن اجرای این اساسنامه و قانون تامین اجتماعی و تطبیق عملیات سازمان با مقررات قانونی - اظهار نظر در مورد ترازنامه تنظیمی سازمان قبل از طرح در شورای عالی - انجام وظایف دیگری که به موجب این اساسنامه یا قانون تامین اجتماعی و مقررات دیگر در صلاحیت هیات نظارت است تبصره ۱ - هیات نظارت حق مداخله در امور سازمان را ندارد و در اجرای وظایف خود برای گرفتن اطلاعات لازم و رسیدگی به دفاتر و مدارک باید به مدیر عامل مراجعه نماید و مدیر عامل موظف است هرگونه مدارک یا توضیحاتی که مورد نیاز باشد، در اختیار هیات نظارت بگذارد. تبصره ۲ - چنانچه هیات نظارت در اداره امور سازمان عملی خلاف قانون و مقررات مشاهده نماید مراتب را به اطلاع مدیر عامل خواهد رساند. ماده ۱۸ - هیات نظارت برای مدت سه سال انتخاب می شود و تجدید انتخاب اعضای آن بلامانع است در موارد فوت یا استعفای هر یک جانشین وی برای بقیه مدت به نحو مذکور در ماده ۱۶ تعیین خواهد شد. ماده ۱۹ - امور داخلی هیات نظارت و طرز تشکیل جلسات آن طبق آئین نامه ای خواهد بود که به تصویب هیات مذکور می رسد.

Advertisement | بستن سایر امکانات اولین های حقوقی تماس با ما مراجع قضایی تهران راهنمای قوانین منوی اصلی صفحه اصلی قوانین حقوقی اساسی و مدنی دادرسی و احرا امور حسبی و خانواده و کالت و کارشناسی مسکن و اجاره تجارت کار و تامین اجتماعی بیمه اوقاف قوانین متفرقه قوانین کیفری مجازات و دادرسی مواد مخدر و قاچاق تخلفات صنفی و تعزیرات پزشکی و بهداشتی مطبوعات و رسانه ها هوایی، دریایی و مرزی منابع و محیط زیست زندان و عفو مقررات مختلفه ثبتی و اراضی ثبت اسناد و املاک دفاتر اسناد رسمی اجرای اسناد ثبت شرکت ها ثبت علائم و اختراعات ثبت احوال اوقاف اراضی و املاک کارشناسان، دلالان و مشاورین راهنمایی و رانندگی وزارت کشور شهرداری تهران سازمان حمل و نقل شرکت واحد تاکسیرانی ترمینال مسافری اداره راهنمایی رانندگی قطار شهری تهران جرائم تخلفات رانندگی قوانین متفرقه معاینه فنی شهرداری شهرداری و شورا قوانین شهرسازی مصوبات شورای عالی معماری اراضی و املاک مقررات مالی مقررات استخدامی صنوف و اماکن عمومی حمل و نقل و ترافیک فضای سبز نیروهای مسلح جزا و دادرسی مقررات وزارت دفاع مقررات ارتش مقررات نیروی انتظامی مقررات سپاه مقررات بسیج مقررات نظام وظیفه مقررات عمومی قوانین بین الملل منشور سازمان ملل و ... خصوصی عمومی صلاحیت محاکم فن آوری اطلاعات آرای وحدت رویه آرای حقوقی آرای کیفری بخشنامه های قوه قضائیه معرفی سایر قسمتها

بخش سوم - امور مالی (م ۲۰ تا م ۲۲)

ماده ۲۰ - هیات مدیره مکلف است تا اول دیمه هر سال بودجه کل سازمان را برای سال بعد تنظیم و به شورا پیشنهاد نماید. شورا مکلف است حداکثر تا پانزدهم اسفندماه بودجه سال بعد را تصویب و به هیات مدیره ابلاغ نماید. تبصره ۱ - ترازنامه سالانه و گزارش مالی و صورت دارائی و بدهی سازمان باید حداکثر لغایت شهریور ماه سال بعد توسط مدیر عامل جهت رسیدگی به هیات مدیره و هیات نظارت ارسال گردد. هیات مدیره موظف است حداکثر ظرف مدت سی روز از تاریخ وصول نظرات هیات نظارت در مورد ترازنامه و گزارش صورت مذکور ترازنامه را به انضمام یک نسخه از نظرات هیات نظارت به شورا تقدیم دارد. تبصره ۲ - هیات نظارت مکلف است نسخه ای از نظرات خود را در مورد ترازنامه سالانه و گزارش مالی و صورت دارائی و بدهی سازمان حداکثر ظرف مدت ۶۰ روز از تاریخ دریافت آن به هیات مدیره تسلیم کند. ماده ۲۱ - مانده درآمد پس از وضع مخارج و کلیه درآمدهای حاصل از خسارات و زیان دیرکرد و بهره سپرده ها و سود اوراق بهادار و درآمد حاصل از فروش یا واگذاری یا بهره برداری یا سرمایه گذاری از وجوه و اموال سازمان کلا - به حساب ذخائر سازمان منظور خواهد شد. ماده ۲۲ - تا تصویب آئین نامه های موضوع این اساسنامه آئین نامه و مقررات فعلی معتبر خواهد بود. اصل تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است

نمونه قرارداد بیمه اختیاری

این قرارداد بین سازمان تامین اجتماعی و خانم آقای به شماره شناسنامه و بشماره بیمه باتوجه به اطلاع کامل از مفاد آئین نامه بیمه اختیاری و براساس درخواست کتبی مورخ متقاضی که طی شماره مورخ ثبت دفتر واحد تامین اجتماعی گردیده است طبق شرایط زیر منعقد می گردد: ۱- این قرارداد از تاریخی که متقاضی درخواست خود را در دفتر واحد این سازمان به ثبت می رساند، طبق مقررات آئین نامه بیمه اختیاری شروع شده و قابل اجراء می باشد. ۲- نوع بیمه اختیاری که متقاضی تمایل دارد از مزایای مربوط به آن استفاده نماید: الف بازنشستگی و فوت بعد از بازنشستگی با نرخ ۱۲٪ ب بازنشستگی و فوت قبل و بعد از بازنشستگی با نرخ ۱۴٪ ج بازنشستگی و فوت و از کار افتادگی کلی با نرخ ۱۸٪ ۳- متقاضی در صورت تمایل می تواند علاوه بر انتخاب هریک از موارد ردیف ۲ با پرداخت ۹٪ حق بیمه از مزایای موضوع بند الف و ب ماده ۳ قانون تامین اجتماعی استفاده نماید. ۴- متقاضی بیمه اختیاری موضوع بند ج ردیف ۲ قبل از انجام و اجرای بیمه اختیاری از لحاظ از کارافتادگی کلی می بایستی به کمیسیون پزشکی معرفی گردیده و چنانچه از کارافتاده کلی شناخته شود نمی تواند از مزایای بند ج مزبور استفاده نماید. ۵- بیمه شده اختیاری می تواند هر دو سال یکبار درخواست کتبی حق بیمه اختیاری خود را به میزان ۱۰٪ ماخذ محاسبه قبلی افزایش دهد و در هر حال برای هر بار افزایش باید پس از گذشت دو سال از تاریخ آخرین افزایش اقدام شود. ۶- بیمه اختیاری از تاریخ تسلیم تقاضای کتبی متقاضی که ثبت دفتر شعبه یا نمایندگی می گردد شروع خواهد شد و بیمه شده اختیاری مکلف است با توجه به اولین ابلاغ سازمان کل حق بیمه تعیین شده را یکجا به سازمان پرداخت نموده و سپس حق بیمه هر ماه را حداکثر تا آخرین روز ماه بعد پرداخت نماید. در صورتی که پس از تاریخ شروع بیمه اختیاری پرداخت حق بیمه متوقف گردد چنانچه بین تاریخ قطع پرداخت حق بیمه و تاریخ پرداخت حق بیمه مجدد بیش از شش ماه (۶ ماه فاصله ایجاد نشده باشد بیمه شده می تواند حق بیمه معوقه را بطور یکجا به سازمان پرداخت نماید و اگر فاصله مزبور از شش ماه (۶ ماه تجاوز نماید قرارداد بیمه اختیاری لغو و حق بیمه گذشته وصول نخواهد شد. ۷- در صورتی که بیمه شده اختیاری در جریان اجرای بیمه اختیاری به نحوی از انحاء در زمره سایر مشمولین قانون تامین اجتماعی یا قوانین موضوع تبصره های ۱ و ۲ و ۴ ماده چهار قانون مذکور قرار گیرد موظف است مراتب را کتبا به آگاهی سازمان برساند تا نسبت به قطع بیمه اختیاری وی اقدام گردد. در صورت عدم اعلام بیمه شده اختیاری در این زمینه از تاریخ اجرای هریک از موارد فوق درباره متقاضی بیمه اختیاری از تاریخ مزبور، قطع شده تلقی و سوابق پرداخت بیمه اختیاری بعد از تاریخ مذکور به هیچ عنوان ملاک استفاده از مزایای مندرج در قانون نخواهد بود. ۸- استفاده از مزایای تامین اجتماعی کلا یا بعضا برای بیمه شده اختیاری و یا در زمان استفاده از مستمریهای بازنشستگی از کارافتادگی کلی و یا بازماندگان بعد از بیمه اختیاری از هر نظر تابع شرایط پیش بینی شده در قانون تامین اجتماعی و تغییرات بعدی آن خواهد بود. ۹- متقاضی موظف است آدرس دقیق خود را در برگ درخواست و این قرارداد قید و در صورت تغییر آدرس مراتب را بطور صریح و روشن با ذکر دقیق آدرس جدید به واحد مربوطه اعلام دارد، بدیهی است چنانچه به علت عدم اطلاع سازمان از آدرس جدید هر گونه مشکلی در چگونگی وصول و یا ادامه بیمه اختیاری متقاضی در این شرایط بوجود آید مسوولیت آن به عهده بیمه شده خواهد بود. ۱۰- چنانچه متقاضی از طریق غیرقانونی مبادرت به ارائه اسناد و مدارک جهت بیمه اختیاری خود بنماید در صورت وقوف سازمان از چنین امری بلافاصله بیمه اختیاری متقاضی قطع و بیمه شده نمی تواند در چنین شرایطی از مزایای مربوط استفاده نماید و در صورتی که در این رابطه هزینه هائی متوجه سازمان گردیده باشد متقاضی می بایستی کلیه هزینه های وارده به سازمان را بپردازد. ۱۱- این قرارداد در سه نسخه تنظیم و مدت آن یکسال می باشد که به ترتیب یک نسخه در واحد فنی و یک نسخه در واحد درآمد شعبه یا نمایندگی و نسخه سوم نزد متقاضی خواهد بود. مسوول درآمد مسوول فنی مهر و امضاء رئیس شعبه یا نمایندگی امضاء یا اثر انگشت متقاضی آدرس دقیق متقاضی

شماره تلفن متقاضی یا شماره‌ای که بتوان با آن با متقاضی تماس برقرار نمود.

اصلاحیه آیین نامه اجرایی بند (۵) جز (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلا

اصلاحیه آیین نامه اجرایی بند (۵) جز (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۴/۱/۱۳۸۲ با توجه به نظر رییس مجلس شورای اسلامی، موضوع نامه شماره ۴۴۳۰-ب/مورخ ۱۶/۹/۱۳۸۱ تصویب نمود: در تبصره ماده (۷) تصویب نامه شماره ۵۸۳۵۲/ت-۲۵۹۶۰-مورخ ۲۷/۱۲/۱۳۸۰، موضوع آیین نامه اجرایی بند (۵) جز (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱ - مصوب ۱۳۸۰ -، عبارت «به استثنای تدوین آیین نامه های مربوط به حفاظت فنی که مسؤولیت آن به عهده شورای عالی حفاظت فنی می باشد» بعد از عبارت «سخت و زیان آور» اضافه می گردد. معاون اول رییس جمهور - محمدرضا عارف

آیین نامه چتر ایمنی رفاه اجتماعی - مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۲/۳/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۸۲۳۱/۱۰۰ مورخ ۱۷/۱۱/۱۳۸۳ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و به استناد بند «ه» ماده (۱۶) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی - مصوب ۱۳۸۳- آیین نامه چتر ایمنی رفاه اجتماعی را به شرح زیر تصویب نمود: آیین نامه چتر ایمنی رفاه اجتماعی ماده ۱- در این آیین نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط بکار می روند: الف - چتر ایمنی رفاه اجتماعی: مجموعه‌ای از سیاستها و اقدامات جبرانی، پیشگیرانه و ارتقایی است که برای کنترل و کاهش فقر و پایداری جامعه سالم انجام می شود. ب - گروههای آسیب پذیر: افرادی از جامعه که در معرض مخاطرات اجتماعی هستند و به ساماندهی و بازپروری نیاز دارند. پ - فقر شدید: وضعیتی است که در آن اگر تمامی درآمد خانوار صرف تهیه غذا شود سرپرست خانوار قادر به تأمین (۲۰۰۰) کیلو کالری روزانه برای هر فرد بر مبنای سبد مطلوب غذایی نباشد. ت - فقر مطلق: وضعیتی است که در آن خانوار به لحاظ درامدی قادر به تأمین حداقل نیازهای اساسی خوراکی و غیرخوراکی (مسکن، پوشاک، درمان و آموزش) خود نباشد. ث - جامعه سالم: جامعه‌ای است که افراد آن با حداقل احتمال با مخاطرات روبرو هستند. ج - مدیریت مخاطرات: استفاده از سازوکارهای مناسب جهت پیشگیری و جبران خسارات ناشی از رویدادهای نامطلوب اجتماعی، اقتصادی که منجر به کاهش سطح زندگی افراد می شود. چ - وزارت رفاه: وزارت رفاه و تأمین اجتماعی. ماده ۲- جمعیت هدف تحت پوشش این آیین نامه به سه گروه درامدی زیر طبقه بندی می شوند: گروه اول - جمعیت زیر خط فقر شدید. گروه دوم - جمعیت مابین خط فقر شدید و خط فقر مطلق. گروه سوم - جمعیت بالاتر از خط فقر مطلق (جامعه سالم). تبصره ۱- برای گروههای اول و دوم اقدامات جبرانی و برای گروه سوم اقدامات ارتقایی و پیشگیرانه انجام می گیرد. تبصره ۲- برای کاهش مخاطرات و تأمین پوشش کامل گروههای آسیب پذیر یک محدوده ده درصدی درامدی بالاتر از خط فقر مطلق به جمعیت گروه دوم اضافه می شود. تبصره ۳- مرجع تعیین سبد مطلوب غذایی و تدوین و بهبود الگوی نگهداری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است که با رعایت ماده (۸۴) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳- اقدام خواهد نمود. وزارت رفاه مکلف است بر مبنای سبد یاد شده، معادل درامدی خط فقر شدید خانوار را سالانه محاسبه و اعلام نماید. تبصره ۴- وزارت رفاه موظف است در نیمه اول هر سال معادل درامدی خط فقر مطلق را با استفاده از آمارهای مرکز آمار ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران محاسبه و پس از تأیید شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی اعلام نماید و مبنای اجرای این آیین نامه قرار دهد. تبصره ۵

- اقدامات ارتقایی و پیشگیرانه برای جمعیت گروه سوم، موضوع تبصره (۱) این ماده بنا به پیشنهاد وزارت رفاه به تصویب شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی می‌رسد. ماده ۳- خانوارهای دارای فقر شدید به صورت کامل تحت پوشش چتر ایمنی رفاه اجتماعی قرار می‌گیرند و اولویت ارایه خدمات به خانوارهای دارای فقر مطلق به ترتیب زیر خواهد بود: الف - کودکان بی سرپرست. ب - زنان سرپرست خانوار و خود سرپرست. پ - سالمندان. ت - معلولان. ث - سایرین (بیکاران، معتادان، بیماران مزمن جسمی و روانی و). ... تبصره - تعیین ضوابط تشخیص مصادیق گروه‌های هدف از نظر آسیب‌پذیری و اولویت ارایه خدمات بر عهده وزارت رفاه است. ماده ۴- اقدامات و برنامه‌های حمایتی موضوع این آیین‌نامه عبارتند از امنیت تغذیه، بهداشت و درمان پایه، اشتغال مولد، توانمندسازی، ارتقای آگاهی عمومی، مسکن و مدیریت مخاطرات. تبصره - میزان و نوع خدمات مورد نیاز، توسط وزارت رفاه با رعایت قوانین و مقررات حمایتی موجود با همکاری نهادها و دستگاههای اجرایی ذی‌ربط ظرف مدت یک ماه از تاریخ تصویب این آیین‌نامه، تدوین و پس از تصویب شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی به عنوان اولویتهای اجرایی، به نهادها و دستگاههای ذی‌ربط ابلاغ می‌گردد. نهادها و دستگاههای اجرایی ذی‌ربط در چارچوب اعتبارات سالانه مرتبط خود و اعتبارات اختصاص یافته از سوی وزارت رفاه مکلفند مطابق اولویتهای ابلاغ شده برنامه‌های عملیاتی و تخصیص منابع خود را تنظیم و اجرا نمایند. ماده ۵- وزارت رفاه موظف است در اجرای بند «م» ماده (۱۶) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی - مصوب ۱۳۸۳- با همکاری کمیته امداد امام خمینی، وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش و کشور و نهادهای مردمی از جمله شوراهای اسلامی شهر و روستا، معتمدان محلی و خیران نسبت به شناسایی واجدان شرایط برخوردارگی از حمایت‌های موضوع این آیین‌نامه اقدام نماید. تبصره - کلیه دستگاهها و نهادهای همکار در امر شناسایی موظفند اطلاعات خانوارهای تحت پوشش یا شناسایی شده خود را با کد ملی آنها در اختیار استانداریها قرار دهند. استانداریها به نمایندگی از وزارت رفاه موظفند مطابق دستورالعمل ارایه شده توسط آن وزارتخانه ضمن برپایی اطلاعات نسبت به پایش اطلاعات و ارسال آن به وزارت یاد شده اقدام نمایند. ماده ۶- در اجرای بند «الف» ماده (۱۵) قانون ساختار نظام جامع تأمین اجتماعی، هماهنگی بین دستگاههای ذی‌ربط بر عهده شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی خواهد بود. شورای یاد شده سازوکار مناسب برای اجرای این آیین‌نامه را تعیین و با رعایت قوانین و مقررات اجرا می‌نماید. تبصره - هماهنگی و نظارت بر اجرای این آیین‌نامه در استانها بر عهده استاندار و نماینده وزارت رفاه و تأمین اجتماعی می‌باشد. ماده ۷- دستگاههای ذی‌ربط موظفند با رعایت اصول و سیاستهای اجرایی موضوع ماده (۹) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی نسبت به تدوین برنامه‌های عملیاتی مرتبط با چتر ایمنی رفاه اجتماعی ظرف (۴۵) روز از تاریخ ابلاغ این آیین‌نامه به شرح زیر اقدام و پس از تصویب شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی نسبت به اجرای آن اقدام نمایند: الف - وزارت کار و امور اجتماعی موظف است به منظور توانمندسازی افراد موضوع این آموزش‌های مهارتی خاصی را طراحی نماید. ب - وزارت مسکن و شهرسازی موظف است نسبت به تأمین حداقل سرپناه برای خانوارهای موضوع این آیین‌نامه و سازوکارهای برخوردارگی از آن با رعایت بند «د» ماده (۳۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳- اقدام نماید. پ - وزارت رفاه موظف است ضمن برپایی سازوکارهای مناسب جهت برخوردارگی گروههای آسیب‌پذیر از خدمات درمانی پایه، نسبت به تدوین طرح ساماندهی و بازپروری گروههای آسیب‌پذیر و برنامه‌های آموزشی اقدام نماید. ماده ۸- وزارت رفاه براساس تبصره (۱) ماده (۱۱) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، ضمن راهبری منابع اختصاص یافته به برنامه‌های چتر ایمنی رفاه اجتماعی، موظف است گزارش نظارتی اقدامات انجام گرفته دستگاههای ذی‌ربط درخصوص اجرای برنامه‌های یاد شده مذکور را هر شش ماه یک‌بار به هیئت دولت ارایه نماید. ماده ۹- کلیه دستگاههای اجرایی که از منابع موضوع ماده (۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی اعتباری را در اختیار دارند موظف هستند در مصرف اعتبار یاد شده اولویت را به حمایت از برنامه‌ها و اقدامات موضوع ماده (۴) این آیین‌نامه اختصاص دهند. تبصره -

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است در لوایح بودجه سالانه مابه‌التفاوت اعتبار مورد نیاز برای اجرای این آیین‌نامه و اعتبار مندرج در ماده (۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی را پیش‌بینی نماید. ماده ۱۰- این آیین‌نامه در سال ۱۳۸۴ در سه استان کشور با تشخیص وزارت رفاه اجرا خواهد شد. ماده ۱۱- آن دسته از دستگاههای اجرایی که بر اساس قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی برای آنها وظایفی پیش‌بینی شده است موظفند وظایف مرتبط با این آیین‌نامه را با اولویت انجام دهند. معاون اول رئیس‌جمهور - محمدرضا عارف

تصویب‌نامه راجع به افزایش حق مسکن کارگران - مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۹/۴/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شورای عالی کار و به استناد ماده واحده قانون اصلاح طبقه‌بندی مشاغل و برقراری کمک هزینه مسکن کارگری مصوب ۲۷/۱/۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۰ - تصویب نمود: حق مسکن کارگران به میزان یکصد هزار (۱۰۰,۰۰۰) ریال تعیین می‌گردد. معاون اول رئیس‌جمهور - محمدرضا عارف

آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۶/۴/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۶۱۴۶/۱۰۰ مورخ ۱۱/۴/۱۳۸۴ وزارت رفاه و تامین اجتماعی و به استناد ماده (۱) و بند (الف) ماده (۱۵) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی - مصوب ۱۳۸۳ - و ماده (۹۷) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ - آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی را به شرح زیر تصویب نمود: آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی فصل اول - کلیات ماده ۱ - اصطلاحات زیر در آیین‌نامه در معانی مشروح مربوط به کار میروند: ۱- کودک خیابانی: فرد کمتر از ۱۸ سال تمام که به صورت محدود یا نامحدود در خیابان به سر می‌برد، اعم از کودکی که هنوز با خانواده خود تماس دارد و از سرپناه برخوردار است و یا کودکی که خیابان را خانه خود می‌داند و رابطه او با خانواده به حداقل رسیده و یا اساساً چنین ارتباطی وجود ندارد. ۲- ساماندهی: مجموعه فعالیتهایی که توسط نهادها، سازمانها و دستگاههای اجرایی دولتی و غیر دولتی تعریف شده در این آیین‌نامه، از شناسایی، جذب و پذیرش کودکان خیابانی آغاز و تا رسیدن وی به فرجام قابل اطمینان ادامه می‌یابد. ۳- شناسایی: ارتباطی که توسط مددکار اجتماعی با کودک خیابانی شکل می‌گیرد و به تشخیص وضع موجود وی می‌انجامد. ۴- جذب: ارتباط تقویت یافته مددکار اجتماعی با کودک خیابانی که جلب اعتماد و پذیرش ارتباط از سوی کودک خیابانی را به همراه دارد. این فعالیت با هدف آگاه نمودن کودک خیابانی از منابع و خدماتی که می‌تواند در اختیار او قرار گیرد انجام می‌پذیرد. ۵- اقامت: حضور کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت کودک خیابانی در مراکز اقامت که شامل سه سطح زیر می‌شود: الف - اقامت کوتاه مدت: حضور کودک خیابانی در مرکز اقامت حداکثر به مدت ۲۱ روز. ب - اقامت میان مدت: حضور کودک خیابانی در مرکز اقامت بیشتر از ۲۱ روز تا یک سال. ج - اقامت دراز مدت: حضور کودک خیابانی بیسرپرست یا بدسرپرست در مراکز شبانه‌روزی تا پایان ۱۸ سالگی مطابق با آیین‌نامه مراکز شبانه‌روزی سازمان بهزیستی کشور. تبصره - در موارد استثنایی و در صورت ضرورت با نظر تیم تخصصی مدت اقامت موضوع بند «الف» حداکثر یک دوره قابل تمدید می‌باشد. ۶- مراکز کودکان خیابانی: مراکزی که در آنها خدمات تخصصی به کودکان خیابانی ارائه می‌شود. این مراکز در چهار سطح زیر می‌باشند: الف - مراکز و پایگاههای سطح یک (سرپایی): مراکز و پایگاههای ثابت و سیاری که بدون اقامت کودک نسبت به ارائه خدمات سرپایی به وی و خانوادهاش اقدام مینمایند. ب - مراکز سطح دو (اقامت کوتاه مدت): مراکزی که امکان اقامت کودک را حداکثر تا ۲۱ روز فراهم می‌کنند. (موضوع جزء «الف» بند (۵) ماده (۱) این آیین‌نامه) ج - مراکز سطح سه (اقامت میان مدت): مراکزی که امکان اقامت کودک را حداکثر تا یک سال مهیا

می‌کند. (موضوع جزء «ب» بند (۵) ماده (۱) این آیین‌نامه) د - مراکز سطح چهار (اقامت دراز مدت): مراکزی که امکان اقامت کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست را تا پایان ۱۸ سالگی تأمین می‌کند. (موضوع جزء «ج» بند (۵) ماده (۱) این آیین‌نامه) ۷ - پذیرش: برقراری رابطه پایدار حرفه‌ای که زمینه را برای اجرای فرایند مشکل‌گشایی در سطوح مختلف فراهم می‌کند. پذیرش در سه سطح زیر انجام می‌پذیرد: الف - پذیرش سطح یک: برقراری ارتباط فعال مددکار با کودک خیابانی برای فراهم نمودن حمایت‌های لازم، بدون نگهداری کودک در مرکز اقامت. این نوع پذیرش در مرکز کودکان خیابانی سطح یک صورت می‌پذیرد. ب - پذیرش سطح دو: اقامت کوتاه مدت کودک خیابانی در مرکز سطح دو برای دریافت خدمات تخصصی بیشتر. (پذیرش سطح (۲) از طریق ارجاع از سطح (۱) یا به طور مستقیم انجام می‌شود). ج - پذیرش سطح سه: اقامت میان مدت کودک خیابانی در مرکز سه برای دریافت خدمات تخصصی و حمایت‌های بیشتر. (پذیرش سطح (۳) از طریق ارجاع از سطوح (۱) و (۲) انجام می‌شود). د - مراکز سطح چهار (اقامت بلند مدت): این مراکز مستقیماً و یا با اعطای مجوز رسمی سازمان بهزیستی کشور به اشخاص حقیقی و حقوقی تأسیس و اداره میشوند. تبصره - اقامت بلند مدت و میان مدت کودکان خیابانی که در مراکز سطح (۳) و (۴) انجام می‌گیرد می‌تواند به اشخاص حقیقی و حقوقی و سازمانها و مؤسسات غیر دولتی علاقمند و واجد صلاحیت واگذار شود. ضوابط و شاخصهای تشکیل (فضای فیزیکی، نیروی انسانی و غیره)، نحوه اداره و کنترل کیفیت این مراکز بر اساس آیین‌نامه ضوابط تأسیس و انحلال مراکز نگهداری کودکان خیابانی، موضوع بند (۲) ماده (۲۶) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۰ - توسط سازمان بهزیستی کشور تهیه و ابلاغ خواهد شد. ۸ - ترخیص: پایان اقدامات تیم تخصصی مراکز و دستیابی به اهداف تعیین شده که منجر به پاسخگویی به نیازهای کودک در کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت می‌گردد. بازگشت کودک به کانون خانواده اولویت اقدامات ترخیص مراکز خواهد بود. ۹ - پیگیری: سلسله اقداماتی که به منظور پیشگیری از بروز مجدد مشکل برای کودک پس از ترخیص از طریق تماس با خانواده و بازدید از شرایط خانوادگی یا دعوت والدین یا خانواده نزدیک کودک یا سرپرستان وی جهت بررسی و مشاوره‌های مددکاری انجام می‌پذیرد. ۱۰ - توانمندسازی: فرایندی است که طی آن مجموعه اقدامات و خدماتی با هدف تحقق زندگی عادی با حداقل وابستگی به منابع حمایتی و ارتقاء تواناییها و مهارتهای آموزشی، اجتماعی و حرفه‌آموزی به کودک و یا خانواده وی ارایه می‌شود. ۱۱ - تیم تخصصی: شامل گروهی از متخصصین و کارشناسان از جمله سرپرست مرکز، روانشناس، مددکار اجتماعی، روانپزشک، پزشک، پرستار، کارشناس حقوقی، مربی و غیره است که به صورت سیار یا ثابت به ارایه خدمات تخصصی به کودک خیابانی و خانواده وی می‌پردازند. ۱۳ - نهادهای حامی: کلیه نهادها و سازمانهایی که به استناد اساسنامه یا وظایف سازمانی، نسبت به ارایه تمام یا بخشی از خدمات موضوع این آیین‌نامه به کودکان خیابانی اقدام می‌نمایند. فصل دوم - روند اجرایی ماده ۲ - سازمان بهزیستی کشور موظف است با همکاری و مشارکت شهرداری، انجمنهای خیریه، تشکلهای غیردولتی و نیروی انتظامی و با استفاده از مددکار اجتماعی (در قالب تیم تخصصی سیار یا مستقر در مراکز که با همکاری شهرداریها سازماندهی خواهد شد)، نسبت به شناسایی، جذب، پذیرش و توانمندسازی کودکان خیابانی در کلیه مراکز استانها و در صورت صلاحدید کارگروه اجتماعی استان در شهرهای بالای دویست هزار نفر اقدام نماید. تبصره ۱ - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است در مواردی که سلامت جسمانی و روانی کودک در معرض خطر جدی قرار می‌گیرد در امر جذب با سازمان بهزیستی کشور همکاری نماید. ماده ۳ - در هر مرحله مسئولیت پیگیریهای پس از ترخیص کودک به عهده مرکز ترخیص کننده است به جز مرکز سطح یک موضوع این آیین‌نامه و این امر تا رسیدن وی به فرجام قابل اطمینان ادامه می‌یابد. ماده ۴ - در صورت تحویل کودک خیابانی به خانواده، بهزیستی استانها و سایر نهادهای حامی موظفند در زمینه حمایت مادی و معنوی خانواده اقدامات لازم را به عمل آورند و هر شش ماه یکبار گزارش اقدامات خود را به سازمان بهزیستی کشور و کارگروه اجتماعی استان اعلام نمایند. ماده ۵ - اداره کل بهزیستی استانها به منظور تأمین هماهنگی بین بخشی و استفاده از همکاری سایر

سازمانها و ادارات کل ذیربط موظفند مسایل مربوط به ساماندهی کودکان خیابانی را به طور مستمر در کارگروه اجتماعی استان مطرح و نسبت به جلب همکاری و مشارکت سازمانها و نهادهای ذی ربط اقدام نمایند. فصل سوم - وظایف سازمانها و نهادهای همکار در ساماندهی کودکان خیابانی ماده ۶ - سازمانها و نهادهای همکار در فرایند ساماندهی کودکان خیابانی در زمینه‌های تعیین شده زیر همکاری خواهند نمود: ۱- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران: الف - برقراری امنیت در کلیه مراحل اجرایی (امنیت مراکز و تیمهای سیار). ب - اقدامات لازم برای اجرای تبصره (۲) ماده (۲) این آیین‌نامه. ج - تعیین تکلیف کودکان خیابانی بزهکار. ۲ - وزارت دادگستری: الف - صدور مجوزها و احکام قضایی لازم در مراحل مختلف ساماندهی. ب - ارایه مشاوره حقوقی لازم جهت تسهیل ساماندهی کودکان خیابانی. ۳ - شهرداری: الف - تخصیص و تجهیز فضای فیزیکی مناسب جهت اجرای مراحل ساماندهی به استناد ماده (۶) قانون شهرداریها. ب - تأمین امکانات مورد نیاز ساماندهی یا اجرای تصمیمات کارگروه اجتماعی استان ۴ - وزارت کار و امور اجتماعی: الف - ارایه تسهیلات اعتباری اشتغالزای به خانواده‌های جویای کار کودکان خیابانی و کودکان بالای پانزده سال (با اولویت). ب - آموزش رایگان مهارت‌های شغلی به خانواده کودکان خیابانی و کودکان بالای پانزده سال توسط سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای. ۵ - وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: الف - تأمین نیازهای بهداشتی و درمانی کودکان خیابانی و خانواده درجه اول آنان و تأمین پزشک و پرستار مورد نیاز مراکز ساماندهی کودکان خیابانی. ب - ارایه خدمات بهداشت و درمان در مراکز سطح (۲) و (۳). ۶ - سازمان بیمه خدمات درمانی: - تأمین و صدور بیمه‌نامه خدمات درمانی برای کودک و خانواده درجه اول وی حسب اعلام بهزیستی استانها. ۷ - سازمان تأمین اجتماعی: - پوشش درمانی و خدمات مورد نیاز کودک و خانواده درجه اول وی در مراکز درمان و بیمارستانهای تابعه بدون دریافت وجه. ۸ - سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران: الف - انجام اقدامات فرهنگی و تبلیغی لازم. ب - تهیه برنامه‌ها و تیزرهای لازم برای آگاه‌سازی اقشار مختلف جامعه ج - همکاری رسانهای با سازمانهای مسئول در جهت انجام وظایف محوله به آنان. ۹ - جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران: - تأمین خدمات حمایتی و انسان دوستانه جهت کودک و خانواده وی در حد مقدور حسب درخواست بهزیستی استانها. ۱۰ - وزارت آموزش و پرورش: الف - هشدار و آگاه‌سازی اولیا دانش‌آموزان از طریق طرح مسئله توسط انجمنهای اولیا و مربیان. ب - شناسایی و راهنمایی دانش‌آموزانی که در معرض آسیب هستند از طریق مشاور مدرسه با همکاری مددکاران سازمان بهزیستی. ج - ارایه آموزشهای لازم و آگاه‌سازی دانش‌آموزان توسط مربیان و معلمان در خصوص خطرات فرار از خانه و گروههای آسیب‌رسان و دامهای اجتماعی. ۱۱ - کمیته امداد امام (ره): - اعمال حمایتهای لازم از خانواده‌های تحت پوشش حمایتی که دارای کودکان خیابانی بوده‌اند. فصل چهارم - هماهنگی و نظارت ماده ۷ - هماهنگیهای لازم و نظارت بر حسن اجرای مفاد این آیین‌نامه در استانها توسط کارگروه اجتماعی استان اعمال خواهد شد. تبصره - چنانچه کارگروه اجتماعی استان ضروری بداند، کارگروهی با ترکیب و وظایف مشابه در سطح شهرستان نیز قابل تشکیل خواهد بود. ماده ۸ - اداره کل بهزیستی استانها موظفند محورهای زیر را در کارگروه اجتماعی استان مطرح و نسبت به تحقق موارد زیر پیگیری نمایند: ۱ - بررسی فرایند و عملکرد هر یک از دستگاهها و نهادهای مجری در هر یک از مراحل اجرای طرح ساماندهی. ۲ - بررسی و رسیدگی به شکایات و تخلفات و بررسی گزارشهای ادارات بهزیستی یا کارگروه اجتماعی شهرستان. ۳ - فراهم نمودن تمهیدات لازم برای تسهیل اجرای برنامه‌های عملیاتی ساماندهی کودکان خیابانی در سطح استان. ۴ - ایجاد تعهد و حمایت سیاسی از اجرای برنامه‌های عملیاتی ساماندهی کودکان خیابانی در سطح استان. ۵ - برقراری هماهنگی بین بخشی در سطح سازمانها و نهادهای اجرایی دولتی و غیردولتی در راستای تحقق اهداف برنامه. ۶ - ارزیابی عملکرد و پایش مستمر شاخصهای تعیین شده در سطح استان. ۷ - تحلیل وضع موجود در استان بر اساس گزارشهای دریافت شده از شهرستانها. ۸ - ترسیم وضعیت مطلوب استان بر اساس شاخصهای کشوری و داده‌های شهرستانها. ۹ - تهیه چارچوب آموزش، برقراری ارتباط و اطلاع‌رسانی عمومی و ایجاد هماهنگی در زمینه‌های زیر: الف - برقراری ارتباط با انجمنهای

خیریه و اطلاع‌رسانی در این زمینه. ب - برقراری ارتباط با مسئولان سیاسی، اجتماعی و مذهبی استان و جلب حمایت آنان. ج - آگاه‌سازی مردم از آرمانها و هدفهای برنامه با استفاده از وسایل ارتباط جمعی استان. ۱۰ - جمع‌آوری و تحلیل مستندات و گزارشهای ادواری و موردی شهرستانها. ۱۱ - ایجاد بستر لازم جهت توانمندسازی فرد و خانواده وی. تبصره - در صورت تشخیص کارگروه اجتماعی استان، سایر سازمانها و نهادها علاوه بر سازمانها و نهادهای موضوع ماده (۶) این آیین‌نامه با سازمان بهزیستی کشور در فرایند ساماندهی کودکان خیابانی همکاری خواهند نمود. فصل پنجم - مقررات عمومی ماده ۹ - سازمان بهزیستی کشور موظف است با مشارکت و همکاری سازمانها و نهادهای ذی‌ربط نسبت به راه‌اندازی مراکز سطوح چهارگانه موضوع این آیین‌نامه در کلیه مراکز استانی که با مشکل کودکان خیابانی مواجه می‌باشند اقدام نماید. ماده ۱۰ - سازمان بهزیستی کشور مجاز است از محل اعتبارات ساماندهی کودکان خیابانی نسبت به جذب نیروی متخصص مورد نیاز به صورت قراردادی با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اقدام نماید. ماده ۱۱ - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است اعتبارات مورد نیاز جهت اجرای این آیین‌نامه را تأمین و در اختیار وزارت رفاه و تأمین اجتماعی قرار دهد. ماده ۱۲ - وزارت رفاه و تأمین اجتماعی هماهنگی اجرای این آیین‌نامه را بر عهده دارد و این امر را توسط شورایی متشکل از دستگاه‌های ذی‌ربط در ماده (۶) به انجام می‌رساند و هر شش ماه یک بار گزارش اقدامات انجام یافته را تحلیل و جمع‌بندی و به شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی ارایه خواهد نمود. معاون اول رئیس‌جمهور - محمدرضا عارف

اصلاح آیین‌نامه بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر - مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۲/۴/۱۳۸۴ با توجه به نظر رئیس مجلس شورای اسلامی، موضوع نامه شماره ۶۶۳۸۹/۸۱۰۳ هـ/ب مورخ ۲۶/۲/۱۳۸۴ تصویب نمود: آیین‌نامه بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر موضوع تصویب‌نامه شماره ۶۵۸۴۶/۶/۳۲۱۸۰ هـ مورخ ۱۲/۱۱/۱۳۸۳ به شرح زیر اصلاح می‌شود: ۱ - متن زیر جایگزین بند «ح» ماده (۱) می‌گردد: «بند ح - از کارافتادگی کلی: عبارت است از کاهش قدرت کار بیمه شده در نتیجه بیماری یا حادثه به نحوی که پس از انجام خدمات درمانی و توانبخشی طبق نظریه کمیسیونهای پزشکی توانایی کار خود را شصت و شش درصد (۶۶٪) یا بیشتر از دست داده باشد.» ۲ - ماده (۳) حذف می‌گردد. ۳ - در ماده (۶) واژه «تدریجی» حذف می‌گردد. ۴ - ماده (۸) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: «ماده ۸ - در سالهایی که به تشخیص مراجع ذیصلاح خشکسالی در منطقه یا روستایی اعلام می‌گردد و یا در مواقع بروز حوادث غیرمترقبه و آفت زدگی و یا مرگ و میر دام تارفع عوارض ناشی از آن موجب بیکاری و ناتوانی بیمه شده در پرداخت حق بیمه گردد، سهم مشارکت روستاییان و عشایر در آن منطقه یا روستا حسب اعلام وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و تأیید شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی برعهده دولت خواهد بود.» ۵ - ماده (۱۰) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: «ماده ۱۰ - تعهدات موضوع این آیین‌نامه شامل موارد بیمه‌ای از جمله موارد زیر می‌باشد: الف - خدمات درمانی (بیماریها، حوادث و سوانح) ب - پیری. پ - فوت. ت - از کارافتادگی. ث - بیکاری. تبصره - میزان حق بیمه، ضوابط و شرایط برخورداری از بیمه بیکاری براساس پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و تصویب هیئت وزیران خواهد بود. ۶ - در ماده (۱۴) عبارت «شصت و شش درصد (۶۶٪) و بیشتر» جایگزین عبارت «بیش از ۶۶ درصد» گردد. ۷ - متن زیر جایگزین ماده (۱۵) می‌گردد: «ماده ۱۵ - نحوه تشکیل کمیسیونهای پزشکی، تعیین میزان درصد از کارافتادگی در بدو ورود و نیز جهت پرداخت مستمری به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد هیئت مدیره صندوق، تأیید وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و تصویب شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی خواهد رسید.» ۸ - در بند «الف» ماده (۱۹) عدد «۳۵/۱» به «۳۰/۱» اصلاح می‌گردد. ۹ - ماده (۲۰) به شرح زیر اصلاح گردد: «ماده ۲۰ - صندوق به عنوان یک مؤسسه دولتی مستقل دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری و استخدامی بوده و طبق ضوابط و مقررات مورد عمل خود وظایف زیر را برعهده دارد: الف - تعمیم و

گسترش بیمه روستاییان و عشایر به افراد مشمول. ب - جمع آوری و تمرکز کلیه وجوه موضوع صندوق. ج - سرمایه گذاری و بهره برداری از وجوه جاری و ذخیره شده. د - انجام تعهدات موضوع این آیین نامه.» معاون اول رئیسجمهور - محمدرضا عارف

اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی آیین نامه اجرایی بند (۵) جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴/۸/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۶۳۴۹۷ مورخ ۱۶/۷/۱۳۸۴ وزارت کار و امور اجتماعی و به استناد بند (۵) جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱ - مصوب ۱۳۸۰ - تصویب نمود: در ماده (۱۸) اصلاحی آیین نامه اجرایی بند (۵) جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱ - مصوب ۱۳۸۰ -، موضوع تصویب نامه شماره ۳۰۴۲۴/ت/۸۵۸۳ مورخ ۱۸/۲/۱۳۸۴ عبارت « تا پایان شهریور سال ۱۳۸۴ » به عبارت « تا پایان شهریور سال ۱۳۸۵ » اصلاح می گردد. این تصویب نامه از تاریخ اول مهر سال ۱۳۸۴ لازم الاجرا است. معاون اول رئیسجمهور - پرویز داودی

تصویب نامه راجع به تمدید مدت معافیت کارگاههای کوچک کمتر از ده نفر از قانون کار - مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۸/۱۰/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۹۷۹۵۹ مورخ ۱۷/۱۰/۱۳۸۴ وزارت کار و امور اجتماعی و به استناد ماده (۱۹۱) قانون کار جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۶۹ - تصویب نمود: تصویب نامه شماره ۵۶۳۹۲/ت/۲۷۹۲۹ هـ مورخ ۷/۱۱/۱۳۸۱، موضوع موارد استثناء و معافیت کارگاههای کوچک کمتر از ده نفر از قانون کار به مدت سه سال تمدید می شود.

اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی آیین نامه اجرایی بند (۵) جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴/۱۱/۱۳۸۵ بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه های کار و امور اجتماعی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان تامین اجتماعی و به استناد بند (۵) جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱ - مصوب ۱۳۸۰ - تصویب نمود: در ماده (۱۸) اصلاحی آیین نامه اجرایی بند (۵) جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره (۲) الحاقی ماده (۷۶) قانون اصلاح مواد (۷۲) و (۷۷) و تبصره ماده (۷۶) قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده (۷۶) مصوب ۱۳۷۱ - مصوب ۱۳۸۰ - موضوع تصویب نامه شماره ۸۰۴۸۳/ت/۳۵۹۹۳ هـ مورخ ۸/۷/۱۳۸۵ عبارت « تا پایان آبان سال ۱۳۸۵ » به عبارت « تا پایان دی سال ۱۳۸۵ » اصلاح می گردد. این تصویب نامه از تاریخ اول آذر سال ۱۳۸۵ لازم الاجرا است.

قانون اصلاح تبصره ماده (۱۴) قانون کار و الحاق یک تبصره به آن . مصوب ۸۴ (م ۱ تا ۵)

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدمحمدخاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران طرح اصلاح تبصره ماده (۱۴) قانون کار که یک فوریت آن در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۷/۱۰/۱۳۸۲ تصویب شده بود در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۳۰/۱/۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی در عنوان و متن تصویب و به تایید شورای نگهبان رسیده است، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی شماره ۶۴۹۲/ت/۲۲/۱۳۸۳ وزارت کار و امور اجتماعی قانون اصلاح تبصره ماده (۱۴) قانون کار و الحاق یک تبصره به آن که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی ام فروردین ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در

تاریخ ۹/۲/۱۳۸۳ به تایید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۸۹۰۹ مورخ ۱۵/۲/۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رئیس جمهور - سیدمحمدخاتمی قانون اصلاح تبصره ماده (۱۴) قانون کار و الحاق یک تبصره به آن ماده واحده - تبصره ماده (۱۴) قانون کار مصوب ۲/۷/۱۳۶۸ به عنوان تبصره (۱) به شرح ذیل اصلاح و تبصره دیگری به آن الحاق می گردد: تبصره ۱- مدت خدمت نظام وظیفه شاغلین مشمول قانون کار یا شرکت داوطلبانه آنان در جبهه قبل از اشتغال و یا حین اشتغال جزو سوابق خدمتی آنان نزد سازمان تامین اجتماعی محسوب می گردد. اعتبار موردنیاز برای اجراء این قانون از محل دریافت میانگین حق بیمه دو سال آخر فرد بیمه شده تامین می گردد. تبصره ۲- آن دسته از بیمه شدگانی که مشمول اصلاحیه تبصره (۲) ماده (۷۶) قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۴/۷/۱۳۸۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام هستند به شرط آن که خدمت نظام وظیفه خود را در جبهه های نبرد حق علیه باطل طی نموده یا حضور داوطلبانه در جبهه داشته باشند سوابق خدمتی آنان جزء کارهای سخت و زیان آور محسوب می شود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی ام فروردین ماه یکهزار سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۹/۲/۱۳۸۳ به تایید شورای نگهبان رسیده است. رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی

اصلاح ماده (۱۴) آیین نامه نحوه تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و عملکرد کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی ک

وزارت کار و امور اجتماعی - وزارت صنایع و معادن - وزارت دادگستری - وزارت کشور - وزارت جهاد کشاورزی وزرای عضو کارگروه موضوع تصویب نامه شماره ۷۲۸۸۴/ت/۳۴۴۵۲ مورخ ۹/۱۱/۱۳۸۴ در جلسه مورخ ۱۷/۸/۱۳۸۵ به استناد تبصره ماده (۱۳۵) قانون کار - مصوب ۱۳۶۹ - و با رعایت تصویب نامه یادشده تصویب نمودند: متن زیر به عنوان تبصره به ماده (۱۴) آیین نامه نحوه تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و عملکرد کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان و کانون عالی هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور، موضوع تصویب نامه شماره ۶۵۱۱/ت/۱۳۰ مورخ ۲۶/۴/۱۳۷۲ اضافه می شود: «تبصره - چنانچه پس از ثبت اساسنامه، وزیر کار و امور اجتماعی تشخیص دهد مورد یا مواردی از اساسنامه منطبق با مقررات قانون و این آیین نامه نباشد، ثبت اساسنامه کان لم یکن تلقی و باطل اعلام می گردد.» این تصویب نامه در تاریخ ۴/۲/۱۳۸۶ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است. معاون اول رئیس جمهور - پرویز داودی

قانون اصلاح تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب ۲۷/۷/۱۳۷۶ - مصوب ۱۳۸۶

جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون اصلاح تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۷۶ مصوب جلسه علنی مورخ ۲۲/۳/۱۳۸۶ مجلس که با عنوان طرح دو فوریتی اصلاح بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی به مجلس شورای اسلامی تقدیم و مطابق اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام ارسال گردیده بود با تأیید آن مجمع به پیوست ابلاغ می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حداد عادل شماره ۱۹۹۲۱۹ مورخ ۲۶/۱۲/۱۳۸۶ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی قانون اصلاح تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب ۱۳۷۶ که در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ بیست و دوم خرداد ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و با توجه به ایراد شورای نگهبان، در جلسه مورخ ۲۰/۱۱/۱۳۸۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب نهایی رسیده و طی نامه شماره ۱۹۱۷۲۵/۶۸۸ مورخ ۵/۱۲/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رئیس جمهور - محمود احمدی نژاد قانون اصلاح تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۲۷/۷/۱۳۷۶ ماده

واحد - تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب ۲۷/۷/۱۳۷۶ به شرح ذیل اصلاح می‌گردد: ۱- در صورت فوت بیمه‌شده‌ای که بین ده تا بیست سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشد به بازماندگان وی به نسبت سنوات پرداخت حق بیمه بدون الزام به رعایت ماده (۱۱۱) قانون تأمین اجتماعی و به نسبت سهام مقرر در ماده (۸۳) همان قانون مستمری پرداخت می‌گردد. ۲- بیمه‌شده‌ای که از تاریخ تصویب این قانون به بعد فوت می‌شود چنانچه سابقه پرداخت حق بیمه او از یک سال تا ده سال باشد به بازماندگان وی در ازاء هر سال سابقه پرداخت حق بیمه غرامت مقطوعی معادل یک ماه حداقل دستمزد کارگر عادی در زمان فوت به طور یکجا و به نسبت سهام مقرر در ماده (۸۳) قانون تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحد در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و دوم خرداد ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۰/۱۱/۱۳۸۶ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

قانون پرداخت مستمری به فرزندان زنان متوفی مشمول قانون تأمین اجتماعی و سایر صندوقهای بازنشستگی - مصوب

شماره ۳۰/۱۰/۱۳۸۶ ۱۶۹۲۰۱/۷۸۰ جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون پرداخت مستمری به فرزندان زنان متوفی مشمول قانون تأمین اجتماعی و سایر صندوقهای بازنشستگی که با عنوان طرح دوفوریتی تسری قانون پرداخت حقوق وظیفه به فرزندان مستخدمین متوفی مصوب ۱۳۵۵ به مشمولین قانون تأمین اجتماعی به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۵/۱۰/۱۳۸۶ مجلس با اصلاحاتی در عنوان و متن به تصویب رسیده است به لحاظ انقضای مهلت مقرر، موضوع اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و عدم وصول پاسخ شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می‌گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل شماره ۶/۱۱/۱۳۸۶ ۱۷۵۱۶۲ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی قانون پرداخت مستمری به فرزندان زنان متوفی مشمول قانون تأمین اجتماعی و سایر صندوقهای بازنشستگی که در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ پنجم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و بدون ارایه نظر از سوی شورای نگهبان در مهلت مقرر در اصل ۹۴ قانون اساسی طی نامه شماره ۳۰/۱۰/۱۳۸۶ مورخ ۱۶۹۲۰۱/۷۸۰ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می‌گردد. رئیس جمهور - محمود احمدی‌نژاد قانون پرداخت مستمری به فرزندان زنان متوفی مشمول قانون تأمین اجتماعی و سایر صندوقهای بازنشستگی ماده واحد - حقوق وظیفه مادران متوفی مشمول قانون تأمین اجتماعی اعم از سازمان تأمین اجتماعی و سایر صندوقهای بازنشستگی با رعایت شرایط قانونی مربوط و همانند مردان مشمول در خصوص فرزندان آنها (از محل کسورات بازنشستگی پرداختی توسط آنان) برقرار می‌شود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحد در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ پنجم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در مهلت مقرر موضوع اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظر شورای نگهبان واصل نگردید. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

تصویب‌نامه در خصوص تعیین مشاغل سخت و زیان‌آور در شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۶/۸/۲۱

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳/۸/۱۳۸۶ بنا به پیشنهاد شماره ۶۴۹۶۰/۱۰۰ مورخ ۱۰/۵/۱۳۸۶ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس‌جمهور و به استناد تبصره (۴) ماده واحد قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور - مصوب ۱۳۶۷ - تصویب نمود: مشاغل زیر در شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران به عنوان مشاغل سخت و زیان‌آور تعیین می‌شوند. معاون اول رئیس‌جمهور - پرویز داودی

قانون اصلاح تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب ۱۳۷۶/۷/۲۷ - مصوب ۱۳۸۶/۱۲/۲۶

در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون اصلاح تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب ۱۳۷۶ مصوب جلسه علنی مورخ ۲۲/۳/۱۳۸۶ مجلس که با عنوان طرح دو فوریتی اصلاح بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی به مجلس شورای اسلامی تقدیم و مطابق اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام ارسال گردیده بود با تأیید آن مجمع جهت اجرا به دولت ابلاغ گردید. شماره ۱۹۹۲۱۹ ۲۶/۱۲/۱۳۸۶ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی قانون اصلاح تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب ۱۳۷۶ که در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و دوم خرداد ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و با توجه به ایراد شورای نگهبان، در جلسه مورخ ۲۰/۱۱/۱۳۸۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب نهایی رسیده و طی نامه شماره ۱۹۱۷۲۵/۶۸۸ مورخ ۵/۱۲/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می‌گردد. رئیس جمهور - محمود احمدی‌نژاد قانون اصلاح تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب ۲۷/۷/۱۳۷۶ ماده واحده - تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب ۲۷/۷/۱۳۷۶ به شرح ذیل اصلاح می‌گردد: ۱- در صورت فوت بیمه‌شده‌ای که بین ده تا بیست سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشد به بازماندگان وی به نسبت سنوات پرداخت حق بیمه بدون الزام به رعایت ماده (۱۱۱) قانون تأمین اجتماعی و به نسبت سهام مقرر در ماده (۸۳) همان قانون مستمری پرداخت می‌گردد. ۲- بیمه‌شده‌ای که از تاریخ تصویب این قانون به بعد فوت می‌شود چنانچه سابقه پرداخت حق بیمه او از یک سال تا ده سال باشد به بازماندگان وی در ازاء هر سال سابقه پرداخت حق بیمه غرامت مقطوعی معادل یک ماه حداقل دستمزد کارگر عادی در زمان فوت به طور یکجا و به نسبت سهام مقرر در ماده (۸۳) قانون تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و دوم خرداد ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۰/۱۱/۱۳۸۶ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

آیین‌نامه اجرایی قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت - مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۰

وزرای عضو کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک هیئت دولت در جلسه مورخ ۲۳/۱۰/۱۳۸۶ بنا به پیشنهاد مشترک معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور و وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و به استناد تبصره (۵) ماده واحده قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت - مصوب ۱۳۸۶ - و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۱۶۴۰۸۲/ت۳۷۳-ه مورخ ۱۰/۱۰/۱۳۸۶ آیین‌نامه اجرایی قانون یادشده را به شرح زیر تصویب نمودند: آیین‌نامه اجرایی قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت ماده ۱- در این آیین‌نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند: الف - قانون: قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت - مصوب ۱۳۸۶ - ب - سنوات خدمات قابل قبول: سنواتی است که طبق قوانین و مقررات مربوط از لحاظ احراز شرایط بازنشستگی جزو سنوات خدمت ملاک محاسبه قرار می‌گیرد. پ - وزارت: وزارت امور اقتصادی و دارایی. ماده ۲- کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی در صورت دارا بودن حداقل بیست و پنج (۲۵) سال سابقه خدمت قابل قبول (بدون رعایت شرط سنی) می‌توانند در مهلت پیش‌بینی شده در قانون با ارایه درخواست کتبی مبنی بر بازنشستگی پیش از موعد و موافقت دستگاه متبوع با استفاده از حداکثر پنج (۵) سال سال سنوات ارفاقی تا سقف سی سال بازنشسته شوند. تبصره ۱- بانوان شاغل که فاقد شرط سابقه خدمت مقرر در این ماده می‌باشند، به شرط داشتن حداقل بیست (۲۰) سال سنوات خدمت قابل قبول

می‌توانند با ارایه درخواست کتبی و موافقت دستگاه متبوع با استفاده از حداکثر پنج (۵) سال سنوات ارفاقی بازنشسته شوند. تبصره ۲- افرادی که در طول مدت اجرای قانون شرایط موضوع ماده (۲) این آیین‌نامه را احراز و بصورت مکتوب در خواست خود را ارایه نمایند و مطابق ماده (۳) این آیین‌نامه تا پایان ۵/۶/۱۳۸۹ با درخواست بازنشستگی آنها موافقت شود، مشمول این آیین‌نامه خواهند بود. ماده ۳- بمنظور بررسی درخواستی بازنشستگی پیش از موعد در انطباق با برنامه‌های جامع نیروی انسانی دستگاههای دولتی، رییس دستگاه یا بالاترین مقام مسئول دستگاه اجرایی می‌تواند کارگروهی مرکب از مدیران واحدهای ذی‌ربط دستگاه متبوع تشکیل دهد. درخواستهای مشمولان قانون پس از اعلام نظر مدیر بلافصل متقاضی در کارگروه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. تبصره - تصمیمات کارگروه در صورت وجود اعتبار لازم و پس از تأیید بالاترین مقام دستگاه قابل اجرا خواهد بود. ماده ۴- پاداش پایان خدمت کارکنان رسمی مشمول قانون با رعایت مفاد قانون پرداخت پاداش پایان خدمت و بخشی از هزینه‌های ضروری به کارکنان دولت - مصوب ۱۳۷۵ - و اصلاحات بعدی آن و با احتساب سنوات ارفاقی توسط دستگاه متبوع مستخدم محاسبه و پرداخت می‌شود. تبصره ۱- در مورد مستخدمان پیمانی مطابق آیین‌نامه استخدام پیمانی، موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۲۲۸۲/ت/۶۶۴ مورخ ۱۵/۶/۱۳۶۸ و اصلاحات بعدی آن و در مورد مشمولان قانون کار مطابق احکام مندرج در قانون کار توسط دستگاه متبوع مستخدم عمل خواهد شد. تبصره ۲- پاداش پایان خدمت بانوان متقاضی با کمتر از بیست و پنج (۲۵) سال سابقه خدمت به میزان سنوات خدمت قابل قبول (بدون احتساب سنوات ارفاقی) محاسبه و پرداخت خواهد شد. ماده ۵- وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مکلفند در سال ۱۳۸۶ اعتبار لازم برای پرداخت کسور بازنشستگی و حق بیمه سهم مستخدم و کارفرما بابت سنوات ارفاقی براساس آخرین حقوق و مزایای مشمول کسر کسور بازنشستگی را بصورت یکجا و نیز مابه‌التفاوت حقوق بازنشستگی بابت سنوات ارفاقی آنان را (همان سال) به ترتیب مقرر در تبصره (۱) ماده واحده قانون محاسبه و به وزارت اعلام کنند. وزارت موظف است اعتبار اعلام شده را از سر جمع اعتبارات دستگاهها کسر و به حساب صندوقهای بازنشستگی ذی‌ربط واریز نماید. ماده ۶- از سال ۱۳۸۷ تا پنج (۵) سال پس از مهلت اجرای قانون، اعتبار لازم برای پرداخت کسور بازنشستگی و حق بیمه سهم مستخدم و کارفرما بابت سنوات ارفاقی براساس آخرین حقوق و مزایای مشمول کسور بازنشستگی بطور یکجا و با اعمال ضریب (۱/۱) محاسبه و در ردیف بودجه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، همچنین مابه‌التفاوت حقوق بازنشستگی بابت سنوات ارفاقی آن دسته از کارکنانی که تا سال قبل بازنشسته شده‌اند در ردیف جداگانه‌ای ذیل بودجه وزارت پیش‌بینی خواهد شد. وزارت موظف است سهم هر یک از صندوقهای بازنشستگی را سالانه به حساب صندوقهای بازنشستگی ذی‌ربط واریز نماید. تبصره - وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مکلفند کسور بازنشستگی و حق بیمه سهم مستخدم و کارفرما بابت سنوات ارفاقی را بطور یکجا به صندوقهای بازنشستگی پرداخت نمایند. ماده ۷- کارکنانی که با استفاده از سنوات ارفاقی بازنشسته می‌شوند پی از بازنشستگی از امتیازاتی که در سایر قوانین و مقررات برای کارکنان بازنشسته در نظر گرفته شده یا می‌شود بهره‌مند خواهند شد. ماده ۸- شرکتهای دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی می‌توانند کارکنان واجد شرایط را صرفاً از محل منابع مالی خود و براساس مفاد این آیین‌نامه بازنشسته کنند. ماده ۹- منظور از کارکنان قراردادی در آیین‌نامه، اشخاص زیر هستند: الف - مستخدمان موقت شرکتهای دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی. ب - آن دسته از مستخدمان متناظر کارکنان پیمانی شاغل در وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی دارای مقررات خاص که به موجب قرارداد به استخدام درآمده‌اند. ج - کارکنانی که براساس تصویب‌نامه شماره ۱۷۵۹۸ مورخ ۲۲/۳/۱۳۶۲ به صورت خرید خدمت با رعایت قوانین و مقررات مربوط در دستگاههای مشمول این قانون اشتغال دارند. د - آن دسته از کارکنان مشمول قانون که براساس مجوزهای قانونی با انعقاد قرارداد در خدمت دستگاههای یادشده بوده‌اند و کسور بازنشستگی یا حق بیمه (اعم از سهم مستخدم و کارفرمای) آنها طبق مقررات به صندوقهای بازنشستگی مربوط پرداخت گردیده است. تبصره - کارکنان ثابت یا عناوین مشابه دستگاههای مزبور برای استفاده از تسهیلات قانون در حکم مستخدم رسمی هستند.

ماده ۱۰- دستگاههای مشمول موظفند فهرست کارکنان مشمول قانون را با قید مشخصات استخدامی هر یک از آنان، میزان سنوات ارفاقی و پاداش پایان خدمت پرداختی به معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس جمهور و وزارت رفاه و تأمین اجتماعی در فواصل شش ماهه ارسال کنند. ماده ۱۱- وزارت رفاه و تأمین اجتماعی موظف است هر سال گزارش اجرای قانون را به هیئت وزیران ارایه نماید. ماده ۱۲- درخصوص مستخدمان شاغل در مشاغل سخت و زیان آور و جانبازان مقررات مربوط ملاک عمل خواهد بود. این تصویب نامه در تاریخ ۲۶/۱۲/۱۳۸۶ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

دستورالعمل چگونگی تشکیل و نحوه اداره شورای عالی کار موضوع ماده (۱۷۰) قانون کار - مصوب ۱۳۸۷/۱۵

وزرای عضو کارگروه موضوع تصویب نامه شماره ۷۲۸۸۴/ت/۳۴۴۵۲-هـ مورخ ۹/۱۱/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد وزارت کار و امور اجتماعی و به استناد بند (ب) ماده (۱۶۷) و ماده (۱۷۰) قانون کار - مصوب ۱۳۶۹- و با رعایت تصویب نامه یادشده، دستورالعمل چگونگی تشکیل و نحوه اداره شورای عالی کار را به شرح زیر اصلاح و تصویب نمودند: وزارت کار و امور اجتماعی - وزارت صنایع و معادن - وزارت دادگستری - وزارت رفاه و تأمین اجتماعی - وزارت جهاد کشاورزی - وزارت کشور دستورالعمل چگونگی تشکیل و نحوه اداره شورای عالی کار موضوع ماده (۱۷۰) قانون کار ماده ۱- در اجرای ماده (۱۶۷) قانون کار - مصوب ۱۳۶۹- شورای عالی کار که در این دستورالعمل به اختصار شورا نامیده می شود متشکل از اعضای زیر است: الف - وزیر کار و امور اجتماعی به عنوان رییس شورا. ب - دو نفر از افراد بصیر و مطلع در مسایل اجتماعی و اقتصادی به پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی و تصویب هیئت وزیران که یک نفر از آنان از اعضای شورای عالی صنایع انتخاب خواهد شد. ج - سه نفر از نمایندگان کارفرمایان (یک نفر از بخش کشاورزی)، با معرفی کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان. د - سه نفر از نمایندگان کارگران (یک نفر از بخش کشاورزی) با معرفی کانون عالی شورای اسلامی کار. هـ - وزیر رفاه و تأمین اجتماعی. و - رییس مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران. تبصره - در صورت عدم تشکیل یا فقدان اعتبار هر یک از کانونهای عالی یادشده، انتخاب نماینده کارفرمایان و کارگران در اجرای تبصره (۲) ماده (۱۳۶) قانون کار با وزیر کار و امور اجتماعی خواهد بود. ماده ۲- جلسات شورا، در وزارت کار و امور اجتماعی تشکیل می گردد. در صورت ضرورت حسب مورد با نظر وزیر کار و امور اجتماعی در محل دیگری تشکیل خواهد شد. ماده ۳- جلسات عادی شورا هر ماه حداقل یک بار بنا به دعوت و به ریاست وزیر کار و امور اجتماعی تشکیل می گردد. در موارد ضروری، جلسات فوق العاده بنا به تشخیص رییس شورا یا تقاضای سه نفر از اعضای شورا تشکیل خواهد شد. ماده ۴- هر یک از کانونهای یادشده باید علاوه بر اعضای اصلی، سه نفر به عنوان عضو علی البدل به شورا معرفی نمایند. به طوری که به ازای هر عضو اصلی همواره یک عضو علی البدل جایگزین گردد. تبصره ۱- در صورتی که در خلال عضویت، هر یک از اعضای اصلی این ماده فوت نماید و یا شرایطی را که به اعتبار آن برای نمایندگی شورا معرفی شده اند از دست بدهند، مانند استعفا، بازنشستگی، خاتمه خدمت، خروج از عضویت کانون عالی مربوط و نظایر آنها، غیبت غیرموجه در دو جلسه متوالی یا سه جلسه متناوب در طول سال تقویمی، عضویت آنها در شورا خاتمه یافته و برای باقیمانده مدت، عضو یا اعضای جدید مطابق این ماده به ترتیب فهرست معرفی شدگان انتخاب می شوند. تبصره ۲- در صورت مرخصی و عدم حضور اعضای اصلی در جلسه، اعضای علی البدل با داشتن حق رأی شرکت خواهند کرد. تبصره ۳- کانونهای عالی موضوع بندهای «ج» و «د» ماده (۱) می توانند قبل از اتمام دوره عضویت هر یک از نمایندگان یادشده، به عضویت وی خاتمه داده و فرد دیگری را برای باقیمانده مدت عضویت معرفی نمایند. ماده ۵- اعضای شورا مرکب از (۱۱) نفر می باشند و جلسات آن با حضور حداقل (۷) نفر از اعضا رسمیت خواهد داشت مشروط بر اینکه در هر جلسه دو نفر از گروه کارگر و دو نفر از گروه کارفرما حضور داشته باشند. مصوبات شورا با اکثریت آراء اعضای حاضر در جلسه معتبر خواهد بود. ماده ۶- مدت عضویت هر یک از نمایندگان کارفرمایان یا کارگران (اعم از اصلی یا علی البدل) در شورا دو سال

است و انتخاب مجدد آنها مجاز است. ماده ۷- دبیر شورا با پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی و تصویب شورا تعیین می‌گردد. تبصره - شورا دارای یک دبیرخانه دائمی، تحت سرپرستی دبیرشورا خواهد بود که تهیه و تنظیم دستور جلسات و همچنین صورت جلسات، دعوت از اعضاء، تنظیم امور دفتری، انجام مکاتبات لازم، حفظ و نگهداری و ثبت اوراق و اسناد و تهیه توضیحات لازم برای دستور جلسات و اعلام آگهی تصمیمات شورا را عهده‌دار خواهد بود. ماده ۸- تشکیلات موردنیاز دبیرخانه شورا به پیشنهاد دبیر شورا تعیین و نیازهای پرسنلی و پشتیبانی توسط وزارتخانه یادشده تأمین می‌شود. تبصره ۱- دبیر شورا موظف است خلاصه مذاکرات و تصمیمات شورا را در صورت جلسه قید و آن را به امضای اعضا برساند. آن بخش از مصوبات شورا که برای افراد ایجاد حق و یا تکلیف می‌نماید، در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، برای اطلاع درج می‌گردد. تبصره ۲- دبیر شورا دستور جلسات را با نظر رئیس شورا تنظیم و حداقل (۷۲) ساعت قبل از تشکیل جلسه به اطلاع اعضاء می‌رساند. دبیر شورا می‌تواند حسب ضرورت از افراد صاحب نظر دعوت به عمل آورد. افراد یادشده بدون داشتن حق رأی و فقط به منظور اظهار نظر کارشناسی در جلسه شرکت خواهند نمود. ماده ۹- شورا می‌تواند در موارد ضروری و به منظور انجام بررسی‌های لازم نسبت به مسایلی که نیاز به کارشناسی دارد، اقدام به تشکیل کارگروه‌های تخصصی نماید. ماده ۱۰- حق حضور اعضای شورا و کارگروه‌های تخصصی آن در بودجه سالانه وزارت کار و امور اجتماعی پیش‌بینی و پرداخت خواهد شد. ماده ۱۱- از تاریخ ابلاغ این دستورالعمل، دستورالعمل قبلی لغو می‌گردد. این تصویب‌نامه در تاریخ ۵/۱/۱۳۸۷ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است. معاون اول رئیس جمهور - پرویز داودی

قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی - مصوب ۱۳۸۶

قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی که در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ نهم آبان ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۶/۸/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده، جهت اجراء ابلاغ گردید. توضیح ضروری روزنامه رسمی: به رغم آنکه نامه شماره ۱۳۲۷۳۴ - ۱۱/۹/۱۳۸۶ رئیس جمهوری اسلامی ایران حکایت از ابلاغ قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی به روزنامه رسمی جهت درج و انتشار می‌نماید لیکن قانون موصوف در ساعت ۴۰/۹ مورخ ۳/۲/۱۳۸۷ از طریق شبکه الکترونیکی پیام دولت که زیر نظر حوزه معاونت پشتیبانی و تحول اداری ریاست جمهوری بوده و از آغاز سال ۱۳۸۲ تا کنون تنها کانال برقراری ارتباط نوشتاری روزنامه رسمی با ریاست جمهوری جهت دریافت قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و نیز مصوبات هیأت دولت می‌باشد دریافت گردیده است لذا برای اولین بار در روزنامه رسمی درج و منتشر می‌گردد. مدیرعامل روزنامه رسمی کشور - پورسینا شماره ۱۲۴۲۹۴/۴۷۱ ۱۹/۸/۱۳۸۶ جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران عطف به نامه شماره ۲۸۹۷۷/۳۱۷۰۷ مورخ ۱۱/۵/۱۳۸۴ در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی که با عنوان لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۹/۸/۱۳۸۶ و تأیید شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می‌گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل شماره ۱۳۲۷۳۴ ۱۱/۹/۱۳۸۶ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی که در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ نهم آبان ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۶/۸/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۲۴۲۹۴/۴۷۱ مورخ ۱۹/۸/۱۳۸۶ واصل گردیده است به پیوست جهت اجراء ابلاغ می‌گردد. رئیس جمهور - محمود احمدی‌نژاد قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی ماده ۱- کارگران شاغل در کارهای ساختمانی اعم از ایجاد یا توسعه ساختمان، تجدید بنا، تعمیرات اساسی و یا تخریب مربوط به ساختمان و به ترتیب مندرج در این قانون با نام‌نویسی و اخذ کد ملی نزد سازمان تأمین اجتماعی بیمه می‌شوند. تبصره -

کارگران شاغل در کارهای ساختمانی تا زمان تحت پوشش قرار گرفتن به موجب این قانون، کماکان از حیث خدمات مشمول قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۵۲ و اصلاحات بعدی آن هستند و در صورت احراز شرایط از مزایای قانون یاد شده برخوردار خواهند شد. ماده ۲- کارگران شاغل در کارهای ساختمانی در موارد زیر از شمول این قانون خارج و کماکان تابع قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و اصلاحات بعدی آن هستند: ۱- وزارتخانه‌ها، سازمانها، موسسات و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت، موسسات عمومی غیردولتی، شهرداریها، بانکها و موسسات عام‌المنفعه و نیز کارخانجات دارای پروانه بهره‌برداری اعم از این که انجام کار را به پیمانکار واگذار نمایند یا رأساً انجام دهند. ۲- در مورد آن دسته از کارهای ساختمانی مشمول این قانون که انجام آنها از طریق انعقاد پیمان به پیمانکار واگذار می‌شود حق بیمه کارگران پیمانکار براساس ماده ۳۸ قانون تامین اجتماعی وصول خواهد شد. ماده ۳- وزارت کار و امور اجتماعی (سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای موظف است نسبت به فراخوان و آموزش کارگران شاغل در کارهای ساختمانی اقدام و کارت مهارت فنی برای آنها صادر نماید. تبصره ۱- زمانبندی، شرایط و ترتیب صدور، تمدید، تعلیق و کارت مهارت فنی و نحوه شناسایی کارگران شاغل در کارگاههای ساختمانی موضوع این ماده و اشتغال آنها در طول دوره اعتبار کارت، طبق آئین‌نامه‌ای خواهد بود که مشترکاً توسط وزارتخانه‌های رفاه و تامین اجتماعی، کار و امور اجتماعی، مسکن و شهرسازی و کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. تبصره ۲- کارگران شاغل دارای کارت مهارت فنی معتبر از تاریخ نام‌نویسی در سازمان تامین اجتماعی مبتنی بر کد ملی مشمول مقررات این قانون هستند و از تعهدات آن بهره‌مند خواهند شد. ماده ۴- تعهدات موضوع این قانون شامل موارد زیر است که به بیمه شده در صورت احراز شرایط ارائه خواهد شد: الف - حوادث و بیماریها. ب - غرامت دستمزد. ج - از کارافتادگی د - بازنشستگی ه - فوت تبصره - افراد خانواده بیمه‌شده جهت برخورداری از خدمات موضوع بند (الف این ماده طبق ماده ۵۸) قانون تامین اجتماعی و در مورد بازماندگان طبق مواد (۸۱) و (۸۲) قانون یادشده تعیین می‌گردند. ماده ۵- در مواردی که انجام کارهای ساختمانی مستلزم اخذ پروانه می‌باشد، مراجع ذی‌ربط مکلفند صدور پروانه را منوط به ارائه رسید پرداخت حق بیمه برای هر مترمربع سطح زیر بنا معادل چهاردرصد (۴٪) حداقل دستمزد ماهانه سال درخواست پروانه به حسابی که سازمان تامین اجتماعی اعلام خواهد کرد، نمایند. تبصره ۱- در صورتی که حوادث ناشی از کار منجر به مصدومیت، فوت یا از کارافتادگی گردد ولی متقاضی با وجود الزام به گرفتن پروانه نسبت به اخذ آن اقدام ننموده باشد، سازمان تامین اجتماعی علاوه بر حق بیمه موضوع این قانون جریمه‌ای به طور مقطوع معادل بیست و پنج درصد (۲۵٪) اصل حق بیمه محاسبه و وصول خواهد کرد. تبصره ۲- مبالغی که موقع صدور پروانه طبق مقررات این ماده پرداخت می‌گردد، در محاسبه حق بیمه کارگران پیمانکار موضوع بند (۲) ماده (۲) این قانون محسوب خواهد گردید. ماده ۶- حق بیمه سهم بیمه‌شده معادل هفت درصد (۷٪) دستمزد ماهانه‌ای خواهد بود که طبق ماده (۳۵) قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ برای کارگران تعیین می‌شود. تبصره - دولت مکلف است معادل سه درصد (۳٪) مازاد کسر حق بیمه موضوع این ماده به عنوان سهم مشارکت خود به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نماید، همچنین با توجه به تعداد افراد تحت پوشش، همه ساله با اعلام سازمان تامین اجتماعی سهم مشارکت خود را در بودجه کل کشور منظور و به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نماید. ماده ۷- بیمه‌شده مکلف است حق بیمه خود را به ترتیبی که سازمان تامین اجتماعی تعیین می‌نماید پرداخت نماید. تبصره - در صورت عدم پرداخت حق بیمه موضوع این قانون، سازمان طبق اختیارات مندرج در قانون تامین اجتماعی برای وصول حق بیمه اقدام خواهد نمود. ماده ۸- نقل و انتقال سابقه پرداخت حق بیمه موضوع این قانون، فی‌مابین صندوقهای بیمه و بازنشستگی براساس قوانین مربوط انجام می‌شود. ماده ۹- چگونگی استفاده از خدمات درمانی، مدت و شرایط و میزان غرامت دستمزد برای حوادث ناشی از کار، تعیین درصد از کارافتادگی، چگونگی تشخیص حوادث ناشی و غیرناشی از کار، شرایط پرداخت غرامت نقص مقطوع و برقراری مستمری جزئی و کلی، نحوه محاسبه و میزان آن و تغییر درجه از کارافتادگی جزئی و کلی تابع مقررات قانون تامین اجتماعی خواهد بود. ماده ۱۰- مشمولان این قانون

در صورت دارا بودن یکی از شرایط زیر می‌توانند درخواست بازنشستگی نمایند: ۱- داشتن حداقل سابقه مقرر در قانون تامین اجتماعی و شصت سال تمام سن ۲- داشتن سی و پنج سال کامل سابقه پرداخت حق بیمه تبصره - میزان مستمری بازنشستگی طبق قانون تامین اجتماعی تعیین می‌شود. مستمری از کارافتادگی جزئی و کلی، نحوه محاسبه و میزان آن و تغییرات درجه از کارافتادگی جزئی و کلی تابع مقررات قانون تامین اجتماعی خواهد بود. ماده ۱۱- شرایط بیمه شده متوفی، بازماندگان واجد شرایط بیمه شده متوفی، نحوه برقراری مستمری بازماندگان و سهم مستمری هر یک از آنان طبق قانون تامین اجتماعی خواهد بود. ماده ۱۲- در صورتی که ثابت شود وقوع حادثه ناشی از کار مستقیماً ناشی از عدم رعایت مقررات حفاظت فنی کارفرما می‌باشد، سازمان تامین اجتماعی طبق مقررات این قانون (ماده ۶۶ قانون تامین اجتماعی و تبصره‌های آن هزینه‌های مربوط را طبق ماده (۵۰) قانون تامین اجتماعی از کارفرما مطالبه و وصول خواهد نمود. ماده ۱۳- کلیه وزارتخانه‌ها، دستگاهها، نهادها، شرکتها و موسسات دولتی و وابسته به دولت، شهرداریها و موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و دستگاههایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و مراجع صدور پروانه ساختمان مکلف به همکاری با مجریان این قانون می‌باشند. ماده ۱۴- از تاریخ تصویب این قانون آن دسته از مواد قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۵۲ و سایر قوانینی که با این قانون مغایر است لغو می‌گردد. قانون فوق مشتمل بر چهارده ماده و نه تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ نهم آبان ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۶/۸/۱۳۸۶ به تایید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

بیمه

قانون بیمه - (مصوب ۷/۲/۱۳۱۶)

معاملات بیمه

ماده ۱ - بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازاء پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد. متعهد را بیمه‌گر، طرف تعهد را بیمه‌گذار، وجهی را که بیمه‌گذار به بیمه‌گر می‌پردازد حق بیمه و آنچه را که بیمه می‌شود موضوع بیمه نامند. ماده ۲ - عقد بیمه و شرایط آن باید به موجب سند کتبی باشد و سند مزبور موسوم به بیمه نامه خواهد بود. ماده ۳ - در بیمه نامه باید امور ذیل به طور صریح قید شود. ۱ - تاریخ انعقاد قرارداد. ۲ - اسم بیمه‌گر و بیمه‌گذار. ۳ - موضوع بیمه ۴ - حادثه یا خطری که عقد بیمه به مناسبت آن به عمل آمده است ۵ - ابتدا و انتهای بیمه ۶ - حق بیمه ۷ - میزان تعهد بیمه‌گر در صورت وقوع حادثه ماده ۴ - موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسوولیت حقوقی مشروط بر اینکه بیمه‌گذار نسبت به بقاء آنچه بیمه می‌دهد ذی نفع باشد و همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن بیمه‌گذار متضرر می‌گردد. ماده ۵ - بیمه‌گذار ممکن است اصیل باشد یا به یکی از عناوین قانونی نمایندگی صاحب مال یا شخص ذینفع را داشته یا مسوولیت حفظ آن را از طرف صاحب مال داشته باشد. ماده ۶ - هر کس بیمه می‌دهد بیمه متعلق به خود اوست مگر آنکه در بیمه نامه تصریح شده باشد که مربوط به دیگری است لیکن در بیمه حمل و نقل ممکن است بیمه نامه بدون ذکر اسم بنام حامل تنظیم شود. ماده ۷ - طلبکار می‌تواند مالی را که در نزد او وثیقه یا رهن است بیمه دهد، در این صورت هر گاه حادثه‌ای نسبت به مال مزبور رخ دهد از خساراتی که بیمه‌گر باید بپردازد تا میزان آنچه را که بیمه‌گذار در تاریخ وقوع حادثه طلبکار است به شخص او و بقیه به صاحب مال تعلق خواهد گرفت ماده ۸ - در صورتی که مالی بیمه شده باشد در مدتی که بیمه‌باقیست نمی‌توان همان مال را به نفع همان شخص و از همان خطر مجدداً بیمه نمود. ماده ۹ - در صورتی که مالی به کمتر از قیمت بیمه شده باشد نسبت به بقیه قیمت می‌توان آن را بیمه نمود، در این

صورت هر یک از بیمه‌گران به نسبت مبلغی از مال که بیمه کرده است مسوول خواهد بود. ماده ۱۰ - در صورتی که مالی به کمتر از قیمت واقعی بیمه شده باشد بیمه‌گر فقط به تناسب مبلغی که بیمه کرده است با قیمت واقعی مال مسوول خسارت خواهد بود.

فسخ و بطلان

ماده ۱۱ - چنانچه بیمه‌گذار یا نماینده او با قصد تقلب، مالی را اضافه بر قیمت عادلانه در موقع عقد قرارداد بیمه داده باشد عقد بیمه باطل و حق بیمه دریافتی قابل استرداد نیست ماده ۱۲ - هرگاه بیمه‌گذار عمداً از اظهار مطالبی خودداری کند یا عمداً اظهارات کاذبه بنماید و مطالب اظهار نشده یا اظهارات کاذبه طوری باشد که موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن در نظر بیمه‌گر بکاهد عقد بیمه باطل خواهد بود حتی اگر مراتب مذکوره تاثیری در وقوع حادثه نداشته باشد. در این صورت نه فقط وجوهی که بیمه‌گذار پرداخته است قابل استرداد نیست بلکه بیمه‌گر حق دارد اقساط بیمه را که تا آن تاریخ عقب افتاده است نیز از بیمه‌گذار مطالبه کند. ماده ۱۳ - اگر خودداری از اظهار مطالبی یا اظهارات خلاف واقع از روی عمد نباشد عقد بیمه باطل نمی‌شود - در این صورت هرگاه مطلب اظهار نشده یا اظهار خلاف واقع قبل از وقوع حادثه معلوم شود بیمه‌گر حق دارد یا اضافه حق بیمه را از بیمه‌گذار در صورت رضایت او دریافت داشته قرار داد را ابقاء کند و یا قرارداد بیمه را فسخ کند - در صورت فسخ بیمه‌گر باید مراتب را به موجب اظهارنامه یا نامه سفارشی دو قبضه به بیمه‌گذار اطلاع دهد اثر فسخ ده روز پس از ابلاغ مراتب به بیمه‌گذار شروع می‌شود و بیمه‌گر باید اضافه حق بیمه دریافتی تا تاریخ فسخ را به بیمه‌گذار مسترد دارد. در صورتیکه مطلب اظهار نشده یا اظهار خلاف واقع بعد از وقوع حادثه معلوم شود خسارت به نسبت وجه بیمه پرداختی و وجهی که بایستی در صورت اظهار نظر به طور کامل و واقع پرداخته شده باشد تقلیل خواهد یافت ماده ۱۴ - بیمه‌گر مسوول خسارات ناشیه از تقصیر بیمه‌گذار یا نمایندگان او نخواهد بود. ماده ۱۵ - بیمه‌گذار باید برای جلوگیری از خسارت مراقبتی را که عادتاً هر کس از مال خود می‌نماید نسبت به موضوع بیمه‌نیز بنماید و در صورت نزدیک شدن حادثه یا وقوع آن اقداماتی را که برای جلوگیری از سرایت و توسعه خسارت لازم است به عمل آورد. اولین زمان امکان و منتهی در ظرف پنج روز از تاریخ اطلاع خود از وقوع حادثه بیمه‌گر را مطلع سازد والا بیمه‌گر مسوول نخواهد بود، مگر آنکه بیمه‌گذار ثابت کند که بواسطه حوادثی که خارج از اختیار او بوده است اطلاع به بیمه‌گر در مدت مقرر برای او مقدور نبوده است مخارجی که بیمه‌گذار برای جلوگیری از توسعه خسارت می‌نماید بر فرض که منتج به نتیجه نشود بعهده بیمه‌گر خواهد بود ولی هرگاه بین طرفین در موضوع لزوم مخارج مزبوره یا تناسب آن با موضوع بیمه اختلافی ایجاد شود حل اختلاف به حکم یا محکمه رجوع می‌شود. ماده ۱۶ - هرگاه بیمه‌گذار در نتیجه عمل خود خطری را که به مناسبت آن بیمه منعقد شده است تشدید کند یا یکی از کیفیات یا وضعیت موضوع بیمه را به طوری تغییر دهد که اگر وضعیت مزبور قبل از قرارداد موجود بود بیمه‌گر حاضر برای انعقاد قرارداد با شرایط مذکوره در قرارداد نمی‌گشت باید بیمه‌گر را بلافاصله از آن مستحضر کند - اگر تشدید خطر یا تغییر وضعیت موضوع بیمه در نتیجه عمل بیمه‌گذار نباشد مشارالیه باید مراتب را در ظرف ده روز از تاریخ اطلاع خود رسماً به بیمه‌گر اعلام کند. در هر دو مورد مذکور در فوق بیمه‌گر حق دارد اضافه حق بیمه را معین نموده به بیمه‌گذار پیشنهاد کند و در صورتی که بیمه‌گذار حاضر برای قبولی و پرداخت آن نشود قرارداد را فسخ کند و اگر تشدید خطر در نتیجه عمل خود بیمه‌گذار باشد خسارات وارده را نیز از مجرای محاکم عمومی از او مطالبه کند و در صورتی که بیمه‌گر پس از اطلاع تشدید خطر به نحوی از انحاء رضایت به بقاء عقد قرارداد داده باشد مثل آنکه اقساطی از وجه بیمه را پس از اطلاع از مراتب از بیمه‌گذار قبول کرده یا خسارت بعد از وقوع حادثه به او پرداخته باشد دیگر نمی‌تواند به مراتب مذکوره استناد کند - وصول اقساط حق بیمه بعد از اطلاع از تشدید خطر یا پرداخت خسارت پس از وقوع حادثه و نحو آن دلیل بر رضایت بیمه‌گر به بقاء قرارداد می‌باشد. ماده ۱۷ - در صورت فوت بیمه‌گذار یا انتقال موضوع بیمه به دیگری اگر ورثه یا منتقل‌الیه کلیه تعهداتی را که به موجب قرارداد بعهده بیمه‌گذار

بوده است در مقابل بیمه‌گر اجرا کند عقد بیمه به نفع ورثه یا منتقل‌الیه به اعتبار خود باقی می‌ماند معهدا هر یک از بیمه‌گر یا ورثه یا منتقل‌الیه حق فسخ آن را نیز خواهند داشت بیمه‌گر حق دارد در ظرف سه ماه از تاریخی که منتقل‌الیه قطعی موضوع بیمه تقاضای تبدیل بیمه نامه را به نام خود می‌نماید، عقد بیمه را فسخ کند. در صورت انتقال موضوع بیمه به دیگری ناقل مسوول کلیه اقساط عقب افتاده وجه بیمه در مقابل بیمه‌گر خواهد بود لیکن از تاریخی که انتقال را به بیمه‌گر به موجب نامه سفارشی یا اظهارنامه اطلاع می‌دهد نسبت به اقساطی که از تاریخ اطلاع به بعد باید پرداخته شود مسوول نخواهد بود. اگر ورثه یا منتقل‌الیه متعدد باشند هر یک از آنها نسبت به تمام وجه بیمه در مقابل بیمه‌گر مسوول خواهد بود. ماده ۱۸ - هر گاه معلوم شود خطری که برای آن بیمه به عمل آمده قبل از عقد قرارداد واقع شده بوده است قرارداد بیمه باطل و بی اثر خواهد بود در این صورت اگر بیمه‌گر وجهی از بیمه‌گذار گرفته باشد عشر از مبلغ مزبور را بعنوان مخارج کسر و بقیه را باید به بیمه‌گذار مسترد دارد.

مسئولیت بیمه‌گر

ماده ۱۹ - مسوولیت بیمه‌گر عبارت است از تفاوت قیمت مال بیمه شده بلافاصله قبل از وقوع حادثه با قیمت باقی مانده آن بلافاصله بعد از حادثه خسارت حاصله به پول نقد پرداخته خواهد شد مگر اینکه حق تعمیر و یا عوض برای بیمه‌گر در سند بیمه پیش بینی شده باشد، در این صورت بیمه‌گر ملزم است موضوع بیمه را در مدتی که عرفاً کمتر از آن نمی‌شود تعمیر کرده یا عوض را تهیه و تحویل نماید. در هر صورت حداکثر مسوولیت بیمه‌گر از مبلغ بیمه شده تجاوز نخواهد کرد. ماده ۲۰ - بیمه‌گر مسوول خساراتی که از عیب ذاتی مال ایجاد می‌شود نیست مگر آنکه در بیمه نامه شرط خلافی شده باشد. ماده ۲۱ - خسارات وارده از حریق که بیمه‌گر مسوول آن است عبارت است از: ۱ - خسارت وارده به موضوع بیمه از حریق اگر چه حریق در نزدیکی آن واقع شده باشد. ۲ - هر خسارت یا تنزل قیمت وارده به اموال از آب یا هر وسیله دیگری که برای خاموش کردن آتش به کار برده شده است ۳ - تلف شدن یا معیوب شدن مال در موقع نجات دادن آن از حریق ۴ - خسارت وارده به اموال بیمه شده در نتیجه خراب کردن کلی یا جزئی بناء برای جلوگیری از سرایت یا توسعه حریق ماده ۲۲ - در بیمه‌های ذیل خسارت به این طریق حساب می‌شود: ۱ - در بیمه حمل و نقل قیمت مال در مقصد. ۲ - در بیمه منافی که متوقف بر امری است منافی که در صورت پیشرفت امر عاید بیمه‌گذار می‌شد. ۳ - در بیمه محصول زراعتی قیمت آن در سرخرمن و موقع برداشت محصول برای تعیین میزان واقعی خسارت مخارج و حق الزحمه که در صورت عدم وقوع حادثه به مال تعلق می‌گرفت از اصل قیمت کسر خواهد شد و در هر صورت میزان خسارت از قیمت معینه در بیمه نامه تجاوز نخواهد کرد. ماده ۲۳ - در بیمه عمر یا نقص یا شکستن عضوی از اعضاء بدن مبلغ پرداختی بعد از مرگ یا نقصان عضو باید به طور قطع در موقع عقد بیمه بین طرفین معین شود. بیمه عمر یا بیمه نقصان یا شکستن عضو شخص دیگری در صورتی که آن شخص قبلاً رضایت خود را کتبا نداده باشد باطل است هر گاه بیمه‌گذار اهلیت قانونی نداشته باشد رضایت ولی یا قیم او شرط است اگر بیمه راجع به عمر یا نقص یا شکستن عضو بدن جماعتی به طور کلی باشد میزان خسارت عبارت از مبلغی خواهد بود که مطابق تعرفه قبلاً بین طرفین معین می‌شود. ماده ۲۴ - وجه بیمه عمر که باید بعد از فوت پرداخته شود به ورثه قانونی متوفی پرداخته می‌شود مگر اینکه در موقع عقد بیمه یا بعد از آن در سند بیمه قید دیگری شده باشد که در این صورت وجه بیمه متعلق به کسی خواهد بود که در سند بیمه اسم برده شده است ماده ۲۵ - بیمه‌گذار حق دارد ذی نفع در سند بیمه عمر خود را تغییر دهد مگر آنکه آن را به دیگری انتقال داده و بیمه نامه را هم به منتقل‌الیه تسلیم کرده باشد. ماده ۲۶ - در تمام مدت اعتبار قرارداد بیمه عمر، بیمه‌گذار حق دارد وجه معینه در بیمه نامه را به دیگری منتقل نماید. انتقال مزبور باید به امضاء انتقال دهنده و بیمه‌گر برسد. ماده ۲۷ - اثرات قانونی انتقال وجه بیمه عمر از تاریخ فوت بیمه شده شروع می‌شود ولی اگر بیمه‌گذار از بابت آن وجهی دریافت کرده یا نسبت به آن با بیمه‌گر معامله نموده باشد در کمال اعتبار خواهد بود. ماده ۲۸ - بیمه‌گر مسوول خسارات ناشیه از جنگ و شورش

نخواهد بود مگر آنکه خلاف آن در بیمه نامه شرط شده باشد. ماده ۲۹ - در مورد بیمه مال منقول در صورت وقوع حادثه و پرداخت خسارت به بیمه گذار بیمه گر از هرگونه مسوولیت درمقابل ثالث بری می شود. ماده ۳۰ - بیمه گر در حدودی که خسارات وارده را قبول یا پرداخت می کند در مقابل اشخاصی که مسوول وقوع حادثه یا خسارت هستند قائم مقام بیمه گذار خواهد بود و اگر بیمه گذار اقدامی کند که منافعی با عقد مزبور باشد در مقابل بیمه گر مسوول شناخته می شود. ماده ۳۱ - در صورت توقف یا افلاس بیمه گر بیمه گذار حق فسخ قرارداد را خواهد داشت ماده ۳۲ - در صورت ورشکستگی بیمه گر بیمه گذاران نسبت به سایر طلبکاران حق تقدم دارند و بین معاملات مختلف بیمه در درجه اول حق تقدم با معاملات بیمه عمر است ماده ۳۳ - بیمه گر نسبت به حق بیمه در مقابل هرگونه طلبکاری بر مال بیمه شده حق تقدم دارد حتی اگر طلب سایرین به موجب سند رسمی باشد. ماده ۳۴ - اگر در یک قرارداد بیمه موضوعات مختلفی بیمه شده باشد در صورت اثبات تقلب از طرف بیمه گذار نسبت به یکی از آن موضوعات بطلان نسبت به سایر موضوعات نیزسرایت کرده تمام قرارداد باطل خواهد بود. موضوعات مختلفی که در یک بیمه نامه ذکر می شود در حکم یک قرارداد محسوب است ماده ۳۵ - طرفین می توانند در قراردادهای بیمه هر شرط دیگری بنمایند لیکن موعد مذکوره در ماده ۱۶ را نمی توانند تقلیل دهند ولی ممکن است موعد را به رضایت یکدیگر تمدید کنند. این قانون شامل قراردادهای گذشته بیمه نیز خواهد بود. ماده ۳۶ - مرور زمان دعاوی ناشی از بیمه دو سال است و ابتدای آن از تاریخ وقوع حادثه منشا دعوی خواهد بود لکن دعاوی که قبل از اجرای این قانون در محاکم طرح شده باشند مشمول این ماده نخواهد بود. این قانون که مشتمل بر سی و شش ماده است در جلسه هفتم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و شانزده به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری - مصوب ۳۰ خردادماه ۱۳۵۰

بخش اول - بیمه مرکزی ایران

قسمت اول - تشکیل و موضوع

ماده ۱ - به منظور تنظیم و تعمیم و هدایت امر بیمه در ایران و حمایت بیمه گذاران و بیمه شدگان و صاحبان حقوق آنها و همچنین به منظور اعمال نظارت دولت بر این فعالیت موسسه‌ای به نام بیمه مرکزی ایران طبق مقررات این قانون به صورت شرکت سهامی تأسیس می گردد. ماده ۲ - سرمایه بیمه مرکزی ایران پانصد میلیون ریال است که به پنج‌سهم ده میلیون ریالی با نام تقسیم می شود و تمامی آن متعلق به دولت و غیرقابل انتقال است و افزایش آن با تصویب مجمع عمومی امکان پذیر است مبلغ مزبور از محل اندوخته‌های شرکت سهامی بیمه ایران تامین خواهد شد. ماده ۳ - مرکز اصلی بیمه مرکزی ایران تهران است و بیمه مرکزی ایران می تواند در هر جا که لازم بداند به شرکت سهامی بیمه ایران نمایندگی بدهد. ماده ۴ - بیمه مرکزی ایران تابع قوانین و مقررات عمومی مربوط به دولت و دستگاههایی که با سرمایه دولت تشکیل شده‌اند نمی باشد مگر آنکه در قانون مربوط صراحتاً از بیمه مرکزی ایران نام برده شده باشد ولی نسبت به مواردی که در این قانون پیش بینی نشده باشد بیمه مرکزی ایران تابع قانون تجارت است

قسمت دوم - وظایف و اختیارات

ماده ۵ - بیمه مرکزی ایران دارای وظایف و اختیارات زیر است ۱ - تهیه آیین نامه‌ها و مقرراتی که برای حسن اجرای امر بیمه در ایران

لازم باشد با توجه به مفاد این قانون ۲ - تهیه اطلاعات لازم از فعالیتهای کلیه موسسات بیمه که در ایران کار می‌کنند. ۳ - انجام بیمه‌های اتکایی اجباری ۴ - قبول بیمه‌های اتکایی اختیاری از موسسات داخلی یا خارجی ۵ - واگذاری بیمه‌های اتکایی به موسسات داخلی یا خارجی در هر مورد که مقتضی باشد. ۶ - اداره صندوق تامین خسارتهای بدنی و تنظیم آیین نامه آن موضوع ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب دی ماه ۱۳۴۷. ۷ - ارشاد و هدایت و نظارت بر موسسات بیمه و حمایت از آنها در جهت حفظ سلامت بازار بیمه و تنظیم امور نمایندگی و دلالتی بیمه و نظارت بر امور بیمه اتکایی و جلوگیری از رقابت‌های مکارانه و ناسالم تبصره - بیمه مرکزی ایران ملزم به حفظ اسرار موسساتی است که به موجب این قانون حق نظارت بر آنها را دارا می‌باشد و به هیچ وجه نباید از اطلاعاتی که در جهت اجرای این قانون بدست می‌آورد جز در مواردی که قانون معین می‌نماید استفاده کند.

قسمت سوم - ارکان بیمه مرکزی ایران

اشاره

ماده ۶ - بیمه مرکزی ایران دارای ارکان زیر است ۱ - مجمع عمومی ۲ - شورای عالی بیمه ۳ - هیات عامل ۴ - بازرسان

فصل اول - مجمع عمومی

ماده ۷ - مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران مرکب از وزیر امور اقتصادی و دارایی وزیر بازرگانی وزیر کار و امور اجتماعی ، هیات عامل و بازرسان بدون داشتن حق رای در جلسه شرکت خواهند کرد. ماده ۸ - مجمع عمومی عادی به دعوت رئیس کل بیمه مرکزی ایران سالی یک مرتبه حداکثر تا پایان شهریور ماه تشکیل می‌شود. مجمع عمومی فوق العاده به دعوت رئیس کل بیمه مرکزی ایران و یا به پیشنهاد هر یک از اعضاء مجمع عمومی تشکیل خواهد شد. رئیس کل بیمه مرکزی ایران موظف است ظرف ده روز پس از دریافت پیشنهاد تشکیل جلسه مجمع عمومی را کتبا دعوت کند. در دعوتنامه دستور جلسه روز و ساعت و محل انعقاد جلسه ذکر خواهد شد. هیچ موضوعی را نمی‌توان در مجمع عمومی عادی یا فوق العاده مطرح کرد مگر آنکه قبلاً جزو دستور قرار داده شده باشد. ماده ۹ - وظایف مجمع عمومی به شرح زیر است الف تعیین خط مشی کلی ب - رسیدگی و اظهار نظر نسبت به گزارش سالانه رئیس کل بیمه مرکزی ایران ج - رسیدگی و تصویب بودجه و ترازنامه و حساب سود و زیان و ترتیب تقسیم سود. د - تصویب سازمان و آیین نامه‌های مالی و اداری بیمه مرکزی ایران ه - تصویب مقررات استخدامی با رعایت بند پ ماده ۲ قانون استخدام کشوری و - انتخاب بازرسان ز - تعیین حقوق رئیس کل و اعضاء هیات عامل و حق الزحمه بازرسان ح - تصمیم نسبت به هر موضوعی که از طرف رئیس کل بیمه مرکزی ایران جزو دستور قرار داده شده باشد.

فصل دوم - شورای عالی بیمه

ماده ۱۰ - شورای عالی بیمه از اشخاص زیر تشکیل می‌شود: ۱ - رئیس کل بیمه مرکزی ایران ۲ - معاون وزارت امور اقتصادی و دارایی ۳ - معاون وزارت بازرگانی ۴ - معاون وزارت کار و امور اجتماعی ۵ - معاون وزارت تعاون و امور روستاها. ۶ - رئیس شرکت سهامی بیمه ایران ۷ - مدیرعامل یکی از موسسات بیمه به انتخاب سندیکای بیمه‌گران ایران ۸ - یک نفر کارشناس امور حقوقی به انتخاب مجمع عمومی ۹ - یک نفر کارشناس در امور بیمه به انتخاب مجمع عمومی ۱۰ - یک نفر مطلع در امور بیمه به انتخاب رئیس اطمینان‌رسانی و صنایع و معادن ایران تبصره - اعضاء شورای عالی بیمه موضوع بندهای ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ برای مدت سه

سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است ماده ۱۱ - ریاست شورای عالی بیمه بدون شرکت در اخذ رای با رئیس کل بیمه مرکزی ایران و درغیاب او با قائم مقام او خواهد بود. ماده ۱۲ - اعضای شورای عالی بیمه قبل از شروع به کار باید در مجمع عمومی سوگند یاد کنند که در انجام وظایف شورایی عالی بیمه نهایت دقت و مراقبت را مبذول دارند و کلیه تصمیمات خود را به صلاح کشور اتخاذ نمایند و اسرار شورای عالی بیمه را حفظ کنند. ماده ۱۳ - جلسات شورای عالی بیمه حداقل ماهی یکبار به دعوت رئیس شورای عالی بیمه تشکیل خواهد شد و در صورتی که حداقل چهار نفر از اعضای شورای عالی بیمه کتبا تقاضای تشکیل جلسه را بنمایند رئیس شورای عالی بیمه موظف است ظرف یک هفته اعضای شورای عالی را برای تشکیل جلسه دعوت کند. ماده ۱۴ - جلسه شورای عالی بیمه با حضور حداقل شش نفر از اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیمات با اکثریت پنج رای حاضر در جلسه رسمی معتبر و قابل اجرا است هنگام رسیدگی و اخذ رای نسبت به مؤسسه بیمه‌ای که یکی از اعضای شورایی عالی به نحوی در آن سهام است آن عضو در رای شرکت نخواهد کرد. ماده ۱۵ - صورت جلسات مذاکرات شورای عالی بیمه دردفتری ثبت و به امضای رئیس شورای عالی بیمه رسیده و در بیمه مرکزی ایران نگاهداری می‌شود. ماده ۱۶ - شورای عالی بیمه دارای دبیرخانه‌ای خواهد بود که سازمان آن را شورای عالی بیمه تصویب خواهد کرد، رئیس و کارکنان دبیرخانه از بین کارکنان بیمه مرکزی ایران انتخاب می‌شوند. ماده ۱۷ - وظایف شورای عالی بیمه به شرح زیر است ۱ - رسیدگی و اظهار نظر نسبت به صدور پروانه تأسیس یا لغو پروانه موسسات بیمه طبق مقررات این قانون و پیشنهاد آن به مجمع عمومی ۲ - تصویب نمونه ترازنامه که باید مورد استفاده موسسات بیمه قرار گیرد. ۳ - تعیین انواع معاملات بیمه و شرایط عمومی بیمه نامه‌ها و نظارت بر امور بیمه‌های اتکایی ۴ - تعیین میزان کارمزد و حق بیمه مربوط به رشته‌های مختلف بیمه مستقیم ۵ - تصویب آیین نامه‌های لازم برای هدایت امر بیمه و فعالیت موسسات بیمه ۶ - رسیدگی و اظهار نظر نسبت به گزارش بیمه مرکزی ایران درباره عملیات و فعالیت‌های موسسات بیمه در ایران که حداقل هر شش ماه یکبار باید تسلیم شود. ۷ - اظهار نظر درباره هر گونه پیشنهاد که از طرف رئیس شورایی عالی بیمه به آن ارجاع می‌شود. ۸ - انجام سایر وظایفی که این قانون برای آن تعیین نموده است

فصل سوم - هیأت عامل

ماده ۱۸ - هیأت عامل بیمه مرکزی ایران مرکب از رئیس کل و قائم مقام رئیس کل و معاونان بیمه مرکزی ایران خواهد بود. ماده ۱۹ - رئیس کل بیمه مرکزی ایران و قائم مقام او به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت وزیران و معاونان بیمه مرکزی ایران به پیشنهاد رئیس کل بیمه مرکزی ایران و موافقت وزیر امور اقتصادی و دارایی به موجب تصویب نامه هیأت وزیران منصوب می‌شوند. ماده ۲۰ - رئیس کل و قائم مقام رئیس کل بیمه مرکزی ایران برای مدت چهار سال منصوب می‌شوند و انتصاب مجدد آنان بلامانع است ماده ۲۱ - رئیس کل بیمه مرکزی ایران بالاترین مقام اجرایی و اداری بیمه مرکزی ایران می‌باشد. ماده ۲۲ - وظایف و اختیارات رئیس کل بیمه مرکزی ایران به شرح زیر است الف - نظارت در اجرای این قانون و آیین نامه‌های مربوط به آن ب - نمایندگی بیمه مرکزی ایران در مقابل اشخاص و موسسات دولتی یا خصوصی و دادگاهها و سایر مراجع قضایی و غیر قضایی با حق توکیل و سازش و سایر اختیارات مندرج در ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی ج - تفویض قسمتی از اختیارات خود و حق امضاء به قائم مقام و یا معاونان و یا روسا یا کارمندان و تعیین وظایف آنان د - تقدیم گزارش وضع حسابها و امور بیمه مرکزی ایران به مجمع عمومی ه - تقدیم گزارش عملیات و فعالیت‌های موسسات بیمه در ایران به شورای عالی بیمه ماده ۲۳ - در غیاب رئیس کل بیمه مرکزی ایران قائم مقام رئیس کل دارای کلیه اختیارات و وظایف قانونی او خواهد بود .

فصل چهارم - بازرسان

ماده ۲۴ - بیمه مرکزی ایران دارای دو نفر بازرس که اطلاعات و تجارب کافی در امور بیمه و حسابداری داشته باشند خواهد بود که یک نفر از آنان از طرف وزیر امور اقتصادی و دارایی و دیگری از طرف وزیر بازرگانی پیشنهاد و با تصویب مجمع عمومی برای یک سال تعیین خواهند شد، انتخاب مجدد بازرسان بلامانع است ماده ۲۵ - بازرسان حق دارند هر گونه اطلاعی را از بیمه مرکزی ایران بخواهند ولی حق دخالت مستقیم در امور بیمه مرکزی ایران را ندارند. رسیدگی به ترازنامه سالانه وظیفه اصلی بازرسان می باشد. ترازنامه بیمه مرکزی ایران یک ماه قبل از تشکیل مجمع عمومی تسلیم بازرسان خواهد شد تا گزارش درباره آن تهیه و ضمن اظهار نظر به مجمع عمومی تسلیم کنند. قسمت چهارم - مقررات مختلف ماده ۲۶ - رئیس کل و سایر اعضای هیات عامل در مدت تصدی خود نمی توانند عضویت شرکتها و موسسات بازرگانی را قبول نمایند و یا در سایر دستگاههای دولتی یا ملی سمتی داشته باشند. تبصره - تدریس در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و قبول سمتهای غیر موظف در موسسات خیریه و اجتماعی و آموزشی بلامانع است ماده ۲۷ - اسناد مالی و اوراق بهادار و چکهای بیمه مرکزی ایران با دو امضاء معتبر خواهد بود. ماده ۲۸ - بیمه مرکزی ایران مجاز خواهد بود که موجودیهای نقدی خود را به صورت حساب جاری و یا سپرده نزد بانک بیمه ایران نگاهداری نماید، یا بر اساس بودجه مصوب از محل سرمایه و ذخایر و اندوختههای خود و صندوق تأمین خسارتهای بدنی تا مبلغ یکصد میلیون ریال در هر سال با تصویب هیات عامل و مازاد بر آن با تصویب مجمع عمومی به هر نوع عملیات دیگر از جمله خرید سهام و مشارکت در بانکها و شرکتهای دیگر با حق فروش و انتقال آنها که برای توسعه و پیشرفت وظایف بیمه مرکزی ضروری یا مفید باشد مبادرت نماید. ماده ۲۹ - اعضای شورای عالی بیمه و مشاورین و اعضای اداری شورای عالی بیمه و افرادی که شورای عالی بیمه در اجرای وظایف خود به آنها مراجعه می کند و رئیس کل و سایر اعضای هیات عامل و بازرسان و کلیه کارکنان بیمه مرکزی ایران باید از افشای اطلاعات محرمانه‌ای که در اجرای وظایف محوله به دست می آورند خودداری نمایند والا مشمول مقررات ماده ۱۳۸ قانون مجازات عمومی خواهند بود. ماده ۳۰ - شرکت سهامی بیمه ایران عملیات خود را جز آنچه به موجب بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۶ و ۷ این قانون جزء وظایف و اختیارات بیمه مرکزی ایران قرار داده شده است بر طبق اساسنامه خود ادامه خواهد داد. وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و هر موسسه دیگری که اکثریت سرمایه آن متعلق به دولت یا سازمانهای مزبور می باشد و یا تحت نظر دولت و یا سازمانهای مزبور اداره می شوند موظفند بیمه‌های خود را منحصر در شرکت سهامی بیمه ایران انجام دهند. این حکم شامل شرکت ملی نفت ایران - شرکت ملی ذوب آهن ایران - شرکت هواپیمایی ملی ایران - بانک مرکزی ایران - بانک ملی ایران - سازمان مرکزی گسترش و نوسازی صنایع ایران و صندوق توسعه کشاورزی خواهد بود مگر آنکه مجمع عمومی هر یک از این موسسات نسبت به بیمه آنها تصمیم دیگری اتخاذ نماید. تبصره - دولت مکلف است ظرف چهار ماه از تاریخ تصویب این قانون اساسنامه جدید شرکت مزبور را برای تصویب کمیسیونهای دارایی و استخدام مجلسین تقدیم کند.

بخش دوم - بیمه گری

قسمت اول - مؤسسات بیمه

فصل اول - کلیات

ماده ۳۱ - عملیات بیمه در ایران به وسیله شرکتهای سهامی عام ایرانی که کلیه سهام آنها با نام بوده و با رعایت این قانون و طبق قانون تجارت به ثبت رسیده باشند انجام خواهد گرفت تبصره ۱ - فعالیت مؤسسات بیمه خارجی مشمول مقررات فصل چهارم این قانون خواهد بود. تبصره ۲ - تشخیص فعالیتهایی که به آن عملیات بیمه اطلاق می شود با شورای عالی بیمه خواهد بود. ماده ۳۲ -

تعداد سهامداران یک موسسه بیمه ایرانی نباید کمتر از ده شخص حقیقی یا حقوقی باشد. ماده ۳۳ - هر شخص حقیقی یا حقوقی نمی‌تواند بیش از ۲۰ درصد سهام یک موسسه بیمه ایرانی را دارا باشد، نصاب ۲۰ درصد شامل اقارب نسبی و سببی درجه یک از طبقه اول صاحب سهم نیز خواهد بود. ماده ۳۴ - احکام مواد ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ شامل موسسات بیمه‌ای که صاحب سهم آن دولت یا بنیاد پهلوی است نمی‌شود. ماده ۳۵ - واگذاری سهام موسسات بیمه ایرانی غیر دولتی به اشخاص حقیقی یا حقوقی تبعه خارج تا بیست درصد با موافقت بیمه مرکزی ایران مجاز است و بیش از آن موکول به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تأیید شورای عالی بیمه و تصویب هیات وزیران خواهد بود. در مورد اخیر انتقال سود سهام سهامداران خارجی در هر سال نباید از دوازده درصد مجموع سرمایه پرداخت شده و سود انتقال نیافته سالهای قبل تجاوز کند. تبصره - انتقال سهام موسسات بیمه ایرانی به دولتهای خارجی یا انتقال بیش از ۴۹ درصد سهام آنها به اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی مطلقاً ممنوع است انتقال سهام بین سهامداران اتباع خارجی باید با موافقت قبلی بیمه مرکزی ایران صورت گیرد. ماده ۳۶ - موسسات بیمه ایرانی با سرمایه حداقل یکصد میلیون ریال تشکیل می‌شود که باید ۵۰ درصد آن نقداً پرداخت شده باشد میزان ودیعه‌ای که عندالاقضاء برای هر یک از رشته‌های بیمه در نظر گرفته خواهد شد در آیین نامه‌ای که از طرف بیمه مرکزی ایران تهیه و به تصویب شورای عالی بیمه می‌رسد تعیین خواهد شد. ماده ۳۷ - ثبت هر موسسه بیمه در ایران موکول به ارائه پروانه تاسیس که از طرف بیمه مرکزی ایران صادر می‌شود خواهد بود همچنین ثبت هر گونه تغییرات بعدی در اساسنامه و میزان سرمایه و سهام موسسات بیمه‌ای که به ثبت رسیده باشند موکول به ارائه موافقت بیمه مرکزی ایران می‌باشد.

فصل دوم - صدور پروانه

ماده ۳۸ - برای انجام عملیات بیمه در تمام رشته‌ها یا رشته‌ای معین باید قبلاً طبق مقررات این فصل از بیمه مرکزی ایران پروانه تحصیل گردد. برای تحصیل پروانه مذکور متقاضی باید مدارک و اطلاعات زیر را به بیمه مرکزی ایران تسلیم کند: ۱ - اساسنامه موسسه ۲ - میزان سرمایه موسسه ۳ - صورت کامل اسامی شرکاء و مدیران و تابعیت و تعداد سهام هر یک از آنها. ۴ - میزان سهام نقدی و غیر نقدی و نحوه پرداخت آنها. ۵ - اسناد و مدارک و اطلاعات دیگری که بیمه مرکزی ایران برای احراز صلاحیت مالی و فنی موسسه و حسن شهرت مدیران لازم بداند. ماده ۳۹ - تقاضای صدور پروانه به بیمه مرکزی ایران تسلیم می‌شود. بیمه مرکزی ایران مکلف است حداکثر ظرف مدت شصت روز از تاریخ تسلیم آخرین مدارک و اطلاعات خواسته شده با رعایت مفاد بند یک ماده ۱۷ نظر مجمع عمومی را اعم از قبول یا رد تقاضا کتبا به متقاضی اعلام نماید. هر گاه متقاضی نسبت به نظر اعلام شده اعتراض داشته باشد می‌تواند ظرف سی روز اعتراض خود را به هیات وزیران تسلیم نماید. نظری که هیات وزیران اتخاذ نماید قطعی خواهد بود.

فصل سوم - ابطال پروانه

ماده ۴۰ - پروانه بیمه برای تمام رشته‌ها و یا رشته‌های معینی در موارد زیر پس از موافقت شورای عالی بیمه با تصویب مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران ابطال خواهد شد: ۱ - در صورت تقاضای دارنده پروانه ۲ - در صورتی که موسسه بیمه تا یکسال پس از صدور پروانه عملیات خود را شروع نکرده باشد. ۳ - در مواردی که به تشخیص بیمه مرکزی ایران وضع مالی موسسه بیمه طوری باشد که نتواند به تعهدات خود عمل نماید یا بر بیمه مرکزی ایران ثابت گردد که ادامه فعالیت موسسه به زیان بیمه شدگان و بیمه‌گذاران و یا صاحبان حقوق آنها است ماده ۴۱ - در مواردی که موسسه بر خلاف اساسنامه خود یا قوانین و مقررات بیمه رفتار کند به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تصویب شورای عالی بیمه به طور موقت از قبول بیمه در رشته‌های معین ممنوع خواهد شد. ماده

۴۲- در صورتی که پروانه موسسه بیمه‌ای طبق ماده ۴۰ باطل گردد موسسه مزبور می‌تواند ظرف سی روز به هیات وزیران مراجعه و لغو تصمیم متخذه را درخواست کند. نظر هیات وزیران قطعی است ماده ۴۳- صدور یا لغو پروانه موسسه بیمه و اطلاعاتی که از لحاظ حفظ منافع بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنها لازم باشد به هزینه خود موسسه بیمه توسط بیمه مرکزی ایران در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران و در صورتی که موسسه بیمه در شهر یا شهرهای دیگر شعبه یا نمایندگی داشته باشد در یکی از روزنامه‌های آن شهرها نیز در دو نوبت به فاصله یک ماه آگهی خواهد شد. ماده ۴۴- در صورتی که پروانه موسسه بیمه‌ای برای یک یا چند رشته به طور دائم لغو شود بیمه مرکزی ایران با تصویب شورای عالی بیمه کلیه سوابق و اسناد مربوط به حقوق و تعهدات (پرتفوی Portefeuille) موسسه مزبور را به شرکت سهامی بیمه ایران انتقال خواهد داد و یا ترتیب خاص دیگری را که متضمن منافع بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنها باشد خواهد داد.

فصل چهارم - مقررات مربوط به مؤسسات بیمه خارجی

ماده ۴۵- از تاریخ تصویب این قانون شروع فعالیت مؤسسات بیمه خارجی در ایران موقوف به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تایید شورای عالی بیمه و تصویب هیات وزیران خواهد بود. ماده ۴۶- مؤسسات بیمه خارجی باید طبق آیین نامه‌ای که به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران به تصویب شورای عالی بیمه می‌رسد مبلغی برای هر یک از دو رشته بیمه‌های زندگی و سایر انواع بیمه نزد بیمه مرکزی ایران تودیع نمایند. مبلغ این ودیعه در هر یک از دو مورد مذکور از پانصد هزار دلار یا معادل آن از ارزهای مورد قبول بانک مرکزی ایران کمتر نخواهد بود. هر یک از مؤسسات بیمه خارجی باید درآمدهای خود را سال به سال به ودیعه مزبور اضافه کند تا در هر مورد مبلغ ودیعه حداقل به دو برابر مبلغ مصوب شورای عالی بیمه برسد. افزایش ودیعه مازاد بر مبالغ فوق اختیاری است ماده ۴۷- انتقال درآمد مؤسسات بیمه خارجی پس از تکمیل ودیعه مذکور در ماده ۴۶ به خارج بلامانع خواهد بود مشروط بر اینکه رقم انتقالی در هر سال از ۱۰ درصد مبلغی که بعنوان ودیعه در نزد بیمه مرکزی ایران است تجاوز ننماید. تبصره - ترتیب انتقال درآمد مازاد بر ودیعه به ماخذ ده درصد در سال مذکور در این ماده موقوف به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تایید شورای عالی بیمه و تصویب هیات وزیران خواهد بود. ماده ۴۸- مؤسسات بیمه خارجی که در ایران کار میکنند باید نماینده‌ای که در ایران مقیم و دارای اختیارات لازم برای اداره کردن تمام کارهای موسسه در ایران و انجام تعهدات از طرف موسسه بیمه اصلی باشد معرفی نمایند. نماینده مذکور مسئول کلیه عملیات موسسه بیمه اصلی در ایران خواهد بود و باید دارای اختیارنامه‌ای باشد که ضمن آن حدود اختیارات او مشخص گردیده و حق انتخاب نماینده مجاز یا قائم مقام به جای خود به او داده شده باشد. نماینده مزبور موظف است کلیه بیمه‌های منعقد شده در ایران را شخصاً یا به وسیله قائم مقام یا نماینده مجاز خود بدون اینکه تصویب موسسه بیمه اصلی لازم باشد امضاء نماید و بتواند در دعوی خوانده یا خواهان قرار گیرد و حق توکیل و سازش داشته باشد. ماده ۴۹- نماینده مؤسسات بیمه خارجی فقط تا حدودی که از موسسه بیمه اصلی اختیار دارد اقدام به بیمه در ایران خواهد نمود و در صورتی که در هر یک از رشته‌های بیمه از موسسه بیمه اصلی سلب اجازه بیمه کردن به طور موقت یا دائم بشود و یا موسسه بیمه اصلی از نماینده خود جزاً یا کلاً سلب اختیار کند باید مراتب را کتبا به بیمه مرکزی ایران اطلاع دهد. ماده ۵۰- مؤسسات بیمه خارجی علاوه بر مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط مشمول مقررات عمومی مربوط به شرکتها و مؤسسات خارجی نیز خواهند بود.

قسمت دوم - انحلال و ورشکستگی

ماده ۵۱- در صورتی که ورشکستگی یک موسسه بیمه اعلام بشود دادگاه مکلف است قبل از اتخاذ هرگونه تصمیم نظر بیمه

مرکزی ایران را جلب نماید. بیمه مرکزی ایران از تاریخ وصول استعلام دادگاه باید ظرف ۱۵ روز نظریه خود را کتبا به دادگاه اعلام دارد دادگاه با توجه به نظریه بیمه مرکزی ایران تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد. ماده ۵۲- ابطال پروانه یک موسسه بیمه برای کلیه عملیات بیمه‌ای از موارد انحلال موسسه است و در این صورت مفاد ماده ۴۴ این قانون اجرا خواهد شد. ماده ۵۳- تصفیه موسسه بیمه ورشکسته طبق قانون تجارت به عمل می‌آید. در نقاطی که اداره تصفیه امور ورشکستگی وجود ندارد دادگاه بیمه مرکزی ایران را به عنوان قائم مقام اداره تصفیه تعیین می‌نماید و در حوزه دادگاههای شهرستانی که اداره تصفیه در آنجا تاسیس گردیده است اداره تصفیه با معاونت بیمه مرکزی ایران امر تصفیه را انجام خواهد داد.

قسمت سوم - انتقال عملیات و ادغام

ماده ۵۴- موسسات بیمه می‌توانند با موافقت بیمه مرکزی ایران و تصویب شورای عالی بیمه تمام یا قسمتی از پرتفوی (Portefeuille) خود را با کلیه حقوق و تعهدات ناشی از آن به یک یا چند موسسه بیمه مجاز دیگر واگذار کنند. ماده ۵۵- تقاضای انتقال پرتفوی (Portefeuille) یک موسسه بیمه به موسسات دیگر بیمه دوبرار به فاصله ده روز در روزنامه رسمی کشور و در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران و عنداللزوم در یکی از روزنامه‌های محلی به هزینه متقاضی از طرف بیمه مرکزی ایران آگهی خواهد شد. ماده ۵۶- پس از انقضای سه ماه از تاریخ آخرین آگهی بیمه مرکزی ایران در صورت حصول اطمینان از اینکه در این انتقال هیچیک از حقوق بیمه شدگان و بیمه‌گذاران و صاحبان حقوق آنها تضییع نخواهد شد موافقت خود را با انتقال پرتفوی کتبا به موسسه بیمه متقاضی اعلام خواهد داشت ماده ۵۷- در صورت موافقت بیمه مرکزی ایران با انتقال پرتفوی این انتقال برای کلیه بیمه شدگان و بیمه‌گذاران و صاحبان حقوق آنها از تاریخ انتقال معتبر خواهد بود. ماده ۵۸- یک یا چند موسسه بیمه می‌توانند با رعایت مواد ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ با موافقت بیمه مرکزی ایران و تصویب شورای عالی بیمه در یک موسسه بیمه دیگر ادغام شوند. ماده ۵۹- بیمه مرکزی ایران به منظور حفظ حقوق بیمه‌گذاران و بیمه شدگان و صاحبان حقوق آنها یا به ملاحظات اقتصادی و حمایت امر بیمه می‌تواند با تأیید شورای عالی بیمه و تصویب مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران موسسات بیمه‌ای را که وضع مالی یا اداری آنها رضایت بخش نیست مکلف نماید که در یکی از موسسات بیمه دیگری که موافق باشند ادغام شوند و در صورتی که ادغام صورت نگیرد پروانه موسسه‌های که وضع مالی یا اداری آن رضایت بخش نیست طبق مقررات این قانون لغو خواهد شد. تصمیم بیمه مرکزی ایران علاوه بر ابلاغ کتبی به موسسات مورد نظر در روزنامه رسمی کشور و در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران و عنداللزوم در یکی از روزنامه‌های محلی به اطلاع عموم خواهد رسید.

قسمت چهارم - مقررات مختلف

ماده ۶۰- اموال موسسات بیمه همچنین ودایع مذکور در مواد ۳۶ و ۴۶ تضمین حقوق و مطالبات بیمه‌گذاران بیمه شدگان و صاحبان حقوق آنان است و در صورت انحلال یا ورشکستگی مؤسسه بیمه‌گذاران و بیمه شدگان و صاحبان حقوق آنان نسب به سایر بستانکاران حق تقدم دارند. در میان رشته‌های مختلف بیمه حق تقدم با بیمه عمر است موسسات بیمه نمی‌توانند بدون موافقت قبلی بیمه مرکزی ایران اموال خود را صلح حقوق نمایند و یا به رهن واگذار کنند و یا موضوع هر نوع معامله با حق استرداد قرار دهند. دفاتر اسناد رسمی موظفند هنگام انجام این قبیل معاملات موافقتنامه بیمه مرکزی ایران را مطالبه و مفاد آن را در سند منعکس کنند. ماده ۶۱- موسسات بیمه موظفند اندوخته‌های فنی و قانونی نگهدارند و در حسابهای خود نحوه به کار افتادن آنها را به طور مشخص

منعکس نمایند. انواع اندوخته‌های فنی و قانونی برای هر یک از رشته‌های بیمه و میزان و طرز محاسبه همچنین ترتیب بکار انداختن این اندوخته‌ها و نحوه ارزیابی اموال منقول و غیر منقولی که نماینده اندوخته‌های موسسات بیمه‌است از طرف شورای عالی بیمه تعیین خواهد شد. ماده ۶۲ - کلیه موسسات بیمه موظفند ترازنامه و حسابهای سود و زیان خود را طبق نمونه‌ای که از طرف بیمه مرکزی ایران تهیه و به تصویب شورای عالی بیمه می‌رسد تنظیم نمایند و پس از تصویب نسخه‌ای از آن را برای بیمه مرکزی ایران ارسال دارند. ماده ۶۳ - موسسات بیمه موظفند ترازنامه خود را در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران درج نمایند. ماده ۶۴ - اشخاصی که در ایران یا در خارجه به علت ارتکاب جنایت یا دزدی یا خیانت در امانت یا کلاهبرداری یا صدور چک بی محل یا اختلاس یا معاونت در یکی از جرایم فوق محکوم شده باشند و ورشکستگان به تقصیر نمی‌توانند جزو موسسین یا مدیران موسسات بیمه باشند. همچنین واگذاری نمایندگی به این اشخاص و اشتغال به دلالتی از طرف آنان ممنوع است. ماده ۶۵ - در صورتی که به حکم دادگاه مسلم شود که ورشکستگی مؤسسه بیمه به علت تقصیر و تقلب مدیر یا مدیران بوده است در صورت عدم تکافوی دارایی مؤسسه مدیران متضامنا مسئول پرداخت طلب بیمه‌گذاران و بیمه شدگان و صاحبان حقوق آنان خواهند بود. ماده ۶۶ - عرضه بیمه جز به وسیله اشخاص زیر ممنوع است ۱ - موسسات بیمه ۲ - نمایندگان بیمه ۳ - دلالان رسمی بیمه تبصره - هر کارمند یا نماینده بیمه که اقدام به عرضه بیمه نماید باید دارای کارت شناسایی از طرف مؤسسه بیمه مربوط باشد. نام دلال رسمی یا نماینده بیمه که بیمه‌نامه وسیله او عرضه شده است باید در بیمه‌نامه ذکر شود. ماده ۶۷ - موسسات بیمه و نمایندگان و دلالان رسمی بیمه مسئول جبران خساراتی می‌باشند که در اجرای وظایفشان به سبب تقصیر و یا مسامحه آنها یا کارکنانشان به دیگران وارد آید. ماده ۶۸ - پروانه دلالتی رسمی بیمه به وسیله بیمه مرکزی ایران صادر خواهد شد و آیین‌نامه دلالان رسمی بیمه به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران به تصویب شورای عالی بیمه خواهد رسید. ماده ۶۹ - هر مؤسسه بیمه در رشته یا رشته‌های معینی که پروانه بیمه ندارد رأسا و یا به وسیله نمایندگان خود قبول بیمه نماید مکلف به جبران خسارت زیان دیده خواهد بود. تبصره - هر شخص حقیقی یا حقوقی که بدون داشتن پروانه از مؤسسه بیمه تحت عنوان نمایندگی بیمه برای هر یک از رشته‌ها قبول بیمه نماید به مجازات مقرر در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم خواهد شد. ماده ۷۰ - بیمه‌های زیر باید منحصرأ بوسیله موسسات بیمه‌ای که بر اساس این قانون اجازه فعالیت دارند انجام گیرد: الف - بیمه اموال منقول یا غیر منقول موجود در ایران ب - بیمه حمل و نقل کالای وارداتی که قرارداد خرید آن در ایران منعقد می‌شود یا اعتبار اسنادی آن در ایران باز شده است ج - بیمه مربوط به کارگران و مستخدمین خارجی به استثنای بیمه عمر و حوادث شخصی در مدت اقامت در ایران د - بیمه مربوط به ایرانیان مقیم ایران تبصره - تجهیزات نظامی مورد نیاز وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح که فاقد امکان ساخت در داخل کشور بوده و فروشندگان آن تجهیزات حمل و نقل کالاهای مورد معامله را انحصارا توسط بیمه‌های کشور فروشنده بیمه می‌نمایند، با پیشنهاد وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و تأیید بیمه مرکزی ایران و موافقت وزیر امور اقتصادی و دارایی از شمول بند (ب) این ماده مستثنی می‌باشد. ماده ۷۱ - کلیه موسسات بیمه که در ایران فعالیت می‌نمایند باید ۵۰ درصد در رشته بیمه‌های زندگی و ۲۵ درصد در سایر رشته‌ها از معاملات بیمه‌ای مستقیم خود را نزد بیمه مرکزی ایران بیمه اتکایی نمایند. بیمه مرکزی ایران مکلف است با توجه به ظرفیت قبولی هر یک از موسسات بیمه‌ای که در ایران کار می‌کنند تمام یا قسمتی از بیمه اتکایی مجدد سهمیه اتکایی اجباری دریافتی را در صورت تساوی شرایط به آنها واگذار نماید. تبصره - آنچه موسسات بیمه به عنوان اتکایی قبول می‌کنند از شمول این ماده خارج است ماده ۷۲ - نحوه واگذاری بیمه اتکایی اجباری و میزان کارمزد و مشارکت در سود آن برای هر رشته بیمه به وسیله شورای عالی بیمه تعیین خواهد شد. ماده ۷۳ - موسسات بیمه که در ایران فعالیت می‌کنند موظف خواهند بود معادل ۳۰ درصد از مازاد سهمیه بیمه اتکایی اجباری از معاملات مستقیم خود را با همان شرایطی که در خارج بیمه اتکایی می‌نمایند به بیمه مرکزی ایران واگذار کنند. در صورتی که بیمه مرکزی ایران به هر علت از قبول آن استنکاف بنماید موسسات مزبور مجاز خواهند بود در

خارج از ایران بیمه اتکایی نمایند. انتقال ارز بابت این ۳۰ درصد موقوف به ارائه اجازه بیمه مرکزی ایران خواهد بود. ماده ۷۴ - موسسات بیمه اعم از ایرانی یا خارجی که تا تاریخ تصویب این قانون به موجب مقررات قبلی به ثبت رسیده‌اند و مشغول فعالیت‌های بیمه‌ای می‌باشند برای رشته‌هایی که در آن فعالیت می‌کنند احتیاج به کسب پروانه جدید نخواهند داشت ولی در هر حال موظفند ظرف هیجده ماه از تاریخ تصویب این قانون وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند در غیر این صورت پروانه آنها لغو خواهد شد. شورای عالی بیمه می‌تواند با توجه به دلایل و مقتضیات این مدت رایکبار تمدید نماید. ماده ۷۵ - موسسات بیمه که در ایران کار می‌کنند عضو سندیکای بیمه گران ایران شناخته می‌شوند اساسنامه این سندیکا بوسیله بیمه مرکزی ایران با جلب نظر اعضای سندیکادوین می‌شود و حداکثر ظرف شش ماه پس از تشکیل بیمه مرکزی ایران به تصویب شورای عالی بیمه خواهد رسید. ماده ۷۶ - موسسات بیمه که در ایران فعالیت می‌نمایند ملزم به رعایت دستورات بیمه مرکزی ایران که در حدود این قانون و آیین نامه‌های اجرایی آن صادر می‌شود خواهند بود. ماده ۷۷ - کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون از تاریخ تصویب این قانون ملغی است قانون فوق مشتمل بر هفتاد و هفت ماده و ده تبصره پس از تصویب مجلس سنا در تاریخ روز شنبه ۲۹/۳/۱۳۵۰ در جلسه فوق العاده عصر روز یکشنبه سی ام خرداد ماه یک هزار و سیصد و پنجاه شمس به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

لایحه قانونی ملی شدن مؤسسات بیمه و مؤسسات اعتباری

مصوب ۴ تیر ۱۳۵۸ ماده ۱ - به منظور حفظ حقوق بیمه گذاران و گسترش صنعت بیمه در سراسر کشور و گماردن بیمه به خدمت مردم از تاریخ تصویب این قانون کلیه مؤسسات بیمه کشور ضمن قبول اصل مالکیت مشروع مشروط ملی اعلام می‌شود. ماده ۲ - پروانه فعالیت نمایندگیهای مؤسسات بیمه خارجی در ایران لغو می‌شود و بیمه مرکزی ایران ترتیب تصفیه عملیات نمایندگیهای مذکور را به هر نحوی که مقتضی بداند خواهد داد. ماده ۳ - به جای مجامع عمومی مؤسسات بیمه مجمع عمومی مشترکی متشکل از وزیر امور اقتصادی و دارایی وزیر بازرگانی وزیر بهداری و بهزیستی وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه وزیر کار و امور اجتماعی خواهد بود. ماده ۴ - به جای هیات مدیره مؤسسات بیمه کشور، هیات مدیره مشترکی متشکل از رئیس کل بیمه مرکزی ایران مدیرعامل شرکت سهامی بیمه ایران و نمایندگان وزارتخانه‌های مذکور در ماده ۳ خواهد بود. ماده ۵ - مدیران عامل مؤسسات بیمه کشور از طرف هیات مدیره مشترک مؤسسات بیمه انتخاب و به تصویب مجمع عمومی مشترک مؤسسات بیمه خواهد رسید و احکام انتصاب مدیران عامل از طرف وزیر امور اقتصادی و دارایی صادر خواهد شد. ماده ۶ - کلیه اختیارات مدیران عامل سابق مؤسسات بیمه تا تصویب مقررات جدید از طرف مجمع عمومی مشترک به مدیران عامل منتخب تفویض می‌شود. ماده ۷ - کلیه کارکنان مؤسسات بیمه کشور تا تصویب مقررات استخدامی مربوط تابع مقررات استخدامی موجود خواهند بود، لکن از لحاظ حداقل و حداکثر حقوق، تابع مقررات مصوب دولت می‌باشند. ماده ۸ - کلیه شرکتهای پس انداز و وام م ۵۹۰ سکن مشمول قانون ملی شدن بانکها از تاریخ تصویب قانون مذکور خواهند بود.

قانون اداره امور شرکتهای بیمه

مصوب ۱۳/۹/۱۳۶۷ ماده ۱ - شرکتهای بیمه ایران آسیا و البرز و دانا به صورت سهامی اداره می‌شوند و مجاز به انجام انواع عملیات بیمه‌ای در بخشهای دولتی تعاونی و خصوصی می‌باشند. تبصره ۱ - شرکتهای بیمه آریا، امید، پارس تهران توانا، حافظ ساختمان و کار، شرق و ملی در شرکت بیمه دانا ادغام می‌گردند. تبصره ۲ - اجازه داده می‌شود مطالبات اشخاص حقیقی و حقوقی بابت سهام ارزیابی شده شرکتهای بیمه ملی شده که در تاریخ ملی شدن (۴/۴/۱۳۵۸) دارای ارزش مثبت بوده است با تصویب مجمع عمومی شرکتهای مذکور منتهی ظرف ۲ سال از تاریخ تصویب این قانون از محل منابع داخلی شرکتهای مربوطه پس از کسر مطالبات دولتی

و دیون ممتازه تأمین و پرداخت گردد مشروط بر اینکه عدم مشروعیت مالکیت آنها از سوی دادگاه انقلاب اسلامی اعلام نشود. تبصره ۳- اجازه داده می‌شود مطالبات دولت و بانک‌ها از شرکت‌های بیمه‌ای که تراز منفی دارند از منابع داخلی شرکت‌های بیمه ملی شده دارای تراز مثبت پرداخت شود. ماده ۲- کلیه سهام شرکت‌های بیمه موضوع ماده ۱ این قانون متعلق به دولت بوده و هر یک از این شرکتها دارای اساسنامه‌ای خواهد بود که حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط مجمع عمومی شرکت‌های مذکور تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد و شامل هدف موضوع شرکت نحوه اداره آن و سایر وظایف و اختیارات می‌باشد. مجمع عمومی هر یک از شرکت‌های مزبور مرکب از وزراء اقتصاد و دارایی بازرگانی و برنامه و بودجه می‌باشد ریاست مجمع مزبور با وزیر امور اقتصادی و دارایی است تبصره - رئیس کل بیمه مرکزی ایران بدون حق رای در جلسات مجمع عمومی شرکت‌های بیمه حضور می‌یابد. ماده ۳- مدیر عامل و اعضاء هیات مدیره شرکت‌های بیمه با پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و تصویب مجمع عمومی انتخاب و با حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی منصوب خواهد شد و عزل مدیر عامل و اعضاء هیات مدیره شرکت‌های بیمه با پیشنهاد هر یک از اعضاء مجمع عمومی و تصویب مجمع عمومی با حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی انجام می‌گیرد. ماده ۴- شرکت‌های بیمه ایران آسیا، البرز و دانا با رعایت قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری و این قانون طبق مقررات اساسنامه مربوط اداره خواهند شد و در موارد پیش‌بینی نشده مشمول قانون تجارت می‌باشند و در صورتی تابع مقررات عمومی مربوط به دولت و موسساتی که با سرمایه دولت تشکیل شده‌اند، می‌گردند که در مقررات مزبور صراحتاً از آنها یاد شده باشد. ماده ۵- آیین نامه استخدامی مشترک شرکت‌های بیمه و بیمه مرکزی بنا به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۶- موسسات بیمه موضوع ماده ۵ می‌توانند حداکثر ۵ درصد از سود ویژه مازاد در سال قبل خود را فقط بین کارکنانی که در سال مربوط با فعالیت فوق العاده در جهت افزایش تولید یا ارائه خدمات مناسب‌تر باعث بالا رفتن سود ویژه موسسه شده‌اند توزیع نمایند مشروط بر اینکه مبلغ آن بیش از ۴۰ درصد حقوق سالانه هر فرد نباشد. تبصره - نحوه توزیع که توسط هیات مدیره انجام می‌گیرد بادر نظر گرفتن ارزش کمی و کیفی فعالیت کارکنان مزبور بر طبق آیین نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیات وزیران می‌رسد. ماده ۷- از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر ملغی است قانون فوق مشتمل بر هفت ماده و پنج تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سیزدهم آذرماه یک هزار و سیصد و شصت و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۷/۱۱/۱۲ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث

مصوب ۲۶/۹/۱۳۴۷ ماده ۱- کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و انواع یدک و تریلر متصل به وسایل مزبور و قطارهای راه آهن اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مسوول جبران خسارات بدنی و مالی هستند که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور و یا محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد شود و مکلفند مسوولیت خود را از این جهت نزد شرکت سهامی بیمه ایران و یا یکی از موسسات بیمه داخلی که اکثریت سهام آنها متعلق به اتباع ایرانی و صلاحیت آنها به پیشنهاد وزارت دارایی و وزارت اقتصاد مورد تایید دولت باشد بیمه نمایند. تبصره ۱- منظور از حوادث مذکور در این قانون هر گونه تصادف یا سقوط یا آتش سوزی یا انفجار وسایل نقلیه موضوع این ماده و نیز خساراتی است که از محمولات وسایل مزبور به اشخاص ثالث وارد شود. تبصره ۲- کلیه وزارتخانه‌ها، ادارات مستقل بانکها، بنگاه‌ها و شرکت‌هایی که حداقل نصف سهام آنها متعلق به دولت است و سازمان برنامه و شرکت‌های تابع آن و به طور کلی عموم موسسات وابسته به دولت مکلفند عملیات موضوع این قانون را منحصرأ نزد شرکت سهامی بیمه ایران انجام دهند. ماده ۲- کلیه اشخاصی که به سبب حوادث وسایل نقلیه موضوع این قانون دچار زیانهای بدنی یا مالی می‌شوند از لحاظ این قانون ثالث تلقی می‌شوند به استثنای اشخاص زیر: الف- بیمه‌گذار - مالک یا راننده وسیله نقلیه مسوول حادثه

ب - کارکنان بیمه‌گذار مسوول حادثه حین کار و انجام وظیفه ج - همسر و پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد و اجداد تحت تکفل بیمه‌گذار در صورتی که سرنشین وسیله نقلیه‌ای باشند که راننده یا بیمه‌گذار مسوول حادثه باشد. تبصره - در صورت تصادف دو وسیله نقلیه رانندگان و سایل مزبور نیز در برابر یکدیگر شخص ثالث محسوب می‌شوند اعم از آنکه مالک وسیله نقلیه باشند یا نباشند. ماده ۳ - از تاریخ انتقال وسیله نقلیه کلیه تعهدات ناشی از قرارداد بیمه به منتقل‌الیه وسیله نقلیه منتقل می‌شود و انتقال گیرنده تا پایان مدت قرارداد بیمه‌گذار محسوب خواهد شد و مکلف است ظرف پانزده روز از تاریخ انتقال وسیله نقلیه به خود مراتب را به طریق اطمینان بخشی با ذکر مشخصات کامل خود به بیمه‌گر اعلام کند. ماده ۴ - موارد ذیل از شمول بیمه موضوع این قانون خارج است ۱ - خسارات ناشی از فورس ماژور از قبیل جنگ سیل زلزله ۲ - خسارات وارده به محمولات و سایل نقلیه مورد بیمه ۳ - خسارات مستقیم یا غیر مستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیو اکتیو. ۴ - خسارات وارد به متصرفین غیر قانونی و سایل نقلیه یا به رانندگان فاقد گواهینامه رانندگی ۵ - خسارات ناشی از محکومیت جزایی و پرداخت جرایم ۶ - خسارات ناشی از حوادثی که در خارج از کشور اتفاقی افتد مگر این که توافقی بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار در این موضوع شده باشد. ماده ۵ - در مورد عمد راننده در ایجاد حادثه یا در صورتی که راننده فاقد گواهینامه رانندگی باشد شرکت بیمه پس از پرداخت خسارت زیان دیده می‌تواند برای استرداد وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده مراجعه نماید. ماده ۶ - بیمه‌گر ملزم به جبران کلیه خسارات وارد به اشخاص ثالث خواهد بود. حداقل مبلغ بیمه با توجه به نوع و سایر خصوصیات و سایل نقلیه و همچنین تعرفه حق بیمه و شرایط عمومی آن با رعایت نرخها و شرایط بین المللی توسط شرکت سهامی بیمه ایران تعیین و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۷ - پس از گذشتن سه ماه از تاریخ اجرای این قانون از حرکت و سایل نقلیه موتوری زمینی که فاقد قرارداد بیمه موضوع این قانون می‌باشد از طرف مأموران اداره راهنمایی و رانندگی و پلیس راه جلوگیری به عمل می‌آید. ماده ۸ - شرکتهای بیمه طبق مقررات این قانون و آیین نامه‌های مربوط به آن مکلف به انعقاد قرارداد بیمه با دارندگان و سایل نقلیه مشمول این قانون خواهند بود. ماده ۹ - دارندگان و سایل نقلیه موتوری زمینی که از خارج وارد ایران می‌شوند در صورتی که خارج از کشور مسوولیت خود را نسبت به حوادث ناشی از وسیله نقلیه موضوع این قانون به موجب بیمه نامه‌ای که از طرف شرکت سهامی بیمه ایران معتبر شناخته می‌شود بیمه نکرده باشند مکلفند هنگام ورود به مرز ایران طبق ماده یک این قانون اقدام به بیمه نمایند. ماده ۱۰ - برای جبران زیانهای بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت بیمه نبودن وسیله نقلیه بطلان قرارداد بیمه تعلیق قرارداد بیمه تعلیق تامین بیمه‌گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسوول حادثه و یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی برای جبران خسارتهای خارج از شرایط بیمه نامه (به استثنای موارد مصرح در ماده ۴) صندوق مستقلی به نام «صندوق تامین خسارتهای بدنی تاسیس می‌شود که به وسیله شرکت سهامی بیمه ایران اداره خواهد شد. سازمان وظایف و صلاحیت صندوق تامین خسارتهای بدنی به موجب آیین نامه‌ای خواهد بود که به وسیله شرکت سهامی بیمه ایران تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۱ - درآمد صندوق تامین خسارتهای بدنی از منابعی است که به پیشنهاد دولت به تصویب کمیسیونهای دارایی مجلسین برسد. ماده ۱۲ - مرور زمان دعاوی مربوط به بیمه موضوع این قانون از تاریخ وقوع حادثه دو سال می‌باشد و هر نوع اقدام ذینفع به منظور مطالبه خسارت اعم از ارسال نامه یا تلگرام یا اظهار نامه قاطع مرور زمان خواهد بود. مدت مرور زمان جدید بعد از انقطاع یک سال است ماده ۱۳ - آیین نامه اجرایی این قانون از طرف شرکت سهامی بیمه ایران تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۱۴ - این قانون از اول فروردین ماه ۱۳۴۸ به موقع اجرا گذارده خواهد شد. قانون فوق مشتمل بر چهارده ماده و سه تبصره که در جلسه روز سه شنبه بیست و ششم آذرماه یک هزار و سیصد و چهل و هفت به تصویب مجلس شورای ملی رسیده بود در جلسه روز دوشنبه بیست و سوم دیماه یک هزار و سیصد و چهل و هفت شمسی به تصویب مجلس رسید .

رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۷- رئیس کل مرکز توسعه صادرات ایران ۸- دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از کمیسیون‌های امور بازرگانی و توزیع و امور اقتصادی و دارایی و تعاون با انتخاب مجلس به عنوان ناظر. مدیرعامل صندوق به عنوان دبیر مجمع عمومی بدون حق رای در جلسات مجمع عمومی صندوق حضور خواهد یافت ب هیات مدیره و مدیرعامل مدیرعامل و اعضای هیات مدیره که تعداد آنها پنج نفر می‌باشد به پیشنهاد وزیر بازرگانی و تایید مجمع عمومی صندوق برای مدت پنج سال منصوب می‌شوند. مدیرعامل می‌تواند رئیس هیات مدیره نیز باشد. وزیر بازرگانی می‌تواند مدیرعامل را عزل نماید. ج بازرس یا بازرسان قانونی صندوق دارای یک یا دو بازرس اصلی و نیز یک یا دو بازرس علی البدل خواهد بود که توسط مجمع عمومی برای مدت یکسال انتخاب می‌شوند. ماده ۵- ضمانت صندوق به ترتیبی که در آیین نامه‌های مربوط تعیین می‌شود شامل موارد زیر خواهد بود: الف مطالبات صادر کنندگان کالاها و یا خدمات از خریداران خارج از کشور که به دلایل زیر در سررسید مقرر وصول نشود، مشروط بر آن که ناشی از عدم انجام تعهد صادر کننده نباشد: ۱- استتکاف خریدار از قبول کالای صادر شده یا خدمت انجام شده ۲- عدم پرداخت بهای کالا یا خدمت در سررسید مقرر. ۳- عدم توانایی مالی خریدار به دلیل ورشکستگی یا اعسار یا توقف ۴- بروز جنگ یا حالت جنگ ۵- تیره شدن روابط و یا قطع روابط سیاسی با کشور خریدار به نحوی که در نتیجه آن صادر کننده موفق به دریافت مطالبات خود در سررسید آنها نشود. ۶- اعمال سیاست‌های اقتصادی که موجب مسدود شدن مطالبات صادر کنندگان شود. ۷- اعمال سیاست‌های مربوط به محدودیت‌های وارداتی و ارزی در کشور خریدار. ۸- سلب مالکیت از خریدار بر اثر ملی شدن یا مصادره اموال به نحوی که صادر کننده موفق به دریافت مطالبات خود نشود. سایر عوامل خارج از حیطه اختیار صادر کننده و خریدار که به تشخیص هیات مدیره صندوق موجب عدم وصول مطالبات صادر کننده شود. ب تسهیلاتی که برای کالاها یا خدمات صادراتی تخصیص یابد. ج سایر مواردی که به تشخیص هیات وزیران در امر توسعه صادرات لازم و یا مفید باشد. ماده ۶- صندوق مکلف است پس از قبول یا پرداخت خسارت ناشی از موارد فوق، نسبت به استیفای حقوق خود برای وصول خسارات مربوط اقدام نماید. ماده ۷- صندوق در مقابل خدماتی که ارائه می‌دهد کارمزد دریافت می‌کند. میزان کارمزد با پیشنهاد مجمع عمومی و تصویب هیات وزیران تعیین می‌گردد. تبصره ۱- دولت مکلف است از تمامی وارد کنندگان غیردولتی یک درصد (۱٪) از ارزش سیف کالا دریافت و در اختیار صندوق قرار دهد تا به حساب اندوخته احتیاطی منظور شود. تبصره ۲- وجوه مصرف نشده اندوخته احتیاطی مربوط به هر سال نیز به حساب افزایش اندوخته احتیاطی صندوق اختصاص می‌یابد. چگونگی و نحوه استفاده از اندوخته احتیاطی برابر آیین نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد مجمع عمومی و به تصویب هیات وزیران می‌رسد. تبصره ۳- سود ویژه سالانه صندوق نیز که پس از کسر تمامی هزینه‌ها، ذخایر فنی اندوخته قانونی مالیات و کسور قانونی محاسبه می‌شود و به حساب اندوخته احتیاطی منظور خواهد شد. تبصره ۴- هرگاه درآمدهای صندوق برای پرداخت خسارات و تأمین ذخایر فنی کافی نباشد ما به التفاوت پس از تصویب هیات وزیران در بودجه سالانه کل کشور به حساب صندوق منظور خواهد شد. میزان و ترتیب محاسبه ذخایر فنی توسط مجمع عمومی صندوق تعیین می‌شود. ماده ۸- حق الثبت اسناد رهنی مربوط به صندوق سه دهم در هزار تعیین می‌شود. قانون فوق مشتمل بر هشت ماده و شش تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ پانزدهم مهر ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۹/۷/۱۳۷۵ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون بیمه محصولات کشاورزی

مصوب ۲۵/۳/۱۳۶۲ ماده واحده - به منظور انجام بیمه انواع محصولات کشاورزی دام طیور، زنبور عسل کرم ابریشم و آبزیان پرورشی در مقابل خسارتهای ناشی از سوانح طبیعی و حوادث قهری نظیر تگرگ طوفان خشکسالی زلزله سیل سرمازدگی، یخبندان

آتش سوزی صاعقه آفات و امراض نباتی عمومی و قرنطینه‌ای امراض واگیر حیوانی عمومی و قرنطینه‌ای به عنوان وسیله‌ای برای نیل به اهداف و سیاستهای بخش کشاورزی صندوق بیمه کشاورزی در بانک کشاورزی تأسیس می‌شود. تبصره ۱ - صندوق بیمه محصولات کشاورزی دارای استقلال مالی و شخصیت حقوقی است و بر اساس مقررات قانونی شرکتهای دولتی اداره و دارای شورای عالی مرکب از وزراء کشاورزی امور اقتصادی و دارایی بازرگانی مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه به ریاست وزیر کشاورزی می‌باشد، حدود وظایف و اختیارات شورای عالی در اساسنامه صندوق بیمه محصولات کشاورزی خواهد آمد. تبصره ۲ - شورای عالی بیمه محصولات کشاورزی دارای کمیته فنی مرکب از نمایندگان ذی صلاح و تام الاختیار اعضای شورای عالی و صندوق با وظایف زیر خواهد بود: ۱ - بررسی و تأیید کلیه طرحها و برنامه‌ها و مسائلی که از طریق صندوق به شورای عالی احاله می‌گردد. ۲ - نظارت بر حسن اجرای طرحها و برنامه‌های مصوب به نیابت از طرف شورای عالی ۳ - بررسی و اظهار نظر مشورتی در مورد مسائل و مشکلاتی که توسط صندوق ارجاع می‌شود. تبصره ۳ - هیات مدیره صندوق مرکب از ۵ نفر شامل مدیرعامل بانک کشاورزی و یک نفر از هیات مدیره بانک کشاورزی و یک نماینده از جهاد سازندگی و دو نفر دیگر به معرفی وزیر کشاورزی و تصویب شورای عالی می‌باشد، مدیرعامل بانک کشاورزی سمت مدیرعامل صندوق بیمه محصولات کشاورزی را نیز به عهده خواهد داشت تبصره ۴ - سرمایه اولیه صندوق بیمه کشاورزی مبلغ یک میلیارد ریال می‌باشد که به پیشنهاد وزارت کشاورزی از طریق دولت تامین و پرداخت می‌گردد. سرمایه صندوق طبق اساسنامه مربوطه و با تصویب شورای عالی بیمه محصولات کشاورزی قابل افزایش می‌باشد. تبصره ۵ - دولت موظف است اساسنامه فوق را ظرف ۳ ماه از تاریخ تصویب این لایحه تهیه و برای تصویب تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید. تبصره ۶ - کمک دولت بابت تامین قسمتی از سهم حق بیمه کشاورز و جبران زیانهای احتمالی عملیات بیمه به پیشنهاد شورای عالی صندوق بیمه محصولات کشاورزی و تصویب هیات وزیران هر ساله در بودجه کل کشور منظور و به صندوق پرداخت خواهد شد. تبصره ۷ - بتدریج که صندوق بیمه محصولات کشاورزی آمادگی لازم را برای انجام وظایف خود بر اساس این لایحه در هر منطقه و برای هر محصول اعلام نماید صندوق کمک به تولید کنندگان خسارت دیده محصولات کشاورزی و دامی به فعالیتهای خود در آن منطقه و برای آن محصول خاتمه داده و منابع و امکانات مربوط را به صندوق بیمه محصولات کشاورزی منتقل خواهد نمود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و هفت تبصره در جلسه روز یکشنبه اول خردادماه یک هزار و سیصد و شصت و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۵/۳/۱۳۶۲ به تأیید شورای نگهبان رسیده است

قانون تأسیس مؤسسات بیمه غیردولتی

ماده واحده - به منظور تعمیم و گسترش صنعت بیمه در کشور، افزایش رقابت و کارآیی در بازار بیمه افزایش رفاه عمومی و گسترش امنیت اجتماعی و اقتصادی افزایش نقش بیمه در رشد و توسعه اقتصادی کشور و جلوگیری از ضرر و زیان جامعه با توجه به ذیل اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی و در چارچوب ضوابط قلمرو و شرایط تعیین شده زیر اجازه تأسیس مؤسسه بیمه غیردولتی به اشخاص داخلی داده می‌شود: ۱ - سیاستگذاری در صنعت بیمه اعمال نظارت بر فعالیتهای بیمه‌ای و صدور مجوز فعالیت بیمه‌ای کماکان جهت اعمال حاکمیت در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران باقی خواهد بود. ۲ - ضوابط مربوط به نحوه تأسیس و فعالیت مؤسسات بیمه داخلی و از قبیل شرایط اخذ مجوز تأسیس و لغو آن نحوه انتقال عملیات و ادغام انحلال و ورشکستگی مؤسسات بیمه‌ای محدوده فعالیت بیمه‌ای و بیمه اتکایی شامل انواع معاملات بیمه حق بیمه و کارمزد مربوط به رشته‌های مختلف بیمه میزان ذخایر فنی و اندوخته‌های قانونی و نحوه سرمایه گذاری آنها بر اساس قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۳۰/۳/۱۳۵۰ و اصلاحیه بعدی و قانون بیمه مصوب ۷/۲/۱۳۱۶ تعیین خواهد شد. ۳ - حداقل سرمایه مؤسسات بیمه موضوع ماده (۳۶) قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۳۰/۳/۱۳۵۰ برای مؤسسات بیمه غیردولتی با پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تأیید

وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیات وزیران تعیین خواهد شد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ششم شهریور ماه یکهزار و سیصد و هشتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۷/۶/۱۳۸۰ به تایید شورای نگهبان رسیده است رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی

مقررات تأسیس و فعالیت مؤسسات بیمه در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران

فصل اول - تعاریف

ماده ۱ - در این آیین نامه واژه‌های زیر به جای عبارتهای مشروح مربوط به کار می‌رود: الف - مناطق آزاد: مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران ب - سایر نقاط کشور: کشور جمهوری اسلامی ایران به استثنای مناطق آزاد. پ - منطقه هر یک از مناطق آزاد. ت - سازمان سازمان هر یک از مناطق آزاد. ث - مؤسسات موضوع این آیین نامه کلیه مؤسسات مذکور در ماده (۲) این آیین نامه ج - مؤسسات بیمه مؤسسات بیمه‌ای که طبق مقررات این آیین نامه مجاز به فعالیت در منطقه می‌باشند. چ - مؤسسات بیمه متقابل مؤسسات بیمه‌ای که خدمات خود را به صورت بیمه متقابل تنها به اعضاء ارایه می‌نمایند. ح - موسسه کارگزاری بیمه شخص حقوقی که در مقابل دریافت کارمزد، واسطه انجام معاملات بیمه و یا بیمه اتکایی بین طرفها بوده و شغل او تنها ارایه خدمات بیمه‌ای باشد. خ - شعبه واحد تابعه یکی از مؤسسات بیمه ایرانی که در چهارچوب موضوع و وظایف موسسه اصلی تحت نام و مسوولیت آن در منطقه فعالیت می‌کند. د - نمایندگی بیمه شخص حقیقی یا حقوقی که بر اساس قرارداد نمایندگی با یکی از مؤسسات بیمه ایرانی و مقررات این آیین نامه انجام بخشی از موضوع و وظایف موسسه طرف قرارداد در امر بیمه را در منطقه به عهده گرفته است

فصل دوم - تأسیس

ماده ۲ - عملیات بیمه و بیمه اتکایی در مناطق آزاد به وسیله موسساتی که بنا به پیشنهاد سازمان طبق مقررات این آیین نامه از بیمه مرکزی ایران مجوز دریافت داشته و به یکی از صورتهای زیر به ثبت برسند انجام خواهد شد: ۱ - شرکت سهامی یا تعاونی بیمه ایرانی با مشارکت سهامداران حقیقی و حقوقی ایرانی و یا خارجی که کلیه سهام آن با نام باشد. ۲ - مؤسسه نمایندگی و یا کارگزاری بیمه تبصره ۱ - تأسیس شعبه توسط مؤسسات بیمه با رعایت مقررات این آیین نامه و ثبت در منطقه بلامانع است تبصره ۲ - اعطای نمایندگی بیمه به اشخاص حقیقی با رعایت ضوابطی که به تصویب شورای عالی بیمه می‌رسد امکانپذیر است تبصره ۳ - فعالیت شعبه‌ها و نمایندگی‌های مؤسسات بیمه سایر نقاط کشور در هر یک از مناطق آزاد با رعایت مقررات قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری در چهارچوب این آیین نامه و سایر ضوابط حاکم بر مؤسسات مزبور بلامانع است ماده ۳ - مؤسساتی که در اجرای این آیین نامه اجازه فعالیت در منطقه دریافت می‌نمایند، مجاز به عرضه بیمه برای اشخاص مقیم موضوعات و موارد بیمه موجود در سایر نقاط کشور و بیمه حمل و نقل کالای وارداتی به سایر نقاط کشور که قرارداد خرید آن در ایران منعقد یا اعتبار اسنادی آن در ایران باز شده است نمی‌باشند. عملیات بیمه اتکایی از شمول حکم این ماده مستثناست تبصره ۱ - مؤسساتی که تنها اجازه فعالیت بیمه‌ای مستقیم در منطقه رادارند نمی‌توانند از مؤسسات بیمه سایر نقاط کشور بیمه اتکایی قبول نمایند. تبصره ۲ - مؤسسات بیمه می‌توانند نسبت به بیمه اموال و مسوولیت (غیر بیمه اشخاص در چهارچوب این آیین نامه و رعایت قوانین و مقررات مربوط در مناطق ویژه اقتصادی فعالیت کنند. تبصره ۳ - صدور بیمه نامه توسط مؤسسات بیمه‌ای مناطق آزاد برای آن دسته از موضوعات و موارد بیمه‌ای که از طرف مؤسسات بیمه‌ای ایرانی فعال در سایر نقاط کشور عرضه نمی‌شود از شمول این ماده مستثناست و فهرست این قبیل موضوعات و موارد بیمه مجاز در سایر نقاط کشور، برای مؤسسات بیمه توسط بیمه مرکزی ایران

حداکثر ظرف ۳ ماه از تاریخ تصویب این مقررات تهیه و به سازمانها اعلام می‌شود. ماده ۴ - حداقل سرمایه برای موسسات بیمه نمایندگی و کارگزاری بیمه به قرار زیر است ۱ - موسسات بیمه مستقیم با سرمایه حداقل پانزده میلیارد (۰۰۰/۰۰۰/۱۵) ریال تشکیل می‌شوند که باید حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن به صورت نقد پرداخت شده باشد. ۲ - موسسات بیمه متقابل با سرمایه حداقل دو بیست میلیون (۰۰۰/۰۰۰/۲۰۰) ریال تشکیل می‌شوند که باید حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن به صورت نقد پرداخت شده باشد. ۳ - موسسات بیمه اتکایی با سرمایه حداقل هشتاد و پنج میلیارد (۰۰۰/۰۰۰/۸۵) ریال تشکیل می‌شوند که باید حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن به صورت نقد پرداخت شده باشد. ۴ - موسسات نمایندگی و یا کارگزاری بیمه با سرمایه حداقل سیصد میلیون (۰۰۰/۰۰۰/۳۰۰) ریال تشکیل می‌شوند که باید حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن به صورت نقد پرداخت شده باشد. تبصره ۱ - هرگونه تعدیل در ارقام مندرج در این ماه هر ۲ سال یک بار موکول به پیشنهاد مشترک دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و بیمه مرکزی ایران و تصویب هیات وزیران است تبصره ۲ - سهامداران خارجی موسسات موضوع این آیین‌نامه سهم الشرکه ریالی خود را باید به ارزشهای مورد قبول بانک مرکزی ایران پرداخت و یا گواهی تبدیل ارز ارائه نمایند. تبصره ۳ - وجوه سرمایه موضوع این ماده باید نزد یکی از بانکهای مورد تایید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که ترجیحا در مناطق آزاد دارای شعبه باشد واریز شود.

فصل سوم - مجوز ثبت و پروانه فعالیت

ماده ۵ - ثبت موسسات موضوع این آیین‌نامه در منطقه موکول به ارائه مجوز ثبت که توسط بیمه مرکزی ایران صادر می‌شود و ثبت هرگونه تغییرات بعدی در اساسنامه میزان سرمایه و سهام موسساتی که به ثبت رسیده باشند موکول به ارائه موافقت بیمه مرکزی ایران است ماده ۶ - برای تحصیل مجوز ثبت مدارک و اطلاعات زیر بایده بیمه مرکزی ایران تسلیم شود: الف - اساسنامه موسسه ب - میزان سرمایه موسسه، رسید یا گواهینامه تعهد پرداخت آن پ - سهام نقدی و غیرنقدی و نحوه پرداخت آنها. ت - صورت اسامی سهامداران بازرسان و مدیران و تابعیت و تعداد سهام هر یک از آنها. ث - اسناد و مدارک و اطلاعات دیگری که معرف صلاحیت مالی و فنی مؤسسه و حسن شهرت مدیران آن باشد. تبصره - مجوز ثبت صادر شده برای مدت ۶ ماه اعتبار دارد. در صورت عدم ثبت مؤسسه ظرف مهلت مذکور باید مجدداً مجوز ثبت تحصیل شود. ماده ۷ - بیمه مرکزی ایران موظف است حداکثر ظرف ۳۰ روز از تاریخ تسلیم آخرین مدارک و اطلاعات خواسته شده با رعایت ماده (۲۸) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۲ - و مقررات این آیین‌نامه نظر خود را اعم از قبول یا رد تقاضا به طور کتبی به سازمان اعلام نماید. تبصره - در صورتی که متقاضی به نظر اعلام شده اعتراض داشته باشد می‌تواند ظرف ۳۰ روز اعتراض خود را به مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران تسلیم کند. تصمیم مجمع مزبور قطعی و لازم الاجراست ماده ۸ - بیمه مرکزی ایران با دریافت گواهی ثبت مؤسسه در منطقه پروانه فعالیت برای بیمه اتکایی یک یا چند رشته بیمه مستقیم و یا هر دو صادر خواهد کرد.

فصل چهارم - لغو پروانه و محدود نمودن فعالیت

ماده ۹ - پروانه فعالیت صادر شده توسط بیمه مرکزی ایران برای تمام رشته‌ها یا رشته‌های معین در موارد زیر لغو خواهد شد: الف - در صورت تقاضای دارنده پروانه ب - در صورتی که موسسه تا یک سال پس از صدور پروانه عملیات خود را در منطقه شروع نکرده باشد. پ - در صورت ورشکستگی موسسه ت - در صورتی که به تشخیص بیمه مرکزی ایران و تایید شورای عالی بیمه وضع مالی موسسه طوری باشد که نتواند به تعهدات خود عمل نماید یا ادامه فعالیت موسسه به زیان بیمه شدگان و بیمه گذاران و صاحبان حقوق آنها باشد. ث - سایر موارد پیش بینی شده در این آیین‌نامه ماده ۱۰ - در مواردی که موسسات موضوع این آیین‌نامه برخلاف

اساسنامه خود یا مقررات این آیین نامه یا حسب اعلام سازمان برخلاف سایر مقررات حاکم بر این موسسات در منطقه رفتار نمایند، به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تصویب شورای عالی بیمه از فعالیت در رشته یا رشته‌های معین یا بیمه‌های اتکایی به طور موقت یا دائم ممنوع خواهند شد. ماده ۱۱ - صدور و لغو پروانه فعالیت موسسات موضوع این آیین نامه یا ممنوعیت آنها از فعالیت به طور موقت و اطلاعاتی که از لحاظ حفظ منافع بیمه گذاران و بیمه شدگان صاحبان حقوق آنها لازم باشد، به هزینه خود موسسه توسط بیمه مرکزی ایران در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران و منطقه در دو نوبت به فاصله یک ماه آگهی خواهد شد. ماده ۱۲ - در صورتی که پروانه فعالیت موسسه بیمه‌ای برای یک یا چند رشته بیمه یا بیمه اتکایی بطور دائم لغو شود بنا به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تصویب شورای عالی بیمه ترتیبی اتخاذ خواهد شد که متضمن منافع بیمه گذاران بیمه شدگان و صاحبان حقوق آنها باشد. از جمله این ترتیبات انتقال پرتفوی موسسه با کلیه سوابق و اسناد مربوطه به حقوق و تعهدات آن به موسسه دیگری که مجاز به فعالیت در منطقه باشد خواهد بود.

فصل پنجم - نحوه فعالیت

ماده ۱۳ - موسسات بیمه موضوع این آیین نامه موظفند حساب اندوخته‌های قانونی و ذخایر فنی خود را نگهدارند و نحوه به کار افتادن آنها را به صورت مشخص منعکس نمایند. انواع اندوخته‌های قانونی و ذخایر قانونی و ذخایر فنی برای هر یک از رشته‌های بیمه و میزان و طرز محاسبه همچنین ترتیب به کار انداختن این اندوخته و ذخایر و نیز سرمایه موسسه و نحوه ارزیابی اموال منقول و غیرمنقول که نماینده منابع مالی موسسات مذکور است به موجب دستورالعمل‌هایی است که به تصویب شورای عالی بیمه می‌رسد. ماده ۱۴ - موسسات بیمه موضوع این آیین نامه موظفند ده درصد (۱۰٪) از کلیه معاملات بیمه‌ای مستقیم خود را نزد بیمه مرکزی ایران بیمه اتکایی نمایند. بیمه مرکزی ایران در قبول یا رد اتکایی مزبور مجاز می‌باشد. تبصره - نرخ کارمزد و سایر شرایط به موجب دستورالعملی است که به تصویب شورای عالی بیمه خواهد رسید. ماده ۱۵ - اموال موسسات بیمه موضوع این آیین نامه همچنین اندوخته‌ها و ذخایر مذکور در ماده (۱۳) تضمین حقوق و مطالبات بیمه گذاران و بیمه شدگان و صاحبان حقوق آنان است و در صورت انحلال یا ورشکستگی موسسه بیمه گذاران و بیمه شدگان و صاحبان حقوق آنان نسبت به سایر بستانکاران حق تقدم دارند. تبصره ۱ - در میان رشته‌های مختلف بیمه حق تقدم با بیمه عمر است تبصره ۲ - موسسات مذکور در این ماده نمی‌توانند بدون موافقت قبلی بیمه مرکزی ایران اموال خود را صلح حقوق نمایند و یا به رهن واگذار کنند و یا موضوع هر نوع معامله با حق استرداد قرار دهند. تبصره ۳ - دفاتر اسناد رسمی موظفند هنگام انجام معاملات موضوع تبصره (۲) این ماده مطابق بخش اخیر ماده (۶۰) قانون بیمه تاسیس بیمه مرکزی و بیمه گری موافقتنامه بیمه مرکزی ایران را مطالبه و مفاد آن را در سند منعکس نمایند. ماده ۱۶ - موسسات بیمه موضوع این آیین نامه موظفند ترازنامه و صورت سود و زیان خود را در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران و منطقه درج نمایند. ماده ۱۷ - موسسات موضوع این آیین نامه موظفند هر گونه تغییر در سهامداران عمده مدیران و بازرسان (حسابرسان موسسه را ظرف دو هفته به اطلاع بیمه مرکزی ایران برسانند. ماده ۱۸ - اشخاصی که در ایران یا در خارج از کشور به یکی از جرایم قتل سرقت خیانت در امانت کلاهبرداری صدور چک بی محل و اختلاس یا معاونت در جرایم مذکور محکوم شده باشند، همچنین ورشکستگان به تقصیر و تقلب نمی‌توانند جزو موسسان یا مدیران موسسات موضوع این آیین نامه باشند. ماده ۱۹ - موسسات بیمه موضوع این آیین نامه از نظر ادغام و انتقال عملیات انحلال و ورشکستگی تابع مقررات این آیین نامه و مواد (۵۱) الی (۵۹) قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری می‌باشند.

فصل ششم - نظارت

ماد ۲۰ - بیمه مرکزی ایران طبق مقررات آیین نامه بر فعالیت موسسات موضوع این آیین نامه در منطقه نظارت خواهند کرد. ماده ۲۱ - موسسات موضوع این آیین نامه حسب مورد موظفند: الف - حسابها و صورتهای مالی خود را طبق نمونه‌ای که به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران به تایید شورای عالی بیمه می‌رسد تنظیم و نگهداری نمایند. ب - یک نسخه از صورتهای مالی خود را که مورد رسیدگی و اظهار نظر حسابرسان تایید شده توسط سازمان حسابرسی یا حسابرسان معتبر بین المللی قرار گرفته است حداکثر ظرف ۶ ماه از پایان دوره مالی به بیمه مرکزی ایران تسلیم کنند. پ - صورت وضعیت عملیات بیمه‌ای سالانه خود را طبق نمونه‌ای که بیمه مرکزی ایران تهیه می‌کند، تنظیم و ظرف ۳ ماه از پایان دوره مربوط به بیمه مرکزی ایران تسلیم نمایند. ت - سایر اطلاعات و آمار دوره‌ای یا موردی را که بیمه مرکزی ایران به منظور نظارت بر حسن اجرای این آیین نامه لازم تشخیص دهد در اختیار این سازمان قرار دهند. ث - با بازرسان اعزامی که با حکم کتبی یکی از اعضای هیات عامل بیمه مرکزی ایران و با اطلاع دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد در محل حضور پیدا می‌کنند همکاری نمایند و اطلاعات لازم را در اختیار آنان قرار دهند. تبصره - موسسات بیمه‌ای که بیمه نامه‌های بلند مدت زندگی عرضه می‌نمایند، علاوه بر رعایت ترتیبات فوق موظفند ترتیبی اتخاذ کنند تا حسابها و ذخایر فنی مربوط مورد رسیدگی و تایید محاسبه فنی مورد قبول بیمه مرکزی ایران قرار گیرد. ماده ۲۲ - حسابرسان موسسات بیمه موضوع این آیین نامه علاوه بر وظایف قانونی و حرفه‌ای مکلفند در گزارش نهایی خود نسبت به حسن اجرای مقررات این آیین نامه نیز اظهار نظر نمایند. ماده ۲۳ - بیمه مرکزی ایران در صورت مشاهده هرگونه تخلف موسسات موضوع این آیین نامه از مقررات مربوط مراتب رابه طور کتبی به موسسه و سازمان اعلام و مهلت مناسبی را برای رفع ایراد تعیین و ابلاغ می‌نماید. در صورت عدم رفع به موقع تخلف یا تکرار تخلف بیمه مرکزی ایران حسب مورد و با اخطار کتبی مطابق ماده (۱۰) این آیین نامه عمل خواهد کرد. ماده ۲۴ - ارزش خالص داراییها (حقوق صاحبان سهام در موسسات بیمه موضوع این آیین نامه هیچگاه نباید از بزرگترین رقم حاصل از بندهای زیر کمتر باشد: الف - نود درصد (۹۰٪) حداقل سرمایه پرداخت شده طبق مقررات این آیین نامه ب - ده درصد (۱۰٪) حق بیمه‌های صادر شده ناخالص آخرین سال مالی ضربدر نسبت نگهداری خسارت دوره ج - چهارده و سه دهم (۳/۱۴٪) درصد میانگین سالانه کل خسارات ایجاد شده در سه دوره قبلی ضربدر نسبت نگهداری خسارت دوره تبصره - نسبت نگهداری خسارت دوره عبارت است از: کل خسارتهای ایجاد شده پس از کسر خسارت سهم بیمه‌گران اتکایی کل خسارت ایجاد شده دوره مربوط ماده ۲۵ - در صورت عدم حصول نصابهای مندرج در ماده (۲۴) این آیین نامه موسسه بیمه موظف است طرح خود در خصوص نیل به نصابهای مذکور را ظرف ۳ ماه از پایان مهلت مقرر برای ارایه صورتهای مالی به تایید بیمه مرکزی ایران برساند در غیر این صورت بیمه مرکزی ایران طبق مقررات این آیین نامه نسبت به محدود کردن فعالیت یا لغو پروانه موسسه بیمه حسب مورد اقدام خواهد کرد. در هر حال زمان اجرای طرح شده نباید بیشتر از یک سال باشد. ماده ۲۶ - موسسات موضوع این آیین نامه مکلفند کلیه داراییهای معرف بدهیها و ذخایر عملیات بیمه‌ای همچنین سرمایه و اندوخته‌های خود را تنها در مناطق آزاد یا سایر نقاط کشور نگهداری و سرمایه گذاری نمایند. تبصره - نگهداری بخشی از داراییهای موضوع این ماده در خارج از کشور با تایید سازمان و موافقت بیمه مرکزی ایران مجاز است

فصل هفتم - سایر مقررات

ماده ۲۷ - موسسات بیمه و نمایندگان و کارگزاران رسمی بیمه مسئول جبران خساراتی می‌باشند که در اجرای وظایفشان به سبب تقصیر و یا مسامحه آنها یا کارکنانشان به دیگران وارد آید. هر موسسه بیمه در رشته یا رشته‌های معینی که پروانه بیمه ندارد رأسا به وسیله نمایندگان خود قبول بیمه نماید، مکلف به جبران خسارت زیان دیده خواهد بود. ماده ۲۸ - از عملیات اشخاصی که بدون

تحصیل پروانه مبادرت به عملیات بیمه و یا بیمه انکایی موضوع این آیین نامه نمایند، به درخواست بیمه مرکزی ایران توسط سازمان جلوگیری به عمل آمده و به علاوه در صورت لزوم بیمه مرکزی ایران اشخاص مزبور را بر اساس مقررات ماده (۲۱) ضوابط ثبت شرکتها و مالکیت‌های صنعتی و معنوی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۴/۲/۱۳۷۴ شورای عالی مناطق آزاد - و سایر قوانین و مقررات مربوط از طریق مراجع ذی صلاح تحت پیگرد قرار خواهد داد. ماده ۲۹ - رئیس شورای عالی بیمه در کلیه مواردی که اعضای شورای عالی بیمه را به منظور اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات مربوط به تاسیس یا فعالیت موسسات بیمه در مناطق آزاد دعوت می نماید، از دبیر شورای عالی مناطق آزاد یا نماینده وی نیز برای شرکت در جلسه دعوت می کند. در این جلسات دبیر شورای عالی مناطق آزاد یا نماینده وی نیز حق رای خواهد داشت ماده ۳۰ - فعالیت موسسات موضوع این آیین نامه تنها تابع مقررات این آیین نامه است و در موارد پیش بینی نشده از حیث اداره امور موسسه، تابع قانون تجارت و قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت خواهد بود. ماده ۳۱ - از تاریخ تصویب این آیین نامه کلیه مقررات مغایر با آن در منطقه لغو می شود.

قانون الحاق دولت ایران به سیستم بین المللی بیمه مسئولیت مدنی وسایط نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص

مصوب ۵/۳/۱۳۵۶ ماده واحده - بیمه مرکزی ایران مجاز است دفتر ایرانی بیمه بین المللی مسوولیت مدنی دارندگان وسایط نقلیه نقلیه موتوری زمینی (کارت سبز) را در تهران دایر کند و نسبت به الحاق آن دفتر به سیستم بین المللی بیمه مزبور اقدام نماید. کلیه موسسات بیمه ایرانی مجاز به انجام عملیات بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث ملزم به قبول عضویت دفتر مزبور می باشند. ترتیب اجرای این قانون به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به تصویب شورای عالی بیمه خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر یک ماده پس از تصویب مجلس شورای ملی در جلسه روز پنجشنبه ۵ خرداد ماه ۱۳۵۶، در جلسه روز چهارشنبه بیست و پنجم خردادماه سال یک هزار و سیصد و پنجاه و شش به تصویب مجلس سنا رسید.

قانون حق الثبت شرکتهای بیمه

مصوب ۶/۹/۱۳۱۰ کمیسیون قوانین عدلیه ماده ۱ - مقررات ماده (۱۰) قانون ثبت شرکتها مصوب ۲/۳/۱۳۱۰ در آن قسمتی که راجع به حق الثبت خود شرکت است شامل شرکتهای بیمه نخواهد بود و شرکتهای مزبور باید حقوق ذیل را تادیه نمایند: (اصلاحی ۲۵/۳/۱۳۶۷ هیات وزیران - برای ثبت خود شرکت ۰۰۰/۳۰۰ ریال برای معاملات شرکت الف - در بیمه بر ضد حریق ۱ - اگر سند بیمه (پلیس بیمه برای مدتی بیش از سه ماه صادر شود یک دینار برای هر چهارصد ریال قیمت مال بیمه شده یا کسر آن در هر سال یا کسر سال ۲ - اگر سند بیمه برای سه ماه یا کمتر صادر شود یک دینار برای هر هشتصد ریال قیمت مال بیمه شده یا کسر آن ب - در سایر بیمه ها ده دینار برای هر بیست ریال حق بیمه یا کسر آن که شرکت اخذ می کند. ج - برای تصدیقات موقتی ده دینار از هر تصدیق هر گاه مبلغ بیمه شده در اوراق و اسناد فوق معین نشده باشد هر یک دینار حق بیمه را باید در مقابل ده ریال قیمت مال بیمه شده محسوب داشت هر گاه مدت بیمه ذکر نشده باشد مدت آن یک سال محسوب خواهد شد. تبصره ۱ - در موقع تجدید سند بیمه باید مطابق مقررات فوق حق الثبت تادیه شود. تبصره ۲ - تادیه حقوق مذکور در این ماده به عهده خود شرکت است و شرکت به هیچ وجه حق ندارد به وسیله ازدیاد میزان حق بیمه یا به طریق دیگر آن را از بیمه شدگان اخذ کند. هر قراردادی که با بیمه شدگان برخلاف این ترتیب داده شود در قسمتی که مخالف این تبصره است باطل بوده و به علاوه ممکن است موجب الغای اجازه عملیات شرکت بشود. تبصره ۳ - به هر سند بیمه یا تصدیق باید معادل حقوق قانونی تمبر الصاق شود والا سه برابر حق تمبر از شرکت گرفته خواهد شد. وصول این وجه به طریق اداری و بدون مراجعه به محکمه خواهد بود. اگر سند بیمه در نسخ متعدد تنظیم شده باشد تمبر به نسخه الصاق می شود که به صاحب سند بیمه باید تسلیم گردد و در سایر نسخ باید قید نمود که تمبر به نسخه مزبور الصاق

شده است به هر یک از سایر نسخ نیز باید معادل یک دینار تمبر الصاق گردد. ماده ۲- این قانون از ۱۵/۹/۱۳۱۰ به موقع اجرا گذارده می‌شود.

قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی

مصوب ۲۱/۸/۱۳۷۶ ماده واحده - شرکتهای خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند، مشروط به عمل متقابل از سوی کشور متبوع می‌توانند در زمینه‌هایی که توسط دولت جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود در چارچوب قوانین و مقررات کشور به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام کنند. تبصره - آیین نامه اجرایی این قانون بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی با هماهنگی سایر مراجع ذی ربط به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. آیین نامه اجرایی قانون بالا به شرح زیر است آیین نامه اجرایی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی - مصوب ۱۱/۱/۱۳۷۸ هیات وزیران ماده ۱ - شرکتهای خارجی که در کشور محل ثبت خود، شرکت قانونی شناخته می‌شوند، مشروط به عمل متقابل در کشور متبوع می‌توانند برای فعالیت در ایران در زمینه‌های زیر بر اساس مقررات این آیین نامه و سایر قوانین و مقررات مربوط نسبت به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام نمایند: ۱ - ارائه خدمات بعد از فروش کالاها یا خدمات شرکت خارجی ۲ - انجام عملیات اجرایی قراردادهایی که بین اشخاص ایرانی و شرکت خارجی منعقد می‌شود ۳ - بررسی و زمینه سازی برای سرمایه گذاری شرکت خارجی در ایران ۴ - همکاری با شرکتهای فنی و مهندسی ایرانی برای انجام کار در کشورهای ثالث ۵ - افزایش صادرات غیرنفتی جمهوری اسلامی ایران ۶ - ارائه خدمات فنی و مهندسی و انتقال دانش فنی و فناوری ۷ - انجام فعالیتهایی که مجوز آن توسط دستگاههای دولتی که به طور قانونی مجاز به صدور مجوز هستند، صادر می‌گردد، از قبیل ارائه خدمات در زمینه‌های حمل و نقل بیمه و بازرسی کالا، بانکی بازاریابی و غیره ماده ۲ - شعبه شرکت خارجی واحد محلی تابع شرکت اصلی است که مستقیماً موضوع و وظایف شرکت اصلی را در محل انجام می‌دهد. فعالیت شعبه در محل تحت نام و با مسئولیت شرکت اصلی خواهد بود. ماده ۳ - شرکتهای خارجی متقاضی ثبت شعبه در ایران موظفند اطلاعات و مدارک زیر را به همراه درخواست کتبی خود به اداره کل ثبت شرکتهای و مالکیت صنعتی ارائه نمایند: ۱ - اساسنامه شرکت آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبت شده در مراجع ذیربط ۲ - آخرین گزارش مالی تایید شده شرکت ۳ - گزارش توجیهی حاوی اطلاعات مربوط به فعالیتهای شرکت و تبیین دلایل و ضرورت ثبت شعبه در ایران تعیین نوع و حدود اختیارات و محل فعالیت شعبه برآورد نیروی انسانی ایرانی و خارجی مورد نیاز، و نحوه تأمین منابع وجوه ارزی و ریالی برای اداره امور شعبه ماده ۴ - نماینده شرکت خارجی شخص حقیقی یا حقوقی است که بر اساس قرارداد نمایندگی انجام بخشی از موضوع و وظایف شرکت طرف نمایندگی را در محل بر عهده گرفته است نمایندگی شرکت خارجی نسبت به فعالیتهایی که تحت نمایندگی شرکت طرف نمایندگی در محل انجام می‌پذیرد، مسئولیت خواهد داشت ماده ۵ - اشخاص حقیقی ایرانی یا اشخاص حقوقی که متقاضی ثبت نمایندگی شرکت خارجی در ایران هستند موظفند ترجمه فارسی اسناد و اصل مدارک و اطلاعات زیر را به همراه درخواست کتبی خود به اداره کل ثبت شرکتهای و مالکیت صنعتی ارائه نمایند: ۱ - تصویر مصدق قرارداد موضوع ماده (۴) این آیین نامه ۲ - مدارک شناسایی شخص متقاضی برای اشخاص حقیقی تصویر شناسنامه و نشانی اقامتگاه قانونی و برای اشخاص حقوقی اساسنامه شرکت و آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبت شده آن نزد مراجع ذیربط ۳ - ارائه سابقه فعالیت شخصی متقاضی ثبت نمایندگی در زمینه امور پیش بینی شده در قرارداد نمایندگی ۴ - اساسنامه شرکت خارجی طرف نمایندگی آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبت شده آن نزد مراجع ذیربط ۵ - گزارش فعالیتهای شرکت خارجی طرف نمایندگی و تبیین دلایل و ضرورت اخذ نمایندگی ۶ - آخرین گزارش مالی تایید شده شرکت خارجی طرف نمایندگی ۷ - معرفی وزارتخانه ذیربط ماده ۶ - اشخاصی که مجوز فعالیت آنها از سوی مراجع ذی صلاح لغو می‌شود مکلفند، در مهلت تعیین شده توسط اداره ثبت شرکتهای و مالکیتهای

صنعتی نسبت به انحلال شعبه یا نمایندگی و انجام امور تصفیه آن اقدام نمایند. تبصره - شرکتهایی که مجوز فعالیت آنها تمدید نمی‌شود، (۶) ماه مهلت دارند تا نسبت به انحلال شرکت ثبت شده و انجام امور تصفیه آن اقدام نمایند. ماده ۷ - شعبه شرکتهای خارجی که نسبت به ثبت شعبه خود در ایران اقدام نموده و به فعالیت می‌پردازند موظفند هر سال گزارش سالانه شرکت اصلی مشتمل بر گزارشهای مالی حسابرسی شده توسط حسابرسان مستقل مقیم در کشور متبوع را به دستگاه ذیربط ارائه نمایند. ماده ۸ - کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول این آیین نامه موظفند گزارش فعالیت شعبه یا نمایندگی در ایران را همراه با صورت‌های مالی حسابرسی شده خود ظرف مدت (۴) ماه پس از پایان سال مالی به دستگاههای ذیربط ارسال دارند. حسابرسی مذکور تا زمانی که آیین نامه اجرایی تبصره (۴) ماده واحده قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی صلاح به عنوان حسابدار رسمی - مصوب ۱۳۷۲ - اعلام نشده است توسط سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی مورد قبول دستگاه ذیربط که شرکای آن افراد حقیقی تایید شده توسط اداره نظارت سازمان حسابرسی باشند، انجام می‌گیرد. ماده ۹ - اداره امور شعبه یا نمایندگی ثبت شده طبق این آیین نامه باید توسط یک یا چند شخص حقیقی مقیم ایران انجام گیرد. ماده ۱۰ - به منظور برخورداری شرکتهای خارجی از مزایای این آیین نامه و استمرار فعالیت آنها، شرکتهای خارجی که تا قبل از لازم الاجرا شدن این آیین نامه در ایران از طریق شعبه یا نمایندگی خود فعالیت می‌کرده‌اند، مکلفند، اطلاعات و مدارک موضوع مواد (۳ و ۵) این آیین نامه را به دستگاههای ذی ربط ارائه داده و وضعیت خود را با آیین نامه تطبیق دهند.

قانون کنوانسیون وین راجع به نمایندگی دول در روابط خود با سازمانهای بین المللی جهانی

مصوب ۲۸/۴/۱۳۶۷ - الف - از کنوانسیون وین راجع به نمایندگی دول در روابط خود با سازمانهای بین المللی جهانی که دولت ایران به موجب قانون مصوب ۲۸/۴/۱۳۶۷ به آن ملحق شده است ماده ۷۸ - خسارات وارده به شخص ثالث - اعضای ماموریت هیات نمایندگی یا هیات نمایندگی ناظر بایستی کلیه الزامات قوانین و مقررات دولت پذیرنده را در خصوص بیمه خسارات وارده به شخص ثالث نسبت به اتومبیل کشتی یا هواپیمای متعلق به وی یا مورد استفاده او رعایت نمایند.

اجازه پذیرفتن پرداختی مؤسسات بیمه به صندوق تأمین خسارتهای بدنی هزینه‌های قابل قبول

مصوب ۲۹/۸/۱۳۵۱ / ماده واحده - در اجرای تبصره (۲) الحاقی به ماده (۱۲۴) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۴۵ به وزارت دارایی اجازه داده می‌شود پانزده درصد از حق بیمه اجباری مسوولیت مدنی دارندگان وسایط نقلیه زمینی پرداختی مؤسسات بیمه به صندوق تأمین خسارتهای بدنی مقرر در بند «الف» ماده (۱) آیین نامه منابع درآمد صندوق مذکور مصوب ۲/۱۲/۱۳۴۸ کمیسیون دارایی مجلسین در مورد مالیات دوره عمل سال ۱۳۴۸ به بعد مؤسسات مذکور که به مرحله قطعیت نرسیده باشد جزء هزینه‌های قابل قبول پذیرفته شود. اجازه فوق به استناد تبصره (۲) الحاقی به ماده (۱۲۴) قانون مالیاتهای مستقیم در تاریخ روز دوشنبه ۲۹/۸/۱۳۵۱ به تصویب کمیسیون دارایی مجلس شورای ملی رسیده است

قانون الزام سازمانهای بیمه‌گر درمانی به پرداخت خسارتهای متفرقه

ماده واحده - سازمانهای بیمه‌گر از تاریخ تصویب این قانون موظف هستند نسبت به پرداخت هزینه‌های درمان بستری بیماران بیمه شده به میزان تعرفه دولتی در بخش‌های مختلف دولتی، خصوصی و خیریه اقدام نمایند. تبصره ۱ - باتوجه به ماده (۱۷) قانون بیمه همگانی، بیمارستان‌های خصوصی حسب درخواست سازمان‌های بیمه‌گر پایه، ملزم به عقد قرارداد با آن سازمانها بوده و ملاک پرداخت سازمان‌های بیمه‌گر تعرفه‌های دولتی مصوب هیأت وزیران خواهد بود. تبصره ۲ - حداکثر هزینه‌های دریافتی از بیماران در

بیمارستان‌های خصوصی براساس تعرفه مصوب بخش خصوصی در هر سال می‌باشد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ شانزدهم مهرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۶/۷/۱۳۸۵ به تأیید شورای نگهبان رسید. غلامعلی حدادعادل رئیس مجلس شورای اسلامی

اصلاح ماده (۹) اصلاحی آیین نامه اجرایی بیمه خدمات درمانی خویش فرمایان - مصوب ۱۳۸۲

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۲۴/۱/۱۳۸۲ بنا به پیشنهاد مشترک شماره ۲۰۲۴۵ مورخ ۱۳/۱۲/۱۳۸۱ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و به استناد مواد (۸) و (۹) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور - مصوب ۱۳۷۳ - تصویب نمود: ماده (۹) اصلاحی آیین نامه اجرایی بیمه خدمات درمانی خویش فرمایان، موضوع تصویب نامه شماره ۴۶۰۶/ت/۲۲۷۷۰هـ - مورخ ۱۲/۲/۱۳۷۹ به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۹ - حق بیمه سرانه خویش فرمایان با فرانشیز سی درصد (۳۰٪) برای خدمات سرپایی و بیست و پنج درصد (۲۵٪) برای خدمات بستری در سال ۱۳۸۲، مبلغ بیست و چهارهزار (۲۴،۰۰۰) ریال برای هر نفر در ماه تعیین می‌گردد. درصد تخفیف به ازای هر فرد بیمه شده پنج درصد (۵) و به ازای هر سال سابقه بیمه ده درصد (۱۰٪) تعیین می‌شود. تبصره ۱ - شرط بیمه خانوار و محدودیت مراجعه خویش فرمایان به بیمارستان‌های بخش دولتی (دانشگاهی - تامین اجتماعی و نیروهای مسلح) در موارد بستری همچنان برقرار است. تبصره ۲ - شرط بیمه خانوار برای بیماران خاص (تالاسمی، مزمن کلیوی و هموفیلی) لحاظ نخواهد شد و این گروه از بیماران می‌توانند با رعایت ضوابط سازمان بیمه خدمات درمانی به صورت تک نفره تحت پوشش بیمه خدمات درمانی قرار گیرند. تبصره ۳ - به منظور ترغیب افراد به پوشش بیمه درمان، سازمان بیمه خدمات درمانی می‌تواند در صورت بیمه گروهی و با شرایط خاص بیمه شونده‌گان تسهیلاتی را برای بیمه خویش فرمایان منظور نماید. معاون اول رییس جمهور - محمدرضا عارف

اصلاح تبصره (۱) ماده (۹) اصلاحی آییننامه اجرایی بیمه خدمات درمانی خویش فرمایان - مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۴/۲/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۱۴۶۷۰۲ مورخ ۲۴/۹/۱۳۸۳ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و به استناد مواد (۸) و (۹) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور - مصوب ۱۳۷۳ - تصویب نمود: عبارت « و محدودیت مراجعه خویش فرمایان به بیمارستانهای بخش دولتی (دانشگاهی، تأمین اجتماعی و نیروهای مسلح)» از تبصره (۱) ماده (۹) اصلاحی آییننامه اجرایی بیمه خدمات درمانی خویش فرمایان، موضوع تصویبنامه شماره ۴۴۲۹/ت/۲۸۲۸۵هـ مورخ ۲/۲/۱۳۸۲ و بند (د) تصویبنامه شماره ۵۸۳۰/ت/۲۴۵۳۰هـ مورخ ۱۶/۲/۱۳۸۰ حذف میشود. معاون اول رئیسجمهور - محمدرضا عارف

تصویب نامه راجع به تعیین حق سرانه بیمه پایه درمان خویش فرمایان - مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۸/۱۲/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد مشترک شماره ۲۳۶۹۱/۱۰۰ مورخ ۲۲/۱۲/۱۳۸۴ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و تأیید شورای عالی بیمه خدمات درمانی کشور و به استناد ماده (۹) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور - مصوب ۱۳۷۳ - تصویب نمود: ۱ - حق سرانه بیمه پایه درمان خویش فرمایانی که به مدت سه سال درخواست بیمه می‌نمایند، در سال ۱۳۸۴ معادل افراد تبعی درجه ۳ و معادل ۴۳۰۰۰ ریال می‌باشد. تبصره ۱ - حق سرانه پایه بیمه درمان خویش فرمایان برای مدت سه سال و با فرانشیز (۱۰٪) بستری تعیین می‌شود. تبصره ۲ - افرادی که متقاضی استفاده از دو سال بیمه پایه درمان می‌باشند، به رقم فوق‌الذکر (۳۳٪) افزوده می‌شود و کسانی که متقاضی یک سال بیمه پایه درمان به صورت خویش فرما می‌باشند، (۶۶٪) بیشتر از حق بیمه سرانه فوق‌الاشاره پرداخت می‌نمایند. ۲ - سازمان بیمه خدمات درمانی هزینه‌های

مربوط به بیماران خاص را به صورت جداگانه محاسبه و نگهداری و به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اعلام می‌کند تا جهت برنامه‌ریزی بودجه سالهای آینده اعمال شود. ۳- فرانشیز بستری (۱۰٪) و سرپایی (۳۰٪) تعیین می‌شود. فرانشیز ذکر شده در این بند براساس تعرفه‌های مصوب هیئت وزیران در بخش دولتی قابل محاسبه و اعمال خواهد بود.

تصویب‌نامه در مورد تعیین حق سرانه بیمه پایه درمان ماهیانه صندوق خویش فرمایان - مصوب ۲۷/۱۲/۱۳۸۶

هیئت‌وزیران در جلسه مورخ ۲۷/۱۲/۱۳۸۶ بنا به پیشنهاد شماره ۲۵۰۳۶/ص/۸۶ مورخ ۲۷/۱۲/۱۳۸۶ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و به استناد اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: به منظور حمایت از اجرای برنامه‌های ذیل ردیف ۱۲۹۱۰۹ سازمان بیمه خدمات درمانی به وزارت رفاه و تأمین اجتماعی اجازه داده می‌شود: وزارت رفاه و تأمین اجتماعی ۱- حق سرانه بیمه پایه درمان ماهیانه صندوق خویش فرمایان موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۸۰۴۴/ت/۳۴۷۲۵-ه مورخ ۲۸/۱۲/۱۳۸۴ به ازای هر نفر از مبلغ چهل و سه هزار (۴۳.۰۰۰) ریال به مبلغ شصت و سه هزار و چهارصد و شانزده (۶۳.۴۱۶) ریال افزایش می‌یابد که حداکثر تا مبلغ بیست هزار و چهارصد و شانزده (۲۰.۴۱۶) ریال آن سهم دولت بوده و از سال ۱۳۸۴ به بعد تا تصویب تصویب‌نامه جدید بدون ایجاد تعهد مالی جدید برای دولت قابل پرداخت می‌باشد. ۲- حق بیمه سرانه سهم دولت از خدمات درمانی روستائیان موضوع ماده (۱۲) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور - مصوب ۱۳۷۳ - برای هر نفر در هر ماه از سال ۱۳۸۴ به بعد تا تصویب تصویب‌نامه جدید حداکثر معادل بیست هزار (۲۰.۰۰۰) ریال تعیین و بدون ایجاد تعهد مالی جدید برای دولت قابل پرداخت می‌باشد. ۳- مبلغ ۱۳۰.۳۴۶.۴۱۰ هزار ریال تحت عنوان تعرفه‌های ترجیحی مناطق محروم در سال ۱۳۸۴ موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۲۸۱/ت/۳۲۶۶۱-ه مورخ ۳۱/۲/۱۳۸۴ برابر موافقتنامه مبادله شده در وجه سازمان بیمه خدمات درمانی بدون ایجاد تعهد مالی جدید برای دولت اعمال حساب شود. معاون اول رئیس جمهور - پرویز داودی

قانون عضویت بیمه مرکزی ایران در شرکت بیمه اتکایی آسیا

مصوب ۲۵/۱۱/۱۳۷۱ ماده واحده - بیمه مرکزی ایران مجاز است بر اساس شرایط مذکور در موافقتنامه تاسیس شرکت بیمه اتکایی آسیا در آن شرکت مشارکت و سهم شرکت مربوط را از محل منابع داخلی خود پرداخت نماید. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و پنجم بهمن ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲/۱۲/۱۳۷۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده است

اوقاف

قانون اوقاف

مصوب ۲۲/۴/۱۳۵۴ ماده ۱ - از تاریخ تصویب این قانون امور ذیل به عهده سازمان اوقاف واگذار می‌شود: ۱ - اداره امور موقوفات عامه که متولی ندارد یا مجهول‌التولیه است ۲ - نظارت کامل بر کلیه اعمال مربوط به تولید و نظارت متولیان و نظارت موقوفات عامه ۳ - نظارت بر کلیه اماکن مذهبی اسلامی ۴ - اداره امور اماکن مذهبی اسلامی که ترتیب خاصی برای اداره آنها داده نشده است ۵ - اداره امور حج ۶ - اداره امور زیارت اماکن متبرکه در خارج از کشور. تبصره ۱ - در موقوفات عامه که متولی ندارد و یا مجهول‌التولیه است وظائف و اختیارات مربوط به تولید با سازمان اوقاف است تبصره ۲ - موقوفاتی که تولید آنها با سلطان عصر است از شمول مقررات این قانون مستثنی است تبصره ۳ - موارد مصرف وجوهی که طبق مقررات مربوط برای خدمات رفاهی از

زائران دریافت می‌شود توسط شورای عالی حج و زیارت تعیین خواهد شد. ماده ۲ - شورای عالی حج و زیارت مرکب از معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف معاونان وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی امور خارجه بهداری دادگستری کشور و نیز معاونان بانک مرکزی ایران جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران سازمان اطلاعات و امنیت کشور، شهربانی کشور، شرکت هواپیمایی ملی ایران و دو نفر از مجتهدین و یک نفر از معتمدان به تشخیص معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف و یک نفر از بازرگانان به معرفی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران در سازمان اوقاف تشکیل می‌شود. تبصره - ریاست شورای عالی حج و زیارت با معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف است و آئین‌نامه طرز تشکیل و وظائف آن به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۳ - موقوفه عام دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان اوقاف حسب مورد نماینده آن می‌باشد. ماده ۴ - متولی موقوفه کسی است که به موجب مقررات قانون مدنی واجد این سمت باشد تولید متولی باید به وسیله شعبه تحقیق اوقاف گواهی شود. اشخاص ذینفع پس از ابلاغ تصمیم شعبه تحقیق در صورتی که معترض باشند می‌توانند ظرف ده روز اعتراض‌نامه خود را به هیات تجدیدنظر اوقاف تسلیم کنند پس از انقضای مدت گواهی شعبه تحقیق اوقاف و تصمیم هیات تجدیدنظر از ناحیه اشخاص ذینفع قابل شکایت در دادگاه شهرستان است و حکم دادگاه در این موارد قابل پژوهش و فرجام می‌باشد. همین حکم در مورد ثلث - نذر و حبس نیز جاری است تبصره ۱ - موقوفاتی که متولی آنها فوت می‌شوند تا تشخیص متولی بعدی و موقوفاتی که آن به حکم تحقیق اوقاف ممنوع المداخله می‌شود تا رفع ممنوعیت باضم امین در حکم موقوفات بدون متولی است تبصره ۲ - هرگاه شخص یا اشخاصی که در وقف‌نامه به عنوان متولی معین شده‌اند وجود نداشته باشند و یا اوصاف مقرر در وقف‌نامه منطبق با شخص یا اشخاص معینی نگردد موقوفه در حکم موقوفه مجهول‌التولیه است تبصره ۳ - در موقوفاتی که شرط مباشرت نشده باشد هرگاه متولی برای تصدی تمام یا قسمتی از امور مربوط به موقوفه و کیلی انتخاب کند، و کیلی مذکور باید توانائی انجام مورد وکالت را داشته باشد در صورتی که و کیلی که از طرف متولی برای انجام تمام یا قسمتی از امور مربوط به موقوفه انتخاب شده به تشخیص سازمان اوقاف قادر به انجام امور موقوفه نباشد مراتب کتب به طریق اطمینان بخشی به متولی ابلاغ خواهد شد. هرگاه ظرف دو ماه برای متولیان مقیم ایران و چهار ماه برای متولیان مقیم خارج کشور متولی اقدام به تغییر و کیلی نماید، و کیلی مزبور با ابلاغ سازمان اوقاف منعزل می‌شود این حکم شامل وکلای که قبلاً نیز انتخاب شده‌اند خواهد شد. ماده ۵ - سازمان اوقاف می‌تواند برای اماکن مذهبی اسلامی از قبیل مساجد و بقاع متبرکه و امامزاده‌ها و معابد و امثال آن‌همچنین موقوفات عامه‌ای که متولی ندارد با تصویب شورای عالی اوقاف شخص یا هیاتی از اشخاص متدین و معروف به امانت را به عنوان امین یا هیات امناء تعیین کند. تبصره ۱ - نحوه انتخاب و برکناری و شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیات امناء و میزان حقالزحمه آنان همچنین نظامات راجع به حفظ و نگهداری اماکن مذکور در این ماده و اموال آنها به موجب آئین‌نامه‌هایی خواهد بود که بر اساس مقررات و سنن و خصوصیات اماکن مربوط به تصویب شورای عالی اوقاف می‌رسد. تبصره ۲ - وجوه و حاصل فروش اموال منقول زائد بر احتیاجی که به این قبیل اماکن اهداء می‌شود با جلب نظر سازمان اوقاف به وسیله هیات امناء به ترتیب صرف عمران و آبادی آنها و تدارک وسایل رفاه و بهداشت زوار اماکن مذکور و ساکنان آن ناحیه خواهد رسید. ماده ۶ - صرف درآمد موقوفات به منظور بقاء عین آنها بر سایر مصارف مقدم است و متولی موظف است موجبات آبادانی رقبات موقوفه را با ارشاد و راهنمایی‌های سازمان اوقاف در جهت بهره‌برداری صحیح از آنها به منظور اجرای نیت واقف فراهم آورد. ماده ۷ - هرگاه متولی یا ناظر نسبت به عین یا منافع موقوفه تعدی و تفریط نماید و یا در انجام وظایف مقرر در وقف‌نامه اوقاف و آئین‌نامه‌های مربوط مسامحه و اهمال ورزد به موجب تصمیم شعبه اوقاف از دخالت در امور موقوفه ممنوع می‌شود. ممنوعیت از دخالت در امور موقوفه در صورتی که به سبب خیانت باشد با ضم امین بر طبق مقررات قانون مدنی و رد مال مورد خیانت مرتفع می‌شود و در سایر موارد ممنوعیت در صورتی رفع می‌شود که متولی یا ناظر ممنوع عملاً به مقررات قانونی تمکین و خسارات ناشی از علت ممنوعیت را جبران نماید. تبصره ۱ - در مواردی که مطابق

قانون مدنی ضم امین می‌شود دادگاه‌ها می‌توانند سازمان اوقاف را هم به عنوان امین تعیین نمایند. تبصره ۲ - کلیه مباشران موقوفات و اماکن مذهبی اعم از متولی و متصدی و ناظر و امناء و غیره در حکم امین می‌باشند و در صورت تعدی و تفریط ملزم به جبران خسارات خواهند بود و هرگاه عمل آنها مشمول عناوین کیفری باشد به مجازات مقرر نیز محکوم خواهند شد. ماده ۸ - درآمد موقوفات مجهول‌المصرف و اموالی که به صیغه مبرات مطلقه وقف شده همچنین عشر نذور و بقاع متبرکه اسلامی که مبلغ نذور هر کدام در سال بیش از یک میلیون ریال باشد اختصاص به تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی دارد و طبق آئین‌نامه‌ای که شورای عالی اوقاف تصویب خواهد کرد به مصرف می‌رسد. تبصره - درآمد موقوفات متعذرالمصرف و موقوفاتی که عواید آنها به علت قلت برای اجرای نظر واقف کافی نیست همچنین آن قسمت از درآمد موقوفاتی که به علت کثرت عواید زائد بر مصارف متعارف باشد با تشخیص تحقیق اوقاف به نزدیک‌ترین غرض واقف در محل به مصرف می‌رسد. مقصود از متعذرالمصرف آن است که به علت فراهم نبودن و یا انتفاء موضوع و یا عدم احتیاج به مصرف صرف درآمد موقوفه در مصارف مقرر مقدور نباشد. ماده ۹ - سازمان اوقاف در مورد کلیه موقوفات عامه و اماکن مذهبی اسلامی در صورت عدم اقدام متولی حق تقاضای ثبت و اعتراض و اقامه دعوی را دارد و اگر متولی طرف دعوی واقع شده باشد می‌تواند به عنوان ثالث وارد دعوی شود و در صورت محکوم شدن متولی بر حکم اعتراض کند. در کلیه موارد مذکور سازمان اوقاف از پرداخت مخارج دادرسی و هزینه‌های ثبتی و اجرائی معاف می‌باشد. ماده ۱۰ - ثبت معاملات راجع به عین یا منافع موقوفه و حبس و ثلث و نذری که منافع آنها به طور دائم و یا در مدتی که کمتر از ده سال نباشد و برای مصارف عامه تخصیص داده شده باشد در دفاتر اسناد رسمی موکول به موافقت سازمان اوقاف است دفاتر اسناد رسمی مکلفند رونوشت اسناد راجع به وقف و حبس و ثلث و نذر را ظرف ده روز پس از ثبت به اداره اوقاف مربوط ارسال دارند. تبصره - ادارات ثبت مکلفند رونوشت مصدق اسناد مالکیت وقف و ثلث و حبس و نذر را پس از صدور به اداره اوقاف محل تحویل نمایند و متولیان موظفند ظرف دو ماه از تاریخ اجرای این قانون رونوشت مصدق اسناد مالکیت و وقفنامه‌های موجود نزد خود را برای حفظ و نگهداری به اداره اوقاف مربوط تسلیم دارند. ماده ۱۱ - حق التولیه متولی و یا سازمان اوقاف در قبال اعمال تولیت نسبت به موقوفات عامه همچنین حق‌النظاره ناظر به میزان مقرر در وقفنامه خواهد بود و در صورتی که وقفنامه موجود نباشد و یا میزان حق‌التولیه و حق‌النظاره در آن تعیین نشده باشد حق‌التولیه ده درصد و حق‌النظاره پنج درصد از عایدات خالص خواهد بود و سازمان اوقاف برای نظارت در موقوفات عامه‌ای که متولی دارد صدی پنج از عایدات خالص آنها را به عنوان حق‌النظاره دریافت خواهد داشت تبصره ۱ - سازمان اوقاف از موقوفات مساجد و بیمارستان‌ها و مدارس حق‌التولیه و حق‌النظاره دریافت نمی‌کند همچنین نظارت آن بر درآمد و هزینه مؤسسات خیریه و آب‌های وقف بر شهرها مجانی خواهد بود. تبصره ۲ - در موردی که واقف خود متولی است سازمان اوقاف جز به درخواست او نسبت به درآمد و هزینه موقوفه نظارت ندارد و حق‌النظارت دریافت نمی‌کند. تبصره ۳ - به متولی ممنوع‌المداخله در زمان ممنوعیت حق‌التولیه تعلق نخواهد گرفت در صورت ضم امین نصف حق‌التولیه متعلق به امین خواهد شد. ماده ۱۲ - سازمان اوقاف عوایدی را که از محل حق‌التولیه و حق‌النظاره دریافت می‌دارد طبق بودجه‌ای که هر سال تنظیم و تصویب خواهد کرد به مصرف عمران و تعمیر اماکن مذهبی اسلامی و احداث ساختمان‌های عام‌المنفعه و نشر و تبلیغ معارف اسلامی و هزینه‌های مربوط به حفظ منافع موقوفات و اماکن مذهبی اسلامی می‌رساند. ماده ۱۳ - تحقیق در جمع و خرج عواید راجع به وقف و ثلث و حبس و نذر به وصف مذکور در قسمت اول ماده ۱۰ این قانون و صدور مفاصاحساب و تطبیق مصارف با مفاد وقفنامه و تشخیص متولی و ناظر و موقوف علیهم و حل اختلافات بین آنان همچنین رسیدگی و اظهارنظر و اخذ تصمیم در مورد ممنوعیت متولی از دخالت در امور مربوط و لغو آن با شعب تحقیق اوقاف است ماده ۱۴ - هیات تحقیق اوقاف مرکب از دو قسمت حقوقی و حسابرسی است و شعب آن بر حسب ضرورت در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها تاسیس می‌گردد. تبصره - تجدیدنظر از تصمیمات شعب تحقیق در هیات تجدیدنظری که در مرکز تشکیل می‌شود به

عمل می‌آید. اداره اوقاف و اشخاص ذینفع در صورتی که اعتراض داشته باشند می‌توانند ظرف ده روز پس از ابلاغ تصمیم شعبه تحقیق اعتراض نامه خود را به هیات تجدیدنظر تحقیق اوقاف تسلیم کنند. ماده ۱۵ - تصمیمات مرحله بدوی قسمت حقوقی تحقیق اوقاف تا زمانی که تصمیم از هیات تجدیدنظر تحقیق اوقاف و یا حکم قطعی یا دستور موقت از مراجع قضائی بر فسخ یا جلوگیری از اجراء آنها صادر نشده باشد قابل اجرا است ماده ۱۶ - تصمیمات شعب تحقیق اوقاف بر اساس قوانین و مقررات اجرائی به وسیله ماموران اجرای اوقاف یا قوای انتظامی به مرحله اجراء گذارده می‌شود. ماده ۱۷ - اشخاص ذینفع می‌توانند نسبت به تصمیمات تجدیدنظر تحقیق اوقاف و تصمیمات بدوی که مدت تجدیدنظر آن مقتضی شده باشد به دادگاه‌های عمومی مراجعه نمایند. ماده ۱۸ - تبدیل به احسن موقوفه با رعایت مقررات قانون مدنی و تصویب شورای عالی اوقاف به عمل می‌آید. تبصره - خرید سهام موسسات تولیدی به تشخیص شورای عالی اوقاف و با رعایت مقررات قانون مدنی در مقام تبدیل به احسن مجاز است و انتقال این سهام جز در موارد تبدیل به احسن جایز نیست ماده ۱۹ - سهم شرکت‌های تولیدی و اموالی که مورد حبس و یا وصیت برای امور خیریه یا نذر با وصف مذکور در قسمت اول ماده ۱۰ قرار گرفته باشد مشمول مواد این قانون خواهد بود. تبصره - سهام موضوع این ماده و ماده ۱۸ باید در اختیار سازمان اوقاف قرار گیرد تا به نحو اطمینان بخشی نگهداری کند. ماده ۲۰ - تبدیل به احسن موقوفات خاص همچنین اجاره زائد بر ده سال موقوفات مذکور با موافقت و تصویب شورای عالی اوقاف ممکن است و سازمان اوقاف در سایر موارد در این موقوفات مداخله‌ای ندارد ولی در صورتی که تقاضای ثبت موقوفه به عنوان مالکیت شده باشد سازمان اوقاف مکلف است نسبت به آن اعتراض و اقامه دعوی نماید. ماده ۲۱ - اراضی که برای احداث مراکز آموزشی یا درمانی وقف یا نذر یا حبس می‌شود در صورتی که متولی در مدت متناسب با تشخیص شورای عالی اوقاف اقدام مؤثری برای احداث مراکز مذکور نکند سازمان اوقاف می‌تواند با تصویب شورای عالی اوقاف اراضی مذکور را حسب مورد در اختیار وزارت آموزش و پرورش - وزارت بهداری - جمعیت شیر و خورشید سرخ محل یا سازمان خدمات اجتماعی بگذارد تا مراکز مورد نظر را احداث و تصدی کند. ماده ۲۲ - آئین‌نامه طرز تحقیق و رسیدگی در شعب تحقیق اوقاف همچنین طرز تشکیل هیات‌های تجدید نظر و سایر آئین‌نامه‌های اجرای این قانون جز در مواردی که نحوه تصویب آنها ذکر نشده است با پیشنهاد سازمان اوقاف به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲۳ - مواد ۶ و ۷ قانون معارف و اوقاف مصوب شعبان ۱۳۲۸ قمری و قانون اوقاف مصوب دی ماه ۱۳۱۳ شمسی و قوانین و مقرراتی که با این قانون مغایرت دارد از تاریخ تصویب این قانون لغو می‌گردد.

قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه

مصوب ۲/۱۰/۱۳۶۳ ماده ۱ - از تاریخ تصویب این قانون سازمان اوقاف به سازمان حج و اوقاف و امور خیریه تغییر نام می‌یابد و امور ذیل به عهده این سازمان واگذار می‌گردد. ۱ - اداره امور موقوفات عام که فاقد متولی بوده یا مجهول التولیه است و موقوفات خاصه در صورتی که مصلحت وقف و بطون لاحق و یا رفع اختلاف موقوف علیهم متوقف بر دخالت ولی فقیه باشد. ۲ - اداره امور اماکن مذهبی اسلامی که ترتیب خاصی برای اداره آنها نشده است به استثنای مساجد و مدارس دینی و تکایا. ۳ - اداره امور موسسات و انجمنهای خیریه‌ای که از طرف دولت یا سایر مراجع ذی صلاح به سازمان محول شده یا بشود. ۴ - اداره موسسات و انجمنهای خیریه‌ای که به تشخیص دادستان محل فاقد مدیر باشد (تا تعیین تکلیف از طرف دادگاه و همچنین است در صورت نبودن یا عدم صلاحیت ناظر (در مواردی که ناظر پیش بینی شده باشد). ۵ - انجام امور مربوط به گورستانهای متروکه موقوفه‌ای که متولی معین ندارد و اتخاذ تصمیم لازم در مورد آنها. ۶ - کمک مالی در زمینه تبلیغ و نشر معارف اسلامی ۷ - اثاث باقیه محبوسات نذور، صدقات و هر مال دیگری که به غیر از عنوان وقف برای امور عام‌المنفعه و خیریه اختصاص یافته در حکم موقوفات عامه است و چنانچه فاقد متولی و متصدی باشد با اذن ولی فقیه تحت اداره و نظارت سازمان اوقاف و امور خیریه قرار خواهد گرفت

رعایت مفاد اسناد تنظیمی مربوط به این اموال و رقبات اعم از وصیت‌نامه و حبس‌نامه و سیره جاریه در اداره امور و مصرف عواید آنها ضروری خواهد بود. (الحاقی ۱۲/۱۲/۷۵). تبصره ۱ - سرپرست سازمان باید از طرف ولی فقیه مجاز در تصدی اموری که متوقف بر اذن ولی فقیه است باشد. تبصره ۲ - بقاع متبرکه حضرت رضا علیه السلام و حضرت احمد بن موسی (شیراز) و حضرت معصومه و حضرت عبدالعظیم (ع) و موقوفات مربوط به آنها که متولی خاص نداشته باشد و موقوفاتی که برای اداره هر کدام آنها از طرف ولی فقیه نایب التولیه تعیین شده یا بشود از شمول این قانون مستثنی است و در غیر این صورت اداره آنها با سازمان خواهد بود. تبصره ۳ - سازمان اوقاف و امور خیریه در صورت نیاز در مورد رقبات و اموال موضوع بند ۷ بال با تایید نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان به منظور جلوگیری از تعدی و تفریط در اداره آنها نسبت به نصب امین یا هیات امناء اقدام خواهد کرد. (الحاقی ۱۲/۱۲/۷۵). ماده ۲ - از تاریخ تصویب این قانون سازمان اوقاف از نخست وزیری منتزع و اداره امور حج و زیارت اماکن متبرکه اسلامی خارج از کشور و امور اوقاف تحت عنوان سازمان حج و اوقاف و امور خیریه وابسته به وزارت ارشاد اسلامی اداره می‌شود. ماده ۳ - هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان حسب مورد نماینده آن می‌باشد. ماده ۴ - متولی موقوفه کسی است که به موجب مفاد وقفنامه و مقررات قانون مدنی یا این قانون واجد این سمت باشد. در مورد اعتراض اشخاص با رعایت مواد ۱۴ تا ۱۷ این قانون اقدام خواهد شد. تبصره ۱ - موقوفاتی که متولی آنها عزل یا فوت می‌شود تا تشخیص متولی بعدی و موقوفاتی که متولی آنها ممنوع المداخله می‌شود تا رفع ممنوعیت یا ضم امین در حکم موقوفات بدون متولی است تبصره ۲ - هرگاه شخص یا اشخاصی که در وقفنامه به عنوان متولی معین شده‌اند وجود نداشته باشند و یا اوصاف مقرر در وقفنامه منطبق با شخص یا اشخاص معینی نگردد موقوفه در حکم موقوفه مجهول التولیه است تبصره ۳ - در موقوفاتی که شرط مباشرت نشده باشد هرگاه متولی برای انجام تمام یا قسمتی از امور مربوط به موقوفه و کیلی انتخاب کند و کیل مزبور باید توانایی انجام مورد و کالت را داشته باشد در صورتی که و کیل انتخابی به تشخیص سازمان قادر به ایفای وظایف محوله نباشد مراتب کتبا به متولی ابلاغ خواهد شد هرگاه ظرف دو ماه برای متولیان مقیم ایران و چهار ماه برای متولیان خارج کشور، متولی اقدام به تغییر و کیل ننماید موضوع به دادگاه صالح احاله و پس از ثبوت عدم توانایی و کیل مزبور با ابلاغ سازمان از دخالت ممنوع می‌شود این حکم شامل و کلایی که قبلاً نیز انتخاب شده‌اند خواهد بود. ماده ۵ - سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌تواند در اموری که اداره آن به عهده این سازمان است شخص یا هیاتی از اشخاص متدین و معروف به امانت را به عنوان امین یا هیات امناء تعیین نماید. تبصره ۱ - نحوه انتخاب و برکناری و شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیاتی امناء و میزان حق الزحمه آنان همچنین نظامات راجع به حفظ و نگهداری اماکن و اموالی که اداره آن به عهده سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌باشد به موجب آیین‌نامه‌هایی که براساس مقررات و سنن و خصوصیات اماکن مربوط که به تصویب هیات وزیران می‌رسد خواهد بود. تبصره ۲ - نذورات نقدی که جهت مشخصی برای مصرف آن معین نشده است و وجوه حاصل از فروش اموال منقول زائد بر احتیاجی که به این قبیل اماکن اهداء می‌شود با جلب نظر اداره اوقاف به وسیله هیات امناء به ترتیب در امور ذیل مصرف می‌شود: الف - عمران و آبادی اماکن مذکور. ب - تدارک و سائل رفاه و بهداشت زوار این اماکن و ساکنان ناحیه ج - نشر معارف اسلامی و تبلیغات مذهبی و تعظیم شعائر دینی در آن محل د - کمک به مدارس علوم دینی در آن محل ه - خیرات و مبرات مطلقه ماده ۶ - صرف در آمد موقوفات به منظور بقای آنها بر سایر مصارف مقدم است و متولی موظف است موجبات آبادانی رقبات موقوفه را در جهت بهره برداری صحیح از آنها به منظور اجرای نیات واقف فراهم آورد. تبصره - در صورتی که در آمد یک ساله موقوفه یا اماکن اسلامی برای تعمیر و یا نوسازی آن کافی نباشد در آمد دو یا چند سال در حساب مخصوصی ذخیره و به موقع به مصرف خواهد رسید. ماده ۷ - هرگاه متولی یا ناظر نسبت به عین یا منافع موقوفه تعدی یا تفریط نماید یا در انجام وظایف مقرر در وقفنامه و قانون و آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوط مسامحه و اهمال ورزد، یا رسیدگی شعبه تحقیق و حکم دادگاه حسب مورد معزول یا ممنوع المداخله یا ضم امین خواهد شد. تبصره ۱ - به متولی و ناظر ممنوع المداخله

در زمان ممنوعیت حق التولیه و حق النظاره تعلق نخواهد گرفت مگر آنکه براثت آنان ثابت شود و در مواردی که ضم امین می‌شود اوقاف حق امین را خواهد پرداخت تبصره ۲- در مواردی که مطابق قانون مدنی یا این قانون ضم امین می‌شود دادگاهها می‌توانند سازمان حج و اوقاف و امور خیریه را هم به عنوان امین تعیین کنند. تبصره ۳- نسبت به تعدی و تفریط یا سایر تخلفات مدیران و امنای موسسات و بنیادهای خیریه طبق اساسنامه موسسه و بنیاد مربوط اقدام خواهد شد و در صورتی که اساسنامه آنها در این موارد ساکت یا ناقص باشد مشمول مقررات پیش بینی شده در این ماده و تبصره‌های آن خواهند بود. تبصره ۴- کلیه مباشران موقوفات و اماکن مذهبی اعم از متولی و ناظر و امناء و مدیران و امنای موسسات و بنیادهای خیریه مذکور در این قانون در حکم امین می‌باشند در صورت تعدی یا تفریط یا تخلفات دیگر بنیادهای خیریه مذکور در این قانون در حکم امین می‌باشند در صورت تعدی یا تفریط یا تخلفات دیگر ملزم به تادیه حقوق و وجوه و اموال و جبران خسارات ناشی از اعمال خود خواهند بود هرگاه عمل آنها مشمول عناوین کیفری باشد از طریق مراجع قضایی نیز تعقیب و به مجازات مقرر محکوم خواهند شد. ماده ۸- درآمد موقوفات مجهول المصرف و موقوفاتی که به صیغه مبرات مطلقه وقف شده قابل مصرف در تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی و عمران موقوفات می‌باشد زیر نظر سازمان به مصرف می‌رسد. ماده ۹- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه نسبت به مواردی که در بندهای ماده یک این قانون به عهده آن گذاشته شده در صورت عدم اقدام متولی یا امناء یا موقوف علیهم حق تقاضای ثبت و سایر اقدامات لازم و اعتراض و اقامه دعوی را دارد. همچنین می‌تواند در مواردی که لازم بداند و مصلحت موقوفه ایجاب نماید در دعاوی مربوط وارد دعوی شده و به احکام صادره اعتراض کند. تبصره- در کلیه موارد مذکور در این ماده سازمان حج و اوقاف و امور خیریه موقوفات عام بقاع متبرکه اماکن مذهبی اسلامی مدارس علوم دینی و موسسات و بنیادهای خیریه از پرداخت مخارج و هزینه‌های دادرسی و ثبتی و اجرایی معاف می‌باشند. ماده ۱۰- ثبت معاملات راجع به عین یا منافع موقوفات و بنیادها و موسسات خیریه مذکور در ماده ۹ در دفاتر اسناد رسمی موکول به موافقت سازمان حج و اوقاف و امور خیریه است دفاتر اسناد رسمی مکلفند رونوشت مصدق وقفنامه‌ها و اسناد راجع به وقف را ظرف ده روز پس از ثبت به اداره اوقاف مربوطه ارسال دارند. تبصره- ادارات ثبت مکلفند رونوشت مصدق اسناد مالکیت وقف را پس از صدور به اداره اوقاف محل تحویل نمایند. متولیان نیز موظفند ظرف دو ماه از تاریخ اجرای این قانون رونوشت مصدق اسناد مالکیت و رونوشت وقفنامه‌های موجود نزد خود را برای حفظ و نگهداری به اداره اوقاف مربوط تسلیم‌دارند. ماده ۱۱- حق التولیه متولی و یا سازمان (در قبال اعمال تولیت نسبت به موقوفات متصرفی همچنین حق النظاره ناظر به میزان مقرر در وقفنامه است و در صورتی که وقفنامه موجود نباشد و یا میزان حق التولیه و حق النظاره در آن تعیین نشده باشد حق التولیه به مقدار اجرت المثل از عایدات خالص خواهد بود. ماده ۱۲- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه وجوهی را که از محل هدایای مستقل و حق التولیه و حق النظاره دریافت می‌دارد طبق بودجه‌ای که هر سال تنظیم و به تصویب هیات دولت خواهد رساند راسا به مصرف می‌رساند. ماده ۱۳- وجوهی که از محل پذیره و هدایای حاصل از اجاره و استجاره رقبات موقوفه دریافت می‌گردد از عواید همان موقوفات محسوب و به مصارف مقرر خواهد رسید. تبصره- نحوه و ترتیب وصول پذیره و هدایای مطابق آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیات دولت خواهد رسید. ماده ۱۴- تحقیق در جمع و خرج عواید راجع به وقف و نیز صدور مفاصا حساب و تطبیق مصارف بامفاد وقفنامه و تشخیص متولی و ناظر موقوف علیهم (با رعایت ماده ۷ این قانون و تبصره‌های آن با شعب تحقیق اوقاف است مگر در موقوفات منصوص التولیه و در صورتی که مظنه تعدی و تفریط متولی نباشد. ماده ۱۵- هیات تحقیق اوقاف مرکب از دو قسمت حقوقی و حسابرسی است و شعب آن بر حسب ضرورت در مراکز استانها و شهرستانها تأمین می‌گردد. تبصره- ادارات اوقاف و اشخاص ذی نفع در صورتی که اعتراض داشته باشند می‌توانند پس از ابلاغ نظر شعبه تحقیق اعتراض خود را در دادگاههای دادگستری طرح نمایند. حکم این ماده در مورد بنیادها و موسسات خیریه و اماکن مذهبی اسلامی نیز جاری است ماده ۱۶- در مورد اراضی که برای احداث مراکز آموزشی یا درمانی وقف می‌شود در صورتی که

متولی بدون عذر موجه در مدت مناسب با تشخیص سازمان اقدام موثری برای احداث آن مراکز نکند و الزام‌متولی هم به انجام آن ممکن نباشد سازمان می‌تواند حسب مورد آن اراضی را در اختیار وزارت آموزش و پرورش وزارت بهداشتی سازمان بهزیستی هلال احمر محل یا سازمان دیگری که وظایف آن متناسب با اهداف واقف باشد قرار دهد تا اقدام لازم به عمل آورند. ماده ۱۷ - آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون و کیفیت تحقیق در شعب تحقیق با پیشنهاد سازمان به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۸ - کلیه قوانین و مقرراتی که با این قانون مغایرت دارد از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون لغو می‌گردد. **Advertisement**

بستن سایر امکانات اولین های حقوقی تماس با ما مراجع قضایی تهران راهنمای قوانین منوی اصلی صفحه اصلی قوانین حقوقی اساسی و مدنی دادرسی و احرا امورحسبی و خانواده و کالت و کارشناسی مسکن و اجاره تجارت کار و تامین اجتماعی بیمه اوقاف قوانین متفرقه قوانین کیفری مجازات و دادرسی مواد مخدر و قاچاق تخلفات صنفی و تعزیرات پزشکی و بهداشتی مطبوعات و رسانه ها هوایی، دریایی و مرزی منابع و محیط زیست زندان و عفو مقررات مختلفه ثبتی و اراضی ثبت اسناد و املاک دفاتر اسناد رسمی اجرای اسناد ثبت شرکت ها ثبت علائم و اختراعات ثبت احوال اوقاف اراضی و املاک کارشناسان، دلالان و مشاورین راهنمایی و رانندگی وزارت کشور شهرداری تهران سازمان حمل و نقل شرکت واحد تاکسیرانی ترمینال مسافری اداره راهنمایی رانندگی قطار شهری تهران جرائم تخلفات رانندگی قوانین متفرقه معاینه فنی شهرداری شهرداری و شورا قوانین شهرسازی مصوبات شورایعالی معماری اراضی و املاک مقررات مالی مقررات استخدامی صنوف و اماکن عمومی حمل و نقل و ترافیک فضای سبز نیروهای مسلح جزا و دادرسی مقررات وزارت دفاع مقررات ارتش مقررات نیروی انتظامی مقررات سپاه مقررات بسیج مقررات نظام وظیفه مقررات عمومی قوانین بین الملل منشور سازمان ملل و ... خصوصی عمومی صلاحیت محاکم فن آوری اطلاعات آرای وحدت رویه آرای حقوقی آرای کیفری بخشنامه های قوه قضائیه معرفی سایر قسمتها

قانون راجع به دعاوی بین اشخاص و اداره اوقاف

مصوب ۲۰/۲/۱۳۱۱ ماده ۱ - دعاوی اداره اوقاف بر اشخاص و دعاوی اشخاص بر اداره اوقاف راجع به وقفیت اموال منقول و غیرمنقول یا بالعکس مشمول ماده ۴ قانون ۱۳ آبان ماه ۱۳۰۹ راجع به دعاوی بین اشخاص و دولت نبوده و در محاکم عدلیه قطع و فصل خواهد شد و لو قبل از تاریخ اجرای این قانون به استناد قانون مذکور محاکم عدلیه قرار عدم صلاحیت صادر کرده و آن قرار قطعی شده باشد. ماده ۲ - این قانون از اول خرداد ماه ۱۳۱۱ به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

لایحه قانونی راجع به تشکیل شورای مرکزی اوقاف

مصوب ۱۱ / ۱۲ / ۱۳۵۸ «نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۰۲۳ - ۲۳/۱/۱۳۵۹» ماده واحده - از تاریخ تصویب این لایحه کلیه وظائف و اختیارات شورای عالی اوقاف مستند به ماده ۵ قانون تفکیک وزارت فرهنگ و هنر مصوب آذر ماه ۱۳۴۳ و آئین‌نامه اجرایی قانون مزبور و سایر قوانین و آئین‌نامه‌های مربوط که رسیدگی و اظهار نظر نسبت به آنها از وظایف شورای عالی اوقاف می‌باشد و همچنین وظائف و اختیارات کمیسیون ماده چهارم آئین‌نامه قانون اجازه تبدیل به احسن و واگذاری دهات و مزارع موقوفات عام به زارعین صاحب نسق به شورائی به نام شورای مرکزی اوقاف واگذار می‌شود. تبصره ۱ - شورای مزبور با عضویت سرپرست سازمان یا نماینده قانونی او، معاون امور اوقافی دو نفر روحانی صالح و یکی از قضات عالی مقام دادگستری با انتخاب شورای عالی قضائی و وزیر آموزش و پرورش یا نماینده او و وزیر کشاورزی یا نماینده او برای مدت دو سال تشکیل و از میان اعضاء یک نفر به عنوان رئیس و یک نفر به عنوان دبیر شورا با صلاحیت جدید اعضاء انتخاب خواهد شد. تبصره ۲ - سازمان اوقاف می‌تواند قبل از طرح موضوعات در شورای مرکزی نظر شورای فنی و قضائی سازمان اوقاف راجع نماید. شورای فنی و قضائی طبق آئین‌نامه‌ای تشکیل

خواهد شد که از طرف سازمان اوقاف تدوین و شورای مرکزی آن را تصویب نموده باشد. تبصره ۳- شورای مرکزی می‌تواند با اکثریت آراء قسمتی از وظایف و اختیارات خود را به شورای اماناء و نظار شهرستان یا اداره کل اوقاف استان تفویض کند. این شورا به موجب آئین‌نامه‌ای تشکیل می‌شود که از طرف شورای مرکزی تهیه تصویب و ابلاغ خواهد شد. تبصره ۴- کلیه قوانین و آئین‌نامه‌های مغایر با این لایحه از تاریخ ابلاغ این لایحه لغو و کان لم یکن می‌باشد.

لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و اماناء و نظار اماکن مت

مصوب ۲۵/۲/۱۳۵۸ ماده ۱- به منظور جلوگیری از هر گونه تضییع حق در موقوفات کشور و تنظیم اسناد و قرارداد اجاره و تعیین اجاره بهای عادلانه املاک استیجاری و متصرفی موقوفه از این تاریخ کلیه اسناد و قراردادها (اعم از عادی و رسمی منعقد بین اوقاف و مستاجرین در موقوفات عامه نظیر املاک مزروعی و باغات و اراضی و مستغلات و مستحقات شهری و روستائی فسخ و به این قبیل مستاجرین و سایر اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی که به هر نحوی از انحاء درحال حاضر املاک موقوفه را متصرف می‌باشند اخطار می‌شود که در ظرف مدت ۳ ماه از تاریخ تصویب این لایحه جهت روشن نمودن وضع املاک استیجاری و متصرفی خود و تادیه اجاره بهای گذشته و تنظیم اسناد جدید اجاره به نرخ عادله روز به اداره اوقاف محل وقوع ملک مراجعه نمایند. در صورت عدم مراجعه و انقضای مهلت مقرر اداره اوقاف از ادامه استفاده و تصرفات غیر قانونی آنها جلوگیری و باخلع ید از مستاجر یا متصرف با رعایت صرفه موقوفه آن را به اشخاص متقاضی واگذار خواهد نمود و کلیه مطالبات موقوفه را نیز از مستاجر یا متصرف قبلی و یا از محل فروش و واگذاری اعیانی متعلق به آنها دریافت می‌دارد. تبصره- ترتیب تنظیم اجاره‌نامه و میزان اجاره بهای عادله روز بر اساس آئین‌نامه‌ای خواهد بود که ظرف ۱۵ روز از تاریخ تصویب این قانون از طرف سازمان اوقاف تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲- به منظور حسن اداره اماکن متبرکه مذهبی اسلامی کشور و مساجد از طریق انتخاب هیات امنای جدید از اشخاص واجد صلاحیت که مراتب تقوی و امانت آنان مورد تایید و قبول باشد و تجدید انتخاب متولیان و اماناء و نظار که از طرف سازمان اوقاف منصوب خواهند شد از این تاریخ کلیه اعضا هیات امناء مذکور و متولیان و اماناء و نظار مربوطه از سمت خود معزول و از هر گونه دخل و تصرف در اموال اماکن مورد تصدی ممنوع می‌گردند و مکلفند تا انتخاب و تعیین متولیان و اماناء و نظار جدید کلیه اموال و وجوه دریافتی و اسناد و مدارک موقوفه و اماکن مربوطه را به طور امانی حفظ و نگهداری نموده و به محض صدور ابلاغ و معرفی اعضای جدید عیناً طبق صورت جلسه با نظر اوقاف محل تحویل نمایند. تبصره- تجدید انتخاب و انتصاب متولیان و اماناء و نظار قبلی بلامانع است و اداره امور موقوفه تا انتخاب اعضای جدید به عهده اداره اوقاف محل خواهد بود. ماده ۳- سازمان اوقاف می‌تواند با کسب نظر مشورتی شورای اماناء و نظار هر حوزه اوقافی از بین اشخاص علاقمند و ذیصلاح مذکور در فوق نسبت به تشکیل و تعیین هیات امناء و انتخاب متولیان و نظار جهت کلیه اماکن متبرکه مذهبی اسلامی اقدام لازم را به عمل آورد. هیات امناء این قبیل اماکن حداقل سه نفر و حداکثر پنج نفر خواهند بود که پس از انتخاب و صدور ابلاغ انجام وظیفه خواهند نمود. صدور ابلاغ و احکام مزبور نیازی به تصویب شورای عالی اوقاف نخواهد داشت تبصره ۱- در هر حوزه اوقافی که شورای مشورتی اماناء و نظار تشکیل نشده باشد جلب نظر و تصویب شورای عالی اوقاف ضروری است. تبصره ۲- در مورد تعیین هیات امناء و انتخاب متولیان و نظار جهت مساجد، سازمان اوقاف لایحه دیگری تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به شورای انقلاب اسلامی تقدیم می‌نماید. ماده ۴- تصمیمات متخذه از طرف سازمان اوقاف نسبت به اجرای مفاد این لایحه قانونی قطعی و لازم الاجرا است.

نظریه فقهای شورای نگهبان در خصوص ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه

شماره ۳۳۹- ۸/۳/۱۳۷۴ «نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۴۶۳۶ - ۱۷/۳/۱۳۷۴» فقهای شورای نگهبان در جلسه ۷/۳/۱۳۷۴ با استفاده از اصل چهارم قانون اساسی نسبت به ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه به شرح زیر اظهار نظر شرعی نمود: «عموم آئین‌نامه‌ها و مقررات مذکور در ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه نسبت به متولی منصوص که خیانت در عین و منافع موقوفه نمی‌نماید به لحاظ اینکه دادگاه حکم به معزول شدن و یا ممنوع‌المداخله بودن وی می‌کند و یا ضم امین می‌نماید خلاف موازین شرع است و تایید سوابق شورای نگهبان به دلیل انصراف آن به موارد خیانت متولی بوده است دبیر شورای نگهبان - احمدجنتی

قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه

مصوب ۲۵/۱۱/۱۳۷۱ ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون کلیه موقوفات عام که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده یا به صورتی به ملکیت درآمده باشد به وقفیت خود برمی‌گردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است تبصره ۱ - پس از ابطال سند مالکیت در مواردی که موقوفه قابل اجاره باشد و متصرف تقاضای اجاره کند با رعایت مصلحت وقف و حقوق مکتسبه متصرف قرار داد اجاره با متصرف تنظیم خواهد شد. تبصره ۲ - کلیه املاک مزروعی که در اجرای قانون اجازه تبدیل به احسن و واگذاری دهات و مزارع موقوفات عام مصوب ۲۹/۱/۱۳۵۰ و سایر مراحل اصلاحات ارضی به زارعین صاحب نسق انتقال و بین آنان تقسیم شده با حفظ مصلحت وقف بامتصرفین و زارعان صاحب نسق با رعایت حقوق اکتسابی آنان اجاره نامه تنظیم می‌شود و جوهی که قبلا از طرف دولت بابت املاک مزبور مطابق ماده واحده پرداخته شده بابت اهدائی دولت به موقوفه محسوب و از تاریخ تحویل زمین به متصرف اجرت المثل زمین توسط کارشناس رسمی یا خبره محلی تعیین و با محاسبه وجوه پرداختی قبلی متصرف تهاتر و کسر یا اضافه آن محاسبه خواهد گردید. تبصره ۳ - کسانی که زمین یا خانه موقوفه‌ای را بدون اطلاع از وقفیت از اشخاص حقیقی یا حقوقی خریداری نموده و به موجب این قانون اسناد مالکیت آن باطل می‌شود می‌توانند برای دریافت خسارت وارده به فروشنده رجوع نمایند، در صورتی که متصرف طبق تبصره ۱ این قانون تقاضای اجاره نماید سازمان اوقاف می‌تواند از تاریخ تصویب این قانون با متصرف تنظیم اجاره نماید. تبصره ۴ - در کلیه موارد مذکور در تبصره‌های فوق در صورتی که متصرف و یا زارع صاحب نسق در مواعیدی که به وسیله واحدهای اوقافی تعیین و کتبا به آنان ابلاغ می‌نماید ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ رویت نامه اوقاف از تنظیم سند اجاره با موقوفه خودداری نمایند سازمان می‌تواند موقوفه را به اشخاص داوطلب اجاره دهد. بدیهی است در این صورت متولی و اوقاف باید چنانچه متصرف و یا زارع صاحب نسق حقوق مکتسبه داشته باشد بهای آن را به متصرف و یا زارع صاحب نسق با نظر کارشناس پرداخت نمایند در صورت بروز اختلاف فیما بین طرفین موضوع به مراجع قضائی احاله و محاکم مکلفند این گونه موارد را خارج از نوبت رسیدگی و تعیین تکلیف نمایند. تبصره ۵ - اراضی و املاک کی که در تصرف و مالکیت کشاورزان و مالکین محلی بوده و در اثر اجرای سیاست‌های غلط و یا زورمندانه سلاطین بدون مجوز شرعی از مالکیت آنان خارج شده ولی اراضی کماکان در تصرف مالکین مذکور می‌باشد و سپس من غیر حق در مالکیت موقوفات و آستان قدس رضوی درآمده و توسط مالکین هیچگونه سند وقفیت اعم از عادی و رسمی تنظیم نشده و یا هر دلیل معتبر شرعی و قانونی وجود نداشته باشد و همچنین املاکی که در تصرف اشخاص بوده و سند رسمی دارند ولی ادعای وقفیت نسبت به آنها شده است در صورتی که دلایل معتبری دال بر صحت وقف وجود نداشته باشد از شمول حکم ماده واحده خارج و هر گونه تصمیم و اقدامی که در مورد اراضی فوق الذکر انجام شده از درجه اعتبار ساقط و کان لم یکن می‌گردد و در صورت بروز اختلاف در هر دو مورد دادگاه صالح رسیدگی خواهد نمود. تبصره ۶ - آن دسته از اراضی و املاک و جنگل‌ها و مراتع و اراضی منابع ملی که مشمول ماده (۱) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۲۵/۵/۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی آن و قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی

مصوب ۵/۷/۱۳۷۱ قرار گیرد مشمول ماده واحده مذکور نبوده و موقوفه تلقی نمی‌شود مگر در مورد حریم موقوفات و اراضی ای که قبل از تاریخ ۱۶/۱۲/۱۳۶۵ احیاء شده باشد. تبصره ۶- در مواردی که جهت مورد نظر واقف تغییر یافته باشد بایستی به نظر واقف عمل شود. تبصره ۷- کلیه قوانین و مقررات مغایر با این ماده و تبصره‌های آن لغو و کان لم یکن می‌باشد. وزارت کشاورزی و سازمان اوقاف موظفند آئین‌نامه اجرائی این قانون را ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و پس از تصویب هیات دولت به اجراء در آورند. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و شش تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و پنجم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲/۱۲/۱۳۷۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده است .

آیین‌نامه چگونگی هزینه وجوه حاصل از محل هدایای مستقل و حق التولیه و حق النظاره و اداره امور اماکن مذ

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۱/۴/۱۳۸۲ بنا به پیشنهاد شماره ۷۲۶۵/۱ مورخ ۲۷/۳/۱۳۸۲ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به استناد ماده (۱۲) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه - مصوب ۱۳۶۳ -، آیین‌نامه چگونگی هزینه وجوه حاصل از محل هدایای مستقل و حق التولیه و حق النظاره و اداره امور اماکن مذهبی را به شرح زیر تصویب نمود: آیین‌نامه چگونگی هزینه وجوه حاصل از محل هدایای مستقل و حق التولیه و حق النظاره و اداره امور اماکن مذهبی ماده ۱ - سازمان اوقاف و امور خیریه که در این تصویب‌نامه به اختصار سازمان نامیده می‌شود، مجاز است مبلغ شانزده میلیون و پانصد و بیست و دو هزار و هشتصد و پنجاه و پنج هزار ریال (۸۵۵، ۵۲۲، ۱۶ هزار ریال) و جوهی را که از محل هدایای مستقل، حق التولیه و حق النظاره و اداره امور اماکن مذهبی دریافت می‌کند، در سال ۱۳۸۲ به شرح زیر راسا هزینه نماید: الف - درآمد ۱ - مانده وصولی حق التولیه در حساب (۲۱) خزانه در پایان سال ۱۳۸۱، مبلغ ۵۰۰، ۲۲ هزار ریال. ۲ - مانده وصولی حق النظاره در حساب (۲۳) خزانه در پایان سال ۱۳۸۱، مبلغ ۵۰۰، ۲ هزار ریال. ۳ - مانده وصولی حاصل از بابت اداره امور اماکن مذهبی در حساب (۲۵) خزانه در پایان سال ۱۳۸۱، مبلغ ۸۵، ۰۰۰، ۸۵ هزار ریال. ۴ - مانده وصولی وجوه حق التولیه و حق النظاره و اداره امور اماکن مذهبی (تفکیک نشده) در حساب (۹۱۰۶۲) بانک ملی شعبه دولتی در پایان سال ۱۳۸۱، مبلغ هزار ریال. ۵ - برآورد برگشتی از اعتبارات حواله شده به واحدهای استانی و شهرستانی، مبلغ هزار ریال. ۶ - پیش‌بینی وصولی حق التولیه در سال ۱۳۸۲، مبلغ & ۱۷۸۲، ۷۵۰، ۰۰۰ هزار ریال. ۷ - پیش‌بینی وصولی حق النظاره در سال ۱۳۸۲، مبلغ ۲، ۴۸۰، ۰۰۰ هزار ریال. ۸ - پیش‌بینی وصولی وجوه حاصل از بابت اداره امور اماکن مذهبی در سال ۱۳۸۲ از نذورات مطلقه، مبلغ ۷، ۱۸۲، ۸۵۵ هزار ریال. جمع: شانزده میلیون و پانصد و بیست و دو هزار و هشتصد و پنجاه و پنج هزار ریال (۸۵۵، ۵۲۲، ۱۶ هزار ریال) ب - هزینه ۱ - تبلیغ و نشر معارف اسلامی، مبلغ ۲۰۰، ۵۰۵، ۳ هزار ریال. ۲ - حفظ عین و منافع و احیای موقوفات و شناسایی آنها، مبلغ ۶۵۵، ۲۳۷، ۱۲ هزار ریال. ۳ - حق الزحمه یا پاداش هیات‌های امنای اماکن اسلامی، مبلغ ۵۰۴، ۰۰۰ هزار ریال. ۴ - حق الزحمه هیات امناء و حق النظاره نظار موقوفات، مبلغ ۰۰۰، ۲۷۶ هزار ریال. جمع: شانزده میلیون و پانصد و بیست و دو هزار و هشتصد و پنجاه و پنج هزار ریال (۸۵۵، ۵۲۲، ۱۶ هزار ریال) ماده ۲ - چنانچه میزان وصولی درآمد بیش از درآمد پیش‌بینی شده در بند «الف» ماده (۱) این تصویب‌نامه باشد، سازمان می‌تواند مازاد درآمد را از خزانه دریافت و به نسبت اعتبار ردیف‌های بند «ب» ماده (۱) این تصویب‌نامه هزینه نماید. ماده ۳ - تبلیغ و نشر معارف اسلامی (موضوع این تصویب‌نامه) شامل فعالیت‌هایی است که برای کمک به ترویج و تعظیم شعائر اسلامی و آموزش قرآن مجید انجام می‌شود، مانند چاپ و اهدای قرآن کریم، کتب و نشریات دیگر، تشکیل کلاس‌های آموزش و برگزاری مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم، انتخاب و اعزام قاریان و داوران به مسابقات، تجهیز کتابخانه، اهدای جوایز نقدی و غیرنقدی، اعزام مبلغ مذهبی به کلیه نقاط کشور با اولویت مناطق محروم. ماده ۴ - حفظ عین، منافع و احیای موقوفات (موضوع ردیف (۲) بند «ب» ماده (۱) این تصویب‌نامه) شامل کمک و پرداخت وجوه لازم برای انجام امور ثبتی، قضایی، عمرانی، تعمیر و احیای رقبات و غیره، با رعایت

صرفه و صلاح موقوفات، همچنین تهیه وسایل، امکانات و ساختمان برای استقرار ادارات اوقاف و امور خیریه در استان ها، شهرستان ها و مرکز و پرداخت اجرت و مزایای کارکنان غیررسمی (موضوع قسمت آخر تبصره (۳) تصویب نامه شماره ۷۱۹۷۶/ت ۴۹۶ مورخ ۲۵/۶/۱۳۶۶ مربوط به بودجه سال ۱۳۶۶ سازمان)، حق بیمه و کسری های احتمالی بودجه جاری سال ۱۳۸۲ است. ماده ۵ - سازمان می تواند از محل اعتبار ردیف های (۳) و (۴) بند «ب» ماده (۱) این تصویب نامه امور زیر را انجام دهد: الف - از محل اعتبار ردیف (۳) حق الزحمه یا پاداش مقرر امین و هریک از اعضای هیات امنای اماکن مذهبی اسلامی را با رعایت ماده (۸) آیین نامه اجرایی ماده (۵) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه و سایر مقررات پرداخت کند. ب - از محل اعتبار ردیف (۴) حق الزحمه هیات امناء و حق نظاره نظار موقوفات را با توجه به مفاد ماده (۳۳) آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه و تبصره (۲) آن و ماده (۱۹) آیین نامه اجرایی ماده (۵) قانون یاد شده حسب مورد پرداخت کند. ماده ۶ - فعالیت های پیش بینی شده در مواد (۳)، (۴)، (۵) این تصویب نامه با توجه به ضرورت و اولویت در حدود اعتبار مصوب انجام خواهد شد. تشخیص ضرورت و اولویت هزینه های موضوع مواد فوق با سرپرست سازمان یا مقام مجاز از طرف وی خواهد بود. ماده ۷ - تعهدات دوره مالی سال قبل نسبت به مفاد مواد (۳)، (۴) و (۵) این تصویب نامه با موافقت سرپرست سازمان یا مقام مجاز از طرف وی قابل پرداخت است. ماده ۸ - مانده درآمد سازمان در پایان سال به درآمد سال بعد منتقل و منظور خواهد شد. ماده ۹ - سال مالی سازمان از اول فروردین ماه تا پایان اسفند ماه است. معاون اول رییس جمهور - محمد رضا عارف

اصلاح بند «ه» ماده (۱۱) آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه -

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۵/۴/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۴/۲۳۰/۲/۱ مورخ ۲۶/۲/۱۳۸۴ سازمان اوقاف و امور خیریه و به استناد ماده (۱۷) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه - مصوب ۱۳۶۳ - تصویب نمود: در بند «ه» ماده (۱۱) آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، موضوع تصویب نامه شماره ۹۵۲۷۰ مورخ ۲۲/۲/۱۳۶۵ عبارت « مبلغ پیشنهادی» به عبارت « قیمت پایه ای که با نظر کارشناس یا خبره برای انجام مزایده تعیین می شود» اصلاح می گردد. معاون اول رئیس جمهور - محمد رضا عارف

اصلاح ماده (۶) آیین نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی - مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۹/۴/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۲۲۰۳۰ مورخ ۱۸/۴/۱۳۸۴ معاونت حقوقی و امور مجلس رییس جمهور و به استناد تبصره ماده (۱۳) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه - مصوب ۱۳۶۳ - تصویب نمود: ماده (۶) آیین نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی، موضوع تصویب نامه شماره ۱۳۰۷۸ مورخ ۲۲/۲/۱۳۶۵ به شرح زیر اصلاح می شود: « ماده ۶ - در انتقالات ناشی از ارث، طبقه اول ارثی از پرداخت پذیره انتقال معاف می باشند.» معاون اول رئیس جمهور - محمد رضا عارف

قوانین متفرقه

سیاست های کلی قضائی قوه قضائیه

۱ - اصلاح ساختار نظام قضایی کشور در جهت تضمین عدالت و تامین حقوق فردی و اجتماعی همراه با سرعت و دقت با اهتمام به سیاستهای مذکور در بندهای بعدی. ۲ - نظام مند کردن استفاده از بینه و یمین در دادگاهها ۳ - استفاده از تعدد قضات در پرونده

های مهم ۴ - تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی در سطوح مورد نیاز. ۵ - تمرکز دادن کلیه امور دارای ماهیت قضایی در قوه قضائیه با تعریف ماهیت قضایی و اصلاح قوانین و مقررات مربوط بر اساس آن و رسیدگی ماهوی قضایی به همه دادخواهیها و تظلمات. ۶ - کاستن مراحل دادرسی به منظور دستیابی به قطعیت احکام در زمان مناسب. ۷ - یکسان سازی آیین دادرسی در نظام قضایی کشور با رعایت قانون اساسی. ۸ - اصلاح و تقویب نظام نظارتی و بازرسی قوه قضائیه بر دستگاههای اجرایی و قضایی و نهادها. ۹ - استفاده از روش داوری و حکمیت در حل و فصل دعاوی. ۱۰ - بالا بردن سطح علمی مراکز آموزش حقوقی متناسب با نظام قضایی کشور، بالا بردن دانش حقوقی قضات، تقویت امور پژوهشی قوه قضائیه و توجه بیشتر به شرایط مادی و معنوی متصدیان سمتهای قضایی. ۱۱ - بالا بردن سطح علمی و شایستگی اخلاقی و توان عملی ضابطان دادگستری و فراهم ساختن زمینه برای استفاده بهینه از قوای انتظامی. ۱۲ - تامین نیازهای قوه قضائیه در زمینه‌های مالی، تشکیلاتی و استخدامی با توجه به اصول ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی. ۱۳ - تعیین ضوابط اسلامی مناسب برای کلیه امور قضایی از قبیل قضاوت، وکالت، کارشناسی و ضابطان و نظارت مستمر و پیگیری قوه قضائیه بر حسن اجرای آنها. ۱۴ - بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرایم و کاهش استفاده از مجازات زندان. ۱۵ - تنقیح قوانین قضایی. ۱۶ - گسترش دادن فرهنگ حقوقی و قضایی در جامعه. ۱۷ - گسترش دادن نظام معاضدت و مشاورت قضایی.

آیین‌نامه کمیسیونهای مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین

آیین‌نامه کمیسیونهای مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین آیین‌نامه کمیسیونهای مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین آیین‌نامه کمیسیونهای مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین

آیین‌نامه کمیسیونهای مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات ۲۱/۱/۱۳۷۹ ماده ۱ - به منظور اجرای وظایفی که به موجب قانون برعهده اداره کل حقوقی و تدوین قوانین محول است و همچنین انجام اموری که رئیس قوه قضائیه ارجاع می‌نماید کمیسیونهای مشورتی طبق مقررات این آیین‌نامه و در معیت اداره کل حقوقی و تدوین قوانین تشکیل می‌گردد. ماده ۲ - کمیسیونهای مشورتی دائمی عبارتند از: ۱ - کمیسیون قوانین مدنی ۲ - کمیسیون آیین دادرسی مدنی ۳ - کمیسیون قوانین جزایی ۴ - کمیسیون آیین دادرسی کیفری ۵ - کمیسیون تهیه لوایح قضایی مدیرکل حقوقی و تدوین قوانین می‌تواند در موارد لزوم کمیسیونهای فرعی دیگری را حسب‌نیاز تشکیل دهد و از صاحب‌نظران ذی صلاح برای عضویت و شرکت در آنها دعوت نماید. ماده ۳ - هر کمیسیون از یک رئیس و چهار عضو تشکیل می‌شود. رئیس و اعضای کمیسیونها را رئیس قوه قضائیه از میان قضات حائز شرایط انتخاب خواهد کرد. لااقل یک نفر از اعضاء هر کمیسیون از میان معاونان یا مستشاران اداره کل حقوقی و تدوین قوانین انتخاب می‌شوند. ماده ۴ - در هر کمیسیون یکی از معاونان یا مستشاران اداره کل حقوقی و تدوین قوانین که به عضویت کمیسیون مشورتی انتخاب می‌شود علاوه بر عضویت سمت دبیری کمیسیون را نیز خواهد داشت ماده ۵ - رئیس هر کمیسیون مسئول اداره جلسات کمیسیون و انجام امور آن می‌باشد و هرگاه در کار کمیسیونها و تشکیل آن اشکالی پیش آید مراتب را به اداره کل حقوقی و تدوین قوانین اطلاع می‌دهد. وظایف کمیسیونها: ماده ۶ - وظایف کمیسیونهای مشورتی عبارت است از: الف - اظهارنظر نسبت به استعلامات قضایی و امور مربوط به استرداد و تعاون قضایی ب - مطالعه آرای دیوان عالی کشور و هیات عمومی و طرز دادرسی محاکم و نحوه استنباط از قوانین و پیشنهاد تدابیر لازم برای تسریع دادرسی و جلوگیری از تضییع حق و تفسیر غلط قوانین پ - تهیه و تنظیم طرحهای قانونی در هر مورد که رئیس قوه قضائیه مقتضی بداند و بررسی اظهارنظر نسبت به طرحهایی که به کمیسیونها فرستاده می‌شود. ماده ۷ - وظایف هر یک از کمیسیونهای پنج‌گانه به شرح زیر است الف - کمیسیون قوانین مدنی بررسی و اظهارنظر در امور مربوط به قوانین مدنی تجارت و ثبت ب - کمیسیون آیین دادرسی مدنی بررسی و اظهارنظر در امور مربوط به آیین دادرسی مدنی اجرای احکام مدنی و امور حسبی پ - کمیسیون قوانین جزایی بررسی و اظهارنظر در امور مربوط به

جزای عمومی و جزای اختصاصی ت - کمیسیون آیین دادرسی کیفری بررسی و اظهارنظر در امور مربوط به آیین دادرسی کیفری و اجرای احکام جزایی ت - کمیسیون تهیه لوایح قضایی بررسی و تهیه لوایح قضایی که از طرف اداره کل حقوقی و تدوین قوانین و ریاست قوه قضائیه ارجاع می‌شود. تبصره - هر کمیسیون معمولاً به امور مربوط به خود رسیدگی و اظهارنظر خواهد کرد. لیکن این ترتیب مانع رسیدگی آنان به هر امر دیگری که به کمیسیون ارجاع شود نخواهد بود. ماده ۸ - مدیر کل حقوقی و تدوین قوانین در صورت ضرورت می‌تواند بررسی و اظهارنظر در هر مورد را به دو یا چند کمیسیون ارجاع نماید که مشترکاً اقدام نمایند. همچنین می‌تواند برحسب تشخیص خود یا پیشنهاد کمیسیونها از اشخاص صاحب‌نظر و خبره برای شرکت در کمیسیونها دعوت به عمل آورد. به صاحب‌نظران و خبرگانی که به این ترتیب دعوت می‌شود حق حضور متناسبی برای هر جلسه پرداخت خواهد شد. ماده ۹ - هرگاه کمیسیونهای مشورتی در نتیجه بررسی استعلامات قضایی یا مطالعه آرای محاکم یا به طریق دیگر به ابهام یا اجمال قوانین برخورد نمایند و یا از تفسیر غلط قوانین که موجب تضییع حق و یا کندی دادرسی است مستحضر شوند مکلفند نظر خود را مستدلاً و با پیشنهاد اصلاحی به اداره کل حقوقی و تدوین قوانین اعلام نمایند تا برای اقدام مقتضی تسلیم رئیس قوه قضائیه گردد. ماده ۱۰ - هرگاه کمیسیونها در نتیجه تحولات و ضرورتهای اجتماعی تغییری در قوانین موجود را لازم بدانند و یا تصویب قانونی تازه را مفید تشخیص دهند طرح لازم را تهیه و پیشنهاد می‌نمایند. ماده ۱۱ - اوقات کار کمیسیونهای مشورتی هفته‌ای دو جلسه است و مدیر کل حقوقی و تدوین قوانین در موارد لزوم می‌تواند آن را تا ۴ جلسه در هفته افزایش دهد. کمیسیونهای مشورتی در محل اداره کل حقوقی و تدوین قوانین تشکیل جلسه خواهند داد و روزهای جلسه را مدیر کل حقوقی و تدوین قوانین با جلب نظر هر کمیسیون تعیین می‌نماید. ماده ۱۲ - مدیر کل حقوقی و تدوین قوانین مسؤول اداره امور کمیسیونهای مشورتی است اداره کل حقوقی و تدوین قوانین باید وسایل کار کمیسیونها را فراهم نماید. ماده ۱۳ - کلیه استعلامات و امور مربوط به کمیسیونها از طریق اداره کل حقوقی و تدوین قوانین به آنان ارجاع می‌گردد. مدیر کل حقوقی و تدوین قوانین می‌تواند در هر یک از کمیسیونها شرکت نماید و توضیح لازم را در مورد امور ارجاعی به اطلاع کمیسیون برساند و نظر خود را الی الاقتضا اعلام نماید. ماده ۱۴ - اظهارنظر و پیشنهاد کمیسیونهای مشورتی وسیله دبیر هر کمیسیون به اداره کل حقوقی و تدوین قوانین فرستاده می‌شود. مدیر کل حقوقی و تدوین قوانین در مورد پیشنهادها و نظرهای اصلاحی و موارد مهمه مراتب را ضمن اظهارنظر نزد معاون قضایی رئیس قوه قضائیه ارسال می‌دارد تا تصمیم مقتضی اتخاذ شود. ماده ۱۵ - کمیسیونهای مشورتی مکلفند رسیدگی به استعلام یا امور معینی را به تقاضای اداره کل حقوقی و تدوین قوانین بر کارهای دیگر مقدم بدانند یا در مورد مسأله‌ای به طور فوری و خارج از نوبت اقدام کنند. طرز کار کمیسیونها: ماده ۱۶ - هر کمیسیون دفتری مخصوص خواهد داشت که کارهای کمیسیون در آن به ثبت می‌رسد. دبیر هر کمیسیون موظف است کارهای رسیده را با قید تاریخ وصول در این دفتر ثبت کند و پس از بررسی و اعلام نتیجه نظر کمیسیون را به طور دقیق و توأم با استدلالی که شده در دفتر به ثبت برساند و تاریخ حصول نتیجه را نیز قید نماید. ماده ۱۷ - دبیر کمیسیون استعلامها و امور ارجاعی را پس از وصول و ثبت در دفتر به نوبت میان اعضای کمیسیون تقسیم خواهد نمود. هر یک از اعضای کمیسیون همچنین دبیر کمیسیون مکلفند نسبت به استعلام یا امر ارجاعی مطالعه نموده و پس از آن که مسأله در کمیسیون مطرح گردید نتیجه مطالعه و نظر خود را برای بحث و بررسی به کمیسیون بدهند. ماده ۱۸ - دبیر کمیسیون مکلف است در پایان هر جلسه صورت‌مجلس متضمن تاریخ جلسه و نام اعضای حاضر و صورت دقیق کارهای انجام شده در آن جلسه و نتایج حاصله و دیگر مسائل لازم را تنظیم نموده و به امضای اعضای حاضر برساند و دبیر کمیسیون مکلف است صورت‌مجلس هر جلسه را امضا کرده و در همان روز تسلیم اداره کل حقوقی و تدوین قوانین نماید. ماده ۱۹ - در غیبت دبیر یکی از اعضای کمیسیون وظایف مذکور در ماده ۱۸ را انجام خواهد داد. ماده ۲۰ - دبیر کمیسیون در پایان هر ماه صورتی از کارهای انجام شده را تهیه و به اداره کل حقوقی و تدوین قوانین تسلیم می‌نماید. این صورت با گزارش اداره کل حقوقی و تدوین قوانین به استحضار معاونت قضایی خواهد رسید. پاداش ماده ۲۱ -

به اعضای کمیسیونها برای حضور در هر جلسه مبلغ متناسبی به عنوان حق حضور طبق آیین نامه هیات وزیران در آخر هر ماه پرداخت خواهد شد. معاونت مالی و پشتیبانی اعتبار لازم برای پرداخت حق حضور اعضای کمیسیونهای مشورتی را در اختیار اداره کل حقوقی و تدوین قوانین خواهد گذاشت ماده ۲۲ - عدم حضور غیرموجه سه جلسه هر یک از اعضای کمیسیونها در هر ماه به منزله انصراف از عضویت تلقی شده و به جای وی عضو دیگر انتخاب خواهد شد. ماده ۲۳ - هرگاه در نتیجه رسیدگی معلوم شود که کمیسیونی به طور مرتب و کامل تشکیل نمی شود و یا میزان کار آن متناسب با ساعات و جلسات معین شده نیست کمیسیون مذکور منحل می گردد. ماده ۲۴ - آیین نامه پیشین کمیسیونهای مشورتی اداره حقوقی از تاریخ تصویب این آیین نامه نسخ می گردد.

قانون اصلاح قانون استفاده بعضی از دستگاهها از نماینده حقوقی در مراجع قضایی و معافیت بنیاد شهید

ماده واحده - در متن ماده واحده قانون استفاده بعضی از دستگاهها از نماینده حقوقی در مراجع قضایی و معافیت بنیاد شهید انقلاب اسلامی و کمیته امداد امام خمینی (ره از پرداخت هزینه دادرسی عبارت « و شرکتهای دولتی و موسسات انتفاعی وابسته به دولت از جمله شرکتهای دولتی و موسسات انتفاعی وابسته به دولت که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی بعد از عبارت «دانشگاههای غیر دولتی» افزوده می شود.

قانون مربوط به وحدت رویه قضایی

ماده واحده - هرگاه در شعب دیوان عالی کشور نسبت به موارد مشابه رویه های مختلف اتخاذ شده باشد به تقاضای وزیر دادگستری یا رئیس دیوان مزبور و یا دادستان کل هیات عمومی دیوان عالی کشور که در این مورد لاقبل با حضور سه ربع از روسا و مستشاران دیوان مزبور تشکیل مییابد موضوع مختلف فیه را بررسی کرده و نسبت به آن اتخاذ نظر می نمایند. در این صورت نظر اکثریت هیات مزبور برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است و جز به موجب نظر هیات عمومی یا قانون قابل تغییر نخواهد بود.

قانون نحوه وصول مطالبات بانکها

مصوب ۵/۱۰/۱۳۶۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام ماده ۱ - کلیه وجوه و تسهیلات مالی که بانکها تا تاریخ اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۸/۶/۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی به اشخاص حقیقی و حقوقی تحت هر عنوان پرداخت نموده اند اعم از آنکه قراردادی در این خصوص تنظیم شده یا نشده باشد و مقرر بوده است که بدهکار در سررسید معینه تسهیلات مالی و وجوه دریافتی را اعم از اصل و سود و سایر متفرعات مسترد دارد بر اساس مقررات و شرایط زمان اعطای این وجوه و تسهیلات قابل مطالبه و وصول است کلیه محاکم دادگستری و مراجع قضایی و دوایر اجرای ثبت مکلفند طبق مقررات و شرایط زمان اعطای وجوه و تسهیلات رسیدگی و نسبت به صدور حکم و وصول مطالبات بانکها اعم از اصل و هزینه ها و خسارات متفرعات متعلقه (خسارت تاخیر تادیه جریمه عدم انجام تعهد و غیره اقدام نمایند. ماده ۲ - در خصوص دعاوی که قبلا راجع به مطالبات بانکها نزد مراجع قضایی مطرح و منجر به صدور حکم شده است و هزینه ها و متفرعات و جریمه تاخیر تادیه و جزاء تخلف از شرط متعلقه که وصول آن به نفع بانک مورد لحوق حکم واقع نشده است بانکها می توانند تقاضای تصحیح حکم را از مرجع صادرکننده حکم بنمایند و مرجع صادرکننده حکم مکلف است وفق مقررات این قانون رسیدگی و احکام صادره را تصحیح نماید. مقررات این قانون در مورد دعاوی که در حال حاضر در محاکم مطرح رسیدگی است نیز اعمال می گردد. تبصره - دوایر اجرای ثبت اسناد و املاک مکلفند براساس مفاد اسناد و قراردادهای تنظیمی بین بانکها و مشتریان که منجر به صدور اجراییه شده اعم از آنکه عملیات اجرایی خاتمه

پیدا کرده یا در جریان اجرا باشد، نسبت به وصول خسارات تاخیر تادیه و سایر متفرعات و هزینه‌های مربوط طبق مقررات این قانون حمل نمایند.

قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه

ماده ۱- رئیس قوه قضائیه علاوه بر وظائف و اختیارات موضوع قانون اختیارات وظایف رئیس قوه قضائیه مصوب ۹/۱۲/۱۳۷۲، دارای وظائف و اختیارات مصرح در متن قانون نیز به شرح زیر می‌باشد: الف- ایجاد تشکیلات قضایی و اداری لازم و متناسب با وظایف مقرر در اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی در دادگستری ب- انتقال قضات داوطلب به تهران و سایر شهرستانهایی که با کمبود شدید قاضی مواجه هستند در صورت مصلحت و بدون رعایت قانون نقل و انتقال قضات ج- پیشنهاد بودجه سالیانه قوه قضائیه و سازمانهای وابسته آن به هیأت وزیران ماده ۲- ریاست قوه قضائیه سمت قضایی است و هرگاه رئیس قوه قضائیه ضمن بازرسی رای دادگاهی را خلاف بین شرع تشخیص دهد آن را جهت رسیدگی به مرجع صالح ارجاع خواهد داد. ماده ۳- دولت موظف است لوایح قضایی را که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و تحویل دولت می‌شود، حداکثر ظرف مدت سه ماه تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید. ماده ۴- رئیس قوه قضائیه می‌تواند صلاحیت قضات را به سه درجه تقسیم و با در نظر گرفتن سوابق علمی و تجربی درجه صلاحیت هر قاضی را تعیین نماید. ماده ۵- آیین‌نامه اجرایی این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

قانون الحاق ماده واحده به قانون انتخابات

ماده واحده- استفاده از هرگونه پلاکارد، تراکت دیوار نویسی و کاروانهای تبلیغاتی و استفاده از بلندگوهای سیار در خارج از محیط سخنرانی و امثال اینها به استثناء عکس حداکثر در دو فرم و جزوه و سخنرانی و پرسش و پاسخ از طرف نامزدهای انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی و طرفداران آنان ممنوع می‌باشد. متخلفین از این قانون از سه تا سی روز زندان محکوم می‌گردند. تبصره- اعلام نظر شخصیت‌ها در تاکید کاندیداها به شرطی مجاز است که بدون ذکر عنوان و مسوولیت آنها باشد و مدرک کتبی مربوط به امضا آنان تسلیم هیات اجرایی انتخابات شده باشد

قانون الحاق یک تبصره به ماده (۹) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی

طرح الحاق یک تبصره به ماده (۹) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی که دو فوریت آن در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۶/۲/۱۳۸۳ تصویب شده بود، در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ ۷/۲/۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی تصویب و به تایید شورای نگهبان رسیده است، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می‌گردد. رییس مجلس شورای اسلامی- مهدی کروبی شماره ۶۱۷۵ ۱۵/۲/۱۳۸۳ وزارت کشور قانون الحاق یک تبصره به ماده (۹) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی که در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ هفتم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۷/۲/۱۳۸۳ به تایید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۷۱۴۰ مورخ ۸/۲/۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می‌گردد. رییس جمهور- سیدمحمد خاتمی قانون الحاق یک تبصره به ماده (۹) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی ماده واحده- تبصره ذیل به عنوان تبصره (۶) به ماده (۹) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۷/۹/۱۳۷۸ الحاق می‌گردد: تبصره ۶- انتخابات مرحله دوم حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر در هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی همزمان با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری انجام خواهد

پذیرفت. این قانون از زمان تصویب لازم‌الاجراست. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ هفتم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۷/۲/۱۳۸۳ به تأیید شورای نگهبان رسیده است. رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی

تصویب‌نامه راجع به فوق‌العاده ویژه قضات - ۱۳۸۴

هیئت‌وزیران در جلسه مورخ ۲۱/۱/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد وزارت دادگستری و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: از ابتدای سال ۱۳۸۴ فوق‌العاده خاصی تحت عنوان « فوق‌العاده ویژه قضات » بهقضات شاغل در قوهقضاییه قابل پرداخت می‌باشد. نحوه محاسبه فوق‌العاده یادشده حاصل ضرب ارقام زیر در حقوق مبنای مربوط خواهد بود: الف - کلیه شاغلین مشاغل قابل تخصیص تا گروه ۴ رقم ۸/۷ ب - کلیه شاغلین مشاغل قابل تخصیص در گروه ۵ رقم ۶/۸ ج - کلیه شاغلین مشاغل قابل تخصیص در گروه ۶ رقم ۲/۹ د - کلیه شاغلین مشاغل قابل تخصیص در گروه ۷ رقم ۷/۹ هـ - کلیه شاغلین مشاغل قابل تخصیص در گروه ۸ رقم ۲/۱۰ اعتبار لازم برای اجرای این تصویب‌نامه از محل اعتبارات قوهقضاییه تأمین و پرداخت خواهد شد. معاون اول رئیس‌جمهور - محمدرضا عارف

اصلاح تصویب‌نامه در خصوص فوق‌العاده ویژه قضات - مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۸/۲/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۱۱۴۳/۱۶ مورخ ۲۰/۲/۱۳۸۴ قوه قضاییه و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: در تصویب‌نامه شماره ۳۲۷۱۶/۳۸۱۲ هـ مورخ ۲۸/۱/۱۳۸۴ در بند « الف » پس از عبارت « تا گروه ۴ » واژه « حداکثر » اضافه می‌شود و نیز عبارت « از محل اعتبارات قوه قضاییه » به عبارت « از محل فصل اول اعتبارات قوه قضاییه طبق قوانین و مقررات مربوط » اصلاح می‌شود. معاون اول رئیس‌جمهور - محمدرضا عارف

قانون ساماندهی مد و لباس - مصوب ۱۳۸۵

جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون ساماندهی مد و لباس که به عنوان طرح به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی مورخ ۱۲/۱۰/۱۳۸۵ و تأیید شورای محترم نگهبان به پیوست ارسال می‌گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل شماره ۱۳۷۳۰۶ ۲/۱۱/۱۳۸۵ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قانون ساماندهی مد و لباس که در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ دوازدهم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۰/۱۰/۱۳۸۵ به تأیید شورای محترم نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۶۳۵۵۱/۴۳۲ مورخ ۲۳/۱۰/۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجرا ابلاغ می‌گردد. رئیس جمهور - محمود احمدی‌نژاد قانون ساماندهی مد و لباس ماده ۱- به منظور حفظ و تقویت فرهنگ و هویت ایرانی - اسلامی، ارج نهادن، تبیین، تثبیت و ترویج الگوهای بومی و ملی، هدایت بازار تولید و عرضه البسه و پوشاک براساس طرحها و الگوهای داخلی و نیز در جهت ترغیب عموم مردم به پرهیز از انتخاب و مصرف الگوهای بیگانه و غیرمأنوس با فرهنگ و هویت ایرانی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است جهت پی‌ریزی ساختار مدیریتی موضوع این قانون، کارگروهی (کمیته‌ای) متشکل از یک نفر نماینده تام‌الاختیار از هر کدام از وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، بازرگانی و صنایع و معادن و سازمانهای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سه نفر از نمایندگان صنوف ذی‌ربط (طراحان و تولیدکنندگان) و یک نفر نماینده از کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی به عنوان

ناظر تشکیل دهد. تبصره - مصوبات این کارگروه (کمیته) پس از امضاء و ابلاغ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی قابل اجراء خواهد بود.

ماده ۲- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مکلفند در جهت ترویج نمادها و الگوهای پارچه و لباس ایرانی و بومی مناطق مختلف ایران نمادها و الگوهای مورد تأیید کارگروه (کمیته) یادشده در ماده (۱) این قانون را تشویق و ترغیب و تبلیغ نمایند و در جهت پرهیز از تبلیغ الگوهای مغایر با فرهنگ ایرانی - اسلامی اهتمام جدی بورزند. ماده ۳- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است با همکاری وزارت بازرگانی جهت تبادل فرهنگی ملل مسلمان، موزه، نمایشگاه و جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با محوریت معرفی نمادها و الگوهای پارچه و لباس ایرانی - اسلامی برگزار نماید. ماده ۴- طرحها و الگوهای تولیدشده پارچه و لباس مبتنی بر نمادهای ایرانی - اسلامی مشمول حمایت قانونی حقوق مؤلفان و مصنفان و کانون ثبت اختراعات و مالکیت صنعتی خواهد بود. ماده ۵- وزارت بازرگانی مکلف است برای دسترسی عمومی و حمایت از تولید و فروش پارچه‌ها و پوشاک منطبق با الگوهای ایرانی - اسلامی، نمایشگاههای عرضه فصلی مد لباس و پوشاک برگزار نماید. ماده ۶- وزارت بازرگانی مکلف است برای حمایت از تولیدات داخلی با رعایت قانون مقررات صادرات و واردات مصوب سال ۱۳۷۲ و اصلاحات بعدی آن، عوارض گمرکی، بر واردات تجاری پوشاک و پارچه‌های خارجی وضع نماید به نحوی که امکان رقابت برای تولیدکنندگان داخلی فراهم گردد. ماده ۷- وزارتخانه‌های تعاون، کار و امور اجتماعی و صنایع و معادن مکلفند در تأسیس تعاونی، اعطاء مجوز فعالیت و استفاده از تسهیلات دولتی، طراحان و تولیدکنندگان پارچه و لباس مبتنی بر الگوهای ایرانی - اسلامی را در اولویت قرار دهند. تبصره ۱- تعیین شرایط استفاده از تسهیلات و مزایای دولتی و مضمولان آن به عهده کارگروه (کمیته) یادشده در ماده (۱) این قانون خواهد بود. تبصره ۲- بانکها ملزم هستند که در اعطاء تسهیلات بانکی و وامهای خوداشتغالی، متقاضیان فوق را در اولویت قرار دهند. ماده ۸- وزارت بازرگانی موظف است تمهیدات و اقدامات حمایتی لازم را برای تشکیل و تقویت صنف طراحان لباس اعمال نماید. ماده ۹- کلیه دستگاههای دولتی مکلفند از بودجه سنواتی ردیفهای خدماتی رفاهی خود، جهت تشویق تقاضای پارچه و لباس منطبق با الگوهای ایرانی - اسلامی تسهیلات خرید پارچه و لباسهای مذکور را در اختیار کارکنان خود قرار دهند. ماده ۱۰- وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و فرهنگ و ارشاد اسلامی موظفند نسبت به حمایت و پشتیبانی از تحقیقات و رساله‌های تخصصی مشمول این قانون اقدام لازم به عمل آورند. ماده ۱۱- آئین‌نامه اجرائی این قانون ظرف مدت سه ماه توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری سایر دستگاهها و نهادهای ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر یازده ماده و سه تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ دوازدهم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۰/۱۰/۱۳۸۵ به تأیید شورای محترم نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

آیین‌نامه اجرایی شوراهای حل اختلاف تخصصی دیوان عدالت اداری - مصوب ۱۳۸۶/۸/۲۰

وزارت دادگستری هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳/۸/۱۳۸۶ بنا به پیشنهاد شماره ۱۴۵۱۴/۰۲/۱۱۱ مورخ ۲۵/۷/۱۳۸۵ وزارت دادگستری و به استناد ماده (۱۸۹) تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، موضوع ماده (۱۳۴) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳- آیین‌نامه اجرایی شوراهای حل اختلاف تخصصی دیوان عدالت اداری را به شرح زیر تصویب نمود: آیین‌نامه اجرایی شوراهای حل اختلاف تخصصی دیوان عدالت اداری ماده ۱- به منظور ارتقای جایگاه صلح و سازش و تسهیل و تسریع در حل و فصل پرونده‌های در صلاحیت دیوان عدالت اداری، «شوراهای حل اختلاف تخصصی دیوان عدالت اداری» که در این آیین‌نامه به اختصار «شوراهای حل اختلاف تخصصی» نامیده می‌شوند، تشکیل می‌گردد. ماده ۲- حدود صلاحیت شوراهای حل اختلاف تخصصی، رسیدگی به

پرونده‌های مربوط به اقدامات دستگاه‌های موضوع ماده (۱۳) قانون دیوان عدالت اداری - مصوب ۱۳۸۵ - می‌باشد که قابلیت طرح در شعب دیوان عدالت اداری را دارند و دارای ماهیت قضایی نبوده یا ماهیت قضایی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است. ماده ۳- شوراها حل اختلاف تخصصی با رعایت مفاد ماده (۶) این آیین‌نامه، در مراکز زیر تأسیس شده و به ترتیب زیر رسیدگی می‌نمایند: الف - در محل دیوان عدالت اداری؛ برای رسیدگی به پرونده‌های موضوع این آیین‌نامه در مواردی که به تشخیص معاون ارجاع یا رییس شعب دیوان با مصالح قابل حل می‌باشد؛ ب - در دستگاه‌های مستقر در تهران؛ با هماهنگی وزیر یا بالاترین مقام مسئول، برای رسیدگی به پرونده‌های موضوع این آیین‌نامه در حوزه آن دستگاه؛ ج - در دستگاه‌های مستقر در مراکز استان‌ها؛ با هماهنگی استاندار و رییس کل دادگستری استان، برای رسیدگی به پرونده‌های موضوع این آیین‌نامه در حوزه آن استان. ماده ۴- شوراها حل اختلاف تخصصی دارای سه عضو اصلی به شرح زیر می‌باشند: الف - یک نفر قاضی از میان رؤسای شعب یا مستشاران یا دادرسان دیوان عدالت اداری برای عضویت در شوراها حل اختلاف تخصصی موضوع بندهای (الف) و (ب) ماده (۳) این آیین‌نامه و یک نفر از قضات شاغل در مراکز استان‌ها که دارای حداقل ده سال سابقه قضایی باشد، برای عضویت در شوراها حل اختلاف تخصصی موضوع بند (ج) ماده (۳) یادشده؛ قاضی عضو شوراها حل اختلاف تخصصی موضوع بندهای (الف) و (ب) ماده (۳)، از سوی رییس دیوان عدالت اداری پیشنهاد و با ابلاغ رییس قوه قضاییه منصوب می‌شود. قاضی عضو شوراها حل اختلاف تخصصی مستقر در مراکز استانها با پیشنهاد رییس دیوان عدالت اداری و رییس کل دادگستری استان مربوط، انتخاب و از سوی رییس قوه قضاییه منصوب می‌شود. ب - یک نفر از مدیران دستگاه‌های موضوع ماده (۲) این آیین‌نامه، دارای وثاقت و حداقل ده (۱۰) سال سابقه کاری؛ مدیران مذکور، بر حسب مورد در هر یک از شوراها حل اختلاف تخصصی موضوع ماده (۳) آیین‌نامه به ترتیب با معرفی معاون حقوقی و امور مجلس رییس جمهور یا وزیر و یا بالاترین مقام مسئول مربوط یا استاندار و با ابلاغ رییس دیوان عدالت اداری تعیین خواهند شد. ج - یک نفر عضو معتمد از میان وکلاء، کارشناسان، قضات بازنشسته و سایر افراد صاحب‌نظر در موضوعات تخصصی، با ابلاغ رییس دیوان عدالت اداری. تبصره ۱- هر شورای حل اختلاف تخصصی می‌تواند دو عضو علی‌البدل با شرایط مندرج در بندهای (ب) و (ج) داشته باشد. تبصره ۲- مسئول دبیرخانه شورای حل اختلاف تخصصی، توسط دیوان عدالت اداری معرفی شده و برابر ضوابط جاری شوراها مذکور فعالیت خواهد نمود. ماده ۵- مطرح شدن پرونده در شوراها حل اختلاف تخصصی به یکی از سه طریق زیر می‌باشد: الف - مراجعه مستقیم شاکی و طرح شکایت در شورا؛ ب - ارجاع پرونده از سوی واحد ارجاع دیوان عدالت اداری قبل از ثبت در دیوان؛ ج - ارجاع پرونده‌های مطروحه در شعب دیوان با پیشنهاد رییس شعبه رسیدگی کننده و موافقت مقام ارجاع کننده. ماده ۶ - یکی از معاونین دیوان عدالت اداری با هماهنگی اداره کل پیگیری امور استان‌های قوه قضاییه و معاون حقوقی و امور مجلس رییس جمهور یا وزیر و بالاترین مقام مسئول مربوط یا استاندار (بر حسب مورد)، نسبت به تشکیل شوراها حل اختلاف تخصصی و تأمین و گزینش نیروی انسانی و اداره آن اقدام می‌نماید. سازمان و تشکیلات این شوراها از سوی معاونت مزبور تدوین و با پیشنهاد رییس دیوان عدالت اداری تصویب رییس قوه قضاییه به مرحله اجراء درمی‌آید. ماده ۷- پرونده‌های مطرح شده در شوراها حل اختلاف تخصصی به طریق زیر مورد رسیدگی قرار می‌گیرد: الف - موضوع بدو از طریق راهنمایی شاکی و مأمور یا اداره طرف شکایت و ضمن تلاش در حل آن از طریق مصالح، مورد پیگیری قرار گرفته و در صورت حصول توافق طرفین، اتخاذ تصمیم شده و ضمن تنظیم گزارش اصلاحی، پرونده مختومه می‌گردد. ب - در صورتی که مطابق نظر اکثریت اعضای شورای حل اختلاف تخصصی، پرونده غیرقابل رسیدگی در آن شورا باشد، با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده به دیوان عدالت اداری ارسال تا مطابق قانون دیوان عدالت اداری جهت رسیدگی به یکی از شعب آن ارجاع می‌گردد. ج - چنانچه موضوع از طریق مصالحه حل و فصل نشود، پرونده طبق قوانین و مقررات مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و براساس رأی اکثریتی که قاضی عضو شورا در آن قرار دارد، حکم مقتضی صادر می‌شود.

این رأی به طرفین ابلاغ گردیده و در فرصت قانونی قابل تجدیدنظر در شعب دیوان خواهد بود. در صورتی که رأی اکثریت مشتمل بر رأی قاضی عضو شورا نباشد، طبق بند (ب) این ماده عمل خواهد شد. ماده ۸- رسیدگی در شوراهای حل اختلاف تخصصی تابع تشریفات آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نمی‌باشد. ماده ۹- محل استقرار و تجهیزات مورد نیاز شوراهای حل اختلاف تخصصی، به نحو زیر تأمین خواهد شد: الف- شوراهای موضوع بند (الف) ماده ۳، از سوی قوه قضاییه و دیوان عدالت اداری؛ ب- شوراهای موضوع بند (ب) ماده (۳)، از سوی دستگاه محل استقرار شعب شوراهای تخصصی. ج- شوراهای موضوع بند (ج) ماده (۳)، از سوی استانداری یا دادگستری استان مربوط بر حسب توافق دیوان عدالت اداری و دو مرجع مزبور. ماده ۱۰- حق الزحمه اعضای شوراهای حل اختلاف تخصصی براساس دستورالعملی که از سوی رییس دیوان عدالت اداری و اداره کل پیگیری امور استان‌ها و سازمان‌های وابسته قوه قضاییه تدوین و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد، از محل اعتبارات دیوان عدالت اداری تأمین می‌گردد. ماده ۱۱- اعتبارات لازم برای اجرای این آیین‌نامه، همه ساله در بودجه سنواری دستگاه‌های مربوط پیش‌بینی خواهد شد. ماده ۱۲- رییس دیوان عدالت اداری موظف است تمهیدات لازم جهت نظارت بر انجام کار شوراهای حل اختلاف تخصصی را فراهم نماید. این آیین‌نامه به عنوان الحاقیه به آیین‌نامه موضوع ماده (۱۸۹) تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، موضوع ماده (۱۳۴) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۷۹۴۹/ت/۳۳۴۱۶-هـ مورخ ۱۳۸۴/۵/۸ اضافه می‌شود. معاون اول رئیس جمهور - پرویز داودی

قانون جامع حمایت از حقوق معلولین

ماده ۱. دولت موظف است زمینه‌های لازم را برای تأمین حقوق معلولان، فراهم و حمایت‌های لازم را از آنها به عمل آورد. تبصره. معلول در این قانون به افرادی اطلاق می‌گردد که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توأم، اختلال مستمر در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد گردد. به طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود. ماده ۲. کلیه وزارتخانه‌ها، سازمانها و موسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمانها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آنها برای معلولان همچون افراد عادی فراهم گردد. تبصره ۱. وزارتخانه‌ها، سازمانها و موسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند جهت دسترسی و بهره‌مندی معلولان، ساختمانها و اماکن عمومی، ورزشی، تفریحی، معابر و وسایل خدماتی موجود را در چهارچوب بودجه‌های مصوب سالانه خود مناسب‌سازی نمایند. تبصره ۲. شهرداریها موظفند از صدور پروانه احداث و پایان کار برای آن تعداد از ساختمانها و اماکن عمومی و معابری که استانداردهای تخصصی مربوط به معلولان را رعایت نکرده باشند خودداری نمایند. تبصره ۳. سازمان بهزیستی کشور مجاز است بر امر مناسب‌سازی ساختمانها و اماکن دولتی و عمومی دستگاه‌های مذکور در ماده فوق‌نظارت و گزارشات اقدامات آنها را درخواست نماید. تبصره ۴. آیین‌نامه اجرایی ماده فوق‌ظرف سه ماه مشترکاً توسط وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان بهزیستی کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. ماده ۳. سازمان بهزیستی کشور موظف است در چهارچوب اعتبارات مصوب در قوانین بودجه سالانه اقدامات ذیل را به عمل آورد: الف. تأمین خدمات توانبخشی، حمایتی، آموزشی و حرفه‌آموزی موردنیاز معلولان با مشارکت خانواده‌های معلولان و همکاری بخش غیردولتی (خصوصی، تعاونی، خیریه) و پرداخت یارانه (کمک هزینه) به مراکز غیردولتی و خانواده‌ها. ب. گسترش مراکز خاص نگهداری، آموزشی و توانبخشی معلولان واجد شرایط (معلولان نیازمند، معلولان بی‌سرپرست، معلولان مجهول‌الهویه، معلولان با ناهنجاریهای رفتاری) با همکاری بخش غیردولتی و پرداخت تسهیلات

اعتباری و یارانه (کمک هزینه) به آنها. ج. تامین و تحویل وسایل کمک توانبخشی مورد نیاز افراد معلول. د. گسترش کارگاه های آموزشی، حمایتی و تولیدی معلولان و ارائه خدمات توانبخشی حرفه ای به معلولان جهت توانمندسازی آنان. تبصره. کارگاه های آموزشی، حمایتی و تولیدی معلولان موضوع ماده فوق از شمول قانون کار مصوب ۲۹/۸/۱۳۶۹ مستثنی خواهد بود. ماده ۴- معلولان می توانند در استفاده از امکانات ورزشی، تفریحی، فرهنگی و وسایل حمل و نقل دولتی (مترو، هواپیما، قطار) از تسهیلات نیمه بها بهره مند گردند. تبصره. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تربیت بدنی و شهرداریها موظفتند کتابخانه، اماکن ورزشی، پارک و اماکن تفریحی خود را به نحوی احداث و تجهیز نمایند که امکان بهره مندی معلولان فراهم گردد. ماده ۵. افراد تحت سرپرستی معلولان با معرفی سازمان بهزیستی کشور تحت پوشش بیمه خدمات درمانی و معلولان تحت پوشش بیمه خدمات درمانی و بیمه مکمل درمانی قرار می گیرند. ماده ۶. یکی از فرزندان اولیایی که خود ناتوان و معلول بوده (هر دو یا یکی از آنها معلول باشد) و یا حداقل دو نفر از فرزندان آنها ناتوان و معلول باشد از انجام خدمت وظیفه عمومی معاف می گردد. تبصره. همسرانی که زن ناتوان و معلول خود را سرپرستی می نمایند مادامی که سرپرستی همسر ناتوان و معلول را برعهده داشته باشند از انجام خدمت وظیفه عمومی معاف می گردند. ماده ۷. دولت موظف است جهت ایجاد فرصت های شغلی برای افراد معلول تسهیلات ذیل را فراهم نماید: الف. اختصاص حداقل سه درصد از مجوزهای استخدامی (رسمی، پیمانی، کارگری) دستگاه های دولتی و عمومی اعم از وزارتخانه ها، شرکتها و موسسات، شرکتها، نهادهای عمومی و انقلابی و دیگر دستگاه هایی که از بودجه عمومی کشور استفاده می نمایند به افراد معلول واجد شرایط. ب. تامین حق بیمه سهم کارفرما توسط سازمان بهزیستی کشور و پرداخت آن به کارفرمایانی که افراد معلول را به کار می گیرند. ج. پرداخت تسهیلات اعتباری به واحدهای تولیدی، خدماتی، عمرانی و صنفی و کارگاه های تولیدی حمایتی در مقابل اشتغال افراد معلول به میزانی که در قوانین بودجه سالانه مشخص می گردد. د. پرداخت تسهیلات اعتباری خوداشتغالی (وجوه اداره شده) به افراد معلول به میزانی که در قوانین بودجه سالانه مشخص می گردد. ه. پرداخت تسهیلات اعتباری (وجوه اداره شده) جهت احداث واحدهای تولیدی و خدماتی اشتغالزا به شرکتها و موسساتی که بیش از شصت درصد سهام و سرمایه آنها متعلق به افراد معلول است. و. اختصاص حداقل شصت درصد از پستهای سازمانی تلفنچی (اپراتور تلفن) دستگاه ها، شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی به افراد نابینا و کم بینا و معلولان جسمی، حرکتی. ز. اختصاص حداقل شصت درصد از پست های سازمانی متصدی دفتری و ماشین نویسی دستگاه ها، شرکتها و نهادهای عمومی به معلولین جسمی، حرکتی. تبصره ۱. کلیه وزارتخانه ها، سازمانها، موسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی مجازند تا سقف مجوزهای استخدامی سالانه خود، افراد نابینا و ناشنوا و معلولین ضایعات نخاعی واجد شرایط را راساً به صورت موردی و بدون برگزاری آزمون استخدامی به کار گیرند. تبصره ۲. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موظف است سه درصد از مجوزهای استخدامی سالانه وزارتخانه ها، سازمانها، موسسات دولتی، شرکتها و نهادهای عمومی و انقلابی را کسر و در اختیار سازمان بهزیستی کشور قرار دهد تا نسبت به برگزاری آزمون استخدامی اختصاصی برای معلولین واجد شرایط با همکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اقدام و معلولین واجد شرایط پذیرفته شده را حسب مورد به دستگاه مربوطه معرفی نماید. تبصره ۳. سازمان بهزیستی کشور مجاز است در قالب اعتبارات مصوب خود، صندوق فرصت های شغلی معلولان و مددجویان بهزیستی را ایجاد و اساسنامه آن را به تصویب هیات وزیران برساند. تبصره ۴. سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور موظف است آموزش های لازم فنی و حرفه ای را متناسب با بازار کار برای معلولان به صورت رایگان و تلفیقی تامین نماید. ماده ۸. معلولان نیازمند واجد شرایط در سنین مختلف می توانند با معرفی سازمان بهزیستی کشور از آموزش رایگان در واحدهای آموزشی تابعه وزارتخانه های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر دستگاه های دولتی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی، بهره مند گردند. تبصره. آیین نامه اجرایی این ماده مشترکاً توسط سازمان بهزیستی کشور و وزارتخانه های مذکور و

دانشگاه آزاد اسلامی ظرف مدت دو ماه پس از ابلاغ این قانون تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۹. وزارت مسکن و شهرسازی، بانک مسکن و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی موظفند حداقل ده درصد از واحدهای مسکونی احداثی استیجاری و ارزان قیمت خود را به معلولان نیازمند فاقد مسکن اختصاص داده و با معرفی سازمان بهزیستی کشور در اختیار آنان قرار دهند. تبصره ۱. سیستم بانکی کشور مکلف است، تسهیلات اعتباری یارانه دار مورد نیاز احداث و خرید مسکن معلولان را تأمین کند و به معلولان یا تعاونی های آنها و یا موسسات خیریه ای که برای معلولان مسکن احداث می نمایند پرداخت کند. تبصره ۲. سازمان ملی زمین و مسکن موظف است زمین مورد نیاز احداث واحدهای مسکونی افراد معلول فاقد مسکن را به نرخ کارشناسی تهیه و در اختیار افراد مذکور یا تعاونی ها و موسسات خیریه ای که برای آنان مسکن احداث می نمایند قرار دهد. تبصره ۳. معلولان از پرداخت هزینه های صدور پروانه ساختمانی، آماده سازی زمین و عوارض نوسازی معاف می گردند. تبصره ۴. سازمان بهزیستی کشور موظف است در قالب اعتبارات مصوب خود در قوانین بودجه سالانه و کمکهای یارانه ای اشخاص حقیقی و حقوقی نسبت به احداث واحدهای مسکونی برای معلولان و مددجویان اقدام و مالکیت یا بهره برداری آنها را مطابق آیین نامه ای که سازمان بهزیستی کشور با همکاری وزارت مسکن و شهرسازی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران می رسد به معلولان و مددجویان واحد شرایط واگذار نماید. ماده ۱۰. میزان کمک هزینه (یارانه) پرداختی سازمان بهزیستی کشور به مراکز غیردولتی (روزانه و شبانه روزی) بابت نگهداری، خدمات توانبخشی و آموزشی و حرفه آموزی معلولان همه ساله با در نظر گرفتن نرخ تمام شده خدمات و تورم سالانه مشترکا توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور وزارت بازرگانی تهیه و قبل از خرداد ماه هر سال به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۱. مرکز آمار ایران مکلف است در سرشماری های عمومی جمعیت کشور به نحوی برنامه ریزی نماید که جمعیت افراد معلول به تفکیک نوع معلولیت آنها مشخص گردد. ماده ۱۲. سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف است حداقل دو ساعت از برنامه های خود را در هر هفته در زمان مناسب به برنامه های سازمان بهزیستی کشور و آشنایی مردم با توانمندیهای معلولین اختصاص دهد. ماده ۱۳. سازمان بهزیستی کشور موظف است با ایجاد ساز و کار مناسب، نسبت به قیومیت افراد معلول اقدام نماید، دادگاهها موظفند در نصب یا عزل قیم افراد معلول صرفا از طریق سازمان مذکور عمل و مبادرت به صدور حکم نمایند. تبصره ۱. سازمان بهزیستی کشور موظف است جهت دفاع از حقوق افراد معلول، در محاکم قضایی و کیل تعیین نموده و به دادگاه مربوطه معرفی کند. تبصره ۲. آیین نامه اجرایی این ماده ظرف مدت سه ماه مشترکا توسط سازمان بهزیستی کشور و وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۴. مودیان مالیاتی می توانند از طریق سازمان بهزیستی کشور و با نظارت آن جهت احداث مراکز توانبخشی، درمانی و حرفه آموزی و مسکن مورد نیاز افراد معلول اقدام نمایند. گواهی هزینه مودیان مالیاتی در موارد فوق که به تایید سازمان بهزیستی کشور رسیده باشد به عنوان هزینه قابل قبول مالیات آنان تلقی می گردد. تبصره. آیین نامه اجرایی این ماده مشترکا توسط سازمان بهزیستی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی ظرف مدت سه ماه پس از ابلاغ قانونی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۵. روسای سازمانهای بهزیستی استانها مجازند در جلسات شورای برنامه ریزی و توسعه استان و گروه های کاری آن به عنوان عضو شرکت نمایند. تبصره. به منظور کمک به اشتغال معلولان و مددجویان رئیس سازمان بهزیستی کشور مجاز است در جلسات شورای عالی اشتغال شرکت نماید. ماده ۱۶. اعتبار مورد نیاز اجرای این قانون از محل منابع زیر تأمین می گردد: ۱. محل اعتباراتی که دستگاهها و نهادها حسب وظایف قانونی در قوانین بودجه سالانه منظور می نمایند. ۲. از محل اعتبارات هزینه ای و تملک سرمایه ای سازمان بهزیستی کشور که تاکنون از محل اعتبارات مذکور خدمات لازم را به معلولان ارایه می داده است. ۳. از محل وجوه واصله از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها در کشور. ۴. از محل صرفه جویی در هزینه های دستگاه ها و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی که میزان سالانه آن برای هر یک از دستگاه ها و شرکت ها و نهاد ها را هیأت وزیران مشخص

می نماید. تبصره ۱. آیین نامه اجرایی این ماده توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۲. آن تعداد یا بخشی از مواد این قانون که نیاز به اعتبار جدیدی داشته باشد مادامی که اعتبار لازم از محل منابع مذکور در این ماده. تأمین نگردد، اجرا نخواهد شد.

آیین نامه اجرایی تبصره (۴) ماده (۹) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان - مصوب ۱۳۸۷/۱۵

وزیران عضو کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک در جلسه مورخ ۵/۱۲/۱۳۸۶ بنا به پیشنهاد مشترک وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان بهزیستی کشور و معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور و به استناد تبصره (۴) ماده (۹) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان - مصوب ۱۳۸۳ - و با رعایت تصویب نامه شماره ۱۶۴۰۸۲/ت ۳۷۳ هـ مورخ آیین نامه اجرایی تبصره یادشده را به شرح زیر تصویب نمود: ۱۰/۱۰/۱۳۸۶ معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور - وزارت مسکن و شهرسازی - وزارت رفاه و تأمین اجتماعی - سازمان بهزیستی کشور آیین نامه اجرایی تبصره (۴) ماده (۹) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ماده ۱- در این تصویب نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می روند: الف - معلولان: کلیه افرادی که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توأم، اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارآیی عمومی وی ایجاد گردد به طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه های اجتماعی و اقتصادی شود. ب - مددجویان: کلیه افرادی که تحت پوشش حمایتی سازمان بهزیستی کشور (به جز معلولان) هستند. ج - قانون: قانون جامع حمایت از حقوق معلولان - مصوب ۱۳۸۳. د - سازمان: سازمان بهزیستی کشور. ه - معاونت برنامه ریزی: معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور. ماده ۲- سازمان هر ساله اعتبارات معینی را جهت پیش بینی در لوایح بودجه سالانه به منظور اجرای تبصره (۴) ماده (۹) قانون و تأمین مسکن مورد نیاز مشمولین آیین نامه به معاونت برنامه ریزی پیشنهاد می نماید. ماده ۳- سازمان مکلف است اعتبارات مصوب قوانین بودجه سالانه را به همراه کلیه کمکهای یارانه ای اشخاص حقیقی و حقوقی که به منظور تأمین مسکن معلولان نیازمند و مددجویان صورت می گیرد با رعایت قوانین و مقررات مربوط صرف هزینه احداث واحدهای مسکونی که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی برای مشمولین آیین نامه انجام می شود نماید. ماده ۴- کمکهای یارانه ای اشخاص حقیقی و حقوقی جهت احداث واحدهای مسکونی برای مشمولین آیین نامه به استناد ماده (۱۴۷) قانون مالیاتهای مستقیم - مصوب ۱۳۶۶- جزو هزینه های قابل قبول برای تشخیص درآمد مشمول مالیات محسوب خواهد شد. ماده ۵- سازمان مکلف است پس از احداث واحدهای مسکونی و آماده شدن آن جهت سکونت، مالکیت یا بهره برداری از آنها را به معلولان و مددجویان واجد شرایط واگذار نماید. ماده ۶- برای احداث واحدهای مسکونی موضوع این آیین نامه، سازمان صرفاً مجاز به قبول کمکهای یارانه ای اشخاصی است که کتباً قصد تبرع در کمک خود را اعلام داشته و حقه گونه ادعای حق و حقوق نسبت به واحدهای احداثی آن را از خود ساقط نموده باشند. ماده ۷- اولویت ها و شرایط معلولان نیازمند و مددجویان و شرایط و نوع واگذاری جهت استفاده از واحدهای مسکونی موضوع این آیین نامه مطابق ضوابطی خواهد بود که توسط سازمان تهیه و به تصویب کارگروهی متشکل از وزرای رفاه و تأمین اجتماعی، مسکن و شهرسازی و رؤسای سازمان بهزیستی کشور و بنیاد مسکن خواهد رسید. ماده ۸- احداث و بهره برداری از واحدهای مسکونی موضوع این آیین نامه از پرداخت کلیه هزینه های صدور پروانه ساختمان، آماده سازی زمین و عوارض نوسازی معاف می باشند. ماده ۹- واگذاری واحدهای مسکونی موضوع این آیین نامه باید از طریق اعلان فراخوان عمومی به مشمولین آیین نامه و پس از انتخاب مشمولین واجد شرایط براساس اولویتها و شرایط موضوع ماده (۷) توسط هیئتی مرکب از رییس سازمان شهرستان، نماینده سازمان استان و نماینده فرماندار شهرستان صورت گیرد. ماده ۱۰- واگذاریهای موضوع این آیین نامه به صورت بلاعوض و رایگان می باشد. ماده ۱۱- رییس سازمان مسئول نظارت بر حسن اجرای این آیین نامه می باشد. این تصویب نامه در تاریخ ۵/۱/۱۳۸۷ به تأیید

مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است. معاون اول رئیس جمهور - پرویز داودی

ثبتي و اراضی

ثبت اسناد و املاک

قانون ثبت اسناد و املاک - مصوب ۲۶/۱۲/۱۳۱۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی

باب اول - تشکیلات اداری ثبت (ماده ۱ تا ۸)

قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۶/۱۲/۱۳۱۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی باب اول - تشکیلات اداری ثبت ماده ۱ در هر حوزه ابتدایی به اقتضای اهمیت محل ، یک اداره یا دایره ثبت اسناد و املاک تاسیس می شود. ممکن است هر اداره یا دایره ثبت دارای شعبی باشد. ماده ۲ مدیران و نمایندگان ثبت و مسوولین دفاتر و صاحبان دفاتر اسناد رسمی جز در محل مأموریت خود نمی توانند انجام وظیفه نمایند، اقدامات آنها در خارج از آن محل اثر قانونی ندارد. مواد ۳ و ۴ و ۵ - ملغی شده ماده ۶ برای رسیدگی به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبت اسناد و املاک در مقر هر دادگاه استان هیاتی به نام هیات نظارت مرکب از رییس ثبت استان یا قائم مقام او و دو نفر از قضات دادگاه استان به انتخاب وزیر دادگستری تشکیل می شود. هیات مزبور به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبتی در حوزه قضایی استان رسیدگی می نماید. برای این هیات یک عضو علی البدل از قضات دادگستری یا کارمندان ثبت مرکز استان از طرف وزیر دادگستری تعیین خواهد شد. (اصلاحی مصوب ۱۳۵۱) ماده ۷ دفاتر لازم برای ثبت اسناد و املاک و عده و نوع و ترتیب آنها مطابق نظامنامه ای که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می شود معین خواهد شد. ماده ۸ مراجعه به دفاتر املاک برای اشخاص ذینفع مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه جایز است

باب دوم - ثبت عمومی

فصل اول - اعلان ثبت و تعیین حدود (ماده ۹ تا ۱۵)

ماده ۹ در نقاطی که اداره ثبت موجود است از تاریخ اجرای این قانون و در سایر نقاط پس از تشکیل اداره یا دایره ثبت ، وزارت عدلیه ، حوزه هر اداره یا دایره ثبت را به چند ناحیه تقسیم کرده و به ثبت کلیه اموال غیرمنقول واقعه در هر ناحیه اقدام می کند. (اصلاحی مصوب ۱۳۳۷) ماده ۱۰ قبل از اقدام به ثبت عمومی املاک هر ناحیه ، حدود ناحیه مزبور و این که املاک واقعه در آن ناحیه باید به ثبت برسد به وسیله اعلان در جراید به اطلاع عموم خواهد رسید. اعلان مزبور در ظرف ۳۰ روز ۳ مرتبه منتشر می شود. ماده ۱۱ از تاریخ انتشار اولین آگهی مذکور در ماده ده تا شصت روز باید متصرفین به عنوان مالکیت و اشخاص مذکور در دو ماده ۲۷ و ۳۲ نسبت به املاک واقع در آن ناحیه به وسیله اظهارنامه درخواست ثبت نمایند. اداره ثبت مکلف است تا نود روز پس از انتشار اولین آگهی مذکور ، صورت کلیه اشخاصی را که اظهارنامه داده اند با نوع ملک و شماره ای که از طرف اداره ثبت برای هر ملک معین شده در روزنامه ها آگهی نماید و این آگهی تا شصت روز فقط در دو نوبت به فاصله سی روز منتشر خواهد شد. مأمور انتشار آگهی ها پس از انتشار و الصاق آگهی ها باید گواهی انتشار از کدخدای محل یا ژاندارمری یا پاسبان اخذ و تسلیم اداره ثبت نماید و در این موارد کدخدا و سایر مأمورین دولتی باید به مأمورین ثبت مساعدت نموده و گواهی لازم رابه مأمور ثبت

بدهند. (اصلاحی مصوب ۱۳۱۷) تبصره در مورد اراضی و املاکی که آثار تصرف مالکانه فعلی کسی نسبت به آنها موجود نباشد درخواست ثبت از کسی پذیرفته می‌شود که بر مالکیت یا بر تصرف سابق خود به عنوان مالکیت یا بر تصرف خود به عنوان تلقی از مالک یا قایم مقام قانونی مدارکی داشته باشد. چنانچه تقاضای ثبت نسبت به این قبیل املاک به یکی از عناوین مذکور در دو ماده ۲۷ و ۳۲ باشد در صورتی تقاضای ثبت پذیرفته می‌شود که تقاضاکننده مدارکی بر عنوان مذکور یا بر تصرف سابق خود به آن عنوان یا بر تصرف کسی که تقاضاکننده، قائم مقام قانونی او محسوب می‌شود داشته باشد. (الحاقی مصوب ۱۳۱۷) ماده ۱۲ نسبت به املاکی که مجهول المالك اعلان شده اشخاصی که حق تقاضای ثبت دارند می‌توانند در ظرف دو سال از تاریخ اجرای این قانون تقاضای ثبت نمایند و پس از گذشتن مدت دو سال، معاملات راجع به آن املاک قبل از تقاضای ثبت در دفتر اسناد رسمی پذیرفته نمی‌شود و صدی بیست و پنج از حق الثبت معمولی در موقع تقاضای ثبت، علاوه دریافت خواهد شد و نسبت به املاکی که آگهی نوبتی آن منتشر نشده از تاریخ انتشار آگهی نوبتی مذکور در ماده ۱۱ معاملات این املاک به هیچ عنوان قبل از تقاضای ثبت در دفاتر اسناد رسمی پذیرفته نخواهد شد و پس از یکسال از تاریخ اولین آگهی نوبتی صدی بیست و پنج از حق الثبت معمولی در موقع تقاضای ثبت علاوه دریافت خواهد شد. (اصلاحی مصوب ۱۳۲۲) - (رجوع به قانون افزایش هزینه های ثبتی مصوب ۱۳/۳/۱۳۴۵) مواد ۱۳ و ۱۳ مکرر - ملغی شده ماده ۱۴ تحدید حدود املاک واقعه در هر ناحیه متدرجا به ترتیب نمره املاک، مطابق نظامنامه وزارت عدلیه به عمل می‌آید و تقاضاکنندگان ثبت و مجاورین، برای روز تعیین حدود به وسیله اعلان احضار می‌شوند. این اعلان لااقل بیست روز قبل از تحدید حدود یک مرتبه در جراید منتشر می‌شود. به علاوه مطابق نظامنامه وزارت عدلیه در محل نیز اعلانی منتشر خواهد شد. ماده ۱۵ اگر تقاضاکننده در موقع تحدید حدود، خود یا نماینده اش حاضر نباشد، ملک مورد تقاضا با حدود اظهارشده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد. هرگاه مجاورین نیز در موقع تحدید حاضر نشوند و به این جهت حدود ملک تعیین نگردد اعلان تحدید حدود نسبت به آن املاک تجدید می‌شود و اگر برای مرتبه دوم نیز تقاضاکننده و مجاورین هیچ یک حاضر نشده و تحدید حدود به عمل نیاید حق الثبت ملک دو برابر اخذ خواهد شد. تبصره هرگاه حدود مجاورین از لحاظ عملیات ثبتی تثبیت و معین باشد تحدید حدود بدون انتشار آگهی با تبعیت از حدود مجاورین به عمل خواهد آمد و در این مورد در صورتی که یک یا چند حد ملک مورد تحدید از اموال عمومی مربوط به دولت و شهرداری و یا حریم قانونی آنها باشد تحدید حدود با حضور نمایندگان سازمانهای ذیربط به عمل خواهد آمد و عدم حضور نماینده مزبور مانع انجام تحدید حدود نخواهد بود. (اصلاحی مصوب ۱۳۵۱)

فصل دوم - اعتراض (ماده ۱۶ تا ۲۰)

ماده ۱۶ هر کس نسبت به ملک مورد ثبت اعتراضی داشته باشد، باید از تاریخ نشر اولین اعلان نوبتی تا ۹۰ روز اقامه (دعوا) نماید. عرضحال مزبور مستقیماً به اداره یا دایره یا شعبه ثبتی که در ضمن اعلان نوبتی معین شده است تسلیم می‌شود، در مقابل عرضحال باید رسید داده شود. در صورتی که عرضحال در مدت قانونی داده شده باشد اداره ثبت آن را نزد دفتر محکمه ای که مرجع رسیدگی است ارسال می‌دارد. اگر اداره ثبت تشخیص دهد که عرضحال خارج از مدت داده شده، کتبا نظر خود را اظهار خواهد کرد و به حاکم محکمه ابتدایی، محل می‌دهد تا حاکم مزبور در جلسه اداری موافق نظامنامه وزارت عدلیه رسیدگی کرده رای دهد. رای حاکم محکمه ابتدایی در این موضوع قاطع است (رجوع به قانون تعیین تکلیف پرونده های معترضین ثبتی که فاقد سابقه بوده و یا اعتراض آنها در مراجع قضایی از بین رفته است مصوب ۲۵/۲/۱۳۷۳) ماده ۱۷ هرگاه راجع به ملک مورد تقاضای ثبت بین تقاضاکننده و دیگری قبل از انتشار اولین اعلان نوبتی دعوایی اقامه شده و در جریان باشد کسی که طرف دعوا با تقاضاکننده است باید از تاریخ نشر اولین اعلان نوبتی تا ۹۰ روز تصدیق محکمه را مشعر به جریان دعوا به اداره ثبت تسلیم نماید

والا- حق او ساقط خواهد شد. تبصره در مواردی که اداره ثبت تشخیص دهد تصدیق مزبور خارج از مدت به اداره ثبت تسلیم گردیده، موافق ماده ۱۶ عمل خواهد شد. ماده ۱۸ در صورتی که محکمه قرار عدم صلاحیت خود را صادر نماید مکلف است پس از قطعیت قرار مزبور به تقاضای مدعی دوسیه عمل را برای مرجع صلاحیتدار بفرستد، در این مورد تجدید عرضحال لازم نیست اگر معترض پس از تقدیم عرضحال در مدت شصت روز دعوی خود را تعقیب نکرد (مسکوت گذاشت محکمه مکلف است به تقاضای مستدعی ثبت، قرار اسقاط دعوی اعتراض را صادر نماید از این قرار می توان استیناف داد. رای استیناف قابل تمیز نیست ماده ۱۸ مکرر در صورت فوت معترض به ثبت اعم از این که تاریخ فوت قبل یا بعد از اجرای این قانون باشد، هرگاه معترض علیه نتواند تمام یا بعض از وراث را معرفی نماید به تقاضای او به شرح زیر اقدام می شود: ۱- در مورد اول، دادگاه مراتب را به دادستان محل ابلاغ می کند که در صورت وجود وراث محجور نسبت به نصب قیم و تعقیب دعوا اقدام شود و به علاوه موضوع و جریان دعوا را سه دفعه متوالی در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار مرکز و یکی از روزنامه های محل یا نزدیک مقر دادگاه آگهی می نماید. چنانچه ظرف ۹۰ روز از تاریخ انتشار آخرین آگهی، دعوا تعقیب نشود قرار سقوط دعوا صادر گردد. ابلاغ قرار مزبور یک نوبت در یکی از روزنامه های محل یا نزدیک مقر دادگاه آگهی خواهد شد و اگر ظرف مدت مقرر از قرار صادر، پژوهش خواهی نشود قرار مزبور قطعی و لازم الاجرا است ۲- در مورد دوم، به وراث شناخته شده اخطار می شود در صورتی که در مقام تعقیب دعوا باشد ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه به تقدیم درخواست تعقیب مبادرت کند. در مورد وراث شناخته نشده و همچنین وراث شناخته شده که با صدور و ابلاغ اخطاریه دعوا را مسکوت گذاشته باشد به طریق مذکور در بند یک عمل خواهد شد. تبصره هرگاه دعوا از طرف یکی از وراث تعقیب شود درخواست دهنده باید دلیل مثبت وراثت خود را پیوست و میزان سهم الارث خود را صریحا در برگ درخواست قید نماید. در مواردی که درخواست تعقیب فاقد شرایط فوق باشد به تقاضای اخطار می شود که ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ درخواست خود را تکمیل کند، در صورت عدم تکمیل اگر مدت مقرر در بند یک ماده ۱۸ مکرر منقضی شده باشد قرار سقوط دعوا صادر خواهد شد. (الحاقی مصوب ۱۳۵۱). ماده ۱۹ در صورتی که در جلسه مقرر برای محاکمه، معترض یا وکیل او حاضر نشود و مطابق مقررات اصول محاکمات حقوقی به تقاضای مستدعی ثبت، عرضحال او ابطال گردد، تجدید عرضحال فقط در ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ قرار ابطال برای یک مرتبه ممکن خواهد بود، در این مورد عرضحال مستقیما به دفتر محکمه صلاحیتدار داده خواهد شد. تبصره در مواردی نیز که به موجب مواد ۱۶ و ۱۷ اصول محاکمات آزمایشی، عرض حال رد می شود مفاد این ماده لازم الرعایه است (رجوع به مواد ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ قانون آیین دادرسی مدنی) ماده ۱۹ مکرر هرگاه مالکیت متقاضیان ثبت یا دعوی اعتراض، دارای منشا واحد بوده و تعداد متقاضیان ثبت و یا معترضین و یا وراث آنان بیش از ۱۵ نفر باشد به درخواست معترض یا پژوهشخواه، دادخواست و ضمایم آن به دو نفر از شرکا یا وراث که سهام زیادتری دارند ابلاغ می شود و به علاوه مفاد دادخواست و پیوستهای آن در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار مرکز و یکی از روزنامه های محل یا نزدیک مقر دادگاه سه دفعه متوالی آگهی خواهد شد. (الحاقی مصوب ۱۳۵۱) هرگاه دعوا در جریان رسیدگی باشد به درخواست هر یک از طرفین دعوا دو نفر از طرف دیگر که سهام زیادتری دارند برای ابلاغ اخطاریه انتخاب و مراتب برای اطلاع سایرین یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار مرکز و یکی از روزنامه های محل یا نزدیک مقر دادگاه آگهی می شود و در این آگهی و همچنین آگهی مربوط به درج دادخواست باید صریحا قید شود که برای شرکت در جلسات، وقت رسیدگی فقط به دو نفر اشخاص انتخاب شده مزبور با ذکر اسامی ابلاغ خواهد شد و سایرین حق دارند برای اطلاع از جریان دادرسی و یا شرکت در جلسات دادرسی با مراجعه به دفتر دادگاه از جریان دعوا و پاسخ لوایح و وقت رسیدگی مطلع شوند و یا به وسیله وکیل دادگستری در دادرسی شرکت نمایند. اگر بعضی از شرکای ملک یا وراث، ولو آنکه سهم کمتری داشته باشند به وسیله وکیل دادگستری در دادرسی مداخله نمایند به جای شریک، شریک ملک یا وارثی که سهم زیادتری دارند باید دادخواست

و اوراق اختطاریه به وکیل ابلاغ شود. در صورتی که وکیل دادگستری در دعوا مداخله داشته باشد ابلاغ اوراق اختطاریه به کلیه وکلا الزامی است در موردی که دادخواست و یا جریان دعوا از طریق انتشار آگهی به عده‌ای از خوانندگان ابلاغ می‌شود حضوری بودن حکم صادر نسبت به آنان موکول به دعوت آنان برای شرکت در جلسه دادرسی نمی‌باشد. ماده ۲۰ مجاورتی که نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی، حقی برای خود قایل است می‌تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود به وسیله اداره ثبت به مرجع صلاحیت دار عرضحال دهد. مقررات مواد ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ (به استثنای مدت اعتراض که ۳۰ روز است در این مورد نیز رعایت خواهد شد. تقاضاکننده ثبتی که خود یا نماینده‌اش در موقع تحدید حدود حاضر نبوده و ملک مورد تقاضای او با حدود اظهارشده از طرف مجاورین مطابق ماده ۱۵ تحدید شده می‌تواند مطابق مقررات این ماده عرضحال اعتراض دهد. (۱۵) تبصره - در دعاوی اعتراض به حدود ملک مورد تقاضای ثبت واقع در محدوده قانونی شهرها که تا تاریخ تصویب این قانون مطرح شده است هرگاه اعتراض از طرف غیرمجاور به عمل آمده باشد و همچنین در صورت استرداد دعوا به موجب سند رسمی یا اخذ سند مالکیت از طرف معترض باحدودی که در صورت مجلس تحدید حدود تعیین شده است دادگاه در جلسه اداری فوق العاده رسیدگی، حسب مورد قرار رد یا سقوط دعوا را صادر خواهد کرد و این قرار فقط قابل رسیدگی پژوهشی است (رجوع به قانون تعیین تکلیف پرونده‌های معترضین ثبت .. مصوب ۲۵/۲/۱۳۷۳) نسبت به اعتراضاتی که بعد از تصویب این قانون به عمل می‌آید در صورتی که اعتراض از طرف غیر مجاور به عمل آید یا معترض مجاور با حدود تعیین شده در صورت مجلس تحدید حدود، سند مالکیت بگیرد یا به موجب سند رسمی از اعتراض خود بدون قید و شرط صرف نظر کند، واحد ثبتی مربوط نظر خود را در بی اثر بودن اعتراض به معترض ابلاغ می‌نماید. معترض می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نظر مزبور، به هیات نظارت شکایت نماید. رای هیات نظارت قطعی است در صورتی که اقامتگاه معترض معلوم نباشد نظر واحد ثبتی یک نوبت در روزنامه‌ای که برای آگهی های ثبتی تعیین شده منتشر می‌گردد و معترض می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ انتشار آگهی به هیات نظارت شکایت نماید.

فصل سوم - آثار ثبت (ماده ۲۱ تا ۴۵)

ماده ۲۱ پس از اتمام عملیات مقدماتی ثبت، ملک در دفتر املاک ثبت شده و سند مالکیت مطابق ثبت دفتر املاک داده می‌شود. ماده ۲۲ همین که ملکی مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسید دولت فقط کسی را که ملک به اسم او ثبت شده و یا کسی که ملک مزبور به او منتقل گردیده و این انتقال نیز در دفتر املاک به ثبت رسیده یا این که ملک مزبور از مالک رسمی ارثا به او رسیده باشد مالک خواهد شناخت در مورد ارث هم ملک وقتی در دفتر املاک به اسم وارث ثبت می‌شود که وراثت و انحصار آنها محرز و در سهم الارث بین آنها توافق بوده و یا در صورت اختلاف، حکم نهایی در آن باب صادر شده باشد. تبصره حکم نهایی عبارت از حکمی است که به واسطه طی مراحل قانونی و یا به واسطه انقضای مدت اعتراض و استیناف و تمیز دعوی که حکم در آن موضوع صادر شده از دعاوی مختومه محسوب شود. ماده ۲۳ ثبت ملک به حقوق کسانی که در آن ملک مجرای آب یا چاه قنات (اعم از دایر و بایر) دارند به هیچ عنوان و در هیچ صورت خللی وارد نمی‌آورد. ماده ۲۴ پس از انقضای مدت اعتراض، دعاوی این که در ضمن جریان ثبت تضییع حقی از کسی شده پذیرفته نخواهد شد، نه به عنوان قیمت نه به هیچ عنوان دیگر، خواه حقوقی باشد خواه جزایی. در مورد مذکور در ماده ۴۴ مطابق ماده ۴۵ و در موارد مذکور در مواد ۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۹-۱۱۶ و ۱۱۷ مطابق مقررات جزایی مذکور در باب ششم این قانون رفتار خواهد شد. ماده ۲۵ حدود صلاحیت و وظایف هیات نظارت بدین قرار است ۱- هرگاه در اجرای مقررات ماده ۱۱ از جهت پذیرفتن تقاضای ثبت، اختلافی بین اشخاص و اداره ثبت واقع شود و یا اشتباهی تولید گردد و یا در تصرف اشخاص تراحم و تعارض باشد رفع اختلاف و تعیین تکلیف و یا ابطال و یا اصلاح درخواست ثبت با هیات نظارت است ۲- هرگاه هیات نظارت تشخیص دهد که در جریان مقدماتی ثبت املاک، اشتباه موثر واقع شده آن

اشتباه و همچنین عملیات بعدی که اشتباه مزبور در آن موثر بوده ابطال و جریان ثبت طبق مقررات ، تجدید یا تکمیل یا اصلاح می‌گردد. ۳- هرگاه در موقع ثبت ملک و یا ثبت انتقالات بعدی صرفاً به علت عدم توجه و دقت نویسنده سند مالکیت و یا دفتر املاک ، اشتباه قلمی رخ دهد و همچنین در صورتی که ثبت دفتر املاک مخالف یا مغایر سند رسمی یا حکم نهایی دادگاه باشد هیات نظارت پس از رسیدگی و احراز وقوع اشتباه دستور اصلاح ثبت دفتر املاک و سند مالکیت را صادر خواهد کرد. ۴- اشتباهاتی که قبل از ثبت ملک در جریان عملیات مقدماتی ثبت پیش آمده و موقع ثبت ملک در دفتر املاک مورد توجه قرار نگرفته بعداً اداره ثبت به آن متوجه گردد در هیات نظارت مطرح می‌شود و در صورتی که پس از رسیدگی ، وقوع اشتباه محرز و مسلم تشخیص گردد و اصلاح اشتباه به حق کسی خلل نرساند هیات نظارت دستور رفع اشتباه و اصلاح آن را صادر می‌نماید و در صورتی که اصلاح مزبور خللی به حق کسی برساند به شخص ذینفع اخطار می‌کند که می‌تواند به دادگاه مراجعه نماید و اداره ثبت دستور رفع اشتباه یا اصلاح آن را پس از تعیین تکلیف نهایی در دادگاه صادر خواهد نمود. ۵- رسیدگی به تعارض در اسناد مالکیت کلا یا بعضاً خواه نسبت به اصل ملک خواه نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی آن با هیات نظارت است ۶- رسیدگی و رفع اشتباهی که در عملیات تفکیکی رخ دهد و منتج به انتقال رسمی یا ثبت دفتر املاک شود با هیات نظارت است مشروط بر این که رفع اشتباه مزبور خللی به حق کسی نرساند. ۷- هرگاه در طرز تنظیم اسناد و تطبیق مفاد آنها با قوانین ، اشکال یا اشتباهی پیش آید رفع اشکال و اشتباه و صدور دستور لازم با هیات نظارت خواهد بود. ۸- رسیدگی به اعتراضات اشخاص نسبت به نظریه رییس ثبت در مورد تخلفات و اشتباهات اجرایی با هیات نظارت است تبصره ۱ در مواردی که برحسب تشخیص هیات نظارت مقرر شود که آگهی‌های نوبتی تجدید گردد ظرف سی روز از تاریخ انتشار آگهی مجدد که فقط یک نوبت خواهد بود معترضین حق اعتراض خواهند داشت تبصره ۲ در صورتی که اشتباه از طرف درخواست کننده ثبت باشد هزینه تجدید عملیات مقدماتی ثبت به طریقی که در آیین نامه تعیین خواهد شد به عهده درخواست کننده خواهد بود. تبصره ۳ رسیدگی هیات نظارت در موارد مذکور در بندهای یک و دو این ماده تا وقتی است که ملک در دفتر املاک به ثبت نرسیده باشد. تبصره ۴ آرای هیات نظارت فقط در مورد بندهای یک و پنج و هفت این ماده بر اثر شکایت ذینفع قابل تجدیدنظر در شورای عالی ثبت خواهد بود ولی مدیرکل ثبت به منظور ایجاد وحدت رویه در مواردی که آرای هیاتهای نظارت متناقض و یا خلاف قانون صادر شده باشد موضوع را برای رسیدگی و اعلام نظر به شورای عالی ثبت ارجاع می‌نماید و در صورتی که رای هیات نظارت به موقع اجرا گذارده نشده باشد طبق نظر شورای عالی ثبت به موقع اجرا گذارده می‌شود. در مورد ایجاد وحدت رویه نظر شورای عالی ثبت برای هیاتهای نظارت لازم الاتباع خواهد بود. تبصره ۵ در مورد بندهای یک و پنج و هفت ، رای هیات نظارت برای اطلاع ذی نفع به مدت بیست روز در تابلوی اعلانات ثبت محل الصاق و سپس به موقع اجرا گذارده می‌شود. وصول شکایت از ناحیه ذی نفع چنانچه قبل از اجرای رای باشد اجرای رای را موقوف می‌نماید و رسیدگی و تعیین تکلیف با شورای عالی ثبت خواهد بود. هرگاه شورای عالی ثبت در تجدید رسیدگی رای هیات نظارت را تایید نماید عملیات اجرایی تعقیب می‌گردد. ماده ۲۵ مکرر مرجع تجدیدنظر نسبت به آرای هیات نظارت شورای عالی ثبت خواهد بود که دارای دو شعبه به شرح زیر است (اصلاحی مصوب ۱۳۵۱) الف - شعبه مربوط به املاک ب - شعبه مربوط به اسناد هر یک از شعب مذکور از سه نفر که دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب وزیر دادگستری و مسوول قسمت املاک در شعبه املاک و مسوول قسمت اسناد در شعبه اسناد تشکیل می‌گردد. ماده ۲۶ در مورد انتقال تمام یا قسمتی از ملک ثبت شده و یا واگذاری حقی نسبت به عین آن ملک و همچنین در مورد عمری و رقبی و سکنی و معاملات راجع به انتقال منافع ملک برای مدتی بیش از سه سال به ترتیب ذیل عمل خواهد شد: سند معامله در دفتر اسناد رسمی یا دفتر معاملات غیرمنقول ثبت و خلاصه آن در دفتر املاک ذیل صورت ثبت ملک قید می‌شود و به همین طریق خلاصه کلیه انتقالات در دفتر املاک به ترتیب تاریخ ، ذیل یکدیگر به ثبت خواهد رسید. شرایط و ترتیب ثبت خلاصه انتقالات در دفتر املاک و تجدید اوراق مالکیت به

موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد. ماده ۲۷ کسانی که در مورد املاک وقف و حبس و ثلث باقی باید تقاضای ثبت بدهند و همچنین کسانی که نسبت به ثبت این قبیل املاک باید عرضحال اعتراض داده و حقوق وقف و حبس و ثلث باقی را حفظ کنند به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد. ماده ۲۸ هرگاه نسبت به این قبیل املاک به عنوان مالکیت تقاضای ثبت شده و متولی یا نماینده اوقافی که به موجب نظامنامه مکلف به دادن عرضحال اعتراض و تعقیب دعوا و حفظ حقوق وقف یا حبس یا ثلث باقی است در اثر تبانی به تکلیف خود عمل ننماید به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد. در مواردی نیز که تقاضای ثبت ملک دیگری بدون ذکر حقوق ارتفاقی املاک وقف و حبس و ثلث باقی شده است هرگاه اشخاص مذکور در فوق در اثر تبانی به تکلیف خود عمل ننمایند به مجازات خائن در امانت محکوم می‌شوند. ماده ۲۹ مخارج راجع به ثبت املاک مذکور در فوق در صورتی که ملک مورد تقاضا عایدات نداشته و برای امور خیریه تخصیص داده شده باشد و همچنین مخارج محاکمه اعتراض از محل مبرات مطلقه و موقوفات مجهول المصرف داده می‌شود و در صورت عدم کفایت این عایدات، مخارج گرفته نخواهد شد. ماده ۳۰ در مواردی که اداره اوقاف تقاضای ثبت می‌دهد مخارج راجع به ثبت را خود مستقیماً از عایدات موقوفه مورد تقاضا وصول خواهد نمود. برای ثبت مساجد و اماکن متبرکه و مدارس قدیمه و تکایا و آب انبارهای عمومی تقاضای ثبت از طرف متولی یا اداره اوقاف بدون اخذ حق الثبت و مخارج مقدماتی پذیرفته خواهد شد. ماده ۳۱ ثبت رقبه به عنوان وقفیت و حبس، مثبت تولیت نیست ماده ۳۲ تقاضای ثبت نسبت به املاک دولت به عهده مالیه محل و نسبت به املاک موسسات بلدی و خیریه بر عهده رییس موسسه و نسبت به املاک شرکتها به عهده مدیر شرکت و در مورد املاک محجورین به عهده ولی یا قیم آنهاست ماده ۳۳ نسبت به املاکی که با شرط خیار یا به عنوان قطعی با شرط نذر خارج و یا به عنوان قطعی با شرط وکالت منتقل شده است و به طور کلی نسبت به املاکی که به عنوان صلح یا به هر عنوان دیگر با حق استرداد قبل از تاریخ اجرای این قانون انتقال داده شده اعم از این که مدت خیار یا عمل به شرط و به طور کلی مدت حق استرداد منقضی شده یا نشده باشد و اعم از این که ملک در تصرف انتقال دهنده باشد یا در تصرف انتقال گیرنده، حق تقاضای ثبت با انتقال دهنده است مگر در موارد ذیل که اظهارنامه فقط از منتقل الیه پذیرفته می‌شود: ۱- در صورتی که ملک قبل از تاریخ اجرای این قانون به موجب حکم نهایی به ملکیت قطعی منتقل الیه محکوم شده باشد. ۲- در صورتی که پس از انقضای مدت حق استرداد، انتقال دهنده مالکیت قطعی (بدون حق استرداد) انتقال گیرنده را کتبا تصدیق کرده باشد. ۳- در صورتی که در تاریخ اجرای قانون مصوب ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۸ ملک مورد معامله در تصرف انتقال گیرنده بوده و لااقل پنج سال از انقضای موعد حق استرداد تا تاریخ مزبور گذشته باشد مشروط به دو شرط ذیل (اصلاحی مصوب ۱۳۱۲) الف- از انقضای موعد حق استرداد تا تاریخ اجرای قانون بهمن ماه ۱۳۰۸ از طرف انتقال دهنده یا قایم مقام قانونی او به وسیله عرضحال یا اظهارنامه رسمی اعتراض به مالکیت انتقال گیرنده نشده باشد. ب- در صورتی که تا تاریخ تصویب این قانون (۲۸ دی ماه ۱۳۱۲) حکم قطعی بر بی‌حقی انتقال گیرنده یا قائم مقام قانونی او صادر نشده باشد. تبصره ۱ کلیه معاملات با حق استرداد ولو آن که در ظاهر معامله با حق استرداد نباشد مشمول مقررات راجعه به معاملات با حق استرداد خواهد بود اعم از این که بین متعاملین محصور بوده و یا برای تامین حق استرداد، اشخاص ثالثی را بای نحو کان مداخله داده باشند. تبصره ۲ در مواردی که مطابق این ماده انتقال دهنده تقاضای ثبت می‌کند، باید حق انتقال گیرنده را در تقاضانامه خود قید نماید و این حق در ضمن اعلان با تصریح به اسم طرف ذکر خواهد شد. ماده ۳۴ در مورد معاملات مذکور در ماده ۳۳ و کلیه معاملات شرطی و رهنی راجع به اموال غیرمنقول در صورتی که بدهکار ظرف مدت مقرر در سند بدهی خود را نپردازد بستانکار می‌تواند وصول طلب خود را توسط دفترخانه تنظیم کننده سند درخواست کند. دفترخانه، بنا به تقاضای بستانکار، اجراییه برای وصول طلب و اجور و خسارت دیرکرد صادر خواهد کرد و به اداره ثبت ارسال خواهد داشت و بدهکار از تاریخ ابلاغ اجراییه هشت ماه مهلت خواهد داشت که نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام نماید. بدهکار می‌تواند ظرف ششماه از تاریخ ابلاغ اجراییه

درخواست نماید که ملک از طریق حراج به فروش برسد. در این صورت اجرای ثبت یا ثبت محل پس از انقضای مدت ششماه به حراج ملک اقدام خواهد کرد. قبل از فروش ملک در صورت اعلام انصراف بدهکار حراج ملک موضوعاً منتفی خواهد بود. مبلغ حراج باید از کل مبلغ طلب و خسارت قانونی و حقوق و عوارض و هزینه های قانونی تا روز حراج شروع شود و در هر حال به کمتر از آن فروخته نخواهد شد. در صورت نبودن خریدار و همچنین در صورتی که تقاضای بدهکار ظرف مدت مقرر به اجرا یا ثبت محل واصل نشود پس از انقضای هشت ماه مذکور در این قانون، ملک با اخذ کلیه حقوق و عوارض و هزینه های قانونی به موجب سند انتقال رسمی به بستانکار واگذار خواهد شد. هرگاه بستانکار قسمتی از طلب خود را دریافت کرده باشد در صورت واگذاری ملک به او باید وجوه دریافتی را مسترد نماید. در مورد موسسات و شرکتهای دولتی و بانکها وجوه دریافتی از اصل طلب مسترد می گردد. در مورد اموال منقول اعم از این که اجرائیه نسبت به تمام یا باقیمانده طلب صادر شده باشد هرگاه بدهکار ظرف چهارماه از تاریخ ابلاغ اجرائیه نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننماید مال مورد معامله وسیله اجرای ثبت به حراج گذاشته می شود. هرگاه مال به قیمتی بیش از طلب مورد مطالبه و خسارت قانونی و حقوق و عوارض و هزینه های قانونی تا روز حراج به فروش نرود، پس از دریافت حقوق اجرایی تمام مال مورد معامله ضمن تنظیم صورت مجلس توسط رییس اجرا تحویل بستانکار خواهد شد. در مواردی هم که مال یا ملکی وثیقه دین یا ضمانتی قرار داده شود برحسب آنکه مال مزبور منقول و یا غیرمنقول باشد طبق مقررات این قانون عمل خواهد شد. تبصره ۱ حراج اموال منقول و غیرمنقول بدون تشریفات انتشار آگهی خاص در روزنامه در مرکز یا مراکز حراج به عمل می آید. ختم عملیات حراج نباید از دو ماه تجاوز نماید و انجام حراج باید در هفته آخر دو ماه مذکور باشد. نحوه اجرای حراج و نوبت آن و همچنین تشکیل مرکز یا مراکز حراج به موجب آیین نامه وزارت دادگستری خواهد بود. تبصره ۲ هرگاه بعد از ابلاغ اجرائیه و قبل از واگذاری مال به غیر یا انتقال یا تحویل مال به بستانکار، وقوع فوت بدهکار مستنداً به مدرک رسمی اعلام شود از تاریخ فوت، وراثت نسبت به اموال منقول، سه ماه و نسبت به اموال غیرمنقول، ششماه مهلت خواهند داشت که نسبت به پرداخت بدهی مورث اقدام نمایند. در هر مورد که مهلت استفاده از حق استرداد بیش از مهلت های مذکور فوق باشد باید همان مهلت بیشتر، رعایت و احتساب شود. تبصره ۳ در کلیه اسناد رسمی بایستی اقامتگاه متعاملین به طور وضوح در سند قید شود. اقامتگاه متعاملین همان است که در سند قید شده و مادام که تغییر اقامتگاه خود را قبل از صدور اجرائیه به دفترخانه و قبل از ابلاغ به اجرا با نشانی صحیح و ذکر شماره پلاک محل اقامت اعم از خانه و مهمانخانه و غیره که بتوان اجرائیه را به آنجا ابلاغ کرد اطلاع ندهند، کلیه برگ ها و اخطاریه های اجرایی به محلی که در سند قید شده ابلاغ می شود و متعهد نمی تواند به عذر عدم اطلاع متعذر گردد. دفاتر اسناد رسمی مکلفند پس از صدور اجرائیه مراتب را به آخرین نشانی متعهد از طریق پست سفارشی به او اطلاع دهند و برگ اجرائیه را به ضمیمه قبض پست سفارشی جهت ابلاغ اجرائیه و عملیات اجرایی به ثبت محل ارسال دارند. هرگاه محل اقامت متعهد در سند قید نشده و یا به جهات دیگر احراز محل اقامت میسر نباشد، ثبت محل موضوع اجرائیه را به طور اختصار یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار محل یا نزدیکتر به محل آگهی خواهد نمود. طرز ابلاغ برگ اجرایی و همچنین ترتیب انتشار آگهی به موجب آیین نامه وزارت دادگستری خواهد بود. تبصره ۴ در مورد معاملات مذکور در ماده ۳۳ و معاملات رهنی زیان دیرکرد از تاریخ انقضای سند و در مورد رهن تصرف از زمان تخلیه و تحویل تعلق خواهد گرفت و در مورد سایر دیون و معاملات استقراضی موجد که تعلق زیان دیرکرد در سند شرط نشده باشد و همچنین دیون عندالمطالبه، تعلق زیان دیرکرد مشروط به تقدیم دادخواست یا اظهارنامه و یا صدور اجرائیه می باشد و از تاریخ تقدیم دادخواست یا ابلاغ اظهارنامه یا ابلاغ برگ اجرایی محسوب می شود، ولی به طور کلی زیان دیرکرد در صورتی تعلق می گیرد که وجه التزامی بین طرفین در ضمن معامله اصلی یا ضمن هر نوع قرارداد و معامله دیگری به طوری که التزام مزبور راجع به معامله اصلی باشد مقرر نشده و بدهکار در صورت دیرکرد به طور مستقیم به تادیه آن ملزم نگردیده باشد. تبصره ۵ هر قراری که در اسناد استقراضی به صورت وجه التزام یا طرق

دیگر گذارده شود که موجب شود خسارت دیرکرد بیش از صدی دوازده باشد نسبت به مازاد، غیرقانونی و بلااثر است در صورتی که در سند بهره یا اجوری کمتر از ۱۲٪ قید شده باشد خسارات دیرکرد به همان میزان اخذ خواهد شد. تبصره ۶ در مورد معاملات رهنی بستانکار می‌تواند از رهن اعراض نماید. در صورت اعراض، مورد رهن آزاد و عملیات اجرایی براساس اسناد ذمه خواهد بود. تبصره ۷ در مواردی که مال بدهکار برای استیفای طلب بستانکار معرفی می‌شود، پس از بازداشت و ارزیابی و قطعیت بهای ارزیابی هرگاه بدهکار ظرف ۲ ماه از تاریخ قطعیت ارزیابی بدهی خود را نپردازد، با دریافت حقوق اجرایی مال به بستانکار در قبال تمام یا بعض طلب او واگذار می‌شود. ترتیب معرفی و بازداشت و ارزیابی و نحوه واگذاری مال و همچنین در صورتی که ارزش مال معرفی شده بیش از تمام طلب بستانکار و حقوق اجرایی باشد چگونگی واگذاری تمام یا بعض آن به موجب آیین نامه وزارت دادگستری تعیین خواهد شد. تبصره ۸ هرگاه بدهکار یا قائم مقام قانونی او در نیمه اول مهلت هایی که برای استفاده از حق استرداد در این قانون مقرر شده با بستانکار معامله خود را مستقیماً ختم و نصف نیم اجرایی را بپردازد و یا کلیه دیون و خسارت قانونی بستانکار و نصف نیم اجرایی را در صندوق ثبت تودیع نماید اجراییه مختوم می‌گردد و در صورتی که ظرف مهلت مزبور نصف نیم اجرایی کالا- یا بعضاً پرداخت نشود تمام آن دریافت خواهد شد. تبصره ۹ در مورد وام های مربوط به طرحهای صنعتی و معدنی، بانک وام دهنده می‌تواند ظرف ششماه از تاریخ ابلاغ اجراییه تقاضای حراج مال مورد رهن یا وثیقه را بنماید، خواه بدهکار تقاضای حراج کرده یا نکرده باشد. پس از انقضای مدت مذکور مال از طریق حراج به فروش می‌رسد. حراج باید به میزان کل مبلغ طلب و خسارت و حقوق و عوارض و هزینه های قانونی تا روز حراج شروع شود. در صورتی که خریداری نباشد، یکبار دیگر حراج تجدیدو بهای مال به وسیله ارزیاب، ارزیابی و پس از قطعیت بهای ارزیابی، حراج بر مبنای آن شروع می‌گردد. ترتیب انتخاب ارزیاب همچنین نحوه ارزیابی طبق آیین نامه ای خواهد بود که بنا به پیشنهاد وزارت صنایع و معادن و وزارت دادگستری و بانک مرکزی ایران به تصویب کمیسیون های دادگستری و صنایع و معادن مجلسین خواهد رسید. هرگاه بهای ارزیابی بیش از کل طلب و خسارت و هزینه های قانونی تا روز حراج باشد، حراج از کل طلب و خسارت و هزینه های قانونی تا روز حراج شروع می‌شود و اگر ارزیابی کمتر از میزان کل طلب باشد، بانک می‌تواند تا تعیین نتیجه قطعی حراج، درخواست بازداشت سایر اموال مدیون را تا میزان باقیمانده طلب بنماید. در هر حال هرگاه مال مورد رهن یا وثیقه در حراج بار دوم به فروش نرسد پس از اخذ کلیه حقوق و عوارض و هزینه های قانونی، مال مزبور به مبلغ شروع حراج به موجب سند رسمی به بانک واگذار می‌شود. هرگاه مبلغی از طلب بانک باقی مانده باشد از سایر اموال مدیون تا میزان باقیمانده طلب بانک ارزیابی و پس از قطعیت بهای ارزیابی از طریق حراج به شرح مذکور فوق استیفای طلب بانک خواهد شد. بانک می‌تواند نظیر سایر مرتهنین با استفاده از حق مقرر در تبصره ۶ از رهن اعراض نموده اموال مدیون را اعم از مورد رهن و غیر آن برای استیفای طلب خود معرفی نماید. در این صورت نیز اموال به شرح فوق از طریق حراج به فروش رسیده یا به بانک واگذار خواهد شد. احراز تخصیص وام به طرح صنعتی یا معدنی طبق ضوابطی خواهد بود که به پیشنهاد بانک مرکزی ایران و تصویب شورای پول و اعتبار تعیین می‌گردد و منوط به قید آن در سند رسمی مربوط به اخذ وام خواهد بود. ماده ۳۴ مکرر در کلیه معاملات مذکور در ماده ۳۴ این قانون بدهکار می‌تواند با تودیع کلیه بدهی خود اعم از اصل و اجور و خسارت قانونی و حقوق اجرایی نزد سردفتر اسناد رسمی تنظیم کننده سند، مورد معامله را آزاد و آن را با دیگری معامله نماید یا کلیه بدهی خود را در صندوق ثبت یا هر مرجع دیگری که اداره ثبت تعیین می‌نماید تودیع و با تسلیم مدرک تودיעی به دفترخانه تنظیم کننده سند، موجبات فسخ و فک سند را فراهم کند. دفاتر اسناد رسمی مکلفند وجوه امانی مذکور را بلافاصله و در صورت انقضای وقت اداری در اولین وقت اداری بعد به صندوق ثبت تحویل نمایند. هر بستانکاری که حق درخواست بازداشت اموال بدهکار را دارد نیز می‌تواند کلیه بدهی موضوع سند به بستانکار دیگر و نیز حقوق دولت را پرداخت و یا در صندوق ثبت و یا هر مرجع دیگری که اداره ثبت تعیین می‌نماید تودیع و تقاضای استیفای حقوق خود را از اداره

ثبت بنماید. هرگاه مدت سند باقی باشد باید حق بستانکار تا آخر مدت رعایت شود. در صورت صدور اجراییه گواهی اداره اجرا در مورد بلا مانع بودن فک و فسخ معامله یا انجام معامله نیز ضروری خواهد بود. در کلیه موارد مذکور فوق هرگاه منافع مال مورد معامله حق سکنی یا حقوق دیگری بوده و به بستانکار منتقل شده باشد، باید حق نامبرده تا آخر مدت مذکور در سند رعایت شود. تبصره ۱ انتقال قهری حق استرداد به وراث بدهکار موجب تجزیه مورد معامله نخواهد بود. هرگاه قبل از صدور اجراییه یا قبل از خاتمه عملیات اجرایی کلیه بدهی و خسارت قانونی و حق اجرا در صورت صدور اجراییه از ناحیه احد از وراث مدیون در صندوق ثبت یا مرجع دیگری که اداره ثبت تعیین نماید تودیع شود مال مورد معامله در وثیقه وارث مزبور قرار می‌گیرد. در این مورد هرگاه هریک از وراث به نسبت سهم الارث، بدهی خود را به وارث مزبور بپردازد به همان نسبت از مورد وثیقه به نفع او آزاد خواهد شد. ترتیب و نحوه وصول طلب وارث پرداخت کننده دین از سایر وراث به موجب آیین نامه وزارت دادگستری خواهد بود. تبصره ۲ عملیات اجرایی با صدور سند انتقال یا تحویل مال منقول یا پرداخت طلب بستانکار و اجرای تعهد بدهکار مختومه خواهد بود. در صورتی که مال از طریق حراج به فروش برسد ختم عملیات اجرایی تاریخ تنظیم صورت مجلس حراج می‌باشد. تبصره ۳ نحوه توقیف حق بدهکار نسبت به مازاد مورد وثیقه و طرز استیفای حقوق توقیف کننده به موجب آیین نامه وزارت دادگستری خواهد بود. تبصره ۴ کلیه اسناد تنظیمی و اجراییه های صادر قبل از اجرای این قانون تابع مقررات زمان تنظیم سند خواهد بود. ماده ۳۵ محاکم عدلیه در هیچ مورد نسبت به وجه التزام مقرر در معاملات مذکور در ماده ۳۳ و معاملات استقراضی بیش از صدی پانزده در سال به نسبت مدت تاخیر حکم نداده و ادارات ثبت بیش از صدی دوازده در سال و رقه لازم الاجرا صادر نخواهند کرد. ماده ۳۶ خسارت تاخیر تادیه در صورتی که در محاکم عدلیه مورد مطالبه واقع نشود مشمول مواد ۴۲ و ۴۴ قانون تسریع محاکمات خواهد بود و در صورتی که به وسیله اداره ثبت مأخوذ شود از قرار صدی دوازده در سال بوده و تمام آن به طلبکار داده می‌شود. وجه التزام در صورتی که در محاکم عدلیه مورد مطالبه واقع شود و بیش از صدی ده باشد مازاد از صدی ده تا صدی پانزده نیز مشمول مواد ۴۲ و ۴۴ قانون تسریع محاکمات است و چنانچه صدی ده یا کمتر باشد تمام آن به محکوم له داده خواهد شد و هرگاه وجه التزام به وسیله اداره ثبت مأخوذ شود منتهی از قرار صدی دوازده در سال است که تماما به طلبکار داده می‌شود. ماده ۳۷ نسبت به معاملات مذکور در ماده ۳۳ که قبل از تاریخ اجرای این قانون و پس از ثبت ملک واقع شده مقررات ماده ۳۴ لازم الرعایه خواهد بود. ماده ۳۸ در موضوع انتقالات مذکور در ماده ۳۳ که قبل از تاریخ اجرای این قانون واقع شده محاکم مکلفند در مواردی که مطابق ماده مزبور حق تقاضای ثبت به انتقال دهنده داده شده، برطبق ماده ۳۴ حکم به رد اصل و اجور و غیره داده و در مواردی که حق تقاضای ثبت به انتقال گیرنده داده شده است، حکم به مالکیت انتقال گیرنده بدهند اعم از این که نسبت به ملک مورد معامله تقاضای ثبت شده یا نشده باشد. نسبت به معاملات مذکوره در ماده ۳۳ که پس از تاریخ اجرای این قانون واقع شود، محاکم و ادارات ثبت مکلفند مدلول ماده ۳۴ را به موقع اجرا گذارند ماده ۳۹ حقوقی که در مواد ۳۳ و ۳۴ و ۳۷ و ۳۸ برای انتقال دهنده مقرر است قبل از انقضای مدت حق استرداد قابل اسقاط نیست هر قرارداد مخالف این ترتیب باطل و کان لم یکن خواهد بود، خواه قبل از این قانون باشد، خواه بعد و اعم از این که به موجب سند رسمی باشد یا غیررسمی ماده ۴۰ تخلف قضات و مأمورین دولت از مقررات مواد ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ و ۳۹ مستلزم مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالاست ماده ۴۱ در صورتی که در اثنای مدت عملیات مقدماتی، تقاضا کننده ثبت، مورد تقاضا را کلا یا بعضا به دیگری منتقل کند، انتقال دهنده مکلف است تا ده روز از تاریخ انتقال شخصا یا به توسط وکیل ثابت الوکاله در اداره ثبت اسناد حاضر و معامله خود را کتبا اطلاع دهد (اصلاحی مصوب ۷/۵/۱۳۱۲). ماده ۴۲ هرگاه مورد انتقال ملکی باشد که نسبت به آن عرضحال اعتراضی داده شده است، انتقال دهنده مکلف است در حین انتقال، انتقال گیرنده را از وجود معترض و در ظرف ده روز از تاریخ انتقال، معترض را از وقوع انتقال و اسم انتقال گیرنده به وسیله اظهارنامه رسمی مسبوق نماید و اگر انتقال دهنده در حین انتقال از اعتراضی که شده است رسماً مطلع نبوده و یا عرضحال

اعتراض بعد از انتقال داده شود ، انتقال دهنده مکلف است در ظرف ده روز از تاریخ اطلاع رسمی ، معترض را به وسیله اظهارنامه رسمی از وقوع انتقال و اسم منتقل‌الیه و انتقال گیرنده را در همان مدت و به همان طریق از وقوع اعتراض مسبوق کند. منتقل‌الیه به محض ابلاغ اظهارنامه در مقابل معترض ، قائم مقام انتقال دهنده شده و دعوا بدون تجدید عرض حال به طرفیت او جریان خواهد یافت انتقال دهنده ای که مطابق مقررات فوق عمل ننماید مسوول هر ضرر و خسارتی خواهد بود که از تخلف او بر انتقال گیرنده و یا معترض وارد گردد و مادام که ضرر و خسارت مزبور را جبران نکرده است به تقاضای انتقال گیرنده یا معترض توقیف خواهد شد. تبصره هرگاه معترض حقوق ادعاییه خود را به دیگری انتقال دهد آن شخص بدون تجدید عرض حال قائم مقام او شده و از مواعیدی که برای معترض در تاریخ انتقال باقی است استفاده خواهد کرد. ماده ۴۳ هرگاه انتقال ، به موجب سند عادی بوده و انتقال دهنده معامله خود را به اداره ثبت اطلاع نداد ، چنانچه مدت اعتراض باقی است ، منتقل‌الیه مطابق مقررات عرض حال می دهد و چنانچه مدت منقضی شده ، منتقل‌الیه می تواند به وسیله اظهارنامه به انتقال دهنده اخطار نماید ، هرگاه مشارالیه معامله را در ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ اخطاریه تصدیق نمود ملک به نام انتقال گیرنده ثبت والا ملک به نام انتقال دهنده ثبت و انتقال گیرنده به موجب ماده ۱۰۵ و ۱۱۴ می تواند انتقال دهنده را تعقیب نماید. هرگاه انتقال به موجب سند عادی بوده و انتقال دهنده مطابق ماده ۴۱ عمل نماید و یا انتقال به موجب سند رسمی باشد به ترتیب ذیل عمل خواهد شد: اگر اعلانات نوبتی منتشر نشده ، ملک به اسم انتقال گیرنده اعلان می شود و اگر اعلانات در جریان باشد بقیه اعلانات به نام انتقال گیرنده با قید انتقال اصلاح می شود و اگر رجوع به اداره ثبت بعد از اتمام اعلانات باشد ملک به اسم انتقال گیرنده به ثبت خواهد رسید. اگر معلوم شود سند رسمی انتقال مجعول بوده ، مرتکب به ۵ تا ۱۵ سال حبس با اعمال شاقه محکوم و به علاوه مفاد ماده ۱۱۴ درباره او مجری خواهد شد. ماده ۴۴ هرگاه کسی که نسبت به ملک مورد ثبت اقامه دعوا کرده ، قبل از انقضای موعدهای مقرر در مواد ۱۷ - ۱۸ و ۱۹ فوت کرده یا مجنون یا محجور شود ، مستدعی ثبت مکلف است مراتب را به اداره ثبت و پارکه بدایت صلاحیتدار کتبا اطلاع داده و پس از معین شدن قائم مقام قانونی ، به او از طریق محکمه مربوطه اخطار نماید که مشارالیه در ظرف ۶۰ روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه ، دعوا را تعقیب کند. هرگاه قائم مقام قانونی در مدت مقرر دعوا را تعقیب نکرد محکمه قرار اسقاط دعوا را صادر می کند. این قرار فقط قابل استیناف است ماده ۴۵ اگر به واسطه عدم اقدام در مورد مواد ۱۷ - ۱۸ و ۱۹ ملکی به ثبت رسیده و بعد معلوم شود عدم تعقیب یا عدم ابراز تصدیق به علت فوت یا جنون یا حجر طرف دعوا یا مستدعی ثبت بوده و اخطار مذکور در ماده فوق هم با این که مستدعی ثبت به فوت یا جنون یا حجر ، عالم بوده به عمل نیامده است ، قائم مقام قانونی متوفی و یا مجنون و یا محجور می تواند در ظرف پنج سال از بابت قیمت ملک و اجور و خسارات در محکمه حقوق به وسیله عرض حال جدید بر علیه مستدعی ثبت اقامه دعوا نماید. مبدأ پنج سال مذکور فوق در مورد وراثت کبیر و وراثی که ولی خاص (پدر یا جد پدری یا وصی منصوب مسلم الوصایه دارند از تاریخ فوت و در غیر این موارد از تاریخ تعیین قیم یا مدیر تصفیه محسوب می شود. در مورد این ماده چنانچه مستدعی ثبت محکوم گردد و ملک را قبلاً به دیگری انتقال داده و در موقع اجرای حکم مفلس باشد و ثابت شود برای فرار از ادای حق طرف خود را مفلس کرده ، به حبس تادیبی از یک سال تا دو سال محکوم خواهد شد. تعقیب جزایی در این مورد منوط به شکایت مدعی خصوصی است و با استرداد شکایت ، تعقیب موقوف می شود.

باب سوم - ثبت اسناد

فصل اول - مواد عمومی (ماده ۴۶ تا ۶۹)

ماده ۴۶ ثبت اسناد ، اختیاری است مگر در موارد ذیل کلیه عقود و معاملات راجع به عین یا منافع املاکی که قبلاً در دفتر املاک

ثبت شده باشد. کلیه معاملات راجع به حقوقی که قبلاً در دفتر املاک ثبت شده است ماده ۴۷ در نقاطی که اداره ثبت اسناد و املاک و دفاتر اسناد رسمی موجود بوده و وزارت عدلیه مقتضی بداند ثبت اسناد ذیل اجباری است ۱ - کلیه عقود و معاملات راجعه به عین یا منافع اموال غیرمنقوله که در دفتر املاک ثبت نشده ۲ - صلح نامه و هبه نامه و شرکت نامه ماده ۴۸ سندی که مطابق مواد فوق باید به ثبت برسد و به ثبت نرسیده در هیچ یک از ادارات و محاکم پذیرفته نخواهد شد. ماده ۴۹ وظایف مسئولین دفاتر از قرار ذیل است ۱ - ثبت کردن اسناد مطابق مقررات قانون ۲ - دادن سواد مصدق از اسناد ثبت شده به اشخاصی که مطابق مقررات حق گرفتن سواد دارند. ۳ - تصدیق صحت امضا. ۴ - قبول و حفظ اسنادی که امانت می‌گذارند. ماده ۵۰ هرگاه مسئول دفتر در هویت متعاملین یا طرفی که تعهد می‌کند تردید داشته باشد باید دو نفر از اشخاص معروف و معتمد حضوراً هویت آنان را تصدیق نموده و مسئول دفتر مراتب را در دفتر ثبت و به امضای شهود رسانیده و این نکته را در خود اسناد قید نماید. ماده ۵۱ در مورد ماده فوق شاهدی که یک طرف از اصحاب معامله را معرفی می‌نماید، نمی‌تواند معرف طرف دیگر باشد. ماده ۵۲ وقتی که مسئول دفتر نتواند به وسیله شهود معروف و معتمد هویت اشخاص را معین کند باید از ثبت نمودن سند امتناع نماید. ماده ۵۳ مسئول دفتر نمی‌تواند اسنادی را که به منفعت خود یا کسانی که در تحت ولایت یا وصایت یا قیمومت او واقعند یا با او قرابت نسبی تا درجه چهارم یا سببی تا درجه سوم دارند و یا در خدمت او هستند، ثبت نماید. ماده ۵۴ در مواقعی که مسئول دفتر به واسطه مرض و امثال آن از انجام وظیفه معذور است عمل ثبت به عهده مسئول دفتر دیگری که در آن حوزه مأموریت دارد واگذار خواهد شد. در مورد ماده ۵۳ اگر مسئول دفتر منحصر به فرد باشد مشارالیه با حضور امین صلح و مدعی العموم محل یا نماینده او سند را ثبت خواهد کرد. ماده ۵۵ مسئول دفتر باید نمره و تاریخ ثبت را با تعیین دفتری که سند در آن ثبت شده، در روی هر سندی که ثبت می‌شود قید کرده و به امضای خود ممضی و به مهر دایره ثبت برساند. ماده ۵۶ اسناد باید حرف به حرف از اول تا آخر متن و حاشیه سجل و ظهر ثبت شود. ماده ۵۷ مسئول دفتر نباید معاملات اشخاصی را که مجنون یا غیررشید یا به نحوی دیگر از انحای قانونی ممنوع از تصرف هستند ثبت نماید مگر این که معامله به وسیله قائم مقام قانونی اشخاص مزبور واقع شود. ماده ۵۸ شهود باید موثق باشند، علاوه بر این ورقه هویت (سجل احوال خود را ارایه دهند. ماده ۵۹ شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نخواهد شد: ۱ - غیررشید یا محجور. ۲ - کور یا گنگ ۳ - اشخاص ذینفع در معامله ۴ - خدمه مسئول دفتر. ۵ - خدمه اصحاب معامله ماده ۶۰ مسئول دفتر ثبت نباید اسناد راجع به معاملاتی را که مدلول آن مخالفت صریح با قوانین موضوعه مملکتی داشته باشد ثبت نماید. ماده ۶۱ هرگاه طرفین معامله یا شهود، زبان فارسی را ندانند و مسئول دفتر نیز زبان آنها را نداند اظهارات آنها به وسیله مترجم رسمی ترجمه خواهد شد. ترتیب تعیین مترجمین رسمی و میزان حقی که برای ترجمه و تصدیق ترجمه و سوادبرداری از نقشه و تصدیق صحت سواد نقشه اخذ می‌شود به موجب نظامنامه از طرف وزارت عدلیه معین خواهد شد. ماده ۶۲ تراشیدن و پاک کردن و الحاق کردن به هر نحوی از انحاء در دفاتر ثبت اسناد و املاک ممنوع است کلیه الحاقات و آنچه که به جای کلمات تراشیده و یا در محل پاک شده نوشته می‌شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. ماده ۶۳ طرفین معامله یا وکلای آنها باید ثبت سند را ملاحظه نموده و مطابقت آن ثبت با اصل سند به توسط مشارالیه و مسئول دفتر ثبت تصدیق گردد. در مورد اسنادی که فقط برای یک طرف ایجاد تعهد می‌نماید تصدیق و امضای طرف متعهد کافی خواهد بود. ماده ۶۴ در صورتی که طرفین معامله و یا یکی از آنها کور یا کر و گنگ و بی سواد باشند علاوه بر معرفین هر یک از اشخاص مزبوره باید به معیت خود یک نفر از معتمدین خود را حاضر نمایند که در موقع قرائت ثبت و امضای آن حضور به هم رسانند مگر این که بین خود معرفین کسی باشد که طرف اعتماد آنهاست معتمد مزبور در مورد اشخاص کر و گنگ باید از جمله اشخاصی باشد که بتواند به آنها به اشاره مطلب را بفهماند. در مورد این ماده، مراتب در سندی که ثبت می‌شود و در ستون ملاحظات دفتر باید قید گردد. تبصره ملغی شده ماده ۶۵ امضای ثبت سند پس از قرائت آن به توسط طرفین معامله یا وکلای آنها، دلیل رضایت آنها خواهد بود. ماده ۶۶ در موقعی که معامله راجع به اشخاص بی سواد است

علاوه بر معرفی، حضور یک نفر مطلع با سواد نیز که طرف اعتماد شخص بی سواد باشد لازم است مگر در صورتی که بین خود معرفی شخص باسواد باشد که طرف اعتماد شخص بی سواد است ماده ۶۷ ثبت سند باید برای شخص بی سواد قرائت شده و این قرائت و همچنین رضایت مشارالیه باید در دفتر ثبت قید و از طرف معتمد امضا گردد. معامله کننده بی سواد نیز باید علامت انگشت خود را ذیل ثبت سند بگذارد. ماده ۶۸ هرگاه سندی به واسطه تقصیر یا غفلت مسئول دفتر از اعتبار افتاده باشد مسئول مذکور باید علاوه بر مجازاتهای مقرر از عهده کلیه خسارات وارده نیز برآید. ماده ۶۹ هرگاه برطبق شرایط مقرر بین طرفین و با اطلاع مراجع ثبت احد متعاملین، معامله را فسخ و یا متعهدی تعهد خود را انجام دهد و طرف مقابل حاضر نبوده یا نشود، مراجع مزبور پس از ملاحظه قبض صندوق اداره ثبت حاکی از ودیعه گذاردن مورد معامله، در صورتی که عبارت از وجه نقد یا مال منقول دیگر باشد و پس از تامین حقوق طرف مقابل در غیر این صورت مراتب را در دفتر قید و به طرف اخطار می نماید که حق خود را اخذ و برای باطل نمودن ثبت حاضر گردد.

فصل دوم - آثار ثبت اسناد (ماده ۷۰ تا ۷۴)

ماده ۷۰ سندی که مطابق قوانین به ثبت رسیده رسمی است و تمام محتویات و امضاهای مندرجه در آن معتبر خواهد بود مگر این که مجعولیت آن سند ثابت شود. انکار مندرجات اسناد رسمی راجع به اخذ تمام یا قسمتی از وجه یا مال و یا تعهد به تادیه وجه یا تسلیم مال مسموع نیست مأمورین قضایی یا اداری که از راه حقوقی یا جزایی انکار فوق را مورد رسیدگی قرار داده و یا به نحوی از انحاء مندرجات سند رسمی را در خصوص رسید وجه یا مال یا تعهد به تادیه وجه یا تسلیم مال معتبر ندانند به شش ماه تا یکسال انفصال موقت محکوم خواهند شد. (اصلاحی مصوب ۱۳۱۲) تبصره هرگاه کسی که به موجب سند رسمی اقرار به اخذ وجه یا مالی کرده یا تادیه وجه یا تسلیم مالی را تعهد نموده، مدعی شود که اقرار یا تعهد او در مقابل سند رسمی یا عادی یا حواله یا برات یا چک یا، فته طلبی بوده است که طرف معامله به او داده و آن تعهد انجام نشده و یا حواله یا برات یا چک یا سفته طلب پرداخت نگردیده است این دعوا قابل رسیدگی خواهد بود. ماده ۷۱ اسناد ثبت شده در قسمت راجع به معاملات و تعهدات مندرجه در آنها نسبت به طرفین و یا طرفی که تعهد کرده و کلیه اشخاصی که قائم مقام قانونی آنان محسوب می شوند رسمیت و اعتبار خواهند داشت ماده ۷۲ کلیه معاملات راجعه به اموال غیرمنقول که برطبق مقررات راجعه به ثبت املاک ثبت شده است نسبت به طرفین معامله و قائم مقام قانونی آنها و اشخاص ثالث دارای اعتبار کامل و رسمیت خواهد بود. ماده ۷۳ قضات و مأمورین دیگر دولتی که از اعتبار دادن به اسناد ثبت شده استنکاف نمایند در محکمه انتظامی یا اداری تعقیب می شوند و در صورتی که این تقصیر قضات یا مأمورین بدون جهت قانونی باشد و به همین جهت، ضرر مسلم نسبت به صاحبان اسناد رسمی متوجه شود محکمه انتظامی یا اداری علاوه بر مجازات اداری، آنها را به جبران خسارات وارده نیز محکوم خواهد نمود. ماده ۷۴ سواد که مطابقت آن با ثبت دفتر تصدیق شده است به منزله اصل سند خواهد بود مگر در صورت اثبات عدم مطابقت سواد با ثبت

فصل سوم - در امانت اسناد (ماده ۷۵ تا ۸۰)

ماده ۷۵ هرکس بخواهد سند خود را در اداره ثبت اسناد امانت بگذارد، باید آن را در پاکت و یا لفاف دیگری که لاک و مهر شده باشد گذاشته و شخصا روی پاکت، تاریخ تسلیم امانت را با تمام حروف در حضور مسئول دفتر قید کند و در صورتی که نتواند بنویسد باید دو نفر شاهد، تاریخ مزبور را روی لفافه یا پاکت نوشته امضا و مهر کنند. ماده ۷۶ مسئول دفتر پس از تصدیق تاریخ تسلیم، نمره ترتیبی امانت را تعیین نموده و پاکت یا لفافه را به مهر اداره ثبت اسناد رسانیده و در دفتر مخصوصی همان نمره ترتیبی را که اتخاذ کرده به اسم امانت گذار و تاریخ امانت و اسامی شهود، اگر باشند، قید می کند و به مهر و امضای امانتگذار

وشهود نیز خواهد رسانید. ماده ۷۷ اشخاصی که سند خود را امانت می‌گذارند می‌توانند قبل از آن که آنها را در پاکت و یا لفافه دیگری گذارده مهر کنند تقاضای سواد بنمایند، در این صورت مسئول دفتر سواد مصدق خواهد داد ولی باید در روی سواد مزبور قید شود که این سواد مطابق با اصلی است که در اداره ثبت اسناد و املاک امانت گذاشته شده و به هیچ وجه رسمیت ندارد، مگر این که (آن سند قبلاً مطابق مقررات قانون ثبت شده باشد، در این صورت دایره ثبت اسناد و املاک می‌تواند سواد مصدق سند را به طوری که در این قانون مقرر است بدهد. ماده ۷۸ در موقع امانت گذاشتن اسناد، مسئول دفتر باید کلیه مشخصات و میزات پاکت یا لفافه امانتی را در ستون مخصوص دفتر قید نموده و به امضای خود و امانت گذار و شهود ممضی دارد و پس از آن، رسیدی که مشتمل بر نمره و مشخصات پاکت یا لفافه امانت است به امانت گذار بدهد. ماده ۷۹ استرداد اسناد امانتی به این ترتیب به عمل می‌آید که در ستون ملاحظات دفتر امانت و در مقابل ثبتی که از امانت سند به عمل آمده شخصی که سند را پس می‌گیرد با حضور دو نفر شاهد رسید نوشته و آن را امضا می‌نماید. ماده ۸۰ تاریخ استرداد باید در ذیل رسید با تمام حروف قید شود و همچنین اسم مسئول دفتر و مبلغ حق الحفاظه که اخذ می‌شود درج خواهد شد.

باب چهارم - دفاتر اسناد رسمی (ماده ۸۱ تا ۹۱)

ماده ۸۱ در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی بداند برای تنظیم اسناد رسمی (دفاتر رسمی) به عده کافی معین خواهد کرد. هر دفتر رسمی اسناد مرکب است از یک نفر صاحب دفتر و لااقل یک نفر نماینده اداره ثبت اسناد. ماده ۸۲ هیچ دفتری را نمی‌توان رسمیت داد مگر این که صاحب آن در ضمن تقاضانامه خود تبعیت از قوانین و نظامات وزارت عدلیه را راجع به ثبت اسناد تعهد نماید. ماده ۸۳ حوزه صلاحیت هر یک از دفاتر اسناد رسمی به موجب نظامنامه های وزارت عدلیه معین خواهد شد. ماده ۸۴ نماینده ای که از طرف اداره کل ثبت اسناد و املاک برای هر دفتری تعیین می‌شود باید در اوقات کار در دفتر اسناد رسمی حاضر باشد تا هر معامله و تعهدی (را) که واقع می‌شود پس از ثبت در دفتر صاحب دفتر، در دفتر خود ثبت نماید. در هر یک از این دو دفتر باید نمره صفحه دفتر دیگری که سند در آن ثبت شده است قید گردد. ماده ۸۵ هرگاه دفتر اسناد رسمی که باید با رعایت ماده ۸۲ معین شود در محضر یکی از مجتهدین جامع الشرایط باشد، حضور نماینده (به شرط اجازه وزارت عدلیه) در دفتر لازم نبوده و سندی که مطابق مقررات از دفتر صادر شده و به اداره ثبت صدور آن از ناحیه صاحب دفتر مسلم باشد در دفتر اداره به ثبت خواهد رسید. ماده ۸۶ در صورتی که تقاضای ثبت سندی بشود تحصیل اطمینان از هویت متعاملین یا طرفی که تعهد کرده به عهده صاحب دفتر است و اگر مشارالیه شخصا آنها را شناسد باید بر طبق مواد این قانون رفتار نماید و در صورت تخلف مشمول ماده ۱۰۲ این قانون خواهد بود. ماده ۸۷ شهود و معرفین و اصحاب معامله باید دفتر صاحب دفتر را مطابق مواد ۵۰ و ۶۳ این قانون امضا نمایند. ولی در دفتر ثبت نماینده، فقط امضا اصحاب معامله کافی خواهد بود. ماده ۸۸ در مورد املاکی که مطابق این قانون به ثبت نرسیده دفاتر اسناد رسمی و همچنین دوایر ثبت اسناد و املاک (در دفتر مخصوص می‌توانند هر نوع معامله و تعهد و نقل و انتقال را راجع به عین غیرمنقول یا منافع آن ثبت نمایند ولی این قبیل اسناد فقط نسبت به طرفین یا طرفی که تعهد کرده و قائم مقام قانونی آنها رسمیت خواهد داشت ماده ۸۹ از درآمد حاصل از حق الثبت صاحبان دفتر و دفتریارها به ترتیب زیر سهم خواهند برد: تا ششصد ریال در ماه نصف. از ششصد و یک ریال تا چهار هزار ریال نسبت به مازاد ششصد ریال یک پنجم از چهار هزار و یک ریال تا ده هزار ریال نسبت به مازاد از چهار هزار ریال یک دهم و از ده هزار و یک ریال تا بیست هزار ریال نسبت به مازاد از ده هزار ریال یک بیستم ماده ۹۰ عایدات حاصله از حق الثبت دفاتر اسناد رسمی پس از پرداخت سهم صاحبان دفاتر، جز عایدات عمومی محسوب و تسلیم خزانه خواهد شد. ماده ۹۱ به استثنای مواردی که برای دفاتر اسناد رسمی مطابق این قانون ترتیب خاصی معین شده مقررات

علم به این که به نحوی از انحرای قانونی سلب مالکیت از مورث او شده بوده است تقاضای ثبت آن ملک یا تقاضای صدور سند مالکیت آن ملک را به اسم خود کرده و یا مطابق قسمت اخیر ماده فوق پس از اخطار اداره ثبت رفتار نکند. در تمام این موارد علم وارث باید به وسیله امضا یا مهر و یا نوشته به خط او محرز شود. ماده ۱۰۷ - هر کس به عنوان اجاره یا عمری یا رقبی یا سکنی و یا مباشرت و به طور کلی هر کس نسبت به ملکی امین محسوب بوده و به عنوان مالکیت تقاضای ثبت آن را بکند، به مجازات کلاهبردار محکوم خواهد شد. ماده ۱۰۸ - هر گاه شخصی که ملک را به یکی از عناوین مذکوره در فوق متصرف بوده شخصا تقاضای ثبت نموده ولی به واسطه خیانت یا تبانی او، ملک به نام دیگری به ثبت برسد به طریق ذیل عمل خواهد شد: الف - اگر کسی که ملک به اسم او ثبت شده مشمول مقررات یکی از مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۹ باشد شخص او و امین هر دو به عنوان مجرم اصلی به مجازات کلاهبردار محکوم شده و نسبت به خسارات مدعی خصوصی متضامنا مسئول خواهند بود. ب - هر گاه کسی که ملک به نام او به ثبت رسیده مشمول هیچ یک از مقررات مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۹ نباشد شخص مزبور به هیچ عنوان اعم از حقوقی و جزایی قابل تعقیب نیست ولی امین به عنوان مجرم اصلی تعقیب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم شده و به علاوه برای جبران خسارت صاحب ملک در توقیف خواهد ماند. در صورتی که در ظرف پنج سال نتوانست با تادیه خسارت یا از طریق دیگر رضایت مدعی خصوصی رافراهم سازد وزیر عدلیه از مقام سلطنت عفو او را استدعا می کند. ماده ۱۰۹ - هر کس نسبت به ملکی که در تصرف دیگری بوده خود را متصرف قلمداد کرده و تقاضای ثبت کند کلاهبردار محسوب می شود. اختلافات راجع به تصرف در حدود، مشمول این ماده نیست ماده ۱۱۰ - در مورد مواد فوق و همچنین در کلیه مواد دیگر این قانون اظهارنامه ای که در مورد ثبت عمومی املاک داده می شود به منزله تقاضانامه است ماده ۱۱۱ - در مورد مواد قبل تعقیب متهم موکول به شکایت مدعی خصوصی است (طبق ماده دوم اصلاحی مصوب ۷/۵/۱۳۱۲، مقصود از مواد قبل مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ می باشد) ماده ۱۱۱ مکرر - اگر مورد مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ متهم کسی باشد که املاک موقوفه عام المنفعه را به عنوان متولی یا متصدی و یا املاک مولی علیه را به عنوان ولایت یا قیمومت در تصرف دارد، تعقیب جزایی موکول به شکایت مدعی خصوصی نیست ماده ۱۱۲ - در صورتی که مدعی خصوصی قبل از صدور حکم نهایی شکایت خود را مسترد داشت تعقیب متروک خواهد شد. ماده ۱۱۳ - تجدید شکایت از مدعی خصوصی پذیرفته نمی شود. ماده ۱۱۴ - در مورد مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ (به استثنای مورد مذکور در بند ب ماده ۱۰۸) مجرم علاوه بر مجازات مقرر برای جرم کلاهبرداری تا موقعی که به وسیله تصدیق حق مدعی خصوصی در اداره ثبت املاک یا به وسایل دیگر خساراتی را که مستقیما به واسطه تقاضای ثبت و صدور سند مالکیت به طرف وارد آورده و مدعی خصوصی به وسیله تقدیم عرضحال مطالبه نموده و مورد حکم واقع شده جبران ننماید، در توقیف خواهد ماند. تعیین میزان خسارت با محکمه ای است که به جنبه جزایی رسیدگی کرده ولو این که عرضحال خسارت از طرف مدعی خصوصی پس از صدور حکم جزایی داده شده باشد. خسارات غیرمستقیم (خسارات ناشی از محاکمه مطابق اصول معموله تعیین و وصول خواهد شد. ماده ۱۱۵ - هر کس یکی از اعمال مشروحه در مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ را قبل از اول اسفند ماه ۱۳۰۸ مرتکب شده و تا اول خرداد ماه ۱۳۰۹ به وسیله تصدیق حق طرف در دفاتر ثبت یا به وسایل دیگر خسارات وارده بر صاحب ملک را جبران ننموده کلاهبردار محسوب شده و علاوه بر مجازات مقرر برای این جرم تا موقعی که خسارت وارده بر طرف را مطابق ماده ۱۱۴ جبران نکرده در توقیف خواهد ماند. ماده ۱۱۶ - در مورد املاکی که به رهن یا به یکی از عناوین مذکوره در ماده ۳۳ انتقال داده شده، رهن یا انتقال دهنده مکلف است حق طرف را در ضمن اظهارنامه خود قید نماید. در صورتی که رهن یا انتقال دهنده به این تکلیف عمل ننموده مرتهن یا انتقال گیرنده می تواند تا یک سال از تاریخ انقضای مدت حق استرداد یا رهن، به وسیله اظهارنامه رسمی حق خود را مطالبه کند. هر گاه در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه رهن یا انتقال دهنده حق طرف را نداد، کلاهبردار محسوب و با رعایت مواد ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ مطابق ماده ۱۱۴ با او رفتار خواهد شد. اگر اخطار قبل از انقضای

مدت حق استرداد و یا رهن به عمل آمده باشد، رهن یا انتقال‌دهنده وقتی مجرم خواهد بود که در صورت بقای ملک به ملکیت او، حق طرف را تا ده روز پس از ابلاغ اظهارنامه در اداره ثبت تصدیق ننماید و در صورتی که ملک به ملکیت او باقی نباشد، وقتی مجرم محسوب خواهد شد که تا ده روز پس از انقضای مدت حق استرداد یا رهن، حق مرتهن یا انتقال‌گیرنده را تادیه نکند. تبصره - مرتهن یا انتقال‌گیرنده که در ظرف مدت یک سال، اخطار مذکور در فوق را نکرد مادام که مرور زمان منقول شامل طلب او نشده، حق مطالبه طلب خود را خواهد داشت ماده ۱۱۷ - هرکس به موجب سند رسمی یا عادی نسبت به عین یا منفعت مالی (اعم از منقول یا غیرمنقول) حقی به شخص یا اشخاص داده و بعد نسبت به همان عین یا منفعت به موجب سند رسمی معامله یا تعهدی معارض با حق مزبور بنماید به حبس با اعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم خواهد شد. (اصلاحی مصوب ۱۳۱۲)

باب هفتم - تعرفه و مخارج ثبت اسناد و املاک (ماده ۱۱۸ تا ۱۳۶)

ماده ۱۱۸ - حقوقی که در اداره ثبت اسناد و املاک و دفاتر رسمی اخذ می‌شود مطابق مواد ذیل خواهد بود: ماده ۱۱۹ - برای ثبت ملک در دفتر املاک موضوع مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۱۹ قانون ثبت، کلاً به ازای هر ده هزار ریال یک هزار ریال دریافت می‌شود. ملاک محاسبه حق الثبت املاک، حداقل قیمت منطقه‌ای و در نقاطی که قیمت منطقه‌ای تعیین نشده، طبق برگ ارزیابی ادارات ثبت، خواهد بود. ماده ۱۲۰ - حق الثبت املاک مطابق نظامنامه وزارت عدلیه به اقساط دریافت خواهد شد. ماده ۱۲۱ - حق الثبت هر اسم تجارتي بدون احتساب بهای ورقه تقاضانامه به ازای هر اسم تجارتي چهل هزار ریال است ماده ۱۲۲ - حق الثبت شرکتها مطابق قانون ثبت شرکتها و حق الثبت شرکتهای بیمه مطابق قانون مصوب ۶ آذرماه ۳۱ و حق الثبت شرکتهای حمل و نقل بحری و هوایی معادل یک دوم و حق الثبت شرکتهای حمل و نقل بری معادل دو ثلث حق الثبتی است که مطابق قانون خرداد ۱۳۱۰ برای شرکتها مقرر است (اصلاحی مصوب ۱۳۳۴) تبصره - حق الثبت شرکتهای حمل و نقل بحری و هوایی مطابق نظامنامه وزارت عدلیه ممکن است به اقساط تادیه شود. ماده ۱۲۳ - تعرفه ثبت کلیه اسناد در دفاتر اسناد رسمی به میزان نیم درصد مبلغ مندرج در سند و در موارد اسنادی که موضوع آنها انتقال منافع می‌باشد هرگاه منافع به طور عمومی انتقال داده شود حق الثبت از منافع ده ساله اخذ خواهد شد. تبصره ۱ - مبنای وصول حق الثبت اسناد و در مورد املاک به شرح بند (ع) ماده یک قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ و در مورد انواع خودروهای سبک و سنگین اعم از سواری و غیر سواری و ماشین آلات راهسازی و کشاورزی و موتورسیکلت اعم از تولید داخل یا وارداتی حسب مورد، ماخذ محاسبه مالیات نقل و انتقال و یا ارزش اعلام شده توسط وزارت اقتصادی و دارایی می‌باشد. تبصره ۲ - حق الثبت اسناد و کالت برای فروش وسایط نقلیه موتوری و ماشین آلات راهسازی و معدنی و کشاورزی و موتورسیکلت و نظایر آنها مطابق حق الثبت سند قطعی آنها می‌باشد. ماده ۱۲۴ - حق الثبت اسنادی که تعیین قیمت موضوع آنها ممکن نباشد و انجام گواهی هر امضا و صدور رونوشت برای هر برگ و فسخ و اقاله معاملات و هر نوع گواهی که از ادارات ثبت گرفته می‌شود به پنج هزار (۵/۰۰۰) ریال افزایش یافته و برای المثنی سند علاوه بر پانزده هزار (۱۵/۰۰۰) ریال بهای دفترچه دویست و پنجاه هزار (۲۵۰/۰۰۰) ریال نیز حق الثبت دریافت خواهد شد. کلیه قوانین و مقررات که مغایر با این قانون باشد و نیز هر گونه معافیت از حق الثبت به استثناء قانون معافیت کلیه دانشجویان بورسیه و اعضای هیات علمی که جهت تحصیلات عالی یا استفاده از فرصت‌های مطالعاتی به خارج از کشور اعزام می‌گردند از حق الثبت اسناد مربوط به سپردن تعهد رسمی مصوب ۲/۱۲/۱۳۷۱ به موجب این قانون لغو می‌گردد. بندهای الحاقی به ماده ۱۰ - ۱ - به منظور ساماندهی و رفع مشکلات مربوط به ترهین اموال کشاورزان نزد بانکهای عامل جهت اخذ تسهیلات بانکی، دولت مکلف است در صورت درخواست مالکین وسایط نقلیه موتوری کشاورزی از قبیل کمباین، تراکتور و... را شماره گذاری و برای آنها سند مالکیت

صادر نماید. ۲- اسناد مالکیت وسایط نقلیه موتوری مذکور و همچنین اسناد ماشین آلات و ادوات سنگین کشاورزی از قبیل دستگاههای تراش و انواع دستگاههای کاشت، داشت و برداشت به عنوان وثیقه برای تضمین تسهیلات اعطایی به کشاورزان نزد بانک های عامل مورد قبول می باشد. ماده ۱۲۵- برای ثبت بروات و حوالجات تجارتنی هر هزار ریال ۲۵ دینار اخذ و کسور هزار ریال به منزله هزار ریال حساب می شود. ماده ۱۲۶- از بابت مخارج حرکت به خارج از مقر اداره یا شعبه ثبت در مورد ثبت املاک علاوه بر مخارج حمل و نقل که به عهده مستدعی ثبت است برای مهندسین شبانه روزی ۲۰ ریال و برای نماینده هشت ریال دریافت می شود. ماده ۱۲۷- در موقع ثبت عمومی املاک خرده مالکین مخارج حرکت و کرایه حمل و نقل به تناسب سهام آنها در املاک گرفته می شود. ماده ۱۲۸- حق الودیعیه اسناد و اوراق از بابت هر بسته ممهور دویست و پنجاه (۲۵۰) ریال تعیین که حق الودیعیه شش ماه قبلا- اخذ خواهد شد و برای اسناد و اوراقی که به طور دایم به اداره ثبت امانت داده می شود معادل حق الودیعیه بیست ۲۰ سال به طور مقطوع قبلا تادیه خواهد شد. ماده ۱۲۹- حق الثبت رونوشت اسناد و مدارک، برای اسناد ثبت شده (که نمونه آن را وزارت عدلیه معین می نماید)، هر صفحه دویست و پنجاه ۲۵۰ ریال تعیین می شود، کسر صفحه، یک صفحه تمام محسوب می شود. ماده ۱۳۰- حق الثبت رونوشت اسناد و مدارک برای اسناد ثبت نشده، هر صفحه یکصد و پنجاه / ۱۵۰ ریال تعیین می شود، کسر صفحه، یک صفحه محسوب است ماده ۱۳۱- حق الاجرای اسناد لازم الاجرا پنج درصد (۵٪) مبلغ مورد اجرا تعیین می شود و از کسی که اجرا علیه اوست اخذ خواهد شد مگر اینکه داین بدون حق تقاضای اجرا نموده باشد که در این صورت نسبت به آن قسمتی که دائن حق نداشته از خود او مأخوذ می گردد. تبصره- هرگاه طرفین پس از صدور اجراییه و ابلاغ در خارج صلح نمایند یا قرار اقساط بگذارند یا مهلت بدهند یا مدت یکسال اجراییه را تعقیب نکنند متضامنا مسئول پرداخت نیم عشر خواهند بود و کسی که در نتیجه مسئولیت تضامنی حق اجرا را می پردازد می تواند آن را از طرفی که قانونا مسئول پرداخت حق اجرا می باشد به وسیله اجرا وصول نماید. (الحاقی مصوب ۱۳۲۰) ماده ۱۳۲- برای تصدیق صحت هر امضا ده ریال مأخوذ می شود. ماده ۱۳۳- کلیه مخارج و حقوق فوق الذکر به استثنای حق الاجرا به عهده طرفی است که تقاضای ثبت می نماید مگر این که بین طرفین متعاهدین ترتیب دیگری مقرر شده باشد. ماده ۱۳۴- سوادهایی که از طرف محاکم و مدعیان عمومی و مستنطقین تقاضا می شود از حقوق دولتی معاف خواهد بود ولی در صورتی که سوادهای مزبوره را بدون علت و سبب تقاضا کرده باشند علاوه بر مجازات اداری، دو برابر حق معمولی از تقاضاکننده اخذ خواهد شد. ماده ۱۳۵- بر کلیه حقوقی که اداره ثبت به موجب مواد فوق مأخوذ می دارد به استثنای حق الاجرا صدی بیست و پنج اضافه می شود. عواید حاصله از صدی بیست و پنج فوق الذکر در حساب مخصوص گذارده شده و سرمایه ذخیره خاصی را تشکیل خواهد داد. سرمایه مزبور منحصر و به ترتیب ذیل به مصرف خواهد رسید: الف- برای تکمیل تشکیلات و توسعه اداره ثبت اسناد و املاک در مملکت منتها سی درصد. ب- برای تکمیل تشکیلات عدلیه و توسعه آن در مملکت هفتاد درصد. صرف ذخیره فوق الذکر در غیر موارد مذکور فوق ممنوع است ماده ۱۳۶- در موقع اخذ کلیه حقوقی که اداره ثبت وصول می کند مبلغهای کمتر از ده دینار، ده دینار اخذ خواهد شد.

باب هشتم - مواد مخصوصه (ماده ۱۳۷ تا ۱۴۱)

ماده ۱۳۷- هر یک از مستخدمین ثبت که به عنوان کفالت، شغل بالاتری را اشغال نماید حق دارد نصف حقوق رتبه خود و نصف حقوق بودجه مقامی را که متکفل است دریافت دارد مشروط بر این که شغل بالاتر نمایندگی، مسئولیت دفتر، مدیریت ضبط، معاونت یا ریاست یکی از شعب یا دوایر ادارات ثبت خارج از مرکز باشد. ماده ۱۳۸- اگر اراضی ای که قبلا- جز شارع عام یا میدانهای عمومی بوده و بدین جهت قابل ثبت نبوده است از شارع یا میدان عمومی بودن خارج و جز املاک خصوصی شهر گردد و

یا از طرف بلدی به دیگری انتقال یابد ، بلدی یا مالک جدید می تواند نسبت به آن اراضی تقاضای ثبت نماید. ماده ۱۳۹ - در هر نقطه که اعلان ثبت عمومی شده و در تاریخ اجرای این قانون موعد مقرر برای تقدیم اظهارنامه ها منقضی گردیده و اعلان نوبتی منتشر شده ، اداره ثبت نسبت به املاکی که اظهارنامه های مربوط به آنها عودت داده نشده است اعلانی منتشر و به کسانی که حق تقاضای ثبت دارند ۶۰ روز مهلت خواهد داد تا تقاضای ثبت نمایند. در مورد اظهارنامه هایی که در ظرف مدت مزبور داده می شود و یا قبل از این تاریخ ولی در خارج از مدت داده شده است مطابق ماده ۱۲ عمل خواهد شد. املاکی که نسبت به آنها در مدت مذکور فوق تقاضانامه داده نشود به عنوان مجهول المالک اعلان و تابع مقررات مذکور در ماده ۱۲ خواهد بود اگر چه قبل از تاریخ اجرای این قانون اداره ثبت آن ملک را در نتیجه تحقیقات خود به اسم اشخاصی اعلان کرده باشد. ماده ۱۴۰ - املاکی که قبل از تاریخ اجرای این قانون تقاضای ثبت آنها شده است چنانچه اولین اعلان نوبتی آنها منتشر شده باشد مطابق مقررات قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۸ به ثبت خواهد رسید و هرگاه اولین اعلان نوبتی منتشر نشده باشد ثبت ملک برطبق مقررات این قانون به عمل خواهد آمد مگر این که تقاضاکننده ثبت تقاضا نماید که اعلانات مطابق قانون فوق الذکر به جریان افتد ، ولی در این صورت نیز فقط انتشار اعلان و تحدید حدود برطبق مقررات قانون سابق بوده و سایر جریانات از اعتراض و غیره تابع مقررات این قانون خواهد بود. ماده ۱۴۱ - از تاریخ اجرای این قانون کلیه مواعیدی که در این قانون معین شده به همان ترتیب که در ماده ۱۷ قانون تسریع محاکمات مقرر است محسوب خواهد شد.

باب نهم - مواد الحاقی به قانون ثبت اسناد و املاک (از ماده ۱۴۲ به بعد الحاقی مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۱۸)

(از ماده ۱۴۲ به بعد الحاقی مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۱۸). ماده ۱۴۲ - نسبت به املاک مجهول المالک و املاکی که درباره آنها تقاضای ثبت نشده و به ثبت نرسیده باشد و در اجرای قانون اصلاحات ارضی به زارعین واگذار شده یا بشود احتیاج به تقاضای ثبت از طرف منتقل الیه ندارد. ثبت محل مکلف است برطبق انتقالاتی که واقع شده یا می شود پرونده ای به نام هر یک از خریداران تشکیل داده و اعم از این که ملک به صورت مشاع یا مفروز به زارع منتقل شده باشد بدون انتشار آگهی های نوبتی حصه متصرفی زارع را تحدید و به صدور سند مالکیت آن اقدام نماید. (اصلاحی مصوب ۱۳۵۱). این عملیات از پرداخت هر گونه حق الثبت و هزینه مقدماتی و بهای سند مالکیت و سایر هزینه های مربوط معاف می باشد. ماده ۱۴۳ - هرگاه مالکین سابق املاک موضوع ماده ۱۴۲ بخواهند وجوه تودیع شده و یا قبوض مربوط به بهای املاک خود را دریافت دارند می توانند از ثبت محل تقاضای اخذ ثمن معامله را بنمایند. در این موارد در صورتی که با رسیدگی ، سابقه مالکیت متقاضی احراز شود درخواست او قبول و مراتب ضمن آگهی های نوبتی برای اطلاع عموم اعلام و در آن تصریح خواهد شد که هرگاه افرادی پرداخت تمام یا قسمتی از وجوه و قبوض تودیع شده را به شخصی که به نام او آگهی شده از جهت ادعای مالکیت سابق خود نسبت به اصل و یا حدود رقبه مورد انتقال محل حق خود بدانند از تاریخ انتشار اولین آگهی تا نود روز اعتراض خود را به ثبت محل تسلیم و یا در صورت وجود دعوا در دادگاه گواهی لازم تحصیل و به ثبت محل تسلیم نمایند. با انقضای مهلت مقرر در صورتی که اعتراض و یا گواهی طرح دعوا تسلیم نشده باشد در پرداخت وجوه و تسلیم قبوض مربوط اقدام می شود و در غیراین صورت پس از تعیین تکلیف از طریق مراجع قضایی طبق رای صادر عمل خواهد شد. در این موارد مقررات مواد ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ قانون ثبت لازم الرعایه است تبصره ۱ - عملیات ثبتی مربوط به اجرای این قانون از هزینه اضافی مذکور در ماده ۱۲ قانون ثبت معاف خواهد بود و از متقاضی براساس جمع اقساط تبدیل شده به نقد حق ثبت دریافت می گردد. تبصره ۲ - قبل از قبول تقاضای موضوع این ماده تسلیم قبوض سپرده شده ولو با اخذ تأمین ممنوع است و پس از قبول تقاضا در صورت وصول اعتراض ، تسلیم قبوض سپرده موکول به پرداخت هزینه های ثبتی و اخذ ضامن

معتبر خواهد بود. در مواردی که قبل از قبول تقاضای متقاضی قبوض سپرده با اخذ تامین تسلیم او شده باشد رفع اثر از تامین مأخوذه موکول به تصدیق مالکیت متقاضی نسبت به ثمن معامله و پرداخت هزینه های ثبتی خواهد بود. ماده ۱۴۴ - با اجرای مقررات اصلاحات ارضی نسبت به هر ملک ، تحدید حدود قطعات مورد تصرف زارعین و یا سهم اختصاصی مالک در صورت تقسیم و یا مستثنیات قانون اصلاحات ارضی فقط با انتشار آگهی الصاقی پس از استعلام از اداره تعاون و امور روستاهای محل انجام می گیرد. هر گاه املاک مشمول مقررات اصلاحات ارضی متصل به هم باشند ، می توان تحدید حدود قطعات را ضمن یک آگهی الصاقی انجام داد. در مواردی که مجاور ملک از املاک جز اموال عمومی باشد وقت تحدید حدود باید به مرجع صالح ابلاغ شود. عدم حضور نماینده اداره تعاون و امور روستاها و یا نماینده سایر مراجع صالح مانع انجام تحدید حدود نخواهد بود. تبصره ۱ - عدم حضور مالک قطعه مورد تحدید یا نماینده او مانع انجام تحدید حدود نخواهد بود ، در این صورت تحدید حدود با معرفی مجاور یا معتمدین و مطلعین محل انجام می گیرد. تبصره ۲ - اجرای مقررات این ماده به موجب آیین نامه وزارت دادگستری خواهد بود. ماده ۱۴۵ - در مرکز هر استان یا فرمانداری کل به موجب آیین نامه مصوب وزارت دادگستری و وزارت تعاون و امور روستاها هیاتی به نام هیات تشخیص ، برای انجام وظایف زیر تشکیل می شود: الف - در تحدید حدود قطعات تقسیم شده بین زارعین و یا قطعات اختصاصی مالک یا مستثنیات قانونی اصلاحات ارضی در صورت وصول اعتراض یا وجود اختلاف رسیدگی به موضوع و رفع اختلاف و تعیین تکلیف قطعی آن ، مدت اعتراض بر حدود اعم از این که معترض متصرف قطعه مورد تحدید یا مجاور آن باشد از تاریخ تحدید حدود قطعه مورد اعتراض تا ۳۰ روز پس از ختم عملیات تحدید حدود آخرین قطعه ملک مورد آگهی خواهد بود ، اعتراضات واصله از طریق ثبت محل به هیات تسلیم می گردد. ب - رسیدگی و صدور دستور مقتضی در مورد هرگونه اشتباهی که در آگهی الصاقی یا عملیات تحدیدی املاکی که طبق ماده ۱۴۴ این قانون انجام می گیرد. ج - تشخیص و تعیین قائم مقام قانونی زارع انتقال گیرنده در صورتی که انتقال گیرنده فوت کرده و یا طبق مقررات اصلاحات ارضی از او خلع ید شده باشد. د - تشخیص نوع اعیانی زراعی و تعیین مالک آن و همچنین تشخیص مستثنیات قانونی براساس مقررات اصلاحات ارضی برای اراضی مکانیزه و تعیین مالک آن در صورت وجود اختلاف (رجوع به آیین نامه هیات تشخیص مصوب ۱۳۵۲/۹/۱۵) ماده ۱۴۶ - در مورد املاکی که قبل از اجرای این قانون قسمتی به طور مشاع و قسمتی به طور مفروز درخواست ثبت شده و قسمت مفروز در تصرف بلامنازع متقاضی ثبت یا قائم مقام او باشد موضوع در هیات نظارت طرح و طبق تشخیص هیات مزبور درخواست ثبت مفروز ابقا و اظهارنامه سهام مشاعی با تفکیک قسمتهای مفروز اصلاح می شود و عملیات ثبت قسمتهای مشاع و مفروز بدون احتیاج به تجدید آگهی های نوبتی ادامه می یابد. در مورد املاکی که قبل از اجرای این قانون به سهام مشاعی درخواست ثبت شده ولی عملاً تمام یا قسمتی از ملک به صورت مفروز در تصرف بلامنازع تمام یا بعضی از متقاضیان ثبت یا قائم مقام قانونی آنان درآمده باشد در صورت تقاضای هریک از متقاضیان ، موضوع در هیات نظارت طرح و بر طبق تشخیص و رای هیات مزبور درخواستهای ثبت سهام مشاعی که به صورت مفروز در تصرف بلامنازع متقاضی ثبت یا ایادی متلقای از او باشد به صورت و با حدود مفروز اصلاح و قسمتهای مفروز از اصل ملک تفکیک و اظهارنامه سایر متقاضیان ثبت مشاعی اصلاح می شود و عملیات ثبت درخواستهایی که به صورت مشاع باقی می ماند بدون احتیاج به تجدید آگهی های نوبتی ادامه می یابد و جریان ثبت قسمتهای مفروز با انتشار آگهی های نوبتی شروع می گردد. درخواست احاله کار به هیات نظارت بر طبق این ماده فقط تا سه سال از تاریخ اجرای این قانون مجاز خواهد بود و رسیدگی هیات نظارت نیز در صورتی جایز است که هیچ یک از درخواستهای ثبت سهام مشاعی منتهی به ثبت در دفتر املاک نشده باشد و موضوع نیز مسبوق به طرح و رسیدگی در مراجع قضایی نباشد. ماده ۱۴۷ - برای تعیین وضع ثبتی اعیان املاکی که اشخاص تا تاریخ ۱/۱/۱۳۷۰ بر روی زمینهایی ایجاد نموده اند که به واسطه مواع قانونی تنظیم سند رسمی برای آنها میسور نبوده است ، همچنین تعیین وضع ثبتی اراضی کشاورزی و نسقه های زراعی و باغات اعم از شهری و

غیرشهری و اراضی خارج از محدوده شهر و حریم آن مورد بهره برداری متصرفین است و اشخاص تا تاریخ فوق خریداری نموده‌اند و به واسطه موانع قانونی تنظیم سند یا صدور سند مالکیت برای آنها میسر نبوده است به شرح زیر تعیین تکلیف می‌شود: ۱- در صورتی که بین متصرف و مالک توافق بوده پس از احراز تصرف بلامنزاع متصرف توسط کارشناس منتخب اداره ثبت و نداشتن معترض رییس ثبت دستور ادامه عملیات ثبتی را به نام متصرف به منظور صدور سند مالکیت خواهد داد. ۲- هرگاه انتقال (اعم از رسمی یا عادی به نحو مشاع و تصرف به صورت مفروز بوده و بین متصرف و مالک مشاعی توافق باشد پس از کارشناسی و تهیه نقشه کلی ملک و انعکاس قطعه مورد تصرف در آن و احراز تصرف بلامنزاع مشروط بر این که مقدار تصرف از سهم فروشنده در کل ملک بیشتر نباشد و سایر مالکین هم مراتب را تایید کنند رییس ثبت دستور تعیین حدود و حقوق ارتفاقی مورد تقاضا و باقیمانده را به منظور صدور سند مالکیت مفروزی خواهد داد و الا عملیات ثبتی به صورت مشاع ادامه می‌یابد و در صورت عدم دسترسی به مالکین مشاعی یا وصول اعتراض، مراتب به هیات حل اختلاف موضوع ماده ۲ این قانون ارجاع می‌شود. ۳- در مورد مناطقی نظیر مازندران که غالباً مالک عرصه و اعیان جدا از هم بوده و مورد معامله اکثر اعیان ملک می‌باشد و آخرین منتقل الیه متقاضی سند مالکیت است هیات موضوع ماده ۲ به این گونه تقاضاها رسیدگی نموده در صورت احراز واقع و توافق طرفین طبق بند ۱ این ماده عمل، و الا- باحفظ حقوق مالک عرصه رای بر صدور سند مالکیت اعیان طبق عرف محل خواهد داد. ۴- اگر متصرف نتواند سند عادی مالکیت خود را ارایه نماید هیات موضوع ماده ۲ با رعایت کلیه جوانب به موضوع رسیدگی در صورتی که هیات توافق طرفین را احراز و مدعی بلامعارض باشد مراتب را برای صدور سند مالکیت به اداره ثبت محل اعلام می‌نماید. ۵- چنانچه بین اشخاص در تصرف اختلاف باشد یا اعتراض برسد و یا اتخاذ تصمیم برای رییس ثبت مقدور نباشد و همچنین در صورتی که مالک عرصه، اوقاف یا دولت یا شهرداری باشد موضوع به هیات حل اختلاف موضوع ماده ۲ این قانون ارجاع می‌شود. ۶- در مواردی که متصرف با در دست داشتن سند عادی تقاضای سند رسمی دارد موضوع به هیات حل اختلاف موضوع ماده ۲ این قانون ارجاع می‌شود، هیات رسیدگی نموده و پس از احراز تصرف مالکانه متقاضی، مراتب را به اداره ثبت اعلام تا در دو نوبت به فاصله پانزده روز به نحو مقتضی آگهی نماید. در صورتی که ظرف دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی اعتراض واصل شود معترض به دادگاه صالح هدایت می‌شود و اقدامات ثبت موقوف به ارایه حکم قطعی دادگاه خواهد بود. چنانچه اعتراض نرسد اداره ثبت طبق مقررات، سند مالکیت را صادر خواهد کرد. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. ۷- در صورتی که مساحت قطعات متصرفی در باغها، کمتر از میزان مقرر در ضوابط ابلاغی - حسب مورد به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی یا وزارت کشاورزی - باشد و با رعایت مقررات تبصره (۱) ماده (۴) قانون (حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درخت - مصوب ۱۳۵۲) مشمول این قانون نخواهد بود. (الحاقی مصوب ۱۳۷۶) ماده ۱۴۸ - در هر حوزه ثبتی هیات یا هیات‌هایی به عنوان هیات حل اختلاف در ثبت تشکیل می‌شود. اعضای این هیات عبارتند از: یکی از قضات دادگستری به انتخاب رییس قوه قضاییه و رییس ثبت یا قائم مقام وی و یک نفر خبره ثبتی به انتخاب رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور. نحوه تشکیل جلسات و اختیارات هیات و سایر موارد اجرایی آن مطابق آیین‌نامه این قانون خواهد بود. هیات مذکور می‌تواند برای کشف واقع از خبرگان امور ثبتی استفاده کند و همچنین با تحقیقات و یا استماع گواهی شهود رای خود را صادر نماید، رای مذکور به وسیله ثبت محل به طرفین ابلاغ می‌شود در صورت عدم وصول اعتراض ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ رای، ادارات ثبت مکلف به اجرای آن می‌باشند. در صورت وصول اعتراض معترض به دادگاه هدایت می‌شود، رسیدگی به این اعتراضات در دادگاه خارج از نوبت خواهد بود. تبصره ۱- هیاتها مکلفند حداکثر ظرف سه سال از تاریخ ارجاع رای خود را صادر نمایند. تبصره ۲- در صورتی که اعیان کلا یا جزئا در اراضی موقوفه احداث شده باشد هیات با موافقت متولی منصوص و اطلاع اداره اوقاف و رعایت مفاد وقفنامه و در صورتی که متولی نداشته باشد تنها با موافقت اداره اوقاف و رعایت مفاد وقفنامه و مصلحت موقوف علیهم و با در

نظر گرفتن جمیع جهات نسبت به تعیین اجرت زمین اقدام و در رای صادره تکلیف اداره ثبت را نسبت به مورد برای صدور سند مالکیت کل یا جز اعیان با قید اجرت زمین مقرر و معین خواهد کرد. تبصره ۳- در مورد آن دسته از متقاضیان که مستحداثات و بنا متعلق به آنها در اراضی دولت یا شهرداریها ایجاد شده باشد هیات پس از دعوت از نماینده مرجع ذیربط و احراز واقع، به شرح زیر رای به انتقال ملک صادر می‌نماید: (اصلاحی مصوب ۱۳۷۶). الف- در مورد واحدهای مسکونی احداثی، چنانچه متقاضی واجد شرایط باشد (فاقد واحد مسکونی یا زمین متناسب با کاربری مسکونی قابل ساختمان تا مساحت (۲۵۰) متر مربع زمین به قیمت تمام شده و نسبت به مازاد (۲۵۰) متر مربع تا سقف (۱۰۰۰) متر مربع به قیمت عادلۀ روز. ب- تمامی مستحداثات غیر مسکونی کل عرصه به قیمت عادلۀ روز. ج- هرگاه متقاضی واجد شرایط نباشد، کل عرصه مورد تصرف به قیمت عادلۀ روز. د- تصرف مازاد (۱۰۰۰) متر مربع در صورتی که دارای تاسیسات ساختمانی متناسب باشد کلا به بهای عادلۀ روز و در غیر این صورت، متصرف براساس مقررات، مکلف به خلع ید و رفع تصرف خواهد بود. ه- اراضی تصرف شده واقع در محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرهای بزرگ با جمعیت دویست هزار نفر و بیشتر (موضوع بند الف مشروط بر این که متصرف واجد شرایط مندرج در بند (الف) باشد تا میزان دویست متر مربع به قیمت منطقه‌ای (تقویم دولتی و مازاد بر آن و همچنین افرادی که فاقد شرایط بند (الف) مذکور باشند و مشمولان جز اول بند (د) به بهای کامل کارشناسی روز ارجاع امر به کارشناسی تقویم بهای کارشناسی روز و تعیین زمان ساخت بنا به عهده کارشناس واجد شرایط می‌باشد. در صورت اعتراض هر یک از طرفین به نظریه کارشناس، هیات حل اختلاف به تقاضای معترض، گروهی مرکب از سه کارشناس از بین کارشناسان واجد شرایط انتخاب و معرفی می‌نماید. نظر اکثریت این گروه قطعی است پرداخت هزینه کارشناسی، در مرحله اول، به عهده متصرف و هزینه گروه کارشناسی به عهده معترض می‌باشد. تبصره ۱- متصرفان موضوع این قانون فقط برای یک پرونده متشکله در ادارات ثبت اسناد و املاک می‌توانند از مزایای مندرج در این بند استفاده نمایند. تبصره ۲- در صورتی که از تاریخ ارجاع امر به کارشناس تا تاریخ واریز بهای تعیین شده توسط متقاضی بیش از یک سال بگذرد کارشناسی تجدیدخواهد شد. تبصره ۳- کاهش درآمد دولت از تغییر قیمت اراضی از کارشناسی روز به قیمت منطقه‌ای از محل تقلیل میزان دویست و پنجاه مترمربع به دویست مترمربع و درآمد حاصله از نقل و انتقال این گونه املاک تامین خواهد شد. (اصلاحی ۱۹/۳/۱۳۸۱) و- هیاتها باید قیمت تمام شده زمین (شامل بهای منطقه‌ای و سایر هزینه‌ها) و واجد شرایط بودن یا نبودن متقاضی را از سازمان مسکن و شهرسازی استان استعلام نمایند و در صورت موافقت دستگاه، صاحب زمین سند انتقال را به نام متصرف صادر نماید. ز- قیمت عادلۀ زمین موضوع این تبصره به وسیله کارشناس رسمی دادگستری و در صورت نبودن کارشناس رسمی، توسط خبره محلی به انتخاب هیات، تعیین خواهد شد. ح- در تمامی موارد بالا، چنانچه اراضی مورد تصرف در معابر و کاربریهای خدماتی عمومی بستر رودخانه‌ها و حریم آنها و خطوط فشار قوی برق قرارداداشته باشد در صورتی که تصرف متصرف قانونی نباشد و خطوط فشار قوی قبل از تصرف وی ایجاد شده باشد، از شمول این قانون مستثنا می‌باشد. ط- به منظور جلوگیری از تصرفات غیرقانونی اشخاص در اراضی دولتی و شهرداریها، تنها تصرفاتی معتبر شناخته می‌شود که تا تاریخ ۱/۱/۱۳۷۰ احداث مستحداثات و بنا شده باشد. ی- آیین‌نامه اجرایی این تبصره ظرف مدت دو ماه به وسیله وزیر دادگستری و با هماهنگی وزیر مسکن و شهرسازی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد. تبصره ۴- چنانچه ملک سابقه ثبت نداشته باشد و متقاضی به عنوان مالک متصرف است و هیات به موضوع رسیدگی و نظر خود را جهت تنظیم اظهارنامه به واحد ثبتی ابلاغ کند ثبت مکلف است پس از تنظیم اظهارنامه مراتب را ضمن اولین آگهی نوبتی موضوع ماده ۵۹ آیین‌نامه قانون ثبت به اطلاع عموم برساند، تحدید حدود این قبیل املاک با درخواست متقاضی به صورت تحدید حدود اختصاصی انجام می‌شود. تبصره ۵- اگر ملک در جریان ثبت باشد و سابقه تحدید حدود نداشته باشد واحد ثبتی طبق قسمت اخیر تبصره ۴ اقدام خواهد نمود. تبصره ۶- در صورتی که ملک قبلا- ثبت دفتر املاک- ک شده و طبق مقررات این قانون با رای هیات

می‌بایست سند مالکیت به نام متصرف صادر گردد، مراتب در ملاحظات دفتر املاک قید و در دفتر املاک جاری به نام متصرف حسب مورد ثبت خواهد شد. تبصره ۷- رسیدگی به تقاضای اتباع بیگانه مستلزم رعایت تشریفات آیین‌نامه استملاک اتباع خارجه در ایران است تبصره ۸- چنانچه در خلال رسیدگی محرز گردید که مورد تقاضا جزو حوزه ثبتی دیگری است و متقاضی اشتباها تقاضای خود را تسلیم نموده است تقاضا به واحد ثبتی مربوط ارسال می‌شود که حسب مورد در ردیف هم عرض مورد تقاضا رسیدگی می‌شود. ماده ۱۴۹- نسبت به ملکی که با مساحت معین مورد معامله قرار گرفته باشد و بعدا معلوم شود اضافه مساحت دارد ذی نفع می‌تواند قیمت اضافی را براساس ارزش مندرج در اولین سند انتقال و سایر هزینه‌های قانونی معامله به صندوق ثبت تودیع و تقاضای اصلاح سند خود را بنماید. در صورتی که اضافه مساحت در محدوده سند مالکیت بوده و به مجاورین تجاوزی نشده و در عین حال بین مالک و خریدار نسبت به اضافه مذکور قراری داده نشده باشد، اداره ثبت سند را اصلاح و به ذی نفع اخطار می‌نماید تا وجه تودיעی را از صندوق ثبت دریافت دارد. عدم مراجعه فروشنده برای دریافت وجه در مدتی زاید بر ده سال از تاریخ اصلاح سند اعراض محسوب و وجه به حساب در آمد اختصاصی ثبت واریز می‌شود. تبصره - در مواردی که تعیین ارزش اضافه مساحت میسر نباشد ارزش اضافه مساحت در زمان اولین معامله به وسیله ارزیاب ثبت معین خواهد شد. ماده ۱۵۰- هرگاه نسبت به ملکی از طرف مالک یا قائم مقام او تقاضای تفکیک شود این تقاضا به اداره ثبت ارسال می‌گردد و در تقاضانامه باید ارزش مورد تفکیک براساس ارزش معاملاتی روز تعیین شود و هزینه تفکیکی به قرار ده هزار ریال، دویست ریال از طرف ذی نفع براساس مبلغ مزبور قبلا پرداخت گردد. مبنای وصول هزینه تفکیک ارزش معاملاتی روز خواهد بود هر چند بهای معامله بیش از ارزش معاملاتی روز باشد. (اصلاحی مصوب ۲۸/۱۲/۷۳) ماده ۱۵۱- حق الثبت املاک و حقوق اجرایی و هزینه تفکیک و حق الثبت اسناد رسمی و سایر درآمدهای ثبتی به حساب بانکی که از طرف ثبت کل اسناد و املاک تعیین می‌شود پرداخت می‌گردد و رویه الصاق و ابطال تمبر در این موارد ملغی است ماده ۱۵۲- ثبت کل می‌تواند در هر شهرستانی که مقتضی بداند برای انجام امور ثبتی از قبیل امور مربوط به املاک و اجرای اسناد و حسابداری، واحد یا واحدهای ثبتی مرکب از یک یا چند بخش تشکیل دهد. ماده ۱۵۳- تودیع وجوه سپرده در حساب مخصوص ودایع ثبتی شعب بانک ملی پس از اعلام ثبت مجاز است و محتاج به تودیع آن در صندوق حسابداری ثبت نخواهد بود. ماده ۱۵۴- دادگاهها و ادارات ثبت اسناد و املاک باید طبق نقشه تفکیکی که به تایید شهرداری محل رسیده باشد نسبت به افراز و تفکیک کلیه اراضی واقع در محدوده شهرها و حریم آنها اقدام نمایند و شهرداریها مکلفند براساس ضوابط طرح جامع تفصیلی یا هادی و دیگر ضوابط مربوط به شهرسازی نسبت به نقشه ارسالی از ناحیه دادگاه یا ثبت ظرف دو ماه اظهارنظر و نظریه کتبی را ضمن اعاده نقشه به مرجع ارسال کننده اعلام دارند در غیراین صورت دادگاهها و ادارات ثبت نسبت به افراز و تفکیک راسا اقدام خواهند نمود. (اصلاحی مصوب ۱۳۶۵) ماده ۱۵۵- ثبت کل مکلف است پس از تحصیل اعتبار ترتیب بایگانی اسناد و مدارک و پرونده های ثبتی را با تنظیم آیین نامه خاص به منظور تسریع کار و یکنواخت کردن و ساده نمودن امور در بایگانی تغییر دهد. ماده ۱۵۶- به منظور تشخیص حدود و موقعیت املاک واقع در محدوده شهرها و حومه نقشه املاک به صورت کاداستر تهیه خواهد شد. اداره امور املاک ثبت کل علاوه بر وظایف فعلی خود عهده دار تهیه املاک به صورت نقشه کاداستر خواهد بود. تبصره ۱- در مورد تقاضای تفکیک و افراز املاک مذکور در این ماده و تحدید حدود املاک مجاور و همچنین در دعاوی مطروحه در مراجع قضایی رفع اختلاف حدودی نقشه کاداستر ملاک عمل خواهد بود. تبصره ۲- نسبت به املاکی که نقشه رسمی کاداستر تهیه شده است صاحبان املاک مزبور می‌توانند با پرداخت یک هزار ریال تقاضای الصاق نقشه مزبور را به سند مالکیت خود بنمایند. تبصره ۳- حدود وظایف و تشکیلات اداره امور املاک از جهت تهیه نقشه املاک به صورت کاداستر و همچنین اجرای مقررات این قانون به موجب آیین نامه وزارت دادگستری خواهد بود. ماده ۱۵۷- آیین نامه های اجرایی این قانون را وزارت دادگستری تهیه و تصویب خواهد کرد.

قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۲

در تفسیر ماده ۳۸ ماده ۱ این قسمت ذیل ماده ۳۳ (بند ۳) ذکر شده است ماده ۲ الف - مقصود از حکم مقرر در قسمت اول ماده ۳۸ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۶ اسفندماه ۱۳۱۰ راجع به معاملات مذکور در ماده ۳۳ این قانون این است که اگر چه انتقال گیرنده یا قایم مقام قانونی او عین مورد معامله را مطالبه کرده باشد محاکم مکلفند برطبق مفاد ماده ۳۴ و تبصره دوم آن و ماده ۳۸ قانون مزبور به رد اصل وجه و متفرعات مذکور در ماده ۳۴ حکم صادر نمایند مگر آن که انتقال دهنده قبل از حکم ، به تسلیم عین مال در مقابل اصل حاضر شود که در این صورت به تسلیم عین متفرعات حکم صادر خواهد شد. ب - در صورتی که مدعی ، اصل وجه و متفرعات را مطالبه کند محکمه نمی‌تواند حکم به تسلیم عین بدهد ولو این که انتقال دهنده به تسلیم عین مال حاضر شود. ماده ۳ در صورتی که مال مورد معامله با حق استرداد در تصرف شخص دیگری غیر از انتقال دهنده یا وارث او باشد ، انتقال گیرنده یا قائم مقام قانونی او برای وصول طلب خود بابت اصل وجه و متفرعات می‌تواند (علیه هر یک از انتقال دهنده یا وارث او و یا کسی که عین مورد معامله را متصرف است ، اقامه دعوا نماید و رجوع به هر یک مانع مراجعه به دیگری نخواهد بود. هرگاه به متصرف رجوع شد و حاصل از فروش ملک کفایت اصل و متفرعات را نکرد مدعی می‌تواند برای بقیه ، به انتقال دهنده رجوع کند و انتقال گیرنده می‌تواند در صورتی که متصرف عالم به معامله اولیه بوده برای بقیه طلب خود در حدود مدتی که مورد معامله در تصرف متصرف بوده به مشارالیه نیز مراجعه کند اعم از این که متصرف استیفای منفعت کرده یا نکرده باشد. ماده ۴ هرگاه انتقال گیرنده عین مال مورد معامله با حق استرداد را ادعا کرده و به استناد مقررات قانون ثبت راجع به آن نوع معاملات ، در مطالبه عین محکوم شده باشد ، طرف دعوای او حق مطالبه خسارات محاکمه را از او نخواهد داشت

قانون اصلاح مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد - مصوب ۳۱/۴/۱۳۶۵ و ال

مصوب ۳۱/۴/۱۳۶۵ و الحاق موادی به آن (مصوب ۲۱/۶/۱۳۷۰) مواد ۲ و ۱ این قانون در خصوص اصلاح مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت بوده که در متن قانون ثبت اسناد و املاک اعمال گردیده است ماده ۳ - ماده ۳ قانون مزبور به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده ۳ - هرگاه تعداد متصرفین در یک پلاک چند نفر باشند به سازمان ثبت اجازه داده می‌شود که با دریافت هزینه کارشناسی مناسب و انتخاب هیاتی از کارشناسان و خبرگان ثبتی حدود کلی پلاک را نقشه برداری و تصرفات اشخاص را به تفکیک برداشت و دستور رسیدگی را حسب مورد با انطباق آن با موارد فوق صادر نماید. نحوه تعیین کارشناس یا هیات کارشناسی و هزینه های متعلقه و ارجاع کار و سایر موارد اجرایی مطابق آیین نامه این قانون خواهد بود. تبصره - در هر مورد که در اجرای موارد مذکور در این قانون نیاز به تفکیک یا افراز ملک باشد واحدهای ثبتی با توجه به وضع موجود رأساً اقدام خواهند نمود و مورد مشمول مقررات ماده ۴ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ و اصلاحات بعدی آن نخواهد بود. ماده ۴ - ماده زیر به عنوان ماده ۶ به قانون مزبور الحاق می‌گردد: ماده ۶ - از هر یک از متقاضیان استفاده از مقررات این قانون به هنگام صدور و تسلیم سند مالکیت علاوه بر بهای دفترچه مالکیت و هزینه‌های مربوط به هیاتها و کارشناسی معادل ۵۰ در هزار بر مبنای ارزش منطقه‌ای ملک و در نقاطی که ارزش منطقه‌ای معین نشده بر مبنای برگ ارزیابی اخذ و به حساب دولت واریز می‌شود. تبصره - چنانچه ملک مورد تقاضا مسبوق به صدور سند مالکیت اولیه نباشد علاوه بر مبلغ فوق بقایای ثبتی متعلقه نیز طبق مقررات به حساب مربوطه واریز می‌گردد. ماده ۵ - ماده زیر به عنوان ماده ۷ به قانون مزبور الحاق می‌گردد: ماده ۷ - نسبت به درخواستهایی که طبق مواد ۱۴۶ ، ۱۴۷ ، ۱۴۸ و ۱۴۸ مکرر قانون ثبت و ماده ۴ قانون متمم قانون ثبت و همچنین مطابق مواد یک و دو قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت مصوب ۱۳۶۵ در موعد مقرر تسلیم شده و منتهی به صدور رای نگردیده بر طبق این قانون

رسیدگی خواهد شد و نیاز به تجدید تقاضا ندارد. تبصره ۱- در مورد تقاضاهایی که قبلاً تسلیم شده و به علت عدم حضور متقاضی یا مالک رای منفی صادر شده است در صورت وصول تقاضای مجدد مطابق مقررات این قانون قابل رسیدگی است تبصره ۲- ادارات ثبت مکلفند از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از طریق رادیوی استان و نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار محل یا نزدیک به محل و الصاق آگهی در اماکن و معابر عمومی مراتب را به اطلاع مردم برسانند که ظرف مدت یکسال درخواست خود را به ضمیمه رونوشت مصدق مدارک در قبال اخذ رسید تسلیم ثبت محل وقوع ملک نمایند. (۶۲) تبصره ۳- کلیه درخواستهای واصله به ترتیب وصول در دفتر اداره، ثبت می‌گردد به علاوه ادارات ثبت مکلفند مراتب را در دو دفتر دیگری که به این منظور تهیه خواهد شد ثبت نموده و یکی از دو دفتر را به اداره کل امور املاک سازمان ثبت ارسال نمایند. ماده ۶- ماده زیر به عنوان ماده ۸ به قانون مزبور الحاق می‌گردد: ماده ۸- ترتیب تشکیل جلسات، نحوه رسیدگی هیات‌ها، چگونگی انتخاب کارشناس یا خبره ثبتی و تعیین هزینه‌های هیات‌ها و کارشناسان و هزینه آنها و موارد دیگر اجرایی این قانون مطابق آیین نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد. ماده ۷- ماده زیر به عنوان ماده ۹ به قانون مزبور الحاق می‌گردد: ماده ۹- در صورت امتناع اولیا صغار شهدا نسبت به انجام عملیات ثبتی، نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید انقلاب اسلامی می‌تواند پس از احراز امتناع و غبطه صغار ۴۵ روز پس از انقضای مدت مقرر در قانون نسبت به انجام عملیات ثبتی به قائم مقامی از ولی قهری و قیم صغار اقدام به انجام تمهیدات لازم و ثبت نماید. ماده ۸- ماده زیر به عنوان ماده ۱۰ به قانون مزبور الحاق می‌گردد: ماده ۱۰- اولویت رسیدگی به تقاضاهای رسیده در هیاتهای رسیدگی به ترتیب با صغار و خانواده‌های شهدا، مفقودین، آزادگان و جانبازان انقلاب اسلامی خواهد بود. ۶۲- (به موجب ماده واحده مصوب ۱۸/۸/۱۳۷۸ مهلت مذکور در این تبصره به مدت پنج سال دیگر تمدید گردیده است

قانون متمم قانون ثبت اسناد و املاک - مصوب ۹ تیر ماه ۱۳۵۴

مصوب ۹ تیر ماه ۱۳۵۴ ماده ۱- در مورد اراضی متعلق به دولت یا موسسات و یا شرکتهای دولتی که در جریان عملیات مقدماتی ثبت برای تامین مسکن به شرکتهای تعاونی واگذار شده یا می‌شود اعم از این که در اراضی مزبور احداث بنا شده یا نشده باشد انتقال گیرنده و ایادی بعدی انتقال از پرداخت حق الثبت ملک و هزینه مقدماتی و بقایای آنها معافند. در مورد هزینه تفکیک انتقال دهنده و شرکت تعاونی انتقال گیرنده از پرداخت هزینه تفکیک معاف می‌باشند. تبصره - در مورد املاکی که بلاعوض به شرکتهای تعاونی برای تامین مسکن کارکنان دولت و موسسات و شرکتهای دولتی منتقل می‌شود اعم از این که انتقال دهنده دولت یا هر شخص حقیقی یا حقوقی باشد سند انتقال با معافیت از پرداخت حق الثبت انتقال و هرگونه مالیات و عوارض شهرداری و بقایای آنها و هزینه تفکیک تنظیم می‌گردد. در صورتی که مالک در جریان عملیات مقدماتی ثبت باشد انتقال دهنده و انتقال گیرنده از پرداخت حق الثبت ملک و هزینه مقدماتی و بقایای آنها معاف می‌باشند. ماده ۲- نسبت به قطعات مفروز از پلاک اصلی شماره ۲۳۹۵ اراضی مشاعی طرشت که مساحت هریک بیشتر از یک هزار متر مربع نباشد در صورتی که متقاضی ثبت یا قائم مقام قانونی او تا تاریخ تقدیم این لایحه (۲۹/۱۲/۱۳۵۷) احداث ساختمان در زمین مذکور کرده باشد و اشکال دیگری جز اعتراض بر تحدید حدود مزبور وجود نداشته باشد اداره ثبت به نام متقاضی ثبت یا قائم مقام قانونی او فقط نسبت به یک قطعه سند مالکیت صادر خواهد نمود و هرگاه پس از صدور سند مالکیت معترض ذی حق تشخیص شود دادگاه کسی را که به موجب این قانون سند مالکیت به نام او صادر می‌شود به پرداخت بهای زمین معادل ارزش معاملاتی آن در تاریخ صدور حکم در وجه ذی نفع محکوم خواهند نمود. (اصلاحی مصوب ۲۰/۶/۱۳۵۸). تبصره ۱- در مورد آن قسمت از اراضی مذکور در این ماده که طبق احکام قطعی در سهم موقوفه قرار گرفته و مساحت آن تا پانصد متر مربع بوده و از طرف اوقاف به اجاره واگذار شده و مستاجر تا تاریخ ۱۲/۸/۵۳ در

آن احداث ساختمان کرده باشد سند مالکیت عرصه به نام موقوفه و سند مالکیت اعیانی به نام صاحب اعیان صادر خواهد شد. تبصره ۲ - تشخیص شرایط مقرر در این ماده با اداره ثبت تهران است و اداره ثبت به محض صدور سند مالکیت مراتب را به دادگاهی که پرونده در آن مطرح رسیدگی است اعلام خواهد نمود. ماده ۳ - در مورد املاکی که طبق مقررات اصلاحات ارضی به زارعین صاحب نسق منتقل شده یا می‌شود در صورتی که ملک مسبوق به درخواست ثبت باشد فروشنده یا قائم مقام قانونی او از پرداخت بقایای ثبتی اعم از حق الثبت و هزینه مقدماتی ملک معاف است در مورد انتقال این قبیل املاک هرگاه درخواست ثبت ملک نشده باشد مالک سابق در اجرای مقررات ماده ۱۴۳ الحاقی به قانون ثبت اسناد و املاک از پرداخت وجوه مقرر در تبصره یک ماده مزبور معاف خواهد بود. تبصره - وجوهی که قبل از اجرای این قانون از بابت بقایای ثبتی و یا طبق تبصره یک ماده ۱۴۳ الحاقی به قانون ثبت اسناد و املاک وصول شده است قابل استرداد نیست در صورتی که دریافت وجوه مذکور قبلاً تقسیط شده باشد اقساطی که وصول نشده اعم از این که موعد پرداخت آن قبل یا بعد از اجرای این قانون باشد مشمول معافیت موضوع این ماده خواهد بود. در مواردی که از این بابت قبوض اقساطی بدهی زارعین مربوط به انتقال ملک دریافت شده باشد قبوضی که وصول نشده مسترد می‌شود. ماده ۴ - برای رفع اختلاف موجود بین صاحبان اراضی واقع در محدوده شهر شاهی (قائم شهر) و مرودشت شیراز و افرادی که تا اول فروردین ماه سال ۱۳۵۰ در اراضی مزبور ساختمانهایی ایجاد نموده و خود یا قائم مقام قانونی آنان متصرفند و صاحبان عرصه حاضر به تصدیق اعیانی آنها نیستند هیاتی مرکب از دو نفر از قضات حوزه قضایی همان محل به تعیین وزیر دادگستری و رئیس ثبت محل یا معاون او تشکیل می‌شود این هیات به اختلافات موجود با توجه به اوضاع و احوال و استطاعت هریک از طرفین به طور کدخدامنشی رسیدگی و رای به پرداخت بهای عادلانه اراضی در تاریخ تصرف و اجرت المثل آن تا تاریخ صدور رای صادر می‌نماید. و یا به تقاضای مالکین، رای به پرداخت بهای اعیانی و خلع ید از متصرف می‌دهد. رای هیات قطعی و لازم الاجراست و مرجع اجرای آن دادگاه شهرستان محل و در صورت نبودن دادگاه شهرستان دادگاه بخش خواهد بود. تبصره ۱ - صاحبان اعیان در صورتی می‌توانند از مقررات این قانون استفاده کنند که ظرف یکسال از تاریخ اجرای این قانون درخواست خود را در قبال اخذ رسید به ثبت محل تسلیم نموده باشند والا به تقاضای مالک به شرح این ماده اقدام خواهد شد. ثبت محل مکلف است از تاریخ اجرای این قانون منتهی ظرف یکماه با نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار محل یا نزدیک به محل الصاق آگهی در اماکن عمومی مهلت مقرر را به اطلاع صاحبان اعیان برساند. تبصره ۲ - پس از صدور رای هیات و پرداخت بهای اراضی و اجور آن هرگاه ملک منتهی به ثبت در دفتر املاک شده باشد به نام صاحب اعیان در دفتر املاک ثبت می‌شود و اگر ملک در جریان ثبت باشد عملیات ثبتی به نام او ادامه می‌یابد، در این صورت هرگاه موعد اعتراض به اصل یا حدود ملک منقضی نشده و یا اعتراض رسیده باشد وجه مورد حکم هیات تا تعیین تکلیف قطعی باید در صندوق ثبت محل تودیع گردد. هرگاه حکم قطعی به نفع معترض صادر شود بنا به درخواست صاحب اعیان رای هیات به محکوم له ابلاغ می‌شود محکوم له می‌تواند از تاریخ صدور حکم قطعی به نفع او تا ده روز پس از ابلاغ رای هیات فقط نسبت به بهای تعیین شده عرصه به هیات مذکور اعتراض نماید و رای هیات قطعی است اعیان موضوع حکم نیز وقتی به مالکیت قطعی صاحب عرصه درخواهد آمد که وجه مورد حکم کلاً پرداخت شده باشد. تبصره ۳ - رقبات مشمول قوانین و مقررات ملی شدن جنگلها و مراتع یا قوانین و مقررات اصلاحات ارضی از شمول این ماده مستثناست ماده ۵ - مهلت مندرج در تبصره یک ماده ۱۴۸ قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب سال ۱۳۵۱ در مورد کرمان تا آخر سال ۱۳۵۴ تمدید می‌شود.

آیین نامه قانون ثبت املاک - مصوب سال ۱۳۱۷ با اصلاحیه‌های بعدی

فصل اول - دفاتر ثبت اسناد و املاک (ماده ۱ تا ۴)

ماده ۱ - اداره ثبت اسناد و املاک دارای دفاتر زیر خواهد بود: (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ۱ - دفتر املاک ۲ - دفتر نماینده املاک ۳ - دفتر املاک توقیف شده ۴ - دفتر ثبت موقوفات ۵ - دفتر گواهی امضا ۶ - دفتر سپرده ها ۷ - دفتر توزیع اظهارنامه ها ۸ - دفتر املاک مجهول المالک ۹ - دفتر ثبت شرکتها ۱۰ - دفتر اسناد رسمی ۱۱ - دفتر ثبت قنوت ۱۲ - دفتر آمار و ثبت اظهارنامه تبصره - دفتر املاک و دفتر ثبت قنوت در مرکز و کلیه شهرستان ها یک نسخه خواهد بود و در موقع مقتضی با فراهم شدن امکانات از مندرجات دفاتر مزبور میکروفیلم و یا اسکن تهیه و به مرکز ارسال می گردد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۲ - کلیه دفاتر نامبرده در ماده قبل باید مجلد بوده و به استثنای دفتر توزیع اظهارنامه و دفتر املاک مجهول المالک بقیه دفاتر باید تمام صفحات آنرا در بدو امر دادستان شهرستان محل یا نماینده او شماره گذاشته و امضا کرده و به مهر دادسرا ممهور و مجموع عدده صفحات را در صفحه اول و آخر دفتر با تمام حروف ذکر و قید نماید. (اصلاحی ۱۳۲۳) ماده ۳ - برای ثبت املاک هر بخش یک دفتر املاک تخصیص و برای ثبت هر شماره مستقل مجموعا سه صفحه و به جهت ثبت هر شماره از املاک مزروعی علاوه بر گنجایش مقدار ثبت لااقل سه صفحه سفید برای انتقالات بعدی آن منظور خواهد شد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره - در صورتی که یک دفتر املاک برای یک بخش کافی نباشد بنا به پیشنهاد مدیر کل ثبت استان و تصویب سازمان ثبت اسناد و املاک کشور بخش مذکور به دو یا چند ناحیه تقسیم و برای هر ناحیه یک دفتر املاک تخصیص می یابد. در این صورت هر ناحیه به نواحی دیگر محدود و حد فاصل آنها اعم از خیابان اصلی یا آثار طبیعی در صورت جلسه‌ای به امضای مدیر کل و رییس ثبت محل قید می گردد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۴ - دفاتر نامبرده در ماده یک مادام که صفحه سفید دارد مورد عمل و پس از اتمام آن مسئول دفتر باید تعداد شماره های ثبت را در آخر دفتر قید و بسته نمونه (امضا) نماید. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰)

فصل دوم - در شماره گذاری املاک و توزیع اظهارنامه (ماده ۵ تا ۱۹)

ماده ۵ - در موقعی که اداره ثبت ، قطعه یا بخشی را برای ثبت عمومی در نظر می گیرد باید پیش نویس آگهی ماده ۹ قانون ثبت را تهیه و برای نمونه (امضا) و انتشار به اداره کل ثبت بفرستد و در ضمن این مدت بایستی وسایل مقدمات توزیع اظهارنامه را از انتشار آگهی ماده ۱۰ در محل و تهیه پلاک از مرکز و غیره در نظر گرفته که در موقع مقرر بتواند نماینده در محل حاضر شده و تاخیری در کار پلاک کوبی و توزیع اظهارنامه نشود. ماده ۶ - در قرا و قصابات خرده مالک ، قبل از شروع به عملیات ثبت عمومی لازم است نماینده عمل به وسایل مقتضی از قبیل جار و غیره ، مالکین را مطلع و با اطلاع کدخدا و ریش سفیدان ، قریه را به بخشهای معینی که حدود طبیعی داشته باشد تقسیم و اسامی و سایر مشخصات مالک و ملک را در کتابچه یا صورت مجلس نوشته به نمونه (امضا) کدخدا و ریش سفیدان برساند و بعد به شماره گذاری و توزیع اظهارنامه شروع کند و نماینده مأمور توزیع اظهارنامه باید دقیقا مراقبت کند که اظهارنامه ها با صورت مجلس فوق الذکر کاملا تطبیق نموده و در صورت مزبور کلیه قطعات با مشخصات و معروفیت آنها و اسامی مالکین که معرفی می شوند و حدود اربعه آن ذکر گردد و شماره و نوع املاک و اسامی مالکین در دفتر توزیع اظهارنامه نوشته شود و در روی اظهارنامه نیز که به مالکین و در صورت غیبت آنها به مستاجر یا کدخدای محل تسلیم و در دفتر توزیع اظهارنامه رسید داده می شود ، شماره ملک و مشخصات آن یادداشت و به نمونه (امضا) نماینده مربوطه برسد. ماده ۷ - در املاک شهری و مستغلات نیز پس از تعیین بخشی که مورد ثبت عمومی واقع می شود شماره گذاری و توزیع اظهارنامه طبق مواد بالا به استثنای (جار) و صورت مجلس که مخصوص املاک مزروعی خرده مالک است به عمل خواهد آمد. ماده ۸ - در مستغلات برای هر ملک یک شماره و در املاک مزروعی نیز برای قرا و مزارع ششدانگی یک شماره اصلی منظور می شود و در صورتی که

مزرعه مشتمل بر قطعات مفروز و اعیانی و غیره باشد برای هر قسمت یک شماره فرعی از همان شماره اصلی منظور خواهد شد. ماده ۹ - چنانچه پس از شماره گذاری املاک هر قطعه یا بخشی معلوم شود که ملکی از قلم افتاده آخرین شماره آن بخش برای آن اختصاص داده می‌شود و اگر ملکی پس از شماره گذاری مفروزها به قطعاتی تقسیم شد برای هر یک از قطعات شماره فرعی از همان شماره اصلی منظور خواهد شد مثلاً از شماره ۵ اصلی ۵۱ ۵۲ ۵۳ ماده ۱۰ - برای سرعت جریان باید قطعات ثبت عمومی، کوچک انتخاب شود. ماده ۱۱ - در مورد کاروانسرا و امثال آن که دارای حجرات متعدده است در صورتی که متعلق به یک نفر یا مشاعاً متعلق به اشخاص باشد یک شماره و در صورتی که حجرات مالک جداگانه داشته باشد برای هر یک، شماره مستقلی منظور خواهد شد. ماده ۱۲ - هر بخشی که به ثبت عمومی گذارده می‌شود قنوت آن بخش هم باید جزو سایر املاک برای ثبت عمومی منظور و آخرین نمره آن بخش به قنوت داده شود و در اظهارنامه و دفتر توزیع اظهارنامه و آگهی‌ها نیز شماره و اسم قنوت و مبدأ و مظهر آن قید شود. هرگاه قنات از متعلقات ملک است و جداگانه مورد معامله واقع نمی‌شود تابع اصل ملک بوده و شماره مستقلی لازم ندارد. ماده ۱۳ - در موقع توزیع اظهارنامه در قرا مأمورین عمل به وسایل مقتضی در محل رسیدگی نموده پس از تشخیص این که اعیانی قریه متعلق به رعایا می‌باشد تعیین شماره فرعی نموده و از روی شماره ردیف در دفتر توزیع اظهارنامه وارد و به مالکین اعیانی اظهارنامه می‌دهد. به مالکین عرصه هم پس از تعیین سهام آنها اظهارنامه توزیع می‌نماید، سپس اظهارنامه های مالکین اعیانی و عرصه را جداگانه با اخذ حق الثبت از هر یک از آنها تنظیم و قبول می‌نماید، در موقع تنظیم آگهی ابتدا عرصه و بعداً اعیانی به اسم مالکین آگهی می‌شود. در صورتی که اختلافی بین مالکین عرصه و اعیانی پیدا شود باید بدواً به مدارک و قبالات و بنچاق مالکین اصل مزرعه و عرصه مراجعه شود. چنانچه مدارک مالکین عرصه حاکی است که اعیانی‌ها متعلق به آنان بوده و رعایا مدرکی برای مالکیت خود از طرف مالک یا مالکین فعلی یا قبلی ندارند درخواست ثبت را باید از مالک عرصه ده پذیرفته و رعایا معترض شناخته شوند و چنانچه مدارک مالکیت مالکین قرا و قصبات حکایتی از اعیانی‌ها ندارد یا رعایا مدارکی بر مالکیت خود دارند حق درخواست ثبت با رعایا است ماده ۱۴ - نسبت به درخواستهای ثبتی که قبلاً شده و نسبت به اعیانی‌های آن که تشریفات این نظامنامه به عمل نیامده چنانچه در موقع تعیین حدود، مالکین عرصه اعیانی را برای رعایا گواهی نمایند یا قبلاً به طور کلی گواهی کرده باشند باید برای اعیانی‌ها شماره فرعی منظور درخواست ثبت پذیرفته آگهی نمود. ماده ۱۵ - در مورد املاکی که قبلاً درخواست ثبت شده و تعیین حدود به عمل آمده و مالکین حق رعایا را نسبت به اعیانی با اسامی معین قید و گواهی نموده‌اند و آگهی هم شده است با دریافت حق الثبت و مخارج از صاحبان اعیانی و تعیین حدود آن می‌توان در دفتر املاک ثبت و سند مالکیت صادر نمود. ماده ۱۶ - املاک کی که در جریان ثبت عادی بدون قید حق اعیانی برای رعایا به ثبت رسیده و بعداً در ثبت عمومی رعایا اظهارنامه داده‌اند چون سابقاً ملک ثبت شده و جریان ثبت عمومی موردی نداشته این قبیل پرونده‌ها باید برای رای مقتضی به هیات نظارت احاله شود. ماده ۱۷ - در مورد املاک مشاع اگر بعضی (از) مالکین نسبت به اعیانی‌ها حق را گواهی کرده و بعضی گواهی نکرده‌اند نسبت به اعیانی از رعایا اظهارنامه پذیرفته شده و مالکین که حق مزبور را گواهی نکرده‌اند معترض شناخته می‌شوند. ماده ۱۸ - املاک اخذ حق الثبت املاک قیمت منطقه‌بندی مذکور در ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب (۷/۲/۱۳۷۱) است هرگاه در موقع ثبت ملک در دفتر املاک ارزش منطقه‌بندی تغییر کرده باشد بهای ملک طبق قیمت منطقه‌بندی جدید تعیین می‌گردد. در نقاطی که قیمت منطقه‌بندی تعیین نشده ملک باید ارزیابی شود. اعتبار برگ ارزیابی یکسال از تاریخ تنظیم است ولو اینکه بهای ملک طبق ارزیابی در دفتر املاک و سند مالکیت نوشته شده باشد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ۱ - چنانچه متقاضی ثبت قبل از ثبت ملک در دفتر املاک بخواهد معامله نماید در پاسخ پرسش نامه دفاتر اسناد رسمی برای معامله باید مبلغ وصولی حق الثبت، تعیین و به دفترخانه اعلام شود تا مابه التفاوت بقایای ثبتی ملک را بر اساس قیمت منطقه‌بندی دریافت و به حساب مربوطه واریز نماید. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ۲ - در مواردی که پس از ثبت و صدور سند مالکیت مالک برای

گرفتن سند مالکیت به اداره ثبت مراجعه ننماید و در مقام معامله برآید طبق تبصره فوق رفتار شود. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۱۹ - هرگاه نسبت به قسمتی از ملکی به نحو مشاع و یا مفروز اظهارنامه پذیرفته شده نسبت به بقیه سهام برخلاف اظهارنامه اولی، اظهارنامه پذیرفته نخواهد شد در صورت توافق مالکین مطابق آن عمل می‌گردد و چنانچه قبلا اظهارنامه هم به عنوان مشاع و هم مفروز پذیرفته شده صدور سند مالکیت موکول به رفع اختلاف در دادگاه است (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۲۰ - قلم خوردگی و کسر و اضافه کردن در مندرجات اظهارنامه ممنوع و اگر توضیحی لازم باشد باید صریحا ذکر شده و به نمونه (امضا) متصدی مربوطه (نماینده تنظیم اظهارنامه و مستدعی ثبت برسد. تخلف از مقررات این ماده موجب مسئولیت شدید خواهد بود.

فصل سوم - در درخواست ثبت (ماده ۲۱ تا ۵۱)

ماده ۲۱ - اظهارنامه باید به نمونه (امضا) مستدعی ثبت یا وکیل یا جانشین قانونی او به اداره ثبت محل داده شود. هرگاه دهنده اظهارنامه نتواند نمونه (امضا) کند علامت انگشت خود را زیر اظهارنامه خواهد گذاشت و در صورتی که اظهارنامه توسط وکیل یا جانشین مستدعی ثبت داده شود باید وکالت نامه یا اوراق مربوطه ضمیمه شود. ماده ۲۲ - اظهارنامه شامل نکات زیر خواهد بود: ۱ - نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه یا کد ملی و محل صدور آن و نام پدر و سمت دهنده اظهارنامه نسبت به ملک مورد درخواست و محل اقامت مستدعی ثبت ۲ - تابعیت مستدعی ثبت ۳ - نوع مال غیرمنقولی که درخواست ثبت آن می‌شود با تعیین محل وقوع ملک (حوزه ثبتی، بخش یا روستا و شماره پلاک اعم از اصلی و فرعی، حدود و مشخصات اجزا و متعلقات آن و آدرس ملک (خیابان، کوچه، پلاک شهرداری) و محل اقامت متقاضی ۴ - بهای ملک در تاریخ درخواست ثبت طبق قیمت منطقه بندی ۵ - شرح حقوق عینی که برای اشخاص در آن ملک است با تعیین صاحبان حقوق و همچنین حقوق عینی که مستدعی ثبت در املاک مجاور دارد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۲۳ - دهنده اظهارنامه باید اسناد و قبالات و بنچاق ملک و مدارک راجعه به مالکیت و تصرف خود را به اداره ثبت ارائه دهد تا رونوشت یا خلاصه آن ضمیمه اظهارنامه و در پرونده عمل بایگانی شود و اگر دلیل مالکیت منحصر به تصرف است ادله و نشانیهای تصرف فعلی خود را کتبا به اداره ثبت تسلیم نماید و در هر حال درخواست کننده باید نحوه تصرف خود را که او را برای تقاضای ثبت مجاز می‌دارد معلوم کند. ماده ۲۴ - پس از ارائه مدارک از طرف متقاضی ثبت و معرفی ملک باید نقشه آن توسط نقشه بردار ثبت ترسیم و صورت مجلس مبنی بر تصرف مالکانه مستدعی ثبت وسیله نماینده و نقشه بردار تهیه شود، در اظهارنامه میزان و مقدار املاک و اراضی مورد درخواست باید به دانگ و سهم قرارداد شود. (۱) اصطلاحات محل از قبیل جام و فنجان و پیمان و غیره را برحسب تحقیقات محلی با دانگ و سهم تطبیق بنمایند. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۲۵ - در هر موقع که اداره ثبت اجرای ثبت عمومی را در بخش معینی در نظر می‌گیرد باید لااقل پانزده روز قبل از انتشار آگهی مقرر در ماده ۱۰ قانون ثبت به نماینده اوقاف آن محل اطلاع دهد تا نماینده مزبور به متولیان موقوفات عام المنفعه محل اخطار کند که در ظرف ۳۰ روز از تاریخ نشر اولین آگهی نامبرده در ماده ۱۰ قانون ثبت نسبت به املاک موقوفه که در آن بخش واقع و تحت تصدی و تولیت آنها می‌باشد درخواست ثبت نمایند. ماده ۲۶ - اظهارنامه اتباع خارجه و کنسولگری ها و سفارتخانه ها در برگهایی که برای این کار تخصیص داده شده تنظیم و یک نسخه در محل بایگانی و نسخه دیگر به اداره کل ثبت فرستاده می‌شود تا پس از صدور اجازه به جریان ثبت اقدام گردد. ماده ۲۷ - اراضی که قبلا جز شوارع یا میدانهای عمومی بوده و همچنین انبار متروکه که بعدا تبدیل به ملک می‌شود از طرف مالک یا شهرداری یا مرجع ذیربط درخواست ثبت نسبت به آنها پذیرفته خواهد شد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۲۸ - هر اظهارنامه و صورت مجلس تحدید حدود مختص یک پلاک است هرگاه درخواست چندین شماره در یک بخش یا قطعاتی که در یک قریه و مزرعه واقع است و قبلا در یک اظهارنامه پذیرفته شده

باشد در موقع تحدید حدود برای هر شماره یک صورت مجلس تحدید حدود تنظیم شود. ماده ۲۹ - تا وقتی که آگهی نوبتی نامبرده در ماده ۱۱ قانون ثبت منتشر نشده اظهارنامه می‌توان پذیرفت ماده ۳۰ - در صلحهای محاباتی که برای مصالح حق فسخ قید شده درخواست ثبت از متصالح با قید حق فسخ برای مصالح پذیرفته می‌شود و مشمول ماده ۳۳ قانون ثبت نیست سند مالکیت این قبیل املاک با قید حق فسخ به نام متصالح صادر و پس از سقوط حق خیار، متصالح می‌تواند بدون ذکر حق فسخ سند مالکیت جدید بگیرد. ماده ۳۱ - دسترنج رعیتی و حق اولویت و گاوبندی و غیره که در املاک معمول و بین رعایا خرید و فروش می‌شود از حقوق راجعه به عین املاک نبوده و قابل درخواست ثبت و اعتراض ثبت نیست و صدور سند مالکیت به نام مالک هم تغییری در وضع حقوق مزبور در هر جا که معمول است نمی‌دهد. ماده ۳۲ - در صورتی که متولیان در ظرف مدت سی روز مقرر در ماده ۲۵ این آیین نامه اقدام به درخواست ثبت ننمایند نماینده اوقاف محل درخواست ثبت خواهد کرد. لکن اگر تا انقضای مدت نامبرده در ماده ۱۱ قانون ثبت متولی نیز درخواست ثبت کند درخواست اداره اوقاف بلا تعقیب گذارده خواهد شد. ماده ۳۳ - نسبت به موقوفاتی که متولی خاص ندارد نماینده اوقاف محل مستقیماً درخواست ثبت خواهد کرد. ماده ۳۴ - نسبت به املاک کی که به نفع عمومی حبس شده است متصدی امور حبس مکلف به درخواست ثبت است ماده ۳۵ - درخواست ثبت نسبت به موقوفات خاصه به عهده متولی و نسبت به املاک که به نفع اشخاص معینی حبس شده به عهده متصدی امور حبس است معذک هر یک از موقوف علیهم و محبوس لهم نیز می‌توانند درخواست ثبت نمایند. ماده ۳۶ - در مورد ثلث موبد و باقی، وصی مکلف به درخواست ثبت است ماده ۳۷ - طبق ماده ۳ قانون اوقاف، املاکی که مورد نذر یا وصیت یا حبس شود به طور دایم یا مدتی که کمتر از هیجده سال نباشد و برای مصارف عامه تخصیص داده شده اداره اوقاف حق درخواست ثبت و اعتراض بر ثبت دارد و ادارات اوقاف باید مدارک وقفیت و تصرف وقف را ضمیمه اظهارنامه نمایند. (۲) ماده ۳۸ - چنانچه گواهی رسمی اداره اوقاف بر موجود نبودن وجوهی بابت موقوفات مجهول المصرف و میراث مطلقه ضمیمه درخواستنامه ثبت یا دادخواست اعتراض بر ثبت املاک مشمول ماده ۲۹ قانون باشد بدون مطالبه حق الثبت و هزینه به جریان گذارده می‌شود. ماده ۳۹ - در مورد درخواست ثبت املاک موقوفه و حبس ثلث در اظهارنامه عنوان درخواست کننده ثبت متصدی یا مدعی تولیت قید می‌شود. ماده ۴۰ - کلیساها و معابد اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون اساسی و کاروانسراهای عباسی و رباطها از حق الثبت معاف است معافیت سایر سازمانها و ارگانها تابع مقررات خاص خود می‌باشد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۴۱ - نسبت به املاکی که مالک خاص ندارد مانند طرق و شوارع و اراضی و جبال موات و مباحه، نیزارها، بیشه‌ها، مراتع و جنگلها و قبرستان‌های عمومی و بستر مسیله‌ها و آب رودخانه‌ها و نه‌رها منشعب از آنها و انهار طبیعی و هر مسیر طبیعی دیگر اعم از سطحی و زیر زمینی و چشمه‌سارها از افراد، درخواست ثبت پذیرفته نخواهد شد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۴۲ - نسبت به آب رودخانه‌ها و انهار طبیعی و چشمه‌سارها که ضمن درخواست ثبت ملک بعنوان حقا به طبق معمول محل قبول تقاضای ثبت گردیده در موقع صدور سند مالکیت از ذکر حق مزبور خودداری نموده و به جای آن عبارت با حقا به از مقررات قانون توزیع عادلانه آب قید گردد. ماده ۴۳ - هرگاه شش‌دانگ قنات یا چشمه متعلق به یک نفر است به منزله یک ملک محسوب و شماره مخصوص به آن داده می‌شود و اگر مالکین متعدداً باید میزان سهام هر یک از روی ساعت و گردش شبانه روز تعیین شود و درخواست ثبت هر سهم مستقلاً پذیرفته خواهد شد و تمام قنات یا چشمه دارای یک شماره خواهد بود. اگر چشمه از روی ساعت تقسیم نشده و میزان آن مشخص نباشد اظهارنامه ثبت آب را فقط در ضمن درخواست ثبت ملک به عنوان حقا به مطابق معمول باید قبول کرد و در آگهی‌ها و سند مالکیت جمله (مطابق معمول محل را قید نمود). ماده ۴۴ - درخواست ثبت پاکنه‌هایی که از قنات در املاک مورد درخواست ثبت موجود است بدون اجازه صاحب قنات پذیرفته نخواهد شد. ماده ۴۵ - املاکی را که پس از پلاک کوبی و توزیع اظهارنامه و قبل از درخواست ثبت و آگهی بوسیله اصلاحات خراب می‌شود باید مالک یا شهرداری مراتب را به اداره ثبت اطلاع دهد و همچنین اگر خود اداره ثبت اطلاع حاصل کرد بایستی پس از رسیدگی و معاینه

محل ، مراتب را در دفتر توزیع اظهارنامه و پرونده مربوطه و اگر ملک ثبت شده است در ستون ملاحظات دفتر املاک هم قید کرده و هرگاه قسمتی از ملک باقی بماند یا به شهرداری منتقل شود به همان شماره اصلی ملک که برای تمام ملک تعیین شده آگهی خواهد شد و چنانچه قبلاً آگهی و تحدید شده حدود بقیه تعیین و در صورتی که در دفتر املاک ثبت شده با توضیح مراتب در ملاحظات دفتر املاک با حدود واقعی در زیر ثبت اولیه با بایگانی کردن سند مالکیت اولی سند مالکیت جدید صادر خواهد شد.) و نیز هرگاه در نتیجه تغییر وضع مجاور املاک ثبت شده و تبدیل حد به کوچه اصلاح سند مالکیت در حدی که قبلاً به ملک مجاور و فعلاً به کوچه محدود است تقاضا شود در صورتی که شهرداری عمومی بودن کوچه را اعم از بن بست یا غیر بن بست تایید نماید اصلاح ثبت دفتر املاک و سند مالکیت توسط اداره ثبت مربوطه با رعایت حقوق مجاورین انجام خواهد شد. ماده ۴۶ - املاک مشاعی که قبل از این بر طبق قانون سابق درخواست ثبت شده است نسبت به بقیه آن فقط در موقع ثبت عمومی بخش مربوطه درخواست ثبت پذیرفته خواهد شد. ماده ۴۷ - اظهارنامه‌هایی که تا قبل از انتشار آگهی نامبرده در ماده ۱۱ قانون ثبت به اداره تسلیم شود مشمول جریمه نخواهد بود. املاکی که به واسطه تاخیر درخواست در آگهی اولیه قید نشده در آگهی های شش ماهه که در ماده ۱۲ قانون ثبت مقرر است آگهی خواهد شد. ماده ۴۸ - متصدی تنظیم اظهارنامه باید مراقبت نماید که اسم و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور آن و مقدار مورد درخواست و سهام مالکین و کلیه مطالب اظهارنامه صحیحاً و صریحاً نوشته شود که بعداً موجب اشتباه نگردد و هر نوع اشتباهی هم که در مطالب اظهارنامه روی دهد و معلوم شود در اثر بی مراقبتی متصدی بوده موجب مسئولیت خواهد بود. ماده ۴۹ - در قرا و قصباتی که به ثبت عمومی گذارده می شود نماینده توزیع اظهارنامه به امر مدیر ثبت مأمور تنظیم اظهارنامه ها نیز خواهد بود. ماده ۵۰ - در موقعی که اظهارنامه‌ها عودت داده می شود وصول آن مرتباً با قید تاریخ در دفتر توزیع اظهارنامه قید شود. ماده ۵۱ - پس از انتشار آگهی نوبتی نامبرده در ماده ۱۱ شماره‌هایی که تمام یا قسمتی از آن مجهول المالک مانده باید فوراً در دفتر املاک مجهول المالک وارد شده و اظهارنامه‌هایی که بعداً داده می شود در ستون مربوط به هر شش ماه یادداشت و مطابق آن در آگهی های نوبتی ششماهه آگهی شود و غفلت در انجام آن موجب مسئولیت خواهد بود. مسئولیت تنظیم این دفتر باید رسماً به عهده یک نفر از کارمندان گذارده شود که در صورت غفلت و از قلم افتادن شماره ملکی مورد مواخذه واقع شود.

فصل چهارم - در آگهی‌های نوبتی و تحدیدی و تعیین حدود املاک (ماده ۵۲ تا ۸۵)

ماده ۵۲ - آگهیهای نوبتی و تعیین حدود را اداره ثبت در یکی از جراید حوزه خود و یا در یکی از جراید نزدیکترین حوزه خود و یا در یکی از جراید مرکز منتشر می نماید. (اصلاحی مصوب ۱۳۲۴). ماده ۵۳ - آگهی های مربوطه به هر بخش باید در روزنامه معینی منتشر شود که در آخر هر سال برای سال بعد از طرف اداره کل ثبت تعیین شده و به اطلاع عموم خواهد رسید. ماده ۵۴ - علاوه بر انتشار روزنامه یک نسخه از آگهی تعیین حدود در شهرها به هریک از املاک مورد تحدید الصاق و در دهات نیز چند نسخه از آگهی مزبور باید در محلهای عمومی قریه مورد تحدید و قرا مجاور به وسیله مأمورین ثبت الصاق و انتشار آگهی را کدخدایان محل گواهی نمایند. ماده ۵۵ - حذف شده است (با توجه به اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰ حذف شده است) ماده ۵۶ - حقوق ارتفاقی در آگهیهای نوبتی ذکر نمی شود ولی باید در زیر آگهیها قید کرد که حقوق ارتفاقی در موقع تعیین حدود در صورت مجلس منظور می گردد ، که اگر معترضی باشد مطابق مقررات در مدت سی روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس دادخواست اعتراض بدهد. ماده ۵۷ - در پیش نویس آگهیهای نوبتی باید مراقبت شود که کلمات روشن و خوانا بوده و در اسامی درخواست کنندگان ثبت و شماره و اسم املاک اشتباهی نشود و لازم است اولین نسخه آگهی چاپ شده قبلاً در اداره ثبت با پیش نویس آگهی مطابقت شود و پس از

غلط گیری به چاپ آن اقدام گردد. روسای ثبت و مدیر مجله رسمی مستقیماً مسئول صحت تنظیم و چاپ آگهیها می‌باشند. اولین نسخه آگهی که برای غلط گیری مقابله شده باید به نمونه امضا (ریس ثبت محل برسد و پس از چاپ آگهی ها در پرونده اداره بایگانی شود. ماده ۵۸ - آگهیهایی که باید طبق ماده ۱۰ قانون ثبت در سی روز سه مرتبه منتشر شود انتشار آن در روز اول و پانزدهم و سیام خواهد بود. ماده ۵۹ - آگهیهای درخواست ثبت املاک مجهول المالك در هر سال با رعایت قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون به طریق زیر باید منتشر شود: ۱ - درخواستهای ثبت قبول شده در فروردین و اردیبهشت و خرداد هر سال در اول مرداد همان سال ۲ - درخواستهای ثبت قبول شده در تیر و مرداد و شهریور هر سال در اول آبان ماه همان سال ۳ - درخواستهای ثبت قبول شده در مهر و آبان و آذر هر سال در اول بهمن همان سال ۴ - درخواستهای ثبت قبول شده در دی و بهمن و اسفند هر سال در اول اردیبهشت سال بعد. (اصلاحی مصوب ۱۳۲۸). تبصره ۱ - آگهیهایی که طبق دستور هیات نظارت باید تجدید شود ضمن آگهیهای فوق در قسمت مخصوص با قید عنوان آگهیهای اصلاحی منتشر می‌گردد. تبصره ۲ - هرگاه ملکی در موعد مقرر فوق آگهی نشده باشد باید در آگهیهای سه ماهه بعدی منتشر گردد. تبصره ۳ - در مواردی که روز انتشار آگهی نوبت اول با تعطیل عمومی تصادف نماید باید نوبت اول آن آگهی بلافاصله روز بعد از تعطیل منتشر گردد و در این مورد مبدأ مدت وخواهی از همان روز انتشار اولین آگهی نوبتی خواهد بود. ماده ۶۰ - در آگهیهای نوبتی مفاد ماده ۱۷ قانون ثبت نیز باید قید شود. ماده ۶۱ - حتی الامکان برای هر ملکی نباید یک آگهی تجدید جداگانه تهیه کرد. املاکی که برای تجدید در نظر گرفته می‌شود باید به تعداد و با رعایت اهمیت ملک و استعداد نمایندگان لاقبل برای ده الی بیست شماره از املاک شهری و اعیانی و قطعات مفروزه یک آگهی منتشر و متوالیا تجدید شود مگر آن که درخواست کننده ثبت در موقع تجدید تعیین حدود هزینه آگهی و فوق العاده و هزینه سفر نماینده را (در صورتی که لازم باشد) به وسیله اداره پردازد و نسبت به املاک مزروعی با رعایت اهمیت آن باید یک یا چند روز وقت تجدید آن را قرار دهند. ماده ۶۲ - در آگهیهای تجدیدی نسبت به املاک مزروعی شماره‌های فرعی را نیز پس از شماره اصلی ملک می‌توان برای تعیین حدود قید و آگهی کرد. ماده ۶۳ - پیش‌نویس آگهی موضوع ماده ۹ قانون ثبت باید در ۶ نسخه تهیه و برای نمونه (امضا) و انتشار به مرکز فرستاده شود. ماده ۶۴ - آگهیهای مذکوره در ماده ۵۹ باید تا ۱۵ روز قبل از انتشار به روزنامه هایی که برای انتشار آگهی تعیین شده رسیده باشد. ماده ۶۵ - برای قنوت باید در آگهی و صورت مجلس مبدأ و مظهر قنات و حقوق ارتفاقی اشخاص قید گردد. ماده ۶۶ - آگهی تجدیدی منتشر نخواهد شد مگر پس از نشر اولین آگهی نوبتی ماده ۶۷ - فاصله بین انتشار آگهی تجدیدی و روز تعیین حدود نباید کمتر از بیست و بیشتر از شصت روز باشد. ماده ۶۸ - عملیات تجدید حدود با رعایت مواد ۱۴ و ۱۵ قانون ثبت توسط نماینده به اتفاق نقشه بردار ثبت انجام خواهد شد. املاک و اراضی که قبلاً بدون نقشه کامل تجدید حدود شده در صورتی که منجر به ثبت در دفاتر املاک نگردیده باید نقشه ملک طبق صورت مجلس تجدیدی به طور صحیح ترسیم شود. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۶۹ - در صورتیکه مالک و نماینده او غایب باشد و ملک تجدید نشود باید مراتب در صورت مجلس ضمیمه قید و به نمونه (امضا) حاضرین برسد. نمایندگان که برخلاف حقیقت به بهانه غیبت مالک از تجدید ملکی خودداری کرده یا عمل طبق ماده ۱۵ ممکن بوده و اقدام نشده باشد به دادگاه اداری جلب خواهند شد. ماده ۷۰ - درخواست کننده یا نماینده او حدود ملکی را که می‌خواهد ثبت کند بطور مشخص معرفی نموده و صاحبان املاک مجاور و دخالت کنندگان چنانچه ایراد و اعتراضی دارند بیان می‌نمایند. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۷۱ - مستدعی ثبت فقط ابنیه و اجزایی را می‌تواند در موقع تعیین حدود معرفی کند که داخل در حدود مندرجه در اظهارنامه باشد و نماینده عمل باید معرفی مالک یا نماینده او را وقتی معتبر بشناسد که تصرفات او در قسمت معرفی شده محرز باشد والا از تعیین حدود خودداری خواهد نمود. ماده ۷۲ - صورت مجلس تجدید حدود باید حاوی مطالب زیر باشد و به امضا نماینده و نقشه بردار و کلیه حاضرین برسد: ۱ - تعیین روز و ماه و یا روزهایی که عملیات تعیین حدود در آن واقع شده ۲ - نام و مشخصات و محل اقامت اشخاصی که حضور داشته‌اند. ۳ - اشخاصی که اعتراض

نموده‌اند. ۴- ذکر حقوقی که دیگران در ملک مورد تحدید دارند و یا مورد تحدید در ملک دیگران دارد. ۵- ذکر حدود و مشخصات با علامات و عده و نوع فواصل آنها و شماره‌های مجاورین ۶- ذکر عبارت آگهی تحدید حدود و شماره روزنامه‌ای که آگهی در آن درج شده و گواهی صحت انتشار آگهی و یا ذکر اشتباه در آگهی مزبور. ماده ۷۳- در صورت مجلس تحدید قلم زدن و کم و زیاد نمودن عبارات به کلی ممنوع است و اگر اصلاح و توضیحی لازم باشد زیر صورت مجلس نوشته شده به نمونه (امضا) حاضرین برسد و اگر بعضی از حاضرین نخواهند نمونه (امضا) کنند این نکته در صورت مجلس قید می‌شود و کسانی که نمونه (امضا) ندارند علامت انگشت خواهند گذاشت ماده ۷۴- باید به معترضین خاطر نشان شود که اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت محل تسلیم نمایند و علاوه بر آن ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند. ماده ۷۵- در موقع تحدید حدود املاک باید نقشه کامل ملک به وسیله نقشه‌بردار ثبت ترسیم شود و حدود و مشخصات ملک با ذکر طول ابعاد و مساحت آن در صورت مجلس تحدید حدود قید گردد. تبصره - نسبت به قطعات اراضی غیرمحصور اطراف شهرها و قصبات و هم چنین اراضی قرا و مزارع قطعاتی و خرده مالک نیز به طریق فوق عمل خواهد شد و در صورت نبودن مهندس در این موارد نماینده مالکین کروکی از وضعیت کلی قطعه مورد تحدید ترسیم و طول اضلاع جهات اربعه را ولو به طور تقریب باشد تعیین و با ذکر فاصل در صورت مجلس تحدیدی قید نماید. این کروکی بایستی به امضا نماینده و مستدعی ثبت یا وکیل او برسد و پیوست صورت مجلس تحدیدی خواهد شد. ماده ۷۶- در صورتی که بتوان از روی حدود املاک مجاور حدود ملکی را تعیین نمود تجدید آگهی و اخذ دوبرابر حق الثبت مورد نخواهد داشت ماده ۷۷- در مورد املاک مشاع که قسمتی از آن درخواست ثبت و قبلا تحدید شده چنانچه نسبت به بقیه درخواست ثبت شود تحدید مجدد لازم نیست و همچنین در مواردی که املاک مجاور ملک مورد درخواستی کلا تحدید شده باشد و درخواست کننده ثبت در اظهارنامه این موضوع را متذکر شود یا اداره مطلع گردد انتشار آگهی تحدیدی و عملیات تعیین حدود نسبت به آن ملک لازم نبوده و بر طبق حدود مجاورین به ثبت خواهد رسید. ماده ۷۸- در مواردی که ملکی قبلا تحدید شده، حدود مجاورین که بعدا تحدید می‌شود باید با آن تطبیق و تبعیت نماید. ماده ۷۹- مقیاس نقشه در دهکده‌ها پنج هزار یک و در قرا و قصبات ده هزار یک و در فاصله‌هایی که حد غیرطبیعی مستقیم باشد ممکن است با مقیاس بیست هزار یک نقشه ترسیم شود. ماده ۸۰- در اراضی بیاض غیرمحصور که حدفاصل نداشته باشد باید در اطراف زمین به عمق نیم گز از طرف مالک پی حفر شود. ماده ۸۱- هرگاه در وسط ملکی، اشخاص دیگر ملک داشته باشند نقشه قطعات مزبور هم ترسیم و در صورت مجلس تحدید حدود مراتب با ذکر موقعیت مکانی و حدود و مشخصات با طول اضلاع و مساحت تصریح خواهد شد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۸۲- نسبت به املاکی که در ثبت عادی تحدید شده و در ثبت عمومی آگهی نوبتی آن منتشر می‌شود باید در آگهی‌های تحدیدی برای آن ملک نیز وقت تحدید داد و روز مقرر نماینده در محل حاضر شده در زیر صورت مجلس سابق بنویسد که از این تاریخ تا مدت سی روز اعتراض بر حدود و حقوق ارتفاقی پذیرفته می‌شود. ماده ۸۳- پس از تسلیم صورت مجلس تحدیدی مسئول اداره کتبا در زیر آن دستور ثبت در دفتر را می‌دهد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۸۴- نمایندگان محدد باید پس از خاتمه عملیات تحدیدی و ثبت صورت مجلس تعیین حدود صورت مجلس مزبور را با پرونده‌های مجاورین تطبیق نموده و پس از تکمیل آن پیش نویس سند مالکیت را تهیه و ضمیمه پرونده به شعبه بایگانی تسلیم نمایند. چنانچه معلوم شود که پرونده ناقص تحویل شده نماینده مسئول مورد تعقیب اداری واقع خواهد شد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۸۵- نصف هزینه و فوق العاده نمایندگان را می‌توان در موقع عزیمت برای عملیات تحدیدی به عنوان پیش پرداخت داد و پرداخت بقیه موکول به تکمیل و تحویل پرونده‌ها و گواهی مدیر بایگانی است

ماده ۸۶- در آگهی‌های نوبتی و تحدیدی قید می‌شود که اعتراض باید کتبی و مستقیماً به اداره ثبتی که آگهی را منتشر می‌کند تسلیم شود و معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. اداره ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه می‌دهد. مبدأ اعتراض به اصل ملک، تاریخ انتشار روزنامه است که اولین آگهی نوبتی در آن درج شده است و ادارات ثبت باید مراقبت نمایند تاریخ انتشار آگهی که در زیر آگهی هم قید شده با تاریخ انتشار روزنامه مطابق باشد. (الحاقی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره - دادگاهها در مورد دادخواستهای مربوط به اصل و حدود و حقوق املاک پس از احراز اینکه اعتراض در مواعد مقرر به اداره ثبت مربوطه تسلیم شده و داخل مدت می‌باشد به موضوع رسیدگی و الا قرار مقتضی صادر می‌نماید. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۸۷- قبل از انتشار آگهی نوبتی دادخواست اعتراض یا گواهی نامه جریان دعوا بین معترض و مستدعی ثبت پذیرفته نخواهد شد. ماده ۸۸- حذف شده است (با توجه به اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰ حذف شده است) ماده ۸۹- اعتراض اعم از اینکه در مدت قانونی داده شده باشد یا خارج از مدت باید گرفته و متصدی امر بلافاصله روی اظهارنامه ملک مورد اعتراض در مورد هر اعتراض مهری که کلمه اعتراض روی آن نقش شده باشد زده و با قید تاریخ رسید به دهنده آن داده شود و همچنین در مواردی که گواهی نامه جریان دعوا به اداره ثبت تسلیم می‌شود باید طبق این ماده عمل شود. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۹۰- در رسید دادخواست اعتراض یا گواهی نامه جریان دعوا باید تاریخ رسید با تمام حروف قید شود. ماده ۹۱- در مورد گواهینامه‌هایی نیز که مطابق ماده ۸۶ داده شده باشد متصدی امر بلافاصله روی اظهارنامه ملک در مورد هر گواهی مهری که جمله تقدیم دادخواست روی آن نقش شده باشد زده و با قید تاریخ رسید به دهنده آن داده شود. ماده ۹۲- مسئول اداره ثبت نسبت به اعتراضهایی که خارج از مدت داده می‌شود نظر خود را در زیر برگ اعتراض نوشته و در نشست اداری طبق ماده ۱۶ قانون ثبت مطرح می‌نماید تا تکلیف قطعی آن معین گردد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۹۳- در مورد گواهی‌نامه‌هایی نیز که مطابق ماده ۱۷ قانون ثبت داده شده و بنظر اداره خارج از مدت می‌باشد مدلول مواد ۸۹، ۹۰، ۹۲ در آن قسمتی که راجع به گرفتن گواهی نامه و دادن رسید و مهر اعتراض مقرر است رعایت خواهد شد. ماده ۹۴- دادخواست‌هایی که از طرف دارایی بر ثبت املاک اشخاص یا از طرف اشخاص نسبت به مورد تقاضای دارایی تسلیم شود باید به وسیله دفتر اداره کل ثبت به دیوان محاکمات دارایی فرستاده شود. ماده ۹۵- در مواردی که پرونده‌های ثبتی املاک و یا دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق از نظر رسیدگی مقامات صلاحیتدار قضایی دادگستری مورد احتیاج این مقامات باشد مدیر ثبت یا سردفتر، پرونده یا دفتر مورد احتیاج را به وسیله یکی از کارمندان به آنجا فرستاده و مقامات مذکور پس از اقدامی که برای حفظ آثار مورد نظر لازم است بلافاصله پرونده یا دفتر را به وسیله آورنده عودت می‌دهند مگر این که باقی بودن پرونده یا دفتر مزبور را ضروری تشخیص دهند و مطابق قانون چنین اجازه‌ای به مقام صلاحیتدار قضایی داده شده باشد که در این صورت می‌تواند به مسئولیت خود با تعیین مدتی که وجود پرونده یا دفتر لازم است پرونده یا دفتر را نگاهداشته و پس از رفع احتیاج فوراً به اداره ثبت یا دفترخانه مربوطه اعاده دهند. (اصلاحی مصوب ۱۳۳۴). ماده ۹۶- حذف شده است (با توجه به اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰ حذف شده است) ماده ۹۷- رییس دادگاه با دعوت اداره ثبت در غیر ساعات اداری و در موقعی که با موافقت مسئول اداره ثبت معین می‌شود در اداره ثبت حاضر و در موضوع اعتراض‌های مذکور در ماده ۹۲ و گواهی نامه مذکور در ماده ۹۳ رسیدگی و زیر برگ اعتراض یا گواهی نامه کتبا اظهار نظر می‌نماید. مسئول ثبت یا نماینده او نیز در این نشست حضور خواهد داشت (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۹۸- حذف شده است (با توجه به اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰ حذف شده است) ماده ۹۹- اعتراضی که باید برای حفظ منافع وقف به عمل آید در مورد موقوفاتی که متولی خاص ندارد به عهده اداره اوقاف و در مورد موقوفات عام المنفعه که متولی خاصی دارد

به عهده متولی یا ناظر یا اداره اوقاف است و در حبس عام المنفعه نیز اعتراضی که باید برای حفظ منافع حبس به عمل آید به عهده متصدی امور حبس است ماده ۱۰۰ - در موقوفات خاصه متولی و هریک از موقوف علیهم و در حبس به نفع اشخاص معین متصدی امور حبس و هریک از محبوس لهم می‌توانند برای حفظ منافع وقف یا حبس دادخواست اعتراض بدهند. حق مزبور را ناظر وقف نیز اگر باشد دارا می‌باشد و اعتراضی که باید برای حفظ منافع ثلث باقی داده شود به عهده وصی یا ناظر ثلث می‌باشد و در ثلث غیرباقی کسانی نیز حق اعتراض دارند که بعد از خروج ملک از حالت ثلث در آن ملک ذی حق می‌شوند. ماده ۱۰۱ - در موردی که ملکی مورد اعتراض واقع شود اعم از این که مستدعی ثبت به اعتراض معترض تمکین کند یا در دادگاه محکوم شود معترض محکوم له، جانشین مستدعی شناخته شده و چنانچه مانع دیگری نباشد ملک طبق حکم نهایی دادگاه، ثبت خواهد گردید و محتاج به آگهی مجدد به نام معترض نخواهد بود. ماده ۱۰۲ - در مواردی که قبل از اعتراض پس از خاتمه مدت قانونی مستدعی ثبتی بدون این که مطابق مقررات انتقالی واقع شود گواهی کند که تمام یا قسمتی از ملک مورد تقاضای او در موقع تقاضا متعلق به دیگری بوده آن مقدار از مورد تقاضای او خارج و مجدداً از مالک واقعی آن تقاضای ثبت پذیرفته خواهد شد.

فصل ششم - در ثبت املاک در دفتر املاک و ثبت انتقال ملک (ماده ۱۰۳ تا ۱۲۶)

ماده ۱۰۳ - پس از اتمام عملیات مقدماتی ثبت مسئول دفتر ثبت ملک را با مشخصات زیر در دفتر املاک وارد نموده و به نمونه (امضا) مدیر ثبت یا کارمندی که از طرف وزارت دادگستری برای نمونه (امضا) کردن دفتر و برگهای مالکیت مجاز است می‌رساند:

- ۱ - شماره ملک ۲ - تاریخ ثبت ملک در دفتر املاک ۳ - اسم و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور آن و محل اقامت و تابعیت مالک ۴ - نوع و مشخصات ملک و محل وقوع و اجزا و متعلقات آن ۵ - حدود ملک ۶ - بهای ملک ۷ - حقوق عینیه که اشخاص در آن ملک دارند با اسامی صاحبان حقوق و همچنین حقوق ارتفاقیه که برای ملک مورد ثبت در املاک مجاور و یا برای املاک مجاور در ملک مورد ثبت موجود است ماده ۱۰۴ - در موقع انتقال تمام یا قسمتی از ملک ثبت شده و یا واگذاری حقی نسبت به عین ملک سند معامله در دفتر اسناد رسمی ثبت و خلاصه آن در دفتر املاک زیر ثبت ملک به طریق آتی ثبت می‌شود: (اصلاحی مصوب ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴) ۱ - در مورد انتقال قطعی تمام ملک باید خلاصه انتقال را مطابق معمول در زیر ثبت ملک ثبت و خروج آن را از ملکیت مالک اولی نیز با مرکب قرمز و در ملاحظات دفتر املاک قید نمایند. ۲ - اگر انتقال راجع به قسمتی از ملک مفروز یا مشاعاً باشد خروج آن را از ملکیت مالک اولی به نحوی که به منزله ذکر خلاصه معامله نیز محسوب شود با مرکب قرمز در زیر ثبت ملک یا در ستون ملاحظات به این شرح (یک دانگ مشاع یا دو دانگ مفروز یا دو هزار گز از ملک بالا را آقای مالک به موجب سند شماره ... به آقای ... منتقل کرده و در صفحه ... این دفتر یا دفتر متمم به شماره ... ثبت و از ملکیت مالک بالا خارج گردید.) قید و سپس مورد انتقال را اگر مشاع است به نحو ثبت املاک مشاعه و اگر مفروز است به طوری که ملک مستقل با تمام مشخصات و حدود و بها و حقوق در صفحه معینی از دفتر اصلی یا متمم ثبت و در ملاحظات ثبت آن یادداشت نمایند که اصل ملک در صفحه ... دفتر ... ثبت شده یا مورد ثبت از ملک شماره ... که در صفحه ... ثبت شده افزای شده است ۳ - هرگاه نسبت به هریک از دو قسمت املاک بالا انتقالی به طور شرطی و رهنی یا قطعی واقع شود به وفق معمول سابق خلاصه آن را در زیر ثبت ملک ثبت و فسخ و فک را نیز در موقع خود در مقابل همان قسمت در ستون ملاحظات دفتر یادداشت نمایند و به همین طریق، خلاصه کلیه معاملات راجعه به عین ملک مزبور در دفتر املاک به ترتیب تاریخ، زیر یکدیگر ثبت خواهد شد. در موارد بالا سردفتر خلاصه معامله را در برگ مخصوص که برای این کار تهیه شده نوشته و به دفتر املاک حوزه ثبت ملک ارسال می‌دارد. خلاصه مذکور علاوه بر امضای متعاملین باید به امضای سردفتر و نماینده ثبت (چنانچه نماینده داشته باشد) رسیده باشد. مسئول

دفتر املاک باید خلاصه مذکور فوق را فوراً به طوری که در بالا مقرر است در زیر ثبت ملک قید نموده و به امضای مدیر ثبت برساند. در موقع فسخ معاملات نیز باید سردفتر لاشه سند باطل شده و آگهی فسخ را به اداره ثبت بفرستد تا در ملاحظات دفتر املاک قید شود. متصدیان مربوطه ثبت املاک مکلفند پس از وصول خلاصه معامله از دفترخانه در ظرف ۲۴ ساعت آن را در دفتر املاک ثبت نموده و در پرونده مربوطه بایگانی نمایند و چنانچه خلاصه معامله دارای نواقص باشد در ظرف همان مدت از دفترخانه مربوطه توضیحات لازمه (را) بخواهند. تسامح و تاخیر و یا غفلت در اجرای این دستور مستلزم تعقیب اداری و کیفر خواهد بود. هرگاه معامله راجع باشد به انتقال قطعی تمام ملک ثبت شده سردفتر انتقال را در صفحات مخصوص به انتقالات سند مالکیت قید و امضا کرده و به منتقل الیه تسلیم می‌نماید و مادام که در صفحات انتقالات جا دارد سند مالکیت به نام منتقل الیه تجدید نخواهد شد. در موردی نیز که معامله مربوط به واگذاری حق عینی نسبت به ملک باشد (مثل رهن و حقوق ارتفاقی) و یا راجع به انتقال تمام یا قسمتی از عین ملک باشد ولی با حق استرداد، سردفتر باید آن را در صفحات مخصوص به انتقالات سند مالکیت نوشته امضا نماید. در مورد عمری و رقبی و سکنی و مواردی که معامله راجع به انتقال سود ملکی برای بیش از ۳ سال باشد مقررات بالا راجع به تنظیم خلاصه سند و فرستادن آن به اداره ثبت حوزه وقوع ملک و قید آن در زیر ثبت ملک در دفتر املاک و در سند مالکیت و بایگانی نمودن خلاصه معامله در پرونده باید مجری گردد. در مواردی که معامله راجع به انتقال یک قسمت از ملک باشد خلاصه آن باید در صفحات مخصوص به انتقالات سند مالکیت قید و امضا گردیده و سند مزبور به ناقل مسترد گردد و در این صورت منتقل الیه می‌تواند به اداره ثبت حوزه وقوع ملک مراجعه کرده و برای خود سند مالکیت مستقلی بگیرد. در موارد صلحهای محاباتی با حق خیار فسخ و یا استفاده از سود و غیره برای مصالح نسبت به املاک ثبت شده مطابق خلاصه معامله با قید حق خیار و سایر حقوق منظور شده به نام متصالح در دفتر ثبت، و سند مالکیت صادر می‌شود و در صورت فسخ از طرف مصالح و یا انقضای مدت خیار یا اسقاط حق مذکور مراتب در دفتر و در برگهای مالکیت قید می‌شود. تبصره - حذف شده است (با توجه به اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰ حذف شده است) ماده ۱۰۴ مکرر - چنانچه پس از ثبت ملک در دفتر املاک مالک آن به موجب سند رسمی قراردادی نماید که بالنتیجه اعیان احداثی در آن ملک به ملکیت طرف قرارداد که مجاز در احداث اعیانی بوده، مستقر گردد خلاصه سند قرارداد او را باید در ستون انتقالات سند مالکیت و ذیل ثبت ملک قید نمود و مالک اعیانی پس از انجام عمل می‌تواند سند مالکیت آن را از اداره ثبت بخواهد. اداره ثبت وقت معاینه محل و تعیین حدود و حقوق ارتفاقی اعیانی را به مالک عرصه و مجاورین اخطار می‌نماید و در وقت مقرر صورت مجلس معاینه را تنظیم که هرگاه اختلافی نباشد با دریافت حق الثبت انتقال، سند مالکیت اعیانی را صادر خواهد نمود و در صورت بروز اختلاف و ارایه گواهی رجوع به دادگاه از تاریخ تنظیم صورت مجلس تا سی روز از صدور سند مالکیت تا صدور حکم نهایی خودداری می‌شود. (الحاقی مصوب ۱۳۲۴). ماده ۱۰۵ - در مواردی که سند مالکیت جدید صادر می‌شود باید سند مالکیت اولی باطل شده در پرونده مربوطه بایگانی و در مورد انتقال ملک به ورثه باید بعد از احراز انحصار وراثت و سمت ورثه نسبت به مورث خلاصه مفاد و شماره گواهینامه دادگاه راجع به حصر وراثت در ملاحظات دفتر قید و در زیر ثبت اولیه ملک سهم یکی از وراثت، ثبت و سهام بقیه وراثت در دفتر جاری ثبت شود (۳) و چنانچه مالک پس از خاتمه جریان ثبتی و قبل از ثبت ملک در دفتر املاک فوت شود حصه هر یک از ورثه از ملک طبق مقررات به طریقی که در تصدیق انحصار وراثت معین شده یا بین ورثه مذکور در تصدیق انحصار وراثت توافق حاصل شده باشد با قید انتقال از مورث متوفی ثبت می‌شود و دیگر ثبت ملک مستقلاً به نام مورث لازم نخواهد بود (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ۱ - هرگاه ورثه متوفی یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنها تقاضای پرداخت بهای ربع یا ثمن اعیانی زوجه متوفی را از اداره ثبت بنمایند مسئول ثبت محل، کارشناس رسمی دادگستری را برای ارزیابی تعیین می‌کند تا کارشناس بهای عادلانه اعیانی را با لحاظ ماده ۹۴۷ قانون مدنی (۴) و سایر مقررات معین نماید. ورثه می‌توانند بهای مذکور را به حساب سپرده ادارات ثبت تودیع نمایند. اداره ثبت بهای تعیین

شده ملک را به ذینفع ابلاغ واقعی می‌کند و چنانچه ذینفع فاقد نشانی باشد یا نشانی تعیین شده موافق با واقع نباشد مراتب در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار فقط یک مرتبه آگهی خواهد شد. در آگهی مزبور و همچنین در اختاریه حسب مورد باید تصریح شود که ذینفع جهت اخذ سپرده مذکور به اداره مربوطه مراجعه نماید و در صورتی که مدعی تضييع حق باشد ظرف مدت یک ماه پس از رویت اخطار یا انتشار آگهی می‌تواند به دادگاه صالحه مراجعه و گواهی طرح دعوی را به اداره ثبت محل ارائه نماید. تبصره ۲ - هرگاه ظرف مدت مرقوم گواهی طرح دعوی تسلیم نشود اداره ثبت سند مالکیت ملک را بدون استثنا بهای اعیانی صادر خواهد نمود و در صورت وصول گواهی طرح دعوی در مدت مزبور صدور سند مالکیت به شرح فوق موکول به صدور حکم نهایی است هزینه ارزیابی و آگهی به عهده متقاضی است ماده ۱۰۶ - در مواردی که مطابق ماده ۱۰۴ سند مالکیت جدید داده می‌شود بر اساس مقررات هزینه قانونی سند مالکیت جدید دریافت خواهد شد. در صورتی که املاک بعد از ثبت در دفتر املاک به قطعات مفروزه یا آپارتمان تفکیک شود در صورت درخواست مالک یا مالکین اداره ثبت مطابق صورت مجلس تفکیکی یکی از قطعات را در زیر ثبت ملک و بقیه را در صفحه یا صفحات دفتر جاری یا دفتر متمم ثبت نموده و با ابطال سند مالکیت اولیه در مورد هر یک از قطعات مفروزه یا آپارتمان ها سند مالکیت تفکیکی و جداگانه صادر خواهد شد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۱۰۷ - املاک موقوفه پس از ثبت در دفتر املاک در دفتر ثبت موقوفات نیز به ترتیب و در زیر یکدیگر ثبت خواهد شد و در دفتر مزبور احتیاج به گذاردن صفحات سفید نخواهد داشت املاک مورد ثبت باقی نیز در دفتر مزبور به ثبت خواهد رسید. ماده ۱۰۸ - نمونه (امضا) دفتر املاک باید با دست به عمل آید و نمونه (امضا) مهری ممنوع است ماده ۱۰۹ - املاکی که از جهت بنا مفروز و از حیث صحن و غیره مشاع است طبق ماده ۳ در دفتر املاک برای هر سهمی ۳ صفحه تخصیص داده می‌شود و انتقالات هر سهمی زیر ثبت همان قسمت ثبت و حدود و مشخصات و حقوق ارتفاقی قسمت مشاع را در زیر ثبت سهم اولی قید و در بقیه سهام و صفحات ذکر شماره صفحه اولیه کافی خواهد بود. ماده ۱۱۰ - هرگاه ملک مشاع در نتیجه انتقالات به یک نفر منتقل شود در صورت تقاضای مالک در ملاحظات هریک از صفحات ثبت مربوط به سهام مالکین مراتب ذکر می‌شود و انتقال مزبور در زیر ثبت آخرین سهم با رعایت مقررات بالا ثبت و اسناد مالکیت اولیه باطل و یک جلد سند مالکیت جدید صادر شود. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۱۱۱ - ثبت انتقالات قهری به نام ورثه در دفتر املاک مجانی است و حق الثبت به آنان تعلق نمی‌گیرد. (اصلاحی مصوب ۱۳۲۴). ماده ۱۱۲ - برای حقوق ارتفاقی که برای اشخاص در سند مالکیت غیرقید شده است صاحبان حقوق می‌توانند طبق ماده ۱۲۴ و ۱۲۵ قانون ثبت گواهینامه بگیرند. ماده ۱۱۳ - برای هر شخصی از هر شماره ملک باید یک جلد سند مالکیت جداگانه صادر شود. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۱۱۴ - هرگاه ملک مشاع از طرف چند نفر درخواست ثبت شده و قبل از ثبت ملک به یک نفر منتقل شود با تذکر به اسامی متقاضیانی که ملک به نام آنها آگهی شده و انتقال داده‌اند به نام منتقل الیه در یکجا ثبت شده و سند مالکیت تمام ملک صادر می‌گردد. ماده ۱۱۵ - در املاک مشاع برای هریک نسبت به سهم او یک سند مالکیت صادر خواهد شد. ماده ۱۱۶ - در ثبت اعیانی املاک مزروعی برای هر شماره دو صفحه دفتر املاک کافی است و در صورتی که ارزش آن کمتر از هزار ریال باشد برگهای مخصوصی که تنظیم شده صادر می‌گردد. ماده ۱۱۷ - تغییر در وضعیت املاک ثبت شده مستلزم تغییر سند مالکیت نیست مگر در مورد انتقال تمام یا قسمتی از آن که در این مورد سند تازه به نام منتقل الیه با ذکر مشخصات معامله صادر خواهد گردید. ماده ۱۱۸ - در قسمت املاک مشاع که یک قسمت از آن در ثبت عادی بدون ذکر شماره املاک مجاور ثبت شده و برای بقیه در ثبت عمومی سند مالکیت صادر می‌شود بایستی شماره املاک مجاور در ثبت سهام اخیر قید و در ملاحظات ثبت سهم اولیه نیز تصریح شود و در صورتی که تمام سهام ملک مشاع بدون قید شماره املاک (مجاور) ثبت شده باشد در موقع انتقال و صدور سند مالکیت تازه بایستی شماره املاک مجاورین قید گردد و همچنین نسبت به هر ملکی که در ثبت عادی سند آن صادر شده است ماده ۱۱۹ - املاک مشاعی که سهام مالکین یک قسمت از آن توأماً در یکجا ثبت و سند مالکیت صادر شده و بقیه سهام در ثبت

عمومی سند مالکیت صادر می‌شود قسمت ثبت شده به حالت اول باقی ولی برای سهم هریک از شرکای بعدی سه صفحه سفید تخصیص و در ملاحظات ثبت هریک از سهام شماره صفحات ثبت سایر سهام ذکر می‌شود. ماده ۱۲۰ - در مواردی که مالک به علت از بین رفتن یا گم شدن سند مالکیت، تقاضای صدور المثنای سند مالکیت می‌نماید بایستی طریق از بین رفتن یا گم شدن سند را کتبا به اداره ثبت محل اعلام و استشهادیه ای (که نمونه آن را سازمان ثبت اسناد و املاک کشور چاپ نموده و دو برگ برای تنظیم و تکمیل به درخواست کننده داده می‌شود)، مبنی بر شهادت و اظهار اطلاع حداقل سه نفر که هویت و امضای آنها به گواهی یک نفر از شهود مذکور رسیده و هویت و امضای نامبرده به گواهی نیروی انتظامی محل یا یکی از دفاتر اسناد رسمی رسیده باشد ضمیمه نماید. اداره ثبت پس از وصول درخواست نامه و برگ استشهاد باید نخست آن را ثبت و در دفتر املاک منعکس کند و سپس مراتب را طی بخشنامه ای به دفاتر اسناد رسمی اعلام کند و در محلهایی که از رایانه استفاده می‌شود صدور بخشنامه مزبور ضرورت نداشته و بایستی موضوع را به متصدی رایانه ابلاغ نمایند و پس از آن به هزینه درخواست کننده مراتب را یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار یا یکی از روزنامه هایی که آگهی های ثبتی در آن درج می‌شود آگهی کند. در صورتی که تا ده روز از تاریخ انتشار آگهی، اعتراضی نرسیده یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشده باشد اداره ثبت اقدام به صدور المثنی سند مالکیت خواهد نمود و در مواردی هم که مندرجات صفحه یا صفحات سند مالکیت مفقود گردیده می‌بایست المثنی صادر گردد. سند مالکیت المثنی حاوی کلیه مندرجات سند مفقودی است (ذکر اسناد شرطی و رهنی که فسخ و یا فک شده ضرورتی ندارد) در آگهی که در روزنامه منتشر می‌شود باید مطالب زیر قید شود: ۱- نام و نام خانوادگی مالک ۲- شماره پلاک و بخش و محل وقوع ملک ۳- خلاصه ادعای از بین رفتن یا گم شدن سند مالکیت ۴- معاملات که به حکایت سابق ثبتی و اظهار مالک مستند به سند رسمی در سند مالکیت نوشته شده است ۵- تذکر به این که هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای کرده که در قسمت ۴ ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد، باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید. و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنای سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. (در صورت ارایه سند مالکیت یا سند معامله، صورت مجلس مبنی بر وجود آن نزد معترض در دو نسخه تنظیم و یک نسخه آن به متقاضی المثنی تسلیم و اصل سند به ارایه دهنده مسترد می‌شود). در صورتی که در آگهی مذکور اشتباهی رخ دهد تشخیص اشتباه و صدور دستور رفع اشتباه به عهده مسئول اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مربوط خواهد بود. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ۱- اداره ثبت مکلف است هنگام صدور المثنی سند مالکیت، مراتب را به دفاتر حوزه خود کتبا اعلام و متذکر شود که هر موقع نسبت به پلاک موضوع المثنی سند مالکیت بخواهند هرگونه سند معامله ای تنظیم نمایند (اعم از این که به استناد اصل سند مالکیت باشد یا المثنی جریان ثبتی ملک را استعمال و سپس در صورت نبودن مانع اقدام به تنظیم و ثبت معامله کنند. هریک از دفترخانه ها مکلفند دفتری برای ثبت شماره پلاک این قبیل املاک داشته باشند که در موقع تنظیم اسناد به آن مراجعه نموده و در صورتی که مورد معامله از املاکی باشد که نسبت به آن سند مالکیت المثنی صادر شده باید قبلا جریان ثبتی ملک را استعمال و در صورت نبودن مانعی اقدام به تنظیم سند نمایند و در محل هایی که از رایانه استفاده می‌شود نیاز به اعلام موضوع به دفاتر اسناد رسمی نمی‌باشد ولی دفاتر با توجه به سند مالکیت المثنی در موقع انجام معامله باید جریان ثبتی را استعمال و سپس در صورت نبودن مانع اقدام به تنظیم و ثبت معامله نمایند. تخلف از رعایت دستور فوق مستلزم کیفر درجه سه به بالا مقرر در ماده ۳۸ قانون دفاتر اسناد رسمی است (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ۲- در مواردی که سند مالکیت در ید ثالث بوده و دادگاه حکم به استرداد آن می‌دهد و با صدور اجراییه نیز استرداد سند مالکیت مقدور نمی‌شود مالک می‌تواند با اخذ گواهی از دادگاه صادرکننده حکم و تسلیم آن به اداره ثبت مربوطه تقاضای صدور سند مالکیت المثنی بنماید. در این مورد ارائه فرم استشهاد و

انتشار آگهی فقدان سند مالکیت ضرورت نداشته، اداره ثبت باید با رعایت تبصره یک طبق گواهی دادگاه مبادرت به صدورالمثنی نماید. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ۳- هرگاه بعضی از ورثه با تسلیم رونوشت گواهی انحصار وراثت و سایر مدارک ضروری صدور سند مالکیت، سهمیه خود را از ماترک مورث تقاضا نمایند و اعلام بدارند که سند مالکیت مورث نزد احد از وراثت است که از ابراز و تسلیم آن به وارث یا اداره ثبت خودداری می‌نماید اداره ثبت مکلف است پس از اخطار به شخص مذکور و انقضای مدت ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه مراتب را یکبار در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی نماید. چنانچه دارنده سند مالکیت بدون مجوز قانونی ظرف مهلت معین شده در آگهی، سند مورد مطالبه را تسلیم ننماید سند مالکیت وراثت متقاضی را با رعایت کلیه مقررات قانونی صادر و تسلیم خواهد کرد و بلافاصله طی بخشنامه‌ای به کلیه دفاتر اسناد رسمی اعلام خواهد نمود که هر موقع سند مورث ابراز گردید آن را اخذ و برای اقدام به اداره ثبت ارسال دارند. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ۴- در مواردی که سند مالکیت بنام دولت صادر گردیده و یا سند مالکیت بنام دیگری صادر و بعداً به دولت منتقل شده باشد و مرجع ذیربط به علت از بین رفتن و یا گم شدن سند مالکیت مربوطه با گواهی وزارت دارایی و امور اقتصادی تقاضای صدور المثنای سند مالکیت مفقوده را می‌نماید از شمول این ماده مستثنی است (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ۵- هرگاه به علت ریختن جوهر یا سوختگی یا پارگی و یا جهات دیگری قسمتی از سند مالکیت از بین رفته باشد و یا قابل استفاده نباشد اداره ثبت با انجام تشریفات مقرر در این ماده اقدام به صدور المثنای سند مالکیت خواهد نمود و سند مالکیت ناقص را باطل و در پرونده بایگانی می‌نماید. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره ۶- در صورت اعلام کتبی مالک مبنی بر پیدا شدن سند مالکیت اولیه چنانچه با سند مالکیت المثنی معامله‌ای انجام نشده باشد سند مالکیت المثنی باطل و مراتب پیرو بخشنامه مربوط به دفاتر اسناد رسمی تابعه اعلام گردد و چنانچه با سند مالکیت المثنی معامله‌ای انجام شده باشد سند مالکیت اصلی اخذ و پس از ابطال در پرونده ثبتی مربوط ضبط گردد. (الحاقی ۸/۱۱/۱۳۸۰) ماده ۱۲۱- برای هر سهمی از املاک مشاع یک پیش‌نویس سند مالکیت تنظیم می‌گردد و حدود کلیه ملک در یکی از پیش‌نویس‌ها قید و در بقیه، اشاره به پیش‌نویس مزبور می‌شود و به همین ترتیب در دفتر املاک ثبت و در زیر هر سهمی نوشته می‌شود که حدود، مطابق حدودی است که در صفحه شماره فلان نوشته شده ماده ۱۲۲- در مورد وصیت نسبت به ملک ثبت شده باید مفاد وصیت در سند مالکیت مثل سایر معاملات قید شده خلاصه آن به دفتر املاک فرستاده شود و همچنین در موقع عدول از وصیت ترتیب مزبور رعایت و در صورتی که ملک مورد وصیت ثبت نشده باشد باید مفاد وصیت در پرونده ثبتی بایگانی و موقع صدور سند مالکیت رعایت گردد. ماده ۱۲۳- در مورد ثمن اعیانی که ضمن درخواست ثبت ملک یا مستقیماً به عنوان ثمن اعیانی درخواست و آگهی شده باشد سند مالکیت صادر می‌گردد ولی هرگاه در درخواست بهای ثمن اعیانی گواهی شده باشد فقط به صاحب آن گواهی نامه حق مزبور داده می‌شود. ماده ۱۲۴- در مواردی که برای استیفای طلب بستانکار طبق حکم دادگاه ملک مدیون به طرف بستانکار داده می‌شود اداره ثبت باید متصرف را جانشین مدیون شناخته و اگر ملک به نام مدیون به ثبت رسیده باشد مطابق همان حکم ملک را به نام محکوم له مثل مورد انتقال ثبت نماید. ماده ۱۲۵- املاک مشاعی که اولین سهم آن در دفتر املاک ثبت می‌شود، باز گذاشتن صفحات سفید برای ثبت بقیه سهام آن لازم نیست و باید بقیه سهام را به ترتیب طبق معمول در دفاتر جاری ثبت و شماره صفحه و ثبت آن را در ستون ملاحظات ثبت سهم اول قید نمایند و نسبت به صفحاتی که تا این تاریخ برای ثبت بقیه سهام باز گذاشته شده در همان صفحات سفید ثبت گردد. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰) تبصره - حذف شده است (۵) ماده ۱۲۶- در مورد قنوت مستقل، دفتری به نام دفتر ثبت قنوت تخصیص داده می‌شود تا کلیه قنوتی که مستقلاً مورد معامله واقع می‌شود و تابع املاک نیست در آن دفتر به ثبت برسد و با رعایت تعداد قنوت هر ناحیه و به نسبت سهام و عده مالکین آن باید یک یا چند دفتر را برای قنوت یک یا چند ناحیه اختصاص داده شود. (اصلاحی ۸/۱۱/۱۳۸۰)

فصل هفتم - محققین ثبت (مواد ۱۲۷ تا ۱۶۰)

مواد ۱۲۷ تا ۱۶۰ راجع به محققین ثبت بوده که با حذف مورد محققین ثبت از تشکیلات سازمانی ثبت ، عملاً ملغی شده است

فصل هشتم - در مقررات مختلفه (ماده ۱۶۱ تا ۱۶۴)

ماده ۱۶۱ - در مورد املاکی که به ثبت نرسیده ولی شماره ملک از طرف اداره ثبت تعیین شده است ، دفاتر اسناد رسمی مکلف هستند که مطابق ماده ۱۰۴ این آیین نامه خلاصه معامله را تهیه و به طوری که در ماده مزبور مقرر است به اداره ثبت بفرستند که در پرونده مربوطه بایگانی و در موقع ثبت ملک منظور گردد و همچنین در مورد فسخ معاملات املاک ثبت نشده مقررات ماده مزبور لازم الرعایه است ماده ۱۶۲ - مدیران ثبت و هریک از نمایندگان و کارمندان که دخالت در کار ثبت املاک دارند باید در ابتدای تصدی دو برگه نمونه از برگهای مخصوصی که تهیه شده است نمونه (امضا) نموده به اداره ثبت تسلیم دارند که یک برگ در ثبت محل باقی مانده و دیگری به اداره کل ثبت فرستاده شود. ماده ۱۶۳ - هر موقع که اداره ثبت طبق قانون المثنی سند مالکیت می دهد باید در ستون ملاحظات دفتر املاک در مقابل ثبت ملک تاریخ صدور المثنی را قید کند. ماده ۱۶۴ - آیین نامه شماره ۱۰۴۵ مورخ شانزدهم فروردین ۱۳۱۱ نسخ و این آیین نامه جایگزین آن خواهد بود.

قانون تمدید مدت مواد اصلاحی ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت اسناد و املاک کشور - مصوب ۱۸/۸/۱۳۷۸

مصوب ۱۸/۸/۱۳۷۸ (روزنامه رسمی شماره ۱۵۹۵۰ ۷/۹/۱۳۷۸) ماده واحده - مهلت مذکور در تبصره (۲) ماده (۷) قانون اصلاح مواد (۱) و (۲) و (۳) قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۳۱/۴/۱۳۶۵ و الحاق موادی به آن مصوب ۲۱/۶/۱۳۷۰ به مدت پنج سال دیگر از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون تمدید می شود. تبصره - سازمان ثبت اسناد و املاک موظف است با افزایش تعداد کمیسیون های موضوع قانون فوق ترتیبی اتخاذ نماید که به کلیه پرونده ها در مدت پنج سال رسیدگی شود.

قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر رسمی - مصوب ۲۷ شهریور ماه ۱۳۲۲ و ۱۳۳۵

مصوب ۲۷ شهریور ماه ۱۳۲۲ و ۱۳۳۵ ماده ۱ - هرکس دستور اجرای اسناد رسمی را مخالف با مفاد سند یا مخالف قانون دانسته یا از جهت دیگری شکایت از دستور اجرای سند رسمی داشته باشد می تواند به ترتیب مقرر در آیین دادرسی مدنی اقامه دعوا نماید. ماده ۲ - مرجع رسیدگی به دعاوی ناشی از دستور اجرای اسناد رسمی دادگاه صلاحیت دار محلی است که در حوزه آن دستور اجرا داده شده ماده ۳ - رسیدگی به دعاوی مزبور تابع مقررات دادرسی اختصاری بوده و خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد. ماده ۴ - اقامه دعوا مانع از جریان عملیات اجرایی نیست مگر در صورتی که دادگاه حکم به بطلان دستور اجرا داده و یا قرار دایر به توقیف عملیات اجرایی بدهد. ماده ۵ - در صورتی که دادگاه دلایل شکایت را قوی بداند یا در اجرای سند رسمی ضرر جبران ناپذیر باشد به درخواست مدعی بعد از گرفتن تامین ، قرار توقیف عملیات اجرایی را می دهد. ترتیب تامین همان است که در قوانین دادرسی مدنی برای تامین خواسته مقرر است و در صورتی که موضوع سند لازم الاجرا وجه نقد باشد و مدعی وجه نقد بدهد آن وجه در صندوق ثبت محل توقیف می شود و تامین دیگر گرفته نخواهد شد. ماده ۶ - هریک از طرفین می توانند در اثنای رسیدگی

به دعوا جبران خسارت، مالی را که تامین داده و یا خساراتی که به سبب توقیف عملیات اجرایی به او وارد شده است بخواهد و در این صورت دادگاه ضمن حکم راجع به اصل دعوا یا به موجب حکم علیحده محکوم علیه را به پرداخت خسارت ملزم خواهد نمود و در صورتی که موضوع اجرا وجه نقد باشد و یا برای توقیف عملیات اجرایی وجه نقد تامین شده باشد خسارت از قرار صدی دوازده در سال خواهد بود. ماده ۷- هرگاه مدلول سند قبل از صدور حکم ابطال اجرا شده باشد پس از قطعیت آن حکم عملیات اجرایی به حالت قبل از اجرا برمی گردد. ماده ۸- ترتیب اجرای مفاد اسناد رسمی و عملیاتی که اجرا متوقف بر آن است از ابلاغ و توقیف اموال و اشخاص و هزینه های اجرایی و مصارف آن و تعیین حق الاجرا در مواردی که در قانون معین نشده و مقتضی باشد و وصول حق الاجرا و نیز ترتیب شکایت از طرز عمل و اقدامات اجرایی و مرجع رسیدگی به آن و به طور کلی آنچه برای اجرای اسناد رسمی لازم است طبق آیین نامه وزارت دادگستری خواهد بود. ماده ۹- هزینه مسافرت و فوق العاده مهندسین و نمایندگان و سایر مأمورین و کارمندانی که از محل هزینه مقدماتی استخدام شده‌اند و همچنین حقوق کارمندان و خدمتگزاران جز و رانندگان و بهای لباس و عیدی و سایر مزایای مربوطه آنها و دستمزد کارشناسان قراردادی که از محل مذکور استخدام شده‌اند و سایر هزینه های مربوطه که طبق مقررات عمومی مجاز باشد از محل درآمد مقدماتی مطابق آیین نامه ای که وزارت دادگستری تنظیم خواهد نمود پرداخت می شود. مستخدمین و کارمندان و رانندگانی که طبق مقررات قبلی استخدام شده‌اند مشمول مقررات بالا خواهند بود. «اصلاحی مصوب ۱۳۳۵». ماده ۱۰- ماده ۹۴ قانون ثبت مصوب ۲۶ اسفند ۱۳۱۰ و مواد (۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴) قانون دفتر اسناد رسمی مصوب خرداد ماه ۱۳۱۷ و تبصره اضافی به ماده ۶۴ مصوب مهرماه ۱۳۱۷ و آن قسمتی از شق ۲ ماده ۲۵ مکرر از قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۶ مرداد ۱۳۲۰ که راجع است به هیأت رفع اختلاف و دادرس دادگاه شهرستان در مورد رسیدگی به شکایات مربوطه به اجرای مفاد اسناد رسمی و هر قانون دیگر در قسمتی که مخالف این قانون باشد نسخ می شود. «قانون دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶ می باشد.»

لایحه قانونی راجع به اشتباهات ثبتی و اسناد مالکیت معارض - مصوب دی ماه ۱۳۳۳

مصوب دی ماه ۱۳۳۳ کمیسیونهای مشترک دو مجلس با اصلاحیه های بعدی ماده ۱- ملغی شده (طبق قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۸/۱۰/۱۳۵۱ و قانون اشتباهات ثبتی و اسناد معارض مصوب ۱۸/۱۰/۱۳۵۱) ماده ۲- در کلیه مواردی که هیات نظارت طبق بند ۲ از ماده ۲۵ اصلاحی سال ۱۳۱۷ قانون ثبت یا به موجب این قانون به اشتباهات رسیدگی می نماید می تواند با تعیین فهرستی از نوع اشتباهات که به نظر هیات موثر یا غیر موثر تشخیص گردیده دستور رفع اشتباه و اصلاح ثبت ملک یا اجرای شقوق ۵ و ۶ و ۷ ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت را به روسای ثبتی که مقتضی بدانند، بدهد. ماده ۳- هر موقع در هیات نظارت تشخیص شود نسبت به ملکی کلا یا بعضا اسناد مالکیت معارض صادر شده خواه نسبت به اصل ملک خواه نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی آن به ترتیب زیر عمل خواهد شد: (اصلاحی مصوب ۱۳۵۱). ۱- سند مالکیت ثبت مقدم تا موقعی که به موجب حکم نهایی دادگاه ابطال نشده است معتبر شناخته خواهد شد و سند مالکیت ثبت موخر تا زمانی که حکم نهایی از دادگاه به صحت آن صادر نشده باشد نسبت به مورد تعارض سند معارض تلقی می شود. ۲- ادارات ثبت مکلفند به محض اطلاع از صدور اسناد معارض وجود سند مالکیت معارض (ثبت موخر) و همچنین سند مالکیت ثبت مقدم را به دفاتر اسناد رسمی حوزه مربوط کتبا ابلاغ نمایند و گزارش امر را جهت اتخاذ تصمیم به هیات نظارت ارسال دارند. در صورتی که هیات نظارت یا شورای عالی ثبت در تجدید رسیدگی وقوع تعارض را محرز بداند ثبت محل مراتب را کتبا به دارنده سند مالکیت معارض (ثبت موخر) ابلاغ می نماید. چنانچه دارنده سند مالکیت معارض با اختطاری که طبق مقررات آیین دادرسی مدنی به او ابلاغ شده است در مدت دو ماه از تاریخ ابلاغ به دادگاه محل وقوع ملک مراجعه نکند و گواهی طرح دعوا را به اداره ثبت محل تسلیم و رسید اخذ ننماید و دارنده سند مالکیت

مقدم گواهی عدم طرح دعوا را از مراجع صالحه در مدت مزبور تقدیم دارد اداره ثبت بطلان سند مالکیت معارض را نسبت به مورد تعارض در ستون ملاحظات ثبت ملک قید و مراتب را به دارنده سند مزبور و دفاتر اسناد رسمی اعلام خواهد نمود. ماده ۴ - دارنده سند مالکیت مقدم قبل از تعیین تکلیف نهایی در دادگاه می‌تواند نسبت به مورد سند مالکیت معامله کند ولی دفاتر اسناد رسمی مکلف اند در متن سند قید کنند نسبت به مورد معامله سند معارض صادر شده و مادام که تکلیف نهایی طبق این قانون معلوم نشده به خریدار ، سند مالکیت جدید داده نخواهد شد و همین حکم نسبت به انتقالات بعدی هم جاری است ماده ۵ - دارنده سند مالکیت معارض مادام که تکلیف نهایی سند مزبور در دادگاه معلوم نشده حق هیچ گونه معامله نسبت به آن ندارد ولی می‌تواند حقوق متصوره خود را به دیگری انتقال دهد. تبصره - دادگاه پس از رسیدگیهای لازم هر یک از اسناد معارض را که تشخیص دهد جریان ثبتی آن بر طبق قانون و مقررات صحیحا انجام شده تعیین و حکم ابطال سند دیگر را خواهد داد. ماده ۶ - کسی که طبق ماده فوق ممنوع از معامله است هرگاه نسبت به ملک مزبور معامله نماید پس از صدور حکم نهایی بر بطلان سند موخر التاریخ و با انقضای مدت دو ماه و عدم مراجعه دارنده سندی که تاریخا موخر است به محاکم ، به جریمه نقدی معادل یک برابر بهای مورد معامله محکوم خواهد شد و نیز سردفتران اسناد رسمی هم که با وجود اخطار اداره ثبت در مورد سند مالکیت معارض اقدام به ثبت معامله نمایند به انفصال ابد از شغل سردفتری محکوم خواهند شد. ماده ۷ - کارمندان اداره ثبت که عمل مخالف مقررات آنها موجب صدور سند مالکیت معارض یا معاملات متعدد بشود در دادگاه اداری مورد تعقیب و به انفصال موقت که کمتر از دو سال نخواهد بود و یا انفصال ابد به تناسب موضوع محکوم می‌شوند و تخلف آنها مشمول مرور زمان تخلفات اداری نخواهد بود.

فهرست اشتباهات ثبتی - مصوب ۱۳۵۳ ۲ ۲۸

مصوب ۱۳۵۳ ۲ ۲۸ چون منظور از تصویب مواد اصلاحی قانون و آیین نامه ها انجام مراجعات و مشکلات ارباب رجوع می‌باشد و از طرفی در امور جاری هیات نظارت ملاحظه می‌شود نسبت به بعضی موارد که اتخاذ تصمیم از ناحیه روسای واحدهای ثبتی (با اجازه این هیات در ظرف مدتی اندک امکان دارد و با رد و بدل شدن گزارشها و احیانا مکاتبات متعددی که برای روشن شدن مطالب به عمل می‌آید مدت‌ها وقت مامورین محلی و هیات نظارت اشغال و طبعاً اتخاذ تصمیم مدتی به تاخیر می‌افتد علیهذا هیات نظارت ثبت منطقه مرکزی با اختیار حاصله از ماده ۱۰ آیین نامه ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت در جلسه مورخ ۲۸ خرداد ۱۳۵۳ ضمن تعیین موارد جدیدی علاوه بر موضوعات مذکور در دستور شماره ۳۷۰۰ - ۲۴ ۸ ۱۳۵۲ کلیه مواردی که اتخاذ تصمیم درباره آنها طبق نظریه کلی این هیات به عهده آقایان روسای واحدهای ثبتی گذارده می‌شود به شرح زیر تایید و تصویب می‌نماید الف - اشتباهات موثر در آگهی های نوبتی ۱ - اشتباه در نام متقاضی ثبت یا قایم مقام قانونی او. ۲ - اشتباه در نام خانوادگی متقاضی ثبت در مواردی که نام خانوادگی اساساً آگهی نشده و یا تمام نام خانوادگی اشتباه شده باشد. ۳ - اشتباه در محل وقوع ملک در صورتی که طوری ذکر شده باشد که منطبق با محل دیگری گردد. ۴ - اشتباه در نوع ملک ۵ - اشتباه در شماره اصلی ملک یا عدم ذکر آن ۶ - اشتباه در شماره فرعی ملک در مواردی که اشتباه در اظهارنامه هم به عمل آمده باشد. ۷ - اشتباه در نام قریه یا مزرعه یا قنات مورد تقاضای ثبت ۸ - در مواردی که تقاضا به دیگری منتقل شده و پرونده حاکی از امر انتقال بوده معیناً اشتباه آگهی های نوبتی به نام انتقال دهنده منتشر شده باشد. ب - اشتباهات غیر موثر در آگهی های نوبتی ۱ - اشتباه در شماره فرعی ملک که در اظهارنامه صحیحا قید ولی در آگهی اشتباه شده باشد. ۲ - اشتباه در مضاف الیه نام خانوادگی یا عدم ذکر مضاف الیه ۳ - عدم قید نام خانوادگی مالک در صورتی که نام پدر قید شده باشد. ۴ - هرگاه آگهی زاید بر میزان مورد تقاضای ثبت منتشر شده باشد. ۵ - هرگاه اطلاع اداره ثبت از وقوع معامله بعد از انتشار آگهی ها بوده و مورد تقاضا به نام انتقال دهنده آگهی شده باشد. ۶ - اشتباه در

ذکر شهرت ملک یا عدم ذکر آن ج - اشتباهات موثر در آگهی تحدیدی ۱ - اشتباه در شماره پلاک اعم از اصلی یا فرعی یا عدم ذکر هر یک از آنها. ۲ - اشتباه یا عدم ذکر نام یا نام خانوادگی متقاضی ثبت یا قایم مقام قانونی وی ۳ - اشتباه در محل وقوع ملک و همچنین عدم ذکر محل وقوع ملک ۴ - اشتباه در نوع ملک همچنین عدم ذکر نوع ملک ۵ - عدم رعایت ماده ۱۴ قانون ثبت به این ترتیب که در انتشار آگهی تحدیدی رعایت ترتیب شماره املاک نشده باشد. ۶ - عدم رعایت ماده ۶۷ آیین نامه قانون ثبت که باید فاصله انتشار آگهی تحدید و روز تحدید حدود کمتر از بیست روز و بیش از ۶۰ روز نباشد. ۷ - در صورتی که با وجود اطلاع اداره از وقوع معامله قبل از انتشار آگهی تحدیدی اشتباه آگهی تحدیدی به نام فروشنده منتشر شده باشد. ۸ - اشتباهات غیر موثر در آگهی تحدیدی ۱ - اشتباه در مضاف الیه نام خانوادگی یا عدم قید آن ۲ - عدم قید و یا اشتباه در ذکر نام و نام خانوادگی بعضی از شرکا مشروط بر اینکه حداقل نام و نام خانوادگی یکی از متقاضیان صحیح آگهی شده باشد. ۳ - اشتباه در ذکر مقدار مورد تقاضا اعم از اینکه بیشتر یا کمتر آگهی شده باشد. ۴ - اشتباه در نشر آگهی به نام فروشنده در صورتی که اطلاع اداره از وقوع معامله پس از انتشار آگهی تحدید باشد. ۵ - انتشار آگهی تحدید حدود اختصاصی قبل از آگهی انتشار ماده ۱۴ قانون ثبت ۵ - اشتباهات در عملیات ثبتی ۱ - هرگاه صرفاً در ذکر جهات اربعه ملک در صورت مجلس تحدید حدود اشتباه شده باشد پس از تطبیق با مجاورین که تحدید آنها به عمل آمده و احراز عدم تجاوز به مجاورین و شوارع اصلاح صورت مجلس تحدید بلامانع است ۲ - هرگاه تحدید حدود ملکی به معرفی مالک یا نماینده قانونی او در وقت مقرر به عمل آمده و اشتباه صورت مجلس تحدید حدود به امضا مالک یا نماینده قانونی او نرسیده باشد در صورتی که با مجاورین اختلافی در بین نباشد مانعی ندارد که صورت مجلس تحدیدی با حضور نماینده ثبت به امضا متقاضی یا قایم مقام قانونی او برسد. ۳ - هرگاه تحدید حدود در غیر روز مذکور در آگهی تحدیدی به عمل آمده و همچنین در صورتی که صورت مجلس تحدیدی به امضا نماینده محدود نرسیده باشد در هر دو مورد عملیات تحدیدی با انتشار آگهی تحدیدی تجدید خواهد شد. ۴ - در مواردی که نقشه بردار در عملیات تحدیدی حاضر بوده و نقشه مربوطه را تهیه و امضا و تسلیم نموده است و صورت مجلس تحدیدی هم با ذکر طول اضلاع تنظیم شده ولی اشتباه صورت مجلس به امضا نقشه بردار نرسیده باشد در صورتی که نقشه با صورت مجلس تحدیدی از هر حیث منطبق بوده و هیچ گونه اختلافی نداشته باشد ادامه عملیات ثبتی بلامانع است و - اشتباهات در املاک ثبت شده ۱ - هرگاه شماره و یا شهرت و یا نوع ملک و یا محل وقوع آن و همچنین نام یا نام خانوادگی مالک در اظهارنامه و آگهی های نوبتی صحیحاً قید ولی در موقع ثبت ملک در دفتر املاک یا سند مالکیت یا در یکی از موارد مذکور اشتباهی شده باشد پس از رسیدگی و احراز وقوع اشتباه مراتب در ستون ملاحظات ثبت و سند مالکیت توضیح داده شود. ۲ - هرگاه نام پدر مالک یا شماره شناسنامه مالک یا محل صدور آن در اظهارنامه صحیحاً قید ولی در موقع ثبت ملک در دفتر املاک یا در سند مالکیت اشتباهی شده باشد، پس از رسیدگی و تطبیق شناسنامه متقاضی با اظهارنامه و نبودن اختلافی در سایر مشخصات شناسنامه در رفع اشتباه به طریق فوق اقدام گردد. ۳ - هرگاه نام یا نام خانوادگی یا شماره شناسنامه مالک در اظهارنامه و آگهی یا یکی از آنها اشتباه شده و با همان اشتباه ملک به ثبت رسیده باشد پس از انطباق شناسنامه متقاضی بوسیله تحقیق از اداره ثبت احوال و احراز تصرفات مالکانه و بلامعارض بودن آن و نبودن اختلافی در سایر مشخصات شناسنامه به ترتیب فوق در رفع اشتباه اقدام گردد. ۴ - هرگاه سهم مالک اشتباهاً زاید بر میزانی که تقاضا و آگهی شده یا مورد انتقال واقع گردیده ثبت و سند مالکیت صادر و تسلیم شده باشد و مالک در اداره حاضر و کتبا این موضوع را گواهی و سند مالکیت را برای اصلاح تسلیم نماید با قید توضیح لازم در ملاحظات ثبت ملک و سند مالکیت در رفع اشتباه اقدام شود. ۵ - هرگاه در تعیین شماره ملک یکی از مجاورین در صورت مجلس تحدیدی و ثبت ملک یا یکی از آنها اشتباه شده باشد با معاینه محل و تطبیق با پرونده مجاور و احراز وقوع اشتباه و نبودن اختلاف و تعارض در صورتی که در حد فاصل تغییری داده نشود و اقدام به رفع اشتباه خللی به حق غیرنرساند در رفع اشتباه با قید شماره صحیح ملک در ملاحظات ثبت ملک و سند مالکیت اقدام شود. ۶ - هرگاه معامله از نوع

شرطی یا رهنی یا اجاره و امثال آن بوده ولی در موقع ثبت آن اشتباها به عنوان معامله قطعی ثبت دفتر املاک شده باشد و یا بالعکس پس از احراز وقوع اشتباه و تحقیق از دفترخانه مربوطه در صورتی که سند مالکیت از این جهت اشتباهی نداشته باشد دفتر املاک اصلاح والا پس از مطالبه و ملاحظه سند مالکیت یک جا اقدام گردد. ۷- در موردی که ثبت ملک در دفتر املاک به استناد سند انتقال رسمی بوده و در یکی از مشخصات شناسنامه انتقال گیرنده موقع تنظیم سند انتقال اشتباهی رخ داده باشد و با همان اشتباه ملک به نام خریدار به ثبت رسیده و سند مالکیت صادر شده باشد باید در صورت امکان بدوا در اصلاح سند رسمی وسیله دفترخانه مربوطه طبق مقررات اقدام و سپس مراتب در ملاحظات ثبت ملک و سند مالکیت قید شود و در صورت عدم حضور طرف معامله با تحقیق از اداره ثبت احوال و احراز اشتباه به شرح فوق اقدام گردد. ۸- هرگاه در سند مالکیت و ثبت دفتر املاک به واسطه اشتباه دفترخانه در تنظیم خلاصه معامله برخلاف مدلول سند انتقال اشتباهی روی داده باشد پس از احراز وقوع اشتباه و اعلام کتبی دفترخانه مربوط دایر بر اینکه سند معامله صحیح تنظیم گردیده با توضیح لازم در ستون ملاحظات ثبت یا سند مالکیت در رفع اشتباه اقدام گردد. ۹- در مواردی که حدود اربعه ملک در صورت مجلس تحدید یا صورت مجلس تفکیک یا تقسیم‌نامه رسمی یا دادنامه به طور صحیح قید شده ولیکن در موقع ثبت ملک در دفتر املاک حدی ساقط یا اشتباه شود پس از احراز وقوع اشتباه با توجه به سوابق مربوطه و انطباق با مجاور و نبودن اختلاف، مراتب در ملاحظات ثبت و سند مالکیت قید شود. ۱۰- هرگاه در ذکر جهات اربعه ملک اشتباه شده و با همان اشتباه ملک در دفتر املاک ثبت شده باشد پس از احراز اشتباه به شرط اینکه اختلافی با مجاورین و همچنین اختلافی در حد فاصل نباشد اصلاح آن بلامانع است ز- امور متفرقه ۱- هرگاه در نتیجه تغییر وضع مجاور املاک ثبت شده و تبدیل حد به کوچه اصلاح سند مالکیت در حدی که قبلا به ملک مجاور و فعلا به کوچه محدود است تقاضا شود در صورتی که کوچه مورد بحث بن بست نباشد و شهرداری نیز عمومی بودن کوچه را تایید نماید اصلاح ثبت دفتر املاک و سند مالکیت از این جهت مانعی نخواهد داشت ۲- در مورد کسر مساحت و طول اضلاع چنانچه مالک کتبا تقاضای اصلاح سند مالکیت خود را بنماید و با کسر مساحت و طول اضلاع موافق باشد و مورد ثبت در وثیقه و بازداشت و بند (ز) نباشد اصلاح ثبت ملک و سند مالکیت بلامانع است ۳- در مواردی که مساحت و طول اضلاع ملکی به منظور اجرای طرح شهرداری کسر و ثبت دفتر املاک و سند مالکیت اصلاح شده باشد و بعدا شهرداری از طرح اصلاحی انصراف حاصل نماید و مالک تقاضای اصلاح سند مالکیت را به صورت اولیه بنماید اصلاح ثبت و سند به وضع اولیه به شرط موافقت شهرداری بلامانع است

قانون راجع به رشد متعاملین - مصوب شهریور ماه ۱۳۱۳

ماده واحده - از تاریخ اجرای این قانون در مورد کلیه معاملات و عقود و ایقاعات به استثنای نکاح و طلاق، محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی باید کسانی را که به سن ۱۸ سال شمسی تمام نرسیده‌اند اعم از ذکور و اناث غیررشید بشناسند مگر آنکه رشد آنها قبل از اقدام به انجام معامله یا عقد و یا ایقاع به طرفیت مدعی العموم در محاکم ثابت شده باشد. اشخاصی که به سن ۱۸ سال شمسی تمام رسیده‌اند در محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی رشید محسوب می‌شوند مگر این که عدم رشد آنها به طرفیت مدعی العموم در محاکم ثابت گردد. مناط تشخیص سن اشخاص اوراق هویت آنهاست مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

قانون تعیین تکلیف پرونده های معترضین ثبتی که فاقد سابقه بوده و یا اعتراض آنها در مراجع ق

مصوب ۲۵ ۲ ۱۳۷۳ ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون اعتراضاتی که موجب مادیتین ۱۶ و ۲۰ قانون ثبت تا پایان سال ۱۳۶۰

نسبت به اصل یا حدود املاک به مرجع قضایی ذریب ارسال گردیده و به هر علت سابقه اعتراض در مراجع قضایی وجود ندارد معترضین یا قایم مقام قانونی آنان می‌توانند حداکثر ظرف مدت ۶ ماه دیگر از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون دادخواست اعتراض خود را با در دست داشتن مدارک لازم به دادگاه صالح تقدیم نموده گواهی لازم در این مورد اخذ و به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم دارند اگر در این مدت بدون عذر موجه شرعی مراجعه نمایند معرض شناخته خواهند شد. تبصره ۱ - متقاضیان ثبت املاک یا قایم مقام قانونی آنها که نسبت به تقاضای ثبت آنان اعتراض شده و از طرف معترض یا معترضین در مهلت تعیین شده فوق گواهی مربوط را به ثبت محل تسلیم نموده‌اند می‌توانند با مراجعه به دادگاه مربوط و اخذ گواهی مبنی بر نداشتن سابقه اعتراض قبلی و عدم تقدیم دادخواست جدید آن را به ثبت محل تسلیم نموده و تقاضای ادامه عملیات ثبتی را بنمایند. ثبت محل مکلف است نسبت به ادامه عملیات ثبت اقدام نماید. تبصره ۲ - اعتراض به تقاضای ثبت و تحدید حدود (موضوع مواد ۱۶ و ۲۰ قانون ثبت می‌باید توسط معترض ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی با تقدیم دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی صورت پذیرد. تبصره ۳ - مهلت مذکور در تبصره ۲ ماده ۷ قانون اصلاح مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۶۵/۴/۳۱ و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۰/۶/۲۱ به مدت ۲ سال دیگر از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون تمدید می‌شود.

قانون نحوه صدور اسناد مالکیت املاکی که اسناد ثبتی آنها در اثر جنگ یا حوادث غیر مترقبه‌ای ما

مصوب ۱۳۶۹/۱۲/۲۸ مجلس و ۱۳۷۰/۲/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام ماده ۱ - در مواقعی که به علت جنگ یا حوادث غیر مترقبه ای نظیر زلزله، سیل و آتش سوزی آثار اعیان املاک یا اسناد و مدارک ثبتی از بین رفته باشد به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجازه داده می‌شود که نسبت به تشکیل پرونده و دفاتر و سوابق ثبتی املاک و همچنین اسناد و مدارک مربوط به اجرای ثبت و دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی و اختراعات اقدام نماید. تبصره - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور از طریق رسانه‌های گروهی به اطلاع عموم می‌رساند تا ذوی‌الحقوق اسناد و مدارک و مستندات و دلایل خود را حداکثر ظرف شش ماه به ثبت محل ارایه نمایند، کسانی که بعد از مدت مذکور مراجعه کنند می‌بایست اصالت اسناد و مدارک و مستندات آنها به تایید دادگاه‌های محل رسیده باشد. ماده ۲ - سازمان ثبت و ادارات تابعه باید نسبت به جمع‌آوری مدارک و اطلاعاتی که به رفع مشکل کمک می‌کند اقدام نمایند و وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و موسسات دولتی و عمومی و شهرداری‌ها نیز مکلفند اسناد و مدارک و نقشه‌های مورد نیاز را در اختیار ادارات ثبت قرار دهند. ماده ۳ - در صورتی که مدارک و مستندات متقاضی مشعر بر ثبت ملک در دفتر املاک باشد یا مسوول بازسازی محل براساس پرونده‌های موجود که عینا به ثبت محل تحویل می‌نماید گواهی کند و یا معتمدین و گواهان محل شهادت بر مالکیت متقاضی بدهند و معارضی هم نباشد اداره ثبت بلافاصله با تشکیل پرونده و تهیه نقشه و ثبت ملک در دفتر املاک سند مالکیت متقاضی را صادر می‌کند ترتیب تعیین شماره پلاک و تهیه جایگزینی دفاتر و سایر سوابق را آیین‌نامه تعیین خواهد نمود. ماده ۴ - به جز موارد مذکور در ماده ۳ و همچنین در مواردی که بین اشخاص در تصرف یا مالکیت اختلاف باشد موضوع جهت رسیدگی به هیات حل اختلاف موضوع ماده ۵ این قانون ارجاع می‌شود. ماده ۵ - در هر حوزه ثبتی هیات حل اختلافی مرکب از مسوول بازسازی، رییس ثبت، دو نفر معتمد با معرفی نماینده یا نمایندگان محل در مجلس شورای اسلامی و شهردار محل در خصوص شهرها و بخشدار محل در مورد خارج شهر تشکیل می‌شود و وظیفه این هیات بررسی شکایات و اعتراضات و ارجاعات ثبت و انجام تحقیقات به منظور تشخیص مالکیت متقاضی و میزان آن و حدود و مشخصات ملک یا رد تقاضا می‌باشد. ماده ۶ - هیات حل اختلاف نظر خود را نسبت به ارجاعات ثبت یا اعتراضات و شکایات وارده به ثبت محل اعلام می‌کند اداره ثبت مکلف است طبق رای هیات بلافاصله مبادرت به تشکیل پرونده و صدور سند

مالکیت نماید. معترض به رای هیات می‌تواند به دادگاه صالح مراجعه کند و دادگاه نسبت به مالکیت عرصه و تعیین تکلیف اعیانی حکم لازم را صادر خواهد نمود. تبصره - اعتراض به رای هیات حل اختلاف مانع از صدور سند و شروع بازسازی نخواهد بود. ماده ۷ - اشخاص حقوقی که دفاتر ثبت شرکت های آنان از بین رفته است می‌توانند مدارک خود را به ثبت محل تسلیم نمایند تا نسبت به تشکیل پرونده و سوابق و دفاتر جدید اقدام گردد. ماده ۸ - در مواردی که پرونده اجرایی بر اثر حدوث وقایع مذکور در ماده یک از بین رفته باشد چنانچه اشخاص با ارایه مدارک و مستندات معتبر مدعی عدم اقدام در مورد پرونده اجرایی شوند اداره ثبت مکلف به تشکیل پرونده اجرایی خواهد بود ماده ۹ - متعهدله اسناد رسمی و ازدواج و طلاق که سررسید طلب آنها فرا رسیده و قبوض و دفاتر آنها از بین رفته است می‌تواند با ارایه مدارک و مستندات معتبر قانونی به ثبت محل مراجعه نماید و ثبت محل مبادرت به صدور اجراییه خواهد کرد. ماده ۱۰ - دولت مکلف است در شهرهایی که بر اثر حوادث مذکور در این قانون نیاز به بازسازی دارد و قبلا طرح جامع نداشته بدوا طرح جامع شهرها را تهیه و براساس طرح مصوب اقدام به بازسازی نماید. تبصره - در کلیه موارد مذکور در این ماده صدور سند مالکیت و پروانه ساختمانی مشمول پرداخت هیچگونه عوارض و مالیات و حق الثبت برای بار اول نمی‌باشد. ماده ۱۱ - در موارد مذکور در ماده ۱ این قانون به دولت اجازه داده می‌شود برای واگذاری اراضی به کسانی که املاک آنها در طرح های عمرانی یا توسعه معابر و فضاهای آموزشی یا سبز قرار می‌گیرد همچنین برای ایجاد تاسیسات عمومی املاک مورد نیاز را در محدوده طرح جامع پیش بینی و تملک نماید. پرداخت بهای این املاک طبق مقررات مربوطه موکول است به ارایه اسناد و مدارک معتبر با رای هیات موضوع ماده ۵ و تا انجام کار حق انتقال را ندارند. ماده ۱۲ - نسبت به املاکی که طبق اسناد و مدارک یا دلایل معتبر معامله شرطی یا رهنی یا مورد وثیقه و بازداشت بوده یا دیگری در آن حق کسب و پیشه داشته و یا موارد مذکور را هیات موضوع ماده پنج احراز نماید موضوع در سوابق ثبتی و دفاتر ثبت و سند مالکیت با قید مراتب درج خواهد شد و چنانچه قبلا سند مالکیت بدون قید مورد یا موارد فوق صادر و تسلیم شده باشد به مالک اخطار می‌کند که سند مالکیت را برای اصلاح تسلیم ثبت محل نماید و در صورت استنکاف ظرف ده روز مراتب به دفاتر اسناد رسمی ابلاغ تا از انجام معامله نسبت به سند مالکیت مزبور خودداری نمایند. ماده ۱۳ - در مواردی که دفاتر اسناد رسمی یا دفاتر ازدواج و طلاق به شرح مذکور در ماده ۱ این قانون از بین رفته باشد افراد ذینفع می‌توانند با ارایه اسناد و مدارک و دلایل معتبر به ثبت محل مراجعه نمایند ثبت محل با اعلام نظر خود تقاضانامه و اسناد و مدارک مربوطه را به هیات موضوع ماده ۵ این قانون ارسال می‌دارد و هیات مزبور در صورت عدم وصول اعتراض به قضیه رسیدگی کرده و تصمیم لازم اتخاذ می‌کند و در صورت وصول اعتراض به متقاضی اخطار خواهد کرد که می‌تواند به دادگاه صالح مراجعه نماید. ماده ۱۴ - هر یک از کارکنان دولت که در اجرای این قانون به تشخیص دادگاه صالح رعایت دقیق مقررات آن را ننموده و تخطی نمایند علاوه بر مجازات های مقرر در قوانین جزایی به انفصال موقت از سه ماه تا سه سال از خدمات دولتی نیز محکوم می‌شوند ، همچنین اشخاصی که عالما عمدا در جرایم فوق مباشرت داشته و از آن منتفع شده‌اند علاوه بر جبران خسارات وارده به دولت یا اشخاص و اعاده وضع می‌بایست حقوق ثبتی را از قرار هر ده هزار ریال ۵۰۰ ریال بپردازند. تبصره - مواد ۱۰۰ تا ۱۱۷ قانون ثبت در مورد این قانون نیز رعایت می‌شود. ماده ۱۵ - کلیه اشخاصی که از مزایای مقرر در این قانون استفاده می‌کنند موظفند در تقاضانامه خود هر گونه حقی را که اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به تمام یا قسمتی از املاک و اسناد مورد تقاضا دارند را منعکس نمایند در غیر این صورت چنانچه عالما و عمدا اعلام و منعکس نمایند کلاهبردار محسوب و به مجازات آن محکوم خواهند شد. ماده ۱۶ - متخلفین از مقررات این قانون به مجازات‌هایی که در قوانین ثبتی و مجازات اسلامی و قوانین یا مقررات دیگر مذکور است محکوم خواهند شد. تبصره - علاوه بر مجازات های مقرر در ماده فوق متخلفین به پرداخت هزینه‌های ثبتی از قرار هر ده هزار ریال ، پانصد ریال نیز محکوم خواهند شد. ماده ۱۷ - سازمان زمین شهری مکلف است در طول دوران بازسازی جهت مسکن افراد محلی که هیچگونه زمین و ملکی در کل کشور ندارند اراضی مناسب را

آماده‌سازی و به طور رایگان به افراد مذکور واگذار نماید. هزینه آماده‌سازی از محل اعتبارات بازسازی تامین خواهد شد. ماده ۱۸ - آیین نامه اجرایی این قانون با پیشنهاد مشترک سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و ستاد مرکزی بازسازی و نوسازی کشور به تصویب هیات دولت خواهد رسید.

آیین نامه اجرایی قانون نحوه صدور اسناد مالکیت املاکی که اسناد ثبتی آنها در اثر جنگ یا حوادث غیر مترقبه ای مانند زلزله ، سیل و آتش سوزی از بین رفته‌اند مصوب ۱۷ ۷ ۱۳۷۰

بخش اول - املاک (ماده ۱ تا ۲۱)

ماده ۱ - قانون نحوه صدور اسناد مالکیت املاکی که اسناد ثبتی آنها در اثر جنگ یا حوادث غیر مترقبه‌ای مانند زلزله ، سیل و آتش سوزی از بین رفته‌اند مصوب ۱۷ ۲ ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام در این آیین نامه انحصارا (قانون نامیده می‌شود. ماده ۲ - در هر موقع که در اثر وقوع جنگ یا حوادث غیر مترقبه‌ای مانند زلزله ، سیل و آتش سوزی اسناد و مدارک ثبتی از بین رفته و تهیه المثنی برای آنها مقدور نباشد ، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور امکانات و تسهیلات لازم را جهت اجرای قانون در حوزه ثبتی مربوط فراهم می‌نماید. ماده ۳ - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به منظور اطلاع عامه و مراجعه اشخاص به واحدهای ثبتی ذیربط برای تسلیم اسناد و مدارک و مستندات و دلایل مالکیت و سایر حقوق متصوره خود از طریق رسانه‌های گروهی و روزنامه‌های محلی که آگهی های ثبتی در آنها منتشر می‌شود و الصاق آگهی در معابر و اماکن عمومی مراتب اجرای قانون را اعلام می‌دارد. ماده ۴ - ثبت محل از تاریخ مقرر در آگهی ظرف شش ماه درخواست و اسناد و مدارک اشخاص را می‌پذیرد. ملاک پذیرش در مورد اشخاصی که تقاضا و مدارک خود را با پست سفارشی ارسال می‌دارند ، تاریخ تسلیم آنها به پست است بعد از انقضای مدت مزبور مدارک و مستنداتی پذیرفته و رسیدگی می‌شود که اصالت آنها به تایید دادگاه محل رسیده باشد. ماده ۵ - در صورتی که مدارک و مستندات متقاضی مشعر بر ثبت ملک در دفتر املاک باشد یا مسول بازسازی محل براساس پرونده‌های موجود که عینا به ثبت محل تحویل می‌نماید گواهی کند یا معتمدین و گواهان محل شهادت بر مالکیت متقاضی بدهند و معارضی هم نباشد ، اداره ثبت بلافاصله باتشکیل پرونده و تهیه نقشه و ثبت ملک در دفتر املاک سند مالکیت متقاضی را صادر می‌کند. ماده ۶ - برای تایید اصالت اسناد و املاک (موضوع تبصره ماده یک قانون ، دادگاه ها در وقت فوق العاده به موضوع رسیدگی و در صورت لزوم با جلب نظر هیات حل اختلاف موضوع ماده (۵) قانون ، نسبت به مورد اتخاذ تصمیم می‌نمایند. تبصره - نظر دادگاه مبنی بر اصالت سند موجب سلب حق اقامه دعوی اشخاص ذینفع نمی‌شود. ماده ۷ - کلیه رسانه‌های عمومی به ویژه صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مکلف به همکاری در اعلام اطلاعیه ها و آگهی های موضوع این آیین نامه می‌باشند. ماده ۸ - وزارتخانه ها ، سازمان ها و موسسات دولتی و عمومی و شهرداری ها مکلفند اسناد و مدارک و نقشه های مورد نیاز سازمان ثبت اسناد و املاک کشور یا ادارات تابع آن را از تاریخ دریافت تقاضا ظرف (۱۵) روز تسلیم نمایند. ماده ۹ - با توجه به نقشه جامع شهر و بخش های موجود ، هر بخش به چند ناحیه تقسیم و نواحی واقع در هر بخش با تعیین شماره مشخص می‌شود. تبصره - هر ناحیه محاط در چهار خیابان اصلی یا فرعی و یا انهار طبیعی ، غیرقابل تغییر خواهد بود. ماده ۱۰ - برای شماره گذاری و نقشه برداری و تعیین حدود املاک واقع در هر ناحیه (به ترتیب از ناحیه یک هر بخش) به وسیله جراید کثیرالانتشار مرکز ، روزنامه های محلی که آگهی های ثبتی را منتشر می‌نماید و الصاق آگهی در معابر و اماکن عمومی از مالکین آنها دعوت به عمل می‌آید که در محل مربوط (که مشخصات کامل آن ناحیه در آگهی قید می‌شود) حضور به هم رسانند. موضوع و عنوان اطلاعیه و اینکه مشروح آن در جراید کثیرالانتشار و روزنامه‌های محلی چاپ و منتشر می‌شود ، از طریق شبکه سراسری صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و همچنین صدا و سیمای

مراکز استان جهت اطلاع عامه اعلام می‌گردد. ماده ۱۱ - شماره‌گذاری از اولین ملک واقع در سمت شمال غربی هر ناحیه شروع و به ترتیب به سمت شرق ادامه می‌یابد تا شماره‌های کلیه املاک واقع در آن ناحیه تعیین گردد. ماده ۱۲ - شماره‌های تعیین شده به ترتیب اسامی مالکین آن با ذکر نوع ملک، در دفتر مخصوصی که دفتر اظهارنامه نامیده می‌شود ثبت می‌گردد. ماده ۱۳ - در قرا و روستاها با توجه به شماره اصلی آنها نسبت به تعیین شماره‌های فرعی به طریق مذکور در ماده (۱۱) این آیین نامه اقدام خواهد شد.

ماده ۱۴ - محدوده هر ملک که قبلاً به وسیله مالک (با ایجاد حد فاصل یا حفر پی مشخص شده با دعوت از مجاورین، نقشه‌برداری می‌گردد و حدود و مشخصات و مساحت آن بر اساس نقشه ترسیمی تعیین و صورت مجلس تعیین حدود تنظیم و به امضای نماینده و نقشه‌بردار ثبت و مالک می‌رسد. عدم حضور مجاورین مانع از انجام کار نخواهد بود. تبصره - قرا و روستاها و املاک واقع در آنها به صورت یکجا به شرح فوق نقشه‌برداری و تعیین حدود می‌شود. ماده ۱۵ - اشخاصی که نسبت به اصل مالکیت یا حدود و حقوق ارتفاقی اعتراضی داشته باشند می‌توانند اعتراض خود را به ثبت محل تسلیم دارند و رسید دریافت نمایند، ثبت محل مکلف است اعتراضات واصل شده را ظرف (۴۸) ساعت جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم به هیات حل اختلاف ارجاع نماید. ماده ۱۶ - ثبت محل بر اساس صورت مجلس تنظیمی نماینده و نقشه‌بردار ثبت، باید بلافاصله پیش‌نویس سند مالکیت ملک را تهیه و در دفتر املاک ثبت و سند مالکیت آن را صادر نماید. ماده ۱۷ - در هر حوزه ثبتی هیات حل اختلافی مرکب از مسیول بازسازی، رئیس ثبت (یا کفیل اداره ثبت)، دو نفر معتمد با معرفی نماینده یا نمایندگان محل در مجلس شورای اسلامی و شهردار (یا کفیل شهرداری محل در خصوص شهرها و بخشدار (یا کفیل بخشداری محل در مورد خارج شهر، تشکیل می‌شود. تبصره - محل‌هایی که بیش از یک نماینده در مجلس شورای اسلامی دارند، نمایندگان محل در مجلس متفقا نسبت به معرفی نمایندگان خود از بین معتمدین محل اقدام می‌نمایند. ماده ۱۸ - ادارات ثبت پس از انتشار آگهی موضوع تبصره ذیل ماده یک قانون، اعضای هیات حل اختلاف را برای تشکیل جلسه در اداره ثبت محل دعوت می‌نمایند. هیات حل اختلاف دارای دبیرخانه‌ای است که به وسیله واحد ثبتی محل اداره می‌شود و دبیر آن توسط مدیر کل ثبت استان منصوب می‌گردد. تبصره ۱ - جلسات هیات حل اختلاف با حضور حداقل سه نفر از پنج نفر اعضا رسمیت می‌یابد و رای اکثریت مناط اعتبار و قابل اجرا خواهد بود. تبصره ۲ - جلسات هیات حل اختلاف به تعداد مورد لزوم تا (۲۰) جلسه در ماه تشکیل می‌شود. تبصره ۳ - آرا صادر شده از طرف هیات به ترتیب تاریخ صدور در دفتر مخصوصی ثبت و به امضای اعضای حاضر در جلسه می‌رسد و یک نسخه از رای صادر شده ظرف (۲۴) ساعت به منظور اجرای آن به اداره ثبت ارسال می‌گردد. تبصره ۴ - چنانچه ظرف (۱۰) روز پس از دعوت از اعضا، به هر علت امکان تشکیل هیات حل اختلاف فراهم نشود رئیس ثبت موظف است مراتب را با قید فوریت به اداره کل ثبت استان اطلاع دهد و اداره کل مذکور جهت رفع مشکل در اسرع وقت موضوع را به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گزارش می‌نماید. ماده ۱۹ - دبیر هیات حل اختلاف اسامی متقاضیان را به ترتیب شماره و تاریخ ارجاع، در دفتر مخصوصی با قید مشخصات کامل و نشانی محل اقامت متقاضی ثبت می‌نماید. نحوه دعوت از متقاضیان و شکات و معترضین، به ترتیب ثبت دفتر خواهد بود. تبصره - دعوت از متقاضیان و شکات و معترضین به صورت کتبی به عمل می‌آید. ماده ۲۰ - هیات حل اختلاف نظر خود را نسبت به ارجاعات ثبت یا اعتراضات و شکایات واصل شده به ثبت محل اعلام می‌کند، اداره ثبت مکلف است طبق رای هیات بلافاصله مبادرت به تشکیل پرونده و صدور سند مالکیت نماید. معترض به رای هیات حل اختلاف می‌تواند به دادگاه صالح مراجعه نماید و دادگاه نسبت به مالکیت عرصه و تعیین تکلیف اعیانی حکم لازم را صادر خواهد کرد. تبصره - اعتراض به رای هیات حل اختلاف مانع از شروع بازسازی نخواهد بود. ماده ۲۱ - دبیر هیات حل اختلاف مکلف است پس از تعیین تکلیف قطعی هر پرونده، سوابق امر را با اخذ رسید به واحد ثبتی تحویل نماید. اداره ثبت مکلف است طبق رای هیات بلافاصله مبادرت به تشکیل پرونده و صدور سند مالکیت نماید.

بخش دوم - اسناد و ثبت شرکت‌ها - (ماده ۲۲ تا ۲۶)

ماده ۲۲ - در مواردی که اشخاص با ارایه مدارک و مستندات معتبر ادعا نمایند که پرونده اجرایی مختومه نشده است ثبت محل حسب مورد پس از تشکیل پرونده اجرایی بر طبق آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی ، عملیات اجرایی را ادامه می‌دهد. در صورت وصول اعتراض مراتب جهت اظهار نظر به هیات حل اختلاف ارجاع خواهد شد. بدیهی است عمل به این ماده منوط به این است که قبلاً مورد رسیدگی هیات واقع نشده باشد. ماده ۲۳ - در صورتی که سوابق دفتر ثبت اسناد رسمی یا ازدواج یا طلاق بر اثر حوادث مذکور از بین رفته باشد و اشخاص ذینفع با ارایه مدارک و مستندات معتبر درخواست صدور اجراییه نمایند ، رییس ثبت پس از بررسی و اظهار نظر ، تقاضانامه و ضمایم آن را به هیات حل اختلاف ارجاع خواهد داد. هیات پس از بررسی موضوع در صورت نبودن اعتراض رای خود را مبنی بر صدور اجراییه صادر و به ثبت محل ارسال می‌نماید ، ثبت محل مکلف است با استفاده از اوراق مخصوص ، اجراییه را صادر نماید و طبق آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی به موقع اجرا گذارد. ماده ۲۴ - اشخاص حقوقی که دفاتر ثبت شرکت‌های آنان از بین رفته است برای تشکیل پرونده می‌بایست مدارک و صورت جلسه مجمع عمومی را به ثبت محل تسلیم نمایند. ثبت محل مراتب را یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی و پس از انقضای (۱۰) روز از تاریخ انتشار در صورت عدم وصول اعتراض طبق مقررات ، شرکت را در دفاتر مربوط ثبت می‌نماید و به امضای صاحبان سهام می‌رساند و در صورت وصول اعتراض مراتب به هیات حل اختلاف ارجاع می‌شود. ماده ۲۵ - ابلاغ اخطاریه ها و دعوت نامه ها بر طبق مقررات آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی است ماده ۲۶ - مدت مأموریت هیات حل اختلاف موضوع ماده (۵) قانون تا زمانی است که وظایف ناشی از قانون به اتمام برسد. هیات مکلف است در ظرف این مدت به کلیه ارجاعات و اعتراضات واصل شده رسیدگی نماید و نظر خود را به ثبت محل اعلام دارد. در پایان مدت مذکور هیات به خودی خود منحل می‌گردد.

بخش سوم - امور متفرقه (ماده ۲۷ تا ۳۳)

ماده ۲۷ - به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجازه داده می‌شود به منظور تسهیل و تسریع در اجرای این آیین نامه و جبران کمبود نیروی انسانی متخصص بالا-خص نقشه بردار ثبت ، علاوه بر استفاده از پرسنل موجود خود در سطح کشور با دفاتر فنی و نقشه برداری بخش خصوصی و اشخاص حقیقی یا حقوقی قرارداد لازم برای امور نقشه برداری ، منعقد نماید. تبصره - تشخیص میزان هزینه نقشه برداری برای انعقاد قراردادهای لازم به عهده سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است سازمان مزبور می‌تواند عنداللزوم تعرفه سازمان برنامه و بودجه را ملاک عمل قرار دهد. ماده ۲۸ - هیات حل اختلاف برای تشخیص واقعیت امر می‌تواند موضوع را به کارشناس ارجاع دهد. تعیین میزان دستمزد کارشناس به عهده هیات است ماده ۲۹ - هزینه‌های مربوط به اجرای قانون و این آیین نامه اعم از هزینه‌های جاری (بجز حقوق و فوق العاده کارکنان رسمی و مأموریت‌های اداری و تامین تدارکات و تجهیزات و ملزومات اداری ، هزینه‌های نقشه برداری و کارشناسی های محل و فوق العاده کار اعضای هیات ها در خارج از ساعت اداری ، از محل اعتبارات بازسازی تامین و پرداخت خواهد شد. ماده ۳۰ - ستاد بازسازی مناطق جنگ‌زده و وزارت کشور حسب مورد مکلفند در شهرهایی که بر اثر جنگ یا حوادث غیر مترقبه نیاز به بازسازی دارند و قبلاً طرح جامع نداشته‌اند ، بر اساس طرح جامعی که توسط وزارت مسکن و شهرسازی تهیه می‌گردد ، اقدام به بازسازی نمایند. تبصره - در کلیه موارد مذکور در این ماده صدور سند مالکیت و پروانه ساختمانی مشمول پرداخت هیچگونه عوارض و مالیات و حق‌الثبت برای بار اول نمی‌باشد. ماده ۳۱ - در موارد مذکور در ماده (۱) قانون و ماده (۱) این آیین نامه دولت مجاز است برای واگذاری اراضی به کسانی که املاک آنها در طرح‌های

عمرانی یا طرح‌های توسعه معابر، فضای آموزشی یا فضای سبز قرار می‌گیرد همچنین برای ایجاد تاسیسات عمومی، املاک مورد نظر را در محدوده طرح جامع پیش بینی و تملک نماید. پرداخت بهای این املاک طبق مقررات مربوط موکول به ارایه اسناد مدارک معتبر یا رای هیات حل اختلاف موضوع ماده (۵) قانون می‌باشد و تا انجام کار صاحبان آنها حق انتقال ملک خود را ندارند. ماده ۳۲ - سازمان زمین شهری مکلف است در طول دوران بازسازی، جهت مسکن افراد محلی که هیچگونه زمین و ملکی در کل کشور ندارند اراضی مناسب را آماده سازی و به طور رایگان به افراد مذکور واگذار کند. تبصره ۱ - هزینه آماده‌سازی اراضی موضوع این ماده از محل اعتبارات بازسازی تامین خواهد شد. تبصره ۲ - افراد محلی مندرج در این ماده، افرادی هستند که خود یا خانواده آنها قبل از وقوع جنگ یا حوادث غیرمترقبه موضوع قانون، ساکن یکی از شهرهای جنگ زده یا خسارت دیده از حوادث غیرمترقبه بوده‌اند و تشخیص این امر حسب مورد بر عهده بنیاد مهاجرین جنگ تحمیلی یا استانداری های ذیربط می‌باشد. ماده ۳۳ - طبق ماده (۱۶) قانون، متخلفین به مجازات هایی که در قوانین ثبتی و مجازات اسلامی و قوانین یا مقررات دیگر مذکور است محکوم خواهند شد.

آیین نامه اجرایی رسیدگی اسناد مالکیت معارض و هیات نظارت و شورای عالی - مصوب ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۲ وزارت دادگستری

فصل اول - اسناد مالکیت معارض و هیات نظارت و شورای عالی (ماده ۱ تا ۱۶)

ماده ۱ - واحدهای ثبتی مکلفند به محض اطلاع از صدور اسناد مالکیت معارض (اعم از این که نسبت به اصل یا حدود یا حقوق ارتفاقی باشد) فوراً به موضوع رسیدگی و مراتب را به دفاتر اسناد رسمی حوزه تابعه ابلاغ نموده گزارش کار را به نحوی که هیچ گونه ابهامی باقی نباشد به هیات نظارت ارسال دارند. دفاتر اسناد رسمی باید به محض وصول اطلاعیه ثبت محل به مواد ۴ و ۵ قانون اشتباهات ثبتی و اسناد مالکیت معارض عمل نمایند. هرگاه به موجب رای هیات نظارت یا شورای عالی ثبت موضوع تعارض منتفی و یا در میزان آن تغییری داده شود باید مراتب پیرو بخشنامه قبلی به دفاتر اسناد رسمی ابلاغ گردد. در نقاطی که پاسخ استعلام به وسیله ماشینهای الکترونیکی تهیه می‌شود اطلاع لازم نیز به ماشینهای مزبور داده خواهد شد. ماده ۲ - محل تشکیل جلسات هیات نظارت در اداره ثبت استان و جلسات آن حداقل دو بار در هفته تشکیل خواهد شد. ماده ۳ - در هر مورد که واحدهای ثبتی گزارش برای طرح در هیات نظارت ارسال می‌دارند باید نکات زیر را رعایت نمایند ۱ - هرگاه از جهت پذیرفتن تقاضای ثبت بین اشخاص و اداره ثبت اختلاف حاصل شود و یا در تصرف اشخاص تراحم و تعارض باشد باید کلیه مدارک طرفین اخذ و با تعیین وقت مناسب آنها را برای معاینه محلی به وسیله اخطار دعوت نموده و متذکر شوند که اولاً عدم حضور هریک از طرفین مانع رسیدگی نخواهد بود، ثانیاً هریک از طرفین می‌توانند تا قبل از وقت رسیدگی برای ملاحظه و اطلاع از مدارک تسلیمی طرف دیگر به اداره ثبت مراجعه نمایند و سپس در وقت مقرر با معاینه و تحقیق محلی نسبت به تصرفات آنها رسیدگی و مراتب را صورت مجلس و اظهارات طرفین و حاضرین را در آن قید و به امضای حضار رسانیده چگونگی را با ارسال سوابق و اظهار نظر صریح خود مبنی بر این که چه شخصی متصرف است و تصرفات به چه نحو می‌باشد به هیات نظارت گزارش نمایند. ۲ - در مواردی که بعد از قبول درخواست ثبت دیگری مدعی شود که در پذیرفتن تقاضا اشتباه شده و متقاضی ثبت متصرف مورد تقاضا نبوده و مدعی تصرف حین تقاضا شود باید مقدمتاً مدارک مدعی را مطالبه و چگونگی را ضمن ارسال کلیه سوابق و اظهار نظر خود به این که ادعای مدعی با توجه به سوابق مقرون به واقع به نظر می‌رسد یا نه به ثبت استان گزارش نمایند. ثبت استان چنانچه با توجه به سوابق امر تحقیق محلی را لازم بداند دستور مقتضی به واحد مربوطه خواهد داد و در این صورت واحد مزبور باید با تعیین وقت مناسب طرفین

را برای معاینه و تحقیقات محلی دعوت و در اخطار مربوطه متذکر شود که اولاً عدم حضور مانع رسیدگی نخواهد بود ثانیاً هر یک از طرفین می‌توانند برای ملاحظه و اطلاع از مدارک تسلیمی طرف دیگر تا قبل از وقت رسیدگی به اداره ثبت مراجعه نمایند. در وقت مقرر با معاینه محلی و تحقیق از شهود و مجاورین باید معلوم نمایند که ملک مورد ادعا حین تقاضای ثبت در تصرف مالکانه چه شخصی بوده و در موقع رسیدگی در تصرف کیست و مراتب را در صورت مجلس قید و اظهارات شهود و طرفین را نیز ذکر و به امضای شهود و افراد ذی نفع رسانده و سپس گزارش جریان را با اظهار نظر صریح تهیه و به ضمیمه کلیه سوابق برای طرح در هیات نظارت ارسال دارند. ۳- در مورد اشتباه شماره ملک در آگهی‌ها تعیین گردد که شماره اصلی است یا فرعی و در محل نصب پلاک شده است یا نه و شماره مقدم و موخر شماره صحیح ملک چیست ۴- در مورد اشتباه در عملیات تحدیدی و آگهی آن توضیح داده شود که عمل به تبصره ماده ۱۵ اصلاحی قانون ثبت میسر است یا نه و ضمناً وضع ثبتی مجاورین از هر حیث گزارش شود. ۵- نسبت به اشتباه در نام و نام خانوادگی تصریح شود که در سایر مشخصات اختلافی موجود است یا نه ۶- نسبت به اشتباه در شماره اصلی قریه یا مزرعه یا قنات ذکر شود که نام آن صحیحاً آگهی شده است یا نه ۷- در مورد اشتباه در مبدا و مظهر و مدارقنات اعلام گردد که تا تاریخ صدور گزارش، سهامی از آن منتهی به صدور سند مالکیت گردیده است یا نه ۸- چنانچه با انتقال تمام یا قسمتی از مورد تقاضا به دیگری اشتباه آگهی به نام فروشنده صادر شده باشد تصریح شود که اطلاع اداره ثبت از وقوع انتقال قبل از انتشار آگهی‌ها بوده یا بعد از آن و تاریخ اطلاع اداره و انتشار آگهی‌ها ذکر شود. ۹- در مواردی که تقاضای ثبت ملکی کلاً یا جزاً مبنی بر اشتباه پذیرفته شده باشد در گزارش تصریح شود که متقاضی یا قائم مقام او حاضر به استرداد مورد تقاضا و یا تمکین به اصلاح مورد اشتباه هست یا نه ۱۰- نسبت به حق الشرب و حق گردش آسیا و امثال آن که در آگهی اشتباه قید یا اصولاً از قلم افتاده تصریح نمایند که نسبت به قنات مورد انتفاع جریان ثبتی در چه مرحله ایست و آیا ضمن تقاضا و یا تعیین حدود آن حقوقی که به شرح بالا در آگهی از قلم افتاده و یا اشتباه شده برای ملک مورد گزارش گواهی شده است یا نه ۱۱- در مورد اشتباه در تاریخ انتشار آگهی معلوم شود تاریخی که برای انتشار در نظر گرفته شده بوده است مصادف با تعطیل بوده و یا روز انتشار روزنامه نبوده و تصریح شود که قبلاً در مورد سایر شماره‌های مندرج در آگهی در هیات نظارت مطرح شده یا در صورت طرح رای هیات به چه کیفیت صادر گردیده است ۱۲- چنانچه در جریان مقدماتی ثبت ملکی اشتباهی رخ داده و بدون توجه به آن در دفتر املاک وارد شده ولی به امضا نرسیده باشد قبل از هر اقدام باید مراتب برای تعیین تکلیف به هیات نظارت گزارش شود. ۱۳- در مورد اشتباه در عملیات ثبتی املاکی که قسمتی از آن اختصاصی و قسمت دیگر مشترک می‌باشد باید گزارش امر به ضمیمه کروکی ملک فرستاده شود. ۱۴- در هر مورد که از طرف سازمان مسکن و یا اداره تعاون و امور روستاها مستنداً به ماده ۱۷ قانون تقسیم و فروش املاک مورد اجاره به زارعین مستاجر مورد تقاضای ثبتی کلاً یا بعضاً موات اعلام می‌شود باید موارد ذیل در گزارش تصریحاً قید گردد الف- ملک مورد ادعا در چه تاریخی درخواست ثبت شده و مستند قبول تقاضا چه بوده است ب- آیا ملک سابقه شماره گذاری در دفتر توزیع اظهارنامه دارد یا نه و در صورت وجود سابقه شماره گزارش مربوط به زمان اجرای مقررات ثبت عمومی می‌باشد یا بعداً برای آن تعیین شماره شده است ج- منشا و مستند مالکیت متقاضی ثبت چه بوده است د- نوع ملک و نحوه تصرف متقاضی ثبت چگونه است و در صورتی که موات بوده و قسمتهایی از آن بعداً احیا شده آن مقدار که احیا و عمران شده به چه میزان است و چه عملیات عمرانی در آن به عمل آمده و مربوط به چه زمانی است ه- نقشه‌ای که شامل محدوده کلی مورد تقاضا و مشخص وضع زمین از جهت اعیانی و مستحدثات حدود و مساحت اراضی معمر و موات باشد تهیه و ارسال گردد. و- در مواردی که شهرداری‌ها و ادارات دولتی بر طبق مقررات مربوطه تمام یا قسمتی از مورد تقاضای ثبت را قابل تملک خصوصی ندانند نیز به شرح مذکور عمل خواهد شد. ۱۵- در هر مورد که به علت عدم اجرای مفاد تبصره الحاقی به ماده ۷۵ آیین نامه قانون ثبت مصوب ۴۶۳۷ گزارش لازم به هیات نظارت فرستاده می‌شود باید منجزاً تاریخ تعیین حدود ذکر و به علاوه کیفیت

حدود مجاورین با تصریح به این که دارای نقشه ثبتی قطعی می باشد یا نه در آن قید گردد. ۱۶- در هر مورد که حدود ملکی با مجاورین اختلاف داشته و یا وضع تصرف ملکی با سند مالکیت آن منطبق نبوده و اختلاف و عدم انطباق نیز ناشی از اشتباه باشد و همچنین در مورد تعارض خواه نسبت به اصل باشد یا حدود باید نقشه‌ای که وضع ملک و مجاورین در آن نمایان شده باشد به گزارش جریان امر ضمیمه شود. ۱۷- در هر مورد که در عملیات تفکیکی مذکور در بند ۶ از ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت اشتباهی رخ دهد باید حدود اولیه در گزارش هیات نظارت قید و رونوشت صورت مجلس تفکیکی و نقشه‌ای که در آن مورد اشتباه نمایان شده باشد ارسال گردد. ۱۸- هرگاه در تنظیم اسناد و تطبیق مفاد آنها با قوانین اشکال یا اشتباهی پیش آید باید ضمن ارسال رونوشت سند و ذکر صریح موارد اشکال یا اشتباه، موضوع به رییس ثبت منطقه گزارش شود تا در صورت اقتضا برای تعیین تکلیف به هیات نظارت گزارش شود. مرجع رفع مشکلات دفاتر اسناد رسمی قبل از تنظیم اسناد اداره امور اسناد ثبت کل خواهد بود. ۱۹- در مورد اعتراض اشخاص به نظریه رییس ثبت نسبت به عملیات اجرایی اعم از این که اجراییه مورد اعتراض تابع مقررات قانون سابق باشد یا قانون اصلاحی ضمن نقل متن اعتراض و نظریه رییس ثبت رونوشتی از گزارش رییس یا ممیز اجرا که مستند نظریه رییس ثبت بوده باید به هیات نظارت فرستاده شود. هرگاه موضوع مورد اعتراض راجع به نحوه ابلاغ اجراییه باشد رونوشتی از اجراییه و چنانچه مربوط به اشتباه در آگهی باشد نسخه‌ای از آگهی و اگر مستند برگی از پرونده است رونوشت آن باید ضمن گزارش ارسال گردد. در صورتی که اعتراض طوری باشد که ارسال پرونده را به هیات نظارت ایجاب نماید باید ترتیبی اتخاذ شود که در مدتی که پرونده در هیات نظارت مطرح رسیدگی است عملیات اجرایی متوقف نشود. ۲۰- علاوه بر موارد مذکور در هر مورد که گزارش به هیات نظارت فرستاده می شود واحدهای ثبتی مکلفند گزارش را جامع و مستند و مستدل تهیه و مطالب دیگری را نیز که در اتخاذ تصمیم هیات موثر به نظر می رسد در آن قید نمایند و در صورتی که اشتباه در آگهی واقع شده باشد عین عبارت آگهی باید با ذکر تاریخ انتشار در گزارش قید شود. ماده ۴- هرگاه در رای هیات نظارت به علت سهو قلم مطلبی از قلم افتاده و یا اشتباه بینی رخ داده باشد مادام که رای به مرحله اجرا در نیامده هیات مبادرت به صدور رای اصلاحی خواهد نمود و مفاد رای اصلاحی در ذیل رای قبلی و ملاحظات دفتر آرای هیات با ذکر شماره و تاریخ قید خواهد شد. چنانچه رای اصلاحی مربوط به اشتباهات مذکور در بندهای ۱ و ۵ و ۷ ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت باشد به دستور تبصره ۵ از ماده ۲۵ اصلاحی باید در تابلو اعلانات الصاق گردد. ماده ۵- رای هیات نظارت دارای مقدمه ای مشتمل بر خلاصه جریان کار و بیان اشکال و موضوع اختلاف بوده و منجز و مستدل و بدون قید و شرط و ابهام صادر می شود و چنانچه به اتفاق آرا نباشد نظر اقلیت به طور مشروح و مستدل در آن قید خواهد شد. و همچنین آرای صادره باید مستند به مواد قانون باشد و در آن صریحا قید شود که قطعی است یا قابل تجدیدنظر می باشد. ماده ۶- در مورد شکایت از عملیات اجرایی هرگاه متعهد در قید بازداشت باشد هیات نظارت در اولین جلسه رسیدگی، اتخاذ تصمیم خواهد نمود. ماده ۷- مفاد آرای هیات نظارت و شورای عالی ثبت باید به ترتیب صدور با ذکر شماره و تاریخ در دفتر ثبت آرا قید و به امضای صادرکنندگان برسد. ماده ۸- از هر یک از آرای هیات نظارت باید یک نسخه به اداره دبیرخانه ثبت کل فرستاده شود. ماده ۹- واحدهای ثبتی مکلفند آرای هیات نظارت را در دفتر اندیکاتور ثبت نمایند. در مورد آرای مذکور در تبصره ۵ ماده ۲۵ اصلاحی باید فوراً رونوشت رای در تابلو اعلانات ثبت محل الصاق گردد. تاریخ الصاق با تمام حروف در ذیل رای الصاقی ثبت و با تذکر به این که تا بیست روز قابل تجدیدنظر است به امضا و گواهی مسئول مربوط برسد. مرجع تسلیم اعتراض به رای هیات نظارت واحد ثبتی است که رای مزبور در تابلو اعلانات آن الصاق شده است ماده ۱۰- هیات های نظارت برای تسریع در کار بر طبق اختیار حاصل از ماده ۲ قانون اشتباهات ثبتی و اسناد مالکیت معارض در مورد بندهای ۲ و ۳ و ۴ ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت فهرستی از اشتباهات موثر و غیر موثر تدوین نموده و حداکثر ظرف یکسال برای رعایت وحدت رویه به دبیرخانه شورای عالی ثبت ارسال خواهند داشت و نیز می توانند در حدود فهرست اشتباهات موثر و غیر موثری که قبلا از طرف

هیات نظارت سابق تهیه و طبق ماده ۲ قانون اشتباهات ثبتی و اسناد مالکیت معارض به واحدهای ثبتی ابلاغ شده اختیار لازم به هر یک از روسای ثبتی که مقتضی بدانند تفویض نمایند. ماده ۱۱ - جلسات شورای عالی ثبت حداقل هفته‌ای یکبار در اداره کل ثبت تشکیل خواهد شد. ماده ۱۲ - در هر مورد که نسبت به آرای مذکور در بندهای ۱ و ۵ و ۷ ماده ۲۵ اصلاحی قبل از اجرای رای اعتراض شود، ثبت محل پرونده ثبتی را با کلیه سوابق به دبیرخانه شورای عالی ثبت ارسال خواهد داشت ماده ۱۳ - آرای سابق هیات نظارت و همچنین آرای هیاتهای تجدیدنظر اجرایی با صدور دستور طرح در شعب مربوطه شورای عالی ثبت قابل رسیدگی خواهد بود. ماده ۱۴ - در صورتی که معلوم شود در آرای شورای عالی سابق و یا آرای که از طرف شعب فعلی شورای عالی ثبت (صادر گردیده به علت سهو قلم مطلبی ساقط و یا اشتباه بینی رخ داده و یا به علت اشتباه در مبانی مستند صدور رای اشتباهی پیش آمده باشد چنانچه رای اجرا نشده باشد شورا به صدور رای اصلاحی مبادرت می‌نماید. در این صورت دبیر شورا مکلف است در دفتر آرا و در مقابل رای اولیه مفاد رای اصلاحی را با ذکر شماره و تاریخ قید نماید. ماده ۱۵ - با صدور دستور طرح موضوع در شورای عالی ثبت اجرای رای متوقف می‌گردد و هرگاه شورا در تجدید رسیدگی رای قبلی را تایید نماید عملیات اجرایی تعقیب خواهد شد. ماده ۱۶ - آرای شورا در مورد وحدت رویه به کلیه هیاتهای نظارت ابلاغ و در روزنامه رسمی و عندالاقضا در هفته نامه دادگستری درج و در آخر هر سال مجموع آنها از طرف ثبت کل چاپ و منتشر خواهد شد.

فصل دوم - مواد متفرقه (مواد ۱۷ تا ۲۰)

ماده ۱۷ - در اجرای تبصره اصلاحی ماده ۱۵ قانون ثبت پس از تحدید و تثبیت حدود مجاورین در صورتی که یک یا چند حد ملک مورد تحدید اموال عمومی مربوط به دولت و شهرداری و یا حریم قانونی آنها باشد حداقل بیست روز قبل از وقت تعیین حدود اختطاری به مراجع ذی ربط ابلاغ و ضمن تذکر تاریخ تحدید اعلام می‌شود که عدم حضور مانع تحدید حدود نخواهد بود. ماده ۱۸ - در اجرای ماده ۱۴۴ الحاقی به قانون ثبت قبل از تهیه آگهی الصاقی بدوا با استعلام از اداره تعاون و امور روستاها نماینده و نقشه بردار ثبت با استفاده از نقشه های هوایی (به شرط وجود) کلیه قطعات تقسیمی بین زارعین و مستثنیات و سهم مالک را با معرفی صاحبان آنها یا دهبان یا معتمدین محل تعیین و شماره گذاری می‌نمایند و سپس به صدور آگهی الصاقی مبادرت می‌شود. ماده ۱۹ - فاصله بین انتشار آگهی الصاقی و عملیات تحدیدی نباید کمتر از بیست و بیشتر از شصت روز باشد و چنانچه به حکایت نقشه هوایی و یارسیدگی در موقع شماره گذاری یک یا چند حد قطعات تحدیدی به اموال عمومی مجاورت داشته باشد باید قبلا مراتب به مراجع ذی ربط ابلاغ گردد. در موقع تحدید حدود نقشه بردار و نماینده با توجه به حدود معرفی شده نقشه مورد تحدید را ضمن صورت مجلس تهیه و به امضای افراد ذینفع می‌رساند. پس از پایان تحدید قطعات باید صورت مجلس حاکی از تاریخ ختم تعیین حدود آخرین قطعه تهیه و به امضای حاضرین از نماینده و نقشه بردار و افراد ذی نفع و دهبان یا رئیس یا اعضای انجمن ده برسد. ماده ۲۰ - هزینه مذکور در تبصره ۲ ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت حسب مورد عبارت از هزینه آگهی و فوق العاده و هزینه سفر قانونی مأمورین مربوطه خواهد بود.

قانون افراز و فروش املاک مشاع - مصوب آبان ماه ۱۳۵۷

مصوب آبان ماه ۱۳۵۷ (شماره ۱۳۱۱۹۸۹۵۵۷ روزنامه رسمی ماده ۱ - افراز املاک مشاع که جریان ثبتی آنها خاتمه یافته اعم از این که در دفتر املاک ثبت شده یا نشده باشد، در صورتی که مورد تقاضای یک یا چند شریک باشد با واحد ثبتی محلی خواهد بود که ملک مذکور در حوزه آن واقع است واحد ثبتی با رعایت کلیه قوانین و مقررات ملک مورد تقاضا را افراز می‌نماید. (۱) تبصره -

نسبت به ملک مشاع که برای آن سند مالکیت معارض صادر گردیده تا زمانی که رفع تعارض نشده اقدام به افراز نخواهد شد. ماده ۲ - تصمیم واحد ثبتی قابل اعتراض از طرف هریک از شرکاء در دادگاه شهرستان محل وقوع ملک است مهلت اعتراض ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم مورد اعتراض می‌باشد دادگاه شهرستان به دعوی رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر خواهد نمود. حکم دادگاه شهرستان قابل شکایت فرجامی است ماده ۳ - هزینه تفکیک مقرر در ماده ۱۵۰ قانون اصلاحی ثبت اسناد و املاک در موقع اجرای تصمیم قطعی بر افراز به وسیله واحد ثبتی دریافت خواهد شد. ماده ۴ - ملکی که به موجب تصمیم قطعی غیرقابل افراز تشخیص شود یا تقاضای هریک از شرکا به دستور دادگاه شهرستان فروخته می‌شود. ماده ۵ - ترتیب رسیدگی واحد ثبتی و ابلاغ اوراق و ترتیب فروش املاک غیرقابل افراز و تقسیم وجوه حاصل بین شرکا و به طور کلی مقررات اجرایی این قانون طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب وزارت دادگستری می‌رسد. ماده ۶ - پرونده‌های افراز که در تاریخ اجرای این قانون در دادگاهها مطرح می‌باشد کماکان مورد رسیدگی و صدور حکم قرار می‌گیرد ولی اگر خواهان افراز بخواهد دعوی خود را در واحد ثبتی مطرح کند باید دعوی سابق را از دادگاه استرداد نماید. ۱ - (رای شماره ۳۵۳۰ مورخه ۷۲۱۳۶۰ ردیف ۲۹۵۹ وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور مقرر می‌دارد: نظر به اینکه مقنن به لحاظ حقوق محجورین و غایب مفقود الاثر و رعایت مصلحت آنها طبق قسمت اخیر ماده ۲۱۳ قانون امور حسبی مقرر داشته است که در تقسیم ترکه اگر بین وراث محجور یا غایب باشد تقسیم به توسط نمایندگان آنها در دادگاه به عمل آید و با توجه به ماده ۳۲۶ همین قانون که به موجب آن مقررات قانون امور حسبی راجع به تقسیم ترکه در مورد تقسیم سایر اموال نیز ساری خواهد بود و نظر به اینکه ماده اول قانون افراز و فروش املاک مشاع که قانون عام است و بر طبق آن افراز املاک کی که جریان ثبتی آنها خاتمه یافته است در صلاحیت واحد ثبتی محل شناخته شده علی‌الاصول ناسخ ماده ۳۱۳ قانون امور حسبی که قانون خاص است نمی‌باشد نظر شعبه پنجم دیوان عالی کشور که تقسیم املاک محجورین و غایب مفقود الاثر را از صلاحیت واحد ثبتی خارج دانسته و در صلاحیت دادگاه شناخته است صحیح و مطابق با موازین قانونی است

آیین‌نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع - مصوب ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۸ وزارت دادگستری

بین‌نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۸ وزارت دادگستری (شماره ۳۱۲۹۹۷۲۵۸ روزنامه رسمی ماده ۱ - مسوول هر واحد ثبتی با وصول درخواست افراز از طرف یک یا چند نفر از شرکای ملک مشاعی که در حوزه ثبتی مزبور واقع شده رسیدگی به آن را به نماینده ثبت ارجاع می‌نماید. ماده ۲ - نماینده ثبت با مراجعه به پرونده ملک وضعیت ثبتی پلاک مزبور را ملاحظه و نسبت به خاتمه یافتن جریان ثبتی آن اعم از اینکه در دفتر املاک ثبت شده یا نه و دارای سند مالکیت معارض می‌باشد یا خیر اعلام نظر نموده پرونده را به نظر مسوول واحد ثبتی می‌رساند. ماده ۳ - پس از تأیید اینکه جریان ثبتی خاتمه یافته و ملک دارای سند مالکیت معارض نمی‌باشد، مسوول واحد ثبتی به نقشه بردار ثبت مأموریت می‌دهد که با دعوت و حضور متقاضی و سایر شرکا و نماینده ثبت محل را معاینه و با توجه به سوابق ثبتی و تصرفات و رعایت حقوق آنان نقشه ملک مورد افراز را ترسیم و به امضای نماینده ثبت و کلیه شرکای حاضر می‌رساند. ماده ۴ - نقشه بردار مکلف است پس از ترسیم نقشه به طوری که در تفکیک معمول است حدود و مساحت و مشخصات هر یک از قطعات تفکیکی رانیز تعیین و در صورت مجلس منعکس و به امضا نماینده ثبت و شرکا حاضر رسانیده و به مسئول واحد ثبتی تسلیم نماید. ماده ۵ - مسوول واحد ثبتی پس از رسیدگی و تطبیق درخواست با مقررات قانونی و ملاحظه صورتمجلس تنظیمی و نقشه افرازی و مطابقت آن با وضعیت و سوابق ثبتی تصمیم خود را مبنی بر رد یا قبول درخواست و نحوه افراز اعلام می‌نماید. ماده ۶ - تصمیم مسوول واحد ثبتی به ضمیمه یک نسخه از صورتمجلس و فتوکپی نقشه افرازی (در صورتی که ملک قابل افراز اعلام شود) به کلیه شرکا ابلاغ می‌شود تا چنانچه اعتراضی داشته باشند وفق مقررات ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع به دادگاه شهرستان محل وقوع ملک تسلیم نمایند. طریقه ابلاغ مطابق با مقررات

ابلاغ در آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا می‌باشد. ماده ۷- رسیدگی به اعتراضات واصله نسبت به تصمیمات متخذه از طرف واحد ثبتی در دادگاه شهرستان تابع مقررات دادرسی اختصاری است ماده ۸- اجرای حکم قطعی افزایش تابع مقررات اجرای احکام مدنی خواهد بود. ماده ۹- در صورت صدور حکم قطعی بر غیر قابل تقسیم بودن ملک دادگاه شهرستان برحسب درخواست یک یا چند نفر از شرکا دستور فروش آن را به دایره اجرای دادگاه خواهد داد. مدیر اجرا نسبت به فروش ملک بر وفق مقررات قانون اجرای احکام مدنی مربوط به فروش اموال غیر منقول اقدام می‌نماید. ماده ۱۰- وجوه حاصله از فروش ملک غیر قابل افزایش پس از کسر هزینه عملیات اجرایی طبق دستور دادگاه شهرستان بین شرکا به نسبت سهام تقسیم خواهد شد.

قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران - مصوب ۲۲ ۱۲ ۱۳۵۱ با اصلاحات

مصوب ۲۲ ۱۲ ۱۳۵۱ با اصلاحات روزنامه رسمی ۸۲۲۴ - ۱۳۵۲ ۱۳۰ - ماده ۱- برای هماهنگ کردن برنامه‌های شهرسازی به منظور ایجاد محیط زیست بهتر برای مردم همچنین به منظور اعتلای هنر معماری ایران و رعایت سبکهای مختلف معماری سنتی و ملی و ارائه ضوابط و جنبه‌های اصیل آن با در نظر گرفتن روشهای نوین علمی و فنی و در نتیجه یافتن شیوه‌های اصولی و مناسب ساختمانی در مناطق مختلف کشور با توجه به شرایط اقلیمی و طرز زندگی و مقتضیات محلی شورای عالی شهرسازی و معماری ایران تاسیس می‌شود. ماده ۲- وظایف شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به شرح زیر است ۱- بررسی پیشنهادهای لازم در مورد سیاست کلی شهرسازی برای طرح در هیأت وزیران ۲- اظهار نظر نسبت به پیشنهادهای و لوایح شهرسازی و مقررات مربوط به طرحهای جامع شهری که شامل منطقه بندی - نحوه استفاده از زمین - تعیین مناطق صنعتی بازرگانی - اداری - مسکونی - تاسیسات عمومی - فضای سبز و سایر نیازمندیهای عمومی شهر می‌باشد. ۳- بررسی و تصویب نهایی طرحهای جامع شهری و تغییرات آنها خارج از نقشه‌های تفصیلی ۴- تصویب معیارها و ضوابط و آیین‌نامه‌های شهرسازی ماده ۳- اعضای شورای عالی شهرسازی و معماری ایران عبارتند از: ۱- وزیر مسکن و شهرسازی ۲- وزیر کشور ۳- وزیر صنایع ۴- وزیر فرهنگ آموزش عالی ۵- وزیر ارشاد اسلامی ۶- وزیر نیرو ۷- وزیر کشاورزی ۸- وزیر دفاع و پشتیبانی ۹- وزیر جهاد سازندگی ۱۰- رئیس سازمان برنامه و بودجه ۱۱- رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ۱۲- وزیر راه و ترابری یک نفر از اعضای کمیسیون مسکن و شهرسازی و راه و ترابری مجلس شورای اسلامی به پیشنهاد کمیسیون و تصویب مجلس به عنوان ناظر در جلسات شورای عالی شهرسازی و معماری شرکت خواهد کرد. تبصره ۱- در مورد بررسی طرحهای جامع شهری و تغییرات آنها نظرات استاندار و شورای شهرستان و شورای شهر و شهردار و کارشناسان ذیصلاحیت کسب و مورد استفاده قرار خواهد گرفت تبصره ۲- جلسات شورا با حضور اکثریت اعضا رسمیت خواهد داشت و تصمیمات شورا با حداقل ۶ رای معتبر خواهد بود. تبصره ۳- در صورتی که هریک از اعضای شورا نتواند شخصا در هر یک از جلسات شورا شرکت کند یکی از معاونان خود را به شورا اعزام خواهد داشت ماده ۴- وزارت مسکن و شهرسازی به جای دبیرخانه شورای عالی شهرسازی در تشکیلات خود واحدی ایجاد می‌کند که تحت نظر معاون شهرسازی و معماری آن وزارت وظایف زیر را انجام دهد ۱- بررسی و اظهار نظر در مورد طرحهای جامع شهری از طریق کمیته‌های فنی که اعضای آن به انتخاب اعضای شورای عالی شهرسازی و موسسات ذی ربط تعیین می‌شوند. ۲- تهیه معیارها و ضوابط و آیین‌نامه‌های شهرسازی ۳- نظارت در تهیه طرحهای جامع و تفصیلی و جلب نظر شورای شهر و شهرداری مربوط در حین تهیه طرحهای تفصیلی ۴- نظارت در اجرای مراحل مختلف طرحهای تفصیلی شهری ۵- ابلاغ مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به وزارتخانه و سازمانهای مسئول و ارشاد و راهنمایی دستگاههای مربوط در مورد مسائل ناشی از اجرای طرحهای جامع شهری ۶- ایجاد یک مرکز مطالعاتی و تحقیقات شهرسازی و معماری ۷- جمع‌آوری اطلاعات و آمار اقتصادی و اجتماعی و شهرسازی و معماری ۸- تشکیل نمایشگاهها از کارهای مختلف معماری و شهرسازی با همکاری سازمانهای مربوط و انجام مسابقات شهرسازی و معماری و تشکیل کنفرانسهای

لازم به منظور نیل به هدفهای مذکور در این قانون ماده ۵- بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان به وسیله کمیسیونی به ریاست استاندار و به عضویت رئیس شورای شهرستان و شهردار و نمایندگان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مسکن و شهرسازی و نماینده مهندس مشاور تهیه کننده طرح و عضویت نماینده وزارت کشاورزی انجام می شود. آن قسمت از نقشه های تفصیلی که به تصویب شورای شهر برسد برای شهرداری لازم الاجرا خواهد بود. تغییرات نقشه های تفصیلی اگر در اساس طرح جامع شهری موثر باشد باید به تایید شورای عالی شهرسازی برسد. تبصره - بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در شهر تهران به عهده کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزرای مسکن و شهرسازی، کشور، نیرو (در حد معاونت مربوطه سرپرست سازمان حفاظت محیط زیست و شهردار تهران یا نماینده تام الاختیار او و رئیس شورای شهر تهران می باشد. محل دبیرخانه کمیسیون در شهرداری و دبیر آن شهردار تهران یا نماینده تام الاختیار او خواهد بود و جلسات آن با حضور اکثریت اعضا رسمیت یافته و تصمیمات کمیسیون حداقل با ۴ رای موافق معتبر است ضمناً تا تشکیل شوراهای شهر نماینده وزیر کشور به عنوان قائم مقامی رئیس شورای شهر تهران هم در کمیسیون شرکت خواهد کرد. (اصلاحی ۲۵۹۶۵ مجلس شورای اسلامی ماده ۶ - در شهرهایی که دارای نقشه جامع می باشند ثبت کل مکلف است در مورد هر تفکیک طبق نقشه ای که شهرداری بر اساس ضوابط طرح جامع تفصیلی یا هادی تایید کرده باشد اقدام به تفکیک نماید و در مورد افزایش دادگاهها مکلفند طبق نقشه تفکیکی شهرداری اقدام نمایند. هرگاه ظرف مدت چهار ماه نقشه تفکیکی از طرف شهرداری حسب مورد به ثبت یا دادگاه ارسال نشود ثبت یا دادگاه نسبت به تفکیک یا افزایش رأساً اقدام خواهند نمود. ماده ۷- شهرداریها مکلف به اجرای مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران طبق مفاد ماده ۲ می باشند. تبصره - در موارد ابهام و اشکال و اختلاف نظر در نحوه اجرای طرحهای جامع و تفصیلی شهری موضوع ماده ۵ مراتب در شورای عالی شهرسازی مطرح و نظر شورای عالی قطعی و لازم الاجرا خواهد بود. ماده ۸- کلیه سازمانهای دولتی و وابسته به دولت مکلفند در صورت درخواست وزارت مسکن و شهرسازی هر نوع اطلاع مربوط به شهرسازی و معماری را در اختیار وزارت مذکور بگذارند. ماده ۹- عقد قراردادهای مربوط به نقشه های جامع شهری با مهندسين مشاور همچنین تهیه شرح وظیفه فنی برای تهیه طرحهای مذکور موکول به کسب نظر از وزارت مسکن و شهرسازی خواهد بود. ماده ۱۰- آیین نامه اجرایی این قانون از طرف وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت کشور تهیه و پس از تایید شورای عالی شهرسازی و معماری به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. ماده ۱۱- مواد ۹۷ و ۹۸ اصلاح پاره ای از مواد قانون شهرداری و قوانین و مقررات مغایر با مفاد این قانون از تاریخ تصویب این قانون ملغی است

قانون ثبت آثار ملی - مصوب ۱۳۵۲/۹/۱۲

مصوب ۱۳۵۲/۹/۱۲ ماده واحده - به وزارت فرهنگ و هنر اجازه داده می شود علاوه بر آثار مشمول قانون حفظ آثار ملی مصوب آبان ماه ۱۳۰۹ آثار غیر منقولی را که از نظر تاریخی یا شئون ملی واجد اهمیت باشد، صرف نظر از تاریخ ایجاد یا پیدایش آن با تصویب شورای عالی فرهنگ و هنر در عداد آثار ملی مذکور در قانون مزبور به ثبت برساند. آثار مذکور در این ماده مشمول کلیه قوانین و مقررات مربوط به آثار ملی خواهد بود.

آیین نامه اجرایی تصویب نامه قانونی راجع به استملاک اتباع بیگانه در ایران - مصوب ۱۳۵۵

در اجرای ماده ۳ تصویب نامه قانونی مورخ ۱۳۷۴۲ راجع به استملاک اتباع بیگانه در ایران آیین نامه شماره ۱۷۸۱۰۶ مورخ ۱۰/۲۳/۱۳۴۲ لغو و آیین نامه اجرایی تصویب نامه مذکور به شرح زیر تصویب می شود ماده ۱- بیگانگانی که به منظور سیاحت و استفاده

بیلاقی مسافرت های منظم فصلی در سنوات متعدد و متوالی به ایران می نمایند هر گاه بخواهند در ایران محلی برای سکونت شخصی خریداری نمایند باید به ترتیب زیر اقدام نمایند. ماده ۲- متقاضیان تقاضای خود را که باید حاوی نکات زیر باشد الف - نام و نام خانوادگی و محل اقامت و رونوشت شناسنامه یا رونوشت برگ هویت ب - تابعیت فعلی و در صورت تغییر تابعیت ، تابعیت اصلی ج - مشخصات کامل محل مورد تقاضای خود را در استانها و فرمانداری های کل به استانداری یا فرمانداری کل و در تهران به دفتر نخست وزیر تسلیم نمایند. استانداران یا فرمانداران کل بر حسب مورد تقاضای واصله را حداکثر در ظرف یکماه با نظر شورای امنیت محل رسیدگی نموده و نتیجه را به نخست وزیری ارسال می دارند. کلیه تقاضاهای واصله به مرکز و استانها در کمیسیونی مرکب از نمایندگان نخست وزیری و وزارتخانه های کشور، دادگستری ، امور خارجه در نخست وزیری مورد رسیدگی قرار گرفته و برای تصویب نهایی به هیئت وزیران تقدیم می شود تصمیم کمیسیون در مورد تقاضا قطعی است ماده ۳- در صورتی که تقاضا مورد تصویب هیات وزیران قرار گیرد مراتب توسط دفتر نخست وزیری به متقاضی و اداره ثبت کل و در شهرستانها به استانداری یا فرمانداری کل اعلام می شود. اداره ثبت کل مکلف است مراتب را حداکثر در ظرف یک هفته به اداره ثبت محل ابلاغ نماید. ماده ۴- خریدار مکلف است ثمن مورد معامله را از طریق انتقال یا فروش ارز بوسیله یکی از بانکهای مجاز تحصیل نماید. دفاتر اسناد رسمی مکلفند هنگام انجام معامله گواهی بانک مجاز را از خریدار مطالبه و مراتب را با ذکر مشخصات در سند قید نمایند.

آیین نامه استملاک اتباع خارجه - مصوب سال ۱۳۲۸

ماده ۱- اتباع خارجه که در ایران می خواهند ملکی برای محل سکونت یا صنعت یا کسب خود استملاک نمایند باید اظهار نامه ای مشتمل بر مشخصات زیر به اداره ثبت محل وقوع آن ملک بدهند تا برای تحصیل اجازه به اداره کل ثبت فرستاده شود الف - نام و نام خانوادگی ب - تابعیت فعلی و در صورت تغییر تابعیت اصلی ج - سن تاهل و هر گاه تقاضا کننده مرد باشد تابعیت زن او قبل از ازدواج و در صورت داشتن اولاد ، جنسیت ، سن و تعداد آنها. د - تاریخ ورود به ایران - مدت اقامت - نقاط مختلفی که در آنجاها سکونت داشته با تعیین مشاغل قبلی و شغل فعلی ه محل اقامت دائمی و - منظور از مالکیت که برای سکونت - صنعت و یا محل کسب می باشد. ز - نوع و مشخصات و مساحت و شماره پلاک ثبت و محل وقوع ملک ح - تقاضا کننده در تقاضای خود تعهد می نماید که هر گاه بخواهد محل اقامت دائمی خود را به خارج ایران انتقال دهد باید ملک مورد تقاضای استملاک را حداکثر تا شش ماه از تاریخ خروج از ایران به یکی از اتباع ایران یا خارجیانی که طبق مقررات اجازه استملاک تحصیل نموده اند انتقال دهد والا- اداره ثبت مربوطه با اجازه اداره کل ثبت ملک را طبق مقررات مربوطه به مزایده املاک بیع شرطی از طریق مزایده به فروش رسانیده وجه آن را پس از وضع هزینه ها و عوارض قانونی به مالک خواهد پرداخت و هر گاه در مزایده خریداری پیدا نشد اداره کل ثبت مراتب را یک مرتبه در روزنامه رسمی کشور اعلام نموده و پس از انقضای مدت شصت روز از تاریخ اعلام ملک را به هر قیمتی که خریدار داشته باشد به فروش رسانده وجه آن را به شرح مذکور در فوق به مالک خواهد پرداخت تبصره - ثبت ملک به نام ورثه متقاضی در دفتر املاک منوط به رعایت مقررات این آیین نامه و سپردن تعهد مذکور در بند (ح) می باشد. ط - تعیین اینکه متقاضی و یا افراد خانواده او از اولاد و عیال و پدر و مادر که تحت تکفل وی هستند و با وی در یک محل سکونت و یا در کسب و صنعت شرکت دارند ملک دیگری در ایران غیر از آنچه که مورد تقاضا است دارا می باشند یا نه و یا اگر ملک دیگری دارند نوع و مشخصات و محل آن باید تعیین شود. ی - گواهینامه اداره مربوطه دایر بر نداشتن پیشینه کیفری که متضمن عدم محرومیت از جمیع یا بعضی از حقوق اجتماعی باشد. ک - رونوشت پروانه اقامت دائم که عکس متقاضی در آن الصاق و گواهی شده باشد. ماده ۲- در مواردی که تقاضا از طرف شرکت یا سایر موسسات خارجی مجاز داده می شود اظهار نامه باید دارای مشخصات زیر باشد الف - تابعیت - نوع شرکت یا موسسه - تاریخ تاسیس - میزان سرمایه - نوع عملیاتی که در ایران می نماید و

منظوری که از استملاک دارد. ب - طبق قانون دولت متبوع خود شرکت یا موسسه شخصیت حقوقی داشته و در ایران نیز به ثبت رسیده باشد. ج - تعیین اینکه شرکت یا موسسه غیر از ملک مورد تقاضا در ایران دارای ملک دیگری هست یا خیر. د - مساحت ملک مورد تقاضا - مشخصات - نوع و شماره پلاک ثبت و محل وقوع آن ه - شرکت یا موسسه مجاز خارجی باید طبق مقررات بند (ح) ماده یک تعهد بسپارد. ماده ۳ - موافقت با تقاضای استملاک که طبق مقررات بالا تنظیم شده باشد منوط به رعایت مراتب زیر می باشد الف - تقاضا مخالف با مقررات عهدی دولت ایران نباشد. ب - تقاضا مخالف قوانین ایران و انتظامات عمومی کشور نباشد. ج - در کشور متبوع متقاضی اتباع و شرکتهای و موسسات ایرانی هم حق استملاک داشته و بتوانند لااقل همان مقدار ملک را عملاً تحصیل نمایند. د - مساحت ملک مورد تقاضا متناسب با تعداد خانواده و وضعیت اجتماعی و مالی و یا نوع کسب و صنعت و منظوری که برای آن تقاضای استملاک شده است باشد. ه - محل وقوع ملک مورد تقاضا در مناطق مرزی یا نقاطی که استملاک خارجیان بر طبق مقررات محدود یا ممنوع گردیده نباشد. و - در مواردی که استملاک برای محل کار و کسب باشد باید طبق مقررات و قوانین ایران مباشرت به آن شغل مجاز بوده و در صورت لزوم پروانه اشتغال به آن شغل قبلاً تحصیل شده باشد. ماده ۴ - اداره کل ثبت پس از رسیدگی به درخواست استملاک با ارسال رونوشت درخواست و ضمایم آن نظریه خود را به وزارت امور خارجه اعلام و وزارتخانه مزبور هم نسبت به رد یا قبول تقاضا اظهار نظر نموده و در صورت لزوم از مقام نخست وزیری کسب اجازه کرده و نتیجه را بعداً به اداره کل ثبت اعلام خواهد داشت ماده ۵ - تقاضای استملاک برای محل سفارتخانه ها یا کنسولگری ها یا موسسات وابسته به سفارتها باید از مجرای سیاسی به عمل آمده و موافقت با آن منوط به این خواهد بود که در کشور متبوع متقاضی نسبت به تقاضای مشابه دولت ایران معامله متقابل بشود و در هر حال اخذ تصمیم با هیات وزیران بوده و در صورت قبول درخواست مراتب را وزارت امور خارجه به اداره کل ثبت اعلام خواهد داشت ماده ۶ - در اداره کل ثبت دفتر مخصوصی برای ثبت صورت املاکی که با تحصیل اجازه طبق مقررات موضوعه به اتباع یا شرکتهای و موسسات مجاز خارجی منتقل شده است تهیه می شود که نام و نام خانوادگی متقاضی و مشخصات ملک در آن قید شده و سپس جریان به وزارت امور خارجه اعلام می گردد تا در دفتر مخصوصی که در آن وزارتخانه برای این کار تهیه خواهد شد مراتب را به ثبت برساند.

آیین نامه چگونگی تملک اموال غیر منقول توسط اتباع خارجی غیرمقیم در جمهوری اسلامی ایران - مصوب

(روزنامه رسمی شماره ۱۴۸۳۴ - ۱۲ ۱۱ ۱۳۷۴) ماده ۱ - اتباع خارجی که بدون داشتن پروانه اقامت دائمی به منظور سیاحت و استفاده ییلاقی مسافرت های منظم فصلی در سنوات متعدد و متوالی به ایران مینمایند هرگاه بخواهند در ایران محلی را برای سکونت شخصی خریداری نمایند باید تقاضای خود را در اظهارنامه ای دربردارنده مشخصات زیر و مدارک و اسناد مربوط از طریق یکی از نمایندگی های سیاسی و کنسولی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور و یا استانداری محل وقوع ملک به همراه مدارک و اسناد مربوط به وزارت امور خارجه تقدیم دارند. اظهارنامه یاد شده باید دارای مشخصات زیر باشد الف نام و نام خانوادگی و شغل متقاضی. ب تابعیت فعلی و تابعیت اصلی (در صورت تغییر تابعیت ج سن وضعیت، تاهل، تابعیت فعلی همسر متقاضی و تابعیت وی قبل از ازدواج و در صورت داشتن اولاد تعداد، جنسیت و سن هریک د) محل اقامت دائمی متقاضی. تبصره ۱ - مدارک مورد نیاز شامل تصویر اسناد مالکیت و نشانی محل وقوع ملک و تصویر اوراق گذرنامه متقاضی است مراجع یاد شده در بالا مکلفند پس از دریافت تقاضا و اسناد و مدارک مربوط و بررسی، آنها را به وزارت امور خارجه ارسال کنند. گواهی برابری تصویر مدارک و اسناد مزبور با اصل آنها به عهده مراجع یاد شده در ماده (۱) میباشد. تبصره ۲ - وزارت امور خارجه پس از کسب نظر از مراجع مربوط (وزارت کشور و وزارت اطلاعات) موضوع را مورد بررسی قرار داده و در خصوص قبولی یا رد تقاضا بنا به مقتضیات سیاسی اعلام نظر نموده و در صورت موافقت تقاضا را به منظور تصمیم گیری به هیات وزیران، ارائه خواهد نمود. ماده ۲

- محل وقوع ملک مورد تقاضا نایستی در نقاطی که استملاک خارجیان محدود و یا ممنوع اعلام شده واقع شود. تبصره - وزارت کشور با همکاری وزارت اطلاعات و مراجع نظامی و انتظامی کشور، فهرست نقاط ممنوع و یا محدود از نظر استملاک اتباع خارجی را تهیه و به وزارت امور خارجه و استانداری اعلام خواهد کرد. ماده ۳ - متقاضیان مکلفند ثمن معامله را به صورت ریالی از طریق انتقال یا فروش ارز از یکی از بانک‌های مجاز تحصیل و به فروشنده بپردازند. دفاتر اسناد رسمی موظفند هنگام انجام معامله گواهی بانک مجاز را از خریدار مطالبه و مراتب را با ذکر مشخصات در سند قید کنند. ماده ۴ - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور پس از انتقال قطعی ملک به متقاضی، مشخصات مالک و ملک مورد معامله را در دفتر مخصوص ثبت و جریان امر را جهت درج در دفتر خاص به وزارت امور خارجه اعلام میدارد. ماده ۵ - ثبت ملک به نام ورثه متقاضی در دفتر املاک منوط به رعایت مقررات این آیین نامه خواهد بود. ماده ۶ - در صورت عدم مراجعه ورثه ظرف دو سال از زمان فوت مالک یا امتناع ورثه ایشان از انجام موارد مقرر در این آیین نامه ملک مورد نظر توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی با رعایت کلیه مقررات مربوط به مزایده بیع شرطی، از طریق مزایده، به فروش خواهد رسید و وجه حاصل از آن پس از کسر هزینه‌ها، مالیات و عوارض قانونی در حساب خاصی نزد خزانه داری کل نگهداری و سپس به ورثه یاد شده پرداخت خواهد شد. هرگاه ملک مزبور از طریق مزایده به فروش نرود وزارت یاد شده مراتب را یک نوبت در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران آگهی مینماید و پس از انقضای شصت روز از تاریخ درج آگهی مزبور، ملک را به بالاترین قیمت پیشنهادی خواهد فروخت و وجه آن را به نحو یاد شده در این ماده به ورثه پرداخت خواهد کرد. ماده ۷ - کلیه مقررات مغایر با این آیین نامه لغو میشود.

آیین نامه چگونگی تملک اموال غیر منقول توسط اتباع خارجی غیر مقیم در جمهوری اسلامی ایران - مصوب

(روزنامه رسمی شماره ۱۴۸۳۴ - ۱۲ ۱۱ ۱۳۷۴) ماده ۱ - اتباع خارجی که بدون داشتن پروانه اقامت دایمی به منظور سیاحت و استفاده ییلاقی مسافرت‌های منظم فصلی در سنوات متعدد و متوالی به ایران مینمایند هرگاه بخواهند در ایران محلی را برای سکونت شخصی خریداری نمایند باید تقاضای خود را در اظهارنامه‌ای در بردارنده مشخصات زیر و مدارک و اسناد مربوط از طریق یکی از نمایندگی‌های سیاسی و کنسولی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور و یا استانداری محل وقوع ملک به همراه مدارک و اسناد مربوط به وزارت امور خارجه تقدیم دارند. اظهارنامه یاد شده باید دارای مشخصات زیر باشد الف نام و نام خانوادگی و شغل متقاضی. ب تابعیت فعلی و تابعیت اصلی (در صورت تغییر تابعیت ج سن وضعیت، تاهل، تابعیت فعلی همسر متقاضی و تابعیت وی قبل از ازدواج و در صورت داشتن اولاد تعداد، جنسیت و سن هریک د) محل اقامت دایمی متقاضی. تبصره ۱ - مدارک مورد نیاز شامل تصویر اسناد مالکیت و نشانی محل وقوع ملک و تصویر اوراق گذرنامه متقاضی است مراجع یاد شده در بالا مکلفند پس از دریافت تقاضا و اسناد و مدارک مربوط و بررسی، آنها را به وزارت امور خارجه ارسال کنند. گواهی برابری تصویر مدارک و اسناد مزبور با اصل آنها به عهده مراجع یاد شده در ماده (۱) میباشد. تبصره ۲ - وزارت امور خارجه پس از کسب نظر از مراجع مربوط (وزارت کشور و وزارت اطلاعات) موضوع را مورد بررسی قرار داده و در خصوص قبولی یا رد تقاضا بنا به مقتضیات سیاسی اعلام نظر نموده و در صورت موافقت تقاضا را به منظور تصمیم‌گیری به هیات وزیران، ارائه خواهد نمود. ماده ۲ - محل وقوع ملک مورد تقاضا نایستی در نقاطی که استملاک خارجیان محدود و یا ممنوع اعلام شده واقع شود. تبصره - وزارت کشور با همکاری وزارت اطلاعات و مراجع نظامی و انتظامی کشور، فهرست نقاط ممنوع و یا محدود از نظر استملاک اتباع خارجی را تهیه و به وزارت امور خارجه و استانداری اعلام خواهد کرد. ماده ۳ - متقاضیان مکلفند ثمن معامله را به صورت ریالی از طریق انتقال یا فروش ارز از یکی از بانک‌های مجاز تحصیل و به فروشنده بپردازند. دفاتر اسناد رسمی موظفند هنگام انجام معامله گواهی بانک مجاز را از خریدار مطالبه و مراتب را با ذکر مشخصات در سند قید کنند. ماده ۴ - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

پس از انتقال قطعی ملک به متقاضی، مشخصات مالک و ملک مورد معامله را در دفتر مخصوص ثبت و جریان امر را جهت درج در دفتر خاص به وزارت امور خارجه اعلام میدارد. ماده ۵- ثبت ملک به نام ورثه متقاضی در دفتر املاک منوط به رعایت مقررات این آیین نامه خواهد بود. ماده ۶- در صورت عدم مراجعه ورثه ظرف دو سال از زمان فوت مالک یا امتناع ورثه ایشان از انجام موارد مقرر در این آیین نامه ملک مورد نظر توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی با رعایت کلیه مقررات مربوط به مزایده بیع شرطی، از طریق مزایده، به فروش خواهد رسید و وجه حاصل از آن پس از کسر هزینه‌ها، مالیات و عوارض قانونی در حساب خاصی نزد خزانه داری کل نگهداری و سپس به ورثه یاد شده پرداخت خواهد شد. هرگاه ملک مزبور از طریق مزایده به فروش نرود وزارت یاد شده مراتب را یک نوبت در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران آگهی مینماید و پس از انقضای شصت روز از تاریخ درج آگهی مزبور، ملک را به بالاترین قیمت پیشنهادی خواهد فروخت و وجه آن را به نحو یاد شده در این ماده به ورثه پرداخت خواهد کرد. ماده ۷- کلیه مقررات مغایر با این آیین نامه لغو میشود.

آیین نامه اجرایی صدور اسناد مالکیت اراضی کشاورزی - مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۶/۶/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و به استناد بند «ج» تبصره (۱۸) قانون بودجه سال ۱۳۸۴ کل کشور، آیین نامه اجرایی صدور اسناد مالکیت اراضی کشاورزی را به شرح زیر تصویب نمود: آیین نامه اجرایی صدور اسناد مالکیت اراضی کشاورزی ماده ۱- اراضی کشاورزی موضوع این آیین نامه شامل اراضی واقع در خارج از محدوده قانونی شهرها و شهرکها، تعریف شده در ماده (۲) قانون زمین شهری و در روستاها نیز خارج از بافت مسکونی روستاها طبق طرح هادی روستاها مورد عمل ماده (۱۳۳) قانون برنامه چهارم توسعه می‌باشد که مورد بهره‌برداری کشاورزی بوده یا به حالت آیش است. تبصره - تشخیص اراضی مشمول ماده (۱) به عهده مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان است. ماده ۲- مدیریت جهاد کشاورزی شهرستانها مزایای استفاده از این آیین نامه و نحوه تسلیم تقاضا را راساً یا از طریق شورای اسلامی روستاها با انتشار آگهی الصاقی در محل به اطلاع عموم می‌رساند. ماده ۳- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نسبت به تهیه فرم تقاضای مخصوص این آیین نامه اقدام می‌نماید و فرمهای مذکور را در اختیار وزارت جهاد کشاورزی قرار می‌دهد. ماده ۴- مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان ضمن بررسی تقاضاهای واصل شده، گواهی لازم مبنی بر صدور سند مالکیت اراضی موضوع این آیین نامه و بلامانع بودن از لحاظ مقررات اراضی موات و منابع ملی و اصلاحات ارضی و عدم تداخل با مناطق چهارگانه تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست و سایر مقررات مرتبط صادر و به اداره‌های ثبت محل ارسال می‌کند. ماده ۵- اداره‌های ثبت اسناد و املاک محل پس از دریافت گواهی موضوع ماده (۴) اقدامهای زیر را انجام می‌دهند: الف - اداره‌های ثبت محل نسبت به اعزام نماینده و نقشه‌بردار برای بررسی وضع محل و ترسیم و تطبیق نقشه اقدام کرده و جهت بررسی و تأیید و عدم مغایرت با قوانین و مقررات به اداره‌های جهاد کشاورزی شهرستان ارسال می‌کنند. ب - در صورت بروز اختلاف در مساحت و حدود و سایر موارد، نمایندگان سازمان ثبت و جهاد کشاورزی و دادگستری محل منطقه مربوط را معاینه و بررسی و رفع نقص و اختلاف می‌نمایند. ج - چنانچه اراضی مذکور فاقد سابقه ثبت باشند، پس از احراز تصرف مالکانه متقاضی، اظهارنامه به نام وی تنظیم می‌شود و عملیات ثبتی تا صدور سند مالکیت ادامه می‌یابد. د - چنانچه مورد تقاضا در جریان ثبت باشد، پس از معاینه محل و تطبیق سوابق ثبتی با مالکیت متقاضی در صورت ختم عملیات ثبتی نسبت به صدور سند مالکیت طبق مفاد این آیین نامه اقدام می‌شود. ماده ۶- قیمت تمام شده صدور اسناد مندرج در این آیین نامه شامل حق‌الزحمه نماینده و نقشه‌بردار، کارکنان تنظیم اظهارنامه صدور مالکیت و حقوق دولتی می‌باشد که با پیشنهاد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور حداکثر تا یک ماه پس از تصویب آیین‌نامه تعیین می‌شود. ماده ۷- اداره‌های ثبت اسناد و املاک محل در هنگام

تنظیم اظهارنامه یا ثبت در دفتر املاک، سی درصد قیمت تمام شده صدور سند مالکیت (به شرح ماده ۶) را از مالک دریافت نموده و پس از واریز حق ثبت املاک به حساب درآمد عمومی ردیف ۱۴۰۱۰۱ قانون بودجه سال ۱۳۸۴ کل کشور مابقی را به حساب مخصوصی که به همین منظور افتتاح می‌شود، واریز می‌نمایند و در پایان هر ماه با امضای مدیر کل ثبت اسناد و املاک استان و ذیحساب به عاملان مؤثر، بابت هزینه‌های متعلقه موضوع ماده (۶) پرداخت می‌شود. معاون اول رئیس‌جمهور - محمدرضا عارف

قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی - ۱۳/۶/۱۳۸۵

لایحه تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی که با عنوان لایحه اصلاح مقررات تنظیم و ثبت اسناد در دفاتر اسناد رسمی از سوی دولت به شماره ۴۷۶/۲۷۲۹۰ مورخ ۱۱/۱/۱۳۸۳ به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ ۲۴/۵/۱۳۸۵ مجلس با اصلاحاتی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جهت اجرا به دولت ابلاغ گردید. شماره ۶۵۴۶۵ ۱۳/۶/۱۳۸۵ وزارت دادگستری قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی که در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و چهارم مرداد ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱/۶/۱۳۸۵ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۸۸۱۱۳/۸۴ مورخ ۵/۶/۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده‌است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می‌گردد. رئیس‌جمهور - محمود احمدی‌نژاد قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی ماده ۱- دفاتر اسناد رسمی موظفند با رعایت بندهای زیر پس از دریافت دلایل مالکیت و پاسخ استعلام از اداره ثبت محل به منظور تطبیق سند با دفتر املاک و اعلام وضعیت ثبتی (حسب مورد) و عدم بازداشت نسبت به تنظیم سند رسمی انتقال عین اراضی و املاک اقدام نمایند: الف - گواهی پایان ساختمان یا عدم خلاف موضوع تبصره (۸) ماده (۱۰۰) اصلاحی قانون شهرداری در مورد املاک مشمول قانون مذکور. ب - اعلام نظر وزارت جهاد کشاورزی (حسب مورد سازمان امور اراضی و سازمان جنگلها و مراتع و آبخیزداری کشور) مبنی بر عدم شمول مقررات قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن و ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع، در مورد املاک واقع در خارج از محدوده قانونی شهرها. ج - دفاتر اسناد رسمی مکلفند هنگام نقل و انتقال عین املاک، مفاصا حساب مالیاتی و بدهی موضوع ماده (۳۷) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ را از انتقال‌دهنده مطالبه و شماره آن را در سند تنظیمی قید نمایند مگر اینکه انتقال‌گیرنده ضمن سند تنظیمی متعهد به پرداخت بدهی احتمالی گردد که در این صورت متعاملین نسبت به پرداخت آن مسؤولیت تضامنی خواهند داشت. تبصره - در موارد مذکور در ماده فوق مراجع ذی‌ربط مکلفند در تاریخ مراجعه، به‌مراجعه‌کنندگان گواهی وصول تقاضا، تسلیم و ظرف مدت بیست روز از تاریخ صدور گواهی یاد شده پاسخ آن را صادر نمایند. اعلام نظر مراجع مذکور باید روشن و با ذکر علت و مستند به دلایل قانونی باشد در غیر این صورت ثبت سند با تصریح موضوع در سند تنظیمی بلامانع خواهد بود. ماده ۲- دفاتر اسناد رسمی موظفند در صورت عدم وصول پاسخ استعلامات، منتقل‌الیه را از آثار و تبعات سند تنظیمی موضوع تبصره ماده (۱)، مطلع سازند در این صورت طرفین پس از تنظیم سند و نقل و انتقال متضامناً مسؤول و پاسخگوی کلیه تعهدات قانونی و بدهی‌های مربوط به ملک که تا زمان تنظیم سند، طبق قوانین محقق و مسلم بوده می‌باشند. ماده ۳- سردفتران دفاتر اسناد رسمی ذی‌ربط مسؤول صحت و اعتبار اسناد تنظیمی می‌باشند و در صورت تخلف مطابق مقررات قانونی با آنان عمل می‌شود. ماده ۴- دفاتر اسناد رسمی می‌توانند در صورت درخواست متعاملین نسبت به تنظیم سند رسمی راجع به نقل و انتقال تلفن ثابت و همراه اقدام نمایند. شرکت مخابرات ایران مکلف است پاسخ استعلام دفاتر در موارد مربوط را حداکثر ظرف مدت دو روز صادر نماید. اعتبار پاسخ استعلام یک روز پس از صدور است. ماده ۵- نقل و انتقال ماشین‌های چاپ، لیتوگرافی و صحافی پس از ارائه موافقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط مالک، باید در دفاتر اسناد رسمی انجام شود نقل و انتقالات مذکور در شناسنامه مالکیت که نمونه آن توسط سازمان

ثبت اسناد و املاک کشور و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه می‌گردد منعکس می‌شود. ماده ۶- هرگونه انتقال بلاعوض به نفع دولت و شهرداریها از پرداخت عوارض و اخذ هرگونه گواهی به استثناء پاسخ استعلام از اداره ثبت اسناد و املاک محل، معاف می‌باشد. ماده ۷- آیین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر شش ماه پس از ابلاغ با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. ماده ۸- کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون از تاریخ تصویب این قانون لغو می‌گردد. قانون فوق مشتمل بر ماده هشت ماده و یک تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و چهارم مردادماه یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱/۶/۱۳۸۵ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

قانون اصلاح ماده (۳۴) اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۵۱ و حذف ماده (۳۴) مکرر آن - مصوب ۱۲/۱۲/۱۳۸۶

جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون اصلاح ماده (۳۴) اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۵۱ و حذف ماده (۳۴) مکرر آن که با عنوان طرح دو فوریتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ ۲۹/۱۱/۱۳۸۶ و تأیید شورای محترم نگهبان به پیوست ابلاغ می‌گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل شماره ۲۰۳۳۶۳ ۲۶/۱۲/۱۳۸۶ وزارت دادگستری قانون اصلاح ماده (۳۴) اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۵۱ و حذف ماده (۳۴) مکرر آن که در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ بیست و نهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۸/۱۲/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۹۴۵۱۴/۷۹۷ مورخ ۱۲/۱۲/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است به پیوست جهت اجرا ابلاغ می‌گردد. رئیس جمهور - محمود احمدی‌نژاد قانون اصلاح ماده (۳۴) اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۵۱ و حذف ماده (۳۴) مکرر آن ماده واحده - ماده (۳۴) اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۵۱ به شرح زیر اصلاح و ماده (۳۴) مکرر آن حذف می‌گردد: ماده ۳۴- در مورد کلیه معاملات رهنی و شرطی و دیگر معاملات مذکور در ماده (۳۳) قانون ثبت، راجع به اموال منقول و غیرمنقول، در صورتی که بدهکار ظرف مهلت مقرر در سند، بدهی خود را نپردازد، طلبکار می‌تواند از طریق صدور اجرائیه وصول طلب خود را توسط دفترخانه تنظیم‌کننده سند، درخواست کند. چنانچه بدهکار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننماید بنا به تقاضای بستانکار، اداره ثبت پس از ارزیابی تمامی مورد معامله و قطعیت آن، حداکثر ظرف مدت دو ماه از تاریخ قطعیت ارزیابی، با برگزاری مزایده نسبت به وصول مطالبات مرتهن به میزان طلب قانونی وی اقدام و مازاد را به رهن مسترد می‌نماید. تبصره ۱- در مواردی هم که مال یا ملکی، وثیقه دین یا انجام تعهد یا ضمانتی قرار داده می‌شود مطابق مقررات این قانون عمل خواهد شد. تبصره ۲- نحوه ابلاغ اجرائیه، بازداشت مازاد مورد رهن و چگونگی ختم عملیات اجرائی و برگزاری مزایده و اعراض از رهن و سایر موارد به موجب آئین‌نامه‌ای است که ظرف مدت سه ماه از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید. تبصره ۳- این قانون نسبت به اسناد تنظیمی و اجرائیه‌های صادره که قبل از تصویب این قانون مختومه نگردیده است نیز جاری است. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ بیست و نهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۸/۱۲/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

آیین‌نامه اجرایی قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی - مصوب ۲۶/۱۲/۱۳۸۶

وزیران عضو کمیسیون لوایح در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۳۰ بنا به پیشنهاد مشترک وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موضوع نامه شماره ۷۷۸۸/۰۲/۱۱۱ مورخ ۱۳۸۶/۴/۲۵ و به استناد ماده (۷) قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی - مصوب ۱۳۸۵ - و با رعایت تصویب نامه شماره ۱۶۴۰۸۲/ت/۳۷۳ هـ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۰، آیین نامه اجرایی قانون یادشده را به شرح زیر تصویب نمودند: آیین نامه اجرایی قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی ماده ۱- دفاتر اسناد رسمی مکلفند قبل از تنظیم سند رسمی انتقال عین اراضی و املاک اعم از قطعی، شرطی، هبه، معاوضه، صلح، وقف و وصیت، مطابقت مشخصات ملک و مالک (مندرج در سند مالکیت) با دفتر املاک و بازداشت نبودن ملک را از اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع آن استعلام و پس از اخذ پاسخ، با رعایت سایر مواد این آیین نامه مبادرت به تنظیم اسناد مذکور نمایند و شماره و تاریخ پاسخ استعلام را در سند تنظیمی قید کنند. پاسخ استعلام ثبت باید حاوی نام و مشخصات آخرین مالک، شماره پلاک ثبتی، ثبت، صفحه و دفتر املاک، شماره چاپی سند مالکیت و مراتب بازداشت یا عدم بازداشت ملک مورد استعلام باشد. چنانچه ملک در دفتر املاک ثبت نشده باشد، اداره ثبت محل مکلف است وضعیت ثبتی را اعلام نماید. تبصره ۱- استعلام یادشده، مطابق بر گه مخصوصی است که حاوی اطلاعات موصوف بوده و توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به صورت اوراق بهادار تهیه و به دفاتر اسناد رسمی تحویل می شود. تبصره ۲- اعتبار پاسخ استعلام، در مواردی که دفتر اسناد رسمی و اداره ثبت در یک شهر قرار دارند، یک ماه و در غیر این صورت ۴۵ روز از تاریخ صدور خواهد بود. تبصره ۳- دفاتر اسناد رسمی نمی توانند پاسخ استعلام ثبتی را که به عنوان دفترخانه دیگری صادر گردیده است، مستند ثبت معامله قرار دهند و رأساً باید استعلام نمایند. ماده ۲- چنانچه پس از ارسال پاسخ استعلام به دفتر اسناد رسمی در مدت اعتبار پاسخ مذکور، دستور مرجع ذی صلاح قضایی یا ثبتی مبنی بر بازداشت ملک یا نظریه قطعی وزارت مسکن و شهرسازی یا وزارت جهاد کشاورزی حسب مورد مبنی بر موات بودن و یا شمول ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع، به اداره ثبت محل وقوع ملک واصل گردد، اداره مذکور مکلف است فوراً مراتب را رأساً یا از طریق اداره ثبت محل استقرار دفترخانه به دفتر یادشده کتباً ابلاغ نماید. ماده ۳- دفاتر اسناد رسمی در خصوص گواهی پایان ساختمان و عدم خلاف، ملزم به رعایت تبصره (۸) اصلاحی ماده (۱۰۰) قانون شهرداری - مصوب ۲۷/۶/۱۳۵۸ شورای انقلاب - قبل از تنظیم سند انتقال املاک موضوع تبصره مذکور می باشند. ماده ۴- دفاتر اسناد رسمی موظفند هنگام تنظیم سند رسمی انتقال اراضی و املاک خارج از محدوده و حریم شهر، اعلام نظر اداره جهاد کشاورزی شهرستان مربوط مبنی بر عدم شمول مقررات قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن و یا عدم شمول ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع را اخذ و شماره و تاریخ آن را در سند تنظیمی قید نمایند. ادارات جهاد کشاورزی مکلفند با رعایت مفاد تبصره ماده (۱) قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی و ماده (۷) این آیین نامه، نسبت به ارجاع موضوع به سازمان های ذی ربط (حسب مورد سازمان امور اراضی یا سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور) و یا ادارات وابسته اقدام و اعلام نظر نمایند. تبصره ۱- دفاتر اسناد رسمی موظفند به منظور تعیین موقعیت پلاک ثبتی مورد انتقال از جهت داخل یا داخل از محدوده و حریم شهر قرارداداشتن آن، از سازمان مسکن و شهرسازی استعلام نمایند. تبصره ۲- در صورت وجوه سابقه مبنی بر اعلام نظر نسبت به موات نبودن ملک از مرجع ذی ربط یا در صورتی که برای مورد معامله سند مالکیت به صورت اراضی کشاورزی، باغ مشجر و یا دارای اعیانی صادر شده و یا مستندات و پاسخ استعلام قبلی مؤید آن باشد، نیاز به اخذ نظر مجدد در این خصوص نخواهد بود. ماده ۵- وزارت جهاد کشاورزی تا پایان مهلت قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و به شرح بند (ج) ماده (۶۸) قانون مذکور، باید کلیه اراضی موات واقع در خارج از محدوده و حریم شهر و همچنین اراضی مشمول ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع را به اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک منعکس نموده و در مورد آنها تقاضای صدور سند مالکیت نماید. ماده ۶- دفاتر اسناد رسمی مکلفند، هنگام تنظیم سند نقل و انتقال عین اراضی و املاک، مفاسد حساب مالیاتی و حسب مورد بدهی موضوع ماده

(۳۷) قانون تأمین اجتماعی - مصوب ۱۳۵۴- را از انتقال دهنده مطالبه و شماره آن را در سند تنظیمی قید نمایند، مگر اینکه انتقال گیرنده ضمن سند تنظیمی متعهد به پرداخت بدهی احتمالی انتقال دهنده گردد که در این صورت متعاملین نسبت به پرداخت آن مسئولیت تضامنی خواهند داشت. در صورت اخیر، دفاتر اسناد رسمی موظفند تصویر سند تنظیمی را جهت وصول مطالبات موصوف تا پایان ماه بعد به ادارات امور مالیاتی و تأمین اجتماعی محل مربوط ارسال نمایند. تبصره - ادارات مذکور موظفند طبق مقررات، پس از تاریخ وصول تصویر اسناد مذکور در صورتی که مورد معامله دارای بدهی باشد، مراتب را ضمن صدور برگ تشخیص و تعیین میزان قطعی بدهی تا تاریخ ثبت سند رسمی به نشانی مندرج در سند تنظیمی به هر یک از متعاملین ابلاغ نمایند. ماده ۷- ادارات و سازمان‌های مذکور در بندهای ذیل ماده (۱) قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی مکلفند هنگام تقاضای ذی‌نفع و یا ارایه استعلام دفتر اسناد رسمی، گواهی وصول تقاضا یا استعلام، حاوی پلاک ثبتی ملک مورد استعلام را به مراجعه کننده تسلیم و یا برای دفتر اسناد رسمی ذی‌ربط ارسال و حداکثر ظرف ۲۰ روز از تاریخ صدور گواهی وصول تقاضا و یا استعلام، پاسخ آن را اعلام نمایند. نظر مخالف مراجع مذکور باید روشن و با ذکر علت و مستند به دلایل قانونی و اعلام نظر موافق نیز باید صریح و بدون قید و شرط باشد. در غیر این صورت یا در صورت عدم ارایه پاسخ در مهلت مقرر، ثبت سند با تصریح موضوع در سند تنظیمی بلامانع خواهد بود. تبصره - در صورتی که مراجعه کننده مدعی عدم صدور پاسخ لازم ادارات مربوط در ظرف مدت مقرر باشد، دفتر اسناد رسمی موضوع را از اداره ذی‌ربط استعلام خواهد نمود. ماده ۸- دفاتر اسناد رسمی هنگام تنظیم سند، موظفند در صورت عدم وصول پاسخ استعلامات و یا ارایه پاسخ مشروط و مبهم یا مقید، منتقل‌الیه را از آثار و تبعات سند تنظیمی مطلع و مسئولیت تضامنی متعاملین در پاسخگویی کلیه تعهدات قانونی و بدهی‌های مربوط به مورد معامله که تا زمان تنظیم سند طبق قوانین محقق و مسلم بوده را صریحاً در سند قید و ثبت نمایند. ماده ۹- هرگونه انتقال بلاعوض اراضی و اعیان به نفع دولت و شهرداری‌ها و نیز تنظیم اسنادی که موجب تغییر مالکیت عین نمی‌گردد از قبیل اجاره، رهن و تقسیم‌نامه (غیر از حبس)، از پرداخت عوارض و اخذ هرگونه گواهی و اعلام نظر به استثنای پاسخ استعلام از اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک معاف می‌باشد، لکن دفاتر اسناد رسمی مکلفند نشانی محل وقوع ملک را طبق اظهار متعاملین در سند تنظیمی قید نموده و حداکثر تا پایان ماه بعد تصویر سند تنظیمی را حسب مورد به اداره امور مالیاتی یا اداره تأمین اجتماعی شهر مربوط ارسال نمایند. ماده ۱۰- اداره امور مالیاتی محل مکلف است در اجرای تبصره (۱) ماده (۱۲۳) اصلاحی قانون ثبت موضوع ماده (۱۰) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۴-، ارزش معاملاتی ملک مورد معامله را به دفتر اسناد رسمی استعلام کننده اعلام نماید. ماده ۱۱- چنانچه به درخواست متعاملین سند نقل و انتقال تلفن ثابت و همراه در دفاتر اسناد رسمی تنظیم و ثبت گردد، شرکت مخابرات ایران موظف است پس از ارایه سند مذکور نسبت به تغییر نام مالک مبادرت نماید. ماده ۱۲- دفاتر اسناد رسمی مکلفند قبل از تنظیم سند نقل و انتقال ماشین‌های چاپ، لیتوگرافی و صحافی موافقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را اخذ و پس از انجام معامله، خلاصه نقل و انتقال را در شناسنامه مالکیت مربوط درج و تصویر سند تنظیمی را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارسال نمایند. شناسنامه مذکور طبق نمونه‌ای است که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ این آئین‌نامه، تهیه و در اختیار مالکان ماشین‌های یادشده قرار می‌گیرد. تبصره - تا زمانی که شناسنامه مالکیت موضوع این ماده تهیه و در اختیار مالک قرار داده نشده است، تنظیم سند با ارایه موافقت‌نامه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بلامانع خواهد بود. این تصویب‌نامه در تاریخ ۲۶/۱۲/۱۳۸۶ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران - مصوب ۲۵ تیرماه ۱۳۵۴**اول - تشکیلات دفترخانه (ماده ۱ تا ۵)**

ماده ۱ - دفترخانه اسناد رسمی واحد وابسته به وزارت دادگستری است و برای تنظیم و ثبت اسناد رسمی طبق قوانین و مقررات مربوط تشکیل می‌شود. سازمان و وظایف دفترخانه تابع قوانین و نظامات راجع به آن است ماده ۲ - اداره امور دفترخانه اسناد رسمی به عهده شخصی است که با رعایت مقررات این قانون بنا به پیشنهاد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با جلب نظر مشورتی کانون سردفتران و به موجب ابلاغ وزیر دادگستری منصوب و سردفتر نامیده می‌شود. تبصره - تا زمانی که در مراکز استان کانون سردفتران تاسیس نشده نظر مشورتی دادستان شهرستان محل و در محلهای فاقد دادسرا نظر دادگاه بخش محل جلب خواهد شد. ماده ۳ - هر دفترخانه علاوه بر یک دفتریار که سمت معاونت دفترخانه و نمایندگی سازمان ثبت را دارا می‌باشد و دفتریار اول نامیده می‌شود می‌تواند یک دفتریار دوم نیز داشته باشد. دفتریار به پیشنهاد سردفتر و به موجب ابلاغ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور برابر مقررات این قانون منصوب می‌شود. ماده ۴ - محل دفترخانه در هر شهر یا بخش به معرفی سردفتر و موافقت اداره ثبت محل تعیین خواهد شد و در صورت ضرورت انتقال محل دفترخانه به محل دیگر در همان شهر یا بخش با تصویب ثبت محل امکان‌پذیر است ماده ۵ - پس از تصویب این قانون تاسیس دفترخانه با توجه به نیازمندیهای هر محل تابع ضابطه زیر خواهد بود: در شهرها برای حداقل هر پانزده هزار نفر و حداکثر هر بیست هزار نفر با توجه به آمار و درآمد حاصل از حق ثبت معاملات، یک دفترخانه شهرها و بخشهایی که جمعیت آنها کمتر از پانزده هزار نفر باشد یک دفترخانه خواهد داشت اجازه تجدید فعالیت دفترخانه ای که به علت انفصال دائم سردفتر تعطیل شده در حکم تاسیس دفترخانه جدید خواهد بود. همچنین است در مورد بازنشستگی و فوت سردفتر که پس از انقضای مدتهای مقرر در ماده ۶۹ این قانون در حال تعطیل باقی بماند. تبصره - پس از تعیین تعداد دفاتر اسناد رسمی هر محل به شرح این ماده هر گاه با توجه به میزان معاملات و درآمد دفاتر اسناد رسمی موجود و مقتضیات محلی، افزایش تعداد دفاتر زاید بر حد نصاب مذکور ضروری تشخیص شود به پیشنهاد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و تصویب وزارت دادگستری حداکثر تا دو دفترخانه می‌توان به دفاتر موجود در هر حوزه ثبتی با رعایت مقررات این قانون اضافه نمود.

فصل دوم - انتخاب سردفتران و دفتریاران و صلاحیت آنها (ماده ۶ تا ۱۷)

ماده ۶ - اشخاص زیر را می‌توان به سردفتری دفترخانه اسناد رسمی تعیین نمود: ۱ - اشخاصی که دارای لیسانس حقوق در رشته قضایی یا منقول از دانشکده الهیات یا دانشکده سابق معقول و منقول باشند. ۲ - کسانی که دارای دو سال سابقه خدمات قضایی یا وکالت پایه یک دادگستری باشند. ۳ - سایر لیسانسیه‌ها به شرط داشتن سه سال سابقه دفتریاری ۴ - اشخاصی که از مراجع مسلم دارای تصدیق اجتهاد طبق آیین نامه ای که به تصویب وزارت دادگستری می‌رسد باشند. ۵ - دفتریارانی که دارای گواهی قبولی امتحان مخصوص سردفتری و دفتریاری موضوع شق سوم ماده ۱۰ قانون دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶ باشند به شرط داشتن پنج سال سابقه دفتریاری ۶ - دفتریارانی که دارای دیپلم کامل متوسطه باشند به شرط داشتن هفت سال سابقه دفتریاری اول ۷ - دفتریاران اول که در تاریخ تصویب این قانون شاغل بوده و ۱۵ سال سابقه دفتریاری اعم از متناوب و مستمر داشته باشند. تبصره ۱ - متصدیان دفاتر اسناد رسمی که تا تاریخ اجرای این قانون با رعایت مقررات قانون دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶ درجه بندی شده‌اند کماکان صلاحیتشان برای تنظیم و ثبت اسناد رسمی محدود به حدودی است که در آخرین اجازه نامه آنها ابلاغ شده است تبصره

۲- پس از تصویب این قانون سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نسبت به تطبیق وضع سردفتران که براساس قانون دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶ منحصراً در حد قانونی درجات دوم و سوم انجام وظیفه می‌کنند با مقررات این قانون طبق آیین نامه ای که به تصویب وزارت دادگستری می‌رسد اقدام خواهند کرد. تبصره ۳- به منظور تربیت کادر علمی و فنی برای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و دفتر اسناد رسمی وزارت علوم و آموزش عالی با جلب نظر وزارت دادگستری با توجه به آیین نامه ای که طبق مقررات این قانون تدوین و به تصویب وزارت علوم و آموزش عالی و وزارت دادگستری خواهد رسید از طریق تشکیل کلاسهای مخصوص یا تاسیس رشته‌ای خاص در دانشکده ها یا منظور نمودن فنون مزبور در برنامه های تحصیلی آموزشگاه های عالی اقدام خواهد کرد. فارغ التحصیلان رشته مزبور بر سایر داوطلبان سردفتری و دفتریاری حق تقدم خواهند داشت ماده ۷- دارندگان دانشنامه لیسانس را بدون کارآموزی و دارندگان دیپلم کامل متوسطه را به شرط یکسال کارآموزی می‌توان به دفتریاری دفاتر اسناد رسمی انتخاب نمود. دفتریارانی که در تاریخ تصویب این قانون به دفتریاری اشتغال دارند کماکان دفتریار شناخته می‌شوند. تبصره - کفیل دفترخانه باید واجد همان شرایط باشد که برای سردفتر مقرر است ماده ۸- به وزارت دادگستری اجازه داده می‌شود از تاریخ تصویب این قانون تا ده سال در صورتی که برای تصدی دفتر اسناد رسمی و دفتریاری در خارج از مراکز استان داوطلب واجد شرایط موضوع مواد ۶ و ۷ این قانون موجود نباشد از میان اشخاص واجد شرایط طبق قانون سابق انتخاب کند. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور فقط در صورتی با تقاضای انتقال این افراد به محل دیگر موافقت می‌نماید که در محل جدید نیز داوطلب واجد شرایط وجود داشته باشد. ماده ۹- سن سردفتران در بدو اشتغال نباید کمتر از بیست و چهار سال و بیشتر از پنجاه سال و سن دفتریاران نباید کمتر از بیست سال و بیشتر از پنجاه سال باشد. ماده ۱۰- پس از تصویب این قانون هر یک از سردفتران و دفتریاران اول که دارای سی سال سابقه خدمت اعم از متوالی یا متناوب (اعم از سردفتری و دفتریاری اول باشد می‌تواند تقاضای بازنشستگی کند. نحوه استفاده این اشخاص از مزایای بازنشستگی به موجب آیین نامه موضوع ماده ۶۸ این قانون تعیین خواهد شد. ماده ۱۱- سردفتران و دفتریاران اول پس از رسیدن به سن ۶۵ سال تمام براساس مقررات این قانون بازنشسته خواهند شد. ملاک تشخیص سن ، شناسنامه‌ای است که در بدو اشتغال به کار ارایه شده است تبصره - سردفتران و دفتریاران اول که در تاریخ تصویب این قانون به کار اشتغال دارند می‌توانند تا سن ۷۰ سال تمام به کار ادامه دهند. ماده ۱۲- اشخاص زیر را نمی‌توان به سمت سردفتری یا دفتریاری انتخاب یا ابقا کرد: ۱- اتباع بیگانه ۲- کسانی که تحت قیمومت یا ولایت هستند. ۳- محکومین به انفصال دائم از خدمات دولتی یا قضایی یا وکالت دادگستری و همچنین محکومین به انفصال موقت از خدمات و مشاغل مزبور در مدت انفصال یا تعلیق ۴- محکومین به جنایات عمدی و محکومین به ارتکاب جنحه های منافی عفت و همچنین محکومین به جنحه هایی که مطابق قانون مستلزم محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی مذکور در ماده ۱۵ قانون مجازات عمومی است و همچنین اشخاصی که احراز شود به اتهامات جنایات عمدی تحت محاکمه هستند. ۵- اشخاص مشهور به فساد عقیده و معتادین به مواد مخدر و کسانی که فاقد صلاحیت اخلاقی باشند. ماده ۱۳- سردفتران و دفتریارانی که به اتهام ارتکاب جنایت عمدی مطلقاً و یا به اتهام ارتکاب جنحه‌های مذکور در ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی از طرف مراجع قضایی علیه آنها کیفرخواست صادر شود تا صدور حکم قطعی معلق خواهند شد و در صورتی که سردفتر معلق شود دفترخانه تا روشن شدن تکلیف نهایی سردفتر معلق به کفالت دفتریار واجد شرایط یا سردفتر دیگری اداره خواهد شد و در صورت براءت از اتهام منتسب سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است بلافاصله اجازه اشتغال مجدد او را صادر نماید. ماده ۱۴- یک سردفتر نمی‌تواند متصدی امور دو دفترخانه باشد. کفالت دفترخانه دیگر در مواردی که به موجب این قانون مقرر است تصدی محسوب نمی‌شود. وظایف سردفتر کفیل نسبت به امور دفترخانه ای که سردفتر آن در حال تعلیق یا مرخصی یا معذوریت است و یا به علت فوت یا بازنشستگی سردفتر ، دفترخانه تعطیل شده است در هر یک از شقوق مذکور در فوق طبق آیین نامه معین خواهد شد. ماده ۱۵- مشاغل زیر منافی شغل سردفتری و دفتریاری است ۱- قضاوت و وکالت دادگستری و عضویت در موسسات

دولتی و وابسته به دولت و شهرداریها. ۲- اشتغال به امر تجارت بنا به تعریف ماده یک قانون تجارت ۳- عضویت در هیات مدیره و مدیریت عامل شرکتهای تجاری و بانکها و یا موسسات بیمه و موسسات دولتی و یا وابسته به دولت ۴- مدیریت روزنامه یا مجله اعم از مدیر مسوول یا مدیر داخلی و صاحب امتیاز و سردبیر (به استثنای نشریه کانون سردفتران و مجلاتی که صرفا جنبه علمی داشته باشد) تبصره ۱- تدریس در دانشکده‌ها و مدارس عالی با اجازه وزارت دادگستری مانع از اشتغال به شغل سردفتری و یا دفترباری نخواهد بود. تبصره ۲- سردفتر یا دفتربار در صورت انتخاب به نمایندگی مجلسین یا شهردار انتخابی با حفظ سمت از اشتغال به سردفتری معذور خواهد بود و در این مدت دفترخانه به تصدی دفتربار واجد شرایط که از طرف سردفتر معرفی می‌شود اداره خواهد شد. مدت نمایندگی سردفتر در مجلسین یا خدمت در سمت شهردار انتخابی جز سنوات خدمات او محسوب می‌شود. ماده ۱۶- سردفتران و دفترباران قبل از اشتغال به کار باید سوگند یاد نمایند. (متن سوگندنامه و ترتیب اجرای آن به موجب آیین نامه خواهد بود). ماده ۱۷- سردفتران و دفترباران قبل از شروع به کار باید ضامن معتبر بدهند. ترتیب گرفتن ضامن و میزان ضمانت و شرایط و نحوه استفاده از آن به موجب آیین نامه خواهد بود.

فصل سوم - مقررات مربوط به دفترخانه و وظایف سردفتران و دفترباران (ماده ۱۸ تا ۳۱)

ماده ۱۸- کلیه اسناد در دفترخانه های اسناد رسمی و در اوراق مخصوصی که از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در اختیار دفترخانه قرار داده می‌شود تنظیم و فقط در یک دفتر که به نام دفتر سردفتر نامیده می‌شود ثبت می‌گردد و ثبت سند به امضای اصحاب معامله و سردفتر و دفتربار خواهد رسید مگر آن که دفترخانه فاقد دفتربار باشد. ماده ۱۹- هر دفترخانه علاوه بر دفتر سردفتر که یک نسخه است دارای دفاتر دیگر که نوع و عنوان و تعداد و نحوه تنظیم و نگهداری آن طبق آیین نامه معین می‌شود خواهد بود. ماده ۲۰- دفتر گواهی امضا دفتری است که منحصرًا مخصوص تصدیق امضای ذیل نوشته‌های عادی است و نوشته تصدیق امضا شده با توجه به ماده ۳۷۵ آیین دادرسی مدنی مسلم الصدور شناخته می‌شود. وزارت دادگستری آیین نامه لازم را برای گواهی امضا تهیه و تصویب خواهد کرد. ماده ۲۱- اصول اسناد رسمی در صورت تقاضای متعاملین به تعداد آنها تهیه می‌شود و به هر حال یک نسخه اضافی تنظیم خواهد شد که نسخه اخیر باید در دفترخانه نگهداری شود. متعاملین می‌توانند از اصول اسناد رونوشت یا فتوکپی اخذ نمایند. در مواردی که نسبت به سند ادعای جعل و یا ادعای عدم مطابقت فتوکپی یا رونوشت با اصل سند شده باشد دفاتر اسناد رسمی مکلفند به درخواست مراجع صالح قضایی اصل سند را لاک و مهر شده موقتاً به مرجع قضایی مذکور ارسال دارند و هرگاه مراجع مذکور ملاحظه دفتر را لازم بدانند می‌توانند آن را در محل دفترخانه ملاحظه کنند. ماده ۲۲- سردفتران و دفتربارانی که در انجام وظایف خود مرتکب تخلفاتی بشوند در مقابل متعاملین و اشخاص ذی نفع مسوول خواهند بود. هرگاه سندی در اثر تقصیر یا تخلف آنها از قوانین و مقررات مربوط بعضاً یا کلاً از اعتبار افتد و در نتیجه ضرری متوجه آن اشخاص شود علاوه بر مجازاتهای مقرر باید از عهده خسارت وارد برآیند. دعاوی مربوط به خسارات ناشی از تخلفات سردفتران و دفترباران تابع قوانین و مقررات عمومی خواهد بود. ماده ۲۳- سردفتر مسوول کلیه امور دفترخانه است و دفتربار اول مسوول اموری است که به موجب مقررات به عهده او محول شده و یا از طرف سردفتر در حدود مقررات انجام آن امور به او ارجاع می‌شود. در مورد اخیر سردفتر و دفتربار مسوولیت مشترک خواهند داشت در هر مورد که براساس مقررات این قانون دفتربار به جای سردفتر انجام وظیفه می‌کند مسوولیت دفتربار همان مسوولیت سردفتر است و همین حکم در مورد سردفتری که کفالت دفترخانه دیگری را به عهده دارد نسبت به امور کفالت جاری خواهد بود. ماده ۲۴- سردفتران و دفترباران می‌توانند از مرخصی و معذوریت استفاده نمایند. نحوه استفاده از مرخصی و معذوریت و مدت آن به موجب آیین نامه‌ای خواهد بود که از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و

کانون سردفتران تهران تهیه و به تصویب وزارت دادگستری خواهد رسید. ماده ۲۵ - در موارد مرخصی - بیماری - تعلیق - انفصال موقت و معدومیت دفتریار و نیز در مواردی که دفتریار کفالت دفترخانه را طبق این قانون عهده‌دار شود، در صورتی که دفترخانه دارای دفتریار دوم باشد امور مربوط به دفتریار به عهده دفتریار مزبور خواهد بود و هرگاه دفتریار دوم نباشد، تا دو ماه وظایف دفتریار را خود سردفتر انجام می‌دهد و اگر مدت‌های بالا زاید بر دو ماه باشد کفالت امور دفتریار موقتا به عهده دفتریار دفترخانه دیگری گذارده خواهد شد. نحوه کفالت و انتخاب دفتریار کفیل به موجب آیین نامه مندرج در ماده ۲۴ تعیین خواهد شد. ماده ۲۶ - در مواردی که سردفتر یا دفتریار کفیل دفترخانه طبق حکم دادگاه انتظامی به انفصال دائم یا سلب صلاحیت محکوم و یا مستعفی یا بازنشسته می‌شود و بالنتیجه دفترخانه تعطیل می‌گردد، مسوول دفترخانه باید بلافاصله اقدام به تحویل کلیه دفاتر و اسناد و اوراق مربوط به دفترخانه بنماید و نیز کلیه وجوه و اوراق بهادار که به هر عنوان به او سپرده شده طبق دستور ثبت محل به دفتریار، ۱۸ دفترخانه یا به دفترخانه‌ای که تعیین می‌شود حسب مورد تحویل دهد، در صورت امتناع به ششماه الی یکسال حبس جنحه‌ای محکوم خواهد شد و همین حکم در مورد سردفتر یا دفتریار که به علت بیماری یا حادثه قدرت لازم را برای انجام وظیفه به تشخیص پزشک و تایید سازمان ثبت اسناد و املاک کشور از دست داده باشد در صورت امتناع نیز جاری است ماده ۲۷ - در موارد مذکور در ماده ۲۶ در صورتی که سردفتر و دفتریار از تحویل دفاتر و اوراق و سوابق مربوط خودداری نمایند علاوه بر تعقیب آنها به شرح ماده ۲۸ رییس ثبت محل یا نماینده او باید با حضور نماینده دادستان شهرستان دفاتر و اوراق و سوابق را در هر محل که باشد ولو در غیاب سردفتر و دفتریار با تنظیم صورت مجلس به جانشین آنها تحویل دهند و یا به اداره ثبت منتقل نمایند. ماده ۲۸ - در صورت فوت سردفتر یا دفتریار کفیل دفترخانه، رییس ثبت محل یا نماینده او با حضور نماینده دادستان و در نقاطی که دادسرا نباشد با حضور دادرس دادگاه بخش یا نماینده او دفاتر و اوراق مربوط به دفترخانه را با تنظیم صورت مجلس به سردفتر کفیل و یا به مسوول تعیین شده از طرف رییس ثبت موقتا تحویل خواهند داد و در مورد فوت دفتریار نیز به ترتیب بالا اسناد و اوراق به دفتریار جانشین و یا موقتا به سردفتر تحویل خواهد شد. در هر مورد که طبق مقررات این قانون دفتریار باید به جای سردفتر انجام وظیفه کند، اگر دفتریار واجد شرایط در محل وجود نداشته باشد دفترخانه موقتا تعطیل و به شرح این ماده عمل خواهد شد. ترتیب انجام امور مربوط به دفترخانه در زمان تعطیل به موجب آیین نامه تعیین می‌شود. ماده ۲۹ - سردفتران و دفتریاران مکلفند علاوه بر رعایت تکالیف قانونی از نظاماتی که وزارت دادگستری برای آنها مقرر می‌دارد متابعت نمایند. همچنین مواد ۴۹ تا ۶۹ قانون ثبت اسناد و املاک در مورد مسوولان دفتر نسبت به سردفتران و دفتریاران و سردفتران ازدواج و طلاق نیز جاری است ماده ۳۰ - سردفتران و دفتریاران موظفند نسبت به تنظیم و ثبت اسناد مراجعین اقدام نمایند مگر آن که مفاد و مدلول سند مخالف با قوانین و مقررات موضوعه و نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد که در این صورت باید علت امتناع را کتبا به تقاضاکننده اعلام نمایند. ماده ۳۱ - سردفتران و دفتریاران نباید اسنادی را که مربوط به خود یا کسانی که تحت ولایت یا وصایت یا قیمومت آنها هستند و یا با آنها قرابت نسبی یا سببی تا درجه چهارم از طبقه سوم دارند یا در خدمت آنها هستند ثبت نمایند و در صورتی که در محل دفترخانه دیگری نباشد سند با حضور دادستان شهرستان محلی که دفترخانه در حوزه آن واقع است یا رییس دادگاه بخش یا نماینده آنها با توضیح مراتب در ذیل آن در همان دفترخانه تنظیم و ثبت خواهد شد.

فصل چهارم - تعقیب و مجازات انتظامی سردفتران و دفتریاران (ماده ۳۲ تا ۴۹)

ماده ۳۲ - رسیدگی مقدماتی به شکایات و گزارشهای مربوط به تخلفات سردفتران و دفتریاران در اداره امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور انجام خواهد شد و اداره مزبور پس از رسیدگی، موضوع را با اظهار نظر خود به دادرسی انتظامی سردفتران

احاله می نماید. ماده ۳۳- دادرسی انتظامی سردفتران از دادستان و در صورت ضرورت به تعداد لازم دادیار و کارمند دفتری تشکیل خواهد شد. ماده ۳۴- برای محاکمه انتظامی سردفتران و دفتریاران و سردفتران ازدواج و طلاق هر استان یک دادگاه بدوی در اداره ثبت استان و برای تجدیدنظر احکام غیرقطعی دادگاههای بدوی، یک دادگاه تجدیدنظر در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تشکیل می شود. ماده ۳۵- دادگاه بدوی و تجدیدنظر سردفتران و دفتریاران هر یک دارای سه عضو اصلی و یک عضو علیالبدل خواهد بود که به شرح زیر انتخاب می شوند: الف- دادگاه بدوی ۱- یکی از روسای شعب مدنی دادگاه استان به انتخاب وزیر دادگستری ۲- یکی از کارمندان مطلع ثبت استان به انتخاب رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور. ۳- یکی از سردفتران مرکز استان به انتخاب کانون محل و در صورت عدم تشکیل کانون در محل به انتخاب رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور. ب- دادگاه تجدیدنظر: ۱- یکی از روسای شعب یا مستشاران دیوان عالی کشور به انتخاب وزیر دادگستری ۲- معاون سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در قسمت امور اسناد. ۳- یکی از اعضای اصلی کانون سردفتران تهران به انتخاب کانون ماده ۳۶- اعضای دادگاه بدوی و تجدیدنظر باید حداقل پانزده سال و دادستان و دادیاران حداقل ده سال سابقه قضایی یا اداری یا سردفتری داشته باشند و سردفتر محکومیت انتظامی از درجه ۴ به بالا نیز نداشته باشد. ماده ۳۷- ترتیب رسیدگی مقدماتی و صدور کیفرخواست و تشکیل دادگاه بدوی و تجدیدنظر و محاکمه و نحوه ابلاغ و اجرای احکام صادر به موجب آیین نامه وزارت دادگستری خواهد بود. میزان پاداش و مزایای اعضای دادگاههای مزبور طبق مقررات مربوط تعیین و پرداخت خواهد شد. تبصره- دادستان و دادیاران و اعضای علی البدل از بین قضات وزارت دادگستری یا کارمندان مطلع ثبت انتخاب خواهند شد. ماده ۳۸- مجازاتهای انتظامی به قرار ذیل است ۱- توبیخ با درج در پرونده ۲- جریمه نقدی از پانصد ریال الی بیست هزار ریال ۳- انفصال موقت از اشتغال به سردفتری یا دفتریاری از سه ماه الی ششماه ۴- انفصال موقت از ششماه تا دو سال ۵- انفصال دایم ماده ۳۹- وجوه حاصل از اجرای بند ۲ ماده فوق به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه داری کل موضوع ردیف ۴۱۰۱۰۸ قسمت سوم این قانون واریزی می گردد و معادل صد در صد (۱۰۰٪) آن تا سقف سیصد میلیون (۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال در اختیار سازمان ثبت اسناد و املاک کشور جهت اعمال نظارت بر دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق قرار می گیرد. ماده ۴۰- طبقه بندی تخلفات انتظامی و تطبیق آنها با هر یک از مجازاتهای مذکور در ماده ۳۸ به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به تصویب وزارت دادگستری خواهد رسید. ماده ۴۱- هر سردفتر یا دفتریاری که دو مرتبه سابقه محکومیت از درجه ۳ به بالا داشته باشد در صورتی که ظرف سه سال پس از قطعیت حکم سابق مرتکب تخلف دیگری بشود دادگاه می تواند مجازات اخیر او را تا یک درجه بالاتر تشدید نماید. ماده ۴۲- در هر مورد که وزیر دادگستری از سو شهرت یا عدم امانت یا نداشتن صلاحیت علمی یا عملی سردفتر یا دفتریاری اطلاع حاصل کند، می تواند از دادگاه انتظامی رسیدگی به صلاحیت او را بخواهد. هرگاه در نتیجه رسیدگی عدم صلاحیت سردفتر یا دفتریار به یکی از جهات مذکور محرز گردد دادگاه رای به سلب صلاحیت صادر خواهد کرد، این حکم از تاریخ ابلاغ ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر خواهد بود و در صورتی که سردفتر یا دفتریار دارای مدرک علمی رسمی باشد رسیدگی به صلاحیت علمی او جایز نیست تبصره- هرگاه وزیر دادگستری رفتار و اخلاق سردفتر یا دفتریاری را مخالف با نظم و حسن جریان امور دفترخانه تشخیص دهد بدون مراجعه به محکمه انتظامی می تواند تا ششماه دستور انفصال صادر نماید. ماده ۴۳- پس از شروع تعقیب هرگاه به تشخیص وزارت دادگستری تصدی سردفتر یا دفتریار منافی با شئون سردفتری یا دفتریاری و یا مخالف با حسن جریان امور دفترخانه باشد وزیر دادگستری می تواند تعلیق آنان را از دادگاه تجدیدنظر انتظامی بخواهد. دادگاه باید به این تقاضا رسیدگی کند و با در نظر گرفتن علل و سوابق امر در صورت اقتضا حکم تعلیق متخلف را تا خاتمه رسیدگی قطعی تخلف صادر نماید و این حکم غیرقابل شکایت است تبصره ۱- در صورتی که پس از رسیدگی انتظامی دادگاه متخلف را به انفصال موقت محکوم کند مدت انفصال با ایام تعلیق احتساب خواهد شد. تبصره ۲- در مورد این ماده و ماده ۴۲ رسیدگی فوری و خارج از نوبت خواهد بود. ماده

۴۴- در صورتی که سردفتر یا دفتریار مشتکی عنه پاسخ کیفرخواست و یا توضیحات مورد نظر دادگاه را در موعد مقرر ندهد و همچنین در موردی که حضور او برای ادای توضیحات و رسیدگی لازم باشد و پس از اخطار دفتر دادگاه حاضر نشود، دادگاه با توجه به مدارک موجود در پرونده و تحقیقاتی که لازم بداند به موضوع رسیدگی و رای مقتضی صادر خواهد نمود. ماده ۴۵- جلب رضایت شاکی و یا استعفای مشتکی عنه مانع از تعقیب انتظامی نیست ولی جلب رضایت شاکی موجب تخفیف مجازات می شود. در صورت استعفای سردفتر پس از شروع تعقیب تضمین او تا اجرای حکم به اعتبار خود باقی خواهد بود. ماده ۴۶- مرور زمان نسبت به تعقیب انتظامی و تخلفات سردفتران و دفتریاران دو سال از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب و یا از آخرین تعقیب انتظامی خواهد بود. ماده ۴۷- در مورد تعلیق یا انفصال موقت سردفتر که دفترخانه به کفالت اداره می شود درآمد دفترخانه پس از وضع هزینه بین کفیل و سردفتر معلق یا منفصل بالسویه تقسیم خواهد شد. ماده ۴۸- مجازاتهای انتظامی درجه ۱ و ۲ قطعی و از درجه ۳ به بالا ظرف ده روز پس از ابلاغ حکم قابل تجدیدنظر است ماده ۴۹- وزارت دادگستری صدور ابلاغ اجازه اشتغال مجدد سردفتر یا دفتریار منفصل را به تصفیه محاسبات بدهی های مسلم ناشی از شغل او موکول می کند.

فصل پنجم - امور مالی (ماده ۵۰ تا ۵۷)

ماده ۵۰- وجوهی که برای تنظیم و ثبت سند در دفاتر اسناد رسمی وصول می شود به شرح زیر است ۱- حق تحریر طبق تعرفه مقرر وزارت دادگستری ۲- حق ثبت به ماخذ ماده ۱۲۳ قانون اصلاحی قانون ثبت ۳- مالیات و حق تمبر برابر مقررات قوانین مالیاتی ۴- سایر وجوهی که طبق قوانین وصول آن به عهده دفترخانه محول است تبصره ۱- نسبت به اجور و بهره منجز قید شده در سند هم حق ثبت تعلق خواهد گرفت تبصره ۲- برای ثبت اسنادی که تعیین قیمت موضوع آنها ممکن نباشد حق ثبت به ماخذ پنجاه هزارریال وصول خواهد شد. حق ثبت فسخ یا اقاله معاملات یا اقرار به وصول قسمتی از وجه معامله دویست ریال است ماده ۵۱- نسبت به وجه التزام و وجه الضمان خواه رأسا موضوع سند باشد یا در ضمن معامله و عقد دیگری شرط شده باشد و برای تامین آن هم مالی به وثیقه گرفته نشده باشد حق ثبت وصول نخواهد شد. همچنین هر نوع انتقال بلاعوض و وقف و حبس و وصیت که به نفع موسسات مذهبی و خیریه و سازمانهای فرهنگی و بهداشتی مصرح در مواد مربوط به معافیت قانون مالیاتهای مستقیم صورت گیرد از پرداخت حق ثبت معاف خواهد بود. همچنین معافیت هایی که به موجب قوانین و مقررات خاص مقرر گردیده است کماکان به قوت خود باقی است و نیز موقوفات خاندان پهلوی (بنیاد پهلوی از پرداخت کلیه هزینه های ثبتی معاف است ماده ۵۲- برای ایصال وجوه عمومی که به هر عنوان وصول آن طبق مقررات قانونی در عهده دفاتر اسناد رسمی است دفاتر موظفند حقوق متعلق را در برگ مخصوصی که از طرف سازمان ذینفع تهیه و در اختیار دفاتر قرار خواهد گرفت با مشخصات لازم قید کنند و حداکثر پنج روز بعد از امضای سند به حساب یا حسابهایی که معین خواهد شد واریز نمایند. آیین نامه اجرایی این ماده را وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تصویب خواهند کرد. ماده ۵۳- از درآمد حاصل از حق ثبت صاحبان دفتر و دفتریارها به ترتیب زیر سهم خواهند برد: تا ششصدریال در ماه نصف از ششصد و یک ریال تا چهارهزار ریال نسبت به مازاد ششصدریال یک پنجم از چهارهزار و یک ریال تا ده هزار ریال نسبت به مازاد از چهارهزار ریال یکدهم و از ده هزار و یک ریال تا پنجاه هزار ریال نسبت به مازاد از ده هزار ریال یک بیستم از مبالغ فوق به سردفتر و دفتریار و کمک اعاشه کارکنان دفاتر برابر آیین نامه وزارت دادگستری سهمی اختصاص خواهد یافت ماده ۵۴- میزان حق تحریر طبق تعرفه تعیین شده وزارت دادگستری خواهد بود که باید هر چهارسال یکبار مورد بررسی مجدد قرار گیرد و در صورت اقتضا در آن تجدیدنظر شود. ماده ۵۵- سردفتران مکلفند وجوه مربوط به بیمه سردفتران اسناد رسمی و دفتریاران موضوع ماده ۱۶۵ قانون مالیاتهای مستقیم را برای اجرای مواد ۱۰ و ۱۱ این قانون با رعایت مفاد

ماده ۵۲ به حساب کانون سردفتران تهران واریز نمایند. ماده ۵۶ - کانون سردفتران تهران مکلف است موجودی حساب حق بیمه سردفتران و دفترباران را طبق آیین نامه مربوط به مصرف خرید اوراق قرضه یا اسناد خزانه رسانده و یا در بانک ملی به حساب سپرده ثابت بگذارد و از سود آن اقدام به تشکیل صندوق تعاون کند. نحوه خرید و نگهداری اوراق قرضه و اسناد خزانه طبق آیین نامه خواهد بود. آیین نامه اجرایی این ماده را وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تصویب خواهند کرد. ماده ۵۷ - از تاریخ اجرای این قانون به منظور کمکهای ضروری یا دادن وام به سردفتران و دفترباران و کارکنان دفاتر اسناد رسمی صندوقی به نام صندوق تعاون سردفتران و دفترباران تحت نظر کانون سردفتران مرکز تشکیل می‌گردد. آیین نامه اجرایی این ماده را وزارت دادگستری تصویب خواهد کرد.

فصل ششم - کانون سردفتران و دفترباران (ماده ۵۸ تا ۶۸)

ماده ۵۸ - وزارت دادگستری در تهران و سایر مراکز استان با توجه به تعداد دفاتر اسناد رسمی و سایر مقتضیات محلی ، کانون سردفتران و دفترباران را تحت نظارت خود تشکیل خواهد داد. کانون دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و از نظر نظامات تابع وزارت دادگستری خواهد بود. ماده ۵۹ - کانون سردفتران به وسیله هیات مدیره‌ای مرکب از هفت عضو اصلی «پنج سردفتر و دو دفتربار اول و سه عضو علی‌البدل (دو سردفتر و یک دفتربار) اداره می‌شود. ماده ۶۰ - هیات مدیره کانون سردفتران مرکز هر استان از بین سردفتران و دفترباران همان محل انتخاب خواهند شد. ماده ۶۱ - به منظور نظارت در انتخابات هیات مدیره کانون هیاتی برای نظارت بر انتخابات از طرف وزیر دادگستری تعیین می‌شود. تعداد اعضای هیات نظار و شرایط انتخاب آنها و طرز تشکیل هیات و نحوه عمل و نظارت و اخذ رای و سایر امور مربوط به انتخابات به موجب آیین نامه تعیین خواهد شد. ماده ۶۲ - سردفتران و دفتربارانی را می‌توان برای عضویت هیات مدیره کانون انتخاب نمود که حداقل دارای ۱۰ سال سابقه تصدی دفتر اسناد رسمی و دفترباری بوده و در پنجسال اخیر خدمت خود محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا نداشته باشند. کسانی که دارای سابقه خدمت قضایی و یا وکالت دادگستری باشند. سوابق قضایی و وکالت آنها جزو ۱۰ سال مذکور منظور می‌گردد. ماده ۶۳ - یکماه قبل از پایان هر دوره سردفتران پانزده سردفتر و دفترباران نیز پانزده دفتربار واجد شرایط را با رای مخفی برای عضویت هیات مدیره کانون انتخاب خواهند نمود. پس از اخذ رای هیات نظارت بر انتخابات صورت اسامی حائزین اکثریت را ضمن صورت مجلس پایان انتخابات به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ارسال خواهد داشت و وزیر دادگستری از بین منتخبین اعضای اصلی و علی‌البدل کانون هر محل را تعیین خواهد کرد. ماده ۶۴ - دوره تصدی اعضای هیات مدیره سه سال و انتخاب مجدد آنها بلامانع است ماده ۶۵ - سردفتران عضو هیات مدیره در اولین جلسه با رای مخفی از میان خود یک رییس - یک نایب رییس و یک خزانه‌دار و یک دبیر انتخاب خواهند کرد. تصمیمات هیات مدیره به اکثریت آرا معتبر می‌باشد. رییس هیات مدیره نماینده قانونی کانون در اجرای تصمیمات هیات مدیره است و مکاتبات کانون با امضای او خواهد بود و در امور مالی امضای خزانه دار نیز لازم است ماده ۶۶ - وظایف کانون به شرح زیر است ۱ - فراهم کردن موجبات پیشرفت علمی و عملی سردفتران و دفترباران ۲ - ایجاد وحدت رویه در جهت اجرای مقررات و نظامات در دفاتر اسناد رسمی با تایید سازمان ثبت اسناد و املاک کشور. ۳ - اداره امور مالی کانون از قبیل تنظیم بودجه - وصول درآمدها - پرداخت مخارج - تهیه ترانزنامه ۴ - کمک به اشخاص بی بضاعت از طریق راهنمایی آنان به دفاتر اسناد رسمی به منظور تنظیم و ثبت اسناد آنها بدون دریافت حق تحریر. ۵ - انجام دادن امور مربوط به بیمه بازنشستگی و صندوق تعاون سردفتران و دفترباران موضوع مواد ۵۶ و ۵۷ و ۶۸ این قانون ۶ - همکاری با سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در بازرسی و نظارت در امور دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق در هر مورد که کانون از تخلف و یاسو شهرت سردفتر ، ۱۸ سردفتر یا دفترباری

اطلاع حاصل کند باید پس از رسیدگی مقدماتی مراتب را به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گزارش دهد. ۷- تنظیم و تصویب آیین نامه استخدامی کارکنان دفاتر اسناد رسمی ۸- رسیدگی به اختلافات ناشی از روابط شغلی میان سردفتر و دفتربار و اعلام نظر قطعی کانون به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور جهت اتخاذ تصمیم لازم ماده ۶۷- تا زمانی که در استانی کانون سردفتران تشکیل نشده باشد امور مربوط به دفاتر اسناد رسمی آن استان به عهده کانون نزدیکترین استان می‌باشد. ماده ۶۸- کانون سردفتران تهران مکلف است کلیه سردفتران و دفترباران را از محل وجوه موضوع ماده ۵۵ این قانون برابر آیین نامه مصوب بیمه کند. وجوه دریافتی سردفتران و دفترباران و بازماندگان آنها از لحاظ معافیت مشمول مقررات ماده ۹۵ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سال ۱۳۴۵ خواهد بود.

فصل هفتم - مقررات مختلفه (ماده ۶۹ تا ۷۶)

ماده ۶۹- سردفتر شاغل که بازنشسته می‌شود می‌تواند شخص واجد صلاحیت طبق مقررات این قانون را برای تصدی دفترخانه خود به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور معرفی کند. مدت لازم برای معرفی در مورد بازنشستگی الزامی دو ماه قبل از تاریخ بازنشستگی است و در غیر این مورد باید معرفی مزبور ضمن تقاضانامه بازنشستگی به عمل آید. ورثه سردفتر متوفی که حین الفوت شاغل بوده است تا ششماه از تاریخ فوت سردفتر می‌توانند مجتمعاً به ترتیب فوق شخص واجد صلاحیت را معرفی کنند. در صورتی که سردفتر یا وراث او در مهلت‌های مذکور شخص واجد صلاحیت معرفی نکنند سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌تواند تصدی دفترخانه را با رعایت مقررات این قانون به شخص واجد شرایط دیگری واگذار نماید. ماده ۷۰- کانون سردفتران تهران مکلف است با موافقت سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اوراق مخصوصی برای تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی تهیه کند و آنچه را که به عنوان مقررات عمومی و کلی در هر معامله یا سندی الزاماً باید قید شود تعیین و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور باید نسبت به تهیه اوراق رسمی که آن مقررات در پشت اوراق قید خواهد شد اقدام کند. در این صورت ثبت آنچه که به نام مقررات کلی و عمومی در پشت اوراق چاپ شده است در متن سند و دفتر ضرورت ندارد و پس از امضای دفتر برای طرفین لازمالرعایه خواهد بود. ماده ۷۱- محاکم دادگستری مکلفند در هر مورد که رای بر بیاعتباری سند رسمی صادر می‌کنند مراتب را به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اعلام کنند. هرگاه موضوع سندی که ابطال شده ملک باشد مفاد حکم در ملاحظات ثبت دفتر اسناد رسمی توسط سردفتر منعکس خواهد شد. ولی هرگونه اقدام نسبت به دفتر املاک و سند مالکیت موکول به صدور حکم نهایی و اعلام آن به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور خواهد بود. در صورتی که بی اعتباری سند ناشی از تخلف سردفتر یا دفتربار از قوانین و مقررات باشد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور جهت تعقیب انتظامی او اقدام خواهد کرد. ماده ۷۲- محاکم دادگستری در هر مورد که رای به حجر اشخاص می‌دهند باید مراتب را به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اعلام کنند. ماده ۷۳- نظارت و بازرسی دفاتر اسناد رسمی به وسیله بازرسان سازمان ثبت اسناد و املاک کشور یا کانون سردفتران یا هیاتهای مخصوصی که از طرف وزارت دادگستری تعیین می‌شوند یا نمایندگان وزارت امور اقتصادی و دارایی برای امور مالیاتی به عمل خواهد آمد. سایر مراجع دولتی که به منظور بازرسی امور مربوط به دستگاه خود احتیاج به مراجعه و ملاحظه دفاتر داشته باشند مراجعه آنها باید با اطلاع اداره ثبت محل و حضور بازرس ثبت باشد. امور مالی دفترخانه باید لااقل هر ششماه یکبار مورد بازرسی قرار گیرد. ماده ۷۴- کسانی که به سردفتری دفتر اسناد رسمی انتخاب می‌شوند مکلفند حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ صدور ابلاغ نسبت به تشکیل دفترخانه اقدام نمایند والا- ابلاغ آنها کان لم یکن خواهد بود. ابلاغ سردفتری افرادی که در تاریخ تصویب این قانون بیش از سه ماه از تاریخ صدور آن گذشته باشد و به تاسیس دفترخانه اقدام نکرده باشند نیز کان لم یکن تلقی می‌شود. ماده ۷۵- وزارت دادگستری مکلف

است کلیه آیین نامه‌های مذکور در مورد این قانون را ظرف ششماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و به موقع اجرا بگذارد. مادام که آیین نامه‌های این قانون تصویب نشده باشد در هر مورد که اجرای مقررات این قانون به تصویب آیین نامه محول شده است آیین نامه‌های قبلی مجری خواهد بود. ماده ۷۶- آن قسمت از قوانین و مقررات که مغایر با مقررات این قانون باشد، نسخ می‌شود.

قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران - مصوب ۲۵/۴/۵۴

مصوب ۲۵/۴/۱۳۵۴ (روزنامه رسمی ۱۳۷۶۴ - ۲۴/۳/۱۳۷۱) ماده ۱ - بند ۷ ماده ۶۶ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران مصوب ۲۵/۴/۱۳۵۴ حذف و کلیه کارکنان دفاتر اسناد رسمی مشمول قانون کار می‌گردند. ماده ۲ - لایحه قانونی راجع به حق التحریر دفاتر اسناد رسمی و نحوه تقسیم آن مصوب ۳/۳/۱۳۵۹ شورای انقلاب در خصوص کمک به کارکنان دفاتر اسناد رسمی لغو می‌گردد. ماده ۳ - پانزده درصد از حق التحریر دفاتر اسناد رسمی هر ماهه به عنوان پاداش به کارکنان دفاتر اسناد رسمی پرداخت می‌گردد. تبصره - آیین نامه نحوه توزیع پاداش به کارکنان توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه و به تصویب ریاست قوه قضاییه خواهد رسید.

آیین نامه قانون دفاتر اسناد رسمی - مصوب ۱۳۱۷ با اصلاحات و الحاقات

در کلیات - (ماده ۱ تا ۱۵)

مصوب ۱۳۱۷ با اصلاحات و الحاقات (روزنامه رسمی شماره ۱۴۰۹/۶۲۴۳ مورخ ۱۴/۲/۱۳۱۷ به همراه اصلاحات و الحاقات مصوب ۱۳/۸/۴۳ و ۱۸/۱۰/۴۹) وزارت عدلیه نظر به ماده ۴۷ قانون دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۵ خرداد ۱۳۱۶ مقرر می‌دارد. در کلیات ماده ۱ - دفاتر اسناد رسمی باید مجلد بوده و تمام صفحات آن را در بدو امر مدعی العموم بدایت محل یا نماینده او شماره گذارده به امضای خود ممضی و به مهر پارکه مهر نماید. ماده ۲ - مجموع عده صفحات هر دفتر را باید مدعی العموم یا نماینده او با تمام حروف در صفحه اول و آخر دفتر با ذکر تاریخ قید کند. ماده ۳ - دفاتر ثبت اسناد مادام که صفحه سفید دارد استعمال می‌شود و پس از تمام شدن، متصدی دفتر ذیل آن را بسته و در ضمن صورت مجلسی که بلافاصله پس از آخرین ثبت دفتر نوشته می‌شود ختم دفتر را قید کرده و امضا می‌نماید. ماده ۴ - هر سردفتر و دفتربار و نماینده قبل از تصدی باید دو نمونه از امضای خود را بدهد. یکی از نمونه‌ها در دفتر ثبت محل و دیگری در اداره کل ثبت اسناد و املاک بایگانی خواهد شد. ماده ۵ - کلیه سردفتران و دفترباران و نمایندگان موظفند اسناد و دفاتر را مطابق نمونه‌ای که داده‌اند امضا نمایند. ماده ۶ - این ماده به لحاظ مغایرت با ماده ۲۰ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴ و ماده ۱۲ آیین نامه مربوطه ملغی شده ماده ۷ - شماره ثبت معاملات دفاتر اسناد رسمی باید مسلسل بوده و در آخر سال تجدید نشود. ماده ۸ - در موقع مراجعه اشخاص برای انجام معامله به دفاتر اسناد رسمی باید از مراجعه کنندگان ورقه شناسنامه مطالبه شود. ماده ۹ - در کلیه اسناد و دفاتر و قبوض باید تاریخ شمسی قید گردد. ماده ۱۰ - دوائر دولتی و موسساتی که برای ثبت معاملات خود اوراق مخصوصی تهیه نموده و برای ثبت معامله در آن اوراق به دفاتر اسناد رسمی مراجعه می‌نمایند در صورتی اوراق مزبور پذیرفته می‌شود که به تصویب اداره کل ثبت اسناد و املاک رسیده باشد. تبصره - سردفتران می‌توانند با اجازه اداره کل ثبت اوراق تصویب شده را در دفتر مخصوصی به هزینه خود چاپ نمایند. ماده ۱۱ - هرگاه کسی بخواهد وجهی تودیع نماید تا دو بیست ریال را در مقابل قبض رسمی نزد نماینده دفتر اسناد رسمی (چنانچه دارای نماینده باشد) والا نزد سردفتر تودیع نموده و بیش از مبلغ مذکور را باید به صندوق ثبت محل سپرده و در مقابل رسید به سردفتر اسناد

رسمی تسلیم نماید. در هر دومورد فوق دفتر اسناد رسمی مکلف است منتهی در ظرف دو روز مراتب را به اداره ثبت محل اطلاع دهد تا اداره ثبت تودیع وجه را به وسیله اخطار به طرف ابلاغ کند. ماده ۱۲ - در دفتر اسناد رسمی وجه تودیع شده در دفتر مخصوص ثبت می گردد و در موقعی که قبض وجه تودیع شده به صاحب آن رد می شود در ستون مربوطه دفتر از کسی که قبض به او تسلیم شده رسید اخذ می گردد. ماده ۱۳ - هیچ یک از سردفتران یا دفتریاران حق ندارند محل کار دفتر خود را بدون اطلاع و اجازه اداره ثبت تغییر دهند. ماده ۱۴ - سردفتران حق ندارند دفاتر را از محل کار خود به منزل اصحاب معامله ببرند مگر آن که محقق شود کسی که می خواهد معامله نماید مریض بوده ، که در این صورت باید تنظیم سند و ثبت معامله با حضور نماینده مدعی العموم محل و در نقاطی که دسترسی به مدعی العموم نباشد با حضور دوفنر از معتمدین محل به عمل آید. تبصره یک (الحاقی مصوب ۱۳۴۳) - سردفتران مکلفند دفاتر اسناد رسمی را برای ثبت معاملات دولتی و بنگاه های عمومی به محلی که اداره کل ثبت تعیین و دستور می دهد برده و سند را در آن محل تنظیم و ثبت نمایند. تبصره دو (الحاقی مصوب ۱۳۴۳) - برای تنظیم اسناد زندانیان ، سردفتری که از طرف اداره کل ثبت معین می شود مکلف است دفاتر اسناد رسمی را به دفتر زندان برده سند ربا حضور نماینده دادستان شهرستان تنظیم و ذیل سند و ثبت دفتر مراتب را قید و به امضای ذینفع و نماینده مزبور برساند. ماده ۱۵ - در صورت تغییر سر دفتر مدیر ثبت اسناد و املاک محل و یا نماینده او با حضور مدعی العموم ابتدائی یا نماینده والا با حضور امین یا مامور صلح و در صورتی که هیچیک از مامورین مزبور حاضر نباشند با حضور دو نفر از معتمدین محل ذیل دفاتر را بسته و به قائم مقامی که بجای او معین میشود تسلیم می نمایند.

باب اول - در تنظیم اسناد و ثبت آن (ماده ۱۶ تا ۲۶)

فصل اول - در معاملات و قراردادها (ماده ۲۶ تا ۳۰)

ماده ۱۶ - هیچ سندی را نمی توان تنظیم و در دفتر اسناد رسمی ثبت نمود مگر آن که موافق با مقررات قانون باشد. ماده ۱۷ - در کلیه اسناد بایستی شماره شناسنامه و محل اقامت متعاملین به طور وضوح قید شود و هرگاه خود متعاملین تغییر محل اقامت خود را بعد از ثبت سند به دفتر اسناد رسمی و بعد از صدور و ابلاغ اجراییه به اداره اجرا اطلاع ندهند ، کلیه اوراق به همان محلی که در سند قید شده ابلاغ می گردد. ماده ۱۸ - سردفتر و نماینده هیچ سندی را نباید امضا نمایند مگر آن که وارد دفتر شده و به امضای اصحاب معامله رسیده باشد. ماده ۱۹ - سند معامله باید پس از تنظیم و ثبت در دفتر سردفتر و نماینده (چنانچه دارای نماینده باشد) و انجام سایر تشریفات به تصدیق و امضای اصحاب معامله برسد و متعاملین باید در یک جلسه اسناد و دفاتر مربوطه را امضا نمایند و در صورتی که قبوض اقساطی هم ضمیمه سند باشد قبوض مزبور را هم بایستی در همان جلسه که اسناد و دفاتر امضا می شود امضا کنند. ماده ۲۰ - سند ثبت شده در دفتر اسناد رسمی باید به صاحب سند یا وکیل او تسلیم و در دفتر مخصوصی رسید گرفته شود. ماده ۲۱ - در مورد اسنادی که در دو نسخه تنظیم می شود پس از ثبت یک نسخه در دفتر، باید در ذیل آن نسخه قید (نسختان) شود و در نسخه ثانی قید شود که نسخه اول این سند در ذیل شماره فلان ثبت و تمبر حق الثبت هم به آن الصاق گردیده و اگر سند بیش از دو نسخه لازم باشد فقط رونوشت داده می شود. ماده ۲۲ - تنظیم و ثبت معاملاتی که از طرف قیمین صغار و محجورین نسبت به اموال آنها در دفاتر واقع می شود، بدون اجازه کتبی مدعی العموم محل ممنوع است و به اوراق قیم عادی در دفاتر اسناد رسمی نباید ترتیب اثر داده شود. ماده ۲۳ - دفاتر اسناد رسمی در مورد اقاله و فسخ معاملات باید به طریق ذیل عمل کنند: الف - در صورتی که یکی از متعاملین بخواهد از حق خیار فسخ خود استفاده نماید بایستی پس از احراز حق مزبور فسخ معامله در حاشیه سند و ثبت دفاتر قید شده و به امضای کسی که معامله را فسخ نموده برسد. سردفتر باید امضای شخص مزبور و وقوع فسخ را تصدیق و

امضا نماید و همین عمل را عینا نماینده (چنانچه دفتر اسناد رسمی دارای نماینده باشد) باید در دفتر خود بنماید. در این مورد زدن مهر باطل شد، مورد نخواهد داشت ب - در صورتی که طرفین برای اقاله به دفتر اسناد رسمی مراجعه کنند باید پس از اقاله معامله در ستون ملاحظات دفتر، سند معامله ابطال و مهر (باطل شد) روی سند و ثبت دفتر زده شود، در املاک چنانچه اقاله گردد خلاصه اقاله طبق خلاصه معاملات به دفتر املاک ارسال گردد. ماده ۲۴ - در اسنادی که مواد مختلفی بین اصحاب معامله مقرر شده مادامی که تمام مواد، اقاله نشده باشد استعمال مهر (باطل شد) در سند و ثبت دفتر مورد نخواهد داشت ماده ۲۵ - هیچ یک از اوراق را نباید قبل از تنظیم آن اصحاب معامله امضا نمایند.

فصل دوم - در معاملات غیرمنقول (ماده ۳۱ تا ۴۶)

ماده ۲۶ - در کلیه اسناد اجاره باید در متن سند تصریح شود که اگر بعد از گسستن عقد و یا پس از انقضای مدت اجاره عین مورد اجاره تخلیه نشود، مادام که اجاره دار ملک را در تصرف دارد بهره بهای زمان تصرف معادل اجاره بها، بدهی مسلم او می باشد که ملزم است تادیه نماید مگر این که طرفین معامله به نحو دیگر تراضی نمایند. ماده ۲۷ - در مورد معاملات با شرط وکالت خارج باید شرط مزبور در همان سند قید شود و تنظیم سند شرط نامه جداگانه ممنوع است ماده ۲۸ - در مورد کلیه معاملات اقساطی و اسناد و اجاره نامه باید قبوض اقساطی چاپی صادر شود. ماده ۲۹ - در کلیه اسناد معاملات نمی توان وکالت داین را از طرف مدیون در انتقال مقداری از مال مدیون بخود به عنوان وجه التزام قید نمود. ماده ۳۰ - در مورد معاملات اقساطی باید قبوض رسمی به عده اقساط صادر و شماره سند معامله و تاریخ تادیه در آن قید شده به امضای متعهد برسد. قبوض مزبور به داین تسلیم و تعداد شماره قبوض آن در ستون ملاحظات دفتر ذکر شده به امضای متعهدله خواهد رسید و در صورتی که ضامن داشته باشد اسم ضامن در قبوض اقساطی قید گردیده به امضای ضامن برسد. چنانچه قبوض اقساطی مربوط به اصل معاملات شرطی یا رهنی باشد باید در قبوض مزبور رهنی و یا شرطی بودن معامله قید شود.

باب دوم - در صدور ورقه اجراییه (ماده ۴۷ تا ۵۱)

ماده ۳۱ - در مورد املاکی که در دفتر املاک ثبت نشده باشد سردفتر مکلف است قبل از تنظیم سند، وضعیت ثبتی ملک را از اداره ثبت محل استعلام نموده و پس از وصول صورت وضعیت ثبت ملک هرگاه مانعی برای انجام معامله نباشد اقدام به ثبت سند نماید. تبصره (الحاقی مصوب ۱۳۴۹) - دفاتر اسناد رسمی مکلفند وضعیت املاک ثبت شده حوزه ثبت تهران را از لحاظ بازداشت و عدم شمول مقررات لایحه قانونی اراضی دولت و شهرداری ها و بانکها و اوقاف مصوب مردادماه ۱۳۳۵ و قانون اصلاحی سال ۱۳۳۹ استعلام نمایند. پاسخهای رسیده از ماشینهای الکترونیکی که روی برگهای مخصوص منعکس و با مهر مخصوص ثبت مربوط مهور گردیده نیز معتبر خواهد بود. ماده ۳۲ - در کلیه اسناد معاملات املاک باید شماره پلاک و حدود و فواصل ملک مورد معامله تصریحا قید گردد. ماده ۳۳ - هرگاه معامله راجع به انتقال قطعی تمام ملک ثبت شده باشد، سردفتر باید خلاصه آن را در صفحات خلاصه انتقالات قید و امضا کرده و به انتقال گیرنده تسلیم نماید تا در صورتی که بخواهد، سند مالکیت جدیدی برای خود تحصیل کند. ماده ۳۴ - در موردی که معامله راجع به انتقال یک قسمت از ملک باشد خلاصه آن باید در صفحات خلاصه انتقالات قید و امضا گردیده و سند مزبور به انتقال دهنده مسترد گردد، در این صورت انتقال گیرنده می تواند به اداره ثبت حوزه وقوع ملک مراجعه کرده و برای خود سند مالکیت مستقل تحصیل نماید. ماده ۳۵ - در مواردی نیز که معامله مربوط به واگذاری حق عینی نسبت به ملک (مثل رهن و حقوق ارتفاقی) و یا راجع به انتقال تمام یا قسمتی از عین ملک با حق استرداد باشد سردفتر

باید آن را در صفحات خلاصه انتقالات قید و امضا نماید. ماده ۳۶ - بعد از تنظیم سند، سردفتر مکلف است خلاصه معامله را که نزد او واقع شده روی برگهای مخصوص این کار نوشته منتهی در ظرف پنج روز به اداره ثبت بفرستد. خلاصه نامبرده باید حاوی نام پدر و شماره شناسنامه متعاملین نیز بوده و علاوه بر امضای آنان به امضای سردفتر و نماینده ثبت در صورتی که دارای نماینده باشد ممضی باشد. تخلف از دستور این ماده مستلزم کیفر انتظامی شدید خواهد بود. ماده ۳۷ - در صورتی که معامله راجع به ملک ثبت شده باشد باید خلاصه آن مستقیماً به دفتر املاک ثبت محل فرستاده شود که در ذیل ثبت ملک قید گردد و در غیر این صورت به دایره بایگانی ثبت محل داده می‌شود. قسمت اول این ماده در مورد وصیت نسبت به املاک ثبت شده هم باید رعایت گردد. ماده ۳۸ - شخصی که نسبت به عین ملک حقی به او واگذار شده باید نسخه‌ای را که به او داده شده به ترتیب مقرر در ماده فوق به دفتر املاک یا دایره بایگانی بدهد و رسید دریافت دارد. ماده ۳۹ - در مورد عمری و رقبی و سکنی مقررات ماده فوق راجع به تنظیم خلاصه سند و ارسال آن به اداره ثبت حوزه وقوع ملک باید مجری گردد. ماده ۴۰ - در مورد معاملات وراثت متوفی نسبت به املاک معامله را وقتی می‌توان تنظیم و ثبت نمود که گواهی نامه انحصار وراثت در دست داشته و بین آنها در سهم الارث توافق باشد. ماده ۴۱ - در مورد ترکه متوفی که دارای صغیر است چنانچه قبل از صدور گواهی نامه انحصار وراثت برای دریافت درآمد و یا پرداخت دیون و یا صرف وجه اقدام فوری لازم باشد و مدعی العموم بدایت در مرکز با موافقت مدعی العموم کل و در ولایات با موافقت مدعی العموم استیناف اجازه امری که لازم بوده بدهد، تنظیم سند معامله در دفاتر اسناد رسمی برای این گونه امور مجاز و موکول به صدور گواهینامه انحصار وراثت نخواهد بود. ماده ۴۲ - در موقع مراجعه کلیه اتباع خارجه برای تملک اموال غیرمنقول باید سردفتران جواز اقامت آنها را ملاحظه تا در صورتی که مدت آن منقضی نشده باشد بوسیله اظهارنامه مخصوص از اداره ثبت محل برای تنظیم سند معامله تحصیل اجازه نمایند. ماده ۴۳ - در مورد اتباع خارجه که از اعضای سفارتخانه ها و مستخدمین و روسای هیاتهای اعزامی (میسیون) باشد گذرنامه آنها که به تصدیق شهربانی رسیده باشد به منزله جواز اقامت خواهد بود. ماده ۴۴ - تنظیم و ثبت اسناد معامله غیرمنقول اتباع ایران که ترک تابعیت نموده‌اند و مطابق قانون حق خرید اموال غیرمنقوله در ایران ندارند ممنوع است ماده ۴۵ - در مورد معاملات با حق استرداد (بیع شرط و رهن و غیره اتباع خارجه ، تحصیل اجازه مخصوص از اداره ثبت محل لازم نیست و مثل معاملات اتباع داخله باید وضعیت ثبتی ملک استعلام و خلاصه معامله نیز به اداره ثبت ارسال گردد. ماده ۴۶ - در مورد فسخ معاملات املاک ثبت شده دفاتر اسناد رسمی مکلف هستند پس از قید فسخ در دفاتر و سند مالکیت ، لاشه سند معامله و اعلامیه فسخ را به دفتر املاک حوزه ثبت ارسال داشته و رسید دریافت نمایند.

باب سوم - در حق الثبت و تعرفه حق التحریر (ماده ۵۲ تا ۵۹)

ماده ۴۷ - تقاضای صدور ورقه اجراییه باید به وسیله تقاضانامه از ناحیه ذی نفع و یا قائم مقام او از دفتر اسناد رسمی که سند مورد اجراییه در آن دفتر ثبت شده به عمل آمده و رسید دریافت دارد. ماده ۴۸ - در مورد فسخ معاملات و تقاضای تخلیه عین مستاجر باید قبوض اقساطی بقیه مدت ضمیمه تقاضانامه باشد. ماده ۴۹ - دفتری که سند مورد تقاضای اجرا در دفتر او ثبت شده پس از اطمینان به هویت تقاضاکننده و تشخیص این که حق مطالبه اجرای مفاد سند را دارد سواد سند را در سه نسخه تهیه کرده و به اداره ثبت می‌فرستد. ماده ۵۰ - ورقه اجراییه را فقط نسبت به موضوعاتی می‌توان صادر کرد که در سند مربوطه منجزاً قید شده باشد. ماده ۵۱ - نسبت به وجه التزامی که در معاملات استقراضی یا هر نوع قرارداد و معامله دیگری مقرر شده و متعهد به تادیه آن ملزم باشد بیش از صدی دوازده در سال نباید ورقه اجراییه صادر شود.

در موارد مختلفه (ماده ۶۰ تا ۶۴)

ماده ۵۲ - حق الثبت در دفاتر اسناد رسمی که دارای نماینده باشند به وسیله نماینده اخذ و معادل آن تمبر به سند الصاق می‌شود.

ماده ۵۳ - مبلغ حق الثبت ماخوذی باید در دفتر در ستون حقوق دولتی قید شود. ماده ۵۴ - نسبت به وجه الضمانه و وجه التزام حق الثبت اخذ نمی‌گردد. ماده ۵۵ - حق الثبت معاملات بر طبق قانون باید اخذ شود و هرگاه مورد معامله غیر از وجه نقد باشد قیمت عادلانه ملاک عمل خواهد بود. ماده ۵۶ - حق الثبت باید قبل از تنظیم سند تادیه و قبض رسمی صادر گردد و هرگاه قبل از تنظیم سند معامله و ثبت آن در دفاتر مربوطه، طرفین از انجام معامله صرفنظر نمایند باید در ظهر قبض، رد وجه با تصدیق سردفتر قید و به امضای گیرنده آن برسد و در صورتی که معامله در دفتر ثبت شده باشد حق الثبت ماخوذه مسترد نخواهد شد و باید معادل حق الثبت تمبر به سند الصاق و باطل شود. ماده ۵۷ - در صورتی که اصحاب معامله برای تنظیم سند و یا استرداد وجه تادیه شده تا یکماه حاضر نشوند، وجوه دریافتی در هر ماه به حساب امانت به صندوق ثبت محل تحویل و قبض امانت دریافت می‌شود. ماده ۵۸ - دفاتر اسناد رسمی حق ندارند بیش از میزان مندرجه در تعرفه حق التحریر و جهی اخذ نمایند و حق التحریر هم به میزان اصلی معامله اخذ می‌گردد و نسبت به متفرعات آن هیچ گونه جهی تعلق نمی‌گیرد. ماده ۵۹ - بعد از دریافت حق التحریر مطابق تعرفه مقرر در مقابل آن قبض رسید صادر و به دهنده آن تسلیم می‌شود و قبض مذکور با قید تاریخ و شماره در دفتر مربوطه ثبت می‌گردد.

آیین نامه موضوع تبصره ماده ۳ قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون دفاتر اسناد رسمی - مصوب ۷۱

ماده ۶۰ - در مورد انتقال املاک موقوفه و تبدیل به احسن باید اجازه اداره اوقاف ارایه شود. ماده ۶۱ - تنظیم و ثبت معاملات اشخاص به عنوان شرکت یا نمایندگی شرکت قبل از احراز شخصیت حقوقی آنها ممنوع است ماده ۶۲ - دفاتر اسناد رسمی رونوشت مصدق اسناد ثبت شده را چنانچه تقاضا شده باشد به صاحبان اسناد و اشخاص ذی نفع در معامله و به قائم مقام قانونی آنها می‌دهند و به غیر اشخاص فوق در صورتی رونوشت داده می‌شود که از محکمه گواهی نامه برای اخذ آن داشته باشند. ماده ۶۳ - رونوشت اوراقی که تشریفات آن در دفتر انجام نشده و ناقص مانده است باید قید شود که ثبت آن از چه جهتی ناقص مانده و تکمیل نشده است ماده ۶۴ - از قیم نامه و وکالت نامه و اوراق دیگری که برای تنظیم ثبت سند به دفتر اسناد رسمی سپرده شده رونوشت به تقاضاکننده داده می‌شود. ولی رونوشت مزبور در حکم اصل سند نبوده و سند عادی محسوب است و در ذیل آن قید می‌شود: رونوشت مطابق سند عادی است که به دفتر سپرده شده

آیین نامه اصلاحی ماده ۶۱ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران مصوب تیرماه ۵۴

در اجرای ماده ۳ قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران مصوب ۳۳۷۱ و تبصره ذیل آن نحوه توزیع پاداش به کارکنان دفاتر اسناد رسمی به شرح زیر تصویب می‌شود ماده ۱ - سردفتر هر دفترخانه، مکلف است ۱۵ درصد از حق التحریر مصوب اسناد تنظیمی در دفترخانه را در هر ماه احتساب و به کارکنان و دفترباران همان دفترخانه به شرح آتی پرداخت نماید ماده ۲ - برای پرداخت پاداش رعایت شعایر اسلامی نوع شغل مهارت فنی، نحوه رفتار با همکاران و ارباب رجوع، دقت و صحت در کار و حضور منظم، ملاک عمل خواهد بود. ماده ۳ - عناوین شغلی موجود در دفاتر اسناد رسمی و امتیازات عبارتند از ۱ - مستخدم و آبدارچی ۴ امتیاز ۲ - نامه رسان ۵ امتیاز ۳ - ماشین نویس ۶ امتیاز ۴ - بایگان ۷ امتیاز ۵ - ثبات ۷ امتیاز ۶ - مسیول خدمات اداری و مالی دفترخانه ۷ امتیاز ۷ - سند نویس ۸ امتیاز ۸ - دفترباران دوم ۵ امتیاز و در صورتی که متصدی هر کدام از مشاغل فوق الذکر باشد، از امتیاز آن شغل نیز بهره‌مند خواهد شد. تبصره ۱ - دفترباران دومی که عهده دار کفالت

دفترياری اول باشند از دریافت پاداش برخوردار نخواهند بود. تبصره ۲- در صورتی که کارکنان دفترخانه دارای مدرک تحصیلی دیپلم و لیسانس و بالاتر از آن باشند به ترتیب ۲ و ۳ امتیاز به امتیازات فوق دره رده اضافه می‌شود. تبصره ۳- هرگاه کارمندی تصدی چند شغل از مشاغل را عهده دار باشد از کلیه امتیازات آن مشاغل استفاده خواهد کرد. ماده ۴- سردفتر دفترخانه مکلف است در پایان هر ماه بر اساس ضوابط مذکور در مواد ۳ و ۵ این آیین نامه ۱۵٪ از حق التحریر ماهیانه را طبق لیستی، در قبال اخذ رسید، به کارکنان دفترخانه پرداخت و یا به حساب بانکی آنان واریز نماید. تبصره ۱- در صورت عدم رعایت ضوابط مذکور در ماده ۲ این آیین نامه توسط کارمند سردفتر می‌تواند ۵۰٪ از سهم اختصاصی آن کارمند را کسر و به تساوی بین سایر کارمندان دفترخانه تقسیم و به آنان پرداخت نماید. تبصره ۲- مرجع رسیدگی به شکایات و اختلافات فی مابین سردفتر و کارمند، نسبت به اجرای تبصره فوق هیات موضوع ماده ۶ این آیین نامه خواهد بود. ماده ۵- نحوه محاسبه پرداخت ۱۵ درصد به شرح زیر خواهد بود ۱۵ درصد حق التحریر ماهیانه هر دفترخانه تقسیم بر کل امتیازات کارکنان آن دفترخانه ضرب در امتیاز شغل مورد تصدی هر کارمند، برای مثال فرض بر این است که جمع ۱۵ درصد ماهیانه ۶۸۰۰۰۰ ریال و جمع امتیازات ۳۴ و جمع امتیاز شغل ثابت عدد ۷ باشد $۱۴۰۰۰۰ = ۶۸۰۰۰۰ \times ۳۴ \div ۷$ و یا در صورتی که جمع ۱۵ درصد ماهیانه ۴۸۰۰۰۰ ریال و جمع امتیاز کارکنان دفترخانه‌ای ۴۸ باشد و جمع امتیاز سند نویس عدد ۸ باشد $۸۰۰۰۰ = ۴۸۰۰۰۰ \times ۴۸ \div ۸$ تبصره - در صورتی که دفترخانه، فاقد کارمند باشد، سردفتر نسبت به پرداخت ۱۵ درصد پاداش موضوع قانون تکلیفی ندارد. ماده ۶- در صورت بروز اختلاف فی مابین سردفتر و کارکنان دفترخانه نسبت به میزان و نحوه پاداش، در هر واحد ثبتی، هیاتی مرکب از رییس واحد ثبتی یا قائم مقام او و یک سردفتر به انتخاب سردفتران همان حوزه ثبتی و یکی از کارکنان دفاتر اسناد رسمی به انتخاب کارکنان دفاتر اسناد رسمی همان حوزه ثبتی تشکیل و ملاک، تصمیم اکثریت هیات خواهد بود که تصمیمات آن قطعی و لازم الاجرا است تبصره - مدت عضویت سردفتر و کارمند مزبور، دو سال خواهد بود و انتخاب مجدد آنها بلامانع و عضویت کلیه اعضا تبرعی است این آیین نامه مشتمل بر ۶ ماده و ۷ تبصره می‌باشد که سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مامور اجرای آن است

آیین نامه تشکیل صندوق تعاون سردفتران و دفترياران دفاتر اسناد رسمی - مصوب ۱۸ ۱۰ ۱۳۷۴ با اصلا

ماده ۱- پنج ماه قبل از پایان هر دوره کانون سردفتران و دفترياران، رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تاریخ انقضای آن دوره را به رییس قوه قضاییه اعلام مینماید و رییس قوه قضاییه هیات نظارت بر انتخابات کانون را تعیین خواهد کرد. تبصره - هیات مدیره کانون موظف است شش ماه قبل از انقضا هر دوره مراتب را جهت اجرای این ماده به رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اعلام نماید. ماده ۲- هیات نظارت در استان تهران مرکب از دو نفر از قضات عالی رتبه و دو نفر از معاونین یا مدیران کل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و دو نفر سردفتر و یک نفر دفتريار شاغل که بیش از ده سال سابقه سردفتری و دفترياری داشته باشد و در سایر استان ها افراد مذکور از قضات و کارکنان عالی رتبه اداره کل ثبت اسناد و املاک و سردفتران و دفترياران همان استان با انتخاب رییس قوه قضاییه تشکیل خواهد شد. تبصره - چنانچه در مرکز استانی برای این منظور سردفتر و دفتريار با سابقه بیش از ده سال به حد لازم وجود نداشته باشد سابقه بیش از پنج سال کافی خواهد بود. ماده ۳- سردفتران و دفتريارانی که به عضویت هیات نظارت تعیین میشوند حق انتخاب شدن در هیات مدیره را ندارند و همچنین اعضای هیات مدیره وقت کانون نیز اعم از اصلی و علی البدل به عضویت هیات نظارت بر انتخابات تعیین نخواهند شد. ماده ۴- اعضای هیات نظارت بر انتخابات باید بلافاصله جهت فراهم نمودن مقدمات انتخابات در محل کانون تشکیل جلسه داده و از میان خود یک نفر را به عنوان رییس و یک نفر را به عنوان نایب رییس و یک نفر را به عنوان دبیر انتخاب مینمایند و طی اطلاعیه‌ای در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران یا یکی از روزنامه‌های محلی (مرکز استان و یا به طریقی دیگر که هیات مقتضی تشخیص دهد از سردفتران و دفتريارانی که خود را

واجد شرایط عضویت در هیات مدیره کانون میدانند اعلام مینماید که ظرف مدت یک هفته از تاریخ تعیین شده در اطلاعیه نامزدی خود را کتبا به دفتر هیات اعلام دارند. پس از انقضای این مدت هیات نظارت در حداقل زمان ممکن صورت اسامی داوطلبان واجد شرایط عضویت و تاریخ و ساعت شروع و ختم و محل اخذ رای را تعیین و مراتب را به طریق فوق به اطلاع سردفتران و دفترباران حوزه انتخابیه خواهد رساند. ماده ۵- سردفتران و دفترباران که نامزدی خود را برای عضویت در هیات مدیره کانون اعلام مینمایند باید دارای شرایط زیر باشند الف- اشتغال به شغل سردفتری و دفترباری. ب- حداقل ده سال سابقه سردفتری اسناد رسمی و یا دفترباری و یا کفالت و قضاوت ج- اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام د- اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران ولایت فقیه و قانون اساسی. ه- نداشتن پیشینه و محکومیت موثر کیفری. و- نداشتن محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا- در پنج سال اخیر خدمت خود. ز- داشتن حسن شهرت ح- عدم وابستگی به رژیم منحوس پهلوی و تحکیم پایه های رژیم طاغوت ط- عدم عضویت و هواداری از گروهک های غیرقانونی و معاند با جمهوری اسلامی. ی- عدم اعتیاد به مواد مخدر. تبصره - احراز شرایط مذکور با هیات نظارت است در صورت اختلاف اعضای هیات رای اکثریت مناط اعتبار است ماده ۶- هیات مدیره وقت کانون سردفتران و دفترباران موظف است هزینه و وسایل و امکاناتی که جهت انجام و اجرای انتخابات لازم است در اختیار هیات نظارت بر انتخابات قرار دهد. ماده ۷- هیات نظارت علاوه بر نصب اسامی نامزدهای واجد شرایط در محل مناسب صورت کامل اسامی سردفتران و دفترباران شاغل حوزه انتخابیه را تهیه و در محل اخذ آرا در دسترس شرکت کنندگان قرار داده تا هر رای دهنده مقابل اسم خود را به نشانه شرکت در انتخابات کانون امضا نماید. ماده ۸- هرگونه آگهی و آثار تبلیغاتی باید قبل از شروع اخذ رای از محل شعبه اخذ رای توسط هیات نظارت محو گردد. ماده ۹- اخذ آرا در یک روز و در مدتی که کمتر از هفت ساعت نباشد در محل کانون یا هر محلی که توسط هیات نظارت تعیین شده انجام میشود و هیات نظارت موظف است پس از اخذ آرا و خاتمه رای گیری بلافاصله شروع به شمارش و قرائت آرا نموده و بعد از قرائت هر رای آن را با مهر قرائت شده مشخص و در پایان نتیجه آرا قرائت شده را صورت جلسه نمایند. تبصره - هرگاه شمارش همه آرا در روز اخذ رای میسر نباشد هیات نظارت پس از شمارش باقی مانده آرا صندوق محتوی آرا را لاک و مهر نموده و روز بعد بقیه آرا مذکور را به کیفیت مقرر در ماده فوق قرائت مینماید. ماده ۱۰- کلیه سردفتران و دفترباران شاغل در هر استان که کانون آن تشکیل شده فقط برای کانون همان استان حق رای خواهند داشت و انتخاب کنندگان حق تعیین وکیل یا نماینده جهت دادن رای ندارند. ماده ۱۱- پس از پایان قرائت آرا و اعلام حایزین اکثریت در محل اخذ رای چنانچه نسبت به انتخابات معترضی باشد بایستی اعتراض خود را ظرف سه روز از تاریخ اعلام حایزین اکثریت به دفتر هیات نظارت تسلیم نماید و هیات نظارت ظرف یک هفته نسبت به اعتراضات رسیدگی و نظر خود را اعلام مینماید. ماده ۱۲- در صورتی که هیات نظارت بر ابطال انتخابات نظر بدهد، رییس قوه قضاییه هیات نظارت دیگری تعیین و انتخابات تجدید خواهد شد. ماده ۱۳- در صورت عدم وصول اعتراض و یا رد اعتراض، هیات نظارت صورت حایزین اکثریت را به ترتیب آرا و با قید تعداد آرا آنها تهیه و به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ارسال میدارد تا طبق ماده ۶۳ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران اعضای اصلی و علی البدل انتخاب شوند.

آیین نامه بیمه و بازنشستگی سردفتران و دفترباران اسناد رسمی - مصوب ۱۲ آبان ۱۳۸۱

اشاره

مصوب ۱۸ ۱۰ ۱۳۷۴ با اصلاحیه‌های بعدی ماده ۱- در اجرای ماده ۵۷ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب تیرماه ۵۴ و به منظور کمک

های ضروری با پرداخت وام به سردفتران و دفترباران و کارکنان دفاتر اسناد رسمی صندوقی به نام صندوق تعاون سردفتران و دفترباران دفاتر اسناد رسمی تاسیس می‌شود. صندوق مزبور دارای شخصیت حقوقی بوده و بر اساس مقررات این آیین نامه اداره خواهد شد. ماده ۲ - سرمایه صندوق عبارت است از سرمایه فعلی به اضافه مبالغی که از محل سود حساب بیمه موضوع ماده ۵۶ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران مصوب سال ۱۳۵۴ عاید خواهد شد. تبصره - در اجرای این آیین نامه حساب خاصی در یکی از شعب بانک ملی توسط هیات مدیره کانون افتتاح و حساب مزبور به نام حساب صندوق تعاون سردفتران و دفترباران دفاتر اسناد رسمی نامیده خواهد شد. ماده ۳ - درآمد صندوق، متعلق به صندوق مزبور بوده و هزینه های تاسیس و اداره مربوط به آن از محل درآمد صندوق پرداخت خواهد شد و باقیمانده درآمد به سرمایه صندوق افزوده خواهد شد. ماده ۴ - اداره امور صندوق تعاون به عهده هیات مدیره کانون خواهد بود و مدیر عامل صندوق از بین اعضا هیات مدیره کانون برای مدت سه سال انتخاب می‌شود و میزان حقوق و مزایا و پاداش مدیر عامل صندوق طبق تصویب هیات مدیره کانون خواهد بود که جز هزینه های صندوق تعاون منظور و پرداخت خواهد شد. تبصره - انتخاب مجدد مدیر عامل پس از انقضا مدت فوق بلامانع خواهد بود و همچنین تغییر مدیر عامل قبل از انقضا مدت مزبور در اختیار هیات مدیره کانون است ماده ۵ - جلسات هیات مدیره به جهت انجام امور صندوق هر ماه یکبار تشکیل و با حضور اکثریت اعضا هیات مدیره رسمیت خواهد داشت و تصمیمات هیات مدیره با اکثریت آرا قابل اجرا خواهد بود. ماده ۶ - وظایف هیات مدیره کانون سردفتران و دفترباران در صندوق تعاون به شرح ذیل است الف - تعیین خط مشی صندوق و نحوه ضوابط و شرایط و تشخیص حق تقدم وام گیرنده و مدت بازپرداخت آن ب - تعیین حداقل و حداکثر و شرایط وام و تعیین سهم استانها و مرکز. ج - تصویب هزینه سالانه صندوق که از طرف مدیر عامل تهیه و تنظیم و تقدیم می‌گردد. د - رسیدگی و تصویب ترازنامه صندوق که از طرف مدیر عامل تنظیم شده و همچنین بررسی عملکرد شش ماهه صندوق در هر سال ماده ۷ - وظایف مدیر عامل صندوق تعاون الف - انتخاب و استخدام و تغییر کارکنان صندوق با تصویب هیات مدیره کانون ب - مدیر عامل مسئول اداره امور صندوق تعاون مذکور می‌باشد. ج - تنظیم بودجه سالیانه و تنظیم امور اداری و مالی صندوق د - اجرا تصمیمات هیات مدیره در مورد صندوق ه - امضا چکها و اوراق و اسناد مالی صندوق به عهده سه نفر مدیر عامل صندوق و خزانه دار و یک نفر از دو نفر (رییس هیات مدیره و یا نایب رییس که امضا مدیر عامل الزامی است و - مدیر عامل نماینده قانونی هیات مدیره در محاکم و مراجع قضایی و اداری و همچنین اقامه دعوی علیه اشخاص در مراجع فوق و دفاع از دعاوی علیه صندوق می‌باشد. تبصره - مدیر عامل صندوق تعاون باید هر شش ماه یک بار گزارش جامعی از جریان امور صندوق تعاون به هیات مدیره کانون تسلیم دارد. ماده ۸ - خدمت در صندوق تعاون و یا هیات مدیره کانون مانع از دریافت وام طبق شرایط و مقررات عمومی این آیین نامه نخواهد بود. موارد و شرایط پرداخت وام ماده ۹ - پرداخت وام مخصوص به موارد زیر است ۱ - تهیه مسکن یا محل کار یا تعمیرات آن ۲ - تهیه ملزومات مورد نیاز دفترخانه مانند کامپیوتر، ماشین تحریر، تلفن، فاکس و نظایر آن ۳ - برای ازدواج سردفتر یا دفتربار و کارکنان و یا فرزندان آنان تبصره - سردفتران و دفترباران و کارکنان بازنشسته حق استفاده از وام صندوق تعاون را طبق مقررات این آیین نامه خواهند داشت ماده ۱۰ - سال مالی از اول فروردین تا آخر اسفند ماه هر سال می‌باشد. ماده ۱۱ - کارمزد وام دریافتی ۴٪ در سال می‌باشد که در موقع پرداخت وام به میزان اصل وام متقاضی اضافه خواهد شد و هرگونه هزینه های قانونی و ارزیابی و بیمه مانده بدهی و دریافت وام به عهده وام گیرنده می‌باشد. تبصره - وام گیرنده ضمن اخذ وام باید تعهد نماید در صورت تاخیر در پرداخت اقساط علاوه بر اصل و کارمزد، ۱۰٪ (ده درصد) اقساط معوقه را به عنوان جریمه تاخیر در وجه صندوق بپردازد. ماده ۱۲ - نحوه و شرایط تامین باز پرداخت وام از لحاظ احراز استحقاق وام گیرنده و اخذ وثیقه یا ضامن موکول به تشخیص هیات مدیره می‌باشد. ماده ۱۳ - حداکثر وام پرداختی به سردفتران و دفترباران اعم از شاغل و بازنشسته با توجه به وضعیت موجودی صندوق و میزان وجوه واریزی از محل سود حساب بیمه و بازپرداخت وام ها و نوع وام و امکان بازپرداخت آن

، همه ساله توسط هیات مدیره کانون پیشنهاد و به تصویب رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور خواهد رسید. تبصره ۱ - دستورالعمل تعیین سهم کارکنان و شرایط و ضوابط و نحوه پرداخت وام به آنان ظرف دو ماه پس از لازم الاجرا شدن این آیین نامه توسط کانون سردفتران و دفترياران تهیه و به تصویب رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور خواهد رسید. تبصره ۲ - حداکثر مدت بازپرداخت وام های اعطایی به سردفتران و دفترياران و کارکنان پنج سال است ماده ۱۴ - هیچ کس نمی تواند تا وقتی که وام دریافتی خود را کاملا واریز و تصفیه نموده و یا ضمانت او خاتمه نیافته است وام مجدد دریافت یا ضمانت دیگری را بنماید. ماده ۱۵ - مدیر عامل صندوق موظف است فرم های لازم را برای تقاضا و دریافت وام تهیه و به تصویب هیات مدیره کانون برساند. ماده ۱۶ - این آیین نامه مشتمل بر ۱۶ ماده و ۴ تبصره تهیه و کلیه مقررات مغایر با آن ملغی و فاقد اعتبار می باشد.

فصل اول - تعاریف (اصطلاحات) (ماده ۱)

ماده ۱ - اصطلاحات که در این آیین نامه ذکر شده به شرح زیر است الف - حساب بیمه برای انجام امور زیر ۱ - بیمه بازنشستگی ، از کار افتادگی ، بیمه عمر و حوادث ، سردفتران و دفترياران اسناد رسمی و مستمری ، مستمری بگیران ۲ - امور رفاهی و درمانی سردفتران و دفترياران اسناد رسمی و عایله تحت تکفل آنان و مستمری بگیران ، حسابی به نام حساب بیمه توسط کانون در بانک ملی ایران افتتاح شده یا خواهد شد کلیه وجوه حاصل از ماده ۱۶۵ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سال ۱۳۴۵ و ماده واحده مصوب ۱۱۲۱۳۶۷ و ماده واحده ۲۸۲۱۳۷۳ که به بیمه سردفتران و دفترياران تخصیص یافته به این حساب واریز شده یا خواهد شد. ب - حساب تعاون منظور از حساب تعاون حسابی است که از طرف کانون به منظور واریز سود حاصله از وجوه حساب بیمه ، در بانک ملی ایران افتتاح شده یا خواهد شد. ج - کانون منظور از کانون سردفتران و دفترياران موضوع ماده ۶۸ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب سال ۱۳۵۴ است د - منظور از دفتريار ، دفتريار اول اس

فصل دوم - تکالیف دفاتر اسناد رسمی (ماده ۲)

ماده ۲ - با توجه به بند یک ماده واحده مصوب ۲۸ ۲ ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی سردفتران دفاتر اسناد رسمی مکلفند ده درصد از حق التحریر دریافتی هر ماه را به حساب تعیین شده واریز نموده و فتوکی فیش پرداختی را ضمن اعلام کتبی جمع حق التحریر مآخوذه همان ماه تا دهم ماه بعد به کانون ارسال دارند. عدم انجام وظیفه مذکور تخلف انتظامی محسوب می گردد.

فصل سوم - بیمه بازنشستگی (ماده ۳ تا ۱۲)

ماده ۳ - حق بیمه بازنشستگی عبارت از مبلغی است که سردفتران و دفترياران رسمی پس از احراز شرایط بازنشستگی و بازنشسته شدن در حدود قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب سال ۱۳۵۴ و این آیین نامه استحقاق دریافت آن را خواهند داشت تبصره ۱ - سردفتران و دفترياران اسناد رسمی مکلفند حداقل شش ماه قبل از فرارسیدن موعد بازنشستگی الزامی ، مراتب را جهت انجام مقدمات لازم کتبا به سازمان ثبت اعلام نمایند. تبصره ۲ - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ضمن صدور حکم موضوع بازنشستگی یا استعفا یا انفصال دایم یا سلب صلاحیت و اعلام فوت سردفتر یا دفتريار ، مدت اشتغال آنان را نیز به کانون اعلام می نماید. ضمناً یک نسخه از حکم صادره به دارایی مربوطه فرستاده خواهد شد تا بدهی مسلم سردفتر یا دفترياران را ظرف مدت

سه ماه ضمن ارسال صورتمجلس رسیدگی به کانون ارسال و اعلام دارد. تبصره ۳- صورتمجلس رسیدگی به امور مالی اشخاص مذکور در تبصره (۲) با تعیین میزان بدهی مسلم آنان همراه با صورتمجلس تحویل و تحول، ظرف سه ماه توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به کانون ارسال می‌گردد. تبصره ۴- صدور حکم برقراری حق بیمه بازنشستگی سردفتران و دفترباران منوط است به پرداخت کلیه بدهی های مسلم سردفتر و دفتربار در دوران عملکرد که به مقتضای شغل و وظایف قانونی محوله بدهکار گردیده‌اند. در صورت عدم اعلام بدهی ظرف مهلت مذکور در تبصره‌های فوق، کانون نسبت به صدور ابلاغ برقراری حق بیمه بازنشستگی اقدام خواهد نمود. ماده ۴- سردفتران و دفتربارانی که به سن قانونی بازنشستگی می‌رسند الزاماً بازنشسته خواهند شد ولو اینکه تحت تعقیب انتظامی یا کیفری و یا تحمل مجازات یا در حال تعلیق و یا انفصال موقت باشند. تبصره ۱- در مواردی که سردفتر و یا دفتربار اول مستعفی شوند یا برابر مقررات برکنار یا به حکم دادگاه به انفصال دائم یا سلب صلاحیت محکوم شده یا بشوند مشروط به اینکه سابقه اشتغال آنان ده سال و بیشتر باشد از نظر سابقه خدمت و استفاده از حق بیمه بازنشستگی نسبت به مدت اشتغال استحقاق دریافت حق بیمه بازنشستگی را دارند. تبصره ۲- چنانچه سابقه اشتغال سردفتران و دفترباران موضوع تبصره (۱) کمتر از ده سال باشد، ۲۵٪ از حق بیمه پرداختی دفترخانه تحت تصدی در مدت اشتغال هر یک محاسبه و مقطوعاً به سردفتر یا دفتربار پرداخت خواهد شد. پرداخت وجه موضوع این تبصره موقوف به انجام تحویل و تحول و ارایه مفاسد حساب مالی و مالیاتی است ماده ۵- هرگاه سردفتر یا دفتربار علیل و یا به علت حادثه‌ای ناقص شود به نحوی که از کارکردن باز بماند بدون شرط سن از ادامه اشتغال معاف خواهد شد. تشخیص این امور به عهده هیاتی متشکل از نماینده سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و کانون و سازمان پزشکی قانونی در مرکز خواهد بود، چنانچه سابقه خدمت سردفتر و یا دفتربار مذکور کمتر از ده سال باشد، حق بیمه بازنشستگی بر مبنای ده سال محاسبه و پرداخت می‌شود و چنانچه سابقه خدمت آنان بیش از ده سال و کمتر از ۱۵ سال باشد، حق بیمه بازنشستگی بر مبنای ۱۵ سال تمام محاسبه و پرداخت می‌شود و نسبت به بیش از ۱۵ سال تمام، طبق روال عادی و به نسبت مدت اشتغال محاسبه و پرداخت می‌گردد. تبصره- عایله تحت تکفل سردفتر و دفتربار موضوع این ماده و نیز عایله تحت تکفل سردفتر و دفتربار شاغلی که قبل از رسیدن به سوابق خدمتی فوق فوت شوند، از مزایای این ماده استفاده خواهند کرد. ماده ۶- از اول سال ۱۳۸۲ به هر سردفتر بازنشسته در صورت ۳۰ سال سابقه خدمت و بیشتر ماهیانه سه میلیون ۳۰۰۰۰۰۰ ریال حق بیمه بازنشستگی پرداخت خواهد شد این مبلغ با توجه به موجودی حساب بیمه و افزایش هزینه زندگی هر سال با پیشنهاد کانون و تصویب رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قابل تعدیل است تبصره ۱- حق بیمه بازنشستگی ماهانه دفتربار معادل ۸۰٪ (هشتاد درصد) حق بیمه بازنشستگی سردفتر مطابق این آیین نامه خواهد بود. تبصره ۲- توقیف حق بیمه بازنشستگی سردفتران و دفترباران و مستمری بگیران سردفتران و دفترباران متوفی در قبال مطالبات مسلم دولت یا محکومیت مدنی و یا عناوینی از این قبیل مطابق مقررات عمومی است ماده ۷- سردفتران و دفتربارانی که بعد از تصویب قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۲۸ اسفندماه ۱۳۴۵ اشتغال داشته‌اند با احراز شرایط مقرر در این آیین نامه از حقوق بیمه بازنشستگی استفاده خواهند کرد. ماده ۸- از تاریخ تصویب این آیین نامه حق بیمه بازنشستگی سردفتران و دفترباران متوفی (اعم از شاغل یا بازنشسته که مشمول دریافت حق مزبور برابر مقررات بوده‌اند به عایله تحت تکفل قانونی آنان (فرزندان- همسر- پدر- مادر و نوادگانی که پدر و مادر آنان فوت شده و تحت تکفل سردفتر و دفتربار بوده‌اند) به نسبت مدت اشتغال و به تساوی به عنوان مستمری پرداخت خواهد شد. ماده ۹- استحقاق ورثه سردفتر و دفتربار متوفی به دریافت مبالغ موضوع ماده فوق در مورد فرزندان و نوادگان ذکور تا زمانی است که به سن بیست و دو سال تمام خورشیدی نرسیده‌اند و یا مشغول تحصیل در یکی از دانشگاهها و یا موسسات آموزش عالی رسمی هستند مشروط به اینکه سن آنان از ۲۷ سال تمام خورشیدی تجاوز نکرده باشد و در مورد فرزندان و نوادگان اناث و همسر تا موقعی خواهد بود که شوهر اختیار نکرده باشند و همچنین در مورد پدر و مادر استحقاق دریافت این وجوه منوط است به اینکه تحت تکفل متوفی بوده باشند. استخدام هر یک از

عایله تحت تکفل در هر یک از سازمانهای دولتی و یا موسسات عمومی موجب قطع مستمری او خواهد شد. فرزندان و نوادگان انانث که در زمان حیات سردفتر و دفتریار شوهر اختیار کرده و پس از مطلقه شدن یا فوت شوهر مجدداً تحت تکفل سردفتر و دفتریار قرار گرفته اند مشمول دریافت مستمری خواهند بود. دریافت حقوق بازنشستگی و مستمری از مراجع دولتی و غیر دولتی مانع استفاده از مستمری موضوع این ماده نخواهد بود. تبصره ۱- زوجه سردفتر یا دفتریار متوفی چنانچه شاغل یا بازنشسته مراجع دیگر نیز باشد مشمول دریافت مستمری موضوع این ماده می‌باشد. تبصره ۲- در صورت قطع مستمری هر یک از وراثت، سهم او به سهام دیگر ورثه مشمول دریافت، بالسویه یا به سهم وارث منحصر اضافه خواهد شد. تبصره ۳- فرزندان و نیز نوادگان ذکور سردفتر یا دفتریاری که در زمان فوت آنان دچار عوارض روحی روانی و جسمی بوده و یا در زمان مستمری بگیری دچار این عوارض شوند نیز تا زمان افاقه مشمول دریافت مستمری خواهند بود. تبصره ۴- هرگاه فرزندان یا نوادگان انانث سردفتر و یا دفتریار که شوهر اختیار کرده‌اند، بعد از فوت سردفتر و یا دفتریار مطلقه شوند یا اختیار شوهر بعد از فوت سردفتر یا دفتریار بوده باشد پس از مطلقه شدن به شرط موافقت سایر مستمری بگیران می‌توانند به تساوی از سهم مستمری موافقان استفاده نمایند. ماده ۱۰- کانون مکلف است از تاریخ ابلاغ این آیین نامه وضعیت کلیه سردفتران و دفتریاران مشمول و بازماندگان سردفتران و دفتریاران متوفی را براساس مقررات این آیین نامه تطبیق داده و ابلاغ جدید برقراری حق بیمه بازنشستگی و یا مستمری برای آنان صادر و به موقع اجرا بگذارد. ماده ۱۱- سردفتران و دفتریاران در سمتی که شاغل هستند طبق مقررات این آیین نامه بازنشسته خواهند شد. مدت اشتغال در دفتریاری اول برای سنوات بازنشستگی در سردفتری جزو سابقه خدمت آنها محسوب خواهد شد. ماده ۱۲- کانون موظف است بر اساس دستورالعملی که سازمان ثبت تهیه و تصویب خواهد کرد به دفتریارانی که به علت انفصال سردفتر و یا تعطیلی دفترخانه به هر علت بیکار می‌شوند حداکثر تا دو سال مبلغی متناسب با معیشت آنان به عنوان کمک هزینه ماهیانه از محل حساب بیمه پرداخت نماید.

فصل چهارم - امور مالی (ماده ۱۳ تا ۱۸)

ماده ۱۳- کانون موظف است حساب پرداختی هر دفتر اسناد رسمی را بابت حق بیمه های پرداختی آن دفترخانه جداگانه نگهداری نماید و برای نگاهداری حساب درآمد و مصارف بیمه بازنشستگی دفاتر لازمه را تنظیم کند و پرداخت هایی که از این محل خواهد شد باید مستند به اسناد و مدارک مثبت باشد و اسناد و مدارک مربوطه را مرتباً ضبط و بایگانی و حسابها را به نحوی تنظیم نماید که در هر موقع قابل بررسی و رسیدگی باشد. ماده ۱۴- کانون مکلف است از محل حساب بیمه کلیه سردفتران و دفتریاران شاغل و بازنشسته و عایله تحت تکفل آنها و نیز ورثه واجد شرایط سردفتران و دفتریاران متوفی را بیمه درمانی (اصلی و تکمیلی نموده و در صورت اقتضا با تصویب رییس سازمان ثبت نسبت به سایر بیمه های موضوع فراز یک بند الف ماده یک این آیین نامه اقدام نماید. ماده ۱۵- کانون مکلف است برای تامین خدمات مذکور در ماده فوق با شرکتهای بیمه و یا مراکز درمانی مجاز و پزشکان سراسر کشور قرارداد لازمه را تنظیم یا به طرق مقتضی اقدام و هزینه آن را از محل حساب فوق پرداخت نماید. ماده ۱۶- کانون مکلف است حداکثر تا پایان دی ماه هر سال حق بیمه بازنشستگی بازنشستگان و مستمری بازماندگان و هزینه های درمانی و بیمه های تکمیلی، بیمه عمر و حوادث را برای سال آینده پیش بینی و تعیین و تنظیم و ضمن بودجه سالانه به سازمان ثبت ارسال نماید، رییس سازمان ثبت در صورت بلااشکال بودن حداکثر تا پایان سال آن را تصویب و جهت اجرا ابلاغ خواهد نمود. ماده ۱۷- رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور برای اداره محاسبات دریافت و پرداخت و جوه بیمه بازنشستگی و نظارت مستمر بر عملیات حساب بیمه، شخص مطلعی را به عنوان مدیر داخلی برای مدت دو سال منصوب تا تحت نظر هیات مدیره کانون انجام وظیفه

نماید. انتخاب مجدد و تغییر او در مدت مذکور بلاشکال است مدیر منتخب مکلف است گزارش سالانه عملیات را که به تایید یک موسسه حسابرسی رسمی رسیده باشد حداکثر تا پایان تیرماه سال بعد به رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تسلیم نماید. حق الزحمه مدیر منتخب داخلی توسط هیات مدیره کانون تعیین و پرداخت خواهد شد. ماده ۱۸ - با تصویب این آیین نامه ، آیین نامه بیمه و بازنشستگی سردفتران اسناد رسمی و دفتریاران مصوب ۲۴ ۹ ۱۳۷۳ و اصلاحیه های بعدی آن و سایر مقررات مغایر ملغی می گردد.

اصلاح موادی از آیین نامه تشکیل صندوق تعاون سردفتران و دفتریاران دفاتر اسناد رسمی - مصوب ۱۳

مصوب ۱۳۸۲ با اصلاحیه های بعدی ماده ۱ - در ماده (۱) عبارت (و کارکنان بعد از عبارت (پرداخت وام به سردفتران و دفتریاران اضافه میشود. ماده ۲ - ماده ۲ به این شرح اصلاح می شود سرمایه صندوق عبارت است از سرمایه فعلی به اضافه مبالغی که از محل سود حساب بیمه موضوع ماده ۵۶ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب سال ۱۳۵۴ عاید خواهد شد. ماده ۳ - عبارت (و کارکنان به ترتیب به بند ۳ و تبصره ماده ۹ بعد از عبارت (سردفتر و دفتریار) و (سردفتران و دفتریاران اضافه می شود ماده ۴ - کارمزد وام دریافتی مندرج در ماده ۱۱ از (۵٪) به (۴٪) اصلاح و تبصره زیر به ماده مذکور الحاق می شود تبصره - وام گیرنده ضمن اخذ وام باید تعهد نماید در صورت تاخیر در پرداخت اقساط علاوه بر اصل و کارمزد ۱۰٪ (ده درصد) اقساط معوقه را به عنوان جریمه تاخیر در وجه صندوق پردازد. ماده ۵ - (ماده ۱۳) به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن اضافه می شود تبصره ۱ - دستورالعمل تعیین سهم کارکنان و شرایط و ضوابط و نحوه پرداخت وام به آنان ظرف دو ماه پس از لازم الاجرا شدن این آیین نامه توسط کانون سردفتران و دفتریاران تهیه و به تصویب رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور خواهد رسید. تبصره ۲ - حداکثر مدت بازپرداخت وامهای اعطایی به سردفتران و دفتریاران و کارکنان پنج سال است

قانون توزیع حق التحریر دفاتر اسناد رسمی - موضوع ماده ۵۴ مصوب ۲۵ ۴ ۵۴ - مصوب ۲۸ ۲ ۱۳۷۳

موضوع ماده ۵۴ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۲۵ ۴ ۱۳۵۴ مصوب ۲۸ ۲ ۱۳۷۳ ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون در آمد حاصل از حق التحریر دفاتر اسناد رسمی موضوع ماده ۵۴ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۲۵ ۴ ۱۳۵۴ به شرح زیر پرداخت خواهد شد ۱ - به منظور تامین وجوه لازم جهت اجرای مواد ۱۰، ۱۱، ۵۷، ۶۸ قانون دفاتر اسناد رسمی ، دفاتر اسناد رسمی مکلفند همه ماهه ده درصد از حق التحریر دریافتی را به حساب مربوط به بیمه و بازنشستگی و از کارافتادگی و امور رفاهی و درمانی سردفتران و دفتریاران دفاتر اسناد رسمی و عائله تحت تکفل آنان پرداخت نمایند. نحوه پرداخت و بیمه و بازنشستگی و حساب مربوط به موجب آیین نامه ای خواهد بود که از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کل کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه خواهد رسید. ۲ - پانزده درصد از حق التحریر مصوب توسط سردفتر به دفتریار اول در مقابل اخذ رسید پرداخت خواهد شد. ۳ - قانون اصلاح پاره ای از مواد قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۳۳ ۳ ۱۳۷۱ به قوت خود باقی است ۴ - کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو می شود.

قانون تفسیر ماده (۴۲) قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران - مصوب ۳۶ ۳ ۱۳۷۵

مصوب ۳۶ ۳ ۱۳۷۵ موضوع استفسار ۱ - آیا مباشرت رییس قوه قضاییه در اقدامات مصرح در ماده (۴۲) قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴ لازم است و یا اختیار انجام اقدامات مذکور قابل تفویض به سایر مقامات قوه قضاییه نیز

می باشد؟ ۲ - آیا تصمیمات دادگاه مقرر در ماده (۴۲) قانون فوق الذکر مشمول تبصره ماده (۱۱) قانون دیوان عدالت اداری می باشد که در نتیجه از صلاحیت دیوان عدالت اداری خارج باشد و یا این مرجع صلاحیت رسیدگی به شکایت از تصمیمات دادگاه فوق الذکر را دارد؟ نظر مجلس ماده واحده الف - در مورد بند (۱) (انجام اقدامات مذکور قابل تفویض به سایر مقامات قوه قضائیه می باشد). ب - در مورد بند (۲) (دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به شکایت از تصمیمات دادگاه مذکور را دارد).

دستورالعمل ماده ۱۲ آیین نامه بیمه بازنشستگی سردفتران و دفترباران اسناد رسمی - مصوب ۱۰۱۰

مصوب ۱۰ ۱۰ ۱۳۸۲ ماده ۱ - اداره کل امور اسناد و سردفتران موظف است اسامی دفترباران اولی که دفترخانه آنها به هر علت از قبیل فوت انفصال ، بازنشستگی سردفتر تعطیل و آنان بیکار می شوند را با تعیین مدت اشتغال جهت برقراری کمک هزینه مذکور در ماده ۱۲ آیین نامه بیمه و بازنشستگی به کانون سردفتران و دفترباران اعلام نماید. ماده ۲ - کانون سردفتران و دفترباران موظف است به دفترباران اول که به علت مذکور در ماده ۱ این دستورالعمل بیکار می شوند وجوهی به عنوان کمک هزینه ماهیانه از محل حساب بیمه به ترتیب زیر بر مبنای حق بیمه بازنشستگی دفترباران پرداخت نماید ۱ - به دفتر یارانی که سابقه اشتغال آنها تا ده سال تمام است ماهیانه یک سوم حق بیمه بازنشستگی دفترباران ۲ - به دفتر یارانی که سابقه اشتغال آنها بیش از ده سال تمام تا پانزده سال تمام باشد ماهیانه یک دوم حق بیمه بازنشستگی دفتر یار ۳ - به دفتر یارانی که سابقه اشتغال آنها بیش از پانزده سال تمام باشد کمک هزینه به نسبت مدت اشتغال ماده ۳ - به دفترباران مشمول این دستورالعمل در صورت تقاضای آنان ، از اولین روز بیکاری کمک هزینه ماهیانه تعلق خواهد گرفت تبصره - دفتر یارانی که قبلاً بیکار شده اند، در صورت ادامه بیکاری تا تاریخ تصویب این دستورالعمل از تاریخ لازم الاجرا شدن آیین نامه بیمه و بازنشستگی (۱۳۸۱) مشمول دریافت کمک هزینه موضوع مقررات مذکور خواهند بود. ماده ۴ - به دفترباران مشمول این دستورالعمل که به هر طریق حقوق بازنشستگی یا مستمری دریافت می کنند، چنانچه دریافتی آنان کمتر از مبلغ موضوع بندهای ۱ و ۲ و ۳ ماده ۲ این دستورالعمل باشد با توجه به اشتغال در سمت دفترباری اول حسب مورد مابه التفاوت آن مبالغ مزبور پرداخت خواهد شد. ماده ۵ - دفترباران مکلف است هنگام تسلیم تقاضای برقراری کمک هزینه به کانون ، تعهدنامه ای را که وسیله کانون تهیه خواهد شد تکمیل و امضا نموده و در آن متعهد شود به محض اشتغال در سمت دفترباری (اصلی و جانشین مراتب را کتبا به کانون اعلام و چنانچه مبلغی اضافه پرداخت شده باشد ، کانون مجاز باشد مبلغ اضافه پرداختی را به هر نحو که صلاح بداند وصول نماید.

تصویب نامه برای تقسیم و تنظیم ثبت اسناد - مصوب ۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۶ هیات وزیران

برای تقسیم و تنظیم ثبت اسناد راجع به وزارتخانه ها و موسسات و شرکتها و بانک های دولتی و شهرداری ها بین دفاتر اسناد رسمی ، در تهران هیاتی مرکب از نماینده وزارت امور اقتصادی و دارایی و رییس کانون سردفتران و نماینده سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، در شهرهایی که بیش از یک دفتر اسناد رسمی وجود دارد رییس واحد ثبتی محل و نماینده اداره امور اقتصادی و دارایی و رییس کانون سردفتران و در نقاطی که کانون تشکیل نشده ، یکی از قضات دادگستری (به انتخاب رییس دادگستری یا رییس دادگاه بخش مستقل حسب مورد تشکیل می شود. هیات های مذکور با در نظر گرفتن ضوابط و تدابیری که متضمن تقسیم و توزیع عادلانه تنظیم و ثبت اسناد باشند تعداد دفاتر اسناد رسمی را برای انجام معاملات مربوط به هر یک از سازمانهای مذکور در فوق تعیین و به آنها ابلاغ خواهد نمود. هیات های مذکور می توانند در مواعید مقتضی در نحوه تقسیم و توزیع اسناد تجدیدنظر کنند. سازمانهای مذکور در فوق موظفند از تاریخ ابلاغ تصمیم هیات در مورد تنظیم و ثبت اسناد مربوط به خود در دفتر اسناد رسمی ،

طبق تصمیم هیات عمل نمایند. رونوشت این تصویبنامه را وزیر دادگستری وقت (آقای غلامرضا کیانپور) به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و کانون سردفتران و کلیه دادگستری های استان شهرستان و دادگاه های بخش مستقل ابلاغ نمود.

دستورالعمل نقل و انتقال سردفتران اسناد رسمی - مصوب ۱۷ ۸ ۱۳۷۸

الف - سردفتران اسناد رسمی که حداقل ۵ سال به شغل سردفتری اشتغال داشته باشند، می توانند درخواست انتقال به محل دیگری را بنمایند. این مدت برای درخواست انتقال به تهران ۱۰ سال و از شهرستان های حومه تهران به شهر تهران ۵ سال خواهد بود. نقل و انتقال سردفتران با توجه به نیازهای هر استان و موافقت مدیر کل استان مربوطه فقط برای یک بار صورت می گیرد ۱ - انتقال سردفتران اسناد رسمی از استانی به استان دیگر و نیز از محلی به محل دیگر، هم تراز یا پایین تر، بدون رعایت مدت مقرر در بند (الف) خواهد بود، این حکم در مورد انتقال سردفتر به نقاط محروم و بد آب و هوا نیز جاری است؛ همچنین جابجایی دو سردفتر در صورت موافقت ادارات کل مربوطه ۲ - هر سال خدمت در مناطق محروم و بد آب و هوا دو برابر محاسبه خواهد شد. ۳ - مدت اشتغال لازم برای اقربای درجه یک خانواده شهدا و کسانی که بنا به گواهی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، سرپرستی خانواده شهدا را به عهده دارند (به منظور تبعیت از محل سکونت خانواده شهید) آزادگان و ایثارگران دو برابر محاسبه خواهد شد. برای جانبازان هر ۲۵٪ جانبازی یک سال محاسبه می شود. ۴ - سردفترانی که محکومیت درجه ۳ به بالا دارند برای هر سال محکومیت ۲ سال به مدت های مقرر در بند (الف) اضافه خواهد شد. ب - محلی که استعداد پذیرش یک دفترخانه به طور دائم را نداشته باشد و امر معاش سردفتر به لحاظ کمبود مراجعین ممکن نباشد با پیشنهاد اداره ثبت محل و موافقت اداره کل ثبت استان ابلاغ سردفتری سیار برای نزدیکترین سردفتر به محل مورد نیاز صادر خواهد شد. ج - محلی که قبلاً ظرفیت چند دفترخانه را داشته و بعداً نیاز محل تقلیل یافته بنا به درخواست سردفتر و پیشنهاد ثبت محل و موافقت اداره کل ثبت استان، سردفتر مزبور به محل دیگری که نیاز مبرم به تاسیس دفترخانه داشته باشد، منتقل خواهد شد. د - در مواردی که حسب گواهی هیات مقرر در ماده ۵ آیین نامه بیمه و بازنشستگی سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی مصوب ۱۳۷۳ اقامت سردفتر و یا افراد تحت تکفل او در محل ممکن نباشد، به پیشنهاد اداره کل ثبت استان و موافقت رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به محل مناسبی که توصیه شده، منتقل خواهد شد. ه - سردفتران و دفتریاران که در مقطع کارشناسی ارشد یا بالاتر پذیرفته شده‌اند و برای ادامه تحصیل لازم باشد در محل دیگری غیر از محل اشتغال ادامه تحصیل دهند، می توانند برای ادامه تحصیل در محل جدید درخواست انتقال نمایند. و - درخواست های انتقال سردفترانی که از طریق اداره کل ثبت استان ها ارسال می شود به وسیله هیات مسئول نقل و انتقال مورد رسیدگی قرار می گیرد. هیات مزبور مرکب است از - معاون سازمان ثبت اسناد و املاک (قسمت امور اسناد) - مدیر کل امور اسناد و سردفتران - یک سردفتر به پیشنهاد کانون سردفتران و دفتریاران و تایید رییس سازمان ز - هیات سالی دو بار در اردیبهشت ماه و آبان ماه تشکیل می شود و با رعایت مقررات این دستورالعمل و با توجه به اولویت ها و نیازهای هر محل به درخواست ها رسیدگی و اعلام نظر می کند و اتخاذ تصمیم نهایی با توجه به نظریه هیات با رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است

تعرفه حق التحریر دفاتر اسناد رسمی - ۱۳۸۳

شماره ۱۰۱۵۵۸۳۱ - ۱۶.۷.۱۳۸۳ به استناد ماده ۵۴ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴ و بنا به اختیار تفویضی شماره ۱۰۱۵۵۸۳۱ مورخ ۱۶ ۷ ۸۳ قوه قضاییه تعرفه حق التحریر دفاتر اسناد رسمی به شرح زیر اصلاح و تصویب میشود تا از تاریخ ۱۴ ۸۵ در کلیه دفاتر اسناد رسمی اجرا میشود. الف - اسناد رسمی موضوع ماده ۱۲۳ اصلاحی قانون ثبت اعم از قطعی - قرارداد - مشارکت مدنی و

فروش اقساطی - رهنی - استقراضی - اجاره اموال منقول و غیرمنقول و اقرارنامه و تعهدنامه هایی که در آن منجزا ذکر مبلغ میشود ۱ - اسنادی که مبلغ آن تا ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال است مقطوع ۱۵۰۰۰۰ ریال ۲ - اسنادی که مبلغ آن تا ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال است نسبت بمازاد دو میلیون ریال ۲۰ در هزار ۳ - اسنادی که مبلغ آن تا ۲۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال است نسبت بمازاد ده میلیون ریال ۲ در هزار ۴ - اسنادی که مبلغ آن تا ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال است نسبت بمازاد دو بیست میلیون ریال ۵۱ در هزار ۵ - اسنادی که مبلغ آن از یک میلیارد ریال به بالا - است نسبت بمازاد یک میلیارد ریال ۵۰ در هزار که در هر صورت حق التحریر متعلقه برای تنظیم و ثبت سند مجموعاً از ۸۰۰۰۰۰۰۰ ریال تجاوز نخواهد کرد. تبصره - در صورتیکه طرفین معامله بیش از ۴ نفر باشند به ازای هر نفر اضافه ۵۰۰۰۰۰ ریال به حق التحریر متعلقه اضافه میشود. ب - اسناد رسمی موضوع ماده ۱۲۴ اصلاحی قانون ثبت که تعیین قیمت موضوع آنها ممکن نباشد. ۱ - وکالت نامه‌های مختصر حداقل ۶۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۱۵۰۰۰۰ ریال ۲ - وکالت نامه‌های مفصل حداقل ۱۰۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۳۵۰۰۰۰۰ ریال ۳ - تفیذنامه و رضایت نامه حداقل ۵۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۲۵۰۰۰۰۰ ریال ۴ - تقسیم نامه برای هر واحد تقسیم مال منقول نظیر انواع خودرو و غیر منقول اعم از زمین و آب و قطعات تفکیکی (آپارتمان و نوع دیگر) ۷۵۰۰۰۰ ریال که از ۳۰۰۰۰۰۰ ریال کمتر نخواهد بود. توضیح پارکینگ و انباری و سایر منضمات راجع به هر واحد جزو واحد تقسیم خواهد بود. ۵ - تعهدنامه دانشجویی و اعضا هیئت علمی دانشگاهها و مراکز آموزشی و بورسیه‌ها که بفتح واحد آموزش عالی یا آموزش و پرورش و صندوقهای مربوط به آنها داده میشود حداقل ۳۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۸۰۰۰۰۰ ریال ۶ - وقف نامه و وصیت نامه مختصر حداقل ۱۵۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۲۵۰۰۰۰۰ ریال ۷ - وقف نامه و وصیت نامه مفصل حداقل ۳۰۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۴۰۰۰۰۰۰ ریال ۸ - اقرارنامه و تعهدنامه حداقل ۳۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۷۵۰۰۰ ریال ۹ - صلح نامه و هبه نامه‌ها (که تعیین قیمت برای آنها مقدور نباشد) در صورتیکه در یک برگ باشد. حداقل ۶۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۱۵۰۰۰۰۰ ریال و به ازای هر برگ اضافی ۳۰۰۰۰۰ ریال اضافه میشود. ۱۰ - تعویض وثیقه - ضم وثیقه - اقاله و متمم قراردادها ۲۰۰۰۰۰۰ ریال ۱۱ - فک رهن یا فسخ اسناد ۵۰۰۰۰۰ ریال ۱۲ - صدور اجرائیه برای هر برگ ۳۰۰۰۰۰ ریال ۱۳ - صدور اخطاریه برای هر نفر ۲۰۰۰۰۰ ریال ۱۴ - دریافت و یا تعویض قبوض سپرده ۳۰۰۰۰۰ ریال ۱۵ - تهیه رونوشت یا فتوکپی مصدق از اسناد برای هر برگ ۲۵۰۰۰۰ ریال ۱۶ - صدور گواهی عدم ثبت معامله موضوع بند ۸۹ مجموعه بخشنامه های ثبتی ۵۰۰۰۰۰ ریال ۱۷ - ثبت عزل یا استعفای وکیل در حاشیه ملاحظات ثبت دفتر ۵۰۰۰۰۰ ریال ۱۸ - گواهی هر امضا حداقل ۱۰۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۳۰۰۰۰۰ ریال ۱۹ - سایر اسناد غیرمالی که در بالا - نیامده از قبیل ابراه و ضم امین حداقل ۱۰۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۳۰۰۰۰۰ ریال تبصره ۱ - پرداخت حق التحریر و قیمت اوراق و اسناد و قبوض اقساطی بالمناصفه بعهد طرفین است مگر اینکه قبلاً توافق دیگری در این خصوص بعمل آمده باشد یا اینکه یکی از طرفین شخصا تمام آن را پردازد. تبصره ۲ - منظور از مختصر سندی است که به اندازه اوراق نیم برگی بیشتر نباشد و مفصل آن است که بیش از نیم برگی باشد. تبصره ۳ - در فرازهای ۱ الی ۳ و ۵ لغایت ۹ و ۱۸ و ۱۹ بند (ب) به منظور رقابتی کردن نرخ دفاتر و فعالیتهای آنان بصورت حداقل و حداکثر تعیین گردیده است

آیین نامه مربوط به روشهای نگهداری دفاتر و اسناد و مدارک و نحوه ثبت وقایع مالی و چگونگی تنظیم صورتهای مالی نهایی موضوع تبصره ۲ ماده ۹۵ اصلاحی مصوب ۲۷ ۱۱ ۱۳۸۰ قانون مالیاتهای مستقیم

فصل اول - کلیات

ماده ۱ - مقررات این آیین نامه شامل مودیانی است که در موعد مقرر در قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۲۳۱ ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن ترانزنامه و حساب سود و زیان و با حساب مورد حساب درآمد و هزینه و حساب سود و زیان خود را با رعایت مقررات

مربوط تسلیم می‌نماید. تبصره - مودیان در انتخاب یکی از رویه‌های حسابداری بر اساس استانداردهای پذیرفته شده مجازند و در سالهای بعد باید همان رویه را اعمال نمایند، در صورتی که به جهات مشخصی تغییر رویه داده باشند، مکلفند اثرات حاصل از تغییر رویه را بر صورتهای مالی مشخص و طی یادداشتی جداگانه پیوست اظهارنامه به اداره امور مالیاتی تسلیم نمایند.

فصل دوم - مشخصات دفاتر قانونی (ماده ۲ تا ۷)

ماده ۲ - دفاتر قانونی مشمول این آیین‌نامه عبارت است از کلیه دفاتر روزنامه و کل اعم از مشترک یا جدا از یکدیگر و دفتر مشاغل (دفتر درآمد و هزینه که قبل از ثبت هر گونه عملیات حسابداری در آنها، دفاتر روزنامه و کل مطابق مقررات مواد ۱۱ و ۱۲ قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ از طرف نماینده اداره ثبت اسناد و دفتر مشاغل از طرف ادارات امور مالیاتی ذی ربط حسب مورد امضا و پلمپ و ثبت گردیده و به فارسی و با خودنویس یا خودکار تحریر شده باشد. تبصره ۱ - اشتباه در شماره گذاری صفحات و همچنین اشتباهات ناشی از پلمپ دفاتر در مراجع مذکور موجب بی اعتباری دفاتر نخواهد بود. تبصره ۲ - از پلمپ خارج شدن یکی از دفاتر روزنامه یا کل موجب بی اعتباری دفاتر نخواهد بود. مشروط بر آن که ضمن اعلام مراتب به اداره امور مالیاتی، اقدام به پلمپ مجدد دفتر مذکور شود یا پس از بستن ذیل آخرین ثبت دفتر قبلی ادامه فعالیت در دفتر پلمپ شده دیگر ثبت گردد. تبصره ۳ - ادارات امور مالیاتی موظفند فهرست دفاتر ثبت و پلمپ شده واصله از اداره ثبت اسناد و همچنین فهرست دفاتر مشاغل ثبت و امضا شده از ناحیه خود را به ادارات امور مالیاتی مربوط ارسال نمایند. ماده ۳ - مودیان مشمول این آیین‌نامه مکلفند برای هر سال مالی، فقط از دفاتر امضا، پلمپ و ثبت شده ظرف یک سال قبل استفاده نمایند، مگر این که در اثنا سال به علت تمام شدن دفاتر نیاز به دفاتر جدید باشد که در این صورت مجاز هستند دفاتر جدید امضا پلمپ و ثبت نمایند و با رعایت مقررات ماده ۱۶ این آیین‌نامه ادامه عملیات مالی را در دفاتر جدید ثبت کنند. درج تعداد و مشخصات دفاتر مآخوذه برای استفاده در هر سال مالی، در اظهارنامه مالیاتی مربوط به آن سال الزامی است ماده ۴ - دفتر روزنامه دفتری است که اشخاص حقوقی یا حقیقی کلیه معاملات و سایر رویدادهای مالی و محاسباتی خود را با رعایت اصول و موازین و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری و به ترتیب تاریخ وقوع در آن ثبت نمایند. تبصره - نگهداری دفاتر روزنامه واحد برای ثبت کلیه عملیات و با دفاتر روزنامه متعدد برای هر بخش از عملیات مجاز است ماده ۵ - دفتر کل دفتری است که عملیات ثبت شده در دفتر یا دفاتر روزنامه بر حسب سرفصل یا کد گذاری حساب‌ها در صفحات مخصوص آن ثبت می‌شود، به ترتیبی که تنظیم حساب سود و زیان و ترازنامه از آن امکان‌پذیر باشد. ماده ۶ - دفتر مشترک روزنامه و کل دفتری است که دارای ستون‌هایی برای سرفصل‌های حساب‌های متفاوت باشد، به طوری که اشخاص حقوقی و حقیقی با ثبت و نگهداری دفتر مذکور بر طبق اصول و ضوابط و استانداردهای حسابداری، بتوانند نتایج عملیات خود را از آن استخراج و حساب سود و زیان و ترازنامه تهیه نمایند. ماده ۷ - دفتر مشاغل (دفتر درآمد و هزینه دفتری است که حداقل دارای ستون‌هایی برای درج تاریخ، شرح معاملات، درآمد، هزینه و دارایی‌های قابل استهلاک باشد و معاملات مذکور به ترتیب تاریخ وقوع در آن ثبت گردد، به طوری که در پایان سال تعیین جمع درآمد و هزینه شغلی مودی و تنظیم حساب سود و زیان از آن امکان‌پذیر باشد.

فصل سوم - سایر دفاتر اسناد حسابداری و مدارک حساب (ماده ۸ تا ۱۰)

ماده ۸ - دفتر معین دفتری است که برای تفکیک و مجزا ساختن هر یک از حساب‌های دفتر کل بر حسب مقتضیات و شرایط حساب

ممکن است نگهداری شود. کارت‌های حساب اعم از آن که به وسیله دست یا ماشین تهیه شده باشد، در حکم دفاتر معین است ماده ۹- سند حسابداری فرمی است که در آن یک یا چند مورد از معاملات و سایر رویدادهای مالی و محاسباتی به حساب‌هایی که حسب مورد بدهکار یا بستانکار گردیده تجزیه می‌شود و پس از امضای مراجع ذی صلاح مندرجات آن قابل ثبت در دفاتر می‌باشد. ماده ۱۰- مدارک حساب عبارت از مستنداتی است که بیانگر وقوع یک یا چند فعالیت یا رویداد مالی یا محاسباتی بوده و اسناد حسابداری و دفاتر بر مبنای آنها تنظیم و تحریر می‌گردد.

فصل چهارم - نحوه تحریر و نگهداری دفاتر قانونی (ماده ۱۱ تا ۱۷)

ماده ۱۱- مودیانی که دفتر روزنامه و کل نگهداری می‌نمایند باید کلیه معاملات و سایر رویدادهای مالی و محاسباتی و مودیان مجاز به نگهداری دفاتر مشاغل (دفتر درآمد و هزینه باید هر گونه درآمد و هزینه و خرید و فروش دارایی‌های قابل استهلاک خود را طبق مقررات این آیین‌نامه حسب مورد در دفاتر مربوط ثبت کنند ولو آن که برای نگهداری حساب‌ها از ماشین‌های الکترونیکی و کارتهای حساب استفاده شوند. تبصره - در خصوص اشخاص حقوقی و صاحبان مشاغل موضوع بند الف ماده ۹۵ قانون مالیات‌های مستقیم، اشتباهات حسابداری در صورت ارایه مستندات مربوط چنانچه بر پایه استانداردهای حسابداری در دفاتر همان سال اصلاح شود به اعتبار دفاتر خللی وارد نخواهد کرد. ماده ۱۲- مودیان مجاز به نگهداری دفتر مشاغل می‌توانند تمام یا قسمتی از درآمد و هزینه‌های مشابه روزانه را تحت یک شماره ردیف در دفتر ثبت نمایند. مشروط بر این که در ستون شرح دفتر، نوع و تعداد آنها را قید و اگر متکی به اسناد و مدارک باشد مشخصات آن را نیز در ستون مزبور درج نمایند. ارقام درآمد و هزینه و خرید و فروش داراییهای قابل استهلاک که در حدود متعارف متکی به اسناد و مدارک است می‌بایست پس از ثبت در دفتر مشاغل، اسناد و مدارک مربوط به ترتیب شماره ردیف دفتر و به نحوی که برای رسیدگی ماموران تشخیص مالیات قابل استفاده باشد نگهداری گردد. ماده ۱۳- در مواردی که دفاتر روزنامه و کل نگهداری می‌شود، کلیه معاملات و سایر رویدادهای مالی و محاسباتی مربوط و در موارد نگهداری دفاتر مشاغل، درآمدها و هزینه‌ها و خرید و فروش دارایی‌های قابل استهلاک باید در همان روز انجام حسب مورد در دفاتر روزنامه یا مشاغل ثبت گردد. تبصره ۱- تاریخ مذکور در مدارک یا فاکتور فروش یا خرید و غیره ملاک قطعی تاخیر تحریر شناخته نمی‌شود و هرگاه انجام و ختم این گونه اعمال با توجه به روش و طرز کار موسسه تابع تشریفات و طی مراحل باشد تا موضوع آماده برای ثبت در دفتر مربوط شود، فاصله بین تاریخ فاکتور یا مدارک و روز آماده شدن آن برای ثبت در دفتر تاخیر ثبت تلقی نخواهد شد. تبصره ۲- تاخیر در تحریر عملیات در صورتی که به منظور سو استفاده نباشد تا ۱۵ روز به تشخیص اداره امور مالیاتی و بیش از آن به تشخیص هیات ۳ نفری موضوع بند ۳ ماده ۹۷ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۶۶ ۲ ۳۱ و اصلاحیه‌های بعدی به قانونی بودن دفاتر خللی وارد نخواهد کرد. تبصره ۳- در مواردی که دفاتر موضوع این آیین‌نامه توسط مقامات قضایی یا سایر مراجع قانونی و یا به عللی خارج از اختیار مودی از دسترس مودی خارج شود و صاحب دفتر از وقوع این امر حداکثر ظرف سی روز دفاتر جدید امضا، پلمپ و عملیات آن مدت را در دفاتر جدید ثبت کند، تاخیر ثبت عملیات در این مدت به اعتبار دفاتر خللی وارد کرد. تبصره ۴- تاخیر ثبت دفاتر در مورد اشخاص حقوقی جدیدالتاسیس از تاریخ ثبت شخص حقوقی و در مورد سایر اشخاص از تاریخ شروع فعالیت تاسی روز مجاز خواهد بود. ماده ۱۴- کلیه عملیات ثبت شده در دفاتر روزنامه هر ماه باید حداکثر تا پانزدهم ماه بعد به دفتر کل نقل شود. ماده ۱۵- اشخاص ملزم به نگهداری دفاتر روزنامه و کل که دارای شعبه هستند مکلفند با توجه به روش‌های حسابداری خلاصه عملیات شعبه یا شعب خود را در صورتی که دارای دفاتر پلمپ شده باشند، حداکثر تا ۴ ماه پس از سال مالیاتی و در غیر این صورت کلیه معاملات و سایر رویدادهای مالی و محاسباتی شعبه یا

شعب خود را ظرف مدت سی روز از تاریخ وقوع در دفتر روزنامه مرکز ثبت کنند. ماده ۱۶ - امضا و پلمپ دفاتر ضمن سال مالی مشروط بر اینکه تا تاریخ امضا و پلمپ هیچ گونه عمل مالی و پولی صورت نگرفته باشد و همچنین تاخیر امضا پلمپ تا حد مجاز مقرر در تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۱۳ این آیین‌نامه در مورد دفاتر روزنامه یا حسب مورد دفتر مشاغل و ماده ۱۴ این آیین‌نامه در مورد دفتر کل به اعتبار دفاتر خللی وارد نخواهد کرد. ماده ۱۷ - مودیانی که از سیستم‌های الکترونیکی استفاده می‌نمایند، موظفند خلاصه عملیات داده شده به ماشین‌های الکترونیکی طی هر ماه را تحت سرفصلهای دفتر کل حداکثر تا پایان ماه بعد در دفاتر روزنامه یا مشاغل حسب مورد ثبت نمایند. علاوه بر این به منظور تسهیل رسیدگی باید دستورالعمل‌های نحوه کار با نرم افزارهای مالی مورد استفاده را در اختیار ماموران رسیدگی قرار دهند. ضمناً مودیان مذکور مکلفند هر سه ماه یک بار خلاصه عملیات داده شده به ماشین‌های الکترونیکی را حداکثر ۱۰ روز پس از پایان سه ماه به اداره امور مالیاتی مربوطه تسلیم نمایند.

فصل پنجم - چگونگی تنظیم صورتهای مالی نهایی (ماده ۱۸ تا ۱۹)

ماده ۱۸ - اشخاص حقوقی و مشمولین بند الف ماده ۹۶ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۱ ۲۷ ۱۳۸۰ مکلفند صورتهای مالی نهایی خود را با رعایت استاندارد حسابداری شماره یک که از طرف مراجع ذی ربط اعلام گردیده و از تاریخ ۱۱ ۱۳۸۰ لازم الاجرا می‌باشد، تهیه و تنظیم نمایند. تبصره - اشخاص یاد شده مکلفند صورت‌های مالی نهایی خود را بر اساس آخرین استاندارد حسابداری که از طرف مراجع ذی ربط اعلام می‌شود، تهیه و تنظیم نمایند. ماده ۱۹ - مشمولین بند ب ماده ۹۶ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۱ ۲۷ ۱۳۸۰ مکلفند حساب درآمد و هزینه سال مالی خود که حداقل نشان دهنده فروش کالا، درآمد حاصل از خدمات در ستون درآمد و خرید کالا، هزینه استهلاک دارایی‌ها و جمع سایر هزینه‌ها در ستون هزینه باشد را با درج نتیجه عملیات (سود یا زیان تهیه و تنظیم نمایند. تبصره - مودیان یاد شده می‌توانند موجودی کالای فروش نرفته در پایان سال مالی را جزو اقلام هزینه سال خرید منظور نمایند.

فصل ششم - موارد رد دفاتر (ماده ۲۰ تا ۲۱)

ماده ۲۰ - تخلف از تکالیف مقرر در این آیین‌نامه در موارد زیر موجب رد دفاتر می‌باشد ۱ - در صورتی که دفاتر ارایه شده از پلمپ خارج شده و یا فاقد یک یا چند برگ باشد. ۲ - عدم ثبت یک یا چند فعالیت مالی در دفاتر به شرط احراز ۳ - تراشیدن، پاک کردن و محو کردن مندرجات دفاتر به منظور سواستفاده ۴ - تاخیر تحریر دفاتر روزنامه و مشاغل زاید بر حد مجاز مندرج در تبصره‌های ۲ الی ۴ ماده ۱۳ و ماده ۱۷ تاخیر تحریر دفتر کل زاید بر حد مجاز مندرج در ماده ۱۴ این آیین‌نامه ۵ - عدم ثبت عملیات شعبه یا شعب در دفاتر مرکزی طبق مقررات ماده ۱۵ این آیین‌نامه ۶ - در اجرای مقررات تبصره ۳ ماده ۱۳ این آیین‌نامه در مواردی که دفاتر مزبور به ادعای مودی از دسترس وی خارج شده باشد و غیر اختیاری بودن موضوع مورد تایید اداره امور مالیاتی ذی ربط قرار نگیرد. ۷ - عدم ارایه دستورالعمل‌های نحوه کار با نرم افزارهای مالی مورد استفاده در مورد اشخاصی که از سیستم‌های الکترونیکی استفاده می‌نمایند. ۸ - عدم تطبیق مندرجات دفاتر قانونی یا دفاتر مشاغل حسب مورد که به شرح ماده ۱۷ این آیین‌نامه تهیه و تنظیم گردیده با اطلاعات موجود در سیستم‌های الکترونیکی در مورد اشخاصی که از سیستم‌های مذکور استفاده می‌نمایند. ۹ - جای سفید گذاشتن بیش از حد معمول در دفتر روزنامه و دفتر مشاغل به منظور سواستفاده ۱۰ - عدم ارایه یک یا چند جلد از دفاتر امضا پلمپ و ثبت شده نانویس ۱۱ - در صورتی که ثابت شود اسناد ثبت شده در ماشین‌های الکترونیکی ظرف مهلت‌های

مقرر در مواد ۱۲، ۱۴، ۱۷ آیین‌نامه (با در نظر گرفتن مقررات تبصره‌های ماده ۱۳) قطعی نشده باشد. (هر گونه اصلاحات مربوط به عملیات و رویدادهای مالی مربوط به قبل از قطعیت اسناد باید در همان سال از طریق ثبت های حسابداری اصلاح گردد) ۱۲ - تهیه و تنظیم صورتهای مالی بدون رعایت مقررات ماده ۱۸ این آیین‌نامه برای اشخاص حقوقی و مشمولین بند الف ماده ۹۶ قانون مالیات های مستقیم مصوب ۲۷ ۱۱ ۱۳۸۰ - ۱۳ - اشتباه حساب حاصل از ثبت عملیات موسسه در صورتی که نسبت به اصلاح آن طبق مقررات تبصره ماده ۱۱ این آیین‌نامه اقدام نشده باشد. ۱۴ - در صورتی که مودیان مالیاتی حسب مورد از اوراق مخصوص ماده ۱۶۹ قانون مالیاتهای مستقیم استفاده ننماید. ماده ۲۱ - هیات سه نفری حسابرسان موضوع بند ۳ ماده ۹۷ قانون مالیاتهای مستقیم ، در مواردی که با توجه به دلایل توجیهی مودی و نحوه تحریر دفاتر و رعایت استانداردهای حسابداری و درجه اهمیت ایرادات مطروحه از سوی اداره امور مالیاتی و رعایت واقعیت امر ، احراز نمایند که ایرادات مزبور به اعتبار دفاتر خللی وارد نمی نمایند، می توانند نظر خود را مبنی بر قبولی دفاتر و اسناد و مدارک اعلام نمایند. این آیین‌نامه در اجرای تبصره (۲) ماده ۹۵ قانون مالیات های مستقیم مصوب ۲۷ ۱۱ ۱۳۸۰ به پیشنهاد شماره ۳۸۴۲۹ - ۲۱۱ تاریخ ۱۰ ۱۰ ۸۲ سازمان امور مالیاتی کشور در پنج فصل و بیست و یک ماده و دوازده تبصره در تاریخ ۱۰ ۱۰ ۸۲ به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی رسید و مقررات آن از اول فروردین سال ۸۲ لازم الاجرا بوده و نسبت به اشخاص حقوقی که سال مالی آنها با سال شمسی منطبق نباشد، در مورد سالی مالی که از ۱۱ ۱ ۸۲ به بعد آغاز می گردد جاری بوده و نسبت به سال مالی قبل از آن مفاد آیین‌نامه قبلی مجری می باشد.

آیین نامه های بند ۴ ماده ۶ و تبصره ۲ ماده ۶ و مواد ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۷ و ۵۳ قانون دفاتر

مصوب ۱۷ ۱۰ ۱۳۵۴ وزارت دادگستری با اصلاحات بعدی ماده ۱ (اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) - در تصدیق اجتهاد صادره از مراجع مسلم باید نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و تاریخ تولد ذینفع با حروف قید و صحت صدور آن به تایید شورای عالی قضایی رسیده باشد. ماده ۲ - به تصدیقاتی که دلالت صریح بر اجتهاد ندارد و یا حاکی از مراتبی از تحصیلات باشد ترتیب اثر داده نمیشود. ماده ۳ (اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور برای انتخاب سردفتر اسناد رسمی در شهریورماه هر سال طی آگهی در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار مرکز ، مراتب را به اطلاع متقاضیان خواهد رسانید. متقاضیان واجد شرایط مکلفند تا آخر مهرماه تقاضای خود را به سازمان ثبت یا اداره ثبت محل تسلیم دارند و حداکثر تا پایان آذرماه هر سال از کلیه داوطلبان واجد شرایط به وسیله هیات منتخب به پیشنهاد سازمان و تصویب شورای عالی قضایی ثبت به نحو مقتضی اختبار به عمل خواهد آمد و سپس تعداد لازم را از بین داوطلبان مذکور انتخاب خواهد نمود. ماده ۴ - ۱ - هر یک از سردفتران مذکور در تبصره دوم ماده ششم قانون دفاتر اسناد رسمی هر موقع خود را واجد یکی از شرایط مذکور در ماده (۶) تشخیص دهد میتواند تقاضای تطبیق وضع خود را با ارسال مدارک لازم به ثبت محل یا سازمان ثبت اسناد و املاک در مرکز تسلیم کند به این تقاضاها بدون رعایت تشریفات مذکور در ماده (۳) این آیین نامه رسیدگی و ابلاغ لازم صادر خواهد شد. ۲ - در مورد دفتربارانی که براساس قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶ و نظامنامه آن و قبل از قانون فعلی دفاتر اسناد رسمی به سردفتری مرفوع شده ولی عملاً به سردفتری اشتغال نیافته اند با رعایت مهلت مقرر در ماده (۸) قانون در صورت وجود محل میتوان آنان را به تصدی دفترخانه ای که متناسب با درجه آنان باشد انتخاب کرد. در صورتی که درجه این قبیل سردفتران کمتر از درجه یک باشد تصدی آنان در دفترخانه های درجه یک منوط به احراز یکی از شرایط مندرج در ماده (۶) قانون دفاتر اسناد رسمی و صدور ابلاغ برای آنان هست ماده ۵ (اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) - دفترباری که به موجب ماده (۳) قانون دفاتر اسناد رسمی پیشنهاد میشود هر گاه سابقه دفترباری نداشته باشد و یا سابقه او در دفترباری اول یا دوم کمتر از یک سال باشد هیاتی که از طرف سازمان ثبت تعیین میشود از فرد پیشنهاد شده به نحو مقتضی امتحان و مصاحبه به عمل آورده و در صورت پذیرفته شدن در امتحان و تشخیص شایستگی با رعایت

ماده (۷) قانون دفاتر اسناد رسمی ابلاغ نامبرده از طرف سازمان ثبت صادر خواهد شد. ماده ۶ (اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) - کفیل دفترخانه‌ای که سردفتر آن فوت یا به انفصال دائم محکوم یا غیبت غیرموجه دارد حق تنظیم و ثبت سند جدید در دفاتر مورد کفالت را ندارد و تکمیل اسناد ناقص نیز موکول به کسب اجازه از ثبت محل خواهد بود. تبصره - در مورد درآمد دفترخانه در مدت کفالت به ترتیب مقرر در ماده (۴۷) قانون عمل خواهد شد. ماده ۷ - سوگندنامه مندرج در ماده (۱۶) قانون دفاتر اسناد رسمی به شرح ذیل است (اینجانب امضاکننده ذیل خداوند را شاهد اعمال خود گرفته و سوگند یاد میکنم که قوانین و نظامات کشور ایران خاصه قوانین و نظامات مربوط به دفاتر اسناد رسمی را محترم شمرده در کمال بیطرفی و پاکدامنی ، به وظایف مرجوعه قیام و اقدام نمایم ماده ۸ (اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) - مراسم سوگند با حضور رییس سازمان ثبت و معاونین او و رییس یا هیات مدیره کانون سردفتران و مدیرکل امور اسناد و سردفتران و معاون او یا در صورت اقتضا با حضور یکی از مقامات نامبرده در فوق به عمل خواهد آمد. ماده ۹ - ۱ - شروع به کار سردفتران و دفتریاران منوط به معرفی ضامن میباشد و این کار باید به موجب سند رسمی انجام گیرد. ۲ - مبلغ مورد ضمانت در مورد سردفتر ۵۰۰۰۰۰ ریال و در مورد دفتریار اول و دوم ۲۵۰۰۰۰ ریال است ۳ - مشمولین این ماده میتوانند به جای معرفی ضامن برابر مبالغی که مقرر گردیده به ایداع وثیقه نقدی یا ملکی یا تضمین بانکی مبادرت کنند. ۴ - ضمانت یا ایداع وثیقه نقدی یا ملکی و یا ضمانت بانکی برای جبران خسارت وارده به اشخاص و دولت از طرف سردفتران و دفتریاران و یا پرداخت محکومیت‌های نقدی دادگاه انتظامی است و این موضوع باید در سند تصریح شود. ۵ - تبدیل تضمین جایز است ماده ۱۰ - در صورتی که مال غیرمنقول مورد وثیقه به مناسبت اجرای ماده (۹) کلا یا بعضا به مصرف برسد و یا به جهتی از جهات از اعتبار و یا ارزش خود بیفتد سردفتر یا دفتریار موظف است با اخطار اداره ثبت ظرف یک ماه تضمین خود را تجدید نماید والا اجازه اشتغال از او سلب خواهد شد. تبصره - هرگاه اعتبار ضامن به جهتی از بین برود یا متزلزل شود ادامه کار سردفتر یا دفتریار موکول به تبدیل ضامن یا دادن وثیقه به شرح ماده (۹) خواهد بود. همین حکم در موردی هم جاری است که ارزش یا میزان تضمین به جهتی از جهات کاهش یابد. ماده ۱۱ - دفترخانه‌ها باید دارای دفاتر ذیل باشند ۱ - یک نسخه دفتر ثبت اسناد که پلمپ شده و اسناد در آن ثبت میشود. ۲ - دفتر راهنما که متضمن اسامی متعاملین و نوع سند و شماره و تاریخ سند خواهد بود. ۳ - دفتر درآمد که به منظور ثبت کلیه وجوهی است که به منظور ثبت سند مقرر است و شماره قبض هزینه های مزبور در آن قید میشود. این دفتر از طرف سازمان ثبت پلمپ خواهد شد. (۱) ۴ - دفتر ثبت مکاتبات و تقاضانامه اجرایی و خلاصه معاملات ۵ - دفتر ابواب جمعی قبوض سپرده و اوراق بهادار. ۶ - دفتر گواهی امضا. ماده ۱۲ (اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) - ۱ - دفاتر گواهی امضا مکلفند رونوشت یا فتوکپی سند گواهی شده را به هزینه متقاضی دریافت و نگاهداری نمایند. ۲ - دفاتر، مجاز به تصدیق صحت امضای نوشته‌های مالی نیستند ، مقصود از نوشته‌های مالی نوشته‌هایی است که در آن به‌طور منجز پرداخت وجه نقدی از طرف امضاکننده تعهد و یا ضمانت شده باشد و یا آن که موضوع گواهی امضا شده عین یا منفعت مال غیرمنقول و یا سهام شرکتهای ثبت شده باشد. ۳ - در مورد تصدیق صحت امضای مواد ۶۴، ۶۶ و ۶۷ قانون ثبت اسناد و املاک لازم الرعایه است ماده ۱۳ (اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) - در موارد مرخصی و معذوریت و تعلیق و انفصال موقت سردفتر کفیل دفترخانه از بین دفتریاران واجد شرایط سردفتری و یا سردفتران همان حوزه ثبتی توسط ثبت منطقه تعیین میگردد. ماده ۱۴ - ۱ - میزان مرخصی سالانه سردفتر و دفتریار یک ماه است ۲ - ابلاغ مرخصی سردفتر و دفتریار در منطقه ثبتی تهران از طرف سازمان ثبت و در سایر مناطق ثبتی از سوی مدیرکل ثبت منطقه صادر میگردد. صدور ابلاغ مزبور موکول به درخواست متقاضی و موافقت رییس واحد ثبتی محل است ۳ - در صورتی که سردفتر یا دفتریار از مرخصی سالانه خود استفاده نکند مرخصی مزبور برای او ذخیره میشود و میتواند از مجموع آنها به شرط آنکه از چهار ماه تجاوز نکند یکجا یا به دفعات استفاده کند. در این صورت صدور ابلاغ منوط به پیشنهاد واحد ثبتی و موافقت ثبت منطقه یا سازمان ثبت میباشد. ماده ۱۵ - در صورتی که سردفتر یا دفتریار به لحاظ عارضه بیماری قادر به انجام وظیفه نباشد باید با ارسال

گواهی پزشکی معالج به واحد ثبتی محل درخواست مرخصی استعلاجی نماید. در صورتی که مدت بیماری بیش از یک ماه باشد صدور ابلاغ مرخصی استعلاجی منوط به گواهی هیات پزشکی به انتخاب سازمان ثبت خواهد بود. ماده ۱۶ - صدور ابلاغ مرخصی فقط برای خروج از کشور موکول به اعلام نتیجه بازرسی دفترخانه و ارایه گواهی تصفیه حساب است مگر در موارد ضروری که در این صورت سازمان ثبت باید با اخذ ضامن یا تضمین کافی اقدام به صدور ابلاغ مرخصی نماید. ماده ۱۷ - دفتریار کفیل دارای وظایف و حقوق دفتریار اصیل میباشد و تعیین وی با واحد ثبت محل است تبصره - تغییر دفتریار از یک دفترخانه به دفترخانه دیگر با موافقت هر دو سردفتر و تصویب سازمان ثبت جایز است ماده ۱۸ - در نقاطی که دفترخانه منحصر باشد و دفتریار واجد شرایط نباشد دفاتر تحویل رییس ثبت محل یا یکی از کارمندان به تعیین رییس ثبت محل میشود. ماده ۱۹ - جز در موارد تنظیم سند جدید و تکمیل سند ناقص و گواهی امضا و فسخ سند در سایر موارد انجام امور دفترخانه در زمان تعطیل آن به عهده اداره ثبت است تبصره - در مورد تکمیل سند ناقص یا فسخ یا اقاله سند تنظیم شده در دفتری که در حال تعطیل است ثبت محل میتواند ابلاغ سیار برای یکی از دفاتر صلاحیتدار صادر نماید. ماده ۲۰ - رسیدگی مقدماتی در اطراف شکایات واصل با تحقیق در دفترخانه و تنظیم صورتمجلس در محل آغاز میگردد. مامور تحقیق ضمن ارسال صورتمجلس تنظیم شده گزارش ماموریت خود را برای صدور دستور مقتضی به اداره امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ارسال میدارد. ماده ۲۱ - در موردی که گزارشهای واصل علیه سردفتران و دفتریاران حاکی از وقوع تخلف باشد هرگاه تحقیقات انجام شده برای اخذ تصمیم کافی و وقوع تخلف به نظر اداره امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور محرز باشد آن اداره پرونده را در تهران نزد دادستان انتظامی سردفتران و در مناطق ثبت نزد کسی که وظایف دادستان انتظامی را در محل انجام میدهد ارسال میدارد. ماده ۲۲ - هرگاه تحقیقات انجام شده کافی نباشد و نیز در مورد شکایات واصل علیه سردفتران و دفتریاران اداره امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور وسیله یکی از مامورین خود یا سایر مامورین سازمان ثبت اسناد و املاک کشور یا ثبت محل تحقیقات لازم را انجام میدهد. در صورتی که وقوع تخلف به نظر آن اداره محرز بود به تکلیف مقرر در قسمت اخیر ماده (۲۱) عمل میشود. ماده ۲۳ - دادستان انتظامی در صورتی که نقضی در پرونده ملاحظه نکند به تنظیم کیفرخواست مبادرت مینماید در غیر این صورت پس از رفع نقض وسیله اداره امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک به تکلیف مزبور عمل میکند. در کیفرخواست باید علاوه بر مشخصات کامل متخلف جریان وقوع تخلف و مواد مورد استناد تصریح گردد. ماده ۲۴ - کیفرخواست وسیله مامور ابلاغ ثبت محل به متخلف ابلاغ میشود. ترتیب ابلاغ کیفرخواست و دادنامه و سایر اختارات براساس مقررات آیین دادرسی مدنی میباشد. (۲) ماده ۲۵ - ۱ - مدت پاسخ متخلف به کیفرخواست ده روز از تاریخ ابلاغ میباشد. این مهلت به تقاضای متخلف و تصویب مدیر کل منطقه ثبت و در تهران با تصویب مدیر کل امور اسناد یکبار برای ده روز قابل تمدید است ۲ - متخلف در پاسخ کیفرخواست باید کلیه دلایل و اسنادی را که حاکی از برایت خود میداند همراه لایحه به ثبت محل، به اداره کل امور اسناد سازمان ثبت تسلیم کند. ماده ۲۶ - هرگاه ضمن رسیدگی مقدماتی موضوع رسیدگی بزه تشخیص شود مراتب با تصریح جهات امر به مرجع صالح قضایی اعلام میشود. در صورتی که مرجع صالح قضایی موضوع را بزه تشخیص ندهد اداره امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک مورد را از جهت تخلف انتظامی با توجه به مقررات مربوط مورد رسیدگی قرار خواهد داد. در این صورت تخلف انتظامی تا ابلاغ حکم قطعی مراجع قضایی مشمول مرور زمان نخواهد شد. ماده ۲۷ - ۱ - حکم دادگاه انتظامی به متخلف و دادستان ابلاغ میشود. ۲ - در صورتی که حکم مبنی بر محکومیت متخلف به مجازاتهای انتظامی درجه سه و بالاتر از آن باشد متخلف میتواند ظرف مدت ده روز نسبت به آن به دادگاه تجدید نظر انتظامی شکایت کند. این شکایت به دادگاه بدوی انتظامی تسلیم میشود. دادگاه اخیرالذکر پرونده را همراه شکایت مزبور به دادگاه تجدید نظر انتظامی ارسال میدارد. ۳ - مدت شکایت دادستان نیز نسبت به حکم صادره ده روز از تاریخ ابلاغ است ماده ۲۸ (اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) - در مورد اعضای دادگاه بدوی انتظامی و تجدید نظر و دادستان و دادیاران و اعضای علی البدل موارد رد همان است که در بندهای

۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ ماده (۲۰۸) قانون آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی شده است (۳) ماده ۲۹ (اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) - الف - تخلفات ذیل موجب توییح کتبی با درج در پرونده است ۱ - تاخیر در پرداخت وجوه عمومی در صورتی که زاید بر یک هفته نباشد در صورت تاخیر زاید بر یک هفته به مجازات مقرر در بند (ب) و در صورت تاخیر زاید بر پانزده روز متخلف و به مجازات مقرر در بند (ج) این ماده محکوم خواهد شد. ۲ - تاخیر در ارسال آمار به مراجع مربوطه و در صورت تکرار به مجازات مقرر در بند (ب) محکوم خواهد شد. ۳ - عدم رعایت حضور در دفترخانه در ساعات مقرر و در صورت تکرار به مجازات مقرر در بند (ب) محکوم خواهد شد. ۴ - اهمال در نظارت بر امور دفترخانه برای بار اول و در صورت تکرار به مجازات مقرر در بند (ب) و برای بار سوم به مجازات مقرر در بند (ج) محکوم خواهد شد. ۵ - تمرد دفتریار از انجام دستور قانونی سردفتر برای بار اول و در صورت تکرار به مجازات مقرر در بند (ب) و برای بار سوم به مجازات مقرر در بند (ج) محکوم خواهد شد. ۶ - رفتار خارج از نزاکت با همکاران یا ارباب رجوع برای بار اول و در صورت تکرار به مجازات مقرر در بند (ب) و برای بار سوم به مجازات مقرر در بند (ج) محکوم خواهد شد. ب (اصلاحی ۶۵۱۳۶۱) - تخلفات ذیل موجب جریمه از ۵۰۰ ریال تا ۲۰ هزار ریال است ۱ - غیبت غیرمجاز یا غیرموجه تا مدت سه روز و بیش از آن به مجازات مقرر در بند (ج) محکوم خواهد شد. ۲ - تاخیر در ارسال خلاصه معامله و اطلاع نامه فسخی و رونوشت تقسیم‌نامه و اطلاع نامه نکاح و طلاق به اداره ثبت مربوطه ۳ - خودداری غیرموجه از صدور اجرائیه و یا صدور اجرائیه به صورت ناقص به نحوی که موجب تاخیر در کار شود. ۴ - عدم رعایت مواد مربوطه به تشکیلات دفترخانه ۵ - قصور در تبدیل قبوض سپرده و حواله آن به صندوق ثبت ۶ - امتناع از ثبت واقعه ازدواج و طلاق و ثبت سند هرچند دلیل امتناع کتبا به متقاضی اعلام شده باشد ولی موضوع از مسایل نظری نبوده واقعا باید سند تنظیم می‌شده ۷ - خودداری از تسلیم رونوشت و مدارک به اشخاصی که حق دریافت آنها را دارند و یا تسلیم آنها به اشخاصی که حق دریافت آنها را ندارند. ج - تخلفات ذیل موجب انفصال موقت از سه ماه الی شش ماه است ۱ - کسر پرداختی در صورتی که با توجه به موازین آن عرفا اشتباه محاسبه تلقی نشود. ۲ - بردن دفتر اسناد رسمی برای ثبت به خارج از محل دفترخانه بدون مجوز قانونی. ۳ - ثبت سند در خارج از حوزه مقرر برای دفترخانه های اسناد رسمی و ازدواج و طلاق ۴ - امتناع از ارسال خلاصه معامله و اطلاع‌نامه فسخی و رونوشت تقسیم نامه ۵ - امتناع از ارسال آمار. ۶ - تقصیر در تبدیل قبوض سپرده و صدور حواله آن به صندوق ثبت در صورت احراز سو نیت ۷ - ثبت سند بدون استعلام از ثبت در مواردیکه تکلیف به استعلام دارد. ۸ - تنظیم سند برخلاف مقررات و بخشنامه ها و دستورالعمل ها. ۹ - امتناع از معرفی دفتریار مورد قبول سازمان ثبت ظرف مهلت معقولی که ثبت محل تعیین مینماید. ۱۰ - عدم قید حقوق دولتی و حق التحریر در دفتر و صدور اسناد تنظیمی. ۱۱ - تمرد از اجرای دستورات صادره و خودداری از قبول کفالت دفاتر دیگر در مواردی که از طرف ثبت محل تکلیف میشود. د - تخلفات ذیل موجب انفصال موقت از شش ماه تا دو سال است ۱ - امتناع از پرداخت وجوه عمومی با صدور اخطار لازم و دادن مهلت معقول وسیله واحد ثبتی یا سازمان ثبت اسناد و املاک کشور. ۲ - امتناع از ثبت سند در صورتی که کتبا دلیل امتناع را به متقاضی تسلیم نکنند و یا نوشته فاقد دلیل باشد. ۳ - تنظیم سند برخلاف مقررات و بخشنامه‌ها و دستورالعملها بیش از یکبار. ۴ - عدم قید حقوق دولتی و حق التحریر در دفتر و صدور اسناد تنظیمی در صورت تکرار. ۵ - دخالت مستقیم یا غیرمستقیم سردفتر منفصل یا معلق در امور دفترخانه برای بار اول و در صورت تکرار متخلف به مجازات مقرر در بند (ه) این ماده محکوم خواهد شد. ۶ - عدم مخالفت کفیل دفترخانه از دخالت مستقیم یا غیرمستقیم سردفتر منفصل یا معلق در امور دفترخانه و یا خودداری از اعلام مراتب مذکور به سازمان ثبت اسناد و ثبت محل برای بار اول و در صورت تکرار متخلف به مجازات مقرر در بند (ه) این ماده محکوم خواهد شد. ه - تخلفات ذیل موجب انفصال دائم ۱ - قصور یا تقصیری که منتهی به ثبت سند معارض گردد. تبصره - در صورت جلب رضای ذینفع و رفع آثار تعارض از طرف متخلف دادگاه میتواند کیفر او را برحسب اهمیت موضوع به یکی از دو نوع انفصال موقت تنزل دهد. ۲ - گرفتن وجوهی غیر از آنچه در قوانین و مقررات تجویز گردیده

است ماده ۳۰ - ۱ - محل دفترخانه با انتخاب و موافقت اداره ثبت محل با رعایت فواصل مناسب تعیین میشود. ۲ - ساعات کار دفترخانه به تناسب فصول از طرف اداره ثبت محل تعیین و به دفترخانه ابلاغ میشود. ۳ - دفترخانه باید متناسب حجم کار خود علاوه بر اتاقهای کافی برای استقرار سردفتر و دفتریار و کارکنان دفترخانه محلی برای بایگانی منظم اسناد و اوراق خود داشته باشد. ماده ۳۱ - سهمیه دفتریار از محل درآمد حق الثبت تا ششصد ریال تمام آن و از ششصد ریال تا بیست هزار ریال دو سوم درآمد مزبور میباشد و بقیه سهم سردفتر خواهد بود و درآمد بیش از بیست هزار ریال در اختیار سردفتر میباشد تا به ترتیبی که مقتضی بداند براساس لیستی که تنظیم میکند برای کمک و اعاشه به کارکنان دفترخانه پرداخت نماید. تبصره - در صورتی که دفترخانه فاقد دفتریار باشد سهم دفتریار نیز متعلق به سردفتر خواهد بود. ماده ۳۲ - هرگاه دفتریار زاید بر یک نفر باشد حقوق او به عهده سردفتر است ۱ - مراجعه گردد به ماده ۹۵ و بند ۱۵ ماده ۹۶ قانون مالیاتهای مستقیم ۲ - مواد ۶۷ لغایت ۸۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ - ۳ - در حال حاضر ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۷۹ - ۲۱ - جایگزین ماده ۲۰۸ قانون مزبور مصوب ۱۳۱۸ شده است طبق ماده ۹۱ ق.آ.د.م مصوب ۱۳۷۹ - ۲۱ - دادرسی در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع نموده و طرفین دعوا نیز میتوانند او را رد کنند. الف - قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرسی با یکی از اصحاب دعوا وجود داشته باشد. ب - دادرسی قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد و یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور دادرسی یا همسر او باشد. ج - دادرسی یا همسر یا فرزند او، وارث یکی از اصحاب دعوا باشد. د - دادرسی سابقا در موضوع دعوی اقامه شده به عنوان دادرسی یا داور یا کارشناس یا گواه اظهار نظر کرده باشد. ه - بین دادرسی و یکی از طرفین و یا همسر یا فرزند او دعوی حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دوسال نگذشته باشد. و - دادرسی یا همسر یا فرزند او دارای نفع شخصی در موضوع مطرح باشند.

قانون راجع به رشد متعاملین - مصوب ۱۳ شهریور ماه ۱۳۱۳

ماده واحده - از تاریخ اجرای این قانون در مورد کلیه معاملات و عقود و ایقاعات به استثنای نکاح و طلاق، محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی باید کسانی را که به سن ۱۸ سال شمسی تمام نرسیده‌اند اعم از ذکور و اناث غیر رشید بشناسند مگر آنکه رشد آنها قبل از اقدام به انجام معامله یا عقد و یا ایقاع به طرفیت مدعی العموم در محاکم ثابت شده باشد. اشخاصی که به سن ۱۸ سال شمسی تمام رسیده‌اند در محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی رشید محسوب می‌شوند مگر این که عدم رشد آنها به طرفیت مدعی العموم در محاکم ثابت گردد. مناط تشخیص سن اشخاص اوراق هویت آنهاست مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

قانون اصلاح ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا و الحاق دو تبصره به آن - مصوب ۲۸ اسفند ۱۳۶

با اصلاحیه‌های بعدی ماده واحده - ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا به شرح ذیل اصلاح و دو تبصره به آن اضافه می‌شود ماده ۱۵ اصلاحی - کلیه قراردادهایی که در اجرای این قانون مبادله می‌گردد به موجب قراردادی که بین طرفین منعقد می‌شود و در حکم اسناد رسمی بوده و در صورتی که در مفاد آن طرفین اختلافی نداشته باشند لازم‌الاجرا بوده و تابع مفاد آیین نامه اجرایی اسناد رسمی می‌باشد. آن دسته از معاملات مربوط به اموال غیرمنقول و اموال منقول که طبق قوانین و مقررات موضوعه باید در دفاتر اسناد رسمی انجام شوند کماکان طبق تشریفات مربوط انجام خواهد شد. تبصره ۱ - کلیه وجوه و تسهیلات اعطایی که بانکها در اجرای این قانون به اشخاص حقیقی و حقوقی پرداخت نموده و یا می‌نمایند و برابر قرارداد تنظیمی مقرر شده باشد که اشخاص

مذکور در سررسید معینی وجوه و تسهیلات دریافتی به انضمام سود و خسارت و هزینه های ثبتی و اجرایی دادرسی و حق الوکاله را پردازند، در صورت عدم پرداخت و اعلام بانک بستانکار قابل مطالبه و وصول است و کلیه مراجع قضایی و دوائر اجرای ثبت و دفاتر اسناد رسمی مکلفند بر اساس مفاد اسناد و قراردادهای تنظیمی نسبت به صدور حکم و اجراییه و وصول مطالبات بانک طبق مقررات این قانون اقدام نمایند. تبصره ۲- اشخاصی که در قالب استفاده از خدمات بانکی از وجوه و منافع مالی بانکها به نحو غیرمجاز بهره‌مند می‌شوند مکلفند علاوه بر استرداد وجوه مذکور، خسارت مربوط را به ترتیبی که در قراردادهای تنظیمی مقرر شده باشد پرداخت نمایند. تبصره ۳- چنانچه در هر یک از موارد اعطای تسهیلات بانکی بیش از یک قرارداد بین بانک با مشتریان خود در دفتر اسناد رسمی تنظیم گردد حقوق متعلق اعم از هر نوع عوارض حق الثبت و نظایر آن نسبت به سند اول محاسبه و دریافت خواهد شد و در مورد قرارداد بعدی تعلق حقوق مزبور منوط به افزایش رقم مندرج در قراردادهای بعدی نسبت به رقم مذکور در قرارداد ماقبل آن است در این صورت حقوق متعلق اعم از هر نوع عوارض، حق الثبت و نظایر آن به استثنای حق التحریر باید به نسبت ما به التفاوت دو رقم فوق الذکر محاسبه و دریافت گردد. ملاک تشخیص ارتباط قراردادها اعلام بانک ذریبط می‌باشد. تبصره ۴- در مواردی که وسایل نقلیه موتوری (ساخت کارخانجات داخلی یا وارداتی مع الواسطه از طریق اعطای تسهیلات بانکی به اشخاص منتقل می‌گردد بانک انتقال دهنده از لحاظ مقررات مالیات نقل و انتقال در حکم انتقال دهنده دست اول تلقی خواهد شد. ۱- به موجب رای وحدت رویه شورای عالی ثبت به شماره ۳۵۰۴ مورخ ۳۰ ۱ ۸۳ مقرر گردید گرچه طبق قانون اصلاح ماده ۵۱ قانون عملیات بانکی بدون ربا و الحاق ۲ تبصره به آن خسارت به ترتیبی که در قرارداد تنظیمی مقرر شده باید پرداخت شود لکن چون قانون در مورد پرونده‌هایی که اجراییه های آن قبل از تصویب قانون مزبور صادر شده است و بر طبق مقررات سابق جریان داشته ساکت است لذا قانون مذکور قابل تسری به پرونده‌هایی که اجراییه آن قبل از قانون صادر شده نیست

قانون تسری مفاد برخی از قوانین و مقررات مربوط به بانکها به صندوق تعاون - مصوب ۲۷.۱.۱۳۸۱

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون مقررات ماده (۲۴) قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره - مصوب ۱۳۶۲.۸.۶ - و قانون الحاق دو تبصره به ماده (۱۵) ۹ اصلاحی قانون عملیات بانکی بدون ربا - مصوب ۲۱ ۱۱ ۱۳۷۶ - در مورد صندوق تعاون نیز اعمال خواهد شد

لایحه قانونی نحوه نقل و انتقالات و وسایل نقلیه موتوری - مصوب ۲۵ ۴ ۱۳۵۹

ماده یک - از تاریخ اجرای این قانون کلیه دفاتر اسناد رسمی از انجام هر نوع معاملات مربوط به وسایل نقلیه موتوری ممنوع بوده و هرگونه معامله و نقل و انتقال وسایل نقلیه موتوری فقط در یگانهای راهنمایی و رانندگی مجاز به شماره گذاری وسایل نقلیه موتوری در کشور به ترتیبی که در این قانون و آیین نامه اجرایی آن تعیین می‌گردد انجام خواهد شد. ماده دو - اداره راهنمایی و رانندگی تهران و شهربانی شهرستانها مکلفند برای هر نوع وسیله نقلیه موتوری شناسنامه تنظیم نموده و کلیه نقل و انتقالات وسایل نقلیه موتوری را در این شناسنامه ها ثبت نمایند تبصره - مشخصات، نحوه و ترتیب تنظیم این شناسنامه ها به موجب آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ماده سه - هر نوع جعل و تزویر در این شناسنامه‌ها و اسناد مربوط به آن جعل در اسناد دولتی محسوب و مرتکبین به مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط محکوم خواهند شد. ماده چهار - صدور المثنی برای این شناسنامه‌ها به موجب ضوابط و مقررات مندرج در آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ماده پنج - هر نوع نقل و انتقال اعم از خرید و فروش، صلح، هبه و غیره نسبت به کلیه تاکسی‌ها و اتومبیل‌های سواری تولید کارخانجات داخلی و وائتها اعم از ساخت داخل یا خارج تا سه سال

تمام از تاریخ شماره گذاری ممنوع می‌باشد. تبصره ۱ - اتومبیل‌های هشت سیلندر از شمول این ماده مستثنی می‌باشند. تبصره ۲ - نقل و انتقالات مربوط به مقررات ارث از شمول این ماده مستثنی می‌باشد ماده شش - کلیه وکالتنامه هایی که در مورد نقل و انتقالات موضوع ماده ۵ این قانون توسط دفاتر اسناد رسمی تنظیم می‌گردد در صورتی دارای اعتبار قانونی است که تاریخ تنظیم آنها سه سال تمام بعد از تاریخ شماره گذاری اتومبیل باشد. تبصره - سردفتران و دفتریاران متخلف از اجرای این قانون به انفصال موقت از اشتغال به سردفتری و دفتریاری از سه ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد. ماده هفت - تاریخ اجرای این قانون در تهران پس از سه ماه از تاریخ تصویب آیین نامه اجرایی و در شهرستانها بعد از شش ماه از تاریخ تصویب آیین نامه اجرایی خواهد بود و کلیه نقل و انتقالات و سایل نقلیه موتوری قبل از اجرای این قانون کما فی السابق انجام خواهد پذیرفت ماده هشت - آیین نامه اجرایی این قانون ظرف دو ماه از تاریخ تصویب توسط اداره راهنمایی و رانندگی تهیه و به تصویب وزرا کشور، دادگستری و بازرگانی خواهد رسید. ماده نه - کارخانجات داخلی مکلف به رعایت ضوابط مقرر در آیین نامه اجرایی این قانون می‌باشند. ماده ده - از تاریخ اجرای این قانون تبصره ماده ده قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی و سایر قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو می‌گردد.

آیین نامه ثبت انتقالات و معاملات کشتی ها - مصوب ۱۳۶۴/۶/۱۳ با اصلاحات

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۳۶۴/۶/۱۳ بنا به پیشنهاد وزارتین دادگستری و اقتصاد با توجه به ماده ۲۴ قانون دریایی ایران آیین نامه مربوط به ثبت انتقالات و معاملات کشتی ها را در نه ماده به شرح ذیل تصویب نمودند. ماده ۱ - ثبت کلیه انتقالات و معاملات و اقاله راجع به کشتی ها اعم از عین یا منفعت اجباری است و منحصرأ به وسیله دفاتر اسناد رسمی که طبق مقررات این آیین نامه از طرف اداره کل ثبت اسناد و املاک اجازه مخصوص خواهد داشت انجام می‌شود. ماده ۲ - سازمان بنادر کشتیرانی تعداد دفتر خانه هایی را که در کلیه نقاط کشور برای ثبت معاملات کشتی ها لازم بدانند به اطلاع اداره کل ثبت اسناد و املاک می‌رساند و اداره مزبور مکلف است اجازه مخصوص ثبت معاملات کشتی را به سردفتران دفترخانه های درجه اول که لااقل سه سال سابقه سردفتری درجه اول داشته و برای تنظیم و ثبت اینگونه معاملات صلاحیت لازم را واجد باشند تفویض نماید. ماده ۳ - ثبت اسناد مربوط به معاملات کشتی عینا تابع مقررات مربوط به ثبت اسناد رسمی است دفاتر اسناد رسمی مذکور در ماده ۲ مکلفند علاوه بر رعایت مقررات مربوط به ثبت اسناد رسمی هنگام ثبت اسناد مربوط به معاملات کشتی و همچنین رعایت مفاد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران (۱) در مورد نشر آگهی فروش - تاریخ و ساعت ثبت اسناد معامله کشتی - شماره تابعیت کشتی و مشخصات اصلی کشتی را در دفاتر و اسناد درج نمایند. مشخصات مزبور عبارت است از نام کشتی - توان قوه محرکه - جنس بدنه کشتی - تاریخ و محل ساختمان - ابعاد و ظرفیت ها - تعداد پل ها و دکل ها و دودکش ها - نوع قوه محرکه (بخار - دیزل - اتم و غیره) علامت مشخصه نام و ملیت و محل اقامت مالک یا مالکین و سهم هر یک از آنها - نام محل ثبت کشتی و بندر وابسته ماده ۴ - دفاتر اسناد رسمی مخصوص ثبت معاملات کشتی ها مکلفند قبل از اقدام به ثبت هرگونه معامله وضع کشتی را از سازمان بنادر و کشتیرانی استعلام نمایند. ماده ۵ - سازمان بنادر و کشتیرانی مکلف است پس از وصول برگ خلاصه معامله مربوط به کشتی ارسالی از دفاتر اسناد رسمی مخصوص ثبت معاملات کشتی ها مندرجات آن را بر طبق مقررات قانون دریایی در دفتر رسمی ثبت کشتی ها قید کند. ماده ۶ - سازمان بنادر و کشتیرانی مکلف است پس از انجام تشریفات قانونی به درخواست هر یک از طرفین معامله خلاصه معامله مربوط به کشتی را در دفتر اسناد ثبت و تابعیت کشتی قید نماید. ماده ۷ - در صورتی که معاملات مربوط به کشتی در خارج از کشور صورت گیرد معاملات مزبور باید در دفتر کنسولگری ایران در محل وقوع معامله و یا نزدیک ترین کنسولگری ایران منعکس گردد و برای این منظور متعاملین باید مراتب را به اطلاع کنسولگری ایران برسانند که خلاصه معامله را به سازمان بنادر و کشتیرانی ارسال دارند و

کنسولگری ایران موظف است مراتب را در ظهر اسناد تابعیت و ثبت کشتی قید نموده و برگ خلاصه معامله را ظرف پنج روز به سازمان بنادر و کشتیرانی ارسال دارد. ماده ۸- فک کلیه معاملات رهنی مربوط به کشتی باید در دفاتر اسناد رسمی مخصوص ثبت معاملات کشتی و طبق تشریفات این آیین نامه انجام گیرد و سازمان بنادر و کشتیرانی مکلف است فک معاملات رهنی را در ظهر اسناد ثبت و تابعیت قید نماید چنانچه فک معامله رهنی در خارج از کشور صورت گیرد باید موضوع به وسیله کنسولگری ایران ظهر اسناد ثبت و تابعیت قید و ظرف پنج روز نسبت به اعلام مراتب به سازمان بنادر و کشتیرانی اقدام شود. ماده ۹- اداره کل ثبت اسناد مکلف است در اجرا دستور ماده ۲۴ قانون دریایی (۲) یک نفر نماینده صلاحیتدار از بین کارمندان رسمی خود که سوابق کافی در امور ثبت داشته باشد به سازمان بنادر و کشتیرانی معرفی نماید تا ثبت انتقالات و معاملات مربوط به کشتی را در دفاتر منعکس نماید. ۱- ماده ۲۵ قانون دریایی مقرر می‌دارد در مورد فروش کشتی های تابع ایران، سازمان بنادر و کشتیرانی مکلف است انجام معامله را در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز در سه نوبت به فاصله ۱۰ روز آگهی نماید. هزینه آگهی ها توسط مرجع قانونی که وقوع معامله را ثبت می‌کند در موقع انجام معامله از فروشنده دریافت می‌گردد. ۲- ماده ۲۴ قانون دریایی مصوب ۲۹۶۱۳۴۳ مقرر می‌دارد انتقالات و معاملات کشتی الف ثبت کلیه انتقالات و معاملات و اقاله راجع به عین کشتی های مشمول این قانون همچنین منافع آنها در صورتی که مدت آن زاید بر دو سال باشد در داخل کشور اجباری است و منحصرأ وسیله دفاتر اسناد رسمی که برای این کار از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجازه مخصوص دارند انجام می‌شود و در صورتی که معاملات مزبور در خارج از کشور صورت گیرد انجام معامله طبق مقررات کشور محل وقوع آن باید توسط نزدیکترین نماینده کنسولی ایران به محل معامله گواهی و مراتب در دفتر کنسولگری نیز منعکس و ظرف ۱۵ روز به سازمان بنادر و کشتیرانی ایران اعلام شود. ب- اداره کل ثبت اسناد و املاک نماینده‌ای در سازمان بنادر کشتیرانی خواهد داشت که ثبت انتقالات و معاملات مزبور را در دفاتر خود منعکس خواهد نمود. ج- فروش و یا انتقال تمام و یا قسمتی از کشتی که در ایران به ثبت رسیده است اعم از اینکه انتقال ارادی یا قهری باشد تغییری در تابعیت کشتی نمی‌دهد به شرط آنکه حد نصاب مندرج در بند الف ماده یک این قانون و شرایط دیگر رعایت شود. د- کلیه معاملات مربوط به فروش، انتقال و رهن کشتی باید در اسناد ثبت و تابعیت کشتی هر دو قید گردد. ه- مالک کشتی ایرانی که کشتی خود را در ایران و یا خارج از کشور و به رهن گذاشته است نمی‌تواند قبل از فک رهن و یا بدون اجازه مرتهن یا بدون تامین حق مرتهن کشتی خود را به فروش رساند. در صورت تخلف از حکم مزبور معامله انجام شده نافذ نخواهد بود. و- دفاتر اسناد رسمی و یا مامورین کنسولی ایران در خارج که از مقررات این ماده تخلف ورزند علاوه بر مجازات های مقرره مسئول پرداخت کلیه خسارات وارده نیز خواهد بود. آیین نامه اجرایی مربوط به این ماده به وسیله سازمان بنادر و کشتیرانی و وزارت دادگستری تنظیم و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

قانون اجازه تاسیس بانکهای غیردولتی - مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۲۱

ماده واحده - به منظور افزایش شرایط رقابتی در بازارهای مالی و تشویق پس انداز و سرمایه گذاری و ایجاد زمینه رشد و توسعه اقتصادی کشور و جلوگیری از ضرر و زیان جامعه با توجه به ذیل اصل چهل و چهارم قانون اساسی و در چهارچوب ضوابط، قلمرو و شرایط تعیین شده در زیر اجازه تاسیس بانک توسط بخش غیردولتی داده می‌شود الف- سیاستگذاری پولی، اعتباری، ارزی، چاپ اسکناس، ضرب سکه، حفظ ذخایر ارزی، نظارت بر بانکها و صدور مجوز بانکی در قلمرو وظایف دولت بوده و در جهت اعمال حاکمیت همچنان در اختیار دولت باقی می‌ماند. ب- ضوابط مربوط به نحوه فعالیت بانکها از قبیل رعایت نسبتهای مالی تعیین شده جهت داشتن ساختار مالی سالم و نوع قراردادها و عقود و فعالیتهای بانکها طبق قوانین پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ و قانون عملیات بانکی بدون ربا خواهد بود. ج- دولت می‌تواند به افراد حقیقی و حقوقی داخلی به شرط داشتن شرایط زیر

مجوز فعالیت صادر نماید ۱- داشتن تجربه و دانش لازم در این کار. ۲- از نظر مالی توان تأمین سرمایه لازم و انجام کار را داشته باشد. ۳- عدم داشتن هرگونه سو پیشینه اعم از مالی و اخلاقی

قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره - مصوب ۱۳۶۲ ۶ ۸)

فصل اول - اهداف و وظایف نظام بانکی در جمهوری اسلامی ایران (ماده ۱ تا ۲)

ماده ۱- اهداف نظام بانکی عبارتند از ۱- استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور. ۲- فعالیت در جهت تحقق اهداف و سیاستها و برنامه‌های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی با ابزارهای پولی و اعتباری ۳- ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض الحسنه از طریق جذب و جلب وجوه آزاد و اندوخته‌ها و پس‌اندازها و سپرده‌ها و بسیج و تجهیز آنها در جهت تأمین شرایط و امکانات کار و سرمایه‌گذاری به منظور اجرای بند (۲ و ۹) اصل چهل و سوم قانون اساسی ۴- حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه پرداختها و تسهیل مبادلات بازرگانی ۵- تسهیل در امور پرداختها و دریافتها و مبادلات و معاملات و سایر خدماتی که به موجب قانون برعهده بانک گذاشته می‌شود. ماده ۲- وظایف نظام بانکی عبارتند از ۱- انتشار اسکناس و سکه‌های فلزی رایج کشور طبق قانون و مقررات ۲- تنظیم کنترل و هدایت گردش پول و اعتبار طبق قانون و مقررات ۳- انجام کلیه عملیات بانکی ارزی و ریالی و تعهد یا تضمین پرداختهای ارزی دولت طبق قانون و مقررات ۴- نظارت بر معاملات طلا و ارز و ورود و صدور پول رایج ایران و ارز و تنظیم مقررات مربوط به آنها طبق قانون ۵- انجام عملیات مربوط به اوراق و اسناد بهادار طبق قانون و مقررات ۶- اعمال سیاستهای پولی و اعتباری طبق قانون و مقررات ۷- عملیات بانکی مربوط به آن قسمت از برنامه‌های اقتصادی مصوب که از طریق سیستم پولی و اعتباری باید انجام گیرد. ۸- افتتاح انواع حسابهای قرض الحسنه (جاری و پس‌انداز) و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت دار و صدور اسناد مربوط به آنها بر طبق قوانین و مقررات ۹- اعطای وام و اعتبار بدون ربا (بهره طبق قانون و مقررات ۱۰- اعطای وام و اعتبار و ارائه سایر خدمات بانکی به تعاونیهای قانونی جهت تحقق بند (۲) اصل (۴۳) قانون اساسی ۱۱- انجام معاملات طلا- و نقره و نگاهداری و اداره ذخایر ارزی و طلای کشور با رعایت قوانین و مقررات مربوط به آن ۱۲- نگاهداری وجوه ریالی موسسات پولی و مالی بین‌المللی و یا موسسات مشابه و یا وابسته به این موسسات طبق قانون و مقررات ۱۳- انعقاد موافقتنامه پرداخت در اجرای قراردادهای پولی و بازرگانی و ترانزیتی بین دولت و سایر کشورها طبق قانون و مقررات ۱۴- قبول و نگاهداری امانات طلا و نقره و اشیای گرانبها و اوراق بهادار و اسناد رسمی از اشخاص حقیقی و حقوقی و اجاره صندوق امانات ۱۵- صدور و تأیید و قبول ضمانتنامه ارزی و ریالی جهت مشتریان ۱۶- انجام خدمات وکالت و وصایت بر طبق قانون و مقررات

فصل دوم - تجهیز منابع پولی (ماده ۳ تا ۶)

ماده ۳- بانکها می‌توانند، تحت هر یک از عناوین ذیل به قبول سپرده مبادرت نمایند الف سپرده‌های قرض الحسنه ۱- جاری ۲- پس‌انداز ب- سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت دار. تبصره - سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت دار که بانک در به کار گرفتن آنها وکیل می‌باشد، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد. ماده ۴- بانکها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌های قرض الحسنه (پس‌انداز

و جاری می‌باشند و می‌توانند اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت دار را تعهد و یا بیمه نمایند. ماده ۵- منافع حاصل از عملیات مذکور در تبصره ماده (۳) این قانون بر اساس قرارداد منعقدۀ متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه به کار گرفته شده در این عملیات، تقسیم خواهد شد. ماده ۶- بانکها می‌توانند به منظور جذب و تجهیز سپرده‌ها، با اتخاذ روشهای تشویقی از امتیازات ذیل به سپرده‌گذاران اعطا نمایند الف- اعطای جوایز غیر ثابت نقدی یا جنسی برای سپرده‌های قرض الحسنه ب- تخفیف و یا معافیت سپرده‌گذاران از پرداخت کارمزد و یا حق الوکاله پ- دادن حق تقدم به سپرده‌گذاران برای استفاده از تسهیلات اعطایی بانکی در موارد مذکور در فصل سوم

فصل سوم - تسهیلات اعطایی بانکی (ماده ۷ تا ۱۷)

ماده ۷- بانکها می‌توانند، به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش فعالیت بخشهای مختلف تولیدی و بازرگانی و خدماتی قسمتی از سرمایه یا منابع مورد نیاز این بخشها را به صورت مشارکت تامین نمایند. ماده ۸- بانکها می‌توانند، در امور و یا طرحهای تولیدی و عمرانی مستقیماً به سرمایه‌گذاری مبادرت نمایند، برنامه این گونه سرمایه‌گذارها باید در ضمن لایحه بودجه سالانه کل کشور به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و نتیجه ارزیابی طرح حاکی از عدم زیان دهی باشد. تبصره - بانکها به هیچ وجه حق ندارند در تولید اشیای تجملی و مصرفی غیر ضروری سرمایه‌گذاری نمایند. ماده ۹- بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور بازرگانی در چهارچوب سیاستهای بازرگانی دولت منابع مالی لازم را براساس قرارداد مضاربه در اختیار مشتریان با اولویت دادن به تعاونیهای قانونی قرار دهند. تبصره - بانکها در امر واردات مجاز به مضاربه با بخش خصوصی نمی‌باشند. ماده ۱۰- بانکها می‌توانند، به منظور ایجاد تسهیلات لازم در گسترش امر مسکن، با هماهنگی وزارت مسکن و شهرسازی، واحدهای مسکونی ارزان قیمت به منظور فروش اقساطی و یا اجاره به شرط تملیک احداث نمایند. تبصره - تملک زمین با رعایت قانون اراضی شهری جهت احداث واحدهای مسکونی موضوع ماده ۱۰ توسط بانکها بلامانع است ماده ۱۱- بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور صنعت و معدن کشاورزی و خدمات اموال منقول را بنا به درخواست مشتری و تعهد او مبنی بر خرید و مصرف و یا استفاده مستقیم مال و یا اموال مورد درخواست خریداری نموده و با اخذ تامین به صورت اقساطی به مشتری بفروشند. ماده ۱۲- بانکها می‌توانند، به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور خدماتی کشاورزی صنعتی و معدنی اموال منقول و غیر منقول را بنا به درخواست مشتری و تعهد او مبنی بر انجام اجاره به شرط تملیک و استفاده خود، خریداری و به صورت اجاره به شرط تملیک به مشتری واگذار نمایند. ماده ۱۳- بانکها می‌توانند، به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تامین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی به هر یک از عملیات ذیل مبادرت نمایند الف- مواد اولیه و لوازم یدکی مورد نیاز واحدهای تولیدی را بنا به درخواست این واحدها و تعهد آنها مبنی بر خرید و مصرف مواد اولیه و لوازم یدکی مورد درخواست خریداری و به صورت نسبت به واحدهای مذکور بفروشند. ب- آن قسم از تولیدات این واحدها را که سهل البیع باشد بنا به درخواست آنها پیش خرید نمایند. ماده ۱۴- بانکها موظفند جهت تحقق اهداف بندهای ۲ و ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی بخشی از منابع خود را از طریق قرض الحسنه به متقاضیان اختصاص دهند. آیین نامه اجرایی این ماده توسط بانک مرکزی تهیه و به تصویب هیات دولت می‌رسد. ماده ۱۵ (اصلاحی ۲۸۱۲۱۳۶۵) - کلیه قراردادهایی که در اجرای این قانون مبادله می‌گردد به موجب قراردادی که بین طرفین منعقد می‌شود در حکم اسناد رسمی بوده و در صورتی که در مفاد آن طرفین اختلافی نداشته باشند لازم الاجرا بوده و تابع مفاد آیین نامه اجرایی اسناد رسمی می‌باشد. آن دسته از معاملات مربوط به اموال غیر منقول و اموال منقول که طبق قوانین و مقررات موضوعه باید در دفاتر اسناد رسمی انجام شود کماکان طبق تشریفات مربوط انجام خواهد شد. تبصره ۱

(الحاقی ۲۹۱۱۱۳۷۶) - کلیه وجوه و تسهیلات اعطایی که بانکها در اجرای این قانون به اشخاص حقیقی و حقوقی پرداخت نموده یامی نمایند و برابر قرارداد تنظیمی مقرر شده باشد که اشخاص مذکور در سررسید معینی وجوه و تسهیلات دریافتی به انضمام سود و خسارت و هزینه‌های ثبتي و اجرایی دادرسی و حق الوکاله را پردازند، در صورت عدم پرداخت و اعلام بانک بستانکار قابل مطالبه و وصول است و کلیه مراجع قضایی و دواير اجرای ثبت و دفاتر اسناد رسمی مکلفند بر اساس مفاد اسناد و قراردادهای تنظیمی نسبت به صدور حکم و اجرائیه و وصول مطالبات بانک طبق مقررات این قانون اقدام نمایند. تبصره ۲ (الحاقی ۲۹۱۱۱۳۷۶) - اشخاصی که در قالب استفاده از خدمات بانکی از وجوه و منابع مالی بانکها به نحو غیرمجاز بهره‌مند می‌شوند مکلفند علاوه بر استرداد وجوه مذکور، خسارت مربوط را به ترتیبی که در قراردادهای تنظیمی مقرر شده باشد پرداخت نمایند. تبصره ۳ (اصلاحی ۲۹۱۱۱۳۷۶) - چنانچه در هر یک از موارد اعطای تسهیلات بانکی بیش از یک قرارداد بین بانک با مشتریان خود در دفتر اسنادرسمی تنظیم گردد حقوق متعلق اعم از هر نوع عوارض حق الثبت و نظایر آن نسبت به سند اول محاسبه و دریافت خواهد شد و در مورد قرارداد بعدی تعلق حقوق مزبور منوط به افزایش رقم مندرج در قراردادهای بعدی نسبت به رقم مذکور در قرارداد ماقبل آن است در این صورت حقوق متعلق اعم از هر نوع عوارض حق الثبت و نظایر آن به استثنای حق التحریر باید به نسبت مابه التفاوت دو رقم فوق الذکر محاسبه و دریافت گردد. ملاک تشخیص ارتباط قراردادها اعلام بانک ذی ربط می‌باشد. تبصره ۴ (اصلاحی ۲۹۱۱۱۳۷۶) - در مواردی که وسایل نقلیه موتوری (ساخت کارخانجات داخلی یا وارداتی مع الواسطه بانکها از طریق اعطای تسهیلات بانکی به اشخاص منتقل می‌گردد بانک انتقال دهنده از لحاظ مقررات مالیات نقل و انتقال در حکم انتقال دهنده دست اول تلقی خواهد شد. ماده ۱۶ - بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش امور تولیدی بازرگانی و خدماتی مبادرت به جعاله نمایند. ماده ۱۷ - بانکها می‌توانند، اراضی مزروعی و یا باغات را که در اختیار و تصرف خود دارد به مزارعه و یا مساقات بدهند.

فصل چهارم - بانک مرکزی ایران و سیاست پولی (ماده ۱۸ تا ۲۰)

ماده ۱۸ - بانک مرکزی ایران که از این پس بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نامیده می‌شود در مورد شرکت‌های دولتی که سهام آن صددرصد متعلق به دولت نیست فقط می‌توانند طبق عملیات مجاز در این قانون عمل نمایند. ماده ۱۹ - سیاست اعتباری و تسهیلات اعطایی کوتاه مدت (یک ساله به پیشنهاد مجمع عمومی بانک مرکزی و تصویب هیات دولت تعیین شده و سیاست اعتباری و تسهیلات اعطایی پنجساله و دراز مدت در ضمن لوایح برنامه‌های عمرانی پنج ساله و دراز مدت کشور جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود. ماده ۲۰ - بانک مرکزی ایران در حسن اجرای نظام پولی و اعتباری کشور می‌تواند با استفاده از ابزار ذیل طبق آیین نامه ای که به تصویب هیات وزیران می‌رسد بر اساس ماده (۱۹)، در امور پولی و بانکی دخالت و نظارت کند ۱ - تعیین حداقل و یا حداکثر نسبت سهم سود بانکها در عملیات مشارکت و مضاربه این نسبتها ممکن است در هر یک از رشته‌های مختلف متفاوت باشد. ۲ - تعیین رشته‌های مختلف سرمایه گذاری و مشارکت در حدود سیاستهای اقتصادی مصوب و تعیین حداقل نرخ سود احتمالی برای انتخاب طرحهای سرمایه گذاری و مشارکت ، حداقل نرخ سود احتمالی ممکن است در هر یک از رشته‌های مختلف متفاوت باشد. ۳ - تعیین حداقل و حداکثر نسبت سود بانکها در معاملات اقساطی و اجاره به شرط تملیک در تناسب با قیمت تمام شده مورد معامله . این نسبتها ممکن است در موارد مختلف متفاوت باشد. ۴ - تعیین انواع و میزان حداقل و حداکثر کارمزد خدمات بانکی (مشروط بر این که بیش از هزینه کار انجام شده نباشد) و حق الوکاله به کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری که توسط بانکها دریافت می‌شود. ۵ - تعیین نوع میزان حداقل و حداکثر امتیازات موضوع ماده (۶) و تعیین ضوابط

تبلیغات برای بانکها در این موارد. ۶- تعیین حداقل و حداکثر میزان مشارکت، مضاربه، سرمایه گذاری، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، نسیه، سلف، مزارعه، مساقات، جعاله و قرض الحسنه، برای بانکها و یا هر یک از آنها در هر یک از موارد و رشته‌های مختلف و نیز تعیین حداکثر تسهیلات اعطایی به هر مشتری

فصل پنجم - متفرقه (ماده ۲۱ تا ۲۷)

ماده ۲۱- بانک مرکزی با هر یک از بانکها و نیز بانکها با یکدیگر مجاز به انجام عملیات بانکی ربوی نمی‌باشند. ماده ۲۲- بانکها می‌توانند با اجازه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکتهای دولتی به عملیات مجاز بانکی مبادرت نمایند. ماده ۲۳- وجوه دریافتی تحت عنوان کارمزد و حق الوکاله جزو درآمدهای بانکها بوده و قابل تقسیم بین سپرده گذاران نمی‌باشد. ماده ۲۴- معافیت از سود بازرگانی و یا معافیت های مالیاتی اعطایی طبق قانون به کارخانجات و مؤسسات تولیدی به بانکهایی که از لحاظ واردات و یا مالکیت جانشین کارخانجات و یا مؤسسات تولیدی می‌شوند نیز تعلق می‌گیرد. ماده ۲۵- واحدهایی که بانکها در آنها مشارکت و یا سرمایه گذاری نموده باشند تابع قانون تجارت خواهند بود، مگر این که مشمول قانون دیگری باشند. ماده ۲۶- پس از تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر لغو و اختیارات و وظایف مذکور در قانون پولی و بانکی و لایحه قانونی اداره امور بانکها و متمم آن که در این قانون به مراجع ذی صلاح دیگری سپرده شده است از مراجع قبلی سلب می‌گردد. ماده ۲۷- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است آیین نامه اجرایی این قانون را با پیشنهاد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه و پس از تصویب هیات دولت که نباید مدت تهیه و تصویب آن از مدت ۴ ماه بیشتر باشد به مرحله اجرا بگذارد.

قانون تسری امتیازات خاص بانکها به مؤسسات اعتباری غیربانکی مجاز - مصوب ۲۷.۱.۱۳۸۱

ماده واحده - به موجب این قانون کلیه حقوق و امتیازات پیش‌بینی شده برای بانکها در تبصره‌های ذیل بند (الف) ماده (۱) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین - مصوب ۱۳۷۳ - و ماده (۱۵) اصلاحی قانون عملیات بانکی بدون ربا - مصوب ۱۳۶۵ - در حدود مقررات ناظر بر فعالیت مؤسسات اعتبار غیربانکی مجاز و موضوع فعالیت آنها به این قبیل مؤسسات نیز تسری داده می‌شود.

آیین نامه اجرایی اصلاح ماده ۳ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی مصوب سال ۱۳۱۶

فصل اول - تشکیلات بخش اول انتخاب، اشتغال، تمدید

الف ترتیب انتخاب (ماده ۱ تا ۱۱)

آیین نامه اجرایی اصلاح ماده ۳ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی مصوب سال ۱۳۱۶ مصوب تیرماه ۱۳۷۶ ریاست قوه قضاییه (شماره ۲۳۶۱۵۵۹۷۷۷ روزنامه رسمی کشور) فصل اول - تشکیلات بخش اول انتخاب، اشتغال، تمدید الف ترتیب انتخاب ماده ۱- قوه قضاییه در صورت نیاز از طریق روزنامه های کثیرالانتشار از داوطلبان واجد شرایط مترجمی رسمی دعوت می‌نماید تا درخواست خود را ظرف مهلت معینه در تهران به اداره فنی قوه قضاییه از طریق پست ارسال نمایند. ماده ۲-

درخواست مترجمی رسمی باید دارای پیوستهای زیر باشد ۱- یک برگ تصویر مصدق از کلیه صفحات شناسنامه ۲- ۲ قطعه عکس ۳۴۳- تصویر مصدق بالاترین مدرک تحصیلی (داوطلبانی که تحصیلاتی در ارتباط با زبان مربوط دارند در شرایط مساوی از اولویت برخوردار خواهند بود) ۴- گواهی عدم سو پیشینه (برای کارمندان رسمی دولت گواهی اداره مربوط مبنی بر اشتغال کافی است ۵- گواهی عدم اعتیاد به مواد مخدر. ماده ۳- درخواست مترجمی رسمی به ترتیب تاریخ وصول در دفتری ثبت و برای هر داوطلب پرونده جداگانه ای تشکیل می شود. اداره فنی قبل از صدور پروانه مترجمی رسمی از طریق دادگستری محل و یا به طریق مقتضی دیگر درباره صلاحیت داوطلب تحقیق به عمل آورده ، نتیجه را در پرونده وی منعکس می نماید. ماده ۴- اداره فنی پرونده داوطلبان را در کمیسیونی مرکب از رییس یا معاون اداره فنی و یک نفر که به زبان خارجی مربوطه تسلط کامل داشته باشد و یک نفر از قضات به انتخاب معاون قضایی ریاست قوه قضاییه مطرح می سازد و واجدین صلاحیت را با تعیین تاریخ برای شرکت در امتحان دعوت می کند. دعوت کتبا و حداقل یک ماه قبل از تاریخ امتحان به عمل می آید. ماده ۵- امتحان از کلیه واجدین صلاحیت در تهران در تاریخ معین که از طرف اداره فنی از طریق روزنامه های کثیرالانتشار اعلام خواهد شد زیر نظر اداره فنی به وسیله هیات ممتحنه مذکور در ماه ۴ به عمل آمده و در سه مرحله به صورت امتحان عمومی زبان ، امتحان تخصصی ترجمه و شفاهی خواهد بود. تبصره - هیات ممتحنه از سه نفر اشخاص متبحر در زبان مورد نظر به انتخاب اداره فنی تشکیل می گردد در صورت عدم دسترسی به تعداد مذکور ممکن است از تعداد کمتر استفاده شود. ماده ۶- امتحان عمومی زبان به صورت کتبی و طرح سوالات چهار گزینه ای در سطح تافل در زبان انگلیسی و هم سطح آن در سایر زبانها خواهد بود. سوالات امتحان به صورت تشریحی از بان فارسی به زبان مورد نظر و بالعکس خواهد بود. تبصره ۱- داوطلبانی که در امتحان مرحله عمومی حد نصاب نمره قبولی را احراز نکرده باشند می توانند درخواست تجدیدنظر بدهند. در این مرحله ورقه امتحان توسط استاد مصحح بازبینی خواهد شد. تبصره ۲- برای انجام امتحان مرحله عمومی از بانک سوالات که به همین منظور تشکیل می گردد استفاده خواهد شد. تبصره ۳- استفاده از فرهنگ لغات در امتحانات تخصصی تشریحی مجاز است ماده ۷- سوالات امتحان مرحله تخصصی به صورت ترجمه از زبان فارسی به زبان خارجی و بالعکس می باشد و طرح سوالات و تصحیح اوراق امتحان زیر نظر کمیسیون مذکور در ماده ۴ و توسط هیات ممتحنه مذکور در تبصره ماده ۵ صورت می گیرد و نمره ای که به هر یک از سه مرحله داده می شود از عدد ۱۰۰ منظور می گردد و نمره هر ورقه در ذیل یا ظهر آن به حروف و عدد ثبت شده و به امضای هیات ممتحنه می رسد. تبصره ۱- حداقل نمره قبولی برای هر یک از سه امتحان ۷۵ خواهد بود. تبصره ۲- هر داوطلب می تواند در خواست اعتراض به ورقه خود را ظرف مهلت بیست روز از تاریخ اعلام نتیجه امتحان کتبی به اداره فنی تسلیم نماید و رییس اداره فنی می تواند ورقه داوطلب را به شخص یا هیات ممتحنه دیگری واگذار نماید. ماده ۸- قبولی در امتحان به نحو مذکور در ماده ۷ و تبصره ۱ برای شرکت در امتحان شفاهی الزامی است ماده ۹- اداره فنی از قبول شدگان به ترتیب مذکور در تبصره ۱ ماده ۷ برای انجام امتحان شفاهی دعوت می نماید. امتحان شفاهی زیر نظر کمیسیون مذکور در ماده ۴ انجام می گیرد اداره فنی تعداد مترجم رسمی مورد احتیاج را به ترتیب از بین کسانی که دارای نمره بیشتری می باشند انتخاب می کند. ماده ۱۰- انتخاب شدگان باید حداقل یک سال نزدیک مترجم رسمی همزبان که حداقل ده سال تجربه مترجمی رسمی داشته باشند با معرفی داوطلب و تایید مترجم رسمی مذکور و اداره فنی کارآموزی نموده و کارآموز باید در مدت کارآموزی زیر نظم مترجم سرپرست خود گواهی اتمام دوره کارآموزی و پیشرفت تجربی را از مترجم سرپرست خود اخذ نماید. در غیر این صورت دوره کارآموزی برای یک بار دیگر تمدید خواهد شد. تبصره - در رشته هایی که سابقه مترجمی رسمی کمتر از ده سال است شرط مقرر در فوق از حیث مدت ده سال رعایت نخواهد شد. ماده ۱۱- قبول شدگان در حضور کمیسیون مذکور در ماده ۴ به شرح زیر سوگند یاد می کنند (به خداوند متعال سوگند یاد می کنم که در امر ترجمه قلم و زبان خود را جز به راستی و حقیقت به کار نبرم و در سمت مترجمی راز دار و امین باشم) پس از انقضای مدت

کارآموزی و ارایه گواهی ، اداره فنی برحسب تخصص داوطلب پروانه مترجمی رسمی تخصصی والا پروانه مترجمی رسمی به نام داوطلب صادر و پس از الصاق تمبر به مبلغ مقرر قانونی به آنان تسلیم می کند پروانه مترجمی باید دارای عکس و نمونه امضا باشد.

ب - محل و شرایط اشتغال (ماده ۱۲ تا ۱۶)

ماده ۱۲ - مترجم رسمی در غیر حوزه قضایی محل و آدرسی که در پروانه وی منعکس می باشد حق اشتغال ندارد و در صورت عدم اقامت در محل مذکور پروانه تمدید نخواهد شد. ماده ۱۳ - اداره فنی در صورت نیاز مشخصات کامل مترجمان را به وسیله روزنامه رسمی و دفترچه های مخصوص منتشر می کند. ماده ۱۴ - مترجم رسمی حق تغییر محل کار را از حوزه ای که در پروانه وی درج گردیده به حوزه دیگر ندارد و هرگونه تغییر محل از شهرستان به تهران به تقاضای مترجم رسمی و موافقت کتبی رییس دادگستری و اداره فنی پس از موفقیت در امتحان شفاهی و مصاحبه و تصویب معاونت قضایی رییس قوه قضاییه ممکن خواهد بود و مراتب در پروانه مترجمی درجه خواهد گردید. ماده ۱۵ - مترجم رسمی می تواند فقط یک دارالترجمه یا موسسه ترجمه رسمی دایر نماید. در غیر این صورت به عنوان متخلف از ادامه کار وی توسط اداره فنی قوه قضاییه جلوگیری به عمل خواهد آمد. تبصره - اداره فنی موظف است علاوه بر تعقیب قانونی مسوول یا مسوولین دارالترجمه هایی که برخلاف مقررات این آیین نامه دایر هستند از ادامه فعالیت آنها با کمک نیروی انتظامی جلوگیری به عمل آورد. ماده ۱۶ - دایر کردن موسسه ای با نام دارالترجمه یا تحت عنوان دیگر که بدون مسوولیت رسمی یک نفر دارنده پروانه رسمی مترجمی به امر ترجمه اشتغال داشته باشد ممنوع است و مدیران و مسوولین این گونه موسسات طبق مقررات کیفری بااعلام اداره فنی تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت

ج - تمدید پروانه (ماده ۱۷)

اشاره

ماده ۱۷ - مترجم رسمی باید با در دست داشتن مفاسد حساب مالیاتی سنوات گذاشته یا گواهی مراجعه به دارایی به منظور تصفیه حساب مالیاتی ، هر سه سال یک نوبت در اردیبهشت ماه برای تمدید پروانه خود به اداره فنی مراجعه نماید، در صورتی که موجبی برای عدم تمدید نباشد پس از الصاق تمبر به مبلغ مقرر قانونی پروانه وی برای سه سال توسط اداره فنی تمدید می شود. اداره فنی و دادگستری شهرستان از تصدیق امضای مترجمی که پروانه وی تمدید نشده ممنوع می باشند، اداره فنی تمدید پروانه را به دادگستری اطلاع می دهد.

بخش اول - شورای عالی ترجمه (ماده ۱۸ تا ۲۸)

ماده ۱۸ - نظر به ماده ۹ این قانون شورایی تحت عنوان (شورای عالی ترجمه) به ریاست معاون قضایی رییس قوه قضاییه تشکیل می گردد. ماده ۱۹ - شورای عالی ترجمه علاوه بر معاون قضایی که رییس شورا می باشد و رییس اداره فنی که در شورا عضویت ثابت دارد دارای هفت عضو دیگر است که یک نفر از مترجمان رسمی زبان انگلیسی و یک نفر از زبان آلمانی و یک نفر زبان فرانسه و یک نفر زبان عربی و یک نفر از اساتید زبان انگلیسی و یک نفر از اساتید زبان آلمانی و یک نفر از اساتید زبان عربی از بین برجسته ترین مترجمان رسمی و استادان رشته های زبان و مترجمی دانشگاه ها و موسسات عالی به حکم ریاست قوه قضاییه منصوب می شوند. تبصره - مترجمان رسمی عضو شورا به پیشنهاد اداره فنی و اساتید دانشگاه با هماهنگی وزارت علوم و آموزش عالی انتخاب و پیشنهاد می شوند. ماده ۲۰ - وظایف شورای عالی انتخاب ترجمه به قرار زیر است ۱ - رسیدگی به موضوعاتی که مترجمان رسمی در ارتباط با انجام ترجمه های قوه قضاییه ارایه طریق و راهنمایی می کنند. ۲ - رسیدگی و اعلام نظر مشورتی در

باب سولاتی که از طرف رییس اداره فنی قوه قضاییه در باب ترجمه رسمی مطرح می‌گردد. ۳- ارایه نظر مشورتی در اختلاف بین مترجم رسمی و صاحبان اسناد ترجمه شده که پرونده آن در هیات رسیدگی به تخلفات مترجمین رسمی مطرح است ۴- اتخاذ تصمیم درباره تعیین بهترین و مطلوبترین معادلها در زبانهای خارجی و برای لغات و اصطلاحات فارسی در مواردی که مترجمان رسمی به یک نتیجه واحد دست نیافته اند و از لغات، اصطلاحات و تعبیرات متفاوتی در یک مورد خاص استفاده می‌نمایند و ایجاد وحدت رویه نسبی در امر ترجمه از فارسی به زبانهای خارجی و بالعکس و تهیه الگوهای مناسب و مطلوب در این زمینه تبصره - شورای عالی ترجمه نمی‌تواند به وضع لغات جدید فارسی به عنوان معادلهای خارجی که از وظایف فرهنگستان زبان است بپردازد لکن می‌تواند معادل های برای کلمات خارجی که در زبان فارسی وارد شده اند به فرهنگستان زبان پیشنهاد نماید. ۵- بررسی و اعلام نظر نسبت به موضوعاتی که اطراف دستگاههای دولتی و مراکز علمی و آموزشی کشور و نظایر آن به شورا ارجاع می‌شود. ماده ۲۱- شورای عالی ترجمه می‌تواند نتیجه بررسی های خود را به صورت مقالات و نشریات ادواری یا به صورت فرهنگ های تخصصی نظیر فرهنگهای حقوقی، اداری، اقتصادی، پزشکی فنی و غیره منتشر نماید و در این زمینه می‌تواند از نظر مشورتی استادان علوم تخصصی و فقها استفاده نماید، پدیدآورندگان این گونه کتب و فرهنگ ها از مزایای حقوقی مولفین و مترجمین و حق التالیف قانونی بهره مند خواهند شد. ماده ۲۲- به اعضای شورای عالی طبق مقررات حق حضور پرداخت خواهد شد. ماده ۲۳- شورای عالی ترجمه می‌تواند در چهارچوب همکاری های علمی و پژوهشی در زمینه امر ترجمه با دانشگاهها و سایر موسسات علمی و پژوهشی در داخل و خارج از کشور قراردادهای همکاری برای اجرای طرحهای ویژه منعقد نماید. تبصره - مواردی از وظایف شورای عالی که انجام آن مستلزم هزینه های مالی است پس از تایید معاونت اداری و مالی وزارت دادگستری و تامین اعتبارات مربوطه قابل اجرا می‌باشد. ماده ۲۴- شورای عالی ترجمه براساس نیاز جامعه و میزان مراجعات و تعداد ارباب رجوع در هر زمان اولویت های لازم را در انجام وظایف فوق در نظرخواهد گرفت و زبانهای مهجور که طبق آمار اداره فنی کمتر محل مراجعه واقع می‌شوند از آخرین اولویتها برخوردار هستند و در حال حاضر زبانهای انگلیسی و آلمانی در درجات اول و دوم اولویت قرار دارند. ماده ۲۵- امور اداری و دفتری شورای عالی ترجمه در اداره فنی قوه قضاییه متمرکز است و اداره مذکور وظایف دبیرخانه آن شورا را به عهده خواهد گرفت ماده ۲۶- شورای عالی در اولین جلسه خود یک نایب رییس و یک منشی انتخاب خواهد کرد و برای انجام وظایف خود می‌تواند با دعوت از صاحب نظران کمیته های تخصصی فرعی تشکیل دهد. ماده ۲۷- برای تشکیل هر جلسه با ذکر موضوعاتی که در دستور جلسه است دعوتنامه با امضای رییس یا نایب رییس شورای عالی ترجمه برای کلیه اعضا به نشانی آنان ارسال خواهد شد. جلسات شورای عالی ترجمه با حضور حداقل بیش از نصف اعضا رسمیت یافته و تصمیمات به رای اکثریت اتخاذ خواهد شد. ماده ۲۸- در صورت استعفا یا فوت هر یک از اعضای شورای عالی ترجمه، عضو جانشین به پیشنهاد شورا و با حکم ریاست محترم قوه قضاییه منصوب می‌گردد و در صورت غیبت بدون عذر موجه هر یک از اعضا در سه جلسه متوالی عضو مذکور مستعفی شناخته شده و جانشین وی تعیین و منصوب خواهد شد.

فصل دوم - نحوه اداره (ماده ۲۹ تا ۳۷)

ماده ۲۹- چنانچه مترجمین رسمی به صورت موسسه به ترجمه زبانهای مختلف اشتغال داشته باشند موسسه مذکور باید یکی از مترجمین را به عنوان مدیر موسسه به اداره فنی معرفی نماید فرد معرفی شده مسوول نظارت بر اداره کلیه امور موسسه خواهد بود. لکن این امر رافع مسوولیت دیگر مترجم رسمی زبان مورد نظر در قبال تخلفات مرتکب شده نخواهد بود. ماده ۳۰- دادگاه یا هر مقام رسمی دیگر که به مترجم کار ارجاع می‌کند باید طرز رفتار او را مراقبت و هر گونه تخلفی را که مشاهده نماید به اداره فنی

گزارش دهد. ماده ۳۱- اداره فنی موظف است اسناد و مدارک تحصیلی و کلا اوراقی را که از طرف مراجع رسمی ذی صلاح برای ترجمه به آن اداره فرستاده می شود در صورت پرداخت هزینه به مترجم رسمی ارجاع و پس از ترجمه و گواهی امضا اعاده نماید.

ماده ۳۲- برای مترجمی زبانهایی که در آن زبان مورد نظر مترجم رسمی وجود ندارد اداره فنی و دادگستری های شهرستانها می توانند از خبرگان محلی پس از اتیان سوگند التزام به صحت گفتار استفاده کنند. ماده ۳۳- سازمان ثبت شرکتهای تقاضای ثبت موسسات مترجمی را خواهد پذیرفت که علاوه برداشتن شرایط قانونی پروانه مترجمی رسمی معتبر نیز داشته باشد. ماده ۳۴- دارالترجمه هایی که قبل از تاریخ تصویب این آیین نامه دایر بوده اند موظفند از تاریخ لازم الاجرا شدن این آیین نامه وضع خود را با مقررات آن تطبیق داده و ادامه فعالیت آنها منوط به قبول مسوولیت دارالترجمه از طرف یک نفر مترجم رسمی و موافقت اداره فنی قوه قضاییه می باشد. ماده ۳۵- مترجم مسوول باید در دارالترجمه ای که مسوولیت آن را به عهده گرفته است حضور و نظارت داشته باشد و تغییراتی که در اداره دارالترجمه موثر است به اطلاع اداره فنی قوه قضاییه برساند. ماده ۳۶- علامت قوه قضاییه ، نام و نام خانوادگی مترجم مسوول و شماره پروانه وی باید در تابلو دارالترجمه بدین شرح قید گردد. قوه قضاییه دارالترجمه رسمی شماره مترجم مسوول شماره پروانه مترجمی رسمی ماده ۳۷- کسانی که بدون داشتن پروانه مترجمی از تاریخ لازم الاجرا شدن این آیین نامه مبادرت به تاسیس دارالترجمه و یا ادامه فعالیت غیر قانونی دارالترجمه بنمایند با اعلام اداره فنی تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت و مسوولیت نظارت بر صحت اجرا و پیگیریهای لازم بر عهده اداره فنی است اداره مزبور موظف است نسبت به شناسایی دارالترجمه هایی که بر خلاف مقررات مشغول فعالیت هستند اقدام و اداره اماکن نیروهای انتظامی نیز از ادامه کار آنها جلوگیری به عمل آورد

فصل سوم - وظایف مترجم رسمی و مقررات انتظامی

الف - وظایف مترجم رسمی (ماده ۳۸ تا ۴۵)

ماده ۳۸- وظایف مترجم رسمی به قرار زیر است ۱- ترجمه رسمی اسناد و اوراق مورد درخواست متقاضی که به این منظور به مترجم تسلیم می گردد. ۲- ترجمه اظهارات اصحاب دعوا یا وکلای آنان یا شهود یا کارشناسان در مراجع قضایی و طرفین معامله یا وکلای آنان یا شهود در دفاتر اسناد رسمی ۳- گواهی صحت ترجمه رسمی اسنادی که در ایران یا یکی از کشورهای بیگانه ترجمه یا تنظیم شده است ماده ۳۹- مترجم رسمی باید دارای دفتر ثبت و برگ رسید و مهر به شرح زیر باشد. ۱- دفتر ثبت که شماره ردیف و مشخصات کارهای ارجاعی شامل نوع و تعداد و نام صاحب سند یا نام متقاضی اگر غیر از صاحب سند باشد و تعداد نسخ اضافی و نشانی کامل او و تاریخ ارجاع و تاریخ استرداد ترجمه و میزان دستمزد در آن ثبت می شود. این دفتر به وسیله اداره فنی تهیه و برگ شماری و منگنه و مهر و در اختیار مترجمین رسمی قرار خواهد گرفت ۲- برگ رسید که نوع و تعداد و نام صاحب سند یا نام متقاضی (اگر غیر از صاحب سند باشد) و تاریخ استرداد و میزان دستمزد ترجمه در آن ثبت و هنگام دریافت سند به متقاضی ترجمه داده می شود. ۳- مهر که در آن نام و نام خانوادگی مترجم و زبانی که مترجم رسمی آن است و شماره پروانه مترجمی رسمی قید شده و مترجم با آن ذیل اوراق ترجمه را مهر می کند. دفتر و رسید و مهر مذکور طبق نمونه موجود در اداره فنی تهیه می شود. ماده ۴۰- مترجم رسمی موظف است ۱- ترجمه سند را روی برگ مخصوص که شکل و اندازه آن از طریق اداره فنی تعیین می شود بدون غلط و قلم خوردگی و حک و اصلاح به هزینه خود ماشین و در پایان آن مطابقت ترجمه را با اصل تصدیق و با قید تاریخ ترجمه امضا کند هرگاه ترجمه سندی از یک صفحه تجاوز کند مترجم باید زیر هر صفحه تصریح کند که بقیه در صفحه بعد ترجمه شده است و ذیل تمام صفحات را امضا و آنها را منگنه یا پلمپ نماید و بین امضای مترجم و متن ترجمه شده

نباید فاصله باشد. تبصره - مترجم رسمی باید در نگهداری اوراق مخصوص ترجمه که با قید شماره و ترتیب در اختیار وی قرار می‌گیرد نهایت دقت را نماید اوراق مذکور نباید به صورت سفید مهر و امضا شده در اختیار دیگران قرار گیرد و چنانچه هنگام استفاده اوراق مذکور مخدوش و غیر قابل استفاده گردد باید در محل مطمئن آن را تا سه سال نگهداری نماید. ۲ - گواهی مطابقت رونوشت یا فتوکپی با اصل اسناد خارجی باید ذیل اوراق مورد گواهی به عمل آید و در صورت تعدد صفحات، ذیل هر صفحه گواهی و امضا و به ترتیب بند یک با ذکر تعداد و منضمات منگنه یا پلمپ شود. ۳ - مترجم رسمی موظف است تصویری از اصل سند را به انضمام یک نسخه تایید شده از ترجمه آن برای بایگانی خود تهیه و تا سه سال نگهداری نماید و در صورت مطالبه اداره فنی یا سایر مراجع ذی صلاح آن را ارایه دهد. ماده ۴۱ - مترجم رسمی نمی‌تواند از قبول کاری که از طرف اداره فنی یا دادگستری محل به او رجوع می‌شود بدون عذر موجه خودداری کند و یا آن را به تاخیر بیندازد. وقت لازم برای ترجمه اسناد و مدارک عنداللزوم از طرف اداره فنی یا دادگستری محل تعیین خواهد شد. ماده ۴۲ - در صورتی که مترجم رسمی به لحاظ بیماری یا مأموریت یا هر علت دیگری قادر به انجام کار ترجمه نباشد باید به فوریت مراتب را به اداره فنی در مرکز و دادگستری محل در شهرستانها و به متقاضی اعلام نماید و هرگاه اسناد و اوراق برای ترجمه نزد او باشد این اسناد و اوراق را سریعاً مسترد دارد. ماده ۴۳ - با دعوت کتبی مقام صلاحیتدار مترجم رسمی مکلف است در محل مقرر حاضر شود مگر اینکه عذر موجهی داشته باشد و در صورت امکان باید عذر خود را قبلاً به اطلاع آن مقام برساند. ماده ۴۴ - مترجم رسمی باید ضمن رعایت امانت تمام اظهارات و مندرجات اسناد و مدارک و اوراق را که برای ترجمه به او داده می‌شود جز به جز و کلمه به کلمه به نحوی که از لحاظ مضمون و مفهوم کاملاً با اصل برابر باشد ترجمه نماید و حق ندارد چیزی را حذف و یا اضافه کند و در صورتی که سند مخدوش باشد مراتب را در ترجمه و برگ رسیدی که به صاحب سند می‌دهد قید کند. تبصره ۱ - مترجم رسمی می‌تواند ترجمه رسمی اسناد را با ذکر نام مترجم و تاریخ ترجمه سند به زبان دیگری ترجمه رسمی نماید. تبصره ۲ - در مورد اسناد رسمی تشخیص مواردی که ترجمه آنها ضرورتی ندارد با اداره فنی است و رعایت دستورات اداره مذکور در این مورد برای مترجم الزامی است تبصره ۳ - ترجمه فاکس و تلکس که صحت متن آن توسط دستگاه مربوطه تعیین شده باشد بلاشکال است تبصره ۴ - مترجم موظف است تصویر اصل سند را به متن ترجمه شده ضمیمه و پلمپ نماید. ماده ۴۵ - مترجم رسمی مسوول حفظ و مراقبت از اسنادی است که برای ترجمه به او سپرده می‌شود و موظف است اسناد را به همان صورتی که تحویل گرفته مسترد دارد.

ب مقررات انتظامی (ماده ۴۶ تا ۵۲)

ماده ۴۶ - هرگاه اشتباه مترجم رسمی به تصدیق دو نفر از مترجمین رسمی دیگر به انتخاب اداره فنی و در امر ترجمه محرز شود و خسارتی بابت وجه تمبر و تصدیق امضا و سایر هزینه های مربوط به امر ترجمه متوجه صاحب سند گردد مترجم موظف است با اخطار اداره فنی در جبران خسارت وارده یا جلب رضایت صاحب سند اقدام کند در غیر این صورت توسط اداره فنی تحت تعقیب انتظامی قرار خواهد گرفت تبصره - در خصوص این ماده و ماده ۴۳ در صورت احراز عمد مترجم رسمی چنانچه عمل وی مطابق با ماده ۲۸ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۱۳۱۷ باشد قابل تعقیب کیفری خواهد بود. ماده ۴۷ - مرجع تعقیب انتظامی مترجم رسمی اداره فنی است و همین که از تخلف مترجم در تهران و سایر شهرستانها رأساً یا حسب اعلام مراجع رسمی یا شکایت اشخاص اطلاع حاصل نماید مکلف است تقاضای تعقیب وی را از هیات رسیدگی به تخلفات انتظامی که محل تشکیل آن در اداره فنی خواهد بود درخواست نماید. تبصره - دفتر اداره فنی عهده دار امور دفتری هیات رسیدگی به تخلفات انتظامی نیز خواهد بود. ماده ۴۸ - اداره فنی در هر رشته از زبانهایی که برای آنها مترجم رسمی وجود دارد دو نفر را به عنوان اعضای هیات رسیدگی به تخلفات انتظامی به معاونت قضایی قوه قضاییه معرفی می‌نماید که پس از تصویب رییس قوه قضاییه کتبا به این سمت منصوب

خواهند شد. ماده ۴۹ - دفتر همزمان با تسلیم درخواست رسیدگی اداره فنی برای تعقیب مترجم رسیم به مرجع انتظامی شکایت اداره فنی را به مترجم ابلاغ و وی می‌تواند ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ پاسخ خود را به دفتر ارسال یا تسلیم نماید. ماده ۵۰ - دفتر با وصول پاسخ یا عدم وصول آن ظرف مهلت مقرر مراتب را به مرجع انتظامی گزارش و مرجع مذکور با دعوت از نماینده اداره فنی و مترجم رسمی مورد تعقیب رسیدگی خواهند نمود. عدم حضور مترجم رسمی یا نماینده اداره فنی مانع رسیدگی به مورد یا موارد تخلف نخواهد بود. ماده ۵۱ - معاون قضایی می‌تواند همین که از سو رفتار و اخلاق مترجم رسمی مطلع شد و یا اینکه نامبرده را فاقد یکی از شرایط بندهای (ج الی (ز) از ماده ۱۳ این قانون تشخیص داد امر به تعقیب انتظامی او بدهد و همچنین در مواردی که اشتغال او را به مترجمی منافی با حیثیت مترجمی رسمی تشخیص داد تقاضای تعلیق وی را از شغل مترجمی از هیات رسیدگی به تخلفات انتظامی می‌نماید. تعلیق مترجم رسمی موکول به رای هیات رسیدگی به تخلفات انتظامی خواهد بود. ماده ۵۲ - چنانچه مترجم رسمی به اتهام ارتکاب بزهی تحت پیگرد مراجع قضایی قرار گیرد و عمل ارتكابی به تشخیص مرجع انتظامی مغایر با شئون مترجم رسمی باشد از سمت مترجمی رسمی معلق خواهد شد و در صورت صدور رای قطعی برایت یا منع پیگرد یا موقوقی تعقیب رفع تعلیق به عمل خواهد آمد. چنانچه درباره متهم قرار تعلیق تعقیب کیفری یا حکم به تعلیق اجرای مجازات صادر شود رفع تعلیق وی با مرجع انتظامی خواهد بود.

فصل چهارم - حق الزحمه مترجم (ماده ۵۳ تا ۵۹)

ماده ۵۳ - حق الزحمه مترجم رسمی به قرار زیر است ۱ - برای ترجمه از زبان بیگانه به فارسی و بالعکس هر کلمه هشتاد ریال ۲ - برای ترجمه های فوری هر کلمه ۱۲۰ ریال ۳ - برای ترجمه کلمات مشکل تخصصی و فنی غیر فوری از زبان بیگانه به فارسی یا بالعکس و به تناسب تعداد کلمات فنی و تخصصی هر کلمه از یکصد ریال تا یکصد شصت ریال ۴ - برای ترجمه کلمات مشکل تخصصی و فنی فوری از زبان بیگانه به فارسی یا بالعکس هر کلمه صد و بیست ریال تا صد و هشتاد ریال به تشخیص اداره فنی یا دادگستری محل ۵ - کلمات مرکب از قبیل کتابخانه و دهکده یک کلمه محسوب می‌شود. ۶ - حروف ربط و اضافه یک کلمه محسوب خواهد شد. ۷ - در ترجمه اعداد تا ۵ رقم مستقل یک کلمه به شماره می‌رود. ۸ - چنانچه متقاضی از ترجمه ای بیش از یک نسخه بخواهد بابت نسخ اضافی تا سه نسخه اول دو هزار ریال برای نسخ بعدی به ازای هر سه نسخه اضافی پانزده درصد بر مبلغ قبل آن اضافه خواهد شد و حق امضای مترجم برای نسخه های اضافی تا سه نسخه هزار و پانصد ریال است ۹ - حق الزحمه گواهی مطابقت رونوشت سند با اصل که طبق ماده ۷۵ ق.آ.د.م وسیله مترجم رسمی انجام شود هر صفحه هزار و پانصد ریال است ۱۰ - حق الزحمه مترجم برای ترجمه شفاهی تا یک ساعت پنجاه هزار ریال و مزاد بر یک ساعت به ازای هر ساعت اضافی پانزده هزار ریال خواهد بود که متقاضی باید قبل از تشکیل جلسه حداقل حق الزحمه را به طور علی الحساب در صندوق دادگستری تودیع و قبض آن را ارایه نماید. ۱۱ - هزینه سفر مترجمان رسمی بر طبق تعرفه کارشناسان رسمی دادگستری مندرج در آیین نامه مربوطه و اصطلاحات بعدی خواهد بود. ۱۲ - پول تمبر ترجمه و نسخ اضافی و هزینه پلمپ به عهده متقاضی است ماده ۵۴ - در صورت اقتضا از طرف اداره فنی در خرداد ماه هر سال کمیسیونی مرکب از رییس یا معاون اداره فنی و نماینده معاونت قضایی رییس قوه قضاییه و دو نفر مترجم رسمی به انتخاب اداره فنی تشکیل و و با توجه به افزایش یا کاهش هزینه زندگی نسبت به تعدیل حق الزحمه ترجمه رسمی مندرج در ماده ۵۳ آیین نامه اقدام خواهد شد. ماده ۵۵ - امضای مترجم ذیل ترجمه یا رونوشت یا فتوکپی اسناد و اوراق در مرکز وسیله اداره فنی و در شهرستانها وسیله یکی از قضات دادگستری محل که به پیشنهاد اداره فنی و تصویب معاون قضایی تعیین خواهد شد تصدیق و به مبلغ مقرر قانونی تمبر الصاق می‌شود. ماده ۵۶ - در صورت تعلیق یا انفصال یا غیبت طولانی یا

حجر یا بیماری طولانی یا فوت مترجم رسمی بنا به تقاضای اداره فنی در مرکز و دادگستری محل در شهرستانها برگها و اسناد و دفاتر راجع به امور ترجمه جمع آوری و به اداره فنی یا دادگستری محل ارسال می گردد در صورتی که بین آنها اشیا یا اسنادی متعلق به مردم باشد باید در قبال اخذ رسید به صاحبان آنها مسترد شود. ماده ۵۷- از تاریخ قابل اجرا شدن این آیین نامه ، کلیه آیین نامه های مربوط به مترجمان رسمی ملغی است ماده ۵۸- این آیین نامه پانزده روز پس از درج در روزنامه رسمی قابل اجرا است ماده ۵۹- این آیین نامه در ۵۸ ماده و ۱۸ تبصره تصویب می شود.

قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی - مصوب ۲۰ خردادماه ۱۳۱۶ و اصلاحات

شماره ۳۶۱۵۲۸۷۷۶ روزنامه رسمی ماده ۱- هرگاه یکی از طرفین دعوی یا شهود و اهل خبره در محاکم و ادارات و طرفین معامله یا شهود در دفاتر اسناد رسمی زبان فارسی را ندانند اظهارات آنها توسط مترجم رسمی ترجمه خواهد شد. تبصره - در نقاطی که از طرف وزارت عدلیه مترجمین رسمی برای هر یک از زبانهای غیرفارسی تعیین نشده باشد محاکم و ادارات ثبت ، دفاتر اسناد رسمی مترجمین که طرف اعتماد باشد برای ترجمه تعیین می نماید. ماده ۲- ترجمه اسناد ذیل باید از طرف مترجمین رسمی یا مامورین سیاسی و قنصلی تصدیق شده باشد الف- اسنادی که در یکی از کشورهای بیگانه یا در ایران به یکی از زبانهای غیرفارسی تنظیم شده و در یکی از محاکم و ادارات ایران مورد استفاده باشد. ب- اسنادی که در ایران تنظیم شده و ترجمه آن به منظور استفاده در یکی از کشورهای بیگانه مورد حاجت باشد. ماده ۳- به متقاضیان با احراز شرایط ذیل پروانه مترجمی رسمی اعطا می گردد الف- داشتن حداقل ۲۵ سال سن ب- موفقیت در آزمون و اختبار علمی و کتبی ج- نداشتن پیشینه موثر کیفری د- عدم اشتغال به فساد اخلاقی عقیدتی ه- عدم اعتیاد به مواد مخدر. و- عدم محکومیت به انفصال از خدمات دولتی ز- مورد وثوق و اعتماد باشد. ماده ۴- اعتبار پروانه مترجمی سه سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی و پرداخت هزینه مطابق تعرفه قانونی می باشد چنانچه متقاضی تمدید فاقد یکی از شرایط مقرر قانونی تشخیص داده شود مراتب با ذکر دلایل آن به مرجع انتظامی مترجمان اعلام و درخواست رسیدگی می شود. مرجع انتظامی پس از رسیدگی نسبت به تمدید یا عدم تمدید پروانه مترجمی رای مقتضی صادر می نماید. تا زمان رسیدگی مرجع انتظامی اعتبار پروانه به قوت خود باقی است ماده ۵- مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی مترجمین رسمی هیاتی مرکب از یک نفر قاضی و دو نفر از مترجمین رسمی به انتخاب رییس قوه قضاییه می باشد که انشا رای با قاضی هیات خواهد بود. ماده ۶- در صورت ارتکاب هریک از تخلفات ذیل مرتکب برای بار اول به مدت یک سال و بار دوم به مدت دو سال و در صورت تکرار برای همیشه از مترجمی رسمی محروم می شود الف- ترجمه و تطبیق با پروانه ای که مدت آن منقضی شده است ب- امتناع از قبول امور ارجاعی متقاضیان ترجمه بدون عذر موجه ج- امتناع از حضور در مراجع قضایی بدون عذر موجه د- نداشتن دفاتر و اسناد و لوازم مربوط به امور ترجمه طبق مقررات قانونی ه- عدم رعایت تعرفه حق الزحمه مترجمی و- ترجمه و تطبیق و تصدیق خلاف واقع تبصره - مجازاتهای فوق علاوه بر مجازات مندرج در سایر قوانین می باشد. ماده ۷- در صورت ارتکاب هریک از تخلفات ذیل مرتکب به توبیخ کتبی با درج در پرونده و در صورت تکرار تا یک سال از مترجمی محروم می شود الف- امتناع از حضور در مراجع قانونی غیرقضایی بدون عذر موجه ب- تأخیر در انجام امور ترجمه بدون عذر موجه ج- عدم رعایت ضوابط ترجمه د- عدم ارایه دفاتر، اسناد و لوازم مربوط به ترجمه در موارد بازرسی ماده ۸- تشکیل دفتر یا موسسه و ترجمه اسناد و اظهارات افراد بدون رعایت مقررات این قانون ممنوع است و مرتکب به مجازات کلاهبرداری محکوم می گردد. ماده ۹- تشکیلات و نحوه اداره دفتر، ضوابط ترجمه ، تعرفه حق الزحمه مترجم و مرجع تشخیص شرایط مذکور در این قانون به موجب آیین نامه ای می باشد که توسط وزارت دادگستری تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید.

قانون منع فروش و واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی برای امر مسکن به شرکتهای تعاونی مسکن

ماده ۱- از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون هر گونه واگذاری و نقل و انتقال اراضی به اشخاص حقیقی و حقوقی و شرکتهای تعاونی مسکن اعم از شرکتهای تعاونی مسکن کارمندی و کارگری و تعاونی های مسکن کارکنان نیروهای نظامی و انتظامی برای امر مسکن در داخل محدوده (قانونی شهرها، شهرک ها و شهرهای جدید موقوف به اخذ گواهی مبنی بر نداشتن کاربری معارض و ضوابط ساخت و ساز متناسب با نیاز و هدف متقاضیان در اراضی مورد نظر از مراجع مذکور در مواد (۳) و (۴) این قانون می باشد. ماده ۲- دفاتر اسناد رسمی و کلیه مراجع قانونی واگذار کننده زمین اعم از سازمانها، نهادها و دستگاههای دولتی و غیردولتی موظفند قبل از هر گونه نقل و انتقال و یا واگذاری زمین به شرکتهای تعاونی مسکن و اشخاص حقیقی و حقوقی موضوع بلامانع بودن احداث واحدهای مسکونی در اراضی مورد نظر را طبق مواد آتی از مراجع تعیین شده در این قانون استعلام و پیوست مدارک نمایند. اعتبار این گواهی حداکثر دو سال از تاریخ صدور می باشد. ماده ۳- کاربری ضوابط ساختمانی و بلامانع بودن نقل و انتقال یا واگذاری زمین برای امر مسکن به شرکتهای تعاونی مسکن و اشخاص حقیقی و حقوقی در داخل محدوده (قانونی شهرها، باید از طریق شهرداری مربوط و بر اساس طرحهای مصوب توسعه شهری به طور کتبی اعلام و گواهی شده باشد. ماده ۴- هر گونه نقل و انتقال و واگذاری زمین به شرکتهای تعاونی مسکن و اشخاص حقیقی و حقوقی برای امر مسکن در خارج محدوده (قانونی شهرها اعم از داخل و یا خارج از حریم شهرها به جز در محدوده مصوب شهرهای جدید و شهرکهایی که طبق مقررات و بر اساس طرحهای مصوب احداث شده یا می شوند ممنوع می باشد. احراز وقوع زمین مورد نظر در داخل شهرهای جدید و شهرکهای مصوب و تناسب زمین مذکور از نظر کاربری و ضوابط ساختمانی با برنامه های متقاضیان به عهده سازمان مسکن و شهرسازی استان می باشد. ماده ۵- ادارات ثبت اسناد و املاک موظفند تاییدیه های زیر را در مورد تهیه نقشه های تفکیک اراضی و املاک و انجام قانونی مراحل تفکیک، به شرح زیر اخذ نمایند الف- تفکیک اراضی و املاک در داخل محدوده (قانونی شهر و حریم شهر از نظر رعایت مصوبات طرحهای جامع و هادی شهری از شهرداری مربوط ب- تفکیک اراضی و املاک واقع در خارج از حریم شهرها از نظر رعایت کاربری و ضوابط طرحهای جامع ناحیه ای و در صورت عدم تهیه طرح برای ناحیه مورد نظر، از نظر رعایت ضوابط آیین نامه مربوط به استفاده از اراضی واحداث بنا و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها (مصوب ۱۳۵۵ هیات وزیران و اصلاحات بعدی آن از سازمان مسکن و شهرسازی استان تبصره- در داخل محدوده روستاها مرجع تهیه و تایید نقشه های مربوط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی است ماده ۶- هر نوع نقل و انتقال اعم از رسمی و عادی تفکیک افزای، صدور سند و تغییر کاربری در مورد زمینهای موضوع این قانون بدون رعایت مفاد این قانون و مقررات مربوط ممنوع است در صورت تخلف متخلفان از جمله هیات مدیره شرکت تعاونی ذی ربط مسوول جبران خسارات وارد شده به اشخاص حقیقی و حقوقی، شهرداری ها، دولت و اعضای شرکتهای تعاونی مسکن می باشند. ماده ۷- مراجعی که خارج از حدود وظایف خود در حریم یا خارج از حریم شهرها تصمیم گیری کنند و به هر نحو به ساخت و سازهای غیرقانونی و برخلاف مفاد این قانون اقدام نمایند و یا موثر در احداث این گونه بناها باشند و یا به نحوی در این گونه اقدامات خلاف مشارکت نمایند، طبق این قانون متخلف محسوب می شوند و با آنها برابر مقررات رفتار خواهد شد. ماده ۸- کلیه سازمانها، موسسات و شرکتهای تامین کننده خدمات آب برق گاز، تلفن و نظایر آن مکلفند خطوط و انشعاب به ساختمانها را برحسب مراحل مختلف عملیات ساختمانی فقط در قبال ارایه پروانه معتبر ساختمانی، گواهی عدم خلاف یا گواهی پایان ساختمان معتبر صادر شده توسط مراجع مسوول صدور پروانه و ذکر شماره و تاریخ مدارک مذکور در قراردادهای واگذاری، تامین و واگذار نمایند. واگذاری خطوط و انشعاب این گونه خدمات به واحدهای مسکونی و صنفی و هر گونه بنایی که به طور غیرمجاز و برخلاف ضوابط و مقررات اجرایی طرحهای مصوب احداث شود ممنوع می باشد. ماده

۹- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است به کلیه جراید و سایر رسانه‌ها ابلاغ نماید قبل از درج هر نوع آگهی تبلیغاتی در ارتباط با تفکیک و فروش اراضی مجوزهای صادر شده توسط مراجع موضوع ماده (۵) این قانون را حسب مورد از آگهی دهنده درخواست و در صورت عدم ارایه مدارک مذکور، نظر وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان مسکن و شهرسازی استان مربوطه را در خصوص بلامانع بودن تفکیک و عرضه زمین اخذ نمایند. ماده ۱۰- کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو می‌شوند. ماده ۱۱- آیین نامه اجرایی این قانون توسط وزارتخانه های مسکن و شهرسازی کشور، تعاون و کار و امور اجتماعی حداکثر ظرف مدت سه ماه تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

آیین نامه اجرایی قانون منع فروش و واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی برای امر مسکن به شرک

ماده ۱- در اجرای این آیین نامه ، محدوده (قانونی و حریم شهر ، شهرک مسکونی و شهر جدید و محدوده روستا عبارت از محدوده‌ها و حریم‌هایی می‌باشند که در طرح‌های مصوب جامع و تفصیلی و هادی شهرها ، ایجاد شهرک و شهر جدید و طرح هادی روستایی به تصویب مراجع قانونی ذی ربط رسیده باشند. ماده ۲- منظور از نداشتن کاربری معارض موضع ماده (۱) قانون برخورداری از کاربری مسکونی در محدوده (قانونی طبق طرح‌های مصوب جامع ، تفصیلی و هادی و طرح‌های شهرکها و شهرهای جدید می‌باشد. ماده ۳- کلیه مقررات این آیین نامه مانند لزوم استعلام و نظایر آن در استفاده مسکونی از زمین برای کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از خصوصی ، عمومی و دولتی و وابسته به آنها و همچنین بنیادها و نهادهای انقلابی و اوقاف لازم الاجرا است ماده ۴- واگذاری تفکیک و افراز اراضی فاقد کاربری مسکونی برای امر مسکن توسط تمام دستگاههای دولتی و عمومی و وابسته به آنها اعم از وزارتخانه ها ، سازمان ها ، نیروهای نظامی و انتظامی ، شهرداری ها و شرکتهای دولتی ، بنیادها و نهادهای انقلابی و موسسات عمومی غیر دولتی و هر نهاد وابسته به دولت که به واگذاری اراضی اقدام می‌کند ، تحت هر عنوان و در هر نقطه از کشور اعم از داخل یا خارج شهرها مطلقاً ممنوع است ماده ۵- هر گونه واگذاری اراضی در داخل مناطق چهارگانه تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست ممنوع است ماده ۶- هر گونه نقل و انتقال اراضی فاقد کاربری مسکونی ، مشروط به تسلیم اقرارنامه کتبی ضمن سند انتقال در دفاتر اسناد رسمی توسط منتقل الیه دایر بر اطلاع از کاربری غیر مسکونی زمین و عدم امکان ساختن مسکن در آن خواهد بود. ماده ۷- کاربریهای اراضی غیر مسکونی که به ترتیب مقرر در ماده (۶) این آیین نامه مورد نقل و انتقال قرار می‌گیرند، قابل تغییر توسط کمیسیون های ماده (۵) لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۵۹- و مراجع تصویب طرح هادی و تغییرات بعدی آنها نبوده و قبول تقاضای متضمن درخواست تغییر کاربری آنها توسط دبیرخانه های مربوط ، شهرداریها و سایر اعضا و طرح این تقاضا در جلسات کمیسیونها و مراجع مذکور ممنوع است ماده ۸- کلیه دستگاههایی که قانوناً مجاز به واگذاری زمین برای امر مسکن به اشخاص حقیقی و حقوقی می‌باشند، موظفند شماره تاریخ و متن پاسخ استعلام دریافت شده از مراجع مقرر در قانون را دایر بر برخورداری زمین مورد واگذاری از کاربری مسکونی و ضوابط و مقررات متناسب با تعداد استفاده کنندگان ، به طور کتبی در توافق نامه ها ، صورتجلسات ، ابلاغیه ها و سایر مدارک مربوط به واگذاری زمین قید نمایند. ماده ۹- استعلام کنندگان کاربری زمین و ضوابط و مقررات ساختمانی آن مکلفند نقشه موقعیت زمین در مقیاس مناسب طبق سند مالکیت ، نشانی زمین و سایر مشخصاتی که اظهار نظر توسط مرجع مورد استعلام را تسهیل می‌نماید، به مراجع مورد استعلام مربوط ارایه دهند. ماده ۱۰- مراجع مورد استعلام مکلفند ظرف ده روز پس از وصول نامه دفترخانه اسناد رسمی یا مراجع واگذار کننده زمین ، نسبت به صدور پاسخ استعلام اقدام نمایند. تبصره - در صورت کامل نبودن مدارک، مراجع استعلام شونده مکلفند ظرف پنج روز از تاریخ وصول استعلام ، کسری مدارک را به دستگاه استعلام کننده اعلام نمایند. ماده ۱۱- سازمانهای مسکن و شهرسازی در مورد زمینها و املاک واقع در محدوده شهرکها و شهرهای جدید و شهرداریها در داخل محدوده

شهر، استعلام‌های دریافت شده را بر اساس مصوبات و نقشه‌های اجرایی طرح‌های جامع، تفصیلی و هادی آنها پاسخ خواهند داد. در مورد شهرهای دارای طرح جامع در صورت فقدان طرح‌های تفصیلی و وقوع تقریبی زمین در مجاورت زمینهایی که موقعیت کلی آنها برای کاربریهای عمومی و خدماتی شهرها پیش بینی گردیده‌اند، بر اساس مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران عمل خواهد شد. تبصره - در صورت وجود یا دایر شدن شهرداری در شهرک‌ها و یا در تمام یا بخشی از هر شهر جدید، پاسخگویی به استعلام موضوع این ماده توسط شهرداری‌های مزبور به انجام خواهد رسید. ماده ۱۲ - هر نوع نقل و انتقال اراضی برای امر مسکن اعم از رسمی و عادی در داخل محدوده روستاها منوط به استعلام از دهیاری مربوط بر اساس طرح هادی مصوب، با همکاری بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و در صورت عدم تشکیل دهیاری، از بنیاد مسکن انقلاب اسلامی محل خواهد بود. دهیاری‌ها با همکاری بنیاد یاد شده حسب مورد، در صورت وجود طرح هادی روستایی بر اساس طرح مصوب مذکور و در صورت عدم وجود طرح‌های هادی، طبق عرف محل، کاربری و ضوابط ساختمانی مربوط را اعلام خواهند نمود. ماده ۱۳ - سازمانهای مسکن و شهرسازی استانها موظفند استعلامهای دریافت شده از ادارات ثبت اسناد و املاک در مورد نقشه‌های تفکیک اراضی و املاک واقع در خارج از حریم شهرها (به جز روستاها) را از نظر رعایت کاربری و ضوابط طرح‌های جامع ناحیه‌ای و در صورت عدم تهیه طرح برای ناحیه مورد نظر از نظر رعایت ضوابط آیین نامه مربوط به استفاده از اراضی و احداث بنا و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها و اصلاحات بعدی آن، پاسخ دهند. ماده ۱۴ - مراجع پاسخ دهنده به استعلام موظفند استعلام‌های به عمل آمده از سوی ادارات ثبت اسناد و املاک در مورد نقشه‌های تفکیک اراضی را که می‌بایست منضم به نقشه تفکیکی خوانا در مقیاس مناسب و سایر اطلاعات و مشخصات مورد نیاز برای تشخیص موقعیت زمین باشد، حداکثر ظرف دو ماه از تاریخ وصول استعلام پاسخ دهند. تبصره ۱ - در صورت موافقت مراجع فوق‌الذکر با نقشه‌های تفکیکی دریافت شده از نظر کاربری و ضوابط تفکیک، سایر مدارک لازم برای تفکیک طبق مقررات ذی ربط توسط متقاضی ارایه خواهد شد. تبصره ۲ - نقشه‌های تفکیکی پیشنهادی از سوی متقاضیان در مورد اراضی واقع در شهرک‌های مسکونی و شهرهای جدید جهت تایید از حیث امکان تفکیک و رعایت کاربری و ضوابط تفکیک از طرف ادارات ثبت اسناد و املاک حسب مورد به ترتیب به سازمان مسکن و شهرسازی استان مربوط و شرکت عمران شهر جدید ذی ربط ارسال خواهد شد. مراجع مذکور بر اساس طرحها و ضوابط و مقررات مصوب، حداکثر ظرف دو ماه از تاریخ وصول، اظهار نظر خواهند بود. تبصره ۳ - در صورت وجود یا دایر شدن شهرداری در شهرکها و یا در تمام یا بخشی از شهر جدید، اظهار نظر در خصوص موضوع این ماده به عهده شهرداری‌های مذکور خواهد بود. ماده ۱۵ - تامین و واگذاری تاسیسات زیربنایی موضوع ماده (۸) قانون (آب برق گاز و تلفن ثابت و نظایر آن موقوف به ارایه پروانه‌های معتبر ساختمانی یا عدم خلاف یا پایان کار (در مورد شهرها، شهرهای جدید و شهرکها) یا تاییدیه مراجع صدور مجوز ساختمان در محدوده روستا، دایر بر رعایت کاربری مسکونی خواهد بود. ماده ۱۶ - مفاد ماده (۶) قانون برای آن دسته از اراضی و املاک که بر اساس اسناد عادی و دست نویس طبق قوانین دیگر قابلیت تفکیک و یا صدور سند یافته باشند از جمله مواد (۱۴۷) و (۱۴۸) موضوع قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک - مصوب ۱۳۷۰ - و در کلیه واگذاریهای زمین توسط مراجع مختلف برای امر مسکن از جمله سازمان ملی زمین و مسکن شهرداریها و کمیسیونهای موضوع ماده (۳۲) لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۵۹ - و قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و منابع طبیعی و سایر مراجعی که به موجب قوانین مجاز به واگذاری زمین شناخته شده‌اند نیز لازم‌الاجرا می‌باشد. تبصره - نقشه تایید شده موضوع ماده (۴) آیین نامه اجرایی قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها که مبنای تغییر کاربری و تفکیک اراضی زراعی و باغهای خارج از محدوده شهرها و شهرکها توسط ادارات ثبت اسناد و املاک قرار می‌گیرند، منحصرأ مربوط به استفاده کشاورزی و باغداری از اراضی زراعی و باغات موضوع نقشه‌های مذکور بعد از تفکیک می‌باشند و در هر حال تغییر کاربری این اراضی به مسکونی ممنوع است

ماده ۱۷ - کلیه مراجعی که در محدوده (قانونی و حریم یا خارج از حریم شهرها، در داخل شهرکها و شهرهای جدید و حریم آنها و همچنین روستاها، برخلاف مفاد این قانون تصمیم گیری کرده و یا به هر نحو به ساخت و سازهای غیرقانونی اقدام نموده یا موثر در احداث بناهای خلاف باشند، متخلف محسوب و طبق مقررات با آنها رفتار خواهد شد. ماده ۱۸ - درج شماره تاریخ و نام صادر کننده مجوز در آگهی های تفکیک و فروش اراضی موضوع این قانون الزامی است و آگهی های فاقد مشخصات مذکور، غیر قابل چاپ و تبلیغ در مطبوعات، صدا و سیما و سایر رسانه‌های گروهی و نصب در اماکن عمومی می‌باشند و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اقدامات لازم را در جهت تحقق این موضوع به عمل خواهد آورد و وزارت مسکن و شهرسازی نیز موظف است هرگونه تخلف از این ماده را پیگیری نماید. ماده ۱۹ - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، وزارت بازرگانی و وزارت تعاون مکلفند حسب مورد به روشهای مقتضی به تمامی بنگاه های معاملات املاک و مستغلات دفاتر اسناد رسمی و شرکتهای تعاونی ابلاغ نمایند که در اجرای مفاد ماده (۶) قانون از تنظیم مبیعه نامه و نظایر آنها برای زمینهای موضوع این قانون که فاقد نقشه‌های تفکیک مصوب مرجع قانونی است، اکیدا خودداری نمایند. تبصره - وزارت بازرگانی و وزارت تعاون موظفند حسب مورد در صورت مشاهده تخلف از قانون و این آیین نامه توسط بنگاههای معاملات ملکی و شرکتهای تعاونی و یا دریافت گزارش از سوی وزارت مسکن و شهرسازی مبنی بر وقوع تخلف، برخورد لازم را با متخلفان به ترتیب برابر قانون نظام صنفی و قانون تعاون به عمل آورند. ماده ۲۰ - وزارت مسکن و شهرسازی در اجرای صحیح قانون به محض اطلاع از وقوع تخلف از قانون و این آیین نامه پس از احراز آن، متخلفان را همراه ادله و مدارک مربوط جهت رسیدگی و صدور رای مقتضی به مراجع صالح قضایی معرفی و تا حصول نتیجه مراتب را پیگیری نموده و همچنین وزارت مذکور و سایر مراجع ذی ربط می‌توانند ابطال اقدامات خلاف، اعاده وضعیت به حالت سابق و نیز جبران خسارات وارد شده به دولت را مطابق مقررات مربوط، از مقامات قضایی درخواست نمایند. ماده ۲۱ - دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مسئولیت نظارت عالی بر حسن انجام این قانون و آیین نامه را بر عهده خواهد داشت

قانون معافیت کلیه دانشجویان بورسیه و اعضای هیات علمی که جهت تحصیلات عالی یا استفاده از فر

ماده یک - از تاریخ اجرای این قانون کلیه دفاتر اسناد رسمی از انجام هر نوع معاملات مربوط به وسایل نقلیه موتوری ممنوع بوده و هرگونه معامله و نقل و انتقال وسایل نقلیه موتوری فقط در یگانهای راهنمایی و رانندگی مجاز به شماره گذاری وسایل نقلیه موتوری در کشور به ترتیبی که در این قانون و آیین نامه اجرایی آن تعیین می‌گردد انجام خواهد شد. ماده دو - اداره راهنمایی و رانندگی تهران و شهربانی شهرستانها مکلفند برای هر نوع وسیله نقلیه موتوری شناسنامه تنظیم نموده و کلیه نقل و انتقالات وسایل نقلیه موتوری را در این شناسنامه ثبت نمایند تبصره - مشخصات نحوه و ترتیب تنظیم این شناسنامه‌ها به موجب آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ماده سه - هر نوع جعل و تزویر در این شناسنامه‌ها و اسناد مربوط به آن جعل در اسناد دولتی محسوب و مرتکبین به مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط محکوم خواهند شد. ماده چهار - صدور المثنی برای این شناسنامه‌ها به موجب ضوابط و مقررات مندرج در آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ماده پنج - هر نوع نقل و انتقال اعم از خرید و فروش صلح هبه و غیره نسبت به کلیه تاکسی‌ها و اتومبیلهای سواری تولید کارخانجات داخلی و وانت ها اعم از ساخت داخل یا خارج تا سه سال تمام از تاریخ شماره گذاری ممنوع می‌باشد. تبصره ۱ - اتومبیلهای هشت سیلندر از شمول این ماده مستثنی می‌باشند. تبصره ۲ - نقل و انتقالات مربوط به مقررات ارث از شمول این ماده مستثنی می‌باشد ماده شش - کلیه وکالتنامه هایی که در مورد نقل و انتقالات موضوع ماده ۵ این قانون توسط دفاتر اسناد رسمی تنظیم می‌گردد در صورتی دارای اعتبار قانونی است که تاریخ تنظیم آنها سه سال تمام بعد از تاریخ شماره گذاری اتومبیل باشد. تبصره - سردفتران و دفتریاران متخلف از اجرای این قانون به انفصال موقت از اشتغال

به سردفتری و دفتریاری از سه ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد. ماده هفت - تاریخ اجرای این قانون در تهران پس از سه ماه از تاریخ تصویب آیین نامه اجرایی و در شهرستانها بعد از شش ماه از تاریخ تصویب آیین نامه اجرایی خواهد بود و کلیه نقل و انتقالات و وسایل نقلیه موتوری قبل از اجرای این قانون کمافی السابق انجام خواهد پذیرفت ماده هشت - آیین نامه اجرایی این قانون ظرف دو ماه از تاریخ تصویب توسط اداره راهنمایی و رانندگی تهیه و به تصویب وزرا کشور، دادگستری و بازرگانی خواهد رسید. ماده نه - کارخانجات داخلی مکلف به رعایت ضوابط مقرر در آیین نامه اجرایی این قانون می‌باشند. ماده ده - از تاریخ اجرای این قانون تبصره ماده ده قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی و سایر قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو می‌گردد.

لایحه قانونی نحوه نقل و انتقالات و وسایل نقلیه موتوری - مصوب ۲۵.۴.۱۳۵۹

ماده یک - از تاریخ اجرای این قانون کلیه دفاتر اسناد رسمی از انجام هر نوع معاملات مربوط به وسایل نقلیه موتوری ممنوع بوده و هرگونه معامله و نقل و انتقال وسایل نقلیه موتوری فقط در یگانهای راهنمایی و رانندگی مجاز به شماره گذاری وسایل نقلیه موتوری در کشور به ترتیبی که در این قانون و آیین نامه اجرایی آن تعیین می‌گردد انجام خواهد شد. ماده دو - اداره راهنمایی و رانندگی تهران و شهربانی شهرستانها مکلفند برای هر نوع وسیله نقلیه موتوری شناسنامه تنظیم نموده و کلیه نقل و انتقالات و وسایل نقلیه موتوری را در این شناسنامه ثبت نمایند تبصره - مشخصات نحوه و ترتیب تنظیم این شناسنامه‌ها به موجب آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ماده سه - هر نوع جعل و تزویر در این شناسنامه‌ها و اسناد مربوط به آن جعل در اسناد دولتی محسوب و مرتکبین به مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط محکوم خواهند شد. ماده چهار - صدور المثنی برای این شناسنامه‌ها به موجب ضوابط و مقررات مندرج در آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ماده پنج - هر نوع نقل و انتقال اعم از خرید و فروش صلح هبه و غیره نسبت به کلیه تاکسی‌ها و اتومبیلهای سواری تولید کارخانجات داخلی و وانت ها اعم از ساخت داخل یا خارج تا سه سال تمام از تاریخ شماره گذاری ممنوع می‌باشد. تبصره ۱ - اتومبیلهای هشت سیلندر از شمول این ماده مستثنی می‌باشند. تبصره ۲ - نقل و انتقالات مربوط به مقررات ارث از شمول این ماده مستثنی می‌باشد ماده شش - کلیه وکالتنامه هایی که در مورد نقل و انتقالات موضوع ماده ۵ این قانون توسط دفاتر اسناد رسمی تنظیم می‌گردد در صورتی دارای اعتبار قانونی است که تاریخ تنظیم آنها سه سال تمام بعد از تاریخ شماره گذاری اتومبیل باشد. تبصره - سردفتران و دفتریاران متخلف از اجرای این قانون به انفصال موقت از اشتغال به سردفتری و دفتریاری از سه ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد. ماده هفت - تاریخ اجرای این قانون در تهران پس از سه ماه از تاریخ تصویب آیین نامه اجرایی و در شهرستانها بعد از شش ماه از تاریخ تصویب آیین نامه اجرایی خواهد بود و کلیه نقل و انتقالات و وسایل نقلیه موتوری قبل از اجرای این قانون کمافی السابق انجام خواهد پذیرفت ماده هشت - آیین نامه اجرایی این قانون ظرف دو ماه از تاریخ تصویب توسط اداره راهنمایی و رانندگی تهیه و به تصویب وزرا کشور، دادگستری و بازرگانی خواهد رسید. ماده نه - کارخانجات داخلی مکلف به رعایت ضوابط مقرر در آیین نامه اجرایی این قانون می‌باشند. ماده ده - از تاریخ اجرای این قانون تبصره ماده ده قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی و سایر قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو می‌گردد.

قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایر

ماده ۱ - از ابتدای سال ۱۳۸۲ برقراری و دریافت هر گونه وجوه از جمله مالیات و عوارض اعم از ملی و محلی از تولیدکنندگان

کالاها، ارایه دهندگان خدمات و همچنین کالاهای وارداتی صرفاً به موجب این قانون صورت می‌پذیرد و کلیه قوانین و مقررات مربوط به برقراری اختیار و یا اجازه برقراری و دریافت وجوه که توسط هیات وزیران، مجامع، شوراها و سایر مراجع وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، موسسات و شرکتهای دولتی از جمله آن دسته از دستگاه‌های اجرایی که شمول قوانین بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است همچنین موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی صورت می‌پذیرد به استثناء (قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۳۱۲۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن، قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۷۶۱۳۷۲، قانون مقررات تردد و سایل نقلیه خارجی مصوب ۱۲۴۱۳۷۳، عوارض آزاد راهها، عوارض موضوع ماده (۱۲) قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۲۱۲۱۳۷۴ و عوارض موضوع بند (ب) ماده (۴۶)، بند (ب) ماده (۱۳۰) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۱۳۲) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۷۱۱۳۷۹) لغو می‌گردد. تبصره ۱ - هزینه کارمزد و سایر وجوهی که از درخواست کننده در ازا ارایه مستقیم خدمات خاص و یا فروش کالا که طبق قوانین و مقررات مربوطه دریافت می‌شود و همچنین خسارات و جرایمی که به موجب قوانین و یا اختیارات قانونی لغو نشده دریافت می‌گردد، از شمول این ماده مستثنی می‌باشند. تبصره ۲ - از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، بند (ج) ماده (۱۹)، ماده (۱۴۵)، ماده (۱۶۸) و بند (ب) ماده (۱۷۵) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ لغو گردیده و در بند (ب) ماده (۱۹) آن قانون عبارت چهل و هشت درصد (۴۸٪) به پنجاه درصد (۵۰٪) اصلاح می‌شود. ماده ۲ - حقوق گمرکی، مالیات، حق ثبت سفارش کالا، انواع عوارض و سایر وجوه دریافتی از کالاهای وارداتی جمع‌گردیده و معادل چهار درصد (۴٪) ارزش گمرکی کالاها تعیین می‌شود. به مجموع این دریافتی و سود بازرگانی که طبق قوانین مربوطه توسط هیات وزیران تعیین می‌شود حقوق ورودی اطلاق می‌گردد. تبصره ۱ - نرخ حقوقی ورودی علاوه بر رعایت سایر قوانین و مقررات می‌بایست به نحوی تعیین گردد که الف - در راستای حمایت موثر از اشتغال و کالای تولید یا ساخت داخل در برابر کالای وارداتی باشد. ب - در برگیرنده نرخ ترجیحی و تبعیض آمیز بین واردکنندگان دولتی یا بخشهای خصوصی، تعاونی و غیر دولتی نباشند. ج - نرخ حقوق ورودی قطعات، لوازم و موادی که برای مصرف در فرآوری یا ساخت یا مونتاژ یا بسته بندی اشیا یا مواد یا دستگاهها وارد می‌گردند از نرخ حقوق ورودی محصول فرآوری شده یا شی یا ماده یا دستگاه آماده پایین تر باشد. تبصره ۲ - حق ثبت سفارش پرداختی کالاهایی که تا پایان سال ۱۳۸۱ اظهار و ترخیص نشده‌اند به عنوان علی الحساب حقوق ورودی محسوب می‌شود. تبصره ۳ - معادل دوازده در هزار ارزش گمرکی کالاهای وارداتی که حقوق ورودی آنها وصول می‌شود از محل اعتباراتی که همه ساله در قوانین بودجه سنواتی کل کشور منظور می‌شود در اختیار وزارت کشور (سازمان شهرداریها) قرار می‌گیرد تا به نسبت هفتاد درصد (۷۰٪) میان شهرداری‌ها و سی درصد (۳۰٪) میان دهیاری‌های سراسر کشور به عنوان کمک پرداخت و به هزینه قطعی منظور شود. تبصره ۴ - کلیه قوانین و مقررات مربوط به معافیت‌های حقوق ورودی به استثنای معافیت‌های موضوع ماده (۶) و بندهای (۱)، (۲)، (۴) تا (۹) و (۱۲) تا (۱۹) ماده (۳۷) قانون امور گمرکی مصوب ۱۷۳۱۳۵۰ و معافیت لایحه قانونی راجع به ماشین آلات تولیدی که توسط واحدهای تولیدی، صنعتی و معدنی مجاز وارد می‌شود از پرداخت حقوق ورودی مصوب ۲۴۲۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی ایران و معافیت گمرکی لوازم امدادی اهدایی به جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و اقلام عمده صرفاً دفاعی کشور لغو می‌گردد. ماده ۳ - مالیات و عوارض دریافتی از کالاها به شرح زیر تعیین می‌گردد الف - انواع نوشابه‌های گازدار ساخت داخل (به استثناء نوشابه‌های حاصل از فرآورده‌های لبنی و کنسانتره انواع میوه و آب معدنی که با وسایل ماشینی تهیه می‌شوند و همچنین شربت‌های غلیظ تولیدی مورد استفاده در دستگاههای نوشابه‌سازی کوچک (دستگاه پست میکس که به منظور تهیه نوشابه به‌بازار عرضه می‌گردد پانزده درصد (۱۵٪) بهای فروش کارخانه [دوازده درصد (۱۲٪) مالیات و سه درصد (۳٪) عوارض. ب - سیگار تولید داخل پانزده درصد (۱۵٪) بهای فروش کارخانه [دوازده درصد (۱۲٪) مالیات و سه درصد (۳٪) عوارض. ج -

بنزین بیست درصد (۲۰٪) قیمت مصوب فروش [ده درصد (۱۰٪) مالیات و ده درصد (۱۰٪) عوارض] د - نفت سفید و نفت گاز ده درصد (۱۰٪) و نفت کوره پنج درصد (۵٪) قیمت مصوب فروش (به عنوان عوارض ه - سایر کالاهای تولیدی (به استثنای محصولات بخش کشاورزی که امکان استفاده از آنها به عنوان محصول نهایی وجود دارد مطابق فهرستی که به پیشنهاد کار گروهی مرکب از وزیر امور اقتصادی و دارایی (رییس)، وزیرای بازرگانی صنایع و معادن و کشور و رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تا پانزدهم بهمن ماه هر سال برای سال بعد به تصویب هیات وزیران می‌رسد سه درصد (۳٪) قیمت فروش [دو درصد (۲٪) مالیات و یک درصد (۱٪) عوارض]. آن دسته از محصولات صنایع آلوده کننده محیط زیست به تشخیص و اعلام (تا پانزدهم اسفند ماه هر سال برای اجرا در سال بعد) سازمان حفاظت محیط زیست که در فهرست فوق قرار نمی‌گیرند یک درصد (۱٪) قیمت فروش (به عنوان عوارض تبصره ۱ - مالیات و عوارض بندهای (ج) و (د) علاوه بر قیمت مصوب فروش محصولات مربوطه که به موجب قوانین تعیین می‌شود در قیمت فروش نهایی محاسبه و منظور می‌شود. تبصره ۲ - مالیات و عوارض بندهای (الف) و (ه) این ماده در خصوص کالاهای صادراتی طبق قانون برنامه سوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران معاف و در خصوص آن دسته از کالاهایی که توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر از تولید کننده نهایی کالا صادر می‌شوند مطابق رسیدهای معتبر واریزی مربوطه، حسب مورد از محل درآمد مالیاتی مربوط و عوارض وصولی قابل اختصاص به وزارت کشور (سازمان شهرداری‌ها) قابل استرداد می‌باشد. نحوه استرداد به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد. ماده ۴ - مالیات و عوارض دریافتی از برخی خدمات به شرح زیر تعیین می‌گردد الف - خدمات مخابرات از قبیل آبونمان تلفنهای ثابت و همراه کارکرد مکالمات داخلی و خارجی خدمات بین المللی، کارتهای اعتباری معادل شش درصد (۶٪) قیمت خدمات [پنج درصد (۵٪) مالیات و یک درصد (۱٪) عوارض]. ب - واگذاری خطوط تلفن همراه معادل بیست درصد (۲۰٪) قیمت واگذاری (به عنوان مالیات ج - برق و گاز مصرفی مشترکین (به استثنا مصارف صنعتی معدنی و کشاورزی و همچنین آب مصرفی مشترکین در حوزه استحفاظی شهرها سه درصد (۳٪) بهای مصرفی آنها (به عنوان عوارض د - خدمات هتل متل مهمانسرا، هتل آپارتمان مهمان‌پذیر، مسافرخانه، تالارها و باشگاهها دو درصد (۲٪) هزینه (به عنوان عوارض ه - حمل و نقل برون شهری مسافر در داخل کشور با وسایل زمینی، ریلی، دریایی و هوایی پنج درصد (۵٪) بهای بلیط (به عنوان عوارض و - عوارض سالیانه انواع خودروهای سواری و وانت دو کابین اعم از تولید داخل یا وارداتی حسب مورد معادل یک در هزار قیمت فروش کارخانه (داخلی و یا یک در هزار مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی آنها. ز - شماره گذاری انواع خودروهای سواری و وانت دو کابین اعم از تولید داخل و یا وارداتی به استثنا خودروهای سواری عمومی درون شهری یا برون شهری حسب مورد سه درصد (۳٪) قیمت فروش کارخانه (داخلی و یا سه درصد (۳٪) مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی آنها] دو درصد (۲٪) مالیات و یک درصد (۱٪) عوارض. ح - مالیات نقل و انتقال انواع خودرو به استثنا ماشین آلات راهسازی، معدنی، کشاورزی، شناورها، موتورسیکلت و سه چرخه موتوری اعم از تولید داخل یا وارداتی، حسب مورد معادل یک درصد (۱٪) قیمت فروش کارخانه (داخلی و یا یک درصد (۱٪) مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی آنها. مبنای محاسبه این مالیات به ازای سپری شدن یک سال از عمر خودرو (و حداکثر تا پنج سال به میزان ده درصد (۱۰٪) (و حداکثر تا پنجاه درصد (۵۰٪)) تقلیل می‌یابد. ط - به پیشنهاد کار گروهی متشکل از وزیر امور اقتصادی و دارایی (رییس)، وزیر بازرگانی وزیر ذی ربط و رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و تصویب هیات وزیران وجوهی بابت صدور، تمدید و یا اصلاح انواع کارتها و مجوزهای مربوط به فعالیت موضوع مواد (۲۴)، (۲۶) و (۴۷) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۲۷۱۱۱۳۸۰ و ماده (۸۰) قانون وصول برخی از درآمدهای دولتی و مصرف آن در موارد معین مصوب ۲۸۱۲۱۳۷۳ از متقاضیان دریافت و به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل کشور) واریز می‌گردد. ی - به دولت اجازه داده می‌شود بابت خروج مسافر

از مرزهای هوایی برای نوبت اول در هر سال یکصد هزار (۱۰۰۰۰۰) ریال و برای نوبتهای بعدی در همان سال مبلغ یکصد و پنجاه هزار (۱۵۰۰۰۰) ریال و از مرزهای دریایی و زمینی مبلغ سی هزار (۳۰۰۰۰) ریال از مسافران دریافت و به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه داری کل کشور) واریز نماید. تغییرات این مبالغ هر سه سال یک بار با توجه به نرخ تورم یا تصویب هیات وزیران تعیین می گردد. تبصره ۱ - قیمت فروش کارخانه (داخلی و یا مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی انواع خودروها که مبنای محاسبه مالیات و عوارض بندهای (و)، (ز) و (ح) این ماده قرار می گیرند، همه ساله بر اساس آخرین مدل توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تا پانزدهم بهمن ماه هر سال برای اجرا در سال بعد اعلام خواهد شد. این مهلت زمانی برای انواع جدید خودروهایی که بعد از تاریخ مزبور تولید آنها شروع می شود لازم الرعایه نمی باشد. همچنین قیمت فروش یا مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی خودروهایی که تولید آنها متوقف می شود توسط وزارت یاد شده و متناسب با آخرین مدل ساخته شده تعیین می گردد. تبصره ۲ - تنظیم سند وثیقه و کالت خرید و خروج موقت برای خودرو، مشمول مالیات نقل و انتقال موضوع بند (ح) این ماده نمی باشد. دفاتر اسناد رسمی مکلفند قبل از تنظیم سند مربوط به انواع خودرو رسید و یا گواهی پرداخت عوارض موضوع بند (و) این ماده و همچنین رسید پرداخت مالیات موضوع بند (ح) این ماده را از فروشنده اخذ نموده و ضمن درج شماره فیش بانکی و تاریخ و مبلغ و نام بانک دریافت کننده مالیات و نیز فیش بانکی و یا گواهی پرداخت عوارض موضوع بند (و) و همچنین نوع و مشخصات خودرو در سند تنظیمی فهرست کامل نقل و انتقالات خودروها را هر پانزده روز یک بار به ادارات مالیاتی ذی ربط ارسال نمایند. در صورت تخلف از این حکم علاوه بر پرداخت مالیات و عوارض متعلقه و جرایم موضوع این قانون مشمول جریمه ای معادل پنجاه درصد (۵۰٪) مالیات و عوارض متعلقه خواهد بود. (۱) فسخ و اقاله معامله خودرو تا سه ماه بعد از معامله مشمول مالیات نقل و انتقال مجدد نخواهد شد و تنها در صورتی که پس از پرداخت مالیات، معامله انجام نشود، مالیات وصول شده طبق قوانین و مقررات مالیات مستقیم مسترد می گردد. تبصره ۳ - اولین انتقال خودرو از کارخانجات سازنده و یا مونتاژ کننده داخلی و یا واردکنندگان (نمایندگیهای رسمی شرکتهای سازنده خودروهای خارجی به خریداران مشمول پرداخت مالیات نقل و انتقال موضوع بند (ح) این ماده نخواهد بود. ماده ۵ - برقراری هر گونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی و کالاهای تولیدی و همچنین آن دسته از خدمات که در ماده (۴) این قانون، تکلیف مالیات و عوارض آنها معین شده است، همچنین برقراری عوارض به درآمدهای مأخذ محاسبه مالیات سود سهام شرکتهای سود اوراق مشارکت، سود سپرده گذاری و سایر عملیات مالی اشخاص نزد بانکها و موسسات اعتباری غیربانکی مجاز توسط شوراهای اسلامی و سایر مراجع ممنوع می باشد. تبصره ۱ - وضع عوارض محلی جدید و یا افزایش نرخ هر یک از عوارض محلی، می بایستی حداکثر تا پانزدهم بهمن ماه هر سال برای اجرا در سال بعد تصویب و اعلام عمومی گردد. تبصره ۲ - عبارت (پنج در هزار) مندرج در ماده (۲) قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۷۹۱۳۴۷ به عبارت (یک درصد (۱٪)) اصلاح می شود. تبصره ۳ - قوانین و مقررات مربوط به اعطای تخفیف یا معافیت از پرداخت عوارض یا وجوه به شهرداری ها ملغی می گردد. تبصره ۴ - وزارت کشور موظف است بر حسن اجرای این ماده در سراسر کشور نظارت نماید. ماده ۶ - الف - مالیاتهای موضوع مواد (۳) و (۴) این قانون به حساب یا حسابهای درآمد عمومی مربوط که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی (خزانه داری کل کشور) تعیین و از طریق سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می شود، واریز می گردد. ب - عوارض موضوع بندهای (الف) و (ه) ماده (۳) و عوارض موضوع بندهای (الف)، (ج)، (د)، (ه) و (و) ماده (۴) این قانون در مورد واحدهای تولیدی، خدماتی و مشترکین واقع در داخل حریم شهرها به حسابی که توسط شهرداری محل تولید یا فعالیت اعلام می شود واریز می گردد. ج - عوارض مشروحه بند (ب) این ماده در مورد واحدهای تولیدی خدماتی و مشترکین واقع در خارج حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور (سازمان شهرداریها) واریز می شود تا بین دهیارهای همان شهرستان توزیع شود. د - عوارض موضوع بندهای (ب)، (ج) و (د) ماده (۳) و عوارض موضوع بند (ز) ماده (۴) این قانون به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور

(سازمان شهرداریها) واریز می‌شود تا به نسبت پانزده درصد (۱۵٪) کلان شهرها (شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت و شصت و پنج درصد (۶۵٪) سایر شهرها و بیست درصد (۲۰٪) دهیاری‌ها تحت نظر کارگروهی متشکل از نمایندگان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان شهرداری‌ها توزیع گردد. تبصره ۱ - حساب تمرکز وجوه قید شده در بندهای (ج و د) این ماده توسط خزانه داری کل کشور به نام وزارت کشور (سازمان شهرداری‌ها) افتتاح می‌شود. وجوه واریزی به این حساب مطابق آیین‌نامه اجرایی که به پیشنهاد مشترک وزارت کشور و شورای عالی استانها به تصویب هیات وزیران می‌رسد بین شهرداری‌ها و دهیاری‌ها توزیع می‌شود. هرگونه برداشت از این حساب به جز پرداخت به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها ممنوع می‌باشد. سازمان شهرداری‌ها موظف است گزارش عملکرد وجوه دریافتی را هر سه ماه یک بار به شورای عالی استانها ارایه نماید. تبصره ۲ - تولید کنندگان کالاهای موضوع ماده (۳) و همچنین ارایه دهندگان خدمات موضوع ماده (۴) این قانون مکلفند مالیات و عوارض موضوعه را در مبادی تولید یا ارایه خدمات با درج در سند فروش از خریداران کالا یا خدمات اخذ و تا پایان دو ماه بعد به حسابهای بانکی تعیین شده واریز نمایند. اشخاص یاد شده موظفند مدارک و اطلاعات مورد نیاز را طبق فرمهایی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور تعیین و اعلام می‌گردد به واحدهای اجرایی سازمان یاد شده و نسخه‌ای از واریزی عوارض مربوط به شهرداری محل را به همان شهرداری ارایه دهند. شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی مالیات و عوارض مربوط به بندهای (ج و د) ماده (۳) را در محلهای عرضه محصولات محاسبه و از خریداران دریافت و مطابق این تبصره عمل خواهد نمود. تبصره ۳ - وجوه دریافتی موضوع مواد (۳) و (۴) این قانون که توسط سازمان امور مالیاتی کشور وصول می‌گردد مشمول احکام ماده (۲۱۱) به بعد فصل نهم باب چهارم قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۳۱۲۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی است پرداخت مالیات و عوارض پس از موعد مقرر موجب تعلق جریمه‌ای معادل دو و نیم درصد (۵۲٪) به ازای هر ماه تأخیر خواهد بود. این جریمه قابل بخشودگی نیست تبصره ۴ - مطالبات سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان از اشخاص حقیقی یا حقوقی بابت مابه‌التفاوتهایی که تا پایان سال ۱۳۸۱ ایجاد شده باشد با همکاری سازمان امور مالیاتی کشور و طبق مقررات اجرایی قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۳۱۲۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن قابل وصول خواهد بود. ماده ۷ - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است متناسب با درآمد پیش بینی شده دولت ناشی از اجرای این قانون، اعتبارات حذف شده در دستگاهها را در لوایح سنواتی بودجه و در اعتبارات مربوط به همان دستگاه منظور نماید. ماده ۸ - در مواردی از این قانون که محاسبه مالیات عوارض و سایر وجوه تعیین شده به ارقامی دارای کسر یکصد ریال منجر شود، یکصدریال قابل احتساب خواهد بود. ماده ۹ - آیین‌نامه اجرای این قانون ظرف سه ماه از تاریخ تصویب به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، کشور و صنایع و معادن و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد. ماده ۱۰ - کلیه قوانین و مقررات خاص و عام مغایر با این قانون لغو می‌گردد. ۱ - هیئت عمومی دیوان عدالت اداری طبق رأی شماره ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ مورخ ۲۵۸۴ مقرر نمود الف - حکم مقرر در صدر تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولید کنندگان کالا، ارایه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱ مصرح در عدم شمول مالیات موضوع بند (ح) ماده مزبور در موارد تنظیم سند وثیقه، وکالت خرید و خروج موقت برای خودرو و همچنین به قرینه تکلیف دفاتر اسناد رسمی به اخذ رسید یا گواهی پرداخت مالیات و عوارض از فروشنده مفید اختصاص حکم قانونگذار به اخذ مالیات و عوارض در صورت نقل و انتقال قطعی خودرو لزوم تنظیم سند انتقال در دفاتر اسناد رسمی است بنا به جهات فوق الذکر و عنایت به اصل ۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که وضع هرگونه مالیات را منحصر از طریق قانون مجاز اعلام داشته است مفاد تبصره یک ماده ۱۱ آیین‌نامه مورد اعتراض که مفهوم تسری حکم مقنن به اخذ مالیات و عوارض در صورت تنظیم هر نوع سند (شرطی، اجاره‌ای، رهنی، صلح، وکالتی و غیره و همچنین تبصره ۵ ماده ۱۱ آیین‌نامه که مبین تفویض

صلاحیت تنظیم سند انتقال توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ادارات راهنمایی و رانندگی در خارج از سیستم سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود. ب - مستفاد از حکم مقرر در قسمت دوم تبصره ۲ ماده ۴ قانون مذکور با عنایت به عدم جواز دریافت مالیات و عوارض مضاعف در مورد نقل و انتقال قطعی خودرو، الزام دفاتر اسناد رسمی به پرداخت مالیات و عوارض متعلقه و جرایم مقرر در تبصره ۲ ماده ۴ قانون مزبور منحصرناظر به تنظیم سند رسمی انتقال قطعی در صورت عدم پرداخت مالیات و عوارض مربوط توسط فروشنده است بنابراین سیاق عبارات تبصره یک ماده ۱۱ آیین‌نامه مزبور که مفهوم الزام دفاتر اسناد رسمی به پرداخت مالیات و عوارض و جرایم موضوع این قانون حتی در صورت پرداخت مالیات و عوارض مقرر قبل از تنظیم سند رسمی توسط فروشنده می‌باشد خلاف هدف و حکم مقنن در این باب است ج - طبق تبصره ۳ ماده ۴ قانون موسوم به تجمیع عوارض پرداخت مالیات و عوارض پس از موعد مقرر موجب تعلق جریمه‌ای معادل ۵۲٪ به ازا هرماه تاخیر خواهد بود. بنابراین مدول قسمت آخر ماده ۲۹ آیین‌نامه اجرایی قانون که دریافت جریمه فوق‌الاشعار را به صورت روز شمار اعلام داشته خلاف حکم مقنن در این باب است بنا بر مراتب مذکور تبصره های یک و ۵ ماده ۲۹ آیین‌نامه اجرایی قانون مستندا به قسمت دوم ماده ۲۱۵ اقتصادی و دارایی و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در خصوص شرایط مربوط به تنظیم سند انتقال خودرو و لزوم تعیین مشخصات دقیق مالک و ضرورت تصریح در مورد اختیار وکیل به انتقال خودروی متعلق به موکل تبصره ۳ ماده ۱۱ آیین‌نامه قانون خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی نمی‌باشد.

آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارایه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۲۸ ۱۲ ۱۳۸۱

فصل اول تعاریف (ماده ۱)

ماده ۱ - واژه ها و اصطلاحات به کار برده شده در این آیین‌نامه به شرح زیر تعریف می‌شوند الف - قانون قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارایه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۲۲ ۱۰ ۱۳۸۱. ب - عوارض محلی عوارضی است که به استناد تبصره (۱) ماده (۵) قانون و با رعایت مقررات مندرج در قانون تشکیلات و وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱ ۳ ۱۳۷۵ و آیین‌نامه اجرایی آن توسط شوراهای اسلامی کشوری وضع می‌گردد. پ - تولیدکنندگان کالا - اشخاص حقیقی و حقوقی سازنده و مونتاژکننده کالاهای موضوع قانون می‌باشند. ت - ارایه دهندگان خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی ارایه دهنده خدمات موضوع قانون می‌باشند. ث - ارزش گمرکی تابع تعریف مقرر در ماده (۱۰) قانون امور گمرکی مصوب ۳۰ ۳ ۱۳۵۰ و اصلاحات بعدی آن می‌باشد. ج - حقوق ورودی چهاردرصد ارزش گمرکی کالاهای وارداتی به اضافه سود بازرگانی است که طبق قوانین مربوط توسط هیئت وزیران تعیین می‌شود در قالب یک نرخ برای هر ردیف تعرفه در جداول ضمیمه آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات درج می‌گردد. چ - حریم شهر حریم شهر از نظر قانون، تابع تعریف مقرر در قانون شهرداری ها می‌باشد. ح - حوزه استحقاقی حوزه استحقاقی از نظر قانون تابع مقررات مقرر در تبصره (۴) ذیل ماده (۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب سال ۱۳۶۲ و اصلاحات بعدی آن می‌باشد. خ - مودی اشخاصی که به تولید کالا و ارایه خدمات موضوع قانون مبادرت می‌نمایند و مشمول مقررات مربوط خواهند بود.

فصل دوم - تکالیف تولید کنندگان کالا (ماده ۲ تا ۵)

ماده ۲ - شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران مکلف است مالیات و عوارض مربوط به بندهای (ج و د) ماده (۳) قانون را بر اساس قیمت مصوب فروش محاسبه و از خریداران اخذ و مالیات و عوارض مذکور را به ترتیب به حساب سازمان امور مالیاتی کشور و حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور (سازمان شهرداری های کشور) که از طریق سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می شود، واریز نماید. تبصره - مالیات و عوارض موضوع این ماده علاوه بر قیمت مصوب مربوط که به موجب قوانین و مقررات تعیین می گردد، در قیمت فروش نهایی محاسبه و منظور می گردد. ماده ۳ - تولید کنندگان کالاهای موضوع بندهای (الف و ه) ماده (۳) قانون مکلفند مالیات و عوارض موضوع بندهای مذکور را با درج در صورت حساب های صادر شده یا اسناد فروش از خریداران کالا- اخذ و مالیات را به حساب سازمان امور مالیاتی کشور و عوارض واحدهای تولیدی داخل حریم شهر را به حساب شهرداری محل و در خصوص واحدهای تولیدی خارج از حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور (سازمان شهرداری های کشور) که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می شود، واریز نمایند. ماده ۴ - شرکت دخانیات ایران و سایر تولید کنندگان سیگار مکلفند مالیات و عوارض موضوع بند (ب) ماده (۳) قانون را با درج در صورت حسابهای صادر شده و یا اسناد فروش از خریداران کالا- اخذ و مالیات و عوارض را به ترتیب به حساب سازمان امور مالیاتی کشور و حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور (سازمان شهرداری های کشور) که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می شود، واریز نمایند. ماده ۵ - تولید کنندگان انواع خودروهای سواری و وانت دو کابین تولید داخل (به استثنای خودروهای سواری که به عنوان خودروی عمومی شماره گذاری می شود) مکلفند مالیات و عوارض موضوع بند (ز) ماده (۴) قانون (مالیات و عوارض شماره گذاری را با درج در اسناد فروش از خریداران اخذ و مالیات و عوارض مذکور را به ترتیب به حساب سازمان امور مالیاتی کشور و حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور (سازمان شهرداری های کشور) که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می شود، واریز نمایند. تبصره ۱ - مالکان خودروهای سواری و وانت دو کابین وارداتی (به استثنای خودروهای سواری که به عنوان خودرو عمومی شماره گذاری می شوند) مکلفند قبل از شماره گذاری با مراجعه به ادارات امور مالیاتی شهر محل شماره گذاری نسبت به پرداخت مالیات و عوارض موضوع این ماده اقدام نمایند. تبصره ۲ - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (معاونت راهنمایی و رانندگی مکلف است قبل از شماره گذاری انواع خودروهای سواری و وانت دو کابین وارداتی به استثنای خودروهای سواری عمومی درون شهری یا برون شهری ، گواهی پرداخت مالیات و عوارض را از مالکان اخذ و ضمیمه اسناد مربوط نماید و از شماره گذاری خودروهای مزبور که مالیات و عوارض آن پرداخت نشده است خودداری نماید. گواهی مزبور توسط اداره امور مالیاتی پس از وصول وجوه متعلق صادر خواهد شد.

فصل سوم - تکالیف ارایه دهندگان خدمات (ماده ۶ تا ۹)

ماده ۶ - شرکت مخابرات ایران و سایر اشخاص ارایه دهنده خدمات مخابراتی مکلفند مالیات و عوارض خدمات مخابراتی از قبیل آبونمان تلفنهای ثابت و همراه ، کارکرد مکالمات داخلی و خارجی ، خدمات بین المللی و کارتهای اعتباری موضوع بند (الف) ماده (۴) قانون را با درج در صورت حساب (اسناد فروش و به تفکیک از خریداران خدمات (مشترکین یا مشتریان مطابق نرخهای مقرر در قانون (پنج درصد مالیات و یک درصد عوارض اخذ و به حساب سازمان امور مالیاتی کشور و شهرداری محل حسب مورد واریز نمایند. تبصره ۱ - عوارض موضوع این ماده در خصوص مشترکان واقع در خارج از حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه به نام

وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، واریز گردد. تبصره ۲ - اشخاص موضوع این ماده مکلفند بیست درصد (۲۰٪) قیمت واگذاری خطوط جدید تلفن همراه موضوع بند (ب) ماده (۴) را به هنگام دریافت وجوه از خریداران اخذ و به حساب سازمان امور مالیاتی کشور واریز نمایند. ماده ۷ - اشخاص ارایه دهنده خدمات موضوع بند (ج) ماده (۴) قانون مکلفند عوارض برق و گاز مصرفی مشترکان (به استثنای مصارف صنعتی معدنی و کشاورزی را با نرخ (۳٪) سه درصد بهای مصرفی آنها با درج در صورت حساب از مشترکان مذکور اخذ و در خصوص مشترکان داخل حریم شهرها به حساب شهرداری محل و مشترکان خارج از حریم شهرها را به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، واریز نمایند. تبصره - اشخاص یاد شده مکلفند عوارض آب مصرفی مشترکان در حوزه استحفاظی شهرها را با نرخ سه درصد (۳٪) بهای مصرفی آنها با درج در صورت حساب از مشترکان اخذ و به حساب شهرداری محل واریز نمایند. ماده ۸ - واحدهای ارایه دهنده خدمات هتل، متل، مهمانسرا، هتل آپارتمان، مهمان پذیر، مسافر خانه، تالارها و باشگاهها مکلفند دو درصد (۲٪) هزینه خدمات ارایه شده (از قبیل اقامت غذا و غیره موضوع بند (د) ماده (۴) را به عنوان عوارض از مشتریان اخذ و به حساب شهرداری محل واریز نمایند. واحدهای مذکور مستقر در خارج از حریم شهرها مکلفند عوارض مزبور را به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، واریز نمایند. تبصره - منظور از تالارها و باشگاههای مذکور در این ماده مکانهایی هستند که جهت برگزاری مراسم مختلف در اختیار مشتریان قرار داده می‌شوند. ماده ۹ - اشخاصی که مبادرت به حمل و نقل برون شهری مسافر در داخل کشور با وسایل نقلیه زمینی ریلی دریایی و هوایی می‌نمایند، مکلفند پنج درصد (۵٪) بهای بلیط موضوع بند (ه) ماده (۴) قانون را با درج در بلیط به عنوان عوارض از مسافران اخذ و به حساب شهرداری محل فروش بلیط واریز نمایند. ماده ۱۰ - مالکان خودروهای سواری و وانت دو کابین اعم از تولید داخل یا وارداتی مکلفند از تاریخ اجرای قانون عوارض سالیانه خودروهای متعلق به خود را موضوع بند (و) ماده (۴) قانون به نرخ یک در هزار قیمت فروش کارخانه (داخلی و یا مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی وارداتی بر اساس قیمت‌های مندرج در جداولی که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان امور مالیاتی کشور) اعلام می‌گردد، محاسبه و به حساب شهرداری محل واریز نمایند. ماده ۱۱ - مالیات نقل و انتقال انواع خودرو به استثنای ماشین آلات راهسازی، معدنی، کشاورزی، شناورها، موتور سیکلت و سه چرخه موتوری اعم از تولید داخل یا وارداتی موضوع بند (ح) ماده (۴) حسب مورد معادل یک درصد (۱٪) قیمت فروش کارخانه (داخلی و یا یک درصد (۱٪) مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی آنها می‌باشد. تبصره ۱ - دفاتر اسناد رسمی مکلفند قبل از تنظیم هر نوع سند (قطعی، شرطی، اجاره ای، رهنی، صلح، وکالتی و غیره) مربوط به انواع خودرو، رسید و یا گواهی پرداخت عوارض مقرر در قانون و همچنین رسید پرداخت مالیات مربوط را طبق جداول تنظیمی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، از فروشنده اخذ و ضمن درج شماره فیش بانکی، تاریخ، مبلغ، نام بانک دریافت کننده مالیات و نیز فیش بانکی و یا گواهی پرداخت عوارض موضوع بند (و) ماده (۴) و همچنین نوع و مشخصات خودرو و نام متعاملین در سند تنظیمی، فهرست کامل نقل و انتقال خودروها را به انضمام تصویر نسخه مخصوص دفترخانه هر پانزده روز یک بار به ادارات امور مالیاتی ذی ربط ارسال نمایند. در صورت تخلف از این حکم علاوه بر پرداخت مالیات و عوارض متعلقه و جرایم موضوع تبصره (۳) ماده (۶) قانون، مشمول جریمه ای معادل پنجاه درصد (۵۰٪) مالیات و عوارض متعلقه خواهند بود. (سازمان امور مالیاتی کشور) (ادارات امور مالیاتی ذی ربط) موظف است ماهیانه نسخه ای از فهرست‌های دریافتی از دفاتر اسناد رسمی را در هر شهر به شهرداری محل ارایه نماید. تبصره ۲ - تنظیم سند وثیقه، وکالت خرید و خروج موقت خودرو، مشمول مالیات موضوع این ماده نخواهد بود. تبصره ۳ - دفاتر اسناد رسمی مکلفند در تنظیم وکالتنامه های کلی در مورد انتقال اموال، وکالت نسبت به خودرو را تصریح نمایند. تبصره ۴ - دفاتر اسناد رسمی مکلفند پس از تنظیم سند،

شماره سند و شماره دفترخانه را در نسخ قبض مالیاتی مخصوص پرداخت کننده و دفترخانه درج و نسخه خود را به انضمام اسناد مربوط نگهداری نمایند. تبصره ۵- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ادارات راهنمایی و رانندگی مکلف است پس از اخذ نسخه پرداخت شده قبض مالیات نقل و انتقال مربوط در خصوص نقل و انتقالات خارج از سیستم سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، نسبت به ثبت انتقال در سوابق اقدام نماید. تبصره ۶- فسخ و اقاله اسناد خودرو تا سه ماه بعد از معامله مشمول مالیات نقل و انتقال مجدد نخواهد شد. در صورتی که پس از پرداخت مالیات، معامله انجام نشود، مالیات وصول شده با گواهی دفتر اسناد رسمی مربوط طبق قوانین و مقررات مالیاتهای مستقیم مسترد می گردد ولی مالیات وصول شده از معامله ای که منجر به فسخ و اقاله شده است، قابل استرداد نمی باشد. تبصره ۷- پرداخت مالیات نقل و انتقال از طریق قبوض مخصوصی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور تهیه می گردد، انجام می گیرد، قبوض پرداخت مالیات در هر استان برای انجام معامله و تنظیم سند در همان استان قابل پذیرش می باشد. تبصره ۸- بانک ملی و شعب آن، مالیات نقل و انتقال خودرو را مطابق دستورالعمل اجرایی پرداخت مالیات از طریق سیستم بانکی، وصول خواهند نمود. ماده ۹- اولین انتقال خودرو از کارخانه‌های سازنده و یا مونتاژ کننده داخلی و یا واردکنندگان (نمایندگی های رسمی شرکتهای سازنده خودروهای خارجی) به خریداران مشمول پرداخت مالیات نقل و انتقال مقرر در قانون خواهد بود.

فصل چهارم تکالیف اشخاص ثالث (ماده ۱۲ تا ۱۷)

ماده ۱۲- گمرک ایران مکلف است حق ثبت سفارش پرداختی کالاهایی را که تا پایان سال ۱۳۸۱ اظهار نگردیده و ترخیص نشده‌اند، به عنوان علی الحساب حقوق ورودی محسوب و از تعهد حقوق ورودی وارد کنندگان کالا کسر و نسبت به استرداد اضافه پرداختی اقدام نماید. ماده ۱۳- گمرک ایران مکلف است در پایان هر ماه میزان ارزش گمرکی کالاهای وارداتی را که حقوق ورودی آنها دریافت گردیده است به وزارت امور اقتصادی و دارایی (اداره کل خزانه و وزارت کشور (سازمان شهرداری های کشور) اعلام نماید. تبصره- معادل دوازده در هزار رقم اعلامی گمرک از محل اعتباراتی که به همین منظور در قوانین بودجه سالیانه منظور می گردد، در اختیار وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) قرار می گیرد تا صرفا و با رعایت نسبتهای مقرر در تبصره (۳) ماده (۲) قانون به عنوان کمک به شهرداریها و دهیاری های سراسر کشور پرداخت به هزینه قطعی منظور گردد. ماده ۱۴- وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان امور مالیاتی کشور) قیمت فروش کارخانه در مورد خودروهای ساخت داخل و یا مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی انواع خودروهای وارداتی را که مبنای محاسبه مالیات و عوارض بندهای (و)، (ز) و (ح) ماده (۴) قانون قرار می گیرند، بر اساس آخرین مدل تا پانزده بهمن ماه هر سال جهت اجرا در سال بعد اعلام می نماید. اعلام قیمتهای مذکور برای انواع جدید خودروها که بعد از پانزده بهمن ماه هر سال و یا در طول سال بعد، تولید آنها شروع می شود و یا به کشور وارد می گردند، محدود به مهلت زمانی مذکور نخواهد بود. تبصره- قیمتهای موضوع این ماده برای انواع خودروهایی که تولید و یا واردات آنها متوقف می گردد، متناسب با آخرین مدل ساخته شده و یا وارد شده تعیین می گردد. ماده ۱۵- مسافرانی که به خارج از کشور عزیمت می نمایند، مکلفند وجوه موضوع بند (ی) ماده (۴) قانون را به حساب تعیین شده واریز و فیش واریزی را در مبادی خروجی به نیروی انتظامی ارایه نمایند. تبصره ۱- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است رسید پرداخت وجوه موضوع این ماده را در هنگام خروج مسافر از مبادی خروجی کشور از مسافران اخذ و رسیدهای دریافتی را پس از کنترل و مهر کردن به مهر خروج، در پایان هر ماه به سازمان امور اقتصادی و دارایی استان ذی ربط ارسال نماید. تبصره ۲- در خصوص پرداخت وجوه موضوع این ماده، دارندگان گذرنامه های سیاسی و خدمت خدمه خطوط پروازی و سایر وسایل نقلیه عمومی زمینی و دریایی

دانشجویان شاغل به تحصیل در خارج از کشور (دارندگان اجازه خروج دانشجویی، بیماران) که با مجوز شورای پزشکی جهت درمان به خارج از کشور اعزام می‌گردند، دارندگان پروانه گذر مرزی و جانبازان انقلاب اسلامی که برای معالجه به کشورهای دیگر اعزام می‌شوند، مسافر محسوب نمی‌گردند. ماده ۱۶ - شوراها و شوراهای اسلامی مکلفند هر گونه عوارض محلی جدید و یا افزایش در نرخ عوارض محلی جاری را با رعایت مقررات ماده (۵) قانون و بانظارت وزارت کشور تصویب و حداکثر تا پانزده بهمن ماه هر سال جهت اجرا در سال بعد اعلام نمایند. تبصره - دریافت عوارض محلی موضوع تبصره (۱) ماده (۵) قانون در چهارچوب مقررات ماده مذکور در سال ۱۳۸۲ مجاز است ماده ۱۷ - در اجرای تبصره (۳) ماده (۵) قانون از تاریخ ۱۱۱۳۸۲ کلیه تخفیفات و معافیت های مربوط به وجوه و عوارض شهرداری ها لغو می‌گردد.

فصل پنجم - مقررات عمومی (ماده ۱۸ تا ۳۴)

ماده ۱۸ - عوارض موضوع بند (ب) ماده (۶) قانون (در مورد واحدهای تولیدی خدماتی و مشترکان واقع در داخل حریم شهرها) به حساب یا حسابهای شهرداری محل تولید یا فعالیت که توسط شهرداری محل اعلام می‌شود، واریز می‌گردد. برداشت از حساب یا حسابهای فوق با امضاهای مقامات مجاز شهرداری محل ذی ربط خواهد بود. ماده ۱۹ - عوارض موضوع بندهای (ج) و (د) ماده (۶) قانون به حسابهای رابط غیرقابل برداشت تمرکز وجوه جداگانه‌ای به نام وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) که توسط خزانه معین هر استان برای شهرستانهای همان استان افتتاح و توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، واریز می‌گردد. وجوه واریزی به حسابهای رابط فوق الذکر در پایان هر هفته به حسابهای تمرکز وجوه وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) که توسط اداره کل خزانه افتتاح می‌شود، منتقل می‌گردد. تبصره - خزانه معین استان مکلف است میزان وجوه واریزی به حسابهای رابط موضوع این ماده در هر ماه را حداکثر تا پانزدهم ماه بعد به تفکیک هر شهرستان به وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) اعلام نماید. ماده ۲۰ - وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) و شهرداریهای محل در اجرای تبصره (۳) ماده (۶) قانون مکلفند یک درصد (۱٪) از وجوه دریافتی موضوع مواد (۱۸) و (۱۹) این آیین نامه را به حسابی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، واریز نمایند. تبصره - اداره کل خزانه و خزانه معین استانها مکلفند با درخواست سازمان امور مالیاتی کشور، یک درصد (۱٪) عوارض دریافتی موضوع قانون را به حساب مربوط سازمان مزبور واریز و مابقی را به حساب تمرکز وجوه وزارت کشور منظور نمایند. ماده ۲۱ - وصول عوارض موضوع بندهای (ج)، (د)، (ه) و (و) ماده (۴) قانون به شهرداریهای محل محول می‌گردد. شهرداریهای مذکور مکلفند عوارض فوق الذکر را در خصوص واحدهای تولیدی و خدماتی داخل حریم شهرها به حساب شهرداری محل و در خصوص واحدهای یاد شده در خارج از حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، واریز نمایند. دستورالعمل نحوه اجرای این ماده توسط سازمان امور مالیاتی کشور و سازمان شهرداریهای کشور تهیه و پس از تصویب وزیران امور اقتصادی و دارایی و کشور اجرا می‌شود. ماده ۲۲ - اضافه پرداختی تولید کنندگان کالا و ارایه دهندگان خدمات بابت مالیات و عوارض مواد (۳) و (۴) قانون از محل وصولی های جاری مربوط توسط سازمان امور مالیاتی کشور، شهرداری های محل و وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) حسب مورد، قابل استرداد می‌باشد. ماده ۲۳ - مطالبات معوق قابل وصول تا پایان سال ۱۳۸۱ دستگاهها از بابت وجوهی که دریافت آنها به موجب قانون لغو می‌گردد، طبق مقررات مربوط توسط دستگاههای ذی ربط وصول و همچنان به حسابهای مفتوحه واریز می‌گردد. وجوه وصولی از بابت مطالبات معوق وزارتخانه ها و موسسات دولتی به درآمد عمومی کشور واریز می‌گردد. تبصره - مطالبات معوق وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی با اعلام دستگاه ذی ربط به سازمان امور مالیاتی کشور، طبق مقررات ماده

(۴۸) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۶۱۳۶۶ قابل وصول می‌باشد. ماده ۲۴ - به منظور نظارت بر حسن اجرای قانون و انجام و بررسی و رسیدگی های لازم ، ماموران ادارات مالیاتی ذی ربط می‌توانند به تولید کنندگان کالا و ارایه دهندگان خدمات موضوع قانون مراجعه و دفاتر ، اسناد و مدارک آنها را رسیدگی نمایند. تولید کنندگان کالا و ارایه دهندگان خدمات مکلف به ارایه دفاتر ، اسناد و مدارک درخواستی می‌باشند و در صورت عدم ارایه دفاتر ، اسناد و مدارک موردنیاز، مالیات و عوارض متعلق به صورت علی الرأس محاسبه ، مطالبه و وصول خواهد شد. ماده ۲۵ - چنانچه در رسیدگی ماموران مالیاتی به اسناد و مدارک مابه التفاوتی مشخص گردد، مابه التفاوت مذکور به طور کتبی از تولید کنندگان کالا یا ارایه دهندگان خدمات مطالبه می‌شود. ماده ۲۶ - تاریخ تعلق مالیات و عوارض موضوع قانون در مورد تولید کالا و ارایه خدمات تاریخ فروش یا ارایه خدمات می‌باشد. ماده ۲۷ - مواعد پرداخت مالیات و عوارض موضوع مواد (۳) و (۴) قانون (به استثنای مالیات نقل و انتقال خودرو) نسبت به مالیات و عوارض متعلق به فروش کالا- و یا ارایه خدمات هر ماه ، حداکثر ظرف دو ماه از انقضای ماه مزبور خواهد بود. ماده ۲۸ - مودیان مالیاتی مکلفند اطلاعات مورد نیاز را طبق فرمها و در سررسیدهایی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور تعیین و اعلام می‌شود ، به ادارات امور مالیاتی مربوط تسلیم نمایند. تبصره - مودیان مکلفند نسخه ای از رسید واریز عوارض مربوط به شهرداری محل را به همان شهرداری ارایه دهند. ماده ۲۹ - مبدأ احتساب جریمه موضوع قانون ، تاریخ انقضای سررسید پرداخت وجوه می‌باشد. جریمه مزبور معادل دو و نیم درصد (۵۲٪) به ازای هر ماه تاخیر بوده و به صورت روزشمار محاسبه می‌شود و این جریمه قابل بخشودگی نیست. ماده ۳۰ - ماخذ محاسبه مالیات و عوارض موضوع مواد (۳) و (۴) قانون بهای کالا یا خدمات مندرج در صورتحساب خواهد بود. در مواردی که صورتحساب موجود نباشد و یا از ارایه آن خودداری شود و یا به موجب اسناد و مدارک مثبت احراز شود که ارزش مندرج در آنها واقعی نیست ماخذ محاسبه مالیات و عوارض ، بهای روز کالا- یا خدمت به تاریخ روز تعلق مالیات یا عوارض می‌باشد. ماده ۳۱ - در مواردی که اسناد و مدارک مربوط به تولید کالا- و ارایه خدمات موضوع قانون نزد اشخاص ثالث باشد، اشخاص مزبور مکلفند بادرخواست کتبی ماموران مالیاتی اسناد و مدارک مربوط و هرگونه اطلاعات لازم را ارایه دهند. ماده ۳۲ - مرجع رسیدگی به شکایات مودیان ناشی از اقدامات اجرایی در وصول مالیات و عوارض موضوع مواد (۳) و (۴) قانون هیئت اختلاف مالیاتی می‌باشد که برابر مقررات ماده (۲۱۶) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۳۱۲۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی و تبصره (۲) آن به شکایات مزبور رسیدگی و رای مقتضی صادر خواهد نمود. رای صادر شده قطعی و لازم الاجرا می‌باشد. ماده ۳۳ - اقلام کالاهای مندرج در فهرست کالاهای نهایی موضوع بند (ه) ماده (۳) قانون ، شامل آن دسته از کالاهایی که در فرایند غیر صنعتی و به صورت کارگاهی و سنتی تولید می‌شوند ، نخواهد بود. ماده ۳۴ - تاریخ اجرای این آیین نامه از ابتدای سال ۱۳۸۲ می‌باشد.

قانون تسری امتیازات خاص بانکها به موسسات اعتباری غیربانکی مجاز - مصوب ۲۷.۱.۱۳۸۱

ماده واحده - به موجب این قانون کلیه حقوق و امتیازات پیش‌بینی شده برای بانکها در تبصره‌های ذیل بند (الف) ماده (۱) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین - مصوب ۱۳۷۳ - و ماده (۱۵) اصلاحی قانون عملیات بانکی بدون ربا - مصوب ۱۳۶۵ - در حدود مقررات ناظر بر فعالیت موسسات اعتبار غیربانکی مجاز و موضوع فعالیت آنها به این قبیل موسسات نیز تسری داده می‌شود.

اصلاح ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی - مصوب ۱۳۸۵

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور به استحضار می‌رساند ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی بشرح زیر اصلاح و مورد

موافقت ریاست محترم قوه قضائیه قرار گرفت: خواهشمند است دستور فرمائید متن زیر در روزنامه رسمی چاپ گردد. ماده ۶۹ - آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی (اصلاحی ۲۰/۱۰/۱۳۸۵) « ماده ۶۹ - اموال و اشیاء زیر از مستثنیات دین است و بازداشت نمی شود: ۱- مسکن متناسب با نیاز متعهد و اشخاص واجب‌النفقه او. ۲- لباس، اشیاء، اسباب و اثاثی که برای رفع حوائج متعهد و اشخاص واجب‌النفقه او لازم است. ۳- آذوقه موجود به قدر احتیاج سه ماهه متعهد و عائله او. ۴- وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه وران و کشاورزان متناسب با امرار معاش خود و اشخاص واجب‌النفقه آنان. ۵- وسیله نقلیه موردنیاز و متناسب با شأن متعهد. ۶- سایر اموال و اشیایی که به موجب قوانین خاص، غیرقابل توقیف می باشد. تبصره ۱- در صورت فوت متعهد، دیون از کلیه اموال بجامانده از او بدون استثناء چیزی، استیفاء می شود. تبصره ۲- در صورت بروز اختلاف نسبت به متناسب بودن اموال و اشیاء موصوف با نیاز اشخاص فوق‌الذکر، رئیس ثبت محل با توجه به وضعیت خاص متعهد و عرف محل، مطابق ماده ۲۲۹ اتخاذ تصمیم خواهد کرد.» مشاور ریاست سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و رئیس دفتر - سیدعلی میرهادی

اجرای اسناد

آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۶ تیر ۱۳۵۵ وزارت دادگستری با اصلاحیه‌های بعدی

فصل اول - صدور اجراییه (مواد ۱ تا ۱۳)

با اصلاحیه‌های بعدی (روزنامه رسمی شماره ۹۱۹۳ مورخ ۲۸.۴.۱۳۵۵) فصل اول - صدور اجراییه ماده ۱ - درخواست اجرا مفاد اسناد رسمی از مراجع ذیل به عمل می آید الف - در مورد اسناد رسمی لازم الاجرا نسبت به دیون و اموال منقول و املاک ثبت شده و نیز املاک مورد وثیقه و اجاره (مشمول قانون روابط مالک و مستاجر) اعم از اینکه ملک مورد وثیقه و اجاره ثبت شده یا نشده باشد از دفترخانه ای که سند را ثبت کرده است در مورد سایر اسناد راجع به املاکی که ثبت در دفتر املاک نشده است برای اجرا مفاد سند ذینفع باید به دادگاه صالحه مراجعه کند. ب - در مورد وجه یا مال موضوع قبوض اقساطی از ثبت محل و در این مورد باید عین تصویر گواهی شده قبوض اقساطی و سند پیوست درخواست نامه به ثبت محل داده شود. در تهران درخواست نامه اجرایی قبوض اقساطی به اجرا داده می شود. (اصلاحی ۲۵.۵.۱۳۷۶). ج - در مورد مهریه و تعهداتی که ضمن ثبت ازدواج و طلاق و رجوع شده نسبت به منقول و سایر تعهدات (به استثنای غیر منقول) از دفتری که سند را تنظیم کرده است و نسبت به اموال غیر منقول که به ثبت دفتر املاک رسیده است از دفتر اسناد رسمی تنظیم کننده سند. د - در مواردی که موجد با درخواست وصول وجه قبوض اقساطی فسخ و تخلیه مورد اجاره را بخواهد باید به دفتر اسناد رسمی مربوطه مراجعه کند. ماده ۲ - درخواست نامه طبق فرم مخصوص تنظیم می شود و باید شامل نکات زیر باشد ۱ - نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور آن و محل اقامت درخواست کننده اجراییه یا نماینده قانونی او و شماره دفترخانه ای که سند در آن ثبت شده و یا قبوض اقساطی که صادر گردیده است ۲ - نام و محل اقامت متعهد و در صورت فوت متعهد نام و مشخصات ورثه او و هرگاه بین ورثه محجور یا غایب وجود داشته باشد باید نام و مشخصات نماینده قانونی محجور یا غایب معین گردد و متعهد له یا نماینده قانونی او موظف است ورثه متعهد را معرفی و در این مورد احتیاجی به گواهی حصر وراثت نیست در صورت عجز متعهد له از معرفی ورثه، دفترخانه و اجرای ثبت تکلیفی نخواهند داشت (اصلاحی ۲۵.۵.۱۳۷۶) ۳ - موضوعی که اجرا آن تقاضا شده است، اگر راجع به چگونگی اجرا مورد درخواست توضیحی دارد باید قید کند. ۴ - تصریح به مطالبه خسارت تاخیر تادیه و اگر نخواستار باشد باید آن را نیز ذکر کند. ۵ -

شماره و تاریخ مستند درخواست صدور اجراییه تبصره - هر گاه درخواست اجرا از طرف وکیل یا مدیر شرکت یا ولی یا قیم یا سایر نمایندگان قانونی متعهدله به عمل آمده باشد باید مدارکی که صلاحیت متقاضی را محرز بدارد پیوست شود و اگر اختیار انجام تعهد با متعهدله باشد با توجه به ماده ۲۲۶ قانون مدنی (۱) باید اخطار یا اظهارنامه رسمی را نیز که طی آن مطالبه به عمل آمده پیوست درخواست نامه کند. ماده ۳ - بستانکار با وثیقه باید در درخواست نامه صدور اجراییه از دفترخانه نکات ذیل را بنویسد ۱ - میزان اصل طلب ۲ - میزان اجور عقب افتاده (اگر قبوض اقساطی دارد باید رونوشت یا فتوکپی گواهی شده آن را پیوست کند). ۳ - میزان خسارت تاخیر تادیه تا روز درخواست اجراییه تبصره - در مورد بند (ه) ماده واحده مصوب ۲۶ ۵ ۱۳۲۰ محاسبه فیما بین متعهد و متعهدله تا تاریخ صدور اجراییه انجام می‌شود. محاسبه خسارت تاخیر تادیه در هر مورد با اداره ثبت مربوطه است ماده ۴ - سردفتر پس از احراز هویت درخواست کننده و اینکه صلاحیت برای درخواست صدور اجراییه دارد رونوشت سند را در برگهای ویژه ظرف ۲۴ ساعت با خط خوانا در سه نسخه (اگر متعهد یک نفر باشد و اگر متعدد باشد یا وثیقه متعلق به متعهد نباشد برای هر یک از متعهدین و صاحب وثیقه دو نسخه اضافه می‌شود) تهیه کرده و موضوعی را که باید اجرا شود در محل مخصوص آن نوشته (در صورتی که در صدور آن اشکالی نباشد) ظرف ۴۸ ساعت از تاریخ وصول تقاضا برگهای اجراییه را امضا کرده و به مهر ویژه (اجرا شود) رسانیده و برای اجرا نزد مسوول اجرا می‌فرستد و رسید دریافت می‌کند. عملیات اجرایی بلافاصله آغاز می‌شود. تبصره اول - هرگاه سردفتر در صدور اجراییه با اشکالی روبرو شود باید از صدور آن خودداری کرده و با طرح صریح اشکال از ثبت محل استعلام و کسب تکلیف نماید و ثبت محل مکلف است او را راهنمایی کند و هرگاه ثبت محل هم با اشکال مواجه شود از ثبت منطقه کسب تکلیف خواهد نمود. تبصره دوم - ورقه اجراییه را فقط نسبت به موضوعاتی می‌توان صادر کرد که در سند منجزا قید شده باشد. تبصره سوم - در مواردی که مرجع صدور اجراییه اداره ثبت است نیز مدلول این ماده و تبصره های مذکور فوق رعایت می‌شود. ماده ۵ - نسبت به معاملات املاک یک نسخه اجراییه از دفتر اضافه صادر می‌شود که به وسیله مسوول اجرا به ثبت محل ارسال می‌گردد و ثبت محل مکلف است ظرف سه روز وضع ثبتی ملک و حدود و مشخصات آن را به اجرا اطلاع دهد و تا وصول این اطلاع جز ابلاغ اجراییه اقدامی نمی‌شود. ماده ۶ - در مورد قسمت اخیر تبصره ۱ ماده ۳۴ مکرر اصلاحی هرگاه احد از ورثه قبل از صدور اجراییه دین مورث خود را پرداخت نماید پرداخت کننده به عنوان قایم مقام طلب کار می‌تواند با توجه به قسمت اخیر تبصره مذکور و رعایت مقررات مربوط علیه سایر وراث نسبت به سهم الارث آنها مبادرت به صدور اجراییه نماید. ماده ۷ - دفاتر اسناد رسمی نیز مکلفند در موقع صدور اجراییه هر نوع سند لازم الاجرا صدور اجراییه را در ملاحظات ثبت مربوطه با ذکر تاریخ قید و امضا نمایند. (اصلاحی ۲۵.۵.۱۳۷۶) ماده ۸ - در صورتی که متعهد له فوت کند، هر یک از ورثه می‌تواند به وسیله گواهان یا ارایه شناسنامه وراثت خود را اثبات کرده و درخواست صدور یا تعقیب اجراییه مورث خود را در سهم الارث خود بکند ولی پس از اجرا اجراییه وجه یا مال مورد تعهد به اداره ثبت سپرده می‌شود و تسلیم آن به ورثه موکول به ارایه گواهی حصر وراثت و مفاصا حساب مالیاتی خواهد بود. ماده ۹ - در اسناد وثیقه هرگاه دارنده حق استرداد (اعم از بدهکار اصلی یا منتقل الیه با قید حق بستانکار و ذکر تاریخ انقضا مدت اسناد با جلب رضای بستانکار حق استرداد خود را واگذار کند اجراییه باید علیه آخرین منتقل الیه صادر و تعقیب گردد. ماده ۱۰ - در مورد سند متمم که مدیون به اعتبار وثیقه سندی که قبل از قانون اصلاحی قانون ثبت مصوب دی ماه ۵۱ تنظیم گردیده وام جدیدی از همان بستانکار دریافت می‌دارد صدور اجراییه و عملیات اجرایی تابع آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی مصوب سال ۱۳۲۲ می‌باشد. ماده ۱۱ - هرگاه اجراییه قبل از اعلام ورشکستگی متعهد صادر و به او ابلاغ و اقدامات اجرایی انجام شده باشد و حکم بدوی ورشکستگی فسخ و این حکم قطعی شود، نیازی به تجدید عملیات قانونی انجام شده قبلی نیست ماده ۱۲ - با ادعای گم شدن قبوض اقساطی اجراییه صادر نخواهد شد. ماده ۱۳ - اجرای ثبت باید اجراییه های واصله را به ترتیب تاریخ وصول در دفتر مخصوص ثبت کند.

فصل دوم - کلیات (مواد ۱ تا ۶)

آیین نامه نحوه اجرای حراج و نوبت آن و تشکیل مراکز حراج و نحوه توقیف حق بدهکار نسبت به مازاد ورد وثیقه و طرز استیفای حقوق توقیف کننده مصوب آبان ۱۳۵۲ نظر به تبصره ۱ از ماده ۳۴ و تبصره ۳ از ماده ۳۴ مکرر و ماده ۱۵۷ قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۸ ۱۰ ۵۱ مواد ذیل را مقرر می‌دارد فصل اول - کلیات ماده ۱ - در مرکز هر منطقه ثبتی یا واحدهای ثبتی دیگری که سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مقتضی بداند مرکز یا مراکز حراج مرکب از یک رییس ولدی الاقتضا یک معاون و به تعداد کافی کارمند و اعلام کننده (چوب زن تشکیل می‌شود. در سایر واحدهای ثبتی به تناسب حجم کار تصدی مرکز حراج با رییس اجرا و یا کارمندی است که به پیشنهاد ثبت منطقه از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به این سمت منصوب خواهد شد و عنداللزوم تعداد کافی کارمند و ممیز خواهد داشت ماده ۲ - مرکز حراج می‌تواند برای شناساندن خود و جلب توجه عموم به وسایل مقتضی تبلیغ نماید و افراد ذینفع نیز چنانچه مایل به تبلیغ بیشتری برای اموال و املاک مورد حراج باشند با نظارت مرکز حراج می‌توانند به هزینه خود در جراید و غیره آگهی نمایند. ماده ۳ - مرکز حراج علاوه بر دفاتر اداری لازم، دارای دفاتر زیر خواهد بود ۱ - دفتر اموال غیر منقول ۲ - دفتر اموال منقول ۳ - دفتر اوقات حراج ۴ - دفتر انبار. ماده ۴ - در مرکز هر منطقه ثبتی یا واحدهای ثبتی دیگری که مرکز یا مراکز حراج جداگانه تشکیل می‌گردد، بایگانی مرکز حراج با روش تنظیم کارت اداره خواهد شد - نمونه کارت و نحوه عمل را سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تعیین خواهد کرد. اجرا به جای ارسال پرونده اجرایی به مرکز حراج برای هر پرونده کارت مذکور را در دو نسخه تنظیم و کلیه مشخصات مال را در آن قید و پس از گواهی در موعد مقرر به مرکز حراج ارسال می‌دارد. عملیات حراج و همچنین صورت مجلس مربوط به فروش یا عدم فروش مال در هر دو کارت مزبور به وسیله مرکز حراج منعکس و به امضا اشخاص ذینفع و مسولین امر خواهد رسید، پس از پایان کار یک نسخه از کارت تکمیل شده در مرکز حراج بایگانی و نسخه دیگر به اجرا مربوطه برای بایگانی در پرونده ارسال می‌گردد. ماده ۵ - رییس و کارمندان مرکز حراج و اجرا و مباشرین فروش و کارمندان ثبت محل و نماینده دادستان حق شرکت در اصل حراج به طور مستقیم یا غیر مستقیم نخواهند داشت ماده ۶ - رییس و کارمندان مرکز حراج مکلفند با مراجعین نهایت حسن سلوک را مرعی داشته و اطلاعات لازم و کافی در اختیار آنها قرار دهند و همچنین رییس مرکز حراج باید در حفظ نظم و ترتیب کارها مراقبت کافی معمول داشته چنانچه افرادی محل نظم و یا مانع ادامه کار به نحو صحیح و مطلوب گردند با تنظیم صورت مجلس نسبت به اخراج آنها اقدام و عندالاقتضا آنان را به مقامات انتظامی تحویل نماید.

فصل سوم - ابلاغ (مواد ۱۴ تا ۱۹)

ماده ۱۴ - اجرا پس از وصول اجراییه با رعایت ماده ۱۳ این آیین نامه باید آن را در دفاتر لازمه وارد و پرونده برای آن تنظیم و در صورتی که متعهد مقیم محل صدور اجراییه باشد نام مامور اجرا را در آن نوشته و برای ابلاغ به مامور تسلیم کند. اگر متعهد مقیم حوزه دیگر باشد بر گهای اجرایی در ظرف ۲۴ ساعت به ثبت محلی که متعهد مقیم آنجاست و در صورت نبودن ثبت در محل به اداره دادگستری یا شهرداری یا بخشداری یا ژاندارمری ارسال می‌شود و یا به دهمدار و یا دهبان تسلیم می‌گردد تا ابلاغ شود و در مورد مقیمین در کشورهای بیگانه به وسیله دفتر اداره کل ثبت به وزارت امور خارجه ارسال می‌شود که طبق مقررات ابلاغ نمایند. ماده ۱۵ - مامور اجرا مکلف است ظرف ۴۸ ساعت از زمان دریافت اوراق اجراییه یک نسخه از آن را به شخص متعهد تسلیم و در

نسخه دیگر با ذکر تاریخ با تمام حروف رسید بگیرد. اگر متعهد از رویت یا امضا اجراییه امتناع کند مامور مراتب را شخصا و کتبا گواهی خواهد کرد اگر متعهد در اقامتگاه حضور نداشته باشد به یکی از کسان یا خادمان او که در آن محل ساکن و سن ظاهری او برای تمیز اهمیت برگ اجراییه کافی باشد ابلاغ می‌کند مشروط بر اینکه بین متعهد و شخصی که برگ را دریافت می‌دارد تعارض منفعت نباشد. اگر اشخاص نامبرده بی سواد باشند اثر انگشت آنها باید در ذیل برگ اجرایی و سایر اوراق منعکس شود و هرگاه به جهتی از جهات نتوانند رسید بدهند مامور این نکته را با مسوولیت خود قید خواهد نمود و هرگاه این اشخاص در محل نباشند یا رسید ندهند مامور باید اجراییه را به اقامتگاه متعهد الصاق کند و مراتب را در نسخه دیگر بنویسد. (اصلاحی مصوب ۲۵.۵.۱۳۷۶) الف - در مورد شرکتها اوراق اجرایی به مدیر شرکت یا دارنده حق امضا به ترتیب مذکور فوق ابلاغ می‌شود و در صورت انحلال شرکت به مدیر یا مدیران تصفیه ابلاغ می‌شود. در صورت امتناع از رویت یا امضا مامور مراتب را شخصا و کتبا گواهی خواهد کرد در صورت عدم حضور یا امتناع اشخاص مزبور به ترتیب مقرر در صدر ماده یک نسخه از اوراق اجرایی به نشانی مدیر یا مدیران تصفیه طبق آگهی انحلال شرکت الصاق خواهد شد. ب - در مورد وزارتخانه ها و ادارات دولتی و سازمانهای وابسته به دولت و موسسات عمومی و شهرداری ها اوراق اجرایی مستقیما وسیله پست برای مسوول وزارتخانه یا اداره یا سازمان یا موسسه ، یا شهرداری فرستاده می‌شود. در این صورت پس از گذشت ده روز از تاریخ تسلیم اوراق اجرایی به پست با رعایت مواد مقرر در آیین دادرسی مدنی اجراییه ابلاغ شده محسوب است ج - اگر محل اقامت متعهد سند، اداره دولتی یا سازمانهای وابسته به آن و یا شهرداری معین شده باشد اجراییه در همان محل وفق مقررات ابلاغ می‌شود. ت - در صورتی که نشانی متعهد صندوق پستی باشد یک برگ اجراییه وسیله پست سفارشی به صندوق پستی ارسال می‌شود و از تاریخ تسلیم به پست پس از گذشت ده روز اجراییه ابلاغ شده محسوب است تبصره ۱ - مامور اجرا نباید با کسی که اوراق اجراییه یا سایر اخطارات و اوراق به او ابلاغ می‌شود و یا عملیات اجرایی له و علیه او انجام می‌شود قرابت سببی یا نسبی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته و مابین او و شخص مورد نظر تعارض منفعت و یا پرونده اجرایی و یا دعوی جزایی و مدنی مطرح باشد و یا آنکه دعوی جزایی سابقا مطرح بوده و در جنبه بیش از دو سال و در جنایی بیش از پنج سال از تاریخ ختم آن نگذشته باشد. تبصره ۲ - مامورین اجرا و ابلاغ باید نام و مشخصات کسی را که اجراییه به او ابلاغ شده و اینکه چه سمتی با متعهد دارد و محل و تاریخ ابلاغ را با تعیین ساعت و روز و ماه و سال و نام مشخصات خود با جوهر ثابت و عبارت خوانا و با تمام حروف در نسخه ای که به شعب اجرا تسلیم خواهند نمود بنویسند و امضا کنند. ماده ۱۶ - متعهد مکلف است دلیل اقامت خود را در محلی که به عنوان اقامتگاه جدید خود معرفی می‌نماید به دفترخانه یا اجرا تسلیم و رسید دریافت کند. به اظهاراتی که متکی به دلیل کتبی از قبیل سند رسمی که دلالت بر تغییر اقامتگاه داشته باشد یا گواهی شهربانی یا ژاندارمری یا کدخدای محل در داخل کشور و کنسولگری یا مامورین سیاسی ایران در خارج کشور نباشد ترتیب اثر داده نخواهد شد. ماده ۱۷ - هرگاه محل اقامت متعهد در سند تعیین نشده یا محلی که تعیین گردیده موافق با واقع نباشد و یا به جهاتی محل مزبور از بین رفته و یا اساسا شناخته نشود اجراییه یا اخطاریه ظرف ۲۴ ساعت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محل و اگر در محل روزنامه نباشد در روزنامه کثیرالانتشار نزدیکترین محل فقط یک مرتبه آگهی خواهد شد و در آگهی مزبور باید تصریح شود که ظرف ده روز پس از انتشار آگهی عملیات اجرایی جریان خواهد یافت و جز آگهی مزایده آگهی دیگری منتشر نخواهد شد در صورتی که متعهدله متعهد را معرفی نماید اجراییه طبق مقررات ابلاغ واقعی خواهد شد. ماده ۱۸ - هرگاه متعهد قبل از صدور اجراییه فوت شود و درخواست صدور اجراییه علیه ورثه به عمل آید اجراییه در اقامتگاه مورث به آنان ابلاغ واقعی می‌گردد. در صورتی که ابلاغ واقعی در محل مزبور به هر یک از آنان میسر نگردد یا کسی که به نحو مزبور ابلاغ واقعی به او ممکن نگردیده اقامتگاه خود را اعلام ندارد و متعهد له نیز نتواند اقامتگاه او را به ترتیبی که ابلاغ واقعی میسر گردد تعیین نماید ابلاغ اجراییه وسیله درج در جراید به عمل می‌آید. تبصره - در صورتی که متعهد پس از صدور اجراییه فوت کند طرز ابلاغ به ورثه

به ترتیب مزبور خواهد بود. ماده ۱۹ - هر گاه متعهد محجور باشد اجراییه و سایر عملیات اجرایی به ولی یا قیم او ابلاغ می‌شود. در صورتی که قیم یا ولی نداشته باشد مراتب جهت تعیین قیم به اطلاع دادستان محل می‌رسد.

فصل چهارم - ترتیب اجرا (مواد ۲۰ تا ۴۶)

ماده ۲۰ - از تاریخ ابلاغ اجراییه متعهد باید ظرف ده روز مفاد آن را به موقع اجرا بگذارد یا ترتیبی برای پرداخت دین خود بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای سند را میسر گرداند. اگر خود را قادر به اجرای مفاد اجراییه نداند باید ظرف همان مدت صورت جامع دارایی خود را به مسوول اجرا بدهد و اگر مالی ندارد صریحا اعلام کند. بدهکاری که در مدت مذکور قادر به پرداخت دین خود نبوده مکلف است هر موقع که متمکن از پرداخت تمام یا قسمتی از بدهی خود گردد آن را بپردازد. تبصره - مقررات این ماده مانع نمی‌شود که بستانکار هر وقت مالی از مدیون به دست آید به تعقیب اجراییه و استیفای طلب خود اقدام کند. ماده ۲۱ - قیمت مالی که برای فروش نشان داده می‌شود باید متناسب با دین بوده و نیز بلا مانع بودن آن جهت استیفای موضوع لازم الاجرا از هر جهت محرز باشد. ماده ۲۲ - معرفی مطالبات از طرف متعهد در صورت قبول متعهدله اشکال ندارد هر چند که مطالبات موجد باشد. ماده ۲۳ - ثالث می‌تواند مال خود را برای اجرای اجراییه معرفی کند در این صورت پس از بازداشت از طرف اجرا معرفی کننده حق انصراف ندارد. معرفی مال ثالث به توسط مدیون سند، وکالتا از جانب مالک در صورت دلالت صریح و کالتنامه رسمی بر این امر منعی ندارد، در این صورت پس از بازداشت مال موکل حق ندارد تقاضای استرداد مال مورد بازداشت را بنماید. ماده ۲۴ - معرفی مال از طرف بدهکار یا ثالث مانع از تقاضای بازداشت اموال دیگر مدیون از طرف متعهدله نخواهد بود مشروط به اینکه فروش آن آسانتر باشد، در این صورت پس از بازداشت، معادل آن از اموالی که قبلا بازداشت شده است رفع بازداشت می‌شود. این تقاضا از طرف متعهدله فقط برای یک مرتبه تا قبل از انتشار آگهی مزایده پذیرفته خواهد شد. ماده ۲۵ - در صورتی که مال به آسانی قابل فروش باشد نمی‌توان آن را به مال دیگر تبدیل کرد مگر به رضای ذینفع ماده ۲۶ - متعهدله می‌تواند قبل از انقضا مدت مذکور در ماده ۲۰ تقاضای تامین طلب خود را از اموال متعهد بکند در این صورت اجرا بلافاصله پس از ابلاغ اجراییه معادل موضوع لازم الاجرا را از اموال متعهد بازداشت می‌کند. ماده ۲۷ - اگر اجراییه بر تسلیم عین منقول صادر شده باشد و تا ده روز پس از ابلاغ متعهد آن را تسلیم نکند مامور اجرا عین مزبور و منافع آن را (در صورتی که اجراییه بر منافع نیز صادر شده باشد) به متعهدله تسلیم کرده قبض رسید خواهد گرفت مگر اینکه مال در تصرف غیر بوده و متصرف نسبت به عین یا منافع آن دعوی مالکیت کند که در این صورت مامور اجرا متعرض آن نمی‌شود و متعهد می‌تواند به دادگاه مراجعه کند. اگر اجراییه بر تسلیم مال غیر منقول ثبت شده بود و متصرف نسبت به منافع آن به استناد حکم دادگاه یا سند رسمی صادر از مالک (که تاریخ آن مقدم بر سند متعهدله باشد) دعوی حق کند مال با رعایت حقوق و تصرفات مستند به حکم یا سند رسمی تحویل متعهدله داده می‌شود. متعهدله در صورتی که معترض باشد می‌تواند به دادگاه مراجعه کند. ماده ۲۸ - اگر موضوع اجراییه تسلیم عین غیر منقول ثبت شده باشد لکن متعهد سند، آن را در تاریخ مقدم به موجب سند رسمی به دیگری منتقل کرده باشد متعهدله می‌تواند ثمن را به وسیله اجرا ثبت در صورتی که مورد محتاج رسیدگی قضایی نباشد استرداد کند. اجرا باید پس از وصول ثمن مراتب را به اداره ثبت املاک و دفترخانه تنظیم کننده سند اطلاع دهد تا جریان امر را در ستون ملاحظات ثبت دفتر قید نماید. این حکم در موارد ذیل هم جاری است الف - عین مورد معامله مذکور وجوه خارجی نداشته باشد. ب - عین مورد معامله مذکور کمتر از میزان مورد معامله باشد در این صورت متعهدله به نسبت کسری موضوع معامله نیز می‌تواند درخواست استرداد ثمن نماید. ج - متعهد قبلا مقداری از عین مورد معامله را به ثالث منتقل کرده باشد. د - مورد معامله کالا یا بعضا خود بخود یا توسط متعهد سند یا ثالث قبل از قبض تلف یا غصب شده باشد.

ماده ۲۹- هرگاه موضوع اجرائیه عین معین منقول بوده و به آن دسترسی نباشد یا مال کلی در ذمه بوده و متعهد از انجام تعهد امتناع ورزد یا مثل آن در خارج یافت نشود متعهدله می تواند بهای روز اجرا تعهد را بخواهد در این مورد رییس اجرا در مرکز یا مدیر ثبت در خارج از مرکز بهای مزبور را به وسیله کارشناس تعیین واز متعهد خواهد گرفت مگر اینکه در سند ترتیب دیگری بین طرفین مقرر شده باشد که طبق آن عمل می شود. ماده ۳۰- برگهای اجرائیه که از حوزه‌ای به حوزه دیگر ارجاع می شود مدیر ثبت محل مکلف است طبق مقررات این آیین نامه اقدام کند. ماده ۳۱- در هر مورد که نیابت اجرایی طبق ماده ۳۰ داده می شود ثبت نیابت دهنده مادام که از نتیجه اقدام ثبت مرجوع الیه مطلع نشده نباید عملیات اجرایی را خود تعقیب کند و باید مترصد اقدامات مورد نیابت باشد ولی اگر متعهدله مالی را از متعهد معرفی نماید و برای ثبت نیابت دهنده احراز شود که موضوع نیابت توسط ثبت مرجوع الیه انجام نگردیده توقیف مال معرفی شده اشکال قانونی ندارد و در این صورت به ثبت مرجوع الیه مراتب را بلافاصله اطلاع خواهد داد تا دیگر اقدامی از این جهت به عمل نیآورد. ماده ۳۲- ادارات ثبت نمی توانند نیابت اجرایی از اداره تصفیه یا مدیر تصفیه یا اجرائیات دارایی پذیرند ولی مراجع مذکور در حدود مقررات و وظایف و صلاحیت خود می توانند توقیف املاک و مطالبات و دریافت سپرده های ورشکسته و متعهد را از ادارات ثبت بخواهند. ماده ۳۳- شخصی که در اجرا از طلب متعهد، ضمانت می کند باید از عهده برآید در صورت خودداری مسوول اجرا مورد ضمانت را با خسارت ناشی از تاخیر ضامن درانجام دادن تعهد برابر مقررات استیفا خواهد کرد. ماده ۳۴- در موردی که اجرائیه برای انجام تعهدی از قبیل تعمیر بنا، قنات، یا تکمیل ساختمان یا بنای جدید یا غرس اشجار و امثال آن، صادر شده و متعهد پس از ابلاغ اجرائیه اقدام به انجام آن ننماید اداره ثبت متعهد را الزام به انجام تعهد یا پرداخت هزینه های لازم برای انجام آن می نماید، اگر متعهد اقدام نکند متعهدله می تواند با اطلاع اداره ثبت به هزینه خود تعهد مزبور را انجام داده و یا معامله را فسخ کند و اگر کیفیت انجام تعهد یا تعیین میزان هزینه آن محتاج به نظر کارشناس باشد اداره ثبت یک نفر کارشناس برای تعیین کیفیت انجام تعهد یا هزینه آن تعیین خواهد کرد، و حق الزحمه کارشناس به میزان مناسبی جز سایر هزینه ها از متعهدله توسط اجرای ثبت دریافت می گردد و متعهد له حق دارد کلیه هزینه ها را از متعهد توسط اجرای ثبت مطالبه و دریافت نماید. ماده ۳۵- در مواردی که متعهد قبوض اداره دارایی و شهرداری را راجع به مالیات و عوارض قانونی و یا فیش بانکی که حاکی از تادیه بدهی به حساب بانکی متعهدله باشد و یا حکم دادگاه را که مشعر بر براءت او باشد ارایه دهد اداره ثبت یا اجرا باید وجوه پرداختی را محسوب و مفاد حکم را اجرا کند و در مورد فیش بانکی تاییدیه آن را از بانک بخواهد. ماده ۳۶- در مواردی که موضوع سند لازم الاجرا تادیه وجه نقد و خسارت باشد و در سند برای تاخیر تادیه وجه التزامی مقرر نشده باشد به تقاضای متعهدله حسب مورد دفترخانه یا اجرا ثبت باید خسارت تاخیر تادیه را نیز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه یا ابلاغ اجرائیه به مدیون تا روز وصول از قرارصدی دوازده در سال حساب کرده و از متعهد دریافت و به متعهدله بدهد. تبصره ۱- وجه التزام مقرر در سند بیش از صدی دوازده در سال گرفته نخواهد شد اگرچه اجرائیه برای بیش از صدی دوازده صادر شده باشد. تبصره ۲- نسبت به اجرائیه هایی که به وسیله آگهی در روزنامه ابلاغ می شود، در صورتی که از مواردی باشد که خسارت تاخیر از تاریخ ابلاغ تعلق می گیرد، از تاریخ آخرین آگهی خسارت دریافت خواهد شد. تبصره ۳- هر گاه متعهدله در اثنا عملیات اجرایی خسارت بخواهد خسارت از تاریخ ابلاغ اظهارنامه که بعد از صدور اجرائیه از طریق دفترخانه صادر و ابلاغ شده تعلق می گیرد. متعهدله می تواند در این مورد خسارت را از طریق اجرای ثبت مطالبه کند و در این صورت خسارت از تاریخ ابلاغ اخطاریه ای که شعبه اجرا به متعهد ابلاغ خواهد کرد تعلق خواهد گرفت ماده ۳۷- در هر مورد که برابر مقررات و قوانین خاص و یا مدلول سند رسمی میزان خسارت دیر کرد کمتر از صدی دوازده معین شده باشد، خسارت به ماخذ مقرر احتساب خواهد شد. ماده ۳۸- هرگاه مورد معامله عین کلی در ذمه باشد در صورتی که راجع به خسارت تاخیر انجام تعهد در سند ترتیبی داده نشود، اداره ثبت تکلیفی در وصول خسارت تاخیر انجام تعهد ندارد و ذینفع می تواند به دادگاه صالح مراجعه کند. ماده ۳۹- هرگاه در سند برای تاخیر انجام

تعهد، وجه التزام معین شده باشد مطالبه وجه التزام مانع مطالبه اجرا تعهد نمی‌باشد ولی اگر وجه التزام برای عدم انجام تعهد مقرر شده باشد متعهدله فقط می‌تواند یکی از آن دو را مطالبه کند. ماده ۴۰ - حق الوکاله و کیل در صورت دخالت در تمام اقدامات اجرایی تا مرحله وصول طبق قرارداد منعقد شده بین طرفین و حداکثر تا میزان مصرح در ماده ۱۴ اصلاحی آیین نامه قانون وکالت در صورت تقاضای ذینفع قابل مطالبه و وصول است و در مورد اسناد وثیقه همان مورد وثیقه جواب گوی حق الوکاله نیز خواهد بود. (۲) ماده ۴۱ - الف - به اجاره بها و بهره بها و صدق وجه نقد هم خسارت تاخیر (با رعایت ذیل تبصره ماده ۳) تعلق می‌گیرد. ب - متعهد باید خسارت تاخیر ایام توقف یا توقیف عملیات اجرایی را نیز بپردازد. ماده ۴۲ - در مواردی که دین به صندوق ثبت یا دادگستری یا بانک ملی سپرده می‌شود، متعهد باید قبض سپرده را در مقابل رسید به دفترخانه مربوط بسپارد، دفترخانه باید مراتب را به بستانکار اخطار کند و از تاریخ سپردن قبض به دفترخانه خسارت تاخیر تعلق نمی‌گیرد. ماده ۴۳ - در مورد ذیل تبصره ۵ ماده ۳۴ قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۸/۱۰/۱۳۵۱ تعیین بهره یا اجوری کمتر از صدی دوازده در صد در سند مانع از این نیست که طرفین معامله درباره تعیین خسارت تاخیر تادیه تا میزان صدی دوازده توافق کنند. در صورت سکوت قرارداد به تبصره مزبور عمل می‌شود. ماده ۴۴ - ابراهیم مدیون نسبت به خسارت یا قسمتی از اصل مانع از صدور اجراییه ماده ۳۴ قانون اصلاحی قانون ثبت و تملیک تمام مورد وثیقه نمی‌شود ولی داین وقتی می‌تواند تمام مورد وثیقه را تملک کند که معادل آنچه را که ابراهیم کرده است به مدیون بپردازد و یا با رعایت مقررات به صندوق ثبت بسپارد. ماده ۴۵ - در مورد مالی که در مقابل مطالباتی توقیف شده باشد بستانکار می‌تواند تمام دیون و هزینه‌های قانونی بازداشت کنندگان مقدم و حقوق دولتی را در صندوق ثبت تودیع و تقاضای توقیف مال و استیفای حقوق خود را از آن بنماید. در این صورت از توقیفها رفع اثر نموده و مال بابت کل یا قسمتی از طلب او و مجموع وجوه تودیع شده بلافاصله توقیف و از طریق مزایده به فروش می‌رسد. (اصلاحی مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) تبصره - در کلیه مواردی که بستانکار، خریدار مورد مزایده و حراج واقع می‌شود بدهکار می‌تواند تا قبل از تنظیم سند انتقال یا تحویل مال حسب مورد اقدام به پرداخت بدهی خود نماید. (الحاقی مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) ماده ۴۶ - هزینه آگهی و دستمزد کارشناس و حق الحفظه و هزینه بازداشت اموال و سایر هزینه‌های قانونی طبق مقررات این آیین نامه مانند اصل دین وصول می‌شود.

فصل پنجم - بازداشت اموال منقول (مواد ۴۷ تا ۸۰)

ماده ۴۷ - بازداشت اموال متعهد به تقاضای متعهدله صورت می‌گیرد و مامور اجرا با حضور نماینده دادگستری و در صورت لزوم با حضور مامور نیروی انتظامی و با معرفی متعهدله اقدام به بازداشت اموال متعلق به متعهد را می‌نماید و حاضر نبودن متعهد یا کسان و خادمینش و نیز بسته بودن محلی که مال در آن است مانع بازداشت مال نیست (اصلاحی مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) ماده ۴۸ - در صورتی که دین و متفرعات تا پنج میلیون ریال ارزش داشته باشد و مال معرفی شده حسب الظاهر بیش از مبلغ مزبور به تشخیص مامور اجرا ارزش نداشته باشد بدون نظر ارزیاب از اموال مدیون بازداشت خواهد کرد. در غیر این صورت مامور اجرا در موقع بازداشت اموال نظر ارزیاب یا کارشناس را جلب خواهد کرد و از اموال متعهد معادل طلب و یک تا دو عشر اضافه بازداشت می‌کند. اگر مال مورد بازداشت غیرقابل تجزیه و بیش از میزان مذکور فوق باشد تمام آن بازداشت می‌شود. (اصلاحی مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) ماده ۴۹ - اموالی که باید بازداشت شود در همان جایی که هست بازداشت می‌شود در صورت لزوم به جای محفوظی نقل می‌گردد. در هر حال باید مال بازداشت شده به حافظ سپرده شود. در صورت عدم توافق متعهدله در انتخاب حافظ، انتخاب او با مامور اجرا است ماده ۵۰ - کسی که مال بازداشت شده را به عنوان حافظ دریافت می‌کند به اعتراض او به بازداشت پس از قبول مال به عنوان حافظ در ادارات ثبت ترتیب اثر داده نخواهد شد. ماده ۵۱ - حافظ باید به قدر امکان دارایی داشته باشد [و] حتی المقدور بدون نقل مال

مورد بازداشت به جای دیگر تعهد حفاظت مال را بکند. تبصره - مامور اجرا اگر در انتخاب حافظ واجد شرایط امانت و شرایط دیگر راجع به امین تقصیر کند با حافظ متضامنا مسوول خواهد بود. ماده ۵۲ - مامور اجرا نمی‌تواند بدون تراضی کتبی طرفین اموال بازداشت شده را به اشخاص زیر بسپارد: الف - به اقوام و اقربای خود تا درجه سوم ب - به متعهد له و متعهد و همسر آنان و به اشخاصی که با متعهد یا متعهدله قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارند و به مخدوم یا خدمه آنان مگر اینکه شخص دیگری برای حفظ اموال بازداشت شده پیدا نشود. ماده ۵۳ - مامور اجرا رونوشت صورت اموال بازداشت شده را به حافظ داده قبض رسید می‌گیرد و در ذیل قبض صحت صدور آن را تصدیق می‌کند. مامور اجرا به تقاضای متعهد یا متعهدله رونوشت گواهی شده از صورت اموال را به آنان می‌دهد. ماده ۵۴ - حافظ حق مطالبه حق الحفظه (اعم از کرایه محل و غیره را متناسب با ارزش مال مورد بازداشت دارد. تشخیص تناسب در تهران با رییس مرکز حراج یا رییس اجرا و در شهرستانها با رییس ثبت و اگر تعلق مال مورد حفاظت به شخص ثالث احراز شود پرداخت حق الحفظه به عهده معرفی کننده است ماده ۵۵ - اگر عملیات اجرایی پایان یابد و صاحب مال از دریافت آن امتناع ورزد و حافظ هم راضی به ادامه حفاظت نباشد مرکز حراج در تهران و رییس ثبت در شهرستانها اقدام به فروش آن کرده و ثمن را در صندوق ثبت به نام مالک آن ایداع می‌کند. ماده ۵۶ - حافظ در صورت مطالبه مال از طرف اداره ثبت باید آن را تحویل دهد (و) در صورت امتناع یا تقصیر ضامن است و در حکم مدیون اصلیاست و اداره ثبت معادل مال بازداشت شده را از دارایی حافظ استیفا خواهد کرد. در صورت ضرورت تغییر حافظ به نظر مدیریت ثبت می‌باشد. (اصلاحی مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) ماده ۵۷ - هرگاه مال بازداشت شده منافع داشته باشد حافظ باید آنها را حفظ کند و حساب آن را هم بدهد. هرگاه حفاظت مستلزم هزینه فوری قبل از کسب اذن از اداره ثبت باشد حافظ می‌تواند از مال خود داده و با تسلیم مدارک به اداره ثبت احتساب کند یا به تشخیص خود و اطلاع و تایید رییس اجرا قسمتی از مال مورد حفاظت را صرف نگهداری مابقی کند. ماده ۵۸ - هزینه بازداشت و حفاظت و نیم عشر تا روز تادیه بدهی و حق حراج به عهده متعهد است در هر موردی که نتوان این هزینه‌ها را از متعهد وصول کرد، متعهدله باید آن را پرداخت و پس از فروش اموال و یا وصول طلب به موجب همان اجرائیه وصول و به متعهدله داده می‌شود. (اصلاحی مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) ماده ۵۹ - در صورتی که بخواهند قسمتی از مال متعهد را بازداشت نمایند و متعهد یا کسان او غایب باشند باید از بقیه اموال صورت جامعی با قید کلیه مشخصات برداشته و نیز اگر بخواهند مال بازداشت شده را از محلی که اموال دیگر متعهد در آنجاست خارج کنند باید متعهدله شخص معتبری را برای حفاظت سایر اموال متعهد به اجرا معرفی کند. ماده ۶۰ - بازداشت اموال ضایع شدنی ممنوع است و باید به تدریج که به دست می‌آید فوراً بدون صدور آگهی و به مزایده فروخته و صورت برداری شود در این مورد رعایت مقررات ماده ۱۵۶ این آیین نامه ضرورت ندارد. ماده ۶۱ - بازداشت منافع جایز است ماده ۶۲ - بازداشت حقوق مدیون نسبت به سرقفلی یا منافع جایز است لکن مزایده آن به لحاظ رعایت منافع اشخاص ثالث جایز نیست در صورت بازداشت منافع مراتب به اداره ثبت محل جهت ثبت در دفاتر بازداشتی و ابلاغ آن به دفاتر اسناد رسمی مربوطه اعلام می‌گردد. (اصلاحی مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) ماده ۶۳ - بازداشت حقوق مانع از این نیست که اگر مال دیگری از متعهد یافت شود به تقاضای ذینفع بازداشت گردد در این صورت هرگاه مال بازداشت شده معادل طلب بستانکار باشد از حقوق رفع بازداشت خواهد شد. ماده ۶۴ - هرگاه چند بستانکار علیه یک نفر اجرائیه صادر کند آنکه به نفع او بازداشت در تاریخ مقدم صورت گرفته است نسبت به وصول طلب از مورد بازداشت حق تقدم دارد. تبصره - اگر اجرائیه‌های متعدد علیه متعهد صادر شده ولی بازداشت به نفع هیچ یک از بستانکاران صورت نگرفته باشد پس از بازداشت مال مورد بازداشت بین بستانکارانی که تا تاریخ بازداشت اجرائیه صادر کرده‌اند به نسبت طلب آنان قسمت می‌شود. ماده ۶۵ - قرارداد خصوصی برخلاف ترتیب مذکور در ماده ۶۴ و تبصره آن نسبت به ثالث اعتبار ندارد. ماده ۶۶ - در مورد ماده ۶۵ فرق نمی‌کند که اجرائیه‌های متعدد از ثبت صادر شده باشند یا اجرا دادگاه و ثبت و یا از سایر مراجع قانونی که حق توقیف مال مدیون را دارند. ماده ۶۷ - هرگاه مدیون سند ذمه‌ای از ثالثی طلب

با وثیقه داشته باشد بازداشت آن طلب نزد ثالث مذکور جایز است در این صورت بازداشت کننده قایم مقام طلبکار با وثیقه شده و از حقوق دارنده وثیقه طبق مقررات اسناد وثیقه استفاده خواهد کرد. ماده ۶۸ - در اجرا اسناد ذمه ای علیه ورثه متوفی بازداشت اموال ورثه با رعایت ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی (۳) جایز است مگر اینکه وارث ترکه را رد کرده باشد و رد ترکه با رعایت مادتين ۲۴۹ و ۲۵۰ قانون امور حسبی (۴) محرز و انجام شده باشد. ماده ۶۹ - اموال و اشیای ریز از مستثنیات دین است و بازداشت نمی شود: ۱ - مسکن متناسب با نیاز متعهد و اشخاص واجب النفقه او. ۲ - لباس اشیا، اسباب و اثاثی که برای رفع حوائج متعهد و اشخاص واجب النفقه او لازم است ۳ - آذوقه موجود به قدر احتیاج سه ماهه متعهد و عایله او. ۴ - وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه وران و کشاورزان متناسب با امرار معاش خود و اشخاص واجب النفقه آنان ۵ - سایر اموال و اشیایی که به موجب قوانین خاص، غیر قابل توقیف می باشد. (اصلاحی مصوب ۲۳/۹/۱۳۷۰) تبصره ۱ - در صورت فوت متعهد، دیون از کلیه اموال بجا مانده از او بدون استثنا چیزی استیفا می شود. (اصلاحی مصوب ۲۳/۹/۱۳۷۰) تبصره ۲ - در صورت بروز اختلاف نسبت به متناسب بودن اموال و اشیا موصوف با نیاز اشخاص فوق الذکر، رییس ثبت محل با توجه به وضعیت خاص متعهد و عرف محل، مطابق ماده ۲۲۹ اتخاذ تصمیم خواهد کرد. (اصلاحی مصوب ۲۳/۹/۱۳۷۰) تبصره ۳ - به موجب مصوبه شماره ۵۷۳۰/۷۷/۱ مورخ ۱/۶/۷۷ ریاست قوه قضاییه لغو گردیده که مفاد مصوبه اخیر ذیلا - درج می شود. (الحاقی مصوب ۲۵/۵/۷۶ و اصلاحی مصوب ۱۳۷۷). (نظر به اینکه برابر بند (ه) ماده ۶۹ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا مصوب تیرماه ۱۳۵۵ و فتاوی مشهور فقهای عظام، مسکن مورد نیاز و متناسب بدهکار و عایله او از مستثنیات دین بوده و قابل بازداشت نمی باشد و نظر به اینکه تبصره ۳ الحاقی به بند (ه) ماده ۶۹ آیین نامه مصوب ۲۵/۶/۷۶ که مقرر می دارد: (در صورتی که بستانکار همسر مدیون بوده و بابت وصول مهریه درخواست بازداشت محل سکونت مدیون را بنماید در این صورت تا نصف از مالکیت مدیون بازداشت می شود) مخالف حکم کلی بند (ه) و مغایر با فتاوی مشهور می باشد لذا لغو تبصره ۳ مرقوم اعلام می گردد. و در صورتی که واحدهای اجرای ثبت در اجرای تبصره ۳ بند ه مسکن مورد نیاز و متناسب بدهکار را توقیف نموده و عملیات اجرایی به پایان نرسیده باشد مکلفند بلافاصله از آن رفع توقیف نموده و عملیات اجرایی را با لحاظ بند ه ماده ۶۹ آیین نامه ادامه دهند). (۵) ماده ۷۰ - بازداشت مال منقولی که در تصرف غیر است و متصرف نسبت به آن ادعای مالکیت می کند ممنوع است ماده ۷۱ - قبل از بازداشت اموال باید صورتی مرتب شود که در آن اسامی و توصیف کلیه اشیا بازداشت شده نوشته شود و در موقع لزوم کیل و وزن و عدد اشیا معین شود و در مورد طلا و نقره آلات هرگاه عیار آنها معین باشد در صورت مجلس قید می گردد و در جواهر عدد و اندازه و صفات و اسامی آنها معین می شود - در کتب اسم کتاب و مصنف و تاریخ طبع - در تصویر و پرده های نقاشی موضوع پرده و طول و عرض آنها و اسم نقاش اگر معلوم باشد - در نوع مال التجاره تعداد عدل تصریح می شود - در سهام و کاغذهای قیمتی عدد و قیمت اصلی و نوع آنها در صورت مجلس معین می شود و همچنین در صورت ریز اشیا نو یا مستعمل بودن آنها باید قید گردد. تبصره ۱ - عدد و کیل و وزن باید با تمام حروف نوشته شود و صورت باید قیطان کشیده شده و به مهر مامور اجرا برسد. تبصره ۲ - اگر در صورت ریز اشیا سهو و اشتباهی به عمل آید در آخر صورت تصریح و به امضا مامور اجرا می رسد. تراشیدن و پاک کردن و نوشتن بین سطرها ممنوع است تبصره ۳ - حتی المقدور صورت مجلس روی برگهای چاپی که باید تهیه شود تنظیم خواهد شد. ماده ۷۲ - مازاد احتمالی مال مورد وثیقه یا توقیف شده قابل بازداشت است ماخذ محاسبه مازاد احتمالی جمع ارقام ذیل است الف - اصل طلب و خسارت تاخیر با رعایت ماده ۳۴ قانون ثبت و سایر مقررات مربوطه ب - حق حراج (مالیات حراج ج - نیم عشر (حق الاجرا) د - وجه التزام (اگر مقرر شده باشد) ه - اجور عقب افتاده و - حق الوکاله اگر جز قرارداد مذکور در سند باشد ز - سایر هزینه هایی که بستانکار با وثیقه (و کسی که اصل ملک در مقابل طلب او توقیف شده است پرداخته و برابر مقررات این آیین نامه حق وصول آن را از متعهد دارد. ماده ۷۳ - هرگاه نسبت به اشیایی که بازداشت می شود اشخاص ثالث اظهار حقی نمایند مامور اجرا اسم مدعی و چگونگی اظهار را قید می کند. ماده ۷۴ - در

مواردی که متعهدله و متعهد یا نماینده دادسرا و گواهان حاضر باشند صورت ریز اشیا به امضای آنها نیز می‌رسد و هرگاه امتناع از امضا نمایند مراتب در صورت جلسه قید می‌گردد. ماده ۷۵- اشخاص مذکور در ماده قبل می‌توانند ایرادات خود را در باب صورت تنظیم شده به مامور اجرا اظهار نمایند مامور اجرا آن اظهارات را با جهات رد و قبول آن در صورت مجلس قید می‌نماید. ماده ۷۶- هرگاه اموال منقول در جای محفوظ و معین باشد مامور اجرا مدخل آن را بسته و مهر و موم می‌نماید و هرگاه اشیا در جای محفوظ و معینی نباشد به هر کدام از اشیا کاغذی الصاق کرده و مهر می‌کند، متعهدله و متعهد نیز می‌توانند پهلوی مهر مامور اجرا را مهر نمایند. ماده ۷۷- هرگاه طول مدت بازداشت باعث فساد بعضی از اشیا شود از قبیل فرش و پارچه های پشمی و غیره اشیا مزبور را باید جدا کرده طوری بازداشت نمایند که بتوان سرکشی و مراقبت نمود. ماده ۷۸- هر یک از متعهدله و متعهد که موقع عملیات بازداشت حاضر باشد و ایرادی ننماید دیگر حق شکایت از اقدامات مامور اجرا را نخواهد داشت ماده ۷۹- هرگاه متعهد یکی از زوجین باشد که در یک خانه زندگی می‌نمایند از اثاث البیت آنچه که عادتاً مورد استعمال زنانه است ملک زن و آنچه عادتاً مورد استعمال مردانه است ملک شوهر و مابقی مشترک بین زوجین محسوب خواهد شد مگر اینکه خلاف ترتیب فوق ثابت شود. ماده ۸۰- هرگاه مالی که بازداشت می‌شود بین متعهد و شخص یا اشخاص دیگر مشاع باشد شرکت بین آنان به نحو تساوی فرض می‌شود مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

فصل ششم - بازداشت اموال نزد شخص ثالث (مواد ۸۱ تا ۹۱)

ماده ۸۱- هرگاه متعهدله اظهار نماید که وجه نقد یا اموال منقول متعهد نزد شخص ثالثی است آن اموال و وجوه تا اندازه‌ای که با دین متعهد و سایر هزینه های اجرایی برابری کند بازداشت می‌شود و بازداشت نامه به شخص ثالث و متعهد ابلاغ و در نسخه ثانی رسید گرفته می‌شود اعم از اینکه شخص ثالث شخص حقیقی باشد یا حقوقی و اعم از اینکه دین او حال باشد یا موجدل ماده ۸۲- هرگاه ثالث مذکور در ماده قبل مصونیت سیاسی داشته باشد ارسال بازداشت نامه از طریق دبیرخانه سازمان ثبت صورت خواهد گرفت ماده ۸۳- ابلاغ بازداشت نامه به شخص ثالث او را ملزم می‌کند که وجه یا اموال بازداشت شده را به صاحب آن بدهد و الا- معادل آن وجه یا قیمت آن اموال را اداره ثبت از او وصول خواهد کرد این نکته در بازداشت نامه باید قید شود. ماده ۸۴- هرگاه مال بازداشت شده نزد شخص ثالث وجه نقد یا طلب حال باشد شخص مزبور باید آن را به صندوق ثبت سپرده و رسید بگیرد. و اگر کسی که اجرائیه بر علیه او صادر شده است امتناع از دادن رسید نماید مدیر ثبت که عملیات اجرا در حوزه او به عمل می‌آید رسید داده و این رسید سند براءت شخص ثالث خواهد بود. ماده ۸۵- هرگاه شخص ثالثی که مال یا طلب حال متعهد نزد او بازداشت شده است از تادیه آن امتناع ورزد بازداشت اموال او مطابق مقررات این آیین نامه خواهد بود. ماده ۸۶- هرگاه شخص ثالث منکر وجود تمام یا قسمتی از وجه نقد یا اموال منقول دیگری باشد باید ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ بازداشت نامه به شخص او مراتب رابه مدیر ثبت اطلاع دهد و الا مسوول پرداخت وجه و یا تسلیم مال خواهد بود و اداره ثبت آن وجه را وصول و یا آن مال را از او خواهد گرفت ماده ۸۷- در صورتی که شخص ثالث منکر وجود مال یا طلب متعهد نزد خود باشد و در ظرف مدت مقرر در ماده فوق بعد از ابلاغ بازداشت نامه اطلاع دهد عملیات اجرایی نسبت به او متوقف می‌شود و متعهدله می‌تواند برای اثبات وجود وجه و مال یا طلب نزد شخص ثالثی که منکر آن بوده به دادگاه صالح مراجعه کند و یا از اموال دیگر متعهد استیفا طلب خود را بخواهد. تبصره - در مواردی که وجود مال یا طلب نزد شخص ثالث به موجب سند رسمی محرز باشد صرف انکار شخص ثالث مانع از تعقیب اجرایی نسبت به او نیست ماده ۸۸- مقررات مواد فوق در صورتی نیز لازم الرعایه است که مال الاجاره اموال منقول یا غیر منقول متعلق به متعهد نزد مستاجر باشد در این صورت باید وجوهی که به تدریج وصول می‌شود تا استهلاك طلب متعهدله

به مشارالیه تادیه گردد و اگر نگاهداری موقت وجوه مزبور لازم باشد در صندوق ثبت اسناد و یا در بانک معتبری ایداع گردد. ماده ۸۹ - بازداشت هزینه مسافرت مامورین دولت و حقوق و مزایای نظامیانی که در جنگ هستند ممنوع است ماده ۹۰ - جز در موارد ذیل هرگاه بازداشت حقوق و مزایا و دستمزدی که متعهد از وجوه عمومی می گیرد لازم باشد در صورتی که دارای کسان واجب‌النفقه باشد ربع و الا - یک ثلث را می توان بازداشت کرد: ۱ - ماده ۲۴ قانون کار مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۲۶ - ۲ - ماده ۹۶ قانون استخدام کشوری اصلاحی سال ۱۳۴۶ - ۳ - ماده ۱۰۲ قانون استخدام نیروهای مسلح و تبصره یک آن ۴ - ماده ۱۵ قانون بیمه های اجتماعی و بازنشستگی و تعاون افزارمندان کارگاهها و کارخانجات ارتش مصوب ۱۳۳۵/۵/۷ - ماده ۹۱ - در مورد ماده قبل پس از ابلاغ بازداشت نامه به اداره متبوع مدیون یا کارگاه رییس اداره یا مسوول کارگاه و مسوول حسابداری (در موسساتی که مسوول حسابداری دارد) باید در کسر و فرستادن مبلغ بازداشت شده طبق تقاضا اقدام کند و گرنه برابر مقررات مسوول خواهد بود (این مراتب باید در بازداشت نامه نوشته شود) تبصره - در مواردی که بستانکار برای استیفای طلب خود تقاضای بازداشت از موجودی حساب و سپرده بانکی بدهکار را می کند بایستی نام، نام خانوادگی و اسم پدر و شماره شناسنامه و محل اقامت و شغل بدهکار و حتی المقدور شماره حساب را به نحوی که اشکالی برای بانک تولید نشود در تقاضانامه ذکر کند و در بازداشت نامه نیز قید گردد.

فصل هفتم - بازداشت اموال غیر منقول (مواد ۹۲ تا ۱۰۴)

ماده ۹۲ - بازداشت اموال غیر منقول اعم از اصل و مازاد به نحوی که در مواد ۴۷-۴۸ مقرر است به عمل میاید و مامور اجرا صورتی که حاوی مراتب ذیل باشد روی نمونه چاپی برای اموال بازداشت شده ترتیب خواهد داد: الف - تاریخ و مفاد اجراییه ب - محل وقوع ملک در شهرستان و بلوک و بخش و کوی و کوچه و شماره ملک اگر داشته باشد. ج - حدود چهارگانه ملک و توصیف اجمالی آن د - مساحت تخمینی ملک ه - مشخصات دیگر از قبیل این که مشتمل بر چند قسمت است در صورتی که خانه مسکونی باشد و یا مشتمل بر چند ابنیه و متعلقات است در صورتی که ملک مزروعی باشد علاوه بر مراتب فوق باید متعلقات آن از قبیل گاو و ماشین آلات و توضیحات دیگری که در تسهیل فروش ملک موثر باشد در صورت مزبور قید شود. ماده ۹۳ - هرگاه حدود یا قسمتی از ملک متنازع فیه باشد مراتب در صورت مجلس قید شده و تصریح می شود که طرف منازعه کیست و در کجا تحت رسیدگی است ماده ۹۴ - اجرا مکلف است فوراً بازداشت را به متعهد و ثبت محل اطلاع داده و صورت وضعیت و جریان ثبتی ملک مورد بازداشت را از اداره ثبت بخواهد، اداره نامبرده در صورتی که ملک ثبت شده باشد در دفتر املاک - کت توقیف شده (دفتر بازداشتی) و در ستون ملاحظات دفتر ثبت املاک بازداشت را یادداشت می نماید و اگر ملک به موجب دفتر املاک و محتویات پرونده ثبتی متعلق به غیر باشد و انتقال آن به متعهد محرز نباشد ثبت محل فوراً مراتب را به اجرا اطلاع می دهد و اجرا از آن رفع بازداشت می کند. ماده ۹۵ - هرگاه ملک مورد بازداشت ثبت نشده باشد مطابق شقوق ذیل رفتار خواهد شد: ۱ - هرگاه ملک مزبور از طرف متعهد تقاضای ثبت شده و طبق سند رسمی به غیر منتقل نشده باشد و یا اینکه مجهول المالك باشد بازداشت در دفتر بازداشتی قید و در پرونده ثبتی یادداشت می شود. ۲ - هرگاه نسبت به ملک از طرف کسی دیگر تقاضای ثبت شده و به متعهد هم منتقل نشده باشد یا اینکه اساساً مورد بازداشت جزو نقاطی که به ثبت عمومی گذارده شده نباشد مراتب به اجرا اطلاع داده می شود. ماده ۹۶ - پس از ابلاغ بازداشت نامه به صاحب مال نقل و انتقال از طرف صاحب مال نسبت به مال بازداشت شده ممنوع است و ترتیب اثر نسبت به انتقال بعد از بازداشت مادام که بازداشت باقی است داده نمی شود (هر چند که انتقال با سند رسمی به عمل آمده باشد) مگر در صورت اجازه کسی که مال برای حفظ حق او بازداشت شده است که در این صورت باید اشخاص ذینفع تکلیف ادامه بازداشت ملک یا رفع آن را معین کنند. ماده ۹۷ - بازداشت مال غیر منقول ثبت نشده به نام مدیون که در تصرف

مالکانه غیر است ولو اینکه متعهدله مدعی مالکیت متعهد و یا خود متعهد مدعی مالکیت آن باشد مادام که این ادعا به موجب حکم نهایی به ثبوت نرسیده ممنوع است و در مورد املاکی که در دفتر املاک به ثبت رسیده و به موجب آن ملک متعهد شناخته می‌شود، ادعای شخص ثالث اگرچه متصرف آن باشد مسموع نبوده و آن ملک مال متعهد شناخته شده و بازداشت می‌شود. ماده ۹۸ - بازداشت مال غیر منقولی که نسبت به منافع آن تعهدی به نفع غیر نشده است مستلزم بازداشت منافع آن است مگر اینکه حاجت به بازداشت منفعت نباشد، در این صورت باید مراتب در صورت مجلس منعکس شود. ماده ۹۹ - در بازداشت محصول املاک مزروعی دخالت مامور اجرا در محصول تا موقع برداشت و تعیین سهم متعهد ممنوع است ولی مامور اجرا باید برای جلوگیری از تفریط نظارت و مراقبت کامل نماید. ماده ۱۰۰ - در دو مورد زیر متعهد می‌تواند در ظرف مدت بازداشت مال منقول و یا غیر منقول بازداشت شده را با اطلاع مامور اجرا بفروشد یا وثیقه بدهد: الف - در مواردی که قبلا و لااقل در حین وقوع معامله مبلغی را که مال برای استیفای آن بازداشت شده است نقدا تادیه کند در این صورت پس از استیفای حق متعهدله و هزینه اجرا بلافاصله رفع بازداشت خواهد شد. ب - در صورت رضایت کتبی متعهدله در فروش یا وثیقه دادن مال توسط خود متعهد. ماده ۱۰۱ - مال غیر منقول بعد از بازداشت موقتا در تصرف مالک باقی می‌ماند و متعهد مکلف است مال غیر منقول را موافق صورت تحویل گرفته و مطابق آن تحویل دهد. ماده ۱۰۲ - در صورت بازداشت منافع مال غیر منقول یا بازداشت محصول درو شده از نظر تعیین حافظ و سایر مقررات مربوط تابع حکم مواد ۴۹ تا ۵۹ این آیین نامه خواهد بود. ماده ۱۰۳ - هرگاه شخص ثالث نسبت به مال بازداشت شده (اعم از منقول و یا غیر منقول اظهار حقی نماید در موارد زیر از مزایده خودداری می‌شود: ۱ - در موردی که متعهدله اعتراض شخص ثالث را قبول کند. ۲ - در موردی که شخص ثالث سند رسمی مقدم بر تاریخ بازداشت ارایه کند مبنی بر اینکه مال مورد بازداشت به او منتقل شده و یا در رهن یا وثیقه طلب اوست ۳ - در صورتی که مال قبل از تاریخ بازداشت به موجب قرار تامین یا دستور اجرای دادگاه یا اجرای ثبت بابت طلب معترض توقیف شده باشد. ۴ - هرگاه شخص ثالث حکمی اعم از قطعی یا غیرقطعی بر حقانیت خود ارایه کند. ۵ - در صورتی که قبل از بازداشت از معترض قبول تقاضای ثبت به عنوان ملکیت یا وقفیت شده باشد. ۶ - در موردی که بر اثر شکایت معترض موضوع قابل طرح در هیات نظارت یا شورای عالی ثبت تشخیص شده باشد. در مورد بندهای ۱ و ۲ و نیز در مورد بند ۴ در صورت وجود حکم قطعی از مال رفع بازداشت می‌شود، و در سایر موارد ادامه عملیات اجرایی موکول به اتخاذ تصمیم نهایی علیه معترض در مراجع مربوط خواهد بود. متعهدله می‌تواند از مال مورد بازداشت صرفنظر کرده و درخواست بازداشت اموال دیگر متعهد را بکند. تبصره ۱ - در صورتی که هر یک از موارد مذکور در این ماده پس از انجام مزایده و قبل از صدور سند انتقال تحقق یابد اداره ثبت صورت مجلس مزایده را ابطال و سپس به ترتیب مقرر در ماده فوق عمل خواهد کرد و هرگاه مال مورد مزایده به برنده یا متعهدله تحویل شده باشد مسترد می‌گردد. تبصره ۲ - در صورتی که مشخصات مال مورد مزایده با مفاد سند یا حکم مستند شخص ثالث تطبیق نکند اعتراض او مانع عملیات اجرایی نیست و شخص ثالث می‌تواند به دادگاه مراجعه نماید. ماده ۱۰۴ - متعهدله می‌تواند ملک درخواست ثبت نشده متعهد را برای استیفای طلب خود معرفی کند در این صورت پس از حراج یا مزایده و انقضا مهلت قانونی برابر مقررات جاری اداره ثبت به برنده حراج یا مزایده سند انتقال می‌دهد و در آگهی و صورت جلسه حراج و سند انتقال قید می‌شود که چون در مورد ملک درخواست ثبت نشده اداره ثبت تکلیفی برای تحویل مورد انتقال ندارد و نیز مسوولیتی از جهت اشکالاتی که ممکن است در حین پذیرش تقاضای ثبت و یا بعد از آن از جهت اعتراض و غیره پیش آید نخواهد داشت انتقال گیرنده برابر مقررات جاری بایستی برای درخواست ثبت مراجعه کند و باید کلیه هزینه های مربوط به اقدامات اجرایی را که از جهت توقیف ملک به وجود آمده پردازد و پرونده اجرایی قبلی برابر مقررات تعقیب خواهد شد. تبصره - معرفی ملک مجهول قبل از پذیرش تقاضای ثبت از جانب متعهد قبول نمی‌شود.

فصل هشتم - ارزیابی (مواد ۱۰۵ تا ۱۱۱)

ماده ۱۰۵ - در هر مورد که مالی معرفی می‌شود هرگاه معرفی کننده مال به ارزیابی مذکور در ماده ۴۸ معترض باشد فقط می‌تواند ضمن امضا صورت مجلس اعتراض خود را اظهار کند، هرگاه طرف دیگر هم حاضر و به ارزیابی معترض باشد مکلف است به همین نحو عمل نماید در صورت عدم حضور مراتب ارزیابی حداکثر ظرف سه روز از طرف اجرای ثبت به او ابلاغ می‌شود. ماده ۱۰۶ - هزینه ارزیابی به عهده معترض است و اگر هر دو معترض باشند نصف به عهده هر یک خواهد بود. ماده ۱۰۷ - در هر مورد که از طرف متعهد یا ثالث مالی در قبال دین معرفی و بازداشت شود متعهدله می‌تواند تا قبل از قطعیت ارزیابی مال دیگری برای استیفای طلب خود معرفی کند مشروط به اینکه وصول طلب از این مال آسانتر باشد در این صورت مال معرفی شده بازداشت و ارزیابی می‌شود و معادل آن از اموال بازداشت شده سابق رفع بازداشت به عمل می‌آید. هزینه بازداشت و ارزیابی مجدد به عهده متعهدله است ماده ۱۰۸ - معترض که ضمن امضا صورت مجلس به ارزیابی اعتراض کرده باید حداکثر ظرف سه روز به اجرا مراجعه و با اطلاع از میزان دستمزد ارزیاب مجدد آن را ابداع و قبض مربوط را تسلیم اجرا کرده و رسید اخذ کند در موردی که طبق ماده ۱۰۵ نتیجه ارزیابی ابلاغ می‌شود باید در آن میزان دستمزد ارزیاب مجدد درج شود. هرگاه مخاطب به ارزیابی معترض باشد ظرف ۵ روز از تاریخ ابلاغ باید کتبا اعتراض خود را با پیوست کردن قبض سپرده دستمزد ارزیاب مجدد به اجرا تسلیم دارد. در صورتی که به ترتیب مقرر فوق اعتراض نرسید ارزیابی قطعی خواهد شد. تبصره - در صورت وارد بودن اعتراض معترض دستمزد ارزیاب مجدد به عهده مدیون است ماده ۱۰۹ - در هر مورد که به نظر ارزیاب نخستین اعتراض شود رییس اجرا در تهران و رییس ثبت در شهرستانها به قرعه از بین سه نفر ارزیاب یک نفر را انتخاب و مراتب را به طرفین ابلاغ می‌کند تا ظرف سه روز چنانچه از حیث رد کارشناس نظری دارند اعلام دارند در صورتی که از این حیث نظری ابراز نشود با تعیین مهلت مناسب به کارشناس اخطار می‌شود که اظهار نظر نماید. ماده ۱۱۰ - دستمزد ارزیاب با در نظر گرفتن درجه علمی و تجربی ارزیاب و محل ارزیابی و نوع مال ارزیابی شده و میزان کار توسط رییس اجرا در تهران و رییس ثبت یا قائم مقام او در شهرستانها معین می‌شود. ماده ۱۱۱ - هرگاه در اجرای سند ذمه‌ای مالی بازداشت شود پس از ارزیابی و قطعیت آن آگهی مزایده منتشر می‌شود اعم از اینکه مال مورد بازداشت قابل تجزیه باشد یا نه در این مورد آگهی مزایده با رعایت ماده ۱۴۰ و ۱۴۱ منتشر و مفاد مواد ۱۵۲ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۸۲ آیین نامه اجرا در مزایده اموال بایستی رعایت شود و آگهی مزایده در دو نوبت به فاصله ده روز در روزنامه منتشر و فاصله انتشار آگهی نوبت دوم تا روز مزایده نباید از ۱۵ روز کمتر باشد و علاوه بر این آگهی، آگهی الصاق تهیه و به محل وقوع ملک و محل مورد مزایده و ابنیه عمومی از قبیل فرمانداری، بخشداری، شهرداری، نیروی انتظامی، دادگستری (و) ثبت اسناد الصاق می‌شود. در مورد اموالی که به کمتر از ۵ میلیون ریال به مزایده گذاشته می‌شود فقط الصاق آگهی کافی است (اصلاحی مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) تبصره ۱ - در صورتی که منافع مورد بازداشت مستند به سند رسمی و عادی باشد خواه مدت آن منقضی شده یا نشده باشد مراتب با ذکر مال الاجاره و آخر مدت اجاره در آگهی مزایده درج می‌شود. (الحاقی مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) تبصره ۲ - هرگاه آگهی مزایده برخلاف مواد ۱۴۰ و ۱۴۱ باشد قبل از تنظیم و امضای صورت مجلس مزایده به دستور مدیر ثبت آگهی تجدید می‌گردد. (الحاقی مصوب ۲۵/۵/۱۳۷۶) تبصره ۳ - در صورتی که مال بازداشتی در جلسه مزایده خریدار پیدا نکند مال با دریافت نیم عشر و حق حراج به قیمتی که مزایده از آن شروع می‌شود به بستانکار واگذار می‌شود. (الحاقی ۲۵/۵/۱۳۷۶)

فصل نهم - در وثیقه (مواد ۱۱۲ تا ۱۳۹)

ماده ۱۱۲ - هرگاه مورد وثیقه مال منقول باشد بستانکار می‌تواند حین ابلاغ اجرائیه یا پس از آن درخواست بازداشت مورد معامله را بکند. ماده ۱۱۳ - هرگاه مالی وثیقه برای دین یا ضمانت قرار داده شود و عنوان رهن و معاملات با حق استرداد را نداشته باشد نیز کلیه مقررات اجرائیه اسناد رهنی و معاملات با حق استرداد درباره آن مجری خواهد بود. ماده ۱۱۴ - هرگاه منافع مورد وثیقه به وثیقه گیرنده به اجاره واگذار شده باشد اجرائیه ای که برای وصول اجرت المسمی صادر می‌گردد مانند اجرائیه اسناد ذمه ای است و متعهدله می‌تواند درخواست بازداشت سایر اموال متعهد را بکند. ماده ۱۱۵ - در مواردی که وثیقه دهنده غیر از مدیون اصلی است ابلاغ اجرائیه و سایر عملیات اجرائیه باید به طرفیت مالک وثیقه جریان یابد و در عین حال مراتب باید به مدیون نیز ابلاغ شود تا از جریان کار آگاه گردد مگر اینکه ابلاغ به او متعسر باشد. ماده ۱۱۶ - بازداشت کننده مازاد وثیقه که مطابق مقررات اصل و متفرعات موضوع سند بستانکار مقدم را قبل از صدور اجرائیه سند مقدم می‌پردازد باید تقاضای صدور اجرائیه را به ماخذ هر دو طلب و متفرعات آنها بنماید. ماده ۱۱۷ - هرگاه بازداشت کننده مازاد طبق مقررات تمام طلب و متفرعات بستانکار مقدم را پس از صدور اجرائیه و سند مقدم پردازد عملیات اجرائیه به موجب پرونده تشکیل شده به سود بازداشت کننده نسبت به مجموع دو طلب و متفرعات ادامه خواهد یافت ماده ۱۱۸ - در معاملات رهنی و یا با حق استرداد و وثایق حسن انجام خدمات معامله کننده می‌تواند با قید حق بستانکار مقدم و ذکر تاریخ انقضای سند مقدم مورد معامله را برای وامهای دیگر وثیقه یا تامین دهد. و در صورت فک معامله مقدم، تمام مال مورد معامله در وثیقه بستانکاران بعدی به ترتیب تقدم قرار می‌گیرد، معاملات بعدی باید در همان دفترخانه تنظیم کننده سند مقدم واقع شود، سردفتر مکلف است وقوع معامله موخر را با ذکر مشخصات کامل بستانکار معامله مازاد در ملاحظات ثبت سند مقدم نیز قید کند. دارنده حق استرداد اعم از بدهکار اصلی یا منتقل الیه می‌تواند با قید حق بستانکار یا بستانکاران و ذکر تاریخ انقضا مدت حق استرداد خود را واگذار کند. در این صورت اجرائیه و عملیات اجرائیه باید علیه آخرین منتقل الیه صادر و تعقیب گردد مگر اینکه مرتهن از رهن رجوع کند یا از مندرجات سند رهنی و یا سند رسمی دیگر، دفترخانه احراز کند که مقرر بین طرفین این بوده که مرتهن برای وصول طلب خود اجرائیه علیه راهن صادر کند نه منتقل الیه، مثل اینکه در سند رهنی شرط شود که راهن حق صلح حقوق و یا واگذاری حق استرداد را ندارد که در این قبیل موارد واگذاری حق استرداد به غیر نسبت به مرتهن موثر نبوده و اجرائیه و عملیات اجرائیه علیه بدهکار اصلی و در صورت فوت علیه قایم مقام او صادر و تعقیب خواهد شد. تبصره ۱ - تنظیم هر نوع سند بین بدهکار و یک و یا چند نفر از بستانکاران که موجب شود مدت سند تمدید گردد و یا مبلغ موضوع سند افزایش یابد بدون موافقت بقیه بستانکاران بعدی ممنوع است تبصره ۲ - برای استیفای حقوق بستانکار معامله موخر طی دو ماه آخر عملیات اجرائیه سند مقدم ملک در معرض حراج گذاشته می‌شود. عملیات حراج به همان نحوی است که در مورد بازداشت مازاد مقرر است عدم وصول تقاضای حراج از ناحیه مدیون و یا استرداد تقاضا مانع عملیات حراج نخواهد بود. تبصره ۳ - بستانکار معامله موخر پس از انقضای مدت سند مقدم می‌تواند با استفاده از ماده ۳۴ مکرر اصلاحی قانون ثبت قبل از فروش مال از طریق حراج و یا تنظیم سند انتقال ملک به بستانکار مقدم کلیه بدهی موضوع سند مقدم را پرداخت و یا ایداع نماید نحوه پرداخت و یا سپردن وجه و صدور گواهی و انعکاس مراتب در پرونده ثبتی ملک به شرح مذکور در ماده ۱۹۶ این آیین نامه می‌باشد و دفتر تنظیم کننده سند به دستور اجرا وثیقه بودن مال را در ازای طلب بستانکار بابت معامله موخر و وجوه پرداختی بابت طلب بستانکار مقدم در دفتر قید می‌کند. در این مورد عملیات اجرائیه نسبت به هر دو سند تواما انجام و میزان مبلغ شروع حراج عبارت از مجموع طلب بستانکار پرداخت کننده دین به ضمیمه اصل و متفرعات سند مقدم و خسارات و حقوق اجرائیه خواهد بود، در صورتی که مدت سند بستانکار موخر، حال نشده باشد پس از حال شدن موعد عملیات اجرائیه به ترتیب مذکور انجام خواهد گرفت ماده ۱۱۹ - هرگاه در زمان حکومت قانون اصلاحی ثبت مصوب ۱۳۵۱ به اعتبار مالی که قبلا (در زمان قانون سابق به وثیقه داده شده است و ام جدید گرفته شود سند جدید تابع قانون جدید است تبصره - طرفین می‌توانند اجرا سند سابق را تابع مقررات

زمان قانون جدید قرار دهند. ماده ۱۲۰ - هرگاه سند وثیقه در زمان قانون سابق تنظیم شده و وثیقه دهنده در زمان حکومت قانون اصلاحی ثبت مصوب ۱۳۵۱ برای تکمیل وثیقه، مال دیگری به وثیقه دهد این سند متمم از نظر صدور اجراییه تابع مقررات سابق بر قانون ۱۳۵۱ می‌باشد مگر آنکه طرفین آن را تابع مقررات جدید قرار دهند که در این صورت مقررات اخیرالذکر قابل اجراست

ماده ۱۲۱ - هرگاه بستانکار سند وثیقه‌ای که در زمان قانون سابق تنظیم شده حقوق خود را در زمان قانون اصلاحی ثبت مصوب ۱۳۵۱ به ثالث صلح کند سند صلح از نظر اجرایی تابع مقررات سابق خواهد بود. ماده ۱۲۲ - در معاملات رهنی و یا با حق استرداد و یا وثایق حسن انجام خدمات هرگاه مورد معامله منقول و غیر منقول باشد طرفین قرارداد می‌توانند ضمن سند توافق نمایند که عملیات اجرایی بدون تفکیک بر اساس مقررات اموال غیر منقول انجام گیرد، سکوت طرفین در قرارداد به منزله توافق آنان در انجام عملیات اجرایی بر اساس مقررات مربوط به اموال غیر منقول است ماده ۱۲۳ - تعیین بهره یا اجوری کمتر از صدی دوازده در سند مانع از این نیست که طرفین معامله درباره تعیین خسارت تاخیر تادیه تا میزان صدی دوازده، توافق و تراضی نمایند. در صورت سکوت قرارداد تبصره ۵ ماده ۳۴ قانون اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۵۱ مجری خواهد بود. ماده ۱۲۴ - بعد از ابلاغ اجراییه و اعاده آن ممیز اجرا مکلف است با رسیدگی لازم اگر نقصی در ابلاغ وجود نداشته باشد صحت آن را روی نسخه ابلاغ شده اجراییه گواهی و به تایید رییس یا معاون اجرا رسانیده و سپس حسب مورد برای آنها وقت اقدام بعدی را که دو ماه قبل از مدت مذکور در ماده ۳۴ اصلاحی و تبصره ۲ آن است تعیین و در دفتر اوقات ثبت و پرونده را به بایگانی ارسال دارد. ماده ۱۲۵ - ممیز اجرا مکلف است همه روزه با مراجعه به دفتر اوقات مذکور در ماده قبل پرونده‌هایی را که موعد آن فرا می‌رسد یک روز پیش از بایگانی مطالبه و روز بعد از انقضا موعد مقرر با رسیدگی لازم چنانچه تقاضای حراج نسبت به آن واصل شده باشد همان روز پرونده و سوابق را به مرکز حراج بفرستد. اگر به گواهی متصدی دفتر اندیکاتور تقاضای حراج واصل نشده باشد روی برگ ابلاغ شده اجراییه عدم وصول تقاضای حراج را گواهی و وقت مزبور بعد از پایان هشت ماه در دفتر اوقات ثبت و پرونده را به بایگانی ارسال دارد. ممیز اجرا موظف است طبق دفتر اوقات در وقت مقرر به پرونده‌ها رسیدگی و نسبت به تهیه مقدمات تحویل اموال منقول و یا تنظیم سند انتقال اقدام کند. ماده ۱۲۶ - تقاضای حراج باید کتبی بوده و به دفتر اجرا تسلیم و رسید اخذ شود. متصدی دفتر اندیکاتور مکلف است آن را در همان روز وصول در دفتر اندیکاتور ثبت و مفاد تقاضا را به طور صریح ذکر کند و رسیدی که به متقاضی حراج داده می‌شود باید شماره و تاریخ ثبت دفتر اندیکاتور و شماره پرونده اجرایی در آن قید شود. در مواردی که تقاضای حراج به وسیله پست و یا تلگراف می‌رسد باید متصدی دفتر بلافاصله آن را در دفتر اندیکاتور ثبت کند. ماده ۱۲۷ - عدم رعایت مقررات مذکور در سه ماده قبل (۱۲۴ - ۱۲۵ و ۱۲۶) تخلف اداری از نوع الف و ب ماده ۱ آیین نامه دادرسی اداری محسوب است ماده ۱۲۸ - تاریخ وصول تقاضای حراج تاریخ ثبت تقاضای مربوطه در دفتر اندیکاتور خواهد بود. ماده ۱۲۹ - در هر مورد که تقاضای حراج خارج از موعد مقرر واصل شده باشد رییس اجرا باید در همان روز به آن رسیدگی و پس از احراز اینکه خارج از موعد است نسبت به رد آن اقدام و مراتب را به اطلاع متقاضی برساند. نظر رییس اجرا در این مورد پس از تایید رییس ثبت محل قطعی و غیرقابل شکایت است تبصره - در واحدهای ثبتی که مسوول یا رییس اجرا وجود ندارد رییس و در غیاب او کفیل ثبت به تکلیف مذکور در این ماده عمل خواهد نمود. ماده ۱۳۰ - مرتهن می‌تواند مادام که دین بر ذمه رهن باقی است از رهنه اعراض کند. هرگاه اعراض قبل از صدور اجراییه باشد باید مرتهن در دفتر اسناد رسمی مربوطه حاضر شود و با ذکر توضیح در ملاحظات ثبت سند مراتب قید و به امضا او برسد، در این صورت با توضیح موضوع اعراض اجراییه صادر خواهد شد. اگر پس از صدور اجراییه رهنی اعراض به عمل آید باید مراتب کتبا به اجرا اعلام و رییس اجرا پس از احراز صحت انتساب تقاضانامه مذکور موضوع را به متعهد ابلاغ کرده و برابر مقررات اسناد ذمه‌ای عمل بنماید. تبصره - حق اعراض از رهن با انجام حراج و یا انقضای هشت ماه از روز ابلاغ اجراییه ساقط می‌شود. ماده ۱۳۱ - هرگاه اعراض از رهن در حین عملیات اجرایی باشد اجرا مکلف

است مراتب را به دفتر تنظیم کننده سند اعلام کند، در این مورد و نیز در موردی که اعراض در دفترخانه اسناد رسمی به عمل می‌آید دفتر اسناد رسمی اطلاعنامه فسخ مربوطه را به اداره ثبت ارسال خواهد داشت اگر موعد سند منقضی نشده باشد به مجرد اعراض مورد رهن آزاد و حق عینی بستانکار به حق ذمی تبدیل می‌گردد و مطالبه وجه و صدور اجراییه برای وصول آن موکول به انقضا مدت مذکور در سند معامله خواهد بود. در مورد وراثت مدیون و نیز وقتی که رهن متعدد بوده و فک رهن و فسخ سند موکول به ادا تمام دین شده باشد اعراض از رهن باید نسبت به تمام مرهونه باشد و اعراض از رهن نسبت به سهم یک یا چند نفر از بدهکاران وقتی پذیرفته می‌شود که حق مطالبه دین بدهکارانی که از رهینه آنها اعراض گردیده از سایر بدهکاران اسقاط شده باشد و در هر حال بستانکار نمی‌تواند مال مورد وثیقه را به کمتر از اصل و متفرعات خود تملک کند. هرگاه مازاد مرهونه به نفع غیر بازداشت شده باشد در صورت اعراض از رهن بازداشت مازاد به بازداشت اصل تبدیل می‌گردد. ماده ۱۳۲ - در صورتی که مازاد مال مورد وثیقه از طریق اجرا ثبت یا مراجع صالح قانونی دیگر بازداشت شود، به مجرد وصول دستور بازداشت باید مراتب در دفتر بازداشتی ثبت شود و در واحدهایی که برای انجام معامله املاک ثبت شده موضوع عدم بازداشت استعلام نمی‌شود به دفاتر اسناد رسمی تابعه ابلاغ گردد بازداشت به مجرد ابلاغ به مدیون یا ثبت مفاد آن در دفاتر بازداشتی تحقق خواهد یافت و هرگاه معامله‌ای که مازاد آن بازداشت شده فسخ شود خود به خود بازداشت مازاد به اصل تبدیل خواهد شد، در هر حال مفاد بازداشت باید بلافاصله به دفتر تنظیم کننده سند ابلاغ و دفتر مزبور مکلف است مفاد آن را در ملاحظات ثبت معامله قید کرده و اگر سند معامله به صدور اجراییه منتهی شده باشد مراتب را به اجرا مربوط اعلام دارد. استیفای حقوق بازداشت کننده مازاد به شرح تبصره ۷ ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت و مقررات مربوط به آن است هرگاه بازداشت کننده مازاد کلیه بدهی موضوع سند را برابر ماده ۳۴ مکرر بپردازد استیفا مطالبات او طبق مقررات مواد ۳۴ و ۳۴ مکرر اصلاحی است ماده ۱۳۳ - اجرای مفاد ماده ۳۴ مکرر اصلاحی از جهت ایداع وجه نزد سردفتر اسناد رسمی منحصر به مواقعی است که بدهکار در مقام انجام معامله دیگری نسبت به مورد وثیقه بوده و بخواهد با پرداخت کلیه بدهی و خسارات قانونی و نیم عشر با فسخ معامله مورد وثیقه را با دیگری معامله کند. سردفتر به شرح قسمت آخر ماده مذکور موظف است در موعد مقرر وجه ایداعی را به صندوق ثبت تحویل دهد. ماده ۱۳۴ - هرگاه مقداری از وثیقه قبل یا بعد از صدور اجراییه تلف شده باشد و بستانکار از مورد وثیقه عدول نکند سند وثیقه به نسبت قیمت جزیی که باقی مانده (در مقایسه تمام قیمت با تمام دین به اعتبار خود باقی است نسبت به جز تلف شده هرگاه بدل داده نشده باشد سند مزبور در حکم اسناد ذمه خواهد بود. برای بدست آوردن نسبت از راه اعمال نظر کارشناسی عمل خواهد شد. ماده ۱۳۵ - در مواردی که موضوع وثیقه قبل از ختم عملیات اجرایی به حکم قوانین خاص به تملک ثالث در می‌آید و در نتیجه متعهدله به کل طلب خود نمی‌رسد متعهدله می‌تواند برای وصول مانده طلب طبق مقررات اجرایی راجع به اسناد ذمه ای از طریق اداره ثبت اقدام کند. ماده ۱۳۶ - ایداع در تبصره هشتم ماده ۳۴ قانون اصلاحی قانون ثبت در صندوق هر واحد ثبتی معتبر است خواه واحد ثبتی صادر کننده اجراییه باشد خواه نباشد. ماده ۱۳۷ - در موارد سکوت این فصل نسبت به اسناد وثیقه مقررات سایر فصول این آیین نامه رعایت خواهد شد. ماده ۱۳۸ - هرگاه مورد وثیقه واقعا یا حکما تلف شود سند تابع مقررات اسناد ذمه‌ای خواهد بود. ماده ۱۳۹ - در مورد اجرا ماده ۱۱۱ تشخیص غیرقابل تجزیه بودن مال (منقول و غیرمنقول مورد معامله یا مورد بازداشت به عهده اجرا است

فصل دهم - در حراج (مواد ۱۴۰ تا ۲۰۰)

ماده ۱۴۰ - در آگهی الصاقی حراج مال غیر منقول باید نکات زیر تصریح شود: ۱ - نام و نام خانوادگی مالک ۲ - محل و حدود و مقدار و توصیف اجمالی ملک ۳ - هرگاه واگذاری منافع مستند به سند رسمی باشد خواه مدت آن منقضی شده باشد یا نشده باشد

مراتب با ذکر مال الاجاره و آخر مدت اجاره در آگهی الصاقی درج می‌شود و در صورتی که به موجب سند رسمی مقدم بر تاریخ تنظیم سند معامله موضوع اجرائیه برای مدت معینی مسلوب المنفعه باشد موضوع صریحا باید در آگهی قید شود. ۴ - تعیین اینکه ملک ثبت شده است یا نه ۵ - تصریح به اینکه مورد حراج مشاع است یا مفروز. ۶ - قیمتی که حراج از آن شروع می‌شود. ۷ - اشاره به اینکه بدهی‌های مربوط به آب لوله کشی و برق و تلفن و گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مکالمه و مصرف در صورتی که مورد حراج دارای آب لوله کشی و برق و تلفن و گاز باشد و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری تا تاریخ حراج اعم از اینکه رقم قطعی آنها معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده حراج است ۸ - روز و محل و ساعت شروع و ختم حراج ماده ۱۴۱ - در آگهی الصاقی حراج اموال منقول نکات زیر باید تصریح شود: ۱ - نوع اموال مورد حراج و توصیف اجمالی آن ۲ - روز و محل و ساعت شروع و ختم حراج ۳ - قیمتی که حراج از آن شروع می‌شود. ماده ۱۴۲ - مسوول مرکز حراج مکلف است هنگام صدور آگهی الصاقی مراقبت کامل نماید که مندرجات آگهی طبق مقررات این آیین نامه صحیحا تنظیم شده باشد و قبل از الصاق نیز مجددا بررسی لازم به عمل آورده و اگر احیانا اشتباهی رخ داده باشد با حضور نماینده دادستان نسبت به اصلاح نسخ آگهی و قید توضیح در ذیل آن اقدام و به امضا خود و نماینده دادستان برساند و سپس نسبت به الصاق آگهی اقدام شود. مسوولیت هر نوع اشتباه در آگهی به عهده شخص رییس یا مسوول مرکز حراج خواهد بود. ماده ۱۴۳ - فاصله انتشار آگهی الصاقی با اولین روز حراج نباید از پانزده روز کمتر باشد. آگهی‌ها در مرکز حراج باید تا آخرین ساعت اداری روز فروش یا واگذاری مال در تابلو آگهی‌ها محفوظ نگاهداشته شود و در مورد اموال غیر منقول باید نقشه هوایی و یا کروکی که نشان دهنده موقعیت و محل وقوع ملک است با آگهی الصاقی در مرکز حراج به طوری که جلب نظر کند نصب شود. آگهی نامبرده علاوه بر مرکز حراج باید به محل ملک و ابنیه عمومی از قبیل (فرمانداری ، بخشداری ، شهرداری ، کلانتری ، دادگستری و ثبت اسناد) الصاق شود. در مورد اموالی که به کمتر از پنجاه هزار ریال به حراج گذاشته می‌شود فقط الصاق آگهی در مرکز حراج کافی است ماده ۱۴۴ - هرگاه مورد وثیقه چند ملک باشد که در نقاط مختلف کشور قرار دارند آگهی در همه نقاط مذکور برابر ماده ۱۳۹ الصاق می‌شود و در آگهی تصریح می‌گردد که جلسه حراج در مرکز حراج ثبت محل تنظیم سند که شهر... است تشکیل خواهد شد. ماده ۱۴۵ - هرگاه مال مورد مزایده بیمه باشد باید در آگهی الصاقی این نکته اعلام گردد و در صورتی که مال مورد مزایده به دیگری واگذار می‌شود باید به بیمه گر اعلام گردد. ماده ۱۴۶ - در صورتی که آگهی برخلاف مواد ۱۴۰ تا ۱۴۵ باشد قبل از تنظیم و امضا صورت مجلس حراج ، به دستور مدیر ثبت آگهی تجدید می‌گردد. ماده ۱۴۷ - در هر واحد ثبتی که سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مقتضی بداند مرکز یا مراکز حراج مرکب از یک رییس و لدی الاقتضا ، یک معاون و به تعداد کافی کارمند و اعلام کننده (چوب زن تشکیل می‌شود. در سایر واحدهای ثبتی به تناسب حجم کار تصدی مرکز حراج با رییس اجرا و یا کارمندیاست که به پیشنهاد ثبت منطقه از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به این سمت منصوب خواهد شد و عنداللزوم تعداد کافی کارمند و ممیز خواهد داشت ماده ۱۴۸ - مرکز حراج می‌تواند برای شناساندن خود و جلب توجه عموم به وسایل مقتضی تبلیغ کند و افراد ذینفع نیز اگر مایل به تبلیغ بیشتری برای اموال و املاک مورد حراج باشند با نظارت مرکز حراج می‌توانند به هزینه خود در جراید و غیره آگهی کنند. ماده ۱۴۹ - مرکز حراج علاوه بر دفاتر اداری لازم ، دارای دفاتر زیر خواهد بود: ۱ - دفتر اموال غیر منقول ۲ - دفتر اموال منقول ۳ - دفتر اوقات حراج ۴ - دفتر انبار ماده ۱۵۰ - در مرکز هر واحد ثبتی که مرکز یا مراکز حراج جداگانه تشکیل می‌گردد ، بایگانی مرکز حراج با روش تنظیم کارت اداره خواهد شد. نمونه کارت و نحوه عمل را سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تعیین خواهد کرد. اجرا به جای ارسال پرونده اجرایی به مرکز حراج برای هر پرونده کارت مذکور را در دو نسخه تنظیم و کلیه مشخصات مال را در آن قبل و پس از گواهی در موعد مقرر به مرکز حراج ارسال می‌دارد عملیات حراج و همچنین صورت مجلس مربوطه به فروش یا عدم فروش مال در هر دو کارت مزبور به وسیله مرکز حراج منعکس و به امضا اشخاص ذینفع و مسوولین امر خواهد رسید. پس از

پایان کار یک نسخه از کارت تکمیل شده در مرکز حراج بایگانی و نسخه دیگر به اجرا مربوطه برای بایگانی در پرونده ارسال می‌گردد. تبصره - ارسال کارت به مرکز حراج مبین لزوم اقدام به عملیات حراج خواهد بود. ماده ۱۵۱ - در هر مورد که تا قبل از ارسال کارت به مرکز حراج معلوم شود که واگذاری مورد بازداشت یا مورد معامله قانونا میسر نیست مادام که رفع مانع نشده از ارسال کارت به مرکز حراج خودداری می‌شود. هرگاه مانع مزبور قبل از خاتمه عملیات حراج در مرکز حراج ظاهر گردد، مرکز حراج از هرگونه اقدام خودداری می‌کند و مراتب را به اجرا اطلاع می‌دهد. در مورد وثایق غیرمنقول هرگاه در خلال دو ماه عملیات حراج معلوم گردد که واگذاری مورد معامله قانونا مقدور نیست از هرگونه اقدام خودداری و جریان به اجرا اعلام خواهد شد. ماده ۱۵۲ - رییس و کارمندان مرکز حراج و اجرا و مباشرین فروش و کارمندان ثبت محل و نماینده دادستان حق شرکت در حراج به عنوان مشتری به طور مستقیم یا غیر مستقیم نخواهند داشت ماده ۱۵۳ - مرکز حراج باید به مجرد وصول کارت از جهت اطلاع اینکه تغییراتی در وضع ملک حادث شده یا خیر از ثبت محل استعلام و اگر ملک در اجاره رسمی باشد میزان مال الاجاره را تعیین نماید و نیز اگر ملک دارای اعیانی است با معاینه محل و ترسیم کروکی مساحت و مشخصات و کیفیت اعیانی را اعم از ساختمان و اشجار تعیین و در صورت وجود نقشه هوایی موقعیت ملک را روی آن مشخص و هرگاه نقشه هوایی نباشد به کیفیتی که محل وقوع ملک و نشانی آن برای مراجعین مشخص گردد کروکی تهیه کند و مقدمات حراج را فراهم سازد. ماده ۱۵۴ - اعتراض نسبت به عملیات اجرایی مربوط به اموال منقول تا پنج روز بعد از ارسال کارت به مرکز حراج پذیرفته خواهد شد. مدیر ثبت یا قائم مقام او (حسب مورد) مکلف است فوراً نسبت به اعتراض رسیده رسیدگی و نظر خود را اعلام نماید هرگاه این نظر مورد اعتراض قرار گیرد هیات نظارت مکلف است خارج از نوبت و حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ حراج رای خود را صادر و دفتر هیات فوراً آن را به مرکز حراج ارسال دارد اگر تا روز حراج نتیجه قطعی اعتراض اعلام نشود عملیات حراج متوقف و پس از تعیین تکلیف قطعی عملیات حراج تعقیب و ظرف سی روز پایان خواهد پذیرفت ماده ۱۵۵ - مرکز حراج مکلف است از تاریخ صدور آگهی الصاقی تا آخرین ساعت روز حراج اموال منقول مورد آگهی را به روی مشتریانی که مراجعه می‌نمایند برساند. همچنین در مواردی که قبل از صدور آگهی الصاقی بدهکار مشتریانی را برای ملاحظه اموال منقولی که برای حراج در اختیار مرکز حراج است بیاورد مرکز مذکور موظف است اموال نامبرده را با حضور مدیون و یا نماینده قانونی او به مشتری نشان دهد در مورد اموال غیرمنقول نیز باید مرکز حراج راساً مشتریانی را که مراجعه می‌کنند به محل وقوع ملک هدایت نماید. ماده ۱۵۶ - ورود به مرکز حراج برای عموم آزاد است جلسه حراج با حضور رییس و در غیاب او با حضور معاون مرکز حراج و نماینده دادستان و متصدی حراج تشکیل خواهد شد. ماده ۱۵۷ - اموالی که حراج می‌شود باید لااقل یک هفته قبل از روز حراج به مسوول حراج تحویل شده و رسید گرفته شود. اموال مزبور در دفتر حراج با شماره و مشخصات آن ثبت می‌شود. ماده ۱۵۸ - مسوول حراج باید وقت حراج را که در پیش نویس آگهی الصاقی تعیین شده با قید روز و ساعت در دفتر اوقات حراج یادداشت کند. ماده ۱۵۹ - حق حراج طبق آیین نامه مخصوص و سایر مقررات مربوط در صورت انجام شدن حراج دریافت و جز درآمد عمومی به خزانه داری کل تحویل می‌شود. تقسیط آن نیز برابر آیین نامه دادن مهلت و نحوه تقسیط بدهی اشخاص به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و تعیین نرخ بهره و خسارت تاخیر تادیه مصوبه آبان ماه ۵۱ جایز است ماده ۱۶۰ - مسوول حراج باید وجوه حاصل از فروش را همه روزه به بانک ملی تحویل داده قبض رسید آن را با صورت فروش فوراً به اجرا تسلیم و رسید بگیرد. ماده ۱۶۱ - حراج حضوری است (ماده ۱۵۵) اگر در جلسه اول خریدار پیدا شود مورد حراج به او داده می‌شود مگر اینکه مدیون درخواست کند که مورد حراج در جلسه بعدی به حراج گذارده شود در این صورت مال در جلسه بعدی به حراج نهاده می‌شود. ماده ۱۶۲ - هنگام حراج قیمت‌های پیشنهادی به وسیله بلندگو و وسایل دیگر اعلان و در تابلو اعلانات به خط درشت منعکس می‌شود و به مجرد اینکه خریدار دیگری با نرخ بیشتر پیدا شود به همین ترتیب اقدام می‌شود و تا آخرین ساعت مقرر حراج ادامه خواهد یافت هر خریدار هنگام پیشنهاد باید حداقل

مبلغ مذکور در ماده ۱۹۰ این آیین نامه را به مرکز حراج تسلیم و قبض موقت مضمی به امضا رییس مرکز حراج دریافت دارد. با وصول پیشنهاد خرید به قیمت بیشتر خریدار اخیر نیز به شرح مذکور اقدام و وجه قبض موقت خریدار قبلی بلافاصله به نامبرده رد خواهد شد. با انقضا وقت حراج صورت مجلس لازم تنظیم و در صورت فروش از طریق حراج وجه دریافتی به عنوان امانت به صندوق مرکز حراج تحویل و اموال منقول بلافاصله به خریدار یا در صورتی که خریدار نباشد به بستانکاری که قانونا ملزم به دریافت آن است تحویل و رسید گرفته خواهد شد. ماده ۱۶۳ - در صورت تراضی طرفین و نیز در صورتی که حمل اشیا به مرکز حراج باعث هزینه نامتناسب باشد در وقت مقرر قانونی اشیا در محلی که بازداشت شده به فروش می‌رسد. ماده ۱۶۴ - حراج اموال فاسد شدنی و حیوانات که برای استیفای طلب معرفی می‌شود به دستور رییس اجرا بلافاصله و بدون تشریفات در محل به وسیله مامورین مرکز حراج و با حضور نماینده دادستان به عمل خواهد آمد. ماده ۱۶۵ - کتب و رسالات و مقالات خطی صاحب اثر قابل بازداشت و حراج نیست مگر با رضایت وی ماده ۱۶۶ - صورت مجلس حراج باید به امضا مسوولین امر و نماینده دادستان و خریدار و نیز مدیون و داین و یا نمایندگان آنان (در صورتی که حضور داشته باشند) برسد. ماده ۱۶۷ - فروش مال به نسیه جایز نیست مگر اینکه متعهدله فروش به نسیه را قبول و مدیون نیز مازاد را نقدا دریافت و یا نسبت به مازاد نسیه را قبول نماید در هر دو صورت خود مسوول وصول خواهند بود و حق حراج نقدا دریافت می‌شود. ماده ۱۶۸ - هرگاه برنده حراج بعد از پرداخت وجه و صدور قبض و قبل از تنظیم صورت مجلس حراج از خرید منصرف شود در صورت موافقت مدیون وجه سپرده شده مسترد و اگر وقت باقی باشد به حراج ادامه داده خواهد شد. ماده ۱۶۹ - در مورد اموال غیر منقول هرگاه برنده حراج وجه مذکور در ماده ۱۹۰ را پردازد و قبل از تنظیم سند انتقال اظهار نماید که ثمن معامله متعلق به غیر بوده و شرکت در حراج به نمایندگی از طرف مشارالیه انجام گرفته سند انتقال با قید مراتب به نام خریدار واقعی حراج تنظیم و به امضای برنده حراج و شخص اصیل یا قایم مقام قانونی آنها خواهد رسید مگر اینکه اصیل از امضا سند خودداری کند که در این صورت مال به برنده مزایده منتقل می‌شود. ماده ۱۷۰ - مرکز حراج مکلف است در صورت درخواست خریدار گواهی فروش مال منقول مورد حراج را با ذکر مشخصات کامل به نامبرده تسلیم دارد. ماده ۱۷۱ - تحویل مال منقول به کسی که برابر مقررات در حراج برنده شده است و دستور تنظیم سند رسمی واگذاری طبق مقررات و نیز در مورد اموال منقول و غیر منقول وصول نیم عشر و سایر حقوق قانونی و صدور قبض پرداخت و جوه حاصله از فروش به بستانکار و تحویل مازاد به مدیون و سپس تحویل منقول به عهده رییس مرکز حراج و در غیاب او معاون مرکز حراج است در مورد مال غیر منقول دستور تنظیم سند انتقال و سایر اقدامات با مدیر ثبت در شهرستانها و با رییس اجرا در تهران است ماده ۱۷۲ - هرگاه مال معرفی شده در جلسه حراج خریدار پیدا نکند هر یک از بدهکار و بستانکار می‌توانند تقاضا کنند که مورد حراج در جلسه بعد به حراج گذارده شود و هرگاه در جلسه بعد هم خریدار پیدا نشود طبق صورت ارزیابی به بستانکار واگذار خواهد شد. ماده ۱۷۳ - در مورد حراج اموال منقول درخواست مدیون برای تقدم و تاخر فروش پذیرفته می‌شود و هر موقع جوه حاصله برای تامین کل طلب قانونی بستانکار و حقوق دولتی کافی باشد از فروش بقیه اموال خودداری خواهد شد و در این مورد ولو اینکه خریدار متعدد باشد یک صورت مجلس حراج تنظیم می‌شود. ماده ۱۷۴ - در موارد زیر فروش از درجه اعتبار ساقط است و باید با رعایت مواد فوق آگهی فروش تجدید شود: ۱ - هرگاه فروش در روز و ساعت و یا محلی که در آگهی معین شده به عمل نیاید. ۲ - هرگاه بدون جهت قانونی مانع خرید کسی شود و یا بالاترین قیمتی را که پیشنهاد شده است رد کنند. ۳ - در صورتی که مزایده بدون حضور نماینده دادسرا به عمل آید. ۴ - در صورتی که مباشرین فروش و کارمندان اداره ثبت در خرید شرکت کرده باشند. ماده ۱۷۵ - در مورد مال غیر منقول پس از انجام مزایده باید اجرا ظرف ۴۸ ساعت پرونده را فهرست و منگنه کرده پیوست گزارش برای صدور سند انتقال نزد مدیر ثبت بفرستد. تبصره - در مورد واگذاری اموال مذکور در تبصره ۷ ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت مصوب سال ۱۳۵۱ با انقضا دو ماه مقرر مال منقول بلافاصله تحویل بستانکار خواهد شد و مال غیر منقول حداکثر ظرف یک هفته رأساً از

طرف اداره ثبت با دریافت نیم عشر و هزینه‌های اجرایی به بستانکار انتقال و تحویل داده می‌شود. ماده ۱۷۶ - در کلیه پرونده‌های اجرایی پس از ختم مزایده یا حراج هرگاه مدیون یا مالک (حسب مورد) یا متبرع بدهی پرونده و خسارات را تا روز تادیه بدهد از تحویل مال در منقول و صدور انتقال (در مواردی که قانونا سند تنظیم می‌شود) خودداری خواهد شد. (۱۰) ماده ۱۷۷ - پس از انجام فروش مال مورد مزایده یا انتقال آن به بستانکار اداره ثبت باید آن مال را تحویل داده و رسید دریافت دارد. ماده ۱۷۸ - در مورد اموال منقول باید کیفیت و نوع و مشخصات کامل آن تعیین گردد. و اجرا باید ترتیبی اتخاذ نماید که در انقضا چهار ماه مقرر اموال مورد حراج را در اختیار داشته و با کارت مربوطه به مرکز حراج تحویل نماید. قبل از تحویل مال مورد حراج به مرکز حراج ارسال کارت به مرکز مزبور مورد ندارد. ماده ۱۷۹ - حراج اموال غیرمنقول در روزهای یکشنبه و چهارشنبه و اموال منقول در روزهای دوشنبه و پنجشنبه از ساعت ۹ تا ۱۲ صبح به عمل خواهد آمد، روزهای مذکور در هر حال باید داخل هفته آخر دو ماه مقرر در قانون باشد چنانچه هر یک از روزهای مقرر مصادف با تعطیل باشد روز بعد از تعطیل روز حراج است در مورد حراج اموال غیر منقول هرگاه آخرین روز دو ماه مقرر مصادف با هر یک از روزهای یکشنبه یا دوشنبه یا سه‌شنبه باشد اولین روز حراج روز چهارشنبه هفته قبل خواهد بود و در مورد اموال منقول به همین روش عمل خواهد شد. هرگاه خریداری نبود مورد حراج طبق مقررات در قبال اصل و خسارات و حقوق دولتی به بستانکار واگذار می‌گردد. ماده ۱۸۰ - در مورد معاملات اموال غیر منقول مذکور در ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۵۱ هرگاه بدهکار متعدد بوده و فک و فسخ معامله موکول به پرداخت تمامی دین شده و تاریخ ابلاغ اجرائیه به بدهکاران متفاوت باشد برای هر یک از بدهکاران تاریخ ابلاغ موخر مبدأ احتساب شش ماه موعود قبول تقاضای حراج خواهد بود و وصول تقاضای حراج از ناحیه هر یک از مدیونین برای حراج شش دانگ کافی است در این قبیل موارد قبول استرداد تقاضای حراج و یا در صورت وجود خریدار تجدید حراج برای جلسه دوم موکول به موافقت کلیه بدهکاران است ماده ۱۸۱ - در مورد ماده قبل هرگاه در اولین جلسه حراج خریدار پیدا شود و مازاد مال در بازداشت غیر باشد تجدید جلسه موکول به موافقت مدیون و بازداشت کننده مازاد خواهد بود. هر یک از بدهکاران و یا هر یک از اشخاص ذی‌فایده اعم از بازداشت کننده مازاد و غیره در صورت عدم توافق می‌توانند تفاوت مبلغ شروع حراج تا میزانی که خریدار پیدا شده به انضمام حق حراج را برای جبران خسارات احتمالی پرداخت و تقاضا نمایند مال در جلسه دوم به حراج گذاشته شود و اگر در جلسه بعد مورد حراج به مبلغ کمتری فروش رفت و یا خریدار پیدا نشد تفاوت از مبلغ پرداختی برداشت و به صاحب حق تسلیم و حق حراج به صندوق پرداخت خواهد شد. در صورتی که تقاضای تجدید جلسه از طرف افرادی باشد که در صورت ختم حراج از تفاوت حاصله از فروش منتفع می‌گردند متقاضی می‌تواند تفاوت را با کسر مبلغی که در صورت فروش به او تعلق می‌گرفت با حق حراج برای جبران خسارات سایرین بسپارد. ماده ۱۸۲ - عملیات حراج جز در موارد ذیل متوقف نخواهد شد: ۱ - وصول حکم یا دستور موقت یا قرار توقیف عملیات اجرایی ۲ - مورد مذکور در ماده ۱۵۱ این آیین نامه ۳ - اعلام وقوع فوت بدهکار مستند به مدرک رسمی در صورتی که قانونا موجب تمدید مدت شود. ۴ - رای هیات نظارت یا شورای عالی ثبت بر ابطال عملیات اجرایی ۵ - استرداد تقاضای حراج از ناحیه مدیون در مواردی که مجاز به استرداد است ۶ - مورد مذکور در قسمت آخر ماده ۱۵۴ این آیین نامه ۷ - پرداخت کلیه مطالبات بستانکار و حقوق اجرایی هرگاه مال مورد حراج غیرمنقول باشد پس از رفع مانع عملیات حراج طی دو ماه مقرر از سر گرفته خواهد شد و در مورد اموال منقول هرگاه فاصله بین تاریخ متوقف شدن عملیات حراج تا انقضای دو ماه مقرر بیش از سی روز باشد پس از رفع مانع عملیات حراج تا انقضای مدت ادامه خواهد یافت و اگر این فاصله کمتر از سی روز باشد عملیات حراج طی مدت سی روز انجام خواهد گرفت ماده ۱۸۳ - هرگاه مورد معامله رقبات متعدد باشد اگر برای هر یک از رقبات خریدار جداگانه پیدا شود و جمع مبلغ خرید بیشتر از مبلغ شروع حراج مذکور در آگهی باشد اقدام به فروش و تنظیم صورت مجلس خواهد شد هرگاه حاصل فروش بعضی از رقبات کافی برای پرداخت بدهی گردد از تنظیم صورت مجلس حراج نسبت به بقیه

خودداری می‌شود و در این مورد بدهکار می‌تواند برای فروش یک یا بعضی از رقبات رعایت تقدم را تقاضا کند، خرید در این قبیل موارد کلاً نقدی است و خریداران باید وجه نقد و یا تضمین نامه بانکی تحویل و یا بستانکار معادل طلب خود فروش نسبه را قبول کند که در این صورت شخصاً مسوول وصول طلب از خریدار خواهد بود. ماده ۱۸۴ - در مورد حراج اموال غیر منقول هر گاه قسمتی از دین پرداخت شده باشد مدیون در جلسه حراج می‌تواند درخواست کند که بعضی یا قسمتی مشاع از مورد معامله به حراج گذاشته شود. در این صورت اگر مورد حراج به قیمتی که تکافوی باقی طلب و خسارات و حقوق دولتی و حق حراج رانماید به فروش برسد اقدام به فروش خواهد شد در غیر این صورت پس از استرداد وجوه دریافتی و حقوق دولتی نسبت به واگذاری تمامی مال مورد حراج به بستانکار اقدام می‌شود. ماده ۱۸۵ - هر گاه هیچ یک از ورثه از مفاد تبصره ۱ ماده ۳۴ مکرر اصلاحی برای ایداع وجه استفاده نکنند هر یک از ورثه تا دو ماه قبل از انقضا مواعد مذکور در تبصره ۲ ماده ۳۴ مکرر اصلاحی حق دارند تقاضای حراج مورد معامله را بنمایند. در این صورت برای حراج آن اقدام و اگر در مورد اموال منقول تا قبل از خاتمه عملیات حراج (تحویل مال به برنده مزایده و در مورد اموال غیر منقول تا قبل از انتقال رسمی ملک بعضی از ورثه تمامی بدهی و خسارات را بسپارند از تحویل مال به برنده مزایده و تنظیم سند رسمی انتقال خودداری خواهد شد. ماده ۱۸۶ - هر گاه پرداخت وجه قبل از صدور اجراییه باشد پس از انقضا مواعد مقرر نسبت به اموال منقول و غیر منقول و ابلاغ مراتب به سایر وراث و انقضا هشت ماه در مورد اموال غیر منقول و چهار ماه نسبت به اموال منقول و عدم پرداخت بدهی هر یک از ورثه مورد وثیقه به وارثی که وجه را پرداخته است برابر مقررات تملیک و سند انتقال با ارایه گواهی حصر وراثت و گواهی پرداخت مالیاتی به نام او صادر خواهد شد. ماده ۱۸۷ - هر گاه پرداخت وجه از طرف یکی از وراث در خلال عملیات اجرایی باشد باید بلافاصله مراتب به وسیله اخطار به سایر وراث اعلام و تذکر داده شود که از تاریخ ابلاغ اخطاریه تا سه ماه (اعم از اینکه مورد معامله منقول باشد یا غیر منقول هر یک حق دارد که به نسبت سهم الارث خود بدهی و خسارات و حقوق اجرایی را ایداع و سهم خود را آزاد کند و اگر مایل باشد می‌تواند حداکثر تا دو ماه قبل از انقضای مدت مذکور تقاضای حراج سهم الارث خود را بکنند. هر گاه ابلاغ واقعی به وراث میسر نباشد ابلاغ به وسیله آگهی صورت خواهد گرفت هر گاه در تاریخ صدور اخطار مذکور در مواعد مقرر در ماده ۳۴ اصلاحی و تبصره ۲ آن بیش از سه ماه باقی باشد وقت بیشتر برای وراث قابل استفاده است ماده ۱۸۸ - در مورد اموال غیر منقول وصول تقاضای حراج از ناحیه هر یک از وراث مدیون مانع استفاده وراث دیگر از مقررات تبصره ۱ ماده ۳۴ مکرر قانون اصلاحی ثبت نخواهد بود، در این صورت اگر متقاضی حراج تقاضای خود را پس نگیرد عملیات حراج نسبت به سهم الارث او انجام خواهد شد، اگر تا روز حراج کلیه وراث تقاضای فروش ملک را از طریق حراج بکنند ولو اینکه به موقع تقاضای حراج نکرده باشند و یا بعضاً نسبت به سهم الارث بدهی خود را پرداخت کرده باشند تمام ملک به حراج گذاشته خواهد شد. ماده ۱۸۹ - اختلاف بین وراث بدهکار یا اختلاف بین تمام یا بعضی از ورثه با مدعی وصایت یا موصی له مانع ادامه عملیات اجرایی نخواهد بود. هر گاه اختلاف طوری باشد که تشخیص اشخاص ذینفع در استفاده از حق استرداد و یا تعیین میزان سهم هر یک محتاج به رسیدگی قضایی باشد هر یک از ورثه و یا دارنده وصیت نامه ای که طبق قانون قابل ترتیب اثر است می‌توانند ظرف مدت مقرر تقاضای فروش ملک را از طریق حراج بکنند. هر گاه در فروش مال منقول و یا غیر منقول از طریق حراج مازادی پیدا شود، پرداخت مازاد موکول به ارایه گواهی حصر وراثت و گواهی دارایی و رفع اختلاف خواهد بود، در مورد فوق هر یک از مدعیان وراثت یا دارنده وصیت نامه ای که طبق قانون قابل ترتیب اثر است می‌تواند با استفاده از بند ۱ ماده ۳۴ مکرر قانون اصلاحی ثبت کلیه بدهی و حقوق اجرایی را پرداخت کنند در این صورت پس از ابلاغ حکم نهایی مبنی بر رفع اختلاف طبق مقررات مواد ۱۸۲ و ۱۸۳ این آیین نامه عمل خواهد شد. ماده ۱۹۰ - در جلسه حراج اموال غیر منقول برنده حراج می‌تواند حداقل مبلغی معادل مازاد مبلغ شروع حراج تا میزان مبلغ خرید را نقداً یا تضمین نامه بانکی و همچنین به موجب چک و یا سفته مورد قبول مدیون تادیه کند و باید حق حراج را نقداً پردازد و بقیه را حداکثر تا

ساعت ۱۲ روز دیگر که برطبق این آیین نامه برای حراج اموال غیر منقول پیش بینی و مقرر شده به صندوق مرکز حراج پرداخت نماید. در صورتی که در مدت مقرر بقیه وجه پرداخت نشود خریدار حقی به وجه پرداختی به شرح فوق نخواهد داشت و این موضوع باید تصریحاً در صورت مجلس قید شود در این مورد ملک‌مورد حراج در قبال اصل و حقوق دولتی و خسارات قانونی به بستانکار انتقال داده خواهد شد، حق حراج به درآمد مربوطه منظور و مازاد مذکور پس از امضا سند انتقال عیناً به مدیون تسلیم خواهد گردید و هر گاه قبل از تنظیم سند انتقال مدیون کلیه بدهی و خسارات حق الاجرا را بپردازد و وجه پرداختی برنده حراج به استثناء حق حراج عیناً به نامبرده مسترد خواهد شد. ماده ۱۹۱ - در معاملات اموال غیر منقول هر گاه مدیون محجور بوده و ولی خاص نداشته باشد تقاضای قیم یا دادستان یا اداره سرپرستی به تنهایی برای ارسال کارت به مرکز حراج و اقدام به عملیات حراج کافی است به شرط آنکه تقاضا ظرف مدت مقرر به اجرا واصل شده باشد. استرداد تقاضای حراج از ناحیه قیم وقتی پذیرفته می‌شود که موافقت سرپرستی نیز جلب شده باشد. اگر در اولین جلسه حراج خریداری پیدا شود و قیم مصلحت محجور را در تجدید عملیات حراج بداند می‌تواند در خواست تجدید نماید و قبول این درخواست موکول به موافقت نماینده دادستان در مرکز حراج خواهد بود. چنانچه نماینده دادستان با توجه به ارزش مال مورد حراج و میزان مبلغ پیشنهاد شده و اوضاع و احوال تجدید عملیات حراج به مصلحت محجور تشخیص دهد با تقاضای قیم موافقت خواهد کرد. ماده ۱۹۲ - در مورد معاملات غیر منقول مذکور در ماده ۳۴ اصلاحی سال ۱۳۵۱ قانون ثبت اگر مازاد ملک بازداشت و دستور بازداشت قبل از دو ماه آخر عملیات اجرایی واصل شود با فروش ملک از طریق حراج حقوق بازداشت کننده مازاد استیفا می‌گردد. استرداد تقاضای حراج از ناحیه مدیون مانع حراج و فروش ملک نخواهد بود. هر گاه دستور بازداشت مازاد در خلال دو ماه آخر واصل شود و مدیون نیز تقاضای حراج نکرده باشد اجرا مکلف است بلافاصله مراتب را به مرجع بازداشت کننده اطلاع دهد در این مورد استیفا حقوق بازداشت کننده بر طبق مقررات ماده ۳۴ مکرر قانون اصلاحی ثبت خواهد بود. ماده ۱۹۳ - در مورد اموال منقول مذکور در ماده ۳۴ اصلاحی سال ۱۳۵۱ قانون ثبت که برای حراج بازداشت می‌شود حق الحفظ به تشخیص رییس مرکز حراج در تهران و در شهرستانها به تشخیص رییس ثبت محل در صورت مطالبه حافظ پرداخت و ضمن سایر حقوق احتساب و وصول خواهد شد. ماده ۱۹۴ - در مورد اموال منقول و غیر منقول مذکور در ماده ۳۴ قانون اصلاح ثبت اسناد و املاک سال ۱۳۵۱ هر گاه بستانکار برای ادا دین به بدهکار مهلت بدهد عملیات اجرایی متوقف و حسب مورد به شرح زیر اقدام خواهد شد: ۱ - در مورد اموال غیر منقول الف - اگر قبل از انقضای مهلت تقاضای حراج با ذکر مدت معین مهلت داده شود باقی مهلت مدیون اعم از مهلت برای تقاضای حراج و یا پرداخت دین بعد از تاریخ انقضای مهلتی که داین داده است شروع خواهد شد. ب - هر گاه مهلت با ذکر مدت معین در خلال جریان حراج و قبل از تنظیم صورت مجلس حراج داده شده باشد از تاریخ انقضا مهلت مذکور عملیات اجرایی ادامه می‌یابد. ج - در صورتی که تا جلسه دوم حراج خریداری پیدا نشود و بعد از آن بستانکار برای پرداخت دین با ذکر مدت به مدیون مهلت بدهد و یا اصولاً ظرف مدت مقرر تقاضای حراج نشده باشد، مهلتی که بستانکار داده موجب تجدید حراج نشده و مهلت مذکور به باقی مانده مهلت حق استرداد اضافه خواهد شد. د - اگر مهلت بدون ذکر مدت داده شده باشد پس از وصول تقاضای تعقیب از ناحیه داین و ابلاغ مراتب به مدیون تاریخ ابلاغ به مدیون پایان مهلت محسوب و حسب مورد به شرح فوق عمل می‌گردد. ۲ - در مورد اموال منقول الف - در مورد اموال منقول اگر داین تا قبل از تنظیم صورت مجلس حراج دایر به فروش برای پرداخت دین به مدیون مهلت بدهد عملیات اجرایی متوقف و هر گاه مهلت با ذکر مدت باشد با انقضا مدت در غیر این صورت با وصول تقاضای تعقیب و ابلاغ مراتب به مدیون باقی مانده مهلت عملیات اجرایی شروع خواهد شد. هر گاه باقی مانده مدت مذکور کمتر از سی روز باشد باقی مانده مدت سی روز محسوب و عملیات حراج ظرف مدت مذکور انجام خواهد گردید. ب - در مورد فوق رفع بازداشت بنا به تقاضای بستانکار بلامانع است در این صورت ارسال مجدد کارت به مرکز حراج موکول به بازداشت مجدد مال و تحویل آن به مرکز حراج است ج - در

مورد فوق قبول مهلت مستلزم پرداخت حق الحفظه و رفع بازداشت موکول به پرداخت حقوق اجرایی خواهد بود. ماده ۱۹۵ - در کلیه موارد مذکور در ماده ۱۹۲ اگر مازاد رقبه بازداشت باشد قبول هرگونه مهلت و یا رفع بازداشت مال منقول موکول به موافقت بازداشت کننده مازاد خواهد بود. در مواردی که مدیون متعهد بوده و فک و فسخ سند موکول به پرداخت تمامی دین شده باشد و یا در سند تصریح به میزان سهم هریک از مدیونین شده باشد و نیز در مورد وراثت مدیون در صورتیکه به یکی از بدهکاران مهلت داده شود در حکم این است که به همه آنها مهلت داده شده است در هر مورد که ضمن عملیات حراج مهلت داده شود کارت مربوط به اجرا اعاده و شروع مجدد و یا ادامه عملیات حراج موکول به ارسال مجدد کارت به مرکز حراج خواهد بود. ماده ۱۹۶ - در مورد بستانکاری که حق درخواست بازداشت اموال بدهکار را دارد و بخواهد با استفاده از ماده ۳۴ مکرر قانون اصلاحی ثبت کلیه بدهی موضوع سند و حقوق اجرایی را (در صورت صدور اجرائیه پردازد مورد معامله در از هر دو بدهی و متفرعات قانونی به محض پرداخت مزبور در بازداشت خواهد بود و مراتب در دفتر بازداشتی منعکس می شود. در این صورت مراتب ذیل باید رعایت شود: ۱- در صورت صدور اجرائیه با پرسش از اجرا مربوط میزان بدهی و خسارات و حقوق اجرایی را تعیین و سپس با ایداع آن در صندوق ثبت قبض آن رابه اجرا تحویل و تقاضای فسخ سند را خواهد کرد. ۲- اجرا مکلف است در صورتی که تمامی دین و خسارات و حقوق اجرایی پرداخت شده باشد مراتب را برای فسخ سند به دفتر اسناد رسمی تنظیم کننده سند اعلام و به واحد ثبتی مربوطه نیز اطلاع بدهد که رقبه مورد معامله به سود تودیع کننده وجه بازداشت شده است و در صورتی که پرونده اجرایی تودیع کننده مذکور در همان اجرا در جریان باشد بلافاصله مراتب بازداشت را در دفاتر مربوطه منعکس کند و اگر پرونده در آنجا نباشد باید گواهی لازم دایر به تودیع وجه و صدور دستور فسخ با ذکر مبلغ تودיעی و نام پرداخت کننده و شماره نامه ای که ضمن آن بازداشت به واحد ثبتی اعلام شده صادر و به متقاضی تسلیم دارد. ۳- هرگاه نسبت به مورد معامله اجرائیه صادر نشده باشد باید ذینفع با مراجعه به دفتر اسناد رسمی و با اطلاع از بدهی تمام آن را در صندوق ثبت سپرده و رسید آن را به دفترخانه تسلیم دارد. دفتر اسناد رسمی مکلف است اگر تمام دین سپرده شده باشد نسبت به فسخ سند به شرح فوق اقدام و گواهی لازم دایر به ایداع وجه و فسخ معامله با ذکر نام پرداخت کننده و مبلغ سپرده صادر و به متقاضی تسلیم دارد. ۴- در موردی که پرونده اجرایی در دایره دیگری در جریان است و یا سند مربوط منتهی به صدور اجرائیه نشده ذینفع باید گواهی مربوط را به دایره اجرایی که پرونده اش در آن دایره در جریان است تسلیم و درخواست بازداشت ملک را بکند دایره اخیرالذکر مکلف است بلافاصله دستور بازداشت ملک را صادر کند. ۵- در موردی که موعد سند منقضی نشده باشد پس از بازداشت عملیات بعدی متوقف خواهد شد و بعد از انقضا موعد سند با صدور اخطار به مدیون اقدامات بعدی شروع می شود. ۶- نحوه استیفا حقوق بستانکار پرداخت کننده وجه بر طبق مقررات تبصره ۷ ماده ۳۴ قانون اصلاحی ثبت خواهد بود. (اصلاحی ۱۳۷۶/۵/۲۵) ۷- هرگاه مورد معامله در جریان عملیات اجرایی باشد و منتهی به تنظیم صورت مجلس قطعی حراج و یا صدور سند انتقال اجرایی نشده باشد، باسپردن وجه از طرف بدهکار یا بازداشت کننده مقدم مازاد مورد وثیقه سند، فسخ و پرونده اجرایی مختومه می گردد و مراتب به دفترخانه تنظیم کننده سند اعلام می گردد که موضوع را در ملاحظات ثبت سند قید نماید. (اصلاحی ۱۳۷۶/۵/۲۵). ماده ۱۹۷ - در موردی که مازاد ملک از طرف غیر بازداشت شده باشد به شرح زیر عمل خواهد شد: الف - اگر دستور بازداشت قبل از دو ماه مقرر برای حراج واصل شده (اعم از اینکه قبل از انقضا موعد سند باشد یا بعد از آن و یا در خلال دو ماه مزبور بوده و مدیون تقاضای حراج کرده باشد استیفا حقوق بستانکار پرداخت کننده دین موکول به پرداخت طلب بازداشت کننده مقدم خواهد بود. ب - در موردی که دستور بازداشت در خلال دو ماه آخر عملیات اجرایی واصل شده و مدیون نیز تقاضای حراج نکرده باشد بستانکاری که حق درخواست بازداشت اموال مدیون را دارد می تواند با پرداخت کلیه بدهی موضوع سند و حقوق دولتی تقاضای استیفا حق خود را بکند در این صورت بستانکار پرداخت کننده دین در استیفا حق خود نسبت به سایر بازداشت کنندگان مقدم است ماده ۱۹۸ - هرگاه مدیون قبل از ابلاغ اجرائیه فوت نماید

به معرفی بستانکار اوراق اجرایی به کلیه وراث مدیون ابلاغ می‌شود. در مورد اموال منقول عملیات اجرایی تا تحویل مال به بستانکار یا برنده حراج و برحسب مورد تا تنظیم سند انتقال ادامه می‌یابد. در مورد اموال غیر منقول علاوه بر ابلاغ اجراییه به شرح فوق باید مراتب در روزنامه کثیرالانتشار محل یا نزدیکتر به محل یک نوبت آگهی شود. در این آگهی باید نام و نام خانوادگی مدیون و داین و خلاصه اجراییه و مشخصات اجمالی مورد معامله قید و تذکر داده شود که این آگهی برای ابلاغ اجراییه به وراث قانونی مدیون منتشر گردیده است تاریخ انتشار آگهی در روزنامه یا تاریخ ابلاغ اجراییه به احد از وراث هر کدام موخر باشد تاریخ ابلاغ اجراییه برای کلیه وراث محسوب می‌شود. ماده ۱۹۹ - هرگاه بعد از ابلاغ اجراییه به مدیون وقوع فوت بدهکار مستند به مدرک رسمی اعلام شود، اجرا ضمن ادامه عملیات اجرایی اطلاعیه ای حاوی صدور اجراییه و اینکه عملیات اجرایی در چه مرحله‌ای است با قید تاریخ آخرین روز استفاده از مهلت حق استرداد تنظیم و به محل اقامت مدیون متوفی الصاق و یک نسخه از اطلاعیه مزبور را برای هر یک از وراثی که محل اقامتشان معلوم باشد از طریق پست سفارشی دو قبضه ارسال می‌دارد. چنانچه ابلاغ اجراییه به مدیون از طریق انتشار آگهی در روزنامه به عمل آمده باشد در صورت فوت او اطلاعیه موصوف نیز باید یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار محل یا نزدیکتر به محل آگهی شود. در مورد فوق و همچنین در مورد مذکور در ماده ۱۹۶ تنظیم صورت مجلس حراج و یا تنظیم سند انتقال و همچنین ثبت ملک در دفتر املاک به نام خریدار یا بستانکار محتاج به ارایه گواهی حصر وراثت نخواهد بود. در مورد فوق هرگاه مال در حراج به فروش برسد پرداخت مازاد به وراث موکول به ارایه گواهی حصر وراثت و گواهی دارایی است تبصره - در صورت فوت مدیون در خلال عملیات اجرایی احتساب بقیه مواعد و ادامه عملیات اجرایی موکول به معرفی ورثه از طرف متعهدله و ابلاغ اطلاعنامه حاکی از صدور اجراییه به ورثه خواهد بود. ماده ۲۰۰ - هرگاه مالی از متعهد توقیف و در جلسه حراج به بستانکار یا برنده مزایده واگذار گردیده باشد و سپس متعهد فوت شود، فوت او در حق مکتسبه بستانکار یا برنده مزایده تغییری نمی‌دهد و بعضی یا تمام ورثه فقط وقتی می‌توانند رفع توقیف و استرداد مال را در حدود مواد این آیین نامه بخواهند که تمام وجوه متعلقه به پرونده اجرایی را بپردازند هرگاه احد از ورثه کلیه وجوه متعلقه را پرداخت نماید با سایر ورثه طبق مقررات این آیین نامه در مورد وثایق عمل خواهد شد.

فصل یازدهم - تخلیه (مواد ۲۰۱ تا ۲۱۳)

ماده ۲۰۱ - در اجرای بندهای (الف و ج) تبصره ۷۱ قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۳ در مواردی که وزارت آموزش و پرورش به موجب قانون مذکور قایم مقام است صدور اجراییه تخلیه محل مدارس علیه متعهد مجوز ندارد مگر اینکه وزارت آموزش و پرورش از تعهدات شخصی یا تعهدات ناشی از قایم مقامی تخلف کرده باشد که در این صورت اجراییه علیه وزارت آموزش و پرورش صادر می‌شود. ماده ۲۰۲ - هرگاه اجراییه تخلیه صادر گردد و ثالث به موجب سند رسمی اجاره در ملک مورد تخلیه ساکن باشد اجرا ثبت وظیفه ای جز تحویل ندارد و از تخلیه ملک خودداری می‌شود. تبصره - در محل هایی که قانون روابط مالک و مستاجر اجرا می‌شود اجاره نامه غیر رسمی و تراضی موجر (یا نماینده او) با مستاجر از جهت تخلیه در حکم سند رسمی است ماده ۲۰۳ - هرگاه ملک مشمول قانون مالک و مستاجر باشد حکم ماده ۲۰۶ و تبصره آن جاری است ولو آنکه مدت اجاره منقضی شده باشد. اگر ملک مشمول قانون مالک و مستاجر نباشد و مدت سند رسمی منقضی باشد و شرط سند اجاره مانع تخلیه نباشد تخلیه ملک به موجب اجراییه منعی ندارد و ثالث برای احقاق حق خود می‌تواند به دادگاه صالح برود. ماده ۲۰۴ - هرگاه مورد وثیقه سهم مشاع از ملک باشد لیکن طرفین با توافق به تصرف مرتهن در قسمت مفروز از ملک رضایت داده باشند اجرا سند از جهت تخلیه مال مورد رهن به تخلیه مورد تصرف خواهد بود. ماده ۲۰۵ - در مورد بند ۷ ماده ۸ قانون روابط مالک و مستاجر صدور اجراییه صرفاً به منظور

تخلیه مجوز ندارد. در این قبیل موارد در صورت تاخیر در پرداخت مال الاجاره یا اجرت المثل باید ورقه اجراییه برای تخلیه و اجاره بها یا بهره بها صادر گردد. ماده ۲۰۶ - هرگاه پس از صدور اجراییه برای وصول قسمتی از اجاره بها یا بهره بها و تخلیه قرار توقیف عملیات اجرایی از دادگاه صادر گردد و در زمان اعتبار قرار مذکور اجراییه دیگر برای عدم پرداخت اقساط بعدی و تخلیه صادر شود اجرا این اجراییه مغایرت با قرار قبلی دادگاه ندارد. ماده ۲۰۷ - هرگاه در سند وثیقه سلب حق انتقال منافع از متعهد شده باشد تخلف متعهد مانع تخلیه وثیقه به نفع برنده در مزایده نخواهد بود ولو آنکه ثالث به موجب سند رسمی در تاریخ موخر وثیقه را به اجاره گرفته باشد. ماده ۲۰۸ - هرگاه وثیقه پلاک معین و بنای واقع در آن باشد و بعدا معلوم شود که قسمتی از بنا روی زمین مجاور که متعلق به غیر است قرار گرفته است تخلیه و تحویل قسمتی از بنا که از پلاک مذکور به خارج تجاوز کرده است مدلول سند نبوده و از صلاحیت ادارات ثبت خارج است ماده ۲۰۹ - هرگاه موقع تحویل معلوم شود که شخص یا اشخاص ثالث بدون مجوز در آن احداث اعیان کرده‌اند تحویل مورد وثیقه به وسیله اجرا ثبت با وضع موجود اشکال ندارد. ماده ۲۱۰ - تحویل اگر به طور مطلق در سند ذکر شده باشد محمول به تخلیه است تبصره - تخلیه سهم مشاع به مداخله دادن متعهدله در سهم مشاع است ماده ۲۱۱ - مامور اجرا در مورد تخلیه ملک باید با حضور نماینده دادگستری و در صورت لزوم با حضور مامور انتظامی طبق مقررات اقدام نماید عدم حضور متعهد و کسان و خادمینش مانع تخلیه نخواهد بود و اگر اموالی در محل مورد تخلیه وجود داشته باشد صورت تفصیلی آن را برداشته و حتی الامکان در همان محل در مکان محفوظی گذارده و درب آن را مهر و موم می‌کند و یا آن را به امینی سپرده و رسید دریافت دارند. ماده ۲۱۲ - اداره اجرا در تهران و ادارات ثبت در شهرستانها در موقع تخلیه عین مستاجر و همچنین ختم پرونده‌های اجرایی اسناد وثیقه باید مراتب تخلیه و ختم پرونده را به دفاتر اسناد رسمی مربوطه اعلام دارند که در ستون ملاحظات ثبت دفتر قید و اقدام لازم معمول گردد. ماده ۲۱۳ - ختم عملیات اجرایی حسب مورد عبارت است از: الف - وصول تمام وجه موضوع لازم الاجرا و هزینه‌های مربوطه ب - تسلیم مال منقول به برنده مزایده ج - تنظیم سند انتقال پس از مدت مذکور در ماده ۳۴ مکرر قانون ثبت د - تحقق تخلیه یا تحویل در مواردی که اجراییه برای تخلیه یا تحویل صادر شده باشد.

فصل دوازدهم - هزینه‌های اجرایی (مواد ۲۱۴ تا ۲۲۸)

ماده ۲۱۴ - وصول حق الاجرا به همان طریقی که برای وصول موضوع تعهد مقرر است به عمل خواهد آمد و مدیر ثبت می‌تواند نظر به مبلغ حق الاجرا هر طریق دیگری را که برای وصول مناسب بداند اختیار کند. ماده ۲۱۵ - حق الاجرا از هر اداره یا دایره یا شعبه که وصول می‌شود به حساب در آمد عمومی منظور و یک نسخه از قبض صادر شده به اداره صادرکننده اجراییه ارسال می‌شود. ماده ۲۱۶ - فوق العاده و کرایه راه مامورین اجرا که برای انجام امور اجرایی به خارج می‌روند و همچنین کارمندان اجرا که لزوماً برای انجام کارهای اجرایی مامور خارج می‌شوند به تناسب پایه آنان بر طبق تصویب نامه هیات دولت پرداخت می‌شود. ماده ۲۱۷ - در هر پرونده اجرایی برابر ماده ۱۳۱ قانون ثبت و تبصره آن و سایر مقررات مربوطه (حسب مورد) پس از ابلاغ اجراییه حق الاجرا وصول می‌شود مگر اینکه مرجعی که پرداخت نیم عشر به عهده اوست به موجب مقررات خاصی از پرداخت آن معاف شده باشد. ماده ۲۱۸ - هرگاه سند معامله معارض اشتباها منتهی به صدور اجراییه و ابلاغ شده باشد، مادام که حکم قطعی بر اعتبار سند صادر نشده است حق الاجرا تعلق نمی‌گیرد. ماده ۲۱۹ - در هر مورد که پس از صدور اجراییه و ابلاغ به جهت قانونی عملیات اجرایی متوقف یا توقیف شود مادام که رفع توقف یا توقیف نشده باشد حق الاجرا تعلق نمی‌گیرد. موارد مذکور در تبصره ماده ۱۳۱ قانون ثبت از این حکم مستثنی است ماده ۲۲۰ - در مواردی که اجراییه صادر و ابلاغ شده و سپس قضیه به علت احراز ورشکستگی به اداره تصفیه ارجاع می‌شود حق الاجرا تعلق نمی‌گیرد مگر اینکه حکم ورشکستگی نقض و عملیات اجرایی در ثبت به انجام برسد.

ماده ۲۲۱ - به خسارات تاخیر نیم عشر تعلق می‌گیرد و همین طور است حق الوکاله اگر جزو مدلول سند باشد. ماده ۲۲۲ - ابرا ذمه متعهد بعضا یا کلا پس از ابلاغ اجرائیه موجب سقوط ذمه متعهد از نیم عشر نمی‌شود و برابر تبصره ماده ۱۳۱ قانون ثبت باید وصول شود. ماده ۲۲۳ - در مواردی که تخلیه مورد اجاره هم جز موضوع لازم‌الاجرا باشد حقوق دولتی برای تخلیه مورد اجاره از میزان مال الاجاره سه ماهه دریافت خواهد شد. اگر بعد از ابلاغ اجرائیه و قبل از تخلیه طرفین سازش نمایند و یا موجر (بستانکار) از تخلیه منصرف شود نیم عشر تخلیه باید وصول گردد لیکن در مواقعی که به علت پرداخت شدن اجور از تخلیه عین مستاجر خودداری و ختم عملیات اجرایی موکول به صدور حکم قطعی دادگاه می‌شود مادام که عمل تخلیه انجام نگردیده مطالبه نیم عشر تخلیه مورد نخواهد داشت تبصره - در غیر موارد اجاره هر گاه موضوع لازم‌الاجرا تحویل عین مورد تعهد باشد حقوق دیوانی مقرر در ماده ۱۳۱ قانون ثبت در صورت معامله قطعی از میزان اجاره سه ماهه دریافت می‌شود و میزان اجاره نسبت به بهای ملک که در سند تعیین شده از قرار صدی شش در سال معین می‌شود و نسبت به مواردی که قیمت در سند ذکر نشده ملاک عمل قیمت معاملاتی موضوع تبصره ۲ ماده ۲۳ قانون مالیاتهای مستقیم خواهد بود و در صورت نبودن قیمت معاملاتی طبق نظر کارشناس ارزیابی خواهد شد. ماده ۲۲۴ - هر گاه محرز شود که متعهد در تاریخ ابلاغ اجرائیه ورشکسته یا محجور بوده است حق الاجرا تعلق نمی‌گیرد. ماده ۲۲۵ - هر گاه بستانکار درخواست کند که از ابلاغ اجرائیه خودداری شود، فقط در صورتی که محرز باشد که اجرائیه پیش از وصول و ثبت تقاضای مذکور در دفتر اداره ثبت صلاحیت دار ابلاغ شده است حق الاجرا تعلق می‌گیرد. ماده ۲۲۶ - در اسناد رسمی تضامنی نیم عشر اجرایی به نسبت از اصل موضوع اجرائیه از شخص یا اشخاصی که اجرائیه علیه آنها صادر و ابلاغ شده است وصول خواهد شد. ماده ۲۲۷ - در هر مورد که رای مدیر ثبت یا قایم مقام او بر عدم تعلق نیم عشر (حق الاجرا) باشد به مسوول حسابداری و در واحدهای ثبتی که مسوول حسابداری ندارد به حسابدار ابلاغ و نامبرده مکلف است از رای مزبور شکایت نماید تا موضوع در هیات نظارت مطرح و رسیدگی شود رای هیات به استناد بند ۸ ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت سال ۱۳۵۱ قطعی است مگر اینکه سازمان ثبت آن را خلاف قانون تشخیص دهد که در این صورت قضیه در شورای عالی ثبت طرح خواهد شد. ماده ۲۲۸ - مادام که حراج صحیحا واقع نشده حق حراج تعلق نمی‌گیرد نسبت به آنچه از طلب که قبل از حراج پرداخته شده حق حراج تعلق نخواهد گرفت

فصل سیزدهم - شکایت از عملیات اجرایی و طرز رسیدگی به شکایات (مواد ۲۲۹ تا ۲۳۲)

فصل ۲۲۹ - عملیات اجرایی بعد از صدور دستور اجرا (موضوع ماده ۱ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب شهریور ماه ۱۳۲۲) شروع و هر کس (اعم از متعهد سند و هر شخص ذینفع که از عملیات اجرایی شکایت داشته باشد می‌تواند شکایت خود را با ذکر دلیل و ارایه مدارک به رییس ثبت محل تسلیم کند و رییس ثبت مکلف است فوراً رسیدگی نموده و با ذکر دلیل رای صادر کند. نظر رییس ثبت به هر حال برابر مقررات به اشخاص ذینفع ابلاغ می‌شود و اشخاص ذینفع اگر شکایتی از تصمیم رییس ثبت داشته باشند می‌توانند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ شکایت خود را به ثبت محل و یا هیات نظارت صلاحیت دار تسلیم نمایند تا قضیه برابر بند ۸ ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت در هیات نظارت طرح و رسیدگی شود. ماده ۲۳۰ - در مورد اعتراض به نظر رییس ثبت بایستی رونوشت کامل یا فتوکپی مدارک ذیل به ضمیمه گزارش جامع و صریح و مشروح ثبت محل از جریان پرونده و موضوع شکایت به نحوی که محتاج به تکرار مکاتبه نباشد به هیات نظارت فرستاده شود: ۱ - رونوشت کامل یا فتوکپی اعتراض نامه ذینفع و ضمایم آن به عملیات اجرایی ۲ - رونوشت کامل یا فتوکپی گزارش رییس یا ممیز اجرا که مستند نظر رییس ثبت بوده است ۳ - رونوشت کامل یا فتوکپی نظر رییس ثبت ۴ - رونوشت کامل یا فتوکپی شکایت نامه ذینفع و

ضمایم آن از نظر رییس ثبت ۵- رونوشت کامل یا فتوکپی برگ یا برگهایی از پرونده اجرایی که مربوط به موضوع شکایت است ماده ۲۳۱- هرگاه هیات نظارت محتاج به توضیحاتی از اجرا یا طرفین قضیه باشد می‌تواند توضیحات لازم را بخواهد. ماده ۲۳۲- پس از انقضا مواعد مذکور در قانون اصلاحی ثبت ۱۳۵۱ شکایت از عمل اجرا از کسی مسموع نیست این امر مانع از آن نمی‌شود که هرگاه قبل از تنظیم سند انتقال یا تحویل مال رییس اجرا در تهران یا مدیر ثبت در خارج از تهران عمل اجرا را مخالف قانون تشخیص دهند رای بر تجدید عمل اجرایی داده و رای صادره برابر ماده ۲۲۹ به اشخاص ذینفع ابلاغ و قابل شکایت و رسیدگی در هیات نظارت است

فصل چهاردهم - امور متفرقه (مواد ۲۳۳ تا ۲۶۰)

ماده ۲۳۳- سازمان ثبت می‌تواند وظایف رییس ثبت را در امور مربوط به اجرای مفاد اسناد رسمی به معاون او و یا کارمند دیگری به موجب ابلاغ مخصوص واگذار کند و این واگذاری از رییس ثبت سلب صلاحیت نمی‌کند. تبصره - در مدت مرخصی استحقاقی یا استعلاجی رییس ثبت معاون او تکالیف رییس ثبت در کلیه امور مربوط به اجرای مفاد اسناد رسمی اعم از صدور دستور اجرا و امور مربوط به سایر عملیات اجرایی را عهده دار خواهد بود و نیازی به صدور ابلاغ مرکزی ندارد ولی در واحدهای ثبتی که فاقد معاون است باید برای عضو ارشد ابلاغ مرکزی کفالت صادر شود. ماده ۲۳۴- قراردادی که در زمان قانون جدید تنظیم شده و به موجب آن در مدت یا خصوصیات دیگر قرارداد سابق بر قانون جدید تغییر داده باشد از نظر اجرایی تابع مقررات سابق است ماده ۲۳۵- در مورد مطالبات وزارت دارایی صلاحیت اقدام با مراجع دارایی است و ادارات ثبت باید از اقدام راجع به اسناد طلب دارایی خودداری کنند. ماده ۲۳۶- در مورد مطالبات وزارتخانه‌ها و موسسات یا شرکتهای دولتی و یا بانکها تشخیص اینکه از مبلغ پرداختی مدیون چه مقدار بابت اصل طلب می‌باشد با بستانکار است اگر مدیون نسبت به تشخیص بستانکار معترض باشد مرجع رفع اختلاف دادگاه صلاحیت دار خواهد بود. ماده ۲۳۷- در مورد مالیاتهای متعلق به پرونده های اجرایی ، دوایر اجرا و ادارات ثبت باید بدهکار مالیاتی پرونده را برای پرداخت بدهی راهنمایی نمایند تا پس از پرداخت مالیات قبض آن را به اجرای ثبت تحویل دهند سپس در پرداخت طلب بستانکار یا ختم پرونده اقدام شود. ماده ۲۳۸- در احتساب مواعد در کلیه فصول این آیین نامه روز ابلاغ و روز اقدام محسوب نخواهد شد و اگر آخرین روز مهلت اقدام تعطیل باشد تعطیل به حساب نیاید و روز بعد از تعطیل آخرین روز مهلت خواهد بود. ماده ۲۳۹- قراردادهایی که طرفین نسبت به پرونده اجرایی در حضور مدیر ثبت یا مسوول اجرا یا مامورین اجرای پرونده در حدود صلاحیت قانونی آنها منعقد می‌نمایند معتبر و قابل ترتیب اثر است ماده ۲۴۰- در اجرای ماده ۷۰۹ قانون مدنی ضامن که در اثر عملیات اجرایی بدهی مضمون عنه را پرداخته است وقتی می‌تواند به استناد سند ضامن (مستند پرونده اجرایی اجراییه را تعقیب کند که حق مراجعه ضامن به مدیون اصلی در سند مزبور ذکر شده باشد. ماده ۲۴۱- اجراییه برگ و وثیقه انبارهای عمومی مطابق ماه ۱۰ تصویبنامه انبارهای عمومی اصلاحی در تاریخ ۲/۱۰/۱۳۴۰ و ماده ۱۴ آیین نامه انبارهای عمومی مصوب ۲/۱۰/۱۳۴۰ روی اوراق اجرایی اسناد وثیقه از ثبت محل صادر می‌گردد و ضمایم درخواست نامه اجرایی و نیز عملیات اجرایی تابع مقررات راجع به انبارهای عمومی خواهد بود. ماده ۲۴۲- برای اجراییه‌های راجع به قانون الحاق ماده ۱۰ مکرر و دو تبصره به قانون تملک آپارتمانها باید اوراق ذیل به ضمیمه تقاضانامه اجرایی به اجرای ثبت محل تسلیم شود. و در تقاضانامه قید گردد که بدهکار در مدت مقرر گواهی تقدیم دادخواست اعتراض به محکمه را تسلیم نکرده است ۱- رونوشت اظهار نامه ابلاغ شده به مالک ۲- رونوشت مدارک مثبت سمت مدیر یا هیات مدیران و صورت ریز سهم مالک از هزینه های مشترک ۳- رونوشت سند معامله آپارتمان ماده ۲۴۳- برای تقاضای صدور اجراییه بابت عوارض شهرداری موضوع ماده ۷۷ قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق

مواد جدید به قانون شهرداری مصوب ۲۷/۱۱/۱۳۴۵ باید اوراق ذیل به ثبت محل تسلیم شود: ۱- درخواستنامه مخصوص صدور اجرائیه ۲- رونوشت مصدق رای کمیسیون حل اختلاف ۳- اخطاریه ابلاغ شده رای مذکور به مودی ماده ۲۴۴- در مواردی که شهرداری به استناد ماده ۷۷ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ و مواد ۸- ۱۳ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ و تبصره یک آن از اداره ثبت درخواست صدور اجرائیه می‌نماید باید دلیل قطعیت رای مذکور در ماده یاد شده را نیز اعلام دارد. ماده ۲۴۵- درخواست اجرا چک از ثبت محلی که بانک طرف حساب صادرکننده چک در آن محل واقع است به عمل می‌آید برای صدور اجرائیه در مورد چک باید اوراق ذیل به ثبت محل تسلیم شود: ۱- درخواست نامه چاپی طبق نمونه موجود در ثبت ۲- اصل و فتوکپی چک و برگشتی آن ماده ۲۴۶- هرگاه چک نسبت به قسمتی از مبلغ آن بدون محل باشد دارنده چک نسبت به باقی مانده حق صدور اجرائیه دارد. ماده ۲۴۷- هرگاه گواهینامه‌های متعدد و متعارض از بانک صادر گردد صدور اجرائیه موقوف به رفع تعارض از همان بانک است ماده ۲۴۸- دعوی صادرکننده چک در مورد مطالبی که گاهی به عنوان بابت در متن چک نوشته می‌شود و همچنین مطالب مذکور در ظهر چک در مورد ظهرنویس در اداره ثبت قابل رسیدگی نمی‌باشد و فقط وجه مرقوم در چک قابل صدور اجرائیه در اداره ثبت می‌باشد. ماده ۲۴۹- اعلام جرم علیه صادرکننده چک بی محل به مقامات صلاحیتدار مانع درخواست صدور اجرائیه برای وصول وجه چک از طریق اداره ثبت نخواهد بود مگر اینکه دستوری در این باره از طرف مقامات قضایی صادر شود. ماده ۲۵۰- اگر عدم پرداخت وجه چک به علت عدم مطابقت امضای ذیل چک با امضای کسی که حق صدور چک را دارد باشد در اداره ثبت اجرائیه صادر نخواهد شد. ماده ۲۵۱- دارنده چک که حق تقاضای صدور اجرائیه دارد اعم است از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او ظهرنویسی شده یا حامل چک (در مورد چکهای در وجه حامل). ماده ۲۵۲- در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب صادر شده باشد صادرکننده چک و صاحب حساب متضامنا مسوول پرداخت وجه چک بوده و به تقاضای بستانکار اجرائیه علیه آنها بر اساس تضامن صادر می‌شود. ماده ۲۵۳- در مورد چکهای وعده‌دار اجرائیه پس از سررسید صادر خواهد شد. ماده ۲۵۴- پس از صدور اجرائیه چک دارنده چک می‌تواند ضمن اعلام انصراف از تعقیب عملیات اجرایی مطالبه استرداد لاشه چک را بکند در این صورت اگر اجرائیه ابلاغ شده باشد حق الاجرا را باید بپردازد. و در این مورد پرونده مختومه محسوب است ماده ۲۵۵- به استناد ماده ۵۰ قانون تامین اجتماعی (مصوب ۱۲/۴/۵۴) لغو می‌شود. ماده ۲۵۶- هر یک از شعب بانکهای تعاون کشاورزی و شرکتهای تعاونی روستایی و اتحادیه‌های تعاونی روستایی و شرکتهای تعاونی کشاورزی و اتحادیه‌های تعاونی کشاورزی که درخواست صدور اجرائیه به استناد اسناد تنظیمی با وام گیرندگان بر طبق ماده ۱۱ قانون تشکیل بانک تعاون کشاورزی ایران مصوب سال ۴۸ و تبصره ۶۳ ماده واحده قانون بودجه اصلاحی سال ۵۲ و بودجه سال ۵۳ کل کشور را تا مبلغ یکصد هزار ریال دارند باید یک نسخه از سند تنظیم شده طبق فرم مخصوص را به انضمام رونوشت آن به اداره ثبت بفرستند. اداره ثبت پس از ملا-حظه اصل سند و تطبیق رونوشت آن در صورتی که بانک مطالبه نماید اصل سند را مسترد خواهد نمود. ماده ۲۵۷- در صورتی که استفاده کنندگان از آب از پرداخت بهای آب خودداری نمایند اگر قراردادی بین آنها و سازمانها و شرکتهای آبیاری که بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به دولت است منعقد شده باشد طبق همان قرارداد و در صورت نبودن قرارداد و عدم توافق برابر رای کمیسیون مذکور در ماده واحده مصوب سال ۴۶ قانون وصول بهای آب سازمانها و شرکتهای تابع وزارت آب و برق که قطعی است اداره ثبت محل برابر این آیین نامه به تقاضای مرجع وصول کننده آب بها اجرائیه صادر خواهد نمود و مرجع متقاضی باید یک نسخه از قرارداد یا رای کمیسیون و رونوشت مصدق یا فتوکپی آنها را به انضمام مطالبه نامه و تقاضای صدور اجرائیه به اداره ثبت محل ارسال دارد. اصل رای یا قرارداد پس از مقابله و تصدیق برابری با اصل به متقاضی رد می‌شود. ماده ۲۵۸- در مورد تقاضای صدور اجرائیه برای وصول آب بها بر طبق ماده ۵۳ قانون آب و نحوه ملی شدن آن (۲۰) مصوب سال ۴۷ در نقاطی که دستور اجرای قانون داده شده است مسوول منطقه یا ناحیه آبیاری یک نسخه از اخطاریه

ابلاغ شده موضوع تبصره ۶ ماده مذکور را به انضمام تقاضانامه ای که بر طبق ماده یاد شده تنظیم می‌نماید جهت صدور اجراییه به اداره ثبت محل خواهد فرستاد. ماده ۲۵۹ - دادستان ارتش (نظامی در مورد محکومیت‌های نقدی با ارسال رونوشت حکم قطعی شده می‌تواند از طریق اداره حقوقی و قضایی وزارت جنگ با معرفی اموال منقول یا غیر منقول محکوم علیه تقاضا نماید که عملیات اجرایی به وسیله ادارات ثبت بر اساس مقررات مربوط به اجرا اسناد رسمی به عمل آید و ادارات ثبت مکلف به انجام این تقاضا می‌باشند. ماده ۲۶۰ - اختیارات و مسوولیتها و وظایفی که در تبصره اول و سوم ماده ۴ و مواد ۲۹ و ۳۰ و ۵۰ و ۵۴ و ۵۶ و ۵۷ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۶ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۷۱ و ۱۷۵ و تبصره آن و ۱۷۷ و ۲۱۲ و ۲۱۴ و ۲۲۷ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و بند ۲ و ۳ و ۴ آن و ۲۳۲ و ۲۳۳ و تبصره آن ۲۳۹ و ۲۴۱ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۸ و ۲۵۰ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ این آیین نامه به اداره ثبت و مدیر ثبت و رییس اجرا در تهران گذاشته شده از تاریخ تصویب و ابلاغ تشکیلات جدید در تهران به اداره کل اجرا و مدیر کل آن محول می‌شود. (الحاقی ۲۸/۳/۱۳۶۹)

قانون منع توقیف اشخاص در قبال تخلف از انجام تعهدات و الزامات مالی - مصوب ۲۲ آبان ۱۳۵۲

ماده واحده - از تاریخ اجرای این قانون جز در مورد جزای نقدی هیچ کس در قبال عدم پرداخت دین و محکوم به و تخلف از انجام سایر تعهدات و الزامات مالی توقیف نخواهد شد و کسانی که به این جهات در توقیف می‌باشند، آزاد می‌شوند. بدهکار مکلف است از تاریخ ابلاغ اجراییه تا یک ماه مفاد آن را به موقع اجرا بگذارد یا ترتیبی برای پرداخت محکوم به یا دین خود بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای حکم و استیفای طلب از آن میسر باشد. در صورتی که بدهکار خود را قادر به اجرای مفاد اجراییه نداند باید ظرف مهلت مذکور صورت جامع دارایی خود را به مسیول اجرا تسلیم کند و اگر مالی ندارد صریحا اعلام نماید و بدهکارانی که در توقیف بوده و به موجب این قانون آزاد می‌شوند نیز قبل از آزادی مکلف به تسلیم چنین صورتی از اموال خود می‌باشند همچنین در مورد بدهکارانی که قبلا اجراییه به آنها ابلاغ شده لیکن تاکنون بازداشت نشده‌اند ابتدای یک ماه مقرر، از روز قابل اجرا بودن این قانون است هر گاه ظرف سه سال بعد از انقضای مهلت مذکور یا سه سال پس از آزاد شدن از زندان معلوم شود که بدهکار قادر به اجرای حکم و پرداخت دین بوده لیکن برای فرار از آن اموال خود را معرفی نکرده یا صورت خلاف واقع از دارایی خود داده و یا پس از تحصیل مالی که قبلا مالک نبوده و بعدا به دست آورده وجود آن را اعلام ننموده به نحوی که اجرای تمام یا قسمتی از مفاد اجراییه متعسر گردیده است به حبس جنحه ای از ۶۱ روز تا ۶ ماه محکوم خواهد شد. بدهکاری که در مدت مذکور قادر به پرداخت دین خود نبوده، مکلف است هر موقع که به تادیه تمام یا قسمتی از بدهی خود متمکن گردد، آن را بپردازد. هر بدهکاری که ظرف سه سال از تاریخ انقضای مهلت مقرر قادر به پرداخت تمام یا قسمتی از بدهی خود شده و تا یک ماه از تاریخ تمکن آن را نپردازد و یا به مسیول اجرا معرفی نکند به مجازات فوق الذکر محکوم خواهد شد. تبصره ۱ - مقررات این ماده مانع از آن نخواهد بود که طلبکار هر وقت مالی از محکوم علیه یا مدیون به دست آید به تعقیب اجراییه و استیفای طلب خود اقدام کند. تبصره ۲ - تنظیم سند مبتنی بر اشتغال ذمه مدیون برخلاف واقع بین او و اشخاص ثالث و استفاده از آن به منظور فرار از پرداخت تمام یا قسمتی از دین یا محکوم به، مستلزم مجازات فوق الذکر است تبصره ۳ - تعقیب کیفری جرایم مندرج در این ماده منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت او تعقیب یا اجرای مجازات موقوف می‌گردد. تبصره ۴ - مقررات مربوط به صدور اجراییه مذکور در ماده یک قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۴۴ بدون آنکه منتهی به بازداشت شود کماکان لازم الاجرا می‌باشد و مقررات کیفری چک نیز به قوت خود باقی است آن قسمت از مقررات مربوط به اجرای احکام و اسناد و تعهدات و اعسار که مغایر این قانون می‌باشد، ملغی است

آیین نامه کیفیت هزینه و نحوه نگهداری حساب از درآمد موضوع ماده ۳۹ اصلاحی قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری

فصل اول - جمع آوری درآمدها و نگهداری حساب آنها (مواد ۱ تا ۵)

موضوع ماده ۳۹ اصلاحی قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری فصل اول - جمع آوری درآمدها و نگهداری حساب آنها ماده ۱ - به منظور تمرکز حاصله از اجرا ماده واحده اصلاح ماده ۳۹ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۲۶ شهریور ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی ایران حساب مخصوصی از طرف خزانه داری کل در بانک مرکزی ایران افتتاح و کلیه عواید حاصله از اجرا قانون به حساب مذکور منتقل و واریز خواهد شد. ماده ۲ - ادارات امور مالی وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد در مرکز و کلیه واحدهای قضایی و ادارات ثبت شهرستانها و واحدهای وصول آنها مکلفند پانزده درصد از وجوهی که بابت هزینه های دادرسی و حق اجرا احکام مدنی و جزای نقدی و هزینه های ثبتی و اجرایی و غیره وصول می نمایند از طریق ادارات امور اقتصادی و دارایی به حسابی که موجب ماده ۱ این آیین نامه در بانک مرکزی ایران افتتاح گردیده منتقل نموده و همه ماهه آمار وجوه وصولی و تحویلی را به تفکیک نوع درآمد تنظیم و منتهی تا پنجم ماه بعد به اداره کل امور مالی وزارت دادگستری ارسال دارند. ماده ۳ - اداره کل امور مالی وزارت دادگستری دفاتر مخصوصی برای نگاهداری حساب عواید وصولی و هزینه هایی که از محل وجوه مذکور انجام می شود اختصاص و کلیه عملیات را در آن ثبت خواهد نمود. ماده ۴ - چنانچه وجوهی که بابت پانزده درصد وصول می شد در سال جاری به حساب درآمد عمومی واریز شده باشد یا بشود از حساب درآمد عمومی برگشت و به حسابی که به موجب ماده ۱ این آیین نامه در بانک مرکزی ایران افتتاح گردیده است منتقل خواهد شد. ماده ۵ - در پایان هر سال مانده عواید حاصله به سال های بعد منتقل و مورد تعهد و مصرف واقع خواهد شد.

فصل دوم - هزینه (مواد ۶ تا ۱۰)

ماده ۶ - تشخیص و انجام تعهد و تسجیل در مورد هزینه های موضوع ماده ۳۹ قانون اصلاح قوانین دادگستری به عهده وزیر دادگستری یا مقاماتی است که از طرف وزیر دادگستری تعیین می شود. ماده ۷ - برای پرداخت هزینه هایی که از محل درآمد موضوع قانون مزبور انجام خواهد شد حساب مخصوصی در بانک مرکزی ایران یا با موافقت بانک مذکور در بانک ملی ایران به نام اداره کل امور مالی وزارت دادگستری افتتاح خواهد شد و وجوهی که به موجب ماده ۱ در بانک مرکزی ایران متمرکز گردیده به درخواست ذیحساب وزارت دادگستری از طریق خزانه به این حساب منتقل خواهد شد. تبصره - استفاده از این حساب با امضا مشترک ذیحساب و لاقبل یک امضا دیگر به معرفی وزیر دادگستری خواهد بود. ماده ۸ - اداره کل امور مالی وزارت دادگستری صورت کلیه درآمدهای وصولی و هزینه هایی را که به موجب دستورات وزارت دادگستری و با رعایت مقررات و موازین این آیین نامه پرداخته شده با اسناد هزینه ضمن سایر حساب های ماهیانه به دیوان محاسبات ارسال خواهد نمود. ماده ۹ - هرگونه تغییر و تجدید نظر در مواد این آیین نامه و ارقام بودجه موقوف به تصویب وزیر دادگستری می باشد. ماده ۱۰ - از تاریخ تصویب آیین نامه ، آیین نامه نحوه وصول و نگاهداری حساب درآمد و کیفیت هزینه پانزده درصد درآمدهای دادگستری و ثبت موضوع ماده ۳۹ قانون اصلاح قوانین دادگستری مصوب خرداد ۱۳۵۶ لغا می شود.

نظریه شورای نگهبان در خصوص دریافت بهره و خسارات تاخیر نادیه از دولتها و موسسات و شرکتها و ۱

دریافت بهره و خسارات تاخیر تادیه از دولت ها و موسسات و شرکت ها و اشخاص خارجی که بر حسب مبانی عقیدتی خود دریافت آن را ممنوع نمی دانند ، شرعا مجاز است لذا مطالبه وصول این گونه وجوه مغایر با قانون اساسی نیست و اصول چهل و سوم و چهل و نهم قانون اساسی شامل این مورد نمی باشد

قانون اعسار – مصوب آذر ماه ۱۳۱۳ با اصلاحات بعدی

فصل اول – اعسار در مورد مخارج محاکمه (مواد ۱ تا ۱۹)

مصوب آذر ماه ۱۳۱۳ با اصلاحات بعدی (شماره ۱۷۸۴ سال ۱۳۱۳ مجله رسمی) ماده ۱ - معسر کسی است که به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود قادر به تادیه مخارج محاکمه یا دیون خود نباشد. فصل اول - اعسار در مورد مخارج محاکمه مواد ۲ تا ۱۹ ملغی شده است

فصل دوم – اعسار در مورد محکوم به (ماده ۲۰ تا ۲۶)

ماده ۲۰ - مرجع رسیدگی به دعوی اعسار در مورد محکوم به محکمه‌ای است که بدایه به دعوی اصلی رسیدگی کرده است دعوی اعسار در مقابل اوراق اجراییه ثبت اسناد در محکمه محل اقامت مدعی اعسار اقامه خواهد شد. ماده ۲۱ - دعوی اعسار در مورد محکوم به به طرفیت محکوم له دعوی اصلی و در مورد ورقه لازم الاجرای ثبت اسناد به طرفیت متعهدله اقامه خواهد شد. ماده ۲۲ - در رسیدگی به دعوی اعسار در مورد محکوم به هرگاه محکوم علیه برای معافیت موقتی از پرداخت مخارج عدلیه نیز ادعای اعسار کند موقتاً بدون رسیدگی مخصوص از مخارج مربوطه به دعوی اعسار معاف است ماده ۲۳ - مدعی اعسار باید شهادت کتبی لااقل چهار نفر از اشخاصی که از وضع معیشت و زندگانی او مطلع باشند به عرض حال خود ضمیمه نماید. در شهادت نامه مذکور باید اسم و شغل و وسایل گذران مدعی اعسار و عدم تمکن او برای پرداخت محکوم به یا دین با تعیین مبلغ آن تصریح شود. ماده ۲۴ - مقررات مواد ۸ و ۹ و قسمت اول از ماده ۱۰ و ماده ۱۱ و ۱۲ (جز اخطار به مدعی العموم در مورد اعسار نسبت به محکوم به یا دین نیز رعایت خواهد شد. ماده ۲۵ - در صورت غیبت مدعی اعسار در جلسه محاکمه یا عدم تعقیب او تقاضای مدعی علیه برای رسیدگی به دعوی مزبور کافی است ماده ۲۶ - حکم رد یا قبول اعسار در مورد محکوم به قابل استیناف و تمیز است

فصل سوم – مقررات جزایی (ماده ۲۷ تا ۳۲)

ماده ۲۷ - در مورد رد عرض حال اعسار به طریق ذیل رفتار می شود (بند ۱ و شقوق الف و ب آن مربوط به رد اعسار از هزینه دادرسی بوده که به مواد ۵۰۴ الی ۵۱۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مراجعه شود) ۲ - در صورتی که ادعای اعسار در مورد محکوم به باشد محکمه در ضمن حکم رد اعسار مدعی را به پرداخت وجوه ذیل محکوم می نماید الف - مخارج محاکمه اعسار معادل دوبرابر مخارج معمولی ب - حق الوکاله و کیل از بابت محاکمه اعسار به شرح مذکور در قسمت (ب) فقره اول همین ماده ماده ۲۸ - مفاد ماده ۲۷ در مورد رد اعسار در مقابل اوراق اجراییه ثبت اسناد نیز لازم الرعایه است ماده ۲۹ - اگر پس از صدور حکم اعسار معلوم شود که مدعی اعسار برخلاف واقع خود را معسر قلمداد کرده به حبس تادیبی

از یک ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد. ماده ۳۰- اگر پس از قبول اعسار ثابت شود که شهود قضیه عامدا شهادت دروغ کتبی یا شفاهی داده به مجازات مذکور در قسمت اخیر ماده ۲۱۸ قانون مجازات عمومی محکوم خواهند شد. ماده ۳۱- هرگاه معلوم شود پس از صدور حکم اعسار از معسر رفع عسرت شده و معهدا از حکم اعسار استفاده کرده است به تقاضای محکوم له یا متعهده جزایا تعقیب و به حبس تادیبی تا دو ماه محکوم خواهد شد. ماده ۳۲- هر کس به نحوی از انحاء برای معسر قلمداد کردن کسی که معسر نیست با او تبنانی کرده و یا برخلاف حقیقت خود را طلبکار معسر قلمداد و دراین موضوع با معسر تبنانی کند شریک جرم مذکور در ماده فوق محسوب خواهد شد.

فصل چهارم - مقررات مختلفه (مواد ۳۳ تا ۴۰)

ماده ۳۳- از تاجر عرضحال اعسار پذیرفته نمی‌شود. تاجری که مدعی اعسار باشد باید مطابق مقررات قانون تجارت عرضحال توقف دهد. کسبه جز مشمول این ماده نخواهند بود. ماده ۳۴- در هر موقع که معسر به تادیه تمام یا قسمتی از بدهی خود متمکن گردد ملزم به تادیه آن است - نسبت به ورقه اجراییه که بر علیه معسر صادرشده مرور زمان از تاریخ تمکن جاری می‌شود و مدت آن ده سال است ماده ۳۵- اگر کسی که معافیت از مخارج محاکمه را تحصیل کرده است در دعوی اصلی خود محکوم به بی حقی گردد محکوم له نیز از پرداخت بقیه محاکمه که به محکومیت معسر منتهی شده معاف خواهد بود. ماده ۳۶- در کلیه اختیارات و حقوق مالی مدعی اعسار که استفاده از آن موثر در تادیه دیون او باشد طلبکاران او قایم مقام قانونی مدعی اعسار بوده و حق دارند به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کنند. ماده ۳۷- اشخاصی که دارایی نداشته یا دارایی آنها کافی برای تادیه تمام بدهی نباشد ولی با عایدات شغلی و حرفه خود بتوانند تمام یا قسمتی از بدهی خود را بپردازند محکمه (در مورد محکوم به) و اداره ثبت (در مورد اوراق لازم الاجرا) با در نظر گرفتن مبلغ بدهی و عایدات بدهکار و معیشت ضروری او میزان و مدت وعده اقساطی را که باید داده شود تعیین خواهد کرد. ماده ۳۸- کسی که طلب خود را به غیر مدیون انتقال داده و بعد از انتقال آن را از مدیون سابق خود دریافت کرده و یا به دیگری انتقال دهد کلاهبردار محسوب می‌شود. هرگاه مدیون بدهی خود را بعد از انتقال به داین سابق تادیه نماید منتقل الیه حق رجوع به او نخواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید که قبل از تادیه دین انتقال را به اطلاع مدیون رسانیده و یا اینکه مدیون به وسیله دیگری از انتقال مستحضر بوده است ماده ۳۹- از تاریخ اجرای این قانون دیگر دعوایی به عنوان دعوی افلاس پذیرفته نخواهد شد و نسبت به دعوی افلاسی که قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه شده بر طبق نظامنامه مخصوصی که وزارت عدلیه تنظیم خواهد نمود اقدام می‌شود. ماده ۴۰- قانون اعسار و افلاس مصوب ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۰ نسخ و مواد ۶۲۴ و ۶۲۵ و ۶۲۶ و ۷۹۸ و ۷۹۹ و ۸۰۰ و ۸۰۱ و ۸۰۲ و ۸۰۳ و ۸۰۴ قانون اصول محاکماتی که به موجب قانون مزبور نسخ شده به حال منسوخ باقی می‌ماند و این قانون از تاریخ تصویب به موقع اجرا گذارده می‌شود.

قانون اجازه کسر اقساط معوقه و استیفای مطالبات بانک مسکن از محل حقوق و دریافتی های بدهکارا

ماده واحده - به بانک مسکن اجازه داده می‌شود به منظور استیفای مطالبات خود و وصول اقساط معوقه بابت وام هایی که مستقیما یا به قائم مقامی یا نمایندگی وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی به کارمندان و مستخدمین دولت و سازمانها و شرکتهای دولتی یا وابسته به دولت یا موسسات دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است پرداخت نموده یا می‌نماید ، در صورت عدم اجرای تعهدات و پرداخت به موقع اقساط و دو نوبت اخطار کتبی ده روزه و عدم مراجعه بدهکار و پرداخت بدهی به نحوی که بانک مقرر می‌کند با ابلاغ موضوع به دستگاه متبوع بدهکار درخواست کسر اقساط معوقه را از حقوق و مزایا و یا دستمزد

بدهکار بنماید و دستگاه متبوع بدهکار، ملزم به انجام درخواست و واریز کسور مذکور به حساب بانک مسکن می‌باشند مشروط به آن که حداکثر از اقساط ماهانه معوقه بیشتر نباشد. تبصره ۱ - سازمان بازنشستگی کشور و نیز کلیه سازمانها و موسسات که به مستخدمین و کارکنان بازنشسته خود یا به ورثه آنان حقوق بازنشستگی یا مستمری و وظیفه پرداخت می‌نمایند مشمول احکام این قانون می‌باشند. تبصره ۲ - مطالبات فوق شامل اصل و کار مزد وام خواهد بود. تبصره ۳ - در مورد شهرداری ها و شرکتهای خصوصی و موسسات مشابه که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است بانک با توافق بدهکاران می‌تواند، به طریق فوق عمل نماید و در صورت عدم توافق به دادگاه صالحه مراجعه نمایند.

قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری ها - مصوب ۱۴۲۱۴ ۱۳۶۱

ماده واحده - وجوه و اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداریها اعم از اینکه در بانکها و یا در تصرف شهرداری و یا در نزد اشخاص ثالث و بصورت ضمانتنامه به نام شهرداری باشد قبل از صدور حکم قطعی قابل تامین و توقیف و برداشت نمی‌باشد. شهرداریها مکلفند وجوه مربوط به محکوم به احکام قطعی صادره از دادگاهها و یا اوراق اجرایی ثبتی یا اجرای دادگاهها و مراجع قانونی دیگر را در حدود مقررات مالی خود از محل اعتبار بودجه سال مورد عمل و یا در صورت عدم امکان از بودجه سال آتی خود بدون احتساب خسارت تاخیر تادیه به محکوم لهم پرداخت نمایند. در غیر اینصورت ذینفع می‌تواند برابر مقررات نسبت به استیفای طلب خود از اموال شهرداری تامین و یا توقیف یا برداشت نماید. تبصره - چنانچه ثابت شود که شهرداری با داشتن امکانات لازم از پرداخت دین خود استنکاف نموده است شهردار بمدت یکسال از خدمت منفصل خواهد شد.

آیین نامه نحوه اجرای حراج و نوبت آن و تشکیل مراکز حراج و نحوه توقیف حق بدهکار نسبت به مازاد ورد وثیقه و طرز استیفای حقوق توقیف کننده - مصوب آبان ۱۳۵۲

فصل اول - کلیات (مواد ۱ تا ۶)

آیین نامه نحوه اجرای حراج و نوبت آن و تشکیل مراکز حراج و نحوه توقیف حق بدهکار نسبت به مازاد ورد وثیقه و طرز استیفای حقوق توقیف کننده مصوب آبان ۱۳۵۲ نظر به تبصره ۱ از ماده ۳۴ و تبصره ۳ از ماده ۳۴ مکرر و ماده ۱۵۷ قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۸ ۱۰ ۵۱ مواد ذیل را مقرر می‌دارد فصل اول - کلیات ماده ۱ - در مرکز هر منطقه ثبتی یا واحدهای ثبتی دیگری که سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مقتضی بداند مرکز یا مراکز حراج مرکب از یک رییس ولدی الاقتصا یک معاون و به تعداد کافی کارمند و اعلام کننده (چوب زن تشکیل می‌شود. در سایر واحدهای ثبتی به تناسب حجم کار تصدی مرکز حراج با رییس اجرا و یا کارمندی است که به پیشنهاد ثبت منطقه از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به این سمت منصوب خواهد شد و عنداللزوم تعداد کافی کارمند و ممیز خواهد داشت ماده ۲ - مرکز حراج می‌تواند برای شناساندن خود و جلب توجه عموم به وسایل مقتضی تبلیغ نماید و افراد ذینفع نیز چنانچه مایل به تبلیغ بیشتری برای اموال و املاک مورد حراج باشند با نظارت مرکز حراج می‌توانند به هزینه خود در جراید و غیره آگهی نمایند. ماده ۳ - مرکز حراج علاوه بر دفاتر اداری لازم، دارای دفاتر زیر خواهد بود ۱ - دفتر اموال غیر منقول ۲ - دفتر اموال منقول ۳ - دفتر اوقات حراج ۴ - دفتر انبار. ماده ۴ - در مرکز هر منطقه ثبتی یا واحدهای ثبتی دیگری که مرکز یا مراکز حراج جداگانه تشکیل می‌گردد، بایگانی مرکز حراج با روش تنظیم کارت اداره خواهد شد - نمونه کارت و نحوه عمل را سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تعیین خواهد کرد. اجرا به جای ارسال پرونده اجرایی به مرکز

حراج برای هر پرونده کارت مذکور را در دو نسخه تنظیم و کلیه مشخصات مال را در آن قید و پس از گواهی در موعد مقرر به مرکز حراج ارسال می‌دارد. عملیات حراج و همچنین صورت مجلس مربوط به فروش یا عدم فروش مال در هر دو کارت مزبور به وسیله مرکز حراج منعکس و به امضا اشخاص ذینفع و مسولین امر خواهد رسید، پس از پایان کار یک نسخه از کارت تکمیل شده در مرکز حراج بایگانی و نسخه دیگر به اجرا مربوطه برای بایگانی در پرونده ارسال می‌گردد. ماده ۵ - رییس و کارمندان مرکز حراج و اجرا و مباشرین فروش و کارمندان ثبت محل و نماینده دادستان حق شرکت در اصل حراج به طور مستقیم یا غیر مستقیم نخواهند داشت ماده ۶ - رییس و کارمندان مرکز حراج مکلفند با مراجعین نهایت حسن سلوک را مرعی داشته و اطلاعات لازم و کافی در اختیار آنها قرار دهند و همچنین رییس مرکز حراج باید در حفظ نظم و ترتیب کارها مراقبت کافی معمول داشته چنانچه افرادی محل نظم و یا مانع ادامه کار به نحو صحیح و مطلوب گردند با تنظیم صورت مجلس نسبت به اخراج آنها اقدام و عندالاقضا آنان را به مقامات انتظامی تحویل نماید.

فصل دوم - تهیه مقدمات حراج (مواد ۷ تا ۱۵)

ماده ۷ - مرکز حراج باید به مجرد وصول کارت - از جهت اطلاع - اینکه تغییری در وضع ملک حادث شده یا خیر از ثبت محل استعلام و اگر ملک در اجاره رسمی باشد میزان مال الاجاره را تعیین نماید و همچنین اگر ملک دارای اعیانی است با معاینه محل و ترسیم کروکی مساحت و مشخصات و کیفیت اعیانی را اعم از ساختمان و اشجار تعیین و در صورت وجود نقشه هوایی موقعیت ملک را روی آن مشخص چنانچه نقشه هوایی نباشد به کیفیتی که محل وقوع ملک و نشانی آن برای مراجعین مشخص گردد - کروکی تهیه کند و مقدمات حراج را فراهم سازد. ماده ۸ - در مورد اموال منقول باید کیفیت و نوع و مشخصات کامل آن تعیین گردد و اجرا باید ترتیبی اتخاذ نماید که در انقضا چهار ماه مقرر اموال مورد حراج را در اختیار داشته و با کارت مربوط به مرکز حراج تحویل نماید - قبل از تحویل مال مورد حراج به مرکز حراج ارسال کارت به مرکز مزبور مورد ندارد. ماده ۹ - در آگهی الصاقی حراج مال غیر منقول باید نکات زیر تصریح شود ۱ - نام و نام خانوادگی مالک ۲ - محل و حدود و مقدار و توصیف اجمالی ملک ۳ - هرگاه واگذاری منافع مستند به سند رسمی باشد خواه مدت آن منقضی شده باشد یا نشده باشد مراتب با ذکر مال الاجاره و آخر مدت اجاره در آگهی الصاقی درج می‌شود و در صورتی که به موجب سند رسمی مقدم بر تاریخ تنظیم سند معامله موضوع اجراییه برای مدت معینی مسلوب المنفعه باشد موضوع صریحا باید در آگهی قید شود. ۴ - تعیین اینکه ملک ثبت شده است یا نه ۵ - تصریح به اینکه مورد حراج مشاع است یا مفروز. ۶ - قیمتی که حراج از آن شروع می‌شود. ۷ - تذکر اینکه بدهی‌های مربوط به آب لوله‌کشی و برق و تلفن اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مکالمه و مصرف در صورتیکه مورد حراج دارای آب لوله‌کشی و برق و تلفن و گاز باشد و همچنین بدهی مالیات و عوارض شهرداری تا تاریخ حراج اعم از اینکه رقم قطعی آنها معلوم شده یا نشده باشد، به عهده برنده حراج است ۸ - روز و محل و ساعت شروع و ختم حراج ماده ۱۰ - در آگهی الصاق حراج اموال منقول نکات زیر باید تصریح شود ۱ - نوع اموال مورد حراج و توصیف اجمالی آن ۲ - روز و محل و ساعت شروع و ختم حراج ۳ - قیمتی که حراج از آن شروع می‌شود. ماده ۱۱ - مسیول مرکز حراج مکلف است هنگام صدور آگهی الصاقی مراقبت کامل نماید که مندرجات آگهی طبق مقررات این آیین نامه صحیحا قید و تنظیم شده باشد و قبل از الصاق نیز مجددا بررسی لازم به عمل آورده و چنانچه احیانا اشتباهی رخ داده باشد با حضور نماینده دادستان نسبت به اصلاح نسخ آگهی و قید توضیح در ذیل آن اقدام و به امضا خود و نماینده دادستان برساند و سپس نسبت به الصاق آگهی اقدام شود. مسئولیت هر نوع اشتباه در آگهی به عهده شخص رییس یا مسیول مرکز حراج خواهد بود. ماده ۱۲ - فاصله انتشار آگهی الصاقی با اولین روز حراج نباید از پانزده روز کمتر باشد.

آگهی‌های ملاصقه در مرکز حراج باید تا آخرین ساعت اداری روز فروش یا واگذاری مال در تابلو آگهی‌ها محفوظ نگاه داشته شود و در مورد اموال غیرمنقول باید نقشه هوایی و یا کروکی ترسیمی که نشان دهنده موقعیت محل وقوع ملک است با آگهی الصاقی در مرکز حراج با جنبه نمایشی و تبلیغاتی نصب شود. آگهی نامبرده علاوه بر مرکز حراج باید به محل ملک و اماکن عمومی از قبیل (فرمانداری - بخشداری - شهرداری - کلاتری و دادگستری و ثبت اسناد) الصاق شود. در مورد اموالی که به کمتر از پنجاه هزار ریال به حراج گذاشته می‌شود فقط الصاق آگهی در مرکز حراج کافی است ماده ۱۳ - اعتراض نسبت به عملیات اجرایی مربوط به اموال منقول مورد وثیقه تا پنج روز بعد از ارسال کارت به مرکز حراج پذیرفته خواهد شد. مدیر ثبت یا رییس اجرا (حسب مورد) مکلف است فوراً نسبت به اعتراض واصله رسیدگی و نظر خود را اعلام نماید - چنانچه نظر متخذه مورد اعتراض قرار گیرد هیات نظارت مکلف است خارج از نوبت و حداکثر تا یک هفته قبل از تاریخ حراج رای خود را صادر و دفتر هیات فوراً آن را به مرکز حراج ارسال دارد چنانچه تا روز حراج نتیجه قطعی اعتراض اعلام نشود، عملیات حراج متوقف و پس از تعیین تکلیف قطعی حراج تعقیب و ظرف سی روز انجام و پایان خواهد پذیرفت ماده ۱۴ - هر مرکز حراج می‌تواند در هر موقع که اموال منقول و غیر منقول که برای حراج در اختیار دارد به مقداری برسد که از جهت کیفیت و کمیت قابل توجه باشد. با کسب اجازه از سازمان ثبت اسناد و املاک کشور بولتن (Bulletin) شامل مشخصات کامل اموال و املاک مورد حراج و تاریخ و مبلغ شروع آن و سایر اطلاعاتی که به شناساندن مال به مشتری کمک نماید مرتباً و به فاصله‌ای که مقتضی بداند منتشر و به مبلغی که حداکثر ده درصد بیشتر از بهای تمام شده و اجرت توزیع نباشد در اختیار عموم قرار دهد. چنانچه افرادی مایل باشند که بولتن (Bulletin) مذکور را آبنه شوند مخارج توزیع از وجه اشتراک کسر خواهد شد. مطالعه این بولتن (Bulletin) در مرکز حراج نیز مجاناً برای استفاده در اختیار مراجعین گذاشته می‌شود برای عموم آزاد و مجانی است ماده ۱۵ - مرکز حراج مکلف است از تاریخ صدور آگهی الصاقی تا آخرین ساعت روز حراج اموال منقول مورد آگهی را به روی مشتریانی که مراجعه می‌نمایند برساند. همچنین در مواردی که قبل از صدور آگهی الصاقی بدهکار مشتریانی را برای ملاحظه اموال منقولی که برای حراج در اختیار مرکز حراج است بیاورد مرکز مذکور موظف است اموال نامبرده را با حضور مدیون و یا نماینده قانونی او به مشتری ارایه دهد. در مورد اموال غیر منقول نیز باید مرکز حراج رأساً مشتریانی را که مراجعه می‌نمایند به محل وقوع ملک هدایت نماید.

فصل سوم - حراج اموال منقول و غیر منقول و تنظیم سند انتقال (مواد ۱۶ تا ۴۴)

ماده ۱۶ - حراج اموال غیر منقول در روزهای یکشنبه و چهارشنبه و اموال منقول در روزهای دوشنبه و پنجشنبه از ساعت ۹ تا ۱۲ صبح به عمل خواهد آمد، روزهای مذکور در هر حال باید داخل هفته آخر دو ماه مقرر در قانون باشد، چنانچه هر یک از روزهای مقرر مصادف با تعطیل باشد روز بعد از تعطیل روز حراج است در مورد حراج اموال غیر منقول هرگاه آخرین روز دو ماه مقرر مصادف با هر یک از روزهای یکشنبه یا دوشنبه یا سه شنبه باشد اولین روز حراج روز چهارشنبه هفته قبل خواهد بود و در مورد اموال منقول به همین روش عمل خواهد شد. حراج حضوری خواهد بود، چنانچه در جلسه اول خریدار پیدا شود مورد حراج به خریدار واگذار خواهد شد مگر اینکه مدیون درخواست نماید که مورد حراج در جلسه بعدی به حراج گذارده شود، در این صورت مال در جلسه بعدی به حراج گذاشته می‌شود. چنانچه خریداری نبود مورد حراج طبق مقررات در قبال اصل و خسارات و حقوق دولتی به بستانکار واگذار می‌گردد. ماده ۱۷ - در مورد معاملات اموال غیر منقول مذکور در ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت هرگاه بدهکار متعدد بوده و فک و فسخ معامله موکول به پرداخت تمامی دین شده و تاریخ ابلاغ اجراییه به بدهکاران متفاوت باشد برای هر یک از بدهکاران تاریخ ابلاغ موخر مبدا احتساب شش ماه موعده قبول تقاضای حراج خواهد بود. وصول تقاضای

حراج از ناحیه هر یک از مدیونین برای حراج ششدهانگ کافی است در این قبیل موارد قبول استرداد تقاضای حراج و یا در صورت وجود خریدار تجدید حراج برای جلسه دوم موکول به موافقت کلیه بدهکاران است ماده ۱۸ - در مورد ماده قبل هرگاه در اولین جلسه حراج خریدار پیدا شود و مازاد مال در بازداشت غیر باشد تجدید جلسه موکول به موافقت مدیون و بازداشت کننده مازاد خواهد بود. هر یک از بدهکاران و یا هر یک از اشخاص ذینفع اعم از بازداشت کننده مازاد و غیره در صورت عدم توافق می توانند تفاوت مبلغ شروع حراج تا میزانی که خریدار پیدا شده به انضمام حق حراج را برای جبران خسارات احتمالی پرداخت و تقاضا نمایند مال در جلسه دوم به حراج گذاشته شود و اگر در جلسه بعد مورد حراج به مبلغ کمتری فروش رفت و یا خریدار پیدا نشد تفاوت از مبلغ پرداختی برداشت و به صاحب حق تسلیم و حق حراج به صندوق پرداخت خواهد شد. در صورتی که تقاضای تجدید جلسه از طرف افرادی باشند که در صورت ختم حراج از تفاوت حاصله از فروش منتفع می گردند متقاضی می تواند تفاوت را با کسر مبلغی که در صورت فروش به او تعلق می گرفت با حق حراج برای جبران خسارات سایرین تودیع نماید. ماده ۱۹ - جلسات حراج اموال منقول و غیر منقول بیش از دو جلسه نخواهد بود ولو این که طرفین تقاضای تکرار آن را نموده باشند. ماده ۲۰ - ورود به مرکز حراج برای عموم آزاد است جلسه حراج با حضور رییس و در غیاب او با حضور معاون مرکز حراج و نماینده دادستان و متصدی حراج تشکیل خواهد شد. ماده ۲۱ - در هر مورد که تا قبل از ارسال کارت به مرکز حراج معلوم شود که واگذاری مورد معامله قانونا میسر نیست مادام که رفع مانع نشده از ارسال کارت به مرکز حراج خودداری خواهد شد و چنانچه در خلال دو ماه عملیات حراج معلوم گردد که واگذاری مورد معامله قانونا مقدور نیست از هر گونه اقدام خودداری و جریان به اجرا اعلام خواهد شد. ماده ۲۲ - عملیات حراج جز در موارد ذیل متوقف نخواهد شد ۱ - دستور اجرا. ۲ - وصول حکم یا دستور موقت یا قرار توقیف عملیات اجرایی ۳ - مورد مذکور در ماده ۲۱ این آیین نامه ۴ - اعلام وقوع فوت بدهکار مستند به مدرک رسمی در صورتی که موجب تمدید مدت شود. ۵ - رای هیات نظارت یا شورای عالی ثبت ۶ - استرداد تقاضای حراج از ناحیه مدیون در مواردی که مجاز به استرداد است ۷ - پرداخت کلیه مطالبات بستانکار و حقوق اجرایی در مورد بندهای ۱ و ۲ و ۳ چنانچه مال مورد حراج غیر منقول باشد پس از رفع مانع عملیات حراج طی دو ماه مقرر از سر گرفته خواهد شد و در مورد اموال منقول هرگاه فاصله بین تاریخ متوقف شدن عملیات حراج تا انقضای دو ماه مقرر بیش از سی روز باشد پس از رفع مانع عملیات حراج تا انقضای مدت ادامه خواهد یافت و اگر این فاصله کمتر از سی روز باشد عملیات حراج طی مدت سی روز انجام خواهد گرفت ماده ۲۳ - در مورد اجرای قسمت اخیر ماده ۲۱ آیین نامه اجرای قانون اصلاحی ثبت تشخیص عدم قابلیت تجزیه مال (اعم از منقول یا غیر منقول به عهده اجرا است در کلیه موارد صرف ارسال کارت به مرکز حراج مبین لزوم اقدام به عملیات حراج خواهد بود. ماده ۲۴ - هرگاه مورد معامله رقبات متعدد باشد چنانچه برای هر یک از رقبات خریدار جداگانه پیدا شود و جمع مبلغ خرید بیشتر از مبلغ شروع حراج مذکور در آگهی باشد اقدام به فروش و تنظیم صورت مجلس خواهد شد. اگر حاصل فروش بعضی از رقبات کافی برای پرداخت بدهی قانونی گردد از تنظیم صورت مجلس حراج نسبت به بقیه خودداری می شود و در این مورد بدهکار می تواند برای فروش یک یا بعضی از رقبات رعایت تقدیم را تقاضا کند. خرید در این قبیل موارد کلا نقدی است و خریداران باید وجه نقد و یا تضمین نامه بانکی تحویل و یا بستانکار معادل طلب خود فروش نسبه راقبول نماید که در این صورت شخصا مسئول وصول طلب از خریدار خواهد بود. ماده ۲۵ - در مورد حراج اموال منقول درخواست مدیون برای تقدم و تاخر فروش پذیرفته می شود و هر موقع وجوه حاصله برای تامین کل طلب قانونی بستانکار و حقوق دولتی کافی باشد از فروش بقیه اموال خودداری خواهد شد. و در این مورد و لو اینکه خریدار متعدد باشد یک صورت مجلس حراج تنظیم می شود. ماده ۲۶ - در مورد اموال غیر منقول هرگاه قسمتی از دین پرداخت شده باشد مدیون در جلسه حراج می تواند درخواست نماید که بعضی و یا قسمت مشاع از مورد معامله به حراج گذاشته شود. در این صورت اگر مورد حراج به قیمتی که تکافوی باقی طلب و خسارات و حقوق دولتی و حق حراج را نماید به

فروش برسد، اقدام به فروش خواهد شد. در غیر این صورت پس از استرداد وجوه دریافتی و حقوق دولتی نسبت به واگذاری تمامی مال مورد حراج به بستانکار اقدام می‌شود. ماده ۲۷ - اعتراض بدهکار به عملیات اجرایی اعم از اینکه قبل و یا بعد از تقاضای حراج باشد مانع عملیات حراج نخواهد شد. در صورتی که مدیون قبل از تنظیم صورت مجلس حراج انصراف خود را از حراج ملک اعلام نکند و صورت مجلس حراج دایر به فروش تنظیم شود رای صادره در مورد اعتراض هیچگونه تاثیری در عملیات حراج نداشته و صورت مجلس حراج لازم الاجرا است اگر خریدار در موعد مقرر مابقی ثمن معامله را تودیع ننماید و در نتیجه صورت مجلس حراج کان لم یکن گردد و یا اصولاً خریداری نباشد واگذاری ملک به بستانکار موکول به تعیین تکلیف اعتراض است ماده ۲۸ - در مورد معاملات اموال غیر منقول مذکور در ماده ۳۴ اصلاحی قانون هرگاه بدهکار متعدد بوده و فک و فسخ معامله موکول به پرداخت تمامی دین شده باشد چنانچه تا قبل از تنظیم صورت مجلس حراج به عملیات اجرایی اعتراض شود به دستور اجرا عملیات حراج متوقف و کارت به اجرا اعاده و پس از تعیین تکلیف قطعی و وصول مجدد کارت عملیات حراج از سر گرفته خواهد شد. در تجدید عملیات حراج دیگر هیچگونه اعتراضی مسموع نخواهد بود. ماده ۲۹ - در مورد اموال غیر منقول وصول تقاضای حراج از ناحیه هر یک از وراث مدیون مانع استفاده وراث دیگر از مقررات تبصره ۱ ماده ۳۴ مکرر قانون اصلاحی ثبت نخواهد بود. در این صورت چنانچه متقاضی حراج تقاضای خود را مسترد نکند عملیات حراج نسبت به سهم الارث او انجام خواهد شد. اگر تا روز حراج کلیه وراث تقاضای فروش ملک را از طریق حراج بنماید ولو اینکه به موقع تقاضای حراج نکرده باشند و یا بعضاً نسبت به سهم الارث بدهی خود را پرداخت نموده باشند تمام ملک در جلسات تعیین شده به حراج گذاشته خواهد شد. ماده ۳۰ - اختلاف بین وراث بدهکار یا اختلاف بین تمام یا بعضی از ورثه با مدعی وصایت یا موصی له مانع ادامه عملیات اجرایی نخواهد بود هرگاه اختلاف طوری باشد که تشخیص اشخاص ذینفع در استفاده از حق استرداد و یا تعیین میزان سهم هر یک محتاج به رسیدگی قضایی باشد هر یک از ورثه و یا دارنده وصیتنامه ای که طبق قانون قابل ترتیب اثر است می‌تواند ظرف مدت مقرر تقاضای فروش ملک را از طریق حراج بنماید. هرگاه در فروش مال منقول و یا غیر منقول از طریق حراج مازادی پیدا شود پرداخت مازاد موکول به ارایه گواهی حصر وراثت و گواهی دارایی و رفع اختلاف خواهد بود در مورد فوق هر یک از مدعیان یا دارنده وصیتنامه ای که طبق قانون قابل ترتیب اثر است می‌تواند با استفاده از بند ۱ ماده ۳۴ قانون اصلاحی ثبت کلیه بدهی و حقوق اجرایی را پرداخت نمایند در این صورت پس از ابلاغ حکم نهایی مبنی بر رفع اختلاف طبق مقررات مواد ۲۸ و ۲۰ آیین نامه اصلاحی اجرا مورخ ۱۶۲۵۲ عمل خواهد شد. ماده ۳۱ - در جلسه حراج اموال غیر منقول برنده حراج می‌تواند حداقل مبلغ معادل مازاد مبلغ شروع حراج تا میزان مبلغ خرید را نقدا یا تضمین نامه بانکی و همچنین به موجب چک و یا سفته مورد قبول مدیون تادیه کند و باید حق حراج را نقدا بپردازد و بقیه را حداکثر تا ساعت ۱۲ روز دیگر که برطبق این آیین نامه برای حراج اموال غیر منقول پیش‌بینی و مقرر شده به صندوق مرکز حراج پرداخت نماید. در صورتی که در مدت مقرر بقیه وجه پرداخت نشود خریدار حقی به وجه پرداختی به شرح فوق نخواهد داشت و این موضوع باید تصریحاً در صورت مجلس قید شود در این مورد ملک مورد حراج در قبال اصل و حقوق دولتی و خسارات قانونی به بستانکار انتقال داده خواهد شد، حق حراج به درآمد مربوطه منظور و مازاد مذکور پس از امضا سند انتقال عیناً به مدیون تسلیم خواهد گردید، و هرگاه قبل از تنظیم سند انتقال مدیون کلیه بدهی و خسارات و حق اجرا را بپردازد وجوه پرداختی برنده حراج به استثناء حق حراج عیناً به نامبرده مسترد خواهد شد. ماده ۳۲ - هنگام حراج قیمت‌های پیشنهادی به وسیله بلندگو یا وسایل دیگر اعلام و در تابلو اعلانات به خط درشت منعکس می‌شود و به مجرد اینکه خریدار دیگری با نرخ بیشتر پیدا شد به همین ترتیب اقدام می‌شود و تا آخرین ساعت مقرر حراج ادامه خواهد یافت هر خریدار هنگام باید حداقل مبلغ مذکور در ماده ۳۱ این آیین نامه را به مرکز حراج تسلیم و قبض موقت ممضی به امضا رییس مرکز حراج دریافت دارد. با وصول پیشنهاد خرید به قیمت بیشتر خریدار اخیر نیز به شرح مذکور اقدام و وجه قبض موقت خریدار قبلی بلافاصله به نامبرده مسترد

خواهد شد. با انقضا وقت حراج صورت مجلس لازم تنظیم و در صورت فروش از طریق حراج وجه دریافتی به عنوان امانت به صندوق مرکز حراج تحویل و اموال منقول بلافاصله به خریدار یا در صورتی که خریدار نباشد به بستانکار تحویل و رسید اخذ خواهد شد. ماده ۳۳- هرگاه برنده حراج بعد از پرداخت وجه و صدور قبض و قبل از تنظیم صورت مجلس حراج از خرید انصراف حاصل نماید و در صورت موافقت مدیون وجه تودיעی مسترد و چنانچه وقت باقی باشد به حراج ادامه داده خواهد شد. در صورت عدم موافقت مدیون هرگاه تا آخر وقت دومین جلسه حراج خریداری پیدا نشود و یا مال به مبلغ کمتری به فروش برسد حسب مورد تمام و یا ما به التفاوت مبلغ مورد پیشنهاد خریدار متصرف با قیمت فروش برای جبران خسارت مدیون در صندوق مرکز حراج نگهداری و به طبق ماده ۳۱ این آیین نامه نسبت به آن اقدام خواهد شد. ماده ۳۴- در معاملات اموال غیر منقول هرگاه مدیون محجور بوده و ولی خاص نداشته باشد تقاضای قیم یا دادستان یا اداره سرپرستی به تنهایی برای ارسال کارت به مرکز حراج و اقدام به عملیات حراج کافی است به شرط آنکه تقاضا ظرف مدت مقرر به اجرا واصل شده باشد. استرداد تقاضای حراج از ناحیه قیم وقتی پذیرفته می شود که موافقت سرپرستی نیز جلب شده باشد. اگر در اولین جلسه حراج خریداری پیدا شود و قیم مصلحت محجور را در تجدید عملیات حراج بداند می تواند درخواست تجدید نماید و قبول این درخواست موکول به موافقت نماینده دادستان در مرکز حراج خواهد بود. چنانچه نماینده دادستان با توجه به ارزش مال مورد حراج و میزان مبلغ پیشنهاد شده و اوضاع و احوال تجدید عملیات حراج را به مصلحت محجور تشخیص دهد با تقاضای قیم موافقت خواهد کرد. ماده ۳۵- در مورد معاملات غیر منقول مذکور در ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت چنانچه مازاد ملک بازداشت و دستور بازداشت قبل از دو ماه آخر عملیات اجرایی واصل شود با فروش ملک از طریق حراج حقوق بازداشت کننده مازاد استیفا می گردد. استرداد تقاضای حراج از ناحیه مدیون مانع حراج و فروش ملک نخواهد بود. هرگاه دستور بازداشت مازاد در خلال دو ماه آخر واصل شود و مدیون نیز تقاضای حراج نکرده باشد اجرا مکلف است بلافاصله مراتب را به مرجع بازداشت کننده اطلاع دهد. در این مورد استیفا حقوق بازداشت کننده بر طبق مقررات ماده ۳۴ مکرر قانون اصلاحی ثبت خواهد بود. ماده ۳۶- فروش مال به نسیه جایز نیست مگر اینکه متعهدله فروش به نسیه را قبول و مدیون نیز مازاد را نقدا دریافت و یا نسبت به مازاد نسیه را قبول نماید در هر دو صورت خود مسیول وصول خواهد بود و حق حراج نقدا دریافت می شود. ماده ۳۷- در صورت ترازی طرفین و یا آنکه حمل اشیا به مرکز حراج باعث هزینه نامتناسب باشد در وقت مقرر قانونی اشیا در محلی که بازداشت شده به فروش می رسد. ماده ۳۸- حراج اموال فاسد شدنی و حیوانات و طیور که برای استیفاء طلب معرفی می شود به دستور رییس اجرا بلافاصله و بدون تشریفات در محل به وسیله مأمورین مرکز حراج و با حضور نماینده دادستان به عمل خواهد آمد. ماده ۳۹- صورت مجلس حراج باید به امضای مسیولین امر و نماینده دادستان و خریدار و همچنین مدیون و داین و یا نمایندگان آنها (در صورتی که حضور داشته باشند) برسد. ماده ۴۰- در مورد مال غیر منقول هرگاه مدیون موافقت برنده حراج را قبل از تنظیم سند انتقال جلب نماید پس از تنظیم توافق نامه در دفتر اسناد رسمی مبنی بر انصراف برنده حراج از تملک ملک به خود مراتب در ذیل صورت مجلس حراج قید و از تحویل و تنظیم سند انتقال خودداری و جریان به اجرا اعلام می گردد. ماده ۴۱- در مورد مال غیر منقول هرگاه برنده حراج تا قبل از تنظیم سند انتقال اظهار نماید که ثمن معامله متعلق به غیر بوده و شرکت در حراج به نمایندگی از طرف مشارالیه انجام گرفته سند انتقال با قید مراتب به نام خریدار واقعی حراج تنظیم و به امضای برنده حراج و شخص اصیل یا قائم مقام قانونی آنها خواهد رسید. ماده ۴۲- مرکز حراج مکلف است در صورت درخواست خریدار گواهی فروش مال منقول مورد حراج را با ذکر مشخصات کامل به نامبرده تسلیم دارد. ماده ۴۳- تحویل مال منقول به خریدار و در صورتی که خریدار پیدا نشود به بستانکار و عندالافتضا دستور تنظیم سند رسمی واگذاری و همچنین در مورد اموال منقول و غیر منقول وصول نیم عشر و سایر حقوق قانونی و صدور قبض و پرداخت وجوه حاصله از فروش به بستانکار و تحویل مازاد به مدیون و سپس دستور تنظیم سند انتقال ملک به خریدار مال مورد حراج و تحویل آن به

نمایندگی اجرا به عهده رییس مرکز حراج و در غیاب او معاون مرکز حراج است در موردی که مال غیر منقول از طریق حراج به فروش نرسد دستور تنظیم سند انتقال و سایر اقدامات با رییس اجرا خواهد بود. ماده ۴۴ - اشتباهاتی که در عملیات حراج رخ داده باشد مانع ادامه عملیات حراج و فروش مال نخواهد بود و این امر از متصدیان مربوط رفع مسئولیت نمی‌کند.

فصل چهارم - مقررات مختلفه (ماده ۴۵ تا ۵۴)

ماده ۴۵ - اجرای ثبت باید نسخه اضافی اجراییه مندرج در تبصره ماده ۱ آیین نامه ماده ۳۴ و ۳۴ مکرر اصلاحی قانون ثبت را همزمان با ارجاع اجراییه برای ابلاغ جهت اعلام جریان ثبتی ملک مورد اجراییه به واحد ثبتی مربوطه ارسال دارد و ثبت مزبور مکلف است حداکثر ظرف سه روز مشروح جریان ثبتی مورد پرسش را ضمن اعلام حدود و مشخصات آن به اجرا مربوطه اعلام دارد همچنین اجرا باید در همان موقع با مکاتبه به دارایی و شهرداری میزان بدهی‌های مالیاتی را اعم از مالیات مستغلات و بایر و سایر مالیات‌های ملک مورد اجراییه تا انقضا موعد مقرر عملیات اجرایی و میزان بدهی و عوارض شهرداری را اعم از بدهی عوارض بایر ملغی شده و عوارض سطح شهر و نوسازی و غیره تا تاریخ مذکور را پرسش و ترتیب کار را طوری بدهد که در موقع صدور آگهی الصاقی حراج میزان بدهی‌های فوق معلوم و با ذکر مبلغ حق حراج در آگهی نامبرده درج شود - در آگهی مزبور باید تصریح گردد که مالیات و سایر هزینه‌های انتقال به عهده خریدار است - عدم تعیین میزان بدهی فوق مانع صدور آگهی الصاقی و عمل حراج نخواهد شد و در این قبیل موارد در آگهی الصاقی و حین حراج باید تذکر داده شود که میزان بدهی‌های مذکور مشخص نیست و کلیه بدهی‌های مربوطه به عهده برنده حراج است و به علاوه در کلیه حراج‌هایی که مورد حراج دارای آب لوله کشی یا برق و یا تلفن و یا گاز می‌باشد در آگهی الصاقی و حین حراج باید تذکر داده شود که چنانچه بابت انشعابات و یا حق اشتراک و مکالمه و مصرف بدهی داشته باشد کلاً به عهده برنده حراج است و تنظیم سند انتقال موقوف به ارایه مفصلاً حساب دارایی و شهرداری است ماده ۴۶ - در مورد اموال منقول مذکور در ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت که برای حراج بازداشت می‌شود حق الحفاظه به تشخیص رییس مرکز حراج پرداخت و ضمن سایر حقوق احتساب و وصول خواهد شد. ماده ۴۷ - در مورد مطالبات وزارتخانه‌ها و موسسات یا شرکت‌های دولتی و یا بانک‌ها تشخیص اینکه از مبلغ پرداختی مدیون چه مقدار بابت اصل طلب می‌باشد با بستانکار است چنانچه مدیون نسبت به تشخیص بستانکار معترض باشد مرجع رفع اختلاف دادگاه صلاحیت دار خواهد بود. ماده ۴۸ - در مورد اموال منقول و غیر منقول مذکور در ماده ۳۴ قانون اصلاح ثبت اسناد و املاک هرگاه بستانکار برای ادای دین به بدهکار مهلت بدهد عملیات اجرایی متوقف و حسب مورد به شرح زیر اقدام خواهد شد ۱ - در مورد اموال غیر منقول الف - اگر قبل از انقضای مهلت تقاضای حراج با ذکر مدت معین مهلت داده شود باقی مهلت مدیون اعم از مهلت برای تقاضای حراج و یا پرداخت دین بعد از تاریخ انقضا مهلتی که داین داده است شروع خواهد شد. ب - هرگاه مهلت با ذکر مدت معین در خلال جریان حراج و قبل از تنظیم صورت مجلس حراج داده شده باشد از تاریخ انقضا مهلت مذکور عملیات حراج ظرف دو ماه مقرر در ماده ۳۴ انجام خواهد یافت ج - در صورتی که تا جلسه دوم حراج خریداری پیدا نشود و بعد از آن بستانکار برای پرداخت دین با ذکر مدت معین به مدیون مهلت بدهد و یا اصولاً ظرف مدت مقرر تقاضای حراج نشده باشد، مهلتی که بستانکار داده موجب تجدید حراج نشده و مهلت مذکور به باقی مانده مهلت حق استرداد اضافه خواهد شد. د - اگر مهلت بدون ذکر مدت داده شده باشد پس از وصول تقاضای تعقیب از ناحیه داین و ابلاغ مراتب به مدیون تاریخ ابلاغ به مدیون پایان مهلت محسوب و حسب مورد به شرح فوق عمل می‌گردد. ۲ - در مورد اموال منقول الف - در مورد اموال منقول چنانچه داین تا قبل از تنظیم صورت مجلس حراج دایر به فروش برای پرداخت داین به مدیون مهلت بدهد عملیات اجرایی متوقف و هرگاه مهلت با ذکر مدت باشد با انقضا مدت در غیر این

صورت با وصول تقاضای تعقیب و ابلاغ مراتب به مدیون باقی مانده مهلت اجرایی شروع خواهد شد. هرگاه باقی مانده مدت مذکور کمتر از سی روز باشد باقی مانده مدت سی روز محسوب و عملیات حراج ظرف مدت مذکور انجام خواهد گردید. ب - در مورد فوق رفع بازداشت بنا به تقاضای بستانکار بلامانع است در این صورت ارسال مجدد کارت به مرکز حراج موکول به بازداشت مجدد مال و تحویل آن به مرکز حراج است ج - در مورد فوق قبول مهلت مستلزم پرداخت حق الحفاظه و رفع بازداشت موکول به پرداخت حقوق اجرایی خواهد بود. ماده ۴۹ - در کلیه مواد مذکور در ماده ۴۸ چنانچه مازاد رقبه بازداشت باشد قبول هرگونه مهلت و یا رفع بازداشت مال منقول موکول به موافقت بازداشت کننده مازاد خواهد بود. در مواردی که مدیون متعدد بوده و فک و فسخ سند موکول به پرداخت تمامی دین شده باشد و همچنین در مورد وراثت مدیون در صورتی که به یکی از بدهکاران مهلت داده شود در حکم این است که به همه آنها مهلت داده شده است در هر مورد که ضمن عملیات حراج مهلت داده شود کارت مربوطه را به اجرا اعاده و شروع مجدد و یا ادامه عملیات حراج موکول به ارسال مجدد کارت به مرکز حراج خواهد بود. ماده ۵۰ - در مورد بستانکاری که حق درخواست بازداشت اموال بدهکار را دارد و بخواهد با استفاده از ماده ۳۴ مکرر قانون اصلاحی ثبت کلیه بدهی موضوع سند و حقوق اجرایی را (در صورت صدور اجراییه) پرداخت و یا تودیع نماید به طریق زیر عمل خواهد شد ۱ - بدو در صورت صدور اجراییه با پرسش از اجرا مربوطه میزان بدهی و خسارات و حقوق اجرایی را تعیین و سپس با تودیع آن در صندوق ثبت یا مرجعی که اداره ثبت تعیین می نماید قبض آن را به اجرا تحویل و تقاضای فسخ سند را خواهد نمود. ۲ - اجرا مکلف است در صورتی که تمامی دین و خسارات و حقوق اجرایی پرداخت شده باشد مراتب را برای فسخ سند به دفتر اسناد رسمی تنظیم کننده سند اعلام و به واحد ثبتی مربوطه نیز اطلاع بدهد که رقبه مورد معامله به سود تودیع کننده وجه بازداشت شده است و در صورتی که پرونده اجرایی تودیع کننده مذکور در همان اجرا در جریان باشد بلافاصله دستور بازداشت ملک را صادر نماید و اگر پرونده در آنجا نباشد باید گواهی لازم دایر به تودیع وجه و صدور دستور فسخ با ذکر مبلغ تودיעی و نام پرداخت کننده و شماره نامه‌ای که ضمن آن بازداشت به واحد ثبتی اعلام شده صادر و به متقاضی تسلیم دارد. ۳ - هرگاه نسبت به مورد معامله اجراییه صادر نشده باشد باید ذینفع با مراجعه به دفتر اسناد رسمی اطلاع از کل میزان بدهی تمامی آن را در صندوق ثبت یا مرجعی که اداره ثبت تعیین می نماید تودیع و رسید آن را به دفترخانه تسلیم دارد، دفتر اسناد رسمی مکلف است چنانچه تمامی دین تودیع شده باشد نسبت به فسخ سند اقدام و گواهی لازم دایر به تودیع وجه و فسخ معامله با ذکر نام پرداخت کننده و مبلغ تودיעی صادر و به متقاضی تسلیم دارد و ضمن ارسال اطلاعنامه فسخ باید به واحد ثبتی مربوطه اعلام دارد که با تودیع وجه از طرف شخص تودیع کننده مورد معامله به خودی خود در ازا مبلغ تودיעی و طلب دیگر تودیع کننده به سود مشارالیه بازداشت می باشد. ۴ - در موردی که پرونده اجرایی در دایره دیگری در جریان است و یا سند مربوطه منتهی به صدور اجراییه نشده ذینفع باید گواهی مربوطه را به دایره اجرایی که پرونده اش در آن دایره در جریان است تسلیم و درخواست بازداشت ملک را بنماید. ۵ - دایره اخیرالذکر مکلف است بلافاصله دستور بازداشت ملک را صادر نماید. ۶ - پس از اینکه ملک طبق مقررات بازداشت و مبلغ مورد بازداشت تعیین گردید اجرا متعاقباً مبلغ مربوطه را برای انعکاس در سوابق به واحد ثبتی مربوطه اعلام خواهد نمود. ۷ - به مجرد اینکه وجوه مذکور تودیع شود، بخودی خود ملک مورد معامله موقتاً در ازا وجه تودיעی و طلب دیگر تودیع کننده وجه به سود نامبرده در بازداشت قرار خواهد گرفت ۸ - در موردی که موعد سند منقضی نشده باشد پس از بازداشت عملیات بعدی متوقف خواهد شد و بعد از انقضا سند با صدور اخطار به مدیون اقدامات بعدی شروع می شود. ۹ - نحوه استیفا حقوق بستانکار پرداخت کننده وجه بر طبق مقررات تبصره ۷ ماده ۳۴ قانون اصلاحی ثبت خواهد بود و بهای ارزیابی نباید کمتر از مبلغ کلیه بدهی موضوع سند فسخ شده و خسارات و حقوق اجرایی مربوطه باشد. ۱۰ - هرگاه مورد معامله در جریان عملیات اجرایی باشد و منتهی به تنظیم صورت مجلس قطعی حراج و یا صدور سند انتقال اجرایی نشده باشد با تودیع وجه و فسخ سند عملیات اجرایی موقوف و پرونده اجرایی مختومه می گردد. ۱۱ - در

موردی که مازاد ملک از طرف غیر بازداشت شده باشد به شرح زیر عمل خواهد شد الف - اگر دستور بازداشت قبل از دو ماه مقرر برای حراج واصل شده (اعم از اینکه قبل از انقضا موعد سند باشد یا بعد از آن و یا در خلال دو ماه مزبور بوده و مدیون تقاضای حراج کرده باشد استیفا حقوق بستانکار پرداخت کننده دین موکول به پرداخت طلب بازداشت کننده مقدم خواهد بود. ب - در موردی که دستور بازداشت در خلال دو ماه آخر عملیات اجرایی واصل شده و مدیون نیز تقاضای حراج نکرده باشد بستانکاری که حق درخواست بازداشت اموال مدیون را دارد می‌تواند با پرداخت کلیه بدهی موضوع سند و حقوق دولتی تقاضای استیفا حق خود را بنماید در این صورت بستانکار پرداخت کننده دین در استیفا حق خود نسبت به سایر بازداشت کنندگان مقدم است ماده ۵۱ - هرگاه مدیون قبل از ابلاغ اجراییه فوت نماید به معرفی بستانکار اوراق اجرایی به کلیه وراثت مدیون ابلاغ می‌شود، در مورد اموال منقول عملیات اجرایی تا تحویل مال به بستانکار یا برنده حراج و بر حسب مورد تا تنظیم سند انتقال ادامه می‌یابد. در مورد اموال غیر منقول علاوه بر ابلاغ اجراییه به شرح فوق باید مراتب در روزنامه کثیرالانتشار محل و یا نزدیکتر به محل، یک نوبت آگهی شود. در این آگهی باید نام و نام خانوادگی مدیون و داین و خلاصه اجراییه و مشخصات اجمالی مورد معامله قید و تذکر داده شود که این آگهی برای ابلاغ اجراییه به وراثت قانونی مدیون منتشر گردیده است تاریخ انتشار آگهی در روزنامه یا تاریخ ابلاغ اجراییه به احد از وراثت هر کدام موخر باشد تاریخ ابلاغ اجراییه برای کلیه وراثت محسوب می‌شود. ماده ۵۲ - هرگاه بعد از ابلاغ اجراییه به مدیون وقوع فوت بدهکار مستند به مدرک رسمی اعلام شود، اجرا ضمن ادامه عملیات اجرایی اطلاعیه ای حاوی از صدور اجراییه و اینکه عملیات اجرایی در چه مرحله‌ای است با قید تاریخ آخرین روز استفاده از مهلت حق استرداد تنظیم و به محل اقامت مدیون متوفی الصاق و یک نسخه از اطلاعیه مزبور را برای هر یک از وراثتی که محل اقامتشان معلوم باشد از طریق پست سفارشی دو قبضه ارسال می‌دارد. چنانچه ابلاغ اجراییه به مدیون متوفی از طریق انتشار آگهی در روزنامه به عمل آمده باشد اطلاعیه موصوف نیز باید یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار محل یا نزدیکتر به محل آگهی شود. در مورد فوق و همچنین در مورد مذکور در ماده ۵۱ تنظیم صورت مجلس حراج و یا تنظیم سند انتقال و همچنین ثبت ملک در دفتر املاک به نام خریدار یا بستانکار محتاج به ارایه گواهی حصر وراثت نخواهد بود. در مورد فوق هرگاه مال در حراج به فروش برسد پرداخت مازاد به وراثت موکول به ارایه گواهی حصر وراثت و گواهی دارایی است ماده ۵۳ - هرگاه اعراض از رهن در حین عملیات اجرایی باشد اجرا مکلف است مراتب را به دفتر تنظیم کننده سند اعلام نماید، در این مورد و همچنین در موردی که اعراض در دفتر اسناد رسمی به عمل می‌آید دفتر اسناد رسمی اطلاعنامه فسخ مربوطه را به اداره ثبت ارسال خواهد داشت اگر موعد سند منقضی نشده باشد به مجرد اعراض مال مورد رهن آزاد و حق عینی بستانکار به حق ذمی تبدیل می‌گردد و مطالبه وجه و صدور اجراییه برای وصول آن موکول به انقضا مدت مذکور در سند معامله خواهد بود. در مورد وراثت داین و همچنین وقتی که رهن متعدد بوده و فک رهن و فسخ سند موکول به ادا تمامی دین شده باشد اعراض از رهن باید نسبت به تمامی مرهونه باشد و اعراض از رهن نسبت به سهم یک یا چند نفر از بدهکاران وقتی پذیرفته می‌شود که حق مطالبه دین بدهکارانی که از رهینه آنها اعراض گردیده از سایر بدهکاران اسقاط شده باشد، هرگاه مازاد مرهونه به نفع غیر بازداشت شده باشد در صورت اعراض از رهن بازداشت مازاد به بازداشت اصل تبدیل می‌گردد. ماده ۵۴ - آن قسمت از مقررات آیین نامه اجرا مفاد اسناد رسمی مصوب ۲۸ ۹ ۱۳۲۲ که در این آیین نامه درباره آن مقررات خاص تعیین نشده است کماکان به اعتبار خود باقی است

آیین نامه طرز اجراییه معاملات شرطی و رهنی و با حق استرداد - مصوب ۱۶ ۲ ۱۳۵۲ با اصلاحات بعدی

موضوع مواد ۳۴ و ۳۴ مکرر قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۶ ۲ ۱۳۵۲ با اصلاحات بعدی (روزنامه رسمی شماره ۸۲۴۷ - ۲۷ ۲ ۱۳۵۲) ماده ۱ - سر دفتر اسناد رسمی باید با رعایت ماده ۳ آیین نامه اجرا اسناد رسمی مصوب ۲۸۹۲۲ و تبصره آن

اوراق اجرایی را (در صورتی که در صدور آن اشکالی نباشد) ظرف مدت ۴۸ ساعت از تاریخ وصول تقاضا تنظیم و امضا نموده و به مهر ویژه (اجرا شود) رسانیده و برای اجرا به ثبت صلاحیت‌دار بفرستند. اداره ثبت اجراییه را جهت ابلاغ و اقدام به اجرای ثبت ارجاع خواهد نمود. سردفتر در صورت وجود اشکال در صدور اجراییه موضوع را از ثبت محل استعلام و کسب تکلیف خواهد کرد. تبصره - نسبت به معاملات املاک یک نسخه اجراییه از دفترخانه اضافه صادر می‌شود که در اجرا این ماده به وسیله اجرا به ثبت محل ارسال می‌گردد. ماده ۲ - بستانکار مذکور در ماده ۳۴ اصلاحی در درخواست صدور اجراییه از دفترخانه باید نکات ذیل را در تقاضانامه تصریح نماید. ۱ - میزان اصل طلب ۲ - میزان اجور عقب افتاده (اگر قبوض اقساطی دارد باید پیوست نماید) ۳ - میزان خسارت تاخیر تادیه تا روز درخواست اجراییه ماده ۳ - نسبت به اجراییه ای که برای اجرت السمی عقب افتاده صادر می‌شود مثل سایر دیون عمل خواهد شد و متعهدله می‌تواند درخواست بازداشت سایر اموال متعهد را بنماید. ماده ۴ - در صورتی که مورد معامله در حراج به فروش برسد حق حراج طبق آیین نامه اصلاحی حراج وصول خواهد شد. ماده ۵ - مامور اجرا مکلف است ظرف ۴۸ ساعت از زمان دریافت اوراق اجراییه یک نسخه از آن را به شخص متعهد تسلیم و در نسخه دیگر با ذکر تاریخ ابلاغ با تمام حروف رسید بگیرد اگر متعهد از رویت یا امضا اجراییه امتناع کند مامور مراتب را شخصا و کتبا گواهی خواهد کرد. اگر متعهد در اقامتگاه حضور نداشته باشد به یکی از کسان یا خادمین او که در آن محل ساکن و سن ظاهری برای تمیز اهمیت برگ اجراییه کافی باشد ابلاغ می‌کند مشروط براینکه بین متعهد و شخصی که برگ را دریافت می‌دارد تعارض منفعت نباشد. اگر اشخاص نامبرده بی‌سواد باشند، اثر انگشت آنها باید در ذیل برگ اجرایی و سایر اوراق منعکس شود و هر گاه به جتهی از جهات نتوانند رسید بدهند مامور این نکته را با مسوولیت خود قید خواهد نمود و هر گاه این اشخاص در محل نباشند یا رسید ندهند مامور باید اجراییه را به اقامتگاه متعهد الصاق کند و مراتب را در نسخه دیگر بنویسد. الف - در مورد شرکت‌ها اوراق اجرایی به مدیر شرکت یا دارنده حق امضا به ترتیب مذکور فوق ابلاغ می‌شود و در صورت انحلال شرکت به مدیر یا مدیران تصفیه ابلاغ می‌شود. در صورت امتناع از رویت یا امضا مامور مراتب را شخصا و کتبا گواهی خواهد کرد. در صورت عدم حضور یا امتناع اشخاص مزبور به ترتیب مقرر در صدر ماده یک نسخه از اوراق اجرایی به محل شرکت الصاق خواهد شد. ب - در مورد وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و سازمان‌های وابسته به دولت و موسسات عمومی و شهرداری‌ها اوراق اجرایی به مسیول دفتر ابلاغ و در صورت امتناع اوراق اجرایی به ترتیب مذکور در فوق الصاق خواهد شد. ج - هر گاه محل اقامت متعهد در سند اداره دولتی یا سازمان‌های وابسته به آن و یا شهرداری تعیین شده باشد اجراییه مربوطه نزد رییس کارگزینی یا رییس مستقیم کارمند فرستاده می‌شود و اشخاص مذکور طبق مقررات مسیول اجرای امر ابلاغ خواهند بود و باید حداکثر ظرف ۱۰ روز اوراق اجراییه ابلاغ شده را اعاده دهند. د - در ابلاغ اجراییه و سایر اوراق مربوط در کشورهای بیگانه باید برگ‌ها به وسیله دبیرخانه ثبت کل به وزارت امور خارجه ارسال شود تا طبق ماده ۹۵ اصلاحی آیین دادرسی مدنی ابلاغ و اعاده گردد. (۱) ه - در مورد متعهدینی که مقیم حوزه دیگر باشند برگ‌های اجرایی باید در ظرف ۲۴ ساعت به ثبت محلی که متعهد مقیم آنجا است و در صورت نبودن ثبت در محل به اداره دادگستری یا شهربانی یا بخشداری یا ژاندارمری یا دهبان ارسال شود که طبق مقررات ابلاغ نمایند. ماده ۶ - متعهد که اقامتگاه خود را تغییر می‌دهد باید دلیل اقامت خود را در محلی که به عنوان اقامتگاه جدید خود معرفی می‌کند حسب مورد به دفترخانه یا اجرا ثبت تسلیم و رسید بگیرد. به اظهاراتی که متکی به دلیل کتبی از قبیل سند رسمی اجاره و مانند آن یا گواهی شهربانی یا ژاندارمری یا کدخدای محل در داخل کشور و کنسولگری و یا مامورین سیاسی ایران در خارج کشور نباشند ترتیب اثر داده نخواهد شد. ماده ۷ - در آگهی ابلاغ اجراییه باید نام و نام خانوادگی و میزان بدهی و مشخصات مورد وثیقه طبق مندرجات سند قید و تصریح شود که از تاریخ انتشار آگهی مدت‌های مذکور در ماده ۳۴ اصلاحی احتساب خواهد شد. ماده ۸ - هر گاه مورد معامله رهنی یا شرطی مال منقول باشد بستانکار می‌تواند حین ابلاغ اجراییه یا پس از آن درخواست بازداشت مورد معامله را بنماید. ماده ۹ - بعد از ابلاغ اجراییه و

اعاده آن ممیز اجرا مکلف است با رسیدگی لازم اگر نقصی در ابلاغ وجود نداشته باشد صحت آن را روی نسخه ابلاغ شده اجراییه گواهی و به تایید رییس یا معاون اجرا رسانیده و سپس حسب مورد برای آنها وقت اقدام بعدی را که دو ماه قبل از مدت مذکور در ماده ۳۴ اصلاحی و تبصره ۲ آن است تعیین و در دفتر اوقات ثبت و پرونده را به بایگانی ارسال دارد. تبصره - در احتساب مواعد روز ابلاغ و روز آخر محسوب نخواهد شد و اگر روز آخر تعطیل باشد تعطیل مذکور به حساب نمی‌آید. ماده ۱۰ - ممیز اجرا مکلف است همه روزه با مراجعه به دفتر اوقات مذکور در ماده قبل پرونده هایی را که موعد آن فرا می‌رسد یک روز پیش از بایگانی مطالبه و روز بعد از انقضا موعد مقرر با رسیدگی لازم در مورد مال منقول هر گاه مال در اختیار باشد کارت مربوطه را برای انجام عملیات حراج به مرکز حراج ارسال دارد. در مورد مال غیر منقول چنانچه تقاضای حراج نسبت به آن واصل شده باشد همان روز باید کارت مربوطه را به مرکز حراج بفرستد. اگر با گواهی متصدی دفتر اندیکاتور تقاضای حراج واصل نشده باشد با توجه به انقضا وقتی که تعیین شده وقت دو ماهه دیگری تعیین و در دفتر اوقات ثبت و روی برگ ابلاغ شده اجراییه عدم وصول تقاضای حراج را گواهی و پرونده را به بایگانی ارسال دارد. ممیز اجرا موظف است طبق دفتر اوقات در وقت مقرر به پرونده های اخیرالذکر رسیدگی و نسبت به تهیه مقدمات تنظیم سند انتقال اقدام نماید. ماده ۱۱ - تقاضای حراج باید کتبی بوده و به دفتر اجرا تسلیم و رسید اخذ شود. متصدی دفتر اندیکاتور مکلف است آن را در همان روز وصول و در دفتر اندیکاتور ثبت و مفاد تقاضا را به طور صریح ذکر کند. و رسیدی که به متقاضی حراج داده می‌شود باید شماره و تاریخ ثبت دفتر اندیکاتور و شماره پرونده اجرایی در آن قید شود. در مواردی که تقاضای حراج به وسیله پست و یا تلگراف می‌رسد باید متصدی دفتر بلافاصله آن را در دفتر اندیکاتور ثبت نماید. ماده ۱۲ - عدم رعایت مقررات مذکور در سه ماده قبل تخلف اداری محسوب و مستوجب مجازات از درجه ۲ به بالا خواهد بود. ماده ۱۳ - تاریخ وصول تقاضای حراج تاریخ ثبت تقاضای مربوطه در دفتر اندیکاتور خواهد بود. ماده ۱۴ - در هر مورد که تقاضای حراج خارج از موعد مقرر واصل شده باشد رییس اجرا باید در همان روز به آن رسیدگی و پس از احراز اینکه خارج از وقت است نسبت به رد آن اقدام و مراتب را به اطلاع متقاضی برساند. نظر رییس اجرا در این مورد قطعی و غیر قابل شکایت است ماده ۱۵ - مرتهن می‌تواند مادام که دین بر ذمه راهن باقی است از رهینه اعراض کند. هر گاه اعراض قبل از صدور اجراییه باشد باید مرتهن در دفتر اسناد رسمی مربوطه حاضر شود و با ذکر توضیح در ملاحظات ثبت سند مراتب قید و به امضا او برسد در این صورت با توضیح موضوع اعراض اجراییه صادر خواهد شد. اگر پس از صدور اجراییه رهنی اعراض به عمل آید باید مراتب کتبا به اجرا اعلام و رییس اجرا پس از احراز انتصاب تقاضانامه مذکور موضوع را به متعهد ابلاغ کرده و برابر مقررات اسناد ذمه‌ای عمل بنماید. ماده ۱۶ - متعهد برای پرداخت دین خود و شخص ثالث به جای متعهد و نیز متعهدله برای وصول طلب خود می‌تواند مال معرفی نمایند. ماده ۱۷ - در هر مورد که مالی معرفی می‌شود هر گاه معرفی کننده مال به ارزیابی معترض باشد فقط می‌تواند ضمن امضا صورت مجلس اعتراض خود را اظهار کند. هر گاه طرف دیگر هم حاضر و به ارزیابی معترض باشد مکلف است به همین نحو عمل نماید در صورت عدم حضور مراتب ارزیابی حد اکثر ظرف سه روز از طرف اجرای ثبت به او ابلاغ می‌شود. ماده ۱۸ - در هر موردی که از طرف متعهد یا ثالث مالی در قبال دین معرفی و بازداشت شود متعهدله می‌تواند تا قبل از قطعیت ارزیابی مال دیگر برای استیفای طلب خود معرفی نماید. در این صورت مال معرفی شده بازداشت و ارزیابی می‌شود و معادل آن از اموال بازداشت شده سابق رفع بازداشت به عمل می‌آید. هزینه بازداشت و ارزیابی مجدد به عهده متعهدله است ماده ۱۹ - معترض که ضمن امضا صورت مجلس به ارزیابی اعتراض نموده باید حداکثر ظرف ۳ روز به اجرا مراجعه و با اطلاع از میزان دستمزد ارزیاب تجدیدنظر آن را ایداع و قبض مربوطه را تسلیم اجرا کرده و رسید اخذ نماید در موردی که طبق ماده ۱۷ نتیجه ارزیابی ابلاغ می‌شود باید در آن میزان دستمزد ارزیاب تجدیدنظر درج و اعلام شود هر گاه مخاطب به ارزیابی معترض باشد ظرف ۵ روز از تاریخ ابلاغ باید کتبا اعتراض خود را بپیوست نمودن مدرک سپردن دستمزد ارزیاب تجدیدنظر به اجرا تسلیم دارد. در

صورتی که به ترتیب مقرر فوق اعتراض نرسد ارزیابی قطعی خواهد شد. ماده ۲۰- در هر مورد که به نظریه ارزیاب بدوی اعتراض شود رییس اجرا حداکثر ظرف یک هفته یک نفر ارزیاب دیگر معین خواهد کرد و نظر این ارزیاب در هر حال قطعی است تبصره - در صورتی که مال بازداشت شده به نظر دایره اجرای ثبت بیش از پنجاه هزار ریال ارزش نداشته باشد واصل دین موضوع سند لازم الاجرا نیز بیش از پنجاه هزار ریال نباشد مقررات مواد ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ این آیین نامه و نیز مقررات مواد ۳۵ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی مصوب ۱۳۲۲ از حیث تعیین ارزیاب و یا کارشناس لازم الرعایه نیست و نظر دایره اجرا در تقویم مال بازداشت شده قطعی است ماده ۲۱- هر گاه مال مورد بازداشت غیر قابل تجزیه بوده و بیش از میزان طلب بستانکار و خسارات به اضافه یک عشر ارزش داشته باشد تمام آن بازداشت خواهد شد. در این صورت هر گاه تا انقضا ۲ ماه از تاریخ قطعیت ارزیابی بدهکار بدهی خود را نپردازد، با پرداخت مازاد از طرف بستانکار مال مزبور به نامبرده تحویل و منتقل خواهد شد. اگر بستانکار ظرف ۵ روز از تاریخ انقضا مدت مازاد را نپردازد مورد بازداشت منها ظرف دو ماه از طریق حراج به فروش خواهد رسید و از حاصل فروش بدهی و خسارات قانونی و نیم عشر و حق حراج پرداخت و اگر مازادی باشد به صاحب مال تادیه می شود. ماده ۲۲- در مورد واگذاری اموال مذکور در تبصره ۷ ماده ۳۴ اصلاحی با انقضا دو ماه مقرر مال منقول بلافاصله تحویل بستانکار خواهد شد و مال غیر منقول حداکثر ظرف یک هفته رأسا از طرف اداره ثبت با دریافت نیم عشر و هزینه های اجرایی به بستانکار انتقال و تحویل داده خواهد شد. در مورد مال منقول مادام که مال مورد بازداشت تحویل بستانکار نشده و نسبت به اموال غیر منقول تا وقتی که سند انتقال داده نشده است هر گاه بدهکار کلیه بدهی و خسارات و حق الاجرا را نپردازد از تحویل مال و یا صدور سند انتقال خودداری خواهد شد. ماده ۲۳- در مورد اموال منقولی که عرفا با سند رسمی مورد انتقال قرار می گیرد از قبیل اتومبیل و تراکتور و امثال آن واگذاری با سند رسمی به عمل می آید. ماده ۲۴- پس از ختم عملیات اجرایی شکایت نسبت به آن در اداره ثبت مسموع نبوده و وصول شکایت مانع ادامه کار نخواهد بود. ماده ۲۵- اجرای مفاد ماده ۳۴ مکرر اصلاحی از جهت ایداع وجه نزد سردفتر اسناد رسمی منحصر در مواقعی است که بدهکار در مقام انجام معامله دیگری نسبت به مورد وثیقه بوده و بخواهد با پرداخت کلیه بدهی و خسارات قانونی و نیم عشر با فسخ معامله مورد وثیقه را با دیگری معامله نماید. سردفتر به شرح قسمت آخر ماده مذکور موظف است در موعد مقرر وجه ایداعی را به صندوق ثبت تحویل نماید. ماده ۲۶- در مورد قسمت اخیر تبصره ۱ ماده ۳۴ مکرر اصلاحی هر گاه احد از ورثه قبل از صدور اجرائیه دین مورث را پرداخت نماید پرداخت کننده به عنوان قایم مقام طلبکار می تواند با توجه به قسمت اخیر تبصره مذکور و رعایت مقررات مربوط علیه سایر وراث نسبت به سهم الارث آنها مبادرت به صدور اجرائیه نماید. ماده ۲۷- هر گاه هیچ یک از ورثه از مفاد تبصره ۱ ماده ۳۴ مکرر اصلاحی برای ایداع وجه استفاده ننمایند هر یک از ورثه تا دو ماه قبل از انقضا مواعد مذکور در تبصره ۲ ماده ۳۴ اصلاحی حق دارند تقاضای حراج مورد معامله را بنمایند در این صورت برای حراج آن اقدام و اگر تا قبل از حراج بعضی ورثه تمامی بدهی و خسارات را ایداع نمایند از حراج خودداری خواهد شد. ماده ۲۸- هر گاه پرداخت وجه قبل از صدور اجرائیه باشد پس از انقضا مواعد مقرر نسبت به اموال منقول و غیر منقول و ابلاغ مراتب به سایر وراث و انقضا هشت ماه در مورد اموال غیر منقول و شش ماه نسبت به اموال منقول و عدم پرداخت بدهی هر یک از ورثه مورد وثیقه به وارثی که وجه را پرداخته است برابر مقررات تملیک و سند انتقال با ارایه گواهی حصر وارثت به نام او صادر خواهد شد. ماده ۲۹- هر گاه پرداخت وجه از طرف یکی از وراث در خلال عملیات اجرایی باشد باید بلافاصله مراتب به وسیله اخطاریه به سایر وراث اعلام و تذکر داده شود که از تاریخ ابلاغ اخطاریه تا سه ماه (اعم از اینکه مورد معامله منقول باشد یا غیر منقول هر یک حق دارند که نسبت به سهم الارث خود بدهی و خسارات و حقوق اجرایی را ایداع و سهم خود را آزاد نمایند و اگر مایل باشند می توانند حد اکثر تا دو ماه قبل از انقضا مدت مذکور تقاضای حراج سهم الارث خود را بنمایند هر گاه ابلاغ واقعی به وراث میسر نباشد ابلاغ به وسیله آگهی صورت خواهد گرفت هر گاه در تاریخ صدور اخطار مذکور در مواعد مقرر در ماده ۳۴ اصلاحی و

تبصره ۲ آن بیش از ۳ ماه باقی باشد وقت بیشتر برای وراثت قابل استفاده است ماده ۳۰ - در صورتی که مازاد مال مورد وثیقه از طریق اجرا ثبت یا مراجع صالح قضایی بازداشت شود به مجرد وصول دستور بازداشت باید مراتب در دفتر بازداشتی ثبت شود و در واحدهایی که برای انجام معامله املاک ثبت شده موضوع عدم بازداشت استعمال نمی‌شود به دفاتر اسناد رسمی تابعه ابلاغ گردد. بازداشت به مجرد ابلاغ به مدیون یا ثبت مفاد آن در دفتر بازداشتی تحقق خواهد یافت و هر گاه معامله‌ای که مازاد آن بازداشت شده فسخ شود خود به خود بازداشت مازاد به اصل تبدیل خواهد شد در هر حال مفاد بازداشت باید بلافاصله به دفتر تنظیم کننده سند ابلاغ و دفتر مزبور مکلف است مفاد آن را در ملاحظات ثبت معامله قید کرده و اگر سند معامله به صدور اجراییه منتهی شده باشد مراتب را به اجرا مربوطه اعلام دارد. استیفای حقوق بازداشت کننده مازاد به شرح تبصره ۷ ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت و مقررات مربوط به آن است - هر گاه بازداشت کننده مازاد کلیه بدهی موضوع سند را برابر ماده ۳۴ مکرر بپردازد استیفا مطالبات او طبق مقررات مواد ۳۴ و ۳۴ مکرر اصلاحی است ماده ۳۱ - آن قسمت از مقررات آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی مصوب ۲۸۹۲۲ که در این آیین نامه درباره آن مقررات خاصی تعیین نشده است کماکان به اعتبار خود باقی است ماده ۳۲ - در معاملات رهنی و یا با حق استرداد و وثایق حسن انجام خدمات هر گاه مورد معامله منقول و غیر منقول باشد طرفین قرارداد می‌توانند ضمن سند توافق نمایند که عملیات اجرایی بدون تفکیک بر اساس مقررات اموال غیر منقول انجام گیرد. سکوت طرفین در قرارداد به منزله توافق آنان در انجام عملیات اجرایی بر اساس مقررات مربوط به اموال غیر منقول است ماده ۳۳ - در معاملات رهنی و یا با حق استرداد و وثایق حسن انجام خدمات معامله کننده می‌تواند با قید حق بستانکار مقدم و ذکر تاریخ انقضای سند مقدم مورد معامله را برای وام های دیگر، وثیقه یا تامین دهد. در صورت فک معامله مقدم تمام مال مورد معامله در وثیقه بستانکاران بعدی به ترتیب تقدم قرار می‌گیرد. معاملات بعدی باید در همان دفترخانه تنظیم کننده سند مقدم واقع شود. سردفتر مکلف است وقوع معامله موخر را با ذکر مشخصات کامل بستانکار معامله مازاد در ملاحظات ثبت سند مقدم نیز قید کند. دارنده حق استرداد اعم از بدهکار اصلی یا منتقل‌الیه می‌تواند با قید حق بستانکار یا بستانکاران و ذکر تاریخ انقضا مدت اسناد حق استرداد خود را واگذار کند در این صورت اجراییه و عملیات اجرایی بایستی به طرفیت آخرین منتقل‌الیه صادر و تعقیب گردد مگر اینکه مرتهن از رهن رجوع نماید یا از مندرجات سند رهنی یا سند رسمی دیگر دفتر اسناد رسمی احراز نماید مقرر بین طرفین این بوده مرتهن برای وصول طلب خود اجراییه علیه رهن صادر کند نه منتقل‌الیه مثل اینکه در سند رهنی شرط شود که رهن حق صلح حقوق و یا واگذاری حق استرداد را ندارد که در این قبیل موارد واگذاری حق استرداد به غیر نسبت به مرتهن موثر نبوده و اجراییه و عملیات اجرایی علیه بدهکار اصلی و در صورت فوت علیه قایم مقام او صادر و تعقیب خواهد شد. تبصره ۱ - تنظیم هر نوع سند بین بدهکار و یک یا چند نفر از بستانکاران که موجب شود مدت سند تمدید گردد و یا مبلغ موضوع سند افزایش یابد بدون موافقت بقیه بستانکاران بعدی ممنوع است تبصره ۲ - برای استیفای حقوق بستانکار معامله موخر طی دو ماه آخر عملیات اجرایی سند مقدم ملک در معرض حراج گذاشته می‌شود عملیات حراج به همان نحوی است که در مورد بازداشت مازاد مقرر است عدم وصول تقاضای حراج از ناحیه مدیون و یا استرداد تقاضا مانع عملیات حراج نخواهد بود. تبصره ۳ - بستانکار معامله موخر پس از انقضای مدت سند مقدم می‌تواند با استفاده از ماده ۳۴ مکرر قانون اصلاحی ثبت قبل از فروش مال از طریق حراج و یا تنظیم سند انتقال ملک به بستانکار مقدم کلیه بدهی موضوع سند مقدم را پرداخت و یا ایداع نماید. نحوه پرداخت و یا سپردن وجه و صدور گواهی وانعکاس مراتب در پرونده ثبتی ملک به شرح مذکور در ماده (۵۰) آیین نامه مرکز حراج می‌باشد و دفتر تنظیم کننده سند به دستور اجرا وثیقه بودن تمام مال را در ازای طلب بستانکار بابت معامله موخر و وجوه پرداختی بابت طلب بستانکار مقدم در دفتر قید می‌کند. در این مورد عملیات اجرایی نسبت به هر دو سند توأماً انجام و میزان مبلغ شروع حراج عبارت از مجموع طلب بستانکار پرداخت کننده دین به ضمیمه اصل و متفرعات سند مقدم و خسارات و حقوق اجرایی خواهد بود. در صورتی که مدت سند بستانکار موخر حال نشده

باشد پس از حال شدن موعد عملیات اجرایی به ترتیب مذکور انجام خواهد گرفت ماده ۳۴ - بدهکار می تواند به موجب سند جدید در مقابل مورد معامله از بستانکار وام جدیدی دریافت کند. در مواردی که سند مقدم در زمان حکومت قانون سابق و سند بعدی در زمان اجرای قانون اصلاح ثبت تنظیم شده باشد نحوه اجرای مفاد اسناد به قرار زیر خواهد بود ۱ - هر گاه سند موخر متمم یا مکمل سند مقدم و جز لاینفک آن باشد و یا سند موخر راجع به مازاد و یا صلح حق استرداد تنظیم شود قرارداد اخیر تابع قرارداد مقدم و مشمول تبصره ۴ ماده ۳۴ مکرر قانون اصلاح قانون ثبت خواهد بود. ۲ - هر گاه به موجب سند اخیر قرارداد مقدم تابع شرایط مندرج در معامله موخر شده باشد و تخلف از شرایط مقرر در سند اخیر موجب صدور اجراییه برای هر دو سند گردد عملیات اجرایی بر طبق مقررات قانون اصلاح قانون ثبت خواهد بود. پاورقی ۱ - ماده ۷۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (مصوب ۱۲۱ ۷۹) که جایگزین ماده ۹۵ اصلاحی آیین دادرسی مدنی سابق التصویب گردیده مقرر می دارد ابلاغ دادخواست در خارج از کشور به وسیله مامورانی کنسولی یا سیاسی ایران به عمل می آید. ماموران یاد شده دادخواست و ضمایم آن را وسیله مامورین سفارت یا هر وسیله ای که امکان داشته باشد برای خواننده می فرستند و مراتب را از طریق وزارت امور خارجه به اطلاع دادگاه می رسانند. در صورتی که در کشور محل اقامت خواننده، ماموران کنسولی یا سیاسی نباشند، این اقدام را وزارت امور خارجه به طریقی که مقتضی بداند، انجام می دهد.

قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی - مصوب ۱۰ آبانماه ۱۳۷۷

(شماره ۱۵۶۶۶ - ۱۶ ۹ ۱۳۷۷ روزنامه رسمی ماده ۱ - هر کس به موجب حکم دادگاه در امر جزایی به پرداخت جزای نقدی محکوم گردد و آن را نپردازد و یا مالی غیر از مستثنیات دین از او به دست نیاید به دستور قاضی صادرکننده حکم به ازای هر یکصد هزار ریال یا کسر آن یک روز بازداشت می گردد در صورتی که محکومیت مذکور توأم با مجازات حبس باشد، بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام مجازات حبس شروع می شود و از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نخواهد شد و در هر حال حداکثر مدت بدل از جزای نقدی نباید از پنج سال تجاوز نماید. تبصره - مبلغ مذکور در این ماده به تناسب تورم هر سه سال یک بار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رییس قوه قضاییه تعدیل و در خصوص احکامی که در آن سال صادر می گردد لازم الاجرا خواهد بود. ماده ۲ - هر کس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود، چه به صورت استرداد عین یا قیمت یا مثل آن و یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه و آن را تادیه ننماید دادگاه او را الزام به تادیه نموده و چنانچه مالی از او در دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت، از مال ضبط شده استیفا می نماید و در غیر این صورت بنا به تقاضای محکوم له، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تادیه حبس خواهد کرد. تبصره - چنانچه موضوع این ماده صرفاً دین بوده و در ذمه مدیون باشد دادگاه در حکم خود مستثنیات دین را منظور خواهد داشت و در مورد استرداد عین در صورتی مقررات فوق اعمال می شود که عین موجود نباشد به جز در بدل حیلوله که برابر مقررات مربوطه عمل خواهد شد. ماده ۳ - هر گاه محکوم علیه مدعی اعسار شود (ضمن اجرای حبس به ادعای وی خارج از نوبت رسیدگی و در صورت اثبات اعسار از حبس آزاد خواهد شد و چنانچه متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود دادگاه متناسب با وضعیت مالی وی حکم بر تقسیط محکوم به را صادر خواهد کرد. تبصره - در صورتی که محکوم علیه موضوع این ماده بیمار باشد به نحوی که حبس موجب شدت بیماری و یا تاخیر درمان وی شود، اجرای حبس تارفع بیماری به تاخیر خواهد افتاد. ماده ۴ - هر کس به قصد فرار از ادای دین و تعهدات مالی موضوع اسناد لازم الاجرا و کلیه محکومیت های مالی مال خود را به دیگری انتقال دهد به نحوی که باقی مانده اموالش برای پرداخت بدهی او کافی نباشد عمل او جرم تلقی و مرتکب به چهارماه تا دو سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد و در صورتی که انتقال گیرنده نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد شریک جرم محسوب می گردد و در این صورت اگر مال در ملکیت انتقال

گیرنده باشد عین آن و در غیر این صورت قیمت یا مثل آن از اموال انتقال گیرنده بابت تادیه دین استیفا خواهد شد. ماده ۵ - مفاد این قانون در خصوص محکومین سازمان تعزیرات حکومتی نیز مجری خواهد بود. ماده ۶ - آیین نامه اجرایی این قانون ظرف مدت سه ماه توسط وزارت دادگستری تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. ماده ۷ - این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجرا بوده و حکم مندرج در ماده (۱) شامل کلیه آرای صادره قبل از لازم الاجرا شدن این قانون نیز می گردد و کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن از جمله قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی مصوب ۱۳۵۱ و قانون منع توقیف اشخاص در قبال تخلف از انجام تعهدات و الزامات مالی مصوب ۱۳۵۲ لغو می گردد.

آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی - مصوب ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۸

ماده ۱ - (اصلاحی ۲۶.۶.۱۳۸۱) چنانچه محکوم علیه پس از لازم الاجرا شدن حکم، جزای نقدی را نپردازد و اظهار نماید مالی برای پرداخت آن ندارد و برای مرجع مجری حکم هم خلاف این اظهار مسلم نباشد، طبق دستور مرجع صادره کننده حکم در ازای هر یکصد هزار ریال یک روز بازداشت می شود. تبصره ۱ - (اصلاحی ۲۶.۶.۱۳۸۱) اگر میزان محکومیت به جزای نقدی یا باقی مانده آن کمتر از یکصد هزار ریال باشد نیز یک روز بازداشت می شود. تبصره ۲ - منظور از مرجع صادر کننده حکم در این آیین نامه، در هر حال مرجع بدوی است که حکم زیر نظر او اجرا می شود. ماده ۲ - هرگاه محکوم علیه برای پرداخت جزای نقدی مهلت بخواهد، مرجع اجرا کننده حکم می تواند مهلت مناسبی که بیش از یک ماه نباشد به او بدهد. مرجع صادر کننده حکم می تواند به درخواست محکوم علیه و پیشنهاد مرجع مجری حکم با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت محکوم علیه و میزان جزای نقدی و سایر اوضاع و احوال موثر، این مهلت را حداکثر تا دو ماه دیگر تمدید کند. ماده ۳ - چنانچه محکوم علیه جزای نقدی مقرر در حکم را نپردازد اما مالی (منقول یا غیرمنقول) غیر از مستثنیات دین از او به دست آید که بتوان تمام یا قسمتی از جزای نقدی را استیفا نمود به دستور مرجع مجری حکم به ترتیب ذیل عمل می شود الف اگر مال مورد نظر وجه نقد باشد معادل جزای نقدی از آن ضبط و به حساب مربوط واریز می شود. ب در مورد اموال منقول یا غیرمنقول چنانچه بدون معارض باشد معادل جزای نقدی مقرر در حکم و هزینه های اجرایی فوراً توقیف و مطابق مقررات این آیین نامه به فروش می رسد و جزای نقدی و هزینه های مربوط استیفا می شود. ماده ۴ - پس از توقیف مال برای استیفا جزای نقدی نظریه دو نفر کارشناس به تعیین مرجع مجری حکم در مورد ارزش آن مال تحصیل می شود سپس روز و ساعت و محل انجام مزایده تعیین و با الصاق آگهی در معابر اصلی محل، انجام مزایده به اطلاع عموم می رسد و به بالاترین قیمت پیشنهادی که نباید کمتر از قیمت کارشناسی باشد فروخته می شود. تبصره - اگر ارزش کارشناسی مال از سی میلیون ریال بیشتر باشد آگهی مزایده یک نوبت در روزنامه محلی و در صورت نبودن آن در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار نیز درج می شود. ماده ۵ - هرگاه مال مورد نظر، خریدار نداشته یا مبلغ پیشنهادی کمتر از قیمت کارشناسی باشد، حسب مورد تمام یا قسمتی از آن مال مطابق ارزیابی کارشناس به دستور مرجع صادر کننده حکم در ازای جزای نقدی به تملک دولت درمی آید و در اختیار سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی قرار می گیرد تا بر اساس مقررات مربوط عمل نمایند. ماده ۶ - اموال ضایع شدنی و سریع الفساد، همچنین مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن است، و نیز مالی که ارزش آن کمتر از سی میلیون ریال است بدون انجام مزایده و با نظر کارشناسی به فروش می رسد. ماده ۷ - چنانچه مالی از محکوم علیه معرفی شود یا مرجع مجری حکم با قراین قویه احتمال دهد محکوم علیه مالی غیر از مستثنیات دین دارد که می توان با فروش آن جزای نقدی را استیفا نمود تحقیقات لازم در این خصوص بعمل می آید. ماده ۸ - اگر محکوم علیه در ازای جزای نقدی بازداشت شود و در جریان اجرای حکم مالی از او به دست آید که بتوان باقیمانده جزای نقدی را استیفا نمود مال مذکور توقیف و اقدامات اجرایی در این خصوص معمول و از محکوم علیه رفع بازداشت می شود. ماده ۹ - هرگاه اموال محکوم

علیه متناسب با میزان محکومیت او به جزای نقدی نباشد و نتوان از این طریق جزای نقدی را استیفا نمود و تفاوت ارزش آن اموال با میزان محکومیت، فاحش باشد محکوم علیه در ازا جزای نقدی بازداشت می‌شود و اقدامات اجرایی برای فروش و استیفا قسمتی از جزای نقدی ادامه خواهد یافت ماده ۱۰ - هرگاه قبل از فروش مال توقیف شده جزای نقدی مقرر در حکم و هزینه های اجرایی پرداخت شود از مال مذکور رفع توقیف به عمل می‌آید. ماده ۱۱ - در کلیه مواردی که برای پرداخت جزای نقدی مهلت داده می‌شود یا استیفا جزای نقدی از اموال محکوم علیه مستلزم اقداماتی است که اجرای حکم را به تاخیر می‌اندازد، چنانچه قبلاً از محکوم علیه تامین متناسب گرفته نشده باشد، مرجع صادر کننده حکم متناسب با میزان محکومیت او مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری قرار تامین صادر می‌کند و هرگاه این تامین منتهی به بازداشت محکوم علیه شود از میزان محکومیت او کسر خواهد شد. ماده ۱۲ - حقوق و مزایا و عواید احتمالی و آتی محکوم علیه و مطالبات او از شخص ثالث در ازا جزای نقدی قابل توقیف نیست و مانع بازداشت او نمی‌باشد. ماده ۱۳ - در کلیه مواردی که صدور سند انتقال به نام خریدار ضرورت داشته باشد مرجع صادر کننده حکم پس از بررسی و احراز صحت جریان فروش و اقدامات اجرایی دستور تنظیم سند انتقال را صادر خواهد نمود. ماده ۱۴ - از وجوه حاصل از فروش اموال توقیف شده جهت استیفا جزای نقدی، بدو هزینه های ضروری اجرا حکم از قبیل هزینه کارشناسی و نگهداری مال و نظایر آن پرداخت می‌شود. ماده ۱۵ - فروش اموال توقیف شده جهت استیفا جزای نقدی با حضور نماینده مرجع مجری حکم بعمل می‌آید. ماده ۱۶ - در مواردی که طبق این آیین نامه مقررات خاصی وضع نشده مطابق قانون اجرای احکام مدنی عمل می‌شود. ماده ۱۷ - الزام به تادیه محکومیت‌های مالی موضوع ماده ۲ قانون مستلزم صدور اجرائیه مطابق قانون اجرای احکام مدنی است به جز محکومیت‌هایی که به تبع امر کیفری بدون تقدیم دادخواست حاصل شده که در این صورت دستور مرجع صادر کننده حکم به منزله الزام به تادیه است ماده ۱۸ - هرگاه محکوم علیه محکوم به را تادیه ننماید به طریق ذیل عمل می‌شود الف چنانچه موضوع محکومیت استرداد عین مال باشد آن مال عیناً اخذ و به ذی نفع تحویل می‌شود و اگر رد آن ممکن نباشد بدل آن (مثل یا قیمت از اموال محکوم علیه بدون رعایت مستثنیات دین استیفا می‌گردد. ب در مورد سایر محکومیت‌های مالی با رعایت مستثنیات دین مطابق مقررات قانون اجرای احکام مدنی مال وی جهت استیفا محکوم به توقیف و به فروش می‌رسد. ج چنانچه استیفا محکوم به به نحو مذکور ممکن نباشد محکوم علیه به درخواست ذی نفع و به دستور مرجع صادر کننده حکم تا تادیه محکوم به یا اثبات اعسار حبس می‌شود. ماده ۱۹ - به دعوی اعسار محکوم علیه مطابق مقررات اعسار در مرجع بدوی رسیدگی می‌شود. تبصره - چنانچه در رسیدگی به دعوی اعسار ثابت شود محکوم علیه قادر نیست محکوم به را یکجا پردازد ولی متمکن از پرداخت به نحو اقساط می‌باشد، مرجع رسیدگی متناسب با وضعیت مالی او حکم به تقسیط محکوم به صادر می‌کند. ماده ۲۰ - در مواردی که محکوم علیه به علت محکومیت‌های مالی متعدد حبس شده است دعوی اعسار باید علیحده مطرح شود مگر در مورد محکومیت‌هایی که محکوم له آنها یکی است که در این صورت حکم اعسار شامل همه آن محکومیت‌ها می‌شود. ماده ۲۱ - در مواردی که حکم به تقسیط محکوم به صادر می‌شود چنانچه محکوم علیه در زمان مقرر قسط را نپردازد به درخواست ذی نفع تا پرداخت قسط معوقه و یا اثبات اعسار او از پرداخت باقی مانده محکوم به، حبس می‌شود. ماده ۲۲ - صدور حکم اعسار یا تقسیط مانع استیفا حقوق محکوم له از اموالی که بعداً از محکوم علیه به دست می‌آید نخواهد بود. ماده ۲۳ - مرجع تشخیص بیماری موضوع تبصره ماده ۳ قانون، پزشکی قانونی و در صورت نبودن آن پزشک معتمد است ماده ۲۴ - این آیین نامه در ۲۴ ماده و ۴ تبصره در اجرای ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۰ ۸ ۷۷ مجلس شورای اسلامی توسط وزارت دادگستری تهیه و در تاریخ ۲۶ ۲ ۷۸ به تصویب رییس قوه قضاییه رسید.

مواد ۱ تا ۹ مربوط به ترتیب فروش دفاتر و اوراق بهادار است ماده ۱۰ - حق حراج مطابق تعرفه ذیل گرفته می‌شود ۱ - در اموال منقول شش درصد (۶٪). ۲ - در اموال غیر منقول از یک ریال تا ده هزار (۱۰۰۰۰) ریال شش درصد (۶٪) و از ده هزار و یک (۱۰۰۰۱) ریال به بالا چهار درصد (۴٪). ۳ - دستمزد چوب زن حراج تا یکصد هزار (۱۰۰۰۰۰) ریال مبلغ فروش ده درصد (۱۰٪) به ماخذ حق حراج صدی صد وصولی ۴ - دستمزد چوب زن حراج از یکصد هزار و یک (۱۰۰۰۰۱) ریال تا دویست هزار (۲۰۰۰۰۰) ریال مبلغ فروش نسبت به مازاد یکصد هزار ریال یک شصتم به ماخذ حق حراج صدی صد وصولی ۵ - دستمزد چوب زن حراج از دویست هزار و یک (۲۰۰۰۰۱) ریال به بالا نسبت به مازاد دویست هزار (۲۰۰۰۰۰) یک صدم به ماخذ حق حراج صدی صد وصولی ماده ۱۱ - محل مصرف وجوه حاصل از درآمد حراج مذکور در ماده ۱۰ به شرح ذیل است الف تهیه اثاثیه لازمه و کرایه محل انبار سوخت و روشنایی و دستمزد چوب‌زن و فرد انباردار و هزینه‌های پیش بینی نشده به پیشنهاد اداره ثبت محل و تصویب اداره کل ثبت ب فوق العاده و پاداش و کمک به کارمندان فعال ثبت کل و هزینه‌های متفرقه به تشخیص مدیر کل ثبت و تصویب وزارت دادگستری ج حقوق و مزایای کارمندان و مامورینی که تا به حال از درآمد حراج پرداخت می‌شده کماکان قابل پرداخت خواهد بود ولی از این تاریخ به بعد استخدام کارمند و خدمتگزار جز از محل درآمد حراج ممنوع است ماده ۱۲ - ماده ۹۴ و ۹۵ آیین نامه اجرا مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا مصوب ۲۹ ۲۹ ۲۲ ملغی است

آیین نامه طرز پرداخت حق النسبی متصدیان اجرا - مصوب ۱۰۱ ۱۳۵۴

ماده ۱ - ادارات کل امور مالی وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در مرکز و دواير حسابداری ادارات دادگستری و ثبت اسناد و املاک در شهرستانها مکلفند حق نسبی از حقوق اجرایی که باید به موجب تبصره ۷۳ قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۳ و بودجه سال ۱۳۵۴ کل کشور براساس ماده ۱۵ قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۷ به متصدیان اجرا داده شود از حقوق اجرایی (برحسب مورد ده یک یا ده نیم جدا و طبق مواد زیر به تشخیص روسای مربوط به متصدیان و ماموران اجرا پرداخت نمایند. ماده ۲ - از اول فروردین ماه ۱۳۵۴ به بعد وجوهی که به طریق ماده یک جمع و نگهداری می‌شود باید به ترتیب زیر در طول سال در مرکز تحت نظر روسای دادگاه‌ها یا رییس اجرای ثبت و در شهرستانها تحت نظر روسای دادگاه‌ها و روسای ثبت بین متصدیان مربوط تقسیم شود. ۱ - در مورد اجرای دادگستری الف - مسیولان اجرای دادگاه‌ها که حکم تحت نظر آنها اجرا می‌شود یا روسای اجرای سایر مراجعی که در امر وصول ده یک دخالت دارند ۵۰٪. ب - کارمندان و مأموران اجرا که در امر وصول ده یک دخالت داشته‌اند ۵۰٪. ۲ - در مورد اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور الف - رییس و معاونان اداره اجرای ثبت و رییس و معاونان دواير اجرای ثبت و سرممیزان و ممیزان اداره و دواير اجرای ثبت در مرکز، مسیولان اجرای ثبت شهرستانها و ممیزان اجرا ۷۰٪. ب - کارمندان و ماموران اجرا و کارمندان حسابداری و رسیدگی اجرا که در امر وصول ده نیم دخالت داشته‌اند ۳۰٪. تبصره - سهم هر یک از افرادی که به موجب این آیین نامه استحقاق دریافت حق نسبی دارند از طرف روسای مربوط با در نظر گرفتن طرز کار و فعالیت آنها در امر وصول، حقوق اجرایی براساس ضوابطی که در این مورد از طرف وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور معین و ابلاغ خواهد شد تعیین می‌شود. ماده ۳ - برای اجرای ماده فوق باید دفتری در حسابداری مربوط نگاهداری شود که کلیه درآمد وصولی اجرا بابت (ده یک یا ده نیم در آن ثبت گردد و ماخذ احتساب پرداخت حق نسبی واقع شود. ماده ۴ - وجوه حاصل از حق نسبی فقط باید طبق مواد فوق به کارمندان و خدمتگزاران پرداخت شود و هزینه دیگری از این محل مجاز نیست ماده ۵ - نحوه نگهداری وجوه مذکور و به هزینه منظور نمودن آن به موجب دستورالعملی خواهد بود که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی به ادارات کل مالی وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و ادارات مربوط در شهرستانها ابلاغ خواهد شد. ماده ۶ - در مورد وجوه اضافه دریافتی مربوط به حقوق اجرایی (ده یک یا ده نیم طبق مقررات مالی مربوط در

استرداد آن اقدام می‌شود و نسبت به حق نسبی اضافی پرداخت شده مبلغ اضافی از اولین حق نسبی که بعداً پرداخت می‌شود کسر خواهد شد.

لایحه قانونی اصلاح بعضی از مواد قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری - مصوب ۲۶ ۶ ۱۳۵۸

(روزنامه رسمی شماره ۱۰۰۸۸ - ۱۹ ۱۳۵۸) ماده واحده - ماده ۳۹ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری به شرح زیر اصلاح می‌شود ماده ۳۹ - پانزده درصد از کلیه درآمدهای وصولی دادگستری بابت هزینه دادرسی و حق اجرای احکام حقوقی و جزای نقدی و هزینه های ثبتی و اجرایی و غیره برای احداث یا تهیه ساختمانهای مناسب دادگستری و واحدهای ثبتی و تامین خانه های سازمانی و مسکن قضاوت و کارکنان وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و اعطای وام ضروری به آنها و تهیه و تجهیز وسایل کار، هزینه های لازم برای بهبود امور دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اختصاص می‌یابد. کیفیت هزینه و نحوه نگهداری حساب از درآمد مذکور و طرز تشکیل صندوق تعاون وام ضروری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و شرایط وام بر طبق آیین نامه هایی خواهد بود که به تصویب وزارت دادگستری برسد.

نظریه شورای نگهبان در خصوص خسارت تاخیر تادیه

شماره ۵۱۲۲۱۷۶۱۳۱۳۷۶ حضرت آیت ... یزدی رییس محترم قوه قضاییه با سلام نامه شماره ۴۶۱۳۳۱۹ مورخ ۲۷ ۱۲ ۱۳۷۴ قائم مقام رییس کل دادگستری استان تهران در جلسه رسمی مورخ ۳۱ ۲ ۱۳۷۶ آقایان فقهای شورای نگهبان مطرح و نظر آقایان فقها بدین شرح اعلام می‌گردد نظریه‌های شماره ۹۴۹۹ مورخ ۲۵ ۸ ۱۳۶۲ و ۳۸۴۵ مورخ ۱۲ ۴ ۱۳۶۴ و ۳۳۷۸ مورخ ۱۴ ۱۰ ۱۳۶۷ فقهای شورای نگهبان به عنوان شورای عالی محترم قضایی در خصوص خسارت تاخیر تادیه شامل چک بلامحل نیز می‌باشد. تصویر نظریه‌های مورد اشاره به پیوست ارسال می‌گردد. دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی شماره ۹۴۹۹۲۵۸۱۳۶۲ بسم الله الرحمن الرحیم شورایعالی قضایی عطف به نامه شماره ۴۱ ۴۱ ۲۶۱ مورخ ۳۱ ۵ ۱۳۶۲ موضوع در جلسه رسمی فقها شورای نگهبان مطرح و بررسی شد. (دریافت خسارت تاخیر تادیه موضوع مواد ۷۱۲ و ۷۱۹ قانون آیین دادرسی به نظر اکثریت فقها مغایر با موازین شرعی شناخته شد) دبیر شورای نگهبان - لطف الله صافی شماره ۳۸۴۵۱۲۴۱۳۶۴ بسم .. الرحمن الرحیم شورای عالی قضایی نظر به اینکه در موضوع حکم خسارت تاخیر تادیه مراجعات متعدد به شورای نگهبان می‌شود و از قرار بعض شکایات ، بانکها مطالبه خسارت تاخیر تادیه می‌نمایند موضوع در جلسه رسمی فقها شورای نگهبان مطرح شد و به شرح زیر اعلام نظر گردید (مطالبه مازاد بدهی بدهکار به عنوان خسارت تاخیر تادیه چنانچه حضرت امام مدظله نیز صریحا به این عبارت (آنچه به حساب دیر کرد تادیه بدهی گرفته می‌شود ربا و حرام است اعلام نموده‌اند جایز نیست و احکام صادره بر این مبنی شرعی نمی‌باشد. بنابراین مواد ۷۱۹ تا ۷۲۳ قانون آیین دادرسی حقوقی و سایر موادی که بطور متفرق احتمالا در قوانین در این رابطه موجود باشد خلاف شرع انور است و قابل اجرا نیست) دبیر شورای نگهبان - لطف الله صافی شماره ۳۳۷۸۱۴۱۰۱۳۶۷ بسم الله الرحمن الرحیم شورایعالی قضایی عطف به نامه شماره ۲۶۹۴۱۱ مورخ ۳۱ ۵ ۱۳۶۲ آن شورای محترم و پیرو نامه‌های شماره ۹۴۹۹ مورخ ۲۵ ۸ ۱۳۶۲ و شماره ۳۸۴۵ مورخ ۱۲ ۴ ۱۳۶۴ با اینکه نیازی به اظهار نظر مجدد نیست و تمام مواد و تبصره‌های موجود در قوانین و آیین‌نامه‌ها و مقرراتی که اجازه اخذ مبلغی را به عنوان خسارت تاخیر تادیه می‌دهد (که حقیقت آن اخذ مازاد بر بدهی بدهکار است باطل است معذالک بلحاظ اینکه بعض مقامات ثبتی هنوز هم تردید دارند فلذا نظر شورای نگهبان بشرح ذیل اعلام می‌شود (آن قسمت از ماده ۳۴ قانون ثبت و تبصره ۴ و ۵ آن و ماده ۳۶ و ۳۷ آیین نامه اجرایی ثبت که اخذ مازاد بر بدهی بدهکار را به عنوان خسارت تاخیر تادیه مجاز شمرده

است خلاف موازین شرع و باطل اعلام می‌شود) لازم بتذکر است که تاخیر ادا دین حال پس از مطالبه طلبکار برای شخص متمکن شرعا جرم و قابل تعزیر است دبیر شورای نگهبان - محمد محمدی گیلانی

قانون نحوه وصول مطالبات بانکها - مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مورخ ۱۰۵ ۱۳۶۸

مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مورخ ۱۰۵ ۱۳۶۸ ماده ۱ - کلیه وجوه و تسهیلات مالی که بانکها تا تاریخ اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۶۸ ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی به اشخاص حقیقی و حقوقی تحت هر عنوان پرداخت نموده‌اند اعم از آن که قراردادی در این خصوص تنظیم شده یا نشده باشد و مقرر بوده است که بدهکار در سررسید معینه تسهیلات مالی و وجوه دریافتی را اعم از اصل و سود و سایر متفرعات مسترد دارد بر اساس مقررات و شرایط زمان اعطای این وجوه و تسهیلات قابل مطالبه و وصول است کلیه محاکم دادگستری و مراجع قضایی و دوائر اجرای ثبت مکلفند طبق مقررات و شرایط زمان اعطای وجوه و تسهیلات رسیدگی و نسبت به صدور حکم و وصول مطالبات بانکها اعم از اصل و هزینه‌ها و خسارات و متفرعات متعلقه (خسارت تاخیر تادیه، جریمه عدم انجام تعهد و غیره اقدام نمایند. ماده ۲ - در خصوص دعاوی که قبلا راجع به مطالبات بانکها نزد مراجع قضایی مطرح و منجر به صدور حکم شده است و هزینه‌ها و متفرعات و جریمه تاخیر تادیه و جزای تخلف از شرط متعلقه که وصول آن به نفع بانک مورد لحقوق حکم واقع نشده است بانکها می‌توانند تقاضای تصحیح حکم را از مرجع صادر کننده حکم بنمایند و مرجع صادر کننده حکم مکلف است وفق مقررات این قانون رسیدگی و احکام صادره را تصحیح نماید. مقررات این قانون در مورد دعاوی که در حال حاضر در محاکم مطرح رسیدگی است نیز اعمال می‌گردد. تبصره - دوائر اجرای ثبت اسناد و املاک مکلفند بر اساس مفاد اسناد و قراردادهای تنظیمی بین بانکها و مشتریان که منجر به صدور اجراییه شده اعم از آن که عملیات اجرایی خاتمه پیدا کرده یا در جریان اجرا باشد، نسبت به وصول خسارات تاخیر تادیه و سایر متفرعات و هزینه‌های مربوط طبق مقررات این قانون عمل نمایند.

قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تامین و توقیف اموال دولتی

(شماره ۸۹۱۲۱۶۰۶۵ روزنامه رسمی) ماده واحده - وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی که درآمد و مخارج آنها در بودجه کل کشور منظور می‌گردد، مکلفند وجوه مربوط به محکوم به دولت در مورد احکام قطعی دادگاهها و اوراق لازم الاجرای ثبتی و دفاتر اسناد رسمی و یا اجرای دادگاهها و سایر مراجع قانونی را با رعایت مقررات از محل اعتبار مربوط به پرداخت تعهدات بودجه مصوب سالهای قبل منظور در قانون بودجه کل کشور و در صورت عدم وجود اعتبار و عدم امکان تامین از محلهای قانونی دیگر در بودجه سال بعد خود منظور و پرداخت نمایند، اجرای دادگستری و ادارات ثبت اسناد و املاک و سایر مراجع قانونی دیگر مجاز به توقیف اموال منقول و غیر منقول وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی که اعتبار و بودجه لازم را جهت پرداخت محکوم به ندارند تا تصویب و ابلاغ بودجه یک سال و نیم و بعد از سال صدور حکم نخواهند بود. ضمنا دولت از دادن هر گونه تامین در زمان مذکور نیز معاف می‌باشد، چنانچه ثابت شود وزارتخانه‌ها و موسسات یاد شده با وجود تامین اعتبار از پرداخت محکوم به استتکاف نموده‌اند، مسوول یا مسوولین مستتکف توسط محاکم صالحه به یک سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد و چنانچه متخلف به وسیله استتکاف سبب وارد شدن خسارت بر محکوم له شده باشد، ضامن خسارت وارده می‌باشد. تبصره ۱ - دستگاه مدعی علیه با تقاضای مدعی باید تضمین بانکی لازم را به‌عنوان تامین مدعی به دادگاه بسپارد. در صورتی که دعوی یا مقداری از خواسته رد شود، به حکم دادگاه تضمین یا مبلغ مانده به دستگاه مدعی علیه رد خواهد شد. تبصره ۲ - تبصره ۵۳ قانون بودجه سال ۱۳۵۷ و

تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۳۳۴ لغو می‌شود.

ثبت شرکت ها

قانون ثبت شرکتها - مصوب خرداد ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی

مصوب خرداد ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی ماده ۱- هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است ماده ۲- کلیه شرکتهای ایرانی مذکور در قانون تجارت (سهامی، ضمانتی، مختلط، تعاونی) که در تاریخ اجرای این قانون موجود و مطابق مقررات قانون تجارت راجع به ثبت و تطبیق تشکیلات خود با قانون مزبور عمل نکرده‌اند باید تا آخر شهریورماه ۱۳۱۰ تشکیلات خود را با مقررات قانون تجارت تطبیق نموده و مطابق قانون مزبور تقاضای ثبت کنند والا به تقاضای مدعی العموم بدایت محلی که ثبت باید در آنجا به عمل آید، محکمه مدیران آنها را به یکصد الی هزار تومان جزای نقدی محکوم خواهد کرد و در صورت تقاضای مدعی العموم حکم انحلال شرکت متخلف نیز صادر خواهد شد. در صورتی که مدت فوق برای تطبیق تشکیلات با قانون تجارت و تقاضای ثبت کافی نباشد رییس محکمه ابتدایی محل به تقاضای شرکت تا سه ماه مهلت ضمان خواهد داد. ماده ۳- از تاریخ اجرای این قانون هر شرکت خارجی برای این که بتواند به وسیله شعبه یا نماینده به امور تجاری یا صنعتی یا مالی در ایران مبادرت نماید باید در مملکت اصلی خود، شرکت قانونی شناخته شده و در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد. ماده ۴- هر شرکت خارجی که در تاریخ اجرای این قانون در ایران به وسیله شعبه یا نماینده مشغول به امور تجاری یا صنعتی یا مالی است باید در ظرف چهار ماه از تاریخ مزبور تقاضای ثبت نماید. در صورتی که این مدت برای تهیه و تسلیم اوراق لازمه به اداره ثبت کافی نباشد رییس محکمه ابتدایی تهران به تقاضای نماینده شرکت تا شش ماه مهلت اضافی خواهد داد. ماده ۵- اشخاصی که به عنوان نمایندگی یا مدیریت شعبه شرکتهای خارجی در ایران اقدام به امور تجاری یا صنعتی یا مالی کرده و قبل از انقضای موعده مقرر تقاضای ثبت نکنند به تقاضای مدعی العموم بدایت و به حکم محکمه ابتدایی تهران محکوم به جزای نقدی از ۵۰ تومان تا هزار تومان خواهند شد و به علاوه محکمه برای هر روز تاخیر پس از صدور حکم متخلف را به تادیه پنج الی پنجاه تومان محکوم خواهد کرد و هرگاه حکم فوق قطعی شده و تا سه ماه پس از تاریخ ابلاغ آن تخلف ادامه یابد دولت از عملیات نماینده یا مدیر شعبه شرکت متخلف جلوگیری خواهد نمود. ماده ۶- در مورد شرکتهای خارجی که شرایط عملیات آنها به موجب امتیازنامه صحیح و منظمی مقرر است و صحت امتیاز را در موعده قانونی تقاضای ثبت، وزارت امور خارجه تصدیق نماید مفاد قسمت اخیر ماده فوق مجری نخواهد شد ولی جزای نقدی برای هر روز تاخیر بعد از صدور حکم از قرار روزی ده الی یکصد تومان است ماده ۷- تغییرات راجع به نمایندگان شرکت و یا مدیران شعب آن باید به اداره ثبت اسناد کتبا اطلاع داده شود و تا وقتی که این اطلاع داده نشده عملیاتی که نماینده و یا مدیر سابق به نام شرکت انجام داده عملیات شرکت محسوب است مگر این که شرکت اطلاع اشخاصی را که به استناد این ماده ادعای حقی می‌کنند از تغییر نماینده یا مدیر خود به ثبوت رساند. ماده ۸- شرکتهای بیمه اعم از ایرانی و خارجی تابع نظامنامه‌هایی خواهند بود که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می‌شود. قبول تقاضای ثبت شرکتهای فوق و شرایط راجعه به ادامه عملیات آنها منوط به رعایت مقررات نظامنامه‌های مزبوره خواهد بود. ماده ۹- برای اجرای این قانون از طرف وزارت عدلیه نظامنامه‌های لازمه تنظیم خواهد شد. در نظامنامه‌های مزبور باید راجع به مسایل ذیل صریحا تعیین تکلیف شود ۱- اشخاصی که باید اظهارنامه ثبت بدهند. ۲- نکاتی که باید در اظهارنامه قید شود. ۳- اوراق و مدارکی که عین یا ترجمه مصدق آنها باید ضمیمه اظهارنامه شود. ۴- نکاتی که در صورت تغییر باید مجدداً به ثبت برسد. ۵- طرز ثبت شعب یا نمایندگان جدید. ۶- اعلاناتی که پس از ثبت باید به وسیله اداره ثبت اسناد به خرج شرکت به عمل آید. ۷- تعرفه راجع به ترجمه و تصدیق

صحت ترجمه ماده ۱۰ - حقوق ثبتی برای ثبت شرکتها و موسسات اعم از ایرانی و خارجی مطابق تعرفه زیر تعیین می شود الف - حق الثبت شرکتها و موسسات تجاری (موضوع ماده ۱۰ اصلاحی مصوب ۲۸ ۸ ۱۳۴۶ قانون ثبت شرکتها) به ترتیب ذیل تعیین می شود (مصوب ۱۷ ۳ ۱۳۷۶) ۱ - تا دو میلیون ریال از کل سرمایه به ازای هر ده هزار ریال صد و شصت ریال که در هر صورت از دو هزار ریال کمتر نخواهد بود. ۲ - تا چهار میلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد دو میلیون ریال هر ده هزار ریال صد ریال ۳ - تا هشت میلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد چهار میلیون ریال هر ده هزار ریال ، هفتاد ریال ۴ - تا ده میلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد هشت میلیون ریال هر ده هزار ریال ، چهل ریال ۵ - تا یکصد میلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد ده میلیون ریال هر ده هزار ریال سی ریال ۶ - از یکصد میلیون ریال تا پانصد میلیون ریال سرمایه از مبدا مقطوعاً پانصد هزار ریال ۷ - از پانصد میلیون ریال سرمایه به بالا از مبداً مقطوعاً هفتصد هزار ریال ۸ - حق الثبت تغییرات مربوط به ازدیاد سرمایه به ازای هر دفعه تغییر نسبت به سرمایه اضافه شده تابع نرخهای فوق الذکر است و حق الثبت هر دفعه تغییر در موارد دیگر (به استثنای تغییر سرمایه) چهار هزار ریال است ب اصلاحی ۳۰ ۱۲ ۱۳۶۲) - حق الثبت موسسات غیرتجاری (موضوع بند ب ماده ۱۰ اصلاحی ۲۸ ۸ ۱۳۴۶ قانون ثبت شرکتها) که بدون سرمایه می باشند، چهار هزار ریال و حقوق ثبتی موسسات غیرتجاری با سرمایه به ترتیب ذیل است ۱ - حق الثبت موسسات غیرتجاری تا دو میلیون ریال سرمایه ، مقطوعاً پنج هزار ریال ۲ - حق الثبت موسسات غیرتجاری از دو میلیون و یک ریال تا ده میلیون ریال سرمایه مقطوعاً هفت هزار و پانصد ریال ۳ - حق الثبت موسسات غیرتجاری از ده میلیون و یک ریال سرمایه تا یکصد میلیون ریال سرمایه مقطوعاً ده هزار ریال ۴ - حق الثبت موسسات غیرتجاری از یکصد میلیون و یک ریال سرمایه به بالا- مقطوعاً بیست هزار ریال ۵ - حق الثبت تغییرات مربوط به ازدیاد سرمایه به ازای دفعه تغییر نسبت به سرمایه اضافه شده تابع نرخهای فوق الذکر و حق الثبت هر دفعه تغییر در موارد دیگر (به استثنای تغییر سرمایه یک هزار ریال است پ - شرکتهای تعاونی روستایی و سایر شرکتهای تعاونی که اساسنامه آنها طبق مقررات به تصویب رسیده باشد و همچنین سازمان تعاون و مصرف کادر نیروهای مسلح و واحدهای اقتصادی تابع آن و شرکتهای دولتی توسعه کشاورزی و شرکتهای دولتی کشت و صنعت از پرداخت حقوق ثبتی معاف می باشند. ت - حق الثبت هر شعبه شرکتها و موسسات تجاری و غیرتجاری و تغییرات آن حسب مورد مطابق تعرفه های مقرر در بند (ب ماده ۱۰ این قانون می باشد. ث - از تاریخ اجرای این قانون هیچ گونه حقوق دیگری اعم از عمومی و اختصاصی برای ثبت شرکتها و موسسات مندرج در این قانون دریافت نخواهد شد و مقررات مغایر با این قانون لغو می شود. ماده ۱۱ - نماینده هر شرکت خارجی یا مدیر شعبه آن که برخلاف ماده ۳ قبل از ثبت به سمت نمایندگی یا مدیریت شعبه شرکت در ایران اقدام به عملیات تجاری یا صنعتی یا مالی نماید مطابق ماده ۵ این قانون محکوم به جزای نقدی خواهد شد. در مورد شرکتهای داخلی که پس از تاریخ اجرای این قانون تشکیل می شوند کسانی که مکلف به تقاضای ثبت شرکت بوده و در موعد قانونی به تکلیف خود عمل نکنند مطابق ماده ۲ این قانون محکوم به جزای نقدی خواهند شد. ماده ۱۲ - مواد ۶۶ و ۱۴۱ قانون تجارت و ماده ۲۴۱ قانون ثبت اسناد نسخ و این قانون از ۱۵ خرداد ماه ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذارده می شود.

طرح اصلاحی آیین نامه ثبت شرکتها - مصوب شهریور ماه ۱۳۴۰

مصوب شهریور ماه ۱۳۴۰ نظر به مقررات قانون عهدنامه عمومی پاریس مصوب دهم اسفند ماه ۱۳۳۷ مربوط به حمایت مالکیت صنعتی و ماده ۹ قانون ثبت شرکتها مصوب خردادماه ۱۳۱۰ و ماده ۴۵ قانون ثبت علا-یم تجاری و اختراعات مصوب اول تیرماه ۱۳۱۰ و ماده ۱۱ و ۱۵ و مواد ۵۸۲ و ۵۸۵ قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ وزارت دادگستری مقرر می دارد ماده اول - اداره ثبت شرکتها و علایم تجاری و اختراعات اداره کل ثبت در تهران از این تاریخ به نام (اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی) نامیده می شود و دارای وظایف زیر خواهد بود ۱ - ثبت شرکتهای تجاری ایران حوزه تهران و همچنین ثبت کلیه شرکتهای خارجی در

ایران و موسسات غیرتجارتی ایرانی حوزه تهران و ثبت کلیه موسسات خارجی در ایران ۲- ثبت علائم تجاری و اختراعات و نام تجاری و اشکال و ترسیمات صنعتی ۳- ثبت دفتر تجاری و پلمپ دفاتر تجاری و غیرتجارتی حوزه تهران تبصره - اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی عنوان شعبه مخصوص دفتر دادگاه شهرستان تهران را برای اجرای مفاد مواد ۶ و ۷ قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب اول تیرماه ۱۳۱۰ دارد و رییس این اداره نسبت به قبول یا رد تقاضانامه های مربوط به ثبت شرکتها تجاری و موسسات غیرتجاری و علائم تجاری و اختراعات اتخاذ تصمیم نموده و گواهینامه های ثبت را امضا خواهد کرد. ماده دوم - علاوه بر انجام وظایف قانونی ، اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی موظف است در موضوع حمایت مالکیت صنعتی با در نظر گرفتن احتیاجات و مقتضیات اوضاع اقتصادی کشور و تعهدات بین المللی ، طرحهای قانونی و آیین نامه های اجرایی آن را به کمک (کمیته مشورتی) تهیه و پیشنهاد نماید. ماده سوم - کمیته مشورتی از نمایندگان وزارتخانه های زیر در محل اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی تشکیل می شود ۱- اداره حقوقی وزارت دادگستری ۲- اداره حقوقی وزارت امور خارجه ۳- وزارت بازرگانی ۴- وزارت صنایع و معادن کمیته مزبور به دعوت رییس اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی و یا هر یک از وزارتخانه های ذی نفع تحت ریاست رییس اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی تشکیل خواهد شد ، در هر دعوتنامه دستورجلسه نیز ذکر خواهد شد. تبصره ۱ - کمیته هر وقت مقتضی بداند می تواند از نمایندگان سایر وزارتخانه ها و موسسات و کارشناسان و اشخاص مطلع ، برای شرکت در جلسات خود دعوت نماید ولی اتخاذ تصمیم نهایی در هر موضوع با اعضای ثابت کمیته مشورتی خواهد بود. تبصره ۲- در صورتی که طرحهای قانونی و آیین نامه های اجرایی که کمیته مزبور و یا کارشناسان مربوطه تهیه می نمایند احتیاج به پرداخت حق الزحمه داشته باشد از محل هزینه مقدماتی ثبت کل تامین و پرداخت خواهد شد. ماده چهارم - در هر محلی که اداره یا دایره یا شعبه ثبت موجود است برای ثبت شرکتها داخلی و پلمپ دفاتر تجاری و ثبت نام تجاری و موسسات غیرتجاری ، متصدی مخصوصی از طرف اداره کل ثبت تعیین خواهد شد. ماده پنجم - اداره ثبت شرکتها در تهران و دواير ثبت شرکتها در شهرستانها در ثبت شرکتنامه قائم مقام دفترخانه های رسمی می باشند.

نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکتها - مصوب خرداد ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی

مصوب خرداد ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی ماده ۱- برای ثبت کلیه شرکت های خارجی و همچنین ثبت شرکتها ایرانی که باید در تهران ثبت شود دایره مخصوصی در اداره ثبت اسناد تهران به اسم دایره ثبت شرکتها تشکیل خواهد شد. ماده ۲- مهلتی که برای تقاضای ثبت شرکتها خارجی داده می شود از قرار ذیل است ۱- نسبت به شرکتها خارجی که در تاریخ اجرای این نظامنامه به وسیله شعبه یا نماینده در ایران به امر تجاری یا صنعتی و یا مالی اشتغال دارند تا ۱۵ مهرماه ۱۳۱۰ و این مهلت ممکن است مطابق ماده ۵ قانون ثبت شرکتها تا شش ماه دیگر تمدید شود. ۲- نسبت به شرکتها خارجی که از تاریخ ۱۵ خرداد ماه ۱۳۱۰ به بعد بخواهند در ایران به وسیله شعبه یا نماینده به امر تجاری یا صنعتی یا مالی مبادرت کنند تقاضای ثبت باید قبل از اشتغال به امری که موضوع عملیات شرکت است به عمل آید. ماده ۳- ثبت کلیه شعبی نیز که ممکن است شرکت خارجی در ایران داشته باشد در دایره ثبت شرکتها به عمل خواهد آمد. ماده ۴- اظهارنامه ثبت هر شرکت خارجی یا شعب آن به وسیله شخصی که از طرف شرکت حق امضا در ایران دارد و یا به توسط کسی که از طرف شخص مزبور برای این تقاضا وکالت دارد تقدیم خواهد شد. ماده ۵- برای ثبت هر شرکت خارجی تقدیم اسناد ذیل لازم است ۱- اظهارنامه ثبت ۲- یک نسخه مصدق از اساسنامه شرکت ۳- یک نسخه مصدق از اختیارنامه نماینده عمده شرکت در ایران و در صورتی که شرکت چند نماینده مستقل در ایران داشته باشد یک نسخه مصدق از اختیارنامه هر یک از آنها. تبصره - هرگاه شرکت خارجی شرکتی باشد که شرایط عملیات آن به موجب امتیازنامه صحیح و منظمی مقرر گردیده علاوه بر اسناد فوق باید سواد امتیازنامه با تصدیق وزارت امور خارجه مشعر بر صحت آن امتیازنامه نیز تسلیم

شود. ماده ۶- اظهارنامه ثبت باید به فارسی نوشته شده و دارای نکات ذیل باشد ۱- نام کامل شرکت ۲- نوع شرکت از سهامی و ضمانتی و مختلط و غیره ۳- مرکز اصلی شرکت و آدرس صحیح آن ۴- تابعیت شرکت ۵- مقدار سرمایه شرکت در تاریخ تقاضا. ۶- آخرین بیلان شرکت مشروط بر این که قوانین جاریه و یا عرف تجاری مملکت اصلی شرکت و یا اساسنامه خود شرکت انتشار بیلان شرکت را مقرر کرده باشد. ۷- در چه محل و در چه تاریخ و در نزد کدام مقام صلاحیت‌دار شرکت تقاضاکننده مطابق قوانین مملکت اصلی خود ثبت شده است ۸- شرکت به چه نوع امر صنعتی یا تجاری یا مالی در ایران مبادرت می‌کند. ۹- شعب آن در کدامیک از نقاط ایران موجود است ۱۰- نماینده عمده شرکت در ایران کیست و اگر شرکت چند نماینده مستقل دارد نمایندگان مستقل شرکت در ایران چه اشخاصی هستند. ۱۱- اسم و آدرس صحیح شخص یا اشخاصی که مقیم در ایران بوده و برای دریافت کلیه ابلاغات مربوطه به شرکت صلاحیت دارند. ۱۲- تعهد به این که همه ساله یک نسخه از آخرین بیلان شرکت را در صورتی که بیلان مزبور مطابق فقره ششم این ماده قابل انتشار باشد به دایره ثبت شرکتها بدهد. ماده ۷- سواد اساسنامه شرکت و اختیارنامه نماینده عمده آن در ایران و اگر شرکت چند نماینده مستقل در ایران داشته باشد اختیارنامه آن نمایندگان و همچنین آخرین بیلان شرکت باید در مرکز اصلی شرکت به توسط شخص یا اشخاصی که از طرف شرکت حق امضا دارند تصدیق گردد. امضای آن شخص یا اشخاص باید به تصدیق مقامات صلاحیت‌دار مملکتی که امضا در آنجا واقع شده و نماینده سیاسی یا قنسولی ایران در مملکت مزبور و یا نماینده سیاسی یا قنسولی دولت متبوع شرکت در ایران برسد. ماده ۸- برای ثبت شعبه هر شرکت خارجی تقدیم مدارک ذیل لازم است ۱- اظهارنامه ثبت به فارسی ۲- سواد مصدق سند ثبت خود شرکت در ایران ۳- سواد مصدق از اختیار (نامه نماینده که مدیر شعبه است تبصره - ممکن است تقاضای ثبت شعبه در ضمن تقاضای ثبت خود شرکت به عمل آید در این صورت تقدیم سواد مصدق سند ثبت خود شرکت لازم نخواهد بود. ماده ۹- اگر علاوه بر نماینده یا نمایندگانی که اسم آنها مطابق ماده ۶ با خود شرکت ثبت شده و یا نمایندگانی که مدیریت شعبه را داشته و اسم آنها مطابق ماده ۸ در موقع ثبت شعبه به ثبت رسیده است شرکت خارجی در ایران نمایندگانی داشته باشد که حق امضا از طرف آن دارند اسم نمایندگان مزبور نیز باید ثبت شود معذالک ثبت اسامی مستخدمین جز که حق امضا دارند از قبیل محاسب و وکیل و غیره اجباری نیست ماده ۱۰- هرگاه یکی از نکات مذکور در فقره ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۸ و ۱۰ و ۱۱ ماده شش تغییر یابد این تغییر نیز باید در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت برسد. ماده ۱۱- اگر شعبه جدیدی تاسیس و یا نمایندگان جدیدی معین شود تاسیس شعب و یا تعیین نمایندگان مزبور نیز باید در اداره ثبت اسناد تهران ثبت شود. ماده ۱۲- اگر نماینده عمده شرکت در ایران تغییر یابد قائم مقام از برای ثبت سمت خود باید اسناد ذیل را به دایره ثبت شرکتها تقدیم کند ۱- اظهارنامه به زبان فارسی که شخصا امضا کرده باشد. ۲- سواد اختیارنامه مطابق ماده ۷. ماده ۱۳- کلیه اوراقی که مطابق مواد فوق لازم است به تقاضانامه ها منضم گردد باید به فارسی تهیه شده و یا یک ترجمه مصدق از آن به فارسی ضمیمه آن شود. ماده ۱۴- در دایره ثبت شرکتها دفتر مخصوصی برای ثبت شرکتهای خارجی خواهد بود و شرکتهای مزبور باید در این دفتر به ترتیب تقاضا و در تحت نمره ترتیبی ثبت شوند. ماده ۱۵- در دفتر مذکور در ماده فوق باید برای ثبت هر شرکت لااقل ۴ صفحه سفید تخصیص داده شود و کلیه شعب شرکت که تقاضای ثبت آن می‌گردد و همچنین تغییراتی که باید مطابق این نظامنامه به ثبت برسد به تدریجی که حاصل می‌شود ذیل ثبت خود شرکت و در صفحات مذکوره فوق ثبت خواهد شد. ماده ۱۶- علاوه بر صفحات سفیدی که بر طبق ماده ۱۵ مقرر است برای هر شرکت خارجی باید دوسیه مخصوصی تشکیل داده شود. در دوسیه مزبور برای خود شرکت و هر یک از شعب آن در ایران یک لفافه تخصیص داده خواهد شد. اظهارنامه و هر سندی که ضمیمه آن است در لفاف مخصوص شرکت یا شعبه آن ضبط می‌گردد. پس از آن یک نسخه از هر اظهارنامه دیگری که راجع به تغییرات باشد و همچنین کلیه اوراق که راجع به آن شرکت یا شعبه یا نماینده آن باشد در دوسیه مزبور و در لفاف مخصوص خود ضبط خواهد شد. ماده ۱۷- دایره ثبت شرکتها باید برای هر اظهارنامه رسیدی با قید تاریخ وصول اظهارنامه بدهد. ماده ۱۸- پس از ثبت شرکت و هر

یک از شعب آن اداره ثبت اسناد باید تصدیقی مشعر بر ثبت شرکت یا شعبه آن به تقاضا کننده بدهد. تصدیق مزبور باید حاوی مراتب ذیل باشد ۱- نام کامل شرکت ۲- نوع شرکت از سهامی و ضمانتی و مختلط و غیره ۳- مرکز اصلی شرکت و آدرس صحیح آن ۴- تابعیت شرکت ۵- مقدار سرمایه شرکت در تاریخ تقاضا. ۶- در چه محل و در چه تاریخ و در نزد کدام مقام صلاحیت دار شرکت تقاضا کننده مطابق قوانین مملکت اصلی خود ثبت شده است ۷- شرکت به چه نوع امر صنعتی یا تجاری یا مالی در ایران مبادرت می کند. ۸- تاریخ ثبت ۹- امضای مدیر کل ثبت اسناد مملکتی تبصره - هرگاه تصدیق راجع به ثبت شعبه باشد باید علاوه بر مراتب فوق در تصدیق نامه محل شعبه نیز قید شود. ماده ۱۹- سواد مصدق از تصدیق ثبت هر شعبه شرکت خارجی باید توسط اداره کل ثبت به اداره ثبت اسناد محلی که شعبه در آنجا دایر بوده و یا می شود ارسال گردد و اگر در آن محل ثبت اسناد نباشد سواد مزبور به دفتر محکمه ابتدایی آن محل فرستاده خواهد شد. ماده ۲۰- در ظرف یک ماه از تاریخ ثبت هر شرکت خارجی یا شعبه آن دایره ثبت شرکتها باید مراتب ذیل را به خرج خود شرکت در مجله رسمی وزارت عدلیه و یکی از روزنامه های یومیه تهران به تعیین وزارت عدلیه منتشر نماید ۱- خلاصه اساسنامه شرکت ۲- اسم نماینده عمده شرکت در ایران و اگر شرکت در ایران چند نفر نماینده مستقل داشته باشد اسم همه آنها. ۳- اسم اشخاصی که از طرف شرکت حق امضا دارند. ۴- اسم شخص یا اشخاص مقیم در ایران که برای دریافت کلیه ابلاغات مربوطه به شرکت صلاحیت دارند. ماده ۲۱- مراتب مذکور در ماده فوق باید در یکی از روزنامه های محلی نیز منتشر شود که شعبه شرکت در آنجا دایر بوده و یا تاسیس می شود و اگر در آن محل روزنامه نباشد این انتشار باید در یکی از روزنامه های یومیه تهران و با قید این که مربوط به کدام شعبه است به عمل آید. انتشارات مذکور در این ماده نیز به توسط دایره ثبت شرکتها و به خرج خود شرکت به عمل خواهد آمد. ماده ۲۲- هر شرکت خارجی که اظهارنامه ثبت را با شرایط و در مواعد مقرر در قانون ثبت شرکتها و این نظامنامه تقدیم نماید از مهلت های ذیل بهره مند خواهد شد الف- برای تقاضای ثبت شعب و اسم نمایندگانی که در ایران مشغول تجارت بوده و در ضمن اظهارنامه راجع به ثبت خود شرکت نسبت به آنها اظهارنامه تقدیم نشده باشد یک ماه از تاریخ ثبت خود شرکت ب- برای تقاضای ثبت شعب یا نمایندگانی که ممکن است بعد از ثبت خود شرکت در ایران تشکیل و یا معین گردند یک ماه از تاریخ تشکیل یا تعیین آنها. ج- برای تقاضای ثبت تغییرات حاصله در شعب شرکت یا نمایندگانی که در ایران دارد که از آن جمله نماینده عمده شرکت و نمایندگان مستقل دیگر شرکت در ایران است و همچنین برای تغییر شخص یا اشخاصی که برای دریافت کلیه ابلاغات راجعه به شرکت صلاحیت دارند دو ماه از تاریخ تغییر. د- برای تغییرات حاصله در خود شرکت سه ماه از تاریخ تغییر، اگر مرکز اصلی شرکت در آسیا به استثنای شرق اقصی و یا در اروپا و یا آمریکای شمالی باشد و چهار ماه اگر در سایر ممالک باشد. ماده ۲۳- مقصود از نماینده عمده شرکت خارجی که در قانون ثبت شرکتها مذکور است کسی است که شرکت خارجی به او اختیار لازم داده و تعهدات او به سمت نمایندگی شرکت، تعهدات خود شرکت محسوب می شود. ماده ۲۴- مقررات ماده ۷ در مورد بیلان سالانه شرکت نیز که مطابق فقره دوازده ماده شش این قانون باید همه ساله به دایره ثبت شرکتها تسلیم شود رعایت خواهد شد. ماده ۲۵- ثبت شرکتهای ایرانی باید مطابق مقررات قانون تجارت به عمل آید و در مورد شرکتهای ایرانی که در ۱۵ خردادماه ۱۳۱۰ به ثبت نرسیده باشند مطابق ماده دوم قانون ثبت شرکتها تا آخر شهریور ماه ۱۳۱۰ برای ثبت مهلت داده خواهد شد. این مهلت ممکن است مطابق ماده مزبور تمدید شود. ماده ۲۶- مراجعه به دفاتر ثبت شرکتها اعم از ایرانی و خارجی برای عموم مردم آزاد و هر ذی نفعی می تواند از مندرجات آن سواد مصدق تحصیل کند. ماده ۲۷- شرکتهای بیمه عمر اعم از ایرانی و خارجی نمی توانند در ایران اقدام به عملیات نمایند مگر این که قبلا از دولت تحصیل اجازه کرده و بعد به ثبت رسیده باشند. ماده ۲۸- شرکتهای بیمه از هر قبیل و اعم از ایرانی و خارجی مکلفند کلیه قراردادهای مربوطه به بیمه را به زبان فارسی یا با ترجمه به زبان فارسی تنظیم نمایند و در مقابل بیمه شدگان ایرانی فقط متن فارسی سندیت خواهد داشت مفاد این ماده در مورد قراردادهای بیمه ای رعایت خواهد شد که از اول اسفندماه ۱۳۱۰ به بعد منعقد

گردد. ماده ۲۸ مکرر - قراردادهای بیمه بحری که در ایران صادر ولی وجه آن در صورت حدوث خسارت باید در خارجه پرداخته شود تابع ماده قبل نبوده و قراردادهای مذکور را می‌توان به زبان غیر فارسی صادر نمود. ماده ۲۹ - مادام که برای شرکت‌های بیمه نظامنامه مخصوصی مقرر نشده است ثبت شرکت‌های مزبور به استثنای شرکت‌های بیمه مطابق مقررات قانون ثبت شرکتها و این نظامنامه خواهد بود. ماده ۳۰ - حق الثبت شرکتها که به موجب ماده ۱۰ قانون ثبت شرکتها اخذ می‌شود باید در حین تسلیم اظهارنامه تادیه گردد. مواد ۳۱ و ۳۲ ملغی شده ماده ۳۳ - این نظامنامه از تاریخ ۱۵ خردادماه ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذاشته خواهد شد. ماده ۳۴ - شرکت‌های منعقدہ بین کسبه جز که اطلاق تاجر به آنها نمی‌شود و مطابق مقررات نمره ۷۰۴۴ مورخ ۱۵ خرداد ۱۳۱۱ وزارت عدلیه تشخیص و تعیین شده‌اند در عداد شرکت‌های تجارتي نبوده و به عنوان قرارداد مطابق مقررات قانون ثبت اسناد در دفاتر اسناد رسمی باید به ثبت برسد. ماده الحاقی - در مورد شرکت‌های فرعی که از طرف یک شرکت تشکیل داده می‌شود، اگر اکثریت سهام شرکت‌های فرعی متعلق به شرکت اصلی است هر شرکت فرعی از حیث ثبت در حکم شعبه شرکت اصلی خواهد بود. در صورتی که تمام سهام شرکت فرعی متعلق به شرکت اصلی باشد حق الثبت فقط از سرمایه شرکت اصلی ماخوذ می‌گردد اگر قسمتی از سهام شرکت فرعی متعلق به شرکت اصلی نباشد از آن قسمت حق الثبت جداگانه اخذ خواهد شد. از تاریخ اجرای این نظامنامه، نظامنامه شماره ۷۰۴۴ مورخ ۱۵ خرداد ۱۳۱۱ وزیر عدلیه لغو می‌شود.

آیین نامه ماده ۸ قانون ثبت شرکت ها در مورد شرکت‌های بیمه - مصوب ۱۳۱۰۹۶ شماره ۲۵۷۵۹ با اصلا

مصوب ۱۳۱۰۹۶ شماره ۲۵۷۵۹ با اصلاحات ماده ۱ - مدتی که به موجب ماده ۲۸ نظامنامه اجرا قانون ثبت شرکت ها برای تنظیم قراردادهای بیمه به زبان فارسی معین شده است تا اول اسفند ماه ۱۳۱۰ تمدید میشود و شرکت های بیمه از هر قبیل اعم از ایرانی و خارجی مکلف هستند که از تاریخ مزبور قرار دادهای مربوطه به بیمه را به زبان فارسی یا با ترجمه به زبان فارسی تنظیم کنند. ماده ۲ - شرکت‌های بیمه خارجی از هر قبیل مکلفند در صورتی که بخواهند عملیات خود را در ایران ترک نمایند و یا در صورتی که به علت ورشکستگی یا به هر علت دیگری اصلا از ادامه عملیات خود صرف نظر کنند مراتب را کتبا به وزارت عدلیه اطلاع دهند. وزارت عدلیه باید برای تصفیه امور شرکت‌های مزبوره در ایران مراتب را سه دفعه متوالی و به فاصله بیست روز هر دفعه در مجله رسمی و یکی از جراید کثیرالانتشار تهران به خرج شرکت اعلان نماید. ماده ۳ - شرکت های مزبور در ماده فوق باید صورت کاملی از کلیه اسناد بیمه که صاحبان آنها در ضمن جریان تصفیه خود را معرفی نکرده‌اند و همچنین اسناد بیمه که صاحبان آنها غایب بوده و یا بدون وراثت معروف شرکت وفات کرده‌اند به وزارت عدلیه تسلیم نمایند. وجوهی که شرکت باید به اشخاص مذکور فوق بدهد اعم از اینکه وجوه مزبور عبارت باشد از حق بیمه‌هایی که تا آن تاریخ دریافت شده است و باید مسترد شود یا غیر آن در بانک معتبری که وزارت عدلیه در هر مورد کتبا به شرکت معرفی مینمایند ودیعه گذاشته شده و به تدریجی که صاحبان اسناد که در وجوه مزبور میباشند خود را معرفی مینمایند به آنها مسترد خواهد گردید. هر قسمت از وجوه مزبور که تا ده سال از تاریخ اولین اعلان مذکور در ماده ۲ صاحبان اسناد بیمه دریافت ننموده باشند متعلق به دولت خواهد شد. وزارت عدلیه میتواند به وسیله ماموری که معین میکند در امر تصفیه نظارت کند. ماده ۴ - صاحبان اسناد بیمه که در ضمن جریان تصفیه خود را معرفی نموده باشند میتوانند یا تقاضا نمایند که حق بیمه آنها تماما مسترد شود و یا شرکت در ایران ضامن معتبری بدهد که از عهده کلیه تعهداتی که شرکت در مقابل صاحبان اسناد بیمه تقبل کرده است بر آید مگر در مورد ورشکستگی یا انحلال شرکت که در این صورت مطابق قوانین مربوطه رفتار خواهد شد.

قانون حق الثبت شرکت‌های بیمه - مصوب ۱۳۱۰۹۶ کمیسیون قوانین عدلیه

ماده ۱ - مقررات ماده (۱۰) قانون ثبت شرکت ها مصوب ۳۲ ۱۳۱۰ در آن قسمتی که راجع به حق الثبت خود شرکت است شامل شرکتهای بیمه نخواهد بود و شرکتهای مزبور باید حقوق ذیل را تادیه نمایند (اصلاحی ۳۲۵ ۱۳۶۷ هیات وزیران - برای ثبت خود شرکت ۳۰۰۰۰۰۰ ریال برای معاملات شرکت الف - در بیمه بر ضد حریق ۱ - اگر سند بیمه (پلیس بیمه) برای مدتی بیش از سه ماه صادر شود یک دینار برای هر چهارصد ریال قیمت مال بیمه شده یا کسر آن در هر سال یا کسر سال ۲ - اگر سند بیمه برای سه ماه یا کمتر صادر شود یک دینار برای هر هشتصد ریال قیمت مال بیمه شده یا کسر آن ب - در سایر بیمه ها ده دینار برای هر بیست ریال حق بیمه یا کسر آن که شرکت اخذ می کند. ج - برای تصدیقات موقتی ده دینار از هر تصدیق هر گاه مبلغ بیمه شده در اوراق و اسناد فوق معین نشده باشد هر یک دینار حق بیمه را باید در مقابل ده ریال قیمت مال بیمه شده محسوب داشت هر گاه مدت بیمه ذکر نشده باشد مدت آن یک سال محسوب خواهد شد. تبصره ۱ - در موقع تجدید سند بیمه باید مطابق مقررات فوق حق الثبت تادیه شود. تبصره ۲ - تادیه حقوق مذکور در این ماده به عهده خود شرکت است و شرکت به هیچ وجه حق ندارد به وسیله ازدیاد میزان حق بیمه یا به طریق دیگر آن را از بیمه شدگان اخذ کند. هر قراردادی که با بیمه شدگان برخلاف این ترتیب داده شود در قسمتی که مخالف این تبصره است باطل بوده و به علاوه ممکن است موجب الغای اجازه عملیات شرکت بشود. تبصره ۳ - به هر سند بیمه یا تصدیق باید معادل حقوق قانونی تمبر الصاق شود والا سه برابر حق تمبر از شرکت گرفته خواهد شد. وصول این وجه به طریق اداری و بدون مراجعه به محکمه خواهد بود. اگر سند بیمه در نسخ متعدد تنظیم شده باشد تمبر به نسخه الصاق می شود که به صاحب سند بیمه باید تسلیم گردد و در سایر نسخ باید قید نمود که تمبر به نسخه مزبور الصاق شده است به هر یک از سایر نسخ نیز باید معادل یک دینار تمبر الصاق گردد. ماده ۲ - این قانون از ۱۵ ۹ ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذارده می شود.

آیین نامه قانون ثبت شرکت های بیمه - مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱

مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ ماده ۱ - هیچ شخص یا موسسه‌ای نمی تواند در ایران سفارش بیمه گرفته و در خارجه آن را اجرا نماید مگر اینکه موسسه بیمه ک ننده قبلا در ایران به ثبت رسیده باشد، در این صورت نیز سند بیمه صادر از خارجه باید بر طبق مقررات قوانین و نظامات ایران تمبر شود. ماده ۲ - در کلیه معاملات بیمه هر گاه مشتری خارجه باشد سند بیمه ممکن است به زبان خارجه صادر شود و ترجمه آن ضروری نخواهد بود. ماده ۳ - کلیه موسسات بیمه که خواه مستقیما و خواه به طور غیر مستقیم در ایران معامله می نمایند باید یک نسخه از فرمول های سند بیمه که استعمال می کنند به زبان ملی خود (یا به زبان خارجه‌ای که در مرکز اصلی خود به کار می برند) با ترجمه آن به فارسی به اداره ثبت شرکت ها تسلیم دارند. در صورت بروز اختلاف بین موسسه بیمه و مشتری فقط متن و ترجمه مزبور سندیت خواهد داشت مگر اینکه بین متن و ترجمه فارسی اختلاف باشد که در آن صورت هر یک از آنها که به نفع مشتری باشد معتبر خواهد بود. هر گاه در مقررات سند بیمه تغییراتی داده شود بدون اینکه فرمول مربوط به آن تغییرات به اداره ثبت تسلیم گردد موسسه بیمه کننده نمی تواند به تغییرات مزبور استناد کند لیکن استناد به آن تغییرات بر علیه موسسه مزبور جایز است

نظامنامه ثبت شرکتهای بیمه - مصوب ۱۳۱۰۹۶

مصوب ۱۳۱۰ ۹۶ نظر به ماده ۸ قانون ثبت شرکت ها مصوب دوم خرداد ماه ۱۳۱۰ شمسی مواد ذیل مقرر می شود ماده ۱ - (اصلاحی ۱۱۴ ۱۳۱۰ موضوع شماره ۳۱۶۷۲ مورخ ۱۱۴ ۱۳۱۰) مدتی که به موجب ماده ۲۸ نظامنامه اجرا قانون ثبت شرکتهای بیمه برای تنظیم قراردادهای بیمه به زبان فارسی معین شده است تا اول اسفندماه ۱۳۱۰ تمدید می شود و شرکتهای بیمه از هر قبیل اعم از

ایرانی و خارجی مکلف هستند که از تاریخ مزبور قراردادهای مربوطه به بیمه را به زبان فارسی یا با ترجمه به زبان فارسی تنظیم کنند. ماده ۲- شرکتهای بیمه خارجی از هر قبیل مکلفند در صورتی که بخواهند عملیات خود را در ایران ترک نمایند و یا در صورتی که به علت ورشکستگی یا به هر علت دیگری اصلا از ادامه عملیات خود صرف نظر کنند مراتب را کتبا به وزارت عدلیه اطلاع دهند. وزارت عدلیه باید برای تصفیه امور شرکتهای مزبوره در ایران مراتب را سه دفعه متوالی و به فاصله بیست روز هر دفعه در مجله رسمی و یکی از جراید کثیرالانتشار تهران به خرج شرکت اعلان نماید. ماده ۳- شرکتهای مزبور در ماده فوق باید صورت کاملی از کلیه اسناد بیمه که صاحبان آنها در ضمن جریان تصفیه خود را معرفی نکرده‌اند و همچنین اسناد بیمه که صاحبان آنها غایب بوده و یا بدون وراث معروف شرکت وفات کرده‌اند به وزارت عدلیه تسلیم نمایند. وجوهی که شرکت باید به اشخاص مذکور فوق بدهد اعم از اینکه وجوه مزبور عبارت باشد از حق بیمه‌هایی که تا آن تاریخ دریافت شده است و باید مسترد شود یا غیر آن در بانک معتبری که وزارت عدلیه در هر مورد کتبا به شرکت معرفی می‌نماید ودیعه گذاشته شده و به تدریجی که صاحبان اسناد که در وجوه مزبور محق می‌باشند خود را معرفی می‌نمایند به آنها مسترد خواهد گردید. هر قسمت از وجوه مزبور که تا ده سال از تاریخ اولین اعلان مذکور در ماده ۲ صاحبان اسناد بیمه دریافت ننموده باشند متعلق به دولت خواهد شد. وزارت عدلیه می‌تواند به وسیله ماموری که معین می‌کند در امر تصفیه نظارت کند. ماده ۴- صاحبان اسناد بیمه که در ضمن جریان تصفیه خود را معرفی نموده باشند می‌توانند یا تقاضا نمایند که حق بیمه‌های آنها تماما مسترد شود و یا شرکت در ایران ضامن معتبری بدهد که از عهده کلیه تعهداتی که شرکت در مقابل صاحبان اسناد بیمه تقبل کرده است برآید مگر در مورد ورشکستگی یا انحلال شرکت که در این صورت مطابق قوانین مربوطه رفتار خواهد شد.

نظامنامه ثبت فرمولهای سند بیمه صادره شرکت های بیمه خارجی - مصوب ۱۳۱۱ ۲۱

مصوب ۱۳۱۱ ۲۱ وزارت عدلیه نظر به ماده ۸ قانون ثبت شرکتهای مقرر می‌دارد ماده ۱- هیچ شخص یا موسسه ای نمی‌تواند در ایران سفارش بیمه گرفته و در خارجه آن را اجرا نماید مگر اینکه موسسه بیمه کننده قبلا- در ایران به ثبت رسیده باشد در این صورت نیز سند بیمه صادر از خارجه باید بر طبق مقررات قوانین و نظامات ایران تمبر شود. ماده ۲- در کلیه معاملات بیمه هرگاه مشتری خارجی باشد سند بیمه ممکن است به زبان خارجه صادر شود و ترجمه آن ضروری نخواهد بود. ماده ۳- کلیه موسسات بیمه که خواه مستقیما و خواه به طور غیرمستقیم در ایران معامله می‌نمایند باید یک نسخه از فرمولهای سند بیمه که استعمال می‌کنند به زبان ملی خود (یا به زبان خارجه ای که در مرکز اصلی خود به کار می‌برند) با ترجمه آن به فارسی به اداره ثبت شرکتهای تسلیم دارند. در صورت بروز اختلاف بین موسسه بیمه و مشتری فقط متن و ترجمه مزبور سندیت خواهد داشت مگر اینکه بین متن و ترجمه فارسی اختلاف باشد که در این صورت هر یک از آنها که به نفع مشتری باشد معتبر خواهد بود. هرگاه در مقررات سند بیمه تغییراتی داده شود بدون اینکه فرمول مربوط به آن تغییرات به اداره ثبت تسلیم گردد موسسه بیمه کننده نمی‌تواند به تغییرات مزبور استناد کند لیکن استناد به آن تغییرات بر علیه موسسه مزبور جایز است

آیین نامه دفتر ثبت تجاری - مصوب فروردین ۱۳۲۵

مصوب فروردین ۱۳۲۵ وزارت دادگستری نظر به مواد ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ مقرر می‌دارد ماده ۱- در هر محلی که اداره یا دایره یا شعبه ثبت تشکیل شده یا می‌شود به منظور ثبت نام بازرگانان و بنگاه های بازرگانی و شرکت های تجاری دفتر مخصوصی به نام دفتر ثبت تجاری تاسیس خواهد شد. تبصره ۱- صفحات دفاتر مزبور را باید در بدو امر دادستان

محل یا نماینده او شماره گذاری کرده و به امضای خود و مهر دادسرا ممهور و مجموع عده صفحات را با تمام حروف در اول و آخر هر دفتر با ذکر تاریخ قید کند. تبصره ۲- در دفتر مزبور برای ثبت هر شماره یک صفحه تخصیص داده خواهد شد. ماده ۲- کلیه بازرگانان و بنگاه‌های بازرگانی و شرکت‌های تجارتی ایرانی و خارجی که مرکز اصلی آنها یا تجارتخانه آنها در ایران بوده و یا اینکه در خارجه باشد ولی در ایران شعبه یا شعبی دارند باید نام خود را طبق مقررات این آیین نامه در دفتر مذکور در ماده یک به ثبت برسانند. ماده ۳- کلیه بازرگانان و بنگاه‌های بازرگانی و شرکت‌های مذکور در ماده ۲ که در تاریخ اجرای این آیین نامه در هر محل به شغل بازرگانی اشتغال دارند مکلفند در ظرف ۳ ماه از تاریخ نشر آگهی مذکور اظهار نامه خود را طبق ماده ۶ این آیین نامه تنظیم و به ثبت محل تسلیم نمایند. مهلت اظهارنامه تا آخر مهر ماه ۱۳۲۵ تمدید می‌گردد. ماده ۴- بازرگانان و بنگاه‌های بازرگانی و شرکت‌های تجارتی که پس از مدت مذکور در ماده سه به شغل بازرگانی اشتغال ورزیده یا تاسیس می‌شوند در ظرف یک ماه از تاریخ شروع به کار یا تاسیس مکلف به تسلیم اظهار نامه مذکور در ماده فوق می‌باشند. ماده ۵- اظهار نامه باید در سه نسخه روی نمونه‌های چاپی مخصوص که از متصدی دفتر ثبت تجارتی محل گرفته می‌شود تنظیم و به همان دفتر تسلیم و رسید گرفته شود. ماده ۶- در اظهار نامه باید نکات زیر به ترتیبی که شماره گذاری شده نوشته شود ۱- نام و نام خانوادگی بازرگان و رییس بنگاه و مدیران شرکت و اسم تجارتخانه یا بنگاه یا شرکت ۲- تاریخ و محل تولد و شماره شناسنامه و محل صدور آن ۳- تابعیت اصلی و تابعیت فعلی در صورتی که تابعیت دیگری را تحصیل نموده باشد. تاریخ و طرز تحصیل تابعیت ثانوی باید قید شود. ۴- تاریخ ورود به ایران و شماره و محل صدور پروانه اقامت (اگر اظهارکننده تبعه خارجه باشد). ۵- محل اقامت شخصی محل تجارتخانه یا بنگاه (نشانی کامل محل مرکز اصلی شرکت و شعبات آن ۶- میزان سرمایه در شرکت‌های تجارتی ۷- شماره ثبت منگنه و پلمپ دفاتر تجارتی که به موجب مواد ۶ و ۱۲ قانون تجارت به عمل آمده است ۸- شماره تلفن، عنوان تلگرافی، کتاب رمز تجارتی (اگر داشته باشد) ۹- رشته تجارت (تجارت داخلی یا تجارت خارجی یا هر دو). ۱۰- قید شماره ثبت علایم تجارتی (چنانچه داشته باشد) تبصره ۱- در اظهارنامه شرکت یا تجارتخانه و یا بنگاهی که به تجارت خارجی اشتغال دارد باید تعیین شود که وارد کننده است یا صادرکننده یا حق العمل کار یا هر سه و حتی الامکان ارقام کالاهای عمده ای که اختصاصا صادر یا وارد می‌نماید باید معین گردد. تبصره ۲- در اظهارنامه شرکت یا تجارتخانه یا بنگاهی که منحصررا به معاملات داخلی اشتغال دارد باید نوع معاملات و ارقام کالاهایی که معمولا مورد معامله می‌باشد تعیین شود. ماده ۷- متصدی دفتر ثبت تجارتی مکلف است مفاد اظهارنامه را در ظرف ده روز در دفتر خود ثبت و ذیل هر سه نسخه شماره ثبت و تاریخ و اسم دفتر ثبت تجارتی محل را قید و یک نسخه را با تصدیق به اینکه اظهار نامه مزبور ثبت شده است امضا و مهر نموده به اظهار کننده تسلیم نماید و نسخه دیگر را به وزارت بازرگانی و پیشه و هنر ارسال دارد. ماده ۸- هر نوع تغییر و تبدیلی که هر یک از بندهای ماده ۶ این آیین نامه پس از ثبت اظهار نامه به عمل آید و همچنین در صورت توقف و انحلال اظهارکننده مکلف است تغییرات حاصله را در سه نسخه تهیه و به دفتر ثبت محلی که شرکت یا بنگاه و یا تجارتخانه در آن ثبت شده است تسلیم نماید که در دفتر ثبت تجارتی قید و مراتب به وزارت بازرگانی و پیشه و هنر اعلام گردد. تبصره- در صورت تغییر محل مرکز اصلی شرکت یا شعبه آن و محل تجارتخانه و یا بنگاه باید تغییر مزبور به دفتر ثبت تجارتی مربوطه اطلاع داده شود و متصدی دفتر مزبور پس از ثبت تغییر در ذیل ثبت اصلی گواهی نامه شامل اطلاعات مربوط به ثبت مزبور به اظهار کننده تسلیم می‌نماید که به دفتر ثبت تجارتی محل منتقل الیه داده و در دفتر ثبت تجارتی محل جدید ثبت نماید. ضمنا متصدی دفتر وزارت بازرگانی و پیشه و هنر را هم از آن تغییر آگاه خواهد نمود. ماده ۹- در صورتی که مدیر شرکت یا بازرگان یا رییس بنگاه فوت نماید قائم مقام او مکلف است منتهی در ظرف شش ماه مراتب را به دفتر ثبت تجارتی مربوط اطلاع دهد. در این اطلاع نامه باید وضعیت شرکت یا تجارتخانه یا بنگاه بعد از فوت تصریح و معین شود که در اثر فوت نسبت به هیات مدیره چه تصمیمی اتخاذ گردیده و آیا تجارتخانه بر چیده شده یا این که عملیات به وسیله وراثت یا قائم

مقام متوفی تعقیب خواهد شد. در این صورت قایم مقام متوفی باید خود را معرفی و اطلاعاتی را که در بندهای یک تا شش ماده ۶ این آیین نامه تصریح شده است در اظهارنامه خود توضیح دهد. متصدی دفتر ثبت تجاری مراتب را ذیل ثبت اولیه تجارخانه ثبت کرده و یک نسخه از اظهارنامه را طبق ماده ۷ این آیین نامه به اظهار کننده تسلیم نموده نسخه دیگر را به وزارت بازرگانی و پیشه و هنر ارسال می‌دارد. ماده ۱۰ - هر بازرگان و یا رییس بنگاه بازرگانی و یا شرکتی که طبق مقررات این آیین نامه اسم خود را ثبت می‌نماید مکلف است در سر لوحه کاغذهای تجاری و سیاهه های فروش و یادداشت ها و برگه های سفارش و هر نوع اسناد و مطبوعات تجاری که به کار می‌برد ضمن درج عنوان تجاری شماره ثبت دفتر ثبت تجاری را نیز قید نماید. ماده ۱۱ - در هر محل که وزارت دادگستری مقتضی بداند دستور اجرای این آیین نامه را خواهد داد و اجرای آن به وسیله نشر آگهی در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محل به اطلاع عموم خواهد رسید. ماده ۱۲ - اجرای این آیین نامه در تهران به عهده دایره ثبت شرکت ها و در شهرستان ها به عهده ادارات ثبت می‌باشد.

قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت های خارجی - مصوب ۲۱ ۸ ۱۳۷۶

ماده واحده - شرکت های خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند مشروط به عمل متقابل از سوی کشور متبوع می‌توانند در زمینه هایی که توسط دولت جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود در چهارچوب قوانین و مقررات کشور به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام کنند. تبصره - آیین نامه اجرایی این قانون بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی با هماهنگی سایر مراجع ذیربط به تصویب هیات وزیران خواهد رسید

آیین نامه اجرایی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت های خارجی - مصوب ۱۱ ۱ ۱۳۷۸

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۱ ۱ ۱۳۷۸ بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد تبصره ماده واحده قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی - مصوب ۱۳۷۶ - آیین نامه اجرایی قانون مذکور را به شرح زیر تصویب نمود ماده ۱ - شرکتهای خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند مشروط به عمل متقابل در کشور متبوع ، می‌توانند برای فعالیت در ایران در زمینه های زیر براساس مقررات این آیین نامه و سایر قوانین و مقررات مربوط نسبت به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام نمایند ۱ - ارایه خدمات بعد از فروش کالاها یا خدمات شرکت خارجی ۲ - انجام عملیات اجرایی قراردادهایی که بین اشخاص ایرانی و شرکت خارجی منعقد می‌شود. ۳ - بررسی و زمینه سازی برای سرمایه گذاری شرکت خارجی در ایران ۴ - همکاری با شرکت های فنی و مهندسی ایرانی برای انجام کار در کشورهای ثالث ۵ - افزایش صادرات غیر نفتی جمهوری اسلامی ایران ۶ - ارایه خدمات فنی و مهندسی و انتقال دانش فنی و فن آوری ۷ - انجام فعالیت هایی که مجوز آن توسط دستگاه های دولتی که به طور قانونی مجاز به صدور مجوز هستند ، صادر می‌گردد، از قبیل ارایه خدمات در زمینه های حمل و نقل ، بیمه و بازرسی کالا- ، بانکی ، بازاریابی و غیره ماده ۲ - شعبه شرکت خارجی ، واحد محلی تابع شرکت اصلی است که مستقیماً موضوع و وظایف شرکت اصلی را در محل ، انجام می‌دهد. فعالیت شعبه در محل تحت نام و با مسئولیت شرکت اصلی خواهد بود. ماده ۳ - شرکت های خارجی متقاضی ثبت شعبه در ایران موظفند اطلاعات و مدارک زیر را به همراه درخواست کتبی خود به اداره کل ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی ارایه نمایند. ۱ - اساسنامه شرکت ، آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبت شده در مراجع ذیربط ۲ - آخرین گزارش مالی تایید شده شرکت ۳ - گزارش توجیهی حاوی اطلاعات مربوط به فعالیت های شرکت و تبیین دلایل و ضرورت ثبت شعبه در ایران ، تعیین نوع و حدود اختیارات و محل فعالیت شعبه ، برآورد نیروی انسانی ایرانی و خارجی مورد نیاز ،

و نحوه تامین منابع وجوه ارزی و ریالی برای اداره امور شعبه ماده ۴ - نماینده شرکت خارجی ، شخص حقیقی یا حقوقی است که براساس قرارداد نمایندگی انجام بخشی از موضوع و وظایف شرکت طرف نمایندگی را در محل برعهده گرفته است نمایندگی شرکت خارجی نسبت به فعالیت هایی که تحت نمایندگی شرکت طرف نمایندگی در محل انجام می پذیرد ، مسئولیت خواهد داشت ماده ۵ - اشخاص حقیقی ایرانی یا اشخاص حقوقی که متقاضی ثبت نمایندگی شرکت خارجی در ایران هستند موظفند ، ترجمه فارسی اسناد و اصل مدارک و اطلاعات زیر را به همراه درخواست کتبی خود به اداره کل ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی ارایه نمایند ۱ - تصویر مصدق قرارداد موضوع ماده (۴) این آیین نامه ۲ - مدارک شناسایی شخص متقاضی ، برای اشخاص حقیقی تصویر شناسنامه و نشانی اقامتگاه قانونی و برای اشخاص حقوقی ، اساسنامه شرکت و آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبت شده آن نزد مراجع ذیربط ۳ - ارایه سابقه فعالیت شخص متقاضی ثبت نمایندگی ، در زمینه امور پیش بینی شده در قرارداد نمایندگی ۴ - اساسنامه شرکت خارجی طرف نمایندگی ، آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبت شده آن نزد مراجع ذیربط ۵ - گزارش فعالیت های شرکت خارجی طرف نمایندگی و تبیین دلایل و ضرورت اخذ نمایندگی ۶ - آخرین گزارش مالی تایید شده شرکت خارجی طرف نمایندگی ۷ - معرفی وزارتخانه ذی ربط ماده ۶ - اشخاصی که مجوز فعالیت آنها از سوی مراجع ذیصلاح لغو می شود مکلفند ، در مهلت تعیین شده توسط اداره ثبت شرکتها و مالکیت های صنعتی ، نسبت به انحلال شعبه یا نمایندگی و انجام امور تصفیه آن اقدام نمایند. تبصره - شرکت هایی که مجوز فعالیت آنها تمدید نمی شود، (۶) ماه مهلت دارند تا نسبت به انحلال شرکت ثبت شده و انجام امور تصفیه آن اقدام نمایند. ماده ۷ - شعبه شرکتهای خارجی که نسبت به ثبت شعبه خود در ایران اقدام نموده و به فعالیت می پردازند موظفند ، هر سال گزارش سالانه شرکت اصلی مشتمل بر گزارش های مالی حسابرسی شده توسط حسابرسان مستقل مقیم در کشور متبوع را به دستگاه ذیربط ارایه نمایند. ماده ۸ - کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول این آیین نامه موظفند گزارش فعالیت شعبه یا نمایندگی در ایران را همراه با صورت های مالی حسابرسی شده خود ظرف مدت (۴) ماه پس از پایان سال مالی به دستگاه های ذی ربط ارسال دارند حسابرسی مذکور تا زمانی که آیین نامه اجرایی تبصره (۴) ماده واحده قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه ای حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی - مصوب ۱۳۷۲ - اعلام نشده است ، توسط سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی مورد قبول دستگاه ذیربط ، که شرکای آن افراد حقیقی تایید شده توسط اداره نظارت سازمان حسابرسی باشند ، انجام می گیرد. ماده ۹ - اداره امور شعبه یا نمایندگی ثبت شده طبق این آیین نامه ، باید توسط یک یا چند شخص حقیقی مقیم ایران انجام گیرد. ماده ۱۰ - به منظور برخورداری شرکت های خارجی از مزایای این آیین نامه و استمرار فعالیت آنها، شرکت های خارجی که تا قبل از لازم الاجرا شدن این آیین نامه ، در ایران ، از طریق شعبه یا نمایندگی خود فعالیت می کرده اند مکلفند ، اطلاعات و مدارک موضوع مواد (۳) و (۵) این آیین نامه را به دستگاه های ذیربط ارایه داده و وضعیت خود را با آیین نامه تطبیق دهند.

آیین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری - مصوب ۱۳۳۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی

مقدمه (مواد ۱ تا ۴)

ماده ۱ - مقصود از تشکیلات و موسسات غیر تجاری مذکور در ماده ۵۸۴ قانون تجارت کلیه تشکیلات و موسساتی است که برای مقاصد غیر تجاری از قبیل امور علمی یا ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می شود اعم از آنکه موسسین و تشکیل دهندگان قصد انتفاع داشته یا نداشته باشند . تبصره - تشکیلات و موسسات مزبور می توانند عناوینی از قبیل انجمن کانون یا بنگاه و امثال آن

اختیار نمایند ولی اتخاذ عناوینی که اختصاص به تشکیلات دولتی و کشوری دارد از طرف موسسات مزبور ممکن نخواهد بود. ماده ۲ - تشکیلات و موسسات مزبور از لحاظ انطباق با مقررات این آیین نامه به دو قسمت می‌شوند الف - موسساتی که مقصود از تشکیل آن جلب منافع و تقسیم آن بین اعضا خود نباشد. ب - موسساتی که مقصود از تشکیل آن ممکن است جلب منافع مادی و تقسیم منافع مزبور بین اعضا خود یا غیر باشد مانند کانون های فنی و حقوقی و غیره . ماده ۳ - ثبت تشکیلات و موسسات مزبور در تهران در اداره ثبت شرکت ها و در شهرستان ها در اداره ثبت مرکز اصلی آن به عمل خواهد آمد . تبصره - ثبت موسسات و تشکیلات غیرتجارتی که در خارج از کشور به ثبت رسیده است فقط در تهران در اداره ثبت شرکت ها به عمل خواهد آمد . ماده ۴ - موسسات و تشکیلات غیرتجارتی ثبت نشده که در ایران دارای فعالیت هستند موظف می‌باشند از تاریخ تصویب این آیین نامه ظرف دو ماه طبق مقررات مربوطه تقاضای ثبت نمایند . تبصره - اداره ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی به محض وصول تقاضای ثبت این قبیل موسسات و تشکیلات مراتب را با ذکر خصوصیات به وزارت امور خارجه اعلام می‌دارد و پس از موافقت آن وزارتخانه طبق مقررات اقدام به ثبت آنها خواهد نمود.

فصل اول - در تسلیم اظهارنامه و ثبت مجامع و موسسات غیرتجارتی (مواد ۵ تا ۹)

ماده ۵ - اظهارنامه ثبت تشکیلات و موسسات مزبور باید در دو نسخه به زبان فارسی تنظیم شده و دارای تاریخ و امضا حاوی نکات ذیل باشد الف - اسم و اقامتگاه و تابعیت و موضوع موسسه و مراکز و شعب آن . ب - اسم و اقامتگاه و شهرت اشخاصی که برای اداره کردن موسسات و تشکیلات معین شده‌اند . ج - اسم و اقامتگاه و تابعیت وکیل در صورتی که اظهارنامه به وسیله وکیل تنظیم شده باشد. د - تاریخ ثبت و محل و شماره ثبت و نام کشوری که موسسه در آن به ثبت رسیده در صورتی که موسسات یا تشکیلات مذکور در خارج از ایران به ثبت رسیده باشد . ه - تعیین ضمایم اظهارنامه ماده ۶ - اظهارنامه باید دارای ضمایم زیر باشد الف - نسخه اصلی یا رونوشت و کالت نامه در صورتی که تقاضا به توسط وکیل داده شده باشد. ب - رونوشت گواهی شده تصدیق کشوری که موسسات یا تشکیلات مزبور در آنجا به ثبت رسیده به انضمام ترجمه مصدق آن به فارسی ج - دونسخه اساسنامه و دونسخه ترجمه مصدق آن در صورتی که اصل اساسنامه به زبان خارجی باشد. د - دوصورت مجلس مجمع عمومی مبنی بر انتخاب هیات مدیره و معرفی کسانی که حق امضا دارند. ه - یک نسخه اجازه نامه حاصله شهربانی در صورتی که موضوع ثبت طبق مدلول ردیف الف از ماده ۲ این آیین نامه باشد. و - رسید پرداخت حق الثبت ماده ۷ - در صورتی که ظرف ۱۵ روز بعد از وصول اظهارنامه معلوم گردد که تقاضای ثبت دارای نواقصی باشد دفتر اداره ثبت شرکت ها به متقاضیاخطار می‌کند که نواقص را ظرف مدت پانزده روز رفع کند و چنانچه در ظرف مدت مذکور اقدامی برای رفع نواقص نکند و یا اصولاً تقاضای ثبت غیرقابل قبول باشد رییس اداره ثبت شرکت ها اقدام به رد آن خواهد کرد. در شهرستان ها این اقدام بر عهده ادارات ثبت می‌باشد . ماده ۸ - در صورتی که تقاضای ثبت قبول شود مراتب در دفتر مخصوصی ثبت و ورقه‌ای حاکی از تصدیق ثبت به تقاضاکننده داده می‌شود و خلاصه آن نیز به خرج متقاضی در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار برای اطلاع عموم منتشر خواهد گردید. ماده ۹ - موسسات و تشکیلات مذکور باید کلیه تغییراتی که در مورد اساسنامه و یا اشخاصی که حق امضا دارند و یا اقامتگاه قانونی آنها پیدا می‌شود ظرف یک ماه به اداره ثبت شرکت ها اطلاع دهند و مادام که اطلاع نداده اند استناد به آن تغییرات در مقابل اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود.

فصل دوم - در انحلال تشکیلات و موسسات غیرتجاری (مواد ۱۰ تا ۱۱)

ماده ۱۰ - در صورت انحلال موسسات و تشکیلات مذکور در این آیین نامه هر گاه انحلال اختیاری باشد تصفیه امور آن به توسط مدیر یا مدیران آن برطبق شرایط مقرر در اساسنامه به عمل می‌آید و در صورتی که در اساسنامه متصدی امر تصفیه و ترتیب آن معین نشده باشد مجمع عمومی باید در موقع تصمیم به انحلال یک نفر را برای تصفیه انتخاب کرده و حدود اختیارات او را معین کند. ماده ۱۱ - در صورتی که موسسه به موجب حکم محکمه منحل گردید و در اساسنامه متصدی امور تصفیه معین نشده باشد محکمه در ضمن حکم انحلال یک نفر را برای تصفیه معین می‌کند و در این قبیل موارد تصفیه امور مربوطه بر طبق قانون تجارت و تصفیه امور شرکت ها خواهد بود.

فصل سوم - حق الثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری (مواد ۱۲ تا ۱۴)

مواد ۱۲ و ۱۳ - منسوخ شده است ماده ۱۴ - این آیین نامه پس از ده روز از تاریخ انتشار در روزنامه رسمی کشور ایران قابل اجرا خواهد بود و آیین نامه شماره ۱۵۴۰۹ مورخ ۲۰ مرداد ۱۳۱۵ نسخ می‌شود .

ضوابط ثبت شرکت ها و مالکیت های صنعتی و معنوی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران

فصل اول - تعاریف (ماده ۱)

شماره ۲۱۴۵۳ ت ۱۵۰۱۱ ک - ۱۳۷۴ ۲ ۳۰ (روزنامه رسمی شماره ۱۴۶۳۰ ۳ ۸ ۱۳۷۴) فصل اول - تعاریف ماده ۱ - در این تصویبنامه واژه های زیر به جای عبارت های مشروح مربوط به کار می‌رود ۱-۱ - کشور جمهوری اسلامی ایران ۲-۱ - منطقه هر یک از مناطق آزاد تجاری - صنعتی ۳-۱ - سازمان سازمان هر یک از مناطق آزاد تجاری - صنعتی است که به موجب قانون تاسیس شده‌اند ۴-۱ - قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی مصوب ۶۷ ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی ۵-۱ - شورای عالی شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران ۶-۱ - واحد ثبتی مرجع ثبت شرکت ها و مالکیت های صنعتی و معنوی هر یک از سازمان های مناطق آزاد تجاری - صنعتی ۷-۱ - شعبه شرکت یا موسسه شعبه یک شرکت یا موسسه شخص حقوقی است که در منطقه توسط شرکت یا موسسه اصلی که خارج از منطقه ایجاد شده تشکیل شده است و اکثریت سهام آن متعلق به شرکت یا موسسه مذکور می‌باشد و این شخص حقوقی تازه تاسیس شرکت یا موسسه فرعی آن محسوب می‌شود. ۸-۱ - نماینده یک شرکت یا موسسه ، شخص حقوقی یا حقیقی است که آن شرکت یا موسسه به آن اختیارات لازم را داده است و تعهدات آن در سمت نمایندگی شرکت یا موسسه ، تعهدات شرکت یا موسسه اختیار دهنده محسوب می‌شود.

فصل دوم - ایجاد و وظایف واحد ثبتی (ماده ۲ تا ۳)

ماده ۲ - سازمان هر منطقه به منظور انجام امور ثبتی شرکت ها و مالکیت های صنعتی و معنوی در آن منطقه واحدی را به نام واحد ثبت شرکت‌ها و مالکیت های صنعتی و معنوی تاسیس می‌کند. ماده ۳ - وظایف واحد ثبتی عبارتند از ۱-۳ - ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری ایرانی و خارجی ۲-۳ - ثبت علائیم و اسامی تجاری و صنعتی ۳-۳ - ثبت اختراعات و اشکال و ترسیمات صنعتی ۴-۳ - ثبت دفاتر تجاری بازرگانان ۵-۳ - پلمپ دفاتر تجاری و غیر تجاری واقع در حوزه هر منطقه ۶-۳ - ثبت بانک‌ها و

مؤسسات اعتباری با رعایت آیین نامه اجرایی عملیات پولی و بانکی در مناطق آزاد. ۷-۳- ثبت شرکت های بیمه طبق مقررات حاکم در مناطق آزاد

فصل سوم - تشریفات قانونی ثبت شرکت ها و مالکیت های صنعتی و معنوی (ماده ۴ تا ۱۸)

ماده ۴- هر شرکت یا موسسه ای که در منطقه ثبت شود و مرکز اصلی آن نیز در همان منطقه باشد شرکت ایرانی و ثبت شده در منطقه محسوب می شود. تبصره ۱- از تاریخ اجرای این تصویبنامه هر شرکت یا موسسه خارجی برای اینکه بتواند به وسیله شعبه یا نمایندگی در منطقه به فعالیت های اقتصادی مبادرت نماید باید در کشور متبوع خود مطابق قوانین و مقررات جاری آن کشور - به تصدیق نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آن کشور - شرکت قانونی محسوب شود و در واحد ثبتی منطقه نیز به ثبت رسیده باشد. تبصره ۲- هر شرکت یا موسسه خارجی که در تاریخ اجرای این تصویبنامه در منطقه به وسیله شعبه یا نمایندگی به فعالیت های اقتصادی اشتغال داشته باشد باید در ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این تصویبنامه تقاضای ثبت نماید. در غیر این صورت شرکت مذکور اعتبار قانونی نداشته و موسس آن در قبال اشخاص ثالث متضامنا مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود. ماده ۵- انواع شرکت ها و مؤسسات غیر تجاری مذکور در قانون تجارت و سایر قوانین ایران می توانند در واحد ثبتی منطقه به ثبت برسند مشروط بر آنکه موضوع فعالیت آنها قانونی باشد. در هر حال تاسیس و فعالیت شرکت ها تحت قوانین موضوعه امکان پذیر است .

ماده ۶- تمامی اشخاص حقوقی که در منطقه فعالیت اقتصادی دارند موظفند ظرف سه ماه از تاریخ اعلام واحد ثبتی وضعیت خود را با مفاد این تصویبنامه و دستورالعمل های اجرایی آن تطبیق دهند در غیر این صورت مرجع صالح به تقاضای سازمان از ادامه فعالیت اشخاص مذکور جلوگیری خواهد نمود. دستورالعمل اجرایی این ماده توسط سازمان هر منطقه تهیه و به اجرا گذاشته می شود. تبصره - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور کلیه سوابق و مدارک مربوط به اشخاص حقوقی که قبل از تاریخ ایجاد واحد ثبتی منطقه در سایر نقاط کشور به ثبت رسیده اند و به موجب اساسنامه مربوط مرکز اصلی (اقامتگاه آنها منطقه است و از سازمان مجوز فعالیت دریافت کرده اند بنا به تقاضای واحد ثبتی برای آن واحد ارسال می کند همچنین سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به منظور پیشگیری از تعیین نام های مشابه برای شرکت های در حال ثبت با واحدهای ثبتی مناطق همکاری خواهند نمود. ماده ۷- ثبت شرکت و موسسه در منطقه با ارائه مدارک و اسناد زیر به واحد ثبتی منطقه به عمل خواهد آمد ۱- اظهارنامه ثبت ۲- اساسنامه شرکت ۳- صورت جلسه مجمع عمومی موسسین ۴- صورت جلسه اولین جلسه هیات مدیره ۵- گواهی بانکی از یکی از بانک های منطقه مبنی بر تودیع حداقل ۳۵٪ سرمایه نقدی ۶- مجوز فعالیت در منطقه که توسط سازمان صادر شده باشد . تبصره ۱- در مورد اشخاص حقوقی خارجی تهیه و ارائه اصل اختیار نامه نمایندگی مجوز تاسیس شعبه اشخاص مذکور در ایران که شرایط تنظیم و صدور آنها مطابق قوانین و مقررات کشور متبوع اشخاص حقوقی خارجی به تصدیق نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آن کشور رعایت شده باشد ضرورت دارد همچنین لازم است برای ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران اشخاص حقوقی خارجی اظهارنامه ثبت شرکت و رونوشت مصدق سند ثبت شرکت در کشور متبوع را به زبان فارسی نیز ضمیمه نمایند. تبصره ۲- کلیه اسناد و مدارک موضوع ماده ۸ این تصویبنامه توسط اشخاص حقوقی خارجی باید به صورت رسمی به زبان فارسی نیز تسلیم شود. تبصره ۳- در کلیه موارد پس از دریافت رسید حق الثبت اقدامات مربوط به ثبت و صدور گواهی مربوط صورت خواهد گرفت ماده ۸- اظهارنامه ثبت شعب و نمایندگی های اشخاص حقوقی خارجی علاوه بر قید تاریخ و امضا باید حاوی نکات زیر باشد ۱- نام کامل شرکت یا موسسه به زبان فارسی با علائم اختصاری و مشخصات آن ۲- نوع شرکت یا موسسه و موضوع فعالیت آن ۳- مرکز اصلی و اقامتگاه شرکت یا موسسه در خارج ایران ۴- تابعیت شرکت یا موسسه ۵- میزان سرمایه شرکت یا موسسه ۶- آخرین بیلان مالی

شرکت یا موسسه ۷- مرجع ثبت شماره محل شهر و کشور و تاریخ ثبت شرکت یا موسسه در خارج ایران ۸- فعالیت مورد نظر شرکت یا موسسه جهت اشتغال در منطقه ۹- سایر شعب و نمایندگی های شرکت یا موسسه در ایران و اسامی مدیران هر کدام در صورت تاسیس ۱۰- اقامتگاه شرکت یا موسسه جهت اشتغال در ایران و منطقه و تعیین افراد صلاحیت دار دریافت کننده ابلاغ ها و اختطاریه ها. ۱۱- قبولی مدیر یا مدیران شعب و نمایندگی ها ذیل مجوز تاسیس یا اختیار نامه نمایندگی موضوع تبصره ۱ ماده ۷ این تصویبنامه . ۱۲- نام و نام خانوادگی ، اقامتگاه مدیران یا اداره کنندگان شرکت یا موسسه تبصره - نام و نام خانوادگی ، اقامتگاه و تابعیت وکیل همچنین نسخه اصلی یا رونوشت مصدق و کالتنامه در صورتی که اظهارنامه و تقاضای ثبت به وسیله وکیل داده شده باشد تسلیم شود. ماده ۹- اشخاص حقوقی پس از ثبت دارای شخصیت حقوقی خواهند بود و بر اساس قوانین و مقررات حاکم در منطقه فعالیت می نمایند. واحد ثبتی سازمان موظف است سندی مشعر بر ثبت اشخاص حقوقی یا شعبه نمایندگی آنها که ممهور به مهر واحد ثبتی است به تقاضاکننده ثبت بدهد. ماده ۱۰- اشخاص حقوقی مکلفند به منظور ثبت هر گونه تغییرات در اساسنامه و ترکیب هیات مدیره بازرسان صاحبان امضای مجاز کاهش یا افزایش سرمایه و انحلال شرکت یا موسسه ظرف یک هفته مراتب را به صورت کتبی به واحد ثبتی منطقه اطلاع دهند. عدم اطلاع به موقع رافع مسئولیت مدیران اشخاص حقوقی مذکور نخواهد بود. ماده ۱۱- هر ذینفعی می تواند از مندرجات پرونده های ثبتی مربوط اطلاع یافته تقاضای دریافت رونوشت مصدق نماید. ماده ۱۲- واحد ثبتی موظف است مراتب تاسیس شرکت یا موسسه و تغییرات آن را حداکثر ظرف ۱۰ روز از تاریخ ثبت به منظور درج در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران و روزنامه محلی به هزینه متقاضی به آن روزنامه اعلام نماید. ماده ۱۳- تقاضای ثبت علائم و اسامی تجاری - صنعتی و ثبت اختراعات و اشکال و ترسیمات صنعتی در منطقه به موجب اظهارنامه صورت می گیرد و شرایط ثبت آن در واحد ثبتی طبق دستورالعمل اجرایی مصوب سازمان هر منطقه خواهد بود. ماده ۱۴- کلیه اشخاص حقیقی ایرانی که طبق قانون تجارت به امور بازرگانی در منطقه مبادرت دارند موظفند نام خود یا مدیران خود را مطابق مقررات این تصویبنامه حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ اعلام واحد ثبتی در دفتر ثبت تجاری واحد ثبتی به ثبت برسانند. ماده ۱۵- ثبت اسامی اشخاص حقیقی ایرانی و خارجی در دفاتر ثبت با تنظیم و تسلیم سه نسخه اظهارنامه که حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ اعلام واحد ثبتی انجام می گیرد و حاوی نکات زیر می باشد به عمل می آید ۱- نام و نام خانوادگی بازرگان ۲- تاریخ و محل تولد، شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه بازرگان تصویر اوراق شناسنامه برای اشخاص حقیقی ایرانی و گذرنامه برای اشخاص حقیقی خارجی ۳- تابعیت اصلی و فعلی افراد مزبور در صورت تحصیل تابعیت دیگر و تاریخ و چگونگی اخذ تابعیت مزبور. ۴- تاریخ ورود به منطقه و شماره و محل صدور پروانه اقامت و محل اقامت اتباع خارجی ۵- اقامتگاه قانونی اشخاص حقیقی ۶- شماره ثبت منگنه و پلمپ دفاتر تجاری که به موجب بند ۵ ماده ۳ این تصویبنامه به عمل آمده است ۷- رشته فعالیت تجاری داخلی یا خارجی یا هر دو مورد. ۸- سایر مشخصات تجاری بازرگانان از جمله شماره ثبت علائم تجاری کتاب رمز تجاری و غیره ماده ۱۶- واحد ثبتی مکلف است پس از ثبت مفاد اظهارنامه در دفتر ثبت تجاری ظرف حداکثر ده روز از تاریخ تسلیم یک نسخه امضا شده از اظهارنامه ثبت را ممهور به مهر واحد به اظهار کننده تسلیم نماید و نسخه دیگر را به واحد ذیربط در سازمان ارسال کند. ماده ۱۷- اظهار کننده موظف است ظرف مدت یک هفته هر گونه تغییراتی را در مفاد اظهارنامه طی اظهارنامه جدیدی که در سه نسخه تنظیم می شود تهیه و به واحد ثبتی سازمان تسلیم کند تا در دفتر ثبت تجاری واحد ثبتی قید گردد. ماده ۱۸- اشخاص حقیقی و حقوقی که طبق مقررات این تصویبنامه اسم خود را ثبت می نمایند مکلفند در سربرگ اوراق تجاری و برگ های فروش و سفارش و هر نوع اسناد و مدارک تجاری که به کار می برند ضمن درج عنوان تجاری شماره ثبت خود را نیز قید نمایند.

ماده ۱۹ - پلمپ دفاتر تجارتي اشخاص حقيقي و حقوقي طبق دستورالعملي كه توسط سازمان هر منطقه تعيين مي شود صورت گرفته و پس از امضای نماینده واحد ثبتی به مهر واحد مذکور ممهور خواهد شد. ماده ۲۰ - هزینه های مربوط به ثبت شرکت موسسه و تغییرات آن همچنین ثبت علائم و اسامی تجاری و صنعتی و اختراعات و اشکال و ترسیمات صنعتی و نیز ثبت دفاتر تجارتي و پلمپ دفاتر تجارتي و غیرتجارتي به موجب دستورالعملي كه توسط سازمان هر منطقه تهیه مي شود دریافت مي گردد. ماده ۲۱ - از ادامه فعالیت متخلفین از اجرای مفاد این تصویبنامه بنا به تقاضای سازمان توسط نیروی انتظامی منطقه جلوگیری به عمل خواهد آمد. در هر صورت این گونه اقدامات رافع مسئولیت مدیران شرکت یا موسسه و اشخاص حقيقي متخلف در قبال اشخاص ثالث نخواهد بود. ماده ۲۲ - دستورالعمل های اجرایی این تصویبنامه و فرم های چاپی مربوط توسط سازمان هر منطقه حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این تصویبنامه تهیه و به اجرا گذاشته خواهد شد.

نظامنامه راجع به مواد ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۹ قانون تجارت - مصوب ۱۵ ۳ ۱۳۱۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی

نظر به مواد ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۹ قانون تجارت مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۱ مقرر می دارد ماده ۱ - در هر محلی كه اداره ثبت اسناد و یا دفتر اسناد رسمی موجود است شرکت های تجارتي كه در آن محل تشكيل مي شود باید به موجب شرکت نامه رسمی تشكيل گردد. ماده ۲ - شرکت های تجارتي باید در تهران در دایره ثبت شرکت ها و در خارج تهران در اداره ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت به ثبت برسند. تبصره - در نقاطی كه اداره یا دایره یا شعبه ثبت اسناد نباشد ثبت در دفتر اسناد رسمی و اگر دفتر اسناد رسمی هم نباشد ثبت در دفتر محكمه ابتدایی یا صلحیه با رعایت ترتیب کافی خواهد بود لیکن شرکت باید در ظرف سه ماه از تاریخ تاسیس اداره یا دایره یا شعبه ثبت اسناد در آن محل خود را در دفتر ثبت اسناد به ثبت برساند. ماده ۳ - ثبت شرکت به موجب تقاضانامه كه در دو نسخه تنظیم مي شود به عمل خواهد آمد. ماده ۴ - به تقاضانامه باید اسناد ذیل ضمیمه شود الف - در شرکت های سهامی ۱ - يك نسخه اصل از شرکت نامه ۲ - يك نسخه مصدق از اساسنامه شرکت ۳ - نوشته به امضا مدیر شرکت حاكي از تعهد پرداخت تمام سرمایه و پرداخت واقعی لااقل ثلث آن ۴ - اسامی شرکا با تعیین اسم و اسم خانوادگی وعده سهام هر يك از آنها. ۵ - سواد مصدق از تصمیمات مجمع عمومی صاحبان سهام در موارد مذکور در مواد ۴۰ و ۴۱ و ۴۴ قانون تجارت ب - در شرکت های با مسیولیت محدود ۱ - يك نسخه مصدق از شرکت نامه ۲ - يك نسخه مصدق از اساسنامه (اگر باشد). ۳ - اسامی شريك یا شرکایی كه برای اداره کردن شرکت معین شده اند. ۴ - نوشته به امضای مدیر شرکت حاكي از پرداخت تمام سرمایه نقدي و تسلیم تمام سرمایه غیر نقدي با تعیین قیمت حصه های غیر نقدي ج - در شرکت های تضامنی ۱ - يك نسخه مصدق از شرکت نامه ۲ - يك نسخه مصدق از اساسنامه شرکت (اگر باشد) ۳ - نوشته به امضا مدیر شرکت حاكي از پرداخت تمام سرمایه نقدي و تسلیم تمام سرمایه غیر نقدي با تعیین قیمت حصه های غیر نقدي ۴ - اسامی شريك یا شرکایی كه برای اداره کردن شرکت معین شده اند. د - در شرکت های مختلف غیر سهامی ۱ - يك نسخه مصدق از شرکت نامه ۲ - يك نسخه مصدق از اساسنامه (اگر باشد) ۳ - اسامی شريك یا شرکا ضامن كه سمت مدیریت دارند. ه - در شرکت های مختلط سهامی ۱ - يك نسخه مصدق از شرکت نامه ۲ - يك نسخه مصدق از اساسنامه ۳ - اسامی مدیر یا مدیران شرکت ۴ - نوشته به امضا مدیر شرکت حاكي از تعهد پرداخت تمام سرمایه سهامی و پرداخت واقعی لااقل ثلث از آن سرمایه ۵ - سواد مصدق از تصمیمات مجمع عمومی در موارد مذکور در مواد ۴۰ و ۴۱ و ۴۴. ۶ - نوشته به امضا مدیر شرکت حاكي از پرداخت تمام سرمایه نقدي شرکا ضامن و تسلیم تمام سرمایه غیر نقدي با تعیین قیمت حصه های غیر نقدي و - در شرکت های نسبی ۱ - يك نسخه مصدق از شرکت نامه ۲ - يك نسخه مصدق از اساسنامه (اگر باشد) ۳ - اسامی مدیر و یا مدیران شرکت ۴ - نوشته به امضای مدیر شرکت حاكي از پرداختن تمام سرمایه نقدي و تسلیم تمام سرمایه

غیرنقدی با تعیین قیمت حصه‌های غیرنقدی. ز- در شرکت‌های تعاونی ۱- یک نسخه مصدق از شرکت نامه ۲- یک نسخه مصدق از اساسنامه (اگر باشد) ماده ۵- بعد از ثبت شرکت متصدی ثبت باید نسخه ثانی تقاضانامه را با قید تاریخ و نمره ثبت امضا و به مهر اداره ممهور کرده به تقاضاکننده بدهد این سند، سند ثبت شرکت خواهد بود. ماده ۶- در ظرف ماه اول ثبت هر شرکت خلاصه شرکت نامه و منضمات آن باید به توسط اداره ثبت محل در مجله رسمی عدلیه و یکی از جراید کثیرالانتشار مرکز اصلی شرکت به خرج خود شرکت منتشر شود. تبصره ۱- در نقاطی که اداره ثبت نباشد اجرا این ماده به عهده مقامی است که شرکت نامه در آنجا به ثبت رسیده است تبصره ۲- هر گاه در نقاطی که شرکت های تعاونی روستایی طبق قانون مصوب ۱۳۳۴ تشکیل می‌شود روزنامه منتشر نشود پس از ثبت شرکت آگهی های مربوط طبق آیین نامه تهیه شده و به تعداد کافی در نقاط کثیرالعبور اهالی الصاق خواهد شد. تبصره ۳- آگهی های مربوط به شرکت های تعاونی کارگران که طبق قانون مصوب سال ۱۳۳۴ تشکیل می‌شود پس از ثبت در دفتر شرکت ها به وسایل مقتضی تهیه و در محل اصلی شرکت به تعداد کافی در نقاط کثیر العبور الصاق خواهد شد. ماده ۷- خلاصه مذکور در ماده قبل باید متضمن نکات ذیل باشد الف- نسبت به شرکت های از هر قبیل ۱- نمره و تاریخ ثبت شرکت ۲- مقدار سرمایه (با تشخیص مقداری از آن که پرداخته شده و مقداری که شرکا پرداخت آن را تعهد کرده‌اند) ۳- اسامی مدیر یا مدیران ۴- تاریخ آغاز و ختم شرکت در صورتی که برای مدت محدود تشکیل شده باشد. ب- در شرکت های تضامنی و شرکت مختلط اعم از سهامی و غیرسهامی علاوه بر نکات فوق باید اسم تمامی شرکا ضامن نیز منتشر شود. ماده ۸- هر گاه شرکت در چندین حوزه محکمه ابتدایی شعبه داشته باشد انتشارات مذکور فوق باید به نحوی که در ماده ۶ مقرر است در محل وقوع شعبه نیز علیحده به عمل آید و برای انجام این مقصود مقامی که خود شرکت در آنجا به ثبت رسیده است باید سواد مصدق از تقاضانامه و منضمات آن را به ثبت اسناد محل وقوع شعبه یا شعب ارسال دارد تا اقدام به انتشار نماید. ماده ۹- در هر موقع که تصمیماتی راجع به تمدید مدت شرکت زاید بر مدت مقرر یا انحلال شرکت قبل از مدت معینه یا تغییر در تعیین کیفیت تفریغ حساب یا تغییر اسم شرکت یا تبدیل دیگر در اساسنامه یا تبدیل و یا خروج بعضی از شرکا ضامن از شرکت اتخاذ شود و همچنین در هر موقعی که مدیر یا مدیران شرکت تغییر می‌یابد و یا تصمیمی نسبت به مورد معین در ماده ۵۸ قانون تجارت اتخاذ شود مقررات این نظامنامه راجع به ثبت و انتشار باید در مورد تغییرات حاصله نیز رعایت شود.

آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

الف - تشکیلات (ماده ۲ تا ۴)

(شماره ۱۶۷۶۸ - ۱۳۸۱ ۶ ۳۱ روزنامه رسمی ماده ۱- واژه ها و عبارات اختصاری به کار رفته در این آیین نامه به شرح ذیل تعریف می‌گردند ۱- هیات اجرایی مشاوران حقوقی، وکلا- و کارشناسان قوه قضاییه ۲- مرکز امور مشاوران حقوق وکلا- و کارشناسان قوه قضاییه ۳- ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ ۱ ۱۷. الف (۱) تشکیلات ماده ۲- به منظور تنظیم و تصویب سیاستهای اجرایی و خط مشی اجرای ماده ۱۸۷ هیاتی مرکب از معاون قضایی، رییس قوه قضاییه (به عنوان رییس هیات و رییس مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا- و کارشناسان و معاون آموزش و تحقیقات و دبیر هیات مرکزی گزینش قوه قضاییه به علاوه سه تن از اساتید دانشگاه در رشته حقوق یا قضات عالیرتبه که دارای پایه قضایی ۹ به بالا- می‌باشند با تعیین رییس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد. جلسات هیات حداقل با حضور پنج عضو رسمیت داشته و رای اکثریت معتبر خواهد بود تصمیمات هیات اداری بوده و با رای اکثریت که رییس هیات با آن موافق باشد

قابل عدول است و وظایف هیات مذکور به شرح ذیل می‌باشد الف - تعیین تعداد مشاور حقوقی یا کارشناس مورد نیاز در هر سال ب - اعطای مجوز کارآموزی مشاوره حقوقی، وکالت و کارشناسی و تعیین حوزه‌های قضایی محل خدمت آنان و اعطای پروانه های مشاوره حقوقی و وکالت پایه ۱،۲ و پروانه کارشناسی و تایید صلاحیت پس از بررسی توسط مرکز ج - نظارت و پیگیری بر حسن اجرای مقررات این آیین نامه د - نظارت و پیگیری نسبت به عملکرد مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان موضوع این آیین نامه ه - بررسی گزارشات تخلفات مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان و تعیین تکلیف در خصوص تنبیهات انتظامی ایشان پس از استماع گزارشات واصله از واحدهای ذیربط که رأسا یا حسب درخواست شاکی خصوصی و یا اعلام قضات محاکم دادگستری ها صورت می‌گیرد. ز - انتخاب رییس مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان از قضاتی که دارای پایه قضایی ۹ به بالا بوده و دارای حداقل ۱۰ سال سابقه کار قضایی می‌باشند و معرفی آن از طرف معاونت قضایی به ریاست محترم قوه قضاییه جهت صدور ابلاغ برای مدت ۲ سال و - تعیین تکلیف برای سایر موارد ضروری که در این آیین نامه مسکوت است با توجه به روح این آیین نامه و قوانین و مقررات موجود. ماده ۳ - انجام امور مربوط به اجرای ماده ۱۸۷ به مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه که زیر مجموعه معاونت قضایی قوه قضاییه می‌باشد محول می‌گردد که طبق مقررات این آیین نامه اقدام نماید. ماده ۴ - (مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه) جهت اجرای آیین نامه مربوطه و تصمیمات هیات در ذیل معاونت قضایی قوه قضاییه و تحت نظر رییس مرکز و عضو هیات اجرای موضوع ماده ۲ آیین نامه تشکیل می‌گردد و وظایف این مرکز به شرح ذیل است الف - انجام بررسیهای کارشناسی و جمع آوری اطلاعات لازم از سراسر کشور در خصوص تعیین تعداد مشاوران و کارشناسان در هر سال ب - برگزاری آزمون های علمی، مصاحبه و گزینش متقاضیان ج - نظارت و پیگیری نسبت به عملکرد مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان بویژه بررسی و تحقیق در خصوص تخلفات آنان و همچنین بررسی وضعیت و عملکرد مشاوران حقوقی، وکلا پایه ۲ که حایز شرایط ارتقا به درجه بالاتری می‌باشند. د - شناسایی افراد کم بضاعت و نیازمند به خدمت قضایی و ارجاع امر به مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه ه - بررسی مدارک و احراز شرایط متقاضیان پروانه وکالت و مشاوره حقوقی و کارشناسی که عضو رسمی هیات علمی دانشگاه می‌باشند و یا متقاضیان واجد سوابق قضایی و - نظارت و ارزیابی نحوه کارآموزی عملی و آموزش علمی کارآموزان ز - انجام مقدمات اعطای پروانه کارآموزی و پروانه مشاوره حقوقی و وکالت پایه ۱، ۲ و کارشناسی ح - برگزاری مراسم تحلیف و اخذ تعهدنامه و سوگندنامه از دریافت کنندگان پروانه مشاوره حقوقی، وکالت و کارشناسی تبصره - مرکز مکلف است گزارشات مربوط به هر بند را به تفصیل جهت اتخاذ تصمیم و اعلام نظر، به هیات اجرایی موضوع ماده ۲ اعلام نماید.

ب - شرایط متقاضیان (ماده ۵)

ماده ۵ - متقاضیان اخذ مجوز تاسیس موسسه مشاوره حقوقی یا کارشناسی باید دارای شرایط ذیل باشند الف - تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران ب - داشتن حداقل ۲۴ سال تمام شمسی برای مشاوران حقوقی و کارشناسان رسمی در زمان صدور پروانه مشاوره حقوقی و وکالت و کارشناسی و حداکثر ۶۵ سال تمام شمسی برای مشاوران حقوقی و وکلا. ج - داشتن حداقل دانشنامه معتبر کارشناسی از دانشکده‌های معتبر داخلی یا خارجی (در حالت اخیر، به شرط ارزشیابی رسمی در رشته حقوق برای متقاضیان مشاوره حقوقی و وکالت و در رشته مورد تقاضا برای متقاضیان کارشناسی د - انجام خدمت وظیفه عمومی یا معافیت دایم برای آقایان ه - عدم سو پیشینه موثر کیفری و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی و - عدم اعتیاد به مواد مخدر و سکرآور به تایید سازمان پزشکی قانونی و عدم تجاهر به فسق. ز - عدم اشتغال اعم از رسمی قراردادی پیمانی در وزارتخانه ها، سازمانها، ادارات و

شرکتهای دولتی، نهادهای انقلابی، شهرداری ها و موسسات مامور به خدمات عمومی و عدم اشتغال به سردفتری یا دفتریاری در زمان صدور مجوز و پس از آن مادامی که شخص به مشاوره حقوقی و وکالت موضوع این آیین نامه اشتغال دارد. (برای متقاضیان وکالت و مشاوره حقوقی. ح - نداشتن سو شهرت ط - داشتن وثاقت و تعهد به اصل نظام و قانون اساسی عدم محکومیت به انفصال دایم از خدمات قضایی یا خدمات دولتی یا وکالت دادگستری و یا سلب صلاحیت برای متقاضیان شغل مشاوره حقوقی و عدم محکومیت به انفصال دایم از شغل کارشناسی برای متقاضیان کارشناسی تبصره - مشاغل آموزشی یا پژوهشی در دانشگاهها از مقررات بند (ز) مستثنی می‌باشد.

ج - مدارک و نحوه درخواست (ماده ۶ تا ۷)

ماده ۶- در هر سال صورت نقاطی که احتیاج به مشاوره حقوقی و وکیل و کارشناس دارد با تعیین تعداد مورد نیاز برای هر محل از طریق انتشار ویژه نامه پذیرش داوطلبان به اطلاع متقاضیان رسانده می‌شود. متقاضیان باید ظرف مدت مقرر در آگهی ها درخواست خود و مدارک مربوطه را تکمیل و با درج مراتب ذیل از طریق پست سفارشی به نشانی مرکز مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان ارسال نمایند. الف - مشخصات کامل طبق شناسنامه و میزان تحصیلات متقاضی ب - محل اقامت و نشانی پستی ج - سوابق شغلی قبل از درخواست در صورت اشتغال قبلی د - تعیین محل خدمت مورد درخواست برای تاسیس موسسه مشاوره حقوقی، وکالت و یا کارشناسی. ماده ۷- درخواست متقاضیان باید دارای پیوست های ذیل باشد الف یک برگ تصویر مصدق از کلیه صفحات شناسنامه ب ۶ قطعه عکس ۴۳ ج گواهی مدارک تحصیلی د گواهی وثاقت به امضای افراد مورد وثوق که فرد مورد نظر را برای مشاوره حقوقی، وکالت و یا کارشناسی مناسب معرفی کند. ه- گواهی سوابق اشتغال به همراه مستندات مربوطه در صورت داشتن سابقه اشتغال

د - نحوه رسیدگی، انتخاب و آموزش (ماده ۸ تا ۲۸)

ماده ۸- درخواست متقاضیان به ترتیب وصول در «مرکز» ثبت و برای هر متقاضی پرونده جداگانه ای تشکیل می‌شود، مرکز مذکور، سوابق متقاضی را از مراجع اطلاعاتی و قضایی محل اقامت و اشتغال یا محل تحصیل فعلی و گذشته و از موسسه آموزش عالی مربوطه استعلام و درباره صلاحیت وی بنحو مقتضی تحقیق و نتیجه را در پرونده منعکس و به هیات موضوع ماده ۲ این آیین نامه یا افرادی که هیات تعیین می‌کند تسلیم می‌نماید. ماده ۹- مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا- و کارشناسان می‌تواند انجام اقداماتی در رابطه با بررسی صلاحیت متقاضیان را از هسته های گزینش قوه قضاییه در استانها درخواست نماید. هسته گزینش مربوطه مکلف است اقدامات لازم را انجام و نتیجه بررسی را ظرف مهلت مقرر به مرکز اعلام نماید. ماده ۱۰- از کلیه داوطلبان واجد شرایط به ترتیب مقرر در مواد آتی امتحان کتبی به عمل خواهد آمد. زمان و مکان برگزاری امتحان از طریق روزنامه های کثیرالانتشار اعلام می‌گردد. تبصره ۱- اعضای هیات علمی رسمی دانشکده های حقوق و سایر رشته های کارشناسی در رشته مرتبط با تحصیلات ایشان به شرط داشتن حداقل سه سال سابقه تدریس در دروس حقوقی یا دروس تخصصی مرتبط با رشته کارشناسی از شرکت در آزمون معاف هستند و فقط از کسانی که دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس بوده به نحوی که توسط هیات موضوع ماده ۲ این آیین نامه مشخص می‌شود مصاحبه علمی لازم بعمل خواهد آمد. تبصره ۲- (داوطلبانی که دارای حداقل دانشنامه لیسانس در یکی از رشته های حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی و سه سال سابقه قضایی بوده و حایز شرایط دیگر مندرج در ماده

۵ باشند از شرکت در آزمون و کارآموزی معاف بوده و به آنان پروانه پایه ۲ مشاوره حقوقی و وکالت اعطا می‌شود. همچنین در صورتی که داوطلبان فوق دارای ۵ سال سابقه کار قضایی و شرایط مندرج در ماده ۵ باشند نیز از شرکت در آزمون و کارآموزی معاف بوده و پروانه پایه ۱ مشاوره حقوقی و وکالت اعطا می‌شود ولی به مدت ۲ سال از انجام امر وکالت و مشاوره حقوقی در آخرین حوزه قضایی محل خدمت قضایی ممنوع می‌باشند. تبصره ۳ - کارمندان دستگاه قضایی که در محاکم مشغول به خدمت بوده‌اند، با دارا بودن سابقه خدمتی حداقل ۱۵ سال و در صورتی که حایز شرایط مندرج در این آیین نامه باشند و به شرط ارایه حسن سابقه کار از محل خدمت خود از شرکت در آزمون و کارآموزی معاف خواهند بود و به آنان پروانه مشاوره حقوقی و وکالت پایه ۲ اعطا می‌شود. ولی برای مدت ۳ سال از انجام امر وکالت و مشاوره حقوقی در آخرین حوزه قضایی محل خدمت اداری خود ممنوع می‌باشند. تبصره ۴ - کارمندان سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با دارا بودن سابقه خدمتی ۲۰ سال و در صورتی که حایز شرایط مندرج در این آیین نامه باشند و به شرط داشتن دانشنامه لیسانس و بالاتر در صورت تایید صلاحیت علمی و اخلاقی و تجربه آنها توسط سازمان مذکور جهت پذیرش در رشته‌های امور ثبتی، نقشه برداری ثبتی و ارزیابی املاک از شرکت در آزمون و کارآموزی معاف خواهند بود و به آنان پروانه کارشناسی اعطا می‌شود. تبصره ۵ - (۳۰٪) از پذیرفته شدگان مشاوره حقوقی و وکالت و کارشناسی هر حوزه قضایی به ایثارگران (شامل رزمندگانی که ۶ ماه سابقه حضور داوطلبانه در جبهه جنگ داشته و یا به مدت سه ماه در اسارت دشمن بوده و جانبازان (۲۵٪) و بالا و بستگان درجه اول شهدا و مفقودین و جانبازان (۵۰٪ به بالا) از ایثارگرانی که بیشترین نمره را آورده‌اند) اختصاص می‌یابد استفاده از این سهمیه مانع از پذیرش ایثارگرانی که نمره قبولی سهمیه آزاد را آورده‌اند نمی‌باشد) ماده ۱۱ - مواد امتحانی برای داوطلبان مشاوران حقوق عبارتند از متون فقه در حد تحریرالوسیله، آیین دادرسی کیفری و مدنی، حقوقی مدنی و امور حسبی، حقوق تجارت، حقوق جزای عمومی و اختصاصی و حقوق ثبت ماده ۱۲ - مواد امتحانی برای داوطلبان کارشناسی رسمی عبارتند از الف - دروس تخصصی و فقهی مربوط به رشته مورد تقاضا. ب - قوانین و مقررات مربوط به کارشناسی. ماده ۱۳ - از پذیرفته شدگان در امتحان کتبی توسط هیات یا اشخاصی که هیات تعیین می‌کند مصاحبه شفاهی بعمل می‌آید. تبصره - افرادی که اسامی آنها به عنوان ذخیره اعلام می‌گردد باید در آزمون مجددی که از طرف هیات اعلام می‌شود شرکت نمایند و پس از موفقیت در آزمون مجدد از آنها مصاحبه شفاهی بعمل می‌آید. ماده ۱۴ - چگونگی و نحوه انجام امتحان و امور مربوط به آن از جمله انجام مصاحبه پس از قبولی در آزمون کتبی را هیات موضوع ماده ۲ این آیین نامه مشخص می‌کند. ماده ۱۵ - مرکز اسامی داوطلبانی را که صلاحیت آنان توسط هیات محرز تشخیص داده شده است جهت دستور صدور پروانه به اطلاع معاونت قضایی رییس قوه قضاییه خواهد رسانید. تا با توجه به اختیار مفوضه نسبت به صدور پروانه و امضا آن اقدام نمایند. ماده ۱۶ - اعتبار پروانه مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان رسمی موضوع این آیین نامه پس از صدور به مدت ۲ سال خواهد بود که پس از آن برای مدت‌های مشابه قابل تمدید می‌باشد مشاورین حقوقی و وکلا موظفند برای تمدید پروانه، مفاصا حساب مالیاتی خود را ارایه نمایند و تمبر قانونی تجدید پروانه را نیز ابطال نمایند. در صورت عدم تمدید پروانه، وکالت این افراد در هیچ یک از مراجع ذیصلاح قانونی پذیرفته نخواهد شد. همچنین ارجاع امر کارشناسی از سوی مراجع ذیصلاح به کارشناسی که پروانه وی تمدید نشده است ممنوع می‌باشد. ماده ۱۷ - متقاضیان مشاوره حقوقی پس از احراز صلاحیت و پس از پذیرش آنان به مدت ۶ ماه دوره کارآموزی علمی و عملی را زیر نظر مرکز طی می‌کنند. مرکز می‌تواند انجام اقداماتی را در رابطه با کارآموزی پذیرفته شدگان از معاونت آموزش و تحقیقات و همچنین ادارات آموزش در استانها درخواست نماید و دادگستری های استانها موظفند همکاری لازم را بنمایند. تبصره ۱ - هر کارآموز دارای کارنامه مخصوصی خواهد بود در این کارنامه حسن اخلاق کارآموز و عملکرد دوره کارآموزی وی ثبت و ارزیابی خواهد شد و دوره کارآموزی کارآموزانی که قادر به کسب نصاب قبولی از کارآموزی کارآموزانی که قادر به کسب نصاب قبولی از کارآموزی کارآموزی علمی و عملی نباشند برای یک نوبت،

تجدید خواهد شد. تبصره ۲- پذیرفته شدگانی که حداقل ۶ ماه سابقه کار قضایی متوالی به تایید مراجع مربوط داشته باشند و نیز اعضا رسمی هیات های علمی دانشکده های حقوق داخل کشور که دارای مدرک تحصیلی دکتری در یکی از رشته های حقوقی باشند و حداقل پنج سال از آغاز استخدام رسمی آنها گذشته باشد، از انجام کارآموزی معاف خواهند بود و به آنان پروانه پایه یک اعطا می شود. تبصره ۳- معاونان و مدیران کل حقوقی و امور مجلس و کارشناسان حقوقی وزارتخانه ها ، سازمانها، نهادها و موسساتی که از بودجه دولتی استفاده می نمایند و به مدت ۵ سال سابقه خدمت در پست مربوطه را داشته باشند (به شرط ارایه تاییدیه حسن خدمت از سوی اداره مربوطه از دوره کارآموزی معاف می باشند و به آنها پروانه پایه ۲ مشاوره حقوقی و وکالت داده می شود). ماده ۱۸- مرکز امورمشاوران حقوقی و کلا- و کارشناسان قوه قضاییه می تواند اقداماتی را که در رابطه با پیشبرد اهداف مرکز ضروری و لازم استاز تمامی واحدهای قضایی و ستادی و سازمانهای وابسته به قوه قضاییه در سراسر کشور درخواست نماید، مراجع مربوطه مکلف هستند اقدامات لازم را در رابطه با درخواست به عمل آمده انجام دهند. ماده ۱۹- پذیرفته شدگان کارشناسی رسمی باید به مدت ۶ ماه نزدیکی از کارشناسان رسمی در رشته مربوط که حداقل ۵ سال سابقه کارشناسی داشته باشد یا به هر نحوی که هیات موضوع ماده ۲ مصلحت بداند کارآموزی نماید. در رشته های جدید کارشناسی ، شخص پذیرفته شده از کارآموزی معاف خواهد بود، مگر آن که هیات مذکور در ماده ۲ ترتیب دیگری را مقرر نماید. ماده ۲۰- پذیرفته شده هنگام اخذ پروانه با حضور ریاست محترم هیات یا نماینده ایشان به ترتیب ذیل سوگند یاد نموده و سوگندنامه و صورتجلسه مربوطه را امضا می نماید. متن سوگندنامه مشاور به شرح ذیل می باشد بسم ... الرحمن الرحیم در این موقع که می خواهم به شغل (مشاوره حقوقی و وکالت نایل شوم به خداوند قادر متعال سوگند یاد می کنم که همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و برخلاف شرافت شغلی ام اقدام و اظهاری ننمایم و احترام اشخاص ، مقامات قضایی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی را رعایت نموده و از اعمال نظر شخصی و کینه توزی و انتقام جویی احتراز و در امور و کارهایی که انجام می دهم راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع حق باشم و شرافت من وثیقه این سوگند است که یاد کرده و ذیل سوگندنامه را امضا می نمایم بسم ... الرحمن الرحیم به خداوند متعال سوگند یاد می کنم در امور کارشناسی که به من ارجاع می گردد خداوند متعال را حاضر و ناظر دانسته به راستی عقیده خود را اظهار نمایم و نظریات شخصی را در آن دخالت ندهم و نظر خود را نسبت به موضوع کارشناسی به طور کامل اظهار نمایم و هیچ چیز را مکتوم ندارم و برخلاف واقع چیزی نگویم و نویسم و ذیل سوگندنامه را امضا می نمایم ماده ۲۱- پذیرفته شدگان مشاوره حقوقی منفردا یا مشترکا اقدام به تشکیل موسسه می نمایند. دارندگان پروانه مکلف اند حداکثر ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ صدور مجوز طبق مقررات مربوط به ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری نسبت به ثبت موسسه اقدام نمایند، در غیر این صورت مجوز صادره باطل و بی اعتبار خواهد بود مگر آنکه هیات مذکور در ماده ۲ این مدت را حداکثر برای یک بار به مدت ۶ ماه دیگر تمدید نماید. در صورتی که موسسه توسط چند نفر تاسیس شود لازم است یکی از مشاورین به عنوان مدیر موسسه حقوقی معرفی تا مسیولیت امور موسسه به عهده او باشد. تبصره ۱- ثبت موسسه در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستانی انجام می شود که پروانه تاسیس برای آن محل صادر شده است تبصره ۲- ثبت موسسات حقوقی موکول به ارایه پروانه تاسیس از قوه قضاییه برای مدتی که در پروانه تعیین شده است خواهد بود، تمدید ثبت تابع تمدید پروانه می باشد. تبصره ۳- موسسه مشاوره حقوقی تابع ضوابط و مقررات مربوط به موسسات غیر تجاری خواهد بود. ماده ۲۲- موسسه مشاوره حقوقی باید در محلی که در پروانه صادره درج شده است دایر شود و نمی توان عملا فعالیت آن را در محل دیگری متمرکز نمود، در غیر این صورت پروانه صادره ابطال می گردد مگر اینکه در خصوص تغییر محل قبلا موافقت هیات مذکور در ماده ۲ کسب شده باشد. تبصره- مفاد این ماده مانع از حضور شخص مشاور حقوقی در محاکم یا سایر مراجع شهرهای دیگر به عنوان وکیل نمی باشد. ماده ۲۳- دارندگان پروانه فقط مجاز به تشکیل یک موسسه می باشند، ایجاد شعب و موسسات فرعی ممنوع و مستوجب تعقیب و

تعطیلی دائمی یا موقت موسسه و تمام شعب آن خواهد بود. ماده ۲۴ - وظایف و تکالیف و مسیولیت های مشاورین حقوقی و کارشناسان موضوع این آیین نامه همان است که در قوانین و مقررات و آیین نامه های مربوط به وکلای دادگستری و کارشناسان رسمی مقرر است ماده ۲۵ - مشاوران حقوقی موضوع این آیین نامه پس از اخذ پروانه به مدت ۲ سال مشاور حقوقی و وکیل پایه ۲ محسوب می شوند و تنها حق شرکت در محاکم کیفری که به جرایم (تعزیری مستوجب حبس کمتر از ۱۰ سال و شلاق و جزای نقدی و اقدامات تامینی و بازدارنده) رسیدگی می کنند و نیز در محاکم حقوقی که به دعاوی با خواسته کمتر از پانصد میلیون ریال یا خواسته غیر مالی مگر در دعاوی مربوط به اختلاف در اصل نکاح اصل طلاق ، اثبات و نفی نسب رسیدگی می کنند را دارند. پس از انقضای این مدت و احراز صلاحیت توسط هیات پروانه مشاور به پایه ۱ ارتقا می یابد. دارندگان پروانه پایه ۱ حق شرکت در کلیه محاکم اعم از حقوقی ، کیفری و غیره را دارند. تبصره ۱ - اعمال مفاد این ماده مانع از حق ارائه مشاوره حقوقی از سوی مشاور در کلیه پرونده ها نمی باشد. تبصره ۲ - پذیرفته شدگان مشاوره حقوقی ، وکالت کارشناسی باید قبل از اخذ پروانه متعهد شوند که حسب ارجاع هیات و مرکز ، خدمات حقوقی و کارشناسی لازم را برای متهمان ، شاکیان و اصحاب دعاوی که امکانات مالی لازم را برای استخدام وکیل و کارشناس ندارند به صورت مجانی یا با نرخهای کمتر و شرایط سهل انجام دهند. تبصره ۳ - آن دسته از مشاوران حقوقی که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد به بالا می باشند می توانند درخواست صدور پروانه تخصصی در رشته ای که در آن رشته مدرک تحصیلی خود را اخذ کرده اند بنمایند، در چنین صورتی حق الوکاله و حق المشاوره آنها در پرونده های مرتبط با رشته تخصصی آنان ۲۵٪ بیش از مبالغ مذکور در ماده ۲۶ خواهد بد. ماده ۲۶ - حق الوکاله مشاورین پایه ۲ حداکثر تا ۴۰٪ تعرفه وکلای پایه یک دادگستری و حق الوکاله مشاورین پایه ۱ حداکثر تا ۶۰٪ آن تعرفه و حق الزحمه کارشناسان رسمی موضوع این آیین نامه تا ۶۰٪ تعرفه کارشناسان رسمی حسب مورد خواهد بود. میزان حق المشاوره توسط هیات موضوع ماده ۲ همه ساله تعیین خواهد شد. ماده ۲۷ - موارد تخلف و مجازاتهای مشاورین حقوقی و کارشناسان موضوع این آیین نامه حسب مورد همان است که در مورد وکلا- و کارشناسان رسمی دادگستری در سایر قوانین و مقررات مقرر گردیده است تنبیهات انتظامی این افراد عبارت است از توبیخ کتبی بدون درج در پرونده ، توبیخ کتبی با درج در پرونده ، تنزل درجه ، عدم تمدید پروانه مشاوره حقوقی یا کارشناسی به طور موقت به مدت ۳ ماه تا ۳ سال و لغو یا عدم تمدید پروانه مشاوره حقوقی یا کارشناسی به طور دائم تبصره - مرجع اعمال این تنبیهات پس از بررسی و کارشناسی و اظهار نظر مرکز هیات موضوع ماده ۲ آیین نامه خواهد بود. ماده ۲۸ - این آیین نامه در اجرای ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۷ ۱۳۷۹ ، مجلس شورای اسلامی در ۲۸ ماده و ۱۸ تبصره تهیه شده و در تاریخ ۱۳ ۶ ۱۳۸۱ به تصویب رییس قوه قضاییه رسید.

ثبت علائم و اختراعات

قانون ثبت علائم و اختراعات - مصوب اول تیر ماه ۱۳۱۰ شمسی کمیسیون قوانین عدلیه

فصل اول - ثبت علائم تجارتي (ماده ۱ تا ۲۵)

ماده ۱ - علامت تجارتي عبارت از هر قسم علامتی است اعم از نقش - تصویر رقم - حرف - عبارت - مهر - لفاف و غیر آن که برای امتیاز و تشخیص محصول صنعتی - تجارتي یا فلاحتی اختیار می شود. ممکن است یک علامت تجارتي برای تشخیص امتیاز محصول جماعتی از زارعین یا ارباب صنعت یا تجار و یا محصول یک شهر و یا یک ناحیه از مملکت اختیار شود. تبصره - داشتن علامت تجارتي اختیاری است مگر در مواردی که دولت آن را الزامی قرار دهد. ماده ۲ - حق استعمال انحصاری علامت تجارتي

فقط برای کسی شناخته خواهد شد که علامت خود را به ثبت رسانیده باشد. ماده ۳ - کسانی که در ایران دارای موسسات تجارتي - صناعتي یا فلاحتي هستند اعم از اتباع داخله یا خارجه در صورتی که علایم تجارتي آنها موافق مواد ذیل ثبت شود از مزایای این قانون بهره‌مند خواهند شد. ماده ۴ - کسانی که موسسات صنعتی یا تجارتي و یا فلاحتي آنان در خارج از ایران واقع است موافق شرایط ذیل می‌توانند از مزایای این قانون بهره‌مند شوند: (۱) علایم خود را به موجب مقررات این قانون در ایران به ثبت برسانند. (۲) مملکتی که موسسه آنها در آنجا واقع شده به موجب عهدنامه و یا قوانین داخلی خود از علایم تجارتي ایران حمایت کنند. ماده ۵ - هیچ یک از علایم ذیل را نمی‌توان به عنوان علامت تجارتي اختیار نمود و یا آنها را یکی از اجزا یک علامت تجارتي قرار داد: ۱ - بیرق مملکتی و سلطنتی ایران و هر بیرق دیگری که دولت ایران استعمال آن را به طور علامت تجارتي منع کند - علامت شیر و خورشید - نشان ها - مدال ها و انگه‌های دولت ایران. ۲ - تمثال پادشاه و ولیعهد مگر با اجازه مخصوص. ۳ - کلمات و یا عباراتی که موهوم انتساب به مقامات رسمی ایران باشد از قبیل شاهنشاهی - سلطنتی - دولتی و امثال آن. ۴ - علامات موسسات رسمی مانند شیر و خورشید سرخ و صلیب احمر و نظایر آن. ۵ - علائمی که محل انتظامات عمومی و یا منافی عفت باشد. ماده ۶ - کسی که تقاضای ثبت علامتی را می‌نماید باید شخصا و یا توسط وکیل ثبت آن را از شعبه مخصوصی که در دفتر محکمه ابتدایی تهران برای این امر تشکیل می‌شود به موجب اظهارنامه بخواهد - این اظهارنامه باید بلافاصله بعد از تسلیم به شعبه مزبور در دفتر خاصی ثبت و در مقابل آن رسید داده شود. ماده ۷ - متصدی شعبه مزبور در ماده فوق باید تا پانزده روز از تاریخ وصول اظهارنامه و ضمائم آن تکلیف قبول یا رد آن را معین نماید. در صورتی که تقاضای ثبت رد شود علل رد باید صریحا ذکر گردد - تقاضاکننده می‌تواند از تصمیم رد تا ده روز از تاریخ ابلاغ آن به رییس محکمه اول ابتدایی تهران شکایت کند - حکم محکمه قابل استیناف و تمیز خواهد بود. ماده ۸ - در صورتی که تقاضای ثبت از طرف متصدی شعبه فوق الذکر قبول گردد و یا بعد از رد تقاضا حکم قطعی دایر به قبول آن صادر شود اداره ثبت اسناد تهران مکلف است تا پانزده روز از تاریخ تقدیم سواد تصمیم یا حکم قطعی علامت را به ثبت رسانیده تصدیق رسمی ثبت را به تقاضاکننده بدهد. ماده ۹ - در موارد ذیل متصدی شعبه مذکور در ماده ۶ تقاضای ثبت را رد خواهد کرد: ۱ - در صورتی که علامت مخالف مقررات قانون باشد. ۲ - در صورتی که علامت قبلا به اسم دیگری ثبت شده و یا شباهت علامت یا علامت دیگری که ثبت شده است به اندازه باشد که مصرف کنندگان عادی یعنی اشخاصی را که اطلاعات مخصوصی ندارند به اشتباه بیندازد. ماده ۱۰ - ثبت هر علامت با قید مراتب ذیل به عمل می‌آید: ۱ - تاریخ روز و ماه و سال ثبت با تمام حروف. ۲ - اسم - شغل - محل اقامت و تابعیت صاحب علامت و وکیل در صورتی که تقاضا به توسط وکیل به عمل آمده باشد. ۳ - اسامی و اوصاف محصول یا طبقات محصولاتی که علامت برای تشخیص و امتیاز آن اختیار شده. ۴ - تعریف علامت به طور اجمال با تعیین اجزایی که تقاضاکننده می‌خواهد حق استعمال انحصاری آن را برای خود تخصیص دهد. ۵ - حق الثبتی که اخذ می‌شود. ماده ۱۱ - هر تغییری که در خود علامت و یا در نوع محصولاتی که علامت برای تشخیص و امتیاز آن به کار می‌رود داده شود باید مطابق مقررات این قانون جداگانه به ثبت برسد و الا قابل حمایت نخواهد بود. ماده ۱۲ - علامت تجارتي قابل نقل و انتقال است ولی انتقال آن در مقابل اشخاص ثالث وقتی معتبر خواهد بود که موافق مقررات این قانون به ثبت رسیده باشد. ماده ۱۳ - ثبت هر علامت و هر تغییری که مطابق این قانون باید به ثبت برسد تا پانزده روز از تاریخ ثبت توسط اداره ثبت اسناد تهران به خرج تقاضاکننده در مجله رسمی وزارت عدلیه اعلان خواهد شد. ماده ۱۴ - علاماتی که ثبت شده باشند از تاریخ تسلیم اظهارنامه حمایت خواهند شد و مدت اعتبار ثبت علامت ده سال است ولی صاحب علامت می‌تواند تقاضای تجدید ثبت نماید در این صورت حق استعمال انحصاری ده سال دیگر با صاحب علامت خواهد بود و به همین طریق هر تجدید ثبت حق مزبور را برای ده سال تضمین می‌نماید. ماده ۱۵ - حقی که برای ثبت علامت اخذ می‌شود به قرار ذیل است: ۱ - برای اظهارنامه ثبت دو ریال طلا. ۲ - برای ثبت علامت قطع نظر از عده طبقات محصول یک پهلوی. ۳ - برای هر طبقه محصول اگر چه منحصر به

فرد باشد علاوه بر حق الثبت علامت پنج ریال طلا. ماده ۱۶ - اشخاص ذیل می‌توانند نسبت به علامتی که تقاضای ثبت آن شده یا به ثبت رسیده است اعتراض کنند: ۱ - کسانی که آن علامت را علامت تجارتي خود می‌دانند. ۲ - کسانی که آن علامت با علامت آنها به اندازه شباهت دارد که مصرف کنندگان عادی را به اشتباه می‌اندازد. در هر یک از دو صورت فوق‌الذکر اگر معترض کسی باشد که علامت قبلا به اسم او ثبت نشده است باید در حین اعتراض برای علامت خود مطابق مقررات این قانون تقاضای ثبت کرده حق الثبت و تمام مخارج مربوطه به آن را قبلا تادیه نماید - در مورد کسانی که موسسه آنها در خارج از ایران واقع است حق اعتراض مشروط به شرط معامله متقابله مذکوره در فقره دوم ماده ۴ می‌باشد. ماده ۱۷ - اگر اعتراض قبل از آنکه علامت معترض علیه به ثبت رسیده باشد به عمل آید باید به ترتیب و در موعدی که در نظامنامه مذکور در ماده ۲۳ مقرر می‌شود به تقاضاکننده ثبت علامت ابلاغ گردد تا در صورتی که به اعتراض تسلیم نشده و تقاضای خود را مسترد ننمود معترض در مدت مقرر در نظامنامه فوق‌الذکر به محکمه ابتدایی تهران رجوع کند - در مورد این ماده عملیات راجعه به ثبت متوقف خواهد ماند لیکن هر گاه معترض در ظرف مدتی که به موجب نظامنامه مذکور فوق مقرر می‌شود به محکمه رجوع ننمود و یا بعد از رجوع دعوی خود را تعقیب نکرد علامت به اسم معترض علیه ثبت و جوهری که معترض تادیه نموده به نفع دولت ضبط خواهد شد. ماده ۱۸ - هر گاه اعتراض راجع به علامت ثبت شده باشد معترض باید مستقیماً در محکمه ابتدایی تهران اقامه دعوی کرده و ابطال ثبت را تقاضا نماید. ماده ۱۹ - جز در مواردی که به موجب نظامنامه های وزارت عدلیه استثنا شود اصول رسیدگی مطابق اصول محاکمات تجارتي است و در هر حال حکم محکمه در حدود قوانین قابل استیناف و تمیز خواهد بود. تبصره - مفاد حکم قطعی باید به خرج محکوم له در مجله رسمی وزارت عدلیه و یکی از جراید یومیه تهران منتشر شود - محکوم له می‌تواند مخارج مزبور را در جز خسارت از محکوم علیه مطالبه نماید. ماده ۲۰ - هر گاه معترض ثابت کند که نسبت به علامت به واسطه سابقه استعمال مستمر قبل از تقاضای ثبت حق تقدم داشته محکمه حکم خواهد داد که آن علامت به اسم معترض ثبت شود و اگر علامت مورد اعتراض قبلا در اداره ثبت اسناد به ثبت رسیده باشد محکمه حکم خواهد داد که ثبت سابق ابطال و علامت به نام معترض ثبت گردد. ماده ۲۱ - ترتیبات مقرر فوق در موردی نیز رعایت خواهد شد که اعتراض راجع به ثبت انتقال علامت یا به ثبت تغییر خود علامت و یا راجع به ثبت تغییر محصولاتی باشد که علامت برای تشخیص و امتیاز آن به کار می‌رود. ماده ۲۲ - کسی که نسبت به ثبت های راجع به علامتی از تاریخ ثبت تا سه سال اعتراض نکرده باشد دیگر نمی‌تواند نسبت به ثبت آن اعتراض نماید مگر اینکه ثابت کند معترض علیه در حین ثبت عالم بوده است به اینکه علامت را خود معترض یا کسی که به معترض علامت را انتقال داده قبلا به طور مستمر استعمال کرده ولی هر گاه معترض علیه ثابت نماید که معترض قبل از انقضا مدت سه سال فوق از ثبت علامت اطلاع داشته است اعتراض معترض پذیرفته نخواهد شد. ماده ۲۳ - برای اجرای مقررات این فصل نظامنامه های لازمه از طرف وزارت عدلیه تنظیم خواهد شد - در نظامنامه های مزبور تکلیف نکات ذیل باید صراحتاً تعیین شود: (۱) طرز تنظیم اظهارنامه. (۲) اسناد و اوراقی که باید عین یا سواد یا ترجمه مصدق آن و همچنین کلیشه یا کلیشه هایی که باید ضمیمه اظهارنامه بشود. (۳) طبقه بندی محصولات. (۴) موافق چه ترتیب علامت به ثبت خواهد رسید. (۵) مراتبی که باید در اظهارنامه راجع به ثبت انتقال علامت و یا راجع به تغییر در علامت و یا در محصولی که علامت راجع به آن است قید شود. (۶) اعلاناتی که باید راجع به علامت در مجله رسمی منتشر شود و میزان خرج اعلانات. (۷) اصول رسیدگی محاکم در مورد مذکور در مواد ۷ و ۱۹. (۸) ترتیبی که مطابق آن کلیه ابلاغات مربوطه به علامات تجارتي باید به عمل آید. (۹) تعرفه ترجمه و تصدیق صحت ترجمه. ماده ۲۴ - ثبت علامات متعلق به کسانی که در ایران دارای موسسات صنعتی و تجارتي یا فلاحتی بوده و مطابق قانون علایم صنعتی مصوب نهم فروردین ۱۳۰۴) به عمل آمده است برای بقیه مدت ده سال مقرر در قانون مزبور به اعتبار خود باقی است. ماده ۲۵ - کسانی که موسسات تجارتي - صنعتی یا فلاحتی آنان در خارج ایران بوده و مطابق قانون نهم فروردین ماه ۱۳۰۴ علامت خود را به ثبت رسانیده باشند یا تقاضای ثبت کرده ولی علامت

آنها به ثبت نرسیده و بعد از تاریخ اجرای این قانون به ثبت برسد در صورتی از مزایای این قانون برای بقیه مدت ده سال بهره مند خواهند شد که مملکتی که موسسات آنها در آنجا است به موجب عهدنامه یا قوانین داخلی خود از علایم تجارتي ایران حمایت نمایند.

فصل دوم - ثبت اختراع (ماده ۲۶ تا ۴۵)

ماده ۲۶ - هر قسم اکتشاف یا اختراع جدید در شعب مختلفه صنعتی یا فلاحتی به کاشف یا مخترع آن حق انحصاری می‌دهد که بر طبق شرایط و در مدت مقرر در این قانون از اکتشاف یا اختراع خود استفاده نماید مشروط بر این که اکتشاف یا اختراع مزبور مطابق مقررات این قانون در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد. نوشته که در این مورد اداره ثبت اسناد تهران می‌دهد ورقه اختراع نامیده می‌شود. ماده ۲۷ - هر کس مدعی یکی از امور ذیل باشد می‌تواند تقاضای ثبت نماید: ۱ - ابداع هر محصول صنعتی جدید. ۲ - کشف هر وسیله جدید یا اعمال و وسایل موجوده به طریق جدید برای تحصیل یک نتیجه یا محصول صنعتی یا فلاحتی. ماده ۲۸ - برای امور ذیل نمی‌توان تقاضای ثبت نمود: ۱) نقشه‌های مالی. ۲) هر اختراع یا تکمیلی که محل انتظامات عمومی یا منافی عفت یا مخالف حفظ الصحه عمومی باشد. ۳) فرمولها و ترکیبات دوایی. ماده ۲۹ - کسی که بدوا مطابق این قانون تقاضای ثبت اختراع به نام خود می‌نماید مخترع شناخته می‌شود مگر اینکه خلاف ادعای او در محاکم صلاحیتدار به ثبوت برسد. ماده ۳۰ - مخترعی که در خارج ایران برای اختراع خود مطابق قوانین محل تحصیل ورقه اختراع کرده می‌تواند در صورتی که مدت ورقه مزبور منقضی نشده باشد در ایران نیز برای بقیه آن مدت تقاضای ورقه اختراع کند لیکن اگر اختراع مزبور را کسی یا موسسه در ایران قبل از تقاضای ثبت اختراع کلا یا جزیا به موقع عمل یا استفاده گذارده و یا مقدمات استفاده آن را تهیه کرده باشد مخترع نمی‌تواند از عملیات آن شخص یا موسسه جلوگیری کند. ماده ۳۱ - مفاد مواد ۶ و ۷ و ۸ این قانون در مورد تقاضای ثبت اختراع نیز رعایت خواهد شد. ماده ۳۲ - اظهارنامه ثبت وقتی قبول می‌شود که مخترع یا نماینده او پنج ریال طلا برای اظهارنامه و لاقط حق الثبتی را که به موجب ماده ۳۴ برای سال اول مقرر است نقدا تادیه نماید. حقی که برای اظهارنامه اخذ می‌شود در هیچ مورد مسترد نخواهد شد. ماده ۳۳ - مدت اعتبار ورقه اختراع به تقاضای مخترع ۵ یا ۱۰ یا ۱۵ و یا منتهی ۲۰ سال خواهد بود - در مدت مزبور که باید صراحتا در ورقه اختراع قید شود مخترع یا قایم مقام قانونی او حق انحصاری ساخت یا فروش یا اعمال و یا استفاده از اختراع خود را خواهد داشت. ماده ۳۴ - برای ثبت اختراع حق الثبت به طریق ذیل اخذ می‌شود: برای پنج سال اول از قرار سالی ۱۰ ریال طلا. برای پنج سال دوم از قرار سالی ۲۰ ریال طلا. برای پنج سال سوم از قرار سالی ۳۰ ریال طلا. برای پنج سال چهارم از قرار سالی ۴۰ ریال طلا. ممکن است تمام یا بعضی از اقساط سنواتی فوق را در حین صدور ورقه اختراع دفعتا تادیه نمود در این صورت اگر پنج قسط دفعتا تادیه شود پنج درصد ۵٪ و اگر ده قسط تادیه شود ده درصد ۱۰٪ و اگر پانزده قسط تادیه شود پانزده درصد ۱۵٪ و اگر بیست قسط تادیه شود بیست درصد ۲۰٪ تخفیف داده می‌شود. ماده ۳۵ - قسط هر سال اگر قبلا تادیه نشده باشد باید در ظرف سه ماه اول همان سال تادیه گردد و الا ثبت اختراع از درجه اعتبار ساقط خواهد شد. هر گاه در ظرف سه ماه دوم سال صاحب ورقه دو برابر حقی را که متعلق به آن سال است تادیه نماید ثبت اختراع به اعتبار خود باقی خواهد بود. ماده ۳۶ - ورقه اختراع به هیچ وجه برای قابل استفاده بودن و یا جدید بودن و یا حقیقی بودن اختراع سندیت ندارد و همچنین ورقه مزبور به هیچ وجه دلالت بر این نمی‌کند که تقاضاکننده یا موکل او مخترع واقعی می‌باشد و یا شرح اختراع و یا نقشه‌های آن صحیح است و اشخاص ذینفع می‌توانند نسبت به موارد مزبوره در محکمه ابتدایی تهران اقامه دعوی کرده خلاف آن را ثابت نمایند. ماده ۳۷ - در موارد ذیل هر ذینفعی می‌تواند به محکمه ابتدایی تهران رجوع کرده و تقاضای صدور حکم بطلان ورقه اختراع را بنماید: ۱ - وقتی که اختراع اختراع جدید نیست.

۲ - وقتی که ورقه اختراع مخالف مقررات ماده ۲۸ صادر شده باشد. ۳ - وقتی که اختراع مربوط به طریقه‌های علمی صرف بوده و عملاً قابل استفاده صنعتی یا فلاحتی نباشد. ۴ - وقتی که پنج سال از تاریخ صدور ورقه اختراع گذشته و اختراع به موقع استفاده عملی گذاشته نشده باشد. تبصره - هر اختراع یا هر تکمیل اختراع موجودی که قبل از تاریخ تقاضای ثبت خواه در ایران و خواه در خارجه در نوشتجات یا نشریاتی که در دسترس عموم است شرح و یا نقشه آن منتشر شده و یا به مورد عمل یا استفاده گذارده شده باشد، اختراع جدید محسوب نمی‌گردد. ماده ۳۸ - در مورد مواد ۳۶ و ۳۷ مفاد ماده ۱۹ لازم‌الرعايه خواهد بود. ماده ۳۹ - دارنده ورقه اختراع می‌تواند ملکیت یا حق استفاده از موضوع اختراع خود را کلاً یا جزیا به هر طریقی که بخواهد به دیگری منتقل نماید. هر گاه ورقه اختراع ارثاً منتقل شده باشد مالک جدید وقتی می‌تواند از مزایای این قانون بهره مند شود که این انتقال را به ثبت برساند. ماده ۴۰ - هر گونه معامله راجع به ورقه اختراع باید به موجب سند رسمی به عمل آمده و در دفتر ثبت اختراعات نیز ثبت شود و الا آن معامله نسبت به اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود. هر گاه معامله در خارج ایران واقع گردد آن معامله در ایران نسبت به اشخاص ثالث وقتی معتبر خواهد بود که در اداره ثبت اسناد تهران ثبت شده باشد. ماده ۴۱ - حق الثبت معاملات و انتقالات مذکور در دو ماده فوق را وزارت عدلیه مطابق نظامنامه معین خواهد کرد لیکن در هر حال نباید از دو پهلوی تجاوز نماید. ماده ۴۲ - مراجعه به کلیه اسناد و اوراق مربوط به ثبت هر اختراع پس از صدور ورقه اختراع آزاد است و هر کس می‌تواند از اسناد و اوراق مربوط به ورقه اختراع یا معاملات راجعه به آن با تادیبه حقی که به موجب نظامنامه معین خواهد شد سواد مصدق تحصیل کند. ماده ۴۳ - دارنده هر ورقه اختراع یا قایم‌مقام قانونی او می‌تواند در تمام مدت اعتبار ورقه مزبور هر تغییری را که در اختراع خود داده باشد مطابق مقررات این قانون به ثبت رساند - حق الثبت هر تغییر ده ریال طلا خواهد بود. ماده ۴۴ - نسبت به اتباع خارجه که در ایران تقاضای ثبت اختراع نموده و اقامتگاه آنان در ایران نباشد مقررات عهدنامه که با دولت متبوع آنها منعقد شده باشد مرعی خواهد بود و اگر عهدنامه نباشد معامله متقابل خواهد شد. ماده ۴۵ - وزارت عدلیه نظامنامه‌های مربوطه به اجرای این فصل را تنظیم خواهد نمود - در نظامنامه‌های مزبور باید تکلیف نکات ذیل صریحاً معین گردد: ۱ - طرز تنظیم اظهارنامه ثبت. ۲ - اسناد و اوراقی که باید عین یا سواد یا ترجمه مصدق آنها ضمیمه اظهارنامه شود. ۳ - تعرفه انتشارات در مجله رسمی و تعرفه ترجمه و تصدیق صحت ترجمه. ۴ - ترتیبی که مطابق آن کلیه ابلاغات مربوط به ثبت اختراع باید به عمل آید.

فصل سوم - مقررات مشترکه (ماده ۴۶ تا ۵۱)

ماده ۴۶ - رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزایی مربوط به اختراع یا علامات تجارتي در محاکم تهران به عمل خواهد آمد اگر چه در مورد دعاوی جزایی جرم در خارج تهران واقع یا کشف و یا متهم در خارج تهران دستگیر شده باشد که در این موارد تحقیقات مقدماتی در محل وقوع یا کشف جرم یادستگیری متهم به عمل آمده و دوسیه برای رسیدگی به محاکم تهران ارجاع می‌شود. ماده ۴۷ - اگر در ضمن رسیدگی جزایی متهم برای دفاع خود موضوع مالکیت علامت تجارتي یا اختراع را مطرح کند خود محکمه جزا باید در این موضوع نیز رسیدگی نماید. ماده ۴۸ - طرق تامین دلیل - موارد ترتیب توقیف محصولات - که مخالف حق حاصل از ثبت علامات تجارتي یا حق اختراع باشد و همچنین موعدی که اگر بعد از تامین یا توقیف اقامه دعوی نشود تامین یا توقیف باطل می‌گردد به موجب نظامنامه‌هایی که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می‌شود معین خواهد شد اعم از اینکه مطابق نظامنامه‌های مزبور مراجعی که برای انجام این امور معین می‌شود مقامات قضایی باشد یا مامورین کشوری از قبیل مامورین گمرک و غیر آنها. ماده ۴۹ - در مورد خساراتی که خواه از مجرای حقوقی و خواه از مجرای جزایی در دعاوی مربوطه به اختراعات و علایم تجارتي مطالبه می‌شود خسارات شامل ضررهای وارده و منافی خواهد بود که طرف از آن محروم شده است. ماده ۵۰ - قانون نهم فروردین ماه

۱۳۰۴ راجع به علایم تجارتي و صنعتي نسخ و این قانون از ۱۵ تیر ماه ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذارده می‌شود. ماده ۵۱ - وزارت عدلیه مامور اجرای این قانون است. چون به موجب قانون بیست و چهارم فروردین ماه ۱۳۱۰ وزیر عدلیه مجاز است کلیه لوایح قانونی را که به مجلس شورای ملی پیشنهاد می‌نماید پس از تصویب کمیسیون فعلی قوانین عدلیه به موقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیا برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید) علیهذا قانون ثبت علایم و اختراعات (مشتمل بر پنجاه و یک ماده که در تاریخ اول تیر ماه یک هزار و سیصد و ده شمسی به تصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده است قابل اجراست. رییس مجلس شورای ملی - دادگر

آیین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علایم تجارتي و اختراعات - مصوب ۱۳۳۷ با اصلاحات بعدی

باب اول - مقررات مربوط به علایم تجارتي

فصل اول - در تسلیم اظهارنامه (ماده ۱ تا ۹)

ماده ۱ - اظهارنامه ثبت علامت صنعتی یا تجارتي باید به زبان فارسی تنظیم شده و دارای تاریخ و امضا، حاوی نکات ذیل باشد :
 ۱ - اسم و اقامتگاه و تابعیت صاحب علامت و مرکز اصلی موسسه او. ۲ - اسم و اقامتگاه و کیل او در تهران در صورتی که اظهارنامه توسط وکیل داده شده باشد. ۳ - رشته تجارت یا نوع صنعت صاحب علامت ۴ - تاریخ ثبت و محل و شماره ثبت علامت در کشور مبدأ در صورتی که آن علامت در خارج ایران به ثبت رسیده باشد. ۵ - اقامتگاهی که صاحب علامت در تهران انتخاب می‌نماید. ۶ - اسم و اقامتگاه شخص یا اشخاصی که در تهران صلاحیت دریافت ابلاغ ها و اخطارها را دارند. ۷ - شرح نوع کالا یا محصولات که علامت برای تشخیص آن به کار می‌رود با تعیین طبقات درخواست شده طبق طبقه بندی ضمیمه این آیین نامه ۸ - شرح و توصیف علامت درخواست شده و طرز مخصوص استعمال آن اگر مورد داشته باشد. ۹ - تعیین ضمایم تبصره - تنظیم نام و نشانی درخواست کنندگان مقیم خارجه باید علاوه بر فارسی به حروف لاتین باشد و با همان حروف نیز ثبت و آگهی خواهد شد. ماده ۲ - اظهارنامه باید دارای ضمایم زیر باشد ۱ - نسخه اصلی یا رونوشت گواهی شده وکالت نامه در صورتی که تقاضا به توسط وکیل به عمل آید. ۲ - ده عدد نمونه علامت به طریقی که استعمال می‌شود به علاوه نمونه های اضافی به تعداد یک نمونه برای هر طبقه اضافی که درخواست می‌شود. درخواست کننده باید بر روی هر اظهارنامه یک نمونه علامت را الصاق و آن را امضا نماید. نمونه سوم در موقع ثبت بر روی صفحه مربوطه در دفتر ثبت و نمونه چهارم بر روی تصدیق ثبت الصاق می‌شود. علاماتی که برجسته یا گود در روی شیئی نشان داده می‌شود بر روی کاغذ نقش خواهد شد. ابعاد نمونه نباید از ده سانتیمتر از هر طرف تجاوز کند. بر روی هر نمونه الصاق شده به طریقی بالا مهر شعبه ثبت شرکتها و علایم تجارتي و اختراعات زده می‌شود به طریقی که یک قسمت از مهر بر روی نمونه و قسمت دیگر بر روی صفحه قرار گیرد. ۳ - یک کلیشه برای چاپ علامت به طور وضوح (ابعاد کلیشه مزبور نباید از ده سانتیمتر از هر طرف تجاوز کند) در صورتی که علامت عبارت از یک یا چند کلمه بوده و دارای هیچ گونه تصویر و حروف مخصوص نباشد تقاضاکننده مجبور به ضمیمه کردن کلیشه نخواهد بود. ۴ - در صورتی که علامت در خارجه به ثبت رسیده باشد تسلیم رونوشت گواهی شده از طرف اداره صادرکننده آن به زبان اصلی به انضمام ترجمه غیررسمی آن به فارسی به مسوولیت تقاضاکننده الزامی است ۵ - در صورتی که علامت برای تشخیص امتیاز محصول جماعتی یا محصول یک شهر یا یک ناحیه از کشور اختیار شود گواهینامه از طرف مقام صلاحیتدار دایر بر تصدیق استفاده از علامت مزبور به وسیله سازندگان کالاهای

مربوط به آن (در ایران مقام صلاحیت دار که اداره ثبت مکلف به قبول گواهی آن در مورد مراتب مذکور در این بند می‌باشد به ترتیب عبارتند از ۱- اتحادیه صنفی ۲- اطاق بازرگانی یا صنایع ۳- شهرداری ۴- فرمانداری ماده ۳- دریافت کننده اظهارنامه مقدمتا صحت تنظیم آن را مورد رسیدگی قرار داده و پس از وارد نمودن اظهارنامه در دفتر درخواست های وارده نسخه دوم آن را که دارای همان مشخصات اصلی نسخه است بعد از امضا و مهر شعبه ثبت شرکتها و علایم تجاری به عنوان رسید به درخواست کننده مسترد خواهد کرد. نسخه سوم درخواست که دارای همان مشخصات اظهارنامه است فوراً در شعبه ثبت شرکتها و علایم تجاری و اختراعات تا تاریخ رد یا قبول قطعی درخواست آگهی خواهد شد تا هر ذی نفعی بتواند از مفاد آن اطلاع حاصل کرده و اعتراض خود را طبق مواد بعدی تسلیم نماید. ماده ۴- شخصی که تقاضای ثبت چندین علامت می‌نماید باید برای هر یک از آنها مطابق مقررات این آیین نامه اظهارنامه جداگانه بدهد، در این صورت اگر تقاضا توسط وکیل و به موجب یک وکالتنامه به عمل آمده باشد وکالتنامه اصلی به یکی از اظهارنامه‌ها و یک رونوشت مصدق آن به هر یک از اظهارنامه های دیگر باید ضمیمه شود. ماده ۵- هر اظهارنامه ظرف ۱۵ روز از تاریخ وصول از جهات ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد ۱- از لحاظ شکل برای ملاحظه این که درخواست و ضمایم آن مطابق اصول پیش بینی شده در قانون و این آیین نامه می‌باشد اگر نقایصی در اظهارنامه مشاهده شود مراتب به درخواست کننده کتبا اخطار می‌شود تا در موعد مناسب (نسبت به ساکنین در ایران تا دو ماه و نسبت به ساکنین در خارجه تا شش ماه اقدام به رفع آنها بنماید. چنانچه مدت مزبور کافی نباشد درخواست کننده می‌تواند فقط برای یک مرتبه استمهال نماید. ۲- از جهت تطبیق طبقه ای که درخواست کننده ثبت علامت جهت کالای خود ذکر نموده با طبقات مربوط به نوع کالا در صورت عدم مطابقت کالا با طبقه مندرج در اظهارنامه از درخواست کننده ثبت دعوت خواهد شد تا در اصلاح طبقه بندی کالای مشروحه اقدام نماید. ۳- از لحاظ مطابقت علایم با شرایط مقرر در قانون و این آیین نامه تبصره ۱- از لحاظ امتیاز و تشخیص مذکور در ماده یک قانون نامهای عام محصولات یا اسامی جغرافیایی که خریدار را نسبت به مبدأ و کیفیت محصولات گمراه کند علامت مشخصه تجاری محسوب نمی‌شود. تبصره ۲- در مورد علامت تجاری شباهت مذکور در ماده ۹ قانون ممکن است از لحاظ شکل ظاهر یا تلفظ یا کتابت یا به هر کیفیت دیگری باشد که مصرف کنندگان عادی را به اشتباه اندازد. ماده ۶- در موارد زیر در صورتی که در ظرف ۱۵ روز بعد از وصول اظهارنامه معلوم گردد که تقاضای ثبت قابل قبول نیست یا درخواست کننده در مدت مقرر در تکمیل آن اقدام ننماید شعبه ثبت شرکتها و علایم تجاری و اختراعات کتبا رد تقاضا را با ذکر علل به درخواست کننده ثبت ابلاغ خواهد نمود. ماده ۷- برای هر علامتی که تقاضای ثبت آن بر طبق ماده ۵ مورد قبول قرار گیرد شعبه ثبت شرکتها و علایم تجاری یک آگهی در روزنامه رسمی منتشر خواهد نمود آگهی مزبور شامل نام و نشانی صاحب علامت و خصوصیات آن و کالاهایی که علامت در مورد آنها به کار می‌رود خواهد بود. ماده ۸- هرگونه اصلاحی که به وسیله درخواست کننده ثبت بعد از انتشار آگهی به عمل آید باید به وسیله تقدیم اظهارنامه جدیدی صورت گیرد. این اظهارنامه به ترتیب مقرر در ماده ۵ این آیین نامه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و هرگاه اصلاحات و تغییرات مورد تقاضا مورد قبول اداره ثبت علایم واقع شود به وسیله آگهی جدید به اطلاع عامه خواهد رسید. ماده ۹- سی روز بعد از انتشار آگهی، شعبه ثبت شرکتها و علایم تجاری مکلف است در صورت عدم اعتراض علامت را به ثبت برساند.

فصل دوم - ثبت علامت (ماده ۱۰ تا ۱۳)

ماده ۱۰- ثبت علامت در دفتر مخصوصی با قید مراتب زیر به عمل خواهد آمد الف- تاریخ و شماره ترتیب اظهارنامه ب- تاریخ و شماره ثبت علامت و مشخصات مذکور در ماده یک این آیین نامه ج- الصاق یک نمونه از علامت در محلی که به این امر اختصاص داده شده است د- حق الثبت و حقوق دریافتی برای هر طبقه ه- امضای درخواست کننده یا قائم مقام او به طریقی که

قسمتی از امضای او در روی صفحه و قسمتی در روی علامت باشد. و - امضای رئیس شعبه ثبت علائم و یا قائم مقام او. تبصره - در دفتر ثبت علامات برای هر علامت دو صفحه تخصیص داده خواهد شد. ماده ۱۱ - پس از ثبت علامت تصدیقی که حاوی نکات زیر باشد با الصاق یک نمونه کامل از علامت بر روی آن به صاحب علامت یا نماینده او تسلیم می‌شود ۱ - تاریخ وصول اظهارنامه و شماره ثبت آن در دفتر ثبت اظهارنامه ۲ - تاریخ ثبت علامت و شماره ثبت آن ۳ - اسم و شغل و اقامتگاه و تابعیت صاحب علامت ۴ - نوع مال التجاره و یا محصول و طبقات محصولی که علامت برای تشخیص آن به کار می‌رود. ۵ - تعیین اجزایی که صاحب علامت حق استفاده انحصاری آن را به خود تخصیص داده است ۶ - تاریخ و شماره و محل ثبت در خارجه در صورتی که علامت قبلا در خارجه به ثبت رسیده باشد. ۷ - تاریخ صدور تصدیق ۸ - مدت اعتبار ثبت علامت ۹ - امضای رئیس شعبه ثبت علائم تجارتي و مدیرکل ثبت اسناد و املاک ماده ۱۲ - در ظرف سی روز پس از ثبت هر علامت اداره ثبت باید آگهی حاوی کلیه مراتب مندرج در ماده ۱۱ منتشر نماید. ماده ۱۳ - در صورتی که علامت ثبت شده برای محصولات مقرر در ماده یک قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب اول تیرماه ۱۳۱۰ ظرف مدت ۳ سال از تاریخ ثبت آن از طرف صاحب علامت یا قائم مقام یا نماینده قانونی او بدون عذر موجه مورد استفاده تجارتي در ایران (یا) در خارجه قرار نگیرد هر ذینفعی می‌تواند ابطال آن را از دادگاه شهرستان تقاضا نماید.

فصل سوم - تغییرات (ماده ۱۴ تا ۱۹)

ماده ۱۴ - تغییرات مربوط به علامت یا طبقه کالا یا صاحب علامت و همچنین تغییرات مربوط به نشانی و تابعیت و نماینده قانونی او در ایران رسمیت نخواهد داشت مگر این که در ایران به ثبت رسیده باشد. ثبت این تغییرات باید در روی صفحه مخصوص به آن علامت به عمل خواهد آمد. ثبت تغییرات به موجب اظهارنامه رسمی به امضای صاحب علامت یا نماینده قانونی او به عمل خواهد آمد. اظهارنامه باید در سه نسخه تنظیم و تغییرات مشروحا در آن قید و مدارک مربوطه و قبض پرداخت حق الثبت ضمیمه آن گردد. رسیدگی به اظهارنامه و ثبت تغییرات بر طبق اصولی که برای ثبت علامت ذکر شده است به عمل خواهد آمد. تغییرات مربوطه به نشانی و نام مرکز اصلی صاحب علامت و یا نماینده قانونی او در ایران احتیاج به آگهی ندارد. ماده ۱۵ - در صورتی که تغییرات مربوط به خود علامت باشد ده نمونه از علامت جدید باید ضمیمه اظهارنامه شود. ماده ۱۶ - ثبت تغییرات باید در روی صفحه مخصوص به آن علامت به عمل آید و مراتب در ظهر برگ تصدیق از طرف اداره ثبت منعکس گردد. ماده ۱۷ - در صورتی که علامت به هر طریق قانونی مورد انتقال قرار گرفته باشد در اظهارنامه مربوط به تغییر نام صاحب علامت نکات زیر باید صریحا قید شود الف - شماره ثبت در ایران ب - نام و اقامتگاه و تابعیت مالک جدید. ج - نام و نشانی نماینده قانونی او در ایران ماده ۱۸ - مدارک قانونی انتقال و وکالتنامه و تصدیق ثبت علامت در ایران باید ضمیمه اظهارنامه شود (تصدیق ثبت بعد از ثبت تغییرات و درج آن در ظهر تصدیق به صاحب جدید علامت مسترد خواهد شد). تبصره - در صورتی که انتقال در خارجه به ثبت رسیده باشد رونوشت مصدق مستخرجه ثبت اداره علائم خارجی کافی است ماده ۱۹ - در مواردی که صاحب علامت یا قائم مقام قانونی او استفاده از آن را به دیگری اجازه دهد این اجازه در صورتی معتبر خواهد بود که اجازه‌نامه مربوطه در ایران به ثبت رسیده باشد. در مواردی که اجازه استفاده از علامت تجارتي به امضای صاحب علامت و استفاده‌کننده رسیده باشد ثبت اجازه‌نامه مزبور با تقاضای کتبی صاحب علامت یا نماینده مجاز او و یا استفاده‌کننده صورت خواهد گرفت

فصل چهارم - تجدید ثبت (ماده ۲۰)

ماده ۲۰ - هر صاحب علامت یا قائم مقام یا نماینده قانونی او می‌تواند ثبت علامت را تا ششماه بعد از انقضای مدت اعتبار آن هر ده

سال یکبار تجدید نماید. تقاضای تجدید ثبت علامت باید در دو نسخه به امضای صاحب علامت و یا قائم مقام یا نماینده قانونی او رسیده و نمونه علامت در روی آن الصاق شود. تجدید ثبت با تادیه همان حقوق و مخارجی به عمل می‌آید که برای ثبت علامت مقرر است تجدید ثبت دنباله ثبت اصلی در دفتر ثبت علائم به عمل خواهد آمد. هر گاه در موقع تجدید ثبت تغییری در علامت داده شود مقررات مربوط به تغییرات از هر حیث باید کلاً رعایت شود. تجدید ثبت در صورتی که تغییری در علامت داده نشده باشد محتاج به آگهی نیست در صورتی که مدت اعتبار علامت منقضی شده باشد ثبت آن علامت از طرف صاحب اولیه یا دیگران تابع کلیه مقررات و تشریفات مربوط به ثبت علائم خواهد بود. اشخاص ذینفع می‌توانند در ظرف سی روز از تاریخ نشر آگهی اعتراض خود را تسلیم نمایند.

فصل پنجم - طبقه‌بندی کالا (ماده ۲۱)

ماده ۲۱ - طبقات محصولات علامت که برای ثبت هر طبقه حقوق مخصوصی طبق ماده ۱۵ قانون دریافت می‌شود در فهرست ضمیمه این آیین نامه معین است در موقع تجدید ثبت یا بر حسب تقاضای صاحب علامت ثبت شده شعبه ثبت علائم مکلف است طبقه محصولات را مطابق فهرست ضمیمه این آیین نامه در دفتر ثبت و تصدیق ثبت علامت تصحیح نماید.

باب دوم - در ثبت اختراع

فصل اول - در اظهارنامه اختراع (ماده ۲۲ تا ۲۹)

ماده ۲۲ - اظهارنامه که برای ثبت اختراع داده می‌شود باید به فارسی تنظیم شده دارای تاریخ و امضا بوده و حاوی نکات ذیل باشد

۱ - اسم و شغل و اقامتگاه و تابعیت درخواست کننده ۲ - اسم و اقامتگاه وکیل او در تهران در صورتی که اظهارنامه توسط وکیل داده شده باشد. ۳ - موضوع اختراع به طور خلاصه و روشن ۴ - مدتی که درخواست کننده می‌خواهد در حدود ماده ۳۳ قانون ثبت علائم و اختراعات برای اعتبار ورقه اختراع تخصیص دهد بدون هیچ شرط و قید. ۵ - تاریخ و محل صدور و شماره ورقه اختراع در خارجه در صورتی که برای آن اختراع در خارج ایران ورقه صادر شده باشد. ۶ - اقامتگاهی که درخواست کننده در تهران انتخاب می‌نماید. ۷ - اسم و اقامتگاه شخص یا اشخاصی که مقیم در ایران بوده و برای دریافت کلیه ابلاغات مربوط به اختراعی که درخواست ثبت آن می‌شود صلاحیت داشته باشند. تبصره - در اظهارنامه ممکن است نام و نشانی درخواست کننده، موضوع اختراع، نام کشوری که قبلاً اختراع در آنجا به ثبت رسیده است و شماره و تاریخ ثبت در خارجه به زبان فرانسه یا انگلیسی نوشته شود.

ماده ۲۳ - اظهارنامه باید دارای ضمایم ذیل باشد ۱ - توصیف مشروح اختراع و یا وسیله جدیدی که برای آن تقاضای ورقه اختراع می‌شود در سه نسخه ۲ - نقشه‌هایی که برای فهم توصیف مزبور لازم می‌باشد در ۳ نسخه ۳ - قبض صندوق اداره ثبت اسناد حاکی از پرداخت وجوه مذکور در ماده ۳۲ قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات ۴ - وکالتنامه در صورتی که اظهارنامه توسط وکیل تسلیم شده باشد. ماده ۲۴ - اظهارنامه باید به موضوع اصلی یک اختراع و موضوعات تفصیلی که مربوط به همان موضوع اصلی است محدود باشد. تبصره - چنانچه اختراع قبلاً در خارجه به ثبت رسیده باشد درخواست کننده می‌تواند براساس اختراع اصلی اختراع تکمیلی آن درخواست ورقه اختراع واحدی بنماید. ماده ۲۵ - توصیف مشروح اختراع که مطابق ماده بیست و سه ضمیمه اظهارنامه می‌شود باید به فارسی تهیه در آخر آن خلاصه‌ای از اختراع و نحوه اعمال آن اضافه شود، معذک اگر تنظیم آن به فارسی برای درخواست کننده میسر نباشد می‌تواند توصیف کامل را به فرانسه یا به انگلیسی و خلاصه آن را به فارسی ضمیمه نماید. ماده ۲۶ - توصیف مزبور به هر زبانی که باشد باید خوانا و به طوری که اشخاص با اطلاع بتوانند از مطالعه آن موضوع و

تازگی آن را درک کنند نوشته شود. تراشیدن و پاک کردن و بین السطور نوشتن ممنوع است روی کلمات زیادی باید خط کشیده شده و تعداد آنها در آخر معین و امضا شود. صفحات و رونوشتها نیز باید به امضای درخواست کننده یا وکیل او برسد. نقشه‌ها با مرکب و از روی مقیاس متری تهیه شده و باید دارای امضا یا مهر درخواست کننده و یا وکیل او باشد. ماده ۲۷ - توصیف اختراع و نقشه‌های آن روی کاغذی که (سی و چهار) سانتی متر طول و بیست و دو سانتی متر عرض داشته باشد نوشته شده و فقط در روی یک طرف کاغذ تهیه شود به نحوی که پشت صفحه سفید بماند. صفحات توصیف باید شماره مسلسل داشته و به یکدیگر با قیطان یا منگنه ملصق شود. نقشه‌ها باید روی کاغذ مخصوص نقشه تهیه و دارای شماره ترتیبی باشد. ماده ۲۸ - شعبه ثبت علائم و اختراعات پس از دریافت اظهارنامه صحت تشریفات مقدماتی آن را مورد رسیدگی قرار داده و پس از وارد نمودن اظهارنامه در دفتر درخواستهای وارده نسخه دوم آنرا که دارای همان مشخصات نسخه اصلی است پس از امضا و مهر اداره ثبت با قید تاریخ، ساعت و روز و ماه و سال وصول آن با تمام حروف به درخواست کننده مسترد خواهد کرد. ماده ۲۹ - از تاریخ وصول اظهارنامه به دفتر، متصدی شعبه اختراعات در ظرف ۱۵ روز اظهارنامه و ضمایم آن را از لحاظ تطبیق با مقررات قانون و مواد آیین نامه حاضر مورد مطالعه قرار می‌دهد و در صورتی که نواقصی در اظهارنامه یا ضمایم مشاهده شود مراتب را کتبا به درخواست کننده اطلاع داده و ضمناً مهلتی در حدود دو ماه اگر درخواست کننده ساکن ایران باشد و شش ماه اگر ساکن خارجه باشد جهت رفع نواقص مزبور تعیین خواهد کرد. در صورت عذر موجه شعبه ثبت علائم و اختراعات مهلت مذکور را فقط برای یکبار تمدید می‌نماید. چنانچه درخواست کننده در ظرف مهلت مقرر نواقص مزبور را رفع ننماید یا اظهارنامه با مقررات قانون منطبق نباشد شعبه ثبت علائم و اختراعات اظهارنامه ناقص را با ذکر دلیل رد نموده مراتب را کتبا به درخواست کننده ابلاغ خواهد نمود. درخواست کننده می‌تواند نسبت به رد اظهارنامه با رعایت مهلت مقرر در قانون به دادگاه شهرستان اعتراض نماید.

فصل دوم - ثبت اختراع (ماده ۳۰ تا ۳۳)

ماده ۳۰ - در صورتی که اظهارنامه صحیح و قانونی تشخیص داده شود اختراع در دفتر مخصوصی با قید مراتب زیر به ثبت خواهد رسید ۱ - شماره ثبت ۲ - شماره دفتر اظهارنامه ۳ - تاریخ وصول اظهارنامه با تعیین ساعت روز و ماه و سال ۴ - نام و نشانی کامل تسلیم کننده اظهارنامه ۵ - نام و نشانی وکیل درخواست کننده اختراع اگر اختراع توسط وکیل درخواست ثبت شده باشد. ۶ - موضوع اختراع ۷ - مدت اعتبار ورقه اختراع ۸ - شماره ثبت و مدت اعتبار ورقه اختراع در خارجه ۹ - تاریخ ثبت اختراع ۱۰ - امضای رییس شعبه ثبت علائم تجاری و اختراعات ۱۱ - امضای درخواست کننده ثبت اختراع یا نماینده او. تبصره - در دفتر ثبت اختراعات برای هر اختراع دو صفحه تخصیص داده خواهد شد. هر تغییر و تکمیلی نسبت به موضوع اختراع و همچنین کلیه نقل و انتقالاتی که جزئا و یا کلا نسبت به اختراع واقع می‌شود باید در صفحات مزبور ثبت گردد. ماده ۳۱ - پس از ثبت اختراع ورقه اختراعی که به صاحب اختراع یا نماینده او داده می‌شود باید شامل نکات زیر باشد ۱ - شماره ثبت اختراع ۲ - تاریخ ثبت اختراع ۳ - شماره دفتر اظهارنامه ۴ - موضوع اختراع ۵ - تاریخ تسلیم اظهارنامه ۶ - نام و نشانی کامل صاحب اختراع و وکیل او ۷ - نشانی صاحب اختراع در ایران ۸ - مدت اعتبار ورقه اختراع ۹ - شماره ثبت و مدت اعتبار اختراع در خارجه ۱۰ - امضای رییس شعبه ثبت علائم تجاری و اختراعات ۱۱ - امضای مدیر کل ثبت ۱۲ - شماره و تاریخ صدور ورقه اختراع یک نسخه از توصیف اختراع و خلاصه آن و نقشه‌ها به وسیله قیطان یا منگنه به ورقه اختراع ملصق و مهر می‌شود. ماده ۳۲ - در ظرف سی روز پس از ثبت هر اختراع اداره مربوطه ثبت، آگهی که شامل مراتب زیر است منتشر خواهد نمود شماره ثبت اختراع مدت اعتبار ورقه اختراع نام صاحب اختراع و نشانی کامل او موضوع اختراع آگهی مزبور به امضای رییس شعبه ثبت علائم تجاری و اختراعات در روزنامه رسمی کشور منتشر خواهد شد. ماده ۳۳ - مدت اعتبار ورقه اختراع از تاریخ تسلیم اظهارنامه محسوب می‌گردد.

فصل سوم - تغییرات (ماده ۳۴ تا ۴۴)

ماده ۳۴ - هر تغییر یا اضافه یا تکمیلی که در مدت اعتبار ورقه اختراع راجع به آن اختراع حاصل می‌شود تابع مقررات مندرجه در مواد ۲۳ و ۲۴ خواهد بود. ماده ۳۵ - برای تغییر و یا تکمیل و یا اضافات مزبور، ورقه اختراعی در تکمیل ورقه اصلی صادر می‌گردد. ورقه اختراع تکمیلی تابع همان مقرراتی خواهد بود که برای ورقه اصلی معین شده است ولی مدت اعتبار ورقه تکمیلی نمی‌تواند از مدت اعتبار ورقه اصلی تجاوز نماید. ماده ۳۶ - هر صاحب ورقه اختراع که بخواهد برای تغییر یا تکمیل یا اضافات به عوض ورقه تکمیلی ورقه اصلی علیحده صادر نماید باید مقررات قانون ثبت علایم تجارتي و اختراعات و همچنین مقررات این نظامنامه را که مربوط به ورقه اختراع است رعایت نموده و حق الثبت و سایر مخارج مربوطه را تادیه کند. ماده ۳۷ - در صورتی که تقاضاکننده اختراع تکمیلی، شخص دیگری غیر از صاحب اختراع اصلی باشد ورقه ثبت اختراع تکمیلی اجازه استفاده از اختراع اصلی را به او نمی‌دهد و صاحب اختراع اصلی نیز نمی‌تواند از اختراع تکمیلی استفاده کند مگر آن که بین آنها تراضی به عمل آید. ماده ۳۸ - تغییرات مربوط به نام و نشانی و تابعیت و نماینده صاحب اختراع در ایران رسمیت نخواهد داشت مگر آن که در ایران به ثبت برسد، ثبت تغییرات مزبور به موجب اظهارنامه رسمی به امضای صاحب اختراع یا نماینده قانونی او به عمل خواهد آمد. اظهارنامه باید در سه نسخه تنظیم و تغییرات مشروحا در آن قید و مدارک مربوطه و قبض پرداخت حق الثبت ضمیمه آن گردد. رسیدگی به اظهارنامه و ثبت تغییرات بر طبق اصولی که برای ثبت اختراع ذکر شده است به عمل خواهد آمد. تغییرات مربوط به نشانی و نام صاحب اختراع یا نماینده قانونی او در ایران احتیاج به آگهی ندارد. ماده ۳۹ - ثبت کلیه تغییرات باید در روی صفحه مخصوص به آن اختراع به عمل آید و مراتب در ظهر ورقه ثبت اختراع از طرف شعبه ثبت علایم و اختراعات قید گردد. ماده ۴۰ - در صورتی که اختراعی قانونا مورد انتقال قرار گیرد مراتب زیر باید در اظهارنامه تصریح گردد الف - شماره ثبت در ایران ب - نام و اقامتگاه و تابعیت منتقل الیه ج - نام و نشانی نماینده قانونی او در ایران ماده ۴۱ - مدارک قانونی انتقال و وکالت نامه و ورقه ثبت اختراع در ایران باید ضمیمه اظهارنامه شود (ورقه اختراع بعد از ثبت انتقال به صاحب آن مسترد خواهد شد) ماده ۴۲ - در صورتی که انتقال در خارجه واقع شده باشد و شعبه ثبت اختراعات محل، انتقال مزبور را به ثبت رسانیده باشد مستخرجه ثبت فوق الذکر دلیل انتقال خواهد بود. ماده ۴۳ - صاحب اختراع می‌تواند اجازه استفاده از اختراع خود را که در ایران به ثبت رسیده با هرگونه شرایط به دیگری بدهد. اجازه مزبور باید در دفتر ثبت اختراعات در صفحه مربوط به آن اختراع ثبت و در روزنامه رسمی منتشر شود. ماده ۴۴ - اداره ثبت پس از رسیدگی و مطابقت درخواست با مقررات قانونی و آیین نامه مبادرت به ثبت آن نموده و آگهی حاوی نام صاحب اختراع و استفاده کننده از اختراع و شماره اختراع و خلاصه از مفاد اجازه نامه منتشر خواهد نمود و به شخص ذینفع مستخرجه از ثبت مزبور را تسلیم خواهد داشت

باب سوم - مقررات مشترکه**فصل اول (ماده ۴۵ تا ۴۶)**

ماده ۴۵ - شعبه ثبت علایم و اختراعات پس از درج و انتشار آگهی های مربوطه به صدور ورقه اختراع یا گواهی ثبت علامت مبادرت خواهد نمود. ماده ۴۶ - هرگاه کسی که تقاضای ثبت علامت یا اختراعی را می‌نماید مقیم در ایران نباشد باید در تهران اقامتگاه معلوم مشخصی انتخاب کند و یا شخص دیگری را که مقیم در تهران باشد معین و معرفی نماید که برای قبول کلیه ابلاغات مربوطه به علایم تجارتي و اختراعات صلاحیت داشته باشد. همین تکلیف به عهده کسی نیز وارد است که نسبت به علامت تجارتي

یا ورقه اختراع اعتراض می‌نماید و مقیم در ایران نمی‌باشد. کلیه ابلاغات مربوطه به علایم تجارتي یا اختراعات به اقامتگاه شخص ذی نفع و یا اقامتگاه شخص یا اشخاصی که به موجب این ماده معین می‌شود به عمل خواهد آمد.

فصل دوم - آیین دادرسی مربوط به علایم تجارتي و اختراعات

مبحث اول - در شکایت از رد تقاضای ثبت (ماده ۴۸ تا ۵۰)

ماده ۴۷ - هر کسی نسبت به علامت تجارتي یا ورقه اختراع اعتراض می‌نماید اعم از این که آن اعتراض قبل از ثبت علامت یا اختراع باشد یا بعد از آن باید معادل ده هزار ریال در صندوق دادگستری ودیعه گذاشته و قبض آن را ضمیمه دادخواست اعتراض نماید. از وجه مزبور در صورتی که معترض محکوم به بی حقی شود خسارت طرف پرداخته شده و در صورتی که طرف بیش از ده هزار ریال خسارت دیده باشد برای مازاد به محکمه رجوع خواهد کرد. مبحث اول - در شکایت از رد تقاضای ثبت ماده ۴۸ - به دادخواستی که درخواست کننده ثبت علامت یا اختراع باید در صورت رد تقاضای او مطابق ماده ۷ قانون علایم تجارتي و اختراعات بدهد اسناد ذیل ضمیمه خواهد شد ۱ - اصل یا رونوشت گواهی شده تصمیمی که به موجب آن تقاضای ثبت رد شده است ۲ - اعتراضاتی که درخواست کننده ثبت به تصمیم مزبور دارد. ۳ - قبض سپرده بر طبق ماده ۴۷. ۴ - وکالت‌نامه در صورتی که دادخواست و کالتا داده شده باشد. ماده ۴۹ - مدیر دفتر دادگاه روز جلسه را معین کرده به معترض و به متصدی شعبه مذکور در ماده ۶ قانون ثبت علایم تجارتي و اختراعات اخطار می‌نماید که در روز مزبور حاضر شوند. معترض می‌تواند مهلتی که بیش از ششماه نباشد تقاضا کند. در روز جلسه محکمه توضیحات شفاهی هریک از طرفین را استماع نموده و حکم مقتضی خواهد داد. عدم حضور هیچ یک از طرفین مانع از صدور حکم نخواهد بود. در این صورت حکم نسبت به طرف غایب نیز حضوری محسوب است ماده ۵۰ - ترتیب رسیدگی پژوهشی نیز همان است که به موجب ماده قبل مقرر گردیده

مبحث دوم - در اعتراض به ثبت قبل از این که علامت یا اختراع ثبت شده باشد (ماده ۵۱ تا ۶۰)

ماده ۵۱ - اعتراضات مربوط به علایم یا اختراعاتی که هنوز به ثبت نرسیده است باید کتبا به شعبه ثبت علایم تجارتي و اختراعات تسلیم گردد. در مقابل اعتراض نامه رسیدی با قید تاریخ وصول داده خواهد شد. معترض باید در اعتراض نامه نکات ذیل را قید کند ۱ - اسم و شغل و اقامتگاه خود در تهران ۲ - ذکر کلیه دلایل و مدارکی که معترض به استناد آن خود را محق در اعتراض می‌داند. ماده ۵۲ - رونوشت گواهی شده اسنادی که ادعای معترض مبنی بر آن است باید در صورت امکان ضمیمه اعتراض نامه شود. ماده ۵۳ - هرگاه اعتراض معترض مبنی بر حق مالکیتی باشد که نسبت به علامت یا اختراع مورد تقاضای ثبت ادعا می‌نماید بدون این که آن علامت یا اختراع در ایران به اسم او ثبت شده باشد، اعتراض او وقتی پذیرفته می‌شود که ثبت علامت یا اختراع را نیز مطابق قانون ثبت علایم تجارتي و اختراعات و مقررات این آیین نامه تقاضا نماید. همین ترتیب در هر موردی نیز باید رعایت شود که اعتراض معترض برای حفظ حقوق خود نسبت به علامت یا اختراعی به عمل می‌آید که آن علامت یا اختراع هنوز در ایران به ثبت نرسیده است مگر آن که علامت یا اختراع قانوناً قابل ثبت نباشد. ماده ۵۴ - تا ده روز از تاریخ وصول اعتراض نامه، شعبه ثبت علایم تجارتي و اختراعات باید آن را به اقامتگاه درخواست کننده ثبت یا اشخاصی که به موجب ماده ۴۶ معین می‌شوند ابلاغ کند. در ضمن ابلاغ نامه باید صراحتاً اخطار شود که هرگاه به اعتراض معترض تسلیم می‌گردد درخواست ثبت علامت را مسترد کند. طریقه ابلاغ اعتراض نامه همان است که مطابق آیین دادرسی مدنی برای ابلاغ دادخواست مقرر است ماده ۵۵ - هرگاه درخواست کننده ثبت کتبا به اعتراض معترض تمکین نمود، درخواست او مسترد شده و مراتب کتبا به معترض اخطار می‌گردد و هرگاه علامت یا اختراع معترض قبلاً به ثبت نرسیده باشد بر طبق اظهارنامه که مطابق ماده ۵۳ در حین اعتراض تقدیم نموده است

اقدام به ثبت آن می‌شود. ماده ۵۶ - معترض باید تا شصت روز از تاریخ ابلاغ اعتراض نامه به درخواست کننده ثبت به دادگاه شهرستان تهران رجوع کند مگر این که قبل از انقضای این مدت تقاضاکننده ثبت مطابق ماده قبل به اعتراض او تمکین کرده باشد. ماده ۵۷ - هرگاه معترض در مدت مذکور فوق به دادگاه شهرستان تهران رجوع ننمود شعبه ثبت علائم تجارتي و اختراعات به درخواست کسی که تقاضای ثبت علامت را کرده بعد از ملاحظه گواهی دفتر دادگاه شهرستان تهران که حاکی از عدم تقدیم دادخواست باشد علامت یا اختراع را به اسم معترض علیه ثبت خواهد کرد و در این صورت حقوق و مخارجی که معترض بر طبق ماده ۱۶ قانون ثبت علائم تجارتي و اختراعات تادیه کرده باشد، به نفع دولت ضبط خواهد شد. ماده ۵۸ - اگر معترض نتواند تمام اسناد و مدارک خود را به دادخواست ضمیمه نماید به تقاضای او رییس دادگاه پس از رسیدگی و در صورت لزوم مهلتی که بیش از ششماه نباشد خواهد داد. ماده ۵۹ - مهلت مذکور در فوق به درخواست کننده ثبت نیز برای تقدیم مدارک دفاع داده خواهد شد. ماده ۶۰ - سایر ترتیبات رسیدگی خواه در دادگاه شهرستان و خواه در دادگاه استان همان است که برای رسیدگی به دعاوی تجارتي مقرر است

باب چهارم - هزینه مربوط به علائم تجارتي و اختراعات (ماده ۶۶ تا ۶۷)

اشاره

ماده ۶۶ - هزینه مربوط به علائم تجارتي و اختراعات به قرار ذیل خواهد بود بند ۱ - حق الترجمه و رونوشت گواهی شده به موجب آیین نامه های مربوط به مترجمین رسمی و تهیه رونوشت اسناد. بند ۲ - تعرفه اعلانات طبق تعرفه روزنامه رسمی کشور. بند ۳ - برای معاملات و انتقالات مربوط به اختراع به استثنای مورد مذکور در بند ۴ این ماده مطابق تعرفه مقرر ثبت اسناد مشروط بر این که مبلغ دریافتی از ۴۰ ریال طلا تجاوز نکند. بند ۴ - برای ثبت انتقال اختراع به وسیله ارث سه ریال طلا. ماده ۶۷ - از تاریخ اجرای این آیین نامه نظامنامه اجرای قانون ثبت علائم تجارتي و صنعتی مصوب ۲۹ ۴ ۱۳۱۰ ملغی است این آیین نامه ده روز پس از انتشار در روزنامه رسمی کشور قابل اجرا است

مبحث سوم - در اعتراض به علائم یا اختراعات ثبت شده (ماده ۶۱ تا ۶۲)

ماده ۶۱ - هر کس بخواهد ابطال علامت تجارتي یا ورقه اختراع را که در ایران به ثبت رسیده است تقاضا کند باید به دادگاه شهرستان تهران دادخواست بدهد. دادخواست مزبور باید دارای ضمایم ذیل باشد ۱ - مستخرجه گواهی شده از شعبه ثبت علائم تجارتي و اختراعات مشعر بر ثبت علامت یا ورقه اختراعی که ابطال آن تقاضا می‌شود. ۲ - اصل یا رونوشت گواهی شده کلیه اسناد مثبت ادعای معترض ۳ - وکالتنامه در صورتی که دادخواست و کالتا داده شده باشد. ماده ۶۲ - ابلاغ دادخواست و مقدمات کتبی دعوا و سایر ترتیبات رسیدگی مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی به عمل خواهد آمد لیکن مفاد ماده ۵۹ درباره خواننده باید رعایت شود.

فصل سوم - در طرق نامین (ماده ۶۳ تا ۶۵)

ماده ۶۳ - مالک هر علامت تجارتي و همچنین صاحب هر ورقه اختراع و یا قائم مقام قانونی آنان می‌توانند به موجب امر نزدیکترین دادگاه بخش محلی که محصولات مورد ادعا در آن محل است صورت مشروحي از محصولاتی که به ادعای آنها با حق حاصل از علامت تجارتي و یا اختراع آنها مخالف است بردارند. اجرای امر فوق در صورتی که محصولات هنوز در گمرک باشد به وسیله

مامورین گمرک والا به وسیله مامور اجرا به عمل خواهد آمد. توقیف محصولات مزبوره وقتی ممکن است که امر دادگاه تصریح به آن داشته باشد. امر دادگاه در هر یک از دو صورت فوق بنا بر درخواست مالک علامت یا صاحب ورقه اختراع و یا قائم مقام قانونی آنان صادر می‌گردد. به دادخواست مزبور باید رونوشت گواهی شده سند ثبت علامت و یا گواهی نامه ثبت اختراع ضمیمه گردد. اگر مالک علامت و یا ورقه اختراع تقاضای توقیف محصولات مذکور فوق را نماید باید تضمین کافی بدهد که عندالافتضا از محل مزبور کلیه خسارات وارد بر طرف و منافی که ممکن است طرف از تحصیل آن محروم شود جبران گردد. ماده ۶۴ - در دعوی که راجع به حقوق حاصله از ثبت علامت تجاری و یا حق ثبت اختراع اقامه می‌شود معترض در دعوی حقوقی و شاکی خصوصی در دعوی جزایی می‌توانند در هر موقع از مراجع قضایی که موضوع در آنجا مطرح است صدور قرار تامین دلیل یا توقیف محصولات تقلبی و تقلیدی یا تقاضای صدور قرار دستور موقت نسبت به عدم ساخت یا فروش یا ورود اجناس تقلبی یا تقلیدی را بنماید و مراجع قضایی مزبور موظفند نسبت به تقاضای نامبرده موافقت نمایند. در مورد توقیف محصولات با صدور قرار دستور موقت نسبت به عدم ساخت یا فروش اجناس تقلبی یا تقلیدی مرجع قضایی مزبور می‌تواند قبل از صدور قرار از تقاضاکننده تضمین کافی بخواهد تا عندالافتضا از محل مزبور کلیه خسارات وارده بر طرف و منافی که ممکن است از آن محروم گردد جبران شود. ماده ۶۵ - اگر مدعی تا ده روز از تاریخ صدور امر مذکور در ماده ۶۳ این آیین نامه و رعایت مقررات ماده ۶۱۵ آیین دادرسی مدنی از مجرای حقوقی یا از طریق جزایی طرح دعوا ننماید صورت مشروحه که برداشته شده و یا توقیفی که به عمل آمده است باطل و کان لم یکن بوده و مشارالیه مطابق ماده ۶۳ مذکور مسوول خسارات طرف خواهد بود.

اصلاح جدول طبقه بندی علائم صنعتی و تجاری موضوع باب چهارم آیین نامه اصلاحی اجرای قانون

سر فصلهای اصلی مربوط به طبقه بندی کالاها و خدمات طبقه ۱ - مواد شیمیایی مورد استفاده در صنایع، علوم، عکاسی و همچنین کشاورزی، باغبانی و جنگلبانی، رزین های مصنوعی پردازش نشده، پلاستیک های پردازش نشده، کودهای گیاهی، ترکیبات اطفا حریق، مواد آبکاری و جوشکاری فلزات، مواد شیمیایی برای نگهداری مواد غذایی، مواد دباغی، چسبهای صنعتی. طبقه ۲ - رنگ، روغن جلا، لاک، مواد ضد زنگ زدگی و جلوگیری کننده از فاسد شده چوب، مواد رنگی، مواد تثبیت رنگ رزین یا صمغ های خام طبیعی، فلزات به صورت پودر یا ورق برای نقاشان ساختمان، چاپگرها و هنرمندان طبقه ۳ - ترکیبات سفید کننده و سایر مواد مخصوص شستشوی لباس، مواد مخصوص تمیز کردن، براق کردن، لکه گیری و ساییدن، صابون، عطریات، روغن های اسانس، مواد آرایش، لوسیون های مو، گرد و خمیردندان طبقه ۴ - روغن ها و گریس های صنعتی، روان کننده ها، ترکیبات گردگیری، مرطوب کردن و جذب رطوبت، انواع سوخت (شامل سوخت موتور) و مواد روشنایی، انواع شمع و فتیله و چراغ طبقه ۵ - مواد دارویی و بیطاری، مواد بهداشتی برای مصارف پزشکی، مواد رژیمی برای مصارف پزشکی، غذای کودکان، انواع گچ شکسته بندی، لوازم زخم بندی، مواد پر کردن دندان، موم دندانسازی، ضد عفونی کننده ها، مواد نابود کننده حشرات، موزی، قارچ کش، مواد دفاع نباتات هرزه طبقه ۶ - فلزات عادی و آلیاژهای آنها، مواد ساختمانی فلزی، ساختمانهای فلزی قابل حمل، مواد فلزی خطوط راه آهن، کابل و سیم های غیر برقی از جنس فلزات عادی، آهن آلات، اقلام کوچک فلزی، لوله و مجراهای فلزی، گاو صندوق، اجناس ساخته شده از فلزات عادی که در طبقات دیگر ذکر نشده اند، سنگهای معدنی فلزات. طبقه ۷ - انواع ماشین و ماشینهای افزار، انواع موتور (به استثنا موتور وسایط نقلیه زمینی) قفل و بست و حلقه های اتصال قطعات ماشینها و قطعات انتقال قوه (به غیر از اتصالات و اجزا انتقال قوه وسایط نقلیه زمینی، لوازم و ابزار کشاورزی، (به استثنا ابزارهای دستی، ماشین جوجه کشی طبقه ۸ - انواع ابزار و لوازم دستی (که با دست کار می کنند)، سرویس کارد و قاشق و چنگال، سلاح کمری، تیغ. طبقه ۹ - اسباب و آلات علمی، دریانوردی، مساحی، عکاسی، سینمایی، بصری، وزن کردن، اندازه گیری، علامت دادن،

کنترل و مراقبت (نظارت، نجات و آموزش، اسباب و لوازم هدایت، قطع و وصل، تبدیل، ذخیره‌سازی، تنظیم و کنترل جریان برق، آلات و اسباب ضبط، انتقال یا تکثیر صوت یا تصویر، اسباب ذخیره اطلاعات مغناطیسی، دیسک‌های قابل ضبط، ماشینهای فروش خودکار و مکانیسم دستگاههایی که با سکه کار می‌کنند، صندوق‌های ثبت مبلغ دریافتی، ماشینهای حساب، تجهیزات داده پردازی و رایانه‌ای، دستگاه آتش‌نشانی طبقه ۱۰ - آلات و ابزار جراحی، پزشکی، دندانسازی و بیطاری، اندامهای مصنوعی، دندان و چشم مصنوعی، اقلام ارتوپدی، مواد بخیه زنی طبقه ۱۱ - دستگاههای روشنایی، حرارتی، مولد بخار، طبخ، خنک کردن، تهویه، تامین آب بهداشتی طبقه ۱۲ - وسایط نقلیه، دستگاههای حمل و نقل زمینی، دریایی و هوایی طبقه ۱۳ - اسلحه گرم، مهمات و انواع پرتابه (از قبیل موشک، خمپاره و غیره، مواد منفجره، مواد وسایل آتشبازی طبقه ۱۴ - فلزات گرانبها و آلیاژهای آنها و کالاهایی که با فلزات گرانبها ساخته شده یا با آنها روکش شده‌اند و در سایر طبقات ذکر نشده‌اند، جواهرات، سنگ‌های گرانبها، اسباب و لوازم ساعت‌سازی و زمان‌سنجی طبقه ۱۵ - آلات موسیقی طبقه ۱۶ - کاغذ، مقوا و کالاهای ساخته شده از آنها که در طبقات دیگر ذکر نشده‌اند، مطالب چاپ شده، مواد صحافی، عکس، نوشت افزار، چسب برای مصارف تحریری یا خانگی، لوازم نقاشی، قلم مو نقاشی، ماشین تحریر و لوازم ملزومات دفتری (به استثنای مبلمان مواد آموزشی و تدریس (به استثنای دستگاهها)، مواد پلاستیکی برای بسته بندی (که در سایر طبقات ذکر نشده‌اند)، حروف و کلیشه چاپ طبقه ۱۷ - لاستیک، کاپوچو، صمغ، آرزبست (پنبه نسوز)، میکا (سنگ طلق و کالاهای ساخته شده از این مواد که در طبقات دیگر ذکر نشده‌اند، پلاستیک دارای شکل و قالب خاص برای استفاده در تولید سایر کالاها، مواد بسته بندی، درپوش گذاری، انسداد و عایق بندی، لوله‌های قابل ارتجاع غیرفلزی طبقه ۱۸ - چرم و چرم مصنوعی و کالاهای ساخته شده از آنها که در طبقات دیگر ذکر نشده‌اند، پوست حیوانات، چمدان، کیسه و کیفهای مسافرتی، چتر، چتر آفتابگیر و عصا، شلاق، یراق و زین و برگ طبقه ۱۹ - مواد مصالح ساختمانی (غیرفلزی)، لوله‌های غیر فلزی سخت و غیرقابل انعطاف برای استفاده در ساختمان، آسفالت، قیر و قطران، ساختمانهای متحرک غیرفلزی، بناهای یاد بود غیرفلزی طبقه ۲۰ - مبلمان و اثاثیه، آئینه، قاب عکس، کالاهای ساخته شده از چوب، چوب پنبه، نی، حصیر، شاخ، استخوان، عاج، استخوان آرواره نهنگ، صدف، کهربا، صدف مروارید، کف دریا و بدل کلیه این مواد یا ساخته شده از پلاستیک (که در سایر طبقات ذکر نشده‌اند) طبقه ۲۱ - ظروف خانگی یا لوازم آشپزخانه (که از فلزات قیمتی ساخته یا روکش نشده‌اند)، شانه و ابر و اسفنج، انواع برس و قلم مو (به استثنای قلم‌موهای نقاشی، مواد ساخت برس، لوازم نظافت و تمیزکاری، سیم ظرفشویی، شیشه کار شده یا نیمه کار شده (به استثنای شیشه مورد استفاده در ساختمانها) شیشه آلات، اشیا ساخته شده از چینی و سفال که در طبقات دیگر ذکر نشده‌اند. طبقه ۲۲ - طناب، ریسمان، تور، چادر، سایبان، برزنت (تارپولین)، بادبان و شراع، کیسه و گونی که در طبقات دیگر ذکر نشده است، مواد لایبی و لایه‌گذاری و پوشال (به استثنای لاستیک و پلاستیک، مواد خام لینی برای نساجی طبقه ۲۳ - انواع نخ و رشته برای مصارف پارچه بافی و نساجی طبقه ۲۴ - محصولات نساجی و پارچه‌ای که در طبقات دیگر ذکر نشده‌اند، انواع روتختی و رومیزی طبقه ۲۵ - انواع لباس و پوشاک، پاپوش و پوشش سر. طبقه ۲۶ - انواع توری و قلابدوزی، روبان، بند، (نوار) حاشیه و قیطان، دکمه، قزن قفلی، سنجاق و سوزن ته گرد، گلکهای مصنوعی طبقه ۲۷ - انواع فرش، قالیچه، حصیر و زیرانداز، لینولیوم و سایر کف پوشها، آویزهای دیواری (غیرپارچه‌ای). طبقه ۲۸ - انواع بازی و اسباب بازی، لوازم ورزشی و ژیمناستیک که در طبقات دیگر ذکر نشده‌اند، تزئینات درخت کریسمس. طبقه ۲۹ - گوشت، گوشت ماهی، گوشت طیور و شکار، عصاره گوشت، سبزیجات و میوه‌جات به صورت کنسرو، خشک شده و پخته شده، انواع ژله، مربا و کمپوت، تخم مرغ، شیر و محصولات لبنی، روغن‌ها و چربی‌های خوراکی طبقه ۳۰ - قهوه، چای، کاکایو، شکر، برنج، نشاسته کاسار یا مانیوک (تاپیوکا)، نشاسته نخل خرما (ساگو)، بدل قهوه، آرد و فرآورده‌های تهیه شده از غلات، نان، نان شیرینی، شیرینی جات، شیرینی یخی، عسل، ملاس یا شیره قند، مایه خمیر، گرد مخصوص شیرینی پزی

یا پخت نان ، نمک ، خردل ، سرکه ، انواع سس (چاشنی ادویه جات ، یخ طبقه ۳۱- محصولات کشاورزی ، باغداری و جنگلبانی و دانه هایی که در طبقات دیگر ذکر نشده‌اند ، حیوانات زنده ، میوه و سبزیجات تازه ، بذر ، گیاهان و گل‌های طبیعی ، غذای حیوانات ، مالت (جو سبزی خشک شده طبقه ۳۲- مالشعیر ، آب‌های معدنی و گازدار و سایر نوشیدنی های غیرالکلی ، آب میوه و شربتهای میوه‌ای ، شربت و ترکیبات مخصوص ساخت نوشابه طبقه ۳۳- ... طبقه ۳۴- تنباکو ، لوازم تدخین ، کبریت خدمات طبقه ۳۵- تبلیغات ، مدیریت تجاری ، امور اداری تجارت ، کارهای دفتری و اداری طبقه ۳۶- بیمه ، امور مالی ، امور پولی ، امور مربوط به معاملات املاک و مستغلات طبقه ۳۷- ساختمان سازی ، تعمیر و بازسازی ، خدمات نصب طبقه ۳۸- مخابرات از راه دور. طبقه ۳۹- حمل و نقل بسته بندی و نگهداری کالاها ، تهیه مقدمات و ترتیب دادن مسافرتها. طبقه ۴۰- بهسازی و عمل آوری مواد. طبقه ۴۱- آموزش و پرورش ، دوره های کارآموزی و تعلیمی ، تفریح و سرگرمی ، فعالیتهای ورزشی و فرهنگی طبقه ۴۲- خدمات علمی و فن آوری و تحقیق و پژوهش و طراحی در این زمینه ، خدمات تجزیه و تحلیل و تحقیقات صنعتی ، طراحی و توسعه نرم افزار و سخت افزارهای رایانه ای ، خدمات حقوقی طبقه ۴۳- خدمات عرضه اغذیه و نوشابه ، تامین مسکن و محل اقامت موقت طبقه ۴۴- خدمات پزشکی ، خدمات بيطاری ، مراقبت های بهداشتی و زیبایی برای انسانها یا حیوانات ، خدمات کشاورزی ، باغداری و جنگلداری طبقه ۴۵- خدمات شخصی یا اجتماعی که توسط دیگران برای رفع نیازهای افراد ارایه می شوند ، خدمات امنیتی برای محافظت از افراد ، اموال و دارایی ها.

آیین نامه ماده ۹ قانون ثبت شرکتها و ماده ۴۵ قانون ثبت علائم

نظر به ماده ۹ قانون ثبت شرکت ها مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ و ماده ۴۵ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب اول تیر ماه ۱۳۱۰ وزارت دادگستری مقرر می‌دارد ماده ۱- برای ثبت شرکتهای تجاری و علائم و اختراعات در تهران اداره ای به نام اداره ثبت شرکتها و علائم تجاری و اختراعات که جز تشکیلات اداره کل ثبت است تشکیل می‌شود و دارای وظایف زیر خواهد بود ۱- ثبت شرکتهای داخلی و تشکیلات و موسساتی که برای مقاصد غیر تجاری در حوزه تهران تشکیل و تاسیس می‌شود. ۲- ثبت کلیه شرکتهای خارجی ۳- ثبت علائم تجاری و صنعتی ۴- ثبت اختراعات ۵- ثبت تجاری و ثبت اسم تجاری ۶- پلمپ دفاتر تجاری حوزه تهران تبصره- اداره ثبت شرکتها و علائم تجاری و اختراعات عنوان شعبه مخصوص دفتر دادگاه شهرستان تهران را برای اجرای مفاد مواد ۶ و ۷ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب اول تیر ماه ۱۳۱۰ خواهد داشت ماده ۲- اداره مزبور دارای تشکیلات زیر می‌باشد ۱- دایره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری و ثبت تجاری و ثبت اسم تجاری و پلمپ دفاتر تجاری که به نام دایره ثبت شرکتها نامیده می‌شود. ۲- دایره ثبت علائم تجاری و صنعتی و اختراعات ۳- دفتر و بایگانی ماده ۳- در هر محلی که اداره یا دایره یا شعبه ثبت موجود است برای ثبت شرکتهای داخلی و پلمپ دفاتر و ثبت نام تجاری و موسسات غیر تجاری متصدی مخصوصی از طرف اداره کل ثبت تعیین خواهد شد. ماده ۴- دواير ثبت شرکتها در تهران و شهرستانها در ثبت شرکتنامه مجاز هستند.

تصویب نامه در خصوص تعیین نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی مالکیت معنوی - مصوب ۱۳۸۲

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۰/۲/۱۳۸۲ بنا به پیشنهاد شماره ۲۳۵۴ مورخ ۲۳/۱/۱۳۸۲ معاونت حقوقی و امور مجلس رییس جمهور و به استناد تبصره (۵) الحاقی به ماده واحده قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در سازمان ها و مجامع بین المللی - مصوب ۱۳۷۰ - تصویب نمود: وزارت دادگستری بعنوان نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی مالکیت معنوی

تعیین می شود. معاون اول رییس جمهور - محمدرضا عارف

قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری - مصوب ۲۹/۱۱/۱۳۸۶

در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب جلسه مورخ ۷/۸/۱۳۸۶ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مطابق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که با عنوان طرح ثبت اختراعات طرحهای صنعتی، علائم و نامهای تجاری به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، پس از موافقت مجلس با اجراء آزمایشی آن به مدت پنج سال در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۳/۱۱/۱۳۸۶ و تأیید شورای نگهبان، جهت اجرا به دولت ابلاغ گردید. شماره ۱۸۷۹۶۱/۱۸-۲۹/۱۱/۱۳۸۶ جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب جلسه مورخ ۷/۸/۱۳۸۶ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مطابق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که با عنوان طرح ثبت اختراعات طرحهای صنعتی، علائم و نامهای تجاری به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، پس از موافقت مجلس با اجراء آزمایشی آن به مدت پنج سال در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۳/۱۱/۱۳۸۶ و تأیید شورای نگهبان، به پیوست ابلاغ می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حداد عادل قانون ثبت اختراعات طرحهای صنعتی و علائم تجاری فصل اول - اختراعات ماده ۱- اختراع نتیجه فکر فرد یا افراد است که برای اولین بار فرآیند یا فرآورده‌ای خاص را ارائه می کند و مشکلی را در یک حرفه فن فناوری صنعت و مانند آنها حل می نماید. ماده ۲- اختراعی قابل ثبت است که حاوی ابتکار جدید و دارای کاربرد صنعتی باشد. ابتکار جدید عبارت است از آنچه که در فن یا صنعت قبلی وجود نداشته و برای دارنده مهارت عادی در فن مذکور معلوم و آشکار نباشد و از نظر صنعتی اختراعی کاربردی محسوب می شود که در رشته‌ای از صنعت قابل ساخت یا استفاده باشد. مراد از صنعت معنای گسترده آن است و شامل مواردی نظیر صنایع دستی کشاورزی ماهیگیری و خدمات نیز می شود. ماده ۳- گواهینامه اختراع سندی است که اداره مالکیت صنعتی برای حمایت از اختراع صادر می کند و دارنده آن می تواند از حقوق انحصاری بهره مند شود. ماده ۴- موارد زیر از حیطه حمایت از اختراع خارج است الف - کشفیات نظریه‌های علمی روشهای ریاضی و آثار هنری ب - طرحها و قواعد یا روشهای انجام کار تجاری و سایر فعالیتهای ذهنی و اجتماعی ج - روشهای تشخیص و معالجه بیماریهای انسان یا حیوان این بند شامل فرآورده‌های منطبق با تعریف اختراع و مورد استفاده در روشهای مزبور نمی شود. د - منابع ژنتیک و اجزاء ژنتیک تشکیل دهنده آنها و همچنین فرآیندهای بیولوژیک تولید آنها. ه - آنچه قبلاً در فنون و صنایع پیش‌بینی شده باشد. فن یا صنعت قبلی عبارت است از هر چیزی که در نقطه‌ای از جهان از طریق انتشار کتبی یا شفاهی یا از طریق استفاده عملی و یا هر طریق دیگر، قبل از تقاضا و یا در موارد حق تقدم ناشی از اظهارنامه ثبت اختراع افشاء شده باشد. در صورتی که افشاء اختراع ظرف مدت شش ماه قبل از تاریخ تقاضا یا در موارد مقتضی قبل از تاریخ حق تقدم اختراع صورت گرفته باشد، مانع ثبت نخواهد بود. و - اختراعاتی که بهره‌برداری از آنها خلاف موازین شرعی یا نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد. ماده ۵- چگونگی ذکر نام مخترع در گواهینامه اختراع و نحوه تعلق حق اختراع ثبت شده به شرح زیر است الف - حقوق اختراع ثبت شده منحصرأً به مخترع تعلق دارد. ب - اگر افرادی به صورت مشترک اختراعی کرده باشند، حقوق ناشی از اختراع مشترکاً به آنان تعلق می گیرد. ج - هرگاه دو یا چند نفر، مستقل از دیگری اختراع واحدی کرده باشند شخصی که اظهارنامه اختراع خود را زودتر تسلیم کرده و یا در صورت ادعای حق تقدم هر کدام بتوانند اثبات کنند که در تاریخ مقدم اظهارنامه خود را به صورت معتبر تسلیم کرده‌اند، مشروط بر این که اظهارنامه مذکور مسترد یا رد نگردیده یا مسکوت گذاشته نشده باشد، حق ثبت اختراع را خواهند داشت د - حقوق ناشی از اختراع ثبت شده قابل انتقال است و در صورت

فوت صاحب حق به ورثه او منتقل می‌شود. هـ- در صورتی که اختراع ناشی از استخدام یا قرارداد باشد، حقوق مادی آن متعلق به کارفرما خواهد بود، مگر آن که خلاف آن در قرارداد شرط شده باشد. و- نام مخترع در گواهینامه اختراع قید می‌شود مگر این که کتباً از اداره مالکیت صنعتی درخواست کند که نامش ذکر نشود. هر گونه اظهار یا تعهد مخترع مبنی بر این که نام شخص دیگری به عنوان مخترع قید گردد، فاقد اثر قانونی است ماده ۶- اظهارنامه ثبت اختراع که به اداره مالکیت صنعتی داده می‌شود، باید موضوعی را که حمایت از آن درخواست می‌شود، تعیین کرده و به فارسی تنظیم شود، دارای تاریخ و امضاء بوده و خواسته توصیف ادعا، خلاصه‌ای از توصیف اختراع و در صورت لزوم نقشه‌های مربوطه را در برداشته باشد. هزینه‌های ثبت اظهارنامه از درخواست‌کننده ثبت دریافت می‌شود. در تنظیم و تسلیم اظهارنامه باید موارد زیر رعایت شود: الف- نام و سایر اطلاعات لازم در خصوص متقاضی مخترع و نماینده قانونی او، در صورت وجود و عنوان اختراع در اظهارنامه درج شود. ب- در مواقعی که متقاضی شخص مخترع نیست مدارک دال بر سمت قانونی وی همراه اظهارنامه تحویل گردد. ج- ادعای مذکور در اظهارنامه گویا و مختصر بوده و با توصیف همراه باشد، به نحوی که برای شخص دارای مهارت عادی در فن مربوط واضح و کامل بوده و حداقل یک روش اجرایی برای اختراع ارائه کند. خلاصه توصیف فقط به منظور ارائه اطلاعات فنی است و نمی‌توان برای تفسیر محدوده حمایت به آن استناد کرد. ماده ۷- متقاضی ثبت اختراع تا زمانی که اظهارنامه او برای ثبت اختراع قبول نشده است می‌تواند آن را مسترد کند. ماده ۸- اظهارنامه باید فقط به یک اختراع یا به دسته‌ای از اختراعات مرتبط که یک اختراع کلی را تشکیل می‌دهند مربوط باشد. در اختراع کلی ذکر نکردن ارتباط اجزاء آن موجب بی‌اعتباری گواهینامه اختراع مربوط نمی‌شود. متقاضی می‌تواند تا زمانی که اظهارنامه وی مورد موافقت قرار نگرفته است الف- اظهارنامه خود را اصلاح کند، مشروط بر آن که از حدود اظهارنامه نخست تجاوز نکند. ب- آن را به دو یا چند اظهارنامه تقسیم کند. اظهارنامه تقسیمی باید دارای تاریخ تقاضای اولیه بوده و در صورت اقتضاء، مشمول حق تقدم اظهارنامه نخستین است ماده ۹- متقاضی می‌تواند همراه با اظهارنامه خود، طی اعلامیه‌ای حق تقدم مقرر در کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی مورخ ۱۲۶۱ هجری شمسی (۲۰ مارس ۱۸۸۳ میلادی و اصلاحات بعدی آن را درخواست نماید. حق تقدم می‌تواند براساس یک یا چند اظهارنامه ملی یا منطقه‌ای یا بین‌المللی باشد که در هر کشور یا برای هر کشور عضو کنوانسیون مذکور تسلیم شده است در صورت درخواست حق تقدم الف- اداره مالکیت صنعتی از متقاضی می‌خواهد ظرف مدت معین رونوشت اظهارنامه‌ای را ارائه دهد که توسط مرجع ثبت اظهارنامه‌ای که مبنای حق تقدم است گواهی شده باشد. ب- با پذیرش درخواست حق تقدم حمایت‌های مذکور در کنوانسیون پاریس شامل آن خواهد بود. در صورت عدم مراعات شرایط مندرج در این ماده و مقررات مربوط به آن اعلامیه مذکور کان‌لم‌یکن تلقی می‌شود. ماده ۱۰- بنا به درخواست اداره مالکیت صنعتی متقاضی باید شماره و تاریخ اظهارنامه اختراعی را که در خارج تسلیم کرده و عیناً و ماهیتاً مربوط به اختراع مذکور در اظهارنامه تسلیم شده به اداره مالکیت صنعتی است ارائه دهد. همچنین با درخواست اداره مالکیت صنعتی متقاضی باید مدارک زیر را به اداره مذکور تسلیم کند: الف- تصویر هر گونه نامه و اخطاریه‌ای که متقاضی در مورد نتایج بررسی‌های انجام شده در خصوص اظهارنامه‌های خارج دریافت کرده است ب- تصویر گواهینامه اختراع که براساس اظهارنامه‌های خارجی ثبت شده است ج- تصویر هر گونه تصمیم نهایی مبنی بر رد اظهارنامه خارجی یا رد ثبت اختراع ادعا شده در اظهارنامه خارجی د- تصویر هر تصمیم نهایی مبنی بر بی‌اعتباری گواهینامه اختراع صادر شده براساس اظهارنامه خارجی ماده ۱۱- اداره مالکیت صنعتی تاریخ تقاضا را همان تاریخ دریافت اظهارنامه تلقی خواهد کرد مشروط بر این که اظهارنامه در زمان دریافت حاوی نکات زیر باشد: الف- ذکر صریح یا ضمنی این نکته که ثبت یک اختراع تقاضا می‌شود. ب- ذکر نکاتی که شناخت هویت متقاضی را میسر می‌کند. ج- توصیف اجمالی اختراع اگر اداره مالکیت صنعتی تشخیص دهد که اظهارنامه در زمان تقاضا فاقد شرایط فوق بوده است از متقاضی دعوت خواهد کرد تا از تاریخ ابلاغ ظرف سی روز اصلاحات لازم را انجام دهد و تاریخ تقاضا همان تاریخ دریافت اصلاحات

مذکور خواهد بود ولی اگر در مهلت تعیین شده اصلاح صورت نگیرد، اظهارنامه کان‌لم‌یکن تلقی خواهد شد. ماده ۱۲- چنانچه در اظهارنامه به نقشه‌هایی اشاره شود که در آن درج یا ضمیمه نشده است اداره مالکیت صنعتی از متقاضی دعوت می‌کند تا نقشه‌ها را ارائه دهد. اگر متقاضی دعوت را اجابت کرده و نقشه‌های مورد اشاره را ارائه نماید، اداره مذکور تاریخ دریافت نقشه را تاریخ تقاضا تلقی خواهد نمود. در غیر این صورت تاریخ تقاضا را همان تاریخ دریافت اظهارنامه قید نموده و اشاره به نقشه‌ها را کان‌لم‌یکن تلقی خواهد کرد. ماده ۱۳- پس از قید تاریخ تقاضا، اداره مالکیت صنعتی اظهارنامه را از نظر انطباق با شرایط مندرج در این قانون و آئین‌نامه آن بررسی خواهد کرد و در صورت تشخیص انطباق اقدام لازم را برای ثبت اختراع انجام می‌دهد. در غیر این صورت اظهارنامه را رد و مراتب را به متقاضی ابلاغ می‌کند. ماده ۱۴- اداره مالکیت صنعتی پس از ثبت اختراع باید: الف - در خصوص ثبت اختراع یک نوبت آگهی منتشر کند. ب - گواهینامه ثبت اختراع را صادر کند. ج - رونوشت گواهینامه ثبت اختراع را بایگانی و پس از دریافت هزینه مقرر، اصل آن را به متقاضی تسلیم کند. د - به درخواست دارنده گواهینامه اختراع تغییراتی را در مضمون و نقشه‌های اختراع به منظور تعیین حدود حمایت اعطاء شده انجام دهد، مشروط بر این که در نتیجه این تغییرات اطلاعات مندرج در گواهینامه اختراع از حدود اطلاعات مذکور در اظهارنامه اولیه‌ای که اختراع براساس آن ثبت شده است تجاوز نکند. ماده ۱۵- حقوق ناشی از گواهینامه اختراع به ترتیب زیر است الف - بهره‌برداری از اختراع ثبت شده در ایران توسط اشخاصی غیر از مالک اختراع مشروط به موافقت مالک آن است بهره‌برداری از اختراع ثبت شده به شرح آتی خواهد بود: ۱ - در صورتی که اختراع در خصوص فرآورده باشد: اول - ساخت صادرات و واردات عرضه برای فروش فروش و استفاده از فرآورده دوم - ذخیره به قصد عرضه برای فروش فروش یا استفاده از فرآورده ۲ - در صورتی که موضوع ثبت اختراع فرآیند باشد: اول - استفاده از فرآیند. دوم - انجام هر یک از موارد مندرج در جزء (۱) بند (الف) این ماده در خصوص کالاهایی که مستقیماً از طریق این فرآیند به دست می‌آید. ب - مالک می‌تواند با رعایت بند (ج) این ماده و ماده (۱۷) علیه هر شخص که بدون اجازه او بهره‌برداریهایی مندرج در بند (الف) را انجام دهد و به حق مخترع تعدی کند و یا عملی انجام دهد که ممکن است منجر به تعدی به حق مخترع شود، به دادگاه شکایت کند. ج - حقوق ناشی از گواهینامه اختراع شامل موارد زیر نمی‌شود: ۱- بهره‌برداری از کالاهایی که توسط مالک اختراع یا با توافق او در بازار ایران عرضه می‌شود. ۲- استفاده از وسایل موضوع اختراع در هواپیماها، وسائط نقلیه زمینی یا کشتی‌های سایر کشورها که به طور موقت یا تصادفاً وارد حریم هوایی مرزهای زمینی یا آبهای کشور می‌شود. ۳- بهره‌برداریهایی که فقط با اهداف آزمایشی درباره اختراع ثبت شده انجام می‌شود. ۴- بهره‌برداری توسط هر شخصی که با حسن نیت قبل از تقاضای ثبت اختراع یا در مواقعی که حق تقدم تقاضا شده است قبل از تاریخ تقاضای حق تقدم همان اختراع از اختراع استفاده می‌کرده یا اقدامات جدی و مؤثری جهت آماده شدن برای استفاده از آن در ایران به عمل می‌آورده است د - حقوق استفاده کننده قبلی که در جزء (۴) بند (ج) این ماده قید شده است تنها به همراه شرکت یا کسب و کار یا به همراه بخشی که در آن از اختراع استفاده می‌شده یا مقدمات استفاده از آن فراهم گردیده قابل انتقال یا واگذاری است ماده ۱۶- اعتبار گواهینامه اختراع با رعایت این ماده پس از بیست سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه اختراع منقضی می‌شود. به منظور حفظ اعتبار گواهینامه یا اظهارنامه اختراع پس از گذشت یک سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه و قبل از شروع هر سال مبلغی که به موجب آئین‌نامه این قانون تعیین می‌شود، توسط متقاضی به اداره مالکیت صنعتی پرداخت می‌گردد. تأخیر در پرداخت، حداکثر تا شش ماه در صورت پرداخت جریمه مجاز است در صورتی که هزینه سالانه پرداخت نشود، اظهارنامه مربوط مسترد شده تلقی و یا گواهینامه اختراع فاقد اعتبار می‌شود. ماده ۱۷- دولت یا شخص مجاز از طرف آن با رعایت ترتیبات زیر، می‌تواند از اختراع بهره‌برداری نماید: الف - در مواردی که با نظر وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط منافع عمومی مانند امنیت ملی تغذیه بهداشت یا توسعه سایر بخشهای حیاتی اقتصادی کشور، اقتضاء کند که دولت یا شخص ثالث از اختراع بهره‌برداری نماید و یا بهره‌برداری از سوی مالک یا شخص مجاز از سوی او مغایر با رقابت آزاد بوده و از نظر مقام

مذکور، بهره‌برداری از اختراع رافع مشکل باشد، موضوع در کمیسیون مرکب از رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، یکی از قضات دیوان عالی کشور با معرفی رئیس قوه قضائیه دادستان کل کشور، نماینده رئیس جمهور و وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط مطرح و در صورت تصویب با تعیین کمیسیون مذکور، سازمان دولتی یا شخص ثالث بدون موافقت مالک اختراع از اختراع بهره‌برداری می‌نماید. ب - بهره‌برداری از اختراع محدود به منظوری خواهد بود که در مجوز آمده است و مشروط به پرداخت مبلغ مناسب به مالک مذکور با در نظر گرفتن ارزش اقتصادی مورد اجازه می‌باشد. در صورتی که مالک اختراع یا هر شخص ذی‌نفع دیگر توضیحی داشته باشند، کمیسیون پس از رسیدگی به اظهارات آنان و لحاظ کردن بهره‌برداری در فعالیتهای غیررقابتی اتخاذ تصمیم خواهد کرد. کمیسیون می‌تواند بنا به درخواست مالک اختراع یا سازمان دولتی یا شخص ثالثی که مجوز بهره‌برداری از اختراع ثبت شده را دارد، پس از رسیدگی به اظهارات طرفین یا یکی از آنها در محدوده‌ای که ضرورت اقتضاء نماید، نسبت به تصمیم‌گیری مجدد اقدام کند. ج - در صورتی که مالک اختراع ادعا نماید که شرایط و اوضاع و احوالی که باعث اتخاذ تصمیم شده دیگر وجود ندارد و امکان تکرار آن میسر نیست و یا این که ادعا نماید سازمان دولتی یا شخص ثالثی که توسط کمیسیون تعیین شده نتوانسته طبق مفاد تصمیم و شرایط آن عمل کند، موضوع در کمیسیون مطرح و بررسی و پس از استماع اظهارات مالک اختراع وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط و بهره‌بردار، اجازه بهره‌برداری لغو شده و حسب مورد اجازه بهره‌برداری برای مالک یا بهره‌بردار دیگر صادر می‌شود. با احراز شرایط مقرر در این بند، اگر کمیسیون تشخیص دهد حفظ حقوق قانونی اشخاصی که این اجازه را کسب کرده‌اند، بقاء تصمیم را ایجاب می‌نماید آن تصمیم را لغو نمی‌کند. در مواردی که اجازه بهره‌برداری توسط کمیسیون به شخص ثالثی داده شده است می‌توان آن مجوز را فقط به همراه شرکت یا کسب و کار شخص تعیین شده از طرف کمیسیون یا به همراه قسمتی از شرکت یا کسب و کاری که اختراع در آن بهره‌برداری می‌شود، انتقال داد. د - اجازه بهره‌برداری موضوع این ماده مانع انجام امور زیر نیست ۱ - انعقاد قرارداد بهره‌برداری توسط مالک اختراع با رعایت مقررات این ماده ۲ - بهره‌برداری مستمر از حقوق تفویضی توسط مالک اختراع طبق مندرجات بند (الف) ماده (۱۵). ۳ - صدور اجازه استفاده ناخواسته طبق اجزاء (۱) و (۲) بند (ح) این ماده ه - درخواست اجازه بهره‌برداری از کمیسیون باید همراه دلیل و سندی باشد که به موجب آن ثابت شود دستگاه دولتی یا شخص مجاز، از مالک اختراع درخواست بهره‌برداری کرده ولی نتوانسته است اجازه بهره‌برداری را با شرایط معقول و ظرف مدت زمان متعارف تحصیل نماید. رعایت مراتب این بند، در صورت فوریت ناشی از مصالح ملی یا موارد حصول شرایط قهریه در کشور کلاً به تشخیص کمیسیون لازم نخواهد بود، مشروط بر آن که در این قبیل موارد مالک اختراع در اولین فرصت ممکن از تصمیم کمیسیون مطلع شود. و - بهره‌برداری از اختراع توسط سازمان دولتی یا اشخاص ثالثی که توسط کمیسیون تعیین شده‌اند، برای عرضه در بازار ایران است ز - اجازه کمیسیون در خصوص بهره‌برداری از اختراع در زمینه فناوری نیمه‌هادیها، تنها در موردی جایز است که به منظور استفاده غیرتجاری عمومی بوده یا در موردی باشد که وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط تشخیص دهد که نحوه استفاده از اختراع ثبت شده توسط مالک یا استفاده کننده آن غیررقابتی است ح - پروانه بهره‌برداری بدون موافقت مالک در موارد زیر نیز با ترتیباتی که ذکر می‌شود قابل صدور است ۱ - در صورتی که در یک گواهینامه اختراع ادعا شده باشد که بدون استفاده از یک اختراع ثبت شده قبلی قابل بهره‌برداری نیست و اختراع مؤخر نسبت به اختراع مقدم متضمن پیشرفت مهم فنی و دارای اهمیت اقتصادی قابل توجه باشد، اداره مالکیت صنعتی به درخواست مالک اختراع مؤخر پروانه بهره‌برداری از اختراع مقدم را در حد ضرورت بدون موافقت مالک آن صادر می‌کند. ۲ - در مواقعی که طبق جزء (۱) این بند پروانه بهره‌برداری بدون موافقت مالک صادر شده باشد، اداره مالکیت صنعتی به درخواست مالک اختراع مقدم پروانه بهره‌برداری از اختراع مؤخر را نیز بدون موافقت مالک آن صادر می‌کند. ۳ - در صورت درخواست صدور پروانه بهره‌برداری بدون موافقت مالک طبق اجزاء (۱) و (۲) این بند در تصمیم مربوط به صدور هر یک از پروانه‌های مذکور، حدود و کاربرد پروانه و مبلغ مناسبی که

باید به مالک اختراع ذی ربط پرداخت شود و شرایط پرداخت تعیین می‌شود. ۴- در صورت صدور پروانه بهره‌برداری طبق جزء (۱) انتقال آن فقط به همراه اختراع مؤخر و در صورت صدور پروانه بهره‌برداری طبق جزء (۲) انتقال آن فقط به همراه اختراع مقدم مجاز است. ۵- درخواست صدور پروانه بهره‌برداری بدون موافقت مالک مشروط به پرداخت هزینه مقرر می‌باشد. ۶- در صورت صدور پروانه بهره‌برداری بدون موافقت مالک، اجزاء (۱) و (۲) این بند و بندهای (ب تا و) و نیز بند (ط این ماده قابل اعمال است ط - تصمیمات کمیسیون در محدوده بندهای این ماده در دادگاه عمومی تهران قابل اعتراض است ماده ۱۸- هر ذی نفع می‌تواند ابطال گواهینامه اختراعی را از دادگاه درخواست نماید. در صورتی که ذی نفع ثابت کند یکی از شرایط مندرج در مواد (۱)، (۲)، (۴) و صدر ماده (۶) و بند (ج) آن رعایت نشده است یا این که مالک اختراع مخترع یا قائم مقام قانونی او نیست حکم ابطال گواهینامه اختراع صادر می‌شود. هر گواهینامه اختراع یا ادعا یا بخشی از ادعاهای مربوط که باطل شده است از تاریخ ثبت اختراع باطل تلقی می‌شود. رأی نهایی دادگاه به اداره مالکیت صنعتی ابلاغ می‌گردد و اداره مزبور آن را ثبت و پس از دریافت هزینه آگهی مربوط به آن را در اولین فرصت ممکن منتشر می‌کند. ماده ۱۹- چنانچه مالک اختراع بخواهد از اختراع ثبت شده استفاده کند، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور حداکثر ظرف مهلت یک هفته موضوع را به دستگاه یا دستگاههای ذی ربط منعکس می‌نماید. دستگاههای مذکور در خصوص امکان بهره‌برداری از اختراع حداکثر ظرف مدت دوماه اظهار نظر نموده و نتیجه را جهت صدور پروانه بهره‌برداری کتباً به سازمان ثبت اسناد و املاک اعلام می‌نماید. فصل دوم - طرحهای صنعتی ماده ۲۰- از نظر این قانون هرگونه ترکیب خطوط یا رنگها و هرگونه شکل سه بعدی با خطوط رنگها و یا بدون آن به گونه‌ای که ترکیب یا شکل یک فرآورده صنعتی یا محصولی از صنایع دستی را تغییر دهد، طرح صنعتی است در یک طرح صنعتی تنها دسترسی به یک نتیجه فنی بدون تغییر ظاهری مشمول حمایت از این قانون نمی‌باشد. ماده ۲۱- طرح صنعتی زمانی قابل ثبت است که جدید و یا اصیل باشد. طرح صنعتی زمانی جدید است که از طریق انتشار به طور محسوس و یا از طریق استفاده به هر نحو دیگر قبل از تاریخ تسلیم اظهارنامه یا بر حسب مورد قبل از حق تقدم اظهارنامه برای ثبت در هیچ نقطه‌ای از جهان برای عموم افشاء نشده باشد. مفاد قسمت اخیر بند (ه) و بند (و) ماده (۴) این قانون در خصوص طرحهای صنعتی نیز قابل اعمال است ماده ۲۲- اظهارنامه ثبت طرح صنعتی که به اداره مالکیت صنعتی تسلیم می‌شود، همراه نقشه عکس و سایر مشخصات گرافیکی کالا که تشکیل دهنده طرح صنعتی هستند و ذکر نوع فرآورده‌هایی که طرح صنعتی برای آنها استفاده می‌شود، خواهد بود. اگر طرح صنعتی سه بعدی باشد، اداره مالکیت صنعتی می‌تواند نمونه واقعی یا ماکتی از آن را نیز به همراه اظهارنامه درخواست نماید. اظهارنامه مشمول هزینه مقرر برای تسلیم آن خواهد بود. اظهارنامه باید در بردارنده مشخصات طرح باشد و در مواردی که متقاضی همان طراح نیست اظهارنامه باید به همراه مدرکی باشد که ذی حق بودن متقاضی را برای ثبت طرح صنعتی ثابت نماید. ماده ۲۳- مفاد مواد (۵)، (۹) و بند (ج مواد (۱۱) و (۱۵) این قانون در خصوص طرحهای صنعتی نیز قابل اعمال است ماده ۲۴- دو یا چند طرح صنعتی را می‌توان در یک اظهارنامه قید و تسلیم نمود، مشروط بر آن که مربوط به یک طبقه بندی بین المللی و یا مربوط به یک مجموعه یا ترکیبی از اجزاء باشد. ماده ۲۵- ممکن است ضمن اظهارنامه درخواست شود که انتشار آگهی ثبت طرح صنعتی از تاریخ تسلیم اظهارنامه حداکثر تا دوازده ماه و یا اگر ادعای حق تقدم شده است از تاریخ حق تقدم به تأخیر افتد. ماده ۲۶- متقاضی می‌تواند تا زمانی که اظهارنامه در جریان بررسی است آن را مسترد نماید. ماده ۲۷- بررسی ثبت و انتشار آگهی طرح صنعتی به ترتیب زیر خواهد بود: الف - تاریخ اظهارنامه همان تاریخ تسلیم آن به اداره مالکیت صنعتی است مشروط بر این که در زمان تسلیم اظهارنامه حاوی کلیه اطلاعاتی باشد که شناسایی متقاضی و همچنین نمایش گرافیکی کالای متضمن طرح صنعتی را میسر سازد. ب - اداره مالکیت صنعتی پس از وصول اظهارنامه آن را از نظر مطابقت با مفاد ماده (۲۲) و نیز این که طرح صنعتی مذکور، وفق مقررات مندرج در ماده (۲۰) و بند (و) ماده (۴) و مقررات مربوط می‌باشد، بررسی می‌کند. ج - در صورتی که اداره مالکیت صنعتی تشخیص دهد شرایط موضوع بند (ب این ماده رعایت

شده است طرح صنعتی را ثبت و آگهی مربوط را منتشر و گواهی ثبت آن را به نام متقاضی صادر می‌نماید در غیر این صورت اظهارنامه را مردود اعلام می‌کند. د - هرگاه درخواستی طبق ماده (۲۵) ارائه شده باشد، پس از ثبت طرح صنعتی نمونه طرح و مفاد اظهارنامه منتشر نمی‌شود. در این صورت اداره مالکیت صنعتی یک آگهی حاوی تأخیر انتشار طرح صنعتی مذکور و اطلاعات مربوط به هویت مالک طرح ثبت شده و تاریخ تسلیم اظهارنامه و مدت تأخیر مورد درخواست و سایر امور ضروری را منتشر می‌کند. پس از انقضای مدت تأخیر درخواست شده اداره مالکیت صنعتی آگهی طرح صنعتی ثبت شده را منتشر خواهد کرد. رسیدگی به دعوی راجع به یک طرح صنعتی ثبت شده در مدت تأخیر انتشار آگهی مشروط به آن است که اطلاعات مندرج در دفاتر ثبت و اطلاعات مربوط به پرونده اظهارنامه به شخصی که علیه او دعوی اقامه می‌شود به طور کتبی ابلاغ شده باشد. ماده ۲۸ - حقوق ناشی از ثبت طرح صنعتی مدت اعتبار و تمدید آن به شرح زیر است الف - بهره‌برداری از هر طرح صنعتی که در ایران ثبت شده باشد، توسط اشخاص مشروط به موافقت مالک آن است ب - بهره‌برداری از یک طرح صنعتی ثبت شده عبارت است از: ساخت فروش و وارد کردن اقلام حاوی آن طرح صنعتی ج - مالک طرح صنعتی ثبت شده می‌تواند علیه شخصی که بدون موافقت او افعال مذکور در بند (ب) این ماده را انجام دهد یا مرتکب عملی شود که عادتاً موجبات تجاوز آینده را فراهم آورد، در دادگاه اقامه دعوی نماید. د - مدت اعتبار طرح صنعتی پنج سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه ثبت آن خواهد بود. این مدت را می‌توان برای دو دوره پنجساله متوالی دیگر پس از پرداخت هزینه مربوط تمدید نمود. پس از انقضای هر دوره که از پایان دوره شروع می‌شود، یک مهلت شش ماهه برای پرداخت هزینه تمدید گردیده و همچنین جریمه تأخیر در نظر گرفته خواهد شد. ماده ۲۹ - هر ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه ابطال ثبت طرح صنعتی را درخواست نماید. در این صورت باید ثابت کند که یکی از شرایط مندرج در مواد (۲۰) و (۲۱) رعایت نشده است و یا کسی که طرح صنعتی به نام وی ثبت شده پدیدآورنده آن طرح یا قائم‌مقام قانونی او نیست مفاد قسمت اخیر ماده (۱۸) در این خصوص نیز اعمال می‌شود. فصل سوم - علائم علائم جمعی و نامهای تجاری ماده ۳۰ - علامت علامت جمعی و نام تجاری عبارتند از: الف - علامت یعنی هر نشان قابل رؤیتی که بتواند کالاها یا خدمات اشخاص حقیقی یا حقوقی را از هم متمایز سازد. ب - علامت جمعی یعنی هر نشان قابل رؤیتی که با عنوان علامت جمعی در اظهارنامه ثبت معرفی شود و بتواند مبدأ و یا هرگونه خصوصیات دیگر مانند کیفیت کالا یا خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی را که از این نشان تحت نظارت مالک علامت ثبت شده جمعی استفاده می‌کنند متمایز سازد. ج - نام تجاری یعنی اسم یا عنوانی که معرف و مشخص‌کننده شخص حقیقی یا حقوقی باشد. ماده ۳۱ - حق استفاده انحصاری از یک علامت به کسی اختصاص دارد که آن علامت را طبق مقررات این قانون به ثبت رسانده باشد. ماده ۳۲ - علامت در موارد زیر قابل ثبت نیست الف - نتواند کالاها یا خدمات یک مؤسسه را از کالاها و خدمات مؤسسه دیگر متمایز سازد. ب - خلاف موازین شرعی یا نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد. ج - مراکز تجاری یا عمومی را به ویژه در مورد مبدأ جغرافیایی کالاها یا خدمات یا خصوصیات آنها گمراه کند. د - عین یا تقلید نشان نظامی پرچم یا سایر نشانهای مملکتی یا نام یا نام اختصاری یا حروف اول یک نام یا نشان رسمی متعلق به کشور، سازمانهای بین‌الدولی یا سازمانهایی که تحت کنوانسیونهای بین‌المللی تأسیس شده‌اند، بوده یا موارد مذکور یکی از اجزاء آن علامت باشد، مگر آن که توسط مقام صلاحیتدار کشور مربوط یا سازمان ذی‌ربط اجازه استفاده از آن صادر شود. ه - عین یا به طرز گمراه‌کننده‌ای شبیه یا ترجمه یک علامت یا نام تجاری باشد که برای همان کالاها یا خدمات مشابه متعلق به مؤسسه دیگری در ایران معروف است و - عین یا شبیه آن قبلاً برای خدمات غیرمشابه ثبت و معروف شده باشد مشروط بر آن که عرفاً میان استفاده از علامت و مالک علامت معروف ارتباط وجود داشته و ثبت آن به منافع مالک علامت قبلی لطمه وارد سازد. ز - عین علامتی باشد که قبلاً به نام مالک دیگری ثبت شده و یا تاریخ تقاضای ثبت آن مقدم یا دارای حق تقدم برای همان کالا و خدمات و یا برای کالا و خدماتی است که به لحاظ ارتباط و شباهت موجب فریب و گمراهی شود. ماده ۳۳ - اظهارنامه ثبت علامت به همراه نمونه علامت و فهرست کالاها یا خدماتی که ثبت

علامت برای آنها درخواست شده و براساس طبقه‌بندی قابل اجراء یا طبقه‌بندی بین‌المللی باشد، به اداره مالکیت صنعتی تسلیم می‌شود. پرداخت هزینه‌های ثبت علامت بر عهده متقاضی است ماده ۳۴- در صورتی که اظهارنامه در بردارنده ادعای حق تقدم به شرح مذکور در کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی باشد که توسط متقاضی یا سلف او در هر کشور عضو کنوانسیون تقاضا شده است طبق مفاد ماده (۹) این قانون رفتار می‌شود. ماده ۳۵- متقاضی می‌تواند تا زمانی که اظهارنامه او هنوز ثبت نشده آن را مسترد کند. ماده ۳۶- اداره مالکیت صنعتی اظهارنامه را از لحاظ انطباق با شرایط و مقررات مندرج در این قانون بررسی و در صورتی که علامت را قابل ثبت بداند، اجازه انتشار آگهی مربوط به آن را صادر می‌کند. ماده ۳۷- هر ذی‌نفع می‌تواند حداکثر تا سی روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را مبنی بر عدم رعایت مفاد بند (الف) ماده (۳۰) و ماده (۳۲) این قانون به اداره مالکیت صنعتی تسلیم نماید. در این صورت: ۱- اداره مالکیت صنعتی رونوشت اعتراض‌نامه را به متقاضی ابلاغ کرده و بیست روز به او مهلت می‌دهد تا نظر خود را اعلام کند. متقاضی در صورت تأکید بر تقاضای خود یادداشت متقابلی را به همراه استدلال مربوط به اداره مذکور می‌فرستد. در غیر این صورت اظهارنامه وی مسترد شده تلقی خواهد شد. ۲- اگر متقاضی یادداشت متقابلی بفرستد، اداره مالکیت صنعتی رونوشت آن را در اختیار معترض قرار می‌دهد و با در نظر گرفتن نظرات طرفین و مواد این قانون تصمیم می‌گیرد که علامت را ثبت و یا آن را رد کند. ماده ۳۸- پس از انتشار آگهی اظهارنامه و تا زمان ثبت علامت متقاضی از امتیازات و حقوقی برخوردار است که در صورت ثبت برخوردار خواهد بود. با این حال هرگاه به وسیله متقاضی ثبت درباره عملی که پس از آگهی اظهارنامه انجام شده دعوی مطرح شود و خوانده ثابت کند که در زمان انجام عمل علامت، قانوناً قابل ثبت نبوده است به دفاع خوانده رسیدگی و در مورد ثبت یا عدم ثبت علامت تصمیم مقتضی اتخاذ می‌شود. ماده ۳۹- هرگاه اداره مالکیت صنعتی تشخیص دهد که شرایط مندرج در این قانون رعایت شده است علامت را ثبت کرده و آگهی مربوط به ثبت آن را منتشر و گواهینامه ثبت را به نام متقاضی صادر می‌نماید. ماده ۴۰- حقوق ناشی از ثبت علامت مدت اعتبار و تمدید آن به شرح زیر است الف- استفاده از هر علامت که در ایران ثبت شده باشد، توسط هر شخص غیر از مالک علامت مشروط به موافقت مالک آن می‌باشد. ب- مالک علامت ثبت شده می‌تواند علیه هر شخصی که بدون موافقت وی از علامت استفاده کند و یا شخصی که مرتکب عملی شود که عادتاً منتهی به تجاوز به حقوق ناشی از ثبت علامت گردد، در دادگاه اقامه دعوی نماید. این حقوق شامل موارد استفاده از علامتی می‌شود که شبیه علامت ثبت شده است و استفاده از آن برای کالا یا خدمات مشابه موجب گمراهی عموم می‌گردد. ج- حقوق ناشی از ثبت علامت اقدامات مربوط به کالاها و خدماتی را که توسط مالک علامت یا با موافقت او به کشور وارد و در بازار ایران عرضه می‌گردد، شامل نمی‌شود. د- مدت اعتبار ثبت علامت ده سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه ثبت آن می‌باشد. این مدت با درخواست مالک آن برای دوره‌های متوالی ده ساله با پرداخت هزینه مقرر، قابل تمدید است یک مهلت ارفاقی شش ماهه که از پایان دوره شروع می‌شود، برای پرداخت هزینه تمدید، با پرداخت جریمه تأخیر، در نظر گرفته می‌شود. ماده ۴۱- هر ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه ابطال ثبت علامت را درخواست نماید. در این صورت باید ثابت کند مفاد بند (الف) ماده (۳۰) و ماده (۳۲) این قانون رعایت نشده است ابطال ثبت یک علامت از تاریخ ثبت آن مؤثر است و آگهی مربوط به آن نیز در اولین فرصت ممکن منتشر می‌شود. هر ذی‌نفع که ثابت کند که مالک علامت ثبت شده شخصاً یا به وسیله شخصی که از طرف او مجاز بوده است آن علامت را حداقل به مدت سه سال کامل از تاریخ ثبت تا یک ماه قبل از تاریخ درخواست ذی‌نفع استفاده نکرده است می‌تواند لغو آن را از دادگاه تقاضا کند. در صورتی که ثابت شود قوه‌قهریه مانع استفاده از علامت شده است ثبت علامت لغو نمی‌شود. ماده ۴۲- با رعایت این ماده و ماده (۴۳)، مواد (۳۱) تا (۴۱) این قانون در مورد علائم جمعی نیز قابل اعمال است در اظهارنامه ثبت علامت جمعی ضمن اشاره به جمعی بودن علامت نسخه‌ای از ضوابط و شرایط استفاده از آن نیز ضمیمه می‌شود. مالک علامت جمعی ثبت شده باید اداره مالکیت صنعتی را از هرگونه تغییر در ضوابط و شرایط مذکور در صدر این ماده مطلع

کند. ماده ۴۳- علاوه بر موجبات ابطال مذکور در ماده (۴۱)، هر گاه خواهان ثابت کند که مالک علامت ثبت شده از آن به تنهایی و یا برخلاف ضوابط مندرج در ذیل ماده (۴۲) از آن استفاده کرده و یا اجازه استفاده از آن را صادر می‌کند یا به نحوی از علامت جمعی استفاده کند یا اجازه استفاده از آن را بدهد که موجب فریب مراکز تجاری یا عمومی نسبت به مبدأ و یا هر خصوصیت مشترک دیگر کالا- و خدمات مربوط گردد، دادگاه علامت جمعی را باطل می‌کند. ماده ۴۴- قرارداد اجازه بهره‌برداری از ثبت یا اظهارنامه ثبت علامت باید به طور مؤثر کنترل اجازه دهنده بر کیفیت و مرغوبیت کالا و ارائه خدمات توسط استفاده‌کننده را در برداشته باشد. در غیر این صورت یا در صورتی که کنترل به طور مؤثر انجام نگیرد، قرارداد اجازه بهره‌برداری فاقد اعتبار خواهد بود. ماده ۴۵- ثبت علامت جمعی یا اظهارنامه آن نمی‌تواند موضوع قرارداد اجازه بهره‌برداری باشد. ماده ۴۶- اسم یا عنوانی که ماهیت یا طریقه استفاده از آن برخلاف موازین شرعی یا نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد و یا موجبات فریب مراکز تجاری یا عمومی را نسبت به ماهیت مؤسسه‌ای فراهم کند که اسم یا عنوان معرف آن است نمی‌تواند به عنوان یک نام تجاری به کار رود. ماده ۴۷- با رعایت قوانین و مقررات ثبت اجباری نامهای تجاری این قبیل نامها حتی بدون ثبت در برابر عمل خلاف قانون اشخاص ثالث حمایت می‌شوند. هر گونه استفاده از نام تجاری توسط اشخاص ثالث به صورت نام تجاری یا علامت یا علامت جمعی یا هر گونه استفاده از آنها که عرفاً باعث فریب عموم شود، غیرقانونی تلقی می‌شود. فصل چهارم - مقررات عمومی ماده ۴۸- هر گونه تغییر در مالکیت اختراع ثبت طرح صنعتی یا ثبت علائم تجاری یا علامت جمعی یا حق مالکیت ناشی از تسلیم اظهارنامه مربوط به درخواست کتبی هر ذی‌نفع از اداره مالکیت صنعتی انجام شده و به ثبت می‌رسد و جز در مورد تغییر مالکیت اظهارنامه توسط اداره مذکور آگهی می‌شود. تأثیر این گونه تغییر نسبت به اشخاص ثالث منوط به تسلیم درخواست مذکور است تغییر در مالکیت ثبت علامت یا علامت جمعی در صورتی که در مواردی مانند ماهیت مبدأ، مراحل ساخت خصوصیات یا تناسب با هدف کالاها یا خدمات سبب گمراهی یا فریب عمومی شود، معتبر نیست هر گونه تغییر در مالکیت ثبت یک علامت جمعی یا مالکیت اظهارنامه مربوط به آن منوط به موافقت قبلی رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌باشد. ماده ۴۹- هر گونه تغییر در مالکیت نام تجاری باید همراه با انتقال مؤسسه یا بخشی از آن که با نام مزبور شناخته می‌شود، صورت پذیرد. ماده ۵۰- هر گونه قرارداد اجازه بهره‌برداری از اختراع و طرحهای صنعتی ثبت شده یا علامت ثبت شده یا اظهارنامه مربوط به آنها به اداره مالکیت صنعتی تسلیم می‌شود. اداره مالکیت صنعتی مفاد قرارداد را به صورت محرمانه حفظ ولی اجازه بهره‌برداری را ثبت و آگهی می‌کند. تأثیر این گونه قراردادها نسبت به اشخاص ثالث منوط به مراعات مراتب فوق است ماده ۵۱- در صورتی که محل اقامت متقاضی یا مرکز اصلی تجارت وی خارج از ایران باشد، وکیل قانونی او که مقیم و شاغل در ایران است می‌تواند به نمایندگی از او اقدامات لازم را انجام دهد. ماده ۵۲- تصدی امور مربوط به مالکیت صنعتی و همچنین نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی مالکیت معنوی و اتحادیه‌های مربوط به کنوانسیونهای ذی‌ربط به عهده سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است ثبت کلیه موضوعات مالکیت صنعتی اعم از اختراع علامت علامت جمعی طرح صنعتی نیز توسط اداره مالکیت صنعتی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور انجام می‌شود. در مواردی که مراجع دیگر به موجب قانون اقدام به بررسی و ثبت می‌نمایند در صورتی از حمایتها و امتیازات مذکور در این قانون بهره‌مند می‌شوند که حسب مورد مالکیت یا اختراع آنها در اداره مالکیت صنعتی به ثبت رسیده باشد. ماده ۵۳- اداره مالکیت صنعتی با استفاده از شیوه‌های نوین دفاتر جداگانه‌ای برای ثبت اختراعات طرحهای صنعتی و علائم تجاری پیش‌بینی می‌کند. علائم جمعی در بخش ویژه‌ای در دفتر ثبت علائم ثبت می‌شود. ماده ۵۴- اطلاعات موجود در دفاتر ثبت قابل دسترسی همگان بوده و هر شخص می‌تواند برابر مقررات مندرج در آئین‌نامه اجرائی اطلاعات مورد نیاز خود را دریافت نماید. ماده ۵۵- اداره مالکیت صنعتی کلیه آگهی‌های مذکور در این قانون را در روزنامه رسمی کشور منتشر خواهد کرد. ماده ۵۶- اداره مالکیت صنعتی مجاز است هر گونه اشتباه در ترجمه یا نسخه‌برداری اشتباه اداری اشتباه در اظهارنامه و یا اشتباه در هر یک از ثبت‌های

انجام شده طبق این قانون یا آئین‌نامه اجرائی را تصحیح کند. ماده ۵۷- اداره مالکیت صنعتی پس از دریافت هر گونه درخواست کتبی مبنی بر تمدید مهلت انجام هر اقدامی که در این قانون یا آئین‌نامه اجرائی آن پیش‌بینی شده است پس از بررسی شرایط موجود می‌تواند آن را تمدید نماید. این کار پس از اعلام به اشخاص ذی‌نفع طبق مقررات مذکور در آئین‌نامه انجام می‌شود. ماده ۵۸- اداره مالکیت صنعتی قبل از اعمال اختیارات قانونی به طرفی که می‌خواهد علیه او تصمیم بگیرد فرصت کافی می‌دهد تا مطالب خود را اعلام نماید. در این صورت هر گونه تصمیم با لحاظ اعلام مذکور اتخاذ می‌شود. ماده ۵۹- رسیدگی به اختلافات ناشی از اجراء این قانون و آئین‌نامه اجرائی آن در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاههای عمومی تهران می‌باشد که حداکثر تا شش ماه بعد از تاریخ تصویب این قانون توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌گردد. تصمیمات اداره مالکیت صنعتی توسط اشخاص ذی‌نفع قابل اعتراض است و دادخواست مربوط باید ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ تصمیم به ذی‌نفع و یا اطلاع او از آن به دادگاه صالح تقدیم گردد. تجدیدنظرخواهی از آراء و نحوه رسیدگی تابع مقررات آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی است ماده ۶۰- نقض حقوق مندرج در این قانون عبارت است از معنای انجام هر گونه فعالیتی در ایران که توسط اشخاصی غیر از مالک حقوق تحت حمایت این قانون و بدون موافقت او انجام می‌گیرد. علاوه بر مالک حقوق تحت حمایت این قانون هرگاه ثابت شود دارنده اجازه استفاده، از مالک درخواست کرده است تا برای خواسته معینی به دادگاه دادخواست بدهد و مالک امتناع کرده یا نتوانسته آن را انجام دهد، دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور دستور جلوگیری از نقض حقوق یا نقض قریب‌الوقوع حقوق به جبران خسارت مربوط نیز حکم صادر کند و یا تصمیم دیگری جهت احقاق حق اتخاذ نماید. ماده ۶۱- هر شخصی که با علم و عمد مرتکب عملی شود که طبق مواد (۱۵)، (۲۸) و (۴۰) نقض حقوق به شمار آید یا طبق ماده (۴۷) عمل غیرقانونی تلقی شود، مجرم شناخته شده و علاوه بر جبران خسارت به پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه یا هر دوی آنها محکوم می‌شود. در دعوی مدنی راجع به نقض حقوق مالک اختراع در مواقعی که اختراع فرآیند دستیابی به یک فرآورده باشد، در صورت وجود شرایط زیر، مسؤولیت اثبات این که فرآورده از طریق آن فرآیند ساخته نشده است به عهده خواننده دعوی نقض حق خواهد بود. در این صورت دادگاه در صورت ارائه اسناد و مدارک منافع مشروع خواننده دعوی نقض حق را از جهت عدم افشاء اسرار تولیدی و تجاری وی در نظر خواهد گرفت ۱- فرآورده جدید باشد. ۲- احتمال قوی وجود داشته باشد که فرآورده با استفاده از فرآیند مزبور ساخته شده و مالک حقوق ثبت شده علی‌رغم تلاشهای معقول نتوانسته است فرآیندی را که واقعاً استفاده شده تعیین نماید. ماده ۶۲- در صورت تعارض مفاد این قانون با مقررات مندرج در معاهدات بین‌المللی راجع به مالکیت صنعتی که دولت جمهوری اسلامی ایران به آنها پیوسته و یا می‌پیوندد، مقررات معاهدات مذکور مقدم است ماده ۶۳- بایست بینی در قانون بودجه سالانه تامعادل پنجاه درصد (۵۰٪) از درآمد ارزی ناشی از اجراء مفاد کنوانسیونهای مربوط به ثبت بین‌المللی مالکیت صنعتی که از تاریخ تصویب این قانون عاید می‌گردد، برای ارتقاء و تجهیز اداره مالکیت صنعتی و ارتقاء کیفی آن در قانون بودجه سالانه اختصاص می‌یابد. پس از تأیید اداره مالکیت صنعتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است ارز مورد نیاز صاحبان ایرانی حقوق مالکیت صنعتی را جهت ثبت بین‌المللی این حقوق برابر تعرفه‌های مذکور در کنوانسیونها و مقررات بین‌المللی با نرخ رسمی تأمین نماید. ماده ۶۴- آئین‌نامه اجرائی این قانون ظرف یک سال از تاریخ تصویب توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. در آئین‌نامه مذکور به‌ویژه باید تعرفه هزینه‌های مربوط به اظهارنامه‌های ثبت اختراعات و طرحهای صنعتی ثبت علائم و علائم جمعی و تمدید ثبت آنها و جرائم تأخیر در تمدید با رعایت این قانون و مفاد کنوانسیونهای مربوط که جمهوری اسلامی ایران عضویت در آنها را پذیرفته است تعیین شود و در صورت لزوم هر سه سال یک بار قابل تجدید نظر می‌باشد. ماده ۶۵- اختراعات و علائم تجارتنی که قبلاً برابر مقررات سابق ثبت شده است، معتبر بوده و مورد حمایت این قانون قرار می‌گیرد. در این صورت: الف- در مورد اختراعات باید

هزینه‌های سالانه مقرر در این قانون برای مدت باقیمانده پرداخت شود. ب - علائم باید در موعد مقرر در همان قانون تمدید شده و پس از تمدید براساس طبقه‌بندی بین‌المللی مجدداً طبقه‌بندی شود. ماده ۶۶ - از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰/۴/۱۰ و اصلاحات بعدی آن و آئین‌نامه‌های مربوط به آن ملغی می‌شود. قانون فوق مشتمل بر شصت و شش ماده در جلسه مورخ هفتم آبان‌ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب گردید و پس از موافقت مجلس با اجراء آزمایشی آن به مدت پنج سال در تاریخ ۲۳/۱۱/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

ثبت احوال

قانون ثبت احوال - مصوب ۱۳۵۵ ۴ ۱۶ با اصلاحات و الحاقیه های بعدی سال ۱۳۶۳

فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۹)

ماده ۱ - وظایف سازمان ثبت احوال کشور به قرار ذیل است الف - ثبت ولادت و صدور شناسنامه ب - ثبت وقعه وفات و صدور گواهی وفات ج - تعویض شناسنامه های موجود در دست مردم د - ثبت ازدواج و طلاق و نقل تحولات ه - صدور گواهی ولادت برای اتباع خارجه و - تنظیم دفاتر ثبت کل وقایع و نام خانوادگی ز - جمع آوری و تهیه آمار انسانی سراسر کشور و انتشار آن ح - وظایف مقرر دیگری که طبق قانون به عهده سازمان گذاشته شده است . ماده ۲ - برای مطالعه و پیشنهاد روش های فنی و اظهار نظر درباره اصلاح یا تغییر فرم ها و نمونه های سجلی و آماری و نحوه جمع آوری و انتشار آنها و تهیه دستورالعمل ها و روش های فنی سجلی و طرز جمع آوری اوراق باطله و تنظیم و نگهداری و حفاظت اسناد و مدارک سجلی در مرکز سازمان ثبت احوال کشور شورایی به نام شورای عالی ثبت احوال تشکیل می‌شود. اعضای شورای عالی ثبت احوال عبارت خواهند بود از رییس سازمان ثبت احوال کشور یا قائم مقام او و یک نفر از استادان دانشکده حقوق به انتخاب رییس دانشگاه تهران و یک نفر از قضات دادگستری به انتخاب وزیردادگستری و یک نفر از کارمندان مطلع ثبت احوال به انتخاب رییس سازمان ثبت احوال و نماینده مرکز آمار ایران ، ریاست شورا با معاون وزارت کشور و رییس سازمان ثبت احوال کشور یا قائم مقام او می‌باشد و رای اکثریت لازم الاجرا خواهد بود . تبصره - نحوه جمع آوری و انتشار آمار انسانی و تهیه نمونه های مربوط به پیشنهاد سازمان ثبت احوال کشور پس از جلب نظر مرکز آمار ایران و تصویب شورای عالی ثبت احوال تعیین خواهد شد . ماده ۳ - در مقرر هر اداره ثبت احوال هیاتی به نام هیات حل اختلاف مرکب از رییس اداره ثبت احوال و مسیول بایگانی یا معاونین و یا نمایندگان آنان و یکی از کارمندان مطلع اداره مزبور به انتخاب رییس اداره ثبت احوال استان تشکیل می‌شود، وظایف هیات حل اختلاف به قرار زیر است ۱ - تصحیح هر نوع اشتباه در تحریر مندرجات دفتر ثبت کل وقایع و وفات بعد از امضا سند و قبل از تسلیم برگه یا شناسنامه یا وفات و تکمیل سند از نظر مشخصاتی که ((نامعلوم) بوده است مندرج در ماده ۲۹ این قانون ۲ - رفع اشتباهات ناشی از تحریر ضمن ثبت وقایع یا نقل مندرجات اسناد و اعلامیه ها و مدارک به دفاتر ثبت کل وقایع و سایر دفاتر ۳ - ابطال اسناد و شناسنامه هایی که بیگانگان مورد استفاده قرار داده‌اند و طبق ماده ۴۴ اعلام می‌شود ۴ - ابطال اسناد مکرر و یا موهوم و تصحیح اشتباه در ثبت جنس صاحب سند و تغییر نام های ممنوع ۵ - حذف کلمات زاید، غیرضروری و یا ناشی از اشتباه در اسناد سجلی اشخاص . ترتیب تقاضا و گردش کار دفاتر هیات ها و نحوه رسیدگی و ابلاغ تصمیمات در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد . تبصره - تصحیح هر نوع اشتباه در تحریر مندرجات دفتر ثبت کل وقایع و وفات اگر قبل از امضا باشد با توضیح مراتب در حاشیه سند به عمل می‌آید و

امضا کنندگان سند ذیل توضیح را امضا خواهند نمود . ماده ۴- رسیدگی به شکایات اشخاص ذینفع از تصمیمات هیات حل اختلاف و همچنین رسیدگی به سایر دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال با دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش مستقل محل اقامت خواهان به عمل می‌آید و رای دادگاه فقط پژوهش پذیر است مهلت شکایت از تصمیم هیات حل اختلاف ده روز از تاریخ ابلاغ است . تبصره - هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذینفع مقیم خارج از کشور باشد رسیدگی با دادگاه محل صدور سند و اگر محل تنظیم سند و اقامت خواهان هر دو در خارج از کشور باشد با دادگاه شهرستان تهران خواهد بود . ماده ۵- سازمان ثبت احوال کشور در اجرای وظایفی که بر عهده دارد می‌تواند از وجود کارکنان سازمان‌های دولتی و ارگان‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی موجود در محل استفاده نمایند . تبصره ۱- ماموران دولت و کارکنان بیمارستان‌ها و گورستان‌ها مکلفند با سازمان ثبت احوال کشور در اجرای وظایف قانونی همکاری نمایند . تبصره ۲- نحوه استفاده از خدمات افراد و سازمان‌ها و ارگان‌ها و نهادها به موجب آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود . ماده ۶- نماینده یا مامور ثبت احوال کسی است که از طرف سازمان ثبت احوال کشور و یا ادارات تابعه برای ثبت وقایع یا دریافت اطلاعات منصوب شده باشد . تبصره ۱- اعلام کننده کسی است که مکلف به اعلام واقعه می‌باشد و می‌تواند به شخص دیگر رسماً و کالت دهد تا از طرف او واقعه را اعلام نماید . تبصره ۲- گواه از لحاظ این قانون کسی است که صحت اظهارات اعلام کننده را گواهی می‌کند . ماده ۷- سن گواه و اعلام کننده نباید کمتر از ۱۸ سال تمام باشد . پدر و مادری که قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ازدواج کرده‌اند می‌توانند ولادت یا وفات فرزند خود را اعلام نمایند . ماده ۸- دفتر ثبت کل وقایع و وفات و شناسنامه و گواهی ولادت و اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌ها و دفاتر ثبت کل وقایع و نام خانوادگی از اسناد رسمی است و تا زمانی که به موجب تصمیم هیات حل اختلاف یا رای دادگاه برحسب مورد تصحیح یا باطل نشده به قوت خود باقی می‌باشد . ماده ۹- رونوشت یا فتوکپی شناسنامه یا گواهی ولادت مراجعین به ادارات و موسسات دولتی و شهرداری و بخش خصوصی که برای انجام مراجعات آنان ضرورت دارد مستقیماً توسط آن مراجع تهیه خواهد شد .

فصل دوم - اسناد و دفاتر ثبت احوال (ماده ۱۰ تا ۱۱)

ماده ۱۰- وقایع حیاتی هر فرد (ولادت ، ازدواج ، طلاق ، رجوع و بذل مدت ، وفات) در دفاتری به شرح زیر به ثبت می‌رسد الف - دفتر ثبت کل وقایع - که در آن بدواً ولادت هر فرد ثبت و وقایع مربوط به ازدواج ، طلاق ، رجوع و بذل مدت و وفات همسر ، ولادت و وفات اولاد و وفات صاحب سند از روی مندرجات اعلامیه‌ها و مدارک در آن ثبت می‌گردد . ب - دفتر ثبت وفات - که در آن واقعه مربوط به وفات هر فرد به ثبت می‌رسد . تبصره ۱- صفحات دفتر ثبت کل وقایع باید شماره گذاری شود و با تعیین تعداد کل صفحات نخ کشی و سرب و منگنه شده به امضا دادستان شهرستان یا نماینده او برسد . تبصره ۲- دفتر ثبت کل وقایع هر سال پس از انقضا مدت صد و بیست سال از جریان خارج و به بایگانی راکد منتقل می‌شود . تبصره ۳- هرگاه اسناد یا دفاتر از بین برود در صورت وجود سابقه از روی سوابق و در صورت نبودن سابقه با دعوت صاحبان اسناد به وسیله آگهی طبق مدارک موجود در دست آنان پس از رسیدگی دفاتر یا اسناد معدوم تجدید می‌گردد . ماده ۱۱- دفتر ثبت کل وقایع یا وفات پس از ثبت باید به امضا اعلام کننده و گواهان و مامور یا نماینده ثبت احوال برسد و مهر شود و در صورت وجود گواهی ماما یا پزشک نیازی به گواهان نخواهد بود . پس از تکمیل و امضا اسناد مزبور تصحیح یا تغییر مندرجات آن منحصرأ به موجب مقررات این قانون خواهد بود .

فصل سوم - ثبت ولادت (ماده ۱۲ تا ۲۱)

ماده ۱۲ - ولادت هر طفل در ایران اعم از اینکه پدر و مادر طفل ایرانی یا خارجی باشند باید به نماینده یا مامور ثبت احوال اعلام شود و ولادت اطفال ایرانیان مقیم خارج از کشور به مامور کنسولی ایران در محل اقامت و اگر نباشد به نزدیک ترین مامور کنسولی و یا به سازمان ثبت احوال کشور اعلام شود. ماده ۱۳ - ولادت واقع در ایران بوسیله نماینده یا مامور ثبت احوال و ولادت واقع در خارج از کشور بوسیله ماموران کنسولی ایران در دفتر ثبت کل وقایع به ثبت می‌رسد. در این دفتر اطلاعات زیر قید می‌شود

- ۱ - ساعت ، روز ، ماه ، سال و محل ولادت ، استان - شهرستان - بخش - دهستان (روستا شهر) و تاریخ ثبت آن . ۲ - نام و نام خانوادگی صاحب سند و جنس . ۳ - نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه یا شماره پروانه اقامت و یا گذرنامه و محل صدور شناسنامه یا پروانه اقامت و یا گذرنامه و محل اقامت پدر و مادر . ۴ - نام و نام خانوادگی و محل اقامت و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه و نسبت اعلام کننده در صورتی که غیر از پدر و مادر صاحب سند باشد . ۵ - نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه و محل اقامت گواهان . ۶ - نام و نام خانوادگی و امضا نماینده یا مامور و مهر ثبت احوال . ۷ - شماره و سری برگ مخصوص دفتر ثبت کل وقایع . ۸ - محل مخصوص ثبت و شماره کلاسمان آثار انگشتان صاحب سند . ۹ - محل مخصوص ثبت خلاصه اطلاعات راجع به ازدواج ، طلاق و یا وفات همسر . ۱۰ - محل مخصوص ثبت شماره مسلسل و سری شناسنامه های صادره . ۱۱ - محل مخصوص ثبت خلاصه اطلاعات راجع به اولاد . ۱۲ - محل مخصوص ثبت وفات . ۱۳ - محل توضیحات . تبصره - پس از ثبت ولادت اگر طفل ایرانی باشد ، شناسنامه صادر و تسلیم می‌گردد و اعلامیه برای ثبت واقعه در دفتر ثبت کل وقایع صفحه مخصوص پدر و مادر به اداره ثبت احوال محل صدور شناسنامه آنان فرستاده می‌شود و در صورتی که طفل خارجی باشد گواهی ولادت صادر و تسلیم می‌گردد . ماده ۱۴ - برای هر فرد شماره شناسنامه که مخصوص به او خواهد بود تعیین می‌گردد و شماره شناسنامه هر شخص در کلیه مدارک مربوط به ثبت احوال او باید قید گردد . ماده ۱۵ - ثبت ولادت باید مستند به تصدیق پزشک یا امامای رسمی یا موسسه ای که طفل در آنجا متولد گردیده است باشد ، در غیر اینصورت واقعه به تصدیق دو نفر گواه ثبت می‌شود. تبصره - مهلت اعلام ولادت پانزده روز از تاریخ ولادت طفل است ، روز ولادت و تعطیل رسمی بعد از آخرین روز مهلت به حساب نیاید و در صورتی که ولادت در اثنا سفر زمینی یا هوایی یا دریایی رخ دهد مهلت اعلام آن از تاریخ رسیدن به مقصد محسوب می‌شود . ماده ۱۶ - اعلام و امضا دفتر ثبت کل وقایع به ترتیب به عهده اشخاص زیر خواهد بود ۱ - پدر یا جد پدری . ۲ - مادر در صورت غیبت پدر و در اولین موقعی که قادر به انجام این وظیفه باشد . ۳ - ملغی شده است . ۴ - وصی یا قیم یا امین . ۵ - اشخاصی که قانونا عهده دار نگهداری طفل می‌باشند . ۶ - متصدی یا نماینده موسسه ای که طفل به آنجا سپرده شده است . ۷ - صاحب واقعه که سن او از ۱۸ سال تمام به بالا باشد . تبصره - در صورتی که ازدواج پدر و مادر طفل به ثبت نرسیده باشد اعلام ولادت و امضا اسناد متفقا به عهده پدر و مادر خواهد بود و هرگاه اتفاق پدر و مادر در اعلام ولادت میسر نباشد سند طفل با اعلام یکی از ابویین که مراجعه می‌کند با قید نام کوچک طرف غایب تنظیم خواهد شد . اگر مادر اعلام کننده باشد نام خانوادگی مادر به طفل داده می‌شود . ماده ۱۷ - هرگاه ابویین طفل معلوم نباشند سند با نام خانوادگی آزاد و نام‌های فرضی در محل اسامی ابویین تنظیم می‌گردد. تصحیح اسامی فرضی یا تکمیل مشخصات ناقص به موجب اقرارنامه موضوع ماده ۱۲۷۳ قانون مدنی یا حکم دادگاه یا مدارک حصر وراثت به عمل خواهد آمد و نام خانوادگی طبق احکام مربوط به نام خانوادگی اصلاح خواهد شد . موضوع فرضی بودن اسامی پدر و مادر در شناسنامه منعکس نخواهد شد . ماده ۱۸ - نماینده یا مامور ثبت احوال ولادت طفل فاقد ولی را ثبت و مراتب را برای اقدام قانونی به دادستان اطلاع خواهد داد . تبصره - در صورتی که طفل در مکانی متولد شود که خروج از آن ممنوع یا محتاج به اجازه مخصوص باشد نظیر ندامتگاه ، کانون اصلاح و تربیت و غیره ، متصدیان این سازمان‌ها مکلف به اطلاع واقعه و ایجاد تسهیلات لازم برای انجام وظایف صاحب واقعه می‌باشند . ماده ۱۹ - ماما یا پزشکی که در حین

ولادت حضور و در زایمان دخالت داشته مکلف به صدور گواهی ولادت و ارسال یک نسخه آن به ثبت احوال محل در مهلت اعلام می‌باشد. ماده ۲۰- انتخاب نام با اعلام کننده است، برای نامگذاری یک نام ساده یا مرکب (حسین، محمد مهدی و مانند آن که عرفاً یک نام محسوب می‌شود انتخاب خواهد شد. تبصره ۱- انتخاب نامهایی که موجب هتک حیثیت مقدسات اسلامی می‌گردد و همچنین انتخاب عناوین و القاب و نام‌های زننده و مستهجن یا نامتناسب با جنس ممنوع است. تبصره ۲- تشخیص نام‌های ممنوع با شورای عالی ثبت احوال می‌باشد و این شورا نمونه‌های آن را تعیین و به سازمان اعلام می‌کند. تبصره ۳- انتخاب نام در مورد اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی تابع زبان و فرهنگ دینی آنان است. تبصره ۴- در اسناد سجلی اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی کشور نوع دین آنان قید می‌شود. تبصره ۵- ذکر سیادت در اسناد سجلی ساداتی که سیادت آنان در اسناد سجلی پدر و یا جد پدری مندرج باشد و یا سیادت آنان با دلایل شرعی ثابت گردد الزامی است مگر کسانی که خود را سید ندانند و یا عدم سیادت آنان شرعاً احراز شود. تبصره ۶- مراتب تشریف پیروان ادیان دیگر به دین مبین اسلام همراه با تغییرات مربوط به نام و نام خانوادگی آنان در اسناد سجلی ثبت می‌شود. ماده ۲۱- هرگاه از وضع حمل بیش از یک طفل متولد شود برای هر یک سند ولادت جداگانه به ترتیب تولد با ذکر ساعت ولادت تنظیم خواهد شد.

فصل چهارم - ثبت وفات (ماده ۲۲ تا ۳۰)

ماده ۲۲- وفات هر کس اعم از ایرانی یا خارجی و همچنین ولادت طفلی که مرده به دنیا آمده یا بلافاصله پس از ولادت بمیرد باید به مامور یا نماینده ثبت احوال اعلام شود. وفات ایرانیان در خارج از کشور به ماموران کنسولی محل اقامت یا به نزدیک ترین ماموران کنسولی ایران یا به سازمان ثبت احوال کشور اعلام می‌شود. وفات ایرانیان و خارجیان ساکن کشور را ماموران و نمایندگان ثبت احوال و وفات ایرانیان خارج از کشور را بر حسب محل اعلام ماموران کنسولی ایران یا ماموران و یا نمایندگان ثبت احوال ثبت می‌کنند، وفات باید در سند ثبت وفات و همچنین در دفتر ثبت کل وقایع در صفحات مربوط به در گذشته و پدر و مادر او و شناسنامه متوفی ثبت و امضا و مهر گردد. وفات خارجیان پس از ثبت به شهرداری محل اعلام می‌شود و یک نسخه گواهی به سازمان ثبت احوال کشور فرستاده خواهد شد که به وزارت امور خارجه ارسال گردد. تبصره - گواهی وفات به هر شخصی که درخواست کند تسلیم می‌گردد. ماده ۲۳- در سند ثبت وفات باید اطلاعات زیر قید گردد ۱- محل، روز، ماه و سال وفات و تاریخ ثبت ۲- نام و نام خانوادگی و جنس و تاریخ تولد و شغل و شماره شناسنامه و برگ ولادت یا پروانه اقامت و تاریخ و محل صدور شناسنامه یا پروانه اقامت در گذشته ۳- علت وفات در صورتی که مشخص باشد ۴- نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه پدر و مادر در گذشته ۵- نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه و محل اقامت و سمت اعلام کننده ۶- نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه و محل اقامت و شغل گواهان ۷- نام و نام خانوادگی و امضا نماینده یا مامور ثبت احوال و اثر مهر ۸- شماره و سری برگ مخصوص ثبت وفات ۹- محل توضیحات. ماده ۲۴- واقعه وفات باید طبق تصدیق پزشک و در صورت نبودن پزشک با حضور دو نفر گواه ثبت گردد. در مورد طفلی که مرده به دنیا آمده یا بلافاصله پس از تولد بمیرد در صورت وجود پزشک در محل، تصدیق پزشک ضروری است و در صورت نبودن پزشک گواهی دو نفر کافی است. پزشکی که وقوع مرگ به او اطلاع داده می‌شود در هر مورد مکلف به معاینه جسد و صدور تصدیق یا اظهار نظر می‌باشد و در صورت امکان تشخیص علت مرگ باید تصدیق شود و به هر حال یک نسخه از تصدیق یا اظهار نظر خود را باید به ثبت احوال محل در مهلت مقرر ارسال نمایند. ماده ۲۵- مهلت اعلام وفات ده روز از تاریخ وقوع یا وقوف بر آن است. روز وفات و تعطیل رسمی بعد از آخرین روز مهلت به حساب نیاید و در صورتی که مرگ در اثنا سفر رخ دهد مهلت

اعلام آن از تاریخ رسیدن به مقصد احتساب خواهد شد. تبصره - ترتیب ثبت وقایع ولادت و وفاتی که پس از انقضا مهلت مقرر اعلام شود در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. ماده ۲۶ - اعلام وفات و امضا سند ثبت مرگ به ترتیب به عهده یکی از اشخاص زیر است ۱ - نزدیک‌ترین خویشاوند متوفی که در موقع وفات حاضر بوده است. ۲ - متصدی یا صاحب مکانی که وفات در آن رخ داده است یا نماینده او. ۳ - هر شخصی که در موقع وفات حاضر بوده است. ۴ - ماموران انتظامی یا کدخدا. تبصره - متصدیان گورستان یا دفن مکلف به اطلاع وفات به ثبت احوال هستند. ماده ۲۷ - در صورتی که وفات یا ولادت طی نامه رسمی از طرف ماموران انتظامی یا قضایی و یا سایر مقامات اعلام شود شماره و تاریخ اعلامنامه در سند درج و به منزله امضا سند خواهد بود. ماده ۲۸ - در موارد زیر اعلام وفات به عهده مقامات زیر است ۱ - در صورتی که مرگ در اثر بروز سوانح از قبیل زلزله، سیل، طوفان و آتش سوزی واقع شود مقامات انتظامی یا گروه‌های امدادی حاضر در محل مکلفند واقعه مرگ را ضمن ارسال صورت حاوی نام و نام خانوادگی و حتی المقدور شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه و سن متوفی اعلام نمایند. ۲ - مرگ نظامیانی که در زمان صلح در سربازخانه و یا ضمن مانورهای نظامی یا در زمان جنگ واقع می‌شود وسیله فرمانده قسمت با تعیین نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه اعلام می‌گردد. ماده ۲۹ - در مواردی که مشخصات متوفی معلوم نشود یا به بعضی از اطلاعاتی که باید در سند قید شود دسترسی نباشد در سند ثبت وفات به جای مشخصات عبارت (نامعلوم نوشته می‌شود تکمیل مشخصات نامعلوم با هیات حل اختلاف خواهد بود. ماده ۳۰ - مدرک ثبت وفات فرضی غایب مفقودالاثر حکم قطعی دادگاه است مدیران دفاتر دادگاه‌هایی که حکم قطعی وفات فرضی غایب مفقودالاثر از آن دادگاه صادر شده مکلفند یک نسخه از رای صادره را طی نامه رسمی به ثبت احوال محل ارسال دارند.

فصل پنجم - ازدواج و طلاق (ماده ۳۱ تا ۳۴)

ماده ۳۱ - دارندگان دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مکلفند وقایع ازدواج و طلاق و رجوع را که در دفاتر مربوط ثبت می‌کنند در شناسنامه زوجین نیز درج و امضا و مهر نمایند و حداکثر هر پانزده روز یکبار وقایع ازدواج و طلاق و رجوعی را که در دفاتر به ثبت می‌رسد روی نمونه‌های مربوط تهیه و به ثبت احوال محل تحویل و رسید دریافت دارند. ازدواج و طلاق و رجوع ایرانیان در خارج از کشور باید به وسیله کنسولگری‌های مربوط در دفاتری که از طرف ثبت احوال تهیه می‌شود ثبت و حداکثر هر یک ماه یکبار وقایع ازدواج و طلاق و رجوعی را که در دفاتر به ثبت می‌رسد روی نمونه‌های مخصوص تهیه و از طریق وزارت امور خارجه به سازمان ثبت احوال کشور فرستاده شود. ماده ۳۲ - طلاق، رجوع و بذل مدت که در دفتر رسمی طلاق به ثبت نرسیده باشد با ارایه اقرارنامه رسمی در اسناد ثبت احوال طرفین ثبت خواهد شد. ازدواج‌هایی که در دفاتر رسمی ازدواج به ثبت نرسیده باشد در صورت وجود شرایط زیر در اسناد سجلی زن و شوهر ثبت خواهد شد. ۱ - ارایه اقرارنامه رسمی مبنی بر وجود رابطه زوجیت بین متقاضیان ثبت واقعه ازدواج. ۲ - در موقع تنظیم اقرارنامه سن زوج از بیست سال تمام و سن زوجه از هیجده سال تمام کمتر نباشد. ۳ - گواهی ادارات ثبت احوال محل صدور شناسنامه‌های زوجین به اینکه در تاریخ اعلام واقعه طرفین در قید ازدواج دیگری نمی‌باشند. تبصره - نمایندگان ثبت احوال مکلفند پس از ثبت واقعه رونوشت اقرارنامه را به دادسرای محل ارسال نمایند. ماده ۳۳ - کلیه وقایع ازدواج و طلاق یا وفات زوج یا زوجه و رجوع و بذل مدت و فسخ نکاح باید در دفاتر ثبت کل وقایع ثبت شود ولی در شناسنامه به شرح زیر انعکاس خواهد یافت. در المثنا شناسنامه مرد یا زن آخرین نکاح و طلاق یا بذل مدت و در صورت تعدد زوجات آن تعداد ازدواج که به قوت خود باقی است منعکس خواهد شد. ازدواج و طلاق غیر مدخوله در المثنا شناسنامه درج نخواهد شد. ماده ۳۴ - افشای اطلاعات مذکور در دفاتر ثبت کل وقایع و اسناد سجلی جز برای صاحب سند و مقامات

قضایی و دولتی ذیصلاح ممنوع است

فصل ششم - صدور شناسنامه (ماده ۳۵ تا ۳۷)

ماده ۳۵- صدور شناسنامه و سایر خدمات سجلی در مقابل دریافت وجه انجام خواهد شد که نحوه اخذ وجوه و میزان و نوع این خدمات به موجب آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ماده ۳۶- شناسنامه از روی دفاتر ثبت کل وقایع صادر و دارای مشخصات و اطلاعات زیر می‌باشد ۱- آرم جمهوری اسلامی ایران ۲- محل مخصوص انگشت نگاری و شماره کلاسمان آن ۳- محل الصاق عکس ۴- شماره شناسنامه ۵- نام و نام خانوادگی و جنس دارنده آن ۶- تاریخ تولد به ترتیب روز و ماه و سال هجری شمسی و قمری تبصره- ذکر تاریخ هجری قمری از هنگام اجرای طرح تعویض شناسنامه برای نوزادان الزامی است ۷- محل تولد به ترتیب شهرستان، بخش، دهستان (روستاشهر) ۸- نام و شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه ابوبین ۹- تاریخ تنظیم سند به ترتیب روز و ماه و سال هجری شمسی ۱۰- محل تنظیم سند به ترتیب حوزه، شهرستان، بخش، دهستان (روستاشهر) ۱۱- نام و نام خانوادگی مامور تنظیم کننده سند و امضا مامور صدور و مهر اداره ۱۲- شماره مسلسل و سری مخصوص شناسنامه ۱۳- محل مخصوص ثبت ازدواج، طلاق، وفات همسر، ولادت فرزندان و وفات صاحب شناسنامه ۱۴- محل توضیحات ۱۵- محل مخصوص مهر انتخابات تبصره ۱- شناسنامه های نمونه جدید افرادی که به سن ۱۵ سال تمام می‌رسند باید ملصق به عکس همان سال و اثر انگشت و کلاسمان انگشت نگاری صاحب آن باشد. تبصره ۲- شناسنامه اولیه باید در سی سالگی تمام با عکس همان سال صاحب آن تجدید شود. صاحب شناسنامه پس از رسیدن به سن سی سال مکلف است ظرف مدت یک سال برای تجدید آن مراجعه نماید. تبصره ۳- صدور شناسنامه مجدد و یا گواهی ولادت اتباع خارجه مطابق مقررات آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. تبصره ۴- به استثنای سازمان ثبت احوال کشور، دفاتر اسناد رسمی ازدواج و طلاق، نمایندگی های دولت جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، اداره تشخیص هویت و پلیس بین الملل و اداره کل انتخابات هیچ یک از ارگانها و نهادها و موسسات دولتی و بخش خصوصی حق نقش مهر و درج هیچگونه مطلب و یا آثار دیگری بر روی شناسنامه را ندارند متخلف از این امر تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت ماده ۳۷- سازمان ثبت احوال کشور مکلف است به مجرد وصول اعلام ترک تابعیت و یا اخراج از تابعیت اشخاص از طرف وزارت امور خارجه ترک تابعیت و یا اخراج تابعیت را در دفاتر و اسناد مربوط منعکس و شناسنامه را معدوم نماید.

فصل هفتم - صدور کارت شناسایی (ماده ۳۸ تا ۳۹)

ماده ۳۸- در نقاطی که دولت مقتضی بداند و اعلام کند کسانی که سن آنان از ۱۵ سال به بالا است باید دارای کارت شناسایی بوده و همیشه آن را همراه داشته باشند. کارت شناسایی حاوی مشخصات و اثر انگشت و عکس و نشانی محل سکونت و گروه های اصلی خون خواهد بود. ترتیب صدور و ترتیب درج مشخصات دارنده کارت شناسایی و چگونگی تحصیل اطلاعات مربوط به سکونت و سایر اطلاعات از قبیل گروه خون و اشخاصی که برای صغار و مجانین کارت شناسایی اخذ نمایند در آیین نامه اجرایی تعیین خواهد شد. ماده ۳۹- و تبصره های آن لغو شده است

فصل هشتم - نام خانوادگی (ماده ۴۰ تا ۴۲)

ماده ۴۰ - تغییر نام خانوادگی با تصویب سازمان ثبت احوال کشور خواهد بود. تبصره - موارد تغییر نام خانوادگی مطابق آیین نامه اجرایی این قانون می‌باشد. ماده ۴۱ - حق تقدم نام خانوادگی با رعایت تاریخ تقدم صدور اسناد مختص اشخاصی است که به نام آنان در دفاتر مخصوص نام خانوادگی ادارات ثبت احوال به ثبت می‌رسد و دیگری حق اختیار آن را در آن اداره ندارد مگر با اجازه دارنده حق تقدم و این حق پس از فوت به ورثه قانونی انتقال می‌یابد. هر یک از وراثت می‌تواند شخصی که نام خانوادگی او را اختیار کرده مورد اعتراض قرارداد و تغییر نام خانوادگی او را از دادگاه بخواهد ولی وراثت بالاتفاق می‌توانند به دیگری اجازه دهند که نام خانوادگی آنها را اختیار نماید. تبصره - نام خانوادگی فرزند همان نام خانوادگی پدر خواهد بود اگر چه شناسنامه فرزند در قلمرو اداره ثبت احوال دیگری صادر گردد. فرزندان کبیر می‌توانند برای خود نام خانوادگی دیگری انتخاب نمایند. ماده ۴۲ - زوجه می‌تواند با موافقت همسر خود تا زمانی که در قید زوجیت می‌باشد از نام خانوادگی همسر خود بدون رعایت حق تقدم استفاده کند و در صورت طلاق ادامه استفاده از نام خانوادگی موکول به اجازه همسر خواهد بود.

فصل نهم - تعویض شناسنامه‌های موجود و نقل آن به دفاتر ثبت کل وقایع (ماده ۴۳ تا ۴۶)

ماده ۴۳ - سازمان ثبت احوال کشور مکلف است شناسنامه‌های موجود در دست مردم را به تدریج تعویض نماید و کلیه افراد نیز مکلفند در مهلت‌های معین که سازمان ثبت احوال کشور طی آگهی در وسایل ارتباط جمعی و به ترتیب گروه سنی تعیین خواهد نمود به ماموران ثبت احوال محل اقامت خود برای اعلام هویت و وقایع حیاتی خود و رایه مدارک و دریافت شناسنامه نمونه جدید مراجعه نمایند مرگ‌های ثبت نشده زوج و زوجه و فرزندان نیز ضمن این مراجعه باید اعلام شود. تبصره - چنانچه در طول اجرای طرح، اشخاصی اعلام فقدان و یا درخواست تعویض شناسنامه نمایند که مشمول دوره تجدید آن گروه نباشد برای آنان طبق مقررات گواهی موقت صادر خواهد شد. ماده ۴۴ - اشخاصی که در مهلت معین در آگهی منتشره، ماموران ثبت احوال را از داشتن شناسنامه مکرر یا استفاده از شناسنامه غیر یا دریافت شناسنامه موهوم یا استفاده از شناسنامه ایرانی با داشتن تابعیت خارجی مطلع نمایند از تعقیب و مجازات معاف خواهند بود و الا - پس از انقضای مهلت‌های معینه جرایم مزبور مستمر شناخته شده و مشمول مجازات مصرح در مواد ۴۸ و ۴۹ این قانون خواهند بود. هویت دارندگان شناسنامه مکرر به انتخاب صاحبان و نمایندگان قانونی آنان تثبیت و هویت اشخاصی که از شناسنامه غیر استفاده نموده‌اند و همچنین مدارک ازدواج و طلاق و شناسنامه فرزندان مطابق شناسنامه قانونی که صادر می‌شود خواهد بود. تبصره - تعویض شناسنامه همسر و فرزندان، ضمن گروه سنی همسری که در مهلت مقرر مراجعه می‌کند به عمل خواهد آمد و همچنین در موقع ثبت ولادت طفل شناسنامه پدر و مادر و افراد خانوار تعویض خواهد شد اگر چه مهلت مراجعه معین و آگهی نشده باشد. ماده ۴۵ - هرگاه ((هویت و تابعیت)) افراد مورد تردید واقع گردد و مدارک لازم جهت اثبات آن رایه نشود مراتب برای اثبات ((هویت)) به مراجع انتظامی و برای اثبات ((تابعیت)) به شورای تامین شهرستان ارجاع و در صورت تایید طبق مقررات اقدام خواهد شد. تبصره - در جلسات شورای تامین شهرستان که به منظور فوق تشکیل می‌گردد رییس اداره ثبت احوال محل نیز با داشتن حق رای شرکت خواهد داشت ماده ۴۶ - سازمان ثبت احوال کشور، پایان مهلت تعویض شناسنامه هر دوره را از طریق وسایل ارتباط جمعی آگهی خواهد کرد و پس از پایان مهلت اعلام شده شناسنامه و گواهی‌های صادره قبلی از درجه اعتبار ساقط خواهد شد و منحصرأ شناسنامه‌های جدید جمهوری اسلامی ایران سند رسمی هویت و تابعیت افراد خواهد بود. تبصره - افرادی که در مهلت‌های مقرر مراجعه نکنند پس از تشخیص تخلف مراتب به دادگاه اعلام و طبق مقررات با آنان رفتار خواهد شد.

فصل دهم - تهیه مقدمات اجرای قانون (ماده ۴۷)

ماده ۴۷ - وزارت کشور مکلف است در مدت یک سال از تاریخ تصویب این قانون مقدمات اجرای آن را از حیث تهیه وسایل کار و تجهیزات و تامین کارکنان لازم و آموزش آنان فراهم نماید . دولت اعتبار لازم برای اجرای این قانون را تامین خواهد نمود .

فصل یازدهم - مقررات کیفری (ماده ۴۸ تا ۵۵)

ماده ۴۸ - اشخاصی که از وظایف مذکور در مواد ۱۶ و ۱۹ و ۲۴ و ۲۶ و ۳۵ و تبصره ماده ۲۶ و تبصره یک ماده ۳۶ و مواد ۳۸ و ۴۳ خودداری کنند یا با در دست داشتن شناسنامه اقدام به اخذ المثنی نمایند مورد تعقیب قرار گرفته و علاوه بر الزام به انجام تکالیف مقرر به پرداخت دویست و یک تا پنج هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. ولی هرگاه ماموران و مسیولینی که به موجب این قانون وظایفی بر عهده دارند در اجرای آن تاخیر یا تعلل نمایند در دادگاه های اداری یا انتظامی طبق ضوابط مربوط تحت تعقیب قرار خواهند گرفت ماده ۴۹ - اشخاص زیر به حبس جنحه‌ای از شصت و یک روز تا شش ماه محکوم خواهند شد الف - اشخاصی که در اعلام ولادت یا وفات یا هویت برخلاف واقع اظهاری نمایند. ب - اشخاصی که عالما عامدا پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام از شناسنامه مکرر استفاده و یا به دریافت شناسنامه مکرر برای خود یا مولی علیه یا به دریافت شناسنامه موهوم مبادرت کنند و یا از شناسنامه دیگری خواه صاحب آن زنده یا مرده باشد به نام هویت خود استفاده نمایند. ج - ماما یا پزشکی که در مورد ولادت و وفات گواهی خلاف واقع صادر کند . د - اشخاصی که در مورد ولادت و وفات شهادت دروغ بدهند که شهادت آنان منجر به تنظیم دفتر ثبت کل وقایع و یا وفات گردد . ماده ۵۰ - افراد بیگانه که قبل از احراز تابعیت ایرانی به منظور ایرانی قلمداد کردن خود موجب تنظیم اسناد سجلی یا دریافت شناسنامه شوند به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد. ماده ۵۱ - هرکس عالما عامدا پدر و یا مادر طفل را به غیر از پدر یا مادر واقعی در اسناد و دفاتر ثبت احوال اظهار و شناسنامه دریافت کند به حبس جنحه ای از ۶ ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. تبصره - در مواردی که پدر یا مادر طفل معلوم نباشد و همچنین در موارد مذکور در قانون حمایت کودکان بدون سرپرست از شمول این ماده مستثنی می‌باشد. ماده ۵۲ - مامورانی که عالما عامدا در جرایم مذکور در مواد ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ این قانون به هر نحوی از انحا کمک نمایند یا گواهی های خلاف را ملاک اجرای وظایف قانونی خود قراردهند به مجازات مرتکب اصلی محکوم خواهند شد . ماده ۵۳ - آیین نامه های اجرایی این قانون و نمونه های اوراق و اسناد مربوط وسیله وزارت کشور و وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید . ماده ۵۴ - از تاریخ اجرای این قانون و پایان مهلت های معین قوانین ثبت احوال مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۰۷ و ۱۱ آذرماه ۱۳۱۰ و اول بهمن ۱۳۱۲ و دوم اردیبهشت ماه ۱۳۱۹ لغو و هر قانونی که در مقام اجرا معارض این قانون باشد بلا اثر است . ماده ۵۵ - وزارت کشور ، وزارت امور خارجه و وزارت دادگستری مامور اجرای این قانون هستند .

آیین نامه اجرایی ماده ۳۵ اصلاحی قانون ثبت احوال - مصوب ۵۲ ۱۳۶۴

ماده ۱ - خدمات سجلی در ادارات ثبت احوال در قبال ارایه فیش بانکی مبنی بر واریز وجوه مقرر در این آیین نامه به حسابی که در شعب بانک ها بارعایت مقررات مربوط از طریق خزانه افتتاح شده و یا می‌شود انجام می‌گیرد. تبصره - در بخش ها و روستاهایی که فاقد شعب بانک می‌باشند و یا خدمات سجلی توسط اکیپ های سیار سجلی انجام می‌شود وجوه مقرر از طریق صدور برگ رسید

دریافت وجه طبق نمونه ضمیمه این آیین نامه اخذ خواهد شد. بند ۱ - مسیول صدور اوراق مذکور موظف است نسخه اول قبض را به متقاضی تحویل و نسخه دوم را به عنوان جمع عملیات مالی ضمیمه، لیست مربوطه را به بانک ارایه نماید که به عنوان سوابق اداری نگهداری گردد و نسخه سوم نیز ضمیمه پرونده درخواستی متقاضی خواهد شد. بند ۲ - مسیول صدور قبض رسید موظف است حداکثر ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ وصول، بدون در نظر گرفتن روزهای تعطیل کلیه وجوه دریافتی را همراه با نسخه دوم قبوض و لیست تنظیمی با امضای رییس ثبت احوال و حسابدار به حساب موضوع ماده یک آیین نامه واریز و فیش بانکی لازم را دریافت نماید. بند ۳ - واریز وجوه دریافتی در مدت مأموریت اکیپ‌های سیار توسط سرپرست اکیپ اعزامی در اولین فرصت و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پس از انجام مأموریت بدون در نظر گرفتن روزهای تعطیل با رعایت بند ۲ تبصره ذیل ماده یک آیین نامه انجام می‌گیرد. ماده ۲ و تبصره یک آن - که در رابطه با دریافت وجوهی در قبال ارایه خدمات سجلی است تبصره ۲ - ارایه رونوشت وفات (شهادت شهدای گرانقدر بدون اخذ وجه خواهد بود. تبصره ۳ - ارایه دهندگان اقرارنامه‌های رسمی ازدواج و یا طلاق موظفند، به هنگام درخواست ثبت ازدواج و یا طلاق در اسناد سجلی و شناسنامه، وجوه تعیین شده را به نحو مقرر پرداخت و رسید دریافت دارند. تبصره ۴ - نمایندگی‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در خارج کشور، در قبال انجام خدمات سجلی ایرانیان مقیم خارجه وجوه تعیین شده را معادل هم ارز ریالی آن به ترتیب مورد عمل در مورد حقوق کنسولی به نرخ روز تسعیر و اخذ و به حساب خزانه واریز و هر سه ماه یک بار گزارش وضعیت مالی ناشی از اجرای این ماده از قانون رابه ثبت احوال امور خارجه تهران ارسال نمایند. ماده ۳ - وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت امور خارجه، دادگستری جمهوری اسلامی ایران و سایر وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی که به نحوی از انحا در اجرای این آیین نامه دخالت دارند مکلف به همکاریهای لازم با سازمان ثبت احوال کشور می‌باشند.

آیین نامه طرز رسیدگی هیات های حل اختلاف - مصوب ۱۶ ۸ ۱۳۵۶

ماده ۱ - حل اختلاف مربوط به اسناد ثبت احوال موضوع ماده ۳ قانون ثبت احوال به عهده هیات حل اختلاف محل صدور شناسنامه می‌باشد. تبصره - رسیدگی به درخواست مربوط به اسناد ثبت احوال که در خارج از کشور تنظیم شده باشد با هیات حل اختلاف ثبت احوال امور خارجه (تهران خواهد بود. ماده ۲ - شروع به رسیدگی در هیاتهای حل اختلاف محتاج به تسلیم گزارش مسیولین یا درخواست کتبی صاحبان اسناد سجلی یا اشخاص ذینفع یا قائم مقام قانونی و یا نماینده آنان می‌باشد. ماده ۳ - متقاضی باید درخواست خود را در برگهای مخصوص و به زبان فارسی نوشته و به انضمام فتوکپی یا رونوشت اسناد و مدارک به دفتر هیات حل اختلاف محل اقامت یا محل صدور شناسنامه خود تسلیم و رسید دریافت دارند. ماده ۴ - درخواست باید حاوی مشخصات و محل اقامت طرفین و موضوع درخواست باشد. تبصره - در مواردی که متقاضی درخواست خود را به غیر از محل صدور شناسنامه خود تسلیم نماید دفتر هیات حل اختلاف بایستی درخواست و ضمائم را در صورتی که کامل دانست جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم مقتضی به هیات حل اختلاف محل صدور شناسنامه ارسال دارد. ماده ۵ - درخواست و کلیه برگهای پیوست آن باید در دو نسخه و در صورت تعدد طرف به عده آنها به علاوه یک نسخه باشد. ماده ۶ - چنانچه درخواست توسط وکیل تسلیم شود باید وکالتنامه رسمی وکیل و در صورتی که درخواست را قیم داده باشد فتوکپی یا رونوشت قیم نامه و به طور کلی رونوشت مدرکی که مثبت سمت متقاضی است باید پیوست دادخواست باشد. ماده ۷ - دفتر هیات حل اختلاف باید درخواست و برگهای پیوست آن را که برابر مواد بالا تهیه شده باشد اخذ و پس از تطبیق فتوکپی یا رونوشت اسناد و مدارک با اصل، آنها را گواهی نموده و در صورت کامل بودن درخواست و برگهای پیوست و قبول آنها رسید به متقاضی تسلیم نماید. ماده ۸ - اگر مسیولین ثبت احوال از هیاتهای حل اختلاف درخواست رسیدگی نمایند گزارش آنها باید مستدل و مشروح و متضمن موضوع درخواست بوده و عین مدارک به

امضا مأمور یا نماینده ثبت احوال یا مسیول بایگانی اسناد رسیده و فتوکپی یا رونوشت مدرکی که پیوست گزارش است نیز باید از سوی امضا کننده گزارش گواهی شده باشد. ماده ۹- دفتر هیات حل اختلاف محل صدور شناسنامه باید بلافاصله پس از دریافت گزارش یا درخواست، آن را در دفتر مخصوص ثبت و به هیات حل اختلاف تسلیم نمایند. هیات مذکور چنانچه پرونده را آماده برای رسیدگی و اخذ تصمیم نهایی تشخیص داد، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید. در غیر این صورت درخواست و ضمائم را برای طرف متقاضی ارسال می‌دارد که ظرف ده روز کتبا پاسخ دهد و پس از وصول پاسخ رسیدگی لازم را انجام می‌دهد، و در صورت ضرورت با تعیین وقت، متقاضی و طرف را برای اخذ توضیح و رسیدگی دعوت می‌نماید. تبصره - تاریخ رسیدگی باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ و روز جلسه کمتر از پنج روز نباشد. مدت مسافت هم طبق مقررات آیین دادرسی مدنی به موعده مقرر اضافه می‌گردد. ماده ۱۰- ابلاغ در محل دفتر هیات توسط دفتر و در خارج از محل دفتر هیات، توسط مأمور ابلاغ ثبت احوال و در خارج از شهرها به وسیله مأمورین ژاندارمری یا دهبانان به عمل می‌آید. ماده ۱۱- تحویل و ابلاغ درخواست و پیوستها به مأمورین و عودت آنها در دفتر مخصوص ثبت می‌شود. ماده ۱۲- ابلاغ به طریق مذکور در ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی به عمل می‌آید، و متقاضی می‌تواند مأمورین ابلاغ را راهنمایی کند. ماده ۱۳- اگر محل اقامت مخاطب در قلمرو هیات حل اختلاف دیگر باشد، ابلاغ توسط دفتر یا مأمور ابلاغ ثبت احوال همان محل به عمل می‌آید. ماده ۱۴- دفتر هیات حل اختلاف باید، یک نسخه از درخواست و پیوستها را در پرونده مخصوص که برای اختلاف مربوط تشکیل می‌دهد بایگانی نماید. ماده ۱۵- دفتر هیات حل اختلاف در صورتی که لایحه ای در مورد درخواست واصل شود آن را پیوست پرونده نموده و در وقت رسیدگی به هیات حل اختلاف تحویل می‌دهد، به هر حال وصول یا عدم وصول لایحه مانع رسیدگی نمی‌باشد. ماده ۱۶- هیات های حل اختلاف می‌توانند جلسه رسیدگی را با رضایت طرفین فقط برای یک بار به تأخیر اندازند. ماده ۱۷- عدم حضور یک طرف مانع ادای توضیحات طرف دیگر و انجام رسیدگی نیست. ماده ۱۸- هیات حل اختلاف در وقت رسیدگی باید پرونده را مطالعه و بررسی نموده و پس از ملا-حظه اوراق و اسناد مربوط و استماع توضیحات طرفین و درج آن در صورت مجلس (طبق نمونه و اعلام ختم رسیدگی، رای آن را حداکثر ظرف ۴۸ ساعت صادر نماید. تبصره - رای باید کاملاً مستدل و مشروح نوشته شود. ماده ۱۹- هیات حل اختلاف پس از امضا رای حق تغییر آن را ندارد. ماده ۲۰- هرگاه هیات حل اختلاف در حین رسیدگی متوجه جعلیت اسناد ثبت احوال گردید، باید رسیدگی را متوقف ساخته و پرونده امر را ضمن گزارش جامعی از طریق اداره ثبت احوال مربوط جهت پیگیری موضوع و اقدام قانونی به مرکز ارسال دارد. ماده ۲۱- دفتر هیات حل اختلاف مکلف است رای هیات را بلافاصله پس از صدور و ثبت در دفتر مخصوص، برای ابلاغ به طرفین به نشانی مندرج در درخواست ارسال دارد. در این صورت ابلاغ برابر احکام مواد ۹۱، ۹۲، ۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی کفایت می‌کند. ماده ۲۲- نمونه برگها و دفاتر مندرج در این آیین نامه توسط سازمان ثبت احوال کشور تهیه و با تایید شورای عالی ثبت احوال مورد استفاده قرار خواهد گرفت اصل تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است

قانون ازدواج - مصوب ۱۳۱۰ ۵ ۲۲

ماده ۱- در نقاطی که وزارت عدلیه معین و اعلام می‌نماید هر ازدواج و طلاق و رجوع باید در یکی از دفاتری که مطابق نظامنامه های وزارت عدلیه تنظیم می‌شود، واقع و به ثبت برسد. در نقاط مزبور هر مردی که در غیر از دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مبادرت به ازدواج و طلاق و رجوع نماید به یک تا شش ماه حبس تادیبی محکوم می‌شود و همین مجازات درباره عاقدی مقرر است که در این نقاط بدون داشتن دفاتر رسمی به اجرای صیغه ازدواج یا طلاق یا رجوع مبادرت نماید. در حوزه‌هایی که آگاهی فوق الذکر از طرف وزارت دادگستری نشده است شوهر مکلف است در صورتی که در غیر دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مبادرت به ازدواج یا طلاق یا رجوع نماید تا بیست روز پس از وقوع عقد یا طلاق یا رجوع به یکی از دفاتر رسمی ازدواج و طلاق رجوع کرده قبale

مزاوجت یا طلاقنامه یا رجوع را به ثبت برساند والا به یک ماه تا شش ماه حبس تادیبی محکوم خواهد شد. تبصره - رسیدگی به تخلفات اداری سردفتران ازدواج و طلاق و تعیین کیفر آنها طبق آیین نامه ای که وزارت دادگستری مقرر خواهد داشت به عمل می آید. ماده ۲ - قبالة ازدواج و طلاقنامه ، در صورتی که مطابق نظامنامه های وزارت عدلیه به ثبت رسیده باشد، سند رسمی والا سند عادی محسوب خواهد شد. برای ثبت ازدواج و طلاق دولت ، حق الثبت نخواهد گرفت ماده ۳ - هر کس بر خلاف ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است مزاوجت کند به شش ماه الی دو سال حبس تادیبی محکوم خواهد شد. در صورتی که دختر به سن ۱۳ تمام نرسیده باشد لااقل به دو الی سه سال حبس تادیبی محکوم می شود و در هر دو مورد ممکن است علاوه بر مجازات حبس ، به جزای نقدی از دو هزار ریال الی ۲۰ هزار ریال محکوم گردد و اگر در اثر ازدواج برخلاف مقررات فوق ، واقعه منتهی به نقص یکی از اعضاء یا مرض دایم زن گردد، مجازات زوج از ۵ الی ده سال حبس با اعمال شاقه است و اگر منتهی به فوت زن شود مجازات زوج ، حبس دایم با اعمال شاقه است عاقد و خواستگار و سایر اشخاصی که شرکت در جرم داشته اند نیز به همان مجازات یا مجازاتی که برای معاون جرم مقرر است ، محکوم می شوند. محاکمه این اشخاص را وزارت عدلیه می تواند به محاکم مخصوص که اصول تشکیلات و ترتیب رسیدگی آن به موجب نظامنامه معین می شود رجوع نماید و در صورت عدم تشکیل محکمه مخصوصی رسیدگی در محاکم عمومی به عمل خواهد آمد. ماده ۴ - طرفین عقد ازدواج می توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند، مثل اینکه شرط شود هر گاه شوهر در مدت معینی غایب شده یا ترک انفاق نموده یا بر علیه حیات زن سو قصد کرده یا سوء رفتاری نماید که زندگانی زناشویی غیر قابل تحمل شود، زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم قطعی ، خود را به طلاق باین مطلقه سازد. تبصره در مورد این ماده - محاکمه بین زن و شوهر در محکمه ابتدایی مطابق اصول محاکمات حقوقی به عمل خواهد آمد حکم بدایت قابل استیناف و تمیز است مدت مرور زمان شش ماه از وقوع امری است که حق استفاده شرط ، می دهد. ماده ۵ - هر یک از زن و شوهری که قبل از عقد طرف خود را فریبی داده که بدون آن فریب مزاوجت صورت نمی گرفت به شش ماه تا دو سال حبس تادیبی محکوم خواهد شد. ماده ۶ - هر مردی مکلف است در موقع ازدواج به زن و عاقد صریحا اطلاع دهد که زن دیگر دارد یا نه این نکته در قبالة مزاوجت قید می شود. مردی که در موقع ازدواج برخلاف واقع خود را بی زن قلمداد کرده و از این حیث زن را فریب دهد به مجازات فوق محکوم خواهد گردید. ماده ۷ - تعقیب جزایی در مورد دو ماده فوق بسته به شکایت زن یا مردی است که طرف او را فریب داده است و هر گاه قبل از صدور حکم قطعی ، مدعی خصوصی شکایت خود را مسترد داشت تعقیب جزایی موقوف خواهد شد. ماده ۸ - زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. ماده ۹ - نفقه زن بر عهده شوهر است تبصره - نفقه عبارت است از مسکن و لباس و غذا و اثاث البیت به طور مناسب ماده ۱۰ - زن می تواند در مورد استنکاف شوهر از دان نفقه به محکمه رجوع کند. در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد. هر گاه اجرای حکم مزبور ممکن نباشد، زن می تواند برای تفریق از طریق محاکم عدلیه به محاکم شرع رجوع کند. ماده ۱۱ - تعیین منزل زن با شوهر است مگر خلاف آن شرط شده باشد. ماده ۱۲ - در مواردی که زن ثابت کند ترک منزل به سبب خوف ضرر بدنی یا مالی است که عادتاً نمی توان تحمل کرد و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور ، محکمه حکم بازگشت به منزل نخواهد داد و مادام که زن در بازنگشتن به منزل معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود. ماده ۱۳ - در مورد ماده فوق مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته ، محل سکنای زن به تراضی طرفین معین می شود و در صورت عدم تراضی ، محکمه با جلب نظر اقریبای نزدیک طرفین ، منزل زن را تعیین خواهد نمود و در صورتی که اقریبایی نباشد محکمه خود محل مورد اطمینانی را معین خواهد کرد. ماده ۱۴ - زن می تواند در دارایی خود بدون اجازه شوهر هر تصرفی را که می خواهد بکند. ماده ۱۵ - نسبت به حق نگاهداری اطفال ، مادر تا دو سال از تاریخ ولایت اولویت خواهد داشت پس از انقضای این مدت حق نگاهداری با پدر است مگر

نسبت به اطفال اناث که تا سال هفتم آنها حق حضانت با مادر خواهد بود. ماده ۱۶ - اگر مادر طفل در مدتی که حق حضانت با اوست به دیگری شوهر کند یا مبتلا به جنون شود یا از حضانت امتناع نماید مادام که یکی از علل مذکور باقی است پدر از اولاد نگاهداری خواهد کرد. ماده ۱۷ - ازدواج مسلمه با غیر مسلم ممنوع است ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص بوده ودولت باید در هر نقطه مرجعی را برای دادن اجازه ، معین نماید. هر خارجی که بدون اجازه مذکور در فوق زن ایرانی را ازدواج نماید به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۱۸ - در مورد عقد و طلاق که در دفاتر مذکوره در ماده اول قانون به ثبت برسد آن قسمتی از مقررات مواد ۴ و ۵ قانون سجل احوال مصوب بیستم مردادماه ۱۳۰۷ که مربوط به اعلام وقوع عقد و طلاق است لازم الرعایه نخواهد بود. ماده ۱۹ - نظامنامه‌های لازم برای اجرای این قانون را وزارت عدلیه ، تنظیم خواهد کرد. ماده ۲۰ - این قانون از اول مهرماه ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذارده می‌شود.

نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق - مصوب ۱۷ مهرماه ۱۳۱۰

نظر به مدلول ماده ۱ قانون ثبت ازدواج و طلاق وزارت عدلیه موارد ذیل را مقرر می‌دارد ماده اول - دفاتر ثبت ازدواج و طلاق مجلد بوده و کلیه صفحات آن به امضای مدعی العموم یا نماینده او رسیده و به مهر پار که ممهور خواهد شد و به علاوه در ظهر صفحه اول و آخر دفتر نیز تعداد کلیه صفحات با تمام حروف قید و از طرف مدعی العموم یا نماینده او ممضی و ممهور می‌شود. تبصره - مدعی العموم می‌تواند با اجازه وزارت عدلیه برای امضا و مهر ترتیب دیگری را مقرر دارد. ماده دوم - عبارت ثبت باید خوانا و واضح بوده مبلغ و تاریخ و نمره ثبت باید لااقل یک مرتبه با تمام حروف در خود دفتر و در روی اوراق ازدواج و طلاق نوشته شود در صورت اختلاف آنچه که با تمام حروف نوشته شده معتبر است ماده سوم - فاصله سطور باید به یک اندازه باشد. سطور از حدودی که در روی دفتر برای ابتدا و انتهای سطور معین شده نباید تجاوز کند. ماده چهارم - بالا بردن سطور در آخر سطر ممنوع و هر جا که سطر به انتها رسید باید بقیه مطلب را به سطر بعد برد جای سفید گذاردن و تصحیح و اضافه مجاز نیست ماده پنجم - اگر صاحب دفتر اشتباها جای سفید گذارد یا مجبور به تصحیح و اضافات شد مطابق مقررات ذیل باید عمل شود ۱ - جای سفید باید به وسیله دو خطی که همدیگر را تقاطع کند از حیز استفاده انداخته شود. ۲ - روی کلمات زیادی باید خط نازکی کشیده شود. ۳ - تصحیح و اضافات باید در ستون ملاحظات دفتر نوشته شده و به امضای صاحب دفتر برسد و ربط آن به وسیله راده معین گردد و ابطال جای سفید و همچنین حذف کلمات زیادی و تصحیح و اضافات باید در آخر ثبت سند ازدواج یا طلاق قبل از امضا قید شود. ماده ششم - تراشیدن و پاک کردن و الحاق کردن به هر نحوی از انحای در دفاتر ثبت ازدواج و طلاق ممنوع است به الحاقات و آنچه که به جای کلمات تراشیده یا پاک شده نوشته شده باشد ادارات و محاکم عدلیه ترتیب اثر نخواهند داد. ماده هفتم - در صورتی که هویت زوجین نزد صاحب دفتر محرز نباشد بایستی دو نفر از اشخاص معروف و معتمد حضورا هویت آنان را تصدیق و مراتب در دفتر قید و به امضای معرفی رسیده و این نکته در روی اوراق نیز قید شود - مانعی نیست که معرفی یک طرف معرف طرف دیگر نیز باشند. ماده هشتم - اشخاص کور یا گنگ یا کر یا محجور یا غیربالغ یا غیررشید نمی‌توانند معرف یا شاهد باشند. ماده نهم - در صورتی که هویت طرفین با یک طرف نزد صاحب دفتر محرز نشود باید از ثبت امتناع کند. ماده دهم - برای ثبت عقد مزاجت زوج و زوجه باید شخصا یا به توسط وکیل ثابت الوکاله ذیل ثبت عقد را در دفتر و ذیل ورقه ازدواج مذکور در ماده ۱۴ را امضا کنند. برای ثبت طلاق ، طلاق دهندنده باید ذیل ثبت طلاق را در دفتر و ذیل طلاق نامه مذکوره در ماده ۱۴ را شخصا یا به توسط وکیل ثابت الوکاله امضا نماید. هرگاه زوجین یا یکی از آنها بی سواد باشند باید یک نفر مطلع باسواد که طرف اعتماد شخص بی سواد باشد در دفتر حاضر گردد و اگر چه از جمله شهود یا معرفی زوجین باشد. شخص معتمد باسواد باید ثبت سند ازدواج یا طلاق را برای شخص بی سواد قرائت نماید و این قرائت و رضایت شخص بی سواد به مفاد ثبت باید در ذیل ثبت سند مزبور قید

گردد و علامت انگشت شخص بی سواد ذیل آن گذارده شود مراتب مزبوره و علامت انگشت شخص بی سواد را شخص معتمد تصدیق و امضا نماید. کلیه مقرراتی که مخالف با مواد فوق است منسوخ می‌باشد. ماده یازدهم - در صورتی که امضا مذکور در ماده فوق به توسط وکیل به عمل آید و کالت نامه باید به تصدیق کمیساریا و یا امین صلح و یا نایب الحکومه و یا یکی از دفاتر اسناد رسمی رسیده و ضبط شود مگر اینکه موکل شخصا در نزد صاحب دفتر حاضر و به شخصی که وکالتا امضا می‌نماید و کالت دهد که در این صورت صاحب دفتر باید در دفتر خود وقوع و کالت را نیز قید و امضا کند. ماده دوازدهم - هرگاه زوجین یا یک طرف از آنها کر یا گنگ و یا کور باشند علاوه بر معرفین هر یک باید در معیت خود یک نفر از معتمدین خود را حاضر نمایند. شخص معتمد مزبور در مورد اشخاص کر و گنگ باید از اشخاصی باشند که بتوانند به آنها با اشاره مطلب را بفهماند و این نکته صراحتا باید در متن دفتر و در ستون ملاحظات قید و به امضا صاحب دفتر برسد. ماده سیزدهم - در دفتر ثبت نکاح و طلاق باید نکات ذیل قید شود الف - برای عقد مزاجت ۱ - نمره و تاریخ ثبت با تمام حروف ۲ - تاریخ وقوع عقد (روز - ماه - سال با تمام حروف ۳ - اسم زوج و زوجه به نحوی که در هویت آنها تردیدی نباشد. ۴ - نکاح دائم است یا منقطع و در صورت انقطاع مدت آن چیست ۵ - مهر. ۶ - سایر شرایط ضمن عقد نکاح و یا ضمن عقد لازم دیگر که بین زوجین مقرر شده است ۷ - امضا اشخاص مذکور در ماده ۱۰. ب - برای طلاق ۱ - نمره و تاریخ ثبت با تمام حروف ۲ - تاریخ وقوع طلاق (روز - ماه - سال با تمام حروف ۳ - اسم زوج و زوجه به نحوی که در هویت آنان تردیدی نباشد. ۴ - نوع طلاق از رجعی و باین و در صورت رجعی بودن تصریح به اینکه دفعه چندم است ۵ - امضا اشخاص مذکور در ماده ۱۰. ماده چهاردهم - صاحب دفتر مکلف است که فوراً پس از ثبت نکاح یا طلاق دو نسخه از سواد ثبت را تهیه و پس از امضا اشخاصی که دفتر ثبت را امضا کرده اند به هر یک از زوجین یا زوجین سابق یک نسخه بدهد. ماده پانزدهم - اوراق عقد و طلاق که مطابق مقررات این نظامنامه به ثبت برسد سند رسمی بوده و تمام محتویات و امضاهای مندرجه در آن معتبر خواهد بود مگر اینکه معجولیت آن ثابت شود. در مورد مهریه سند رسمی ازدواج بدون احتیاج حکمی از محاکم عدلیه لازم الاجرا به تقاضای زوجه یا قائم مقام قانونی او صادر خواهد شد. ماده شانزدهم - به موجب بند ج ماده یک آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا مصوب ۲۸ ۹ ۱۳۲۲ ملغی شده است

آیین نامه متحد الشکل شدن ثبت عقد ازدواج و طلاق - مصوب ۲۰ ۵ ۱۳۱۱ با اصلاحات بعدی

برای اینکه مسئله ثبت عقد ازدواج و طلاق در دفاتر مربوطه متحد الشکل بوده و کلیه دفاتر از روی یک اسلوب عمل ثبت را انجام بدهند دستورات ذیل را مقرر می‌دارد ۱ - در هر حوزه ای که از طرف وزارت عدلیه بر طبق ماده اول قانون ازدواج اعلام شده باشد کلیه ازدواج و طلاق هایی که در حوزه مزبور واقع بشود باید در یکی از دفاتر به ثبت برسد ولو اینکه طرفین ازدواج ساکن آن محل نباشد. ۲ - برای تشخیص سن ورقه هویت صادره از سجل احوال مدرک بوده و دفاتر ملزم به خواستن تصدیق دیگر نخواهند بود. ۳ - بر طبق دستور نظامنامه نمره ۲۳۴۳۴ برای اینکه سند ازدواج و طلاق سند رسمی محسوب شود علاوه بر سایر شرایط مقرر در نظامنامه لااقل باید شش امضا را به طریق ذیل داشته باشد ۱ - زن و شوهر در سند ازدواج - شوهر در طلاقنامه ۲ - مجری یا مجریان صیغه ازدواج یا طلاق ۳ - امضای دو شاهد یا بیشتر به نحوی که سند لااقل دارای ۶ امضا باشد. و اگر مجری صیغه عقد ازدواج یک نفر باشد در این صورت لااقل امضای ۳ نفر شاهد لازم است ۴ - در مواردی که اموال غیر منقول مهر قرار داده می‌شود برای اینکه سند ازدواج نسبت به ملک هم رسمیت حاصل نماید اگر ملک ثبت شده باشد و صاحب دفتر ازدواج دارای دفتر اسناد رسمی هم باشد بایستی ورقه ازدواج را در دفتر اسناد رسمی هم مطابق مقررات ثبت نموده و خلاصه آن را مطابق مقررات قانون و نظامنامه ثبت تهیه نموده به دفتر املاک بفرستد و اگر ملک ثبت نشده باشد بایستی سند ازدواج را در دفتر اسناد رسمی ثبت کند. و در صورتی که صاحب دفتر ازدواج دارای دفتر اسناد رسمی نباشد بایستی سند ازدواج را تحت مسئولیت خود به یکی از دفاتر اسناد

رسمی حوزه خودو اگر در آن حوزه دفتر اسناد رسمی نباشد به یکی از نزدیکترین دفاتر اسناد رسمی حوزه مربوطه ارسال دارد تا مطابق مقررات به ثبت برسد. و البته در همه موارد حق الثبت قانونی ملک برای ثبت در دفتر اسناد رسمی اخذ خواهد شد. ۵- عقد ازدواج و طلاق که در خارج از حوزه ماموریت صاحب دفتر واقع شده و در محل وقوع عقد یا طلاق، دفتر رسمی ازدواج و طلاق وجود نداشته در صورتی که متناکحین بخواهند به آن عقد یا طلاق رسمیت بدهند بایستی در یکی از دفاتر ازدواج و طلاق حاضر شده و بر طبق مقررات قانون و نظامنامه تشریفات ثبت را در دفتر و ورقه ازدواج یا طلاق تکمیل کنند. ۶- به موجب ماده ۱۰۳ نظامنامه اداره کل احصاییه و سجل احوال ملغی شده است ۷- در مورد عقد انقطاع در صورتی که زوج در حین مدت بخواهد از بقیه مدت صرفنظر کند بایستی در نزد صاحب دفتر حاضر شده و صاحب دفتر هم بذل بقیه مدت را در ستون ملاحظات دفتر و در ورقه عقدنامه قید و به امضای خود و زوج رسانیده و به علاوه سوادى از ورقه عقدنامه برداشته و بذل بقیه مدت را در آن قید نموده و به امضای خود و زوج رسانیده و آن سواد را به توسط اداره ثبت محل برای زوجه ارسال بدارد. در مورد طلاق و همچنین در مورد رجوع نیز به طریق فوق باید رفتار شود. ۸- در مواردی که هویت زوج یا زوجه نزد صاحب دفتر محرز نبوده و در بین شهود عقد اشخاصی باشند که معرفی آنها برای احراز هویت نزد صاحب دفتر کافی باشد شهود مزبور می توانند معرف واقع شوند و خواستن معرف علیحده الزامی نیست ۹- برای اینکه بین ورقه عقد ازدواج و یا طلاقنامه و ثبت آن در دفتر هیچ قسم اختلافی بروز نکند صاحبان دفاتر بایستی بدوا صورت عقدنامه یا طلاقنامه را در خارج تهیه و بعد در دفتر وارد و ثبت کرده سواد آن را بر طبق دستور ماده ۱۴ نظامنامه روی اوراق چاپی در دو نسخه نقل کنند.

آیین نامه ماده اول قانون ازدواج - مصوب تیر ماه ۱۳۱۲

ماده اول- دفتر ازدواج و طلاق از یکدیگر تفکیک شده و هریک از دو دفتر مستقلا تهیه و طبع خواهد شد. ماده دوم- صاحبان دفاتر طلاق ممکن است دارای دفتر ازدواج هم باشند. ماده سوم- عده دفاتر طلاق هر شهر یا ناحیه از طرف وزارت عدلیه تعیین و اسامی صاحبان آنها برای اطلاع اهالی اعلان خواهد شد.

نظامنامه ماده ۲ قانون ثبت ازدواج و طلاق - مصوب آبان ماه ۱۳۱۰

نظر به مدلول ماده ۲ قانون ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۲۲ مرداد ۱۳۱۰ و در تعقیب نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق مورخه ۱۷ مهرماه ۱۳۱۰ وزارت عدلیه مقرر می دارد ماده ۱- ذیل ثبت ازدواج و طلاق در دفتر به امضای مجری یا مجریان صیغه ازدواج یا طلاق خواهد رسید. ماده ۲- سند ازدواج یا طلاق برای اینکه سند رسمی محسوب شود لازم است علاوه بر سایر شرایط مقرر در نظامنامه مذکور فوق به امضا اشخاص ذیل برسد ۱- زن و شوهر در سند ازدواج- شوهر در طلاقنامه ۲- مجری یا مجریان صیغه ازدواج یا طلاق ۳- امضاء دو شاهد یا بیشتر به نحوی که سند مجموعا دارای لااقل شش امضا باشد. تبصره- هرگاه زن و شوهر یا بعضی از شهود سواد نداشته باشند به جای امضا علامت انگشت خواهند گذارد.

قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق - مصوب ۲۱ ۱۲ ۷۰ مجلس شورای اسلامی و ۲۸ ۸ ۱۳۷۱ مجمع تشخیص

قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق - مصوب ۲۱ ۱۲ ۷۰ مجلس شورای اسلامی و ۲۸ ۸ ۱۳۷۱ مجمع تشخیص قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق - مصوب ۲۱ ۱۲ ۷۰ مجلس شورای اسلامی و ۲۸ ۸ ۱۳۷۱ مجمع تشخیص قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق - مصوب ۲۱ ۱۲ ۷۰ مجلس شورای اسلامی و ۲۸ ۸ ۱۳۷۱ مجمع تشخیص نظام ماده واحده- از تاریخ تصویب این

قانون زوجیهایی که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر را دارند بایستی جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه دعوی نمایند. چنانچه اختلاف فیما بین از طریق دادگاه و حکمین، از دو طرف که برگزیده دادگاهند (آن طور که قرآن کریم فرموده است حل و فصل نگردید دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد. دفاتر رسمی طلاق حق ثبت طلاقی را که گواهی عدم امکان سازش برای آنها صادر نشده است ندارند. در غیر این صورت از سردفتر خاکی، سلب صلاحیت به عمل خواهد آمد. تبصره ۱- نحوه دعوت از حکمین و بررسی صلاحیت آنان به عهده دادگاه مدنی خاص است که آیین نامه اجرایی آن ظرف دو ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. تبصره ۲- گزارش کتبی مبنی بر عدم امکان سازش با توجه به کلیه شروط ضمن عقد و مطالب مندرج در اسناد ازدواج جمهوری اسلامی ایران و نیز تعیین تکلیف و صلاحیت سرپرستی فرزندان و حل و فصل مسایل مالی با امضای حکمین شوهر و زن مطلقه و همچنین گواهی کتبی سلامت روانی زوجین در صورتی که برای دادگاه مدنی خاص مشکوک باشد به دادگاه باید تحویل گردد. تبصره ۳- اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفتر، موکول به تادیه حقوق شرعی و قانونی زوجه (اعم از مهریه، نفقه، جهیزیه و غیر آن به صورت نقد می باشد مگر در طلاق خلع یا مبارات (در حد آنچه بذل شده و یا رضایت زوجه و یا صدور حکم قطعی اعسار شوهر از پرداخت حقوق فوق الذکر. تبصره ۴- در طلاق رجعی گواهی کتبی اسکان زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده الزامی است و در صورت تحقق رجوع صورتجلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع در مهلت مقرر، صورتجلسه طلاق تکمیل و ثبت می گردد، صورتجلسه تکمیلی طلاق با امضا زوجین و حکمین و عدلین و سردفتر و مهر دفترخانه معتبر است تبصره ۵- دادگاه مدنی خاص در مواقع لزوم می تواند از بین بانوان واجد شرایط قانون شرایط انتخاب قضات مشاور زن داشته باشد. تبصره ۶- (مصوب ۲۸ ۸ ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام) پس از طلاق در صورت درخواست زوجه مبنی بر مطالبه حق الزحمه کارهایی که شرعا به عهده وی نبوده است دادگاه بدو از طریق تصالح نسبت به تامین خواسته زوجه اقدام می نماید. و در صورت عدم امکان تصالح، چنانچه ضمن عقد یا عقد خارج لازم، در خصوص امور مالی، شرطی شده باشد طبق آن عمل می شود، در غیر این صورت، هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد، و نیز تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سو اخلاق و رفتار وی نباشد، به ترتیب زیر عمل می شود الف- چنانچه زوجه کارهایی را که شرعا به عهده وی نبوده به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و پرداخت آن حکم می نماید. ب- در غیر مورد بند (الف) با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وضع مالی زوج، دادگاه مبلغی را از باب بخشش (نحله برای زوجه تعیین می نماید. تبصره ۷- گواهی وجود یا عدم وجود جنین توسط پزشک ذی صلاح و آزمایشگاه مربوطه باید تحویل گردد.

قانون تفسیر تبصره‌های ۳ و ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق - مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب

موضوع استفساریه نظر به اینکه در مورد تبصره‌های ۳ و ۶ (قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق) که با اصلاحاتی در تاریخ ۲۸ ۸ ۱۳۷۱ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است جمعی معتقدند که مستفاد از تبصره ۳ قانون مذکور این است که تمام حقوق زوجه نسبت به زوج اعم از نفقه و جهیزیه و مهر و غیر آن (که اجرت المثل خدمات زوجه و نحله که در تبصره ۶ آمده نیز از حقوق زوجه است باید قبل از اجرای صیغه طلاق به زوجه تادیه شود و درحقیقت تبصره ۶ مصداق برای تبصره ۳ تعیین می کند، و مکمل آن است و جمع دیگر معتقدند که تبصره ۶ مستقل از تبصره ۳ است و اجرت المثل و نحله که در این تبصره آمده پس از اجرای صیغه طلاق با درخواست مجدد زوجه از دادگاه رسیدگی و حکم داده می شود و رسیدگی به آنها قبل از اجرای صیغه طلاق وجهه قانونی ندارد. مستدعی است نظریه مجمع تشخیص مصلحت نظام در این خصوص اعلام گردد. نظر مجمع تشخیص مصلحت

نظام ماده واحده - منظور از کلمه (پس از طلاق) در ابتدای تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب مورخ ۲۸ ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام ، پس از احراز عدم امکان سازش توسط دادگاه است بنابراین طبق موارد مذکور در بند ۳ عمل خواهد شد.

آیین نامه اجرایی تبصره یک ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق - مصوب ۲ اسفندماه

(شماره ۲۳۰۶ - ۱۲۹ ۱۳۷۱ روزنامه رسمی) ماده ۱ - نسبت به درخواستهای طلاق که از طرف زوجین یا یکی از آنها به دادگاه مدنی خاص تسلیم میشود، چنانچه اختلاف فیما بین از طریق دادگاه حل و فصل نگردید، رسیدگی به موضوع با صدور قرار به داوری ارجاع میگردد. تبصره - داوری در این قانون تابع شرایط مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی نمیشد. ماده ۲ - پس از صدور قرار ارجاع امر به داوری ، هریک از زوجین مکلفند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ ، یک نفر از اقارب خود را که واجد شرایط مقرر در این آیین نامه هستند، به عنوان داور به دادگاه معرفی نمایند. ماده ۳ - در صورتی که در بین اقارب ، فرد واجد شرایط نبوده یا دسترسی به آنان مقدور نباشد و یا اقارب ، از پذیرش داوری استنکاف نمایند، هریک از زوجین میتواند داور خود را از بین افراد دیگر که واجد صلاحیت هستند، تعیین و معرفی نماید و در صورت امتناع یا عدم توانایی در معرفی داور ، دادگاه رأساً از بین افراد واجد شرایط مبادرت به تعیین داور یا داوران خواهد کرد. ماده ۴ - داوران منتخب و یا منصوب باید واجد شرایط زیر باشند ۱ - مسلمان ۲ - آشنایی نسبی به مسایل شرعی ، خانوادگی و اجتماعی . ۳ - حداقل چهل سال تمام ۴ - متأهل ۵ - معتمد. ۶ - عدم اشتغال به فسق و فساد. ماده ۵ - پس از معرفی و انتخاب داوران ، دادگاه بلافاصله در وقت فوق العاده جلسه توجیهی تشکیل داده و وظایف آنان را گوشزد و ارشادات لازم خواهد نمود. ماده ۶ - مهلت اعلام نظر داوران از سوی دادگاه تعیین میگردد، داوران میتوانند از دادگاه تقاضای تمدید مهلت نمایند و در صورتی که دادگاه درخواست را ضروری تشخیص داد مهلت را تمدید مینماید. ماده ۷ - داوران منتخب یا منصوب ، مکلفند با تشکیل حداقل دو جلسه با حضور زوجین ، سعی و اهتمام در رفع اختلاف و اصلاح ذات البین نمایند و در صورتی که رفع اختلاف به عمل نیامد یا یکی از زوجین از حضور در جلسات مقرر خودداری نمود ، با تشکیل جلسات دیگر با حضور زوجین یا یکی از آنان و یا بدون حضور آنان ، نسبت به موارد اختلاف ، بررسی نموده و نظر خود را بر امکان یا عدم امکان سازش ، در مهلت تعیین شده به دادگاه تسلیم نمایند. ماده ۸ - در هر مورد که داوران یا یکی از آنان درخواست حق الزحمه داوری نمایند ، دادگاه حق الزحمه متناسبی برای وی تعیین و دستور اخذ آن و پرداخت به داور را خواهد داد. حق الزحمه مقرر در وهله اول از شخصی که داور از سوی وی انتخاب و یا برای وی نصب شده است دریافت خواهد شد و چنانچه دادگاه مقتضی بداند دستور وصول آن را بالمناصفه از طرفین و یا از متقاضی طلاق خواهد داد. ماده ۹ - این آیین نامه در ۹ ماده و یک تبصره توسط وزیر دادگستری تهیه و در تاریخ ۲۱ ۱۳۷۱ به تصویب رییس قوه قضاییه رسید.

قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش - مصوب آبانماه ۱۳۷۶

(شماره ۲۶۹۱۵۳۸۴۷۶ روزنامه رسمی کشور) ماده واحده - گواهی صادره از مراجع قضایی در خصوص عدم امکان سازش بین زن و شوهر، چنانچه ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ ، به دفتر ثبت طلاق تسلیم نشود، از اعتبار ساقط خواهد بود. در صورتی که ظرف مدت مقرر گواهی یاد شده جهت اجرای طلاق تسلیم دفتر ثبت طلاق شود سردفتر مکلف است به طرفین اعلام نماید تا جهت اجرای صیغه طلاق و ثبت آن حضور یابند ، در صورت عدم حضور هر یک از طرفین در وقت مقرر ، برای مرتبه دوم حداکثر ظرف مدت یک ماه دعوت و به شرح ذیل عمل خواهد شد الف - در صورت امتناع زوجه از حضور ، زوج صیغه طلاق را جاری و پس از

ثبت به وسیله دفتر خانه به اطلاع زوجه رسانده می‌شود. ب- در صورت امتناع زوج از حضور و اجرای طلاق دفتر مراتب را تایید و به دادگاه صادرکننده گواهی اعلام می‌دارد. دادگاه به درخواست زوجه زوج را احضار و در صورت امتناع از حضور، دادگاه با رعایت جهات شرعی صیغه طلاق را جاری و دستور ثبت و اعلام آن را به دفتر ثبت طلاق صادر می‌کند. ج- در صورتی که زوج به دفترخانه مراجعه ولی از اجرای صیغه طلاق امتناع نماید مطابق بند (ب) عمل خواهد شد.

تعرفه حق التحریر اسناد ازدواج و طلاق - مصوب ۱۳۷۹/۶/۶

با توجه به گذشت بیش از چهارسال از تعیین تعرفه حق التحریر ازدواج و طلاق و با استفاده از ملاک ماده ۵۴ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران و بنا به اختیار تفویضی شماره ۱۰۱۵۵۸۳۱ - ۱۶/۷/۱۳۸۳ ریاست محترم قوه قضاییه و لحاظ نمودن نرخ تورم چهارساله بر اساس اعلام بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بدینوسیله تعرفه حق التحریر تنظیم و ثبت واقعه ازدواج یا طلاق و رجوع به مابدل و بدل مدت و همچنین صدور اجراییه و تهیه رونوشت از وقایع ثبت شده در دفاتر اسناد رسمی ازدواج و طلاق از اول تیرماه سال جاری به شرح زیر تعیین می‌گردد الف ازدواج ۱- در صورتی که مهریه تا ده میلیون ریال باشد ۱۰۰۰۰۰ ریال ۲- در صورتی که مهریه تا بیست و پنج میلیون ریال باشد ۲۰۰۰۰۰ ریال ۳- در صورتی که مهریه تا پنجاه میلیون ریال باشد ۳۰۰۰۰۰ ریال ۴- در صورتی که مهریه پنجاه میلیون ریال به بالا باشد ۴۵۰۰۰۰ ریال ب طلاق مدت واقعه طلاق اعم از رجعی و باین ۳۰۰۰۰۰ ریال صدور اجراییه و تهیه رونوشت و ثبت رجوع و بدل مدت ۱- صدور اجراییه ۵۰۰۰ ریال ۲- تهیه رونوشت از ثبت واقعه ازدواج یا طلاق ۵۰۰۰ ریال ۳- ثبت رجوع و رجوع به مابدل و بدل مدت ۵۰۰۰ ریال تبصره ۱- در صورتیکه واقعه ازدواج فاقد مهریه باشد مشمول حق التحریر بند ۱ ازدواج می‌باشد.

قانون حمایت خانواده - مصوب سال ۱۳۵۳

ماده ۱- به کلیه اختلافات مدنی ناشی از امر زناشویی و دعاوی خانوادگی و امور مربوط به صغار از قبیل نصب و عزل قیم و ضم امین در دادگاههای شهرستان و در نقاطی که دادگاه شهرستان نباشد در دادگاه بخش رسیدگی می‌شود و رسیدگی به امور مذکور در تمام مراحل دادرسی بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی خواهد بود. ماده ۲- منظور از دعاوی خانوادگی، دعاوی مدنی بین هر یک از زن و شوهر و فرزندان و جد پدری و وصی و قیم است که از حقوق و تکالیف مقرر در کتاب هفتم در نکاح و طلاق (منجمله دعوی مربوط به جهیزیه و مهر زن و کتاب هشتم در اولاد و کتاب نهم در خانواده و کتاب دهم در حجر و قیمومت قانون مدنی همچنین از مواد ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰ قانون مذکور و مواد مربوط در قانون امور حسبی ناشی شده باشد. ماده ۳- دادگاه می‌تواند هر نوع تحقیق و اقدامی را که برای روشن شدن موضوع دعوی و احقاق حق لازم بداند از قبیل تحقیق از گواهان و مطلعین و استمداد از مددکاران اجتماعی و غیره به هر طریق که مقتضی باشد انجام دهد. ماده ۴- دادگاه هر یک از طرفین را که بی بضاعت تشخیص دهد از پرداخت هزینه دادرسی و حق کارشناسی و حق داوری و سایر هزینه‌ها معاف می‌نماید. همچنین در صورت لزوم رأساً و کیل معاضدتی برای او تعیین خواهد کرد. در صورتی که طرف بی بضاعت محکوم له شود محکوم علیه اگر بضاعت داشته باشد به موجب رای دادگاه ملزم به پرداخت هزینه‌های مذکور و حق الوکاله و کیل معاضدتی خواهد گردید. و کلاً و کارشناسان مذکور مکلف به انجام دستور دادگاه می‌باشند. ماده ۵- دادگاه در صورت تقاضای هر یک از طرفین مکلف است موضوع دعوی را به استثنای رسیدگی به اصل نکاح و طلاق به یک تا سه داور ارجاع نماید همچنین دادگاه در صورتی که مقتضی بداند رأساً نیز دعوی را به داوری ارجاع خواهد کرد. داوری در این قانون تابع شرایط داوری مندرج در قانون آیین دادرسی

نمی‌باشد. مدت اعلام نظر داوران از طرف دادگاه تعیین خواهد شد. در صورت عدم وصول نظر مذکور تا پایان مدت مقرر دادگاه رأساً رسیدگی خواهد کرد مگر اینکه طرفین به تمدید مدت تراضی نمایند یا دادگاه تمدید مدت را مقتضی تشخیص دهد. تبصره - در صورتی که طرفین به تعیین داور تراضی نکرده یا داور خود را معرفی ننمایند دادگاه داور یا داوران را به ترتیب از اقربا یا دوستان یا آشنایان آنان انتخاب خواهد کرد هرگاه اشخاص مذکور از قبول داوری امتناع کرده یا انتخاب آنان از جهت عدم حضور در محل یا جهات دیگر میسر نباشد افرادیگری به داوری انتخاب می‌شوند. ماده ۶- داور یا داوران سعی در سازش بین طرفین خواهند کرد و در صورتی که موفق به اصلاح نشوند نظر خود را در ماهیت دعوی ظرف مدت مقرر کتبا به دادگاه اعلام می‌نمایند. این نظر به طرفین ابلاغ می‌شود تا ظرف مدت ده روز نظر خود را به دادگاه اعلام نمایند. در صورتیکه طرفین با نظر داور موافق باشند دادگاه دستور اجرای نظر داور را صادر می‌نماید مگر اینکه رای داور مغایر قوانین موجد حق باشد که در این صورت ملغی الاثر می‌شود. هرگاه یکی از طرفین به نظر داور معترض بوده یا در موعد مقرر جوابی ندهد یا رای داور مغایر قوانین موجد حق باشد دادگاه به موضوع رسیدگی نموده حسب مورد رای مقتضی یا گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد. ماده ۷- هرگاه زن و شوهر دعاوی ناشی از اختلافات خانوادگی را علیه یکدیگر طرح نمایند دادگاهی که دادخواست مقدم به آن داده شده صلاحیت رسیدگی خواهد داشت و هرگاه دو یا چند دادخواست در یک روز به دادگاه تسلیم شده باشد دادگاه حوزه محل اقامت زن صالح به رسیدگی خواهد بود. در صورتی که یکی از زوجین مقیم خارج از کشور باشد دادگاه محل اقامت طرفی که در ایران مقیم است صلاحیت رسیدگی دارد و اگر طرفین مقیم خارج باشند دادگاه شهرستان تهران صلاحیت رسیدگی خواهد داشت تبصره - در موارد مذکور در این قانون اگر طرفین اختلاف مقیم خارج از کشور باشند می‌توانند به دادگاه یا مرجع صلاحیتدار محل اقامت خود نیز مراجعه نمایند. در این مورد هرگاه ذینفع نسبت به احکام و تصمیمات دادگاهها و مراجع خارجی معترض و مدعی عدم رعایت مقررات و قوانین ایران باشد می‌تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ حکم یا تصمیم قطعی اعتراض خود را با ذکر دلایل و پیوست نمودن مدارک و مستندات آن از طریق کنسولگری ایران در کشور محل توقف به دادگاه شهرستان تهران ارسال نماید دادگاه به موضوع رسیدگی کرده و رای مقتضی صادر می‌کند و به دستور دادگاه رونوشت رای برای اقدام قانونی به کنسولگری مربوط ارسال می‌گردد. ثبت احکام و تصمیمات دادگاهها و مراجع خارجی در مواردی که قانوناً باید در اسناد سجلی یا دفتر کنسولگری ثبت شود در صورت توافق طرفین یا در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر بلاشکال است و الا موکول به اعلام رای قطعی دادگاه شهرستان تهران خواهد بود. ماده ۸- در موارد زیر زن یا شوهر حسب مورد می‌تواند از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش نماید و دادگاه در صورت احراز آن موارد گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد ۱- توافق زوجین برای طلاق ۲- استتکاف شوهر از دادن نفقه زن و عدم امکان الزام او به تادیه نفقه همچنین در موردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او به ایفا هم ممکن نباشد. ۳- عدم تمکین زن از شوهر ۴- سو رفتار و یا سو معاشرت هر یک از زوجین به حدی که ادامه زندگی را برای طرف دیگر غیرقابل تحمل نماید. ۵- ابتلا- هر یک از زوجین به امراض صعب‌العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای طرف دیگر در مخاطره باشد. ۶- جنون هر یک از زوجین در مواردی که فسخ نکاح ممکن نباشد. ۷- عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به کار یا حرفه‌ای که منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیات شوهر یا زن باشد. ۸- محکومیت زن یا شوهر به حکم قطعی به مجازات پنج سال حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی که بر اثر عجز از پرداخت منجر به پنج سال بازداشت شود یا به حبس و جزای نقدی که مجموعاً منتهی به پنج سال یا بیشتر حبس و بازداشت شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد. ۹- ابتلا به هرگونه اعتیاد مضر که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و ادامه زندگی زناشویی را غیر ممکن سازد. ۱۰- هرگاه زوج همسر دیگری اختیار کند یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود اجرای عدالت ننماید. ۱۱- هر یک از زوجین خانوادگی را ترک کند تشخیص ترک زندگی خانوادگی با دادگاه است ۱۲- محکومیت قطعی هر یک از زوجین

در اثر ارتکاب جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون طرف دیگر باشد. تشخیص اینکه جرمی مغایر با حیثیت و شئون خانوادگی است با توجه به وضع و موقع طرفین و عرف و موازین دیگر با دادگاه است ۱۳- در صورت عقیم بودن یکی از زوجین به تقاضای طرف دیگر همچنین در صورتی که زوجین از جهت عوارض و خصوصیات جسمی نتوانند از یکدیگر صاحب اولاد شوند. ۱۴- در مورد غایب مفقودالثر با رعایت مقررات ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی تبصره - طلاق که موجب این قانون و بر اساس گواهی عدم امکان سازش واقع می‌شود فقط در صورت توافق کتبی طرفین در زمان عده قابل رجوع است ماده ۹- در مورد ماده ۴ قانون ازدواج هرگاه یکی از طرفین عقد بخواهد از وکالت خود در طلاق استفاده نماید باید طبق ماده قبل به دادگاه مراجعه کند و دادگاه در صورت احراز تخلف از شرط، گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد. ماده ۱۰- اجرای صیغه طلاق و ثبت آن پس از رسیدگی دادگاه و صدور گواهی عدم امکان سازش صورت خواهد گرفت متقاضی گواهی عدم امکان سازش باید تقاضانامه‌ای به دادگاه تسلیم نماید که در آن علل تقاضا به طور موجه قید گردد. پس از وصول تقاضانامه دادگاه رأساً یا به وسیله داور یا داوران سعی در اصلاح بین زن و شوهر و جلوگیری از وقوع طلاق خواهد کرد هرگاه مساعی دادگاه برای حصول سازش به نتیجه نرسد با توجه به ماده ۸ این قانون گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد. دفتر طلاق پس از دریافت گواهی مذکور به اجرای صیغه طلاق و ثبت آن اقدام خواهد نمود. هر یک از طرفین عقد بدون تحصیل گواهی عدم امکان سازش مبادرت به طلاق نماید به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا یکسال محکوم خواهد شد. همین مجازات مقرر است برای سردفتری که طلاق را ثبت نماید. ماده ۱۱- دادگاه می‌تواند به تقاضای هر یک از طرفین در صورتی که صدور گواهی عدم امکان سازش مستند به سوء رفتار و قصور طرف دیگر باشد او را با توجه به وضع و سن طرفین و مدت زناشویی به پرداخت مقرری ماهانه متناسبی در حق طرف دیگر محکوم نماید مشروط به اینکه عدم بضاعت متقاضی و استطاعت طرف دیگر محرز باشد. پرداخت مقرری مذکور در صورت ازدواج مجدد محکوم له یا ایجاد درآمد کافی برای او یا کاهش درآمد یا عسرت محکوم علیه یا فوت محکوم له به حکم همان دادگاه حسب مورد تقلیل یافته یا قطع خواهد شد. در موردی که گواهی عدم امکان سازش به جهات مندرج در بندهای ۵ و ۶ ماده ۸ صادر شده باشد مقرری ماهانه با رعایت شرایط مذکور به مریض یا مجنون نیز تعلق خواهد گرفت مشروط به اینکه مرض یا جنون بعد از عقد ازدواج حادث شده باشد و در صورت اعاده سلامت به حکم دادگاه قطع خواهد شد. ماده ۱۲- در کلیه مواردی که گواهی عدم امکان سازش صادر می‌شود دادگاه ترتیب نگاهداری اطفال و میزان نفقه ایام عده را با توجه به وضع اخلاقی و مالی طرفین و مصلحت اطفال معین می‌کند و اگر قرار شود فرزندان نزد مادر یا شخص دیگری بمانند ترتیب نگاهداری و میزان هزینه آنان را مشخص می‌نماید نفقه زوجه از عواید و دارایی مرد و نفقه اولاد و مبلغ ماهانه مقرر در ماده ۱۱ از عواید و دارایی مرد یا زن یا هر دو و حتی از حقوق بازنشستگی استیفا خواهد گردید. دادگاه مبلغی را که باید از عواید یا دارایی مرد یا زن یا هر دو برای هر فرزند استیفا گردد تعیین و طریقه اطمینان بخشی برای پرداخت آن مقرر می‌کند دادگاه همچنین ترتیب ملاقات اطفال را برای طرفی معین می‌کند حق ملاقات با طفل در صورت غیبت یا فوت پدر یا مادر به تشخیص دادگاه با سایر اقربا خواهد بود. تبصره ۱- اطفالی که والدین آنان قبل از تصویب این قانون از یکدیگر جدا شده‌اند در صورتی که به طریق اطمینان بخشی ترتیب هزینه و نگاهداری و حضانت آنان داده نشده باشد مشمول مقررات این قانون خواهند بود. تبصره ۲- پرداخت نفقه قانونی زوجه و اولاد بر سایر دیون مقدم است ماده ۱۳- در هر مورد حسب اعلام یکی از والدین یا اقربای طفل یا دادستان یا اشخاص دیگر تشخیص شود که تغییر در وضع حضانت طفل ضرورت دارد (اعم از اینکه قبلاً تصمیمی در این مورد اتخاذ شده یا نشده باشد) و یا به طریق اطمینان بخشی ترتیب نگاهداری و حضانت طفل داده نشده باشد دادگاه پس از رسیدگی حضانت طفل را به هر کسی که مقتضی بداند محول می‌کند و هزینه حضانت به عهده کسی است که به موجب تصمیم دادگاه مکلف به پرداخت آن می‌شود. ماده ۱۴- هرگاه دادگاه خانواده تشخیص دهد کسی که حضانت طفل به او محول شده از انجام تکالیف مربوط به حضانت خودداری کرده یا مانع

ملاقات طفل با اشخاص ذیحق شود او را برای هربار تخلف به پرداخت مبلغی از هزار ریال تا ده هزار ریال و در صورت تکرار به حداکثر مبلغ مذکور محکوم خواهد کرد. دادگاه در صورت اقتضا می‌تواند علاوه بر محکومیت مزبور حضانت طفل را به شخص دیگری واگذار نماید. در هر صورت حکم این ماده مانع از تعقیب متهم چنانچه عمل او طبق قوانین جزایی جرم شناخته شده باشد نخواهد بود. تبصره ۱ - پدر یا مادر کسانی که حضانت طفل به آنها واگذار شده نمی‌توانند طفل را به شهرستانی غیر از محل اقامت مقرر بین طرفین و یا غیر از محل اقامت قبل از وقوع طلاق و یا به خارج از کشور بدون رضایت والدین بفرستند مگر در صورت ضرورت با کسب اجازه از دادگاه تبصره ۲ - وجوه موضوع این ماده و ماده ۱۱ به صندوق حمایت خانواده که از طرف دولت تاسیس می‌شود پرداخت خواهد شد. نحوه پرداخت وجوه مذکور به اشخاص ذینفع طبق آیین نامه ای است که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۵ - طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر خود می‌باشد در صورت ثبوت حجر یا خیانت یا عدم قدرت و لیاقت او در اداره امور صغیر یا فوت پدر به تقاضای دادستان و تصویب دادگاه شهرستان حق ولایت به هر یک از جد پدری یا مادر تعلق می‌گیرد مگر اینکه عدم صلاحیت آنان احراز شود که در این صورت حسب مقررات اقدام به نصب قیم یا ضم امین خواهد شد دادگاه در صورت اقتضا اداره امور صغیر را از طرف جد پدری یا مادر تحت نظارت دادستان قرار خواهد داد. در صورتی که مادر صغیر شوهر اختیار کند حق ولایت او ساقط خواهد شد در این صورت اگر صغیر جد پدری نداشته یا جد پدری صالح برای اداره امور صغیر نباشد دادگاه به پیشنهاد دادستان حسب مورد مادر صغیر یا شخص صالح دیگری را به عنوان امین یا قیم تعیین خواهد کرد. امین به تشخیص دادگاه مستقلا یا تحت نظر دادستان امور صغیر را اداره خواهد کرد. ماده ۱۶ - مرد نمی‌تواند با داشتن زن همسر دوم اختیار کند مگر در موارد زیر ۱ - رضایت همسر اول ۲ - عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی ۳ - عدم تمکین زن از شوهر ۴ - ابتلا زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۵۸ - محکومیت زن وفق بند ۸ ماده ۶۸ - ابتلا زن به هر گونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۷۸ - ترک زندگی خانوادگی از طرف زن ۸ - عقیم بودن زن ۹ - غایب مفقودالاثرا شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸. ماده ۱۷ - متقاضی باید تقاضانامه ای در دو نسخه به دادگاه تسلیم و علل و دلایل تقاضای خود را در آن قید نماید. یک نسخه از تقاضانامه ضمن تعیین وقت رسیدگی به همسر او ابلاغ خواهد شد. دادگاه با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند یک ماده ۱۶ اجازه اختیار همسر جدید خواهد داد. به هر حال در تمام موارد مذکور این حق برای همسر اول باقی است که اگر بخواهد تقاضای گواهی عدم امکان سازش از دادگاه بنماید. هرگاه مردی با داشتن همسر بدون تحصیل اجازه دادگاه مبادرت به ازدواج نماید به حبس جنحه ای از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد همین مجازات مقرر است برای عاقد و سردفتر ازدواج و زن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد باشند. در صورت گذشت همسر اولی تعقیب کیفری یا اجرای مجازات فقط درباره مرد و زن جدید موقوف خواهد شد. ماده ۱۸ - شوهر میتواند با تایید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند. زن نیز می‌تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید. دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می‌کند. ماده ۱۹ - تصمیم دادگاه در موارد زیر قطعی است و در سایر موارد فقط پژوهش پذیر می‌باشد ۱ - صدور گواهی عدم امکان سازش ۲ - تعیین نفقه ایام عده و هزینه نگهداری اطفال ۳ - حضانت اطفال ۴ - حق ملاقات با اطفال ۵ - اجازه مقرر در ماده ۱۶ تبصره - در مورد بندهای ۲ و ۳ و ۴ این ماده هرگاه در وضع طفل یا والدین یا سرپرستی که از طرف دادگاه معین شده تغییری حاصل شود که تجدید نظر در میزان نفقه یا هزینه نگهداری یا حضانت یا حق ملاقات با اطفال را ایجاب کند دادگاه می‌تواند در تصمیم قبلی خود تجدیدنظر نماید. ماده ۲۰ - طرفین دعوی یا هر یک از آنها می‌توانند از دادگاه تقاضا کنند قبل از ورود به ماهیت دعوی مسئله حضانت و هزینه نگهداری اطفال یا نفقه زن را مورد رسیدگی فوری قرار دهد و قراری در این باره صادر کند دستور موقت دادگاه فوراً به مورد اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۲۱ - مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش سه ماه از

تاریخ صدور است در صورتی که ظرف این مدت گواهی مذکور به دفتر طلاق تسلیم نشود از درجه اعتبار ساقط می‌گردد. دفاتر طلاق پس از ارائه گواهی عدم امکان سازش از ناحیه هر یک از زوجین به طرف دیگر اخطار می‌نماید ظرف مهلتی که از یک ماه تجاوز ننماید برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن حاضر شود. در صورتی که ظرف مهلت مقرر حاضر نشود دفتر طلاق مکلف است حسب تقاضای یکی از طرفین صیغه طلاق را جاری و ثبت نماید. ماده ۲۲ - هر کس با داشتن استطاعت نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید به حبس جنحه ای از سه ماه یا یک سال محکوم خواهد شد. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت یا وقوع طلاق در مورد زوجه تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد. ماده ۲۳ - ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام ممنوع است معذکک در مواردی که مصالحی اقتضا کند استثنائاً در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال تمام کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است معافیت از شرط سن اعطا شود. زن یا مردی که برخلاف مقررات این ماده با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده مزاجت کند حسب مورد به مجازات‌های مقرر در ماده ۳ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ محکوم خواهد شد. تبصره - در نقاطی که وزارت دادگستری اعلام می‌کند دفاتر ازدواج مکلفند علاوه بر مطالبه گواهینامه مذکور در ماده ۲ قانون گواهینامه ازدواج مصوب سال ۱۳۱۷ گواهی صحت مزاج نسبت به عوامل یا بیماری‌های دیگری که موجب بروز بیماری یا عوارض سو در اولاد یا زوجین خواهد شد نیز مطالبه نماید. نوع عوامل و بیماری‌های مذکور را وزارت بهداری و وزارت دادگستری تعیین خواهند نمود. ماده ۲۴ - رسیدگی به امور خانوادگی در دادگاه بدون حضور تماشاچی انجام خواهد گرفت ماده ۲۵ - اجرای احکام دادگاه به موجب آیین نامه‌ای است که از طرف وزارت دادگستری تهیه خواهد شد. تبصره - در مورد وجوهی که به موجب حکم دادگاه باید ماهانه و مستمرا از محکوم علیه وصول شود یک بار تقاضای صدور اجرائیه کافی است و مأمورین اجرا مکلفند عملیات اجرایی را مادام که دستور دیگری از دادگاه صادر نشده است، ادامه دهند. ماده ۲۶ - مقررات این قانون در مورد پرونده‌هایی که تا کنون منتهی به صدور حکم نهایی نشده است قابل اجرا خواهد بود. ماده ۲۷ - آیین نامه اجرایی این قانون را وزارت دادگستری تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به مورد اجرا خواهد گذاشت ماده ۲۸ - قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۴۶ و سایر مقرراتی که مغایر با این قانون است همچنین ماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی از تاریخ اجرای این قانون ملغی است

آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده - مصوب اردیبهشت ۱۳۵۴ هیأت وزیران

(روزنامه رسمی شماره ۸۸۴۶ - ۳۱۲۵۴) ماده ۱ - اقامه دعوی و تقاضای رسیدگی و اقدام در امور موضوع قانون حمایت خانواده به طور شفاهی یا وسیله درخواست کتبی به عمل می‌آید. هرگاه درخواست شفاهی باشد اظهار خواهان وسیله منشی یا مدیر دفتر دادگاه در صورت مجلس قید و به امضای او می‌رسد. ماده ۲ - درخواست شفاهی یا کتبی باید مشتمل بر امور زیر باشد ۱ - نام و نام خانوادگی - شغل - محل کار یا محل سکونت طرفین با ذکر مشخصات کامل ۲ - موضوع درخواست با ذکر علل و دلایل آن ۳ - در صورتی که درخواست کننده عنوان قیمومت یا ولایت یا وصایت یا وکالت داشته باشد باید سمت خود را در درخواست تصریح و مدارک آن را تسلیم نماید. تبصره - در دادگاه خانواده طرفین می‌توانند به اقربا خود تا درجه سوم نیز وکالت دهند. ماده ۳ - تنظیم درخواست در اوراق چاپی مخصوص الزامی نیست ولی باید در دو نسخه تنظیم و یک نسخه آن در پرونده امر ضبط شده و نسخه دیگر برای طرف فرستاده شود. ماده ۴ - هزینه دادرسی به میزان مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی در موقع درخواست از خواهان وصول خواهد شد مگر این که دادگاه خواهان را بی بضاعت تشخیص دهد که در این صورت او را از پرداخت هزینه معاف خواهد نمود. ماده ۵ - در صورت عدم پرداخت هزینه دادرسی یا معلوم نبودن نشانی خواننده به خواهان اخطار می‌شود که ظرف پنج روز از

تاریخ ابلاغ با رعایت مسافت ، نقص در خواست را رفع نماید. در صورت عدم رفع نقص و همچنین در صورتی که نشانی خواهان معلوم نباشد دادگاه دادخواست را ابطال خواهد کرد. تبصره - در صورتی که خواهان خوانده را مجهول المکان معرفی نماید باید آخرین محل اقامت او را به دادگاه اعلام کند. دادگاه به هر طریقی لازم بداند در این مورد تحقیق نموده تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد. ماده ۶- پس از وصول درخواست نسخه دوم آن با ضمایم به دستور دادگاه جهت ابلاغ به خواننده ارسال و طرفین برای رسیدگی دعوت می‌شوند. در صورتی که درخواست شفاهی باشد مفاد درخواست با ضمایم آن به وسیله اخطاریه به خواننده ابلاغ خواهد شد. ماده ۷- عدم حضور طرفین یا یکی از آنها در جلسه با ابلاغ وقت مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نیست ولی اگر حضور خواهان جهت ادای توضیح لازم باشد دادگاه موارد توضیح را در صورت مجلس قید و مفاد آن را ضمن تعیین وقت برای جلسه دیگر به خواهان ابلاغ می‌نماید و اگر خواهان در این جلسه نیز حاضر نشود دادخواست او ابطال خواهد شد. ماده ۸- در مواردی که دعوی به داوری ارجاع می‌شود دادگاه طرفین را برای انتخاب داور یا داوران دعوت می‌کند. ماده ۹- هرگاه داور یا داوران از قبول داوری امتناع نموده یا استعفا کنند دادگاه به انتخاب داور یا داوران جدید اقدام می‌نماید و در صورتی که داور یا داوران بار دیگر از قبول داوری امتناع یا استعفا نمایند دادگاه رأساً به موضوع رسیدگی خواهد کرد. ماده ۱۰- در مواردی که تعداد داوران سه نفر بوده و یکی از آنها در نیمه دوم مهلت داوری استعفا کند رای اکثریت داوران مناط اعتبار است در این مورد و در مواردی که دو نفر داور انتخاب شده و رای آنها مختلف باشد دادگاه رأساً به موضوع رسیدگی خواهد کرد. ماده ۱۱- منظور از اعتیاد مضر هر نوع ابتلا به مواد مخدر یا نوشابه های الکلی یا قمار یا امثال و نظایر آنها است که استمرار داشته و موجب صدمات و خسارات جسمانی مادی و معنوی شخص معتاد یا همسر یا اولاد زوجین گردد. ماده ۱۲- حق ملاقات با اطفال کمتر از یک بار در ماه نخواهد بود. ماده ۱۳- ترتیب ثبوت حجر و خیانت و رفع حجر یا عدم قدرت و لیاقت و احراز عدم صلاحیت و عزل و نصب قیم و ضم امین و تعیین امین موقت در مورد مواد ۱ و ۱۵ قانون حمایت خانواده طبق مقررات قانون امور حسبی خواهد بود.

آیین نامه نحوه اجرای احکام و تصمیمات دادگاه خانواده - مصوب ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۴

شماره ۹۵۷- ۱۲۱۵۴ ماده ۱- اجرای احکام و تصمیمات قطعی دادگاه خانواده جز در مواردی که در این آیین نامه استثنا شده ، محتاج به درخواست ذینفع است تبصره - تسلیم گواهی عدم امکان سازش به دفتر طلاق و اجازه نامه ازدواج مجدد به دفتر ازدواج در حکم درخواست اجرای تصمیمات دادگاه است ماده ۲- در مورد تصمیمات راجع به حضانت و نفقه اطفال و تعیین تکلیف در امور حسبی و مورد ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده دادگاه رأساً دستور اجرای تصمیم خود را به هر ترتیب مقتضی بداند به مامورین اجرا یا کارمندان دفتر دادگاه یا مامورین شهربانی یا ژاندارمری و سایر مامورین انتظامی می‌دهد. ماده ۳- اجرای سایر احکام و تصمیمات دادگاه به ترتیب مقرر در اجرای احکام مدنی با رعایت تبصره ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده به عمل خواهد آمد. ماده ۴- در مورد کلیه احکام و تصمیمات راجع به امور مالی هر گاه کسی که ملزم به پرداخت مورد حکم یا تصمیم دادگاه گردیده از هریک از سازمان ها و موسسات عمومی یا بخش خصوصی حقوق و مستمری یا کارمزد دریافت نماید دادگاه می‌تواند دستور کسر حقوق یا مستمری یا کارمزد او را به میزانی که در اجرای احکام مدنی مقرر گردیده بدهد. کسر وجوه مذکور و تادیه آن به عهده رئیس یا مدیر یا مسئول سازمان یا موسسه یا کارفرما خواهد بود. ماده ۵- در مورد ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده ، روسا و مدیران و مسئولین سازمان ها و موسسات عمومی و خصوصی و کارفرمایان مکلفند تصمیم دادگاه را در مورد منع اشتغال زوج یا زوجه اجراء نمایند. ماده ۶- دفاتر طلاق مکلفند به محض ارائه گواهی عدم امکان سازش آن را در دفتر مخصوص ثبت کرده و رسید مشتمل بر نام زوج و زوجه و شماره و تاریخ ثبت از روز و ماه و سال به ارائه کننده گواهی تسلیم و به ترتیب مقرر در ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده اقدام نمایند. ماده ۷- دفاتر طلاق مکلفند رونوشت طلاق نامه را بلافاصله پس از ثبت طلاق به دفتر دادگاه صادر کننده

گواهی عدم امکان سازش ارسال نمایند.

قانون حفظ اعتبار اسناد سجل و جلوگیری از تزلزل آنها - مصوب دوم بهمن ۱۳۶۷

(روزنامه رسمی شماره ۱۲۸۲۰ ۱۲۸ ۱۳۶۷) ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون تغییر تاریخ تولد اشخاص ممنوع است . تبصره - صاحب شناسنامه تنها یکبار در طول عمر و در صورتی که اختلاف سن واقعی با سن مندرج در اسناد سجلی به تشخیص کمیسیون مرکب از فرماندار یا بخشدار ، رئیس اداره ثبت احوال محل و پزشک منتخب ، مدیرعامل سازمان بهداری استان و رئیس شورای اسلامی شهر و یا بخش محل صدور شناسنامه و با عضویت و ریاست قاضی دادگاه صالحه محل تشکیل می گردد بیش از پنج سال باشد می تواند سن خود را اصلاح نماید .

قانون لغو قانون انگشت نگاری عمومی مصوب ۲۷ ۱۳۶۲

مصوب ۳۷ ۱۳۶۸ ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون قانون راجع به انگشت نگاری عمومی مصوب ۲۷ ۲ ۱۳۶۲ ملغی است تبصره - به منظور دسترسی به هویت حقیقی اشخاص و گروه هایی که دولت صلاح می داند به ترتیبی که طبق آیین نامه اجرایی این قانون مشخص خواهد شد انگشت نگاری به عمل می آید . آیین نامه اجرای این قانون به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات وزیران ظرف مدت یک ماه تهیه و ابلاغ خواهد شد .

آیین نامه اجرایی تبصره ذیل ماده واحده لغو قانون انگشت نگاری عمومی - مصوب ۵۷ ۱۳۶۸

ماده ۱ - در اجرای آیین نامه مذکور از افراد مشروحه زیر انگشت نگاری به عمل خواهد آمد الف - کلیه متقاضیان گواهی عدم سو پیشینه با معرفی مراجع دولتی ذیربط ب - کلیه افرادی که به استناد ماده ۴۵ قانون ثبت احوال در مورد تابعیت آنها تردید حاصل شده و پرونده آنان به شورای تامین شهرستان یا استان احاله گردیده است و نیز افراد بالاتر از ۱۵ سال که فاقد اسناد سجلی هستند با معرفی ادارات ثبت احوال هر محل ج - پناهندگان و آوارگان و معاودین و همچنین افراد غیر ایرانی که به هر دلیل بدون دست داشتن گذرنامه ، رواید معتبر و سایر مدارک مربوطه به کشور وارد می شوند با معرفی مرجع ذیربط جهت صدور مدارک اقامتی د - کلیه افرادی که به تابعیت جمهوری اسلامی ایران در می آیند . ه - کلیه مشمولین ماده ۹۸۹ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران و - گروه های دیگری که بنا به درخواست مراجع ذیصلاح و موافقت شورای امنیت کشور نیاز به ضبط اثر انگشت آنان باشد . ماده ۲ - اداره تشخیص هویت مکلف است کلاسمان آثار انگشتان کلیه افرادی را که از آنان انگشت نگاری به عمل آورده اند در شناسنامه آنان درج و در کارت مخصوص ثبت و نگهداری نموده و یک نسخه از کلاسمان مربوطه را به اداره ثبت احوال محل صدور شناسنامه ارسال دارد . تبصره ۱ - اثر انگشت سبابه دست راست افرادی که انگشت نگاری می شوند در شناسنامه آنان و همچنین در مدارک اقامتی افراد مذکور در بند ج ماده یک منعکس می شود ، در صورت فقدان انگشت سبابه دست راست و یا داشتن ضایعه طبق ضوابط فنی اداره تشخیص هویت اقدام می شود . تبصره ۲ - کلاسه آثار انگشتان افراد مشکوک التابعه به اداره ثبت احوال محل درخواست و کلاسمان آثار انگشتان افراد مذکور در بند ج ماده یک به اداره ثبت احوال امور خارجه سازمان ثبت احوال کشور اعلام می گردد . تبصره ۳ - اثر انگشت سبابه دست راست کلیه افراد ۱۵ سال به بالا - در شناسنامه آنان توسط ثبت احوال منعکس می شود . تبصره ۴ - درج کلاسه و اخذ اثر انگشت فقط بر روی شناسنامه های جدید جمهوری اسلامی به عمل می آید . ماده ۳ - ادارات ثبت احوال مکلفند کلاسمان آثار انگشتان اعلام شده از طریق اداره تشخیص هویت را در اسناد سجلی مربوطه ثبت و در

مواقع اصلاح یا تعویض در شناسنامه آنان درج نمایند. ماده ۴ - در صورت عدم تطبیق مشخصات مندرج در کارت انگشت نگاری با مشخصات مندرج در اسناد سجلی مراتب از سوی اداره ثبت احوال محل کتبا به شهربانی جمهوری اسلامی و یا به اداره تشخیص هویت جهت اصلاح و تکمیل کارت انگشت نگاری و یا پیگیری موضوع اعلام می گردد. ماده ۵ - هرگاه اداره تشخیص هویت و مراکز ذیصلاح (مربوطه به دو یا چند کارت انگشت نگاری متعلق به شخص واحدی که از مشخصات متفاوت سجلی استفاده نموده برخوردار نمایند مکلفند مراتب را با ذکر مشخصات کامل به ثبت احوال محل صدور شناسنامه اعلام دارند. ماده ۶ - ادارات ثبت احوال مکلفند مشخصات کامل و کلاسمان آثار انگشتان شهدا و متوفیان ثبت شده را به اداره تشخیص هویت اعلام دارند. ماده ۷ - کلیه وزارتخانه ها و سازمانها و مؤسسات دولتی که به نحوی از ارباب رجوع و متقاضیان خودخواهان انگشت نگاری هستند موظف به ایجاد تسهیلات و هماهنگی و همکاری های لازمه با اداره تشخیص هویت می باشند. ماده ۸ - چنانچه در مراحل اجرای این آیین نامه به موارد پیش بینی نشده ای برخورد شود، کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت کشور و سازمان ثبت احوال و شهربانی مسیول رسیدگی و حل قانونی موضوع بوده و تصمیمات متخذه توسط این کمیسیون با تصویب وزیر کشور قابل اجرا خواهد بود. ماده ۹ - همزمان با اجرای این آیین نامه شهربانی جمهوری اسلامی ایران مقدمات کامپیوتری نمودن بایگانی انگشت نگاری اشخاص را فراهم خواهد آورد. ماده ۱۰ - پرسنل تجهیزات و امکانات و اعتبارات لازمه جهت اجرای این آیین نامه به پیشنهاد وزارت کشور از طریق دولت تامین و در اختیار شهربانی جمهوری اسلامی ایران قرار می گیرد. ماده ۱۱ - از تاریخ ابلاغ این مصوبه کلیه آیین نامه ها و مقررات مغایر با آن ملغی خواهد بود.

قانون تخلفات، جرایم و مجازات های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه - مصوب ۱۰ ۵ ۱۳۷۰

(روزنامه رسمی شماره ۱۳۵۳۹ - ۱۳۷۰ ۶ ۱۳) ماده ۱ - به منظور التزام افراد به حفظ اسناد سجلی و شناسنامه هزینه صدور شناسنامه المثنی و یا گواهی موقت ناشی از فقدان شناسنامه برای اولین بار مبلغ ۵۰۰۰ ریال و برای بار دوم ۲۰۰۰۰ ریال و در مورد بعد ۱۰۰۰۰۰ ریال تعیین می گردد صدور المثنی موقوف به پرداخت هزینه های فوق می باشد. تبصره ۱ - دریافت کنندگان شناسنامه المثنی مکلفند در صورت پیدا شدن شناسنامه اصلی ظرف ده روز نسبت به تحویل شناسنامه المثنی به اداره ثبت احوال مربوطه اقدام نمایند. متخلف به مجازات استفاده کنندگان از شناسنامه مکرر محکوم می شود. تبصره ۲ - چنانچه به تشخیص اداره ثبت احوال فقدان شناسنامه بر اثر امور غیر مترقبه و خارج از حیطه اختیار باشد برای صدور المثنی فقط هزینه مقرر در آیین نامه اجرایی ماده ۳۵ قانون ثبت احوال اصلاحی سال ۱۳۶۳ دریافت خواهد شد. ماده ۲ - اشخاص زیر به حبس از ۹۱ روز تا یک سال و یا به پرداخت جزای نقدی از ۲۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال و یا به هر دو مجازات محکوم می شوند الف - اشخاصی که در اعلام ولادت یا وفات یا هویت بر خلاف واقع اظهاری نمایند. ب - اشخاصی که عالماً عامداً پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام از شناسنامه مکرر استفاده نموده یا به دریافت شناسنامه مکرر برای خود یا مولی علیه و یا به دریافت شناسنامه موهوم مبادرت کنند و یا از شناسنامه دیگری خواه صاحب آن زنده یا مرده باشد به نام هویت خود استفاده نمایند. افرادی که شناسنامه خود را در اختیار استفاده کنندگان فوق قرار دهند به همان مجازات محکوم می شوند. ج - ماما یا پزشکی که در مورد ولادت یا وفات گواهی خلاف واقع صادر کند. د - اشخاصی که در مورد ولادت یا وفات شهادت دروغ بدهند و شهادت آنان در تنظیم دفتر ثبت کل وقایع و یا وفات موثر واقع شود. تبصره - در کلیه موارد مذکور در فوق مرتکب در صورت تکرار به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد. ماده ۳ - اشخاصی که از وظایف مقرر در مواد ۱۶ و ۱۹ و ۲۴ و ۲۶ و تبصره ماده ۲۶ و تبصره یک ماده ۳۶ و مواد ۳۸ و ۴۳ قانون ثبت احوال خودداری کنند علاوه بر الزام به انجام تکالیف قانونی به پرداخت جزای نقدی از ۵۰۰۰۰۰ ریال تا ۳۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می شوند و در صورت تکرار به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم خواهند شد. ماده ۴ - اشخاصی که با داشتن شناسنامه

اقدام به اخذ المثنی نمایند به پرداخت جزای نقدی از ۲۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شوند و در صورت تکرار دادگاه مکلف به تعیین حداکثر مجازات می‌باشد. ماده ۵- هر کس به مهر کردن غیر مجاز شناسنامه های معتبر اقدام نماید به پرداخت جزای نقدی از ۱۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰ ریال و در صورت تکرار به پرداخت جزای نقدی از ۵۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شود. مجازات تکرار بیش از دوبار علاوه بر جزای نقدی حبس از ۹۱ روز تا یک سال خواهد بود. ماده ۶- هر یک از کارکنان دولت اعم از لشکری یا کشوری و همچنین کارکنان موسسات عمومی و شرکت‌های دولتی و موسسات وابسته به دولت و بانک‌ها و نهادهای قانونی به مهر کردن غیر مجاز شناسنامه های معتبر اقدام نماید. علاوه بر مجازات های اداری و جبران خسارت وارده بر حسب مورد به مجازاتهای مقرر در ماده ۵ این قانون محکوم خواهد شد. ماده ۷- هر یک از کارمندان و مسیولین دولتی اعم از لشکری یا کشوری و همچنین کارکنان موسسات دولتی و عمومی بانکها و شرکتهای دولتی و نهادهای قانونی و دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق در ارتباط با انجام وظایف قانونی خود شناسنامه هایی را که فاقد اعتبار اعلام شده ملاک انجام کار قرار دهد علاوه بر مجازاتهای اداری و انتظامی و جبران خسارات وارده به پرداخت جزای نقدی از ۲۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شود. در صورت تکرار دادگاه مکلف به تعیین حداکثر مجازات می‌باشد. ماده ۸- دارندگان اسناد سجلی فاقد اعتبار در صورت استفاده از آنها علاوه بر الزام به تعویض به پرداخت جزای نقدی از ۲۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شوند. ماده ۹- هر کس برای فرار از تعقیب یا اجرای مجازات قانونی وی یا به قصد اقدام به خروج غیر مجاز از کشور مبادرت به استفاده از شناسنامه دیگر به نام هويت خود نماید علاوه بر تحمل مجازات اصلی به حبس از یک سال تا سه سال و به پرداخت جریمه از ۵۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شود. ماده ۱۰- هر کس در شناسنامه یا اسناد سجلی خود یا دیگری هر گونه خدشه از قبیل خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن وارد نماید به پرداخت جزای نقدی از ۱۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد. در صورتی که اقدامات مذکوره به قصد متقلبانه انجام یافته باشد مرتکب به مجازات جعل در اسناد رسمی به کیفیت مقرر در قوانین جزایی محکوم می‌شود در صورت تکرار دادگاه مکلف به تعیین حداکثر مجازات می‌باشد. ماده ۱۱- هر غیر ایرانی که قبل از تحصیل تابعیت ایرانی با ایرانی قلمداد کردن خود موجب تنظیم اسناد سجلی یا دریافت شناسنامه شود به حبس از یکسال تا سه سال و پرداخت جزای نقدی از ۱۰۰۰۰۰۰ ریال تا ۳۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شود. ماده ۱۲- هر غیر ایرانی که شناسنامه افراد ایرانی را چه صاحب آن زنده یا مرده باشد به هر طریق به دست آورده واز آن برای ایرانی قلمداد کردن هويت خود استفاده نماید علاوه بر محکومیت به حبس از دو سال تا پنج سال و به پرداخت جزای نقدی از ۱۰۰۰۰۰۰ ریال تا ۳۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شود. در صورتی که اعمال ارتكابی فوق توأم با جعل یا استفاده از اسناد سجلی مجعول باشد مرتکب به حداکثر هر دو مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۱۳- هر کس اقدام به چاپ غیر مجاز اوراق و اسناد سجلی و یا ساخت و تهیه غیر مجاز مهرهای سجلی یا سرقت آن نماید به حبس از دو سال تا پنج سال و پرداخت جزای نقدی از ۲۰۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شود و در صورت تکرار به اشد هر دو مجازات محکوم می‌شود. ماده ۱۴- هر کس از اوراق چاپی مذکور در ماده فوق با علم و آگاهی استفاده نماید به حبس از یک سال تا سه سال و به پرداخت جریمه از ۵۰۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شود. ماده ۱۵- خرید و فروش شناسنامه و اسناد سجلی جرم محسوب و هر یک از مرتکبین به پرداخت جزای نقدی از ۵۰۰۰۰۰۰ ریال تا ۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شوند در صورت تکرار به اشد مجازات مذکور محکوم و در صورت تبدیل به حرفه علاوه بر محکومیت به حداکثر جزای نقدی فوق به حبس از سه سال تا ده سال محکوم خواهد شد. ماده ۱۶- کسانی که برای ارتکاب جرایم مندرج در این قانون به تشکیل باند و شبکه اقدام نمایند هر یک به حبس از پنج سال تا پانزده سال و پرداخت جزای نقدی از ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شوند. ماده ۱۷- مأمورینی که عالماً در وقوع جرایم مذکور در این قانون به هر نحوی از انحاء کمک نمایند یا گواهی‌های خلاف را ملاک اجرای وظایف قانونی خود قرار دهند به مجازات مرتکب اصلی

محکوم خواهند شد. ماده ۱۸ - هر یک از کارکنان سازمان ثبت احوال در تهران و شهرستان ها مکلفند به محض اطلاع از وقوع هر یک از جرایم موضوع این قانون مراتب را فوراً از طریق روسای واحدهای مربوطه جهت رسیدگی و تعقیب متهمین به مراجع ذیصلاح قضایی اعلام نمایند. ماده ۱۹ - اعمال مجازات‌های این قانون مانع از وصول هزینه‌های مقرر در آیین نامه های اجرایی ماده ۳۵ قانون ثبت احوال نخواهد بود. ماده ۲۰ - قوانینی که مغایر با مقررات این قانون نباشد به قوت و اعتبار خود باقی است ماده ۲۱ - در کلیه جرایم موضوع این قانون چنانچه از اقدام مرتکب خساراتی متوجه دولت یا اشخاصی اعم از حقیقی یا حقوقی گردد حق مطالبه خسارات برای زیان دیده محفوظ می‌باشد. ماده ۲۲ - در صورتی که مرتکبین جرایم مذکور در این قانون از افراد غیر ایرانی باشند پس از تحمل مجازات دادگاه می‌تواند آنها را از کشور اخراج نماید. ماده ۲۳ - کلیه وجوه حاصل از اجرای این قانون به حساب درآمد عمومی منظور می‌شود.

قانون الزام اختصاص شماره ملی و کد پستی برای کلیه اتباع ایرانی - مصوب ۱۷ ۲ ۱۳۷۶

(روزنامه رسمی شماره ۱۵۲۲۷- ۱۳۷۶ ۳ ۲۴) ماده ۱ - وزارتخانه‌های کشور و پست و تلگراف و تلفن موظفند با رعایت قوانین و مقررات برای کلیه اتباع ایرانی شماره ملی و کد پستی اختصاص دهند. ماده ۲ - کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی وزارتخانه‌ها سازمان‌ها شرکت‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت، دانشگاه‌ها، بانک‌ها، شهرداری‌ها، نهادها انقلاب اسلامی و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و شرکت‌ها و موسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است موظفند از شماره ملی و کد پستی ده رقمی که توسط سازمان ثبت احوال کشور و در قالب کارت شناسایی با همکاری شرکت پست جمهوری اسلامی ایران برای شناسایی افراد و اشخاص و محل کار یا سکونت آنها حسب مورد اختصاص خواهد یافت تبعیت نموده و به کار گیرند. ماده ۳ - کارت یاد شده در ماده فوق به عنوان سند شناسایی اتباع ایرانی و مشمول کلیه احکام حقوقی و کیفری مربوط است و باید همیشه همراه صاحب آن باشد. تبصره - دارنده کارت در صورت تغییر محل سکونت یا کار خود باید مراتب را در اولین فرصت ممکن به سازمان ثبت احوال کشور اطلاع دهد. ماده ۴ - صدور هر گونه کارت شناسایی اداری یا صنفی یا گواهی نامه رانندگی و مشابه آنها بدون درج شماره ملی و کد پستی ممنوع است تبصره - کارت های شناسایی اداری صنفی یا گواهی نامه رانندگی و مشابه آنها قبل از تصویب و اجرای این قانون صادر شده‌اند تا زمانی که شرایط برای تعویض آنها به شکل جدید فراهم نگردیده معتبر خواهند بود. ماده ۵ - دولت موظف است هزینه‌های اجرای طرح شماره ملی و کد پستی را در بودجه دستگاه‌های اجرایی مربوط پیش بینی نماید. ماده ۶ - آیین نامه اجرایی این قانون توسط وزارتخانه‌های کشور و پست و تلگراف و تلفن ظرف مدت ۲ ماه تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

آیین نامه اجرایی قانون الزام اختصاص شماره ملی و کد پستی برای کلیه اتباع ایرانی - مصوب ۱۳

(روزنامه رسمی شماره ۱۶۰۳۲- ۱۷ ۱۲ ۱۳۷۸) ماده ۱ - در این آیین نامه اصطلاحات و واژه های زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند الف - سازمان سازمان ثبت احوال کشور. ب - شرکت شرکت پست جمهوری اسلامی ایران. پ - قانون قانون الزام اختصاص شماره ملی و کد پستی برای کلیه اتباع ایرانی مصوب ۱۳۷۶. ت - شماره ملی عددی است ده رقمی و منحصر به فرد که توسط سازمان برای هر فرد ایرانی تعیین و به وی اختصاص داده می‌شود. ث - کد پستی عددی است ده رقمی و یگانه که توسط شرکت تنها برای شناسایی هر مکان تعیین و به آن اختصاص داده می‌شود ج - محل سکونت مکانی است که شخص اظهار می‌دارد که در آنجا زندگی می‌کند. چ - کارت شناسایی ملی سند شناسایی اتباع ایرانی است که توسط سازمان صادر می‌شود و در آن

مشخصات فردی شماره ملی و کدپستی محل سکونت دارنده کارت درج می‌شود. ماده ۲ - کلیه افراد بالای ۱۵ سال سن موظفند پس از اعلام سازمان با در دست داشتن مدارک لازم و برابر زمانبندی برای دریافت و تکمیل فرم درخواست کارت شناسایی خویش اقدام نمایند. تبصره - اعتبار اولین کارت شناسایی ملی از تاریخ صدور به مدت ۷ سال است. تغییر اعتبار در دوره‌های بعد بنا به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات وزیران خواهد بود. ماده ۳ - صاحب کارت مکلف است با تغییر محل سکونت یا تغییر هر یک از اقلام اطلاعاتی کارت شناسایی یا پایان مدت اعتبار کارت نسبت به تعویض کارت شناسایی ملی خود اقدام نماید. تبصره - با ثبت واقعه وفات هر فرد کارت شناسایی متوفی باطل و از درجه اعتبار ساقط می‌شود. ماده ۴ - کلیه دستگاه‌های موضوع ماده ۲ قانون موظفند پایگاه‌های اطلاعات خود را به نحوی سامان دهند که هر فرد با شماره ملی و کدپستی در کلیه سیستم‌های اختصاصی مربوط شناخته شود. تبصره - پایگاه اطلاعات جمعیت سازمان تنها مرجع رسمی اطلاعات افراد به شرح موضوع ماده ۵ این آیین نامه است. ماده ۵ - سازمان مکلف است نسبت به ابلاغ اطلاعات فردی افراد تحت پوشش دستگاه متقاضی مشتمل بر نام و نام خانوادگی، نام پدر، شماره شناسنامه، محل صدور، تاریخ تولد، سریال شناسنامه، شماره ملی و کدپستی براساس درخواست بالاترین مقام دستگاه اجرایی مربوط اقدام نماید. تبصره ۱ - سازمان موظف است نسبت به تحویل اطلاعات فردی از طریق پایانه و محیط‌های مغناطیسی و یا براساس روش‌هایی که به تصویب هیات موضوع ماده ۱۴ این آیین نامه می‌رسد اقدام نماید. تبصره ۲ - اولویت تحویل اطلاعات فردی و کدپستی به دستگاه‌های اجرایی توسط هیات موضوع ماده ۱۴ این آیین نامه تعیین می‌شود و حداکثر تا ۶ ماه پس از لازم الاجرا شدن این آیین نامه تحویل اطلاعات فردی و کدپستی به کلیه دستگاه‌های موضوع ماده ۲ قانون لازم الاجرا است. ماده ۶ - کلیه دستگاه‌های موضوع ماده ۲ قانون موظفند یک سال پس از لازم الاجرا شدن این آیین نامه نسبت به درج شماره ملی و کدپستی در هر گونه کارت شناسایی اداری یا صنفی یا گواهینامه رانندگی و موارد مشابه اقدام نمایند. ارایه خدماتی که نیاز به کسب اطلاعات فردی دارد موقوف به اخذ شماره ملی و کدپستی از متقاضیان است. ماده ۷ - به منظور تسریع در ابلاغ شماره ملی و کدپستی و رفع مغایرت‌های احتمالی قبل از صدور کارت شناسایی ملی سازمان موظف است با همکاری شرکت ظرف سه ماه شماره ملی و کدپستی را از طریق کارت یا نامه رسمی حاوی مشخصات فردی شامل شماره ملی، نام، نام خانوادگی، نام پدر و کدپستی ابلاغ نماید. تبصره - سازمان برنامه و بودجه نسبت به تامین اعتبار اجرای این ماده اقدام‌های لازم را به عمل خواهد آورد. ماده ۸ - کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌ها، موسسات دولتی و عمومی مکلفند ظرف یک سال از تاریخ لازم الاجرا شدن این آیین نامه با همکاری شرکت نسبت به جایگزینی کدپستی با کد شناسایی اماکن متعلق به خود اقدام نمایند. تبصره - شرکت موظف است اقدام‌های لازم را در زمینه بهنگام سازی اطلاعات کدپستی و ارایه آن به سازمان‌ها انجام دهد. ماده ۹ - شهرداری‌ها و بخشداری‌های سراسر کشور موظفند با همکاری شرکت طی سال اول برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نسبت به نصب پلاک‌های کدپستی ده رقمی در محل ورودی اماکن اقدام نمایند تا جایگزین پلاک‌های شناسایی موجود شود. تبصره - شهرداری‌ها و بخشداری‌ها موظفند هر ماه تغییرات اماکن معابر و ساخت و ساز ساختمان‌ها را به اداره پست محدوده فعالیت خود اطلاع دهند. ماده ۱۰ - کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی پس از اجرای ماده ۸ این آیین نامه مکلفند در هنگام صدور هر نوع کارت سر برگ اوراق تبلیغاتی پروانه گواهی نامه و موارد مشابه آن کدپستی ده رقمی را قید نمایند. ماده ۱۱ - ادارات ثبت اسناد و املاک کشور دفترخانه‌های اسناد رسمی دفاتر ازدواج و طلاق، بنگاه‌های معاملاتی و کلیه واحدهای ذیربط موظفند در هنگام تنظیم اسناد، نسبت به درج شماره ملی و کدپستی ده رقمی افراد، متعاملین و مورد معامله در اسناد مربوط اقدام نمایند. ماده ۱۲ - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است جهت مکانیزه نمودن اطلاعات و اسناد ملکی و ایجاد پایگاه اطلاعات و اجرای طرح کاداستر شماره ملی مالک یا مالکان و کدپستی ملک را به کار گیرد. ماده ۱۳ - کلیه دستگاه‌های متقاضی شماره ملی و کدپستی موظفند برابر تعرفه‌هایی که به تصویب هیات موضوع ماده (۱۴) این آیین نامه

می‌رسد، هزینه‌های مربوط را پرداخت نمایند. ماده ۱۴ - به منظور هدایت، نظارت و تهیه زمان‌بندی اجرایی، دستورالعمل‌ها و پیگیری موارد ذیربط در امر ابلاغ شماره ملی، کدپستی و صدور کارت شناسایی ملی و پایگاه‌های اطلاعات فردی دستگاه‌ها، هیاتی مرکب از نمایندگان تام‌الاختیار سازمان ثبت احوال کشور سازمان برنامه و بودجه، شرکت پست جمهوری اسلامی ایران و سازمان امور اداری و استخدامی کشور به مسئولیت سازمان برنامه و بودجه تشکیل می‌شود. تبصره - هیات موضوع این ماده موظف است هر ۳ ماه یک بار گزارش عملکرد این آیین‌نامه را به هیات وزیران ارائه نماید.

آیین‌نامه رسیدگی به تخلفات اداری سردفتران ازدواج و طلاق و تعیین کفیر آنان - مصوب ۱۳۲۰

وزارت دادگستری نظر به تبصره مصوب ۲۶ مردادماه ۱۳۲۰ الحاقی به ماده اول قانون ازدواج اصلاح شده در ۱۳۱۶ مقرر میدارد ماده ۱ - مرجع بازرسی و رسیدگی مقدماتی نسبت به تخلفات و شکایات و اصل از سردفتران ازدواج و طلاق، اداره امور اسناد است و دادرسی انتظامی آنان در دادگاه انتظامی و تجدیدنظر رسیدگی آن در دادگاه تجدیدنظری که به تخلفات سردفتران دفترباران اسناد رسمی رسیدگی مینماید، به عمل خواهد آمد. وظایف دادستانی را دادستان دادگاههای نامبرده انجام میدهد. ماده ۲ - طرز تعقیب سردفتران ازدواج و طلاق همان است که در فصل هفتم آیین‌نامه قانون دفاتر اسناد رسمی در مواد ۳۱ تا ۳۵ مقرر شده و ماده ۳۹ و ۴۰ قانون دفاتر اسناد رسمی درباره سردفتران ازدواج و طلاق نیز رعایت میشود. ماده ۳ - مجازات انتظامی تخلف سردفتران ازدواج و طلاق به قرار زیر است ۱ - توبیخ زبانی ۲ - توبیخ کتبی ۳ - کفیر نقدی از سی ریال تا پانصد ریال ۴ - انفصال موقت از دو ماه تا یک سال ۵ - انفصال دائم از شغل سردفتری ازدواج یا طلاق یا هر دوی آنها. و رأی دادگاه بدوی نسبت به سردفتر در قسمت فقرات ۳ و ۴ و ۵ قابل تجدیدنظر و تکرار تخلف موجب تشدید است ماده ۴ - در ضمن رسیدگی به تخلف سردفتران ازدواج و طلاق، دادگاه میتواند به صلاحیت علمی و عملی و اخلاقی سردفتر راجع به امور ازدواج و طلاق رسیدگی نموده و رای شایسته را صادر نماید. ماده ۵ - در صورتی که تخلف جنبه کیفری داشته باشد، رسیدگی انتظامی موکول به حصول نتیجه قطعی رسیدگی کیفری است و چنانچه سردفتر در دادگاهی که مرجع رسیدگی کیفری است برایت حاصل نمود، در دادگاه انتظامی به تخلف وی رسیدگی میشود. ماده ۶ - این آیین‌نامه در تهران ده روز پس از انتشار در مجله رسمی وزارت دادگستری و در شهرستانها با رعایت مسافت قانونی قابل اجرا میباشد.

نظامنامه مربوط به انتخاب سران دفاتر ازدواج و طلاق و نقل و انتقال آنان

(روزنامه رسمی شماره ۱۵۹۷۰ - ۱۳۷۸ ۹ ۳۰) ماده ۱ - دفتر ازدواج و طلاق از یکدیگر تفکیک شده و هر یک از این دو دفتر جداگانه تهیه و چاپ خواهد شد. ماده ۲ - اشخاص زیر را می‌توان به سردفتری ازدواج از طریق آزمون کتبی و مصاحبه حضوری انتخاب نمود. ۱ - دارندگان مدرک کارشناسی یا بالاتر در رشته حقوق، علوم ثبتي، الهیات و معارف اسلامی (گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی). ۲ - دارندگان گواهی پایان سطح عالی با تایید شورای مدیریت حوزه علمیه قم ۳ - دارندگان گواهی افتا از مراجع مسلم اهل سنت که به تایید رییس قوه قضاییه رسیده باشد. تبصره ۱ - افرادی که قبل از تصویب این آیین‌نامه در آزمون‌های مربوطه شرکت کرده و قبول شده‌اند صدور ابلاغ آنان موکول به شرکت در مصاحبه حضوری و کسب موفقیت در آن خواهد بود. تبصره ۲ - سردفتر ازدواج و طلاق اقلیت‌های دینی با رعایت مقررات مربوط به احوال شخصیه آنان و شرایط مندرج در ماده ۴ و تبصره ۲ آن و پس از معرفی و گواهی مراکز رسمی دینی مربوط منصوب خواهد شد. ماده ۳ - آزمون کتبی و مصاحبه توسط هیاتی متشکل از اشخاص واجد صلاحیت به پیشنهاد رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و تایید رییس قوه قضاییه به عمل خواهد

آمد. تبصره ۱- مواد امتحانی عبارت است از ادبیات فارسی - عربی ، متون فقهی ، مقررات مربوط به ازدواج و طلاق ، حقوق مدنی ، احکام شرعی و اطلاعات عمومی تبصره ۲- سؤالات مربوط به متون فقه متقاضیان سنی مذهب از کتب فقهی آنان استخراج خواهد شد. تبصره ۳- از افرادی که دارای درجه اجتهاد از مبادی قانونی ذیربط باشند یا اجتهاد آنان به تایید رییس قوه قضاییه رسیده باشد در صورت دارا بودن شرایط صرفا از آنان در خصوص مقررات مربوط به ازدواج و طلاق و حقوق مدنی امتحان به عمل خواهد آمد. تبصره ۴- هزینه برگزاری امتحان مبلغ پنج هزار تومان تعیین که پرداخت آن به عهده متقاضی است ماده ۴- سران دفاتر ازدواج و طلاق باید واجد شرایط زیر باشند ۱- تدین به دین مبین اسلام ۲- اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران و اصل مرفقی ولایت فقیه و قانون اساسی ۳- ملتزم به احکام شرعی ۴- دارا بودن حداقل ۲۵ سال شمسی ۵- حسن شهرت ۶- تاهل ۷- توانایی انجام کار. ۸- داشتن کارت پایان خدمت یا معافیت دائم از خدمت نظام وظیفه عمومی تبصره ۱- مفاد مواد ۱۲ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴ و ۶۲ مکرر اصلاحی قانون مجازات اسلامی مصوب ۳۶ ۱۳۷۷ نیز مجری خواهد بود. تبصره ۲- اقلیت‌های دینی شناخته شده باید متدین به مذهب خود باشند. ماده ۵- سردفتر طلاق از بین سردفتران شاغل که حداقل ۵ سال سابقه داشته باشند و یا افرادی که علاوه بر شرایط مقرر در این نظامنامه دارای ۳۰ سال سن باشند انتخاب خواهد شد. ماده ۶- کسانی که به سردفتری ازدواج انتخاب می‌شوند مکلفند حداقل ظرف مدت ۳ ماه از تاریخ دریافت ابلاغ نسبت به تاسیس دفترخانه اقدام نمایند والا ابلاغ آنان کان لم یکن تلقی خواهد شد. ماده ۷- نقل و انتقال سردفتران ازدواج و طلاق مطابق مقررات مربوط به نقل و انتقال سردفتران اسناد رسمی خواهد بود. ماده ۸- مرخصی (استحقاقی ، استعلاجی) سردفتر ازدواج و طلاق تابع مواد ۱۴ و ۱۵ آیین نامه بندهای قانون دفاتر رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران اصلاحی ۲۷ ۱۱ ۱۳۶۰) خواهد بود.

قانون راجع به انکار زوجیت - مصوب ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱

ماده ۱- هرگاه مردی در مقابل دعوی زن راجع به حقوق مالی ناشی از عقد ازدواج اعم از صداق و نفقه و غیره انکار زوجیت کند و بعد معلوم شود این انکار بی اساس بوده محکمه ای که به دعوی مالی رسیدگی می‌نماید مرد را علاوه بر تادیه حقوق مالی به یازده روز الی دو ماه حبس تادیبی و پانصد تا هزار ریال جزای نقدی و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد نمود. حکم فوق درباره کسانی نیز جاری است که پس از فوت مرد طرف دعوی ارث یا حقوق مالی دیگر ناشی از عقد و ازدواج شده و با علم به زوجیت زن آن را انکار نماید. ماده ۲- هر زنی که برخلاف واقع ادعای زوجیت و مطالبه حقوق مالی ناشی از ازدواج کرده و همچنین کسی که به عنوان قائم مقام قانونی زنی برای مطالبه حقوق مالی ناشی از عقد ازدواج با علم به عدم زوجیت اقامه دعوی نماید به مجازات حبس از ۱۱ روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از صد تا هزار ریال و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۳- این قانون از اول خردادماه ۱۳۱۱ به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم - مصوب دهم مردادماه ۱۳۱۲

ماده واحده - نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق ذیل رعایت نمایند ۱- در مسایل مربوط به نکاح و طلاق ، عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است ۲- در مسایل مربوط به ارث و وصیت ، عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهب متوفی ۳- در مسایل مربوط به فرزندخواندگی ، عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است

قانون راجع به خیانت ولی قهری - مصوب ۱۳۱۳ ۸ ۱

ماده واحده - ولی قهری (پدر یا جد) هرگاه در مقام اتلاف مال صغیر یا مجنون یا سفیه باشد بعد از ثبوت خیانت او نسبت به اموال مولی علیه به طرفیت مدعی العموم در محکمه مثل مورد ماده ۷۹ قانون مدنی حاکم یک نفر امین به ولی منضم می‌کند.

قانون منع ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه - مصوب ۱۳۴۵ ۱۰ ۲۵

ماده واحده - از این تاریخ ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه و یا کسانی که قبلاً بر اثر ازدواج به تابعیت ایران درآمده‌اند، ممنوع است کارمندان متخلف، صلاحیت ادامه خدمت در وزارت امور خارجه را نخواهند داشت تبصره ۱ - از تاریخ تصویب این قانون، هیچ فردی که همسرش تبعه بیگانه باشد یا سابقاً تابعیت بیگانه داشته است به خدمت وزارت امور خارجه پذیرفته نخواهد شد. تبصره ۲ - اعزام کارمندان فعلی وزارت امور خارجه که دارای همسرانی باشند که قبلاً تبعیت غیرایرانی داشته‌اند، از هر طبقه و مقام به مأموریت ثابت کشورهای بیگانه که همسر آنها، قبلاً تابعیت آن کشور را داشته‌اند، ممنوع است

قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست - مصوب اسفند ماه ۱۳۵۳

(شماره ۳۱۱۴ ۸۸۱۹ ۱۳۵۴ روزنامه رسمی) ماده ۱ - هر زن و شوهر مقیم ایران می‌توانند با توافق یکدیگر طفلی را با تصویب دادگاه و طبق مقررات این قانون سرپرستی نمایند. ماده ۲ - این سرپرستی به منظور تامین منافع مادی و معنوی طفل برقرار می‌گردد ولی در هر حال از موجبات ارث نخواهد بود. ماده ۳ - تقاضانامه سرپرستی باید مشترکاً از طرف زن و شوهر تنظیم و تسلیم دادگاه شود و دادگاه در صورت احراز شرایط ذیل قرار سرپرستی طفل را برای دوره آزمایشی صادر می‌کند الف - پنج سال تمام از تاریخ ازدواج آنها گذشته و از این ازدواج صاحب فرزند نشده باشند. ب - سن یکی از زوجین حداقل سی سال تمام باشد. ج - هیچیک از زوجین، دارای محکومیت جزایی موثر به علت ارتکاب جرائم عمدی نباشند. د - هیچ یک از زوجین محجور نباشند. ه - زوجین دارای صلاحیت اخلاقی باشند. و - زوجین یا یکی از آنها دارای امکان مالی باشند. ز - هیچ یک از زوجین مبتلا به بیماری‌های واگیر صعب‌العلاج نباشند. ح - هیچ یک از زوجین معتاد به الکل یا مواد مخدر و سایر اعتیادات مضر نباشند. تبصره ۱ - باردار شدن زوجه با تولد کودک در خانواده سرپرست در دوران آزمایشی یا پس از صدور حکم موجب فسخ سرپرستی نخواهد بود. تبصره ۲ - هرگاه زوجین به دلایل پزشکی نتوانند صاحب فرزند شوند دادگاه می‌تواند آنان را از شرایط بند الف و ب این ماده معاف نماید. ماده ۴ - قبل از صدور حکم سرپرستی دادگاه با کسب نظر موسسه یا شخصی که کودک تحت سرپرستی موقت اوست طفل را با صدور قرار دوره آزمایشی به مدت شش ماه به زوجین سرپرست خواهد سپرد. عدم موافقت افراد یا موسسات مذکور در صورتی که به تشخیص دادگاه به مصلحت کودک نباشد قابل ترتیب اثر نخواهد بود. در مدت دوره آزمایشی دادگاه مجاز است بنا به تقاضای دادستان یا انجمن ملی حمایت کودکان یا موسسه‌ای که طفل قبلاً در آنجا تحت سرپرستی بوده است و یا رأساً در اثر تحقیق به وسایل مقتضی دیگر قرار صادره را فسخ نماید. زوجین سرپرست در مدت آزمایشی حق دارند انصراف خود را اعلام کنند و در این صورت دادگاه قرار صادره را فسخ خواهد نمود. تبصره - قرار دادگاه در مورد برقراری دوره آزمایشی و فسخ آن فقط قابل رسیدگی پژوهشی است ماده ۵ - دادگاه در صورتی حکم سرپرستی صادر خواهد نمود که درخواست کنندگان سرپرستی به کیفیت اطمینان بخشی در صورت فوت خود هزینه تربیت و نگاهداری و تحصیل طفل را تا رسیدن به سن بلوغ تامین نمایند. تبصره - هرگاه وجوه یا اموالی از طرف زوجین سرپرست به طفل تحت سرپرستی صلح شده باشد در صورت فوت طفل وجوه و اموال مذکور از طرف دولت به زوجین سرپرست تملیک خواهد شد. ماده ۶ - طفلی که برای سرپرستی سپرده می‌شود باید دارای شرایط

زیر باشد الف - سن طفل از ۱۲ سال تمام کمتر باشد. ب - هیچ یک از پدر یا جد پدری یا مادر طفل شناخته نشده یا در قید حیات نباشند و یا کودکانی باشند که به موسسه عام المنفعه سپرده شده و سه سال تمام پدر یا مادر یا جد پدری او مراجعه نکرده باشند. تبصره - کسانی که کودکان واجد شرایط را قبل از تصویب این قانون تحت سرپرستی گرفته‌اند در صورتی که از جهات اخلاقی و مادی واجد شرایط باشند به تشخیص دادگاه نسبت به سایر متقاضیان در مورد این کودکان حق تقدم دارند و در این حالت شرط سن نیز برای طفل و سرپرست او رعایت نخواهد شد. ماده ۷ - دادگاه صلاحیتدار برای رسیدگی به کلیه امور مربوط به این قانون دادگاه حمایت خانواده محل اقامت درخواست کننده است ماده ۸ - دادگاه از نظر رسیدگی به امر سرپرستی موضوع این قانون تابع مقررات حمایت خانواده است ماده ۹ - احکام صادر در کلیه امور مربوط به سرپرستی قابل رسیدگی پژوهشی و فرجامی است ماده ۱۰ - متقاضیان می‌توانند با تصویب دادگاه و رعایت مقررات این قانون کودکان متعددی را سرپرستی نمایند. ماده ۱۱ - وظایف و تکالیف سرپرست و طفل تحت سرپرستی او از لحاظ نگاهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر است تبصره - اداره اموال و نمایندگی قانونی طفل صغیر به عهده سرپرست خواهد بود مگر آنکه دادگاه ترتیب دیگری اتخاذ نماید. ماده ۱۲ - در مواردی که اختلاف زناشویی زوجین سرپرست منجر به صدور گواهی عدم امکان سازش می‌شود دادگاه در مورد طفل تحت سرپرستی به ترتیب مقرر در قانون حمایت خانواده اقدام خواهد کرد. ماده ۱۳ - مقررات قانون احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در مورد فرزند خواندگی به اعتبار خود باقی است ماده ۱۴ - مفاد حکم قطعی سرپرستی به‌اداره ثبت احوال ابلاغ و در اسناد سجلی زوجین سرپرست و طفل درج و شناسنامه جدیدی برای طفل فقط با مشخصات زوجین سرپرست و نام خانوادگی زوج صادر خواهد شد. ماده ۱۵ - خروج طفل صغیری که برای سرپرستی به کسی سپرده شده در دوره آزمایشی از کشور منوط به موافقت دادستان محل خواهد بود. ماده ۱۶ - سرپرستی که به‌موجب این قانون برقرار می‌شود فقط در موارد ذیل قابل فسخ است ۱ - تقاضای دادستان در صورتی که سو رفتار یا عدم اهلیت و شایستگی هر یک از زوجین سرپرست برای نگاهداری و تربیت طفل تحت سرپرستی محرز باشد ۲ - تقاضای سرپرست در صورتی که سو رفتار طفل برای هر یک از آنان غیر قابل تحمل باشد همچنین در موردی که سرپرست قدرت و استطاعت برای تربیت و نگاهداری طفل را از دست داده باشد. ۳ - توافق طفل بعد از رسیدن به سن کبر یا زوجین سرپرست یا موافقت زوجین سرپرست با پدر و مادر واقعی طفل صغیر. ماده ۱۷ - قبل از صدور حکم فسخ سرپرستی دادگاه در هر مورد سعی خواهد نمود که اقدامات لازم را در جهت بقای سرپرستی به عمل آورد. در صورت صدور حکم فسخ سرپرستی و قطعیت آن مراتب به‌وسیله دادگاه صادر کننده حکم برای تصحیح شناسنامه و اسناد مربوط به اداره ثبت احوال اعلام می‌شود.

قانون لزوم ارائه گواهینامه پزشک قبل از وقوع ازدواج - مصوب ۱۳ آذر ماه ۱۳۱۷

ماده ۱ - (جمله اضافه شده به ماده ۱ قانون ازدواج است و به ماده یک الحاق گردیده است) ماده ۲ - کلیه دفاتر ازدواج مکلفند که قبل از وقوع ازدواج از نامزدها گواهینامه پزشک را برنداشتن امراض مسریه مهم که نوع آنها از طرف وزارت دادگستری معین و اعلام می‌گردد مطالبه نموده و پس از بایگانی آن به عقد و ازدواج و ثبت آن با قید موجود بودن گواهی پزشک بر تندرستی نامزدها اقدام نمایند. تبصره - دختران از داشتن گواهینامه پزشک در قسمت امراض زهروی معاف هستند. ماده ۳ - پزشک هایی می‌توانند گواهینامه صادر نمایند که پروانه مخصوص از وزارت دادگستری برای این کار داشته باشند. تبصره - ترتیب صدور گواهینامه پزشک و تعیین دستمزد آنها به‌موجب آیین نامه ای است که به تصویب وزارت دادگستری و وزارت کشور خواهد رسید. ماده ۴ - هر سردفتری که بدون رعایت ماده ۲ این قانون به عقد و ثبت ازدواج مبادرت نماید به حبس تادیبی از دو ماه الی یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۵ - هر پزشکی که برخلاف واقع گواهی تندرستی به نامزد بدهد و یا بدون جهت از روی غرض از دادن

گواهینامه خودداری نماید به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. ماده ۶ - اجرای مواد ۲ و ۳ و ۴ و ۵ این قانون در هر محل از تاریخی است که از طرف وزارت دادگستری معین و اعلام خواهد شد.

قانون الزام تزریق واکسن ضد کزاز برای بانوان قبل از ازدواج - مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳

ماده واحده - به منظور پیشگیری از تلفات ناشی از کزاز نوزادان ، بانوان مکلفند قبل از وقوع عقد ازدواج در مناطقی که وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی اعلام می نماید نسبت به واکسینه کردن خود علیه بیماری کزاز اقدام کنند. دفاتر ازدواج موظفند قبل از ازدواج ، گواهینامه معتبر مبنی بر واکسیناسیون ضد کزاز از زوجه را اخذ و پس از بایگانی نسبت به انجام و ثبت عقد با ذکر مشخصات گواهی اقدام نمایند. تبصره ۱ - وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی موظف است تسهیلات لازم برای این امر را در اختیار مراجعین قرار دهد. تبصره ۲ - در مورد واکسیناسیون های دیگر تعیین نوع واکسن و گروه سنی و منطقه تزریق واکسن بر اساس تشخیص و لزوم و اعلام وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی خواهد بود. کلیه دستگاهها و واحدهای مربوطه موظف به همکاری هستند و تمام افرادی که بر اساس اعلام وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی مشمول تزریق واکسن می شوند مکلفند در مدت تعیین شده نسبت به تزریق واکسن اقدام نمایند. تبصره ۳ - سردفتر متخلف با رعایت شرایط و امکانات خاکی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب در مرحله اول به تعطیل دفترخانه از یکماه تا شش ماه و در مرحله دوم علاوه بر مجازات فوق به جریمه نقدی از ده هزار تا ۵۰ هزار تومان و در مرحله سوم به لغو پروانه محکوم خواهد شد. تبصره ۴ - آئین نامه اجرایی این قانون ظرف یکماه پس از تصویب قانون توسط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی و با همکاری وزارت دادگستری تهیه و تصویب خواهد شد. تبصره ۵ - چنانچه متهم برای اولین بار مرتکب یکی از اعمال مذکور در این ماده شده باشد و دادستان در موارد غیر مهم تشخیص دهد با وعظ یا توبیخ یا تهدید یا اخذ تعهد تأدیب خواهد شد با اعمال یکی از موارد تأدیب فوق پرونده را بایگانی می نماید. دادگاه نیز در صورت طرح پرونده در دادگاه حق اعمال مراتب بالا را به تشخیص خود دارد.

تصویبنامه در خصوص آزمایش تالاسمی قبل از ازدواج - مصوب ۱۳۷۶/۱۰/۱۰

آزمایش تشخیص ناقصین تالاسمی قبل از ازدواج اجباری شود و دفاتر ازدواج گواهینامه مربوط را از نامزدها مطالبه و پس از بایگانی آن به عقد و ازدواج و ثبت آن با قید موجود بدون گواهینامه یاد شده ، اقدام نمایند.

قانون حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها - مصوب ۱۳۶۵/۴/۲۲

ماده واحده - حضانت فرزندان صغیر یا محجوری که پدرانشان به مقام والای شهادت رسیده و یا فوت شده باشند با مادران آنها خواهد بود و هزینه متعارف زندگی این فرزندان چنانچه از اموال خودشان باشد در اختیار ولی شرعی است و اگر از طریق بودجه دولت یا بنیاد شهید پرداخت می شود در اختیار مادرانشان قرار می گیرد مگر آنکه دادگاه صالح در موارد ادعای عدم صلاحیت مادر حکم به عدم صلاحیت بکند. تبصره ۱ - مقصود از محجور در این قانون مجنون یا سفیه ای است که حجرش متصل به صغر باشد. تبصره ۲ - ازدواج مادرانی که در ماده واحده ذکر شده است مانع از حق حضانت آنها نمی گردد. تبصره ۳ - حدود هزینه متعارف توسط دادگاه معین و به مادر یا نماینده قانونی او پرداخت خواهد شد. تبصره ۴ - در مواردی که تعیین حدود هزینه متعارف یا عدم صلاحیت مادر به فرزندان شهدا ، در دادگاه مطرح باشد بنیاد موظف است کارشناس خود رابه دادگاه معرفی کند.

قانون مربوط به حق حضانت - مصوب ۱۳۶۵ ۴ ۲۲

ماده واحده - چنانچه به حکم دادگاه مدنی خاص یا قایم مقام آن دادگاه حضانت طفل به عهده کسی قرار گیرد و پدر یا مادر و یا شخص دیگری مانع اجرای حکم شود و یا از استرداد طفل امتناع ورزد دادگاه صادرکننده حکم وی را الزام به عدم ممانعت یا استرداد طفل می‌نماید و در صورت مخالفت به حبس تا اجرا حکم محکوم خواهد شد.

قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست - مصوب ۱۳۷۱ ۸ ۲۴

ماده ۱ - به پیروی از تعالیم عالیہ اسلام در جهت حفظ شوون و حقوق اجتماعی زن و کودک بی سرپرست و زدودن آثار فقر از جامعه اسلامی و به منظور اجرای قسمتی از اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زنان و کودکان بی سرپرست که تحت پوشش قوانین حمایتی دیگری نیستند از حمایتهای مقرر در این قانون بهره‌مند خواهند شد. ماده ۲ - مشمولان این قانون عبارتند از ۱ - زنان بیوه - بیوه به زنانی اطلاق می‌شود که به عقد ازدواج (دایم یا منقطع) درآمده و سپس به یکی از دلایل طلاق، فوت شوهر، فسخ عقد، صدور حکم موت فرضی، بذل مدت و یا انقضای مدت در نکاح منقطع، شوهر خود را از دست داده باشند. ۲ - زنان پیر و سالخورده - زنان بی سرپرست و مسنی هستند که قادر به تامین معاش خود نباشند. ۳ - سایر زنان و دختران بی سرپرست - به زنان و دخترانی اطلاق می‌شود که بنا به عللی از قبیل مفقودالاثر شدن یا از کار افتادگی سرپرست، به طور دایم یا موقت بدون سرپرست (نان آور) می‌مانند. ۴ - کودکان بی سرپرست - به کودکانی اطلاق می‌شود که بنا به هر علت و به طور دایم یا موقت، سرپرست خود را از دست داده باشند. تبصره ۱ - پسران موضوع بند ۴ این ماده تا رسیدن به حداقل سن قانونی (مندرج در قانون کار) و دختران تا زمانی که ازدواج نمایند مشمول این قانون باقی خواهند ماند مگر اینکه تحت سرپرستی قرار گیرند یا به نحوی تمکن مالی بیابند. تبصره ۲ - پسرنی که ادامه تحصیل دهند به شرط وجود اعتبار تا پایان تحصیل مشمول مفاد این قانون می‌باشند. ماده ۳ - زنان و کودکان بی سرپرست که به هر نحو از مستمری‌های بازنشستگی، از کارافتادگی و بازماندگان بهره‌مند می‌شوند و یا از تمکن مالی برخوردار باشند از شمول مقررات این قانون خارج هستند. ماده ۴ - حمایتهای موضوع این قانون عبارتند از ۱ - حمایتهای مالی شامل تهیه وسایل و امکانات خودکفایی یا مقرری نقدی و غیرنقدی به صورت نوبتی یا مستمر. ۲ - حمایتهای فرهنگی، اجتماعی شامل ارایه خدماتی نظیر خدمات آموزشی (تحصیلی)، تربیتی، کاربایی، آموزش حرفه و فن جهت ایجاد اشتغال، خدمات مشاوره‌ای و مددکاری جهت رفع مسایل و مشکلات زندگی مشمولان و به وجود آوردن زمینه ازدواج و تشکیل خانواده ۳ - نگهداری روزانه یا شبانه روزی کودکان و زنان سالمند بی سرپرست در واحدهای بهزیستی یا واگذاری سرپرستی و نگهداری اینگونه کودکان و زنان به افراد واجد شرایط تبصره - کلیه مشمولان واجد شرایط که از سلامتی جسمی و روانی برخوردارند به تشخیص مددکاران ذیربط، جهت شرکت در دوره‌های آموزش حرفه‌ای و کاربایی معرفی می‌شوند. ماده ۵ - میزان و مدت پرداخت مقرری ماهیانه طبق آیین‌نامه‌ای تعیین می‌گردد که بنا به پیشنهاد سازمان بهزیستی کشور به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره - پرداخت مقرری نقدی و غیرنقدی تا احراز موارد مندرج در ماده (۶) این قانون ادامه خواهد یافت ماده ۶ - در موارد زیر مقرری مشمولان قطع خواهد شد ۱ - در صورت ازدواج، رجوع یا تحت تکفل قرار گرفتن ۲ - یافتن تمکن مالی ۳ - خودداری از شرکت در دوره‌های آموزشی (تحصیلی و آموزش حرفه‌ای بدون عذر موجه ۴ - امتناع از قبول شغل مناسب پیشنهادی تبصره - در صورت محکومیت کیفری که منجر به بازداشت و زندان شود، مقرری مربوط در مدت محکومیت قطع خواهد شد. ماده ۷ - هر کس بر اساس اسناد و گواهی‌های خلاف یا با توسل به عناوین تقلبی از مزایای مقرر در این قانون به نفع خود استفاده نماید به رد عین یا معادل کمکهای نقدی و غیرنقدی دریافتی و نیز تا دو برابر آن جریمه محکوم می‌شود و چنانچه

موجبات استفاده اشخاص ثالث را من غیر حق فراهم نماید به جزای نقدی تا سه برابر مزبور محکوم خواهد شد. تبصره ۱ - کلیه خسارات و وجوه حاصله از جرایم نقدی مقرر در این قانون جز درآمد اختصاصی سازمان بهزیستی و در یک ردیف درآمد و هزینه مستقل همه ساله در قانون بودجه منظور و طبق آیین نامه ای که به تصویب هیات وزیران خواهد رسد هزینه می گردد. تبصره ۲ - سازمان بهزیستی می تواند از هدایا و کمکهای اشخاص حقیقی و حقوقی در جهت اجرای این قانون استفاده نماید. ماده ۸ - چنانچه مشمول این قانون ، اشتغال ، ازدواج یا رجوع خود را مکتوم داشته و مقرری دریافت دارند ، برابر ماده ۷ این قانون مورد پیگرد قرار خواهند گرفت ماده ۹ - سازمان بهزیستی کشور مجری این قانون خواهد بود و موظف است آیین نامه های اجرایی مربوط را ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ قانون باهماهنگی کلیه نهادها و دستگاههای ذیربط تهیه و جهت تصویب به هیات وزیران تقدیم نماید. تبصره - اجرای این قانون مانع از انجام وظایف قانونی و موارد پیش بینی شده در اساسنامه کمیته امداد امام خمینی (ره) نمی باشد و کمیته مزبور در چهارچوب وظایف قانونی خویش کماکان نسبت به ارائه خدمات مربوط ادامه خواهد داد. ماده ۱۰ - کلیه وزارتخانه ها ، سازمان های دولتی و وابسته به دولت ، موسسات عمومی و سازمانهایی که مشمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام می باشد موظفند همکاریهای لازم را در زمینه اجرای این قانون با سازمان بهزیستی کشور معمول دارند.

آیین نامه اجرایی قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست - مصوب ۱۱ ۵ ۱۳۷۴

ماده ۱ - محور و اساس حمایتها و اقدامات اجرایی موضوع این آیین نامه عبارت است از ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی و فراهم کردن زمینهها و موجبات عادی سازی زندگی زنان و کودکان بی سرپرست موضوع ماده ۲ قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست که از این پس در این آیین نامه به اختصار قانون نامیده می شود. ماده ۲ - کودکان بی سرپرست مشمول قانون با هماهنگی نیروی انتظامی مورد شناسایی قرار می گیرند و پس از تحقیقات اولیه و طی مراحل قانونی از طریق مراجع ذی صلاح قضایی به سازمان بهزیستی کشور معرفی می شوند. تبصره - در موارد اضطراری به منظور حفظ سلامت کودکان واحدهای بهزیستی رأسا کودکان کمتر از هفت سال را با رعایت ضوابط ، پذیرش موقت می کنند و متعاقب آن مدارک و گزارشهای لازم را به مراجع ذی صلاح قضایی ارسال و اعلام می کنند. ماده ۳ - مشمولان موضوع مواد ۳ و ۶ قانون همچنین مشمولانی که در نتیجه اقدامات حمایتی و خدمات و تسهیلات دریافتی به تشخیص مددکاران و تایید مدیران مسوول ، توانایی لازم را برای گذراندن زندگی عادی و خود اتکایی کسب کرده باشند، از مشمول اقدامات حمایتی خارج می شوند و مجاز به استفاده از حمایتهای موضوع این آیین نامه نیستند. ماده ۴ - اقدامات اجرایی به منظور ایجاد حمایتهای اجتماعی و اقتصادی از زنان و کودکان بی سرپرست عبارتند از الف - خدمات آموزشی و تربیتی در سطوح آمادگی و پیش دبستانی تا تحصیلات عالی ب - خدمات حرفه آموزی و آموزشهای فنی و حرفه ای ج - خدمات کاریابی و اشتغال د - مددکاری مشاوره و راهنمایی ه - نگهداری و مراقبت از افراد نیازمند به ویژه کودکان وسالمندان متناسب با نیازها و شرایط سنی و جنسی و اجتماعی هر فرد یا خانواده تحت پوشش به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تا حصول اطمینان از بازتوانی و خود اتکایی کامل آنان توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمانهای بهزیستی استانها. تبصره ۱ - پسران بی سرپرست تا رسیدن به سن قانونی - موضوع ماده ۷۹ قانون کار - و دختران بی سرپرست تا زمانی که ازدواج نکرده باشند ، مشمول پذیرش در واحدهای نگهداری شبانه روزی می شوند. تبصره ۲ - دختران بی سرپرستی که واجد شرایط پذیرش در واحدهای شبانه روزی نباشند، بنا به تشخیص سازمان بهزیستی از حمایتهای موضوع این آیین نامه بهره مند می شوند. تبصره ۳ - به منظور جلوگیری از جدایی فرهنگی و اجتماعی کودک از فرهنگ بومی خود و فراهم شدن زمینه بازگشت به خانواده و اجتماع ، حتی الامکان کودکان بی سرپرست در شهرهای محل تولد یا شهرهای همجوار پذیرش و نگهداری می شوند و در صورتی که در بدو پذیرش ، والدین یا بستگان کودک شناسایی شوند، به منظور پیشگیری از ورود کودکان ، به واحدهای شبانه روزی و حفظ نهاد خانواده در

صورت نیاز نسبت به ارایه حمایت‌های مالی، فرهنگی و اجتماعی طبق ضوابط و آیین نامه های مربوط اقدام می‌شوند. تبصره ۴ - شرایط خانواده های داوطلب واجد شرایط و نحوه نگهداری آنها بر اساس دستورالعمل اجرایی مورد عمل سازمان بهزیستی کشور تعیین می‌شود. ماده ۵ - پرداخت‌های غیرمستمر، ناظر بر فراهم ساختن و تهیه امکانات، ابزار و وسایل حرفه آموزشی، کار و اشتغال، تامین هزینه های کارآموزی و آموزشهای فنی و حرفه‌ای، پرداخت سرمایه کار و تامین هزینه های تشکیل خانواده و ازدواج به تناسب شرایط و تواناییهای جسمی، اجتماعی و اقتصادی مشمولان است که سالانه در حد اعتبارات مصوب در برنامه های مربوط توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمانهای بهزیستی استانها به مشمولان نیازمند و واجد شرایط اختصاص می‌یابد. تبصره - مستمری ماهانه خانواده هایی که از سرمایه کار و اشتغال و ابزار و وسایل کار استفاده می‌کنند، حداکثر پس از شش ماه از تاریخ استفاده، قطع می‌شود. ماده ۶ - میزان و مدت پرداخت‌های مستمر به ترتیب زیر تعیین می‌شود الف - مستمری ماهانه - افرادی که به تنهایی زندگی می‌کنند و خانواده های دوفره، حداکثر ۳۰٪ حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال - خانواده‌های سه نفره، حداکثر ۳۵٪ حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال - خانواده های چهار نفره، حداکثر ۴۰٪ حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال - خانواده‌های پنج نفره و بیشتر، حداکثر ۵۰٪ حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال تبصره - کلیه پرداخت‌های یاد شده به صورت نقدی و حتی المقدور توسط سیستم بانکی با توجه به اعتبارات دستگاه پرداخت کننده تا حداکثر میزان تعیین شده، انجام می‌شود. ب - هزینه تحصیلات هزینه تحصیلات برای هر یک از دانش آموزان و دانشجویان خانواده های تحت حمایت، حداکثر معادل ۵۰۰۰ ریال در ماه تعیین می‌شود. ج - حق سرانه بیمه خدمات درمانی حق سرانه بیمه خدمات درمانی برای هر یک از زنان و کودکان بی سرپرست معادل رقم مصوب هر ساله از محل اعتبارات موضع ماده ۱۴ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور - مصوب ۱۳۷۳ - در اختیار کمیته امداد امام خمینی (ره) قرار می‌گیرد. کمیته یاد شده موظف است کلیه خانواده‌ها و افراد مشمول این آیین نامه را تحت پوشش بیمه خدمات درمانی درآورد. د - هزینه نگهداری بخشی از هزینه نگهداری و مراقبت از کودکان بی سرپرست و زنان سالمند مشمول، در مراکز نگهداری شبانه‌روزی غیر دولتی همچنین مراکزی که به شکل هیئت امنایی اداره می‌شوند، به صورت سرانه توسط سازمان بهزیستی تامین و پرداخت می‌شود. سازمان بهزیستی موظف است اولویت امر نگهداری افراد مشمول را در میان خانواده های داوطلب واجد صلاحیت فراهم کند و شرایط را با پرداخت هزینه سرانه نگهداری تعیین شده رعایت نماید و گسترش دهد. تبصره ۱ - هزینه نگهداری و مراقبت از مشمولان نیازمند در مراکز نگهداری وابسته به سازمان بهزیستی، کماکان از محل اعتبارات جاری این سازمان در برنامه های ذیربط تامین می‌شود و افرادی که در مراکز توانبخشی و حمایتی سازمان بهزیستی نگهداری می‌شوند، مشمول پرداخت‌های فوق قرار نمی‌گیرند. تبصره ۲ - اقدام به تامین مسکن مشمولان نیازمند در قالب سیاستها و اقدامات حمایتی دولت با استفاده از تسهیلات اعطایی بانکی صورت می‌گیرد. ماده ۷ - مبانی و میزان پرداخت مستمریهای مشمولان این آیین نامه در سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) هماهنگ و یکسان می‌باشد. ماده ۸ - در شرایطی که انجام و ارایه خدمات آموزشی و نگهداری مشمولان این آیین نامه در مراکز غیر وابسته به سازمان بهزیستی اعم از بخش دولتی و غیر دولتی یا در خانواده صورت گیرد، هزینه‌های مربوط به صورت سرانه از محل اعتبارات مصوب سالانه سازمان بهزیستی کشور و سازمانهای بهزیستی استانها پرداخت می‌شود. ماده ۹ - افراد و خانواده‌های تحت پوشش علاوه بر کسب موقعیت ها و شرایط موضوع ماده ۶ قانون، در صورت نیل به خوداتکایی و کسب توانایی لازم برای زندگی متعارف (به تشخیص مددکاران و تایید مدیران ذیربط مجاز به استفاده از حمایت‌های اقتصادی و دریافت مستمری نخواهند بود. ماده ۱۰ - سازمان بهزیستی کشور و سازمانهای بهزیستی استانها موظف به بررسی و تنظیم برنامه‌های اجرایی و ارایه و طرح آن در قالب بودجه عملیاتی سالانه پیشنهادی به سازمان برنامه و بودجه برای ایجاد تعادل لازم بین حجم و میزان فعالیت ها و اقدامات و منابع اعتباری قابل تخصیص سالانه هستند. ماده ۱۱ - سازمان

بهبودی کشور و سازمانهای بهزیستی استانها موظفند ضمن اعمال نظارت مستمر و برنامه‌ریزی شده بر مراحل اجرایی اقدامات، گزارش اقدامات و فعالیتهای انجام یافته را هر شش ماه یکبار به سازمان برنامه و بودجه ارسال کنند. ماده ۱۲ - در اجرای مواد ۷ و ۸ قانون، سازمان بهزیستی مکلف است موارد تخلف را پس از بررسی و تشخیص تخلفات به مراجع ذیصلاح قضایی منعکس و متخلفان را با تشکیل پرونده برای اعمال مجازاتهای مالی مقرر در ماده ۷ قانون معرفی کند. ماده ۱۳ - وزارت امور اقتصادی و دارایی به منظور نگهداری حساب مبالغ واریزی جرایم موضوع مواد ۷ و ۸ قانون، حساب جداگانه‌ای به عنوان سازمان بهزیستی کشور با رعایت تبصره ۱ ماده ۷ قانون افتتاح می‌کند. مبالغ واریز شده به حساب یاد شده همچنین مشارکتهای مردمی و هدایای نقدی مردم به سازمان بهزیستی در اجرای قانون، به عنوان بخشی از منابع تامین اعتبار اقدامات اجرایی قانون محسوب می‌شود. ماده ۱۴ - سازمان بهزیستی کشور موظف است مددکاران (ترجیحا مددکاران زن) خود را برای نظارت و آگاهی از وضعیت کودکان و زنان سالمند سپرده شده به خانواده‌های داوطلب و مراکز، اعزام کند.

قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلمی

(شماره ۱۷۱۴۱۳۸۷۲ روزنامه رسمی کشور) ماده واحده رای وحدت رویه شماره ۳۷ مورخ ۱۹ ۱۳۶۳ هیات عمومی دیوان عالی کشور، عینا و به شرح ذیل به تصویب رسید نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و این که به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان در دادگاهها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده فلذا دادگاه ها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیتنامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمة در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند این رای برابر ماده ۴۳ قانون امور حسبی و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است

قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی - مصوب ۱۳۷۴ ۹ ۲۲

ماده ۱ - ورود هر نوع شیر خشک و غذاهای کمکی شیرخوار، باید با رعایت قانون مقررات صادرات و واردات کشور صورت گیرد و شیرخشک فقط از طریق داروخانه ها توزیع شود. تبصره ۱ - وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مقررات مربوط به ورود انواع مجاز و مقدار مورد نیاز و جانشین شونده های شیر مادر (شیرخشک و غذاهای کمکی شیرخوار) را تهیه و اعلام نماید. وزارت بازرگانی موظف به مراعات مقررات مزبور می‌باشد. تبصره ۲ - موارد ضرورت تجویز پزشکی و همچنین نحوه عرضه و فروش در بازار مصرف و ارائه مستقیم و غیر مستقیم انواع شیرخشک و جانشین شونده ها در شبکه بهداشتی - درمانی کشور طبق ضوابطی خواهد بود که توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین و اعلام خواهد شد. ماده ۲ - انتشار هر گونه جزوه، کتاب، نشریه و نظایر آن در مورد تغذیه شیرخوار با انواع شیرخشک و جانشین شونده های شیر مادر در کلیه موارد منوط به رعایت ضوابط و معیارهایی خواهد بود که توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین خواهد شد. ماده ۳ - مرخصی زایمان تا سه (۳) فرزند برای مادرانی که فرزند خود را شیر می‌دهند در بخش های دولتی و غیردولتی چهار (۴) ماه می‌باشد. تبصره ۱ - مادرانی شیرده پس از شروع به کار مجدد در صورت ادامه شیردهی می‌توانند حداکثر تا ۲۰ ماهگی کودک روزانه یک ساعت از مرخصی (بدون کسر از مرخصی استحقاقی) استفاده کنند. تبصره ۲ - امنیت شغلی مادران پس از پایان مرخصی زایمان و در

حین شیردهی باید تامین شود. تبصره ۳- مرخصی زایمان برای وضع حمل های دوقلو، پنج ماه و برای زایمان های سه قلو و بیشتر، یکسال با استفاده از حقوق و فوق العاده های مربوط تعیین می شود. ماده ۴- دستگاههای دولتی و وابسته به دولت از جمله سازمان هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و دیگر دستگاههایی که به لحاظ مقررات خاص استخدامی مشمول قانون کار نیستند موظف به ایجاد تسهیلات مناسب برای تغذیه شیرخوارگان با شیر مادر در جوار محل کار کارکنان زن می باشند. ماده ۵- به منظور سیاستگذاری، نظارت و تعیین نحوه آن بر اجرای این قانون کمیته ای با عنوان (کمیته سیاستگذاری، نظارت بر ترویج تغذیه با شیرمادر) در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تشکیل می شود. اعضای این کمیته که با حکم وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عضویت کمیته منصوب می شوند عبارتند از الف- معاون امور بهداشتی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ب- معاون امور دارو و درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ج- رئیس سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران د- دو نفر از اعضا کمیته کشوری ترویج تغذیه با شیرمادر. ه- یک نفر پزشک متخصص زنان و زایمان و- یک نفر پزشک متخصص اطفال ز- یک نفر متخصص علوم تغذیه ح- یک نفر روحانی آشنا به مبانی اسلام که حداقل ۶ سال دوره خارج فقه و اصول را طی کرده باشند. ط- یک نفر به نمایندگی از شورای فرهنگی- اجتماعی زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی خدمات کمیته سیاست گذاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر افتخاری می باشد. ماده ۶- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می تواند نسبت به تشکیل کمیته های ترویج تغذیه با شیرمادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی در استان ها اقدام نماید. کمیته های موضوع این ماده موظف خواهند بود نتایج اقدامات خود را به کمیته سیاست گذاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیرمادر در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گزارش نمایند. ماده ۷- شرح وظایف و اختیارات کمیته های موضوع این قانون در حدود صلاحیت و شرایط اجرای تصمیمات آنها و نحوه انتخاب و ترکیب اعضای کمیته های استانی به موجب آیین نامه ای خواهد بود که بنا به پیشنهاد وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به تصویب هیأت وزیران می رسد. در هر حال تصمیمات کمیته های موضوع مواد ۵ و ۶ در صورت تایید وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا مقام مجاز از سوی وی قابل ابلاغ خواهد بود. ماده ۸- اعضا کمیته های موضوع این قانون و مأمورین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مجازند از مراکز ارائه دهنده خدمات بهداشتی و درمانی، داروخانه ها و سایر موسساتی که در ارتباط با تولید و توزیع جانشین شونده های شیر مادر فعالیت می کنند بازدید به عمل آورند. این گونه موسسات مکلف به همکاری می باشند. ماده ۹- متخلفین از اجرای این قانون، با رعایت مراتب و دفعات جرم، به تعزیر از قبیل نصب پارچه تخلف بر سر در داروخانه، تعطیل موقت آن، قطع موقت بعضی خدمات شهری یا جزای نقدی از یک تا صد میلیون ریال و در صورت تکرار جرم به حداکثر تعزیر و جزای نقدی در محاکم صالحه محکوم می گردند. ماده ۱۰- آیین نامه اجرایی این قانون ظرف دو ماه بنا به پیشنهاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. ماده ۱۱- کلیه قوانین مغایر با این قانون لغو می گردد.

آیین نامه اجرایی قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی - مصوب ۱

ماده ۱- ورود شیرخشک (شیر مصنوعی) و غذاهای کمکی شیرخوار منحصرأ توسط اشخاص حقیقی و حقوقی که ضوابط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را رعایت می کنند مجاز است ماده ۲- کلیه دستگاههای دولتی و غیر دولتی مکلف به اجرای ضوابط تعیین شده توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، موضوع تبصره های (۱) و (۲) ماده (۱) و ماده (۲) قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی که از این پس قانون نامیده می شود هستند. ماده ۳- اعطای چهارمین ماه مرخصی زایمان منوط به گواهی پزشک متخصص اطفال یا پزشک مرکز بهداشتی- درمانی (شهری و روستایی همراه باشناسنامه شیرخوار (برای احراز عدم استفاده از شیرخشک) است، مگر اینکه مطابق مقررات دیگر برای آنها مرخصی زایمان

بیشتری پیش بینی شده باشد. تبصره - بانوانی که در طول بارداری با تایید پزشک معالج از مرخصی استعلاجی استفاده می کنند ، از چهارماه مرخصی زایمان بهره مند خواهند بود ومدت مرخصی استعلاجی از مرخصی زایمان آنان کسر نخواهد شد. ماده ۴ - استفاده از مرخصی ساعتی تا سن (۲۰) ماهگی کودک ، منوط به ارایه گواهی مرکز بهداشتی - درمانی مبنی بر تغذیه شیرخوار توسط مادر است تبصره - بانوان مشمول قانون کار تابع ضوابط مربوط به خود هستند. ماده ۵ - مادران مشمول این آیین نامه پس از پایان مرخصی زایمان و در دوران شیردهی ، باید در کار قبلی خود اشتغال یابند. در این دوران نقل و انتقال آنها ممنوع است ماده ۶ - مادران مشمول این آیین نامه می توانند طی ساعات مقرر کار روزانه ، حداکثر از یک ساعت مرخصی ساعتی استفاده کنند. مادران یاد شده می توانند بر حسب نیاز کودک مرخصی مزبور را حداکثر در سه نوبت استفاده کنند. تبصره ۱ - وزارتخانه ها ، موسسات و شرکت های دولتی و موسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است موظفند متناسب باتعداد مادرانی که فرزند خود را شیر می دهند ، نسبت به ایجاد محل مناسب اقدام کنند. تبصره ۲ - ضوابط مربوط به ایجاد شیرخوارگاه و مهد کودک در کارگاه های مشمول قانون کار ، بر اساس ماده (۷۸) قانون کار و آیین نامه اجرایی شیرخوارگاه ها و مهد کودک هاست ماده ۷ - وظایف و اختیارات (کمیته سیاستگزاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر) به شرح زیر است ۱ - تداوم سیاست ترویج تغذیه با شیرمادر. ۲ - تعیین چگونگی برآورد نیاز و نظارت بر ورود ، عرضه و فروش شیرخشک و غذاهای کمکی شیرخوار و ابلاغ آن به مراجع ذی ربط ۳ - تعیین چگونگی نظارت بر توزیع صحیح شیرخشک در سیستم شبکه های بهداشتی ، درمانی کشور و ابلاغ آن به مراجع ذی ربط ۴ - نظارت بر حسن اجرای برنامه های آموزشی ، تبلیغاتی و تحقیقاتی ۵ - بررسی تخلفات و ابلاغ آن به مراجع ذی ربط ۶ - تعیین چگونگی استفاده از تحقیقات به عمل آمده در زمینه شیر مادر و تغذیه کمکی ۷ - نظارت بر فعالیت های کمیته های استانی ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی تبصره ۱ - کمیته موضوع این ماده می تواند برای انجام هر چه بهتر وظایف خود گروه های اجرایی ایجاد کند. تبصره ۲ - دستورالعمل چگونگی تشکیل جلسات و اداره آن ، توسط کمیته مزبور تنظیم شده و به تصویب وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی می رسد. ماده ۸ - تصمیم های کمیته سیاستگزاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر ، پس از تصویب وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی لازم الاجرا است ماده ۹ - معاون امور بهداشتی وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ، رییس کمیته سیاستگزاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر بوده و موظف است جلسات را به طور منظم تشکیل دهد. ماده ۱۰ - وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی می تواند نسبت به تشکیل (کمیته های ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی) در استان هایی که مقتضی بداند با ترکیب زیر اقدام کند ۱ - معاون امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی استان ۲ - معاون دارو و درمان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی استان ۳ - رییس نظام پزشکی مرکز استان ۴ - دو نفر از اعضای کمیته استانی ترویج تغذیه با شیر مادر. ۵ - یک نفر پزشک متخصص زنان و زایمان ۶ - یک نفر متخصص یا کارشناس علوم تغذیه ۷ - یک نفر ماما. ۸ - یک نفر پرستار. افراد موضوع این ماده با حکم رییس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی استان منصوب می شوند. خدمات کمیته استانی افتخاری است ماده ۱۱ - وظایف و اختیارات کمیته های استانی ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی به شرح زیر است ۱ - نظارت بر چگونگی برآورد نیاز استان به شیر مصنوعی و توزیع صحیح آن ۲ - نظارت بر حسن اجرای برنامه های آموزشی ، تبلیغاتی ، انتشاراتی و تحقیقاتی ۳ - ارایه گزارش اقدام های انجام شده به کمیته سیاستگزاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر. ۴ - انجام امور محول شده از سوی کمیته سیاستگزاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیرمادر. ماده ۱۲ - معاون امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی استان ، رییس کمیته ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی استان بوده و موظف است جلسات را به طور منظم تشکیل دهد. ماده ۱۳ - تصمیم های کمیته استانی ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی ، پس از تصویب وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی در استان مربوط قابل

اجرا است ماده ۱۴- دانشگاه‌های علوم پزشکی و اعضای کمیته های موضوع قانون بر حسن اجرای قانون و این آیین نامه در موسسات تولید کننده و توزیع کننده نظارت کامل داشته و در صورت مشاهده تخلفات موضوع قانون ، مراتب را در کمیته های استانی مطرح و در صورت تایید ، موضوع را به مراجع ذی صلاح برای تعقیب متخلفان اعلام می کنند.

قانون اعتبار گواهی بنیاد شهید انقلاب اسلامی در خصوص صدور حکم موت فرضی غایبان مفقودالثر انق

(شماره ۳۰۲۱۵۲۰۸۷۶ روزنامه رسمی) ماده واحده - درج آگهی مطابق مواد (۱۰۲۳) قانون مدنی و (۱۵۵) قانون امور حسبی در مورد صدور حکم موت فرضی کسانی که در جریان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مفقودالثر شده‌اند ضرورت ندارد و گواهی صادر شده توسط عالیترین مقام اجرایی بنیاد شهید انقلاب اسلامی برای مرجع رسیدگی کننده به تقاضای صدور حکم موت فرضی ، کافی می باشد.

قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی در خصوص مهریه

ماده واحده - یک تبصره به شرح ذیل به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی الحاق می گردد تبصره - چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تادیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند. آیین نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. (۱) رای وحدت رویه ۶۴۷ - ۲۸۱۰۱۳۷۸ ... منظور مقنن از تصویب ماده واحده الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶ با توجه به عبارات صدر تبصره و فلسفه وضع آن حفظ ارزش ریالی مهریه زوجه است که معمولاً به حسب وجه رایج (ریالی) تعیین می شود اگرچه تاریخ وقوع عقد ازدواج مربوط به زمان قبل از تصویب تبصره مزبور باشد با این وصف قانون مرقوم (تبصره الحاقی با ماده ۴ قانون مباینتی ندارد) رای وحدت رویه شماره ۶۳۳ - ۱۴۲۱۳۷۸ گرچه طبق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی مادام که مهریه زوجه تسلیم نشده ، در صورت حال بودن مهر ، زن می تواند از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دار امتناع کند و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود لکن مقررات این ماده صرفاً به رابطه حقوقی زوجه و عدم سقوط حق مطالبه نفقه زن مربوط است و از نقطه نظر جزایی با لحاظ مدلول ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) مصوب ۲۳۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی که به موجب آن حکم به مجازات شوهر به علت امتناع از تادیه نفقه زن به تمکین زن منوط شده است و با وصف امتناع زوجه از تمکین ولو به اعتذار استفاده از اختیار حاصله از مقررات ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی حکم به مجازات شوهر نخواهد شد و در این صورت حکم شعبه دوم دادگاه عمومی تهران مشعر بر برائت شوهر از اتهام ترک انفاق زن که با این نظر مطابق دارد با اکثریت قریب به اتفاق آراء صحیح و قانونی تشخیص می شود. این رای وفق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مردادماه ۱۳۳۷ برای دادگاههای در موارد مشابه لازم الاتباع است

آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی - مصوب ۱۳۱۷۷

ماده ۱ - چنانچه مهریه وجه رایج باشد مرجع صالح بنا به درخواست هر یک از زوجین میزان آن را با توجه به تغییر شاخص قیمت سال زمان ادیه نسبت به سال وقوع عقد محاسبه و تعیین می نماید. تبصره - در صورتی که زوجین در حین اجرای عقد در خصوص

محاسبه و پرداخت مهریه وجه رایج به نحو دیگری تراضی کرده باشند مطابق تراضی ایشان عمل خواهد شد. ماده ۲ - نحوه محاسبه مهریه وجه رایج بدین صورت است متوسط شاخص بها در سال قبل تقسیم بر متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد ضربدر مهریه مندرج در عقد نامه ماده ۳ - در مواردی که مهریه زوجه باید از ترکه زوج متوفی پرداخت شود تاریخ فوت مبنای محاسبه مهریه خواهد بود. ماده ۴ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف به انجام موارد زیر می‌باشد الف - شاخص های بهای سالهای قبل از اجرای این قانون را تهیه و در اختیار قوه قضاییه قرار دهد. ب - شاخص بهای مربوط به هر سال را به طور سالیانه حداکثر تا پایان خرداد تهیه و به قوه قضاییه اعلام نماید. ماده ۵ - دادگاهها و ادارات ثبت اسناد و املاک موظفند در محاسبه میزان مهریه وجه رایج مطابق ماده (۲) و در تعیین تغییر شاخص قیمت مهریه براساس شاخصهای مقرر در ماده (۴) این آیین نامه اقدام نمایند. ماده ۶ - در صورتی که زوجه برای وصول مهریه به دادگاه صالح دادخواست تقدیم نماید هزینه دادرسی به میزان بهای خواسته بر اساس مهرالمسمی بازوجه است و در صورت صدور حکم به نفع وی، زوج علاوه بر پرداخت مهریه طبق ضوابط این آیین نامه مسوول پرداخت هزینه دادرسی به مقدار مهرالمسمی و ابطال تمبر به میزان مابه التفاوت خواهد بود. ماده ۷ - در صورتی که زوج تقاضای صدور اجازه طلاق نماید دادگاه مکلف به تعیین تکلیف مهریه بر اساس این آیین نامه و بر طبق ضوابط و مقررات جاری خواهد بود.

نحوه محاسبه ارزش مهریه وجه رایج کشور

بر اساس ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب مورخ ۱۳۷۷/۲/۱۳ هیات محترم وزیران، نحوه محاسبه ارزش فعلی مهریه به ترتیب ذیل می‌باشد = ارزش مهریه در حال حاضر عدد شاخص در سال قبل مبلغ مهریه مندرج در عقد نامه عدد شاخص در سال وقوع عقد بطور مثال اگر ازدواجی با مبلغ مهریه ۲۰۰۰۰۰ ریال در سال ۱۳۵۲ تحقق یافته و قرار باشد مبلغ مذکور در حال حاضر تادیه گردد، برای محاسبه مبلغ مهریه در حال حاضر (سال ۱۳۸۴) از رابطه ذیل استفاده می‌گردد = ارزش مهریه در حال حاضر عدد شاخص در سال ۱۳۸۳ / مبلغ مهریه مندرج در عقد نامه عدد شاخص در سال ۱۳۵۲ (سال ۱۳۸۴) بر اساس رابطه فوق و با توجه به اعداد شاخص که در جدول پیوست آمده است ۲۰۰ ریال $28461274 = 42884375$ (سال ۱۳۸۴) ریال $42884375 = 000$ در نتیجه مهریه قابل پرداخت در سال ۱۳۸۴ (زمان تادیه معادل 42884375 ریال می‌باشد. بدیهی است که تا سال ۱۳۸۴ به پایان نرسد، صورت کسر فوق، شاخص سال ۱۳۸۳ یعنی عدد 46274 خواهد بود و بعد از اتمام سال ۱۳۸۴ و ورود به سال ۱۳۸۵ شاخص سال ۱۳۸۴ جایگزین شاخص ۱۳۸۳ خواهد گردید.

قانون واگذاری قیمومت محجورین تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور به سازمان مذکور - مصوب سال ۲۹

ماده واحده - در کلیه مواردی که سازمان بهزیستی کشور متکفل امور فرد محجوری می‌گردد که محتاج نصب قیم باشد مکلف است جهت نصب قیم موضوع را به مراجع قضایی مربوطه اعلام نماید. تا زمانی که دادگاه فرد معینی را به عنوان قیم نصب نکرده در موارد ضروری رییس دادگستری محل می‌تواند رییس سازمان بهزیستی کشور و مدیران کل و روسای ادارات بهزیستی محل را با حق توکیل به غیر موقتاً به عنوان نماینده قانونی محجورین با اختیارات و مسوولیت های قانونی قیم منصوب نماید. تشخیص ضرورت به عهده سازمان مذکور می‌باشد. تبصره - تهیه و تصویب آیین نامه اجرایی این قانون ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون به عهده وزارت دادگستری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد.

ماده ۱- به وزارت کشور (اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی اجازه داده می‌شود در صورت تقاضای ثبت ازدواج از سوی مرد تبعه ایران با زن تبعه خارجه دارای کارت هویت ویژه اتباع خارجی با رعایت مقررات این آیین نامه مجوز ثبت ازدواج را صادر نماید. ماده ۲- برای تشکیل پرونده متقاضیان باید مدارک زیر را تهیه و تسلیم نمایند ۱- درخواست نامه مرد و زن مبنی بر تقاضای صدور مجوز ثبت ازدواج، طبق نمونه وزارت کشور ۲- ارایه اصل و رونوشت شناسنامه مرد و کارت هویت معتبر زن ۳- گواهینامه از مراجع رسمی کشور متبوع زن مبنی بر تصدیق هویت وی تبصره- در صورتی که تهیه گواهینامه مذکور برای متقاضی امکان پذیر نباشد وزارت کشور می‌تواند بدون دریافت مدرک فوق اقدام به تشکیل پرونده نماید. ماده ۳- وزارت کشور در خصوص هویت و صلاحیت زن خارجی مراتب را از وزارت اطلاعات- امور بیگانگان- استعلام و مجوز ثبت ازدواج را صادر خواهد نمود. تبصره ۱- مراجع مذکور می‌توانند اختیارات خود را به ادارات تابعه در استانها واگذار نمایند. تبصره ۲- مراجع ذی ربط در صورت صدور مجوز ثبت ازدواج واقعه را ثبت خواهند نمود و وفق ماده (۹۷۶) قانون مدنی جهت زوجه شناسنامه صادر خواهد شد. این تصویب نامه در تاریخ ۲۱۱۱۳۸۱ به تایید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است

آیین نامه زناشویی بانوان با اتباع بیگانه غیر ایرانی - مصوب ۱۳۴۵/۶ هیات وزیران

ماده ۱- به وزارت کشور اجازه داده می‌شود پروانه اجازه زناشویی بانوان ایرانی را با اتباع بیگانه با رعایت مقررات این آیین نامه صادر نماید. ماده ۲- با رای صدور پروانه فوق متقاضیان باید مدارک زیر را تهیه و تسلیم دارند ۱- درخواست نامه مرد و زن مبنی بر تقاضای صدور پروانه اجازه زناشویی طبق نمونه وزارت کشور. ۲- گواهینامه از مرجع رسمی کشور متبوع مرد مبنی بر بلامانع بودن ازدواج با زن ایرانی و به رسمیت شناختن ازدواج در کشور متبوع مرد. در صورتی که تهیه گواهینامه مذکور برای متقاضی امکان پذیر نباشد وزارت کشور می‌تواند بدون دریافت مدرک فوق در صورت رضایت زن پروانه زناشویی را صادر نماید. ۳- در صورتی که مرد غیرمسلمان و زن مسلمان باشد، گواهی یا استشهاد شرف مرد به دین مبین اسلام ماده ۳- وزارت کشور در صورت تقاضای زن علاوه بر مدارک مذکور در ماده ۲ مدارک زیر را نیز از مرد بیگانه مطالبه خواهد نمود ۱- گواهینامه مبنی بر اینکه مرد مجرد است یا متاهل، از مرجع رسمی محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد. ۲- گواهی نداشتن پیشینه بد و محکومیت کیفری مرد از مراجع رسمی محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد و همچنین گواهی عدم سو پیشینه کیفری از مراجع کشور در صورتی که مرد بیگانه در ایران اقامت داشته باشد. ۳- گواهی از مراجع محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد مبنی بر وجود استطاعت و مکنت زوج و همچنین تعهدنامه ثبتی از طرف مرد بیگانه مبنی بر اینکه متعهد شود هزینه و نفقه زن و اولاد و هرگونه حق دیگری که زن نسبت به او پیدا کند در صورت بدرفتاری یا ترک و طلاق پرداخت نماید. تبصره- در مواردی که وزارت کشور مصلحت بداند، برای حسن انجام وظایفی که طبق مقررات و قوانین ایران زوج در قبال زوجه دارد از قبیل حسن رفتار و انفاق در تمام مدت زناشویی و ادای واجبات مالی زوجه و اولاد تحت حضانت وی و امثال آن و همچنین در مواردی که تفریق پیش آید برای پرداخت هزینه مراجعت همسر مطلقه تا محل سکونت زن در ایران می‌تواند تضمین متناسب از شوهر مطالبه نماید. فرم تعهدنامه و تضمینی که در این قبیل موارد باید اخذ شود و چگونگی استفاده از ضمانت نامه را، وزارت کشور تهیه خواهد نمود. ماده ۴- وزارت کشور می‌تواند به استانداری ها و فرمانداری های کل و همچنین با موافقت وزارت امور خارجه به بعضی از نمایندگان سیاسی و کنسولی ایران در خارجه اختیار دهد که طبق مقررات این آیین نامه پروانه زناشویی را مستقیماً در محل صادر نموده و مراتب را به ثبت احوال اعلام دارند. ص ۷۰۰ ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی

اوقاف

آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه - مصوب ۱۰ ۲۱ ۱۳۶۵

ماده ۱- منظور از کلمه سازمان در این آیین نامه سازمان حج و اوقاف و امور خیریه است ماده ۲- اداره حج و اوقاف و امور خیریه هر حوزه امور مربوط به همان حوزه را انجام خواهد داد و در صورتی که رقبات یک موقوفه در حوزه های مختلف واقع شده باشد اداره حج و اوقاف و امور خیریه به محل مصرف مسیول رسیدگی به بودجه و حساب موقوفه خواهد بود و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه محل وقوع رقبات دیگر این گونه موقوفات به سایر امور رقبات واقع در همان حوزه رسیدگی می نمایند. در صورتی که موقوفه دارای رقبات متعدد و در حوزه های مختلف واقع و مصرف هر رقبه در همان حوزه باشد، رسیدگی به بودجه و حساب و اداره موقوفه به عهده اداره حج و اوقاف و امور خیریه همان حوزه می باشد. تبصره - چنانچه در مورد این صلاحیت ابهام و اختلافی بین ادارات حج و اوقاف و امور خیریه پیش بیاید نظر سرپرست سازمان معتبر است ماده ۳- اداره امور اماکن مذهبی اسلامی از قبیل بقاع متبرکه و غیره بجز آنچه که در تبصره ۲ ماده ۱ قانون استثنا شده و اماکنی که برای اداره آنها ترتیب خاصی داده نشده است به عهده ادارات حج و اوقاف و امور خیریه بوده و می توانند برابر ماده ۵ قانون و تبصره های ذیل آن و آیین نامه مربوطه، اشخاصی را به عنوان هیات امنا انتخاب نمایند. تبصره - عرصه و اعیان مساجد، مدارس، علوم دینی و تکایا رقبه موقوفه است ولی ادارات حج و اوقاف و امور خیریه در شیون داخلی آنها از قبیل تعیین امام جماعت و انجام مراسم مذهبی دخالت نخواهند داشت ماده ۴- ادارات اوقاف و امور خیریه در مورد موقوفات خاصه که فاقد متولی منصوص بوده و یا به تشخیص سازمان معتمد یا محل وثوق نباشند، به منظور رعایت مصلحت وقف و بطون لاحق، با تشخیص و اجازه نماینده ولی فقیه و تا زمان رفع مانع نسبت به اداره امور موقوفه اقدام خواهند کرد. ماده ۵- در موقوفات (اعم از عام و خاص، موضوع قسمت اخیر بند (۱) ماده (۱) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه در صورت اختلاف موقوف علیهم و همچنین در موارد تعدی و تفریط متولی و ناظر یا به خطر افتادن مصالح بطون لاحق طبق ماده (۷) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه بنا به درخواست ادارات اوقاف و امور خیریه و تشخیص شعبه تحقیق و حکم دادگاه تعیین تکلیف و اقدام خواهد شد. ماده ۶- اداره امور موسسات و انجمن های خیریه ای که از طرف دولت و یا سایر مراجع ذیصلاح به عهده سازمان یا واحدهای تابعه گذاشته شده یا می شود طبق اساسنامه های مصوبه هریک خواهد بود و در مورد سایر موسسات خیریه با توجه به قانون مالیات های مستقیم چنانچه موسسات مذکور جهت مفاصا حساب مالیاتی یا به هر جهت دیگری که احتیاج به گواهی داشته باشند مراجعه نمایند ادارات حج و اوقاف و امور خیریه می توانند نحوه عملکرد اینگونه موسسات را بررسی نموده و در صورت تایید گواهی صادر نمایند. تبصره - گواهی فوق به موسسات خیریه ای داده خواهد شد که در اساسنامه آنها پیش بینی شده باشد در صورت انحلال موسسه اموال و دارایی آن با اجازه نماینده ولی فقیه صرف امور خیریه گردد. ماده ۷- ادارات حج و اوقاف و امور خیریه موظفند گورستانهای متروکه موقوفه واقع در حوزه عمل خود را مشخص و در صورتیکه فاقد متولی باشد با توجه به موقعیت آنها برنامه های متناسب وفق موازین شرعی در امور خیریه جهت بهره برداری از آنها تنظیم و به سازمان پیشنهاد نمایند تا با تصویب سرپرست سازمان به مرحله اجرا گذاشته شود. ماده ۸- اداره کل تحقیق سازمان وظایفی را که طبق قانون برعهده دارد به وسیله شعب حقوقی و حسابرسی انجام خواهد داد طرز تشکیل و رسیدگی و وظایف شعب تحقیق بر طبق آیین نامه مربوطه خواهد بود. ماده ۹- متولی امین موقوفه بوده و موظف است مطابق قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و سایر قوانین و مقررات مربوطه و در صورت ابهام و یا فقدان مقررات خاص طبق احکام شرع و با عنایت کامل به مندرجات وقفنامه موقوفه تحت تولیت خود را اداره کند و در حفظ عین، منافع، حقوق و حدود موقوفه اقدام و در اجرای نیت خیر واقف کوشش نماید. ماده ۱۰- متولیان موظفند در اسرع وقت نسبت به

ثبت رقبات تحت تولیت خود مبادرت نمایند و همچنین در مواردی که از طرف اشخاص تقاضای ثبت موقوفه به عنوان ملک شود اعتراض و در مراجع صالحه اقامه دعوی بنمایند و در مواردی که موقوفه به نحوی از انحا بدون مجوز شرعی به ملکیت اشخاص در آمده با رعایت ماده واحده قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳ ۱۲۸ و آیین نامه اجرایی آن نسبت به احیای موقوفه اقدام و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه محل را در جریان اقدامات خود قرار دهند تا همکاری لازم معمول گردد. تبصره ۱ - متولیان موظفند در اجرای ماده ۹ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و تبصره ذیل آن به هنگام طرح هر گونه دعوی یا اعتراض بر ثبت نسخه‌ای از دادخواست یا اعتراض نامه تنظیمی را به ادارات حج و اوقاف و امور خیریه محل تسلیم و رسید دریافت دارند تا ادارات مذکور در این قبیل موارد برای حفظ حقوق موقوفه جریان دعوی را مستمرا مراقبت و در صورت لزوم در دعوی مطروحه وارد و در جهت حفظ حقوق وقف اقدام نمایند. تبصره ۲ - ادارات حج و اوقاف و امور خیریه مکلفند در صورتی که متولیان نسبت به تقاضای ثبت اعتراض بر ثبت واقعه دعوی و پیگیری آن در مواعد قانونی به وظایف خود عمل نمایند برای حفظ حقوق وقف در موعده قانونی رأسا نسبت به موارد مذکور اقدام نمایند. تبصره ۳ - سازمان و موقوفات عام و اماکن مذهبی اسلامی، مدارس علوم دینی و موسسات و بنیادهای خیریه به موجب تبصره ذیل ماده ۹ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه از پرداخت مخارج و هزینه‌های دادرسی و همچنین از پرداخت حق الثبت و بقایای ثبتی و هزینه‌های اجرایی معاف می‌باشند. ماده ۱۱ - به منظور رعایت مصلحت وقف و بهره برداری صحیح باید رقبات موقوفه را با توجه به مفاد وقفنامه و قوانین مربوطه و با جلب نظر کارشناس رسمی یا خبره محلی و رعایت شرایط زیر از طریق مزایده به اجاره واگذار نمود الف - خسارات احتمالی حتی الامکان به عهده مستاجر باشد. ب - از مستاجر باید ضامن معتبر و یا وثیقه مناسب برای تادیه حقوق موقوفه و تخلیه و تحویل آن در پایان مدت اخذ شود. ج - حق انتقال مورد اجاره از طرف مستاجر به غیر حسب مورد موکول به موافقت کتبی متولی و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه باشد، بدیهی است رعایت آیین نامه نحوه وصول پذیره و اهدایی الزامی است د - مدت اجاره نباید بیش از ده سال باشد مگر با جلب موافقت سرپرست سازمان ه - از پیشنهاد دهندگان برابر ده درصد مبلغ پیشنهادی بعنوان سپرده اخذ شود. و - حداقل مال الاجاره براساس نظر کارشناس رسمی یا خبره محلی و به نرخ عادلانه روز و سایر شرایط لازم در آگهی مزایده قید گردد. ز - اجاره نامه باید رسمی باشد و در مواردی که تنظیم اجاره نامه رسمی میسر نیست قرار داد تنظیم گردد. تبصره ۱ - در مورد رقباتی که در آمد سالیانه آنها تا دوست هزار ریال می‌باشد مزایده الزامی نیست مشروط بر اینکه میزان اجاره از طرف کارشناس رسمی یا خبره محلی با توجه به نرخ عادلانه روز تعیین شده باشد. تبصره ۲ - آگهی مزایده باید متضمن شرایط مذکور در ماده قبل و هر گونه اطلاعات باشد و در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی نیز منتشر شود فاصله انتشار آگهی تا تاریخ قرایت پیشنهادها کمتر از ۱۵ روز و بیشتر از ۳۰ روز نخواهد بود. ماده ۱۲ - در مورد موقوفاتی که عرصتا و اعیانا وقف است اعطای حق تملک اعیان به مستاجر ممنوع می‌باشد در بعضی موارد استثنایی تملک اعیان مستحدثه به وسیله مستاجر با تصویب سرپرست سازمان مجاز است و این موضوع در مورد باغ‌های موقوفه و همچنین در مورد موقوفات خاص نیز جاری است ماده ۱۳ - اجاره اراضی و رقبات بلا- معارض موقوفه مورد نیاز وزارتخانه‌ها و موسسات وابسته و نهادهای انقلاب اسلامی با رعایت صلاح و غبطه وقف براساس نظر کارشناس رسمی یا خبره محلی بر مبنای نرخ عادلانه روز بدون انجام مزایده و با رعایت آیین نامه نحوه وصول پذیره و اهدایی مجاز است و در موارد دیگر با رعایت مصالح وقف و یا تصویب سرپرست سازمان و بر مبنای نظریه کارشناس رسمی یا خبره محلی و به نرخ عادلانه روز انجام مزایده الزامی نخواهد بود. ماده ۱۴ - کمیسیون مزایده از مسیول اداره حج و اوقاف و امور خیریه نماینده اداره امور اقتصادی و دارایی محل و متولی موقوفه تشکیل می‌شود، در صورتی که موقوفه بدون متولی باشد نماینده دادستان عمومی شهرستان در جلسه شرکت خواهد نمود. تبصره ۱ - در مواردی که پیشنهادی نرسیده و یا پیشنهادات واصله به نظر کمیسیون مزایده مخالف مصالح وقف تشخیص داده شود مزایده یکبار دیگر تجدید می‌شود و

در صورت تکرار وضعیت اولیه ، تکلیف به وسیله اکثریت اعضای کمیسیون مذکور تعیین خواهد شد. تبصره ۲- درمورد آن قسمت از باغات موقوفه که فروش سر درختی آنها از طریق دید به حال موقوفه مفید باشد می‌توان فروش را منحصر به یک فصل و مزایده را بر طبق عرف و عادات محل و با نظر کارشناس و یا خبره محلی به طور حضوری انجام داد. تبصره ۳- در صورت تساوی پیشنهادات واصله برنده مزایده با نظر اکثریت اعضای کمیسیون تعیین خواهد شد. تبصره ۴- رقبات موقوفات مشمول قانون ابطال اسناد فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه برابر آیین نامه اجرایی آن به اجاره واگذار می‌شود. ماده ۱۵- اراضی موقوفه مشمول قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه که در محدوده خدمات شهری واقع شده و در حال حاضر کاربری زراعی ندارد با تایید مقامات ذیصلاح و تامین و پرداخت حقوق مکتسبه زراعین صاحب نسق طبق مفاد این آیین نامه برای امور ساختمانی مجاز به اجاره واگذار خواهد شد. ماده ۱۶- متولی موظف است نسبت به وصول مطالبات موقوفه و نیز برای روشن نمودن وضع موقوفه در اجرای قانون ابطال اسناد فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه به موقع اقدام کند. ماده ۱۷- متولیان و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه مکلفند اقدامات خود را نسبت به اجرای مواد ۱ و ۴- لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امان و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد مصوب ۴۲۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی ایران همچنان به منظور احقاق حقوق موقوفات پیگیری نمایند. ماده ۱۸- وجوه حاصل از ضبط سپرده‌های مزایده موقوفات و اماکن مذهبی به حساب همان موقوفه یا مکان مذهبی واریز خواهد شد. ماده ۱۹- مخارج هر موقوفه به شرح زیر است الف- هزینه‌های مربوط به حفظ عین و بقا موقوفه و فراهم نمودن موجبات آبادانی رقبات آن . ب- تعمیرات جاری و هزینه‌های مربوط به بهره برداری از آن . ج- مالیات و عوارض و حق التولیه و حق النظاره و مخارج ثبتی و محاکماتی در صورت شمول د- مصارف مقرر در وقفنامه و یا سیره جاریه تبصره ۱- اعتبارات بند ج به وسیله متولی به مصرف می‌رسد ولی در مورد مصرف اعتبارات بندهای الف ، ب د اطلاع اداره حج و اوقاف و امور خیریه لازم است مگر در موقوفات منصوص التولیه در صورتی که مظنه تعدی و تفریط متولی نباشد. تبصره ۲- آن قسمت از مخارج بند (د) که تحصیل اسناد هزینه مقدور نباشد گواهی لازم با ذکر علت نوع و مشخصات هزینه با امضای مسئول اداره محل و متولی و متصدیان امور مالی حسب مورد تنظیم خواهد شد. ماده ۲۰- در موقوفاتی که دارای متولی منصوص و قادر به انجام وظایف شرعی و قانونی نمی‌باشند، متولی موظف است بودجه فردی موقوفات و اماکن مذهبی که حاوی مشخصات رقبات و ریز ارقام در آمد و هزینه ، موجودی ، بدهی و مطالبات می‌باشد را حداکثر در سه ماهه آخر هر سال برای سال آتی ، طبق مدلول وقف نامه و مطابق نمونه ای که سازمان معین می‌نماید ، در پنج نسخه به اختلاف مورد ، به شرح زیر تنظیم نماید الف- ادارات اوقاف و امور خیریه ، بودجه موقوفات متصرفی را ظرف مدت یک ماه از تاریخ تنظیم به اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مربوط ارسال می‌نمایند تا در صورتی که طبق مقررات و مدلول وقف نامه یا سیره جاریه تنظیم شده باشد، تایید و در غیر این صورت جهت رفع نقص اعاده نماید. ب- موقوفاتی که متولیان آنها در مظان تعدی و تفریط قرار دارند و با رعایت طرح توجیهی شماره ۵۹۳۱۱۲۰ مورخ ۱۳۶۹۷۲۳ و مجوز مورخ ۷۸۱۳۶۹ مقام معظم رهبری با نظارت سازمان اوقاف و امور خیریه اداره می‌شوند متولی مربوط بودجه تنظیمی را ظرف یک ماه برای بررسی و تایید به اداره اوقاف و امور خیریه محل تسلیم می‌نماید. تبصره ۱- یک نسخه از بودجه های تایید شده در موقوفات غیر متصرفی - موضوع بند (ب) - به متولی و در موقوفات متصرفی به حسابداری و یک نسخه به اداره موقوفات و امور خیریه محل و یک نسخه به اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مربوط و یک نسخه به اداره تحقیق مربوط و یک نسخه به سازمان ارسال خواهد شد و سازمان نیز به نوبه خود بودجه های واصله را مورد رسیدگی قرار داده و انطباق و یا عدم انطباق آن را با وقف نامه و مقررات و دستورالعمل های صادره به اداره اوقاف و امور خیریه محل اعلام می‌دارد. تبصره ۲- موقوفاتی که دارای متولی منصوص و قادر به انجام وظایف شرعی و قانونی هستند از تسلیم بودجه به ترتیب یاد شده مستثنی می‌باشند ، مگر آنکه طبق نظر شعب تحقیق و حکم دادگاه فاقد شرایط مذکور یا مشمول بند (ب) این ماده شوند. این متولیان

در هر حال به منظور تنظیم امور مالیاتی طبق قانون مالیاتهای مستقیم و آیین نامه و ضوابط مربوط جهت اخذ گواهی و مفاسد حساب عملکرد سالیانه موقوفه اقدام خواهند کرد. ماده ۲۱ - در مورد تعمیر و عمران موقوفات و تامین و انجام هزینه های مورد نیاز به ترتیب زیر اقدام خواهد شد الف - در موقوفاتی که واقف در صدی از درآمد را برای تعمیر و امور عمرانی پیش بینی کرده باشد طبق نیت واقف عمل خواهد شد. ب - در سایر موارد برای انجام تعمیرات و عمران موقوفات با رعایت ماده (۶) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه از درآمد موقوفه هزینه های لازم تامین و پرداخت خواهد شد. ج - ادارات اوقاف و متولیان می توانند در صورتی که مغایر وقف نامه نباشد از طرق دیگر نظیر اخذ وام نیز برای این منظور استفاده نمایند. ماده ۲۲ - در صورتی که منابع مذکور در ماده (۲۱) و عواید یک ساله موقوفه برای تعمیر یا بازسازی آن تکافو ننماید متولیان و ادارات اوقاف و امور خیریه و امنا می توانند درآمد دو یا چند سال موقوفه را به اضافه عواید موجود به مصرف برسانند. تبصره - حکم این ماده همچنین حکم ماده (۲۱) این آیین نامه در مورد اماکن مذهبی اسلامی با رعایت مقررات مربوط به این اماکن نیز جاری است ماده ۲۳ - مطالبات و صرفه جویی های سال های قبل هر موقوفه به عنوان در آمد خالص در بودجه هر سال منظور خواهد شد و چنانچه قبلا حق التولیه و حق النظاره از این مبلغ در یافت شده باشد مجددا احتساب نخواهد شد. ماده ۲۴ - با توجه به اینکه حفظ موقوفات از وظایف متولیان است و اموال وقف باید از اموال شخص متولی جدا و متمایز باشد متولیان موقوفات و امنای اماکن متبرکه مکلفند دفتر مخصوصی برای ثبت درآمد و هزینه موقوفه یا اماکن مزبور تنظیم نمایند و هر گاه در آمد سالانه آنها بیش از صد هزارریال باشد باید با معرفی اداره حج و اوقاف و امور خیریه حساب جداگانه ای به نام موقوفه یا مکان متبرکه در یکی از بانک ها افتتاح و عواید حاصله را به آن حساب واریز و هر گونه پرداخت را از طریق آن انجام دهند. تبصره - در مورد موقوفات و اماکنی که از طرف سازمان برای آنها امنایی منصوب شده است حساب مذکور با امضای مشترک (امنا و اداره حج و اوقاف و امور خیریه افتتاح خواهد شد. ماده ۲۵ - ادارات تحقیق بموجب ماده ۱۴ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مکلفند همه ساله از متولیان و امنای وقف و اماکن مذهبی و مدیران موسسات خیریه مشمول و نیز از ادارات حج و اوقاف و امور خیریه صورت حساب در آمد هزینه موقوفات و اماکن مذهبی و موسسات خیریه را مطالبه نمایند. صورتحساب مزبور باید طبق فصول بودجه فردی سالانه موقوفه یا مکان مذهبی و یا موسسه خیریه حد اکثر ظرف سه ماه بعد از ابلاغ در قبال اخذ رسیده اداره تحقیق و یا اداره حج و اوقاف و امور خیریه تسلیم شود، در صورتی که صورتحساب به اداره حج و اوقاف و امور خیریه تسلیم شده باشد اداره مزبور موظف است حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز صوت حساب مذکور را به اداره تحقیق مربوطه جهت رسیدگی و صدور مفاسد حساب ارسال دارند صورت حساب تسلیمی باید متضمن موارد زیر باشد ۱ - هر رقم از درآمد و هزینه باید حسب مورد دارای مدارک و اسناد هزینه معتبر باشد. ۲ - مانده حساب در آمد و هزینه سال قبل باید در صورت حساب سالانه مزبور ملحوظ شود. تبصره - ادارات تحقیق از متولیان منصوسی که در مظان تعدی و تفریط نباشند صورت حساب مطالبه نمی نمایند. ماده ۲۶ - متولیان موظفند در اجرای ماده ۶ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و تبصره ذیل آن و با رعایت مواد ۲۱ و ۲۲ این آیین نامه استعداد محل در نگهداری و جلوگیری از خرابی و انهدام و در آبادی موقوفه اهتمام نمایند. به طوری که حداقل هر پنج سال افزایش محسوسی در عایدات موقوفه حاصل شود. ماده ۲۷ - ادارات تحقیق موظفند همه ساله مفاسد حساب عملکرد سال قبل موقوفه را با رعایت ماده ۲۵ این آیین نامه صادر و حسب مورد به متولی یا امین و یا اداره حج و اوقاف و امور خیریه مربوطه تسلیم نمایند. در صورتی که عدم صدور مفاسد حساب ناشی از عمل متولی یا امین باشد شعب حسابرسی موارد تخلف را برای رسیدگی در جهت عزل یا ممنوعیت و یا ضم امین به شعب حقوقی تحقیق و برای برکناری امین به اداره حج و اوقاف و امور خیریه مربوطه اعلام خواهند داشت تبصره - شعب حسابرسی تحقیق اوقاف موظفند در آمد و هزینه کلیه موقوفاتی که اسناد آنها طبق ماده ۲۵ این آیین نامه به آنها ارجاع می شود پس از تکمیل پرونده ها حداکثر ظرف مدت یک ماه رسیدگی و تکلیف آنها را مطابق آیین نامه طرز

تحقیق و رسیدگی در شعب تحقیق اوقاف روشن نمایند و با متخلفین برابر مقررات رفتار خواهد شد. ماده ۲۸ - ادارات تحقیق موظفند همه ساله با ملاحظه بودجه ها و صورت حسابهای ارسالی از طرف متولیان و هیات های امناء ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و موسسات مشمول چنانچه به موارد تخلف برخورد نمودند مدارک لازم را جمع آوری و برابر ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و تبصره های مربوطه اقدام نمایند در خصوص تخلف امناء مراتب توسط اداره حج و اوقاف و امر خیریه محل به سرپرست سازمان گزارش و کسب تکلیف خواهد شد. ماده ۲۹ - متولیان مکلفند همه ساله مالیات قانونی موقوفه را در صورت شمول پرداخت نمایند و در صورتی که بر اثر تعلل در پرداخت جریمه ای به آن تعلق گیرد باید شخصا آن را جبران کنند. ماده ۳۰ - در مواردی که اداره امور موقوفه به حکم ولی فقیه یا قانون با سازمان است کلیه وظایف و مسئولیت های متولی به عهده سازمان خواهد بود. تبصره - هر نوع تخلفی که در مورد موقوفات غیر متصرفی موجب ممنوعیت و یا عزل متولی می شود در خصوص موقوفه متصرفی نیز تخلف محسوب و برابر مقررات اقدام خواهد شد. ماده ۳۱ - وجوه اهدایی به اماکن مذهبی اسلامی که جهت مشخصی برای مصرف آن تعیین نشده است و وجوه حاصل از فروش اموال منقول زاید بر احتیاج این قبیل اماکن با جلب نظر اداره حج و اوقاف و امور خیریه به وسیله هیات امناء و در مواردی که هیات امناء وجود نداشته باشد به وسیله ادارات حج و اوقاف و امور خیریه به ترتیبی که در ماده ۵ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و آیین نامه آن مشخص است به مصرف خواهد رسید. ماده ۳۲ - موارد زیر از جمله اموری است که انجام آنها موقوف به اجازه سرپرست سازمان که مازون از طرف ولی فقیه است خواهد بود ۱ - فروش رقبات موقوفه ونحوه تبدیل آن ۲ - اعطای حق تملک اعیان به مستاجر در موقوفاتی که عرصتا و اعیانا وقف است و این امر در مورد باغات موقوفه نیز جاری است . ۳ - اجاره بیش از ده سال ۴ - ترک مزایده در مورد اجاره موقوفه مشمول مزایده ۵ - استرداد دعاوی مطروحه در مراجع قضایی ۶ - ارجاع اختلافات به داوری و انتخاب داور یا داوران ۷ - نصب و عزل امناء موقوفات و بقاع متبرکه . تبصره - جهت بررسی و اظهار نظر مشورتی در خصوص مشکلات و معضلات و مسایل حقوقی و اوقافی سرپرست سازمان می تواند هیاتی به نام هیات فنی و حقوقی مرکب از افراد صاحب نظر که در سازمان اشتغال داشته باشند را انتخاب و تعیین نماید. ماده ۳۳ - حق التولیه متولی و یا سازمان در قبال اعمال تولیت نسبت به موقوفات و همچنین حق النظاره ناظر اعم از شخص و یا سازمان به میزان مقرر در وقفنامه خواهد بود و در صورتی که وقفنامه موجود نباشد و یا میزان حق التولیه و حق النظاره در آن معین نشده باشد حق التولیه به مقدار اجرت المثل معادل ده درصد در آمد خالص سالیانه و حق النظاره به مقدار اجرت المثل معادل پنج درصد همان در آمد خواهد بود. تبصره ۱ - در موارد استثنایی که درصدهای مندرج در این ماده با توجه به وضعیت موقوفه متناسب و متعارف نباشد با تایید سرپرست سازمان کسر یا اضافه می شود . تبصره ۲ - در مواردی که سرپرست سازمان اعمال نظارت اشخاص یا ادارات حج و اوقاف و امور خیریه را در موقوفات غیر متصرفی ضروری تشخیص دهند اجرت المثل حق النظاره را نیز متناسباً تعیین خواهند نمود. تبصره ۳ - در آمد خالص موقوفه برابر هشتاد درصد در آمد کل خواهد بود. ماده ۳۴ - ادارات حج و اوقاف و امور خیریه در اماکن مذهبی اجرت المثل عمل خود بابت اداره امور این اماکن را بر مبنای ده درصد از مجموع در آمد سالیانه اماکن مزبور دریافت می نمایند و حق الزحمه هیات امناء به موجب آیین نامه ماده ۵ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه تعیین خواهد شد . تبصره - سازمان عواید حاصله از حق التولیه و حق النظاره و وجوهی که بابت اداره امور اماکن مذهبی در یافت می دارد و همچنین هدایای مستقل را مطابق بودجه ای که همه ساله تنظیم و به تصویب هیات دولت می رساند رأساً مصرف خواهد نمود. ماده ۳۵ - ادارات حج و اوقاف و امور خیریه موظفند همه ماهه تراز عملیات دفتر روزنامه و کل رابه انضمام مدارک و گزارش لازم به اداره امور مالی موقوفات جهت بررسی ارسال دارند . ماده ۳۶ - ثبت معاملات راجع به عین یا منافع موقوفات و بنیادها و موسسات خیریه و همچنین ثبت معاملات رقبات مربوط به اماکن متبرکه در دفاتر اسناد رسمی بدون موافقت سازمان ممنوع است و دفاتر اسناد رسمی مکلفند رونوشت اسناد راجع به وقف را ظرف ده روز پس از ثبت به

اداره حج و اوقاف و امور خیریه مربوطه ارسال دارند. ماده ۳۷- ادارات ثبت مکلفند رونوشت مصدق اسناد مالکیت موقوفات، مساجد، تکایا، مدارس دینی و کلیه اماکن مذهبی ثبت شده و همچنین اساسنامه موسسات و بنیادهای خیریه واقع در حوزه عمل خود را به ادارات حج و اوقاف و امور خیریه محل تحویل نمایند. ماده ۳۸- ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و متولیان مکلفند اسناد و آگهی های ثبتی مربوط به حوزه عمل خود را بررسی و برای حفظ عین و منافع موقوفات هرگونه اقدام لازم را معمول دارند. ماده ۳۹- سازمان مکلف است دفاتر مخصوصی برای ثبت خلاصه اسناد وقف نامه های هر شهرستان تهیه و تنظیم نماید. ماده ۴۰- متولیان و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه موظفند نسبت به موقوفات مسلمی که بعنوان ملکیت تقاضای ثبت شده و در مدت قانونی اقدام به اعتراض نگردیده است برابر قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه و آیین نامه مربوطه اقدام نمایند. ماده ۴۱- متولیان و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه می توانند با عنایت به ماده ۶ قانون برای احیای حقوق وقف و دفاع از دعاوی مطروحه و مشاوره در امور حقوقی و ثبتی و موقوفات در صورت لزوم وکیل یا وکلای دعاوی واجد شرایط را انتخاب نمایند. تبصره - حق الوکاله و حق المشاوره با توجه به مصلحت و غبطه موقوفات از محل عواید وقف قابل پرداخت خواهد بود. ماده ۴۲- در اجرای تبصره ماده ۱۰ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه متولیان موظفند ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ اجرای قانون رونوشت مصدق اسناد مالکیت و وقفنامه های موجود را به ادارات حج و اوقاف و امور خیریه مربوطه تسلیم و رسید دریافت دارند و در صورت عدم اقدام ادارات حج و اوقاف و امور خیریه مکلفند به طریق اطمینان بخشی تکلیف قانونی آنان را ابلاغ و ضرب الاجلی که بیش از ۲ ماه نباشد برای انجام آن تعیین و در صورت استنکاف به دلیل وجود مظنه تعدی و تفریط مراتب را به اداره تحقیق جهت رسیدگی و صدور حکم لازم اعلام دارند. ماده ۴۳- ثمن بیع وقف در صورت جواز بیع باید در حساب مخصوصی در بانک تودیع و با جلب موافقت سرپرست سازمان و بر طبق ماده ۹۰ قانون مدنی رقبه دیگری به نام همان موقوفه خریداری که عواید آن بر نهج وقفنامه سابق به مصرف خواهد رسید. تبصره - بیع و تبدیل موقوفه طبق مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مدنی با کسب موافقت کتبی سرپرست سازمان امکان پذیر خواهد بود و در صورتی که متولیان بر طبق مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مدنی قصد بیع و تبدیل موقوفه را داشته باشند کسب موافقت سرپرست سازمان ضروری می باشد. (۳) ماده ۴۴- سهام اوراق بهاداری که از محل ثمن موقوفات خریداری شده در حکم عین موقوفه است و قابل انتقال نیست مگر در موارد تبدیل تبصره - ادارات حج و اوقاف و امور خیریه صورت مشخصات اوراق سهام موضوع این ماده و همچنین سایر سهام و اوراق موقوفه را در دفاتر مخصوص ثبت و نگهداری خواهند کرد. ماده ۴۵- در مواردی که ثمن بیع وقف تکافوی خرید رقبه مستقلاً را ننماید سازمان می تواند با مشارکت چند موقوفه و نظر متولیان آنها رقبه واحدی خریداری و سهم هر موقوفه را به تناسب سرمایه آن تعیین نماید. ماده ۴۶- از تاریخ اجرای این آیین نامه احکام امنای موقوفات و اماکن مذهبی که بر مبنای مقررات سابق صادر شده است مورد بررسی و تجدید نظر قرار گرفته و در صورت رضایت از نحوه خدمات آنان پیشنهاد و انتصاب مجدد بلا مانع است. ماده ۴۷- اداره اثلاث باقیه، محبوسات، نذور، صدقات و سایر اموال موضوع بند (۷) ماده (۱) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه که فاقد متولی یا متصدی بوده یا مجهول التولیه باشد، طبق مفاد بند (۷) و تبصره (۳) ماده (۱) قانون مذکور با اذن ولی فقیه و یا نماینده ایشان اداره امور آنها به ادارات اوقاف و امور خیریه محل وقوع رقبات مذکور محل می شود. تبصره - مقررات این آیین نامه (در خصوص موقوفات عامه در مورد محبوسات و اثلاث باقیه نیز تسری دارد. ماده ۴۸- موسسات و بنیادهای خیریه در صورتیکه بخواهند از معافیت های مالیاتی مندرج در قانون مالیاتهای مستقیم استفاده نمایند باید قبلاً نظارت سازمان را جلب نمایند. ماده ۴۹- ادارات حج و اوقاف و امور خیریه می توانند در امور خیریه و موقوفات از اشخاص حقیقی و حقوقی قبول وصایت نیابت، وکالت و تولیت نموده و صدقات جاریه و نذرهای آنان را برابر نیت مربوطه عمل نمایند. ماده ۵۰- متولیان و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه بمنظور بقای عین رقبات و فراهم آوردن موجبات آبادانی آنها می توانند با استفاده از وجوه بلامانعی که بدین امر اختصاص داده

می‌شود صندوق و یا شرکتی تاسیس نمایند. تبصره - صاحبان سهام این صندوق و یا شرکت اشخاص حقیقی و یا حقوقی خواهند بود که سرمایه آنرا تامین کرده‌اند. ماده ۵۱- درآمد موقوفات مجهول‌المصرف و موقوفاتی که به صورت مبرات مطلقه وقف شده باشند در صورت نداشتن متولی یا مجهول‌التولیه بودن با رعایت ماده (۸) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه طبق بودجه ای که به تصویب سرپرست سازمان برسد توسط سازمان به مصرف خواهد رسید. تبصره ۱- رسیدگی به صورتحساب بودجه مزبور و صدور مفاصا حساب سالانه به عهده سازمان خواهد بود. تبصره ۲- درآمد موقوفات مجهول‌المصرف و مبرات مطلقه که دارای متولی منصوص باشد توسط متولی در مطلق خیرات و مبرات به مصرف خواهد رسید. ماده ۵۲- اداره کلیه امور مربوط به حج و زیارت توسط سازمان حج و اوقاف و امور خیریه وابسته به وزارت ارشاد اسلامی انجام می‌گردد و در اجراییان سازمان موظف است هماهنگ با سیاست کلی دولت جمهوری اسلامی ایران اقدام و همه ساله برنامه های لازم را در زمینه برگزاری مراسم عبادی سیاسی حج و غیره و زیارت عتبات مقدسه و اماکن متبرکه خارج از کشور و اعزام زائران تهیه و به مورد اجرا درآورد. تبصره - وزارتخانه‌ها، سازمانها و نهادهای ذیربط باید به منظور حسن انجام برنامه‌های حج و زیارت همکاری لازم را با سازمان معمول دارند. ماده ۵۳- به منظور هماهنگی در انجام مراسم حج و زیارت اماکن متبرکه شورایی متشکل از افراد و نمایندگان ارگانهای زیر تشکیل می‌شود ۱- نماینده مقام رهبری در امور حج و زیارت (در صورت معرفی ۲- وزیر ارشاد اسلامی که ریاست شورا را بعهده خواهد داشت ۳- سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه ۴- معاون سازمان در امور حج و زیارت. ۵- معاون امور بین‌الملل وزارت ارشاد اسلامی ۶- وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران یا معاون معرفی شده از طرف مشارالیه ۷- وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی ایران یا معاون معرفی شده از طرف مشارالیه ۸- دبیر کل هلال احمر جمهوری اسلامی ایران یا معاون معرفی شده از طرف مشارالیه ۹- رئیس شهربانی جمهوری اسلامی ایران یا معاون معرفی شده از طرف مشارالیه ۱۰- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران یا معاون معرفی شده از طرف مشارالیه ۱۱- مدیر عامل شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران یا معاون معرفی شده از طرف مشارالیه. تبصره ۱- جلسات شورا به دعوت وزیر ارشاد اسلامی و یا سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه عنداللزوم تشکیل و تصمیمات متخذه با اکثریت آرا اتخاذ و در صورت تایید وزیر ارشاد اسلامی برای کلیه ارگان‌های ذیربط لازم‌الاجرا می‌باشد. تبصره ۲- مذاکرات و تصمیمات شورا بوسیله دبیر شورا که توسط وزیر ارشاد اسلامی تعیین و منصوب خواهد شد در صورت جلسه ای منعکس و در صورت تصویب ابلاغ خواهد شد. ماده ۵۴- اداره کلیه امور حج و زیارت تحت ریاست و هدایت و نظارت مستقیم سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه بوده و می‌تواند تمام و یا قسمتی از اختیارات خود را در این مورد به معاون امور حج و زیارت سازمان تفویض نماید. تبصره - معاون امور حج و زیارت سازمان نیز در صورت لزوم با مسیولیت خود می‌تواند برای مدت غیبت خود تمام و در سایر موارد قسمتی از اختیارات اجرایی را به مسیولین ادارات و یا افراد مورد نظر که در سازمان شاغل می‌باشند با تایید سرپرست سازمان تفویض نماید. ماده ۵۵- سازمان موظف است بمنظور پیش برد امور حج و زیارت و فراهم نمودن موجبات رفاه حجاج و زائران و ایجاد تسهیلات لازم در زمینه برگزاری مراسم حج و زیارت تدابیری اتخاذ و با همکاری و همیاری سازمانها و نهادها و وزارتخانه های ذیربط برنامه هایی تنظیم نموده و به اجرا درآورد. ماده ۵۶- انتخاب روحانیون و نظار و سرپرستان کاروان‌ها براساس ضوابطی خواهد بود که توسط سازمان تهیه و به تصویب اعضای مندرج ردیف ۱الی ۴ موضوع ماه ۵۳ خواهد رسید. ماده ۵۷- سازمان می‌تواند به منظور تامین پرسنل ضروری در امور حج و زیارت از خدمت کارکنان بازنشسته دولت که صلاحیت آنان مورد تایید بوده و دارای تجربه کافی باشند استفاده نموده و حسب مورد آنان را به همکاری دعوت نموده و در قبال میزان کار و نوع خدمت و وظیفه ای که به آنان محول می‌شود پاداش مناسبی پرداخت نماید. ماده ۵۸- بودجه اختصاصی سازمان در امور حج و زیارت که شامل ارقام درآمد وصولی از حجاج و زائران و هزینه های انجام شده در اجرای برنامه های حج و زیارت می‌باشند به موقع و همزمان با صدور

دستورالعمل تنظیم بودجه عمومی از طرف معاونت حج و زیارت سازمان تهیه و پس از تایید سرپرست سازمان و تصویب وزیر ارشاد اسلامی به مورد اجرا گذاشته می‌شود. تبصره - در سال هایی که از اعزام حجاج ایرانی جهت انجام مراسم حج جلوگیری می‌شود، بودجه اختصاصی سازمان از محل وجوه دریافتی متقاضیان حج و زیارت تامین و پس از تایید سرپرست سازمان و تصویب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مورد اجرا گذاشته خواهد شد. ماده ۵۹ - سرپرست امور مالی سازمان حج و اوقاف و امور خیریه (در قسمت بودجه اختصاصی حج و زیارت از طرف سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه تعیین و پس از تایید وزیر ارشاد اسلامی منصوب خواهد شد. ماده ۶۰ - سال مالی سازمان حج و اوقاف و امور خیریه یک سال هجری شمسی است که از اول فروردین ماه هر سال آغاز و به پایان اسفند ماه ختم می‌شود. ماده ۶۱ - سازمان مکلف است پس از پایان مراسم حج منتهی ظرف ۴ ماه ترازنامه و گزارش جامعی از وضع مالی (درآمدهای وصولی و هزینه) و باقی مانده احتمالی وجوهی که از زایران دریافت گردیده و در حساب مخصوصی متمرکز شده تهیه و پس از تایید حسابرس یا حسابرسان امور حج و زیارت سازمان به وزیر ارشاد اسلامی تسلیم نماید. ماده ۶۲ - به منظور رسیدگی به حساب‌های گذشته و آینده امور حج و زیارت (در بودجه اختصاصی سازمان ۱ تا ۳ نفر حسابرس خواهد داشت که به موجب حکم وزیر ارشاد اسلامی تعیین و منصوب خواهند شد حسابرس یا حسابرسان موظفند تا به حساب‌های حج و زیارت سازمان دقیقاً رسیدگی و نظر خود را کتبا به وزیر ارشاد اسلامی اعلام دارند. در اجرای این منظور حسابرسان بدون اینکه حق دخالت مستقیم در امور حج و زیارت سازمان را داشته باشند می‌توانند به نحوی که به عملیات جاری حج و زیارت لطمه‌ای وارد نشود کلیه حسابها و دفاتر و اسناد و مدارک مربوطه را مورد رسیدگی قرار دهند و در صورتی که ضمن انجام وظایف خود به مواردی از سو جریانات و تخلفات برخورد نمودند بلافاصله وزیر ارشاد اسلامی را در جریان امر قرار دهند. وزیر ارشاد اسلامی می‌تواند در پایان هر دوره مالی مبلغی را که مناسب تشخیص دهد به عنوان پاداش به حسابرس یا حسابرسان پرداخت نماید. همچنین وزیر ارشاد اسلامی می‌تواند در صورت اقتضا امر حسابرسی امور حج و زیارت در گذشته و آینده را به شرکت سهامی حسابرسی محول نماید. ماده ۶۳ - کلیه معاملات مربوط به امور حج و زیارت اعم از خرید و فروش و اجاره و استیجار و پیمانکاری و اجرت کار و غیره بجز موارد مذکور در بندهای ماده ۶۸ قانون محاسبات عمومی که صریحاً مستثنی گردیده باید حسب مورد از طریق مناقصه و مزایده انجام شود و مرجع تشخیص ضرورت و صرفه و صلاح دولت در بندهای یاد شده رییس سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌باشد. علاوه بر آن موارد زیر نیز از شمول مقررات عمومی مستثنی بوده و با ترک مناقصه یا مزایده انجام خواهد شد. ۱ - در مواردی که انجام مناقصه یا مزایده به تشخیص هیأتی مرکب از نماینده وزیر ارشاد اسلامی - معاون امور حج و زیارت و سرپرست امور مالی حج و زیارت میسر و با به مصلحت نباشد می‌توان معامله را به طریق دیگری با ترک مناقصه یا مزایده انجام داد. ۲ - سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و معاون امور حج و زیارت سازمان می‌توانند برای انجام دادن هر گونه خدمتی که در پیشبرد امور حج و زیارت موثر تشخیص دهند حداکثر به مدت ۳ ماه در سال (به نحوی که هیچگونه تعهد استخدامی برای سازمان و دولت ایجاد ننماید) از نیروی انسانی در داخل و خارج کشور و همچنین اتباع خارجی در خارج از کشور استفاده کنند و حق الزحمه آنان را به تشخیص خود و با توجه به اعتبار مصوب پرداخت نمایند. تمدید قراردادهایی که به این منظور منعقد می‌شود برای دفعات بعد در سال بعد بلامانع است ۳ - قراردادهای اجاره منازل و محل‌های استقرار ستادها و خوابگاه‌ها و نظایر آن در کشورهای خارج و مبالغی که بایست حق مطوف و دلیل و توقف ایران در منی و عرفات و اتوبوس و غیره در عربستان و یا سایر کشورها پرداخت می‌شود مشمول مقررات مناقصه و مزایده نبوده و طبق دستور سرپرست سازمان و یا مقام مجاز از طرف ایشان انجام خواهد گردید. ۴ - اعتباراتی که همه ساله تحت عنوان هزینه‌های پیش‌بینی نشده در بودجه اختصاصی امور حج و زیارت منظور و به تصویب خواهد رسید بنا به پیشنهاد معاون امور حج و زیارت و تصویب سرپرست سازمان قابل مصرف بوده با امضا گیرنده وجه به هزینه قطعی منظور خواهد شد. ۵ - ترتیب انجام مناقصه و مزایده از بودجه حج و

زیارت براساس قانون محاسبات عمومی خواهد بود مگر اینکه در هر مورد به پیشنهاد سرپرست سازمان و تصویب وزیر ارشاد اسلامی طریق دیگری انتخاب شود. ۶- میزان و موارد تادیه پیش پرداخت و علی الحساب و نحوه واریز و اعمال حساب و احتساب آنها به هزینه قطعی و چگونگی وصول و ایصال مطالبات و روش نگاهداری حسابها و نمونه اسناد و مدارک و دفاتر و حساب اموال براساس دستورالعملی که توسط سازمان تهیه و به تصویب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌رسد خواهد بود. تبصره - اعضای کمیسیون مناقصه و مزایده اعضای مذکور در بند ۱ این ماده خواهند بود. ماده ۶۴ - حدود و میزان تنخواه گردان مأمورین و مسئولین مالی برای پرداخت هزینه های مورد لزوم در داخل و خارج کشور حسب مورد با اخذ تضمین کافی به پیشنهاد معاون حج و زیارت و تصویب سرپرست سازمان خواهد بود. ماده ۶۵ - فوق العاده ایام ماموریت و هزینه سفر کارکنان دولت که در امور مربوط به حج و زیارت فعالیت می‌کنند اعم از داخل و یا خارج از کشور براساس آیین نامه سازمان متبوع مستخدم محاسبه و از محل اعتبار موضوع این آیین نامه قابل پرداخت است تبصره - در صورتی که بر حسب ضرورت هزینه مسکن و تغذیه مأمورین اعزامی به خارج از کشور از طرف سازمان تامین گردد فوق العاده ماموریت آنان براساس ضوابطی که (با احتساب و کسر هزینه های مورد اشاره از میزان مقرر) به تشخیص سازمان برقرار می‌شود قابل پرداخت خواهد بود. ماده ۶۶ - سرپرست امور مالی سازمان در امور حج و زیارت مکلف است همه ساله فهرست و مشخصات کامل اموال غیرمصرفی را که از بودجه حج و زیارت خریداری می‌شود تهیه و به معاون سازمان در امور حج و زیارت تسلیم نماید. ماده ۶۷ - نحوه انجام هزینه در خارج از کشور به شرح زیر است ۱ - همه ساله دستورالعملی که متضمن تفویض اختیار به روسای ستادها و نحوه انجام هزینه ها و سایر موارد باشد از طرف سرپرست سازمان و یا معاون امور حج و زیارت صادر و ابلاغ خواهد شد. ۲ - در مواردی که خرید یا پرداخت به دستور سرپرست سازمان یا معاون حج و زیارت انجام می‌شود و تهیه مدارک و فاکتور به تشخیص مقامات مذکور میسر نیست و مقامات یاد شده صحت پرداخت و لزوم هزینه ها را در هر مورد تامعادل پنجاه هزار ریال ایرانی گواهی نمایند اسناد مربوط به هزینه قطعی منظور خواهد شد. ۳ - صورت حسابهایی که از مراجع و ادارات رسمی کشورهای خارج و یا هتل ها و مهمانسراهایی که دارای شماره و دفاتر رسمی هستند صادر و به وسیله مسئولین امور حج و زیارت ارایه می‌شود به هر مبلغ معتبر و قابل قبول است ماده ۶۸ - کلیه هزینه هایی که از محل بودجه عمومی کل کشور انجام خواهد شد و نیز سایر موضوعاتی که در زمینه امور حج و زیارت و خیریه در آیین نامه پیش بینی نشده تابع مقررات عمومی کشور خواهد بود. ماده ۶۹ - کارکنان سازمان مشمول مقررات قانون استخدام کشوری و آیین نامه ها و مقررات مربوط به آن می‌باشد. ماده ۷۰ - تعاریف و اصطلاحات مندرج در آیین نامه های قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه توسط سازمان تهیه و ابلاغ خواهد شد. ماده ۷۱ - از تاریخ تصویب این آیین نامه کلیه مصوبات هیات دولت که مغایر با این آیین نامه باشد ملغی است

آیین نامه اجرایی تبصره ماده یک لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و

هیات وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ ۱۷ ۲ ۱۳۵۸ بنابه پیشنهاد وزارت اطلاعات و تبلیغات به استناد تبصره ماده یک لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امنا و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد آیین نامه اجرایی آن رابه شرح زیر تصویب نمودند ماده ۱ - سازمان اوقاف مکلف است ضوابط و شرایط لازم و ضروری برای تنظیم اجاره نامه مستاجران و متصرفان املاک و اموال اوقافی را طی دستورالعملی به کلیه ادارات و مراکز اوقافی استانها ابلاغ و سریعاً نسبت به تجدید اجاره و انعقاد قرارداد جدید اقدام نماید. ماده ۲ - اجاره بهای عادلانه املاک مورد اجاره و متصرفی موقوفه به شرح زیر تعیین می‌شود ۱ - املاک و مستغلات مشمول قانون موجر و مستاجر مصوب سال ۱۳۵۶ بر اساس اجاره بهای قبلی و احتساب درصد شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی است که همه ساله از طرف بانک مرکزی ایران منتشر

می‌گردد. ۲- در محل هایی که قانون موجر و مستاجر اجرا نشده و یا درصد شاخص از طرف بانک مرکزی تعیین و اعلام نگردیده اجاره عادلانه عبارت است از ۸ درصد ارزش معاملاتی عرصه و ده درصد ارزش معاملاتی اعیانی که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی تعیین و تصویب شده یا می‌شود. تبصره ۱- تخفیف هایی که از نظر مشاع و یا در قید اجاره بودن در فهرست ارزش معاملاتی در نظر گرفته شده است در محاسبه ارزش عرصه یا اعیان مستغل منظور نخواهد شد. تبصره ۲- در مورد آپارتمان ها اجاره بهای قسمت های اشتراکی نیز با توجه به مقررات قانون تملک آپارتمان نسبت به حصه آپارتمان مورد اجاره محاسبه و منظور خواهد شد. تبصره ۳- نسبت به املاک مزروعی و باغات اعم از شهری و روستایی که فاقد ارزش معاملاتی است میزان اجاره عادلانه با جلب نظر کارشناس تعیین خواهد شد که اجاره برآوردی ۶ درصد ارزش ارزیابی شده خواهد بود. ماده ۳- سازمان اوقاف در مورد اراضی مزروعی امکانات متقاضیان را از نظر قابلیت اراضی و میزان کشت و مقدار مساحتی که برای یک واحد زراعی سودآور است به هنگام تعیین اجاره بها و تنظیم سند اجاره جدید مورد نظر و رعایت قرار می‌دهد و نیز مکلف است در تنظیم سند اجاره درباره اراضی بایر شهری و آماده برای ساختمان زاید بر یک هزار متر مربع و بیش از یک واحد ساختمانی با هر یک از متقاضیان خودداری نماید. تبصره - چنانچه اراضی شهری قبلاً تفکیک شده باشد و قطعات تفکیکی در حدود ۲۵٪ زاید بر یک هزار متر مربع باشد تنظیم اجاره نامه بلامانع است. ماده ۴- کلیه ضوابط و شرایط مندرج در اسناد و قراردادهای اجاره که به شرح ماده یک این آیین نامه از طرف سازمان اوقاف تعیین و اعلام می‌شود از طرف مستاجران لازم الاجرا و غیر قابل اعتراض خواهد بود و مستاجران ملتزم و مکلف به اجرای کامل آن می‌باشند. ماده ۵- این آیین نامه از تاریخ تصویب لازم الاجرا است و کلیه مقررات مغایر با آن لغو می‌گردد و هر گونه تغییر یا تجدید نظر در آن به پیشنهاد وزیر اطلاعات و تبلیغات و سرپرست سازمان اوقاف و تصویب هیات وزیران امکان پذیر می‌باشد.

آیین نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه - مصوب ۲۳ ۱۳۷۴

هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۳ ۱۳۷۴ بنا به پیشنهاد مشترک وزارت کشاورزی و سازمان اوقاف و امور خیریه و به استناد تبصره (۶) ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه - مصوب ۲۵ ۱۱ ۱۳۷۱ - آیین نامه اجرایی قانون یاد شده رابه شرح زیر تصویب نمود ماده ۱- تعاریف و اصطلاحات ۱- مصلحت وقف تامین نظر واقف و منابع موقوف علیهم بارعایت غبطه موقوفه . ۲- متصرف حسب مورد زارعان صاحب نسق یا قائم مقام قانونی آنان ، مالکان اعیان و اشخاصی که به گونه ای عرصه و یا عرصه و اعیان موقوفه تبدیل یا فروخته شده را در ید و اختیار دارند. ۳- حقوق مکنتب متصرف هر نوع حقی که برای متصرف تحت شرایط قانونی معینی حاصل شده باشد ، از قبیل مالکیت اعیان ، تحجیر ، حقوق کسب و پیشه ، حق نسق زارعه ، حفر چاه ، غرس اشجار و مانند آن . ۴- مجوز شرعی مجوزی که بر اساس ضوابط شرع مقدس اسلام در مورد تبدیل یا فروش اموال موقوفه توسط مجتهد جامع الشرایط صادر شده باشد. ۵- زارع صاحب نسق کسی است که مالک زمین نیست و با دارا بودن یک یا چند عامل زراعتی شخصا یا با کمک خانواده خود در اراضی موقوفه زراعت می‌نماید و مقداری از محصول را به صورت نقدی یا جنسی به عنوان اجاره بها به موقوفه می‌دهد و نسق مورد زراعت وی مشمول قوانین اصلاحات ارضی بوده است . ۶- زراعت تولید محصول به وسیله عملیات زراعتی یا باغداری . ۷- مرتع زمینی است اعم از کوه و دامنه یا زمینی مسطح که در آن نباتات علوفه ای به طور طبیعی روئیده و در هر هکتار آن حداقل تعلیف سه رأس گوسفند یا معادل آن از انواع دام‌های دیگر ، در یک فصل چرا امکان پذیر باشد. ۸- بیشه یا قلمستان زمینی است که در آن درختان غیر مثمر به وسیله اشخاص غرس شده و تعداد درخت در هر هکتار آن از هزار اصله تجاوز نماید. ۹- باغ زمینی است که در آن درختان مثمر یا مو به وسیله اشخاص غرس شده و عرفاً باغ شناخته شود. ماده ۲- ادارات اوقاف و امور خیریه و متولیان موقوفات مکلفند با توجه به سوابق ثبتی ، موقوفات عامه ای را که به فروش رسیده یا به

صورتی به ملکیت اشخاص درآمده است ، صورت برداری و همراه با مستندات و دلایل به سازمان اوقاف و امور خیریه ارسال نمایند. سازمان اوقاف ضمن مطلع نمودن متصرف یا متصرفین این موقوفات و یا اشخاص ذی نفع دیگر ، موضوع را به کمیسیون مرکب از سه نفر فقیه صاحب نظر که با انتخاب و زیر نظر نماینده ولی فقیه در سازمان یاد شده تشکیل می‌شود ارجاع می‌کند ، کمیسیون مذکور نظر خود را در مورد جواز شرعی فروش یا تبدیل رقبات ، با توجه به اسناد و مدارک ارایه شده اداره اوقاف و متولی ذیربط و همچنین اشخاص ذی نفع در موقوفه اعلام می‌نماید. در صورتی که تبدیل و فروش رقبه موقوفه به نظر کمیسیون با مجوز شرعی انجام شده باشد معامله تایید می‌شود و در غیر این صورت نظر نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه دایر بر بطلان سند فروش یا تبدیل موقوفه همزمان به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و متصرف یا متصرفین و یا اشخاص ذی نفع در موقوفه ابلاغ می‌شود. ادارات ثبت بر اساس این تصمیم نسبت به بطلان سند در سوابق ثبتی و دفاتر مربوط ثبت و صدور سند جدید به نام موقوفه اقدام خواهند نمود. ماده ۳- پس از ابطال انتقالات بعد از وقف ، اداره اوقاف و امور خیریه یا متولی با رعایت تبصره (۴) ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه ، متصرف را برای تنظیم سند اجاره دعوت می‌نماید و در صورتی که متصرف ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ رویت نامه اوقاف برای تنظیم سند اجاره مراجعه نماید به شرح زیر اقدام خواهند نمود ۱- از متصرف قبلی با رعایت حقوق مکتسب او خلع ید شده و موقوفه با در نظر گرفتن صرفه و صلاح وقف به داوطلبان دیگر اجاره داده خواهد شد. ۲- در صورتی که در مورد میزان حقوق مکتسب قبلی بین او و اداره اوقاف و امور خیریه یا متولی اختلافی به وجود آید از طریق مراجع قضایی تعیین تکلیف خواهد شد. دادگاه‌ها این گونه موارد را خارج از نوبت رسیدگی و به صدور حکم مبادرت می‌نمایند. تبصره - در مواردی که در اجرای این قانون از زارعان صاحب نسق خلع ید می‌گردد در صورت تقاضای زارعان ، وزارت جهاد کشاورزی مکلف است از اراضی مستعد کشاورزی موجود در منطقه و در صورت نبودن اراضی قابل واگذاری در منطقه ، از اراضی سایر مناطق ، با رعایت قوانین و مقررات جاری نسبت به واگذاری اراضی به آنان با رعایت اولویت اقدام نمایند. ماده ۴- موقوفات مشمول این آیین نامه که به نحوی از انحا در رهن یا وثیقه یا تامین و بازداشت اشخاص ثالث قرار گرفته به تبع ابطال اسناد مالکیت ، آزاد خواهد شد. ادارات اوقاف هنگام تنظیم سند اجاره با استعلام از اداره ثبت محل ، مراتب را به اطلاع اشخاص ذینفع خواهند رساند تا نسبت به استیفای حقوق خود از سایر اموال متعهد اقدام نمایند. ماده ۵- در مورد موقوفات مزروعی مشمول قانون اجازه تبدیل به احسن و واگذاری دهات و مزارع موقوفه عام - مصوب ۱۳۵۰ - و سایر مراحل اصلاحات ارضی به ترتیب زیر عمل خواهد شد. الف - در صورتی که موقوفات یاد شده به دولت (وزارت کشاورزی و واگذار شده ولی تا کنون اسناد فروش آن به زارعان ، تنظیم نشده نمایندگان اداره اوقاف و امور خیریه و اداره کشاورزی محل و متولیان مربوط در دفتر خانه اسناد رسمی حاضر و بطلان سند را در دفاتر وهامش سند قید و به وسیله دفترخانه یاد شده موضوع به اداره ثبت محل برای اصلاح اسناد اعلام خواهد شد. ب - هر گاه موقوفه مزروعی پس از انتقال به دولت با تنظیم سند رسمی به زارعان مربوط واگذار شده باشد ، برای ابطال اسناد یا تایید فروش آن به همان ترتیبی که در این آیین نامه آمده است عمل خواهد شد. ماده ۶- پس از انجام موارد مندرج در بندهای (الف) و (ب) ماده (۵) ، ادارات اوقاف نسبت به موقوفات تصرف شده و متولیان نسبت به موقوفات تحت تولیت خود مطابق مفاد این آیین نامه با متصرفان و زارعان ، سند اجاره تنظیم خواهند نمود. مبلغ اجاره بها متناسب با مورد اجاره و با رعایت ارزش حقوق اکتسابی متصرفان و زارعان طبق نظر کارشناس رسمی یا خبره محلی تعیین خواهد شد. تبصره ۱ - چنانچه بعضی از زارعان صاحب نسق به علت فوق یا انتقال یا بنا به علل دیگری در حال حاضر در اراضی یاد شده زراعت نمایند با وراث قانونی یا متصرفان فعلی رقبه قرار داد اجاره تنظیم خواهد شد. در تنظیم اسناد اجاره با این گونه متصرفان مفاد بند (۳) از ماده (۱) این آیین نامه مجری خواهد بود. تبصره ۲- اگر زارعان صاحب نسق در این گونه اراضی چاه حفر نموده باشند ، موقوفه در صورت امکان نسبت به خرید آن اقدام می‌نماید و در این صورت اجاره بهای زمین بر اساس اراضی آبی تعیین خواهد شد در غیر این صورت

کارشناس یا خبره محلی در موقع تعیین اجاره بها، موضوع مالکیت چاه و عرف محل را ملحوظ خواهد داشت. تبصره ۳ - در صورتی که زارعان صاحب نسق بخشی از اراضی نسق زراعتی خود یا تمامی آن را به باغ یا قلمستان و بیشه تبدیل نموده باشند، اداره اوقاف یا متولی بایستی با توجه به تعاریف ذکر شده در ماده (۱) این آیین نامه نسبت به عرصه با آنان سند اجاره تنظیم نمایند.

تبصره ۴ - در صورتی که موقوفات مزروعی موضوع این آیین نامه در محدوده خدمات شهری قرار گرفته و کاربری زراعی آن تغییر یافته یا قابل تغییر باشد قبل از هر گونه اقدام در مورد تفکیک و واگذاری آن اراضی باید حقوق مکاتبه زارعان صاحب نسق با نظر کارشناس مرضی الطرفین و یا کارشناسان منتخب ادارات اوقاف و یا متولیان (حسب مورد) و زارع صاحب نسق به وسیله ادارات اوقاف و امور خیریه و یا متولیان شناسایی و به نحو مناسبی تامین و تادیه گردد در صورت عدم توافق و تراضی در شناسایی و تقویم حقوق مکاتبه، به درخواست هر یک از طرفین، موضوع توسط مراجع قضایی ذی صلاح مورد رسیدگی قرار گرفته و حقوق مکاتبه زارعان برابر نظر دادگاه پرداخت می شود. ادارات اوقاف و متولیان مکلفند در واگذاری اراضی تغییر کاربری داده شده، در صورت تقاضای زارع صاحب به هر یک از افراد صاحب نسق برای اجاره یک قطعه از حداقل تفکیکی از همان اراضی اولویت قائل شوند. ماده ۷ - کلیه اعیانی و مستحدثاتی که زارعان صاحب نسق احداث نموده باشند، متعلق به زارعان آنها خواهد بود و سند اجاره فقط نسبت به عرصه به شرط رعایت کاربری زمین با آنان تنظیم خواهد شد. تبصره ۱ - چنانچه در اجرای قوانین مختلف اراضی زارعان در اختیار اشخاص حقیقی یا حقوقی قرار گرفته و در این گونه اراضی مستحدثاتی ایجاد کرده باشند مستحدثات یاد شده متعلق به اشخاص یاد شده بوده و نسبت به عرصه با آنان سند اجاره تنظیم خواهد شد. تبصره ۲ - در صورتی که مستحدثاتی متعلق به موقوفه بوده و در اجرای قانون اجازه تبدیل به احسن و واگذاری دهات و مزارع موقوفه عام به زارعین صاحب نسق یا سایر قوانین مربوط به مراحل مختلف اصلاحات ارضی به زارعان صاحب نسق واگذار شده باشد (نظیر منازل مسکونی زارعان و محوطه مربوط به آن و در حال حاضر نیز قابل بهره برداری باشد، حفظ و حراست آن به عهده متصرفان بوده و وجهی به عنوان اجاره بهای این گونه رقبات (عرصه و اعیان با رعایت عرف محل دریافت نخواهد شد. تبصره ۳ - کلیه مستحدثاتی که در دهات و مزارع موقوفات توسط خوش نشین ها و یا اشخاص غیر احداث شده و با تایید معتمدان محل، اعیان متعلق به آنان شناخته شده باشد سند اجاره بر اساس نظر کارشناس رسمی دادگستری یا خبره محلی فقط در مورد عرصه با صاحبان اعیان تنظیم خواهد شد. تبصره ۴ - به منظور ترویج فرهنگ احیا و بهره‌وری از موقوفات و تشویق زارعان به ادامه کشت و زرع بر روی اراضی موقوفه و تسهیل عملیات زراعی آنان، بانک‌ها و سایر موسسات مالی - اعتباری، با رعایت مقررات مربوط ترتیبی اتخاذ نمایند تا تسهیلات مالی لازم به زارعان صاحب نسق موقوفات اعطا گردد. به نحوی که اعطای تسهیلات بانکی به این زارعان بدون توثیق و ترهین عرصه و صرفاً با استفاده از سند اعیانی، اخذ سفته، تضمین های زنجیره ای زارعان از یکدیگر و یا توثیق منافع واگذار شده از طریق اجاره و حقوق مکاتبه مترتب بر آن امکان پذیر باشد. در مواردی که بانک‌ها بابت تسهیلات اعطایی به زارعان با توثیق سند اعیانی و حقوق مکاتبه نظر به تامین مطالبات لاوصول خود از محل منفعت اعیانی و حقوق مکاتبه مرتبط با اراضی موقوفه داشته باشند، ادارات اوقاف و متولیان، بانک‌ها و موسسات اعتباری یا اشخاصی که توسط آنان معرفی می شوند را در اسناد اجاره جایگزین زارع بدهکار می نمایند. تبصره ۵ - به منظور رفاه زارعان صاحب نسق و فراهم نمودن زمینه فعالیت بیشتر در اراضی موقوفه، ادارات اوقاف و امور خیریه و متولیان حسب مورد، (در صورتی که واقف ترتیب دیگری برای اداره موقوفه معین نکرده باشد، می توانند مدت اجاره زارعان را ده سال معین نمایند) و در ضمن عقد اجاره شرط نمایند که در پایان مدت مزبور عقد اجاره با زارع مزبور و یا قائم مقام قانونی وی بر اساس اجاره بهایی که با نظر کارشناس رسمی و یا خبره محلی با در نظر گرفتن حقوق مکاتبه زارع تعیین می گردد، تجدید خواهد شد. در موارد خاص آنگاه که مصلحت وقف یا شرایط خاص دیگر اقتضا نکند افزایش مدت اجاره موقوفه برای بیش از ده سال با جلب نظر ریاست سازمان اوقاف و امور خیریه امکان پذیر می باشد. ماده ۸ - احداث هر گونه اعیانی و باغ در اراضی

نسق زارعان موقوفه توسط این زارعان با اخذ مجوز از سایر مراجع قانونی ذیربط و بدون پرداخت پذیره مجاز می‌باشد. مستاجرین می‌توانند نسبت به ثبت اعیانی های مستحدث از طریق ادارات ثبت اسناد و املاک اقدام نمایند و سند مالکیت دریافت دارند. ایجاد ، توثیق و ترهین اینگونه اعیان ها مجاز بوده و نیاز به اعلام موافقت جداگانه ادارات اوقاف و امور خیریه و یا متولیان ندارد. ماده ۹ - هر گاه در تشخیص زارع صاحب نسق اختلافی به وجود آید ، فرم‌ها و اسناد و صورت جلسات تنظیمی در اجرای قوانین اصلاحات ارضی ملاک عمل خواهد بود. ماده ۱۰ - چنانچه تمام یا بخشی از اراضی قابل واگذاری واقع در حریم روستاهای موقوفات عامه در اجرای ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع - مصوب ۱۳۴۶ - به عنوان انفال ، منابع ملی اعلام شده باشد ، می‌باید حق بهره برداری آن توسط سازمان جنگل ها و مراتع کشور به سازمان اوقاف و امور خیریه و متولیان واگذار شود. تبصره ۱ - اراضی مذکور در حکم موقوفه بوده و در حدود محدود و حریم روستای موقوفه و بنا به درخواست سازمان اوقاف و امور خیریه واگذار خواهد شد. تبصره ۲ - هر گونه تغییر کاربری در این اراضی منوط به موافقت سازمان جنگل ها و مراتع کشور و نیز اخذ مجوز از سایر مراجع قانونی ذیربط خواهد بود. تبصره ۳ - سازمان‌های یاد شده مکلفند ظرف حداکثر دو سال نقل و انتقال زمین های موضوع این ماده را محقق نمایند. تبصره ۴ - چنانچه این گونه اراضی از طریق دولت به اشخاص حقیقی یا حقوقی به صورت اجاره یا فروش واگذار گردیده باشد اسناد تنظیمی با اطلاع دستگاه اجرایی مربوط اصلاح و با متصرف نسبت به عرصه سند اجاره تنظیم خواهد شد. کلیه مستحدثاتی که در این اراضی توسط متصرفین احداث شده باشد متعلق به آنان خواهد بود. ماده ۱۱ - در مورد زارعان و متصرفان و صاحبان اعیانی و انتقال گیرندگان موقوفات عام - موضوع مواد (۵) و (۹) این آیین نامه - در صورت خودداری از تنظیم سند اجاره طبق ماده (۳) عمل خواهد شد. ماده ۱۲ - وجوه حاصل از فروش موقوفات مزروعی که در حساب شماره (۵۵۵۷) بانک تعاون کشاورزی تودیع شده و اهدایی دولت به موقوفه تلقی شده به نسبت دستور پرداخت های وصولی مربوط به هر موقوفه به حساب همان موقوفه منظور و واریز خواهد شد تا در صورت لزوم صرف عمران و آبادی موقوفه شود. ماده ۱۳ - به منظور رسیدگی به حساب بدهی معوق زارعان ، از تاریخ فروش تا تاریخ تنظیم سند اجاره جدید با توجه به مفاد تبصره (۱) ماده (۶) این آیین نامه اجاره بها تعیین و تا میزان پرداخت‌های زارعان به حساب دولت با ارائه مدارک پرداخت اقساط آنان تهاتر و در صورتی که زارعان بدهکار شوند ما به التفاوت محاسبه و به صورت نقد یا اقساط از آنان وصول و به حساب موقوفه واریز خواهد شد. ماده ۱۴ - کلیه مقررات این آیین نامه در مورد آبهای موقوفه که عواید آنها به مصارف عام می‌رسد نیز مجری است . ماده ۱۵ - در مواردی که جهت مورد نظر واقف تغییر یافته باشد به صورت اصلی بازگردانده می‌شود ، مگر اینکه بازگرداندن آن به وضع اول موجب عسر و حرج و قلت درآمد و امثال آن باشد که در این صورت ابقای آن به صورت فعلی با اجازه ولی فقیه یا نماینده ایشان در سازمان اوقاف و امور خیریه بلاشکال خواهد بود. ماده ۱۶ - در مورد ابلاغ نظرات کمیسیون موضوع ماده (۲) و اخطارها و دعوت نامه هایی که ادارات اوقاف و امور خیریه در اجرای این آیین نامه صادر و ارسال می‌نمایند مقررات مربوط به ابلاغ تصمیمات شعب تحقیق اوقاف مواد (۱۰) و (۲۹) و (۳۱) آیین نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان حج و اوقاف و امور خیریه - موضوع تصویب نامه شماره ۹۳۳۶۶ مورخ ۱۸ ۱۰ ۱۳۶۵ - رعایت خواهد شد. ماده ۱۷ - مقررات این آیین نامه شامل موقوفات آستان قدس رضوی و حضرت معصومه و حضرت احمد بن موسی علیهم السلام و سایر موقوفاتی که متولیان آنها منصوب از طرف ولی فقیه باشند نیز می‌شود. متولیان و امنای این موقوفات رأسا امور اجرایی را طبق ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه و این آیین نامه به عهده خواهند داشت . تبصره - متولیان موقوفات یاد شده می‌توانند در تشکیل کمیسیون موضوع ماده (۲) این آیین نامه تنها برای موقوفات تحت تولیت خود اقدام نمایند. ماده ۱۸ - از تاریخ تصویب این آیین نامه کلیه مصوبات هیات دولت که مغایر با این آیین نامه است ملغی می‌باشد.

آیین نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان حج و اوقاف و امور خیریه - مصوب ۱۳۶۵ ۹ ۳۰

ماده ۱- شعب تحقیق شامل دو قسمت حقوقی و حسابرسی است و هر شعبه مرکب از یک رییس و دو محقق می‌باشد. در هر حوزه تحقیق رییس شعبه حقوقی ریاست هیات تحقیق آن حوزه را به عهده خواهد داشت جز در تهران که ترکیب و اداره هیات های تحقیق به ترتیب مقرر در تشکیلات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه خواهد بود. تبصره - شرکت هر یک از محققین هر شعبه در رسیدگی با تصمیم رییس شعبه است ماده ۲- شعبه صالحه برای رسیدگی به درآمد و هزینه موقوفات موسسات خیریه مشمول قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و آیین نامه اجرایی آن شعبه محل مصرف عواید موقوفه و محل ثبت موسسه است و چنانچه محل مصرف عواید یا منطقه فعالیت و عملیات موسسه در حوزه‌های مختلف باشد تعیین شعبه رسیدگی کننده با سرپرست سازمان خواهد بود بدیهی است در صورت لزوم شعبه مربوطه می‌تواند به سایر شعب حسابرسی نیابت دهد و شعب حقوقی به امور مربوط به حوزه هر یک از آنها رسیدگی خواهد نمود. ماده ۳- روسای شعب حقوقی از بین مستخدمین لیسانسیه حقوق یا الهیات که سابقه خدمات اوقافی یا قضایی آنها کمتر از پنج سال نباشد انتخاب می‌شود مشروط بر اینکه سابقه محکومیت اداری یا انتظامی از درجه انفصال موقت به بالا نداشته باشند. محققین شعب حقوقی نیز باید واجد شرایط مذکور باشند مگر شرط مدت خدمات اوقافی یا قضایی که حداقل سه سال سابقه خدمات کافی خواهد بود. ماده ۴- روسای شعب حسابرسی از بین مستخدمین لیسانسیه مطلع در امر حسابداری با داشتن حداقل ۵ سال سابقه خدمت اوقافی انتخاب خواهند شد مشروط بر اینکه محکومیت اداری از درجه انفصال موقت به بالا نداشته باشند محققین شعب حسابرسی باید دارای شرایط مذکور باشند ولی داشتن حداقل سه سال سابقه خدمت اوقافی کافی خواهد بود. تبصره - سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه در صورت ضرورت می‌تواند از بین افراد مطلع که در امور حقوقی و حسابداری تجربیاتی دارند فردی را به عنوان محقق حقوقی یا حسابرس انتخاب و شاغلین فعلی ادارات و شعب تحقیق را نیز ابقا نماید. ماده ۵- رییس دبیرخانه اداره کل تحقیق و مسئول دبیرخانه ادارات تحقیق استان‌ها از بین کارمندان دیپلمه و یا سایر مستخدمین واجد شرایط که حداقل سه سال سابقه خدمت در امور اوقافی داشته باشند انتخاب می‌گردند. تبصره ۱- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌تواند به تعداد لازم شعب تحقیق در مراکز استان ها و شهرستان‌ها تشکیل دهد و محدوده فعالیت آنها را به عنوان (حوزه تحقیق) معین نموده و عنداللزوم تغییر دهد. تبصره ۲- شعب تحقیق در صورت ضرورت می‌تواند با کسب موافقت اداره کل تحقیق موقتا از وجود محققین یک شعبه در شعبه دیگر استفاده نماید. ماده ۶- وظایف ادارات و شعب تحقیق به شرح ذیل است الف- وظایف شعب حقوقی ۱- تحقیق و رسیدگی و اعلام نظر در مورد تشخیص متولی و ناظر و موقوف علیهم موقوفات ۲- تحقیق و رسیدگی و اعلام نظر در مورد وقفیت املاک و تشخیص موقوفات عام از خاص ۳- تشخیص موقوفات مجهول التولیه یا بدون متولی ۴- رسیدگی و اظهار نظر در مورد تطبیق مصارف درآمد موقوفات با مفاد وقفنامه یا سایر اسناد مربوطه در صورت ابهام یا بروز اختلاف ۵- تحقیق و رسیدگی در مورد تعدی و تفریط یا مسامحه و اهمال متولیان و امنا و نظار و مدیران موسسات خیریه از انجام وظایف یا استنکاف از اجرای مقررات اوقافی در امور موقوفه و موسسات خیریه و تنظیم گزارش و ارسال به دادگاه و در صورت احراز تعدی و تفریط و تخلف اعلام جرم و انعکاس موضوع به دادسرا. ۶- رسیدگی و اظهار نظر در مورد مصرف درآمد موقوفات متعذرالمصرف و موقوفاتی که عواید آنها به علت قلت ولو با پس انداز چند سال برای اجرای نظر واقف کافی نیست یا به علت کثرت عواید زاید بر مصارف متعارف باشد بر طبق تبصره ماده ۸ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه ۷- رسیدگی و صدور گواهی مصرف نسبت به موقوفاتی که فاقد وقفنامه یا مدارک وقفیت معتبر بوده و در سنوات گذشته بر مبنای سیره جاریه عمل شده است. ب- وظایف شعب حسابرسی ۱- رسیدگی به درآمد و هزینه موقوفات و بقاع و اماکن متبرکه اسلامی و موسسات و انجمن های خیریه ای که به موجب قانون و آیین

نامه های مربوطه اداره امور آنها به عهده سازمان حج و اوقاف و امور خیریه محول شده یا می شود. ۲- تطبیق اسناد هزینه و درآمد موقوفات با مفاد وقفنامه یا سایر اسناد مربوطه ۳- صدور مفصلا حساب برای اسناد درآمد و هزینه هایی که به موجب بند ۱ وظایف شعب حسابرسی از طریق ادارات اوقاف به ادارات تحقیق ارسال می شود. ۴- تطبیق درآمد رقبات مندرج در بودجه با وقفنامه و یا سایر مدارک معتبر. ۵- تطبیق درآمد رقبات مندرج در بودجه با مدارک تعیین کننده درآمد. ماده ۷- شعب تحقیق بنا به درخواست اشخاص یا ادارات حج و اوقاف و امور خیریه نسبت به موارد مذکور در ماده ششم رسیدگی و اظهار نظر می نماید. هر گاه در موارد مذکور اشخاص مستقیما به دادگاه مدنی خاص دادخواست تسلیم کرده باشند دادگاه می تواند مراتب را به اداره حج و اوقاف و امور خیریه و به نزدیک ترین شعبه تحقیق ارجاع نموده تا شعبه مذکور براساس این آیین نامه به موضوع رسیدگی و نتیجه را به دادگاه ارجاع کننده اعلام نماید. تبصره- ادارات حج و اوقاف و امور خیریه باید ظرف سه روز از تاریخ وصول درخواست و ضمائم مدارک رابه اداره تحقیق مربوطه بفرستند. ماده ۸- وظایف دبیرخانه ادارات تحقیق ۱- ثبت درخواست واصله و تسلیم رسید به متقاضی با ذکر شماره ثبت آن. ۲- اگر درخواست از لحاظ طرز تنظیم و یا ضمائم آن ناقص باشد دبیرخانه مراتب را ظرف سه روز پس از وصول جهت رفع نقص به درخواست کننده یا وکیل او اخطار خواهد کرد تا ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه با رعایت مسافت رفع نقص کند والا- تا رفع نقص رسیدگی به درخواست متوقف خواهد شد. ۳- پس از آنکه درخواست کامل تشخیص داده شد دبیرخانه نسخه ای از آن را با ضمائم در پرونده مخصوص که ترتیب می دهد بایگانی و نسخه های دیگر را با پیوست ها به طرف ابلاغ می نماید که ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ دریافت با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی پاسخ کتبی خود را با مدارک مربوط به تعداد تقاضاکنندگان و با یک نسخه اضافی به اداره تحقیق ارسال دارند. ماده ۹- شعب تحقیق در صورتی که رسیدگی به درخواست را خارج از وظایف خود بدانند ضمن تعیین مرجع صالح عدم صلاحیت خود را اعلام خواهند نمود. تبصره ۱- در صورتی که ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذینفع در مهلت مقرر از پرونده های حقوقی رفع نقص نمایند شعب حقوقی می توانند پرونده مربوطه را از نوبت رسیدگی خارج نمایند. رسیدگی مجدد منوط به تسلیم درخواست جدید و رفع نقص خواهد بود. تبصره ۲- چنانچه ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذینفع نسبت به پرونده های حسابرسی در مهلت مقرر رفع نقص ننمایند شعب حسابرسی پرونده مربوطه را از نوبت رسیدگی خارج نموده در خصوص موقوفات متصرفی مراتب را جهت کسب تکلیف به سازمان مرکزی گزارش می نماید و در مورد موقوفات غیرمتصرفی برابر ماده ۲۵ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه عمل خواهند نمود. ماده ۱۰- اگر محل اقامت کسی که شعب تحقیق برای او اخطاریه و دعوتنامه می فرستند معلوم نباشد و یا به هر صورت ابلاغ مقدور نشود در صورت لزوم شعب تحقیق می توانند به تقاضا و به هزینه متقاضی موضوع و اوقات رسیدگی را یکبار به وسیله نشر آگهی در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی به طرف ابلاغ نمایند. هرگاه اخطار شونده در مهلت مقرر پاسخ ندهد یا در جلسه رسیدگی حاضر نشود شعب تحقیق به موضوع رسیدگی و اعلام نظر می نمایند. تبصره- در صورت تجدید جلسه نیازی به تجدید آگهی نخواهد بود. ماده ۱۱- در مواردی که نام اداره حج و اوقاف و امور خیریه در درخواست قید نشده باشد شعب تحقیق موظفند که در خواست و ضمائم آن و وقت رسیدگی و پاسخ را از طریق دبیرخانه تحقیق به اداره حج و اوقاف و امور خیریه مربوطه ابلاغ کنند تا نماینده خود رابه شعبه تحقیق اعزام دارد و یا نظر مشروح و مستدل خود رابه صورت لایحه ارسال نماید. ماده ۱۲- شعب تحقیق می تواند به تقاضای طرفین قرار استماع شهادت شهود و تحقیقات محلی و ارجاع امر به کارشناس و هر نوع تحقیقات دیگری را که برای روشن شدن موضوع لازم بدانند صادر و اجرا نمایند. مخارج اجرای قرار به عهده متقاضی است و در صورتی که شعبه تحقیق استماع شهادت شهود و تحقیقات محلی و ارجاع به کارشناس و هر نوع تحقیقات دیگری را لازم بدانند مخارج به عهده طرفین است تبصره ۱- عدم تودیع دستمزد کارشناس و یا عدم تهیه وسایل اجرای قرار موجب خروج این مورد از عداد دلایل متقاضی خواهد شد.

تبصره ۲ - تعیین مدت تودیع دستمزد کارشناس حسب مورد به عهده شعبه خواهد بود. ماده ۱۳ - شعب تحقیق می‌توانند تحقیق در هر امری را که لازم بدانند به شعب تحقیق حوزه دیگر نیابت داده و در صورت نبودن شعبه تحقیق به اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل محول کنند. در این صورت شعب و ادارات مزبور مکلفند مورد نیابت را انجام و نتیجه را با مدارک و مستندات مربوطه به شعبه ارجاع کننده ارسال دارند. ماده ۱۴ - شعب تحقیق پس از آماده شدن پرونده برای اظهار نظر ظرف ده روز مبادرت به صدور نظریه می‌نمایند تصمیمات و نظرات شعب تحقیق در کلیه موارد باید موجه و مدلل باشد و ظرف پنج روز به طرفین ابلاغ شود. ماده ۱۵ - رسیدگی در شعب تحقیق به وسیله رییس و یکی از محققان انجام خواهد شد و نظریه آن دو در صورت توافق مناط اعتبار می‌باشد و در هر مورد که اختلاف نظر حاصل شود محقق دیگر همان شعبه برای مشاوره در موضوع اختلاف ضمیمه خواهد شد و تصمیمات و نظریه اکثریت ملاک عمل خواهد بود. در صورت غیبت رییس شعبه رسیدگی به موضوع به عهده محققین خواهد بود و عضو ارشد به جای رییس شعبه انجام وظیفه خواهد کرد. ماده ۱۶ - ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذینفع در صورتی که اعتراض داشته باشند می‌توانند پس از ابلاغ نظر شعبه تحقیق اعتراض خود را در دادگاه های دادگستری طرح نمایند. ماده ۱۷ - قرار تحقیق محلی و استماع شهادت شهود و تعیین خبره و اعطا نیابت به شعب تحقیق یا ادارات حوزه دیگر قابل اعتراض نیست ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذینفع باید تسهیلات لازم برای اجرا قرار را فراهم کنند. ماده ۱۸ - رسیدگی به درآمد موقوفه قبل از ارسال صورت حساب طبق بودجه ارسالی خواهد بود. تبصره - بودجه‌ای که در سه ماهه آخر سال تنظیم شده و یا بودجه اصلاحی که احتمالاً در طی سال تنظیم می‌گردد همراه با مدارک و قفیت مصرف و با سایر مدارک تایید کننده در آمد اعم از (اسناد اجاره ، قراردادهای ، صورت جلسه ، استشهادیه و نظریه کارشناس یا خبره محلی در مورد پذیره و مال الاجاره) جهت رسیدگی و محاسبه در اختیار محققین حسابرسی شعبه ای که پرونده در آن مفتوح است قرار می‌گیرد. ماده ۱۹ - پرونده حسابرسی موقوفه در اول سال مفتوح و پس از وصول صورت حساب و رسیدگی و صدور مفاصاحساب مختومه می‌گردد. تبصره - رسیدگی به عواید و اسناد هزینه موقوفه بایستی در یک شعبه انجام پذیرد. ماده ۲۰ - شعب حسابرسی تحقیق مکلفند به صورت حسابهای واصله رسیدگی و در صورت داشتن نقص ظرف مدت ده روز به ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذینفع اخطار کنند که در مهلت مقرر رفع نقص نمایند. ماده ۲۱ - صورت حساب هر سال در سه ماه اول سال بعد ارسال و پس از رفع نقص حداکثر در مدت یک ماه رسیدگی و مفاصاحساب صادر خواهد شد. ماده ۲۲ - عواید موقوفه از محل (اجاره ، پذیره ، سرقفلی ، اهدایی ، نذور و فروش اموال و غیره در مفاصاحساب بایستی به تفکیک و براساس بودجه های تنظیمی به اضافه موجودی آخر سال اعم از وصولی (موجود نقدی و لا وصولی قید گردد. تبصره - موجودی اول سال ۱۳۶۳ موقوفات براساس مفاصاحساب های صادره برای سال ۱۳۶۲ ملاک عمل بوده و چنانچه مفاصاحساب صادر نشده و یا موجودی مفاصاحساب صادره متضمن لا وصولی ها نبوده و یا مورد اعتراض اداره حج و اوقاف و امور خیریه مربوطه قرار گرفته باشد شعبه رسیدگی کننده مکلف است به وضع مالی گذشته موقوفه رسیدگی و برای تسریع در امر حسابرسی با مفتوح نگهداشتن حساب های قبلی موجودی اول سال ۱۳۶۳ اعم از موجودی نقدی و لا وصولی ها را طی صورت جلسه ای با امضای متولی و ناظر (در صورت داشتن متولی و ناظر) و حسابدار و رییس اداره با استفاده از دفتر معین و تعیین لا- وصولی ها برابر اسناد و قراردادهای اجاره مشخص نماید. ماده ۲۳ - صدور مفاصاحسابی که به موجب آن موقوفه بدهکار شود ممنوع است مگر در مواردی که با توجه به تبصره ذیل ماده ۶ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و طبق نظر کارشناس در امور عمرانی ثبتی و یا محاکماتی باشد بدیهی است در این صورت ضمن رسیدگی به کلیه هزینه های انجام شده مبلغ بدهی در توضیحات زیر مفاصاحساب منعکس و در سنوات بعد مبلغ بدهی یا قسمتی از آن تصفیه می‌گردد. ماده ۲۴ - ادارات تحقیق موظفند برنامه منظمی برای رسیدگی به امور حسابرسی شهرستانهای تابع حوزه مورد عمل خود تنظیم و به ادارات اوقاف شهرستانها ابلاغ نمایند. بر طبق این برنامه شعب حسابرسی در مدت معینی از سال متناسب با

حجم کار هر یک از شهرستانها در همان شهرستان تشکیل خواهد شد و شعبه مربوطه به حساب موقوفات آن شهرستان مطابق مقررات رسیدگی خواهد نمود. ماده ۲۵ - هرگاه ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذینفع در مهلت مقرر اقدام به رفع نقص از اسناد هزینه ارسالی نکنند شعب حسابرسی تحقیق به آن قسمت از اسناد هزینه که متکی به مدارک قابل قبول باشد رسیدگی و به هزینه قطعی منظور نموده و مفاصاحساب صادر خواهند نمود و بقیه وجوه اسناد رفع نقص نشده و مردودی را با ذکر دلیل جز موجودی موقوفه منظور می نمایند. تبصره - ادارات تحقیق موظفند کتبا استرداد وجوهی را که در مفاصاحساب صادره مردود اعلام شده است به اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل و اشخاص ذینفع ابلاغ نمایند در صورتی که وجوه مذکور تا یک ماه پس از قطعیت مفاصاحساب تحقیق مسترد نشود مراتب از طریق اداره کل تحقیق جهت تعقیب قانونی به سازمان اعلام خواهد شد. ماده ۲۶ - پس از رسیدگی به صورت حساب و صدور مفاصاحساب کلیه اسنادی که به حساب پذیرفته شده با مهر (رسیدگی و به حساب پذیرفته شد) ممهور و توسط شعبه مربوطه در پرونده ضبط می شود و آن قسمت از اسناد هزینه که مردود می شود بایستی به مهر (رسیدگی و مردود گردید) ممهور و در پرونده مربوطه نگهداری شود. تبصره - در صورتی که صاحبان اسناد استرداد اصول اسناد را تقاضا کنند پس از مهر کردن آنها به شرح ماده فوق فتوایی اسناد با هزینه متقاضی تهیه و بایگانی گردیده و اصول اسناد در قبال اخذ رسید مسترد می شود. ماده ۲۷ - صورت حساب موقوفات متصرفی که درآمد آنها تا پانصد هزار ریال است به وسیله شعب حسابرسی تحقیق محل رسیدگی خواهد شد و بیشتر از مبلغ مذکور در شعب حسابرسی مرکز مورد رسیدگی قرار می گیرد. ماده ۲۸ - ادارات تحقیق مکلفند دفاتر مخصوصی برای ثبت موقوفات حوزه مورد عمل خود تنظیم نمایند و بر مبنای آن صورت حساب هایی را که ظرف مهلت مقرر در این آیین نامه و قانون مربوط نرسیده باشد با صدور اخطار ده روز مطالبه کنند و در صورت عدم ارسال صورت حساب موقوفات متصرفی به اداره تحقیق در ظرف مدت سه ماه اول سال بعد، اداره تحقیق موظف است موضوع را جهت اتخاذ تصمیم به سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه اعلام نماید. ماده ۲۹ - اجرای نظریه های شعب تحقیق در موارد تعدی یا تفریط و مسامحه و اهمال متولی یا ناظر، موضوع ماده (۷) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه منوط به تایید و صدور حکم قطعی دادگاه است تبصره ۱ - سایر نظرات و مفاصاحسابهای صادره و تصمیمات شعب تحقیق در محدوده وظایف قانونی آنها، برای شعب دیگر و ادارات اوقاف و امور خیریه و اشخاص ذینفع قابل اجرا است مگر اینکه از مراجع ذی صلاح قضایی دستور توقف موقت اجرای حکم قطعی مبنی بر الغا یا تصحیح یا تغییر آنها صادر شود. تبصره ۲ - تصمیمات و نظریه های شعب تحقیق در سایر امور و موضوعات ماده (۷) قانون یاد شده، مذکور در این ماده در مواردی که به نظر نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه از نظر موازین شرعی مواجه با اشکال باشد، به درخواست وی به شعبه تحقیق دیگری جهت رسیدگی مجدد ارجاع می شود تا نسبت به اصلاح آن اقدام نمایند. ماده ۳۰ - هرگاه در تنظیم نظریه یا مفاصاحساب سهو قلم یا اشتباهات دیگری رخ دهد شعب صادرکننده نظریه یا مفاصاحساب رأسا و یا بنا به درخواست طرفین می توانند نظریه یا مفاصاحساب را تصحیح و اصلاحیه صادر کنند. اصلاحیه در زیر و یا پشت نسخه اصلی نظریه و یا در برگ دیگری که ضمیمه آن می شود نوشته و امضا خواهد شد به هر صورت صدور اصلاحیه در حواشی کلیه نسخ موجود در پرونده و دفتر نظریات و قرارها باید توسط مسئول دبیرخانه تحقیق قید و امضا و رونوشت نظریه اصلاحی به طرفین ابلاغ شود و تابع مقررات اصل نظریه می باشد. دادن رونوشت نظریه بدون قید وجود اصلاحیه و ضمیمه بودن آن ممنوع است ماده ۳۱ - اوراق و اخطاریه هایی که در مورد تصمیمات شعب ادارات تحقیق و از طرف آنان صادر می شود به وسیله مامورین اوقاف یا مامورین انتظامی ابلاغ خواهد شد. ماده ۳۲ - اداره کل تحقیق به اموری که از طرف سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و ادارات تحقیق استانها ارجاع شود در هیاتی مرکب از مدیر کل تحقیق یا معاون وی و رئیس شعبه حقوقی و یکی از روسای شعب حسابرسی مرکزی رسیدگی کرده نظریه مشورتی خواهد داد. ماده ۳۳ - مواردی که در این آیین نامه پیش بینی نشده در حدود صلاحیت قانونی شعب تحقیق بر طبق مقررات قانون آیین دادرسی

مدنی و متون فقهی فقها عمل خواهد شد.

آیین نامه نحوه انتخاب و برکناری، شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیات امانا

ماده ۱- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌تواند به منظور حسن اداره اماکن مذهبی اسلامی از قبیل بقاع متبرکه و امثال آن و موسسات و انجمن‌های خیریه‌ای که اداره آنها به سازمان محول شده یا بشود و همچنین برای موقوفاتی که متولی ندارد با رعایت مفاد این آیین نامه در هر مورد هیات امنایی انتخاب نماید. ماده ۲- امین یا امانا با توجه به خصوصیات و اقتضا مورد در موقوفات فاقد متولی از دو تا پنج نفر و در اماکن متبرکه از سه تا پنج نفر می‌باشند که از بین افراد معروف به امانت و متدین و متعهد محلی که حداقل دارای سواد خواندن و نوشتن بوده و توانایی انجام کار را داشته و حداقل ۲۵ سال سن ب‌اشند برای مدت سه سال انتخاب و با حکم سازمان حج و اوقاف و امور خیریه منصوب و تجدید انتخاب آنها بلامانع می‌باشد. نحوه تایید صلاحیت افراد مزبور وسیله سرپرست حج و اوقاف و امور خیریه تعیین خواهد شد. ماده ۳- تصمیمات امانا موقوفات و اماکن مذهبی که با اکثریت آرا اتخاذ شده باشد پس از تایید اداره مربوط قابل اجرا است ماده ۴- امانا در امور محوله دارای مسئولیت مشترک بوده و اعضا هیات‌های امنای اماکن مذهبی در اولین جلسه از بین خود یک نفر به عنوان رییس، یک نفر مسئول امور مالی و یک نفر منشی انتخاب نموده و به اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل معرفی خواهند نمود. ماده ۵- غیبت بدون عذر موجه هر عضو بیش از سه جلسه متوالی یا پنج جلسه متناوب در یک سال به عنوان کناره‌گیری از عضویت تلقی و در صورت ابراز عدم علاقه و یا اقداماتی که موافق با مصالح مورد امانت نباشد به حکم سازمان حج و اوقاف و امور خیریه از این سمت عزل خواهد گردید. تبصره - سازمان به موجب پیشنهاد اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل می‌تواند پس از فوت یا عزل و یا کناره‌گیری هر یک از امانا، امین دیگری را طبق مقررات این آیین نامه انتخاب نماید. ماده ۶- هر گاه امینی در وظایف خود نسبت به اماکن مذهبی مرتکب تخلف شود بنا به تقاضای رییس اداره حج و اوقاف و امور خیریه یا قایم مقام او موضوع جهت رسیدگی در جلسه هیات امانا مطرح و گزارش آن برای اتخاذ تصمیم به سازمان حج و اوقاف و امور خیریه فرستاده خواهد شد. تبصره - در صورت تشخیص خیانت اکثریت اعضای هیات امانا، اداره حج و اوقاف و امور خیریه موظف است علیه آنان در دادسرای محل اعلام جرم نموده و مراتب را به سازمان حج و اوقاف و امور خیریه گزارش دهد. اعضای مذکور بلافاصله با ابلاغ کتبی سازمان حج و اوقاف و امور خیریه تا تعیین تکلیف آنها از دخالت در مورد امانت ممنوع بوده و مکلفند فوراً حساب‌ها و دفاتر مربوطه را به اداره حج و اوقاف و امور خیریه تسلیم دارند. ماده ۷- وظایف امین و هیات امانا به قرار زیر است الف- مراقبت کامل در حفظ مورد امانت. ب- نگهداری اموال منقول و ثبت آنها با مشخصات کامل در دفاتر مربوطه. ج- انجام تعمیرات لازم اماکن مذهبی و رسیدگی مرتب به وضع آنها. د- نوسازی و احداث تاسیسات عمومی برای تامین رفاه زوار و مراجعه کنندگان و ساکنان ناحیه ه- تهیه طرح و برنامه‌های عمرانی و اتخاذ طرقی که موثر در پیشرفت کارهای اماکن مذهبی باشد. و- طرح دعوی و دفاع از حقوق اماکن مذهبی و تعقیب دعاوی مطروح له و علیه آنها و در صورت لزوم انتخاب وکیل برای انجام امور مذکوره. ز- به ثبت رسانیدن اعیان و اموال غیر منقول اماکن مذهبی و اخذ سند مالکیت به نام اماکن مذکوره. ح- جمع‌آوری درآمد و نذورات نقدی و جنسی و نگهداری وجوه اماکن مذکور در حساب مخصوص در یکی از بانک‌ها. ط- پرداخت مقرری‌های مصوب به خدام و کسانی که به نحوی از انحاء خدمت آنان در اماکن مزبور لازم باشد. ی- پرداخت هزینه مربوط به بهای برق و آب و مکالمات تلفنی و سایر هزینه‌های ضروری و متعارف. ک- اقدام موثر برای جلب کمک‌های علاقمندان جهت عمران و آبادی و توسعه اماکن مذهبی. تبصره ۱- صورت حساب و اسناد خرج باید مرتباً تنظیم و به وسیله رییس هیات امانا نگهداری شود. تبصره ۲- در اماکن مذهبی که جز آثار باستانی است هر نوع تعمیر و مرمت با اطلاع قبلی و نظارت سازمان میراث فرهنگی کشور صورت خواهد گرفت. تبصره ۳- امین یا هیات امانا موظفند پس از انجام هزینه‌های عمرانی و

ضروری مندرج در شرح وظایف خود مازاد درآمد اماکن مذهبی را که جهت مشخصی برای مصرف آن تعیین نشده است با رعایت ماده ۵ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و برابر بودجه مصوبه به مصرف برسانند. ماده ۸ - در صورتی که برای اماکن مذهبی امین یا هیات امناء انتخاب شده باشد می‌توان از محل وجوه موضوع ماده ۳۴ آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه به امین و هر یک از اعضا هیات امناء سالیانه حداکثر تا مبلغ سیصد هزار ریال به عنوان پاداش، پرداخت نمود، مشروط بر اینکه مجموع پرداختی از نصف مجموع دریافتی اداره حج و اوقاف و امور خیریه از همان مکان تجاوز ننماید. ماده ۹ - امین یا هیات امناء موظفند در سه ماهه آخر هر سال، بودجه و برنامه اقدامات مربوط به مکان مذهبی را برای سال بعد تنظیم و پس از تایید به اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل تسلیم تا برای تصویب به اداره کل استان مربوطه ارسال شود. هر گونه تغییرات بعدی در فصول و ارقام بودجه و یا برنامه‌ها و طرح‌های مصوب یا اصلاح آنها نیز باید به تایید اداره حج و اوقاف و امور خیریه و تصویب اداره کل استان مربوطه برسد. ماده ۱۰ - امین یا هیات امناء موظفند در فروردین ماه هر سال صورت هزینه و درآمد های سال قبل را همراه اسناد مثبت و یک نسخه از بودجه مصوب برای رسیدگی و صدور مفاسد حساب به اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل تسلیم دارند. تبصره - چنانچه صورت هزینه و درآمدها ناقص باشد اداره حج و اوقاف و امور خیریه آن را برای تکمیل عودت داده تا پس از رفع نقص جهت اخذ مفاسد حساب از اداره تحقیق اقدام کند. ماده ۱۱ - امین یا هیات امناء موظفند عواید و هزینه های مربوطه را در دفاتر مهور و شماره گذاری شده‌ای که از طرف اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل در اختیار آنها گذاشته می‌شود به طور مرتب و روشن ثبت نمایند. ماده ۱۲ - ایجاد مستحقات لازم برای سکونت و ایجاد تاسیسات عمومی از قبیل وضوخانه، لوله کشی آب، برق، راه و مراقبت در امر بهداشت از اهم وظایف امین یا هیات امناء می‌باشد، پس از آنکه تاسیسات مذکور به قدر کفایت وجود آمد عایدات اماکن مذهبی صرف تعمیر و نگهداری آنها و ایجاد این قبیل تاسیسات برای ساکنان آبادی های مجاور مذکور خواهد شد. ماده ۱۳ - امین و هیات امناء و خدمه و کارکنان مجاز نیستند شخصا وجه و یا جنسی به عنوان نذور و یا هدایی و غیره دریافت دارند، لذا امین و هیات امناء موظفند صندوق و یا محفظه های فلزی قابل اطمینانی که مهور به مهر مشخص باشد در محل نصب و در اوقات معینی با حضور نماینده اداره حج و اوقاف و امور خیریه آنها را باز و موجودی را با تنظیم صورت جلسه به حساب بانکی منتقل نمایند. برای نذور جنسی امین یا هیات امناء قبوضی در دو رنگ سفید و آبی با شماره متوالی چاپ و مشخصات کامل این قبیل هدایا را در آنها نوشته، نسخه سفید را به اهدا کننده تسلیم و نسخه آبی را نگهداری خواهند نمود. تبصره - مسیولیت نگهداری کلید صندوق نذور و ضریح و مهر امین و هیات امناء و قبوض و اسناد و دفاتر به عهده هیات امناء و امین خواهد بود. ماده ۱۴ - برای آنکه حساب دریافت و پرداخت های اماکن مذهبی اسلامی بر مبنای روشنی استوار شود برای کلیه این قبیل اماکن متبرکه با معرفی اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل حسابی از طرف امناء نزدیکی از بانک ها افتتاح تا درآمدها کلا در آن حساب متمرکز و پرداخت ها نیز به وسیله چک صورت گیرد، چک های صادره عموماً با دو امضای امین یا رئیس هیات امناء و حسب مورد نماینده اداره حج و اوقاف و امور خیریه خواهد بود و در صورتی که رئیس هیات امناء به علی در محل نباشد عضو دیگری از هیات امناء به جای او تعیین و معرفی خواهد شد. تبصره - امین و هیات امناء موظفند صورت درآمد و مخارج هر ساله را همراه با اقدامات انجام شده در آخر سال با امضا امین و کلیه اعضای هیات امناء حسب مورد و رئیس اداره حج و اوقاف و امور خیریه برای اطلاع عامه منتشر سازند. ماده ۱۵ - در مواردی که فروش هدایای جنسی و اموال منقول زاید بر احتیاج یا غیر قابل استفاده اماکن مذهبی لازم باشد باید علت فروش با مشخصات کامل اشیا از طرف امین یا هیات امناء صورت جلسه شود و پس از تایید کتبی آن از طرف اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل به طریق مزایده حضوری در معرض فروش قرار گیرد. اشیا یی که احتیاج به اظهار نظر کارشناس دارد باید قبلاً نظر کارشناس یا خبره محلی نسبت به فروش و بهای آنها جلب شود. ولی فروش اشیا باستانی باید به تصویب سازمان میراث فرهنگی کشور برسد. تبصره ۱ - کمیسیون مزایده از امین یا رئیس هیات امناء و صندوقدار

یا یکی از اعضای هیات امناء به انتخاب خود هیات و نماینده اداره حج و اوقاف و امور خیریه تشکیل می‌شود و اختیارات آن مانند اختیارات کمیسیون مزایده موضوع آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه خواهد بود. تبصره ۲ - بهای فروش اشیاء مذکور و سپرده‌های ضبطی مربوط به آنها باید جز عواید به حساب مکان مذهبی دربانک منظور گردد. ماده ۱۶ - نوسازی اماکن مذهبی و تعمیرات و خرید اموال و اثاثیه آنها از طریق مناقصه و یا استعلام بها صورت خواهد گرفت، مگر آنکه مقتضیاتی موجب ترک مناقصه شود و اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل آن را تایید نماید. تبصره - در صورتی که مبلغ هزینه‌های این ماده بیش از ده میلیون ریال باشد کسب نظر اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان مربوطه ضروری است. ماده ۱۷ - در مواردی که اماکن مذهبی دارای موقوفاتی باشند که تمام یا قسمتی از درآمد آنها باید در محل به مصرف برسد، می‌توان متولی موقوفه را به‌عنوان یکی از اعضا هیات امناء انتخاب و مصرف قسمت مذکور از درآمد موقوفه که اختصاص به اماکن مذهبی مزبور دارد با نظارت هیات امناء صورت خواهد گرفت. ماده ۱۸ - امین یا هیات امنایی که برای موقوفات فاقد متولی انتخاب می‌شوند موظفند بر طبق مقرراتی که قانوناً برعهده متولی و حسب مفاد وقفنامه و در صورت فقدان وقفنامه طبق سیره جاریه انجام وظیفه نمایند. حدود اختیارات و مسئولیت‌های آنها علاوه بر مقررات این آیین نامه به نحوی است که در قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و آیین نامه‌های مربوطه برای متولی در نظر گرفته شده است. ماده ۱۹ - حق الزحمه امین یا هیات امناء موقوفه با در نظر گرفتن عواید و میزان کار به وسیله سازمان تعیین می‌شود و در هیچ مورد مجموع پرداختی نباید از نصف حق التولیه مقرر در وقفنامه تجاوز نماید. ماده ۲۰ - سازمان در کلیه اعمال امین یا هیات‌های امناء نظارت داشته و موظف است که در حسن انجام وظایف آنان مراقبت کامل نماید.

آیین نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی - مصوب ۱۳۶۵ ۲ ۱۰

ماده ۱ - در مواردی که زمین بلا معارض وقفی ابتدائاً با اعطای حق تملک اعیان جهت احداث واحد مسکونی و اداری، خدماتی و صنعتی دارای موافقت اصولی به اجاره و اگذار میشود، مبلغی متناسب با قیمت عادلانه روز زمین که در هر حال نباید از ۳۰٪ قیمت آن کمتر باشد طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری و یا دو نفر خبره محلی به هنگام تنظیم سند اجاره به عنوان پذیره اهدایی علاوه بر مال الاجاره عادلانه روز از متقاضی اعم از شخص حقیقی یا حقوقی دریافت خواهد شد. تبصره - میزان پذیره رقباتی که بدون سند اجاره در اختیار اشخاص است در صورت موافقت متولی و یا اداره حج و اوقاف و امور خیریه با تنظیم سند اجاره و پرداخت اجور معوقه ایام تصرف مشمول این ماده است مشروط بر اینکه تصرف متصرف قبل از سال ۱۳۶۱ باشد. ماده ۲ - مستاجر عرصه‌ای که حق تملک اعیان داشته و احداث اعیان نموده است چنانچه بخواهد مورد اجاره را به غیر انتقال دهد ۱۵٪ مابه التفاوت ارزش فعلی عرصه موقوفه نسبت به ارزش زمان ایجار را میباید به عنوان پذیره انتقال به هنگام تنظیم سند اجاره به نفع موقوفه پرداخت نماید این ترتیب در نقل و انتقالات بعدی نیز رعایت خواهد شد بدیهی است قیمت عرصه به نحو مندرج در ماده ۱ محاسبه خواهد شد. تبصره - چنانچه مستاجر در یک قطعه زمین موقوفه واحدهای متعددی احداث نماید در موقع انتقال قیمت عرصه هر واحد طبق قانون تملک آپارتمان‌ها تعیین و پذیره انتقالی بر اساس آن محاسبه و دریافت خواهد شد. ماده ۳ - در ایجاد رقبات بلا معارض موقوفه جهت استفاده به عنوان محل کسب صد درصد سرقفلی در صورت تعلق برابر نظر کارشناس یا خبره محلی از طریق مزایده به هنگام تنظیم سند اجاره به نفع موقوفه وصول خواهد شد. ماده ۴ - هرگاه مستاجر بخواهد واحد تجاری را که عرصه و اعیان آن وقف است به غیر انتقال دهد باید با کسب موافقت متولی و اداره حج و اوقاف و امور خیریه ۱۰٪ کل سرقفلی محل را که کارشناس یا خبره محلی تعیین میکند به هنگام تنظیم سند اجاره به موقوفه بپردازد و در صورتی که قبلاً سرقفلی به موقوفه پرداخت کرده باشد ۱۰٪ مزبور نسبت به مابه التفاوت سرقفلی پرداختی قبلی به موقوفه و سرقفلی فعلی محاسبه و دریافت میشود. ماده ۵ - در صورتی که

مستاجر درزمینی که برای سکونت اجاره نموده و خلاف شرط سند اقدام به احداث محل کسب نموده باشد، در مواقع انتقال ملک و یا ایجاد محل کسب باید ۵۰٪ سرقفلی را برابر نظر کارشناس به موقوفه پرداخت نماید. ماده ۶ - انتقالات اختیاری بین مستاجر موقوفه و طبقه اول ارثی وی و همچنین درانتقالات قهری مستاجر از پرداخت پذیره معاف میباشند. ماده ۷ - در صورتی که مورد استفاده از زمین منطبق با نیت واقف نباشد کلیه وزارتخانه ها، سازمانها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و موسسات عمومی غیر دولتی نظیر شهرداری ها و نیز نهادهای انقلابی مشمول پرداخت پذیره طبق این آیین نامه خواهند بود. ماده ۸ - اعطای حق تملک اعیانی درمورد اراضی موقوفه‌ای که بنا به تشخیص مراجع ذیصلاح کاربری زراعی دارد ممنوع بوده و در ایجاد آنها پذیره دریافت نخواهد شد. ماده ۹ - در مواردی که در میزان نحوه و ترتیب وصول پذیره و سرقفلی و یا تغییر نحوه استفاده از مورد اجاره ابهامی و یا اختلافی به وجود آید نظر سرپرست سازمان ملاک عمل خواهد بود. ماده ۱۰ - وجوهی که از محل پذیره و سرقفلی حاصل از اجاره و استیجار رقبات موقوفه و یا به عنوان اهدایی دریافت میگردد جزو عواید همان موقوفه محسوب و علی‌القره الواقف به مصرف میرسد و در صورتی که از عواید مذکور پس از وضع مخارج ضروری و اجرای نظر واقف مبلغ متناهی باقی بماند که بتوان رقبه جدیدی خریداری و یا اقدام به احداث بنا در قسمتی از اراضی آن نمود، به منظور استمرار و بقا موقوفه و تامین نظر واقف و تضمین بیشتر آن برای سال های آینده با رعایت صلاح و صرفه وقف و با تحصیل مجوز از سرپرست سازمان عمل خواهد شد. تبصره - پذیره‌های ماخوذه درموقع ایجار موقوفات خاص متعلق به کلیه بطون است و میباید جهت استفاده آنان سرمایه گذاری شود. ماده ۱۱ - ادارات اوقاف و متولیان باید حتی الامکان قبل از ایجار اراضی موقوفه بررسی لازم را معمول تا در صورتی که زمین وقفی جهت ایجاد مسکن، کارگاه و یا واحدهای صنعتی مناسب و مفید باشد با هماهنگی ادارات ذیربط و با استفاده از منابع مالی ممکن و یا مشارکت بانک ها رأسا اقدام به احداث ساختمان نموده و با توجه به نحوه سرمایه گذاری مورد بهره برداری قرار گیرد. بدیهی است در صورت عدم امکانات لازم برای اجرای این ماده برابر مفاد آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و سایر مواد این آیین نامه اقدام شود. تبصره - اراضی موقوفه ای که برای ساختمان واحدهای تجاری اعم از پاساژ و غیره مناسب باشد میباید توسط متصدیان امر وقف نسبت به احداث آنها رأسا اقدام و سپس از طریق نشر آگهی مزایده به اجاره واگذار شود.

آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه - مصوب ۱۳۸۶۱

ماده ۱ - سازمان حج و زیارت موظف است در چهارچوب سیاستهای مصوب کشور، برنامه‌های لازم را در زمینه برگزاری مراسم حج تمتع و غیره زیارت عتبات مقدس و اماکن متبرک خارج از کشور اجرا نماید. ماده ۲ - به منظور هماهنگی بین دستگاههای مختلف و تسریع در انجام امور حج و زیارت شورای عالی حج و زیارت تشکیل می‌شود. ماده ۳ - شورای عالی حج و زیارت با ترکیب افراد و مسئولین دستگاههای زیر تشکیل می‌گردد ۱ - رئیس جمهور (رئیس شورای عالی ۲ - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (نایب رئیس شورای عالی ۳ - نماینده مقام معظم رهبری در امور حج و زیارت (در صورت معرفی ۴ - وزیر امور خارجه ۵ - وزیر کشور ۶ - وزیر امور اقتصادی و دارایی ۷ - وزیر راه و ترابری ۸ - معاون وزیر و رئیس سازمان حج و زیارت (دبیر شورا) ۹ - رئیس کمیسیون مشترک ایران و عربستان ۱۰ - یک نفر کارشناس به انتخاب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۱ - یک نفر کارشناس به انتخاب نماینده مقام معظم رهبری در امور حج و زیارت تبصره - نحوه تشکیل جلسات شورا بر اساس آیین نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیر شورا تهیه و پس از تایید رئیس شورای عالی به تصویب اعضا خواهد رسید. ماده ۴ - وظایف و اختیارات شورا به شرح زیر است ۱ - بررسی و تصویب خط مشیها و روشهای اجرایی سازمان در امور مربوط به حج و زیارت ۲ - بررسی و تصویب آیین نامه‌های مالی و معاملاتی مربوط به بودجه عملیات اجرایی سازمان موضوع ماده (۱) این آیین نامه ۳ - بررسی و تصویب میزان وجوه

قابل دریافت از زیران ۴ - تصمیم‌گیری نسبت به کلیه پیشنهادهای مربوط به حج و زیارت ارایه شده به شورا در چهارچوب قوانین و مقررات تبصره - مصوبات شورا پس از تایید رییس شورا و با امضای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ابلاغ می‌گردد. ماده ۵ - رییس سازمان بالاترین مقام اجرایی سازمان و در حدود قوانین و مقررات ، مسیول اداره و حسن جریان امور و حافظ حقوق و اموال سازمان است ماده ۶ - وظایف و اختیارات رییس سازمان به شرح زیر است ۱ - تهیه و تدوین برنامه‌های راهبردی و آیین نامه های مورد نیاز سازمان و پیشنهاد آن برای تصویب به مراجع ذی ربط ۲ - به کارگیری و عزل و نصب نیروی انسانی سازمان در چهارچوب قوانین و مقررات مربوط ۳ - امضای مکاتبات و اسناد ، افتتاح حساب در بانکها و معرفی امضاهاى مجاز و صدور اجازه پرداخت هزینه‌ها در حدود برنامه ها و اعتبارات مصوب ۴ - نمایندگی سازمان در مقابل اشخاص حقیقی و حقوقی طرف دعوی اعم از داخلی و خارجی با حق انتخاب و کیل و حق وکالت در توکیل تا یک درجه و ارایه پیشنهاد صلح و سازش به مراجع ذیربط با رعایت قوانین و مقررات ذی ربط ۵ - تهیه و تنظیم شرح وظایف و تشکیلات تفصیلی سازمان حج و زیارت و اجرای آن پس از تصویب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر مراجع ذی ربط ۶ - تهیه و تنظیم بودجه سالانه سازمان و ارایه آن به مراجع ذی ربط جهت تصویب ماده ۷ - اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور سازمان با امضای رییس سازمان یا افراد مجاز از طرف وی و مدیر امور مالی سازمان معتبر خواهد بود. ماده ۸ - به منظور رسیدگی به حسابهای موضوع ماده (۱) این آیین نامه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از سازمان حسابرسی یا موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران ، حسابرس سازمان را انتخاب می‌کند. ماده ۹ - حسابرس سازمان موظف است مطابق استانداردهای حسابرسی به حسابهای سازمان رسیدگی نماید و در اجرای این منظور بدون دخالت مستقیم در امور سازمان ، به نحوی که به عملیات جاری سازمان لطمه وارد نشود ، می‌تواند کلیه حسابها ، دفاتر ، اسناد و مدارک مربوط را مورد رسیدگی قرار دهد و در صورتی که ضمن انجام وظایف خود به موردی از جریانات سو و تخلفات برخورد نمود ، بلافاصله وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را در جریان امور قرار دهد. ماده ۱۰ - بودجه عملیات اجرایی سازمان که شامل ارقام درآمد وصولی از حجاج و زائران و هزینه‌های انجام شده در اجرای برنامه های حج و زیارت می‌باشد همزمان با صدور دستورالعمل تنظیم بودجه عمومی دولت در سازمان تهیه و پس از تایید رییس سازمان و تصویب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اجرا خواهد شد. ماده ۱۱ - وجوه دریافت شده از زائران در حساب مخصوصی متمرکز می‌شود و پس از تامین هزینه های زایرا و سایر هزینه‌های جانبی و مازاد احتمالی که مبلغ آن توسط حسابرس سازمان مشخص می‌شود ، باقیمانده آن بنا به پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و تایید رییس جمهور به مصرف امورهماهنگی و خیریه می‌رسد. ماده ۱۲ - مدیر امور مالی سازمان در چهارچوب مقررات مربوط با حکم رییس سازمان منصوب می‌شود. ماده ۱۳ - سازمان حج و زیارت موظف است برنامه‌ها و طرحهای اجرایی لازم را در زمینه بیمه زائران ، وصول و ایصال ماترک زائران متوفی ، اسکان ، امور بهداشت و سلامت جسمی ، تغذیه ، امنیت و رویداد ، حمل و نقل با همکاری وزارتخانه ها و سازمانهای ذی ربط تدوین و اجرا نماید. ماده ۱۴ - کلیه هزینه هایی که اعتبار آن از محل بودجه عمومی دولت تامین می‌شود و نیز سایر خدماتی که در زمینه امور حج و زیارت در این آیین نامه پیش بینی نشده ، تابع مقررات عمومی کشور خواهد بود. ماده ۱۵ - کارکنان سازمان مشمول مقررات قانون استخدام کشوری و آیین نامه‌ها و مقررات مربوط به آن هستند. ماده ۱۶ - از تاریخ تصویب این آیین نامه ، تصویب نامه های مغایر لغو می‌گردد.

قانون ابطال اسناد فروش رقبات ، آب و اراضی موقوفه - مصوب ۱۱ ۲۵ ۱۳۷۱

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون کلیه موقوفات عام که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده یا به صورتی به ملکیت درآمده باشد به وقفیت خود برمی‌گردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است تبصره ۱ - پس از ابطال سند مالکیت در مواردی که موقوفه قابل اجاره باشد و متصرف تقاضای اجاره کند با رعایت مصلحت وقف و حقوق مکتسبه متصرف قرار داد

اجاره با متصرف تنظیم خواهد شد. تبصره ۲- کلیه املاک مزروعی که در اجرای قانون اجازه تبدیل به احسن و واگذاری دهات و مزارع موقوفات عام مصوب ۲۹ ۱ ۱۳۵۰ و سایر مراحل اصلاحات ارضی به زارعین صاحب نسق انتقال و بین آنان تقسیم شده با حفظ مصلحت وقف با متصرفین و زارعان صاحب نسق با رعایت حقوق اکتسابی آنان اجاره نامه تنظیم می‌شود و جوهی که قبلاً از طرف دولت بابت املاک مزبور مطابق ماده واحده پرداخته شده بابت اهدایی دولت به موقوفه محسوب و از تاریخ تحویل زمین به متصرف اجرت المثل زمین توسط کارشناس رسمی یا خبره محلی تعیین و با محاسبه وجوه پرداختی قبلی متصرف تهاتر و کسر یا اضافه آن محاسبه خواهد گردید. تبصره ۳- کسانی که زمین یا خانه موقوفه ای را بدون اطلاع از وقفیت از اشخاص حقیقی یا حقوقی خریداری نموده و به موجب این قانون اسناد مالکیت آن باطل می‌شود می‌توانند برای دریافت خسارت وارده به فروشنده رجوع نمایند، در صورتی که متصرف طبق تبصره ۱ این قانون تقاضای اجاره نماید سازمان اوقاف می‌تواند از تاریخ تصویب این قانون با متصرف تنظیم اجاره نماید. تبصره ۴- در مواردی که جهت مورد نظر واقف تغییر یافته باشد بایستی به نظر واقف عمل شود. تبصره ۵- اراضی و املاکی که در تصرف و مالکیت کشاورزان و مالکین محلی بوده و در اثر اجرای سیاست های غلط و یا زورمندانه سلاطین بدون مجوز شرعی از مالکیت آنان خارج شده ولی اراضی کماکان در تصرف مالکین مذکور می‌باشد و سپس من غیر حق در مالکیت موقوفات و آستان قدس رضوی درآمده و توسط مالکین هیچگونه سند وقفیت اعم از عادی و رسمی تنظیم نشده و یا هر دلیل معتبر شرعی و قانونی وجود نداشته باشد و همچنین املاکی که در تصرف اشخاص بوده و سند رسمی دارند ولی ادعای وقفیت نسبت به آنها شده است در صورتی که دلایل معتبری دال بر صحت وقف وجود نداشته باشد از شمول حکم ماده واحده خارج و هرگونه تصمیم و اقدامی که در مورد اراضی فوق الذکر انجام شده از درجه اعتبار ساقط و کان لم یکن می‌گردد و در صورت بروز اختلاف، در هر دو مورد دادگاه صالح رسیدگی خواهد نمود. تبصره ۶- آن دسته از اراضی و املاک و جنگل‌ها و مراتع و اراضی منابع ملی که مشمول ماده (۱) قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۲۵ ۵ ۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی آن و قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی مصوب ۷ ۵ ۱۳۷۱ قرار گیرد مشمول ماده واحده مذکور نبوده و موقوفه تلقی نمی‌شود مگر در مورد حریم موقوفات و اراضی ای که قبل از تاریخ ۱۶ ۱۲ ۱۳۶۵ احیا شده باشد. تبصره ۷- کلیه قوانین و مقررات مغایر با این ماده و تبصره‌های آن لغو و کان لم یکن می‌باشد. وزارت کشاورزی و سازمان اوقاف موظفند آیین نامه اجرایی این قانون را ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و پس از تصویب هیأت دولت به اجرا درآورند.

قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه - مصوب ۱۰۲ ۱۳۶۳

ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون سازمان اوقاف به سازمان حج و اوقاف و امور خیریه تغییر نام می‌یابد و امور ذیل به عهده این سازمان واگذار می‌گردد. ۱- اداره امور موقوفات عام که فاقد متولی بوده یا مجهول التولیه است و موقوفات خاصه در صورتی که مصلحت وقف و بطون لاحق و یا رفع اختلاف موقوف علیهم متوقف بر دخالت ولی فقیه باشد. ۲- اداره امور اماکن مذهبی اسلامی که ترتیب خاصی برای اداره آنها داده نشده است به استثنای مساجد و مدارس دینی و تکایا. ۳- اداره امور موسسات و انجمن های خیریه ای که از طرف دولت یا سایر مراجع ذیصلاح به سازمان محول شده یا بشود. ۴- اداره موسسات و انجمن های خیریه ای که به تشخیص دادستان محل فاقد مدیر باشد (تا تعیین تکلیف از طرف دادگاه، ضم امین در موسسات و انجمن های خیریه ای که به تشخیص دادستان محل مدیر آن فاقد صلاحیت باشد (تا تعیین تکلیف از طرف دادگاه همچنین است و در صورت نبودن یا عدم صلاحیت ناظر (در مواردی که ناظر پیش بینی شده باشد) ۵- انجام امور مربوط به گورستان های متروکه موقوفه ای که متولی معین ندارد و اتخاذ تصمیم لازم در مورد آنها. ۶- کمک مالی در زمینه تبلیغ و نشر معارف اسلامی ۷- اثلاث باقیه، محبوسات، نذور، صدقات و هر مال دیگری که به غیر از عنوان وقف برای امور عام المنفعه و خیریه اختصاص یافته در حکم موقوفات عامه

است و چنانچه فاقد متولی و متصدی باشد با اذن ولی فقیه، تحت اداره و نظارت سازمان اوقاف و امور خیریه قرار خواهد گرفت رعایت مفاد اسناد تنظیمی مربوط به این اموال و رقبات اعم از وصیت نامه و حبس نامه و سیره جاریه در اداره امور و مصرف عواید آنها ضروری خواهد بود. تبصره ۱- سرپرست سازمان باید از طرف ولی فقیه مجاز در تصدی اموری که متوقف بر اذن ولی فقیه است باشد. تبصره ۲- بقاع متبرکه حضرت رضا علیه السلام و حضرت احمد بن موسی (شیراز) و حضرت معصومه و حضرت عبدالعظیم (ع) و موقوفات مربوط به آنها که متولی خاص نداشته باشد و موقوفاتی که برای اداره هر کدام آنها از طرف ولی فقیه نایب التولیه تعیین شده یا بشود از شمول این قانون مستثنی است و در غیر این صورت اداره آنها با سازمان خواهد بود. تبصره ۳- سازمان اوقاف و امور خیریه در صورت نیاز در مورد رقبات و اموال موضوع بند (۷) بالا با تایید نماینده ولی فقیه و سرپرست آن سازمان، به منظور جلوگیری از تعدی و تفریط در اداره آنها نسبت به نصب امین یا هیات امانا اقدام خواهد کرد. ماده ۲- از تاریخ تصویب این قانون سازمان اوقاف از نخست وزیری منتزع و اداره امور حج و زیارت اماکن متبرکه اسلامی خارج از کشور و امور اوقاف تحت عنوان سازمان حج و اوقاف و امور خیریه وابسته به وزارت ارشاد اسلامی اداره می‌شود. ماده ۳- هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان حسب مورد نماینده آن می‌باشد. ماده ۴- متولی موقوفه کسی است که به موجب مفاد وقفنامه و مقررات قانون مدنی یا این قانون واجد این سمت باشد. در مورد اعتراض اشخاص بارعایت مواد ۱۴ تا ۱۷ این قانون اقدام خواهد شد. تبصره ۱- موقوفاتی که متولی آنها عزل یا فوت می‌شود تا تشخیص متولی بعدی و موقوفاتی که متولی آنها ممنوع المداخله می‌شود تا رفع ممنوعیت یا ضم امین در حکم موقوفات بدون متولی است تبصره ۲- هرگاه شخص یا اشخاصی که در وقفنامه به عنوان متولی معین شده‌اند وجود نداشته باشند و یا اوصاف مقرر در وقفنامه منطبق با شخص یا اشخاص معینی نگردد موقوفه در حکم موقوفه مجهول التولیه است تبصره ۳- در موقوفاتی که شرط مباشرت نشده باشد هرگاه متولی برای انجام تمام یا قسمتی از امور مربوط به موقوفه و کیلی انتخاب کند و کیلی مزبور باید توانایی انجام مورد و کالت را داشته باشد در صورتی که وکیل انتخابی به تشخیص سازمان قادر به ایفا وظایف محوله نباشد مراتب کتبا به متولی ابلاغ خواهد شد هرگاه ظرف دو ماه برای متولیان مقیم ایران و چهار ماه برای متولیان مقیم خارج کشور، متولی، اقدام به تغییر وکیل ننماید موضوع به دادگاه صالح احاله و پس از ثبوت عدم توانایی وکیل مزبور با ابلاغ سازمان از دخالت ممنوع می‌شود این حکم شامل وکلایی که قبلاً نیز انتخاب شده‌اند خواهد بود. ماده ۵- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌تواند در اموری که اداره آن به عهده این سازمان است شخص یا هیاتی از اشخاص متدین و معروف به امانت را به عنوان امین یا هیات امانا تعیین نماید. تبصره ۱- نحوه انتخاب و برکناری و شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیات امانا و میزان حق الزحمه آنان همچنین نظامات راجع به حفظ و نگهداری اماکن و اموالی که اداره آن به عهده سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌باشد به موجب آیین نامه‌هایی که بر اساس مقررات و سنن و خصوصیات اماکن مربوط که به تصویب هیات وزیران می‌رسد خواهد بود. تبصره ۲- نذورات نقدی که جهت مشخصی برای مصرف آن معین نشده است و وجوه حاصل از فروش اموال منقول زاید بر احتیاجی که به این قبیل اماکن اهدا می‌شود با جلب نظر اداره اوقاف به وسیله هیات امانا به ترتیب در امور ذیل مصرف می‌شود الف- عمران و آبادی اماکن مذکور. ب- تدارک وسایل رفاه و بهداشت زوار این اماکن و ساکنان ناحیه ج- نشر معارف اسلامی و تبلیغات مذهبی و تعظیم شعائر دینی در آن محل د- کمک به مدارس علوم دینی در آن محل ه- خیرات و مبرات مطلقه ماده ۶- صرف در آمد موقوفات به منظور بقا عین آنها بر سایر مصارف مقدم است و متولی موظف است موجبات آبادانی رقبات موقوفه را در جهت بهره برداری صحیح از آنها به منظور اجرای نیات واقف فراهم آورد. تبصره- در صورتی که در آمد یکساله موقوفه یا اماکن اسلامی برای تعمیر و یا نوسازی آن کافی نباشد در آمد دو یا چند سال در حساب مخصوص ذخیره و به موقع به مصرف خواهد رسید. ماده ۷- هرگاه متولی یا ناظر نسبت به عین یا منافع موقوفه تعدی یا تفریط نماید یا در انجام وظایف مقرر در وقفنامه و قانون و آیین نامه‌ها و مقررات مربوط مسامحه و اهمال ورزد، با رسیدگی شعبه

تحقیق و حکم دادگاه حسب مورد معزول یا ممنوع المداخله یا ضم امین خواهد شد. تبصره ۱ - به متولی و ناظر ممنوع المداخله در زمان ممنوعیت حق التولیه و حق النظاره تعلق نخواهد گرفت مگر آنکه برایت آنان ثابت شود و در مواردی که ضم امین می‌شود اوقاف حق امین را خواهد پرداخت تبصره ۲ - در مواردی که مطابق قانون مدنی یا این قانون ضم امین می‌شود دادگاه‌ها می‌توانند سازمان حج و اوقاف و امور خیریه را هم به عنوان امین تعیین کنند. تبصره ۳ - نسبت به تعدی و تفریط یا سایر تخلفات مدیران و امانا موسسات و بنیادهای خیریه طبق اساسنامه موسسه و بنیاد مربوط اقدام خواهد شد و در صورتی که اساسنامه آنها در این موارد ساکت یا ناقص باشد مشمول مقررات پیش بینی شده در این ماده و تبصره های آن خواهند بود. تبصره ۴ - کلیه مباشران موقوفات و اماکن مذهبی اعم از متولی و ناظر و امانا و مدیران و امانا موسسات و بنیادهای خیریه مذکور در این قانون در حکم امین می‌باشند در صورت تعدی یا تفریط یا تخلفات دیگر ملزم به تادیبه حقوق و وجوه و اموال و جبران خسارات ناشی از اعمال خود خواهند بود هرگاه عمل آنها مشمول عناوین کیفری باشد از طریق مراجع قضایی نیز تعقیب و به مجازات مقرر محکوم خواهند شد. ماده ۸ - درآمد موقوفات مجهول المصرف و موقوفاتی که به صیغه مبرات مطلقه وقف شده قابل مصرف در تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی و عمران موقوفات می‌باشد زیر نظر سازمان به مصرف می‌رسد. تبصره - درآمد موقوفات متعذرالمصرف و موقوفاتی که عواید آنها به سبب قلت گرچه با پس انداز چند سال برای اجرای نظر واقف کافی نباشد با تشخیص تحقیق اوقاف در موارد اقرب به غرض واقف در محل به مصرف می‌رسد. آن قسمت از درآمد موقوفاتی که به علت کثرت عواید زاید بر مصرف متعارف باشد حتی الامکان در موارد اقرب به نظر واقف صرف گردد و در صورت نبودن مورد اقرب در مطلق امور خیریه به مصرف خواهد رسید. مقصود از متعذرالمصرف آن است صرف درآمد موقوفه در مصارف مقرر به علت فراهم نبودن وسایل و یا انتفا موضوع و یا عدم احتیاج به مصرف مقدور نباشد. ماده ۹ - سازمان حج و اوقاف و امور خیریه نسبت به مواردی که در بندهای ماده یک این قانون به عهده آن گذاشته شده در صورت عدم اقدام متولی یا امانا یا موقوف علیهم حق تقاضای ثبت و سایر اقدامات لازم و اعتراض و اقامه دعوی را دارد. همچنین می‌تواند در مواردی که لازم بداند و مصلحت موقوفه ایجاب نماید در دعاوی مربوط وارد دعوی شده و به احکام صادره اعتراض کند. تبصره - در کلیه موارد مذکور در این ماده سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، موقوفات عام، بقاع متبرکه، اماکن مذهبی اسلامی، مدارس علوم دینی و موسسات و بنیادهای خیریه از پرداخت مخارج و هزینه‌های دادرسی و ثبتی و اجرایی معاف می‌باشند. ماده ۱۰ - ثبت معاملات راجع به عین یا منافع موقوفات و بنیادها و موسسات خیریه مذکور در ماده ۹ در دفاتر اسناد رسمی موکول به موافقت سازمان حج و اوقاف و امور خیریه است دفاتر اسناد رسمی مکلفند رونوشت مصدق وقفنامه‌ها و اسناد راجع به وقف را ظرف ۱۰ روز پس از ثبت به اداره اوقاف مربوطه ارسال دارند. تبصره - ادارات ثبت مکلفند رونوشت مصدق اسناد مالکیت وقف را پس از صدور به اداره اوقاف محل تحویل نمایند. متولیان نیز موظفند ظرف دو ماه از تاریخ اجرای این قانون رونوشت مصدق اسناد مالکیت و رونوشت وقفنامه‌های موجود نزد خود را برای حفظ و نگهداری به اداره اوقاف مربوط تسلیم دارند. ماده ۱۱ - حق التولیه متولی و یا سازمان (در قبال اعمال تولیت نسبت به موقوفات متصرفی همچنین حق النظاره ناظر به میزان مقرر در وقفنامه است و در صورتی که وقفنامه موجود نباشد و یا میزان حق التولیه و حق النظاره در آن تعیین نشده باشد حق التولیه به مقدار اجرت المثل از عایدات خالص خواهد بود. ماده ۱۲ - سازمان حج و اوقاف و امور خیریه وجوهی را که از محل هدایای مستقل و حق التولیه و حق النظاره دریافت می‌دارد طبق بودجه‌ای که هر سال تنظیم و به تصویب هیات دولت خواهد رساند رأساً به مصرف می‌رساند. ماده ۱۳ - وجوهی که از محل پذیره و هدایای حاصل از اجاره و استیجار رقبات موقوفه دریافت می‌گردد از عواید همان موقوفات محسوب و به مصارف مقرر خواهد رسید. تبصره - نحوه و ترتیب وصول پذیره و هدایای مطابق آیین نامه‌ای است که به تصویب هیات دولت خواهد رسید. ماده ۱۴ - تحقیق در جمع و خرج عواید راجع به وقف و نیز صدور مفاصحاسب و تطبیق مصارف با مفاد وقفنامه و تشخیص متولی و ناظر و موقوف علیهم (با رعایت ماده ۷ این

قانون و تبصره‌های آن با شعب تحقیق اوقاف است مگر در موقوفات منصوص التولیه در صورتی که مظنه تعدی و تفریط متولی نباشد. ماده ۱۵ - هیات تحقیق اوقاف مرکب از دو قسمت حقوقی و حسابرسی است و شعب آن بر حسب ضرورت در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها تأمین می‌گردد. تبصره - ادارات اوقاف و اشخاص ذینفع در صورتی که اعتراض داشته باشند می‌توانند پس از ابلاغ نظر شعبه تحقیق اعتراض خود را در دادگاه‌های دادگستری طرح نمایند. حکم این ماده در مورد بنیادها و موسسات خیریه و اماکن مذهبی اسلامی نیز جاری است ماده ۱۶ - در مورد اراضی که برای احداث مراکز آموزشی یا درمانی وقف می‌شود در صورتی که متولی بدون عذر موجه در مدت مناسب با تشخیص سازمان اقدام موثری برای احداث آن مراکز نکند و الزام متولی هم به انجام آن ممکن نباشد سازمان می‌تواند حسب مورد آن اراضی را در اختیار وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، سازمان بهزیستی، هلال احمر محل یا سازمان دیگری که وظایف آن متناسب با اهداف واقف باشد قرار دهد تا اقدام لازم به عمل آورند. ماده ۱۷ - آیین نامه‌های اجرایی این قانون و کیفیت تحقیق در شعب تحقیق با پیشنهاد سازمان به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۸ - کلیه قوانین و مقرراتی که با این قانون مغایرت دارد از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون لغو می‌گردد.

قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها - مصوب مجمع تشخیص مصلحت ۱۳۷۰ ۱۲ ۱۵

ماده واحده - در خصوص اراضی مشمول اقدامات زیر سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است چنانچه تاکنون مالکیت آنها به نام دولت صادر نشده نسبت به صدور اسناد مذکور با نمایندگی سازمان زمین شهری، سریعاً و بدون رعایت تشریفات ثبتی اقدام و در مواردی که علی‌رغم صدور سند اراضی به نام دولت اقدامات دستگاه‌های ذیربط وسیله مراجع ذیصلاح ابطال شده یا بشود و یا نوع زمین به موجب رای دادگاه تغییر یافته یا بیابد، اسناد صادره را به نام دولت و یا خریداران اراضی از دولت حسب مورد، با ذکر مراتب در ستون ملاحظات دفتر املاک تنفیذ و اخبار نماید. در مواردی که امکان صدور سند به نام خریداران وجود دارد رأساً بایستی به نام خریداران اراضی از دولت سند صادر شود. الف - زمینهایی که به وسیله بنیاد مسکن انقلاب اسلامی یا نهادهای انقلاب اسلامی و عنوانهای مشابه و وزارت مسکن و شهرسازی (سازمانهای عمران اراضی یا سازمان زمین شهری واگذار شده و طبق اعلام وزارت مسکن و شهرسازی در آن احداث بنا به عمل آمده وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است بهای منطقه ای زمان ابلاغ این مصوبه در خصوص اراضی غیرموات را به صاحبان حق پرداخت نماید. همچنین است در مورد زمینهایی که طراحی آماده سازی انجام و به مردم تخصیص داده شده است ب - زمینهایی که وزارت مسکن و شهرسازی عملیات آماده سازی را در آنها انجام داده لکن به مردم تخصیص داده نشده است در این صورت بهای کارشناسی روز این گونه اراضی به تاریخ این مصوبه بدون در نظر گرفتن ارزشهای ناشی از ورود زمین به محدوده براساس تصمیم مراجع ذیصلاح و اقدامات اجرایی دولت و عملیات آماده سازی که از زمان شروع به تملک دولت صورت گرفته به مالک پرداخت و یا معادل آن به بهای تمام شده زمین به مالک واگذار گردد. موضوع (تعیین تکلیف اراضی دولت و نهادها) در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسه مورخ پانزدهم اسفندماه یک هزار و سیصد و هفتاد مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و طی ماده واحده فوق به تصویب رسیده است

قانون تفسیر قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها - مصوب ۱۳۷۳ ۹ ۳ مجمع تشخیص مصلحت

موضوع استفساریه نظر به اینکه متعاقب ابلاغ قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها مصوب ۱۳۷۰ ۱۲ ۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام برای بعضی از واحدهای سازمان ملی زمین و مسکن این ابهام به وجود آمده، که ضوابط مذکور به موقوفات نیز تسری دارد. مستدعی است نظریه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد شمول یا عدم شمول قانون فوق الذکر

نسبت به موقوفات اعلام گردد. نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام ماده واحده - موقوفات از شمول قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها مصوب ۱۵ ۱۲ ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام مستثنی می‌باشد.

قانون راجع به اراضی دولت و شهرداری ها و اوقاف و بانکها - مصوب ۸ ۶ ۱۳۳۵

ماده واحده - ۱ - هرگاه دولت یا شهرداری تشخیص دهد که در تهران و اطراف آن از میدان سپه تا شعاع صد کیلومتر از هر سمت از طرف افراد یا اشخاص حقوقی نسبت به اراضی متعلق به دولت که در دفتر رقبات ثبت است و اراضی شهرداری و نیز اراضی اوقاف و اراضی متعلق به بانک کشاورزی یا بانک ساختمانی و مسیل ها و تپه ها و اراضی موات و اراضی بایر بلامالک تجاوز شده و بدون داشتن حق آن اراضی و یا مسیل ها و یا تپه های موات و یا اراضی بایر بلامالک را ثبت کرده‌اند و بر اثر انقضا مدت اعتراض و یا به علت صدور سند مالکیت به نام متجاوز و یا ایادی متلقای آنها طرح دعوی در مراجع صلاحیتدار ممکن نیست به تقاضای دولت یا شهرداری یا اداره اوقاف و یا بانکهای کشاورزی و ساختمانها و یا دادستان شهرستان موضوع در هیاتی مرکب از رییس دیوانعالی کشور و دادستان کل و یکی از روسای شعب دیوان کشور به انتخاب رییس دیوانعالی کشور و رییس کل دادگاه های استان مرکز و مدیرکل بازرسی کشور در ظرف یکسال از تاریخ تصویب این قانون (در کمیسیون دادگستری مشترک مجلسین) طرح خواهد شد. هیات مزبور با مراجعه به سوابق و پرونده ها و تحقیقاتی که برای رسیدگی لازم بداند در صورتی که تجاوز به حق دولت یا شهرداری یا اداره اوقاف یا بانک های مذکور فوق و اراضی و مسیل ها و تپه های موات نامبرده را احراز کند به ترتیب ذیل عمل خواهد کرد الف - هرگاه متقاضی ثبت اراضی یا متجاوز اصلی اراضی و مسیلهای و تپه‌های مذکور را به دیگری منتقل نکرده باشد رای به پرداخت اعلی القیم بهای اراضی مذکور از تاریخ تجاوز تا تصویب این قانون خواهد داد. ب - هرگاه متقاضی ثبت و یا متجاوز اصلی در اراضی و تپه های مذکور مسیلهای تا تاریخ تصویب این قانون احداث ساختمان نموده باشد در آن صورت هیات با در نظر گرفتن قوانین احیا اراضی موات رای به پرداخت قیمت فعلی زمین در تاریخ تصویب این قانون خواهد داد. ج - هرگاه متقاضی ثبت یا متجاوز اصلی اراضی و مسیل ها و تپه های مذکور را به دیگری منتقل کرده باشد هیات رای به پرداخت قیمت اراضی و مسیل ها و تپه های مذکور طبق قیمت واگذاری خواهد داد مگر آنکه تشخیص دهد که قیمت واگذاری کمتر از قیمت واقعی بوده که در آن صورت رای به پرداخت قیمت واقعی به تشخیص یکی از روسای بانکهای کشاورزی یا رهنی یا ساختمانی در غیر مورد مربوط به ادعای خودشان خواهد داد. رای این هیات نسبت به موارد فوق قطعی و لازم الاجرا است حقوق دولت یا شهرداری یا بانک ها یا اداره اوقاف و حقوق عامه از انقد دارایی متجاوز طبق مقررات اسناد لازم الاجرا استیفا خواهد شد و اگر اراضی مورد تجاوز تمام یا قسمتی از آن در تصرف متجاوز باقی مانده باشد و پیشنهاد تسلیم عین زمینی را در مقابل قیمتی که هیات تعیین کرده بنماید قبول می‌شود. د - اقدام به عملیات اجرایی به تقاضای دولت و یا شهرداری و بانکهای کشاورزی و ساختمانی و دادستان شهرستان تهران توسط اجرای دادگستری و زیر نظر رییس هیات رسیدگی انجام خواهد شد. ه - وجوه اراضی حاصل از اجرای بند اول ماده واحده به استثنای وجوه اراضی متعلق به شهرداری و بانک کشاورزی و موقوفات به عنوان سرمایه در اختیار بانک ساختمانی قرار خواهد گرفت و - وزیر دادگستری مکلف است هر سه ماه یکبار گزارش کامل اقدامات هیات رسیدگی مذکور را به کمیسیون مشترک قوانین دادگستری تسلیم نماید. ز - نقل و انتقالاتی که از تاریخ تقدیم این لایحه به مجلس سنا تا خاتمه رسیدگی هیات مذکور توسط متجاوزین و ایادی متلقای آن به هر عنوان به عمل آمده باشد معتبر نخواهد بود. ح - اشخاصی که طبق مقررات بند اول ماده واحده محکوم به پرداخت مبلغی می‌شوند در صورتی که تا ده روز از تاریخ صدور رای حاضر به پرداخت محکوم به نشوند توقیف می‌شوند مدت توقیف این اشخاص مجموعاً از پنجسال تجاوز نخواهد کرد و عرض حال اعسار از آنها پذیرفته نمی‌شود. ۲ - برای خاتمه دادن به اختلافات موجود بین افرادی که تا تاریخ تصویب این قانون تقاضای ثبت ملک را

کرده‌اند و به تقاضای ثبت آنان اعتراضی در مدت قانونی نشده باشد و یا اگر اعتراضی شده منجر به صدور حکم قطعی گردیده و یا دارندگان سند اراضی شهر تهران از یک طرف و اشخاصی که بدون اجازه مالکین ساختمانهایی در اراضی مزبور نموده و متصرف می‌باشند از طرف دیگر مقرر می‌گردد هیاتی مرکب از معاون اول دادستان کل و رییس دادگاه‌های شهرستان مرکز و مدیر کل ثبت به اختلافات مزبور با توجه به اوضاع و احوال و استطاعت هر یک از طرفین به طور کدخدامنشی رسیدگی نموده یا رای به پرداخت بهای عادلانه اراضی متصرفی حین تصرف و اجرت المثل سنواتی اراضی تا تاریخ صدور رای هیات توسط متصرفین به مالکین می‌دهد و یا به تقاضای مالکین ضمن صدور رای به پرداخت بهای اعیانی در تاریخ تصویب این قانون از طرف مالک به متصرف رای به خلع ید از متصرف نیز خواهد داد. این حکم قطعی و غیرقابل اعتراض است الف - متصرفین اعیانی‌های فوق باید شخصا ساکن اراضی مزبور بوده و در صورتی که بخواهند از مقررات این قانون استفاده نمایند منتهی ظرف دو ماه از تاریخ اجرای این قانون درخواست خود را باید در قبال اخذ رسید به دفتر دادگاه شهرستان تهران تسلیم دارند و الا به تقاضای مالک طبق قسمت اخیر بند ۲ اقدام خواهد شد. ب - اراضی موضوع بند ۲ این قانون وقتی به ملکیت قطعی متصرفین فعلی در خواهد آمد که کلیه بدهی خود را از بابت قیمت عرصه پرداخته باشند. ج - اشخاصی که پس از تاریخ تسلیم لایحه اراضی موات از طرف دولت به مجلس سنا به تصرف و یا غصب اراضی دیگران در شهر تهران و حومه پرداخته باشند از مقررات بند ۲ این قانون استفاده نمی‌کنند و اگر این اشخاص پس از ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه مالک باز هم به تصرفات غاصبانه خود ادامه دهند مشمول بند ۴ ماده واحده خواهند بود. ۳ - در شهرستان‌هایی که وزارت دادگستری اجرای مقررات این قانون را لازم بداند می‌تواند طبق مقررات خاصی که از تصویب کمیسیون مشترک قوانین دادگستری مجلسین خواهد گذشت اقدام نماید. ۴ - اشخاصی که بعد از تاریخ تصویب این قانون نسبت به اراضی دولت یا بانک‌های دولتی یا اوقاف یا شهرداری و یا اراضی موات بدون رعایت قوانین احیا اراضی موات یا مردم (با شکایت مدعی خصوصی) تجاوز کرده و تصرفاتی در آن بنمایند رأساً از طرف دادستان مورد تعقیب واقع و علاوه بر خلع ید از آنها به مجازات از دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد. ۵ - در رسیدگی هیات‌های مذکور در این قانون رعایت تشریفات آیین دادرسی ضروری نیست و تصمیمات آنها با اکثریت آرا معتبر خواهد بود. ۶ - وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون است

قانون راجع به اصلاح قانون اراضی دولت و شهرداری‌ها و اوقاف و بانکها - مصوب ۲۰ ۹ ۱۳۳۹

ماده ۱ - به دادخواست‌هایی که طبق بند یک لایحه قانونی مصوب ۸ شهریور ماه ۱۳۳۵ و لایحه قانونی مصوب ۲۵ شهریور ماه ۱۳۳۵ و لایحه مصوب ۲۱ آبان ماه ۱۳۳۵ و لایحه ۱۶۱۱۳۵ به هیات‌های مذکور در آن لوایح تسلیم گردیده و تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون منتهی به صدور حکم نگردیده با توجه به مفاد و مقررات آن لایحه آن قسمت که به هیات پنج نفری مرکز تسلیم شده در یک یا چند هیات که هر یک مرکب خواهد بود از یک نفر از روسا یا مستشاران دیوانعالی کشور که سمت ریاست هیات را خواهد داشت و دونفر از روسا یا مستشاران دادگاه استان و قسمتی که به هیات‌های شهرستانها تسلیم گردیده در مرکز استانهای مربوط در یک یا چند هیات که هر یک مرکب خواهد بود از یک نفر رییس شعبه دادگاه استان که سمت ریاست هیات را خواهد داشت و یکنفر مستشار دادگاه مزبور و یکنفر رییس شعبه دادگاه شهرستان رسیدگی و قطع و فصل خواهد شد. تبصره - مقامات مذکور در لوایح قانون فوق‌الذکر که دادخواست‌های فوق را داده‌اند مکلفند ظرف ۶ ماه از تاریخ اجرای این قانون با نظر مشاورین حقوقی به کلیه دادخواست‌ها مجدداً رسیدگی نمایند و چنانچه تشخیص دهند دادخواست‌های مزبور مستند به دلایل و موجه نبوده و دعاوی آنان قابل پیشرفت نیست دادخواست‌های خود را استرداد نمایند. ماده ۲ - رییس شعبه اول هیات‌های فوق‌الذکر سمت ریاست کل هیات را داشته و دادخواست‌ها را به شعب ارجاع خواهند نمود. ماده ۳ - وزارت دادگستری به تعداد کافی عضو علی

البدل از بین قضات دادگاه استان مرکز برای هیاتهای مرکز و از بین قضات دادگاه شهرستان مرکز استان برای هیات های شهرستانها تعیین خواهد کرد اعضا علی البدل وقتی شرکت در رسیدگی می نمایند که اعضا اصلی طبق آیین دادرسی مدنی مردودو یا به علت بیماری معذور از انجام وظیفه باشند. ماده ۴- هیات های مزبور با مراجعه به سوابق و پرونده ها و با توجه به مدارک و مستندات طرفین و تحقیقاتی که لازم بدانند در صورتی که تجاوز به حق دولت یا شهرداری یا اوقاف عامه یا بانکها را در اراضی و مسیل ها و تپه های مذکور در لوایح قانونی ۸ شهریور و ۲۵ شهریور و ۲۱ آبان ۱۳۳۵ احراز کنند به ترتیب زیر عمل خواهند نمود. الف - هر گاه متقاضی ثبت و یا متجاوز اصلی اراضی و مسیلها و تپه های مزبور را به دیگری منتقل نکرده باشد رای به رد اراضی و مسیلها و تپه ها و اصلاح سند مالکیت (در صورت صدور سند مالکیت خواهد داد. ب - هر گاه متقاضی ثبت یا متجاوز اصلی در اراضی و مسیلها و تپه های مزبور تا تاریخ تصویب لوایح مزبور (بر حسب مورد ۸۶۳۵ یا ۲۵۶۳۵ یا ۲۱۸۳۵) احداث ساختمان نموده باشد در آن صورت هیات رای به پرداخت قیمت اراضی در تاریخ تصویب لوایح مزبور خواهد داد مگر آنکه در مورد اراضی موات یا بایر بلامالک متجاوز آن اراضی را طبق قانون مدنی قبل از تاریخ تصویب لوایح مزبور احیا کرده باشد که در این صورت آن مقدار از اراضی که احیا شده به ملکیت او شناخته خواهد شد. تبصره - حکم به پرداخت قیمت در صورتی صادر می شود که مساحت مورد ادعا بیش از ده برابر مساحت زمین زیر بنا نباشد اگر مساحت مورد ادعا بیش از ده برابر زمین زیر بنا باشد نسبت به قسمت زاید هیات طبق قسمت (الف ماده ۴ رای به رد عین و یا اصلاح سند مالکیت صادر خواهد نمود و در صورت اخیر تفکیک آن قسمت از زمین که معادل ده برابر اراضی زیر بناست و برای استفاده از ساختمان ضرورت دارد به عهده خود هیات خواهد بود. ج - هر گاه متقاضی ثبت یا متجاوز اصلی اراضی و مسیل ها و تپه های مذکور را به دیگری منتقل کرده باشد هیات رای به قیمت واگذاری خواهد داد مگر آنکه تشخیص دهد قیمت واگذاری کمتر از قیمت واقعی در تاریخ انتقال بوده که در آن صورت رای به پرداخت قیمت واقعی به تشخیص یکی از بانکهای کشاورزی یا رهنی یا ساختمانی در غیر مورد مربوط به ادعای خودشان خواهد داد. د - در مورد بند (ج هر گاه اراضی مذکور در قانون اراضی دولت و شهرداریها مصوب سال ۱۳۳۵ و اصلاحی سال ۱۳۳۹ تا تاریخ تقدیم این لایحه به صورت موات یا بایر اعم از اینکه محصور شده یا نشده باقیمانده باشد و مورد حکم قطعی هیات های مربوط واقع نشده باشد دولت و سازمانهای مذکور در قانون می توانند هر یک در مورد خاص خود از تاریخ تصویب این قانون تا حداکثر یکسال نسبت به استرداد عین زمین موضوع پرونده های طرح شده در هیات های رسیدگی از هیات تقاضای صدور حکم نمایند. هیات علاوه بر اصدار رای طبق بند مذکور علیه متجاوز اصلی یا وراث آنها و یا متقاضی ثبت حکم به رد عین اراضی علیه آخرین منتقل الیه صادر می نماید. در این صورت آخرین منتقل الیه مستحق دریافت قیمتی است که طبق سند رسمی انتقال به فروشنده پرداخته است به اضافه (نه درصد بهره در سال از تاریخ آخرین سند انتقال تا تاریخ پرداخت و ادارات ثبت اسناد و املاک مکلفند سند مالکیت این قبل اراضی را به نام سازمانهای مذکور صادر و یا اصلاح نمایند. منتقل الیه نیز می تواند برای مطالبه خسارات حاصل از معامله زمین علیه ناقل در دادگاه اقامه دعوی نماید. تبصره ۱- در صورتی که انتقال به صورت صلح یا هبه غیر معوض یا موارد مشابه آن انجام گرفته باشد قیمت واقعی روز انتقال به تشخیص کارشناس به اضافه نه درصد بهره احتساب و به منتقل الیه پرداخت گردد. تبصره ۲- منظور از آخرین سند انتقال رسمی در این بند سندی است که قبل از اول آذر ماه سال یکهزار و سیصد و چهل و هفت (۱۳۴۷) تنظیم گردیده باشد. هر گاه پس از تاریخ مذکور نقل و انتقالی واقع شده باشد هر یک از ایادی بعدی نسبت به مبلغی که به ید قبلی خود اضافه پرداخته است از طریق محاکم عمومی حق مطالبه خواهد داشت تبصره ۳- آرای که در فاصله تقدیم این لایحه به مجلس و تصویب نهایی آن از طرف هیاتها دایر به موات یا بایر بودن برفع سازمانهای مذکور در قانون صادر می گردد مشمول مقررات این قانون بوده و دولت و سازمان های مذکور در قانون می توانند با معرفی منتقل الیه از هیات صادر کننده رای با رعایت بند (د) این قانون درخواست استرداد عین زمین را بنمایند و هیات های رسیدگی رای به استرداد عین زمین صادر خواهند

نمود. تبصره ۴ - نقل و انتقالاتی که نسبت به اراضی موضوع بند (ح) قانون اصلاحی اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانکها مصوب سال ۱۳۳۹ تا تاریخ تقدیم این لایحه به مجلس شورای ملی صورت گرفته است تا هزار مترمربع از شمول مقررات این قانون معاف خواهد بود ولی در این مورد با متقاضی ثبت یا متجاوز اصلی یا وراث آنها طبق بند (ج) ماده ۴ قانون مصوب سال ۱۳۳۹ رفتار خواهد شد. استحقاق استفاده از این تبصره برای هر شخص فقط نسبت به یک قطعه زمین می‌باشد در صورتی که مساحت زمین مورد انتقال بیش از هزار متر باشد انتخاب هزار مترمربع مذکور در این تبصره با دولت و سازمان های مذکور در این قانون می‌باشد. تبصره ۵ - سازمان مسکن می‌تواند این قبیل اراضی و سایر اراضی موات یا بایر که به نام دولت به ثبت رسانیده یا بعدا به ثبت خواهد رساند و همچنین اراضی خالصه موضوع بند (ب) ماده ۷ قانون انحلال خالصجات مصوب سال ۱۳۴۶ را طبق اساسنامه خود به فروش رسانده و وجوه حاصل را صرفا به مصرف تهیه مسکن و آپارتمان و خانه های سازمانی و مدرسه با رعایت فضای سبز و پارک متناسب و تاسیسات و لوازم آنها برساند. سازمان مسکن همچنین می‌تواند حداکثر تا ده درصد از وجوه حاصل را به مصرف تقسیم و حفاظت و نگهداری اراضی و مخارج مربوط در تهران و شهرستانها برساند. ماده ۵ - هرگاه در احکام هیات های مذکور در ماده یک اشتباهات مذکور در ماده ۱۸۹ آیین دادرسی مدنی (۱) رخ داده باشد ذینفع می‌تواند از هیات تقاضای تصحیح حکم را بنماید. ماده ۶ - الف - نقل و انتقالاتی که تا تاریخ اعلام ثبت کل به دفاتر اسناد رسمی راجع به تقدیم دادخواست از طرف موسسات مذکور در بند ۱ ماده واحده قانون اراضی دولت و شهرداری ها و اوقاف و بانکها مصوب ۶۸ ۱۳۳۵ به عمل آمده باشد معتبر است ب - نقل و انتقالاتی که از تاریخ اعلام ثبت کل به دفاتر اسناد رسمی تا تاریخ تقدیم این لایحه به مجلس شورای ملی به عمل آمده باشد تا یکهزار مترمربع معتبر است و مازاد بر آن تا خاتمه رسیدگی و صدور حکم از طرف هیاتهای مذکور به هر عنوان به عمل آمده باشد نافذ نخواهد بود و دفاتر اسناد رسمی از انجام این نوع معاملات ممنوع خواهند بود. استحقاق استفاده از این بند برای هر شخص فقط نسبت به یک قطعه زمین می‌باشد و شامل قطعات مختلف در پلاکهای متعدد نیست در صورتی که مساحت زمین مورد انتقال بیش از یکهزار مترمربع باشد انتخاب یکهزار مترمربع مذکور در این بند با تراضی منتقل الیه و حسب مورد با سازمانهای مذکور در این قانون است و در صورت عدم تراضی با رای هیات های سه نفری پیش بینی شده در این قانون خواهد بود. تبصره ۱ - در صورتی که زمین مورد انتقال بیش از یکهزار مترمربع باشد منتقل الیه تا پیش از اول بهمن ماه ۱۳۴۹ در آن احداث باغ کرده باشد آن قسمت از زمین که به صورت باغ درآمده نیز به ملکیت او شناخته خواهد شد. حل اختلاف در مورد احداث باغ با هیاتهای سه نفری است تبصره ۲ - هرگاه زمین مورد انتقال بیش از یکهزار مترمربع باشد و منتقل الیه تا پیش از اول بهمن ماه ۱۳۴۹ در آن احداث ساختمان کرده باشد تا ده برابر مساحت زمین زیربنا نیز به ملکیت او شناخته می‌شود. در صورت عدم تراضی با سازمانهای ذینفع تفکیک آن قسمت از زمین به عهده هیات های سه نفری است ج - نسبت به اراضی که از طرف سازمانهای مذکور در این قانون در مهلت مقرر اقدام به تقدیم دادخواست شده ولی در اعلام مراتب به دوایر ثبت و یا به دفاتر اسناد رسمی نسبت به مشخصات و موقعیت بعضی از آن اراضی اشتباهاتی رخ داده و معاملاتی انجام گردیده است نقل و انتقالات مذکور معتبر شناخته می‌شود. د - در کلیه موارد مذکور در بندهای الف و ب تبصره های آن و بند ج با متقاضیان ثبت یا متجاوزین اصلی طبق بند ج ذیل ماده ۴ رفتار خواهد شد. ه - اقداماتی از قبیل استرداد دعوی یا توافق یا منتقل الیه یا صلح حقوق که از طرف سازمانهای مذکور در بند یک ماده واحده قانون اراضی دولت و شهرداری ها و اوقاف و بانکها مصوب ۸۶۳۵ تاکنون به عمل آمده معتبر شناخته می‌شود و نیز آنچه از اراضی موضوع این قانون که مورد حکم هیاتهای پنج نفری یا سه نفری قرار گرفته از شمول مقررات فوق مستثنی است و - سازمانهای مذکور در این قانون مکلفند ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ اخطاریه رفع نقص دفاتر هیاتهای سه نفری اقدام به رفع نقص از دادخواستهای خود بنمایند والا هیات های سه نفری اقدام به صدور رای یا قرار رد دادخواست خواهند نمود. ماده ۷ - حقوق دولت یا شهرداری یا بانک ها یا موقوفات عامه از نقد دارایی متجاوز طبق مقررات اسناد لازم الاجرا به تقاضای محکوم له و توسط

اجرادادگاه شهرستان استیفا خواهد شد. ماده ۸- اشخاصی که به پرداخت وجوهی محکوم می‌شوند در صورتی که تا یک ماه از تاریخ ابلاغ اجرائیه حاضر به پرداخت محکوم به نشوند در ازاهر هزار ریال از محکوم به یک روز توقیف می‌شوند مگر اینکه اعسار آنها ثابت شود و در هر صورت مدت توقیف از پنجسال تجاوز نخواهد کرد. ماده ۹- هیات های مذکور جز در مورد ابلاغ اوراق ملزم به رعایت تشریفات آیین دادرسی نیستند. ماده ۱۰- در صورتی که اشکالاتی راجع به مفاد احکام صادر به موجب این قانون و یا احکامی که طبق لوایح قانونی مذکور صادر گردیده برای هر یک از طرفین یا اداره اجرا پیش آید هر یک می‌توانند از هیات تقاضای رفع اشکال نمایند. ماده ۱۱- در کلیه موارد فوق هرگاه هیات‌های مزبور ارجاع امر را به کارشناس لازم بدانند می‌توانند به یکی از بانکهای کشاورزی یا رهنی و یا ساختمانی در غیر مورد مربوط به ادعای خودشان و یا طبق آیین دادرسی مدنی به یکی از کارشناسان رسمی رجوع نمایند. تبصره- در صورتی که کارشناسی به یکی از بانک ها ارجاع گردد بانکها حق ندارند جز هزینه واقعی انجام شده برای انجام عمل هزینه دیگری دریافت دارند و تعرفه کارشناسی طبق آیین نامه وزارت دادگستری در این مورد رعایت نخواهد شد. ماده ۱۲- برای خاتمه دادن به اختلاف موجود بین افرادی که تا تاریخ تصویب لایحه قانونی مصوب ۶۸ ۱۳۳۵ کمیسیون دادگستری مجلسین در اراضی شهر تهران تقاضای ثبت ملکی را کرده‌اند و نسبت به تقاضای ثبت آنان اعتراض در مدت قانونی نشده باشد و یا اگر اعتراض شده منجر به صدور حکم قطعی گردیده و یا دارندگان سند اراضی شهر مزبور از یک طرف و اشخاصی که بدون اجازه مالکین ساختمانهایی در اراضی مزبور نموده و متصرف می‌باشند مقرر می‌گردد هیاتی مرکب از یک نفر از دادیاران دیوانعالی کشور به انتخاب وزیر دادگستری و رییس کل دادگاه شهرستان مرکز و مدیرکل ثبت یا معاون ثبت کل به اختلافات مزبور باتوجه به اوضاع و احوال و استطاعت هر یک از طرفین به طور کدخدامنشی رسیدگی نموده یا رای به پرداخت بهای عادلانه اراضی متصرف حین تصرف و اجرت المثل سنواتی اراضی تا تاریخ صدور رای هیات توسط متصرفین به مالکین بدهد و یا به تقاضای مالکین ضمن صدور رای به پرداخت بهای اعیانی در تاریخ تصویب لایحه قانونی مصوب ۶۸ ۱۳۳۵ از طرف مالک به متصرف رای به خلع ید از متصرف بدهد و این حکم قطعی و غیرقابل اعتراض است تبصره- متصرفین اعیانی های اراضی امامیه (مفت آباد) در صورتی که در مدت‌های مقرر در شق الف بند ۲ ماده واحده قانونی اراضی دولت و شهرداری ها و اوقاف و بانک ها مصوب هشتم شهریورماه سال ۱۳۳۵ و تبصره الحاقی به ماده واحده مذکور مصوب ۱۶ بهمن سال ۱۳۳۵ به جهتی از جهات موجه موفق به تقدیم دادخواست نشده باشند اگر قبل از تاریخ تصویب قانون مصوب هشتم شهریورماه ۱۳۳۵ شخصا در زمین های مورد بحث با احداث اعیانی تصرف داشته‌اند در صورتی که اراضی مورد تصرف و سکونت مجموعا از سیصد متر تجاوز نماید می‌توانند منتهی ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون دادخواست خود را در قبال اخذ رسید به دفتر هیات سه نفری تسلیم نمایند والا به تقاضای مالک طبق قسمت اخیر ماده فوق اقدام خواهد شد. مفهوم جمله (اشخاصی که بدون اجازه مالکین ساختمان هایی در اراضی مزبور نموده و متصرف می‌باشند) مذکور در بند ۲ ماده واحده نامبرده مصوب هشتم شهریور ماه سال ۱۳۳۵ اعم است از اشخاصی که بدون اجازه مالک تمام زمین یا بدون اجازه شریک یا شرکا خود در ملک مشاع ساختمان کرده‌اند و شق اخیر شامل دادخواست هایی می‌شود که در مدت قانونی به هیات سه نفری داده شده است ماده ۱۳- متصرفین اعیانی های مذکور در ماده قبل باید شخصا ساکن اراضی مزبور بوده و در صورتی از مقررات این قانون استفاده خواهند نمود که ظرف دو ماه از تاریخ اجرا لایحه قانونی مصوب ۶۸ ۳۵ کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین دادخواست خود را در قبال اخذ رسید به دفتر دادگاه شهرستان تسلیم نموده باشند و الا به تقاضای مالک طبق قسمت اخیر ماده ۱۲ اقدام خواهد شد. ماده ۱۴- اراضی موضوع ماده ۱۲ این قانون وقتی به ملکیت قطعی متصرفین درخواهد آمد که کلیه بدهی خود را از بابت قیمت عرصه پرداخته باشند. ماده ۱۵- اشخاصی که پس از تاریخ تقدیم لایحه قانونی اراضی موات مصوب هشتم شهریور ماه ۳۵ کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین از طرف دولت مجلس سنا به تصرف و یا غصب اراضی دیگران در شهر تهران و حومه پرداخته باشند از مقررات ماده ۱۲ این قانون استفاده نمی‌کنند و اگر

این اشخاص پس از ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه مالک باز هم به تصرفات غاصبانه خود ادامه دهند مشمول ماده ۱۶ این قانون خواهند بود. ماده ۱۶ - اشخاصی که بعد از تاریخ تصویب لوایح قانونی مذکور فوق نسبت به اراضی دولت یا بانکهای مذکور یا اداره اوقاف یا شهرداری یا اراضی موات بلامالک بدون رعایت قوانین احیا اراضی موات یا مردم (در صورت شکایت مدعی خصوصی) تجاوز کرده و تصرفاتی در آن بنمایند از طرف دادستان مورد تعقیب واقع و علاوه بر خلع ید از آنها به مجازات حبس از دو ماه الی شش ماه محکوم خواهند شد. (۲) ماده ۱۷ - هیات های مذکور در این قانون می توانند در غیر اوقات اداری نیز انجام وظیفه نمایند و وزارت دادگستری برای انجام امور اداری به تعداد لازم کارمندان دفتری در اختیار آنها خواهد گذاشت ماده ۱۸ - رسیدگی به درخواست هایی که به موجب لوایح قانونی مصوب ۳۵ ۶ ۸ و ۳۵ ۶ ۲۵ و ۳۵ ۸ ۲۱ و ۳۵ ۱۱ ۱۶ کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین و با توجه به مفاد و مقررات لوایح مزبور تقدیم شده و تا تاریخ اجرا این قانون خاتمه نیافته است بر طبق این قانون به عمل خواهد آمد. ماده ۱۹ - وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون می باشد. پاورقی ۱ - در حال حاضر وفق مقررات ماده ۳۰۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و ۱۱۲ ۱۳۷۹ عمل می شود ماده ۳۰۹ - هرگاه در تنظیم و نوشتن رای دادگاه سهو قلم رخ دهد مثل از قلم افتادن کلمه ای یا زیاد شدن آن و یا اشتباهی در محاسبه صورت گرفته باشد تا وقتی که از آن درخواست تجدیدنظر نشده دادگاه رأسا یا به درخواست ذی نفع، رای را تصحیح می نماید. رای تصحیحی به طرفین ابلاغ خواهد شد. تسلیم رونوشت رای اصلی بدون رونوشت رای تصحیحی ممنوع است حکم دادگاه در قسمتی که مورد اشتباه نبوده در صورت قطعیت اجرا خواهد شد. ۲ - این ماده به استناد ماده واحده قانون اصلاح ماده ۲۶۴ قانون مجازات عمومی مصوب ۹ تیر ماه ۱۳۵۴ نسخ گردید.

قانون تفسیر مصوبه مورخه ۲۵ ۵ ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص حل مشکل اراضی بایر - مصوب

موضوع استفساریه نظر به این که بر اساس مصوبه مورخ ۲۵ ۵ ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص (حل مشکل اراضی بایر) به دولت اختیار داده شده است که اراضی بایر که بیش از پنج سال، بدون عذر موجه بلاکست باقی مانده باشد، در اختیار گرفته و طبق آیین نامه اجرایی به اشخاص، واگذار نماید. مستدعی است نظریه مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد شمول یا عدم شمول قانون فوق الذکر نسبت به موقوفات، اعلام گردد. نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام ماده واحده - موقوفات از شمول مصوبه مورخ ۲۵ ۵ ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، مستثنی می باشد.

لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امان و نظار

ماده ۱ - به منظور جلوگیری از هر گونه تضییع حق در موقوفات کشور و تنظیم اسناد و قرار داد اجاره و تعیین اجاره بهای عادلانه املاک استیجاری و متصرفی موقوفه از این تاریخ کلیه اسناد و قراردادهای (اعم از عادی و رسمی منعقد بین اوقاف و مستاجرین در موقوفات عامه نظیر املاک مزروعی و باغات و اراضی و مستغلات و مستحدثات شهری و روستایی فسخ و به این قبیل مستاجرین و سایر اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی که به هر نحوی از انحا در حال حاضر املاک موقوفه را متصرف می باشند اخطار می شود که در ظرف مدت ۳ ماه از تاریخ تصویب این لایحه جهت روشن نمودن وضع املاک استیجاری و متصرفی خود و تادیه اجاره بهای گذشته و تنظیم اسناد جدید اجاره به نرخ عادلانه روز به اداره اوقاف محل وقوع ملک مراجعه نمایند. در صورت عدم مراجعه و انقضای مهلت مقرر اداره اوقاف از ادامه استفاده و تصرفات غیر قانونی آنها جلوگیری و با خلع ید از مستاجر یا متصرف با رعایت صرفه موقوفه آن را به اشخاص متقاضی واگذار خواهد نمود و کلیه مطالبات موقوفه را نیز از مستاجر یا متصرف قبلی و یا از محل

فروش و واگذاری اعیانی متعلق به آنها دریافت می‌دارد. تبصره - ترتیب تنظیم اجاره نامه و میزان اجاره بهای عادلانه روز براساس آیین نامه ای خواهد بود که ظرف ۱۵ روز از تاریخ تصویب این قانون از طرف سازمان اوقاف تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲ - به منظور حسن اداره اماکن متبرکه مذهبی اسلامی کشور و مساجد از طریق انتخاب هیات امنای جدید از اشخاص واجد صلاحیت که مراتب تقوی و امانت آنان مورد تایید و قبول باشد و تجدید انتخاب متولیان و امانا و نظار که از طرف سازمان اوقاف منصوب خواهند شد از این تاریخ کلیه اعضا هیات امانا مذکور و متولیان و امانا و نظار مربوطه از سمت خود معزول و از هر گونه دخل و تصرف در اموال اماکن مورد تصدی ممنوع می‌گردند و مکلفند تا انتخاب و تعیین متولیان و امانا و نظار جدید کلیه اموال و وجوه دریافتی و اسناد و مدارک موقوفه و اماکن مربوطه را به طور امانی حفظ و نگهداری نموده و به محض صدور ابلاغ و معرفی اعضای جدید عینا طبق صورت جلسه با نظر اوقاف محل تحویل نمایند. تبصره - تجدید انتخاب و انتصاب متولیان و امانا و نظار قبلی بلامانع است و اداره امور موقوفه تا انتخاب اعضای جدید به عهده اداره اوقاف محل خواهد بود. ماده ۳ - سازمان اوقاف می‌تواند با کسب نظر مشورتی شورای امانا و نظار هر حوزه اوقافی از بین اشخاص علاقمند و ذیصلاح مذکور در فوق نسبت به تشکیل و تعیین هیات امانا و انتخاب متولیان و نظار جهت کلیه اماکن متبرکه مذهبی اسلامی اقدام لازم را به عمل آورد. هیات امانا این قبیل اماکن حداقل سه نفر و حداکثر پنج نفر خواهند بود که پس از انتخاب و صدور ابلاغ انجام وظیفه خواهند نمود. صدور ابلاغ و احکام مزبور نیازی به تصویب شورای عالی اوقاف نخواهد داشت تبصره ۱ - در هر حوزه اوقافی که شورای مشورتی امانا و نظار تشکیل نشده باشد جلب نظر و تصویب شورای عالی اوقاف ضروری است. تبصره ۲ - در مورد تعیین هیات امانا و انتخاب متولیان و نظار جهت مساجد، سازمان اوقاف لایحه دیگری تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به شورای انقلاب اسلامی تقدیم می‌نماید. ماده ۴ - تصمیمات متخذه از طرف سازمان اوقاف نسبت به اجرای مفاد این لایحه قانونی قطعی و لازم الاجرا است.

اراضی و املاک

آیین نامه اجرایی قانون زمین شهری - مصوب ۲۴ ۳ ۱۳۷۱

فصل اول - تعاریف و مقررات مربوط به عمران زمین ها (ماده ۱ تا ۵)

ماده ۱ - منظور از عمران و احیای قابل قبول مذکور در قانون زمین شهری - که از این پس قانون نامیده می‌شود - عموماً یاد شده در ماده (۱۴۱) قانون مدنی و مقررات بعدی در باب احیا و عمران زمین هاست عملیاتی از قبیل شخم غیرمسبوق به احیا ، تحجیر ، ریختن مصالح در زمین ، حفر چاه و نظایر آن ، عمران و احیا محسوب نمی‌گردد. تبصره - تناسب میزان زمین عمران و احیا شده با در نظر گرفتن مساحت زیر بنا ، مساحت کل زمین و فضای عمومی آن با سطح زیر کشت ، آیش و سایر تصرفاتی که با در نظر گرفتن مفاد این ماده ، عمران و احیا محسوب می‌شود ، طبق دستورالعمل های صادر شده توسط وزارت مسکن و شهرسازی تعیین خواهد شد. ماده ۲ - منظور از اراضی دایر موضوع قانون ، برای تملک و زمینهای کشاورزی مندرج در ماده (۵) قانون و این آیین نامه ، زمینهایی است که بهره برداری غالب از آنها ، زراعت باشد و شامل عرصه و اعیان باغها و تاسیساتی که عرصه آنها متناسب با اعیانی باشد ، نمی‌گردد. تبصره - اراضی دایر کشاورزی ایستگاه های تحقیقاتی متعلق به وزارت کشاورزی و همچنین اراضی دایر مزروعی دانشکده های کشاورزی و دامپروری و دامپزشکی و هنرستانهای کشاورزی که مورد تایید وزارت مسکن و شهرسازی باشد ، از شمول زمینهای دایر موضوع قانون مستثنا می‌باشند. وزارت کشاورزی مکلف است فهرست ایستگاه های فوق را با ذکر میزان زمینها ، نوع تاسیسات ، محل وقوع و سایر مشخصات لازم ، ظرف سه ماه جهت تایید به وزارت مسکن و شهرسازی ارائه نماید.

ماده ۳- تعریف مسکن مناسب موضوع ماده (۷) قانون و ضوابط آن به عهده وزارت مسکن و شهرسازی است که به موجب دستورالعملی ضوابط آن راتهی و جهت اجرا ابلاغ می‌نماید. ماده ۴- منظور از استفاده از مزایای مواد (۶) و (۸) قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰ عبارت است از الف- اخذ پروانه ساختمانی از شهرداری ب- عمران و احیا در زمین، بدون اخذ پروانه به وسیله مالک یا انتقال گیرنده از او با سند عادی ماده ۵- مهلت عمران زمینهای موات، توسط افراد واجد شرایط از تاریخ تشخیص نوع زمین- اعلان رای کمیسیون تشخیص- به مدت سه سال می‌باشد. تبصره- در مواردی که صدور مجوز عمران، از نظر قانونی غیرمقدور یا ممنوع باشد، مهلت مذکور از تاریخ رفع ممنوعیت محاسبه می‌شود و درخصوص زمینهای مواتی که جدیداً در محدوده اجرای قانون قرار می‌گیرد، احتساب مهلت از تاریخ تشخیص نوع زمین به وسیله مراجع موضوع ماده (۶) این آیین نامه می‌باشد.

فصل دوم - مقررات تشخیص زمین ها (ماده ۶ تا ۹)

ماده ۶- کلیه مراجعی که به نحوی از انحا در ارتباط با زمینهای شهری، اقداماتی از قبیل نقل و انتقال صدور مجوزهای قانونی و پروانه های حفر چاه یا ساختمانی و غیره انجام می‌دهند، ملزم و موظفند قبل از هرگونه اقدامی بدوا نظر وزارت مسکن و شهرسازی را درباره نوع زمین استعلام نمایند، مگر اینکه با توجه به سایر مواد آیین نامه، نوع زمین مشخص و معین باشد. چنانچه وزارت مسکن و شهرسازی ظرف یک ماه، پاسخ استعلام مراجع یاد شده در این ماده را ندهد، مراجع مزبور می‌توانند رأساً اقدام نمایند. تبصره- اشخاص ذی نفع در صورت موافقت مراجع یاد شده در این ماده و ماده (۷) می‌توانند رأساً نسبت به اخذ نظر وزارت مسکن و شهرسازی اقدام نمایند. ماده ۷- مراجع درخواست کننده نظریه وزارت مسکن و شهرسازی باید مشخصات ثبتی زمین و دو نسخه رونوشت یا فتوکپی نقشه ثبتی و در صورت نداشتن نقشه یاد شده، دو نسخه کروکی دقیق زمین را که منطبق با سوابق ثبتی و وضع محل زمین باشد، با انعکاس موقعیت ملک روی نقشه هوایی با مقیاس مناسب- در صورت وجود نقشه هوایی- تهیه و به وزارت مسکن و شهرسازی ارسال نمایند. در صورت عدم دسترسی به مدارک مالکیت در مواردی که رأساً قصد تملک دارند، آخرین استعلام ثبتی یا صورت مجلس معاینه محل موضوع ماده (۱۳) این آیین نامه را به وزارت مسکن و شهرسازی تسلیم نمایند. وزارت مسکن و شهرسازی پس از بررسی مدارک و رسیدگی به شرح دستورالعمل مربوط، یک نسخه نقشه امضا شده را به انضمام نظریه خود حداکثر ظرف یک ماه به مرجع درخواست کننده، ارسال می‌کند و نسخه دیگر نقشه با یک نسخه از نظریه یاد شده که در وزارت مسکن و شهرسازی بایگانی می‌شود. نظریه وزارت مسکن و شهرسازی که نسبت به یک زمین یا ملک صادر شده، برای موارد مراجعه بعدی معتبر بوده و اخذ نظریه مجدد، ضروری نمی‌باشد. ماده ۸- موارد زیر غیر موات تلقی می‌شود، مگر آنکه خلاف آن بنا به تشخیص وزارت مسکن و شهرسازی ثابت شود الف- پلاکهایی که طبق مقررات برای آنها به عنوان نصاب مالکانه، پروانه ساختمانی صادر شده یا بشود. ب- پلاکهایی که مساحت زمین آنها تا ۳۰۰۰ متر مربع بوده و مربوط به واحدهای مسکونی ساخته شده یا هرگونه مستحدثات باشد، مشروط بر دارا بودن هریک از اسناد مشروح زیر که تاریخ صدور آنها قبل از تاریخ ۴۵ ۱۳۵۸ باشد ۱- اسناد مالکیتی که به عنوان هرگونه مستحدثات، صادر شده یا تحت این عنوان مورد نقل و انتقال قرار گرفته و در ستون انتقالات قید مستحدثات شده باشد. ۲- گواهی پایان کار یا مفاسد حساب نوسازی شهرداری یا سطح شهر یا گواهی های مالیاتی از قبیل مفاسد حساب یا گواهی ارث، مشروط بر آنکه در اسنادو گواهی های یاد شده تصریح شده باشد که پلاک مورد نظر، واحد ساختمانی یا مسکونی یا مستحدثات است ۳- سند رسمی اجاره به عنوان واحد مسکونی یا ساختمان ۴- پلاک هایی که به تشخیص شهرداری محل، قبل از تاریخ اجرای مقررات مربوط به صدور پروانه ساختمان در شهر محل وقوع ملک به صورت

ساختمان یا مستحذات در آمده باشد. ج- در صورتی که اسناد انتقال مربوط به پلاکهایی باشد که به عنوان ساختمان مورد معامله وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی یا وابسته به دولت و بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی یا شهرداری ها و موسسات اعتباری مجاز قرار گرفته باشد. د- پلاکهایی که قبل از تاریخ ۱۳۵۸/۴/۵ به صورت تاسیساتی از قبیل مستحذات صنعتی، ورزشی، جایگاه های فروش مواد نفتی، کارگاهها، گاراژها، توقفگاه ها و انبارهای مسقف، اماکن درمانی، بهداشتی، آموزشی، فرهنگی و خدمات عمومی و تاسیسات مشابه باشد، مشروط بر آنکه مساحت زمین آنها از سه هزار متر مربع بیشتر نبوده و دارای پروانه رسمی کسب یا ساختمان یا گواهی پایان کار باشند. ه- ذکر وجود ساختمان در مرحله صدور آخرین مفاسا حسابهای نوسازی و مالیاتی در کلیه موارد بالا، حسب مورد توسط سازمان مربوط، ملاک عمل خواهد بود. ماده ۹- به منظور تشویق مالکین جهت واگذاری زمینها به دولت از طریق توافق، واگذاری قطعاتی از زمینهای تملک شده مالکین به اقربای نسبی طبقه اول آنان که فاقد واحد مسکونی و زمین باشند، با اولویت بلامانع است

فصل سوم - نحوه خرید و تملک زمینها (ماده ۱۰ تا ۲۱)

ماده ۱۰- در مورد زمینهای موات که در اختیار واجدین شرایط موضوع ماده (۷) قانون قرار گرفته و بعدا مورد نیاز طرحی باشد، دستگاه مجری طرح مکلف است نسبت به واگذاری زمین عوض یا پرداخت قیمت عادلانه آن به انتخاب فردی که زمین را در اختیار داشته اقدام نماید. ماده ۱۱- برای تملک زمینهای بایر و دایر از سوی دولت و شهرداریها و کلیه دستگاههایی که طبق قانون، حق خرید و تملک دارند، رعایت ضوابط زیر ضروری است الف- دستگاه تملک کننده دارای طرح مصوب بوده و اعتبار خرید زمین نیز تامین شده باشد. ب- بالاترین مقام اجرایی دستگاه تملک کننده نیاز به تملک زمین را تایید نماید. ج- وزارت مسکن و شهرسازی عدم امکان تامین زمین مناسب را از زمینهای موات و دولتی در آن شهر اعلام نموده باشد. د- در شهرهایی که دارای طرحهای مصوب شهری است، کاربری زمین مورد نیاز، منطبق با طرح باشد. ماده ۱۲- تشخیص نیاز برای تملک زمین بایر یا دایر و میزان آن برای احداث واحدهای مسکونی یا واگذاری زمین جهت احداث مسکن و سایر نیازهای مربوط به آنها و همچنین تطبیق میزان زمینهای معوض مورد نیاز طرحهای سایر دستگاهها با طرح مربوط در شهرهای مشمول با وزارت مسکن و شهرسازی است که با در نظر گرفتن اراضی موات و دولتی ظرف یک ماه از تاریخ دریافت استعلام، اعلام نظر خواهد کرد. تبصره - تشخیص زمینهای مورد نیاز طرحهای سایر دستگاهها در شهرهای یاد شده در قانون، با دستگاه مربوط است ماده ۱۳- در مواردی که شماره پلاک و مشخصات ثبتی زمین مورد تملک، مشخص نباشد، دستگاه تملک کننده محل زمین محدوده مورد نیاز خود را در محل مشخص نموده و قبل از انتشار آگهی تملک، نقشه محدوده را بر روی نقشه های هوایی - در شهرهایی که نقشه هوایی وجود دارد - به اداره ثبت محل ارسال می نماید. اداره ثبت مکلف است با در نظر گرفتن امکانات و حداکثر ظرف یک ماه، مشخصات پلاک های ثبتی یا تفکیکی و نقشه پلاک بندی و جریان ثبتی و نام آخرین مالک را بر اساس سوابق موجود در خصوص محدوده مورد نظر، طبق صورت مجلس تنظیمی بین نماینده اداره ثبت و نماینده دستگاه تملک کننده، به مرجع تملک کننده ارسال نماید. در این صورت پس از انتشار آگهی و اعلان محدوده مورد نظر، چنانچه مالکین در مهلت تعیین شده جهت انتقال ملک خود مراجعه نمایند یا زمین مشاعی بوده و برخی از مالکین مشاع مراجعه نکنند و به طور کلی، در تمام موارد مندرج در تبصره (۶) ماده (۹) قانون، ضمن تودیع بهای زمین مورد تملک به صندوق ثبت سند انتقال، حسب مورد از طرف وزارت مسکن و شهرسازی یا شهرداری به قایم مقامی مالک یا مالکین امضا می گردد تا در موقع مراجعه مالکین با احتساب و کسر مالیات ها و هزینه های تعلق گرفته مبلغ مورد معامله به آنها پرداخت شود. تبصره ۱- چنانچه مالک یا مالکین درخواست زمین عوض خارج از محدوده مورد عمل این

قانون بنمایند و امکان واگذاری وجود داشته باشد، پس از انتخاب زمین و رضایت مالک یا مالکین به اخذ آن، اداره ثبت، مبلغ تودیع شده را به مرجع تملک کننده مسترد می نماید تا زمین عوض واگذار شود. تبصره ۲- ادارات ثبت مکلفند حسب درخواست مرجع تملک کننده زمین و موافقت کتبی شهرداریها و سایر سازمانهای ذی ربط، سند تجمیعی پلاک های محدوده مورد تملک را که ضمناً دربرگیرنده معابر، مسیل ها، انهار متروک، حریمها، موارد مشابه داخل آن و املاک مجهول المالک - از نظر مقررات ثبتی - نیز باشد، طبق مقررات مربوط صادر نمایند. در صورتی که در محدوده مورد تجمیع زمین موات یا ملی شده وجود داشته باشد، سند مالکیت تجمیعی با نظر وزارت مسکن و شهرسازی صادر می شود. تبصره ۳- در کلیه مواردی که زمینهایی در طرحهای مصوب دولتی و شهرداری قرار می گیرد و گواهی عدم امکان تامین زمینهای مورد نیاز طرح از زمینهای دولتی و موات دریافت شده باشد، باید مراتب به وسیله دستگاه صاحب طرح به مالک یا مالکین و اداره ثبت اعلام گردد تا از هرگونه نقل و انتقال این گونه زمین ها تا انجام مراحل تملک، حداکثر ظرف مدت هجده ماه از تاریخ اعلام، به اداره ثبت خودداری گردد همچنین مراتب باید به شهرداری محل نیز جهت رعایت مقررات قانونی ظرف مدت مزبور اعلام شود. تبصره ۴- دستگاههای مجری طرح موظفند در کلیه موارد، یک نسخه از آگهی تملک خود را به اداره اوقاف محل و آستان قدس رضوی ارسال دارند عدم ارسال مدارک برای سایر متولیان و آستانهها رافع مسوولیت ادارات اوقاف و متولیان در اجرای این امر نمی باشد. ماده ۱۴- در صورتی که در محدوده اعلان شده برای تملک، زمین وقفی وجود داشته باشد - اعم از اینکه به اجاره واگذار شده یا نشده باشد ادارات اوقاف و متولیان موقوفه مکلفند ظرف پانزده روز از تاریخ انتشار آخرین آگهی، نظریه خود را به دستگاه مجری طرح اعلام کنند و حداکثر ظرف یک ماه نقشه زمین وقفی و مشخصات آن را ارائه دهند تا حسب مورد نسبت به اجرای آن قسمت از طرح که در زمینهای وقفی است از سوی اوقاف یا آستان قدس رضوی یا متولی اقدام یا سند اجاره به نام دولت تنظیم شود یا عوض آن زمین، ضمن رعایت مقررات و غبطه موقوفه و با مصالحه واگذار و طرح اجرا گردد. تبصره - به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اوقاف، سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و آستان قدس رضوی موظفند فهرست کلیه زمینهای اوقافی خود را در هر شهر به وزارت مسکن و شهرسازی ارسال نمایند. ماده ۱۵- مالکینی که در اجرای تبصره (۱) ماده (۹) قانون برای تعیین تکلیف زمینهای خود در شهرهای موضوع ماده یاد شده مراجعه می نمایند، باید درخواست خود را با نقشه و مشخصات کامل زمین به وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداریها تسلیم نمایند تا آن وزارتخانه، حسب تقاضاهای رسیده از دستگاههای مختلف و طرحهای خدمات عمومی شهری و شهرداریها لحاظ نیازهای خود موضوع را بررسی و شهرداریها حداکثر ظرف دو ماه و وزارت مسکن و شهرسازی ظرف یک سال از تاریخ وصول تقاضای مراجعه کننده پاسخ متقاضی را بدهند. کلیه دستگاه های ذی ربط مکلف به همکاری با وزارت مسکن و شهرسازی می باشند. در صورت اعلام نیاز دستگاه مربوط طبق قوانین و مقررات نسبت به تملک یا واگذاری عوض آن اقدام می نمایند و در صورت اعلام عدم نیاز، چنانچه براساس کاربری زمین امکان عمران و واگذاری برای مالک وجود داشته باشد، مالک می تواند پس از آماده سازی واحداث بنا در زمینهای خود طبق مواد این آیین نامه نسبت به تفکیک و واگذاری واحدهای احداثی به متقاضیان اقدام نماید. تبصره - در صورتی که علی رغم تکمیل مدارک لازم پس از انقضای مهلت مزبور به متقاضی پاسخ داده نشود، مالک طبق ضوابط قانونی و کاربری های مربوط، حق عمران و واگذاری زمین خود را دارد. ماده ۱۶- مالکان زمینهای بایر و دایر با کاربری مسکونی در شهرهای موضوع ماده (۹) قانون می توانند جهت تفکیک و اخذ پروانه ساختمانی تا هزارمتر مربع برای یک یا چند قطعه از زمینهای خود به شهرداری محل مراجعه نمایند. شهرداری ها مکلفند پس از تطبیق نقشه تفکیکی با درخواست تشکیل پرونده به منظور اطلاع از اینکه متقاضی از مزایای مواد (۸) و (۶) قانون اراضی شهری استفاده کرده است یا خیر، مراتب را با ذکر مشخصات کامل مالک و پلاک مورد نظر از اداره زمین شهری مربوط، استعلام و پس از وصول پاسخ در صورت عدم استفاده از مزایای یاد شده، با رعایت سایر مقررات و اخذ تعهد رسمی مطابق فرم تنظیمی وزارت مسکن و شهرسازی مبنی بر عدم

استفاده بیشتر از مزایای تبصره ۲) ماده (۹) قانون، پروانه ساختمانی صادر نمایند. تبصره ۱- در مورد زمینهایی که تملک می شود، چنانچه مالک یا مالکین از مزایای تبصره ۲) ماده (۹) قانون استفاده نکرده باشند، پس از تملک و تهیه طرح تفکیکی و کسر میزان زمینی که به نسبت سهم آنها در خیابانها و خدمات عمومی طرح قرار می گیرد تا هزار متر مربع از قطعات قابل واگذاری به انتخاب مالک یا مالکین به آنها واگذار می گردد تا برابر مقررات عمران نمایند. تبصره ۲- منظور از عدم امکان مندرج در تبصره ۲) ماده (۹) قانون، مواردی است که سهم مالکانه در طرح دستگاه تملک کننده قرار گرفته و واگذاری آن به مالک باعث برهم خوردن طرح و عدم امکان اجرای آن گردد و جابجایی طرح نیز مقدور نباشد. در این صورت زمینی معادل قیمت زمین تملک شده و حتی المقدور به همان میزان و حداکثر تا حد نصاب مقرر در قانون، از محل دیگری به مالک یا مالکین واگذار می گردد. تشخیص این امر با دستگاه تملک کننده است تبصره ۳- وزارت مسکن و شهرسازی ضوابط چگونگی عمران اراضی مازاد بر حد نصاب مالکانه موضوع قسمت آخر تبصره ۲) ماده (۹) قانون را به نحوی که موجب تشویق در توسعه احداث مسکن باشد، حداکثر ظرف سه ماه تهیه و جهت اجرا ابلاغ می نماید. ماده ۱۷- در شهرهای غیر مشمول ضرورت، نقل و انتقال زمینهای بایر و دایر شهری بین اشخاص با رعایت تبصره ماده (۱۴) قانون در خصوص زمینهای دایر کشاورزی، بلامانع است ولی هرگونه تفکیک و احداث بنا مستلزم انجام عملیات آماده سازی، طبق ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی می باشد. ماده ۱۸- وزارت کشاورزی و هیأتهای ۷ نفره واگذاری زمین، حتی الامکان در اجرای تبصره ۴) ماده (۴) آیین نامه اجرایی قانون مرجع تشخیص زمین های موات و ابطال اسناد آن - مصوب ۶۶۷۸ به درخواست وزارت مسکن و شهرسازی یا سایر دستگاه های تملک کننده زمین که در اجرای تبصره ۱۰) ماده (۹) قانون درخواست واگذاری زمین می نمایند، زمین عوض معادل بهای منطقه ای زمین تملک شده در خارج از محدوده مورد عمل قانون، برای امر کشاورزی به مالکین معرفی شده، واگذار نمایند. ماده ۱۹- ادارات ثبت مکلفند در هر مورد که زمینهایی - اعم از موات و غیر موات - به صورت ششدانگ یا مشاع براساس قانون به مالکیت دولت درمی آید به موجب درخواست وزارت مسکن و شهرسازی یا درخواست سایر دستگاهها - در مواردی که رأساً زمینهای غیرمواتی را با رعایت مقررات قانون و این آیین نامه تملک می نماید نسبت به صدور سند مالکیت به شرح زیر اقدام نمایند ۱- ابطال سند مالکیت قبلی - اعم از اینکه سند مالکیت در اختیار باشد یا نباشد - و صدور سند مالکیت جدید حسب مورد به نام دولت یا شهرداریها به نمایندگی مرجع قانونی درخواست کننده سند. ۲- در مواردی که زمین سابقه ثبتی به نام اشخاص نداشته باشد و بر اساس نظریه وزارت مسکن و شهرسازی زمین، موات تشخیص داده شود، با توجه به تبصره الحاقی به ماده (۹) آیین نامه قانون ثبت و قبول تقاضای ثبت زمینهای موات و بایر بلا مالک به نام دولت - مصوب ۱۳۵۴ و در انتشار آگهی های نوبتی آنها نیازی به تنظیم اظهارنامه ثبتی به نام دولت نبوده و حسب درخواست وزارت مسکن و شهرسازی بدون انتشار آگهی های نوبتی و تحدیدی بلافاصله با استفاده از پلاک بخش مربوط و ضمن تعیین شماره فرعی، صورت مجلس تعیین حدود با رعایت حدود مجاورین - در صورت وجود سابقه تحدید حدود - با حضور نماینده اداره زمین شهری محل تنظیم و ملک در دفتر املاک ثبت و سند مالکیت به نام دولت به نمایندگی وزارت مسکن و شهرسازی صادر می گردد. ۳- در صورتی که زمین طبق نظر وزارت مسکن و شهرسازی موات بوده و سابقه درخواست ثبت داشته باشد، ولی تحدید حدود آن به عمل نیامده باشد اعم از اینکه آگهی های نوبتی آن منتشر شده یا نشده باشد بدون انتشار آگهی های نوبتی و تحدیدی نسبت به تنظیم صورت مجلس تعیین حدود لازم و صدور سند مالکیت آن با رعایت بند (۱) این ماده از طرف اداره ثبت اقدام می گردد. ۴- در صورتی که وزارت مسکن و شهرسازی با سایر دستگاههای دولتی یا شهرداری ها براساس ماده (۹) قانون قصد تملک زمین غیر مواتی را دارند یا قبلاً تملک نموده اند، ولی اساساً سابقه درخواست ثبت ندارد و زمین مزبور از نظر مقررات ثبتی مجهول المالک است، ادارات ثبت مکلفند ضمن تنظیم صورت مجلس لازم در اجرای ماده (۱۳) این آیین نامه که به منزله صورت مجلس احراز تصرف خواهد بود، مشخصات متصرف را با رعایت حدود مجاورین - اگر سابقه تحدید حدود دارد - تعیین

نمایند. همین صورت مجلس، مستند انجام معامله خواهد بود. پس از تنظیم سند انتقال بر اساس ماده (۹) قانون ادارات ثبت باید به ترتیب زیر اقدام به صدور سند مالکیت به نام دولت و شهرداری ها نمایند الف - پس از ارایه یک نسخه سند انتقال (سند تملکی به اداره ثبت محل، اداره ثبت بر اساس سند رسمی تنظیمی بلافاصله سند مالکیت زمین را به نام دولت با نمایندگی وزارت مسکن و شهرسازی یا سایر دستگاههای دولتی درخواست کننده - که سند به نام آنها تنظیم شده یا شهرداریها حسب مورد صادر می نمایند. ب - برای روشن شدن وضع پرداخت بهای زمین مورد تملک، ادارات ثبت باید نسبت به تنظیم اظهارنامه ثبتی اقدام نمایند و علاوه بر قید نام دولت به نمایندگی وزارت مسکن و شهرسازی یا دستگاه تملک کننده یا شهرداریها نام شخص یا اشخاصی را که مدعی مالکیت ملک مورد تملک هستند بر اساس صورت مجلس تنظیمی بالا در اظهارنامه ثبتی قید نمایند و در اجرای دستور ماده (۵۹) آیین نامه قانون ثبت، مبادرت به انتشار آگهی های نوبتی کنند. در صورتی که در مهلت مقرر قانونی، اعتراضی نرسید پس از گواهی اداره ثبت محل و اخذ مفصلا حساب های لازم بهای زمین به مالک یا مالکین پرداخت می شود، ولی در صورت وصول اعتراض به ثبت تا تعیین تکلیف نهایی از سوی دادگاههای صالح، بهای ملک پرداخت نخواهد شد. ج - چنانچه زمینی که موات اعلام شده دارای اعتراضی به تشخیص وزارت مسکن و شهرسازی در خصوص نوع زمین یا اعتراض به ثبت یا حدود یا سایر اعتراضات قانونی در مراجع ذی صلاح یا تعارض ثبتی باشد یا در رهن و وثیقه و بازداشت بوده یا حق اعیانی و حق ریشه و کشت برای دیگران در آن قید شده باشد، ادارات ثبت مکلف به صدور سند آزاد و بدون قید بازداشت یا وثیقه و رهن و سایر قیود یاد شده، به نام دولت به نمایندگی مرجع قانونی درخواست کننده سند می باشند. در خصوص اعتراض به ثبت و تعارض ثبتی و تشخیص نوع زمین پس از صدور رای قطعی از طرف مراجع قضایی، ادارات ثبت، مراجع تملک کننده با رعایت قانون و این آیین نامه حقوق محکوم له را ادا می نمایند. در مورد رهن و وثیقه و بازداشت زمینهای بایر و دایر نیز سازمان تملک کننده مجاز است پس از اخذ گواهی از اداره ثبت محل، از محل اعتبارات طرح تملک زمین، مبلغ مندرج در سند وثیقه و رهن و مبلغ مورد بازداشت را پرداخت نمایند و مراتب را به اداره ثبت محل اعلام کند. در صورتی که مبلغ یاد شده بیش از مبلغ مورد تملک باشد، بستانکار و مرجع بازداشت کننده می تواند برای وصول بقیه طلب خود تقاضای توقیف سایر اموال بدهکار را بر اساس قوانین مربوط از مراجع ذی صلاح بنماید. د - در صورتی که زمین مورد تملک بر اساس سند انتقال رسمی سابقه ثبت داشته ولی آگهی نوبتی آن منتشر نشده باشد، اداره ثبت محل مکلف است بدون انتشار آگهی تحدیدی نسبت به تنظیم صورت مجلس تحدید حدود با رعایت حدود مجاورین - اگر سابقه تحدید حدود داشته باشد - اقدام نماید و بلافاصله سند مالکیت زمین را به نام وزارت مسکن و شهرسازی یا دستگاه تملک کننده صادر نماید. در صورتی که اشتباهی در اسناد تنظیمی پیش آید، اصلاح اسناد با تنظیم سند اصلاحی به امضای دستگاه تملک کننده و به قایم مقامی مالک یا مالکین بلامانع است و برای اینکه پرداخت وجه مورد تملک به مالک مقدور گردد، اداره ثبت محل نسبت به انتشار آگهی های نوبتی، بر اساس بند (ب) این ردیف اقدام می نماید. در مورد زمینهای مورد تملک که سابقه ثبت و انتشار آگهی نوبتی داشته، ولی تحدید حدود آن به عمل نیامده، تعیین حدود و صدور سند مالکیت به شرح بند یاد شده صورت می گیرد. در انجام عملیات تحدید و تفکیک زمینهای موات یا خریداری شده دولت، عدم اجرای ماده (۸۰) آیین نامه قانون ثبت و عدم حضور مالک اولیه، مانع انجام عملیات یاد شده نخواهد بود و ادارات ثبت مکلفند برابر نقشه ارایه شده نسبت به تحدید و تفکیک، بدون حفر پی اقدام نمایند. ۵ - در مواردی که زمین بر اساس نظر وزارت مسکن و شهرسازی موات تشخیص داده شود، ادارات ثبت مکلفند به درخواست وزارت مسکن و شهرسازی قبل از قطعیت نظریه مرقوم سند مالکیت آن را به نام دولت به نمایندگی وزارت مسکن و شهرسازی صادر نمایند. در صورتی که بر اساس رای قطعی دادگاه، زمین غیر موات تشخیص داده شود، در شهرهای مشمول ضرورت بر اساس ماده (۹) قانون با مالک رفتار می شود و سایر شهرها و شهرک های کشور، تبصره های (۷) و (۸) ماده (۹) قانون، قابل اجراست ۶ - مقررات بند (۵) این ماده از جهت صدور سند مالکیت به نام

دولت و شهرداریها در مورد زمینهایی که در اجرای قانون اراضی شهری مصوب ۱۲۲۷ ۶۰ - موات شناخته شده یا به تملک دولت درآمده، ولی سند مالکیت آن صادر نگردیده، قابل اجراست ۷- زمینهایی که مالکیت آنها در اجرای قانون لغو مالکیت موات شهری و اصلاحیه آن لغو گردیده و مراتب به دفاتر املاک ثبت، اخبار و به امضای مسوول مربوط رسیده باشد، با توجه به ماده (۲۲) قانون ثبت در مالکیت دولت مستقر و سند مالکیت آن باید به نام دولت صادر شود. ۸- اسناد زمینهای مواتی که قبلا در اختیار بنیادهای غیردولتی از جمله بنیاد مستضعفان بوده یا باشد، باید به نام وزارت مسکن و شهرسازی صادر شود. ۹- افراز زمینهای مشاعی وزارت مسکن و شهرسازی و دستگاه تملک کننده براساس لایحه قانونی راجع به افراز مورد تصرف سازمانهای عمران اراضی شهری - مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران - به عمل خواهد آمد و دعوت از سایر مالکین مشاعی جهت افراز، ضرورت ندارد. ۱۰- قبول تقاضای ثبت زمینهای موات از اشخاص مطلقا ممنوع است و ادارات ثبت مکلفند قبل از پذیرش ثبت زمینها به نام اشخاص و ادامه تشریفات ثبتی زمینهای ثبت شده و افراز و تقسیم و تفکیک زمینها، موافقت کتبی وزارت مسکن و شهرسازی را اخذ نمایند. ۱۱- دفاتر اسناد رسمی مکلفند قبل از انجام هرگونه معامله نسبت به زمینهای موضوع قانون، مراتب را از وزارت مسکن و شهرسازی استعلام و براساس نظر آن وزارتخانه و رعایت مقررات مربوط اقدام نمایند. ماده ۲۰ - کلیه دستگاههای یاد شده در ماده (۱۰) قانون موظفند زمینهای خود را در اجرای ماده (۱۰) قانون، در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قراردادند. ادارات ثبت مکلفند پس از اعلام وزارت مسکن و شهرسازی نسبت به ثبت انتقال ملک در دفاتر املاک و صدور سند مالکیت به نام دولت با نمایندگی وزارت مسکن و شهرسازی یا دستگاههایی که وزارت مزبور معرفی می کند، اقدام نمایند. هریک از کارکنان دستگاههای یاد شده که در تحویل زمینهای مذکور و صدور اسناد مالکیت آنها به شرح این ماده، مسامحه یا کارشکنی نمایند در اجرای ماده (۱۶) قانون متخلف محسوب شده و با اعلام وزارت مسکن و شهرسازی مورد پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت و از تاریخ درخواست وزارت مسکن و شهرسازی چنانچه ظرف دو ماه نسبت به تحویل زمین و اسناد و مدارک آن اقدام نمایند، ادارات ثبت مکلفند به درخواست وزارت مسکن و شهرسازی سند مالکیت جدید به نام دولت به نمایندگی وزارت مسکن و شهرسازی یا دستگاههایی که وزارت مزبور معرفی می کند، صادر نمایند. تبصره ۱ - صدور سند مالکیت زمینهای ملی شده یا سایر زمینهای دولتی واقع در محدوده مورد عمل قانون، به نام وزارت مسکن و شهرسازی نیاز به تحویل و تنظیم صورت جلسه از طرف سرچنگلداریها ندارد. تبصره ۲- در صورتی که در اراضی مذکور تجاوزات و تصرفاتی صورت گرفته باشد، در موقع معاینه محل با حضور نماینده سرچنگلداری یا دستگاه دارنده زمین، میزان تصرفات و تجاوزات، صورت جلسه شده و سند مالکیت کل محدوده ملی شده یا زمین دولتی مذکور بدون توجه به تجاوزات انجام شده بنام دولت به نمایندگی وزارت مسکن و شهرسازی صادر می گردد. ماده ۲۱- در مورد زمینهای مشاعی چنانچه یک یا چند مالک مشاع در مهلت مقرر مراجعه کنند، ولی به لحاظ عدم حضور بقیه مالکین انجام معامله کل ملک مقدور نباشد، نسبت به آن تعداد از مالکین که تنظیم سند امکان ندارد، طبق مفاد قانون و این آیین نامه سند انتقال به قایم مقامی مالک یا مالکین امضا می شود.

فصل چهارم - نحوه آماده سازی و عمران و واگذاری زمین ها (ماده ۲۲ تا ۲۶)

ماده ۲۲- آماده سازی زمین عبارت از مجموعه عملیاتی است که مطابق دستورالعمل وزارت مسکن و شهرسازی زمین را برای احداث مسکن مهیا می سازد که شامل موارد زیر می باشد الف - عملیات زیربنایی از قبیل تعیین بر و کف، تسطیح و آسفالت معابر، تامین شبکه های تاسیساتی آب و برق، جمع آوری و دفع آبهای سطحی و فاضلاب و غیره ب - عملیات روبنایی مانند احداث مدارس، درمانگاه، واحد انتظامی، فضای سبز، اداره آتش نشانی، اماکن تجاری و نظایر آن ماده ۲۳- دستگاهها، بنیادها، نهادها

و اشخاص حقیقی و حقوقی و اگذارکننده زمین در صورتی مجاز به واگذاری خواهند بود که اجرای عملیات زیربنایی زمینهای آنها طبق ضوابط و تایید دستگاه های اجرایی مربوط ، قبل از واگذاری انجام شده باشد. تبصره - در صورتی که تعاونیهای مسکن قادر به انجام آماده سازی تمام زمین یا بخشی از آن باشند می توانند طبق ضوابط و مقررات وزارت مسکن و شهرسازی اقدام نمایند. بدیهی است هنگام تعیین قیمت قطعی زمین ، هزینه آماده سازی از قیمت قطعی کسر خواهد شد. ماده ۲۴ - مالکین زمینهای دایر و بایر اعم از حقیقی و حقوقی که طبق مواد (۱۴) و (۱۵) قانون ، مجوز تبدیل و تغییر کاربری زمین خود را از وزارت مسکن و شهرسازی اخذ کرده اند و قصد تفکیک یا افزای یا تقسیم اراضی خود را دارند ، موظفند نقشه تفکیکی زمینهای خود را به ضمیمه طرحهای اجرایی آماده سازی همراه با برآورد هزینه های مربوط به ادارات کل مسکن و شهرسازی محل ، ارایه نمایند. ماده ۲۵ - بهای تمام شده هر قطعه زمین برای امر مسکن عبارت است از قیمت منطقه ای زمین در زمان واگذاری به علاوه کلیه هزینه های تعلق گرفته و متناسب با هر طرح طبق دستورالعمل وزارت مسکن و شهرسازی ماده ۲۶ - در کلیه طرحهای آماده سازی تاسیسات روبنایی مثل مدارس و درمانگاه ، فضای سبز و نظایر آن حتی الامکان از محل عواید اماکن تجاری ، زمینهای واگذاری همان شهر ، احداث شده و عرصه و اعیان آنها به صورت رایگان به دستگاه های بهره برداری کننده تحویل می شود. دستورالعمل تعیین سرانه تاسیسات روبنایی توسط وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و ابلاغ می شود. ماده ۲۷ - بهای واگذاری قطعات زمین برای احداث واحدهای انتفاعی نظیر تجاری ، اداری و خدماتی صنفی برابر است با قیمت منطقه ای ، به علاوه هزینه های زیربنای و روبنایی قطعه که از متقاضی دریافت می گردد. وزارت مسکن و شهرسازی موظف است در عقد قرارداد واگذاری این گونه قطعات ترتیبی اتخاذ نماید که بهای دریافتی بابت هزینه های تاسیسات روبنایی ، صرف احداث تاسیسات مزبور شود. تبصره - در احداث واحدهای انتفاعی ، مجموعه های مسکونی کارگری با وجود شرایط مساوی ، حق تقدم با تعاونی های کارگری است ماده ۲۸ - واگذاری هر نوع زمین در طرحهای مصوب شهری که به توسعه یا احداث معابر و میادین اختصاص داده شده است ، ممنوع می باشد. ماده ۲۹ - واگذاری زمین به افراد و اعضای شرکتهای تعاونی مسکن و کارکنان دولت بر اساس ضوابط و مقرراتی است که به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی ، با رعایت قوانین و لحاظ اولویت برای کارکنان و کارمندان دولت تعیین و ابلاغ خواهد گردید. تبصره ۱ - واگذاری زمین به سازندگان واحدهای مسکونی ، اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی و نیز کسانی که آمادگی و شرایط لازم را برای سرمایه گذاری در امر تولید و احداث واحدهای مسکونی به منظور واگذاری قطعی یا اجاره دارند ، بر اساس ضوابطی است که از طریق وزارت مسکن و شهرسازی تعیین می شود. تبصره ۲ - انتقال قطعی اراضی واگذار شده ، پس از ارایه گواهی پایان کار ساختمانی خواهد بود و ممنوعیت انتقال مندرج در اسناد انتقال قطعی تنظیمی به تاریخ پیش از اجرای این آیین نامه کان لم یکن تلقی می گردد. تبصره ۳ - اوراق قرارداد واگذاری یاد شده و نیز اوراق واگذاری زمین در شهرهای جدید ، در مراحل مرتبط با اعطای تسهیلات بانکی و تسهیلاتی که سازمان تامین اجتماعی به مشمولان قانون تامین اجتماعی می دهد ، در حکم سند رسمی بوده و در مواردی که زمین مورد واگذاری فاقد صورت مجلس تفکیکی است ، نماینده دستگاه واگذار کننده زمین ، اسناد تنظیمی را منحصر از جهت تجویز رهن ، امضا می نماید. ماده ۳۰ - واگذاری زمینهای شهرداریها ، شرکتهای و سازمانهای وابسته به شهرداریها توسط آنها به منظوری غیر از رفع نیازمندیهای عمومی شهر و عوض املاک واقع در طرحهای مصوب شهری ، منوط به مجوز وزارت مسکن و شهرسازی می باشد. ماده ۳۱ - واگذاری زمین جهت ایجاد یا توسعه یا انتقال انواع موسسات یا کارگاه های تولیدی و خدماتی و محلهای کسب ، با شرایط زیر انجام می گیرد الف - متقاضی ، خدمت وظیفه عمومی را انجام داده یا دارای کارت معافیت بوده و توانایی مالی احداث ساختمان را داشته باشد. ب - مجوز قانونی لازم را جهت دایر نمودن واحد پیشنهادی داشته باشد. ج - زمینهای واگذاری برای هر پیشه یا کارگاه باید مطابق با کاربری زمین در طرحهای شهرسازی مصوب ، و در صورت فقدان طرحهای یاد شده ، طبق مقررات شهرداری برای آن منطقه شهر باشد. د - حداقل پنج سال پیش از تسلیم تقاضای زمین به طور متوالی در شهر محل

درخواست زمین سکونت داشته باشد. ه - در بعضی از شهرهای محروم ، طبق اعلام وزارت مسکن و شهرسازی رعایت شرط مدت سکونت برای متقاضی ضروری نمی باشد ، مشروط بر آنکه متقاضی در شهرهای مزبور ، به سرمایه گذاری در امر ایجاد واحدهای تولیدی ، صنعتی و خدماتی به جز محلهای کسب اقدام نماید. تبصره ۱ - افرادی که حرفه دیگری جز آنچه برای آن تقاضای زمین می نمایند نداشته باشند ، اولویت خواهند داشت تبصره ۲ - به منظور جذب سرمایه گذاری در نقاط محروم و کمک به امر تولید و اشتغال افراد ، به شرط آنکه افراد مزبور از وزارتخانه های تولیدی مجوز قانونی داشته باشند ، ضمن اولویت اعطای زمین به این گونه افراد ، از تخفیف های مناسب با تصویب مجمع عمومی سازمان زمین شهری برخوردار می شوند. ماده ۳۲ - واگذاری زمینهای داخل شهرکهای مشمول قانون (اجازه واگذاری اراضی داخل شهرکها برای تامین اعتبار مربوط به تکمیل ساختمانهای شهرکهای نیمه تمام دولتی) - مصوب ۶ ۷ ۱۳۶۰ - که در زمان طبق اخذ مجوز شهرک ، خارج از حریم استحفاظی شهرها بوده اند ، طبق قانون یاد شده و آیین نامه آن انجام می گیرد. ماده ۳۳ - منظور از زمینهای متعلق به دولت ، یاد شده در ماده (۱۳) قانون ، کلیه زمینهایی است که به نام دولت دارای سند بوده یا در جریان ثبت به نام دولت است و همچنین کلیه زمینهای ملی شده و مواتی که طبق قوانین مصوب و آرای کمیسیونهای مربوط ، متعلق به وزارت مسکن و شهرسازی است - اعم از اینکه به نام دولت ثبت شده یا نشده باشد - نمایندگی دولت در مورد زمینهای مزبور با سازمان زمین شهری یا دستگاهی است که وزارت مسکن و شهرسازی به آن تفویض اختیار می کند. ماده ۳۴ - منظور از زمینهای متعلق به شهرداری - یاد شده در ماده (۱۳) قانون - کلیه زمینهایی است که طبق قوانین و مقررات به شهرداری ها تعلق دارد. اعم از آنکه به نام شهرداری دارای سند باشد یا نباشد. ماده ۳۵ - وزارت مسکن و شهرسازی مجاز است نسبت به واگذاری زمینهای نزدیک کارخانه ها و کارگاههای تولیدی به کارکنان آنها در صورتیکه کارخانه یا کارگاه با هزینه خود ، واحدهای مسکونی و تاسیسات عمومی مربوط را احداث و فقط به کارکنانی که علاوه بر دارا بودن شرایط دریافت زمین به صورت انفرادی حداقل دو سال در آن واحد اشتغال به کار داشته اند ، به قیمت تمام شده مورد تایید آن وزارت اقدام نماید. در این صورت پس از اتمام واحدهای مسکونی امر انتقال ، زیر نظر وزارت مسکن و شهرسازی انجام می گیرد. در مورد کارخانه هایی که تازه تاسیس شده اند ، شرط دو سال اشتغال در آن واحد ، ضروری نمی باشد. ماده ۳۶ - شرایط واگذاری زمین جهت احداث خانه های سازمانی به موسسات و کارگاه ها و کارخانه هایی که دارای شخصیت حقوقی باشند ، به شرح زیر می باشد الف - ضرورت احداث واحدهای مسکونی سازمان به تایید وزارت مسکن و شهرسازی برسد. ب - متقاضی ، دارای مجوز احداث کارخانه یا کارگاه و پروانه اشتغال از مراجع مربوط باشد. ج - تعداد شاغلانی که برای آنها خانه های سازمانی احداث می شود ، باید از نظر اینکه از کارکنان کارخانه یا کارگاه متقاضی می باشند ، به تایید وزارت کار و امور اجتماعی یا ادارات تابع در شهرستان مورد نظر برسد. د - حداقل سن شاغلان بند (۳) باید (۱۸) سال تمام و دارای کارت پایان خدمت یا معافیت از خدمت باشند. ه - تعداد شاغلان در طول سال از (۲۰) نفر کمتر نباشد و حق بیمه آنان نیز تا هنگام درخواست ، کلا پرداخت شده باشد. و - پروژه ساختمانی از نظر مساحت زیربنای هر واحد و کیفیت و مصالح ساختمانی ، مطابق با ضوابط تعیین شده وزارت مسکن و شهرسازی باشد. ز - خانه های سازمانی احداث شده به صورت واحدهای سازمانی تلقی می شود و تابع قوانین مربوط می باشد.

فصل پنجم - مقررات متفرقه (ماده ۳۷ تا ۴۰)

ماده ۳۷ - سهم وزارت مسکن و شهرسازی در شرکتهایی که در اجرای قسم اخیر تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون با مشارکت بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) بخش غیردولتی ایجاد می شود ، به صورت آورده غیرنقدی از محل زمین ها به قیمت عادلانه روز کارشناسی رسمی تامین می شود. اساسنامه این گونه شرکتها نیز مطابق تبصره یاد شده ، به تصویب دولت خواهد رسید. تبصره - خدمت

کارکنان دولت در شرکتهای یاد شده با توجه به ماده (۱۱) قانون استخدام کشوری مجاز است ماده ۳۸ - قوای انتظامی و نهادهای انتظامی انقلاب اسلامی حسب مورد به تقاضای وزارت مسکن و شهرسازی یا شهرداریها مکلفند در رفع آثار تصرف و تجاوز از زمینهای مشمول قانون، با وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری ها همکاری، نظارت و دخالت مستقیم نمایند. ماده ۳۹ - با انقضای پنج سال مهلت مندرج در ماده (۹) قانون، صرفا موادی از این آیین نامه که در ارتباط با کلیه شهرها و شهرک های کشور باشد، همچنان قابل اجرا بوده و در کلیه شهرها و شهرک های کشور به صورت یکسان، عمل می شود. ماده ۴۰ - این تصویبنامه جایگزین تصویب نامه شماره ۱۹۹۴۵ت ۳۱۵ مورخ ۱۳۶۷۴۲۹ می شود.

آیین نامه قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن - مصوب ۱۳۵۸ ۵ ۲۲ هیات وزیران

فصل اول - نحوه اعلام به مالکین (ماده ۱)

ماده ۱ - وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است به مالکین اراضی مشمول تبصره ذیل ماده یک قانون مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن مصوب ۱۳۵۸ ۴ ۵ شورای انقلاب اسلامی از طریق جراید کثیرالانتشار و سایر رسانه های گروهی اعلام نماید که ظرف مهلت های تعیین شده در ماده ۶ این آیین نامه نسبت به عمران و آبادی اراضی خود با رعایت ضوابط این آیین نامه اقدام نماید و گرنه پس از انقضای مهلت مقرر و عدم اقدام نسبت به عمران و آبادی زمین بلاعوض به تصرف دولت در خواهد آمد.

فصل دوم - مقررات تشخیصی اراضی موات و عمران و آبادی (ماده ۲ تا ۴)

ماده ۲ - زمین موات از نظر این قانون زمینی است که معطل مانده و عمران و آبادی در آن به عمل نیامده باشد، عمران و آبادی قابل قبول به شرح زیر است ۱-۲- زمین قبلا به صورت خانه بوده و در سند مالکیت قید شده باشد. ۲-۲- هرگاه در زمین قبلا ساختمانی بوده و بعدا خراب شده و فعلا بقایای آن مشهود باشد و در این صورت معادل ۴ برابر مساحت زیر بنای ساختمان مخروبه، احیا شده محسوب می گردد. ۳-۲- اراضی زیر کشت محصولات زراعی و باغهای گل که لااقل سه چهارم مساحت زمین آن زیر کشت باشد. ۴-۲- باغ مشجر اعم از مثمر و غیرمثمر که در هر صد متر مربع ۶ اصله درخت سه ساله کاشته شده باشد مشروط بر اینکه با در نظر گرفتن خیابان بندی و تاسیسات مورد نیاز باغ لااقل سه چهارم از مساحت زمین مشجر باشد. ۵-۲- نوع استفاده از اراضی و باغات مذکور در بندهای ۲-۳ و ۲-۴ تغییرناپذیر است ولی صاحبان این اراضی و باغات می توانند با رعایت مقررات شهرداری محل برای سکونت شخصی و یا رفع نیازمندیهای زراعی و باغداری یکدستگاه ساختمان که مساحت زیربنای آن از ۲۵۰ متر مربع تجاوز ننماید احداث نمایند. ۶-۲- در صورتی که در زمین ساختمان احداث شده باشد، لااقل یک طبقه آن کامل مسقف و قابل بهره برداری بود و مجموع مساحت زیر بنای آن از یک چهارم مساحت کل زمین کمتر نباشد. ۷-۲- در مورد پارکینگ ها - اتوشویی ها - تعمیرگاه ها و تاسیسات مشابه عمران آن تابع ضوابط طرح جامع بوده و در شهرهایی که ضوابطی موجودنباشد شهرداری ها ضوابط آن را تعیین خواهند نمود و چنانچه تاسیساتی که در گذشته بوجود آمده است دارای پروانه کسب بوده و یا دایر باشند احیا شده محسوب می شود. ۸-۲- هرگاه اعیانی استخر شنا یا ورزشگاه باشد در این صورت مساحتی معادل حداکثر ۸ برابر سطح زیربنا احیا شده محسوب می شود. ۹-۲- اراضی مشمول بندهای ۲-۷ و ۲-۸ غیرقابل تفکیک بوده و نوع استفاده از آنها تغییرناپذیر است ولی مالکین آن می توانند طبق ضوابط شهرداری ها نسبت به تکمیل و مرمت آنها اقدام نمایند. ماده ۳ - کسانی که اراضی آنها مشمول تبصره

ذیل قانون اصلاح قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن مصوب ۲۸ ۴ ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی می‌باشند و در پروانه ساختمانی آنها مدت معین نشده باشد مکلفند ظرف ۳ ماه از تاریخ انتشار این آیین نامه به دستگاه‌های ذیربط مراجعه و تاریخ متناسبی را که برای عمران اراضی آنها وسیله دستگاههای مذکور معین می‌شود رعایت نمایند. ماده ۴ - کسانی که تا قبل از تاریخ قانون اصلاح قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن برای عمران زمین خود پروانه دریافت نموده و کار را نیز شروع نموده باشند مکلفند نسبت به عمران زمین خود طبق ضوابط این آیین نامه در مدت قید شده در پروانه ساختمان اقدام نمایند و چنانچه در پروانه ساختمانی آنها مدت معین نشده باشد باید به شهرداری‌ها مراجعه و تاریخ متناسبی را که برای عمران اراضی آنها معین می‌شود رعایت نمایند.

فصل سوم اراضی مشمول تبصره ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن

ماده ۵ - مساحت یک قطعه زمین کوچک در تبصره فوق‌الذکر برای شهرهایی که مطابق سرشماری سال ۱۳۵۵ بیش از دو بیست هزار نفر جمعیت دارند ۱۰۰۰ متر مربع و برای شهرهایی که کمتر از دو بیست هزار نفر جمعیت دارند ۱۵۰۰ متر مربع خواهد بود. تبصره ۱ - هرگاه قطعه کوچک بیش از مساحت پیش‌بینی شده در ماده ۵ بوده و مازاد به صورت یک قطعه مستقل قابل تفکیک استفاده نباشد در این صورت مساحت اضافی جزو قطعه محسوب است تبصره ۲ - مراد از مالکیت خانه مسکونی مندرج در تبصره ذیل ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن مالکیت ۶ دانگ اعیانی واحد مسکونی می‌باشد. ماده ۶ - مهلت مقرر برای عمران زمینهای کوچک موضوع تبصره ۱ قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن به شرح زیر تعیین می‌گردد ۱-۶ - در شهرهایی که برابر سرشماری سال ۱۳۵۵ کمتر از ۵۰ هزار نفر جمعیت دارند از تاریخ اعلام قبول درخواست گواهی مهلت عمران ۶ سال می‌باشد. ۲-۶ - در شهرهایی که برابر سرشماری سال ۱۳۵۵ بیش از ۵۰ هزار نفر و کمتر از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارند از تاریخ اعلام قبول درخواست گواهی مهلت عمران ۵ سال می‌باشد. ۳-۶ - در شهرهایی که برابر سرشماری سال ۱۳۵۵ بیش از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارند از تاریخ اعلام قبول درخواست گواهی مهلت عمران ۴ سال می‌باشد. ماده ۷ - کسانی که در تاریخ تصویب قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن مصوب ۵۸ ۴ ۵ شورای انقلاب اسلامی صاحب یک واحد مسکونی غیر آپارتمانی که مساحت عرصه آن از ۱۵۰ متر مربع تجاوز نماید و یا یک واحد آپارتمانی با مساحت اختصاصی حداکثر ۱۰۰ متر مربع باشد (در شهرهای موضوع شق اول ماده ۵ این آیین نامه) و در سایر شهرها موضوع شق دوم ماده ۵ این آیین نامه مذکور مساحت واحد مسکونی غیر آپارتمانی از دو بیست متر تجاوز نماید و یا واحد مسکونی او در رهن بانک یا موسسه وام دهنده رسمی (بخش دولتی یا خصوصی در مقابل وام مسکن باشد، می‌تواند از مزایای تبصره یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری استفاده نماید. ماده ۸ - اشخاص مشمول تبصره ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن در صورتیکه مشاعاً مالک زمینی باشند هر یک از آنها می‌توانند در سهم خود از مزایای قانونی مندرج در این فصل استفاده کنند.

فصل چهارم - تعیین تکلیف اراضی موات (ماده ۹ تا ۱۵)

ماده ۹ - مالکین اراضی موضوع ماده ۲ این آیین نامه که زمین خود را مشمول یک یا چند بند ماده مزبور می‌دانند مکلفند ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه به محللهایی که وزارت مسکن و شهرسازی تعیین می‌کنند مراجعه نمایند و با تسلیم فتوکپی سند مالکیت زمین و کروکی مربوط تقاضای صدور گواهی مبنی بر موات نبودن زمین خود دریافت دارند. ماده ۱۰ -

افرادی که بر اساس این قانون خود را مشمول تبصره ذیل ماده یک قانون می‌دانند باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه درخواست خود را منضم به فتوکپی سند مالکیت زمین با کروکی مربوط به محلهایی که وزارت مسکن و شهرسازی تعیین نموده مراجعه و گواهی لازم دریافت نمایند. تفکیک این گونه اراضی ممنوع است در صورت عدم مراجعه در مهلت مقرر و عدم صدور گواهی، زمین به تصرف دولت در می‌آید. تبصره ۱- در صورتی که مالکیت اشخاص از طریق انحصار وراثت یا آراء دادگاهها و یا بنچاق نامه های رسمی احراز شده باشد لکن هنوز منجر به صدور سند مالکیت رسمی نشده باشد در صورتی که اشخاص مذکور واجد شرایط تشخیص داده شوند می‌توانند از مهلت عمران استفاده نمایند. تبصره ۲- چنانچه صحت معامله و مالکیت اشخاصی که زمینی را به صورت قسطی خریداری نموده‌اند و هنوز فاقد سند مالکیت رسمی می‌باشند و یا بر طبق عرف محل با سند عادی معامله کرده‌اند و یا سایر موارد مشابه در کمیسیونی متشکل از نماینده دادگاه شهرستان نماینده اداره ثبت محل و نماینده وزارت مسکن و شهرسازی احراز گردد، در صورت دارا بودن سایر شرایط می‌توان برای آنها گواهی عمران صادر نمود. از تاریخ صدور گواهی عمران باقیمانده اقساط با توجه به روشهای قیمت گذاری سازمانهای عمران اراضی شهری و به تشخیص کمیسیون مذکور به سازمانهای عمران اراضی شهری پرداخت خواهد شد. تبصره ۳- شرایط احراز مالکیت مندرج در دو تبصره فوق برای احراز مالکیت اشخاص مندرج در ماده ۹ آیین نامه مربوط به قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن نیز قابل تسری است اشخاصی که خود را مشمول یکی از تبصره های فوق می‌دانند از تاریخ ابلاغ این تصویبنامه به مدت ۱۵ روز فرصت مراجعه به سازمان عمران اراضی شهری را دارند. ماده ۱۱- اراضی موات متعلق به وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی و موسساتی که شمول حکم مستلزم ذکر نام آنهاست نیز در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار خواهد گرفت تبصره - موقوفات عام که اسناد مالکیت وقفنامه های آنها حاکی از عمران و آبادی در آن باشد احیا شده محسوب می‌گردد، ولی در هر حال مشمول بند ۲-۵ این آیین نامه خواهد بود و اگر ضروری باشد از اینگونه اراضی استفاده ای غیر از آنچه در وقفنامه ذکر شده است بشود موافقت هیئت وزیران الزامی است ماده ۱۲- مراد از محدوده قانونی (۲۵ ساله مذکور در ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن محدوده ای است که بر طبق ضوابطی که از طرف وزارت مسکن و شهرسازی تهیه می‌شود تعیین شده باشد. ماده ۱۳- شهرداری ها در موقع صدور پروانه ساختمان برای کسانی که طبق تبصره ذیل ماده یک قانون می‌خواهند اقدام به عمران نمایند موظف می‌باشند تعهد لازم را از متقاضی اخذ نمایند تا چنانچه بعدا ثابت شود که واجد شرایط مندرج در تبصره ذیل ماده یک قانون نبوده تصرف او بر روی زمین تصرف غیرقانونی و تعرض به اموال عمومی تلقی می‌شود و طبق مقررات مربوطه با او رفتار خواهد شد. ماده ۱۴- هرگاه شهرداریها به علت ضوابط و مقررات طرح جامع و تفصیلی و یا به علل دیگر نتوانند برای متقاضیان پروانه صادر نمایند، وزارت مسکن و شهرسازی باید به درخواست شهرداریها یک قطعه زمین در حد نصاب تفکیک مجاز شهرداریها از زمین هایی که به تصرف دولت در آمده به مالکین واجد شرایط به طور رایگان ضمن انتقال سند مالکیت زمینی که در طرح قرار می‌گیرد به نام وزارت مسکن و شهرسازی واگذار نماید. ماده ۱۵- در مورد زمینهایی که طبق قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن و قانون اصلاحی آن به تصرف دولت در آمده است اعلام وزارت مسکن و شهرسازی برای ابطال اسناد مالکیت و تفکیک آنها و صدور پروانه ساختمانی کافی است و سازمان ثبت اسناد و املاک و شهرداریها مکلف به انجام درخواست وزارت مسکن و شهرسازی خواهند بود.

فصل پنجم - نحوه واگذاری اراضی (ماده ۱۶ تا ۲۳)

ماده ۱۶- زمین هایی که در داخل محدوده‌های خدماتی شهری به تصرف دولت در می‌آید باید مجانا برای نیازمندی های عمومی

شهر اختصاص یابد و در صورتی که زمین با تشخیص شهرداری محل و تصویب مقامات ذیصلاح شهر مازاد بر نیازمندیهای عمومی شهر باشد وزارت مسکن و شهرسازی نسبت به واگذاری این گونه زمینها به متقاضیان اقدام خواهد نمود. ماده ۱۷- اراضی خارج از محدوده خدماتی شهرها که در داخل محدوده قانونی است باید از طرف وزارت مسکن و شهرسازی آماده و بر اساس طرحهای تفصیلی تفکیک شده و زمینهایی که برای نیازمندیهای عمومی شهر اختصاص یافته مجانا در اختیار موسسات ذیصلاح دولتی قرار گیرد و زمینهایی که به بخش خدماتی خصوصی واگذار می شود باید با نظر شهرداری و تصویب مقامات ذیصلاح شهر برای عمران فروخته شود. ماده ۱۸- زمینهایی که برای واحدهای مسکونی تک واحدی آماده سازی و تفکیک شده با رعایت اولویت های زیر در صورتی که تعداد متقاضی واجد شرایط بیش از قطعات مورد معامله باشد از طریق قرعه کشی به متقاضیان فروخته خواهد شد. ۱۸-۱- متقاضی و افراد تحت تکفل او فاقد واحد مسکونی باشند. ۱۸-۲- تاریخ سکونت و اشتغال در محل مورد تقاضا نباید بعد از فروردین سال ۱۳۵۳ باشد و کسانی که مدت بیشتری در محل مورد تقاضا سکونت داشته باشند اولویت خواهند داشت تبصره - کارمندان دولت نظیر قضات ، پرسنل نیروهای مسلح ، مامورین شهربانی ، ژاندارمری و وزارت کشور که نوع شغل و خدمت آنها ایجاب می کند که هر چند مدتی در یکی از شهرستانهای کشور انجام وظیفه نمایند از شمول بند ۲ ماده ۱۸ آیین نامه خارج می باشند و اینگونه کارمندان دولت برای یکبار با جلب نظر سازمان متبوع می توانند در هر یک از شهرستانهای ایران که در نظر دارند به طور دائم ساکن آن شهرستان شوند، سازمان عمران اراضی شهری محل مورد تقاضا مکلف به قبول تقاضای آنان می باشد، مشروط بر آنکه این تقاضا برای شهرستان تهران و حومه آن نباشد. ۱۸-۳- متقاضی باید امکانات مالی لازم برای ساختمان را تامین کرده باشد. ماده ۱۹- وزارت مسکن و شهرسازی قیمت زمینهای آماده شده را بر اساس هزینه متوسط تاسیسات زیربنایی و درصدی بابت سایر هزینه های بالا سری آنها و با رعایت نحوه استفاده از زمین تعیین و به متقاضیان واجد شرایط واگذار خواهد کرد. جزییات ضوابط و شرایط واگذاری اراضی در هر منطقه را وزارت مسکن و شهرسازی با همکاری شهرداری محل تعیین و به اطلاع عموم خواهد رسانید. ماده ۲۰- در زمینهایی که ساختمان بیش از یک واحد مجاز می باشد (آپارتمان سازی متقاضیان احداث آپارتمان می توانند به صورت گروهی با وکالت رسمی یک نفر با رعایت طرح جامع و تفصیلی شهر و مفاد ماده ۱۸ این آیین نامه نسبت به احداث ساختمان اقدام نمایند. ماده ۲۱- شرکتهای رسمی تامین مسکن که شرایط و صلاحیت آنها طبق ضوابطی باشد که از طرف وزارت مسکن و شهرسازی تعیین شده است می توانند درخواست زمین نموده و اقدام به احداث آپارتمان و یا خانه تک واحدی نموده و طبق قیمتی که بیش از قیمتی که وزارت مسکن و شهرسازی تعیین می کند نباشد نسبت به فروش آنها اقدام نمایند. تبصره - شرکتهای تعاونی مسکن و کارخانجات و کارگاههای تولیدی که تعهد نمایند در زمین مورد واگذاری برای اعضا و کارکنان خود طبق ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی خانه سازی نموده و به آنها واگذار نمایند مشمول مفاد ماده ۲۱ خواهند بود. ماده ۲۲- واگذاری قطعی زمین موقعی انجام خواهد گرفت که گواهی پایان عملیات ساختمانی از طریق مراجع ذیصلاح صادر شده باشد. ماده ۲۳- تاریخ اجرای این آیین نامه توسط وزارت مسکن و شهرسازی در هر شهر تعیین و اعلام خواهد شد.

آیین نامه اجرایی قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن - مصوب سال ۱۳۶۶

ماده ۱- تعریف اراضی موات از نظر اجرای این قانون اراضی موات زمینهایی است که سابقه احیا و بهره برداری ندارد و به صورت طبیعی مانده و افراد به صورت رسمی یا غیررسمی برای آن ها، سند تهیه کرده اند. ماده ۲- تشخیص اراضی موات خارج از محدوده استحقاقی شهرها به عهده هیات هفت نفره واگذاری و احیا اراضی است که در این آیین نامه به اختصار با عنوان هیات به کار برده می شود. هیات با حضور حداقل چهار نفر تشکیل و نظریه خود را طی صورتجلسه ای اعلام خواهند نمود و رای اکثریت با حداقل سه نفر ملاک خواهد بود که یکی از آنها باید حاکم شرع باشد. تبصره - هیات ضمن بازدید از محل می تواند حسب مورد ، نظر

کارشناس ذیربط و خبره محلی را در تشخیص نوع زمین اخذ نماید. ماده ۳- هیات‌ها مکلفند پس از اعلام نظر در خصوص موات بودن اراضی، مراتب را با ذکر مشخصات کامل و محل وقوع و موقعیت دقیق آن، به همراه یک نسخه کروکی، به ادارات ثبت اسناد و املاک محل اعلام و جریان ثبتی آن را استعلام و ادارات ثبت اسناد و املاک موظفند ظرف مدت حداکثر یک ماه، سابقه ثبتی اراضی مورد استعلام را اعم از شماره پلاک و وضعیت مالکیت و اسامی مالک یا مالکین و سایر مشخصات مربوطه تعیین و به هیات اعلام نمایند. تبصره ۱- در صورتی که زمین، موات اعلام گردد و دارای سابقه ثبتی و مالک باشد، هیات‌ها بایستی بلافاصله مراتب را در صورت مشخص بودن مالکین به آنها، ابلاغ والا به فاصله ۱۵ روز در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز و یکی از روزنامه‌های محلی (در صورت وجود و یا سایر وسایل ممکن و معمول جهت اطلاع مالکان ذیربط در دو نوبت آگهی نمایند. رای هیات قابل اعتراض در دادگاه صالحه می‌باشد و مالکان اراضی می‌توانند اعتراض خود را به دادگاه صالحه تسلیم و یا برای هیات‌های هفت نفره ارسال دارند. چنانچه برای هیات هفت نفره ارسال نمایند، هیات بلافاصله پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه صالحه ارسال خواهد نمود. تبصره ۲- پس از قطعیت رای، اعم از این که اعتراض به آن نشده و یا پس از اعتراض دادگاه رسیدگی و رای قطعی مبنی بر موات بودن زمین صادر گردد، به شرح زیر اقدام خواهد شد، الف- در صورتی که زمین سابقه ثبتی نداشته و بر اساس رای قطعی، موات تشخیص داده شده اظهارنامه ثبتی به نام دولت تنظیم و بلافاصله صورتمجلس تعیین حدود بدون انتشار آگهی نوبتی و تحدیدی و با رعایت حدود مجاورین (اگر مجاورین سابقه تحدید حدود داشته باشند) از طرف اداره ثبت با حضور نماینده هیات هفت نفره تنظیم و بلافاصله ملک در دفتر املاک ثبت و سند مالکیت به نام دولت صادر می‌گردد. ب- در صورتی که سابقه ثبت دارد ولی تحدید حدود آن به عمل نیامده باشد، اعم از این که آگهی‌های نوبتی آن منتشر شده یا نشده باشد بدون انتشار آگهی تحدیدی نسبت به تنظیم صورتمجلس تحدید حد لازم و صدور سند مالکیت آن با رعایت بند الف از طرف اداره ثبت محل اقدام لازم، معمول خواهد شد. ج- در صورتی که زمین دارای سند مالکیت باشد، با ارسال رای قطعی، مبنی بر موات بودن آن اعم از این که سند مالکیت قبلی در اختیار هیات هفت نفره باشد که ارایه دهد یا در اختیار هیات نباشد بلافاصله اداره ثبت محل مکلف است سند قبلی را ابطال و سند مالکیت جدید به نام دولت صادر نماید. ماده ۴- در شهرهایی که طرح جامع یا هادی برای آن‌ها تهیه شده و به تصویب مراجع ذیربط رسیده و در طرح‌های مذکور محدوده استحقاقی یا نفوذی مشخص گردیده است حریم شهر همان محدوده استحقاقی یا نفوذی است و در مورد شهرهایی که فاقد طرح جامع یا هادی بوده و یا محدوده استحقاقی یا نفوذی در طرح‌های مذکور تعیین نشده باشد محدوده استحقاقی شهر توسط وزارت مسکن و شهرسازی تعیین و اعلام می‌گردد. وزارت مسکن و شهرسازی موظف است ظرف سه ماه ضوابط تعیین محدوده استحقاقی اینگونه شهرها را تهیه و ارایه نماید. تبصره ۱- ابتدای محدوده مورد عمل این آیین نامه پس از پایان محدوده مندرج در قانون زمین شهری مصوب ۶۶۶۲۲ مجلس شورای اسلامی می‌باشد. تبصره ۲- در مورد شهرهایی که محدوده استحقاقی مشخصی ندارد وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است حسب اعلام وزارت کشاورزی محدوده استحقاقی آنها را حداکثر ظرف سه ماه تعیین و به وزارت مذکور اعلام نماید. تبصره ۳- چنانچه هنگام تعیین محدوده استحقاقی شهرها معلوم گردد که تمام یا قسمتی از اراضی موات داخل آن و یا داخل شهرکها در اختیار هیات‌های هفت نفره است اراضی مذکور فوراً در اختیار سازمان زمین شهری قرار خواهد گرفت و برای این منظور ارسال مصوبه مربوط به حریم شهری و یا پروانه شهرک به ادارات ثبت کافی خواهد بود. تبصره ۴- در اجرای تبصره ۱۰ ماده ۹ قانون زمین شهری مقادیری از اراضی موات موضوع این آیین نامه به صاحبان اراضی شهری که توسط وزارت مسکن و شهرسازی تملک می‌گردد در اولویت واگذار خواهد شد. ضوابط واگذاری در آیین نامه قانون زمین شهری تعیین و ابلاغ خواهد شد. ماده ۵- کسانی که بدون کسب مجوز از مراجع ذیصلاح، اراضی موات را از تاریخ تصویب قانون مورد استفاده قرار داده یا دهند و یا به صورت رسمی و غیررسمی اقدام به هرگونه تصرف و معامله و نقل و انتقال مانند بیع، رهن،

اجاره و غیره و همچنین ثبت اراضی موات به نام خود یا دیگران و یا تغییر وضعیت اراضی که موات تشخیص داده شده بنمایند، متصرف در اموال عمومی محسوب و موضوع پس از شکایت هیات، مطابق قوانین موضوعه و ضمن عنایت به ماده ۱۳۴ قانون تعزیرات با متخلفین رفتار خواهد شد. ماده ۶- از تاریخ تصویب قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن، دفاتر اسناد رسمی سراسر کشور، موظفند در خصوص نقل و انتقالات اراضی موضوع این قانون از هیات‌های واگذاری و احیا اراضی استعلام نمایند. هیات‌ها موظفند حداکثر ظرف ۳ ماه در هر مورد اعلام نظر نمایند. ماده ۷- اراضی موات مشمول قانون در صورتی که به نحوی از انحا در رهن یا وثیقه و یا تامین یا بازداشت اشخاص ثالث یا دستگاه‌های دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی ایران یا بانک‌ها قرار گرفته یا از طرف مالکان آن‌ها به دیگری فروخته شده باشد، به تبع ابطال اسناد مالکیت آن‌ها آزاد تلقی و مطالبات ناشی از موارد فوق منتفی بوده و مطالبات طلبکاران از سایر اموال بدهکار قابل استیفا می‌باشد. ماده ۸- در صورت طرح دعوا در دادگاه، سوابق و مستندات مربوط به تشخیص موات بودن اراضی مورد استفاده دادگاه قرار گرفته و هیات‌ها موظفند در این مورد همکاری لازم را با دادگاه به عمل آورند. ماده ۹- تشخیص داخل حریم روستا بودن اراضی موات از نظر اجرای این قانون به عهده هیات می‌باشد. تبصره - مقررات و ضوابط و نحوه تشخیص حریم روستاها ظرف مدت ۲ ماه توسط هیات مرکزی واگذاری زمین طی دستورالعملی مشخص و ابلاغ، خواهد گردید. ماده ۱۰- اراضی مواتی که اسناد آن در اجرای این قانون ابطال می‌گردد، در اختیار دولت جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد تا مطابق قانون واگذاری و احیا اراضی مصوب ۲۶ ۱ ۵۹ شورای انقلاب اسلامی و آیین‌نامه‌های آن به متقاضیان واجد شرایط مربوطه، واگذار گردد تا برای انجام فعالیت‌های مصرح در این قانون، مورد استفاده قرار گیرد. تبصره - زمین‌های موات موضوع این آیین‌نامه که در داخل حریم روستاها می‌باشد، جهت کارهای عام المنفعه، احداث واحدهای مسکونی روستا، تعلیف احشام و سایر خدمات عمومی روستاها که مورد لزوم باشد، بر حسب مورد و به مقدار نیاز و بر اساس مقررات و ضوابط قانون واگذاری و احیا اراضی مصوب شورای انقلاب، واگذار خواهد گردید. ماده ۱۱ - کلیه نیروهای انتظامی اعم از ژاندارمری، شهربانی، کمیته‌های انقلاب اسلامی، مکلفند، همکاری‌های لازم را در اجرای این قانون با مأمورین اجرایی به عمل آورند. ماده ۱۲- در صورتی که در اجرای قانون افرادی قصد اخلال یا موجبات توقف آن را فراهم آورند، وزارت کشاورزی یا هیات‌های واگذاری و احیا اراضی، می‌توانند در صورت ضرورت نسبت به معرفی افراد مذکور به دادگاه صالحه، اقدام نمایند. ماده ۱۳- ادارات کل کشاورزی و ثبت اسناد و املاک، مسکن و شهرسازی، زمین شهری، شهرداری‌ها و سایر مراجع ذیربط، موظفند در اجرای قانون همکاری‌های لازم را با هیات‌های ۷ نفره واگذاری و احیا اراضی به عمل آورند و به استعلامات آنان در اسرع وقت، پاسخ دهند. ماده ۱۴- چنانچه مأمورین، در اجرای قانون مرتکب جرم یا تخلفی شوند، مطابق قوانین مربوطه، مجازات خواهند گردید. ماده ۱۵- هزینه‌های قانونی مربوط به ابطال اسناد اراضی به عهده هیات‌های واگذاری و احیا اراضی می‌باشد و اعتبارات لازم برای اجرای قانون، در بودجه سالانه مربوطه، منظور خواهد گردید. ماده ۱۶- واگذاری اراضی موضوع قانون تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن برای مصارف غیرکشاورزی، بر اساس آیین‌نامه نحوه استفاده از اراضی و احداث بنا و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها مصوب ۲۷ ۲ ۱۳۵۵ صورت خواهد گرفت

آیین‌نامه اجرایی قانون تملک آپارتمانها - با اصلاحات بعدی

بخش اول - قسمتهای مختلف ساختمان

فصل اول - قسمتهای اختصاصی (ماده ۱ تا ۲)

ماده ۱- قسمتهایی از بنا ، اختصاصی تلقی می شود که عرفا برای استفاده انحصاری شریک ملک معین یا قائم مقام او تخصیص یافته باشد. ماده ۲- علاوه بر ثبت اراضی زیربنا و محوطه باغ ها و پارک های متعلقه برای مالکیت قسمتهای اختصاصی نیز باید بطور مجزا سند مالکیت صادر شود ، مشخصات کامل قسمت اختصاصی از لحاظ حدود طبقه ، شماره ، مساحت قسمتهای وابسته ، ارزش و غیره باید در سند قید گردد.

فصل دوم - قسمتهای مشترک (ماده ۳ تا ۴)

ماده ۳- قسمتهایی از ساختمان و اراضی و متعلقات آنها که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم مورد استفاده تمام شرکا می باشد قسمتهای مشترک محسوب می گردد و نمی توان حق انحصاری بر آنها قایل شد. تبصره - گذاردن میز و صندلی و هر نوع اشیای دیگر و همچنین نگاهداری حیوانات در قسمتهای مشترک ممنوع است قسمتهای مشترک در ملکیت مشاع تمام شرکای ملک است ، هر چند که در قسمتهای اختصاصی واقع شده باشد و یا از آن قسمتها عبور نماید. ماده ۴- قسمتهای مشترک مذکور در ماده ۲ قانون تملک آپارتمانها عبارت است از : الف - زمین زیربنا خواه متصل به بنا باشد یا بنا بوسیله پایه روی آن قرار گرفته باشد. ب - تاسیسات قسمتهای مشترک از قبیل چاه آب و پمپ ، منبع آب ، مرکز حرارت و تهویه ، رختشویخانه ، تابلوهای برق ، کنتورها ، تلفن مرکزی ، انبار عمومی ساختمان ، اتاق سرایدار در هر قسمت بنا که واقع باشد ، دستگاه آسانسور و محل آن ، چاه های فاضلاب ، لوله ها از قبیل (لوله های فاضلاب ، آب ، برق ، تلفن ، حرارت مرکزی ، تهویه مطبوع ، گاز ، نفت ، هواکش ها ، لوله های بخاری گذرگاه های زباله و محل جمع آوری آن و غیره پ - اسکلت ساختمان تبصره - جدارهای فاصل بین قسمتهای اختصاصی ، مشترک بین آن قسمتها است مشروط بر اینکه جز اسکلت ساختمان نباشد. ت - درها و پنجره ها - راهروها - پله ها - پاگردها - که خارج از قسمتهای اختصاصی قرار گرفته اند. ث - تاسیسات مربوط به راه پله از قبیل وسایل تامین کننده روشنایی ، تلفن و وسایل اخبار و همچنین تاسیسات مربوط به آنها به استثنای تلفن های اختصاصی ، شیرهای آتش نشانی ، آسانسور و محل آن ، محل اختتام پله و ورود به بام و پله های ایمنی ج - بام و کلیه تاسیساتی که برای استفاده عموم شرکا و یا حفظ بنا در آن احداث گردیده است ح - نمای خارجی ساختمان. خ - محوطه ساختمان ، باغ ها و پارکها که جنبه استفاده عمومی دارد و در سند اختصاصی نیز ثبت نشده باشد.

بخش - دوم اداره امور ساختمان

فصل اول - مجمع عمومی (ماده ۵ تا ۱۳)

طرز انتخاب و وظایف و تعهدات مدیر ماده ۵- در صورتی که تعداد مالکین از سه نفر تجاوز کند ، مجمع عمومی مالکین تشکیل می شود. ماده ۶- زمان تشکیل مجمع عمومی مالکین اعم از عادی یا فوق العاده ، در مواردی که توافقنامه ای بین مالکین تنظیم نشده است به موجب اکثریت مطلق آرای مالکینی خواهد بود که بیش از نصف مساحت تمام قسمت های اختصاصی را مالک باشند و در صورت عدم حصول اکثریت مزبور ، زمان تشکیل مجمع عمومی با تصمیم حداقل سه نفر از مالکین تعیین خواهد شد. اصلاحی مصوب ۱۳۷۱/۱۳۰ هیات وزیران ماده ۷- در اولین جلسه مجمع عمومی ، ابتدا رییس مجمع عمومی تعیین خواهد شد و سپس در همان جلسه مدیر یا مدیرانی از بین مالکین و یا اشخاصی خارج انتخاب می شود. مجمع عمومی مالکین باید لااقل هر سال یک بار تشکیل شود. ماده ۸- برای رسمیت مجمع ، حضور مالکین بیش از نصف مساحت تمام قسمتهای اختصاصی یا نماینده آنان ضروری است تبصره - در صورت عدم حصول اکثریت مندرج در این ماده جلسه برای پانزده روز بعد تجدید خواهد شد ، هر گاه در

این جلسه هم اکثریت لازم حاصل نگردد جلسه برای پانزده روز بعد تجدید و تصمیمات جلسه اخیر با تصویب اکثریت عده حاضر معتبر است ماده ۹ - کسی که به عنوان نماینده یکی از شرکا تعیین شده باشد قبل از تشکیل جلسه مجمع عمومی و کالتنامه معتبر خود را به مدیر یا مدیران ارایه نماید. تبصره - در صورتی که مالک قسمت اختصاصی، شخصیت حقوقی باشد نماینده آن طبق قوانین مربوط به شخصیت‌های حقوقی معرفی خواهد شد. ماده ۱۰ - هرگاه چند نفر، مالک یک قسمت اختصاصی باشند باید طبق ماده ۷ قانون تملک آپارتمان‌ها از طرف خود یک نفر را برای شرکت در مجمع عمومی انتخاب و معرفی نمایند. ماده ۱۱ - مجمع عمومی شرکا دارای وظایف و اختیارات زیر می‌باشد الف - تعیین رییس مجمع عمومی ب - انتخاب مدیر یا مدیران و رسیدگی اعمال آنها. پ - اتخاذ تصمیم نسبت به اداره امور ساختمان ت - تصویب گزارش مربوط به درآمد و هزینه های سالانه ث - اتخاذ تصمیم در ایجاد اندوخته برای امور مربوط به حفظ و نگاهداری و تعمیر بنا. ج - تفویض اختیار به مدیر یا مدیران به منظور انعقاد قراردادهای لازم برای اداره ساختمان ماده ۱۲ - کلیه تصمیمات مجمع عمومی شرکا باید در صورتجلسه نوشته و به وسیله مدیر یا مدیران نگهداری شود. تبصره - تصمیمات متخذه مجمع باید ظرف ده روز به وسیله مدیر یا مدیران به شرکا غایب اطلاع داده شود. اصلاحی مصوب ۱۳۷۱/۱۳۰ هیات وزیران ماده ۱۳ - تصمیمات مجمع عمومی بر طبق ماده ۶ قانون برای کلیه شرکا الزام آور است

فصل دوم - اختیارات و وظایف مدیر یا مدیران (ماده ۱۴ تا ۲۲)

ماده ۱۴ - مدیر یا مدیران مسؤول حفظ و اداره ساختمان و اجرای تصمیمات مجمع عمومی می‌باشند. ماده ۱۵ - اصلاحی مصوب ۲۸/۱۰/۱۳۵۳ - تعداد مدیران باید فرد باشد و مدت مأموریت مدیر یا مدیران دو سال است ولی مجمع عمومی می‌تواند این مدت را اضافه کند و انتخاب مجدد مدیر یا مدیران بلامانع خواهد بود. ماده ۱۶ - در صورت استعفا، فوت، عزل یا حجر مدیر یا مدیران قبل از انقضای مدت، مجمع عمومی فوق‌العاده، به منظور انتخاب جانشین تشکیل خواهد شد. تبصره ۱ - در صورتی که سه نفر یا بیشتر از اعضای هیات مدیره به جهات فوق از هیات مدیره خارج شوند، مجمع عمومی فوق‌العاده باید به منظور تجدید انتخاب هیات مدیره تشکیل گردد. (الحاقی مصوب ۲۸/۱۰/۱۳۵۳) ماده ۱۷ - تصمیمات مدیران با اکثریت آرا معتبر است ماده ۱۸ - مجمع عمومی یک نفر از مدیران را به عنوان خزانه‌دار تعیین می‌نماید. خزانه دار دفتر ثبت درآمد و هزینه خواهد داشت که به پیوست قبوض و اسناد مربوطه برای تصویب ترازنامه به مجمع عمومی تسلیم و ارایه خواهد داد. ماده ۱۹ - مدیر یا مدیران، امین شرکا بوده و نمی‌توانند فرد دیگر را بجای خود انتخاب نمایند. ماده ۲۰ - مدیر یا مدیران مکلفند تمام بنا را به عنوان یک واحد در مقابل آتش‌سوزی بیمه نمایند. سهم هر شریک از حق بیمه با توجه به ماده ۴ قانون بوسیله مدیر، تعیین و از شرکا اخذ و به بیمه‌گر پرداخت خواهد شد. ماده ۲۱ - مدیر یا مدیران مکلفند میزان هزینه مستمر و مخارج متعلق به هر شریک و نحوه پرداخت آن را قبل یا بعد از پرداخت هزینه بوسیله نامه سفارشی به نشانی قسمت اختصاصی یا نشانی تعیین شده از طرف شریک به او اعلام نمایند. ماده ۲۲ - در کلیه ساختمان‌های مشمول قانون تملک آپارتمانها که بیش از ده (۱۰) آپارتمان داشته باشد، مدیر یا مدیران مکلفند برای حفظ و نگاهداری و همچنین تنظیف قسمتهای مشترک و انجام سایر امور مورد نیاز بنا، دربان استخدام نمایند.

فصل سوم - هزینه‌های مشترک (ماده ۲۳ تا ۲۵)

ماده ۲۳ - (اصلاحی مصوب ۱۷/۳/۵۹) شرکای ساختمان موظفند در پرداخت هزینه های مستمر و هزینه‌هایی که برای حفظ و نگاهداری قسمتهای مشترک بنا مصرف می‌شود، طبق مقررات زیر مشارکت نمایند در صورتی که مالکین ترتیب دیگری برای پرداخت هزینه‌های مشترک پیش‌بینی نکرده باشند، سهم هر یک از مالکین یا استفاده کنندگان از هزینه‌های مشترک آن قسمت که ارتباط با مساحت زیربنای قسمت اختصاصی دارد از قبیل آب، گازوییل، آسفالت پشت بام و غیره به ترتیب مقرر در ماده ۴ قانون

تملك آپارتمانها و ساير مخارج كه ارتباطی به میزان مساحت زیربنا ندارد از قبیل هزینه‌های مربوط به سرایدار ، نگهبان ، متصدی آسانسور ، هزینه نگاهداری تاسیسات ، باغبان ، تزیینات قسمتهای مشترك و غیره بطور مساوی بین مالکین یا استفاده کننده‌گان تقسیم می‌گردد. تعیین سهم هر یک از مالکین یا استفاده کننده‌گان با مدیر یا مدیران می‌باشد. تبصره - (اصلاحی مصوب ۱۷ ۳ ۵۹) چنانچه به موجب اجاره‌نامه یا قرارداد خصوصی پرداخت هزینه‌های مشترك به عهده مالک باشد و مالک از پرداخت آن استنکاف نماید ، مستاجر می‌تواند از محل مال الاجاره هزینه‌های مزبور را پرداخت کند و در صورتی كه پرداخت هزینه‌های جاری مشترك به عهده استفاده کننده باشد و از پرداخت استنکاف کند ، مدیر یا مدیران می‌توانند علاوه بر مراجعه به استفاده کننده ، به مالک اصلی نیز مراجعه نمایند. ماده ۲۴ - هر یک از شرکا كه در مورد سهمیه یا میزان هزینه مربوط به سهم خود معترض باشد می‌تواند به مدیر مراجعه و تقاضای رسیدگی نسبت به موضوع را بنماید در صورت عدم رسیدگی یا رد اعتراض شریك می‌تواند به مراجع صلاحیت دار قضایی مراجعه کند. (اصلاحی مصوب ۳۰ ۱ ۱۳۷۱ هیات وزیران ماده ۲۵ - هزینه‌های مشترك عبارتست از الف - هزینه‌های لازم برای استفاده ، حفظ و نگاهداری عادی ساختمان و تاسیسات و تجهیزات مربوطه ب - هزینه‌های اداری و حق الزحمه مدیر یا مدیران

فصل چهارم - حفظ و نگاهداری تعمیر بنا (ماده ۲۶ تا ۲۷)

ماده ۲۶ - در صورتی كه بین شرکا توافق شده باشد كه هزینه‌های نگاهداری يك قسمت از بنا یا هزینه نگاهداری و عملیات يك جز از تاسیسات فقط به عهده بعضی از شرکا باشد ، فقط همین شرکا ملزم به انجام آن بوده و در تصمیمات مربوط به این هزینه‌ها تعیین تكلیف خواهند نمود. ماده ۲۷ - مدیر یا مدیران به ترتیبی كه مجمع عمومی تصویب می‌كند به منظور تامین هزینه‌های ضروری و فوری ، وجوهی به عنوان تنخواه گردان از شرکا دریافت دارند.

اصلاحیه قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن - مصوب ۶ ۵ ۱۳۵۸

ماده واحده - مهلت مقرر در ماده يك قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن مخصوص زمین‌هایی است كه مشمول تبصره ذیل همان ماده است و برای مساحت‌های زاید بر آن نیازی به دادن مهلت از جانب دولت نیست بلافاصله به تملك دولت درخواهد آمد. تبصره - اراضی موات واقع در داخل محدوده شهرك‌ها مشمول ماده يك این قانون هستند و دارندگان پروانه احداث مجتمع‌های مسكونی و شهركها در صورتی كه از تاریخ تصویب این قانون نسبت به احداث تاسیسات زیربنایی اقدام نموده باشند ولی نتوانند در مهلت مقرر در پروانه ساختمانی خود واحدهای مسكونی مورد نظر را بسازند آن قسمت از اراضی كه ساخته نشده است به تملك دولت درخواهد آمد. در صورت تملك اینگونه اراضی بهای تاسیسات زیربنایی شهرك‌ها مشروط بر آنكه به تشخیص دولت قابل بهره برداری و سكونت باشد با نظر كارشناس قابل پرداخت خواهد بود. بهای اعیانی و مستحقات ایجاد شده در سایر زمینهایی كه بموجب این قانون به تصرف دولت در می‌آید نیز به ترتیب فوق قابل پرداخت است

قانون اصلاح قانون زمین شهری - مصوب ۲۸ ۴ ۱۳۶۸

ماده واحده - شهرهای آبادان ، خرمشهر ، سوسنگرد ، بستان ، هویزه ، اسلام آباد ، ایلام ، مهران ، دهلران ، قصرشیرین ، سرپل ذهاب ، گیلان غرب ، نفت شهر ، سومار ، بانه ، مریوان ، سردشت ، پیرانشهر ، نقده ، اشنویه ، بوکان ، سقز ، دیوان دره ، کامیاران ، قروه ، مریوان ، ایوان غرب و شوش به جدول شهرهای پیوست ماده ۹ قانون زمین شهری مصوب ۲۲ ۶ ۱۳۶۶ اضافه می‌گردد.

قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداری ها - مصوب آبان ماه ۱۳۶۷

(شماره ۱۲۹۱۲۷۵۸۶۷ روزنامه رسمی) ماده واحده - کلیه وزارتخانه ها ، موسسات ، سازمان ها ، نهادها ، شرکتهای دولتی یا وابسته به دولت و شهرداریها و موسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام باشد ، مکلف می‌باشند در طرحهای عمومی یا عمرانی که ضرورت اجرای آنها توسط وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی با رعایت ضوابط مربوطه تصویب و اعلان شده باشد و در اراضی و املاک شرعی و قانونی اشخاص اعم از (حقیقی و حقوقی) قرار داشته و در داخل محدوده شهرها و شهرک ها و حریم استحفاظی آنها باشد ، پس از اعلام رسمی وجود طرح ، حداکثر ظرف مدت هجده ماه نسبت به انجام معامله قطعی و انتقال اسناد رسمی و پرداخت بها یا عوض آن طبق قوانین مربوطه اقدام نمایند. تبصره ۱ - در صورتی که اجرای طرح و تملک املاک واقع در آن به موجب برنامه زمان بندی مصوب به حداقل ده سال بعد موکول شده باشد ، مالکین املاک واقع در طرح از کلیه حقوق مالکانه مانند احداث یا تجدید بنا یا افزایش بنا و تعمیر و فروش و اجاره و رهن و غیره برخوردارند و در صورتی که کمتر از ده سال باشد مالک هنگام اخذ پروانه تعهد می‌نماید هرگاه زمان اجرای طرح قبل از ده سال شروع شود حق مطالبه هزینه احداث و تجدید بنا را ندارد. تبصره ۲ - شهرداریها موظفند همزمان با صدور پروانه ساختمان مالکان مشمول قسمت اخیر تبصره ۱ مشخصات دقیق عرصه و اعیان و تاسیسات موجود را معین و در پرونده درج و ضبط نمایند تا ملاک ارزیابی به هنگام اجرای طرح قرار گیرد و در زمانی که به لحاظ تامین اعتبار آمادگی اجرای طرح مزبور باشد ، به هنگام اجرای طرح مصوب ملاک پرداخت خسارت قیمت عرصه و اعیان ملک در زمان اجرای طرح خواهد بود. تبصره ۳ - مالکین املاک و اراضی واقع در طرحهای آتی که قبل از تصویب طرح واجد شرایط جهت اخذ پروانه ساختمان بوده و قصد احداث یا تجدید یا افزایش بنا دارند ، جهت اخذ زمین عوض در اولویت قرار خواهند گرفت و در بین این گونه مالکین اشخاصی که ملک آنها در مسیر احداث یا توسعه معابر و میادین قرار دارند ، نسبت به سایرین حق تقدم دارند. تبصره ۴ - در مواردی که تهیه زمین عوض در داخل محدوده های مجاز برای قطعه بندی و تفکیک و ساختمان سازی میسر نباشد و احتیاج به توسعه محدوده مزبور طبق طرحهای مصوب توسعه شهری مورد تایید مراجع قانونی قرار بگیرد ، مراجع مزبور می‌توانند در مقابل موافقت با تقاضای صاحبان اراضی برای استفاده از مزایای ورود به محدوده توسعه و عمران شهر ، علاوه بر انجام تعهدات مربوط به عمران و آماده سازی زمین و واگذاری سطوح لازم برای تاسیسات و تجهیزات و خدمات عمومی ، حداکثر تا بیست درصد از اراضی آنها را برای تامین عوض اراضی واقع در طرحهای موضوع این قانون و همچنین اراضی عوض طرحهای نوسازی و بهسازی شهری ، به طور رایگان دریافت نمایند.

قانون تملک آپارتمانها - مصوب ۱۶ ۱۲ ۱۳۴۳ با اصلاحات و الحاقات

ماده ۱ - مالکیت در آپارتمان های مختلف و محلهای پیشه و سکناى یک ساختمان شامل دو قسمت است مالکیت قسمتهای اختصاصی و مالکیت قسمتهای مشترک ماده ۲ - قسمتهای مشترک مذکور در این قانون عبارت از قسمتهایی از ساختمان است که حق استفاده از آن منحصر به یک یا چند آپارتمان یا محل پیشه مخصوص نبوده و به کلیه مالکین به نسبت قسمت اختصاصی آنها تعلق می‌گیرد بطور کلی قسمتهای که برای استفاده اختصاصی تشخیص داده نشده است یا در اسناد مالکیت ملک اختصاصی یک یا چند نفر از مالکین تلقی نشده از قسمتهای مشترک محسوب می‌شود مگر آنکه تعلق آن به قسمت معینی بر طبق عرف و عادت محل مورد تردید نباشد. ماده ۳ - حقوق هر مالک در قسمت اختصاصی و حصه او در قسمت های مشترک غیر قابل تفکیک بوده و در صورت انتقال قسمت اختصاصی به هر صورتی که باشد انتقال قسمت مشترک قهری خواهد بود. ماده ۴ - حقوق و تعهدات و همچنین سهم هر یک از مالکان قسمت های اختصاصی از مخارج قسمت های مشترک متناسب است با نسبت مساحت قسمت

اختصاصی به مجموع مساحت قسمت های اختصاصی تمام ساختمان به جز هزینه هایی که به دلیل عدم ارتباط با مساحت زیر بنا به نحو مساوی تقسیم خواهد شد و یا اینکه مالکان ترتیب دیگری را برای تقسیم حقوق تعهدات و مخارج پیش بینی کرده باشند. پرداخت هزینه های مشترک اعم از اینکه ملک مورد استفاده قرار گیرد یا نگیرد الزامی است (الحاقی به موجب ماده ۱ لایحه قانونی اصلاح قانون تملک آپارتمانها مصوب ۱۱/۳/۷۶) تبصره ۱ - مدیران مجموعه با رعایت مفاد این قانون ، میزان سهم هریک از مالکان یا استفاده کنندگان را تعیین می کند. تبصره ۲ - در صورت موافقت مالکانی که دارای اکثریت مساحت زیربنای اختصاصی ساختمان می باشند هزینه های مشترک براساس نرخ معینی که به تصویب مجمع عمومی ساختمان می رسد ، حسب زیربنای اختصاصی هر واحد ، محاسبه می شود. تبصره ۳ - چنانچه چگونگی استقرار حیاط ساختمان یا بالکن یا تراس مجموعه به گونه ای باشد که تنها از یک یا چند واحد مسکونی ، امکان دسترسی به آن باشد ، هزینه حفظ و نگهداری آن قسمت به عهده استفاده کننده یا استفاده کنندگان است ماده ۵ - انواع شرکتهای موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت که به قصد ساختمان خانه و آپارتمان و محل کسب به منظور سکونت یا پیشه یا اجاره یا فروش تشکیل می شود از انجام سایر معاملات بازرگانی غیر مربوط به کارهای ساختمانی ممنوعند. ماده ۶ - چنانچه قراردادی بین مالکین یک ساختمان وجود نداشته باشد کلیه تصمیمات مربوط به اداره امور مربوط به قسمت های مشترک به اکثریت آرا مالکینی است که بیش از نصف مساحت تمام قسمت های اختصاصی را مالک باشند. تبصره - نشانی مالکین برای ارسال کلیه دعوتنامه ها و اعلام تصمیمات مذکور در این قانون همان محل اختصاصی آنها در ساختمان است مگر اینکه مالک نشانی دیگری را در همان شهر برای این امر تعیین کرده باشد. ماده ۷ - هرگاه یک آپارتمان یا یک محل کسب دارای مالکین متعدد باشد مالکین یا قایم مقام قانونی آنها مکلفند یک نفر نماینده از طرف خود برای اجرای مقررات این قانون و پرداخت حصه مخارج مشترک تعیین و معرفی نمایند در صورتی که اشخاص مزبور به تکلیف فوق عمل نکنند رای اکثریت بقیه مالکین نسبت به تمام معتبر خواهد بود مگر اینکه عده حاضر کمتر از ثلث مالکین باشد که در این صورت برای یکدفعه تجدید دعوت خواهد شد. ماده ۸ - در هر ساختمان مشمول مقررات این قانون در صورتی که عده مالکین بیش از سه نفر باشد مجمع عمومی مالکین مکلفند مدیر یا مدیرانی از بین خود یا از خارج انتخاب نمایند طرز انتخاب مدیر از طرف مالکین و وظایف و تعهدات مدیر و امور مربوط به مدت مدیریت و سایر موضوعات مربوطه در آیین نامه این قانون تعیین خواهد شد. ماده ۹ - هر یک از مالکین می تواند با رعایت مقررات این قانون و سایر مقررات ساختمانی عملیاتی را که برای استفاده بهتری از قسمت اختصاصی خود مفید می داند انجام دهد هیچیک از مالکین حق ندارند بدون موافقت اکثریت سایر مالکین تغییری در محل یا شکل در یا سردر یا نمای خارجی در قسمت اختصاصی خود که در مریی و منظر باشد بدهند. ماده ۱۰ - هر کس آپارتمانی را خریداری می نماید به نسبت مساحت قسمت اختصاصی خریداری خود در زمینی که ساختمان روی آن بنا شده یا اختصاص به ساختمان دارد مشاعا سهم می گردد مگر آنکه مالکیت زمین مزبور به علت وقف یا خالصه بودن یا علل دیگر متعلق به غیر باشد که در این صورت باید اجور آن را به همان نسبت پردازد مخارج مربوط به محافظت ملک و جلوگیری از انهدام و اداره و استفاده از اموال و قسمتهای مشترک و به طور کلی مخارجی که جنبه مشترک دارد ، و یا به علت طبع ساختمان یا تاسیسات آن اقتضا دارد یکجا انجام شود نیز باید به تناسب حصه هر مالک به ترتیبی که در آیین نامه ذکر خواهد شد پرداخت شود هر چند آن مالک از استفاده از آنچه که مخارج برای آنست صرف نظر نماید. ماده ۱۰ مکرر (الحاقی ۲۱ ۱۳۵۱ و اصلاحی مصوب ۱۷ ۳ ۵۹) - در صورت امتناع مالک یا استفاده کننده از پرداخت سهم خود از هزینه های مشترک از طرف مدیر یا هیات مدیران وسیله اظهارنامه با ذکر مبلغ بدهی و صورت ریز آن مطالبه می شود. هر مالک یا استفاده کننده ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه سهم بدهی خود را پردازد مدیر یا هیات مدیران می توانند به تشخیص خود و با توجه به امکانات از دادن خدمات مشترک از قبیل شوفر ، تهویه مطبوع ، آب گرم ، برق ، گاز و غیره به او خودداری کنند و در صورتی که مالک و یا استفاده کننده همزمان اقدام به تصفیه حساب نماید اداره ثبت

محل وقوع آپارتمان به تقاضای مدیر یا هیات مدیران برای وصول وجه مزبور بر طبق اظهارنامه ابلاغ شده اجراییه صادر خواهد کرد. عملیات اجرایی وفق مقررات اجرای اسناد رسمی صورت خواهد گرفت و در هر حال مدیر یا هیات مدیران موظف می‌باشند که به محض وصول وجوه مورد مطالبه یا ارایه دستور موقت دادگاه نسبت به برقراری مجدد خدمات مشترک فوراً اقدام نمایند. تبصره ۱ - (الحاقی ۲۱ ۱۳۵۱ و اصلاحی مصوب ۱۷ ۳ ۵۹) در صورتی که عدم ارایه خدمات مشترک ممکن یا موثر نباشد، مدیر یا مدیران مجموعه می‌توانند به مراجع قضایی شکایت کنند. دادگاهها موظف اند این گونه شکایات را خارج از نوبت رسیدگی و واحد بدهکار را از دریافت خدمات دولتی که به مجموع ارایه می‌شود محروم کنند و تا دو برابر مبلغ بدهی به نفع مجموعه جریمه نمایند. استفاده مجدد از خدمات، موقوف به پرداخت هزینه‌های معوق واحد مربوط بنا به گواهی مدیر یا مدیران و یا به حکم دادگاه و نیز هزینه مربوط به استفاده مجدد خواهد بود. (الحاقی به موجب ماده ۲ - لایحه قانونی اصلاح قانون تملک آپارتمانها مصوب ۱۱ ۳ ۷۶) تبصره ۲ - (الحاقی ۲۱ ۱۳۵۱ و اصلاحی مصوب ۱۷ ۳ ۵۹) رونوشت مدارک مثبت سمت مدیر یا هیات مدیران و صورت ریز سهم مالک یا استفاده کننده از هزینه های مشترک و رونوشت اظهارنامه ابلاغ شده به مالک یا استفاده کننده باید ضمیمه تقاضانامه صدور اجراییه گردد. تبصره ۳ - (الحاقی ۲۱ ۱۳۵۱ و اصلاحی مصوب ۱۷ ۳ ۵۹) نظر مدیر یا هیات مدیران ظرف ده روز پس از ابلاغ اظهارنامه به مالک در دادگاه نخستین محل وقوع آپارتمان قابل اعتراض است دادگاه خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی به موضوع رسیدگی و رای می‌دهد این رای قطعی است در مواردی که طبق ماده فوق تصمیم به قطع خدمات مشترک اتخاذ شده، رسیدگی سریع به اعتراض ممکن نباشد، دادگاه به محض وصول اعتراض اگر دلایل را قوی تشخیص دهد دستور متوقف گذاردن تصمیم قطع خدمات مشترک را تا صدور رای خواهد داد. تبصره ۴ - (الحاقی ۱۷ ۳ ۱۳۵۹) در صورتی که مالک یا استفاده کننده مجدداً و مکرراً در دادگاه محکوم به پرداخت هزینه های مشترک گردد علاوه بر سایر پرداختی ها مکلف به پرداخت مبلغی معادل مبلغ محکوم بها به عنوان جریمه می‌باشد. (اصلاحی مصوب سال ۱۳۵۹) ماده ۱۱ - دولت مکلف است ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون آیین نامه های اجرایی آن را تهیه و بعد از تصویب هیات وزیران به مورد اجرا بگذارد. دولت مأمور اجرای این قانون است ماده ۱۲ - (الحاقی به موجب ماده ۳ لایحه قانونی اصلاح قانون تملک و آپارتمانها مصوب ۱۱ ۳ ۷۶) دفاتر اسناد رسمی موظف می‌باشند در هنگام تنظیم هر نوع سند انتقال، اجاره رهن، صلح، هبه و غیره گواهی مربوط به تسویه حساب هزینه‌های مشترک را که به تایید مدیر یا مدیران ساختمان رسیده باشد از مالک یا قائم مقام او مطالبه نمایند و یا با موافقت مدیر یا مدیران تعهد منتقل الیه را به پرداخت بدهی های معوق مالک نسبت به هزینه های موضوع این قانون در سند تنظیمی قید نمایند. ماده ۱۳ - (الحاقی به موجب ماده ۳ لایحه قانونی اصلاح قانون تملک آپارتمانها مصوب ۱۱ ۳ ۷۶) در صورتی که به تشخیص سه نفر از کارشناسان رسمی دادگستری عمر مفید ساختمان به پایان رسیده و یا به هر دلیل دیگری ساختمان دچار فرسودگی کلی شده باشد و بیم خطر یا ضرر مالی و جانی برود و اقلیت مالکان قسمت‌های اختصاصی در تجدید بنای آن موافق نباشند، آن دسته از مالکان که قصد بازسازی مجموعه را دارند، می‌توانند براساس حکم دادگاه، با تامین مسکن استیجاری مناسب برای مالک یا مالکان که از همکاری خودداری می‌ورزند نسبت به تجدید بنای مجموعه اقدام نمایند و پس از اتمام عملیات بازسازی و تعیین سهم هریک از مالکان از بنا و هزینه های انجام شده، سهم مالک یا مالکان یاد شده را به اضافه اجوری که برای مسکن اجاری ایشان پرداخت شده است از اموال آن ها، از جمله همان واحد استیفا کنند. در صورت عدم توافق در انتخاب کارشناسان، وزارت مسکن و شهرسازی با درخواست مدیر یا هیئت مدیره اقدام به انتخاب کارشناسان یاد شده خواهد کرد. تبصره ۱ - مدیر یا مدیران مجموعه به نمایندگی از طرف مالکان می‌توانند اقدامات موضوع این ماده را انجام دهند. تبصره ۲ - چنانچه مالک خودداری کننده از همکاری، اقدام به تخلیه واحد متعلق به خود به منظور تجدید بنا نکند، حسب درخواست مدیر یا مدیران مجموعه، رییس دادگستری یا رییس مجتمع قضایی محل با احراز تامین مسکن مناسب برای وی توسط سایر مالکان، دستور تخلیه

آپارتمان یاد شده را صادر خواهد کرد. ماده ۱۴- (الحاقی به موجب ماده ۳ لایحه قانونی اصلاح قانون تملک آپارتمانها مصوب ۱۱/۳/۱۳۷۶) مدیر یا مدیران مکلف اند تمام بنا را به عنوان یک واحد در مقابل آتش سوزی بیمه نمایند. سهم هریک از مالکان به تناسب سطح زیربنای اختصاصی آنها وسیله مدیر یا مدیران تعیین و از شرکا اخذ و به بیمه گر پرداخت خواهد شد. در صورت عدم اقدام و بروز آتش سوزی، مدیر یا مدیران مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند. ماده ۱۵- ثبت اساسنامه موضوع این قانون الزامی نیست

قانون زمین شهری - مصوب ۲۲/۶/۱۳۶۶

ماده ۱- به منظور تنظیم و تنسيق امور مربوط به زمین و ازدیاد عرضه و تعدیل و تثبیت قیمت آن به عنوان یکی از عوامل عمده تولید و تامین رفاه عمومی و اجتماعی و ایجاد موجبات حفظ و بهره برداری هر چه صحیح تر و وسیع تر از اراضی و همچنین فراهم نمودن زمینه لازم جهت اجرای اصل ۳۱ و نیل به اهداف مندرج در اصول ۴۳ و ۴۵ و ۴۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای تامین مسکن و تاسیسات عمومی مواد این قانون به تصویب می‌رسد و از تاریخ تصویب در سراسر کشور لازم الاجرا است ماده ۲- اراضی شهری زمینهایی است که در محدوده قانونی و حریم استحفاظی شهرها و شهرکها قرار گرفته است ماده ۳- اراضی موات شهری زمینهایی است که سابقه عمران و احیا نداشته باشد. زمینهای مواتی که علیرغم مقررات قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری بدون مجوز قانونی از تاریخ ۴۵/۱۳۵۸ به بعد احیا شده باشد همچنان در اختیار دولت می‌باشد. ماده ۴- اراضی بایر شهری زمینهایی است که سابقه عمران و احیا داشته و بتدریج به حالت موات برگشته اعم از آنکه صاحب مشخصی داشته و یا نداشته باشد. ماده ۵- اراضی دایر زمینهایی است که آن را احیا و آباد نموده‌اند و در حال حاضر دایر و مورد بهره‌برداری مالک است زمینهای دایر مشمول این قانون صرفا اراضی کشاورزی یا آیش اعم از محصور یا غیر محصور می‌باشد. ماده ۶- کلیه زمینهای موات شهری اعم از آنکه در اختیار اشخاص یا بنیادها و نهادهای انقلابی دولتی یا غیردولتی باشد در اختیار دولت جمهوری اسلامی است و اسناد و مدارک مالکیت گذشته ارزش قانونی ندارد. ادارات ثبت اسناد و املاک مکلفند به درخواست وزارت مسکن و شهرسازی اسناد آنها را به نام دولت صادر نمایند مگر آنکه از تاریخ ۲۲/۱۱/۱۳۵۷ توسط دولت واگذار شده باشد. تبصره - اسناد مالکیت زمینهای مواتی که در وثیقه می‌باشد و به موجب قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰ و این قانون به اختیار دولت درآمده و یا در می‌آید آزاد تلقی می‌شوند و غیر از مطالبات اشخاص ناشی از فروش این گونه اراضی که منتفی می‌گردد مطالبات دیگر وسیله طلبکار از سایر اموال بدهکار وصول خواهد شد. ماده ۷- کسانی که طبق مدارک مالکیت، از زمینهای موات شهری در اختیار داشته‌اند مشروط بر آنکه از مزایای مواد ۶ و ۸ قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰ استفاده نکرده و مسکن مناسبی نداشته باشند، طبق ضوابط مسکن و شهرسازی در سراسر کشور قطعه و یا قطعاتی جمعا معادل ۱۰۰۰ (هزار) متر مربع در اختیارشان گذاشته می‌شود تا در مهلت مناسبی که در آیین نامه تعیین خواهد شد عمران و احیا کنند در صورت عدم عمران و احیا بدون عذر موجه اجازه مذکور ساقط و زمین به دولت باز می‌گردد. تبصره - در مورد کسانی که به تاریخ قبل از قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری مصوب ۴۵/۱۳۵۸ با اسناد عادی دارای زمین بوده و در مهلت های تعیین شده قبلی از طرف مراجع مربوطه تشکیل پرونده داده‌اند و یا در شهرهایی که تاکنون مهلهای مذکور برای تشکیل پرونده اعلام نشده است در صورتی که تاریخ تنظیم سند عادی و صحت معامله از طرف مراجع ذیصلاح قضایی تایید گردد برابر ضوابطی که در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین می‌شود اجازه عمران داده خواهد شد. (۱) ماده ۸- کلیه اراضی بایر شهری که صاحب مشخصی نداشته باشد در اختیار ولی فقیه می‌باشد. ماده ۹- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است زمین های مورد نیاز برای امر مسکن و خدمات عمومی را ضمن استفاده از کلیه اراضی موات و دولتی در شهرهایی که به پیوست این قانون به دلیل عدم تکافوی اراضی مذکور در این شهرها

ضرورت آن حتمی است به ترتیب از زمینهای بایر و دایر شهری تامین نماید. مالکان اراضی بایر و دایر شهری اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی و بنیادها و نهادها و ارگانهای دولتی و غیردولتی موظفند زمینهای مورد نیاز دولت یا شهرداریها را که موضوع این قانون است به منظورهای ذیل و با تقویم دولت به آنها (دولت و شهرداری ها) بفروشند. الف - تفکیک و فروش توسط وزارت مسکن و شهرسازی به افراد واجد شرایط دریافت زمین جهت مسکن و یا اجرای طرحهای ساختمان سازی مسکونی ب - ایجاد تاسیسات عمومی و عمرانی و اداری و اجرای طرحهای مصوب شهری و عوض طرحهای شهری حسب مورد به وسیله وزارتخانه ها و شهرداری ها و موسسات و شرکت های دولتی و نهادها و موسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است ج - حفاظت از میراث فرهنگی کشور. تبصره ۱ - در صورت مراجعه مالک یا مالکین زمینهای بایر و دایر و اعلام یا اعلان عدم نیاز دولت و شهرداریها به زمین مالک می تواند پس از عمران و آماده سازی زمین نسبت به تفکیک و واگذاری زمین خود طبق ضوابط و مجوز وزارت مسکن و شهرسازی اقدام نماید. تبصره ۲ - مالکان اراضی بایر و دایر شهری اعم از مشاع و یا ششدانگ که زمین آنها مورد نیاز دولت و شهرداریها به شرح این ماده است مشروط به اینکه از مزایای مواد ۶ و ۸ قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰ استفاده نکرده باشند حق دارند طبق ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی قطعه یا قطعاتی از زمین مذکور به انتخاب خود و در صورت عدم امکان از سایر اراضی دولتی معادل (هزار) متر مربع عمران و تفکیک نمایند یا به دولت بفروشند زاید بر آن (نه عین و نه منفعت قابل واگذاری نیست مگر به دولت و با تقویم دولت و یا اینکه با اجازه و زیر نظر وزارت مسکن و شهرسازی عمران نموده و واگذار نماید. تبصره ۳ - صغار یتیم تا سن بلوغ شرعی و بازماندگان درجه اول شهدا و مفقودالایر ها و همسران آنها تا زمانی که فرزندان آنها را تحت تکفل داشته باشند از شمول این ماده مستثنی هستند عمران و تفکیک و واگذاری زمینهای موضوع این تبصره مشمول مقررات این قانون بوده و چنانچه زمین مشمول این تبصره مورد نیاز برای طرح دولتی خاصی باشد که احداث آن در محل دیگری میسر نباشد معادل ارزش زمین مورد نظر از محل اراضی دولتی به صورت عوض واگذار می گردد. تبصره ۴ - واگذاری سهام مشاعی مالکین اراضی شهری به یکدیگر در یک یا چند قطعه زمین به نحوی که سهم هریک از مالکین پس از انتقال زاید برحد نصاب مقرر در این ماده نگردد با رعایت شرایط مندرج در این قانون بلامانع است تبصره ۵ - شرکتهای تعاونی مسکن که قبل از تصویب قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰ مالک زمینهایی باشند با رعایت حداقل نصاب تفکیک محل وقوع زمین برای هریک از اعضا واجدالشرایط که از مزایای قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰ و این قانون استفاده نکرده باشند در قالب ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی حق بهره برداری از زمین خود را دارا می باشند و زمینهای مازاد بر نیاز آنها و نیز زمینی که طبق ضوابط مذکور در مهلت مقرر بدون عذر موجه عمران نگردد تابع مقررات این قانون بوده و در اختیار دولت قرار می گیرد. تبصره ۶ - در صورت استنکاف یا عدم مراجعه و یا عدم دسترسی به مالک یا نامشخص بودن نشانی مالک پس از اعلان وزارت مسکن و شهرسازی و در صورت وجود تعارض ثبتی و در وثیقه بودن ملک یا هر گونه اشکالات حقوقی یا ثبتی دیگر که مانع از انجام معامله دولت گردد دولت یا شهرداری ها با سپردن بهای زمین مورد تملک به صندوق ثبت محل زمین را تملک و حسب مورد وزارت مسکن و شهرسازی یا شهرداری به قایم مقامی مالک سند انتقال را امضا می نمایند و در موقع مراجعه مالک پس از ارایه مفاسد حساب های لازم و رفع هرگونه اشکال بهای آن قابل پرداخت می باشد و یا در صورت امکان زمین معوض واگذار می گردد. تبصره ۷ - دولت و شهرداریها می توانند برای اجرای طرحهای دولتی و تاسیسات عمومی زیربنایی خود زمین مورد نیاز را در شهرها و شهرک های سراسر کشور با رعایت کلیه ضوابط و تبصره های این ماده تملک نمایند. تبصره ۸ - زمینهای دایری که دولت یا شهرداریها در کلیه شهرها و شهرکها نیاز به تملک آنها دارند پس از تصویب طرح و اعلام مراتب به ادارات ثبت قابل انتقال به غیر نبوده مگر به دولت یا شهرداری ها. تبصره ۹ - تقویم دولت براساس قیمت منطقه ای (ارزش معاملاتی زمین بوده و بهای اعیانی ها در اراضی و سایر حقوق قانونی طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری براساس بهای عادلانه روز تعیین می گردد. تبصره ۱۰ - در صورت درخواست و

توافق مالک دولت موظف است به جای اراضی تملک شده از اراضی که در خارج از محدوده قانونی شهرها و شهرک ها در اختیار دارد معادل ارزش زمین تملک شده برای امر کشاورزی به مالکین این قبیل اراضی واگذار نماید. تبصره ۱۱ - این ماده و تبصره‌های آن با استفاده از اجازه مورخ ۱۹ ۷ ۱۳۶۰ حضرت امام خمینی مدظله العالی که در آن مجلس شورای اسلامی راصاحب صلاحیت برای تشخیص موارد ضرورت دانسته‌اند صرفاً در شهرهای مندرج در پیوست این قانون و تبصره‌های ۷ و ۸ آن در کلیه شهرها و شهرکهای سراسر کشور برای مدت ۵ سال از تاریخ تصویب قابل اجرا است و پس از مهلت مذکور در شهرهای یاد شده نیز مانند سایر شهرهای کشور سایر مواد قانون قابل اجرا خواهد بود. ماده ۱۰ - از تاریخ تصویب قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰ کلیه زمینهای متعلق به وزارتخانه ها و نیروهای مسلح و موسسات دولتی و بانکها و سازمانهای وابسته به دولت و موسساتی که شمول حکم مستلزم ذکر نام است و کلیه بنیادها و نهادهای انقلابی در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار می‌گیرد. تبصره ۱ - اراضی غیرموات بنیادهای غیردولتی از شمول این ماده مستثنی بوده ولی هر گونه واگذاری طبق ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی با رعایت نظر ولی فقیه خواهد بود. تبصره ۲ - شهرداریها و شرکتهای و سازمانهای وابسته به شهرداری ها از شمول این ماده مستثنی هستند ولی حق واگذاری این گونه اراضی را بدون اجازه وزارت مسکن و شهرسازی ندارند مگر به عنوان رفع نیازمندیهای عمومی شهر و عوض املاک واقع در طرحهای مصوب شهری تبصره ۳ - اراضی وقفی به وقفیت خود باقی است ولی اگر زمینی به عنوان وقف ثبت شده و در مراجع ذیصلاح ثابت شود که تمام یا قسمتی از آن موات بوده سند وقف زمین موات ابطال و در اختیار دولت قرار می‌گیرد لکن هرگونه واگذاری اراضی از طرف اوقاف یا آستان قدس رضوی و یا سایر متولیان بایستی بر طبق ضوابط شهرسازی و رعایت نظر واقف صورت گیرد. تبصره ۴ - وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است اراضی حاصل از موضوع این ماده را به ادارات و سازمانهای مذکور در حد نیاز اداری و تاسیساتی مجانا واگذار نماید. ماده ۱۱ - وزارت مسکن و شهرسازی موظف است براساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمینهای خود مطابق طرحهای مصوب قانونی اقدام کند. تبصره ۱ - تطبیق نقشه‌های تفکیکی و شهرسازی اراضی دولتی یا طرحهای جامع و تفصیلی و هادی و تصویب آن (موضوع ماده ۱۰۱ قانون شهرداریها) به عهده وزارت مسکن و شهرسازی است تبصره ۲ - دولت از پرداخت هرگونه مالیات و حق تمبر و هزینه های ثبتی و معاملاتی بابت آماده سازی و تفکیک و فروش اراضی معاف است تبصره ۳ - بهای واگذاری زمین به اشخاص نباید از قیمتهای منطقه‌ای زمان واگذاری (ارزشهای معاملاتی) تجاوز نماید. ولی چنانچه برای دولت بیش از قیمت منطقه‌ای تمام شده باشد به بهای تمام شده واگذار می‌گردد نحوه وصول هزینه های ناشی از آماده سازی و عمران و تفکیک و یا سایر خدمات براساس بهره وری قطعات از خدمات و تاسیسات شهری محاسبه و به صورتی اخذ می‌گردد که از مجموع هزینه ها تجاوز نماید. تبصره ۴ - به وزارت مسکن و شهرسازی اجازه داده می‌شود اماکن عمومی و خدماتی مورد نیاز مجموعه های مسکونی را احداث و واگذار نماید. تبصره ۵ - وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکتهای عمرانی و ساختمانی راسا و یا با مشارکت بخش غیردولتی اقدام نماید اساسنامه این قبیل شرکتهای به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیات دولت خواهد رسید. ماده ۱۲ - تشخیص عمران و احیا و تاسیسات متناسب و تعیین نوع زمین دایر و تمیز بایر از موات به عهده وزارت مسکن و شهرسازی است این تشخیص قابل اعتراض در دادگاه صالحه می‌باشد. (مصوبه مجمع تشخیص مصلحت مصوب ۳ ۱۱ ۷۰) تبصره ۱ - دادگاه نسبت به اعتراض خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی رسیدگی کرده و حکم لازم خواهد داد، اعتراض به تشخیص وزارت مسکن و شهرسازی در دادگاه مانع از اجرای مواد این قانون نمی‌گردد. تبصره ۲ - ملاک تشخیص مرجع مقرر در ماده ۱۲ در موقع معاینه محل در مورد نوع زمینهایی که از تاریخ ۲۲ ۱۱ ۱۳۵۷ وسیله دولت یا ارگان ها و نهادها و کمیته‌ها و دفاتر خانه سازی احداث اعیانی یا واگذار شده بدون در نظر گرفتن اعیانیهای مذکور خواهد بود. ماده ۱۳ - هرگونه دخل و تصرف و تجاوز به اراضی شهری

متعلق یا منتقل شده به دولت و شهرداری ها و یا احداث هر گونه بنا بدون پروانه مجاز و یا هر گونه نقل و انتقال به موجب اسناد عادی و یا رسمی و تفکیک و افراز اراضی مزبور و یا هر گونه عملی برخلاف این قانون جرم شناخته می‌شود و با متجاوزین براساس تبصره ۲ ماده ۱۴۸ اصلاحی قانون (اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ و اصلاحات بعدی آن) مصوب ۱۳۶۵ ۴ ۳۱ مجلس شورای اسلامی رفتار می‌شود. ماده ۱۴ - تبدیل و تغییر کاربری افراز و تقسیم و تفکیک باغات و اراضی کشاورزی و یا آیش (اراضی موضوع ماده ۲ این قانون با رعایت ضوابط و مقررات وزارت مسکن و شهرسازی و مواد این قانون بلاشکال است تبصره - نقل و انتقال اینگونه اراضی برای امر کشاورزی با قید مفاد موضوع این ماده در سند بلامانع است ماده ۱۵ - هر گونه تفکیک و تقسیم اراضی بایر جهت عمران و احداث بنا با رعایت ضوابط و مقررات وزارت مسکن و شهرسازی و مواد این قانون بلاشکال است ماده ۱۶ - هر یک از کارمندانی که در اجرای این قانون به تشخیص دادگاه صالح رعایت دقیق مقررات آن را ننموده و تخطی کرده باشند علاوه بر جبران خسارت وارده به دولت یا اشخاص و اعاده وضع ، بر حسب مورد به انفصال موقت یا دایم از خدمات دولتی محکوم می‌گردند. ماده ۱۷ - وزارت مسکن و شهرسازی مأمور اجرای این قانون می‌باشد و موظف است حداکثر ظرف مدت ۳ ماه آیین نامه اجرایی مواد این قانون و نیز اساسنامه سازمان زمین شهری را تهیه و به تصویب هیات دولت برساند. شهرهای مشمول ضرورت ۱ - تهران ۱۷ - گرگان ۲ - اصفهان ۱۸ - نجف آباد ۳ - تبریز ۱۹ - آمل ۴ - شیراز ۲۰ - رجایی شهر ۵ - اهواز ۲۱ - بابل ۶ - باختران ۲۲ - خوی ۷ - رشت ۲۳ - قائمشهر ۸ - اردبیل ۲۴ - بوشهر ۹ - کرج ۲۵ - بهبهان ۱۰ - اراک ۲۶ - قرچک ۱۱ - قزوین ۲۷ - مهاباد ۱۲ - اسلامشهر ۲۸ - میاندوآب ۱۳ - خرم آباد ۲۹ - ورامین ۱۴ - بروجرد ۳۰ - مهرشهر ۱۵ - دزفول ۳۱ - الیگودرز ۱۶ - ساری ۳۲ - ملایر

قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن - مصوب ۱۳۵۸ ۴ ۵

ماده ۱ - دولت مکلف است در داخل محدوده قانونی (۲۵ ساله شهرها در نقاطی که محدوده قانونی وجود دارد و در سایر شهرها در محدوده ای که از طرف وزارت مسکن و شهرسازی تعیین و اعلام خواهد شد. به تدریج و با رعایت طرح تفصیلی شهر در هر منطقه به کسانی که طبق موازین رژیم سابق مالک اینگونه اراضی شناخته می‌شدند اعلام نماید تا ظرف مدت معینی نسبت به عمران و آبادی اینگونه اراضی اقدام کنند. چنانچه در مهلت مقرر اقدام لازم به عمل نیاورند هیچگونه اولویتی برای آنها منظور نخواهد شد و بلاعوض به تصرف دولت در خواهد آمد. تبصره - دولت برای کسانی که یک قطعه زمین کوچک برای سکونت شخصی خود تهیه کرده‌اند و فاقد خانه مسکونی می‌باشند حداقل سه سال مهلت خواهد داد تا بتوانند به عمران زمین خود پردازند. ماده ۲ - دولت باید زمینهای تفکیک نشده‌ای را که به ترتیب مقرر در این قانون به تصرف خویش در می‌آورد تفکیک کند و بر اساس طرح تفصیلی منطقه مربوطه در اختیار متقاضیان برای احداث ساختمان و مسکن قرار دهد. ماده ۳ - نحوه اعلام به کسانی که در رژیم سابق مالک اینگونه اراضی شناخته می‌شدند و تشخیص موات بودن و عمران و آبادی و شرایط واگذاری اراضی مذکور و تعیین مساحت زمینهای مذکور در تبصره ماده یک در هر منطقه و سایر مسایل اجرایی این قانون مطابق آیین نامه‌ای خواهد بود که وزارت مسکن و شهرسازی تهیه می‌کند و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۴ - وزارت مسکن و شهرسازی مأمور اجرای این قانون است

قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن - مصوب سال ۱۳۶۵ ۹ ۳۰

ماده واحده - کلیه اسناد و مدارک مربوط به غیر دولت اعم از رسمی و غیررسمی مربوط به اراضی موات (یا سند مربوط به قسمتی از اراضی که موات باشد) واقع در خارج از محدوده استحقاقی شهرها به استثناء اراضی که توسط مراجع ذیصلاح دولت جمهوری

اسلامی ایران واگذار شده است ، باطل و این قبیل اراضی در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد تا در جهت تولید محصولات کشاورزی و صنعتی ایجاد اشتغال و مصارف عام المنفعه و برطرف ساختن نیاز دستگاه‌های دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی و شهرداری‌ها و ایجاد مسکن و واگذاری زمین برای کسانی که مسکن ندارند، حسب مورد بر اساس مقررات مربوطه اقدام نماید. ادارات ثبت اسناد مکلفند حسب اعلام هیات‌های واگذاری زمین نسبت به ابطال سند آن‌ها و صدور سند به نام دولت جمهوری اسلامی ایران ، اقدام نمایند. تبصره ۱- تشخیص موات بودن اراضی خارج از محدوده شهرها به عهده وزارت کشاورزی است که از طریق هیات ۷ نفره اقدام می‌نماید و در صورتی که متصرف فعلی ، منکر موات بودن زمین باشد از طریق دادگاه صالح اقدام به عمل می‌یابد و چنانچه دادگاه رای به موات بودن زمین بدهد، سند ابطال و از متصرف خلع ید خواهد شد. تبصره ۲- اسناد مالکیت زمین‌های مواتی که به موجب این قانون باطل می‌شود، آزاد تلقی و مطالبات ناشی از فروش این گونه اراضی منتفی می‌گردد و مطالبات دیگر طلبکاران از سایر اموال بدهکار ، قابل استیفا است تبصره ۳- زمین‌هایی که اسناد آن‌ها باطل می‌شوند ، چنانچه حریم روستاها باشد ، جهت کارهای عام المنفعه و یا تعلیف احشام یا احداث واحدهای مسکونی روستا و سایر خدمات مورد لزوم برای روستا بر حسب مورد ، اختصاص داده خواهد شد. تبصره ۴- آیین نامه اجرایی این قانون ظرف مدت ۲ ماه توسط وزارت کشاورزی و ستاد مرکزی هیات‌های واگذاری زمین ، تهیه و جهت تصویب به هیات دولت تقدیم می‌گردد. تبصره ۵- از تاریخ تصویب این قانون ، کلیه قوانین و مقررات مغایر ملغی می‌گردد.

قانون نحوه تقویم و ابنیه ، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها - مصوب آبانماه ۱۳۷۰

(شماره ۲۵۹۱۳۶۲۶۷۱ روزنامه رسمی) ماده واحده - در کلیه قوانین و مقرراتی که شهرداریها مجاز به تملک ابنیه ، املاک و اراضی قانونی مردم می‌باشند در صورت عدم توافق بین شهرداری و مالک ، قیمت ابنیه ، املاک و اراضی بایستی به قیمت روز ، تقویم و پرداخت شود. تبصره ۱- قیمت روز توسط هیاتی مرکب از سه نفر کارشناس رسمی دادگستری و مورد وثوق که یک نفر به انتخاب شهرداری یک نفر به انتخاب مالک یا صاحب حق و نفر سوم به انتخاب طرفین می‌باشد تعیین خواهد شد ، رای اکثریت هیات مزبور قطعی و لازم الاجراست تبصره ۲- در صورت عدم توافق در انتخاب کارشناس سوم ، دادگاه صالح محل وقوع ملک ، اقدام به معرفی کارشناس خواهد نمود. تبصره ۳- در صورتی که در محل ، کارشناس رسمی دادگستری وجود نداشته باشد طبق ماده ۲۹ قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ عمل خواهد شد. تبصره ۴- هرگاه مالک یا مالکین ، کارشناس خود را حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ اعلام دستگاه که به یکی از صور ابلاغ کتبی ، انتشار در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار یا آگهی در محل به اطلاع عمومی می‌رسد ، تعیین ننماید و در مواردی که به علت مجهول بودن مالک ، عدم تکمیل تشریفات ثبتی ، عدم صدور سند مالکیت ، اختلاف در مالکیت ، فوت مالک و موانعی از این قبیل ، امکان انتخاب کارشناس میسر نباشد دادگاه صالحه محل وقوع ملک حداکثر ظرف پانزده روز از تاریخ مراجعه (شهرداریها) به دادگاه نسبت به تعیین کارشناس اقدام می‌نماید. تبصره ۵- زمینهای تملیکی قانون زمین شهری که مورد نیاز شهرداری‌ها بوده و سهم هر مالک که دارای سند رسمی بوده و بیش از یک هزار متر مربع باشد نسبت به مازاد یک هزار متر مربع از شمول این قانون مستثنی است تبصره ۶- جهت تامین معوض ابنیه ، املاک و اراضی شرعی و قانونی مردم که در اختیار شهرداری‌ها قرار می‌گیرد دولت موظف است ده درصد از اراضی و واحدهای مسکونی قابل واگذاری را با قیمت تمام شده به شهرداری‌ها اختصاص دهد تا پس از توافق بین مالکین و شهرداریها به عنوان معوض تحویل گردد. تبصره ۷- از تاریخ تصویب و لازم الاجرا شدن این قانون ماده ۴ و آن قسمت از ماده ۵ (لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی ، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ ۱۱ ۱۷ شورای انقلاب اسلامی که مربوط به نحوه تعیین قیمت عادلانه الزامی می‌باشد درمورد شهرداری‌ها لغو می‌گردد.

لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی

(روزنامه رسمی ۱۰۲۰۴ - ۱۳۱۳ ۱۲ ۱۳۵۸) ماده ۱ - هرگاه برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی وزارتخانه‌ها یا موسسات و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت، همچنین شهرداری‌ها و بانک‌ها و دانشگاه‌های دولتی و سازمانهایی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام باشد و از این پس (دستگاه اجرایی) نامیده می‌شوند، به اراضی، ابنیه، مستحذات، تاسیسات و سایر حقوق مربوط به اراضی مذکور متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی نیاز داشته باشند و اعتبار آن قبلاً وسیله (دستگاه اجرایی) یا از طرف سازمان برنامه و بودجه تامین شده باشد دستگاه اجرایی می‌تواند مورد نیاز را مستقیماً یا به وسیله هر سازمان خاصی که مقتضی بداند بر طبق مقررات مندرج در این قانون خریداری و تملک نماید. ماده ۲ - برنامه‌های مذکور در ماده ۱ شامل برنامه‌هایی است که اجرای آن برای امور عمومی و امنیتی (دستگاه اجرایی) لازم و ضروری باشد، ضرورت اجرای طرح باید به تایید و تصویب بالاترین مقام اجرایی (دستگاه اجرایی) برسد. تبصره ۱ - دستگاه اجرایی موظف است برای اجرای طرح حتی المقدور از اراضی ملی شده یا دولتی استفاده نماید. عدم وجود این قبیل اراضی حسب مورد باید به تایید وزارت کشاورزی و عمران روستایی یا سازمان عمران اراضی شهری در تهران و ادارات کل و شعب مربوط در استانها رسیده باشد. تبصره ۲ - اداره ثبت اسناد و املاک محل مکلف است محل وقوع و وضع ثبتی ملک را با توجه به نقشه ارایه شده حداکثر ظرف پانزده روز از تاریخ استعلام پاسخ دهد. ماده ۳ - بهای عادلانه اراضی، ابنیه، مستحذات، تاسیسات و سایر حقوق و خسارات وارده از طریق توافق بین (دستگاه اجرایی و مالک یا مالکین و صاحبان حقوق تعیین می‌گردد. تبصره ۱ - در صورت توافق در مورد بهای عادلانه هرگاه مبلغ مورد معامله یا خسارت هر یک از مالکین بیش از یک میلیون ریال نباشد (دستگاه اجرایی می‌تواند رأساً نسبت به خرید ملک و پرداخت خسارت اقدام نماید و هرگاه مبلغ مورد معامله یا خسارت هریک از مالکین بیش از یک میلیون ریال باشد بهای خرید ملک یا میزان خسارت و انجام معامله باید به تصویب هیات مقرر در ماده ۷۱ قانون محاسبات عمومی و در مورد شهرداری‌ها به تصویب انجمن شهر برسد. تبصره ۲ - در صورت حصول توافق (دستگاه اجرایی موظف است حداکثر ظرف سه ماه نسبت به خرید ملک و پرداخت حقوق یا خسارات اقدام و یا آنکه انصراف خود را از خرید و تملک کتبا به مالک یا مالکین اعلام نماید، به هر حال عدم اقدام به خرید یا اعلام انصراف در مدت مذکور به منزله انصراف است ماده ۴ - هرگاه نسبت به تعیین بهای عادلانه اراضی و ابنیه و تاسیسات و حقوق و خسارات وارده بین (دستگاه اجرایی و مالک توافق حاصل نشود، بهای عادلانه توسط هیاتی مرکب از سه نفر کارشناس رسمی دادگستری تعیین می‌گردد، کارشناسان یک نفر از طرف (دستگاه اجرایی یک نفر از طرف مالک یا صاحب حق و نفر سوم به انتخاب طرفین و در صورت عدم توافق یا استنکاف به معرفی دادگاه صالحه محل وقوع ملک انتخاب می‌شوند، رای اکثریت هیات مزبور قطعی و لازم الاجرا است تبصره ۱ - در صورتی که در محل کارشناس رسمی دادگستری وجود نداشته باشد طبق ماده ۲۹ قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ عمل می‌شود. تبصره ۲ - هرگاه مالک یا مالکین کارشناس خود را حداکثر ظرف یکماه از تاریخ اعلام (دستگاه اجرایی که به یکی از صور ابلاغ کتبی، انتشار در یکبار روزنامه های کثیرالانتشار یا آگهی در محل به اطلاع عموم می‌رسد تعیین ننماید و یا به علت مجهول بودن مالک، عدم تکمیل تشریفات ثبتی، عدم صدور سند مالکیت، اختلاف در مالکیت، فوت مالک و موانعی از این قبیل، امکان انتخاب کارشناس میسر نباشد دادگاه صالحه محل وقوع ملک حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ مراجعه (دستگاه اجرایی) به دادگاه نسبت به تعیین کارشناس اقدام می‌نماید. ماده ۵ - ملاک تعیین قیمت عبارت است از بهای عادلانه روز تقویم اراضی و ابنیه و تاسیسات و حقوق و خسارات مشابه واقع در حوزه عملیات طرح بدون در نظر گرفتن تاثیر طرح در قیمت آنها. تبصره ۱ - در مواردی که ملک محل سکونت یا ممر اعاشه مالک باشد علاوه بر بهای عادلانه صدی پانزده به قیمت ملک افزوده خواهد شد. تشخیص این که مالک در محل ساکن است یا ملک ممر اعاشه وی می‌باشد با

(دستگاه اجرایی است و در صورت بروز اختلاف تشخیص نهایی با دادگاه صالحه محل وقوع ملک می‌باشد که به تقاضای هریک از طرفین اظهار نظر خواهد کرد. تبصره ۲- در صورتی که طبق نظر اداره کشاورزی و عمران روستایی محل، زارعین حقوقی در ملک مورد بحث داشته باشند حقوق زارعین ذی نفع به تشخیص اداره مذکور از محل ارزش کل ملک به آنان پرداخت و بقیه در هنگام انجام معامله به مالک پرداخت خواهد شد. چنانچه در ملک مورد معامله، ساختمانهای روستایی فاقد سند مالکیت و نیز هرگونه اعیانی و یا حقوقی نظیر حق ریشه، بهای شخم، بذر، کود و سایر زحماتی که زارع برای آماده کردن زمین متحمل شده است وجود داشته باشد بهای اعیان و حقوق متعلق به آنان برابر قراردادهای موجود بین زارع و مالک یا طبق مقررات یا عرف محل از طریق توافق یا از سوی کارشناسان تعیین و از محل ارزش کل ملک به ایشان و بقیه به مالک پرداخت می‌گردد. تبصره ۳- چنانچه ملک مورد معامله محل کسب و پیشه اشخاص باشد در صورتی که آن حق کسب و پیشه تعلق خواهد گرفت که حداقل یکسال قبل از اعلام تصمیم (دستگاه اجرایی) محل کسب و پیشه بوده باشد. تبصره ۴- نسبت به املاک موقوفه ای که طبق تشخیص سازمان اوقاف تبدیل به احسن آنها قانونا مجاز است به طریق مذکور در این قانون اقدام و آنها را که شرعا مجاز نیست به طریق اجاره طویل المدت عمل خواهد شد در مورد املاک اخیر در صورت وجود اعیانی متعلق به اشخاص و یا حقوق مندرج در تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۵ این قانون حقوق فوق از سوی هیات کارشناسی مندرج در این قانون تعیین و از محل اعتبار طرح پرداخت و مال الاجاره ملک موقوفه با در نظر گرفتن پرداخت مزبور از سوی هیات کارشناسی تعیین خواهد شد. تبصره ۵- در کلیه موارد مندرج در این قانون هیات کارشناسی مکلف است بر اساس مقررات و ضوابط مندرج در قانون کارشناسی مصوب سال ۱۳۱۷ و سایر مقررات مربوط حداکثر ظرف یکماه نظرات خود را دقیقاً اعلام نماید. دستمزد کارشناسان طبق آیین‌نامه دستمزد کارشناسان رسمی و اصلاحات بعدی آن و در صورت اختلاف طبق نظر دادگاه محل مشخص و از محل اعتبار مربوط به طرح قابل پرداخت می‌باشد. نصف هزینه کارشناسی پرداخت شده که به عهده مالک می‌باشد در هنگام انجام معامله از ارزش ملک کسر می‌گردد. ماده ۶- در مواردی که (دستگاه اجرایی مقتضی بداند و در صورت رضایت مالک عوض اراضی تملیک شده از اراضی مشابه ملی یا دولتی متعلق به خود تامین و با حفظ ضوابط مندرج در قوانین و مقررات مربوط، به مالکین واگذار می‌نماید. در این صورت نیز تعیین بهای عوض و معوض به عهده هیات کارشناسی مندرج در این قانون می‌باشد. ماده ۷- (دستگاه اجرایی مجاز است به جای پرداخت حق کسب و پیشه در صورت رضایت صاحب حق تعهد نماید که پس از انجام طرح، محل کسبی در همان حدود به صاحب حق واگذار نماید. ماده ۸- تصرف اراضی، ابنیه و تاسیسات و خلع ید مالک قبل از انجام معامله و پرداخت قیمت ملک یا حقوق مالک مجاز نمی‌باشد مگر آنکه در اثر موانعی از قبیل استنکاف مالک از انجام معامله، اختلاف مالکیت، مجهول بودن مالک، رهن یا بازداشت ملک، فوت مالک و غیره انجام معامله قطعی ممکن نگردد، در این صورت به منظور جلوگیری از وقفه یا تاخیر در اجرای طرح به شرح زیر اقدام می‌شود. چنانچه مالک ظرف یکماه از تاریخ اعلام (دستگاه اجرایی) به یکی از انحای مقرر در تبصره ۲ ماده ۴ برای انجام معامله مراجعه نکند یا از انجام معامله به نحوی استنکاف نماید مراتب برای بار دوم اعلام و پس از انقضا ۵ روز مهلت مجدد، ارزش تقویمی ملک که طبق نظر هیات کارشناسی مندرج در ماده ۴ یا تبصره ۲ آن تعیین شده است بمیزان و مساحت مورد تملک به صندوق ثبت محل تودیع و دادستان محل یا نماینده وی سند انتقال را امضا و ظرف یکماه به تخلیه و خلع ید اقدام خواهد نمود و بهای ملک یا حقوق یا خسارات بمیزان مالکیتی که در مراجع ذی ربط احراز می‌گردد از سوی اداره ثبت به ذی حق پرداخت و اسناد قبلی مالک حسب مورد اصلاح یا ابطال و مازاد سپرده طبق مقررات مربوط به صندوق دولت مسترد می‌شود، اداره ثبت محل موظف است بر اساس سند انتقال امضا شده وسیله دادستان یا نماینده وی سند مالکیت جدیدی بمیزان و مساحت اراضی، ابنیه و تاسیسات مورد تملک به نام (دستگاه اجرایی صادر و تسلیم نماید. ماده ۹- در صورتی که فوریت اجرای طرح با ذکر دلایل موجه به تشخیص وزیر دستگاه اجرایی ضرورت داشته باشد به نحوی که عدم تسریع در انجام طرح موجب ضرر و زیان جبران

ناپذیری گردد، (دستگاه اجرایی می‌تواند قبل از انجام معامله قطعی و با تنظیم صورتمجلس وضع موجود ملک با حضور مالک یا نماینده وی در غیاب او و نماینده دادستان و کارشناس رسمی نسبت به تصرف و اجرای طرح اقدام نماید لکن (دستگاه اجرایی) مکلف است حداکثر تا سه ماه از تاریخ تصرف نسبت به پرداخت یا تودیع قیمت عادلانه طبق مقررات این قانون اقدام نماید. تبصره - مالک یا صاحب حق می‌تواند در صورت عدم پرداخت بها در مدت مذکور با مراجعه به دادگاه صالحه درخواست توقیف عملیات اجرایی راتا زمان پرداخت بها بنماید و محاکم صالحه به موضوع خارج از نوبت رسیدگی و حکم لازم صادر می‌نمایند و در صورت پرداخت قیمت تعیین شده بلافاصله رفع توقیف عملیات اجرایی به عمل خواهد آمد. ماده ۱۰ - چنانچه قبل از تصویب این قانون، اراضی، ابنیه یا تاسیساتی بر اساس قوانین موضوعه قبلی بتصرف وزارتخانه‌ها، موسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت و همچنین شهرداری‌ها، بانک‌ها و دانشگاههای دولتی یا سازمانهایی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام باشد درآمده و یا در محدوده مورد تصرف قرار گرفته باشد که بر اساس قوانین مذکور دولت مکلف به پرداخت بهای عادلانه و حقوق و خسارات متعلقه بوده ولی تعیین بهای آن و یا حقوق و خسارات متعلقه منجر بصدور نظر قطعی در مراجع ذی صلاح نشده باشد و یا به تصرف مجری طرح در نیامده باشد بها و حقوق و خسارات مربوط به شرح زیر پرداخت خواهد شد الف - ارزش کلیه اعیانی اعم از هرگونه ساختمان، تاسیسات، مستحقات و سایر حقوق متعلقه طبق مقررات این قانون تقویم و نقدا پرداخت می‌شود. ب - بهای زمینهای دایر در بخش خصوصی بقیمت روز تقویم و پرداخت خواهد شد و بابت زمینهای موات، جنگلها، مراتع و هر قسمتی که طبق قانون اساسی جزو اموال عمومی درآمده وجه پرداخت نخواهد شد. زمینهای دایر را به آن قسمت که اضافه بر حداکثر مجاز زمینهای مذکور در قانون مصوب شورای انقلاب که توسط وزارت کشاورزی پیشنهاد شده هیچ گونه وجهی تعلق نمی‌گیرد. تبصره ۱ - ارزش تقویم شده زمین در صورت اختلاف نظر از طرف هیات کارشناسان موضوع ماده (۴) این قانون با در نظر گرفتن میانگین ارزش کل مساحت هر ملک تعیین خواهد شد. تبصره ۲ - هرگونه انتقال قهری و یا ملکیت مشاع به منزله یک واحد مالکیت خواهد بود. تبصره ۳ - (دستگاه اجرایی مکلف می‌باشند اعتبار مورد نیاز جهت اجرای مفاد ماده ۱۰ این قانون را پیش‌بینی و پس از تأمین اعتبار لازم به ترتیب فراهم شدن مقدمات انجام معامله قطعی حداکثر ظرف پنج سال بهای کلیه اراضی و متصرفی را پرداخت و تملک نمایند. ادارات ثبت اسناد و املاک مکلف به صدور سند مالکیت می‌باشند. تبصره ۴ - طرحهای موضوع این قانون از تاریخ شروع به اجرا از پرداخت هر نوع عوارض مستقیم به شهرداریها مثل انواع عوارض متعلق به زمین و ساختمان و سایر اموال منقول و غیرمنقول و حق تشرف و حق مرغوبیت و مشابه آن معاف هستند. ماده ۱۱ - هرگاه برای اجرای طرح (دستگاه اجرایی) احتیاج به اراضی دایر یا بایر، ابنیه یا تاسیسات متعلق به سایر وزارتخانه‌ها یا موسسات و شرکتهای دولتی یا وابسته به دولت و همچنین شهرداری‌ها، بانکها و دانشگاههای دولتی و سازمانهایی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام است داشته باشد واگذاری حق استفاده به موجب موافقت وزیر یا رییس موسسه یا شرکت که ملک را در اختیار دارد ممکن خواهد بود. این واگذاری به صورت بلاعوض می‌باشد و در صورتی که مسوولین مربوط به توافق نرسند طبق نظر نخست وزیر عمل خواهد شد. تبصره - در صورتی که اراضی و ابنیه و تاسیسات یا حقوق آن متعلق به شرکت یا سازمان یا موسسه دولتی یا وابسته به دولت بوده و واگذاری بلاعوض آن برابر اساسنامه شرکت مقدور نباشد، بهای آن بر اساس ارزش تعیین شده در ترازنامه شرکت قابل پرداخت است در این صورت ملک به صورت قطعی به (دستگاه اجرایی) منتقل خواهد شد. ماده ۱۲ - کلیه قوانین و مقرراتی که تا این تاریخ در مورد لایحه نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی و عمرانی و نظامی دولت تصویب شده و با این قانون مغایرت دارد از تاریخ تصویب این قانون ملغی الاثر می‌باشد.

ماده ۱- سازمانهای عمران اراضی شهری برای تسهیل در امر واگذاری زمین به اشخاص جهت ایجاد مسکن و یا واگذاری زمین برای رفع نیازهای خدمات عمومی شهری در مواقع ضروری می‌توانند از آن قسمت از اراضی موضوع تبصره ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن و ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی قانون مذکور نیز استفاده و نسبت به واگذاری زمین معوض با رعایت ضوابط شهرداری که ضمناً ارزش معاملاتی آن معادل زمین قبلی بوده و سطح آن به هر حال از حد نصاب مقرر در ماده ۵ آیین نامه اجرایی تجاوز ننماید به افراد دارنده گواهی مهلت عمران اقدام نماید. تبصره - مقررات فوق ناظر بر اراضی موضوع قانون تایید و واگذاری های انجام شده توسط بنیاد مسکن انقلاب مصوب ۱۳۱۱ ۵۸ می باشد مشروط بر آنکه تاریخ پرداخت وجه طبق فیش بانکی حداکثر پایان اردیبهشت ماه ۵۹ باشد. ضمناً در مورد اراضی واگذاری قبلی سازمانهای عمران اراضی شهری و همچنین تعیین معوض اراضی موضوع ماده ۱۴ آیین نامه اجرایی قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن و قانون اصلاحی ماده یاد شده نیز به ترتیب مذکور در ماده فوق عمل خواهد شد. ماده ۲- بهای زمینهایی که از طرف سازمانهای عمران اراضی شهری واگذار می‌شود به شرح زیر محاسبه و اخذ می‌گردد ۳۰٪ آخرین ارزش معاملاتی تعیین شده توسط کمیسیون تقویم املاک موضوع تبصره ۲ ماده ۲۳ قانون مالیات های مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۴۵ و اصلاحیه‌های بعدی با کسر ۴۰٪ آن به عنوان بهای پایه و در مناطقی که قیمت منطقه ای اعلام نشده معادل قیمتی که هیاتی متشکل از نماینده وزارت دارایی دو نفر معتمدین به انتخاب حاکم شرع محل نماینده وزارت مسکن و شهرسازی، نماینده وزارت کشور، نماینده ثبت نماینده دادستانی و نماینده شهرداری تعیین خواهند نمود مبنای قیمت اراضی خواهد بود و در صورتی که زمین توسط آن سازمانها قطعه بندی و یا آماده سازی و واجد خدمات شهری گردد حسب مورد محاسبه و به قیمت پایه اضافه خواهد گردید و در صورتی که قسمتی و یا کل عملیات مذکور قبلاً انجام پذیرفته باشد به شرح زیر محاسبه و به قیمت پایه اضافه خواهد گردید ۱- در صورتی که زمین داخل محدوده خدمات شهرداری باشد ۱۰٪ قیمت منطقه‌ای اضافه خواهد شد. ۲- در صورتی که زمین دارای طرح جامع تفصیلی شهر باشد ۱۰٪ قیمت منطقه‌ای اضافه خواهد شد. ۳- در صورتی که زمین دارای نقشه تفکیکی باشد ۱۰٪ قیمت منطقه‌ای اضافه خواهد شد. ۴- در صورتی که زمین دارای خیابان بندی باشد ۱۰٪ قیمت منطقه‌ای اضافه خواهد شد. ۵- در صورتی که امکان اخذ انشعاب آب لوله کشی برای زمین موجود باشد ۱۰٪ قیمت منطقه‌ای اضافه خواهد شد. ۶- در صورتی که امکان اخذ انشعاب برق برای زمین موجود باشد ۱۰٪ قیمت منطقه‌ای اضافه خواهد شد. ۷- در صورتی که امکان اخذ انشعاب گاز و یا تلفن باشد ۱۰٪ قیمت منطقه‌ای اضافه خواهد شد. تبصره - عواید حاصل از ردیفهای ۱ الی ۴ فوق به صندوق شهرداری های مربوطه واریز خواهد شد. ماده ۳ - کلیه واگذاری های زمین بدون رعایت تشریفات مربوط به مزایده و مناقصه و کمیسیون ماده هفتاد و یک و طبق قرارداد منعقد شده بین سازمانهای عمران و اراضی و متقاضیان به عمل خواهد آمد.

لایحه قانونی خرید اراضی و املاک مورد احتیاج دولت و شهرداریها - سال ۱۳۵۸

ماده ۱- در مواردیکه وزارتخانه ها و سازمان های دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداری ها برای ایجاد یا توسعه مرافق عامه از قبیل توسعه یا احداث جاده، راه آهن یا خیابان، توسعه معابر، لوله کشی آب و نفت و گاز، حفر نهر و غیره برای مصارف عمومی احتیاج به خرید اراضی و املاک اشخاص داشته باشند و در انجام معامله یا تعیین قیمت با مالک توافق نشود یا ملک مجهول المالك باشد می‌توانند به ترتیب مقرر در این قانون با پرداخت قیمت عادلانه آن را تملک نمایند مشروط به اینکه اجرای طرح مورد نظر در محدوده یا مسیر معین ضروری باشد به نحویکه انجام آن در محل دیگر میسر نبوده یا موجب خسارت عمده‌ای گردد. ماده ۲ - به منظور حل اختلاف در انجام معامله یا تعیین قیمت و میزان خسارت و ارزیابی حقوقی که اشخاص در اراضی و املاک موضوع این قانون دارند در هر استان هیاتی مرکب از رییس دادگستری و مدیرکل ثبت، و رییس شورای استان (در غیاب رییس شورای

استان استاندار) تشکیل می‌شود. در استان تهران به جای رییس دادگستری یکی از مستشاران دیوانعالی کشور به انتخاب رییس دیوان مزبور شرکت خواهد کرد. ماده ۳- سازمان یا موسسه خریدار باید مدارک زیر را به درخواستی که تسلیم هیات می‌نماید ضمیمه کند. الف- نام و مشخصات مالک یا صاحب حق ب- نقشه دقیق ملک مورد نیاز ج- مدارک تصویب طرح و بودجه آن و دلایل ضرورت اجرای طرح در محل مورد نظر. د- مدرک دعوت مالک یا صاحب حق برای توافق و عدم حصول توافق اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک مکلف است حداکثر ظرف یک هفته وضع ثبتی ملک را به دستگاه اجرایی استعلام کننده اعلام نماید. تبصره- در صورتی که ملک مورد نیاز طبق گواهی اداره ثبت محل مجهول المالك باشد گواهی مذکور کافیت و مقررات بند د این ماده اجرا نمی‌شود. در صورتی که اقامتگاه مالک معلوم نباشد مالک بوسیله نشر آگاهی در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محل به فاصله ده روز از تاریخ انتشار آگهی دعوت خواهد شد. ماده ۴- پس از وصول درخواست در صورتی که مقررات ماده ۳ این قانون رعایت شده باشد هیات ظرف پانزده روز اقدام به تعیین یک یا چند کارشناس خواهد کرد. کارشناس یا کارشناسان منتخب باید از کارشناسان رسمی وزارت دادگستری باشند چنانچه در موضوعی کارشناس رسمی صلاحیتدار نباشد هیات می‌تواند از کارشناسان و خبرگان غیر رسمی استفاده نماید. ماده ۵- کارشناس مکلف است در مهلت مقرر نظر خود را به هیات تسلیم نماید و چنانچه اظهار نظر در مدت مذکور مقدور نباشد می‌تواند در خواست تمدید مهلت نماید. در صورتی که عذر کارشناس موجه باشد هیات مهلت را تجدید خواهد کرد. تبصره- هرگاه کارشناس رسمی بدون عذر موجه از قبول کارشناسی استنکاف کند و یا در ظرف مهلت مقرر اظهار نظر ننماید تحت تعقیب انتظامی واقع و پروانه کارشناسی او لغو خواهد شد. ماده ۶- دستمزد کارشناس به نظر هیات تعیین می‌شود و پرداخت آن بر عهده سازمان یا موسسه خریدار است ماده ۷- بهای اراضی و ابنیه و تاسیسات و ارزش حقوقی که اشخاص در ملک دارند بدون در نظر گرفتن تاثیر اجرای طرح مربوطه تعیین خواهد شد. در موردی که ملک محل سکونای مالک باشد ده درصد و هرگاه ملک ممر اعاشه منحصر او باشد پانزده درصد علاوه بر قیمت عادلانه پرداخت خواهد شد. ماده ۸- در مورد املاک مزروعی با توجه به قانون نحوه انتقال اراضی واگذاری به زارعین مشمول قوانین و مقررات اصلاحات ارضی مصوب ۲۱ ۹ ۱۳۵۱ اقدام و علاوه بر پرداخت بهای عادلانه پانزده درصد قیمت مزبور بین زارعین و پانزده درصد بین خوش نشینان و برزگرانی که در اثر اجرای طرح محل سکونت خود را ترک می‌نمایند به نسبت تعداد عایله تحت تکفل آنان تقسیم خواهد شد. ماده ۹- در صورتی که طبق نظر اداره کشاورزی و امور روستاهای محل، زارعین حقوقی در ملک مورد بحث داشته باشند معادل حقوق زارعین ذینفع به تشخیص آن اداره از قیمت عادلانه ملک کسر و به آنها پرداخت و بقیه به مالک تادیه خواهد شد. ماده ۱۰- نسبت به املاک موقوفه حسب مورد از طریق اجاره طویل المدت یا تبدیل به احسن عمل خواهد شد در صورتی که زارعین ملک موقوفه حقوقی در آن ملک داشته باشند به ترتیب مقرر در ماده قبل عمل خواهد شد. ماده ۱۱- هرگاه از طرف مالک یا متصرف ملک یا هر شخص دیگری از اجرا کارشناسی ممانعت به عمل آید، به دستور هیات مأمورین انتظامی محل رفع ممانعت و مزاحمت خواهند نمود. ماده ۱۲- پس از وصول نظریه کارشناس هیات باید ظرف یک هفته رای خود را در مورد بهای ملک و میزان خسارت وارده صادر و به ترتیب مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی به طرفین ابلاغ نماید. ماده ۱۳- هرگاه هیات رأسا یا در اثر اعتراض خریدار یا مالک تشخیص دهد که نظر کارشناس یا کارشناسان عادلانه نیست، کارشناس یا کارشناسان دیگری انتخاب خواهد کرد. ماده ۱۴- در مورد املاک کی که قبل از تصویب این قانون از هیات های سابق تقاضای خرید آنها شده و هنوز سند انتقال تنظیم نگردیده (اعم از اینکه نسبت به آنها رای صادر شده یا نشده باشد) در صورتیکه از طرف دستگاههای اجرایی ابنیه و تاسیساتی در آن املاک ایجاد شده و یا اینکه تصرفی نشده ولی بارعایت ماده ۱ این قانون مورد احتیاج باشند هیات های رسیدگی با ارزیابی مجدد رای به انتقال آنها خواهد داد. ملاک قیمت بهای تاریخی است که مالک از تصرف در ملک خود ممنوع گردیده است تبصره- در تمام موارد مذکور در این قانون برای فاصله بین تاریخ ارزیابی و تاریخ تنظیم سند انتقال شش درصد بها در سال

بابت اجرت المثل منافع مورد معامله علاوه بر بهای تعیین شده پرداخت خواهد شد مشروط به اینکه در این مدت مالک از تصرف و بهره برداری در ملک منع شده باشد. ماده ۱۵ - پس از صدور رای از طرف هیات در صورتی که مالک به انتقال ملک و تحویل آن رضایت ندهد پس از سپردن تمام قیمت ملک و خسارات در صندوق دادگستری به دستور هیات ، دادستان شهرستان محل وقوع ملک سند انتقال ملک را از طرف مالک امضا و ظرف یک ماه دستور تخلیه و تحویل ملک را به سازمان یا موسسه خریدار خواهد داد. هزینه تنظیم سند برعهده خریدار است و مالک از پرداخت مالیات انتقال املاک غیرمنقول معاف خواهد بود ولی مالیات ارزش سرقفلی که جز قیمت کارشناسی منظور شده است وصول خواهد شد. تبصره - هرگاه ملک مورد نظر در تصرف مستاجر و محل سکناى او باشد دادستان شهرستان به تشخیص خود می‌تواند تا دو ماه برای تخلیه ملک مهلت دهد. ماده ۱۶ - در صورتی که ملک در رهن یا وثیقه نباشد وجه سپرده شده در صندوق دادگستری به دستور دادستان شهرستان محل وقوع ملک به مالک پرداخت می‌شود. در غیر این صورت به دستور دادستان تا حد بهای تعیین شده از دین مالک در وجه طلبکار تامین و رهن یا وثیقه ملک فک و سند انتقال تنظیم می‌گردد. هرگاه ملک مجهول المالك باشد یا مالکیت آن مورد اختلاف باشد ، وجه سپرده شده بعد از مشخص شدن مالک قانونی به وی تادیه خواهد گردید. ماده ۱۷ - چنانچه سازمان یا موسسه خریدار ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رای هیات مبلغ بهای تعیین شده را در صندوق دادگستری تودیع نکند به تقاضای مالک رای صادره بی اعتبار و ملغی الاثر خواهد شد و مالک می‌تواند استرداد ملک را از هیات های مذکور تقاضا نماید. ماده ۱۸ - کلیه قوانین و مقرراتی که با این قانون مغایر است در آن قسمت که مغایرت دارد نسخ می‌شود.

مصوبه مجمع مصلحت نظام در خصوص حق کسب یا پیشه یا تجارت - مصوب ۱۰۲۵ ۱۳۶۹

ماده واحده - در مورد (حق کسب یا پیشه یا تجارت) مطابق قانون روابط موجر و مستاجر ، مصوب دوم مرداد ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و شش عمل شود. ماده واحده الحاقیه به قانون روابط موجر و مستاجر مصوب پانزدهم آبانماه یکهزار سیصد و شصت و پنج به قوت خود باقی است

کارشناسان، دلالان و مشاورین

آیین نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری - مصوب ۱۳۸۲۲۷ هیات وزیران

فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱ - در آیین نامه ، واژه‌های اختصاری زیر در مفاهیم مشروح مربوط به کار می‌رود الف - قانون (قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری) ب - کانون (کانون کارشناسان رسمی دادگستری) ج - شورای عالی (شورای عالی کارشناسان رسمی) ماده ۲ - ملاک تعیین کارشناس رسمی مقیم در مورد تعیین نصاب تشکیل کانون در مراکز هر استان ، محل اقامتی می‌باشد که در پروانه کارشناسی آنان تعیین گردیده است ماده ۳ - معیار تشخیص نزدیکترین کانون ، فاصله نزدیکترین مرکز هر استان با مرکز استان دیگر ، براساس جداول تعیین فاصله شهرها که به وسیله وزارت راه و ترابری تهیه می‌شود بوده و در صورت بروز هرگونه ابهام و اختلاف در تشخیص نزدیکترین کانون ، نظر شورای عالی ملاک عمل می‌باشد.

فصل دوم - شورای عالی (ماده ۴ تا ۲۲)

ماده ۴- تعداد نصاب هر کانون برای عضویت در شورای عالی، متناسب با تعداد کارشناسان رسمی آن کانون، حداقل سه ماه قبل از برگزاری انتخابات در هر دوره انتخاباتی به وسیله شورای عالی تعیین و اعلام می‌گردد. ماده ۵- نصاب کانونها برای عضویت در شورای عالی با در نظر گرفتن نسبت کل کارشناسان رسمی به تعداد هجده نفر اعضا شورای عالی تعیین می‌گردد. چنانچه تعداد کارشناسان رسمی یک کانون (اعم از کارشناسان آن استان و کارشناسان استان دیگری که به دلیل نداشتن کانون مستقل عضو آن کانون محسوب می‌گردند) کمتر از نصاب لازم برای معرفی یک عضو باشند، کارشناسان آن کانون به ترتیب با کارشناسان نزدیکترین کانون یا کانونهای دیگر تجمیع و تعداد نصاب اعضا برای شورای عالی تعیین خواهد شد. تبصره - پس از تعیین و اعلام تعداد نصاب اعضای هر کانون، داوطلبان عضویت در شورای عالی یک ماه مهلت دارند تا در کانون مربوط داوطلبی خود را ثبت نمایند. کانونها موظفند ظرف حداکثر پانزده روز از تاریخ پایان مهلت ثبت نام، اسامی و آخرین وضعیت پروانه کارشناسی داوطلبان را به شورای عالی و در دوره اول به کانون استان تهران اعلام نمایند. ماده ۶- شورای عالی بلافاصله پس از وصول تمامی اسامی داوطلبان که ثبت نام کرده‌اند فهرست اسامی و وضعیت پروانه آنان را در اختیار کمیسیون تشخیص صلاحیت موضوع ماده ۱۳ قانون قرار می‌دهد. تبصره ۱- داوطلبان باید در زمان ثبت نام و اخذ رای دارای پروانه معتبر کارشناسی بوده و در حالت تعلیق نباشند. تبصره ۲- شورای عالی پس از اخذ نظر کمیسیون ماده ۱۳ بلافاصله فهرست اسامی داوطلبان واجد شرایط را به کانونهای مربوط اعلام می‌نماید. داوطلبانی که صلاحیت آنها رد شده می‌توانند از تاریخ اعلام کانون مربوط به آنان، ظرف مدت پنج روز اعتراض خود را به کانون مربوط تسلیم نمایند. کانون مزبور بلافاصله اعتراضات واصله را به کمیسیون ماده ۱۳ منعکس نموده و کمیسیون یاد شده ظرف یک هفته نظریه قطعی خود را به کانون مربوط اعلام خواهد کرد. ماده ۷- به منظور انتخاب اعضا شورای عالی پس از تعیین نصاب هر استان در روز و ساعت معینی در کانون مربوط در سراسر کشور انتخابات برگزار می‌شود. کارشناسان رسمی دادگستری عضو کانون مربوط می‌توانند به تعداد دو برابر نصاب تعیین شده به کاندیداهای مورد نظر خود رای دهند. انتخاب شوندگان به ترتیب فوق در جلسه ای که در محل شورای عالی تشکیل می‌شود و تاریخ آن از قبل تعیین و به اطلاع منتخبین رسیده از بین خود ۱۸ نفر را به عنوان اعضا شورای عالی انتخاب می‌نمایند. در هر صورت تعداد انتخاب شدگان در استان باید دو برابر نصاب تعیین شده باشد. تبصره ۱- کلیه هجده نفر باقیمانده از منتخبان مرحله اول، به عنوان (افراد ذخیره) کانونهای مربوط در شورای عالی محسوب می‌گردند تا چنانچه اعضا اصلی کانون مربوط به هر دلیل از جمله فوت، استعفا، تعلیق، ابطال پروانه کارشناسی یا غیبت غیر موجه عضویت خود را از دست دهند، (افراد ذخیره) آن کانون که به ترتیب حایز اکثریت آرا بوده برای بقیه مدت به عضویت اصلی شورای عالی در آیند. تبصره ۲- چنانچه (افراد ذخیره) نیز به دلایل فوق وجود نداشته باشند، انتخابات میان دوره‌ای در کانون مربوط انجام شده و دو برابر نصاب تعیین شده مذکور انتخاب و معرفی می‌گردند تا در شورای عالی با حضور تمامی اعضای اصلی و نیز (افراد ذخیره) کانونها که حداکثر سی و شش نفر خواهند بود، اعضای اصلی مورد نیاز تا حد نصاب را انتخاب نمایند. در هر صورت رعایت نصاب تعیین شده برای کانونها اعم از اصلی و ذخیره باید مد نظر باشد. بقیه منتخبان مذکور، (افراد ذخیره) کانون مربوط برای باقیمانده مدت محسوب می‌گردند. ماده ۸- مسوولیت اجرای انتخابات به عهده شورای عالی خواهد بود. معرفی کارشناسان موضوع ماده ۱۳ قانون به رییس قوه قضاییه و اجرای انتخابات شورای عالی و کلیه وظایفی که در قانون و این آیین نامه به عهده شورای عالی است، در دوره اول و قبل از تشکیل شورای عالی به عهده کانون استان تهران می‌باشد. ماده ۹- محل برگزاری مرحله اول انتخابات شورای عالی، کانون استانها و در مرحله دوم کانون استان تهران یا شورای عالی می‌باشد. در مواردی که طبق قسمت اخیر ماده ۵ این آیین نامه دو یا چند کانون و نمایندگی با یکدیگر تجمیع و رای می‌دهند، محل برگزاری مرحله اول انتخابات در کانونهای مذکور خواهد بود که اعضای هر کانون برای اخذ رای به کانون استان خود

مراجعه می‌نمایند. حایزان اکثریت آرا در این محاسبه کارشناسی می‌باشد که بیشترین رای را در صندوق کانون های مذکور کسب نموده باشد، اعم از آرا اعضای مقیم کانونها و آرا اعضای استانهای دیگری که به دلیل نداشتن کانون مستقل عضو نمایندگی آن کانون می‌باشند. ماده ۱۰ - به منظور همکاری و هماهنگی کانونها در امر انتخابات شورای عالی و انتخاب سی و شش نفر مربوط (هجده نفر اعضای اصلی و هجده نفر افراد ذخیره، بدو با تشکیل مجمع عمومی مرکب از اعضای هیات مدیره کلیه کانونهای کشور که به دعوت کانون استان تهران تشکیل می‌گردد از بین کارشناسان معتبر نسبت به تعیین (هیات نظارت بر انتخابات شورای عالی) برای هر استان به پیشنهاد هر یک از هیات مدیره‌های استانها اقدام می‌گردد. تعداد اعضای هیات نظارت مذکور باید به نحوی باشد که برای هر استان لااقل سه نفر به عنوان ناظر بر انتخابات، به شرط آنکه ناظران خود داوطلب عضویت در شورای عالی نباشند، انتخاب شوند. نحوه تشکیل حد نصاب، اداره جلسه و سایر ضوابط مجمع عمومی هیات مدیره کانونها، طبق نظامات و تشریفات مقرر در قانون و این آیین نامه می‌باشد که برای مجامع عمومی پیش بینی شده است ماده ۱۱ - انتخابات اعضای شورای عالی در یک روز و ساعت معین در کل کشور انجام و صندوق اخذ رای در محل کانونهای مربوط یا نمایندگی های کانون ذی ربط مستقر می‌گردد. کارشناسان واجد شرایط رای دادن در ساعات تعیین شده برای تکمیل تعرفه منضم به رای و اخذ برگ مخصوص رای گیری شخصا با در دست داشتن پروانه کارشناسی معتبر در محل صندوق کانون استان یا نمایندگی مربوط مراجعه و به طور مخفیانه رای خواهند داد. صندوق ها باید قبلا با نظارت ناظران منتخب مجمع عمومی هیات مدیره ها لاک و مهر شده و برگ های آرا نیز قبلا توسط ناظران مذکور امضا و مهر گردد. تبصره - مجمع عمومی هیات مدیره استانها می‌توانند در صورت داشتن امکانات اخذ رای در استانهایی که در آنها کانون تشکیل نشده و به صورت نمایندگی یکی از کانونها اداره می‌شوند ناظران را معرفی و در همان روز و ساعت و تاریخ اخذ رای، در استانهای مذکور نیز صندوق اخذ رای مستقر نمایند. ماده ۱۲ - پس از خاتمه مهلت اخذ رای، صندوقها در محل کانون یا محل نمایندگی مربوط، با حضور ناظران منتخب مجمع عمومی هیات مدیره کانونها و دو نفر نمایندگان هیات مدیره کانون مربوط که خود داوطلب انتخاب در شورای عالی نمی‌باشند، مفتوح گردیده، شمارش و قرائت آرا انجام می‌گیرد. سپس اسامی منتخبان براساس آرا مأخوذه صندوق یا صندوق های اخذ رای آن استان به ترتیب آرا مکتسبه صورتمجلس و به امضا اعضا جلسه رسیده و برای شورای عالی ارسال می‌شود. ماده ۱۳ - اولین جلسه شورای عالی، حداکثر پانزده روز پس از انتخابات مرحله دوم، با حضور کلیه اعضا اصلی تشکیل می‌گردد. در این جلسه، اعضا از بین خود رییس، نایب رییس، خزانه دار، کارپرداز، دو نفر منشی و دو نفر بازرس با اکثریت آرا انتخاب می‌نمایند. تبصره ۱ - دعوت اعضا برای تشکیل جلسه به وسیله رییس شورای عالی صورت می‌گیرد و در اولین دوره به دعوت رییس کانون استان تهران می‌باشد. تبصره ۲ - چنانچه در جلسه اول همه اعضا شرکت نمایند، ظرف یک هفته جلسه بعدی تشکیل و با حضور نصف به علاوه یک اعضا اصلی رسمیت خواهد یافت رای دو سوم حاضران در جلسه معتبر است تبصره ۳ - جلسات شورای عالی در هر ماه یک بار تشکیل می‌شود و در صورت ضرورت جلسات فوق العاده تشکیل خواهد شد. ماده ۱۴ - چگونگی ایجاد تشکیلات سازمانی و تقسیم وظایف اعضا شورای عالی طبق دستورالعمل داخلی شورای مزبور صورت خواهد گرفت ماده ۱۵ - عضویت در شورای عالی افتخاری است و بابت عضویت و شرکت در جلسات حق الزحمه ای پرداخت نمی‌شود. تبصره - چنانچه هر یک از اعضا به تشخیص و تصویب شورای عالی به صورت موظف در این شورا مشغول به کار گردند، با تصویب شورای یاد شده حق الزحمه ای متناسب برای دوران اشتغال به آنان پرداخت می‌گردد. ماده ۱۶ - هزینه های جاری شورای عالی در بودجه ای که همه ساله توسط شورای مزبور تصویب می‌گردد، از محل درآمد کانون استانها به نسبت بودجه سالانه هر کانون تامین می‌شود. کانونها مکلف به پرداخت این هزینه ها در ظرف سال می‌باشند. ماده ۱۷ - شورای عالی می‌تواند از طریق کانونهای مستقل مربوط، محدوده مورد عمل کارشناسان رسمی را به حوزه معین منحصر نماید کارشناسان رسمی موظفند نظاماتی را که از طریق شورای عالی با رعایت قانون و این آیین نامه اعلام

می‌گردد رعایت نمایند. ماده ۱۸ - شورای عالی می‌تواند از میان کارشناسان رسمی کانون های کشور در هر رشته ، هیات یا هیات هایی مرکب از حداقل سه نفر کارشناس رسمی به عنوان کمیسیونهای مشورتی علمی و فنی کارشناسان آن رشته انتخاب نماید تا ضمن همکاری لازم در تهیه سوالات آزمون و نیز اعطا صلاحیت اولیه یا اضافی به کارشناسان رسمی یا متقاضیان کارشناسی ، نظر مشورتی خود را به شورای عالی و یا به کانونهایی که شورای عالی به آنها تفویض اختیار نموده اعلام نمایند. ماده ۱۹ - به منظور هماهنگی و امکان استفاده از کارشناسان رسمی کشور در دعاوی خارجی و محاکم و مراجع بین المللی ، شورای عالی موظف است کارت و پروانه کارشناسان رسمی کل کشور را علاوه بر زبان فارسی به زبان انگلیسی نیز تهیه و جهت استفاده آنها در اختیار کانون های کشور قرار دهد. ماده ۲۰ - اعضای شورای عالی برای مدت چهار سال با رای کارشناسان رسمی کل کشور انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد تنها برای یک دوره دیگر بلامانع است ماده ۲۱ - مکاتبات شورای عالی صرفا از طریق رییس شورا و در غیاب وی با نایب رییس خواهد بود. ماده ۲۲ - مقررات ، دستورالعمل ها و ضوابطی که در حدود مقررات قانون و این آیین نامه توسط شورای عالی تصویب و ابلاغ می‌گردد و همچنین در کلیه مواردی که در اجرای این آیین نامه ابهاماتی پیش آید ، نظر شورای عالی که با در نظر گرفتن مقررات قانون و این آیین نامه اعلام می‌گردد معتبر بوده و برای کلیه کارشناسان رسمی کانونها و مراجع مربوط لازم الرعایه می‌باشد.

فصل سوم - مجامع عمومی (ماده ۲۳ تا ۴۲)

ماده ۲۳ - اعضای مجامع عمومی هر کانون از کارشناسان رسمی آن کانون و همچنین کارشناسان رسمی نزدیکترین استان مجاور که به لحاظ فقدان کانون مستقل عضو آن کانون هستند و دارای پروانه کارشناسی معتبر بوده و در حال تعلیق نباشند تشکیل می‌گردد. ماده ۲۴ - چنانچه مجامع عمومی براساس بند (الف ماده ۶) قانون در دومین جلسه نیز نصاب لازم را نداشته باشند ، دعوت از اعضا تا تشکیل مجمع با نصاب لازم قانونی تجدید می‌شود. ماده ۲۵ - در هیچ یک از مجامع و کالت از اعضا دارای اعتبار نمی‌باشد. ماده ۲۶ - در مواردی که مهلت تشکیل مجمع عمومی عادی گذشته و به هر دلیل از جمله عدم حد نصاب قانونی در جلسات اول و دوم مجمع عمومی عادی رسمیت نیافته و منتج به نتیجه نشده باشد مجمع عمومی فوق العاده تشکیل می‌گردد. ماده ۲۷ - در مواردی که نیاز به انتخابات میان دوره‌ای باشد و همچنین در سایر مواردی که ضرورت تشکیل مجمع فوق العاده را با رعایت دیگر مقررات قانون بنا به تشخیص هیات مدیره کانون مربوط ایجاب نماید و تصمیمات متخذ جزو وظایف مجمع عمومی عادی نباشد ، مجمع عمومی فوق العاده تشکیل می‌گردد. ماده ۲۸ - نصاب رسمیت جلسات مجامع عمومی عادی در مورد جلسات مجامع عمومی فوق العاده نیز لازم الرعایه است ماده ۲۹ - مهلت ثبت نام داوطلبان برای عضویت در هیات مدیره کانون و بازرسان و دادستان انتظامی قبل از تشکیل مجامع عمومی ، از سوی شورای عالی از طریق درج در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار اعلان و توسط کانون مربوط اعلام می‌گردد. داوطلبان باید در مهلت تعیین شده به صورت کتبی تقاضای خود را در دفتر کانون مربوط ثبت نمایند. ماده ۳۰ - منظور از شهر محل کانون مندرج در تبصره ۱ ماده ۹ قانون ، حوزه فعالیت کارشناس می‌باشد که در پروانه کارشناسی وی مشخص شده است ماده ۳۱ - پس از پایان مهلت ثبت نام داوطلبان ، دفتر کانون مربوط موظف است تقاضاهای ثبت شده و وضع پروانه داوطلبان و مشخصات کامل آنان را در اختیار کمیسیون ماده ۱۳ قانون قرار دهد. کمیسیون موظف است ظرف مدت هفت روز شرایط داوطلبان را با شرایط مندرج در ماده ۹ قانون تطبیق و نظر خود را به کانون مربوط اعلام نماید. ماده ۳۲ - نظر کمیسیون بلافاصله در محل کانون مربوط اعلان می‌گردد. کارشناسان داوطلب که به نظر کمیسیون اعتراض دارند می‌توانند ظرف سه روز از تاریخ اعلان ، اعتراض خود را به کانون مربوط تسلیم نمایند. اعتراضات واصله توسط کانون مربوط بلافاصله به

شورای عالی ارسال می‌گردد و شورای مزبور حداکثر ظرف یک هفته رسیدگی و نظر خود را اعلام می‌نماید. نظر شورای عالی قطعی است ماده ۳۳- پس از اعلام اسامی داوطلبان واجد صلاحیت، مجمع عمومی در مهلت مقرر قانونی تشکیل می‌گردد و برای انتخاب رییس و منشیان، از بین اعضای حاضر در مجمع یک نفر به عنوان رییس سنی و یک نفر منشی، اداره جلسه را به عهده می‌گیرند و سپس رییس و دو نفر منشی مجمع عمومی از سوی حاضران در مجمع و از بین اعضا حاضر انتخاب می‌شوند. ماده ۳۴- هیات نظارت از بین اعضا حاضر در جلسه مجمع عمومی انتخاب می‌گردند. داوطلبان برای هیات مدیره، بازرسان و دادستان انتظامی نمی‌توانند به عضویت هیات نظارت انتخاب شوند. ماده ۳۵- اعضا شورای عالی و هیات مدیره کانونها و سایر اعضا ارکان کانونها موظفند همانند سایر کارشناسان رسمی ضمن اقدام برای تمدید بموقع پروانه کارشناسی خود، سایر نظامات مربوط را از طریق کانون ذی ربط رعایت نمایند. ماده ۳۶- وظایف هیات ریسه و هیات نظارت مجامع عمومی عبارتند از الف- ایجاد نظم در برگزاری انتخابات. ب- توزیع اوراق اخذ رای پس از امضا و مهر نمودن. ج- مراقبت در جمع آوری، شمارش و قرابت آرا. د- تنظیم و امضا صورتجلسه برگزاری انتخابات و تهیه فهرست منتخبان به ترتیب تعداد آرا مکتسبه. ه- اعلام نتیجه انتخابات به شورای عالی جهت صدور احکام مربوط. تبصره- هیات نظارت مکلف است قبل از اخذ رای، صندوق خالی اخذ آرا را به رویت مجمع عمومی رسانیده و سپس آن را لاک و مهر نماید. ماده ۳۷- انتخابات به صورت جمعی و مخفی انجام می‌گیرد و رای باید روی اوراق چاپی دو قسمتی تایید شده به مهر و امضای هیات نظارت به شرح زیر نوشته شود در قسمتی از ورقه که نزد کانون باقی می‌ماند مشخصات کامل رای دهنده شامل موارد ذیل ثبت می‌گردد الف- نام و نام خانوادگی و نام پدر. ب- شماره پروانه کارشناسی. ج- نام کانون محل اخذ رای. د- امضا رای دهنده. پس از ثبت مشخصات مذکور، قسمت دوم ورقه که باید فاقد هرگونه امضا، شماره و علامت مشخصه بوده و فقط دارای محل مناسب و کافی برای درج اسامی به تعداد اعضا اصلی و علی البدل ارکان کانون باشد، از ورقه جدا و به رای دهنده تسلیم می‌گردد، تا رای خود را در آن به صورت مخفی نوشته و در صندوق بیندازد. ماده ۳۸- پس از پایان مهلت اخذ رای، صندوق آرا توسط هیات ریسه مجمع عمومی و هیات نظارت مفتوح و آرا مأخوذه شمارش و قرائت می‌شود و فهرست منتخبان به ترتیب آرا مأخوذه تهیه و امضا می‌گردد. تبصره- آرا قرائت شده مجددا در صندوق ضبط و توسط هیات نظارت لاک و مهر می‌گردد و تا پایان رسیدگی به اعتراضات احتمالی و اعلام نتیجه قطعی انتخابات محفوظ می‌ماند تا در صورت نیاز به بازبینی و بازرسی مورد استفاده قرار گیرد و سپس معدوم می‌شود. ماده ۳۹- مدت اعتراض، از جریان انتخابات تا سه روز پس از اعلام نتایج اولیه انتخابات می‌باشد و اعتراض از کسانی پذیرفته می‌شود که در مجمع عمومی حضور داشته‌اند. ماده ۴۰- اعتراض به صورت کتبی به کانون مربوط تسلیم و در جلسه‌ای مرکب از هیات ریسه مجمع عمومی و هیات نظارت و نماینده شورای عالی رسیدگی می‌شود. رای اکثریت حاضران معتبر می‌باشد. ماده ۴۱- کانون مربوط ظرف سه روز از تاریخ قطعی شدن انتخابات، اسامی منتخبان را به شورای عالی ارسال کرده و شورای مزبور احکام لازم را در اسرع وقت صادر و ابلاغ می‌نماید. ماده ۴۲- چنانچه در جلسه رسیدگی به اعتراضات، اعتراض وارد تشخیص داده شود، مراتب جهت اتخاذ تصمیم لازم به شورای عالی اعلام می‌گردد.

فصل چهارم - هیات مدیره (ماده ۴۳ تا ۴۸)

ماده ۴۳- اعضا اصلی هیات مدیره کانون به ترتیب تعداد آرا مکتسبه از بین منتخبان تعیین و بقیه نیز به ترتیب تعداد آرا و تا حد نصاب مقرر در ماده ۱۰ قانون عضو علی البدل خواهند بود. ماده ۴۴- اولین جلسه هیات مدیره منتخب ظرف حداکثر یک هفته پس از صدور احکام اعضا توسط شورای عالی به ترتیب به دعوت رییس، نایب رییس هیات مدیره قبلی و یا ناظر شورای عالی در

مجمع عمومی با حضور تمامی اعضا تشکیل و نسبت به انتخاب رییس و نایب رییس و منشی و مسوول امور مالی تصمیم گیری خواهند نمود. تبصره ۱ - چنانچه در جلسه اول تمامی اعضا حضور نیابند جلسه بعدی ظرف یک هفته با رعایت نصاب مندرج در ماده ۱۰ قانون تشکیل یافته و مسوولان یاد شده ، انتخاب می گردند. تبصره ۲ - جلسات هیات مدیره باید حداقل هر پانزده روز یک بار تشکیل و خلاصه مذاکرات و نتیجه تصمیمات قرائت و تصویب و سپس صورتجلسه به امضا حاضران در جلسه برسد. ماده ۴۵ - از اعضای اصلی و علی البدل جهت شرکت در جلسات هیات مدیره دعوت به عمل میاید و اعضای علی البدل در صورتی حق رای خواهند داشت که به علت عدم حضور اعضای اصلی حد نصاب قانونی حاصل نشده باشد. در این صورت تا حصول نصاب قانونی اعضای علی البدل به ترتیب آرا به عنوان اعضای اصلی صرفا در همان جلسه حق رای خواهند داشت ماده ۴۶ - در صورت فوت یا استعفا و یا سلب صلاحیت و یا غیبت غیر موجه در شش جلسه متوالی و یا هر دلیل قانونی دیگر که باعث برکناری عضو اصلی شود ، عضو علی البدلی که دارای بیشترین رای بوده به عنوان عضو اصلی جایگزین می گردد و حکم وی با معرفی رییس کانون توسط رییس شورای عالی صادر می شود. ماده ۴۷ - هیات مدیره هر کانون مکلف است هزینه متناسبی را که شورای عالی برابر تبصره ذیل ماده ۳۰ قانون به عنوان سهم آن کانون از هزینه های جاری شورای عالی تعیین و ابلاغ می نماید همه ساله در بودجه خود منظور و بتدریج طی سال مالی مربوط حداکثر تا پایان سال مالی به شورای عالی بپردازد. ماده ۴۸ - هیات مدیره هر کانون موظف است به منظور اطمینان از ارتقای کیفیت خدمات حرفه‌ای کارشناسان کانون مربوط ، هماهنگی در روشهای انجام کارشناسی ، کیفیت گزارش های کارشناسی ، پیشگیری از رفتار ناسازگار با شوون حرفه‌ای و ضرورت گذراندن دوره های بازآموزی کارشناسان عضو ، همچنین دقت در رعایت مقررات قانونی ، آیین نامه ها و دستورالعمل های اجرایی و ضوابط و نظامنامه های تدوینی و تصویبی شورای عالی ، بر کار حرفه‌ای کارشناسان رسمی آن کانون نظارت مستمر نماید. نظارت کانون بر فعالیت های حرفه‌ای اعضا با جلب نظر گروه‌های تخصصی ذی ربط انجام می گیرد. کارشناسان رسمی موظفند پرونده ها ، اطلاعات ، مدارک مورد نیاز را برای رسیدگی در اختیار کانون و گروه های مذکور قرار دهند. گزارشها و مدارک مربوط جزو اسناد طبقه بندی شده محسوب وبه کارگیری و یا افشای آن در غیر مورد ممنوع می باشد.

فصل پنجم - بازرسان (ماده ۴۹ تا ۵۰)

ماده ۴۹ - وظایف و اختیارات بازرسان در شورای عالی عبارتست از الف - مانند سایر اعضا شورای عالی در جلسات شورای مزبور با داشتن حق رای شرکت نموده و در تعیین خط مشی و سایر تصمیمات سهیم می باشند. ب - هر زمان که لازم بدانند می توانند امور مالی شورای عالی را مورد بررسی و حسابرسی قرار داده و اگر در زمینه نگهداری حسابها و مسایل مالی به مواردی از وجود نقص و یا سو جریان برخورد نمودند موضوع را به رییس شورای عالی جهت طرح در جلسات آن شورا گزارش نمایند و چنانچه رییس شورای عالی از طرح موضوع خودداری نماید ، بازرسان می توانند موضوع نواقص احتمالی را مستقیما در شورای عالی مطرح نمایند. ماده ۵۰ - وظایف و اختیارات بازرسان در هیات مدیره کانونها به شرح زیر است الف - بازرسان می توانند در جلسات هیات مدیره بدون داشتن حق رای شرکت نمایند. ب - بازرسان اختیار دارند بدون دخالت در امور اجرایی بر عملیات کانون نظارت داشته و دفاتر و اسناد و مدارک و اطلاعات مورد نیاز را بدون آنکه وقفه‌ای در فعالیت های اجرایی کانون ایجاد شود مطالبه و مورد بررسی قرار دهند. ج - بازرسان موظفند صورتهای مالی مصوب هیات مدیره کانون را که حداقل دو هفته قبل از تشکیل مجمع عمومی سالیانه تهیه و در اختیارشان قرار می گیرد ، مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را ظرف حداکثر پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی در اختیار هیات مدیره جهت طرح در مجمع عمومی قرار دهند و گزارش سالیانه خود را براساس ماده ۲۰ قانون به

مجمع عمومی ارائه نمایند.

فصل ششم - آزمون ، کارآموزی ، صدور پروانه کارشناسی (ماده ۵۱ تا ۵۶)

ماده ۵۱- شورای عالی همه ساله طی یک نوبت آگهی که حداقل در دو روزنامه کثیرالانتشار کشور منتشر می‌شود تعداد کارشناسان مورد نیاز در رشته های مختلف را به تفکیک نیاز استانها اعلان خواهد نمود. تبصره ۱- شورای عالی قبل از انتشار آگهی نظرات ادارات کل دادگستری های استان ها و کانون ها را در مورد نیاز استان مربوط کسب و بر مبنای آن تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید. تبصره ۲- کانونها می‌توانند آگهی منتشره از سوی شورای عالی در بخش مربوط به حوزه فعالیت خود را در یک روزنامه محلی نیز منتشر نمایند. ماده ۵۲- داوطلبان درخواست پروانه کارشناسی باید تقاضای خود را با مشخصات زیر به دفتر کانون مربوط یا دفتر نمایندگی استان هایی که کانون کارشناسان در آن استان تشکیل داده است تسلیم نمایند الف- مشخصات کامل داوطلب . ب- محل اقامت داوطلب برای ابلاغ اوراق . ج- تصریح به نداشتن سو پیشینه . د- تعهد به عدم اعتیاد به افیون و مواد مخدر . ه- مدرک تحصیلی مورد نیاز و چنانچه دانشنامه از دانشگاه های خارج از کشور اخذ شده باشد ارائه تاییدیه از مرجع ذی صلاح . و- رشته مورد درخواست پروانه کارشناسی . ز- محل مورد درخواست برای کارشناسی . ح- اعلام آدرس و مشخصات دو نفر معرف ط- گواهی از مراجع معتبر مورد قبول کانونها مبنی بر داشتن پنج سال سابقه کار تجربی در رشته مورد تقاضا بعد از اخذ مدرک تحصیلی لیسانس در رشته مورد تقاضا با توجه به بند و ماده ۱۵ قانون و در مورد رشته هایی که دانشنامه لیسانس مربوط نداشته باشد اخذ گواهی از مراجع معتبر مورد قبول کانونها مبنی بر پانزده سال سابقه کار تجربی در رشته مورد تقاضا با داشتن مدرک کارشناسی یا بالاتر در هر رشته و در خصوص متقاضیان مشمول تبصره ۲ ماده ۱۵ قانون ارائه گواهی ده سال سابقه در امور ثبتی یا نقشه برداری ثبتی ماده ۵۳- به منظور انتخاب کارشناسان مورد نیاز از لحاظ علمی و تجربی و صلاحیت اولویت های اخلاقی و سایر موارد مقرر در ماده ۱۵ قانون ، در هر دوره آزمون ، شورای عالی کسانی را که در آزمون علمی و تجربی موفق و نصاب نمره قبولی کسب کرده‌اند به کمیسیون ماده ۱۳ قانون معرفی می‌نماید. ماده ۵۴- برگزاری آزمون به صورت کتبی و شفاهی خواهد بود و منابع سوالات امتحانی عبارتست از منابع کتب دانشگاهی در رشته مربوط که با رعایت استانداردها و تجارب لازم مربوط به هر رشته انتخاب و معرفی می‌گردد. تبصره - موعده اعلام نتیجه قبولی داوطلبان حداکثر ظرف دو ماه از تاریخ اخذ آزمون می‌باشد. ماده ۵۵- داوطلبان کارشناسی که جهت اخذ پروانه کارشناسی انتخاب می‌گردند موظفند ، دوره کارآموزی خود را زیر نظر کارشناس راهنما که از سوی کانون مربوط معرفی می‌گردد با موفقیت بگذرانند. کارشناس راهنما هر سه ماه یکبار نظر خود را نسبت به کارآموز به کانون مربوط گزارش می‌نماید و در صورتی که نظر کارشناس راهنما نسبت به کارآموز منفی باشد دوره کارآموزی برای مدتی که لازم باشد اضافه می‌گردد. تبصره- وظایف کارآموز عبارتست از انجام امور کارشناسی آموزشی و مطالعه قوانین و مقررات مربوط و شناخت وظایف کارشناسی که از سوی کارشناس راهنما به وی محول می‌گردد و موفقیت در کلاسهای آموزشی که از طرف کانونها تشکیل می‌شود. ماده ۵۶- دستورالعمل جزییات طرح سوالات آزمون ، نحوه برگزاری آزمون ، نصاب نمره قبولی ، مصاحبه علمی و تجربی ، کارآموزی و نظارت بر آن وهمچنین مقررات رشته ها و گروه های کارشناسی و تشکیل نمایندگی کانون استان ها و شهرستان ها ، به وسیله شورای عالی تدوین ، تصویب و جهت اجرا به کانون ها ابلاغ می‌گردد.

فصل هفتم - کمیسیون صلاحیت و اولویتهای اخلاقی (ماده ۵۷ تا ۵۸)

ماده ۵۷ - به منظور تطبیق موارد مندرج در مواد ۹ و ۱۵ قانون و گزینش صلاحیت اولویت های اخلاقی متقاضیان کارشناسی و همچنین اظهار نظر در خصوص صلاحیت داوطلبان عضویت در ارکان کانون و عضویت در شورای عالی کمیسیون به شرح مندرج در ماده ۱۳ قانون تشکیل می گردد که اهم وظایف آن به شرح ذیل می باشد الف - تطبیق شرایط داوطلبان کارشناسی (متقاضیان امر کارشناسی) با مواد مندرج در ماده ۱۵ قانون و گزینش صلاحیت اولویت های اخلاقی و اعلام نتیجه به شورای عالی ب - تطبیق شرایط داوطلبان عضویت در ارکان کانون با شرایط مندرج در ماده ۹ قانون و اعلام نظریه خود ظرف مهلت هفت روز به کانونهای مربوط ج - تطبیق شرایط داوطلبان عضویت در شورای عالی با شرایط مندرج در بندهای یاد شده در ماده ۲۷ قانون و اعلام نظر در مهلت هفت روز به شورای عالی ماده ۵۸ - واحد حراست کانون مکلف است هرگونه همکاری را با کمیسیون ماده ۱۳ قانون به عمل آورده و تحقیقات مورد نظر کمیسیون را در مهلتی که تعیین می شود انجام و نتیجه را اعلام دارد. همچنین کلیه مراجع قضایی و انتظامی ، وزارتخانه ها ، سازمانها ، موسسات ، شرکت ها ، بانک ها ، شهرداری ها ، بنیاد ها ، نهادهای انقلاب اسلامی و اشخاص حقوقی اعم از دولتی و غیر دولتی و سایر مراجع عمومی و دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا ذکر صریح نام است موظفند به استعلامات کمیسیون ماده ۱۳ و حراست کانون پاسخ داده و همکاری های لازم را معمول دارند. تبصره - در صورتی که وزارت اطلاعات در مهلت مقرر در تبصره ه ماده ۱۵ به استعلامات انجام شده پاسخ ندهد ، کمیسیون براساس اطلاعات کسب شده تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد نمود.

فصل هشتم - دادسرا و دادگاههای انتظامی (ماده ۵۹ تا ۷۰)

ماده ۵۹ - شکایت از تخلفات کارشناس رسمی باید کتبی و با امضای شاکی بوده و حاوی مشخصات زیر باشد الف - نام و نشانی شاکی . ب - موضوع شکایت با تصویر گزارش کارشناس و ذکر مدارک مورد استناد. شکایت در دفتر کانون مربوط ثبت می شود و هیات مدیره کانون عندالاقضا شکایت را جهت رسیدگی و اظهار نظر به دادسرای انتظامی کانون کارشناسان رسمی ارسال می نماید. ماده ۶۰ - در صورتی که دادسرای انتظامی پس از اقدامات اولیه و بررسی و تفهیم اتهام به تعقیب کارشناس معتقد باشد ، کیفرخواست صادر و ضمن ارسال به دادگاه انتظامی کانون کارشناسان رسمی ، یک نسخه از آن را ظرف مهلت ده روز از طریق کانون مربوط به وسیله پست سفارشی پیشتاز به کارشناس ابلاغ می نماید. کارشناس می تواند ظرف مهلت یک ماه از تاریخ ابلاغ پاسخ خود را کتبا از طریق دفتر کانون و یا مستقیماً به دفتر دادگاه انتظامی تسلیم نماید. ماده ۶۱ - در صورتی که دادسرا یا دادگاه های انتظامی کانون حضور شاکی یا کارشناس را برای ادای توضیحات و کشف حقیقت لازم بدانند حسب مورد احضاریه صادر می نمایند. عدم حضور در وقت مقرر بدون عذر موجه مانع از رسیدگی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود. ماده ۶۲ - عذر موجه برای کارشناس علاوه بر مقررات مندرج در ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی شامل دعوت دادگاهها و مراجع قانونی دیگر جهت قرار کارشناسی یا ادای توضیحات نزد مراجع مذکور نیز می باشد. ماده ۶۳ - دادگاههای انتظامی پس از وصول پاسخ کارشناس یا انقضای مهلت های مذکور در ماده ۵۹ وقت رسیدگی تعیین می کنند و از طریق دفتر دادگاه به اطلاع دادسرای انتظامی و کارشناس و ریاست کانون مربوط و در مورد دعاوی تجدید نظر به شورای عالی جهت معرفی دیگر اعضا دادگاه خواهند رسانند. اعضای معرفی شده در هر پرونده تا پایان رسیدگی و صدور رای قابل تعویض نخواهند بود. عدم حضور کارشناس یا معاون دادسرای انتظامی مانع رسیدگی و صدور حکم نخواهد بود. ماده ۶۴ - چنانچه به نظر شورای عالی نیاز به شعبه یا شعب دیگر تجدید نظر انتظامی باشد ، با درخواست رییس شورای مزبور و تصویب رییس قوه قضاییه تشکیل خواهد شد. ارجاع پرونده به شعبه یا شعب تجدید نظر به عهده رییس شعبه اول تجدید نظر است ماده ۶۵ - در صورتی که مراجع قضایی از کارشناسان تخلفی مشاهده نمایند

که قابل تعقیب در دادگاه انتظامی باشد مراتب را کتبا به کانون مربوط اطلاع می‌دهند. هرگاه کانون موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را جهت رسیدگی به دادسرای انتظامی کانون ارجاع می‌نماید و چنانچه معتقد به تعقیب نباشد مراتب را به مرجع مذکور اطلاع می‌دهد. در صورتی که نظر کانون مورد پذیرش مرجع قضایی قرار نگیرد رأساً جهت رسیدگی به دادسرای انتظامی کانون ارجاع می‌نماید. ماده ۶۶- مراجع قضایی رسیدگی کننده به شکایات علیه کارشناسان رسمی چنانچه عمل انتسابی را جرم ندانند لکن موضوع را منطبق با یکی از تخلفات مندرج در ماده ۲۶ قانون تشخیص دهند پرونده را با صدور قرار مقتضی جهت رسیدگی به دادسرای انتظامی کانون مربوط ارسال خواهند نمود. ماده ۶۷- کلیه شکایات واصله علیه اعضای هیات مدیره، دادستان و بازرسان کانون ها به شورای عالی ارسال می‌گردد. شورای عالی موظف است موضوع را ضمن بررسیهای لازم عندالاقضا با سوابق امر در اجرای بند ط ماده ۷ قانون جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم به دادسرای انتظامی قضات ارسال نماید. ماده ۶۸- دادستان انتظامی هر کانون مکلف است دو برابر دادیاران مورد نیاز را از بین کارشناسان رسمی آن کانون انتخاب و معرفی نماید. هیات مدیره کانون مربوط دادیاران مورد نیاز را تایید و جهت صدور حکم انتصاب به دادستان انتظامی معرفی می‌کند. تبصره - دادستان انتظامی کانون می‌تواند افرادی را از بین حقوقدانان پس از تامین بودجه آنان از طریق هیات مدیره و مجمع عمومی به عنوان معاون دادستان انتخاب و ابلاغ لازم صادر نماید. ماده ۶۹- در صورتی که مراجع قضایی و انتظامی، وزارتخانه‌ها، ادارات، سازمانها، موسسات و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت، بانک‌ها، نهادها، بنیادها، شهرداریها و اشخاص حقیقی و حقوقی، کارشناس رسمی از کانونها خواسته باشند مکلفند دستمزد کارشناسی را در امور ارجاعی به حساب کانون یا نمایندگی کانون مربوط واریز نمایند تا پس از کسر پنج درصد (۵٪) سهم کانون و سایر کسورات قانونی مابقی به کارشناس پرداخت گردد. تبصره ۱- در صورتی که به هر علت حق الزحمه کارشناسی در صندوق کانون تودیع نگردید مراجع مذکور در این ماده مکلفند پنج درصد (۵٪) سهم کانون را کسر و در وجه کانون واریز و به اطلاع کانون یا نمایندگی کانون مربوط برسانند. کارشناسان نیز موظفند فهرست پنج درصد (۵٪) وجوه مکسوره از حق الزحمه کارشناسی های خود را به اطلاع کانون برسانند. تبصره ۲- کارشناسان متخلف از مفاد این ماده در حکم مرتکبان خلاف شئون شغلی مصرح در بند (ه) ماده (۲۶) قانون بوده و تحت تعقیب قانونی قرارخواهند گرفت ماده ۷۰- در تخلفات انتظامی که دو سال از تاریخ وقوع آن منقضی گردیده و تعقیب نشده باشد و یا دو سال از تاریخ آخرین اقدام انتظامی آن گذشته و منتهی به صدور حکم نشده، تعقیب موقوف خواهد شد.

تصویب نامه در خصوص تعرفه جرایم سردفتران و دفترباران و تعرفه صدور یا تمدید پروانه اشتغال شغ

(روزنامه رسمی شماره ۱۶۶۶۰- ۱۳۸۱ ۲ ۲۲) هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۱ ۲ ۱۱ بنا به پیشنهاد شماره ۱۳۴ ۶۶۹ مورخ ۱۳۸۱ ۲ ۲۶ ۱۳۸۱ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و به استناد بندهای (ر) و (ت الحاقی به ماده (۱) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین - مصوب ۱۳۸۰ - موضوع ماده (۵۱) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۰ - تصویب نمود تعرفه جرایم سردفتران و دفترباران و تعرفه صدور یا تمدید پروانه اشتغال شغل مشاور املاک و خودرو تا تصویب تعرفه‌های جدید به میزان مقرر در جزیهای (۳) و (۵) بند الف تبصره (۳۲) قانون بودجه سال ۱۳۸۰ کل کشور وصول و به حساب درآمد عمومی منظور گردد.

دستورالعمل اجرایی نحوه صدور پروانه تخصص اشتغال برای مشاورین املاک و خودرو

ماده ۱- مشاور املاک و خودرو که در این دستورالعمل به اختصار مشاور خوانده می‌شود به شخصی اطلاق می‌گردد که با داشتن شرایط لازم به امر خرید و فروش املاک و خودرو یا دلالتی و واسطه‌گری معاملات مذکور با رعایت قوانین و مقررات حاکم بر آنها مبادرت می‌نماید. تبصره - مشاوران املاک موضوع این دستورالعمل به مشاوران درجه ۱ و مشاوران درجه ۲ تقسیم می‌شوند. ماده ۲- اشتغال به شغل مشاور املاک و خودرو منوط به داشتن پروانه کسب از اتحادیه مربوطه و پروانه تخصصی از سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌باشد.

فصل دوم - شرایط و ضوابط دریافت پروانه تخصصی اشتغال (ماده ۳)

ماده ۳- مشاور علاوه بر شرایط مندرج در آیین نامه اجرایی تبصره ۱ ماده ۱۲ قانون نظام صنفی ، برای دریافت پروانه تخصصی اشتغال باید دارای شرایط ذیل باشد. ۱- ۳- داشتن تحصیلات ششم ابتدایی قدیم و یا سوم راهنمایی نظام جدید ۲- ۳- داشتن توانایی و صلاحیت فنی متناسب با شغل مورد درخواست به تشخیص سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۳- ۳- دادن تامین مناسب یا پرداخت وجه الضمان یا ضمانت نامه بانکی یا وثیقه مناسب یا معرفی ضامن معتبر به منظور جبران خسارت های احتمالی وارده به اشخاص به اتحادیه صنف ۴- ۳- پرداخت وجه موضوع بند ت ماده ۵۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰.

فصل سوم - وظایف و اختیارات مشاورین (ماده ۴ تا ۲۴)

ماده ۴- مشاور باید مقررات ، بخشنامه ها و دستورالعمل های صادره از وزارت بازرگانی ، سازمان ثبت و سایر مراجع ذیصلاح را دقیقاً به مورد اجرا گذارد. ماده ۵- مشاور مسوول حسن اداره امور ، حفظ و نگهداری دفاتر ، اوراق ، اسناد ، مدارک و مهر مربوطه می‌باشد. ماده ۶- مشاور مکلف است در جهت ارتقا دانش فنی و حقوقی در دوره های آموزشی که با همکاری و نظارت سازمان ثبت در نظر گرفته شده است ، شرکت نماید. ماده ۷- مشاور باید پروانه کسب و تعرفه حق الزحمه خدمات خود که در اجرای ماده ۵۱ قانون نظام صنفی توسط اتحادیه ابلاغ می‌شود را در محل کار خود به طوری که قابل دید باشد الصاق نماید. ماده ۸- مشاور موظف است قراردادها را در اوراق مخصوصی که توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تدوین و تایید گردیده ، تنظیم نماید. ماده ۹- مشاور موظف است به هنگام تنظیم قرارداد ، هویت ، مالکیت و سمت متعاملین و یا طرفین قرارداد را احراز نماید. ماده ۱۰- مشاور مکلف است یک نسخه از قرارداد تنظیمی را در بایگانی مربوطه نگهداری کند ، قرارداد به تعداد متعاملین با یک نسخه اضافه تنظیم می‌شود. متعاملین می‌توانند در صورت نیاز از اصل قرارداد رونوشت یا تصویر برابر اصل اخذ نمایند. ماده ۱۱- مشاور باید مفاد قراردادهای تنظیمی را در دفتر ثبت قراردادها که به صورت پلمپ و برگ شماری شده و توسط اتحادیه صنف مزبور در اختیار وی قرار می‌گیرد ثبت و همزمان با عقد قرارداد به امضای کلیه اشخاصی که قرارداد را امضا نموده‌اند برساند. تبصره - نمونه اولیه دفتر ثبت قراردادها پس از تایید سازمان ثبت به وسیله اتحادیه چاپ و در اختیار اعضا قرار می‌گیرد. ماده ۱۲- قراردادها باید خوانا ، بدون قلم خوردگی ، با جوهر ثابت و در چارچوب طرح قرارداد تیپ اعلامی از سوی سازمان ثبت اسناد و ابلاغی از سوی هیات عالی نظارت تنظیم گردد. ماده ۱۳- مشاور موظف است برای تنظیم قراردادها از نظرات کارشناس فنی یا حقوقی حسب مورد استفاده نموده و قرارداد تنظیمی را به امضای آنان برساند. تبصره ۱- در مورد تنظیم قرارداد اجاره حضور شهود و امضای قرارداد توسط آنها الزامی است تبصره ۲- در مورد واحدهای تاسیس شده ، الزام به استفاده از نظرات کارشناس فنی یا حقوقی حسب مورد

و امضا قراردادها از سوی آنان ، در طی برنامه زمان بندی روشن دیگری که توسط هیات عالی نظارت ابلاغ می گردد به اجرا درخواهد آمد. ماده ۱۴ - مشاور باید طرفین قرارداد را از مفاد آن به طور کامل مطلع سازد. ماده ۱۵ - مشاور نباید قراردادی که مخالف قوانین و نظامات دولتی باشد تنظیم و ثبت نماید. ماده ۱۶ - در صورتی که مشاور در نفس قرارداد منتفع یا سهمیم باشد و با طرفین قرارداد قرابت نسبی و یا سببی طبقه اول و طبقه دوم و درجه اول تا طبقه سوم داشته باشد باید به طرفین اطلاع داده والا مسوول جبران خسارت وارده خواهد بود. ماده ۱۷ - هرگاه طرفین یا یکی از آنها زبان فارسی را نداند و مشاور نیز زبان آنها را نداند اظهارات آنها باید به وسیله فرد مورد اعتماد طرفین یا مترجم رسمی ترجمه شده و مراتب تفهیم و در دفتر قید و توسط فرد مورد اعتماد و مترجم و مشاور گواهی شود. ماده ۱۸ - تراشیدن و پاک کردن و الحاق به هر نحوی از انحای قرارداد و در دفتر ثبت قراردادها ممنوع است هرگونه اصلاح عبارتی یا توضیحی لازم باشد باید در قرارداد و ثبت دفتر یا هر دو حسب مورد منعکس و به امضای کلیه امضا کنندگان و مشاور برسد. ماده ۱۹ - در صورتی که طرفین قرارداد و یا یکی از آنها کور ، کر و یا گنگ و بی سواد باشد هر یک از اشخاص مذکور باید یک نفر معتمد در موقع تنظیم قرارداد ، ثبت و امضای آن همراه داشته باشد. معتمد مزبور در مورد اشخاص کر و گنگ باید از جمله اشخاصی باشد که بتواند با اشاره ، مطلب را به آنها بفهماند. در مورد این ماده مراتب در قرارداد و دفتر ثبت قراردادها قید و به امضای معتمد یا معتمدین نیز خواهد رسید. ماده ۲۰ - در صورت اقاله و یا فسخ قرارداد ، یا عدم اجرا یا موقوف ماندن آن ، مشاور مکلف است مراتب را در ستون مربوطه با ذکر تاریخ درج و پس از امضای طرفین ، امضا و مهر نماید. ماده ۲۱ - مشاور مکلف است در زمان تنظیم قرارداد در صورتی که موضوع از جمله مواردی است که باید در دفاتر اسناد رسمی به ثبت برسد طرفین راجعت تنظیم و ثبت آن به یکی از دفاتر اسناد رسمی هدایت نماید. در سایر قراردادهای تنظیمی نیز مشاور به منظور تثبیت حقوق طرفین و جلوگیری از اختلاف و طرح دعاوی در محاکم ، طرفین را به ثبت رسمی قرارداد توصیه و تشویق نماید. ماده ۲۲ - مهر و تابلوی مورد استفاده مشاور باید طبق نمونه متحدالشکل مورد تایید اتحادیه مربوطه باشد. ماده ۲۳ - مشاور و کارکنان وابسته باید از مبالغه ، اغراق و ارایه اطلاعات نادرست و پنهان کردن حقایق مربوط به موضوع قرارداد خودداری نمایند. ماده ۲۴ - مشاور حق قیمت گذاری و یا ارزش گذاری نسبت به موضوع قرارداد را ندارد.

فصل چهارم - امور اداری و مالی (ماده ۲۵ تا ۳۱)

ماده ۲۵ - حق الزحمه مشاور مطابق تعرفه ای خواهد بود که طبق ماده ۵۱ قانون نظام صنفی توسط کمیسیون نظارت شهرستان ها تعیین و توسط اتحادیه ابلاغ می شود. تبصره - مشاور غیر از حق الزحمه مقرر حق دریافت هیچ گونه مالی اعم از وجه نقدی و یا غیرنقدی ندارد ، تخلف از این امر پیگرد قانونی دارد. ماده ۲۶ - پرداخت حق الزحمه مشاور به میزان مقرر در تعرفه اعلام شده بالمناصفه به عهده طرفین قرارداد است مگر به نحوی دیگری توافق شده باشد. در هر صورت قید میزان حق الزحمه و نحوه پرداخت مورد توافق در متن قرارداد تنظیمی همراه با شماره رسید الزامی است ماده ۲۷ - مشاورین املاک با لحاظ معیارهایی از قبیل داشتن صلاحیت های فنی ، میزان تحصیلات دانشگاهی ، شرکت در دوره های آموزشی ، استفاده از کارشناسان فنی و حقوقی و ایجاد چارت تشکیلاتی و محل مناسب ، حوزه فعالیت و سابقه اشتغال ، به مشاور درجه ۱ و مشاور درجه ۲ تقسیم می شوند. ماده ۲۸ - مشاور املاک درجه ۱ می تواند نسبت به واسطه گری و خرید و فروش املاک به هر میزان اقدام و قراردادهای مربوط را تنظیم نماید. ماده ۲۹ - مشاور املاک درجه ۲ می تواند نسبت به واسطه گری و خرید و فروش املاک اقدام نماید که میزان آن را وزارت بازرگانی با جلب نظر سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تعیین می کند. ماده ۳۰ - مشاورین خودرو می توانند نسبت به واسطه گری و خرید و فروش انواع خودرو به هر میزان که باشد اقدام و قراردادهای مربوطه را تنظیم نمایند. ماده ۳۱ - مشاور املاک و خودرو

نمی‌تواند در بیش از یک دفتر محل فعالیت داشته باشد. تبصره - محل مشاور با درخواست وی طبق ضوابط مربوطه و موافقت اتحادیه ذی ربط تعیین خواهد شد.

فصل پنجم - نظارت بر عملکرد و نحوه رسیدگی به تخلفات مشاورین (ماده ۳۲ تا ۳۴)

ماده ۳۲ - علاوه بر بازرسان و ناظران کمیسیون‌های نظارت و بازرسی اتحادیه‌های صنفی ، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و ادارات تابعه سازمان نیز به استناد تبصره ماده ۹۱ قانون نظام صنفی کشور در موقع مقتضی می‌توانند از محل کار و اسناد و مدارک موجود مشاور ، بازرسی و نظارت نمایند. مشاور مکلف به همکاری و ارایه مدارک مورد نیاز می‌باشد. ماده ۳۳ - در صورت احراز وقوع تخلف توسط مشاور مراتب به مراجع ذیصلاح حسب مورد جهت بررسی ارجاع خواهد شد. ماده ۳۴ - این دستورالعمل در ۳۴ ماده و ۴ تبصره در تاریخ ۱۵ ۴ ۱۳۸۴ به تایید و تصویب وزیر محترم بازرگانی و معاون قوه قضائیه و رئیس محترم سازمان ثبت اسناد و املاک کشور رسید و پس از تنفیذ ریاست محترم قوه قضائیه حضرت آیت .ا. هاشمی شاهرودی (دامت برکاته قابلیت اجرا در سطح کشور را خواهد داشت

قانون کانون کارشناسان رسمی - مصوب ۱۸ ۱۳۸۱

ماده ۱ - کانون‌های کارشناسان رسمی دادگستری در مراکز استانها که مطابق این قانون تشکیل میگردند به عنوان (کانون استان) شناخته میشوند و دارای شخصیت حقوقی مستقل غیر دولتی ، غیر انتفاعی و غیر سیاسی میباشند. ماده ۲ - کانون استان در مراکز استانها با وجود حداقل سی نفر کارشناس رسمی مقیم تشکیل میگردد و تا وقتی که در مرکز استانی کانون مستقل تشکیل نگردیده است ، کارشناسان رسمی آن استان عضو نزدیکترین کانون به آن استان خواهند بود. ماده ۳ - شورای عالی کارشناسان متشکل از هجده نفر عضو به انتخاب کارشناسان کل کشور به تناسب تعداد کارشناسان عضو هر کانون در تهران تشکیل میگردد. اعضای شورای عالی کارشناسان باید دارای شرایط موضوع ماده (۱۵) این قانون باشند و نحوه انتخاب آنان براساس آیین نامه این قانون خواهد بود. تبصره ۱ - مدت عضویت در شورای عالی کارشناسان چهار سال میباشد و انتخاب مجدد برای یک دوره دیگر بلامانع است تبصره ۲ - منتخبین موضوع این ماده از بین خود یک نفر به عنوان رئیس ، یک نفر نایب رئیس ، یک نفر خزانه‌دار ، یک نفر کارپرداز ، دو نفر منشی و دو نفر بازرس با اکثریت آرا انتخاب مینمایند. شورای مذکور تا انتخاب اعضای جدید کماکان عهده دار وظایف مقرر میباشند. ماده ۴ - اهداف هر کانون به شرح زیر است الف - ایجاد زمینه لازم برای تشکل و جذب نیروهای متخصص و متعهد به منظور ارائه خدمات کارشناسی و تلاش در جهت تامین و تعمیم عدالت در امور مربوطه ب - فراهم آوردن موجبات تعالی علمی و تجربی کارشناسان عضو. ج - تنظیم و اداره امور کارشناسان عضو در کارهای مربوط به کارشناسی در حدود مقررات د - نظارت مستمر بر نحوه عمل و رفتار کارشناسان عضو جهت حصول اطمینان از حسن جریان امور کارشناسی. ه - ایجاد ارتباط و مبادله اطلاعات تخصصی و فنی بین کارشناسان عضو از طریق شورای عالی کارشناسان با موسسات مشابه در سایر کشورها با رعایت مقررات موضوعه ماده ۵ - ارکان هر کانون به شرح زیر است الف - مجمع عمومی ، ب - هیات مدیره ، ج - بازرسان ، د - دادرسان و دادگاه انتظامی. ماده ۶ - مجامع عمومی - عادی و فوق العاده - هر کانون از کارشناسان رسمی عضو آن کانون که پروانه کارشناسی آنان دارای اعتبار بوده و در حال تعلیق نباشند به شرح ذیل تشکیل میشوند الف - مجمع عمومی عادی سالانه در سه ماه اول هر سال به دعوت هیات مدیره تشکیل و با حضور نصف به علاوه یک کارشناسان رسمی عضو کانون رسمیت خواهد یافت در صورتی که در جلسه اول نصاب مزبور حاصل نشود به دعوت هیات مدیره ، جلسه تجدید و با حضور حداقل یک سوم

اعضارسمیت خواهد یافت و تصمیمات مجمع با اکثریت آرای اعضای حاضر در جلسه معتبر خواهد بود. ب - مجمع عمومی عادی یا فوق العاده دارای هیات ریسه ای مرکب از یک نفر رییس و دو نفر منشی خواهد بود که از بین اعضای حاضر در جلسه مجمع توسط اعضای یاد شده تعیین میشوند. برای نظارت در اخذ رای و قرائت آرا پنج نفر به عنوان هیات نظارت از بین اعضای حاضر در مجمع توسط مجمع انتخاب خواهند شد. تبصره ۱ - در صورت عدم دعوت هیات مدیره برای تشکیل مجمع عمومی عادی در موعد مقرر ، جلسه مجمع عمومی فوق العاده به دعوت بازرسان هر کانون یا یک دهم کارشناسان رسمی عضو در کانون و یا یک پنجم کارشناسان رسمی عضو در کانونهای دیگر تشکیل خواهد شد. تبصره ۲ - نحوه تشکیل و اداره جلسات مجمع عمومی عادی و فوق العاده ، چگونگی نظارت بر انتخابات توسط هیات نظارت ، شیوه برگزاری انتخابات اعضای هیات مدیره و بازرسان و دادستان انتظامی در آیین نامه اجرایی این قانون مشخص خواهد شد. ماده ۷ - وظایف و اختیارات شورای عالی کارشناسان به قرار زیر است الف - اقدامات لازم برای ارتقا سطح خدمات کارشناسی در سراسر کشور از طریق سیاستگزاری ، برگزاری دوره های آموزشی ، بازآموزی ، گردهمایی ، هم‌اندیشی و همچنین برگزاری آزمون سالیانه براساس نیاز مناطق کشور و تدوین مقررات مربوط به رشته ها و گروه های مختلف کارشناسی. ب - تدوین مقررات و ضوابط صلاحیت علمی و فنی متقاضیان کارشناسی و نیز ضوابط ارتقا صلاحیت عملی ، جغرافیایی و نقل و انتقال کارشناسان رسمی برابر مقررات این قانون ج - تدوین نظامنامه های مربوط به تشکیل و شرح وظایف کمیسیون های مشورتی علمی و فنی و سایر کمیسیونهای خاص د - تعیین تعرفه عضویت و پیشنهاد حق الزحمه کارشناسی جهت ارائه به مراجع ذیربط ه - بررسی و تصویب یا رد پیشنهادات کانونها در محدوده ضوابط و مقررات و - تدوین و تصویب نظامنامه های مالی ، معاملاتی و استخدامی کانونها. ز - تدوین و بازنگری در ضوابط و روش های کارشناسی و اظهارنظر در خصوص استعلامات و ارائه رویه واحد در امور کارشناسان ح - نظارت بر حسن انجام انتخابات کانونها در حوزه های انتخابات استانی با رعایت مقررات مربوطه ط - نظارت بر اجرای مقررات توسط ارکان هر کانون و اعلام تخلفات آنان به مراجع ذی ربط ی - تعیین نماینده جهت شرکت در مجامع بین المللی و مجامع داخلی از قبیل قانونگذاری ، اجرایی و قضایی . ک - صدور احکام انتصاب اعضای هیات مدیره ، روسا و دادستان های انتظامی هر کانون ل - انجام سایر وظایف مقرر در قوانین و مقررات تبصره ۱ - نحوه تشکیل جلسات و اتخاذ تصمیم طبق آیین نامه اجرایی این قانون میباشد. تبصره ۲ - تصمیمات شورای عالی کارشناسان در حدود مقررات این قانون برای کلیه کانون های کشور لازم الاجرا میباشد. تبصره ۳ - شورای عالی کارشناسان میتواند با توجه به شرایط ، قسمتی از اختیارات خود را به کمیسیون های وابسته و یا کانون های مستقل استان مربوط تفویض نماید. ماده ۸ - وظایف و اختیارات مجمع عمومی عادی به شرح زیر است الف - بررسی گزارش سالیانه عملکرد کانون و اتخاذ تصمیم درباره آن پس از استماع گزارش بازرسان ب - بررسی و تصویب صورتهای مالی سالیانه کانون پس از استماع گزارش بازرسان ج - بررسی و تصویب خط مشی و برنامه و بودجه سال آینده کانون به پیشنهاد هیات مدیره د - رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به سایر موارد پیشنهادی که در محدوده وظایف کانون توسط هیات مدیره در دستور جلسه قرار گیرد. ه - تصویب اخذ وام و اعتبار برای کانون به پیشنهاد هیات مدیره و - گزارش عملکرد و صورت های مالی سالانه پس از تصویب مجامع عمومی ، توسط هیات مدیره هر کانون برای شورای عالی کارشناسان ارسال خواهد شد. ز - انتخاب اعضای هیات مدیره و بازرسان و دادستان انتظامی کانون تبصره - در مواردی که به علت سلب شرایط یا فوت یا بیماری های صعب العلاج که ادامه فعالیت را به مدت معتناهی غیر ممکن میسازد یا استعفای تعدادی از اعضای هیات مدیره یا دادستان و یا بازرسان ، حسب مورد تعداد اعضای هیات مدیره به حد نصاب لازم نرسد و یا انجام وظایف دادستان و یا بازرسان توسط مجمع عمومی فوق العاده انتخابات به عمل خواهد آمد که به ترتیب و حسب مورد با دعوت رییس هیات مدیره کانون مربوط و یا دو نفر از اعضای هیات مدیره و یا بازرسان تشکیل میگردد. سایر موارد تشکیل مجمع عمومی فوق العاده با رعایت دیگر مقررات این قانون بنا به تشخیص هیات مدیره کانون مربوط صورت خواهد گرفت ماده ۹ -

اعضای هیات مدیره، بازرسان و دادستان انتظامی از بین کارشناسان رسمی عضو کانون مربوط که دارای پروانه کارشناسی رسمی معتبر بوده و در حال تعلیق نباشند انتخاب میگردند. اشخاص یاد شده علاوه بر دارا بودن شرایط مذکور در ماده (۱۵) این قانون باید دارای شرایط زیر نیز باشند الف - حداقل سه سال سابقه کارشناسی رسمی. ب - مدرک تحصیلی لیسانس یا بالاتر. تبصره ۱ - اشخاص یاد شده در مدت عضویت باید در شهر محل کانون مربوط اقامت داشته باشند. تبصره ۲ - تشخیص واحراز شرایط انتخاب مقرر در این ماده بر عهده کمیسیون تشخیص صلاحیت اولویت های اخلاقی میباشد. ماده ۱۰ - هیات مدیره در کانون تهران دارای یازده نفر عضو اصلی و سه نفر عضو علی البدل و در سایر کانونها دارای پنج نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی البدل خواهد بود که برای مدت چهار سال انتخاب میشوند. جلسات هیات مدیره در کانون تهران با حضور حداقل هفت نفر و در سایر کانونها با حضور حداقل سه نفر تشکیل و رسمیت خواهد یافت تصمیمات هیات مدیره کانون تهران با حداقل شش رای و هیات مدیره کانونهای دیگر با حداقل سه رای معتبر خواهند بود. تبصره ۱ - موارد شرکت اعضای علی البدل در جلسات هیات مدیره به جای اعضای اصلی در آیین نامه اجرایی این قانون مقرر میگردد. تبصره ۲ - پس از انقضای مدت مأموریت چهار ساله هیات مدیره، در صورتی که انتخاب هیات مدیره جدید به هر علت انجام نشود و به تاخیر افتد، هیات مدیره سابق تا تشکیل هیات مدیره جدید کماکان انجام وظیفه خواهد نمود. در هر صورت مدت زمان تاخیر در انتخاب هیات مدیره جدید نباید از شش ماه تجاوز نماید. در صورت بر طرف نشدن علل تاخیر، مهلت مذکور با تایید مجمع عمومی فوق العاده امکان پذیر است ماده ۱۱ - هیات مدیره کانون تهران از بین خود یک نفر رییس، دو نفر نایب رییس، دو نفر منشی، یک نفر مسوول امور مالی با رای مخفی برای مدت دو سال به عنوان هیات ریسه انتخاب مینماید. هیات ریسه سایر کانونها مرکب از یک نفر رییس، یک نفر نایب رییس، یک نفر منشی و یک نفر مسوول امور مالی میباشد که به ترتیب بالا انتخاب خواهند شد. تجدید انتخاب اعضای مذکور بلا مانع است تا زمانی که هیات ریسه جدید تعیین نشده است، هیات ریسه قبلی کماکان انجام وظیفه خواهد نمود. تبصره ۱ - رییس هیات مدیره هر کانون، رییس کانون مذکور نیز خواهد بود. تبصره ۲ - نحوه دعوت و زمان انتخاب هیات ریسه جدید در آیین نامه اجرایی این قانون مشخص خواهد شد. ماده ۱۲ - وظایف هیات مدیره هر کانون به قرار زیر است الف - اداره امور کانون جهت تحقق موارد مقرر در ماده (۴) این قانون ب - اتخاذ تصمیم در خصوص اجازه صدور و تمدید پروانه کارشناسی و نیز ابلاغ کارآموزی برای افراد واجد شرایط ج - دعوت برای تشکیل مجامع عمومی و اجرای تصمیمات آنها. د - قبول شکایت و عندالاقضاء ارجاع به دادسرای انتظامی کانون برای تعقیب کارشناس رسمی. تبصره - تصمیمات هیات مدیره در مورد رد شکایت ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ به شاکی قابل اعتراض و رسیدگی در دادسرای انتظامی کانون مربوط خواهد بود. ه - اعلام تخلف به دادسرای انتظامی در صورت اطلاع از وقوع تخلف کارشناس رسمی. و - اظهار نظر مشورتی نسبت به مسایل و موضوعات ارجاعی از طرف کلیه دستگاهها اعم از وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی و موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی. ز - تصویب معاملات جاری، استخدام و عزل و نصب کارکنان ح - اجرای سایر وظایفی که در این قانون برای هیات مدیره پیش بینی شده است ماده ۱۳ - کمیسیون تشخیص صلاحیت های مندرج در ماده (۱۵) این قانون متشکل از پنج عضو اصلی و دو عضو علی البدل خواهد بود که دو عضو اصلی و یک عضو علیالبدل از بین حقوقدانان توسط رییس قوه قضاییه انتخاب و بقیه اعضا از بین کارشناسان رسمی به پیشنهاد شورای عالی کارشناسان و تایید رییس قوه قضاییه منصوب خواهند شد. تشخیص صلاحیت اولویتهای اخلاقی مندرج در این قانون بر عهده کمیسیون یاد شده میباشد. تبصره - مدت عضویت هر عضو در کمیسیون یاد شده چهارسال میباشد. ماده ۱۴ - رییس هر کانون بالاترین مقام اداری و اجرایی آن کانون بوده و دارای وظایف ذیل است الف - ابلاغ مصوبات هیات مدیره کانون و اجرای آنها بر حسب مورد. ب - نظارت بر حسن جریان کلیه امور اجرایی و اداری. ج - حفظ حقوق و منافع و اموال کانون د - امضای پروانه کارشناسان رسمی و صدور آن بعد از تصویب هیات مدیره کانون مربوطه ه - نمایندگی کانون در نزد مراجع قانونی و

اشخاص حقیقی. و - ارجاع به داوری و صلح و سازش پس از تصویب هیات مدیره کانون ز - تهیه و تنظیم بودجه سالانه و پیشنهاد به هیات مدیره ح - اخذ وام و اعتبار پس از پیشنهاد هیات مدیره کانون و تصویب مجمع عمومی. ط - انجام امور اداری و مالی و معاملاتی و استخدامی و عزل و نصب کارکنان کانون با رعایت مقررات مربوط ی - امضای قراردادها و اسناد تعهدآور کانون مربوط ، به اتفاق یک نفر از اعضای هیات مدیره با انتخاب هیات مدیره کانون مذکور. ماده ۱۵ - متقاضیان اخذ پروانه کارشناسی رسمی علاوه بر وثاقت باید واجد شرایط ذیل باشند الف - متدین به دین اسلام و یا یکی از اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و وفاداری به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ب - داشتن تابعیت ایرانی . ج - نداشتن پیشینه کیفری موثر . د - عدم اعتیاد به مواد مخدر . ه - نداشتن وابستگی و سابقه عضویت و هواداری در گروههای غیر قانونی یا مخالف اسلام تبصره - وزارت اطلاعات مکلف است ظرف مهلت دو ماه مراتب استعلام را اعلام نماید. و - داشتن دانشنامه کارشناسی یا بالاتر در رشته مورد تقاضا و حداقل پنج سال سابقه تجربی در رشته مربوط بعد از اخذ مدرک تحصیلی مذکور. هر گاه در رشته مورد نیاز ، دوره تحصیلی کارشناسی یا بالاتر وجود نداشته باشد در این صورت افراد با دارا بودن مدرک دانشنامه کارشناسی یا بالاتر در هر رشته و حداقل پانزده سال سابقه کار در آن رشته میتوانند متقاضی اخذ پروانه کارشناسی رسمی باشند. ز - دارا بودن حداقل بیست و پنج سال سن در پایان مهلت ثبت نام ح - موفقیت در آزمون علمی و تجربی و گرینش صلاحیت اولویت های اخلاقی. ط - گذراندن دوره کارآموزی به مدت یک سال تحت نظر کارشناس رسمی ای که بیش از ده سال سابقه کارشناسی رسمی داشته و به عنوان کارشناس راهنما با معرفی هیات مدیره کانون مربوط ی - داشتن معافیت یا کارت پایان خدمت وظیفه عمومی. تبصره ۱ - شرایط لازم برای ثبت نام ، نحوه انتخاب و نحوه برگزاری آزمون و منابع سوالات امتحانی و موعد اعلام نتیجه و نحوه نظارت بر کارآموزان در طول دوره کارآموزی و همچنین وظایف کارآموزان در این دوره در آیین نامه اجرایی این قانون مشخص خواهد شد. کارآموزان در طی دوره کارآموزی حق هیچگونه اظهار نظر کارشناسی رسمی را به طور مستقل ندارند. تبصره ۲ - پس از اعلام تعداد مورد نیاز در رشته کارشناسی امور ثبتی ، دارندگان دانشنامه کارشناسی و فارغ التحصیلان آموزشگاه های اختصاصی ثبت اعم از شاغل یا بازنشسته که حداقل ده سال سابقه در امور ثبتی و یا نقشه برداری ثبتی داشته باشند میتوانند در صورت داشتن شرایط مذکور در آزمون یادشده شرکت کنند. تبصره ۳ - در رشته هایی که سابقه کارشناسان رسمی آن کمتر از ده سال است ، شرط دارا بودن ده سال سابقه کارشناسی برای کارشناس راهنما لازم رعایه نیست متقاضیان رشته های جدید کارشناسی رسمی به مدت سه ماه تحت نظارت کانون مربوط کارآموزی خواهند نمود. تبصره ۴ - عدم پذیرش درخواست صدور پروانه کارشناسی رسمی هر یک از متقاضیان مانع از تقاضای مجدد آنان برای دفعات بعدی نخواهد بود. ماده ۱۶ - کسانی که تا تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون دارای پروانه کارشناسی رسمی معتبر باشند ، تا زمانی که براساس قوانین جاری سلب صلاحیت از آنان نشده باشد ، پروانه کارشناسی آنان معتبر بوده و تابع مقررات این قانون خواهند بود. ماده ۱۷ - کارشناسان رسمی جدید به هنگام اخذ پروانه باید با حضور در جلسه هیات مدیره کانون مربوط با حضور ریاست دادگستری استان یا نماینده وی به شرح زیر سوگند یاد نمایند (به خداوند متعال سوگند یاد میکنم در امور کارشناسی که به من ارجاع میگردد خداوند متعال را حاضر و ناظر دانسته ، به راستی و درستی نظر خود را اظهار نمایم و اغراض شخصی خود را در آن دخالت ندهم و تمام نظر خود را نسبت به موضوع کارشناسی اظهار نمایم و هیچ چیز را مکتوم ندارم و برخلاف واقع چیزی نگویم و نویسم و رازدار و امین باشم) ماده ۱۸ - در تمامی مواردی که رجوع به کارشناسی لازم باشد به استثنای مواردی که در قوانین و مقررات جاری کشور به گونه دیگری برای وزارتخانه ها ، موسسات دولتی ، شرکتهای دولتی ، نهادهای عمومی غیر دولتی و سایر دستگاههای دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا ذکر صریح نام میباشد ، تعیین تکلیف شده است و یا مواردی که تابع قوانین و مقررات خاص میباشد - دستگاههای یادشده در این ماده باید از وجود کارشناسان رسمی استفاده نمایند. تبصره ۱ - ارجاع امر کارشناسی از ناحیه مراجع

قضایی به کارشناس ، تابع قانون آیین دادرسی میباشد. تبصره ۲- کارشناسان رسمی مکلفند در امور ارجاعی در صورت وجود جهات رد ، موضوع را به طور کتبی اعلام و از مبادرت به کارشناسی امتناع نمایند ، در غیر این صورت متخلف محسوب و به مجازات انتظامی موضوع این قانون محکوم میشوند. جهات رد کارشناس رسمی همان جهات رددادرس مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی میباشد. ماده ۱۹- اظهار نظر کارشناسی باید مستدل و صریح باشد و کارشناسان رسمی مکلفند نکات و توضیحاتی که برای تبیین نظریه ضروری است و یا توسط شورای عالی کارشناسان مشخص میگردد به طور کامل در آن منعکس نمایند. کارشناس رسمی موظف است در حدود صلاحیت خود نظر کارشناسی را به طور کتبی و در مهلت مقرر به مراجع ذیربط تسلیم و نسخه‌ای از آن را تا مدت حداقل پنج سال بعد از تاریخ تسلیم نگهداری نماید. تبصره - در مواردی که انجام معاملات مستلزم تعیین قیمت عادلانه روز از طرف کارشناس رسمی است ، نظریه اعلام شده حداکثر تا شش ماه از تاریخ صدور معتبر خواهد بود. ماده ۲۰- دادسرای انتظامی هر یک از کانونها ، مرجع تعقیب تخلفات انتظامی کارشناسان رسمی متخلف حوزه آن کانون میباشد. دادستان دادسرای انتظامی هر کانون از بین کارشناسان رسمی به وسیله مجمع عمومی آن کانون برای مدت چهار سال انتخاب خواهد شد و دادیاران دادسرای انتظامی از بین کارشناسان رسمی کانون مربوط به پیشنهاد دادستان و تایید هیات مدیره آن کانون به تعداد لازم تعیین میشوند. دادسرای انتظامی پس از رسیدگی به شکایات ارجاعی در صورتی که عقیده بر تخلف داشته باشد ، کیفرخواست صادر و در غیر این صورت قرار منع تعقیب خواهد داد. قرار منع تعقیب ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ از طرف شاکی یا رییس هیات مدیره هر کانون قابل اعتراض در دادگاه انتظامی کانون مربوطه میباشد و چنانچه دادگاه انتظامی مزبور قرار منع تعقیب را صحیح ندانست ، به موضوع رسیدگی و حکم مقتضی صادر میکند. تبصره - مرجع تعقیب تخلفات انتظامی اعضای هیات مدیره و دادستان و بازرسان کانون استانها ، دادسرای انتظامی قضات میباشد. ماده ۲۲- هر گاه تخلف کارشناس رسمی عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین را داشته باشد ، دادسرای انتظامی کانون مربوط مکلف است مراتب را برای رسیدگی به جنبه جزایی آن در اسرع وقت به مراجع قضایی صالح اعلام دارد و چنانچه علاوه بر جرایم مزبور تخلف انتظامی داشته باشد ، مطابق این قانون و آیین نامه های آن به تخلف انتظامی رسیدگی و اقدام لازم معمول دارد. تصمیم مراجع قضایی مزبور مانع اجرای مجازات های انتظامی کارشناسان رسمی نخواهد بود. ماده ۲۳- مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی کلیه کارشناسان هر استان ، دادگاه انتظامی مربوطه میباشد. اعضای دادگاه به شرح زیر برای مدت چهارسال انتخاب میگردند ۱- یک نفر حقوقدان که حداقل ده سال سابقه کار داشته باشد به انتخاب رییس قوه قضاییه ۲- رییس هیات مدیره کانون مربوطه یا یکی از اعضای هیات مدیره به انتخاب رییس کانون ۳- یک نفر کارشناس رسمی در رشته مربوط به انتخاب رییس کانون مربوطه تبصره ۱- ریاست دادگاه با عضو حقوقدان خواهد بود. تبصره ۲- چنانچه نیاز به شعبه یا شعب دیگر دادگاه باشد با درخواست کانون مربوطه و تصویب رییس قوه قضاییه تشکیل خواهد شد. ارجاع پرونده به شعبه یا شعبه به عهده رییس شعبه اول خواهد بود. تبصره ۳- تصمیمات دادگاه انتظامی از جانب هیات مدیره کانون مربوطه و از طرف محکوم علیه ظرف یک ماه پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی است تبصره ۵- تصمیمات دادگاه انتظامی و دادرهای انتظامی در مورد کارشناسان رسمی به وسیله پست سفارشی به نشانی مندرج در پرونده عضویت کانون ابلاغ میشود و هرگاه کارشناس رسمی تغییر نشانی خود را کتبا اعلام ننموده باشد آخرین نشانی موجود در پرونده معتبر خواهد بود. تبصره ۶- موارد اعضای دادگاه انتظامی همان موارد رد دادرسان میباشد ، در صورت وجود جهات رد فرد دیگری به ترتیب گفته شده در همین ماده تعیین خواهد شد. تبصره ۷- هرگاه رسیدگی به شکایت انتظامی در امور کارشناسی مستلزم انجام کارشناسی مجدد توسط سایر اعضای کانون کارشناسان رسمی باشد ، پرداخت دستمزد کارشناسی طبق تعرفه قانونی به عهده شاکی میباشد. ماده ۲۴- مرجع تجدید نظر نسبت به آرای قابل تجدید نظر ، دادگاه تجدید نظر کارشناسان رسمی میباشد که در تهران مستقر میگردد و اعضای آن به شرح ذیل انتخاب میگردند الف - یک نفر حقوقدان با ده سال سابقه کار به انتخاب رییس قوه قضاییه ب - رییس

شورای عالی کارشناسان یا نماینده وی. ج - یک نفر کارشناس در رشته مربوطه به انتخاب شورای عالی کارشناسان ماده ۲۵ - هرگاه رییس قوه قضاییه یا وزیر دادگستری و یا سه نفر از اعضای هیات مدیره هر کانون استان (در مورد کارشناسان کانون مربوطه از سورتار و یا اعمال منافی با شئون و حیثیت کارشناسی کارشناسان رسمی اطلاع حاصل کنند، میتوانند با ارائه ادله خود از دادگاه انتظامی تعلیق موقت او را تا صدور حکم قطعی بخواهند در این صورت دادگاه مزبور خارج از نوبت این درخواست را رسیدگی و مستند به دلایل ابرازی، رای مقتضی صادر میکند. دادسرای انتظامی کانون مربوطه مکلف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ وصول حکم تعلیق موقت، نسبت به اتهامات وارده به کارشناسان مذکور رسیدگی و پرونده را جهت صدور رای به دادگاه انتظامی ارسال دارد. تبصره - مرجع رسیدگی به تجدید نظرخواهی همان مرجع معین شده در ماده (۲۴) این قانون برای تجدید نظر میباشد. ماده ۲۶ - تخلفات و مجازاتهای انتظامی به قرار ذیل است الف - تخلفات ۱ - عدم حضور در مراجع صالحه در وقت مقرر بدون عذر موجه ۲ - توسل به معاذیری که خلاف بودن آنها بعدا ثابت شود. ۳ - مسامحه و سهل انگاری در اظهار نظر، هرچند موثر در تصمیمات مراجع صلاحیتدار باشد یا نباشد. ۴ - تسلیم اسناد و مدارک به اشخاصی که قانونا حق دریافت آن را ندارند و یا امتناع از تسلیم آنها به اشخاصی که حق دریافت دارند. ۵ - سورتار و اعمال خلاف شئون شغلی. ۶ - نقض قوانین و مقررات در اظهار نظر کارشناسی. ۷ - انجام کارشناسی و اظهار نظر با وجود جهاد رد قانونی. ۸ - انجام کارشناسی و اظهار نظر دراموری که خارج از صلاحیت کارشناس است ۹ - انجام کارشناسی و اظهار نظر برخلاف واقع و تبانی. ۱۰ - انجام کارشناسی و اظهار نظر با پروانه ای که اعتبار آن منقضی شده باشد. ۱۱ - افشا اسرار و اسناد محرمانه ۱۲ - اخذ وجه یا مال یا قبول خدمت مازاد بر تعرفه دستمزد و هزینه مقرر در قوانین یا دستورات مراجع صلاحیتدار. ۱۳ - انجام کارشناسی و اظهار نظر در زمان تعلیق، محرومیت از حقوق اجتماعی و یا اثبات فقد شرایط موضوع ماده (۱۵) این قانون ب - مجازاتها به ترتیب درجه ۱ - توبیخ با درج در پرونده کارشناس در کانون ۲ - محدود کردن اختیارات فنی کارشناس رسمی برای مدت یک سال ۳ - محدود کردن اختیارات فنی کارشناس رسمی برای مدت سه سال ۴ - محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی رسمی از سه ماه تا یک سال ۵ - محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی رسمی از یک ماه تا سه سال ۶ - محرومیت دائم از اشتغال به امر کارشناسی رسمی. تبصره ۱ - مرتکبین هر یک از تخلفات ردیفهای (۱)، (۲) و (۳) حسب مورد به مجازات درجه یک تا سه انتظامی محکوم میگرددند. مرتکبین هر یک از تخلفات ردیف های (۴)، (۵) و (۶) حسب مورد به مجازات درجه سه تا پنج انتظامی محکوم میگرددند. مرتکبین هر یک از تخلفات ردیف های (۷)، (۸)، (۹)، (۱۰)، (۱۱) و (۱۲) حسب مورد به مجازات درجه پنج تا شش انتظامی محکوم میگرددند. مرتکبین هر یک از تخلفات ردیف (۱۳) به مجازات درجه شش انتظامی محکوم میگرددند. تبصره ۲ - اعمال ارتكابی کارشناس، چنانچه علاوه بر تخلف انتظامی، واجد وصف کیفری باشد، دادگاه انتظامی مکلف است پرونده امر را عینا به مرجع قضایی صلاحیتدار ارسال نماید. تبصره ۳ - هیات مدیره هر کانون مکلف است از تمدید پروانه کارشناسی رسمی کسانی که سه بار ظرف سه سال به مجازاتهای انتظامی محکوم میشوند خودداری کند. این گونه کارشناسان رسمی میتوانند پس از مدت دو سال از تاریخ لغو پروانه مجددا تقاضای تمدید پروانه کارشناسی رسمی نمایند، مگر اینکه به مجازات انتظامی محرومیت دائم یا موقت از اشتغال به امر کارشناسی رسمی محکوم شده باشند. ماده ۲۷ - هیات مدیره هر کانون در صورت احراز زوال و وثاقت و شرایط مذکور در بندهای (الف)، (ب)، (ج)، (د)، (ه) ماده (۱۵) این قانون در مورد کارشناس رسمی، به طور موقت از تمدید پروانه خودداری میکند و سریعاً موضوع را به دادگاه انتظامی کانون مربوطه اعلام مینماید. مرجع مذکور مکلف است ظرف حداکثر سه ماه از تاریخ وصول نسبت به موضوع اتخاذ تصمیم کند و نظر نهایی را به هیات مدیره کانون مربوط ارجاع دهنده اعلام نماید. ماده ۲۸ - رییس هیات مدیره هر کانون مسوول اجرای احکام قطعی دادگاه انتظامی و دادگاه تجدید نظر کارشناسان در مورد کارشناسان متخلف میباشد. ماده ۲۹ - دستمزد کارشناسی رسمی طبق تعرفه ای است که با پیشنهاد شورای عالی کارشناسان به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید و

هر دو سال یک بار قابل تجدید نظر میباشد. قضات دادگاهها در مورد دستمزد کارشناسی مطابق ماده (۲۶۴) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ ۱۱ ۲ اقدام خواهند کرد. تبصره - ضوابط تعیین هزینه های خدمات کارشناسی به پیشنهاد شورای عالی کارشناسان و تصویب رییس قوه قضاییه مشخص خواهد شد و پرداخت آن بر عهده متقاضی است ماده ۳۰ - هزینه های مربوط به هر کانون از محل های زیر تامین میگردد الف - حق عضویت و حق صدور یا تمدید پروانه کارشناسی رسمی هر دو سال یک بار قابل تجدید نظر است ب - پنج درصد (۵٪) از حق الزحمه کارشناسان رسمی. ج - وجوهی که برای موارد خاص به تصویب مجمع عمومی از کارشناسان رسمی و یا متقاضیان کارشناسی رسمی اخذ خواهد شد. تبصره - پرداخت حق حضور اعضای غیر کارشناس در هیات انتظامی و کمیسیون ها و سایر مخارج مربوط برعهده شورای عالی کارشناسان است که به نسبت از کانون ها اخذ خواهد نمود. ماده ۳۱ - کلیه مراجع قضایی و انتظامی، وزارتخانه ها، سازمان ها، موسسات، شرکت ها، بانک ها، شهرداری ها، بنیادها، نهادهای انقلاب اسلامی و اشخاص حقوقی اعم از دولتی و غیر دولتی و سایر مراجع عمومی و دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا ذکر صریح نام است موظف هستند مبلغ بند(ب) ماده ۳۰ این قانون را از دستمزد کارشناسان رسمی کسر و به حساب کانون مربوط واریز نمایند. همچنین مکلف میباشند مالیات متعلقه را نیز با رعایت قوانین مالیاتی کسر و به حساب خزانه داری کل واریز کنند. ماده ۳۲ - در مواردی که هیات مدیره هر کانون استان، تجدید نظر در صلاحیت فنی کارشناس رسمی را ضروری تشخیص دهد پیشنهاد خود را با دلایل مربوط به شورای عالی کارشناسان ارائه خواهد نمود. شورای عالی با کسب نظر مشورتی از کمیسیون تشخیص صلاحیت علمی و فنی رشته مربوط تصمیم نهایی را در خصوص موضوع اتخاذ مینماید هیات مدیره هر کانون پس از دریافت تصمیم شورای عالی مبنی بر موافقت با محدود کردن صلاحیت فنی کارشناس رسمی، تصمیم یاد شده را به مورد اجرا میگذارد. اعاده صلاحیت کارشناس رسمی منوط به شرکت و موفقیت در کلاسهای بازآموزی یا کلاسهای مشابه مورد تایید کانون مربوط و با موافقت شورای عالی کارشناسان خواهد بود. ماده ۳۳ - کارشناسانی که مستخدم شاغل دولت یا موسسات دولتی یا شرکتهای دولتی و وابسته به دولت یا شهرداری ها یا سایر نهادهای عمومی غیردولتی و یا سایر شرکتهای دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا ذکر صریح نام است، میباشند، نمیتوانند در دعاوی و سایر امور مستلزم امر کارشناسی رسمی که مربوط به دستگاه متبوع آنهاست به عنوان کارشناس رسمی مداخله و اظهار نظر کنند مگر اینکه در آن رشته کارشناس رسمی دیگری وجود نداشته و یا مرضی الطرفین باشند یا آنکه کارمند مذکور طبق مقررات مربوط به آن دستگاه قانونا ملزم به اظهار نظر باشد. هیچ کدام از مراجع قضایی و ادارات دادگستری و ثبت اسناد و املاک نمیتوانند امر کارشناسی رسمی را به کارشناسانی که کارمند شاغل قضایی یا اداری دادگستری یا ثبت اسناد و املاک میباشند ارجاع کنند مگر اینکه در آن رشته جز قاضی و یا کارمند شاغل، کارشناس دیگری وجود نداشته باشد. ماده ۳۴ - مقررات تبصره الحاقی به بند (۲۴) ماده (۵۵) قانون شهرداری ها مصوب ۱۳۵۲ ۴ ۵ - و اصلاحات بعدی در مورد کارشناسان رسمی و مترجمان رسمی دادگستری نیز جاری است ماده ۳۵ - در صورت فوت و یا حجر کارشناس رسمی و یا محرومیت دایم از کارشناسی رسمی، با اعلام ذینفع، نماینده کانون مربوط به اتفاق نماینده مرجع قضایی محل ضمن تنظیم صورتجلسه لازم بر گها و اسناد راجع به امور کارشناسی را جمع کرده در کانون، بایگانی مینماید و در صورتی که بین آنها اشیا یا اسنادی، با ارائه دلایل کافی توسط مدعی، متعلق به اشخاص باشد به صاحبان آنها رد میکند. ماده ۳۶ - در هر یک از رشته های کارشناسی که اظهار نظر کارشناس رسمی نسبت به موضوع ارجاع شده لزوما محتاج به کسب اطلاعاتی است که تنها در اختیار وزارتخانه ها، موسسات دولتی، شرکتهای دولتی و وابسته به دولت، نهادهای عمومی غیر دولتی و سایر شرکتهای دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا ذکر صریح نام است، میباشد، کارشناس مذکور مکلف به مراجعه به دستگاه یا دستگاههای ذیربط بوده و دستگاه یا دستگاههای یاد شده نیز موظف به در اختیار گذاشتن اطلاعات مورد نیاز برای اظهار نظر کارشناسی رسمی میباشند. تبصره - اطلاعات طبقه بندی شده و غیر

قابل انتشار دستگامهای مورد اشاره در این ماده از حکم مذکور مستثنی می‌باشد و طبق مقررات قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۲ ۱۱ ۱۳۷۹ در اختیار کارشناس ذیربط قرار خواهد گرفت کارشناس مزبور تنها این اطلاعات را در حیطه وظایف و مسوولیت‌های خود در رابطه با امر ارجاع شده اعمال خواهد کرد و به کارگیری و یا افشای آن در غیر مورد مذکور ممنوع است در غیر این صورت مشمول مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی - مصوب ۲۹ ۱۱ ۱۳۵۳ - در قسمتهای ذیربط آن خواهد بود. ماده ۳۷ - هرگاه کارشناس رسمی با سو نیت ضمن اظهار عقیده در امر کارشناسی بر خلاف واقع چیزی بنویسد و یا در اظهار عقیده کتبی خود راجع به امر کیفی و یا حقوقی تمام ما وقع را ذکر نکند و یا بر خلاف واقع چیزی ذکر کرده باشد جاعل در اسناد رسمی محسوب میگردد و همچنین هرگاه کارشناس رسمی در چیزی که برای آزمایش در دسترس او گذاشته شده با سو نیت تغییر بدهد به مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم میشود و اگر گزارش خلاف واقع و اقدامات کارشناس رسمی در حکم دادگاه موثر واقع شده باشد کارشناس مذکور به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد. حکم یاد شده در مورد خبرگان محلی نیز لازم الرعایه می‌باشد. ماده ۳۸ - صدور پروانه برای کارشناسان رسمی فقط برای یک رشته کارشناسی مجاز است ماده ۳۹ - کلیه کانونهای موجود مکلفند حداکثر ظرف سه ماه از زمان لازم الاجرا شدن این قانون وضعیت خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند. ماده ۴۰ - آیین نامه اجرایی این قانون ظرف سه ماه از تاریخ تصویب توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۴۱ - قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۲۳ ۱۱ ۱۳۱۷ و قانون راجع به اصلاح قانون کارشناسان رسمی وزارت دادگستری مصوب ۱۴ ۲ ۱۳۳۹ و لایحه قانونی استقلال کانون کارشناسان رسمی مصوب ۱ ۸ ۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران لغو میشوند. قانون فوق مشتمل بر چهل و یک ماده و سی و نه تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ هجدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۸ ۱ ۱۳۸۱ به تایید شورای نگهبان رسیده است

دستورالعمل اجرایی نحوه صدور پروانه تخصصی اشتغال برای مشاورین املاک و خودرو - مصوب ۱۳۸۴

ریاست محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران احتراماً به پیوست یک نسخه « دستورالعمل اجرائی نحوه صدور پروانه تخصصی اشتغال برای مشاورین املاک و خودرو » که به امضاء ریاست محترم سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و امضاء وزیر محترم بازرگانی و تنفیذ ریاست معظم قوه قضائیه در تاریخ ۱۶/۴/۱۳۸۴ رسیده است جهت چاپ در آن روزنامه ارسال می‌گردد. مدیر کل حوزه ریاست و دبیرخانه - سیدعلی میرهادی دستورالعمل اجرایی نحوه صدور پروانه تخصصی اشتغال برای مشاورین املاک و خودرو فصل اول: کلیات و تعاریف ماده ۱- مشاور املاک و خودرو که در این دستورالعمل به اختصار مشاور خوانده می‌شود به شخصی اطلاق می‌گردد که با داشتن شرایط لازم به امر خرید و فروش املاک و خودرو یا دلالتی و واسطه‌گری معاملات مذکور با رعایت قوانین و مقررات حاکم بر آنها مبادرت می‌نماید. تبصره - مشاوران املاک موضوع این دستورالعمل به مشاوران درجه ۱ و مشاوران درجه ۲ تقسیم می‌شوند. ماده ۲- اشتغال به شغل مشاور املاک و خودرو منوط به داشتن پروانه کسب از اتحادیه مربوطه و پروانه تخصصی از سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌باشد. فصل دوم: شرایط و ضوابط دریافت پروانه تخصصی اشتغال ماده ۳- مشاور علاوه بر شرایط مندرج در آیین نامه اجرایی تبصره ۱ ماده ۱۲ قانون نظام صنفی، برای دریافت پروانه تخصصی اشتغال باید دارای شرایط ذیل باشد. ۱-۳- داشتن تحصیلات ششم ابتدایی قدیم و یا سوم راهنمایی نظام جدید. ۲-۳- داشتن توانایی و صلاحیت فنی متناسب با شغل مورد درخواست به تشخیص سازمان ثبت اسناد و املاک کشور. ۳-۳- دادن تأمین مناسب یا پرداخت وجه‌الضمان یا ضمانت‌نامه بانکی یا وثیقه مناسب یا معرفی ضامن معتبر به منظور جبران خسارتهای احتمالی وارده به اشخاص به اتحادیه صنف. ۴-۳- پرداخت وجه موضوع بند ۱ ماده ۵۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰. فصل سوم:

وظایف و اختیارات مشاورین ماده ۴- مشاور باید مقررات، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های صادره از وزارت بازرگانی، سازمان ثبت و سایر مراجع ذیصلاح را دقیقاً به مورد اجرا گذارد. ماده ۵- مشاور مسئول حُسن اداره امور، حفظ و نگهداری دفاتر، اوراق، اسناد، مدارک و مهر مربوطه می‌باشد. ماده ۶- مشاور مکلف است در جهت ارتقاء دانش فنی و حقوقی در دوره‌های آموزشی که با همکاری و نظارت سازمان ثبت در نظر گرفته شده است، شرکت نماید. ماده ۷- مشاور باید پروانه کسب و تعرفه حق الزحمه خدمات خود که در اجرای ماده ۵۱ قانون نظام صنفی توسط اتحادیه ابلاغ می‌شود را در محل کار خود به طوری که قابل دید باشد الصاق نماید. ماده ۸- مشاور موظف است قراردادها را در اوراق مخصوصی که توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تدوین و تایید گردیده، تنظیم نماید. ماده ۹- مشاور موظف است به هنگام تنظیم قرارداد، هویت، مالکیت و سمت متعاملین و یا طرفین قرارداد را احراز نماید. ماده ۱۰- مشاور مکلف است یک نسخه از قرارداد تنظیمی را در بایگانی مربوطه نگهداری کند. قرارداد به تعداد متعاملین با یک نسخه اضافه تنظیم می‌شود. متعاملین می‌توانند در صورت نیاز از اصل قرارداد رونوشت یا تصویر برابر اصل اخذ نمایند. ماده ۱۱- مشاور باید مفاد قراردادهای تنظیمی را در دفتر ثبت قراردادها که به صورت پلمپ و برگ شماری شده و توسط اتحادیه صنف مزبور در اختیار وی قرار می‌گیرد ثبت و همزمان با عقد قرارداد به امضای کلیه اشخاصی که قرارداد را امضاء نموده‌اند برساند. تبصره: نمونه اولیه دفتر ثبت قراردادها پس از تایید سازمان ثبت به وسیله اتحادیه چاپ و در اختیار اعضای قرار می‌گیرد. ماده ۱۲- قراردادها باید خوانا، بدون قلم خوردگی، با جوهر ثابت و در چارچوب طرح قرارداد تیپ اعلامی از سوی سازمان ثبت اسناد، و ابلاغی از سوی هیات عالی نظارت تنظیم گردد. ماده ۱۳- مشاور موظف است برای تنظیم قراردادها از نظرات کارشناس فنی یا حقوقی حسب مورد استفاده نموده و قرارداد تنظیمی را به امضای آنان برساند. تبصره ۱: در مورد تنظیم قرارداد اجاره حضور شهود و امضای قرارداد توسط آنها الزامی است. تبصره ۲: در مورد واحدهای تاسیس شده، الزام به استفاده از نظرات کارشناس فنی یا حقوقی حسب مورد و امضاء قراردادها از سوی آنان، در طی برنامه زمانبندی روشن دیگری که توسط هیات عالی نظارت ابلاغ می‌گردد به اجرا در خواهد آمد. ماده ۱۴- مشاور باید طرفین قرارداد را از مفاد آن به طور کامل مطلع سازد. ماده ۱۵- مشاور نباید قراردادی که مخالف قوانین و نظامات دولتی باشد تنظیم و ثبت نماید. ماده ۱۶- در صورتی که مشاور در نفس قرارداد منتفع یا سهیم باشد و با طرفین قرارداد قرابت نسبی و یا سببی طبقه اول و طبقه دوم و درجه اول تا طبقه سوم داشته باشد باید به طرفین اطلاع داده و الا مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود. ماده ۱۷- هرگاه طرفین یا یکی از آنها زبان فارسی را ندانند و مشاور نیز زبان آنها را نداند اظهارات آنها باید به وسیله فرد مورد اعتماد طرفین یا مترجم رسمی ترجمه شده و مراتب تفهیم و در دفتر قید و توسط فرد مورد اعتماد و مترجم و مشاور گواهی شود. ماده ۱۸- تراشیدن و پاک کردن و الحاق به هر نحوی از انحاء در قرارداد و در دفتر ثبت قراردادها ممنوع است. هرگونه اصلاح عبارتی یا توضیحی لازم باشد باید در قرارداد و ثبت دفتر یا هر دو حسب مورد منعکس و به امضای کلیه امضاء کنندگان و مشاور برسد. ماده ۱۹- در صورتی که طرفین قرارداد و یا یکی از آنها کور، کر و یا گنگ و بی سواد باشد هریک از اشخاص مذکور باید یک نفر معتمد در موقع تنظیم قرارداد، ثبت و امضای آن همراه داشته باشد. معتمد مزبور در مورد اشخاص کر و گنگ باید از جمله اشخاصی باشد که بتواند با اشاره، مطلب را به آنها بفهماند. در مورد این ماده مراتب در قرارداد و دفتر ثبت قراردادها قید و به امضای معتمد یا معتمدین نیز خواهد رسید. ماده ۲۰- در صورت اقاله و یا فسخ قرارداد یا عدم اجرا یا موقوف ماندن آن، مشاور مکلف است مراتب را در ستون مربوطه با ذکر تاریخ درج و پس از امضای طرفین، امضاء و مهر نماید. ماده ۲۱- مشاور مکلف است در زمان تنظیم قرارداد در صورتی که موضوع از جمله مواردی است که باید در دفاتر اسناد رسمی به ثبت برسد طرفین را جهت تنظیم و ثبت آن به یکی از دفاتر اسناد رسمی هدایت نماید. در سایر قراردادهای تنظیمی نیز مشاور به منظور تثبیت حقوق طرفین و جلوگیری از اختلاف و طرح دعاوی در محاکم، طرفین را به ثبت رسمی قرارداد توصیه و تشویق نماید. ماده ۲۲- مهر و تابلوی مورد استفاده مشاور باید طبق نمونه متحدالشکل مورد تایید اتحادیه مربوطه باشد.

ماه ۲۳- مشاور و کارکنان وابسته باید از مبالغه، اغراق و ارایه اطلاعات نادرست و پنهان کردن حقایق مربوط به موضوع قرارداد خودداری نمایند. ماده ۲۴- مشاور حق قیمت گذاری و یا ارزش گذاری نسبت به موضوع قرارداد را ندارد. فصل چهارم: امور اداری و مالی ماده ۲۵- حق الزحمه مشاور مطابق تعرفه‌ای خواهد بود که طبق ماده ۵۱ قانون نظام صنفی توسط کمیسیون نظارت شهرستانها تعیین و توسط اتحادیه ابلاغ می شود. تبصره: مشاور غیر از حق الزحمه مقرر حق دریافت هیچ گونه مالی اعم از وجه نقدی و یا غیرنقدی ندارد، تخلف از این امر پیگرد قانونی دارد. ماده ۲۶- پرداخت حق الزحمه مشاور به میزان مقرر در تعرفه اعلام شده بالمناصفه به عهده طرفین قرارداد است مگر به نحو دیگری توافق شده باشد. در هر صورت قید میزان حق الزحمه و نحوه پرداخت مورد توافق در متن قرارداد تنظیمی همراه با شماره رسید الزامی است. ماده ۲۷- مشاورین املاک با لحاظ معیارهایی از قبیل داشتن صلاحیتهای فنی، میزان تحصیلات دانشگاهی، شرکت در دوره‌های آموزشی، استفاده از کارشناسان فنی و حقوقی و ایجاد چارت تشکیلاتی و محل مناسب، حوزه فعالیت و سابقه اشتغال، به مشاور درجه ۱ و مشاور درجه ۲ تقسیم می شوند. ماده ۲۸- مشاور املاک درجه ۱ می تواند نسبت به واسطه‌گری و خرید و فروش املاک به هر میزان اقدام و قراردادهای مربوط را تنظیم نماید. ماده ۲۹- مشاور املاک درجه ۲ می تواند نسبت به واسطه‌گری و خرید و فروش املاک اقدام نماید که میزان آن را وزارت بازرگانی با جلب نظر سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تعیین می کند. ماده ۳۰- مشاورین خودرو می توانند نسبت به واسطه‌گری و خرید و فروش انواع خودرو به هر میزان که باشد اقدام و قراردادهای مربوطه را تنظیم نمایند. ماده ۳۱- مشاور املاک و خودرو نمی تواند در بیش از یک دفتر محل فعالیت داشته باشد. تبصره: محل مشاور با درخواست وی طبق ضوابط مربوطه و موافقت اتحادیه ذیربط تعیین خواهد شد. فصل پنجم: نظارت بر عملکرد و نحوه رسیدگی به تخلفات مشاورین ماده ۳۲- علاوه بر بازرسان و ناظران کمیسیونهای نظارت و بازرسی اتحادیه‌های صنفی، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و ادارات تابعه سازمان نیز به استناد تبصره ماده ۹۱ قانون نظام صنفی کشور در موقع مقتضی می توانند از محل کار و اسناد و مدارک موجود مشاور، بازرسی و نظارت نمایند. مشاور مکلف به همکاری و ارایه مدارک مورد نیاز می باشد. ماده ۳۳- در صورت احراز وقوع تخلف توسط مشاور مراتب به مراجع ذیصلاح حسب مورد جهت بررسی ارجاع خواهد شد. ماده ۳۴- این دستورالعمل در ۳۴ ماده و ۴ تبصره در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۱۵ به تایید و تصویب وزیر محترم بازرگانی و معاون قوه قضاییه و رییس محترم سازمان ثبت اسناد و املاک کشور رسید و پس از تنفیذ ریاست محترم قوه قضاییه حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی (دامت برکاته) قابلیت اجرا در سطح کشور را خواهد داشت.

راهنمایی و رانندگی

وزارت کشور

قانون تاسیس شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور - مصوب ۸/۱۲/۱۳۷۲

ماده ۱- به منظور اعمال سیاستهای جامع و هماهنگ ترافیکی و تهیه خط مشی لازم و بهبود اداره کلیه امور مربوط به امر عبور و مرور همانند طراحی، برنامه ریزی، سازماندهی، هماهنگی، هدایت، نظارت و انتظامات ترافیکی شهرها، شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور که از این پس شورای عالی نامیده می شود، مرکب از اعضای زیر تاسیس می شود: ۱- معاون وزیر کشور، ریاست شورا. ۲- معاون وزیر راه و ترابری ۳- معاون وزیر مسکن و شهرسازی ۴- معاون وزیر پست و تلگراف و تلفن ۵- معاون رییس سازمان برنامه و بودجه ۶- رییس سازمان حفاظت محیط زیست یا معاون وی ۷- فرمانده نیروی انتظامی یا معاون وی مصوبات این شورا پس از تصویب وزیر کشور قابل اجراست ماده ۲- وزارت کشور عهده دار دبیرخانه شورای عالی خواهد بود. ماده ۳- شورای هماهنگی ترافیک استان به ریاست استاندار یا معاون عمرانی وی و با حضور مدیران کل وزارتخانه‌ها و سازمانهای

عضو شورای عالی مستقر در استان و فرمانده ناحیه انتظامی تشکیل می‌شود. تبصره - دبیرخانه شورای هماهنگی ترافیک استان در استانداریها خواهد بود. ماده ۴ - مصوبات شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور که باید در چارچوب قوانین و مقررات کشور باشد با رعایت ماده یک این قانون برای کلیه وزارتخانه‌ها، موسسه‌ها، سازمانهای دولتی، نهادها و موسسه‌های عمومی و خصوصی لازم‌الاجراء است ماده ۵ - وظایف شورای هماهنگی ترافیک استان، همچنین وظایف دبیرخانه شورای عالی و شورای هماهنگی ترافیک استان بر اساس آیین نامه ای خواهد بود که توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد. ماده ۶ - کلیه قوانین و مقررات مغایر از تاریخ تصویب این قانون لغو و بلااثر است تبصره - مصوبات شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور نباید مغایر با مصوبات قانونی شورای عالی شهرسازی و معماری و شورای عالی هماهنگی ترابری کشور باشد.

آیین نامه موضوع ماده (۵) قانون تاسیس شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور - مصوب ۲/۷/۱۳۷۴ هیات وز

ماده ۱ - وظایف شورای هماهنگی ترافیک استان - که از این پس در این آیین نامه به اختصار شورای هماهنگی نامیده می‌شود - عبارت است از: الف - برنامه ریزی برای اجرای مصوبات شورای عالی هماهنگی ترافیک استان - که از این پس در این آیین نامه به اختصار شورای عالی نامیده می‌شود - در سطح استان ب - تدوین خط مشی و سیاستهای جامع و هماهنگ استانی ترافیک درون شهری بر اساس اهداف و سیاستهای ملی منطقه‌ای و مصوبات شورای عالی ج - بررسی و تایید طرحهای جامع حمل و نقل و ترافیک درون شهری - که شرح خدمات آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد - و سایر مطالعات حمل و نقل و ترافیک لازم برای شهرهای استان به منظور بررسی و تصویب شورای عالی د - هماهنگی کلیه امور مربوط به عبور و مرور شهرهای استان بر اساس مصوبات شورای عالی و شرایط منطقه‌ای و محلی به منظور افزایش بهره وری فعالیتها. ه - هماهنگی کلیه اقدامات حمل و نقل و ترافیک درون شهری با اقدامات مشابه برون‌شهری استان بر اساس مصوبات شورای عالی و شرایط استانی و منطقه‌ای ماده ۲ - وظایف دبیرخانه شورای عالی عبارت است از: الف - وظایف عمومی دبیرخانه‌ای از قبیل مکاتبات و امور ارسال و مراسلات ب - امور مربوط به جلسات شورای عالی از قبیل اعلام زمان تشکیل و لغو جلسه به اعضا، تنظیم دستور جلسه تهیه گزارش موضوعات مورد بحث در جلسه و صورتجلسه پ - ثبت نگهداری و ابلاغ مصوبات شورای عالی ت - تهیه و جمع‌آوری اطلاعات لازم و انجام تحقیقات و پژوهش در زمینه حمل و نقل ث - ایجاد بانک اطلاعات در زمینه حمل و نقل شهری در سطح ملی ج - ارایه شاخصها و معیارها و استانداردها و آمار و اطلاعات فنی و کارشناسی و مدیریتی به شورای عالی چ - پیگیری تهیه و اجرای طرحهای جامع حمل و نقل بر اساس اولویتهای مصوب ح - شناسایی و دسته‌بندی مهندسی مشاور و پیمانکاران داخلی و خارجی صاحب صلاحیت خ - تهیه و تدوین شرح خدمات در امر حمل و نقل د - ارائه خدمات فنی و تشکیلاتی و مشورتی به شورای هماهنگی استانها. ذ - ایجاد هماهنگی لازم در کلیه امور مربوط به حمل و نقل و ترافیک درون شهرهای استان و اقدامات مشابه برون شهری بر اساس مصوبات شورای عالی و شرایط استانی ر - برگزاری نشستها و نمایشگاههای تخصصی با همکاری سازمانهای ذی‌ربط به منظور نیل به اهداف مذکور در قانون ماده ۳ - دبیرخانه شورای عالی زیر نظر دبیر شورا که با حکم رییس شورا منصوب می‌شود، فعالیت می‌کند و محل آن معاونت امور هماهنگی عمرانی وزارت کشور است ماده ۴ - دبیر شورای عالی ریاست جلسات فرعی را که به منظور فراهم آوردن زمینه اجرای مصوبات شورای عالی تشکیل می‌شود، بر عهده دارد و کلیه مکاتبات دبیرخانه با امضای وی انجام می‌شود. ماده ۵ - وظایف دبیرخانه شورای هماهنگی عبارت است از: الف - وظایف عمومی دبیرخانه ای از قبیل مکاتبات و امور ارسال و مراسلات ب - امور مربوط به جلسات شورای هماهنگی از قبیل اعلام زمان تشکیل و لغو جلسه به اعضا، تنظیم دستور جلسه تهیه گزارش موضوعات مورد بحث در جلسه و صورتجلسه پ - ثبت نگهداری و ابلاغ مصوبات شورای هماهنگی ت - گردآوری آمار و ایجاد بانک اطلاعاتی مربوط به حمل و نقل و ترافیک شهرهای استان ث - نظارت بر تهیه طرحهای جامع حمل و نقل شهرها. ج - بررسی

و ارزیابی طرحها و برنامه‌های مطرح شده چ - ارایه گزارش به شورای هماهنگی ح - انجام پژوهش و تحقیقات در امر حمل و نقل شهری خ - همکاری با دبیرخانه شورای عالی در زمینه تدوین و ارایه شاخصها و معیارهای لازم د - انجام امور کارشناسی جهت تدوین سیاستهای جامع و هماهنگ حمل و نقل درون شهری برای شهرهای استان بر اساس اهداف مصوب ذ - برگزاری سمینارها و تشکیل نمایشگاههای لازم در زمینه حمل و نقل و ترافیک شهری در سطح استان با تصویب شورای هماهنگی ماده ۶ - دبیرخانه شورای هماهنگی زیر نظر دبیر شورا که با حکم رییس شورا منصوب می شود، فعالیت می کند و محل آن معاونت امور عمرانی استانداری است ماده ۷ - دبیر شورای هماهنگی ، ریاست جلسات فرعی را که به منظور فراهم آوردن زمینه اجرای مصوبات شورای هماهنگی تشکیل می شود ، بر عهده دارد و کلیه مکاتبات دبیرخانه با امضای وی انجام می شود.

تصوینامه در خصوص اجرای طرح تعویض پلاک خودروها - مصوب ۱۳۸۲

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۵/۵/۱۳۸۲ بنا به پیشنهاد شماره ۶۱/۶/۱/۴۵۱۰۵ مورخ ۶/۵/۱۳۸۲ وزارت کشور و به استناد بند (ب) تبصره (۱۱) قانون بودجه سال ۱۳۸۲ کل کشور تصویب نمود: ۱- به نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می شود با موافقت وزارت کشور در سال ۱۳۸۲ برای اجرای طرح تعویض پلاک خودروها به ازای هر دستگاه خودرو مبلغ پنجاه هزار (، ۵۰، ۰۰۰) ریال (به استثنای خودروهایی که قبلاً وجه پرداخت نموده اند) دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور (نزد خزانه داری کل) ردیف ۵۱۰۲۰۷ قسمت سوم این قانون واریز نماید. ۲- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلف است خدمات خودرویی خود را به طور مستقیم از طریق شرکت پست جمهوری اسلامی ایران انجام دهد. ۳- اجرای طرح تعویض پلاک خودروها منوط به موافقت وزارت کشور می باشد. ۴- وزارت کشور با همکاری دستگاه های ذی ربط طرح جامع تعویض پلاک خودرو را تهیه و حداکثر ظرف یک ماه ارائه نماید. معاون اول رئیس جمهور - محمدرضا عارف

تصمیم نمایندگان ویژه رییس جمهور در خصوص دریافت کارت هوشمند سوخت خودرو - مصوب ۱۳۸۶/۸/۲۱

تصمیم نمایندگان ویژه رییس جمهور در مورد اجرای تبصره (۱۳) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور و ساماندهی و توسعه حمل و نقل عمومی، خارج کردن خودروهای فرسوده و مدیریت مصرف سوخت و گازسوز کردن خودروها و کاهش تقاضای مصرف که در جلسه مورخ ۱۷/۳/۱۳۸۶ به استناد اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با رعایت تصویب نامه شماره ۳۷۲۱۳/ت/۴۴۵۲۵ مورخ ۲۶/۳/۱۳۸۶ اتخاذ شده است، به شرح زیر برای اجرا ابلاغ می گردد: ۱- آن دسته از افرادی که تاکنون موفق به دریافت کارت هوشمند سوخت خودرو خود نشده اند، از طریق آگهی منتشره در جراید و یا ادارات پست برای دریافت آن اقدام نمایند. ادارات پست پس از بررسی فرمهای تکمیل شده و تطبیق آنها با کارتهای معطله موجود در پست و نیروی انتظامی و تسجیل اطلاعات خودرو و مالک آن نسبت به تحویل کارتها در آدرسهای تعیین شده اقدام نماید. ۲- از آنجایی که تمامی جایگاههای عرضه بنزین در کشور صرفاً با کارت هوشمند سوخت، نسبت به عرضه بنزین اقدام می کنند، به منظور رفاه حال مردم، وزارت نفت مکلف به پیش بینی کارت اضطراری سوخت در جایگاههای بین راهی می باشد. ۳- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است اطلاعات آن دسته از خودروهای اسقاط شده در خارج از حرکت را برای ابطال کارتهای سوخت صادره مربوط به وزارت نفت اعلام نماید. معاون اول رئیس جمهور - پرویز داودی

آیین نامه اجرایی قانون الحاق سه تبصره به بند (۱۲) ماده (۳) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

ماده ۱- در این آیین نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند: الف- نیروی انتظامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ب- شهرداری شهرداری تهران پ- راهنمایی و رانندگی اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران ت- قانون قانون الحاق سه تبصره به بند (۱۲) ماده (۴) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ث- امور راهنمایی و رانندگی شهر تهران کلیه وظایف مرتبط با امور حمل و نقل و ترافیک شهری شامل کنترل، تنظیم و تسهیل عبور و مرور، کنترل معاینه فنی وسایل نقلیه، امور مربوط به تصادفات، اجرییات و اخذ جرایم رانندگی، آموزش همگانی و سایر مواردی که به موجب قوانین و مقررات به عهده نیروی انتظامی واگذار شده یا خواهد شد. ماده ۲- ساختار تشکیلاتی راهنمایی و رانندگی جز لاینفک نیروی انتظامی بوده و همچنان به عنوان واحدی از تشکیلات یکپارچه آن نیرو تلقی می‌گردد. ماده ۳- شهرداری مکلف است همه ساله سیاستها و برنامه‌های خود را در خصوص انجام امور راهنمایی و رانندگی شهر تهران در چهارچوب قوانین و مقررات مصوب تهیه و به فرمانده نیروی انتظامی اعلام نماید و راهنمایی و رانندگی موظف به اجرای آن می‌باشد. تبصره ۱- موارد ضروری که در طول سال و بر حسب نیاز از سوی شهرداری، در چهارچوب قوانین و مقررات اعلام می‌شود و جزو سیاستها و برنامه‌های سالانه شهرداری منظور نگردیده‌اند، توسط راهنمایی و رانندگی به اجرا در می‌آیند. تبصره ۲- شهرداری تهران موظف است سیاستها و برنامه‌های آن دسته از امور راهنمایی و رانندگی که نیاز به یکنواختی در کل کشور دارد، با سیاستهای کلی اتخاذ شده از سوی نیروی انتظامی هماهنگ نماید. تبصره ۳- رسیدگی و اتخاذ تصمیم در امور اختلاف بین شهرداری و نیروی انتظامی در اجرای این آیین نامه برعهده وزارت کشور است ماده ۴- تامین بودجه و کلیه امکانات اعم از تجهیزات، تاسیسات، اماکن مورد نیاز راهنمایی و رانندگی (به استثنای حقوق و مزایای پرسنل و تجهیزات مخابراتی و سلاح و مهمات برعهده شهرداری است شهرداری موظف است نیازهای راهنمایی و رانندگی را متناسب با مأموریت های محول شده در برنامه‌های خود پیش بینی و بموقع تامین نماید. تبصره ۱- کلیه امکانات و تجهیزات موجود مورد استفاده راهنمایی و رانندگی شامل اماکن، تاسیسات و تجهیزات متعلق به نیروی انتظامی یا شهرداری در راهنمایی و رانندگی باقی می‌ماند تا در راستای انجام وظایف قانونی مورد استفاده قرار گیرد. تبصره ۲- به منظور نظارت بر اجرای بودجه‌های مصوب شهرداری که در اجرای قانون در اختیار نیروی انتظامی قرار می‌گیرد، شهرداری می‌تواند ذیحسابان خود را در راهنمایی و رانندگی مستقر نماید. ماده ۵- به منظور هماهنگی و تسریع در ارایه خدمات مربوط به امور راهنمایی و رانندگی به شهروندان، نیروی انتظامی و شهرداری می‌توانند ضمن ایجاد هماهنگی و با موافقت وزارت کشور و رعایت حدود اختیارات، مناطق راهنمایی و رانندگی را به تعداد مناطق شهرداری افزایش دهند. ماده ۶- راهنمایی و رانندگی مکلف است همواره آمار و اطلاعات مورد نیاز را که به نحوی در امر برنامه ریزی و بهبود حمل و نقل و ترافیک موثر باشد در اختیار شهرداری قرار دهد. ماده ۷- به شهرداری اجازه داده می‌شود به منظور تکمیل نیروهای مورد نیاز راهنمایی و رانندگی و در جهت انجام امور مربوط بنا به درخواست راهنمایی و رانندگی، نیروهای غیرنظامی در بخش ستادی و خدماتی را در اختیار راهنمایی و رانندگی قرار دهد تا با بررسی و رعایت ضوابط مربوط به خدمات گمارده شوند. نیروهای یاد شده تابع مقررات استخدامی شهرداری خواهند بود. تبصره- مأموران غیر نظامی شهرداری موظف به رعایت ضوابط مربوط به امور جاری راهنمایی و رانندگی تهران بوده و در صورت اعلام تخلف از سوی راهنمایی و رانندگی، شهرداری در اسرع وقت برابر مقررات اداری و استخدامی مربوط با متخلف رفتار می‌نماید. ماده ۸- نیروی انتظامی موظف است همواره نیروهای مورد نیاز راهنمایی و رانندگی تهران را در چهارچوب سقف سازمانی از افسران و درجه داران آموزش دیده برای اجرای سیاستها و برنامه‌های شهرداری در امور راهنمایی و رانندگی تامین نماید. ماده ۹- به منظور تعیین سیاستها و برنامه‌های شهرداری، موضوع تبصره (۱) قانون یاد شده در مورد امور مربوط به راهنمایی و رانندگی، شورای حمل و نقل و

ترافیک شهر تهران مرکب از اعضای زیر تشکیل می شود: الف - شهردار تهران به عنوان رییس شورا ب - نماینده وزیر کشور پ - معاون حمل و نقل و ترافیک شهردار تهران ت - رییس راهنمایی و رانندگی تهران ث - مدیر عامل سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران ماده ۱۰ - انتصاب یا عزل رییس راهنمایی و رانندگی توسط فرماندهی نیروی انتظامی با هماهنگی شهرداری صورت می گیرد و در صورت اختلاف نظر تصمیم جانشین فرماندهی کل قوا در نیروی انتظامی وزیر کشور ملاک عمل خواهد بود. ماده ۱۱ - راهنمایی و رانندگی در صورت لزوم در زمینه برقراری امنیت برابر ابلاغیه های نیروی انتظامی انجام وظیفه می نماید.

قانون الحاق یک تبصره به قانون واگذاری امور مربوط به راهنمایی و رانندگی شهر تهران به شهرداری پایتخت

ماده واحده - تبصره زیر به عنوان تبصره ۶ به ماده واحده قانون واگذاری امور مربوط به راهنمایی و رانندگی شهر تهران به شهرداری پایتخت مصوب سال ۱۳۵۳ اضافه می شود. تبصره ۶ - کلیه لوازم و تجهیزات از قبیل دستگاههای فرستنده و گیرنده و علائم و چراغ های راهنمایی و دستگاههای کنترل کننده مرکزی و وسایط نقلیه (به استثنای اتومبیل سواری شخصی و موتورسیکلت و ابزار و لوازم یدکی آنها که به تصویب هیات وزیران منحصر برای مصارف اداره راهنمایی و رانندگی تهران خریداری و مستقیماً به نام اداره مذکور از خارج وارد می شود از پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض معاف خواهد بود، ولی هزینه گمرکی باید پرداخت شود.

قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی - مصوب ۳۰/۳/۱۳۵۰ و اصلاحیه های بعدی

ماده ۱ - در شهرهایی که از طرف شهربانی کل کشور با موافقت وزارت کشور تعیین و آگهی می شود به افسر شهربانی که آموزش لازم دیده و برای تشخیص تخلفات رانندگی تعیین شده باشند اجازه داده می شود که متخلفین از آیین نامه راهنمایی و رانندگی را در محل و حین مشاهده تخلف متوقف کرده و جریمه نقدی را با تسلیم قبض رسید وصول نمایند. در صورتی که متخلف در محل از پرداخت جریمه خودداری کند مأمور مربوط بر گه اخطاریه که زمان و محل وقوع تخلف و نوع آن و نام و شماره گواهینامه راننده و مشخصات وسیله ، نقلیه همچنین مشخصات مأمور مزبور در آن ذکر شده باشد به متخلف تسلیم می کند. در صورتی که متوقف ساختن وسیله نقلیه مقدور نباشد مأمور مربوط گزارش خود را که حاکی از مشخصات و شماره وسیله نقلیه و نوع تخلف و روز و ساعت و محل وقوع تخلف خواهد بود تنظیم و برای تعقیب متخلف به اداره مربوط تسلیم می کند. در مورد وسیله نقلیه ای که در محل غیرمجاز متوقف شده باشد در صورت عدم حضور متخلف مأموران مذکور می تواند اخطاریه مزبور را با ذکر مشخصات وسیله نقلیه و زمان و مکان وقوع تخلف و نوع آن و مشخصات خود به وسیله نقلیه الصاق نمایند. در هر یک از موارد فوق متخلف می تواند ظرف ۱۵ روز از تاریخ مندرج در اخطاریه جریمه مقرر را به حسابی که از طرف خزانه داری کل تعیین و اعلام می شود پرداخت و رسید دریافت نماید تا نسبت به آن ظرف همان مدت با ذکر دلیل به دادگاه بخش اعتراض کند. به معترضینی که برای تسلیم اعتراض خود به دادگاه مراجعه می نمایند در صورتی که در همان موقع امکان رسیدگی به اعتراض آنها نباشد ورقه ای حاوی شماره اخطاریه مورد اعتراض ، تاریخ وصول اعتراض و وقت رسیدگی دادگاه داده می شود اعتبار ورقه مزبور تا تاریخ رسیدگی مندرج در آن است دادگاه پس از رسیدگی هرگاه اعتراض را وارد تشخیص نداد متخلف را به دو تا سه برابر اصل جریمه محکوم می نماید. هرگاه متخلف در موعد ۱۵ روز مهلت جریمه را پرداخت ننماید و اعتراض هم به دادگاه نکرده باشد جریمه را باید به مأخذ دو برابر مبلغ مندرج در اخطاریه به حساب خزانه داری کل پردازد. اگر هیچگونه اقدامی ظرف مدت یکماه از تاریخ اخطاریه به عمل نیاید متخلف در ساعات اداری به دادگاه اعزام می شود و پس از رسیدگی نسبت به علت عدم پرداخت جریمه در صورتی که

عذر او موجه تشخیص شود فقط به اصل جریمه والا به دو تا سه برابر آن محکوم می‌شود. تبصره ۱ - رسیدگی به تخلفات رانندگی وسایل نقلیه موتوری با دادگاه بخش است تبصره ۲ - چنانچه دادگاه ضمن رسیدگی گزارش مأمور مربوط را خلاف تشخیص دهد باید مراتب را برای تعقیب مأمور به شهربانی کل یا ژاندارمری کل کشور اعلام نماید. تبصره ۳ - در شهر تهران متخلفین از آیین نامه راهنمایی و رانندگی باید ظرف مدت پانزده روز از تاریخ تسلیم برگ اخطاریه به راننده یا الصاق آن به وسیله نقلیه جریمه مقرر را در یکی از شعب بانک ملی به حسابی که از طرف شهرداری در بانک ملی مفتوح می‌شود پرداخت نمایند، در صورت عدم پرداخت جریمه در موعد مقرر مبلغ آن به دو برابر افزایش می‌یابد و متخلف مکلف است که این مبلغ را به حساب مذکور در فوق پرداخت نماید، چنانچه متخلف به نوع تخلف و جریمه تعیین شده در اخطاریه صادره اعتراض داشته باشد می‌تواند اعتراض خود را ظرف مدت پانزده (۱۵) روز از تاریخ صدور اخطاریه با ذکر دلیل به دادگاه تسلیم کند، دادگاه پس از رسیدگی در صورت احراز تخلف متخلف را به پرداخت جزای نقدی معادل دو یا سه برابر اصل جریمه محکوم می‌نماید به تشخیص دادگاه مربوطه در مورد معترضین که دارای عذر موجه باشند عدم رعایت پانزده (۱۵) روز مهلت اعتراض سلب حق اعتراض نمی‌نماید. تبصره ۴ - تطبیق میزان جریمه یا نوع تخلفات رانندگان توسط افسران یا مأمورین مجاز تعیین می‌گردد، که در شهر تهران وسیله کامپیوتر تنظیم و کنترل می‌شود و دادگاه فقط در صورت ضرورت گزارش تخلف را مطالبه و بررسی خواهد کرد. ماده ۲ - مجازات تخلفات رانندگی طبق آیین نامه از یکصد الی یکهزار ریال است ماده ۳ - (وجوه حاصل از محل جرایم رانندگی در حوزه هر شهر در حساب مخصوصی که از طرف خزانه افتتاح می‌شود نگهداری خواهد شد، بیست درصد وجوه مزبور را برای ایجاد توقفگاه‌ها (پارکینگ و اصلاح معابر در اختیار شهرداری محل گذارده می‌شود و ۸۰ درصد بقیه به عنوان درآمد اختصاصی در اختیار شهربانی محل گذارده خواهد شد که برای تهیه وسایل خط کشی و نصب علائم و چراغهای راهنمایی و حسن انتظام عبور و مرور به مصرف برسد. نحوه مصرف وجوه مزبور به موجب آیین نامه این قانون تعیین خواهد شد) خط کشی معابر در شهر تهران از وظایف شهرداری تهران خواهد بود. تبصره ۱ - در سال ۱۳۵۰ معادل مبلغی که ضمن ردیف ۴۲۰۲ درآمد عمومی بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور منظور شده از محل وجوه حاصل از جرایم رانندگی در حوزه شهر تهران به درآمد عمومی منتقل و مازاد آن به حساب موضوع این ماده منظور می‌شود. از سال ۱۳۵۱ به طریقی که در متن این ماده مذکور است عمل خواهد شد. تبصره ۲ - در شهر تهران شهرداری می‌تواند به درجه داران دیپلمه و مأمورین مورد تایید اداره راهنمایی و رانندگی تهران که آموزش لازم دیده باشند اختیارات و وظایف افسران مندرج در ماده یک این قانون را از لحاظ تشخیص تخلف و صدور اخطاریه تفویض نماید و در شهرستانهای دیگر به پیشنهاد راهنمایی آن شهر و تصویب شهربانی مربوطه تفویض اختیاری می‌شود. ماده ۴ - وجوه حاصل از جرایم تخلفات رانندگی در حوزه مسئولیت پلیس راه ژاندارمری کل کشور به عنوان درآمد اختصاصی ژاندارمری کل کشور منظور می‌شود و بر اساس بودجه ای که به پیشنهاد وزارت کشور و موافقت دفتر مرکزی بودجه و وزارت دارایی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد به مصرف هزینه های مربوط به پیشگیری از تصادفات، کمک به تهیه وسایل و لوازم مخابراتی و موتوری مورد نیاز پلیس راه و نیز ایجاد تاسیسات در جاده های خارج از محدوده شهرها خواهد رسید نحوه مصرف وجوه مزبور طبق آیین نامه این قانون تعیین خواهد شد. تبصره - در سال ۱۳۵۰ معادل مبلغی که ضمن ردیف ۴۲۰۳ درآمد عمومی بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور منظور شده از محل وجوه حاصل از جرایم رانندگی موضوع این ماده به درآمد عمومی منتقل و مازاد آن به عنوان درآمد اختصاصی ژاندارمری کل کشور منظور می‌شود از سال ۱۳۵۱ به طریقی که در متن این ماده مذکور است عمل خواهد شد. ماده ۵ - مأمورین مذکور در ماده ۱ این قانون می‌توانند حسب مورد و نوع تخلف گواهینامه رانندگی متخلف را با دادن رسید حداکثر تا یکماه ضبط نمایند، نوع تخلفات و مدت ضبط گواهینامه و نحوه جلوگیری از ادامه رانندگی راننده متخلف و مهلتی را که باید در موارد ضروری برای ادامه رانندگی موقت به راننده متخلف داد ضمن آیین نامه این ماده تعیین خواهد شد، رسید مزبور در مهلت مندرج در آن در حکم پروانه رانندگی است و

ماده ۶- محللهایی که توقف وسایل نقلیه در آن محلها موجب بروز خطر و انسداد راه می‌شود باید با نصب علائم مخصوص رانندگی وسیله مسئولان مربوط مشخص شود، در صورت توقف وسایل نقلیه در این قبیل محلها و پیاده روها مأموران مربوط مجازند با وسایل اطمینان بخشی که برای این کار معمول است وسیله نقلیه مزبور را به نزدیکترین توقفگاه یا منطقه مجاز انتقال داده جریمه مقرر را با حق توقف در توقفگاه از متخلف دریافت کنند. تبصره ۱- علائم مخصوص در سواره روهای مذکور در این ماده باید از علائم معمولی توقف ممنوع متمایز باشد. تبصره ۲- در شهر تهران در تصادفات وسایل نقلیه که فقط منجر به خسارت مالی شده باشد رانندگان مکلفند وسیله نقلیه خود را فوراً به کنار معابر هدایت کنند تا توافق نموده یا جهت بررسی تقاضای اعزام افسر کارشناس نمایند و در صورت امتناع رانندگان از رفع سد معبر پلیس با وسایل مقتضی رفع سد معبر می‌نمایند و با مشاهده محل وقوع تصادف از طرف افسر راهنمایی در صورت لزوم کروکی تصادف ترسیم و با متخلف طبق ماده یک اقدام می‌نمایند. ماده ۷- در شهرهایی که از طرف شهرداری در خیابانها و معابر پارکومتر نصب و یا توقفگاه ایجاد می‌شود حق توقف متناسبی با تصویب انجمن شهر محل دریافت خواهد شد. ماده ۸- در صورتی که عابر پیاده در عبور از سواره رو و معابر و خیابانها جز از نقاطی که خط کشی شده و مخصوص عبور عابر پیاده است (محل مجاز) از محل دیگری (محلهای غیرمجاز) عبور نماید متخلف شناخته می‌شود و مکلف به پرداخت جریمه مقرر در آیین نامه می‌باشد و در صورتی که در این قبیل نقاط غیرمجاز وسیله نقلیه موتوری با عابر پیاده تصادف نماید راننده وسیله نقلیه در صورتی که کلیه مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نموده باشد مسئول شناخته نمی‌شود عدم مسئولیت راننده مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود. برای اجرای مقررات این ماده ادارات مسئول امر عبور و مرور بر حسب مورد (شهربانی، شهرداری، ژاندارمری) مکلفند قبلاً خیابان یا مسیر با معبر مورد نظر را از حیث پیاده رو و خط کشی و نصب چراغ و کلیه علائم لازم و ایمنی عابر پیاده و رانندگان وسیله نقلیه موتوری کاملاً مهیا و تامین کرده و مراتب را ۱۵ روز قبل از تاریخ اجرا وسیله جراید و رادیو و تلویزیون به اطلاع عموم اهالی برسانند. تبصره- در شهر تهران در خیابانهایی که به وسایل ایمنی عبور عابر پیاده مجهز شده باشند و مقررات زیر به وسیله شهرداری برای اطلاع عموم آگهی شود، عابر پیاده مکلف است فقط از محل های مخصوص عابر پیاده عبور کند و در غیر این صورت اگر تصادفی بین وسیله نقلیه و عابر پیاده در سواره رو واقع شود مشروط بر آنکه راننده مست نبوده و گواهینامه مجاز رانندگی داشته باشد و با سرعت مجاز حرکت کرده و وسیله نقلیه او نقص فنی موثر در حادثه نداشته باشد و سه نفر افسر ارشد کارشناس تصادفات راهنمایی و رانندگی از این جهات عدم مسئولیت راننده را گواهی نمایند، مسئولیت جزایی متوجه راننده نخواهد بود و راننده آزاد خواهد شد و پرونده به مراجع قضایی جهت اقدام مقتضی ارسال می‌شود عدم مسئولیت جزایی راننده، مانع استفاده شخص متضرر از حادثه از مقررات بیمه شخص ثالث نخواهد بود. ماده ۹- رانندگانی که ظرف یکسال سه دفعه به اتهام جرایم خلاف مربوط به امور رانندگی در دادگاه محکوم شده باشند و یا مرتکب تخلفاتی کردند که طبق آیین نامه امور خلافی رانندگان مستلزم سه بار ثبت در پرونده و منگنه نمودن گواهینامه رانندگی باشد به مدت ۶ ماه محرومیت از حق رانندگی محکوم خواهند شد و در صورتی که تخلف راننده بار دیگر به شرح فوق ظرف یکسال تکرار شود مدت محرومیت از حق رانندگی یکسال خواهد بود. هرگاه رانندگانی که گواهینامه آنها از طرف افسران شهربانی یا پلیس راه طبق ماده ۵ این قانون و مقررات مندرج در آیین نامه آن ضبط شده باشد مبادرت به رانندگی نمایند در حکم اشخاصی خواهند بود که بدون پروانه رانندگی نموده‌اند. ماده ۱۰- کلیه معاملات و نقل و انتقالات وسایل نقلیه موتوری از لحاظ شناسایی مالک آن نیز باید در دفاتر شهربانی کل ثبت شود. دفاتر اسناد رسمی مکلفند پس از تنظیم سند خلاصه آن را به شهربانی محل نصب پلاک اعلام نمایند. تبصره ۱- برای وسایل نقلیه موتوری که در تهران شماره گذاری شده یا بشود از طرف اداره راهنمایی و رانندگی شناسنامه تنظیم خواهد شد و وسایل نقلیه ای که پس از انقضا یکسال از تاریخ اعلام اداره راهنمایی و رانندگی تهران بدون اخذ شناسنامه مورد استفاده واقع شود توسط افسران و مأمورین تا صدور شناسنامه یا ارائه آن

متوقف می‌شوند. در شهر تهران نقل و انتقالات وسایل نقلیه موتوری زمینی باید در اداره راهنمایی و رانندگی ثبت گردد و در صورتی که وسیله نقلیه فاقد شناسنامه باشد و سند انتقال در دفتر اسناد رسمی تنظیم شود سردفتر مکلف است سند انتقال را به اداره راهنمایی و رانندگی ارسال دارد تا از طرف اداره مذکور پس از ثبت انتقال شناسنامه صادر و به صاحب آن تسلیم گردد، صدور رونوشت سند معامله قبل از ارائه شناسنامه جز به تقاضای مراجع رسمی و همچنین نقل و انتقال وسایل نقلیه در دفتر اسناد رسمی پس از انقضای مهلت یکسال مذکور فوق بدون ارائه شناسنامه ممنوع است سردفترانی که از اجرای مفاد این ماده تخلف کنند به پرداخت جزای نقدی از ده هزار ریال تا بیست هزار ریال در دادگاه انتظامی سردفتران محکوم خواهند شد. تبصره ۲ - در شهر تهران افسران و مأمورین اجرا فقط گواهینامه یا کارت رانندگی مخصوص وسایط نقلیه متخلفینی را اخذ می‌نمایند که دارای تخلفات پرداخت نشده در مهلت مقرر باشند، در این مورد افسران و مأمورین اجرا مکلفند با ارائه رسید، یکی از مدارک فوق الذکر را اخذ و متخلف را جهت پرداخت وجوه جرایم به یکی از محلهای تعیین شده در برگ رسید راهنمایی نمایند. متخلف می‌تواند پس از پرداخت وجوه جرایم و ارائه رسید، مدرک خود را از محل تعیین شده تحویل گیرد. در صورت عدم ارائه یکی از مدارک فوق الذکر مأمورین اجرا می‌توانند وسیله نقلیه را در یکی از پارکینگها متوقف و راننده را جهت پرداخت جریمه به یکی از مراجع تعیین شده هدایت نمایند تا پس از پرداخت جریمه بلافاصله وسیله نقلیه ترخیص گردد. صورت وضعیت خلاف های پرداخت نشده که وسیله کامپیوتر تنظیم و جهت پرداخت مبلغ مذکور در آن به متخلف تسلیم می‌گردد، در صورت پرداخت به بانک نیمه دوم آن نیز به منزله رسید است ماده ۱۱ - شهربانی و ژاندارمری کل کشور در حوزه مأموریت خود مجازند موسسات حمل و نقل و مسافری زمینی را که خلاف مقررات و آیین نامه های حمل بار و مسافر رفتار نمایند حداکثر تا یک ماه تعطیل کنند. تعطیل زاید بر یک ماه تا یکسال با جلب موافقت دادستان شهرستان محل موسسات مذکور خواهد بود رسیدگی به اعتراض در مورد اول دادگاه بخش و در مورد تعطیل زاید بر یک ماه با دادگاه شهرستان است و در هر دو مورد خارج از نوبت رسیدگی می‌شود و حکم دادگاهها قطعی است، آیین نامه حمل بار و مسافر و مدت تعطیل از طرف وزارتخانه های کشور و دادگستری تهیه و به تصویب کمیسیونهای کشور و دادگستری مجلسین خواهد رسید. تبصره - در مواردی که طبق این ماده موسسه حمل و نقل بار یا مسافر تعطیل می‌شود موسسه مکلف است ترتیب حمل بار و مسافر را که قبلا تعهد کرده به وسیله موسسات دیگر بدهد والا مسئول خسارات وارده به اشخاص ثالث خواهد بود. ماده ۱۲ - کسانی که قبل از تصویب این قانون مرتکب تخلفات رانندگی شده و جریمه مقرر را نپرداخته باشند هرگاه ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون نسبت به پرداخت اصل جریمه اقدام نمایند از جرایم اضافی معاف خواهند بود. ماده ۱۳ - کلیه اختیارات و وظایفی که به موجب این قانون به افسران شهربانی واگذار گردیده در خارج از حوزه استحقاقی شهربانی به پلیس راه ژاندارمری و افسران و درجه داران دیپلمه پلیس راه که برای این منظور آموزش لازم دیده باشند محول می‌گردد. ماده ۱۴ - موسسات حمل و نقل و رانندگان وسایل نقلیه بارکشی و باربری در راهها مکلفند مقررات حمل بار در راههای کشور را که از طرف وزارت راه و ترابری تعیین و اعلام می‌گردد دقیقاً رعایت نمایند. در صورت تخلف وسیله نقلیه توسط مأمورین پلیس راه متوقف و از متخلف توسط مأموران پلیس راه سه هزار ریال جریمه عدول از مقررات حمل بار دریافت خواهد شد، به وسیله نقلیه موقعی اجازه حرکت داده می‌شود که موسسه حمل و نقل و یا راننده وسیله بارگیری وسیله نقلیه را با مقررات حمل بار مطابقت دهد. ماده ۱۵ - قانون اعطای اختیار به افسران شهربانی در وصول جرایم رانندگی مصوب سال ۱۳۳۹ از تاریخ اجرای این قانون ملغی است ماده ۱۶ - آیین نامه های اجرایی مربوط به این قانون به استثناء آیین نامه ماده ۱۱ از طرف وزارتخانه های کشور و دادگستری تهیه و پس از تصویب هیأت دولت به موقع اجرا گذارده می‌شود. ماده ۱۷ - وزارتخانه های کشور، دادگستری، دارایی و راه مأمور اجرای این قانون هستند. توضیح ضروری تبصره ای که به عنوان تبصره ۲ ماده ۱۰ درج گردیده از نظر موضوع بامفاد ماده ۱۰ بی ارتباط بوده و به نظر می‌رسد تبصره مذکور می‌بایست در ذیل ماده ۵ درج گردد و عنوان تبصره ۲ ماده ۱۰ مندرج در بند (ز)

لا-یحه قانونی اصلاح قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی (منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۰۰۱۸ ، ۲۵/۴/۱۳۵۸) مبنی بر اشتباه باشد.

قانون واگذاری امور مربوط به راهنمایی و رانندگی شهر تهران به شهرداری پایتخت - مصوب ۷/۱۲/۱۳۵۳

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون کلیه امور مربوط به راهنمایی و رانندگی و ترافیک اعم از صدور پروانه رانندگی - نصب علائم - صدور اجازه نصب شماره اتومبیل (پلاک) و وسایط نقلیه در محدوده قانونی شهر تهران به شهرداری پایتخت واگذار می‌شود. تبصره ۱ - افسران و همچنین کارمندان و هم‌دیفان و درجه‌داران و افراد با رعایت قوانین و مقررات استخدامی و کیفری مورد عمل نیروهای مسلح برای انجام امور محول به صورت مأمور در اختیار شهرداری پایتخت گذارده می‌شوند لکن از نظر امور حفاظتی و امنیتی زیر نظر شهربانی کشور انجام وظیفه نموده و دستورات و خط مشی های صادره شهربانی کشور را اجرا خواهند کرد. تبصره ۲ - بودجه و اعتبارات مورد نیاز امور پرسنلی و تدارکات و تجهیزات پرسنلی مربوط به راهنمایی و رانندگی پایتخت همه ساله توسط شهرداری پایتخت تهیه و از طریق شهربانی کشور بررسی و یکجا به طور مشخص در بودجه سنواتی منظور می‌گردد. بودجه و اعتبارات و تجهیزات و تدارکات عمومی و سایر نیازمندیها به وسیله شهرداری تهیه و پس از تایید انجمن شهر به دولت پیشنهاد می‌گردد که یک قلم در بودجه کل کشور منظور و پس از تصویب به‌عنوان کمک هر ساله در اختیار شهرداری پایتخت قرار گیرد. تبصره ۳ - کلیه وسایط نقلیه موتوری و تجهیزات فنی و ارتباطی امور راهنمایی و رانندگی مربوط به محدوده شهر تهران که به هر نحو در اختیار اداره راهنمایی شهربانی کشور می‌باشد و همچنین کلیه تجهیزات و ساختمانهایی که در تهران از محل اخذ جریمه احداث یا خریداری گردیده است بلاعوض به شهرداری پایتخت واگذار می‌گردد. تبصره ۴ - اجرای کلیه قوانین و آیین نامه ها و مقررات موضوعه مربوط به امور راهنمایی و رانندگی پایتخت همچنین کلیه اختیارات و وظایف که به موجب مقررات موضوعه مربوط به امر راهنمایی و رانندگی به شهربانی کشور واگذار گردیده است عینا در شهر تهران به شهرداری پایتخت واگذار می‌گردد. تبصره ۵ - وجوه حاصل از جرایم تخلفات رانندگی اعم از موجودی و وصولی که طبق قانون نحوه رسیدگی به تخلف و اخذ جرایم رانندگی در تهران وصول می‌شود کلا در حساب مخصوص که توسط شهرداری پایتخت در بانک مرکزی ایران افتتاح می‌شود واریز و منحصرأ به منظور بهبود امور راهنمایی و رانندگی و پارکینگ طبق آیین نامه خاص که به تصویب انجمن شهر خواهد رسید مصرف خواهد شد. قانون فوق مشتمل بر یک ماده و پنج تبصره پس از تصویب مجلس سنا در جلسه روز دوشنبه ۷/۱۱/۱۳۵۳، در جلسه روز سه شنبه بیست و نهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و سه شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین - مصوب ۲۸/۱۲/۷۳

ماده ۳۲ - قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب ۳۰ خرداد ۱۳۵۰ و اصلاحات بعدی آن و آیین نامه های اجرایی قانون مذکور به شرح زیر اصلاح می‌شود: ۱ - در صورتی که متخلف ظرف یک ماه پس از تاریخ اختاریه ، جریمه را پرداخت نماید جریمه را باید به ماخذ دو برابر مبلغ مندرج در اختاریه به حسابهایی که به همین منظور توسط خزانه افتتاح خواهد شد بپردازد. جرایم موضوع این ماده مشمول مرور زمان نخواهد بود. ۲ - مجازات تخلفات رانندگی از دو هزار (۲۰۰۰) ریال الی یکصد هزار (۱۰۰۰۰۰) ریال به تناسب جداول موجود تعیین می‌شود. ۳ - کلیه وجوه حاصل از جرایم رانندگی در شهرها و جاده ها باید به حساب درآمد عمومی کشور واریز شود. همه ساله مبالغی به ترتیب زیر از محل اعتباری که به همین منظور در قانون بودجه

هر سال منظور می‌شود، در اختیار دستگاههای مربوط قرار خواهد گرفت الف - معادل پنجاه درصد (۵۰٪) وجوه حاصل از جرایم رانندگی در هر یک از شهرها که به حساب درآمد عمومی کشور واریز می‌شود، از محل اعتبار فوق الذکر به حساب شهرداری مربوط واریز می‌شود تا جهت ایجاد توقفگاه و ایجاد و اصلاح و تعمیر و مرمت معابر و پل های زیر گذر و روگذر هزینه نماید. ب - معادل پنجاه درصد (۵۰٪) باقی مانده از وجوه حاصل از جرایم رانندگی در هر یک از شهرها و همچنین معادل هفتاد درصد (۷۰٪) کلیه وجوه حاصل از جرایم رانندگی در جاده‌ها که به حساب درآمد عمومی کشور واریز می‌شود، از محل اعتبار مذکور در اختیار نیروی انتظامی قرار خواهد گرفت تا سه درصد (۳٪) آن را جهت تشویق به مأمورانی که تخلف را تشخیص و اقدام به صدور اخطاریه می‌نمایند و نیز ایجاد انگیزه تلاش و ترغیب و تشویق سایر مأموران مربوطه به منظور اجرای هر چه بهتر وظایف محوله هزینه نماید مابقی وجوه مذکور جهت حسن انتظام عبور و مرور، آموزش، اقدامات پیشگیرانه و تهیه وسایل و قطعات مخابراتی و وسایل نقلیه موتوری و لوازم آن و همچنین هزینه سوخت و نگهداری آنها، خرید اراضی واحداث و اجاره ابنیه مورد نیاز، تجهیزات و علائم تهیه وسایل آموزش همگانی، اعزام احتمالی پرسنل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به خارج از کشور جهت مطالعه و بازدید از موسسات آموزشی و ترافیکی و پرداخت حق التدریس برای آموزش راهنمایی و رانندگی به مصرف برسد، همچنین معادل سی درصد باقی مانده وجوه حاصل از جرایم رانندگی در جاده‌ها در اختیار وزارت راه و ترابری قرار خواهد گرفت تا جهت رفع نقایص و خسارات و تأمین علائم و تجهیزات ایمنی در راهها مصرف گردد.

قانون الحاق سه تبصره به بند (۱۲) ماده (۴) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ - مصوب

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون سه تبصره به ذیل بند (۱۲) ماده (۴) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۲۷/۴/۱۳۶۹ الحاق می‌گردد: تبصره ۱ - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است کلیه امور راهنمایی و رانندگی شهر تهران را برابر با سیاست ها و برنامه‌های شهرداری شهر تهران و در چهارچوب قانون به اجرا درآورد. تأمین کلیه تجهیزات تاسیسات و بودجه و امکانات مورد نیاز اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران (به استثنای حقوق و مزایای پرسنل و تجهیزات مخابراتی و سلاح و مهمات) بر عهده شهرداری شهر تهران می‌باشد. کلیه امکانات و تجهیزات موجود اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران عینا در این اداره باقی خواهد ماند. تبصره ۲ - اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران عنداللزوم در زمینه برقراری امنیت برابر با ابلاغیه های نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) انجام وظیفه می‌نماید. تبصره ۳ - چگونگی اجرای این قانون از جمله نحوه عزل و نصب رییس اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران با رعایت اصل یکصد و دهم (۱۱۰) قانون اساسی (به استثنای موارد مربوط به امور امنیتی و انتظامی که به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد) مطابق با آیین نامه ای می‌باشد که حداکثر ظرف مدت شش ماه توسط وزارت کشور با هماهنگی و همکاری ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

قانون لغو موارد مصرف قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین - مصوب ۲۳/۹/۷۶

ماده واحده - از اول فروردین ماه سال ۱۳۷۷ موارد مصرف کلیه وجوهی که از بابت درآمدهای موضوع مواد مختلف قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۲۸/۱۲/۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی و اصلاحیه های بعدی آن به عنوان درآمد برای مصرف یا موارد خاص در بودجه کل کشور منظور می‌شود لغو می‌گردد. تبصره - دولت می‌تواند متناسب با فعالیتهای درآمدی دستگاههای ذینفع اعتبارات مناسبی را در لوایح بودجه سالانه منظور نماید.

سازمان حمل و نقل

آیین نامه اجرایی تبصره ۳ ماده واحده قانون تشدید مجازات موتور سیکلت سواران متخلف - مصوب ۲۸/۴/۱۳۶۶

فصل اول - شهر تهران (ماده ۱ تا ۷)

ماده ۱- مأمورین اداره راهنمایی و رانندگی تهران پس از مشاهده هر یک از تخلفات ذیل موتور سیکلت یا موتور گازی را به نحو مقتضی به پارکینگ منتقل می نمایند و وسایل مزبور مطابق قانون تشدید مجازات موتورسیکلت سواران متخلف مصوب ۱۳۵۶ حسب مورد تخلف به شرح زیر توقیف می شوند: الف- ایجاد صدای ناهنجار لوله خروج دود ۳ ماه ب- رانندگی در پیاده رو ۳ ماه و در صورتی که همراه با صدای ناهنجار لوله خروج دود باشد ۶ ماه ج- رانندگی در جهت مخالف مسیر مجاز ۳ ماه و در صورتی که همراه با صدای ناهنجار لوله خروج دود باشد ۶ ماه تبصره- پس از توقیف وسیله به راننده آن توسط مسئولان مربوط رسید داده خواهد شد. ماده ۲- شهرداری تهران موظف است محللهای مناسبی را به منظور نگهداری موتورسیکلت ها و موتورهای گازی توقیفی تعیین و یا پرسنل مورد نیاز در اختیار اداره راهنمایی و رانندگی قرار دهد. تبصره- هزینه نگهداری موتور سیکلت یا موتور گازی به ازای هر روز ۵۰ ریال خواهد بود. ماده ۳- ترخیص موتور سیکلت یا موتور گازی پس از پایان مدت توقیف موکول به پرداخت جریمه متعلقه و هزینه نگهداری می باشد. ماده ۴- مسئولین پارکینگ پس از دریافت گواهی مبنی بر پرداخت جریمه و هزینه نگهداری که به تایید اداره راهنمایی و رانندگی رسیده باشد موتورسیکلت یا موتور گازی توقیفی را به مالک قانونی یا وکیل مسترد می دارد. تبصره- در صورتی که موتور سیکلت یا موتور گازی هنگام ترخیص دارای تخلفات دیگر مشمول آیین نامه و راهنمایی و رانندگی باشد وفق همان مقررات عمل خواهد شد. ماده ۵- در صورت عدم مراجعه مالک موتورسیکلت یا موتور گازی جهت ترخیص وسیله پس از مدت توقیف مقرر در قانون به ازای هر روز نگهداری اضافی وسیله مذکور در پارکینگ، مالک موظف است مبلغ ۸۰ ریال به عنوان هزینه نگهداری بپردازد. ماده ۶- در صورت عدم مراجعه مالک پس از یکسال از زمان توقیف شهرداری تهران برای وصول جرایم و هزینه نگهداری از طریق مراجع قضایی ذیصلاح اقدام می نماید. ماده ۷- وجوهی که به عنوان هزینه نگهداری مذکور در این آیین نامه وصول می شود در اختیار شهرداری تهران قرار می گیرد.

فصل دوم - شهرها، شهرک ها، روستاها و راههای کشور (ماده ۸ تا ۱۲)

ماده ۸- در محدوده قانونی شهرها، شهرکها، روستاها و راههای کشور، در صورتی که رانندگان موتور سیکلت یا موتور گازی مرتکب هر یک از تخلفات مندرج در ماده ۱ و بندهای سه گانه آن شوند به مجازاتهای مقرر در همان ماده محکوم خواهند شد. ماده ۹- مأمورین راهنمایی و رانندگی شهربانی و پلیس راه ژاندارمری موظفند پس از مشاهده هر یک از تخلفات مندرجه در بند الف، ب، ج ماده ۱ موتور سیکلت یا موتور گازی را به نحو مقتضی جهت نگهداری، به راهنمایی و رانندگی، کلاتری، پاسگاه ژاندارمری و یا در صورت لزوم به پارکینگ اختصاصی منتقل می نمایند و پس از تعیین میزان توقیف بر حسب مورد تخلف به راننده آن رسید دهند. تبصره- هزینه نگهداری موتورسیکلت یا موتور گازی، چنانچه در پارکینگ های اختصاصی نگهداری شوند، به ازای هر روز برابر نرخ مصوبه محلی خواهد بود. ماده ۱۰- ترخیص موتور سیکلت یا موتور گازی پس از پایان مدت توقیف موکول به پرداخت جریمه متعلقه و هزینه نگهداری در پارکینگ اختصاصی و ارایه برگ ترخیص از سوی مرجع توقیف کننده می باشد. ماده ۱۱- در صورت عدم مراجعه مالک پس از یکسال از زمان توقیف، شهربانی یا ژاندارمری به منظور وصول جرایم و هزینه نگهداری

در پارکینگ اختصاصی و تعیین تکلیف موظفند مراتب را به مراجع قضایی ذیصلاح اعلام نمایند.

فصل سوم - مقررات عمومی (ماده ۱۲ تا ۱۳)

ماده ۱۲ - در رسیدی که به صاحب وسیله داده خواهد شد حسب مورد تبصره ماده ۲ و نیز مواد ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و یا تبصره ماده ۹ و نیز مواد ۱۰ و ۱۱ و مفاد آن به صاحب وسیله تفهیم خواهد شد. ماده ۱۳ - جرایم موضوع قانون تشدید مجازات موتورسیکلت سواران متخلف که در مواد ۴ و ۱۰ این آیین نامه به آنها اشاره شده است به حساب خزانه واریز خواهد شد. این آیین نامه مشتمل بر ۱۳ ماده و ۳ تبصره در تاریخ ۲۸/۴/۶۶ به تصویب شورای عالی قضایی و وزارت کشور رسید.

لایحه قانونی راجع به مجازات متخلفین از اجرای مقررات طرح جدید ترافیک (مرحله سوم) - مصوب ۱۷/۳/۱۳۵۹ ش

ماده ۱ - از تاریخ اجرای طرح جدید ترافیک (مرحله سوم تردد وسایط نقلیه در ساعات و محدوده ای از شهر که از سوی اداره راهنمایی و رانندگی تهران تعیین و به اطلاع عموم می‌رسد ممنوع بوده و متخلفین از اجرای این مقررات مبلغ یکهزار ریال جریمه خواهند شد. ماده ۲ - عبور و توقف وسایط نقلیه غیرمجاز در مسیر ویژه ممنوع بوده و متخلفین مبلغ یکهزار ریال جریمه خواهند شد. شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۶) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب ۱۴/۲/۱۳۷۶ هیات وزیران

فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۲)

ماده ۱ - در این آیین نامه عبارات و اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند: محدوده ممنوعه تردد: محدوده جغرافیایی داخل شهری است که توسط مراجع صلاحیت دار مندرج در این آیین نامه تعیین می‌شود و عبور و مرور برای برخی از وسایل نقلیه در آن ممنوع است ساعات ممنوعه تردد: ساعاتی از شبانه روز است که توسط مقامات یاد شده در این آیین نامه معین می‌شود و عبور و مرور وسایل نقلیه در آن ساعت ممنوع است وسایل نقلیه عمومی وسایل نقلیه جمعی که در مالکیت یا در اختیار یا نظارت مراجع دولتی یا عمومی بوده و در شبکه حمل و نقل عمومی شهری به کار گرفته می‌شود. ماده ۲ - شهرهای مشمول محدودیت یا ممنوعیت تردد وسایل نقلیه موضوع این آیین نامه در نقاطی که بنا به اعلام سازمان حفاظت محیط زیست آلودگی هوا ناشی از تردد وسایل نقلیه موتوری بیش از حد مجاز بوده و سهم وسایل نقلیه موتوری و تردد شهری در آلودگی هوای آنها بیش از سایر منابع آلوده کننده باشد، به پیشنهاد سازمان حفاظت محیط زیست یا شهرداریهای کشور یا نیروی انتظامی و تصویب شورای هماهنگی ترافیک استان مربوط، تعیین می‌شود. تبصره ۱ - محدوده و ساعات ممنوعه تردد در شهرهای مشمول و وسایل نقلیه عمومی و امثال آن که مجاز به ترددند، بنا به پیشنهاد شهرداری شهر یا اداره کل حفاظت محیط زیست یا نیروی انتظامی استان مربوط و تایید شورای هماهنگی ترافیک استان به تصویب وزیر کشور می‌رسد. تبصره ۲ - وزیر کشور با توجه به نظر رییس جمهور به عنوان نماینده ویژه برای تعیین ساعات و محدوده ممنوعه تردد و نیز وسایل نقلیه عمومی و امثال آن موضوع ماده (۶) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا تعیین می‌شود (اصلاحی ۲۵/۹/۱۳۷۷).

فصل دوم - نحوه صدور مجوز تردد و چگونگی نظارت بر اجرای محدودیت ها (ماده ۳ تا ۶)

ماده ۳- عبور و مرور وسایل نقلیه موتوری و امثال آن در محدوده و ساعات ترافیکی که مطابق تبصره‌های ماده (۲) تعیین می‌شود منوط به اخذ کارت تردد از شهرداری مربوط است تبصره تعیین مدت اعتبار کارت تردد به عهده نماینده ویژه موضوع تبصره ۲ ماده ۲ این آیین نامه است ماده ۴- در مواقع اضطراری موضوع ماده (۷) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب ۱۳۷۴ - مجوزهای تردد صادر شده پس از اطلاع از طریق رسانه های همگانی به گونه‌ای که اعلام خواهد شد، به طور موقت از درجه اعتبار ساقط می‌شود. ماده ۵- شهرداریهای کشور مکلف هستند از طریق انتشار آگهی در رسانه‌های همگانی، مردم را از محدوده‌ها و ساعات ممنوعه تردد آگاه نمایند و با نصب تابلوهای ویژه با هماهنگی اداره راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در مبادی ورودی محدوده ممنوعه، هشدارهای لازم را به عموم افراد بدهند. ماده ۶- نیروی انتظامی موظف است با نصب تابلو ورود ممنوع در مبادی ورودی به محدوده ممنوعه، از تردد وسایل نقلیه فاقد مجوز موضوع ماده (۳) این آیین نامه در محدوده مورد نظر در ساعات ممنوعه جلوگیری کند و با متخلفین برابر مقررات مربوط رفتار نماید، همچنین موارد استثنا (موضوع تبصره ۲ ماده ۲ این آیین نامه را بر روی تابلوهای ویژه اعلام کند.

فصل سوم - ساماندهی حمل و نقل شهری (ماده ۷ تا ۱۴)

ماده ۷- به منظور کاهش تعداد و طول سفرهای روزانه شهری در شهرهای بزرگ کشور، سازمان امور اداری و استخدامی کشور موظف است راهکارهای مناسب را در جهت غیرمتمرکز کردن خدمات اداری و بانکی در امور غیرستادی، توزیع ساعات شروع و اتمام کار (مدارس، ادارات، بانکها، بازار و غیراینها)، افزایش ساعات ارائه خدمات عمومی، تفویض اختیار به ادارات تابعه، هدایت دستگاهها به ساخت مجتمع‌های اداری مشترک و نظایر آن را تدوین و بهت صویب شورای عالی اداری برساند، همچنین به منظور کاهش آلودگی هوا ناشی از تردد وسایل نقلیه موتوری و تقلیل سفرهای غیرضروری شهری با هماهنگی وزارت پست و تلگراف و تلفن ترتیبی اتخاذ کند تا تمامی دستگاههای دولتی و موسسات عمومی به ویژه ارائه دهندگان خدمات عمومی، به طور سالانه درصدی از مراجعات حضوری ارباب رجوع خود را با استفاده از شبکه پست، پست بانک، مخابرات، دیتا و جایگزین اطلاع رسانی و به کارگیری شیوه مکاتبه به جای مراجعه، پاسخگویی کنند. تبصره - میزان کاهش مراجعات و فهرست انواع خدمات قابل ارائه از راههای یاد شده در هر سال توسط سازمان امور اداری و استخدامی کشور با هماهنگی وزارت پست و تلگراف و تلفن و دستگاه ذی ربط تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد. عملکرد دستگاهها و موسسات موضوع این ماده هر شش ماه یک بار توسط سازمان یاد شده به دولت گزارش می‌شود. ماده ۸- وزارتخانه‌های کشور و صنایع و سازمان برنامه و بودجه و شهرداریهای کشور مکلفند امکانات حمل و نقل عمومی سفرهای روزانه شهری را در شهرهای کشور به ویژه شهرهای بزرگ، به گونه‌ای فراهم نمایند تا علاوه بر حصول اهداف تعیین شده در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۳ - اهتمام کامل برای تحقق اهداف الگوی مصرف (الگوی حمل و نقل به میزان هشتاد درصد (۸۰٪) نیز به عمل آید. ماده ۹- به منظور افزایش ظرفیت ناوگان حمل و نقل داخل شهری، دولت سالانه تسهیلات ویژه‌ای را در اختیار شرکتها و سازمانهای اتوبوسرانی شهری قرار می‌دهد تا با استفاده از آن تسهیلات به ظرفیت موجود ناوگان اضافه شود. شهرداری های کشور مکلف هستند سالانه حداقل ده درصد (۱۰٪) به مجموع ظرفیت موجود اضافه نمایند. وزارت صنایع مکلف است به منظور پاسخگویی به نیاز ناوگان حمل و نقل شهری، افزایش ظرفیت تولیدات خود را در زمینه وسایل نقلیه عمومی در اولویت قرار دهد.

ماده ۱۰ - برای کاهش حجم تصدی امور توسط دولت و تمرکز امور حمل و نقل جمعی کارکنان دولت و استفاده بهینه از امکانات موجود ، دستگاههای اجرایی و تحت پوشش مستقر در شهرهای بزرگ می‌توانند به دو صورت زیر اقدام کنند. الف - تا پایان برنامه دوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با رعایت ماده (۱۱) قانون محاسبات عمومی کشور - مصوب ۱۳۶۶ به مرور نسبت به واگذاری امانی وسایل نقلیه جمعی خود به شرکتهای اتوبوسرانی در ازای ارائه خدمات مربوط با اولویت کارکنان دستگاههای طرف قرارداد دولت اقدام نمایند. تبصره - دستورالعمل اجرایی این بند توسط وزرای امور اقتصادی و دارایی و کشور و دستگاههای ذی ربط تهیه و به مورد اجرا گذاشته می‌شود. ب - در قبال عقد قرارداد ، در ساعات غیراداری و یا غیر از ساعات انتقال کارکنان خویش ، وسایل نقلیه جمعی خود را در اختیار شرکتهای واحد اتوبوسرانی قرار دهند. مفاد این ماده با هماهنگی و موافقت ستاد کل نیروهای مسلح در مورد نیروهای مسلح اعمال خواهد شد. ماده ۱۱ - به منظور کاهش آلودگی هوا در تهران و شهرهای بزرگ ، دستگاههای اجرایی ، نیروهای نظامی و انتظامی موظفند نسبت به گازسوز یا دوگانه سوز کردن تدریجی وسایل نقلیه تحت اختیار خود ، همچنین استفاده از سایر سوختهای مناسب با حداقل ترکیبات آلاینده از جمله بنزین بدون سرب بر اساس زمانبندی مشخص اقدام نمایند. سازمان حفاظت محیط زیست کشور موظف است گزارش سالانه عملکرد دستگاهها را به دولت گزارش نماید. این اقدام در مورد نیروهای مسلح با هماهنگی و موافقت ستاد کل نیروهای مسلح انجام می‌شود. تبصره ۱ - جهت تشویق بخش خصوصی در مورد استفاده از سایر سوختها و گازسوز یا دوگانه سوز کردن وسایل نقلیه ، دولت با اعطای وام یا تسهیلات بانکی با سود متضمن نرخ ترجیحی اقدام خواهد کرد. تبصره ۲ - وزارت نفت مکلف است به منظور به حداقل رساندن آلودگی ناشی از سوخت های آلاینده و جایگزین کردن کامل بنزین بدون سرب با بنزین معمولی و سایر سوخت ها ، نسبت به تولید و عرضه بنزین بدون سرب در حد نیاز اقدام نماید. تبصره ۳ - وزارتخانه‌های نفت ، صنایع و شهرداری تهران برابر برنامه زمانبندی شده با به کارگیری تمامی امکانات و منابع موجود ، نسبت به گازسوز یا دوگانه سوز کردن وسایل نقلیه موتوری تمامی متقاضیان اقدام می‌نمایند. تبصره ۴ - سازمان برنامه و بودجه موظف است برای به اجرا در آمدن مفاد این ماده اعتبارات لازم را در بودجه سالانه کشور پیش بینی نماید. تبصره ۵ - سازمان صداوسیما مکلف است با همکاری دستگاههای ذی ربط ، برنامه‌هایی را در راستای نمایاندن مزایای گازسوز کردن وسایل نقلیه و استفاده از بنزین بدون سرب از نظر اقتصادی و زیست محیطی ، همچنین برنامه‌های آموزشی متضمن ملاحظات ایمنی مربوط به گازسوز شدن از طریق صداوسیما به عموم مردم ارائه نماید. تبصره ۶ - موسسه تحقیقات و استاندارد صنعتی ایران مکلف است برسیهای لازم در مورد تدوین استانداردهای گازسوز کردن وسایل نقلیه را تهیه و جهت اجرا به مراجع ذی ربط ارائه نماید. مراجع ذی ربط در تولید و اصلاح سیستم سوخت وسایل نقلیه موظف به رعایت استاندارد مزبور می‌باشند. ماده ۱۲ - شهرداریهای کشور در شهرهای بزرگ مکلف هستند حتی الامکان وسایل نقلیه عمومی با سوخت با حداقل ترکیبات آلاینده از قبیل اتوبوس ، گازسوز ، مترو ، قطار شهری و غیر اینها یا با سوخت بنزین بدون سرب را در شبکه حمل و نقل شهری به کار گیرند و جهت تشویق مردم به استفاده بیشتر از وسایل نقلیه عمومی ، راهکارهای مناسبی را از جمله تنظیم برنامه زمانبندی حرکت وسایل نقلیه عمومی در خطوط و شبکه حمل و نقل شهری به مورد اجرا گذارند. ماده ۱۳ - وزارت صنایع موظف است تمامی تولیدکنندگان داخلی موتورسیکلت های دوزمانه را در یک برنامه زمانی پنج ساله از زمان لازم الاجرا شدن این آیین نامه مکلف نماید فروش سالانه خود در سطح کشور را کاهش و با نوع موتور چهار زمانه جایگزین نمایند. نیروی انتظامی موظف است در پایان این دوره از تردد موتور سیکلتهای با سیستم دوزمانه در شهرهای کشور که به تشخیص سازمان حفاظت محیط زیست با مشکل آلودگی هوا روبرو هستند جلوگیری کند. ماده ۱۴ - در اجرای تبصره (۱) ماده (۲) قانون مقررات صادرات و واردات ، از تاریخ لازم الاجرا شدن این آیین نامه ، ورود موتور سیکلتهای دو زمانه ممنوع است

قانون تشدید مجازات موتور سیکلت سواران متخلف - مصوب ۲۴/۲/۱۳۵۶

ماده واحده - افسران و درجه داران دیپلمه مأمور راهنمایی و رانندگی شهرداری پایتخت مکلفند در محدوده قانونی شهر تهران رانندگان موتور سیکلت یا موتورگازی را که در پیاده رو مبادرت به رانندگی می کنند و یا در جهت مخالف مسیر مجاز حرکت می کنند و یا به وسیله لوله خروج دود عمدا صدای ناهنجار ایجاد می کنند علاوه بر اخذ جزای نقدی مقرر در آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۱۶ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب خردادماه سال ۱۳۵۰، موتور سیکلت یا موتورگازی آنان را از سه ماه تا شش ماه به ترتیب زیر توقیف نمایند. الف - ایجاد صدای ناهنجار لوله خروج دود سه ماه توقیف موتور سیکلت یا موتورگازی ب - رانندگی در پیاده رو سه ماه و در صورتی که همراه با صدای ناهنجار لوله خروج دود باشد شش ماه ج - رانندگی در جهت مخالف مسیر مجاز سه ماه و در صورتی که همراه با صدای ناهنجار لوله خروج دود باشد شش ماه تبصره ۱ - مقررات این قانون در سایر شهرها یا شهرک ها و یاروستاها و یاراههای کشور بنابه پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیأت وزیران از تاریخی که در آگهی تعیین شود به وسیله افسران شهربانی یا پلیس راه یا ژاندارمری بر حسب مورد اجرا خواهد شد. تبصره ۲ - در صورتی که عمل متهم با ماده جزایی دیگری قابل انطباق باشد اجرای این ماده مانع تعقیب کیفری او نخواهد بود. تبصره ۳ - آیین نامه اجرایی این قانون متضمن ترتیب توقیف موتورها و هزینه نگهداری و ترتیب استرداد آنها و سایر موارد مربوط در محدوده قانونی شهر تهران توسط شهرداری پایتخت و در سایر نقاط توسط شهربانی و ژاندارمری بر حسب مورد تهیه و پس از تایید وزارتخانه های کشور و دادگستری قابل اجرا خواهد بود.

الحاقیه آیین نامه اجرایی تبصره ۳ ماده واحده قانون تشدید مجازات موتور سیکلت سواران متخلف - مصوب ۲۱/۲/۱۳۵۶

در ارتباط با آیین نامه اجرایی فوق الذکر مواردی به پیشنهاد شهردار محترم تهران مورد بررسی قرار گرفت که آیین نامه مذکور به شرح ذیل اصلاح می گردد و شهرداری تهران موظف به اجرای دقیق آن می باشد. تبصره ماده ۲ - هزینه نگهداری موتور سیکلت یا موتورگازی (متخلف به شرح زیر اصلاح می گردد: ۱ - موتورگازی (بدون دنده روزانه ۱۵۰ ریال ۲ - موتور دنده ای تا CC۱۲۵ روزانه ۳۰۰ ریال ۳ - موتور CC۱۲۵ و بالاتر روزانه ۴۰۰ ریال ماده پنج - در صورت عدم مراجعه مالک موتور سیکلت یا موتورگازی جهت ترخیص وسیله پس از مدت توقیف مقرر در قانون به ازای هر روز نگهداری اضافی وسیله مذکور در پارکینگ، مالک موظف است مبالغ تعیین شده در جدول ذیل را به عنوان هزینه نگهداری بپردازد. ۱ - موتورگازی روزانه ۲۵۰ ریال ۲ - موتور دنده ای تا CC۱۲۵ روزانه ۴۰۰ ریال ۳ - موتور CC۱۲۵ و به بالا روزانه ۵۰۰ ریال تبصره ماده ۷ - با توجه به روح قانون تعزیر که می تواند به جزای نقدی تبدیل گردد و برای راکد نماندن سرمایه های ملت برای مدتهای مدید، راکبینی که تخلف خاصی داشته و منجر به توقیف موتور سیکلت ایشان شده است می تواند برای ترخیص سریعتر موتور سیکلت مبالغ تعیین شده در جدول ذیل را به حساب شهرداری تهران واریز و موتور سیکلت خود را ترخیص نمایند. ۱ - موتورگازی (بدون دنده ماهیانه ۳۰۰۰۰ ریال ۲ - موتور دنده ای تا CC۱۲۵ ماهیانه ۵۰۰۰۰ ریال ۳ - موتور CC۱۲۵ و به بالا ماهیانه ۷۰۰۰۰ ریال

قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب ۳/۱۱/۱۳۷۴**فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۳)**

ماده ۱- جهت تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور پاک سازی و حفاظت هوا از آلودگی ها کلیه دستگاهها و موسسات و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی موظفند مقررات و سیاست های مقرر در این قانون را رعایت نمایند. ماده ۲- اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی هوا را فراهم نماید ممنوع است منظور از آلودگی هوا عبارت است از وجود و پخش یک یا چند آلوده کننده اعم از جامد ، مایع ، گاز ، تشعشع پرتوزا و غیرپرتوزا در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوریکه زیان آور برای انسان و یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد. ماده ۳- منابع آلوده کننده هوا که تحت مقررات این قانون قرار دارند به سه دسته زیر طبقه بندی می شوند: الف- وسایل نقلیه موتوری ب- کارخانجات و کارگاه ها و نیروگاه ها. ج- منابع تجاری و خانگی و منابع متفرقه

فصل دوم - وسایل نقلیه موتوری (ماده ۴ تا ۱۱)

ماده ۴- استفاده از وسایل نقلیه موتوری که بیش از حد مجاز مقرر دود و آلوده کننده های دیگر وارد هوای آزاد نمایند ممنوع است حد مجاز خروجی وسایل نقلیه موتوری توسط سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت صنایع تعیین و به تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست می رسد. ماده ۵- هر وسیله نقلیه موتوری که به کار گرفته می شود باید دارای گواهینامه مخصوص مبنی بر رعایت حد مجاز خروجی آلوده کننده های هوا باشد. دارندگان وسایل نقلیه موتوری مکلفند همه ساله وسایل نقلیه خود را در مراکز مورد تایید سازمان حفاظت محیط زیست که توسط شهرداری ها ایجاد می گردد تحت آزمایش و معاینه قرار داده و گواهینامه مبنی بر رعایت حد مجاز آلودگی را دریافت نمایند. در غیر این صورت از تردد وسایل نقلیه فاقد گواهینامه مذکور به ترتیبی که در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین می شود جلوگیری خواهد شد. تبصره ۱- هزینه انجام آزمایش و معاینه وسایل نقلیه موتوری از دارندگان وسایل نقلیه مذکور طبق تعرفه ای که توسط وزارت کشور و سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران می رسد اخذ خواهد شد. تبصره ۲- تاریخ شروع اجرای این ماده و تبصره های آن حداکثر یک سال پس از تصویب این قانون تعیین می شود و سازمان حفاظت محیط زیست و شهرداری و سایر دستگاههای ذی ربط موظفند ظرف مدت مذکور امکانات لازم جهت اجرای این ماده را فراهم کنند. ماده ۶- شهرداری ها ، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ، وزارتخانه ها و سازمانهای ذی ربط موظفند نحوه تردد وسایل نقلیه موتوری و سیستم حمل و نقل شهری را به صورتی طراحی و سامان دهند که ضمن کاهش آلودگی هوا جوابگوی سفرهای روزانه شهری باشد. تبصره - آیین نامه اجرایی این ماده که دربرگیرنده ساعات و محدوده مجاز تردد شهری ، پیش بینی استفاده مطلوب و بیشتر از وسایل نقلیه عمومی و امثال آن می باشد توسط وزارت کشور (شهرداری ها) و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و سازمان حفاظت محیط زیست و در صورت لزوم با همکاری سازمانهای ذی ربط تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۷- در مواقع اضطراری که به علت کیفیت خاص جوی ، آلودگی هوای شهرها به حدی برسد که به تشخیص وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی سلامت انسان و محیط زیست را شدیداً به مخاطره بیندازد ، سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت کشور (شهرداری ها و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) ممنوعیت ها یا محدودیت های موقت زمانی ، مکانی و نوعی را برای منابع آلوده کننده برقرار نموده و بلافاصله مراتب را از طریق رسانه های همگانی به اطلاع عموم خواهد رسانید. با برطرف شدن وضعیت اضطراری و کاهش آلودگی هوا ، سازمان نسبت به رفع ممنوعیت و محدودیت برقرار شده اقدام و مراتب را به نحو مقتضی به اطلاع عموم خواهد رسانید. ماده ۸- ساخت و تولید و ورود وسایل نقلیه موتوری و همچنین موتور و سایر قطعات مرتبط با احتراق وسایل نقلیه از قبیل کاربوراتور و فیلتر مستلزم رعایت استاندارد های حفاظت محیط زیست می باشد. ماده ۹- وزارت صنایع موظف است سیاست ها و

برنامه های تولیدی واحدها و شرکت های تابعه تولید وسایل نقلیه موتوری خود را به نحوی تنظیم نماید که اولاً تولید وسایل نقلیه با موتورها و قطعات غیراستاندارد صورت نپذیرد ثانياً در برنامه ریزی ساخت خودرو برنامه تولید وسایل نقلیه و حمل و نقل عمومی را در اولویت قرار دهد ثالثاً طراحی و ساخت اتومبیلها به نحوی صورت گیرد که حتی المقدور امکان استفاده از گاز هم وجود داشته باشد. ماده ۱۰ - شماره گذاری هر نوع وسیله نقلیه موتوری مستلزم رعایت استانداردهای موضوع ماده ۸ این قانون می باشد. ماده ۱۱ - استانداردهای موضوع مواد ۸ و ۹ این قانون توسط سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت صنایع ، وزارت نفت و موسسات تحقیقاتی ذیصلاح تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل سوم - کارخانجات و کارگاه ها و نیروگاه ها (ماده ۱۲ تا ۲۱)

ماده ۱۲ - احداث کارخانجات و کارگاههای جدید و توسعه و تغییر محل و یا خط تولید کارخانجات و کارگاههای موجود مستلزم رعایت ضوابط و معیارهای سازمان حفاظت محیط زیست می باشد. ماده ۱۳ - وزارتخانه های صنایع ، معادن و فلزات ، کشاورزی و جهاد سازندگی هنگام صدور جواز تاسیس رهنوشتی از جواز تاسیس مربوط را به سازمان حفاظت محیط زیست ارسال خواهند نمود. دارندگان جواز تاسیس مذکور مکلفند محل استقرار واحدهای صنعتی و یا تولیدی خود را طبق ضوابط استقرار موضوع ماده ۱۲ این قانون تعیین نمایند. صدور پروانه بهره برداری موقوف به تایید محل استقرار با رعایت ضوابط موضوع ماده ۱۲ فوق بر اساس اعلام سازمان حفاظت محیط زیست می باشد. تبصره ۱ - احداث نیروگاه ها ، پالایشگاه ها ، کارخانجات پتروشیمی ، کارخانجات صنایع نظامی ، فرودگاه ها و ترمینال های بارگیری موقوف به رعایت ضوابط و معیارهای سازمان حفاظت محیط زیست از لحاظ محل استقرار می باشد. تبصره ۲ - ضوابط و معیارهای موضوع مواد ۱۲ و ۱۳ توسط سازمان با مشارکت وزارتخانه های مذکور در این ماده تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۳ - سازمان حفاظت محیط زیست موظف است ضوابط و معیارهای زیست محیطی لازم را از طریق وزارتخانه های ذی ربط به دارندگان جواز تاسیس اعلان نماید. ماده ۱۴ - فعالیت کارخانجات و کارگاههای جدیدی که ضوابط و معیارهای موضوع ماده ۱۲ را رعایت ننمایند و همچنین فعالیت و بهره برداری از کارخانجات و کارگاهها و نیروگاههایی که بیش از حد مجاز موجبات آلودگی هوا را فراهم آورند ممنوع است ماده ۱۵ - سازمان حفاظت محیط زیست کارخانجات و کارگاهها و نیروگاههایی که آلودگی آنها بیش از حد مجاز استانداردهای محیط زیست باشد را مشخص نموده و مراتب را با تعیین نوع و میزان آلودگی به صاحبان و یا مسئولان کارخانجات و کارگاه ها و نیروگاه ها ابلاغ خواهد کرد تا در مهلت معینی که توسط سازمان با همکاری و مشارکت دستگاههای ذی ربط تعیین می شود نسبت به رفع آلودگی یا تعطیل کار و فعالیت خود تا رفع آلودگی اقدام نمایند. تبصره ۱ - در صورتی که صاحب یا مسئول کارخانه و کارگاهی که موجبات آلودگی هوا را فراهم می نماید با دلایل قابل قبول سازمان اثبات نماید که ظرف مهلت تعیین شده رفع آلودگی عملی نمی باشد سازمان می تواند برای یک بار مهلت اضافی مناسب در مورد اینگونه کارخانجات و کارگاهها قایل شود. تبصره ۲ - سازمان حفاظت محیط زیست موظف است استانداردهای هوای پاک و استانداردهای آلوده کننده های حاصل از کارخانجات و کارگاه ها که به هر طریق وارد هوای آزاد می گردند را برای هر منطقه و با توجه به کیفیت هوا و مناسبات زیست محیطی آن مناطق تهیه نموده و در اختیار متقاضیان و صاحبان کارخانجات و کارگاهها قرار دهد. حد مجاز (استانداردهای محیط زیست این ماده توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۶ - در صورتی که صاحبان و مسئولان کارخانجات و کارگاهها و نیروگاه های آلوده کننده ظرف مهلت تعیین شده مبادرت به رفع آلودگی یا ممانعت از کار و فعالیت کارخانه و کارگاه مربوط نمایند ، در پایان مهلت مقرر به درخواست سازمان حفاظت محیط زیست و دستور مرجع قضایی ذی ربط محل که بلافاصله توسط

مأمورین انتظامی به مورد اجرا گذاشته می‌شود از کار و فعالیت کارخانجات و کارگاههای آلوده کننده جلوگیری به عمل خواهد آمد. ادامه کار یا فعالیت کارخانجات و کارگاهها و نیروگاههای مزبور منوط به صدور اجازه سازمان حفاظت محیط زیست و یا رای دادگاه صلاحیت دار خواهد بود. تبصره - در صورتی که صاحبان و مسئولان کارخانجات و کارگاهها و نیروگاههای آلوده کننده پس از ابلاغ سازمان حفاظت محیط زیست از فعالیت و ادامه کار کارخانجات و کارگاههای مربوط ممانعت به عمل نیاورده و یا پس از تعطیل کارخانجات و کارگاههای مذکور رأساً و بدون کسب اجازه از سازمان یا بدون صدور رای دادگاه صالحه، مبادرت به بازگشایی و ادامه فعالیت آنها بنمایند بر حسب مورد به مجازات های مقرر در این قانون و سایر مقررات مربوط به عدم رعایت دستورات مراجع قانونی و قضایی محکوم خواهند شد و چنانچه مدیران و مسئولان مذکور اداره و تصدی کارخانجات و کارگاههای دولتی یا وابسته به دولت را بر عهده داشته باشند موضوع در هیات های رسیدگی به تخلفات اداری وزارتخانه یا دستگاه متبوع مدیر یا مسئول نیز مطرح و حکم مقتضی صادر خواهد گردید. ماده ۱۷ - در مواقع اضطراری و یا شرایط جوی نامناسب، رییس سازمان حفاظت محیط زیست می‌تواند کارخانجات و کارگاههایی را که فعالیت آنها خطرات فوری در بر داشته باشد با اخطار سریع خواستار توقف فعالیت آنها گردد و در صورت استتکاف به حکم رییس دادگاه محل تا رفع موجبات خطر تعطیل نماید. ماده ۱۸ - در موادی که کاهش یا از بین بردن آلودگی ناشی از فعالیت کارخانجات و یا کارگاهها از طریق دیگر بجز انتقال یک یا برخی از آنها به نقاط مناسب امکان پذیر نبوده و یا فعالیت کارخانجات و کارگاههای مذکور در مناطق مسکونی سلامت ساکنان آن مناطق را به خطر بیندازد سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارتخانه ها و دیگر دستگاههای دولتی ذی ربط طرح انتقال کارخانجات و کارگاههای مذکور را به نقاط مناسب (ترجیحاً شهرک ها و قطب های صنعتی تهیه و به هیات وزیران ارایه می‌نماید. دولت در صورت صلاحدید و موافقت حسب مورد اقدام خواهد نمود. ماده ۱۹ - قطب ها و شهرکها و مجتمع های صنعتی و نیروگاهها و واحدهای تولیدی مکلفند حداقل ۱۰ درصد از فضای شهرکها و یا مجموعه فضای تخصیص داده شده جهت احداث واحدهای تولیدی و خدماتی را به ایجاد فضای سبز و مشجر و کشت درختان مناسب منطقه اختصاص دهند. بهره برداری از واحدهای صنعتی و تولیدی مذکور منوط به رعایت این ماده و ایجاد فضای سبز مناسب می‌باشد. وزارتخانه های صنعتی موظف به نظارت به حسن اجرای این ماده باشند. ماده ۲۰ - کارخانجات و کارگاهها و نیروگاهها و کوره های آجرپزی و آهک پزی موظف به استفاده از سوخت و سیستم های احتراقی مناسب قابل دسترسی به نحوی که موجبات کاهش آلودگی هوا را فراهم نماید هستند. تبصره - وزارت نفت موظف است در برنامه ریزی گازرسانی و سوخت رسانی خود تامین سوخت مناطق صنعتی و مراکز استقرار کارخانجات و کارگاه ها و کوره های آجرپزی مجاور شهرهای بزرگ را در اولویت قرار دهد. ماده ۲۱ - آیین نامه اجرایی این فصل و همچنین ضوابط مربوط به محدودیت استقرار صنایع در مجاورت شهرها توسط سازمان حفاظت محیط زیست با مشارکت وزارتخانه های ذی ربط تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل چهارم - منابع تجاری، خانگی و منابع متفرقه (ماده ۲۲ تا ۲۷)

ماده ۲۲ - پخش و انتشار هر نوع مواد آلوده کننده هوا بیش از حد مجاز از منابع تجاری، خانگی و متفرقه در هوای آزاد ممنوع است منابع تجاری، خانگی و متفرقه از جهت نوع و میزان آلودگی توسط سازمان حفاظت محیط زیست مشخص و طبقه بندی شده و حد مجاز موضوع این ماده توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲۳ - کلیه منابع آلوده کننده از قبیل حمام ها، نانوائی ها، هتل ها و رستوران ها و غیره مکلفند ضمن اتخاذ تدابیر لازم جهت جلوگیری از انتشار دود و دوده و سایر موارد آلوده کننده در هوای آزاد، از سوخت مناسب ترجیحاً گاز شهری که موجب کاهش آلودگی هوا

می‌شود استفاده نمایند. وزارت نفت موظف است در برنامه سوخت رسانی شهرهای بزرگ، تامین سوخت مناسب و گازرسانی منابع تجاری و واحدهای خدمات عمومی را در اولویت قرار دهد. ماده ۲۴ - سوزاندن و انباشتن زباله های شهری و خانگی و هرگونه نخاله در معابر عمومی و فضای باز ممنوع می‌باشد. ماده ۲۵ - وزارتین مسکن و شهرسازی و کشور موظفند هنگام تهیه طرحهای هادی و جامع و بهسازی شهرها به نحوی برنامه ریزی نمایند که فصل جداگانه ای از مطالعات طرح را به بررسی مسایل زیست محیطی اختصاص دهند به گونه ای که طراحی شهرها و شهرک ها و مجتمع های مسکونی از نظر فضای سبز و باز، همجواری کاربری ها، شبکه معابر و حمل و نقل، ضوابط تراکم ساختمانی و غیره با معیارهای زیست محیطی مورد تایید سازمان متناصب باشد. تبصره - نقشه‌های شهرها، شهرک های مسکونی، قطبها و شهرکها و مجتمع های صنعتی اداری، کشاورزی و غیره موکول به رعایت ضوابط و مقررات حفاظت محیط زیست می‌باشد. ماده ۲۶ - آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۲۵ این قانون مشترکا توسط وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت کشور و سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲۷ - ایجاد هرگونه آلودگی صوتی بیش از حد مجاز ممنوع می‌باشد. آیین نامه جلوگیری از آلودگی صوتی توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل پنجم - مجازاتها (ماده ۲۸ تا ۳۲)

ماده ۲۸ - افرادی که با وسایل نقلیه موتوری آلوده کننده غیرمجاز تردد می‌نمایند و همچنین کسانی که محدودیت ها و ممنوعیت های موضوع ماده ۷ این قانون را رعایت ننمایند به حکم دادگاه صالح به جزای نقدی از پنجهزار ریال تا یکصد هزار ریال بنابر تعداد سیلندر حجم موتور میزان آلودگی و دفعات تکرار جرم محکوم خواهند شد ضمنا از تردد وسایل نقلیه آلوده کننده مذکور تا رفع موجبات آلودگی جلوگیری به عمل خواهد آمد. ماده ۲۹ - صاحبان و مسئولین کارخانجات و کارگاههای آلوده کننده که برخلاف مواد ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ این قانون عمل نمایند برای بار اول به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از دو ماه تا شش ماه و جزای نقدی از هفتصد هزار ریال تا دو میلیون ریال محکوم می‌شوند. تبصره ۱ - صاحبان و مسئولان اینگونه کارخانجات و کارگاههای آلوده کننده علاوه بر محکومیت مذکور مکلف به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط زیست و اشخاص حقیقی و حقوقی به حکم دادگاه صالحه می‌باشند. تبصره ۲ - در مورد جرایم مقرر در این قانون علاوه بر اشخاص حقیقی و حقوقی سازمان حفاظت محیط زیست بر حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی در زمینه خسارات وارده به محیط زیست می‌باشد. ماده ۳۰ - کسانی که از انجام بازرسی مأموران سازمان حفاظت محیط زیست برای نمونه برداری و تعیین میزان آلودگی ناشی از فعالیت کارخانجات و کارگاهها منابع تجاری بهداشتی و خدمات و اماکن عمومی ممانعت به عمل آورده و یا اسناد و مدارک و اطلاعات مورد نیاز سازمان را در اختیار ایشان نگذارند و یا اسناد و مدارک و اطلاعات خلاف واقع ارایه نمایند بر حسب مورد و اهمیت موضوع به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا پنج میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از یک ماه تا ۳ ماه و جزای نقدی مذکور محکوم خواهند شد. تبصره - در صورتی که مأموران سازمان حفاظت محیط زیست در جرایم موضوع این ماده همکاری یا مشارکت داشته یا گزارش خلاف واقع ارایه نمایند علاوه بر محکومیت در هیات های رسیدگی به تخلفات اداری به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد. ماده ۳۱ - صاحبان و مسئولان منابع تجاری و اماکن عمومی که برخلاف ماده ۲۴ این قانون موجبات آلودگی هوا را فراهم نمایند پس از هر بار اخطار و پایان مهلت مقرر به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال و در صورت تکرار از سیصد هزار ریال تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. ماده ۳۲ - مسئولین آلودگی حاصل از منابع متفرقه و منابع خانگی و همچنین عاملین آلودگی صوتی به جزای نقدی از

سی هزار ریال تا سیصد هزار ریال و در صورت تکرار از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال محکوم خواهند شد.

فصل ششم - مقررات مختلف (ماده ۳۳ تا ۳۶)

ماده ۳۳ - سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف است با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست ، برنامه‌های مناسب جهت تنویر افکار عمومی ، آموزش و قوانین و مقررات مسایل حفاظت محیط زیست را تنظیم و به مورد اجرا بگذارد. ماده ۳۴ - درآمدهای حاصل از اجرای این قانون پس از وصول بلافاصله به حساب خزانه واریز گردیده و معادل پنجاه درصد (۵۰٪) وجوه واریزی در هر سال و حداکثر تا سقف یک میلیارد ریال جهت اجرای این قانون به صورت ردیف جداگانه در لایحه بودجه هر سال منظور و در اختیار سازمان حفاظت محیط زیست و معادل بیست درصد (۲۰٪) تا سقف چهارصد میلیون ریال در اختیار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد. ماده ۳۵ - آیین نامه های اجرایی این قانون علاوه بر مواردی که در هر یک از مواد قانون نسبت به آن تعیین تکلیف شده است حداکثر ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون توسط سازمان حفاظت محیط زیست و بر حسب مورد با مشارکت یا همکاری دستگاههای ذی ربط تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۳۶ - از تاریخ ابلاغ این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن در زمینه جلوگیری از آلودگی هوا لغو می‌گردد.

آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۶) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب ۲۲/۳/۱۳۸۱

فصل اول - کلیات (ماده ۱)

ماده ۱ - در این آیین نامه عبارات و اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند: الف - محدوده ممنوعه تردد: محدوده جغرافیایی داخل شهری است که عبور و مرور تمام یا برخی از وسایل نقلیه در آن ممنوع است ب - ساعات ممنوعه تردد: ساعاتی از شبانه روز است که عبور و مرور تمام یا برخی از وسایل نقلیه در آن ساعات ممنوع است ج - وسایل نقلیه عمومی وسایل نقلیه ای که در مالکیت یا در اختیار یا نظارت مراجع دولتی یا عمومی بوده و در شبکه حمل و نقل عمومی شهری به کار گرفته می‌شود. د - خودرو های آزاد - خودروهایی هستند که بدون نیاز به مجوز ، مجاز به حرکت در محدوده می‌باشند و شامل خودروهای امدادی (پلیس ، آتش نشانی ، آمبولانس و...) ، اتوبوس های شرکت واحد اتوبوسرانی ، تاکسی های پلاک نارنجی و تاکسی های خطی فقط در مسیر تعیین شده می‌باشند. ه - خودرو های مجاز: خودروهایی هستند که در صورت داشتن مجوز ، مجاز به حرکت در محدوده می‌باشند.

فصل دوم - نحوه اعمال محدودیت و صدور مجوز تردد و چگونگی نظارت بر اجرای محدودیت ها (ماده ۲ تا ۶)

ماده ۲ - شهرهای مشمول محدودیت یا ممنوعیت تردد وسایل نقلیه موضوع این آیین نامه در نقاطی که بنابه اعلام سازمان حفاظت محیط زیست ، آلودگی هوا ناشی از تردد وسایل نقلیه موتوری بیش از حد مجاز بوده و سهم وسایل نقلیه موتوری و تردد شهری در آلودگی هوای آنها بیش از سایر منابع آلوده کننده باشد ، به پیشنهاد سازمان حفاظت محیط زیست یا شهرداری های مربوط یا نیروی انتظامی و تصویب شورای هماهنگی ترافیک استان مربوط ، تعیین می‌شوند. تبصره ۱ - وزیر کشور به عنوان نماینده ویژه

رییس جمهور برای تعیین ساعات و محدوده ممنوعه تردد و نیز وسایل نقلیه مجاز موضوع تبصره ماده (۶) قانون جلوگیری از آلودگی هوا تعیین می‌شود. تبصره ۲- هرگونه سیاستگذاری و اتخاذ تصمیم در خصوص تعیین محدوده، ساعات ممنوعیت، تعداد و نوع خودروهای آزاد و مجاز، مدت اعتبار و نوع محور تردد و امثال آن در تهران بنا به پیشنهاد شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور و تصویب وزیر کشور و در شهرهای دیگر به پیشنهاد شورای هماهنگی ترافیک استان و تصویب وزیر کشور، تعیین می‌گردد. تبصره ۳- اعمال هرگونه ممنوعیت و محدودیت تردد باید همزمان با پیش بینی تسهیلات حمل و نقل عمومی لازم برای مردم در آن محدوده باشد. ماده ۳- عبور و مرور وسایل نقلیه مجاز در محدوده و ساعات ممنوعه که مطابق تبصره های ماده (۲) تعیین می‌شود منوط به اخذ مجوز تردد از شهرداری مربوط است تبصره - بهای مجوزهای صادره، توسط سازمان حمل و نقل ترافیک تعیین می‌شود. ماده ۴- در مواقع اضطراری موضوع ماده (۷) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب ۱۳۷۲ - مجوزهای تردد صادر شده پس از اطلاع از طریق رسانه های هماهنگی، به گونه ای که اعلام خواهد شد، به طور موقت از درجه اعتبار ساقط می‌شوند. ماده ۵- شهرداری های کشور مکلف هستند از طریق انتشار آگهی در رسانه های همگانی، مردم را از محدوده و ساعات ممنوعه تردد آگاه نمایند و با نصب تابلو های ویژه با هماهنگی اداره راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در مبادی ورودی محدوده ممنوعه، هشدارهای لازم را به عموم افراد بدهند. ماده ۶- نیروی انتظامی موظف است با نصب تابلو عبور ممنوع در مبادی ورودی به محدوده ممنوعه، از تردد وسایل نقلیه فاقد مجوز موضوع ماده (۳) این آیین نامه در ساعات و محدوده ممنوع مورد نظر جلوگیری کند و با متخلفین برابر مقررات مربوط رفتار نماید، همچنین موارد استثنا را بر روی تابلو های نصب شده اعلام کند.

فصل سوم - ساماندهی حمل و نقل شهری (ماده ۷ تا ۱۵)

ماده ۷- به منظور کاهش تعداد و طول سفرهای روزانه شهری، کاهش مراجعات حضوری به دستگاه های اجرایی، کاهش شلوغی و تراکم ترافیک و ترویج فرهنگ استفاده از وسایل حمل و نقل همگانی در شهرهای بزرگ کشور، شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور موظف است با همکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و سایر وزارتخانه ها و سازمان ها به تناسب موضوع، راهکارهای مناسب را در جهت غیر متمرکز کردن خدمات اداری و بانکی در امور غیر ستادی، توزیع ساعات شروع و اتمام کار (مدارس، ادارات، بانک ها، بازار و غیره تفویض اختیار امور قابل واگذاری به ادارات تابعه، هدایت شهرداری ها به ایجاد مجتمع های خدمات محله و مناطق شهری و افزایش تعداد شعب ادارات و ارگان های جاذب سفر به تناسب نیاز جمعیت شهرها و نظایر آن را تدوین و تصویب نماید. همچنین به منظور کاهش آلودگی هوا ناشی از تردد وسایل نقلیه موتوری و تقلیل سفرهای غیر ضرور شهری با هماهنگی وزارت پست و تلگراف و تلفن تربیتی اتخاذ کند تا کلیه دستگاه های دولتی و موسسات عمومی به ویژه ارایه دهندگان خدمات عمومی، به طور سالانه درصدی از مراجعات حضوری ارباب رجوع خود را با استفاده از شبکه پست، پست بانک، مخابرات، شبکه اطلاع رسانی الکترونیکی و جایگزین اطلاع رسانی و به کارگیری شیوه مکاتبه به جای مراجعه، پاسخگویی کنند. تبصره - میزان کاهش مراجعات و فهرست انواع خدمات قابل ارایه از راههای یاد شده، در هر سال به پیشنهاد شورای عالی هماهنگی ترافیک و با هماهنگی دستگاه های ذیربط تهیه و به تصویب شورای عالی اداری می‌رسد. ماده ۸- به منظور افزایش ظرفیت ناوگان حمل و نقل داخل شهری، دولت سالانه تسهیلات مناسب را در اختیار وزارت کشور (شرکت ها و سازمانهای اتوبوسرانی و حمل و نقل ریلی شهری) قرار می‌دهد تا با استفاده از تسهیلات، به ظرفیت موجود ناوگان اضافه می‌شود. شهرداری های کشور مکلف هستند تا رسیدن به ظرفیت مطلوب سالانه حداقل ده درصد (۱۰٪) به مجموع ظرفیت ناوگان موجود

اضافه نمایند. وزارت صنایع و معادن مکلف است به منظور پاسخگویی به نیاز ناوگان حمل و نقل شهری، افزایش ظرفیت تولیدات خود را در زمینه وسایل نقلیه عمومی در اولویت قرار دهد. ماده ۹- به منظور اعمال سیاست‌های هماهنگ، تعیین خط مشی لازم، هدایت و نظارت بر تغییر سوخت خودروها از فرآورده های نفتی آلاینده به گاز طبیعی و دیگر سوخت های نوین، شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور با همکاری ارگان های مرتبط اقدام های لازم را معمول خواهند نمود. تبصره - در جلسات شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور که موضوع هدایت و نظارت بر تغییر سوخت خودروها از فرآورده های نفتی و آلاینده به گاز طبیعی و دیگر سوخت های نوین مطرح است از نماینده وزارت نفت با حق رای دعوت به عمل آید. ماده ۱۰- به منظور کاهش آلودگی هوا در تهران و شهرهای بزرگ، دستگاه های اجرایی، شهرداری ها، نیروی نظامی و انتظامی موظفند نسبت به تبدیل به گازسوز نمودن (گاز طبیعی تدریجی وسایل نقلیه تحت اختیار خود، بر اساس زمان بندی مشخص اقدام نمایند. سازمان حفاظت محیط زیست کشور موظف است گزارش سالانه عملکرد دستگاه ها را به دولت گزارش نماید. این اقدام در مورد نیروهای مسلح با هماهنگی و موافقت ستاد کل نیروهای مسلح انجام می شود. ماده ۱۱- وزارت نفت مکلف است به منظور به حداقل رساندن آلودگی ناشی از سوخت های فسیلی نسبت به تولید و عرضه گازوییل با استاندارد بین المللی به کمتر از ۵۰۰ PPM (گوگرد)، در حد نیاز اقدام نماید. تبصره - سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موظف است برای به اجرا در آمدن مفاد این ماده اعتبارات لازم را در بودجه سالانه کشور پیش بینی نماید. ماده ۱۲- سازمان صدا و سیما مکلف است با همکاری دستگاه های ذیربط، برنامه هایی را در راستای نمایاندن مزایای تغییر سوخت مصرفی وسایل نقلیه از نظر اقتصادی و زیست محیطی، همچنین برنامه های آموزشی متضمن ملاحظات ایمنی مربوط به گاز سوز شدن را از طریق صدا و سیما به عموم مردم ارائه نماید. ماده ۱۳- موسسه تحقیقات و استانداردهای صنعتی ایران مکلف است بررسی های لازم در مورد تدوین استانداردهای ایمنی گازسوز کردن وسایل نقلیه را انجام و نتیجه جهت اجرا به مراجع ذیربط ارائه نماید. مراجع ذیربط در تولید و اصلاح سیستم سوخت وسایل نقلیه موظف به رعایت استاندارد مزبور می باشند. ماده ۱۴- از تاریخ لازم الاجرا شدن این تصویب نامه، صدور مجوز سرمایه گذاری جدید و یا توسعه واحدهای تولیدی موتورهای دو زمانه ممنوع و وزارت صنایع و معادن موظف است تمامی تولید کنندگان داخلی موتور سیکلت های یاد شده را مکلف نماید حداکثر تا دو سال از زمان لازم الاجرا شدن این آیین نامه، تولید خود را با استانداردهای زیست محیطی تطبیق و نوع موتور چهار زمانه را جایگزین نمایند. تبصره - تردد موتورهای دو زمانه پس از دو سال از لازم الاجرا شدن این تصویب نامه در هفت شهر بزرگ کشور ممنوع است ماده ۱۵- از تاریخ لازم الاجرا شدن این آیین نامه، واردات موتور سیکلت های دو زمانه ممنوع است

اساسنامه سازمان حمل و نقل و ترافیک پایتخت - مصوب ۱۳۵۳/۱۰/۱۸

فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۵)

ماده ۱- سازمان حمل و نقل و ترافیک پایتخت که اختصاراً در این اساسنامه به نام (سازمان) خوانده می شود به استناد ماده ۸۴ قانون شهرداری ها تاسیس می گردد و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و به صورت یکی از موسسات وابسته به شهرداری پایتخت و با اصول بازرگانی اداره می شود. ماده ۲- هدف سازمان عبارتست از اصلاح تنظیم امر عبور و مرور کلیه وسایل نقلیه و عابرین پیاده و نصب علائم مربوطه و نظارت بر حمل و نقل مسافر و بار و موافقت با تاسیس موسسات حمل و نقل جدید و نیز تجدید نظر در مقررات مورد عمل فعلی و پیشنهادات لازم به مراجع ذیصلاح به منظور افزایش یا نقصان جرایم و همچنین

تجدیدنظر در کلیه مقررات مربوط به راهنمایی و رانندگی و پیش بینی طرحهای لازم به منظور توسعه شبکه های ارتباطی و بهبود وضع عبور و مرور در آینده و انجام عملیات اجرایی مربوط در محدوده قانونی پایتخت و حریم ماده ۳ - مدت عملیات سازمان نامحدود و مرکز اصلی آن پایتخت می باشد و تغییر آن منوط به تصمیم شهردار پایتخت است ماده ۴ - کلیه اموال منقول و غیرمنقول شهرداری پایتخت که مورد استفاده و در اختیار سازمان قرار می گیرد و آنچه که بعدا تاسیس و خریداری نماید و همچنین کمکهای مالی که از طریق شهرداری به سازمان می شود با حفظ حق مالکیت شهرداری به عنوان سرمایه سازمان محسوب می گردد. تبصره - سازمان موظف است صورت کلیه اموال منقول و غیرمنقول موجود و همچنین اثاثیه و وسایلی را که بعدا از شهرداری می گیرد ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این اساسنامه تهیه و با ارزیابی که به وسیله نمایندگان شهرداری و سازمان انجام خواهد شد به عنوان سرمایه در دفاتر مربوطه ثبت و صورت آن را برای تایید نهایی شهردار و اطلاع انجمن شهر پایتخت ارسال دارد. ماده ۵ - تغییر مواد اساسنامه و یا انحلال سازمان منوط به پیشنهاد شهرداری و تصویب انجمن شهر پایتخت خواهد بود.

فصل دوم - ارکان سازمان (ماده ۶ تا ۱۶)

ماده ۶ - سازمان دارای ارکان ذیل می باشد: الف هیات مدیره ب مدیرعامل ج ناظر انجمن شهر ماده ۷ - هیات مدیره مرکب از پنج نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی البدل خواهد بود که از بین معاونان و یا صاحب منصبان عالی رتبه شهرداری از طرفی شهردار پایتخت به مدت دو سال انتخاب می شوند و در پایان مدت انتخاب مجدد آنان بلامانع است تبصره ۱ - رییس و نایب رییس هیات مدیره از طرف شهردار پایتخت از بین اعضای اصلی انتخاب و به این سمت منصوب خواهد شد. تبصره ۲ - شهردار پایتخت می تواند تعدادی از اعضای اصلی و یا علی البدل را در صورت اقتضای از بین افراد متخصص و با تجربه در امر ترافیک که خارج از کادر شهرداری هستند. انتخاب و مراتب را جهت اطلاع انجمن شهر اعلام دارد. تبصره ۳ - اعضای هیات مدیره می تواند هر یک به لحاظ تجربه و تخصصی که دارند با تصویب هیات مدیره نسبت به امور خاصی از سازمان نظارت مستقیم اعمال نماید. ماده ۸ - جلسات هیات مدیره به ریاست رییس یا نایب رییس هیات مدیره و با حضور حداقل چهار نفر از اعضای اصلی و یا علی البدل رسمیت پیدا می کند. تبصره ۱ - در صورت غیبت و معذوریت اعضای اصلی علی البدل به دعوت رییس هیات مدیره در جلسه هیات مدیره شرکت خواهند کرد و در غیر این صورت حضور آنان در جلسات بدون داشتن حق رای خواهد بود. تبصره ۲ - جلسات هیات مدیره با حضور چهار نفر اعضای هیات مدیره به ریاست رییس هیات مدیره و در غیاب او نایب رییس رسمیت خواهد یافت تبصره ۳ - تصمیمات متخذه با اکثریت سه رای که حداقل دو رای آن از اعضای اصلی باشد، نافذ و قابل اجرای است ماده ۹ - جلسات هیات مدیره بر حسب تشخیص رییس هیات مدیره و یا به تقاضای مدیرعامل در مرکز اصلی سازمان تشکیل خواهد شد ولی فاصله تشکیل دو جلسه متوالی نباید از ده (۱۰) روز تجاوز نماید. ماده ۱۰ - صورت جلسات هیات مدیره پس از تصویب به امضای رییس و یا نایب رییس و اعضای هیات مدیره حاضر در جلسه می رسد. ماده ۱۱ - هیات مدیره نماینده قانونی شهرداری برای اداره کلیه امور سازمان است و دارای وظایف ذیل می باشد: الف اتخاذ تصمیم و تعیین خط مشی و سیاست کلی و نظارت بر حسن اداره و حفظ سرمایه و درآمد و هزینه سازمان ب بررسی و تصویب بودجه سالانه سازمان و ارسال آن برای تایید نهایی به شهرداری پ بررسی ترانزنامه و بیلان و رسیدگی به امور مالی سازمان و تصویب و ارسال آن برای تایید نهایی شهرداری و انجمن شهر پایتخت شهرداری و انجمن ت تصویب قراردادهای مربوط به اجرای عملیات موضوع این اساسنامه و تصویب معاملات غیرمنقول سازمان با رعایت آیین نامه معاملات شهرداری ث بررسی پیشنهادات و راه حل های مفیدی که برای بهبود و پیشرفت هدفهای سازمان واصل می گردد. ج بررسی و تصویب آیین نامه های داخلی که به منظور پیشرفت امور سازمان تدوین گردیده با رعایت مقررات و ضوابط

قانونی ماده ۱۲ - هیات مدیره می‌تواند قسمتی از اختیارات خود را در کلیه امور به مدیر عامل تفویض نماید. ماده ۱۳ - هیات مدیره مکلف است سه ماه قبل از انقضای مدت دوره مدیریت مراتب را به اطلاع شهرداری برساند. تبصره - مادامیکه اعضای هیات مدیره جدید تعیین نشده‌اند، هیات مدیره قبلی و صاحبان اعضای مجاز سازمان کماکان به وظایف خود ادامه خواهند داد ولیکن به هر حال این مدت از سه ماه تجاوز نخواهد کرد. ماده ۱۴ - هیات مدیره از بین مهندسين عالی رتبه راه و ساختمان ترافیک و یا معماری شهرداری که دارای تخصص و یا تجارب کافی در امر ترافیک باشند، یک نفر را با تایید شهردار پایتخت به عنوان مدیرعامل سازمان انتخاب می‌نماید. تبصره - چنانچه اقتضای نماید و یا فرد واجد شرایط در شهرداری برای تصدی پست مذکور یافت نشود، هیات مدیره می‌تواند با تایید شهردار از فرد واجد صلاحیت خارج از کادر شهرداری به صورت قراردادی استفاده نماید و در این صورت تعیین حقوق و مزایای مدیرعامل بنا به پیشنهاد هیات مدیره و تایید شهردار و تصویب انجمن شهر خواهد بود. ماده ۱۵ - مدیر عامل بالاترین مقام اجرایی سازمان بوده و بر کلیه واحدهای تابعه سازمان ریاست دارد و مسئول حسن جریان اداره کلیه امور و حفظ حقوق و منافع و اموال سازمان و اجرای مصوبات هیات مدیره می‌باشد و در مقابل هیات مدیره مسئول است ماده ۱۶ - مدیرعامل در مقابل اشخاص حقوقی و حقیقی و در کلیه محاکم و مراجع قضایی نماینده سازمان بوده و دارای کلیه اختیارات مندرج در مواد ۶۱ و ۶۳ آیین نامه دادرسی مدنی می‌باشد و هرگونه ارجاع به داوری و صلح و سازش منوط به تصویب هیات مدیره و تایید شهردار و انجمن شهر خواهد بود. تبصره - مدیرعامل می‌تواند با تصویب و تایید شهردار پایتخت اختیارات مندرج در ماده فوق را به وکلای صلاحیت یا مشاوران حقوقی شهرداری تفویض نماید.

فصل سوم - طرز انتخاب و وظایف ناظر انجمن شهر (ماده ۱۷ تا ۱۸)

ماده ۱۷ - به منظور نظارت در انجام وظایف هیات مدیره یکی از اعضای انجمن شهر پایتخت به عنوان ناظر معرفی خواهد شد. ماده ۱۸ - ناظر انجمن شهر در حدود بند ۱ ماده ۴۵ قانون اصلاحی شهرداری ها نظارت خود را در سازمان حمل و نقل و ترافیک پایتخت اعمال خواهد نمود.

فصل چهارم - امور مالی و استخدامی (ماده ۱۹ تا ۳۰)

ماده ۱۹ - حقوق و مزایای هیات مدیره و کارکنان سازمان براساس مقررات استخدامی و آیین نامه ها و ضوابط مورد عمل شهرداری در مشاغل مشابه تعیین و پرداخت خواهد شد. تبصره - در اجرای ماده فوق مفاد تبصره ۱ ذیل ماده ۷ بنحو تبصره ذیل ماده ۱۴ عمل خواهد شد. ماده ۲۰ - استخدام کارکنان سازمان بنا به پیشنهاد مدیر عامل و تصویب هیات مدیره از طریق قسمت کارگزینی شهرداری دارد (در خصوص اعتبارات بودجه و سازمان مصوب) و با توجه به مقررات موضوعه شهرداری به عمل خواهد آمد. تبصره - در صورتیکه کارمندان و یا کارگر واجد شرایط و صلاحیت در شهرداری یافت شود، انتقال آنان به سازمان به منظور تصدی پستهای سازمانی مقدم بر استخدام کارکنان جدید است ماده ۲۱ - تعیین فوق العاده اضافه کار و پاداش و هرگونه مزایای دیگر با در نظر گرفتن اعتبارات مصوب براساس ضوابط و مقررات استخدامی شهرداری به پیشنهاد مدیر عامل و تصویب هیات مدیره خواهد بود. ماده ۲۲ - سازمان تفصیلی کارمندی و کارگری سازمان با رعایت مقررات استخدامی شهرداری به پیشنهاد مدیر عامل و تصویب هیات مدیره و تایید شهرداری و با تصویب نهایی انجمن شهر پایتخت قابل اجرا است ماده ۲۳ - شهرداری پایتخت مکلف است تا زمانی که سازمان احتیاج دارد همه ساله رقمی برای انجام هزینه های سازمانی در بودجه عمومی شهرداری تهران

منظور و در اختیار سازمان قرار دهد تا سازمان براساس آن و برآورد اعتباری بودجه سالانه خود را تنظیم نماید. ماده ۲۴ - سازمان برای انجام هزینه های جاری و نگهداری وجوه نقدی خود را در حساب مخصوص در یکی از شعب بانک ملی افتتاح می کند. ماده ۲۵ - کلیه اسناد مالی و چک ها و بروات و سفته ها و هر نوشته و سندی که برای سازمان ایجاد تعهد مالی می نماید با امضای مدیرعامل یکی از اعضای هیات مدیره و مسئول امور مالی سازمان معتبر است تبصره ۱ - هیات مدیره صاحب امضای دوم را از بین خود انتخاب و معرفی خواهد نمود. تبصره ۲ - در غیاب هریک از نامبردگان جانشین رسمی آنها از طرف هیات مدیره تعیین و اسناد را امضای خواهد نمود. ماده ۲۶ - مدیر عامل می تواند با تصویب هیات مدیره قسمتی از اختیارات خود را به مسئولین و یا روسای واحد تفویض اختیار نماید. ماده ۲۷ - سال مالی سازمان در فروردین ماه هر سال شروع و در پایان اسفند ماه همان سال خاتمه پیدا می کند. تبصره - اولین سال مالی سازمان از تاریخ تصویب این اساسنامه تا پایان سال تصویب آن می باشد و تعهدات باقیمانده قابل انتقال به سال بعد خواهد بود. ماده ۲۸ - آیین نامه معاملات سازمان بر اساس آیین نامه مالی شهرداری توسط هیات مدیره تنظیم و پس از تایید شهرداری پایتخت و تصویب انجمن شهر قابل اجرا می باشد. تبصره ۱ - مادامی که آیین نامه مذکور تنظیم و تصویب نگردیده است از مقررات مالی شهرداری استفاده می شود. تبصره ۲ - اعضای کمیسیون های معاملات و تحویل و مناقصه و مزایده از بین کارکنان سازمان به پیشنهاد مدیر عامل و تایید هیات مدیره و تصویب شهردار پایتخت خواهد شد. ماده ۲۹ - چنانچه مواردی در این اساسنامه پیش بینی نشده باشد، بر طبق آیین نامه های مالی و استخدامی شهرداری و مقررات موضوعه عمل خواهد شد. ماده ۳۰ - این اساسنامه در چهار فصل و ۳۰ ماده و تبصره براساس ماده ۸۴ قانون شهرداریها تنظیم و طی مصوبه شماره ۴۰۷۱ مورخ ۱۳۵۳/۱۰/۱۸ انجمن شهر به تصویب رسیده است

شرکت واحد

قانون تفسیر تبصره یک ماده واحده قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی عمومی - مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۵۱

ماده واحده - با توجه به بند ۲ ماده ۱۹۹ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۹ اسفند ماه ۱۳۴۷ و عبارت مصرح در قسمت اخیر آن (مگر اینکه مدت قبل از انقضای تمدید شده باشد) و به لحاظ اینکه از تبصره یک ماده واحد مصوب ۱۶ بهمن ۱۳۳۱ استنباط عدم امکان تمدید مدت نمی شود لذا تمدید مدت شرکت اتوبوسرانی عمومی قبل از انقضا بلامانع است

آیین نامه اجرای قانونی تاسیس شرکت اتوبوسرانی - مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۳۴ با اصلاحات بعدی

ماده ۱ - در اجرای قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی عمومی مصوب مجلسین: وزارت کشور و شهرداری هایی که دارای انجمن قانونی باشند موظفند پس از نشر آگهی در ظرف حداکثر دو ماه و نیم شرکت واحد سهامی اتوبوسرانی عمومی حوزه خود و حومه آن را بر اساس مقررات مربوط قانون تجارت به ثبت برسانند. ماده ۲ - چنانچه در ظرف مدت دو ماه از تاریخ نشر آگهی صاحبان وسایط موجوده در هر شهر از واگذاری وسایط و خرید سهام خودداری کنند وزارت کشور یا شهرداری بر اساس این آیین نامه راسا به تاسیس شرکت اقدام خواهد نمود و در این صورت به موجب تبصره ۸ قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی عمومی کارکنان فعلی اتوبوسها خدمتگزار شرکت واحد اتوبوسرانی خواهند بود. ماده ۳ - شرکت نامه و اساسنامه شرکت باید پس از تصویب انجمن شهر یا وزارت کشور (درمحل هایی که انجمن شهر وجود ندارد) به ثبت برسد. ماده ۴ - پس از انقضای مدت مقرر در تبصره ۴ قانون مذکور که حق تقدم مالکین منتفی می شود به موجب متن ماده واحده که اتوبوسرانی عمومی و نقل و انتقال مسافر داخل هر شهر و حومه آن را مخصوص شهرداری قرار داده است شهرداری به تاسیس شرکت مبادرت می کند و در این صورت شهرداری مجاز است

از اتوبوسرانی خطوط سابق جلوگیری کند. ماده ۵- اصلاحی مرداد ماه ۱۳۳۵- برای مراقبت در حسن اجرای قانون تاسیس شرکت واحد اتوبوسرانی و تعهد ناشیه از عمل شرکت هیاتی بنام هیات عالی نظارت و مشاور اتوبوسرانی عمومی تهران از اشخاص زیر تشکیل می‌شود: الف- وزیر کشور. ب- مدیر کل بانک ملی ایران یا معاون بانک ملی ج- رئیس شهربانی د- شهردار تهران ذ- معاون وزارت دادگستری ر- معاون وزارت دارایی ز- معاون وزارت کار. ح- معاون وزارت بازرگانی ط- معاون وزارت صنایع و معادن ظ- سه نفر نماینده از طرف صاحبان سهام ۴۹٪. مادام که سهام ۴۹ درصد کاملاً پرداخت نشده وزارت کشور به قائم مقامی انجمن شهر می‌تواند افراد مزبور را از بین سهامداران انتخاب نماید ولی پس از تعیین تکلیف ۴۹٪ انتخاب سه نفر مزبور نیز طبق مقررات شرکتها باید توسط کلیه صاحبان سهام به عمل آید. وظایف و اختیارات هیات نظارت مذکور در ماده ۵ به شرح زیر خواهد بود. ماده ۱- رسیدگی و اظهار نظر صریح نسبت به هر موضوعی که از طرف هیات مدیره یا مدیر عامل یا بازرسان یا انجمن مراجعه شود. ماده ۲- جلسات هیات نظارت و مشاوره ماهی یک مرتبه تشکیل می‌شود مگر در موارد فوق العاده که طبق تقاضای یکی از مقامات نامبرده در ماده ۱ یا دعوت هیات مدیره جلسه به طور فوق العاده تشکیل می‌شود که در آن صورت هیات موظف است حداکثر در ظرف ۲۴ ساعت پس از وصول درخواست یکی از مقامات مذکور در ماده بالا به موضوع مرجوعه رسیدگی نسبت به آن اظهار نظر صریح نماید. ماده ۳- جلسه با حضور هفت نفر رسمیت خواهد داشت و در صورتی که کمتر از ۱۰ نفر در جلسه شرکت نمایند اتخاذ هر نوع تصمیم به اکثریت پنج نفر معتبر خواهد بود. تبصره ۱- خلاصه مذاکرات و تصمیمات هیات نظارت عالی در دفتر مخصوص ثبت و رونوشت صورتجلسات برای اطلاع هیات مدیره و انجمن شهر فرستاده خواهد شد. تبصره ۲- هیات مدیره موظف است امور مالی شرکت را با توجه به قانون تاسیس شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و اساسنامه مربوط و رعایت قانون تجارت اداره نماید. ماده ۶- وظایف و اختیارات هیات نظارت با توجه به رعایت مقررات عمومی و انتظامی و رانندگی به شرح زیر است الف- تصویب نقشه مسیر خطوط و محل توقفگاه ها و تاسیسات ب- مراقبت در اجرای برنامه حرکت و مدت کار رانندگان و کارکنان اتوبوس ها. ج- مراقبت در وجوه عده کافی پایگاه وسایط در هر یک از خطوط د- نظارت در موجود بودن وسایط محکم و پاکیزه مناسب برای هر یک از خطوط به عدد کافی به طوریکه استفاده اهالی از اتوبوسرانی به بهترین وجه به حداکثر ممکن تامین شود. ه- تصویب مقررات فنی و انتظامی مربوط به وسایط و در صورت لزوم پیشنهاد آن به مقامات صالحه ماده ۷- عضویت هیات نظارت جزو وظایف اداری و قانونی هر یک از اعضای آن خواهد بود و از این بابت حقوقی از شرکت دریافت نخواهند نمود. ماده ۸- شرکت موظف است مصوبات هیات نظارت را در آنچه مربوط به انتظام امر اتوبوسرانی عمومی و نظافت اتوبوسها و کارکنان و لباس آنها و آنچه موجب تامین رفاه عامه می‌باشد به موقع اجرا گذارد. شرکت موظف است دستورات انتظامی شهربانی را مراعات و اجرا نماید. ماده ۹- استفاده از متخصصین فنی خارجی به عنوان مشاور یا مستخدم شرکت در حدود قوانین مربوطه بلامانع خواهد بود. ماده ۱۰- چنانچه در آتیه احتیاج به اصلاح یا تکمیل هر یک از مواد این آیین نامه باشد با پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات دولت اقدام به عمل خواهد آمد، آیین نامه مصوب ۳۱/۱/۱۳۳۲ ملغی می‌گردد.

قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی عمومی در شهرها - مصوب ۱۶/۱۱/۱۳۳۱ با اصلاحات بعدی

ماده واحده- امتیاز اتوبوسرانی و نقل و انتقال مسافر بطور دسته جمعی در داخل هر شهر و حومه آن با شهرداری محل می‌باشد. تبصره ۱- برای استفاده از این امتیاز شهرداری ها می‌توانند هر یک شرکت واحد سهامی تشکیل دهند مشروط بر این که حداقل پنجاه و یک درصد سهام آن متعلق به شهرداری و بقیه متعلق به اتباع ایران ساکن محل بوده و مدت هر شرکت از شرکتهای اتوبوسرانی بیش از هشت سال نباشد. تبصره ۲- سهام شرکت اسمی است هر گاه یکی از سهامداران بخواهد سهم خود را به بفروش برساند. شهرداری حق اولویت دارد و در صورت انتشار سهام جدید شهرداری در خرید سهام حق تقدم خواهد داشت تبصره ۳- حق

رای نسبت به سهام شهرداری با انجمن قانونی شهر است و در غیاب انجمن وزارت کشور قایم مقام آن خواهد بود. تبصره ۴ - مالکین اتوبوسهای هر شهر و حومه آن که هنگام تقدیم لایحه، دولت اجازه اتوبوسرانی داشته‌اند از تاریخ اعلام تاسیس شرکت تا دو ماه حق تقدم در خرید سهام قابل انتقال شرکت خواهند داشت تبصره ۵ - هیچیک از اعضای انجمن شهر یا شخص شهردار نمی‌توانند صاحب سهام شرکت اتوبوسرانی در شهر محل تاسیس شرکت باشند و همچنین اقوام بلافضل آنها مشمول همین تبصره خواهند بود. تبصره ۶ - ارزیابی اتوبوسها و احتساب بهای آن در مقابل سهام بر طبق آیین نامه ارزیابی انجام خواهد گرفت تبصره ۷ - چنانچه بعضی از صاحبان جزیی از اتوبوس مایل باشند و توانایی قبول سهام شرکت را نداشته باشند به شرط تقاضای خودشان شرکت واحد مکلف است قیمت تقویمی آن جز از اتوبوس را بپردازد. تبصره ۸ - کارکنان فعلی اتوبوسها در صورت واجد بودن شرایط مقرر در آیین نامه استخدامی شرکت بر دیگران حق تقدم دارند. تبصره ۹ - کارکنان اتوبوسهای شرکت مشمول مقررات قانون کار خواهند بود. تبصره ۱۰ - شهرداریها مجازند اراضی متعلق به شهرداری را که مورد نیاز شرکت باشد به قیمت عاده در مقابل قسمتی از سهام نقدی خود به شرکت واگذار نمایند. تبصره ۱۱ - وزارت کشور و شهرداریهایی که دارای انجمن قانونی باشند می‌توانند برای تهیه سرمایه نقدی شهرداری ها در شرکتهای به تناسبی که آیین نامه استقراری تعیین خواهد نمود مجموعا تا مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال از بانک ملی وام دریافت نموده و در مدت ده سال مستهلک نمایند. تبصره ۱۲ - وزارت کشور مکلف است منتهی تا یکماه از تاریخ تصویب این قانون آیین نامه های مربوط را تدوین و پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذارد. تبصره ۱۳ - شهرداریها می‌توانند در صورت اقتضا برای بهبود وضع اتوبوسرانی و نقل و انتقال مسافر در داخل و حومه هر شهر بهره برداری تمام یا پاره‌ای از خطوط اتوبوسرانی را با شرایطی که به تصویب انجمن شهر خواهد رسید و با توجه به صرفه و صلاح ساکنین شهرها و رعایت آیین نامه معاملات شهرداری به بخش خصوصی واگذار کنند در این مورد کسانی که در تاریخ تصویب این تبصره پروانه اتوبوسرانی داشته‌اند با شرایط مساوی حق تقدم دارند. (الحاقی به موجب ماده واحده مصوب ۲۱/۱۲/۱۳۵۱)

تاکسیرانی

اصلاحیه آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده واحده قانون راجع به تمرکز امور مربوط به تاکسیر

۱- عنوان تبصره ماده (۲) به تبصره (۱) تغییر می‌یابد و در تبصره یاد شده بعد از عبارت فرودگاه (عبارت (و موقت) اضافه می‌شود.
 ۲ - متن زیر به عنوان تبصره (۲) به ماده (۲) اضافه می‌شود: تبصره ۲ - وزارت صنایع مکلف است به منظور تبدیل تاکسی های موقت ، به تعداد لازم خودرو در اختیار وزارت کشور ، به منظور توزیع بین متقاضیان واجد شرایط قرار دهد. ۳ - منتهای زیر به عنوان تبصره ۳ و ۴ به ماده (۵) اضافه و شماره تبصره‌های (۳) و بعد از آن به ترتیب اصلاح می‌شود: تبصره ۳ - در صورت عدم وجود تاکسی به تعداد مورد نیاز بر اساس تبصره (۲) این ماده شهرداری می‌تواند پروانه اشتغال موقت برای خودروهای شخصی واجد شرایط با رعایت مفاد این آیین نامه تحت عنوان تاکسی موقت صادر نماید. تبصره ۴ - صدور پروانه اشتغال موقت تنها برای تنظیم امور صادر می‌شود. ۴ - عبارت (و موفقیت در امتحان شهرشناسی و گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت (توجیهی) مقررات تاکسیرانی) به انتهای بند (ب) ماده (۶) اضافه می‌شود. ۵ - عبارت (یا داشتن افراد تحت تکفل بر اساس قوانین و مقررات مربوط با گواهی مراجع ذی صلاح) به انتهای بند (ث) ماده (۶) اضافه می‌شود. ۶ - بند (۲) ماده (۱۳) به شرح زیر اصلاح می‌شود: (۲ - شهرداری حداقل و حداکثر تعداد وسیله نقلیه را با توجه به نوع وسیله نقلیه اعم از ملکی یا قراردادی که شرکت می‌تواند به کار گیرد ، بر اساس ضوابط و دستورالعمل های صادر شده از سوی شورای عالی هماهنگی ترافیکی شهرهای کشور تعیین می‌کند.)

آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده واحده قانون راجع به تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی شهر تهران زیر نظر شهرداری تهران - مصوب ۲۸/۳/۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی

فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱ - به منظور ایجاد تمرکز و هماهنگی در امور مربوط به تاکسیرانی و انواع سرویس های تاکسی شهری در شهرها ، وزارت کشور بر اساس مواد (۵۴) و (۸۴) قانون شهرداری - مصوب ۱۳۳۴ اقدامات لازم را معمول می کند. ماده ۲ - تاکسی عبارت از وسیله نقلیه ای - اعم از سواری ، استیشن یا هر خودروی مناسب دیگر - است که دارای مشخصات معین شده در این آیین نامه است و با امتیاز بهره برداری که توسط شهرداری صادر می شود ، به صورت یکی از سرویس های تاکسی شهری به جابجایی مسافر در درون شهر می پردازد. تبصره - انواع سرویسهای تاکسی شهری که با عناوین ، رنگ ها و فرم های گوناگون نظیر نارنجی و فرودگاه که با وسایل نقلیه سواری ، استیشن یا خودروی مناسب دیگر یا آژانس مشغول به کار هستند ، مشمول این آیین نامه هستند. ماده ۳ - تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی ، همچنین کلیه امور مربوط به حمل و نقل عمومی مسافر در درون شهر ، در حیطه نظارت و مسئولیت شهرداری است تبصره - شهرداری می تواند به منظور رعایت مفاد این آیین نامه ، برای اشخاص حقوقی واجد شرایط ، مجوز حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری صادر نماید. اشخاص یاد شده برطبق مفاد این آیین نامه و به نمایندگی از شهرداری به حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری اقدام می نمایند.

فصل دوم - پروانه اشتغال به حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری با تاکسی (ماده ۴ تا ۸)

پروانه تاکسیرانی ماده ۴ - پروانه اشتغال به حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری با تاکسی (پروانه تاکسیرانی) مجوزی است که پس از طی موفقیت آمیز مراحل مختلف مذکور در این آیین نامه ، برای مدت معین (حداکثر ۱۲ ساعت در روز) ، سرویس مشخص ، مسیر و زمان معین توسط شهرداری صادر می شود. مجوز مذکور فقط برای اشتغال فرد با وسیله نقلیه مشخص است ، اعم از اینکه وسیله نقلیه متعلق به دارنده مجوز باشد یا به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر تعلق داشته باشد. تبصره - شماره پروانه تاکسیرانی به عنوان کد شناسایی راننده نیز به کار خواهد رفت ماده ۵ - مراحل مختلف صدور پروانه تاکسیرانی به قرار زیر است الف - ثبت نام از متقاضی ب - امتحان ورودی مطابق با مفاد دستورالعمل امتحان که به تصویب شهرداری می رسد. پ - تحقیق در مورد صلاحیت اخلاقی و اجتماعی متقاضی ت - مصاحبه حضوری ث - صدور پروانه تاکسیرانی مطابق مقررات موضوعه توسط شهرداری و در قبال اخذ گواهینامه معتبر رانندگی تبصره ۱ - با توجه به درج نوع و شماره گواهینامه رانندگی در پروانه تاکسیرانی ، پروانه مزبور برای رانندگی با تاکسی به منزله کارت شهری موضوع آیین نامه راهنمایی و رانندگی و گواهینامه رانندگی است تبصره ۲ - تعداد پروانه تاکسیرانی و پروانه بهره برداری از امتیاز سرویس های تاکسی شهری در هر شهر ، با رعایت ضوابط مصوب شورای عالی ترافیک ، توسط شهرداری تعیین می شود. تبصره ۳ - هزینه خدمات و هزینه صدور پروانه ها و مجوزهای موضوع این آیین نامه و حق امتیاز پروانه بهره برداری و حق امتیاز واگذاری نمایندگی به اشخاص حقوقی با تصویب شورای شهر یا جانشین قانونی آن و تایید وزارت کشور توسط شهرداری از متقاضیان اخذ خواهد شد. تبصره ۴ - مدت اعتبار پروانه تاکسیرانی (۲) سال است و در صورت دارا بودن شرایط ، هر بار تمدید آن برای (۲) سال دیگر توسط شهرداری مجاز است تبصره ۵ - شهرداری موظف است نسخه ای از پروانه تاکسیرانی را برای اطلاع راهنمایی و رانندگی یا هر مرجع ذی صلاح جانشین ارسال کند. ماده ۶ - شرایط لازم برای دریافت پروانه

تاکسیرانی به شرح زیر می‌باشد: الف - داشتن حداقل (۲۳) سال سن ب - داشتن حداقل گواهی پایان دوره ابتدایی یا گواهی نهضت سوادآموزی معادل آن برای افرادی که کمتر از (۵۰) سال سن دارند و سواد خواندن و نوشتن برای افرادی که دارای بیش از (۵۰) سال سن هستند. پ - داشتن برگ پایان خدمت یا معافیت از خدمت وظیفه عمومی ت - دارا بودن گواهینامه معتبر رانندگی اتومبیل که حداقل یک سال از تاریخ دریافت آن گذشته باشد. ث - داشتن تاهل ج - تابعیت جمهوری اسلامی ایران چ - نداشتن سو پیشینه ح - عدم اشتها به فساد اخلاقی خ - ارائه گواهی صحت بدنی و فکری و عدم اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی د - محروم نبودن از حقوق اجتماعی یا اشتغال به رانندگی از طرف مراجع ذی صلاح ذ - التزام به رعایت شئون اسلامی ر - نداشتن شغل دیگر. تبصره - در صورت فقدان هر یک از شرایط یاد شده اعتبار پروانه خاتمه می‌پذیرد. ماده ۷ - متقاضی صدور پروانه تاکسیرانی مکلف به سپردن تعهد رسمی مبنی بر عدم انجام تخلفات موضوع این آیین نامه و قبول تصمیم های هیاتهای انضباطی و رعایت دستورالعمل های صادر شده است ماده ۸ - امور زیر از تخلفات تاکسیرانی محسوب و مرتکبین تابع تصمیم های هیاتهای انضباطی خواهند بود: ۱ - امتناع از حمل مسافر یا حمل مسافر با شرایطی خارج از مقررات ۲ - عدم رعایت شئون اسلامی و اجتماعی ۳ - عدم انجام کشیک های محوله و رعایت مقررات آن ۴ - اقدام به تاکسیرانی برای غیر از ساعت ، مسیر و سرویسی که در پروانه قید شده است ۵ - ارتکاب به جرم در هنگام تاکسیرانی یا با استفاده از تاکسی ۶ - عدم رعایت نرخهای مصوب و عدم استفاده از تاکسی متر در صورت نصب و الزام استفاده از آن ۷ - عدم رعایت مقررات مربوط به حمل مسافر و تکرار تخلفات راهنمایی و رانندگی ۸ - استفاده از پلاک شناسایی راننده دیگر در هنگام ارائه سرویس ۹ - نصب و استفاده از وسایل غیرمجاز که مخالف دستورالعمل های صادر شده باشد ، در تاکسی

فصل سوم - پروانه بهره برداری از امتیاز سرویسهای تاکسی شهری (ماده ۹ تا ۱۲)

ماده ۹ - ارائه انواع سرویسهای تاکسی شهری در هر شهر با مدیریت شهرداری صورت می‌گیرد و ارائه هر یک از انواع سرویسهای مذکور توسط اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط ، مستلزم اخذ موافقتنامه اصولی و ارائه پروانه سرویس تاکسی شهری برای هر تاکسی از شهرداری است پروانه مذکور در این آیین نامه به اختصار (پروانه بهره برداری) نامیده می‌شود. تبصره ۱ - شماره پروانه بهره برداری عنوان کد شناسایی وسیله نقلیه (تاکسی را نیز خواهد داشت تبصره ۲ - اعتبار پروانه بهره برداری (۲) سال است و در صورت عدم تغییر شرایط مندرج در قرارداد ، هر بار برای مدت (۲) سال دیگر قابل تمدید است ماده ۱۰ - شماره گذاری وسایط نقلیه به عنوان تاکسی توسط مرجع شماره گذاری با ارائه پروانه بهره برداری معتبر امکان پذیر است تبصره - فرم ، رنگ ، تعداد ارقام و حروف قابل درج در شماره تاکسی توسط شهرداری با هماهنگی سازمان شهرداری های کشور و نیروی انتظامی تعیین خواهد شد. ماده ۱۱ - پروانه بهره برداری که به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط قابل واگذاری است تبصره - برای شخص حقیقی واجد شرایط فقط یک پروانه بهره برداری صادر می‌شود. ماده ۱۲ - شرایط اشخاص حقیقی برای دریافت پروانه بهره برداری به شرح زیر می‌باشد: ۱ - داشتن پروانه تاکسیرانی معتبر. ۲ - معرفی یک دستگاه وسیله نقلیه مناسب مطابق با ضوابط این آیین نامه به عنوان تاکسی ۳ - انعقاد قرارداد در قالب مفاد ماده (۱۰) قانون مدنی به منظور قبول تعهدات و شرایط زیر ، همچنین تصمیمهای هیات انضباطی موضوع ماده (۱۵) این آیین نامه الف - تعهد ارائه فقط یکی از سرویسهای تاکسی برابر مفاد قرارداد و روزانه حداقل یک نوبت کاری (۸) ساعته حداکثر اضافه کار یک فرد که ارائه سرویس را در یک نوبت کاری (۸) ساعته قبول می‌کند ، (۴) ساعت است که میزان آن توسط شهرداری در پروانه تاکسیرانی قید می‌شود. دارنده پروانه بهره برداری با موافقت شهرداری ، اختیار ارائه همان سرویس در نوبت کاری دیگر را منوط به قید موضوع در قرارداد و معرفی فرد دارای پروانه تاکسیرانی دیگر دارد. در این

صورت مسئولیتهای ارائه سرویس در نوبت کاری دیگر نیز کماکان به عهده دارنده پروانه بهره برداری است ب - اعلام زمان استفاده از مرخصی سالیانه به مدت یک ماه که ضمن آن ممکن است حداقل یک نوبت کاری ارائه سرویس تعطیل شود. دارنده پروانه بهره برداری فقط در مدت مرخصی سالیانه می‌تواند به جای خود فرد دارای پروانه تاکسیرانی دیگری را برای ارائه سرویس در نوبت کاری مورد تعهد معرفی نماید. پ - تعهد به انجام نوع سرویس و مسیر و زمانهای شروع و خاتمه هر نوبت کاری سرویس درج شده در پروانه تاکسیرانی ت - تقبل انجام برنامه‌های مربوط به کشیک ث - تعهد به انجام مرتب نظافت بیرون و داخل تاکسی و رعایت شئون اسلامی و اجتماعی و عدم نصب لوازم و اشیای غیرمجاز در تاکسی برابر دستورالعمل‌های ارائه شده ج - تعهد به تهیه و استفاده از لباس فرم نظیف توسط راننده هنگام ارائه سرویس و نصب پلاک کد شناسایی راننده بر روی شیشه عقب خودرو برای رویت از خارج ، همچنین نصب کدشناسایی راننده و وسیله نقلیه (تاکسی در داخل اتومبیل در محل قابت رؤیت مسافر برابر دستورالعملهای شهرداری چ - تعهد به عدم سپردن تاکسی برای ارائه سرویس به افراد فاقد پروانه تاکسیرانی معتبر و نیز بهره برداری از تاکسی در زمانی که پروانه بهره برداری توسط مراجع ذی ربط طبق مقررات اخذ یا به طور موقت تا صدور پروانه بهره برداری جدید باطل شده است ح - تعهد به اعلام علت عدم ارائه سرویس ظرف (۴۸) ساعت از تاریخ توقف تاکسی به شهرداری خ - تعهد به رعایت نرخهای مصوب و نیز نصب و استفاده از تاکسی متر طبق دستورالعملهای صادر شده د - تعهد به عدم امتناع از حمل مسافر ، همچنین عدم اقدام به حمل مسافر با اعمال شرایط شخصی و خارج از مقررات ذ - تعهد به استفاده از تابلو (خارج از سرویس) در مواردی که بنا به دلایل نقص فنی اتومبیل یا پایان نوبت کاری یا بنا به اضطرار قابل توجیه ، پذیرش مسافر ممکن نباشد. ر - تعهد به توجه کامل به اخطارها و تذکرات بازرسان شهرداری در امور تاکسیرانی ماده ۱۳ - اشخاص حقوقی با احراز شرایط زیر و دریافت پروانه بهره برداری می‌توانند به نمایندگی از شهرداری اقدام به حمل و نقل عمومی مسافر در شهر بنمایند: ۱ - تاسیس شرکت با موضوع حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری توسط انواع اتومبیلهای سواری ، استیشن یا خودرو مناسب مدل بالا - که حداکثر (۵) مدل پایین تر از مدل همان سال باشد - برای انجام سرویس هایی که در موافقت نامه اصولی به اطلاع متقاضی می‌رسد. تبصره ۱ - شرکتهای تعاونی ایجاد شده توسط اشخاص حقیقی که تا تاریخ تصویب این آیین نامه دارای تاکسی بوده و در اجرای این آیین نامه پروانه بهره برداری دریافت کرده باشند ، مشروط به استفاده از پروانه بهره برداری تاکسی خود در شرکت ، در اولویت هستند. تبصره ۲ - شرکتهای تعاونی تاکسیرانی در امور غیر حمل و نقل اعم از خدمات رفاهی و پشتیبانی اعضا تابع قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران خواهند بود. ۲ - حداقل و حداکثر تعداد وسیله نقلیه با توجه به نوع وسیله نقلیه اعم از ملکی یا قراردادی که شرکت می‌تواند به کارگیرد ، برابر ضوابطی است که از طرف شهرداری با هماهنگی شورای عالی ترافیک تعیین می‌شود. تبصره ۱ - چنانچه خودروی مناسب دیگری معرفی شود ، حداقل تعداد توسط شهرداری اعلام خواهد شد. حداکثر تعداد آن اتومبیلهای ملکی و قراردادی هر شرکت نباید از هفت برابر تعداد اتومبیلهای شرکتی که کمترین تعداد وسیله نقلیه را دارد بیشتر باشد. تبصره ۲ - شرکتهایی که با توجه به شرایط موضوع این ماده تاسیس و مشغول به کار می‌شوند ، می‌توانند در حدود معین شده در بند (۲) این ماده از اتومبیلهای واجد شرایط اشخاص حقیقی و حقوقی با تنظیم قرارداد در جهت ارائه سرویس هایی که در قرارداد مشخص می‌شود استفاده نمایند. در این صورت شرکت نسخه دوم قرارداد را به شهرداری ارائه و پس از اخذ پروانه بهره برداری به نام شرکت ، اتومبیل را تحت نظارت خود مورد استفاده قرار می‌دهد. چنانچه هر شخص حقیقی دارای پروانه بهره برداری معتبر ، مایل باشد تاکسی متعلق به وی توسط یکی از این شرکتها مورد استفاده قرار گیرد ، باید ضمن انعقاد قرارداد با شرکت موردنظر ، پروانه بهره برداری خود را به شرکت تسلیم کند. شرکت ، پروانه بهره برداری وسیله نقلیه مذکور را به همراه نسخه دوم قرارداد به شهرداری ارائه و پروانه بهره برداری بنام شرکت دریافت می‌کند. پروانه بهره برداری شخصی که به این ترتیب در اختیار شهرداری قرار می‌گیرد ، پس از خاتمه قرارداد و در صورتی که مالک اتومبیل همچنان واجد شرایط باشد ، از طرف شهرداری به

وی اعاده خواهد شد. حداقل زمان قراردادهای طبق ضوابطی خواهد بود که توسط شهرداری هر شهر تعیین می‌شود. ۳- معرفی دفتر و توقفگاه مناسب با حداقل یک شماره تلفن ۴- انعقاد قرارداد در قالب مفاد ماده (۱۰) قانون مدنی برای ارائه سرویسهای محوله به نمایندگی از طرف شهرداری با قبول کلیه تعهدات و شرایط ذیل و تصمیمهای هیاتهای انضباطی الف - تعهد به ارائه سرویس تاکسی برابر مشخصات قرارداد حداقل یک نوبت کاری (۸)ساعته برای هر اتومبیل شرکت ، توسط افراد دارای پروانه تاکسیرانی ب - تعهد به اینکه در هیچ زمان سرویس ارائه شده توسط اتومبیلهای شرکت کمتر از چهار پنجم تعداد اتومبیلهای معرفی شده نباشد. در غیر این صورت باید ظرف حداکثر (۲۴) ساعت شهرداری را مطلع کند. پ - تعهد به تقبل انجام برنامه‌های کشیک و مقررات مربوط ت - تعهد به انجام نظافت درون و بیرون تاکسی و رعایت شئون اسلامی و اجتماعی برابر دستورالعملهای صادره شده ت - تعهد به تهیه و استفاده از لباس هم شکل توسط رانندگان شرکت هنگام ارائه سرویس ، همچنین نصب کد شناسایی راننده و وسیله نقلیه (تاکسی) در داخل اتومبیل در محل قابل رویت مسافر و شیشه عقب اتومبیل به نحوی که از بیرون قابل رویت باشد. ج - تعهد به تجهیز شرکت به سیستم ارتباطی با ارائه اشتراک در سیستم ارتباطی شرکت‌های مشابه در صورت اعلام شهرداری مبنی بر استفاده از سیستم ارتباطی ، با رعایت قوانین و مقررات مربوط چ - تعهد مبنی بر عدم واگذاری سهام شرکت تحت هر عنوان به اشخاص دیگر ، مگر با اطلاع شهرداری ح - تعهد به استفاده از تابلو (خارج از سرویس) در تاکسیهای شرکت در مواردی که بنا به دلایل فنی یا اضطراری قابل توجیه یا اتمام نوبت کاری پذیرش مسافر ممکن نباشد. خ - تعهد به رعایت نرخهای مصوب و نصب و استفاده از تاکسی متر برابر دستورالعملهای صادر شده د - تعهد به عدم امتناع از حمل مسافر ، همچنین عدم اقدام به حمل مسافر با شرایط شخصی و خارج از مقررات ذ - تعهد به توجه کامل به اخطارها و تذکرات بازرسین شهرداری ر - تعهد به عدم استفاده از وسایط نقلیه ای که پروانه بهره برداری آن به نام شرکت نیست

فصل چهارم - نحوه نقل و انتقال حقوق پروانه بهره برداری (ماده ۱۴ تا ۱۹)

ماده ۱۴ - انتقال حقوق متعارف اشخاص ناشی از داشتن پروانه بهره برداری معتبر فقط به اشخاصی که برابر مفاد این آیین نامه واجد شرایط واگذاری پروانه بهره برداری باشند و با طی مراحل زیر از طریق شهرداری صورت می‌گیرد: ۱- متقاضی انتقال ، مشخصات کامل پروانه بهره برداری و مشخصات انتقال گیرنده را طی فرمی تسلیم دفتر مخصوص انتقالات پروانه بهره برداری تاکسی مستقر در شهرداری می‌نماید. ۲- شهرداری بلافاصله و در صورت معتبر بودن پروانه بهره برداری ، همچنین واجد شرایط بودن انتقال گیرنده فرم موافقت نامه اصولی انتقال را به متقاضی تسلیم می‌کند. ۳- انتقال حقوق پروانه بهره برداری صرفاً به طور رسمی و با ثبت در دفاتر اسناد رسمی معرفی شده از طرف شهرداری ممکن است دفاتر اسناد رسمی مذکور مکلفند بر اساس مشخصات موافقت نامه اصولی معتبر صادره از سوی شهرداری نسبت به ثبت اسناد معامله اقدام و پروانه بهره برداری مورد معامله را به مهر باطل شد که از سوی شهرداری در اختیار آنها گذارده می‌شود ، مههور کنند. تبصره - وسیله نقلیه (تاکسی) در طول مدتی که پروانه بهره برداری مربوط به آن باطل یا مضبوط است ، حق تردد ندارد و متخلف تحت پیگرد قرار می‌گیرد. ۴- شخصی که حقوق پروانه بهره برداری به او منتقل شده است ، پروانه بهره برداری باطل شده و تصویری از سند انتقال را به شهرداری تسلیم می‌کند. شهرداری موظف است پروانه بهره برداری جدید به نام متقاضی صادر و آن را ظرف (۲۴) ساعت به وی تسلیم کند. تبصره ۱ - چنانچه حقوق متعارف ناشی از پروانه بهره برداری معتبر ، به صورت قهری اعم از ارث یا در اثر اجرای احکام مراجع قضایی به اشخاص منتقل شود ، پروانه بهره برداری از تاریخ انتقال رسمی حقوق مذکور از درجه اعتبار ساقط و باطل می‌شود. اشخاص صاحب حق مکلفند حداکثر ظرف سه ماه با رعایت مفاد این ماده و بندهای آن و با ارائه گواهی انحصار وراثت و حکم قطعی مرجع قضایی نسبت به

درخواست صدور پروانه بهره برداری جدید به نام اشخاص واجد شرایط اقدام نمایند. در غیر این صورت، پس از انقضای مهلت یاد شده شهرداری می‌تواند بهای عادلانه روز متعلق به حقوق ناشی از داشتن پروانه بهره برداری را که توسط کارشناس رسمی دادگستری تعیین می‌شود، به اشخاص صاحب حق پرداخت و در صورت عدم مراجعه با سپردن بهای مذکور به صندوق ثبت، حقوق ناشی از داشتن پروانه بهره برداری را به خود منتقل کند. چنانچه صاحبان حقوق مذکور مایل باشند که شهرداری این حقوق را ابتیاع کند. شهرداری موظف است که بهای حقوق مذکور را طبق قیمت عادلانه روز و با تقویم کارشناس رسمی دادگستری بپردازد. هزینه کارشناسی به تساوی توسط شهرداری و فروشنده پرداخت می‌شود. تبصره ۲- در صورتی که به استناد حکم انحصار وراثت یا حکم قطعی مراجع قضایی حقوق ناشی از پروانه بهره برداری معتبر به یک یا عده‌ای محجور (صغار، اشخاص غیر رشید، مجانین) تعلق یابد، به درخواست ولی یا قیم اشخاص محجور و نیز رضایت سایر صاحبان احتمالی حقوق و در خصوص ورثه سایر وراثت در صورتی که تا کسی به تشخیص هیات انضباطی وسیله امرار معاش اشخاص محجور باشد، تا هنگام رفع محجوریت از تمامی آنها، شهرداری با استفاده از حقوق پروانه بهره برداری توسط ولی یا قیم به نفع اشخاص محجور، از طریق معرفی اشخاص دارای پروانه تاکسیرانی برای هر نوبت کاری موافقت می‌کند. ماده ۱۵- در هر شهر توسط شهرداری به تعداد مورد نیاز هیات های سه نفره انضباطی به منظور رسیدگی به تخلفات تاکسیرانان و تا کسی داران و نیز وظایفی که در این آیین نامه ذکر شده است، مرکب از نماینده تا کسی داران دارای پروانه بهره برداری یا نماینده اشخاص حقوقی که به نمایندگی شهرداری اقدام به حمل و نقل عمومی مسافر می‌نمایند یا تاکسیرانان دارای پروانه تاکسیرانی (حسب مورد مطرح شده در هیات و نماینده شهرداری و نماینده شورای اسلامی شهر یا جانشین قانونی آن تشکیل خواهد شد. تصمیمات هیات قطعی و لازم الاجراست تبصره ۱- جلسات هیات مذکور به ریاست نماینده شورای اسلامی شهر یا جانشین قانونی وی و بنا به دعوت شهرداری، حداقل هر ماه یک بار، در محل تعیین شده توسط شهرداری و با حضور کلیه اعضا تشکیل و تصمیم های هیات با اکثریت دو رای وقتی معتبر است که نماینده شهرداری یکی از آن دو نفر باشد. رای اقلیت نیز به صورت مستند و مستدل درج می‌شود. تبصره ۲- هیات پس از وصول پرونده تخلفات از شهرداری، به ذی نفع اعلام می‌نماید که ظرف ده روز توضیحات خود را کتبا برای هیات ارسال کند. پس از انقضای مدت مذکور هیات مکلف است ظرف یک ماه بر حسب مورد و بر اساس مقررات تصمیم مقتضی اتخاذ نماید. تبصره ۳- در صورتی که تخلف راننده و دارنده تا کسی از جرایم مندرج در سایر قوانین مملکتی از جمله قوانین جزایی باشد، علاوه بر اعمال تصمیم های هیات انضباطی، مراتب جهت اعمال مقررات کیفری مناسب به مراجع ذی صلاح قضایی نیز منعکس می‌شود. تبصره ۴- افرادی که پروانه تاکسیرانی آنها به صورت دائم باطل می‌شود، حق ثبت نام مجدد برای دریافت پروانه جدید نخواهند داشت ماده ۱۶- شهرداری می‌تواند در تشکیل شرکتهای تعاونی مصرف، مسکن، خدمات فرهنگی، ورزشی و رفاهی، خدمات پزشکی و درمانی، خدمات تعمیرگاهی و تامین لوازم یدکی، حمایت اقتصادی و صندوق قرض الحسنه برای تاکسیرانان و تاکسیداران اهتمام ورزیده و در حد امکان در زمینه تحقق نیازهای فوق مشارکت نماید. ماده ۱۷- شهرداری برای تنظیم و اداره امور تاکسیرانی در شهر می‌تواند در احداث ایستگاه تاکسی، ترمینالهای درون شهری، مرکز معاملات تاکسی و ایجاد جایگاههای توزیع موقت و ایجاد تسهیلات برای راهاندازی سیستمهای ارتباطی از جمله بی سیم، اقدامات لازم را معمول نماید. تبصره- استفاده از دستگاههای بی سیم منوط به کسب مجوزهای قانونی لازم از دستگاههای ذی ربط است ماده ۱۸- کلیه ضوابط، آیین نامه ها و دستورالعمل های مغایر با مفاد این آیین نامه از تاریخ تصویب ملغی می‌شود. ماده ۱۹- در اجرای ماده (۶۲) قانون شهرداری وزارت کشور می‌تواند در ارتباط با مسئولیت های شهرداری ها در امور تاکسیرانی هماهنگی های لازم را ایجاد نماید.

ماده واحده به منظور ایجاد هماهنگی در سیستم حمل و نقل شهری از این تاریخ مسائل مربوط به تاکسیرانی در شهر تهران زیر نظر شهرداری تهران قرار می‌گیرد. آیین نامه های اجرایی در مورد چگونگی سازمان و نحوه مدیریت آن توسط شهرداری تهران تهیه و پس از تصویب شورای شهر و در غیاب آن قائم مقام وزارت کشور در شهرداری تهران قابل انجام است

قانون الحاق یک تبصره به ماده واحده قانون راجع به تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی شهر تهران زیر نظر شهر

ماده واحده - تبصره ذیل به لایحه قانونی راجع به تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی شهر تهران زیر نظر شهرداری تهران مصوب ۲۸/۳/۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران الحاق می‌گردد. تبصره - امور تاکسیرانی سایر شهرهای کشور (ناظر بر انواع سرویسهای تاکسی شهری توسط شهرداریهای مربوط اداره خواهد شد و کلیه قوانین و مقررات مغایر لغو می‌گردد. آیین نامه های اجرایی ماده واحده مصوب ۲۸/۳/۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و این تبصره توسط سازمان شهرداریهای کشور با هماهنگی وزارت کشور تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به مورد اجرا گذارده خواهد شد.

آیین نامه جایگزینی و امحای تاکسی های فرسوده - مصوب ۱۳۸۲

هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۸/۳/۱۳۸۲ بنا به پیشنهاد شماره ۴۱۲۴۶/۱۰۱ مورخ ۱۲/۳/۱۳۸۲ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و به استناد اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آیین نامه جایگزینی و امحای تاکسی های فرسوده را به شرح زیر تصویب نمود: آیین نامه جایگزینی و امحای تاکسی های فرسوده ماده ۱- خودروی تاکسی با حداکثر پانزده سال عمر، فرسوده محسوب می‌گردد. تردد خودروی تاکسی با عمر بیش از پانزده سال با تشخیص و تایید ستاد معاینه فنی خودروها پس از احراز شرایط فنی، در سطح معابر شهری مجاز می‌باشد. ماده ۲- وزارت نفت (شرکت ملی نفت ایران) براساس تفاهم با وزارت کشور سالانه معادل منابع بازیافتی به ازای فعال شدن هر دستگاه تاکسی نو گاز طبیعی سوز CNG را از محل صرفه جویی های حاصل از اجرای این طرح، پرداخت می‌نماید. ماده ۳- با توجه به مصوبه شماره ۲۳۳۲۵۱-۳۴ مورخ ۱۳/۱۲/۱۳۸۱ شورای اقتصاد، شرکت ملی نفت ایران به منظور تبدیل سوخت خودروها به CNG حداکثر برای هر خودرو تاکسی معادل ۷۷۰ دلار، به علاوه هزینه تامین و نصب یک مخزن گاز اضافه به شرکتهای خودروساز پرداخت می‌نماید. ماده ۴- حداکثر تا هفتادوپنج درصد (۷۵٪) از بهای تاکسی به صورت تسهیلات بانکی در اختیار مالک خودرو قرار می‌گیرد. دوره بازپرداخت تسهیلات اعطایی طبق تبصره الحاقی به ماده (۵۴) آیین نامه تسهیلات اعطایی بانکی، موضوع بند (۲) تصویب نامه شماره ۳۱۷۸۷/ت ۰۱-۲۷۰۰۱- مورخ ۲۰/۷/۱۳۸۱ به مدت پنج سال تعیین شده است. به میزان اعتبارات سهم دولت موضوع قرارداد با سیستم بانکی، از سهم سود و کارمزد تسهیلات پرداختی به مالک تاکسی فرسوده کسر می‌گردد. ماده ۵- وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداریها موظفند با همکاری وزارت نفت (شرکت ملی نفت ایران) نسبت به تامین و تحویل زمین مناسب در شهرها به شرکت ملی نفت ایران برای احداث ایستگاه های سوخت گیری CNG و تجهیز آن با اولویت استفاده از ظرفیتهای بخش غیردولتی، اقدام نماید. وزارت نفت موظف است نسبت به احداث و تجهیز احداث جایگاه سوختگیری CNG در پانزده شهر با اولویت هفت شهر آلوده کشور، موضوع بند «د» ماده (۱۰۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۹- در طی برنامه سوم توسعه و متناسب با خودروهای تحویلی اقدام نماید. تبصره - کمیسیونهای ماده (۵) قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری موظفند در صورت درخواست وزارت نفت نسبت به تغییر کاربری محل های یادشده بدون قید و شرط اقدام نمایند. ماده ۶- نحوه از رده خارج کردن تاکسی فرسوده با همکاری وزارت کشور (سازمان شهرداری های کشور و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) و

شهرداری متقاضی اجرای طرح با تایید وزارت صنایع و معادن و نظارت سازمان حفاظت محیط زیست تعیین و اجرا می گردد. ماده ۷ - تهیه و خرید خودرو با کاربری تاکسی از خارج از کشور، پس از انجام مناقصه بین المللی، در چهارچوب بند (۲) تصویب نامه شماره ۲۲۹۸/۲۷۱۲۱ مورخ ۲۳/۱/۱۳۸۲ و قانون حداکثر استفاده از توان فنی، مهندسی تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات - مصوب ۱۳۷۵ - امکان پذیر است. ماده ۸ - به منظور ساماندهی به ترافیک شهری و ناوگان تاکسیرانی شهرهای کشور، وزارت کشور (سازمان شهرداری های کشور) موظف است تاکسی های جدید را با اولویت شرکتهای خصوصی و تعاونی تاکسیرانی شهری که زیر نظر شهرداری مربوط فعالیت می نمایند، توزیع و واگذار نماید. ماده ۹ - ضوابط و مشخصات فنی، اقتصادی و زیست محیطی خودروهای دوگانه سوز و CNG سوز توسط کارگروه موضوع ماده (۱۰) این تصویب نامه تعیین می گردد. تجهیز تاکسی های جدید به تاکسی متر و چاپگر به منظور صدور رسید (قبض کرایه) برای مسافر و نصب شناسنامه (شامل مشخصات و تصویر راننده) الزامی است. ماده ۱۰ - کارگروهی متشکل از نمایندگان وزارتخانه های صنایع و معادن، نفت، بازرگانی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، سازمان حفاظت محیط زیست و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با مسیولیت وزارت کشور (سازمان شهرداری های کشور) به منظور تدوین برنامه اجرایی، پیگیری و نظارت بر حسن اجرای این آیین نامه، تشکیل می گردد. ماده ۱۱ - رعایت مفاد آیین نامه نحوه از رده خارج کردن خودروهای فرسوده، موضوع تصویب نامه شماره ۲۲۱۷۵/ت/۲۵۰۸ - مورخ ۲۴/۱/۱۳۸۲ برای تاکسی های فرسوده مشمول این آیین نامه الزامی است. ماده ۱۲ - اولویت اجرایی این آیین نامه در شهر تهران است. معاون اول رئیس جمهور - محمدرضا عارف

اصلاح آیین نامه جایگزینی و امحای تاکسی های فرسوده - مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱/۸/۱۳۸۴ با توجه به نظر رئیس مجلس شورای اسلامی، موضوع نامه شماره ۱۱۶۷۹۴/۸۳۸۰ ه/ب مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۴ تصویب نمود: آیین نامه جایگزینی و امحای تاکسی های فرسوده موضوع تصویب نامه شماره ۲۸۱۸۱/ت/۱۲۴۰۰ ه مورخ ۳/۴/۱۳۸۲ به شرح ذیل اصلاح می شود: ۱- عبارت « و به صورت رایگان در اختیار شهرداریها قرار دهد» به انتهای ماده (۵) آیین نامه یادشده اضافه می شود. ۲- از تاریخ اعلام ایراد، تبصره ماده (۵) آیین نامه یادشده به شرح زیر اصلاح می شود: « تبصره ۱- کمیسیون های ماده (۵) قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در صورت درخواست وزارت نفت حتی الامکان نسبت به تغییر کاربری محلهای یادشده اقدام می نمایند.» معاون اول رئیس جمهور - پرویز داودی

تصویب نامه در خصوص اتخاذ تدابیر در مورد ممنوعیت بکارگیری رانندگان بدون گواهینامه و... در شرکتهای تاکسی

وزارت آموزش و پرورش - وزارت اموراتصادی و دارایی - وزارت دادگستری - وزارت راه و ترابری - وزارت کشور - بیمه مرکزی ایران - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - ستاد تبصره (۱۳) هیئت وزیران در جلسه مورخ ۷/۱۱/۱۳۸۶ بنا به پیشنهاد شماره ۸۶۵۰۹ مورخ ۱۷/۱۰/۱۳۸۶ بیمه مرکزی ایران و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مواد (۱۰) و (۱۳) قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث - مصوب سال ۱۳۴۷ - تصویب نمود: ۱- وزارتخانه های راه و ترابری و کشور موظفند ترتیبی اتخاذ نمایند تا سازمانها، اتحادیه ها، شرکتهای تاکسی رانی، آژانسهای مسافری و توریستی و شرکتهای خدمات پست و پیک و نظایر آن از به کارگیری رانندگان بدون گواهینامه و وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه شخص ثالث معتبر ممنوع شوند. پلیس راهور نیروی انتظامی، شهرداریها و سایر سازمانهای مرتبط مکلفند نقل و انتقال خودرو، معاینه فنی خودرو و ارائه سایر خدمات به کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی (از جمله موتورسیکلت) را منوط به

ارائه بیمه‌نامه شخص ثالث معتبر نمایند. ۲- بیمه مرکزی ایران موظف است با همکاری نیروی انتظامی و شرکتهای بیمه، بانک اطلاعات صنعت بیمه و به ویژه سیستم پرداخت خسارت بیمه شخص ثالث را براساس کد ملی اشخاص (بیمه‌گذار، مقصر حادثه، زیان‌دیده و ذینفع) ایجاد نماید و دستورالعملی را برای اجرا توسط شرکتهای بیمه تنظیم نماید تا سوابق حوادث رانندگی اشخاص در تعیین حق بیمه مربوط به آنها لحاظ گردد. ۳- با عنایت به ماده (۱) قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری - مصوب ۱۳۵۰- و به منظور تعمیم امر بیمه و گسترش فرهنگ بیمه و ترغیب رانندگان فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث به تهیه آن، به بیمه مرکزی ایران اجازه داده می‌شود از محل درآمدهای صندوق تأمین خسارتهای بدنی موضوع ماده (۱) آیین‌نامه صندوق تأمین خسارتهای بدنی تا سقف بیست میلیارد (۲۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال صرف تبلیغات از جمله چاپ بروشور، تبلیغات رادیو تلویزیونی، ارسال پیام کوتاه و موارد مشابه نماید. صندوق تأمین خسارتهای بدنی مجاز است به منظور ترغیب رانندگان وسایل نقلیه به اخذ بیمه‌نامه شخص ثالث، حداکثر یک درصد از درآمدهای موضوع ماده (۱) آیین‌نامه منابع درآمد صندوق تأمین خسارتهای بدنی موضوع ماده (۱۱) قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث - مصوب ۱۳۴۸ - در هر سال را از طریق بیمه مرکزی ایران صرف تبلیغات نماید. ۴- ستاد تبصره (۱۳) موظف است با دادن مهلت لازم و حداکثر دو ماه از تاریخ ابلاغ این تصویب‌نامه، سهمیه سوخت آن دسته از وسایل نقلیه موتوری زمینی و موتورسیکلتها را که فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث معتبر یکساله می‌باشند، تا زمان خرید بیمه‌نامه مذکور قطع نماید. برای اجرای هرچه سریعتر این تصویب‌نامه، بیمه مرکزی ایران و ستاد تبصره (۱۳) موظفند اطلاعات وسایل نقلیه فاقد و دارای بیمه‌نامه شخص ثالث را به نحو مقتضی و مؤثر مبادله نمایند. ۵- وزارت آموزش و پرورش مکلف است به منظور گسترش و تعمیم فرهنگ بیمه در جامعه و آشنایی دانش‌آموزان با اهمیت بیمه در امنیت اقتصادی و اجتماعی کشور، به ویژه بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث، آثار مثبت خرید بیمه‌نامه و تبعات سوء نداشتن بیمه‌نامه بر خانواده و جامعه را با همکاری بیمه مرکزی ایران تهیه و در کتب درسی مقاطع مختلف تحصیلی به نحو مقتضی درج نماید. ۶- به بیمه مرکزی ایران اجازه داده می‌شود جریمه موضوع بند «ب» ماده (۱) آیین‌نامه منابع درآمد صندوق تأمین خسارتهای بدنی موضوع ماده (۱۱) قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث - مصوب ۱۳۴۸ - آن دسته از دارندگان وسایل نقلیه را که به تشخیص بیمه مرکزی ایران توان پرداخت نقدی آن را ندارند، به صورت اقساط دریافت نماید. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است ترتیبی اتخاذ نماید تا بانکها به‌عنوان کارگزار صندوق تأمین خسارتهای بدنی، اقساط جرایم دیرکرد تمدید بیمه‌نامه را با اخذ ضمانت مناسب وصول نموده و در فواصل زمانی مورد توافق با بیمه مرکزی ایران به حساب صندوق مذکور واریز نمایند. ۷- ماده (۱۲) آیین‌نامه اجرایی قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث - مصوب ۱۳۴۷- به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۱۲- در صورتی که در مدت اعتبار بیمه‌نامه خسارتی از محل بیمه‌نامه پرداخت نشود، بیمه‌گر موظف است از سال دوم به بعد هنگام تجدید بیمه‌نامه، تخفیفهای زیر را در حق بیمه مربوط اعمال نماید: سال دوم: ۱۰ درصد سال سوم: ۱۵ درصد سال چهارم: ۲۰ درصد سال پنجم: ۳۰ درصد سال ششم: ۴۰ درصد سال هفتم به بعد: ۵۰ درصد ۸- ماده (۴) آیین‌نامه صندوق تأمین خسارتهای بدنی - مصوب ۱۳۴۸ - به شرح ذیل اصلاح می‌شود: ماده ۴- هزینه‌های متحمل شده از سوی بیمه مرکزی ایران برای اداره صندوق، حداکثر تا سه درصد از درآمدهای صندوق پرداخت خواهد شد. ۹- باتوجه به محدودیت منابع صندوق تأمین خسارتهای بدنی، مبلغ خسارت قابل پرداخت از سوی صندوق به قربانیان سوانح رانندگی و یا اولیای دم آنان که تاکنون به آنها خسارت کامل پرداخت نشده است، از تاریخ لازم‌الاجرا شدن تصویب‌نامه شماره ۱۱۶۰۲۴/ت/۳۶۳۵۸-ه مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۸، مبلغ یکصد و شصت میلیون (۱۶۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تعیین می‌شود. بیمه مرکزی ایران موظف است حداکثر تا پایان بهمن ماه سال جاری پیشنهاد مبلغ قابل پرداخت را متناسب با توان مالی صندوق با همکاری وزارت دادگستری تهیه و به هیئت وزیران جهت اتخاذ تصمیم ارائه نماید. ۱۰-

در مواردی که شمول مرور زمان دعاوی موضوع ماده (۱۲) قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث به علت عدم اقدام به موقع ذینفع و اجرای تعهدات بیمه‌گر محل اختلاف بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار (یا ذینفع) باشد، تشخیص بیمه مرکزی ایران در موجه تلقی شدن علت عدم اقدام به موقع بیمه‌گذار (یا ذینفع) لازم‌الاجرا می‌باشد و بیمه‌گر موظف به ایفای تعهد خود بوده و از شمول ماده (۱۲) قانون مذکور خارج است. معاون اول رئیس جمهور - پرویز داودی

ترمینال مسافری

قانون مجازات متخلفین از تعرفه نرخ حمل کالا و مسافر - مصوب ۲۳/۱/۶۷

ماده ۱- مجازات تجاوز از تعرفه نرخ حمل کالا و مسافر که توسط وزارت راه و ترابری اعلام می‌شود از ناحیه شرکت یا موسسه و یا پیمانکاری حمل و نقل حتی با رضایت صاحب کالا و یا مسافر با توجه به دفعات و مراتب جرم و شرایط و امکانات خا طی برای بار اول جزای نقدی از ۵ تا ۲۰ برابر وجهی که اضافه دریافت شده و تعطیل موقت به مدت ۱۵ تا ۴۵ روز و برای بار دوم جزای نقدی از ۱۰ تا ۳۰ برابر اضافه دریافتی و تعطیل موقت به مدت شش ماه و برای بار سوم جزای نقدی از ۲۰ تا ۵۰ برابر اضافه وجه دریافتی و تعطیل دائم شرکت یا موسسه یا پیمانکاری خواهد بود و صاحب امتیاز بعداً بهیچ عنوان اجازه فعالیت در امور حمل و نقل نخواهد داشت ماده ۲- رانندگان وسایط نقلیه عمومی اعم از کامیون، اتوبوس، مینی‌بوس و غیره که اقدام به حمل بار و مسافر با مبلغی بیش از نرخ مصوب نمایند، با توجه به دفعات و مراتب جرم و شرایط و امکانات خا طی برای بار اول محکوم به پرداخت جزای نقدی از ۲ تا ۱۰ برابر اضافه وجه دریافتی و در صورت تکرار جرم مزبور از ۵ تا ۲۰ برابر اضافه وجه دریافت شده محکوم خواهند شد. ماده ۳- پرداخت هرگونه وجه اضافه از تعرفه نرخ حمل کالا- و مسافر از ناحیه شرکت ها سازمانها و موسسات دولتی تحت هر عنوان از قبیل پاداش نقدی یا جنسی ممنوع بوده و در صورت تخلف، متخلف یا متخلفین در مورد پرداخت اضافه از نرخ مقرر در حکم متصرف غیرقانونی در اموال دولتی محسوب می‌شوند و حسب مورد طبق قوانین و مقررات مربوطه تحت تعقیب قرار خواهند گرفت ماده ۴- در موارد خاص و ضروری در محورهای معین با تشخیص و اعلان وزارت راه و ترابری تعرفه نرخ حمل کالا و مسافر به صورت موقت قابل تغییر است ماده ۵- پرداخت هرگونه وجه علاوه بر نرخ مقرر بابت حمل کالا- و مسافر از ناحیه کارخانجات، شرکت ها، موسسات خصوصی، تجار، واحدهای صنعتی و هر سازمان اقتصادی دیگر اعم از بزرگ و کوچک با توجه به دفعات و مراتب جرم و شرایط و امکانات خا طی برای بار اول موجب محکومیت به جزای نقدی از ۲ تا ۱۰ برابر اضافه پرداختی و برای بار دوم از ۵ تا ۲۰ برابر و بار سوم به بعد از ۲۰ تا ۵۰ برابر اضافه پرداختی خواهد بود. ماده ۶- چنانچه متهم برای اولین بار مرتکب یکی از اعمال مذکور در موارد فوق شده باشد و دادستان در موارد غیرمهم تشخیص دهد با وعظ یا توبیخ یا تهدید یا اخذ تعهد تادیب خواهد شد با اعمال یکی از موارد تادیب فوق پرونده را ضمن انعکاس به وزارت راه و ترابری بایگانی می‌نماید. دادگاه نیز در صورت طرح پرونده در دادگاه حق اعمال مراتب بالا- را به تشخیص خود دارد. ماده ۷- کلیه قوانین و مقرراتی که مغایر با این قانون باشد از تاریخ اجرای این قانون در آن قسمت که مغایر است بلااثر می‌باشد.

آیین نامه حمل بار و مسافر و مدت تعطیل موسسات مسافری و حمل و نقل زمینی - مصوب ۱۷/۴/۱۳۵۲ و ۶

ماده ۱- مدیران مسئول موسسات مسافری و حمل و نقل باید از دادن مسافر و تحویل بار به وسایط نقلیه‌ای که به وسایل ایمنی زیر مجهز نباشند خودداری نمایند. الف- جعبه کمکهای اولیه درمانی ب- مثلث شبرنگ ج- چراغ چشمک زن د- کپسول آتش نشانی ه- دستگاه سنجش سرعت و زمان (تاخوگراف) بدون نقص فنی ماده ۲- مدیران موسسات مسافری و حمل و نقل باید رانندگان

وسایط نقلیه مربوط را ملزم به داشتن مدارک زیر نموده و از تحویل مسافر و بار به وسایط نقلیه‌ای که رانندگان آن فاقد مدارک مزبور باشند خودداری نمایند: الف - گواهی نامه بیمه اجباری شخص ثالث ب - گواهی بیمه انفرادی راننده و کمک راننده و مهماندار در صورتی که وسیله نقلیه دارای مهماندار باشد. ج - کارت شناسایی عکس دار راننده که از طرف شهربانی تهیه و تنظیم می‌شود. د - گواهی وابستگی وسیله نقلیه به یکی از موسسات مسافربری یا حمل و نقل مجاز. ه - دفترچه کار وسیله نقلیه که به وسیله پلیس راه تهیه و تنظیم می‌شود. و - دفترچه انفرادی راننده که به وسیله پلیس راه تهیه و تنظیم می‌شود. ماده ۳ - رانندگی اتوبوس و مینی بوس بیش از هشت ساعت در یک شبانه‌روز برای هر راننده ممنوع است مدیران مسئول موسسات مسافربری مکلفند برای مسافرت‌هایی که مستلزم بیش از هشت ساعت رانندگی با سرعت مجاز در یک شبانه‌روز است راننده کمکی پیش بینی نمایند. در صورت توافق موسسه و راننده ممکن است راننده دو ساعت نیز به عنوان اضافه کار انجام وظیفه نماید در هر حال در شبانه‌روز رانندگی بیش از ده ساعت ممنوع است ماده ۴ - موسسات باربری مکلفند در موقع بارگیری ظرفیت وسیله نقلیه را که از طرف شهربانی در کارت شناسایی قید شده و شرایط مربوط به طول و عرض و ارتفاع و وزن بار را طبق مقررات توزین وزارت راه در نظر گرفته و از حمل محمولاتی که شرایط مزبور در آن رعایت نشده خودداری نمایند برای حمل بارهای حجیم و سنگین وزن غیرقابل تفکیک که ابعاد و وزن آنها بیش از حدود مشخص شده در مقررات توزین باشد باید پروانه و یا اجازه حمل از مقامات مسئول وزارت راه دریافت نمایند. تبصره - موسسات باربری مکلفند برای توزین و قواره کردن بار ظرف مدت یکسال از تاریخ تصویب این آیین نامه یک دستگاه باسکول به ظرفیت حداقل ۴۰ تن و در موسساتی که بار به میزان کافی نباشد قپان دستی مناسب به تشخیص وزارت راه و ترابری و همچنین یک دستگاه سنجش عرض و ارتفاع بار (گاباری) به اندازه مجاز داشته باشند. ماده ۵ - هریک از موسسات مسافربری و حمل و نقل که مقررات این آیین نامه را رعایت نکنند به استناد ماده ۱۱ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی و تبصره ذیل آن برای مدت حداکثر یکماه به تناسب اهمیت تخلف و تاثر آن در وقوع سوانح و تصادفات رانندگی از طرف شهربانی یا ژاندارمری کل کشور تعطیل خواهد شد. تعطیل مازاد بر مدت یکماه تا یکسال و رسیدگی به اعتراض طبق ماده ۱۱ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی به عمل خواهد آمد. ماده ۶ - تعطیل موسسه مسافربری و حمل و نقل زمینی شامل هر نوع فعالیت موسسه مرکزی یا نمایندگی متخلف با رعایت تبصره ذیل ماده ۱۱ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی خواهد بود. ماده ۷ - مفاد ماده ۱۱ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی راجع به اعتراض مدیران به تعطیل موسسه در مورد ماده شش این آیین نامه نیز لازم الاجرا است ماده ۸ - هرگاه ژاندارمری کل کشور تعطیل موسسه مسافربری و حمل و نقل واقع در حوزه استحفاظی شهربانی کل کشور را به علت وقوع تخلف در حوزه استحفاظی خود لازم تشخیص دهد طبق مقررات این آیین نامه اتخاذ تصمیم نموده مراتب را برای اجرا به شهربانی کل کشور اعلام می‌کند و در موردی که تخلف در حوزه استحفاظی شهربانی اتفاق افتاده و موسسه مسافربری و حمل و نقل در حوزه استحفاظی ژاندارمری کل کشور قرار داشته باشد تصمیم شهربانی برای اجرا به ژاندارمری کل کشور اعلام خواهد شد. ماده ۹ - تعطیل موسسات حمل و نقل در صورت قطعیت در دفتر مخصوصی که شهربانی و ژاندارمری تهیه خواهند کرد ثبت می‌شود. به علاوه مراتب باید در پشت پروانه کار موسسه به وسیله دادگاه و در صورت عدم اعتراض به وسیله اداره راهنمایی و رانندگی شهربانی، پلیس راه منعکس شود.

آیین نامه اجرایی ماده (۶) قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه‌های مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیل

ماده ۱ - حداکثر یک ماه پس از تاریخ اعلام تجهیز و آماده بهره برداری شدن پایانه مسافربری هر شهر بر اساس نقشه مصوب و مقررات مربوطه توسط شهرداری هر شهر به سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور، شرکت‌های حمل و نقل مسافربری در پایانه

مسافربری مستقر خواهند شد. تبصره - موسسات حمل و نقل مسافربری به منظور استقرار در پایانه مسافربری موظفند در ظرف مهلت مقرر توسط سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور ، مطابق ضوابط و مقررات سازمان مذکور و قانون تجارت به صورت یکی از شرکت های مذکور در قانون تجارت تغییر وضعیت دهند، در غیر این صورت از ادامه فعالیت آنها جلوگیری به عمل خواهد آمد.

ماده ۲- پس از استقرار کلیه شرکت های حمل و نقل مسافر داخل پایانه های مسافربری شهر ، شهرداری هر شهر (سازمان پایانه های مسافربری شهرداری در مهلت مقرر با هماهنگی سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور و نیروی انتظامی نسبت به تعطیل نمودن موسسات و شرکت های حمل و نقل مسافربری برون شهری غیر مستقر در پایانه های یاد شده اقدام می نماید. همچنین نیروی انتظامی و راهنمایی و رانندگی حسب مورد از فعالیت و تردد وسایل نقلیه مسافربری عمومی برون شهری خارج از پایانه های مسافربری و تردد آنها در داخل شهر به جز از مسیرهای مجاز جلوگیری نموده و با متخلفان برابر مقررات برخورد خواهد نمود. تبصره ۱ - مسیرهای مجاز یا ممنوع تردد خودروهای بین شهری در تهران به تصویب شورای حمل و نقل و ترافیک تهران و در سایر شهرها به تصویب شورای هماهنگی ترافیک استان خواهد رسید. تبصره ۲ - تصدی به امر حمل و نقل مسافر در درون شهرها، مستلزم اخذ مجوز از شهرداری محل می باشد. تبصره ۳ - شرکت های حمل و نقل مسافربری برون شهری با رعایت ضوابط و مقررات شهرداری و سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور مکلفند دفاتر فروش بلیط و یا نمایندگی در موسسات مسافرتی مجاز در مناطق مختلف شهر علاوه بر ارائه بلیط در پایانه ها ایجاد نمایند. تبصره ۴ - تردد خودروهای مسافربری برون شهری درستی تحت پوشش شرکت های حمل و نقل مسافربری در درون شهرها بر اساس ضوابطی که توسط وزارتخانه های کشور، راه و ترابری و فرهنگ و ارشاد اسلامی با رعایت قوانین و مقررات مربوط تدوین می گردد ، تعیین خواهد شد. ماده ۳ - سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور موظف است برنامه ها و نیازهای حمل و نقل مسافر هر شهر را جهت احداث ، تجهیز یا توسعه پایانه های مسافربری ، به شهرداری (سازمان پایانه مسافربری شهرداری محل اعلام نماید. تبصره ۱ - معیارهای فنی مربوط به احداث پایانه ها از سوی سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور تهیه و به وزارت کشور برای ابلاغ به شهرداری ها اعلام می گردد تا با رعایت ضوابط مذکور ، نقشه های اجرایی پایانه های مسافربری توسط شهرداری هر شهر تهیه گردد. تبصره ۲ - مکان یابی احداث پایانه های مسافربری بر اساس مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری طرح و نقشه های تفصیلی مصوب شهر ، صورت می گیرد. تبصره ۳ - شهرداری ها موظف به احداث پایانه مسافربری بر اساس ماده (۵) قانون عنوان این آیین نامه می باشند. تعیین اولویت و موافقت با تاسیس پایانه های مسافربری عمومی توسط بخش خصوصی و یا تعاونی با رعایت قوانین و مقررات مربوط و با هماهنگی شهرداری با سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور می باشد. شهرداری (سازمان پایانه های مسافربری شهرداری هر شهر ، تسهیلات لازم را در جهت احداث پایانه های مسافربری توسط بخش خصوصی و یا تعاونی فراهم می نماید. سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور نسبت به تامین اعتبار و تسهیلات مورد نیاز احداث پایانه توسط شهرداری ، بخش خصوصی و تعاونی از طریق منابع مالی در اختیار سازمان اقدام می نماید. ماده ۴ - برنامه ریزی و سیاست گذاری در زمینه تعیین زمان حرکت سرویس های مسافر ، ایجاد خطوط جدید، کیفیت ارائه خدمات مسافربری توسط شرکت های حمل و نقل مسافربری برعهده وزارت راه و ترابری (سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور) می باشد. تبصره ۱ - تشکیلات و سازمان های اداری مستقر در پایانه های مسافربری که حسب وظایف قانونی به نحوی عهده دار مسئولیتی در امور پایانه می باشند، حق مداخله در امور یکدیگر را ندارند و مدیریت داخلی پایانه ها با شهرداری (سازمان پایانه های مسافربری شهرداری می باشد. تبصره ۲ - وزارت راه و ترابری (سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور) در زمینه اصلاح ، تجهیز و نوسازی ناوگان موجود مسافربری از لحاظ کیفی و کمی و همچنین ارزیابی و اصلاح سیستم موجود در نحوه ارائه خدمات متناسب با نیازهای مناطق مختلف کشور توسط شرکت های مسافربری و به کارگیری اهرم های لازم و امکانات در جهت ارتقای سطح ایمنی و ارائه خدمات کیفی و کمی نیروهای شاغل در بخش حمل و نقل مسافر ، برنامه ریزی و سیاستگذاری می نماید. تبصره

۳- هرگونه تبلیغات و نصب تابلو در فضای عمومی پایانه‌ها توسط شرکت‌های مسافربری ممنوع می‌باشد مگر با اخذ مجوز از مدیریت پایانه مسافربری تبصره ۴- ساعات فعالیت پایانه‌های مسافربری با توجه به نیاز هر شهر، با هماهنگی سازمان حمل و نقل و پایانه‌های استان، توسط مدیریت پایانه‌های مسافربری شهرداری تعیین و اعلام خواهد شد. ماده ۵- فقط آن دسته از وسایل نقلیه مسافربری اجازه ورود به محوطه پایانه مسافربری عمومی را خواهند داشت که تحت پوشش و یا نمایندگی یکی از شرکت‌های مستقر در پایانه بوده و مطابق ضوابط سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور مجاز به فعالیت در حمل و نقل عمومی مسافربری باشند، در غیر این صورت مدیریت پایانه با همکاری نیروی انتظامی از ورود این گونه وسایل نقلیه به داخل پایانه جلوگیری خواهد نمود و مراتب را جهت برخورد قانونی به سازمان حمل و نقل و پایانه استان اعلام می‌نماید. تبصره - در ایام ویژه با تشخیص سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور و واحدهای تابع آن، ورود وسایل نقلیه مسافربری متفرقه اعم از وسایل نقلیه پلاک سفید، پلاک دولتی و عمومی به داخل پایانه مسافربری در جهت تسهیل در جابجایی مسافران با اطلاع و هماهنگی شهرداری (سازمان پایانه مسافربری شهرداری مربوط بلامانع خواهد بود. شرکت‌های حمل و نقل مسافربری استفاده کننده از وسایل نقلیه مذکور در این تبصره نیز مکلفند مقررات مربوط به حمل و نقل مسافر، اخذ عوارض، سایر قوانین از جمله ایمنی و مقررات راهنمایی و رانندگی و دستورالعمل‌های شهرداری (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری و سازمان حمل و نقل و پایانه را رعایت نمایند، در غیر این صورت از تردد آنها توسط راهنمایی و رانندگی و پلیس راه جلوگیری به عمل خواهد آمد. ماده ۶- شرکت‌های حمل و نقل مسافربری مکلفند فقط در محلهای تعیین شده توسط شهرداری (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری در داخل پایانه نسبت به سوار و پیاده نمودن مسافران وسایل نقلیه مسافربری خود اقدام نمایند و در صورت تخلف، مدیریت پایانه‌های شهرداری با همکاری نیروی انتظامی نسبت به جلوگیری از تخلف اقدام و موضوع را به سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور اعلام خواهد نمود. تبصره - جلوگیری و برخورد قانونی با رانندگان مختلفی که در خارج از پایانه اقدام به سوار یا پیاده نمودن مسافر می‌نمایند، به عهده ادارات راهنمایی و رانندگی می‌باشد. ماده ۷- هر شرکت مسافربری در چارچوب قرارداد منعقد شده با شهرداری موظف به حفظ و نگهداری ابنیه، مستحذات، فضای سبز و تاسیسات و همچنین محوطه مجاور در محل مورد واگذاری می‌باشند و در صورت تخلف و ورود ضرر و زیان، موظف به پرداخت خسارت به شهرداری و رفع نقص وارد شده می‌باشند. تبصره ۱- شرکت‌های مسافربری که رانندگان وسایل نقلیه آنها مبادرت به شستشو یا تعویض روغن و یا تعمیر و تعویض وسایل یدکی وسایط نقلیه خود در محلهای غیر مجاز پایانه‌های مسافربری نمایند، متخلف محسوب و برابر مقررات با آنها رفتار خواهد شد. تبصره ۲- هیچ یک از شرکت‌های مسافربری حق واگذاری تمام یا قسمتی از غرفه مربوط را به غیر، بدون کسب مجوز از شهرداری (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری ندارد. همچنین تغییرات جزئی و تغییر دکور غرفه شرکتها با نظارت و اجازه شهرداری و با هزینه شرکت مربوط امکان پذیر خواهد بود. ماده ۸- نرخ گذاری در امر مسافربری برون شهری با اخذ نظر کارشناسی سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان برعهده وزارت راه و ترابری (سازمان حمل و نقل پایانه‌های کشور) می‌باشد. تبصره - نظارت و کنترل بر حسن اجرای نرخهای مصوب برعهده سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور می‌باشد. ماده ۹- مالکیت و مدیریت تاسیسات پایانه‌ها و مسئولیت خدمات و انتظامات داخلی پایانه و حفظ و نگهداری تاسیسات آن به عهده شهرداری (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری است و کلیه واحدها و نمایندگیها و شرکتها و سازمانهایی که به هر شکل از خدمات مذکور استفاده می‌نمایند، موظف به رعایت مقررات داخلی پایانه که بوسیله شهرداری (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری تعیین می‌گردد، خواهند بود. تبصره ۱- نیروی انتظامی در جهت تامین امنیت داخلی پایانه‌ها، با مدیریت پایانه‌ها همکاری خواهد نمود. تبصره ۲- غرفه‌های تجاری پایانه‌ها از نظر رعایت اصول بهداشتی، رعایت نرخهای مصوب و سایر مقررات صنفی تابع قوانین مربوط خواهند بود. شهرداری (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری موظف است تسهیلات مورد نیاز را جهت نظارت سازمانهای مسئول فراهم نماید. نظارت سازمانهای

مسئول ، رافع مسئولیت شهرداری نخواهد بود. تبصره ۳ - مالکیت پایانه‌ها به تایید شهرداری ها قابل واگذاری به بخش غیردولتی (خصوصی خواهد بود. ماده ۱۰ - شهرداری ها (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری مکلفند به تناسب امکانات مالی نسبت به ایجاد مرکز شستشوی خودرو (کارواش) ، جایگاههای سوخت ، مرکز معاینه خودرو ، خوابگاه رانندگان و سایر تاسیسات رفاهی و خدماتی مورد نیاز بر اساس نقشه مصوب در پایانه‌های مسافربری برون شهری اقدام نماید. ماده ۱۱ - شرکتهای مسافربری موظفند پس از فروش بلیط به مسافران نسبت به تهیه و تنظیم صورت وضعیت مسافری به شرکتهای مسافربری در دستورالعمل و بخشنامه های صادر شده وزارت راه و ترابری (سازمان حمل و نقل پایانه‌های کشور) براساس مقررات مربوط مشخص و عمل خواهد شد و شرکتهای مذکور موظفند به هنگام صدور بلیط برای مسافران برابر تعرفه‌های عوارض مصوب ، عوارض مربوط را وصول و به حساب شهرداری شهر (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری واریز نمایند. شهرداری (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری می‌تواند صورت وضعیتهای مسافربری را جهت کنترل اخذ عوارض مورد بررسی قرار دهد. سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور موظف است از تحویل صورت وضعیت به شرکتهای مسافربری که دارای بدهی به شهرداری (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری هستند، خودداری نماید. ماده ۱۲ - شرکتهای مسافربری مجاز به تعطیل فعالیت شرکت یا شعبه آن و یا سرویسهای خود نمی‌باشند. در صورتی که شرکت مسافربری بیش از ۳ ماه فعالیت ننماید، فعالیت مجدد آن منوط به رعایت کلیه ضوابط و شرایط مقرر و کسب پروانه فعالیت جدید از سازمان حمل و نقل پایانه‌های استان و با رعایت مفاد آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۲) قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه‌های مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافربری برونشهری در داخل شهر تهران - مصوب ۱۳۷۴ - امکان پذیر می‌باشد. شرکتهای مذکور موظفند اجاره بها و کلیه حقوق شهرداری را تا زمان تحویل غرفه پرداخت نمایند. ماده ۱۳ - کلیه شرکتهای مسافربری موظف به اجرای دقیق مفاد آیین نامه ها ، بخشنامه ها و دستورالعمل‌های صادر شده از وزارت راه و ترابری (سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور) و شهرداری های کشور (سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری در چهارچوب وظایف قانونی و کلیه قوانین و مقررات حمل و نقل عمومی کشور می‌باشند. مدیریت شرکتهای مسافربری موظفند ترتیبی اتخاذ نمایند تا کلیه قوانین و مقررات و دستورالعملها و بخشنامه‌های صادر شده به اطلاع کارکنان و رانندگان شرکتهای و شعب و نمایندگی های آنها برسد. ماده ۱۴ - هر گروه رانندگان ، کمک رانندگان ، مهمانداران ، مسئولان و کارکنان شرکتهای حمل و نقل مسافربری موظفند از لباسهای هم شکل مورد تایید سازمان حمل و نقل پایانه‌های کشور استفاده نمایند. ماده ۱۵ - رعایت مقررات و ضوابط ایمنی ، کیفیت خدمات و نحوه عملکرد شرکتهای و موسسات مسافربری توسط سازمان حمل و نقل و پایانه‌های استان در طول سال مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و مراتب در پرونده‌های مربوط درج و طبق مقررات نسبت به آن اتخاذ تصمیم خواهد شد. ماده ۱۶ - سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور موظف است اطلاعات مربوط به برنامه زمان بندی حرکت ناوگان شرکت های مسافربری محل استقرار دفاتر شهری شرکتهای مسافربری ، غرفه‌های مستقر در پایانه‌ها، اطلاعات راهها و غیره را از شرکتهای و ارگان های ذیربط دریافت و در اختیار سازمان پایانه‌های شهرداری (شهرداری ذیربط قرار دهد. سازمان پایانه‌های شهرداری نیز پیرو اطلاعات اخذ شده فوق ، مکلف است نسبت به راه اندازی مرکز اطلاع رسانی اقدام نماید. این مرکز اطلاعات شهری ، اطلاعات راهها، هتلها و استراحتگاه های مسیر و اطلاعات مربوط به زمان بندی حرکت ناوگان همراه با مبادی و مقاصد و مسیرهای ترکیبی شرکتهای حمل و نقل را به آگاهی عموم و به منظور کاهش مراجعات حضوری به شهروندان ارائه می‌نماید. ماده ۱۷ - تخطی از مقررات این آیین نامه تخلف محسوب شده و شهرداری با متخلفان برابر ضوابط ، دستورالعمل ها و قوانین و مقررات مربوط حسب مورد برخورد خواهد نمود. سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور نیز برابر آیین نامه حمل بار و مسافر و مدت تعطیل موسسات مسافربری و حمل و نقل زمینی موضوع قانون اصلاح ماده (۱۴) اصلاحی قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی با شرکتهای موسسات حمل و نقل مسافربری متخلف برخورد می‌نماید.

قانون الزام شرکت‌ها و موسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه - مصوب ۳۱/۲/

ماده ۱- شرکت‌ها و موسساتی که در امر حمل و نقل جاده‌ای بین شهری مسافر یا کالا اعم از داخلی و بین‌المللی فعالیت می‌نمایند موظفند بر حسب نوع فعالیت برای هر جابجایی از صورت وضعیت مسافری و بارنامه‌های داخلی و بین‌المللی موضوع این قانون استفاده نمایند و بجای آن مجاز به استفاده از اوراق انحصاری - اختصاصی یا انواع دیگر نمی‌باشند. ماده ۲- بارنامه داخلی موضوع این قانون عبارتست از سند کاشف از حقوق مالکیت که طرح آن توسط وزارت راه و ترابری تهیه و از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی چاپ و پس از وصول حق تمبر به میزان ۱۰۰ ریال به موجب حواله وزارت راه و ترابری در اختیار شرکتها و موسسات مجاز حمل و نقل جاده‌ای داخلی کالا جهت جابجایی محمولات بین شهرهای کشور قرار خواهد گرفت تبصره - صدور بارنامه جهت حمل محمولات بصورت خرده بار تابع ضوابطی خواهد بود که از سوی وزارت راه و ترابری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تعیین و اعلام خواهد شد و میزان حق تمبر بارنامه خرده بار ۴۰ ریال تعیین می‌گردد. ماده ۳- بارنامه بین‌المللی موضوع این قانون عبارتست از سند کاشف از حقوق مالکیت که طرح آن توسط وزارت راه و ترابری تهیه و از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی چاپ و پس از وصول حق تمبر به میزان ۲۵۰ ریال به موجب حواله وزارت راه و ترابری در اختیار شرکتها و موسسات مجاز حمل و نقل جاده‌ای بین‌المللی کالا قرار خواهد گرفت ماده ۴- صورت وضعیت مسافری موضوع این قانون عبارتست از فرمی که طرح آن توسط وزارت راه و ترابری تهیه و از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی چاپ و پس از وصول حق تمبر به میزان ۱۰۰ ریال برای حمل مسافربری جاده‌ای داخلی و ۲۵۰ ریال برای مسافری جاده‌ای بین‌المللی به موجب حواله وزارت راه و ترابری در اختیار شرکتها و موسسات مسافربری جاده‌ای داخلی و بین‌المللی مجاز قرار خواهد گرفت ماده ۵- سازمانها و موسسات دولتی صاحب بار چنانچه در رابطه با حمل کالاهای مربوطه به خود تمایل به استفاده از اوراق مخصوص به عنوان بارنامه داشته باشند می‌توانند پس از کسب موافقت وزارت راه و ترابری نسبت به چاپ بارنامه مخصوص خود از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی اقدام نمایند، اینگونه بارنامه‌ها مشمول حق تمبر بارنامه‌های داخلی موضوع این قانون می‌باشند. تبصره - سازمانها و موسسات موضوع این ماده موظفند این نوع بارنامه‌ها را صرفاً در اختیار شرکتها و موسسات حمل و نقل مجاز طرف قرارداد خود قرار دهند. ماده ۶- چنانچه شرکتها و موسسات ترابری جاده‌ای مسافر و کالا بر حسب نوع فعالیت از اوراق مذکور در مواد ۲ و ۳ و ۴ و ۵ این قانون استفاده نمایند و یا مبادرت به استفاده از اوراق عادی به عنوان صورت وضعیت مسافری یا بارنامه بنمایند یا به طور غیرمجاز صورت وضعیت مسافری یا بارنامه تهیه و مورد استفاده قرار دهند یا مشخصات مسافر و محموله با اوراق مذکور مطابقت نداشته باشد و یا مندرجات آن را تکمیل نمایند و یا اوراق مذکور در این قانون را به اشخاص دیگر و غیرمجاز واگذار نمایند متخلف محسوب و با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب، وعظ، توبیخ و تهدید و پس از آن برای بار اول از ۲۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی و برای بار دوم از ۵۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی و برای بار سوم از ۱۰۰۰۰۰۰/۱ تا ۰۰۰/۰۰۰/۲ ریال جزای نقدی و تعطیل از ۱ ماه تا ۳ ماه (دستمزد کارکنان موسسه یا شرکت در مدت تعطیل وسیله صاحب امتیاز پرداخت خواهد شد) و برای بار چهارم محور فعالیت مدیران و صاحبان امتیاز آنها لغو و مجوز فعالیت مجدد در امر حمل و نقل برای آنها صادر نخواهد شد، میزان مجازات در هر مورد با نصب پلاکارد در محل اعلام می‌گردد و مراتب در هر نوبت به وزارت راه و ترابری منعکس خواهد شد. ماده ۷- چنانچه رانندگان وسایط نقلیه مسافربری و باربری بدون اوراق مذکور در این قانون اقدام به جابجایی مسافر یا حمل بار بنمایند و یا محموله و مسافر همراه آنان با موارد قید شده در بارنامه و صورت وضعیت مسافری که در اختیار دارند مطابقت نداشته باشد متخلف محسوب و با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب، وعظ، توبیخ و تهدید و پس از آن برای بار اول به ۱۰۰۰۰۰ ریال تا ۳۰۰۰۰۰ ریال جریمه نقدی و برای بار دوم به ۱۰۰۰۰۰ ریال تا

۳۰۰۰۰ ریال جریمه نقدی و سوراخ کردن گواهینامه و در صورت تکرار برای بار سوم از ۲۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰ ریال جریمه نقدی و سوراخ کردن مجدد گواهینامه و در صورت تکرار به ۲۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰ ریال جریمه نقدی و ضبط گواهینامه برای مدت ۶ ماه تا یکسال محکوم می‌گردند و مراتب در هرنوبت به وزارت راه و ترابری منعکس خواهد شد. تبصره ۱ - در اجرای این ماده مأمورین پلیس راه ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران موظفند اسناد و مدارک رانندگان وسایط نقلیه مسافری و باربری را کنترل و در صورت مشاهده فقدان صورت وضعیت مسافری یا بارنامه های موضوع این قانون و با احراز عدم انطباق تعداد مسافر و مشخصات محموله با صورت وضعیت مسافری و بارنامه ، رانندگان متخلف را به مراجع قضایی معرفی نمایند راننده متخلف می‌تواند به جای رفتن به دادگاه حداکثر جریمه تعیین شده را پرداخت نماید در غیر این صورت موظف است بلافاصله پس از رساندن بار یا مسافر به مقصد خود را به مرجع تعیین شده معرفی کند. تبصره ۲ - تخلفات راننده در دفترچه کار وی که توسط وزارت راه و ترابری صادر می‌گردد به وسیله پلیس راه یا مأموران راهنمایی و رانندگی ثبت خواهد شد تردد در جاده‌ها بدون همراه داشتن دفترچه کار ممنوع است و موسسات و شرکتهای حمل و نقل باید از تحویل مسافر یا کالا به راننده‌ای که فاقد دفترچه کار می‌باشد خودداری نموده و در غیر این صورت به مجازات‌های مقرر در ماده ۶ این قانون محکوم خواهند شد، المثنی برای دفترچه کار حداکثر به مدت شش ماه به تشخیص وزارت راه و ترابری صادر نمی‌گردد. ماده ۸ - وجوه حاصل از محل اخذ جرایم نقدی موضوع این قانون به حساب خزانه واریز خواهد شد. ماده ۹ - آیین‌نامه اجرایی در خصوص معافیت از اوراق مذکور در این قانون در مورد حداقل مسافت ، حداقل سرنشین و حداقل تناژ توسط وزارتخانه های راه و ترابری - امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۰ - رسیدگی به تخلفات مشروحه در این قانون در دادگاهها خارج از نوبت به عمل خواهد آمد. ماده ۱۱ - از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر لغو می‌گردد. قانون فوق مشتمل بر یازده ماده و چهار تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی و یکم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و شصت و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۷/۳/۱۳۶۸ به تایید شورای نگهبان رسیده است

آیین نامه اجرایی موارد معافیت استفاده از اوراق صورت وضعیت مسافری و بارنامه - مصوب ۱۶/۳/۱۳۶۹ هیات

ماده ۱ - موارد مشروحه زیر مشمول صدور و استفاده از اوراق بارنامه داخلی موضوع قانون (الزام شرکتها و موسسات ترابری جاده ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه) مصوب ۱۳۶۸ نمی‌باشد. ۱ - حمل محصولات کشاورزی از مزارع به کارخانجات مربوط واقع در اطراف مزرعه ، مشروط بر آنکه در مسیر تردد این قبیل محمولات موسسه حمل و نقل مجاز وجود نداشته باشد. ۲ - حمل و نقل کالا از مبدأ یک روستا به مقصد روستای دیگر که در مسیر آن ، شهر یا بخش دارای موسسه حمل و نقل مجاز وجود نداشته باشد. ۳ - حمل و نقل کالا از روستا به محدوده نزدیکترین شهر (و بالعکس با حداکثر فاصله بیست (۲۰) کیلومتر. ۴ - حمل و نقل کالا از شهرها تا شعاع حداکثر پانزده (۱۵) کیلومتر خارج از محدوده آنها. ۵ - حمل و نقل کالا با وسایل نقلیه باربری که ظرفیت بارگیری آنها دو تن یا کمتر باشد. تبصره ۱ - برای وسایط نقلیه باربری با ظرفیت بالاتر از دو تن ، صدور و استفاده از بارنامه الزامی است تبصره ۲ - عدم استفاده و صدور اوراق بارنامه جهت موارد فوق ، مانع از اقدام ذینفع در زمینه صدور و استفاده از اوراق و اسناد دیگری که کاشف حقوق مالکیت و موارد نظیر آن باشد ، نخواهد بود. ماده ۲ - موارد مشروحه زیر مشمول صدور و استفاده از اوراق صورت وضعیت مسافری موضوع قانون الزام شرکتها و موسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه مصوب ۱۳۶۸ نمی‌باشد. ۱ - وسایل نقلیه مسافری در اطراف هر شهر مادامی که تحت پوشش حمل و نقل مسافری عمومی شهری (نظیر شرکت واحد) فعالیت می‌نمایند. ۲ - وسایل نقلیه مسافری که از شهر یا بخش تا شعاع بیست (۲۰) کیلومتری خارج از محدوده آن تردد می‌نمایند. ۳ - حمل و نقل مسافر به وسیله وسایل نقلیه مسافری از مبدأ یک روستا به

مقصد روستای دیگر که در مسیر آن ، شهر یا بخش دارای موسسه مسافربری مجاز وجود نداشته باشد.

لایحه قانونی احداث ترمینالهای مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافربری بین شهری در داخل شهر تهران

ماده ۱- شهرداری تهران موظف است علاوه بر بهره برداری از ترمینال موجود به تدریج نسبت به احداث ترمینال های جدید متناسب با نیاز شهر در شرق و غرب و شمال تهران اقدام نماید. سازمان برنامه و بودجه با توجه به امکانات دولت مکلف به تامین اعتبار لازم جهت احداث ترمینالهای جدید خواهد بود. ماده ۲- شهرداری تهران غرفه های ترمینال های شهر را به شرکتهای مسافربری که طبق شرایط خاص تشکیل می شود در مقابل اخذ اجاره بهای مناسب به صورت نمایندگی واگذار می نماید. شرایط تشکیل این شرکتها بر طبق آیین نامه ای خواهد بود که توسط شهرداری تهران بر اساس قوانین مصوب وزارت راه و ترابری و همکاری آن وزارت تهیه و به تصویب شورای شهر و در غیاب شورای شهر به تصویب وزارت کشور خواهد رسید. شرکتهای تعاونی متشکل از دارندگان اتوبوس ها و کارکنان شرکتهای مسافربری موجود اولویت خواهند داشت تبصره - شرایط واگذاری غرفه ها طبق آیین نامه ای خواهد بود که توسط شهرداری تهران تهیه و به تصویب شورای شهر یا در غیاب شورای شهر به تصویب وزارت کشور خواهد رسید. این واگذاری مشمول مقررات قانون روابط موجر و مستاجر نبوده و حقوق استیجاری و کسب و پیشه برای متصرفین یا متصدیان آنها ایجاد نخواهد کرد و هر موقع که شهرداری لازم بداند می تواند محل را با توجه به شرایط واگذاری نمایندگی و با اخطار قبلی لااقل یکماه تصرف کند. ماده ۳- مالکیت و مدیریت تاسیسات ترمینال ها و مسئولیت خدمات با شهرداری تهران می باشد. شهرداری تهران موظف به نظارت بر برنامه ریزی مسافربری و کیفیت عرضه خدمات شرکتها خواهد بود. تبصره - حدود وظایف و اختیارات و نظارت شهرداری تهران و خدمات شرکتها بر طبق آیین نامه جداگانه ای خواهد بود که بر اساس ماده دوم و تبصره ذیل آن مشخص خواهد شد. ماده ۴- شروع کار ترمینال و ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافربری بین شهری همزمان انجام خواهد شد. زمان و محدوده ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافربری حداقل یکماه قبل از شروع توسط شهرداری تهران اعلام می شود. ماده ۵- سایر شهرداریهای شهرهای بزرگ کشور که جمعیت آنها بیش از یکصد هزار نفر باشند موظفند نسبت به ایجاد ترمینال مسافربری بین شهری در محلهای مناسب بر اساس مفاد این قانون با توجه به امکانات اقدام نمایند. ماده ۶ - کلیه مقررات و قوانین مغایر و آیین نامه های موجود که مغایر با مفاد این قانون باشد از درجه اعتبار ساقط است

قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه های مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیل های مسافربری برون شهری د

ماده واحده - عنوان لایحه قانونی احداث ترمینالهای مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافربری بین شهری در داخل شهر تهران مصوب ۹/۲/۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران به شرح فوق تغییر و مواد ۲ و ۳ و تبصره ذیل آنها و مواد ۵ و ۶ آن به شرح زیر اصلاح می گردد: ماده ۲- شهرداری ها غرفه های پایانه های شهر را به شرکت های مسافربری که طبق ضوابط وزارت راه و ترابری تشکیل می شوند در مقابل اخذ اجاره بهای مناسب به صورت نمایندگی واگذار می نمایند. شرکتهای تعاونی مسافربری اولویت خواهند داشت تبصره - شرایط واگذاری غرفه ها طبق آیین نامه ای خواهد بود که توسط وزارتین کشور و راه و ترابری تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید این واگذاری مشمول مقررات قانون روابط موجر و مستاجر نبوده و حقوق استیجاری و کسب و پیشه برای متصرفین یا متصدیان آنها ایجاد نخواهد کرد و هر موقع که شهرداری لازم بداند با موافقت وزارت راه و ترابری می تواند محل را با توجه به شرایط واگذاری و با اخطار قبلی لااقل دو ماهه تصرف نماید. ماده ۳- مدیریت بهره برداری برنامه ریزی ، سیاست گذاری ، نرخ گذاری در امر مسافربری برون شهری و نظارت بر کیفیت عرضه خدمات مربوط به آن و مسیولیت های

مربوط به جابجایی مسافر بر عهده وزارت راه و ترابری می‌باشد مالکیت و مدیریت تاسیسات پایانه های شهرداری و مسئولیت خدمات مربوط به آنها بر عهده شهرداریها می‌باشد و شهرداری ها کلیه عوارض و حقوق قانونی خود را وصول خواهند نمود. تبصره - شهرداریهای سراسر کشور موظف به ارایه امکانات مناسب در محل پایانه ها به وزارت راه و ترابری می‌باشند. ماده ۵ - شهرداریهای شهرهای با بیش از پنجاه هزار نفر جمعیت سراسر کشور موظفند نسبت به ایجاد پایانه مسافربری برون شهری در محلهای مناسب بر اساس مفاد این قانون با توجه به امکانات ، اقدام نمایند. تبصره - احداث پایانه مسافربری توسط شهرداری مانع از احداث پایانه توسط بخش تعاونی یا خصوصی با رعایت ضوابط و مقررات قانونی نخواهد بود. ماده ۶ - با تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر لغو و آیین نامه اجرایی آن ظرف سه ماه از تاریخ تصویب توسط وزارتین راه و ترابری و کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۲) قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه های مسافربری و ممنوعیت تردد

ماده ۱ - شهرداری ها غرفه‌های موجود در پایانه های مسافربری شهر را به شرکت های مسافربری که طبق ضوابط وزارت راه و ترابری تشکیل می‌شوند جهت انجام خدمات مسافربری تحت شرایط زیر به صورت نمایندگی در مقابل اخذ اجاره بها و از طریق انعقاد قرارداد واگذاری ، واگذار می‌نمایند. تبصره - در واگذاری غرفه های پایانه های مسافربری شهر، شرکتهای تعاونی مسافربری و شرکتهای مسافربری که قبل از اصلاح قانون در ترمینال ها مستقر بوده‌اند اولویت خواهند داشت ماده ۲ - مبنای مال الاجاره ماهانه غرفه های قابل واگذاری به شرکتهای مسافربری به وسیله یک نفر از کارشناسان رسمی دادگستری که توسط شهرداری شهر انتخاب می‌گردد، تعیین می‌شود، تا با انجام تشریفات مزایده در حضور نمایندگان شهرداری شهر و سازمان حمل و نقل و پایانه های استان ، مبلغ قطعی مال الاجاره مشخص گردیده و از شرکت استفاده کننده غرفه اخذ شود. تبصره ۱ - کارشناس منتخب مذکور اجاره بهای ماهانه غرفه واگذار شده را با رعایت ارزش عرصه و اعیان و موقعیت غرفه متناسب با آن مقدار از سطح ترمینال که وسایط نقلیه شرکت مسافربری در آن توقف یا مورد سایر استفاده ها قرار می‌دهند همچنین با ملحوظ داشتن هزینه هایی که برای نگهداری و سایر خدمات از طرف شهرداری مصرف می‌گردد، به صورت یکجا به عنوان مال الاجاره غرفه اختصاصی شرکت مسافربری استفاده کننده به صورت قیمت پایه برآورد می‌نمایند. تبصره ۲ - شرکت مسافربری استفاده کننده از غرفه واگذار شده مکلف است مال الاجاره مندرج در قرارداد را بدون هیچگونه عذر و تعلل در سررسید معین در قرارداد واگذاری به شهرداری شهر تادیه نماید. تبصره ۳ - این واگذاری مشمول مقررات قانون روابط موجر و مستاجر نبوده و حقوق استیجاری و کسب و پیشه برای متصرفان یا متصدیان آنها ایجاد نخواهد کرد. تبصره ۴ - واگذاری سایر غرفه های پایانه نیز مشمول مقررات این آیین نامه خواهد بود و نقش سازمان حمل و نقل و پایانه ها صرفا در خصوص غرفه‌های شرکتهای مسافربری می‌باشد. ماده ۳ - شرکتهای مسافربری در هنگام عقد قرارداد باید معادل ۶ ماه اجاره بهای ماهانه هر سال را به صورت ضمانتنامه بانکی یا سپرده نقدی به منظور حسن انجام خدمات و تعهدات برابر قرارداد منعقد شده در اختیار شهرداری شهر بگذارند تا در صورت تعلل در پرداخت اجاره بها یا حدوث هرگونه خسارت به تاسیسات ، ساختمان ، لوازم و تجهیزات ترمینال از جانب بهره بردار یا عوامل وی ، شهرداری بتواند خسارت خود را از آن محل برداشت نماید. تبصره ۱ - تشخیص میزان خسارت با کارشناس منتخب شهرداری شهر و سازمان حمل و نقل و پایانه های استان می‌باشد. تبصره ۲ - چنانچه قبل از خاتمه قرارداد از محل ضمانتنامه مذکور شهرداری مبلغی وفق مقررات برداشت نماید شرکت مکلف است ظرف مدت ده روز بعد از اعلام کتبی شهرداری شهر آن را تامین نماید، به طوری که همواره سپرده معادل ۶ ماه مال الاجاره باشد. بدیهی است در صورت عدم تامین سپرده شهرداری بلافاصله قرارداد واگذاری را لغو خواهد نمود. تبصره ۳ - دریافت هرگونه وجهی یا تضمین دیگری علاوه بر مال الاجاره و تضمین فوق الذکر تحت هر عنوان از قبیل سرقفلی ، پیش پرداخت

و غیره توسط شهرداری از شرکتهای مسافربری استفاده کننده از غرفه های پایانه‌های شهر ممنوع است ماده ۴ - قرارداد واگذاری غرفه های پایانه های شهر به مدت یکسال منعقد می‌شود و قابل تمدید می‌باشد. تبصره ۱ - شهرداری می‌تواند در صورت عدم انجام تعهدات مالی از سوی شرکتها یا عدم رعایت مقررات شهرداری و پس از کسب نظر سازمان حمل و نقل پایانه های استان که حداکثر ظرف ۱۵ روز اظهار نظر خواهند نمود و یا اعلام کتبی سازمان مذکور مبنی بر عدم تمدید قرارداد به لحاظ عدم رعایت مقررات مربوط از تمدید قرارداد خودداری نماید. تبصره ۲ - مفاد و شرایط قرارداد مذکور به صورت قرارداد نمونه توسط وزارت کشور و با کسب نظر از وزارت راه و ترابری تهیه و به مورد اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۵ - مبلغ اجاره بها برای هر دو سال یکبار با توجه به روش مذکور در ماده ۲ این آیین نامه قابل تجدید نظر است ماده ۶ - از تاریخ تصویب این آیین نامه ، آیین نامه قبلی شرایط واگذاری غرفه های ترمینالها لغو می‌شود.

قانون استفساریه در مورد قانون بیمه اجتماعی رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین شهری - مصوب ۱۳/۱۱/۱۳۸۶

جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون استفساریه در مورد قانون بیمه اجتماعی رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین شهری که با عنوان طرح دو فوریتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۷/۱۱/۱۳۸۶ و تأیید شورای محترم نگهبان به پیوست ابلاغ می‌گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل شماره ۱۸۸۲۵۱ ۲۴/۱۱/۱۳۸۶ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی قانون استفساریه در مورد قانون بیمه اجتماعی رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین شهری که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ هفتم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۹/۱۱/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۷۷۸۴۶/۷۹۴ مورخ ۱۳/۱۱/۱۳۸۶ واصل گردیده است، به پیوست جهت اجرا ابلاغ می‌گردد. رئیسجمهور - محمود احمدی‌نژاد قانون استفساریه در مورد قانون بیمه اجتماعی رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین شهری موضوع استفساریه: ماده واحده - آیا رانندگانی که به موجب مقررات طرح بیمه روستاییان و عشایر و شهرهای زیر بیست هزار نفر جمعیت از مزایای بیمه درمان برخوردار و نزد صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر بیمه بوده و مشمول مزایای از کارافتادگی کلی، بازنشستگی و بازماندگان می‌باشند همچنان ملزم به بیمه نمودن خود نزد سازمان تأمین اجتماعی مطابق قانون بیمه اجتماعی رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین شهری مصوب ۱۸/۲/۱۳۷۹ می‌باشند؟ نظر مجلس: خیر، تا زمانی که رانندگان مشمول صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر در نزد صندوق مذکور بیمه باشند الزامی به بیمه شدن مجدد نزد سازمان تأمین اجتماعی ندارند. قانون استفساریه فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ هفتم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۹/۱۱/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

اداره راهنمایی رانندگی

آیین نامه راهنمایی و رانندگی - مصوب ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۴۷ با اصلاحات بعدی

فصل اول - تعاریف (ماده ۱)

ماده ۱ - اصطلاحات و کلماتی که در این آیین نامه بکار برده شده دارای معانی ذیل می‌باشند: ۱ - ابطال گواهینامه - سلب اعتبار

قانونی آن ۲- اتوبوس - هر نوع وسیله نقلیه موتوری مسافربری که ظرفیت آن با راننده و کمک راننده ۲۲ نفر یا بیشتر باشد. ۳- اتوبوس برقی - اتوبوسی که به وسیله باطری یا نیروی برقی که از سیمهای هوایی دریافت می‌دارد حرکت نماید ولی روی ریل نباشد. ۴- اتومبیل هر نوع وسیله نقلیه موتوری که لااقل دارای دو چرخ در جلو و دو چرخ دیگر در عقب بوده و برای حمل بار یا انسان به کار رود. ۵- اتومبیل آموزشی - اتومبیلی که برای تعلیم رانندگی اختصاص داده شده و باید دارای دو کلاچ و دو ترمز و دو آئینه بوده و متعلق به یکی از آموزشگاههای مجاز تعلیم رانندگی باشد. ۶- اتومبیل سواری - اتومبیلی که برای حمل انسان ساخته شده و ظرفیت آن با راننده حداکثر شش نفر است ۷- اتومبیل مدارس - اتومبیلی که برای رفت و آمد شاگردان آموزشگاهها اختصاص داده شده ۸- ارتفاع چراغ - فاصله مرکز چراغ یا وسیله نقلیه بدون بار یا مسافر تا کف راه ۹- استیشن - اتومبیل سواری که ظرفیت آن با راننده حداکثر هفت نفر و حداکثر نه نفر باشد. ۱۰- بارکش - هر نوع وسیله نقلیه‌ای که برای حمل بار ساخته شده ۱۱- پارک متر - دستگاهی که با انداختن سکه تعیین شده در آن اجازه توقف وسیله نقلیه را در زمان معینی می‌دهد. ۱۲- پارکینگ ممنوع - ایست وسیله نقلیه جز برای سوار و پیاده کردن آنهم به شرط وجود راننده در پشت فرمان ممنوع است ۱۳- پیاده - شخصی که بدون استفاده از هیچ نوع وسیله نقلیه موتوری یا غیرموتوری حرکت می‌نماید. ۱۴- پیاده‌رو - قسمتی از خیابان که در امتداد آن واقع شده و برای عبور و مرور پیادگان اختصاص یافته است ۱۵- پیچ - انحراف مسیر مستقیم راه ۱۶- ترافیک - عبور و مرور وسایل نقلیه و اشخاص و حیوانات در راهها. ۱۷- تراموای - وسیله نقلیه‌ای که در شهر و حومه برای حمل مسافر به کار می‌رود و با نیروی برق روی ریل حرکت می‌نماید. ۱۸- تراکتور بارکش - وسیله نقلیه موتوری که جهت کشیدن یدک‌های بارکش ساخته شده ۱۹- تراکتور کشاورزی - وسیله نقلیه موتوری که برای کارهای کشاورزی یا برای کشیدن ماشینها و آلات دیگر کشاورزی یا شخم زدن بکار رود. ۲۰- توقف مطلقا ممنوع - ایست وسیله نقلیه در هر مدت ممنوع است ۲۱- توقیف گواهینامه (ضبط) - اخذ و نگهداری موقت گواهینامه ۲۲- جاده - راه خارج شهر برای عبور و مرور وسایل نقلیه ۲۳- جاده اصلی - جاده ایکه در برخورد با جاده دیگر پهن تر است یا با نصب علائم راهنمایی اصلی تلقی شود. ۲۴- جاده فرعی - جاده ای که از جاده اصلی منشعب شده و از آن تنگ تر است یا با نصب علائم راهنمایی فرعی به شمار می‌رود. ۲۵- جاده خصوصی - جاده‌ای که اشخاص یا موسسات برای استفاده شخصی ساخته‌اند و استفاده دیگران از آن منوط به اجازه مالک است ۲۶- چرخ فلزی - چرخ است که محل تماس آن با کف زمین فلزی باشد. ۲۷- حق تقدم - حق عبور وسیله نقلیه‌ای زودتر از وسایل نقلیه دیگر یا از پیاده‌ها و بالعکس ۲۸- خیابان - راه عبور و مرور در مناطق مسکونی ۲۹- خیابان اصلی - خیابانی که در برخورد با خیابان دیگر پهن تر است یا با نصب علائم راهنمایی اصلی تلقی شود. ۳۰- خیابان فرعی - خیابانی که از خیابان اصلی تنگتر است یا با نصب علائم راهنمایی فرعی شناخته شود. ۳۱- دستگاه تهویه - دستگاهی که به وسیله گاز یا بخار متراکم هوای داخل اتاق وسیله نقلیه را خنک می‌نماید. ۳۲- دوچرخه موتوردار (گازی) - دوچرخه‌ای که به وسیله موتوری که نیروی آن متجاوز از پنج اسب نباشد حرکت نماید. ۳۳- راه - اعم است از خیابان و جاده و کوچه ۳۴- راننده - کسی که هدایت وسیله نقلیه را توسط فرمان یا به وسایل دیگر به عهده داشته باشد. ۳۵- راه آهن - ریلهای آهنی موازی ثابتی که لکوموتیوها و قطارها بر روی آن حرکت می‌نمایند. ۳۶- روز - از طلوع تا غروب آفتاب ۳۷- سازنده وسایل نقلیه - شخصی یا موسسه یا کارخانه ای که وسایل نقلیه‌ای را که مطابق این آیین نامه باید شماره گذاری شوند می‌سازد، یا قطعات ساخته آنها را سوار (مونتاژ) می‌نماید. ۳۸- شب - از غروب تا طلوع آفتاب ۳۹- شماره غیرمجاز - الف - شماره ایکه به موجب آگهی قبلی شهربانی باید تجدید گردد. ب - شماره ایکه در کشور خارجی روی وسیله نقلیه نصب شده و پس از ورود بایران با وجود انقضای مدت اعتبار آن عوض نشده باشد. ج - شماره ترانزیت که در کشور ایران برای مسافرت به خارج داده شده و استفاده از آن در داخل کشور ممنوع است د - شماره‌های موضوع قانون مجازات استفاده کنندگان از پلاک‌های تقلبی مصوب سال ۱۳۴۵. ۴۰- شماره وسیله نقلیه - عدد یک یا چند رقمی که از طرف متصدیان مربوط روی پلاکهای مخصوص منقوش و به

وسيله نقلیه منصوب می‌گردد. ۴۱- ظرفیت اتومبیل - وزن بار یا تعداد مسافر که از طرف افسر کاردان فنی شماره گذاری شهرداری برای وسیله نقلیه تعیین می‌شود. ۴۲- علایم - هر نوع علامت مانند تابلو، نوشته، خط‌کشی چراغ - سوت، حرکت دست و غیره که وسیله مقامات صلاحیت دار یا رانندگان برای کنترل و تنظیم عبور و مرور بکار می‌رود. ۴۳- قطعات اصلی - کلیه قسمتهای اساسی وسیله نقلیه که طبق این آیین نامه باید شماره گذاری شود مانند موتور و شاسی و اطاق که تعویض آنها باعث تغییر مشخصات اساسی وسیله نقلیه می‌گردد. ۴۴- کارت مشخصات - کارتی که مشخصات مالک و وسیله نقلیه شماره گذاری شده در آن ثبت و به مالک وسیله نقلیه تسلیم می‌گردد. ۴۵- کارت شهری - کارتی که مجوز رانندگی وسایل نقلیه عمومی در شهر و حومه می‌باشد. ۴۶- کوچه - راهی در مناطق مسکونی که عرض آن حداکثر شش متر باشد. ۴۷- گذرگاه پیاده - در تقاطع راهها امتداد پیاده روها در سواره رو یا هر محل دیگری از سواره‌رو که به وسیله خط‌کشی یا میخکوبی یا سایر علایم جهت عبور پیادگان اختصاص داده شده ۴۸- گواهینامه رانندگی - اجازه نامه برای رانندگی وسایل نقلیه که از طرف مقامات صلاحیتدار به نام اشخاص صادر شود. ۴۹- منطقه ممنوعه - منطقه و محلی که عبور و مرور وسایل نقلیه در آنها به وسیله علایم خاص ممنوع شده باشد. ۵۰- مواد خطرناک - هر نوع مواد منفجره یا محترقه یا مایعات آتش‌زا و گازهای فشرده و امثال آنها. ۵۱- موتور سیکلت - وسیله نقلیه موتوری که دارای دو یا سه چرخ است و نیروی آن متجاوز از پنج اسب می‌باشد. ۵۲- مینی‌بوس - هر نوع وسیله نقلیه موتوری مسافربری که ظرفیت آن با راننده حداقل ده نفر و حداکثر بیست و یک نفر باشد. ۵۳- وزن با بار - وزن وسیله نقلیه باضافه وزن بار آن ۵۴- وسیله نقلیه امدادی - وسیله نقلیه مخصوص خدمات پلیسی، بهداشتی، آتش‌نشانی و امثال آنها که وسیله شهرداری تعیین و با علایم مخصوص مشخص می‌شود. ۵۵- وسیله نقلیه موتوری - وسیله نقلیه‌ای که با نیروی موتور بر روی چرخهای خود حرکت کند. ۵۶- وسیله نقلیه غیرموتوری - وسیله نقلیه ایکه نیروی محرک آن از موتور نباشد. ۵۷- وسیله نقلیه کشاورزی - به وسیله نقلیه‌ای که جهت امور کشاورزی ساخته شده مادام که در مزارع کار کند اطلاق می‌شود. ۵۸- وسیله نقلیه موتوری ویژه - وسیله نقلیه موتوری که مخصوص انجام کارهای فنی و ساختمانی و جاده‌سازی و امثال آن است ۵۹- یدک - وسیله نقلیه چرخدار با موتور یا بی موتور که توسط وسیله نقلیه موتوری دیگری کشیده شود. ۶۰- یدک کش - وسیله نقلیه موتوری که یدک یا یدک‌هایی را به دنبال خود می‌کشد. ۶۱- یدک متصل (شبه یدک بدون نیروی محرک (بی موتور)

فصل دوم - شماره گذاری و کارت مشخصات (ماده ۲ تا ۲۰)

ماده ۲- هر وسیله نقلیه موتوری و غیرموتوری و یدک متصل که در راههای عمومی حرکت می‌کنند باید دارای شماره باشد رانندگی با وسایل نقلیه ای که شماره گذاری نشده یا شماره آنها غیرمجاز است و همچنین گذاردن این قبیل وسایل نقلیه برای رانندگی در اختیار اشخاص دیگر ممنوع است مگر آنکه قبلاً اجازه حرکت از شهرداری دریافت کرده و در دست داشته باشند. مأموران انتظامی از حرکت وسایل نقلیه مذکور جلوگیری خواهند کرد. ماده ۳- مالک وسیله نقلیه موظف است جهت شماره گذاری و اخذ کارت مشخصات وسیله نقلیه خود به شهرداری محل مراجعه و فرم‌های مربوطه را تنظیم و امضا نماید و به ضمیمه مدارکی که از طرف شهرداری اعلام خواهد شد تسلیم کند. هرگاه اشخاص دیگری در مالکیت وسیله نقلیه شرکت یا نسبت به آن حق عینی داشته باشند نام و آدرس دقیق آنان نیز باید در درخواست قید شود. ماده ۴- شهرداری پس از دریافت درخواست شماره گذاری و مدارک لازم با رعایت مقررات مذکور در ماده ۵ برای شماره گذاری وسیله نقلیه اقدام می‌نماید. ماده ۵- در موارد زیر شهرداری می‌تواند از انجام عمل شماره گذاری خودداری نماید: ۱- در صورتی که وسیله نقلیه معیوب بوده یا به جهات فنی به کار افتادن آن در راهها خطرناک باشد. ۲- چنانچه مشخصات وسیله نقلیه با آنچه در اسناد مربوط ذکر شده مطابق نباشد. ۳-

اگر شماره گذاری وسیله نقلیه قبلا به جهاتی ممنوع اعلام گردیده باشد. ۴- هرگاه حقوق دولتی و عوارضی که به موجب مقررات به وسیله نقلیه تعلق گرفته پرداخت نشده باشد مگر با اجازه رییس کل شهربانی ۵- چنانچه وسیله نقلیه دارای علائم و تجهیزات پیش بینی شده در این آیین نامه نباشد. ماده ۶- شماره گذاری بر روی وسیله نقلیه از طریق نصب پلاکی که وسیله شهربانی تهیه می گردد انجام خواهد شد. انواع پلاکها و ابعاد و رنگهای آنها برای وسایل نقلیه مختلف از طرف شهربانی معین و اعلام می شود. دارندگان وسایل نقلیه مکلفند در مواقعی که شهربانی لزوم تجدید و تعویض شماره ها را آگاهی می نماید برای تجدید و تعویض شماره وسیله نقلیه خود اقدام نمایند. ماده ۷- نصب پلاک به طریق زیر به عمل می آید: اگر وسیله نقلیه دارای سه چرخ یا بیشتر باشد یک پلاک در جلو و پلاک دیگر در عقب آن نصب می گردد. در یکدکها و وسایل نقلیه ای که دارای دو چرخ هستند فقط یک پلاک در عقب نصب می شود. پلاک عقب باید در محلی نصب گردد که با نور چراغ عقب وسیله نقلیه قابل خواندن باشد. پلاک های منصوب باید همیشه در جای خود قرار داشته باشد. ماده ۸- شهربانی پس از شماره گذاری و ثبت مشخصات وسیله نقلیه کارتتی که حاوی مشخصات و ظرفیت آن باشد صادر و به مالک تسلیم می نماید. این کارت باید همیشه همراه راننده وسیله نقلیه مربوطه باشد. به علاوه ظرفیت وسایل نقلیه مسافربری در داخل آنها طوری نوشته می شود که قابل خواندن باشد. ماده ۹- وسیله نقلیه عمومی که در هر شهر شماره گذاری می شود باید فقط در همان شهر و منطقه ای که شهربانی تعیین می کنند به کار پردازد مگر اینکه موافقت شهربانی های مربوط با تغییر محل کار جلب شده باشد والا از کارکردن جلوگیری خواهد شد. ماده ۱۰- هرگاه کارت مشخصات یا پلاک اتومبیل مفقود یا ضایع گردد مالک وسیله نقلیه موظف است ضمن اعلام مراتب به مقامات صلاحیت دار حداکثر ظرف ۴۸ ساعت شخصا یا وسیله نماینده خود جهت اخذ المثنای کارت یا پلاک جدید به شهربانی مراجعه نماید. ماده ۱۱- سازندگان و فروشندگان و حمل کنندگان وسایل نقلیه فقط جهت عرضه نمودن یا نقل آنها از محلی به محل دیگر بدون انجام تشریفات شماره گذاری از شهربانی پلاک ویژه یا موقت دریافت خواهند کرد. ماده ۱۲- هر سازنده یا فروشنده وسیله نقلیه موظف است دفتری برای ثبت سابقه استفاده از شماره های ویژه و تعیین اینکه در چه مدت و چه تاریخی شماره ویژه بر روی چه وسیله ای نصب و به وسیله چه کسانی از آن استفاده شده داشته باشد، این دفتر در مواقع مراجعه مأموران شهربانی باید ارایه شود. ماده ۱۳- در مواردی که مالک وسیله نقلیه آدرس خود را تغییر می دهد باید ظرف ۴۸ ساعت اداره شهربانی را کتبا از آدرس جدید خود مطلع سازد. ماده ۱۴- مالک وسیله نقلیه در صورتی که بخواهد موتور یا هر یک از قطعات اصلی یارنگ آن را تغییر دهد موظف است قبلا مدرک مربوط را به شهربانی جهت کسب اجازه تسلیم نماید تا پس از تغییر آنها کارت مشخصات جدید صادر گردد. ماده ۱۵- در صورت انتقال مالکیت وسیله نقلیه فروشنده موظف است فوراً کارت مشخصات را به شهربانی محل تسلیم نماید. باضافه مالک جدید پس از انتقال باید برای دریافت کارت مشخصات بنام خود به شهربانی مراجعه نماید. شهربانی پس از وصول درخواست خریدار فتوکپی یا رونوشت مصدق سند انتقال، کارت مشخصات جدیدی بنام او صادر و به وی تسلیم خواهد نمود. ماده ۱۶- شخصی که وسیله نقلیه در اختیار و تصرف او است (اعم از اینکه مالک باشد یا نباشد) موظف است در صورتی که وسیله نقلیه مورد تصرف غیرمجاز واقع شود و همچنین پس از رفع تصرف غیرمجاز حداکثر ظرف ۴۸ ساعت مراتب را به مقامات انتظامی محل اعلام دارد. ماده ۱۷- شهربانی در موارد زیر پلاک شماره را پس می گیرد: ۱- هرگاه پلاک اشتباها به وسیله نقلیه ای نصب شده باشد. ۲- در موارد مذکور در ماده ۴۳ اصلاحی این آیین نامه ۳- وقتی که وسیله نقلیه اوراق شده باشد. ماده ۱۸- پس از رفع اشتباه یا فراهم شدن موجبات استرداد پلاک مذکور در بند ۲ پلاک به صاحب وسیله نقلیه مسترد خواهد شد. ماده ۱۹- شهربانی می تواند پلاک شماره ویژه یا موقت متعلق به سازندگان و فروشندگان یا حمل کنندگان وسایل نقلیه را به علت عدم لزوم استعمال یا استعمال برخلاف مقررات آن یا به علت تقلب در آنها پس بگیرد. ماده ۲۰- کلیه دارندگان وسایل نقلیه موظفند ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه نشانی دقیق خود و مشخصات کامل وسیله نقلیه خویش را به شهربانی محل شماره گذاری اعلام دارند.

فصل سوم - گواهینامه رانندگی و کارت شهری (ماده ۲۱ تا ۳۶)

ماده ۲۱ - هر کس بخواهد با هر نوع وسیله نقلیه موتوری زمینی رانندگی کند باید دارای گواهینامه رانندگی مربوط به آن نوع وسیله نقلیه باشد. ماده ۲۲ - شرایط لازم برای صدور انواع گواهینامه های رانندگی به شرح زیر است الف - گواهینامه رانندگی موتورسیکلت ۱ - سن ۱۸ سال تمام ۲ - قبول شدن در آزمایشهای آیین نامه راهنمایی و رانندگی و رانندگی با موتورسیکلت بند ب - گواهینامه رانندگی پایه ۲ برای رانندگی با وانت و کامیونت تا ظرفیت ۳۵۰۰ کیلوگرم و اتومبیلهای سواری و استیشن ۱ - سن ۱۸ سال تمام ۲ - قبول شدن در آزمایشهای آیین نامه راهنمایی و رانندگی با اتومبیل سواری ج - گواهینامه رانندگی پایه ۱ برای رانندگی با کلیه وسایل نقلیه موتوری زمینی به استثنای موتورسیکلت ۱ - سن ۲۳ سال تمام ۲ - قبول شدن در آزمایشهای آیین نامه راهنمایی و رانندگی و رانندگی با اتومبیلهای بزرگ اعم از کامیون به ظرفیت بیش از ۳۵۰۰ کیلوگرم و اتوبوس ۳ - داشتن اطلاعات فنی لازم ۴ - گذشتن ۲ سال تمام از تاریخ اخذ گواهینامه رانندگی پایه ۲. د - گواهینامه رانندگی ویژه برای رانندگی با وسایل نقلیه سنگین - جاده سازی و ساختمانی و مخصوص حمل اشیای سنگین و جراثقال اسکله ها. ۱ - سن ۲۳ سال تمام ۲ - قبول شدن در آزمایشهای آیین نامه راهنمایی و رانندگی و روشن کردن موتور و راندن وسایل نقلیه موردنظر در جهات مختلف - ترمز کردن و دورزدن با آنها. در گواهینامه رانندگی ویژه نوع وسیله نقلیه ای که دارنده می تواند با آن رانندگی کند قید می شود. برای رانندگی با وسایل نقلیه ویژه ای که سرعت آنها از ۳۰ کیلومتر در ساعت تجاوز می کند در شهرها و راههای عمومی علاوه بر داشتن گواهینامه ویژه داشتن گواهینامه پایه ۱ نیز ضروری است ه - گواهینامه رانندگی با تراکتور چرخ لاستیکی در مزارع ۱ - سن ۱۸ سال تمام ۲ - قبول شدن در آزمایش آیین نامه راهنمایی و رانندگی ۳ - قبول شدن در امتحان رانندگی با تراکتور. ۴ - گواهی صلاحیت استفاده از ماشینهای کشاورزی از طرف وزارت کشاورزی و منابع طبیعی بند (و) - گواهینامه رانندگی دوچرخه موتوردار (گازی): ۱ - سن ۱۵ سال تمام ۲ - قبول شدن در آزمایش شفاهی آیین نامه راهنمایی و رانندگی ۳ - قبول شدن در امتحان رانندگی با دوچرخه موتوردار (گازی تبصره ۱ - کسانی که سن آنان از ۲۵ سال تمام کمتر نباشد برای اخذ هرگونه گواهینامه رانندگی از شرط سواد معاف می باشند. تبصره ۲ - دارندگان گواهینامه رانندگی پایه ۲ در صورتی می توانند با وسایل نقلیه عمومی باری که ظرفیت بارگیری آن مطابق مشخصات ساخت کارخانه سازنده بیش از ۳۵۰۰ کیلوگرم نباشد همچنین با اتومبیلهای سواری عمومی و استیشن عمومی و مینی بوس و آمبولانس رانندگی نمایند که سن آنان از ۲۳ سال تمام کمتر نباشد و یکسال تمام از تاریخ اخذ گواهینامه گذشته باشد. تبصره ۳ - دارندگان گواهینامه های رانندگی پایه ۲ به شرط داشتن ۲۳ سال تمام و قبول شدن در آزمایشهای رانندگی با اتوبوس یک طبقه با اجازه مخصوص شهرداری می توانند مادام که در خدمات شرکتهای واحد اتوبوسرانی هستند به رانندگی با اتومبیلهای یک طبقه شرکتهای مذکور مبادرت ورزند. تبصره ۴ - کلیه گواهینامه های رانندگی با تراکتورهای زراعتی که تا تاریخ ۲۴/۱۱/۱۳۵۱ از طرف شهرداری صادر شده است همچنان معتبر می باشد. ماده ۲۳ - در موارد زیر صدور گواهینامه رانندگی ممنوع است ۱ - هرگاه متقاضی به بیماری صرع یا جنون مبتلا باشد. ۲ - در صورتی که متقاضی کور باشد مگر برای متقاضیان گواهینامه های موتورسیکلت و تراکتور زراعی و پایه دوم اتومبیل (بدون آنکه اجازه رانندگی وسایل نقلیه عمومی و اتومبیلهای آموزشگاه های رانندگی را داشته باشد) که فاقد یک چشم بوده و میزان دید چشم سالم آنان نیز کمتر از ۹۱۰ نباشد و به علاوه دارندگان گواهینامه پایه دوم اتومبیل فاقد یک چشم باید نقص میدان دید خود را با نصب آینه مخصوص در اتومبیل جبران نمایند. ۳ - هرگاه میزان دید متقاضیان گواهینامه ها کمتر از حد مقرر بوده و با استفاده از عینک قابل جبران نباشد. حد مقرر میزان دید بر حسب موارد به شرح زیر است الف - برای گواهینامه های پایه دوم اتومبیل و تراکتور و ویژه و موتورسیکلت با یک چشم

۱۲۰ و یا چشم دیگر ۹۱۰ با میدان دید طبیعی یا در صورتیکه میزان دید یک چشم کمتر از ۹۱۰ باشد مجموع دید دو چشم ۱۲۱۰ با میدان دید طبیعی ب- برای گواهینامه پایه یک و کارت مخصوص رانندگی با وسایل نقلیه عمومی و اتومبیل‌های آموزشگاه‌های رانندگی با یک چشم ۲۱۰ و چشم دیگر ۱۰۱۰ با میدان دید طبیعی یا در صورتی که میدان دید یک چشم کمتر از ۱۰۱۰ باشد مجموع دید دو چشم ۱۴۱۰ با میدان دید طبیعی ۴- برای کر مطلق و گوزپشت بجز گواهینامه پایه دوم رانندگی بدون آنکه اجازه رانندگی با وسایل نقلیه عمومی و اتومبیل‌های آموزشگاه‌های رانندگی را داشته باشد. ۵- هرگاه متقاضی فاقد انگشتان دست یا پا باشد بنحوی که فقدان انگشتان مانع انجام اعمال طبیعی و لازم برای رانندگی باشد. ۶- اگر متقاضی به علت فقدان دست یا پا و یا ضعف بعضی از عضلات دست یا پا که به مناسبت ابتلا به فلج یا امراض دیگری حاصل شده نتواند مستقلاً یا با استفاده از دست و پای مصنوعی و یا به کمک ماشین‌هایی که وسایل مخصوص برای تسهیل رانندگی در آنجا تعبیه شده براحتی از عهده رانندگی برآید. ماده ۲۴- هرگاه پزشک و افسر کاردان فنی شهربانی تشخیص دهند که اشخاص مبتلا به ضعف بینایی یا شنوایی و همچنین اشخاص مذکور در بندهای ۵ و ۶ ماده قبل به کمک عینک یا سمعک یا سایر وسایل مصنوعی به طور طبیعی قادر به رانندگی می‌باشند صدور گواهینامه بنام آنان در صورت جمع شرایط لازم دیگر مانعی ندارد لیکن در متن گواهینامه باید تصریح شود که فقط با عینک یا سمعک یا چه نوع وسیله‌ای می‌تواند رانندگی نمایند. آزمایش از داوطلبان ذکر شده در بندهای ۵ و ۶ ماده قبل باید وسیله سه نفر افسر کاردان فنی شهربانی محل و یا نزدیکترین مرکز استان یا فرمانداری کل که دارای سه نفر کاردان فنی می‌باشد و با وسیله نقلیه مخصوص انجام گیرد. ماده ۲۵- درخواست کننده هر نوع گواهینامه رانندگی باید مدارکی را که از طرف راهنمایی و رانندگی اعلام می‌شود به مراجع آگهی شده ارایه کند. ماده ۲۶- از متقاضی اخذ گواهینامه رانندگی قبل از سایر آزمایشها باید آزمایش پزشکی به وسیله پزشکانی که شهربانی معرفی می‌نماید یا افسرانیکه با وسایل و تجهیزات فنی مخصوص آزمایش مزبور مجهز خواهند بود به عمل آید. ماده ۲۷- هرگاه درخواست کننده گواهینامه رانندگی در آزمایشهای مربوط موفق گردد گواهینامه رانندگی پس از مشاهده مدارک لازم صادر و به او تسلیم خواهد شد. ماده ۲۸- مدت اعتبار هر گواهینامه در متن آن درج می‌شود. دارنده آن ملزم است که ظرف یکماه پس از پایان مدت مقرر برای تمدید مدت اعتبار یا تعویض آن به گواهینامه هم عرض به شهربانی مراجعه نماید شهربانی می‌تواند هنگام تمدید یا تعویض گواهینامه از متقاضی آزمایش پزشکی مجددی به عمل آورد. هرگاه کسانی که مدت اعتبار گواهینامه آنان منقضی شده قبل از اخطار مأمورین برای تمدید یا تعویض آن به شهربانی مراجعه نمایند از پرداخت جریمه معاف خواهند بود. تبصره - گواهینامه‌های رانندگی سیاسی احتیاج به تمدید مدت اعتبار ندارند. ماده ۲۹- رانندگی با هر نوع تاکسی علاوه بر گواهینامه رانندگی (اعم از پایه ۱ یا ۲) مستلزم داشتن کارت مخصوص رانندگی تاکسی است که از طرف راهنمایی و رانندگی صادر می‌شود. برای صدور این کارت راننده باید دارای شرایط زیر باشد: ۱- داشتن حداقل ۲۳ سال تمام ۲- انقضای ۱ سال تمام از تاریخ اخذ گواهینامه رانندگی (در مورد گواهینامه رانندگی پایه ۲) ۳- داشتن سواد خواندن و نوشتن ۴- قبول شدن در آزمایش شهرشناسی ۵- نداشتن سابقه محکومیت از حیث ارتکاب جنایات عمدی - سرقت - خیانت در امانت - اخذ مال به عنف و جنحه‌های مربوط به منافیات عفت ماده ۳۰- اگر گواهینامه رانندگی یا کارت شهری مفقود شود یا از بین برود دارنده آن می‌تواند تقاضای صدور المثنی کند. شهربانی پس از احراز صحت ادعای درخواست کننده با دریافت مدارک لازم المثنی صادر و به وی تسلیم خواهد نمود. ماه ۳۱- دارندگان گواهینامه‌های معتبر خارجی (اعم از ایرانیان یا خارجیان) می‌توانند تا شش ماه پس از ورود در ایران رانندگی نمایند ولی در صورت تمایل به ادامه رانندگی در ایران باید قبل از انقضای مدت مذکور گواهینامه خارجی خود را به گواهینامه ایرانی تبدیل نمایند. ماده ۳۲- تبدیل گواهینامه رانندگی صادر شده از کشورهای خارج به گواهینامه رانندگی ایرانی منوط به مشاهده گواهینامه رانندگی خارجی و ترجمه رسمی آن و سایر مدارک لازم با توجه به کیفیت و نحوه صدور گواهینامه خارجی در کشور صادر کننده آن خواهد بود. ماده ۳۳- مأموران سیاسی و

کنسولی و اعضای سازمان های بین‌المللی می‌توانند برای تبدیل گواهینامه های خود مدرک مندرج در ماده ۳۲/۱ از طریق وزارت امور خارجه به شهربانی کل ارسال دارند. ماده ۳۴- برای کسانی که گواهینامه رانندگی آنان توقیف شد نباید مجدداً گواهینامه صادر شود و بفرض صدور از درجه اعتبار ساقط است و وسیله شهربانی اخذ و ابطال خواهد شد. ماده ۳۵- شهربانی می‌تواند: ۱- در صورتی که گواهینامه رانندگی اشتباه یا ناقص صادر شده باشد آن را مسترد دارد و پس از رفع اشتباه یا نقص گواهینامه صحیح صادر و تسلیم کند. ۲- هرگاه گواهی نامه های متعددی جهت رانندگی یک نوع وسیله نقلیه به نام یک نفر صادر شود یکی از آنها را به انتخاب او به وی تسلیم و بقیه را اخذ و ابطال نماید. هرگاه صاحب گواهینامه مشمول تبصره ماده ۱۹۳ این آیین نامه باشد تمام محکومیت ها و تخلفات مورد نظر که در گواهی مآخوذ ثبت بوده باید در گواهینامه ای که به وی تسلیم می‌شود درج گردد. ماده ۳۶- هرگاه دارنده گواهینامه یکی از شرایط پزشکی مذکور در این آیین نامه را از دست بدهد شهربانی می‌تواند از او دعوت نماید که ظرف یک ماه برای انجام آزمایش های ضروری حاضر شود. در صورتی که فقدان شرط و صلاحیت رانندگی ضمن آزمایش جدید محرز گردد گواهینامه از وی اخذ و ابطال خواهد شد. اگر نقصی در شرایط مذکور وجود داشته باشد گواهینامه تا تکمیل شرایط توقیف و سپس به صاحب آن مسترد خواهد گردید.

فصل چهارم - معاینه وسایل نقلیه (ماده ۳۷ تا ۴۵)

ماده ۳۷- راندن کلیه وسایل نقلیه عمومی بدون در دست داشتن برگ معاینه معتبر ممنوع است این برگ که مدت اعتبارش در متن آن قید می‌گردد باید همیشه بر سطح داخلی شیشه جلو وسیله نقلیه به نحوی که برای مأمورین انتظامی قابل رویت باشد نصب گردد. ماده ۳۸- شهربانی می‌تواند از کلیه وسایل نقلیه هر سال یک یا چند نوبت معاینه به عمل آورده در این صورت مالکین و رانندگان مکلفند وسایل نقلیه خویش را جهت معاینه در تاریخ و محلی که شهربانی قبلاً اعلام می‌نماید حاضر سازند. ماده ۳۹- هیچکس مجاز به صدور برگ معاینه نیست مگر آنکه اجازه این کار کتبا از طرف شهربانی به او داده باشد. ماده ۴۰- شهربانی می‌تواند به بنگاههای باربری یا مسافربری یا تعمیرگاه ها یا امثال آنها که مجهز به وسایل فنی کامل و مورد لزوم و مکانیسم ورزیده باشند اجازه معاینه وسایل نقلیه و همچنین صدور برگ معاینه آنها را بدهد. این قبیل بنگاه ها باید دفتری برای ثبت مشخصات وسایل نقلیه مورد معاینه و برگهای معاینه داشته باشند. ماده ۴۱- شهربانی پس از معاینه وسیله نقلیه در صورت وجود تجهیزات مقرر در این آیین نامه و فقدان نقص فنی برگ معاینه صادر و به آورنده وسیله تسلیم می‌نماید. ماده ۴۲- رانندگان یا مالکین وسایل نقلیه‌ای که ضمن معاینه معیوب یا ناقص تشخیص داده شده فقط می‌توانند آن را در تاریخ و مسیری که در برگ اجازه‌نامه صادره از طرف مأمور معاینه کننده مشخص می‌شود تا تعمیرگاه یا گاراژ منتقل سازند. ماده ۴۳- در مواردی که حرکت وسیله نقلیه در راههای عمومی طبق نظر کارشناس فنی شهربانی یا ژاندارمری به واسطه معایب و نواقص مکانیکی خطرناک باشد پلاک آن اخذ و پس از رفع معایب و نواقص و معاینه مجدد مسترد می‌شود. ماده ۴۴- شهربانی موظف است در مواقع ضروری بنگاهها و تعمیرگاههای مذکور در ماده ۴۰ را بازرسی کند و چنانچه به هر جهتی از جهات صلاحیت معاینه کنندگان وسایط نقلیه را مورد تردید قرار دهد اجازه صادره را لغو نماید. ماده ۴۵- در شهرهایی که شهربانی محل فاقد افسر کاردان فنی باشد رانندگان وسایل نقلیه عمومی باید اقلاً هر سه ماه یکبار برای معاینه وسیله نقلیه خود و دریافت برگ معاینه به نزدیکترین شهربانی که دارای کادر فنی است یا محلی که از طرف شهربانی تعیین و اعلام شده است مراجعه نمایند.

فصل پنجم - تجهیزات

قسمت اول - تجهیزات وسایل نقلیه موتوری (ماده ۴۶ تا ۶۶)

ماده ۴۶ - اشخاص حق ندارند هیچ نوع وسیله نقلیه‌ای را که فاقد لوازم و تجهیزات مذکور در این فصل یا دارای لوازم و تجهیزات مخالف مقررات باشد در راههای عمومی برانند و یا برای رانندگی در اختیار دیگری بگذارند. ماده ۴۷ - کلیه اتومبیلها و یدک کشها و تراکتورهای بارکش لااقل باید دارای چراغهایی به شرح زیر باشند: ۱ - دو چراغ بزرگ با دو استپ و نور سفید در طرفین جلو. ۲ - دو چراغ کوچک با نور زرد یا سفید برای تشخیص عرض اتومبیل در منتهی الیه هر یک از دو سمت جلو. ۳ - دو چراغ کوچک با نور قرمز جهت تشخیص عرض اتومبیل در منتهی الیه هر یک از دو سمت عقب. ۴ - دو چراغ کوچک با نور قرمز یا نارنجی برای ترمز (ایست در عقب که به محض گرفتن ترمز روشن شده و از فاصله ۳۵ متری دیده شود. ۵ - یک چراغ کوچک با نور سفید در عقب برای تشخیص شماره پلاک نور این چراغ باید برای قرایت شماره پلاک از فاصله ۲۵ متری کافی باشد. ۶ - یک چراغ کوچک به رنگ زرد یا سفید جهت نشان دادن حرکت با دنده عقب این چراغ باید طوری نصب گردد که فقط موقع راندن به عقب روشن شود. ۷ - دو چراغ راهنمای الکتریکی یا مکانیکی با نور سفید یا زرد در طرفین جلو و دو تای دیگر از آن با رنگ قرمز در طرفین عقب برای اعلام قصد گردش به چپ یا به راست نور این چراغها در روز باید از فاصله ۳۵ متری قابل رویت باشد. ۸ - یدک و شبه یدک متصل باید اقلا یک چراغ خطر قرمز در عقب داشته باشند. اگر وسیله نقلیه ای دارای چند یدک زنجیری باشد نصب چراغ مذکور باید در عقب آخرین یدک به عمل آید. ماده ۴۸ - نور چراغهای کوچک جلو و خطر عقب باید در شرایط جوی معمولی از فاصله ۱۵۰ متری دیده شود نور چراغ های گردش و ایست نبایستی خیره کننده باشد. ماده ۴۹ - سیم کشی چراغ ها باید طوری به عمل آید که هر وقت راننده چراغهای جلو یا چراغ های کمکی را روشن می نماید چراغهای عقب نیز روشن شوند. ماده ۵۰ - ارتفاع چراغهای جلو نباید از ۱۳۵ سانتیمتر بیشتر و از ۷۰ سانتیمتر کمتر باشد. ارتفاع چراغهای عقب نیز نباید از یک متر بیشتر و از ۵۰ سانتیمتر کمتر باشد. ماده ۵۱ - چراغهای بزرگ جلو بایستی دارای تکمه تبدیل نور باشند که تابش نور را به بالا یا پایین به ترتیب زیر عوض کند: ۱ - نور بالا (استپ بالا) باید طوری میزان گردد که به وسیله آن وجود اشخاص یا اشیای از فاصله ۱۵۰ متری تشخیص داده شود. ۲ - نور پایین (استپ پایین باید به نحوی میزان گردد که به وسیله آن اشخاص یا اشیای از فاصله ۳۵ متری مشخص شوند. ماده ۵۲ - کلیه وسایل نقلیه امدادی بایستی در مرتفع ترین نقطه خود دارای یک چراغ خطر گردان یا رنگ یا بوقی که تولید صدای مشخص نماید باشند. نور قرمز چراغ خطر باید از فاصله ۱۵۰ متری قابل رویت باشد. ماده ۵۳ - وسایل نقلیه موتوری به داشتن تجهیزات زیر مجازند: ۱ - دو عدد نورافکن در طرفین با اجازه مخصوص شهربانی مشروط بر اینکه در شهرها و جاده‌های عمومی مورد استفاده قرار نگیرد. ۲ - دو عدد چراغ ویژه مه با نور زرد در طرفین قسمت جلو ارتفاع این چراغها نباید از یک متر بیشتر و از چهل سانتیمتر کمتر باشد. نور این چراغها باید طوری میزان گردد که در طول ده متر از سطح افقی محل نصب چراغ بالاتر نیاید. هنگام استعمال چراغ های مه بایستی از نور پایین چراغهای بزرگ نیز استفاده شود. ۳ - دو چراغ رانندگی اضافی با نور سفید در جلو (چراغ کمکی که ارتفاع آن نباید از یک متر و نیم بیشتر و از چهل سانتیمتر کمتر باشد. این چراغ ممکن است توام با چراغ های بزرگ جلو مورد استفاده قرار گیرد. ۴ - دو چراغ کوچک با نور زرد یا سفید روی گلگیر طرفین که خیره کننده نباشد. ۵ - چراغهای کوچک اضافی در جلو با نور سفید یا زرد و در عقب با نور قرمز که هنگام استفاده باید مرتبا روشن و خاموش شده و از فاصله ۱۵۰ متری دیده شوند. ماده ۵۴ - تمام اتومبیلها و یدک کشها و تراکتورهای بارکش و انواع یدکها که در جاده‌های عمومی عبور می نمایند بایستی دو شیشه نورتاب (رفلکتور) برنگ قرمز یا شبرنگ در طرفین قسمت عقب خود باشند. هرگاه نور تابهایی در قسمت جلو نصب شوند باید به رنگ زرد باشند. ارتفاع نور تابها بیشتر از یک متر و نیم و کمتر از شصت سانتیمتر نخواهد بود مگر آنکه بلندی خود وسیله نقلیه از کف زمین کمتر از شصت سانتیمتر باشد. نور تابهای عقب یدکهای مستقل ممکن است در

دو طرف آن یا در دو طرف بار نصب شود در تمام موارد مذکور باید نور تابها کاملا- قابل رویت بوده و شیشه های آنها دارای اندازه و خصوصیتی باشد که موقع شب در مقابل نور چراغهای وسایل نقلیه دیگر از فاصله ۱۵۰ متری کاملا مشهود گردد. ماده ۵۵ - هر وسیله نقلیه موتوری باید مجهز به دو نوع ترمز پایی و دستی مجزا از هم با قدرت های مذکور در ماده ۵۷ باشد که هر یک به تنهایی بتواند آن را از حرکت باز دارد. ماده ۵۶ - یدک‌ها شبه یدک‌هایی که ظرفیت آنها از ۱۴۰۰ کیلوگرم زیادتر است بایستی دارای ترمزی باشند که راننده بتواند به وسیله آن یدک را متوقف سازد. طرز ساختمان این ترمز باید طوری باشد که در صورت قطع ناگهانی وسیله اتصال یدک ترمز خود به خود گرفته شود و یدک را متوقف نماید. ماده ۵۷ - قدرت ترمز پایی باید به قدری باشد که در راهها مختلف طبق جدولهای بین المللی که ملاک عمل کارشناسان تصادفات راهنمایی و رانندگی است بتواند با شتاب معین از ادامه حرکت وسیله نقلیه جلوگیری نماید. حداقل شتاب ترمز پایی نباید از سه و نیم کمتر باشد قدرت ترمز دستی باید به قدری باشد که بتواند به تنهایی در سرعت قدم انسانی (پنج کیلومتر در ساعت بدون بار و مسافر در سطح آسفالت و مستقیم حداکثر پس از طی یک متر مسافت وسیله نقلیه را کاملا- از حرکت بازدارد. ماده ۵۸ - رانندگی با وسایل نقلیه‌ای که قدرت ترمز آنها طبق مشخصات مذکور نباشد ممنوع است ماده ۵۹ - کلیه وسایل نقلیه موتوری باید مجهز به بوق یا وسیله اخبار صوتی دیگری باشند که تولید صدای غیرعادی و ناهنجار ننماید و صدای آن از فاصله هفتاد متری شنیده شود. به علاوه نصب کیلومتر شمار (سرعت سنج و درجه بنزین و چراغ نشان دهنده نوربالا- که کاملاً سالم و قابل استفاده باشد الزامی است الحاق دو تبصره به ماده ۵۹ آیین نامه راهنمایی و رانندگی تبصره یک کلیه وسایل نقلیه شامل انواع خودروهای سواری وسایط نقلیه بارکش (وانت ، کامیونت ، کامیون - تریلی و اتوبوس و مینی بوس اعم از پلاک (شخصی ، عمومی ، دولتی) باید به کمر بند ایمنی استاندارد مجهز باشند (به استثنای اتوبوس و مینی بوس های شرکت واحد) تبصره ۲ - راننده و سرنشین ردیف جلو کلیه وسایط نقلیه مندرج در تبصره یک (راننده و سرنشینیهای اتوبوسها و مینی بوس ها (به استثنای اتوبوسهای شرکت واحد) موظفند هنگام حرکت در راهها (معابر درون شهری و برون شهری از کمر بند ایمنی استفاده نمایند. تبصره ۳ - استفاده راننده در حین رانندگی از هر گونه وسایل و تجهیزات و یا اشتغال اعضای موثر وی که باعث انحراف ذهنی و توجه در حین رانندگی گردد ممنوع است ماده ۶۰ - هر وسیله نقلیه موتوری بایستی مجهز به لوله آگزوز باشد که مانع خروج صداهای ناهنجار گردد، برداشتن تمام یا قسمتی از این دستگاه ممنوع است به هر نوع وسیله نقلیه موتوری که توسط شهرداری اعلام خواهد شد باید تاخوگراف (ثبت کننده سرعت) نصب شود. این دستگاه باید کاملاً قابل استفاده باشد و کاغذ ثبت کننده آن روزانه تجدید گردد. ماده ۶۱ - کلیه وسایل نقلیه موتوری باید دارای آئینه هایی در داخل باشد به نحوی که راننده بتواند به وسیله آنها لااقل تا فاصله هفتاد متری پشت سر خویش را ببیند. نصب آئینه در دو طرف خارج وسیله نقلیه مجاز است ماده ۶۲ - هر وسیله نقلیه موتوری که دارای شیشه جلو است باید مجهز به دو برف پاک کن باشد. برف پاک کن‌ها باید همیشه سالم و حاضر به کار باشد. تا در مواقع لزوم برای پاک کردن شیشه جلو از آن استفاده گردد. ماده ۶۳ - دستگاه تهویه وسایل نقلیه باید طوری نصب گردد که به هیچوجه تولید خطر برای سرنشینان آن نکند و محتوی گازهای مسموم و آتش زا نباشد. ماده ۶۴ - روی چرخ های وسایل نقلیه یا کنار آنها نباید اجسام اضافی و زاید مانند میخ و پیچ های بلند یا هر شیبی که از موازات لاستیکها تجاوز کند وجود داشته باشد مگر آنکه در تراکتور های زراعتی و انواع کمباین لازم باشد. ماده ۶۵ - اتوبوسها و کامیون ها شبها هنگام حرکت در جاده‌ها باید لوازم زیر را همیشه همراه داشته باشد تا در مواقع ضرورت بر حسب مورد از آنها استفاده نمایند: ۱ - سه چرخ با سه مشعل الکتریکی یا سه فانوس و یا سه شیشه نور تاب یا تابلوی شبرنگ با نور قرمز که در شرایط جوی معمولی از فاصله ۱۵۰ متری قابل رویت باشند. ۲ - در صورت فقدان لوازم مذکور لااقل سه چراغ الکتریکی با نور قرمز. ۳ - دو پرچم قرمز به ابعاد لااقل یک متر با چوب پرچم ماده ۶۶ - وسایل نقلیه ای که مواد خطرناک حمل می کنند باید فقط سه چراغ قرمز الکتریکی همراه داشته باشند. حمل فانوس برای آنها ممنوع است باضافه وسایل نقلیه مزبور باید دارای دستگاه پمپ

آتش نشانی آماده به کار باشند. این پمپ ها بایستی در محل‌هایی نصب شوند که هنگام ضرورت بتوان فوراً آنها را مورد استفاده قرار داد.

قسمت دوم - تجهیزات اختصاصی موتورسیکلت و دوچرخه (ماده ۶۷ تا ۶۸)

ماده ۶۷ - موتورسیکلت و دوچرخه های موتوردار باید دارای حداقل یک و حداکثر دو چراغ با نور سفید در جلو و یک چراغ خطر با شیشه نور تاب قرمز رنگ در عقب و یک آینه روی فرمان باشند. نصب راهنمای الکتریکی برای موتورهای سه چرخ نیز ضروری است راکبین موتورسیکلت باید به کلاه کاسک مخصوص مجهز باشند. ماده ۶۸ - هر دوچرخه باید دارای تجهیزات زیر باشد: ۱ - یک چراغ با نور سفید در جلو که تا مسافت ۱۵۰ متری جلوی آن را به قدر کافی روشن سازد. ۲ - یک چراغ با نور قرمز در عقب که از فاصله ۱۵۰ متری دیده شود. ۳ - یک چراغ قرمز شب نما در عقب که نور وسایل نقلیه پشت سر را از فاصله بیست متری منعکس نماید. ۴ - یک زنگ یا بوق که صدای آن از فاصله سی متری شنیده شود. نصب و استعمال زنگهای صوتی یا آژیر یا بوق خطر برای دوچرخه ها ممنوع است ۵ - ترمز که به محض گرفتن آن دوچرخه متوقف گردد.

فصل ششم - مقررات حمل بار (ماده ۶۹ تا ۷۸)

ماده ۶۹ - طول و عرض وسایل نقلیه باربری همان است که بر طبق مشخصات (کاتالوک) سازنده معین گردیده ولی ظرفیت آن مطابق نظر افسر کاردان فنی شهربانی تعیین می شود. ارتفاع هیچ وسیله نقلیه ای به انضمام بار آن از سطح راه نباید از چهار متر تجاوز کند. ماده ۷۰ - وسایل نقلیه مسافربری حق ندارند بارهایی را که از داخل اطاق آنها یا گلگیرها به اطراف تجاوز کرده باشد حمل کنند. ماده ۷۱ - بارهای وسایل نقلیه بارکش بایستی از قسمت جلوی اطاق بیش از یک متر و از قسمت عقب اطاق بیش از دو متر باشد. به هر حال باید علائم لازم و چراغ قرمز خطر در ابتدا و انتهای بار نصب شود. ماده ۷۲ - محدودیت طول بار وسایل نقلیه که در ماده فوق تصریح شده درباره بارهایی که بنا بر وضع و طبیعت یا ساختمان مخصوص قابل تفکیک و تجزیه نیستند رعایت نمی شود مشروط بر اینکه اینگونه بارها روی یدکهای طولانی گذارده شوند. در هر حال اگر طول بار از بیست متر تجاوز کند برای حمل آن باید پروانه مخصوص از مقامات صلاحیتدار اخذ گردد. ماده ۷۳ - مقامات صلاحیتدار می توانند جهت حمل محمولاتی که قابل تجزیه نبوده و بیش از ظرفیت یا بزرگتر از حجم معین است پروانه مخصوصی که حاوی مشخصات و ظرفیت وسیله نقلیه حمل کننده و وزن و حجم بار و مسیر و تعداد دفعات رفت و آمد یا مدت حمل مستمر است صادر کنند. این پروانه باید تا پایان مدت اعتبار آن نزد راننده موجود باشد و هنگام مراجعه مأموران انتظامی ارائه گردد. ماده ۷۴ - وسایل نقلیه ای که در حدود مواد ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ حمل بار می کنند باید: ۱ - شبها دو چراغ یا دو فانوس قرمز رنگ در آخرین نقطه طرفین عقب بار نصب نمایند به طوری که از فاصله یکصد و پنجاه متری طرفین و عقب وسیله مزبور دیده شود. ۲ - روزها دو پرچم یا دو پارچه قرمز رنگی که سطح آن لااقل نیم متر مربع باشد در انتهای بار آویزان کنند به نحوی که رانندگان پشت سر بتوانند آن را از فاصله مذکور در بند یک این ماده بینند. ماده ۷۵ - حمل مواد خطرناک فقط با وسایل نقلیه مخصوص مجاز است و با وسایل مسافری یا باربری معمولی جز با اجازه شهربانی ممنوع است ماده ۷۶ - نگاهها باید بارهای وسایل نقلیه را طوری بارگیری نمایند و محکم ببندند که هیچگونه خطر افتادن یا چکه کردن یا باز شدن و یا پخش شدن در هوا وجود نداشته باشد. ماده ۷۷ - یدک یا هر نوع وسیله نقلیه ای که توسط وسیله نقلیه دیگری کشیده می شود باید با سیمهای آهنی یا میله های محکم به وسیله کشنده متصل شود به طوری که هیچگونه خطر گسیختن نداشته و تحمل کشش وسیله نقلیه را بنماید. طول وسیله اتصال نباید از پنج متر زیادتر باشد. هرگاه وزن یدک با بار آن از

دو هزار کیلوگرم زیادتر باشد باید با دو رشته اتصال محکم بسته شود. ماده ۷۸- رانندگان موظفند به دستور مأموران صلاحیتدار وسیله نقلیه را جهت توزین به روی قپان ببرند. هرگاه ضمن توزین معلوم شود که بیش از ظرفیت مقرر بارگیری شده بار اضافی تخلیه می‌شود. در این صورت مسئولیت انبار کردن و حفظ آن به عهده مالک و راننده است

فصل هفتم - تصادفات (ماده ۷۹ تا ۸۵)

ماده ۷۹- راننده هر وسیله نقلیه‌ای که مرتکب تصادف منجر به جرح یا فوت گردد موظف است بلافاصله وسیله نقلیه را در محل تصادف متوقف سازد و مادام که تشریفات مربوط به رسیدگی وسیله کارشناسان شهربانی یا ژاندارمری خاتمه نیافته مطلقاً از تغییر وضع اتومبیل یا صحنه تصادف خودداری نماید. لیکن هرگاه تصادف فقط منجر به خسارت مالی شود به نحوی که امکان حرکت از وسیله نقلیه سلب نشده باشد راننده موظف است وسیله نقلیه را در نزدیکترین محلی که موجب سد معبر نگردد برای رسیدگی و معاینه متوقف سازد. مگر اینکه در مورد خسارت از طرف بیمه مقرراتی وضع و اعلام شده باشد که در این صورت توقف در محل به شرط انجام مقررات بیمه از طرف رانندگان اجباری نخواهد بود. تبصره ۵- در نقاطی که کارشناس شهربانی یا ژاندارمری وجود ندارد یا حضور به موقع آنان مقدور نباشد در این صورت مسئولان امر از نظریات مستدل سه نفر از رانندگان پایه یکم استفاده خواهند کرد. ماده ۸۰- رانندگان وسایل نقلیه‌ای که به هر ترتیب تصادف نموده‌اند در صورت وقوع جرح موظفند کمکهای لازم را به مجروحین نموده و در اعزام آنان به بیمارستان مساعدت نمایند. ماده ۸۱- رانندگان مذکور مکلفند در موارد تصادف منجر به جرح یا فوت نام و نشان صحیح و مشخصات گواهینامه رانندگی و وسیله نقلیه خود را بلافاصله به مأمورین انتظامی اعلام دارند. ماده ۸۲- رانندگانیکه با وسیله نقلیه متوقف فاقد سرنشین تصادف می‌نمایند باید در محل وقوع تصادف صاحب یا راننده وسیله متوقف و مأمورین انتظامی را از هویت و نشانی کامل خود آگاه سازند و در صورت عدم دسترسی به ایشان نام و نام خانوادگی و نشانی دقیق خویش و شماره و سایر مشخصات وسیله نقلیه خود را روی کاغذی بنویسند و در محل قابل رویتی در وسیله نقلیه متوقف الصاق نمایند. ماده ۸۳- رانندگانیکه با اشیا یا حیوانات تصادف نموده و باعث خسارت یا اتلاف آنها می‌شوند مکلفند که در محل مالک یا حافظ اشیا یا حیوانات مورد تصادف را طبق دستور ماده فوق مطلع سازند. ماده ۸۴- هرگاه راننده وسیله نقلیه‌ای در اثر تصادف توانایی اجرای مقررات مندرج در مواد ۸۲ و ۸۳ را نداشته باشد در این صورت مالک آن وسیله نقلیه موظف است در اولین فرصت پس از آگاهی از واقعه مراتب را به مأمورین مربوط اعلام دارد. ماده ۸۵- اتوسرویس ها (تعمیرگاه ها) و توقفگاه ها (پارکینگها) موظفند ظرف ۲۴ ساعت پس از رویت وسیله نقلیه ای که آثار تصادف یا جای گلوله در آن وجود دارد مراتب را با ذکر مشخصات اتومبیل و در صورت امکان با ذکر نام و نشان راننده به شهربانی یا ژاندارمری محل اعلام دارند.

فصل هشتم - علایم راهنمایی و رانندگی

قسمت اول - علایمی که مقامات و مأموران انتظامی به کار می‌برند (ماده ۸۶ تا ۹۴)

ماده ۸۶- علایم راهنمایی و رانندگی که برای کنترل و تنظیم عبور و مرور در راهها به کار می‌رود وسیله شهربانی و تهیه و نصب آنها با شهرداری است در خارج شهرها انتخاب محل نصب با ژاندارمری و تهیه و نصب آنها با وزارت راه خواهد بود. ماده ۸۷- رانندگان کلیه وسایل نقلیه و اشخاص اعم از پیاده یا سوار بر حیوانات موظفند از علایم راهنمایی و رانندگی تبعیت نمایند مگر اینکه مأموران انتظامی به جهاتی عدم رعایت آنها را در محل مجاز اعلام کنند. ماده ۸۸- کنترل و تنظیم عبور و مرور ممکن است

به وسیله چراغها یا خطوط یا تابلو ها یا نوشته‌ها یا مأموران انتظامی و یا به هر وسیله دیگری که بر حسب مورد مقتضی باشد به عمل آید. در هر حال فرمان پلیس بر تمام علائم دیگر مقدم است ماده ۸۹- در محلهایی که عبور و مرور به وسیله چراغ راهنمایی کنترل می‌شود رنگهای زیر برای مقاصدی که معین شده است به کار می‌رود: ۱- چراغ سبز برای حرکت - وسایل نقلیه‌ایکه با چراغ سبز روبرو می‌شوند حق عبور یا گردش را دارند مگر آنکه گردش به وسیله علامت دیگری ممنوع شده باشد. در هر حال وسایل نقلیه در حال گردش باید حق تقدم وسایل نقلیه‌ای را که مستقیم می‌روند و حق تقدم پیادگانی را که از گذرگاه پیاده در حرکتند رعایت نمایند. ۲- چراغ زرد برای احتیاط - وسایل نقلیه‌ایکه با این چراغ روبرو می‌گردند نباید به تقاطع یا گذرگاه پیاده نزدیک شوند و در صورت ورود قبلی موظفند به حرکت خود ادامه دهند و از تقاطع یا گذرگاه عبور کنند. ۳- چراغ قرمز برای ایست کامل - وسایل نقلیه‌ایکه با چراغ قرمز برخورد می‌کنند باید قبل از خط مخصوص ایست توقف کامل نمایند و در صورت فقدان خط ایست در فاصله پنج متری چراغ راهنمایی بایستند و تا روشن شدن چراغ سبز منتظر بمانند. ۴- چراغ چشمک‌زن زرد برای عبور با احتیاط - وسایل نقلیه مکلفند با مشاهده این چراغ از تقاطع و گذرگاه پیاده با احتیاط کامل و سرعت کم عبور نمایند. ۵- چراغ چشمک‌زن قرمز برای ایست و عبور - وسایل نقلیه در صورت برخورد با این چراغ باید قبل از ورود به تقاطع یا گذرگاه پیاده توقف کامل کنند و پس از اطمینان از عدم وجود خطر تصادف حرکت نمایند. ماده ۹۰- انواع خطوطی که روی راهها باید کشیده شود مطابق نمونه های منضم به این آیین نامه است ماده ۹۱- تابلوها باید مطابق نمونه بین المللی که ضمیمه این آیین نامه است تهیه و نصب شود. ماده ۹۲- در محلهایی که چراغ قرمز یا هر نوع علائم دیگر وجود دارد ممکن است به وسیله پیکان سبزی که در کنار چراغ قرمز تعبیه می‌شود یا با نصب تابلو به وسایل نقلیه اجازه عبور داشته‌اند الزامی است ماده ۹۳- نصب آگهی یا علامت یا تابلو یا پیادگان و وسایل نقلیه که با چراغ سبز جهت دیگر اجازه عبور داشته‌اند الزامی است ماده ۹۴- نصب آگهی یا علامت یا تابلو یا وسایلی که دارای شباهت با علائم و یا تابلو های راهنمایی و رانندگی باشد یا از آنها تقلید شود و یا منظور از آن هدایت و کنترل وسایل نقلیه باشد و یا به طریقی باعث جلوگیری از رویت علائم و تابلو و وسایل راهنمایی و رانندگی گردد و همچنین نصب چراغهای رنگی تبلیغاتی در مجاورت چراغهای راهنمایی به طوریکه موجب اشتباه رانندگان گردد ممنوع است مقامات انتظامی می‌توانند در صورت مشاهده چنین اشیا یی جهت برداشتن آنها اقدام کنند. با این وصف ممکن است از طرف موسسات یا اشخاص با اجازه مقامات صلاحیتدار علائمی جهت هدایت مراجعین به اماکن اطراف راه نصب گردد. ماده ۹۴- هیچکس حق ندارد بدون اجازه مقامات شهربانی تغییراتی در علائم راهنمایی و رانندگی و دیگر وسایل تنظیم عبور و مرور وسایل نقلیه و راه آهن بدهد و یا در متن آن تصرفاتی نماید.

قسمت دوم - علائمی که رانندگان باید به کار برند (ماده ۹۵ تا ۹۶)

ماده ۹۵- رانندگانیکه قصد گردش به راست یا به چپ یا توقف را دارند مکلفند از فاصله یکصد متری محل گردش یا توقف وسیله چراغ راهنما به ترتیب زیر علامت دهند: ۱- برای گردش به راست چراغ راهنمای سمت راست وسیله نقلیه را روشن کنند. ۲- برای گردش به چپ چراغ راهنمای سمت چپ را روشن نمایند. ۳- برای توقف چراغ راهنمای سمت راست را روشن نمایند. ماده ۹۶- رانندگان وسایل نقلیه موتور فاقد چراغ راهنما و همچنین وسایل نقلیه غیرموتوری و موتور سیکلنها و دوچرخه‌ها باید با دست به شرح زیر علامت بدهند: ۱- برای گردش به راست دست چپ را به طرف بالا نگاهدارند. ۲- برای گردش به چپ دست چپ را به طور افقی نگاهدارند. ۳- برای توقف دست چپ را به طرف پایین نگاهدارند. ۴- برای کاستن سرعت دست چپ را به طور افقی از بالا به پایین متناوباً حرکت دهند. ماده ۹۷- علائم اخبار و همچنین علائم سبقت گرفتن به شرح ذیل است ۱- در روز بوق کوتاه ۲- در شب چند بار خاموش و روشن کردن چراغ بزرگ جلوی وسیله نقلیه یا تعویض استپ هنگام سبقت گرفتن اعم از اینکه روز

باشد یا شب برای جلب توجه وسایل نقلیه پشت سراسفاده از چراغ راهنما ضروری است

قسمت سوم - علائم اختصاصی و استثنایی بعضی از وسایل نقلیه (ماده ۹۸ تا ۱۰۴)

ماده ۹۸ - اتومبیل‌های امدادی و مدارس باید دارای دستگاه اخبار قابل رویت مندرج در ماده ۵۲ این آیین نامه باشند و روی بدنه اتومبیل هم مطابق دستور شهربانی عبارات و علائم ممیزه به طور خوانا نقش گردد. ماده ۹۹ - رانندگان وسایل نقلیه‌ایکه مواد خطرناک حمل می‌کنند باید در طرفین و عقب وسیله نقلیه تابلویی که روی آن کلمه (خطر) با حروف درشت به رنگ قرمز نوشته شده باشد نصب کنند. ماده ۱۰۰ - هرگاه وسیله نقلیه‌ای شب در کنار راه توقف نماید و نور کافی در آن محل برای تشخیص اشیا یا اشخاص از فاصله ۱۵۰ متری وجود نداشته باشد راننده (اعم از اینکه داخل وسیله نقلیه باشد یا خارج آن مکلف است چراغهای کوچک جلو و خطر عقب وسیله نقلیه را روشن نگهدارد چنانچه چراغ کوچک جلو خراب شده باشد لاقط چراغ های بزرگ را با نور پایین روشن سازد. ماده ۱۰۱ - هرگاه در راهها خرابی غیرقابل پیش بینی برای هر نوع وسیله نقلیه موتوری ایجاد شود راننده مکلف است آن را از مسیر عبور و مرور خارج و در محل مناسبی که موجب سد راه و مزاحمت سایر وسایل نقلیه و عابرین پیاده نباشد متوقف سازد در این مورد و در سایر مواردیکه وسیله مزبور قادر به حرکت نباشد و انتقال آنها به محل مناسبی مقدور نگردد در صورت فقدان نور کافی در راه باید به منظور اخبار به سایر رانندگان علائم ایمنی به ترتیب زیر در محل قراردهد: ۱ - در وسط راه یک فانوس یا یک چراغ یا یک مشعل نورانی قرمز در فاصله هفتاد متری جلو و یکی در فاصله هفتاد متری عقب و یکی دیگر در پهلو و وسیله از کار افتاده بگذارد. ۲ - هرگاه وسیله نقلیه سرپیچ یا تپه‌ای از کار بیفتد فانوسها یا چراغها یا مشعلها را باید در فواصل مناسبی قرار دهد تا وسایل نقلیه دیگر از فاصله دوست متری متوجه خطر بشوند. ماده ۱۰۲ - هرگاه وسیله نقلیه موتوری در راههای خارج شهر از کار بیفتد و به علت کفایت روشنایی احتیاجی به استفاده از چراغ یا مشعل نباشد راننده باید در وسط جاده یک مثلث شبرنگ قرمز متساوی الاضلاع از نوع علامت احتیاط به ابعاد ۳۰ سانتیمتر در فاصله هفتادمتری جلو و مثلث مشابه دیگری در فاصله هفتاد متری عقب آن به نحویکه کاملاً قابل رویت باشد، قرار دهد. ماده ۱۰۳ - اگر وسیله نقلیه‌ای که مواد خطرناک حمل می‌کند در ساعات و شرایط مندرج در ماده ۱۰۰ در راههای خارج شهر از کار بیفتد راننده موظف است که در وسط جاده یک چراغ الکتریکی قرمز با باطری در فاصله هفتاد متری جلو و یکی در فاصله هفتاد متری عقب و یکی دیگر در پهلو و وسیله از کار افتاده بگذارد. استفاده از فانوس یا چراغ یا مشعل برای این قبیل وسایل نقلیه ممنوع است ماده ۱۰۴ - روی یدک و هر نوع وسیله نقلیه‌ایکه توسط وسیله نقلیه دیگر کشیده شود باید یک پرچم سفید به طول و عرض لاقط نیم متری طوری نصب شود تا سایر رانندگان از فاصله دور و از طرفین جاده آن را مشاهده نمایند.

فصل نهم - مقررات رانندگی

قسمت اول - مسیر و جهت عبور (ماده ۱۰۵ تا ۱۱۲)

ماده ۱۰۵ - رانندگان کلیه وسایل نقلیه موظفند که از منتهی الیه سمت راست راه حرکت نمایند مگر در موارد زیر: الف - در موقع سبقت گرفتن از وسیله نقلیه جلو. ب - موقعی که سمت راست جاده به هر علتی مسدود و غیرقابل عبور باشد. پ - هنگام گردش به چپ ماده ۱۰۶ - در راههایی که خط کشی شده وسایل نقلیه باید در مسیر بین خطوط حرکت کنند و از آن خارج نشوند مگر اینکه احتیاط کامل را رعایت نمایند و قبلاً با دادن علامت ، وسایل نقلیه دیگر را از قصد خود آگاه سازند. ماده ۱۰۷ - رانندگی در قسمت وسطی راههایی که به وسیله خط کشی یا علائم دیگر به سه قسمت تقسیم شده ممنوع است مگر برای سبقت گرفتن یا گردش به

چپ ماده ۱۰۸- در راههایی که به وسیله موانع مخصوص یا سکو به دو قسمت تقسیم شده رانندگان موظفند از قسمت راست حرکت کنند و حق ندارند از روی موانع بگذرند. ماده ۱۰۹- در راهها یکطرفه راننده وسایل نقلیه باید در جهت مجاز عبور کند و حرکت خلاف جهت مزبور ممنوع است ماده ۱۱۰- در میدانهای سکودار رانندگان وسایل نقلیه موظفند از طرف راست سکو گردش نمایند. ماده ۱۱۱- در معابریکه عبور وسایل نقلیه کندرو مجاز اعلام گردیده رانندگان این قبیل وسایل در هر حال مکلفند که از منتهی‌الیه سمت راست یا محلهایی که برای عبور آنها تعیین شده حرکت نمایند. ماده ۱۱۲- در مواقعی که وسیله نقلیه‌ای از روبروی وسیله نقلیه دیگری در جهت مخالف حرکت می‌کند راننده هر یک از آنها بایستی حتی‌المقدور در طرف راست خود حرکت نماید و مخصوصا در راههایی که از هر طرف فقط یک وسیله نقلیه می‌تواند عبور کند رانندگان باید سعی نمایند که در هنگام عبور فاصله کافی بین دو وسیله وجود داشته باشد.

قسمت دوم - سرعت (ماده ۱۱۳ تا ۱۱۷)

ماده ۱۱۳- در راهها و مناطقی که میزان سرعت رانندگی به وسیله تابلو یا علائم دیگر راهنمایی معین نگردیده حداکثر سرعت مجاز برای رانندگان وسایل نقلیه به قرار ذیل می‌باشد: اول- در شهرها ۱- در خیابانها پنجاه کیلومتر در ساعت ۲- در کوچه‌ها و میدان‌ها و پیچ‌ها بیست کیلومتر در ساعت دوم- در راههای خارج شهر و مناطق غیرمسکونی روزها ۹۵ کیلومتر و شبها ۸۰ کیلومتر در ساعت. ماده ۱۱۴- اداره راهنمایی و رانندگی می‌تواند رد مواقع یا محلهای ضروری از طریق نصب تابلو یا علائم دیگر حداقل سرعت را نیز معین و اعلام نماید. در این صورت رانندگی با سرعت کمتر از حداقل مجاز نخواهد بود. ماده ۱۱۵- رانندگان حق ندارند در راهها آن قدر با سرعت کم حرکت نمایند که باعث کندی عبور و مرور یا اختلال در آن بشوند مگر آنکه برای احتراز از خطر و تصادف ضروری باشد. ماده ۱۱۶- رانندگان وسایل نقلیه موظفند در تقاطع‌هایی که فاقد چراغ راهنما یا مأمور انتظامی یا تابلوی ایست می‌باشد در سرپیچها، جاده‌های تنگ و تپه‌ها و به طور کلی در محلهایی که موانعی در مسیر حرکت آنان وجود داشته باشد و همچنین در مواقع بارندگی (برف- باران یامه یا کولاک و امثال آنها از سرعت وسیله نقلیه تا حدی که بر حسب مورد برای احتراز از خطر یا تصادف ضرورت دارد بکاهند. ماده ۱۱۷- رانندگی با انواع دوچرخه‌های موتوردار در شب با سرعتی بیش از ۴۰ کیلومتر در ساعت مجاز نیست مگر اینکه نور چراغ جلوی آنها برای تشخیص اشیا و انسان از فاصله یکصدمتری کافی باشد که در این صورت هم نمی‌توانند از حداکثر سرعت مقرر تجاوز نمایند.

قسمت سوم - سبقت (ماده ۱۱۸ تا ۱۲۰)

ماده ۱۱۸- رانندگانیکه قصد سبقت گرفتن از وسایل نقلیه‌ای را که در جهت آنان حرکت می‌نمایند دارند پس از دادن علائم لازم فقط از سمت چپ آنها سبقت گیرند و پس از سبقت وطی مسافت کافی مجدداً به طرف راست خود متوجه شوند به نحوی که راه وسیله نقلیه‌ای که از آن سبقت گرفته شده مسدود نگردد یا موجب تصادف نشود معذالک سبقت گرفتن از طرف راست وسیله نقلیه‌ایکه در حال گردش به چپ می‌باشد مجاز است ماده ۱۱۹- رانندگان وسایل نقلیه‌ایکه از آنها سبقت گرفته می‌شود بایستی راه را برای وسیله نقلیه‌ایکه در حال سبقت گرفتن است باز کنند و بر سرعت خود نیفزایند. ماده ۱۲۰- سبقت گرفتن در موارد زیر ممنوع است ۱- در سرپیچهای تند و سربالایی که میدان دید راننده کم است ۲- از پنجاه متر مانده به پیچها تا پنجاه متر بعد از آن یا در تقاطع راهها یا در تقاطع راه آهن ۳- در مواقعیکه روشنایی و میدان دید به هر علت کافی نباشد. ۴- سبقت از وسیله نقلیه‌ایکه خود در حال سبقت گرفتن است مگر در راهی که به مناسبت وجود سه ردیف خط‌کشی بریده یا بیشتر از سه ردیف این عمل مجاز باشد. ۵- برای اتوبوسها و کامیونها در معابر شهری ۶- از یکصد متر مانده به مدخل تونلها و پلها تا انتهای آنها. ۷- در نقاطی که با

نصب علائم مخصوص سبقت گرفتن ممنوع اعلام شده باشد.

قسمت چهارم - حق تقدم (ماده ۱۲۱ تا ۱۲۷)

ماده ۱۲۱ - رعایت مقررات مربوط به حق تقدم عبور برای همه اجباری است مگر در مواردیکه به موجب مقررات خاص یا علائم مخصوص راهنمایی خلاف این حکم اجازه داده شده باشد. ماده ۱۲۲ - حق تقدم عبور وسایل نقلیه در تقاطع و میدان هایی که هیچگونه علامت و چراغ راهنما وجود نداشته باشد به ترتیب زیر است ۱ - در تقاطع هم عرض اگر دو وسیله نقلیه ای که روبروی یکدیگر در حرکتند بخواهند با هم در داخل خیابان مجاور واحدی شوند حق تقدم عبور با وسیله ای است که به سمت راست گردش می کند. ۲ - هرگاه دو یا چند وسیله نقلیه از دو یا چند راه مختلف به مدخل تقاطع هم عرض یا میدانی برسند، حق تقدم عبور با وسیله ای است که در طرف راست وسیله دیگر قرار دارد. ۳ - در سه راهها حق تقدم عبور با وسیله نقلیه ای است که مستقیم حرکت می کند ولو آنکه عرض خیابانی که مسیر آنست از عرض خیابان تلاقی کننده کمتر باشد. ماده ۱۲۳ - در برخورد راه اصلی با راه فرعی حق تقدم با وسیله ای است که از راه اصلی عبور می کند. رانندگانی که از راه فرعی وارد راه اصلی می شوند باید قبل از ورود به راه اصلی توقف کامل نمایند و پس از اطمینان از عدم برخورد با وسایل نقلیه ای که احتمالاً در راه اصلی حرکت می کنند وارد این راه بشوند. ماده ۱۲۴ - مقررات ماده فوق برای وسیله نقلیه ای که از راه خصوصی یا گاراژ یا کوچه یا تعمیرگاه و امثال آنها به معابر عمومی وارد می شود نیز لازم الرعایه است ماده ۱۲۵ - وسیله نقلیه ای که در حرکت است بر وسایل نقلیه متوقفی که در حال حرکت کردن یا جلو و عقب زدن یا دور زدن هستند حق تقدم عبور دارد. ماده ۱۲۶ - در گذرگاه پیاده حق تقدم عبور با عابرین پیاده است ماده ۱۲۷ - در خیابان یا در تقاطعی که وسایل نقلیه روبروی یکدیگر حرکت می کنند، هرگاه وسیله ای بخواهد گردش به چپ کند حق تقدم با وسیله ای نقلیه ای است که مستقیم عبور می نماید. در محل پارک کنار خیابان حق تقدم برای پارک کردن با وسیله ای است که ضمن حرکت به عقب مشغول پارک کردن است

قسمت پنجم - استفاده از چراغها (ماده ۱۲۸ تا ۱۳۳)

ماده ۱۲۸ - راننده وسیله نقلیه ای که در حرکت است شب یا هر موقع دیگری که به علت کمی روشنایی نتواند اشیا و اشخاص را از فاصله ۱۵۰ متری به خوبی تشخیص دهد باید چراغهای آن را به ترتیب مقرر در مواد بعدی روشن نماید. ماده ۱۲۹ - در خیابانها و جادههایی که نور کافی وجود دارد باید فقط از چراغهای کوچک و در صورت خرابی ناگهانی چراغهای کوچک جلو از نور پایین چراغهای بزرگ استفاده شود. ماده ۱۳۰ - در ساعاتی که چراغها باید روشن باشند، اگر چند وسیله نقلیه متصل به هم حرکت کنند، روشن کردن چراغهایی که به لحاظ محل نصبشان پوشیده می شوند ضرورت ندارد ولی در هر حال چراغهای جلوی وسیله اولی و چراغهای عقب وسیله آخری باید روشن باشند. ماده ۱۳۱ - وسایل نقلیه موتوری موظفند که در جادهها از نور بالا استفاده کنند تا بتوانند کلیه اشیا و اشخاص را در فاصله دور به بینند مگر در موارد زیر که باید از نور پایین استفاده نمایند: ۱ - در موقع روبرو شدن با وسیله نقلیه ای که از جهت مخالف حرکت می کند، در این صورت راننده بایستی از فاصله ۱۵۰ متری از نور پایین استفاده نماید تا نور بالا چشمهای راننده مقابل را خیره نسازد. در عین حال برای جلوگیری از تابش خیره کننده نور به چشم رانندگان دیگر ممکن است برحسب مورد از چراغهای کوچک یا چراغهای مه استفاده نمود. ۲ - هنگامی که وسیله نقلیه از فاصله ۱۵۰ متری عقب وسیله نقلیه دیگری که در حال حرکت است عبور می کند مگر وقتی که در حال سبقت گرفتن باشد. ماده ۱۳۲ - چراغهای داخل وسایل نقلیه عمومی مسافربری شبها موقع حرکت باید روشن باشند. ماده ۱۳۳ - استعمال چراغهای چشمک زن در وسایل نقلیه ممنوع است مگر در مواردی که به موجب این آیین نامه مجاز باشد.

قسمت ششم - گردش (ماده ۱۳۴ تا ۱۳۷)

ماده ۱۳۴ - قواعد گردش در تقاطع راهها به شرح زیر است ۱ - برای گردش به راست باید وسیله نقلیه را به منتهی الیه سمت راست هدایت کرده و کاملاً از کنار تقاطع گذشت ۲ - برای گردش به چپ بایستی از فاصله یکصدمتری تقاطع با دادن علامت وارد مسیر سمت چپ شد به طوری که پس از ورود به تقاطع وسیله در حدود مرکز تقاطع قرار گیرد سپس با رعایت حق تقدم عبور وسایل نقلیه‌ای که مستقیم در حرکتند با حداقل سرعت به چپ گردش نمایند به نحوی که پس از ورود به خیابان موردنظر در مجاورت محور وسط آن خیابان قرار گیرد. ماده ۱۳۵ - در راههای یکطرفه برای گردش به چپ رانندگان موظفند وسیله نقلیه را به منتهی الیه طرف چپ خیابان هدایت و سپس به چپ گردش کنند. ماده ۱۳۶ - دور زدن در فاصله یکصد و پنجاه متری پیچها و سربالاییهایی که میدان دید کافی نیست و همچنین از روی خط پر ممنوع است ماده ۱۳۷ - عقب راندن وسیله نقلیه هنگام ضرورت باید با احتیاط کامل برای احتراز از وقوع هرگونه حادثه و انسداد راه عبور سایر وسایل نقلیه انجام گیرد.

قسمت هفتم - توقف (ماده ۱۳۸ تا ۱۴۴)

ماده ۱۳۸ - رانندگان وسایل نقلیه همگانی هنگامیکه مسافر ندارند باید در ایستگاه‌هایی که از طرف شهربانی علامت گذاری شده متوقف شوند مگر اینکه شهربانی مقررات دیگری اعلام نماید. ماده ۱۳۹ - کلیه رانندگان وسایل نقلیه برای سوار و پیاده کردن سرنشینان خود بایستی فقط در محل‌های مجاز و در منتهی الیه سمت راست سواره رو توقف نمایند. ماده ۱۴۰ - در نقاط غیرمسکونی و خارج شهر توقف کوتاه یا طولانی وسایل نقلیه حتماً بایستی در خارج از مسیر عبور وسایل نقلیه و عابرین پیاده انجام گیرد ، به نحوی که رانندگان وسایل نقلیه در حال حرکت از فاصله هفتادمتری وسیله نقلیه متوقف را به سهولت به بینند. ماده ۱۴۱ - هیچ راننده‌ای مجاز نیست وسیله نقلیه‌ای را که موتور آن روشن است ولو درمحل مجاز متوقف سازد و خود از آن پیاده و دور گردد، در سراسیمی پس از توقف چرخهای جلوی وسیله نقلیه باید به سمت راست کنار راه پیچانده شود. ماده ۱۴۲ - رانندگان وسایل نقلیه در موارد زیر موظفند به ترتیبی که ذیلا مقرر می‌شود توقف نمایند: ۱ - در موقع برخورد با وسایل نقلیه امدادی که دستگاه‌های اخبار صورتی یا بصری خود را به کار انداخته باشند باید وسیله نقلیه را به منتهی الیه سمت راست راه هدایت و عنداللزوم تا گذشتن وسایل نقلیه امدادی متوقف شوند. ۲ - قبل از ورود به تقاطعی که فاقد علائم یا مأمور راهنمایی است باید توقف بکنند سپس با احتیاط کامل از تقاطع بگذرند. ۳ - قبل از رسیدن به گذرگاه پیاده و در صورت عبور اشخاص باید وسیله نقلیه خود را متوقف سازند و ضمناً با حرکت دادن دست چپ رانندگان پشت سر را نیز به توقف دعوت نمایند. ۴ - هنگام برخورد با اتومبیل‌های مدارس که برای سوار و پیاده کردن شاگردان در حال توقف می‌باشند. ۵ - در تقاطع راه آهن : هنگامی که علائم الکتریکی یا مکانیکی یا پرچم قرمز یا سوت قطار نزدیک شدن آن را اعلام می‌دارد یا دروازه عبور بسته شده یا در حال باز و بسته شدن است باید لااقل در پنج متری علامت یا دروازه توقف کامل کنند تا قطار بگذرد و تقاطع برای عبور آزاد گردد. ماده ۱۴۳ - رانندگان وسایل نقلیه موتوری مخصوصاً اتومبیل‌های مدارس و وسایل نقلیه ای که حامل مواد خطرناک می‌باشند در تقاطع راه آهن هرچند علامتی وجود نداشته باشد باید کاملاً توقف کنند و پس از حصول اطمینان از بی خطر بودن معبر از تقاطع بگذرند. در هر حال هنگام عبور از روی ریل ها مجاز به تعویض دنده نمی‌باشند. ماده ۱۴۴ - توقف در محل‌های زیر ممنوع است ۱ - پیاده‌رو و گذرگاه پیاده ۲ - مقابل مدخل خیابانها و جاده‌ها و کوچه‌ها یا مدخل اتومبیل روی ساختمانها. ۳ - داخل تقاطع ۴ - در فاصله پانزده متری میدان یا تقاطع یا سه راهها یا تقاطع راه آهن ۵ - پنج متری شیرهای آب منصوب در راهها. ۶ - پانزده متری اطراف چراغ راهنما یا تابلوهای راهنمایی که در کنار راهها نصب شده است ۷ - کوچه‌ها. ۸ - از ابتدا تا انتهای پیچ‌ها. ۹ - در فاصله پانزده متری مدخل گاراژهای آتش نشانی -

پلیس - بیمارستان ها. ۱۰ - کنار وسایل نقلیه‌ای که خود متوقف می‌باشند (توقف دوبله ۱۱ - روی پل‌ها و داخل تونلها و معابر هوایی (راههایی که بر روی پایه قرار دارند) ۱۲ - در خیابانهایی که پیاده روی آن قابل عبور نبوده و پیاده‌ها مجبورند از قسمتی از سواره رو عبور کنند. ۱۳ - در ایستگاه های وسایل نقلیه عمومی و حریم آنها که با علائم راهنمایی مشخص است ۱۴ - در محلهایی که تابلوهای توقف ممنوع یا توقف مطلقا ممنوع نصب شده به اقتضای مورد. ۱۵ - در هر نقطه از معابر به منظور تعمیر وسیله نقلیه جز در مورد ماده ۱۰۱ که باید به ترتیب مقرر در همان ماده عمل گردد. ۱۶ - در جاهایی که دستگاه پارکومتر نصب شده در کنار خیابان به علت نینداختن سکه در داخل آن یا پایان یافتن زمان معین و یا از کار افتادن دستگاه که به وسیله نوشتار ، علامت و یا چراغ مفهوم ممنوعیت پارکینگ را می‌رساند.

قسمت هشتم - مقررات اختصاصی موتور سیکلت و دوچرخه (ماده ۱۴۵ تا ۱۵۰)

ماده ۱۴۵ - رانندگان موتور سیکلت بایستی در موقع رانندگی فقط روی زین موتور سیکلت بنشینند و حق ندارند شخص دیگری را بر ترک سوار کنند مگر اینکه در ترک نیز یک زین کامل نصب شده یا موتورسیکلت دارای یدک پهلو (ساید کار) باشد. ماده ۱۴۶ - رانندگی با دوچرخه رکاب دار بدون داشتن زین محکم در محل مخصوص ممنوع است ماده ۱۴۷ - دوترکه سوار کردن اشخاص روی دوچرخه ممنوع است مگر آنکه زین اضافی برای این کار داشته باشد. ماده ۱۴۸ - دوچرخه سواران مکلفند: ۱ - هنگام حرکت کاملا از طرف راست راه عبور نمایند و برای گذشتن از وسایل نقلیه ای که در کنار راه توقف کرده‌اند منتهای احتیاط را به عمل آورند. ۲ - در صورت تعدد، دوچرخه سواران در یک ردیف حرکت کنند مگر آنکه معبر ویژه ای برای آنها اختصاص داده شده باشد در این صورت حق ندارند از خارج از معبر ویژه عبور و مرور نمایند. ماده ۱۴۹ - عبور دوچرخه سوار از پیاده‌رو و وسط دستجات بازار نقاط شلوغ و پرتردد ممنوع است ماده ۱۵۰ - دوچرخه سواران حق ندارند حین رانندگی بار و اشیا دیگری حمل کنند یا حرکت ورزشی نمایند یا اعمالی انجام دهند که مستلزم برداشتن دستهای آنان از روی فرمان باشد.

فصل دهم - مقررات مختلف (ماده ۱۵۱ تا ۱۹۲)

ماده ۱۵۱ - رانندگان وسایل نقلیه‌ای که در پشت سر وسیله نقلیه دیگر حرکت می‌کنند موظفند فاصله مناسبی را برای جلوگیری از تصادف حفظ کنند. ماده ۱۵۲ - کامیونهای بزرگ و وسایل نقلیه دیگری که دارای یدکهای طویل هستند موقع عبور در راههای غیر مسکونی باید فاصله بیشتری با وسایل نقلیه جلوی خود داشته باشند به طوری که وسیله نقلیه دیگری که از آنها سبقت می‌گیرد بتواند پس از سبقت مجددا در جلوی آنها وارد مسیر اولیه بشود. ماده ۱۵۳ - وسایل نقلیه‌ای که به صورت کاروان و دسته جمعی در راهها عبور می‌کنند نیز مشمول ماده فوق می‌باشند. فواصل آنها باید به قدری باشد که وسیله نقلیه سبقت گیرنده بتواند پس از سبقت برای ورود به مسیر اولیه به آسانی داخل این فواصل گردد. ماده ۱۵۴ - سوار کردن بیش از سه نفر (با راننده در قسمت جلوی وسیله نقلیه و همچنین گذاشتن بار یا اشیا دیگر در جلو یا عقب آن اعم از داخل یا خارج که مانع دید راننده گردد ممنوع است ماده ۱۵۵ - رانندگان وسایل نقلیه سنگین در موقع عبور از جاده‌های تنگ یا عقب رانیدن باید یک نفر کمک راننده برای احتراز از هرگونه خطری همراه داشته باشند. ماده ۱۵۶ - حرکت با دنده خلاص در سرازیری ها ممنوع است ماده ۱۵۷ - وسایل نقلیه نباید از روی لوله‌های آب آتش نشانی که جهت اطفا حریق در خیابان قرار گرفته عبور نمایند مگر با اجازه متصدیان آتش نشانی ماده ۱۵۸ - ۱ - رانندگان تاکسیها مطلقا حق سوار کردن مسافر را با داشتن مسافر قبلی ندارند. ۲ - رانندگان تاکسیها موظفند پس از سوار شدن مسافر و مقارن شروع به حرکت تاکسی متر را به کار اندازند. در صورت فقدان یا خرابی تاکسی متر حق کار کردن ندارند مگر در

نقاطی که شهربانی نصب تاکسی متر را ضروری اعلام نکرده باشد. ۳- رانندگان سایر وسایل نقلیه عمومی که در بست کرایه داده می‌شوند نباید بدون رضایت کرایه کننده شخص دیگری را سوار کنند. ۴- امتناع از بردن مسافر برای وسایل نقلیه عمومی که در شهر و حومه کار می‌کنند همچنین نرساندن مسافر به مقصد ممنوع است. ۵- رانندگان وسایل نقلیه عمومی و کمک رانندگان آنها نباید با مسافران با خشونت و بی احترامی رفتار نمایند. ماده ۱۵۹- رانندگان حق ندارند ضمن رانندگی با کسی صحبت یا استعمال دخانیات نمایند یا خوراکی یا آشامیدنی میل کنند و باید کاملاً به جلو توجه داشته باشند. تبصره- استفاده راننده در حین رانندگی از هرگونه وسایل و تجهیزات و یا اشتغال اعضا موثر وی که باعث انحراف ذهن و توجه در حین رانندگی گردد. ماده ۱۶۰- رانندگی برای کسی که نوشابه الکلی صرف کرده تا رفع کامل آثار آن ممنوع است تبصره- در مواردی که مأموران راهنمایی و رانندگی نسبت به وجود حالت مستی راننده ای ظنین شوند وسیله نقلیه را متوقف ساخته و بلافاصله میزان الکل خون راننده را به وسیله دستگاه الکل سنج از راه تنفس (الکل تست تعیین می‌نمایند. هرگاه میزان الکل بیشتر از پنجاه سانتی گرم در لیتر خون باشد از ادامه رانندگی او تا اعاده حالت عادی و رسیدن میزان الکل خون به کمتر از ۵۰ سانتی گرم در لیتر خون جلوگیری خواهند کرد. ماده ۱۶۱- سوار کردن اشخاص آلوده به کثافات در وسایل نقلیه عمومی مسافربری مجاز نیست ماده ۱۶۲- هر راننده موظف است حین رانندگی گواهینامه رانندگی خویش را همراه داشته باشد و در صورت تقاضای مأموران انتظامی آن را ارائه و تسلیم نماید. مأمور موظف است پس از ملاحظه گواهینامه آن را مسترد دارد مگر در مواردی که به موجب قانون یا آیین نامه اخذ گواهینامه به منظور درج تخلف در آنها ضرورت داشته باشد در این صورت در قبال دادن رسید اخذ می‌گردد. ماده ۱۶۳- نصب بوق های شیپوری، سوت بلبلی و به طور کلی هر نوع وسیله اخبار صوتی باصدای ناهنجار و غیرعادی و همچنین زدن بوق ممتد یا غیرضروری یا مکرر و یا در محلهایی که این عمل به وسیله علامتی منع شده ممنوع است ماده ۱۶۴- وسایل نقلیه امدادی، در مواقعی که جهت انجام مأموریت فوری در حرکتند در صورت به کار بردن چراغ گردان مخصوص اعلام خطر یا آژیر تا حدودی که موجب بروز تصادف نشود مجاز به انجام اعمال زیر می‌باشند: ۱- توقف در محل ممنوعه ۲- تجاوز از سرعت مجاز. ۳- سبقت از سمت راست وسیله نقلیه دیگر. ۴- عبور از طرف چپ راه ۵- دور زدن در نقاط ممنوعه ۶- گذشتن از چراغ قرمز یا عدم رعایت علائم دیگر ایست مشروط به اینکه از سرعت وسیله نقلیه در اینگونه محل‌ها تا حداقل امکان کاسته شود. ماده ۱۶۵- وسایل نقلیه امدادی که مجاز به داشتن سوت خطر یا زنگ مخصوص می‌باشند فقط در مواقعی که برای انجام مأموریت های مهم و فوری در حرکتند باید از آنها استفاده نمایند. ماده ۱۶۶- اتومبیل های مدارس فقط در مواقع سوار و پیاده کردن شاگردان حق استفاده از علائم بصری مذکور در ماده ۵۲ را دارند. ماده ۱۶۷- در موقع برف و یخبندان و به طور کلی در صورت اعلام مقامات و مأموران انتظامی رانندگی با وسیله نقلیه‌ای که چرخهای آن با زنجیر مجهز نباشد ممنوع است ماده ۱۶۸- راننده وسیله نقلیه‌ای که بیش از ظرفیت مندرج در کارت شماره گذاری بار یا مسافر گرفته ممنوع است ماده ۱۶۹- عبور وسایل نقلیه در پیاده‌رو یا از وسط دستجات ارتش یا مأموران انتظامی یا دانش آموزان یا تشییع کنندگان جنازه ها یا سایر دستجات تشریفاتی و همچنین بوق زدن در این قبیل موارد مجاز نیست ماده ۱۷۰- رانندگان بارکش های موتوری بزرگ باید یک نفر شاگرد راننده همراه داشته باشند و سوار کردن مسافر به استثنای یک نفر پهلوی راننده مجاز نیست ماده ۱۷۱- سوار شدن و سوار کردن اشخاص روی گلگیر یا رکاب یا محل دیگری در قسمت خارجی وسایل نقلیه ممنوع است ماده ۱۷۲- درهای هر وسیله نقلیه در حال حرکت باید کاملاً بسته باشد و باز کردن آنها قبل از توقف کامل مجاز نیست ماده ۱۷۳- رانندگان وسایل نقلیه هنگام عبور از معابر و گذرگاه های تنگ یا پرجمعیت و یادر مواقعی که بیشتر از ۵۰ متر مقابل آنها مریی نیست مکلفند آهسته حرکت کنند و در صورت احتمال وقوع حادثه یا اخلال نظم و مزاحمت بر حسب مورد حرکت وسیله نقلیه را کند یا آن را متوقف سازند. ماده ۱۷۴- عبور وسایل نقلیه سنگین که حداکثر سرعت آنها از پانزده کیلومتر در ساعت تجاوز نمی‌کند مانند تراکتورهای زنجیری و غلطک های جاده کوبی و غیره باید قبل از رسیدن آنها به

اولین پست راه آهن یا ایستگاه خبر داده شود تا تدارک احتیاطی لازم جهت عبور بی خطر آنها از تقاطع راه آهن فراهم گردد. ماده ۱۷۵ - رانندگان این قبیل وسایل نقلیه موظفند هنگامی که عبور آنها از تقاطع راه آهن مجاز است قبل از رسیدن به آن توقف کامل کنند و پس از مشاهده طرفین و اطمینان از عدم خطر احتمالی از آنجا بگذرند. در مواقعی که نزدیک شدن قطار به وسیله علائم با صدای لکوموتیو اعلام می‌شود تا عبور قطار از تقاطع نباید عبور نماید. ماده ۱۷۶ - هرگاه مأمور راهنما در محل تقاطع راه آهن حضور داشته باشد عبور از تقاطع باید با فرمان او انجام گیرد. ماده ۱۷۷ - هیچکس حق ندارد وسیله نقلیه‌ای را که متعلق به او نیست یا راننده آن نمی‌باشد بدون اجازه کسی که آن را در اختیار دارد از محل خود حرکت دهد یا با آن رانندگی کند مگر مأموران انتظامی آن هم در حدود مقررات و وظایف قانونی ماده ۱۷۸ - هیچکس نمی‌تواند به شخص فاقد گواهینامه رانندگی لازم اجازه رانندگی با وسیله خود را بدهد. ماده ۱۷۹ - هیچکس حق ندارد هیچ نوع وسیله نقلیه‌ای را که طبق نظر کارشناس شهرداری یا ژاندارمری دارای عیب و نقص فنی بوده یا فاقد وسایل ایمنی کامل مقرر در این آیین نامه باشد در راهها براند. ماده ۱۸۰ - مأموران مسئول راه مکلفند از عبور و مرور در بعضی راهها که به واسطه خرابی یا علل دیگر خطرناک می‌باشند تا تعمیر و رفع علل خطر جلوگیری به عمل آورند یا از حرکت برخی از وسایل نقلیه یا غیرمجهز به وسایل لازم ممانعت به عمل آورند. ماده ۱۸۱ - حمل مسافر با وسیله نقلیه ای که دارای پلاک شخصی است جز در موارد اضطراری و همچنین سوار کردن اشخاص روی بار بارکش های موتوری یا در محل مخصوص بار آنها ممنوع است مگر با اجازه شهرداری ماده ۱۸۲ - حمل جنازه باید با وسیله نقلیه مخصوص انجام گیرد مگر در مواردی که شهرداری اجازه حمل آن را با سایر وسایل نقلیه داده باشد. ماده ۱۸۳ - هیچکس حق ندارد در حالی که سوار دوچرخه یا کفشهای چرخدار یا سه چرخه های بدون رکاب یا اتومبیلهای اسباب بازی است به وسایل نقلیه در حال حرکت تکیه نماید و آنها را وسیله حرکت خود یا حرکت وسیله‌ای که بر آن سوار است قرار دهد. تکیه نمودن و آویزان شدن اشخاص نیز به وسایل نقلیه ممنوع است ماده ۱۸۴ - ریختن شیشه ، بطری ، میخ ، سیم ، حلبی مایعات لزج و به طور کلی هر چیزی که باعث سد راه و ایجاد خطر و انحراف وسایل نقلیه از مسیر حرکت باشد بر روی راهها ممنوع است ماده ۱۸۵ - نصب هر نوع علائم (جز علامت کانون جهانگردی و آنچه در این آیین نامه پیش بینی شده و پلاکهای متفرقه و پرچم و همچنین الصاق هر نوع آگهی و نوشته و عکس و نوشتن عبارات و ترسیم نقوش روی شیشه یا بدنه داخل یا خارج وسایل نقلیه بدون اجازه شهرداری ممنوع است ماده ۱۸۶ - حرکت وسایل نقلیه چرخ فلزی در معابر شهری مجاز نیست ماده ۱۸۷ - اعمال ذیل در خیابان ها و معابر شهری ممنوع است مگر با اجازه شهرداری ۱ - بستن یا خوراک دادن دامها و پرندگان یا رها کردن آنها بدون نگاهبان ۲ - مسابقه با اسب یا سایر حیوانات و وسایل نقلیه ۳ - ورزش و مسابقه‌های ورزشی ماده ۱۸۸ - هرکس که مسئول حرکت دادن و هدایت حیوانات است باید علائم راهنمایی و رانندگی و آن قسمت از مقررات این آیین نامه را که به وی مربوط می‌شود در راه های عمومی رعایت نماید. ماده ۱۸۹ - اشخاصی که بهر عنوان روی راههای عمومی کار می‌کنند موظفند قبل از شروع به کار علائم ایمنی عبور و مرور را در محل و به لباس های کارگران و وسایل نقلیه خود نصب نمایند در غیر اینصورت مأمورین انتظامی موظفند از کار آنان جلوگیری به عمل آورند. ماده ۱۹۰ - جز مأموران انتظامی هیچکس حق ندارد برای هدایت یا حفاظت وسایل نقلیه در سواره روی خیابان بایستد یا قدم بزند. ماده ۱۹۱ - عابرین پیاده موظفند که ۱ - در محلهایی که پیاده رو وجود دارد از داخل سواره رو عبور نکنند. ۲ - در محلهایی که پیاده رو وجود ندارد یا در صورت وجود به جهاتی قابل استفاده نباشد هنگام حرکت از سواره رو از منتهالیه سمت چپ خود به طوری که حرکت وسایل نقلیه مقابل درخلاف جهت ایشان انجام گیرد عبور کنند. ۳ - برای گذشتن از عرض راه حتما از گذرگاه های پیاده عبور کنند. ۴ - هنگام عبور از گذرگاههای پیاده مراقب حرکت وسایل نقلیه باشند و ناگهان از پیاده رو به سواره رو داخل نشوند. ماده ۱۹۲ - توقف در سواره روی خیابان برای سوارشدن وسیله نقلیه و همچنین صحبت کردن یا خرید و فروش با راننده یا سرنشینان وسایل نقلیه در سواره رو ممنوع است

فصل یازدهم - مجازات ها (ماده ۱۹۳ تا ۱۹۶)

ماده ۱۹۳ - متخلفین از مواد ۲ (جز در مورد شماره‌های موضوع قانون مجازات استفاده کنندگان از پلاک های تقلبی مصوب ۱۳۴۵) و ۳ و ۷ تا ۹ و ۱۲ تا ۱۵ و ۱۶ (جز در موردی که مشمول ماده ۴ قانون مجازات استفاده کنندگان از پلاک‌های تقلبی مصوب ۱۳۴۵ می‌باشد) و ۲۰ و ۲۱ (جز در مواردی که مشمول قانون تشدید مجازات رانندگان مصوب ۱۳۲۸ است و ۲۸ و ۲۹ و (ماده ۳۱ (اصلاحی ۲۷/۱/۱۳۵۱) در صورت رانندگی و ۳۷ تا ۴۰ و ۴۲ و ۴۵ تا ۵۲ و ۵۴ تا ۸۵ و ۸۷ و ۸۹ و ۹۲ تا ۱۷۷ و ۱۷۸ (در مورد وسایل نقلیه غیرموتوری) و ۱۷۹ و ۱۸۱ تا ۱۹۲ به پرداخت غرامت از ۲۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال یا حبس تکدیری از دو روز تا ده روز و یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد مگر در مواردی که تخلف آنان به موجب مقررات مخصوص مستوجب مجازات خاصی باشد که در آن صورت باید طبق همان مقررات رفتار شود. تبصره - دادگاه مکلف است پس از صدور حکم محکومیت رانندگانی که به علت ارتکاب تخلفات مستی حین رانندگی - انحراف به چپ - سرعت غیرمجاز - سبقت غیرمجاز - عبور از چراغ قرمز - عبور از منطقه ممنوعه - عدم رعایت حق تقدم - امتناع تاکسی ها از سوار کردن مسافر - سوار کردن مسافر با وجود مسافر قبلی - نرساندن مسافر به مقصد - عدم استفاده از تاکسی متر با داشتن مسافر و هر نوع تخلف دیگر منجر به تصادف محکوم شده‌اند مراتب محکومیت و نوع تخلف را در گواهینامه آنان درج نمایند تا نسبت به ایشان برابر تبصره ۳ ذیل ماده یک قانون راجع به اعطای اختیار به افسران شهربانی کل برای وصول جرایم رانندگی مصوب ۱۳۳۹ عمل گردد. مواد ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ ملغی شده‌است

قانون جلوگیری از تردد موتور سیکلت های فاقد شماره راهنمایی و رانندگی - مصوب ۱۳۷۲

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون کلیه موتور سیکلت سواران مکلفند ظرف مدت یکسال نسبت به شماره گذاری موتورسیکلت های خود اقدام نمایند. تبصره ۱ - کلیه مأمورین انتظامی موظفند پس از پایان مهلت قانونی نسبت به توقیف و هدایت موتورسیکلت های بدون شماره به توقفگاه شهرداری و نیروی انتظامی اقدام جدی و مداوم به عمل آورند. تبصره ۲ - واحدهای راهنمایی و رانندگی مکلفند تسهیلات لازم جهت صدور شماره و احراز مالکیت دارندگان موتورسیکلت های فوق را فراهم و هزینه مربوطه را از متقاضیان دریافت دارند. نحوه احراز مالکیت صاحبان موتورسیکلت های بدون سند و تعیین و تکلیف آنها و میزان هزینه مربوطه طبق آیین نامه ای خواهد بود که ظرف مدت دو ماه توسط نیروی انتظامی و وزارت کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث - مصوب آذر ۱۳۴۷

ماده ۱ - کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتور زمینی و انواع یدک و تریلر متصل به وسایل مزبور و قطارهای راه آهن اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مسئول جبران خسارات بدنی و مالی هستند که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور و یا محصولات آنها به اشخاص ثالث وارد شود و مکلفند مسئولیت خود را از این جهت نزد شرکت سهامی بیمه ایران و یا یکی از موسسات بیمه داخلی که اکثریت سهام آنها متعلق به اتباع ایرانی و صلاحیت آنها به پیشنهاد وزارت دارایی و وزارت اقتصاد مورد تایید دولت باشد، بیمه نمایند. تبصره ۱ - منظور از حوادث مذکور در این قانون هرگونه تصادف یا سقوط یا آتش سوزی یا انفجار وسایل نقلیه موضوع این ماده و نیز خساراتی که از محصولات وسایل مزبور به اشخاص ثالث وارد شود. تبصره ۲ - کلیه وزارتخانه ها، ادارات مستقل، بانک ها، بنگاه ها و شرکتهایی که حداقل نصف سهام آنها متعلق به دولت است و سازمان برنامه و شرکتهای تابع آن و به

طور کلی عموم موسسات وابسته به دولت مکلفند عملیات موضوع این قانون را منحصرآ نزد شرکت سهامی بیمه ایران انجام دهند.

ماده ۲- کلیه اشخاصی که به سبب حوادث وسایل نقلیه موضوع این قانون دچار زیانهای بدنی یا مالی می‌شوند از لحاظ این قانون ثالث تلقی می‌شود به استثنای اشخاص زیر: الف- بیمه‌گذار، مالک یا راننده وسیله نقلیه مسئول حادثه ب- کارکنان بیمه‌گذار مسئول حادثه حین کار و انجام وظیفه ج- همسر و پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد و اجداد تحت تکفل بیمه‌گذار در صورتی که سرنشین وسیله نقلیه ای باشند که راننده یا بیمه‌گذار مسئول حادثه باشد. تبصره- در صورت تصادف دو وسیله نقلیه، رانندگان وسایل مزبور نیز در برابر یکدیگر شخص ثالث محسوب می‌شوند اعم از آنکه مالک وسیله نقلیه باشند یا نباشند. ماده ۳- از تاریخ انتقال وسیله نقلیه کلیه تعهدات ناشی از قرارداد بیمه به منتقل‌الیه وسیله نقلیه منتقل می‌شود و انتقال‌گیرنده تا پایان مدت قرارداد بیمه، بیمه‌گذار محسوب خواهد شد و مکلف است ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ انتقال وسیله نقلیه به خود، مراتب را به طریق اطمینان بخشی با ذکر مشخصات کامل خود، به بیمه‌گر اعلام کند. ماده ۴- موارد ذیل از شمول بیمه موضوع این قانون خارج است

۱- خسارات ناشی از فرس‌ماژور از قبیل جنگ سیل زلزله ۲- خسارات وارده به محمولات وسایل نقلیه مورد بیمه ۳- خسارات مستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیو اکتیو. ۴- خسارات وارد به متصرفین غیرقانونی وسایل نقلیه یا به رانندگان فاقد گواهینامه رانندگی ۵- خسارات ناشی از محکومیت جزایی و پرداخت جرایم ۶- خسارات ناشی از حوادثی که در خارج از کشور اتفاق می‌افتد مگر اینکه توافقی بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار در این موضوع شده باشد. ماده ۵- در مورد عمد راننده در ایجاد حادثه یا در صورتی که راننده فاقد گواهینامه رانندگی باشد شرکت بیمه پس از پرداخت خسارت زیان دیده می‌تواند برای استرداد وجوه پرداخته به شخصی که موجب خسارت شده مراجعه نماید. ماده ۶- بیمه‌گر ملزم به جبران کلیه خسارات وارده به اشخاص ثالث خواهد بود. حداقل مبلغ بیمه با توجه به نوع و سایر خصوصیات نقلیه و همچنین تعرفه حق بیمه و شرایط عمومی آن با رعایت نرخها و شرایط بین‌المللی توسط شرکت سهامی بیمه ایران تعیین و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۷- پس از گذشتن سه ماه از تاریخ اجرای این قانون از حرکت وسایل نقلیه موتوری زمینی که فاقد قرارداد بیمه موضوع این قانون می‌باشد از طرف مأمورین اداره راهنمایی و رانندگی و پلیس راه جلوگیری به عمل می‌آید. ماده ۸- شرکت‌های بیمه طبق مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های مربوط به آن مکلف به انعقاد قرارداد بیمه با دارندگان وسایل نقلیه مشمول این قانون خواهند بود. ماده ۹- دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی که از خارج وارد ایران می‌شوند در صورتی که خارج از کشور مسئولیت خود را نسبت به حوادث ناشی از وسیله نقلیه موضوع این قانون به موجب بیمه‌نامه ای که از طرف شرکت سهامی بیمه ایران معتبر شناخته می‌شود بیمه نکرده باشند مکلفند هنگام ورود به مرز ایران طبق ماده یک این قانون اقدام به بیمه نمایند. ماده ۱۰- برای جبران زیانهای بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت بیمه نبودن وسیله نقلیه، بطلان قرارداد بیمه تعلیق قرارداد بیمه، تعلیق تامین بیمه‌گر، فرار کردن و شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی برای جبران خسارت‌های خارج از شرایط بیمه‌نامه (به استثنای موارد مصرح در ماده ۴) صندوق مستقلی بنام صندوق تامین خسارت‌های بدنی تاسیس می‌شود که به وسیله شرکت سهامی ایران اداره خواهد شد. سازمان وظایف و صلاحیت صندوق تامین خسارت‌های بدنی به موجب آیین‌نامه ای خواهد بود که به وسیله شرکت سهامی بیمه ایران تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۱- درآمد صندوق تامین خسارت‌های بدنی از منابعی است که به پیشنهاد دولت به تصویب کمیسیون‌های دارایی مجلسین برسد. ماده ۱۲- مرور زمان دعاوی مربوط به بیمه موضوع این قانون از تاریخ وقوع حادثه دو سال می‌باشد و هر نوع اقدام ذینفع به منظور مطالبه خسارت اعم از ارسال نامه یا تلگرام یا اظهارنامه قاطع مرور زمان خواهد بود. مدت مرور زمان جدید بعد از انقطاع یکسال است ماده ۱۳- آیین‌نامه اجرایی این قانون از طرف شرکت سهامی بیمه ایران تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۱۴- این قانون از اول فروردین ماه ۱۳۴۸ به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

قانون استفاده از نظر افسران راهنمایی در تصادفات وسایط نقلیه - مصوب ۷/۹/۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی

ماده واحده - به جای استفاده از کارشناس رسمی دادگستری و همچنین جهت تسهیل امور مردم ، دادگستری هر محل می تواند از یک یا چند نفر افسر کاردان فنی شهربانی و ژاندارمری که وارد بر امور تصادفات وسایط نقلیه می باشند، مجانا استفاده نماید. تبصره - مراجع قضایی در زمینه رسیدگی به پرونده های خودرو های مسروقه و یا احراز اصالت وسایل نقلیه ای که به نحوی از انحا در ارکان اصلی خودرو (موتور شاسی و اطاق) تغییراتی صورت گرفته است می تواند از نظریه یک یا چند نفر افسر کاردان فنی شاغل در نیروی انتظامی بدون نیاز به پرداخت حق الزحمه استفاده نمایند.

جدول جرایم موضوع ماده ۲ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی در کلیه نقاط کشور به استثنای

جدول الف - جرایم دو هزار (۲۰۰۰) ریالی ۱- عبور عابر پیاده از عرض خیابان خارج از گذرگاه مخصوص عابرین ۲- عبور عابر پیاده از طول خیابانی که دارای پیاده رو باشد. ۳- دست گرفتن به وسیله نقلیه با دوچرخه آویزان شدن یا سوار شدن پشت وسیله نقلیه یا روی کاپوت آن یا صندوق عقب ۴- یدک کشی دوچرخه با دوچرخه یا موتورسیکلت ۵- سوار کردن مسافر با داشتن مسافر قبلی ۶- عبور وسایط نقلیه کندرو در محل های ممنوعه ۷- به کار انداختن چرخ های بلبرینگی ۸- هر کس به هر وسیله عبور و مرور را مختل نماید. ۹- حمل باری که موجب ناراحتی مسافرین گردد. ۱۰- نداشتن شماره جلو. ۱۱- دوترکه سواری با دوچرخه پایی ۱۲- حرکت دادن و یا رهانمودن دامها به نحوی که موجب اختلال و عبور و مرور شود. ۱۳- راندن موتورسیکلت و دوچرخه پایی در حالت رها کردن فرمان ۱۴- نداشتن رنگ و ترمز و چراغ جلو و چراغ خطر عقب دوچرخه پایی ۱۵- گردش به چپ بدون رعایت مقررات مربوطه ۱۶- عدم رعایت سمت های تعیین شده از طرف راهنمایی ۱۷- عدم رعایت حق تقدم در گذرگاه عابر پیاده از طرف راننده ۱۸- سه ترکه سواری با موتورسیکلت ۱۹- عدم توجه به اخطار و تذکر پلیس راهنما. ۲۰- نشان دادن مسافر بغل دست راننده در اتوبوس ۲۱- عدم رعایت مقررات چراغ های چشمک زن ۲۲- قصور از روشن کردن چراغ در موقع لزوم ۲۳- باز کردن در وسیله نقلیه بدون رعایت احتیاط در حرکت و توقف ۲۴- حرکت با دنده عقب در موقع غیر ضروری ۲۵- پیاده و سوار شدن از وسیله نقلیه ضمن حرکت (در اتوبوسها کمک راننده در سایر وسیله نقلیه شخص مرتکب مقصر است ۲۶- حمل اشیای کثیف و آلود و حیوانات با وسایل نقلیه عمومی که اختصاص به این کار داده نشده باشد. ۲۷- حمل بار و اشیای طویل به وسیله دوچرخه پایی و موتورسیکلت ۲۸- هر گونه دخالتی که اجرای مقررات راهنمایی را تغییر داده و یا خنثی نماید و یا مختل سازد. ۲۹- هر نوع توقف که منجر به سد معبر گردد. ۳۰- حمل مسافر با وسیله نقلیه پلاک شخصی ۳۱- راندن وسایط نقلیه غیر موتوری در پیاده رو. ۳۲- همراه نداشتن گواهینامه رانندگی ۳۳- حمل مسافر با وسیله نقلیه ای که برای حمل بار اختصاص داده شده است ۳۴- استنکاف از قبول مسافر یا نرساندن مسافر به مقصد وسیله رانندگان وسایط نقلیه همگانی ۳۵- نداشتن کارت راننده شهری در وسایط نقلیه عمومی ۳۶- نشان دادن مسافر در سمت چپ راننده در وسایط نقلیه ای که فرمان آنها در سمت چپ قرار دارد و یا بالعکس در وسایط نقلیه ای که فرمان آنها در سمت راست قرار دارد. ۳۷- همراه نداشتن پروانه شناسایی خودرو. ۳۸- بازگذاشتن در صندوق عقب وسیله نقلیه در حرکت یا نصب پرده و کرکره به طوری که مانع دید عقب وسیله نقلیه شود. ۳۹- حمل اشیاء طویل به نحوی که قسمتی از آن از عرض وسیله نقلیه خارج شود. ۴۰- شستشوی وسیله نقلیه در معابر و جاده ۴۱- سوار کردن مسافر اضافه بر ظرفیت مجاز در وسایل نقلیه شخصی ۴۲- سوار کردن مسافر اضافه بر ظرفیت مجاز در وسایل نقلیه عمومی به ازای هر نفر مسافر اضافی ۴۳- راندن دوچرخه پایی در وسط خیابان و جاده ۴۴- سوار کردن هر مسافر بدون بلیط در اتوبوس و مینی بوس جدول ب - جرایم پنج هزار (۵۰۰۰) ریالی ۱- عدم رعایت فاصله قبل و بعد از سبقت ۲- قصور از دادن علائم با دست یا چراغ راهنما در گردش به چپ و

راست یا هنگام دور زدن و توقف ۳- یدک کشی وسیله نقلیه دیگر به طور غلط و بدون رعایت احتیاط ۴- حمل مسافر روی بار. ۵- سبقت اتوبوس و کامیون در داخل شهر. ۶- عدم رعایت مقررات حمل بار مندرج در آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی در شهرها. ۷- توقف با موتور روشن بدون حضور راننده ۸- راندن هر نوع وسیله نقلیه موتوری در پیاده روی خیابان ها. ۹- استفاده از چراغهای اضافی و نورافکن و داشتن نور سفید در عقب وسیله نقلیه ۱۰- استفاده از چراغهای گردان قرمز که مخصوص وسایط نقلیه امدادی است ۱۱- حرکت دادن وسایط نقلیه در موازات هم (غیر از موارد سبقت مجاز در خیابانهایی که عرض آنها برای عبور دو وسیله نقلیه بیشتر نیست) ۱۲- توقف اتوبوس خارج از ایستگاه ۱۳- خروج تاکسی از حومه شهر بدون اجازه ۱۴- تغییر خط حرکت بدون دادن علامت ۱۵- حرکت به طور ماریج ۱۶- قصور در تعویض استپ نور بالا. ۱۷- نداشتن دفترچه ساعت کنترل و ساعت وسایل نقلیه مسافربری در جاده ها. ۱۸- توقف در محل ممنوعه ۱۹- حمل تیر آهن و امثال آن بدون رعایت شرایط مقرر. ۲۰- قصور در دادن راه عبور به وسیله نقلیه پشت سر در سبقت مجاز. ۲۱- عدم استفاده از عینک، حین رانندگی برای کسانی که در گواهینامه آنان رانندگی با عینک درج شده است ۲۲- ایجاد صدای ناهنجار لوله آگزوز و نداشتن چراغ های جلو و عقب و راهنما و ایجاد صدای ناهنجار لنت های ترمز. ۲۳- نداشتن برگ معاینه برای وسایل نقلیه مسافربری و باربری ۲۴- توقف در گذرگاه عابر پیاده ۲۵- تجاوز به سطح گذرگاه عابر پیاده ۲۶- دود کردن وسیله نقلیه به علت نقص فنی ۲۷- نداشتن شماره عقب یا غیرخوانا بودن آن ۲۸- بازگاردن در وسیله نقلیه در سمت سواره‌رو. ۲۹- خودداری از کنار بردن وسیله نقلیه ای که به علت نقص فنی یا تصادف در وسط سواره رو متوقف شده است ۳۰- تعمیر وسیله نقلیه در معابر عمومی ۳۱- عدم رعایت فاصله مناسب با وسیله نقلیه جلو یا عدم توجه به جلو در صورتی که منجر به تصادف شود. ۳۲- عدم رعایت مقررات خط کشی ها. ۳۳- توقف در جهت مخالف معابر دوطرفه ۳۴- حمل مسافر در شهر به وسیله اتومبیلهای کرایه خارج از شهر در صورتی که به جای تاکسی کار نماید. ۳۵- پارک کردن تاکسی بدون وجود راننده در ایستگاههای تاکسی که مخصوص پیاده و سوار شدن مسافر می‌باشد. ۳۶- پارک کردن در ایستگاه بارگیری و تخلیه بار. ۳۷- خروج اتوبوس و تاکسی سرویس از مسیر تعیین شده بدون اجازه نیروی انتظامی ۳۸- عبور یا توقف در مناطق یا معابری که از طرف نیروی انتظامی در ساعات معین ممنوع اعلام می‌شود. ۳۹- حمل کود و زباله و مصالح ساختمانی و امثال آنها بدون حفاظ لازم ۴۰- گردش به چپ یا به راست در محل ممنوعه ۴۱- حرکت کمتر از سرعت مقرر در صورت نبودن مانع به نحوی که موجب کندی عبور و مرور شود. جدول ج- جرایم ده هزار (۱۰۰۰۰) ریالی ۱- عبور از چراغ قرمز راهنمایی ۲- عدم توجه به فرمان پلیس راهنما. ۳- تجاوز از سرعت مقرر. ۴- سبقت غیرمجاز. ۵- عدم رعایت حق تقدم ۶- عبور از محل ممنوع ۷- تجاوز به چپ از خط وسط معابر. ۸- عدم رعایت مقررات توزین در راه ها (عرض، طول، ارتفاع، وزن ۹- حرکت تراکتورهای زراعتی در طول جاده ها و حمل بار، مسافر و یدک در طول جاده های اصلی ۱۰- قصور در به کار بردن وسایط اخباری از قبیل (مثلث شیرنگ و چراغ چشمک زن باطری دار) در جلو و عقب وسیله نقلیه متوقف در شانه و روی جاده ۱۱- حمل جنازه با وسایط نقلیه عمومی ۱۲- حرکت در سرازیری با دنده خلاص ۱۳- حمل مواد محترقه با وسایل نقلیه عمومی (مگر آنکه اختصاصا برای این کار در نظر گرفته باشند) ۱۴- توقف وسایط نقلیه روی سطح آسفالت جاده جز در موارد اضطراری ۱۵- هرگونه دخالت و دستکاری در دستگاه سرعت نگار (تاخوگراف در وسایط نقلیه عمومی ۱۶- توقف در محل ایستادن ممنوع ۱۷- تعویض پلاک وسیله نقلیه ۱۸- عدم توجه به تابلو ایست و یا چراغ قرمز چشمک زن ۱۹- استفاده از شماره‌های غیرمجاز. ۲۰- توقف در ایستگاههای اتوبوس و تاکسی ۲۱- دور زدن در محل ممنوعه ۲۲- عدم توجه به فرمان و یا پرچم مراقبین عبور و مرور محصلین مدارس ۲۳- توقف در داخل یا حریم تقاطع ها و راه آهن در فاصله (کمتر از ۱۵ متر) ۲۴- توقف در پیچ ها، روی پل ها و داخل تونل ها. ۲۵- استفاده از انواع بوق شیپوری ۲۶- توقف دوبله ۲۷- بوق زدن غیرضروری مکرر. ۲۸- همراه نبودن کارت شناسایی با راننده اتوبوس ۲۹- نداشتن کارت بیمه سرنشین وسایل نقلیه عمومی حمل مسافر در خارج از شهر. ۳۰- حمل بار

تجارتی توسط وسایل نقلیه عمومی حمل مسافر.

قانون استفاده اجباری از کمربند و کلاه ایمنی - مصوب ۲۶/۱۱/۱۳۷۶

ماده واحده - از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون ، بستن کمربند ایمنی برای رانندگان و سرنشینان ردیف اول انواع خودرو های در حال حرکت در مسیر جاده‌های بین شهری و کمربندی ها و بزرگراه های درون شهری و همچنین استفاده از کلاه ایمنی برای رانندگان و سرنشینان هر نوع موتورسیکلت اجباری است دولت مکلف است کمربند ایمنی و کلاه ایمنی استاندارد را به تعداد نیاز کشور تهیه و عرضه نماید. تبصره ۱ - وزارت صنایع و کلیه شرکتهای خودروسازی مکلفند خودروهای تولیدی داخلی را همراه با کمربند ایمنی استاندارد عرضه نمایند همچنین انواع خودروهای وارداتی باید دارای کمربند ایمنی باشند. تبصره ۲ - میزان جریمه عدم استفاده از کمربند ایمنی و کلاه ایمنی به ترتیب ده هزار ریال و پنج هزار ریال تعیین می گردد توسعه محدوده ماده واحده با توجه به مقررات راهنمایی و رانندگی شهرسازی و زمانبندی اجرای این قانون بر اساس آیین نامه ای که ظرف مدت شش ماه توسط وزارتخانه‌های کشور ، دادگستری ، راه و ترابری و صنایع تهیه به تصویب هیات وزیران می رسد تعیین خواهد شد.

آیین نامه اجرایی قانون استفاده اجباری از کمربند و کلاه ایمنی مصوب ۱۳۷۶ - مصوب ۲۷/۱۲/۱۳۷۹

ماده ۱ - در این آیین نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می روند: الف - کمربند ایمنی تسمه‌ای که نیم تنه بالای راننده و هر یک از سرنشینان را تحت کنترل و مهار ایمن خود قرار می دهد تا هنگام ضرورت ، همچون کاهش ناگهانی سرعت یا توقف آنی خودرو که ممکن است ناشی از ترمز یا برخورد با جسم دیگر یا حوادث دیگر رانندگی باشد ، مانع از جدا شدن سرنشینان و راننده از صندلی خود و اصابت به شیشه جلو یا سایر قسمت های داخل و یا پرتاب به خارج از خودرو شود. ب - کلاه ایمنی کلاهی است که راننده و سرنشین موتورسیکلت ها از آن برای محافظت سر خود در برابر ضربات احتمالی ناشی از بروز سوانح استفاده می کنند. پ - کمربندی جاده‌های پیرامون شهرها که به منظور گذر وسایل نقلیه عبوری از آن بدون آنکه وارد شهر شوند احداث می شود و ضوابط تردد از آنها مطابق جاده‌های برون شهری است ت - بزرگراه درون شهری مصادیق بزرگراه های درون شهری توسط شورای هماهنگی ترافیک هراستان تعیین می شود. ماده ۲ - کلیه دارندگان خودرو در سطح کشور مکلفند وسایل نقلیه خود را به کمربند ایمنی استاندارد جهت استفاده راننده و سرنشین ردیف اول مجهز نمایند. ماده ۳ - بستن کمربند ایمنی برای راننده و سرنشینان ردیف اول وسایط نقلیه در حال حرکت در بزرگراه های درون شهری ، کمربندی ها و جاده های بین شهری الزامی است تبصره - سرنشینان اتوبوس ها و مینی بوس های در اختیار شرکت واحد اتوبوس رانی ، معلولان ، بانوان باردار و کلیه افرادی که به تایید پزشک معالجتشان دارای بیماریهای جسمی و توانایی های حرکتی هستند از مفاد این ماده مستثنی می باشند. ماده ۴ - تعداد سرنشینان ردیف جلو باید بر اساس ضوابط مندرج در آیین نامه راهنمایی و رانندگی و اصلاحیه های آن باشد و هر یک از سرنشینان ردیف جلو باید تنها از کمربند ایمنی مربوط به خود و به صورت انفرادی استفاده نمایند. ماده ۵ - استفاده از صندلی ردیف اول برای استقرار کودکان و نوجوانان تا سن ۱۲ سالگی به صورت منفرد یا همراه والدین ممنوع است تبصره - استفاده از صندلی مخصوص استقرار کودکان یا تکیه گاه ویژه با پشت سری مخصوص ، در ردیف اول خودروها بلامانع است ماده ۶ - صدور برگ معاینه فنی برای خودروهای فاقد کمربند ایمنی در ردیف اول ممنوع است ماده ۷ - سوار شدن به موتور سیکلت بدون استفاده از کلاه ایمنی ممنوع است و راکبین موتورسیکلت مکلفند در طول حرکت از کلاه ایمنی استفاده نمایند. مأموران راهنمایی و رانندگی موظفند از ادامه حرکت موتورسیکلت هایی که راکبین آنها فاقد کلاه ایمنی هستند جلوگیری نمایند. ماده ۸ - چنانچه عدم

استفاده از کمر بند ایمنی طی حادثه رانندگی که بیمه گذار طبق مقررات راهنمایی و رانندگی در ایجاد آن مقصر شناخته می‌شود منجر به مصدومیت شخص ثالث گردد، تعهد و مسئولیت بیمه گر در مورد جبران خسارت شخص ثالث محدود به میزان تاثیر تقصیر بیمه گذار در ایجاد مصدومیت و خسارات ناشی از آن است ماده ۹ - سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلفند با همکاری و هماهنگی وزارتخانه های صنایع و معادن، راه و ترابری و کشور نسبت به ترویج و ارتقای فرهنگ استفاده از کمر بند و کلاه ایمنی و آموزش های مربوط اقدام نمایند. ماده ۱۰ - به منظور ارزیابی و پی گیری اقدامات انجام شده موضوع ماده ۷ این آیین نامه کمیته ای مرکب از نمایندگان دستگاه های موضوع ماده یاد شده و نماینده نیروی انتظامی و سازمان پزشکی قانونی در محل وزارت کشور تشکیل و نتیجه هر شش ماه یک بار به هیات وزیران اعلام می‌شود. ماده ۱۱ - وزارتخانه های صنایع و معادن و بازرگانی مکلفند نسبت به تولید و تامین کمر بند و کلاه ایمنی استاندارد حسب نیاز کشور اقدام نمایند. ماده ۱۲ - سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اعتبار لازم را برای اجرای هر چه بهتر مفاد این آیین نامه در لایحه بودجه هر سال پیش بینی می‌کند. ماده ۱۳ - زمان بندی اجرای این آیین نامه با توجه به زمان لازم الاجرا شدن آن به شرح زیر تعیین می‌شود: الف - در مورد اتوبوس ها و مینی بوس ها دو سال ب - در مورد کامیون ها دو سال پ - در مورد انواع دیگر خودروهای در حال عبور از کمر بندی ها و بزرگراه های درون شهری شش ماه ت - در مورد خودروهای شخصی در حال عبور از جاده های بین شهری سه ماه

آیین نامه اجرایی قانون بیمه اجتماعی رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین شهری - مصوب ۹/۳/۱۳۸۰

ماده ۱ - در این آیین نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند: الف - سازمان سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور ب - راننده رانندگان خودروهای حمل بار و مسافر بین شهری که دارای گواهینامه رانندگی معتبر و متناسب با نوع وسیله نقلیه عمومی بین شهری بوده و دفترچه کار رانندگی آنها توسط سازمان صادر شده باشد. پ - دفترچه کار رانندگان معتبر، بارنامه و صورت وضعیت مسافر: تعاریف مذکور در قوانین و مقررات مربوط به حمل و نقل جاده ای ت - قانون قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ ث - دستمزد مقطوع درآمد ماهانه ای که طبق ماده ۳۵ قانون برای راننده تعیین می‌شود و مبنای دریافت حق بیمه و ارایه خدمات قانونی قرار می‌گیرد. ج - قانون بیمه اجتماعی رانندگان قانون بیمه اجتماعی رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین شهری مصوب ۱۳۷۹ ماده ۲ - نرخ حق بیمه راننده مطابق ماده (۲۸) قانون تعیین می‌شود. ماده ۳ - راننده به ترتیب زیر مشمول قانون بیمه اجتماعی رانندگان قرار می‌گیرد: الف - کلیه رانندگانی که تا تاریخ تصویب این آیین نامه از طریق بارنامه و صورت وضعیت، حق بیمه پرداخت نموده‌اند و دارای دفترچه کار معتبر رانندگی از طرف سازمان می‌باشند مشمول قانون بیمه اجتماعی رانندگان بوده و مکلفند حق بیمه مربوط را رأساً پرداخت نمایند. تبصره - حق بیمه پرداخت شده بر اساس بارنامه و یا صورت وضعیت مسافری تا تاریخ تصویب این آیین نامه جزو سوابق بیمه ای راننده محسوب می‌شود. ب - رانندگانی که فاقد شرایط بند (الف) این ماده هستند و از تاریخ تصویب این آیین نامه به بعد درخواست صدور دفترچه کار را دارند، باید درخواست کتبی خود را همراه با گواهینامه معتبر رانندگی و سایر مدارک شناسایی به سازمان تامین اجتماعی ارایه نمایند. سازمان تامین اجتماعی پس از انجام معاینات پزشکی و با دریافت وجوهی معادل سه ماه حق بیمه زمان درخواست که جنبه علی الحساب خواهد داشت شماره شناسایی به راننده اختصاص داده و او راجهت دریافت دفترچه کار رانندگی به سازمان معرفی می‌نماید. راننده معرفی شده پس از دریافت دفترچه کار رانندگی معتبر از سازمان و از تاریخ صدور دفترچه مشمول قانون بیمه اجتماعی رانندگان قرار می‌گیرد. تبصره - وجه دریافتی از افراد معرفی شده به سازمان که دفترچه رانندگی از سازمان دریافت نمایند پس از کسر هزینه های اداری قابل استرداد خواهد بود. ماده ۴ - رانندگانی که بر اساس این آیین نامه بیمه شده‌اند، مکلفند شخصا حق بیمه سهم بیمه شده و کارفرما، مربوط

به ماههای آتی را (حداقل حق بیمه سه ماه که بر مبنای دستمزد مقطوع تعیین می‌شود ، حداکثر تا پایان ماه بعد از آخرین ماهی که حق بیمه مربوط قبلا- پرداخت شده‌است ، به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نمایند ، چنانچه حق بیمه مربوط به فاصله زمانی که راننده دارای دفترچه کار معتبر بوده است ظرف مهلت مقرر در این ماده پرداخت نگردد ، اصل حق بیمه و خسارت تاخیر تادیه (متفرعات طبق ماده (۵۰) قانون از وی قابل وصول خواهد بود. ماده ۵- سازمان با اخذ تاییدیه پرداخت حق بیمه از سازمان تامین اجتماعی و پس از احراز شرایط زیر نسبت به صدور تمدید یا تجدید دفترچه کار رانندگی اقدام می‌کند: الف- داشتن گواهینامه معتبر رانندگی متناسب با وسیله نقلیه ب- داشتن حداقل مدرک تحصیلی پایان دوره ابتدایی یا دوره نهضت سوادآموزی پ- داشتن کارت سلامت از مراجع ذی صلاح تبصره- سازمان مکلف است در صورتی که میزان تخلفات راننده از نظر نوع و تعداد از حدمجاز که میزان آن بر اساس دستورالعمل مشترک وزارتخانه های راه و ترابری و کشور (نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود ، تجاوز نماید از تمدید دفترچه کار رانندگی وی برای مدت معین و یا نامحدود خودداری نماید. ماده ۶- شرکتها و موسسات حمل بار و مسافر بین شهری مکلفند از تحویل کالا یا مسافر به راننده فاقد دفترچه کار معتبر خودداری نمایند و در صورت تخلف برای بار اول مکلف به پرداخت معادل ۳ ماه حق بیمه یک راننده به ازای هر بار نامه و یا صورت وضعیت مسافر و در صورت تکرار به پرداخت معادل یکسال حق بیمه یک راننده به سازمان تامین اجتماعی می‌باشند. سازمان تامین اجتماعی حق بیمه مذکور را طبق ماده (۵۰) قانون از شرکتها و موسسات متخلف وصول می‌نماید. ماده ۷- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و پلیس راه مکلفند به هنگام تردد وسایط نقلیه باربری و مسافربری ، دفترچه کار رانندگان را کنترل و در صورت عدم ارایه یا فقدان اعتبار آن طبق ماده (۷) قانون (الزام شرکتها و موسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه - مصوب ۱۳۶۸) برخورد نموده و مشخصات راننده ، بارنامه یا صورت وضعیت و همچنین مشخصات و آدرس شرکت و موسسه حمل و نقل صادر کننده بارنامه یا صورت وضعیت را به اداره تامین اجتماعی محل اعلام نمایند. ماده ۸- رانندگان مشمول قانون به استثنای رانندگان موضوع ماده ۳ این آیین نامه و شاغلان و بازنشستگان وزارتخانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و نیروهای نظامی و انتظامی که مشمول قانون خاص حمایتی هستند از شمول این آیین نامه مستثنا خواهند بود.

آیین نامه اجرایی قانون جلوگیری از تردد موتور سیکلت‌های فاقد شماره راهنمایی و رانندگی - مصوب ۱۳۷۵

فصل اول - نحوه احراز مالکیت و شماره گذاری (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱- در مورد موتور سیکلت هایی که اسناد و مدارک مالکیت آنها (برگ فروش شرکت یا کارخانه سازنده برگ فروش سازمان یا ارگان دولتی و سند رسمی) به نام متصرف نیست و متصرف دسترسی به مالک ندارد و قادر به معرفی وی نمی‌باشد همچنین موتورسیکلت های فاقد مالکیت رسمی ، ضمن بازدید کاردان فنی نظریه اداره آگاهی مبنی بر عدم سابقه سرقت ، نظریه مرجع صادر کننده برگ فروش در مورد اصالت سند ، تعهد در قبال کشف فساد احتمالی که به تایید دفتر اسناد رسمی رسیده باشد اخذ و شماره گذاری با رعایت ضوابط قانونی انجام می‌شود. ماده ۲- در مورد موتور سیکلت هایی که فاقد هرگونه اسناد و مدارک مالکیت می‌باشند، پس از بازدید کاردان فنی نظریه آگاهی مبنی بر عدم سابقه سرقت ، تعهد در قبال کشف فساد احتمالی و ضمانت معتبر که امضای ضامن توسط دفتر اسناد رسمی گواهی شده باشد ، شماره گذاری می‌شود. ماده ۳- موتورسیکلت هایی که متصرفان آنها جهت شماره گذاری مراجعه می نمایند برابر فرم تنظیمی پیوست این آیین نامه در دو نسخه احراز مالکیت شده و شماره گذاری به نام متصرف برابر مقررات انجام می‌شود.

فصل دوم - نحوه نگهداری موتورسیکلت‌های توقیف شده و تعیین تکلیف آنها (ماده ۴ تا ۶)

ماده ۴ - روش اجرایی تبصره یک ماده واحده قانون یاد شده شامل نحوه اقدام مأموران انتظامی ، روش انتقال موتورسیکلت ها به توقفگاه و چگونگی نگهداری مناسب موتورسیکلت های توقیف شده طی دستورالعملی خواهد بود که توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به واحدهای اجرایی ذی ربط ابلاغ خواهد شد ، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران می تواند در صورتی که توقفگاه لازم و مناسب در اختیار نداشته باشد ، باهماهنگی لازم از توقفگاههای شهرداری استفاده نماید. ماده ۵ - متصرفان موتورسیکلت‌هایی که به موجب ماده (۴) این آیین نامه توقیف شده‌اند موظفند حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ توقیف ، با در دست داشتن اسناد و مدارک مربوط به منظور تعیین تکلیف موتورسیکلت های خود به واحد شماره گذاری مراجعه نمایند. ماده ۶ - تکلیف موتورسیکلت‌هایی که در اجرای قانون یاد شده در توقفگاه ها توقیف گردیده و مالکیت آنها به ترتیبی که در مواد (۱) ، (۲) و (۳) این آیین نامه درج گردیده به اثبات نمی‌رسد یا مدعی مالکیت مراجعه نمی‌کند ، پس از انقضای مهلت شش ماه از تاریخ توقیف ضمن هماهنگی با مقامات قضایی مشخص می‌شود.

فصل سوم - وجوه دریافتی از متقاضیان بابت ایجاد تسهیلات لازم و نحوه هزینه آن (ماده ۷ تا ۱۱)

ماده ۷ - در اجرای تبصره (۲) قانون یاد شده جهت شماره گذاری هر دستگاه موتورسیکلت مبلغ پنجاه هزار ریال پس از احراز مالکیت و قبل از شماره گذاری از مالک اخذ و به حساب درآمد عمومی واریز می‌شود. ماده ۸ - به ازای هر روز توقف موتورسیکلت در توقفگاه ، متناسب با عرف روز از مالک یا متصرف آن هزینه نگهداری دریافت و درآمد حاصل شده به مالک حقیقی یا حقوقی توقفگاه تعلق خواهد گرفت ماده ۹ - نقل و انتقال موتورسیکلت قبل از شماره گذاری ممنوع می‌باشد. در صورتی که دفاتر اسناد رسمی مبادرت به نقل و انتقال این قبیل موتورسیکلت ها نمایند با آنها برابر مقررات رفتار خواهد شد. ماده ۱۰ - پس از اقدام به شماره گذاری چنانچه شماره مفقود گردد صدورالمثنی تابع مقررات راجع به صدور شماره المثنی برای خودروها خواهد بود. ماده ۱۱ - هر نوع جعل و تزویر نسبت به اسناد فوق الذکر جعل در اسناد دولتی محسوب و مرتکبین به مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط محکوم خواهند شد.

اصلاح آییننامه اجرایی آموزشگاههای رانندگی - مصوب ۱۳۸۴

نظر به اینکه در آییننامه اجرایی آموزشگاههای رانندگی، موضوع تصویبنامه شماره ۶۵۸۰۶/ت/۳۰۶۰۸ هـ مورخ ۱۵/۱۲/۱۳۸۳ که براساس طرح پیشنهادی تنظیم و ابلاغ گردیده است، بند (۱۰) ماده (۹) و واژه « ناحیه» در بند (ب) ماده (۱) به اشتباه تحریر شده است، لذا مراتب جهت اصلاح اعلام میگردد. دبیر هیأت دولت - عبدالله رمضانزاده

آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی - مصوب ۱۳۸۴

هیئتوزیران در جلسه مورخ ۱۸/۳/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانههای راه و ترابری و کشور و به استناد بند (۴) ماده (۱۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۰ - ، آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی را به شرح زیر تصویب نمود: آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی فصل اول - تعریف‌ها ماده ۱- اصطلاحاتی که در این آیین‌نامه، دستورالعمل‌ها و پیوست‌های مربوط به کار

رفته‌اند، دارای معانی مشروح زیر می‌باشند: ۱- آزادراه: آزادراه به راهی گفته می‌شود که حداقل دارای دو خط اتومبیل‌رو و یک شانه حداقل به عرض سه متر برای هر طرف رفت و برگشت بوده و دو طرف آن به نحوی محصور بوده و در تمام طول آزادراه از هم کاملاً مجزا باشد و ارتباط آنها با هم تنها به وسیله راه‌های فرعی که از زیر یا بالای آزادراه عبور کند تأمین شود و هیچ راه دیگری آن را قطع نکند. ۲- ابطال گواهی‌نامه: سلب اعتبار قانونی گواهی‌نامه رانندگی. ۳- اتومبیل: هر نوع خودرو که لااقل دارای دو چرخ در جلو و دو چرخ دیگر در عقب بوده و برای حمل بار یا انسان به کار رود. ۴- اتومبیل آموزشی: خودرویی است که برای آموزش رانندگی اختصاص داده شده و باید دارای دو پدال کلاچ و دو پدال ترمز، دو آینه، تابلوی ویژه روی سقف و علائم مشخص روی بدنه و متعلق و یا تحت پوشش یکی از آموزشگاه‌های مجاز آموزش رانندگی باشد. ۵- اتومبیل مدارس: خودرویی جمعی است که برای رفت و آمد دانش‌آموزان مدارس اختصاص داده شده است و دارای رنگ و علائم مشخص کننده می‌باشد. ۶- ارتفاع چراغ: فاصله مرکز چراغ خودرو بدون بار یا مسافر تا کف راه. ۷- اعتبار برگ معاینه فنی: زمان درج شده در متن برگ معاینه فنی وسیله نقلیه است. ۸- اوراق کردن وسیله نقلیه: عبارت است از جدا کردن قطعات اصلی وسیله نقلیه، امحای شماره‌های شناسایی (در مورد شاسی به صورت برش) و بریدن سقف یا ستون‌های اتاق و یا پرس اتاق آن و فک و اخذ پلاک‌ها و ابطال اسناد مربوط. ۹- ایستادن: ایست وسیله نقلیه در زمان کوتاه. ۱۰- ایستادن ممنوع (توقف مطلقاً ممنوع): ایست وسیله نقلیه برای هر مدت ممنوع است. ۱۱- بارکش: هر نوع خودرویی که برای حمل بار ساخته شده است و دارای انواع زیر است: الف - کامیون: وسیله نقلیه موتوری باری که قسمت بارگیر آن به صورت پیوسته به کشنده متصل است. کامیون‌ها به طور کلی با وضعیت حداقل دو محور وجود داشته و ظرفیت حمل ۶ تن بار و بیشتر دارند. الف - ۱: کامیون اتاق‌دار: کامیونی که حداکثر ارتفاع دیواره مقاوم اتاق بار آن از کف اتاق ۵/۱ متر باشد. الف - ۲: کامیون لبه‌دار: کامیونی که حداکثر ارتفاع دیواره مقاوم اتاق بار آن از کف اتاق ۸۰ سانتیمتر باشد. الف - ۳: کامیون تیغه‌دار: کامیونی که قسمت بار آن به وسیله تیغه‌ای طولی به دو نیمه مساوی تقسیم شده باشد. الف - ۴: کامیون کفی: کامیونی که قسمت بار آن دیواره نداشته باشد. الف - ۵: کامیون سقف‌دار (مسقف): کامیونی که قسمت بار آن به صورت محفظه سرپوشیده ساخته شده است. الف - ۶: کامیون یخچال‌دار: کامیون سقف‌داری که قسمت بار آن دارای تجهیزات سردکننده باشد. الف - ۷: کامیون تانکر (باری مخزنی): کامیونی که قسمت بار آن به صورت مخزن بسته و برای حمل انواع مایعات ساخته شده است. الف - ۸: کامیون بونکر: کامیونی که قسمت بار آن به صورت مخزن بسته و برای حمل انواع جامدات شکل‌پذیر (فله) ساخته شده است. الف - ۹: کامیون مخلوط‌کن (میکسر): کامیونی که قسمت بار آن به صورت مخزن بسته و دارای دستگاه مخلوط‌کن باشد. الف - ۱۰: کامیون کمپرسی: کامیون اتاق‌داری که تخلیه بار آن به وسیله دستگاه کمپرس انجام می‌شود. الف - ۱۱: کامیونت: به دو صورت زیر وجود دارد: ۱۱ - ۱: خودروی ون باربری: وسیله نقلیه موتوری باری است که اتاق راننده و اتاق بار به صورت دو محفظه جداگانه و بر روی یک شاسی باشد و مجموع وزن وسیله نقلیه و ظرفیت حمل بار آن از ۵/۳ تن تا کمتر از ۵ تن است. ۱۱ - ۲: لوری: وسیله نقلیه موتوری باری است که اتاق راننده و اتاق بار به صورت دو محفظه جداگانه و بر روی یک شاسی باشد و مجموع وزن وسیله نقلیه و ظرفیت حمل بار آن از ۵ تن تا کمتر از ۶ تن است. الف - ۱۲: کشنده: وسیله نقلیه‌ایست که یدک و یا نیمه‌یدک را به دنبال خود کشیده و به حرکت در می‌آورد. الف - ۱۳: وانت دو کابین: وسیله نقلیه موتوری دو منظوره که اتاق راننده و سرنشینان و اتاق بار به صورت دو محفظه جداگانه باشد و برای حمل بار و اشخاص به کار می‌رود. الف - ۱۴: وانت یک کابین: وسیله نقلیه موتوری که اتاق راننده و اتاق بار به صورت دو محفظه جداگانه و بر روی یک شاسی باشد و برای حمل بار ساخته شده و مجموع وزن خودرو و ظرفیت حمل بار آن کمتر از ۵/۳ تن است. ب - تریلر (یدک): عبارت از وسیله نقلیه است که با یک وسیله نقلیه موتوری کشیده می‌شود. پ - نیمه تریلر (نیمه یدک): عبارت از یدکی است که به یک وسیله نقلیه دیگر بهطوری متصل می‌گردد که بخشی از وزن بار آن به وسیله کامیون یا کامیون‌های کشنده حمل می‌شود. ۱۲ - برگ یا برجسب معاینه فنی:

گواهی انجام معاینه فنی که از سوی ستادهای معاینه فنی خودرو یا مراکز فنی مجاز صادر و برگه به درخواست کننده تحویل و برچسب به سمت راست شیشه جلو الصاق می گردد. ۱۳ - بزرگراه: راهی است که حداقل دارای دو خط عبور در هر طرف بوده و ترافیک دو طرف آن به وسیله موانع فیزیکی از هم جدا شده باشد و به طور معمول دارای تقاطع‌های غیرهمسطح است. بزرگراه می تواند تعداد معدودی تقاطع همسطح کنترل شده داشته باشد. ۱۴ - پلاک: قطعه فلزی است با ابعاد، طرح و رنگ‌های زمینه مختلف که شماره روی آن حک می شود و انواع آن عبارتند از: شخصی، دولتی، عمومی، سیاسی، سرویس، کنسولی، نظامی - انتظامی، تعمیری، گذر موقت، بین‌المللی، ترانزیت، کشاورزی - عمرانی و ویژه. ۱۵ - پلاک غیرمجاز: پلاک‌های غیرمجاز عبارتند از: الف - پلاکی که به موجب آگهی قبلی معاونت راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، که از این پس در این آیین‌نامه به اختصار راهنمایی و رانندگی گفته می شود، باید تجدید گردد. ب - پلاکی که در کشور خارجی روی وسیله نقلیه نصب شده و پس از ورود به ایران با وجود سپری شدن مدت اعتبار آن تعویض نشده باشد. پ - پلاک بین‌المللی که برای مسافرت با اتومبیل به خارج از کشور از سوی راهنمایی و رانندگی صادر و به اتومبیل‌های پلاک داخلی داده می شود و استفاده از آن در کشور ممنوع است. ت - پلاک‌کی که اشخاص در ارقام و مشخصات اولیه آن تغییر ایجاد کنند و یا پلاک وسیله نقلیه دیگری به یک وسیله نقلیه الصاق گردد و یا برای آن پلاک تقلبی به کار برده شود. ث - پلاک دست ساز و دست نوشته‌ای که بدون مجوز راهنمایی و رانندگی به کار برده می شود. ج - پلاک خودرویی که با اعلام مراجع صلاحیت‌دار فرسوده اعلام می شود. ۱۶ - پلیس راه: واحدهایی از راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که نظارت و کنترل بر اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی در جاده‌های کشور دارند. ۱۷ - پلیس مدرسه: دانش آموز آموزش دیده‌ای که با لباس ویژه و تجهیزات تعیین شده از طرف مسئولین مدرسه برای عبور ایمن دانش آموزان از عرض سواره‌رو راه‌ها مأمور می گردد. ۱۸ - پیاده: شخصی غیرسوار که بدون استفاده از هیچ نوع وسیله نقلیه موتوری یا غیرموتوری حرکت می نماید و یا مبادرت به جابه‌جایی کالسکه، چرخ دستی، جامه‌دان، سبدهای چرخدار و مانند آن می نماید. ۱۹ - پیاده‌رو: بخشی جدا شده از خیابان که در امتداد آن واقع شده و برای عبور و مرور پیادگان اختصاص یافته است. ۲۰ - پیچ (قوس افقی): انحراف مستقیم راه در سطح افق. ۲۱ - ترافیک (شد آمد): آمد و شد وسایل نقلیه و اشخاص و حیوانات در راه‌ها. ۲۲ - تراموا (قطار خیابانی): قطاری شهری است که به طور معمول در خطوط ریلی واقع در سطح سواره‌رو وسایل نقلیه دیگر حرکت می نماید. ۲۳ - تقاطع: محدوده‌ای است که در آن دو یا چند مسیر به صورت همسطح یا غیرهمسطح با یکدیگر تلاقی می کنند. ۲۴ - توقف: ایست وسیله نقلیه در زمان طولانی بدون حضور راننده. ۲۵ - توقف سنج (پارکومتر): دستگاهی است که با انداختن سکه یا پرداخت حق توقف، استفاده از کارت‌های اعتباری یا روش‌های دیگر، اجازه توقف را در زمان معین به خودرو می دهد. ۲۶ - توقف ممنوع (پارکینگ ممنوع): توقف وسیله نقلیه ممنوع است، جز برای سوار و پیاده کردن، مشروط به استقرار راننده در پشت فرمان. ۲۷ - توقیف گواهی‌نامه رانندگی: اخذ و ضبط گواهی‌نامه رانندگی و محروم نمودن موقت دارنده از مزایای قانونی آن. ۲۸ - جاده: راه خارج از شهر برای عبور و مرور. ۲۹ - جاده اصلی: راهی است که در برخورد با راه دیگر به طور معمول عریض تر است و با نصب علائم راهنمایی و رانندگی، اصلی تلقی می گردد. ۳۰ - جاده خصوصی: راهی که اشخاص یا مؤسسات برای کاربرد شخصی ساخته‌اند و استفاده دیگران از آن منوط به اجازه مالک است. ۳۱ - جاده فرعی: راهی که از راه اصلی منشعب شده و یا به آن می‌پیوندد و به طور معمول کم عرض تر است و با نصب علائم راهنمایی و رانندگی، فرعی تلقی می شود. ۳۲ - چراغ توقف (چراغ ترمز): عبارت از چراغ‌هایی است که هنگام به کار بردن ترمز پایی برای کاهش سرعت یا توقف به کار می رود تا توجه لازم را به استفاده کنندگان از راه در پشت سر وسیله نقلیه بدهد. ۳۳ - چراغ جانبی جلو (چراغ‌های کوچک جلو): عبارت از چراغ‌هایی است که حضور وسیله نقلیه و عرض آن را از سمت جلو نشان می دهد. ۳۴ - چراغ جانبی عقب (چراغ‌های کوچک عقب): عبارت از چراغ‌هایی است که حضور وسیله نقلیه و عرض آن را از سمت عقب نشان می دهد. ۳۵ - چراغ

جانبی وسایل نقلیه طویل: عبارت از چراغ‌هایی است که در امتداد طول وسایل نقلیه طویل به کار می‌رود تا رانندگان وسایل نقلیه دیگر قادر به تشخیص طول آن شوند. این چراغ‌ها برای هر دو طرف در نظر گرفته شده و در قسمت عقب قرمز رنگ و در قسمت جلو زرد رنگ می‌باشند و در حدود هر ۳ متر از طول وسیله نقلیه نصب می‌شوند. ۳۶- چراغ دنده عقب: عبارت از چراغی است که راننده وسیله نقلیه به کار می‌برد تا راه را به طرف عقب وسیله نقلیه روشن کرده و به این ترتیب به دیگر استفاده‌کنندگان از راه اخطار نماید که وسیله نقلیه در حال راندن به عقب بوده و یا می‌خواهد به عقب براند. ۳۷- چراغ رانندگی (نوربالا): عبارتست از چراغ‌هایی که جلوی وسیله نقلیه را تا فاصله دور روشن می‌کند. ۳۸- چراغ راهنما: عبارت از چراغی است که راننده وسیله نقلیه به کار می‌برد تا به دیگر استفاده‌کنندگان از راه اخطار نماید که راننده قصد تغییر جهت به راست و یا چپ، گردش و یا توقف را دارد. ۳۹- چراغ عبور (نور پایین): عبارتست از چراغ‌هایی که جلو وسیله نقلیه را در فاصله نزدیک روشن می‌کند و موجب خیره شدن چشم یا ناراحتی رانندگانی که از طرف مقابل می‌آیند و دیگر استفاده‌کنندگان از راه نخواهد شد. ۴۰- چراغ مه: عبارت از چراغی است که در اتومبیل نصب شده و برای بهتر دیدن راه در هنگام مه و برف و باران سیل آسا و گرد و غبار و مانند آن به کار می‌رود. ۴۱- چرخ فلزی: چرخ‌هایی است که محل تماس آن با سطح زمین فلزی باشد. ۴۲- حریم تقاطع: محدوده‌ای است در تقاطع راه‌ها که به منظور سهولت حرکت و ایمنی تردد اختصاص می‌یابد. ۴۳- حق تقدم عبور: اولویت حق عبور وسیله نقلیه‌ای نسبت به وسایل نقلیه دیگر یا نسبت به پیادگان و بالعکس. ۴۴- خط ایست: خط‌کشی عرضی است که در ورودی تقاطع و به منظور تعیین مرز توقف وسایل نقلیه پیش از گذرگاه پیاده بر سطح راه ترسیم می‌شود. ۴۵- خط تغییر سرعت: نوعی خط عبور که خودروهای ورودی به مسیر اصلی یا خروجی از آن می‌توانند در طول آن، سرعت خود را برای همگرایی و یا واگرایی با جریان ترافیک افزایش یا کاهش دهند. ۴۶- خط عبور: بخشی از سواره‌رو است که در طول مسیر، به عبور یک ستون وسیله نقلیه اختصاص یافته و با خط‌کشی حدود آن مشخص می‌گردد. یک راه می‌تواند در هر جهت یک یا چند خط عبور داشته که این خط‌های عبور از سمت راست به چپ از شماره یک به بالا شماره‌گذاری می‌شوند. ۴۷- خط عبور دوچرخه: عبارتست از مسیر ویژه دوچرخه در سطح معابر که با تابلو، خط‌کشی و یا رنگ حدود آن مشخص می‌گردد. ۴۸- خط کمکی: خط عبوری است که به منظور تغییر سرعت، انجام حرکات گردش و یا افزایش ظرفیت راه، در کنار خط عبور ایجاد می‌شود. ۴۹- خط ویژه: مسیری است که به وسیله خط‌کشی با رنگ متفاوت از خطوط دیگر و یا علائم و یا موانعی از بقیه مسیرها مشخص گردیده و برای عبور و مرور یک یا چند نوع وسیله نقلیه اختصاص دارد. ۵۰- خم (قوس عمودی): انحراف مسیر مستقیم راه در سطح قائم. ۵۱- خودرو: هر نوع وسیله نقلیه قابل حرکت در راه‌ها که نیروی محرکه آن از موتور باشد، به استثنای وسایل نقلیه ریل‌رو و عبارتند از: الف- سواری: خودرویی است که برای حمل انسان ساخته شده و ظرفیت آن با راننده حداکثر ۶ نفر است. ب- سواری استیشن (سفری): نوعی خودرو سواری است که فضای بار با فضای سرنشین یکسره باشد و ظرفیت آن با راننده حداقل ۷ و حداکثر ۹ نفر است. پ- سواری کار: اتومبیلی است دو دیفرانسیل کمک‌دار با اتاق جدا از شاسی یا اتومبیلی که ظرفیت آن با راننده بین ۱۰ تا ۱۵ نفر باشد. ت- اتوبوس: هر نوع وسیله نقلیه موتوری مسافربری که ظرفیت آن با راننده و کمک‌راننده ۲۷ نفر یا بیشتر باشد. ث- اتوبوس برقی: اتوبوسی که نیروی محرکه آن به وسیله باتری یا نیروی برق تامین می‌شود. ج- اتوبوس دو طبقه: وسیله نقلیه موتوری مسافربری که قسمت حمل مسافر آن در دو طبقه جداگانه روی هم و با یک سازه مشترک بوده و ظرفیت آن با راننده حداقل ۲۷ نفر است. چ- مینی‌بوس: خودروی مسافربری است که ظرفیت آن با راننده بین ۱۶ تا ۲۶ نفر می‌باشد. ح- تراکتور: نوعی خودرو است که برای کارهای کشاورزی، صنعتی و عمرانی مانند شخم‌زدن، حفاری، بارگیری و کشیدن دنباله‌بند و غیره به کار می‌رود. ۵۲- خیابان: راه عبور و مرور در محل سکونت و فعالیت مردم که عرض آن بیش از ۶ متر باشد. ۵۳- خیابان اصلی: راهی است که در برخورد با راه‌های دیگر عرض سواره روی آن بیشتر است و یا با نصب علائم راهنمایی و رانندگی، اصلی تلقی شده و در غیر این صورت در سمت راست راه

دیگر قرار دارد. ۵۴- خیابان فرعی: راهی است که در برخورد با راه‌های دیگر، عرض سواره روی آن کمتر است و یا با نصب علائم راهنمایی و رانندگی، فرعی تلقی شده و در غیر این صورت در سمت چپ راه دیگر قرار گرفته باشد. ۵۵- دستگاه تهویه: به دستگاه‌هایی اعم از پنکه، کولر و یا بخاری گفته می‌شود که هوای درون وسیله نقلیه را جابه‌جا و یا دمای آن را کاهش یا افزایش دهد. ۵۶- راننده: کسی که هدایت وسیله نقلیه موتوری و غیرموتوری و همچنین حرکت دادن حیوانات را به صورت واحد یا گله و رمه برعهده داشته باشد. ۵۷- راه: عبارتست از تمامی سطح خیابان، جاده، کوچه و کلیه معابری که برای عبور و مرور عموم اختصاص داده می‌شود. ۵۸- راه آهن: ریل‌های آهنی موازی ثابتی که قطار و وسایل نقلیه ریلی دیگر بر روی آن حرکت می‌کنند. ۵۹- راه عمومی: به راه‌هایی گفته می‌شود که برای عبور و مرور عموم مورد استفاده قرار می‌گیرد. ۶۰- روز: از طلوع تا غروب آفتاب. ۶۱- سازنده وسایل نقلیه: شخص یا مؤسسه یا کارخانه‌ای که وسایل نقلیه‌ای را که مطابق آیین‌نامه باید شماره گذاری شود می‌سازد، یا قطعات ساخته شده آنها را سوار (مونتاژ) می‌نماید. ۶۲- ستاد معاینه فنی: تشکیلات متمرکز برای برنامه ریزی، هدایت، نظارت و کنترل فعالیت مراکز فنی معاینه خودرو و مراکز معاینه فنی مجاز که از سوی شهرداری‌ها و سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای ایجاد می‌گردد. ۶۳- سطح روشن: در مورد چراغ‌ها عبارت از سطح قابل دیدی است که نور از آن منتشر می‌شود و در مورد منعکس کننده نور عبارت از سطح قابل دیدی است که نور را منعکس می‌کند. ۶۴- شانه راه: بخشی از بدنه راه است که در دو طرف خط‌های عبور رفت و برگشت قرار داشته و برای توقف اضطراری وسایل نقلیه به کار می‌رود. ۶۵- شب: از غروب تا طلوع آفتاب. ۶۶- شماره وسیله نقلیه: عدد یک یا چند رقمی و حروفی که از طرف راهنمایی و رانندگی روی پلاک‌های ویژه منقوش و در عقب و جلوی وسیله نقلیه نصب می‌شود. ۶۷- شناسنامه خودرو: سندی است که مشخصات خودرو، مالک و نشانی کامل محل سکونت وی و تاریخ انتقالات و تغییرات انجام شده از سوی راهنمایی و رانندگی در آن درج و به آخرین مالک تسلیم می‌گردد. ۶۸- شیب (سربالایی - سرازیری): تغییر تدریجی ارتفاع سطح تمام شده راه در امتداد طولی مسیر. ۶۹- ظرفیت وسیله نقلیه: وزن بار یا تعداد مسافری که از طرف کارخانه سازنده با تأیید وزارت صنایع و معادن برای وسیله نقلیه تعیین گردیده است. ۷۰- علائم: هر نوع علامت عمودی و افقی مانند تابلو، چراغ راهنمایی و رانندگی، خط‌کشی، نوشته و ترسیم، و همچنین تجهیزات هدایت کننده، سوت و حرکت دست و غیره که به وسیله مقامات صلاحیت‌دار برای کنترل و تنظیم عبور و مرور تعیین و به کار برده می‌شود. ۷۱- قطار شهری: نوعی وسیله حمل و نقل عمومی است که در شهرها و حومه به جابه‌جایی مسافر پرداخته و به طور معمول با چرخ‌های فلزی بر روی ریل حرکت می‌کند. ۷۲- قطعات و قسمت‌های اصلی: کلیه قسمت‌های اساسی وسیله نقلیه شامل محور، موتور، شاسی، اتاق و رنگ که تعویض آنها باعث تغییر مشخصات اساسی وسیله نقلیه می‌گردد. ۷۳- کارت پارک: کارت یا برگه‌ای است که با پرداخت پول تهیه می‌گردد و به وسیله آن اجازه توقف در مکان و زمان معین به خودرو داده می‌شود. ۷۴- کارت شناسایی خودرو: کارتی که مشخصات مالک و وسیله نقلیه شماره گذاری شده در آن ثبت و از سوی راهنمایی و رانندگی صادر و به مالک وسیله نقلیه تسلیم می‌گردد. ۷۵- کاروان: کاروان یا خانه سیار وسیله نقلیه غیرموتوری است که برای سکونت و یا کار استفاده شده و عرض آن از ۶/۲ متر و طول آن از ۱۲ متر بیشتر نباشد. ۷۶- کلاه ایمنی: کلاهی است که راننده و سرنشین موتورسیکلت‌ها آن را برای محافظت سر خود در برابر ضربات احتمالی ناشی از بروز سوانح به کار می‌برند. ۷۷- کمربند ایمنی: تسمه‌ای که نیم‌تنه بالای راننده و هر یک از سرنشینان را تحت کنترل و مهار ایمن خود قرار می‌دهد تا در هنگام ضرورت، همچون کاهش ناگهانی سرعت یا توقف آنی خودرو که ممکن است ناشی از ترمز یا برخورد با جسم دیگر یا حوادث دیگر باشد، مانع از جدا شدن سرنشینان و راننده از صندلی خود و اصابت به شیشه جلو یا دیگر قسمت‌های درونی و یا پرتاب شدن به بیرون خودرو شود و حداقل دارای دو نقطه اتکا باشد. ۷۸- کوچه: راهی در مناطق مسکونی که عرض آن حداکثر ۶ متر باشد. ۷۹- گذرگاه پیاده: گذرگاهی در تقاطع راه‌ها، امتداد پیاده‌روها، سواره‌روها، روگذرها یا زیرگذرها یا هر محل دیگری از سواره‌رو که به وسیله خط‌کشی یا میخکوبی یا

علایم دیگر، برای عبور پیادگان اختصاص داده شده است. ۸۰- گواهی‌نامه بین‌المللی رانندگی: گواهی‌نامه‌ای است که به اعتبار گواهی‌نامه داخلی طبق مفاد قانون الحاق ایران به کنوانسیون عبور و مرور در جاده‌ها و کنوانسیون مربوط به علایم راهها - مصوب ۱۳۵۴ - توسط راهنمایی و رانندگی صادر می‌گردد و مدت اعتبار آن یک سال می‌باشد. ۸۱- گواهی‌نامه رانندگی (پروانه رانندگی): اجازه‌نامه برای رانندگی وسایل نقلیه که از طرف راهنمایی و رانندگی به نام افراد صادر می‌شود. ۸۲- مجوز رانندگی با وسایل نقلیه عمومی: اعم است از پروانه تاکسیرانی، بهره‌برداری، کارت و یا دفترچه کار (برگ فعالیت) که از طرف مراجع صلاحیت‌دار به نام اشخاص صادر و اجازه رانندگی با وسایل نقلیه عمومی را به آنان می‌دهد. ۸۳- مرجع صلاحیت‌دار: وزارتخانه، سازمان، نهاد و دیگر دستگاههای مسئول که به موجب قانون و یا تصویب هیئت وزیران در موردی خاص وظایف و مسئولیت‌هایی به‌عهده آنها گذاشته شده است. ۸۴- مراکز فنی مجاز: مراکزی که به وسیله اشخاص حقیقی یا حقوقی با رعایت ضوابط و مقررات ستاد معاینه فنی وابسته به شهرداری و یا سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای، حسب مورد برای انجام معاینه فنی وسایل نقلیه درون شهری و برون‌شهری ایجاد می‌گردد. ۸۵- راههای شریانی درجه یک: معابری هستند که در طراحی و بهره‌برداری از آنها به جابه‌جایی وسایل نقلیه موتوری برتری داده می‌شود. این معابر ارتباط با راه‌های برون شهری را تأمین می‌نمایند. راه‌های شریانی درجه یک براساس نحوه کنترل دسترسی تقاطع‌ها به دو گروه آزادراه و بزرگراه تقسیم می‌گردند که ضوابط اجرایی آنها را شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور تعیین می‌نماید. ۸۶- راههای شریانی درجه دو: معابری هستند که در طراحی و بهره‌برداری از آنها به جابه‌جایی و دسترسی وسایل نقلیه موتوری برتری داده می‌شود. برای رعایت این برتری حرکت پیادگان از عرض خیابان کنترل می‌شود. راههای شریانی درجه دو شبکه اصلی راه‌های شهری را تشکیل می‌دهند که ضوابط اجرایی آنها را شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور تعیین می‌نماید و عبارتند از: الف - شریانی اصلی: راهی است که ارتباط بین خیابان‌های جمع و پخش‌کننده و بزرگراه‌ها را برقرار می‌کند. در این معابر فاصله‌های بین تقاطع‌ها نسبت به بزرگراه‌ها کمتر است. ب - شریانی فرعی (خیابان جمع و پخش‌کننده): راهی است که ارتباط بین خیابان‌های محلی و خیابان‌های شریانی اصلی را برقرار می‌کنند. در این خیابان‌ها محل عبور عابران پیاده از عرض خیابان باید مشخص باشد. ۸۷- راههای محلی: راه‌هایی هستند که در طراحی و بهره‌برداری از آنها نیازهای وسایل نقلیه و عابران پیاده، با اهمیت یکسان در نظر گرفته می‌شود و ارتباط بین کوچه‌ها و خیابان‌های شریانی فرعی را برقرار می‌کنند. ۸۸- معاینه فنی: بازدید ظاهری و آزمایش‌های فنی برای تشخیص اصالت خودرو و سنجش میزان سلامت فنی، ایمنی و زیست محیطی وسیله نقلیه. ۸۹- منطقه ممنوعه: منطقه و محلی که آمد و شد وسایل نقلیه در آنها به وسیله علایم خاص و یا اعلام قبلی مراجع صلاحیت‌دار ممنوع شده باشد. ۹۰- منعکس‌کننده نور: عبارت از بازتاب‌کننده‌ای است که حضور وسیله نقلیه را از طریق انعکاس نوری که از چراغ وسیله نقلیه دیگر به آن تابیده می‌شود و یا از طریق انعکاس نور محیط، اعلام می‌دارد. ۹۱- مواد خطرناک: هر نوع مواد رادیو اکتیو، منفجره، محترقه، مایعات و جامدات آتش‌زا یا سمی و یا اسیدی، گازهای فشرده، زباله ویژه و فاضلاب و مانند آن. ۹۲- موتورسیکلت: وسیله نقلیه‌ای برای حمل انسان که دارای دو یا سه چرخ با اتاقک پهلوی (سایدکار) یا بدون آن و مجهز به یک موتور محرکه باشد. ۹۳- موتورسیکلت گازی (موتور گازی): موتورسیکلتی است که هم دارای موتور و هم دارای ادوات پایینی برای رانندگی باشد. ۹۴- نقص فنی: هر نوع نقصان یا تغییر در وضعیت ظاهری و فنی وسیله نقلیه که موجب کاهش ضریب ایمنی در رانندگی و یا افزایش بیش از حد مجاز گازهای آلاینده هوا و یا آلودگی بیش از حد مجاز صدا گردد. ۹۵- واحد انتظامی: منظور واحدهای نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که به صورت پاسگاه‌ها و کلانتری‌ها در نقاط مختلف کشور مستقر هستند. ۹۶- وزن با بار: وزن وسیله نقلیه به اضافه وزن بار آن. ۹۷- وزن بارگیری شده: عبارت است از مجموع وزن مسافران و کارکنان و محمولات. ۹۸- وزن بدون بار: عبارت است از وزن وسیله نقلیه بدون راننده و مسافر و بار ولی با مخزن پر از سوخت و با ابزار و آلانی که به طور معمول وسیله نقلیه همراه دارد. ۹۹- وسیله

نقلیه: وسایل موتوری و غیرموتوری و موتورسیکلت که برای جابجایی انسان و کالا- در راه به کار می‌رود. ۱۰۰- وسیله نقلیه امدادی: وسیله ویژه خدمات انتظامی، ترافیکی، پزشکی، آتش‌نشانی و امداد اضطراری آب، برق و گاز که به وسیله راهنمایی و رانندگی تعیین و با علایم ویژه مشخص می‌شود. ۱۰۱- وسیله نقلیه طویل (Long Vehicle): وسیله نقلیه‌ای است که طول آن بیش از ۵/۱۲ متر باشد. ۱۰۲- وسیله نقلیه عمرانی: وسیله نقلیه موتوری است که ویژه انجام کارهای فنی، عمرانی و مانند آن می‌باشد و شامل بلدوزر، گریدر، غلطک، اسکرپر (زمین تراش) و غیره است. ۱۰۳- وسیله نقلیه غیرموتوری: هر نوع وسیله نقلیه‌ای که نیروی محرکه آن از موتور نباشد. ۱۰۴- وسیله نقلیه فوق سنگین: انواع خودرو و ادوات مربوط است که توانایی حمل محمولات وزین با وزن ناخالص بالاتر از ۴۰ تن و حجیم با ابعاد مازاد بر اندازه‌های زیر را داشته باشد: طول ۵/۱۶ متر، عرض ۶/۲ متر و ارتفاع ۵/۴ متر. ۱۰۵- وسیله نقلیه کشاورزی: به وسایل نقلیه موتوری گفته می‌شود که علاوه بر حمل و نقل خود، ادوات دیگر و دنباله بندهای کشاورزی را نیز جابه‌جا نموده و یا از نیروی محرکه تولیدی آنها برای انجام عملیات مختلف کشاورزی استفاده می‌شود و شامل انواع تراکتور، کمباین، تیلر و ماشین‌های خودکششی دیگر در بخش کشاورزی است. ۱۰۶- وسیله نقلیه مرکب: عبارت است از چند وسیله نقلیه متصل به هم که به عنوان واحد در راه حرکت کنند. ۱۰۷- وسیله نقلیه مفصل‌دار: وسیله نقلیه‌ای است که شامل یک کشنده و یا وسیله نقلیه موتوری و یک نیمه یدک متصل به آن باشد که با بار یا محفظه حمل مسافر دارای عرض حداکثر ۶/۲ متر، طول حداکثر ۳۵/۱۸ متر، ارتفاع حداکثر ۵/۴ متر و وزن حداکثر ۴۰ تن است. ۱۰۸- وسیله نقلیه موتوری: هر نوع وسیله نقلیه‌ای که دارای حداقل یک چرخ در جلو و دو چرخ در عقب بوده و دارای موتور و سامانه انتقال قدرت است و برای حمل بار یا انسان به کار می‌رود که به آن خودرو نیز گفته می‌شود. فصل دوم- شماره گذاری ماده ۲- هر وسیله نقلیه موتوری و غیرموتوری و یدک متصل که در راه حرکت می‌کند و همچنین وسایل نقلیه موتوری ویژه کشاورزی، صنعتی و عمرانی باید دارای شماره باشند. رانندگی با وسایل نقلیه‌ای که شماره یا پلاک نداشته یا دارای شماره و یا پلاک غیرمجاز باشند، ممنوع است، مگر این که پیشتر مجوز حرکت از راهنمایی و رانندگی دریافت کرده و همراه داشته باشند. مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه از تردد خودروهای متخلف از این ماده، تا انجام شماره گذاری جلوگیری به عمل خواهند آورد. تبصره ۱- تا زمانی که انجام عملیات شماره گذاری وسایل نقلیه کشاورزی، صنعتی و عمرانی به طور کامل از سوی راهنمایی و رانندگی صورت پذیرفته است و پس از آن، تردد این وسایل براساس دستورالعملی که به تأیید وزارتخانه‌های کشور و راه و ترابری می‌رسد، انجام خواهد شد. تبصره ۲- خودروها و موتورسیکلت‌ها و دوچرخه‌های ساخت داخل و وارداتی از نظر ایمنی و کیفیت باید استانداردهای مصوب مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران را دارا باشند و به علاوه از نظر آلودگی‌های زیست محیطی، استانداردهای مصوب شورای عالی حفاظت محیط زیست را رعایت نموده باشند. تبصره ۳- تشخیص انواع وسایل نقلیه غیرموتوری که باید شماره گذاری شوند با راهنمایی و رانندگی است، مگر در مواردی که قانون خاصی وجود داشته باشد. ماده ۳- مالک وسیله نقلیه موضوع ماده قبل مکلف است خود و یا به وسیله نماینده قانونی خود، با مراجعه به نزدیکترین واحد شماره گذاری یا مرکزی که به همین منظور تعیین و اعلام می‌گردد، مدارک لازم را ارائه نماید. واحد شماره گذاری پس از بررسی آنها، اقدام به تخصیص پلاک به شخص و تحویل آن می‌نماید. نصب پلاک با نظارت نماینده راهنمایی و رانندگی صورت می‌پذیرد. چگونگی انجام شماره گذاری شامل مدارک مورد نیاز و خدمات پس از شماره گذاری و عوارض و مالیات مصوب و مانند آنها در دستورالعمل مربوط از سوی راهنمایی و رانندگی مشخص و اعلام خواهد شد. تبصره ۱- انواع پلاک‌ها و ابعاد و رنگ‌های آنها برای وسایل نقلیه مختلف در دستورالعمل یاد شده مشخص می‌گردد. تبصره ۲- هرگاه اشخاص دیگری در مالکیت وسیله نقلیه شریک بوده و یا نسبت به آن حق عینی داشته باشند، نام و نشانی دقیق آنان نیز باید در درخواست قید شود. ماده ۴- در موارد زیر راهنمایی و رانندگی از انجام عمل شماره گذاری خودداری می‌نماید: الف- در صورتی که مفاد تبصره (۲) ماده (۲) رعایت نشده باشد و یا اصالت وسیله نقلیه هنگام

بازدید به وسیله مأموران مربوط تأیید نگردد. ب - چنانچه مشخصات وسیله نقلیه با آنچه در اسناد مربوط ذکر شده مطابقت نداشته باشد. پ - اگر تخصیص شماره به نام مالک به دلایل قانونی ممنوع باشد. ت - چنانچه وسیله نقلیه، علائم و تجهیزات پیش‌بینی شده در این آیین‌نامه را نداشته باشد. ث - هرگاه حقوق دولتی و عوارضی که به طور قانونی به وسیله نقلیه تعلق گرفته پرداخت نشده باشد. ج - در صورت نداشتن برگ معاینه فنی به استثنای وسایل نقلیه‌ای که از تاریخ ساخت آنها دو سال سپری نشده است. ماده ۵ - به هنگام نقل و انتقال مالکیت، اوراق شدن و یا از بین رفتن وسیله نقلیه، پلاک‌ها در واحد شماره‌گذاری یا مراکز مجاز از روی وسیله نقلیه فک و نزد راهنمایی و رانندگی نگهداری می‌شود. تبصره - در صورت خرید خودرو، صاحب پلاک‌ها یا نماینده قانونی وی باید برای دریافت مجوز نصب پلاک بر روی وسیله نقلیه خریداری شده به واحد شماره‌گذاری یا مراکز مجاز مراجعه نماید. ماده ۶ - اشخاص حقیقی یا حقوقی دارنده پلاک، مکلفند پس از گذشت حداکثر ده روز از زمان تغییر محل اقامت یا فعالیت، نشانی و کدپستی خود را به طور کتبی به نزدیکترین واحد شماره‌گذاری اعلام نمایند. مسئولیت‌های قانونی مربوط به اطلاع ندادن تغییر محل اقامت یا مرکز فعالیت به عهده مالک یا نماینده قانونی وی خواهد بود. ماده ۷ - در صورتی که وسیله نقلیه از سوی مراجع صلاحیت‌دار توقیف، تملیک، ضبط یا مصادره شود، باید مراتب حداکثر ظرف پانزده روز از سوی مرجع مربوط و یا منتقل‌آیه یا نماینده قانونی وی به واحد شماره‌گذاری محل اعلام گردد. ماده ۸ - چنانچه پلاک به نام شخص حقوقی باشد، مدیر مربوط مکلف است حداکثر ظرف ۴۸ ساعت پس از تاریخ درج آگهی انحلال در روزنامه، مراتب را به نزدیکترین واحد شماره‌گذاری به طور کتبی اعلام نماید. ماده ۹ - در صورت فوت یا محجور شدن مالک وسیله نقلیه، بر حسب مورد، نماینده قانونی وراثت با ارائه گواهی تسلیم دادخواست حصر وراثت به دادگاه، و یا وصی و یا قیم مکلف است حداکثر ظرف مدت دو ماه از تاریخ فوت یا حجر به نزدیکترین واحد شماره‌گذاری برای اعلام استفاده‌کننده مجاز از وسیله نقلیه مراجعه نماید. ماده ۱۰ - اشخاص مندرج در مواد (۸ و ۹) فوق مکلفند حداکثر ظرف مدت شش ماه، برای معرفی مالک و یا متصرف قانونی جدید وسیله نقلیه، به منظور تغییر مالکیت و ثبت آن، به راهنمایی و رانندگی مراجعه نمایند. مراجعه نکردن در مهلت مقرر و سپری شدن مدت یادشده موجب خواهد شد پلاک‌های وسیله نقلیه از درجه اعتبار ساقط و غیرمجاز تلقی شود. ماده ۱۱ - سازمان ثبت احوال کشور موظف است از طریق شبکه رایانه‌ای، اطلاعات فوت‌شدگان را حداکثر ظرف مدت یک هفته از تاریخ فوت در اختیار راهنمایی و رانندگی محل قراردهد. ماده ۱۲ - نصب پلاک بر روی وسیله نقلیه به طریق زیر انجام می‌گیرد: الف - برای وسایل نقلیه سه چرخ یا بیشتر با وزن خالی بیش از ۴۰۰ کیلوگرم، یک پلاک در جلو و پلاک دیگر در عقب آن نصب می‌شود. ب - بر روی وسایل نقلیه دو چرخ تنها یک پلاک، آن هم در عقب وسیله نقلیه نصب می‌گردد. پ - بر روی یدک‌ها و نیمه‌یدک‌ها یک پلاک در عقب نصب می‌گردد. ت - پلاک یا پلاک‌ها باید در محل تعیین شده نصب شوند. ماده ۱۳ - به همراه یک زوج پلاک، پلاک سوم وسیله نقلیه نیز به صورت برچسب از سوی راهنمایی و رانندگی یا اشخاص مورد تأیید او صادر و بر روی شیشه جلو یا عقب وسیله نقلیه نصب می‌گردد. این برچسب دارای اطلاعات شماره پلاک، تاریخ سپری شدن اعتبار پلاک، کد واحد شماره‌گذاری و شماره شناسایی وسیله نقلیه (Vehicle Identification Number - Vin) می‌باشد. پلاک سوم با هر بار تمدید اعتبار پلاک، نقل و انتقال مالکیت و تعویض قطعات اصلی و رنگ وسیله نقلیه با اطلاعات جدید تولید و جایگزین پلاک سوم پیشین خواهد شد. زمان اجرای این ماده را راهنمایی و رانندگی تعیین می‌نماید. ماده ۱۴ - در صورت مفقود شدن و یا سرقت پلاک، شماره پلاک یادشده از فهرست پلاک‌های فعال خارج و در فهرست پلاک‌های سرقتی و مفقودشده قرار داده خواهد شد. تخصیص پلاک جدید به مالک وسیله نقلیه پس از سیر مراحل موضوع دستورالعمل ماده (۳) این آیین‌نامه صورت خواهد گرفت. تبصره - برای پلاک‌کی که زایل می‌شود، بنا به درخواست مالک و با مراجعه به واحد شماره‌گذاری براساس دستورالعمل یادشده پلاک جدید صادر می‌شود. ماده ۱۵ - راهنمایی و رانندگی پس از تخصیص شماره پلاک به مالک وسیله نقلیه و ورود اطلاعات مالک (شماره ملی) و وسیله نقلیه به

سامانه، کارت مشخصات و شناسنامه مالکیت وسیله نقلیه را صادر و بر حسب مورد، به نشانی (کدپستی) مالک ارسال و یا به وی تسلیم می‌نماید. ماده ۱۶- هرگاه پلاک، کارت مشخصات یا شناسنامه مالکیت وسیله نقلیه مفقود و یا از بین برود مالک یا نماینده قانونی وی مکلف است مراتب را حداکثر ظرف (۴۸) ساعت به واحد شماره گذاری راهنمایی و رانندگی و یا مراکز مجاز اعلام کند و اقدام به دریافت پلاک جدید، کارت مشخصات یا شناسنامه مالکیت المثنی نماید. ماده ۱۷- سازندگان و فروشندگان وسایل نقلیه موتوری موظفند به منظور عرضه و انتقال وسایل نقلیه از محلی به محل دیگر یا برای انجام آزمایش فنی وسیله نقلیه بدون انجام تشریفات شماره گذاری از راهنمایی و رانندگی پلاک ویژه دریافت نمایند. دستورالعمل مربوط به مدت اعتبار و همچنین نحوه استفاده از پلاک ویژه و چگونگی ارائه اطلاعات مورد نیاز از سوی راهنمایی و رانندگی تعیین و اعلام می‌گردد. ماده ۱۸- راهنمایی و رانندگی می‌تواند پلاک ویژه تحویلی به سازندگان یا فروشندگان وسایل نقلیه را، به علت نداشتن نیاز به استفاده یا استفاده برخلاف مقررات پس بگیرد. ماده ۱۹- کلیه کارخانجات سازنده و مونتاژ خودرو و موتورسیکلت مکلفند تولیدات خود را پیش از عرضه به بازار و فروش به اشخاص، با نظارت و برابر دستورالعمل اعلامی راهنمایی و رانندگی شماره گذاری نمایند. ماده ۲۰- هنگام نقل و انتقال مالکیت وسایل نقلیه، متعاملین یا قائم مقام قانونی آنها ابتدا درخواست خود را به راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی یا مراکز مجاز تعیین شده ارایه می‌نمایند تا پس از احراز اصالت خودرو و تطبیق مدارک آنها، نسبت به فک پلاک منصوبه بر روی خودروی مورد معامله و اختصاص پلاک جدید و صدور شناسنامه جدید و ثبت تغییرات مزبور در نظام رایانه‌ای راهنمایی و رانندگی اقدام گردد. سپس مراتب به طور کتبی توسط راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی یا مراکز مجاز تعیین شده به دفتر اسناد رسمی جهت تنظیم سند رسمی انتقال، منعکس می‌گردد. کارت خودرو از سوی راهنمایی و رانندگی بعد از تأیید مراتب تنظیم سند در دفترخانه اسناد رسمی که بوسیله پست سفارشی یا رایانه‌ای به سیستم راهنمایی و رانندگی منعکس می‌شود، به خریدار تحویل می‌گردد. گواهی راهنمایی و رانندگی و شناسنامه صادره تا دو ماه اعتبار دارد و در خلال مدت مذکور متعاملین یا قائم مقام قانونی آنها موظفند برای ثبت معامله و درج آن در ذیل شناسنامه (محل مخصوص) به دفتر اسناد رسمی مراجعه نمایند. تبصره - شرایط و نحوه احراز صلاحیت مراکز مجاز موضوع این فصل و نحوه نظارت بر آنها به موجب دستورالعملی خواهد بود که با پیشنهاد راهنمایی و رانندگی به تصویب وزیر کشور می‌رسد. ماده ۲۱- مالک وسیله نقلیه چنانچه قصد تغییر رنگ یا تعویض هر یک از قطعات اصلی وسیله نقلیه شامل موتور، شاسی و اتاق را داشته باشد باید پیشتر مجوز لازم را از واحد شماره گذاری راهنمایی و رانندگی دریافت نماید. تبصره - وسایل نقلیه عمومی باری و مسافری مشمول مقررات مربوط می‌باشند. ماده ۲۲- تعویض قطعات اصلی و همچنین تغییر رنگ وسایل نقلیه وارداتی پیش از شماره گذاری نیز منوط به دریافت مجوز کتبی از واحدهای شماره گذاری می‌باشد. ماده ۲۳- در صورت سرقت، مفقود شدن و یا اگر به هر علتی وسیله نقلیه‌ای مورد تصرف غیرقانونی قرار گیرد، مالک و یا نماینده قانونی وی مکلف است بلافاصله مراتب را به نزدیکترین واحد انتظامی اعلام نماید. ماده ۲۴- هرگاه پلاک به اشتباه بر روی وسیله نقلیه نصب شده باشد، راهنمایی و رانندگی موظف است پلاک مالک وسیله نقلیه را اخذ و پس از رفع اشتباه پلاک را بازگرداند. ماده ۲۵- هر شخص حقیقی یا حقوقی می‌تواند به تعداد وسایل نقلیه ملکی خود مطابق ماده (۳) پلاک دریافت نماید. نقل و انتقال هر یک از وسایل نقلیه تابع مقررات این آیین‌نامه خواهد بود. فصل سوم - گواهی‌نامه رانندگی ماده ۲۶- هر کس بخواهد با هر نوع وسیله نقلیه موتوری زمینی رانندگی نماید باید گواهی‌نامه متناسب رانندگی با آن وسیله نقلیه را دارا باشد با متخلفان برابر قوانین و مقررات رفتار می‌شود. ماده ۲۷- انواع گواهی‌نامه‌های رانندگی به شرح جدول پیوست شماره (۱) و توضیحات آن است، که با شرایط زیر از سوی راهنمایی و رانندگی صادر می‌شود: الف - شرایط شرکت در آزمایش‌ها و صدور گواهی‌نامه موتورسیکلت گازی یا موتور گازی (گواهی‌نامه الف-۱) ۱- حداقل سن ۱۵ سال تمام. ۲- ارائه گواهی سلامت جسمی و روانی از مراجع صلاحیت دار پزشکی. ۳- قبول شدن در آزمون‌های آیین‌نامه و مهارت عملی رانندگی با موتور گازی. ب - شرایط

شده، ارائه گواهی طی دوره آموزش آیین نامه و مقررات راهنمایی و رانندگی و همچنین ارائه گواهی طی دوره کسب مهارت عملی رانندگی، از آموزشگاههای رانندگی مجاز الزامی می باشد. درخواست کنندگان یا دارندگان گواهی نامه‌های (ب، پ و ت) که خواستار رانندگی با وسیله نقلیه دارای یدک هستند، باید آموزش‌های لازم را کسب نمایند. برای وسایل نقلیه ویژه با توجه به کاربری مربوط، ارائه گواهی کسب مهارت عملکرد ویژه از مراکز مجاز یادشده الزامی است. تبصره ۲- راهنمایی و رانندگی می تواند در صورت لزوم آزمایش مجدد مقررات راهنمایی و رانندگی را پیش از انجام آزمون مهارت عملی از درخواست کنندگان به عمل آورد. تبصره ۳- مراجع انجام معاینات پزشکی و همچنین ضوابط احراز سلامت جسمی و روانی درخواست کنندگان هرگونه تغییر در آن به پیشنهاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی توسط کارگروهی متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های کشور، راه و ترابری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و راهنمایی و رانندگی تعیین می گردد. (پیوست شماره ۲). تبصره ۴- در کلیه موارد بالا آزمون آیین نامه و مقررات راهنمایی و رانندگی به صورت نوشتاری و یا رایانه‌ای انجام می گیرد. تبصره ۵- مدت اعتبار انواع گواهی نامه رانندگی پنج سال است و پس از پایان اعتبار آن و در صورت احراز سلامت جسمی و روانی، برای دوره‌های پنج ساله تمدید می گردد. برای افرادی که سن آنها بیش از ۷۰ سال تمام باشد، لازم است سلامت جسمی و روانی هر دو سال بررسی و احراز گردد. ماده ۲۸- وضعیت ظاهری درخواست کننده (نقص عضو) با گواهی سلامت جسمی و روانی صادره از مراکز پزشکی مجاز تعیین شده به وسیله افسران کارشناس تطبیق داده می شود و در صورت وجود مغایرت موضوع به کمیسیون پزشکی نیروی انتظامی ارجاع می گردد. ماده ۲۹- درخواست کننده هر نوع گواهی نامه رانندگی باید مدارکی را که از طرف راهنمایی و رانندگی اعلام می شود به مراجع آگهی شده ارائه کند. ماده ۳۰- مندرجات گواهی نامه رانندگی شامل نوع و یا پایه و گروه گواهی نامه رانندگی، مدت اعتبار، مشخصات راننده (کدملی)، نام واحد صادر کننده، امضای صادر کننده، شماره مسلسل، تاریخ و شماره صدور، عکس درخواست کننده، مهر واحد صدور و مشخصات ضروری دیگر می باشد. ماده ۳۱- هرگاه درخواست کننده گواهی نامه رانندگی درازمایش‌های مربوط موفق گردد، گواهی نامه رانندگی پس از رویت مدارک لازم صادر و به او تسلیم خواهد شد. دارنده گواهی نامه موظف است ظرف یک ماه پیش از پایان مهلت مقرر، برای تمدید مدت اعتبار یا تعویض آن به گواهی نامه معادل به راهنمایی و رانندگی مراجعه نماید. راهنمایی و رانندگی هنگام تمدید یا تعویض گواهی نامه، ضمن دریافت گواهی سلامت جسمی و روانی از درخواست کننده، می تواند آزمون‌های لازم را از وی به عمل آورد. مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه هنگام کنترل گواهی نامه رانندگان موظفند در صورتی که تاریخ اعتبار آن سپری شده باشد، گواهی نامه رانندگی را با ارائه رسید اخذ و پس از اعمال قانون، گواهی نامه یاد شده را برای تمدید و یا تجدید به اداره مربوط ارسال نمایند. دارنده گواهی نامه موظف است حداکثر ظرف مدت یک ماه با مراجعه به واحد مربوط برای دریافت گواهی نامه رانندگی جدید اقدام نماید. تبصره ۱- دارندگان گواهی نامه پایه بالاتر در گروه مربوط، می توانند رانندگی وسایل نقلیه موضوع گواهی نامه‌های پایه پایین تر، به جز پایه (الف)، را انجام دهند. تبصره ۲- دستورالعمل نحوه زمانبندی و ضوابط چگونگی انجام آزمونها، تمدید اعتبار، تجدید آزمون در صورت مردود شدن درخواست کننده و نحوه و میزان عوارض و مالیات مصوب قابل دریافت و نظایر آن از سوی راهنمایی و رانندگی تهیه و به اطلاع عموم رسانده می شود. ماده ۳۲- در صورتی که دارنده گواهی نامه بخواهد برای دریافت گواهی نامه از انواع دیگر اقدام نماید، موظف است در آزمون‌های مربوط شرکت کند. پس از قبول شدن چنانچه گواهی نامه قبلی پیش نیاز گواهی نامه مورد درخواست باشد، از درخواست کننده اخذ و گواهی نامه جدید صادر و به وی تحویل می گردد. ماده ۳۳- رانندگی با هر نوع تاکسی و وسایل نقلیه عمومی در شهرها و وسایل نقلیه عمومی جاده‌ای، علاوه بر گواهی نامه رانندگی متناسب، حسب مورد، نیازمند داشتن مجوز از شهرداری و یا دفترچه کار یا برگ فعالیت صادره از سوی وزارت راه و ترابری می باشد. ماده ۳۴- در صورتی که گواهی نامه رانندگی مفقود شود یا از بین برود، دارنده آن می تواند

درخواست صدورالمثنی نماید. پس از احراز درستی ادعای درخواست کننده، با دریافت مدارک لازم و گواهی سلامت جسمی و روانی درخواست کننده و با رعایت ضوابطی که راهنمایی و رانندگی اعلام می‌نماید، گواهی نامه المثنی صادر و به وی تسلیم می‌گردد. ماده ۳۵- دارندگان گواهی نامه‌های معتبر خارجی (اعم از ایرانیان یا خارجیان) می‌توانند تا شش ماه پس از ورود در ایران رانندگی نمایند. ولی در صورت تمایل به ادامه رانندگی در ایران باید پیش از سپری شدن مدت یاد شده گواهی نامه خارجی خود را به گواهی نامه ایرانی تبدیل نمایند. تبصره - دارندگان گواهی نامه رانندگی کشورهای غیر از متعاهدین کنوانسیونهای ۱۹۶۸ وین (قانون الحاق ایران به کنوانسیون عبور و مرور در جاده‌ها و کنوانسیون مربوط به علائم راهها - مصوب ۱۳۵۴)، باید ترجمه معتبر گواهی نامه را همراه داشته باشند. ماده ۳۶- تبدیل گواهی نامه‌های رانندگی معتبر صادر شده از کشورهای خارجی، که گواهی نامه صادره از ایران در قلمرو سرزمینی آنان برای رانندگی معتبر محسوب می‌شود و یا آن کشور از متعاهدین کنوانسیونهای ۱۹۶۸ وین راجع به مقررات عبور و مرور در راهها و علائم راهها به شمار می‌آید، با رؤیت اصل گواهی نامه خارجی و با احراز سلامت جسمی و روانی درخواست کننده صوت پذیرد. در موارد دیگر تبدیل گواهی نامه‌های رانندگی با تایید وزارت کشور صورت می‌پذیرد. ماده ۳۷- مأموران سیاسی و کنسولی و اعضای سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند برای تبدیل گواهی نامه‌های خود مدرک مندرج در ماده (۳۵) را از طریق وزارت امور خارجه به راهنمایی و رانندگی ارسال دارند. ماده ۳۸- صدور گواهی نامه مجدد برای کسانی که گواهی نامه رانندگی آنان اخذ و یا توقیف شده باشد ممنوع است و در صورت صادر شدن از درجه اعتبار ساقط می‌باشد و به وسیله راهنمایی و رانندگی اخذ و ابطال خواهد شد. ماده ۳۹- راهنمایی و رانندگی موظف است در صورتی که گواهی نامه رانندگی اشتباه یا ناقص صادر شده باشد از دارنده آن اخذ و پس از رفع اشتباه و نقص، گواهی نامه صحیح را صادر و به وی بازگرداند. ماده ۴۰- هرگاه دارنده گواهی نامه یکی از شرایط پزشکی موضوع تبصره (۳) ماده (۲۷) را از دست بدهد، موظف است حداکثر ظرف یک ماه به راهنمایی و رانندگی مراجعه نماید. راهنمایی و رانندگی دارنده گواهی نامه را برای انجام معاینات و آزمایش‌های ضروری پزشکی به مراکز پزشکی مجاز معرفی می‌نماید. در صورتی که نداشتن شرایط و صلاحیت رانندگی ضمن آزمایش جدید محرز گردد، گواهی نامه از وی اخذ و گواهی نامه متناسب با شرایط جسمانی وی تعیین و پس از صدور به وی تسلیم می‌شود و در صورت نداشتن صلاحیت رانندگی، گواهی نامه ابطال می‌گردد. تبصره - در صورت کشف نقص عضو مؤثر، از سوی مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه، گواهی نامه رانندگی اخذ و تا زمان بررسی‌های پزشکی و اعلام امکان صدور گواهی نامه مجدد، دارنده گواهی نامه حق رانندگی ندارد. ماده ۴۱- در صورتی که راننده به علت تکرار ارتکاب تخلفات مهم و حادثه ساز در یک سال، حدّ نصاب نمره منفی را دریافت نماید، گواهی نامه رانندگی وی به استناد قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی - مصوب ۱۳۵۰ -، ضبط یا ابطال خواهد شد. ماده ۴۲- نحوه شرایط و مسئول صدور گواهی نامه راهبران انواع وسایل حمل و نقل ریلی شهری و حومه، برابر دستورالعملی خواهد بود که به تصویب شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور برسد. فصل چهارم - معاینه و آزمایش فنی وسایل نقلیه مکلفند وسایل نقلیه خویش را برای انجام معاینه فنی در مراکز فنی مجاز تعیین شده حاضر و پس از احراز شرایط لازم، برگ یا برچسب معاینه دریافت نمایند. این گواهی که مدت اعتبار آن و مشخصات وسیله نقلیه در آن درج می‌شود باید بر سطح درونی قسمت بالای سمت راست شیشه جلو و یا بر روی پلاک وسیله نقلیه، برحسب اعلام مراجع مربوط، نصب یا قرار داده شود، به نحوی که برای کنترل مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه قابل دیدن باشد. تبصره - در طول مدتی که برچسب یا برگ معاینه فنی اعتبار دارد، در صورت بروز نقص فنی، مالک موظف است برای رفع نقص اقدام نماید. ماده ۴۴- معاینه و آزمایش فنی وسایل نقلیه اعم است از تشخیص اصالت، سلامت زیست محیطی، فنی، تجهیزاتی و ایمنی وسایل نقلیه. ماده ۴۵- ضوابط ایجاد، تشخیص صلاحیت، اختیارات، نحوه صدور مجوز و نظارت بر مراکز فنی مجاز و قسمت‌هایی

که باید مورد معاینه قرار گیرند، براساس دستورالعملی خواهد بود که از سوی کارگروهی با مسئولیت وزارت کشور و عضویت وزارتخانه‌های راه و ترابری، صنایع و معادن، سازمان حفاظت محیط زیست و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تهیه و ابلاغ می‌شود. تبصره - معاینه فنی می‌باید به وسیله مهندسان یا کاردان‌های فنی و یا افراد با تجربه دارای گواهی انجام کار از مراجع صلاحیت دار صورت پذیرد. ماده ۴۶- ستادهای معاینه فنی و مراکز معاینه فنی مجاز به منظور تشخیص اصالت خودرو در هنگام معاینه فنی ضمن هماهنگی با راهنمایی و رانندگی از کارشناسان واجد شرایط استفاده می‌نمایند. ماده ۴۷- دوره‌های معاینه فنی انواع خودروها به شرح زیر می‌باشد: الف - انواع وسایل نقلیه عمومی مسافربری و باربری در فاصله‌های سه ماهه یا بیشتر. ب - وسایل نقلیه متعلق به دولت، نهادهای عمومی غیردولتی مانند شهرداری‌ها، نیروهای نظامی و انتظامی در فاصله‌های سه ماهه یا بیشتر. پ - وسایل نقلیه دیگر و موتورسیکلت‌ها در فاصله‌های شش ماهه یا بیشتر. تبصره - خودروهای نو تا دو سال پس از تولید، نیاز به دریافت برجسب یا برگ معاینه فنی ندارند. ماده ۴۸- در شهرهایی که امکانات معاینه و آزمایش فنی وجود ندارد رانندگان وسایل نقلیه عمومی باید براساس مفاد ماده (۴۷) این آیین نامه برای معاینه فنی وسیله نقلیه خود و دریافت گواهی معاینه به نزدیکترین محلی که امکانات لازم برای معاینه وجود دارد و یا محلی که از طرف مراجع صلاحیت دار تعیین و اعلام شده است مراجعه نمایند. ماده ۴۹- مراکز مجاز معاینه فنی برای وسایل نقلیه‌ای که سالم و بدون نقص فنی تشخیص داده‌شوند، برگ معاینه فنی صادر می‌نمایند. چنانچه ضمن معاینه، وسیله نقلیه‌ای معیوب یا ناقص تشخیص داده شود، راننده یا مالک تنها می‌تواند وسیله نقلیه را تا تاریخی که در برگ اجازه نامه صادر شده به وی تسلیم می‌گردد، به تعمیرگاه یا توقفگاه منتقل سازد. تبصره - چنانچه وسیله نقلیه‌ای بدون اصالت تشخیص داده شود، ضمن صادر نکردن برگ معاینه فنی، مراتب به مراجع انتظامی اطلاع داده می‌شود. ماده ۵۰- ستاد معاینه فنی خودرو، شهرداری‌ها و سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای با همکاری نمایندگان سازمان حفاظت محیط زیست و نیروی انتظامی موظفند بر نحوه عملکرد مراکز صدور برگ معاینه فنی براساس دستورالعمل موضوع ماده (۴۵) نظارت مستمر اعمال نمایند و در صورت مشاهده رعایت نکردن ضوابط و مقررات مربوط، برای جلوگیری از ادامه تخلف و رفع آنها اقدام و در صورت تکرار، مجوز مرکز برای انجام معاینه و صدور برگ معاینه ابطال می‌گردد. ماده ۵۱- تا پایان برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در شهرهایی که تجهیزات کامل انجام معاینه فنی وجود ندارد، مراکز مجاز معاینه فنی می‌توانند با تایید کارگروه موضوع ماده (۴۵) برای انجام معاینه فنی با رعایت حداقل شرایط مورد قبول شورای هماهنگی ترافیک استان، اقدام نمایند. ماده ۵۲- برگ و برجسب‌های معاینه فنی مورد استفاده در مراکز مجاز معاینه فنی سراسر کشور براساس طرح نمونه مورد تایید کارگروهی متشکل از سازمان شهرداری‌های کشور، سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای، راهنمایی و رانندگی و سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد. تبصره - برگ و برجسب معاینه فنی که از طریق ستاد معاینه فنی و مراکز مجاز صادر می‌شود، در سراسر کشور معتبر است. ماده ۵۳- در مواردی که حرکت وسیله نقلیه در راه‌های عمومی طبق نظر کارشناس راهنمایی و رانندگی یا پلیس راه به علت معایب و نواقص فنی، خطرناک تشخیص داده شود ضمن اعمال قانون، پلاک آن اخذ، و با نصب پلاک تعمیری به تعمیرگاه اعزام می‌شود. پس از رفع عیب و نقص فنی لازم است مالک و یا نماینده قانونی وی برای پس گرفتن پلاک به راهنمایی و رانندگی محل مراجعه نماید. فصل پنجم - تجهیزات بخش اول - تجهیزات وسایل نقلیه موتوری ماده ۵۴- اشخاص حق ندارند وسیله نقلیه‌ای را که لوازم و تجهیزات یاد شده در مقررات و روش اجرایی تأیید نوع وسایل نقلیه موتوری و تریلرهای آنها، موضوع استاندارد ملی ایران و این فصل را نداشته یا دارای لوازم و تجهیزات مخالف آن باشد، در راه‌های عمومی برانند و یا این گونه وسایل نقلیه را برای رانندگی در اختیار دیگری بگذارند. در صورت وجود مغایرت بین مفاد این فصل و استاندارد ملی، ملاک عمل استاندارد ملی مربوط می‌باشد. ماده ۵۵- کلیه وسایل نقلیه و یدک‌کش‌ها و تراکتورهای بارکش حداقل باید دارای چراغ‌هایی به شرح زیر باشند: الف - دو چراغ بزرگ با نور سفید یا زرد با قابلیت تبدیل به نور بالا و پایین در دو طرف جلو. ب - دو

چراغ جانبی کوچک با نور زرد یا سفید برای تشخیص عرض جلو وسیله نقلیه در منتهی‌الیه هر یک از دو سمت جلو. پ - دو چراغ جانبی کوچک با نور قرمز برای تشخیص عرض عقب وسیله نقلیه در منتهی‌الیه هر یک از دو سمت عقب. ت - دو چراغ کوچک با نور قرمز برای توقف (چراغ ترمز) در عقب وسیله نقلیه که همزمان با گرفتن ترمز روشن شده و از فاصله ۳۵ متری دیده شود. ث - یک چراغ کوچک با نور سفید در عقب برای تشخیص شماره پلاک. نور این چراغ باید برای تشخیص شماره پلاک از فاصله ۲۵ متری کافی باشد. ج - دو چراغ کوچک به رنگ سفید یا زرد برای نشان دادن حرکت با دنده عقب (چراغ دنده عقب). این چراغ‌ها باید به طوری نصب گردد که تنها هنگام راندن به عقب روشن شده و خیرگی و ناراحتی برای چشم دیگر استفاده کنندگان از راه فراهم ننماید. چ - دو چراغ راهنمای الکتریکی یا الکترونیکی با نور زرد در دو طرف جلو و دوتای دیگر از آن با رنگ قرمز یا زرد در دو طرف عقب برای اعلام قصد گردش به چپ یا به راست و یا تغییر خط حرکت. نور این چراغ‌ها در روز باید از فاصله ۳۵ متری قابل دیدن باشد. ح - یدک و نیمه یدک‌های متصل باید دارای چراغ‌های مندرج در بندهای (ت) و (ث) و (ج) و دو راهنمای عقب موضوع بند (چ) این ماده باشند. اگر وسیله نقلیه‌ای دارای چند یدک زنجیری باشد چراغ‌های یادشده باید در عقب آخرین یدک نصب گردد. خ - دو چراغ چشمک زن در جلو و دو چراغ چشمک زن در عقب که به طور هم‌زمان برای اعلام هشدار، احتیاط و یا خطر به رانندگان دیگر به کار برده می‌شوند. تبصره ۱ - به کار بردن چراغ‌های جانبی در وسایل نقلیه طویل، موضوع بند (۳۵) ماده (۱) الزامی است. تبصره ۲ - وسایل نقلیه سواری که پس از ابلاغ این آیین‌نامه تولید می‌شوند باید دارای یک چراغ ترمز در پشت شیشه عقب (چراغ ترمز سوم) باشند. ماده ۵۶ - نور چراغ‌های کوچک جلو و خطر عقب باید در شرایط جوی معمولی از فاصله ۱۵۰ متری دیده شود. نور چراغ‌های راهنما و ایست نبایستی خیره کننده باشد. ماده ۵۷ - سامانه روشنایی چراغ‌های وسیله نقلیه باید طوری تعبیه و تنظیم گردد که هر وقت راننده چراغ‌های جلو و یا چراغ‌های کمکی را روشن نماید چراغ‌های عقب نیز همزمان روشن شود. ماده ۵۸ - ارتفاع چراغ‌های جلو نباید از ۱۳۵ سانتیمتر بیشتر و از ۷۰ سانتیمتر کمتر باشد. ارتفاع چراغ‌های عقب نیز نباید از یک متر بیشتر و از ۵۰ سانتیمتر کمتر باشد. ماده ۵۹ - چراغ‌های بزرگ جلو باید دارای وسیله تبدیل نور باشند که تابش نور را به بالا یا پایین به ترتیب زیر عوض کنند: الف - نور بالا (چراغ رانندگی) باید طوری تنظیم گردد که به وسیله آن وجود اشخاص یا اشیاء از فاصله ۱۵۰ متری تشخیص داده شود. ب - نور پایین (چراغ عبور) باید به نحوی تنظیم شود که به وسیله آن اشخاص یا اشیاء از فاصله ۳۵ متری مشخص شوند. ماده ۶۰ - کلیه وسایل نقلیه انتظامی، بازرسی، امدادی و خدماتی ویژه باید در مرتفع‌ترین نقطه خود دارای چراغ خطر گردان همراه با آژیر که تولید صدای مشخص نماید، باشند. نور این چراغ‌ها باید هنگام روشن بودن از فاصله ۱۵۰ متری قابل دیدن باشد. دستورالعمل استفاده از چراغ گردان، شامل انواع، رنگ، ابعاد و ضوابط دیگر بنا به پیشنهاد راهنمایی و رانندگی به تصویب شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور می‌رسد. ماده ۶۱ - داشتن تجهیزات زیر برای وسایل نقلیه مجاز است: الف - دو عدد چراغ ویژه مه با نور زرد در دو طرف قسمت جلو که ارتفاع این چراغ‌ها نباید از یک متر بیشتر و از ۴۰ سانتیمتر کمتر باشد. نور این چراغ‌ها باید طوری تنظیم گردد که در طول ۱۰ متر، از سطح افقی محل نصب چراغ بالاتر نیاید. هنگام به کار بردن چراغ‌های مه باید از نور پایین چراغ‌های بزرگ نیز استفاده شود. ب - دو چراغ رانندگی اضافی با نور سفید در جلو (چراغ کمکی) که ارتفاع آن نباید از ۵/۱ متر بیشتر و از ۴۰ سانتیمتر کمتر باشد. این چراغ‌ها در صورت لزوم می‌توانند همراه با چراغ‌های بزرگ جلو به کار روند. پ - دو چراغ کوچک با نور زرد یا سفید روی گلگیر و یا دو طرف سپر که خیره کننده نباشد. ت - چراغ‌های کوچک اضافی در جلو با نور سفید یا زرد و در عقب با نور قرمز که هنگام استفاده باید به طور مرتب روشن و خاموش شده و از فاصله ۱۵۰ متری دیده شوند. ماده ۶۲ - تمام وسایل نقلیه موتوری و انواع یدک‌ها و نیمه یدک‌ها که در جاده‌های عمومی عبور می‌نمایند باید دو نورتاب (رفلکتور) به رنگ قرمز یا شبرنگ قرمز در دو طرف قسمت عقب خود داشته باشند. هرگاه نور تاب‌هایی در سمت جلو نصب شوند باید رنگ آنها زرد باشد. ارتفاع نورتاب‌ها بیشتر از ۵/۱ متر و کمتر از ۶۰ سانتیمتر نخواهد بود؛ مگر آنکه بلندی خود

وسيله نقلیه از کف زمین کمتر از ۶۰ سانتیمتر باشد. نورتاب‌های عقب یدک‌های مستقل ممکن است در دو طرف آن یا در دو طرف بار نصب شود. در تمام موارد یاد شده باید نورتاب‌ها به طور کامل قابل دیدن بوده و صفحه‌های آنها دارای اندازه و ویژگی‌هایی باشد که هنگام شب در مقابل نور چراغ‌های وسایل نقلیه دیگر از فاصله ۱۵۰ متری به طور کامل دیده شود. ماده ۶۳ - هرگونه وسیله نقلیه موتوری غیر از موتورسیکلت باید دارای ترمزهایی باشد که به راحتی بتوان در حال راندن و در صورت لزوم آن را به کاربرد. این ترمزها باید قادر باشند وظایف سه گانه ترمز را به شرح زیر انجام دهند: الف - ترمز پایی باید بتواند سرعت وسیله نقلیه را به هر صورتی که بارگیری شده و یا مسافر را حمل می‌کند و در سربالایی و یا سرازیری که حرکت می‌نماید کاهش داده و آن را به طور سریع و مؤثر و با ایمنی متوقف نماید. شتاب منفی این گونه ترمزها نباید کمتر از استاندارد تعیین شده باشد. ب - ترمز دستی باید بتواند وسیله نقلیه را به هر صورتی که بارگیری شده و یا مسافر حمل می‌نماید، در شیب ۱۶ درصد سربالایی و یا سرازیری در حال توقف نگهدارد. در وسایل نقلیه‌ای که کمک ترمز و یا ترمز موتور پیش‌بینی شده است، این گونه ترمزها باید در فاصله مناسبی حتی در صورت پایی بودن بتواند سرعت وسیله نقلیه را به هر صورتی که بارگیری یا مسافرگیری شده باشد کاهش داده و در نهایت متوقف سازد. ماده ۶۴ - ترمز پایی باید روی تمام چرخ‌های وسیله نقلیه مؤثر بوده و عمل نماید. با وجود این اگر وسیله نقلیه دارای بیش از دو محور باشد می‌توان اجازه داد که روی چرخ‌های یکی از محورها عمل ننماید. کمک ترمز و یا ترمز موتور و همچنین ترمز دستی باید حداقل روی یکی از چرخ‌های هر طرف مقطع طولی وسیله نقلیه عمل نمایند. ماده ۶۵ - ترمزهای یدک‌ها به استثنای یدک سبک باید دارای شرایط زیر باشند: الف - ترمز پایی که قادر باشد سرعت وسیله نقلیه را به هر صورتی که بارگیری شده و در هر شیبی که باشد کاهش داده و آن را به طور سریع و مؤثر و با ایمنی متوقف سازد. ب - ترمز دستی که قادر باشد وسیله نقلیه را به هر صورتی که بارگیری شده باشد در شیب ۱۶ درصد سربالایی و یا سرازیری در حال توقف نگهدارد و سطوح ترمز کننده آن با وسیله‌ای که تنها مکانیکی بوده، مورد استفاده قرار گیرد. این مقررات در مورد یدک‌هایی که نمی‌توان بدون استفاده از ابزار و آلاتی، آن را از وسیله نقلیه جدا نمود، به کاربرده نمی‌شود، مشروط به این که آنچه از ترمز دستی انتظار می‌رود برای وسیله نقلیه مرکب مؤثر باشد. پ - تجهیزاتی که وظیفه ترمز پایی و ترمز دستی را انجام می‌دهند می‌توانند دارای اجزای مشترکی باشند. ت - ترمز پایی باید روی کلیه چرخ‌های یدک عمل نماید. ث - ترمز پایی یدک باید به وسیله ترمز پایی وسیله نقلیه کشنده مورد عمل قرار گیرد. در هر حال اگر حداکثر وزن مجاز یدک از ۳۵۰۰ کیلوگرم تجاوز ننماید، می‌توان ترمزها را طوری ترتیب داد که با کم شدن فاصله بین یدک در حال حرکت و وسیله نقلیه کشنده عمل نمایند. ج - ترمز پایی و ترمز دستی باید روی سطوح ترمز کننده‌ای، که به طور دایم با کمک اجزایی با نیروی کافی به چرخ‌ها متصل بوده، عمل نمایند. چ - ترمزها باید به نحوی باشند که در صورت شکستن یا پاره شدن وسایل اتصال با یدک در حال حرکت، یدک به طور خودکار توقف نماید. ماده ۶۶ - کلیه وسایل نقلیه موتوری تولیدی و یا وارداتی باید مجهز به کمر بند ایمنی استاندارد برای سرنشینان باشند. ماده ۶۷ - رانندگی با وسایل نقلیه‌ای که دارای ترمزهای استاندارد ملی و یا مشخصات و شرایط یاد شده در این آیین نامه نباشد، ممنوع است. ماده ۶۸ - هر وسیله نقلیه موتوری باید حداقل به یک وسیله اخطار شنیداری (بوق) با صدای استاندارد مجهز باشد. این گونه تجهیزات باید تولید صدای مداوم و یکنواخت نموده و ایجاد صدای خشن و ناهنجار ننماید. ولی وسایل نقلیه‌ای که دارای حق تقدم عبور می‌باشند (وسایل نقلیه امدادی و خدماتی و پلیس و مانند آن) می‌توانند علاوه بر دارا بودن بوق، وسایل اخطار شنیداری دیگری که مقید به این ویژگی‌ها نباشد برای استفاده هنگام لزوم داشته باشند. همچنین وسایل نقلیه مسافربری و باربری عمومی برون شهری نیز می‌توانند وسایل اخطار شنیداری استاندارد دیگری داشته باشند تا در زمان لازم در بیرون شهرها و مناطق غیر مسکونی استفاده نمایند. ماده ۶۹ - هر وسیله نقلیه موتوری باید مجهز به لوله خروجی گاز و صدای موتور باشد به نحوی که مانع خروج صدای ناهنجار در بیرون وسیله نقلیه و انتشار گاز ناشی از سوخت موتور در درون وسیله نقلیه گردد. ماده ۷۰ - روی چرخ‌های وسایل نقلیه یا کنار آنها نباید

اجسام اضافی و زائد مانند میخ و پیچ بلند یا هر شیئی که از سطح بیرونی چرخ‌ها تجاوز کند وجود داشته باشد، مگر آنکه در تراکتورهای زراعتی و انواع کمباین لازم باشد. ماده ۷۱- کلیه وسایل نقلیه، شب‌ها هنگام حرکت در جاده‌ها باید سه چراغ یا سه مشعل الکتریکی با نور قرمز یا دو مثلث شبرنگ ایمنی که در شرایط جوی معمولی از فاصله ۱۵۰ متری قابل دیدن باشند همراه داشته باشند تا هنگام ضرورت، بر حسب مورد، از آنها استفاده نمایند. ماده ۷۲- وسایل نقلیه‌ای که مواد خطرناک حمل می‌کنند ضمن رعایت مفاد آیین‌نامه حمل مواد خطرناک، باید سه چراغ قرمز الکتریکی و دو مثلث شبرنگ را همراه داشته باشند. حمل فانوس برای این گونه وسایل نقلیه ممنوع است. به علاوه باید دارای دستگاه پمپ آتش‌نشانی آماده به کار باشند. این پمپ‌ها باید در محلهایی نصب شوند که هنگام ضرورت بتوان به سرعت آنها را مورد استفاده قرارداد. ماده ۷۳- به منظور جلوگیری از انتشار گل و لای، سنگ ریزه و مانند آن نصب تجهیزات مناسب لاستیکی، فلزی و مانند آن در قسمت بیرونی آخرین محور انواع وسایل نقلیه به ویژه کامیون، تریلر و اتوبوس الزامی است. بخش دوم- تجهیزات اختصاصی موتورسیکلت و دوچرخه ماده ۷۴- تجهیزات اختصاصی موتورسیکلت و دوچرخه باید بر اساس استاندارد مورد تایید مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران بوده و از نظر عدم آلودگی‌های زیست محیطی، استانداردهای مصوب شورای عالی حفاظت محیط زیست را رعایت نموده باشند. ماده ۷۵- موتورسیکلت باید دارای دو نوع ترمز باشد که یکی از آنها حداقل روی چرخ عقب و یا همه چرخ‌ها و دیگری روی چرخ جلو و یا همه چرخ‌ها عمل نماید. اگر موتورسیکلت دارای اتاقک پهلو (ساید کار) باشد ترمز چرخ اتاقک پهلو ضروری نمی‌باشد. این ترمزها باید قادر باشند سرعت موتورسیکلت را به صورتی که دارای سرنشین می‌باشد، در هر شبی کاهش داده و آن را سریعاً و به طور مؤثر و با ایمنی متوقف سازد. موتورسیکلت‌های سه چرخ که چرخ‌های آنها در ارتباط با محور طولی وسط موتورسیکلت به طور قرینه قرار گرفته باشد باید مجهز به یک ترمز دستی همانند وسایل نقلیه موتوری دیگر باشند. ماده ۷۶- موتورسیکلت‌ها باید حداقل دارای یک چراغ با نور سفید در جلو، یک چراغ قرمز عقب همراه با چراغ قرمز ترمز، دو چراغ راهنما در جلو و دو چراغ راهنما در عقب و یک نور تاب قرمز در عقب باشند. ماده ۷۷- دوچرخه باید دارای تجهیزات زیر باشد: الف- یک چراغ سفید یا زرد در جلو که هنگام شب تا مسافت ۱۵ متری جلوی آن را به قدر کافی روشن سازد. ب- یک چراغ با نور قرمز در عقب که در هنگام شب از فاصله ۱۵۰ متری دیده شود. پ- یک نور تاب به رنگ قرمز در عقب و همچنین یک نور تاب به رنگ زرد در جلو که نور وسایل نقلیه پشت سر و جلو را از فاصله ۲۰ متری منعکس نماید. ت- یک زنگ یا بوق که صدای آن از فاصله ۳۰ متری شنیده شود. نصب و استفاده از زنگ‌های صوتی یا آژیر یا بوق خطر برای دوچرخه‌ها ممنوع است. ث- ترمزی که به هنگام گرفتن آن دوچرخه در فاصله مناسبی متوقف گردد. فصل ششم- مقررات حمل بار ماده ۷۸- طول، عرض، ارتفاع و ظرفیت وسیله نقلیه بر طبق مشخصات (کاتالوگ) به وسیله کارخانه سازنده که به تایید وزارت صنایع و معادن می‌رسد تعیین می‌گردد. در هر حال حداکثر ظرفیت تعیین شده نباید از مشخصات مندرج در کاتالوگ تجاوز نماید. تطبیق این مشخصات با افسر کارشناس راهنمایی و رانندگی می‌باشد. ماده ۷۹- ظرفیت، ابعاد و وزن‌های مجاز وسایل نقلیه باری و مسافری در جاده‌ها تابع ضوابط وزارت راه و ترابری و در شهرها تابع مقررات وزارت کشور می‌باشد. این مقررات در پیوست شماره ۳ این آیین‌نامه ذکر گردیده‌است. ماده ۸۰- وسایل نقلیه مسافری حق ندارند حیوانات و بارهایی را که برای مسافران ایجاد مزاحمت یا تولید بوی نامطبوع و آلودگی می‌نمایند و همچنین بارهایی که از گلگیرها و یا از درون اتاق به اطراف تجاوز نماید، حمل نمایند. ماده ۸۱- مقامات صلاحیت‌دار می‌توانند برای حمل محمولاتی که قابل تجزیه نبوده و بیش از ظرفیت یا بزرگتر از حجم معین است پروانه ویژه‌ای که حاوی مشخصات و ظرفیت وسیله نقلیه حمل‌کننده و وزن و حجم بار و مسیر و تعداد دفعات و شرایط رفت و آمد یا مدت حمل و یا مستمر بودن آن است صادر کنند. این پروانه باید تا پایان مدت اعتبار آن نزد راننده موجود باشد و هنگام مراجعه به مأموران ارائه گردد. ماده ۸۲- وسایل نقلیه‌ای که در حدود ضوابط مندرج در پیوست شماره ۳ این آیین‌نامه حمل بار می‌کنند باید دارای شرایط زیر باشند: الف-

شب‌ها دو چراغ قرمز در آخرین نقطه دو طرف عقب بار نصب نمایند به طوری که از فاصله ۱۵۰ متری دو طرف و عقب وسیله نقلیه دیده شود. ب- روزها دو پارچه قرمز رنگی که سطح هریک حداقل نیم متر مربع باشد در انتهای بار آویزان کنند به نحوی که رانندگان پشت سر بتوانند آن را از فاصله ۱۵۰ متری ببینند. پ- دارای حفاظ و پوشش لازم و مناسب برای بار بوده و حفاظ نباید مانع دید راننده و یا پوشانیدن چراغ‌ها و یا موجب خطر برای دیگران باشد. ماده ۸۳- نصب مخزن (باک) اضافی و یا غیر استاندارد برای مصرف سوخت وسایل نقلیه عمومی باربری و مسافربری ممنوع است و همچنین حمل مواد خطرناک در جاده‌ها تنها با وسایل نقلیه ویژه و با رعایت مقررات مربوط مجاز است. اشخاص حقیقی و حقوقی مکلفند بیشتر اجازه این کار را از وزارت راه و ترابری دریافت نمایند. تبصره- حمل مواد سوختی خارج از مخزن (باک) و استفاده از وسایل آتش‌زا مانند اجاق گاز سفری (پیک‌نیک)، بخاری و مانند آن در وسایل نقلیه ممنوع است. ماده ۸۴- موسسات باید بارهای وسایل نقلیه را طوری بارگیری نمایند و محکم ببندند که هیچگونه خطر جابه‌جایی یا افتادن یا ریزش کردن یا باز شدن و یا پخش شدن در هوا وجود نداشته باشد و به طور کامل ثابت باشد. در هر حال راننده نیز مکلف است پس از اطمینان از درستی بارگیری و استحکام آن، وسیله نقلیه را به حرکت درآورد. ماده ۸۵- یدک یا هر نوع وسیله نقلیه‌ای که با وسیله نقلیه دیگری کشیده می‌شود باید با وسایل اطمینان بخشی که خطر باز شدن یا گسیختن یا شکستن نداشته باشد طوری متصل گردند که هنگام یدک کشی با کاهش سرعت وسیله نقلیه کشنده فاصله اولیه حفظ گردد. در هر حال هر نوع وسیله نقلیه‌ای که کشیده می‌شود باید یک نفر راننده دارای پروانه مجاز رانندگی هدایت آن را به عهده گیرد تا در صورت وقوع خطر بتواند آن را بدون وقوع حادثه کنترل نماید. وسایل نقلیه‌ای که به وسیله جرثقیل با جدا کردن محور یا محورهایی از زمین کشیده می‌شود، از شرط داشتن راننده مستثنی هستند. ماده ۸۶- وسایل نقلیه باربری پس از بارگیری باید توزین شوند و راننده بر گه توزین را تا مقصد همراه داشته باشد. رانندگان موظفند به دستور مأموران صلاحیت‌دار، وسیله نقلیه را برای توزین به روی باسکول ببرند. هر گاه ضمن توزین معلوم شود که بیش از ظرفیت مقرر بارگیری شده است بار اضافی تخلیه می‌شود. در این صورت مسئولیت انبار کردن و حفظ آن به عهده مالک و راننده است. ادامه مسیر وسیله نقلیه متخلف، مشروط به پرداخت خسارت به وزارت راه و ترابری و یا شهرداری است. فصل هفتم- تصادفات ماده ۸۷- راننده هر وسیله نقلیه که مرتکب تصادف منجر به جرح یا فوت گردد، موظف است بلافاصله وسیله نقلیه را در محل تصادف متوقف ساخته و با نصب علائم ایمنی هشدار دهنده برابر ماده (۷۱) این آیین‌نامه، رانندگان وسایل نقلیه دیگر را از وقوع حادثه آگاه سازد و تا هنگامی که تشریفات مربوط به رسیدگی از سوی راهنمایی و رانندگی و پلیس راه پایان نیافته از تغییر وضع وسیله نقلیه یا صحنه تصادف خودداری نموده و بلافاصله اقدام به انتقال مجروحان به مراکز درمانی نماید. تبصره- در تصادفات منجر به جرح در صورتی که وسیله نقلیه دیگری برای انتقال فوری مجروحان به مراکز درمانی موجود نباشد، راننده وسیله نقلیه در تصادف می‌تواند با علامت‌گذاری محل قرار گرفتن چرخ‌ها در سطح راه، اقدام به حمل مجروحان با وسیله نقلیه خود نماید. ماده ۸۸- واحدهای راهنمایی و رانندگی و پلیس راه موظفند پس از اطلاع از وقوع تصادف، در اسرع وقت اقدام به اعزام کارشناس تصادف به همراه تجهیزات و امکانات نظیر کمک‌های اولیه، دوربین عکاسی و فیلمبرداری، آمبولانس، جک بادی و یا جرثقیل و مانند آنها، بر حسب نیاز نمایند. کارشناس رسیدگی کننده به تصادف موضوع را به نزدیکترین واحد انتظامی اعلام و در صورت ضرورت و بر حسب مورد، برای درخواست کمک از نزدیکترین واحد فوریت‌های پزشکی (اورژانس)، امداد و نجات، آتش‌نشانی، مرکز راهداری، شهرداری و یا دهیاری اقدام نموده و تا پایان رسیدگی به تصادف و برقراری ایمنی تردد در محل وقوع، سانحه را مدیریت می‌نماید. تبصره- نحوه همکاری و وظیفه دستگاه‌های یاد شده و همچنین اعمال مدیریت از سوی کارشناس تصادف، برابر دستورالعملی خواهد بود که به تصویب کمیسیون ایمنی راه‌های کشور می‌رسد. ماده ۸۹- هر گاه تصادف تنها منجر به خسارت مالی شود به نحوی که امکان حرکت از وسیله نقلیه سلب نشده باشد، رانندگان موظفند بلافاصله وسیله نقلیه را برای رسیدگی و بازدید کارشناسان تصادفات در محل

حادثه، به کنار راه منتقل کنند تا موجب سد معبر نگردد. ماده ۹۰- در نقاطی که کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه وجود ندارد و یا حضور به هنگام آنان مقدور نباشد مسئولان امر می‌توانند از نظرات مستدل حداقل سه نفر از رانندگان پایه یکم و یا پایه (ت) استفاده نمایند. ماده ۹۱- رانندگان وسایل نقلیه هنگام تصادف منجر به جرح یا فوت مکلفند بلافاصله نام و نشانی صحیح و مشخصات گواهی‌نامه رانندگی وسیله نقلیه خود را به مأموران انتظامی اعلام دارند و در صورت درخواست مدارک قانونی اعم از گواهی‌نامه، کارت شناسایی خودرو و بیمه‌نامه از سوی مأموران مربوط، این مدارک را به آنان تسلیم نمایند. ماده ۹۲- رانندگانی که با وسیله نقلیه متوقفی که سرنشین ندارد تصادف می‌نمایند نباید محل وقوع تصادف را ترک کنند و در صورت مراجعه نکردن راننده و یا مالک آن، باید صاحب یا راننده وسیله نقلیه و یا مأموران راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه را از هویت و نشانی کامل خود آگاه سازند و در صورت دسترسی نداشتن به ایشان، نام و نام‌خانوادگی و نشانی دقیق خویش و شماره و مشخصات دیگر وسیله نقلیه خود را بر روی کاغذی نوشته و در محلی قابل دیدن بر روی وسیله نقلیه متوقف، الصاق نمایند. ماده ۹۳- رانندگانی که با حیوانات، اشیاء، تاسیسات و مانند آنها تصادف و ایجاد خسارت می‌نمایند، باید به منظور جلوگیری از بسته شدن راه و پیشگیری از بروز حوادث احتمالی دیگر، در صورت امکان حیوان مرده یا مصدوم و همچنین اشیاء باقی مانده در محل تصادف را از سطح سواره‌رو بیرون برده و موظفند صاحبان و مالکان آنها یا مأموران راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه را از وقوع تصادف آگاه نمایند. ماده ۹۴- هرگاه راننده وسیله نقلیه در اثر تصادف توانایی اجرای مقررات مندرج در مواد (۹۲) و (۹۳) این آیین‌نامه را نداشته باشد موظف است در اولین فرصت مراتب را به مأموران مربوط اعلام دارد. اگر مالک وسیله نقلیه فردی غیر از راننده باشد پس از آگاهی از واقعه و در صورتی که راننده مراتب را به مأموران مربوط اطلاع نداده باشد، مالک موظف است در اسرع وقت مأموران مربوط را از واقعه آگاه سازد. ماده ۹۵- تعمیرگاه‌ها و توقفگاه‌ها موظفند ظرف ۲۴ ساعت پس از دیدن وسیله نقلیه‌ای که آثار تصادف یا جای گل‌گوله در آن وجود دارد مراتب را با ذکر مشخصات وسیله نقلیه و در صورت امکان با ذکر نام و نشانی راننده به واحد انتظامی محل اعلام دارند. فصل هشتم - علایم راهنمایی و رانندگی ماده ۹۶- علایم راهنمایی و رانندگی مانند انواع چراغ‌ها، تابلوها، خط‌کشی‌ها، نوشته‌ها، ترسیم‌ها و نیز علایم تعیین سمت عبور که باید روی راه‌ها کشیده شود، براساس قانون الحاق ایران به کنوانسیون عبور و مرور در جاده‌ها و کنوانسیون مربوط به علایم راه‌ها - مصوب ۱۳۵۴ - تهیه شده‌اند، و همچنین رنگ زمینه و شکل علایم و تابلوها، مطابق نمونه‌های (پیوست شماره ۴) این آیین‌نامه است. ماده ۹۷- تشخیص، انتخاب، تهیه، جانمایی، نصب، ترسیم و نگهداری علایم عمودی و افقی راهنمایی و رانندگی در شهرها براساس دستورالعملی خواهد بود که به پیشنهاد شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور به تصویب وزیر کشور می‌رسد و در جاده‌ها به عهده وزارت راه و ترابری می‌باشد. در مواقع اضطراری راهنمایی و رانندگی و پلیس راه می‌توانند خود اقدام به انتخاب نوع علایم و محل استفاده و در صورت لزوم تهیه و نصب آنها به طور موقت نموده و مراتب را بر حسب مورد، به شهرداری و یا وزارت راه و ترابری اعلام نمایند. تبصره - مفاهیم رنگ و شکل علایم و تابلوها و چگونگی رفتار رانندگان پس از دیدن آنها، که در کتاب‌های آموزشی باید ارایه شود، از سوی کارگروهی متشکل از نمایندگان وزارت کشور، وزارت راه و ترابری و راهنمایی و رانندگی تهیه و به همراه این آیین‌نامه برای اطلاع عمومی در اختیار مراجع صلاحیت‌دار و با همکاری شوراهای اسلامی شهرها در اختیار عموم مردم قرار می‌گیرد. ماده ۹۸- رانندگان کلیه وسایل نقلیه و اشخاص اعم از پیاده یا سوار بر حیوانات و یا اشخاصی که مسئول هدایت انفرادی و یا دسته جمعی پیادگان و یا حیوانات در راه‌ها می‌باشند موظفند از علایم و مقررات مربوط تبعیت نمایند، مگر این که مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه به دلایلی رعایت نکردن آنها را در محل، مجاز اعلام کنند. ماده ۹۹- کنترل و تنظیم عبور و مرور ممکن است به وسیله چراغ‌ها یا خط‌کشی یا تابلوها، نوشته‌ها و ترسیم‌ها، یا مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه و یا به هر وسیله دیگری که بر حسب مورد لازم باشد، به عمل آید. در هر حال فرمان پلیس راهنما که ممکن است مغایر با پیام علایم یا

مقررات در محل باشد مقدم خواهد بود. ماده ۱۰۰- در دوطرف عقب وسایل نقلیه طویل باید دو عدد علامت نشان دهنده وسیله نقلیه طویل (مستطیل زرد یا سفید رنگ که دارای حاشیه قرمز است) الصاق گردد تا رانندگان وسایل نقلیه پشت سر را از طویل بودن آنها آگاه گرداند. ماده ۱۰۱- در محل‌هایی که عبور و مرور به وسیله چراغ راهنمایی و رانندگی کنترل می‌شود، رنگ‌های زیر برای مقاصدی که معین شده است به کار می‌رود: الف- چراغ سبز برای حرکت- رانندگان وسایل نقلیه‌ای که با چراغ سبز روبرو می‌شوند حق عبور یا گردش دارند؛ مگر آنکه گردش به وسیله علامت دیگری ممنوع شده باشد. در هر حال وسایل نقلیه در حال گردش باید حق تقدم عبور وسایل نقلیه‌ای را که در مسیر مجاز خود مستقیم می‌روند و حق تقدم پیادگانی را که از گذرگاه پیاده در حرکتند رعایت نمایند. با وجود این اگر جریان ترافیک در جهتی که آنها در حال پیش رفتن هستند آنچنان متراکم باشد که چنانچه وارد تقاطع گردند با تغییر و تبدیل بعدی رنگ چراغ نتوانند از آن خارج شوند، چراغ سبز در تقاطع، رانندگان را برای ادامه حرکت مجاز نخواهد ساخت. ب- چراغ زرد برای احتیاط- رانندگان وسایل نقلیه‌ای که با این چراغ روبرو می‌گردند نباید از خط ایست یا از تراز چراغ راهنمایی و رانندگی عبور کنند؛ مگر آنکه آنچنان به خط ایست تقاطع و یا چراغ راهنمایی و رانندگی نزدیک شده باشند که پیش از عبور از خط ایست یا از تراز چراغ راهنمایی و رانندگی نتوانند به آسانی توقف نمایند. در هر حال در صورت ورود قبلی به تقاطع موظفند به حرکت خود ادامه داده و با رعایت مقررات دیگر از تقاطع یا گذرگاه عبور کنند. پ- چراغ قرمز برای ایست- رانندگان وسایل نقلیه‌ای که با چراغ قرمز برخورد می‌کنند باید پیش از خط ویژه ایست، توقف کامل نمایند و در صورت نبودن خط ایست در فاصله پنج متری چراغ راهنمایی و رانندگی بایستند و تا روشن شدن چراغ سبز و تخلیه تقاطع از وسایل نقلیه منتظر بمانند. ت- چراغ چشمک‌زن زرد برای عبور با احتیاط- رانندگان وسایل نقلیه مکلفند با دیدن این چراغ از تقاطع و گذرگاه پیاده با احتیاط و سرعت کم عبور نمایند. ث- چراغ چشمک‌زن قرمز برای ایست و عبور- رانندگان وسایل نقلیه در صورت برخورد با این چراغ نباید از خط ایست و یا در صورت نبودن خط ایست از تراز چراغ راهنمایی و رانندگی فراتر روند و باید توقف نموده و پس از اطمینان از نبودن خطر تصادف، حرکت و عبور نمایند. همین اقدامات هنگام دیدن تابلوی ایست باید انجام شود. ماده ۱۰۲- در تقاطع‌هایی که مسیر جداگانه گردش به راست به وسیله جدول یا خط‌کشی تعبیه نشده است، در هنگامی که چراغ راهنمایی و رانندگی قرمز است، رانندگانی که قصد گردش به راست داشته باشند در صورت نصب تابلوی ویژه‌ای که گردش به راست را مجاز اعلام می‌نماید، می‌توانند از منتهی‌الیه سمت راست راه و با رعایت احتیاط و حق تقدم عبور وسایل نقلیه و پیادگانی که با چراغ سبز در حال عبور می‌باشند، وارد راه مجاور سمت راست شوند. ماده ۱۰۳- در چراغ‌هایی که به عنوان چراغ راهنمای عابر پیاده مورد استفاده قرار می‌گیرند، رنگ‌ها دارای معانی زیر است: چراغ سبز- پیادگان مجاز به عبور از عرض راه می‌باشند. چراغ قرمز- عبور پیادگان از عرض راه ممنوع است. ماده ۱۰۴- هدایت و کنترل ترافیک از سوی مأموران صلاحیت دار با فرمان‌های زیر انجام می‌گیرد: الف- بلند کردن دست به طور عمودی- مفهوم این حرکت برای کلیه استفاده‌کنندگان از راه به معنای توجه توقف خواهد بود. اما رانندگانی که توقف وسایل نقلیه آنها ایمنی کافی ندارد مستثنی هستند. این علامت، رانندگانی را که پیشتر وارد محوطه تقاطع شده‌اند ملزم به توقف نمی‌سازد. ب- بلند کردن دست یا دست‌های مأمور به دو طرف و بطور افقی- مفهوم این حرکت برای کلیه استفاده‌کنندگان از راه که جهت حرکت آنها در امتداد جهت نشان داده شده با دست یا دست‌های مأمور صلاحیت دار می‌باشد، به معنای ایست خواهد بود. ممکن است مأمور پس از دادن این علامت دست یا دست‌های خود را پایین بیاورد. این حرکت نیز برای رانندگانی که در سمت جلو و عقب مأمور قرار دارند به منزله علامت ایست می‌باشد. ماده ۱۰۵- در خیابان‌ها و یا تقاطع‌هایی که سطح آنها به شکل شطرنجی و به رنگ زرد و سیاه نقاشی شده، هنگامی که تراکم خودروها زیاد است و امکان تخلیه به هنگام تقاطع وجود ندارد، رانندگان موظفند پیش از محل نقاشی شده متوقف شوند و مسیر حرکت دیگر خودروها را باز نگه دارند. ماده ۱۰۶- نصب آگهی یا علامت یا تابلو یا وسایلی که دارای شباهت با علائم و یا تابلوهای راهنمایی و

رانندگی باشد یا از آنها تقلید شود و یا منظور از آن هدایت و کنترل وسایل نقلیه باشد و یا به طریقی باعث جلوگیری از دیدن علائم و تابلوهای راهنمایی و رانندگی گردد و همچنین نصب چراغ‌های رنگی تبلیغاتی در کنار چراغ‌های راهنمایی و رانندگی به طوری که موجب اشتباه رانندگان گردد ممنوع است. مقامات صلاحیت‌دار می‌توانند در صورت دیدن چنین اشیایی برای رفع آنها اقدام نمایند. تبصره ۱- ممکن است از طرف موسسات یا اشخاص با اجازه مراجع صلاحیت‌دار علائمی برای هدایت مراجعه‌کنندگان به مکان‌های اطراف راه نصب گردد، مشروط به این که این تابلوها مانع دیدن تابلوهای راهنمایی و رانندگی نشوند و ایمنی راه را به خطر نیندازند. تبصره ۲- ضوابط و چگونگی تهیه، نصب و یا الصاق آگهی‌های تبلیغاتی و تابلوهای هدایت به مکان‌ها در شهرها و جاده‌ها، برحسب مورد، به وسیله شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور در شهرها و وزارت راه و ترابری در جاده‌ها تعیین خواهد شد. ماده ۱۰۷- هیچکس حق ندارد بدون اجازه راهنمایی و رانندگی و پلیس راه در علائم راهنمایی و رانندگی و دیگر وسایل تنظیم عبور و مرور وسایل نقلیه تغییراتی بدهد و یا در متن آن تصرفاتی نماید، مگر اشخاصی که در دستورالعمل‌های موضوع ماده (۹۷) این آیین‌نامه مشخص شده‌اند. ماده ۱۰۸- رانندگانی که قصد گردش به راست یا به چپ یا توقف یا تغییر مسیر را دارند مکلفند از فاصله حدودی ۱۰۰ متر به محل گردش یا توقف به وسیله چراغ راهنما به ترتیب زیر علامت دهند: الف- برای گردش به راست، چراغ راهنمای سمت راست وسیله نقلیه را روشن کنند. ب- برای گردش به چپ، چراغ راهنمای سمت چپ را روشن نمایند. پ- برای توقف، چراغ راهنمای سمت راست را روشن نمایند. ت- برای تغییر مسیر و یا تغییر خط حرکت، در فاصله مناسب، چراغ راهنمای سمت راست یا چپ را بر حسب مورد، روشن کنند. ماده ۱۰۹- رانندگان وسایل نقلیه موتوری که چراغ راهنما نداشته و همچنین وسایل نقلیه غیر موتوری و موتورسیکلت‌ها و دوچرخه‌ها باید با دست به شرح زیر علامت بدهند: الف- برای گردش یا تغییر مسیر به راست، دست چپ را به طرف بالا نگاهدارند. ب- برای گردش یا تغییر مسیر به چپ، دست چپ را به طور افقی نگاهدارند. پ- برای توقف، دست چپ را به طرف پایین نگاهدارند. ت- برای کاستن سرعت، دست چپ را به طور افقی از بالا- به پایین به طور متناوب حرکت دهند. ماده ۱۱۰- علائم آگاه‌سازی (اخبار) و همچنین علائم لازم برای سبقت به شرح زیر می‌باشد: الف- در روز بوق کوتاه. ب- در شب چند بار تبدیل و تعویض نور چراغ بالا و پایین. پ- هنگام سبقت گرفتن اعم از این که روز باشد یا شب، برای جلب توجه وسایل نقلیه پشت سر، استفاده از چراغ راهنما ضروری است. ماده ۱۱۱- وسایل نقلیه امدادی، بازرسی، انتظامی، سازمان‌های خدمات رسانی و مدارس باید دارای دستگاه آگاه‌سازی شنیداری و دیداری مندرج در ماده (۶۰) این آیین‌نامه و تجهیزات ایمنی باشند و روی بدنه وسیله نقلیه هم عبارات و علائم مشخص‌کننده نقش و یا نصب نمایند. ماده ۱۱۲- رانندگان وسایل نقلیه که مواد خطرناک حمل می‌کنند باید در دو طرف و عقب وسیله نقلیه تابلویی که روی آن کلمه (خطر) با حروف درشت و به دو زبان فارسی و انگلیسی و به رنگ قرمز نوشته شده باشد نصب کنند. مسئولان شرکت‌ها و موسسات حمل بار و رانندگان وسایل نقلیه مکلفند مقررات خاص حمل مواد خطرناک را رعایت نمایند. ماده ۱۱۳- هرگاه وسیله نقلیه‌ای شب در کنار و بیرون سطح راه توقف نماید به طوری که کناره وسیله نقلیه متوقف مماس بر حاشیه سواره‌رو باشد و نور کافی در آن محل برای تشخیص اشیا یا اشخاص از فاصله ۱۵۰ متری وجود نداشته‌باشد، راننده یا متصدی وسیله نقلیه (اعم از این که درون وسیله نقلیه باشد یا بیرون آن) مکلف است چراغ‌های کوچک جلو و خطر عقب وسیله نقلیه را روشن نگاهدارد. چنانچه چراغ کوچک خراب شده‌باشد چراغ‌های بزرگ را با نور پایین روشن سازد. ماده ۱۱۴- هرگاه در راه‌ها خرابی و نقص پیش‌بینی نشده برای وسیله نقلیه موتوری ایجاد شود، راننده مکلف است آن را از مسیر عبور و مرور بیرون برده و در محل مناسبی که موجب سد راه و مزاحمت برای وسایل نقلیه دیگر و پیادگان نباشد متوقف سازد. در این مورد و در موارد دیگری که وسیله یاد شده قادر به حرکت نباشد و انتقال آن به محل مناسبی مقدور نگردد، در صورت نبودن نور کافی در راه باید به منظور آگاه ساختن رانندگان دیگر، علائم ایمنی به ترتیب زیر در محل قرار دهد: الف- در وسط راه چراغ الکتریکی و یا مشعل نورانی قرمز در فاصله‌های ۷۰ متری جلو و

عقب و یکی دیگر در پهلوی وسیله نقلیه از کار افتاده بگذارد. در راه‌هایی که به وسیله موانع فیزیکی مسیر رفت و برگشت وسایل نقلیه از هم جدا شده است قراردادن علائم مندرج در فوق در عقب و پهلوی وسایل متوقف کافی خواهد بود. ب - هرگاه وسیله نقلیه سر پیچ یا تپه‌ای از کار بیفتد علائم باید در فاصله‌های مناسبی قرار داده شود تا رانندگان وسایل نقلیه دیگر، از فاصله ۲۰۰ متری متوجه خطر شوند. ماده ۱۱۵ - هرگاه وسیله نقلیه موتوری در راه‌ها از کار بیفتد و به علت کافی بودن روشنایی محل احتیاجی به استفاده از چراغ یا مشعل نباشد، راننده باید در وسط جاده مثلث‌های شبرنگ متساوی‌الاضلاع دارای زمینه سفید یا زرد با حاشیه قرمز از نوع علامت احتیاط به ابعاد حداقل ۳۰ سانتیمتر در فاصله ۷۰ متری جلو و عقب آن به نحوی که قابل دیدن باشد قراردادد. ماده ۱۱۶ - اگر وسیله نقلیه حامل مواد خطرناک در ساعات و شرایط مندرج در مواد (۱۱۳) و (۱۱۴) در راه‌ها از کار بیفتد، راننده یا متصدی وسیله نقلیه موظف است که در وسط جاده چراغ‌های الکتریکی به رنگ قرمز با باتری در فاصله‌های ۷۰ متری جلو و عقب و دیگری در پهلوی وسیله از کار افتاده بگذارد. استفاده از فانوس یا چراغ یا مشعل و هرگونه علامت آتش‌زا برای این گونه وسایل نقلیه ممنوع است. ماده ۱۱۷ - روی یدک و هر نوع وسیله نقلیه‌ای که وسیله نقلیه دیگری آن را می‌کشد باید یک پرچم سفید به ابعاد حداقل ۵۰ سانتیمتری طوری نصب شود تا رانندگان دیگر از فاصله دور و از دو طرف جاده آن را ببینند. فصل نهم - مقررات رانندگی بخش اول - مسیر و جهت عبور ماده ۱۱۸ - رانندگان کلیه وسایل نقلیه موظفند از خط عبور یا مسیر عبوری سمت راست راه حرکت نمایند، مگر در موارد زیر: الف - هنگام سبقت گرفتن از وسیله نقلیه جلو. ب - هنگامی که سمت راست راه به هر علتی بسته شده و امکان عبور نباشد. پ - هنگام گردش به چپ. ماده ۱۱۹ - در راه‌هایی که خط‌کشی شده، وسایل نقلیه باید در مسیر بین خطوط حرکت کنند و از آن خارج نشوند و در صورت نیاز به خروج و تغییر خط حرکت، احتیاط کامل را نموده و ابتدا با استفاده از چراغ راهنما و یا با دادن علامت، رانندگان وسایل نقلیه دیگر را از قصد خود آگاه سازند و سپس با رعایت حق تقدم عبور وسایل نقلیه‌ای که در خطوط کناری در حرکت هستند وارد خط‌های عبور دیگر شوند. در راه‌هایی که خط‌کشی ندارند هرگونه تغییر مسیر حرکت به چپ و راست ممنوع است، مگر با رعایت احتیاط و دادن علامت و رعایت حق تقدم عبور وسایل نقلیه هم‌مسیر و مجاور. همچنین انحراف و تجاوز وسایل نقلیه به مسیر مقابل (مخالف) ممنوع است؛ مگر در موارد سبقت مجاز و با رعایت ضوابط سبقت. ماده ۱۲۰ - رانندگی در بخش وسط راه‌هایی که به وسیله خط‌کشی یا علائم دیگر به سه بخش تقسیم شده‌اند، به جز برای سبقت گرفتن یا گردش به چپ، بر حسب مورد با رعایت علائم و مقررات مربوط، ممنوع است. ماده ۱۲۱ - در راه‌هایی که به وسیله علائم، مانند خط‌کشی‌های یک خط ممتد و یا دو خط ممتد و یا موانع فیزیکی به دو بخش تقسیم شده‌اند، رانندگان موظفند از بخش راست راه حرکت کنند و حق ندارند از روی آنها بگذرند. در برخی از بخش‌های راه که یک خط از دو خط ممتد به خط بریده تبدیل شده‌است، رانندگانی که در سمت خط بریده در حرکت مجاز به سبقت گرفتن و یا گردش به چپ، بر حسب مورد و با توجه به طول خط بریده و با رعایت مقررات بخش‌های سبقت و گردش، می‌باشند. ماده ۱۲۲ - در راه‌های یک طرفه رانندگان وسیله نقلیه باید در جهت و مسیر مجاز عبور کنند و حرکت برخلاف مسیر تعیین شده به هر شکل ممنوع است. ماده ۱۲۳ - در میدان‌هایی که به وسیله علائم، مانند خط‌کشی و یا موانع فیزیکی مشخص شده‌اند رانندگان وسایل نقلیه موظفند از سمت راست آنها گردش نمایند و حرکت در خلاف جهت تعیین شده ممنوع است؛ مگر آنکه به وسیله علائم دیگر، عبور از سمت چپ مجاز اعلام شود. ماده ۱۲۴ - در راه‌هایی که عبور وسایل نقلیه کندرو مجاز اعلام گردیده‌اند، رانندگان این گونه وسایل نقلیه در هر حال مکلفند از اولین خط عبور سمت راست یا محل‌هایی که برای عبور آنها تعیین شده حرکت نمایند. ماده ۱۲۵ - هنگامی که وسیله نقلیه‌ای از روبروی وسیله نقلیه دیگری در جهت مخالف حرکت می‌کند، راننده هریک از آنها بایستی تا حد امکان در طرف راست خود حرکت نماید و در صورت لزوم به حاشیه بخش سواره‌رو در جهت حرکت خود نزدیک شود. اگر در انجام این عمل مانع وجود داشته باشد و یا وسیله نقلیه دیگری مانع حرکت او شود، باید از سرعت خود کاسته و در صورت لزوم توقف نماید تا به وسایل نقلیه

جهت مقابل اجازه عبور دهد. بخش دوم - سرعت ماده ۱۲۶- در راهها و مناطقی که میزان سرعت رانندگی به وسیله تابلو یا علائم دیگر راهنمایی و رانندگی معین نگردیده است، سرعت مجاز برای رانندگان وسایل نقلیه به قرار زیر می باشد: اول - در شهرها و مناطق مسکونی الف - معابر شریانی درجه یک ۱- آزادراهها حداقل ۷۰ و حداکثر ۱۲۵ کیلومتر در ساعت. ۲- بزرگراهها حداکثر ۱۰۰ کیلومتر در ساعت. ب - معابر شریانی درجه دو ۱- خیابانهای شریانی اصلی حداکثر ۶۰ کیلومتر در ساعت. ۲- خیابانهای شریانی فرعی حداکثر ۵۰ کیلومتر در ساعت. پ - معابر محلی - در این معابر و میدانها حداکثر ۳۰ کیلومتر در ساعت. دوم - در راههای بیرون شهر و مناطق غیرمسکونی الف - آزادراهها - حداقل ۷۰ و حداکثر ۱۲۵ کیلومتر در ساعت. ب - بزرگراهها - حداکثر ۱۱۵ کیلومتر در ساعت. پ - جادهها - روزها حداکثر ۱۰۰ و شبها حداکثر ۹۰ کیلومتر در ساعت. تبصره ۱- تردد اتوبوس، مینی بوس، و انواع بارکشها به استثنای وانتها در خط سوم (سرعت) آزادراههای شهری و بین شهری ممنوع است. تبصره ۲- حداکثر سرعت مجاز برای وسایل نقلیه موتوری در هر یک از خطهای عبوری آزادراهها با توجه به شرایط محل به وسیله علائم تعیین می گردد. تبصره ۳- تغییرات بعدی در میزان سرعتهای قید شده در راههای بیرون شهر و مناطق غیرمسکونی از سوی وزارت راه و ترابری تعیین و اعلام می گردد. ماده ۱۲۷- علاوه بر آزادراهها در محل هایی که بر حسب ضرورت با نصب تابلو یا علائم دیگر حداقل سرعت نیز معین گردیده است، رانندگی با سرعت کمتر از حداقل، مجاز نخواهد بود. ماده ۱۲۸- رانندگان حق ندارند در راهها آن قدر با سرعت کم حرکت نمایند که باعث کندی عبور و مرور یا نابسامانی آن بشوند، مگر آنکه برای پرهیز از خطر و تصادف ضروری باشد. ماده ۱۲۹- رانندگان وسایل نقلیه موظفند در تقاطع هایی که چراغ راهنمایی و رانندگی یا مأمور راهنمایی و رانندگی یا تابلوی ایست وجود ندارد، در سر پیچها جاده های تنگ و تپه ها و به طور کلی در محل هایی که موانعی در مسیر حرکت آنان وجود داشته باشد و همچنین هنگام بارندگی یا مه یا کولاک و مانند آنها از سرعت وسیله نقلیه تاحدی که بر حسب مورد برای پرهیز از خطر یا تصادف ضرورت دارد، بکاهند و با سرعت مطمئن حرکت نمایند. ماده ۱۳۰- رانندگان وسایل نقلیه هنگام عبور از معابر و گذرگاههای تنگ یا پر جمعیت و یا هنگامی که بیشتر از ۵۰ متر مقابل آنها دیده نمی شود، مکلفند آهسته و با سرعت مطمئن حرکت کنند و در صورت احتمال وقوع حادثه یا اختلال در نظم و مزاحمت برای پیادگان، بر حسب مورد، حرکت وسیله نقلیه را کند یا آن را متوقف سازند. ماده ۱۳۱- رانندگی با انواع دوچرخه های موتوردار در شب با سرعتی بیش از ۴۰ کیلومتر در ساعت مجاز نیست، مگر این که نور چراغ جلوی آنها برای تشخیص اشیاء و انسان از فاصله ۱۰۰ متری کافی باشد که در این صورت هم نمی توانند از حداکثر سرعت مقرر تجاوز نمایند. بخش سوم - سبقت ماده ۱۳۲- رانندگانی که قصد سبقت گرفتن از وسایل نقلیه ای را که در جهت آنان حرکت می نمایند دارند، در محل های مجاز و در صورت لزوم پس از روشن کردن چراغ راهنما و یا با دادن علامت لازم تنها از سمت چپ آنها سبقت گیرند و پس از سبقت و طی مسافت کافی، بار دیگر با روشن کردن چراغ راهنما و یا با دادن علامت به طرف راست راه متوجه و در مسیر قبلی خود قرار گیرند به نحوی که راه وسیله نقلیه ای که از آن سبقت گرفته شده بسته نشود یا موجب تصادف نشود. با وجود این سبقت گرفتن از طرف راست وسیله نقلیه ای که در حال گردش به چپ می باشد مجاز خواهد بود. ماده ۱۳۳- مسیری که راننده می خواهد برای سبقت گرفتن وارد آن شود باید تا فاصله دور و مطمئنی از طرف مقابل خالی از هر گونه وسیله نقلیه بوده و تفاوت سرعت بین وسیله نقلیه او و وسیله نقلیه جلویی برای سبقت کافی باشد تا به این ترتیب موجب به خطر انداختن خود و ترافیک سمت مقابل نشده باشد. ماده ۱۳۴- رانندگان وسایل نقلیه ای که از آنها سبقت گرفته می شود باید راه را برای وسیله نقلیه ای که در حال سبقت گرفتن است باز کنند و بر سرعت خود نیفزایند. ماده ۱۳۵- سبقت گرفتن در موارد زیر ممنوع است: الف - در سر پیچهای تند و سربالایی که میدان دید راننده کم است. ب - از ۵۰ متر مانده به پیچها تا ۵۰ متر پس از آن یا در تقاطع راهها یا در تقاطع راه آهن، مگر آنکه به وسیله علائم، سبقت مجاز شناخته شده باشد. پ - هنگامی که روشنایی و میدان دید به هر علت کافی نباشد. ت - سبقت از وسیله نقلیه ای که خود در حال سبقت گرفتن است، مگر در راهی

که به دلیل وجود سه خط عبور یا بیشتر، این عمل مجاز باشد. ث - برای اتوبوس‌ها و کامیون‌ها در معابر شهری. ج - از ۱۰۰ متر مانده به ورودی تونل‌ها و پل‌ها تا انتهای آنها، مگر آنکه به وسیله علائم، سبقت مجاز شناخته شده باشد. چ - در نقاطی که با نصب علائم ویژه سبقت گرفتن ممنوع اعلام شده باشد. ح - هنگامی که وسیله نقلیه‌ای در فاصله‌ای نزدیک و غیر ایمن از روبرو در حال حرکت می‌باشد. بخش چهارم - حق تقدم عبور ماده ۱۳۶ - رعایت مقررات مربوط به حق تقدم عبور برای همه اجباری است، مگر در مواردی که موجب مقررات خاص یا علائم ویژه راهنمایی و رانندگی خلاف این حکم داده شده باشد. ماده ۱۳۷ - حق تقدم عبور وسایل نقلیه در تقاطع‌ها و میدان‌هایی که هیچگونه علامت و چراغ راهنمایی و رانندگی وجود نداشته باشد، به ترتیب زیر است: الف - در تقاطع هم‌عرض اگر دو وسیله نقلیه‌ای که روبروی یکدیگر در حرکتند بخواهند با هم وارد خیابان مجاور واحدی شوند، حق تقدم عبور با وسیله‌ای است که به سمت راست گردش می‌کند. ب - هرگاه دو یا چند وسیله نقلیه از دو یا چند راه مختلف به تقاطع هم‌عرض برسند، حق تقدم عبور با وسیله نقلیه‌ای است که در طرف راست وسیله نقلیه دیگر قرار دارد. پ - هنگام ورود به میدان‌ها حق تقدم عبور با وسایل نقلیه‌ای است که در درون میدان در حال حرکت هستند. ت - در سه راه‌ها حق تقدم عبور با وسیله نقلیه‌ای است که به طور مستقیم و در سمت و مسیر مجاز حرکت می‌کند حتی اگر عرض خیابانی که مسیر آن است از عرض راه تلاقی کننده کمتر باشد. ماده ۱۳۸ - در برخورد راه اصلی با راه فرعی حق تقدم با وسیله‌ای است که از راه اصلی عبور می‌کند. رانندگانی که از راه فرعی وارد راه اصلی می‌شوند، باید پیش از ورود به راه اصلی، در صورت لزوم توقف نموده و پس از رعایت حق تقدم عبور وسایل نقلیه‌ای که در مسیر مجاز خود در راه اصلی و با سرعت مجاز عبور می‌کنند، وارد این راه بشوند. ماده ۱۳۹ - رعایت مقررات ماده (۱۳۸) برای وسیله نقلیه‌ای که از راه خصوصی یا شانه راه یا گاراژ یا کوچه یا تعمیرگاه و مانند آنها به معابر عمومی وارد می‌شود نیز لازم است. ماده ۱۴۰ - وسیله نقلیه‌ای که در مسیر مجاز در حال حرکت است بر وسایل نقلیه متوقفی که در حال شروع حرکت به جلو یا عقب، گردش و یا دور زدن هستند حق تقدم عبور دارد. ماده ۱۴۱ - در گذرگاه پیاده که چراغ راهنمایی و رانندگی نداشته باشد، حق تقدم عبور با پیادگان است. ماده ۱۴۲ - در خیابان یا در تقاطعی که وسایل نقلیه روبروی یکدیگر حرکت می‌کنند، هرگاه وسیله‌ای بخواهد گردش به چپ کند حق تقدم با وسیله نقلیه‌ای است که مستقیم و در مسیر مجاز عبور می‌نماید. در محل توقف (پارک) کنار خیابان حق تقدم با وسیله‌ای است که ضمن حرکت به عقب مشغول توقف یا پارک کردن است. ماده ۱۴۳ - در راه‌هایی که مسیر حرکت وسایل نقلیه به علت وجود موانع ثابت اعم از وسایل نقلیه پارک شده، مصالح ساختمانی، اشیاء، عملیات عمرانی، حفاری و خرابی راه بسته و یا برای عبور از مسیر مجاز کافی نباشد، حق تقدم عبور با وسایل نقلیه‌ای است که مسیر عبور آنها باز یا سهم عبور بیشتری را دارا می‌باشد. ماده ۱۴۴ - در راه‌های کوهستانی و یا راه‌های شیب‌دار با ویژگی‌های مشابه راه‌های کوهستانی که در آنها عبور از کنار وسایل نقلیه طرف مقابل غیرممکن و یا مشکل می‌باشد، راننده‌ای که در جهت سرازیری در حرکت است باید به کنار راه رفته و به راننده‌ای که در جهت سربالایی در حرکت است تقدم عبور بدهد. تبصره - در راه‌های سطح که دو طرف راه منتهی به کوه و پرتگاه می‌باشد حق تقدم عبور با وسایل نقلیه‌ای است که در طرف پرتگاه قرار دارند. ماده ۱۴۵ - در راه‌های مندرج در ماده (۱۴۴) که در کنار آن جای توقف (پارک) یا شانه کافی وجود دارد به نحوی که راننده می‌تواند با استفاده از آن به کنار برود و با استفاده از آن از عقب رفتن یکی از وسایل نقلیه جلوگیری کند، راننده واقع در جهت سربالایی باید با استفاده از آن به راننده واقع در جهت سرازیری اجازه عبور دهد. چنانچه یکی از دو وسیله‌ای که می‌خواهند از کنار یکدیگر عبور کنند به منظور امکان عبور، مجبور به عقب رفتن بشود، این عمل را باید وسیله‌ای که در جهت سرازیری قرار دارد انجام دهد، مگر آنکه به طور آشکار انجام آن از سوی راننده واقع در جهت سربالایی آسانتر باشد. بخش پنجم - استفاده از چراغ‌ها ماده ۱۴۶ - راننده وسیله نقلیه‌ای که شب در حرکت است و همچنین در هر محل یا زمان دیگری که به علت نبودن نور کافی ناشی از ابری بودن هوا، وجود مه، باران، برف، عبور از تونل و مانند آنها دید کافی وجود ندارد، باید چراغ‌های وسایل نقلیه را به ترتیب مقرر در مواد بعدی

روشن نماید. ماده ۱۴۷- در خیابان‌ها و جاده‌هایی که نور کافی وجود دارد باید تنها از چراغ‌های جانبی جلو و عقب در صورت خرابی ناگهانی چراغ‌های جانبی جلو از چراغ عبور (نورپایین) استفاده شود. ماده ۱۴۸- هنگامی که چراغ‌ها باید روشن باشند، اگر چند وسیله نقلیه متصل به هم حرکت کنند، روشن کردن چراغ‌هایی که با توجه به محل نصبشان پوشیده می‌شوند ضرورت ندارد ولی در هر حال چراغ‌های جلوی وسیله اولی و چراغ‌های عقب وسیله آخری باید روشن باشند. ماده ۱۴۹- رانندگان وسایل نقلیه موتوری موظفند که در جاده‌ها از چراغ رانندگی (نوربالا) استفاده کنند تا بتوانند کلیه اشیا و اشخاص را در فاصله دور ببینند، مگر در موارد زیر که باید از چراغ عبور (نور پایین) استفاده نمایند: الف- هنگام روبرو شدن با وسیله نقلیه‌ای که از جهت مخالف حرکت می‌کند. در این صورت راننده باید از فاصله حداقل ۱۵۰ متری از چراغ عبور (نورپایین) استفاده نماید تا راننده طرف مقابل بتواند به راحتی و بدون خطر به راه خود ادامه دهد. در عین حال برای جلوگیری از تابش خیره کننده نور به چشم رانندگان دیگر، می‌توان بر حسب مورد از چراغ‌های کوچک یا چراغ‌های مه شکن استفاده نمود. ب- هنگامی که وسیله نقلیه از فاصله نزدیک عقب وسیله نقلیه دیگری که در حال حرکت است عبور می‌کند، مگر وقتی که در حال سبقت گرفتن باشد. ماده ۱۵۰- چراغ‌های جلو وسایل نقلیه‌ای که در شانه راه‌ها (به استثنای آزاد راه‌ها و بزرگراه‌ها) توقف می‌نمایند با دیدن حرکت وسایل نقلیه‌ای که از مقابل در حرکتند باید خاموش شود و برای تشخیص وجود و ابعاد وسیله نقلیه، چراغ‌های کوچک و جانبی را روشن نمایند. ماده ۱۵۱- استفاده از چراغ‌های چشمک‌زن و رنگارنگ در وسایل نقلیه ممنوع است، مگر در مواردی که به موجب این آیین‌نامه مجاز باشد. بخش ششم- گردش ماده ۱۵۲- قواعد گردش در تقاطع‌ها به شرح زیر است: الف- برای گردش به راست باید با توجه به سرعت و جهت و موقعیت وسایل نقلیه‌ای که در جلو و عقب حرکت می‌کنند با فاصله کافی و مناسب و با استفاده از چراغ راهنما و یا با دادن علامت، وارد خط عبور سمت راست شده و به طور کامل از کنار تقاطع بگذرند. ب- برای گردش به چپ باید با توجه به سرعت و جهت و موقعیت وسایل نقلیه‌ای که در جلو و عقب حرکت می‌کنند از فاصله کافی و مناسب چراغ راهنما استفاده نموده و یا با دادن علامت وارد مسیر مجاز سمت چپ شده به طوری که پس از ورود به تقاطع، وسیله نقلیه در حدود مرکز تقاطع قرار گیرد و سپس با رعایت حق تقدم عبور وسایل نقلیه‌ای که مستقیم و در مسیر و محل مجاز در حرکتند با حداقل سرعت به چپ گردش نماید به نحوی که پس از ورود به خیابان موردنظر در مجاورت محور وسط آن خیابان قرار گیرد. پ- برای گردش به چپ در راه‌های بیرون شهر که منحصر به دو خط عبور رفت و برگشت بوده و مانع فیزیکی وسط جاده وجود نداشته باشد، رانندگان وسایل نقلیه موظفند وسیله نقلیه را در شانه راه و در صورت نبودن آن، در منتهی‌الیه سمت راست راه متوقف نموده و سپس با توجه به سرعت و جهت و موقعیت وسایل نقلیه‌ای که به طور مستقیم در حال حرکت می‌باشند و با استفاده از چراغ راهنما و یا با دادن علامت اقدام به گردش نمایند. ماده ۱۵۳- در راه‌های یک طرفه برای گردش به چپ، رانندگان موظفند وسیله نقلیه را به منتهی‌الیه طرف چپ خیابان هدایت و سپس به چپ گردش کنند. ماده ۱۵۴- دور زدن در فاصله ۱۵۰ متری پیچ‌ها و سربالایی‌ها و تونل‌ها که میدان دید کافی نیست و همچنین از روی خط پر یا ممتد (یک خطه ممتد یا دو خطه ممتد) ممنوع است. ماده ۱۵۵- به عقب راندن وسیله نقلیه در آزادراه‌ها و بزرگراه‌ها و ورودی و خروجی آنها ممنوع می‌باشد. در راه‌های دیگر به هنگام ضرورت، با احتیاط کامل برای پرهیز از وقوع هرگونه حادثه و بسته شدن راه عبور وسایل دیگر، مجاز است. ماده ۱۵۶- در تقاطع‌هایی که با ترسیم جهت‌نما بر سطح آنها مسیر حرکت مشخص شده، رانندگان موظفند تنها در همان جهت ترسیم شده بر سطح تقاطع به حرکت خود ادامه دهند. در معابری که با ترسیم جهت‌نما بر سطح آن مسیر حرکت مشخص شده، رانندگان تا حد امکان مسیر مشخص شده بر سطح معبر را دنبال می‌کنند، مگر اینکه قصد تغییر خط یا توقف یا گردش داشته باشند که در این صورت با رعایت کامل مقررات، از مسیر مشخص شده خارج می‌شوند. بخش هفتم- توقف ماده ۱۵۷- رانندگان تاکسی‌های خطی و بیسیم‌دار هنگامی که مسافر ندارند باید در ایستگاه‌های تعیین شده توقف کنند. ماده ۱۵۸- کلیه رانندگان وسایل نقلیه برای سوار و پیاده کردن مسافران و یا سرنشینان خود باید

تنها در محل‌های مجاز و یا در منتهی‌الیه سمت راست سواره رو توقف نمایند. تبصره - سوار و یا پیاده کردن مسافران وسایل نقلیه عمومی بین شهری در صورت وجود پایانه مسافربری در شهر، تنها در پایانه یاد شده مجاز است. ماده ۱۵۹- هرگونه توقف کوتاه یا طولانی وسایل نقلیه در خط‌های عبور یا مسیر وسایل نقلیه و پیادگان و همچنین توقف وسایل نقلیه در حاشیه راه‌ها برای عرضه و خرید و فروش کالا که موجب تجمع اشخاص و یا وسایل نقلیه در محل یا انحراف دید و یا کاهش توجه رانندگان از رانندگی و احتمال وقوع تصادف گردد ممنوع است. رانندگان وسایل نقلیه در صورت توقف اضطراری که امکان انتقال وسیله نقلیه به بیرون خط و یا مسیر عبوری وجود نداشته باشد، موظفند با نصب علائم، از فاصله ۷۰ متری رانندگان وسایل نقلیه دیگر و پیادگان را آگاه نمایند. ماده ۱۶۰- هیچ راننده‌ای مجاز نیست وسیله نقلیه‌ای را که موتور آن روشن است حتی در محل مجاز متوقف سازد و خود از آن پیاده و دور گردد. در معابر شیب‌دار پس از توقف، رانندگان باید چرخ‌های جلو وسیله نقلیه را به سمت کناره راه بپیچانند و سپس با رعایت دیگر نکات ایمنی، موتور را خاموش و پیاده شوند، مگر در راه‌هایی که کناره آنها منتهی به پرتگاه باشد. ماده ۱۶۱- رانندگان وسایل نقلیه در موارد زیر موظفند به ترتیبی که مقرر می‌شود توقف نمایند: الف - هنگام برخورد با وسایل نقلیه امدادی که دستگاه‌های آگاه‌سازی شنیداری یا دیداری خود را به کار انداخته باشند تا حد امکان وسیله نقلیه را در مسیر مجاز خود به سمت راست راه‌هدایت و راه را برای آنها باز کنند و در صورت لزوم تا گذشتن وسایل نقلیه امدادی متوقف شوند. ب - پیش از ورود به تقاطعی که علائم یا مأمور راهنمایی و رانندگی ندارند، باید بایستند و سپس با احتیاط کامل از تقاطع بگذرند. پ - پیش از رسیدن به گذرگاه پیاده و در صورت حضور یا عبور اشخاص باید وسیله نقلیه خود را متوقف سازند و همچنین با دادن علامت رانندگان پشت سر را نیز به توقف دعوت نمایند تا پیادگان با آرامش عبور کنند. ت - هنگام برخورد با اتومبیل‌های مدارس که برای سوار و پیاده کردن دانش‌آموزان در حال توقف می‌باشند، توقف نمایند تا دانش‌آموزان با ایمنی کامل از عرض راه عبور کنند. ث - در تقاطع‌های همسطح راه‌آهن و یا راه‌آهن شهری، هنگامی که علائم الکتریکی یا مکانیکی یا پرچم قرمز یا سوت قطار نزدیک شدن آن را اعلام می‌دارد یا دروازه عبور بسته شده یا در حال باز و بسته شدن است و یا مسیر عبوری از روی ریل متراکم باشد، باید لاقل در پنج متری علامت یا دروازه توقف کامل کنند تا قطار بگذرد و تقاطع برای عبور آزاد گردد. تبصره ۱- حرکت در پوشش وسایل نقلیه امدادی برای وسایل نقلیه دیگر ممنوع است. تبصره ۲- در معابر متقاطع با راه‌آهن، حسب مورد، شهرداری‌ها یا وزارت راه و ترابری موظف به ایجاد گذرگاه غیرهمسطح می‌باشند. ماده ۱۶۲- رانندگان وسایل نقلیه موتوری به ویژه اتومبیل‌های مدارس و وسایل نقلیه که حامل مواد خطرناک می‌باشند، در محل تقاطع راه‌آهن هرچند علامتی وجود نداشته باشد باید به طور کامل توقف کنند و پس از اطمینان از بی‌خطر بودن معبر، از تقاطع بگذرند. در هر حال هنگام عبور از روی ریل‌ها، مجاز به تعویض دنده نمی‌باشند. ماده ۱۶۳- ایستادن یا توقف وسایل نقلیه در محل‌های زیر ممنوع است: الف - پیاده‌رو و گذرگاه پیاده. ب - مقابل ورودی خیابان‌ها و جاده‌ها و کوچه‌ها یا ورودی و خروجی اتومبیل روی ساختمان‌ها. پ - داخل تقاطع. ت - در فاصله ۱۵ متری میدان یا تقاطع یا سه‌راه‌ها یا تقاطع راه‌آهن. ث - در فاصله ۱۵ متری شیرهای آب آتش‌نشانی و شیرهای آب نصب شده در راه‌ها. ج - در فاصله ۱۵ متری اطراف چراغ‌های راهنمایی و رانندگی و یا محل‌هایی که توقف وسایل نقلیه مانع دید علائم راهنمایی و رانندگی شود. چ - از ابتدا تا انتهای پیچ‌ها. ح - در فاصله ۱۵ متری ورودی و یا خروجی مراکز آتش‌نشانی، پلیس و بیمارستانها و فوریت‌های پزشکی. خ - کنار وسایل نقلیه‌ای که خود متوقف می‌باشند (توقف دوبله). د - روی پل‌ها و درون تونل‌ها و معابر در ارتفاع. ذ - در خیابان‌هایی که پیاده‌رو آن قابل عبور نبوده و پیادگان مجبورند از بخشی از سواره‌رو عبور کنند. ر - در ایستگاه‌های وسایل نقلیه همگانی و حریم آنها که با علائم راهنمایی و رانندگی مشخص است. ز - در محل‌هایی که علائم راهنمایی و رانندگی مانند تابلوهای توقف ممنوع و یا ایستادن ممنوع و یا خط‌کشی‌های شطرنجی در سطح تقاطع و یا معابر نیز دلالت بر ممنوعیت توقف نماید. ژ - در هر نقطه از معابر در حال تعمیر، شستشو و تعویض روغن و نیز در طول مسیرهای ویژه اتوبوس و دوچرخه و همچنین در

طول مسیر و خط‌های عبور آزادراه‌ها. س - در جاهایی که دستگاه توقف‌سنج (پارکومتر) نصب شده و یا توقف با کارت پارک یا انواع دیگر تجهیزات توقف‌سنج با علائم مشخص‌کننده، مجاز می‌باشد، به‌علت پرداخت نکردن هزینه توقف و یا نداشتن کارت پارک مجاز و یا پایان زمان توقف. تبصره - مراجع مسئول موظفند هنگام استفاده از پارکومتر، کارت پارک و مشابه آنها و همچنین در محل‌هایی که تابلوهای ایستادن ممنوع، توقف ممنوع و حمل با جرثقیل و مانند آن نصب می‌نمایند، به وسیله تابلو مستطیل شکلی در زیر تابلوهای یاد شده زمان‌های ممنوعیت توقف و حمل با جرثقیل را اعلان کنند. بخش هشتم - مقررات اختصاصی موتورسیکلت و دوچرخه ماده ۱۶۴ - رانندگان و سرنشینان هر نوع موتورسیکلت و دوچرخه موتوردار باید به کلاه ایمنی مجهز باشند و در طول حرکت از آن استفاده نمایند. ماده ۱۶۵ - رانندگان موتورسیکلت نباید در یک خط عبور به موازات و در کنار خودروها حرکت کنند. ماده ۱۶۶ - رانندگان موتورسیکلت باید هنگام رانندگی تنها روی زین موتورسیکلت بنشینند و حق ندارند شخص دیگری را بر ترک سوار کنند، مگر آنکه در ترک نیز یک زین کامل برابر استاندارد ساخت موتورسیکلت نصب شده یا موتورسیکلت دارای یدک پهلوی (ساید کار) باشد. ماده ۱۶۷ - عبور موتورسیکلت و موتورگازی و دوچرخه‌سوار از پیاده‌رو و وسط دستجات، بازار و نقاط شلوغ ممنوع است. ماده ۱۶۸ - موتورسیکلت‌سواران و دوچرخه‌سواران حق ندارند هنگام رانندگی بار نامتعارف و اشیای دیگری حمل کنند یا حرکت نمایشی یا اعمالی انجام دهند که نیازمند برداشتن دست‌های آنان از روی فرمان باشد. ماده ۱۶۹ - رانندگان موتورسیکلت، موتورگازی و دوچرخه هنگام لغزنده بودن راه‌ها ممنوع است. ماده ۱۷۰ - رانندگی با دوچرخه فاقد زین ممنوع است. ماده ۱۷۱ - دوترکه سوار کردن اشخاص روی دوچرخه ممنوع است، مگر آنکه زین اضافی استاندارد برای این کار داشته باشد. ماده ۱۷۲ - دوچرخه‌سواران مکلفند: الف - هنگام حرکت به‌طور کامل از طرف راست راه عبور نمایند و برای گذشتن از وسایل نقلیه‌ای که در کنار راه توقف کرده‌اند متهای احتیاط را به عمل آورند. ب - در صورت زیاد بودن تعداد دوچرخه‌سواران، باید در یک ردیف حرکت کنند، مگر آنکه معبر ویژه‌ای برای آنها اختصاص داده شده باشد. در این صورت حق ندارند بیرون معبر ویژه عبور و مرور نمایند. فصل دهم - مقررات مختلف ماده ۱۷۳ - رانندگان وسایل نقلیه‌ای که در پشت سر وسیله نقلیه دیگر حرکت می‌کنند، موظفند فاصله مناسبی را برای جلوگیری از تصادف حفظ کنند. چگونگی رعایت فاصله مناسب به وسیله متن‌های آموزشی تهیه شده و با روش قاعده دوتاییه از طریق کتاب‌های آموزشی موضوع تبصره ماده (۹۷) این آیین‌نامه، به درخواست‌کنندگان گواهی‌نامه آموزش داده می‌شود. ماده ۱۷۴ - کامیون‌های بزرگ و وسایل نقلیه دیگری که دارای یدک‌های طولیل هستند و همچنین وسایل نقلیه‌ای که به صورت کاروان و دسته‌جمعی در یک ستون در جاده‌ها حرکت می‌کنند، هنگام عبور باید فاصله بیشتری با وسایل نقلیه جلوی خود داشته باشند به طوری که وسیله نقلیه دیگری که از آنها سبقت می‌گیرد، بتواند پس از سبقت بار دیگر در جلو آنها وارد مسیر مجاز عبور خود شوند. ماده ۱۷۵ - سوار کردن بیش از ظرفیت مجاز تعیین شده در وسیله نقلیه و همچنین گذاشتن بار یا اشیای دیگر در قسمت جلو یا عقب آن اعم از درون یا بیرون که مانع دید راننده گردد ممنوع است. ماده ۱۷۶ - رانندگان وسایل نقلیه سنگین هنگام عبور از جاده‌های کم‌عرض و باریک یا عقب رانند، باید یک نفر کمک‌راننده برای پرهیز از هرگونه خطری همراه داشته باشند. ماده ۱۷۷ - حرکت با دنده خلاص در سرازیری‌ها ممنوع است. ماده ۱۷۸ - وسایل نقلیه نباید از روی لوله‌های آب آتش‌نشانی که برای خاموش کردن آتش در خیابان قرار گرفته‌اند، عبور نمایند، مگر با اجازه متصدیان آتش‌نشانی. ماده ۱۷۹ - رانندگان تاکسی‌ها و وسایل نقلیه مسافربری موظفند موارد زیر را رعایت نمایند: الف - سوار کردن مسافر با داشتن مسافر قبلی در تاکسی‌های تلفنی، بی‌سیم و یا موسسات و یا شرکت‌های تاکسیرانی در بست، ممنوع است. ب - رانندگان تاکسی‌ها موظفند پس از سوار شدن مسافر و هنگام شروع به حرکت، تاکسیمتر را به کار اندازند. در صورت نداشتن یا خرابی تاکسیمتر حق کار کردن ندارند، مگر در نقاطی که شهرداری نصب تاکسیمتر را ضروری اعلام نکرده باشد. پ - رانندگان وسایل نقلیه عمومی دیگر که در بست کرایه داده می‌شوند نباید بدون رضایت کرایه‌کننده شخص دیگری را سوار کنند. ت -

خودداری از بردن مسافر برای وسایل نقلیه عمومی و همچنین نرساندن مسافر به مقصد ممنوع است، مگر اینکه بر اساس ضوابط مربوط خارج از خدمت (سرویس) باشند. ث - رانندگان وسایل نقلیه عمومی و کمک‌رانندگان آنها نباید با مسافران با خشونت و بی‌احترامی رفتار نمایند. ماده ۱۸۰- رانندگان حق ندارند ضمن رانندگی، دخانیات استعمال نمایند یا خوراکی یا آشامیدنی میل کنند و استفاده از هرگونه وسایل و تجهیزات مانند تلفن همراه که باعث انحراف ذهنی و رفتاری راننده گردد ممنوع است. رانندگان موظفند در هر حال به طور کامل به جلو توجه داشته باشند. ماده ۱۸۱- رانندگی برای کسی که نوشابه الکلی یا موادمخدر و داروهای خواب‌آور مصرف کرده تا رفع کامل آثار آن ممنوع است. تبصره - در مواردی که مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه به وجود حالت مستی و یا حالت غیرعادی ناشی از مصرف مواد یاد شده به راننده‌ای ظنین شوند، موظفند وسیله نقلیه را متوقف ساخته و بلافاصله میزان الکل خون راننده و مانند آن را از طریق آزمایش‌های لازم تعیین و از رانندگی وی جلوگیری نموده و متخلف را برای تعیین تکلیف به مراجع مربوط معرفی نمایند. ماده ۱۸۲- سوار کردن اشخاص آلوده به کثافات در وسایل نقلیه عمومی مسافری مجاز نیست. ماده ۱۸۳- راننده موظف است هنگام رانندگی، گواهی‌نامه رانندگی خویش، بیمه‌نامه شخص ثالث خودرو و کارت شناسایی خودرو را همراه داشته باشد و در صورت درخواست مأموران راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه، آنها را تسلیم نماید. مأمور موظف است پس از ملاحظه و بررسی مدارک آنها را بازگرداند، مگر در مواردی که به موجب قانون یا آیین‌نامه، اخذ گواهی‌نامه به منظور درج تخلف در آن ضرورت داشته باشد. در این صورت در برابر دادن رسید، گواهی‌نامه اخذ می‌گردد. ماده ۱۸۴- استفاده از بوق‌های شیپوری، سوت بلبلی و به‌طور کلی هر نوع وسیله آگاه‌سازی صوتی با صدای ناهنجار و غیرعادی در مناطق مسکونی و همچنین زدن بوق ممتد یا غیرضروری یا مکرر و یا زدن بوق در محل‌هایی که این عمل به وسیله علائم منع شده است، ممنوع است. استفاده از بوق برای مقاصدی مانند صدا زدن افراد، جلب توجه مسافر، اعلام حضور و باز کردن درب منزل، خداحافظی و مانند آنها ممنوع است. ماده ۱۸۵- وسایل نقلیه امدادی که مجاز به داشتن چراغ‌گردان یا آژیر خطر ویژه می‌باشند تنها هنگامی که برای انجام مأموریت‌های مهم و فوری در حرکتند، باید از آنها استفاده نمایند. ماده ۱۸۶- وسایل نقلیه انتظامی و امدادی، هنگامی که برای انجام مأموریت فوری در حرکتند در صورت به کار بردن چراغ‌گردان ویژه اعلام خطر یا آژیر، تا حدودی که موجب بروز تصادف نشود، مجاز به انجام اعمال زیر می‌باشند: الف - توقف در محل ممنوعه. ب - تجاوز از سرعت مجاز و سبقت از سمت راست و وسیله نقلیه دیگر. پ - عبور از طرف چپ راه و همچنین دور زدن در نقاط ممنوعه. ت - گذشتن از چراغ قرمز یا رعایت نکردن علائم دیگر ایست، مشروط به این که از سرعت وسیله نقلیه در این گونه محل‌ها تا حداقل امکان کاسته شود. ماده ۱۸۷- درهای وسایل نقلیه در حال حرکت باید به طور کامل بسته باشد و باز کردن آنها پیش از توقف کامل مجاز نیست. ماده ۱۸۸- اتومبیل‌های مدارس تنها هنگام سوار و پیاده کردن دانش‌آموزان حق استفاده از علائم دیداری یاد شده در ماده (۶۰) را دارند. ماده ۱۸۹- استفاده از لاستیک‌های فرسوده و غیراستاندارد در وسایل نقلیه ممنوع است. هنگام برف و یخبندان و به‌طور کلی در صورت اعلام مقامات مرتبط و یا مأموران راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه، رانندگی با وسیله نقلیه‌ای که چرخ‌های آن به زنجیر و یا لاستیک یخ‌شکن مجهز نباشد، ممنوع است. ماده ۱۹۰- رانندن وسیله نقلیه‌ای که بیش از ظرفیت مندرج در کارت مشخصات، بار یا مسافر گرفته ممنوع است. ماده ۱۹۱- عبور وسایل نقلیه از میان دستجات ارتش یا مأموران انتظامی یا دانش‌آموزان یا تشییع‌کنندگان جنازه‌ها یا دیگر دستجات تشریفاتی و بوق زدن در این گونه موارد مجاز نیست. ماده ۱۹۲- عبور وسایل نقلیه از پیاده‌روها و توقف آنها روی پیاده‌رو ممنوع است. ماده ۱۹۳- سوار شدن و سوار کردن اشخاص روی گلگیر یا رکاب یا سایر قسمت‌های بیرونی وسایل نقلیه ممنوع است. ماده ۱۹۴- رانندن و یا حرکت با اسکیت و اسکوتر و مانند آنها در معابر عمومی ممنوع است، مگر در مسیرهایی که از سوی راهنمایی و رانندگی با نصب تابلو ویژه، مجاز اعلام شده باشد. ماده ۱۹۵- عبور وسایل نقلیه سنگین که حداکثر سرعت آنها از ۱۵ کیلومتر در ساعت تجاوز نمی‌کند مانند تراکتورهای زنجیری و غلطک‌های جاده‌کوبی و غیره باید پیش

از رسیدن آنها به اولین پست راه آهن یا ایستگاه، خبر داده شود تا تدارک احتیاطی لازم برای عبور بی خطر آنها از تقاطع راه آهن فراهم گردد. ماده ۱۹۶- رانندگان این گونه وسایل نقلیه موظفند هنگامی که عبور آنها از تقاطع راه آهن مجاز است پیش از رسیدن به آن توقف کامل کنند و پس از دیدن دوطرف و اطمینان از نبودن خطر احتمالی از آنجا بگذرند. هنگامی که نزدیک شدن قطار به وسیله علائم یا صدای لکوموتیو اعلام می شود، تا عبور قطار نباید از تقاطع عبور نمایند. ماده ۱۹۷- هرگاه مأمور راهنما در محل تقاطع راه آهن حضور داشته باشد، عبور از تقاطع باید با فرمان او انجام گیرد. ماده ۱۹۸- هیچکس حق ندارد وسیله نقلیه‌ای را که متعلق به او نیست یا راننده آن نمی باشد، بدون اجازه کسی که آن را در اختیار دارد از محل خود حرکت دهد یا با آن رانندگی کند، مگر مأموران انتظامی با رعایت قوانین و مقررات و در چارچوب وظایف قانونی. ماده ۱۹۹- هیچکس حق ندارد به شخصی که گواهی نامه رانندگی ندارد اجازه رانندگی با وسیله نقلیه خود را بدهد. با متخلف برابر مقررات کیفری رفتار خواهد شد. ماده ۲۰۰- هیچکس حق ندارد وسیله نقلیه‌ای را که طبق نظر کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه دارای عیب و نقص فنی بوده یا وسایل ایمنی کامل مقرر در این آیین نامه را نداشته باشد، در راه‌ها براند. ماده ۲۰۱- مأموران راهنمایی و رانندگی یا پلیس راه، حسب مورد، پس از اعلام مراجع صلاحیت دار به منظور پیشگیری از حوادث مکلفند از عبور و مرور در راههایی که به علت خرابی، جاری شدن سیل، ریزش کوه و بهمن و یا علت‌های دیگر خطرناک می باشند تا تعمیر و رفع علت‌های خطر، جلوگیری به عمل آورده و یا از حرکت وسایل نقلیه غیرمجهز به تجهیزات لازم ممانعت به عمل آورند. ماده ۲۰۲- صدور مجوز جابه‌جایی مسافر در شهرها و حومه آنها با شهرداری محل می باشد. ماده ۲۰۳- حمل مسافر با وسایل نقلیه باربری ممنوع است. همچنین حمل مسافر با وسایل نقلیه‌ای که دارای پلاک شخصی بوده و پیشتر مجوز لازم برای جابه‌جایی مسافر از وزارت راه و ترابری و یا شهرداری دریافت ننموده باشند، ممنوع می باشد؛ مگر در شرایط اضطراری و با اجازه پلیس راه و یا راهنمایی و رانندگی. ماده ۲۰۴- در صورت نبود امکانات لازم برای رساندن مجروحان به مراکز درمانی، کلیه رانندگان مکلفند همکاری لازم را برای رساندن مصدومان تصادفات رانندگی به اولین مرکز درمانی انجام دهند. ماده ۲۰۵- هیچکس حق ندارد در حالی که سوار دوچرخه یا کفش‌های چرخ‌دار یا سه چرخه‌های بدون رکاب مانند اسکیت و اسکوتر یا اتومبیل‌های اسباب‌بازی است به وسایل نقلیه در حال حرکت تکیه نماید و آنها را وسیله حرکت خود یا حرکت وسیله‌ای که بر آن سوار است قرار دهد. تکیه نمودن و آویزان شدن اشخاص نیز به وسایل نقلیه ممنوع است. ماده ۲۰۶- ریختن شیشه، بطری، میخ، سیم، حلبی، مایعات لزج و چرب، نخاله‌های ساختمانی و زباله، مصالح ساختمانی، شستشوی وسایل نقلیه، ایجاد موانع و به‌طور کلی هر عملی که باعث سد راه و ایجاد خطر و انحراف وسایل نقلیه از مسیر حرکت باشد بر روی راه‌ها، شانه جاده‌ها و حریم قانونی آنها ممنوع است. همچنین ریختن هرگونه زباله، ضایعات و اشیاء، آب دهان و مانند آن از درون خودرو به وسیله راننده و یا سرنشینان ممنوع است. ماده ۲۰۷- نصب هر نوع علائم و پلاک‌های متفرقه و همچنین الصاق یا نصب یا نقش هر نوع آگهی، نوشته، عکس و نوشتن عبارات و ترسیم نقوش روی شیشه‌ها یا بدنه درونی یا بیرونی وسایل نقلیه به منظور تجارت، تبلیغ، نمایش و مانند آن ممنوع است؛ مگر بر اساس ضوابطی که به پیشنهاد شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور به تصویب وزیر کشور خواهد رسید. در مورد جاده‌ها با تصویب وزارت راه و ترابری اقدام می شود. ماده ۲۰۸- حرکت وسایل نقلیه دارای چرخ فلزی در معابر شهری مجاز نیست. ماده ۲۰۹- اعمال زیر در خیابان‌ها و معابر شهری ممنوع است: الف - ورزش و مسابقه‌های ورزشی، مسابقه با اسب یا حیوانات دیگر و وسایل نقلیه، بدون کسب مجوز از مقامات صلاحیت دار. ب - بستن، خوراک دادن و رها کردن دام‌ها و پرندگان. پ - انجام هرگونه حرکات پرشی، نمایشی، تک‌چرخ، دور زدن درجا، رانندگی همراه با صدای ناهنجار و ممتد بوق یا صدای آگروز و اصطکاک چرخ‌ها و مانند آنها. ماده ۲۱۰- هرکس که مسئول حرکت و هدایت حیوانات است، هنگام عبور از عرض یا طول معابر در شب باید از علائم سیار مانند (فانوس، چراغ‌های الکتریکی، دستانه یا راکت شبرنگ‌دار) استفاده نماید. رانندگان موظفند با دیدن حرکت گله و رمه از سرعت خود کاسته و در صورت لزوم تا

عبور احشام توقف نمایند. به هر حال عبور دادن حیوانات از نقاط مشخص شده و تا حد امکان دارای روشنایی ضرورت دارد.

ماده ۲۱۱- دستگاه‌های مسئول موظفند پیش از بسته شدن تمام یا بخشی از راه برای انجام هر نوع عملیات اجرایی اعم از تعریض، تعمیر، نگهداری، حفاری و مانند آنها، هماهنگی‌های لازم را انجام داده و با اطلاع ادارات راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه اقدام و مراتب را به آگاهی مردم برسانند. ماده ۲۱۲- اشخاصی که به هر عنوان روی راه‌های عمومی کار می‌کنند، موظفند پیش از شروع به کار، علائم ایمنی عبور و مرور را بر اساس ضوابط و استانداردهای ایمنی در عملیات اجرایی راه‌ها که به تایید مسئولین مرتبط می‌رسد در محل نصب و همچنین لوازم کار، لباس‌های کارگران و وسایل نقلیه خود را به علائم هشداردهنده مجهز نمایند. در غیراین صورت مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس‌راه موظفند از کار آنان جلوگیری به عمل آورند. ماده ۲۱۳- شهرداری‌ها و مأموران متصدی ایجاد فضای سبز، نصب‌کننده اتافک (کیوسک) تلفن و مانند آنها موظفند مثلث دید رانندگان را در تقاطع‌ها باز نگهدارند. ماده ۲۱۴- جز مأموران صلاحیت‌دار هیچکس حق ندارد برای هدایت، حفاظت و کنترل وسایل نقلیه در سواره‌رو خیابان بایستد یا قدم بزند. ماده ۲۱۵- پیادگان موظفند که: الف- در محل‌هایی که پیاده‌رو وجود دارد از سطح سواره‌رو استفاده نکنند. ب- در محل‌هایی که پیاده‌رو وجود ندارد یا در صورت وجود به دلایلی غیرقابل تردد باشد باید از منتهی‌الیه سمت چپ سواره‌رو و عکس جهت حرکت وسایل نقلیه عبور نمایند. پ- برای گذشتن از عرض راه، تنها از گذرگاه‌های پیاده، پل‌های هوایی و گذرگاه‌های زیرزمینی مجاز عبور نمایند. ت- از دویدن، پریدن و ورود ناگهانی به سطح سواره‌رو خودداری کرده و مراقب حرکت وسایل نقلیه باشند. ث- از حصار آزادراه‌ها نگذرند و در بزرگراه‌ها و خیابان‌ها از لابلای درختان و گل‌بوته‌های حاشیه و میانه راه عبور نکنند. ج- در تقاطع‌ها با روشن شدن چراغ سبز مقابل خود (چراغ عابر) حرکت نمایند و هنگامی که چراغ عابر قرمز بود عبور نکنند. چ- از موانع و خط‌کشی خطوط ویژه، سواره‌رو خیابان‌ها و میدان‌ها عبور نکنند. ح- در بزرگراه‌ها و خیابان‌های اصلی، از خارج از گذرگاه‌های تعیین شده عبور نکنند. خ- در سواره‌رو خیابان برای سوار شدن به وسیله نقلیه و همچنین صحبت کردن یا خرید و فروش با راننده یا سرنشینان وسایل نقلیه، توقف نکنند. ماده ۲۱۶- رانندگی با وسایل نقلیه دارای پلاک دولتی که علامت مشخص‌کننده روی شیشه یا دیگر قسمت‌های تعیین شده آن الصاق یا نصب نشده باشد، ممنوع است. ماده ۲۱۷- رانندگانی که دچار معلولیت و یا ناشنوایی هستند باید با علامت ویژه‌ای که روی شیشه عقب وسیله نقلیه الصاق می‌شود، دیگر رانندگان را از وضعیت خود آگاه سازند تا رانندگان با دیدن آن علامت، علاوه بر رعایت مقررات این آیین‌نامه، احتیاط لازم را بنمایند. ماده ۲۱۸- شهرداری‌ها موظفند پیاده‌روهای استاندارد، هموار و ایمن با در نظر گرفتن عبور سالخورده‌گان و معلولان با صندلی چرخ‌دار و یا بدون آن، در حاشیه معابر شهری ایجاد کنند و با توجه به موقعیت جغرافیایی شهر، در محل‌های مناسب نیز مسیر عبور دوچرخه‌سواران را تا حد امکان و به صورت جداگانه ایجاد نمایند. ماده ۲۱۹- شهرداری‌ها موظفند به منظور افزایش ایمنی عبور و مرور، با همکاری زیرمجموعه‌های وزارت نیرو، برای تامین روشنایی معابر شهرها اقدام نمایند. ماده ۲۲۰- رانندگان و سرنشینان وسایل نقلیه موظفند هنگام حرکت وسیله نقلیه کمربندهای ایمنی خود را بسته نگاه دارند. تبصره- سوار کردن کودکان کمتر از ۱۲ سال در صندلی جلو وسیله نقلیه و همچنین در آغوش داشتن کودک هنگام رانندگی ممنوع است. ماده ۲۲۱- باز گذاشتن در صندوق عقب وسیله نقلیه در حال حرکت، یا نصب پرده یا کرکره یا هر چیز دیگری که مانع دید عقب وسیله نقلیه شود ممنوع است. ماده ۲۲۲- ریزش روغن، نفت، گاز، بنزین و مایعات آلوده و تخریب‌کننده دیگر در راه‌ها ممنوع است. ماده ۲۲۳- زمان لازم الاجرا شدن آن دسته از احکام این آیین‌نامه که اجرای آنها مستلزم آموزش، اطلاع‌رسانی عمومی یا کسب مهارت‌های خاص باشد، اول مهرماه سال ۱۳۸۴ تعیین می‌شود. معاون اول رئیس جمهور- محمدرضا عارف پیوست ۱ جدول طبقه‌بندی انواع گواهی‌نامه پیوست شماره ۲ ضوابط احراز سلامت جسمانی و روانی (صلاحیت پزشکی) درخواست‌کنندگان انواع گواهی‌نامه رانندگی ماده ۱- بینایی برای گواهی‌نامه‌های رانندگی پایه الف (گروه‌های ۱ و ۲) و پایه ب (گروه ۱) و ویژه: ۱- حداقل قدرت بینایی برای مجموع دوچشم با

اصلاح یا بدون اصلاح ۱۰/۱۲-۲ حداقل میدان بینایی برای هر چشم ۷۰ درجه. ۳- برای افراد تک‌چشمی حداقل قدرت بینایی ۱۰/۹ و میدان بینایی ۱۰۰ درجه، ضمن رعایت شرایط ویژه در وسیله نقلیه. ماده ۲- بینایی برای گواهی‌نامه‌های رانندگی پایه الف (گروه ۳)، پایه ب (گروه ۲) و پایه «پ» (گروه ۱) و مجوزهای صادره در ماده (۳۳) آیین‌نامه: ۱- حداقل قدرت بینایی برای مجموع دوچشم با اصلاح یا بدون اصلاح ۱۰/۱۴-۲ حداقل میدان بینایی برای هر چشم ۷۰ درجه ماده ۳- بینایی برای گواهی‌نامه‌های رانندگی پایه پ (گروه ۲) و پایه ت (گروه ۱ و ۲): ۱- حداقل قدرت بینایی برای مجموع دو چشم با اصلاح یا بدون اصلاح حداقل ۱۰/۱۵-۲. حداقل میدان بینایی برای هر چشم ۷۰ درجه. ماده ۴- آن دسته از بیماریهایی که نیاز به دریافت نظریه و تأیید پزشک متخصص معتمد چشم را دارد: ۱- افراد دارای میدان بینایی دوچشمی بین ۱۲۰ تا ۱۴۰ درجه. ۲- افراد مبتلا- به کوررنگی چشم. ۳- افراد مبتلا به کاتاراکت (آب مروارید). ۴- افراد مبتلا به گلوکوم (آب سیاه). ۵- مبتلایان به بیماری شبکیه چشم. تبصره ۱- ملاک ارزیابی میدان بینایی تست Confrontaion می‌باشد. تبصره ۲- در معاینه چشم و سنجش بینایی، رعایت موارد زیر به وسیله پزشک الزامی است: الف- سنجش دید (قدرت بینایی) باید طبق استانداردهای بین‌المللی و با نمودارهای سنجش بینایی استاندارد انجام پذیرد. ب- حداکثر میزان دید برای هر چشم ۱۰/۱۰. پ- در صورتی که متقاضی در هر خط دید بیش از ۲ حرف را خطا نماید، آن خط در محدوده دید محاسبه نگردیده و خط درشت‌تر ملاک ارزیابی قرار می‌گیرد. ماده ۵- شنوایی: ۱- حداکثر افت شنوایی قابل قبول بدون اصلاح در هر گوش تا ۴۰ دسی‌بل، برای گواهی‌نامه رانندگی پایه الف (گروه ۳)، پایه ب (گروه ۲)، پایه پ (گروه ۱ و ۲)، پایه ت (گروه ۱ و ۲) و مجوزهای صادره در ماده (۳۳) آیین‌نامه. ۲- در صورت کر بودن کامل یک گوش، حداکثر افت شنوایی قابل قبول با یا بدون اصلاح در گوش بهتر تا ۴۰ دسی‌بل، برای گواهی‌نامه‌های رانندگی پایه الف (گروه ۱ و ۲) و پایه «ب» (گروه ۱) و ویژه. ماده ۶- موارد ممنوعیت مطلق صدور و تمدید گواهی‌نامه رانندگی: اول: بینایی: ۱- میدان بینایی دوچشمی کمتر از ۱۲۰ درجه برای انواع گواهی‌نامه رانندگی. ۲- افراد مبتلا- به بیماریهای **Hmianopia bitemporal**, **Homonymous hemianopia** برای انواع گواهی‌نامه رانندگی. ۳- افراد تک‌چشمی دارای قدرت بینایی کمتر از ۱۰/۹ برای انواع گواهی‌نامه رانندگی. ۴- افراد تک‌چشمی دارای میدان بینایی کمتر از ۱۰۰ درجه برای انواع گواهی‌نامه رانندگی. تبصره ۱- افرادی که به تازگی یک چشم خود را از دست داده‌اند تا طی زمان لازم برای عادت به دید تک‌چشمی، حداقل به مدت یک سال ممنوعیت مطلق رانندگی دارند. ۵- افراد تک‌چشمی با هر قدرت بینایی برای دریافت گواهی‌نامه رانندگی پایه الف (گروه ۳)، پایه ب (گروه ۲)، پایه پ (گروه ۱ و ۲)، پایه ت (گروه‌های ۱ و ۲) و مجوزهای صادره در ماده (۳۳) آیین‌نامه. ۶- افراد مبتلا- به کوررنگی شدید، دیپلویپیا (دوینی) و فوریای عمودی برای گواهی‌نامه‌های رانندگی پایه الف (گروه ۳)، پایه ب (گروه ۲) پایه پ (گروه ۱ و ۲)، پایه ت (گروه ۱ و ۲) و مجوزهای صادره در ماده (۳۳) آیین‌نامه. دوم: شنوایی: ۷- در صورت کر بودن کامل یک گوش و افت شنوایی بیش از ۷۵ دسی‌بل در گوش دیگر، برای گواهی‌نامه‌های رانندگی پایه الف (گروه‌های ۱ و ۲)، پایه ب (گروه ۱) و ویژه ۸- افت شنوایی بیش از ۷۵ دسی‌بل در هر دو گوش، برای گواهی‌نامه‌های رانندگی پایه الف (گروه ۳)، پایه ب (گروه ۲)، پایه پ (گروه ۱ و ۲)، پایه ت (گروه‌های ۱ و ۲) و مجوزهای صادره در ماده (۳۳) آیین‌نامه. سوم: اندامهای حرکتی فوقانی و تحتانی نوع ۱- برای انواع گواهی‌نامه‌های رانندگی: ۹- فقدان مادرزادی یا قطع عضو یا فلج (در صورتی که هیچگونه اصلاح در فرد و وسیله نقلیه عملاً امکان‌پذیر نباشد) شامل موارد زیر: الف- هر دو اندام فوقانی (از ناحیه مچ). ب- انگشت شصت در هر دو دست. ج- یک اندام فوقانی و یک اندام تحتانی (از ناحیه مچ). د- اندامی که برای عمل کردن یک کنترل دستی یا پایی وجود آن الزامی است. ۱۰- ابتلا- به ۱۱. **Quardriplegia**- ابتلا به دفرمیتی شدید. ۱۲- چرخش مهره‌های سرویکال به طرف راست و چپ کمتر از ۴۵ درجه. تبصره ۲- بدیهی است مفاد ماده (۸) باید در این موارد مدنظر قرار گیرد. نوع ۲- برای گواهی‌نامه‌های رانندگی پایه الف (گروه ۳)، پایه ب (گروه ۲)، پایه پ (گروه ۱ و ۲) و پایه ت (گروه ۱ و ۲) و مجوزهای صادره در

ماده (۳۳) آیین‌نامه: الف - قطع عضو زیر زانو منجر به پروتز اندام تحتانی. ب - قطع در قسمت قدامی پا، مفصل Metatarsophalangeal و پنجه بزرگ پا. پ - قطع، فلج یا ناتوانی کامل از یک شصت و دو انگشت در هر دست. ت - دارا بودن تنها یک بازو. ث - ابتلا به پاراپلژی. تبصره ۳- بدیهی است مفاد ماده (۸) باید در موارد یادشده مدنظر قرار گیرد. چهارم: سایر موارد به شرح زیر برای انواع گواهی‌نامه‌های رانندگی: ۱۴- افراد مبتلا به اختلالات تنفسی شدید (سطح ۴) و کلیه افرادی که برای رفع اختلالات تنفسی خود نیازمند استفاده از تجهیزات تأمین اکسیژن در زمان رانندگی هستند. ۱۵- افراد مبتلا به اختلال شدید عملکرد قلب (طبقه ۴ از طبقه‌بندی عملکرد قلب). ۱۶- اعتیاد به انواع موادمخدر، مواد و نوشابه‌های الکلی، استفاده از داروهای تخدیرکننده و یا محرک سیستم اعصاب و روان (۱۷). CNS- افراد مبتلا به سایکوز حاد از هر نوع، بیماران (خلفی) Bipolar در فاز حاد. ۱۸- افراد مبتلا به صرع مسلم. ماده ۷- موارد ممنوعیت مطلق برای صدور گواهی‌نامه رانندگی باید به تأیید سه نفر پزشک متخصص مربوط رسیده باشد. ماده ۸- هرگاه پزشک و افسر کارشناس عالی تصادفات و امور فنی راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشخیص دهند که اشخاص مبتلا به ضعف بینایی یا شنوایی به کمک عینک یا لنز و یا سمعک و همچنین اشخاص دارای نقص عضو به کمک وسایل مصنوعی و یا با نصب تجهیزات مخصوص در وسیله نقلیه، به طور طبیعی قادر به رانندگی می‌باشند، صدور گواهی‌نامه به نام آنان در صورت جمع شرایط لازم دیگر، مانعی ندارد. اما در متن گواهی‌نامه باید تصریح شود که فقط با عینک، لنز یا سمعک و یا چه نوع وسیله نقلیه‌ای می‌توانند رانندگی نمایند. آزمایش عملی رانندگی از درخواست کنندگان دارای نقص عضو باید به وسیله سه نفر افسر کارشناس مذکور انجام پذیرد. ماده ۹- ارزیابی انواع: ۱- اختلالات بینایی. ۲- اختلالات شنوایی. ۳- اختلالات غدد آندوکراین (اعم از انواع دیابت نیازمند به درمان انسولینی و غیر انسولینی، هیپوگلیسمی غیردیابتی، تیروئید، پاراتیروئید، هیپوفیز، اکرومگالی، آدرنال، چاقی، آنسفالوپاتی هیپاتیکی). ۴- اختلالات کلیوی. ۵- اختلالات تنفسی. ۶- اختلالات نورولوژیکی (مغز و اعصاب). ۷- اختلالات حرکتی اندامهای فوقانی و تحتانی. ۸- اختلالات عصبی - عضلانی. ۹- اختلالات قلبی و عروقی. ۱۰- اختلالات فشار خون. ۱۱- اختلالات ناشی از مصرف دارو. ۱۲- اختلالات روحی و روانی (اعصاب و روان). ۱۳- اختلالات خواب (اعم از Sleep apnea و نارکولپسی). ۱۴- عفونت‌ها. احراز سلامت جسمانی و روانی رانندگان براساس دستورالعمل اجرایی است که پس از تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و با هماهنگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران برای اجرا به تمامی پزشکان انجام‌دهنده معاینات پزشکی درخواست کنندگان انواع گواهی‌نامه، ابلاغ می‌شود. ماده ۱۰- پزشکان انجام‌دهنده معاینات درخواست کنندگان گواهی‌نامه رانندگی، ملزم به شرکت و کسب موفقیت در دوره آموزشی «معاینات رانندگان» که به وسیله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برگزار می‌گردد، هستند. پیوست (۳) مقررات و ضوابط حمل بار در جاده‌های کشور پیوست ۳ ضوابط و مقررات حمل بار در جاده‌های کشور که توسط وزارت راه و ترابری با استناد به ماده (۱۴) قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی - مصوب ۳۰/۳/۱۳۵۰ - با اصلاحات بعدی آن و بندهای ۷ و ۱۲ ماده (۷) قانون تغییر نام وزارت راه و ترابری و تجدید تشکیلات و تعیین وظایف آن - مصوب ۱۶/۴/۱۳۵۳ - تعیین گردیده است، به شرح زیر می‌باشد: ضوابط حمل بار ۱- وزارت راه و ترابری می‌تواند درازادراه‌های کشور وسایل لازمه برای توزین و اندازه‌گیری ابعاد و وزن محور وسایط نقلیه سنگین را تهیه و مورد استفاده قرار دهد. ۲- وزارت راه و ترابری می‌تواند با جلب مساعدت نیروی انتظامی از عبور و مرور وسایط نقلیه‌ای که وزن و طرز بارگیری و ظرفیت محموله آن اضافه بر میزان مجاز باشد جلوگیری نماید. ۳- مالکین وسایط نقلیه سنگین مکلف به رعایت مقررات یادشده و سایر مقررات بین‌المللی و مصوب از طرف وزارت راه و ترابری بوده و وزارت راه و ترابری برای اجرای این تصویب‌نامه با استفاده از نظر سندیکای مالکین کامیون‌ها حدود و نظامات مربوط را تعیین و آگهی خواهد نمود. ۴- وزارت راه و ترابری در اجرای مقررات این تصویب‌نامه عده لازم از مهندسين آن وزارت را انتخاب خواهد نمود که با تشریک مساعی نیروی انتظامی اقدام لازم را معمول دارند. مقررات حمل و نقل بار در راهها

الف - بار محوری تعریف - فشار یا نیروی وزن وارده از سوی هریک از محورهای وسایل نقلیه بر سطح راه را بار محوری می‌نامند. حداکثر فشار وارد از محورهای راهنما، منفرد و زوج بر سطح راه نباید از حدود ذیل تجاوز نماید. ۱- محور راهنما (دوچرخ) شش تن ۲- محور منفرد (چهار چرخ) سیزده تن ۳- محور زوج (هشت چرخ) بیست تن تبصره ۱- برای استفاده از حداکثر فشار تعیین شده در فوق اندازه لاستیک چرخها نباید از 20×750 کمتر باشد. تبصره ۲- چنانچه فاصله دو محور مجاور از یکدیگر کمتر از دو متر باشد، آن دو محور را روی هم محور زوج نامند و اگر فاصله از دو متر بیشتر باشد هر کدام محور منفرد محسوب می‌شود. ب - وزن مجاز کامیونها حداکثر وزن کامیون با بار آن نباید از حدود ذیل تجاوز نماید: - کامیون دو محور ۱۹ تن - کامیون سه محور ۲۶ تن ج - وزن مجاز وسایل نقلیه مفصل دار اول - کامیون نیمه یدک (بارگیر مستقیماً به وسیله چرخ پنجم به کامیون اتصال دارد) شامل: ۱- تریلی سه محور ده چرخ بیست و شش تن ۲- چهار محور چهارده چرخ سی و دو تن (چنانچه فاصله بین دو محور عقب تریلی از دو متر تجاوز نماید. حداکثر وزن مجاز (تریلی با محموله)، ۳۶ تن می‌باشد). ۳- تریلی پنج محور دوازده چرخ سی و چهار تن تبصره - در صورتی که مشخصات چرخهای تریلی بیش از اندازه معمول باشد، میزان ظرفیت حمل اضافی مشخص و با مجوز واحدهای ذی‌ربط سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای حداکثر وزن (تریلی با محموله) تا ۳۸ تن اجازه عبور داده می‌شود. ۴- تریلی پنج محور هیجده چرخ چهل تن دوم - کامیون با یدک (بارگیر به طور غیرمستقیم به وسیله صفحه گردان و مالبنده و قفل و پین به کامیون متصل می‌شوند). شامل: ۱- کامیون دو محور شش چرخ با یدک دو محور شش چرخ سی تن (کامیون شانزده تن - یدک چهارده تن). ۲- کامیون دو محور شش چرخ با یدک سه محور ده چرخ سی و دو تن (کامیون شانزده تن - یدک پانزده تن). ۳- کامیون سه محور ده چرخ با یدک دو محور شش چرخ سی و هشت تن (کامیون بیست و دو تن - یدک شانزده تن). ۴- کامیون سه محور ده چرخ با یدک سه محور ده چرخ چهل تن (کامیون بیست و دو تن - یدک هیجده تن). تبصره ۱- حداکثر وزن کامیون و یا وسایط نقلیه مفصلدار با بار نباید از میزان معین شده در کارت مشخصات آن تجاوز نماید. تبصره ۲- در بعضی از راههای کشور که دارای شرایط فنی ویژه‌ای می‌باشد، سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای محدودیت به وجود آمده درخصوص ابعاد و وزن وسایل نقلیه را اعلام می‌نماید. د - ابعاد ابعاد وسایط نقلیه با بار آن نباید از حدود زیر تجاوز نماید. ۱- حداکثر عرض: دو متر و شصت سانتی‌متر. ۲- حداکثر ارتفاع: چهار متر و نیم (در راههای چالوس و هراز $8/3$ متر). ۳- حداکثر طول: - کامیون دو محور با بار آن ده متر - کامیون سه محور با بار آن دوازده متر - تریلی با بار آن شانزده متر - کامیون با یدک هیجده متر و سی و پنج سانتیمتر تبصره ۱- محموله پس از بارگیری وسایط نقلیه باربری نباید از جلو کامیون بیش از پنجاه سانتیمتر و از عقب آن بیش از سه متر بیرون باشد. قسمتی از بار که از کامیون و یا یدک و یا تریلی خارج می‌شود، باید به طور خیلی واضح در شب به وسیله چراغ قرمز و در روز به وسیله پرچم قرمز مشخص گردد. تبصره ۲- وسایط نقلیه‌ای که ابعاد و وزن آنها از حدود فوق‌الذکر تجاوز نماید، به هیچ وجه اجازه حرکت در راهها را ندارد. مگر آنکه بار اضافی را تخلیه نمایند. تبصره ۳- متخلفین از این مقررات ضمن الزام به اجرای تبصره ۲ ملزم به پرداخت حداکثر جریمه قانونی تخلف عدول از مقررات و پرداخت خسارت وارده به راه می‌باشند که توسط سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای برآورد خواهدشد. لذا لازم است متخلفین به واحدهای سازمان مزبور هدایت شوند. تبصره ۴- چنانچه حمل محموله‌هایی که غیرقابل تقسیم بوده، و وزن و ابعادشان نیز از حدود یادشده تجاوز نماید و از محلی به محل دیگر از طریق جاده ضرورت یابد، لازم است با مجوز (کامپیوتری) سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای و واحدهای تابعه آن در استانها ترتیب حمل و نقل این قبیل اشیاء داده‌شود. در این قبیل موارد پس از بررسی براساس ضوابط تعیین شده شرایط حمل و نقل اعلام خواهدشد. این شرایط شامل سرعت، ساعت حرکت، مسیر، پیش‌بینی‌های لازم به منظور جلوگیری از تصادم و ایجاد خسارت به راه و ابنیه فنی و غیره بوده و واحدهای انتظامی و سازمانهای مسئول مراقبت و نظارت خواهند نمود تا شرایط و ضوابط تعیین شده دقیقاً اجرا گردد. تردد تریلی‌های ۵ محور ۱۲ چرخ با وزن کل حداکثر ۴۰ (چهل) تن با لاستیک‌های نوع رادیال با عرض حداکثر

۵/۳۶ (سی و شش و نیم) سانتی متر برای چرخ‌های بارگیر در مسیرهای ترانزیتی کشور بلامانع می‌باشد. درخصوص الحاقیه مقررات حمل و نقل بار در راههای کشور موضوع کنترل ظرفیت کل وسایل نقلیه با ظرفیت کمتر از ۱۹ تن نظیر کامیون بنز ۹۱۱ و خاور ۸۰۸ و ۶۰۸ با عنایت به اینکه در تعدادی از وسایل نقلیه مغایرتهایی بین ظرفیت مندرج در کارت مشخصات وسایل نقلیه با ظرفیت ناخالص مشاهده می‌گردد. به منظور رفع مشکل و تطبیق وسایل نقلیه فوق با استاندارد، ظرفیت کل وسایل نقلیه (وزن ناخالص) به شرح زیر اعلام می‌گردد. - کامیون بنز ۹۱۱ تن - خاور ۵/۸۸۰۸ تن - بادسان ۶۷۱۴ B تن - بادسان ۸۵/۸۱۴ B تن - دیگر انواع کامیون و کامیونت با ظرفیت کمتر از ۱۹ تن متعاقباً اعلام می‌گردد.

آیین‌نامه اجرایی قانون استفاده اجباری از کمربند و کلاه ایمنی - مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۲/۴/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های کشور، دادگستری، صنایع و معادن و راه و ترابری و به استناد تبصره (۲) ماده واحده قانون استفاده اجباری از کمربند و کلاه ایمنی - مصوب ۱۳۷۶ - آیین‌نامه اجرایی قانون یاد شده را به شرح زیر تصویب نمود: آیین‌نامه اجرایی قانون استفاده اجباری از کمربند و کلاه ایمنی ماده ۱- در این آیین‌نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند: الف - کمربند ایمنی: تسمه‌های که نیم تنه بالای راننده و هر یک از سرنشینان را تحت کنترل و مهار ایمن خود قرار می‌دهد تا هنگام ضرورت، همچون کاهش ناگهانی سرعت یا توقف آنی خودرو که ممکن است ناشی از ترمز یا برخورد با جسم دیگری یا حوادث دیگر رانندگی باشد، مانع از جدا شدن سرنشینان و راننده از صندلی خود و اصابت به شیشه جلو یا سایر قسمت‌های داخل و یا پرتاب به خارج از خودرو شود. ب - کلاه ایمنی: کلاهی است که راننده و سرنشین موتورسیکلتها از آن برای محافظت سرخود در برابر ضربات احتمالی ناشی از بروز سوانح استفاده میکنند. ج - راه: عبارت است از تمامی سطح خیابان، جاده، کوچه و کلیه معابری که برای عبور و مرور عموم اختصاص داده شود. ماده ۲- کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری در سطح کشور که سال ساخت خودرو آنان ۱۳۷۵ خورشیدی به بالا یا معادل سال میلادی آن می‌باشد، مکلفند ظرف دو سال وسایل نقلیه خود را به کمربند ایمنی استاندارد برای راننده و هر یک از سرنشینان (بر اساس ظرفیت مجاز خودرو) و تجهیزات ایمنی استاندارد مجهز سازند. وزارت صنایع و معادن و کلیه تولیدکنندگان، واردکنندگان و توزیع کنندگان انواع خودروها موظفند وسایل نقلیه موتوری تولیدی و وارداتی را همراه با کمربند ایمنی استاندارد منصوب در کلیه صندلیها به صورت انفرادی و بر اساس ظرفیت مجاز عرضه نمایند. شماره گذاری و ارایه خدمات خودرویی، اجازه حرکت و تردد وسایل نقلیه یاد شده منوط به رعایت مفاد این آیین‌نامه و نصب کمربند ایمنی استاندارد می‌باشد. ماده ۳- تعداد سرنشینان ردیف جلو باید بر اساس ضوابط مندرج در آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی و اصلاحیه‌های آن باشد و هر یک از سرنشینان ردیف جلو باید تنها از کمربند ایمنی مربوط به خود و به صورت انفرادی استفاده نمایند. ماده ۴- پس از مدت دو سال از تصویب این آیین‌نامه صندلیهای خودروهای تولیدی و وارداتی میباید مجهز به پشت سری ویژه باشند. ماده ۵- سوار شدن به موتورسیکلت بدون استفاده از کلاه ایمنی ممنوع است و راکبین موتورسیکلت مکلفند در طول حرکت از کلاه ایمنی استفاده نمایند. ماده ۶- سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و فرهنگ و ارشاد اسلامی موظفند با همکاری و هماهنگی وزارتخانه‌های کشور، راه و ترابری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و بیمه مرکزی ایران و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نسبت به ترویج و ارتقاء سطح فرهنگ و آموزشهای عمومی موضوع این آیین‌نامه اقدام نمایند. چگونگی همکاری و تعامل بین دستگاههای یاد شده بهموجب دستورالعملی که توسط شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور تهیه و به تصویب وزیر کشور می‌رسد مشخص می‌شود. ماده ۷- وزارتخانه‌های صنایع و معادن و بازرگانی مکلفند نسبت به تولید و تأمین کمربند و کلاه ایمنی استاندارد حسب نیاز کشور اقدام نمایند. ماده ۸- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اعتبار لازم را برای اجرای هر چه بهتر مفاد این آیین‌نامه و ارتقاء سطح

آگاهی عمومی از رفتارهای صحیح در رانندگی و عبور و مرور عابران در لایحه بودجه هر سال پیشینی و در اختیار وزارت کشور قرار می‌دهد. تبصره - بیمه مرکزی ایران موظف است بر اساس تصمیم شورای عالی بیمه همه ساله درصدی از سود شرکتهای بیمه را برای اجرای سیاستهای آموزشی مصوب موضوع ماده (۶) قرار دهد. معاون اول رئیسجمهور - محمدرضا عارف

اصلاح بند « ۸۰ » ماده (۱) آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی - مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۳۰/۶/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۱۳۳۱۸/۱ مورخ ۲۳/۵/۱۳۸۴ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به استناد بند «۴» ماده (۱۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۰ - تصویب نمود: متن زیر به عنوان تبصره به بند «۸۰» ماده (۱) آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی، موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۰۸۷۳/ت/۲۹۱۶۹ هـ مورخ ۸/۴/۱۳۸۴ اضافه می‌شود: تبصره - کانون جهانگردی و اتومبیلرانی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مفاد کنوانسیونهای بین‌المللی ۱۹۴۹ و ۱۹۶۸ حمل و نقل جاده‌ای و حسب عرف بین‌المللی و مقررات حاکم بر تمامی کشورهای عضو سازمان بین‌المللی جهانگردی (AIT) و فدراسیون بین‌المللی اتومبیلرانی (FIA) وظیفه ترجمه و تبدیل گواهینامه‌های رانندگی معتبر صادر شده توسط نیروی انتظامی و سایر اسناد و مدارک مربوط را بر عهده دارد. معاون اول رئیسجمهور - پرویز داوودی

مصوبه راجع به میزان سرعت مجاز انواع وسایل نقلیه در راههای برون شهری - مصوب ۱۳۸۴

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران احتراماً ضمن ارسال ابلاغیه شماره ۱۹۸۹۹/۱۱ مورخ ۲/۱۱/۱۳۸۴ مقام محترم وزارت راه و ترابری در خصوص تعیین میزان حداکثر سرعت مجاز انواع وسیله نقلیه در راههای برون‌شهری به آگاهی می‌رساند: با توجه به اینکه مقررات مذکور جدیدالتصویب بوده و عدول از اجرای آنها در حین رانندگی و وقوع تصادفات منجر به جرح و فوت برای رانندگان انواع وسایل نقلیه دارای تبعات کیفی در اجرای قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرائم رانندگی و قانون مجازات اسلامی می‌باشد، لذا خواهشمند است براساس نظریه مشورتی شماره ۱۳۳۷۶/۱۰/۱۶۷/۱۶۷۵۶/اداره کل حقوقی قوه محترم قضائیه نسبت به درج آن در روزنامه رسمی کشور اقدام نمایید. مدیرکل دفتر حقوقی و تدوین مقررات - عباسعلی بنی‌اسدی مصوبه راجع به میزان سرعت مجاز انواع وسایل نقلیه در راههای برون شهری به منظور تأمین ایمنی تردد و حمل و نقل عمومی جاده‌ای و با استناد به مواد ۳ و ۱۹ قانون ایمنی راهها و راه‌آهن و اصلاحیه‌های بعدی آن و نیز تبصره ۳ ماده ۱۲۶ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی مصوب سال ۱۳۸۴ هیأت وزیران، حداکثر سرعت مجاز وسایل نقلیه در راههای برون شهری کشور به شرح زیر تعیین می‌گردد: الف - آزاد راهها

- ۱- حداکثر میزان سرعت مجاز انواع سواری و وانت بارها: ۱۲۰ کیلومتر در ساعت ۲- حداکثر میزان سرعت مجاز انواع اتوبوس و مینی‌بوس و تریلر و کامیون و کامیونت: ۱۱۰ کیلومتر در ساعت ۳- حداقل میزان سرعت مجاز کلیه وسایل نقلیه فوق: ۷۰ کیلومتر در ساعت تبصره ۱- تردد وسایل نقلیه مندرج در ردیف ۲ فوق در خط سوم (سرعت) آزاد راهها ممنوع است. تبصره ۲- استفاده از حداقل سرعت مجاز برای کلیه وسایل نقلیه صرفاً در خط عبوری سمت راست جنب شانه آزاد راه مجاز می‌باشد. ب - بزرگراه‌های دارای خطوط رفت و برگشت جدا از هم ۱- حداکثر میزان سرعت مجاز انواع سواری و وانت بارها: ۱۱۰ کیلومتر در ساعت ۲- حداکثر میزان سرعت مجاز انواع اتوبوس و مینی‌بوس و تریلر و کامیون و کامیونت: ۱۰۰ کیلومتر در ساعت ج - جاده‌های اصلی حداکثر میزان سرعت مجاز برای انواع وسایل نقلیه: روز ۹۵ کیلومتر در ساعت - شب ۸۵ کیلومتر در ساعت د - جاده‌های فرعی حداکثر میزان سرعت مجاز برای انواع وسایل نقلیه: روز ۸۵ کیلومتر در ساعت - شب ۷۵ کیلومتر در ساعت حداکثر میزان سرعت مجاز انواع وسایل نقلیه در جاده‌های دارای خطوط عبوری کندرو مشمول مقررات بند ج می‌باشد. در انواع راههای فوق و نقاطی

که به علت شرایط فنی و فیزیکی راه استفاده از حداکثر میزان سرعت‌های فوق میسر نمی‌شود تابلوهای تعیین کننده میزان سرعت، متناسب با شرایط مذکور تهیه و نصب گردد. شایسته است هماهنگی لازم با نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در خصوص نظارت بر اجرای ضوابط تعیین شده و نیز لحاظ نمودن مقررات صدرالذکر در متون آموزشی و آزمونهای متقاضیان دریافت گواهینامه رانندگی و سایر امور اداری ذی‌ربط معمول و همچنین در مورد تهیه و جایگزینی تابلوها و سایر علائم عمودی و افقی در راههای برون‌شهری کشور اقدامات لازم صورت پذیرد.

مجوز اخذ عوارض صدور گواهینامه رانندگی و تجدید آزمایش در شهر تهران - ۱۳۸۵

جناب آقای دکتر محمدباقر قالیباف شهردار محترم تهران بازگشت به نامه به شماره ۸۵۱۱۰۴۶۹/۸۵۱۰ به تاریخ ۲۳/۱۰/۱۳۸۵ جنابعالی مبنی بر بررسی لایحه « مجوز اخذ عوارض صدور گواهینامه رانندگی و تجدید آزمایش در شهر تهران » که با قید یک فوریت ارائه و به شماره ۲۱۹۹۳ به تاریخ ۲۴/۱۰/۱۳۸۵ در دبیرخانه شورای اسلامی شهر تهران ثبت و در دویست و نود و دومین جلسه رسمی - علنی - فوق‌العاده شورای اسلامی شهر تهران منعقد به تاریخ سه‌شنبه بیست و ششم دی‌ماه سال ۱۳۸۵ اعلام وصول شده و بررسی یک فوریت آن در ردیف هشتم دستور دویست و نود و چهارمین جلسه علنی - فوق‌العاده شورای اسلامی شهر تهران به شماره ۲۲۴۲۳/۱۶۰ به تاریخ ۲۷/۱۰/۱۳۸۵ قرار گرفته و در جلسه مزبور که با حضور نمایندگان محترم شهرداری تهران و سیزده نفر از اعضای شورای اسلامی شهر تهران در روز یکشنبه اول بهمن‌ماه سال ۱۳۸۵ در محل تالار شورا و به صورت رسمی منعقد شد مطرح و به اتفاق آرای موافق (سیزده رأی) اعضای محترم شورای اسلامی شهر تهران حاضر در جلسه در زمان رأی‌گیری (سیزده نفر) تصویب شده است فلذا طی نامه به شماره ۲۱۹۹۳/۱۶۰ به تاریخ ۴/۱۱/۱۳۸۵ جهت بررسی به کمیسیون اقتصادی، برنامه و بودجه و امور حقوقی شورا به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع و پس از وصول گزارش نهایی آن کمیسیون به شماره ۲۳۴۰۹/۱۶۰ به تاریخ ۷/۱۱/۱۳۸۵ بررسی آن در ردیف هشتم دستور دویست و نود و ششمین جلسه علنی - فوق‌العاده شورای اسلامی شهر تهران به شماره ۲۳۱۷۶/۱۶۰ به تاریخ ۴/۱۱/۱۳۸۵ قرار گرفته و در جلسه مزبور که با حضور جنابعالی و نمایندگان محترم شهرداری تهران و پانزده نفر از اعضای شورای اسلامی شهر تهران در روز یکشنبه هشتم بهمن‌ماه سال ۱۳۸۵ در محل تالار شورا و به صورت رسمی منعقد شد مفاد آن مطرح و پس از قرائت و استماع گزارش کمیسیون اقتصادی، برنامه و بودجه و امور حقوقی شورا و مذاکرات انجام شده، کفایت مذاکرات اعلام و با لحاظ موارد اصلاحی و پیشنهادی در متن آن مشتمل بر ماده واحده و تبصره‌ی ذیل آن اخذ رأی انجام شد که به اتفاق آرای موافق (پانزده رأی) اعضای محترم شورای اسلامی شهر تهران حاضر در جلسه در زمان رأی‌گیری (پانزده نفر) به تصویب رسید. به پیوست متن مصوبه مزبور را جهت آگاهی و اقدام، ایفاد و ابلاغ می‌نماید. رئیس شورای اسلامی شهر تهران - مهدی چمران مجوز اخذ عوارض صدور گواهینامه رانندگی و تجدید آزمایش در شهر تهران (مصوب جلسه ۸/۱۱/۱۳۸۵ شورای اسلامی شهر تهران) ماده واحده: به استناد تبصره یکم (۱) ذیل ماده پنجم (۵) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۲۲/۱۰/۱۳۸۱ مجلس شورای اسلامی، از ابتدای سال ۱۳۸۶ در شهر تهران متقاضیان دریافت گواهی‌نامه رانندگی پایه یک و دو و همچنین کسانی که آزمایش رانندگی آنان تجدید می‌شود، حسب مورد مکلفند در قبال صدور گواهی‌نامه رانندگی پایه یک و دو مبلغ یکصد هزار (۱۰۰/۱۰۰) ریال و به ازای هر بار تجدید آزمایش رانندگی پایه‌های مذکور مبلغ پنجاه هزار (۵۰/۱۰۰) ریال به عنوان عوارض به حساب درآمدی شهرداری تهران واریز نمایند تا جهت توسعه و عمران معابر شهر تهران هزینه شود. تبصره - به شهرداری تهران اجازه داده می‌شود در ازای وصول وجوه مذکور توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران معادل پنج درصد (۵٪) از وجوه مأخوذه را به آن نیرو پرداخت نماید.

تصمیم نمایندگان ویژه رییس جمهور در خصوص تخصیص سهمیه بنزین خودروهای دوگانه سوز شخصی تا پایان مهرماه سی

وزارت نفت تصمیم نمایندگان ویژه رییس جمهور در مورد اجرای تبصره (۱۳) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور و ساماندهی و توسعه حمل و نقل عمومی، خارج کردن خودروهای فرسوده و مدیریت مصرف سوخت و گازسوز کردن خودروها و کاهش تقاضای مصرف که در جلسه مورخ ۷/۴/۱۳۸۶ به استناد اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با رعایت تصویب نامه شماره ۴۴۵۲۵/ت/۳۷۲۱۳ هـ مورخ ۲۶/۳/۱۳۸۶ اتخاذ شده است، به شرح زیر برای اجرا ابلاغ می گردد: ۱- به علت نقص مخزن گاز طبیعی برخی خودروها و کمبود جایگاههای گاز طبیعی، سهمیه بنزین خودروهای دوگانه سوز شخصی تا پایان مهرماه سال ۱۳۸۶ معادل خودروهای بنزین سوز شخصی، تخصیص یابد. ۲- سهمیه بنزین خودروهای عمومی دوگانه سوز شامل تاکسی، مسافربر شخصی، آژانسهای مسافربری و انواع وانتها تا پایان مردادماه معادل سهمیه بنزین تاکسیها و مسافربرهای شخصی ساماندهی شده و آژانسهای مسافربری و وانتهای بنزین سوز باشد. ۳- وزارت نفت حداکثر تا پایان مهر ماه سال ۱۳۸۶ تعداد جایگاههای عرضه گاز طبیعی راه اندازی شده و فعال خود را حداقل به پانصد و پنجاه (۵۵۰) جایگاه افزایش داده و همچنین تعداد جایگاهها را تا پایان سال ۱۳۸۶ حداقل به میزان یک هزار (۱۰۰۰) جایگاه فعال افزایش دهد. ۴- سهمیه سوخت خودروهای ون بنزین سوز با پلاک تاکسی، معادل سهمیه تاکسیهای بنزین سوز تعیین و کلیه کارتهای هوشمند سوخت این خودروها بین مالکان این خودروها توزیع شود. ۵- به منظور تأمین زمان لازم برای تولید و شخصی سازی و توزیع کارت هوشمند سوخت خودروهایی که شماره گذاری می شوند، وزارت نفت نسبت به صدور کارت هوشمند سوخت موقت یک ماهه اقدام نموده و همچنین این سهمیه موقت را از سهمیه کارت هوشمند سوخت دائم اینگونه خودروها کسر نماید. ۶- وزارت نفت برای خودروهای ترانزیت و جهانگردی کارت موقت سوخت صادر نماید تا در مبادی ورودی کشور به دارندگان این نوع خودروها تحویل شود. بهای بنزین برای اینگونه خودروها معادل بهای بنزین خودروهای دولتی و سیاسی می باشد، لیکن نحوه دریافت وجه بنزین باید به گونه ای باشد که به ازاء هر لیتر معادل یک هزار (۱۰۰۰) ریال باقیمانده، در جایگاههای عرضه بنزین دریافت شود. معاون اول رئیس جمهور - پرویز داودی

اصلاح ماده (۱۸) آیین نامه اجرایی آموزشگاههای رانندگی مورخ ۱۵/۱۲/۱۳۸۳ - مصوب ۸ ۲۸ ۱۳۸۶

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۰/۸/۱۳۸۶ بنا به پیشنهاد شماره ۱۵۷۰۲/۱ مورخ ۱۳/۶/۱۳۸۶ وزارت بازرگانی و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: ماده (۱۸) آیین نامه اجرایی آموزشگاههای رانندگی، موضوع تصویب نامه شماره ۶۵۸۰۶/ت/۳۰۶۰۸ هـ مورخ ۱۵/۱۲/۱۳۸۳ به شرح زیر اصلاح می گردد: « ماده ۱۸- نرخ آموزشهای موضوع این آیین نامه در صورت لزوم به صورت سالانه توسط کمیسیونهای نظارت مراکز استانها و شهرستانها تعیین و ابلاغ می گردد.» معاون اول رئیس جمهور - پرویز داودی

اصلاحیه مواد ۵ و ۸ پیوست شماره ۲ آیین نامه راهنمایی و رانندگی کشور - مصوب ۱۳۸۶

اصلاحیه مواد ۵ و ۸ پیوست شماره ۲ آیین نامه راهنمایی و رانندگی کشور موضوع تصویب نامه شماره ۲۰۸۷۳/ت/۲۹۱۶۹ هـ مورخ ۸/۴/۱۳۸۴ هیأت وزیران، به شماره ۳۷۱/۳۱/۱۳۸۶ مورخ ۱۲/۱۰/۱۳۸۶ که در اجرای تبصره ۳ ماده ۲۷ مصوبه هیأت وزیران به تصویب وزرای کشور، راه و ترابری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده است برای اجرا به فرمانده نیروی انتظامی ابلاغ

گردید. صورتجلسه مورخ ۲۵/۹/۱۳۸۶ کارگروه متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های کشور، راه و ترابری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی درخصوص بازنگری مواد ۵ و ۸ پیوست ۲ آئین‌نامه راهنمایی و رانندگی (موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۰۸۷۳/ت/۲۹۱۶۹هـ مورخ ۸/۴/۱۳۸۴ هیأت محترم وزیران) ۱- متن زیر به عنوان بند ۳ به ماده ۵ پیوست شماره ۲ آئین‌نامه راهنمایی و رانندگی، موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۰۸۷۳/ت/۲۹۱۶۹هـ مورخ ۸/۴/۱۳۸۴ هیأت محترم وزیران اضافه می‌گردد: « در صورتیکه متقاضی، حداقل شرایط پزشکی مندرج در بندهای ۱ و ۲ را دارا نباشد، منحصرأً می‌تواند جهت دریافت گواهینامه رانندگی پایه ب گروه ۱ اقدام نماید.» ۲- متن زیر به عنوان تبصره ماده ۸ پیوست ۲ آئین‌نامه راهنمایی و رانندگی، موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۰۸۷۳/ت/۲۹۱۶۹هـ مورخ ۸/۴/۱۳۸۴ هیأت محترم وزیران اضافه می‌گردد: « نصب علائم مخصوص ناشنویان بر روی وسیله نقلیه، برای دارندگان گواهینامه موضوع بند ۳ ماده ۵ برای آگاهی سایر رانندگان، الزامی است.» مصطفی پورمحمدی وزیر کشور محمد رحمتی وزیر راه و ترابری کامران باقری لنگرانی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

قطار شهری تهران

قانون تاسیس شرکت راه آهن شهری تهران و حومه - مصوب ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۴

ماده واحده - به شهرداری تهران اجازه داده می‌شود به منظور احداث راه آهن شهری و تاسیسات مربوط و بهره برداری از آن شرکتی بنام شرکت راه آهن شهری تهران و حومه تاسیس نماید. سرمایه شرکت مزبور از طرف دولت تامین و در اختیار شهرداری گذارده می‌شود. شرکت دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و طبق اصول بازرگانی و مقررات این قانون و اساسنامه مربوط اداره می‌شود. اساسنامه شرکت ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون از طرف شهرداری تهران پیشنهاد و پس از موافقت وزارت کشور و سازمان امور اداری و استخدامی کشور و تایید هیأت وزیران برای تصویب کمیسیون های مربوط مجلسین تقدیم خواهد شد. تبصره ۱ - آیین نامه مربوط به مقررات مالی و معاملاتی شرکت به تصویب مجمع عمومی خواهد رسید و آیین نامه استخدامی پس از تایید شورای حقوق و دستمزد تصویب مجمع عمومی شرکت می‌رسد. تبصره ۲ - شرکت می‌تواند به منظور اجرای طرح راه آهن شهری تهران و حومه تامین نیازمندیهای خود از زیر اراضی و املاک محدود قانونی شهر و حومه بدون هیچگونه پرداختی استفاده نماید و در مواردی که برای نقشه برداری و گمانه زدن ورود به منازل و اماکن عمومی ضروری تشخیص شود با اخطار کتبی ۴۸ ساعته به محلهای مزبور وارد و در صورت ممانعت با حضور نماینده دادستان شهرستان نسبت به اجرای موارد فوق اقدام می‌نماید. شرکت مکلف است پیش بینی های لازم را برای جلوگیری و جبران هرگونه صدمه و خسارت به جان و مال اشخاص بنماید. در صورت وقوع خسارت به مستحذات میزان خسارت وارده طبق ماده ۵۰ قانون برنامه و بودجه کشور مصوب اسفندماه ۱۳۵۱ پرداخت می‌گردد. در صورت احتیاج به تملک زمین یا مستحذات برای اجرای این قانون از مقررات مذکور استفاده خواهد شد. تبصره ۳ - مقررات مواد ۹، ۱۰ و ۱۳ قانون ایمنی راه ها و راه آهن مصوب ۱۳۴۹ و همچنین قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن مصوب سال ۱۳۲۰ و ملحقات آن در مورد راه آهن شهری تهران و حومه اجرا خواهد شد. وظایف و اختیارات راه و راه آهن دولتی ایران در قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن در این مورد به عهده شرکت راه آهن شهری تهران و حومه خواهد بود.

لایحه قانونی اصلاح قانون تاسیس شرکت راه آهن شهری تهران و حومه مصوب ۱۵ تیر ۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی

ماده یکم - به دولت اجازه داده می‌شود به منظور احداث راه آهن شهری و تاسیسات مربوط و بهره برداری از آن شرکتی بنام راه

آهن شهری تهران و حومه (مترو) تاسیس نماید. شرکت دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و طبق اصول بازرگانی و مقررات این قانون و اساسنامه مربوط اداره می‌شود. تبصره ۱ - شرکت می‌تواند به منظور اجرای طرح راه آهن شهری تهران و حومه و تامین نیازمندی های خود از زیر اراضی و املاک محدود قانونی شهر و حومه بدون هیچگونه پرداختی استفاده نماید و در مواردی که برای انجام امور فنی و اجرایی ورود به منازل و محلهای کسب و اماکن عمومی ضروری تشخیص داده شود با اخطار کتبی ۴۸ ساعته به محلهای مزبور وارد و در صورت ممانعت با حضور نماینده دادستان شهرستان نسبت به اجرای موارد فوق اقدام نماید. در صورتی که بر اثر عملیات اجرایی مترو خسارتی به مستحذات اشخاص وارد شود میزان خسارت وارده (طبق ماده ۵۰ قانون برنامه و بودجه کشور مصوب اسفندماه ۱۳۵۱) قابل پرداخت می‌باشد. تبصره ۲ - مقررات مواد ۹ و ۱۰ و ۱۳ قانون ایمنی راهها و راه آهن مصوب تیرماه ۱۳۴۹ و همچنین قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن مصوب سال ۱۳۲۰ و ملحقات آن در مورد راه آهن شهری تهران و حومه اجرا خواهد شد. وظایف و اختیارات وزارت راه و راه آهن دولتی ایران در قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن در این مورد به عهده راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) خواهد بود. تبصره ۳ - آن قسمت از تصمیمات مجمع عمومی گذشته که بدون حضور عضو سوم با دو رای موافق تصویب و به مرحله اجرا درآمده است مشروط بر آنکه به تصویب مجمع عمومی مندرج در اساسنامه مربوط برسد معتبر است ماده دوم - به منظور تامین هماهنگی در امور اجرایی احداث راه آهن شهری (مترو) شورایی به نام شورای هماهنگی مرکب از هفت نفر به شرح زیر تشکیل می‌گردد: ۱ - شهردار تهران یا قائم مقام شهردار. ۲ - معاون سازمان برنامه و بودجه ۳ - مدیرعامل سازمان آب تهران ۴ - مدیرعامل شرکت برق منطقه ای تهران ۵ - مدیرعامل شرکت مخابرات ۶ - مدیرعامل شرکت گاز. ۷ - رییس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت راه آهن شهری (مترو) همچنین مسئولان سایر سازمان هایی که به تشخیص شهردار تهران حضور آنها در جلسات شورای هماهنگی لازم است وظایف شورای هماهنگی عبارتست از ایجاد هماهنگی در کارهای اجرایی راه آهن شهری که با تاسیسات یا طرحهای سازمانهای مختلف ارتباط حاصل می‌کند و رفع مشکلاتی که از عدم رعایت هماهنگی ممکن است پیش آید و همچنین اتخاذ تصمیم نسبت به کلیه مسایلی که از طرف هیات مدیره شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) و یا سایر اعضا شورا در این زمینه مطرح می‌شود. تصمیمات شورا در این گونه موارد برای کلیه سازمانهای ذیربط لازم الاجرا خواهد بود. تبصره ۱ - تشکیل جلسات شورای هماهنگی با پیشنهاد رییس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت راه آهن شهری (مترو) و دعوت شهردار تهران به عمل خواهد آمد. تبصره ۲ - ریاست شورای هماهنگی با شهردار تهران است ماده سوم - بررسی و تصویب اساسنامه و همچنین اتخاذ تصمیم نسبت به وابستگی شرکت به کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت کشور - شهرداری تهران - سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه تفویض می‌گردد.

جرایم تخلفات رانندگی

قانون مجازات عاملین متخلف در امر حمل و نقل کالا - مصوب ۲۳/۱/۶۷

ماده ۱ - متصدی شرکتهای، موسسات، بنگاه های حمل و نقل و رانندگانی که مسئول حمل کالا به مقصد می‌باشند چنانچه عمداً آن را به مقصد نرسانند علاوه بر جبران خسارت وارده به صاحب کالا (در مثلی مثل و در قیمتی قیمت به حبس از ۲ تا ۵ سال یا جریمه نقدی معادل ۱۰ تا ۲۰ برابر قیمت کالا محکوم می‌شوند و در صورت تکرار جرم مذکور به حداکثر مجازات فوق محکوم خواهند شد. ماده ۲ - هرکس اموال و کالاهای مذکور در ماده فوق را با علم و اطلاع تحصیل یا مخفی یا قبول نموده و یا مورد معامله و یا مورد استفاده دیگری قرار دهد و یا با آن موسسه یا شرکت یا بنگاه و راننده به هر نحو همکاری نماید به حبس از شش ماه تا سه

سال و جبران خسارات وارده به صاحب کالا- محکوم می شود در صورتی که متهم معامله اموال مزبور را حرفه خود قرار داده و یا مرتکب تکرار جرم مزبور شده باشد به حداکثر مجازات مقرر در این ماده ضمن جبران خسارات وارده به صاحب مال محکوم می شود. ماده ۳- هرکس تمام یا قسمتی از کالاهای یاد شده در ماده یک را در حین حمل و نقل سرقت نماید هرگاه سرقت جامع شرایط حد محارب یا سرقت نباشد به حبس از ۲ تا ۵ سال و جبران خسارات وارده به صاحب کالا محکوم می شود. تبصره - رعایت امکانات و شرایط خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب در موارد فوق الزامی است ماده ۴- در صورت وجود عین کالا در مورد فوق ، کالای مزبور باید به صاحبش مسترد گردد. ماده ۵- چنانچه متهم برای اولین بار مرتکب یکی از اعمال مذکور در مواد فوق شده باشد و دادستان در موارد غیر مهم تشخیص دهد با وعظ یا توبیخ یا تهدید یا اخذ تعهد تادیب خواهد شد با اعمال یکی از موارد تادیب فوق پرونده را ضمن انعکاس به وزارت راه بایگانی می نماید. دادگاه نیز در صورت طرح پرونده در دادگاه حق اعمال مراتب بالا را به تشخیص خود دارد.

قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی - مصوب ۲۵ خرداد ماه ۱۳۵۴

ماده واحده ۱- هرکس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیتدار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند بدون اینکه با این اقدام خطری متوجه خود او یا دیگران شود و یا وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک از اقدام به این امر خودداری نماید ، به حبس جنحه ای تا یک سال و یا جزای نقدی تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد. در این مورد اگر مرتکب از کسانی باشد که به اقتضای حرفه خود می توانسته کمک موثری بنماید به حبس جنحه ای از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال محکوم خواهد شد. مسئولان مراکز درمانی اعم از دولتی یا خصوصی که از پذیرفتن شخص آسیب دیده و اقدام به درمان او یا کمکهای اولیه امتناع نمایند به حداکثر مجازات ذکر شده محکوم می شوند. نحوه تامین هزینه درمان این قبیل بیماران و سایر مسائل مربوط به موجب آیین نامه ایست که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ۲- هرگاه کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلفند به اشخاص آسیب دیده یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند کمک نمایند از اقدام لازم و کمک به آنها خودداری کنند به حبس جنحه ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد. ۳- دولت مکلف است در شهرها و راهها به تناسب احتیاج مراکز درمان فوری (اورژانس) و وسایل انتقال مصدومین و بیماران که احتیاج به کمک فوری دارند ایجاد و فراهم نماید. ۴- مأمورین انتظامی نباید متعرض کسانی که خود متهم نبوده و اشخاص آسیب دیده را به مراجع انتظامی یا مراکز درمانی می رسانند ، بشوند.

آیین نامه اجرایی قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی - مصوب ۵/۳/۱۳۵۴

ماده ۱- فوریتهای پزشکی به مواردی از اعمال پزشکی اطلاق می شود که بایستی بیماران را سریعاً مورد رسیدگی و درمان قرار داد و چنانچه اقدام فوری به عمل نیاید باعث خطرات جانی، نقص عضو، یا عوارض صعب العلاج و یا غیرقابل جبران خواهد شد. ماده ۲- از نظر این آیین نامه فوریت های پزشکی (اورژانس شامل موارد زیر می شود: ۱- مسمومیت ها. ۲- سوختگی ها. ۳- زایمان ها. ۴- صدمات ناشی از حوادث و سوانح و وسایط نقلیه ۵- سگته های قلبی و مغزی ۶- خونریزی ها و شوک ها. ۷- اغما. ۸- اختلالات تنفسی شدید و خفگی ها. ۹- تشنجات ۱۰- بیماریهای عفونی خطرناک مانند مننژیت ها. ۱۱- بیماریهای نوزادانی که نیاز به تعویض خون دارند. ۱۲- سایر مواردی که در شمول تعریف ماده ۱ قرار می گیرد. ماده ۳- بیمار مشمول این آیین نامه شخصی است که طبق

تعریف فوریت های پزشکی (اورژانس) احتیاج به کمک فوری دارد. ماده ۴ - کلیه بیمارستان ها ، اعم از دولتی و غیردولتی در تمام اوقاف شبانه روز و نیز درمانگاه ها و سایر موسسات درمانی در ساعات فعالیت طبق پروانه تاسیسی که از وزارت بهداشت سابق دریافت داشته‌اند مکلف به پذیرش بیمارانی که مشمول فوریت‌های پزشکی هستند می‌باشند. ماده ۵ - در مناطقی که مرکز اورژانس وجود دارد و به نحوی از موارد فوریت‌های پزشکی اطلاع پیدا می‌کند مسئولیت مستقیم انتقال بیمار به مراکز درمانی با مراکز اورژانس می‌باشد. تبصره - همه افراد مکلفند به محض مشاهده هرگونه موارد اورژانس در صورت دسترسی به مرکز اورژانس از طریق تلفن و سایر وسایل ارتباطی فوراً مورد را به آگاهی نزدیکترین مرکز اورژانس برسانند و در صورت عدم دسترسی به واحد اورژانس نسبت به انتقال بیمار اورژانسی به نزدیکترین مراکز درمانی اقدام نمایند. ماده ۶ - در صورتی که بیمار اورژانس در واحدهای بخش دولتی تحت مداوا قرار گیرد حق العلاج پزشکی که جهت مداوای بیمار فراخوانده می‌شود در صورتی که در ساعات غیراداری باشد برابر ۵۰٪ تعرفه خدمات درمانی مورد عمل در آن مورد خاص خواهد بود. تبصره - پزشکانی که منحصرراً در بخش خصوصی به کار اشتغال دارند در صورتی که به دلیل نیاز از آنان کمک خواسته شود در تمام اوقات از مزایای این ماده استفاده خواهند نمود. ماده ۷ - در صورتی که بیمار اورژانس در واحدهای درمانی غیردولتی تحت مداوا قرار گیرد هزینه درمان توسط بیمار طبق تعرفه خدمات درمانی پرداخت خواهد شد. تبصره - در موارد استثنایی که بیمار استطاعت پرداخت کامل هزینه درمان خود را نداشته باشد طبق نظر کارشناسی مددکاری وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی حداکثر تا ۸۰٪ کل هزینه توسط آن وزارتخانه پرداخت خواهد شد. بدیهی است ما به التفات پرداختی وزارتخانه مذکور را خود بیمار باید به واحد درمانی مربوطه پردازد.

از قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین - مصوب ۱۳۷۳

ماده ۳ - قوه قضاییه موظف است کلیه درآمدهای خدمات قضایی از جمله خدمات مشروحه زیر را دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور واریز نماید. ۱ - در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی باشد از این پس به جای حبس یا آن مجازات تعزیری حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال داده خواهد شد. ۲ - هرگاه حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال بدهد. ۳ - در صورتی که مجازات حبس با جزای نقدی توأم باشد و به جای حبس و مجازات تعزیری جزای نقدی مورد حکم واقع شود هر دو مجازات نقدی جمع خواهد شد.

قانون مجازات استفاده از پلاکهای تقلبی وسایط نقلیه موتوری - مصوب آبان ۱۳۴۷

ماده ۱ - هرکس در ارقام و مشخصات پلاک وسایط نقلیه موتوری - زمینی - آبی و یا کشاورزی تغییر بدهد یا پلاک وسیله نقلیه موتوری دیگری را به آن الصاق کند یا برای آن پلاک تقلبی به کار برد یا چنین وسایلی را با علم به تغییر یا تعویض پلاک یا داشتن پلاک تقلبی مورد استفاده قرار دهد به حبس تادیبی از دو ماه تا یکسال محکوم می‌شود. ماده ۲ - هرکس به نحوی از انحاء در شماره شناسی یا پلاک وسیله نقلیه موتوری که از طرف کارخانه سازنده حکک یا نصب شده تغییری بدهد و آن را از صورت کارخانه ای (فابریکی) خارج کند به حبس تادیبی از دو ماه تا یکسال محکوم خواهد شد. ماده ۳ - هرکس بخواهد وسیله نقلیه موتوری را اوراق نماید مکلف است مراتب را با تسلیم مدارک مالکیت و تعیین محل توقف وسیله نقلیه در قبال اخذ رسید به

شهربانی محل اطلاع دهد، شهربانی محل باید ظرف دو هفته و در صورت لزوم پس از کسب نظر شهربانی محل شماره گذاری اجازه اوراق کردن وسیله نقلیه را ضمن اخذ شماره های شهربانی وسیله نقلیه بدهد و اگر به دلایلی با اوراق کردن موافقت ندارد تصمیم قطعی خود را ظرف همان مدت با ذکر دلیل به متقاضی ابلاغ نماید، متقاضی حق دارد از این تصمیم به دادستان شهرستان شکایت کند و نظر دادستان قطعی است هرگاه شهربانی در مدت مذکور تعیین تکلیف نکند اوراق کردن وسیله نقلیه پس از انقضای مدت مزبور مجاز است تخلف از این ماده برای اوراق کننده موجب محکومیت به حبس جنحه ای از ۶۱ روز تا شش ماه خواهد بود. ماده ۴- اگر وسیله نقلیه موتوری یا پلاک آن سرقت یا مفقود شود شخصی که وسیله در اختیار و تصرف اوست (اعم از آنکه مالک باشد یا نباشد) پس از اطلاع مکلف است بلافاصله مراتب را کتبا به نزدیکترین مرکز پلیس یا پاسگاه ژاندارمری اعلام نماید و در صورت تخلف به تادیه پانصد تا یکهزار و دوست ریال جریمه محکوم خواهد شد.

قانون اصلاح ماده (۱۴) اصلاحی قانون رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی - مصوب ۲۱/۵/۱۳۷۶

ماده واحده - ماده ۱۴ قانون رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب ۸/۶/۱۳۵۸ به شرح ذیل اصلاح و پنج تبصره به آن الحاق می گردد. ماده ۱۴- شرکتهای و موسسات حمل و نقل و رانندگان وسایل نقلیه باربری مکلفند در راههای مقرر حمل بار در راههای کشور را که از طرف وزارت راه و ترابری تعیین و اعلام می شود دقیقاً رعایت نمایند، در صورت تخلف ناشی از عدم رعایت مقررات مذکور، وسیله نقلیه توسط مأمورین راهنمایی و رانندگی متوقف و متخلف توسط مأمورین مزبور برای بارهای معمولی سی هزار (۳۰/۰۰۰) ریال و بارهای ترافیکی یکصد هزار (۱۰۰۰۰۰) ریال جریمه عدول از مقررات حمل و نقل بار جریمه گردیده و نیز جهت تعیین پرداخت خسارات وارده به راه و ابنیه فنی به وزارت راه و ترابری معرفی خواهد شد. در این صورت به وسیله نقلیه زمانی اجازه حرکت داده می شود که شرکت یا موسسه حمل و نقل و یا راننده وسیله، بارگیری وسیله نقلیه را با مقررات حمل و نقل بار در راهها مطابقت داده و خسارات وارده را نیز پرداخت نموده باشد. همچنین سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور مجاز است پروانه فعالیت شرکتهای و موسسات حمل و نقل کالا و مسافر را که خلاف مقررات و آیین نامه های حمل کالا و مسافر رفتار می نمایند از یک ماه تا یک سال و در صورت تکرار تخلف به طور دائم لغو و نیروی انتظامی موظف است با اعلام سازمان مذکور نسبت به تعطیلی موسسه یا شرکت حمل و نقل متخلف اقدام نموده و در صورت اعتراض مراجع قضایی خارج از نوبت به موضوع رسیدگی نمایند. مقررات و آیین نامه های حمل بار و مسافر و مدت لغو پروانه فعالیت و تعطیلی موسسات مذکور توسط وزارت راه و ترابری و در آن قسمت که مربوط به مقررات ایمنی عبور و مرور می باشد با همکاری وزارت کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۱- در مواردی که طبق این ماده پروانه فعالیت شرکت یا موسسه حمل و نقل کالا یا مسافر لغو و فعالیت آن تعطیل می شود، موسسه مکلف است پس از تایید صاحب کالا، ترتیب حمل کالا و مسافر را که قبلاً تعهد کرده بوسیله شرکتهای و موسسات دیگر بدهد والا مسئول خسارات وارده به اشخاص ثالث خواهد بود. تبصره ۲- تردد وسایل نقلیه در کلیه آزادراه ها بدون پرداخت عوارض عبور و ورود غیرمجاز به آنها تخلف محسوب و متخلف علاوه بر پرداخت عوارض عبور در هر مورد به میزان ده برابر مبلغ عوارض عبور محور مورد تردد از طریق صدور برگ جریمه توسط مأمورین راهنمایی و رانندگی جریمه خواهد شد. تبصره ۳- وزارت راه و ترابری مکلف است در صورت تکرار تخلف در هر سال از متخلفین خسارات وارده به راه و ابنیه فنی را بر مبنای جریمه تخلف ضربدر تعداد تکرار تخلف در همان سال محاسبه و دریافت نماید. تبصره ۴- مأمورین راهنمایی و رانندگی مکلفند نسخه ای از کروکی و یا گزارش تصادفات و تخلفات را جهت درج در پرونده متخلف به وزارت راه و ترابری ارسال نمایند. تبصره ۵- با تصویب این قانون کلیه قوانین مغایر، ملغی است

طرح قانونی مربوط به تشدید مجازات رانندگان متخلف - مصوب ۵/۱۰/۱۳۳۵

ماده واحده - هر راننده‌ای اعم از آنکه شغل او رانندگی باشد یا نباشد شخصا و یا با شرکت دیگری به قصد قتل یا سرقت اموال و یا هتک ناموس مرتکب ربودن شخص یا اشخاصی که در آن وسیله نقلیه است بشود در صورت وقوع قتل محکوم به اعدام است و دادرسان حق ندارند مجازات را حتی یک درجه نیز تخفیف دهند و در صورت وقوع سرقت و یا هتک ناموس به عنف به حبس ابد و در صورت شروع به قتل یا شروع به سرقت و یا شروع به هتک ناموس به عنف به حبس با اعمال شاقه از پنج تا پانزده سال مجازات خواهد شد. تبصره - وزارتین کشور و دادگستری موظف هستند برای حسن انتظام امور رانندگی در ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این قانون آیین نامه ای که متضمن مجازات های شدید برای تصادفات ناشی از غفلت راننده و یا عابرین خواه سوار خواه پیاده و سایر تخلفات دیگر رانندگی باشد با رعایت قانون تشدید مجازات رانندگان مصوب ۲۴ تیرماه ۱۳۲۸ تدوین و پس از تصویب کمیسیون های دادگستری مجلسین به موقع اجرا بگذارد. تبصره ۲ - برای بهبود عبور و مرور و تکمیل لوازم فنی خطوط تهران دولت مکلف است مطالعات کافی نموده و لایحه ای برای تامین اعتبار آن در ظرف مدت سه ماه تقدیم مجلس شورای ملی نماید. طرح قانونی فوق در جلسه روز چهارشنبه پنجم دی ماه یکهزار و سیصد و سی و پنج شمسی به تصویب مجلس سنا رسیده است

قانون رسیدگی فوری به خسارات ناشیه از تصادفات رانندگی به وسیله نقلیه مونوری - مصوب ۲۳/۸ و ۱۳/۹/۱۳۳۴

ماده ۱ - دعاوی راجع به عیب و نقص ناشیه از تصادفات رانندگی که به وسایط نقلیه وارد و موجب خسارت برای صاحب آن می گردد در دادگاه های صلاحیت دار خارج از نوبت رسیدگی می شود. ماده ۲ - کاردان های فنی راهنمایی و رانندگی و پلیس راه که برای رسیدگی به امور تصادفات رانندگی تعیین می شوند مکلفند علت وقوع تصادف و چگونگی آن را صریحا با تشریح وضع محل تصادف و چگونگی آن را صریحا با تشریح وضع محل تصادف در صورت مجلس قید و میزان خسارات وارده به وسیله نقلیه را اعم از هزینه تعمیر و کسر قیمتی که در نتیجه تصادف حاصل می شود معلوم نمایند در صورتی که تعیین میزان خسارت در محل ممکن نباشد می توان آن را موکول به بازدید بعدی در تعمیرگاه نمود مندرجات صورت مجلسی که به طریق فوق تنظیم می گردد معتبر است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. ماده ۳ - در نقاط خارج از حوزه ماموریت مأموران مذکور، رسیدگی تابع قواعد و مقررات عمومی است

قانون ممنوعیت بازداشت کسانی که مصدومین را به مراکز درمانی منتقل می نمایند. - مصوب ۳/۲/۱۳۸۰

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون نگاهداری و بازداشت کسانی که مصدومین را به مراکز درمانی یا نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و غیره منتقل می نمایند توسط مراجع مذکور ممنوع است مگر این که خود فرد یا مصدوم یا افراد دیگری او را مقصر قلمداد نمایند و یا دلایل و قراین دیگری دلالت بر انتساب اتهام به وی نماید.

از قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۲۷/۱۱/۱۳۸۰

ماده ۱۸ - بندهای ۲ و ۳ ماده ۳۲ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۲۸/۱۲/۱۳۷۳ به شرح ذیل صلاح و دو بند به عنوان بندهای ۴ و ۵ به ماده مذکور اضافه می شود: ۲ - مجازات تخلفات رانندگی از ده هزار (۱۰/۰۰۰) ریال

الی سیصد و پنجاه هزار (۳۵۰۰۰۰) ریال تعیین می‌شود. جداول مربوط به تخلفات رانندگی و تغییرات بعدی با پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات وزیران خواهد بود. ۳- وجوه حاصل از جرایم رانندگی در خارج و داخل شهرها به حساب درآمد عمومی کشور نزد خزانه داری کل واریز می‌شود. معادل وجوه واریزی همه ساله در قوانین بودجه سالانه پیش بینی تا صرفاً به مصرف بهبود عبور و مرور برسد. ۴- وزارتخانه های کشور و راه و ترابری مکلفند نسبت به تهیه آیین نامه راهنمایی و رانندگی و امور حمل و نقل و عبور و مرور اقدام نمایند تا پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذارده شود. ۵- انجام معاینه فنی خودروها با رعایت مفاد این بند و متناسب با امکانات کشور اجباری است ستادهای معاینه فنی خودرو وابسته به شهرداریها یا مراکز فنی مجاز، وظیفه انجام معاینه و صدور برگه معاینه فنی را برعهده خواهند داشت چگونگی اجرای این بند و زمان بندی و نظارت بر انجام آن و تعیین دوره های معاینه فنی انواع خودرو ها و هزینه مربوطه متناسب با امکانات هر منطقه به پیشنهاد وزارتخانه های کشور و راه و ترابری با تصویب هیات وزیران خواهد بود. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلف است بر اساس تصویب نامه مذکور از تردد خودروهای فاقد برگه معاینه فنی جلوگیری نماید. برای صدور هر برگه معاینه فنی مبلغ دوهزار (۲۰۰۰) ریال اخذ و به حساب درآمد عمومی کشور نزد خزانه داری کل واریز خواهد شد.

موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ در ارتباط با جرایم ناشی از تخلفات رانندگی

ماده ۳۳۳- در مواردی که عبور عابر پیاده ممنوع است اگر عبور نماید و راننده‌ای که با سرعت مجاز و مطمئن در حرکت بوده و وسیله نقلیه نیز نقص فنی نداشته است و در عین حال قادر به کنترل نباشد و با عابر برخورد نموده منجر به فوت یا مصدوم شدن وی گردد راننده ضامن دیه و خسارت وارده نیست باب ششم - اشتراک در جنایت ماده ۳۳۴- هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد کشته شوند هر دو سوار باشند یا پیاده یا یکی سواره و دیگری پیاده باشد در صورت شبهه عمد نصف دیه هر کدام از مال دیگری پرداخت می‌شود و در صورت خطا محض نصف دیه هر کدام بر عاقله دیگری است ماده ۳۳۵- هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد یکی از آنها کشته شود در صورت شبهه عمد نصف دیه مقتول بر دیگری است و در صورت خطای محض نصف دیه مقتول بر عاقله دیگری است تبصره - هرگاه کسی اتفاقاً و بدون قصد به شخصی برخورد کند و موجب آسیب او شود خطای محض می‌باشد. ماده ۳۳۶- هرگاه در اثر برخورد دوسوار، وسیله نقلیه آنها مانند اتومبیل خسارت ببیند در صورتی که تصادم و برخورد به هر دو نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند و یا هیچکدام مقصر نباشند هر کدام نصف خسارت وسیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود خواه آن دو وسیله از یک نوع باشند یا نباشند و خواه میزان تقصیر آنها مساوی یا متفاوت باشد و اگر یکی از آنها مقصر باشد فقط مقصر ضامن است تبصره - تقصیر اعم است از بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی ماده ۳۳۷- هرگاه دو وسیله نقلیه در اثر برخورد با هم باعث کشته شدن سرنشینان گردند در صورت شبهه عمد راننده هر یک از دو وسیله نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود و در صورت خطای محض عاقله هر کدام عهده دار نصف دیه تمام سرنشینان می‌باشد و اگر برخورد یکی از آن دو شبهه عمد و دیگری خطای محض باشد ضامن بر حسب مورد پرداخت خواهد شد. تبصره - در صورتی که برخورد دو وسیله نقلیه خارج از اختیار راننده ها باشد مانند آنکه در اثر ریزش کوه یا طوفان و دیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود هیچگونه ضمانتی در بین نیست ماده ۶۸۷- هر کس در وسایل و تاسیسات مورد استفاده عمومی از قبیل شبکه‌های آب و فاضلاب برق، نفت، گاز، پست و تلگراف و تلفن و مراکز فرکانس و ماکروویو (مخابرات و رادیو و تلویزیون و متعلقات مربوط به آنها اعم از سد و کانال و انشعاب لوله کشی و نیروگاه های برق و خطوط انتقال نیرو و مخابرات) کابل های هوایی یا زمینی یا نوری و دستگاههای تولید و توزیع و انتقال آنها که به هزینه یا سرمایه دولت یا با سرمایه مشترک دولت و بخش غیردولتی یا توسط بخش خصوصی برای استفاده عمومی ایجاد شده و همچنین در علایم راهنمایی و

رانندگی و سایر علائمی که به منظور حفظ جان اشخاص یا تأمین تاسیسات فوق یا شوارع و جاده‌ها نصب شده است مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خرابکاری دیگر شود بدون آنکه منظور او اخلال در نظم و امنیت عمومی باشد به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد. تبصره ۱- در صورتی که اعمال مذکور به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت تبصره ۲- مجازات شروع به جرایم فوق یک تا سه سال حبس است فصل بیست و نهم - جرایم ناشی از تخلفات رانندگی ماده ۷۱۴- هر گاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسایط نقلیه زمینی یا آبی یا هوایی یا متصدی وسیله موتوری منتهی به قتل غیر عمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می‌شود. ماده ۷۱۵- هر گاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب مرض جسمی یا دماغی که غیر قابل علاج باشد و یا از بین رفتن یکی از حواس یا از کار افتادن عضوی از اعضای بدن که یکی از وظایف ضروری زندگی انسان را انجام می‌دهد یا تغییر شکل دائمی عضو یا صورت شخص یا سقط جنینی شود مرتکب به حبس از دو ماه تا یک سال و به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می‌شود. ماده ۷۱۶- هر گاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود که باعث نقصان یا ضعف دائم یکی از منافع یا یکی از اعضای بدن شود و یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم گردد، بدون آنکه عضو از کار بیافتد یا باعث وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی شود مرتکب به حبس از دو ماه تا شش ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم خواهد شد. ماده ۷۱۷- هر گاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود مرتکب به حبس از یک تا پنج ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می‌شود. ماده ۷۱۸- در مورد مواد فوق هر گاه راننده یا متصدی وسایل موتوری در موقع وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته یا زیاده از سرعت مقرر حرکت می‌کرده است یا آنکه دستگاه موتوری را با وجود نقص و عیب مکانیکی مؤثر در تصادف به کار انداخته یا در محل هایی که برای عبور پیاده رو علامت مخصوص گذارده شده است مراعات لازم ننماید و یا از محل هایی که عبور از آن ممنوع گردیده است رانندگی نموده به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد. دادگاه می‌تواند علاوه بر مجازات فوق مرتکب را برای مدت یک تا پنج سال از حق رانندگی یا تصدی وسایل موتوری محروم نماید. تبصره - اعمال مجازات موضوع مواد (۷۱۴) و (۷۱۸) این قانون از شمول بند (۱) ماده ۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۲۸/۱۲/۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی مستثنی می‌باشد. ماده ۷۱۹- هر گاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد (۷۱۴) و (۷۱۵) و (۷۱۶) محکوم خواهد شد. دادگاه نمی‌تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخففه نماید. تبصره ۱- راننده در صورتی می‌تواند برای انجام تکالیف مذکور در این ماده وسیله نقلیه را از صحنه حادثه حرکت دهد که برای کمک رسانیدن به مصدوم توسل به طریق دیگر ممکن نباشد. تبصره ۲- در تمام موارد مذکور هر گاه راننده مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به هر نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد نمود. ماده ۷۲۰- هر کس در ارقام و مشخصات پلاک وسایل نقلیه موتوری زمینی، آبی یا کشاورزی تغییر دهد و یا پلاک وسیله نقلیه موتوری دیگری را به آن الصاق نماید یا برای آن پلاک تقلبی به کار برد یا چنین وسایلی را با علم به تغییر و یا تعویض پلاک تقلبی مورد استفاده قرار دهد و همچنین هر کس به نحوی از انحای شماره شاسی، موتور یا پلاک وسیله نقلیه موتوری و یا پلاکهای موتور و شاسی که از طرف کارخانه سازنده حکک یا نصب شده بدون تحصیل مجوز از راهنمایی و رانندگی تغییر دهد و آن را از صورت اصلی کارخانه خارج کند به حبس از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۷۲۱- هر کس بخواند نقلیه

موتوری را اوراق کند مکلف است مراتب را با تعیین محل توقف وسیله نقلیه به راهنمایی و رانندگی محل اطلاع دهد، راهنمایی و رانندگی محل باید ظرف مدت یک هفته اجازه اوراق کردن وسیله نقلیه را بدهد و اگر به دلایلی با اوراق کردن موافقت ندارد تصمیم قطعی خود را ظرف همان مدت با ذکر دلیل به متقاضی ابلاغ نماید، هرگاه راهنمایی و رانندگی هیچگونه اقدامی در آن مدت نکرد اوراق کردن وسیله نقلیه پس از انقضای مدت مجاز است تخلف از این ماده برای اوراق کننده موجب محکومیت از دو ماه تا یک سال حبس خواهد بود. ماده ۷۲۲ - چنانچه وسیله موتوری یا پلاک آن سرقت یا مفقود شود، شخصی که وسیله در اختیار و تصرف او بوده است اعم از آنکه مالک بوده یا نبوده پس از اطلاع مکلف است بلافاصله مراتب را به نزدیکترین مرکز نیروی انتظامی اعلام نماید، متخلف از این ماده به جزای نقدی از پانصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۷۲۳ - هرکس بدون گواهینامه رسمی اقدام به رانندگی و یا تصدی وسایل موتوری که مستلزم داشتن گواهینامه مخصوص است، بنماید و همچنین هرکس به موجب حکم دادگاه از رانندگی وسایل نقلیه موتوری ممنوع باشد به رانندگی وسایل مزبور مبادرت ورزد برای بار اول به حبس تعزیری تا دو ماه یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال و یا هر دو مجازات و در صورت ارتکاب مجدد به دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد. ماده ۷۲۴ - هر راننده وسیله نقلیه‌ای که در دستگاه ثبت سرعت وسیله نقلیه عمداً تغییری دهد که دستگاه سرعتی کمتر از سرعت واقعی نشان دهد و یا با علم به اینکه چنین تغییری در دستگاه مزبور داده شده با آن وسیله نقلیه رانندگی کند برای بار اول به حبس از ده روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال و یا هر دو مجازات و در صورت تکرار به دو تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد. ماده ۷۲۵ - هر یک از مامورین دولت که متصدی تشخیص مهارت و دادن گواهینامه رانندگی هستند اگر به کسی که واجد شرایط رانندگی نبوده پروانه بدهند به حبس تعزیری از شش ماه تا یک سال و به پنج سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد و پروانه صادره نیز ابطال می‌گردد.

تصویب‌نامه در خصوص تعیین تاریخ اجرای جدول میزان جرایم تخلفات رانندگی در شهرها و جاده‌های کل کشور مریو

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۵/۳/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۶۱/۶/۱/۲۱۶۰۱ مورخ ۸/۳/۱۳۸۴ وزارت کشور و به استناد بند (۲) اصلاحی ماده (۳۲) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین موضوع ماده (۱۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۰ - تصویب نمود: تاریخ اجرای جدول میزان جرایم تخلفات رانندگی در شهرها و جاده‌های کل کشور مربوط به سال ۱۳۸۴ موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۲۳/۶۵/ت/۳۲۱۱۶ مورخ ۱۱/۱۱/۱۳۸۳، از، تاریخ ۱/۷/۱۳۸۴ تعیین می‌گردد. معاون اول رئیس‌جمهور - محمدرضا عارف

دستورالعمل تشکیل شوراهای حل اختلاف ویژه امور راهنمایی و رانندگی - مصوب ۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور به پیوست یک نسخه دستورالعمل تشکیل شوراهای حل اختلاف ویژه راهنمایی و رانندگی که در ۱۴ ماده و ۱۰ تبصره در تاریخ ۱۲/۹/۱۳۸۴ به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده، جهت درج در روزنامه رسمی ارسال می‌گردد. رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه - عبدالرضا ایزدپناه دستورالعمل تشکیل شوراهای حل اختلاف ویژه امور راهنمایی و رانندگی در راستای حسن اجرای آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (موضوع تنفیذ ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم) و بندهای ۲ و ۳ از قسمت ب ماده ۷ آیین‌نامه مذکور و ماده ۳۲ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت ناظر بر قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب ۳۰/۳/۱۳۵۰ و اصلاحات بعدی آن، «دستورالعمل تشکیل شوراهای حل اختلاف ویژه امور راهنمایی و رانندگی» به شرح ذیل تصویب و ابلاغ

می‌گردد: ماده ۱- به منظور ارتقای جایگاه صلح و سازش و انجام داوری و تسهیل و تسریع در حل و فصل دعاوی و ایجاد وحدت رویه در رسیدگی به پرونده‌های مربوط به امور راهنمایی و رانندگی، « شورا‌های حل اختلاف ویژه امور راهنمایی و رانندگی » مطابق مقررات پیش‌بینی شده در آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه که در این دستورالعمل اختصاراً « شورا‌های ویژه » گفته می‌شود، تشکیل می‌گردد. ماده ۲- حدود صلاحیت شورا‌های ویژه « رسیدگی به اعتراض صورت وضعیت اصلاحی بر گه‌های جریمه موضوع تخلفات رانندگی » و « رسیدگی به تخلفات در خصوص تغییر وضعیت خودرو »، « رسیدگی به اتهام رانندگی بدون پروانه » و « تصادفات رانندگی » می‌باشد. ماده ۳- اعتراض به قبوض جرایم راهنمایی و رانندگی ابتدا به اجرائیات و یا واحدهای مشابه راهنمایی و رانندگی تقدیم می‌گردد. مراجع یاد شده حداکثر ظرف مدت یک هفته برابر قوانین به اعتراضات رسیدگی و صورت وضعیت اصلاحی صادر خواهند نمود. اعتراض به صورت وضعیت اصلاحی قبوض جرایم راهنمایی و رانندگی در شورا‌های ویژه رسیدگی خواهد شد. در صورتی که ظرف یک هفته قبض اصلاحی صادر نگردد و یا راهور نظر خود را اعلام ننماید، با مراجعه دادخواه به شورای ویژه، موضوع مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. ماده ۴- صلاحیت شورای ویژه برای رسیدگی به اعتراض صورت وضعیت اصلاحی مربوط به قبوض جرایم راهنمایی و رانندگی: با عنایت به بند دوم قسمت ب ماده ۷ آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها حداکثر تا پنج میلیون ریال جزای نقدی است و یا جمع مجازات قانونی حبس و جزای نقدی پس از تبدیل حبس به جزای نقدی تا پنج میلیون ریال می‌گردد، همچنین رسیدگی به جرائمی که مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی باشد، در حدود صلاحیت رسیدگی شوراهاست. با توجه به موارد مذکور و عنایت به ماده ۱۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰، که محدوده جرایم تخلفات رانندگی را از ده هزار ریال الی سیصد و پنجاه هزار ریال اعلام نموده است، رسیدگی به اعتراض نسبت به تمامی جریمه‌های راهنمایی و رانندگی، حتی در مواردی که به علت عدم پرداخت دو برابر می‌شود، در صلاحیت شورا‌های ویژه است. در تعیین حدود صلاحیت شورا، جمع جریمه‌های مورد اعتراض، ملاک تعیین صلاحیت نیست، بلکه هر مورد تخلف با عنایت به جریمه متعلقه، لحاظ می‌گردد. اگر جریمه‌های متعدد به موجب یک صورت وضعیت، اعلام شود و معترض بخواهد به همه آنها یک جا اعتراض نماید، علیرغم این که ممکن است جمع جریمه‌ها بالاتر از پنج میلیون ریال باشد، رسیدگی در صلاحیت شورا‌های ویژه خواهد بود. ماده ۵- صلاحیت شورای ویژه در رسیدگی به تخلفات در خصوص تغییر وضعیت خودرو: صلاحیت شورای ویژه در این خصوص نیز، براساس آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی مصوب سال ۱۳۸۴ و آن دسته از مواردی که ناظر بر جرایم ناشی از تخلفات رانندگی موضوع فصل ۲۹ قانون مجازات اسلامی می‌باشد، است. ماده ۶- حضور مأمور مربوطه یا نماینده راهنمایی و رانندگی در جلسات رسیدگی شورا‌های ویژه ضروری است لکن عدم حضور، مانع از رسیدگی و صدور رای نمی‌باشد. ماده ۷- رعایت مفاد قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب ۳۰/۳/۱۳۵۰ و اصلاحیه‌های بعدی - به ویژه مفاد ماده ۱ آن - در خصوص افسران خاطی و معترضان بلاوجه به صورت وضعیت‌های اصلاحی، در تمامی مراحل صدور رای و اتخاذ تصمیم در شورای ویژه، ملاک عمل خواهد بود. ماده ۸- لازم است حوزه‌های قضایی و ضابطین دادگستری، کلیه دعاوی مربوط به تخلفات و جرایم رانندگی منجر به دیه را بدو به منظور ایجاد صلح و سازش به شورای ویژه ارجاع نمایند، در این خصوص رعایت حد نصاب الزامی نمی‌باشد. ماده ۹- تعداد اعضای شورا‌های ویژه و انتخاب آنها به ترتیبی است که در آیین‌نامه اجرایی شورا‌های حل اختلاف پیش‌بینی شده است. تبصره ۱- لازم است حتی المقدور یک نفر از اعضای شورای ویژه از میان افسران بازنشسته ناجا (در امور مربوط به راهنمایی و رانندگی) که دارای پروانه کارشناسی رسمی دادگستری (طبق مفاد آئین‌نامه اجرایی) نباشند، انتخاب گردد. تبصره ۲- قضاوت مشاور شورا‌های ویژه، متناسب با نیازها، با پیشنهاد دادگستری کل استان و تأیید دفتر پیگیری طرحها و برنامه‌ها و هماهنگی امور استانها و سازمانهای وابسته قوه قضاییه با امضای رییس قوه قضاییه تعیین می‌گردند. تبصره ۳- ساعات

حضور و فعالیت اعضای شوراهای ویژه، مطابق ساعات اداری اجرائیات راهنمایی و رانندگی خواهد بود. ماده ۱۰- تشکیل شوراهای حل اختلاف ویژه و تعداد آنها، با پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تأیید «دفتر پیگیری طرحها و برنامه‌ها و هماهنگی امور استانها و سازمانهای وابسته» متناسب با تعداد مراکز اجرائیات راهنمایی و رانندگی صورت می‌گیرد. تبصره - شهر تهران به عنوان «ویژه» حداکثر ۲۵ حوزه، کلانشهرهای مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و اهواز حداکثر ۱۰ حوزه و سایر شهرستانها متناسب با نیازها به تشخیص رئیس کل دادگستری استان با توجه به نیاز اعلامی از سوی راهور ناجا حداکثر تا ۴ حوزه شوراهای حل اختلاف ویژه خواهند داشت. ماده ۱۱- تامین و تجهیز لوازم و امکانات شوراهای ویژه طبق موارد ذیل می‌باشد: تبصره ۱- محل استقرار شوراهای ویژه، حتی‌المقدور در نزدیک‌ترین مکان به اجرائیات راهنمایی و رانندگی - طبق آئین‌نامه اجرایی - تامین خواهد شد. تبصره ۲- تجهیزات اداری و نیازمندیهای رایانه‌ای شوراهای ویژه (اعم از نرم‌افزار، سخت‌افزار و شبکه و سایر ملزومات) با تعامل ناجا و با هماهنگی «دفتر پیگیری طرحها و برنامه‌ها و هماهنگی امور استانها و سازمانهای وابسته» تامین می‌گردد. تبصره ۳- تهیه ملزومات و اقلام مصرفی شوراهای ویژه، توسط دادگستری کل استانها انجام خواهد شد. تبصره ۴- پاداش اعضای شوراهای ویژه و قضات مشاور و کارکنان دبیرخانه از محل اعتبارات شوراهای حل اختلاف پرداخت می‌گردد. ماده ۱۲- برنامه زمانی و منابع آموزشی شوراهای ویژه، علاوه بر مباحث مصوب آموزش اعضای شوراهای حل اختلاف، بر اساس مواد آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی، جدول اخذ جرائم مصوب، فصل ۲۹ قانون مجازات اسلامی و آئین دادرسی کیفری در نظر گرفته خواهد شد. تبصره ۱- معاونت آموزش قوه قضائیه مسئولیت برنامه‌ریزی، تدوین متون آموزشی و نظارت بر اجرای برنامه آموزشی شوراهای ویژه را به عهده داشته و با هماهنگی «دفتر پیگیری طرحها و برنامه‌ها و هماهنگی امور استانها و سازمانهای وابسته» اقدام لازم را به عمل خواهد آورد. تبصره ۲- هزینه‌های آموزش اعضای شوراهای ویژه، از محل اعتبارات اختصاص یافته به آموزش شوراهای حل اختلاف توسط معاونت آموزش قوه قضائیه تامین و پرداخت خواهد شد. ماده ۱۳- اجرائیات راهنمایی و رانندگی و واحدهای اجرای احکام حوزه‌های قضایی، حسب مورد موظف به اجرای آراء و تصمیمات شوراهای ویژه می‌باشند. ماده ۱۴- این دستورالعمل در ۱۴ ماده و ۱۰ تبصره در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۱۲ به تصویب رییس قوه قضائیه رسید و از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا خواهد بود. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

قوانین متفرقه

قانون مسئولیت مدنی - مصوب ۱۳۳۹/۲/۷

ماده ۱- هر کس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. ماده ۲- در موردی که عمل وارد کننده زیان به موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارات مزبور محکوم می‌نماید و چنانچه عمل وارد کننده زیان موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود. ماده ۳- دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد، جبران زیان را به صورت مستمری نمی‌شود تعیین کرد مگر آنکه مدیون تامین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آنکه تجویز نماید. ماده ۴- دادگاه می‌تواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد. ۱- هرگاه پس از وقوع خسارت وارد کننده زیان به نحو موثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد. ۲- هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی بوده که عرفا قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و

تنگدستی واردکننده زیان شود. ۳- وقتی که زیان دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت وارد کننده زیان را تشدید کرده باشد. ماده ۵- اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود واردکننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است دادگاه جبران زیان را با رعایت اوضاع و احوال قضیه به طریق مستمری و یا پرداخت مبلغی دفعتاً واحده تعیین می نماید و در مواردی که جبران زیان باید به طریق مستمری به عمل آید تشخیص اینکه به چه اندازه و تا چه مبلغ می توان از واردکننده زیان تامین گرفت با دادگاه است اگر در موقع صدور حکم تعیین عواقب صدمات بدنی بطور تحقیق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدیدنظر نسبت به حکم خواهد داشت ماده ۶- در صورت مرگ آسیب دیده زیان شامل کلیه هزینه ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن می باشد، اگر مرگ فوری نباشد هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزو زیان محسوب خواهد شد. در صورتی که در زمان وقوع آسیب زیان دیده قانوناً مکلف بوده و یا ممکن است بعدها مکلف شود شخص ثالثی را نگاهداری نماید و در اثر مرگ او شخص ثالث از آن حق محروم گردد وارد کننده زیان باید مبلغی به عنوان مستمری متناسب تا مدتی که ادامه حیات آسیب دیده عادتاً ممکن و مکلف به نگاهداری شخص ثالث بوده به آن شخص پرداخت کند در این صورت تشخیص میزان تامین که باید گرفته شود با دادگاه است در صورتی که در زمان وقوع آسیب نطفه شخص ثالث بسته شده و یا هنوز طفل به دنیا نیامده باشد شخص مزبور استحقاق مستمری را خواهد داشت ماده ۷- کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده زیان نباشد. ماده ۸- کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورده مسئول جبران آن است شخصی که در اثر انتشارات مزبور با سایر وسائل مخالف یا حسن نیت مشتریانش کم و یا در معرض از بین رفتن می تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را از وارد کننده مطالبه نماید. ماده ۹- دختری که در اثر اعمال حيله یا تهدید و یا سو استفاده از زیر دست بودن حاضر برای هم خوابگی نامشروع شده می تواند از مرتکب علاوه از زیان مادی مطالبه زیان معنوی هم بنماید. ماده ۱۰- کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می شود می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هر گاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید. ماده ۱۱- کارمندان دولت و شهرداری و موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارات وارده می باشند ولی هر گاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و موسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا موسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هر گاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تامین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود. ماده ۱۲- کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خسارتی می باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارده شده است مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می نموده به عمل می آوردند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی بود کارفرما می تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید. ماده ۱۳- کارفرمایان مشمول ماده ۱۲ مکلفند تمام کارگران و کارکنان اداری خود را در مقابل خسارات وارده از ناحیه آنان به اشخاص ثالث بیمه

نماینده. ماده ۱۴ - در مورد ماده ۱۲ - هرگاه چند نفر مجتمعا زیانی وارد آورند متضامنا مسئول جبران خسارات وارد هستند. در این مورد میزان مسئولیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد. ماده ۱۵ - کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعددی شود مسئول خسارت نیست مشروط بر اینکه خسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد. ماده ۱۶ - وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون است

قانون ایمنی راهها و راه آهن - مصوب ۷/۴/۱۳۴۹ با اصلاحات بعدی

ماده ۱ - شاهراه به راهی اطلاق می‌شود که حداقل دارای دو خط اتومبیل رو و یک شانه حداقل به عرض ۳ متر برای هر طرف رفت و برگشت بوده و دو طرف آن به نحوی محصور و در تمام طول شاهراه از هم کاملاً مجزأ باشد و ارتباط آنها با هم فقط به وسیله راههای فرعی که از زیر یا بالای شاهراه عبور کند تامین شود و هیچ راه دیگری آنرا قطع نکند ماده ۲ - هر شاهراه که با خصوصیات فوق ساخته شده یا بشود از تاریخی که وزارت راه اعلام کند مشمول مقررات این قانون می‌باشد. ماده ۳ - وزارت راه مکلف است در هر شاهراه حداقل و حداکثر سرعت همچنین انواع وسایط نقلیه‌ای که عبور آنها مجاز نیست با نصب علائم مشخص کند و نیز کلیه علائم مربوط به مقررات رانندگی و محلهای توقف مجاز و سایر علائم لازم را که برای پیشگیری از خطرات احتمالی تصادف لازم است در طول راه برای اطلاع رانندگان نصب کند. ماده ۴ - ورود و عبور عابرین پیاده و انواع وسایط نقلیه غیر مجاز و عبور دادن دام در شاهراه ها و همچنین توقف وسایط نقلیه در خطوط عبور ممنوع است هر گاه به جهات مذکور حادثه‌ای واقع شود که منجر به ضرب یا جرح یا قتل یا خسارت مالی شود، راننده مجاز که وسیله نقلیه او مجاز به حرکت در شاهراه باشد نسبت به موارد فوق مسئولیتی نخواهد داشت ولی در هر حال مکلف است در صورت بروز حادثه وسیله نقلیه را در شانه سمت راست متوقف نموده و مصدوم را با وسیله نقلیه خود یا وسیله دیگر بلافاصله به اولین درمانگاه یا بیمارستان برساند و مراتب را به مأمورین انتظامی اطلاع دهد. عدم مسئولیت راننده مذکور مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود. تبصره ۱ - وزارت راه مکلف است محل‌های توقف ضروری مجاز وسایط نقلیه در طول شاهراهها را ایجاد کند. تبصره ۲ - وسایل نقلیه غیرمجازی که به طور موقت و به سبب ضرورت و مأموریت‌های ضروری می‌بایست در بزرگراه تردد نمایند. فقط با اجازه وزیر راه و ترابری و یا معاونین راهداری و حمل و نقل وی و یا بالا-ترین مقام اجرایی ادارات کل راه و ترابری استانها در حوزه استحفاظی خود و با نصب تابلو (عبور آزاد بزرگراه) در پشت وسیله نقلیه که به وسیله پلیس راه به راننده تحویل و اخذ خواهد شد، می‌توانند وارد بزرگراه شوند تابلو فوق الذکر به تعداد لازم توسط وزارت راه و ترابری تهیه و تحویل پلیس راه می‌گردد. تعیین حداقل و حداکثر سرعت اینگونه وسایل طبق آیین نامه‌ای خواهد بود که به تصویب وزارت راه و ترابری می‌رسد. تبصره ۳ - مأمورین سازمانهای دولتی و انتظامی و یا افرادی که به سبب ضرورت جهت انجام مأموریت و ارایه خدمات در سطح یا حاشیه بزرگراهها به صورت پیاده تردد یا توقف می‌نمایند با رعایت ضوابط ایمنی در صورت بروز حادثه از شمول حکم ماده ۴ مستثنی می‌باشند و مسوولیت راننده مقصر وسیله نقلیه مجاز که منجر به تصادف شده است به قوت خود باقی است تبصره ۴ - وسایل نقلیه غیرمجاز به عبور از آزادراهها که طبق این ماده واحده مجوز عبور می‌گیرند، موظف هستند از خطوط مجاز در آزادراه ها عبور و مرور نمایند. ماده ۵ - دولت می‌تواند با تصویب کمیسیونهای راه و دارایی مجلسین برای شاهراه ها عوارض مناسبی تعیین و وصول کند. ماده ۶ - اقدام به هرگونه عملیاتی که موجب خرابی جاده گردد همچنین ایجاد هرگونه مستحذات یا درختکاری یا زراعت یا اقدام به حفاری در حریم قانونی شاهراهها و راههای اصلی و فرعی و راه آهن که میزان هر یک به طریق و وسایل متناسب مشخص و از طرف وزارت راه آگهی می‌شود بدون اجازه وزارت راه ممنوع است تبصره ۱ - وزارت راه مکلف است با حضور نماینده دادسرا و در نقاطی که دادسرا نباشد با حضور نماینده دادگاه بخش این قبیل مستحذات یا درختکاری و یا زراعت و حفاریات را ضمن تنظیم صورت مجلس رأساً

قلع و آثار تجاوز را محو کند. تبصره ۲- اشخاص ذینفع می‌توانند به مراجع دادگستری مراجعه کنند. دادگاه خارج از نوبت به این گونه پرونده‌ها رسیدگی نموده و حکم لازم را صادر می‌کند. ماده ۷- هرگاه در طول خطوط راه آهن از طرف وسایل نقلیه راه آهن بر اثر رانندگی وسایل مزبور قتل یا جرح یا ضرب واقع شود باید وسیله نقلیه متوقف گردد و ضمن مبادرت به کمکهای نخستین در مورد مجروحین و مصدومین صورت مجلس در محل حادثه به وسیله مأمورین انتظامی راه آهن و مأمورین مربوط راه آهن تنظیم و پس از تحقیقات اولیه از راننده و مطلعین در صورتی که به سبب حادثه جسد یا اجسام دیگری روی خط راه آهن قرار گرفته و مانع عبور قطار و وسایل نقلیه راه آهن باشد مأمورین پلیس انتظامی راه آهن آن را به مجازات محل به خارج خط در نقطه مناسبی انتقال داده بلافاصله قطار و وسیله نقلیه را حرکت دهند. مأمورین پلیس انتظامی راه آهن موظفند آثار و علائم موجود را در محل حادثه حفظ کرده و مراتب را در صورت وقوع قتل فوراً به مقامات قضایی برای حضور و انجام تشریفات قانونی گزارش دهند. ماده ۸- راه آهن دولتی ایران مکلف است در طول راه آهن معابر و گذرگاه های مجاز برای افراد و وسایل نقلیه را با نصب علامات مشخص کند. ماده ۹- عبور از روی خطوط راه آهن، ورود در محوطه ایستگاهها و کارخانه‌ها و تاسیسات فنی راه آهن به استثنای سکوهای مسافری و امکان و گذرگاهها و معابر مجاز واقع در ایستگاهها و در طول خطوط ممنوع است جز برای آن عده از مأمورین راه آهن که بر حسب وظیفه مجاز به ورود و عبور می‌باشند و در صورت تخلف و بروز حادثه راه آهن دولتی ایران مسئول نخواهد بود. ماده ۱۰- عبور هرگونه وسیله نقلیه اعم از موتوری و غیرموتوری از یک طرف خط آهن به طرف دیگر در غیر محل های مجاز ممنوع است و متخلف از این امر مسئول هرگونه پیش آمد و خسارت وارده می‌باشد. تبصره ۱- تخلف از مقررات این ماده مستوجب پانصد ریال جزای نقدی است ترتیب رسیدگی به تخلف مزبور به نحوی است که در قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب سال ۱۳۵۰ مقرر گردیده و تا تشکیل گارد ترابری موضوع ماده ۱۶ قانون تغییر نام وزارت راه و ترابری افسران یا درجه داران دیپلمه پلیس انتظامی راه آهن و در نقاطی که پلیس انتظامی راه آهن نباشد افسران یا درجه داران دیپلمه پلیس راه ژاندارمری کشور وظایف مذکور در آن قانون را انجام خواهند داد و پس از تشکیل گارد ترابری حق رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم با افراد دیپلمه گارد مذکور خواهد بود. تبصره ۲- هرگاه عبور وسایط نقلیه موجب خرابی یا انحراف قسمتی از ریل و همچنین خاکریز و سایر تاسیسات مربوط به راه آهن گردد، راننده وسیله نقلیه به پرداخت جزای نقدی از ۱۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال و جبران خسارات وارده محکوم می‌شود. تبصره ۳- وجوه حاصل از اجرای تبصره یک به حساب خزانه داری کل منظور خواهد گردید. ماده ۱۱- از تاریخ تصویب این قانون غرامت موضوع ماده ۱۳ قانون کیفر بزه های راه آهن مصوب فروردین ماه ۱۳۲۰ از پانصد ریال تا پنج هزار ریال خواهد بود و تجاوز به محدوده ایستگاه ها در حکم تجاوز به حریم خط آهن می‌باشد. تبصره - حدود ایستگاه راه آهن عبارتست از محوطه‌ای که مورد نیاز راه آهن بوده و بر اساس نقشه های مصوب راه آهن قانوناً به تصرف و تملک راه آهن درآمده باشد و به وسیله علائم مخصوص از طرف راه آهن مشخص می‌شود. ماده ۱۲- تبصره ذیل به ماده ۲۱ قانون بزه های راه آهن اضافه می‌شود: تبصره - تعقیب متهم در دادگستری موقوف به شکایت راه آهن خواهد بود. ماده ۱۳- هرگاه بر اثر عبور انسان یا دام یا وسیله نقلیه‌ای که حرکت آن بستگی به راه آهن ندارد و برخورد آن با وسایل نقلیه مجاز راه آهن در روی خط آهن حادثه ای منجر به قتل یا جرح ضرب یا خسارت مالی شود راننده مجاز که بر حسب وظیفه رانندگی وسایل نقلیه راه آهن را روی خط آهن به عهده دارد در صورتی که نظامات و مقررات مربوط را رعایت نموده باشد مسؤلیتی نخواهد داشت عدم مسؤلیت راننده مذکور مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود. ماده ۱۴- وزارت راه مکلف است هنگام ایجاد راههای جدید و راه آهن گذرگاه های ضروری و مجاری لازم را در نظر گرفته موجبات ارتباط طرفین راه احدائی را به نحو مقتضی فراهم کند و در مورد شاهراه ها وسیله ارتباط تلفنی در طول راه به مسافتهای معین ایجاد نماید. ماده ۱۵- خارج از محدوده شهرها در مناطقی که هیأت وزیران تصویب و وزارت راه اعلام می‌نماید احداث دیوار به ارتفاع بیش از یک متر در اراضی و مستحدثاتی

که تا فاصله هفتاد متر از انتهای حریم راه آهن و شاهراهها و راههای اصلی واقع شده ممنوع است مگر برای اراضی واقع در مسیر طوفان شن که به منظور جلوگیری از ورود توده های شنی مالکین حسب مورد با اخذ پروانه از ادارات راه یا راه آهن می توانند به احداث آن اقدام نمایند. با متخلفین حسب مقررات تبصره های یک و دو ماده ۶ این قانون رفتار خواهد شد. تبصره - نرده کشی و سیم کشی به هر ارتفاع و احداث هر نوع ساختمان و ترمیم دیوارهای موجود در اراضی مستحذات فوق الذکر بلامانع است

تصویب نامه راجع به اصلاح ماده ۴ اساسنامه شرکت سهامی خاص پایانه های عمومی وسایل نقلیه باربری

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۸/۹/۱۳۶۹ با توجه به نظریه شورای نگهبان (موضوع نامه های شماره ۵/۸۸۴ مورخ ۱۲/۷/۱۳۶۹ و شماره ۱۰۱۰ مورخ ۱۴/۸/۱۳۶۹ آن شورای و به استناد تبصره (۳) ماده واحده قانون تاسیس شرکت سهامی خاص پایانه های عمومی وسایل نقلیه باربری مصوب ۱۳۶۸ تصویب نمود: ماده (۴) اساسنامه شرکت سهامی خاص پایانه های عمومی وسایل نقلیه باربری به شرح زیر اصلاح و تبصره ذیل آن حذف می گردد: ماده ۴ - مرکز شرکت تهران است و شرکت می تواند با تصویب مجمع عمومی برای انجام موضوع فعالیت خود در استانهایی که تاسیس و بهره برداری از پایانه به تأیید وزارت راه و ترابری رسیده باشد نسبت به ایجاد دفتر و یا نمایندگی اقدام نماید. این تصویب نامه به موجب نامه شماره ۱۲۳۴ مورخ ۲۴/۹/۱۳۶۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است

قانون الحاق ایران به کنوانسیون عبور و مرور در جاده ها و کنوانسیون مربوط به علائم راهها - مصوب ۲۶/۱۱

ماده واحده - کنوانسیون عبور و مرور در جاده ها مورخ ۸ نوامبر ۱۹۶۸ (۱۷ آبان ۱۳۴۷) مشتمل بر یک مقدمه و پنجاه و شش ماده و هفت ضمیمه و کنوانسیون مربوط به علائم راهها مورخ ۸ نوامبر ۱۹۶۸ (۱۷ آبان ۱۳۴۷) مشتمل بر یک مقدمه و چهل و هشت ماده و نه ضمیمه تصویب و اجازه تسلیم اسناد الحاق آن داده می شود.

کنوانسیون راجع به ترافیک راهها - مصوب ۸ نوامبر ۱۹۶۸ مطابق با ۱۷/۸/۱۳۴۷ شمسی

فصل اول - مقررات عمومی (ماده ۱ تا ۴)

کنوانسیون راجع به ترافیک راهها - مصوب ۸ نوامبر ۱۹۶۸ مطابق با ۱۷/۸/۱۳۴۷ شمسی کشورهای عضو کنوانسیون به منظور ایجاد تسهیلات در ترافیک بین المللی و افزایش ایمنی راهها مقررات واحدی به شرح زیر قبول نموده اند: فصل اول - مقررات عمومی ماده اول - تعاریف از لحاظ این کنوانسیون اصطلاحات زیر دارای معانی خاصی هستند که در مقابل هر یک تعریف شده است الف - (قوانین داخلی) هر طرف متعاهد عبارتست از کلیه قوانین و مقررات ملی و محلی قابل اجرا در قلمرو طرف متعاهد مذکور. ب - هنگامی یک وسیله نقلیه در قلمرو یک دولت در ترافیک بین المللی قرار دارد که دارای شرایط زیر باشد: ۱ - متعلق به یک شخص حقیقی و یا حقوقی بوده که در خارج از سرزمین آن دولت اقامت داشته باشد. ۲ - در سرزمین آن دولت ثبت نرسیده باشد. ۳ - به صورت واردات موقت داخل سرزمین آن دولت شده باشد. به هر حال یک دولت عضو می تواند وسیله نقلیه ای که بیش از یک سال بدون انقطاع قابل توجه در سرزمینش باقی مانده باشد (در ترافیک بین المللی) نداند مدت انقطاع توسط دولت مورد بحث تعیین خواهد شد. وسایل نقلیه مرکب هنگامی (در ترافیک بین المللی) خواهد بود که حداقل یکی از وسایل متشکله آن واجد شرایط بالا باشد. پ - (منطقه مسکونی) عبارت از منطقه ایست که دارای تابلوهای ورود و خروج بوده و یا در غیر این صورت طبق

قوانین محلی تعریف شده‌اند. ت - (راه) عبارتست از تمامی سطح خیابان - جاده - کوچه و کلیه معابری که برای عبور و مرور عموم باز است ث - (سواره‌رو) عبارت از قسمتی از راه است که معمولاً برای ترافیک وسایط نقلیه مورد استفاده قرار می‌گیرد. یک راه ممکن است شامل چندین سواره‌رو باشد که به وسیله باند جداکننده و یا اختلاف سطح کاملاً از هم مجزا باشند. ج - در (سواره‌رو) که یک یا چند گذرگاه برای استفاده وسائط نقلیه معینی تعبیه شده (حاشیه‌سواره‌رو) برای سایر استفاده کنندگان از راه عبارت از باقیمانده اضافی سواره‌رو. چ - (گذرگاه) عبارت است از تقسیمات طولی که سواره‌رو بدان تقسیم گردیده و عرض آن برای عبور یک ردیف وسایط نقلیه موتوری غیر از موتور سیکلت کافی باشد اعم از اینکه به وسیله خط کشی طولی راه مشخص شده یا نشده باشد. ح - (تقاطع) عبارت است از چهار راه و انشعاب راههای هم سطح مشتمل بر فضای بازی که از تشکیل این چهار راه یا انشعاب راهها به وجود آمده خ - (تقاطع هم سطح) عبارت است برخورد بین یک راه و یک راه آهن یا خط تراموای د - (شاهراه) عبارت از راهی است که اختصاصاً برای ترافیک وسایط نقلیه موتوری ساخته شده و به املاک مجاور خود راه پیدا نمی‌کند و دارای خصوصیات زیر است ۱ - جز در مناطق خاص و یا موارد موقتی دارای قسمتهای (سواره‌رو) دو طرفه باشد که توسط باند مجزاکننده و یا استثناً با وسایل دیگری از یکدیگر جدا شده‌اند. ۲ - با هیچ راه یا راه آهن و یا خط تراموای و یا راه پیاده‌رو در یک سطح تقاطع نکند. ۳ - مخصوصاً به عنوان شاهراه علامت گذاری شده باشد. ذ - ایستادن و توقف وسیله نقلیه ۱ - (ایستادن) عبارتست از توقف وسیله نقلیه به مدت کوتاه برای پیاده و سوار کردن مسافر یا بارگیری و تخلیه بار. ۲ - (توقف) عبارتست از ایستادن وسیله نقلیه به مدت نسبتاً طولانی یا به جز در مواردی که به منظور اجتناب از تصادم یا برخورد با مانع با رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی که مدت ایستادن از نظر پیاده یا سوار کردن مسافر و یا بار محدود نباشد. معذالک طرف‌های متعاقد مجازند وسیله نقلیه‌ای را که مشمول بند ۲ فوق‌الذکر می‌باشد از نظر مدت ایستادن یا توقف بر طبق قوانین داخلی تعیین و رفتار نمایند. ر - (دوچرخه) عبارت از وسیله نقلیه‌ایست که لااقل دارای دو چرخ بوده و منحصر با نیروی عضلانی شخصی که سوار آنست مخصوصاً توسط پدال و یا اهرم‌های دستی حرکت نماید. ز - (دوچرخه گازی) عبارتست از وسیله نقلیه‌ای که دارای دو یا سه چرخ بوده و مجهز به یک موتور احتراق داخلی باشد با سیلندری به ظرفیت کمتر از ۵۰ سانتیمتر مکعب و حداکثر سرعت از ۵۰ کیلومتر در ساعت تجاوز ننماید. به هر حال طرفهای متعاقد می‌توانند طبق قوانین داخلی خود وسایط نقلیه‌ای را که دارای خصوصیات دوچرخه نبوده (از نظر طرز استفاده مخصوصاً فاقد کیفیت راندن توسط پدال باشد و یا حداکثر سرعت و وزن و یا بعضی از خصوصیات موتور آنها از حدود معینی تجاوز نماید) دوچرخه گازی) تلقی نمایند. این توضیحات مانع از آن نمی‌شود که طرفهای متعاقد در اجرای مقررات دوچرخه گازی را از نظر عبور و مرور عیناً مانند دوچرخه تلقی نمایند. ژ - (موتور سیکلت) عبارت است از وسیله نقلیه‌ای که دارای دو چرخ یا بدون ساید کار (اطاقک پهلو) و مجهز به یک موتور محرکه باشد. طرفهای متعاقد می‌توانند سه چرخه‌هایی را که وزن خالی آن از ۴۰۰ کیلوگرم تجاوز ننماید در قوانین داخلی خود مانند موتور سیکلت تلقی کنند کلمه (موتور سیکلت) شامل (دوچرخه گازی) نخواهد بود. س - (وسیله نقلیه خودرو) عبارتست از هرگونه وسیله نقلیه موتوری قابل حرکت در معابر به استثنای دوچرخه گازی که در سرزمین طرفهای متعاقد به عنوان موتور سیکلت تلقی نمی‌شود و همچنین وسایل نقلیه‌ای که بر روی ریل حرکت می‌کنند. ش - (وسیله نقلیه موتوری) عبارتست از هرگونه وسیله خودرو که معمولاً برای حمل مسافریا بار و یا کشیدن وسایل نقلیه دیگری که مسافر و بار حمل می‌کنند در راه مورد استفاده قرار گیرد. این مورد شامل اتوبوس‌های برقی نیز بوده ولی شامل وسایط نقلیه‌ای که بر روی ریل حرکت می‌نمایند و تراکتورهای کشاورزی که به طور اتفاقی برای حمل مسافر و بار در راه و یا کشیدن وسیله نقلیه دیگری که مسافر و بار حمل می‌کنند نخواهد بود. ص - (یدک) عبارت از وسیله نقلیه‌ایست که توسط یک وسیله نقلیه خودرو کشیده می‌شود و شامل شبه یدک نیز خواهد بود. ض - (شبه یدک) عبارت از یدکی است که به یک وسیله نقلیه دیگر به طوری متصل می‌گردد که قسمتی از وزن بار آن توسط نقلیه موتوری حمل می‌شود. ط - (یدک سبک) عبارت از

یدکی ازست که حداکثر وزن مجاز آن از ۷۵۰ کیلوگرم تجاوز نمایند. ظ - (وسیله نقلیه مرکب) عبارتست از چند وسیله نقلیه متصل به هم که به عنوان یک واحد در راه حرکت می‌کند. ع - (وسیله نقلیه مفصلی) عبارت از وسیله نقلیه ایست که شامل یک وسیله نقلیه موتوری و یک شبه یدک متصل به آن باشد. غ - (راننده) کسی است که وسیله نقلیه موتوری یا سایر وسایط نقلیه (مشمتمل بر دوچرخه را می‌راند و یا گاو را به صورت واحد یا گله گوسفند و یا حیوانات بارکش یا زین شده را در جاده هدایت می‌کند. ف - (حداکثر وزن مجاز) عبارت است از مجموع وزن وسیله نقلیه و حداکثر بار مجاز آن که از طرف مقام صلاحیتدار کشوری که وسیله نقلیه در آن شماره گذاری شده اعلام گردیده باشد. ق - (وزن بدون بار) عبارتست از وزن وسیله نقلیه بدون راننده و مسافر و بار ولی با مخزن پراز سوخت و همچنین با ابزار و آلاتی که معمولاً وسیله نقلیه همراه دارد. ک - (وزن بارگیری شده) عبارت از مجموع وزن واقعی وسیله نقلیه به اضافه وزن مسافری و کارکنان و محمولات آن گ - (سمت حرکت) عبارت است از سمت راست که طبق قوانین داخلی راننده وسیله نقلیه بایستی به وسیله نقلیه مقابل اجازه دهد از سمت چپ او عبور کند در غیر این صورت این عبارات به معنی حرکت از سمت چپ خواهد بود. ل - (ضرورت رعایت حق تقدم عبور) به این معنی است که رانندگان ضمن هدایت وسیله نقلیه خود و یا شروع به حرکت بایستی طوری حرکت نمایند که موجب تغییر ناگهانی جهت یا سرعت سایر وسایط نقلیه نگردند. ماده دوم - ضمایم کنوانسیون عبارتند از: ضمیمه شماره ۱ - استثنایات وارده به قبول وسایط نقلیه و تریلرها در ترافیک بین المللی ضمیمه شماره ۲ - شماره ثبت وسایط نقلیه موتوری و تریلرها در ترافیک بین المللی ضمیمه شماره ۳ - علامت ممیزه وسایط نقلیه موتوری و تریلرها در ترافیک بین المللی ضمیمه شماره ۴ - علائم شناسایی وسایط نقلیه موتوری و تریلرها در ترافیک بین المللی ضمیمه شماره ۵ - شرایط فنی وسایط نقلیه موتوری و تریلرها. ضمیمه شماره ۶ - گواهینامه رانندگی داخلی ضمیمه شماره ۷ - گواهینامه رانندگی بین المللی ضمایم فوق الذکر جز لایتجزای این کنوانسیون به شمار می‌روند. ماده سوم - تعهدات طرفهای متعاقد ۱ - الف - طرفهای متعاقد بایستی مقررات عبور و مرور لازم الاجرا در قلمرو خود را با مقررات فصل ۲ این کنوانسیون تطبیق دهند. اگر قوانین مذکور با مقررات فصل ۲ به هیچوجه مغایرت نداشته باشد نکات زیر بلامانع است ۱ - ذکر آن قسمت از مقررات این کنوانسیون که در طرف متعاقد قابل اجرا نخواهد بود در مقررات داخلی ضرورتی ندارد. ۲ - مقررات داخلی ممکن است شامل موادی باشند که در فصل ۲ این کنوانسیون پیش بینی نشده باشد. ب - مقررات این بند طرفهای متعاقد را ملزم به تعیین جریمه برای هر گونه تخلفی از مقررات مذکور در فصل ۲ که در مقررات عبور و مرور داخلی ذکر شده نمی‌نماید. ۲ - الف - طرفهای متعاقد بایستی در مورد نیازمندی های فنی وسایل نقلیه موتوری و یدک ها قوانین لازم الاجرا در کشور خود را با مفاد مقررات مزبور در ضمیمه شماره ۵ ذکر نشده اضافه نمود مشروط بر اینکه با وصول ایمنی مورد نظر ضمیمه مذکور مغایرتی نداشته باشد. همچنین طرفهای متعاقد بایستی اطمینان حاصل کنند که وسایل نقلیه موتوری و یدک هایی که در کشورشان به ثبت رسیده هنگامیکه در ترافیک بین المللی قرار دارند مقررات ضمیمه شماره ۵ را رعایت کرده باشند. ب - مفاد این بند با توجه به مقررات داخلی مربوط به شرایط فنی وسایل نقلیه خودرو که در این کنوانسیون وسایل نقلیه موتوری تفاوت دارد هیچ نوع تعهدی برای طرفهای متعاقد ایجاد نمی‌نماید. ۳ - طرفهای متعاقد با توجه به استثنایاتی که در ضمیمه شماره ۱ این کنوانسیون ذکر شده موظفند وسایل نقلیه موتوری و یدک‌هایی که واجد شرایط مذکور در فصل ۳ این کنوانسیون بوده و رانندگان شرایط فصل ۴ را رعایت کرده باشند در کشور خود (در ترافیک بین المللی) بپذیرند همچنین موظفند پروانه شناسایی خودرو را که بر طبق فصل ۳ صادر شده مقدماتاً به عنوان دلیلی که وسیله نقلیه شرایط فصل ۳ را رعایت کرده است قبول نمایند. ۴ - چنانچه طرفهای متعاقد به طور یک جانبه یا بر اساس توافق دو یا چند جانبه وسایل نقلیه موتوری و یدک‌هایی که شرایط فصل ۳ این مقاله نامه را رعایت نکرده‌اند در کشور خود (در ترافیک بین المللی) بپذیرند و همچنین گواهینامه رانندگی صادره از سایر کشورها را در غیر از مواردی که در فصل ۴ توضیح داده شده در کشور خود معتبر بدانند اقدامات معموله آنها منطبق با مفاد

این کنوانسیون تلقی خواهد شد. ۵- طرفهای متعاقد موظفند دوچرخه و دوچرخه های گازی که شرایط فنی مذکور در فصل ۴ این کنوانسیون را رعایت کرده و معمولاً محل اقامت رانندگان آنها در کشور دیگر عضو کنوانسیون بوده در ترافیک بین المللی در کشور خود بپذیرند. هیچ طرف متعاقد نباید برای رانندگان دوچرخه یا دوچرخه گازی در ترافیک بین المللی گواهینامه رانندگی را الزامی بداند ولی کشورهایایی که بر طبق بند ۲ ماده ۵۴ این کنوانسیون دوچرخه گازی را در عداد موتور سیکلت اعلام داشته‌اند می‌توانند برای رانندگان دوچرخه گازی در ترافیک بین المللی گواهینامه رانندگی را لازم بدانند. ۶- طرفهای متعاقد ملزم می‌باشند اطلاعات لازم در مورد اعلام هویت شخصی که یک وسیله نقلیه موتوری و یا یدک متصل به آن به نام او شماره گذاری شده در اختیار دولت عضوی که تقاضا نموده باشند بگذارند مشروط بر اینکه این تقاضا حاکی از وقوع سانحه‌ای برای وسیله نقلیه مورد نظر در کشور متقاضی باشد. ۷- اقدامات یک جانبه طرفهای متعاقد یا اقدامات آنها بر اساس توافق دو جانبه مبنی بر ایجاد تسهیلاتی در ترافیک بین المللی از طریق ساده کردن امور گمرکی و پلیس و بهداشت و سایر تشریفات مشابه و یا تعیین اینکه ادارات گمرکی و پستهای یک منطقه معین مرزی همان صلاحیت گمرکات دیگر را داشته و در همان ساعات برای انجام امور مفتوح می‌باشند با هدف این کنوانسیون مطابقت دارد. ۸- حقوق طرفهای متعاقد در مورد دادن اجازه ورود به وسایط نقلیه موتوری و یدک و دوچرخه گازی و دوچرخه و رانندگان و سایر سرنشینان وسایل مذکور در ترافیک بین المللی بر طبق مقررات حمل و نقل تجارتنی مسافر و بار و مقررات بیمه رانندگان در مقابل خطرات شخص ثالث و مقررات گمرکی و به طور کلی سایر مقررات کشور غیر از مقررات عبور و مرور محفوظ بوده و مفاد بندهای ۳ و ۵ و ۷ این ماده هیچگونه اثری در آن حقوق ندارد. ماده چهارم - علایم راهها طرفهای متعاقد این کنوانسیون که عضویت کنوانسیون علایم راهها را که در وین با کنوانسیون حاضر در یک روز برای امضا آماده بوده قبول نموده‌اند ملزم می‌باشند که الف - کلیه علایم و چراغهای راهنمایی راه که در قلمرو کشورشان نصب گردیده از یک سیستم یکنواخت تشکیل گردد. ب - تعداد علایم ممنوع بایستی محدود بوده و در محلی نصب گردد که مفید باشد. ج - علایم خطر بایستی در فواصل کافی از موانع و به نحوی نصب گردند تا رانندگان فرصت کافی برای اجتناب از خطر داشته باشند. د - مراتب زیر ممنوع می‌باشد. ۱ - نصب و الحاق هرگونه علامت غیر از علامت راهنمایی به کلیه وسایل هدایت و کنترل عبور و مرور - معذالک چنانچه طرفهای متعاقد یا واحدهای تابعه آن نصب تابلوی اطلاعاتی مخصوصی را از طرف یک سازمان غیرانتظامی مجاز بدانند می‌توانند اجازه دهند که علامت مختصه سازمان مذکور روی پایه آن نصب شود مشروط بر آنکه این عمل درک مفهوم آن علامت را مشکل نسازد. ۲ - نصب هرگونه تابلو - آگهی - علامت که با کلمه وسایل هدایت و کنترل عبور و مرور موجب اشتباه یا تقلیل رویت آنها شده و یا سبب گمراهی رانندگان شود و ایمنی عبور و مرور را مختل سازد.

فصل دوم - مقررات راه (ماده ۵ تا ۳۴)

ماده پنجم - وضع علایم ۱ - استفاده کنندگان از راه بایستی فرامین علایم و چراغهای راهنمایی و خط کشی راه را حتی اگر فرامین مذکور با سایر مقررات عبور و مرور مغایر باشد اجرا نمایند. ۲ - رعایت فرامین که توسط چراغهای راهنمایی داده می‌شود بایستی بر علایم حق تقدم عبور مقدم باشد. ماده ششم - فرامین صادره توسط مأمورین صلاحیتدار ۱ - مأمورین صلاحیتدار هنگام هدایت ترافیک در شب نیز مانند روز بایستی از فاصله دورقابل رویت باشند. ۲ - استفاده کنندگان از راه بایستی فرامین مأمورین صلاحیتداری را که عهده‌دار هدایت ترافیک می‌باشند دقیقاً اطاعت نمایند. ۳ - توصیه می‌شود در مقررات داخلی ذکر گردد که فرامین صادره توسط مأمورین صلاحیتداری که عهده‌دار هدایت ترافیک می‌باشند بایستی شامل نکات زیر باشد: الف - بلند کردن دست به طور عمودی مفهوم این حرکت برای کلیه استفاده کنندگان از راه به معنای (توجه توقف) خواهد بود ولی رانندگانی که

توقفشان ایمنی کافی ندارد مستثنی هستند بدیهی است این علامت رانندگانی را که قبلاً داخل محوطه تقاطع شده‌اند ملزم به توقف نمی‌سازد. ب - بلند کردن دست یا دستها به طرفین و به طور افقی مفهوم این حرکت برای کلیه استفاده کنندگان از راه که جهت حرکت آنها در امتداد جهت نشان داده شده توسط دست یادستهای مأمور صلاحیتدار نباشد به معنای ایست خواهد بود. مأمور صلاحیتداری که عهده دار هدایت ترافیک می‌باشد ممکن است پس از دادن این علامت دست یا دستهای خود را پایین بیاورد این حرکت نیز برای رانندگانی که در سمت جلو یا عقب مأمور قرار دارند به منزله علامت ایست می‌باشد. ج - حرکت دادن چراغ قرمز دستی این حرکت به طرف هر راننده‌ای که نشان داده شود به منزله علامت ایست می‌باشد. ۴ - فرامین صادره توسط مأمورین صلاحیتدار هدایت کننده ترافیک بر فرامین علایم و چراغهای راهنمایی و خط‌کشی های راه و مقررات عبور و مرور مقدم می‌باشد.

ماده هفتم - مقررات عمومی ۱- استفاده کنندگان از راه بایستی از هرگونه اعمالی که احتمالاً موجب ایجاد خطر برای ترافیک یا اشخاص بشود و یا خساراتی به اموال خصوصی و دولتی وارد آورند خودداری نمایند. ۲ - توصیه می‌شود در مقررات داخلی ذکر گردد که استفاده کنندگان از راه بایستی با انداختن و یا قرار دادن شیئی و یا ماده‌ای در راه و یا با ایجاد هرگونه مانع ترافیک راه را دچار مخاطره سازند. چنانچه استفاده کنندگان از راه قادر نباشند که از ایجاد مانع یا خطر جلوگیری نمایند بایستی هرچه زودتر در برطرف کردن آن اقدام لازم معمول دارند و اگر فوراً نتوانند مانع یا خطر را برطرف نمایند بایستی سایر استفاده کنندگان از راه را از وجود مانع مطلع سازند. ماده هشتم - رانندگان ۱ - هر وسیله نقلیه مرکب بایستی در حرکت یک راننده داشته باشد. ۲ - توصیه می‌شود در مقررات داخلی ذکر گردد که کلیه حیوانات اهلی که به صورت گروه و یا انفرادی زین دار یا بارکش در حرکت هستند (به استثنای مناطق خاصی که در محل ورود آن علامت گذاری شده بایستی دارای نگهبان باشند. ۳ - هر راننده بایستی دارای توانایی جسمانی و عقلانی لازم بوده و در شرایط عقلانی و جسمانی مناسب رانندگی نماید. ۴ - هر راننده وسیله نقلیه خودرو بایستی برای رانندگی دارای اطلاعات و مهارت لازم باشد به هر حال این مطلب بایستی مانع تمرین رانندگی نوآموزان بر طبق مقررات داخلی باشد. ۵ - هر راننده‌ای بایستی همیشه قادر به کنترل وسیله نقلیه و یا هدایت حیوانات خود باشد. ماده نهم - گله و رمه توصیه می‌شود در مقررات داخلی ذکر گردد که به استثنای مناطقی که برای سهولت امر حرکت دسته جمعی حیوانات اجازه داده شده گله گاو و رمه گوسفندان بایستی به گروههایی باطول معتدل تقسیم و با فاصله کافی به نحوی که برای ترافیک ایجاد اختلال ننماید حرکت داده شوند. ماده دهم - موقعیت در قسمت سواره‌رو و راه ۱ - جهت ترافیک در کلیه راههای یک کشور بایستی یکنواخت باشد مگر در صورت لزوم در راههایی که منحصر یا اساساً برای ترافیک بین دو کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. ۲ - حیواناتی که در امتداد قسمت سواره‌رو در حرکت هستند بایستی حتی الامکان در حاشیه قسمت سواره‌رو در جهت ترافیک حرکت داده شوند. ۳ - هر راننده بایستی مقررات بند ۱ ماده ۷ و بند ۶ ماده ۱۱ و سایر مقررات این کنوانسیون رارعايت نموده و تا آنجا که مقتضیات اجازه دهد وسیله نقلیه خود را نزدیک به حاشیه سواره‌رو راه و در جهت ترافیک براند معذالک طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آنها ممکن است مقررات شدیدتری درباره وسایل نقلیه بارکشی در سواره‌رو راه وضع نمایند. ۴ - چنانچه راه اداری دو یا سه قسمت سواره‌رو باشد هیچ راننده‌ای نباید در قسمتی که در سمت مخالف جهت ترافیک واقع شده وارد شود. ۵ - الف - در قسمت سواره‌رو در دو طرفه که دارای ۴ گذرگاه یا بیشتر باشد هیچ راننده‌ای نباید در گذرگاههایی که کاملاً در نیمه قسمت سواره‌رو جهت مخالف ترافیک واقع شده داخل شود. ب - در قسمت سواره‌رو دو طرفه که دارای ۳ گذرگاه باشد هیچ راننده‌ای نباید در گذرگاهی که در حاشیه قسمت سواره‌رو جهت مخالف ترافیک واقع شده داخل شود. ماده یازدهم - سبقت و حرکت وسایل نقلیه در خطوط راه ۱ - الف - رانندگان بایستی از سمتی که مخالف جهت ترافیک است از وسیله نقلیه جلویی سبقت بگیرند. ب - معذالک اینگونه رانندگان چنانچه مشاهده نمایند راننده جلویی با دادن علامت مصمم است به قسمت سواره‌رو مخالف جهت ترافیک حرکت نماید و یا وسیله نقلیه و یا حیوانات خود را به آن طرف حرکت دهد و یا در آن قسمت توقف نماید بایستی در جهت ترافیک از سمت

راست وسیله نقلیه جلویی سبقت بگیرد. ۲- هر راننده بایستی قبل از سبقت با رعایت بند ۱ ماده ۷ و مقررات ماده ۱۴ این کنوانسیون مطمئن باشد که الف - هیچ یک از رانندگانی که در پشت سر او هستند در حال سبقت گرفتن از او نباشند. ب - راننده جلویی در همان گذرگاه برای سبقت گرفتن از وسیله نقلیه جلویی علامت نداده باشد. باشد. ج - گذرگاهی که راننده می‌خواهد برای سبقت گرفتن داخل آن شود تا فاصله دوری از طرف مقابل خالی از هرگونه وسایل نقلیه بوده و تفاوت سرعت بین وسیله نقلیه او و وسیله نقلیه جلویی برای سبقت کافی باشد تا به این ترتیب موجب به خطر انداختن خود و ترافیک سمت مقابل نشده باشد. د - به استثنای وقتی که راننده می‌تواند از سمتی که برای ترافیک سمت مقابل بسته است بدون ایجاد مزاحمت برای سایر استفاده کنندگان از راه با توجه به بند ۳ ماده ۱۰ این مقاوله نامه استفاده نماید. ۳- پیرو بند ۳ همین ماده سبقت در قسمت‌های سواره‌رو دو طرفه بخصوص هنگام نزدیک شدن به بالای تپه و در پیچ‌هایی که دید مناسب وجود ندارد ممنوع است مگر اینکه در آن نقاط گذرگاهها با خط کشی طولی متمایز شده باشد و سبقت بایستی به نحوی انجام گیرد که از گذرگاهی که برای ترافیک طرف مقابل بسته است تجاوز ننماید. ۴- هنگام سبقت گرفتن راننده بایستی از وسیله یا وسایل نقلیه‌ای که سبقت می‌گیرد فاصله کافی داشته باشد. ۵- الف - در قسمت‌های سواره رویی که حداقل دو گذرگاه در یک جهت داشته باشد چنانچه راننده‌ای بلافاصله یا در فاصله کوتاهی پس از برگشت به موقعیت مذکور در بند ۳ ماده ۱۰ این کنوانسیون مجبور باشد مجدداً سبقت گیرد می‌تواند به منظور اقدام به سبقت مجدد در گذرگاهی که قبلاً اشغال کرده باقی مانده و به موقعیت مذکور در بند ۳ ماده ۱۰ برگشت نماید مشروط براینکه برای وسایل نقلیه سریعتری که از عقب به او نزدیک می‌شوند ایجاد مزاحمت ننماید. ب - معذالک طرفهای متعاقد یا واحدهای تابعه آن مجازند که مقررات این بند را در مورد رانندگان دوچرخه و چرخ موتوری و موتور سیکلت و وسایل نقلیه‌ای که به موجب این کنوانسیون جز وسایل نقلیه موتوری نبوده و یا وسایل نقلیه‌ای که حداکثر وزن مجاز آن از ۳۵۰۰ کیلوگرم تجاوز ننماید و یا حداکثر سرعت تعیین شده آن از ۴۰ کیلومتر در ساعت متجاوز نباشد به کار نبرند. ۶- هنگامی که مقررات بند ۵ الف این ماده قابل اجرا بوده و تراکم ترافیک به نحوی است که نه تنها وسایل نقلیه عرض کامل قسمت سواره رو را در جهتی که در حرکتند اشغال کرده‌اند بلکه سرعت آنها نیز تابع سرعت وسایل نقلیه جلویی می‌باشد نکات زیر قابل توجه است الف - با رعایت مقررات بند ۹ این ماده حرکت وسایل نقلیه در یک گذرگاه با سرعت بیشتری از وسایل نقلیه گذرگاه دیگر طبق مفهوم این ماده سبقت تلقی نمی‌شود. ب - راننده‌ای که در گذرگاه مجاور حاشیه قسمت سواره رو نباشد می‌تواند فقط به منظور گردش به چپ یا راست و یا پارک کردن گذرگاه خود را تغییر دهد. معذالک این ضرورت در مورد گذرگاهی که بر طبق مقررات داخلی بر اساس بند ۵ ب این ماده انجام می‌شود نبایستی به کار رود. ۷- هنگام حرکت در گذرگاههای مشروحه در بند ۶ و ۵ این ماده چنانچه گذرگاههای قسمت سواره رو با خط کشی طولی مشخص شده باشد رانندگان مجاز نمی‌باشند از خط کشی تجاوز نمایند. ۸- با توجه به مقررات بند ۲ این ماده و سایر ممنوعیت‌هایی که طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آن ممکن است در مورد سبقت در تقاطع‌ها و تقاطع‌های هم سطح وضع کرده باشند هیچ راننده وسیله نقلیه‌ای نبایستی در شرایط زیر از وسیله نقلیه دیگر غیر از دوچرخه و چرخ موتوری و موتور سیکلت بدون اطاقک پهلو سبقت بگیرد: الف - بلافاصله قبل یا در داخل یک تقاطع مگر در میدان و به استثنای موارد زیر: ۱- موردی که در بند ۱ ب این ماده ذکر شده ۲- راهی که در آن سبقت انجام می‌گیرد در تقاطع دارای حق تقدم باشد. ۳- وقتی که ترافیک در تقاطع به وسیله مأمور و یا چراغ راهنمایی هدایت می‌شود. ب - بلافاصله قبل از یک تقاطع هم سطح بدون راه‌بند و یا نیمه راه‌بند مشروط بر اینکه طرفهای متعاقد و واحدهای تابعه آن حق داشته باشند که اجازه دهند چنین سبقتی در تقاطع هم سطحی که ترافیک به وسیله چراغ راهنمایی هدایت می‌شود و چراغ مذکور علامت آزادی عبور را نشان می‌دهد انجام گیرد. ۹ - یک وسیله نقلیه نبایستی از وسایل نقلیه دیگری که در حال نزدیک شدن به محل عبور عابر پیاده بوده و یا بلافاصله قبل از محل مزبور توقف نموده سبقت گیرد، مگر با چنان سرعت کمی که بتواند به محض مشاهده عابر پیاده توقف نماید. مفاد این بند مانع از

آن نیست که طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آن سبقت در یک فاصله معینی از محل عبور عابر پیاده را ممنوع سازند، و یا محدودیت های بیشتری به راننده وسیله نقلیه‌ای که بخواهد از وسیله نقلیه دیگری که بلافاصله قبل از محل مزبور توقف نموده سبقت گیرد تحمیل نماید. ۱۰ - چنانچه راننده‌ای ملا-حظه کند که وسیله نقلیه دیگری قصد دارد از او سبقت گیرد، به استثنای موردی که در بند ۱ ماده ۱۶ این مقاله نامه ذکر شده بایستی به حاشیه سواره رو و در جهت عبور خود نزدیک شده و از افزایش سرعت خودداری نماید. حال اگر به علت کم عرض بودن راه و یا شرایط سواره رو از لحاظ تراکم ترافیک وسایل نقلیه‌ای که از جهت مقابل می‌آیند وسیله نقلیه‌ای آهسته براند و یا وسیله نقلیه بزرگی بوده و یا وسیله نقلیه‌ای باشد که باید یک سرعت معینی را رعایت نماید و به علل مذکور نمی‌توان به راحتی و یا با ایمنی از آن سبقت گرفت راننده چنین وسیله نقلیه‌ای بایستی از سرعت خود کاسته و در صورت لزوم هر چه زودتر به کنار برود تا به این ترتیب به وسایط نقلیه دیگر اجازه دهد از او سبقت گیرند. ۱۱ - الف - در قسمت سواره رو یک طرفه و یا دو طرفه که در مناطق مسکونی حداقل دارای دو گذرگاه و خارج از آن سه گذرگاه برای ترافیک هر جهت باشد طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند: ۱ - اجازه دهند که وسایل نقلیه داخل یک گذرگاه در جهت عبور خود از وسایل نقلیه داخل گذرگاه دیگر سبقت گیرند. ۲ - بند ۳ ماده ۱۰ این مقاله نامه را غیر قابل اجرا بدانند، مشروط بر اینکه محدودیت های مناسبی در امکان تغییر گذرگاهها وجود داشته باشد. ب - در مورد اشاره شده در بند الف فوق ضمن رعایت مقررات بند ۹ این ماده روشی را که راننده اتخاذ می‌کند نبایستی به معنای سبقت گرفتن مذکور در این کنوانسیون تلقی نمود. ماده دوازدهم - عبور از وسایل نقلیه طرف مقابل ۱ - راننده هنگام عبور از وسایل نقلیه‌ای که از طرف مقابل می‌آیند بایستی فاصله کافی در کنار خود باقی گذاشته و در صورت لزوم به حاشیه قسمت سواره رو در جهت حرکت خود نزدیک شود. اگر در انجام این عمل مانع وجود داشته باشد و یا وسیله نقلیه دیگری مانع پیشرفت او شود بایستی از سرعت خود کاسته و در صورت لزوم توقف نماید تا به وسایل نقلیه جهت مقابل اجازه عبور دهد. ۲ - در راههای کوهستانی و یا راههای شیب‌دار با خصوصیات مشابه راههای کوهستانی که در آن عبور از وسایل نقلیه طرف مقابل غیرممکن و یا مشکل می‌باشد راننده‌ای که در جهت سرازیری در حرکت است بایستی به کنار راه رفته و به راننده‌ای که در جهت سربالایی در حرکت است اجازه عبور دهد. استثنائاً در راههایی که در کنار آن جایگاههای (Lay Bys) ترتیب داده شده که راننده می‌تواند با استفاده از آن به کنار راه برود با توجه به سرعت و موقعیت وسایل نقلیه چنانچه چنین جایگاهی برای وسیله نقلیه‌ای که در جهت سربالایی حرکت می‌کند در پیش باشد استفاده از آن از عقب زدن یکی از وسایل نقلیه جلوگیری کند راننده واقع در جهت سربالایی بایستی با استفاده از آن به راننده واقع در جهت سرازیری اجازه عبور دهد. چنانچه یکی از دو وسیله‌ای که می‌خواهند از یکدیگر عبور کنند به منظور امکان عبور مجبور به عقب‌زدن بشود این عمل بایستی توسط وسیله‌ای که در جهت سرازیری قرار دارد انجام گیرد مگر آنکه به طور آشکار انجام آن توسط راننده واقع در جهت سربالایی آسانتر باشد. معذالک طرفهای متعاقد یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند برای وسیله نقلیه و یا راههای معینی و یا قسمتهایی از راه قوانین خاصی که با این بند تفاوت داشته باشد وضع نمایند. ماده سیزدهم - سرعت و فاصله وسایل نقلیه ۱ - هر راننده وسیله نقلیه بایستی همواره وسیله نقلیه خود را تحت کنترل داشته و بتواند به موقع مراقبت لازم نموده و همیشه قادر به انجام مانورهای لازم باشد و نیز هنگام تعدیل سرعت بایستی به جمیع مقتضیات مخصوصاً وضع زمین و موقعیت و مشخصات راه و شرایط وسیله نقلیه و محموله آن و همچنین شرایط جوی و تراکم ترافیک توجه دایمی داشته باشد تا در موقع لزوم بتواند وسیله نقلیه خود را در میدان دید جلوی خود بدون ایجاد هیچ اشکالی متوقف سازد. در صورتی که مقتضیات ایجاب نماید راننده بایستی از سرعت خود کاسته و در صورت لزوم توقف نماید به خصوص در مواقعی که دید کافی وجود نداشته باشد. ۲ - هیچ راننده‌ای نبایستی بدون دلیل با آهسته راندن غیرعادی خود مانع پیشروی سایر وسایل نقلیه بشود. ۳ - راننده وسیله نقلیه‌ای که در عقب وسیله نقلیه دیگر حرکت می‌کند بایستی وسیله نقلیه خود را در فاصله کافی از وسیله نقلیه جلویی براند تا در

صورتی که وسیله نقلیه خود را در فاصله کافی از وسیله نقلیه جلویی براند تا در صورتی که وسیله نقلیه جلویی ناگهان سرعت خود را کم و یا توقف نماید از تصادم جلوگیری شود. ۴- برای تسهیل در سبقت در خارج از مناطق مسکونی وسایل نقلیه با وسایل نقلیه مرکبی که حداکثر وزن مجاز آنها بیش از ۳۵۰۰ کیلوگرم بوده و یا طول کلی آنها بیش از ۱۰ متر باشد بایستی چنان فاصله ای با وسایل نقلیه جلویی داشته باشند که اگر وسایل نقلیه دیگر از آنها سبقت بگیرند بتوانند بدون هیچگونه خطری داخل آن فاصله بشوند. به استثنای مواقعی که خود در حین و یا آماده برای سبقت گرفتن می‌باشند. بدیهی است این مقررات در موارد تراکم ترافیک و یا مواردی که سبقت گرفتن ممنوع است قابل اجرا نیست به علاوه الف - مقامات صلاحیتدار می‌توانند کاروان‌های معینی از وسایل نقلیه جلویی داشته باشند که اگر وسایل نقلیه دیگر از آنها سبقت بگیرند بتوانند آن را از این مقررات معاف دارند و یا در راههایی که دو گذرگاه برای ترافیک در یک جهت اختصاص داده شده غیرقابل اجرا بدانند. ب - طرفهای متعاقد و واحدهای تابعه آنها می‌توانند ارقام دیگری غیر از آنچه در این بند در مورد خصوصیات وسیله نقلیه مورد نظر قید شده تعیین نمایند. ۵- این کنوانسیون مانع از آن نیست که طرفهای متعاقد و واحدهای تابعه آنها سرعت را به‌طور کلی و یا محلی برای تمام و یا دسته معینی از وسایل نقلیه محدود نمایند و یا اینکه حداکثر و کمتر سرعت و یا به تنهایی حداکثر و یا حداقل سرعت را در راه و یا در نوع معینی از راهها تعیین نمایند و یا اینکه حداقل فواصل را به علت وجود طبقه معینی از وسایل نقلیه که به خصوص به علت وزن و یا محموله آنها خطرات خاصی را به وجود می‌آورند تعیین نمایند. ماده چهاردهم - مقررات کلی گردش وسایل نقلیه ۱- هر راننده بخواهد در خطی که وسایل نقلیه پارک کرده‌اند داخل و یا از آن خارج شود و یا اینکه بخواهد در قسمت سواره‌رو به طرف چپ و یا راست برود و یا اینکه به منظور ورود به یک راه و یا محل دیگری که در کنار راه واقع شده به چپ و یا به راست گردش کند بایستی عملیات مذکور را با توجه به سرعت و جهت و موقعیت وسایل نقلیه‌ای که در جلو و عقب او حرکت می‌کنند و یا از جهت مقابل در حال عبور از او می‌باشند بدون ایجاد هیچ گونه خطری انجام دهد. ۲- هر راننده‌ای بخواهد با دور زدن مسیر خود را عوض نماید و یا اینکه بخواهد به عقب براند بایستی ابتدا اطمینان حاصل کند که با انجام عملیات مذکور خطر و یا مانعی برای استفاده‌کنندگان از راه به وجود نخواهد آورد. ۳- قبل از دور زدن و یا گردش به سمت چپ یا راست راننده بایستی با اهرم جهت‌نما و یا چراغهای راهنمای وسیله نقلیه تصمیم خود را به‌طور وضوح و کافی اعلام دارد و با نبودن این وسایل برای علامت دادن از دست خود استفاده نماید. احتیاطی که توسط اهرم جهت‌نما و یا چراغهای راهنمایی وسیله نقلیه داده می‌شود بایستی تا خاتمه عملیات ادامه داشته باشد. ماده پانزدهم - مقررات اختصاصی برای وسایل نقلیه عمومی توصیه می‌شود در مقررات داخلی ذکر گردد که در مناطق مسکونی به منظور ایجاد تسهیلات در عبور و مرور وسایل نقلیه عمومی رانندگان سایر وسایل نقلیه بایستی با توجه به مقررات بند ۱ ماده ۱۷ این کنوانسیون از سرعت خود کاسته و در صورت لزوم توقف نمایند تا وسایل نقلیه عمومی از ایستگاه خارج و یا دور شوند. وضع چنین مقرراتی توسط طرفهای متعاقد و واحدهای تابعه آنها به هیچ وجه مانع از آن نخواهد بود که رانندگان وسایل نقلیه عمومی وظایف خود را در مورد استفاده از اهرم جهت‌نما و یا احتیاطات لازم برای احتراز از خطر و تصادف رعایت نمایند. ماده شانزدهم - تغییر جهت ۱- راننده بایستی قبل از گردش به راست و یا چپ برای ورود به راه یا محل دیگری که در کنار راه قرار دارد با رعایت بند ۱ ماده ۷ و ماده ۱۴ این مقاله‌نامه به نکات زیر توجه نماید: (الف اگر بخواهد به سمتی که در جهت عبور خود می‌باشد گردش نماید بایستی خود را هرچه بیشتر به حاشیه قسمت سواره‌رو جهت عبور نزدیک کرده و تا آنجا که ممکن است دایره گردش خود را تنگ تر نماید. (ب اگر بخواهد به طرف دیگر که مخالف جهت عبور است گردش کند به شرط رعایت سایر مقرراتی که طرفهای متعاقد و واحدهای تابعه آنها به آنها برای دوچرخه و چرخ موتورسیکلت وضع کرده‌اند اگر قسمت سواره‌رو دوطرفه باشد بایستی حتی الامکان خود را به خط وسط نزدیک کند و اگر یک طرفه باشد بایستی خود را به حاشیه قسمت سواره‌رو جهت مخالف عبور نزدیک نماید و اگر بخواهد وارد یک راه دوطرفه دیگری بشد باید طوری عمل نماید که در سواره‌رو جهت موافق عبور آن راه

قرار گیرد. ۲- راننده بایستی هنگام تغییر جهت با رعایت مقررات ماده ۲۱ این مقاوله نامه در مورد عابرین پیاده به وسایل نقلیه جهت مخالف اجازه دهد در قسمت سواره رویی که می‌خواهد ترک کند عبور نماید و نیز به دوچرخه و چرخ موتوری که در محل مخصوص خود در حرکت بوده و سواره روی راهی را که می‌خواهد داخل شود قطع می‌نمایند اجازه عبور دهد. ماده هفدهم - تقلیل سرعت ۱- هیچ راننده‌ای نبایستی به طور ناگهانی ترمز کند مگر آنکه چنین عملی بنا به دلایل ایمنی ضروری باشد. ۲- هر راننده‌ای که تصمیم بگیرد سرعت خود را تا حد قابل توجهی کاهش دهد، به استثنای هنگامی که کم کردن سرعت در برابر یک خطر قریب الوقوع بوده و یا در مواردی که اطمینان حاصل کند وسیله دیگری در عقب سر او نیست و یا اگر باشد در فاصله دوری قرار دارد بایستی ابتدا مطمئن شود که تقلیل سرعت او خطر و یا ناراحتی بی‌جهت برای سایر رانندگان به وجود نیاورده و ضمناً تصمیم خود را به طور وضوح و به موقع با دادن علامت مخصوص به وسیله دست اعلام دارد. معذالک این مقررات در مواردی که تقلیل سرعت به وسیله چراغهای ترمز مذکور در بند ۳۱ متمم شماره ۵ این مقاوله نامه اعلام گردیده ضرورتی ندارد. ماده هجدهم - تقاطع ها و ضوابط رعایت حق تقدم عبور ۱- هر راننده ای که به محل تقاطع نزدیک شود بایستی احتیاطات لازم متناسب با شرایط محل به عمل آورد. مخصوصاً سرعت او بایستی به میزانی باشد که در صورت لزوم بتواند توقف نموده و به وسایل نقلیه‌ای که حق تقدم دارند اجازه عبور دهد. ۲- راننده‌ای که بخواهد از یک راه کم تردد یا خاکی (راه فرعی وارد راه دیگری غیر از این دونوع بشود بایستی به وسیله نقلیه‌ای که در راه اصلی و یا غیر خاکی حرکت می‌کند تقدم عبور بدهد. اصطلاحات (کم تردد) و (راه خاکی) (راه فرعی) بایستی از نظر این ماده در مقررات داخلی تعریف شود. ۳- راننده‌ای که از محل واقع در کنار راه وارد به راه می‌شود بایستی به رانندگانی که در آن راه در حال حرکت هستند تقدم عبور دهد. ۴- با رعایت مقررات بند ۷ این ماده (الف در کشورهای که در سمت راست رانندگی می‌کنند رانندگان در تقاطع‌هایی غیر از آنچه در بند ۲ این ماده و بندهای ۲ و ۴ ماده ۲۵ این کنوانسیون ذکر شده بایستی به وسایل نقلیه‌ای که از سمت آنها نزدیک می‌شوند تقدم عبور بدهند. (ب در سرزمین طرفهای متعاقد و واحدهای تابعه آنها که در قلمرو آنها رانندگی در سمت چپ انجام می‌شود مجازند در تقاطع‌ها بنا به تشخیص خود به هر طرفی که مایل باشند تقدم عبور بدهند. ۵- راننده نبایستی وارد تقاطعی شود که احتمالاً تراکم ترافیک در داخل تقاطع او را مجبور به توقف نماید که به این وسیله مانع عبور ترافیک متقاطع شود. حتی اگر چراغ راهنمایی هم اجازه عبور داده باشد. ۶- در تقاطع‌هایی که ترافیک توسط چراغهای راهنمایی هدایت می‌شود راننده‌ای که وارد تقاطع شده می‌تواند بدون آنکه منتظر آزاد شدن راه شود به راه خود ادامه داده و از تقاطع عبور نماید. مشروط بر اینکه این عمل او مانع عبور وسایل نقلیه دیگری که در جهت راه آزاد حرکت می‌کنند نشود. ۷- در تقاطع‌های راه با راه آهن تقدم عبور با وسایل نقلیه ریلی می‌باشند. ماده نوزدهم - گذرگاههای هم سطح استفاده کنندگان از راه بایستی هنگام نزدیک شدن عبور از گذرگاههای هم سطح دقت بیشتری به عمل آورند. مخصوصاً: (الف رانندگان بایستی با سرعت مناسب برانند. (ب رانندگان ضمن اطاعت از فرمان ایست چراغ راهنمایی و یا آژیر نبایستی به گذرگاههای هم سطح راهی که توسط راه‌بند و یا نیمه راه‌بند بسته شده و یا در حال بسته شدن می‌باشد وارد شوند. (ج اگر یک گذرگاهی دارای راه‌بند و یا نیمه راه‌بند و یا چراغ راهنمایی نباشد هیچ وسیله نقلیه‌ای نباید از آن عبور کند مگر آنکه اطمینان حاصل کند هیچ نوع وسیله ریلی در حال نزدیک شدن نمی‌باشد. (د) هیچ وسیله نقلیه‌ای نبایستی هنگام عبور از گذرگاههای هم سطح درنگ کند و چنانچه وسیله نقلیه‌ای مجبور به توقف شود راننده آن بایستی کوشش نماید وسیله نقلیه را از روی خط خارج سازد در غیر این صورت لازم است فوراً به هر وسیله‌ای که ممکن باشد وسایل نقلیه ریلی را قبل از وقوع هر سانحه‌ای از خطر آگاه سازد. ماده بیستم - مقررات مربوط به عابرین پیاده ۱- طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند مقررات این ماده را اجرا نمایند مگر در مواردی که عبور عابرین پیاده در قسمت سواره‌رو راه ایجاد خطر نموده و یا مانع عبور وسایل نقلیه باشد. ۲- اگر در کنار راه پیاده‌رو یا حاشیه‌ای برای عابرین پیاده وجود داشته باشد عابرین ملزم به استفاده از آن خواهند بود مگر در موارد زیر و با قید احتیاط لازم (الف عابرین پیاده‌ای که

اشیا حجیمی را با خود می‌کشند و یا حمل می‌نمایند چنانچه در پیاده‌رو موجب ناراحتی شدید سایر عابرین بشوند می‌توانند از قسمت سواره‌رو استفاده نمایند. (ب) عابرین پیاده‌ای که به صورت گروه توسط یک شخص راهنمایی می‌شوند و یا به صورت دسته جمعی حرکت می‌کنند می‌توانند از قسمت سواره‌رو استفاده نمایند. ۳- اگر استفاده از پیاده‌رو یا کنار راه امکان نداشته و یا پیاده‌روی وجود نداشته باشد عابرین پیاده می‌توانند در قسمت سواره‌رو عبور نمایند و اگر راه دوچرخه رو وجود داشته و تراکم ترافیک نیز اجازه دهد عابرین پیاده می‌توانند بدون آنکه مانعی برای ترافیک دوچرخه و یا چرخ موتوری ایجاد نمایند از راه مذکور استفاده نمایند. ۴- عابرین پیاده که طبق بند ۲ و ۳ این ماده از قسمت سواره‌رو راه استفاده می‌کنند بایستی حتی‌المقدور در نزدیکی حاشیه سواره‌رو عبور نمایند. ۵- توصیه می‌شود که در مقررات داخلی توضیحات زیر ذکر گردد: عابرینی که از قسمت سواره‌رو راه استفاده می‌کنند بایستی در جهت مخالف ترافیک عبور کنند مگر در مواردی که چنین عملی برای آنها ایجاد خطر نماید. معذالک اشخاصی که یک دوچرخه و یا چرخ موتوری و یا موتور سیکلتی را بدون استفاده از آن به صورت یدک با خود حمل می‌نمایند و نیز عابرین پیاده‌ای که به صورت گروه با هدایت یک نفر عبور و یا حرکت دسته‌جمعی تشکیل می‌دهند در تمام موارد بایستی در جهت موافق ترافیک حرکت نمایند. عابرین پیاده به استثنای موقعی که به صورت دسته‌جمعی از قسمت سواره‌رو راه استفاده می‌کنند بایستی در هنگام شب یا وقتی که رویت آنها به خوبی میسر نیست و همچنین هنگام روز با توجه به تراکم ترافیک هر جا که ممکن باشد در ردیف‌های یک نفری عبور نمایند. ۶- (الف) عابرین پیاده که می‌خواهند از عرض راه عبور نمایند بایستی بدون احتیاط وارد قسمت سواره‌رو شوند بلکه بایستی از نزدیکترین محل عبور عابرین پیاده استفاده نمایند. (ب) به منظور عبور از عرض راه محلی که دارای تابلوهای عبور عابر پیاده بوده و یا به وسیله خط کشی مشخص شده (۱) اگر محل عبور دارای چراغ راهنمایی برای عابرین پیاده باشد بایستی از فرامین چراغ راهنمایی اطاعت کنند. (۲) اگر محل عبور عابر پیاده دارای چراغ راهنمایی نباشد ولی ترافیک وسایل نقلیه توسط چراغ راهنمایی و یا مأمورین راهنمایی هدایت شود و چراغ و مأمور راهنمایی به وسایل نقلیه علامت عبور بدهند عابرین پیاده در صورتی که ورودشان به قسمت سواره‌رو موجب تغییر سرعت و یا جهت وسایل نقلیه شود بایستی به قسمت سواره‌رو وارد شوند. (۳) عابرین پیاده بایستی در سایر محل‌های عبور عابر پیاده بدون در نظر گرفتن فاصله و سرعت وسایل نقلیه‌ای در حال نزدیک شدن هستند وارد قسمت سواره‌رو شوند. (ج) عابرین پیاده بایستی برای عبور از عرض راه در محل‌هایی غیر از محل‌های عبور عابر پیاده که دارای تابلو بوده و یا به وسیله خط کشی مشخص شده وارد قسمت سواره‌رو شوند مگر اینکه اطمینان حاصل نمایند که با این عمل مانع ترافیک وسایل نقلیه نخواهند شد. (د) عابرین پیاده که به منظور عبور از عرض راه وارد قسمت سواره‌رو می‌شوند بایستی راه طولانی غیر لازمی را طی نموده و بدون ضرورت درنگ و یا در قسمت سواره‌رو توقف نمایند. (۷) معذالک طرف‌های متعاقد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند مقررات سخت تری برای عبور عابرین پیاده از عرض قسمت سواره‌رو وضع نمایند. ماده بیست و یکم - طرز رفتار رانندگان نسبت به عابرین پیاده ۱- با رعایت بند ۱ ماده ۷ و بند ۹ ماده ۱۱ و بند ۱ ماده ۱۳ این کنوانسیون چنانچه در قسمت سواره‌رو راه برای عبور عابرین پیاده از عرض راه محلی وجود داشته باشد که دارای تابلو بوده و یا به وسیله خط کشی مشخص شده باشد: (الف) اگر ترافیک وسایل نقلیه در آن محل با چراغ راهنما و یا توسط مأمورین راهنمایی هدایت شود رانندگانی که فرمان حرکت دریافت می‌دارند بایستی نزدیک محل عبور عابر پیاده توقف نمایند و وقتی که فرمان ایست دریافت می‌دارند بایستی مانع عبور عابرینی که طبق ماده ۲۰ این مقاوله نامه وارد محل عبور عابر پیاده شده و یا در حال عبور هستند بشوند. رانندگانی که با گردش به چپ و یا راست وارد راه دیگری می‌شوند و در مدخل آن راه محل عبور عابر پیاده وجود دارد بایستی با کم کردن سرعت و در صورت لزوم با توقف به عابرینی که طبق بند ۶ ماده ۲۰ این مقاوله نامه قبلاً وارد محل مزبور شده و یا در حال ورود به آن می‌باشند تقدم عبور بدهند. (ب) اگر ترافیک وسایل نقلیه در آن محل با چراغ راهنما و یا توسط مأمورین راهنمایی هدایت نشود رانندگان بایستی با چنان سرعت کمی برانند که برای عابرین پیاده که در حال ورود به محل

عبور عابر پیاده و یا در حال عبور از آن می‌باشند خطری به وجود نیاورند و در صورت لزوم با توقف خود به عابرین پیاده اجازه عبور دهند. ۲- رانندگانی که تصمیم دارند در جهت موافق حرکت ترافیک از وسایط نقلیه عمومی که در ایستگاه توقف نموده سبقت بگیرند بایستی از سرعت خود کاسته و یا در صورت لزوم توقف نمایند تا عابرین پیاده بتوانند به وسیله نقلیه عمومی سوار شده و یا از آن پیاده شوند. ۳- مقررات این ماده مانع از آن نیست که کشورهای متعهد و یا واحدهای تابعه آنها لازم بدانند که رانندگان وسایط نقلیه در تمام مواردی که عابرین پیاده طبق ماده ۲۰ این کنوانسیون در حال ورود به محل عبور عابر پیاده (محلی که دارای تابلو بوده و یا وسیله خط‌کشی مشخص شده باشد) و یا حال استفاده از آن می‌باشند توقف نمایند. رانندگان مانع عبور عابرینی که در محل تقاطع یا نزدیک به آن وارد قسمت سواره‌رو شده‌اند نشوند حتی اگر محل عبور دارای تابلوی عبور نبوده و یا به وسیله خط‌کشی هم مشخص نشده باشد. ماده بیست و دوم - جان پناه‌های وسط خیابان با رعایت ماده ۱۰ این کنوانسیون هر راننده‌ای می‌تواند از سمت چپ و یا راست جان پناه و تیر برق و یا وسایلی که در وسط قسمت سواره‌رو قرار دارد عبور نماید مگر در موارد زیر: (الف وقتی که جهت عبور از کنار جان پناه و یا تیر برق و یا سایر وسایل به وسیله علامتی مشخص شده باشد. (ب) وقتی که جان پناه و یا تیر برق و یا سایر وسایل در وسط یک راه دوطرفه واقع شده که راننده بایستی از سمتی که در جهت موافق حرکت ترافیک باشد عبور نماید. ماده بیست و سوم - ایستادن و توقف ۱- در خارج از مناطق مسکونی وسایط نقلیه و حیوانات بایستی تا آنجا که ممکن است خارج از قسمت سواره‌رو راه ایستاده یا توقف نمایند و نیز به استثنای مواردی که مقررات داخلی اجازه داده نبایستی در محل عبور دوچرخه و پیاده‌رو و محلهای مخصوص عبور عابر پیاده توقف نمایند. ۲- (الف حیوانات و وسایط نقلیه‌ای که در قسمت سواره‌رو راه ایستاده یا توقف می‌نمایند بایستی حتی الامکان در نزدیکی حاشیه قسمت سواره‌رو توقف نمایند. یک راننده نبایستی وسیله نقلیه خود را در قسمت سواره‌رو راه متوقف سازد مگر در سمتی که موافق جهت حرکت ترافیک باشد. معذالک چنانچه وجود راه آهن مانع ایستادن یا توقف در جهت موافق حرکت ترافیک باشد می‌توان اجازه داد که وسیله نقلیه خود را در سمت دیگر متوقف سازد. به علاوه طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند: (۱) در شرایط معینی از ممنوع نمودن ایستادن یا توقف در یک طرف و یا طرف دیگر راه خودداری نمایند مثلاً در مواردی که ایستادن در جهت موافق حرکت ترافیک به وسیله تابلوهای راهنمایی ممنوع می‌شود. (۲) در راههای یک طرفه ایستادن و توقف را به جای سمتی که در جهت موافق حرکت ترافیک است در طرف دیگر و یا در هر دو طرف مجاز سازند. (۳) ایستادن و یا توقف در وسط قسمت سواره‌روی که علامت گذاری شده اجازه دهند. (ب) وسایط نقلیه غیر از دوچرخه و یا دوچرخه گازی و یا موتور سیکلت بدون اطاقک پهلو نبایستی به طور دوبله در قسمت سواره‌رو راه ایست و یا توقف نمایند مگر در مواردی که مقررات داخلی آن را مستثنی کرده باشد. ایستادن و یا توقف وسایط نقلیه بایستی به موازات حاشیه قسمت سواره‌رو باشد مگر آنکه وضع خیابان بندی آن منطقه نحوه دیگری را اجازه دهد. ۳- (الف ایستادن یا توقف وسایط نقلیه در موارد زیر ممنوع است (۱) محل عبور عابر پیاده محل عبور دوچرخه‌ها و تقاطع‌های هم سطح (۲) روی ریل خط راه آهن و یا خط تراموای و یا نزدیک به این قبیل خطوط که مانع حرکت تراموای و یا قطارها شود و همچنین با توجه به امکانات طرفهای متعاقد و واحدهای تابعه آنها که می‌توانند نحوه دیگری برای پیاده‌روها و محل عبور دوچرخه اتخاذ نمایند. (ب) ایستادن یا توقف وسایط نقلیه در نقاطی که ایجاد خطر می‌نمایند به خصوص در موارد زیر ممنوع است (۱) زیر پل‌ها و داخل تونل‌ها مگر آنکه مخصوصاً علامت گذاری شده باشد. (۲) نزدیک به انتهای سربالایی راه و در پیچ‌هایی که وسایط نقلیه می‌خواهند با سرعت تعیین شده و با ایمنی کامل سبقت بگیرند دید کافی وجود نداشته باشد. (۳) در قسمت سواره‌رو راهی کنار خط‌کشی طولی در مواردی غیر از سربالایی و پیچ که فاصله بین وسیله نقلیه و خط‌کشی کمتر از ۳ متر بوده و خط‌کشی طولی به نحوی است که عبور وسایط نقلیه از آن مجاز نمی‌باشد. (ج) توقف وسایط نقلیه در قسمت سواره‌رو راه بایستی در موارد زیر ممنوع شود: (۱) در نزدیکی تقاطع هم سطح و تقاطع‌ها و ایستگاههای اتوبوس و اتوبوس برقی و وسایل ریلی

در فاصله‌ای که در مقررات داخلی ذکر شده (۲) در جلوی مدخل گاراژها. (۳) در نقاطی که توقف وسیله نقلیه مانع دسترسی به وسیله نقلیه دیگری که صحیحاً توقف نموده شده و یا این که مانع خروج وسیله نقلیه دیگری از محل توقف بشود. (۴) در سواره‌رو وسطی راههایی که دارای سه قسمت سواره‌رو می‌باشند و همچنین خارج مناطق مسکونی در قسمت سواره‌رو راه هایی که حق تقدم دارند و این حق تقدم با علائم راهنمایی نشان داده شده است (۵) در نقاطی که توقف وسایل نقلیه مانع دید علائم و چراغهای راهنمایی بشود. ۴- یک راننده نبایستی وسیله نقلیه و یا حیوانات خود را ترک کند مگر اینکه احتیاطات لازم برای جلوگیری از سوانح به عمل آورده و در مورد وسایل نقلیه موتوری بایستی از استفاده غیرمجاز آن جلوگیری نماید. ۵- توصیه می‌شود که در مقررات داخلی توضیحات زیر ذکر گردد: هرگونه وسیله نقلیه موتوری به استثنای دوچرخه گازی و موتور سیکلت بدون اطلاقک پهلوی نیز هرگونه یدک متصل و یا منفصل که خارج از یک منطقه مسکونی در قسمت سواره‌رو راه متوقف می‌باشد بایستی در مورد زیر به رانندگانی که در حال نزدیک شدن به او هستند با نصب یک علامت مناسب در فاصله کافی و در بهترین نقطه راه پیش از وقت اخطار نماید: (الف) چنانچه وسیله نقلیه هنگام شب در قسمت سواره‌رو راه در اوضاع و احوالی ایستاده باشد که سایر رانندگان نتوانند از چنین مانعی آگاه شوند. (ب) اگر راننده در محلی که ایستادن ممنوع است ناچار به متوقف نمودن وسیله نقلیه خود شده باشد. ۶- این ماده مانع از آن نیست که کشورهای متعهد و واحدهای تابعه آنها ممنوعیت های دیگری را در مورد ایستادن و توقف وضع نمایند. ماده بیست و چهارم - باز کردن در باز کردن و یا پیاده شدن از وسایل نقلیه بدون اطمینان از اینکه خطری برای سایر استفاده کنندگان از راه به وجود نخواهد آورد بایستی ممنوع شود. ماده بیست و پنجم - شاهراه ها و راه های مشابه آن ۱- در شاهراهها و چنانچه در مقررات داخلی ذکر شده باشد در راههای خاصی که به یک شاهراه وارد و یا از آن منشعب می‌شود بایستی نکات زیر مراعات گردد: (الف) استفاده از راه برای عابرین پیاده حیوانات دوچرخه و چرخ گازی چنانچه جز موتورسیکلت به حساب آمده باشد و کلیه وسایل نقلیه غیر موتوری و یدک های آن و وسایل نقلیه موتوری و یدک‌هایی که سرعت آنها (سرعتی که کارخانه سازنده تعیین کرده در راه مسطح کمتر از حد تعیین شده در مقررات داخلی برای شاهراهها باشد بایستی ممنوع گردد. (ب) موارد زیر بایستی برای رانندگان ممنوع گردد: (۱) ایستادن و توقف وسایل نقلیه خارج از محلهایی که برای این منظور علامت گذاری شده‌اگر به وسیله نقلیه‌ای مجبور به توقف شود راننده بایستی کوشش کند وسیله نقلیه را از قسمت سواره‌رو خارج نماید و اگر نتواند چنین عملی انجام دهد بایستی فوراً و در فاصله کافی سایر رانندگان را به وسیله علامت از وجود وسیله نقلیه در آن محل مطلع نماید. (۲) دور زدن و به عقب راندن و عبور از روی باندها جداکننده مرکزی شامل گذرگاههای عرضی که دو قسمت سواره‌رو را به هم متصل می‌سازد. ۲- رانندگان باید نکات زیر را در شاهراهها رعایت نمایند: (الف) اگر از راهی که دارای خط سرعت نبوده وارد شاهراه می‌شوند به وسایل نقلیه داخل شاهراه تقدم عبور بدهند. (ب) اگر دارای خط سرعت باشد از آن استفاده نموده و هنگام ورود به شاهراه بند ۱ و ۳ ماده ۱۴ این مقاوله نامه را رعایت نمایند. ۳- راننده‌ای که در حال خروج از شاهراه می‌باشد بایستی به موقع داخل گذرگاه مناسب برای خروج از شاهراه شده و چنانچه خط سرعت وجود داشته باشد هر چه زودتر به آن وارد شود. ۴- به منظور رعایت بند ۱ و ۲ و ۳ این ماده سایر راه‌هایی که برای ترافیک وسایل نقلیه موتوری در نظر گرفته شده و دارای چنین علامتی بوده و از دسترس مستغلات و املاک اطراف راه خارج می‌باشند بایستی شاهراه تلقی شوند. ماده بیست و ششم - مقررات خاص برای حرکت دسته جمعی افراد علیل ۱- عبور وسایط نقلیه از وسط صفوف افراد نظامی و ردیف های محصلین مدارس که توسط یک نفر راهنمایی می‌شوند و سایر دستجاتی که به طور دسته جمعی حرکت می‌کنند ممنوع است ۲- اشخاص علیل که در صندلی های مخصوص توسط خود و یا وسیله دیگران حرکت می‌کنند می‌توانند از پیاده‌روها و یا حاشیه مناسب راه استفاده نمایند. ماده بیست و هفتم - مقررات مخصوص برای دوچرخه سواران و رانندگان چرخهای گازی و موتور سیکلت ۱- علیرغم بند ۳ ماده ۱۰ این کنوانسیون طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند اجازه دهند دوچرخه سواران به

تعداد ۲ و یا بیشتر پهلو به پهلو حرکت کنند. ۲- دوچرخه‌سواران نبایستی بدون در دست گرفتن فرمان دوچرخه و یا حداقل یک طرف آن دوچرخه را برانند و یا اجازه دهند که توسط وسیله نقلیه دیگری کشیده شوند و نیز بایستی اشیایی که مانع راندن آنها بشود و یا خطری برای سایر رانندگان به وجود آورد با خود حمل یا به دنبال کشیده و یا به جلو فشار دهند. همین مقررات در مورد رانندگان چرخ گازی و موتور سیکلت لازم الاجراست مضافاً آنکه رانندگان چرخ گازی و موتور سیکلت بایستی فرمان را نیز با هر دو دست نگهدارند به استثنای هنگامی که به منظور مانور مذکور در بند ۳ ماده ۱۴ این کنوانسیون با دست علامت می‌دهند. ۳- حمل مسافر توسط دوچرخه سوار و رانندگان چرخ گازی ممنوع است معذالک طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند نسبت به این مقررات استثنائاتی قایل شوند. مثلاً حمل مسافر در مواردی که وسایل نقلیه دارای زین و یا زینهای اضافی باشند. موتور سیکلت سواران اجازه ندارند مسافر حمل کنند مگر آنکه اطاقک پهلو داشته و یا زین اضافی در عقب راننده وجود داشته باشد. ۴- در نقاطی که محل عبور دوچرخه وجود داشته باشد طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند دوچرخه سواران را از استفاده از بقیه قسمت سواره رو ممنوع سازند. در همین شرایط و چنانچه صلاح بدانند می‌توانند به رانندگان چرخ گازی نیز اجازه دهند که از راه دوچرخه رو استفاده نموده و استفاده از بقیه سواره رو راه را برای آنها ممنوع سازند. ماده بیست و هشتم - اخطار سمعی و بصری (چراغ زدن ۱- وسایل اخطار سمعی (بوق) می‌توان در موارد زیر استفاده نمود: (الف اخطار به منظور اجتناب از یک سانحه (ب در خارج مناطق مسکونی به منزله اخطار به راننده‌ای که در نظر است از او سبقت گرفته شود. صدایی که از وسایل اخطار سمعی (بوق) به وجود می‌آید نبایستی بیش از حد لازم و به طور ممتد ادامه داشته باشد. ۲- رانندگان وسایل نقلیه موتوری می‌توانند طبق بند ۵ ماده ۳۳ این کنوانسیون در ساعات شب به جای اخطار سمعی به وسیله چراغ زدن اخطار بصری دهند. در ساعات روز نیز ممکن است برای منظوری که در بند ۱ (ب این ماده ذکر شده از اخطار بصری در صورتی که مناسب تر باشد استفاده نمایند. ۳- طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند در مناطق مسکونی نیز استفاده از اخطار بصری را برای منظوری که در بند ۱ (ب این ماده ذکر شده اجازه دهند. ماده بیست و نهم - وسایل نقلیه ریلی ۱- در نقاطی که راه آهن از قسمت سواره رو راه می‌گذرد وسایل نقلیه بایستی هنگام نزدیک شدن تراموای و یا وسیله نقلیه ریلی هر چه زودتر از خط آهن فاصله گرفته و اجازه دهند که وسیله نقلیه ریلی عبور نمایند. ۲- طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند برای وسایل نقلیه ریلی در راه و برای عبور یا سبقت گرفتن این قبیل وسایل نقلیه مقررات خاص دیگری را علاوه بر آنچه در این فصل ذکر شده در نظر بگیرند. و نیز می‌توانند از قبول مقرراتی که با مقررات بند ۷ ماده ۱۸ این کنوانسیون مغایرت دارد خودداری نمایند. ماده سی ام - بارگیری وسایل نقلیه ۱- چنانچه برای یک وسیله نقلیه حداکثر وزن مجاز تعیین شده باشد وزن بارگیری شده وسیله نقلیه هرگز نبایستی از حداکثر وزن مجاز تجاوز نماید. ۲- بارگیری وسایل نقلیه بایستی به ترتیبی باشد که از خطرات زیر جلوگیری به عمل آید: (الف ایجاد خطر برای اشخاص و یا وارد آوردن خسارت به اموال خصوصی و دولتی به خصوص از طریق کشیده شدن بار روی راه و یا افتادن بار از روی وسیله نقلیه (ب مانع دید راننده شده و باعث عدم ثبات وسیله نقلیه و راندن آن شود. (ج تولید سر و صدا و گرد و خاک و یا ایجاد هرگونه مزاحمت دیگری که می‌توان از آن اجتناب نمود. (د) پوشاندن چراغها و چراغهای ترمز و چراغهای راهنمایی و آلات منعکس کننده نور و پلاک نمره وسیله نقلیه و علامت ممیزه کشوری که طبق این کنوانسیون و یا مقررات داخلی وسیله نقلیه در آن کشور به ثبت رسیده و یا جلوگیری از دید علایمی که راننده بر طبق بند ۳ ماده ۱۴ و بند ۲ ماده ۱۷ این مقاله نامه با دست می‌دهد. ۳- تمام لوازم حفاظتی بار مانند کابل و زنجیر و برزنت بایستی در اطراف بار محکم کشیده و بسته شده و با توجه به خواسته‌های بند ۲ این ماده مورد استفاده قرار گیرد. ۴- بارهایی که از جلو و عقب و اطراف وسیله نقلیه تجاوز نماید و مورد توجه رانندگان سایر وسایل نقلیه قرار نگیرد بایستی برای جلب توجه دیگران به طور وضوح علامت گذاری شود. هنگام شب بایستی یک نوع چراغ سفید با یک آلت منعکس کننده نور سفید در جلو و یک چراغ قرمز با یک آلت منعکس کننده نور قرمز رنگ در عقب برای

علامت گذاری مورد استفاده قرار گیرد. در مورد وسایل نقلیه موتوری به خصوص بایستی (الف بارهایی که بیش از یک متر از جلو و عقب وسیله نقلیه تجاوز نماید علامت گذاری شود. (ب بارهایی که از اطراف وسیله نقلیه تجاوز نموده به نحوی که در قسمت جلوی وسیله نقلیه بیش از ۴۰ سانتیمتر از محل چراغهای جانبی بیرون باشد و یا در قسمت عقب بیش از ۴۰ سانتیمتر از چراغهای خطر تجاوز نموده باشد بایستی در هنگام شب اگر جلو باشد قسمت جلو اگر عقب باشد قسمت عقب علامت گذاری شود. ۵- بند ۴ این ماده مانع از آن نیست که طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آنها تجاوز بار مذکور در بند ۴ را ممنوع و یا محدود و یا مشروط به اجازه خاصی نمایند. ماده سی و یکم - طرز رفتار هنگام سانحه ۱- با رعایت مقررات داخلی در مورد الزام کمک به مصدومین، هر راننده و یا استفاده کننده دیگر از راه که با سانحه ترافیک ارتباط داشته باشد بایستی (الف هر چه زودتر بدون آنکه باعث خطر بیشتری برای ترافیک بشود توقف نماید. (ب در برقراری ایمنی ترافیک در محل سانحه کوشش نماید و اگر در سانحه کسی کشته شده و یا به سختی صدمه دیده باشد تا آنجا که به ایمنی ترافیک لطمه‌ای وارد نشود از هر گونه تغییر شرایط محل و محو اثراتی که برای تعیین مسئولیت مورد استفاده قرار می‌گیرد خودداری نماید. (ج اگر هویت او توسط سایر افراد وارد در سانحه سؤال شود خود را معرفی نماید. (د) اگر در سانحه کسی کشته شده و یا صدمه دیده باشد موضوع را به پلیس اطلاع داده و در محل سانحه باقی بماند و یا به محل سانحه مراجعت نموده و تا ورود پلیس منتظر بماند مگر این که پلیس اجازه دهد که محل سانحه را ترک و یا به مصدوم کمک نماید و یا به خود او جراحی وارد شده باشد که بایستی تحت معالجه قرار گیرد. ۲- طرفهای متعاقد و واحدهای تابعه آنها می‌توانند طبق مقررات داخلی از تحمیل مقررات بند ۱ (ج این ماده در مواردی که جراحت قابل توجهی وارد نیامده و هیچ یک از طرفین سانحه تقاضای اطلاع به پلیس را ننموده باشند خودداری نمایند. ماده سی و دوم - کلیات در مورد روشنایی و چراغ ۱- از لحاظ این ماده شب یعنی مدت بین غروب و طلوع و همچنین سایر مواقعی که مثلاً به علت مه یا برف و باران شدید و یا عبور از تونل دید نامناسبی وجود داشته باشد. ۲- در شب (الف هر وسیله نقلیه موتوری به استثنای چرخ‌گازی و موتور سیکلت بدون اطاقک پهلو نبایستی در راه کمتر از دو چراغ سفید و یا زرد در جلو و تعدادی چراغ قرمز طبق مقررات بندهای ۲۳ و ۲۴ ضمیمه شماره ۵ که در مورد وسایل نقلیه موتوری ذکر شده در عقب داشته باشد. معذالک مقررات داخلی می‌توانند چراغهای زرد جانبی جلو را نیز مجاز بدانند این مقررات در مورد وسایل نقلیه مرکبی که دارای یک و یا دو یدک باشند نیز لازم الاجرا می‌باشد یدک‌هایی که در مورد آنها مقررات بند ۳۰ ضمیمه شماره ۵ این کنوانسیون اجرا می‌شود بایستی در قسمت جلو و چراغ سفیدی که در همان بند گفته شده داشته باشند. (ب هر وسیله نقلیه و یا وسیله نقلیه مرکبی که در مورد آنها مقررات (الف این بند قابل اجرا نباشد بایستی در راه حداقل یک چراغ سفید یا زرد در جلو و یک چراغ قرمز در عقب داشته باشد. هر گاه فقط یک چراغ در جلو و یک چراغ در عقب وجود داشته باشد بایستی در خط مرکزی وسیله نقلیه و در سمتی که مخالف جهت حرکت ترافیک است نصب شود. در مورد گاری‌های دستی و یا وسایل نقلیه‌ای که توسط حیوانات کشیده می‌شود چراغ بایستی به وسیله راننده یا اسکورت که در سمت مخالف جهت حرکت ترافیک است حمل گردد. ۳- چراغهای مشروحه در بند دو این ماده بایستی به نحوی باشد که وجود وسیله نقلیه را به وضوح به سایر استفاده کنندگان از راه اعلام دارد. چراغ جلو و عقب نبایستی با یک لامپ و یا در یک محفظه نشان داده شود مگر وقتی که مشخصات وسیله نقلیه و بخصوص طول کم آن به نحوی باشد که احتیاج وسیله نقلیه را از لحاظ چراغ جلو و عقب در این شرایط برآورد نماید. ۴- (الف علی‌رغم مقررات بند ۲ این ماده (۱) مقررات اشاره شده در بند مذکور در مورد وسایل نقلیه‌ای که در یک راه روشن در حال ایستادن و یا توقف بوده و از فاصله کافی به وضوح دیده می‌شوند اجرا نخواهد شد. (۲) وسایل نقلیه خودرویی که طول آنها از ۶ متر و عرض آنها از ۲ متر تجاوز نکرده و وسیله دیگری به آن متصل نباشد می‌توانند هنگام ایستادن یا توقف در راه داخل منطقه مسکونی در طرفی که داخل قسمت سواره‌رو قرار گرفته چراغ نصب نمایند که از جلو سفید و یا زرد و از عقب قرمز یا زرد باشد. (۳) مقررات بند ۲ (ب این ماده در مورد دوچرخه چرخ‌گازی و موتور سیکلت

بدون اطاقک پهلو که فایده باطری بوده و در آخرین حد حاشیه راه واقع در یک منطقه مسکونی ایستاده و یا توقف نموده باشند اجرا نخواهد شد. (ب به علاوه ممکن است مقررات داخلی برای مقررات این ماده معافیت هایی در موارد زیر قایل شوند: (۱) وسایل نقلیه‌ای که در محوطه خاصی دور از قسمت سواره‌رو ایستاده یا توقف نموده باشند. (۲) وسیله نقلیه‌ای که در خیابانهای کم تردد مناطق مسکونی ایستاده یا توقف نموده باشند. ۵- یک وسیله نقلیه در هیچ موردی نباید چراغها و منعکس کننده‌های نور قرمز یا اشیایی که رنگ قرمز منعکس می کنند در جلو و یا چراغها و نیز منعکس کننده‌های نور زرد و سفید و یا اشیایی که رنگ سفید یا زرد را منعکس می کنند در عقب نصب نمایند. این مقررات در مورد استفاده از چراغهای سفید و یا زرد هنگام به عقب راندن و انعکاس رنگ اعداد و حروف نمره عقب وسیله نقلیه و علائم دیگری که بر طبق مقررات داخلی شرح داده شده و همچنین در مورد زمینه پلاک نمره و یا زمینه علائم مذکور و نیز در مورد چراغهای قرمز گردان و یا چشمک زن وسایل نقلیه معینی که حق تقدم دارند لازم الاجرا نمی باشد. ۶- طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آنها می توانند تا حدی که خللی به ایمنی ترافیک وارد نیاید در مقررات داخلی خودشان برای مقررات این ماده معافیت هایی در موارد زیر قایل شوند: (الف) گاریهای دستی و وسایل نقلیه‌ای که با حیوانات کشیده می شوند. (ب) وسایل نقلیه از نوع و یا شکل خاص و یا وسیله نقلیه‌ای که برای منظورهای خاص و در شرایط خاصی مورد استفاده قرار می گیرند. ۷- این کنوانسیون به هیچ وجه مانع از آن نیست که طرفهای متعاقد و واحدهای تابعه آنها لازم بدانند که گروههای عابر پیاده که دارای یک نفر راهنما می باشند و یا حرکت های دسته جمعی و نیز برای رانندگان گاو، گله گاو، رمه گوسفندان و یا حیوانات بارکش و یا زین شده هنگام حرکت در طول راه در مقتضیاتی که در بند ۲ (ب) این ماده ذکر گردیده یک چراغ یا منعکس کننده نور با خود داشته باشند. چراغ یا منعکس کننده مذکور در چنین مواردی بایستی در قسمت جلو سفید و یا زرد و در قسمت عقب قرمز و یا هر دو طرف به رنگ زرد کهربایی باشد. ماده سی و سوم - روشنایی مقررات استفاده از نور چراغهای وسایل نقلیه مذکور در ضمیمه شماره ۱۵ - وسیله نقلیه‌ای که دارای چراغهای رانندگی (نور بالا) - چراغهای عبور (نور پایین و یا چراغهای جانبی (چراغهای کوچک جلو و عقب به ترتیبی که در ضمیمه شماره ۵ این کنوانسیون اشاره شد هستند طبق ماده ۳۲ این کنوانسیون زمانی که احتیاج به استفاده از حداقل یک یا دو نور سفید یا زرد در سمت جلو دارند راننده بایستی با توجه به نکات ذیل از چراغهای فوق الذکر استفاده نماید: (الف) در مناطق مسکونی که روشنایی کافی داشته و یا در راههایی که در خارج مناطق مسکونی به طور مداوم روشن بوده و روشنایی به حدی است که راننده می تواند از فاصله دور به طور واضح راه را ببیند و نیز هنگام ایستادن وسایل نقلیه راننده بایستی از روشن کردن چراغهای رانندگی (نور بالا) خودداری نماید. (ب) با توجه به مقررات داخلی در مورد استفاده از چراغهای رانندگی (نور بالا) چنانچه در ساعات روز به علت وجود مه و برف و باران شدید و یا عبور از تونل دید مناسبی وجود نداشته باشد چراغهای رانندگی را در موارد زیر بایستی روشن نمود مگر این که استفاده از آنها طوری باشد که باعث خیره شدن چشم رانندگان طرف مقابل نگردد: (۱) هرگاه راننده‌ای در حال عبور از وسایل نقلیه دیگری باشد در این مورد چنانچه چراغهای رانندگی (نور بالا) روشن باشند بایستی آنها را خاموش نمود و یا از نور آنها در فاصله کافی دور از محل تلاقی، به طوری استفاده نمایند که راننده طرف مقابل بتواند به راحتی و بدون خطر به راه خود ادامه دهد. (۲) هرگاه وسیله نقلیه‌ای که در فاصله نزدیک در عقب وسیله نقلیه دیگری باشد می تواند طبق مقررات بند ۴ این ماده به منظور اخطار و جلب توجه برای سبقت گرفتن همانطوری که در ماده ۲۸ این کنوانسیون ذکر شده است از چراغهای رانندگی (نور بالا) استفاده نماید. (۳) در هر وضع دیگری که اجتناب از خیره کردن چشم سایر استفاده کنندگان از راه، راه آبی و یا راه آهن که در امتداد راه می باشد ضروری باشد. (ج) با توجه به مقررات بند (د) زیر هرگاه استفاده از چراغهای رانندگی (نور بالا) طبق مقررات بند (الف) و (ب) فوق ممنوع باشد بایستی از چراغهای عبور (نور پایین استفاده نمود و چنانچه نور چراغهای عبور به حدی باشد که راننده بتواند فاصله مناسبی را در جلوی خود به بیند و ضمناً رانندگان طرف مقابل بتوانند وسیله نقلیه را از فاصله کافی به بیند می توان به جای چراغهای رانندگی

از آن استفاده نمود. (د) چراغهای جانبی بایستی با چراغهای رانندگی چراغهای عبور یا چراغهای مه توأما روشن باشند. هرگاه وسیله نقلیه‌ای در حال ایستادن و یا توقف باشد و یا در راههایی غیر از شاهراه‌ها و راههای مذکور در بند ۴ ماده ۳۵ حرکت کند و شرایط روشنایی راه طوری باشد که تا فاصله دور به‌خوبی دیده شود و سایر رانندگان نیز بتوانند وسیله نقلیه را از فاصله کافی به بینند می‌توان از چراغهای جانبی به تنهایی استفاده نمود. ۲- وسیله نقلیه‌ای که دارای چراغهای مه مذکور در متمم شماره ۵ این کنوانسیون باشد بایستی از آن فقط در مواقع مه یا برف و یا باران شدید استفاده نماید. علی‌رغم مقررات بند ۱(ج) این ماده بایستی در چنین مواقع به جای چراغهای عبور از چراغهای مه استفاده نمود. در این قبیل موارد ممکن است مقررات داخلی استفاده از چراغهای مه و چراغهای عبور را توأما اجازه دهند. ۳- علی‌رغم مقررات بند ۲ این ماده مقررات داخلی می‌توانند استفاده از چراغهای مه را در راههای پیچها پیچ و کم عرض حتی در مواقعی که مه و یا برف و باران شدید هم وجود ندارد اجازه دهند. ۴- در این کنوانسیون هیچ چیز مانع از آن نیست که مقررات داخلی استفاده از چراغهای عبور را در مناطق مسکونی اجباری نماید. ۵- اخطار نوری (بصری) اشاره شد در بند ۲ ماده ۲۸ عبارتست از روشن کردن چراغهای عبور و یا چراغهای رانندگی به طور متناوب و در فاصله‌های کوتاه و یا روشن کردن چراغهای عبور و چراغهای رانندگی به طور متناوب یکی پس از دیگری در فاصله‌های کوتاه ماده سی و چهارم - استثنایات ۱- هرگاه یک وسیله امدادی (آمبولانس آتش‌نشانی و غیره با وسایل سمعی (آژیر) و یابصری (چراغ قرمز گردان و یا فلاش نزدیک شدن خود را اخطار نماید سایر رانندگان در راه بایستی برای عبور آن فضای کافی باقی گذارده و در صورت لزوم توقف نمایند. ۲- مقررات داخلی می‌توانند رانندگان وسایط نقلیه امدادی را هنگام حرکت و استفاده از وسایل اخطار مخصوص به خود و مشروط بر این که خطری برای سایر استفاده‌کنندگان از راه به‌وجود نیآورند از اجرای تمام و یا قسمتی از مقررات فصل ۲ به استثنای مقررات بند ۲ ماده ۶ معاف دارند. ۳- مقررات داخلی می‌توانند تعیین کنند افرادی که در ساختن تعمیر و یا نگهداری راه کار می‌کنند و رانندگان وسایل نقلیه مربوطه هنگام کار مشروط به اینکه احتیاطات لازم به عمل آورند تا چه حد از اجرای مقررات فصل ۲ این کنوانسیون آزاد باشد. ۴- به منظور سبقت یا عبور از وسایل نقلیه مذکور در بند ۳ این ماده که در راه مشغول به کار هستند رانندگان سایر وسایل نقلیه می‌توانند به شرط آن که احتیاطات لازم به عمل آورده باشند مواد ۱۱ و ۱۲ این کنوانسیون را رعایت نمایند.

فصل سوم - شرایط پذیرفتن وسایل نقلیه موتوری و یدک در عبور و مرور بین المللی (ماده ۳۵ تا ۴۰)

ماده سی و پنجم - ثبت وسایل نقلیه ۱- (الف) به منظور داشتن حق استفاده از مزایای این کنوانسیون وسایل نقلیه موتوری و یدک های متصل به آنها به استثنای یدک سبک بایستی توسط یکی از طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آنها به ثبت رسیده و راننده وسیله نقلیه موتوری گواهی ثبت آن را با توجه به این که مدت اعتبار آن منقض نشده باشد همراه داشته باشد. این گواهی توسط یکی از مقامات صلاحیتدار طرف متعاقد و یا واحدهای تابعه آنها یا توسط انجمنی که از طرف جانب طرف متعاقد و یا واحدهای تابعه آن دارای اختیار بوده صادر می‌گردد و بایستی حداقل دارای خصوصیات زیر باشد: - شماره ردیف که به آن شماره ثبت هم گفته می‌شود و ارقام ترکیبی آن بایستی طبق متمم شماره ۲ این کنوانسیون باشد. - تاریخ اولین ثبت وسیله نقلیه - نام کامل و آدرس دارنده گواهینامه در کشور ثبت کننده وسیله نقلیه - نام و مارک تجارتي سازنده وسیله نقلیه - شماره ردیف شاسی (شماره ساخت کارخانه و یا شماره ردیف - حداکثر وزن مجاز بارگیری در مورد وسایل نقلیه باری - مدت اعتبار گواهینامه چنانچه غیرمحدود نباشد. خصوصیات که در گواهینامه ثبت می‌شود بایستی یا به حروف لاتین و یا انگلیسی خطی بوده و یا به آن فرم تکرار شده باشد. (ب) به هر حال طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آنها می‌توانند تصمیم بگیرند که به‌عوض اولین تاریخ ثبت سال ساخت وسیله

نقلیه در گواهینامه صادره در قلمرو آنها وارد گردد. ۲- علیرغم مقررات بند ۱ این ماده وسایل نقلیه مفصلی که از هم جدا نشده باشند در ترافیک بین المللی حق استفاده از مزایای این کنوانسیون را خواهند داشت حتی اگر وسیله نقلیه موتوری و نیم تریلر متصل به آن توأماً دارای یک ثبت و یک گواهی ثبت باشند. ۳- این کنوانسیون به هیچ وجه مانع از آن نیست که طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آنها در ترافیک بین المللی از کسی که وسیله نقلیه‌ای در اختیار داشته و به نام او به ثبت نرسیده باشد مدرکی بخواهند حاکی از این که اجازه دارد وسیله نقلیه را در اختیار داشته باشد. ۴- توصیه می‌شود که طرفهای متعاقد، چنانچه قبلاً اقدامی نکرده باشند سازمانی تأسیس نمایند تا در سطح کشور یا ناحیه مسئول نگاهداری سوابق وسایل نقلیه‌ای که به سرویس گذارده می‌شوند بوده و نیز خصوصیات ثبت شده در گواهی ثبت کلیه وسایل نقلیه را به طور متمرکز نگهداری نمایند. ماده سی و ششم - شماره ثبت ۱- هر وسیله نقلیه موتوری بایستی در ترافیک بین المللی شماره ثبت خود را در جلو و عقب نصب نماید در هر حال موتور سیکلت‌ها بایستی شماره را فقط در عقب نصب نمایند. ۲- هر یدک که ثبت شده بایستی در ترافیک بین المللی شماره ثبت خود را در عقب نصب نماید هر گاه یک وسیله نقلیه موتوری دارای یک و یا چند یدک باشد یدک واحد و یا آخرین یدک در صورتی که به ثبت نرسیده باشد بایستی شماره ثبت وسیله نقلیه‌ای را که یدک را به دنبال دارد داشته باشد. ۳- ترکیبات شماره ثبت اشاره شده در این ماده و نحوه نصب آن بایستی بر طبق مقررات متمم شماره ۲ این کنوانسیون باشد. ماده سی و هفتم - علامت ممیزه کشور ثبت کننده وسیله نقلیه ۱- هر وسیله نقلیه موتوری بایستی در ترافیک بین المللی علاوه بر شماره ثبت علامت ممیزه کشور ثبت کننده را نیز در عقب وسیله نقلیه نصب نماید. ۲- هر یدک که به یک وسیله نقلیه موتوری متصل بوده و طبق ماده ۳۶ این کنوانسیون احتیاج به نصب شماره ثبت در عقب داشته باشد بایستی علاوه بر شماره ثبت علامت ممیزه کشور ثبت کننده را نیز نصب نماید حتی چنانچه یدک در کشوری غیر از کشور ثبت کننده وسیله نقلیه موتوری به ثبت رسیده باشد بایستی مقررات این بند را اجرا نماید. اگر یدک به ثبت نرسیده باشد بایستی علامت ممیزه کشوری که وسیله نقلیه موتوری را به ثبت رسانیده در عقب نصب نماید مگر وقتی که یدک در کشور مذکور مسافرت کند. ۳- جزییات علامت ممیزه مذکور در این ماده و نحوه نصب آن بایستی بر طبق مفاد متمم شماره ۳ این کنوانسیون باشد. ماده سی و هشتم - علامت شناسایی کلیه وسایل نقلیه موتوری و یدک‌ها بایستی در ترافیک بین المللی دارای علامت شناسایی مشروحه در ضمیمه شماره ۴ این کنوانسیون باشد. ماده سی و نهم - احتیاجات فنی کلیه وسایل نقلیه موتوری و یدک‌ها و وسایل نقلیه مرکب بایستی در ترافیک بین المللی مفاد متمم شماره ۵ این کنوانسیون را رعایت کرده و از لحاظ کار در شرایط مناسبی باشند. ماده چهلم - مقررات ترانزیت از تاریخ اجرای این کنوانسیون بر طبق بند ۱ ماده ۴۷ کلیه یدک‌ها با هر ظرفیتی که داشته باشند حق استفاده از مزایای این کنوانسیون در ترافیک بین المللی تا ده سال خواهند داشت حتی اگر به ثبت هم نرسیده باشند.

فصل چهارم - رانندگان وسایل نقلیه موتوری (ماده ۴۱ تا ۴۳)

ماده چهل و یکم - مدت اعتبار گواهینامه‌های رانندگی ۱- گواهینامه‌های رانندگی به شرح زیر مورد قبول طرفهای متعاقد خواهد بود: (الف هر گواهینامه داخلی که به زبان ملی و یا یکی از زبانهای ملی طرفهای متعاقد صادر شده باشد و اگر به چنین زبانی تنظیم نشده ترجمه گواهی شده آن را ضمیمه داشته باشد. (ب هر گواهینامه داخلی که بر طبق مفاد متمم شماره ۶ این کنوانسیون صادر شده باشد. (ج هر گواهینامه بین المللی که بر طبق مفاد متمم شماره ۷ این کنوانسیون صادر شده و در قلمرو دولت صادر کننده برای راندن وسیله نقلیه مذکور در گواهینامه معتبر باشد، مشروط بر این که مدت اعتبار گواهینامه منقضی نشده و نیز توسط یکی از طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آن و یا سازمانی که از طرف چنین طرف متعهدی دارای اختیار بوده صادر گردیده باشد.

مقررات این بند در مورد گواهینامه های آموزشی رانندگی به کار نخواهد رفت ۲- علیرغم مفاد بند قبلی این ماده (الف هرگاه اعتبار گواهینامه رانندگی به موجب ظهنویسی آن موکول به این باشد که دارنده آن بایستی وسایل مخصوصی (مثلا عینک داشته و یا وسیله نقلیه به علت عدم توانایی راننده بایستی مجهز به تجهیزات خاصی باشد، گواهینامه بدون رعایت شرایط مذکور معتبر نخواهد بود. (ب طرفهای متعاقد می توانند گواهینامه رانندگی اشخاصی را که کمتر از ۱۸ سال داشته باشند در قلمرو کشورشان معتبر ندانند. (ج طرفهای متعاقد می توانند گواهینامه های رانندگی افراد کمتر از ۲۱ سال را برای رانندگی وسایل نقلیه موتوری و یا وسایل نقلیه مرکب و یا وسایل نقلیه طبقات C و D و E مذکور در متمم های شماره ۶ و ۷ این کنوانسیون را، در قلمرو کشورشان معتبر ندانند. ۳- طرفهای متعاقد تعهد می نمایند که گواهینامه های رانندگی داخلی و بین المللی مذکور در بند ۱ (الف و (ب و (ج این ماده را بدون اطمینان از توانایی و سلامتی جسمانی راننده صادر نخواهند نمود. ۴- به منظور اجرای بند ۱ و قسمت ج بند ۲ این ماده (الف یک وسیله نقلیه موتوری طبقه (B) مذکور در متمم های شماره ۶ و ۷ این کنوانسیون را می توان به یک یدک سبک متصل نمود. همچنین ممکن است وسیله نقلیه مذکور را به یک یدکی که حداکثر وزن مجاز آن از ۷۵۰ کیلوگرم بیشتر بوده ولی از وزن بدون بار وسیله نقلیه موتوری تجاوز نماید متصل نموده و این فقط در موردی است که حداکثر وزن مجاز وسیله نقلیه مرکب در حال اتصال از ۳۵۰۰ کیلوگرم تجاوز ننماید. (ب یک وسیله نقلیه موتوری طبقه (C) و (D) مذکور در متمم های شماره ۶ و ۷ این کنوانسیون را می توان به یک یدک سبک متصل نموده بدون اینکه وسیله نقلیه مرکبی که در نتیجه اتصال این دو حاصل شده از طبقات (C) و (D) خارج شده باشد. ۵- گواهینامه بین المللی بایستی برای کسانی که دارای گواهینامه داخلی بوده و صادر و برای صدور آن حداقل شرایط مذکور در این کنوانسیون رعایت گردد. شماره گواهینامه داخلی بایستی در گواهینامه بین المللی ذکر گردیده و گواهینامه بین المللی پس از انقضای مدت گواهینامه داخلی مربوطه معتبر نخواهد بود. ۶- مقررات این ماده طرفهای متعاقد را ملزم نمی سازد که (الف اعتبار گواهینامه های بین المللی و یا داخلی صادره در سرزمین طرف متعاقد دیگر را برای افرادی که مسکن عادی آنها در تاریخ صدور گواهینامه در قلمرو کشورشان بوده و یا پس از صدور گواهینامه به آن کشور منتقل شده پذیرند. (ب و یا گواهینامه صادره برای افرادی که مسکن عادی آنها در تاریخ صدور در کشور صادرکننده نبوده و یا پس از صدور مسکن عادی آنها به کشور دیگری منتقل شده باشد، پذیرند. ماده چهل و دوم - تعلیق اعتبار گواهینامه رانندگی ۱- طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آنها می توانند از راننده ای که مقررات راهنمایی را در قلمرو کشورشان نقض نموده و مسئول شناخته شده به موجب مقررات داخلی بایستی گواهینامه او ضبط گردد حق استفاده از گواهینامه رانندگی بین المللی و یا داخلی را از او سلب نمایند در چنین موردی مقامات صلاحیتدار طرف متعاقد، و یا واحدهای تابعه آنها که حق استفاده از گواهینامه را سلب می کنند می توانند: (الف گواهینامه را ضبط و تا انقضای مدتی که حق استفاده از آن سلب شده و یا تا مادامی که دارنده گواهینامه قلمرو آن کشور را ترک کند (هر کدام زودتر باشد) نگهداری نمایند. (ب این مراتب را به مقام صادرکننده گواهینامه و یا مقامی که از طرف آن گواهینامه صادر شده ابلاغ نمایند. (ج و در مورد گواهینامه های بین المللی در محل مخصوصی که برای این منظور در گواهینامه پیش بینی شده ثبت نمایند که گواهینامه مزبور بیش از این در قلمرو کشورشان معتبر نخواهد بود. (د هرگاه اقدامات مذکور در بند (الف فوق را معمول ندارند ابلاغ اشاره شده در بند (ب فوق را تکمیل و از مقام صادرکننده و یا مقامی که گواهینامه از طرف او صادر شده تقاضا نمایند که تصمیم متخذه در مورد راننده را به او ابلاغ نمایند. ۲- طرفهای متعاقد باید کوشش کنند بر طبق اقدام مذکور در قسمت د بند ۱ این ماده تصمیمات متخذه را به شخص ذی ربط ابلاغ نمایند. ۳- این کنوانسیون به هیچ وجه مانع از این نیست که طرفهای متعاقد و یا واحدهای تابعه آنها از رانندگی کسی که دارای گواهینامه بین المللی و یا داخلی بوده ممانعت به عمل آورند مشروط بر اینکه ثابت شده باشد که راننده قادر به رانندگی بدون خطر نمی باشد و یا حق رانندگی در کشوری که مسکن عادی اوست از او سلب شده باشد. ماده چهل و سوم - مقررات انتقالی از تاریخ اجرای این

کنوانسیون بر طبق بند ۱ ماده ۴۷ تا پنجسال چنانچه گواهینامه بین المللی مطابق کنوانسیون عبور و مرور جاده مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۹ ژنو صادر شده باشد از نقطه نظر مواد ۴۱ و ۴۲ این کنوانسیون مانند گواهینامه های بین المللی مذکور در این کنوانسیون می باشد.

فصل پنجم - شرایط پذیرفتن دوچرخه و چرخ موتوری در عبور و مرور بین المللی (ماده ۴۴)

ماده چهل و چهارم ۱ - دوچرخه های بدون موتور در عبور و مرور بین المللی (الف مجهز به ترمز مناسبی باشد. (ب دارای زنگی باشد که از فاصله کافی شنیده شود و وسیله اخباری دیگری نداشته باشد. (ج یک رفلکتور قرمز و یک چراغ قرمز در عقب و یک چراغ سفید و یا زرد به طرف جلو داشته باشد. ۲ - در قلمرو طرفهای متعاهدی که طبق بند ۲ ماده ۵۴ این کنوانسیون دوچرخه گازی را مانند موتور سیکلت اعلام نداشته اند دوچرخه گازی بایستی (الف دارای دو ترمز مستقل باشد. (ب به یک زنگ و یا وسیله اخباری دیگری مجهز باشد که از فاصله دور شنیده شود. (ج به خفه کن مناسب برای آگزوست مجهز باشد. (د) یک چراغ سفید و یا زرد به طرف جلو و یک چراغ قرمز و یک رفلکتور قرمز به طرف عقب داشته باشد. (ه علامت شناسایی مذکور در متمم شماره ۴ این کنوانسیون را داشته باشد. ۳ - سرزمین طرفهای متعاهدی که طبق بند ۲ ماده ۵۴ این کنوانسیون دوچرخه گازی را مانند موتورسیکلت اعلام داشته اند شرایط پذیرفتن دوچرخه گازی در ترافیک بین المللی همانست که برای موتور سیکلت در متمم شماره ۵ این کنوانسیون ذکر شده

فصل ششم - مقررات نهایی (ماده ۴۵ تا ۵۵)

ماده چهل و پنجم ۱ - کنوانسیون حاضر تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۶۹ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک برای امضای تمام اعضای سازمان ملل و یا اعضای سازمانهای تخصصی وابسته به آن و آژانس بین المللی انرژی اتمی و طرفهای اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و یا هر دولت دیگری که توسط مجمع عمومی سازمان ملل برای عضویت در این کنوانسیون دعوت شده مفتوح خواهد بود. ۲ - کنوانسیون حاضر به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب نزد دبیر کل سازمان سپرده خواهد شد. ۳ - کنوانسیون حاضر برای الحاق دولی که در بند ۱ این ماده اشاره شده مفتوح خواهد ماند، و اسناد الحاق به دبیر کل سازمان ملل تسلیم خواهد شد. ۴ - هنگام تسلیم اسناد تصویب کنوانسیون حاضر و یا الحاق به آن هر دولتی باید علامت ممیزه خود را که طبق ضمیمه شماره ۳ این کنوانسیون وسایط نقلیه ثبت شده توسط آن دولت بایستی در ترافیک بین المللی نصب نماید دبیر کل سازمان ملل ابلاغ نمایند. با ابلاغ ثانوی به دبیر کل سازمان ملل هر دولتی می تواند علامت ممیزه قبلی خود را تغییر دهد. ماده چهل و ششم ۱ - هر دولتی می تواند هنگام امضاء و یا تصویب این کنوانسیون و یا الحاق به آن و یا متعاقبا از طریق ابلاغ به دبیر کل سازمان ملل اعلام دارد که این کنوانسیون در تمام سرزمین ها و یاسرزمینی که آن دولت مسئول روابط بین المللی آن می باشد لازم الاجرا خواهد بود. این کنوانسیون در سرزمین و یا سرزمینهای مذکور در ابلاغ ۳۰ روز پس از وصول ابلاغ توسط دبیر کل سازمان ملل و یا در تاریخی که این کنوانسیون به تصویب می رسد، هر کدام موخر باشد برای دولتی که ابلاغ را ارسال داشته لازم الاجرا خواهد شد. ۲ - هر دولتی که طبق بند ۱ این ماده اعلامیه ای صادر نموده باشد می تواند متعاقبا با ارسال ابلاغ به دبیر کل سازمان ملل اعلام دارد که اجرای این کنوانسیون بایستی در سرزمین مذکور در ابلاغ متوقف شود. در مورد چنین کشوری اجرای کنوانسیون یک سال پس از تاریخ وصول ابلاغ توسط دبیر کل سازمان ملل متوقف خواهد شد. ۳ - هر دولتی که طبق بند ۱ این ماده رفتار کرده باشد بایستی

علامت و یا علائم ممیزه خود را برای نصب (طبق شماره ۳ این کنوانسیون روی وسایل نقلیه ثبت شده در کشورش به دبیر کل سازمان ملل ابلاغ نماید. با ابلاغ مجدد به دبیر کل سازمان ملل می توان علامت و یا علائم ممیزه قبلی را تغییر داد. ماده چهل و هفتم

۱ - کنوانسیون حاضر ۱۲ ماه پس از تاریخ تودیع پانزدهمین سند تصویب و یا الحاق لازم الاجرا خواهد بود. ۲ - این کنوانسیون برای هر دولتی که آن را تصویب نموده و یا به آن ملحق شود ۱۲ ماه پس از تاریخ تودیع پانزدهمین سند تصویب و یا الحاق لازم الاجرا خواهد بود. ماده چهل و هشتم کنوانسیون حاضر به محض لازم الاجرا شدن در روابط بین طرفهای متعاقد کنوانسیون بین المللی (ترافیک موتوری و ترافیک راه را که در ۲۴ آوریل ۱۹۲۶ در پاریس به امضا رسیده و کنوانسیون مقررات ترافیک وسایل نقلیه بین کشورهای آمریکایی را که پانزدهم دسامبر ۱۹۴۳ برای امضا در واشنگتن مفتوح بوده و همچنین کنوانسیون ترافیک راه را که در ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۹ در ژنو برای امضا مفتوح است لغو کرده و جایگزین آنها می شود). ماده چهل و نهم ۱ - ظرف یک سال از تاریخ لازم الاجرا شدن کنوانسیون حاضر طرفهای متعاقد می توانند اصلاح یا اصلاحاتی را پیشنهاد نمایند. متن اصلاحات پیشنهادی بایستی همراه نامه مشروحی برای دبیر کل سازمان ملل که وظیفه دارد آن را به تمام طرفهای متعاقد ابلاغ نماید ارسال گردد. طرفهای متعاقد ظرف دوازده ماه از تاریخ ابلاغ بایستی به دبیر کل سازمان اطلاع دهند که (الف یا اصلاحیه را قبول نموده (ب یا اصلاحیه را رد کرده (ج و یا تقاضای تشکیل کنفرانس برای رسیدگی به اصلاحیه را دارند. دبیر کل سازمان ملل متن اصلاحات پیشنهادی را نیز برای سایر دولتهای موضوع بند ۱ ماده ۴۵ این کنوانسیون ارسال خواهد داشت ۲ - (الف چنانچه نسبت به هر یک از اصلاحات پیشنهادی که بر طبق بند فوق الذکر ابلاغ می شود ظرف دوازده ماه مهلت مقرر کمتر از یک سوم از طرفهای متعاقد آن را رد کرده و یا تقاضای تشکیل کنفرانس نموده باشند آن اصلاحیه قبول شده تلقی می شود. دبیر کل سازمان ملل بایستی رد و قبول و یا تشکیل کنفرانس در مورد هر یک از اصلاحات پیشنهادی را به طرفهای متعاقد اطلاع دهد اگر مجموع تقاضاهای تشکیل کنفرانس و یا رد اصلاحات پیشنهادی که ظرف دوازده ماه مقرر واصل می گردد کمتر از یک سوم تعداد طرفهای متعاقد باشد دبیر کل سازمان ملل به تمام کشورهای عضو اعلام خواهد نمود که آن اصلاحیه شش ماه پس از انقضای دوازده ماه اشاره شده در بند ۱ این ماده برای تمام طرفهای متعاقد به استثنای آنهایی که ظرف مدت مقرر آن را رد کرده و یا تقاضای تشکیل کنفرانس نموده اند لازم الاجرا خواهد بود. (ب هر یک از طرفهای متعاقد که ظرف ۱۲ ماه مقرر اصلاحیه پیشنهادی را رد کرده و یا تقاضای تشکیل کنفرانس برای رسیدگی به آن نموده باشد می تواند پس از انقضای مدت ۱۲ ماه مورد بحث در هر زمانی که بخواهد اصلاحیه را قبول نموده و قبولی خود را به دبیر کل سازمان ملل اطلاع دهد و دبیر کل سازمان ملل این قبولی را به سایر طرفهای متعاقد ابلاغ نمود اصلاحیه در مورد طرفهایی که قبولی خود را به ترتیب مذکور اطلاع داده اند شش ماه پس از وصول اطلاع توسط دبیر کل سازمان ملل لازم الاجرا خواهد بود. ۳ - اگر هر یک از اصلاحات پیشنهادی به ترتیبی که در بند ۲ این ماده گفته شده مورد قبول واقع نگردد و اگر ظرف مدت دوازده ماه مذکور در بند ۱ این ماده کمتر از نصف تعداد طرفهای متعاقد آن را رد کرده باشند و حداقل یک سوم از طرفهای متعاقد مشروط بر اینکه تعداد آنها ازده کمتر نباشد اصلاحیه را قبول نموده و یا تقاضای تشکیل کنفرانس کرده باشند دبیر کل سازمان بایستی به منظور رسیدگی به اصلاحیه پیشنهادی یا هر پیشنهاد دیگری که ممکن است بر طبق بند ۴ این ماده به او تسلیم شده باشد کنفرانس را تشکیل دهد. ۴ - اگر کنفرانسی طبق بند ۳ این ماده تشکیل شود دبیر کل سازمان ملل کلیه دولت های مذکور در بند ۱ ماده ۴۵ این کنوانسیون را برای شرکت در کنفرانس دعوت کرده و از آنها تقاضا خواهد کرد چنانچه علاوه بر اصلاحیه پیشنهادی پیشنهاد دیگری داشته و مایل باشند در کنفرانس مطرح گردد ظرف حداقل شش ماه قبل از تاریخ گشایش کنفرانس به او تسلیم دارند تا بتوانند این قبیل پیشنهادات را حداقل سه ماه قبل از گشایش کنفرانس برای دولت های دعوت شده ارسال دارد. ۵ - (الف هر یک از اصلاحات پیشنهادی چنانچه مورد قبول اکثریتی برابر دو سوم دولت های شرکت کننده در کنفرانس باشد قبول شده تلقی می شود مشروط بر اینکه اکثریت مذکور حداقل شامل دو سوم طرفهای متعاقد که در کنفرانس

شرکت نموده‌اند باشد. دبیرکل سازمان ملل اصلاحیه قبول شده را به کلیه طرفهای متعاقد ابلاغ می‌نماید و ۱۲ ماه پس از ابلاغ برای کلیه طرفهای متعاقد لازم الاجرا خواهد بود مگر آنهایی که ظرف این مدت نظر خود را مبنی بر رد اصلاحیه به دبیرکل سازمان ابلاغ نموده باشند. (ب هر یک از طرفهای متعاقد که اصلاحیه را ظرف ۱۲ ماه مقرر رد کرده باشد می‌تواند در هر زمانی که مایل باشد آن را قبول نموده و قبولی خود را به دبیرکل سازمان ملل اطلاع دهد و دبیرکل بایستی مراتب را به کلیه طرفهای متعاقد ابلاغ نماید. اصلاحیه پیشنهادی در مورد طرف متعاقدی که قبولی خود را به ترتیب مذکور اطلاع داده شش ماه پس از وصول اطلاع توسط دبیرکل سازمان و یا در انقضای مدت ۱۲ ماه اشاره شده هر کدام موخر باشد لازم الاجرا خواهد بود. ۶- اگر اصلاحیه پیشنهادی به ترتیب مذکور در بند ۲ این ماده قبول نشود و اگر شرایط مذکور در بند ۳ این ماده برای تشکیل کنفرانس تحقق نیابد اصلاحیه پیشنهادی مردود شناخته خواهد شد. ماده پنجاهم هریک از طرفهای متعاقد می‌تواند این کنوانسیون را با ابلاغ کتبی به عنوان دبیرکل سازمان ملل لغو نماید و این لغو یک سال پس از تاریخ وصول ابلاغ توسط دبیرکل سازمان ملل نافذ خواهد بود. ماده پنجاه و یکم هرگاه تعداد طرفهای متعاقد در دوازده ماه متوالی کمتر از پنج کشور باشد اجرای این کنوانسیون متوقف خواهد شد. ماده پنجاه و دوم هرگونه اختلاف ناشی از تفسیر، اجرای مفاد این کنوانسیون بین دو و یا چند طرف متعاقد را که با مذاکره و یا از طرف دیگری فیصله نیافته باشد می‌توان به تقاضای یکی از طرفین برای اخذ تصمیم به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع نمود. ماده پنجاه و سوم مفاد این کنوانسیون مانع از آن نخواهد بود که طرفهای متعاقد برای امنیت داخلی و یا خارجی خود چنانچه لازم بدانند اقداماتی تا حدود ضرورت و برابر با مقررات منشور ملل متحد معمول دارند. ماده پنجاه و چهارم ۱- هر دولتی هنگام امضا یا تودیع اسناد تصویب این کنوانسیون و یا الحاق به آن می‌تواند اعلام دارد که مقید به قبول ماده ۵۲ آن نمی‌باشد. سایر طرفهای متعاقد در مورد طرف متعاقدی که چنین اعلامی نموده مقید به قبول ماده ۵۲ نخواهند بود. ۲- هر دولتی هنگام تودیع اسناد تصویب این کنوانسیون و یا الحاق به آن می‌تواند با ارسال ابلاغی به عنوان دبیرکل سازمان ملل اعلام دارد که از نظر این کنوانسیون دوچرخه‌گازی را مانند موتور سیکلت به حساب می‌آورد با ارسال ابلاغ مجدد به عنوان دبیرکل سازمان ملل هر دولتی می‌تواند در هر زمانی که بخواهد اعلام خود را پس بگیرد. (ماده ۱ سند ژ) ۳- اعلامیه مذکور در بند ۲ این ماده شش ماه پس از وصول توسط دبیرکل سازمان ملل و یادر تاریخی که این کنوانسیون برای کشور صادرکننده اعلامیه لازم الاجرا می‌شود (هرکدام موخر باشد) قابل اجرا خواهد بود. ۴- اگر در علامت میزهای که طبق بند ۴ ماده ۴۵ و بند ۳ ماده ۴۶ این کنوانسیون تغییراتی داده شود تغییرات مزبور پس از سه ماه از تاریخ وصول ابلاغ توسط دبیرکل سازمان ملل معتبر خواهد شد. ۵- علاوه بر استثنایی که در بند ۱ این ماده ذکر شده استثنائات دیگری نسبت به این کنوانسیون و متمم‌های آن اجازه داده خواهد شد. مشروط بر اینکه کتبا اعلام گردیده باشد و اگر قبل از تودیع اسناد تصویب این کنوانسیون یا الحاق به آن در نظر گرفته شده بایستی در مدارک اشاره شده تایید گردد. دبیرکل سازمان ملل بایستی این استثنایات را به تمام دولتهای ذکر شده در بند ۱ ماده ۴۵ این کنوانسیون اطلاع دهد. ۶- هر طرف متعاقدی که استثنایی را کتبا تنظیم کرده و یا اعلامیه مذکور در بندهای ۱ و ۴ این ماده را تهیه و ارسال داشته باشد می‌تواند هر زمانی که بخواهد با ارسال ابلاغ مجدد به عنوان دبیرکل سازمان ملل آن را پس بگیرد. ۷- استثنایی که طبق بند ۵ این ماده ابلاغ شده باشد: (الف مقررات این کنوانسیون را تا آنجا که به استثناء ارتباط دارد برای طرف متعاقدی که استثناء قابل شده اصلاح می‌نماید. (ب مقررات این کنوانسیون را تا آنجا که به استثناء ارتباط دارد برای سایر طرفهای متعاقد در روابطشان با طرف متعاقدی که استثناء را قابل شده اصلاح می‌نماید. ماده پنجاه و پنجم علاوه بر اعلامیه‌ها و ابلاغیه‌ها و مکاتبات مذکور در مواد ۴۹ و ۵۴ این کنوانسیون دبیرکل سازمان ملل بایستی موارد زیر را نیز به تمام دولتهای اشاره شده در بند ۱ ماده ۴۵ ابلاغ نماید. (الف امضا و تصویب و الحاق‌های مذکور در ماده ۴۵ (ب ابلاغیه‌ها و اعلامیه‌های مذکور در بند ۴ ماده ۴۵ و ماده ۴۶ (ج تاریخ لازم الاجرا شدن این کنوانسیون طبق ماده ۴۷ (د) تاریخ لازم الاجرا شدن اصلاحات انجام یافته طبق بند ۲ و ۵ ماده ۴۹ (ه اعلامیه‌های الغاء

مذکور در ماده ۵۰ (و) فسخ این کنوانسیون طبق ماده ۵۱ ماده پنجاه و ششم اصل این کنوانسیون که به زبانهای چینی انگلیسی فرانسه روسی و اسپانیایی در یک نسخه تهیه شده و متساویا معتبر می‌باشند نزد دبیرکل سازمان ملل تودیع شده و دبیرکل نسخ گواهی شده را برای تمام دولتهایی که در بند ۱ ماده ۴۵ ذکر شده ارسال خواهد داشت بنابراین نمایندگان مختاری که از دولت متبوع خود دارای اختیار تام بودند این کنوانسیون را امضا نمودند. وین هشتم نوامبر هزار و نهصد و شصت و هشت

قانون کیفر بزه های مربوط راه آهن - مصوب ۳۱/۱/۱۳۲۰ با اصلاحات بعدی

ماده ۱- هرکس خاک ریز، خاک بر، پل، تونل، دیوار، سد، امنیه، بالاست، تراورس، ریل، پیچ و مهره ریل، اتصالی ریل، علائم خطر، تیرهای تلفن و تلگراف و سیم های آن و وسایل نقلیه راه آهن را خراب کند و به طور کلی عملی نماید که موجب خروج قطار از خط یا تصادم یا حادثه مهم دیگری شود به حبس جنایی درجه یک از پنج تا پانزده سال محکوم می‌شود و اگر در نتیجه حادثه یک یا چند نفر کشته شود مرتکب محکوم به اعدام خواهد شد. هرگاه عمل منتهی به یکی از حادثه های مذکور نگردد در غیر مورد خرابی پل، تونل و سد مرتکب به دو تا هفت سال حبس جنایی درجه دو و در مورد پل و تونل و سد از ۴ سال تا ده سال حبس جنایی درجه یک محکوم می‌شود. ماده ۲- هرکس در غیر مورد مذکور در ماده یک در متعلقات راه آهن عملی نماید که بیم خروج قطار از خط یا تصادم یا حادثه مهم دیگر برود مرتکب به حبس جنایی درجه دو از دو تا پنج سال محکوم می‌شود و هرگاه عمل مذکور برای حرکت قطار فقط ایجاد مانعی نماید و به طور کلی اسباب اختلال حرکت قطار را فراهم کند مرتکب به حبس جنحه ای تا دو سال محکوم می‌شود. ماده ۳- هرگاه بزه های مذکور در ماده یک و دو در اثر توطئه و تبانی دو نفر یا بیشتر انجام یابد یک ثلث از کیفری که قطع نظر از تبانی برای مرتکب افزوده خواهد شد جز در مورد اعدام که مرتکب به همان کیفر محکوم می‌شود. ماده ۴- هرگاه برای ارتکاب بزه های مذکوره در ماده یک جمعیتی از سه تن به بالا- تشکیل شود تشکیل دهندگان و محرکین فقط برای همین عمل به حبس جنحه ای از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شوند. کسی که عضو این جمعیت شده باشد فقط برای همین عمل به حبس جنحه ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. هرگاه از جمعیت مزبور دست کم سه تن مسلح باشند محرکین و تشکیل دهندگان هر یک به حبس جنایی درجه یک از سه سال تا پنج سال محکوم می‌شوند و کسی که عضو این جمعیت شده باشد به دو سال تا سه سال حبس جنایی درجه دو محکوم می‌گردد. ماده ۵- هر یک از شرکت کنندگان که جمعیت مذکور در مواد فوق را منحل یا موجبات انحلال آن را فراهم سازد یا از جز توطئه کنندگان یا عضو جمعیت خارج شوند یا از وقوع بزه یا توطئه با تشکیل جمعیت برای ارتکاب بزه مانع شوند یا وجود جمعیت و تصمیمات آن را به مأ مورین دولت افشا کنند از کیفر معاف خواهد بود مشروط بر اینکه پیش از تعقیب و پیش از وقوع بزه که جمعیت برای ارتکاب آن تشکیل شده اقدامات مزبور به عمل آمده باشد. ماده ۶- هرکس اعمال مذکور در مواد ۱ و ۲ را از روی بی‌مبالا-تی یا غفلت انجام دهد در مواردی که کیفر بزه عمدی اعدام یا حبس جنایی درجه یک است به حبس جنحه ای از یک سال تا سه سال و به تادیه غرامت از دو سیست تا ده هزار ریال محکوم می‌شود در مواردی که برای بزه عمدی حبس جنایی درجه دو مقرر شده کیفر مرتکب حبس جنحه ای از سه ماه تا دو سال و تادیه غرامت از صد تا هزار ریال می‌باشد. ماده ۷- هرکس وسایل نقلیه راه آهن را ضایع یا خراب کند به طوری که از خاصیت بهره برداری بیاندازد در صورتی که وسایط نقلیه از قبیل لکوموتیو یا اتوموتوریس باشد به حبس جنایی درجه دو از دو تا پنج سال محکوم می‌شود و در مورد سایر وسایط نقلیه راه آهن کیفر مرتکب حبس جنحه ای از شش ماه تا سه سال خواهد بود مگر اینکه عمل مشمول عنوان شدیدتری باشد که در آن صورت مرتکب به کیفر همان بزه محکوم می‌گردد. ماده ۸- مسافری که بدون جهت علامات موجود در واگون ها را از قبیل ترمز خطر و غیره بکار برد و قطار بایستند به تادیه غرامت دو سیست تا پانصد ریال ملزم خواهد شد. ماده ۹- مسافری که به تجهیزات واگون از قبیل چراغ- توری های پنجره- شیشه- پرده-

جایگاه - جامه دان زینانی وارد آورد به پرداخت خسارت طبق تعرفه راه آهن مصوب وزارت راه ملزم خواهد شد برای خسارتی که قابل پیش‌بینی در تعرفه نبوده با رعایت اینکه مقدار خسارت از یکصد ریال تجاوز نکند طبق تشخیص اداره راه آهن ملزم خواهد شد در صورتی که عمل مشمول عناوین کیفری باشد به کیفر مقرر برای عمل نیز در مراجع صالحه محکوم می‌شود. ماده ۱۰ - وجوه مذکور در ماده ۸ به تشخیص رییس قطار وجوه مذکور در ماده ۹ مطابق تعرفه یا تشخیص راه آهن به حسب مورد در مقابل قبض رسمی اداری دریافت می‌گردد. در صورتی که واردکننده خسارت اعتراضی داشته باشد می‌تواند پس از پرداخت وجه تا مدت شش ماه به یکی از دادگاه‌های شهرستان خط سیر مراجعه نماید. هرگاه واردکننده خسارت از پرداخت این وجوه امتناع نماید چنانچه مالی همراه داشته باشد رییس قطار حق دارد به میزان خسارت مورد مطالبه از مال او بازداشت نموده و طبق آیین نامه مصوب وزارت راه - وزارت دادگستری خسارت راه آهن را از آن استیفا نماید نسبت به بازداشت مال نیز واردکننده خسارت از تاریخ بازداشت آن به شرح بالا حق شکایت خواهد داشت هرگاه دارایی ممتنع کفایت خسارت وارده را ندهد یا دارایی نداشته باشد و نتواند تضمین کافی بدهد چنانچه راه آهن مقتضی بداند می‌تواند صورت مجلس تنظیم و با خود او تحت مراقبت مأمورین به نزدیک ترین دادگاه مقصد ممتنع بفرستد - دادگاه به این قبیل موارد خارج از نوبت رسیدگی خواهد کرد. ماده ۱۱ - حمل مواد زود اشتعال و قابل احتراق و انفجار بدون اطلاع اداره راه آهن ممنوع است و مسافری که بدون اطلاع راه آهن مواد مزبور را در جامه دان ها و اثاثیه خود در واگنها حمل کند یا آنها را به قسمت حمل و نقل اثاثیه (توشه بسپارد و همچنین هرکس بدون استحضار راه آهن مواد مزبور را برای حمل به وسیله واگنهای باری تحویل نماید محکوم به تادیه غرامت از دویست تا هزار ریال خواهد گردید در صورتی که عمل مزبور منجر به حریق یا حادثه دیگری گردد که جرم شدیدتری شناخته شده باشد مرتکب به کیفر آن بزه محکوم خواهد شد. ماده ۱۲ - هرگاه کسی باعث تضییع یا تلف مالی بشود که برای حمل به راه آهن سپرده شده است در قبال بنگاه راه آهن مسئول خساراتی است که از این جهت به راه آهن وارد شده باشد. ماده ۱۳ - هرکس در حریم راه آهن بدون اجازه کتبی بنگاه راه آهن ساختمان یا حفاریات و به طور کلی هر دخل و تصرفی نماید علاوه بر اجبار به اعاده محل به صورت اولیه محکوم به تادیه غرامت از ۵۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد. آنچه پیش از اجرای این قانون داخل در حریم بوده در صورتی که راه آهن اجازه ابقا آن را ندهد مالک آن ملزم است که آن را از حریم راه آهن بردارد و اگر امتناع نماید راه آهن آن را برخواهد داشت و یا در صورت موافقت راه آهن به بهای عادلانه به راه آهن واگذار می‌شود حریم راه آهن عبارت از ۱۷ متر فاصله به هر یک از دو طرف محور خط می‌باشد. ماده ۱۴ - نگاهداری و چراندن دام در حریم راه آهن ممنوع است و راه آهن مسئول خسارت وارده که از تلف آنها حاصل می‌شود نخواهد بود. اگر از این راه خساراتی به راه آهن وارد شود مالکین دامها در قبال راه آهن مسئول خواهند بود. ماده ۱۵ - تا مسافت کمتر از پنجاه متر از خط آهن ساختن بناهایی که دارای سقف پوشالی باشد و خرمن نمودن کاه و علف و انبار نمودن مواد زود احتراق و زود اشتعال ممنوع است و متخلفین به تادیه غرامت از دویست تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۱۶ - هر یک از کارمندان راه آهن که متصدی راندن یا وظیفه دار تشکیل یا حرکت قطار می‌باشند لکوموتیو - واگن - در زین یا هر گونه وسایط نقلیه را که می‌داند معیوب است و در صورت سیر موجب مخاطره خواهند شد به راه اندازد و یا به مناسبت وظیفه مانع تشکیل قطار و حرکت آن نشود به حبس جنحه ای از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود همین کیفر درباره کارمندانی که از معیوب بودن وسایل نقلیه مطلع و بر حسب وظیفه مکلف به آگاه ساختن مقامات مربوطه بوده و آن مقامات را مسبوق نساخته‌اند اعمال می‌گردد. ماده ۱۷ - رییس قطار - راننده - ترمزبانان - سوزن بانان که بر خلاف مقررات در موقع حرکت قطار تا رسیدن آن به مقصد یا در موقع حرکت و ورود قطار به ایستگاه محل خدمت خود را ترک و یا وظیفه خود را انجام ندهند به حبس جنحه ای از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند. ماده ۱۸ - متصدیان حفظ ساختمان و بناهای مربوطه به راه آهن با آلات فنی آن که مسئول نگاهداری خط و نظارت ساختمانها و به طور کلی مأمور حفظ اموال راه آهن اعم از فنی و غیرفنی می‌باشند اگر

وظیفه خود را ترک کنند محکوم به حبس جنحه ای از یک ماه تا شش ماه خواهند شد. هرگاه بزه‌های مذکور در این ماده و دو ماده پیش منتهی به تصادم یا خروج قطار از خط و یا حادثه مهم دیگری بشود مرتکب به دو تا سه سال حبس جنایی درجه دو محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه حادثه کسی کشته شود به حبس جنایی درجه یک از سه سال تا ده سال محکوم می‌گردد. در مورد این ماده و ماده ۱۷ در قسمتی که کیفر مرتکب حبس جنحه‌ای مقرر شده است تعقیب بزه منوط بدرخواست بنگاه راه آهن می‌باشد. ماده ۱۹- اگر مأمورین راه آهن از امر مافوق خود که برای احتراز از خطر و حادثه راه آهن صادر شده تخلف کنند به حبس جنحه‌ای از یک ماه تا شش ماه محکوم خواهند شد و چنانچه این تخلف منجر به حادثه راه آهن شود مرتکب به دو تا سه سال حبس جنایی درجه دو محکوم می‌شود و اگر در نتیجه حادثه کسی کشته شود کیفر مرتکب حبس جنایی درجه یک است از سه تا ده سال ماده ۲۰- هرگاه کارمند راه آهن از ساختمانها - تجهیزات - کارخانجات تاسیسات ثابت و وسایط نقلیه و غیر آن نقشه - عکس یا اطلاعاتی که جنحه سری دارند و افشا آن بر خلاف مصالح راه آهن و یا مصالح عمومی کشور باشد به کسی بدهد یا کسی را برای بدست آوردن چنین اسناد و مدارک کمک نماید در صورتی که عمل بزه شدیدتری نباشد به حبس جنایی درجه دو، دو تا پنج سال محکوم می‌شود. ماده ۲۱- چنانچه کارکنان لکوموتیو اعم از راننده یا آتشکار و همچنین سایر کارمندان راه آهن که مسئول تامین آمد و شد قطار هستند در غیر مورد مذکور در ماده ۶ مرتکب بی‌مبالاتی یا غفلت بشوند که منجر به زیان دولت بشود علاوه بر جبران خسارت به حبس جنحه ای از یک ماه تا یک سال محکوم می‌شوند. تبصره - تعقیب متهم در دادگستری موکول به شکایت راه آهن خواهد بود. ماده ۲۲- کدخدایان و دهبانانی که به امر مقامات مربوطه مواظبت قسمتی از راه آهن به عهده آنها واگذار شده هرگاه در انجام مأموریت خود بی‌مبالاتی و یا غفلتی بنمایند که موجب شود کسی به راه آهن خرابی وارد نماید به سه ماه تا سه سال حبس جنحه ای محکوم می‌شوند. ماده ۲۳- هرگاه اعمال مذکور در این قانون منتهی به نتایج قابل کیفری گردد که در این قانون پیش بینی نشده است مقررات سایر قوانین کیفری مجری خواهد بود. ماده ۲۴- وزارت راه می‌تواند ضمن آیین نامه که به موجب ماده ۴ قانون سازمان بنگاه راه آهن دولتی ایران مصوب ۱۲ مرداد ۱۳۱۴ اختیار تنظیم آن داده شده از نظر انتظام و انضباط کارهای راه آهن برای تخلف کارمندان راه آهن از مقررات یا دستورهای روسای مافوق در موارد لزوم از یک روز تا بیست روز حبس انضباطی پیش بینی نموده و آن آیین نامه را پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذارد طرز رسیدگی و مرجع شایسته نیز در آیین نامه مذکور معین خواهد شد.

آیین نامه راهنمایی و رانندگی مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۹/۷/۷۳

فصل اول - تعاریف (ماده ۱)

ماده ۱- اصطلاحات و کلماتی که در این آیین نامه به کار برده شده، دارای معانی زیر است ۱- وسیله نقلیه غیرموتوری وسیله نقلیه زمینی که نیروی محرکه آن از موتور نباشد. ۲- وسیله نقلیه موتوری وسیله نقلیه زمینی که نیروی محرکه آن به وسیله موتور تامین می‌شود. ۳- وسیله نقلیه برقی وسیله نقلیه زمینی که نیروی محرکه آن به وسیله موتور برقی تامین می‌شود. ۴- وسیله نقلیه ریلی وسیله نقلیه زمینی که بر روی ریل حرکت کند. ۵- یدک وسیله نقلیه‌ای که توسط وسیله نقلیه دیگر که دارای نیروی محرکه و سیستم فرمان و هدایت است، کشیده می‌شود. ۶- شبه یدک یدکی که قسمتی از وزن آن روی کشنده قرار دارد. ۷- راننده شخصی که وسیله نقلیه را هدایت می‌کند. ۸- عابر پیاده شخصی که بدون استفاده از وسیله نقلیه در راه حرکت کند. ۹- مسافر: شخصی که به منظور جابجایی از نقطه‌ای به نقطه دیگر از انواع وسایل نقلیه استفاده می‌کند. ۱۰- سواری وسیله نقلیه موتوری زمینی دارای چهار

چرخ که برای جابجایی حداکثر شش مسافر (با راننده ساخته شده باشد. ۱۱- استیشن نوعی سواری که ظرفیت آن با راننده حداقل ۷ نفر و حداکثر ۹ نفر باشد. ۱۲- مینی بوس وسیله نقلیه موتوری زمینی مسافربری که ظرفیت آن با راننده حداقل ۱۰ نفر و حداکثر ۲۱ نفر باشد. ۱۳- اتوبوس وسیله نقلیه موتوری زمینی مسافربری که ظرفیت آن با راننده حداقل ۲۲ نفر باشد. ۱۴- اتوبوس چند کابینه اتوبوسی که چند کابین را به صورت شبه یدک می کشد. ۱۵- سرویس مدارس وسیله نقلیه موتوری زمینی که با دارا بودن علائم مشخصه برای رفت و آمد دانش آموزان مدارس اختصاص می یابد. ۱۶- وسیله نقلیه آموزشی وسیله نقلیه موتوری زمینی که برای تعلیم رانندگی اختصاص داده شود و دارای دو کلاچ و دو ترمز و دو آینه باشد. ۱۷- وسیله نقلیه امدادی وسیله نقلیه موتوری زمینی مخصوص خدمات انتظامی، آتش نشانی، بهداشتی، درمانی و تعمیرات اضطراری برق، گاز و آب و سایر موارد با کسب مجوز قبلی ۱۸- موتور سیکلت وسیله نقلیه زمینی که دارای دو یا سه چرخ با اطاقک پهلو (ساید کار) یا بدون آن و مجهز به یک موتور محرکه باشد. ۱۹- دوچرخه وسیله نقلیه زمینی که لااقل دارای دو چرخ باشد و منحصر با نیروی عضلانی شخصی که سوار آن است، به وسیله پدال یا اهرمهای دستی حرکت نماید. ۲۰- خانه سیار (کاروان: وسیله نقلیه غیرموتوری که برای سکونت و یا استفاده به عنوان محل کار استفاده شده و عرض آن از ۵/۲ متر و طول آن از ۱۱ متر بیشتر نباشد. ۲۱- آمبولانس وسیله نقلیه موتوری با تجهیزات امدادی درمانی که برای جابجایی بیمار و یا مصدوم ساخته شده است ۲۲- ماشین آتش نشانی وسیله نقلیه موتوری زمینی با علائم و تجهیزات و رنگ ویژه که برای امداد و نجات و اطفای حریق ساخته شده است ۲۳- وزن مجاز: مجموع وزن وسیله نقلیه و بار آن ۲۴- وسیله نقلیه باربری وسیله نقلیه موتوری زمینی که برای حمل بار ساخته شده و کابین راننده از قسمت بار به وسیله دیواره ای مقاوم مجزا باشد. ۲۵- وانت وسیله نقلیه باربری با حداکثر ظرفیت بارگیری ۲ تن ۲۶- کامیونت وسیله نقلیه باربری با ظرفیت بارگیری بین ۲ تن الی ۵/۳ تن ۲۷- کامیون وسیله نقلیه باربری با ظرفیت بارگیری بین ۵/۳ تن الی ۱۶ تن ۲۸- کامیون اطاقدار: کامیونی که حداکثر ارتفاع دیواره مقاوم اطاق بار آن از کف اطاق ۵/۱ متر باشد. ۲۹- کامیون لبه دار: کامیونی که حداکثر ارتفاع دیواره مقاوم اطاق بار آن از کف اطاق ۸۰ سانتی متر باشد. ۳۰- کامیون تیغه دار: کامیونی که قسمت بار آن به وسیله تیغه ای طولی به دو نیمه مساوی مجزا شده باشد. ۳۱- کامیون کفی کامیونی که قسمت بار آن فاقد دیواره باشد. ۳۲- کامیون مسقف کامیونی که قسمت بار آن به صورت محفظه فلزی سرپوشیده ساخته شده است ۳۳- کامیون یخچالدار: کامیون مسقف که قسمت بار آن دارای تجهیزات برودتی باشد. ۳۴- کامیون تانکر: کامیونی که قسمت بار آن به صورت مخزن بسته و برای حمل انواع مایعات ساخته شده است ۳۵- کامیون بونکر: کامیونی است که قسمت بار آن به صورت مخزن بسته و برای حمل انواع مایعات ساخته شده است ۳۶- کامیون میکسر: کامیونی که قسمت بار آن به صورت مخزن بسته و دارای دستگاه مخلوط کن باشد. ۳۷- کامیون کمپرسی کامیون اطاقداری که تخلیه بار آن به وسیله دستگاه کمپرس انجام می شود. ۳۸- وسیله نقلیه جرثقیل دار: وسیله نقلیه باربری که قسمت بار آن مجهز به دستگاه جرثقیل باشد. ۳۹- تراکتور بارکش وسیله نقلیه موتوری زمینی که برای کشیدن یدک بارکش ساخته شده است ۴۰- تراکتور کشاورزی وسیله نقلیه موتوری زمینی که برای کارهای کشاورزی ساخته شده است ۴۱- کشنده وسیله نقلیه موتوری زمینی که انواع یدک و شبه یدک بارگیر به آن متصل و با نیروی آن کشیده می شود. ۴۲- تریلر: وسیله نقلیه باربری با ظرفیت بارگیری ۲۴ تن که از مجمع کشنده و شبه یدک تشکیل شده باشد. ۴۳- راه کلیه معابری که برای عبور و مرور اختصاص یابد. ۴۴- سواره رو: قسمتی از سطح راه که برای تردد یا توقف وسایل نقلیه اختصاص یابد. ۴۵- پیاده رو: قسمتی از سطح راه در امتداد سواره رو که برای عبور عابرین پیاده مجزا شده باشد. ۴۶- گذرگاه عبور عابر پیاده قسمتی از عرض سواره رو که به وسیله علائم مخصوص برای عبور عابرین پیاده مشخص شده باشد. ۴۷- کوچه راهی در مناطق مسکونی که حداکثر عرض آن ۶ متر باشد. ۴۸- خیابان راهی در مناطق مسکونی که عرض آن بیش از ۶ متر باشد. ۴۹- جاده راهی است در خارج از محدود شهرها. ۵۰- خیابان اصلی خیابانی که در برخورد با خیابان دیگر عریض تر باشد یا با نصب علائم راهنمایی، اصلی تلقی شود. ۵۱- خیابان

فرعی خیابانی که در برخورد با خیابان دیگر کم‌عرض تر باشد یا با نصب علائم راهنمایی، فرعی تلقی شود. ۵۲- جاده اصلی جاده‌ای که در برخورد با جاده دیگر عریض تر باشد یا با نصب علائم راهنمایی، اصلی تلقی شود. ۵۳- جاده فرعی جاده‌ای که در برخورد با جاده دیگر کم‌عرض تر باشد یا با نصب علائم راهنمایی، فرعی تلقی شود. ۵۴- بزرگراه راهی که مسیر رفت و برگشت آن از یکدیگر مجزا و در هر سمت حرکت حداقل دارای دو خط عبور باشد. ۵۵- اتوبان (شاهراه): راهی بدون تقاطع هم سطح که اطراف آن محصور و مسیر رفت و برگشت آن از یکدیگر مجزا و در هر سمت حرکت حداقل دارای دو خط عبور و شانه با عرض سه متر یا بیشتر باشد. ۵۶- پارکومتر: دستگاهی که به کارگیری آن در زمان معین به وسایل نقلیه اجازه توقف می‌دهد.

فصل دوم - شماره‌گذاری و نقل انتقال مالکیت (ماده ۲ تا ۱۶)

ماده ۲- هر وسیله نقلیه موتوری زمینی و یدک و شبه یدک متصل که بر اساس مقررات مناطق آزاد وارده شده و در منطقه به کار گرفته می‌شود، باید دارای پلاک مخصوصی باشد که در منطقه مربوط ارائه می‌شود. رانندگی و یا به کارگیری وسیله نقلیه‌ای که شماره‌گذاری نشده و یا شماره آن غیرمجاز است همچنین گذاردن این قبیل وسایل نقلیه در اختیار اشخاص دیگر ممنوع است، مگر آنکه قبلاً از راهنمایی و رانندگی منطقه مربوط دریافت شده باشد. ماده ۳- مالکین وسایل نقلیه مذکور در ماده ۲ یا نماینده قانونی آنان موظفند جهت شماره‌گذاری و اخذ پلاک و برگ تایید مالکیت وسیله نقلیه خود به راهنمایی و رانندگی مربوط مراجعه و فرمهای مخصوص را تنظیم و امضا نمایند و به ضمیمه مدارک مورد نیاز تسلیم کنند. مأمورین راهنمایی و رانندگی منطقه از حرکت اتومبیلهایی که در موعد مقرر شماره‌گذاری نشده‌اند جلوگیری به عمل خواهند آورد. ماده ۴- پلاک صرفاً به اشخاص حقیقی و یا حقوقی مالک وسایل نقلیه تعلق می‌گیرد و کلیه مسئولیتهای ناشی از استفاده غیرمجاز از آن نیز به عهده آنان می‌باشد. ماده ۵- نقل و انتقال مالکیت وسیله نقلیه و اطلاعات مورد نیاز به وسیله متصدی شماره‌گذاری در برگ تایید مالکیت اتومبیل ثبت می‌شود. ماده ۶- فروشنده مکلف است در هنگام فروش وسیله نقلیه خود، پلاک و فرم مخصوص تنظیم شده را جهت استفاده مجدد خود به واحد شماره‌گذاری تحویل دهد. ماده ۷- در صورت نقل و انتقال مالکیت وسیله نقلیه خریدار موظف است بلافاصله پس از خریداری برابر مفاد ماده ۲ نسبت به شماره‌گذاری وسیله نقلیه و اخذ پلاک جدید و برگ تایید مالکیت به نام خود اقدام نماید. ماده ۸- اشخاصی که وسایل نقلیه آنان در خارج از محدوده مناطق آزاد شماره‌گذاری شده، می‌توانند برابر دستورالعملی که از طرف سازمان اعلام می‌شود، برای وسیله نقلیه خود مطابق مفاد این آیین نامه پلاک اخذ نمایند، پلاک قبلی این قبیل وسایل نقلیه مادام که در منطقه به کار گرفته می‌شوند در سازمان منطقه نگهداری می‌شود و اطلاعات آنها به نیروی انتظامی منتقل می‌گردد. ماده ۹- سازمان منطقه در موارد زیر می‌تواند از انجام شماره‌گذاری خودداری نماید: ۱- در صورتی که وسیله نقلیه معیوب بوده، یا به جهات فنی به کارگیری آن در منطقه خطرناک باشد. ۲- چنانچه اصالت وسیله نقلیه احراز نشود. ۳- هرگاه حقوق و عوارضی که به موجب مقررات سازمان منطقه به وسیله نقلیه تعلق می‌گیرد، پرداخت نشده باشد. ۴- چنانچه وسیله نقلیه دارای علائم و تجهیزات پیش‌بینی شده در این آیین نامه نباشد. ۵- هرگاه بیش از پنج سال از زمان ساخت وسیله نقلیه گذشته باشد، مگر با اجازه سازمان منطقه ۶- موتورسیکلت‌هایی که موتور آنها دو زمانه باشد. ماده ۱۰- شماره‌گذاری وسیله نقلیه از طریق تحویل پلاک و برگ تایید مالکیت به مالک وسیله نقلیه و یا نماینده قانونی وی انجام خواهد شد. انواع پلاکها و ابعاد و رنگهای آنها برای وسایل نقلیه مختلف همچنین مدارک مورد نیاز برای شماره‌گذاری و چگونگی ارائه سرویسهای مربوط به شماره‌گذاری به وسیله دستورالعملی که با هماهنگی سازمان مربوط و راهنمایی و رانندگی تهیه خواهد شد تعیین می‌شود. ماده ۱۱- راهنمایی و رانندگی پس از شماره‌گذاری وسیله نقلیه سندی که حاوی اطلاعات مربوط به مشخصات وسیله نقلیه و نقل و انتقالات مالکیت آن و مشخصات

خریدار و فروشنده باشد، صادر و در اختیار مالک یا نماینده قانونی وی می‌گذارد. ماده ۱۲ - هرگاه برگ مالکیت یا پلاک وسیله نقلیه مفقود یا ضایع شود، مالک وسیله نقلیه موظف است حداکثر ظرف ۴۸ ساعت شخصا یا به وسیله نماینده قانونی خود جهت اخذالمثنی برگ تایید مالکیت و یا پلاک جدید به واحد شماره‌گذاری مراجعه و برابر دستورالعمل مربوط اقدام کند. ماده ۱۳ - راهنمایی و رانندگی می‌تواند به سازندگان و فروشندگان و حمل‌کنندگان و واردکنندگان و صادرکنندگان وسایل نقلیه فقط جهت عرضه نمودن و یا حمل و نقل آنها از محلی به محل دیگر بدون انجام تشریفات شماره‌گذاری پلاک موقت با مدت اعتبار تعیین شده تحویل دهد. ماده ۱۴ - اشخاصی که به عنوان وسیله نقلیه تحت مالکیت خود پلاک اخذ نموده‌اند، صرفاً مجاز به استفاده از آن روی همان وسیله نقلیه خواهند بود. ماده ۱۵ - وسیله نقلیه با پلاک ترانزیت که از طریق مبادی ورودی، وارد مناطق آزاد می‌شود، چنانچه راننده یا مالک آن تمایل به استفاده از وسیله را داشته باشد، پس از انجام تشریفات لازم از طریق سازمان، برای مدت زمان معین پلاک موقت دریافت می‌نماید. ماده ۱۶ - وسیله نقلیه‌ای که در مناطق آزاد شماره‌گذاری شده پس از تشریفات گمرکی به مدت مربوط به ورود اتومبیل‌های خارجی مجوز تردد موقت سایر نقاط کشور دریافت خواهد کرد. تبصره - وسایل نقلیه شماره‌گذاری شده در منطقه آزاد چابهار می‌توانند تا شعاع ۳۰ کیلومتری از مرز منطقه آزاد تردد نمایند (محور چابهار - ایرانشهر تا پلیس راه سازمان منطقه با هماهنگی گمرک و نیروی انتظامی نحوه اجرای صحیح این تبصره را تدوین خواهند نمود).

فصل سوم - گواهینامه رانندگی (ماده ۱۷ تا ۱۸)

ماده ۱۷ - هرکس بخواهد با هر نوع وسیله نقلیه موتوری در محدوده مناطق آزاد رانندگی نماید باید دارای گواهینامه معتبر رانندگی مربوط به آن وسیله باشد. ماده ۱۸ - گواهینامه‌های رانندگی معتبر عبارتند از: ۱ - گواهینامه‌های صادر شده در داخل کشور. ۲ - گواهینامه‌های خارجی معتبر مورد تایید مناطق آزاد.

فصل چهارم - معاینه وسایل نقلیه (ماده ۱۹ تا ۳۲)

ماده ۱۹ - کلیه وسایل نقلیه موتوری باید دارای برگ معتبر معاینه فنی (تایید صحت فنی که به وسیله راهنمایی و رانندگی هر منطقه آزاد صادر می‌شود باشند. رانندگان وسایل نقلیه موتوری فاقد برگ معتبر معاینه فنی ممنوع است برگ معاینه فنی باید همواره در دسترس و قابل ارائه باشد. مدت اعتبار برگ معاینه فنی را راهنمایی و رانندگی معین می‌نماید. ماده ۲۰ - هرگاه در وسیله نقلیه عیب و نقص فنی بروز نماید و یا از وضعیت استاندارد خارج شود و یا تردد و به کارگیری آن خطرناک و ناامن تشخیص داده شود، راهنمایی و رانندگی هر منطقه ضمن اخذ برگ معاینه فنی، وسیله نقلیه را به تعمیرگاه هدایت می‌کند و تا زمانی که صحت فنی وسیله نقلیه تایید نشده باشد تردد و به کارگیری آن مجاز نخواهد بود. ماده ۲۱ - راهنمایی و رانندگی هر منطقه می‌تواند موارد معاینه فنی و استانداردهای هر قسمت را مشخص و اعلام نماید. ماده ۲۲ - چنانچه سازمان هر یک از مناطق آزاد برای ایمنی تردد و یا جلوگیری از آلودگی محیط زیست نصب تجهیزاتی را بر روی وسایل نقلیه ضروری اعلام نماید همگان موظف به رعایت آن می‌باشند. ماده ۲۳ - راهنمایی و رانندگی هر منطقه بر حسب ضرورت می‌تواند صدور برگ معاینه فنی را برای مدت یکسال به اشخاص حقیقی و یا حقوقی واگذار نماید و تمدید آن برای دوره‌های یکساله بلامانع است ماده ۲۴ - برگ و برچسب معاینه فنی در مرکز مجاز معاینه فنی وسایل نقلیه که برای بازدید صحت قسمتهای مختلف وسیله نقلیه و رعایت مقررات و استانداردهای مربوط به آن آماده شده به وسیله بازدیدکننده فنی صادر می‌شود. بازدیدکننده فنی شخصی است که تمام مقررات و استانداردهای معاینه

فنی را می‌داند. ماده ۲۵- در موارد زیر راهنمایی و رانندگی هر منطقه می‌تواند از صدور مجوز انجام معاینه فنی برای تعمیرگاهها و یا اشخاص خودداری کرده و یا مجوز صادره را باطل نماید: ۱- در صورتی که مسئول مرکز معاینه و یا بازدیدکننده فنی دارای سابقه محکومیت کیفری موثر باشد. ۲- در صورتی که مرکز معاینه فنی در وضعیت و شرایط استاندارد نباشد. ۳- در صورتی که مرکز معاینه فنی بدون رعایت ضوابط، برگ معاینه صادر نموده باشد. ۴- در صورتی که بازدیدکننده فنی بدون بازدید از وسیله نقلیه برگ معاینه فنی صادر کرده باشد. ماده ۲۶- مجوز صدور برگ معاینه فنی وسایل نقلیه قابل انتقال به دیگران نیست ماده ۲۷- برای هر مرکز مجاز معاینه فنی و بازدیدکننده فنی از طرف راهنمایی و رانندگی هر منطقه معرفی نامه صادر خواهد شد. ماده ۲۸- مراکز مجاز معاینه فنی به وسیله یک تابلو مخصوص مشخص می‌شوند که در هنگام ابطال مجوز باید آن را دعوت دهند. ماده ۲۹- بازرسان راهنمایی و رانندگی هر منطقه در هر زمان می‌توانند از نحوه عمل مراکز معاینه فنی و دفاتر و مدارک مربوط بازدید به عمل آورند و مسئولین مراکز ملزم به همکاری می‌باشند. ماده ۳۰- به وسیله مناطق آزاد برای بازدید فنی (بازدید به وسیله نیروی انتظامی انجام می‌شود) و صدور برگ معاینه فنی و برچسب، مبلغی (طبق آیین نامه اجرایی اخذ عوارض در مناطق تجاری - صنعتی به عنوان تعرفه تعیین می‌شود که هنگام مراجعه باید پرداخت شود. ماده ۳۱- مشخصات دستگاههای لازم برای بازدید فنی از سوی راهنمایی و رانندگی هر منطقه تعیین و اعلام می‌شود و مراکز معاینه فنی باید دستگاههای مذکور را در مدت زمان تعیین شده تهیه و مورد استفاده قرار دهند. ماده ۳۲- هر مرکز مجاز معاینه فنی باید دفتری را به منظور ثبت مشخصات وسایل نقلیه مورد بازدید اختصاص دهد.

فصل پنجم - تصادفات (ماده ۳۳ تا ۴۲)

ماده ۳۳- راننده هر وسیله نقلیه که مرتکب تصادف منجر به جرح یا فوت شود، موظف است صحنه تصادف را حفظ کرده و مراتب را در اسرع وقت به راهنمایی و رانندگی منطقه اطلاع دهد و مادام که تشریفات مربوط به رسیدگی به تصادف وسیله کارشناسان خاتمه نیافته از تغییر وضعیت صحنه تصادف خودداری کند، لیکن در تصادفات منجر به خسارت چنانچه وسیله نقلیه قابل حرکت باشد راننده ملزم است آن را در نزدیکترین محلی که موجب سد معبر نشود برای رسیدگی و بازدید متوقف سازد. تبصره - چنانچه راننده وسیله نقلیه مراتب وقوع تصادف را اطلاع ندهد، مالک و وسیله نقلیه و سایر سرنشینان موظف به دادن اطلاع می‌باشند. ماده ۳۴- رسیدگی به کلیه تصادفات رانندگی در مناطق آزاد به وسیله کارشناسان راهنمایی و رانندگی هر منطقه که برای این منظور آموزش دیده‌اند، با تنظیم فرمهای مربوط انجام پذیرفته و به مراجع صلاحیتدار ارسال می‌شود. ماده ۳۵- رانندگان و سرنشینان وسیله نقلیه‌ای که تصادف نموده‌اند در صورت وقوع جرح موظفند کمکهای مورد نیاز را به مجروحین نموده نسبت به اعزام آنان به مراکز درمانی اقدام نمایند. ماده ۳۶- چنانچه رانندگان و سرنشینان وسیله نقلیه‌ای که تصادف نموده قادر به رساندن مصدومین به مراکز درمانی نباشند سایر افراد حاضر به شرط داشتن توانایی موظفند ضمن انجام کمکهای لازم در صورت نیاز، مصدومین را به مراکز درمانی منتقل کنند. در این گونه موارد مأمورین فقط اجازه دارند مشخصات کمک دهنده را ثبت نمایند. ماده ۳۷- مراکز درمانی در هر صورت ملزم به پذیرش مصدومین ناشی از تصادفات و انجام اقدامات لازم در این زمینه می‌باشند. ماده ۳۸- مراکز درمانی و پزشکان ملزم به تکمیل فرم گزارش رجوع مصدومین تصادفات و شرح اقدامات انجام شده برای هر یک از آنان و ارسال به راهنمایی و رانندگی منطقه می‌باشند. ماده ۳۹- چنانچه در هنگام معالجه مصدومین یا سایر بیماران مشخص شود رانندگی آنان در آینده سبب خطر برای خود و سایرین خواهد شد پزشک معالج باید مراتب را به راهنمایی و رانندگی منطقه اطلاع دهد. ماده ۴۰- راننده هر وسیله نقلیه‌ای که با وسایل نقلیه در حال توقف، حیوانات، علائم راهنمایی، چراغ برق، درخت و سایر اجسام تصادف

نماید، باید مراتب را به راهنمایی و رانندگی منطقه اطلاع دهد. ماده ۴۱ - تعمیر گاهها و توقف گاهها موظفند ظرف ۲۴ ساعت پس از رویت وسیله نقلیه‌ای که آثار تصادف و برخورد در آن وجود دارد مراتب را به راهنمایی و رانندگی منطقه اطلاع دهند. ماده ۴۲ - راهنمایی و رانندگی هر منطقه می‌تواند به منظور کاهش میزان تصادفات، رانندگان مقصر را تحت آموزش مجدد قرار دهند.

فصل ششم - تجهیزات (ماده ۴۳ تا ۶۹)

ماده ۴۳ - اشخاص حق ندارند هیچ نوع وسیله نقلیه‌ای را که فاقد لوازم و تجهیزات مذکور در این فصل، یا دارای لوازم و تجهیزات مخالف مقررات باشد، در راهها برانند یا برای رانندگی در اختیار دیگری بگذارند. ماده ۴۴ - کلیه وسایل نقلیه موتوری دارای چهار چرخ یا بیشتر، حداقل باید دارای چراغ‌هایی به شرح زیر باشند: ۱ - دو چراغ با نور سفید در طرفین جلو که نور آنها قابل تبدیل به سمت بالا و پایین باشد، به نحوی که به وسیله نور بالا اشخاص و یا اشیا از فاصله ۱۵۰ متری و به وسیله نور پایین از فاصله ۳۵ متری تشخیص داده شوند. ۲ - دو چراغ کوچک با نور زرد یا سفید برای تشخیص عرض وسیله نقلیه در منتهی الیه طرفین جلو، نور این چراغها باید از فاصله ۱۵۰ متری دیده شود. ۳ - دو چراغ با نور قرمز جهت تشخیص عرض وسیله نقلیه در منتهی الیه طرفین عقب، نور این چراغها باید از فاصله ۱۵۰ متری دیده شود. ۴ - دو چراغ کوچک با نور قرمز برای ترمز در طرفین عقب که به محض گرفتن ترمز روشن شود، نور این چراغها باید از فاصله ۱۵۰ متری دیده شود. ۵ - یک چراغ به رنگ سفید برای روشن نمودن پلاک عقب ۶ - یک چراغ کوچک به رنگ زرد یا سفید در عقب که فقط هنگام استفاده از دنده عقب روشن شود. ۷ - دو نور تاب قرمز در طرفین عقب ماده ۴۵ - موتورسیکلت باید حداقل یک چراغ و حداکثر دو چراغ با نور سفید در جلو که تا فاصله ۱۵۰ متری را روشن نماید و یک چراغ قرمز با شیشه نور تاب قابل رویت از فاصله ۱۵۰ متری در عقب و دو آئینه روی فرمان داشته باشد. ماده ۴۶ - هر دو چرخه باید یک چراغ با نور سفید در جلو که تا مسافت ۱۵۰ متری را روشن نماید و یک چراغ قرمز و نور تاب قابل رویت از فاصله ۲۰ متری در عقب و یک زنگ یا بوق که صدای آن از فاصله ۳۰ متری شنیده شود، داشته باشد. ماده ۴۷ - هیچ وسیله نقلیه موتوری نباید بیش از چهار چراغ نور سفید و زرد در جلو داشته باشد که نوری بیش از ۳۰۰ شمع تولید کنند و نور هر چراغ عقب نیز نباید از ۳ شمع کمتر باشد. ماده ۴۸ - وسایل نقلیه موتوری سنگین که حداقل ۲۰۵ سانتی متر عرض و حداقل ۹ متر طول داشته باشند می‌توانند علاوه بر چراغ‌های مذکور در ماده ۴۵ دو چراغ با نور زرد در جلو و سه چراغ با نور قرمز در عقب داشته باشند. استفاده از این چراغها تنها در راههای فاقد روشنایی مجاز است ماده ۴۹ - وسایل نقلیه موتوری با طول ۶ متر یا بیشتر باید در هر پهلو حداقل چهار چراغ کوچک با نور زرد یا قرمز یا به همین تعداد نورتاب داشته باشند. ماده ۵۰ - کلیه وسایل نقلیه موتوری باید دارای حداقل چهار چراغ چشمک زن با نور زرد باشند که دو چراغ در طرفین جلو و دو چراغ در طرفین عقب به عنوان راهنما کار کنند. ماده ۵۱ - وسایل نقلیه راهنمایی و رانندگی، آمبولانس، نیروی انتظامی و آتش‌نشانی باید دو چراغ قرمز گردان در مرتفع‌ترین نقطه خود داشته و مجهز به آژیر و بلندگو باشند. سایر وسایل نقلیه امدادی فقط از یک چراغ زرد و آژیر استفاده می‌نمایند. سرویس مدارس باید یک چراغ گردان زرد و آژیر در مرتفع‌ترین نقطه خود داشته باشد. ماده ۵۲ - در مواردی که به کارگیری چراغهای الکتریکی، با ایمنی محموله وسایل نقلیه، مغایرت داشته باشد، باید از چراغهای ایمنی و نورتاب استفاده شود. ماده ۵۳ - هر وسیله نقلیه موتوری دارای چهار چرخ یا بیشتر باید، حداقل دارای دو سیستم جداگانه ترمز باشد که یک سیستم برای متوقف ساختن وسیله نقلیه و سیستم دیگر برای نگهداشتن وسیله نقلیه در حالت توقف به کار گرفته شود. ماده ۵۴ - هر دو چرخه موتوردار و موتورسیکلت باید دارای دو سیستم ترمز باشد که یکی بر روی چرخ جلو و دیگری بر روی چرخ عقب اثر نماید. ماده ۵۵ - هر دو چرخه باید حداقل دارای یک سیستم ترمز باشد که بر روی چرخ عقب یا هر دو چرخ اثر نماید. ماده ۵۶ - یدک‌ها و شبه یدک‌هایی که ظرفیت آنها از

۱۴۰۰ کیلوگرم بیشتر است باید دارای سیستم ترمز باشند. نحوه ساختمان این سیستم ترمز باید به صورتی باشد که در صورت قطع ناگهانی اتصال ترمز خودبخود گرفته شود و یدک یا شبه یدک را متوقف سازد. ماده ۵۷- هر وسیله نقلیه موتوری چهارچرخ یا بیشتر باید حداقل دارای یک آینه مخصوص در داخل اتاق و یک آینه مخصوص در بیرون اتاق سمت راننده باشد. به نحوی که عبور وسایل نقلیه از پشت سر و پهلو برای راننده قابل رویت باشد. ماده ۵۸- کلیه وسایل نقلیه موتوری دارای شش چرخ یا بیشتر باید در پشت تمام چرخ‌های گل‌پخش کن باشند. ماده ۵۹- هر وسیله نقلیه موتوری دارای شیشه جلو باید مجهز به دستگاهی برای پاک کردن باران، برف و رطوبت شیشه باشد که به طور خودکار یا به دلخواه راننده کار کند. ماده ۶۰- تمام شیشه‌های وسایل نقلیه موتوری باید از نوع ایمنی باشد. ماده ۶۱- نصب شیشه‌های رنگی که دید راننده را بسیار محدود کند یا استفاده از اسپری‌هایی که این محدودیت را ایجاد نماید ممنوع است ماده ۶۲- نصب شیشه‌هایی که نور را کاملاً منعکس نماید (با استفاده از اسپری یا عامل دیگر) روی وسایل نقلیه ممنوع است ماده ۶۳- کلیه وسایل نقلیه موتوری باید دارای منبع آگزوز باشند که مانع از ایجاد صدای ناهنجار شود. مستقیم کردن خروجی آگزوز ممنوع است ماده ۶۴- تمام صندلی‌های وسایل نقلیه موتوری باید مجهز به کمربند ایمنی باشند. ماده ۶۵- راننده و ترک‌نشین موتورسیکلت باید از کلاه ایمنی استفاده نمایند. ماده ۶۶- کلیه وسایل نقلیه موتوری باید یک مثلث نورتاب قابل رویت از فاصله ۱۵۰متری همراه داشته باشد. اتوبوسها، کامیونها و تریلی‌ها باید حداقل دارای دو مثلث نورتاب باشند. ماده ۶۷- کلیه وسایل نقلیه مسافربری باید دارای جعبه کمک‌های اولیه و کپسول آتش نشانی مناسب باشند. ماده ۶۸- وسایل نقلیه موتوری که راهنمایی و رانندگی اعلام نماید باید مجهز به دستگاه سرعت نگار باشند. ماده ۶۹- عاج لاستیک چرخهای وسایل نقلیه در ساییده ترین قسمت نباید کمتر از ۲ میلی‌متر باشد.

فصل هفتم - مقررات حمل و نقل بار و مسافر (ماده ۷۰ تا ۸۴)

ماده ۷۰- حمل مسافر و بار بیش از ظرفیت مجاز وسیله نقلیه ممنوع است ماده ۷۱- نصب باربند و حمل بار روی سقف اتوبوس و مینی بوس ممنوع است ماده ۷۲- حمل هرگونه مواد محترقه و آتش‌زا و سریع‌الاشتعال توسط وسایل نقلیه مسافربری ممنوع است ماده ۷۳- وسایل نقلیه مسافری به تناسب فصل باید دارای تجهیزات گرم‌کننده و سردکننده باشند. ماده ۷۴- رانندگان وسایل نقلیه مسافربری مکلفند در ساعات شب و با تاریک شدن هوا چراغ داخل وسیله نقلیه را روشن نگهدارند. ماده ۷۵- اتوبوسها و سرویس‌های مدارس ملزم به داشتن یک نفر خدمه می‌باشند. ماده ۷۶- رانندگان وسایل نقلیه باربری موظفند در هنگام بارگیری با استفاده از وسایل مناسب بار وسیله نقلیه خود را کاملاً مهار نمایند و در صورت لزوم به وسیله پوشش آن را محفوظ نمایند هرگاه محموله یا قسمتی از آن سقوط کند راننده مسئول است ماده ۷۷- طول و عرض بار وسایل نقلیه باربری نباید از اتاق بار آن بیرون باشد. ماده ۷۸- راننده یا مالک وسیله نقلیه باربری مسئول خسارت وارده به راه در اثر حمل بار غیرمجاز می‌باشد. ماده ۷۹- توزین وسایل نقلیه باربری در مکانهایی که باسکول نصب گردیده انجام می‌شود رانندگان وسایل نقلیه باربری موظفند وسایل نقلیه خود را در جهت توزین به روی باسکول هدایت کنند. ماده ۸۰- هرگاه در موقع توزین معلوم شود که بیش از وزن مجاز بارگیری شده، بار اضافی تخلیه می‌شود. مسئولیت انبار کردن و حفظ بار اضافی به عهده راننده یا مالک وسیله نقلیه می‌باشد. ماده ۸۱- مناطق آزاد می‌توانند جهت حمل محمولاتی که قابل تجزیه و تفکیک نبوده بیش از ظرفیت یا بزرگتر از حجم معین است، پروانه مخصوص که حاوی مشخصات و ظرفیت وسیله نقلیه حمل‌کننده و وزن و ابعاد بار و مسیر و تعداد دفعات رفت و برگشت یا مدت حمل مستمراست صادر کنند. این پروانه باید تا پایان مدت اعتبار آن نزد راننده موجود باشد و هنگام مراجعه مأمورین راهنمایی و رانندگی ارائه شود. ماده ۸۲- حمل مایعات باید به وسیله تانکر انجام شود و حمل مایعات در مخازن نیمه‌خالی ممنوع است ماده ۸۳

- حمل مواد محترقه و آتش‌زا فقط با وسایل نقلیه مخصوص مجاز است ماده ۸۴- طول و عرض وسایل نقلیه باربری همان است که برطبق مشخصات کاتالوگ کارخانه سازنده تعیین شده ولی ظرفیت آن به وسیله شماره گذاری تعیین می‌شود.

فصل هشتم - مقررات مختلف (ماده ۸۵ تا ۱۳۱)

ماده ۸۵- عابرین پیاده هنگام حرکت در طول راههایی که پیاده‌رو دارد حق ندارند از سواره‌رو عبور کنند. ماده ۸۶- در راههایی که پیاده‌رو وجود ندارد و یا در صورت وجود به جهاتی قابل استفاده نباشد عابرین پیاده موظفند هنگام حرکت در طول سواره‌رو از منتهی‌الیه سمت چپ خود به نحوی عبور نمایند که حرکت وسایل نقلیه مقابل در خلاف جهت ایشان انجام گیرد. ماده ۸۷- عابرین پیاده موظفند برای گذشتن از عرض راه حتماً از گذرگاه عابر پیاده عبور نمایند. ماده ۸۸- در تقاطع‌های فاقد گذرگاه عابر پیاده هم سطح، عابرین پیاده موظفند هنگام عبور از گذرگاه عابر پیاده از چراغ راهنمایی نیز متابعت نمایند. ماده ۸۹- عابرین پیاده برای عبور از عرض راه مکلفند به طور ناگهانی از پیاده‌رو داخل سواره‌رو نشده ضمن توجه به مسیر عبور وسایل نقلیه با احتیاط از کوتاهترین مسیر از عرض راه عبور نمایند. ماده ۹۰- اشخاصی که به هر عنوان بر روی راهها کار می‌کنند قبل از شروع به کار باید علائم ایمنی عبور و مرور را در محل و به لباسهای کارگران و وسایل نقلیه خود نصب نمایند. در غیراین صورت مأمورین موظف به جلوگیری از فعالیت آنان می‌باشند. ماده ۹۱- به غیر از مأموران راهنمایی و رانندگی هیچ کس حق ندارد برای هدایت و حفاظت وسایل نقلیه در سواره‌رو و خیابان بایستد یا قدم بزند. ماده ۹۲- اشخاصی که به وسیله چرخ معلولین (ویلچر) حرکت می‌کنند و یا کودکانی که به وسیله کالسکه حمل می‌شوند در حکم عابر پیاده می‌باشند. ماده ۹۳- رانندگان وسایل نقلیه در حال حرکت موظفند برای جلوگیری از تصادف فاصله مناسبی را نسبت به وسیله نقلیه جلویی خود حفظ نمایند. در راههایی که سرعت مجاز بیش از ۶۰ کیلومتر در ساعت است فاصله مجاز بین وسایل نقلیه یک متر به ازای هر کیلومتر سرعت می‌باشد. ماده ۹۴- وسایل نقلیه موتوری با طول بیش از ۱۲ متر موقع عبور در راههای غیرمسکونی باید فاصله بیشتری با وسایل نقلیه جلویی خود داشته باشند به نحوی که وسیله نقلیه دیگری که از آنها سبقت می‌گیرد بتواند پس از سبقت مجدداً در جلوی آنها وارد مسیر اولیه شود. ماده ۹۵- وسایل نقلیه‌ای که به صورت کاروان و دسته جمعی در راهی عبور می‌کنند نیز مشمول ماده ۹۲ می‌باشند. ماده ۹۶- حرکت با دنده خلاصی در سرازیری‌ها ممنوع است ماده ۹۷- امتناع از قبول مسافر و همچنین نرساندن مسافر به مقصد برای وسایل نقلیه مسافربری عمومی در حال سرویس ممنوع است ماده ۹۸- رانندگان هنگام رانندگی حق صحبت یا استعمال دخانیات و یا خوردن و آشامیدن را نداشته و باید صرفاً به هدایت وسیله توجه داشته باشند. ماده ۹۹- اشخاصی که مواد مخدر یا مشروبات الکلی و یا داروهای آرام‌بخش و خواب‌آور مصرف نمایند تا رفع کامل آثار آن حق رانندگی ندارند. ماده ۱۰۰- وسایل نقلیه امدادی جهت انجام ماموریت فوری در صورت به کار بردن چراغ گردان مخصوص یا آژیر تا حدودی که موجب تصادف نشوند مجاز به انجام اعمال زیرمی‌باشند: ۱- توقف در محل ممنوعه ۲- تجاوز از سرعت مجاز. ۳- سبقت از سمت راست وسیله نقلیه دیگر. ۴- عبور از طرف چپ راه ۵- دور زدن در نقاط ممنوعه ۶- گذشتن از چراغ قرمز یا عدم رعایت علائم دیگر ایست، مشروط به اینکه از سرعت وسیله نقلیه در این گونه محل‌ها تا حد امکان کاسته شود. ماده ۱۰۱- وسایل نقلیه امدادی که مجاز به داشتن آژیر می‌باشند فقط در مواقعی که برای انجام ماموریت فوری در حرکتند باید از آنها استفاده نمایند. ماده ۱۰۲- اتومبیل‌های مدارس فقط در مواقع سوار و پیاده کردن دانش‌آموزان حق استفاده از علائم مخصوص را دارند. ماده ۱۰۳- رانندگان وسیله نقلیه‌ای که بیش از ظرفیت مجاز بار یا مسافر گرفته باشند ممنوع است ماده ۱۰۴- رانندگان وسایل نقلیه در پیاده‌رو یا از وسط دستجات ممنوع است ماده ۱۰۵- سوار شدن یا سوار کردن اشخاص در قسمت خارجی وسیله نقلیه ممنوع است ماده ۱۰۶- سوار شدن یا سوار کردن اشخاص در قسمت بار و یا روی بار وسایل

نقلیه باربری ممنوع است ماده ۱۰۷ - درب‌های هر وسیله نقلیه در حال حرکت باید کاملاً بسته باشد و باز کردن آنها قبل از توقف کامل مجاز نیست ماده ۱۰۸ - چنانچه درب وسیله نقلیه به گونه‌ای باز شود که برای عابرین یا وسایل نقلیه دیگر خطر به وجود آورد سرنشین یا راننده مسئول خواهد بود. ماده ۱۰۹ - رانندگان وسایل نقلیه هنگام عبور از معابر و گذرگاه‌های تنگ یا پرجمعیت و یادر مواردی که بیشتر از ۵۰ متر مقابل آنها مرئی نیست مکلفند آهسته حرکت کنند و در صورت احتمال حادثه یا اختلال نظم و مزاحمت بر حسب مورد وسیله نقلیه را کند و یا آن را متوقف سازند. ماده ۱۱۰ - هیچ کس حق ندارد وسیله نقلیه‌ای که متعلق به او نیست یا برای رانندگی در اختیار او گذاشته نشده را بدون اجازه کسی که آن را در اختیار دارد از محل خود حرکت دهد یا با آن رانندگی کند مگر مأموران انتظامی آن هم در حدود مقررات و وظایف قانونی ماده ۱۱۱ - هیچ کس نمی‌تواند به شخص فاقد گواهینامه رانندگی لازم اجازه رانندگی با وسیله نقلیه خود را بدهد. ماده ۱۱۲ - هنگامی که وسیله نقلیه بخواهد از تقاطع بدون راه بند راه آهن بگذرد، راننده باید در پنج متری تقاطع توقف کند درب وسیله نقلیه را باز کرده و به صدای احتمالی عبور قطار گوش کند، چنانچه از عدم عبور قطار مطمئن شد وسیله نقلیه را در دنده قرار داده، بدون عوض کردن دنده از تقاطع عبور کند. ماده ۱۱۳ - چنانچه مأموران راهنما در محل تقاطع راه آهن حضور داشته باشند عبور وسایل نقلیه از تقاطع باید با فرمان آنان انجام گیرد. ماده ۱۱۴ - مأموران مسئول راه مکلفند از عبور و مرور در راههایی که به واسطه خرابی یا علل دیگر خطرناک می‌باشند تا تعمیر و دفع علل خطر جلوگیری به عمل آورند یا از حرکت برخی از انواع وسایل نقلیه و یا از وسایل نقلیه‌ای که مجهز به وسایل لازم نیستند ممانعت به عمل آورند. ماده ۱۱۵ - حمل جنازه باید با وسایل نقلیه مخصوص انجام گیرد مگر با اجازه راهنمایی و رانندگی ماده ۱۱۶ - هیچ کس حق ندارد در حالی که سوار بر دوچرخه باشد به وسایل نقلیه در حال حرکت تکیه نماید و آنها را وسیله حرکت خود قرار دهد. ماده ۱۱۷ - تکیه نمودن و آویزان شدن اشخاص به وسایل نقلیه ممنوع است ماده ۱۱۸ - هیچ کس حق ندارد در حالی که سوار بر کفش‌های چرخدار یا اتومبیل‌های اسباب‌بازی یا چرخ‌های بلبرینگ باشد در سواره‌رو حرکت کند. ماده ۱۱۹ - هیچ کس حق ندارد بر روی سواره‌رو زباله یا شیشه یا قطعات فلزی و مایعات لزج بریزد و به طور کلی هر چیزی که باعث سد راه و یا ایجاد خطر و انحراف وسایل نقلیه از مسیر حرکت باشد ممنوع است ماده ۱۲۰ - هر راننده باید از علائم راهنمایی و رانندگی اطاعت نماید. ماده ۱۲۱ - راهنمایی و رانندگی می‌تواند استفاده از لوازم یا تجهیزات مشخصی را برای رانندگان یا وسیله نقلیه ممنوع سازد. ماده ۱۲۲ - راهنمایی و رانندگی می‌تواند با هماهنگی سازمان منطقه آزاد شکل ظاهری و رنگ و نوار رنگی و تجهیزات هر نوع وسیله نقلیه را بسته به نوع استفاده از آن تعیین و اعلام نماید. ماده ۱۲۳ - در وسایل نقلیه باربری اطاق خواب جزو اطاق راننده محسوب می‌شود. ماده ۱۲۴ - موتور سیکلت‌ها نباید از نیم ساعت قبل از غروب تا نیم ساعت پس از طلوع آفتاب در راههایی که حداکثر سرعت مجاز در آنها بیش از ۸۰ کیلومتر در ساعت است حرکت نمایند. ماده ۱۲۵ - راهنمایی و رانندگی می‌تواند در صورتی که به سلامت جسمی یا روحی دارنده گواهینامه برای کنترل وی بر وسیله نقلیه، تردید کند وی را به مراجع پزشکی ذی صلاح معتمد جهت آزمایش و ارسال نتیجه، معرفی نماید. ماده ۱۲۶ - هیچ کس حق ندارد به علائم راهنمایی و رانندگی صدمه بزند. ماده ۱۲۷ - راهنمایی و رانندگی می‌تواند استفاده از خط عبوری در منتهی الیه سمت چپ‌راه را برای پاره‌ای وسایل نقلیه ممنوع سازد مشروط بر اینکه هر مسیر راه حداقل دارای سه خط عبور باشد. ماده ۱۲۸ - حمل سرنشین در داخل خانه سیار هنگام یدک کشی آن ممنوع است ماده ۱۲۹ - راهنمایی و رانندگی هرگونه اطلاعیه یا اخطاریه را به آخرین آدرس مالکین وسیله نقلیه خواهد فرستاد، پانزده روز پس از ارسال آنها تلقی بر اطلاع مالک خواهد بود. ماده ۱۳۰ - در صورتی که پارک وسیله نقلیه موجب سد معبر شود و یا برای تردد سایر وسایل نقلیه ایجاد خطر نماید به وسیله عوامل راهنمایی و رانندگی و با امکانات لازم به محل مناسب انتقال می‌یابد. در این صورت هزینه جابجایی و نگهداری وسیله نقلیه علاوه بر پرداخت جریمه تخلف به‌عهد مالک خواهد بود. ماده ۱۳۱ - مسابقه گذاردن بین دو یا چند وسیله نقلیه یا حرکت در موازات یکدیگر و راه‌اندادن به وسایل نقلیه دیگر برای سبقت مجاز ممنوع است

فصل نهم - علائم راهنمایی و رانندگی (ماده ۱۳۲ تا ۱۹۱)

ماده ۱۳۲ - علائم راهنمایی و رانندگی که برای کنترل و تنظیم عبور و مرور در راههای مناطق آزاد به کار می‌رود به وسیله راهنمایی و رانندگی تعیین و در محل‌های مناسب نصب می‌گردد. کلیه رانندگان وسایل نقلیه و عابرین پیاده موظفند از علائم مذکور تبعیت نمایند. ماده ۱۳۳ - کنترل و تنظیم عبور و مرور به وسیله چراغ‌ها، تابلوها، خطوط، نوشته‌ها، مأموران انتظامی و یا هر وسیله دیگری که بر حسب مورد مقتضی باشد به عمل می‌آید. در هر حال فرمان مأموران راهنمایی و رانندگی بر تمام علائم دیگر مقدم است ماده ۱۳۴ - در محل‌هایی که عبور و مرور به وسیله چراغ راهنمایی کنترل می‌شود رنگ‌های زیر برای مقاصد که معین شده به کار می‌رود: ۱ - چراغ سبز برای حرکت وسایل نقلیه‌ای که با چراغ سبز روبرو می‌شوند حق عبور یا گردش را دارند مگر آن که گردش به وسیله علامت دیگری ممنوع شده باشد در هر حال وسایل نقلیه در حال گردش باید حق تقدم وسایل نقلیه‌ای که مستقیماً می‌روند و حق تقدم عابرین پیاده‌ای که از گذرگاه پیاده‌رو در حرکت رعایت نمایند. ۲ - چراغ زرد برای احتیاط وسایل نقلیه‌ای که با چراغ زرد روبرو می‌شوند بایستی قبل از خط ایست گذرگاه عابر پیاده توقف نمایند و اگر قبلاً وارد تقاطع شده‌اند موظفند به حرکت خود ادامه دهند و از تقاطع و گذرگاه عابر، عبور نمایند. ۳ - چراغ قرمز برای ایست کامل وسایل نقلیه‌ای که با چراغ قرمز روبرو می‌شوند باید قبل از خط ایست گذرگاه عابر پیاده توقف کامل نمایند و در صورت نبودن خط ایست در فاصله پنج متری چراغ راهنمایی بایستند و تا روشن شدن چراغ سبز منتظر بمانند. ۴ - چراغ چشمک‌زن زرد برای عبور با احتیاط وسایل نقلیه مکلفند با مشاهده این چراغ از تقاطع و گذرگاه پیاده با احتیاط کامل و سرعت کم عبور نمایند. ۵ - چراغ چشمک‌زن قرمز برای ایست و عبور: وسایل نقلیه در صورت برخورد با این چراغ باید قبل از ورود به تقاطع یا گذرگاه پیاده توقف کامل کنند و پس از اطمینان از عدم وجود خطر تصادف عبور نمایند. ماده ۱۳۵ - انواع خطوطی که روی راهها باید کشیده شود مطابق نمونه‌های منضم به آیین نامه راهنمایی و رانندگی است ماده ۱۳۶ - تابلوها باید مطابق نمونه بین‌المللی که ضمیمه آیین نامه راهنمایی و رانندگی است تهیه و نصب شود. ماده ۱۳۷ - در محل‌هایی که چراغ قرمز یا هر نوع علائم دیگر وجود دارد ممکن است به وسیله پیکان سبزی که در کنار چراغ قرمز تعبیه می‌شود یا با نصب تابلو به وسایل نقلیه اجازه داده شود که در مسیر معینی حرکت نمایند در این مورد رعایت حق تقدم پیادگان و وسایل نقلیه که با چراغ سبز جهت دیگر اجازه عبور داشته‌اند الزامی است ماده ۱۳۸ - نصب آگهی یا علامت یا تابلو یا وسایلی که دارای شباهت با علائم راهنمایی و رانندگی باشد یا از آنها تقلید شود و یا منظور از آن، هدایت و کنترل وسایل نقلیه باشد و یا به طریقی باعث جلوگیری از رویت علائم راهنمایی و رانندگی گردد همچنین نصب چراغ‌های رنگی تبلیغاتی در مجاورت چراغ‌های راهنمایی به طوری که موجب اشتباه رانندگان گردد ممنوع است مقامات انتظامی می‌توانند در صورت مشاهده چنین اشیایی جهت برداشتن آنها اقدام و هزینه‌های متعلقه را دریافت نمایند. ماده ۱۳۹ - هیچ کس حق ندارد در علائم راهنمایی و رانندگی و دیگر وسایل تنظیم عبور و مرور وسایل نقلیه تغییراتی بدهد و یا در متن آن تصرفاتی نماید. ماده ۱۴۰ - علائم راهنمایی و رانندگی که به صورت نوشته به کار می‌رود و نوشته‌های متن تابلوهای راهنمایی و رانندگی باید به دو زبان فارسی و لاتین باشد. ماده ۱۴۱ - رانندگانی که قصد گردش به راست یا چپ یا توقف را دارند مکلفند از فاصله یکصد متری محل گردش یا توقف به وسیله چراغ راهنما به ترتیب زیر علامت بدهند: ۱ - برای گردش به راست چراغ راهنمای سمت راست را روشن کنند. ۲ - برای گردش به چپ چراغ راهنمای سمت چپ را روشن کنند. ۳ - برای توقف چراغ راهنمای سمت راست را روشن کنند. ماده ۱۴۲ - رانندگان وسایل نقلیه غیرموتوری فاقد چراغ راهنما باید با دست به ترتیب زیر علامت بدهند: ۱ - برای گردش به راست دست چپ را به طرف بالا - نگاهدارند. ۲ - برای گردش به چپ دست چپ را به طور افقی نگاهدارند. ۳ -

برای توقف دست چپ را به طرف پایین نگاهدارند. ۴- برای کاستن سرعت دست چپ را به طور افقی از بالا- به پایین و متناوباً حرکت دهند. ماده ۱۴۳- علایم اخباری همچنین علایم سبقت گرفتن به شرح زیر است ۱- در روز بوق کوتاه ۲- در شب چند بار خاموش و روشن کردن چراغ بزرگ جلوی وسیله نقلیه یا تعویض استپ هنگام سبقت گرفتن، همچنین در روز و شب برای جلب توجه وسایل نقلیه پشت سر، استفاده از چراغ راهنما ضروری است ماده ۱۴۴- رانندگان وسایل نقلیه‌ای که مواد خطرناک حمل می‌کنند باید در طرفین و عقب وسیله نقلیه تابلوهایی که روی آن کلمه خطر با حروف درشت به رنگ قرمز نوشته شده باشد نصب کنند. ماده ۱۴۵- هرگاه وسیله نقلیه‌ای شب در کنار راه توقف کند و نور کافی در محل برای تشخیص اشیا از فاصله ۱۵۰ متری وجود نداشته باشد راننده (اعم از اینکه داخل وسیله نقلیه باشد یا خارج آن مکلف است چراغ‌های کوچک جلو و خطر عقب وسیله را روشن نگهدارد. ماده ۱۴۶- هرگاه در راهها، نقصی برای هر نوع وسیله نقلیه موتوری ایجاد شود راننده مکلف است آن را از مسیر عبور و مرور خارج و در محل مناسبی که موجب سد راه و مزاحمت سایر وسایل نقلیه و عابرین پیاده نباشد متوقف سازد، در این موارد و در سایر مواردی که وسیله نقلیه قادر به حرکت نباشد و انتقال آن به محل مناسب مقدور نشود به منظور اخبار به سایر رانندگان علایم ایمنی به ترتیب زیر در محل قرار دهد: یک مثلث نورتاب قرمز به ابعاد ۳۰ سانتی متر در فاصله هفتاد متری عقب و در مسیر موافق عبور کامیون‌ها و تریلی‌ها و اتوبوس‌ها، مثلث مشابه دیگری در فاصله هفتاد متری جلو وسیله نقلیه به نحوی که کاملاً قابل رویت باشد. ماده ۱۴۷- اگر وسیله نقلیه‌ای که مواد خطرناک حمل می‌کند در ساعات و شرایط مندرج در ماده ۱۴۵ در راههای خارج شهر از کار بیفتد راننده موظف است که علاوه بر استفاده از مثلث نورتاب یک چراغ الکتریکی قرمز با باتری در فاصله هفتاد متری جلو و یکی در فاصله هفتاد متری عقب و یکی در پهلو وسیله از کار افتاده بگذارد. ماده ۱۴۸- رانندگان کلیه وسایل نقلیه موظفند که از منتهی الیه سمت راست راه، حرکت نمایند مگر در موارد زیر: الف- در موقع سبقت گرفتن از وسیله نقلیه جلو. ب- موقعی که سمت راست راه به هر علتی مسدود و غیرقابل عبور باشد. ج- هنگام گردش به چپ ماده ۱۴۹- در بزرگراه‌ها و اتوبان‌هایی که در هر مسیر حرکت سه خط عبور یا بیشتر داشته باشند حرکت به صورت مستمر در مسیر حرکت سمت چپ ممنوع است مگر برای سبقت یا گردش به چپ ماده ۱۵۰- در راههایی که به وسیله موانع مخصوص یا سکو به دو قسمت تقسیم شده رانندگان موظفند از قسمت راست حرکت کنند و حق ندارند از قسمت چپ استفاده نمایند و یا از روی موانع بگذرند. ماده ۱۵۱- در راههای یک طرفه راننده وسایل نقلیه باید در جهت مجاز عبور کند و حرکت خلاف جهت مزبور ممنوع است ماده ۱۵۲- در میداين و تقاطع‌های سکودار رانندگان وسایل نقلیه موظفند از طرف راست میدان و یا سکو گردش نمایند. ماده ۱۵۳- وسایل نقلیه چرخ لاستیکی کندرو (یا سرعت کمتر از ۳۰ کیلومتر) در هنگام تردد در راههایی که مجاز اعلام شده مکلفند از منتهی الیه سمت راست و یا محل‌هایی که برای عبور آنها تعیین شده حرکت نمایند. ماده ۱۵۴- در مواقعی که وسیله نقلیه‌ای از روبروی وسیله نقلیه دیگری در جهت مخالف حرکت می‌کند راننده هر یک از آنها بایستی حتی المقدور در طرف راست خود حرکت نماید و مخصوصاً در راههایی که از هر طرف فقط یک وسیله نقلیه می‌تواند عبور کند رانندگان باید سعی نمایند که در هنگام عبور فاصله کافی بین دو وسیله وجود داشته باشد. ماده ۱۵۵- در راهها و مناطقی که میزان سرعت رانندگی به وسیله تابلو و یا علایم دیگر راهنمایی معین نگردیده حداکثر سرعت مجاز برای رانندگان وسایل نقلیه به قرار زیر می‌باشد: الف- در شهرها ۱- در خیابان‌ها پنجاه کیلومتر در ساعت ۲- در کوچه‌ها و میدان‌ها و پیچ‌ها بیست کیلومتر در ساعت ب- در راههای خارج شهر و مناطق غیرمسکونی روزها ۹۵ کیلومتر و شب‌ها ۸۰ کیلومتر در ساعت ماده ۱۵۶- راهنمایی و رانندگی می‌تواند در مواقع یا محل‌های ضروری از طریق نصب تابلو یا علایم دیگر حداقل سرعت را نیز معین و اعلام نماید. در این صورت رانندگی با سرعت کمتر از حداقل مجاز نخواهد بود. ماده ۱۵۷- رانندگان حق ندارند در راهها آن قدر با سرعت کم حرکت نمایند که باعث کندی عبور و مرور یا اختلال در آن بشوند مگر آنکه برای احتراز از خطر و تصادف ضروری باشد. ماده ۱۵۸- رانندگان وسایل نقلیه موظفند در

تقاطع هایی که فاقد چراغ راهنما یا مأمور انتظامی یا تابلوی ایست می باشد، در سریچها، جاده های تنگ و تپه ها به طور کلی در محل هایی که موانعی در مسیر حرکت آنان وجود داشته باشد همچنین در مواقع بارندگی یا مه یا کولاک و امثال آنها از سرعت وسیله نقلیه تا حدی که بر حسب مورد برای احتراز از خطر یا تصادف ضرورت دارد بکاهند. ماده ۱۵۹ - رانندگانی که قصد سبقت گرفتن از وسایل نقلیه ای را که در جهت آنان حرکت می کنند دارند باید پس از دادن علائم لازم فقط از سمت چپ آنها سبقت گرفته و پس از سبقت وطی مسافت کافی مجدداً به طرف راست خود متوجه شوند به نحوی که راه وسیله نقلیه ای که از آن سبقت گرفته شده مسدود نگردد یا موجب تصادف نشود، سبقت گرفتن از طرف راست وسیله نقلیه ای که در حال گردش به چپ می باشد مجاز است ماده ۱۶۰ - رانندگان وسایل نقلیه ای که از آنها سبقت گرفته می شود، بایستی راه را برای وسیله نقلیه ای که در حال سبقت گرفتن است باز کنند و بر سرعت خود نیفزایند. ماده ۱۶۱ - سبقت گرفتن در موارد زیر ممنوع است ۱ - در سریچ های تند و سربالایی هایی که میدان دید کم است ۲ - از پنجاه متر مانده به پیچ ها تا پنجاه متر بعد از آن یا در تقاطع راهها یا در تقاطع راه آهن ۳ - در مواقعی که میدان دید به هر علتی کافی نباشد. ۴ - سبقت از وسیله نقلیه ای که خود در حال سبقت گرفتن است مگر در راههایی که سه خط عبور و یا بیشتر داشته باشد. ۵ - برای اتوبوس ها و کامیون ها و تریلی ها در معابر شهری ۶ - از یکصد متر مانده به مدخل تونل ها و پل ها تا انتهای آنها. ۷ - در تقاطعی که با نصب علائم مخصوص سبقت گرفتن ممنوع اعلام شده باشد. ماده ۱۶۲ - رعایت مقررات مربوط به حق تقدم عبور برای همه اجباری است مگر در مواردی که به موجب مقررات خاص یا علائم مخصوص راهنمایی خلاف این حکم اجازه داده شده باشد. ماده ۱۶۳ - حق تقدم عبور وسایل نقلیه در تقاطع و میدان هایی که هیچگونه علامت و چراغ راهنما وجود نداشته باشد به ترتیب زیر است ۱ - در تقاطع های هم عرض اگر دو وسیله نقلیه ای که روبروی یکدیگر در حرکتند بخواهند باهم داخل خیابان مجاور واحدی شوند حق تقدم عبور با وسیله ای است که به سمت راست گردش می کند. ۲ - هرگاه دو یا چند وسیله نقلیه از دو یا چند راه مختلف به مدخل تقاطع هم عرض یا میدانی برسند. حق تقدم عبور با وسیله ای است که در طرف راست وسیله دیگر قرار دارد. ۳ - در سه راهها حق تقدم عبور با وسیله نقلیه ای است که مستقیم حرکت می کند ولو اینکه عرض خیابانی که مسیر آن است از عرض خیابان تلاقی کننده کمتر باشد. ماده ۱۶۴ - در برخورد راه اصلی با راه فرعی حق تقدم با وسیله ای است که از راه اصلی عبور می کند. رانندگانی که از راه فرعی وارد راه اصلی می شوند باید قبل از ورود به راه اصلی توقف کامل نمایند و پس از اطمینان از عدم برخورد با وسایل نقلیه ای که احتمالاً در راه اصلی حرکت می کنند وارد این راه بشوند. ماده ۱۶۵ - رعایت حق تقدم برای وسیله نقلیه ای که از راه خصوصی یا گاراژ یا کوچه یا تعمیرگاه و امثال آنها به معابر عمومی وارد می شود لازم است ماده ۱۶۶ - وسایل نقلیه ای که در حرکت است به وسایل نقلیه متوقفی که در حال حرکت کردن یا جلو و عقب یا دورزدن هستند حق تقدم دارد. ماده ۱۶۷ - در گذرگاه عابر پیاده حق تقدم عبور با عابرین پیاده است ماده ۱۶۸ - در راههای دو طرفه هرگاه وسیله نقلیه ای بخواهد گردش به چپ کند حق تقدم با وسیله نقلیه ای است که مستقیم عبور می کند. ماده ۱۶۹ - در محل پارک کنار خیابان حق تقدم برای پارک کردن با وسیله نقلیه ای است که ضمن حرکت به عقب مشغول پارک کردن است ماده ۱۷۰ - راننده وسیله نقلیه ای که در حرکت است هنگام شب یا هر موقع دیگری که به علت کمی روشنایی نتواند اشیا و اشخاص را از فاصله ۱۵۰ متری به خوبی تشخیص دهد باید چراغ های آن را به ترتیب مقرر در مواد بعدی روشن نماید. ماده ۱۷۱ - در خیابان ها و جاده هایی که نور کافی وجود دارد، باید فقط از چراغ های کوچک و در صورت خرابی ناگهانی چراغ های کوچک جدول از نور پایین چراغ های بزرگ استفاده شود. ماده ۱۷۲ - در ساعاتی که چراغها روشن باشند اگر چند وسیله نقلیه متصل به هم حرکت کنند روشن کردن چراغ هایی که به لحاظ محل نصبشان پوشیده می شوند ضرورت ندارد ولی در هر حال چراغ های جلو وسیله اول و چراغ های عقب وسیله آخر باید روشن باشند. ماده ۱۷۳ - رانندگان وسایل نقلیه موتوری موظفند که در جاده ها از نور بالا - استفاده نمایند مگر در موارد زیر: ۱ - در موقع روبرو شدن با وسیله نقلیه ای که در جهت مخالف حرکت می کند، در این

صوت‌راننده بایستی از فاصله ۱۵۰ متری از نور پایین استفاده کند. ۲- هنگامی که وسیله نقلیه از فاصله ۱۵۰ متری عقب وسیله نقلیه دیگری که در حال حرکت عبور می‌کند مگر وقتی که در حال سبقت گرفتن باشد. ماده ۱۷۴- قواعد گردش در تقاطع راهها به شرح زیر است ۱- برای گردش به راست باید وسیله نقلیه را به منتهی‌الیه سمت راست هدایت کرده و کاملاً کنار تقاطع گذشت ۲- برای گردش به چپ بایستی از فاصله یکصد متری تقاطع با دادن علامت وارد مسیر سمت چپ شد به طوری که پس از ورود به تقاطع وسیله در حدود مرکز تقاطع قرار گیرد و سپس با رعایت حق تقدم عبور وسایل نقلیه‌ای که مستقیم در حرکتند با حداقل سرعت به چپ گردش نماید به نحوی که پس از ورود به خیابان مورد نظر در مجاورت محور وسط آن خیابان قرار گیرد. ماده ۱۷۵- در راههای یک طرفه برای گردش به چپ رانندگان موظفند وسیله نقلیه را به منتهی‌الیه طرف چپ راه هدایت و سپس به چپ گردش کنند. ماده ۱۷۶- دور زدن در فاصله یکصد و پنجاه متری پیچ‌ها و سربالایی‌ها که میدان دید کافی نیست همچنین از روی خط ممتد ممنوع است ماده ۱۷۷- عقب راندن وسیله نقلیه هنگام ضرورت باید با احتیاط کامل برای احتراز از وقوع هرگونه حادثه و انسداد راه عبور وسایل نقلیه صورت گیرد. ماده ۱۷۸- رانندگان وسایل نقلیه همگانی که مسافر ندارند باید در ایستگاههایی که از طرف راهنمایی و رانندگی علامت گذاری شده متوقف شوند مگر اینکه واحد مذکور مقررات دیگری اعلام کند. ماده ۱۷۹- کلیه رانندگان وسایل نقلیه برای سوار و پیاده کردن سرنشینان خود بایستی فقط در محل‌های مجاز و در منتهی‌الیه سمت راست سواره‌رو توقف نمایند. ماده ۱۸۰- در نقاط غیرمسکونی و خارج از شهر توقف کوتاه یا طولانی حتماً باید در پارکینگ‌هایی که در حاشیه راه احداث شده انجام شود. ماده ۱۸۱- هیچ راننده‌ای مجاز نیست وسیله نقلیه‌ای را که موتور آن روشن است ولو در محل مجاز متوقف سازد و خود از آن پیاده و دور شود. در سراسیمی باید پس از توقف چرخهای جلوی وسیله نقلیه به سمت راست کنار راه استقرار یابد. ماده ۱۸۲- رانندگان وسایل نقلیه در موارد زیر موظفند به ترتیبی که در زیر مقرر می‌شود توقف نمایند: ۱- در موقع برخورد با وسیله نقلیه امدادی که دستگاههای اخبار صوتی یا بصری خود را به کار انداخته باشند باید وسیله نقلیه را منتهی‌الیه سمت راست راه هدایت و عنداللزوم تا گذشتن وسایل نقلیه امدادی متوقف شوند. ۲- قبل از ورود به تقاطعی که فاقد علائم یا مأمور راهنمایی است باید توقف کنند و سپس با احتیاط کامل از تقاطع بگذرند. ۳- قبل از رسیدن به گذرگاه عابر پیاده و در صورت عبور اشخاص باید وسیله نقلیه خود را متوقف سازند و با حرکت دادن دست چپ رانندگان پشت سر را نیز به توقف دعوت نمایند. ۴- هنگام برخورد با اتومبیل‌های مدارس که برای سوار و پیاده کردن دانش‌آموزان در حال توقف می‌باشند. ماده ۱۸۳- توقف در محل‌های زیر ممنوع است ۱- پیاده و گذرگاه عابر پیاده ۲- مقابل مدخل خیابان‌ها و جاده‌ها و کوچه‌ها یا مدخل اتومبیل‌رو ساختمان‌ها. ۳- داخل تقاطع ۴- در فاصله پانزده متری میدان یا تقاطع یا سه راهها یا تقاطع راه آهن ۵- پنج متری شیرهای آب منصوب در راهها. ۶- پانزده متری اطراف چراغ راهنما یا تابلوی راهنمایی که در کنار جاده‌ها نصب شده است ۷- کوچه‌ها. ۸- از ابتدا تا انتهای پیچ‌ها. ۹- در فاصله پانزده متری مدخل گاراژهای آتش‌نشانی، پلیس و بیمارستانها. ۱۰- کنار وسایل نقلیه‌ای که خود متوقف می‌باشند. (توقف دوبله ۱۱- روی پل‌ها و داخل تونل‌ها و معابر هوایی (راههایی که بر روی پایه قرار دارند) ۱۲- در خیابان‌هایی که پیاده‌رو آنها قابل عبور نبوده و پیاده‌ها اجباراً از قسمتی از سواره‌رو عبور می‌کنند. ۱۳- در ایستگاههای وسایل نقلیه عمومی و حریم آنها که با علائم راهنمایی مشخص است ۱۴- در محل‌هایی که تابلوهای توقف مطلقاً ممنوع نصب شده است ۱۵- در هر نقطه از معابر به منظور تعمیر وسیله نقلیه جز در مورد ماده ۱۴۶ که باید به ترتیب مقرر در همان ماده عمل شود. ۱۶- در محل‌هایی که دستگاه پارکومتر نصب شده در کنار راه به علت نیانداختن سکه در داخل آن با پایان یافتن زمان معین و یا از کار افتادن دستگاه که علامت پارکینگ ممنوع را نشان دهد. ۱۷- در سطح آسفالت جاده‌های دوبانده ۱۸- در خطوط عبور بزرگراه‌ها و اتوبان‌ها. ماده ۱۸۴- رانندگان موتور سیکلت بایستی در موقع رانندگی فقط روی زین موتور بنشینند و حق ندارند شخص دیگری را بر ترک سوار کنند مگر این که در ترک نیز یک زین کامل نصب شده یا موتور سیکلت دارای ساید کار باشد. ماده ۱۸۵- رانندگی

با دوچرخه رکابدار بدون داشتن زین محکم در محل مخصوص ممنوع است ماده ۱۸۶ - دوترکه سوار کردن اشخاص روی دوچرخه ممنوع است ماده ۱۸۷ - دوچرخه سواران مکلفند: ۱ - هنگام حرکت کاملاً از طرف راست راه عبور نمایند. ۲ - در صورت تعدد دوچرخه سواران در یک ردیف حرکت کنند مگر آن که معبری ویژه برای آنها اختصاص داده شده باشد در این صورت حق ندارند از خارج معبر ویژه و مخصوص عبور نمایند. ماده ۱۸۸ - عبور دوچرخه سوار از پیاده رو و وسط دسته جات، بازار و نقاط شلوغ و پرتردد ممنوع است ماده ۱۸۹ - رانندگان موتورسیکلت و دوچرخه حق ندارند در راهها حین رانندگی بار و اشیای دیگری حمل کنند یا حرکت ورزشی نمایند یا اعمالی انجام دهند که مستلزم برداشتن دست های آنان از روی فرمان باشد. ماده ۱۹۰ - در سایر موارد پیش بینی نشده در این آیین نامه، ملاک عمل آیین نامه راهنمایی و رانندگی جاری در کشور است ماده ۱۹۱ - جداول جرایم رانندگی در مناطق آزاد بر اساس ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین - مصوب ۱۳۶۹ - بنا به پیشنهاد دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و تصویب وزارت کشور خواهد بود. این تصویب نامه در تاریخ ۱۷/۸/۱۳۷۳ به تایید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است

قانون اصلاح قانون تاسیس شرکت سهامی خاص پایانه های عمومی وسایل نقلیه باربری - مصوب ۲۵/۴/۷۴

ماده واحده - قانون تاسیس شرکت سهامی خاص پایانه های عمومی وسایل نقلیه باربری مصوب ۲۸/۱۰/۱۳۶۷ به شرح زیر اصلاح می شود: ۱ - ماده واحده در ماده واحده قانون بعد از پایانه های عمومی (و مجتمع های خدمات رفاهی بین راهی) اضافه می شود. ۲ - تبصره ۴ به شرح زیر تغییر می یابد: تبصره ۴ - شرکت مجاز است بهره برداری از فروشگاهها و غرفه های احداثی در پایانه ها و مجتمع های خدمات رفاهی بین راهی را با اخذ سرقفلی یا بدون آن طبق آیین نامه ای که توسط وزارت راه و ترابری تهیه و به تصویب مجمع عمومی شرکت خواهد رسید به متقاضیان واجد شرایط اعم از بخش دولتی و یا غیردولتی با انعقاد قرارداد اجاره واگذار نماید. واگذاری بدون سرقفلی مشمول قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۲/۵/۱۳۵۶ نبوده و هیچگونه حقی اعم از کسب و پیشه و تجارت و سرقفلی برای طرف قرارداد ایجاد نمی نماید و در صورت تخطی متصرف از مفاد قرارداد در هر زمان به تشخیص شرکت و یا انقضای مدت اجاره شرکت می تواند با اخطار قبلی یک ماهه از طریق دفتر اسناد رسمی و صدور اجراییه از طریق دوایر اجرای ثبت محل را تخلیه و تصرف نموده و به متقاضیان واجد شرایط دیگر واگذار نماید. لیکن در مورد اشخاصی که در هنگام انعقاد قرارداد به عنوان سرقفلی وجهی به شرکت پرداخت نموده باشند، شرکت موظف است در صورت تخلیه ارزش روز سرقفلی را به آنها مسترد نماید. کلیه فروشگاه ها و غرفه های پایانه هر محل که قبل از تصویب این قانون به اشخاص واگذار شده نیز از هر حیث مشمول مقررات این تبصره می باشند. مگر اینکه قرارداد به نحو دیگری تنظیم شده باشد و جوه حاصل از فروش سرقفلی غرفه ها و همچنین یک درصد (۱٪) ارزش بارنامه های صادره در سراسر کشور که توسط شرکت وصول خواهد شد به حساب خزانه واریز می گردد. صددرصد (۱۰۰٪) وجوه واریزی به عنوان منابع تامین اعتبار بر اساس بودجه سالانه جهت توسعه و احداث پایانه های جدید و تیر پارکها (یا مجتمع های خدمات رفاهی بین راهی در اختیار شرکت مزبور قرار می گیرد. ۳ - تبصره ۷ به شرح زیر اصلاحی می گردد: تبصره ۷ - شرکت می تواند از محل درآمدهای خود نسبت به ایجاد پایانه ها و تیر پارک ها و مجتمع های رفاهی بین راهی در نقاط مختلف کشور که بخش غیردولتی راغب به ایجاد آن نیستند، اقدام نماید. ۴ - تبصره زیر به عنوان تبصره ۸ به شرح زیر اضافه می گردد: تبصره ۸ - درج کرایه غیرواقعی حمل و نقل در بارنامه و هر فعل دیگری که موجب عدم پرداخت تمام یا قسمتی از جوه موضوع تبصره ۴ و ۵ این قانون به شرکت شود، تخلف محسوب و مرتکب برای بار اول علاوه بر جبران خسارات وارده به شرکت به سه برابر مبلغ کسری، جریمه خواهد شد این مبلغ در هر صورت از پانصد هزار (۵۰۰/۰۰۰) ریال کمتر نخواهد بود. در صورت تکرار نیز، پروانه متخلف به صورت موقت یا دائم لغو می شود. ۵ - تبصره ۹ به شرح زیر به تبصره ها اضافه گردد: تبصره ۹ - وظایف

معاونت حمل و نقل وزارت راه و ترابری به شرکت پایانه منتقل می‌شود و نام شرکت به سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور تغییر می‌یابد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و پنجم تیرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱/۵/۱۳۷۴ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون مقررات تردد وسایل نقلیه خارجی - مصوب ۱۲/۴/۷۳

ماده واحده - به منظور ایمن سازی نگهداری و به سازی جاده‌ها و احداث مجتمع های خدماتی رفاهی رانندگان (تیرپارکها) به وزارت راه و ترابری اجازه داده می‌شود با ایجاد دفاتر و استقرار نمایندگان خود در مرزهای جاده ای بین المللی کشور نسبت به صدور پروانه‌های تردد وسایل نقلیه خارجی در قلمرو جمهوری اسلامی ایران که تعیین کننده مشخصات عملیات حمل و نقل از جمله زمان سفر و مسیر تردد وسایل مزبور می‌باشد اقدام کند و بر حسب طول مسیر تردد و میزان مصرف سوخت هر یک از وسایل نقلیه خارجی و مابه‌التفاوت قیمت داخلی سوخت با قیمت‌های متعارف خارجی را با توجه به عملکرد و رفتار متقابل کشورهای اعزام کننده وسیله نقلیه از وسایل نقلیه مزبور در سال ۱۳۷۳ حداکثر به میزان صد میلیارد ریال اخذ و به خزانه واریز و صددرصد آن تخصیص یافته هزینه می‌گردد و برای سالهای آینده در حدود اعتبارات مصوب و به موجب قانون درآمد و هزینه می‌گردد. تبصره ۱ - تردد وسایل نقلیه خارجی خارج از چارچوب پروانه های صادر شده ممنوع بوده و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و گمرک موظف به اعمال کنترل‌های لازم می‌باشد. تبصره ۲ - کالاهای ایرانی که در صورت وجود ناوگان ایرانی با ناوگان غیر ایرانی وارد کشور می‌شوند مشمول پرداخت عوارضی به میزان ۱۰٪ کل کرایه حمل کالای مورد حمل از سوی صاحب کالا خواهد بود که در زمان صدور مجوزهای حمل کالا- توسط وزارت راه و ترابری اخذ و به حساب خزانه واریز می‌شود. آیین نامه اجرایی این قانون توسط وزارت راه و ترابری تهیه و حداکثر ظرف مدت ۲ ماه به تصویب هیات وزیران می‌رسد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ دوازدهم تیرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۲/۴/۱۳۷۳ به تایید شورای نگهبان رسیده است رییس مجلس شورای اسلامی - علی اکبر ناطق نوری

آیین نامه اجرایی قانون مقررات تردد وسایل نقلیه خارجی

فصل اول - تعاریف و کلیات (ماده ۱ تا ۵)

ماده ۱ - ورود و تردد وسایل نقلیه جاده‌ای خارجی اعم از مسافربری و باری در قلمرو جمهوری اسلامی ایران ، مستلزم اخذ پروانه تردد از سازمان حمل و نقل و پایانه و پرداخت مابه‌التفاوت سوخت است تبصره ۱ - منظور از قانون در این آیین نامه قانون (مقررات تردد وسایل نقلیه خارجی) است تبصره ۲ - منظور از وسیله نقلیه خارجی ، وسیله نقلیه‌ای است که در یکی از کشورهای خارجی ثبت و شماره گذاری شده و بر اساس قوانین و مقررات مربوط مجاز به حمل و نقل بار یا مسافر بین المللی باشد. تبصره ۳ - منظور از مابه‌التفاوت سوخت مصرفی مابه‌التفاوت قیمت داخلی سوخت وسایل حمل و نقل با قیمت های متعارف خارجی است که بر اساس طول مسیر تردد و متوسط مصرف سوخت هر یک از وسایل نقلیه خارجی و در چهارچوب عملکرد و رفتار متقابل کشورهای اعزام کننده وسایل نقلیه توسط سازمان حمل و نقل و پایانه تعیین شده و توسط رانندگان وسایل نقلیه خارجی به حساب خزانه واریز می‌شود. ماده ۲ - پروانه تردد بر گه ای است که توسط سازمان حمل و نقل و پایانه صادر می‌شود و مشخصات عملیات حمل و نقل وسایل نقلیه خارجی ، از جمله نام مرز ورودی و خروجی ، طول و مسیر تردد، زمان سفر، و مدت زمان مجاز رانندگی برای هر

راننده وسیله نقلیه خارجی را تعیین می‌کند. این پروانه توسط دفاتر نمایندگی وزارت راه و ترابری مستقر در محوطه گمرکی در مرزهای جاده‌ای بین‌المللی کشور صادر و در بدو ورود، به رانندگان وسایل نقلیه خارجی داده می‌شود. تبصره - مسیر تردد در این آیین‌نامه به جاده‌هایی اطلاق می‌شود که توسط سازمان حمل و نقل و پایانه و با همکاری نیروهای انتظامی به عنوان جاده‌های تیر (t. i. r) برای تردد وسایل نقلیه خارجی و در قلمروی جمهوری اسلامی تعیین و در پروانه تردد قید می‌شود. ماده ۳ - کلیه وسایل نقلیه جاده‌ای خارجی که به قلمروی کشور وارد می‌شوند اعم از آن که مقصد آنها داخل کشور باشد یا از قلمروی کشور عبور کنند، مشمول مفاد این آیین‌نامه هستند. ماده ۴ - منظور از ایمن‌سازی جاده‌ها، هر نوع فعالیتی است که موجب افزایش ضریب ایمنی و کاهش تصادفات جاده‌ای می‌شود، از قبیل توسعه و تجهیز پاسگاه‌های انتظامی ارائه آموزش‌های ایمنی و ترافیکی به رانندگان و عموم مردم و ارتقای فرهنگی رانندگی به منظور رعایت اصول و ضوابط ایمنی در جاده‌ها با استفاده از وسایل ارتباط جمعی ماده ۵ - منظور از مجتمع‌های خدماتی - رفاهی (تیرپارکها)، مجموعه‌هایی است که به منظور ارائه خدمات مورد نیاز به رانندگان وسایل نقلیه ایرانی و خارجی و سرنشینان آنها در کنار شهرها، همچنین در طول جاده‌های ترانزیتی کشور ایجاد می‌گردند و در آن سرویس‌های تعمیراتی، بهداشتی درمانی و رستوران مسجد، استراحت‌گاه جایگاه‌های عرضه سوخت پارکینگ‌ها و سایر خدمات رفاهی و اداری مورد نیاز مستقر می‌شوند.

فصل دوم - چگونگی ورود، تردد و توقف وسایل نقلیه خارجی در قلمروی جمهوری اسلامی ایران (ماده ۶ تا ۱۹)

ماده ۶ - وسایل نقلیه خارجی در بدو ورود به خاک کشور باید از دفاتر نمایندگی وزارت راه و ترابری مستقر در مرزهای جاده‌ای بین‌المللی پروانه تردد بگیرند. تبصره - تردد وسایل نقلیه خارجی بدون اخذ پروانه مذکور ممنوع است گمرک جمهوری اسلامی ایران موظف است از ورود وسایل نقلیه خارجی فاقد پروانه تردد به داخل کشور جلوگیری کند مگر اینکه این پروانه در مرز از نمایندگان سازمان حمل و نقل و پایانه اخذ شود، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است در صورت برخورد با کامیون خارجی فاقد پروانه تردد، فوری آن را به نزدیک‌ترین گمرک هدایت کند. ماده ۷ - سازمان حمل و نقل و پایانه موظف است با توجه به قیمت رایج سوخت وسایل حمل و نقل در داخل کشور و قیمت‌های متعارف بین‌المللی آن، و در چهارچوب عملکرد و رفتار متقابل کشورهای اعزام‌کننده وسایل نقلیه قیمت سوخت مصرفی هر یک از وسایل حمل و نقل خارجی در قلمروی جمهوری اسلامی ایران را تعیین کند. تبصره ۱ - سازمان حمل و نقل و پایانه موظف است به تناسب تغییر در هر یک از عوامل موثر در تعیین سوخت مصرفی وسایل نقلیه خارجی نسبت به تجدیدنظر و به روز نمودن قیمت تعیین شده اقدام کند. بدیهی است قیمت تعیین شده تا زمان تجدیدنظر بعدی معتبر و ملاک عمل خواهد بود. تبصره ۲ - وزیر راه و ترابری مجاز است مسوولیت دریافت وجوه موضوع قانون را به هریک از سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته و تابع وزارت راه و ترابری تفویض کند. ماده ۸ - دفاتر نمایندگی حمل و نقل و پایانه در مرزهای بین‌المللی کشور موظف هستند قبل از صدور پروانه تردد وسایل نقلیه خارجی قبض مربوط به پرداخت مابه‌التفاوت سوخت وسایل نقلیه خارجی را به حساب‌های اعلام شده خزانه از رانندگان خارجی دریافت کنند. ماده ۹ - وزارت نفت موظف است اقدامات لازم را جهت احداث جایگاه فروش فرآورده‌های نفتی در کلیه مرزهای جاده‌ای بر اساس اعلام وزارت راه و ترابری به عمل آورده نسبت به کنترل میزان سوخت خروجی وسایل نقلیه خارجی اقدام نماید. تبصره - تعیین میزان سوخت خروجی به عهده سازمان حمل و نقل و پایانه با همکاری وزارت نفت است ماده ۱۰ - رانندگان وسایل نقلیه خارجی به منظور تردد در جاده‌های کشور جمهوری اسلامی ایران باید اسناد و مدارک زیر را همیشه همراه داشته به هنگام درخواست به مأموران نیروی انتظامی و سایر مسوولان ذی ربط ارائه نمایند: الف - پروانه تردد. ب - گواهینامه معتبر بین‌المللی ج - کارت بیمه معتبر د - دفترچه

مالکیت بین المللی وسیله نقلیه تبصره - نیروی انتظامی موظف است ضمن بازرسی وسایل نقلیه خارجی در کلیه پاسگاه‌های محل عبور آنها از تردد و عبور و مرور وسایل نقلیه خارجی فاقد مدارک فوق جلوگیری و طبق مقررات مربوط اقدام نماید. ماده ۱۱ - رانندگی وسایل نقلیه خارجی در جاده‌های جمهوری اسلامی ایران بیش از ده ساعت در یک شبانه‌روز برای هر راننده ممنوع است ماده ۱۲ - توقف وسایل نقلیه خارجی فقط در تیرپارکها یا نقاط تعیین شده توسط سازمان حمل و نقل و پایانه مجاز است تبصره ۱ - سازمان حمل و نقل و پایانه موظف است اولویت ها و محل استقرار و مشخصات لازم را برای احداث تیرپارکها تعیین و اعلام کند. تبصره ۲ - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است حسب درخواست وزارت راه و ترابری نیروهای خود را در مکانهای در نظر گرفته شده و تیرپارکها مستقر کرده همچنین ساعت ورود و خروج وسایل نقلیه خارجی در تیرپارکها را ثبت کند. تبصره ۳ - در صورت تصادف یا خرابی وسیله نقلیه خارجی توقف آن در خارج از تیرپارکها و نقاط تعیین شده - مشروط به تأیید نیروی انتظامی و ثبت آن در پروانه تردد وسیله نقلیه - بلامانع است ماده ۱۳ - اقدام به حمل بار و مسافر خارج از موارد مذکور در اسناد حمل کالا و مسافر پروانه تردد، توسط وسیله نقلیه خارجی ممنوع است مگر با مجوز کتبی وزارت راه و ترابری ماده ۱۴ - رانندگان وسایل نقلیه خارجی مکلف به رعایت کلیه قوانین و مقررات حمل و نقل و راهنمایی و رانندگی در قلمروی جمهوری اسلامی هستند و در صورت تخلف از قوانین و مقررات مذکور و مفاد این آیین نامه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با آنان برخورد قانونی نموده نسبت به صدور برگه‌های جریمه اقدام می‌نماید. ماده ۱۵ - محل استقرار دفاتر نمایندگان سازمان حمل و نقل پایانه در مرزهای جاده‌ای بین المللی کشور، محوطه گمرکی است بدیهی است گمرک ایران نسبت به تخصیص فضای کاری مناسب به نمایندگان وزارت راه و ترابری در ساختمان های گمرکی اقدامات لازم را به عمل خواهد آورد. تبصره - سازمان حمل و نقل و پایانه موظف است ظرف سه سال نسبت به احداث ساختمان های مورد نیاز نمایندگان خود در محوطه‌های گمرکی با هماهنگی گمرک ایران اقدام کند. هزینه احداث ساختمان های مذکور از محل مابه التفاوت قیمت سوخت وسایل نقلیه خارجی تأمین می‌شود. ماده ۱۶ - به سازمان حمل و نقل و پایانه اجازه داده می‌شود سالیانه حداکثر معادل یک درصد کل مبلغ وصولی از محل مابه‌التفاوت قیمت سوخت وسایل نقلیه خارجی را به منظور حسن اجرای این قانون هزینه کند. ماده ۱۷ - به سازمان حمل و نقل اجازه داده می‌شود با رعایت قوانین و مقررات مربوط سالیانه حداکثر معادل پنج درصد (۵٪) کل درآمد وصولی از محل مابه‌التفاوت قیمت سوخت وسایل نقلیه خارجی را به منظور تجهیز و تدارکات لازم و ایفای وظایف و مسئولیت‌های ناشی از قانون در اختیار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. ماده ۱۸ - سیاست‌گذاری و اولویت‌بندی طرح‌ها و پروژه های ایمن‌سازی، نگهداری، بهسازی جاده‌ها و احداث مجتمع‌های خدماتی - رفاهی رانندگان از محل مابه‌التفاوت قیمت سوخت مصرفی وسایل نقلیه خارجی موضوع قانون به عهده وزارت راه و ترابری است ماده ۱۹ - مسوولیت احداث مجتمع‌های خدماتی و رفاهی رانندگان برعهده شرکت حمل و نقل و پایانه‌های وسایط نقلیه باربری است و اعتبارات مربوط در این خصوص به عنوان منابع، در اختیار شرکت یاد شده قرار می‌گیرد.

فصل سوم - مقررات حمل کالاهای وارداتی کشور (ماده ۲۰ تا ۲۷)

ماده ۲۰ - در اجرای تبصره ۲ قانون کلیه صاحبان کالاهای ایرانی که از ناوگان خارجی (زمینی دریایی هوایی نسبت به حمل و ورود کالاهای خود به داخل کشور استفاده می‌کنند موظف به اخذ مجوز حمل کالا قبل از مراحل گشایش اعتبار از سازمان حمل و نقل و پایانه هستند. تبصره - موارد استثنا در رابطه با صدور مجوز کلی برای کالاهایی که دارای شرایط خاص حجمی یا وزنی هستند بنا به پیشنهاد بالاترین مقام اجرایی دستگاه های ذی ربط به تصویب شورای عالی ترابری می‌رسد. ماده ۲۱ - بانک مرکزی و

بانک‌های عامل گشایش اعتبار و گمرک ایران باید در انجام وظایف مربوط مجوز حمل کالا را به عنوان یکی از اسناد مورد نیاز منظور و مطالبه کنند. در صورت عدم ارایه مجوز حمل توسط صاحب کالا، سازمان‌های مذکور از گشایش اعتبار یا ترخیص کالا، خودداری خواهند کرد. ماده ۲۲ - در زمان صدور مجوز، سازمان حمل و نقل و پایانه موظف است در صورت وجود ناوگان ایرانی میزان عوارض ده درصد (۱۰٪) کل کرایه حمل را که باید توسط صاحب کالا به حساب خزانه واریز شود، در مجوز حمل قید نماید و در صورت تشخیص وجود نداشتن ناوگان ایرانی مراتب باید در مجوز حمل صادر شده قید و تأیید شود. تبصره - کرایه واقعی حمل کالای تحویلی در مقصد (سی اند اف)، براساس نرخ متعارف حمل کالا و به قیمت (ارز خرید کالا)، توسط سازمان حمل و نقل و پایانه تعیین می‌شود. ماده ۲۳ - در موارد مشمول پرداخت عوارض کرایه حمل بانک‌های عامل گشایش اعتبار موظف هستند فیش بانکی پرداخت عوارض ده درصد (۱۰٪) را براساس مجوز حمل صادر شده در زمان معامله اسناد از صاحبان کالا دریافت و در مدارک خرید کالا منظور کنند. ماده ۲۴ - ماده ۲۵ - سازمان حمل و نقل و پایانه مکلف است پس از دریافت مدارک بررسی‌های لازم را در خصوص تشخیص موضوع مذکور در ماده (۲۳) انجام دهد و حداکثر ظرف هفتاد و دو (۷۲) ساعت نسبت به ارایه مجوز حمل به صاحبان کالا اقدام نماید. ماده ۲۶ - گمرک ایران موظف است از ترخیص کالاهایی که فاقد مجوز حمل یا فیش پرداخت عوارض حمل کالا (در موارد پیش‌بینی شده در مجوز حمل هستند خودداری کند. ماده ۲۷ - سازمان حمل و نقل و پایانه نیروی انتظامی و گمرک ایران مجری این آیین‌نامه خواهند بود و سایر وزارتخانه‌ها و سازمانها و موسسات دولتی ذی ربط موظف به همکاری و مساعدت در جهت اجرای این آیین‌نامه هستند. معاون اول رییس‌جمهور - حسن حبیبی

مصوبات شورای عالی محیط زیست - مصوبه شماره ۱۳۴ شورای عالی

شورای عالی حفاظت محیط زیست در تاریخ ۷/۱۲/۶۹ بر اساس تصمیم مورخ ۲۱/۹/۶۹ هیات وزیران و با توجه به آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی هوا و در جهت کنترل آلودگی هوای تهران موارد زیر را تصویب نمود: ۱ - تعداد حداقل ۲۰۰۰۰ وسیله نقلیه عمومی بنزین سوز در تهران موظفند ظرف مدت معینی که توسط کمیسیون مرکب از سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت نفت و وزارت صنایع تعیین می‌گردد نسبت به تبدیل سوخت از بنزین به گاز مایع و بنزین (به صورت دوگانه اقدام نمایند. جهت اجرای مصوبه فوق وزارتخانه‌های مربوطه به شرح زیر اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد: الف - وزارت مسکن و شهرسازی شهرداری تهران و وزارت دفاع موظفند تا خرداد ماه ۱۳۷۰ تعداد ۲۵ قطعه زمین مناسب جهت احداث ایستگاه‌های گازرسانی به وسایل نقلیه موتوری را در اختیار وزارت نفت قرار دهند. ب - وزارت نفت موظف است ظرف مدت ۲ سال پس از دریافت زمین ایستگاه‌های تحویل گاز مایع به وسایل نقلیه مذکور را راه‌اندازی نماید. ج - وزارت صنایع موظف است ظرف مدت ۲ سال کیت‌های مربوط به تبدیل سوخت وسایل نقلیه مزبور از بنزین به گاز مایع و همچنین قطعات مناسب موتور را طبق استانداردهای سازمان حفاظت محیط زیست نصب و خدمات پس از فروش را با هماهنگی شرکت ملی گاز ایران به عهده داشته باشد. د - وزارت بازرگانی موظف است با رعایت اولویت و بدون بررسی مراکز تهیه و توزیع تسهیلات لازم را در اجرای بند ج به عمل آورد. ه - وزارت صنایع موظف است تاکسی‌های جدید نمره تهران ساخت داخل را فقط با سوخت دوگانه گاز مایع و بنزین بدون سرب تولید نماید. ۲ - از تاریخ اول اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۰ کلیه خودروهای وارداتی و نیز خودروهای ساخت داخل به استثنای مزاد B ۱۶۰۰ و خودروی نیسان پاترول سواری با موتور P ۴۰ و نیز پیکان باید توانایی استفاده از بنزین بدون سرب را داشته باشد در مورد خودروهای مستثنی شده فوق‌الذکر زمان استفاده از بنزین بدون سرب توسط وزارت نفت و وزارت صنایع حداکثر تا یک سال دیگر تعیین می‌شود. ۳ - وزارت مسکن و شهرسازی و سازمان حفاظت محیط زیست و شهرداری تهران برنامه کوتاه مدت جهت دستیابی به خط‌مشی حمل و نقل شهری را ظرف دو هفته و مطالعات جامع حمل و نقل عمومی در تهران را ظرف ۶ ماه به شورای عالی ارایه نمایند. ۴ - به منظور

کاهش آلودگی ناشی از موتور سیکلت‌ها در تهران و شهرهای بزرگ وزارت صنایع، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی و سازمان حفاظت محیط‌زیست زیر نظر مشاور تحقیقاتی رییس‌جمهور طرحی تهیه و به شورای عالی ارایه نمایند. ۵- سازمان حفاظت محیط‌زیست با همکاری شهرداری تهران ایستگاه‌های کنترل و اندازه‌گیری گازهای خروجی وسایل نقلیه موتوری را علاوه بر کرج (موضوع ردیف سوم بند ۲ مصوبه شماره ۱۰۴- شورای عالی در نقاط مناسب تهران برقرار نموده و بکار اندازد. ۶- سازمان حفاظت محیط‌زیست و وزارت صنایع مکلفند تاریخ لازم‌الاجرا شدن استاندارد های خروجی از وسایل نقلیه موضوع مصوبه شماره ۱۰۴ شورای عالی حفاظت محیط‌زیست را حداکثر ظرف مدت ۲ ماه تعیین نمایند. ۷- سازمان‌های مذکور در ماده ۲۰ آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی هوا موظفند استانداردهای جدید گازهای خروجی از اگزوز وسایل نقلیه موتوری را ظرف مدت یک سال تعیین نمایند. مصوبه شماره ۱۳۵ شورای عالی شورای عالی حفاظت محیط‌زیست در تاریخ ۱۲/۱۰/۷۰ براساس تصمیم مورخ ۲۱/۹/۶۹ هیات وزیران و با توجه به آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی هوا و در جهت کنترل آلودگی هوای تهران موارد زیر را تصویب نمود. ۱- ۲۵ قطعه زمین مناسب در تهران زیر نظر ریاست محترم جمهور به شرکت ملی گاز ایران تحویل گردد. ۲- وزارت نفت موظف است ظرف مدت تعیین شده نسبت به احداث ایستگاه‌های تحویل گاز مایع به وسایل نقلیه موتوری اقدام نماید. ۳- وزارت صنایع برنامه زمان‌بندی نصب کیت جهت تبدیل سوخت وسایل نقلیه عمومی به تعداد ۲۰۰۰۰ دستگاه را به دبیرخانه شورای عالی ارایه نماید. ۴- وزارتین نفت و صنایع تاریخ استفاده از بنزین بدون سرب را برای مزدا B ۱۶۰۰، خودروی نیسان پاترول با موتور P ۴۰ و پیکان را سریعاً به دبیرخانه شورای عالی اعلام نمایند. مصوبه شماره ۱۳۶ شورای عالی شورای عالی حفاظت محیط‌زیست در تاریخ ۵/۳/۷۱ بر اساس تصمیم مورخ ۲۱/۹/۶۹ هیات وزیران و با توجه به آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی هوا و در جهت کنترل آلودگی هوای تهران موارد زیر را تصویب نمود: ۱- در ارتباط با گازسوز کردن وسایل نقلیه موتوری مقرر شد وزارت صنایع ترتیبی اتخاذ نماید که وسایل نقلیه عمومی تولیدی در داخل کشور تا یک زمان مشخص دو سوخته شود و وزارت مذکور بررسی و اعلام نماید (ظرف سه هفته که به چه میزان ارز و امکانات جهت تامین تجهیزات و وسایل اجرای تصمیم مذکور نیاز دارد. ۲- مقرر شد وزارت صنایع مسیله دو سوخته کردن وسایل نقلیه و صنعت کیت سازی را بررسی و گزارش امر را به ریاست جمهور تسلیم نماید. ۳- مقرر شده ۲۰ هزار کیت گازسوز کردن وسایل نقلیه توسط وزارت صنایع تامین و به قیمت تمام شده با ارز شناور بدو جهت نصب بر روی تاکسی‌ها از وزارت مذکور خریداری شود. (مصوبه شماره ۱۶۱ مورخ ۲۵/۷/۷۷ شورای عالی به استناد مفاد ماده ۴ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۳/۳/۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی حد مجاز خروجی از اگزوز وسایل نقلیه موتوری (خودروهای بنزینی در حال تردد) به شرح جدول زیر تصویب و اعلام می‌گردد: نوع آلاینده سال تصویب یک سال دو سال سه سال بعد از تصویب بعد از تصویب بعد از تصویب و بعد منواکسید کربن ۵/۶ (CO) درصد حجمی ۶ درصد حجمی ۵ درصد حجمی ۴ درصد حجمی هیدروکربنهای نسوخته (HC) ۴۰۰ PPM ۵۰۰ PPM ۶۰۰ PPM ۷۰۰ PPM (مصوبه شماره ۱۶۲ شورای عالی حفاظت محیط‌زیست مورخ ۲۷/۵/۷۷) در اجرای بند ب تبصره ۸۲ قانون برنامه پنج‌ساله دوم و به منظور کاهش آلودگی هوای تهران موارد زیر تصویب و اعلام می‌گردد: ۱- سازمان حفاظت محیط‌زیست با همکاری نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران و شهرداری تهران برنامه زمان‌بندی جلوگیری از تردد وسایل نقلیه موتوری فاقد برگ معاینه فنی (موضوع ماده ۵ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا) و وسایل نقلیه دودزا را ظرف سه ماه تهیه نموده و نیروی انتظامی طبق برنامه فوق از تردد این گونه خودروها جلوگیری به عمل آورد. ۲- سازمان حفاظت محیط‌زیست - وزارت صنایع و وزارت نفت مکلف هستند بررسی‌های تعیین کیت‌های (بسته‌های گاز استاندارد معمول نموده و سپس کلیه وانت بارها، تاکسی‌های نارنجی، فرودگاه راه‌آهن کرایه آژانس و مشابه آن از تاریخی که طبق برنامه زمان‌بندی شده توسط نهادهای مذکور تعیین می‌شود ملزم به نصب کیت‌های (بسته‌های مذکور می‌باشند. نیروی انتظامی بر اساس برنامه تعیین شده از تردد خودروهای فوق‌الذکر فاقد کیت (بسته گاز جلوگیری به عمل خواهند

آورد. ۳- کلیه مینی بوسها و اتوبوسهای دیزلی ساخته شده در کشور با وارداتی ملزم به رعایت استاندارد گازهای خروجی اگزوز Euro1 می باشند. همچنین مینی بوسهای گازسوز (LPG) و اتوبوسهای گازسوز (CNG) نیز ملزم به رعایت استاندارد ECE15,04 می باشند. تبصره - اجرای استانداردهای گاز خروجی Euro2 منوط به تدوین و تصویب برنامه زمان بندی شده توسط وزارت صنایع و سازمان حفاظت محیط زیست می باشد. ۴- وزارت صنایع با همکاری وزارت نفت و سازمان حفاظت محیط زیست برنامه تبدیل مینی بوس های دیزلی در حال تردد به گازسوز (LPG) را ظرف سه ماه تدوین و به مورد اجرامی گذارد. ۵- وزارت نفت با همکاری وزارت صنایع مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی و سازمان حفاظت محیط زیست برنامه زمان بندی اجرای استانداردهای لازم برای سوخت ها اعم از گاز و گازوییل را سریعاً تدوین و به مورد اجرا بگذارد. د- ۱۳۰۳ سازمان حفاظت محیط زیست محرومیت راننده از ((حق تصدی وسایل موتوری) بجای محرومیت از ((حق رانندگی)) از موجبات نقض نیست

قانون تاسیس شرکت سهامی خاص پایانه های عمومی وسایل نقلیه باربری - مصوب ۲۸ دی ماه ۱۳۶۷

ماده واحده - به منظور بهره برداری توسعه و نگهداری پایانه های عمومی وسایل نقلیه سنگین باربری مستحدثه موجود و نیز احداث ، بهره برداری ، توسعه و نگهداری پایانه های عمومی مورد نیاز در کلیه نقاط کشور که به تشخیص وزارت راه و ترابری ایجاد آنها جهت ارایه خدمات به رانندگان وسایل نقلیه باربری ضرورت خواهد یافت شرکت سهامی پایانه های عمومی وسایل نقلیه باربری تاسیس می گردد. احداث پایانه وسایل نقلیه باربری توسط شرکت موضوع این قانون مانع احداث و تاسیس پایانه باربری توسط بخش غیردولتی مطابق ضوابط وزارت راه و ترابری نمی باشد. تبصره ۱- مجمع عمومی این شرکت مرکب از وزرای راه و ترابری برنامه و بودجه امور اقتصادی و دارایی خواهد بود. ریاست مجمع بر عهده وزیر راه و ترابری است تبصره ۲- سهام پایانه هر محل تا ۴۹٪ قابل واگذاری به بخش غیردولتی می باشد نحوه واگذاری در اساسنامه شرکت مشخص می گردد. تبصره ۳- اساسنامه شرکت در چارچوب این قانون و ماده ۳۰۰ قانون تجارت ظرف مدت ۳ ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت راه و ترابری تهیه و پس از تصویب مجمع عمومی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۴- شرکت موظف است بهره برداری از فروشگاهها و غرفه های پایانه از قبیل تعمیرگاه ها، کارگاههای فنی ، فروشگاههای قطعات یدکی ، سالنهای تعویض روغن ، رستوران را طبق آیین نامه ای که توسط وزارت راه و ترابری تهیه و پس از تایید مجمع عمومی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید به بخش غیردولتی واگذار نماید. تبصره ۵- شرکت به صورت خود کفا اداره می گردد و در قبال خدماتی که ارایه می نماید وجوهی دریافت می دارد، نوع خدمات و میزان وجوه دریافتی بر اساس آیین نامه ای خواهد بود که با پیشنهاد وزارت راه و ترابری به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۶- شرکتهای و موسسات باربری موظفند در پایانه هایی که احداث می شود مستقر گردند مگر آنکه از خود دارای تاسیسات و تجهیزات متناسب با نوع فعالیت مطابق با ضوابط وزارت راه و ترابری باشند، در غیر این صورت از فعالیت آنان جلوگیری خواهد شد. تبصره ۷- شرکت می تواند از محل درآمدهای خود نسبت به ایجاد تاسیسات رفاهی بین راهی در نقاط محروم کشور که بخش غیردولتی راغب به ایجاد آن نیستند اقدام نماید. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و هفت تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه بیست و هشتم دی ماه یکهزار و سیصد و شصت و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۷/۱۱/۵ به تایید شورای نگهبان رسیده است

آیین نامه تشکیل کمیسیون ایمنی راههای کشور - مصوب ۱۳۸۲

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۲/۳۱ بنا به پیشنهاد شماره ۱۱/۹۴۳۰ مورخ ۱۳۸۰/۷/۲۵ وزارت راه و ترابری و به استناد اصل

یکصدوسی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آیین نامه تشکیل کمیسیون ایمنی راههای کشور را به شرح زیر تصویب نمود: آیین نامه تشکیل کمیسیون ایمنی راههای کشور ماده ۱- به منظور ارتقای سطح ایمنی حمل و نقل و کاهش سوانح رانندگی، کمیسیون ایمنی راههای کشور که در این آیین نامه به اختصار کمیسیون نامیده می شود، زیر نظر شورای عالی هماهنگی ترابری کشور با ترکیب زیر تشکیل می گردد: ۱- وزیر راه و ترابری که ریاست کمیسیون را نیز به عهده خواهد داشت. ۲- یکی از معاونان سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به انتخاب رییس سازمان یادشده. ۳- معاون راهنمایی و رانندگی و امور حمل و نقل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. ۴- یکی از معاونان وزیر کشور به انتخاب وزیر. ۵- یکی از معاونان سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به انتخاب رییس سازمان یادشده. ۶- یکی از معاونان وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به انتخاب وزیر. ۷- یکی از معاونان وزیر صنایع و معادن به انتخاب وزیر. ۸- یکی از معاونان وزیر آموزش و پرورش به انتخاب وزیر. ۹- معاون راهداری و هماهنگی امور استانهای وزارت راه و ترابری. ۱۰- معاون وزیر راه و ترابری و رییس سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور که دبیری کمیسیون را به عهده خواهد داشت. تبصره - کمیسیون می تواند از سایر دستگاههای دولتی و کارشناسان بخش غیردولتی در جلسات بدون حق رای دعوت به عمل آورد. ماده ۲- کمیسیون موظف است موارد زیر را انجام و پیشنهادهای اصلاحی خود را به شورای عالی هماهنگی ترابری کشور ارایه نماید: الف - تعیین اهداف، راهبردها و شاخصهای مناسب برای کاهش سوانح رانندگی. ب- بررسی برنامه های نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در خصوص بهبود وضعیت آموزش رانندگی، صدور و تجدید گواهینامه، معاینه فنی خودروها، اصلاح و نحوه اعمال مقررات مربوط. ج- بررسی برنامه های وزارتخانه های آموزش و پرورش، کشور، فرهنگ و ارشاد اسلامی، راه و ترابری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در خصوص آموزشهای عمومی و تخصصی ترافیکی. د- بررسی برنامه های وزارت صنایع و معادن در خصوص الزام تولیدکنندگان به رعایت استانداردهای ایمنی وسایل نقلیه ساخت داخل و تولید و عرضه خودروهای قابل رقابت با انواع خارجی. ه- بررسی برنامه های وزارت راه و ترابری در خصوص شرایط احراز صلاحیت رانندگان وسایل نقلیه عمومی برون شهری، اطلاع رسانی مناسب، توسعه، بهسازی و نگهداری راهها، ایمن سازی و حذف نقاط حادثه خیز در جاده ها. و- تدوین برنامه و گردشکار راه اندازی و عرضه خدمات امداد رسانی در شبکه جاده ای کشور با هماهنگی وزارتخانه های کشور، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران. ز- ارایه طرحهای لازم برای تامین اعتبار و تحصیل منابعی که در اثر اجرای آنها، منابع جدید کسب و یا در مصرف منابع موجود صرفه جویی می شود در جهت ایمن سازی حمل و نقل. ح- بررسی نظام بیمه ای کشور و چگونگی ارایه خدمات بیمه ای توسط شرکتهای بیمه در زمینه حمل و نقل. تبصره ۱- دستگاههای یادشده موظفند در شهریور ماه هر سال برنامه سال آینده خود را در خصوص موارد مشخص شده به دبیرخانه کمیسیون ارایه نمایند. تبصره ۲- دستگاه های یادشده موظفند مصوبات شورای عالی هماهنگی ترابری کشور را در خصوص موارد تعیین شده مورد توجه قرار داده و گزارش عملکرد خود را در مقاطع سه ماهه، به دبیرخانه کمیسیون ارایه نمایند. تبصره ۳- کمیسیون مسئولیت نظارت بر اجرای مصوبات شورای عالی هماهنگی ترابری کشور را در خصوص موارد تعیین شده، برعهده دارد. ماده ۳- کمیسیون هر ماه یک بار تشکیل جلسه خواهد داد. تبصره- جلسات کمیسیون با حضور حداقل هفت نفر از اعضای جلسه تشکیل و تصمیمات آن با رای اکثریت و حداقل پنج رای از اعضای حاضر معتبر خواهد بود. ماده ۴- دبیرخانه شورای عالی هماهنگی ترابری کشور، وظایف دبیرخانه کمیسیون را برعهده خواهد داشت. ماده ۵- دستگاه های اجرایی عضو کمیسیون هر سال میزان اعتبارات لازم را برای انجام اقدامات ایمنی با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در قانون بودجه پیش بینی خواهند کرد. ماده ۶- کمیسیون موظف است نتیجه فعالیتهای انجام شده، طرحهای تصویب شده و نحوه همکاری دستگاههای دیگر را در پایان هر شش ماه به شورای عالی هماهنگی

ترابری کشور گزارش نماید. معاون اول رییس جمهور - محمدرضا عارف

اصلاح آیین‌نامه اجرایی تبصره (۱) ماده (۱۷) اصلاحی قانون ایمنی راهها و راه‌آهن - مصوب ۱۳۷۹ - مصوب ۱۳۸۱

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۵/۵/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۲۳۳۲۶/۱۱ مورخ ۲۴/۱۲/۱۳۸۳ وزارت راه و ترابری و به استناد تبصره (۱) ماده (۱۷) اصلاحی قانون ایمنی راهها و راه‌آهن - مصوب ۱۳۷۹ - تصویب نمود: آیین‌نامه اجرایی تبصره (۱) ماده (۱۷) اصلاحی قانون ایمنی راهها و راه‌آهن - مصوب ۱۳۷۹ - موضوع تصویب نامه شماره ۳۶۱۶۴/ت/۲۵۰۸۸ مورخ ۲۶/۱۱/۱۳۸۱ به شرح زیر اصلاح می شود: ۱- متن زیر جایگزین بند (ج) ماده (۲) آیین نامه یادشده می شود: « ج - هرگونه ساخت و ساز به استثنای تأسیسات زیربنایی در اراضی واقع در نوار به عرض سی متر برای راهها و راه آهن های کشور و به عرض پانزده متر برای راههای استانهای گیلان، مازندران و گلستان به استثنای آزاد راهها و محورهای موجود رشت - قزوین، تهران - رودهن - آمل، رودهن - قائمشهر و کرج - چالوس از ابتدای محدوده یکصد متری ممنوع خواهد بود. » ۲- متن زیر جایگزین بند (ج) ماده (۴) آیین نامه یادشده می شود: « ج - مبلغ پایه به ازای هر متر مربع اعیان به استثنای مجتمع‌های خدمات رفاهی بین راهی، منازل مسکونی روستائیان و تأسیسات کشاورزی نظیر خانه باغی و تلمبه خانه مبلغ ۳۰۰۰ ریال. » معاون اول رئیس‌جمهور - محمدرضا عارف

معاینه فنی

آیین نامه نحوه از رده خارج کردن خودروهای فرسوده

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۷/۱/۱۳۸۲ بنا به پیشنهاد شماره ۱۲۵۹۷۳/۱۰۱ مورخ ۱۴/۷/۱۳۸۱ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آیین نامه نحوه از رده خارج کردن خودروهای فرسوده را به شرح زیر تصویب نمود: آیین نامه نحوه از رده خارج کردن خودروهای فرسوده ماده ۱- در این آیین نامه خودروی فرسوده به خودرویی اطلاق می شود که نتواند در آزمایش معاینه فنی خودرو، شرایط لازم را احراز نماید یا بر اساس ماده (۲) این آیین نامه، فرسوده اعلام گردد. ماده ۲- کارگروه موضوع ماده (۷) این آیین نامه موظف است حداکثر ظرف یک ماه از ابلاغ این آیین نامه، فهرست، اولویت و ضوابط شناسایی خودروهای فرسوده را بر اساس شاخصهای میزان سوخت، عمر مفید و نوع بهره برداری به تفکیک خودروهای عمومی و شخصی اعلام نماید. کارگروه یاد شده موظف است هر سال فهرست، اولویت، ضوابط شناسایی خودروهای فرسوده و میزان معافیت موضوع ماده (۴) این آیین نامه را با توجه به منابع مالی مورد نیاز، برای سال بعد تعیین و اعلام نماید. ماده ۳- این آیین نامه تا پایان برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مورد خودروهای با پلاک شهرهای موضوع بند (د) ماده (۱۰۴) قانون برنامه یاد شده که در این شهرها تردد می نمایند، اعمال می شود و پس از آن عمومیت خواهد یافت. ماده ۴- سیاستهای تشویق و اعمال نظام تعرفه ترجیحی در چارچوب ماده (۱۱۵) قانون برنامه سوم برای خارج نمودن خودروهای فرسوده، حداکثر ظرف یک ماه توسط کمیسیون موضوع ماده (۱) آیین نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات با حضور نمایندگان وزارت کشور و سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و ارائه شود. ماده ۵ - سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موظف است حداکثر ظرف یک ماه با همکاری اعضای کارگروه موضوع ماده (۷) این آیین نامه و با هماهنگی سیستم بانکی، آیین نامه نحوه اعطای تسهیلات به مالکین خودروهای فرسوده و همچنین تکالیف مالکین یاد شده را تهیه و ارائه نماید. ماده ۶ - شهرداری شهرهای موضوع بند (د) ماده (۱۰۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماده (۵) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب ۱۳۷۴ - موظفند راسا یا از طریق

ساماندهی بخش خصوصی نسبت به احداث و بهره برداری مراکز معاینه فنی خودرو اقدام نمایند. تبصره ۱- در شهرهایی که امکانات معاینه فنی خودرو فراهم می گردد، انجام معاینه فنی خودرو برای کلیه وسایل نقلیه الزامی است. تبصره ۲- وزارت کش- ور (سازمان شهرداریهای کشور) موظف است هماهنگی های لازم را به منظور احداث و بهره برداری از مراکز یاد شده، در کلیه شهرهای کشور بعمل آورد. ماده ۷- هماهنگی و نظارت بر نحوه اجرای مفاد این آیین نامه و همچنین تعیین روشهای از رده خارج کردن خودروهای فرسوده، تنظیم و تصویب دستورالعملهای مربوط به محدودیت تردد، محدودیت نقل و انتقال، اصلاح تعرفه های بیمه و عوارض سالانه و نظایر آن متناسب با عمر خودروهای فرسوده و نیز تنظیم و پیشنهاد لوایح مورد نیاز و روشهای تامین منابع جدید توسط کارگروهی متشکل از وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور)، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، وزارت صنایع و معادن، وزارت نفت، وزارت بازرگانی با مسؤولیت سازمان حفاظت محیط زیست انجام می پذیرد. معاون اول رییس جمهور - محمدرضا عارف

قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت - مصوب ۱/۱۰/۱۳۸۶

جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران عطف به نامه های شماره ۲۵۳۳۷/۳۷۲۴۴ مورخ ۲۲/۲/۱۳۸۶ و شماره ۱۳۵۸۵۰/۳۶۴۱۱ مورخ ۲۳/۱۰/۱۳۸۵ در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت سوخت که با عنوان لایحه مدیریت مصرف سوخت در بخش حمل و نقل عمومی برون شهری و لایحه توسعه حمل و نقل عمومی درون شهری و مدیریت مصرف سوخت به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۸/۹/۱۳۸۶ و تأیید شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حداد عادل شماره ۱۶۰۹۹۹ ۲۳/۱۰/۱۳۸۶ ریاست جمهوری (نماینده ویژه رئیس جمهور در توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت سوخت) قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت سوخت که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ هجدهم آذرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۸/۹/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۵۳۳۶۲/۶۸۵ مورخ ۱/۱۰/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رئیس جمهور - محمود احمدی نژاد قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت ماده ۱- دولت مکلف است در جهت توسعه حمل و نقل درون شهری و برون شهری کشور و مدیریت بر مصرف سوخت نسبت به بهینه سازی عرضه خدمات حمل و نقل (از طریق اصلاح و توسعه شبکه حمل و نقل ریلی، برقی خطوط و اجراء علائم و تأسیسات و ارتباطات، افزایش سرعت در شبکه ریلی، یکپارچه سازی و ساماندهی مدیریت حمل و نقل، اصلاح قیمتها، ایمن سازی و بهبود تردد، بهسازی و از رده خارج نمودن خودروهای فرسوده سبک و سنگین مسافری و باری درون و برون شهری، تبدیل خودروهای بنزین سوز و گازوئیل سوز به دوگانه سوز، الزام معاینه فنی، توسعه ناوگان حمل و نقل همگانی ون و مینی بوس و مدی بوس و اتوبوس، استفاده از سامانه هوشمند حمل و نقل، ساخت و توسعه شبکه آزادراهها و بزرگراههای بین شهری، حمل ترکیبی کالا از مبدأ تا مقصد نهائی با شبکه ریلی و شبکه مکمل جاده ای، الزام به داشتن توقفگاه در انواع کاربریها، احداث توقفگاههای عمومی، ساماندهی و ایجاد توقفگاهها و پایانه های بار و مسافر شهری و برون شهری اعم از ریلی و جاده ای در نقاط مناسب از شهرها و حومه آن، افزایش امنیت و قابلیت اطمینان و دسترسی)، بهینه سازی تقاضای حمل و نقل (از طریق اصلاح فرآیندهای اداری، کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات، اصلاح کاربری زمین و آمایش سرزمین، اعمال محدودیتهای ترافیکی، آموزش و فرهنگ سازی)، بهینه سازی مصرف انرژی (از طریق عرضه بنزین و گازوئیل در بخشهای حمل و نقل و صنعت و کشاورزی با اولویت کارت هوشمند سوخت، احداث جایگاههای عرضه گاز، حمایت از ابداعات و اختراعات مؤثر در کاهش مصرف سوخت)، بهینه سازی تولید خودرو [از طریق تولید

خودروهای گازسوز، تأمین تجهیزات استفاده از گاز توسط خودروها، حمایت از تولید خودروهای برقی، دنیروی (هیبریدی) و کم‌مصرف، استانداردسازی تولید خودروی سبک و سنگین و موتورسیکلت در مصرف سوخت و کاهش آلاینده‌گی] و خروج بنزین و گازوئیل از سبد حمایتی، حداکثر از ابتداء سال ۱۳۹۱ هجری شمسی اقدام نماید. ماده ۲- به دولت اجازه داده می‌شود برای اجراء احکام ماده (۱) این قانون اقدامات زیر را به عمل آورد: ۱- اعطاء کمکهای بلاعوض یارانه‌ای به بخشهای غیردولتی مرتبط با اهداف این قانون؛ ۲- تخفیف در حقوق ورودی و سود بازرگانی واردات ناوگان حمل و نقل همگانی، خودروهای کم‌مصرف، خودروهای گازسوز، نفت‌گاز، برقی و دنیروی (هیبریدی) و قطعات و تجهیزات مربوطه؛ ۳- تخفیف در حقوق ورودی و سود بازرگانی واردات تجهیزات، تأسیسات، ماشین‌آلات و قطعات مورد نیاز شبکه و ناوگان ریلی (شهری و برون‌شهری) و توسعه آزادراهها و بزرگراهها؛ ۴- اعطاء تسهیلات بانکی و پرداخت بخشی از سود تسهیلات بانکی به بخشهای مرتبط با اهداف این قانون؛ ۵- تغییر کاربری اراضی و واگذاری زمینهای مورد نیاز احداث جایگاههای عرضه گاز طبیعی تا پایان سال ۱۳۹۰ هجری شمسی به قیمت منطقه‌ای پس از تملک و پرداخت بهای عادله آنها به صاحبان اراضی؛ ۶- تعیین و اخذ جریمه، متناسب با مازاد مصرف سوخت و آلاینده‌گی از خودروهای سبک و سنگین به صورت پلکانی؛ ۷- تعیین و اخذ عوارض، بر مبنای میزان مصرف سوخت و آلاینده‌گی و نوع سوخت از خودروهای تولید داخل و وارداتی از تولیدکنندگان داخلی و واردکنندگان. ماده ۳- دولت مکلف است نظارت بر اجراء زمانبندی شده طرحها و پروژه‌های مرتبط با اهداف این قانون را با راهکارهایی که در آئین‌نامه‌های اجرائی مشخص خواهد کرد، اعمال نماید و هر شش ماه یکبار گزارش پیشرفت کار را به کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی ارائه کند. ماده ۴- توزیع کمکها، یارانه‌ها، تسهیلات و اعتبارات موضوع این قانون و تعیین دستگاه مجری با توجه به شرح وظایف قانونی به عهده دولت است. دولت موظف است به نحوی اقدام کند که ضمن صرفه‌جویی، سرعت و کیفیت نیز لحاظ گردد. ماده ۵- شرکتهای بیمه‌گر موظفند متناسب با ارزیابی دولت از عملکرد دستگاههای مؤثر در کاهش حوادث و تلفات حمل و نقل درون‌شهری و برون‌شهری، معادل پنجاه درصد (۵۰٪) صرفه‌جویی حاصل از عدم پرداخت خسارات بیمه بدنه و شخص ثالث را برای آموزش و فرهنگسازی ایمنی تردد، تأمین تجهیزات، اصلاح فیزیکی نقاط و مقاطع حادثه‌خیز و کمک به پرداخت هزینه‌های جاری (با تصویب طرحها و اعتبارات پیشنهادی از سوی شهرداریها در شورای هماهنگی ترافیک استان و از سوی وزارت راه و ترابری و پلیس راهور، در کمیسیون ایمنی راههای وزارت راه و ترابری) به دستگاههای مذکور اختصاص دهند. ماده ۶- دولت موظف است با اولویت حمل و نقل ریلی به گونه‌ای اقدام نماید که سهم حمل و نقل ریلی در جابه‌جایی بار و مسافر و مصرف سوخت در حمل و نقل برون‌شهری بر مقادیر جدول شماره (۱) این قانون منطبق شود. ماده ۷- دولت موظف است سیاستهای بخش حمل و نقل همگانی شهری را به گونه‌ای تنظیم نماید که از ابتداء سال ۱۳۹۱ هجری شمسی در مجموع هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) سفرهای درون‌شهری پوشش داده شده و سهم هر یک از بخشهای حمل و نقل همگانی و مصرف سرانه بنزین در روز براساس جدول شماره (۲) باشد. تبصره - در شهر تهران نسبت تسهیم حمل و نقل عمومی از کل سفرهای درون‌شهری برای اتوبوسرانی، تاکسیرانی و حمل و نقل ریلی به ترتیب تا حداکثر بیست و پنج درصد (۲۵٪)، بیست درصد (۲۰٪) و سی درصد (۳۰٪) می‌باشد. ماده ۸- در صورتی که شهرداری شهرهای دارای شهرک اقماری، شرکتهای شهرک‌های جدید، شرکتهای کارخانه‌ها، هزینه تأمین زیرساخت و ابنیه خطوط ریلی به شهرکهای اقماری، شهرهای جدید یا محل شرکت یا کارخانه را تأمین نمایند، دولت هزینه روسازی، علائم، تأسیسات و ناوگان اجراء پروژه‌های مربوطه را تأمین خواهد کرد. تبصره - اعتبارات موردنیاز این بند از محل اعتبارات پیش‌بینی شده در ماده (۱۰) این قانون تأمین خواهد شد. ماده ۹- مدیریت حمل و نقل بار و مسافر در محدوده شهر و حومه آن به عهده شهرداری است. ماده ۱۰- اعتبارات موردنیاز موضوع این قانون به میزان چهل هزار میلیارد (۴۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال در بخش درون‌شهری و شصت هزار میلیارد (۶۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال در بخش برون‌شهری در هر سال تعیین می‌گردد. دولت مجاز است این اعتبارات

را در دو ردیف متمرکز درون شهری و برون شهری از محل درآمد عمومی، صرفه جویی حاصل از اجراء این قانون و حساب ذخیره ارزی تأمین و در بودجه سنواتی منظور نماید. این اعتبارات در حساب مخصوص نزد خزانه داری کل کشور به صورت صددرصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته تلقی می گردد. ماده ۱۱- وصولی های موضوع بندهای (۶) و (۷) ماده (۲) و ماده (۵) بین شهرداریها و وزارت راه و ترابری جهت انجام تکالیف این قانون به نسبت شصت درصد (۶۰٪) و چهل درصد (۴۰٪) در قالب بودجه های سنواتی توزیع می گردد. کمک به شهرهای فاقد سامانه ریلی شهری مصوب برای ساماندهی حمل و نقل همگانی و بهبود عبور و مرور دارای اولویت است. ماده ۱۲- آئین نامه اجرائی این قانون حداکثر دو ماه پس از ابلاغ این قانون با پیشنهاد مشترک نماینده ویژه ریاست جمهوری، وزارت راه و ترابری، وزارت کشور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. ماده ۱۳- اجراء کلیه قوانین مغایر با این قانون به جز قانون توسعه ملغی الاثر می گردد. جدول ۱- برون شهری جدول ۲- درون شهری قانون فوق مشتمل بر سیزده ماده و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ هجدهم آذرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۸/۹/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

شهرداری

شهرداری و شورا

قانون شهرداری - مصوب ۱۱/۴/۱۳۳۴ با اصلاحات و الحاقات

فصل اول - در تاسیس شهرداری (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱- در هر محل که جمعیت آن حداقل به پنج هزار نفر بالغ باشد شهرداری تاسیس می گردد. تبصره ۱- در هر نقطه که از نظر موقعیت و اهمیت تشکیل شهرداری ضرورت داشته باشد ولو جمعیت آن به پنج هزار نفر بالغ نشود وزارت کشور می تواند در آن محل دستور تشکیل انجمن و شهرداری بدهد و چنانچه پس از تشکیل شهرداری در نقاط مزبور ضمن عمل معلوم شود عوارض وصولی تکافوی هزینه شهرداری را نمی نماید و با در نظر گرفتن وضع اقتصادی و مالی محل برای اداره امور شهرداری درآمد جدیدی نمی توان تهیه نمود وزارت کشور مجاز است شهرداری این قبیل نقاط را منحل نماید. تبصره ۲- در نقاطی که فقط در بعضی از فصول برقراری شهرداری لازم باشد برای فصل مزبور و همچنین برای چند محل که به یکدیگر نزدیک و جمعا اقتضای تشکیل شهرداری داشته باشند می توان یک شهرداری تاسیس کرد. ماده ۲- حدود حوزه هر شهرداری بوسیله با تصویب انجمن شهر تعیین می شود و پس از موافقت شورای شهرستان و تصویب وزارت کشور قابل اجرا است ماده ۳- شهرداری دارای شخصیت حقوقی است

فصل دوم - انتخابات انجمن شهر (ماده ۴ تا ۳۲)

الف - تقسیم بندی شهر، حوزه های انتخابیه و تعداد انجمن ماده ۴- هر حوزه شهرداری انجمنی خواهد داشت بنام انجمن شهر که اعضا آن از طرف اهالی مستقما و با رای مخفی به اکثریت نسبی برای مدت چهار سال انتخاب می شوند. مواد ۵ و ۶ - طبق ماده

۱۱۳ لغو شده است ماده ۷- تعداد اعضای انجمن شهرها بدین ترتیب تعیین می‌شود. تهران ۳۰ نفر شهرهای از ۲۵۰ هزار نفر جمعیت ببالا ۱۵۰ هزار نفر شهرهای از ۱۰۰ هزار تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت ۱۲ نفر شهرهای از ۵۰ هزار تا ۱۰۰ هزار نفر جمعیت ۹ نفر شهرهای از ۱۰ هزار تا ۵۰ هزار نفر جمعیت ۷ نفر شهرهای کمتر از ۱۰ هزار نفر تبصره - جمعیتی که ملاک تعیین عده نمایندگان هر حوزه است آخرین سرشماری عمومی کشور است که نتیجه آن قبل از صدور دستور شروع انتخابات انجمن شهر رسماً اعلام شده باشد. ب - شرایط انتخاب کردن و انتخاب شدن ماده ۸- انتخاب کننده باید واجد شرایط زیر باشد: ۱- تابعیت ایران ۲- داشتن ۱۸ سال تمام ۳- توطن در محل انتخاب و یا لااقل سکونت در آنجا از ششماه قبل از انتخابات و یا آنکه شخصا در آن حوزه به کسب یا حرفه معینی اشتغال داشته باشد و در صورتی که محل سکنی و محل کسب یا حرفه مختلف باشد فقط محل سکنی معتبر است ۴- عدم محکومیت بجنایت یا جنحه‌ای که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی است ۵- محجور نبودن و عدم محکومیت به ورشکستگی به تقصیر. تبصره - رای دهندگان موظفند قبل از دادن رای برگ انتخاباتی تحصیل کنند. نحوه تنظیم دفاتر ثبت نام و صدور برگ انتخاباتی و تشخیص صلاحیت رای دهندگان بر اساس مقررات این قانون بموجب آیین نامه‌ای خواهد بود که ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این قانون از طرف وزارت کشور تهیه و بتصویب هیات وزیران برسد. ماده ۹- انتخاب شونده باید دارای شرایط زیر باشد: ۱- تابعیت ایران ۲- داشتن ۲۵ سال تمام سن ۳- توانایی خواندن و نوشتن فارسی باندازه کافی ۴- لااقل سه سال ساکن محل انتخاب باشد. ۵- عدم محرومیت از حقوق اجتماعی ۶- محجور نبودن و عدم محکومیت به ورشکستگی به تقصیر. ماده ۱۰- اشخاص زیر از انتخاب شدن محرومند. ۱- نخست‌وزیر - وزیران و معاونان آنان و نمایندگان مجلسین در تمام کشور و استانداران و فرمانداران و قضات دادگستری و شهرداران و بخشداران و کلیه روسای ادارات و سازمانها و شرکتهای دولتی و موسسات وابسته به دولت و شهرداریها همچنین مدیرعامل جمعیت هلال احمر ایران - رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن - رئیس اتاق اصناف - رئیس شورای داوری - رئیس انجمن بهداری - رئیس شورای آموزش و پرورش منطقه‌ای و قایم‌مقام و معاونان مقامات مذکور در حوزه‌مأموریت و کار خود به استثنای استادان و دانشیاران و استادیاران و سایر افرادی که در موسسات آموزش عالی تدریس می‌کنند مشروط بر آنکه دارای شغل دولتی نباشند و همچنین کارکنان آموزشی وزارت آموزش و پرورش که منحصراً به امر تدریس اشتغال ورزند. ۲- افسران و نفرات شهربانی و ژاندارمری و ارتش و همدریفان آنها از هر دسته تا موقعی که در خدمت هستند از انتخاب کردن و انتخاب شدن محرومند. ۳- اعضای انجمن‌های ایالتی و ولایتی و اعضا انجمن نظارت انتخابات انجمن شهر در دوره‌ای که دارای این سمت هستند. ۴- هیچیک از کارمندان و کارگران ادارات و بنگاههای دولتی و سازمانهای وابسته به دولت و کسانی که بنحوی از انجا از شهرداری مستمرا حقوق و یا کمک مالی دریافت می‌دارند در حوزه‌مأموریت خود نمی‌توانند انتخاب شوند مگر اینکه قبل از نشر اعلان انتخابات بازنشسته شده یا استعفا داده یا از خدمت خارج شده باشند که در اینصورت انتخاب آنان مانعی ندارد. تبصره - در نقاطی که دولت مقتضی بداند و اعلام نماید شرکت کارمندان و کارگران سازمانهایی که با سرمایه دولت تشکیل شده ولی بصورت بازرگانی اداره می‌شوند در انتخابات انجمن شهر بلامانع است ۵- روسا و اعضا هیات مدیره و مدیران عامل شرکتهای و کسانی که تامین تمام یا قسمت اعظم یکی از حوایج عمومی حوزه شهرداری از قبیل خواربار - وسایل نقلیه - برق - آب - دارو و امثال اینها را بعهده دارند نمی‌توانند بصورت انجمن شهرداری محلی که مرکز فعالیت آنهاست انتخاب شوند. تبصره - چنانچه یکی از کارمندان پایه‌دار دولت یا شهرداری بصورت انجمن انتخاب شود مدت نمایندگی جزو سابقه خدمت او محسوب می‌شود. ماده ۱۱- از اشخاصی که با یکدیگر قرابت نسبی یا سببی بشرح زیر داشته باشند: پدر - مادر - فرزند - نوه - برادر - خواهر - برادرزاده - خواهرزاده - همسر خواهر و برادر همسر فرزند همسر، فقط آنکسی که رای او بیشتر است می‌تواند عضویت یک انجمن را دارا باشد و در صورت تساوی آرا یکی از آنها بحکم قرعه معین خواهد شد و اگر قرابت پس از اتمام انتخابات و صدور اعتبارنامه یا هر زمانی از دوره قانونی انجمن حاصل و یا معلوم گردد بلافاصله در اولین باری که انجمن تشکیل جلسه می‌دهد بحکم

قرعه یکنفر ابقا می‌شود و بجای شخص یا اشخاصی که خارج شده‌اند از شخص یا اشخاصی که بعد از آنها رایشان بیشتر است دعوت خواهد شد. ماده ۱۲ - هر عضو انجمن شهرداری که فاقد یکی از شرایط انتخاب شونده (مذکور در ماده ۹ این قانون گردد و یا یکی از مشاغلی را که موجب محرومیت از عضویت انجمن شهرداری است قبول کند از همان موقع منعزل شناخته می‌شود و فرماندار یا بخشدار موظف است بمحض اطلاع مراتب را بعضو منعزل و انجمن شهر اعلام نماید. ماده ۱۳ - یکنفر نمی‌تواند در بیش از یک انجمن شهر عضویت داشته باشد. تبصره - در شهرهایی که به حوزه‌های انتخابیه تقسیم می‌شود هر گاه یکنفر در بیش از یک حوزه انتخاب گردد فقط می‌تواند نمایندگی یکی از حوزه‌ها را داشته باشد و از سایر حوزه‌ها کسانی که بعد از او حایز اکثریت هستند نمایندگی آن حوزه‌ها را خواهند داشت مشروط بر اینکه نفر بعدی حداقل دارای نصف آرا آخرین نماینده منتخب حوزه باشد والا انتخابات در آن حوزه تجدید خواهد شد. ج - در تعیین داوطلبان و تشکیل انجمن نظارت ماده ۱۴ - فرمانداران یا بخشداران حداکثر ظرف مدت سه روز پس از وصول دستور وزارت کشور تاریخ و محل تشکیل کمیسیون موضوع ماده ۱۵ و شرایط انتخاب شندگان و مدت اعلام داوطلبی عضویت در انجمن را بموجب آگهی به اطلاع عموم اهالی بخش یا مرکز فرمانداری می‌رسانند. داوطلبان عضویت در انجمن باید برگ داوطلبی خود را ظرف ده روز از تاریخ انتشار آگهی شخصا به فرمانداری یا بخشداری تسلیم نمایند. ماده ۱۵ - پس از انتشار آگهی مزبور در ماده ۱۴ بمنظور احراز شرایط قانونی در مورد داوطلبان عضویت در انجمن حداقل دو ماه قبل از روز اخذ رای بدستور وزارت کشور در مرکز هر فرمانداری یا بخشداری کمیسیونی بریاست فرماندار یا بخشدار و بعضویت رییس دادگاه شهرستان در شهرستان و رییس دادگاه بخش در بخش و رییس اداره آموزش و پرورش و رییس اداره ثبت احوال و یکنفر معتمد محل بانتخاب فرماندار یا بخشدار تشکیل می‌گردد. در بخشها رییس آموزش و پرورش بخش، نماینده ثبت احوال عضویت کمیسیون را دارا خواهند بود. در غیاب هریک از افراد مذکور در بالا از جانشین آنان دعوت بعمل خواهد آمد. در صورتی که تکمیل تعداد اعضای کمیسیون با افراد مذکور میسر نباشد، فرماندار یا بخشدار می‌تواند از دبیران یا آموزگاران یا سردفتران یا روسای انجمن ده برای تشکیل و تکمیل عده اعضای کمیسیون دعوت نماید. داوطلبان عضویت در انجمن ها نمی‌توانند عضو کمیسیون مذکور باشند و هرگاه اعضا این کمیسیون داوطلب عضویت در انجمن شهر گردد مستعفی تلقی شده و طبق مقررات این ماده بجای آنان از افراد دیگر دعوت بعمل خواهد آمد. کمیسیون پس از رسیدگی اسامی افراد واجد شرایط قانونی را بمرجع حزبی مربوط در محل اعلان می‌کند تا طبق ضوابط حزبی و با توجه به تعداد داوطلبان و جمعیت هر حوزه انتخابیه حداکثر تا چهار برابر تعداد اعضای انجمن نامزدهای انتخاباتی از طرف حزب اعلام شود و رای دهندگان می‌توانند فقط به افراد اعلام شده رای دهند. بعد از انتشار اعلام اسامی داوطلبان واجد شرایط کمیسیون نسبت به تعیین اسامی ۲۴ نفر از معتمدین محلی با سواد از بین گروههای مختلف که دارای شرایط رای دهنده باشند اقدام می‌نماید و فرماندار یا بخشدار از ۲۴ نفر مذکور برای تشکیل انجمن نظارت در محل بخشداری یا فرمانداری دعوت خواهد نمود. دعوت شدگان در همان جلسه با رای مخفی و اکثریت نسبی از بین خود هفت نفر را بعنوان عضو اصلی و هفت نفر را بعنوان عضو علی البدل انتخاب می‌کنند. برای تشکیل جلسه مذکور حضور حداقل دو سوم دعوت شدگان ضروری است در بخشهایی که چند انتخابات برای تشکیل چند انجمن شهر در جریان باشد نماینده بخشدار در تشکیل انجمن وظایف مطابق بخشدار را بعهده خواهد داشت تبصره ۱ - در بخشهایی که انتخابات برای تشکیل چند انجمن شهر در جریان است تکالیف مربوط به احراز شرایط قانونی داوطلبان و تعیین ۲۴ نفر معتمدان و رسیدگی بشکایات موضوع ماده ۳۰ و سایر وظایف مربوط توسط کمیسیون مذکور در این ماده انجام خواهد شد. تبصره ۲ - انجمنهای نظارت بر انتخابات با نظارت فرماندار و بخشدار محل مسئول صحتانتخابات خواهند بود. تبصره ۳ - هرگاه قبل از تشکیل انجمن نظارت یک یا چند نفر از داوطلبان نمایندگی استعفا دهند مراتب از طرف فرماندار یا بخشدار برای اطلاع رای دهندگان اعلام می‌شود و داوطلب مستعفی حق استرداد استعفای خود را ندارند. تبصره ۴ - وزارت کشور مکلف است نسبت به تشکیل انجمن شهر در کلیه نقاطی که شهرداری تاسیس

شده یا بشود اقدام نماید. ماده ۱۶ - از داوطلبان عضویت در انجمن شهر نباید برای عضویت انجمن نظارت و شعب اخذ رای و شعب ثبت نام دعوت بعمل آید ولی هر داوطلب می‌تواند برای نظارت در اخذ و قرائت آرا نماینده‌ای به انجمن نظارت و شعب اخذ رای معرف کند. ماده ۱۷ - کسانی که برای عضویت انجمن نظارت انتخاب می‌شوند بلافاصله تحت ریاست مسن ترین اعضا تشکیل جلسه داده یک رییس و یک نایب رییس و لااقل سه منشی از بین خود با رای مخفی و به اکثریت انتخاب می‌نمایند نظم جلسات انجمن با رییس و در غیاب رییس با نایب رییس خواهد بود و نوشتن صورت جلسات بعهدہ منشی هاست ماده ۱۸ - انتخاب رییس و نایب رییس فردی است و به اکثریت تام خواهد بود و در صورت عدم حصول اکثریت تام دفعه دوم انتخاب به اکثریت نسبی صورت می‌گیرد. انتخاب سه نفر منشی جمعی و به اکثریت نسبی است ماده ۱۹ - بمنظور اخذ رای و استخراج آرا، انجمن‌های نظارت مکلفند با تصویب کمیسیون موضوع ماده ۱۵ بتعداد لازم شعب اخذ رای مرکب از ۵ نفر از اهالی محل تشکیل دهند. اعضای شعبه باید واجد شرایط انتخاب‌کننده باشند. محل شعب اخذ رای حتی الامکان با توجه به جمعیت و امکانات ارتباطی محل تعیین می‌شود. ماده ۲۰ - ورود در محوطه انتخابات با هر نوع اسلحه سرد و گرم جز برای مأمورین انتظامی ممنوع است کسانی که برخلاف نظم و مقررات رفتار نمایند به امر رییس بوسیله مأمورین انتظامی از انجمن خارج و در صورت لزوم بمراجع قانونی تسلیم خواهند شد. ماده ۲۱ - انجمن نظارت و شعب آن غیرقابل انحلال است مگر آنکه اسباب تعطیل و تعویق انتخابات را فراهم کنند و یا برخلاف وظایفی که طبق این قانون بعهدہ انجمن گذاشته شده عمل نمایند در این صورت اگر موجبات تعطیل و تعویق و اخلال از طرف شعبه باشد بنا بنظر اکثریت انجمن نظارت با موافقت فرماندار یا بخشدار شعبه مزبور منحل می‌شود و اگر از طرف انجمن نظارت باشد فرماندار یا بخشدار با موافقت کمیسیون پنج نفری (با اکثریت آرا) با ذکر دلایل اعضا علی البدل را برای ادامه امر انتخابات دعوت می‌نماید و ضمناً مراتب و دلایل تعطیل و تعویق و اخلال را ضمن صورتجلسه ای برای تعقیب متخلفین از طریق وزارت کشور به شورای دایمی انتخابات اعلام می‌دارد. در صورتیکه از این اقدامات نیز نتیجه‌ای حاصل نشود از طرف فرماندار یا بخشدار درخواست انحلال انجمن نظارت با نظر کمیسیون پنج نفری از طریق وزارت کشور به شورای دایمی انتخابات موضوع ماده ۱۱۴ این قانون برای اتخاذ تصمیم فوری احاله خواهد شد. ماده ۲۲ - هرگاه در اثنا جریان انتخابات یک یا چند نفر از اعضا انجمن در آمدن به جلسات تعلق و یا از حضور استنکاف نمایند تا زمانی که اکثریت باقی است جریان امر تعقیب و به عضو یا اعضا مذکور اخطار می‌شود که حضور یابند چنانچه عضوی تا دو جلسه پس از اخطار در استنکاف و تعلق خود باقی باشد فرماندار یا بخشدار یک یا چند نفر از اعضا علی البدل را بحکم قرعه برای عضویت انجمن دعوت می‌نماید و اگر اکثریت اعضا انجمن نظارت از حضور در انجمن استنکاف نمایند و یا پس از ختم انتخابات از دادن اعتبارنامه خودداری کنند فرماندار یا بخشدار علل و موجبات آنرا تحقیق و در رفع محذور اهتمام می‌نمایند و در صورتیکه اهتمام فرماندار یا بخشدار موثر نشود و اکثریت اعضا انجمن یا تمام اعضا انجمن اعم از اصلی و علی البدل همچنان استنکاف و یا استعفا نمایند یا بواسطه فقدان اکثریت انجمن نتواند بوظایف قانونی خود عمل کند کمیسیون مقرر در ماده ۱۵ در تجدید اعضا انجمن نظارت بتعداد کسری اقدام می‌نماید و انتخابات را خاتمه می‌دهد و اشخاصی که موجبات تعطیل و تعویق و انحلال انجمن را فراهم کرده باشند طبق ماده ۸۷ این قانون مورد تعقیب قرار خواهند گرفت د - کیفیت اخذ آرا و تشخیص منتخبین ماده ۲۳ - همین که انجمن‌های نظارت انتخاب و تشکیل شد و در صورت لزوم شعب خود را تعیین نمودند، هر یک از انجمن‌ها اعلانی تنظیم نموده و به نسبت اهمیت محل از سه تا پنج روز قبل از شروع به اخذ رای در تمام حوزه مربوط به خود منتشر می‌سازند. اعلان مزبور حاوی مطالب ذیل خواهد بود: ۱ - محل انعقاد انجمن و شعب آن و ساعات اخذ رای که باید در تمام شعب در یکروز جمعه بعمل آید و کمتر از ۶ ساعت و بیش از ۸ ساعت نباشد، ساعات اخذ آرا از ساعت ۸ صبح الی ۱۲ و از ساعت ۱۴ تا خاتمه مدت خواهد بود. ۲ - شرایط انتخاب کنندگان ۳ - عده نمایندگان که باید در آن حوزه انتخاب شوند. ۴ - اسامی داوطلبان آن حوزه که طبق ماده ۱۵ از طرف حزب اعلام شده است ماده ۲۴ - رای باید مخفی باشد و همینکه رای

دهنده به اطاق انجمن یا شعبه وارد و وجود شرایط رای دادن در او تشخیص داده شد باید رای خود را شخصا در حضور انجمن در صندوق انداخته خارج شود برگ انتخاباتی رای دهنده پس از ثبت در دفتر انجمن طبق آیین نامه مربوط ابطال خواهد شد. ماده ۲۵ - در پایان آخرین ساعاتی که برای اخذ رای معین گردیده است در ورودی انجمن یا شعبه بسته می‌شود و اگر عده‌ای از آنان که حق رای دادن دارند در داخل محل حاضر باشند رای خود را بترتیب مذکور در صندوق انداخته و انجمن یا شعبه به رای گرفتن خاتمه می‌دهد و بعد از آن دیگر از کسی رای قبول نمی‌شود. ماده ۲۶ - اگر از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان کسی در حین جریان انتخابات شکایت داشته باشد این امر مانع انجام انتخابات نخواهد شد ولی شرح آن باید در صورت مجلس نوشته شود. ماده ۲۷ - انجمن مکلف است پس از ختم آرا بلافاصله آرا را شماره و قرائت کند و مادام که نتیجه استخراج آرا معلوم نشود حق تعطیل ندارد منشی مکلف است صورت مجلسی از نتیجه آرا قرائت شده تنظیم کند و پس از آنکه صورت مجلس به امضا رییس و اعضا انجمن رسید نتیجه بلافاصله باید بوسیله فرماندار یا بخشدار اعلام گردد. ماده ۲۸ - اوراق رای را باید یکی از اعضا یک یک بصورت بلند خوانده به یک نفر دیگر از اعضا بدهد که علامت قرائت گذاشته شود و سه نفر دیگر از اعضا اسامی را بترتیبی که خوانده می‌شود در دفتری که برای اینکار تخصیص داده شده ثبت می‌نمایند از اوراق رای آنچه سفید و یاداری اسامی غیر خوانا باشد یا اینکه انتخاب شده در آن درست معرفی نشده باشد یا اسم کسی که معرفی نشده در آن نوشته شده باشد و یا نام انتخاب کننده را داشته باشد باطل و عینا ضمیمه صورت مجلس می‌شود. هرگاه در اوراق رای علاوه بر عده‌ای که باید انتخاب شوند اسامی اضافه نوشته شده باشد عده‌زاید از آخر ورقه خوانده نمی‌شود. ماده ۲۹ - در حوزه‌هایی که بر طبق ماده ۱۹ برای تسریع اخذ رای شعب انجمن در آن حوزه ها تشکیل می‌گردد صورت مجلس استخراج آرا هر شعبه در ورقه مخصوص با ذکر اسامی و عده آرا هر یک از اشخاصی که رای دارند نوشته شده و اعضا شعبه آنرا امضا می‌کنند و به انضمام اوراق لازم در پاکتی که لاک شده و به مهر شعبه رسیده باشد بانجمن نظارت فرستاده می‌شود، اسامی مندرج در صورت مجلس شعب با آرای که انجمن نظارت استخراج کرده در ورقه جداگانه جمع و کسی که از مجموع آرا حایز اکثریت باشد معلوم می‌گردد. اوراق رای هر حوزه تا گذشتن مدت اعتراض و خاتمه رسیدگی در صندوق انجمن که لا-ک می‌شود و بمهر اعضا می‌رسد باقی می‌ماند و پس از گذشتن مدت اعتراض با حضور عده‌ای از رای دهندگان اوراق مزبور را معدوم می‌سازند (به استثنا آنچه در مواد قبل ذکر شده و باید ضمیمه صورت مجلس باشد) انجمن نظارت حق معدوم کردن آرا را قبل از گذشتن مدت اعتراض و تا پایان رسیدگی ندارد. ماده ۳۰ - ضمن انتشار اسامی دارندگان رای انجمن نظارت تاریخ قبول شکایات را که باید از فردای همانروز شروع شود، تعیین می‌کند و اگر از انتخاب کنندگان یا انتخاب شوندگان کسی از جریان انتخابات شکایت داشته باشد ظرف یک هفته به اطلاع انجمن نظارت می‌رساند و انجمن نظارت بعد از انقضا یک هفته شکایتی نمی‌پذیرد و منتهی ظرف یک هفته به شکایات واصله با حضور کمیسیون ۵ نفری رسیدگی می‌کند. در صورتیکه شکایت بنظر انجمن وارد باشد و ثابت شود که منتخب دارای شرایط مقرر در ماده ۹ و ۱۰ این قانون نیست مراتب را در صورت مجلس ذکر می‌کند و اعتبارنامه را برای نفر بعدی که دارای رای بیشتری می‌باشد، صادر می‌نماید، و هرگاه تشخیص دهد که در انتخابات اعمالی برخلاف قانون صورت گرفته موضوع را با تنظیم صورت مجلس برای اتخاذ تصمیم از طریق وزارت کشور به شورای موضوع ماده ۱۱۴ این قانون احاله می‌نماید و طبق نظر شورا عمل می‌کند. ماده ۳۱ - کسانی که بعضویت انجمن شهر انتخاب می‌شوند باید اعتبارنامه به امضا انجمن نظارت و اعضا کمیسیون پنج نفری در دست داشته باشند و آنرا بدفتر شهرداری و در صورت نبودن شهرداری بدفتر فرمانداری یا بخشداری بدهند و رونوشت آن را بگیرند کمیسیون مزبور و همچنین اعضا انجمن نظارت نباید بدون عذر موجه در صدور اعتبارنامه تاخیر کنند والا- با آنها بر طبق ماده ۲۲ رفتار خواهد شد. ماده ۳۲ - منشی انجمن نظارت صورت مجلس انتخابات را در سه نسخه حاضر کرده و به امضا فرماندار یا بخشدار و اعضا انجمن نظارت می‌رساند. یک نسخه در فرمانداری یا بخشداری ضبط و یک نسخه بوسیله فرماندار یا بخشدار به وزارت کشور ارسال می‌شود نسخه سوم با کتابچه ثبت

اسامی در انجمن ولایتی و در صورت نبودن انجمن ولایتی در انجمن شهر ضبط می‌گردد.

فصل سوم - در تشکیل انجمن شهر (ماده ۳۳ تا ۴۴)

الف - انتخابات هیات ریسه ماده ۳۳ - بمحض اینکه انتخابات خاتمه یافت و اعتبارنامه دو ثلث از نمایندگان صادر و به آنها داده شد فرماندار یا بخشدار مکلف است ظرف یک هفته وسایل تشکیل انجمن را فراهم سازد. انجمن بلافاصله تحت ریاست مسن‌ترین اعضا و به منشیگری دو نفر از جوان‌ترین اعضا تشکیل جلسه داده بشرح ماده ۳۵ سوگند یاد می‌کنند و سپس به انتخاب هیات ریسه مرکب از یک رییس و یک یا دو نایب رییس و دو منشی به رای مخفی و اکثریت نسبی برای مدت یکسال اقدام می‌نماید و هرگاه در انتخاب هیات ریسه تساوی آرا حاصل شود با قرعه از بین انتخاب شدگان تعیین خواهد شد. انتخاب مجدد همان اشخاص بعد از انقضا مدت یکسال بلامانع است ماده ۳۴ - نظم جلسات با رییس و در غیاب او با نایب رییس است و کسانی که محل نظم باشند به امر رییس اخراج می‌شوند و در صورت وقوع جرم مرتکب با صورت مجلس بمراجع قانونی تسلیم می‌گردد. ماده ۳۵ - اعضا انجمن در اولین جلسه که بریاست مسن‌ترین اعضا تشکیل می‌شود سوگند یاد خواهند کرد همچنین در هر موقع که عضو جدیدی وارد انجمن شود آن عضو در اولین جلسه انجمن سوگند یاد خواهد کرد. متن سوگندنامه (امضا کننده یا امضا کنندگان زیر خداوند را بشهادت طلبیده و به قرآن مجید سوگند یاد می‌کنیم که در انجام وظایف قانونی خود ساعی بوده مادام که در انجمن شهر عضویت داریم با نهایت جد و جهد و رعایت صرفه و صلاح در پیشرفت امور شهر و شهرداری اهتمام نماییم) تبصره - پیروان اقلیت‌های مذهبی به کتاب دینی خود سوگند یاد می‌کنند. ب - رسمیت جلسات انجمن و طرز تشکیل آن ماده ۳۶ - برای رسمیت جلسات لااقل حضور دو ثلث از کلیه اعضا لازم است و تصمیماتشان به اکثریت بیش از نصف حاضرین معتبر است و در صورت تساوی آرا رای طرفی که رییس با آن موافقت دارد مناط اعتبار است هرگاه برای مذاکره و اخذ رای در مطلبی عده لازم در جلسه حاضر نشوند در جلسه بعد برای طرح همان مطلب حضور نصف بعلاوه یک کلیه اعضا کافی خواهد بود. ولی در امور مهم از قبیل تصویب بودجه و تغییر نقشه شهر و احداث خیابان و لوله کشی آب و ساختمان زیر آبها و وضع عوارض و امور مشابه به آن لااقل حضور دو ثلث لازم است عده دو ثلث و نصف بعلاوه یک از عده‌ای است که بموجب ماده ۷ این قانون بایستی انتخاب شده باشند. تبصره - هرگاه یک یا چند تن از اعضا پس از حضور در انجمن و رسمیت یافتن آن برای جلوگیری از انجام تکالیف و وظایف مقرر که بر طبق این قانون برای انجمن‌ها تعیین گردیده جلسه را بقصد از اکثریت انداختن ترک کنند در حکم غایب در آن جلسه محسوب خواهند شد. ماده ۳۷ - هر یک از اعضا انجمن که بدون عذر موجه دو جلسه متوالی یا سه جلسه متناوب در سه ماه غیبت کرد مستعفی محسوب می‌شود و از اولین شخصی که در فهرست منتخبین رای بیشتری داشته و واجد شرایط هم باشد دعوت بعمل می‌آید و در صورت تساوی آرا عضو به قیدقرعه تعیین خواهد شد و در صورت فوت یا استعفا تعیین جانشین به طریق فوق به عمل می‌آید. اعضا انجمن برای شرکت در جلسات انجمن حق حضور دریافت خواهند داشت و میزان حق جلسه طبق آیین نامه‌ای خواهد بود که از طرف وزارت کشور تهیه و به تصویب هیات دولت خواهد رسید. تبصره - چنانچه یکی از نمایندگان از عضویت انجمن شهر استعفا بدهد استعفانامه در دومین جلسه انجمن قرائت شده و قطعی تلقی می‌گردد. ماده ۳۸ - انجمن شهر ماهی دو بار در محل مخصوصی در عمارت شهرداری تشکیل می‌شود مگر اینکه تشکیل جلسه بیش از ماهی دو دفعه ضرورت داشته باشد، تشکیل جلسه فوق العاده موکول بنظر رییس انجمن یا تقاضای کتبی سه نفر از اعضا انجمن یا تقاضای کتبی شهردار یا فرماندار یا بخشدار خواهد بود. جلسات انجمن در غیر محل و موعد مقرر رسمیت نداشته و تصمیماتش معتبر نخواهد بود. ماده ۳۹ - جلسات انجمن علنی و حضور مستمع مجاز خواهد بود ولی بتقاضای شهردار یا فرماندار یا بخشدار و موافقت ثلث اعضا حاضر ممکن است جلسه سری

تشکیل شود. رای در جلسات انجمن علنی است و با بلند کردن دست یا با ورقه اخذ می‌شود ولی بتقاضای ثلث اعضا حاضر ممکن است رای مخفی گرفته شود مگر در امور مالی لیکن در انتخابات حتما باید رای مخفی گرفته شود. تبصره - روز و ساعت تشکیل جلسات با دستور کار انجمن حداقل ۲۴ ساعت قبل در تابلو کنار در ورودی شهرداری آگهی می‌شود. ماده ۴۰ - صورت مذاکرات و تصمیمات هر جلسه انجمن بوسیله منشی انجمن قرائت و پس از تصویب در دفتر مخصوصی که صفحات آن دارای شماره ترتیب باشد ثبت می‌شود. و به امضا کلیه اعضا می‌رسد و هریک از اعضا حاضر در انجمن که دفتر مزبور را امضا نکرده باشد در آن جلسه غایب محسوب و طبق ماده ۳۷ با او رفتار خواهد شد. صورت حاضرین و غایبین هر جلسه در دفتر قید می‌شود. ماده ۴۱ - انجمن شهر غیر قابل انحلال است مگر اینکه اقداماتی برخلاف وظایف مقرر و یا مخالف مصالح عمومی محل انجام دهد که در این صورت پس از وصول گزارش استاندار یا فرماندار کل وزارت کشور موضوع را برای رسیدگی به هیات سه نفری مرکب از یک نفر از شخصیت‌های مورد اعتماد به انتخاب نخست‌وزیر و یکی از معاونان وزارت کشور به انتخاب وزیر کشور و یکی از معاونان وزارت دادگستری به انتخاب وزیر دادگستری ارجاع خواهد کرد و در صورتیکه انحلال انجمن شهر مورد تایید هیات مزبور واقع گردد گزارش از طرف وزارت کشور برای اخذ تصمیم نهایی و صدور تصویب‌نامه به هیات دولت فرستاده خواهد شد و در صورت انحلال انجمن شهر وزارت کشور مکلف است ظرف سه ماه ترتیب تجدید انتخاب انجمن شهر را بدهد. ماده ۴۲ - مادام که انجمن تشکیل نشده و یا عده اعضا انجمن به حد نصاب قانونی نرسیده باشد وزارت کشور جانشین انجمن شهر خواهد بود. ماده ۴۳ - در نقاطی که انجمن قانونی وجود ندارد و یا تشکیل آن بعلمی متوقف مانده وزارت کشور مکلف است بدون تاخیر وسایل شروع انتخابات را فراهم و تاریخ شروع آنرا اعلام کند. ماده ۴۴ - فرمانداران و بخشداران موظفند دو ماه قبل از انقضا دوره چهارساله انجمن شهر وسایل انتخابات دوره بعد را از هر جهت فراهم نمایند بنحوی که قبل از پایان دوره انجمن انتخابات دوره بعد در محل خاتمه پذیرد.

فصل چهارم - در وظایف انجمن (ماده ۴۵ تا ۴۹)

ماده ۴۵ - وظایف انجمن بقرار ذیل است ۱ - نظارت در حسن اداره و حفظ سرمایه و دارایی نقدی و جنسی و اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهر و همچنین نظارت در حساب درآمد و هزینه آنها. (اگر انجمن تفتیش دقیقی را در مخارج یا اقلام مهم شهرداری لازم بداند کارشناس یا محاسبین متخصصی را موقتا برای رسیدگی به آن کار استخدام می‌کند و حق الزحمه متناسبی به آنها پرداخت خواهد کرد) ۲ - تصویب بودجه سالیانه و اصلاح بودجه و متمم بودجه و تفریغ بودجه شهرداری و بنگاه های وابسته شهرداری و تصویب برنامه ساختمانی که از طرف شهرداری پیشنهاد می‌شود. ۳ - تصویب معاملات و نظارت در آنها اعم از خرید و فروش و مقاطعه و اجاره و استیجاره بنام شهر با در نظر گرفتن صرفه و صلاح و با رعایت مقررات آیین نامه مالی شهرداریها، پیش‌بینی شده در این قانون تبصره - بمنظور تسریع در پیشرفت امور شهرداری انجمن شهر می‌تواند اختیار تصویب و انجام معاملات را تا میزان معینی با رعایت آیین نامه معاملات شهرداری بشهردار واگذار کند. ۴ - مراقبت در اقامه کلیه دعاوی مربوطه بشهرداری و نظارت در حسن جریان امر. ۵ - رفع اختلافات صنفی در صورت مراجعه از طرف شهرداری یا اصناف جز در مواردی که موضوع جنبه حقوقی نداشته باشد. ۶ - مراقبت در اجرا وظایف شهرداری در امور بهداشت حوزه شهر و نظارت در امور بیمارستانها و پرورشگاهها و سایر موسساتی که از طرف شهرداری اداره می‌شود. ۷ - اظهارنظر در مورد تشریک مساعی شهرداری با ادارات و بنگاههای مربوط برای دایر کردن نمایشگاههای کشاورزی و هنری و بازرگانی و غیره ۸ - تصویب لوایح برقراری یا الغا عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن تبصره - وضع عوارض هر شهر نباید تاثیر سویی در اقتصاد عمومی کشور و رواج صادرات یا نشو و نمای صنایع داخلی داشته باشد، تشخیص اینگونه عوارض با وزارت کشور است ۹ - تصویب آیین نامه‌های پیشنهادی

شهرداری پس از رسیدگی به آنها. ۱۰- مراقبت برای ایجاد رختشویخانه های عمومی و آبریزها و گورستان و مرده‌شوی‌خانه و تهیه وسایل حمل اموات مطابق اصول بهداشت ۱۱- نظارت در امور تماشاخانه ها و سینما و امثال آن و همچنین تدوین مقررات مخصوص برای حسن ترتیب و نظافت و بهداشت این قبیل موسسات بر طبق پیشنهاد شهرداری و اتخاذ تدابیر احتیاطی برای جلوگیری از مخاطرات حریق و امثال آن ۱۲- وضع مقررات و نظارت در حفر مجرا برای فاضلاب شهر یا لوله آب یا برق و تصویب قراردادهای مربوط به آنها. ۱۳- بررسی و موافقت با تهیه وسایل اتوبوسرانی و برق و سایر نیازمندیهای عمومی از طریق تاسیس شرکتها و موسسات با رعایت قوانین کشور. ۱۴- بررسی و موافقت با پیشنهادات شهرداری در مورد فراوانی و ارزانی خواروبار و اقدام درتأمین و توزیع مواد غذایی در مواقع لازم مخصوصا به هنگام قحطی و پیش‌بینی و جلوگیری از کمیابی خواروبار و تهیه میدان‌های عمومی برای خرید و فروش خواروبار و همچنین نظارت در صحت اوزان و مقادیر و مقیاس‌ها و ملزم ساختن اصناف به الصاق برگه قیمت بر روی اجناس ۱۵- تصویب نرخ کرایه وسایط نقلیه در شهر. ۱۶- تصویب مقررات برای تنظیم آبهای شهر و اجاره و استیجار آبهایی که برای مصرف شهر ضروریست و جلوگیری از تجاوز به قنوت شهری ۱۷- موافقت با ایجاد و توسعه معابر و خیابانها و میدانها و باغهای عمومی بر طبق مقررات قانون توسعه معابر. ۱۸- تصویب مقررات لازم برای اراضی غیرمحصور شهر از نظر بهداشت و آسایش عمومی و عمران و زیبایی شهر. ۱۹- تصویب وام‌های پیشنهادی شهرداری پس از بررسی دقیق نسبت بمبلغ و مدت و میزان بهره و ترتیب استهلاک و مصرف وام ماده ۴۶- انجمن شهر یا هر یک از اعضا آن حق ندارند در نصب و عزل اعضا شهرداری مداخله کنند یا به کارمندان شهرداری مستقیما دستور بدهند. هرگاه رسیدگی به امری ضرورت حاصل کند انجمن شهر یا اعضا آن بوسیله شهردار اقدام خواهند کرد. ماده ۴۷- شهردار مکلف است مصوبات انجمن را در موضوعات مهمه و آنچه جنبه عمومی دارد بلافاصله در تهران به وزارت کشور و در مراکز استان به استاندار و در مراکز شهرستان به فرماندار و در بخش‌ها به بخشدار اطلاع دهد و همچنین آنچه از مصوبات انجمن را که جنبه عمومی دارد به وسایل ممکنه برای اطلاع عموم آگهی نماید. ماده ۴۸- چنانچه استاندار یا فرماندار یا بخشدار نسبت به مصوبات انجمن که جنبه سیاسی یا اقتصاد عمومی دارد اعتراض داشته باشد می‌تواند در ظرف یک هفته از تاریخ اطلاع نظر خود را به انجمن اظهار و تقاضای تجدیدنظر نماید و در صورتیکه انجمن در رای خود باقی بماند معترض می‌تواند به انجمن ایالتی یا ولایتی و در صورت نبودن انجمن‌های مزبور به وزارت کشور مراجعه کند و رفع اختلاف را بخواهد انجمن ایالتی یا ولایتی یا وزارت کشور منتها در ظرف پانزده روز نظر خود را اعلام می‌نماید. و این نظر قطعی و لازم الاجرا است اجرای مصوبات انجمن که مورد اعتراض واقع شده تا صدور رای نهایی متوقف می‌ماند. ماده ۴۹- در صورتیکه تصمیم انجمن با قوانین موضوعه تناقض پیدا کند و یا خارج از حدود وظایف انجمن باشد و یا آنکه بعضی از اعضا انجمن شخصا یا به نمایندگی در آن تصمیم ذینفع بوده و در رای شرکت کرده باشند و یا آنکه انجمن در غیرموقع و یا در غیر محل رسمی تشکیل شده باشد در تهران وزارت کشور و در خارج از مرکز فرماندار یا بخشدار مراتب را با ذکر علل به انجمن تذکر خواهد داد که در تصمیم متخذه تجدیدنظر شود، چنانچه در نتیجه رسیدگی رفع اعتراض نشد بر طبق ماده ۴۸ این عمل خواهد شد. تبصره - اجرای مقررات شهرداری که بتصویب انجمن رسیده در صورتیکه بر طبق ماده ۴۸ مورد اعتراض واقع نشده باشد پس از انقضای یک هفته از تاریخ نشر آگهی یا اعلام بوسایل ممکنه دیگر قابل اجراست

فصل پنجم - در انتخاب شهردار و معاون شهرداری (ماده ۵۰ تا ۵۴)

ماده ۵۵- وظایف شهرداری بشرح ذیل است ۱- ایجاد خیابانها و کوچه‌ها و میدانها و باغهای عمومی و مجاری آب و توسعه معابر در حدود قوانین موضوعه ۲- نظافت و نگاهداری و تسطیح معابر و انهار عمومی و مجاری آبها و فاضلاب و تنقیه قنوت مربوط به

شهر و تامین آب و روشنایی بوسایل ممکنه تبصره ۱ - سدّ معابر عمومی و اشغال پیاده‌روها و استفاده غیرمجاز آنها و میدانها و پارکها و باغهای عمومی برای کسب و یا سکنی و یا هر عنوان دیگری ممنوع است و شهرداری مکلف استاز آن جلوگیری و در رفع موانع موجود و آزاد نمودن معابر و اماکن مذکور فوق بوسیله مأمورین خود رأسا اقدام کند. در مورد دکه‌های منصوب قبل از تصویب این قانون شهرداری مکلف است نسبت به برداشتن آنها اقدام و چنانچه صاحبان این قبیل دکه‌ها ادعای خسارتی داشته باشند با نظر کمیسیون مقرر در ماده ۷۷ نسبت به جبران خسارات آنها اقدام کند ولی کسانی که بعد از تصویب این قانون اقدام به نصب دکه‌هایی در معابر عمومی کنند شهرداری موظف است رأسا و بوسیله مأمورین خود در برداشتن این قبیل دکه‌ها و رفع سدّ معبر اقدام کند و اشخاص مزبور حق ادعای هیچگونه خسارتی نخواهند داشت تبصره ۲ - احداث تاسیسات تولید و توزیع برق و تعیین نرخ آن در شهرها تا موقعی که وزارت آب و برق نیروی آن را تامین نکرده است با موافقت قبلی وزارت آب و برق بعهده شهرداری است تهیه آب مشروب شهرها و تامین وسایل توزیع و وضع مقررات مربوط به آن و همچنین تعیین نرخ آب در شهرها به استثنای مواردی که سازمانهای تابعه وزارت آب و برق عهده‌دار آن هستند باتصویب انجمن شهر بعهده شهرداری خواهد بود. این قبیل شهرداریها می‌توانند با تصویب انجمن شهر و تایید وزارت کشور تهیه آب مشروب و توزیع آن را به موسساتی که طبق اصول بهداشتی عمل نمایند واگذار کنند. تبصره ۳ - موسسات خیریه که تامین آب شهرها را قبل از تصویب این قانون بعهده داشته‌اند و عملیات آنها مورد تایید شهرداری محل و وزارت کشور باشد می‌توانند کماکان بکار خود ادامه دهند. تبصره ۴ - شهرداری مکلف است محل‌های مخصوصی برای تخلیه زباله و نخاله و فضولات ساختمانی و مواد رسوبی فاضلابها و نظایر آنها تعیین و ضمن انتشار آگهی باطلاع عموم برساند. محل‌های تخلیه زباله باید خارج از محدوده شهر تعیین شود و محل تاسیس کارخانجات تبدیل زباله به کود به تشخیص شهرداری خواهد بود. رانندگان وسایل نقلیه اعم از کندرو و یا موتوری مکلفند آنها را فقط در محل‌های تعیین شده از طرف شهرداری خالی نمایند. مجازات متخلفین طبق ماده ۲۷۶ قانون کیفر عمومی تعیین می‌شود. در صورت تخلف مراتب هربار در گواهینامه رانندگی متخلف قید و اگر ظرف یکسال سه بار مرتکب همان تخلف شود بارسوم به حداکثر مجازات خلافی محکوم و گواهینامه او برای یکسال ضبط می‌شود و در همان مدت از رانندگی ممنوع خواهد بود. به تخلفات مزبور در دادگاه بخش رسیدگی خواهد شد. ۳ - مراقبت و اهتمام کامل در نصب برکه قیمت بر روی اجناس و اجرای تصمیمات انجمن نسبت به ارزانی و فراوانی خواروبار و مواد مورد احتیاج عمومی و جلوگیری از فروش اجناس فاسدو معدوم نمودن آنها. ۴ - مراقبت در امور بهداشت ساکنین شهر و تشریک مساعی با موسسات وزارت بهداشتی در آبله کوبی و تلقیح واکسن و غیره برای جلوگیری از امراض ساریه ۵ - جلوگیری از گدایی واداشتن گدایان بکار و توسعه آموزش عمومی و غیره ۶ - اجرای تبصره ۱ ماده ۸ قانون تعلیمات اجباری و تاسیس موسسات فرهنگی و بهداشتی و تعاونی مانند بنگاه حمایت مادران و نوانخانه و پرورشگاه و درمانگاه و بیمارستان و شیرخوارگاه و تیمارستان و کتابخانه و کلاسهای مبارزه با بیسوادی و کودکستان و باغ کودکان و امثال آن در حدود اعتبارات مصوب و همچنین کمک به این قبیل موسسات و مساعدت مالی به انجمن تربیت بدنی و پیشاهنگی و کمک به انجمن‌های خانه و مدرسه و اردوی کار. شهرداری در این قبیل موارد و همچنین در مورد موزه‌ها و خانه‌های فرهنگی و زندان با تصویب انجمن شهر از اراضی و ابنیه متعلق بخود با حفظ مالکیت برایگان و یا با شرایط معین بمنظور ساختمان و استفاده با اختیار موسسات مربوط خواهد گذاشت تبصره ۱ - تبصره ماده ۵ قانون نظارت در مصرف سهمیه فرهنگ از درآمد شهرداریها مصوب ۲۸/۳/۳۴ بقوّت خود باقی است تبصره ۲ - تبصره ۵۹ قانون بودجه سال ۱۳۳۹ کل کشور بقوّت خود باقی است ۷ - حفظ و اداره کردن دارایی منقول و غیرمنقول شهرداری و اقامه دعوی بر اشخاص و دفاع از دعاوی اشخاص علیه شهرداری ۸ - برآورد و تنظیم بودجه و متمم بودجه و اصلاح بودجه و تفریح بودجه شهرداری و تنظیم پیشنهاد برنامه ساختمانی و اجرای آن پس از تصویب انجمن شهر یک نسخه از بودجه مصوب و برنامه ساختمانی بوسیله فرماندار یا بخشدار بوزارت کشور ارسال می‌شود. ۹ - انجام معاملات شهرداری اعم از

خرید و فروش اموال منقول و غیرمنقول و مقاطعه و اجاره و استیجاره پس از تصویب انجمن شهر با رعایت صلاح و صرفه و مقررات آیین نامه مالی شهرداریها پیش بینی شده در این قانون ۱۰- اهدا و قبول اعانات و هدایا به نام شهر با تصویب انجمن اعانات پرداختی بشهرداری یا موسسات خیریه از طرف وزارت دارایی جز هزینه قابل قبول اعانه دهندگان پذیرفته می شود و اعانه دهنده نسبت به مبلغ اعانه ای که داده است از مالیات بر درآمد معاف می باشد. ۱۱- نظارت و مراقبت در صحت اوزان و مقیاسها. ۱۲- تهیه آمار مربوط به امور شهر و موالید و متوفیات ۱۳- ایجاد غسلخانه و گورستان و تهیه وسایل حمل اموات و مراقبت در انتظام امور آنها. ۱۴- اتخاذ تدابیر موثر و اقدام لازم برای حفظ شهر از خطر سیل و حریق و همچنین رفع خطر از بناها و دیوارهای شکسته و خطرناک واقع در معابر عمومی و کوچه ها و اماکن عمومی و دالانهای عمومی و خصوصی و پرکردن و پوشاندن چاهها و چاله های واقع در معابر و جلوگیری از گذاشتن هر نوع اشیا در بالکن ها و ایوانهای مشرف و مجاور به معابر عمومی و دودکش های ساختمانها که باعث زحمت و خسارت ساکنین شهرها باشد. تبصره - در کلیه موارد مربوط به رفع خطر از بناها و غیره و رفع مزاحمت های مندرج در ماده فوق شهرداری پس از کسب نظر مأمور فنی خود به مالکین یا صاحبان اماکن یا صاحبان ادوات منصوب ابلاغ مهلت دار و متناسبی صادر می نماید و اگر دستور شهرداری در مهلت معین بموقع اجرا گذاشته نشود شهرداری رأساً با مراقبت مأمورین خود اقدام بر رفع خطر یا مزاحمت خواهد نمود و هزینه مصروف را با اضافه صدی پانزده خسارت از طرف دریافت خواهد کرد. مقررات فوق شامل کلیه اماکن عمومی مانند سینماها - گرمابه ها - مهمانخانه ها - دکاکین قهوه خانه ها - کافه رستورانها - پاساژها و امثال آن که محل رفت و آمد مراجعه عمومی است نیز می باشد. ۱۵- جلوگیری از شیوع امراض ساریه انسانی و حیوانی و اعلام اینگونه بیماریها به وزارت بهداشتی و دامپزشکی و شهرداریهای مجاور هنگام بروز آنها و دور نگاهداشتن بیماران مبتلا به امراض ساریه و معالجه و دفع حیواناتی که مبتلا به امراض ساریه بوده و یا در شهر بلاصاحب و مضر هستند. ۱۶- تهیه مقررات صنفی و پیشنهاد آن به انجمن شهر و مراقبت در امور صحتی اصناف و پیشه وران ۱۷- پیشنهاد اصلاح نقشه شهر در صورت لزوم و تعیین قیمت عادلانه اراضی و ابنیه متعلق به اشخاص که مورد احتیاج شهر باشد بر طبق قانون توسعه معابر و تامین محل پرداخت آن و ایجاد و توسعه معابر و خیابانها و میدانها و باغهای عمومی و تهیه اراضی مورد احتیاج برای لوله کشی و فاضلاب اعم از داخل یا خارج شهر و همچنین تهیه اراضی لازم برای ساختمان مخزن و نصب دستگاه تصفیه و آبگیری و متعلقات آنها بر طبق قانون توسعه معابر. ۱۸- تهیه و تعیین میدانهای عمومی برای خرید و فروش ارزاق و توقف وسایط نقلیه و غیره ۱۹- تهیه و تدوین آیین نامه برای فراوانی و مرغوبیت و حسن اداره فروش گوشت و نان شهر و اجرای آن پس از تصویب انجمن شهر. ۲۰- جلوگیری از ایجاد و تاسیس کلیه اماکن که بنحوی از انجا موجب بروز مزاحمت برای ساکنین یا مخالف اصول بهداشت در شهرهاست شهرداری مکلف است از تاسیس کارخانه ها - کارگاهها - گاراژهای عمومی و تعمیرگاهها و دکانها و همچنین مراکزی که مواد محترقه می سازند و اصطبل چارپایان و مراکز دامداری و بطور کلی تمام مشاغل و کسب هایی که ایجاد مزاحمت و سروصدا کنند یا تولید دود یا عفونت و یا تجمع حشرات و جانوران نماید جلوگیری کند و در تخریب کوره های آجر و گچ و آهکپزی و خزینه گرمابه های عمومی که مخالف بهداشت است اقدام نماید و با نظارت و مراقبت در وضع دودکشهای اماکن و کارخانه ها و وسایط نقلیه که کارکردن آنها دود ایجاد می کند از آلوده شدن هوای شهر جلوگیری نماید و هرگاه تاسیسات مذکور فوق قبل از تصویب این قانون بوجود آمده باشد آنها را تعطیل کند و اگر لازم شود آنها را بخارج از شهر انتقال دهد. تبصره - شهرداری در مورد تعطیل و تخریب و انتقال بخارج از شهر مکلف است مراتب راضمن مهلت مناسبی بصاحبان آنها ابلاغ نماید و اگر صاحب ملک بنظر شهرداری معترض باشد باید ظرف ده روز اعتراض خود را به کمیسیون مرکب از سه نفر که از طرف انجمن شهر انتخاب خواهند شد تسلیم کند - رای کمیسیون قطعی و لازم الاجرا است هرگاه رای کمیسیون مبنی بر تایید نظر شهرداری باشد و یا صاحب ملک در موقع اعتراض نکرده و یا در مهلت مقرر شخصاً اقدام نکند شهرداری بوسیله مأمورین خود رأساً اقدام خواهد نمود. ۲۱- احداث بناها و ساختمانهای مورد نیاز محل از قبیل رختشویخانه و

مستراح و حمام عمومی و کشتارگاه و میدانها و باغ کودکان و ورزشگاه مطابق اصول صحی و فنی و اتخاذ تدابیر لازم برای ساختمان خانه‌های ارزان قیمت برای اشخاص بی‌بضاعت ساکن شهر. ۲۲- تشریک مساعی با فرهنگ در حفظ ابنیه و آثار باستانی شهر و ساختمانهای عمومی و مساجد و غیره ۲۳- اهتمام در مراعات شرایط بهداشت در کارخانه‌ها و مراقبت در پاکیزگی گرمابه‌ها و نگاهداری اطفال بی‌بضاعت و سرراهی ۲۴- صدور پروانه برای کلیه ساختمانهایی که در شهر می‌شود. تبصره - شهرداری در شهرهایی که نقشه جامع شهر تهیه شده مکلف است طبق ضوابط نقشه‌مذکور در پروانه‌های ساختمانی نوع استفاده از ساختمان را قید کند. در صورتیکه برخلاف مندرجات پروانه ساختمانی در منطقه غیرتجاری محل کسب یا پیشه و یا تجارت دایر شود شهرداری مورد را در کمیسیون مقرر در تبصره ۱ ماده ۱۰۰ این قانون مطرح می‌نماید و کمیسیون در صورت احراز تخلف مالک یا مستاجر با تعیین مهلت مناسب که نباید از دو ماه تجاوز نماید در مورد تعطیل محل کسب یا پیشه و یا تجارت ظرف مدت یکماه اتخاذ تصمیم می‌کند. این تصمیم وسیله مأمورین شهرداری اجرا می‌شود و کسی که عالماً از محل مزبور پس از تعطیل برای کسب و پیشه و یا تجارت استفاده کند به حبس جنحه‌ای از ششماه تا دو سال و جزای نقدی از پنجهزار و یکریال تا ده هزار ریال محکوم خواهد شد و محل کسب نیز مجدداً تعطیل می‌شود. دایر کردن دفتر و کالت و مطب و دفتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتر روزنامه و مجله و دفتر مهندسی وسیله مالک از نظر این قانون استفاده تجاری محسوب نمی‌شود. ۲۵- ساختن خیابانها و آسفالت کردن سواره‌روها و پیاده‌روهای معابر و کوچه‌های عمومی و انهار و جدولهای طرفین از سنگ آسفالت و امثال آن به هزینه شهرداری هر محل تبصره - بموجب ماده ۱۱۳ اصلاحی لغو گردیده است ۲۶- پیشنهاد برقراری یا الغا عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان عوارض اعم از کالاهای وارداتی و صادراتی کشور و محصولات داخلی و غیره و ارسال یک نسخه از تصویبنامه برای اطلاع وزارت کشور. تبصره ۱ - بمنظور تشویق صادرات کشور نسبت به کالاهای صادراتی بیشتر از یک درصد قیمت کالا نباید وضع عوارض شود. تبصره ۲ - کالاهای عبوری از شهرها که برای مقصد معینی حمل می‌شود از پرداخت هرگونه عوارض بشهرداری‌های عرض راه معاف می‌باشد. تبصره ۳- ماده ۱ قانون مصوبه بهمن ماه ۳۳ راجع به تشویق صادرات و تولید از تاریخ تصویب این قانون طبق تبصره ۱ این بند تصحیح می‌شود. تبصره ۴- آیین نامه‌های گریز از پرداخت عوارض شهرداری و استنکاف از آن با موافقت وزارتین کشور و دادگستری تنظیم و پس از تصویب هیات وزیران بموقع اجرا گذاشته می‌شود. ۲۷- وضع مقررات خاصی برای نامگذاری معابر و نصب لوحه نام آنها و شماره گذاری اماکن و نصب تابلوی الصاق اعلانات و برداشتن و محو کردن آگهی‌ها از محل‌های غیرمجاز و هرگونه اقداماتی که در حفظ نظافت و زیبایی شهر موثر باشند. ۲۸- صدور پروانه کسب برای اصناف و پیشه‌وران کلیه اصناف و پیشه‌وران مکلفند برای محل کسب خود از شهرداری محل پروانه کسب دریافت دارند. تبصره - شهرداری می‌تواند نسبت به تعطیل محل کسب فاقد پروانه رأساً و بوسیله مأمورین خود اقدام نماید. ماده ۵۶- شهرداری خارج از حدود مصوب شهر حق تعهد تهیه و توزیع آب و برق و سایر تاسیسات شهرداری را ندارد. ماده ۵۷- اجرای مقررات شهرداری که جنبه عمومی دارد و بتصویب انجمن رسیده پس از اعلام برای کلیه ساکنین شهر لازم‌الرعایه است و اگر تصمیمی در حدود قوانین و وظایف مربوط به انجمن شهر راجع به شخص یا اشخاص یا موسسات معینی اتخاذ شده باشد پس از ابلاغ در صورتیکه آنها به تصمیم متخذ تسلیم نباشند می‌توانند ابتدا به انجمن شهر و در ثانی به انجمن ولایتی و در صورت نبودن انجمن ولایتی به وزارت کشور شکایت نمایند و نظر انجمن ولایتی یا وزارت کشور ابلاغ می‌شود و چنانچه قبل از انجام تشریفات فوق، اقدامی از طرف شهرداری شده باشد و پس از رسیدگی محقق شود که ضرورت نداشته و متضمن خسارتی باشد شهرداری باید خسارت ناشیه از آن اقدام را جبران کند. چنانچه تصمیم وزارت کشور بضرر معترض یا معترضین اتخاذ شود متضرر می‌تواند بدادگاه‌های عمومی مراجعه نماید.

ماده ۵۵- وظایف شهرداری بشرح ذیل است ۱- ایجاد خیابانها و کوچه‌ها و میدانها و باغهای عمومی و مجاری آب و توسعه معابر در حدودقوانین موضوعه ۲- نظیف و نگاهداری و تسطیح معابر و انهار عمومی و مجاری آبها و فاضلاب و تنقیه قنوات مربوط به شهر و تامین آب و روشنایی بوسایل ممکنه تبصره ۱- سدّ معابر عمومی و اشغال پیاده‌روها و استفاده غیرمجاز آنها و میدانها و پارکها و باغهای عمومی برای کسب و یا سکنی و یا هر عنوان دیگری ممنوع است و شهرداری مکلف استاز آن جلوگیری و در رفع موانع موجود و آزاد نمودن معابر و اماکن مذکور فوق بوسیله مأمورین خود رأسا اقدام کند. در مورد دکه‌های منصوب قبل از تصویب این قانون شهرداری مکلف است نسبت به برداشتن آنها اقدام و چنانچه صاحبان این قبیل دکه‌ها ادعای خسارتی داشته باشند با نظر کمیسیون مقرر در ماده ۷۷ نسبت به جبران خسارات آنها اقدام کند ولی کسانی که بعد از تصویب این قانون اقدام به نصب دکه‌هایی در معابر عمومی کنند شهرداری موظف است رأسا و بوسیله مأمورین خوددر برداشتن این قبیل دکه‌ها و رفع سد معبر اقدام کند و اشخاص مزبور حق ادعای هیچگونه خسارتی نخواهند داشت تبصره ۲- احداث تاسیسات تولید و توزیع برق و تعیین نرخ آن در شهرها تا موقعی که وزارت آب و برق نیروی آن را تامین نکرده است با موافقت قبلی وزارت آب و برق بعهده شهرداری است تهیه آب مشروب شهرها و تامین وسایل توزیع و وضع مقررات مربوط به آن و همچنین تعیین نرخ آب در شهرها به استثنای مواردی که سازمانهای تابعه وزارت آب و برق عهده‌دار آن هستند باتصویب انجمن شهر بعهده شهرداری خواهد بود. این قبیل شهرداریها می‌توانند با تصویب انجمن شهر و تایید وزارت کشور تهیه آب مشروب و توزیع آن را به موسساتی که طبق اصول بهداشتی عمل نمایند واگذار کنند. تبصره ۳- موسسات خیریه که تامین آب شهرها را قبل از تصویب این قانون بعهده داشته‌اند و عملیات آنها مورد تایید شهرداری محل و وزارت کشور باشد می‌توانند کماکان بکار خود ادامه دهند. تبصره ۴- شهرداری مکلف است محل‌های مخصوصی برای تخلیه زباله و نخاله و فضولات ساختمانی و مواد رسوبی فاضلابها و نظایر آنها تعیین و ضمن انتشار آگهی باطلاع عموم برساند. محل‌های تخلیه زباله باید خارج از محدوده شهر تعیین شود و محل تاسیس کارخانجات تبدیل زباله به کود به تشخیص شهرداری خواهد بود. رانندگان وسایل نقلیه اعم از کندرو و یا موتوری مکلفند آنها را فقط در محل‌های تعیین شده ازطرف شهرداری خالی نمایند. مجازات متخلفین طبق ماده ۲۷۶ قانون کیفر عمومی تعیین می‌شود. در صورت تخلف مراتب هربار در گواهینامه رانندگی متخلف قید و اگر ظرف یکسال سه بار مرتکب همان تخلف شود بارسوم به حداکثر مجازات خلافی محکوم و گواهینامه او برای یکسال ضبط می‌شود و در همان مدتاز رانندگی ممنوع خواهد بود. به تخلفات مزبور در دادگاه بخش رسیدگی خواهد شد. ۳- مراقبت و اهتمام کامل در نصب بر گه قیمت بر روی اجناس و اجرای تصمیمات انجمن نسبت به ارزانی و فراوانی خواروبار و مواد مورد احتیاج عمومی و جلوگیری از فروش اجناس فاسدو معدوم نمودن آنها. ۴- مراقبت در امور بهداشت ساکنین شهر و تشریک مساعی با موسسات وزارت بهداری در آبله کوبی و تلقیح واکسن و غیره برای جلوگیری از امراض ساریه ۵- جلوگیری از گدایی واداشتن گدایان بکار و توسعه آموزش عمومی و غیره ۶- اجرای تبصره ۱ ماده ۸ قانون تعلیمات اجباری و تاسیس موسسات فرهنگی و بهداشتی و تعاونی مانند بنگاه حمایت مادران و نوانخانه و پرورشگاه و درمانگاه و بیمارستان و شیرخوارگاه و تیمارستان و کتابخانه و کلاسهای مبارزه با بیسوادی و کودکستان و باغ کودکان و امثال آن در حدوداعتبارات مصوب و همچنین کمک به این قبیل موسسات و مساعدت مالی به انجمن تربیت بدنی و پیشاهنگی و کمک به انجمن‌های خانه و مدرسه و اردوی کار. شهرداری در این قبیل موارد و همچنین در مورد موزه‌ها و خانه‌های فرهنگی و زندان با تصویب انجمن شهر از اراضی و ابنیه متعلق بخود با حفظ مالکیت برایگان و یا با شرایط معین بمنظور ساختمان و استفاده باخترار موسسات مربوط خواهد گذاشت تبصره ۱- تبصره ماده ۵ قانون نظارت در مصرف سهمیه فرهنگ از درآمد شهرداریها مصوب ۲۸/۳/۳۴ بقوت خود باقی است تبصره ۲- تبصره ۵۹ قانون بودجه سال ۱۳۳۹ کل کشور بقوت خود باقی است ۷- حفظ و اداره کردن دارایی منقول و

غیرمنقول شهرداری و اقامه دعوی بر اشخاص و دفاع از دعاوی اشخاص علیه شهرداری ۸- برآورد و تنظیم بودجه و متمم بودجه و اصلاح بودجه و تفریح بودجه شهرداری و تنظیم پیشنهاد برنامه ساختمانی و اجرای آن پس از تصویب انجمن شهر یک نسخه از بودجه مصوب و برنامه ساختمانی بوسیله فرماندار یا بخشدار بوزارت کشور ارسال می‌شود. ۹- انجام معاملات شهرداری اعم از خرید و فروش اموال منقول و غیرمنقول و مقاطعه و اجاره و استیجاره پس از تصویب انجمن شهر با رعایت صلاح و صرفه و مقررات آیین نامه مالی شهرداری‌ها پیش‌بینی شده در این قانون ۱۰- اهدا و قبول اعانات و هدایا به نام شهر با تصویب انجمن اعانات پرداختی بشهررداری یا موسسات خیریه از طرف وزارت دارایی جز هزینه قابل قبول اعانه‌دهندگان پذیرفته می‌شود و اعانه‌دهنده نسبت به مبلغ اعانه‌ای که داده است از مالیات بر درآمد معاف می‌باشد. ۱۱- نظارت و مراقبت در صحت اوزان و مقیاسها. ۱۲- تهیه آمار مربوط به امور شهر و موالید و متوفیات ۱۳- ایجاد غسلخانه و گورستان و تهیه وسایل حمل اموات و مراقبت در انتظام امور آنها. ۱۴- اتخاذ تدابیر موثر و اقدام لازم برای حفظ شهر از خطر سیل و حریق و همچنین رفع خطر از بناها و دیوارهای شکسته و خطرناک واقع در معابر عمومی و کوچه‌ها و اماکن عمومی و دالانهای عمومی و خصوصی و پرکردن و پوشاندن چاهها و چاله‌های واقع در معابر و جلوگیری از گذاشتن هر نوع اشیا در بالکن‌ها و ایوانهای مشرف و مجاور به معابر عمومی و دودکش‌های ساختمانها که باعث زحمت و خسارت ساکنین شهرها باشد. تبصره - در کلیه موارد مربوط به رفع خطر از بناها و غیره و رفع مزاحمت‌های مندرج در ماده فوق شهرداری پس از کسب نظر مأمور فنی خود به مالکین یا صاحبان اماکن یا صاحبان ادوات منصوب ابلاغ مهلت‌دار و متناسبی صادر می‌نماید و اگر دستور شهرداری در مهلت معین بموقع اجرا گذاشته نشود شهرداری رأساً با مراقبت مأمورین خود اقدام بر رفع خطر یا مزاحمت خواهد نمود و هزینه مصروف را باضافه صدی پانزده خسارت از طرف دریافت خواهد کرد. مقررات فوق شامل کلیه اماکن عمومی مانند سینماها - گرمابه‌ها - مهمانخانه‌ها - دکاکین قهوه‌خانه‌ها - کافه رستورانها - پاساژها و امثال آن که محل رفت و آمد مراجعه عمومی است نیز می‌باشد. ۱۵- جلوگیری از شیوع امراض ساریه انسانی و حیوانی و اعلام اینگونه بیماریها به وزارت بهداشتی و دامپزشکی و شهرداریهای مجاور هنگام بروز آنها و دور نگاهداشتن بیماران مبتلا به امراض ساریه و معالجه و دفع حیواناتی که مبتلا به امراض ساریه بوده و یا در شهر بلاصاحب و مضر هستند. ۱۶- تهیه مقررات صنفی و پیشنهاد آن به انجمن شهر و مراقبت در امور صحی اصناف و پیشه‌وران ۱۷- پیشنهاد اصلاح نقشه شهر در صورت لزوم و تعیین قیمت عادلانه اراضی و ابنیه متعلق به اشخاص که مورد احتیاج شهر باشد بر طبق قانون توسعه معابر و تامین محل پرداخت آن و ایجاد و توسعه معابر و خیابانها و میدانها و باغهای عمومی و تهیه اراضی مورد احتیاج برای لوله‌کشی و فاضلاب اعم از داخل یا خارج شهر و همچنین تهیه اراضی لازم برای ساختمان مخزن و نصب دستگاه تصفیه و آبگیری و متعلقات آنها بر طبق قانون توسعه معابر. ۱۸- تهیه و تعیین میدانهای عمومی برای خرید و فروش ارزاق و توقف وسایط نقلیه و غیره ۱۹- تهیه و تدوین آیین نامه برای فراوانی و مرغوبیت و حسن اداره فروش گوشت و نان شهر و اجرای آن پس از تصویب انجمن شهر. ۲۰- جلوگیری از ایجاد و تاسیس کلیه اماکن که بنحوی از آنها موجب بروز مزاحمت برای ساکنین یا مخالف اصول بهداشت در شهرهاست شهرداری مکلف است از تاسیس کارخانه‌ها - کارگاهها - گاراژهای عمومی و تعمیرگاه‌ها و دکانها و همچنین مراکزی که مواد محترقه می‌سازند و اصطبل چارپایان و مراکز دامداری و بطور کلی تمام مشاغل و کسب‌هایی که ایجاد مزاحمت و سروصدا کنند یا تولید دود یا عفونت و یا تجمع حشرات و جانوران نماید جلوگیری کند و در تخریب کوره‌های آجر و گچ و آهک‌پزی و خزینه گرمابه‌های عمومی که مخالف بهداشت است اقدام نماید و با نظارت و مراقبت در وضع دودکشهای اماکن و کارخانه‌ها و وسایط نقلیه که کارکردن آنها دود ایجاد می‌کند از آلوده شدن هوای شهر جلوگیری نماید و هرگاه تاسیسات مذکور فوق قبل از تصویب این قانون بوجود آمده باشد آنها را تعطیل کند و اگر لازم شود آنها را بخارج از شهر انتقال دهد. تبصره - شهرداری در مورد تعطیل و تخریب و انتقال بخارج از شهر مکلف است مراتب راضمن مهلت مناسبی بصاحبان آنها ابلاغ نماید و اگر صاحب ملک بنظر شهرداری معترض باشد باید ظرف ده روز اعتراض خود را به کمیسیون

مرکب از سه نفر که از طرف انجمن شهر انتخاب خواهند شد تسلیم کند - رای کمیسیون قطعی و لازم‌الاجرا است هرگاه رای کمیسیون مبنی بر تایید نظر شهرداری باشد و یا صاحب ملک در موقع اعتراض نکرده و یا در مهلت مقرر شخصا اقدام نکند شهرداری بوسیله مأمورین خود رأساً اقدام خواهد نمود. ۲۱ - احداث بناها و ساختمانهای مورد نیاز محل از قبیل رختشویخانه و مستراح و حمام عمومی و کشتارگاه و میدانها و باغ کودکان و ورزشگاه مطابق اصول صحی و فنی و اتخاذ تدابیر لازم برای ساختمان خانه‌های ارزان قیمت برای اشخاص بی‌بضاعت ساکن شهر. ۲۲ - تشریک مساعی با فرهنگ در حفظ ابنیه و آثار باستانی شهر و ساختمانهای عمومی و مساجد و غیره ۲۳ - اهتمام در مراعات شرایط بهداشت در کارخانه‌ها و مراقبت در پاکیزگی گرمابه‌ها و نگاهداری اطفال بی‌بضاعت و سرراهی ۲۴ - صدور پروانه برای کلیه ساختمانهایی که در شهر می‌شود. تبصره - شهرداری در شهرهایی که نقشه جامع شهر تهیه شده مکلف است طبق ضوابط نقشه‌مذکور در پروانه‌های ساختمانی نوع استفاده از ساختمان را قید کند. در صورتیکه برخلاف مندرجات پروانه ساختمانی در منطقه غیرتجاری محل کسب یا پیشه و یا تجارت دایر شود شهرداری مورد را در کمیسیون مقرر در تبصره ۱ ماده ۱۰۰ این قانون مطرح می‌نماید و کمیسیون در صورت احراز تخلف مالک یا مستاجر با تعیین مهلت مناسب که نباید از دو ماه تجاوز نماید در مورد تعطیل محل کسب یا پیشه و یا تجارت ظرف مدت یکماه اتخاذ تصمیم می‌کند. این تصمیم وسیله مأمورین شهرداری اجرا می‌شود و کسی که عالماً از محل مزبور پس از تعطیل برای کسب و پیشه و یا تجارت استفاده کند به حبس جنحه‌ای از ششماه تا دو سال و جزای نقدی از پنجهزار و یکریال تا ده هزار ریال محکوم خواهد شد و محل کسب نیز مجدداً تعطیل می‌شود. دایر کردن دفتر و کالت و مطب و دفتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتر روزنامه و مجله و دفتر مهندسی وسیله مالک از نظر این قانون استفاده تجاری محسوب نمی‌شود. ۲۵ - ساختن خیابانها و آسفالت کردن سواره روها و پیاده روهای معابر و کوچه‌های عمومی و انهار و جدولهای طرفین از سنگ آسفالت و امثال آن به هزینه شهرداری هر محل تبصره - بموجب ماده ۱۱۳ اصلاحی لغو گردیده است ۲۶ - پیشنهاد برقراری یا الغا عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان عوارض اعم از کالاهای وارداتی و صادراتی کشور و محصولات داخلی و غیره و ارسال یک نسخه از تصویبنامه برای اطلاع وزارت کشور. تبصره ۱ - بمنظور تشویق صادرات کشور نسبت به کالاهای صادراتی بیشتر از یک درصد قیمت کالا نباید وضع عوارض شود. تبصره ۲ - کالاهای عبوری از شهرها که برای مقصد معینی حمل می‌شود از پرداخت هرگونه عوارض بشهرداری‌های عرض راه معاف می‌باشد. تبصره ۳ - ماده ۱ قانون مصوبه بهمن ماه ۳۳ راجع به تشویق صادرات و تولید از تاریخ تصویب این قانون طبق تبصره ۱ این بند تصحیح می‌شود. تبصره ۴ - آیین نامه‌های گریز از پرداخت عوارض شهرداری و استنکاف از آن با موافقت وزارتین کشور و دادگستری تنظیم و پس از تصویب هیات وزیران بموقع اجرا گذاشته می‌شود. ۲۷ - وضع مقررات خاصی برای نامگذاری معابر و نصب لوحه نام آنها و شماره گذاری اماکن و نصب تابلوی الصاق اعلانات و برداشتن و محو کردن آگهی‌ها از محل‌های غیرمجاز و هرگونه اقداماتی که در حفظ نظافت و زیبایی شهر موثر باشند. ۲۸ - صدور پروانه کسب برای اصناف و پیشه‌وران کلیه اصناف و پیشه‌وران مکلفند برای محل کسب خود از شهرداری محل پروانه کسب دریافت دارند. تبصره - شهرداری می‌تواند نسبت به تعطیل محل کسب فاقد پروانه رأساً و بوسیله مأمورین خود اقدام نماید. ماده ۵۶ - شهرداری خارج از حدود مصوب شهر حق تعهد تهیه و توزیع آب و برق و سایر تاسیسات شهرداری را ندارد. ماده ۵۷ - اجرای مقررات شهرداری که جنبه عمومی دارد و بتصویب انجمن رسیده پس از اعلام برای کلیه ساکنین شهر لازم‌الرعایه است و اگر تصمیمی در حدود قوانین و وظایف مربوط به انجمن شهر راجع به شخص یا اشخاص یا موسسات معینی اتخاذ شده باشد پس از ابلاغ در صورتیکه آنها به تصمیم متخذه تسلیم نباشند می‌توانند ابتدا به انجمن شهر و در ثانی به انجمن ولایتی و در صورت نبودن انجمن ولایتی به وزارت کشور شکایت نمایند و نظر انجمن ولایتی یا وزارت کشور ابلاغ می‌شود و چنانچه قبل از انجام تشریفات فوق، اقدامی از طرف شهرداری شده باشد و پس از رسیدگی محقق شود که ضرورت نداشته و متضمن خسارتی باشد شهرداری باید خسارت ناشیه از آن اقدام را جبران کند. چنانچه تصمیم وزارت

کشور بضرر معترض یا معترضین اتخاذ شود متضرر می‌تواند بدادگاه‌های عمومی مراجعه نماید.

فصل هفتم - مقررات استخدامی و مالی (ماده ۵۸ تا ۸۵)

الف - مقررات استخدامی ماده ۵۸ - مقررات استخدامی کلیه کارکنان شهرداریها و موسسات وابسته به آن بر طبق آیین نامه‌ای خواهد بود که وزارت کشور به استناد تبصره ۳۸ قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۴۳ کل کشور تدوین و به تصویب هیات وزیران می‌رساند. تبصره - بموجب ماده ۱۱۳ اصلاحی لغو گردیده است مواد ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ - بموجب ماده ۱۱۳ اصلاحی لغو گردیده است ماده ۶۲ - بمنظور راهنمایی و ایجاد هماهنگی در امور شهرداریها و آموزش کارکنان شهرداریها و همچنین نظارت در حسن اجرای وظایفی که طبق این قانون بعهده وزارت کشور گذاشته شده است سازمان متناسبی در وزارت کشور پیش‌بینی و تاسیس می‌شود. این سازمان موظف است تشکیلات خود را از هر نظر تکمیل و همواره مهندسين و کارشناسان تحصیل‌کرده در رشته‌های مختلف مورد نیاز شهرداریها را که دارای مدارک علمی و تخصصی باشند در اختیار داشته باشد تا بمنظور بازرسی شهرداریها و تهیه برنامه‌های مهم اصلاحات شهری و ساختمانی شهرها و بهبود مدیریت سازمان شهرداریها مورد استفاده قرار گیرد. تبصره ۱ - سازمان مذکور در این ماده مکلف است بمنظور رفع احتیاجات فنی و اداری شهرداریهای کشور در مرکز هر استان دفاتر فنی شهرداری متشکل از مهندسين و کارشناسان مورد احتیاج تشکیل دهد. تبصره ۲ - وزارت کشور می‌تواند با انعقاد قراردادهای خاصی از خدمات افراد متخصص و یادستگاههای مهندسی مشاور اعم از داخلی یا خارجی استفاده نموده و حق الزحمه مناسبی معادل آنچه که در برنامه‌های عمرانی دولت به این قبیل افراد یا موسسات برای کارهای مشابه پرداخت می‌شود، بپردازد. مواد ۶۳ و ۶۴ - بموجب ماده ۱۱۳ اصلاحی لغو گردیده است ب - مقررات مالی ماده ۶۵ - هر شهرداری دارای بودجه‌ایست که پس از تصویب انجمن شهر قابل اجرا می‌باشد. ماده ۶۶ - سال مالی شهرداری یکسال شمسی است که از اول فروردین ماه شروع و در آخراسفند ماه خاتمه می‌یابد. ماده ۶۷ - شهرداری مکلف است منتهی تا روز آخر دی ماه بودجه سالیانه خود را به انجمن پیشنهاد نماید و انجمن نیز باید قبل از اسفندماه هر سال آن را رسیدگی و تصویب کند و همچنین شهرداری موظف است تفریغ بودجه هر سال را تا آخر اردیبهشت ماه سال بعد به انجمن تسلیم و انجمن نیز باید تا آخر خردادماه آنرا رسیدگی و تصویب نماید. تبصره - شهرداری مکلف است نسخه‌ای از بودجه و تفریغ بودجه را حداکثر تا ۱۵ روز بعد از تصویب بوسیله فرماندار بوزارت کشور ارسال دارد. ماده ۶۸ - بودجه و تخصیص اعتبارات شهرداری باستثنای موارد زیر که از محل درآمدهای مستمر شهرداری پرداخت خواهد شد. ۱ - ۱۰٪ سهم بهداری ۲ - ۳٪ سهم آموزش و پرورش ۳ - ۴٪ برای مبارزه با بیسوادی که از طریق کمیته ملی پیکار با بیسوادی بمصرف خواهد رسید. ۴ - ۳٪ برای امور تربیت بدنی و پیشاهنگی ۵ - ۵/۱٪ سهم کتابخانه عمومی موضوع قانون تاسیس کتابخانه عمومی در تمام شهرها مصوب دیماه ۱۳۴۴. برای تامین هزینه‌های سازمانی و اداری شهرداری و امور دفاع غیرنظامی امور خیریه و سایر تکالیفی که بموجب قانون بعهده شهرداریها محول است بر اساس تقسیماتی خواهد بود که با توجه به احتیاجات و مقتضیات محل به پیشنهاد شهرداری و تصویب انجمن شهر رسیده باشد و در هر صورت میزان اعتبارات عمرانی نباید از ۴۰٪ بودجه سالانه کمتر باشد. تبصره ۱ - مصرف اعتباراتی که بتصویب انجمن شهر می‌رسد باید منحصر در حوزه همان شهرداری و با نظارت انجمن شهر باشد. تبصره ۲ - در شهرهایی که موسسات خیریه دارای تاسیسات درمانی می‌باشند انجمن بهداری و در صورت نبودن آن انجمن شهر با موافقت بهداری می‌تواند از محل هزینه‌های درمانی ۱۰٪ سهم بهداری مذکور در بند ۱ این ماده مبلغ متناسبی در اختیار موسسات مزبور بگذارد. تبصره ۳ - از تاریخ تصویب این قانون انجمن شهرهایی که درآمد شهرداری هریک از آنها از یک میلیون ریال به بالاست موظفند برای ساختمان دبستان عوارض خاصی وضع کنند و طبق قانون نظارت در مصرف سهمیه فرهنگ از درآمد شهرداریها، مصوب خرداد ۱۳۳۴ توسط کمیسیون ناظر بر

سهم فرهنگ بمصرف برسانند. مواد ۶۹ - ۷۰ - و تبصره‌های ذیل آن بموجب ماده ۱۱۳ اصلاحی لغو گردیده است ماده ۷۱ - شهرداری مکلف است هر ششماه یکبار منتهی تا پانزدهم ماه بعد صورت جامعی از درآمد و هزینه شهرداری را که بتصویب انجمن شهر رسیده برای اطلاع عموم منتشر و سه نسخه از آن را به وزارت کشور ارسال نمایند و همچنین شهردار مکلف است هر ۶ ماه یکدفعه آمار کلیه عملیات انجام شده از قبیل خیابان‌سازی و ساختمان‌عمارات و سایر امور اجتماعی و بهداشتی و امثال آن را برای اطلاع عموم منتشر نموده نسخه‌ای از آن را به وزارت کشور بفرستد. ماده ۷۲ - بموجب ماده ۱۱۳ اصلاحی لغو گردیده است ماده ۷۳ - کلیه عوارض و درآمد هر شهرداری منحصرًا بمصرف همان شهر خواهد رسید و درنقاطی که بموجب تبصره ۲ ماده ۱ این قانون جمعاً یک شهرداری تشکیل می‌شود تقسیم هزینه به نسبت درآمد هر یک از محل‌ها می‌باشد. ماده ۷۴ - شهرداری با تصویب انجمن شهر آیین‌نامه اجرایی وصول عوارض شهرداری و آب‌بها و امثال آن را تدوین و تنظیم می‌نماید. تبصره - دفاتر اسناد رسمی مکلفند قبل از انجام معامله از شهرداری کتباً مفصلاً حساب نسبت به عوارض ملک مورد معامله خواستار شوند و شهرداری موظف است ظرف مدت ۱۰ روز پس از وصول نامه دفترخانه اسناد رسمی مفصلاً حساب را ارسال یا میزان بدهی ملک را به دفترخانه اعلام دارد. مالک ملزم است عوارض تعیین شده از طرف شهرداری را برای امکان انجام معامله به بانک پرداخت نماید و اگر مالک به تشخیص شهرداری اعتراض داشته باشد مبلغ تعیین شده از طرف شهرداری را در صندوق ثبت بودیعه خواهد گذاشت و رسید ثبت بمنزله مفصلاً حساب تلقی و معامله انجام خواهد شد. صندوق ثبت مکلف است صورتی با قید مشخصات کامل تودیع‌کنندگان عوارض و ملک مورد معامله را بلافاصله بعد از تودیع بشهرداری ارسال دارد و بمحض اعلام شهرداری مستند به رای کمیسیون رفع اختلاف یا مراجع توافق و یا انصراف کتبی مالک از اعتراض مبلغ تودیع شده را به نام هر مودی تفکیکاً بحساب بانکی شهرداری پرداخت کند و هر گاه کمیسیون رفع اختلاف یا مراجع توافق اعتراض مالک را کلاً یا بعضاً وارد تشخیص بدهد صندوق ثبت تمام یا قسمتی از وجه تودیع شده را بر حسب مورد بمالک مسترد می‌دارد. ماده ۷۵ - عوارض و درآمد شهرداری بوسیله مأمورین مخصوصی که از طرف شهرداری بنام مأمور وصول تعیین می‌شوند دریافت خواهد شد و مأمورین وصول باید بر طبق مقررات امور مالی تضمین کافی بپردازند. ماده ۷۶ - و تبصره آن بموجب ماده ۱۱۳ اصلاحی لغو گردیده است ماده ۷۷ - رفع هر گونه اختلاف بین مودی و شهرداری در مورد عوارض به کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت کشور و دادگستری و انجمن شهر ارجاع می‌شود و تصمیم کمیسیون مزبور قطعی است بدهی‌هایی که طبق تصمیم این کمیسیون تشخیص شود طبق مقررات اسناد لازم‌الاجرا بوسیله اداره ثبت قابل وصول می‌باشد اجرای ثبت مکلف است بر طبق تصمیم کمیسیون مزبور به صدور اجراییه و وصول طلب شهرداری مبادرت نماید، در نقاطی که سازمان قضایی نباشد رییس دادگستری شهرستان یکنفر را بنماینده دادگستری تعیین می‌نماید و در غیاب انجمن شهر انتخاب نماینده انجمن از طرف شورای شهرستان بعمل خواهد آمد. ماده ۷۸ - عوارضی که توأم با مالیات‌های دولتی اخذ می‌شود بوسیله دارایی وصول و همچنین عوارض کالاهایی که باید شرکتها و موسسات بپردازند بترتیبی که شهرداری مقرر می‌دارد بوسیله همان موسسات دریافت می‌گردد. و کلیه وجوهی که جمع‌آوری می‌شود باید در صورت وجود بانک در بانک متمرکز و در صورت نبودن بانک در شهر یا در محل نزدیک به آن شهرداری با نظارت انجمن در شهرداری متمرکز شود. تبصره ۱ - اداره دارایی موظف است هر ۱۵ روز یکبار صورت درآمد شهرداری را که به بانک یا صندوق شهرداری تودیع کرده به شهرداری ارسال دارد. تبصره ۲ - وجوهی که بنام سپرده یا امانت بشهرداری داده می‌شود باید در حساب مخصوصی نگهداری شود و شهرداری به هیچ عنوان حق ندارد در وجوه سپرده و یا امانات دخل و تصرفی نماید. ولی پس از دهسال از تاریخ استحقاق مطالبه در صورت عدم مطالبه ذینفع شهرداری می‌تواند وجوه مطالبه نشده را به درآمد عمومی خود منظور نماید. شهرداری باید هر سال اعتبار متناسبی در بودجه خود برای پرداخت این قبیل سپرده‌ها منظور نماید تا در صورت مراجعه ذینفع یا قایم‌مقام قانونی او احراز استحقاق از اعتبار مزبور پرداخت شود. هر گاه این اعتبار کافی نباشد شهرداری مکلف است این قبیل وجوه را از درآمد جاری خود بپردازد. ماده

۷۹- کلیه پرداخت‌های شهرداری در حدود بودجه مصوب با اسناد مثبت و با رعایت مقررات آیین نامه مالی بعمل خواهد آمد این اسناد باید به امضای رییس حسابداری و شهردار که ذیحساب خواهند بود یا قائم مقام آنان که مورد قبول انجمن باشد برسد. شهردار موظف است منتهی تا پانزدهم هر ماه حساب درآمد و هزینه ماه قبل شهرداری را به انجمن شهر تسلیم کند. در نقاطی که تاکنون شهرداری تشکیل نشده و طبق مقررات این قانون باید تشکیل شود هزینه انتخابات انجمن شهر از وجوه موضوع ماده ۸۲ این قانون بطور وام پرداخت و پس از تشکیل شهرداری وام مزبور جز دیون در بودجه شهرداری منظور و مسترد خواهد شد. تبصره - اعتبارات مصوب برای بنگاه‌های خیریه زیر نظر هیات مدیره هر بنگاه بمصرف خواهد رسید و هیات مدیره طبق مقررات بازرگانی با نظارت انجمن وظایف محوله را انجام خواهد داد. ماده ۸۰ - شهرداریها مکلفند ۱۰٪ از کلیه درآمد مستمر وصولی سالیانه خود را برای کمک به امور بهداری و ۵٪ از کلیه درآمد مستمر وصولی سالیانه خود را برای کمک به امور فرهنگی شهر (موضوع تبصره ۱ ماده ۸ قانون تعلیمات اجباری اختصاص داده و برنامه عمل را طبق تشخیص و تصویب انجمن شهر و با استفاده از راهنمایی‌های فنی ادارات بهداری و فرهنگ محل بموقع اجرا بگذارند. تبصره ۱ - انجمن شهر می‌تواند تمام عواید مذکور و یا قسمتی از آن را طبق برنامه مخصوص بوسیله ادارات بهداری و فرهنگ محل بمصرف برساند. تبصره ۲ - انجمن هر شهر با رعایت قوانین و مقررات نسبت به امور آموزش و پرورش و بهداری محل نظارت خواهد داشت و هرگاه نقایصی مشاهده کرد در رفع آنها کوشش خواهد نمود و نظریات خود را درباره جریان این امور به وزارتخانه‌های بهداری و آموزش و پرورش ارسال خواهد داشت و وزارتخانه‌های مذکور مکلفند که آن پیشنهادها را مورد توجه قرار داده و نسبت به آن اقدام نمایند. ماده ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ - طبق ماده ۱۱۳ لغو گردیده است ماده ۸۴ - موسسات وابسته بشهرداری از قبیل لوله کشی آب برق، اتوبوسرانی که دارای شخصیت حقوقی بشوند می‌توانند با اصول بازرگانی اداره شوند، اساسنامه این قبیل موسسات باید بتصویب انجمن شهر و موافقت وزارت کشور برسد. ماده ۸۵ - شهرداری می‌تواند برای تخریب یا اصلاح سقف بازارها و دالان‌های عمومی و خصوصی و ساختمانهایی که محل صحت عمومی تشخیص می‌دهد پس از موافقت انجمن شهر و جلب نظر اداره بهداری هر محل بر وفق تبصره دوم از ماده یازدهم قانون توسعه معابر اقدام کند.

فصل هشتم - در مقررات جزایی (ماده ۸۶ تا ۹۲)

ماده ۸۶ - هر یک از اعضا انجمن نظارت انتخابات انجمن شهر اعم از مرکزی و شعب و متصدیان صندوق بهر نحوی از انجا در امر انتخابات مرتکب جعل و تزویر و یا تقلب شوند بر طبق مقررات قانون مجازات عمومی مورد تعقیب قرار خواهند گرفت شرکا و معاونین جرم نیز مشمول مقررات این قانون خواهند بود. ماده ۸۷ - هر یک از اعضا انجمن نظارت اعم از مرکزی و شعب که بدون علت موجه باعث تعطیل یا تعویق جریان انتخابات بشوند و یا صورت مجلس نتیجه انتخابات را در مدت مقرر قانونی به انجمن مرکزی نفرستند و یا معلوم شود که موجبات انجام نشدن انتخابات را در قلمرو خود بهر نحو که بوده باشد فراهم کرده باشند در مراجع قضایی مورد تعقیب واقع و به ششماه تا سه سال حبس جنحه‌ای و به پنجاه هزار ریال تا پنجاه هزار ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند. ماده ۸۸ - انتخاباتی که مبنی بر تطمیع یا تهدید (جانی - مالی - شرفی باشد از درجه اعتبار ساقط است تهدید یا تطمیع کننده اگر از مأمورین دولتی یا از اعضا انجمن اعم از مرکزی یا شعب یا از داوطلبان نمایندگی باشد به ششماه تا سه سال حبس جنحه‌ای و به تادیه یک هزار تا پنجاه هزار ریال جریمه نقدی محکوم خواهد شد هرگاه تهدید یا تطمیع کننده غیر از اشخاص مذکور باشد به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یکسال و جزای نقدی از پانصد ریال تا ده هزار ریال محکوم می‌شود کسانی که آرا انتخابیه را خرید و فروش نمایند اگر از مأمورین دولتی یا از اعضای انجمن اعم از مرکزی یا شعب از داوطلبان نمایندگی باشند طبق قسمت اول این ماده و اگر

غیر از اشخاص مذکور باشند بمجازات قسمت اخیر این ماده محکوم می‌شوند و در هر صورت تطمیع‌شوندگان نیز شریک جرم محسوبند. ماده ۸۹- هر کس با شناسنامه‌ای که متعلق به او نباشد و یا با شناسنامه مجعول رای بدهد و یا از شناسنامه خود بیش از یک نسخه داشته باشد و به استناد آن بیش از یک دفعه رای بدهد به حبس جنحه‌ای از یک ماه تا شش ماه و به جزای نقدی از پانصدریال تا پنجهزارریال محکوم خواهد شد مجازات فوق درباره هر کس که به نحوی از انحا در یک دوره انتخابیه بیش از یک مرتبه رای بدهد اجرا می‌شود. تبصره - در موارد مذکوره در فوق انجمن نظارت مرکزی و شعب باید صورتمجلس تهیه نموده و فوراً نزد مقامات صالحه بفرستند. ماده ۹۰- کسانی که بموجب مقررات این قانون محکومیت قطعی پیدا کنند از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در دو دوره محروم خواهند شد. ماده ۹۱- هرگاه اعضا انجمن یا شهرداران غیر کارمند دولت مرتکب جرایم مذکور در قانون اصلاح ماده ۱۹ اصلاحی قانون کیفر عمومی شوند مانند کارمندان دولت درباره آنها عمل خواهد شد. در صورتیکه عضو انجمن به ارتکاب اعمال زیر متهم گردد و مورد تعقیب دادسرا قرار گیرد و پس از صدور کیفرخواست دادستان از عضویت انجمن معلق و در صورت ثبوت جرم علاوه بر مجازاتی که در قوانین برای اینگونه اعمال مقرر است مرتکب برای دو دوره از حق عضویت انجمن نیز محروم می‌گردد. ۱- در مورد تبانی با مقاطعه‌کاران و اشخاص طرف معامله با شهرداری اعم از اینکه تبانی مستقیم باشد یا غیر مستقیم ۲- در مورد اعمال اغراض شخصی در کارهای شهرداری که بالنتیجه باعث اختلال امور و موجب زیان شهر و شهرداری شود. تبصره - رسیدگی در دو مورد اخیر دادگاهها خارج از نوبت و فوری بعمل خواهد آمد. ماده ۹۲- نوشتن هر نوع مطلبی یا الصاق هر نوشته‌ای بر روی دیوارهای شهر که مخالف مقررات انجمن شهر باشد ممنوع است مگر در محل‌هایی که شهرداری برای نصب و الصاق اعلانات معین می‌کند و در این محل‌ها فقط باید به نصب و الصاق آگهی اکتفا کرد و نوشتن روی آن نیز ممنوع است متخلف علاوه بر تادیبه خسارت مالکین به پرداخت پانصد تا یک هزار ریال جریمه محکوم خواهد شد.

فصل نهم - خاتمه (ماده ۹۳ تا ۱۱۹)

ماده ۹۳- از تاریخ تصویب این قانون لایحه شهرداری مصوب یازدهم آبانماه ۱۳۳۱ و لوایح متمم آن و همچنین کلیه قوانینی که با این قانون مغایرت دارد، ملغی است ماده ۹۴- از تاریخ ابلاغ این قانون انجمن‌های شهر که بموجب مقررات قبلی تشکیل شده است منحل شناخته می‌شود و وزارت کشور مکلف است نسبت به تشکیل مجدد آنها بر طبق این قانون اقدام نماید. ماده ۹۵- وزارتین کشور و دادگستری مأمور اجرای این قانون می‌باشند. ماده ۹۶- شهرداری می‌تواند برای تامین احتیاجات شهری از قبیل باغهای عمومی ایجاد تاسیسات برق و آب و نظایر آن که به منظور اصلاحات شهری و رفع نیازمندیهای عمومی لازم باشد و باید تمام یا قسمتی از اراضی یا املاک یا ابنیه واقع در محدوده شهر به تصرف شهرداری درآید از مقررات قانون توسعه معابر مصوب سال ۱۳۲۰ استفاده نماید. تبصره ۱- هرگاه قسمتی از تامین نیازمندیهای شهری طبق قانون بعهد سازمانها و موسسات دولتی گذاشته شده باشد سازمانها و موسسات مزبور برای انجام وظایف محوله با تصویب انجمن شهر به وسیله شهرداری از مقررات این ماده استفاده خواهند نمود. تبصره ۲- سازمانها و موسسات دولتی که اراضی و املاک و ابنیه‌ای داشته باشند که مشمول حکم این ماده باشد مکلفند در صورت تصویب شورای شهر و تایید استاندار، آن اراضی و ابنیه را بلاعوض در اختیار شهرداری قرار دهند. تبصره ۳- در موارد فوق پس از انجام تشریفات مقرر در این قانون و رعایت تبصره ۲ ماده ۴ قانون توسعه معابر مصوب ۱۳۲۰ خودداری مالک از انجام معامله مانع اجرای نقشه شهرداری نخواهد بود و شهرداری مجاز است اراضی یا املاک را به منظور عملیات عمرانی بتصرف خود درآورد. تبصره ۴- بموجب قانون نوسازی و عمران شهری نسخ شده است تبصره ۵- در صورتیکه در مسیر احداث یا توسعه خیابان و گذر و باغ عمومی و میدان ملکی باشد که مالک یا مالکین آن مشخص نباشد و یا به ثبت نرسیده باشد اقدامات و عملیات شهرداری متوقف

نخواهد شد و شهرداری باید قبل از شروع اقدام مشخصات کامل ملک مزبور را با حضور نمایندگان دادستان و ثبت و انجمن شهر صورت مجلس نماید، صورت مجلس مزبور مبنای اجرای پرداخت غرامت طبق مقررات خواهد بود و در موردی که مالک یا مالکین ملک مشخص باشد امتناع آنان از انتخاب و معرفی کارشناس خود یا کارشناس مشترک مانع از اجرای نقشه مصوب شهرداری نخواهد بود. نسبت به املاکی که به ثبت نرسیده باشد و طبق مفاد این قانون به تصرف شهرداری درآید صورت مجلس تنظیم می گردد و در صورت مجلس مزبور آثار تصرف و حدود و مساحت و مشخصات کامل قید می گردد. مدعی مالکیت می تواند با ارایه صورت مجلس مذکور در این قانون نسبت به تقاضای ثبت ملک خود اقدام و پس از احراز مالکیت بهای تعیین شده را دریافت نماید.

تبصره ۶- اراضی کوچه های عمومی و میدانها و پیاده روها و خیابانها و بطور کلی معابر و بستر رودخانه ها و نهرها و مجاری فاضلاب شهرها و باغهای عمومی و گورستانهای عمومی و درختهای معابر عمومی واقع در محدوده هر شهر که مورد استفاده عموم است ملک عمومی محسوب و در مالکیت شهرداری است ایجاد تاسیسات آبیاری از طرف وزارت آب و برق در بستر رودخانه ها واقع در محدوده شهرها بلا مانع است شهرداریها نیز مکلفند برای اجرای عملیات عمرانی در بستر رودخانه ها قبلا نظر وزارت آب و برق را جلب نمایند. مواد ۹۷ و ۹۸- بموجب قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران منسوخ است تبصره ماده ۹۸- تا زمانی که نقشه جامع شهرها تهیه و بتصویب شورای عالی شهرسازی نرسیده باشد نقشه های عمرانی و شهرسازی باید بتصویب وزارت کشور برسد.

ماده ۹۹- شهرداریها مکلفند در مورد حریم شهر اقدامات زیر را بنمایند: ۱- تعیین حدود حریم و تهیه نقشه جامع شهرسازی با توجه به توسعه احتمالی شهر. ۲- تهیه مقررات برای کلیه اقدامات عمرانی از قبیل قطعه بندی و تفکیک اراضی خیابان کشی ایجاد باغ و ساختمان ایجاد کارگاه و کارخانه و همچنین تهیه مقررات مربوط به حفظ بهداشت عمومی مخصوص به حریم شهر با توجه به نقشه عمرانی شهر. حریم و نقشه جامع شهرسازی و مقررات مذکور پس از تصویب انجمن شهر و تایید وزارت کشور برای اطلاع عمومی آگهی و بموقع اجرا گذاشته خواهد شد. تبصره ۱- تغییر حدود فعلی شهرها از لحاظ اجرای مقررات قانون اصلاحات اراضی تاثیر نخواهد داشت تبصره ۲- عوارضی که از عقد قراردادها عاید می گردد بایستی تماما به شهرداری های محل اجرای قرارداد پرداخت گردد. تبصره ۳- بموجب قانون نوسازی و عمران شهری نسخ شده است ۳- بمنظور حفظ بافت فرهنگی - سیاسی و اجتماعی تهران و شهرستانهای کرج ورامین شهریار و بخشهای تابعه ری و شمیرانات دولت مکلف است حداکثر ظرف مدت ۳ ماه نسبت به اصلاح حریم شهر تهران کرج ورامین شهریار و بخشهای تابعه ری و شمیرانات بر اساس قانون تقسیمات کشوری و منطبق بر محدوده قانونی شهرستانهای مذکور اقدام نماید. هزینه های حاصل از اجرای این بند از محل درآمد موضوع تبصره ۲ این قانون تامین خواهد شد. نقاطی که در اجرای این قانون از حریم شهرداریهای مذکور جدا می شوند در صورتیکه در محدوده قانونی و استحقاقی شهر دیگری قرار گیرند عوارض متعلقه کماکان توسط شهرداری مربوط دریافت خواهد شد. و در غیر اینصورت توسط بخشداری مربوط اخذ و به حساب خزانه واریزی می گردد. همه ساله لااقل معادل ۸۰٪ وجوه واریزی مذکور در بودجه سالانه کل کشور برای فعالیتهای عمرانی موضوع تبصره ۳ این قانون منظور خواهد شد. تبصره ۱- بمنظور حفاظت از حریم مصوب شهرهای استان تهران شهرداریهای مربوطه مکلفند از مقررات تبصره ذیل ماده ۲ قانون نظارت بر گسترش شهر تهران مصوب ۱۳۵۲/۵/۱۷ استفاده نمایند. تبصره ۲- بمنظور جلوگیری از ساخت و سازهای غیر مجاز در خارج از حریم مصوب شهرها و نحوه رسیدگی به موارد تخلف کمیسیون مرکب از نمایندگان وزارت کشور، قوه قضاییه و وزارت مسکن و شهرسازی در استانداریها تشکیل خواهد شد. کمیسیون حسب مورد و با توجه به طرح جامع (چنانچه طرح جامع به تصویب نرسیده باشد با رعایت ماده ۴ آیین نامه احداث بنا در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها مصوب ۱۳۵۵) نسبت به صدور رای قلع بنا یا جریمه معادل پنجاه درصد تا هفتاد درصد قیمت روز اعیانی تکمیل شده اقدام خواهد نمود. مراجع ذی ربط موظفند برای ساختمانهایی که طبق مقررات این قانون و نظر کمیسیون برای آنها جریمه تعیین و پرداخت گردیده در صورت درخواست صاحبان آنها برابر مقررات گواهی پایان کار صادر

نماید. تبصره ۳- شهرداریهای سراسر کشور مکلفند علاوه بر اعتبارات دولتی حداقل هشتاد درصد از عوارض و درآمدهایی را که از حریم استحفاظی شهرها کسب می‌نمایند با نظارت فرمانداری و بخشداری ذی‌ربط در جهت عمران و آبادانی روستاها و شهرکهای واقع در حریم خصوصا در جهت راه‌سازی آموزش و پرورش بهداشت تامین آب آشامیدنی و کشاورزی هزینه نمایند. ماده ۱۰۰- مالکین اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم آن باید قبل از هر اقدام عمرانی یا تفکیک اراضی و شروع ساختمان از شهرداری پروانه اخذ نمایند. شهرداری می‌تواند از عملیات ساختمانی ساختمانهای بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه بوسیله مأمورین خود اعم از آنکه ساختمان در زمین محصور یا غیر محصور واقع باشد جلوگیری نماید. تبصره ۱- در موارد مذکور فوق که از لحاظ شهرسازی یا فنی یا بهداشتی قلع تاسیسات و بناهای خلاف مشخصات مندرج در پروانه ضرورت داشته باشد یا بدون پروانه ساختمان احداث یا شروع به احداث شده باشد به تقاضای شهرداری موضوع در کمیسیونهایی مرکب از نماینده وزارت کشور به انتخاب وزیر کشور و یکی از قضات دادگستری به انتخاب وزیر دادگستری و یکی از اعضای انجمن شهر به انتخاب انجمن مطرح می‌شود. کمیسیون پس از وصول پرونده به ذینفع اعلام می‌نماید که ظرف ده روز توضیحات خود را کتبا ارسال دارد، پس از انقضا مدت مذکور کمیسیون مکلف است موضوع را با حضور نماینده شهرداری که بدون حق رای برای ادای توضیح شرکت می‌کند ظرف مدت یکماه تصمیم مقتضی بر حسب مورد اتخاذ کند در مواردی که شهرداری از ادامه ساختمان بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه جلوگیری می‌کند مکلف است حداکثر ظرف یک هفته از تاریخ جلوگیری موضوع را در کمیسیون مذکور مطرح نماید در غیر این صورت کمیسیون بتقاضای ذینفع به موضوع رسیدگی خواهد کرد. در صورتی که تصمیم کمیسیون بر قلع تمام یا قسمتی از بنا باشد مهلت مناسبی که نباید از دوماه تجاوز کند تعیین می‌نماید. شهرداری مکلف است تصمیم مزبور را به مالک ابلاغ کند. هرگاه مالک در مهلت مقرر اقدام به قلع بنا ننماید شهرداری رأسا اقدام کرده و هزینه آن را طبق مقررات آیین نامه اجرای وصول عوارض از مالک دریافت خواهد نمود. تبصره ۲- در مورد اضافه بنا زاید بر مساحت زیربنای مندرج در پروانه ساختمانی واقع در حوزه استفاده از اراضی مسکونی کمیسیون می‌تواند در صورت عدم ضرورت قلع اضافه بنا با توجه بموقعیت ملک از نظر مکانی (در بر خیابانهای اصلی یا خیابانهای فرعی و یا کوچه بن‌باز یا بن‌بست رای به اخذ جریمه‌ای که متناسب با نوع استفاده از فضای ایجاد شده و نوع ساختمان از نظر مصالح مصرفی باشد تعیین و شهرداری مکلف است بر اساس آن نسبت به وصول جریمه اقدام نماید. (جریمه نباید از حداقل یک دوم کمتر و از سه برابر ارزش معاملاتی ساختمان برای هر متر مربع بنای اضافی بیشتر باشد) در صورتی که ذینفع از پرداخت جریمه خودداری نمود شهرداری مکلف است مجددا پرونده را بهمان کمیسیون ارجاع و تقاضای صدور رای تخریب را بنماید. کمیسیون در این مورد نسبت به صدور رای بتخریب اقدام خواهد نمود. تبصره ۳- در مورد اضافه بنا زاید بر مساحت مندرج در پروانه ساختمانی واقع در حوزه استفاده از اراضی تجارتي و صنعتی و اداری کمیسیون می‌تواند در صورت عدم ضرورت قلع اضافه بنا با توجه به موقعیت ملک از نظر مکانی (در بر خیابانهای اصلی یا خیابانهای فرعی و یا کوچه بن‌باز یا بن‌بست رای به اخذ جریمه‌ای که متناسب با نوع استفاده از فضای ایجاد شده و نوع ساختمان از نظر مصالح مصرفی باشد تعیین و شهرداری مکلف است بر اساس آن نسبت به وصول جریمه اقدام نماید (جریمه نباید از حداقل ۲ برابر کمتر و از ۴ برابر ارزش معاملاتی ساختمان برای هر متر مربع بنای اضافی ایجاد شده بیشتر باشد) در صورتی که ذینفع از پرداخت جریمه خودداری نمود شهرداری مکلف است مجددا پرونده را بهمان کمیسیون ارجاع و تقاضای صدور رای تخریب را بنماید. کمیسیون در این مورد نسبت به صدور رای بتخریب اقدام خواهد نمود. تبصره ۴- در مورد احداث بنای بدون پروانه در حوزه استفاده از اراضی مربوطه در صورتیکه اصول فنی و بهداشتی و شهرسازی رعایت شده باشد کمیسیون می‌تواند با صدور رای بر اخذ جریمه بازا هر متر مربع بنای بدون مجوز یک دهم ارزش معاملات ساختمان یا یک پنجم ارزش سرقفلی ساختمان در صورتی که ساختمان ارزش دریافت سرقفلی داشته باشد، هرکدام که مبلغ آن بیشتر است از ذینفع بلامانع بودن صدور برگ پایان ساختمان را بشهرداری اعلام نماید. اضافه بنازاید بر تراکم مجاز بر

اساس مفاد تبصره‌های ۲ و ۳ عمل خواهد شد. تبصره ۵- در مورد عدم احداث پارکینگ و یا غیر قابل استفاده بودن آن و عدم امکان اصلاح آن کمیسیون می‌تواند با توجه به موقعیت محلی و نوع استفاده از فضای پارکینگ رای باخذ جریمه‌ای که حداقل یک برابر و حداکثر دو برابر ارزش معاملاتی ساختمان برای هر متر مربع فضای از بین رفته پارکینگ باشد صادر نماید (مساحت هر پارکینگ با احتساب گردش ۲۵ متر مربع می‌باشد) شهرداری مکلف باخذ جریمه تعیین شده و صدور برگ پایان ساختمان می‌باشد. تبصره ۶- در مورد تجاوز به معابر شهر، مالکین موظف هستند در هنگام نوسازی بر اساس پروانه ساختمان و طرحهای مصوب رعایت بره‌ای اصلاحی را بنمایند. در صورتی که برخلاف پروانه و یا بدون پروانه تجاوزی در این مورد انجام گیرد شهرداری مکلف است از ادامه عملیات جلوگیری و پرونده امر را به کمیسیون ارسال نماید. در سایر موارد تخلف مانند عدم استحکام بنا، عدم رعایت اصول فنی و بهداشتی و شهرسازی در ساختمان رسیدگی بموضوع در صلاحیت کمیسیونهای ماده ۱۰۰ است تبصره ۷- مهندسان ناظر ساختمانی مکلفند نسبت به عملیات اجرایی ساختمانی که به مسئولیت آنها احداث می‌گردد از لحاظ انطباق ساختمان با مشخصات مندرج در پروانه و نقشه‌ها و محاسبات فنی ضمیمه آن مستمرا نظارت کرده و در پایان کار مطابقت ساختمان با پروانه و نقشه و محاسبات فنی را گواهی نمایند. هرگاه مهندس ناظر برخلاف واقع گواهی نماید و یا تخلف را بموقع به شهرداری اعلام نکند و موضوع منتهی به طرح در کمیسیون مندرج در تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و صدور رای بر جریمه یا تخریب ساختمان گردد شهرداری مکلف است مراتب را به نظام معماری و ساختمانی منعکس نماید. شورای انتظامی نظام مذکور موظف است با توجه به اهمیت موضوع به ۶ ماه تا سه سال محرومیت از کار و در صورتی که مجددا مرتکب تخلف شود که منجر به صدور رای تخریب به وسیله کمیسیون ماده ۱۰۰ گردد به حداکثر مجازات محکوم کند. مراتب محکومیت از طرف شورای انتظامی نظام معماری و ساختمانی در پروانه اشتغال درج و در یکی از جراید کثیرالانتشار اعلام می‌گردد. شهرداری مکلف است تا صدور رای محکومیت بمحض وقوف از تخلف مهندس ناظر و ارسال پرونده کمیسیون ماده ۱۰۰ بمدت حداکثر ۶ ماه از اخذ گواهی امضا مهندس ناظر مربوطه برای ساختمان جهت پروانه ساختمان شهرداری خودداری نماید. مأموران شهرداری نیز مکلفند در مورد ساختمانها نظارت نمایند و هرگاه از موارد تخلف در پروانه به موقع جلوگیری نکنند و یا در مورد صدور گواهی انطباق ساختمان با پروانه مرتکب تقصیری شوند طبق مقررات قانونی به تخلف آنان رسیدگی می‌شود و در صورتی که عمل ارتكابی مهندس ناظر و مأموران شهرداری واجد جنبه جزایی هم باشد از این جهت نیز قابل تعقیب خواهند بود. در مواردی که شهرداری مکلف به جلوگیری از عملیات ساختمانی است و دستور شهرداری اجرا نشود، شهرداری می‌تواند با استفاده از مأموران اجرائیات خود و در صورت لزوم مأموران انتظامی برای متوقف ساختن عملیات ساختمانی اقدام نماید. تبصره ۸- دفاتر اسناد رسمی مکلفند قبل از انجام معامله قطعی در مورد ساختمانها گواهی پایان ساختمان و در مورد ساختمانهای ناتمام گواهی عدم خلاف تا تاریخ انجام معامله را که توسط شهرداری صادر شده باشد ملاحظه و مراتب را در سند قید نمایند. در مورد ساختمانهایی که قبل از تصویب قانون ۶ تبصره الحاقی به ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها (۲۴/۱۱/۱۳۵۵) معامله انجام گرفته و از ید مالک اولیه خارج شده باشد در صورتی که مورد معامله کل پلاک را شامل نگردد گواهی عدم خلاف یا برگ پایان ساختمان الزامی نبوده و با ثبت و تصریح آن در سند انجام معامله بلامانع می‌باشد. در مورد ساختمانهایی که قبل از تاریخ تصویب نقشه جامع شهر ایجاد شده در صورتی که اضافه بنا جدیدی حادث نگردیده باشد و مدارک و اسناد نشان‌دهنده ایجاد بنا قبل از سال تصویب طرح جامع شهر باشد با ثبت و تصریح مراتب فوق در سند مالکیت انجام معامله بلامانع می‌باشد. تبصره ۹- ساختمانهایی که پروانه ساختمان آنها قبل از تاریخ تصویب نقشه جامع شهر صادر شده است از شمول تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری معاف می‌باشند. تبصره ۱۰- در مورد آرا صادره از کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری هرگاه شهرداری یا مالک یا قائم مقام او از تاریخ ابلاغ رای ظرف مدت ۱۰ روز نسبت به آن رای اعتراض نماید، مرجع رسیدگی به این اعتراض کمیسیون دیگر ماده ۱۰۰ خواهد بود که اگر اعضای آن غیر از افرادی باشند که در صدور رای قبلی

شرکت داشته‌اند، رای این کمیسیون قطعی است تبصره ۱۱ - آیین نامه ارزش معاملات -ی ساختمان پس از تهیه توسط شهرداری و تصویب انجمن در مورد اخذ جرایم قابل اجراست و این ارزش معاملاتی سالی یک بار قابل تجدیدنظر خواهد بود. ماده ۱۰۱ - اداره ثبت اسناد و دادگاهها مکلفند در موقع تقاضای تفکیک اراضی محدوده شهر و حریم آن عمل تفکیک را طبق نقشه‌ای انجام دهند که قبلا به تصویب شهرداری رسیده باشد نقشه‌ای که مالک برای تفکیک زمین خود تهیه می‌نماید و برای تصویب به شهرداری در قبال رسید تسلیم می‌کند باید حداکثر ظرف دو ماه از طرف شهرداری تکلیف قطعان معلوم و کتبا بمالک ابلاغ شود. در صورتی که در موعد مذکور شهرداری تصمیم خود را به مالک اعلام ننماید مراجع مذکور در فوق مکلفند پس از استعلام از شهرداری طبق نقشه‌ای که مالک ارائه می‌نماید عمل تفکیک را انجام دهند. معاینه و شوارع عمومی که در اثر تفکیک اراضی احداث می‌شود متعلق به شهرداری است و شهرداری در قبال آن به هیچ عنوان وجهی بصاحب آن پرداخت نخواهد کرد. ماده ۱۰۲ - اگر در موقع طرح و اجرای برنامه‌های مربوط به توسعه معابر تامین سایر احتیاجات شهری مندرج در ماده ۹۶ الحاقی این قانون به آثار باستانی برخورد شود شهرداری مکلف است موافقت وزارت فرهنگ و هنر را قبلا - جلب نماید و نیز شهرداری‌ها مکلفند نظرات و طرح‌های وزارت فرهنگ و هنر را راجع به نحوه حفظ آثار باستانی و میزان حریم و مناظر ساختمان‌ها و میدان‌های مجاور آنها را رعایت نمایند. تبصره - وزارت فرهنگ و هنر مکلف است ظرف سه ماه از تاریخ مراجعه وزارت کشور نظر قطعی خود را به شهرداری اعلام دارد. ماده ۱۰۳ - کلیه وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و خصوصی موظفند قبل از هرگونه اقدامی نسبت به کارهای عمرانی واقع در مناطق مندرج در ماده ۹۷ و ۹۸ از قبیل احداث شبکه تلفن و برق و آب و سایر تاسیسات و همچنین اتصال راههای عمومی و فرعی رعایت نقشه جامع شهرسازی را نمایند این قبیل اقدام باید با موافقت کتبی شهرداری انجام گیرد و موسسه اقدام کننده مکلف است هرگونه خرابی و زیانی را که در اثر اقدامات مزبور به اسفالت یا ساختمان معابر عمومی وارد آید در مدت متناسبی که با جلب نظر شهرداری تعیین خواهد شد ترمیم نموده و به وضع اول در آورد و الا شهرداری خرابی و زیان وارده را ترمیم و بحال اول در آورده هزینه تمام شده را با ۱۰٪ (ده درصد) اضافه از طریق اجرای ثبت اسناد وصول خواهد کرد. ماده ۱۰۴ - نحوه انجام معاملات و مقررات مالی شهرداری‌ها طبق آیین نامه‌ای خواهد بود که ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون از طرف وزارت کشور تهیه و به تصویب کمیسیون مشترک کشور مجلسین برسد مادام که آیین نامه مزبور بتصویب نرسیده مقررات مالی فعلی به قوت خود باقی است ماده ۱۰۵ - مواد معدنی طبقه اول مذکور در ماده ۱ قانون معادن مصوب ۲۱/۲/۱۳۳۶ واقع در داخل حوزه خدمات و نظارت شهرداری جز اموال شهرداری محسوب می‌شود مگر اینکه داخل ملک اشخاص حقیقی و یا حقوقی باشد. ماده ۱۰۶ - وزارت کشور مکلف است کلیه عوارض نفت و گاز و مواد نفتی که در خارج از محدوده شهرها وصول می‌شود (به استثنای موضوع قانون مربوط به وصول عوارض از بنزین بمنظور کمک به مستمندان مصوب ۱۵ اسفند ۱۳۳۴ که بقوت خود باقی است و همچنین عوارض قراردادهای پیمانکاری که در خارج از محدوده شهرها اجرا می‌شود به تناسب جمعیت بین شهرداری‌هایی که از پنجاه هزار نفر جمعیت کمتر دارند تقسیم نماید. ماده ۱۰۷ - توهین به شهردار و معاون و روسای ادارات شهرداری در حین انجام وظیفه یا بسبب آن در حکم توهین به مستخدمین رسمی دولت بوده و مرتکب به مجازاتهای مقرر در قانون کیفر عمومی محکوم خواهد شد. ماده ۱۰۸ - بموجب قانون مصوب ۲۴/۴/۱۳۵۹ منسوخ است ماده ۱۰۹ - شهرداریها از پرداخت حق ثبت املاک و مالیات معاف خواهند بود. تبصره - موسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق بشهرداری است ولو بصورت بازرگانی اداره شود نسبت به سهم شهرداری از پرداخت مالیات معاف است ماده ۱۱۰ - نسبت به زمین یا بناهای مخروبه و غیر مناسب با وضع محل و یا نیمه تمام واقع در محدوده شهر که در خیابان یا کوچه و یا میدان قرار گرفته و منافی با پاکی و پاکیزگی و زیبایی شهر یا موازین شهرسازی باشد شهرداری با تصویب انجمن شهر می‌تواند بمالک اخطار کند منتها ظرف دو ماه به ایجاد نرده یا دیوار و یا مرمت آن که منطبق با نقشه مصوب انجمن شهر باشد اقدام کند اگر مالک مسامحه و یا امتناع کرد شهرداری می‌تواند بمنظور تامین نظر و اجرای طرح

مصوب انجمن در زمینه زیبایی و پاکیزگی و شهرسازی هرگونه اقدامی را که لازم بداند معمول و هزینه آن را باضافه‌صدی ۱۰ از مالک یا متولی و یا متصدی موقوفه دریافت نماید در این مورد صورتحساب شهرداری بدواً بمالک ابلاغ می‌شود در صورتی که مالک ظرف پانزده روز از تاریخ ابلاغ به صورت حساب شهرداری اعتراض نکرد صورتحساب قطعی تلقی می‌شود و هرگاه مالک ظرف مهلت مقرر اعتراض کرد موضوع به کمیسیون مذکور در ماده ۷۷ ارجاع خواهد شد. صورتحسابهایی که مورد اعتراض واقع نشده و همچنین آرا کمیسیون رفع اختلاف مذکور در ماده ۷۷ در حکم سند قطعی و لازم‌الاجرا بوده و اجرا ثبت مکلف است بر طبق مقررات اجراي اسناد رسمی لازم‌الاجرا نسبت بوصول طلب شهرداری اجرائیه صادر و بمورد اجرا بگذارد. ماده ۱۱۱ - بمنظور نوسازی شهرها شهرداری‌ها می‌توانند از طریق تاسیس موسساتی با سرمایه خود خانه‌ها و مستغلات و اراضی و محلات قدیمی و کهنه شهر را با استفاده از مقررات قانون تملک زمین‌ها مصوب ۱۷ خرداد ۱۳۳۹ خریداری نمایند و در صورت اقتضا برای تجدید ساختمان طبق طرح‌های مصوب شهرداری بفروشند و یا اینکه رأساً اقدام به اجرای طرح‌های ساختمانی نمایند اساسنامه اینگونه موسسات را که بر طبق اصول بازرگانی اداره خواهد شد شهرداری هر محل تهیه و با تصویب انجمن شهر و تأیید وزارت کشور قابل اجرا خواهد بود در هر جا که در قانون تملک زمینها و آیین نامه‌ها مصوب ۱۴/۸/۱۳۳۹ هیات وزیران اعم از سازمان مسکن و وزارت کشاورزی و هیات وزیران برده شده وظایف مزبور را بترتیب شهرداری - انجمن شهر و وزارت کشور انجام خواهند داد. ماده ۱۱۲ - ادارات و موسسات دولتی و وابسته بدولت به نسبت سهامی که متعلق بدولت است و همچنین باشگاههای ورزشی غیرانتفاعی که وابسته به سازمان تربیت بدنی بوده و ترازنامه آنها مورد رسیدگی و تصویب سازمان مزبور قرار گیرد از پرداخت عوارض مستغلات و سطح شهر معافند ولی مکلف به پرداخت سایر عوارض شهرداری‌ها خواهند بود. ماده ۱۱۳ - مواد ۵ و ۶ و تبصره ۴ ماده ۱۵ و تبصره ذیل بند ۲۵ ماده ۵۵ و تبصره ذیل ماده ۵۸ مواد ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ - ۶۳ - ۶۴ و تبصره ذیل آن و مواد ۶۹ و ۷۰ و تبصره‌های ذیل آن و مواد ۷۲ و ۷۶ و تبصره مربوطه (اصلاحی تصویب‌نامه شماره ۸۲۰۶ مورخ ۱۵/۷/۴۲) و مواد ۸۱ - ۸۳ قانون مصوب سال ۱۳۳۴ و سایر مقرراتی که مغایر با این قانون است لغو می‌شود. ماده ۱۱۴ - بمنظور ایجاد رویه واحد در انجام انتخابات و همچنین رسیدگی باختلاف نظر در چگونگی اجرای قوانین و مقررات مربوط به انتخابات انجمن‌ها شورای دایمی انتخابات به ریاست وزیر کشور و به عضویت افراد زیر تشکیل می‌گردد: ۱ - معاون وزارت کشور. ۲ - رئیس کانون وکلای دادگستری ۳ - مدیر کل قضایی وزارت دادگستری ۴ - ... ۵ - دو نفر که در امر انتخابات بصیر و صاحب نظر باشند به انتخاب وزیر کشور. ۶ - مدیر کل دفتر انتخابات وزارت کشور که سمت دبیری شورا را نیز بعهده خواهد داشت ماده ۱۱۵ - شورای دایمی انتخابات با رعایت مقررات مربوط نسبت به موارد زیر رسیدگی و اتخاذ تصمیم می‌نماید و تصمیمات شورا قطعی و لازم‌الاجرا است ۱ - انحلال انجمن نظارت ۲ - ابطال انتخابات انجمنها و تعیین تکلیف آنها. ۳ - رسیدگی بشکایات از انجمنهای نظارت در جریان انتخابات ۴ - رسیدگی و اظهار نظر در مورد اختلاف بین انجمنهای نظارت و فرماندار یا بخشدار در مورد انحلال شعب اخذ رای ۵ - رسیدگی و تعیین تکلیف نسبت به سایر مسایل مربوط به انتخابات که از طرف رئیس شورامطرح می‌شود. تبصره ۱ - هرگاه شورا ضمن رسیدگیهای خود به تخلف اعضا انجمنهای نظارت برخورد نماید مراتب را برای تعقیب بمراجع صالح اعلام خواهد نمود. تبصره ۲ - جلسات شورا بدعوت رئیس شورا تشکیل می‌شود. دستور جلسه از طرف رئیس شورا تعیین می‌گردد. برای تشکیل شورا حضور لااقل هفت نفر از اعضا لازم است و مصوبات شورا با اکثریت نسبی معتبر خواهد بود. تبصره ۳ - در مواردی که شورا ضروری بداند می‌تواند از نظر مشورتی افراد مجرب و بصیر استفاده نماید. تبصره ۴ - شورا می‌تواند رسیدگی و تحقیق نسبت به مواردی را که لازم بداند بکمیسیونی در مراکز استان و فرمانداری کل مرکب از استاندار یا فرماندار کل و رئیس عالیترین دادگاه محل دادستان استان یا شهرستان حسب مورد - رئیس شورای حزب در استان واگذار نماید. کمیسیون مزبور مکلف است نسبت به موارد ارجاع شده اقدام و نتیجه رسیدگیها و تحقیقات را به شورا اعلام نماید. ماده ۱۱۶ و تبصره‌های آن - منتفی شده ماده ۱۱۷ - وزارت کشور می‌تواند بمنظور

تامین کمبود نیروی انسانی مورد لزوم در زمان انتخابات از خدمات افراد مجرب و بصیر دولتی و غیر دولتی و بازنشستگان از طریق خرید خدمت و در حدود اعتبارات مصوب استفاده نماید. ماده ۱۱۸ - در هر زمان که وزارت کشور آمادگی لازم را برای استفاده از کار ماشینهای کامپیوتر در هر حوزه انتخابیه داشته باشد چگونگی اجرای انتخابات آن حوزه طبق دستورالعملهای وزارت کشور خواهد بود. ماده ۱۱۹ - باستثنای تبصره‌های ۱ اصلاحی و ۴ الحاقی به ماده ۱۵ و ماده ۱۱۶ الحاقی و تبصره‌های آن بقیه مقررات این اصلاحیه شامل انتخابات انجمنهای شهرستان نیز خواهد بود.

قانون نوسازی و عمران شهری - مصوب ۷/۹/۱۳۴۷ با اصلاحات

ماده ۱ - نوسازی و عمران و اصلاحات اساسی و تامین نیازمندیهای شهری و احداث و اصلاح و توسعه معابر و ایجاد پارکها و پارکینگها (توقفگاه) و میدانها و حفظ و نگهداری پارکها و باغهای عمومی موجود و تامین سایر تاسیسات مورد نیاز عمومی و نوسازی محلات و مراقبت در رشد متناسب و موزون شهرها از وظایف اساسی شهرداریها است و شهرداریها در اجرای وظایف مذکور مکلف به تهیه برنامه های اساسی و نقشه‌های جامع هستند. ماده ۲ - در شهر تهران از تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۴۸ و در سایر شهرها از تاریخی که وزارت کشور تعیین و اعلام کند بر کلیه اراضی و ساختمانها و مستحقات واقع در محدوده قانونی شهروارض خاص سالانه بماند پنج در هزار بهای آنها که طبق مقررات این قانون تعیین خواهد شد برقرار می شود. شهرداریها مکلفند بر اساس مقررات این قانون عوارض مذکور را وصول کرده و منحصر بمصرف نوسازی و عمران شهری برسانند. مصرف وجوه حاصل از اجرای این قانون در غیر موارد مصرح در این قانون در حکم تصرف غیرقانونی در اموال دولت خواهد بود. تبصره ۱ - ترتیب ممیزی و تشخیص و طرز وصول عوارض مذکور و ترتیب تعیین نسبی از قیمت ملک که در هر شهر با توجه بمقتضیات و شرایط خاص اقتصادی ماخذ دریافت عوارض قرار می گیرد بموجب آیین نامه‌ای که از طرف وزارت کشور تنظیم و بتصویب هیات وزیران می رسد تعیین و اجرا خواهد شد. تبصره ۲ - در شهر تهران عوارض املاک مودیان که مجموع عوارض هریک از آنان در سال تا مبلغ یکهزار و پانصد ریال باشد ، بخشوده می شود و در سایر شهرها انجمنهای شهر می توانند با تایید وزارت کشور تمام یا قسمتی از عوارض املاک ک کلیه مودیان را که مجموع عوارض هریک از آنان طبق مقررات این قانون در سال تا مبلغ یکهزار و پانصد ریال باشد با توجه به مقتضیات خاص اقتصادی شهر با انتشار آگهی مشمول بخشودگی قرار دهند. تبصره ۳ - در شهر تهران از اول فروردین ماه ۱۳۴۸ و در سایر شهرها از تاریخی که وزارت کشور اجرای مقررات این ماده را اعلام می کند عوارض سطح شهر و سایر عوارض دریافتی از اراضی و ساختمانهای شهری ملغی می شود. تبصره ۴ - علاوه بر عوارض مذکور در ماده ۲ حق مرغوبیت و هر نوع درآمد دیگری که در اثر اجرای این قانون تحصیل شود منحصر بمصرف نوسازی و عمران شهری خواهد رسید. تبصره ۵ - برای تامین هزینه‌های اداری و وصول عوارض موضوع این ماده و تجهیز کادر فنی و اداری جهت اجرای این قانون شهرداریها می توانند حداکثر تا میزان ده درصد درآمد وصولی موضوع این قانون را طبق بودجه‌ای که بتصویب انجمن شهر و تایید وزارت کشور خواهد رسید ، بمصرف برسانند و مصرف بیش از این میزان از درآمد حاصل از اجرای این قانون بهیچوجه مجاز نیست تبصره ۶ - شهرداریها می توانند در عملیات نوسازی از محل درآمد ماده ۲ این قانون رقمی بساختمان دبستان اختصاص دهند. ماده ۳ - در مورد عوارض سطح شهر و اراضی و ساختمانهایی که در اجرای این قانون در هریک از شهرها ملغی می گردد بقایای مطالبات شهرداری غیرقابل توافق و بخشودگی است و در صورت بروز اختلاف در اصل عوارض طبق ماده ۷۷ قانون شهرداریها عمل خواهد شد ولی هرگاه مودیان مذکور ظرف یکسال از تاریخ اجرای این قانون بشهرداری مراجعه و نسبت به پرداخت اصل بدهی خود در هر مرحله که باشد نقدا اقدام کنند و یا قرار تقسیط حداکثر سه ساله با منظور نمودن سود صدی شش از تاریخ تقسیط با شهرداری بگذارند از پرداخت زیان دیرکرد و جرایم متعلقه معاف خواهند بود. تبصره ۱ - در مورد مودیان که بقایای بدهی آنان بابت

عوارض سطح شهر و اراضی و ساختمانها و مستحذات بیش از پانزده هزار ریال باشد قرار تقسیط با اخذ وثیقه و تنظیم سند رسمی بعمل میاید. تبصره ۲- شهرداری مکلف است حداکثر ظرف پانزده روز بعد از مراجعه مودی میزان بدهی او را روشن و با دریافت مطالبات خود نقدا یا با قرار تقسیط بترتیب فوق مفاصا حساب صادر کند. ماده ۴- بهای اراضی و ساختمانها و مستحذات مذکور در ماده ۲ این قانون بر مبنای ممیزی شهرداری تعیین و اعلام خواهد شد و شهرداریهای مشمول ماده ۲ مکلفند حداکثر ظرف دو سال از تاریخ شمول ممیزیهای مذکور را با رعایت ضوابط ذیل بعمل آورند و مادام که ممیزی بعمل نیامده بهایی که از طرف مالک یا مالکین یا قایم مقام یا نمایندگان قانونی آنها بر اساس این ضوابط تعیین و اعلام می گردد ملاک عمل محسوب خواهد شد. بهای اراضی طبق قیمت منطقه‌ای خواهد بود که وسیله وزارت کشور و وزارت دارایی با کسب اطلاع از مراجع محلی تعیین و بتصویب هیات وزیران رسیده باشد و بهای ساختمانها و مستحذات بر اساس ضوابطی خواهد بود که وزارتخانه‌های کشور و آبادانی و مسکن تعیین نموده و بتصویب هیات وزیران رسیده باشد. تبصره ۱- در مورد کارخانه‌ها و کارگاهها و موسسات صنعتی و اقتصادی و علمی فقط قیمت زمین و ساختمان ملاک پرداخت عوارض قرار خواهد گرفت تبصره ۲- در مناطقی از محدوده شهر که آب مشروب لوله کشی و برق یا یکی از آنها در دسترس ساکنین آن منطقه گذارده نشده باشد بابت هر یک از آنها که تامین نشده ۲۵٪ از عوارض مقرر کسر می گردد ولی زمین‌های بایر واقع در آن مناطق مشمول این بخشودگی نخواهند شد. تبصره ۳- مالکین و متصرفین املاک مکلفند در ممیزی اراضی و ساختمانها و مستحذات بامأمورین ممیزی همکاری کنند و هرگاه از انجام این تکلیف خودداری کنند مأمورین ممیزی در مورد اراضی بایر یا بدون حصار با تشخیص علی الراس و در مورد ساختمانها و باغات و اراضی محصور با اعلام کتبی قبلی و با حضور نماینده دادستان وارد ملک شده اوراق ممیزی را تنظیم خواهند نمود. تبصره ۴- ضوابط مذکور در این ماده برای تقویم زمین و یا ساختمان باید ساده و مشخص و روشن باشد. ماده ۵- محدوده قانونی هر شهر و همچنین ضوابط مذکور در ماده ۴ توسط شهرداری بطرق مقتضی جهت اطلاع عموم اعلام خواهد شد و در شهرهای مشمول ماده ۲ این قانون مالکین زمینها و ساختمانها و مستحذات واقع در محدوده شهر یا قایم مقام یا نمایندگان قانونی آنان مکلفند ظرف ششماه از تاریخ اعلام شهرداری مشخصات کامل ملک را با تعیین بها بتفکیک هر قطعه ملک بترتیب مقرر در ماده ۴ کتبا بشهرداری اعلام دارند و هرگاه در مهلت مقرر نسبت به اعلام بها اقدام نکنند عوارض متعلقه برای مدت تاخیر بدو برابر افزایش خواهد یافت ماده ۶- هرگاه پس از اعلام ضوابط طبق ماده ۵ و قطعیت ممیزی معلوم شود که بهای اعلام شده از طرف مالک یا قایم مقام یا نماینده قانونی او کمتر از هفتاد درصد (۷۰٪) قیمت ملک بر طبق ماده ۴ این قانون است مابه التفاوت عوارض از تاریخ برقراری تا تاریخ قطعیت ممیزی بدو برابر افزایش خواهد یافت ماده ۷- شهرداری باید پایان ممیزی هر منطقه را بوسیله نشر آگهی در جراید کثیرالانتشار و الصاق آن در معابر عمومی و وسایل مقتضی دیگر به اطلاع مالکین آن منطقه برساند و بعلاوه نتیجه ممیزی هر ملک را بوسیله پست به مالک اطلاع دهد مودیان عوارض نیز می‌توانند به مراجع مربوط که در آگهی مذکور تعیین خواهد شد مراجعه و از نتیجه ممیزی اطلاع حاصل نمایند در صورتی که نسبت به ممیزی ملک خود اعتراض داشته باشند می‌توانند ظرف چهار ماه از تاریخ نشر آگهی درجارید دلایل و مدارک اعتراض خود را به کمیسیون رسیدگی مذکور در ماده ۸ این قانون تسلیم دارند و در صورت عدم اعتراض ممیزی قطعی خواهد بود. ماده ۸- اعتراضات راجع به ممیزی در مورد اختلاف مساحت اراضی و مستحذات و محل وقوع ملک و تطبیق مشخصات ملک با ضوابط موضوع ماده ۴ اعلام شده از طرف شهرداری در شهرهای مشمول ماده ۲ این قانون و همچنین رسیدگی به اعتراضات راجع به ارزیابی املاک و حقوق کسب و پیشه و میزان آن مربوط به اجرای طرحهای نوسازی و اصلاح و توسعه معابر در کلیه شهرداریهای کشور در کمیسیونی مرکب از سه نفر افراد محلی بصیر و مطلع در تقویم املاک که یکنفر آن از طرف انجمن شهر و یکنفر از طرف رییس دادگاه شهرستان و یکنفر از طرف وزارت کشور تعیین می‌شود، بعمل خواهد آمد. تصمیم اکثریت اعضا کمیسیون در این مورد قطعی و لازم الاجرا است و رسیدگی بسایر اختلافات ناشی از اجرای این قانون منحصر

در صلاحیت کمیسیون رفع اختلاف موضوع ماده ۷۷ قانون شهرداری می‌باشد. تبصره ۱ - تشریفات رسیدگی و پرداخت حق الزحمه اعضا کمیسیون طبق آیین نامه‌ای که بتصویب وزارت کشور خواهد رسید مشخص می‌شود. وزارت کشور تعداد کمیسیونهای رسیدگی و کمیسیونهای رفع اختلاف را در هر شهرداری با توجه به وسعت شهر و میزان اعتراضات تعیین می‌کند. تبصره ۲ - قبول اعتراض مودی راجع به ممیزی در کمیسیون ماده ۸ موکول به آن است که عوارض ملک خود را بر اساس اعلام بهایی که خود مالک طبق ماده ۴ نموده است پردازد و رونوشت یا فتوکپی قبض پرداخت را به ضمیمه برگ اعتراض به دفتر شهرداری برای ارسال به کمیسیون تسلیم کند مگر اینکه بهای اعلام شده از طرف مالک مشمول حد نصاب بخشودگی باشد. ماده ۹ - ممیزی‌هایی که طبق مقررات این قانون از طرف شهرداری بعمل آید تا پنجسال ملاک وصول عوارض خواهد بود مگر اینکه ظرف این مدت تغییرات کلی در اعیان ملک داده شود بنحوی که قیمت آن را بیش از پنجاه درصد افزایش یا کاهش دهد که در اینصورت مودی مکلف است مراتب را به شهردار اعلام نماید و میزان افزایش یا کاهش قیمت بر اساس مقررات این قانون تعیین و از سال بعد ملاک وصول خواهد شد. شهرداریهای مشمول این قانون مکلفند هر پنجسال یکبار ممیزی عمومی را تجدید کنند و هرگاه در پایان مدت پنجسال تجدید ممیزی بعمل نیامده باشد ممیزی قبلی تا اعلام نتیجه ممیزی جدید معتبر خواهد بود. ماده ۱۰ - عوارض هر سال در اول فروردین ماه آن سال تحقق می‌یابد و باید حداکثر تا پایان همان سال بشهرداری پرداخت گردد. تبصره ۱ - از عوارض مودیانی که ظرف مدت مذکور عوارض متعلق به هر ملک را پردازند ده درصد عوارض آن سال بعنوان جایزه منظور و کسر خواهد شد. تبصره ۲ - ساختمانهای اساسی که بجای ساختمانهای کهنه و قدیمی نوسازی و تجدید بنا شود بمدت سه سال از تاریخ اتمام بنا مشخص شده در پروانه ساختمان از پرداخت عوارض موضوع این قانون معاف خواهند بود. تبصره ۳ - بهای اعیانی پارکینگهای اختصاصی در هر ساختمان در احتساب عوارض منظور نخواهد شد. ماده ۱۱ - نسبت به اراضی واقع در محدوده شهر که فاقد ساختمان اساسی بوده و یا باغ شهری به آن اطلاق نشود در صورتی که تا یکسال بعد از پایان مهلت مقرر در ماده ۵ مالکین یا قائم مقام یا نمایندگان قانونی آنان مشخصات و بهای ملک خود را بشهرداری اعلام نکنند شهرداریهای مشمول ماده ۲ این قانون مکلفند اینگونه املاک را بتصرف درآورده و به قائم مقامی مالک از طریق مزایده و بارعایت آیین نامه معاملات شهرداری و بر اساس قیمت منطقه‌ای بفروش برسانند و مطالبات خود را به انضمام جرایم و هزینه‌های متعلقه باضافه ۵٪ قیمت ملک بسود برنامه نوسازی از محل بهای ملک برداشت نموده مابقی را در حساب سپرده ثابت شهرداری در بانک نگهداری کنند تا در صورت مراجعه مالکین یا نمایندگان قانونی آنان در مقابل اخذ رسید به آنها پرداخت شود و هرگاه ظرف دهسال مالک ملک یا نمایندگان قانونی آنان مراجعه نمایند وجوه مذکور بحساب درآمد نوسازی منظور خواهد شد. تبصره ۱ - هرگاه مالکیت ملک محل اختلاف باشد مدت ۱۰ سال مذکور در این ماده از تاریخ صدور حکم نهایی مبنی بر رفع اختلاف شروع می‌شود. تبصره ۲ - ساختمان اساسی مذکور در این قانون بساختمانی اطلاق می‌گردد که ارزش آن براساس ضوابط مندرج در ماده ۴ این قانون برابر حداقل بیست درصد بهای کل زمین باشد مرجع رسیدگی به اختلاف حاصله در این مورد کمیسیون مذکور در ماده ۸ این قانون است تبصره ۳ - شهرداری مکلف است وضع املاک مشمول این ماده را قبل از انتشار آگهی مزایده باحضور نماینده دادستان شهرستان صورت مجلس کند. تبصره ۴ - در صورتی که مالکین اینگونه اراضی قبل از انتقال قطعی ملک مشخصات بهای ملک خود را بشهرداری اعلام دارند و عوارض و جرایم مربوط را نقدا پردازند عملیات شهرداری در هر مرحله‌ای که باشد متوقف خواهد شد. ماده ۱۲ - شهرداریهای مشمول ماده ۲ این قانون مکلفند ظرف دو ماه از تاریخ انقضا مهلت مقرر در ماده ۱۰ مشخصات مودیانی را که نسبت به پرداخت عوارض املاک خود اقدام نکرده‌اند به موسسات برق و گاز تسلیم کنند و موسسات مذکور مکلفند با اعلام مهلت دو ماهه به مودی هرگاه مطالبات شهرداری تا انقضا مهلت وصول نشود نسبت به قطع برق و گاز محل سکونت ملکی اواقداً کنند. تبصره - آیین نامه اجرایی این ماده وسیله وزارت کشور و وزارت آب و برق تنظیم و پس از تصویب هیات دولت بمورد اجرا گذارده می‌شود. ماده ۱۳ - در هر مورد که

عوارض یا حق مرغوبیت موضوع این قانون به یک ملک تعلق گیرد و قطعی گردد علاوه بر مالک که مسئول پرداخت است عین ملک وسیله تامین مطالبات شهرداری بوده و شهرداری مکلف است در صورتی که مالک عوارض یا حق مرغوبیت را ظرف مهلت های مقرر با رعایت آیین نامه مذکور در تبصره ۱ ماده ۲ پردازد با صدور اجرائیه نسبت بوصول طلب خود از مالک یا استیفا آن از عین ملک اقدام کند. تبصره ۱ - ادارات و دوائر اجرای ثبت بنا بتقاضای شهرداری مکلف بصدور اجرائیه و تعقیب عملیات اجرایی طبق مقررات مربوط به اجرای اسناد رسمی لازم الاجرا می باشد. تبصره ۲ - در قبال اجرائیه های صادره مربوط به این ماده بازداشت شخص مودی مجاز نیست ماده ۱۴ - مودیانی که تا پایان هر سال عوارض مقرر در این قانون را نپردازند از آغاز سال بعد ملزم به پرداخت صدی ۹ زیان دیرکرد در سال به نسبت مدت تاخیر خواهند بود و شهرداری مکلف است پس از پایان ششماه اول سال بعد طبق مقررات ماده ۱۳ این قانون نسبت به استیفای مطالبات خود اقدام کند. ماده ۱۵ - شهرداریهای مشمول ماده ۲ این قانون مکلفند با راهنمایی وزارت کشور برنامه عملیات نوسازی و عمران و اصلاحات شهر را برای مدت پنجسال بر اساس نقشه جامع شهر و در صورتیکه فاقد نقشه جامع باشند بر اساس احتیاجات ضروری شهر و با رعایت اولویت آنها در حدود منابع مالی مقرر در این قانون و سایر امکانات مالی شهرداری تنظیم کرده و پس از تصویب انجمن شهر و تایید وزارت کشور طرحهای مربوط را بر اساس آن اجرا کنند. ماده ۱۶ - شهرداریها مکلفند برای هر یک از طرحهای نوسازی و عمران و ایجاد تاسیسات شهری و توسعه و احداث و اصلاح معابر بدوا نقشه کاملی تهیه و سپس توسط هیاتهای ارزیابی فهرست جامعی حاوی مقدار مساحت و تعداد اشجار و میزان حق ریشه هر ملک که در معرض عملیات قرار می گیرد و تصرف می شود با تعیین بهای هریک از آنها بر اساس ماده ۱۸ این قانون و همچنین میزان مرغوبیتی که مالک مکلف به پرداخت آن می باشد و در صورت امکان نام مالک و شماره پلاک ملک تنظیم نموده و ضمن تامین اعتبار کافی برای تصویب انجمن شهر فرستاده و پس از تصویب انجمن برای تایید به وزارت کشور ارسال دارند. تبصره ۱ - شهرداری مکلف است بمحض شروع عملیات نقشه کشی و ارزیابی مراتب را درجراید کثیرالانتشار و با الصاق آگهی در محل باطلاع عموم برساند. تبصره ۲ - نحوه تشکیل هیاتهای ارزیابی و طرز اعلام طرحهای مصوب و تعیین مدت قبول اعتراضات و ترتیب رسیدگی به آنها طبق آیین نامه ای که بوسیله وزارت کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید معین می گردد. تبصره ۳ - هیاتهای ارزیابی و همچنین کمیسیون رسیدگی موضوع ماده ۸ این قانون مکلفند در ارزیابی و اعلام نظر نسبت به بهای املاکی که مشمول پرداخت حق کسب و پیشه می باشند مقررات تبصره ماده ۲۷ این قانون را رعایت کنند. ماده ۱۷ - همین که طرح مصوب انجمن شهر از طرف وزارت کشور تایید و برای اجرا به شهرداری ابلاغ شد شهرداری مکلف است ظرف یکماه جزئیات طرح مصوب و تاریخ شروع و مدت تقریبی اجرایی آن را جهت اطلاع عموم اعلام و ظرف سه ماه پس از اعلام مزبور نسبت به پرداخت قیمت اراضی و اماکن و مستحقات مشمول طرح مصوب با رعایت ماده ۲۰ این قانون به صاحبان املاک یا متولیان یا متصدیان موقوفه یا قائم مقام یا نمایندگان قانونی آنان اقدام و سپس بادو ماه مهلت برای تخلیه ملک نسبت بتصرف و تخریب آن عمل کنند و عدم مراجعه مالک یا مالکین برای دریافت بها مانع از اجرای طرح نخواهد بود لکن در مواردی که مالکین به ارزیابی انجام شده در مهلت مقرر اعتراض نموده باشند شهرداری مکلف است قبل از تخریب بنا وضع اعیانی را باحضور مالک یا متولی موقوفه و نماینده دادستان شهرستان و یکی از مأمورین فنی خود صورت مجلس کند هر گاه با وجود دعوت کتبی شهرداری مالک یا متولی موقوفه برای تنظیم صورت مجلس حاضر نشود حضور نماینده دادستان برای تنظیم صورت مجلس کافی است و این صورت مجلس ملاک رسیدگی و اظهار نظر خواهد بود. تبصره - اعتراض به ارزیابی مربوط به طرحهای توسعه و اصلاح و احداث معابر و نوسازی محلات و تامین نیازمندیهای عمومی شهر در هیچ مورد مانع عملیات شهرداری در اجرای طرحهای مزبور نخواهد بود. ماده ۱۸ - ارزیابی املاک و تعیین غرامت و پرداخت آن به مالکینی که تمام یا قسمتی از ملک آنها در اجرای طرحهای نوسازی و احداث و اصلاح و توسعه معابر و تامین نیازمندیهای عمومی شهر مورد تصرف قرار می گیرد و دریافت حق مرغوبیت از کسانی که ملک آنها بر اثر

اجرا طرحهای مذکور مرغوب می‌شود بشرح زیر خواهد بود. الف - در مورد اعیانی به نسبت خسارت وارده بملک ارزیابی و پرداخت می‌شود و در مورد عرصه ارزش آن بمأخذ بهای یکسال قبل از تاریخ ارزیابی به اضافه ۶ درصد تعیین می‌گردد و در صورتی که این قیمت بیش از بهای ملک در تاریخ انجام ارزیابی باشد بهای زمان ارزیابی ملاک عمل خواهد بود. تبصره - در صورتی که صدور پروانه ساختمانی اعم از مسکونی و تجاری و غیره بر اثر اجرای طرح در باقیمانده ملک از نظر مقررات شهرسازی برای شهرداری مقدور نباشد و مالک پیشنهاد فروش آنرا به شهرداری کند، شهرداری مکلف است باقیمانده ملک را هم به بهای قطعی شده خریداری و تصرف کند که در این صورت دیگر مطالبه و دریافت حق مرغوبیت موضوعا منتفی است ماده ۱۹ - هرگاه در نتیجه اجرای طرحهای شهرداری تمام یا قسمتی از معابر بصورت متروک درآید آن قسمت متعلق بشهرداری بوده و هرگاه شهرداری قصد فروش آنرا داشته باشد، مالک مجاور در خرید آن حق تقدم خواهد داشت ماده ۲۰ - شهرداری مکلف است بهای عرصه و اعیان ابنیه و اماکن و مستحقات مشمول طرحهای عمرانی و نوسازی و احداث و اصلاح و توسعه معابر و همچنین حق کسب و پیشه و تجارت موضوع ماده ۲۷ این قانون را نقدا پرداخت کند. در مورد بهای اراضی فاقد ساختمان در تهران تا دو میلیون ریال و در سایر شهرها تا پانصد هزار ریال نقد و بقیه اقساط مساوی پنجساله بابت بهره ۹ درصد در سال از طرف شهرداری پرداخت می‌شود. تبصره ۱ - پرداخت اقساط مذکور در این ماده بموجب قبوض مخصوص قابل انتقال خواهد بود که اصل و بهره آن در سر رسید از طرف شهرداری به دارنده قبض پرداخت می‌شود و بهره این قبوض از پرداخت هرگونه مالیات معاف است ترتیب اجرای این تبصره بموجب آیین نامه‌ای خواهد بود که بوسیله وزارت کشور تهیه و بتصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۲ - شهرداری مکلف است قبوض اقساطی مذکور در این ماده را بطور کلی بابت بهای اراضی و املاکی که بفروش می‌رساند و قبوض اقساطی هر سال را بابت عوارض همانسال قبول کند. تبصره ۳ - در مورد املاکی که طبق این قانون به شهرداریها منتقل می‌شود آن قسمت از هزینه‌های ثبتی و مالیاتی و تنظیم سند که بعهده مالک است وسیله شهرداری پرداخت از مانده طلب انتقال دهنده کسر خواهد شد لکن مطالبات قطعی شده شهرداری بابت عوارض ملک مورد معامله از وجوه نقدی که بمالک پرداخت می‌شود کسر می‌گردد. ماده ۲۱ - در مورد اراضی و املاکی که قبل از تصرف شهرداری بموجب اسناد رسمی مورد معاملات شرطی و رهنی واقع گردیده در صورتی که تمامی مساحت ملک بتصرف شهرداری درآمده و موعد پرداخت طلب داین نرسیده باشد موعد آن حال می‌شود و پس از اجرای مقررات این قانون در موقع تنظیم سند انتقال اگر مالک دین خود را نپرداخته و ملک آزاد نشده باشد شهرداری طلب داین را حداکثر تا میزان بهای ملک مورد تصرف (با رعایت مقررات ماده ۲۰ این قانون) به داین می‌پردازد و با این ترتیب معامله رهنی یا شرطی قانونا فک شده محسوب می‌شود و در صورتیکه بهای املاک و اراضی مورد تصرف زاید بر اصل طلب داین باشد مازاد بمالک پرداخت و ملک به شهرداری منتقل می‌شود. هرگاه شهرداری قسمتی از ملک را تصرف نماید پرداخت غرامت بمالک موکول بتوافق مالک و داین خواهد بود در صورت عدم توافق غرامت در صندوق ثبت تودیع و اداره ثبت مکلف است به درخواست شهرداری نسبت به قسمتی که بتصرف شهرداری درآمده است سند تفکیکی بنام شهرداری صادر کند و بقیه ملک در رهن داین باقی خواهد ماند. تبصره - در موردی که تمامی ملک بتصرف شهرداری در میاید شهرداری به بستانکار اخطار می‌کند که در روز مقرر جهت دریافت طلب خود و انجام تشریفات فک رهن ملک مشمول تصرف در دفترخانه اسناد رسمی حاضر شود و هرگاه بستانکار به این اخطار عمل نکند شهرداری حداکثر تا میزان بهای ملک (وجه نقد یا قبوض اقساطی) بابت طلب بستانکار در اداره ثبت تودیع می‌کند و دفترخانه اسناد رسمی مربوط مکلف است معامله رهنی یا شرطی را فک کند. ماده ۲۲ - شهرداریها مجازند اراضی و املاکی را که طبق این قانون به ملکیت خود در میاورند (به استثنا اراضی و املاک موضوع ماده ۲۴ این قانون) بمنظور نوسازی بموجب قرارداد و در قبال اخذ تضمینات کافی به شرکتهای و موسساتی که با سرمایه کافی و صلاحیت فنی تشکیل یافته‌اند واگذار کنند. صلاحیت فنی و مالی اینگونه شرکتهای بطور کلی و برتری طرحهای عمرانی آنها بر اساس نقشه جامع شهر در

هر مورد باید از طرف شهرداری پیشنهاد شده و انجمن شهر آنرا تصویب و وزارت کشور تایید کند. شهرداریها بهای اینگونه اراضی و املاک و هزینه های پرداختی را بترتیبی که پرداخت و تعهدنموده‌اند بعلاوه ده درصد از شرکتها و موسسات مذکور دریافت خواهند داشت شرکتها و موسسات مذکور در این ماده مادام که طرح مصوب را طبق قرارداد منعقدہ اجرائنموده‌اند حق واگذاری تمام یا قسمتی از اراضی و املاک مورد قرارداد را بغیر ندارند. تبصره - آیین نامه اجرایی این ماده و شرایط فسخ قرارداد وسیله وزارت کشور تهیه و بتصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲۳ - شهرداریها دارای اختیار نظارت بر طرز استفاده از اراضی داخل محدوده و حریم شهر از جمله تعیین تعداد طبقات و ارتفاع و نماسازی و کیفیت ساختمانها بر اساس نقشه جامع شهر و منطقه‌بندی آن با رعایت ضوابط و معیارهایی که از طرف شوراییعالی شهرسازی تعیین و وسیله وزارت کشور ابلاغ خواهد شد هستند و با استفاده از اختیارات فوق مکلف بمراقبت در رشد متناسب و موزون شهرها و تامین تسهیلات لازم برای زندگی اجتماعی خواهند بود. تبصره ۱ - شهرداریها مجازند مادام که نقشه جامع شهر تهیه و تصویب نشده است ایجاد ساختمان و احداث هرگونه بنا و تاسیساتی را در قسمتی از محدوده شهر فقط برای یکبار و با ذکر علت از تاریخ اجرای قانون نوسازی حداکثر برای مدت سه سال ممنوع اعلام کنند و پس از تهیه و تصویب نقشه جامع شهر مکلفند حداکثر ظرف دو سال نقشه‌های تفصیلی را تهیه و اراضی و باغها و املاکی را که بر اساس نقشه مذکور در معرض طرحهای احداث و توسعه معابر و میادین واقع می‌شود مشخص نموده و احداث هرگونه بنا و تاسیسات را در این گونه اراضی ممنوع کنند. اینگونه اراضی و همچنین اراضی بایر و مزروعی و باغها واقع بین محدوده خدمات شهری مصوب انجمن شهر و محدوده قانونی شهر مادام که اجازه ساختمان داده نمی‌شود از پرداخت عوارض نوسازی معاف می‌باشند. تبصره ۲ - شهرداریهای مشمول ماده ۲ این قانون مکلفند از تاریخ اعلام وزارت کشور ظرف سه سال نقشه جامع شهر را تهیه و تنظیم و برای تصویب پیشنهاد کنند. ماده ۲۴ - شهرداریها می‌توانند در موقع تنظیم و اجرای طرحهای نوسازی و همچنین توسعه یا احداث معابری که عرض آنها حداقل بیست متر باشد با رعایت نقشه جامع یا نقشه هادی شهر طرحهای مربوط را بتناسب موقعیت محل و ضوابطی که وزارت کشور تعیین و اعلام خواهد کرد وسیعتر از میزان مورد احتیاج طرح تنظیم و اجرا نموده و اراضی مازاد را در صورت عدم احتیاج از طریق مزایده و با رعایت آیین نامه معاملات شهرداری بفروش رسانیده وجوه حاصله را بحساب درآمد نوسازی و عمران شهری موضوع این قانون منظور کنند. تبصره - در اجرای مقررات ماده فوق شهرداریها مکلفند راه عبور متعارفی برای باقی مانده ملک تامین کنند. ماده ۲۵ - در هر مورد که بموجب این قانون ملکی باید به شهرداری منتقل شود هرگاه مالک از امضا سند انتقال ملک استنکاف کند یا مالکیت زمین و اعیانی بنحوی از انجا متنازع فیه بوده و مالک مشخص نباشد و همچنین در اجرای مفاد ماده ۱۱ این قانون دادستان شهرستان یا نماینده او اسناد انتقال و دفاتر مربوط را امضا خواهد کرد. در صورتی که تملک یا خرید شهرداری برای اجرای طرحهای نوسازی و عمران و اصلاح و احداث و توسعه معابر باشد بهای ملک با رعایت تبصره ۳ ماده ۲۰ این قانون بصندوق ثبت سپرده خواهد شد. ماده ۲۶ - مساجد و اماکن مقدسه اسلامی و معابد اقلیت های مذهبی (مسیحی - زردشتی - کلیمی) و مدارس قدیمه طلاب علوم دینی بگواهی سازمان اوقاف از پرداخت عوارض و حق مرغوبیت و اراضی و ساختمانهای متعلق به وزارتخانه ها و موسسات دولتی و تاسیسات سازمان تربیت بدنی و پیشاهنگی ایران و کتابخانه‌های عمومی شهر و همچنین آن قسمت از اراضی و املاک شرکتها و موسسات آب و برق و گاز و تلفن متعلق بدولت که برای فعالیت‌های مربوط به آب و برق و گاز و تلفن مورد استفاده می‌باشد از پرداخت عوارض موضوع این قانون معاف خواهند بود. تبصره ۱ - شرکتها و موسسات دولتی و وابسته بدولت که با اصول بازرگانی اداره می‌شود یا مشمول پرداخت مالیات هستند مشمول پرداخت عوارض و حق مرغوبیت موضوع این قانون نیز می‌باشند. تبصره ۲ - اراضی و املاک و مستحقات ملکی متعلق به موقوفات خاندان شاه معدوم و سازمان خدمات اجتماعی و هلال احمر ایران از پرداخت عوارض موضوع این قانون معاف می‌باشند. معافیت سایر موسسات خیریه منوط به پیشنهاد شهرداری و تصویب انجمن شهر و تایید وزارت کشور خواهد بود. تبصره ۳ -

موقوفاتی که تولیت آنها با نایب ولیعصر است بطور کلی و همچنین اراضی و املاک و مستحدثات موقوفات عام بشرط گواهی سازمان اوقاف از پرداخت عوارض موضوع این قانون معاف می‌باشند ولی عوارض موقوفات خاص از موقوف علیهم و یا متولی (به اختیار شهرداری) دریافت می‌شود در صورتیکه اراضی موقوفات موضوع این تبصره یا اراضی غیر موقوفه به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار و یا اجاره داده شده یا بشود و در سند اجاره و یا واگذاری حق ایجاد بنا و مستحدثات و اخذ سند مالکیت اعیانی برای اشخاص منظور شده باشد اشخاص مذکور از نظر پرداخت عوارض موضوع این قانون در حکم مالک محسوب و مکلفند طبق مقررات این قانون نسبت به پرداخت عوارض عمل و اقدام کنند. تبصره ۴ - وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی وابسته بدولت و موسسات خیریه برای ایجاد ساختمان موسسات خود مکلف بدریافت پروانه ساختمان از شهرداری و رعایت ماده ۱۰۰ قانون اصلاحی شهرداری مصوب سال ۱۳۴۵ و سایر مقررات مذکور در قانون شهرداری‌ها و این قانون راجع به ایجاد بنا می‌باشد. تبصره ۵ - خانه‌ها و اماکنی که در تصرف یا مالکیت اشخاص حقیقی یا حقوقی است و طبق قانون حفظ آثار ملی مصوب آبانماه ۱۳۰۹ شمسی یا ماده واحده قانون مصوب آذرماه ۱۳۵۲ شمسی در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده یا می‌رسند در صورتی که محل کسب و پیشه و تجارت نباشد از پرداخت عوارض و حق مرغوبیت موضوع این قانون معاف می‌باشند. ماده ۲۷ - پرداخت حق کسب و پیشه یا تجارت اشخاص (اعم از مستاجر یا متصرف یا خود مالک) که محل کار آنان در اثر اجرای طرحهای احداث و توسعه معابر و نوسازی و عمران شهری از بین می‌رود بعهده شهرداری می‌باشد مشروط بر اینکه قبل از اعلام مقرر در ماده ۱۶ این قانون ملک محل کسب و پیشه و یا تجارت باشد ترتیب اجرای این ماده و نحوه تعیین و تشخیص و پرداخت حق کسب و پیشه یا تجارت طبق آیین نامه‌ای خواهد بود که وسیله وزارت کشور تهیه و بتصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره - غرامت زمین زیربنای محل کسب و پیشه با توجه به اینکه حق کسب و پیشه آن پرداخت گردیده تعیین و به مالک پرداخت می‌شود. ماده ۲۸ - سایر عوارض شهرداری که بر اساس آیین نامه‌های اجرایی وصول عوارض شهرداری موضوع ماده ۷۴ قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق مواد جدید به قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۴۵ بمرحله قطعیت برسد در صورت عدم پرداخت طبق تبصره‌های ماده ۱۳ این قانون با صدور اجرائیه وصول خواهد شد. ماده ۲۹ - عوارض اراضی واقع در محدوده شهر که آب لوله‌کشی و برق آن تامین شده و فاقد ساختمان اساسی باشد دوبرابر میزان مقرر در ماده ۲ این قانون خواهد بود. تبصره ۱ - در صورتی که مالکین اینگونه اراضی طبق نقشه شهرداری به نرده‌کشی و ایجاد فضای سبز در اراضی مزبور اقدام کنند مشمول مقررات این ماده نبوده و عوارض بمانند مقرر در ماده ۲ این قانون وصول خواهد شد. تبصره ۲ - در پروانه‌های ساختمانی که از طرف شهرداریها صادر می‌شود باید حداکثر مدتی که برای پایان یافتن ساختمان ضروریست قید گردد و کسانی که در میدانها و معابر اصلی شهر اقدام به ساختمان می‌کنند باید ظرف مدت مقرر در پروانه‌ها ساختمان خود را به اتمام برسانند و در صورتی که تا دو سال بعد از مدتی که برای اتمام بنا در پروانه قید شده باز هم ناتمام بگذارند عوارض مقرر در این قانون بدو برابر افزایش یافته و از آن ببعد نیز اگر ساختمان همچنان ناتمام باقی بماند برای هر دوسالی که بگذرد عوارض بدو برابر ماخذ دو سال قبل افزایش خواهد یافت تا به ۴ درصد بالغ گردد. ابنیه ناتمام که از طرف مقامات قضایی توقیف شده باشد مشمول این ماده نخواهد بود. ماده ۳۰ - شهرداریها مکلفند مفاصا حساب پرداخت کنندگان عوارض را حداکثر ظرف پانزده روز (از تاریخ پرداخت) تسلیم مودی کنند یا با پست سفارشی ارسال دارند. تبصره - هرگاه مودی عوارض قطعی شده موضوع این قانون را بشهرداری پرداخت کند و شهرداری ظرف مدت مقرر در این ماده نسبت بصدور برگ مفاصا حساب اقدام نکند قبض پرداخت عوارض در حکم مفاصا حساب عوارض نوسازی آن سال ملک می‌باشد. ماده ۳۱ - شهرداریها می‌توانند برای تامین نیازمندیهای شهری و عمومی و عمران و نوسازی باتصویب انجمن شهر و تایید وزارت کشور اراضی و املاک واقع بین حد مصوب فعلی هر شهر تا حدنهایی مشخص در نقشه جامع آن شهر را ظرف پنجسال پس از تصویب نقشه جامع با پرداخت بها تملک و تصرف کنند. تبصره ۱ - هرگاه تمام یا قسمتی از اراضی و املاکی که در اجرای این

ماده خریداری می‌شود در مناطق صنعتی که در نقشه جامع شهر منظور شده است واقع شده باشد شهرداری‌ها می‌توانند برای انتقال کارگاهها و کارخانجات و امثال آن از داخل شهر بمناطق صنعتی از اراضی مزبور بمیزانی که برای استقرار آنها ضروری تشخیص داده می‌شود به صاحبان موسسات مذکور منتقل نموده و بهایانرا بماند تمام شده به اضافه ده درصد از آنان دریافت دارند. تبصره ۲ - مرجع رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای این ماده کمیسیون مذکور در ماده ۸ این قانون می‌باشد و طرح اختلاف در کمیسیون مزبور مانع تصرفات شهرداری نمی‌باشد. تبصره ۳ - ملا-ک و نحوه ارزیابی اینگونه اراضی و املا-ک و مستحدمات و تعیین مقدار مساحتی از اراضی مزبور که مشمول مقررات این ماده می‌باشد و مدت و ترتیب و طرز پرداخت قیمت املاک مزبور و بطور کلی طرز اجرای این ماده و تبصره ۱ آن طبق آیین نامه‌ای است که وزارت کشور تهیه نموده و بتصویب کمیسیون کشور و دادگستری مجلسین برسد. ماده ۳۲ - هرگاه ممیزین در اجرای مقررات این قانون در تنظیم اوراق ممیزی تمام واقع را ذکر نکنند یا بر خلاف واقع چیزی ذکر کنند بطوریکه قیمت تعیین شده املاک و مستحدمات در اوراق مذکور با قیمت واقعی آنها بر اساس ضوابط مندرج در این قانون و آیین نامه مربوط بیش از ۲۰ درصد (اعم از اضافه یا نقصان) اختلاف داشته باشد به حبس جنحه ای از سه تا ششماه محکوم خواهند شد. تبصره - ارزیابانی که در اجرای این قانون قیمت ملک را بیش از ۲۰ درصد بیشتر یا کمتر از بهای عادلانه منظور کنند به کیفر مقرر در این ماده محکوم خواهند شد. اعضا کمیسیون ماده ۸ از لحاظ حدود وظایف و تخلفات مشمول مقررات قانون راجع به کارشناسان رسمی می‌باشند. ماده ۳۳ - سازمانهای مذکور در ماده ۱۱۱ الحاقی به قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۴۵ در تصرف ابنیه و اراضی جهت اجرای طرحهای مربوط از مقررات این قانون استفاده خواهند کرد. ماده ۳۴ - قانون اصلاح قانون توسعه معابر مصوب تیرماه ۱۳۲۰ از تاریخ اجرای این قانون ملغی است لیکن طرح‌های مصوب توسعه معابر که از طرف شهرداری قبل از اجرای این قانون آگهی شده باشد تا پایان اجرای آن تابع مقررات قانون اصلاح قانون توسعه معابر خواهد بود. ماده ۳۵ - مقررات مربوط به نوسازی و عمران و توسعه و احداث و اصلاح معابر مندرج در این قانون جایگزین قانون اصلاح قانون توسعه معابر اشاره شده در مواد قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق مواد جدید به قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۴۵ و سایر قوانین خواهد بود. ماده ۳۶ - تبصره ۴ ماده ۹۶ و تبصره ۳ ماده ۹۹ قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق مواد جدید به قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۴۵ از تاریخ تصویب این قانون ملغی است

آیین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۱۶ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱/۴/۴۸ با اصلاحات

نحوه تشکیل هیات‌های ارزیابی ماده ۱ - در هر مورد که در اجرای تکالیف و وظایف مقرر در ماده ۱۶ قانون نوسازی و عمران شهری تشکیل هیات یا هیات‌های ارزیابی ضرورت پیدا کند شهرداری مکلف است هیاتی مرکب از یکنفر مهندس ، معمار ، یکنفر مهندس ساختمان و یک نفر ارزیاب از بین کارمندان خود تشکیل دهد. ماده ۲ - انتخاب اعضا هیات با شهردار است ، هیات بر حسب ضرورت ممکن است بطور موقت یادایم تشکیل شود. ماده ۳ - در شهرداری‌هایی که مهندسان واجد شرایط برای عضویت هیات ارزیابی وجود نداشته باشند شهردار می‌تواند از مهندسان ساختمان و معمار دفتر مهندسی استان یا فرمانداری کل برای هر مورد استفاده نماید و مقدمات مذکور مکلفند در معرفی مهندسان واجد شرایط اقدام کنند همچنین در صورتی که شهرداری دارای ارزیاب واجد شرایط نباشد شهردار از بین ارزیابان واجد صلاحیت را انتخاب خواهد کرد. تبصره ۱ - هرگاه در دفتر مهندسی استان یا فرمانداری کل مهندسان واجد شرایط وجود نداشته باشند استاندار یا فرماندار کل مراتب را به وزارت کشور اعلام و وزارت کشور مهندسان واجد شرایط انتخاب و اعزام می‌نمایند. تبصره ۲ - پرداخت هزینه سفر و فوق العاده مهندسان مذکور بعهدہ شهرداری است و دستمزد ارزیابان و خبرگان محلی در هر مورد بنا به پیشنهاد شهرداری و تصویب انجمن شهر تعیین و پرداخت می‌شود. ماده ۴ - برای انجام عمل ارزیابی حضور کلیه اعضا هیات ضروری است ولی نظر اکثریت ملاک عمل می‌باشد و فهرست

جامع ارزیابی باید به امضا کلیه اعضا هیات ارزیابی برسد و هرگاه یک نفر از اعضا در اقلیت باشد باید نظر خود را با ذکر دلیل توضیح دهد. طرز اعلام طرحهای مصوب ماده ۵ - همینکه طرح مصوبی به شهرداری ابلاغ شد شهرداری مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ طرح مفاد فهرست جامع را در یکی از جراید کثیرالانتشار تهران و همچنین در یکی از جراید کثیرالانتشار محل (در صورتیکه وجود داشته باشد) در سه نوبت هر نوبت به فاصله یک هفته آگهی نماید و علاوه بر آن باید نتیجه ارزیابی هر ملک را وسیله پست به مالک آن اعلام و ضمناً مفاد فهرست را از طریق الصاق آگهی در ساختمان شهرداری و معابر همان محل منتشر کند. تبصره - شهرداری باید در موقع نشر آگهی نقشه دقیق و جامع حوزه عملیات خود را که موجب تخریب تغییر وضع املاک خواهد بود به سازمانها یا شرکت های آب و برق منطقه و تلفن و گاز ارسال دارد تا موسسات مزبور در مورد ترمیم یا تغییر لوله‌های انشعاب آب و تلفن و گاز و پایه های خطوط برق اقدام لازم بعمل آورند. ماده ۶ - در آگهی های اعلام شده علاوه بر مفاد مندرجات فهرست جامع باید نکات و موارد زیر مشخص شود. ۱ - تاریخ شروع و مدت تقریبی اجرای طرح ۲ - شروع مهلت اعتراض که از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی تا دو ماه خواهد بود. ۳ - نشانی محل قبول اعتراض ۴ - ذکر اینکه مفاد فهرست جامع در محل شهرداری برای ملا-حظه الصاق شده است ۵ - قید اینکه معترض مکلف است ذیل برگ اعتراض دارند می توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر اولین آگهی در جراید اعتراض خود را به دفتر شهرداری یا محل تعیین شده در آگهی تسلیم و رسید دریافت دارند. ماده ۷ - کسانی که نسبت به ارزیابی املاک اعتراض دارند می توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر اولین آگهی در جراید اعتراض خود را به دفتر شهرداری ای محل تعیین شده در آگهی تسلیم و رسید دریافت دارند. ترتیب رسیدگی ماده ۸ - شهرداری مکلف است از تاریخ وصول اولین اعتراض ظرف یک هفته فتوکپی یا رونوشت سوابق طرح مصوب و مخصوصاً فهرست جامع را به ضمیمه اولین اعتراض به دفتر کمیسیون مذکور در ماده ۸ قانون نوسازی و عمران شهر ارسال دارد. تبصره - برای ارسال بقیه اعتراضات راجع به همان طرح فرستادن سوابق ضرورت ندارد و شهرداری باید به فاصله ۲۴ ساعت اعتراض واصله را به کمیسیون بفرستد. ماده ۱۰ - کمیسیون رسیدگی مکلف است به ترتیب وصول اعتراضات برای هر پرونده وقت بازدید محل تعیین و مراتب را به منظور رسیدگی استحضار وسیله پست سفارشی به معترض اعلام نماید. فاصله تسلیم دعوتنامه به پست و بازدید محل نباید کمتر از ۱۰ روز باشد. ماده ۱۱ - کمیسیون مکلف است در وقت مقرر ضمن بازدید محل به موارد اعتراض دقیقاً رسیدگی و ظرف یک هفته نظر قطعی خود را در مورد ارزش ملک و تعیین میزان غرامت به شهرداری اعلام نماید. ماده ۱۲ - در صورتیکه کمیسیون در وقت مقرر در محل بازدید محل حاضر شود ولی به جهتی از جهات از قبیل ممانعت برای ورود به ملک و نظایر آن بازدید محل و در نتیجه اظهار نظر قطعی میسر نشود کمیسیون صورتمجلس با ذکر علت تنظیم و برای بازدید محل وقت فوق العاده تعیین می کند و اگر حضور نماینده دادستان لازم بداند با حضور نماینده دادستان از محل بازدید خواهد کرد. تبصره - در مورد که شهرداری طبق قسمت اخیر ماده ۱۷ قانون نوسازی اقدام می کند باید صورتمجلس اشاره شده در ماده مذکور را به کمیسیون رسیدگی ارسال دارد و این صورتمجلس ملاک رسیدگی و اظهار نظر کمیسیون خواهد بود.

آیین نامه اجرایی ماده ۳۱ قانون نوسازی و عمران شهری - مصوب ۶/۸/۱۳۴۸

ماده ۱ - پس از تصویب نقشه جامعه هر شهر، شهرداری باید در زمینه اولویت نیازمندیهای شهری و عمومی و نوسازی در آن قسمت از اراضی موضوع ماده ۳۱ قانون نوسازی و عمران شهری که در نقشه جامع برای نیازمندیهای مذکور تعیین و مشخص شده است اقدام به مطالعه نموده و بهایان را بر آورد و امکان پرداخت آن را با توجه به بینه مالی شهرداری بررسی و تصمیم لازم اتخاذ کند. ماده ۲ - شهرداری باید نقشه کاملی از اراضی و املاک مورد نیاز (موضوع ماده ۱) تهیه و سپس توسط هیات یا هیاتهای ارزیابی به شرح مذکور در آیین نامه اجرای تبصره ۲ ماده ۱۶ قانون نوسازی و عمران شهری فهرست جامعی حاوی مساحت عرصه اعیان و نوع

و مشخصات اعیان و تعداد اشجار و حق ریشه هر ملک با تعیین بهای هر یک از آنها تنظیم نماید و همچنین نوع استفاده‌ای که از اراضی و املاک مورد نیاز به عمل خواهد آمد و در صورت امکان نام مالک و شماره پلاک ملک را ضمن تامین اعتبار کافی برای تصویب به انجمن شهر بفرستد و پس از تصویب انجمن شهر برای تایید به وزارت کشور ارسال دارد. تبصره - شهرداری مکلف است مقارن شروع عملیات نقشه‌برداری و ارزیابی مراتب را با تعیین حدود مناطق مربوط در جراید کثیرالانتشار آگهی کند و همچنین با الصاق آگهی در محل به اطلاع عموم برساند و یک نسخه از آگهی را به انضمام کروکی منطقه به اداره ثبت اسناد و املاک محل ارسال دارد. اداره ثبت مکلف است مراتب را به دوایر ثبتی خود و همچنین دفاتر اسناد رسمی اعلام دارد تا به اطلاع مراجعینی که قصد انجام معامله دارند برسد و متعاملین با علم به مراتب فوق معامله را انجام دهد و مراتب در اسناد تنظیمی قید گردد. ماده ۳- پس از تصویب پیشنهاد شهرداری در انجام شهر و تایید آن وسیله وزارت کشور شهرداری مکلف است عمل خرید اراضی و املاک مذکور را با رعایت ضرورت و اولویت طوری ترتیب دهد که ظرف پنج سال مقرر در قانون نوسازی و عمران شهری املاک مزبور به شهرداری انتقال قطعی یابد وزارت کشور مکلف است نظر نهایی خود را در مورد هر یک از پیشنهادها و طرحهای ارسالی شهرداری ها ظرف شش ماه از تاریخ وصول اعلام دارد و هرگاه ظرف مدت مذکور وزارت کشور نظر مخالفی اعلام ندارد پیشنهاد و یا طرح ارسالی که به تصویب انجمن شهر رسیده است تایید شده تلقی می‌گردد. ماده ۴- ملاک و ماخذ ارزیابی اراضی در تهران قیمت دو سال قبل از اعلام نقشه جامع شهر و در سایر شهرها قیمت یکسال قبل از اعلام نقشه جامع شهر است به اضافه صدی ۶ سود از تاریخهای مذکور تا تاریخ انجام معامله برای هر سال و چنانچه بهای مذکور از بهای روز بیشتر باشد قیمت عادلانه روز ملاک عمل قرار خواهد گرفت و اعیان و اشجار و حق ریشه بر اساس قیمت عادلانه روز ارزیابی خواهد شد. ماده ۵- ترتیب ارزیابی و طرز اعلام نتیجه آن به مالکین و رسیدگی به اعتراضات مربوط به اجرای ماده ۳۱ قانون نوسازی و عمران شهری طبق مقررات آیین نامه تبصره ۲ ماده ۱۶ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب هیات وزیران می‌باشد. ماده ۶- بهای عرصه املاک مذکور تا یکهزار متر مربع نقد و مازاد آن به اقساط مساوی ده ساله بامنظور نمودن سود صدی ۶ برای هر سال و بهای اعیان نقداً از طرف شهرداری پرداخت می‌شود پرداختهای اقساطی شهرداری به موجب قبوض قبل انتقال مذکور در تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون نوسازی و با رعایت تشریفات مقرر در آیین نامه مربوط به آن به عمل خواهد آمد. ماده ۷- در هر مورد که شهرداری بخواهد در اجرای مقررات تبصره ۱ ماده ۳۱ قانون نوسازی و عمران شهری اراضی واقع در مناطق صنعتی نقشه جامع را به صاحبان کارگاهها و کارخانه ها و امثال آن انتقال دهد برای تشخیص میزان مورد احتیاج موسسات مذکور موضوع را بر حسب مورد به کمیسیون سه نفری مرکب از افراد زیر ارجاع می‌نماید و نظریه کمیسیون که در هر حال با توجه به نیازمندیهای صنوف مربوط یاد باشد ملاک عمل خواهد بود. الف - در مورد کارخانه‌ها و کارگاههای صنعتی با عضویت نمایندگان شهرداری و وزارت اقتصاد و اطلاق صنایع و معادن ایران ب - در مورد مراکز و موسسات دامداری و پرورش طیور با عضویت نمایندگان شهرداری و وزارت کشاورزی و وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی در مورد سایر مشاغلی که به موجب بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها تعیین شده است با عضویت نمایندگان وزارت کشور و شهرداری و شهربانی تبصره - نمایندگی وزارتخانه‌های مذکور در فوق و شهربانی در شهرستانها با ادارات تابعه آنهاست و در صورتی که در شهری ادارات تابعه نداشته باشند ادارات مرکز استان مکلف به تعیین واعزام نماینده بر حسب درخواست شهرداری محل برای شرکت در کمیسیون مربوط خواهند بود. ماده ۸- بهای املاکی که در اجرای مقررات ماده فوق به اشخاص حقیقی یا حقوقی انتقال داده می‌شود نقداً و یا حداکثر به اقساط پنجساله با سود صدی ۶ برای هر سال از انتقال گیرنده باید دریافت شود و در صورتی که بهای معامله به اقساط دریافت شود ملک تا پرداخت تمام اقساط و بهره در وثیقه شهرداری باقی خواهد ماند.

ماده ۱ - شهرداریها بر اساس ماده ۱۲ قانون نوسازی و عمران شهری و ماده ۱۳ آیین نامه ترتیب ممیزی و تشخیص و طرز وصول عوارض صورتی مشتمل بر نام مودیانی که تا تاریخ مقرر عوارض قطعی شده خود را نپرداخته‌اند و شماره پلاک محل سکونت ملکی مودی و همچنین شماره اشتراک برق بتدریج ظرف دو ماه به موسسات برق ارسال خواهند داشت ماده ۲ - موسسات برق پس از وصول درخواست شهرداری با توجه به تکلیف مقرر در ماده ۱۲ قانون نوسازی بتدریج نسبت به موارد اعلام شده بررسی نموده پس از انطباق آنها با پرونده‌های مشترکین و احراز سکونت مالک در محل اخطار دو ماهی برای مودی خواهند فرستاد. تبصره ۱ - در صورتی که موارد اعلام شده از طرف شهرداری با سوابق و وضع موجود مغایرت داشته باشد موسسات برق مراتب را ظرف یک هفته از تاریخ تشخیص این امر به شهرداری اعلام خواهند نمود. تبصره ۲ - در اخطاریه‌های صادره که به ضمیمه اولین برگ تشخیص مصرف برق برای مشترک ارسال می‌شود تاریخ قطع انشعاب برق با رعایت مهلت دو ماه مقرر در قانون تعیین خواهد شد. تبصره ۳ - هرگاه از طرف مودی برق مفاصا حساب شهردار تا تاریخ پایان مهلت ارایه نشود. موسسات برق نسبت به قطع آن در موعد مقرر در اخطاریه اقدام خواهند نمود. ماده ۳ - برای تامین هزینه‌های مربوط به اقدامات موضوع ماده ۲ و تبصره‌های ذیل آن شهرداری همراه با ارسال صورت مودیان چکی معادل تعداد مشترکین مندرج در صورت ارسالی به ازای هر مشترک ۷۵ ریال مقطوعاً از محل اعتبار تبصره ماده ۲ قانون نوسازی و عمران شهری صادر و به موسسات برق ارسال خواهد داشت ماده ۴ - در صورتیکه مودی ظرف یک ماه از تاریخ قطع برق بدهی خود را نپردازد نسبت به قطع گاز اقدام خواهد شد. ماده ۵ - نحوه قطع گاز و هزینه وصل آن در سراسر کشور پس از تکمیل شبکه گاز رسانی در تهران مورد بررسی وزارت کشور و شرکت ملی گاز ایران واقع و نتیجه بررسی برای تصویب به هیات وزیران پیشنهاد خواهد شد. ماده ۶ - موسسات برق و گاز در صورت مشترکین جدید برق و گاز داخل در محدوده قانونی شهر را با ذکر نام مالک و شماره پلاک و محل وقوع ملک و شماره اشتراک به شهرداری خواهد فرستاد. ماده ۷ - حسابداری هر شهرداری مکلف است دفتر مخصوصی برای ثبت قبوض اقساطی تنظیم و نگاهداری نماید در دفتر مذکور باید نام صاحب قبض - شماره - تاریخ صدور - تاریخ سررسید - مبلغ (اصل و بهره ثبت شود. ماده ۸ - بمنظور یکنواخت بودن فرم قبوض اقساطی و دفاتر مذکور در ماده ۷ در تمام شهرداریهای کشور وزارت کشور مکلف است قبوض و دفاتر لازم به مقدار کافی با شماره مسلسل چاپ نموده و در هر مورد بر حسب تقاضای شهرداری تعداد مورد نیاز را ارسال دارد و در دفتر مخصوصی شماره‌های قبوضی ارسالی را ثبت کند. ماده ۹ - شهرداری باید ترتیبی اتخاذ کند که وجوه قبوض اقساطی شهرداری قبل از سررسید در حساب شهرداری نزد بانک ملی ایران موجود باشد و فهرست و مشخصات کامل قبوض را تهیه و به امضا شهردار یا قائم مقام او و همچنین رییس حسابدار یا مسوول امور مالی شهرداری برساند و آنرا به ضمیمه دستور پرداخت لااقل یکروز از سررسید به بانک تسلیم نماید. بستانکار به بانک مراجعه و با تسلیم قبض وجه آن را از بانک دریافت می‌کند.

قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قوانین مربوط به شهرداری و نوسازی و عمران شهری - مصوب ۳۱/۳/۱۳۵۱

ماده واحده - موارد ذیل از قانون شهرداری و قانون نوسازی و عمران شهری بشرح زیر اصلاح می‌شود: ۱ - در تبصره یک ماده ۲۳ قانون اصلاح قانون نوسازی و عمران شهری سال ۱۳۵۰ بعد از عبارت (نقشه های تفصیلی را تهیه و اراضی) و همچنین بعد از عبارت (اراضی بایر و مزروعی عبارت (و باغها) اضافه می‌شود. ۲ - شهرداری تهران مجاز است موارد مذکور در بند ۸ ماده ۵۵ و ماده ۸۴ قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۳۴ و مواد ۵۴ و ۱۱۱ قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق مواد جدید به قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۴۵ و همچنین تبصره ۵ ماده ۲ و مواد ۱۵ - ۱۶ - ۲۲ و ۳۱ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب سال ۱۳۴۷ را پس از تصویب انجمن شهر بموقع اجرا بگذارد. تبصره - وزارت کشور می‌تواند بهر یک از شهرداری ها که مقتضی بداند اجازه دهد تمام یا برخی از مواد و تبصره‌های مندرج در این بند را پس از تصویب انجمن شهر مربوط بموقع اجرا بگذارد.

لایحه قانونی اصلاح قسمتی از مقررات قانون نوسازی و عمران شهری - مصوب ۱۲/۶/۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری ا

ماده واحده - ارزیابی و تملک املاک و اراضی واقع در طرح بهسازی و عمران جنوب تهران از شمول مقررات قوانین نوسازی و عمران شهری و آیین نامه های مربوط شهرداری ، خارج و طبق ضوابط زیر نسبت به ارزیابی و تملک عرصه و اعیان و حقوق متصوره از جمله حق کسب و پیشه واقع در طرح مذکور اقدام خواهد شد. تبصره ۱ - تعیین بهای اراضی و ابنیه و مستحدثات و سایر حقوق متصوره اشخاص که ملکشان در طرح قرار می گیرد ضمن دعوت از مالک یا متصرف از طریق توافق بین سازمان بهسازی و عمران جنوب با مالکین و یا متصرفینی که تصرفاتشان مستند بدلائل کافی بوده باشد بعمل میاید و در صورت عدم مراجعه در مهلت مقرر در دعوتنامه و یا عدم حصول توافق نسبت به بهای ملک و سایر حقوق متصوره موضوع ظرف ۵ روز در هیاتی مرکب از شهردار تهران - مدیر عامل سازمان بهسازی و عمران جنوب - دادستان تهران - مدیر کل ثبت تهران و یا نمایندگان آنان مطرح و با جلب نظر کارشناس و یا هیاتی از کارشناسان رسمی دادگستری اقدام به ارزیابی خواهد شد و رای هیات مذکور قطعی و لازم الاجرا است تبصره ۲ - ملاک تعیین قیمت اراضی و ابنیه و مستحدثات و تاسیسات و سایر حقوق اعم از حق کسب و پیشه و غیره بهای عادلانه زمان ارزیابی خواهد بود. تبصره ۳ - کارشناسان رسمی منتخب هیات مکلفند ظرف مدت یک هفته از تاریخ ارجاع امر نظریه قاطع خود را به هیات اعلام نمایند و هیات در اولین جلسه نسبت بصدور رای اقدام می نماید. تبصره ۴ - مدلول رای هیات در صورتیکه حضورا بمالکین یا صاحبان حقوق ابلاغ نشده باشد با ذکر محدوده مورد رای باقامتگاه مالک یا ذویالحقوق ابلاغ و یا در دو روزنامه کثیرالانتشار آگهی و با اعطا مهلت مناسبی که حداکثر از ۱۰ روز تجاوز ننماید بمالکین و صاحبان حقوق اعلام می شود تا نسبت به تخلیه ملک و تنظیم سند انتقال اقدام نمایند و چنانچه با انقضا مهلت مقرر اراضی و ابنیه و مستحدثات واقعه در محدوده طرح تخلیه نگردد سازمان با حضور نماینده دادستان اقدام به تنظیم صورتمجلس لازم و تخلیه و تصرف املاک و اراضی با مستحدثات موضوع طرح می نماید. تبصره ۵ - اراضی فاقد مستحدثات و اعیانی اعم از حق ریشه و اشجار و غیره پس از تصویب پروژه توسط شهردار تهران بلافاصله با تنظیم صورتمجلس لازم با حضور نماینده دادستان شهرستان تهران بوسیله سازمان تصرف خواهد شد و سپس طبق مقررات فوق اقدام و تصمیم هیات ابلاغ می گردد. تبصره ۶ - سازمان مکلف است بها عرصه یا اعیانی یا حقوق کسب و پیشه و یا سایر حقوق متصوره املاک و اراضی و مستحدثات واقع در طرح را پس از صدور رای از طرف هیات مذکور در تبصره یک حداکثر ظرف مدت ۵ روز در قبال انتقال املاک و یا حقوق مرقوم پرداخت و در صورت عدم مراجعه صاحبان حقوق با ایداع آن در صندوق ثبت اسناد و املاک اقدام به تملک و تصرف مورد طرح بنماید اسناد انتقال اینگونه املاک و اراضی و سایر حقوق متصوره بوسیله نماینده دادستان بنمایندگی از طرف اشخاص ذینفع تنظیم می گردد. تبصره ۷ - املاک مشمول طرح بهسازی و عمران جنوب تهران از پرداخت عوارض و مالیات و حق الثبت معاف بوده و حق التحریر دفاتر اسناد رسمی و هزینه کارشناسی بعهد سازمان عمران جنوب است

آیین نامه ترتیب ممیزی و تشخیص و طرز وصول عوارض (موضوع تبصره ۱ ماده ۲ قانون نوسازی و عمران شهری -

ماده ۱ - برای ممیزی هر شهر محدوده قانونی شهر به یک یا چند منطقه تقسیم می شود. ماده ۲ - مامور ممیزی مکلف است هنگام ممیزی املاک موقعیت و مساحت عرصه و اعیان مستحدثات هر ملک و نوع سازمان و تعداد طبقات و سایر مشخصات مندرج در برگ ممیزی و حتی المقدور نام و نشانی مالک و شماره ملک (پلاک ثبتی را به مسئولیت خود تعیین و در اوراق ممیزی قید نموده و اوراق مزبور را به واحد ممیزی قید نموده و اوراق مزبور به واحد ممیزی تسلیم کند. ماده ۳ - شهرداری مکلف است بر اساس

اوراق ممیزی شناسنامه‌ای حاوی مشخصات کامل هر ملک برای املاک واقع در حوزه شهرداری تهیه نماید و در شهرهایی که برای املاک و اراضی و مستحقات واقع در محدوده شهر قبلاً شناسنامه شهری تهیه شده باشد شهرداری می‌تواند با استفاده از اطلاعات مندرج در آن شناسنامه‌ها بر طبق ضوابط مندرج در ماده ۴ قانون نوسازی و عمران شهری اوراق ممیزی را تکمیل و ملاک عمل قرار دهد. ماده ۴ - شهرداری مکلف است بر اساس شناسنامه مذکور در ماده ۳ این آیین نامه و بر طبق ضوابط مندرج در ماده ۴ قانون نوسازی و عمران شهری بهای هر ملک را تعیین نموده و بر اساس آن عوارض متعلقه را طبق مصرحات قانون تشخیص نماید. ماده ۵ - آگهی پایان ممیزی هر منطقه باید در یکی از جراید کثیرالانتشار تهران و همچنین در یکی از جراید کثیرالانتشار محل (در صورتیکه وجود داشته باشد) در سه نوبت هر نوبت بفاصله ۵ روز منتشر شود و علاوه بر آن باید ممیزی از طرق الصاق آگهی در معابر عمومی و وسایل مقتضی دیگر به اطلاع مالکین منطقه برسد. ماده ۶ - در آگهی پایان ممیزی هر منطقه باید نکات و موارد زیر مشخص شود. الف - اعلام پایان ممیزی منطقه ب - حدود دقیق منطقه‌ای که ممیزی در آن خاتمه یافته است ج - نشانی محل مراجعه صاحبان املاک برای استحضار از نتیجه ممیزی املاک خود که این محل باید در درجه اول در شهرداریهای نواحی یا برزهای تابعه باشد. د - تاریخ شروع چهار ماه مهلت اعتراض که از روز انتشار نوبت اول آگهی خواهد بود. ه - ذکر شرط مذکور در تبصره ۲ ماده ۸ قانون راجع به قبول اعتراض با قید اینکه معترض مکلف است نشانی کامل و صریح خود را ذیل برگ اعتراض بنویسد. و - نشانی کامل محل پذیرفتن اعتراضات ماده ۷ - شهرداری مکلف است نتیجه ممیزی املاک واقع در هر منطقه را در محلی که در آگهی معین شده است بترتیب شماره ملک (پلاک ثبتی در تابلوهایی که برای این کار اختصاص داده می‌شود اعلام نماید بطوریکه مالکین رد صورت مراجعه براضی نتوانند از نتیجه ممیزی ملک خود اطلاع حاصل نمایند. ماده ۸ - شهرداری مکلف است کلیه تغییرات و انتقالات املاک را در شناسنامه املاک عمل نموده و عملیات را طوری اداره و انجام دهد که همیشه در جریان آخرین تغییرات و انتقالات ملک باشد. تبصره - در نقاطی که ماده ۲ قانون نوسازی و عمران شهری اجرا می‌شود ادارات ثبت موظفند در آخر هر ماه یک نسخه از فهرست انتقالات قطعی املاک را به شهرداری ارسال دارند. ماده ۹ - هرگاه نتیجه ممیزی قبل از انقضا مهلت ۶ ماه مذکور در ماده ۵ قانون که برای اعلام بها تعیین گردیده است طبق مقررات ماده ۷ قانون اعلام شود مالکینی که بر مبنای ممیزی اعلام شده عوارض ملک خود را پردازند و یا نسبت به نتیجه ممیزی اعتراض نکنند عدم اعتراض و یا پرداخت عوارض از ناحیه آنان در حکم اعلام بهای ملک می‌باشد. ماده ۱۰ - برای تهیه طرحهای ممیزی و استفاده از روشها و وسایل نوین علمی و تعلیم افراد فنی ممیزی و وصول و هماهنگ کردن آن در شهرداریهای مشمول ماده ۲ قانون نوسازی و عمران شهری تعلیمات لازم از طرف وزارت کشور صادر و وسیله شهرداری‌ها به موقع اجرا گذارده خواهد شد. فصل دوم - وصول ماده ۱۱ - شهرداری مکلف است بمنظور تسهیل در امر وصول عوارض موضوع قانون نوسازی و عمران شهری در شعب و نمایندگیهای بانک ملی ایران حساب خاصی به نام حساب درآمد قانون نوسازی و عمران شهری باز کند و فرمهای مخصوص با نظر وزارت کشور تهیه و در شعبه و نمایندگیهای مذکور در دسترس مودیان قرار دهد. مودیان مشمول پرداخت عوارض قانون نوسازی و عمران شهری مکلفند با مراجعه به بانک فرمهای مربوط را تکمیل و عوارض مقرر را پرداخت و رسید دریافت دارند. ماده ۱۲ - شهرداری مکلف است مندرجات رسید را رسیده‌های پرداخت عوارض را با شناسنامه املاک تطبیق و ظرف ۱۵ روز از تاریخ پرداخت نسبت به صدور برگ مفاصا حساب اقدام کنند و در صورتی که مودی برای دریافت آن مراجعه ننماید وسیله پست سفارشی برای او ارسال دارد. در اوراق مفاصا حساب باید صریحاً قید شود. (این مفاصا مربوط به عوارض قانون نوسازی و عمران شهری است ماده ۱۳ - شهرداری مکلف است در هر مورد و در هر موقعی که نتیجه ممیزی طبق مقررات مواد ۷ و ۸ قانون قطعیت پیدا می‌کند طبق مقررات زیر نسبت به وصول عوارض اقدام نماید. الف - در مورد املاک کی که نتیجه ممیزی آنها در مهلت مقرر در ماده ۱۰ قانون قطعی شده است قطعیت و مبلغ عوارض و تاریخ انقضا مهلت پرداخت و عواقب عدم پرداخت با ارسال نامه وسیله پست به مودیان اعلام می‌شود

هرگاه پس از پایان مهلت مقرر در ماده ۱۰ قانون عوارض متعلقه پرداخت نشود ظرف دو ماه مشخصات مودیان ضمن فهرست و یا فهرست هایی برای قطع برق و گاز به موسسات مربوطه فرستاده می شود و پس از انقضای مدت ششماه مذکور در ماده ۱۴ قانون علیه مودیانی که عوارض متعلقه را پرداخت نکرده اند اجراییه صادر خواهد شد. ب - در مورد املاکی که نتیجه ممیزی آنها پس از پایان مهلت مقرر در ماده ۱۰ قانون قطعی می گردد. ۱ - در صورتی که تاریخ قطعی شدن ظرف شش ماه پس از پایان مهلت مقرر در ماده ۱۰ قانون باشد قطعیت و عواقب عدم پرداخت بر طبق بند الف به مودیان اعلام می گردد و تا پایان شش ماه مذکور مهلت داده می شود که عوارض مربوط را بپردازند و هر گاه تاریخ اعلام تا پایان شش ماه کمتر از ۱۵ روز باشد مهلت ۱۵ روز خواهد بود. ۲ - در صورتی که تاریخ قطعی شدن پس از انقضای شش ماه مذکور در ماده ۱۴ قانون باشد قطعیت طبق بند الف به مودیان اعلام می گردد و فقط ۱۵ روز به آنان مهلت داده می شود که عوارض مربوطه را پرداخت نمایند. شهرداری همراه با اقدامات مذکور مشخصات مودیانی را که عوارض املاک خود را نپرداخته اند در اجرای ماده ۱۲ قانون به موسسات برق و گاز تسلیم و بر طبق ماده ۱۴ قانون به صدور اجراییه مبادرت خواهد کرد. ماده ۱۴ - نسبتی از قیمت هر ملک که در هر شهر با توجه به مقتضیات و شرایط خاص اقتصادی ماخذ دریافت عوارض قرار می گیرد با کسب نظر شهردار و استاندار یا فرماندار کل بنا به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب کمیسیون مرکب از وزیر کشور و وزیر اقتصاد و مدیرعامل سازمان برنامه تعیین می شود و ملاک عمل قرار می گیرد. ماده ۱۵ - اجرای مدلول این آیین نامه موکول به تعیین نسبی از قیمت ملک که ماخذ دریافت عوارض خواهد بود از طرف کمیسیون مذکور در ماده ۱۴ و انتشار آگهی از طرف شهرداری می باشد.

تصویبنامه در خصوص تعیین بهای اراضی در شهرها

هیات وزیران در جلسه مورخ ۹/۵۶/۱۳۷۳ بنا به پیشنهاد وزارت کشور و موافقت وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی و مسکن و شهرسازی و به استناد ماده ۴ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ تصویب نمود: ۱ - بهای اراضی موضوع ماده ۴ قانون نوسازی و عمران شهری در همه شهرهای مشمول ماده ۲ قانون یاد شده به ماخذ ارزش معاملاتی سال ۱۳۷۲ که توسط کمیسیون مقرر در ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماده ۱۳۶۶ تعیین شده است برای سال ۱۳۷۳ با کسر ۵۰٪ و سال ۱۳۷۲ با کسر ۴۰٪، سال ۱۳۷۵ با کسر ۳۰٪، سال ۱۳۷۶ با کسر ۲۰٪، سال ۱۳۷۷ با کسر ۱۰٪ و سال ۱۳۷۸ (موضوع تصویبنامه شماره ۵۴۸۶۶/ت ۵۴۴ ه مورخ ۲۳/۱۲/۷۱ به اضافه ۱۰٪ کمتر نشود تعیین می شود. ۲ - بهای ساختمانها و مستحقات از ابتدای سال ۱۳۷۳ لغایت سال ۱۳۷۸ به ترتیب ۱۰٪، ۲۰٪، ۳۰٪، ۴۰٪، ۵۰٪، ۶۰٪ نسبت به بهای تعیین شده سال ۱۳۷۳ افزایش می یابد و در کلیه شهرهای مشمول ماده ۲ قانون نوسازی و عمران شهری ملاک عمل قرار گیرد. ۳ - بهای اراضی و ساختمانها و مستحقات در سال ۱۳۷۲ به میزان ملاک عمل در سال ۱۳۷۱ (موضوع تصویبنامه شماره ۵۴۸۶۶/ت ۵۴۴ ه مورخ ۲۳/۱۲/۱۳۷۱) محاسبه خواهد شد.

قانون استفسار به ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری

ماده واحده - آیا مفاد ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ که مساجد، اماکن مقدسه و معابد اقلیت های مذهبی و مدارس طلاب علوم دینی را از پرداخت عوارض موضوع آن قانون معاف می دارد شامل مجتمع آموزشی، علمی، تحقیقاتی، مسکونی، خدمات مهدیه حوزه علمیه قم، نیز که بطور رایگان در اختیار طلاب می باشد یا خیر؟ نظر مجلس مفاد ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ که مساجد، اماکن مقدسه و معابد اقلیت های مذهبی و مدارس طلاب علوم دینی را از پرداخت عوارض موضوع آن قانون معاف می دارد شامل مجتمع های آموزشی، علمی و تحقیقاتی، مسکونی، خدماتی مهدیه حوزه

علمیه قم نیز، که به طور رایگان در اختیار طلاب می‌باشد هم می‌شود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ شانزدهم فروردین ماه ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۳/۱/۱۳۷۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است

قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران - مصوب ۱/۳/۱۳۷۵

فصل اول - تشکیلات (ماده ۱ تا ۱۶)

ماده ۱ - به منظور پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی، پرورشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم و نظارت بر امور روستا، بخش، شهر، شوراهایی به نام شورای اسلامی روستا، بخش، شهر براساس مقررات این قانون تشکیل می‌شود. ماده ۱ مکرر - در کلیه مواد و تبصره‌ها و بندهای قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱/۳/۱۳۷۵، کلمه (شهرک) و موضوعات مربوط به آن حذف می‌گردد. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۲ - مقصود از (شورا) در این قانون شوراهای اسلامی روستا، بخش، شهر می‌باشد. ماده ۳ - دوره فعالیت شوراهای اسلامی و شهر از تاریخ تشکیل چهار سال می‌باشد که از نهم اردیبهشت ماه سالروز تاریخی فرمان حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر تشکیل شوراهای شروع و در هشتم اردیبهشت ماه چهار سال بعد خاتمه می‌یابد. اصلاحی ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره - انتخابات شوراهای روستا و شهر باید به صورتی برگزار شود که حداقل پانزده روز قبل از نهم اردیبهشت ماه اعضای شوراهای مشخص شده باشند. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۴ - تعداد اعضای شورای اسلامی روستاهای تا ۱۵۰۰ نفر جمعیت سه نفر و روستاهای بیش از ۱۵۰۰ نفر جمعیت و بخش پنج نفر خواهد بود. ماده ۵ - در هر بخش شورای بخش با اکثریت نسبی از بین نمایندگان منتخب شوراهای روستاهای واقع در محدوده بخش تشکیل می‌شود و در صورتی که عضو معرفی شده از شورای روستا به عضویت اصلی و علیالبدل شورای بخش انتخاب شود از عضویت شورای روستا خارج نخواهد شد. ماده ۶ - شورای بخش پس از تشکیل حداقل سه چهارم شوراهای روستاهای تابع بخش تشکیل می‌گردد. تبصره - از یک روستا بیش از یک نفر نباید در شورای بخش حضور داشته باشد و در صورتیکه تعداد روستاهای بخش کمتر از پنج روستا باشد اعضا شورای بخش از میان مجموع اعضای شوراهای روستاها انتخاب خواهند شد و نهایت حداقل باید از هر روستا یک نفر انتخاب گردد. ماده ۷ - تعداد اعضای شورای اسلامی شهر به شرح زیر تعیین می‌شود: الف - شهرهای تا ۵۰ هزار نفر، ۵ نفر. ب - شهرهای بیش از ۵۰ هزار تا دویست هزار نفر جمعیت، ۷ نفر. ج - شهرهای بیش از ۲۰۰ هزار تا یک میلیون نفر جمعیت، ۹ نفر. د - شهرهای بیش از یک میلیون نفر جمعیت، ۱۱ نفر. ه - شهر تهران، ۱۵ نفر. تبصره - ملاک تشخیص جمعیت هر شهر و روستا آخرین سرشماری جمعیتی خواهد بود. ماده ۸ - در صورت استعفا، فوت یا سلب عضویت هر یک از اعضا شورای روستا، بخش و شهر، عضو علی‌البدل به ترتیب آرا جایگزین می‌شود. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۹ - چنانچه یک یا چند روستا به شهر تبدیل شود، شورای شهر از میان اعضای شوراهای آن روستا به ترتیب آرا در انتخابات و به نسبت جمعیت روستاها تشکیل می‌شود. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره - در شهرهای جدیدالتاسیس (به تشخیص وزارت کشور) انتخابات شورای شهر برای بقیه دوره چهارساله برگزار می‌شود. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۰ - نمایندگان مجلس شورای اسلامی، استانداران، فرمانداران، بخشداران، دهیاران و مدیران کل و روسای ادارات می‌توانند در جلسات شورای اسلامی حوزه مسوولیت خود بدون حق رای شرکت کنند. تبصره - شوراهای در صورت ضرورت و بنا به دعوت دهیار، بخشدار و فرماندار ذی‌ربط موظف به تشکیل جلسه فوق العاده می‌باشند. این دعوت باید کتبی و با تعیین وقت قبلی و ذکر دستور جلسه باشد. ماده ۱۰ مکرر - شورای شهرستان از نمایندگان شوراهای شهر و بخشهای واقع در محدوده آن شهرستان که در مرحله اول با رای

اکثریت مطلق و در صورت عدم احراز در مرحله دوم با رای اکثریت نسبی هر یک از شوراهای مزبور انتخاب و معرفی شده‌اند ، تشکیل می‌گردد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۱ - در شورای شهرستان ، از شورای هر بخش یک نفر و از شورای هر یک از شهرها تا پانصد هزار نفر جمعیت یک نفر و بیش از پانصد هزار نفر جمعیت دو نفر و شهر تهران سه نفر عضویت خواهند داشت الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۲ - تعداد اعضای شورای شهرستان حداکثر پنج نفر می‌باشد. چنانچه تعداد شهرها و بخشهای یک شهرستان کمتر از پنج باشد ، کسری تعداد اعضای شورای شهرستان تا پنج نفر به نسبت جمعیت هر بخش یا شهر ، از شورای بخش یا شهر مربوط تامین می‌شود. در هر صورت هر بخش یا شهر نباید بیش از دو نفر نماینده در شورای شهرستان داشته باشد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۳ - شورای شهرستان حداکثر ظرف یک ماه پس از تشکیل دو سوم شوراهای شهرها و بخشهای واقع در محدوده آن شهرستان به دعوت فرماندار تشکیل می‌شود. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۱ - شورای استان از نمایندگان منتخب شوراهای شهرستانها تابعه که در مرحله اول با رای اکثریت مطلق و در صورت عدم احراز ، در مرحله دوم با اکثریت نسبی از بین اعضای شورای شهرستان انتخاب و معرفی شده‌اند تشکیل می‌شود. الحاقی مورخ ۶/۷/۸۲ تبصره ۱ - تعداد اعضای شورای استان حداقل پنج نفر است چنانچه یک استان کمتر از پنج شهرستان داشته باشد کسری تعداد اعضای شورای استان تا پنج نفر به نسبت جمعیت از شوراهای شهرستانهای ذی ربط تامین می‌شود. در هر صورت هر شهرستان نباید بیش از دو نماینده در شورای استان داشته باشد و در صورتی که استان فقط یک شهرستان داشته باشد اعضای شورای استان همان اعضای شورای شهرستان خواهند بود. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۲ - شورای استان حداکثر یک ماه پس از تشکیل دو سوم شوراهای شهرستانهای واقع در محدوده آن استان به دعوت استاندار تشکیل می‌شود. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۲ - شورای روستا ، بخش ، شهر ، شهرستان و استان در واحدهایی از تقسیمات کشوری تشکیل می‌شود که طبق قوانین و مقررات مربوط ، به نام ده (روستا) ، بخش ، شهر ، شهرستان و استان شناخته شده باشد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۳ - در صورت دعوت شورای بخش از بخشدار ، شورای شهر مرکز شهرستان یا شورای شهرستان از بخشدار یا فرماندار ، شورای استان از استاندار یا سایر مسوولین اجرایی سطوح فوق الذکر ، مقامات مذکور در جلسات شورا شرکت خواهند نمود. این دعوت باید کتبی و با تعیین وقت و ذکر دستور جلسه باشد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۴ - شورای عالی استانها ، از نمایندگان منتخب شوراهای استانها که در مرحله اول با رای اکثریت مطلق و در صورت عدم احراز ، در مرحله دوم با اکثریت نسبی انتخاب و معرفی می‌شوند ، تشکیل می‌گردد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۱ - از استانهای تا دو میلیون نفر جمعیت ، دو نماینده و از استانهای دارای بیش از دو میلیون جمعیت ، سه نماینده و از استان تهران چهار نماینده در شورای عالی استانها عضویت دارند. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۲ - حداکثر یک ماه پس از تشکیل دو سوم شوراهای استانها ، شورای عالی استانی به دعوت وزیر کشور تشکیل می‌شود. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۳ - شورای عالی استانها با درخواست وزیر کشور موظف به تشکیل جلسه فوق العاده می‌باشد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۴ - وزیران ، روسای موسسات و سازمانهای دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی بادرخواست شورای عالی استانها که باید به صورت کتبی و با تعیین وقت قبلی و ذکر دستور جلسه باشد ، در جلسات آن شرکت می‌نمایند. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۴ مکرر - عضویت در کلیه شوراهای موضوع این قانون افتخاری است و شغل محسوب نمی‌شود. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۱ - هر فرد می‌تواند فقط عضو یک شورای روستا یا شهر باشد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۲ - پذیرش استعفای هر یک از اعضای شورا منوط به تصویب شورا است الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۳ - نامزد شدن اعضای شوراهای اسلامی روستا و شهر در انتخابات مجلس شورایی اسلامی منوط به پذیرش استعفای آنها از سوی شورا در مهلت قانونی می‌باشد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۵ - جلسات شوراها علنی و با حضور دو سوم اعضای اصلی رسمیت می‌یابد و تصمیمات با اکثریت مطلق آرای حاضرین معتبر است و تشکیل جلسات غیرعلنی منوط به تصویب دو سوم اعضای حاضر در جلسه می‌باشد. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۶ - اولین جلسه شوراهای موضوع این قانون به

دعوت مسوولین واحدهای تقسیمات کشوری مربوط و با هیات ریسه سنی تشکیل می‌شود تا هیات ریسه شورا شامل یک رییس و یک‌نایب رییس و حداقل یک منشی انتخاب شوند. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۶ مکرر - در صورت استعفا، فوت یا سلب عضویت هر یک از اعضای شوراهای شهرستان، استان و عالی استانها عضو جدید حداکثر ظرف مدت یک ماه باید جایگزین شود. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲

فصل دوم - انتخابات (ماده ۱۷ تا ۶۷)

الف - کیفیت انتخابات ماده ۱۷ - انتخاب اعضای شورای روستا و شهر و شهرک به صورت مستقیم، عمومی، با رای مخفی و اکثریت نسبی آرا خواهد بود. تبصره - در صورتی که آرای دو یا چند نفر از داوطلبان مساوی باشد اولویت با اینترگران می‌باشد و در صورت نبودن افراد مذکور اولویت با فرد یا افرادی است که دارای مدرک تحصیلی بالاتر هستند و در صورت یکسان بودن مدرک تحصیلی ملاک انتخاب قرعه است ماده ۱۷ مکرر - وزارت کشور می‌تواند با هماهنگی هیات مرکزی نظارت بر انتخابات قرائت و شمارش آرا را در تمام یا تعدادی از حوزه‌های انتخابیه با استفاده از رایانه انجام دهد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۸ - در هر نوبت انتخابات هر شخص واجد شرایط حق دارد فقط یک بار در یک شعبه اخذرای با آرایه شناسنامه رای دهد. تبصره - در انتخابات میان دوره‌ای، در هر حوزه کسانی حق رای دارند که در انتخابات قبلی آن دوره در همان حوزه رای داده باشند یا در انتخابات شرکت نکرده باشند. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۱۹ - در موارد زیر بر گهای رای باطل می‌شود ولی جزو آرای مأخوذه محسوب می‌گردد و مراتب در صورتجلسه قید و بر گهای رای مذکور ضمیمه صورتجلسه خواهد شد: الف - آرا ناخوانا باشد. ب - آرای که از طریق خرید و فروش به دست آمده باشد. د - آرای که فاقد مهر انتخابی باشد. ه - آرای که روی ورقه‌ای غیر از برگ رای انتخاباتی نوشته شده باشد. و - آرای کسانی که به سن قانونی رای دادن نرسیده باشند. ز - آرای که با شناسنامه افراد فوت شده یا غیرایرانی اخذ شده باشد. ح - آرای که با شناسنامه غیر یا جعلی اخذ شده باشد. ط - آرای که از طریق تهدید به دست آمده باشد. ی - آرای که با تقلب و تزویر (در تعرفه‌ها، آرا، صورتجلسه‌ها و شمارش) به دست آمده باشد. تبصره ۱ - آرای زاید مذکور در بند ج به قید قرعه از کل بر گهای رای کسر می‌شود. تبصره ۲ - چنانچه احراز شود که رای دهنده بیش از یک برگ رای به صندوق ریخته باشد، همه اوراق وی باطل است و جزو آرای مأخوذه محسوب نخواهد شد. ماده ۲۱ - در صورتی که در برگ رای علاوه بر اسامی نامزدهای تایید شده اسامی دیگر نوشته شده باشد، برگ رای باطل نیست و فقط اسامی اضافه خوانده نمی‌شود. ماده ۲۲ - در صورتی که اسامی نوشته شده در برگ رای بیش از تعداد لازم باشد، اسامی اضافه از آخر خوانده نمی‌شود. ماده ۲۳ - در صورتی که در برگ رای نام یک داوطلب چند بار نوشته شده باشد فقط یک رای برای او محسوب می‌شود. ماده ۲۴ - در حوزه‌های انتخابیه‌ای که تا ده نفر نامزد انتخاباتی داشته باشد نامزدها می‌توانند به تنهایی یا اشتراک برای هر یک از شعبه‌های ثبت نام و اخذ رای و در حوزه‌های انتخابیه‌ای که بیش از ده نفر نامزد داشته باشد برای هر پنج شعبه ثبت نام و اخذ رای یک نفر نماینده جهت حضور در محل شعب اخذ رای به هیات اجرایی معرفی نمایند. تبصره - چنانچه نمایندگان کاندیدها تخلفی در شعب اخذ رای مشاهده نمایند بدون دخالت مراتب را به هیات اجرایی و نظارت کتبا اعلام خواهند نمود. ب - شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان ماده ۲۵ - انتخاب کنندگان باید دارای شرایط زیر باشند: ۱ - تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران ۲ - حداقل سن ۱۵ سال تمام در روز اخذ رای ۳ - سکونت حداقل یک سال در محل اخذ رای به استثنای شهرهای بالای یکصد هزار نفر جمعیت تبصره - کسانی که محل کار آنان خارج از محدوده حوزه انتخابیه باشد ولی افراد تحت تکفل آنان مانند همسر و فرزندان حداقل یکسال قبل از انتخابات در حوزه انتخابیه سکونت داشته باشند می‌توانند در همان حوزه رای دهند. ماده ۲۶ - انتخاب شوندگان هنگام ثبت

نام باید دارای شرایط زیر باشند: الف - تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران ب - حداقل سن ۲۵ سال تمام ج - اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه فقیه د - ابراز وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ه - دارا بودن سواد خواندن و نوشتن برای شورای روستا و داشتن حداقل مدرک دیپلم یا معادل آن برای شورای شهرهای دارای تا یک میلیون نفر جمعیت و مدرک فوق دیپلم یا معادل آن برای شورای شهرهای دارای بیش از یک میلیون نفر جمعیت اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۱ - اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون اساسی به جای اسلام باید به اصول دین خود اعتقاد و التزام عملی داشته باشند. تبصره ۲ - اعضا شوراها باید در محدوده حوزه انتخابیه خود، سکونت اختیار نمایند. تغییر محل سکونت هر یک از اعضای شورا از محدوده حوزه انتخابیه به خارج از آن موجب سلب عضویت خواهد شد. ماده ۲۷ - اعضای هیات‌های اجرایی و نظارت انتخابات شوراها از داوطلب شدن در حوزه‌های انتخابیه تحت مسوولیت خود محرومند. ماده ۲۸ - اشخاص زیر به واسطه مقام و شغل خود از داوطلب شدن برای شوراهای اسلامی به ترتیب ذیل محرومند: ۱ - رئیس جمهور و مشاورین و معاونین وی، وزرا معاونین و مشاورین آنان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای نگهبان، رئیس قوه قضاییه و معاونین و مشاورین وی، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور و معاونین و مشاورین آنان، رئیس دیوان عدالت اداری، رئیس سازمان بازرسان کل کشور، شاغلین نیروهای مسلح، روسای سازمانها و ادارات عقیدتی سیاسی نیروهای مسلح، رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و معاونین وی، روسا و سرپرستان سازمانهای دولتی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، روسای کل و مدیران عامل بانکها، رئیس جمعیت هلال احمر و معاونین وی، رئیس بنیاد مستضعفان و جانبازان، سرپرست بنیاد شهید، سرپرست بنیاد مسکن، سرپرست کمیته امداد امام، روسای سازمانها، مدیران عامل شرکتهای دولتی مانند شرکت مخابرات، دخانیات... سرپرست نهضت سواد آموزی، رئیس سازمان نظام پزشکی ایران، مدیران کل تشکیلات ستادی وزارتخانه‌ها و سازمانها و ادارات دولتی و سایر روسا، مدیران و سرپرستانی که حوزه مسوولیت آنان به کل کشور تسری دارد، از عضویت در شوراهای اسلامی سراسر کشور محرومند مگر آنکه قبل از ثبت نام از سمت خود استعفا نموده و به هیچ وجه در آن پست شاغل نباشند. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ - استانداران و معاونین و مشاورین آنان، فرمانداران و معاونین آنان، بخشداران، مدیران کل ادارات استانداری، مدیران کل، سرپرستان ادارات کل، دادستانها، دادیارها، بازپرسها، قضات، روسای دانشگاهها، روسای بانکها، روسا، سرپرستان و معاونین سازمانها و شرکتهای دولتی و نهادها و موسسات دولتی و یا وابسته به دولت که از بودجه عمومی به هر مقدار استفاده می‌نمایند و سایر روسا، مدیران و سرپرستان استان، شهرستان و بخش به ترتیب از عضویت در شوراهای اسلامی واقع در محدوده استان، شهرستان و بخش محرومند، مگر آنکه قبل از ثبت نام از سمت خود استعفا نموده و به هیچ وجه در آن پست شاغل نباشند. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲

۳ - شهرداران و مدیران مناطق و موسسات و شرکتهای وابسته و شاغلین در شهرداری و موسسات و شرکتهای وابسته به آن از عضویت در شورای اسلامی شهر محل خدمت محرومند، مگر آنکه قبل از ثبت نام از سمت خود استعفا نموده و به هیچ وجه در آن پست شاغل نباشند. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۲۹ - اشخاص زیر از داوطلب شدن برای عضویت در شوراها محرومند: الف - کسانی که در جهت تحکیم مبانی رژیم سابق نقش موثر و فعال داشته‌اند به تشخیص مراجع ذیصلاح ب - کسانی که به جرم غصب اموال عمومی محکوم شده‌اند. ج - وابستگان تشکیلاتی به احزاب، سازمانها و گروه‌هایی که غیرقانونی بودن آنها از طرف مراجع صالحه اعلام شده باشد. د - کسانی که به جرم اقدام بر ضد جمهوری اسلامی ایران محکوم شده‌اند. ه - محکومین به ارتداد به حکم محاکم صالح قضایی و - محکومین به حدود شرعی ز - محکومین به خیانت و کلاهبرداری و غصب اموال دیگران به حکم محاکم صالح قضایی ح - مشهوران به فساد و متجاهران به فسق ط - قاچاقچیان مواد مخدر و معتادان به این مواد. ی - محجوران و کسانی که به حکم دادگاه مشمول اصل (۴۹) قانون اساسی باشند. ک - وابستگان به رژیم گذشته از قبیل (اعضای انجمنهای ده، شهر، شهرستان و استان و خانه‌های انصاف، روسای کانونهای حزب رستاخیز و حزب ایران نوین و نمایندگان مجلسهای سنا و شورای ملی

سابق، کدخدایان و خوانین وابسته به رژیم گذشته. ماده ۳۰- هیچ‌یک از داوطلبان عضویت در شوراها نمی‌توانند همزمان در بیش از یک حوزه‌انتخابیه به عنوان داوطلب عضویت در شورا ثبت نام نمایند، در غیر این صورت اسم آنان از فهرست داوطلبان حذف و از آن تاریخ به مدت چهار سال از داوطلب شدن در انتخابات شوراها محروم می‌گردند. ماده ۳۱- در صورتی که هریک از شوراها به علت فوت، استعفا یا سلب عضویت اعضا یاصلی و علیالبدل، فاقد حد نصاب لازم برای تشکیل جلسه گردد و بیش از هیجده ماه به پایان دوره‌مانده باشد وزارت کشور موظف است حداکثر ظرف دو ماه انتخابات میان دوره‌ای جهت تکمیل تعداد اعضای اصلی و علیالبدل و ادامه فعالیت آن را برگزار نماید. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ج- هیات اجرایی و وظایف آنها ماده ۳۲- به‌منظور برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی شهر، هیات اجرایی شهرستان، به‌ریاست فرماندار و عضویت رییس اداره ثبت احوال، رییس آموزش و پرورش و هشت نفر از معتمدان محدوده شهرستان تشکیل می‌شود. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۱- برای تعیین هشت نفر معتمدان هیات اجرایی، فرمانداران سی و پنج نفر از معتمدان اقشار مختلف مردم از کلیه شهرهای محدوده شهرستان را انتخاب و از آنان دعوت به عمل می‌آورد. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۲- اعضای هیات اجرایی شهرستان و معتمدان دعوت شده از سوی فرماندار نباید داوطلب عضویت در شورای شهر باشند. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۳۳- برای برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی روستا، هیات اجرایی بخش به ریاست بخشدار و عضویت نمایندگان دستگاههای مذکور در ماده (۳۲) و مسوول جهاد کشاورزی بخش یا معاون و هفت نفر از معتمدان محدوده بخش تشکیل می‌شود. تبصره اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲- برای تعیین هفت نفر معتمدان هیات اجرایی، بخشدار ۳۵ نفر از معتمدان اقشار مختلف مردم از روستاهای محدوده بخش را انتخاب و از آنها دعوت به عمل می‌آورد. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۲- اعضا هیات اجرایی بخش و معتمدان دعوت شده از سوی بخشدار نباید داوطلب عضویت در شورای روستا باشند. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۳۴- معتمدان منتخب موضوع مواد (۳۲) و (۳۳) به دعوت فرماندار و بخشدار (یا نماینده‌وی طرف دو روز پس از انتخاب تشکیل جلسه داده، پس از حضور دو سوم مدعوین (حداقل بیست نفر) از بین خود به ترتیب هشت و هفت نفر را به عنوان معتمدان اصلی و پنج نفر را به عنوان معتمدان علیالبدل هیات اجرایی شهرستان و بخش با رای مخفی و اکثریت نسبی آرا انتخاب می‌نمایند. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۳۵- فرماندار و بخشدار (یا نماینده وی مکلف است به ترتیب هشت و هفت نفر از معتمدان اصلی را برای شرکت در جلسات هیات اجرایی انتخابات دعوت نماید. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۳۶- جلسات هیات اجرایی با حضور دو سوم اعضا رسمیت یافته و در صورت استعفا یا غیبت غیرموجه هریک از معتمدین هیات اجرایی در سه جلسه که به منزله استعفا تلقی می‌گردد، فرماندار یا بخشدار (یا نماینده وی از اعضای علیالبدل به ترتیب آرا به جای آنان دعوت خواهد نمود. تبصره ۱- غیرموجه بودن غیبت با تصویب دو سوم اعضای هیات اجرایی خواهد بود. تبصره ۲- تصمیمات هیات اجرایی با اکثریت آرای اعضای حاضر معتبر خواهد بود. تبصره ۳- در صورتی که با دعوت از اعضای اصلی و علیالبدل، اکثریت حاصل نگردد، اعضای اداری هیات اجرایی بقیه معتمدان (تا سی نفر) را دعوت نموده تا کسری اعضا را از میان خود انتخاب نمایند. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۳۷- عضویت هر فرد در بیش از یک هیات اجرایی بطور همزمان ممنوع است ماده ۳۸- اعضای اداری هیات اجرایی تا زمانی که از سمت اداری خود مستعفی یا برکنار نشده‌اند، شخصا مکلف به شرکت در جلسات هیات اجرایی می‌باشند و غیبت غیرموجه آنان در جلسات هیات اجرایی تمبر از وظایف قانونی محسوب می‌گردد و فرماندار یا بخشدار (یا نماینده‌وی موظف است بلافاصله پس از غیبت اعضای اداری هیات اجرایی مراتب را با ذکر علت غیبت به مقام مافوق وی اعلام دارد. تبصره- در صورتیکه فرماندار و بخشدار بدون عذر موجه در جلسات شرکت ننماید بقیه اعضا هیات اجرایی موظفند، موضوع را صورتجلسه کرده و مراتب را به مقام مافوق گزارش نمایند. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۳۹- هیات‌های اجرایی در اسرع وقت تشکیل جلسه داده و پس از تعیین محل استقرار شعب ثبت نام و اخذ رای، تعداد و محل شعب ثبت نام و اخذ رای را صورتجلسه نموده و یک هفته قبل از روز اخذ رای مبادرت به انتشار آگهی

انتخابات حاوی تاریخ برگزاری انتخابات و اوقات اخذ رای و شرایط انتخاب کنندگان و مقررات جزایی و محل شعب ثبت نام و اخذ رای در حوزه انتخابیه می‌نمایند. ماده ۴۰- هیات‌های اجرایی برای هر شعبه ثبت نام و اخذ رای ۵ نفر از معتمدین محل را که دارای سواد خواندن و نوشتن باشند انتخاب و جهت صدور حکم به فرماندار و بخشدار حوزه انتخابیه معرفی می‌نمایند. تبصره ۱- در صورتی که در محل استقرار شعبه ثبت نام و اخذ رای به تعداد کافی معتمد باسواد نباشد هیات اجرایی می‌تواند افرادی را از خارج (حتی‌الامکان از محدوده همان بخش برپایان شعبه انتخاب و به حکم فرماندار یا بخشدار اعزام نماید. تبصره ۲- اعضای شعب ثبت نام و اخذ رای از بین خود یک رییس و یک نایب رییس و سه نفر منشی انتخاب می‌نمایند. ماده ۴۱- مأموران انتظامی در حدود قانون موظف به ایجاد نظم و جلوگیری از هرگونه بی‌نظمی در جریان انتخابات و حفاظت صندوق‌های رای می‌باشند نیروهای نظامی و انتظامی حق دخالت در امور اجرایی و نظارت در انتخابات را ندارند. ماده ۴۲- هیات‌های اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی مسوول صحت برگزاری انتخابات حوزه انتخابیه خود می‌باشند. ماده ۴۳- هیات‌های اجرایی می‌توانند برای بعضی از مناطق که لازم باشد شعب بسیار ثبت نام و اخذ رای با ذکر مسیر حرکت و محل توقف تعیین نمایند. ماده ۴۴- هیات‌های اجرایی باید ترتیبی اتخاذ نمایند که یک روز قبل از اخذ رای، محل ثبت نام و اخذ رای آماده باشد. ماده ۴۵- فرماندار و بخشدار هر حوزه انتخابیه مکلف است پس از وصول دستور وزارت کشور مبنی بر شروع انتخابات و همزمان با تشکیل هیات اجرایی تاریخ مراجعه داوطلبان عضویت در شوراهای اسلامی را ضمن انتشار آگهی به اطلاع کلیه اهالی حوزه انتخابیه برسانند. تبصره ۱- مهلت مراجعه داوطلبان به فرمانداری، بخشداری جهت اعلام داوطلبی هفت روز از تاریخ مقرر در آگهی ثبت نام می‌باشد. تبصره ۲- شرایط انتخاب شوندگان و تاریخ شروع و خاتمه قبول برگ اعلام داوطلبی از طرف فرماندار، بخشدار در آگهی اعلام داوطلبی قید خواهد شد. ماده ۴۶- هیات اجرایی موظف است به منظور احراز شرایط مذکور در مواد ۲۶ و ۲۹ درباره هر یک از داوطلبان عضویت در شورای اسلامی شهر حسب مورد از مراجع ذی‌ربط از قبیل اداره اطلاعات، نیروهای انتظامی، دادگستری، ثبت احوال استعلام نماید. تبصره ۱- چنانچه داوطلبان شرکت در انتخابات شوراهای اسلامی روستا مظنون به داشتن یکی از موارد مذکور در ماده ۲۹ باشند هیات اجرایی مربوط موظف است حسب مورد از مراجع ذی‌ربط مذکور در ماده فوق استعلام نماید. تبصره ۲- مراجع مذکور در ماده فوق موظف هستند ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ وصول استعلام نسبت به موارد استعلام کتبا پاسخ دهند. ماده ۴۷- هیات‌های اجرایی پس از دریافت نتیجه رسیدگی به سوابق داوطلبان موظف‌اند ظرف مدت هفت روز به صلاحیت داوطلبان رسیدگی و نتیجه را اعلام نمایند. ماده ۴۸- نظر هیات‌های اجرایی بخش شهر و شهرستان مبنی بر تایید صلاحیت داوطلبان قطعی است و نظر هیات‌های مذکور در خصوص رد صلاحیت داوطلبان حسب مورد با تایید هیات‌های نظارت معتبر است اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۴۹- بررسی سوابق داوطلبان باید محرمانه انجام گیرد بطوری که موجب هتک حیثیت و آبروی افراد نشود و بررسیها از محدوده موارد مذکور در مواد ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ این قانون خارج نگردد و افشای هرگونه اطلاعات دریافت شده توسط اعضای هیات‌های اجرایی و یا هر شخص دیگر ممنوع است ماده ۵۰- هیات‌های اجرایی مکلف‌اند در انجام وظایف خود بی‌طرفی کامل را رعایت نمایند و در صورت تخلف، فرماندار یا بخشدار موظف است با رای اکثریت اعضای هیات اجرایی نسبت به تعویض هر یک از معتمدین هیات اجرایی و در مواردی که انحلال هیات اجرایی ضروری باشد با تایید استاندار و هیات نظارت استان اقدام نماید. تشکیل مجدد هیات اجرایی با رعایت مقررات مندرج در این قانون انجام می‌گیرد و تصمیمات متخذه هیات اجرایی منحل‌ه عنداللزوم وسیله هیات‌های اجرایی جدید قبل از انقضای مهلت قانونی رسیدگی به صلاحیت داوطلبان قابل تجدیدنظر خواهد بود. تبصره ۱- داوطلبان شرکت در انتخابات شوراهای اسلامی روستا و شهر که صلاحیت آنان در هیات اجرایی رد شده است می‌توانند ظرف مدت ۴ روز از تاریخ اعلام اسامی نامزدهای انتخاباتی شکایت خود را به ترتیب داوطلبان شورای اسلامی روستا به هیات نظارت شهرستان و داوطلبان شورای اسلامی شهر به هیات نظارت استان تسلیم نمایند. تبصره ۲- شاکیان می‌توانند شکایت خود را ظرف مهلت مقرر به

هیات اجرایی مربوط نیز تسلیم نمایند. هیات اجرایی موظف است بلافاصله شکایات دریافتی را به هیات نظارت ذی‌ربط ارسال نماید. تبصره ۳- هیات نظارت موظف است ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ دریافت شکایات به آن‌ها رسیدگی و نتیجه را به هیات اجرایی مربوط اعلام نماید. نظر هیات نظارت در این خصوص قطعی و لازم‌الاجرا است تبصره ۴- هیات اجرایی موظف است پس از وصول نظریه هیات نظارت، اسامی آن تعداد از داوطلبانی را نیز که صلاحیت آنان مورد تایید هیات نظارت قرار گرفته است از طریق انتشار آگهی به اطلاع اهالی برساند. ماده ۵۱- فرماندار یا بخشدار یا نمایندگان آنان مکلف‌اند فهرست اسامی نامزدهای تایید شده انتخابات را ظرف ۳ روز از طریق انتشار آگهی به اطلاع اهالی حوزه انتخابیه برسانند. ماده ۵۲- هیات‌های اجرایی موظف‌اند از تاریخ اعلام نهایی صلاحیت داوطلبان تا دو روز پس از اعلام نتیجه اخذ رای انتخابات شکایت واصله را بپذیرند و از تاریخ دریافت شکایات ظرف مدت پنج روز در جلسه مشترک هیات اجرایی و هیات نظارت به آنها رسیدگی و اخذ تصمیم نمایند. د- هیات‌های نظارت و وظایف آنها ماده ۵۳- کیفیت نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی کشور طبق مواد ۷۳ و ۷۴ قانون اصلاح قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شوراهای مزبور مصوب ۲۹/۴/۱۳۶۵ خواهد بود. ماده ۵۴- اعلام نتیجه اخذ رای انتخابات شوراهای اسلامی روستا و بخش به عهده بخشدار و در انتخابات شوراهای اسلامی شهر به عهده فرماندار خواهد بود. ماده ۵۵- تایید صحت انتخابات شوراهای روستا و بخش با هیات نظارت بخش و اعلام آن توسط بخشدار انجام می‌گیرد. در این خصوص چنانچه کسی شکایت داشته باشد ظرف مدت دوروز به هیات نظارت شهرستان ارسال و هیات مذکور ظرف مدت ۱۵ روز نظر نهایی خود را اعلام خواهد نمود. ماده ۵۶- تایید صحت انتخابات شوراهای شهر با هیات نظارت شهرستان است و اعلام آن توسط فرماندار انجام می‌گیرد. در این خصوص چنانچه کسی شکایتی داشته باشد ظرف مدت دوروز به هیات نظارت استان ارسال و هیات مذکور ظرف مدت ۱۵ روز نظر نهایی خود را اعلام خواهد نمود. ماده ۵۷- توقف یا ابطال انتخابات یک یا چند شعبه اخذ رای در روستاها به پیشنهاد هیات نظارت شهرستان و تایید هیات نظارت استان خواهد بود. ماده ۵۸- در انتخابات شوراهای اسلامی شهر توقف یا ابطال انتخابات یک یا چند شعبه اخذ رای که در سرنوشت انتخابات موثر باشد به پیشنهاد هیات نظارت استان تایید هیات مرکزی نظارت خواهد بود. تبصره- ابطال آرا باید مستند به قانون و همراه با اسناد و مدارک معتبر باشد. در غیر این صورت ابطال آرا جرم تلقی شده و مرتکب یا مرتکبین و نیز کسانی که گزارش یا شهادت کذب داده باشند طبق قانون مجازات می‌شوند. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۵۹- اقدامات هیات نظارت شهرستان و هیات نظارت استان جز در مورد تایید صلاحیت کاندیدها و تایید صحت انتخابات نافعی اختیارات هیات مرکزی نظارت نبوده و تصمیم هیات مرکزی نظارت قطعی و لازم‌الاجرا است اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۶۰- جلسات هیات مرکزی نظارت و هیات نظارت شهرستانها با حضور ۴ نفر از اعضا و جلسات هیات‌های نظارت استان و بخش با حضور کلیه اعضا تشکیل و مصوبات آنان با رای اکثریت اعضا معتبر خواهد بود. تبصره ۱- در صورت تساوی آرا در تصمیم‌گیریها، تصمیمی را که رییس جلسه با آن موافقت دارد معتبر است تبصره ۲- اعضای هیات‌های نظارت بخش و شهرستان و استان و ناظرین در شعب ثبت نام و اخذ رای باید در انجام وظایف خود بی‌طرفی کامل را رعایت نمایند. در صورت تخلف، فرد متخلف توسط هیات نظارت مافوق برکنار می‌شود و چنانچه اکثر اعضای هیات نظارت بی‌طرفی کامل را رعایت نکنند هیات متخلف توسط هیات مرکزی نظارت منحل خواهد شد. ماده ۶۱- هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی، به طرق زیر نظارت خود را اعمال می‌نماید: الف- گزارشهای وزارت کشور و بازرسیهای آن ب- اعزام بازرسان مستقل در صورت لزوم برای رسیدگی به شکایات مربوط به هیات‌های اجرایی و مباشرین وزارت کشور. ج- رسیدگی نهایی شکایات و پرونده‌ها و مدارک انتخابات د- تعیین نظار در تمام هیات‌های مربوط به انتخاب تبصره- هیات‌های نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی می‌توانند از کارمندان دولت در جهت نظارت بر انتخابات کمک بگیرند. ماده ۶۲- هیات‌های اجرایی موظف‌اند هیات‌های نظارت مربوط را در جریان کلیه مراحل و امور انتخابات قرار دهند. ماده ۶۳- در تمام مدتی که انتخابات برگزار می‌شود هیات مرکزی نظارت در سراسر کشور

و هیات نظارت استان و شهرستان و هیات‌های بخش در حوزه‌های انتخابیه خود بر کیفیت انتخابات نظارت کامل خواهند داشت و در هر مورد که سو جریان یا تخلفی مشاهده کنند آنها را به بخشداران و فرمانداران اعلام و آنان موظف‌اند بنا به نظر هیات‌های مذکور طبق قانون انتخابات در رفع نواقص اقدام کنند و هیات‌های نظارت استانها مکلف‌اند مسایل مورد اختلاف را در همان استان حل نمایند و در صورتی که مقامات وزارت کشور نظرات آنان را لحاظ نمایند مراتب را جهت رسیدگی نهایی به هیات مرکزی نظارت گزارش خواهند کرد. ماده ۶۴ - وزارت کشور موظف است حداقل یک ماه قبل از صدور دستور شروع انتخابات در هر یک از حوزه‌های انتخابیه مراتب را به اطلاع و تایید هیات مرکزی نظارت برساند. ماده ۶۵ - هیات‌های اجرایی موظف‌اند یک نسخه از صورتجلسه اقدامات خود را به ناظرین تسلیم نمایند. در هر مورد که وجود امضای هیات‌های اجرایی در قانون انتخابات پیش‌بینی شده است امضای ناظرین نیز لازم است ماده ۶۶ - وزارت کشور به منظور حسن انجام انتخابات می‌تواند مأمورینی جهت بازرسی و کنترل جریان انتخابات بطور ثابت یا سیار به حوزه‌های انتخابیه اعزام نماید. ه - تخلفات ماده ۶۷ - ارتکاب هرگونه تقلب و تزویر در انتخابات و اعمال خلاف این قانون و آیین نامه اجرایی آن از قبیل امور ذیل جرم محسوب می‌شود: الف - خرید و فروش رای ب - تقلب و تزویر در اوراق تعرفه یا برگ رای یا صورت جلسات ج - تهدید یا تطمیع در امر انتخابات د - رای دادن با شناسنامه جعلی ه - رای دادن با شناسنامه دیگری و - رای دادن بیش از یک بار. ز - اخلال در امر انتخابات ح - کم و زیاد کردن آرا و یا تعرفه‌ها. ط - تقلب در رای گیری یا شمارش آرا. ی - رای گرفتن با شناسنامه کسی که حضور ندارد. ک - توصیه به نوشتن اسم نامزد معین در ورقه از طرف اعضای شعبه اخذ رای یا هر فرد دیگر در محل صندوق رای ل - تغییر و تبدیل یا جعل و یا ربودن و یا معدوم نمودن اوراق و اسناد انتخاباتی از قبیل تعرفه و برگ رای ، صورت جلسات ، تلکسها ، تلفنگرامها و تلگرافها. م - باز کردن و یا شکستن قفل محل نگهداری و لاک و مهر صندوقهای رای بدون مجوز. ن - جابجایی ، دخل و تصرف و یا معدوم نمودن اسناد انتخاباتی بدون مجوز قانونی س - دخالت در امر انتخابات با سند مجعول ع - ایجاد رعب و وحشت برای رای دهندگان یا اعضای شعبه ثبت نام و اخذ رای با سلاح یا بدون سلاح در امر انتخابات ف - دخالت در امر انتخابات با سمت مجعول یا به هر نحو غیرقانونی ص - ممانعت از حضور نمایندگان نامزدها در شعب ثبت نام و اخذ رای ق - عدم رعایت بی‌طرفی و جانبداری از نامزد انتخاباتی توسط مجریان انتخابات و اعضای هیات‌های نظارت استان ، شهرستان و بخش و ناظران شعب ثبت نام و اخذ رای تبصره - چنانچه وقوع جرایم مندرج در ماده فوق موجب گردد تا جریان انتخابات در یک یا چند شعبه ثبت نام و اخذ رای از مسیر قانونی خود خارج شود و در نتیجه انتخابات موثر باشد مراتب جهت اخذ تصمیم به هیات نظارت استان اعلام می‌گردد.

فصل سوم - وظایف و اختیارات شوراها (ماده ۶۸ تا ۷۸)

ماده ۶۸ - وظایف و اختیارات شورای اسلامی روستا عبارتست از: الف - نظارت بر حسن اجرای تصمیم‌های شورای اسلامی روستا: ب - ارایه پیشنهاد جهت رفع کمبودها ، نارسایی‌ها و نیازها به مقامات ذی‌ربط مقامات مذکور موظف به بررسی پیشنهادها و ارایه پاسخ ، حداکثر ظرف مدت دو ماه ، به شورا هستند. در صورت عدم ارایه پاسخ در موعد مقرر ، مراتب برای پیگیری قانونی به اطلاع مقامات مافوق می‌رسد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ج - تشکیل گردهمایی عمومی جهت ارایه گزارش کار و دریافت پیشنهادها و پاسخ به سوالات و جلب مشارکت و خودیاری مردم برای پیشبرد امور روستا حداقل دو بار در سال و با پانزده روز اعلام قبلی الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ د - تبیین و توجیه سیاستهای دولت و تشویق و ترغیب روستاییان جهت اجرای سیاستهای مذکور. ه - نظارت و پیگیری اجرای طرحها و پروژه‌های عمرانی اختصاص یافته به روستا. و - همکاری با مسوولان ذی‌ربط برای احداث ، اداره ، نگهداری و بهره‌برداری از تاسیسات عمومی ، اقتصادی ، اجتماعی و رفاهی مورد نیاز روستا در حدود امکانات ز - کمک‌رسانی و

امداد در موقع بحرانی و اضطراری مانند جنگ و وقوع حوادث غیرمترقبه و نیز کمک به مستمندان و خانواده‌های بی‌سرپرست ، با استفاده از خودیاریهای محلی ح - تلاش برای رفع اختلافات افراد و محلات و حکمیت میان آنها. ط - پیگیری شکایات اهالی روستا از ادارات حوزه مربوط از طریق مقامات مسئول الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ی - همکاری با نیروهای انتظامی جهت برقراری امنیت و نظم عمومی ک - ایجاد زمینه مناسب و جلب مشارکت عمومی در جهت اجرای فعالیتهای تولیدی وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی ل - فراهم نمودن زمینه مشارکت و جلب همکاری مردم در جهت ایجاد و توسعه نهادهای مدنی ، کتابخانه و مراکز فرهنگی ، بهبود و ارتقای فرهنگی اقشار مختلف به ویژه جوانان و بانوان و برنامه‌ریزی در انجام خدمات اجتماعی ، اقتصادی ، عمرانی ، بهداشتی ، فرهنگی ، آموزشی و سایر امور با موافقت و هماهنگی مراجع ذی‌ربط الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ م - انتخاب فردی ذیصلاح به سمت دهیار برای مدت چهار سال براساس آیین نامه مربوط و معرفی به بخشدار جهت صدور حکم ن - ایجاد زمینه مناسب برای توسعه اشتغال و جلب مشارکت‌های عمومی در جهت گسترش فعالیتهای تولیدی الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ س - مشارکت در تهیه طرحهای هادی روستا و بهسازی بافتهای فرسوده و ضوابط و مقررات ساخت و ساز. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ع - نظارت بر حسن اجرای مقررات مربوط به حفاظت و بهسازی محیط زیست روستا و بهره‌برداری از منابع طبیعی و جلوگیری از فرسایش خاک و حفظ عمران ، مزارع ، باغها ، مراتع ، جنگلها و محدوده‌های زیست محیطی ، احیا و لا-یروبی قنوات و نهرهای متروکه و ارایه طرح و پیشنهاد در این زمینه‌ها به شورای بخش الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ف - بررسی برنامه‌های پیشنهادی ارگانهای اجرایی در زمینه‌های اجتماعی ، اقتصادی ، عمرانی ، بهداشتی ، فرهنگی ، آموزشی و سایر امور رفاهی از نظر تطبیق با ضرورتهای موجود در حوزه انتخابیه شورا و ارایه گزارش نارسایی‌ها به شورای بخش محل استقرار خود همانند شورای روستا مشارکت خواهد داشت الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ص - نظارت بر حفظ و نگهداری تاسیسات عمومی و عمرانی و اموال و دارایی‌های روستا الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره - عزل دهیار با رای اکثریت اعضای شورای اسلامی روستا براساس آیین نامه مربوط انجام می‌شود و به بخشدار جهت صدور حکم عزل اعلام می‌گردد. ماده ۶۸ مکرر - هر تیره از عشایر کوچ رو کشور با حداقل بیست خانوار در حکم روستا (ده) بوده و شورای عشایری با وظایف و اختیارات شورای روستا در آن تیره تشکیل می‌گردد. شورای عشایری مذکور در زمان تشکیل شورای بخش محل استقرار خود همانند شورای روستا مشارکت خواهد داشت الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۶۹ - دهیار به مدت چهار سال انتخاب و وظایف زیر را به عهده دارد: ۱ - اجرای مصوبات شورای روستا. ۲ - همکاری با نیروهای انتظامی در خصوص اعلام وقوع جرایم ، اجرای مقررات خدمت وظیفه عمومی ، حفظ نظم عمومی و سعی در حل اختلافات محلی ۳ - اعلام فرامین و قوانین و مقررات عمومی ۴ - همکاری در حفظ و نگهداری تاسیسات عمومی و عمرانی و اموال و داراییهای روستا. ۵ - همکاری با سازمانها و نهادهای دولتی و ایجاد تسهیلات لازم در جهت ایفای وظایف آنان ۶ - مراقبت در اجرای مقررات بهداشتی و حفظ نظافت و ایجاد زمینه مناسب برای تامین بهداشت محیط ۷ - همکاری با سازمان ثبت احوال و اسناد در جهت ثبت وقایع چهارگانه سجلی و اسناد و املاک ۸ - همکاری با مسوولین ذی‌ربط در جهت حفظ و نگهداری و بهره‌برداری منابع طبیعی و میراث فرهنگی واقع در روستا. ۹ - اجرای طرحهای عمرانی و خدماتی در محدوده روستا در صورت آمادگی با تایید کمیته برنامه ریزی شهرستان الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ۱۰ - تشکیل پرونده برای ایجاد بناها ، تاسیسات و تفکیک اراضی در محدوده قانونی روستا و ارجاع به بخشداری جهت صدور مجوز. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره - درآمد حاصل از وصول عوارض مربوط به اجرای این بند در امور عمومی روستا وزیر نظر شورای روستا هزینه می‌شود. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۰ - وظایف و اختیارات شورای اسلامی بخش عبارت است از: ۱ - ارایه طرحها و پیشنهادهای اصلاحی به مسوولین اجرایی منطقه جهت رفع کمبودهای اجتماعی ، فرهنگی ، آموزشی ، اقتصادی ، عمرانی ، بهداشتی و سایر امور رفاهی بخش تبصره - مقامات اجرایی ذی‌ربط موظف به بررسی طرحها و پیشنهادهای مذکور و ارایه پاسخ حداکثر ظرف مدت دو ماه به شورا هستند. در صورت عدم ارایه پاسخ در موعد مقرر

مراتب جهتنجام اقدامات قانونی به اطلاع مقامات مافوق خواهد رسید. ۲- ایجاد هماهنگی لازم بین شوراهای روستاهای واقع در محدوده بخش ۳- نظارت بر شوراهای روستاها به منظور رعایت وظایف قانونی ۴- حل و فصل مشکلات و اختلافات میان دو یا چند روستا یا شوراهای روستایی واقع در محدوده بخش، در مواردی که قابل پیگیری قضایی نیست ۵- رسیدگی به امور عمرانی بخش که خارج از حیطه اختیارات و وظایف شورای روستا است ۶- ایفای وظایف شورای روستا در مزارع مستقل، مکانها و آبادیها و روستاهایی که به هر دلیل فاقد شورای روستا می‌باشند. ۷- تشویق مردم به همکاری و سرمایه گذاری در امور و برنامه‌های عمرانی بخش از قبیل توسعه کشاورزی، حمل و نقل، بهداشت، صنایع روستایی و دستی، امور فرهنگی و مذهبی بخش ۸- بررسی و تایید طرحهای هادی روستایی واقع در محدوده بخش و ارسال به مراجع ذی‌ربط جهت تصویب نهایی اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۱- وظایف شورای اسلامی شهر بشرح زیر است ۱- انتخاب شهردار برای مدت چهار سال تبصره ۱- شورای اسلامی شهر موظف است بلافاصله پس از رسمیت یافتن نسبت به انتخاب شهردار واجد شرایط اقدام نماید. تبصره ۲- شهردار نمی‌تواند همزمان عضو شورای شهر باشد. تبصره ۳- نصب شهرداران در شهرهای با جمعیت بیشتر از دویست هزار نفر و مراکز استان بنابه پیشنهاد شورای شهر و حکم وزیر کشور و در سایر شهرها به پیشنهاد شورای شهر و حکم استاندار صورت می‌گیرد. تبصره ۴- دوره خدمت شهردار در موارد زیر خاتمه می‌پذیرد: الف- استعفای کتبی با تصویب شورا. ب- برکناری توسط شورای شهر با رعایت مقررات قانونی ج- تعلیق طبق مقررات قانونی د- فقدان هریک از شرایط احراز سمت شهردار به تشخیص شورای شهر. ۲- بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارساییهای اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی حوزه انتخابیه و تهیه طرحها و پیشنهادهای اصلاحی و راه‌حلهای کاربردی در این زمینه‌ها جهت برنامه‌ریزی و ارایه آن به مقامات مسوول ذی‌ربط ۳- نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورا و طرحهای مصوب در امور شهرداری و سایر سازمانهای خدماتی در صورتی که این نظارت محل جریان عادی این امور نگردد. ۴- همکاری با مسوولین اجرایی و نهادها و سازمانهای مملکتی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و عمرانی بنا به درخواست آنان ۵- برنامه‌ریزی در خصوص مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمران، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی با موافقت دستگاههای ذی‌ربط ۶- تشویق و ترغیب مردم در خصوص گسترش مراکز تفریحی، ورزشی و فرهنگی با هماهنگی دستگاههای ذی‌ربط ۷- اقدام در خصوص تشکیل انجمنها و نهادهای اجتماعی، امدادی، ارشادی و تاسیس تعاونیهای تولید و توزیع و مصرف، نیز انجام آمارگیری، تحقیقات محلی و توزیع ارزاق عمومی باتوافق دستگاههای ذی‌ربط ۸- نظارت بر حسن اداره و حفظ سرمایه و داراییهای نقدی، جنسی و اموال منقول و غیرمنقول شهرداری و همچنین نظارت بر حساب درآمد و هزینه آنها به گونه‌ای که مخل جریان عادی امور شهرداری نباشد. ۹- تصویب آیین نامه‌های پیشنهادی شهرداری پس از رسیدگی به آنها با رعایت دستورالعملهای وزارت کشور. ۱۰- تایید صورت جامع درآمد و هزینه شهرداری که هر شش ماه یکبار توسط شهرداری تهیه می‌شود و انتشار آن برای اطلاع عموم و ارسال نسخه‌ای از آن به وزارت کشور. ۱۱- همکاری با شهرداری جهت تصویب طرح حدود شهر با رعایت طرحهای هادی و جامع‌شهرسازی پس از تهیه آن توسط شهرداری با تایید وزارت کشور و وزارت مسکن و شهرسازی ۱۲- تصویب بودجه، اصلاح و متمم بودجه و تفریغ بودجه سالانه شهرداری و موسسات و شرکتهای وابسته به شهرداری با رعایت آیین نامه مالی شهرداریها و همچنین تصویب بودجه شورای شهر. تبصره - کلیه درآمدهای شهرداری به حساب‌هایی که با تایید شورای شهر در بانکها افتتاح می‌شود واریز و طبق قوانین مربوطه هزینه خواهد شد. ۱۳- تصویب وامهای پیشنهادی شهرداری پس از بررسی دقیق نسبت به مبلغ، مدت و میزان کارمزد. ۱۴- تصویب معاملات و نظارت بر آنها اعم از خرید، فروش، مقاطعه، اجاره و استیجاره که بنام شهر و شهرداری صورت می‌پذیرد با در نظر گرفتن صرفه و صلاح و با رعایت مقررات آیین نامه مالی و معاملات شهرداری تبصره - به منظور تسریع در پیشرفت امور شهرداری، شورا می‌تواند اختیار تصویب و انجام معاملات را تا میزان معینی با رعایت آیین نامه معاملات شهرداری به شهردار

واگذار نماید. ۱۵- تصویب اساسنامه موسسات و شرکتهای وابسته به شهرداری با تایید و موافقت وزارت کشور. ۱۶- تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود. ۱۷- نظارت بر حسن جریان دعوی مربوط به شهرداری ۱۸- نظارت بر امور بهداشت حوزه شهر. ۱۹- نظارت بر امور تماشاخانه‌ها، سینماها، و دیگر اماکن عمومی، که توسط بخش خصوصی، تعاونی و یا دولتی اداره می‌شود با وضع و تدوین مقررات خاص برای حسن ترتیب، نظافت و بهداشت این قبیل موسسات بر طبق پیشنهاد شهرداری و اتخاذ تدابیر احتیاطی جهت جلوگیری از خطر آتش‌سوزی و مانند آن ۲۰- تصویب مقررات لازم جهت اراضی غیرمحصور شهری از نظر بهداشت و آسایش عمومی و عمران و زیبایی شهر. ۲۱- نظارت بر ایجاد گورستان، غسلخانه و تهیه وسایل حمل اموات مطابق با اصول بهداشت و توسعه شهر. ۲۲- وضع مقررات و نظارت بر حفر مجاری و مسیرهای تاسیسات شهری ۲۳- نظارت بر اجرای طرحهای مربوط به ایجاد و توسعه معابر، خیابانها، میدین و فضاهای سبز و تاسیسات عمومی شهر بر طبق مقررات موضوعه ۲۴- تصویب نامگذاری معابر، میدین، خیابانها، کوچه و کوی در حوزه شهری و همچنین تغییر نام آنها. ۲۵- تصویب مقررات لازم به پیشنهاد شهرداری جهت نوشتن هر نوع مطلب و یا الصاق هر نوع نوشته و آگهی و تابلو بر روی دیوارهای شهر با رعایت مقررات موضوعه و انتشار آن برای اطلاع عموم ۲۶- تصویب نرخ خدمات ارایه شده توسط شهرداری و سازمانهای وابسته به آن با رعایت آیین نامه مالی و معاملات شهرداریها. ۲۷- تصویب نرخ کرایه وسایل نقلیه درون شهری ۲۸- وضع مقررات مربوط به ایجاد و اداره میدانهای عمومی توسط شهرداری برای خرید و فروش مایحتاج عمومی با رعایت مقررات موضوعه ۲۹- وضع مقررات لازم در مورد تشریک مساعی شهرداری با ادارات و بنگاههای ذی‌ربط برای دایر کردن نمایشگاههای کشاورزی، هنری، بازرگانی و غیره ۳۰- نظارت بر حسن اداره امور مالی شهرداری و کلیه سازمانها، موسسات، شرکتهای وابسته و تابعه شهرداری و حفظ سرمایه، داراییها، اموال عمومی و اختصاصی شهرداری، همچنین نظارت بر حساب درآمد و هزینه آنها با انتخاب حسابرس رسمی و اعلام موارد نقض و تخلف به شهرداری‌گیریهای لازم بر اساس مقررات قانونی الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره - کلیه پرداختهای شهرداری در حدود بودجه مصوب با اسناد مثبت و با رعایت مقررات مالی و معاملاتی شهرداری به عمل می‌آید که این اسناد باید به امضای شهردار و ذی حساب یاقایم مقام آنان که مورد تایید شورای شهر باشند برسد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ۳۱- شورا موظف است در پایان هر سال مالی صورت بودجه و هزینه خود را جهت اطلاع عموم منتشر نماید و نسخه‌ای از آن را جهت بررسی به شورای شهرستان و استان ارسال کند. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ۳۲- واحدهای شهرستانی کلیه سازمانها و موسسات دولتی و موسسات عمومی غیردولتی که در زمینه ارایه خدمات شهری وظایفی را به عهده دارند، موظفند برنامه سالانه خود در خصوص خدمات شهری را که در چارچوب اعتبارات و بودجه سالانه خود تنظیم شده به شورا ارایه نمایند. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ۳۳- همکاری با شورای تامین شهرستان در حدود قوانین و مقررات الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ۳۴- بررسی و تایید طرح‌های هادی و جامع شهرسازی و تفصیلی و حریم و محدوده قانونی شهرها پس از ارایه آن توسط شهرداری و ارسال به مراجع ذی‌ربط قانونی جهت تصویب نهایی الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۱- در کلیه قوانین و مقرراتی که انجمن شهر عهده‌دار وظایفی بوده است شورای اسلامی شهر با رعایت مقررات این قانون بعد از یک سال از تاریخ تصویب جانشین انجمن شهر خواهد بود. تبصره ۲- وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و سازمانهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است موظف‌اند در طول مدت یک سال مذکور در تبصره فوق با بررسی قوانین و مقررات مربوط به خود هر کجا نامی از انجمن شهر سابق آمده و وظایفی را به آن محول نموده‌است جهت اصلاح این گونه موارد لایحه اصلاح به مجلس شورای اسلامی ارایه نمایند. ماده ۷۲- شرایط احراز تصدی سمت شهردار طبق آیین نامه ای خواهد بود که بنا به پیشنهاد وزارت کشور به تصویب هیات دولت خواهد رسید. ماده ۷۳- چنانچه یک یا چند نفر از اعضای شورای شهر به عملکرد شهردار یا عملیات شهرداری اعتراض یا ایرادی داشته باشند ابتدا توسط رییس شورا مورد را به صورت روشن به شهردار

تذکر خواهند داد. در صورت عدم رعایت مفاد مورد تذکر ، موضوع به صورت سوال مطرح می‌شود که در این صورت رییس شورا سوال را کتبا به شهردار اطلاع خواهد داد و حداکثر ظرف ده روز پس از ابلاغ ، شهردار موظف به حضور در جلسه عادی یا فوق العاده شورا و پاسخ به سوال می‌باشد. چنانچه شهردار از حضور استنکاف ورزیده یا پاسخ وی قانع کننده تشخیص داده نشود طی جلسه دیگری موضوع مجدداً به صورت استیضاح که حداقل به امضای یک سوم اعضای شورا رسیده باشد ، ارایه می‌شود. فاصله بین ابلاغ تا تشکیل جلسه که از طرف رییس شورا تعیین خواهد شد حداکثر ده روز خواهد بود. شورا پس از طرح سوال یا سوالات و جواب شهردار رای موافق یا مخالف خواهد داد. در صورتی که شورا با اکثریت دو سوم کل اعضا رای مخالف دهد شهردار از کاربرکنار و فرد جدیدی از سوی شورا انتخاب خواهد شد. تبصره - در فاصله بین صدور رای عدم اعتماد و برکناری شهردار و یا خاتمه خدمت شهردار تا انتخاب فرد جدید که نباید بیش از سه ماه به طول انجامد یکی از کارکنان شهرداری با انتخاب شورای شهر عهده‌دار و مسوول اداره امور شهرداری خواهد بود. ماده ۷۴- شوراهاى موضوع این قانون یا هر یک از اعضا آن حق ندارند در نصب و عزل کارکنان دهیاری‌ها ، شهرداری‌ها و یا شرکتها و موسسات وابسته به آنها دخالت نمایند یا به آنها دستور دهند و واگذاری مسئولیت اجرایی ، عضویت هیات مدیره و مدیریت عامل به اعضا شوراهاى مذکور در دهیاریها ، شهرداریها ، شرکتها و سازمانهای تابعه ممنوع می‌باشد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۱ - اعضا شوراهاى مذکور و بستگان درجه یک آنها به هیچ وجه حق انجام معامله بادهیاری ، شهرداری ، سازمانها و شرکتهای وابسته به آن را نخواهند داشت و انعقاد هر نوع قرارداد با آنها ممنوع می‌باشد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۲ - هرگونه استفاده شخصی از اموال ، دارایی‌ها و امکانات شوراها ، دهیاری ، شهرداری ، موسسات و شرکتهای وابسته توسط اعضا شوراها ممنوع می‌باشد. الصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۵ - آیین نامه سازمانی ، تشکیلاتی و تعداد و نحوه تشکیل جلسات شوراها و امور مالی دبیرخانه کلیه شوراها و تعداد کارکنان آنها و هزینه‌های مربوط و هرگونه پرداختی به اعضای شوراها توسط شورای عالی استانها تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد. به کارگیری کارکنان و هرگونه پرداختی خارج از این آیین نامه ممنوع می‌باشد. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۶ - شورای شهر و شهرداری و شرکتها و سازمانهای وابسته موظفند به نحو مقتضی و در صورت امکان با راه اندازی پایگاه رایانه‌ای ، زمینه اطلاع عموم مردم را به طور مستمر از مصوبات ، تصمیمات ، عملکرد ، بودجه ، هزینه و درآمد خود فراهم نمایند. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۷ - شورای اسلامی شهر و دهستان می‌توانند نسبت به وضع عوارض متناسب باتولیدات و درآمدهای اهالی به منظور تامین بخشی از هزینه‌های خدماتی و عمرانی مورد نیاز شهر و روستا طبق آیین نامه مصوب هیات وزیران اقدام نمایند. تبصره - عوارض یک ماه پس از ارسال هر مصوبه به وزارت کشور قابل وصول است وزیر کشور می‌تواند در هر مقطعی که وصل هر نوع عوارض را منطبق بر آیین نامه مصوب نداند نسبت به اصلاح یا لغو آن اقدام نماید. ماده ۷۸ - وظایف و اختیارات شورای شهرستان عبارت است از: ۱ - ارایه پیشنهادات لازم در زمینه توسعه اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و عمرانی شهرستان به دستگاههای اجرایی ذی ربط و کمیته برنامه ریزی شهرستان و شورای استان ۲ - نظارت بر حسن اجرای تصمیمات شورای شهرستان ۳ - تصویب (اصلاح) متمیم و تفریغ بودجه دبیرخانه شورای شهرستان ۴ - هماهنگی و رسیدگی به مسایل و حل و فصل مشکلات فی مابین شوراهاى شهر و بخش ، در مواردی که قابل پیگیری قضایی نیست ۵ - نظارت بر عملکرد و فعالیتهای شوراهاى بخش و شهر. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۸ مکرر ۱ - وظایف و اختیارات شورای استان عبارت است از: ۱ - بررسی مسایل و مشکلات استان و ارایه پیشنهادات لازم به منظور رفع تبعیض و توزیع عادلانه امکانات و منابع و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان به شورای عالی استانها تبصره - سه نفر از اعضای شورای استان به انتخاب آن شورا در جلسات شورای برنامه ریزی و توسعه استان شرکت می‌نمایند. ۲ - نظارت بر حسن اجرای تصمیمات شورای عالی استانها در محدوده استان ۳ - ایجاد ارتباط و هماهنگی لازم میان شوراهاى شهرستان و در محدوده استان جهت حسن انجام وظایف و حل و فصل اختلافات شوراهاى سطح استان ، در مواردی که قابل پیگیری قضایی نیست ۴ -

همکاری با شورای برنامه ریزی و توسعه استان در نظارت بر حسن اجرای طرح‌های عمرانی استانی و ملی در محدوده استان و ارایه گزارش و پیشنهاد در جهت بهبود امور به رییس شورای برنامه ریزی و شورای عالی استانها، دستگاه‌های ذی ربط ۵ - تصویب اصلاح، متمیم و تفریغ بودجه دبیرخانه شورای استان ۶ - نظارت بر عملکرد شوراهای شهرستانها در محدوده استان و نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورای استان الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۸ مکرر ۲ - وظایف و اختیارات شورای عالی استانها عبارت است از: ۱ - بررسی پیشنهادهای واصله از طرف شوراهای استانها و تعیین اولویت هر یک و ارجاع به مقامات اجرایی ذی ربط ۲ - اعلام نارسایی‌ها و اشکالات و نهادها و سازمانهای اجرایی در حدود اختیارات و وظایف شوراهای مسولین مربوطه و پیگیری آنها ۳ - بررسی پیشنهادهای و ارایه آنها در قالب طرح به مجلس شورای اسلامی یا دولت ۴ - تصویب، اصلاح، متمیم و تفریغ بودجه دبیرخانه شورای عالی استانها ۵ - سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موظف است یک نسخه از پیش نویس لوایح برنامه‌های توسعه و بودجه عمومی کشور و استانها را پس از تهیه در اختیار شورای عالی استانها قرار دهد. شورای عالی استانها پیشنهادهای اصلاحی خود را در مورد برنامه و بودجه مذکور به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اعلام خواهد کرد. ۶ - تهیه آیین نامه نحوه هزینه بودجه شوراهای ابلاغ آن پس از تصویب هیات وزیران به شوراهای ۷ - برنامه ریزی به منظور آموزش و آشنایی اعضا شوراهای با وظایف خویش از طریق برگزاری دوره‌های کوتاه مدت کاربردی در قالب امکانات موجود کشور ۸ - جلسات عادی شورای عالی استانها هر دو ماه یک بار و حداکثر به مدت سه روز تشکیل می‌گردد. در موارد ضروری شورا می‌تواند جلسات فوق العاده تشکیل دهد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۸ مکرر ۳ - شورای عالی استانها موظف است حداکثر یک سال پس از تشکیل، ضمن مشخص نمودن آن دسته از امور شهری که توسط وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی انجام می‌شود و انجام آن در حد توانایی شهرداری‌ها می‌باشد طرح لازم جهت واگذاری آن امور به شهرداری‌ها را تهیه و به دولت یا مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۸ مکرر ۴ - کلیه شوراهای موضوع این قانون مکلفند حداکثر ظرف مدت ده روز مصوبات خود را به نمایندگان حوزه انتخابیه و شورای مافوق، مسولین اجرایی ذی ربط و عالیترین مقام اجرایی مربوط و در مورد شورای عالی استانها به مجلس شورای اسلامی و وزارت کشور ارسال نمایند. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۸ مکرر ۵ - استانداران، فرمانداران و بخشداران موظفند در کلیه شوراهای و کمیته‌های تخصصی مرتبط با وظایف شوراهای (به جز کمیته برنامه ریزی شهرستان که در سطح منطقه تشکیل می‌دهند از نماینده شوراهای بخش، شهر، شهرستان و استان به عنوان ناظر جهت شرکت در جلسات دعوت به عمل آورند. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۷۸ مکرر ۶ - استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراهای ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند. موارد تخلف به مقامات مافوق اعلام و در مراجع ذی صلاح رسیدگی می‌شود. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲

فصل چهارم - ترتیب رسیدگی به تخلفات (ماده ۷۹ تا ۸۲)

ماده ۷۹ - به منظور رسیدگی به شکایات مبنی بر انحراف شوراهای از وظایف قانونی، هیات‌هایی به نام هیات حل اختلاف و رسیدگی به شکایات به ترتیب زیر تشکیل می‌شود: ۱ - هیات مرکزی حل اختلاف و رسیدگی به شکایات با عضویت یکی از معاونین رییس جمهور به انتخاب و معرفی رییس جمهور، معاون ذی ربط وزارت کشور، رییس یا یکی از معاونین دیوان عدالت اداری به انتخاب رییس این دیوان، یکی از معاونین دادستان کل کشور به انتخاب دادستان کل کشور، دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به پیشنهاد کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی و تصویب مجلس شورای اسلامی، سه نفر از اعضای شورای عالی استانها به انتخاب آن شورا جهت رسیدگی به شکایات از شورای استان و شورای عالی استانها و شورای شهر تهران تشکیل می‌شود. هیات در

اولین جلسه یک رییس و یک نایب رییس از بین خود انتخاب خواهد نمود. ۲- هیات حل اختلاف و رسیدگی به شکایات استان به عضویت و ریاست استاندار و عضویت رییس کل دادگستری استان، دو نفر از اعضای شورای استان به انتخاب شورا و یک نفر از نمایندگان استان مربوطه در مجلس شورای اسلامی جهت رسیدگی به شکایات از شورای شهر و شورای شهرستان تشکیل می شود. ۳- هیات حل اختلاف و رسیدگی به شکایات شهرستان به عضویت و ریاست فرماندار و عضویت رییس دادگستری شهرستان و دو نفر از اعضای شورای شهرستان به انتخاب آن شورا و یک نفر به انتخاب هیات حل اختلاف استان جهت رسیدگی به شکایات از شورای روستا و بخش تشکیل می شود. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۲۲ تبصره - دبیرخانه هیات های حل اختلاف مرکزی، استان و شهرستان به ترتیب در وزارت کشور، استانداری و فرمانداری مستقر می شود. معاون ذی ربط وزارت کشور دبیر هیات مرکزی خواهد بود. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۸۰- مصوبات کلیه شوراهای موضوع این قانون در صورتی که پس از دو هفته از تاریخ ابلاغ مورد اعتراض قرار نگیرد لازم الاجرا می باشد و در صورتی که مسوولین ذی ربط آن را مغایر با قوانین و مقررات کشور و یا خارج از حدود وظایف و اختیارات شوراها تشخیص دهند می توانند با ذکر مورد و به طور مستدل حداکثر ظرف دو هفته از تاریخ ابلاغ مصوبه اعتراض خود را به اطلاع شورا رسانده و در خواست تجدیدنظر نمایند. شورا موظف است ظرف ده روز از تاریخ وصول اعتراض تشکیل جلسه داده و به موضوع رسیدگی و اعلام نظر نماید. در صورتی که شورا در بررسی مجدد از مصوبه مورد اختلاف عدول نماید موضوع برای تصمیم گیری نهایی به هیات حل اختلاف ذی ربط ارجاع میشود. هیات مزبور مکلف است ظرف پانزده روز به موضوع رسیدگی و اعلام نظر نماید. تبصره - اعتراض به مصوبات شوراهای روستا و بخش توسط بخشدار یا شورای شهرستان، در مورد مصوبات شوراهای شهر و شهرستان توسط فرماندار یا شورای استان و در مورد مصوبات شورای استان توسط استاندار، مسوولین دستگاههای اجرایی ذی ربط یا شورای عالی استانها و در مورد مصوبات شورای عالی استانها توسط وزیر کشور یا عالیترین مقامات دستگاههای ذی ربط صورت می گیرد. رسیدگی به اعتراض موضوع این قانون مانع از رسیدگی به شکایات سایر اشخاص در محاکم صلاحیتدار نخواهد بود. ماده ۸۱- هرگاه شورا اقداماتی برخلاف وظایف مقرر یا مخالف مصالح عمومی کشور و یا حیف و میل و تصرف غیر مجاز در اموالی که وصول و نگهداری آنرا به نحوی به عهده دارد انجام دهد به پیشنهاد کتبی فرماندار موضوع جهت انحلال شورا به هیات حل اختلاف استان ارجاع می گردد و هیات مذکور به شکایات و گزارشها رسیدگی و در صورت احراز انحراف هریک از شوراهای روستاها، آنرا منحل می نماید و در مورد سایر شوراها در صورت انحراف از وظایف قانونی، بنا به پیشنهاد هیات استان و تصویب هیات حل اختلاف مرکزی منحل می گردند. تبصره - هریک از شوراهای منحل شده در صورت اعتراض به انحلال می توانند به دادگاه صالح شکایت نمایند و دادگاه مکلف است خارج از نوبت به موضوع رسیدگی و رای قطعی صادر نماید. ماده ۸۲- چنانچه هر یک از اعضا شوراهای موضوع این قانون شرایط عضویت را از دست داده و یا در انجام وظایف قانونی خود مرتکب قصور یا تقصیر شود یا اقدامی که موجب توقف یا اخلال در انجام وظایف شوراها گردد یا عملی خلاف شوون اعضا شورا انجام دهد به شرح زیر به صورت موقت یا برای مدت باقیمانده دوره شورا سلب عضویت می گردد: ۱- در مورد اعضا شوراهای روستا و بخش به پیشنهاد شورای شهرستان و یا فرماندار و در مورد شورای شهر و شهرستان به پیشنهاد شورای استان و یا استاندار و تصویب شورای حل اختلاف استان ۲- در مورد اعضا شورای استان به پیشنهاد شورای عالی استانها و یا استاندار و در مورد شورای عالی استانها به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب هیات حل اختلاف مرکزی اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۱- سلب عضویت اعضا شورای مافوق موجب سلب عضویت از شورای مادون نمی گردد مگر به تشخیص هیات حل اختلاف ذی ربط اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۲- فرد یا افرادی که سلب عضویت می گردند می توانند به دادگاه صالح شکایت نمایند. دادگاه مذکور خارج از نوبت به موضوع رسیدگی و رای آن قطعی و لازم الاجرا خواهد بود. اصلاحی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۸۲ مکرر ۱- غیبت غیر موجه اعضا شورا در طول یک سال با تشخیص و تصویب شورا به شرح زیر

منجر به سلب عضویت می‌شود: ۱- شورای روستا و شهر: دوازده جلسه غیرمتوالی و یا شش جلسه متوالی ۲- شورای بخش: هشت جلسه غیرمتوالی و یا چهار جلسه متوالی ۳- شورای شهرستان: شش جلسه غیرمتوالی و یا سه جلسه متوالی ۴- شورای استان چهار: جلسه غیرمتوالی و یا دو جلسه متوالی ۵- شورای عالی استانها سه جلسه غیرمتوالی و یا دو جلسه متوالی الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ ماده ۸۲ مکرر ۲- رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان و دبیرخانه شوراها طبق قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۷/۹/۱۳۷۲ و آیین نامه اجرایی آن صورت می‌گیرد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۱- هیات بدوی و تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان شوراها در مرکز هراستان تشکیل و اعضا با حکم رییس شورای استان منصوب می‌شوند. رسیدگی به تخلفات کارکنان شورای عالی استانها در هیاتهای رسیدگی به تخلفات اداری شورای استان تهران صورت می‌گیرد. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲ تبصره ۲- رسیدگی به تخلفات اداری شهرداران، طبق قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۷/۹/۱۳۷۲ در هیات رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان وزارت کشور انجام می‌شود. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲

فصل پنجم - سایر مقررات (ماده ۸۳ تا ۹۵)

ماده ۸۳- در حوزه‌هایی که انتخابات آنها براساس ماده ۸۴ متوقف یا طبق مواد ۵۷ و ۵۸ باطل یا براساس ماده ۸۱ این قانون، شورای آن منحل شده است، انتخابات برای تشکیل شورا باید حداکثر ظرف دو ماه برگزار شود. ماده ۸۴- در حوزه‌های انتخابیه‌ای که به علت بروز حوادث غیرمترقبه و مسایل سیاسی و امنیتی برگزاری انتخابات امکان‌پذیر نباشد انتخابات آن حوزه‌ها تا رفع موانع متوقف می‌شود. تشخیص این موانع با وزیر کشور می‌باشد. ماده ۸۵- هرگاه انتخابات هر یک از شوراهای شهر و بخش بنا به دلایل ذکر شده متوقف و یاپس از تشکیل طبق مقررات قانونی منحل شود تا برگزاری انتخابات مجدد و تشکیل شورای جدید، استانداران و استانداران جانشین آن شورا خواهد بود. تبصره ۱- جانشین شورای شهر تهران، وزیر کشور خواهد بود. تبصره ۲- جانشین شورای روستا، شورای بخش می‌باشد. ماده ۸۶- کلیه وزارتخانه‌ها، سازمانها، ادارات دولتی و موسسات وابسته به دولت و نهادها و کلیه سازمانهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است موظفند حسب درخواست وزارت کشور، استانداران، فرمانداران و بخشداران، کارکنان و سایر امکانات خود را تا خاتمه انتخابات در اختیار آنان قرار دهند. مدت همکاری کارکنان مذکور جزو مأموریت نامبرگان محسوب خواهد شد. ماده ۸۷- هزینه برگزاری انتخابات شوراها از شمول قانون محاسبات عمومی مستثنیاست ماده ۸۸- سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مکلف است برنامه‌های آموزش انتخاباتی را که وزارت کشور و شوراهای نظارت انتخابات ضروری تشخیص می‌دهد، همچنین کلیه اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های مربوط به انتخابات را از شبکه سراسری یا محلی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش نماید. تبصره - کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانها و نهادها و موسسات دولتی موظفند به منظور توجیه و آگاه نمودن مردم از چگونگی انتخابات شوراها، با وزارت کشور همکاری نمایند. ماده ۸۹- رسیدگی به تخلفات مأمورین نظامی و انتظامی از مفاد این قانون حسب مورد بر عهده هیات‌های رسیدگی به تخلفات مأمورین مزبور مندرج در قوانین مربوط خواهد بود. ماده ۹۰- نحوه فعالیت‌های تبلیغاتی انتخابات، مدت زمان تبلیغات، محدودیتها و ممنوعیتها و سایر شرایط و مقررات مربوط را آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد نمود. ماده ۹۱- حداکثر ظرف یک سال پس از تصویب این قانون، کلیه شوراها در سراسر کشور باید تشکیل شده باشد. ماده ۹۲- کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو می‌گردد. ماده ۹۳- کلیه وجوه و سپرده‌های انجمنهای منحل شده و شهرستان نزد بانکها و نیز اموال منقول و غیرمنقول آنها حسب مورد در اختیار شوراهای اسلامی روستا و شهر قرار می‌گیرد تا در جهت عمران و آبادی و مصالح مردم همان محل صرف گردد. ماده ۹۴- وزارت کشور مسوول اجرای این قانون است و موظف است ظرف دو ماه آیین نامه‌های اجرایی مورد نیاز را تهیه و هیات وزیران موظف است ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون

خارج از نوبت آیین نامه های مذکور را تصویب نماید. قانون فوق مشتمل بر نود و چهار و یک تبصره در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ اول خرداد ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۳/۳/۱۳۷۵ به تایید شورای نگهبان رسیده است ماده ۹۵- هرگونه اصلاح در آیین نامه اجرایی قانون شوراهای اسلامی کشور توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. الحاقی مورخ ۶/۷/۱۳۸۲

آیین نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی شهرستان ، استان و شورای عالی استانها - مصوب ۳۰/۴/۱۳۸۱ هی

هیات وزیران در جلسه مورخ ۳۰/۴/۱۳۸۱ بنا به پیشنهاد شماره ۴۴/۴/۱/۱۱۸۰۶۸ مورخ ۱۳/۱۲/۱۳۸۰ وزارت کشور و به استناد ماده ۷۲ قانون اصلاح تشکیلات شورای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور - مصوب ۱۳۶۵ - آیین نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی شهرستان ، استان و شورای عالی استانها به شرح زیر تصویب نمود: ماده ۱- شوراهای اسلامی بخشها و شهرهای واقع در محدوده هر شهرستان پس از دعوت فرماندار تشکیل جلسه داده و یک نفر را از میان اعضای خود با رای مخفی و اکثریت نسبی آرا برای عضویت در شورای اسلامی شهرستان انتخاب و با تنظیم صورت جلسه حداکثر ظرف ۱۰ روز به فرماندار معرفی می نمایند. تبصره ۱- تعداد اعضای شورای اسلامی شهرستان حداقل پنج نفر می باشد و در صورتی که شهرستان کمتر از پنج بخش و شهر داشته باشد ، بقیه اعضا از بین دیگر نمایندگان شورای شهرها و بخشها به تناسب جمعیت انتخاب خواهند شد. تبصره ۲- فرماندار موظف است پس از وصول معرفی نامه کلیه نمایندگان منتخب شوراهای اسلامی بخشها و شهرها حداکثر ظرف یک هفته برای تشکیل اولین جلسه شورای اسلامی شهرستان از نمایندگان معرفی شده دعوت به عمل آورد. اعضای شورای اسلامی شهرستان در اولین جلسه خود که با حضور حداقل ۲۳ ایشان و فرماندار شهرستان تشکیل می شود ، از بین خود یک نفر رییس ، یک نفر نایب رییس و حداقل یک منشی با اکثریت نسبی و رای مخفی انتخاب می نمایند. تبصره ۳- فرمانداران موظفند بلافاصله پس از تشکیل شورای اسلامی شهرستان اسامی اعضای آن را از طریق رسانه های گروهی برای آگاهی عموم منتشر نمایند. ماده ۲- شورای اسلامی در شهرستان در اولین جلسه خود علاوه بر تعیین اعضای هیات ریسه ، یک نفر را از بین خود و با رای مخفی و اکثریت نسبی به عنوان نماینده برای عضویت در شورای اسلامی استان انتخاب و حداکثر ظرف ۱۰ روز کتبا به استاندار معرفی می نماید. تبصره ۱- حداقل تعداد اعضای شورای اسلامی استان پنج نفر می باشد. در استانهایی که به دلیل کمی تعداد شهرستانهای تابع حد نصاب مقرر حاصل نگردد ، بقیه اعضای شورای اسلامی استان از بین دیگر نمایندگان شوراهای اسلامی شهرستانها به تناسب جمعیت انتخاب خواهند شد. تبصره ۲- استاندار موظف است پس از وصول معرفی نامه کلیه نمایندگان منتخب شوراهای اسلامی شهرستانهای تابع استان حداکثر ظرف یک هفته برای تشکیل اولین جلسه شورای اسلامی استان از نمایندگان معرفی شده دعوت به عمل آورد. اعضای شورای اسلامی استان در اولین جلسه خود که با حضور حداقل ۲۳ ایشان و استاندار تشکیل می شود ، از بین خود یک نفر رییس ، یک نفر نایب رییس و دو نفر منشی با اکثریت نسبی و رای مخفی انتخاب می نمایند. تبصره ۳- برای اعضای شورای اسلامی استان با معرفی استاندار ، کارت عضویت به امضای وزیر کشور و مهر وزارت کشور صادر خواهد شد و استانداران موظفند بلافاصله پس از تشکیل شورای اسلامی استان اسامی اعضای آن را از طریق رسانه های گروهی برای آگاهی عموم منتشر نمایند. ماده ۳- شورای اسلامی هر استان در اولین جلسه ، علاوه بر تعیین اعضای هیات ریسه موضوع تبصره (۲) ماده (۲) یک نفر را از بین خود و با رای مخفی و اکثریت نسبی به عنوان نماینده برای عضویت در شورای عالی اسلامی استانها انتخاب و برای اعلام به وزیر کشور حداکثر ظرف ۱۰ روزه استاندار معرفی نماید. تبصره ۱- شورای عالی اسلامی استانها از نمایندگان منتخب شوراهای اسلامی تشکیل می گردد و شورای اسلامی هر استان یک نفر نماینده در آن خواهد داشت تبصره ۲- اولین جلسه شورای عالی اسلامی استانها حداکثر ظرف یک هفته پس از پایان انتخاب شورای اسلامی استانها به دعوت وزیر کشور و با حضور ۲۳ نمایندگان تشکیل و یک

نفر رییس ، دو نفر نایب رییس ، دو منشی و یک خزانه دار با رای مخفی و اکثریت نسبی انتخاب می‌شوند. ماده ۴ - نمایندگان شوراهای اسلامی مذکور در این آیین نامه که به عضویت شوراهای فرادست در میانند از عضویت شوراهای پایین تر خارج نمی‌گردند. ماده ۵ - در صورت خروج هر یک از اعضای شورای اسلامی شهرستان ، استان و شورای عالی اسلامی استانها به دلایلی نظیر استعفا ، فوت و سلب عضویت ، شورای اسلامی مربوط موظف است مراتب را برای انتخاب جانشین وی حسب مورد به وزیر کشور ، استاندار و فرماندار اعلام نماید. تبصره ۱ - وزیر کشور ، استاندار و فرماندار موظفند ظرف یک هفته مراتب را به شورای اسلامی ذی ربط اعلام نمایند و آن شورا موظف است حداکثر ظرف دو هفته فرد جانشین را انتخاب و معرفی نماید. تبصره ۲ - خروج عضو شورای روستا ، بخش و شهر به هر دلیل از شورا باعث خروج وی از شورای شهرستان ، استان و عالی استانها نیز خواهد شد. ماده ۶ - جلسات شورای اسلامی شهرستان هر ماه حداقل یک بار و جلسات شورای اسلامی استان هر ۴۵ روز حداقل یک بار و جلسات شورای عالی استانها هر دو ماه حداقل یک بار تشکیل می‌شود. ماده ۷ - شوراهای شهرستان ، استان و عالی استانها موظفند یک نسخه از مصوبات خود را به ترتیب به فرمانداری ، استانداری ، وزارت کشور و نیز حسب مورد به دستگاههای اجرایی ذی ربط ارسال نمایند. ماده ۸ - مسئولین شهرستان و استان موظفند بر حسب موضوع و بنا به دعوت شورای شهرستان و استان در جلسه شورای ذی ربط شرکت کنند. ماده ۹ - شوراهای برنامه ریزی و توسعه استانها موظفند یک نسخه از مصوبات خود را به شورای شهرستان و استان و شورای عالی استانها ارسال کنند. ماده ۱۰ - سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موظف است یک نسخه از برنامه و بودجه عمرانی پیشنهادی کشور و استانها را پس از تهیه حداکثر ظرف یک ماه جهت اعلام نظر در اختیار شورای عالی استانها بگذارد. ماده ۱۱ - دبیرخانه شوراهای شهرستان ، استان و عالی استانها به ترتیب در مرکز شهرستان ، مرکز استان و کشور به طور مستقل تشکیل می‌شود. ماده ۱۲ - اعتراض به مصوبات شورای شهرستان ، استان و شورای عالی استانها فقط توسط فرماندار ، استاندار و وزیر کشور انجام خواهد گرفت تبصره ۱ - دستگاههای اجرایی موظفند اعتراض به مصوبات شورای شهرستان ، استان و شورای عالی استانها را از طریق فرماندار ، استاندار و وزیر کشور اعلام نمایند. تبصره ۲ - رسیدگی به اعتراض پیرامون مصوبات شورای شهرستان و استان بر عهده هیات حل اختلاف استان و رسیدگی به اعتراض پیرامون مصوبات شورای عالی استانها بر عهده هیات حل اختلاف مرکزی است ماده ۱۴ - استعفا یا سلب عضویت اعضای شوراهای ماقبل باعث خروج از عضویت شوراهای مابعد نیز خواهد شد و چنانچه فردی از شورای مابعد استعفا داده یا سلب عضویت شود تشخیص عضویت یا سلب عضویت او از شوراهای ماقبل بر عهده هیات حل اختلاف مرکزی خواهد بود.

آیین نامه اجرایی تشکیلات ، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی شهرک - مصوب ۱۱/۱/۱۳۷۸ هیات و

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۱/۱/۱۳۷۸ بنا به پیشنهاد وزارت کشور و به استناد ماده ۹۴ قانون تشکیلات ، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ آیین نامه اجرایی تشکیلات ، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی شهرها را به شرح زیر تصویب نمود: ماده ۱ - در این آیین نامه برای رعایت اختصار به جای عبارت (قانون تشکیلات ، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱/۳/۱۳۷۵) عبارت (قانون شوراهای اسلامی کشور) و بجای عناوین (شوراهای اسلامی شهرک) و (حوزه انتخابیه شورای اسلامی شهرک) به ترتیب کلمه‌های (شورا) و (شهرک) استفاده می‌شود. ماده ۲ - سمت اعضا در شوراهای با پنج عضو عبارت از رییس ، نایب رییس و حداقل یک منشی و در شوراهای دارای سه عضو ، رییس ، نایب رییس و منشی می‌باشد که برای مدت دو سال بارای اعضا انتخاب می‌شوند. ماده ۳ - فرد یا افرادی که از عضویت شورا خارج می‌شوند ، موظفند حداکثر ظرف مدت دو روز پس از قطعیت خروج ، کارت عضویت خود را تحویل بخشداری ذی ربط نمایند و رسید دریافت دارند. ماده ۴ - مهر شورا حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از شروع به کار رسمی شورا

، توسط فرماندار تحویل رییس شورا می‌شود. ماده ۵- اعضا شورا، حق تفویض اختیارات خود به سایرین، اعم از عضو و غیرعضو را ندارند. ماده ۶- اعضای شورا موظفند حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از قطعی شدن انتخابات در روزی که فرماندار به طور کتبی اعلام می‌نماید اولین جلسه خود را در حضور نماینده فرماندار (عدم حضور نماینده مانع از تشکیل جلسه نخواهد بود) و به ریاست مسن‌ترین عضو حاضر تشکیل دهند و به شرح زیر سوگند یاد کنند و آن را امضا نمایند. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ (من در برابر کلام... مجید به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که در حفظ امانت و انجام هر چه بهتر وظایفم و خدمت به مردم کوشا باشم و قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات کشور را در چهارچوب وظایف و اختیارات خود مراعات نمایم و در همه زمینه‌ها عدالت و انصاف را در نظر داشته و مادام که در شورای اسلامی شهرک عضویت دارم در رعایت صرفه و صلاح و پیشرفت امور شهرک اهتمام نمایم) تبصره ۱- پیروان اقلیت‌های دینی رسمی به جای کلام... مجید به کتاب مقدس خود سوگند یاد می‌کنند. تبصره ۲- هرگاه فرد جدیدی به عضویت اصلی شورا داخل شود موظف است در ابتدای اولین جلسه حضور در شورا، به ترتیب مذکور سوگند یاد نماید. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۷- در اولین جلسه شورا پس از انجام مراسم تحلیف اعضای حاضر باید اقدام به برگزاری انتخابات داخلی نموده و از بین خود هیات ریسه شورا، موضوع ماده ۳ این آیین‌نامه را انتخاب نمایند. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۸- رییس شورا مانند سایر اعضا دارای یک حق رای می‌باشد و وظایف او عبارت است از تنظیم پیشنهاد بودجه شورا، تعیین زمان و اداره جلسات عادی، فوق العاده شورا و در صورت لزوم دعوت از اعضا جهت شرکت در جلسات، تقسیم کار بین اعضا برای پیگیری مصوبات، دفاع از حقوق و منافع شورا در مقابل مقام قضایی و اقامه دعوی، درخواست گزارش کار از اعضا، امضا و مهر کردن کلیه مکاتبات شورا، ایجاد هماهنگی و ارتباط با بخشداری و فرمانداری و سایر دستگاه‌های اجرایی اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره- در صورت عدم حضور رییس شورا، مسئولیت اداره جلسات شورا و سایر وظایف به عهده نایب رییس آن می‌باشد. ماده ۹- وظایف منشی و یا منشیان شورا عبارت از تهیه و تدوین صورت جلسات، تهیه متن نامه‌ها، ثبت و شماره گذاری آنها، تهیه گزارش از عملکرد شورا و حفظ و نگهداری دفاتر و صورت جلسات در محل شورا، انجام امور خزانه داری شورا از قبیل مسئولیت حسابداری شورا، همکاری با رییس شورا در تنظیم بودجه پیشنهادی و اصلاح یا متمم آن، تنظیم صورت‌های مالی شورا، ثبت و ضبط فهرست کلیه اموال و دارایی‌ها و حسابرسی اولیه از فعالیت‌های مالی شورا از قبیل درآمدها، هزینه‌ها و موجودی در پایان هر سال مالی بر طبق فرم‌های دریافتی می‌باشد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره- در صورت غیبت منشی یا منشیان شورا، وظایف آنان از سوی نایب رییس شورا انجام می‌شود. ماده ۱۰- جلسات شورا با حضور حداقل (۲) نفر در شوراهای دارای (۳) عضو و (۴) نفر در شوراهای دارای ۵ عضو و تصمیمات آنان با رای اکثریت مطلق حاضرین معتبر می‌باشد. تبصره- حداقل آرای لازم برای تصویب تصمیمات در جلساتی که با (۵) و یا (۴) نفر تشکیل می‌شود، سه رای و در جلساتی که با ۳ و یا ۲ نفر تشکیل می‌یابد، دو رای می‌باشد. ماده ۱۱- تشکیل جلسات و همچنین حفظ و نگهداری دفاتر، اسناد و مدارک شورا باید در مکان ثابت و مناسب باشد. ماده ۱۲- جلسات شورا به طور مستمر ماهی دوبار تشکیل می‌شود و در صورت نیاز جلسات فوق العاده و اضطراری شورا با پیشنهاد بخشدار، فرماندار، رییس شورا و یا سه نفر از اعضا، در شوراهای دارای پنج عضو و دو نفر از اعضا در شوراهای دارای سه عضو تشکیل خواهد شد. ماده ۱۳- شورا با رعایت مصالح نظام و اطلاع فرمانداری ذی ربط می‌تواند مصوبات و فعالیت‌های سالانه و همچنین برنامه‌های آینده شورا که جنبه عمومی دارد را با وسایل ممکن به اطلاع اهالی شهرک برساند. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۱۴- هرگاه شورا نظر خواهی از اهالی حوزه انتخابیه خود در زمینه موضوع یا موضوعاتی را ضروری تشخیص دهد با اطلاع بخشدار ذی ربط، می‌تواند اقدام به تشکیل جلسه عمومی از اهالی نماید. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۱۵- موضوع یا موضوعات مختلف قابل طرح در شورا با تشخیص رییس یا درخواست هریک از اعضا و یا تقاضای کتبی بخشدار و یا فرماندار ذی ربط در دستور کار شورا قرار

می‌گیرد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره - تقدم و تاخر طرح موضوعات جلسه با شورا می‌باشد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۱۶ - صورتجلسات شورا باید به گونه‌ای تنظیم شود که در آن تاریخ و دستور کار هر جلسه ، اسامی اعضای حاضر و غایب ، آرای مثبت و منفی اعضا به هر یک از موضوعات مورد بحث ، اسامی مدعوین و حاضرین به همراه ریوس مطالب مطروحه در جلسه و تمامی مصوبات بر طبق فرم های ارسالی از وزارت کشور آمده باشد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره ۱ - کلیه اعضای حاضر شورا باید ذیل صورتجلسات شورا را امضا و یا مهر نمایند. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره ۲ - مدعوین و حاضرین در صورت تشخیص شورا می‌توانند ذیل صورتجلسات را امضا ، انگشت و یا مهر نمایند. ماده ۱۷ - شورا موظف است در پایان هر جلسه نسخه‌ای از کلیه مصوبات خود در آن جلسه و در صورت نیاز به پیوست سوابق و مطالب مفید دیگر را برای اطلاع فرماندار و همچنین سازمان ها و ادارات ذی ربط دیگر که آن مصوبه به آنها مربوط می‌شود ، ارسال دارد. ماده ۱۸ - شورا موظف است در پایان نیمه دوم فروردین هر سال گزارش کار سالانه خود را طبق فرم های ارسالی از وزارت کشور در دو نسخه تنظیم و نسخه اصلی را جهت اطلاع فرماندار محل ارسال کند و نسخه دوم را به عنوان سابقه در بایگانی شورا ثبت و نگهداری نماید. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۱۹ - تمامی مکاتبات شوراها باید طبق فرم های ارسالی از وزارت کشور دارای تاریخ ، شماره ثبت در دفتر شورا ، نام کامل گیرنده و موضوع نامه باشد و حداقل در سه نسخه تنظیم شود و نسخه اول برای اداره یا سازمان مورد نظر و نسخه دوم جهت فرمانداری محل ارسال و نسخه سوم به عنوان سابقه در بایگانی شورا نگهداری شود. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۲۰ - تمامی مکاتبات شورا باید ممه‌ور به مهر شورا و امضای رییس و در صورت غیبت او نایب رییس شورا باشد. ماده ۲۱ - به موجب مصوبه مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ حذف شده است ماده ۲۲ - شورا باید دارای دفاتر مجزایی جهت ثبت صورت جلسات ، حضور و غیاب اعضا در جلسات و نامه‌های دریافتی و ارسالی باشد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۲۳ - مصوبات شورا به استثنای عوارض موضوع ماده (۷۷) قانون از تاریخ ابلاغ به مراجع ذی‌ربط لازم‌الاجرا است اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۲۴ - در صورت نیاز به حضور بخشدار و یا فرماندار در جلسات ، شورا می‌تواند طی دعوتنامه کتبی و یا تعیین زمان و دستور کار جلسه از او جهت شرکت در جلسه ، دعوت به عمل آورد و بخشدار و یا فرماندار موظف به شرکت در جلسه مورخه می‌باشند. تبصره - در صورت خودداری بخشدار و یا فرماندار از شرکت در جلسه ، بدون عذر موجه ، شورا می‌تواند طی درخواست کتبی از مقام بالاتر تقاضای تذکر به بخشدار و یا فرماندار را بنماید و در صورت تکرار مجدد درخواست توبیخ وی را از مقام ذی‌ربط بنماید. ماده ۲۵ - در صورت درخواست کتبی فرماندار و یا بخشدار ذی‌ربط از شورا برای تشکیل جلسه ، شامل زمان ، دستور کار و ضرورت تشکیل جلسه ، شورا موظف به برگزاری جلسه فوق‌العاده می‌باشد. ماده ۲۶ - شورا در صورت نیاز و با مسئولیت خود می‌تواند به منظور مشورت در زمینه موضوع یا موضوعاتی که در دستور کار خود قرار داده است از شخص یا اشخاص غیر عضو دعوت به همکاری نماید. ماده ۲۷ - شورا می‌تواند در ارتباط با وظایف خود اطلاعات مورد نیاز را از دستگاهها ، ادارات و سازمان‌های دولتی ، درخواست نماید و آن ادارات و سازمان‌ها موظف به همکاری می‌باشند. ماده ۲۸ - در صورتی که هر یک از اعضا بنا به دلایلی از عضویت شورا خارج شود ، شورا موظف است در اولین جلسه پس از قطعیت یافتن خروج آن عضو ، مراتب را کتبا به فرمانداری محل گزارش دهد تا فرمانداری از اعضای علی‌البدل با احتساب آرا آنان دعوت به شرکت در جلسات وطی مراحل مورد نیاز مانند صدور کارت شناسایی و اطلاع از سمت عضو جدید در شورا بنماید. تبصره - در صورتی که عضو خارج شده از شورا رییس و یا نایب رییس آن باشد شورا باید در جلسه‌ای رییس یا نایب رییس را برای دوره باقی مانده هیات ریسه انتخاب نماید. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۲۹ - هرگاه عضوی بیش از ۶ جلسه متوالی و دوازده جلسه غیرمتوالی در طول یک سال بدون داشتن عذر موجه (به تشخیص شورا) در جلسات شورا شرکت نکند مستعفی شناخته می‌شود. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۳۰ - هرگاه شورا در اثر فوت ، استعفا و یا سلب عضویت اعضای اصلی و علی‌البدل و موارد دیگر حد نصاب لازم ، مندرج در ماده (۱۰) این

آیین نامه را برای تشکیل جلسات از دست دهد طبق ماده ۳۱ قانون عمل خواهد شد. ماده ۳۱ - به استناد مواد (۷۱) و (۷۶) قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران وظایف شورای اسلامی شهرک عبارت است از: اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ - بررسی و شناخت از کمبودها، نیازها و نارسایی‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و سایر امور رفاهی شهرک و در صورت نیاز با راهنمایی و مشاوره افراد مطلع و صاحب نظر طرح‌های اجرایی تهیه و به همراه پیشنهادها اصلاحی و راه حل‌های کاربردی در زمینه طرح‌های مزبور جهت برنامه‌ریزی اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره - طرح‌ها و برنامه‌های پیشنهادی شورا باید به گونه‌ای باشد که حتی المقدور و با استفاده از منابع و امکانات موجود در شهرک قابل اجرا باشد. ۲ - طرح‌های پیشنهادی شورا باید به گونه‌ای باشد که بیشترین همکاری و مشارکت مردم در آن زمینه را جلب نماید. ۳ - شورا حق نظارت بر حسن اجرای مصوبات خود و طرح‌های در دست اجرای سایر سازمان‌های خدماتی در سطح شهرک، بدون دخالت در امور جاری آنها را دارد. ۴ - شورا موظف است جهت پیشبرد اهداف، برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و عمرانی شهرک، در صورت درخواست مسئولین اجرایی و یا نهادها و سازمان‌های دولتی در این زمینه‌ها همکاری لازم را مبذول دارد. ۵ - در صورت درخواست مسئولین اجرایی، شورا موظف به همکاری با آنان در انجام اموری همچون آمارگیری، انجام تحقیقات محلی و یا توزیع ارزاق عمومی و مانند آن در حد توان می‌باشد. ۶ - شورا می‌تواند با موافقت سازمان‌های ذی‌ربط جهت مشارکت هر چه بیشتر اهالی در زمینه خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی شهرک، مردم را به تشکیل نهادها و سازمان‌های داوطلبانه در این زمینه هدایت و حمایت نماید. ۷ - شورا می‌تواند در صورت احساس کمبود مراکز تفریحی، ورزشی، فرهنگی، مردم را جهت ایجاد، تکمیل و یا رفع کسری این گونه مراکز تشویق و ترغیب نماید، طرح‌هایی با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط به این منظور تهیه نماید. ۸ - در صورت وجود نیاز شهرک به تاسیس تعاونی‌های تولید و توزیع و مصرف، شورا می‌تواند با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط و اهالی اقدام به تاسیس آن بر طبق ضوابط و مقررات بنماید. ۹ - در صورت نیاز، شورا می‌تواند با تشویق مردم اقدام به تشکیل انجمن‌ها و نهادها یا اجتماعی، امدادی و ارشادی با توافق دستگاه‌های ذی‌ربط اجرایی بنماید. تبصره - اداره این گونه مراکز و انجمن‌ها پس از تشکیل از سوی افرادی که مقررات مربوط اجازه خواهد داد، صورت می‌گیرد. ۱۰ - شورا موظف است به چگونگی رعایت بهداشت در شهرک نظارت داشته باشد و در صورت نیاز و با مشاوره افراد مطلع، نسبت به رفع و پیشگیری از مشکلات احتمالی، در زمینه بهداشت محیط اقدام لازم را به عمل آورد. ۱۱ - شورا موظف به نظارت کامل بر نحوه فعالیت اماکن عمومی که از سوی بخش خصوصی، تعاونی و یا دولتی اداره می‌شود، می‌باشد و در صورت نیاز می‌تواند با وضع مقررات خاصی برای حسن فعالیت، نظافت و بهداشت این قبیل اماکن و یا اتخاذ تدابیر پیش‌گیرنده از خطرات احتمالی همچون آتش‌سوزی، و با همکاری و هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط اقدام نماید. ۱۲ - شورا موظف است با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط نسبت به سامان‌دهی اراضی غیرمحصور داخل محدوده شهرک به لحاظ بهداشت، آسایش عمومی و عمران و زیباسازی، در حدود وظایف خود از طرق ممکن اقدام به تصویب مقررات خاصی بر آن بنماید. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ - در صورت نیاز شهرک به گورستان، شورا موظف است نسبت به تامین اصول بهداشتی در مکان‌های جهت ایجاد گورستان، غسلخانه و وسایل حمل‌اموات، مطابق با استانداردهای ارایه‌شده از سوی مسئولین در زمینه توسعه شهری و بهداشت اقدام لازم را معمول دارد. ۱۴ - شورا موظف است با لحاظ کردن ضوابط و قوانین در زمینه حفر مجاری و مسیر تاسیسات عمومی شهرک مقررات لازم را وضع نماید و بر اجرای آن نظارت کامل داشته باشد. ۱۵ - شورا موظف است نظارت کامل بر اجرای طرح‌های مربوط به توسعه معابر، خیابان‌ها، میادین، فضای سبز و تاسیسات عمومی شهرک، بر طبق مقررات در این زمینه‌ها را داشته باشد. ۱۶ - هرگونه نامگذاری و یا تغییر نام معابر، خیابان‌ها و مکان‌های عمومی شهرک باید با رعایت مقررات و تصویب شورا انجام پذیرد. ۱۷ - شورا موظف به وضع مقررات برای هرگونه الصاق نوشته، آگهی و تابلو بر روی دیوارها و معابر

عمومی شهرک با رعایت مقررات در این زمینه می‌باشد. تبصره - شورا موظف است مقررات مصوب خود در این زمینه را به نحو مقتضی به اطلاع عموم اهالی برساند. ۱۸ - تصویب نرخ کرایه وسایل نقلیه عمومی درون شهری اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ - ۱۹ - در صورت نیاز اهالی به ایجاد میدان‌های عمومی خرید و فروش مایحتاج و نمایشگاه‌های کشاورزی، هنری، بازرگانی و مانند آن، شورا مکلف به وضع مقررات در زمینه ایجاد و اداره آن با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط و با رعایت مقررات موضوعه می‌باشد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ - ۲۰ - شورا مکلف است یک ماه قبل از انقضای مدت دوره قانونی خود، صورتی از کلیه فعالیت‌ها، طرح‌ها و برنامه‌هایی که در طول دوره فعالیت قانونی به اجرا گذارده است و یا در دست‌انگاره دارد در دو نسخه تهیه و نسخه اصل را برای فرمانداری محل ارسال و نسخه دوم را جهت ثبت در سوابق شورا نگهداری نماید. ماده ۳۲ - به موجب مصوبه ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ حذف شده است ماده ۳۳ - شورا می‌تواند به استناد بند (۱۶) ماده (۷۱) قانون و ماده (۷۷) قانون و رعایت‌آیین نامه‌های اجرایی این قانون و رعایت سایر قوانین متناسب با امکانات اقتصادی و تولیدات و درآمدهای اهالی و طبق آیین نامه مصوب هیات وزیران عوارض وضع نماید. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۳۴ - شورا می‌بایست ترتیبی اتخاذ نماید تا ضمن ارسال قبوض، از اهالی درخواست نماید عوارض پیش‌بینی شده را در حساب‌هایی که از قبل به این منظور در نظر گرفته شده است واریز نمایند و قسمت مخصوص از برگ عوارض را برای شورا ارسال دارند. ماده ۳۵ - شورا می‌تواند در صورت تمایل اهالی به پرداخت کمک بلاعوض، جهت اجرای برنامه‌ها و طرح‌های شورا، این کمک را از طریق واریز به حساب‌های افتتاح یافته دریافت نماید. تبصره - کمک‌های غیرنقدی در زمره اموال در اختیار شورا و یا سایر مصارف منظور و در بدو دریافت ثبت می‌شود. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۳۶ - تمام درآمدهای شورا اعم از کمک‌های بلاعوض مردمی و کمک‌های دولتی در صورت تخصیص و عوارض دریافتی از اهالی باید بر طبق برنامه‌هایی که قبلاً به صورت بودجه سالانه در قالب طرح‌های عمرانی و یا مصارف جاری به تصویب شورا رسیده است، با رعایت قوانین و مقررات مربوط به مصرف برسد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره - در صورت نیاز به اجرای برنامه جدید در طی ایام سال و پس از تصویب بودجه سالانه، شورا می‌تواند به صورت الحاق به بودجه سالانه، آن برنامه را تنظیم و پس از آن اجرا نماید. ماده ۳۷ - در مواردی که طرح‌های مشترک به وسیله شورای شهرک به اتفاق شورای روستاها و شهرهای مجاور شهرک اجرا می‌شود، باید در قالب برنامه‌های مصوب شورا به نحوی که حقوق شهرک در آن ملحوظ شده باشد صورت پذیرد. ماده ۳۸ - شورا موظف است به منظور حفظ و نگهداری کلیه وجوه دریافتی و درآمدهایی که در طول دوره فعالیت قانونی تحصیل می‌نماید حسابی را در نزد یکی از شعب بانک‌های کشور به نام شورا افتتاح نماید. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۳۹ - هرگونه برداشت از حساب موجودی و اعتبارات شورا، باید در قالب بودجه سالانه و طرح‌ها و مخارجی که قبلاً به تصویب شورا رسیده است و با دو امضای رییس و منشی و مهر شورا صورت گیرد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۴۰ - به موجب مصوبه ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ حذف شده است ماده ۴۱ - شورا باید در پایان هر سال مالی، ترازنامه مالی خود را طبق فرم‌های ارسالی از وزارت کشور جهت اطلاع عموم اهالی به طریق ممکن انتشار دهد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۴۲ - شورا موظف است در پایان هر سال شمسی و با توجه به برنامه‌های چهار ساله دوره خود و برآورد عواید و درآمدهای سال آتی بودجه عمرانی شورا و شهرک برای سال آینده را در دو نسخه تنظیم نماید و حداکثر تا پایان اسفندماه سال نسخه اصلی را برای فرمانداری محل و نسخه دوم را به عنوان سابقه در دفاتر شورا نگهداری نماید. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره ۱ - در صورت نیاز شورا می‌تواند نسبت به اصلاح یا تهیه متمم بودجه اقدام نماید. الحاقی مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱ تبصره ۲ - فرمانداری ذی‌ربط می‌تواند نظرات اصلاحی و تکمیلی خود را به شورا اعلام نماید. الحاقی مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱ ماده ۴۰ - تمامی اموال شورا اعم از منقول و غیرمنقول تحویل شورا می‌باشد، شورا در مقابل حفظ و نگهداری آن مسئول است اصلاحی مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱ ماده ۴۱ - خرید یا فروش اموال منقول و نیز اجاره مکان‌های لازم برای شورا و یا کرایه دادن اماکن متعلق به شورا، با توجه به صرفه و صلاح و رعایت ضوابط قانونی با تصویب شورا مجاز است الحاقی مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱

تبصره - عواید حاصل از فروش و اجاره دارایی‌های شورا باید مستقیماً به حساب بانکی شوراواریز شود. الحاقی مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱

ماده ۴۵ - آن دسته از کارکنان دولت یا موسسات عمومی غیردولتی که به عضویت شورا درآمده و به خدمت تمام وقت یا پاره وقت آنان نیاز باشد، می‌توانند به عنوان مامور به خدمت در شوراهای انجام وظیفه نمایند. مدت عضویت جزو سنوات خدمتی آنان محسوب می‌شود و حقوق مزایای آنان برابر آخرین حکم استخدامی (یا برابر آنچه که شورا در بودجه مصوب خود مقرر می‌نماید) از بودجه شورا پرداخت می‌شود. دستگاه‌های اجرایی موظفند حسب درخواست استاندار ذی‌ربط نسبت به صدور حکم مأموریت تمام وقت یا پاره وقت اعضای شورا اقدام نمایند. دستورالعمل نحوه صدور حکم مأموریت پاره‌وقت اعضای شوراهای توسط دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور ابلاغ خواهد شد. الحاقی مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱ تبصره - حق الزحمه شرکت اعضا در جلسات و حق مأموریت اعضا از محل بودجه شورا و طبق ضوابطی که به تصویب شورا میرسد قابل پرداخت است اصلاحی مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱

ماده ۴۶ - شورا موظف است در پایان دوره انتخابیه خود، صورت کاملی از اموال و دارایی‌های شورا تنظیم نماید و در اولین روز شروع به کار رسمی دوره جدید شورا، آن را به اعضای جدید، طبق صورت مذکور تحویل نماید و نسخه‌ای از آن را به شورای جدید و نسخه‌ای دیگر را برای فرماندار محل ارسال دارد. ماده ۴۷ - شورا می‌تواند اطلاعات مورد درخواست فرمانداری را تهیه و به فرمانداری ارسال نماید. اصلاحی مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱ ماده ۴۸ - شورا باید تابلویی از ساعات حضور و کار خود در محل شورا، جهت اطلاع اهالی در مکانی مناسب نصب نماید. ماده ۴۹ - به منظور اجرای مطلوب و هماهنگی قانون شوراهای اسلامی در شهرک‌ها، وزارت کشور در صورت درخواست شوراهای اسلامی شهرک می‌تواند آموزش‌های لازم را به اعضای شوراهای و نیز مجریان قانون مذکور ارائه دهد. و نیز موظف است آیین‌نامه‌های اجرایی مورد نیاز را تهیه و پس از تصویب هیات وزیران برای اجرا ابلاغ نماید. اصلاحی مورخ ۲۶/۵/۱۳۸۱ معاون اول رییس جمهور - حسن حبیبی

آیین‌نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی شهر و شهرک - مصوب ۱۶/۴/۱۳۸۱ هیات وزیران

فصل اول: کلیات (ماده ۱ تا ۲۰)

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۶/۴/۱۳۸۱ بنا به پیشنهاد شماره ۵۷۱۵۰ مورخ ۴/۴/۱۳۸۱ معاونت حقوقی و امور مجلس رییس جمهور و به استناد ماده ۹۴ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران - مصوب ۱۳۷۵ - آیین‌نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی شهر و شهرک به شرح زیر تصویب نمود: ماده ۱ - در این آیین‌نامه عنوان (قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران) به اختصار (قانون) نامیده می‌شود. ماده ۲ - مقصود از عبارت (شورا) در این آیین‌نامه، شوراهای اسلامی (شهر و شهرک) می‌باشد. ماده ۳ - تاریخ شروع دوره هر شورا، موضوع ماده (۳) قانون، تاریخ تشکیل اولین جلسه رسمی همان شورا موضوع ماده (۱۶) قانون خواهد بود. تبصره - چنانچه به استناد ماده (۳۱) قانون، انتخابات میان دوره‌ای برگزار شود، فعالیت شورای تشکیل شده برای باقیمانده همان دوره خواهد بود. ماده ۴ - تعداد اعضای علی‌البدل شوراها، موضوع ماده (۸) قانون، به شرح زیر تعیین می‌شود: ۱ - شوراهای دارای ۳ نفر عضو اصلی، ۲ نفر. ۲ - شوراهای دارای ۵ نفر عضو اصلی، ۳ نفر. ۳ - شوراهای دارای ۷ نفر عضو اصلی، ۴ نفر. ۴ - شوراهای دارای ۹ و ۱۱ نفر عضو اصلی، ۵ نفر. ۵ - شورای شهر تهران، ۶ نفر. ماده ۵ - هریک از مکانهای جمعیتی که طبق تصویب‌نامه هیات وزیران شهر شناخته شود و شهرکهای موضوع ماده (۱۳) قانون و تبصره ذیل آن به‌عنوان یک حوزه انتخابیه محسوب می‌شود. ماده ۶ - وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است فهرست اسامی و مشخصات شهرکهای موضوع ماده (۱۳) قانون را در اختیار وزارت کشور قرار دهد. تبصره

- فهرست اسامی و مشخصات مکانهای جمعیتی موضوع تبصره ذیل ماده (۱۳) قانون توسط فرماندار تهیه و به وزارت کشور ارسال می‌شود تا بنا به تشخیص وزارت کشور، انتخابات به منظور تشکیل شوراهای اسلامی شهرک در آنها برگزار شود. ماده ۷ - در صورتی که انتخابات چند حوزه انتخابیه موضوع ماده (۵) این آیین نامه به طور همزمان برگزار شود، به منظور حفظ استقلال انتخابات هر حوزه، کلیه اقدامات از قبیل صدور آگهی ها و تنظیم صورتجلسه ها برای هریک از حوزه‌ها به صورت مستقل انجام و سوابق انتخاباتی هر حوزه جداگانه نگهداری می‌شود. ماده ۸ - اخذ رای در یکی از روزهای تعطیل رسمی انجام خواهد شد و مدت زمان آن حداقل هشت ساعت خواهد بود. تبصره - مدت زمان اخذ رای با تصویب و موافقت مشترک هیات‌های اجرایی و نظارت شهرستان قابل تمدید می‌باشد. ماده ۹ - فرماندار موظف است در اجرای ماده (۱۶) قانون، ظرف یک هفته پس از تایید نهایی صحت انتخابات و قطعی شدن نتیجه آن، از اعضای اصلی شورا دعوت نماید تا در اولین جلسه رسمی شورا که به ریاست مسن‌ترین عضو تشکیل می‌شود، نسبت به انتخاب هیات ریسه شورا اقدام نمایند. ماده ۱۰ - در صورت اجرای ماده (۹) قانون مبنی بر خروج عضو یا اعضای از شورا، رییس یا نایب رییس شورا موظف است بلافاصله مراتب را به‌طور کتبی به اطلاع فرماندار برساند. ماده ۱۱ - فرماندار موظف است بلافاصله پس از وصول نامه شورا مبنی بر خروج اعضا از شورا، از اعضای علی‌البدل به ترتیب بیشترین رای برای جایگزینی اعضای خارج شده دعوت به‌عمل آورد و مراتب را به شورای مربوط اعلام نماید. ماده ۱۲ - در اجرای ماده (۱۴) و (۳۰) قانون و با رعایت تبصره ذیل آن، چنانچه فردی در انتخابات بیش از یک شورا ثبت نام نموده و یا احتمالاً عضویت یافت به دستور وزارت کشور نام وی از لیست داوطلبی و یا عضویت شورا حذف می‌شود. این قبیل افراد از عضویت در کلیه شوراهای مدت چهار سال محروم خواهند بود. ماده ۱۳ - برای انتخاب اعضای علی‌البدل شوراها نیازی به برگ رای یا اخذ رای مجزا و یا مشخص نمودن اعضای علی‌البدل در برگ رای نیست، بلکه در پایان رای گیری و قرائت و شمارش آرا، دارندگان رای به ترتیب بیشترین رای به دست آمده و به تعداد مورد نیاز به عضویت اصلی و یا علی‌البدل شوراها در می‌آیند. بنابراین رای دهنده اسامی نامزدهای مورد نظر خود را حداکثر به همان تعداد اعضای اصلی شورا در برگ رای درج می‌نماید. ماده ۱۴ - هیات اجرایی مسئول اجرای تبصره ذیل ماده (۱۷) قانون می‌باشد. تبصره - نامزدهای انتخاباتی ذی نفع در صورت تمایل می‌توانند در جلسه قرعه‌کشی شرکت نمایند. تاریخ و محل قرعه‌کشی باید حداقل (۲۴) ساعت قبل توسط فرماندار به منتخبین ذی ربط ابلاغ شود. ماده ۱۵ - انتخابات شورای اسلامی در شهرکهای موضوع ماده (۱۳) قانون و تبصره ذیل آن به‌روش انتخابات شورای اسلامی شهر برگزار می‌شود. ماده ۱۶ - سرپرست فرمانداری به جای فرماندار خواهد بود. ماده ۱۷ - در اجرای ماده (۴۱) قانون، نیروی انتظامی در کلیه مراحل مکلف به همکاری بامجریان انتخابات است و حسب درخواست استاندار و فرماندار موظف است مأمورین و امکانات خود را در اختیار آنان قرار دهد. ماده ۱۸ - در صورت توقف، ابطال و یا انحلال شورا توسط مراجع قانونی مذکور در مواد (۵۸)، (۸۱) و (۸۴) قانون، مراجع مذکور موظفند بلافاصله مراتب توقف، ابطال و یا انحلال شورا را به فرماندار مربوط اعلام نمایند. شروع مهلت ۲ ماهه برای تجدید انتخابات، از زمان وصول اعلام توقف، ابطال و یا انحلال خواهد بود. ماده ۱۹ - فرماندار موظف است به محض اطلاع از توقف، ابطال و یا انحلال شورا، مراتب را به وزارت کشور اعلام نماید. ماده ۲۰ - مجلس شورای اسلامی پیش از شروع انتخابات به استناد ماده (۵۳) قانون، اعضای هیات مرکزی نظارت بر انتخابات را با ذکر سمت ایشان در هیات به وزارت کشور معرفی می‌نماید.

فصل دوم: هیات اجرایی (ماده ۲۱ تا ۳۷)

ماده ۲۱ - فرماندار موظف است پس از وصول دستور شروع انتخابات، براساس ماده (۳۲) قانون به منظور تشکیل هیات اجرایی شهرستان از سایر اعضای اداری هیات دعوت به‌عمل آورد. ماده ۲۲ - فرماندار موظف است در اجرای تبصره ذیل ماده (۳۲) قانون،

به منظور تعیین معتمدین اصلی و علی البدل عضو هیات اجرایی شهرستان (۲۵) نفر از معتمدان اقشار مردم را انتخاب و به منظور تأیید صلاحیت، به طور کتبی به هیات نظارت شهرستان معرفی نماید. ماده ۲۳ - هیات نظارت شهرستان موظف است حداکثر ظرف (۲) روز پس از وصول اسامی (۲۵) نفر معتمدان از فرماندار، اظهار نظر کتبی خود را همراه با دلایل یا مدارک لازم به فرماندار اعلام نماید. تبصره - چنانچه هیات نظارت شهرستان، معتمدان پیشنهادی فرماندار را تأیید ننماید، فرماندار موظف است به همان تعداد معتمدان دیگری را به هیات نظارت معرفی نماید. ماده ۲۴ - فرماندار موظف است پس از وصول نظریه کتبی هیات نظارت شهرستان، بلافاصله (۲۵) نفر معتمدان به طور کتبی دعوت به عمل آورد. مدعوین حداکثر ظرف (۲) روز از تاریخ دعوت تشکیل جلسه می دهند و پس از حضور حداقل دو سوم آنان (۱۷ نفر از ۲۵ نفر) در حضور هیات نظارت و اعضای اداری هیات اجرایی، از بین خود (۷) نفر را به عنوان معتمدان اصلی و (۷) نفر را به عنوان معتمدان علی البدل هیات اجرایی با رای مخفی و اکثریت نسبی آرا انتخاب و مراتب را صورت جلسه می نمایند. ماده ۲۵ - فرماندار موظف است مراتب انتخاب معتمدین اصلی و علی البدل و تشکیل هیات اجرایی را از طریق سلسله مراتب اداری به ستاد انتخابات کشور اعلام نماید. ماده ۲۶ - مهلت تشکیل هیات اجرایی از زمان وصول دستور شروع انتخاب حداکثر پنج روز می باشد. ماده ۲۷ - دو سوم اعضای هیات اجرایی برای رسمیت جلسات، موضوع ماده (۳۶) قانون و تبصره (۱) ذیل آن، (۷) نفر می باشد. ماده ۲۸ - روسای هیات های اجرایی و نظارت موظفند با هماهنگی لازم، فردی را که به طور همزمان در بیش از یک هیات اعم از اجرایی یا نظارت عضویت دارد، در یک هیات ابقا و از سایر هیات ها حذف نمایند. ماده ۲۹ - هیات اجرایی موظف است در اجرای مواد (۶۲) و (۶۵) قانون، یک نسخه از کلیه صورت جلسه ها و آگهی های خود را به هیات نظارت شهرستان تحویل نماید. ماده ۳۰ - هیات اجرایی در مهلت مقرر و در اجرای ماده (۳۹) قانون، تشکیل جلسه می دهد و تعداد و محل شعب ثبت نام و اخذ رای حوزه انتخابیه را تعیین و پس از تنظیم صورت جلسه، یک نسخه آن را به فرماندار تسلیم می نماید. ماده ۳۱ - فرماندار موظف است براساس صورت جلسه دریافتی از هیات اجرایی، آگهی انتخابات حاوی تاریخ اخذ رای، ساعات اخذ رای، شرایط انتخاب کنندگان، جرایم و تخلفات و مقررات جزایی و محل شعب ثبت نام و اخذ رای را تنظیم و در موعد مقرر برای اطلاع عموم در حوزه انتخابیه منتشر نماید. ماده ۳۲ - فرماندار موظف است در اجرای ماده (۴۰) قانون، پس از وصول اسامی اعضای شعبه ثبت نام و اخذ رای نسبت به صدور احکام آنان اقدام نماید و برای تحویل گرفتن صندوق و تعرفه و برگ رای و سایر وسایل و لوازم انتخاباتی و شرکت در جلسه توجیهی، از ایشان دعوت به عمل آورد. ماده ۳۳ - فرماندار موظف است اتخاذ نماید که یک روز قبل از روز اخذ رای، محل شعب ثبت نام و اخذ رای آماده شود. ماده ۳۴ - فرماندار موظف است برای هر یک از شعب ثبت نام و اخذ رای یک نفر نماینده که باید حتی الامکان از کارمندان دولت باشد، از طرف خود تعیین و نسبت به صدور حکم آنان اقدام نماید و از ایشان برای شرکت در جلسه توجیهی دعوت به عمل آورد. ماده ۳۵ - فرماندار موظف است در حضور اعضای هیات اجرایی و پس از حضور اعضای شعب ثبت نام و اخذ رای و نمایندگان فرماندار، در جلسه توجیهی، نسبت به توجیه برنامه ثبت نام و اخذ رای و قرائت و شمارش آرا و ارایه سایر آموزشهای لازم اقدام نماید و سپس صندوق و تعرفه و برگ رای و سایر وسایل و لوازم انتخاباتی مورد نیاز را توسط هیات اجرایی به اعضای شعب تحویل دهد و ترتیبی اتخاذ نماید تا قبل از شروع اخذ رای در محل شعبه حاضر باشند. تبصره - مسئولیت حفظ و حراست از تعرفه و برگ های رای به منظور جلوگیری از خروج آنها از محل شعبه اخذ رای به عهده اعضای شعبه می باشد. ماده ۳۶ - در صورت تعیین و معرفی کتبی ناظر برای هر یک از شعب ثبت نام و اخذ رای از طرف هیات نظارت شهرستان، فرماندار موظف است نسبت به اعزام وی به نحوی که قبل از شروع اخذ رای در محل شعبه حضور داشته باشد، اقدام نماید. ماده ۳۷ - فرماندار موظف است برای حفاظت شعب ثبت نام و اخذ رای با همکاری و هماهنگی نیروی انتظامی به تعداد لازم و حداکثر تا (۳) نفر از مأموران مذکور انتخاب و ضمن صدور ابلاغ نامبردگان، آنان را به همراه نماینده خود و ناظر و اعضای شعبه ثبت نام و اخذ رای به محل اعزام نماید.

فصل سوم هیات‌های نظارت (ماده ۳۸ تا ۴۴)

ماده ۳۸ - در اجرای ماده (۵۳) قانون و به استناد ماده (۷۳) قانون اصلاح قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور - مصوب - ۲۹/۴/۱۳۶۹ به منظور نظارت بر امر انتخابات شوراهای اسلامی کشوری متشکل از (۳) نفر از اعضای کمیسیون شوراهای و امور داخلی (۲) نفر از اعضای کمیسیون اصل (۹۰) به انتخاب مجلس شورای اسلامی تشکیل می‌شود. تبصره - در صورتی که به تعداد لازم از کمیسیونهای مذکور داوطلب نباشد مجلس از میان سایر نمایندگان داوطلب (۵) نفر را انتخاب می‌نماید. ماده ۳۹ - در اجرای ماده (۵۳) قانون و به استناد ماده (۷۴) قانون اصلاح قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور - مصوب ۲۹/۴/۱۳۶۵ به منظور نظارت بر امر انتخابات شوراهای اسلامی کشور در هر استان هیات نظارت استان مرکب از سه نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی آن استان به تعیین هیات مرکزی نظارت تشکیل می‌شود. هیات مرکزی نظارت پس از تعیین اعضای هیات نظارت استان، اسامی آنان را به ستاد انتخابات استان مربوط به ستاد انتخابات کشور اعلام می‌نماید. تبصره - در هر استانی که تعداد نمایندگان آن از سه نفر کمتر باشد و یا به حد نصاب از آن استان داوطلب نباشد، تعیین بقیه اعضا از بین نمایندگان استانهای مجاور با هیات مرکزی نظارت می‌باشد. ماده ۴۰ - ستاد انتخابات استان پس از وصول اسامی اعضای هیات نظارت استان، اسامی نامبردگان را به فرمانداریهای تابع اعلام می‌نماید. ماده ۴۱ - هیات نظارت استان در هر شهرستان، هیات نظارت شهرستان بر انتخابات شوراهای اسلامی کشوری را مرکب از (۵) نفر از معتمدان محل تشکیل می‌دهد و اسامی آنان را به فرمانداری ذی‌ربط و ستاد انتخابات استان اعلام می‌نماید. ماده ۴۲ - هیات نظارت شهرستان می‌تواند برای هر شعبه ثبت نام و اخذ رای یک نفر ناظر تعیین و نامبرده را حداکثر تا یک روز مانده به روز اخذ رای به فرماندار معرفی نماید. ماده ۴۳ - شرکت اعضای هیات نظارت شهرستان در جلسات هیات اجرایی به منظور نظارت بر صحت برگزاری انتخابات می‌باشد و عدم حضور آنان در جلسات و یا خودداری از امضای صورت جلسه‌ها مانع از ادامه کار انتخابات نخواهد بود. ماده ۴۴ - هیات‌های نظارت در چهارچوب قانون و آیین نامه اجرایی تنها ناظر بر اجرای صحیح قانون می‌باشند و حق دخالت در امور اجرایی انتخابات را ندارند.

فصل چهارم اعلام داوطلبی، بررسی سوابق و رسیدگی به صلاحیت داوطلبان (ماده ۴۵ تا ۶۰)

ماده ۴۵ - فرماندار موظف است بلافاصله پس از وصول دستور شروع انتخابات، آگهی ثبت نام از داوطلبان، حاوی تاریخ شروع و خاتمه ثبت نام، محل ثبت نام، شرایط انتخاب شونده‌گان و مدارک مورد نیاز شامل اصل شناسنامه عکس دار، دو نسخه تصویر کلیه صفحه‌های شناسنامه و چهار قطعه عکس جدید ۴ * ۳ را منتشر نماید و ظرف مهلت مقرر از داوطلبان عضویت در شوراهای ثبت نام به عمل آورد. ماده ۴۶ - فرماندار می‌تواند با صدور حکم کتبی، مسئولی مسوولانی از بین کارمندان فرمانداری را برای ثبت نام از داوطلبان عضویت در شوراهای تعیین نماید. ماده ۴۷ - داوطلبان عضویت در شوراهای در مهلت مقرر با مراجعه به فرمانداری و ارائه مدارک مورد نیاز شخصا پرسشنامه اعلام داوطلبی را در دو نسخه در حضور مسئول ثبت نام تکمیل می‌نمایند. مسئول ثبت نام پس از دریافت و تطبیق مشخصات سجلی با اصل شناسنامه، رسید مدارک و پرسشنامه را به وی تسلیم می‌دارد. ماده ۴۸ - هیات اجرایی بلافاصله پس از تشکیل، مقدمات رسیدگی به صلاحیت داوطلبان را فراهم می‌نماید. ماده ۴۹ - فرماندار موظف است در اجرای ماده (۴۶) قانون، در پایان هر روز اسامی و مشخصات کلیه داوطلبان را به منظور بررسی سوابق، حسب مورد به مراجع ذی‌ربط محل از

قبیل اداره اطلاعات ، نیروی انتظامی ، دادگستری و ثبت احوال ارسال نماید. تبصره - فرماندار موظف است به منظور پر هیز از هرگونه اشتباه و از قلم افتادگی ، در پایان مهلت قانونی ثبت نام نیز بلافاصله اسامی کلیه داوطلبان حوزه انتخابیه را که سوابق آنها از قبل استعمال شده است براساس حروف الفبا به مراجع یاد شده ارسال نماید. ماده ۵۰ - مراجع مذکور در ماده (۴۶) قانون موظفند در اجرای تبصره (۲) ذیل همان ماده حداکثر ظرف مدت ده روز پس از وصول اسامی و مشخصات هریک از داوطلبان ، نتیجه بررسی هایانجام شده در خصوص سوابق آنان را به طور کتبی به فرماندار اعلام نمایند. تبصره ۱ - اظهارنظر و تصمیم گیری در خصوص تایید یا عدم تایید صلاحیت داوطلبان براساس قانون تنها از وظایف و اختیارات هیات های اجرایی با تایید هیات نظارت می باشد و دستگاه های یاد شده در ماده (۴۶) قانون حق اظهارنظر در این مورد را ندارند و موظفند فقط سوابق داوطلبان را منعکس نمایند. تبصره ۲ - مراجع مذکور در ماده ۴۶ قانون موظفند کلیه اطلاعات و سوابق ذی ربط داوطلبان استعمال شده را طبق فرمی که در چارچوب قانون تنظیم و توسط رییس هیات اجرایی در اختیار آنها قرار خواهد گرفت ، به هیات اجرایی اعلام نمایند. ماده ۵۱ - فرماندار موظف است به محض وصول اطلاعات لازم درباره سوابق هریک از داوطلبان ، جلسات هیات اجرایی را تشکیل دهد و حداکثر ظرف مدت هفت روز پس از وصول سوابق هریک از داوطلبان با رعایت کامل متن ماده (۴۹) قانون ، به صلاحیت آنان رسیدگی و نتیجه را صورتجلسه نماید و بلافاصله یک نسخه از هریک از صورتجلسه تنظیمی را به هیات نظارت شهرستان ارسال نماید. ماده ۵۲ - هیات نظارت شهرستان پس از وصول ، جلسات رسیدگی به صلاحیت داوطلبان ، به استناد ماده (۴۸) قانون موظف است حداکثر ظرف مدت (۷) روز از وصول هریک از صورتجلسات ، نظریه خود مبنی بر تایید یا رد صلاحیت داوطلبان را به طور کتبی و با ذکر دلایل قانونی و مدارک لازم به فرماندار اعلام نماید. ماده ۵۳ - فرماندار موظف است پس از وصول نظریه هیات نظارت شهرستان مبنی بر تایید یا رد تصمیمات هیات اجرایی شهرستان در خصوص بررسی صلاحیت داوطلبان و همچنین با رعایت قسمت اخیر ماده (۴۸) قانون مبنی بر ملا-ک عمل بودن نظر هیات اجرایی پس از پایان مهلت تعیین شده برای هیات نظارت ، بلافاصله مراتب تایید یا رد صلاحیت هریک از داوطلبان را به طور کتبی به داوطلب تایید شده یا رد شده ذی ربط ابلاغ نماید. ماده ۵۴ - هیات نظارت استان موظف است ظرف مهلت مقرر در تبصره (۳) ماده (۵۰) قانون ، نظر خود در خصوص تایید یا رد صلاحیت آن دسته از داوطلبانی که صلاحیتشان در هیات اجرایی رد شده و شاکی بوده اند را با تنظیم صورتجلسه به ضمیمه نامه رسمی به منظور ارسال به فرمانداری مربوط به ستاد انتخابات استانداری تسلیم نماید. تبصره - چنانچه در مهلت مقرر هیچ گونه شکایتی از حوزه انتخابیه واصل نشد ، مراتب صورتجلسه و به همان نحو عمل خواهد شد. ماده ۵۵ - ستاد انتخابات استانداری موظف است پس از وصول صورتجلسه رسیدگی به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده از هیات نظارت استان ، بلافاصله مراتب را به فرمانداری مربوط اعلام نماید. ماده ۵۶ - فرماندار موظف است پس از وصول نظریه هیات نظارت استان ، آگهی اسامی نامزدهای انتخاباتی را حداکثر ظرف سه روز تهیه و هشت روز قبل از روز اخذ رای به منظور اطلاع اهالی حوزه انتخابیه ، در حوزه مذکور منتشر نماید. ماده ۵۷ - در اجرای ماده (۲۴) قانون ، نامزدهای انتخاباتی در صورت تمایل به داشتن نماینده درمحل شعبه ثبت نام و اخذ رای موظفند حداکثر تا سه روز قبل از روز اخذ رای اسامی و مشخصات و یک قطعه عکس نمایندگان خود را به هیات اجرایی تسلیم نمایند. ماده ۵۸ - هیات اجرایی موظف است برای نمایندگان نامزدهای انتخاباتی ، معرفی نامه و یا کارت شناسایی صادر و به نامزد ذی ربط تحویل نماید. ماده ۵۹ - شکایات و اعتراضات نمایندگان نامزدهای انتخاباتی از طریق نامزدهای مربوط جمع آوری و با امضای وی به هیات های اجرایی و نظارت شهرستان تسلیم خواهد شد. ماده ۶۰ - تدارکات و تامین احتیاجات مورد تقاضای هریک از نمایندگان نامزدها به عهده نامزد معرفی کننده خواهد بود.

ماده ۶۱ - مدت فعالیت تبلیغات انتخاباتی برای کلیه نامزدها یکسان است و (۸) روز قبل از روزاخذ رای آغاز و تا (۲۴) ساعت قبل از روز اخذ رای ادامه خواهد داشت ماده ۶۲ - در فعالیتهای تبلیغات انتخاباتی ، انجام امور ذیل ممنوع است و مرتکبین تحت پیگردقانونی قرار می گیرند. ۱ - نوشتن و یا ارایه مطالب خلاف واقع ۲ - استفاده از هر گونه دیوارنویسی ، کاروانهای تبلیغاتی و استفاده از بلندگوهای سیار در خارج از محیط سخنرانی و امثال اینها. ۳ - استفاده از عکس با لباس فرم نیروهای نظامی و انتظامی ۴ - الصاق هر گونه عکس ، آگهی و آثار تبلیغاتی بر روی علایم راهنمایی و رانندگی ، تابلوی بیمارستانها ، مکانها و موسسات آموزشی و تابلوهای نصب شده در معابر عمومی توسط بخش دولتی و وابسته به دولت ، تابلوها و املاک بخش خصوصی ، رضایت مالکین یا متصرفین ، صندوقهای پست ، باجه‌های تلفن ، پستهای برق و تلفن و هر گونه تابلوی راهنما. ۵ - تبلیغ علیه نامزدها و هر گونه هتک حرمت و حیثیت آنان ۶ - پاره یا معدوم نمودن عکس و آثار تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی در مدت و زمان قانونی تبلیغات ۷ - انجام هر گونه فعالیت تبلیغاتی له یا علیه نامزدها از صدا و سیما ، میز خطابه نماز جمعه و تریبون مجلس شورای اسلامی و یا هر وسیله دیگری که جنبه رسمی یا دولتی دارد و فعالیت کارمندان در ساعات اداری و همچنین استفاده از وسایل و سایر امکانات وزارتخانه‌ها و ادارات و شرکتهای دولتی و موسسات وابسته به دولت و نهادها و موسساتی که از بودجه عمومی (به مقدار) استفاده می نمایند و موسسات و نهادهایی که دارایی آنان از اموال عمومی است و همچنین در اختیار گذاشتن وسایل و امکانات مذکور. ۸ - فعالیت تبلیغاتی انتخابات تبصره ۱ - درجات تحصیلی و سوابق خدمات و فعالیت های مورد ادعا در آثار تبلیغاتی باید مستند به مدارکی باشد که در صورت نیاز هیات اجرایی ، ارایه آنها امکان پذیر باشد. تبصره ۲ - می توانند با استفاده از امکانات محلی ، محللهای مناسبی را برای الصاق و یا ارایه آثار تبلیغاتی نامزدها تعیین نمایند. تبصره ۳ - استفاده از امکانات تبلیغی موسساتی که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می کنندولی با رعایت ضوابط برای آنها کارهای تبلیغاتی انجام می دهند. ماده ۶۳ - در صورتی که مطبوعات و نشریات آگهی یا مطالبی علیه نامزدهای انتخاباتی درج کنند و یا مطالبی بنویسند که دال بر انصراف گروه یا اشخاصی از نامزدهای معین باشد ، نامزدها حق دارند پاسخ خود را به نشریه مزبور بدهند و آن نشریه طبق قانون مطبوعات مکلف به چاپ فوری آن در اولین شماره می باشد. ماده ۶۴ - انتشار اعلام نظر شخصیتها (بدون ذکر عنوان و مسئولیت آنان ، معجم ، احزاب و گروههای مجاز ، در تایید نامزد انتخاباتی باید مستند به مدرک کتبی و امضا شده مربوط به تایید و حمایت باشد و در صورت درخواست هیات اجرایی ، نامزد انتخاباتی مکلف به ارایه این مستندات و مدارک می باشد. ماده ۶۵ - نشانی و محل ستاد و نام مسئولان باید کتبا و با امضای نامزد انتخاباتی مربوط ، به آگاهی هیات اجرایی حوزه انتخابیه برسد. ماده ۶۶ - هر گونه عکس و آثار تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی که در محل شعبه ثبت نام و اخذ رای وجود دارد باید قبل از شروع اخذ رای ، توسط اعضای شعبه امحا شود. فصل پنجم تبلیغات (ماده ۶۱ تا ۶۶) فصل پنجم تبلیغات ماده ۶۱ - مدت فعالیت تبلیغات انتخاباتی برای کلیه نامزدها یکسان است و (۸) روز قبل از روزاخذ رای آغاز و تا (۲۴) ساعت قبل از روز اخذ رای ادامه خواهد داشت ماده ۶۲ - در فعالیتهای تبلیغات انتخاباتی ، انجام امور ذیل ممنوع است و مرتکبین تحت پیگردقانونی قرار می گیرند. ۱ - نوشتن و یا ارایه مطالب خلاف واقع ۲ - استفاده از هر گونه دیوارنویسی ، کاروانهای تبلیغاتی و استفاده از بلندگوهای سیار در خارج از محیط سخنرانی و امثال اینها. ۳ - استفاده از عکس با لباس فرم نیروهای نظامی و انتظامی ۴ - الصاق هر گونه عکس ، آگهی و آثار تبلیغاتی بر روی علایم راهنمایی و رانندگی ، تابلوی بیمارستانها ، مکانها و موسسات آموزشی و تابلوهای نصب شده در معابر عمومی توسط بخش دولتی و وابسته به دولت ، تابلوها و املاک بخش خصوصی ، رضایت مالکین یا متصرفین ، صندوقهای پست ، باجه‌های تلفن ، پستهای برق و تلفن و هر گونه تابلوی راهنما. ۵ - تبلیغ علیه نامزدها و هر گونه هتک حرمت و حیثیت آنان ۶ - پاره یا معدوم نمودن عکس و آثار تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی در مدت و زمان قانونی تبلیغات ۷ - انجام هر گونه فعالیت تبلیغاتی له یا علیه نامزدها از صدا و سیما ، میز خطابه نماز جمعه

و تریبون مجلس شورای اسلامی و یا هر وسیله دیگری که جنبه رسمی یا دولتی دارد و فعالیت کارمندان در ساعات اداری و همچنین استفاده از وسایل و سایر امکانات وزارتخانه‌ها و ادارات و شرکتهای دولتی و موسسات وابسته به دولت و نهادها و موسساتی که از بودجه عمومی (به مقدار) استفاده می‌نمایند و موسسات و نهادهایی که دارایی آنان از اموال عمومی است و همچنین در اختیار گذاشتن وسایل و امکانات مذکور. ۸- فعالیت تبلیغاتی انتخابات تبصره ۱- درجات تحصیلی و سوابق خدمات و فعالیت های مورد ادعا در آثار تبلیغاتی باید مستند به مدارکی باشد که در صورت نیاز هیات اجرایی، ارایه آنها امکان پذیر باشد. تبصره ۲- می‌توانند با استفاده از امکانات محلی، محلهای مناسبی را برای الصاق و یا ارایه آثار تبلیغاتی نامزدها تعیین نمایند. تبصره ۳- استفاده از امکانات تبلیغی موسساتی که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می‌کنند ولی با رعایت ضوابط برای آنها کارهای تبلیغاتی انجام می‌دهند. ماده ۶۳- در صورتی که مطبوعات و نشریات آگهی یا مطالبی علیه نامزدهای انتخاباتی درج کنند و یا مطالبی بنویسند که دال بر انصراف گروه یا اشخاصی از نامزدهای معین باشد، نامزدها حق دارند پاسخ خود را به نشریه مزبور بدهند و آن نشریه طبق قانون مطبوعات مکلف به چاپ فوری آن در اولین شماره می‌باشد. ماده ۶۴- انتشار اعلام نظر شخصیتها (بدون ذکر عنوان و مسئولیت آنان، مجامع، احزاب و گروههای مجاز، در تایید نامزد انتخاباتی باید مستند به مدرک کتبی و امضا شده مربوط به تایید و حمایت باشد و در صورت درخواست هیات اجرایی، نامزد انتخاباتی مکلف به ارایه این مستندات و مدارک می‌باشد. ماده ۶۵- نشانی و محل ستاد و نام مسئولان باید کتبا و با امضای نامزد انتخاباتی مربوط، به آگاهی هیات اجرایی حوزه انتخابیه برسد. ماده ۶۶- هرگونه عکس و آثار تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی که در محل شعبه ثبت نام و اخذ رای وجود دارد باید قبل از شروع اخذ رای، توسط اعضای شعبه امحا شود.

فصل ششم برنامه روز اخذ رای و قرائت آرا و اعلام نتیجه اخذ رای (ماده ۶۷ تا ۶۹)

ماده ۶۷- اعضای شعبه ثبت نام و اخذ رای حداقل یک ساعت قبل از وقت مقرر در محل شعبه حاضر می‌شوند. ابتدا به استناد تبصره (۲) ذیل ماده (۴۰) قانون، نسبت به انتخاب هیات ریسه و منشی‌ها اقدام و مراتب را در صورت جلسه درج می‌نمایند، سپس صندوق اخذ رای را در حضور نماینده فرماندار و ناظر بر انتخابات (در صورت حضور) باز می‌کنند و پس از حصول اطمینان از خالی بودن صندوق، آن را لفاف، با لاک و مهر شعبه ثبت نام و اخذ رای لاک و مهر می‌نمایند و پس از امضا و تایید مراتب فوق در صورت جلسه، برنامه اخذ رای و قرائت آرا را در (۶) مرحله به شرح زیر انجام می‌دهند: الف- مرحله مراجعه رای دهندگان ب- مرحله کنترل ج- مرحله ثبت نام د- مرحله اخذ رای ه- مرحله قرائت و شمارش آرا. و- مرحله تنظیم و تکمیل صورت جلسه الف- مرحله مراجعه رای دهندگان ۱- اعضای شعبه باید ترتیبی اتخاذ نمایند که رای دهندگان از یک سمت وارد محل شعبه شوند و پس از دادن رای از سمت دیگر خارج گردند. ۲- مأمورین انتظامی موظفند طبق دستور نماینده فرماندار یا رییس شعبه ثبت نام و اخذ رای از ازدحام در داخل محوطه اخذ رای ممانعت نمایند تا اخذ رای در کمال آرامش انجام پذیرد. ۳- رای دهندگان با در دست داشتن عین شناسنامه خود در محل شعبه ثبت نام و اخذ رای حضور می‌یابند و به ترتیب به منظور ثبت نام و دادن رای وارد محوطه اخذ رای می‌شوند. ب- مرحله کنترل کنترل در سه مرحله انجام می‌شود: ۱- کنترل شناسنامه رییس شعبه یا هریک از سه منشی شعبه ثبت نام و اخذ رای با ملاحظه شناسنامه رای دهنده موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهند: الف- شناسنامه به مهر شعب دیگر ممهور نشده باشد. ب- شناسنامه متعلق به شخص مراجعه کننده بوده و صاحب آن در روز اخذ رای حداقل (۱۵) سال تمام سن داشته باشد. ۲- رییس شعبه و یا هریک از سه منشی، انگشت سبابه دست راست رای دهنده را کنترل می‌نماید تا آلوده به رنگ جوهر استامپ، که نشانه دهنده رای در شعبه دیگر است، نباشد. در صورتی که مراجعه کننده دارای شناسنامه‌ای باشد که ممهور به مهر انتخابات در

روز اخذ رای است و دلالت بر دادن رای در شعبه دیگری نماید و یا در انگشت سیابه او اثر جوهر استامپ شعبه اخذ رای دیگری مشاهده شود، از وی رای گیری نخواهد شد. ۳- کنترل شرط احراز توطن به استناد بند (۳) ماده (۲۵) و تبصره ذیل آن، اعضای شعبه ثبت نام و اخذ رای به روشهای مقتضی کنترل می‌نمایند که شخص رای دهنده و یا افراد تحت تکفل وی (همسر و فرزندان حداقل یک سال متوالی متصل به زمان اخذ رای در محل سکونت داشته باشد. به استناد قسمت اخیر بند (۳) ماده (۲۵) قانون، در شهرها و شهرکهای بالای یکصد هزار نفر جمعیت نیازی به احراز سکونت نمی‌باشد. ج- مرحله ثبت نام ۱- پس از انجام مرحله کنترل و حصول اطمینان از اینکه شناسنامه متعلق به مراجعه کننده است و واجد شرایط رای دادن می‌باشد، یک نفر از منشی‌ها نسبت به ثبت مشخصات وی بر اساس مندرجات شناسنامه بر روی برگ تعرفه اقدام و پس از اخذ اثر انگشت رای دهنده روی برگ تعرفه، آن را با قید تاریخ با مهر انتخابات مهور و امضا می‌نماید. ۲- متصدی ثبت نام، شناسنامه رای دهنده را نیز به مهر انتخابات مهور و به وی تحویل می‌نماید. د- مرحله اخذ رای ۱- پس از ثبت نام از رای دهنده، متصدی ثبت نام برگ رای را بعد از مهور نمودن به مهر انتخابات از محل نقطه چین از تعرفه انتخاباتی جدا می‌کند و به رای دهنده تسلیم می‌نماید تا رای دهنده اسم نامزد یا نامزدهای مورد نظر خود را حداکثر به تعداد اعضای اصلی شورا بر روی آن بنویسد، تا کند، داخل صندوق بیاندازد و از درب خروجی شعبه خارج شود. بدیهی است تعرفه‌های انتخاباتی در محل شعبه باقی می‌ماند و باید در نگهداری و حفاظت آنها دقت و مراقبت کامل به عمل آید. ۲- نماینده فرماندار و اعضای شعبه ثبت نام و اخذ رای باید ترتیبی اتخاذ نمایند که رای نویسی مخفی باشد و به صورت کاملاً آزاد و بدون اعمال نفوذ شخص دیگری انجام پذیرد و هیچ یک از اعضای شعبه و نماینده فرماندار و مأمورین انتظامی و نماینده هیات نظارت و اصولاً کلیه افرادی که به هرگونه در شعبه وظیفه‌ای برعهده دارند حق نوشتن رای برای اشخاص را ندارند. در صورتی که برای نوشتن رای نیاز به فرد دیگری باشد، رای دهنده بایستی از وجود افراد خارج از شعبه که مورد اعتماد وی هستند، استفاده نماید و اعضای شعبه نیز کنترل نمایند تا عمل خلاف قانون انجام نگیرد. ۳- نماینده هیات نظارت حق دخالت در امور اجرای انتخابات را ندارد و در صورت مشاهده ارتکاب به تخلفات مندرج در ماده (۶۷) قانون موظف است مراتب را به اعضای شعبه و نماینده فرماندار تذکر دهد و آنان ضمن بررسی موضوع باید فرد یا افراد خاطی را توسط مأمورین انتظامی حاضر در شعبه جلب و مراتب را صورتجلسه نمایند و همراه خاطی تحویل مقامهای قضایی دهند. ه- مرحله قرابت و شمارش آرا یکم- شیوه دستی اعضای شعبه پس از انقضای مدت اخذ رای در صورت حصول اطمینان از اینکه کلیه مراجعه کنندگان رای خود را در صندوقهای رای انداخته‌اند و دیگر کسی برای دادن رای در محل شعبه حضور ندارد، بلافاصله پس از شمارش تعرفه‌ها و ثبت تعداد آن در صورت جلسه، با حضور نماینده فرماندار و نماینده هیات نظارت، شمارش و قرابت آرا را به ترتیب ذیل آغاز می‌نمایند: ۱- ابتدا رییس یا نایب رییس شعبه اخذ رای با همکاری یکی از منشی‌ها لاک و مهر صندوق اخذ رای را باز و تعداد برگهای داخل صندوق را بدون اینکه قرائت شود شمارش می‌کنند و پس از تطبیق تعداد آنها با تعداد برگهای تعرفه به یکی از دو حالت زیر عمل می‌نماید: الف- چنانچه تعداد اوراق رای داخل صندوق بیشتر از تعداد تعرفه‌ها باشد براساس بند (ج) ماده (۲۰) قانون، به تعداد اضافی ابتدا از اوراق غیر چاپی و متفرقه و سپس از مجموع برگهای رای، بدون اینکه خواننده شود برمی‌دارند و جمله (باطل شد) را در پشت آن قید و تعداد آن را در صورت جلسه اخذ رای نیز درج و در پایان ضمیمه صورتجلسه می‌نمایند. ب- در صورتیکه تعداد اوراق رای داخل صندوق مساوی یا کمتر از تعداد تعرفه‌ها باشد، اقدام خاصی صورت نمی‌گیرد و فقط مراتب در صورتجلسه درج می‌شود. ۲- پس از اینکه شمارش آرا به ترتیب یادشده انجام شد، قرائت آرا با رعایت مواد (۱۹)، (۲۰)، (۲۱) و (۲۲) و (۲۳) قانون و بندها و تبصره‌های ذیل آنها انجام خواهد شد. دوم- با استفاده از سیستم رای انهای در شعبه چنانچه با توافق وزارت کشور و هیات مرکزی نظارت مقرر شده باشد که کار قرائت و شمارش آرا با سیستم رایانه ای انجام شود اعضای شعبه پس از انقضای مدت اخذ رای و حصول اطمینان از اینکه کلیه مراجعه کنندگان رای خود

را در صندوقهای رای انداخته‌اند دیگر کسی برای رای دادن در محل شعبه حضور ندارد با حضور نماینده فرماندار و ناظر هیات نظارت کار شمارش آرا را به شرح زیر انجام می‌دهند: ۱- ابتدا رییس یا نایب رییس شعبه اخذ رای با همکاری یکی از منشی‌ها لاک و مهر صندوق اخذ رای را باز و تعداد برگهای داخل صندوق را بدون اینکه قرائت شود شمارش می‌کنند و پس از تطبیق تعداد آنها با تعداد برگهای تعرفه به یکی از دو حالت زیر عمل می‌نمایند: ۱/۱ - چنانچه تعداد اوراق رای داخل صندوق بیشتر از تعداد تعرفه‌ها باشد بر اساس بند (ج) ماده ۲۰ قانون ، به تعداد اضافی ابتدا از اوراق غیرچاپی و متفرقه و سپس از مجموع برگهای رای ، بدون اینکه خوانده شود بر می‌دارند و جمله (باطل شد) را در پشت آن قید و تعداد آن را در صورت جلسه اخذ رای نیز درج و در پایان ضمیمه صورت جلسه می‌نمایند. ۱/۲ - در صورتی که تعداد اوراق رای داخل صندوق مساوی یا کمتر از تعداد تعرفه‌ها باشد ، اقدام خاصی صورت نمی‌گیرد و فقط مراتب در صورت جلسه درج می‌شود. ۲- پس از اینکه شمارش آرا به ترتیب یاد شده انجام شد ، قرائت آرا با رعایت مواد (۱۹) ، (۲۰) ، (۲۱) ، (۲۲) و (۲۳) قانون و تبصره‌های ذیل آنها انجام خواهد شد. ۳- چنانچه امکانات رایانه‌ای در محل شعبه فراهم شده علاوه بر ورود اطلاعات حاصل از شمارش آرا توسط کاربر نتایج قرائت آرای هر یک از نامزدها نیز وارد سیستم رایانه‌ای می‌گردد. در پایان نتایج کلی شمارش و قرائت آرای شعبه توسط رای‌انه‌ای ه و طی صورتجلسه به امضای کاربر ، اعضای شعبه ، نماینده ، فرماندار و ناظر شعبه می‌رسد. الحاقی مصوب ۲۷/۱۱/۱۳۸۱ سوم - با استفاده از سیستم رای‌انه در محل استقرار دستگاهها: ۱- چنانچه با توافق وزارت کشور و هیات مرکزی نظارت مقرر شده باشد که کار قرائت و شمارش آرا با سیستم رایانه‌ای انجام شود اعضای شعبه پس از انقضای مدت اخذ رای و حصول اطمینان از اینکه کلیه مراجعه کنندگان رای خود را در صندوقهای رای انداخته‌اند و دیگر کسی برای رای دادن در محل شعبه حضور ندارند با حضور نماینده فرماندار و ناظر ، هیات نظارت کار شمارش آرا را به شرح زیر انجام می‌دهند: ۲- ابتدا رییس یا نایب رییس شعبه اخذ رای با همکاری یکی از منشی‌ها لاک و مهر صندوق اخذ رای را باز و تعداد برگهای داخل صندوق را بدون اینکه قرائت شود شمارش می‌کنند و پس از تطبیق تعداد آنها با تعداد برگهای تعرفه به یکی از دو حالت زیر عمل می‌نمایند: ۱/۲ - چنانچه تعداد اوراق رای داخل صندوق بیشتر از تعداد تعرفه‌ها باشد بر اساس بند (ج) ماده ۲۰ قانون ، به تعداد اضافی ابتدا از اوراق غیرچاپی و متفرقه و سپس از مجموع برگهای رای ، بدون اینکه خوانده شود بر می‌دارند و جمله (باطل شد) را در پشت آن قید و تعداد آن را در پایان ضمیمه صورتجلسه می‌نمایند. ۲/۲- در صورتی که تعداد اوراق رای صندوق مساوی یا کمتر از تعداد تعرفه‌ها باشد اقدام خاصی صورت نمی‌گیرد و مراتب در صورت جلسه درج می‌شود. ۳- پس از اینکه شمارش آرا به ترتیب یاد شده انجام شد ، قرائت آرا با رعایت مواد (۱۹) ، (۲۰) ، (۲۱) ، (۲۲) و (۲۳) قانون و تبصره‌های ذیل آنها انجام خواهد شد. ۴- چنانچه امکانات رایانه‌ای در محل شعبه فراهم نباشد ، اعضای شعبه ثبت نام و اخذ رای موظفند همراه با نماینده فرماندار ، بخشدار ، ناظر شعبه و مأمورین محافظ صندوق ، صندوق یا صندوقهای محتوی تعرفه و آرا را برای قرائت و شمارش آرا به محل استقرار سیستم رایانه‌ای که از قبل مشخص شده است حمل نمایند. در صورت عدم امکان حضور تمامی اعضای شعبه ، حضور رییس یا نایب رییس آن الزامی است ۵ - پس از رسیدن مسولان شعبه و صندوق اخذ رای به محل استقرار سیستم رایانه‌ای ، صندوق اخذ رای باز و از آرای ریخته شده در آن که قبلا آرای باطله مأخوذه و باطله غیرمأخوذه از آنها جدا شده است علاوه بر ورود اطلاعات حاصل از شمارش آرا توسط کاربر نتایج قرائت آرای هر یک از نامزدها نیز وارد سیستم رایانه‌ای می‌گردد و در پایان نتایج کلی شمارش و قرائت آرای شعبه توسط رای‌انه‌ای ه و طی صورت جلسه‌ای به امضای کاربر ، اعضای شعبه ، نماینده فرماندار و ناظر شعبه می‌رسد. (و - مرحله تنظیم صورتجلسه پس از خاتمه شمارش و قرائت آرا ، صورتجلسه اخذ رای شعبه در پنج نسخه تنظیم و سپس تعداد رای هریک از نامزدها در صورتجلسه قید می‌شود. پس از انجام این کار ، صورتجلسه به امضای نماینده فرماندار و اعضای شعبه اخذ رای و نماینده هیات نظارت می‌رسد و بلافاصله کلیه اوراق و مدارک انتخاباتی و یک نسخه از صورتجلسه تنظیمی داخل صندوق رای قرار داده می‌شوند

و پس از لاک و مهر شدن صندوق یا صندوقها، اعضای شعبه اخذ رای به اتفاق نماینده فرماندار و به همراه نماینده هیات نظارت و مأموران محافظ صندوق، صندوق یا صندوقهای رای را همراه با یک نسخه از صورتجلسه نتایج آرای شعبه و سایر مدارک رسماً تحویل هیات اجرای می‌دهند. از سه نسخه باقی مانده صورتجلسه نتایج آرا، یک نسخه تحویل نماینده هیات نظارت، یک نسخه تحویل نماینده فرماندار و یک نسخه نیز تحویل رییس شعبه می‌شود. اگر در روز اخذ رای مسایل و مشکلاتی پدید آید باید در قسمت انتهای صورتجلسه نوشته شود و به امضای اعضای شعبه، نماینده فرماندار و نماینده هیات نظارت شهرستان برسد. ماده ۶۷ مکرر - هرگاه بعضی از شعب ثبت نام و اخذ رای به علل مختلف از عهده قرائت آرا و تکمیل صورت جلسه برنمایند هیات های اجرای می‌توانند مستقیماً یا با تعیین افراد جدید نسبت به شمارش و قرائت آرا و تکمیل صورت جلسه مذکور اقدام نمایند. الحاقی مورخ ۲۷/۱۱/۱۳۸۱ ماده ۶۸ - هیات اجرای پس از دریافت صندوق یا صندوقهای محتوی آرا و مدارک و صورتجلسات شعب ثبت نام و اخذ رای حوزه انتخابیه، در حضور اعضای هیات نظارت شهرستان نسبت به تنظیم صورتجلسه نتیجه اخذ رای در حوزه انتخابیه اقدام می‌نماید و یک نسخه از صورتجلسه را برای انتشار آگهی نتیجه انتخابات به فرماندار تحویل می‌دهد. ماده ۶۹ - فرماندار موظف است بلافاصله پس از دریافت صورتجلسه نتیجه اخذ رای از هیات اجرای شهرستان نسبت به تنظیم آگهی نتیجه انتخابات و انتشار آن در حوزه انتخابیه اقدام نماید.

فصل هفتم بررسی شکایات (ماده ۷۰ تا ۷۶)

ماده ۷۰ - به استناد ماده (۵۲) قانون، هیات های اجرای موظفند از تاریخ اعلام نهایی صلاحیت داوطلبان تا دو روز پس از اعلام نتیجه اخذ رای انتخابات، شکایات واصله را بپذیرند و ظرف پنج روز به آنها رسیدگی نمایند. بنابراین چنانچه در مهلت یاد شده شکایتی از حوزه انتخابیه به هیات اجرای شهرستان واصل شود، هیات مذکور موظف است حداکثر ظرف پنج روز پس از وصول هر شکایت در جلسه مشترک با هیات نظارت شهرستان به آن رسیدگی و مراتب را صورتجلسه نمایند. تبصره ۱ - شکایاتی قابل طرح و بررسی می‌باشد که نام و خانوادگی، نام پدر، آدرس محل کار یا سکونت شاکی که هویت وی را آشکار می‌نماید، دارا باشند. تبصره ۲ - هیات اجرای پس از پایان مهلت دریافت و رسیدگی به شکایات، چنانچه هیچ گونه شکایتی از انتخابات دریافت ننموده باشد، مراتب عدم وصول شکایت را نیز صورتجلسه می‌نماید. ماده ۷۱ - هیات اجرای موظف است پس از اتمام مهلت رسیدگی به شکایت، بلافاصله با توجه به شکایات دریافتی و بررسی کلی چگونگی برگزاری انتخابات، نظریه خود را در مورد چگونگی برگزاری و پیشنهاد تایید یا ابطال انتخابات حوزه انتخابیه را طی صورتجلسه‌ای به هیات نظارت شهرستان اعلام نماید. تبصره ۱ - چنانچه بررسی شکایات منجر به ابطال آرای شعبه یا شعبی از حوزه انتخابیه شود که در سرنوشت انتخابات موثر باشد، هیات اجرای شهرستان موظف است آرای باطل شده را در نتایج قبلی دخالت داده و نتیجه جدید به دست آمده از آن را در صورتجلسه مذکور منظور نماید. تبصره ۲ - پیشنهاد ابطال کل انتخابات یا آرای شعبه یا تعدادی از شعب می‌یابد مستند و براساس مواد قانون باشد. ماده ۷۲ - هیات نظارت شهرستان موظف است حداکثر ظرف پنج روز پس از وصول نظریه و پیشنهاد هیات اجرای شهرستان، در خصوص برگزاری انتخابات، به شرح زیر اقدام نماید: الف - چنانچه نظر بر تایید صحت برگزاری انتخابات داشته باشد مراتب را صورت جلسه و یک نسخه آن را برای اقدام بعدی به فرمانداری و یک نسخه را برای اطلاع، به هیات نظارت استان ارسال می‌نماید. ب - چنانچه نظر بر ابطال کل انتخابات حوزه انتخابیه و یا ابطال یک یا چند شعبه که در سرنوشت انتخابات موثر است، داشته باشد، پیشنهاد ابطال را طی صورت جلسه‌ای همراه با دلایل و مدارک مستند برای اخذ تصمیم و اقدام بعدی به هیات نظارت استان و یک نسخه را برای اطلاع، به فرمانداری ارسال می‌نماید. تبصره - از این مرحله به بعد با توجه به دو وضعیت (الف و ب)، اقدامات در دو

مسیر جداگانه ولی به صورت موازی و هم زمان ادامه خواهد یافت ماده ۷۳- اقدامات مربوط به وضعیت (الف) ۱- فرماندار موظف است پس از وصول صورت جلسه هیات نظارت شهرستان مبنی بر تایید صحت برگزاری انتخابات، مراتب را از طریق انتشار آگهی، به آگاهی اهالی حوزه انتخابیه برساند و یک نسخه از آگهی منتشر شده را برای هیات نظارت استان ارسال نماید. ۲- به استناد ماده (۵۶) قانون چنانچه کسی به تایید صحت برگزاری انتخابات معترض باشد حداکثر ظرف مدت دو روز از انتشار آگهی می‌تواند شکایت خود را به هیات نظارت استان اعلام نماید. ۳- هیات نظارت استان موظف است حداکثر ظرف (۱۵) روز از وصول شکایت معترضان، براساس ماده (۵۶) و با رعایت ماده (۵۸) قانون نتیجه قطعی و نهایی انتخابات حوزه انتخابیه را به فرماندار مربوط اعلام نماید. چنانچه در پایان مهلت دریافت شکایات، هیات نظارت استان شکایتی دریافت نکرد موظف است بلافاصله مراتب عدم وصول شکایت را هم برای اقدام بعدی به فرماندار اعلام نماید. ۴- فرماندار موظف است نظر قطعی و نهایی هیات نظارت استان در خصوص تایید یا عدم تایید صحت برگزاری انتخابات را از طریق انتشار آگهی، به آگاهی اهالی حوزه انتخابیه برساند. ماده ۷۴- اقدامات مربوط به وضعیت (ب) ۱- هیات نظارت استان موظف است حداکثر ظرف پنج روز از وصول صورت جلسه هیات نظارت شهرستان مبنی بر پیشنهاد ابطال کل انتخابات و یا ابطال یک یا چند شعبه موثر در سرنوشت انتخابات، موضوع را بررسی و نتیجه را صورت جلسه نماید. چنانچه نتیجه بررسیها حاکی از تایید صحت برگزاری انتخابات با همان نتیجه اعلام شده قبلی باشد، مراتب را بلافاصله از طریق هیات نظارت شهرستان به فرماندار اعلام می‌نماید. در غیر این صورت چنانچه نظر بر ابطال و یا تغییر سرنوشت انتخابات باشد، صورت جلسه تنظیمی را به منظور اظهار نظر نهایی به هیات مرکزی نظارت ارسال می‌دارد. ۲- فرماندار موظف است پس از وصول نظریه هیات نظارت استان مبنی بر تایید صحت برگزاری انتخابات که نتیجه قطعی و نهایی انتخابات محسوب می‌شود، مراتب را از طریق انتشار آگهی به آگاهی اهالی حوزه انتخابیه برساند. ۳- هیات مرکزی نظارت حداکثر ظرف پنج روز از وصول نظریه هیات نظارت استان در خصوص ابطال انتخابات و یا تغییر سرنوشت آن، نظر قطعی و نهایی خود را طی صورت جلسه‌ای به هیات نظارت استان اعلام می‌نماید. ۴- هیات نظارت استان موظف است بلافاصله پس از وصول صورت جلسه نظریه هیات مرکزی نظارت، مراتب را از طریق هیات نظارت شهرستان به فرماندار اعلام نماید. ۵- فرماندار موظف است پس از وصول صورت جلسه نظریه هیات مرکزی نظارت، نتیجه قطعی و نهایی انتخابات را از طریق انتشار آگهی، به آگاهی اهالی حوزه انتخابیه برساند. ماده ۷۵- هیات نظارت شهرستان و استان موظفند در کلیه اقدامات خود همواره ماده (۵۹) قانون را در نظر داشته باشند و آن را رعایت نمایند. ماده ۷۶- فرماندار موظف است پس از انتشار آگهی نتیجه قطعی و نهایی انتخابات حوزه‌های انتخابیه، یک نسخه از هر یک از این آگهی‌ها را به ستاد انتخابات استان و یک نسخه را نیز به ستاد انتخابات کشور ارسال نماید.

فصل هشتم صدور کارت عضویت اعضا و امحای اوراق انتخاباتی (ماده ۷۷ تا ۷۹)

ماده ۷۷- کارت عضویت اعضای شوراها با امضای فرماندار و مهر فرمانداری صادر می‌شود. تبصره- کارت عضویت فقط برای اعضای اصلی شورا صادر می‌شود. ماده ۷۸- فرماندار موظف است پس از وصول دستور امحای آرا و اوراق انتخابات شوراها از ستاد انتخابات کشور، حتی الامکان با حضور اعضای هیات‌های اجرای و نظارت، نسبت به امحای اوراق تعرفه و برگهای رای مصرف شده حوزه انتخابیه و نظارت، نسبت به امحای اوراق تعرفه و برگهای رای مصرف شده حوزه انتخابیه در صورتی که کارت عضویت اعضای آن صادر شده باشد به نحو مقتضی اقدام و مراتب را صورت جلسه و نتیجه را به ستاد انتخابات کشور و ستاد انتخابات استانداری اعلام نماید. ماده ۷۹- دستور العمل اجرای و فرمهای مربوط به این آیین نامه پس از تصویب وزیر کشور قابل اجرا می‌باشد. این متن جانشین تصویب نامه شماره ۱۲۱۱۴۴/ت ۱۷۱۷۹ ه مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۱۲ می‌شود و از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا است معاون اول

رییس جمهور - محمدرضا عارف

آیین‌نامه اجرایی تشکیلات، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی بخش - مصوب ۱۱/۱/۱۳۷۸ هیات وزی

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۱/۱/۱۳۷۸ بنا به پیشنهاد وزارت کشور و به استناد ماده ۹۴ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱/۳/۱۳۷۵ آیین‌نامه اجرایی تشکیلات، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی بخش را به شرح زیر تصویب نمود: ماده ۱- در این آیین‌نامه برای رعایت اختصار به جای عبارت (قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱/۳/۱۳۷۵) عبارت (قانون شوراهای اسلامی کشور) و بجای عناوین (شوراهای اسلامی بخش) و (حوزه انتخابیه شورای اسلامی بخش) به ترتیب کلمه‌های (شورا) و (بخش) استفاده می‌شود. ماده ۲- اعضای شورا موظفند ظرف مدت یک هفته پس از انتخابات از سوی اعضای شورای اسلامی روستای متبوع خود در تاریخی که بخشدار به طور کتبی اعلام می‌نماید به ریاست مسن‌ترین عضو و باحضور حداقل دو سوم نمایندگان منتخب شوراهای اسلامی روستایی و بخشدار تشکیل جلسه دهند و از بین خود هیات ریسه شورا را انتخاب نمایند. ماده ۳- سمت اعضا در شورا عبارت از رییس، نایب رییس و حداقل یک منشی می‌باشد که برای مدت دو سال از سوی اعضا انتخاب می‌شوند. ماده ۴- سلب عضویت هر عضو شورای اسلامی بخش از شورای اسلامی روستای ذی ربط، باعث سلب عضویت او از شورای اسلامی بخش نیز خواهد شد. ماده ۵- فرد یا افرادی که از عضویت شورا خارج می‌شوند، موظفند حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از قطعیت خروج از شورا، کارت عضویت خود را تحویل بخشداری ذی ربط نمایند و رسید دریافت دارند. ماده ۶- مهر شورا حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از شروع به کار رسمی شورا، توسط بخشدار تحویل رییس شورا می‌شود. ماده ۷- اعضای شورا، حق تفویض اختیارات خود به سایرین، اعم از عضو و غیرعضو راندارند. ماده ۸- رییس شورا مانند سایر اعضا دارای یک حق رای می‌باشد و وظایف او عبارت است از مسئولیت امور اداری و مالی شورا، تنظیم بودجه، تعیین زمان و اداره جلسات عادی، فوق العاده شورا و در صورت لزوم دعوت از اعضا جهت شرکت در جلسات، تقسیم کار بین اعضا برای پیگیری مصوبات، دفاع از حقوق و منافع شورا در مقابل غیر و اقامه دعوی، درخواست گزارش کار از اعضا، امضا و مهر کردن اسناد و مکاتبات شورا، ایجاد هماهنگی با شوراهای اسلامی روستایی حوزه بخش و ارتباط بین شورا با دهداری، بخشداری و سایر دستگاههای اجرایی می‌باشد. تبصره- در صورت عدم حضور رییس شورا، وظایف او را نایب رییس انجام می‌دهد. ماده ۹- وظایف منشی و یا منشیان شورا عبارت از تهیه و تدوین صورت جلسات، تهیه متن نامه‌ها، ثبت و شماره گذاری آنها، تهیه گزارش از عملکرد شورا و حفظ و نگهداری دفاتر و صورت جلسات در محل شورا، انجام امور خزانه داری شورا از قبیل مسئولیت حسابداری شورا، همکاری با رییس شورا در تنظیم بودجه و اصلاح یا متمم آن، تنظیم صورت‌های مالی شورا، ثبت و ضبط فهرست کلیه اموال و دارایی‌های شورا، حسابرسی اولیه از فعالیت‌های مالی شورا از قبیل درآمدها، هزینه‌ها و موجودی در پایان هر سال مالی بر طبق فرم‌های دریافتی می‌باشد. تبصره- در صورت غیبت منشی یا منشیان شورا، وظایف آنان از سوی نایب رییس شورا انجام می‌شود. ماده ۱۰- جلسات شورا با حضور حداقل ۴ عضو تشکیل می‌شود و تصمیمات آن حداقل با ۳ رای موافق، معتبر می‌باشد. ماده ۱۱- تشکیل جلسات و همچنین حفظ و نگهداری دفاتر، اسناد و مدارک و اموال شورا باید در مکان ثابت و مناسب و با هماهنگی شورای بخش تعیین شود. ماده ۱۲- جلسات شورا به طور مستمر ماهی دوبار تشکیل می‌شود و در صورت نیاز، جلسات فوق العاده و اضطراری شورا با پیشنهاد فرماندار، بخشدار، رییس شورا و یا سه نفر از اعضا، تشکیل می‌گردد. ماده ۱۳- هرگاه شورا اطلاع و یا نظر خواهی از شوراهای اسلامی روستایی را در زمینه موضوع یا موضوعاتی ضروری تشخیص دهد می‌تواند اقدام به تشکیل جلسه عمومی نماید. ماده ۱۴- شورا با رعایت مصالح نظام و تایید بخشداری ذی ربط می‌تواند فعالیت‌های سالانه و همچنین برنامه‌های آتی شورا

که جنبه عمومی دارد با وسایل ممکن به اطلاع اهالی روستاها برساند. ماده ۱۵ - موضوع یا موضوعات مختلف قابل طرح در شورا با تشخیص رییس، درخواست هریک از اعضا و یا تقاضای کتبی فرماندار و یا بخشدار ذی‌ربط و یا سایر دستگاههای دولتی وظیفه مند در بخش و روستا در دستور کار شورا قرار می‌گیرد. ماده ۱۶ - صورتجلسات شورا باید به گونه‌ای تنظیم شود که در آن تاریخ و دستور کار هر جلسه، اسامی اعضای حاضر و غایب، آرای مثبت و منفی اعضا به هر یک از موضوعات مورد بحث، اسامی مدعوین و حاضرین به همراه ریوس مطالب مطروحه در جلسه و تمامی مصوبات آمده باشد. تبصره ۱ - کلیه اعضای حاضر شورا باید ذیل صورتجلسات شورا را امضا و یا مهر نمایند. تبصره ۲ - مدعوین حاضر، در صورت تشخیص شورا می‌توانند ذیل صورتجلسات را امضا، انگشت و یا مهر نمایند. ماده ۱۷ - شورا موظف است در پایان هر جلسه نسخه‌ای از کلیه مصوبات خود در آن جلسه و در صورت نیاز به پیوست سوابق و مطالب مفید دیگر را، جهت اطلاع بخشداری ذی‌ربط ارسال دارد. نسخه‌ای از مصوبات که مربوط به دستگاه‌های دیگر است را به آن دستگاه ارسال نماید. ماده ۱۸ - شورا موظف است در پایان نیمه دوم فروردین هر سال گزارش کار سالانه خود را طبق فرم‌های دریافتی در دو نسخه تنظیم و نسخه اصلی را جهت اطلاع بخشداری محل و نسخه دوم را به‌عنوان سابقه در بایگانی شورا ثبت و نگهداری نماید. ماده ۱۹ - تمامی مکاتبات شوراها باید طبق فرم‌های دریافتی دارای تاریخ، شماره ثبت در دفترشورا، نام کل گیرنده و موضوع نامه باشد و حداقل در سه نسخه تنظیم شود و نسخه اول برای اداره یاسازمان مورد نظر و نسخه دوم جهت بخشداری محل ارسال و نسخه سوم به عنوان سابقه در بایگانی شورا نگهداری شود. ماده ۲۰ - تمامی مکاتبات شورا باید در سربرگ رسمی و مههور به مهر شورا و امضای رییس و در صورت غیبت او نایب رییس شورا باشد. ماده ۲۱ - شورای می‌تواند با مسئولین اجرایی تا سطح شهرستان مستقیماً مکاتبه نماید و در صورت نیاز به مکاتبه با مسئولین بالاتر از طریق فرمانداری محل اقدام نماید. ماده ۲۲ - شورا باید دارای دفاتر مجزایی جهت ثبت صورتجلسات و حضور و غیاب اعضا در جلسات و نامه‌های دریافتی و ارسالی، طبق دستورالعمل‌های مربوطه باشد. ماده ۲۳ - مصوبات شورا پس از ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اجرا است مگر آنکه در ظرف مدت مزبور مسئولان اجرایی مربوط به مصوبات اعتراض نمایند که در این صورت با رعایت ماده ۸۰ قانون شوراها اسلامی کشور عمل خواهد شد. نظر هیات حل اختلاف استان مبنی بر تایید یا رد مصوبه قطعی لازم‌الاجرا است چنانچه هیات حل اختلاف استان ظرف ۱۵ روز نظر خود را اعلام نماید، مصوبه لازم‌الاجرا می‌گردد. ماده ۲۴ - در صورت نیاز به حضور بخشدار و یا دهداران مربوطه در جلسات، شورا می‌تواند طی دعوتنامه کتبی و یا تعیین زمان و دستور کار جلسه از او جهت شرکت در جلسه، دعوت به عمل آورد و بخشدار و یا هر یک از دهداران موظف به شرکت در جلسه مزبور می‌باشند. تبصره - در صورت خودداری بخشدار و هر یک از دهداران از شرکت در جلسه، بدون عذر موجه، شورا می‌تواند طی درخواست کتبی از مقام بالاتر تقاضای تذکر به بخشدار و یا دهدار را بنماید و در صورت تکرار مجدد درخواست توبیخ وی را از مقام ذی‌ربط بنماید. ماده ۲۵ - در صورت درخواست کتبی فرماندار و یا بخشدار ذی‌ربط از شورا، مبنی بر برای تشکیل جلسه، شامل زمان، دستور کار و ضرورت تشکیل جلسه، شورا موظف به برگزاری جلسه فوق‌العاده می‌باشد. ماده ۲۶ - شورا در صورت نیاز و با مسئولیت خود می‌تواند به منظور مشورت در زمینه موضوع یا موضوعاتی که در دستور کار خود قرار داده است، از نماینده دستگاههای دولتی ذی‌ربط و یا شخص و یا اشخاص غیر عضو دعوت به همکاری نماید. ماده ۲۷ - شورا می‌تواند در ارتباط با وظایف خود، اطلاعات مورد نیاز را از دستگاهها، ادارات و سازمان‌های دولتی، درخواست نماید و آن ادارات و سازمان‌ها موظف به همکاری می‌باشند. ماده ۲۸ - شورا موظف است یک ماه قبل از انقضای مدت قانونی خود، صورتی از کلیه فعالیت‌ها، طرحها و برنامه‌هایی که در طول دوره فعالیت قانونی به اجرا گذارده است و یا در دست‌انگاره دارد در دو نسخه تهیه و نسخه اول را برای بخشداری ذی‌ربط ارسال و نسخه آخر را برای ثبت در سوابق شورا نگهداری نماید. ماده ۲۹ - در صورتی که هر یک از اعضا، بنا به دلایلی از عضویت شورا خارج شود، شورا موظف است در اولین جلسه پس از قطعیت یافتن خروج آن عضو، مراتب را کتبا به بخشداری محل گزارش دهد تا

بخشداری از اعضای علی‌البدل با احتساب آرا آنان دعوت به شرکت در جلسات و طی مراحل مورد نیاز مانند صدور کارت شناسایی و اطلاع از سمت عضو جدید در شورا بنماید. تبصره - در صورتی که عضو خارج شده از شورا رییس و یا نایب رییس آن باشد، شورا باید در جلسه‌ای با هماهنگی بخشدار و با حضور وی، رییس یا نایب رییس را برای مدت باقی مانده هیات رییس انتخاب نماید. ماده ۳۰ - هرگاه عضوی بیش از ۶ جلسه متوالی و دوازده جلسه غیرمتوالی در طول یک سال بدون داشتن عذر موجه (به تشخیص شورا) در جلسات شورا شرکت نکند موضوع برای سلب عضویت وی به هیات حل اختلاف استان، موضوع ماده ۸۲ قانون ارجاع می‌شود. ماده ۳۱ - هرگونه فعالیت مالی توسط شورا و برداشت از حساب‌های آن باید قبلاً به تصویب شورا رسیده باشد. ماده ۳۲ - شورا می‌تواند در صورت تمایل اهالی و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی و موسسات دولتی و غیردولتی به پرداخت کمک بلاعوض، برای اجرای برنامه‌ها و طرح‌های شورا، این کمک را از طریق واریز به حساب‌های افتتاح یافته، دریافت نماید. تبصره - کمک‌های غیرنقدی می‌باید از سوی اهالی به حساب‌های تعیین شده واریز و کمک‌های غیرنقدی در زمره اموال در اختیار شورا و یا سایر مصارف منظور شده در بدو دریافت ثبت شود. ماده ۳۳ - تمامی درآمدهای شورا، اعم از کمک‌های بلاعوض مردم، عوارض دریافتی از اهالی، در صورت تخصیص کمک‌های دولتی برای اجرای برنامه‌های عمرانی و سایر ردیف‌های دریافتی، باید بر طبق برنامه‌هایی که قبلاً به صورت بودجه سالانه و در قالب طرح‌های عمرانی و یا مصارف جاری به تصویب شورا رسیده است و با رعایت قوانین و مقررات مربوط به مصرف عمران و آبادانی روستاهای بخش برسد. تبصره - در صورت نیاز به اجرای برنامه جدید در طی ایام سال و پس از تصویب بودجه سالانه، شورا می‌تواند به صورت الحاق به بودجه سالانه، آن برنامه را تنظیم و اجرا نماید. ماده ۳۴ - شورا موظف است به منظور حفظ و نگهداری کلیه وجوه دریافتی و درآمدهایی که در طول هر دوره فعالیت قانونی تحصیل می‌نماید، حسابی را در نزد یکی از شعب بانک‌های کشور در مرکز بخش به نام شورا افتتاح نماید و تمامی وجوه نقد را به محض وصول به آن حساب واریز نماید. ماده ۳۵ - هرگونه برداشت از حساب موجودی و اعتبارات شورا، باید در قالب بودجه سالانه و طرح‌ها و مخارجی که قبلاً به تصویب شورا رسیده است و با امضای رییس و منشی شورا و مهر شورا صورت گیرد. ماده ۳۶ - شورا مکلف است کلیه فعالیت‌های مالی خود اعم از درآمد، مخارج و مانده حساب‌ها را به طور نوبه‌ای و بر طبق فرم‌های دریافتی به اطلاع بخشداری و شوراهای اسلامی روستاهای مربوطه برساند. ماده ۳۷ - شورا باید در پایان هر سال مالی، ترازنامه مالی خود را طبق فرم‌های ارسالی از وزارت کشور جهت اطلاع عموم اهالی به طریق ممکن انتشار دهد. ماده ۳۸ - شورا موظف است در پایان هر سال شمسی و با توجه به برنامه‌های چهارده ساله دوره خود و برآورد عواید و درآمدهای سال آتی، بودجه جاری و عمرانی شورا برای سال آینده را در دو نسخه تنظیم نماید و پانزدهم اسفند همان سال نسخه اصلی را برای بخشداری و رونوشت آن را برای شوراهای اسلامی و روستاهای مربوطه ارسال و نسخه دوم را به عنوان سابقه در دفاتر شورابایگانی نماید. تبصره - بخشدار مربوطه می‌تواند نظرات اصلاحی و تکمیلی خود را حداکثر تا یک هفته پس از دریافت به شورا اعلام نماید، تا در صورت تجدیدنظر، آن را در شورا مطرح و پس از تصویب به صورت متمم بودجه در متن آن بگنجانند. ماده ۳۹ - تمامی اموال شورا، اعم از منقول و غیرمنقول، تحویل شورا می‌باشد و اعضای شورادر مقابل حفظ و نگهداری آن مسئول می‌باشند. ماده ۴۰ - خرید یا فروش کلیه اموال منقول، غیرمنقول، اجاره مکان‌های لازم برای شورا و یا کرایه دادن اماکن متعلق به شورا، با تصویب دو سوم کل اعضا و رعایت ضوابط قانونی قابل اجرامی باشد. تبصره - عواید حاصل از فروش و اجاره دارایی‌های شورا باید از طریق حساب بانکی شورا صورت گیرد. ماده ۴۱ - آن دسته از کارکنان دولت یا موسسات عمومی غیردولتی که به عضویت شورا درآمده و به خدمت تمام وقت یا پاره وقت آنان نیاز باشد، می‌توانند به عنوان مامور به خدمت در شوراها انجام وظیفه نمایند. مدت عضویت جزو سنوات خدمتی آنان محسوب می‌شود و حقوق مزایای آنان برابر آخرین حکم استخدامی (یا برابر آنچه که شورا در بودجه مصوب خود مقرر می‌نماید) از بودجه شورا پرداخت می‌شود. دستگاه‌های اجرایی موظفند حسب درخواست استنادار ذی‌ربط نسبت به

صدور حکم مأموریت تمام وقت یا پاره وقت اعضای شورا اقدام نمایند. دستورالعمل نحوه صدور حکم مأموریت پاره وقت اعضای شوراها توسط دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور ابلاغ خواهد شد. ماده ۴۲ - شورا باید در پایان دوره انتخابیه خود، صورت کاملی از کلیه اموال و دارایی‌های شوراتنظیم و در اولین روز شروع به کار رسمی دوره جدید، آن را به اعضای جدید طبق صورت مذکور تحویل نماید و نسخه‌ای از آن را برای بخشدار محل ارسال کند. ماده ۴۳ - به منظور اجرای مطلوب و هماهنگ قانون شوراها، وزارت کشور، مسئول آموزش‌های لازم برای اعضای شوراها و نیز مجریان این قانون بوده و نیز موظف است آیین نامه‌های اجرایی مورد نیاز را تهیه و پس از تصویب هیات وزیران برای اجرا ابلاغ نماید. معاون اول رییس جمهور - حسن حبیبی

آیین نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی روستا و بخش - مصوب ۱۶ آبان ۸۱

فصل اول کلیات (ماده ۱ تا ۱۹)

ماده ۱ - در این آیین نامه عنوان (قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران - مصوب ۱۳۷۵ -) به اختصار (قانون) نامیده می‌شود. ماده ۲ - مقصود از عبارت (شورا) در این آیین نامه، شوراهای اسلامی (روستا و بخش) می‌باشد. ماده ۳ - تاریخ شروع دوره هر شورا، موضوع ماده (۳) قانون، تاریخ تشکیل اولین جلسه رسمی همان شورا موضوع ماده (۱۶) قانون خواهد بود. تبصره - چنانچه به استناد ماده (۳۱) قانون، انتخابات میان دوره‌ای برگزار شود فعالیت شورای تشکیل شورای باقیمانده همان دوره خواهد بود. ماده ۴ - تعداد اعضای علی‌البدل شوراها، موضوع ماده (۸) قانون، به شرح زیر تعیین می‌شود: ۱ - شوراهای دارای ۳ نفر عضو اصلی، ۲ نفر. ۲ - شوراهای دارای ۵ نفر عضو اصلی، ۳ نفر. ماده ۵ - هر یک از روستاها و بخشهای موضوع ماده (۱۲) قانون به عنوان یک حوزه انتخابیه محسوب می‌شود. ماده ۶ - در صورتی که انتخابات چند حوزه انتخابیه موضوع ماده (۵) این آیین نامه به طور همزمان برگزار شود، به منظور حفظ استقلال انتخابات هر حوزه، کلیه اقدامات از قبیل صدور آگهی‌ها و تنظیم صورتجلسه‌ها برای هر یک از حوزه‌ها به صورت مستقل انجام و سوابق انتخاباتی هر حوزه جداگانه نگهداری می‌شود. ماده ۷ - اخذ رای در یکی از روزهای تعطیل رسمی انجام خواهد شد و مدت زمان آن حداقل هشت ساعت خواهد بود. تبصره - مدت زمان اخذ رای با تصویب و موافقت مشترک هیات‌های اجرایی و نظارت بخش، قابل تمدید می‌باشد. ماده ۸ - بخشدار موظف است در اجرای ماده (۱۶) قانون، ظرف یک هفته پس از تایید نهایی صحت انتخابات و قطعی شدن نتیجه آن، از اعضای شورا دعوت نماید تا در اولین جلسه رسمی شورا که به ریاست مسن‌ترین عضو تشکیل می‌شود، نسبت به انتخاب هیات ریسه شورا اقدام نمایند. ماده ۹ - دهمدار در تمام مراحل برگزاری انتخابات زیر نظر بخشدار ممنوع و به عنوان نماینده رسمی وی مجری برنامه‌های انتخابات در حوزه مأموریت خود می‌باشد. ماده ۱۰ - در صورت اجرای ماده (۶۹) قانون مبنی بر خروج عضو یا اعضای از شورا، رییس یا نایب رییس شورا موظف است بلافاصله مراتب را به طور کتبی به اطلاع بخشدار برساند. ماده ۱۱ - بخشدار موظف است بلافاصله پس از وصول نامه شورا مبنی بر خروج اعضا از شورا، از اعضای علی‌البدل به ترتیب بیشترین رای برای جایگزینی اعضای خارج شده دعوت به عمل آورد و مراتب را به شورای مربوط اعلام نماید. ماده ۱۲ - در اجرای ماده (۱۴) و (۳۰) قانون و با رعایت تبصره ذیل آن، چنانچه فردی در انتخابات بیش از یک شورا ثبت نام نمود و یا احتمالاً عضویت یافت به دستور وزارت کشور نام و یاز لیست داوطلبی و یا عضویت شورا حذف می‌شود. این قبیل افراد از عضویت در کلیه شوراها به مدت چهار سال محروم خواهند بود. ماده ۱۳ - برای انتخاب اعضای علی‌البدل شوراها نیازی به برگ رای یا اخذ رای مجزا و

یامشخص نمودن اعضای علی‌البدل در برگ رای نیست ، بلکه در پایان رای‌گیری و قرائت و شمارش آرا ، دارندگان رای به ترتیب بیشترین رای به دست آمده و به تعداد موردنیاز به عضویت اصلی و یا علی‌البدل شوراها درمی‌آیند. بنابراین رای‌دهنده ، اسامی نامزدهای موردنظر خود را حداکثر به همان تعداد اعضای اصلی شورا در برگ رای درج می‌نماید. ماده ۱۴ - هیات اجرایی مسئول اجرای تبصره ذیل ماده (۱۷) قانون می‌باشد. تبصره - نامزدهای انتخاباتی ذینفع در صورت تمایل می‌توانند در جلسه قرعه‌کشی شرکت نمایند. تاریخ و محل قرعه‌کشی باید حداقل (۲۴) ساعت قبل توسط بخشدار به منتخبین ذیربط ابلاغ شود. ماده ۱۵ - سرپرست بخشدار به جای بخشداری خواهد بود. ماده ۱۶ - در اجرای ماده (۴۱) قانون ، نیروی انتظامی در کلیه مراحل مکلف به همکاری بامجریان انتخابات است و حسب درخواست استاندار ، فرماندار و بخشدار موظف است مأمورین وامکانات خود را در اختیار آنان قرار دهد. ماده ۱۷ - در صورت توقف ، ابطال و یا انحلال شورا توسط مراجع قانونی مذکور در مواد (۵۷) ، (۸۱) و (۸۴) قانون ، مراجع مذکور موظفند بلافاصله مراتب توقف ، ابطال و یا انحلال شورا را به بخشدار مربوط اعلام نمایند. شروع مهلت (۲) ماهه برای تجدید انتخابات ، از زمان وصول اعلام توقف ، ابطال و یا انحلال خواهد بود. ماده ۱۸ - بخشدار موظف است به محض اطلاع از توقف ، ابطال و یا انحلال شورا ، مراتب را به وزارت کشور اعلام نماید. ماده ۱۹ - مجلس شورای اسلامی پیش از شروع انتخابات به استناد ماده (۵۳) قانون ، اعضای هیات مرکزی نظارت بر انتخابات را با ذکر سمت ایشان در هیات ، به وزارت کشور معرفی می‌نماید.

فصل دوم هیات اجرایی (ماده ۲۰ تا ۳۶)

ماده ۲۰ - بخشدار موظف است پس از وصول دستور شروع انتخابات ، براساس ماده (۳۳) قانون به منظور تشکیل هیات اجرایی بخش از سایر اعضای اداری هیات دعوت به عمل آورد. ماده ۲۱ - بخشدار موظف است در اجرای تبصره ذیل ماده (۳۳) قانون ، به منظور تعیین معتمدین اصلی و علی‌البدل عضو هیات اجرایی بخش ، (۲۵) نفر از معتمدان اقشار مردم را انتخاب و به منظور تایید ، به طور کتبی به هیات نظارت بخش معرفی نماید. ماده ۲۲ - هیات نظارت بخش موظف است حداکثر ظرف (۲) روز پس از وصول اسامی (۲۵) نفر معتمدان از بخشدار ، اظهار نظر کتبی خود را همراه با دلایل یا مدارک لازم به بخشدار اعلام نماید. تبصره - چنانچه هیات نظارت بخش ، معتمدان پیشنهادی بخشدار را تایید ننماید ، بخشدار موظف است به همان تعداد معتمدان دیگری را به هیات نظارت معرفی نماید. ماده ۲۳ - بخشدار موظف است پس از وصول نظریه کتبی هیات نظارت بخش ، بلافاصله از (۲۵) نفر معتمدان به طور کتبی دعوت به عمل آورد. مدعویین حداکثر ظرف (۲) روز از تاریخ دعوت تشکیل جلسه می‌دهند و پس از حضور حداقل دو سوم آنان (۱۷ نفر از ۲۵ نفر) در حضور هیات نظارت و اعضای اداری هیات اجرایی ، از بین خود (۶) نفر را به عنوان معتمدان اصلی و (۶) نفر را به عنوان معتمدان علی‌البدل هیات اجرایی بخش با رای مخفی و اکثریت نسبی آرا انتخاب و مراتب را صورت جلسه می‌نمایند. ماده ۲۴ - بخشدار موظف است مراتب انتخاب معتمدین اصلی و علی‌البدل و تشکیل هیات اجرایی را از طریق سلسله مراتب اداری به ستاد انتخابات کشور اعلام نماید. ماده ۲۵ - مهلت تشکیل هیات اجرایی از زمان وصول دستور موضوع ماده حداکثر پنج روز می‌باشد. ماده ۲۶ - دو سوم اعضای هیات اجرایی برای رسمیت جلسات موضوع ماده (۳۶) قانون و تبصره (۱) ذیل آن ، (۷) نفر می‌باشد. ماده ۲۷ - روسای هیات‌های اجرایی و نظارت موظفند با هماهنگی لازم ، فردی را که به طور همزمان در بیش از یک هیات ، اعم از اجرایی یا نظارت عضویت دارد ، در یک هیات ابقا و از سایر هیات‌ها حذف نمایند. ماده ۲۸ - هیات اجرایی موظف است در اجرای مواد (۶۲) و (۶۵) قانون ، یک نسخه از کلیه صورت جلسه‌ها و آگهی‌های خود را به هیات نظارت بخش تحویل نماید. ماده ۲۹ - هیات اجرایی موظف است در اجرای ماده (۳۹) قانون ، تشکیل جلسه می‌دهد و تعداد و محل شعب ثبت نام و اخذ رای

حوزه انتخابیه را تعیین و پس از تنظیم صورت جلسه ، یک نسخه آن را به بخشدار تسلیم می نماید. ماده ۳۰ - بخشدار موظف است براساس صورت جلسه دریافتی از هیات اجرایی ، آگهی انتخابات و مقررات جزایی و محل شعبه یا شعب ثبت نام و اخذ رای را تنظیم و در موعد مقرر برای اطلاع عموم در حوزه انتخابیه منتشر نماید. ماده ۳۱ - بخشدار موظف است در اجرای ماده (۴۰) قانون ، پس از وصول اسامی اعضای شعبه ثبت نام و اخذ رای نسبت به صدور احکام آنان اقدام نماید. ماده ۳۲ - بخشدار موظف است ترتیبی اتخاذ نماید که یک روز قبل از روز اخذ رای ، محل شعبه یا شعب ثبت نام و اخذ رای آماده شود. ماده ۳۳ - بخشدار موظف است برای هر یک از شعب ثبت نام و اخذ رای ، یک نفر نماینده که باید حتی الامکان از کارمندان دولت باشد ، از طرف خود تعیین و نسبت به صدور حکم آنان اقدام نماید و برای تحویل گرفتن صندوق و تعرفه و برگ رای و سایر وسایل و لوازم انتخاباتی با تعیین تاریخ و محل مراجعه ، از ایشان برای شرکت در جلسه توجیهی دعوت به عمل آورد. ماده ۳۴ - بخشدار موظف است پس از حضور نمایندگان خود در جلسه توجیهی ، توسط هیات اجرایی ، صندوق و تعرفه و برگ رای و سایر وسایل و لوازم انتخاباتی مورد نیاز را به آنان تحویل دهد و پس از توجیه برنامه ثبت نام و اخذ رای و قرایت آرا و سایر آموزشهای لازم ، ترتیبی اتخاذ نماید تا قبل از شروع اخذ رای در محل شعبه حاضر باشند. تبصره - نمایندگان بخشدار موظفند بلافاصله پس از حضور در محل شعبه ثبت نام و اخذ رای ، صندوق و تعرفه و برگهای رای و سایر وسایل و لوازم مورد نیاز را در اختیار اعضای شعبه قرارداد و آنان را نسبت به وظایف خود توجیه نمایند. مسئولیت حفظ و حراست از برگهای رای به منظور جلوگیری از خروج آنها از محل شعبه اخذ رای به عهده نماینده بخشدار می باشد. ماده ۳۵ - در صورت تعیین و معرفی کتبی ناظر برای هر یک از شعب ثبت نام و اخذ رای از طرف هیات نظارت بخش ، بخشدار موظف است نسبت به اعزام وی به نحوی که قبل از شروع اخذ رای در محل شعبه حضور داشته باشد ، اقدام نماید. ماده ۳۶ - بخشدار موظف است برای حفاظت شعب ثبت نام و اخذ رای با همکاری و هماهنگی نیروی انتظامی به تعداد لازم و حداکثر تا (۳) نفر از مأموران مذکور انتخاب و ضمن صدور ابلاغ نامبردگان ، آنان را به همراه نماینده خود و ناظر و اعضای شعبه ثبت نام و اخذ رای به محل اعزام نماید.

فصل سوم هیات های نظارت (ماده ۳۷ تا ۴۵)

ماده ۳۷ - در اجرای ماده (۵۳) قانون و به استناد ماده (۷۳) قانون اصلاح قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور - مصوب ۲۹/۴/۱۳۶۵ - به منظور نظارت بر امر انتخابات شوراهای اسلامی کشوری متشکل از (۳) نفر از اعضای کمیسیون شوراهای و امور داخلی و (۲) نفر از اعضای کمیسیون اصل (۹۰) به انتخاب مجلس شورای اسلامی تشکیل می شود. تبصره - در صورتی که به تعداد لازم از کمیسیونهای مذکور داوطلب نباشد ، مجلس از میان سایر نمایندگان داوطلب (۵) نفر را انتخاب می نماید. ماده ۳۸ - در اجرای ماده (۵۳) قانون و به استناد ماده (۷۴) قانون اصلاح قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور - مصوب ۲۹/۴/۱۳۶۵ - به منظور نظارت بر امر انتخابات شوراهای اسلامی کشوری در هر استان ، هیات نظارت استان مرکب از سه نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی آن استان به تعیین هیات مرکزی نظارت تشکیل می شود. هیات مرکزی نظارت پس از تعیین اعضای هیات نظارت استان ، اسامی آنان را به ستاد انتخابات استان مربوط و ستاد انتخابات کشور اعلام می نماید. تبصره - در هر استانی که تعداد نمایندگان آن از سه نفر کمتر باشد و یا به حد نصاب از آن استان داوطلب نباشد ، تعیین بقیه اعضا از بین نمایندگان استانهای مجاور با هیات مرکزی نظارت می باشد. ماده ۳۹ - ستاد انتخابات استان پس از وصول اسامی اعضای هیات نظارت استان ، اسامی نامبردگان را به فرمانداریهای تابع اعلام می نماید. ماده ۴۰ - هیات نظارت استان در هر شهرستان ، هیات نظارت شهرستان بر انتخابات شوراهای اسلامی کشوری را مرکب

از (۵) نفر از معتمدان محل تشکیل می‌دهد و اسامی آنان را به فرمانداری ذیربط و ستاد انتخابات استان اعلام می‌نماید. ماده ۴۱ - فرمانداری مکلف است پس از وصول اسامی اعضای هیات نظارت شهرستان ، اسامی نامبردگان را به بخشداریه‌های تابع اعلام نماید. ماده ۴۲ - هیات نظارت شهرستان برای هر بخش ، هیات نظارت بخش مرکب از سه نفر معتمد محلی برای نظارت بر انتخابات بخش تشکیل می‌دهد و اسامی آنان را به بخشدار مربوط و فرمانداری محل اعلام می‌نماید. ماده ۴۳ - هیات نظارت بخش می‌تواند برای شعبه ثبت نام و اخذ رای یک نفر ناظر تعیین و نامبرده را حداکثر تا یک روز مانده به روز اخذ رای به بخشدار معرفی نماید. ماده ۴۴ - شرکت اعضای هیات نظارت بخش در جلسات هیات اجرایی به منظور نظارت بر صحت برگزاری انتخابات می‌باشد و عدم حضور آنان در جلسات و یا خودداری از امضای صورت جلسات مانع از ادامه کار انتخابات نخواهد بود. ماده ۴۵ - هیات‌های نظارت در چهارچوب قانون و آیین نامه اجرایی تنها ناظر بر اجرای صحیح قانون می‌باشند و حق دخالت در امور اجرایی انتخابات را ندارند.

فصل چهارم اعلام داوطلبی ، بررسی سوابق و رسیدگی به صلاحیت داوطلبان (ماده ۴۶ تا ۶۱)

ماده ۴۶ - بخشدار موظف است بلافاصله پس از وصول دستور شروع انتخابات ، آگهی ثبت نام از داوطلبان ، حاوی تاریخ شروع و خاتمه ثبت نام ، محل ثبت نام ، شرایط انتخاب شوندگان و مدارک مورد نیاز شامل اصل شناسنامه عکس دار ، دو نسخه تصویر کلیه صفحه‌های شناسنامه و چهار قطعه عکس جدید ۴*۳ را منتشر نماید و ظرف مهلت مقرر از داوطلبان عضویت در شوراها ثبت نام به عمل آورد. ماده ۴۷ - بخشدار می‌تواند با صدور حکم کتبی مسئول یا مسئولانی از بین کارمندان بخشداریه را برای ثبت نام از داوطلبان عضویت در شوراها تعیین نماید. تبصره - بخشدار می‌تواند با صدور حکم کتبی ، دهمدار را نیز به عنوان مسئول ثبت نام تعیین نماید. ماده ۴۸ - داوطلبان عضویت در شوراها در مهلت مقرر با مراجعه به بخشداریه و ارائه مدارک مورد نیاز شخصا پرسشنامه اعلام داوطلبی را در حضور مسئول ثبت نام تکمیل می‌نمایند. مسئول ثبت نام پس از دریافت و تطبیق مشخصات سجلی داوطلب با اصل شناسنامه ، رسید مدارک و پرسشنامه را به وی تسلیم می‌دارد. ماده ۴۹ - هیات اجرایی بلافاصله پس از تشکیل ، مقدمات رسیدگی به صلاحیت داوطلبان رافراهم می‌نماید. ماده ۵۰ - بخشدار موظف است در اجرای تبصره (۱) ذیل ماده (۴۶) قانون ، در پایان هر روز اسامی و مشخصات کلیه داوطلبانی را که توسط هیات اجرایی مظنون تشخیص داده شده‌اند به منظور بررسی سوابق حسب مورد به مراجع ذیربط در شهرستان از قبیل اداره اطلاعات ، نیروی انتظامی ، دادگستری و ثبت احوال ارسال نماید. ماده ۵۱ - مراجع مذکور در ماده (۴۶) قانون موظفند در اجرای تبصره (۲) ذیل همان ماده حداکثر ظرف مدت ده روز پس از وصول اسامی و مشخصات هریک از داوطلبان ، نتیجه بررسیهای انجام شده درخصوص سوابق آنان را به طور کتبی به بخشدار اعلام نمایند. تبصره ۱ - اظهارنظر و تصمیم گیری درخصوص تایید یا عدم تایید صلاحیت داوطلبان براساس قانون تنها از وظایف و اختیارات هیات‌های اجرایی با تایید هیات نظارت می‌باشد و دستگاههای یادشده در ماده (۴۶) قانون حق اظهارنظر در این مورد را ندارند و موظفند فقط سوابق داوطلبان را منعکس نمایند. تبصره ۲ - مراجع مذکور در ماده ۴۶ قانون موظفند کلیه اطلاعات و سوابق ذی ربط داوطلبان استعلام شده را طبق فرمی که در چارچوب قانون تنظیم و توسط رئیس هیات اجرایی در اختیار آنها قرار خواهد گرفت ، به هیات اجرایی اعلام نمایند. ماده ۵۲ - بخشدار موظف است به محض وصول اطلاعات لازم درباره سوابق هریک از داوطلبان ، جلسات هیات اجرایی را تشکیل دهد و حداکثر ظرف مدت هفت روز پس از وصول سوابق هریک از داوطلبان با رعایت کامل متن ماده (۴۹) قانون ، به صلاحیت آنان رسیدگی و نتیجه را صورت جلسه نماید و بلافاصله یک نسخه از هریک از صورت جلسه تنظیمی را به هیات نظارت بخش ارسال نماید. تبصره - مهلت رسیدگی به صلاحیت آن دسته از داوطلبان عضویت در شورای اسلامی روستا که در مظان اتهام قرار نداشته‌اند و سوابق آنان از مراجع مذکور در ماده (۴۶) قانون استعلام نشده‌است نیز حداکثر

هفت روز پس از پایان مهلت (۱۰) روزه مراجع یاد شده می‌باشد. ماده ۵۳ - هیات نظارت بخش پس از وصول جلسات رسیدگی به صلاحیت داوطلبان ، به استناد ماده (۴۸) قانون موظف است حداکثر ظرف مدت (۷) روز از وصول هریک از صورت‌جلسات ، نظریه خود مبنی بر تایید یا رد صلاحیت داوطلبان ، به‌طور کتبی و با ذکر دلایل قانونی و مدارک لازم به بخشدار اعلام نماید. ماده ۵۴ - بخشدار موظف است پس از وصول نظریه هیات نظارت بخش مبنی بر تایید یا رد تصمیمات هیات اجرایی بخش درخصوص بررسی صلاحیت داوطلبان و همچنین با رعایت قسمت اخیر ماده (۴۸) قانون ، مبنی بر ملا-ک عمل بودن نظر هیات اجرایی پس از پایان مهلت تعیین شده برای هیات نظارت ، بلافاصله مراتب تایید یا رد صلاحیت هریک از داوطلبان را به‌طور کتبی به داوطلب تایید شده یا رد شده ذریبط ابلاغ نماید. ماده ۵۵ - هیات نظارت شهرستان موظف است ظرف مهلت مقرر در تبصره (۳) ماده (۵۰) قانون ، نظر خود درخصوص تایید یا رد صلاحیت آن دسته از داوطلبانی که صلاحیتشان در هیات‌اجرایی رد شده و شاکی بوده‌اند را با تنظیم صورت‌جلسه به ضمیمه نامه رسمی به منظور ارسال به بخشداری مربوط ، به ستاد انتخابات فرمانداری تسلیم نماید. تبصره - چنانچه در مهلت مقرر هیچ‌گونه شکایتی از حوزه انتخابیه واصل نشد ، مراتب صورت‌جلسه و به همان نحو عمل خواهد شد. ماده ۵۶ - ستاد انتخابات فرمانداری موظف است پس از وصول صورت‌جلسه رسیدگی به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده ، از هیات نظارت شهرستان ، بلافاصله مراتب را به بخشداری مربوط اعلام نماید. ماده ۵۷ - بخشدار موظف است پس از وصول نظریه هیات نظارت شهرستان ، آگهی اسامی نامزدهای انتخاباتی را حداکثر ظرف سه روز تهیه و هشت روز قبل از روز اخذ رای به منظور اطلاع‌آهالی حوزه انتخابیه ، در حوزه مذکور منتشر نماید. ماده ۵۸ - در اجرای ماده (۲۴) قانون ، نامزدهای انتخاباتی در صورت تمایل به داشتن نماینده درمحل شعبه ثبت‌نام و اخذ رای موظفند حداکثر تا سه روز قبل از روز اخذ رای اسامی و مشخصات و یک قطعه عکس نمایندگان خود را به هیات اجرایی تسلیم نمایند. ماده ۵۹ - هیات اجرایی موظف است برای نمایندگان نامزدهای انتخاباتی معرفی‌نامه و یا کارت شناسایی صادر و به نامزد ذریبط تحویل نماید. ماده ۶۰ - شکایات و اعتراضات نمایندگان نامزدهای انتخاباتی از طریق نامزدهای مربوط جمع‌آوری و با امضای وی به هیات‌های اجرایی و نظارت بخش تسلیم خواهد شد. ماده ۶۱ - تدارکات و تامین احتیاجات مورد تقاضای هریک از نمایندگان نامزدها به عهده معرفی کننده خواهد بود.

فصل پنجم تبلیغات (ماده ۶۲ تا ۶۷)

ماده ۶۲ - مدت فعالیت تبلیغات انتخاباتی برای کلیه نامزدها یکسان است و (۸) روز قبل از روز اخذ رای آغاز می‌گردد و تا (۲۴) ساعت قبل از روز اخذ رای ادامه خواهد داشت ماده ۶۳ - در فعالیتهای تبلیغات انتخاباتی ، انجام امور ذیل ممنوع است و مرتکبین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند. ۱ - نوشتن و یا ارایه مطالب خلاف واقع ۲ - استفاده از هرگونه پلاکارد (جز در محل ستاد انتخاباتی) ، دیوارنویسی ، کاروانهای تبلیغاتی و استفاده از بلندگوهای سیار در خارج از محیط سخنرانی و امثال اینها به استثنای عکس در دو فرم و جزوه و تراکت با عکس و سخنرانی و پرسش و پاسخ از طرف نامزدهای انتخاباتی و طرفداران آنها. ۳ - استفاده از عکس با لباس فرم نیروهای نظامی و انتظامی ۴ - الصاق هرگونه عکس ، آگهی و آثار تبلیغاتی بر روی علائم راهنمایی و رانندگی ، تابلوی بیمارستانها ، مکانها و موسسات آموزشی و تابلوهای نصب شده در معابر عمومی توسط بخش دولتی و وابسته به دولت ، تابلوها و املاک بخش خصوصی ، مگر با رضایت مالکین یا متصرفین ، صندوقهای پست ، بانه‌های تلفن ، پستهای برق و تلفن و هرگونه تابلوی راهنما. ۵ - تبلیغ علیه نامزدها و هرگونه هتک حرمت و حیثیت آنان ۶ - پاره یا معدوم نمودن عکس و آثار تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی در مدت و زمان قانونی تبلیغات ، که در محل‌های مجاز الصاق شده و یا قرار گرفته است ۷ - انجام هرگونه فعالیت تبلیغاتی له یا علیه نامزدها از صدا و سیما ، میز خطابه نماز جمعه و تریبون مجلس شورای اسلامی و یا هر وسیله

دیگری که جنبه رسمی یا دولتی دارد و فعالیت کارمندان در ساعات اداری و همچنین استفاده از وسایل و سایر امکانات وزارتخانه‌ها و ادارات و شرکت‌های دولتی و موسسات وابسته به دولت و نهادها و موسساتی که از بودجه عمومی (به مقدار) استفاده می‌نمایند و موسسات و نهادهایی که دارایی آنان از اموال عمومی است و همچنین در اختیار گذاشتن وسایل و امکانات مذکور. ۸- فعالیت تبلیغاتی مجریان و ناظران انتخابات برای نامزدهای انتخاباتی قلمرو مسوولیت خود. تبصره ۱- درجات تحصیلی و سوابق خدمات و فعالیت‌های مورد ادعا در آثار تبلیغاتی باید مستند به مدارکی باشد که در صورت نیاز هیات اجرایی، ارایه آنها امکان‌پذیر باشد. تبصره ۲- استفاده از امکانات تبلیغی موسساتی که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می‌کنند ولی با رعایت ضوابط و انعقاد قرارداد و اخذ وجه از اشخاص حقیقی و حقوقی برای آنها کارهای تبلیغاتی انجام می‌دهند (مثل نشریات وابسته به دولت، در تبلیغات انتخاباتی بلامانع است ماده ۶۴- در صورتی که مطبوعات و نشریات آگهی یا مطالبی علیه نامزدهای انتخاباتی درج کنند و یا مطالبی بنویسند که دال بر انصراف گروه یا اشخاصی از نامزدهای معین باشد، نامزدها حق دارند پاسخ خود را به نشریه مزبور بدهند و آن نشریه طبق قانون مطبوعات مکلف به چاپ فوری آن در اولین شماره می‌باشد. ماده ۶۵- انتشار اعلام نظر شخصیتها (بدون ذکر عنوان و مسئولیت آنان، مجامع، احزاب و گروههای مجاز، در تایید نامزد انتخاباتی باید مستند به مدرک کتبی و امضا شده مربوط به تایید و حمایت باشد و در صورت درخواست هیات اجرایی، نامزد انتخاباتی مکلف به ارایه این مستندات و مدارک می‌باشد. ماده ۶۶- همزمان با آغاز کار ستاد تبلیغات انتخاباتی نامزدها، نشانی و محل ستاد و نام مسوول آن باید کتبا و با امضای نامزد انتخاباتی مربوط، به آگاهی هیات اجرایی حوزه انتخابیه برسد. ماده ۶۷- هرگونه عکس و آثار تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی که در محل شعبه ثبت نام و اخذ رای وجود دارد باید قبل از شروع اخذ رای، توسط اعضای شعبه امحا شود.

فصل ششم برنامه‌ریزی رای و قرایت آرا و اعلام نتیجه اخذ رای (ماده ۶۸ تا ۷۰)

ماده ۶۸- اعضای شعبه ثبت نام و اخذ رای حداقل یک ساعت قبل از وقت مقرر در محل شعبه حاضر می‌شوند. ابتدا به استناد تبصره (۲) ذیل ماده (۴۰) قانون، نسبت به انتخاب هیات ریسه و منشی‌ها اقدام و مراتب را در صورت جلسه درج می‌نمایند، سپس صندوق اخذ رای را در حضور نماینده بخشدار و ناظر بر انتخابات (در صورت حضور) باز می‌کنند و پس از حصول اطمینان از خالی بودن صندوق، آن را لفاف، با لا-ک و مهر شعبه ثبت نام و اخذ رای لا-ک و مهر می‌نمایند و پس از امضا و تایید مراتب فوق در صورت جلسه، برنامه اخذ رای و قرایت آرا را در (۶) مرحله به شرح زیر انجام می‌دهند: الف- مرحله مراجعه رای دهندگان ب- مرحله کنترل ج- مرحله ثبت نام د- مرحله اخذ رای ه- مرحله قرایت و شمارش آرا و- مرحله تنظیم و تکمیل صورت جلسه الف- مرحله مراجعه رای دهندگان ۱- اعضای شعبه باید ترتیبی اتخاذ نمایند که رای دهندگان از یک سمت وارد محل شعبه شوند و پس از دادن رای از سمت دیگر خارج شوند. ۲- مأمورین انتظامی موظفند طبق دستور نماینده بخشدار یا رئیس شعبه ثبت نام و اخذ رای از ازدحام در داخل محوطه اخذ رای ممانعت نمایند تا اخذ رای در کمال آرامش انجام پذیرد. ۳- رای دهندگان با در دست داشتن عین شناسنامه خود در محل شعبه ثبت نام و اخذ رای حضور می‌یابند و به ترتیب به منظور ثبت نام و دادن رای وارد محوطه اخذ رای می‌شوند. ب- مرحله کنترل کنترل در سه مرحله انجام می‌شود: ۱- کنترل شناسنامه رئیس شعبه یا هریک از سه منشی شعبه ثبت نام و اخذ رای با ملاحظه شناسنامه رای دهنده موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهند: الف- شناسنامه به مهر شعب دیگر ممهور نشده باشد. ب- شناسنامه متعلق به شخص مراجعه کننده بوده و صاحب آن در روز اخذ رای حداقل (۱۵) سال تمام سن داشته باشد. ۲- رئیس شعبه و یا هریک از سه منشی انگشت سبابه دست راست رای دهنده را کنترل می‌نمایند تا آلوده به رنگ جوهر استامپ، که نشانه دادن رای در شعبه دیگر است، نباشد. در صورتی که مراجعه کننده دارای شناسنامه‌ای باشد که ممهور به مهر انتخابات در

روز اخذ رایاست و دلالت بر دادن رای در شعبه دیگری نماید و یا در انگشت سبابه او اثر جوهر استامپ شعبه اخذ رای دیگری مشاهده شود، از وی رای گیری نخواهد شد. ۳- کنترل شرط احراز توطن به استناد بند (۳) ماده (۲۵) قانون و تبصره ذیل آن، اعضای شعبه ثبت نام و اخذ رای به روشهای مقتضی کنترل می نمایند که شخص رای دهنده و یا افراد تحت تکفل وی (همسر و فرزندان حداقل یک سال متوالی متصل به زمان اخذ رای در محل سکونت داشته باشد. ث - مرحله ثبت نام ۱ - پس از انجام مرحله کنترل و حصول اطمینان از اینکه شناسنامه متعلق به مراجعه کننده است و واجد شرایط رای دادن می باشد، یک نفر از منشی ها نسبت به ثبت مشخصات وی براساس مندرجات شناسنامه بر روی برگ تعرفه اقدام و پس از اخذ اثر انگشت رای دهنده روی برگ تعرفه، آن را با قید تاریخ با مهر انتخابات مهور و امضا می نماید. ۲- متصدی ثبت نام، شناسنامه رای دهنده را نیز به مهر انتخابات مهور و به وی تحویل می نماید. د - مرحله اخذ رای ۱ - پس از ثبت نام از رای دهنده، متصدی ثبت نام برگ رای را بعد از مهور نمودن به مهر انتخابات از محل نقطه چین از تعرفه انتخاباتی جدا می کند و به رای دهنده تسلیم می نماید تا رای دهنده اسم نامزد یا نامزدهای مورد نظر خود را حداکثر به تعداد اعضای اصلی شورا بر روی آن بنویسد، تا کند، داخل صندوق بیاندازد و از درب خروجی شعبه خارج شود. بدیهی است تعرفه های انتخاباتی در محل شعبه باقی می ماند و باید در نگهداری و حفاظت آنها دقت و مراقبت کامل به عمل آید. ۲- نماینده بخشدار و اعضای شعبه ثبت نام و اخذ رای باید ترتیبی اتخاذ نمایند که رای نویسی مخفی باشد و به صورت کاملاً آزاد و بدون اعمال نفوذ شخص دیگری انجام پذیرد و هیچ یک از اعضای شعبه و نماینده بخشدار و مأمورین انتظامی و نماینده هیات نظارت و اصولاً کلیه افرادی که به هر شکل در شعبه وظیفه ای برعهده دارند حق نوشتن رای برای اشخاص را ندارند. در صورتی که برای نوشتن رای نیاز به فرد دیگری باشد، رای دهنده بایستی از وجود افراد خارج از شعبه که مورد اعتماد وی هستند، استفاده نماید و اعضای شعبه نیز کنترل نمایند تا عمل خلاف قانون انجام نگیرد. ۳- نماینده هیات نظارت حق دخالت در امور اجرایی انتخابات را ندارد و در صورت مشاهده ارتکاب به تخلفات مندرج در ماده (۶۷) قانون موظف است مراتب را به اعضای شعبه و نماینده بخشدار تذکر دهد و آنان ضمن بررسی موضوع باید فرد یا افراد خاطی را توسط مأمورین انتظامی حاضر در شعبه جلب و مراتب را صورت جلسه نمایند و همراه خاطی تحویل مقامهای قضایی دهند. پنجم - مرحله قرائت و شمارش آرا اعضای شعبه پس از انقضای مدت اخذ رای در صورت حصول اطمینان از اینکه کلیه مراجعه کنندگان رای خود را در صندوق های رای انداخته اند و دیگر کسی برای دادن رای در محل شعبه حضور ندارد، بلافاصله پس از شمارش تعرفه ها و ثبت تعداد آن در صورت جلسه با حضور نماینده بخشدار و نماینده هیات نظارت، شمارش و قرائت آرا را به ترتیب زیر آغاز می نمایند: ۱- ابتدا رییس یا نایب رییس شعبه اخذ رای با همکاری یکی از منشی ها لاک و مهر صندوق اخذ رای را باز و تعداد برگهای داخل صندوق را بدون اینکه قرائت شود شمارش می کنند و پس از تطبیق تعداد آنها با تعداد برگه های تعرفه به یکی از دو حالت زیر عمل می نمایند: الف - چنانچه تعداد اوراق رای داخل صندوق بیشتر از تعداد تعرفه ها باشد براساس بند (ج) ماده (۳۰) قانون، به تعداد اضافی ابتدا از اوراق غیر چاپی و متفرقه و سپس از مجموع برگهای رای، بدون اینکه خوانده شود، برمی دارند و جمله (باطل شد) را در پشت آن را در صورت جلسه اخذ رای نیز درج و در پایان ضمیمه صورت جلسه می نمایند. ب - در صورتی که تعداد اوراق رای داخل صندوق مساوی یا کمتر از تعداد تعرفه ها باشد، اقدام خاصی صورت نمی گیرد و فقط مراتب در صورت جلسه درج می شود. ۲- پس از اینکه شمارش آرا به ترتیب یاد شده انجام شد، قرائت آرا با رعایت مواد (۱۹)، (۲۰)، (۲۱)، (۲۲) و (۲۳) قانون و بندها و تبصره های ذیل آنها انجام خواهد شد. ششم - مرحله تنظیم صورت جلسه پس از خاتمه شمارش و قرائت آرا، صورت جلسه اخذ رای شعبه در پنج نسخه تنظیم و سپس تعداد رای هریک از نامزدها در صورت جلسه قید می شود. پس از انجام این کار، صورت جلسه به امضای نماینده بخشدار و اعضای شعبه اخذ رای و نماینده هیات نظارت می رسد و بلافاصله کلیه اوراق و مدارک انتخاباتی و یک نسخه از صورت جلسه تنظیمی داخل صندوق رای قرار داده می شوند و پس از لاک و مهر شدن صندوق یا صندوقها، اعضای شعبه اخذ رای

به اتفاق نماینده بخشدار و به همراه نماینده هیات نظارت و مأمورین محافظ صندوق ، صندوق یا صندوقهای رای راهمراه با یک نسخه از صورت جلسه نتایج آرای شعبه و سایر مدارک رسماً تحویل هیات اجرایی می‌دهند. از سه نسخه باقی مانده صورت جلسه نتایج آرا ، یک نسخه تحویل نماینده هیات نظارت ، یک نسخه تحویل نماینده رییس شعبه می‌شود. اگر در روز اخذ رای مسایل و مشکلاتی پدید آید باید در قسمت انتهای صورت جلسه نوشته شود و به امضای اعضای شعبه ، نماینده بخشدار و نماینده هیات نظارت بخش برسد. ماده ۶۹- هیات اجرایی پس از دریافت صندوق یا صندوقهای محتوی آرا و مدارک و صورت جلسات شعب ثبت نام و اخذ رای حوزه انتخابیه ، در حضور اعضای هیات نظارت بخش نسبت به تنظیم صورت جلسه نتیجه اخذ رای در حوزه انتخابیه اقدام می‌نماید و یک نسخه از صورت جلسه را برای انتشار آگهی نتیجه انتخابات به بخشدار تحویل می‌دهد. ماده ۷۰- بخشدار موظف است بلافاصله پس از دریافت صورت جلسه نتیجه اخذ رای از هیات اجرایی بخش نسبت به تنظیم آگهی نتیجه انتخابات و انتشار آن در حوزه انتخابیه اقدام نماید.

فصل هفتم بررسی شکایات (ماده ۷۱ تا ۷۷)

ماده ۷۱- به استناد ماده (۵۲) قانون ، هیات های اجرایی موظفند از تاریخ اعلام نهایی صلاحیت داوطلبان تا دو روز پس از اعلام نتیجه اخذ رای انتخابات ، شکایات واصله را بپذیرند و ظرف پنج روز به آنها رسیدگی نمایند. بنابراین چنانچه در مهلت یادشده شکایتی از حوزه انتخابیه به هیات اجرایی بخش واصل شود ، هیات مذکور موظف است حداکثر ظرف پنج روز پس از وصول هر شکایت در جلسه مشترک با هیات نظارت بخش به آن رسیدگی و مراتب را صورت جلسه نمایند. تبصره ۱- شکایاتی قابل طرح و بررسی می‌باشند که نام و نام خانوادگی ، نام پدر ، آدرس محل کار یا سکونت شاکی که هویت وی را آشکار می‌نماید ، دارا باشند. تبصره ۲- هیات اجرایی پس از پایان مهلت دریافت و رسیدگی به شکایات چنانچه هیچ گونه شکایتی از انتخابات دریافت ننموده باشد ، مراتب عدم وصول شکایت را نیز صورت جلسه می‌نماید. ماده ۷۲- هیات اجرایی موظف است پس از اتمام مهلت رسیدگی به شکایات ، بلافاصله با توجه به شکایات دریافتی و بررسی چگونگی برگزاری انتخابات ، نظر خود را در مورد چگونگی برگزاری و پیشنهاد تایید یا ابطال انتخابات حوزه انتخابیه را طی صورت جلسه ای به هیات نظارت بخش اعلام نماید. تبصره ۱- چنانچه بررسی شکایات منجر به ابطال آرای شعبه یا شعبی از حوزه انتخابیه شود (اعم از آن که در سرنوشت انتخابات موثر باشد و یا نباشد) هیات اجرایی بخش موظف است آرای باطل شده را در نتایج قبلی دخالت داده و نتیجه جدید به دست آمده از آن را در صورت جلسه مذکور منظور نماید. تبصره ۲- پیشنهاد ابطال کل انتخابات یا آرای شعبه یا تعدادی از شعب می‌باید مستدل و براساس مواد قانون باشد. ماده ۷۳- هیات نظارت بخش موظف است حداکثر ظرف پنج روز پس از وصول نظریه هیات اجرایی بخش درخصوص برگزاری انتخابات به شرح زیر اقدام نماید: الف- چنانچه نظر بر تایید صحت برگزاری انتخابات داشته باشد مراتب را صورت جلسه و یک نسخه آن را به بخشدار و یک نسخه را برای اطلاع ، به هیات نظارت شهرستان ارسال می‌نماید. ب- چنانچه نظر بر ابطال انتخابات یک یا چند شعبه اخذ رای داشته باشد ، مراتب را صورت جلسه و یک نسخه آن را همراه با دلایل و مدارک مستند به منظور اخذ تصمیم و اقدام بعدی به هیات نظارت شهرستان و یک نسخه را برای اطلاع ، به بخشدار ارسال می‌نماید. تبصره- از این مرحله به بعد با توجه به دو وضعیت (الف و ب) ، اقدامات در دو مسیر جداگانه ولی به صورت موازی و هم زمان ادامه خواهد یافت ماده ۷۴- اقدامات مربوط به وضعیت (الف) ۱- بخشدار موظف است پس از وصول صورت جلسه هیات نظارت بخش مبنی بر تایید صحت برگزاری انتخابات ، مراتب را از طریق انتشار آگهی ، به آگاهی اهالی حوزه انتخابیه برساند و یک نسخه از آگهی منتشر شده را برای هیات نظارت شهرستان ارسال نماید. ۲- به استناد ماده (۵۵) قانون ، چنانچه کسی به تایید صحت

برگزاری انتخابات معترض باشد، حداکثر ظرف مدت دو روز از انتشار آگهی می‌تواند شکایت خود را به هیات نظارت شهرستان اعلام نماید. ۳- هیات نظارت شهرستان موظف است حداکثر ظرف (۱۵) روز پس از وصول شکایت معترضان، بر اساس مواد (۵۵) و (۵۹) و با رعایت مواد (۵۷) و (۵۹) قانون نتیجه قطعی و نهایی انتخابات حوزه انتخابیه را به بخشدار مربوط اعلام نماید. چنانچه در پایان مهلت دریافت شکایات، هیات نظارت شهرستان شکایتی دریافت نکرد موظف است بلافاصله مراتب عدم وصول شکایت را هم برای اقدام بعدی به بخشدار اعلام نماید. ۴- بخشدار موظف است نظر نهایی هیات نظارت شهرستان در خصوص تایید یا عدم تایید صحت برگزاری انتخابات را از طریق انتشار آگهی، به آگاهی اهالی حوزه انتخابیه برساند. ماده ۷۵- اقدامات مربوط به وضعیت (ب) ۱- هیات نظارت شهرستان موظف است حداکثر ظرف پنج روز از وصول صورت جلسه هیات نظارت بخش مبنی بر پیشنهاد ابطال انتخابات، موضوع را بررسی و نتیجه را صورت جلسه نماید. چنانچه نتیجه بررسیها حاکی از تایید صحت برگزاری انتخابات با همان نتیجه قبلی باشد، مراتب را بلافاصله از طریق هیات نظارت بخش به بخشدار اعلام می‌نماید. در غیر این صورت چنانچه نظر بر ابطال یا تغییر سرنوشت انتخابات باشد، صورت جلسه تنظیم را به منظور اظهار نظر نهایی به هیات نظارت استان ارسال می‌دارد. ۲- بخشدار موظف است پس از وصول نظریه هیات نظارت شهرستان مبنی بر تایید صحت برگزاری انتخابات که نتیجه قطعی و نهایی انتخابات محسوب می‌شود، مراتب را از طریق انتشار آگهی، به آگاهی اهالی حوزه انتخابیه برساند. ۳- هیات نظارت استان موظف است حداکثر ظرف پنج روز از وصول نظریه هیات نظارت شهرستان در خصوص ابطال انتخابات و یا تغییر سرنوشت آن، نظر نهایی خود مبنی بر تایید یا عدم تایید صحت برگزاری انتخابات و یا تغییر نتیجه اعلام شده قبلی را طی صورت جلسه‌ای به هیات نظارت شهرستان اعلام نماید. ۴- هیات نظارت شهرستان موظف است بلافاصله پس از وصول صورت جلسه نظریه هیات نظارت استان، مراتب را از طریق هیات نظارت بخش به بخشدار اعلام نماید. ۵- بخشدار موظف است پس از وصول صورت جلسه نظریه هیات نظارت استان، نتیجه قطعی و نهایی انتخابات را از طریق انتشار آگهی، به آگاهی اهالی حوزه انتخابیه برساند. ماده ۷۶- هیاتهای نظارت شهرستان و استان موظفند در کلیه اقدامات خود همواره ماده (۵۹) قانون را در نظر داشته باشند و آن را رعایت نمایند. ماده ۷۷- بخشدار موظف است پس از انتشار آگهی نتیجه قطعی و نهایی انتخابات حوزه‌های انتخابیه، سه نسخه از هر یک از این آگهی‌ها را به ستاد انتخابات فرمانداری ارسال نماید. یک نسخه از آنها به ستاد انتخابات کشور، نسخه دیگر به ستاد انتخابات استان ارسال می‌گردد و نسخه باقی مانده، در بایگانی فرمانداری نگهداری خواهد شد.

فصل هشتم انتخابات شورای اسلامی بخش (ماده ۷۸ تا ۸۳)

ماده ۷۸- در اجرای ماده (۵) و با رعایت ماده (۶) قانون، هیات اجرایی بخش موظف است برای یک یا چند روستا یک نفر را به عنوان نماینده خود به منظور شرکت در جلسه شورای اسلامی روستا، جهت انتخاب نماینده برای عضویت در شورای اسلامی بخش، به بخشدار معرفی نماید. ماده ۷۹- بخشدار موظف است نسبت به صدور حکم نمایندگان هیات اجرایی اقدام و در صورت معرفی ناظر از طرف هیات نظارت بخش، نامبردگان را به محل مأموریت اعزام نماید. ماده ۸۰- بخشدار موظف است قبل از اعزام نماینده هیات اجرایی به روستاها، تاریخ و ساعت تشکیل جلسه شورای اسلامی روستا و موضوع عزیمت نماینده هیات اجرایی را به شورای ذیربط اعلام نماید. ماده ۸۱- نمایندگان هیاتهای اجرایی و نظارت موظفند در موعد مقرر در روستای محل مأموریت حضور یابند. پس از حضور حداقل سه نفر از اعضای شورا، جلسه رسمیت می‌یابد و سپس مدعوین یک نفر از اعضای اصلی شورا را برای شرکت در جلسه انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل شورای بخش انتخاب و مراتب را صورت جلسه و به امضای حاضرین در

جلسه می‌رسانند. یک نسخه از صورت جلسه توسط نماینده هیات اجرایی به هیات مذکور تسلیم می‌شود. ماده ۸۲- هیات اجرایی موظف است پس از وصول صورت جلسات مبنی بر معرفی نماینده از کلیه شوراهای واقع در محدوده بخش، اسامی نمایندگان معرفی شده را به منظور دعوت از آنان به بخشدار اعلام نماید. ماده ۸۳- بخشدار موظف است از نمایندگان منتخب شوراهای اسلامی روستاهای واقع در محدوده بخش، با تعیین تاریخ و محل تشکیل جلسه، دعوت به عمل آورد. پس از حضور حداقل ۲۳ مدعوین جلسه رسمیت می‌یابد و سپس در حضور اعضای هیات‌های اجرایی و نظارت بخش نمایندگان منتخب حاضر در جلسه پنج نفر را به عنوان عضو اصلی و (۳) نفر را به عنوان عضو علی‌البدل شورای اسلامی بخش با رای مخفی و اکثریت نسبی آرا انتخاب می‌نمایند و مراتب صورت جلسه می‌شود و یک نسخه از آن به منظور صدور آگهی به بخشدار تسلیم می‌شود. تبصره ۱- در صورتی که بخش بیش از پنج روستا نداشته باشد، انتخابات شورای اسلامی بخش برگزار نمی‌شود و کلیه نمایندگان معرفی شده از شوراهای اسلامی روستاها به عضویت شورای بخش درمی‌آیند. در این خصوص صورت جلسه‌ای با حضور اعضای هیات نظارت، توسط هیات اجرایی بخش تنظیم می‌شود و بخشدار موظف است پس از وصول آن، مراتب را با صدور آگهی به اطلاع اهالی بخش برساند. تبصره ۲- در صورتی که بخش کمتر از پنج روستا داشته باشد، کلیه نمایندگان معرفی شده از شوراهای اسلامی روستاها به عضویت شورای اسلامی بخش در می‌آیند و سپس به منظور تامین کسری اعضا تا پنج نفر، از کلیه اعضای اصلی شوراهای اسلامی روستاها توسط بخشدار دعوت به عمل می‌آید تا با حضور هیات‌های اجرایی و نظارت بخش از بین خود بقیه اعضای مورد نیاز را انتخاب و مراتب را صورت جلسه نمایند. بخشدار موظف است پس از وصول صورت جلسه مذکور، اسامی اعضای شورای اسلامی بخش را با صدور آگهی به اطلاع اهالی بخش برساند. تبصره ۳- چنانچه به دلیل کمبود تعداد روستاهای یک بخش تامین (۳) نفر عضو علی‌البدل شورای بخش از میان نمایندگان معرفی شده از سوی شوراهای اسلامی روستاها میسر نباشد، بخشدار موظف است از کلیه اعضای اصلی شوراهای اسلامی روستاها دعوت به عمل آورد تا با حضور هیات‌های اجرایی و نظارت بخش از بین خود کسری اعضای علی‌البدل شورای بخش را با اکثریت نسبی آرا انتخاب و مراتب را صورت جلسه نمایند. تبصره ۴- بخشدار می‌تواند تبصره‌های (۲) و (۳) این ماده را به طور همزمان اجرا نماید. به این ترتیب افرادی که دارای بیشترین رای هستند کسری اعضای اصلی و افرادی که به ترتیب رای بعد از آنها قرار می‌گیرند کسری اعضای علی‌البدل را تامین خواهند نمود.

فصل نهم صدور کارت عضویت اعضای شوراهای و امحای اوراق انتخاباتی (ماده ۸۴ تا ۸۶)

ماده ۸۴- کارت عضویت اعضای شوراهای اسلامی روستاها و بخش با امضای بخشدار و مهر بخشداری صادر می‌شود. تبصره ۱- کارت عضویت فقط برای اعضای اصلی شورا صادر می‌شود. تبصره ۲- برای آن عده از اعضای شوراهای اسلامی روستا که به عضویت شورای اسلامی بخش نیز درآمده‌اند علاوه بر کارت عضویت شورای اسلامی روستا، کارت عضویت شورای اسلامی بخش نیز صادر می‌شود. ماده ۸۵- بخشدار موظف است پس از وصول دستور امحای آرا و اوراق انتخابات شوراهای اسلامی کشوری از ستاد انتخابات کشور، حتی الامکان با حضور اعضای هیات‌های اجرایی و نظارت، نسبت به امحای اوراق تعرفه و برگهای رای مصرف شده حوزه انتخابیه در صورتی که کارت عضویت اعضای آن صادر شده باشد به نحو مقتضی اقدام و مراتب را صورت جلسه و نتیجه را به ستاد انتخابات کشور، استانداری و فرمانداری متبوع اعلام نماید. ماده ۸۶- دستورالعمل اجرایی و فرمهای مربوط به این آیین نامه پس از تصویب وزیر کشور قابل اجرا می‌باشد. این متن جانشین تصویبنامه شماره ۱۲۰۸۵۴/ت ۱۷۱۷۹ ه مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۱۲ می‌شود و از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا است

قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری ها - مصوب ۱۴/۲/۶۱

ماده واحده - وجوه و اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداریها اعم از اینکه در بانکها و یا در تصرف شهرداری و یا در نزد اشخاص ثالث و بصورت ضمانتنامه به نام شهرداری باشد قبل از صدور حکم قطعی قابل تامین و توقیف و برداشت نمی باشد. شهرداریها مکلفند وجوه مربوط به محکوم به احکام قطعی صادره از دادگاهها و یا اوراق اجرایی ثبتی یا اجرای دادگاهها و مراجع قانونی دیگر را در حدود مقررات مالی خود از محل اعتبار بودجه سال مورد عمل و یا در صورت عدم امکان از بودجه سال آتی خود بدون احتساب خسارت تاخیر تادیه بمحکوم لهم پرداخت نمایند. در غیر اینصورت ذینفع می تواند برابر مقررات نسبت به استیفای طلب خود از اموال شهرداری تامین و یا توقیف یا برداشت نماید. تبصره - چنانچه ثابت شود که شهرداری با داشتن امکانات لازم از پرداخت دین خود استنکاف نموده است شهردار بمدت یکسال از خدمت منفصل خواهد شد.

آیین نامه اجرایی تشکیلات، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی روستا و نحوه انتخاب دهیار - م

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۱/۱/۱۳۷۸ بنا به پیشنهاد وزارت کشور و به استناد ماده ۹۴ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱/۳/۱۳۷۵ آیین نامه اجرایی تشکیلات، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی روستاها و نحوه انتخاب دهیار را به شرح زیر تصویب نمود: ماده ۱ - در این آیین نامه برای رعایت اختصار به جای عبارت (قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱/۳/۱۳۷۵) عبارت (قانون شوراهای اسلامی کشور) و بجای عناوین (شوراهای اسلامی روستا) و (حوزه انتخابیه شورای اسلامی روستا) به ترتیب کلمه های (شورا) و (روستا) استفاده می شود. ماده ۲ - اعضای شورا موظفند حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از قطعی شدن انتخابات در روزی که بخشداری به طور کتبی اعلام می نماید، اولین جلسه خود را در حضور بخشدار یا نماینده وی (عدم حضور دعوت کننده یا نماینده وی مانع از تشکیل جلسه نخواهد بود) و به ریاست مسن ترین عضو حاضر تشکیل دهند و به شرح زیر سوگند یاد کنند و آن را امضا نمایند: (من در برابر کلام ... مجید، به خداوند متعال سوگند یاد می کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می نمایم که در حفظ امانت و انجام هر چه بهتر وظایفم و خدمت به مردم کوشا باشم و قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات کشور را در چارچوب وظایف و اختیارات خود مراعات نمایم و در همه زمینه ها عدالت و انصاف را در نظر داشته و مادام که در شورای اسلامی شهر عضویت دارم در رعایت صرفه و صلاح و پیشرفت امور شهر و شهرداری اهتمام نمایم) اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره ۱ - پیروان اقلیت های دینی رسمی، این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد. تبصره ۲ - هرگاه فرد جدیدی به عضویت شورا وارد شود، موظف است در ابتدای اولین جلسه حضور در شورا به ترتیب مذکور، سوگند یاد نماید. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۳ - سمت اعضا در شوراها با پنج عضو عبارت از رییس، نایب رییس و حداقل یک منشی در شوراهای دارای سه عضو رییس، نایب رییس و منشی می باشد که برای مدت دو سال از سوی اعضا انتخاب می شوند. ماده ۴ - در اولین جلسه شورا، پس از انجام مراسم تحلیف، اعضای حاضر اقدام به برگزاری انتخابات داخلی نموده و از بین خود هیات ریسه شورای مذکور، در ماده ۳ این آیین نامه را برای مدت دو سال انتخاب نمایند. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۵ - در صورتی که هر یک از اعضا بنا به دلایلی از عضویت شورا خارج شود، شورا موظف است در اولین جلسه پس از قطعیت یافتن خروج آن عضو، مراتب را کتبا به فرمانداری محل گزارش دهد تا بخشداری از اعضای علی البدل با احتساب آرا آنان دعوت به شرکت در جلسات و طی مراحل مورد نیاز مانند صدور کارت شناسایی و اطلاع از سمت عضو جدید در شورا بنماید. تبصره - در صورتی که عضو خارج شده از شورا رییس و یا نایب رییس یا منشی باشد شورا باید در جلسه ای رییس یا نایب رییس یا منشی را حسب مورد برای مدت باقی ماند هیات

رییس انتخاب نماید. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۶- فرد یا افرادی که از عضویت شورا خارج می‌شوند، موظفند حداکثر ظرف مدت دور و زپس از قطعیت خروج، کارت عضویت خود را تحویل بخشداری ذی بطن نمایند و رسید دریافت دارند. ماده ۷- مهر شورا حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از شروع به کار رسمی شورا، توسط بخشدار تحویل رییس شورا می‌شود. ماده ۸- اعضا شورا، حق تفویض اختیارات خود به سایرین، اعم از عضو و غیرعضو را ندارند. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۹- شورای روستاهای واقع در حریم شهرها، موظف به رعایت مقررات مربوط به حریم شهرها می‌باشند. ماده ۱۰- رییس شورا مانند سایر اعضا دارای یک حق رای می‌باشد و وظایف او عبارت است تنظیم پیشنهاد بودجه، تعیین زمان و اداره جلسات عادی، فوق العاده شورا و در صورت لزوم دعوت از اعضا جهت شرکت در جلسات، تقسیم کار بین اعضا برای پیگیری مصوبات، دفاع از حقوق و منافع شورا در مقابل غیر و اقامه دعوی، درخواست گزارش کار از اعضا، امضا و مهر کردن اسناد و مکاتبات شورا، ایجاد هماهنگی با شوراهای اسلامی، بخش، دهداری و سایر دستگاههای اجرایی، پیگیری امور مربوط به دهیاری درخواست گزارش کتبی عملکرد ماهانه از دهیار. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره - در صورت عدم حضور رییس شورا، مسئولیت اداره جلسات شورا و سایر وظایف او را نایب رییس آن می‌باشد. ماده ۱۱- وظایف منشی و یا منشیان شورا عبارت از تهیه و تدوین صورت جلسات، تهیه متن نامه‌ها، ثبت و شماره گذاری آنها، تهیه گزارش از عملکرد شورا و حفظ و نگهداری دفاتر و صورت جلسات در محل شورا، انجام امور خزانه داری شورا از قبیل مسئولیت حسابداری شورا، همکاری با رییس شورا در تنظیم بودجه پیشنهادی و اصلاح یا متمم آن، تنظیم صورت‌های مالی شورا، ثبت و ضبط صورت کلیه اموال و دارایی‌های شورا، حسابرسی اولیه از فعالیت‌های مالی شورا و دهیار از قبیل درآمدها، هزینه‌ها و موجودی در پایان هر سال مالی بر طبق فرم‌های دریافتی می‌باشد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره - در صورت غیبت منشی یا منشیان شورا، وظایف آنان از سوی نایب رییس شورا انجام می‌شود. ماده ۱۲- جلسات شورا با حضور حداقل ۲ نفر در شوراهای دارای ۳ عضو و ۴ نفر در شوراهای دارای ۵ عضو، تشکیل می‌شود و تصمیمات آن با رای اکثریت مطلق حاضرین معتبر می‌باشد. تبصره - حداقل آرای لازم برای تصویب تصمیمات در جلساتی که با ۵ یا ۴ نفر تشکیل می‌شود، سه رای و در جلساتی که با ۳ و یا ۲ نفر تشکیل می‌یابد، دو رای می‌باشد. ماده ۱۳- محل دهیاری و محل تشکیل جلسات شورا، همچنین مکان نگهداری دفاتر، اسناد و مدارک و اموال شورا باید در مکان ثابت و مناسب و با هماهنگی شورای بخش تعیین شود. ماده ۱۴- جلسات شورا به طور مستمر ماهی دوبار تشکیل می‌شود و در صورت نیاز، جلسات فوق العاده و اضطراری شورا با پیشنهاد دهیار، رییس شورا و یا سه نفر از اعضا، در شوراهای دارای پنج عضو، و دو نفر از اعضا در شوراهای دارای سه عضو تشکیل می‌شود. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۱۵- شورا با تایید شورای بخش می‌تواند فعالیت‌های سالانه همچنین برنامه‌های آینده شورا را که جنبه عمومی دارد پس از تصویب در جلسات شورا با وسایل ممکن به اطلاع اهالی روستا برساند. ماده ۱۶- هرگاه شورا نظر خواهی از اهالی حوزه انتخابیه خود در زمینه موضوع یا موضوعاتی را که ضروری تشخیص دهد با اطلاع بخشدار ذی‌ربط می‌تواند اقدام به تشکیل جلسه عمومی نماید. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۱۷- موضوع یا موضوعات مختلف قابل طرح در شورا با تشخیص رییس، درخواست هریک از اعضا و یا تقاضای کتبی شورای اسلامی بخش، بخشدار یا دهیار ذی‌ربط در دستور کار شورا قرار می‌گیرد. ماده ۱۸- صورتجلسات شورا باید به گونه‌ای تنظیم شود که در آن تاریخ و دستور کار هر جلسه، اسامی اعضای حاضر و غایب، آرای مثبت و منفی اعضا به هر یک از موضوعات مورد بحث، اسامی مدعوین و حاضرین به همراه ریوس مطالب مطرحه در جلسه و تمامی مصوبات آمده باشد. تبصره ۱- کلیه اعضای حاضر شورا باید ذیل صورتجلسات شورا را امضا و یا مهر نمایند. تبصره ۲- مدعوین حاضرین، در صورت تشخیص شورا می‌توانند ذیل صورتجلسات را امضا، انگشت و یا مهر نمایند. ماده ۱۹- شورا موظف است در پایان هر جلسه نسخه‌ای از کلیه مصوبات خود در آن جلسه و در صورت نیاز به پیوست سوابق و مطالب مفید دیگر را، جهت اطلاع بخشدار و شورای اسلامی بخش ذی‌ربط ارسال دارد. همچنین نسخه‌ای از مصوباتی را که مربوط

به دستگاه های دیگر است را به آن دستگاه ارسال دارد. ماده ۲۰ - شورا موظف است در پایان نیمه دوم فروردین هر سال گزارش کار سالانه خود را طبق فرم های دریافتی در سه نسخه تنظیم و نسخه اصلی را جهت اطلاع شورای اسلامی بخش ، نسخه دوم را به منظور اطلاع بخشدار محل ارسال کند و نسخه سوم را به عنوان سابقه در بایگانی شورا ثبت و نگهداری نماید. ماده ۲۱ - تمامی مکاتبات شوراها باید طبق فرم های ارسالی از وزارت کشور دارای تاریخ ، شماره ثبت در دفتر شورا ، نام کل گیرنده و موضوع نامه باشد و حداقل در چهار نسخه تنظیم شود و نسخه اول برای اداره یا سازمان مورد نظر و نسخه دوم برای بخشدار و نسخه سوم برای شورای اسلامی بخش ارسال و نسخه چهارم به عنوان سابقه در بایگانی شورانگهداری شود. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۲۲ - تمامی مکاتبات شورا باید ممهور به مهر شورا و امضای رییس و در صورت غیبت اونایب رییس شورا باشد. ماده ۲۳ - شورا باید دارای دفاتر مجزایی جهت ثبت صورت جلسات و حضور و غیاب اعضا در جلسات و نامه های دریافتی و ارسالی ، مربوطه باشد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۲۴ - مصوبات شورا به استثنای عوارض موضوع ماده ۷۷ قانون از تاریخ ابلاغ به مراجع ذیربط لازم الاجرا است اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۲۵ - در صورت نیاز به حضور دهیار در جلسات ، شورا می تواند طی دعوتنامه کتبی و یا تعیین زمان و دستور کار جلسه از او جهت شرکت ، دعوت به عمل آورد و دهیار موظف به شرکت در جلسه مزبور می باشد. ماده ۲۶ - در صورت خودداری دهیار از شرکت در جلسه ، شورا می توان به دهیار تذکر کتبی دهد و در صورت تکرار مجدد توبیخ و یا بر طبق ضوابط و مقررات مربوطه وی را عزل نماید. ماده ۲۷ - در صورت درخواست کتبی دهیار و بخشدار و فرماندار ذیربط برای تشکیل جلسه ، مشتمل بر زمان ، دستور کار و ضرورت تشکیل جلسه ، شورا موظف به برگزاری جلسه فوق العاده می باشد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۲۸ - شورا در صورت نیاز و با مسئولیت خود می تواند به منظور مشورت در زمینه موضوع یا موضوعاتی که در دستور کار خود قرار داده است ، از نماینده دستگاههای دولتی ذیربط و یا شخص و یا اشخاص غیر عضو دعوت به همکاری نماید. ماده ۲۹ - شورا می تواند در ارتباط با وظایف خود ، اطلاعات مورد نیاز را از دستگاهها ، ادارات و سازمان های دولتی ، درخواست نماید و آن ادارات و سازمانها موظف به دادن اطلاعات می باشند. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۳۰ - شورا مکلف است یک ماه قبل از انقضای مدت قانونی خود ، صورتی از کلیه فعالیتها ، طرحها و برنامه هایی که در طول دوره فعالیت قانونی به اجرا گذارده است و یا در دست اجرا دارد در دو نسخه تهیه و نسخه اول را برای بخشداری ذیربط ارسال و نسخه آخر را برای ثبت در سوابق شورا نگهداری نماید. ماده ۳۱ - هرگاه عضوی بیش از شش جلسه متوالی و دوازده جلسه غیر متوالی در طول یک سال بدون داشتن عذر موجه به تشخیص شورا در جلسات شورا شرکت نکند ، مستعفی شناخته می شود. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۳۲ - در صورت درخواست بخشداری ذیربط مبنی بر معرفی عضو منتخب شورا برای تکمیل اعضای شورای اسلامی بخش ، شورا موظف است فردی را از بین اعضای خود انتخاب و در موعد مقرر به بخشداری معرفی نماید. ماده ۳۳ - هرگاه شورا در اثر فوت ، استعفا و یا سلب عضویت اعضای اصلی و علی البدل موارد دیگر حد نصاب لازم ، مندرج در ماده ۱۳ این آیین نامه را برای تشکیل جلسات از دست دهد طبق ماده ۳۱ قانون شوراهای اسلامی کشور عمل می شود. ماده ۳۴ - شورا موظف به همکاری با شوراهای اسلامی بخش جهت گردآوری اطلاعات صحیح به منظور وضع عوارض متناسب با تولیدات و درآمدهای اهالی روستا بر طبق آیین نامه های مصوب هیات وزیران برای تامین بخشی از بودجه های عمرانی حوزه روستاهای بخش می باشد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۳۵ - شورا موظف است بر حسن وصول عوارض وضع شده از سوی شورای اسلامی بخش و واریز آن به حساب های مربوط نظارت کامل داشته باشد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۳۶ - تمامی درآمدها اعم از کمک های بلاعوض مردم ، عوارض دریافتی از اهالی ، کمک های دولت برای اجرای برنامه های عمرانی در صورت تخصیص و سایر ردیف های دریافتی ، باید بر طبق برنامه هایی که قبلا به صورت بودجه سالانه و در قالب طرح های عمرانی و یا مصارف جاری به تصویب شورا و تایید شورای اسلامی بخش رسیده است و با رعایت قوانین و مقررات مربوطه به مصرف

عمران و آبادانی روستا برسد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ تبصره ۱- در صورت نیاز به اجرای برنامه جدید در طی ایام سال و پس از تصویب بودجه سالانه، شورا می‌تواند به صورت الحاق به بودجه سالانه، آن برنامه را تنظیم و اجرا نماید. تبصره ۲- در مواردی که طرح‌های مشترک به وسیله چند روستا به مورد اجرا گذارده می‌شود، انجام آن علاوه بر تصویب شورا، باید با هماهنگی شورای اسلامی بخش باشد. ماده ۳۷- شورا و دهیار موظفند به منظور حفظ و نگهداری کلیه وجوه دریافتی و درآمدهایی که در طول دوره فعالیت قانونی تحصیل می‌نماید حسابی را در نزد یکی از شعب بانک‌های کشور به نام شورا افتتاح نماید تمامی وجوه نقد را به محض وصول به آن حساب واریز کنند. ماده ۳۸- هرگونه برداشت از حساب موجودی و اعتبارات شورا، باید در قالب بودجه سالانه و طرح‌ها و مخارجی که قبلاً به تصویب شورا رسیده است و با امضای رییس و امضای منشی و مهرشورا صورت گیرد. ماده ۳۹- شورا باید در پایان هر سال مالی، ترازنامه مالی خود و دهیاری را طبق فرم‌هایارسالی از وزارت کشور جهت اطلاع عموم اهالی به طریق ممکن انتشار دهد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۱ ماده ۴۰- شورا موظف است در پایان هر سال شمسی و با توجه به برنامه‌های چهارده ساله دوره خود و برآورد عواید و درآمدهای سال آتی، بودجه جاری و عمرانی شورا برای سال آینده را در سه نسخه تنظیم نماید در اولین روز اسفند همان سال، نسخه اصل را برای بخشدار مربوطه و نسخه دوم را به شورای اسلامی بخش ارسال و نسخه سوم را به عنوان سابقه در دفتر شورا بایگانی نماید. تبصره- شورای اسلامی بخش و بخشدار مربوطه می‌تواند نظرات اصلاحی و تکمیلی خود را حداکثر تا دو قبل از پایان سال به شورا اعلام نمایند، تا در صورت تجدیدنظر، آن را در شورا مطرح و پس از تصویب به صورت متمم بودجه به مراجع مذکور ارسال دارند. ماده ۴۱- تمامی اموال شورا و دهیاری اعم از منقول و غیرمنقول به ترتیب، تحویل اعضای شورا و دهیار می‌باشد و اعضای شورا و دهیار در مقابل حفظ و نگهداری آن مسئول می‌باشند. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۴۲- خرید یا فروش کلیه اموال منقول و غیرمنقول و اجاره مکان‌های لازم برای شورا و دهیاری علاوه بر تصویب دو سوم اعضا و طی مراحل فوق باتوافق شورایاسلامی بخش صورت گیرد. تبصره- عواید حاصل از فروش و اجاره دارایی‌های شورا باید از طریق حساب بانکی شورا صورت گیرد. ماده ۴۳- آن دسته از کارکنان دولت یا موسسات عمومی غیردولتی که به عضویت شورا درآمده و به خدمت تمام وقت یا پاره وقت آنان نیاز باشد، می‌توانند به عنوان مأمور به خدمت در شوراها انجام وظیفه نمایند. مدت عضویت جزو سنوات خدمتی آنان محسوب می‌شود و حقوق مزایایانان برابر آخرین حکم استخدامی (یا برابر آنچه که شورا در بودجه مصوب خود مقرر می‌نماید) از بودجه شورا پرداخت می‌شود. دستگاه‌های اجرایی موظفند حسب درخواست استاندار ذی‌ربط نسبت به صدور حکم مأموریت تمام وقت یا پاره وقت اعضای شورا اقدام نمایند. دستورالعمل نحوه صدور حکم مأموریت پاره‌وقت اعضای شوراها توسط دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور ابلاغ خواهد شد. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ ماده ۴۴- دهیار موظف است در پایان دوره فعالیت قانونی خود، صورت کاملی از کلیه اموال و دارایی‌های شورا و دهیاری را تنظیم و در اولین روز شروع به کار رسمی دهیار جدید، آن را به وی طبق صورت جلسه جدید تحویل نماید و نسخه‌هایی از آن را به شورای اسلامی روستا، بخش و بخشدار ذی‌ربط ارسال کند. ماده ۴۵- فعالیت دهیار در سمت دهیاری تمام وقت می‌باشد و حقوق ماهیانه وی از محل بودجه ماده (۳۶) این آیین نامه با تصویب شورا تامین می‌شود. اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۱ ماده ۴۶- چنانچه شورا به وجود فردی شاغل در دستگاه‌های دولتی و یا وابسته به دولت برای تصدی سمت دهیار نیاز داشته باشد، می‌تواند به عنوان مأمور به خدمت از طریق بخشداری از سازمان متبوع درخواست نماید. ماده ۴۷- شورا موظف است ظرف مدت ۱۵ روز پس از آغاز دوره فعالیت قانونی با توجه به مفاد ماده ۵۵ این آیین نامه، فردی را به عنوان دهیار انتخاب و به منظور صدور حکم و کارت دهیاری به بخشداری محل معرفی نماید. ماده ۴۸- شورا حق نظارت بر حسن اداره دهیاری، اجرای مصوبات شورا و حفظ و نگهداری سرمایه‌ها و دارایی‌های نقدی، جنسی، منقول و غیرمنقول که در اختیار دهیاری می‌باشد، همچنین حساب درآمد و هزینه آن را دارد. ماده ۴۹- شرایط احراز سمت دهیار: الف- تابعیت کشور جمهوری اسلامی

ایران ب - اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی ج - داشتن حداقل ۲۵ سال و حداکثر ۶۵ سال سن و حتی المقدور تاهل د - سکونت در زمان تصدی سمت دهیار در روستا ه - برخورداری از توانایی جسمی و روحی برای انجام کار و - دارا بودن حداقل مدرک تحصیلی دیپلم تبصره - در صورت عدم وجود فرد با تحصیلات مناسب ، شورا می‌تواند با توافق شورای بخش نسبت به تعیین فردی با تحصیلات کمتر برای تصدی سمت دهیار اقدام نماید. ز - داشتن حسن شهرت و عدم اعتیاد مواد مخدر. ح - نداشتن سابقه محکومیت کیفری که موجب محرومیت از تمام یا بعضی حقوق اجتماعی باشد. ط - داشتن کارت پایان خدمت وظیفه عمومی و یا معافیت دائم از خدمت ی - عدم اشتغال به کار دولتی در زمان تصدی سمت دهیاری ک - اشتغال تمام وقت در سمت دهیاری ل - دهیار نمی‌تواند همزمان عضو شورای روستا باشد. تبصره - در حوزه‌های انتخابیه کمتر از ۱۵۰۰ نفر جمعیت که دهیار به طور نیمه وقت فعالیت می‌نماید رعایت بندی و ک الزامی نمی‌باشد. ماده ۵۰ - مدت خدمت دهیار از زمان صدور حکم شروع به کار رسمی چهار سال می‌باشد و انتخاب مجدد وی بلامانع است تبصره - دهیار موظف است حداکثر یک هفته پس از پایان خدمت از سمت دهیاری ، کارت و حکم خود را تسلیم شورا نماید. ماده ۵۱ - دهیار موظف است در بدو خدمت و پس از آن در مواقعی که از قبل توسط بخشدار اعلام می‌گردد ، بر اساس برنامه‌های پیش‌بینی شده از سوی وزارت کشور ، آموزش‌های مورد نیاز راطی نماید. ماده ۵۲ - خدمت دهیار در موارد زیر به پایان می‌رسد: ۱ - فوت و جنون ۲ - از دست دادن هر یک از شرایط احراز سمت دهیار به تشخیص شورای روستا. ۳ - قبول استعفا از سمت دهیاری توسط شورا ۴ - عزل دهیار با رای اکثریت اعضای شورا (با رعایت مقررات مربوطه . ۵ - عدم حضور در محل خدمت بیشتر از ۱۵ روز بدون کسب مجوز از شورا و یا نداشتن عذر موجه ، به تشخیص شورا. ۶ - صدور حکم محکومیت از طرف مراجع صالح قانونی مبنی بر انفصال از خدمت اصلاحی مورخ ۱۴/۱۱/۱۳۸۱ ماده ۵۳ - چنانچه یک یا چند نفر از اعضای شورا نسبت به عملکرد دهیار یا عملیات دهیار یا اعتراض و یا ایرادی داشته باشند ، ابتدا توسط رییس شورا ، موارد را به صورت واضح به دهیار تذکر کتبی خواهند داد ، در صورت عدم رعایت مفاد مورد تذکر ، موضوع به صورت سوال مطرح خواهد شد که در این صورت رییس شورا سیوال را کتبا به دهیار ابلاغ خواهد کرد و حداکثر ظرف ده روز پس از ابلاغ ، دهیار موظف به حضور در جلسه عادی یا فوق العاده شورا و پاسخ به سوال می‌باشد. چنانچه دهیار از حضور استنکاف ورزیده و یا پاسخ قانع کننده تشخیص داده نشود ، طی جلسه دیگری موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد و شورا می‌تواند با رای اکثریت مطلق اعضا ، دهیار را برکنار کند و فرد جدیدی را انتخاب نماید. ماده ۵۴ - دهیار موظف است گزارش‌های مورد درخواست شورا را تهیه و در موعد مقرر برای آن‌ارسال نماید و در صورت تقاضای شورا مبنی بر حضور دهیار و پاسخگویی به سوالات در رأس موعد و محل مقرر اقدام نماید. ماده ۵۵ - دهیار موظف است گزارش ماهانه فعالیت‌های دهیاری را برای شورا و رونوشت آن را برای بخشداری به طور مکتوب ارسال نماید. ماده ۵۶ - دهیار باید تابلویی از ساعات حضور و کار خود در محل دهیاری را برای اطلاع اهالی در مکانی مناسب نصب نماید. ماده ۵۷ - به منظور اجرای مطلوب و هماهنگی قانون شوراهای اسلامی کشور در روستاها ، وزارت کشور مسئول آموزش‌های لازم اعضای شوراها و نیز مجریان این قانون می‌باشد و نیز موظف است آیین نامه های اجرایی مورد نیاز را تهیه و پس از تصویب هیات وزیران برای اجرا ابلاغ نماید. معاون اول رییس جمهور - حسن حبیبی

آیین نامه اجرای قانون تغییر عنوان اعضای شوراهای اسلامی روستاهایی که به شهر تبدیل شده‌اند - مصوب ۱۳۷

هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۶/۱۰/۱۳۸۰ بنا به پیشنهاد شماره ۱۴۳۰/۸ مورخ ۲۵/۸/۱۳۷۹ وزارت کشور و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: ماده ۱ - در این آیین نامه ، واژه های به کار رفته زیر دارای معانی مشروح مربوط می‌باشند: الف - روستا: منطبق با تعریفی است که در ماده (۲) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲ ارابه گردیده است ب - شهر: همان ویژگیهای مندرج در ماده (۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری - مصوب ۱۳۶۲

- و اصلاحیه آن - مصوب ۱۳۷۱ - می‌باشد. پ - قانون قانون تغییر عنوان اعضای شوراهای اسلامی روستاهایی که به شهر تبدیل شده‌اند - مصوب ۱۳۷۸ - ت - شورا: شورای اسلامی شهر جدید (موضوع) (قانون) ماده ۲ - روستاهایی که بعد از انتخابات شوراهای اسلامی منفردا یا تجمیعا به شهر تبدیل می‌شوند نام اعضای شورای اسلامی روستا با هر تعداد اعضا به شهر تغییر می‌یابد. ماده ۳ - اولین جلسه (شورا) ظرف یک هفته پس از تغییر عنوان به دعوت مسوول واحد تقسیمات کشوری حوزه انتخابیه و با ریاست مسن‌ترین اعضا، تشکیل گردیده، از بین اعضای خود یک رییس، یک نایب رییس و حداقل یک منشی انتخاب می‌نماید. ماده ۴ - جلسات شورا با حضور دو سوم اعضای اصلی رسمیت می‌یابد و تصمیمات آن با اکثریت مطلق آرای حاضران معتبر می‌باشد. ماده ۵ - اعضای علی‌البدل شوراهای اسلامی روستایی موضوع قانون به موازات تغییرات حاصل شده با لحاظ ترتیبات آرای مکتسبه و تعیین اولویت‌ها، به اعضای علی‌البدل شورای اسلامی شهر تبدیل عنوان می‌یابند. ماده ۶ - با تغییر عنوان شورای اسلامی روستا به شهر، کلیه کارتهای عضویت شورای اسلامی روستا باطل می‌گردد. بخشداری حوزه انتخابیه مربوط موظف است با جمع‌آوری کارتهای باطل شده، برای کلیه اعضای اصلی و علی‌البدل کارت عضویت جدید صادر نماید. ماده ۷ - حدود وظایف و اختیارات (شورا)، همان موارد مقرر در قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ - و آیین‌نامه‌های اجرایی آن می‌باشد. ماده ۸ - (شورا) تا انقضای دوره قانونی مربوط مشمول مفاد این آیین‌نامه می‌باشد و با برگزاری انتخابات بعدی، تعداد اعضای اصلی و علی‌البدل شورای اسلامی شهر به نحوی خواهد بود که در قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ مقرر گردیده است معاون اول رییس جمهور - محمدرضا عارف

اصلاح آیین‌نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی شهر و شهرک - مصوب ۱۳۸۲

هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۸/۳/۱۳۸۲ با توجه به نظر رییس مجلس شورای اسلامی، موضوع نامه‌های شماره ۴۷۳۱-هـ/ب مورخ ۲۹/۱۱/۱۳۸۱ و شماره ۸۷۱۱/۴۹۷۲-ب مورخ ۱۴/۲/۱۳۸۲ تصویب نمود: آیین‌نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی شهر و شهرک، موضوع تصویب نامه شماره ۱۸۴۶۷/ت/۲۶۷۳۵-هـ مورخ ۲۴/۴/۱۳۸۱، به شرح زیر اصلاح می‌شود: ۱- ماده (۱۲) به شرح زیر تغییر می‌یابد: «ماده ۱۲ - چنانچه فردی به طور همزمان در بیش از یک حوزه انتخابیه در انتخابات شورا ثبت نام نماید، به دستور وزارت کشور و فرمانداران و بخشداران، نام وی از فهرست داوطلبان حذف می‌شود و از آن تاریخ به مدت چهارسال از داوطلب شدن در انتخابات شوراها محروم می‌گردد.» ۲ - در ماده (۲۷) عبارت «(۸) نفر» به «(۷) نفر» اصلاح می‌شود. معاون اول رییس جمهور - محمدرضا عارف

تصویب‌نامه در خصوص آیین‌نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی روستا بخش - مصوب ۱۳۸۲

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۵/۵/۱۳۸۲ با توجه به نظر رئیس مجلس شورای اسلامی، موضوع نامه‌های شماره ۳۴۴۰/۴۹۰۶-هـ/ب مورخ ۲۶/۱/۱۳۸۲ و شماره ۲۵۴۳۶/۵۱۸۱-هـ/ب مورخ ۱۰/۴/۱۳۸۲ تصویب نمود: آیین‌نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی روستا و بخش، موضوع تصویب نامه شماره ۱۸۴۶۸/ت/۲۶۷۳۵-هـ مورخ ۲۴/۴/۱۳۸۱ به شرح ذیل اصلاح می‌گردد: ۱- ماده (۱۲) به شرح زیر اصلاح می‌شود: «ماده ۱۲ - چنانچه فردی به طور همزمان در بیش از یک حوزه انتخابیه در انتخابات شوراها ثبت نام نماید به دستور وزارت کشور و فرمانداران و بخشداران نام وی از فهرست داوطلبان حذف می‌شود و از آن تاریخ به مدت چهار سال از داوطلب شدن در انتخابات شوراها محروم می‌گردد.» ۲- ماده (۵۱) و تبصره‌های آن به شرح زیر اصلاح می‌گردد: «ماده ۵۱ -

مراجع مذکور در ماده (۴۶) قانون موظفند در اجرای تبصره (۲) ماده یاد شده حداکثر ظرف مدت ده روز پس از وصول اسامی و مشخصات هر یک از داوطلبان نتیجه بررسی‌های انجام شده در خصوص سوابق آنان را به طور کتبی به بخشدار اعلام نمایند. تبصره ۱- اظهار نظر و تصمیم‌گیری در خصوص تایید یا عدم تایید صلاحیت داوطلبان بر اساس قانون تنها از وظایف و اختیارات هیاتهای اجرایی با تایید هیات نظارت می باشد. تبصره ۲- مراجع مذکور در ماده (۴۶) قانون موظفند کلیه اطلاعات و سوابق ذی ربط داوطلبان استعلام شده را کتبا به هیات اجرایی اعلام نمایند.» معاون اول رئیس جمهور - محمدرضا عارف

قانون اصلاح مواد (۱)، (۲) و (۷) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدمحمد خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران لایحه شماره ۴۳۹۰/۲۸۵۳۵ مورخ ۲۱/۲/۱۳۸۲ دولت در مورد اصلاح مواد (۱) و (۲) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ که یک فوریت آن در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۲۳/۲/۱۳۸۲ تصویب شده بود، در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۵/۵/۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی در عنوان و متن تصویب و به تایید شورای نگهبان رسیده است، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی شماره ۲۹۷۹۵/۵/۱۳۸۲ وزارت کشور قانون اصلاح مواد (۱)، (۲) و (۷) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ پنجم مردادماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۵/۵/۱۳۸۲ به تایید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۳۵۲۴۲ مورخ ۲۰/۵/۱۳۸۲ واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رئیس جمهور - سیدمحمد خاتمی قانون اصلاح مواد (۱)، (۲) و (۷) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ ماده ۱ - ماده (۱) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱/۳/۱۳۷۵ به شرح ذیل اصلاح می شود: ماده ۱ - برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورائی به نام شورای ده (روستا)، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می گیرد و به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آن، شورای عالی استانها مرکب از نمایندگان شوراهای استان تشکیل می شود. ماده ۲ - مقصود از شورا در این قانون و سایر قوانین معتبر در خصوص شوراهای اسلامی کشوری شوراهای روستا، بخش، شهر، شهرستان، استان و عالی استانها می باشد. ماده ۷ - تعداد اعضای اصلی و علی البدل شورای شهر به شرح زیر می باشد: الف - شهرهای تا بیست هزار نفر جمعیت، پنج نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی البدل. ب - شهرهای از بیست هزار نفر تا پنجاه هزار نفر جمعیت، هفت نفر عضو اصلی و سه نفر عضو علی البدل. ج - شهرهای از پنجاه هزار نفر تا یکصد هزار نفر جمعیت، نه نفر عضو اصلی و چهار نفر عضو علی البدل. د - شهرهای از یکصد هزار نفر تا دویست هزار نفر جمعیت، یازده نفر عضو اصلی و پنج نفر عضو علی البدل. ه - شهرهای از دویست هزار نفر تا پانصد هزار نفر جمعیت، سیزده نفر عضو اصلی و شش نفر عضو علی البدل. و - شهرهای از پانصد هزار نفر تا یک میلیون نفر جمعیت، پانزده نفر عضو اصلی و هفت نفر عضو علی البدل. ز - شهرهای بیشتر از یک میلیون نفر تا دو میلیون نفر جمعیت، بیست و یک نفر عضو اصلی و هشت نفر عضو علی البدل. ح - شهرهای بیش از دو میلیون نفر جمعیت، بیست و پنج نفر عضو اصلی و ده نفر عضو علی البدل. ط - شهر تهران سی و یک نفر عضو اصلی و دوازده نفر عضو علی البدل. تبصره - ملاک تشخیص جمعیت هر شهر و روستا، آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن با اعلام رسمی مرکز آمار ایران خواهد بود.

قانون استفساریه ماده (۲۸) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب

جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران طرح استفساریه ماده (۲۸) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن که با عنوان طرح استفساریه بند (۲) ماده (۲۸) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۲۵/۱۰/۱۳۸۴ مجلس مطرح و نظر تفسیری مجلس به شرح پیوست تصویب و در تاریخ ۱۲/۱۱/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسید، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل شماره ۷۵۳۳۱/۱۴/۱۲/۱۳۸۴ وزارت کشور قانون استفساریه ماده (۲۸) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و پنجم دی ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۲/۱۱/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۲۱۵۳۴۶/۴۷۵ مورخ ۱۶/۱۱/۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجرا ابلاغ می گردد. رئیس جمهور - محمود احمدی نژاد قانون استفساریه ماده (۲۸) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن موضوع استفساریه: ماده واحده - آیا ممنوعیت تصدی مناصب اداری مذکور در بندهای (۱) و (۲) ماده (۲۸) قانون پس از عضویت در شوراهای یادشده نیز تسری دارد یا خیر؟ نظر مجلس: بلی، عضویت همزمان در شوراهای اسلامی با تصدی مناصب اداری مذکور در ماده (۲۸) منافات دارد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و پنجم دی ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۲/۱۱/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

قانون اصلاح موادی از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵

جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران عطف به نامه شماره ۱۸۶۰۲/۳۴۹۳۹ مورخ ۲۶/۲/۱۳۸۵ در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون اصلاح موادی از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن که با عنوان لایحه یک فوریتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۲۷/۸/۱۳۸۶ و تأیید شورای محترم نگهبان به پیوست ابلاغ می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل شماره ۱۵۵۸۸۷/۵/۱۰/۱۳۸۶ وزارت کشور قانون اصلاح موادی از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و هفتم آبان ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۴/۹/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۴۸۸۳۲/۵۴۲ مورخ ۲۴/۹/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجرا ابلاغ می گردد. رئیس جمهور - محمود احمدی نژاد قانون اصلاح موادی از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن ماده ۱ - واژه «ده» از ماده (۱) حذف می گردد. ماده ۲ - در ماده (۵) بعد از عبارت «در هر بخش شورای بخش» عبارت «که اعضاء آن پنج نفر می باشد» اضافه و یک تبصره به شرح زیر به آن الحاق می گردد: تبصره - از یک روستا بیش از یک نفر نباید در شورای بخش حضور داشته باشد و در

صورتی که تعداد روستاهای بخش کمتر از پنج روستا باشد اعضاء شورای بخش از میان مجموع اعضاء شوراهای روستاها انتخاب خواهند شد و در نهایت حداقل باید از هر روستا یک نفر انتخاب گردد. ماده ۳- ماده (۶) حذف می گردد. ماده ۴- در ماده (۸): الف - واژه «بخش» حذف می شود. ب - تبصره ای به شرح زیر به این ماده الحاق می شود: تبصره - هرگاه عضوی به هر دلیلی تا دو ماه در جلسه شورا شرکت ننماید، تا تعیین تکلیف نهایی که نباید بیش از شش ماه به طول بیانجامد از عضو علی البدل به عنوان جانشین در جلسات دعوت به عمل می آید. ماده ۵- ماده (۹) و تبصره آن به شرح ذیل اصلاح می شود: ماده ۹- در صورت تبدیل روستا به شهر، شورای شهر همان شورای روستا خواهد بود. چنانچه دو یا چند روستا به شهر تبدیل شود، شورای شهر از میان اعضاء شوراهای آن روستاها به ترتیب آراء در انتخابات و به نسبت جمعیت روستاها تشکیل می شود. تبصره - چنانچه دو یا چند روستا ادغام و به یک روستا تبدیل شوند، شورای روستای جدید از میان اعضاء شوراهای روستاها به ترتیب آراء در انتخابات و به نسبت جمعیت روستاها تشکیل می شود. ماده ۶- در ماده (۱۰): الف - واژه «شهرداران» بعد از واژه «فرمانداران» اضافه می شود. ب - واژه «دهیار» از تبصره این ماده حذف می شود. ماده ۷- در ماده (۱۰) مکرر: الف - جمله «شهرستانهایی که فقط یک بخش و یک شهر داشته باشند از محدودیت داشتن دو نفر نماینده در شورا، مستثنی می باشند» به انتهای تبصره (۲) این ماده الحاق می شود. ب - تبصره (۳) این ماده حذف می شود. ماده ۸- تبصره (۲) ماده (۱۱) حذف می شود. ماده ۹- در ماده (۱۳): عبارت «و شهر» بعد از واژه «بخش» به این ماده اضافه می شود. ماده ۱۰- در ماده (۱۴): الف - تبصره (۲) حذف می شود. ب - شماره تبصره های (۳) و (۴) به (۲) و (۳) تغییر می یابد. ماده ۱۱- در ماده (۱۴) مکرر: الف - تبصره (۱) به شرح زیر اصلاح می شود: تبصره ۱- هر فرد می تواند فقط عضو شورای یک روستا یا یک شهر باشد. ب - تبصره (۳) این ماده به شرح زیر اصلاح می شود: تبصره ۳- «نامزد شدن اعضاء شوراهای اسلامی روستا و شهر در انتخابات مجلس شورای اسلامی منوط به پذیرش استعفاء آنها از سوی شورا، قبل از پایان مهلت قانونی می باشد.» ماده ۱۲- یک ماده به عنوان ماده (۱۵) مکرر به شرح زیر به قانون الحاق می شود: ماده ۱۵ مکرر- اولین جلسه شوراهای روستا به دعوت بخشدار و شورای شهر به دعوت فرماندار در تاریخ مقرر در ماده (۳) قانون تشکیل می شود. همچنین شوراهای فرادست به ترتیب، شورای بخش به فاصله یک ماه پس از تشکیل سه چهارم شوراهای روستاهای تابع بخش به دعوت بخشدار، شورای شهرستان به فاصله یک ماه پس از تشکیل دو سوم شوراهای شهر و بخش در محدوده آن شهرستان به دعوت فرماندار، شورای استان به فاصله یک ماه پس از تشکیل دو سوم شوراهای شهرستانهای واقع در محدوده آن استان به دعوت استاندار و شورای عالی استانها به فاصله یک ماه پس از تشکیل دو سوم شوراهای استانها به دعوت وزیر کشور تشکیل می شود. ماده ۱۳- در ماده (۱۶): الف - عبارت «وفق ماده (۱۵) مکرر» بعد از عبارت «شوراهای موضوع این قانون» اضافه می شود. ب - عبارت «برای مدت یکسال» در این ماده بعد از واژه «منشی» اضافه می شود. ماده ۱۴- در ماده (۱۶) مکرر واژه «بخش» پس از عبارت «اعضای شوراهای» اضافه می شود. ماده ۱۵- در تبصره ماده (۱۸) عبارت «در انتخابات شرکت نکرده باشند» به عبارت «در هیچ حوزه ای رأی نداده باشند» اصلاح می شود. ماده ۱۶- در بند (الف) ماده (۲۰) عبارت «یا پلمب» بعد از واژه «مُهر» اضافه می شود. ماده ۱۷- در بند (۲) ماده (۲۵) سن انتخاب کنندگان از ۱۵ سال تمام به ۱۸ سال تمام اصلاح می شود. ماده ۱۸- در ماده (۲۶): الف - بندهای (د)، و (ه) به بندهای (ج) و (د) تبدیل می شوند. ب - عنوان بند (و) اصلاحی ۶/۷/۱۳۸۲ به عنوان بند (ه) تبدیل و به شرح ذیل اصلاح می شود: «ه - دارابودن سوادخواندن و نوشتن برای شورای روستاهای تا دویست خانوار و داشتن مدرک دیپلم برای شورای روستاهای بالای دویست خانوار، داشتن حداقل مدرک فوق دیپلم یا معادل آن برای شورای شهرهای تا بیست هزار نفر جمعیت، داشتن حداقل مدرک لیسانس یا معادل آن برای شورای شهرهای بالای بیست هزار نفر جمعیت.» ج - یک بند به عنوان بند (و) ذیل این ماده الحاق می شود: «و - دارابودن کارت پایان خدمت نظام وظیفه یا کارت معافیت دائم از خدمت برای مردان.» ماده ۱۹- در ماده (۲۸): الف - در بند (۱) پس از عبارت «رئیس جمهور و مشاورین و معاونین وی» عبارت «نمایندگان خبرگان رهبری» پس از «رئیس دیوان عدالت اداری»، «رئیس دیوان

محاسبات کشور و معاونین وی، دادستان دیوان محاسبات» پس از « رئیس سازمان بازرسی کل کشور»، « و معاونین وی» پس از « رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و معاونین وی»، « دبیر هیأت دولت، رؤسای دفاتر سران سه قوه» و پس از «سرپرستان سازمانهای دولتی»، « رؤسای دانشگاهها (دولتی و غیردولتی)» اضافه می‌شود. ب - در بند (۲) پس از عبارت « فرمانداران و معاونین آنان»، « شهرداران و معاونین آنان» اضافه می‌شود. ج - در بند (۳) ماده (۲۸) واژه « شهرداری» بعد از عبارت « مدیران مناطق» و عبارت « و همچنین دهیاران و شاغلین در دهیاری» بعد از واژه « وابسته به آن» اضافه می‌شود. د - بعد از واژه « شهرداران» حرف « و» به علامت ویرگول «،» تغییر می‌یابد. هـ - بند (۴) به شرح زیر به این ماده الحاق می‌شود: « ۴- اعضاء شوراهای اسلامی موضوع این قانون در طول مدت عضویت نمی‌توانند در سمتهای مذکور در این ماده مشغول به کار شوند.» ماده ۲۰- در سطر آخر ماده (۳۰)، عبارت « به مدت چهارسال» به عبارت « تا پایان همان دوره» اصلاح می‌شود. ماده ۲۱- ماده (۳۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود: « ماده ۳۱- در صورتی که هر یک از شوراهای به علت فوت، استعفاء یا سلب عضویت اعضای اصلی و علی‌البدل فاقد حدنصاب لازم برای تشکیل جلسه گردد، انتخابات میان دوره‌ای همزمان با اولین انتخابات سراسری در موعد مقرر برگزار می‌شود.» ماده ۲۲- در تبصره (۱) ماده (۳۲) عبارت « پس از تأیید هیأت نظارت» بعد از واژه « انتخاب و» اضافه می‌گردد. ماده ۲۳- در تبصره (۱) ماده (۳۳) عبارت « پس از تأیید هیأت نظارت» بعد از واژه « انتخاب و» اضافه می‌شود. ماده ۲۴- در ماده (۴۵) بعد از عبارت « تشکیل هیأت اجرائی» علامت ویرگول «،» اضافه می‌شود. ماده ۲۵- در تبصره (۲) ماده (۴۶) بعد از عبارت « از تاریخ وصول استعلام» علامت ویرگول «،» اضافه می‌شود. ماده ۲۶- ماده (۴۸) به شرح زیر اصلاح می‌شود: « ماده ۴۸- نظر هیأتهای اجرائی بخش و شهرستان مبنی بر تأیید صلاحیت داوطلبان با تأیید هیأتهای نظارت شهرستان و بخش معتبر است و چنانچه ظرف هفت روز از تاریخ دریافت نتیجه رسیدگی صلاحیت داوطلبان، هیأت نظارت مربوط درباره داوطلب یا داوطلبان نظر خود را اعلام نکند، نظر هیأت اجرائی ملاک عمل خواهد بود.» ماده ۲۷- در ابتداء تبصره (۴) ماده (۵۰) عبارت « فرماندار یا بخشدار به عنوان رئیس» اضافه می‌شود. ماده ۲۸- ماده (۵۹) قانون، به بعد از ماده (۶۳) منتقل می‌شود. ماده ۲۹- در قسمت اخیر ماده (۶۳) عبارت « رؤسای هیأتهای اجرائی» جایگزین عبارت « مقامات وزارت کشور» می‌شود. ماده ۳۰- در بند (م) ماده (۶۷) عبارت « یا پلمب» بعد از واژه « مهر» اضافه می‌شود. ماده ۳۱- به فصل انتخابات یک بخش با عنوان زیر الحاق می‌گردد: و - سایر مقررات انتخابات. ماده ۳۲- مواد (۸۶) و (۸۷) از فصل پنجم سایر مقررات به قسمت فوق‌الذکر منتقل می‌شود. ماده ۳۳- در ماده (۸۸): الف - واژه « محلی» به « محلی استانی» تغییر می‌یابد. ب - در تبصره این ماده عبارت « آگاه نمودن» به « آگاه‌سازی» تغییر می‌یابد. ج - این ماده از فصل پنجم به قسمت سایر مقررات انتخابات منتقل می‌شود. ماده ۳۴- مواد (۸۹) و (۹۰) از فصل پنجم به قسمت سایر مقررات انتخابات منتقل می‌شود. ماده ۳۵- در ماده (۶۸): الف - بعد از واژه « نظارت» عبارت « و پیگیری» اضافه و واژه « تصمیمهای» به مصوبات» تغییر می‌یابد. ب - عبارت «حسب درخواست بخشدار» به قسمت انتهائی بند (ی) این ماده اضافه می‌گردد. ماده ۳۶- بند ذیل به عنوان بند (۱۱) به ماده (۶۹) الحاق می‌شود: ۱۱- تشکیل پرونده و صدور پروانه ساختمان برای ایجاد بناها و تأسیسات واقع در محدوده قانونی روستا پس از هماهنگی با بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و اخذ نظرات فنی نهاد مذکور در چهارچوب ضوابط و مقررات طرحهای هادی مصوب روستا. ماده ۳۷- در ماده (۷۰): الف - دو بند به عنوان بندهای (۱۰) و (۱۱) به شرح زیر به این ماده الحاق می‌گردد: ۱۰- نظارت بر حُسن اجراء مصوبات شورای اسلامی بخش. ۱۱- نظارت و پیگیری اجراء طرحها و پروژه‌های عمرانی بخش. ب - شماره بندهای (۲)، (۳)، (۴)، (۵)، (۶)، (۷) و (۸) به شماره (۳)، (۴)، (۵)، (۶)، (۷) و (۸) تغییر می‌یابد. ج - عبارت « بخش از قبیل توسعه» از بند (۷) حذف می‌گردد. ماده ۳۸- در ماده (۷۱): الف - در بند (۶) واژه « گردشگری و» بعد از « مراکز» اضافه می‌شود. ب - عبارت « با رعایت مقررات مربوط» به انتهای بند (۲۴) اضافه می‌گردد. ج - عبارت « با رعایت مقررات مربوط» به انتهای بند (۲۶) اضافه می‌گردد. د - در بند (۲۷) واژه « وسائل» به « وسائط» تغییر می‌یابد. هـ عبارت « با رعایت مقررات قانونی مربوط» به انتهای بند (۲۹)

اضافه می‌گردد. و - تبصره بند (۳۰) به تبصره (۱) اصلاح و یک تبصره به عنوان تبصره (۲) به ذیل این ماده الحاق می‌گردد. تبصره ۲ - شورای شهر موظف است یک نسخه از نتیجه گزارش حسابرس رسمی را جهت بررسی و هرگونه اقدام قانونی به وزارت کشور ارسال نماید. ز- تبصره‌های (۱) و (۲) بند (۳۴) این ماده حذف می‌گردد. ماده ۳۹- در ماده (۷۷): الف - عبارت « و دهستان» پس از عبارت « شورای اسلامی شهر» و عبارت « و روستا» پس از عبارت « مورد نیاز شهر» حذف می‌گردد و واژه « می‌توانند» به « می‌تواند» واژه « نمایند» به « نماید» تغییر می‌یابد. ب - در سطر اول تبصره این ماده بعد از واژه « عوارض» علامت ویرگول «،» اضافه می‌گردد. ماده ۴۰- در ماده (۷۸): عبارت « و شوراهای شهر در شهرستان به استثناء شورای شهر مرکز استان» به ادامه بند (۳) اضافه می‌گردد. ماده ۴۱- در ماده (۷۸ مکرر۱): الف - تبصره بند (۱) حذف می‌گردد. ب - سه بند به شرح زیر به عنوان بندهای «۷، ۸، و ۹» به انضمام یک تبصره به ذیل ماده فوق الحاق می‌شود. ۷- عضویت رئیس شورای استان در جلسات شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان بدون حق رأی. ۸- نظارت بر حساب در آمد و هزینه‌های مشترک شهرداریهای استان با انتخاب حسابرس رسمی و اعلام موارد نقض و تخلف به مرجع ذی‌ربط و انجام پیگیریهای لازم براساس مقررات قانونی، یک نسخه از حسابرسی مذکور جهت هرگونه اقدام قانونی به وزارت کشور ارسال می‌گردد. ۹- نظارت بر حساب در آمد و هزینه سازمان همیاری شهرداریها با انتخاب حسابرس رسمی که هزینه آن توسط سازمان همیاری شهرداریها تأمین می‌شود. تبصره - شورای استان موظف است یک نسخه از گزارش حسابرس رسمی را جهت بررسی و هرگونه اقدام قانونی به وزارت کشور ارسال نماید. ماده ۴۲- در ماده (۸۷ مکرر۲): الف - بند (۷) این ماده به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ۷- برنامه‌ریزی به منظور آموزش و آشنایی اعضای شوراها با وظایف خویش از طریق برگزاری دوره‌های کوتاه مدت کاربردی در قالب امکانات موجود کشور با همکاری وزارت کشور و سایر وزارتخانه‌ها و سازمانهای اجرائی ذی‌ربط. ب - ماده (۷۵) قانون به عنوان بند (۹) ذیل این ماده الحاق می‌گردد: ۹- آئین‌نامه سازمانی، تشکیلاتی و تعداد و نحوه تشکیل جلسات شوراها و امور مالی دبیرخانه کلیه شوراها و تعداد کارکنان آنها و هزینه‌های مربوط و هرگونه پرداختی به اعضای شوراها توسط شورای عالی استانها تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. به کارگیری کارکنان و هرگونه پرداختی خارج از این آئین‌نامه ممنوع می‌باشد. ج - در ماده (۷۸ مکرر۳) عبارت «حداکثر یک سال پس از تشکیل» حذف و این ماده به عنوان بند (۱۰) ذیل این ماده الحاق می‌گردد. ماده ۴۳- در ماده (۷۴): الف - این ماده و تبصره‌های آن به عنوان ماده (۸۲ مکرر۳) به فصل چهارم، ترتیب رسیدگی به تخلفات، منتقل و عنوان (ماده ۸۲ مکرر۳) به (ماده ۸۲ مکرر۴) اصلاح می‌شود. ب - عبارت « در غیر این صورت ضمن لغو قرارداد و سلب عضویت دائم از شورا، پرونده به مراجع ذی‌صلاح ارسال می‌گردد» به ادامه تبصره (۱) اضافه می‌گردد. ج - عبارت « در صورت ارتکاب نسبت به بررسی آن در هیأت حل اختلاف استان اقدام خواهد شد» به ادامه تبصره (۲) اضافه می‌شود. ماده ۴۴- در ماده (۷۹): الف - در بند (۲) تعداد اعضای شورای استان از دو نفر به یک نفر تقلیل و تعداد نمایندگان مجلس از یک نفر به دو نفر افزایش یافت. ب - در بند (۳) عبارت « از اعضای شورای استان» بعد از « یک نفر» اضافه می‌گردد. ج - تبصره ذیل این ماده به عنوان تبصره (۱) اصلاح و یک تبصره به عنوان تبصره (۲) ذیل آن الحاق می‌گردد. تبصره ۲- وزارت کشور براساس مسئولیت نظارتی و اجرائی قانون شوراها می‌تواند موارد تخلف از قانون را به هیأت حل اختلاف ارجاع نماید. ماده ۴۵- در ماده (۸۰): الف - ظرف زمانی «پانزده روز» مندرج در سطر آخر این ماده به «بیست روز» تغییر می‌یابد. ب - تبصره این ماده به عنوان تبصره (۱) تغییر می‌یابد. ج - دو تبصره به شرح زیر به ذیل این ماده الحاق می‌گردد. تبصره ۲- قطعی شدن مصوبات شورا، مانع از طرح رسیدگی آن دسته از مصوبات مغایر قانون در هیأت مرکزی حل اختلاف توسط اشخاص نمی‌باشد. تبصره ۳- کلیه شوراها موظفند هرگونه تصمیمی را که مربوط به دستگاههای اجرائی مختلف اتخاذ کرده‌اند، بلافاصله به دستگاه مربوطه ابلاغ نمایند. ماده ۴۶- در تبصره ماده (۸۱) عبارت « ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی» بعد از واژه « می‌توانند» اضافه می‌گردد. ماده ۴۷- الف - ماده (۸۲) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده ۸۲- چنانچه هریک از اعضای شوراها موضوع این قانون

شرایط عضویت را از دست داده و یا در انجام وظایف قانونی خود مرتکب قصور یا تقصیر شود یا اقدامی که موجب توقف یا اخلال در انجام وظایف شوراها گردد یا عملی خلاف شئون اعضاء شورا انجام دهد به موارد زیر محکوم می‌گردد: ۱- اخطار کتبی با درج در پرونده شورایی بدون اعلان عمومی. ۲- اخطار کتبی با درج در پرونده شورایی و اعلان عمومی. ۳- کسر از مبلغ دریافتی بابت عضویت در شورا (حقوق، حق‌الجلسه و عناوین مشابه) حداکثر تا یک سوم از یک ماه تا یک سال. ۴- محرومیت از عضویت در هیأت رئیسه و نمایندگی در شوراهای فرادست و عناوین مشابه حداقل به مدت یک سال. ۵- سلب عضویت موقت از یک ماه تا یک سال. ۶- سلب عضویت برای باقیمانده دوره شورا. ۷- ممنوعیت ثبت نام در انتخابات شوراها برای مدت حداقل یک دوره. تبصره ۱- هیأت‌های حل اختلاف پس از رسیدگی به اتهام یا اتهامات منتسب به عضو شورا در صورت احراز تخلف یا تخلفات، در مورد هر پرونده صرفاً یکی از مجازات‌های این قانون را اعمال خواهند نمود و تنها بند (۸) قابل جمع با بندهای (۴) تا (۶) این ماده می‌باشد. تبصره ۲- چنانچه عضوی به یکی از مجازات‌های بندهای (۴) تا (۸) این ماده محکوم شود می‌تواند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی به هیأت حل اختلاف مرکزی شکایت نماید. هیأت مذکور خارج از نوبت به موضوع رسیدگی خواهد کرد. تبصره ۳- فرد یا افرادی که سلب عضویت می‌گردند، می‌توانند به دیوان عدالت اداری شکایت نمایند. دادگاه مذکور خارج از نوبت به موضوع رسیدگی می‌کند و رأی آن قطعی و لازم‌الاجراء خواهد بود. ۸- سلب عضویت دائم از عضویت در شورا و ممنوعیت ثبت نام در انتخابات شوراها. ب- بندهای (۱) و (۲) و تبصره‌های آن با اصلاحات انجام شده به شرح زیر به عنوان ماده (۸۲ مکرر) تغییر و عنوان (ماده ۸۲ مکرر) به ماده (۸۲ مکرر) اصلاح می‌شود. ماده ۸۲ مکرر ۱- هیأت‌های حل اختلاف ضمن رسیدگی به شکایات از اعضاء شوراها در مورد اتهامات موضوع ماده (۸۲) به ترتیب زیر اقدام می‌نمایند: ۱- در مورد اعضاء شوراهای روستا و بخش به پیشنهاد شورای شهرستان و یا فرماندار و در مورد شورای شهر و شهرستان به پیشنهاد شورای استان و یا استاندار و تصویب هیأت حل اختلاف استان. ۲- در مورد اعضاء شورای استان به پیشنهاد شورای عالی استانها و استاندار و در مورد شورای عالی استانها به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب هیأت حل اختلاف مرکزی. ۳- در مورد شورای عالی استانها به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب هیأت حل اختلاف مرکزی. تبصره - سلب عضویت اعضاء شورای مافوق، موجب سلب عضویت از شورای مادون نمی‌گردد مگر به تشخیص هیأت حل اختلاف ذی‌ربط. ماده ۴۸- یک ماده به عنوان ماده (۹۲) به شرح زیر به قانون، الحاق و عنوان ماده (۹۲) به ماده (۹۶) اصلاح می‌گردد: ماده ۹۲- سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با همکاری وزارت کشور و شورای عالی استانها در راستای ارتقاء سطح فرهنگ شوراهای مشارکت، برنامه‌های مختلف فرهنگی و آموزشی را تهیه و پخش نماید. ماده ۴۹- در ماده (۸۵) عبارت « و بخش » حذف و عبارت « روستا و » بعد از واژه « شوراهای » اضافه می‌گردد. ماده ۵۰ - ماده (۷۸ مکرر) به عنوان ماده (۹۳) به فصل پنجم سایر مقررات منتقل می‌شود. ماده ۵۱- در ماده (۷۸ مکرر): الف - این ماده به عنوان ماده (۹۴) به فصل پنجم سایر مقررات منتقل و عنوان ماده (۹۴) به ماده (۹۷) اصلاح می‌گردد. ب- واژه « عضو » بعد از عبارت « به عنوان » اضافه می‌گردد. ماده ۵۲- ماده (۷۸ مکرر) به عنوان ماده (۹۵) به فصل پنجم، سایر مقررات منتقل و عنوان ماده (۹۵) به ماده (۹۸) اصلاح می‌گردد. ماده ۵۳- ماده (۹۳) حذف می‌گردد. قانون فوق مشتمل بر پنجاه و سه ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و هفتم آبان ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۴/۹/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس‌مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

اصلاح ماده (۸) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی روستا و بخش - مصوب ۱۳۸۶/۷/۱

وزارت کشور هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۸/۶/۱۳۸۶ با توجه به نظر رئیس مجلس شورای اسلامی موضوع نامه شماره ۱۰۱۲۷/۴۴۴۸۰/ب مورخ ۲۶/۳/۱۳۸۶ تصویب نمود: در ماده (۸) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی روستا و

بخش موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۰۱۸۱/ت/۱۳۵۰ مورخ ۸/۷/۱۳۸۵ و اثره « فرماندار » به « بخشدار » تغییر می‌یابد. معاون اول رئیس جمهور - پرویز داودی

قوانین شهرسازی

قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران - مصوب ۲۲/۱۲/۱۳۵۱ با اصلاحات

ماده ۱ - برای هماهنگ کردن برنامه‌های شهرسازی بمنظور ایجاد محیط زیست بهتر برای مردم همچنین بمنظور اعتلای هنر معماری ایران و رعایت سبکهای مختلف معماری سنتی و ملی و ارایه ضوابط و جنبه‌های اصیل آن با در نظر گرفتن روشهای نوین علمی و فنی و در نتیجه یافتن شیوه‌های اصولی و مناسب ساختمانی در مناطق مختلف کشور با توجه به شرایط اقلیمی و طرز زندگی و مقتضیات محلی ، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران تاسیس می‌شود. ماده ۲ - وظایف شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بشرح زیر است ۱ - بررسی پیشنهادهای لازم در مورد سیاست کلی شهرسازی برای طرح در هیات وزیران ۲ - اظهار نظر نسبت به پیشنهادهای و لوایح شهرسازی و مقررات مربوط به طرحهای جامع شهری که شامل منطقه‌بندی - نحوه استفاده از زمین - تعیین مناطق صنعتی بازرگانی - اداری - مسکونی - تاسیسات عمومی - فضای سبز و سایر نیازمندیهای عمومی شهر می باشد. ۳ - بررسی و تصویب نهایی طرحهای جامع شهری و تغییرات آنها خارج از نقشه‌های تفصیلی ۴ - تصویب معیارها و ضوابط و آیین نامه های شهرسازی ماده ۳ - اعضای شورای عالی شهرسازی و معماری ایران عبارتند از: ۱ - وزیر مسکن و شهرسازی ۲ - وزیر کشور ۳ - وزیر صنایع ۴ - وزیر فرهنگ آموزش عالی ۵ - وزیر ارشاد اسلامی ۶ - وزیر نیرو ۷ - وزیر کشاورزی ۸ - وزیر دفاع و پشتیبانی ۹ - وزیر جهاد سازندگی ۱۰ - رییس سازمان برنامه و بودجه ۱۱ - رییس سازمان حفاظت محیط زیست ۱۲ - وزیر راه و ترابری یک نفر از اعضای کمیسیون مسکن و شهرسازی و راه و ترابری مجلس شورای اسلامی به پیشنهاد کمیسیون و تصویب مجلس به عنوان ناظر در جلسات شورای عالی شهرسازی و معماری شرکت خواهد کرد. تبصره ۱ - در مورد بررسی طرحهای جامع شهری و تغییرات آنها نظرات استاندار و شورای شهرستان و شورای شهر و شهردار و کارشناسان ذیصلاحیت کسب و مورد استفاده قرار خواهد گرفت تبصره ۲ - جلسات شورا با حضور اکثریت اعضای رسمیت خواهد داشت و تصمیمات شورا با حداقل ۶ رای معتبر خواهد بود. تبصره ۳ - در صورتی که هریک از اعضای شورا نتواند شخصا در هر یک از جلسات شورا شرکت کند یکی از معاونان خود را به شورا اعزام خواهد داشت ماده ۴ - وزارت مسکن و شهرسازی بجای دبیرخانه شورای عالی شهرسازی در تشکیلات خود واحدی ایجاد می کند که تحت نظر معاون شهرسازی و معماری آن وزارت وظایف زیر را انجام دهد: ۱ - بررسی و اظهار نظر در مورد طرحهای جامع شهری از طریق کمیته‌های فنی که اعضای آن به انتخاب اعضای شورای عالی شهرسازی و موسسات ذیربط تعیین می‌شوند. ۲ - تهیه معیارها و ضوابط و آیین نامه های شهرسازی ۳ - نظارت در تهیه طرحهای جامع و تفصیلی و جلب نظر شورای شهر و شهرداری مربوط درحین تهیه طرحهای تفصیلی ۴ - نظارت در اجرای مراحل مختلف طرحهای تفصیلی شهری ۵ - ابلاغ مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به وزارتخانه و سازمانهای مسئول و ارشاد و راهنمایی دستگاههای مربوط در مورد مسایل ناشی از اجرای طرحهای جامع شهری ۶ - ایجاد یک مرکز مطالعاتی و تحقیقات شهرسازی و معماری ۷ - جمع آوری اطلاعات و آمار اقتصادی و اجتماعی و شهرسازی و معماری ۸ - تشکیل نمایشگاهها از کارهای مختلف معماری و شهرسازی با همکاری سازمانهای مربوط و انجام مسابقات شهرسازی و معماری و تشکیل کنفرانسهای لازم بمنظور نیل به هدفهای مذکور در این قانون ماده ۵ - بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان بوسیله کمیسیونی به ریاست استاندار و به عضویت رییس شورای شهرستان و شهردار و نمایندگان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مسکن و شهرسازی و نماینده مهندس مشاور تهیه کننده طرح و

عضویت نماینده وزارت کشاورزی انجام می‌شود. آن قسمت از نقشه‌های تفصیلی که بتصویب شورای شهر برسد برای شهرداری لازم الاجرا خواهد بود. تغییرات نقشه‌های تفصیلی اگر در اساس طرح جامع شهری موثر باشد باید بتایید شورای عالی شهرسازی برسد. تبصره - بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در شهر تهران به عهده کمیسیون مرکب از نمایندگان وزرای مسکن و شهرسازی، کشور، نیرو (در حد معاونت مربوطه سرپرست سازمان حفاظت محیط زیست و شهردار تهران یا نماینده تام‌الاختیار او و رییس شورای شهر تهران می‌باشد. محل دبیرخانه کمیسیون در شهرداری و دبیر آن شهردار تهران و یا نماینده تام‌الاختیار او خواهد بود و جلسات آن با حضور اکثریت اعضای رسمیت یافته و تصمیمات کمیسیون حداقل با ۴ رای موافق معتبر است ضمناً تا تشکیل شوراهای شهر نماینده وزیر کشور به عنوان قائم‌مقامی رییس شورای شهر تهران هم در کمیسیون شرکت خواهد کرد. ماده ۶ - در شهرهایی که دارای نقشه جامع می‌باشند ثبت کل مکلف است در مورد هر تفکیک طبق نقشه‌ای که شهرداری بر اساس ضوابط طرح جامع تفصیلی یا هادی تایید کرده باشد اقدام به تفکیک نماید و در مورد افزایش دادگاهها مکلفند طبق نقشه تفکیکی شهرداری اقدام نمایند. هرگاه ظرف مدت چهار ماه نقشه تفکیکی از طرف شهرداری حسب مورد به ثبت یا دادگاه ارسال نشود ثبت یا دادگاه نسبت به تفکیک با افزایش رأس اقدام خواهند نمود. ماده ۷ - شهرداریها مکلف به اجرای مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران طبق مفاد ماده ۲ می‌باشند. تبصره - در موارد ابهام و اشکال و اختلاف نظر در نحوه اجرای طرحهای جامع و تفصیلی شهری موضوع ماده ۵ مراتب در شورای عالی شهرسازی مطرح و نظر شورای عالی قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود. ماده ۸ - کلیه سازمانهای دولتی و وابسته به دولت مکلفند در صورت درخواست وزارت مسکن و شهرسازی هر نوع اطلاع مربوط به شهرسازی و معماری را در اختیار وزارت مذکور بگذارند. ماده ۹ - عقد قراردادهای مربوط به نقشه‌های جامع شهری با مهندسان مشاور همچنین تهیه شرح وظیفه فنی برای تهیه طرحهای مذکور موکول به کسب نظر از وزارت مسکن و شهرسازی خواهد بود. ماده ۱۰ - آیین نامه اجرایی این قانون از طرف وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت کشور تهیه و پس از تایید شورای عالی شهرسازی و معماری به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۱ - مواد ۹۷ و ۹۸ اصلاح پاره‌ای از مواد قانون شهرداری و قوانین و مقررات مغایر با مفاد این قانون از تاریخ تصویب این قانون ملغی است

قانون نظام مهندسی

فصل اول - کلیات، اهداف و خط مشی (ماده ۱ تا ۴)

ماده ۱ - تعریف نظام مهندسی و کنترل ساختمان عبارت است از مجموعه قانون، مقررات، آیین نامه‌ها، استانداردها و تشکلهای مهندسی، حرفه‌ای و صنفی که در جهت رسیدن به اهداف منظور در این قانون تدوین و به مورد اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۲ - اهداف و خط مشی این قانون عبارتند از: ۱ - تقویت و توسعه فرهنگ و ارزشهای اسلامی در معماری و شهرسازی ۲ - تنسيق امور مربوط به مشاغل و حرفه‌های فنی و مهندسی در بخشهای ساختمان و شهرسازی ۳ - تامین موجبات رشد و اعتلای مهندسی در کشور. ۴ - ترویج اصول معماری و شهرسازی و رشد آگاهی عمومی نسبت به آن و مقررات ملی ساختمان و افزایش بهره‌وری ۵ - بالا بردن کیفیت خدمات مهندسی و نظارت بر حسن اجرای خدمات ۶ - ارتقای دانش فنی صاحبان حرفه‌ها در این بخش ۷ - وضع مقررات ملی ساختمان به منظور اطمینان از ایمنی، بهداشت، بهره‌دهی مناسب، آسایش و صرفه اقتصادی و اجرا و کنترل آن در جهت حمایت از مردم به عنوان بهره‌برداران از ساختمانها و فضاهای شهری و ابنیه و مستحذات عمومی و حفظ و افزایش بهره‌وری

منابع مواد وانرژی و سرمایه‌های ملی ۸- تهیه و تنظیم مبانی قیمت گذاری خدمات مهندسی ۹- الزام به رعایت مقررات ملی ساختمان ، ضوابط و مقررات شهرسازی و مفاد طرحهای جامع و تفصیلی و هادی از سوی تمام دستگاههای دولتی ، شهرداریها ، سازندگان ، مهندسین ، بهره‌برداران و تمام اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با بخش ساختمان به عنوان اصل حاکم بر کلیه روابط و فعالیتهای آنها و فراهم ساختن زمینه همکاری کامل میان وزارت مسکن و شهرسازی ، شهرداریها و تشکلهای مهندسی و حرفه‌ای و صنوف ساختمان ۱۰- جلب مشارکت حرفه‌ای مهندسان و صاحبان حرفه‌ها و صنوف ساختمانی در تهیه و اجرای طرحهای توسعه و آبادانی کشور. ماده ۳- برای تامین مشارکت هر چه وسیعتر مهندسان در انتظام امور حرفه‌ای خود و تحقق اهداف این قانون در سطح کشور (سازمان نظام مهندسی ساختمان) که از این پس در این قانون به اختصار (سازمان) خوانده می‌شود و در هر استان یک سازمان به نام (سازمان نظام مهندسی ساختمان استان) که از این پس به اختصار (سازمان استان) نامیده می‌شود ، طبق شرایط یاد شده در این قانون و آیین نامه اجرایی آن تاسیس می‌شود. سازمانهای یاد شده غیر انتفاعی بوده و تابع قوانین و مقررات عمومی حاکم بر موسسات غیر انتفاعی می‌باشند. ماده ۴- از تاریخی که وزارت مسکن و شهرسازی با کسب نظر از وزارت کشور در هر محل حسب مورد اعلام نماید ، اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی به آن دسته از امور فنی در بخشهای ساختمان و شهرسازی که توسط وزارت یاد شده تعیین می‌شود ، مستلزم داشتن صلاحیت حرفه‌ای است این صلاحیت در مورد مهندسان از طریق پروانه اشتغال به کار مهندسی و در مورد کاردانه‌های فنی و معماران تجربی از طریق پروانه مهارت فنی احراز می‌شود. مرجع صدور پروانه اشتغال به کار مهندسی و پروانه اشتغال به کردانی و تجربی وزارت مسکن و شهرسازی و مرجع صدور پروانه مهارت فنی وزارت کار و امور اجتماعی تعیین می‌گردد. شرایط و ترتیب صدور ، تمدید ، ابطال و تغییر مدارک صلاحیت حرفه‌ای موضوع این ماده و چگونگی تعیین ، حدود صلاحیت و ظرفیت اشتغال دارندگان آنها ، در آیین نامه اجرایی این قانون معین می‌شود. تبصره ۱- وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت کار و امور اجتماعی حسب مورد موظفند ظرف ۱۰ سال از تاریخ ابلاغ این قانون با استفاده از همکاری شهرداریها ، مهندسان و سازمانها و تشکلهای حرفه‌ای و صنفی شاغل در این بخش‌ها دامنه اجرای این ماده را به کل کشور توسعه دهند. اهداف مرحله‌ای این امر و بودجه مورد نیاز برای آموزش و آزمون اشخاص و سامان بخشیدن به صنوف و حرف فنی شاغل در این بخشها همه ساله در بودجه سالیانه دستگاه اجرایی مربوط پیش‌بینی خواهد شد. تبصره ۲- کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی غیر ایرانی جهت انجام خدمات موضوع این قانون باید مدارک صلاحیت حرفه‌ای موقت دریافت دارند.

فصل دوم - تشکیلات ، ارکان ، وظایف و اختیارات سازمان (ماده ۵ تا ۲۷)

ماده ۵- ارکان سازمان عبارت است از هر یک از سازمان استانها ، هیات عمومی سازمان ، شورای مرکزی سازمان ، رییس سازمان و شورای انتظامی نظام مهندسی ماده ۶- برای تشکیل سازمان استان وجود حداقل ۵۰ نفر داوطلب عضویت از بین مهندسان حوزه آن استان که دارای مدرک مهندسی در رشته‌های اصلی مهندسی شامل معماری ، عمران ، تاسیسات مکانیکی ، تاسیسات برقی ، شهرسازی ، نقشه برداری و ترافیک باشند ضروری است تبصره ۱- مهندس حوزه هر استان در این قانون به شخصی اطلاق می‌شود که حداقل متولد آن استان یا ۶ ماه ممتد پیش از تاریخ تسلیم درخواست عضویت ، در آن استان مقیم باشد. تبصره ۲- هر یک از مهندسان در بیش از یک سازمان نمی‌توانند عضویت یابند. ماده ۷- عضویت اشخاص حقوقی شاغل به کار مهندسی در رشته‌های اصلی و اشخاص حقیقی در رشته‌های مرتبط با مهندسی ساختمان در سازمان استان بلامانع است تبصره ۱- رشته‌های مرتبط با مهندسی ساختمان به کلیه رشته‌هایی اطلاق می‌شود که عنوان آنها با رشته‌های اصلی یاد شده در ماده (۶) متفاوت بوده ولی محتوای علمی و آموزشی آنها بارشته‌های اصلی بیش از ۷۰٪ در ارتباط باشد و فارغ‌التحصیلان اینگونه رشته‌ها خدمات فنی معینی را در

زمینه‌های طراحی، محاسبه، اجرا، نگهداری، کنترل، آموزش، تحقیق و نظایر آن به بخشهای ساختمان و شهرسازی عرضه می‌کنند اما این خدمات از حیث حجم، اهمیت و میزان تاثیر عرفهمطراز خدمات رشته‌های اصلی مهندسی ساختمان نباشد. تبصره ۲ - حدود صلاحیت حرفه‌ای دارندگان مدارک تحصیلی دانشگاهی مرتبط با مهندسی ساختمان و عناوین این رشته‌ها توسط کمیسیونی متشکل از نمایندگان وزیر مسکن و شهرسازی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی و رییس سازمان تعیین و به تصویب وزیر مسکن و شهرسازی می‌رسد. مرجع تطبیق عناوین مدارک تحصیلی کمتر از معادل لیسانس و تعیین حدود صلاحیت حرفه‌ای دارندگان آنها وزارت مسکن و شهرسازی است ماده ۸ - هر سازمان استان دارای مجمع عمومی، هیات مدیره، شورای انتظامی و بازرسان است و محل استقرار دایم دفتر مرکزی آن در مرکز استان می‌باشد. سازمانهای استان می‌توانند در سایر شهرهای استان و همچنین در مناطق مختلف شهرهای بزرگ مرکز استان در صورت پیشنهاد شورای مرکزی و تصویب وزیر مسکن و شهرسازی، در مرکز استانهای مجاوری که در آنها سازمان استان تاسیس نشده باشد، دفاتر نمایندگی دایر نموده و انجام تمام یا بخشی از وظایف مستمر سازمان در حوزه مربوط را به آن دفاتر محول کنند. ماده ۹ - مجمع عمومی سازمان استان از اجتماع تمامی اشخاص حقیقی عضو دارای حق رای سازمان که منحصر به دارندگان مدرک تحصیلی در رشته‌های اصلی مهندسی ساختمان و رشته‌های مرتبط است تشکیل می‌شود و وظایف و اختیارات آن به شرح زیر است الف - انتخاب اعضای هیات مدیره ب - استماع گزارش عملکرد سالیانه هیات مدیره و اعلام نظر نسبت به آن ج - بررسی و تصویب ترازنامه سالانه (سازمان استان) و بودجه پیشنهادی (هیات مدیره). د - تعیین و تصویب حق ورودیه و حق عضویت سالانه اعضا و سایر منابع در آمد برای سازمان بر اساس پیشنهاد (هیات مدیره). ه - بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به سایر اموری که طبق قوانین و آیین نامه‌های مربوط به عهده سازمان استان و در صلاحیت مجمع عمومی می‌باشد. تبصره ۱ - جلسات مجمع عمومی بطور عادی سالی یکبار و بطور فوق العاده به تعداد دفعاتی که توسط مجمع عمومی در اجلاس عادی تعیین می‌شود، به دعوت هیات مدیره تشکیل می‌شود. هیات مدیره ملزم به دعوت از نمایندگان وزیر مسکن و شهرسازی جهت شرکت در جلسات مجمع عمومی می‌باشد و جلسات یاد شده با رعایت سایر شرایط، مشروط به انجام دعوت یاد شده رسمیت خواهد یافت تبصره ۲ - در صورت تصویب هیات مدیره سازمان استان، نمایندگان اشخاص حقوقی عضو سازمان می‌توانند به عنوان ناظر به جلسات مجمع عمومی دعوت شوند و در آن حضور یابند. تبصره ۳ - بازرسان در اولین جلسه فوق العاده مجمع عمومی و به پیشنهاد هیات مدیره تعیین می‌شوند. ماده ۱۰ - هر یک از سازمانهای استان دارای هیات مدیره‌ای خواهند بود که از بین اعضای داوطلب واجد شرایط در رشته‌های اصلی مهندسی ساختمان برای یک دوره سه ساله انتخاب خواهد شد و انتخاب مجدد اعضای هیات مدیره بلا مانع است ماده ۱۱ - شرایط انتخاب شوندگان هیاتهای مدیره سازمانهای نظام مهندسی به شرح زیر می‌باشد: ۱ - تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران ۲ - نداشتن فساد اخلاقی و مالی و عدم اعتیاد به مواد مخدر. ۳ - داشتن حسن شهرت اجتماعی و شغلی عملی به مهندسی و رعایت اخلاق و شیون مهندسی ۴ - نداشتن پیشینه کیفری و عدم وابستگی به گروههای غیر قانونی ۵ - داشتن حسن شهرت در تعهد عملی به احکام دین مبین اسلام و وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبصره - اقلیتهای دینی به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تابع احکام دین اعتقادی خود می‌باشند. ۶ - دارا بودن صلاحیت علمی و حرفه‌ای به میزان مندرج در آیین نامه. ماده ۱۲ - تعداد اعضای اصلی هیات مدیره سازمان استانها بین (۵) و (۲۵) نفر متناسب با تعداد اعضا و به تفکیک رشته‌های اصلی خواهد بود. تبصره - در هر یک از رشته‌های اصلی مهندسی ساختمان که نماینده یا نمایندگانی در هیات مدیره سازمان استانها دارند، یک نفر به عنوان عضو علیالبدل هیات مدیره انتخاب خواهد شد. نحوه شرکت اعضا علیالبدل در جلسات هیات مدیره در آیین نامه اجرایی این قانون معین خواهد شد. ماده ۱۳ - هیات اجرایی انتخابات که حسب مورد در هر استان متشکل از ۳ تا ۷ نفر از اعضای سازمان است با نظارت وزارت مسکن و شهرسازی وظیفه برگزاری انتخابات را بر عهده دارد. چگونگی انتخاب و تشکیل هیات اجرایی و اختیارات و وظایف هیات یاد شده

به شرح مندرج در این نامه اجرایی این قانون خواهد بود. تبصره ۱ - هیات اجرایی انتخابات موظف است صلاحیت داوطلبان عضویت در هیات مدیره را از مراجع صلاحیت دار استعلام و بررسی نماید. تبصره ۲ - اولین دوره انتخابات هیات مدیره بوسیله وزارت مسکن و شهرسازی برگزار می شود. ماده ۱۴ - هیات مدیره سازمان استان نماینده آن سازمان بوده و دارای هیات ریسه‌ای متشکل از یک رییس ، دو نایب رییس و یک دبیر برای انجام وظایف خود به ترتیب مندرج در آیین نامه اجرایی خواهد بود و می تواند به تعداد لازم کمیسیونهای تخصصی و دفاتر نمایندگی تاسیس نماید. تفویض اختیار هیات مدیره به این کمیسیونها و نمایندگیها از مسئولیت آن هیات نمی کاهد. رییس هیات مدیره ، رییس سازمان استان نیز محسوب می شود. ماده ۱۵ - اهم وظایف و اختیارات هیات مدیره به شرح زیر است ۱ - برنامه ریزی در جهت تقویت و توسعه فرهنگ و ارزشهای اسلامی در معماری و شهرسازی ۲ - برنامه ریزی به منظور رشد و اعتلای حرفه‌های مهندسی ساختمان و مشاغل مرتبط با آن ۳ - ارتقای دانش فنی و کیفیت کار شاغلان در بخشهای ساختمان و شهرسازی از طریق ایجاد پایگاههای علمی ، فنی ، آموزش و انتشارات ۴ - همکاری با مراجع مسئول در امر کنترل ساختمان از قبیل اجرای دقیق صحیح مقررات ملی ساختمان و ضوابط طرحهای جامع و تفصیلی و هادی شهرها توسط اعضای سازمان حسب درخواست ۵ - نظارت بر حسن انجام خدمات مهندسی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی در طرحها و فعالیت‌های غیر دولتی در حوزه استان و تعقیب متخلفان از طریق مراجع قانونی ذیصلاح ۶ - مشارکت در امر ارزشیابی و تعیین صلاحیت و ظرفیت اشتغال به کار شاغلان در امور فنی مربوط به فعالیتهای حوزه‌های مشمول این قانون ۷ - دفاع از حقوق اجتماعی و حیثیت حرفه‌ای اعضا و تشویق و حمایت از فعالیتهای با ارزش و برگزاری مسابقات حرفه‌ای و تخصصی و معرفی طرحهای ارزشمند. ۸ - تنظیم روابط بین صاحبان حرفه‌های مهندسی ساختمان و کار فرمایان و کمک به مراجع مسئول در بخش ساختمان و شهرسازی در زمینه ارجاع مناسب کارها به صاحبان صلاحیت و جلوگیری از مداخله اشخاص فاقد صلاحیت در امور فنی ۹ - کمک به ترویج اصول صحیح مهندسی و معماری و همکاری با وزارت مسکن و شهرسازی در زمینه تدوین ، اجرا و کنترل مقررات ملی ساختمان و استانداردها و معیارها. ۱۰ - کمک به ارتقای کیفیت طرحهای ساختمانی ، عمرانی و شهرسازی در محدوده استان و ارائه گزارش بر حسب درخواست ، شرکت در کمیسیونها و شوراهای تصمیم گیری در مورد اینگونه طرحها و همکاری با وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداریها در زمینه کنترل ساختمان و اجرای طرحهای یاد شده با استفاده از خدمات اعضای سازمان استان ۱۱ - ارائه خدمات کارشناسی فنی به مراجع قضایی و قبول داوری در اختلافاتی که دارای ماهیت فنی است ۱۲ - همکاری با مراجع استان در هنگام بروز سوانح و بلایای طبیعی ۱۳ - تایید ترازنامه سازمان و ارائه آن به مجمع عمومی ۱۴ - معرفی نماینده هیات مدیره سازمان استان جهت عضویت در کمیسیونهای حل اختلافات مالیاتی در رسیدگی و تشخیص مالیات فنی و مهندسی اعضای سازمان ۱۵ - تهیه و تنظیم مبانی قیمت گذاری خدمات مهندسی در استان و پیشنهاد به وزارت مسکن و شهرسازی ، مرجع تصویب مبانی و قیمت خدمات مهندسی در آیین نامه اجرایی تعیین می گردد. ۱۶ - سایر مواردی که برای تحقق اهداف این قانون در آیین نامه اجرایی معین می شود. تبصره ۱ - برای رسیدگی و تشخیص صحیح مالیات مشاغل فنی و مهندسی اعضای سازمان استان ، نماینده هیات مدیره سازمان در جلسات کمیسیونهای حل اختلافات مالیاتی آن استان شرکت خواهد داشت تبصره ۲ - مفاد این ماده شامل چگونگی فعالیت وزارتخانه‌ها و سایر دستگاههای دولتی و کارکنان آنها در انجام وظایف محوله نمی شود. ماده ۱۶ - به منظور گسترش همکاری‌های حرفه‌ای و جلب مشارکت اعضا و کارشناسی دقیق تر مسایل ویژه هر یک از رشته‌های تخصصی موجود در سازمان اجازه داده می شود گروههای تخصصی مهندسان هر رشته ، متشکل از اعضای سازمان در همان رشته تشکیل شود. چگونگی فعالیت و مدیریت گروهها به موجب آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. ماده ۱۷ - هر سازمان استان دارای یک شورای انتظامی متشکل از یک نفر حقوقدان به معرفی رییس دادگستری استان و دو تا چهار نفر مهندس خوشنام که به معرفی هیات مدیره و با حکم شورای مرکزی سازمان نظام مهندسان ساختمان برای مدت (۳) سال منصوب می شوند ، خواهد بود و انتخاب مجدد

آنان بلامانع است رسیدگی بدوی به شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی در خصوص تخلفات حرفه‌ای وانضباطی و انتظامی مهندسان و کاردانه‌های فنی به عهده شورای یاد شده است چگونگی رسیدگی به تخلفات و طرز تعقیب و تعیین مجازاتهای انضباطی و موارد قابل تجدیدنظر در شورای انتظامی نظام مهندسی در آیین نامه اجرایی تعیین می‌شود. تبصره - مراجع قضایی برای رسیدگی به شکایات و دعاوی مطروح علیه اعضای سازمان استان که منشأ آنها امور حرفه‌ای باشد، بنا به درخواست مشتکی عنه یا خوانده می‌توانند، نظر کارشناسی سازمان استان محل را نیز خواستار شوند. هیات مدیره مکلف است حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ وصول استعلام، نظر خود را به طور کتبی اعلام نماید و در صورت عدم اعلام نظر، مراجع مربوط می‌توانند رأساً به کار رسیدگی ادامه دهند. همچنین در سایر دعاوی که موضوع آنها مرتبط با مفاد این قانون باشد محاکم قضایی می‌توانند جهت انجام کارشناسی نیز از سازمان استان محل خواستار معرفی یک کارشناس یا هیات کارشناسی خبره و واجد شرایط شوند. هیات مدیره سازمان استان مکلف است حداکثر ظرف مدت پانزده روز نسبت به معرفی کارشناس یا کارشناسان صلاحیتدار در رشته مربوط به ماهیت دعوی اقدام نماید. در مواردی که به لحاظ ماهیت کار، نیاز به وقت بیشتر باشد هیات مدیره می‌تواند با ذکر دلیل از مراجع قضایی ذریب استمهال نماید. ماده ۱۸ - هر سازمان استان حسب مورد دارای یک یا چند بازرس می‌باشد که موظفند در چارچوب قانون و آیین نامه اجرایی آن و آیین نامه مالی سازمان به حسابها و ترازنامه سازمان استان رسیدگی و گزارشهای لازم را جهت ارایه به مجمع عمومی تهیه نمایند و نیز تمامی وظایف و اختیاراتی را که به موجب قوانین و مقررات عمومی به عهده بازرس محول است انجام دهند. بازرسان مکلفند نسخه‌ای از گزارش خود را پانزده روز پیش از تشکیل مجمع عمومی به هیات مدیره تسلیم کنند. بازرسان با اطلاع هیات مدیره حق مراجعه به کلیه اسناد و مدارک سازمان را دارند بدون اینکه در عملیات اجرایی دخالت کنند و یا موجب وقفه در عملیات سازمان شوند. ماده ۱۹ - به منظور هماهنگی در امور سازمانهای استان هیات عمومی سازمان نظام مهندسی ساختمان که از این پس به اختصار (هیات عمومی) خوانده می‌شود از کلیه اعضای اصلی هیات مدیره سازمانهای استان در سطح کشور تشکیل می‌شود. هیات عمومی هر سال یک بار یک جلسه عادی با حضور نماینده وزیر مسکن و شهرسازی خواهد داشت و اولین جلسه عادی آن پس از انتخاب و آغاز به کار هیات مدیره سازمانهای استان در دو سوم استانهای کشور (که باید در بر گیرنده تمام سازمانهایی که دارای ۷۰۰ نفر عضو یا بیشتر هستند، باشد) به دعوت وزارت مسکن و شهرسازی و جلسات بعد با دعوت شورای مرکزی نظام مهندسی ساختمان که از این پس به اختصار شورای مرکزی خوانده می‌شود، تشکیل می‌شود. جلسات فوق العاده هیات عمومی بنا به تصمیم آخرین جلسه عادی آن هیات و یا به تقاضای دو سوم اعضای شورای مرکزی و یا دعوت وزیر مسکن و شهرسازی تشکیل خواهد شد. وظایف و اختیارات هیات عمومی به شرح زیر است الف - انتخاب افراد واجد شرایط عضویت در شورای مرکزی به میزان حداقل دو برابر تعداد مورد نیاز در هر رشته (با قید اصلی و علیالبدل جهت معرفی به وزیر مسکن و شهرسازی، برای انتخاب اعضای اصلی و علیالبدل شورای یاد شده از میان آنها. ب - استماع گزارش سالیانه شورای مرکزی ج - تصویب خط مشی‌های عمومی پیشنهادهای شورای مرکزی د - حصول اطلاع از فعالیتهای، وضعیت و مشکلات سازمانهای استان و ارایه طریق به آنها. ماده ۲۰ - شورای مرکزی متشکل از ۲۵ نفر عضو اصلی و ۷ نفر عضو علیالبدل با ترکیب رشته‌های یاد شده در آیین نامه است که از بین اعضای هیات مدیره سازمانهای استان معرفی شده از سوی هیات عمومی و توسط وزیر مسکن و شهرسازی برای مدت ۳ سال انتخاب می‌شوند. اعضای شورای مرکزی باید علاوه بر عضویت در هیات مدیره سازمان استان، خوشنام و دارای سابقه انجام کارهای طراحی یا اجرایی یا علمی و تحقیقی و آموزشی برجسته و ارزنده باشند. ماده ۲۱ - اهم وظایف و اختیارات (شورای مرکزی) به این شرح است الف - برنامه ریزی و فراهم آوردن زمینه اجرای اهداف و خط مشی‌های این قانون با جلب مشارکت سازمان استانها و هماهنگی وزارت مسکن و شهرسازی ب - بررسی مسایل مشترک سازمانهای استان و سازمان نظام مهندسی و تعیین خط مشی‌های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت و ابلاغ آنها. ج - ایجاد زمینه‌های مناسب برای انجام وظایف

ارکان سازمان از طریق مذاکره و مشاوره با مراجع ملی و محلی، در امور برنامه ریزی، مدیریت، اجرا و کنترل طرحهای ساختمانی و شهرسازی و با مراجع قضایی در مورد اجرای مواد این قانون که به امور قضایی و انتظامی مربوط می‌باشد. د - حل و فصل اختلافات بین ارکان داخلی سازمانهای استان یا بین سازمانهای استان با یکدیگر یا بین اعضای سازمانهای استان با سازمان خود از طریق داوری ه - همکاری با وزارت مسکن و شهرسازی در امر نظارت بر عملکرد سازمانهای استان و اصلاح خط مشی آن سازمانها از طریق مذاکره و ابلاغ دستورالعملها. و - همکاری با مراکز تحقیقاتی و علمی و آموزشی و ارایه مشورتهای لازم در زمینه تهیه مواد درسی و محتوای آموزش علوم و فنون مهندسی در سطوح مختلف به وزارت خانه‌های آموزش و پرورش و فرهنگ و آموزش عالی ز - همکاری با وزارت مسکن و شهرسازی و سایر دستگاههای اجرایی در زمینه تدوین مقررات ملی ساختمان و ترویج و کنترل اجرای آن و تهیه شناسنامه فنی و ملکی ساختمانها و برگزاری مسابقات حرفه‌ای و تخصصی ح - همکاری با وزارت کار و امور اجتماعی در زمینه ارتقا سطح مهارت کارگران ماهر شاغل در بخشهای ساختمانی و شهرسازی و تعیین استاندارد مهارت و کنترل آن ط - تلاش در جهت جلب مشارکت و تشویق به سرمایه گذاری اشخاص و موسسات در طرحهای مسکن و تاسیسات و مستحذات عمرانی عام‌المنفعه و همکاری با دستگاههای اجرایی در ارتقای کیفیت این گونه طرحها. ی - جمع آوری کمکهای داخلی و بین‌المللی جهت کمک به دستگاههای مسئول در امر امداد و نجات در زمان وقوع حوادث غیر مترقبه ک - همکاری در برگزاری آزمونهای تخصصی مهندسی، کاردانان فنی و کارگران ماهر و آموزشهای تکمیلی برای به هنگام نگاهداشتن دانش فنی و همچنین شناسایی و تدارک فرصت‌های کارآموزی و معرفی به دانشگاهها. ل - حمایت اجتماعی از اعضای سازمانهای استان و دفاع از حیثیت و حقوق حقه آنها و همچنین دفاع از حقوق متقابل جامعه به عنوان مصرف کنندگان محصولات، تولیدات و خدمات مهندسی در بخشهای ساختمان، عمران و شهرسازی م - مشارکت در برگزاری کنفرانسها و گردهمایی‌های تخصصی در داخل کشور و در سطح بین‌المللی ن - ارایه گزارش عملکرد به هیات عمومی و وزیر مسکن و شهرسازی س - ارایه نظرات مشورتی سازمان نظام مهندسی به دولت و دستگاههای اجرایی در زمینه برنامه‌های توسعه و طرحهای بزرگ ساختمانی، عمرانی و شهرسازی حسب درخواست دستگاههای مربوط انجام وظایف شورای مرکزی در سطح کشور، مانع از اقدام هیات مدیره سازمانهای استان در زمینه برخی از وظایف فوق که در مقیاس استانی قابل انجام باشد، نخواهد بود. ماده ۲۲ - (شورای مرکزی) دارای هیات ریسه‌ای است متشکل از یک رییس و دو دبیر اجرایی و دو منشی که دبیران و منشی‌ها با اکثریت آرا از بین اعضا انتخاب می‌شوند. (شورای مرکزی) برای تعیین رییس شورا، سه نفر را به وزیر مسکن و شهرسازی پیشنهاد می‌کند و وزیر یاد شده یک نفر رابه عنوان رییس شورای مرکزی که رییس سازمان نیز محسوب می‌شود، جهت صدور حکم به رییس جمهور معرفی می‌نماید. دوره تصدی رییس سازمان سه سال و دوره مسئولیت سایر اعضای هیات ریسه یک سال است و انتخاب مجدد آنان بلا مانع می‌باشد. ماده ۲۳ - مسئولیت اجرای تصمیمات (شورای مرکزی) و مسئولیت اجرایی و نمایندگی سازمان در مراجع ملی و بین‌المللی با رییس سازمان است ماده ۲۴ - (شورای انتظامی نظام مهندسی) از چهار نفر عضو سازمان که دو نفر با معرفی وزیر مسکن و شهرسازی و دو نفر دیگر با معرفی شورای مرکزی سازمان و یک حقوقدان با معرفی ریاست قوه قضاییه تشکیل می‌شود. نظرات (شورای انتظامی نظام مهندسی) با اکثریت سه رای موافق قطعی و لازم‌الاجرا است ماده ۲۵ - مهندسان متقاضی پروانه اشتغال به کار مهندسی در رشته‌های اصلی مهندسی ساختمان و رشته‌های مرتبط ضمن داشتن کارت عضویت نظام مهندسی استان مربوط و احراز شرایط یاد شده در آیین نامه موظفند پس از فراغت از تحصیل به مدت معینی که در آیین نامه برای هر رشته و پایه تحصیلی تعیین می‌شود، در زمینه‌های تخصصی مربوط به رشته خود، کارآموزی نمایند. ماده ۲۶ - وزارت مسکن و شهرسازی مجاز است ضمن بررسی عملکرد سازمانهای استان و گزارش هیات عمومی سازمان، در خصوص چگونگی ادامه کار آن سازمانها توصیه‌های لازم را بنماید و در صورتی که به دلیل انحراف از اهداف سازمان، انحلال هر یک از آنها را لازم بداند، موضوع را در هیاتی مرکب از وزیر مسکن و

شهرسازی، وزیر دادگستری و رییس سازمان مطرح نماید. تصمیم هیات با دو رای موافق لازم‌الاجرا خواهد بود. تبصره - انجام وظایف قانونی سازمان و سازمانهای استان تا زمانی که تشکیل نشده است و همچنین در زمان تعطیل یا انحلال با وزارت مسکن و شهرسازی است که حد اکثر به مدت شش ماه به عنوان قائم‌مقامی عمل می‌نماید و ظرف این مدت موظف به برگزاری انتخابات برای تشکیل مجدد سازمانهای یاد شده خواهد بود. ماده ۲۷ - وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی، نهادها، نیروهای نظامی و انتظامی، شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها می‌توانند در ارجاع امور کارشناسی با رعایت آیین نامه خاصی که به پیشنهاد مشترک وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت دادگستری به تصویب هیات وزیران می‌رسد به جای کارشناسان رسمی دادگستری از مهندسان دارای پروانه اشتغال که به وسیله سازمان استان معرفی می‌شوند استفاده نمایند.

فصل سوم - امور کاردانه‌ها و صنوف ساختمانی (ماده ۲۸ تا ۲۹)

ماده ۲۸ - وزارت مسکن و شهرسازی موظف است ظرف ۶ ماه از زمان ابلاغ این قانون ضوابط، مقررات و تشکیلات حرفه‌ای مناسب برای کاردانه‌های فنی شاغل در رشته‌ها و حرفه‌های موضوع این قانون را در قالب آیین نامه ای تدوین و برای تصویب به هیات وزیران پیشنهاد نماید. ماده ۲۹ - وزیر مسکن و شهرسازی از تاریخ ابلاغ این قانون به عضویت هیات عالی نظارت موضوع ماده (۵۲) قانون نظام صنفی در خواهد آمد. وزارت مسکن و شهرسازی با هماهنگی دبیرخانه هیات عالی نظارت حداکثر ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون آیین نامه نظام صنفی کارهای ساختمانی را برابر قانون نظام صنفی تهیه و جهت تصویب به هیات وزیران پیشنهاد می‌نماید

فصل چهارم - مقررات فنی و کنترل ساختمان (ماده ۳۰ تا ۳۵)

ماده ۳۰ - شهرداری‌ها و مراجع صدور پروانه ساختمان، پروانه شهرک سازی و شهرسازی و سایر مجوزهای شروع عملیات ساختمان و کنترل و نظارت بر این گونه طرحها در مناطق و شهرهای مشمول ماده (۴) این قانون برای صدور پروانه و سایر مجوزها تنها نقشه‌هایی را خواهند پذیرفت که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی دارنده پروانه اشتغال به کار و در حدود صلاحیت مربوط امضا شده باشد و برای انجام فعالیتهای کنترل و نظارت از خدمات این اشخاص در حدود صلاحیت مربوط استفاده نمایند. ماده ۳۱ - در مواردی که نقشه‌های تسلیمی به شهرداریها و سایر مراجع صدور پروانه ساختمانی و تفکیک اراضی توسط اشخاص حقوقی امضا و یا تعهد نظارت می‌شود مسئولیت صحت طراحی و محاسبه و نظارت به عهده مدیر عامل یا رییس موسسه تهیه کننده نقشه است و امضای وی رافع مسئولیت طراح، محاسب و ناظر نخواهد بود، مگر اینکه نقشه‌ها توسط اشخاص حقیقی دیگر در رشته مربوطه امضا و یا تعهد نظارت شده باشد. ماده ۳۲ - اخذ پروانه کسب و پیشه در محل‌ها و امور موضوع ماده (۴) این قانون موقوف به داشتن مدارک صلاحیت حرفه‌ای خواهد بود، در محل‌های یاد شده اقدام به امور زیر تخلف از قانون محسوب می‌شود: الف - مداخله اشخاص حقیقی و حقوقی فاقد مدرک صلاحیت در امور فنی که اشتغال به آن مستلزم داشتن مدرک صلاحیت است ب - اشتغال به امور فنی خارج از حدود صلاحیت مندرج در مدرک صلاحیت ج - تاسیس هرگونه موسسه، دفتر یا محل کسب و پیشه برای انجام خدمات فنی بدون داشتن مدرک صلاحیت مربوط د - ارائه خدمات مهندسی طراحی، اجرا و نظارت توسط اشخاص حقیقی و حقوقی که مسئولیت بررسی یا تایید نقشه و یا امور مربوط به کنترل ساختمان آن پروژه را نیز بر عهده دارند. ماده ۳۳ - اصول و قواعد فنی که رعایت آن‌ها در طراحی، محاسبه، اجرا، بهره‌برداری و نگهداری ساختمانها به منظور اطمینان از ایمنی، بهداشت،

بهره دهی مناسب، آسایش و صرفه اقتصادی ضروری است به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی تدوین خواهد شد. حوزه شمول این اصول و قواعد و ترتیب کنترل اجرای آنها و حدود اختیارات و وظایف سازمانهای عهده دار کنترل و ترویج این اصول و قواعد در هر مبحث به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به وسیله وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی و کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. مجموعه اصول و قواعد فنی و آیین نامه کنترل و اجرای آنها مقررات ملی ساختمان را تشکیل می‌دهند. سازمانهای استان می‌توانند متناسب با شرایط ویژه هر استان پیشنهاد تغییرات خاصی را در مقررات ملی ساختمان قابل اجرا در آن استان بدهند. این پیشنهادات پس از تایید شورای فنی استان ذیربط با تصویب وزارت مسکن و شهرسازی قابل اجرا خواهد بود. تبصره - مقررات ملی ساختمان متناسب با تغییر شرایط، هر سه سال یکبار مورد بازنگری قرار می‌گیرد و عنداللزوم با رعایت ترتیبات مندرج در این ماده قابل تجدید نظر است ماده ۳۴ - شهرداریها و سایر مراجع صدور پروانه و کنترل و نظارت بر اجرای ساختمان و امور شهرسازی، مجریان ساختمانهای و تاسیسات دولتی و عمومی، صاحبان حرفه‌های مهندسی ساختمان و شهرسازی و مالکان و کارفرمایان در شهرها، شهرکها و شهرستانها و سایر نقاط واقع در حوزه شمول مقررات ملی ساختمان و ضوابط و مقررات شهرسازی مکلفند مقررات ملی ساختمان را رعایت نمایند. عدم رعایت مقررات یاد شده و ضوابط و مقررات شهرسازی تخلف از این قانون محسوب می‌شود. تبصره ۱ - وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی، کشور و صنایع مکلفند با توجه به امکانات و موقعیت هر محل، آن دسته از مصالح و اجزا ساختمانی که باید به تایید موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران برسد را طی فهرست‌هایی احصا و آگهی نمایند. از تاریخ اعلام، کلیه تولیدکنندگان و وارد کنندگان و توزیع کنندگان مصالح و اجزای ساختمانی موظف به تولید و توزیع و استفاده از مصالح استاندارد شده خواهند بود. تبصره ۲ - از تاریخ تصویب این قانون وزیر مسکن و شهرسازی به عضویت شورای عالی استاندارد منصوب می‌گردد. ماده ۳۵ - مسئولیت نظارت عالی بر اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی و مقررات ملی ساختمان در طراحی و اجرای تمامی ساختمانهای و طرحهای شهرسازی و عمرانی شهری که اجرای ضوابط و مقررات مزبور در مورد آنها الزامی است، بر عهده وزارت مسکن و شهرسازی خواهد بود. به منظور اعمال این نظارت مراجع و اشخاص یاد شده در ماده ۳۴ موظفند در صورت درخواست حسب مورد اطلاعات و نقشه‌های فنی لازم را در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار دهند و در صورتی که وزارت یاد شده به تخلفی برخورد نماید با ذکر دلایل و مستندات دستور اصلاح یا جلوگیری از ادامه کار را به مهندس مسئول نظارت و مرجع صدور پروانه ساختمانی ذیربط ابلاغ نماید و تا رفع تخلف، موضوع قابل پیگیری است در اجرای این وظیفه کلیه مراجع ذیربط موظف به همکاری می‌باشند. تبصره - این ماده شامل طرحهای وزارتخانه‌ها و سایر دستگاههای دولتی که دارای مقررات خاص می‌باشند، نمی‌شود.

فصل پنجم - آموزش و ترویج (ماده ۳۶)

ماده ۳۶ - وزارت مسکن و شهرسازی با همکاری سازمانهای استان و شهرداریها ترتیبی خواهد داد که در شهرهایی که برای انجام خدمات فنی و مهندسی اشخاص واجد صلاحیت به تعداد کافی وجود ندارد، خدمات مشورتی و راهنمایی در زمینه طراحی و اجرای ساختمانهای از طریق تهیه طرحهای همسان (تپ) و انتشار جزوات آموزشی به زبان ساده و یا نوارهای آموزشی و سایر روشهای مناسب با بهای اندک در اختیار اشخاص قرار گیرد. هزینه‌های خدمات موضوع این ماده از محل کمکهای دولت و عواید حاصل از اجرای تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون کار آموزی مصوب ۱۳۴۹ به ترتیبی که در آیین نامه معین می‌شود، تامین خواهد شد. آیین نامه یاد شده بوسیله وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی و کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل ششم - متفرقه (ماده ۳۷ تا ۴۲)

ماده ۳۷ - هزینه‌های (سازمان) و ارکان آن از محل حق عضویت‌های پرداختی اعضا ، صندوق مشترک سازمان‌های استان ، کمک‌های اعطایی دولت ، نهادها ، اشخاص حقیقی و حقوقی ، دریافت‌بهای ارایه خدمات پژوهشی ، فنی و آموزشی ، فروش نشریات و سایر مواد کمک آموزشی و مهندسی و در حدی از حق الزحمه دریافتی اعضا بابت ارایه خدمات مهندسی ارجاع شده از طرف سازمان تامین خواهد شد. ماده ۳۸ - وزارت مسکن و شهرسازی تسهیلات لازم برای تاسیس و شروع به کار سازمان و سازمان‌های استان را فراهم آورده و در تنظیم روابط آنان با دستگاه‌های اجرایی و مراجع قضایی درسطوح ملی و محلی تا آنجا که به اهداف این قانون کمک کند ، اقدام می‌نماید. ماده ۳۹ - ذیحسابان و مسئولین امور مالی موظفند در هنگام پرداخت به مشاوران و پیمانکاران طرح‌های عمرانی کشور معادل ۰/۰۰۲ (دو در ده هزار) از دریافتی آنها را کسر و شهرداریها معادل ۰/۰۰۱ (یک در هزار) از هزینه ساخت واحدهای مسکونی با زیر بنای بیش از الگوی مصرف مسکن و واحدهای غیر انتفاعی را که هر ساله به وسیله وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی و کشور تعیین می‌شود از سازندگان وصول و به حساب در آمد عمومی کشور واریز نمایند. معادل ۱۰۰٪ (صد درصد) وجوه واریزی بر اساس ردیفی که به همین منظور در بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌گردد در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار خواهد گرفت تا صرف انجام مطالعات و تدوین مقررات ملی ساختمان ، امور کنترل ساختمان ، ترویج و توسعه و اعتلای نظام مهندسی ، کمک به سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان برای انجام وظایف قانونی خود ، برقراری دوره‌های آموزشی در سطوح مختلف ، برگزاری مسابقات حرفه‌ای و تخصصی و ترویج روشهای صرفه جویی در مصرف انرژی نماید. ماده ۴۰ - متخلفان از مواد ۳۲ و ۳۴ و تبصره آن توسط مراجع قضایی حسب مورد به پرداخت جزای نقدی از یکصد هزار (۱۰۰/۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم می‌شوند. پرداخت جزای نقدی مانع از پیگیری انتظامی نخواهد بود. ماده ۴۱ - در مورد تهیه ، اجرا و نظارت بر طرح‌های عمرانی (منظور در بودجه عمومی کشور) قانون برنامه و بودجه و ضوابط منبعث از آن جایگزین این قانون خواهد بود. ماده ۴۲ - وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است حداکثر ظرف شش ماه نسبت به تهیه آیین نامه های اجرایی این قانون اقدام نماید. تا زمانی که آیین نامه های اجرای این قانون تصویب نشده است آیین نامه های قانون آزمایشی مصوب ۱۳۷۱ تا آنجا که با مفاد این قانون مغایرت ندارد مورد اجرا خواهد بود. قانون فوق مشتمل بر چهل و دو ماده و بیست و یک تبصره در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ بیست و دوم اسفند ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۷/۱۲/۱۳۷۴ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

ماده ۱ - برای هماهنگ کردن برنامه‌های شهرسازی به منظور ایجاد محیط زیست بهتر برای مردم ، همچنین به منظور اعتلای هنر معماری ایران و رعایت سبک‌های مختلف معماری سنتی و ملی و ارایه ضوابط و جنبه‌های اصیل آن با در نظر گرفتن روشهای نوین علمی و فنی و در نتیجه یافتن شیوه های اصولی و مناسب ساختمانی در مناطق مختلف کشور با توجه به شرایط اقلیمی و طرز زندگی و مقتضیات محلی ، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران تاسیس می‌شود. ماده ۲ - وظایف شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به شرح زیر است ۱ - بررسی پیشنهادهای لازم در مورد سیاست کلی شهرسازی برای طرح در هیات وزیران ۲ - اظهار نظر نسبت به پیشنهادها و لوایح شهرسازی و مقررات مربوط به طرح‌های جامع شهری که شامل منطقه بندی - نحوه استفاده از زمین - تعیین مناطق صنعتی بازرگانی اداری - مسکونی - تاسیسات عمومی - فضای سبز و سایر نیازمندیهای عمومی شهر می‌باشد. ۳ - بررسی و تصویب نهایی طرح‌های جامع شهری و تغییرات آنها خارج از نقشه‌های تفصیلی ۴ - تصویب معیارها و ضوابط و آیین نامه

های شهرسازی ماده ۳- اعضای شورای عالی شهرسازی و معماری ایران عبارتند از: ۱- وزیر مسکن و شهرسازی ۲- وزیر کشور ۳- وزیر صنایع ۴- وزیر فرهنگ و آموزش عالی ۵- وزیر ارشاد اسلامی ۶- وزیر نیرو ۷- وزیر کشاورزی ۸- وزیر دفاع و پشتیبانی ۹- وزیر جهاد سازندگی ۱۰- رییس سازمان برنامه و بودجه ۱۱- رییس سازمان حفاظت محیط زیست ۱۲- وزیر راه و ترابری ۱۳- یک نفر از کمیسیون مسکن و شهرسازی و راه و ترابری مجلس شورای اسلامی به پیشنهاد کمیسیون و انتخاب مجلس به عنوان ناظر در جلسات شورای عالی شهرسازی و معماری شرکت خواهد کرد. تبصره ۱- در مورد طرحهای جامع شهری و تغییرات آنها نظرات استاندار و شورای شهرستان و شورای شهر و شهردار و کارشناسان ذی صلاحیت کسب و مورد استفاده قرار خواهد گرفت تبصره ۲- جلسات شورا با حضور اکثریت اعضا رسمیت خواهد داشت و تصمیمات شورا با حداقل ۶ رای معتبر خواهد بود. تبصره ۳- در صورتی که هریک از اعضا شورا نتوانند شخصا در هریک از جلسات شورا شرکت کنند یکی از معاونان خود را به شورا اعزام خواهد داشت ماده ۴- وزارت آبادانی و مسکن به جای دبیرخانه شورای عالی شهرسازی در تشکیلات خود واحدی ایجاد می کند که تحت نظر معاون شهرسازی و معماری آن وارت وظایف زیر را انجام دهد. ۱- بررسی و اظهارنظر در مورد طرحهای جامع شهری از طریق کمیته‌های فنی که اعضای آن به انتخاب اعضای شورای عالی شهرسازی و موسسات ذیربط تعیین می شوند. ۲- تهیه معیارها و ضوابط آیین نامه های شهرسازی ۳- نظارت در تهیه طرحهای جامع و تفصیلی و جلب نظر شورای شهر و شهرداری مربوط درحین تهیه طرحهای تفصیلی ۴- نظارت در اجرای مراحل مختلف طرحهای تفصیلی شهری ۵- ابلاغ مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به وزارتخانه‌ها و سازمانهای مسوول و ارشاد و راهنمایی دستگاه‌های مربوط در مورد مسایل ناشی از اجرای طرحهای جامع شهری ۶- ایجاد یک مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ۷- جمع آوری اطلاعات و آمار اقتصادی و اجتماعی و شهرسازی و معماری ۸- تشکیل نمایشگاهها از کارهای مختلف معماری و شهرسازی با همکاری سازمانهای مربوط و انجام مسابقات شهرسازی و معماری و تشکیل کنفرانسهای لازم مربوط به منظور نیل به هدفهای مذکور در این قانون ماده ۵- بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان به وسیله کمیسیونی به ریاست استاندار به عضویت رییس شورای شهرستان و شهردار و نمایندگان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مسکن و شهرسازی و نماینده مهندس مشاور تهیه کننده طرح و عضویت نماینده وزارت کشاورزی انجام می شود. آن قسمت از نقشه‌های تفصیلی که به تصویب شورای شهر برسد برای شهردار لازم‌الاجرا خواهد بود. تغییرات نقشه‌های تفصیلی اگر در اساس طرح جامع شهری موثر باشد باید به تایید شورای عالی شهرسازی برسد (تبصره اصلاحی مصوب ۲۵/۹/۶۵ مجلس شورای اسلامی تبصره - بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در شهر تهران به عهده کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزرا مسکن و شهرسازی ، کشور ، نیرو (در حد معاونت مربوطه سرپرست سازمان حفاظت محیط زیست و شهردار تهران با نماینده تام‌الاختیار او و رییس شورای شهر تهران می باشد. محل دبیرخانه کمیسیون در شهرداری و دبیر آن شهردار تهران و یا نماینده تام‌الاختیار او خواهد بود و جلسات آن با حضور اکثریت اعضا رسمیت یافته و تصمیمات کمیسیون حداقل با ۴ رای موافق معتبر است ضمناً تا تشکیل شورای شهر نماینده وزیر کشور به عنوان قائم مقامی رییس شورای شهر تهران هم در کمیسیون شرکت خواهد کرد. ماده ۶- در شهرهایی که دارای نقشه جامع شهر می باشند ثبت کل مکلف است در مورد هر تفکیک طبق نقشه‌ای که شهرداری براساس ضوابط طرح جامع تفصیلی یا هادی تایید کرده باشد اقدام به تفکیک نماید و در مورد افراز دادگاهها مکلفند طبق نقشه تفکیکی شهرداری اقدام نمایند. هرگاه ظرف مدت چهارماه نقشه تفکیکی از طرف شهرداری حسب مورد به ثبت یا دادگاه ارسال نشود ثبت یا دادگاه نسبت به تفکیک یا افراز رأساً اقدام خواهند کرد. ماده ۷- شهرداریها مکلف به اجرای مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران طبق مفاد ماده ۲ می باشند. در مورد ابهام و اشکال و اختلاف نظر در نحوه اجرای طرحهای جامع و تفصیلی و شهری موضوع ماده ۵ مراتب در شورای عالی شهرسازی مطرح و نظر شورای عالی قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود. ماده ۸- کلیه سازمانهای دولتی و وابسته به دولت مکلفند در صورت درخواست

وزارت مسکن و شهرسازی هر نوع اطلاع مربوط به شهرسازی و معماری را در اختیار وزارت مذکور بگذارند. ماده ۹ - عقد قراردادهای مربوط به نقشه‌های جامع شهری با مهندسين مشاور همچنين تهيه شرح وظيفه فني براي تهيه طرحهاي مذکور موكول به كسب نظر از وزارت مسكن و شهرسازي خواهد بود. ماده ۱۰ - آيين نامه اجرائي اين قانون از طرف وزارت مسكن و شهرسازي و وزارت كشور تهيه و پس از تاييد شوراي عالي شهرسازي و معماری به تصويب هيات وزيران خواهد رسيد. ماده ۱۱ - مواد ۹۷ و ۹۸ اصلاح پاره‌ای از مواد قانون شهرداری و قوانین و مقررات مغاير با مفاد اين قانون ملغی است قانون فوق مشتمل بر يازده ماده و پنج تبصره پس از تصويب مجلس سنا در جلسه روز شنبه ۱۳۵۱/۱۲/۱۲ در جلسه روز سه شنبه بيست و دوم اسفندماه يکهزار و سيصد و پنجاه و يك شمسی به تصويب مجلس شورای ملی رسيد. شماره و تاريخ ابلاغ ۴۹۲۰ - ۱۸/۲/۱۳۵۷

آيين نامه اجرائي قانون نظام مهندسي و کنترل ساختمان - مصوب ۱۳۷۵/۱۱/۱۷ هيات وزيران

فصل اول كليات (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱ - در اين آيين نامه عبارتهای زير در معانی مشروح مربوط به كار می‌روند: (قانون) : قانون نظام مهندسي و کنترل ساختمان - مصوب ۱۳۷۴ (مهندسي ساختمان) : امور فني و مهندسي ، معماری و شهرسازي ، بخش‌های ساختمان و شهرسازي (سازمان) : سازمان نظام مهندسي ساختمان (نظام مهندسي استان) : سازمان نظام مهندسي ساختمان استان (پروانه اشتغال) : پروانه اشتغال به كار مهندسي ، كارداني ، تجربي (رشته‌های اصلي) : رشته‌های اصلي مهندسي شامل معماری ، عمران ، تاسيسات مكانيكي ، تاسيسات برقي ، شهرسازي ، نقشه برداري و ترافيك (رشته‌های مرتبط) : رشته‌های مرتبط با رشته‌های اصلي ماده ۲ - اشتغال اشخاص حقيقي و حقوقي براي امور طراحي ، محاسبه ، نظارت ، اجرا و ساير خدمات فني در بخشهای (مهندسي ساختمان) ، در محل‌هایی كه تا كنون در اجرائي قوانين قبلي به وسيله وزارت خانه‌های مسكن و شهرسازي و كشور تعيين و اعلام شده و همچنين در شهرها و شهرستانها و محل‌هایی كه به وسيله وزارت مسكن و شهرسازي با كسب نظر از وزارت كشور مشخص و آگهي خواهد شد ، داشتن مدرك صلاحيت حرفه‌ای ضروري است تبصره ۱ - صلاحيت موضوع اين ماده در موارد اشخاص حقيقي و حقوقي به ترتيب زير احراز می‌شود: الف - در مورد مهندسان از طريق پروانه اشتغال به كار مهندسي ب - در مورد كاردانهای فني از طريق پروانه اشتغال به كار كارداني پ - در مورد معماران تجربي از طريق پروانه اشتغال به كار تجربي ت - در مورد استادكاران و كارگران ماهر از طريق پروانه اشتغال به كار تجربي ث - در مورد اشخاص حقوقي از طريق پروانه اشتغال به كار مهندسي (حقوقي ج - در مورد اشخاص حقوقي از طريق پروانه اشتغال به كار كارداني فني (حقوقي تبصره ۲ - پروانه مهارت فني به وسيله وزارت كار و امور اجتماعي و ساير پروانه‌های اشتغال به وسيله وزارت مسكن و شهرسازي صادر می‌شود. ماده ۳ - شهرداريها و مراجع صدور پروانه ساختمان ، پروانه شهرك سازي و شهرسازي و همچنين مراجع صدور مجوزهای مربوط به تفكيك اراضي و ساير مراجع صدور مجوزهای مربوط به کنترل ، نظارت و نظاير آن در محل‌های مندرج در ماده (۲) براي صدور پروانه يا مجوزهای مذكور ، تنها نقشه‌هایی را خواهند پذيرفت كه توسط اشخاص حقيقي و حقوقي دارنده (پروانه اشتغال) و در حدود صلاحيت و ظرفيت مربوط امضا شده باشد و براي انجام فعاليتهاي کنترل و نظارت نيز فقط از خدمات اين اشخاص در حدود صلاحيت و ظرفيت اشتغال آنها می‌توان استفاده نمود. تبصره - نقشه تفكيك اراضي كه توسط شهرداری‌ها تهيه می‌شود از مفاد اين ماده مستثني است

فصل دوم پروانه اشتغال به كار مهندسي حدود صلاحيت و ظرفيت اشتغال (ماده ۴ تا ۲۵)

الف - پروانه اشتغال به کار مهندسی ماده ۴ - دارندگان مدرک تحصیلی کارشناسی و بالاتر ، در هر یک از رشته‌های اصلی یا رشته‌های مرتبط می‌توانند از طریق تقاضای صدور پروانه اشتغال به کار مهندسی با توجه به مدارک تحصیلی و سوابق کار و تجربه در یک یا چند زمینه خدمات مهندسی از قبیل طراحی ، محاسبه ، نظارت ، اجرا ، بهره‌برداری ، نگهداری ، کنترل و بازرسی امور آزمایشگاهی ، مدیریت ساخت و تولید ، نصب ، آموزش و تحقیق در خواست تشخیص صلاحیت نمایند. ماده ۵ - برای صدور پروانه اشتغال علاوه بر دارا بودن مدرک تحصیلی ، گواهی اشتغال به کارآموزی و گواهی قبولی در آزمونهای مربوط و سابقه کار حرفه‌ای در رشته‌های تخصصی و فنی مربوط ، بعد از تاریخ اخذ مدرک به شرح زیر ضروری است الف - دارندگان مدرک علمی دکتری با حداقل (۱) سال کارآموزی یا سابقه کار. ب - دارندگان مدرک کارشناسی با حداقل (۲) سال کارآموزی یا سابقه کار. پ - دارندگان مدرک کارشناسی با حداقل (۳) سال کارآموزی یا سابقه کار. ماده ۶ - گواهی اشتغال به کار و تجربه عملی و سابقه کار متقاضی در صورتی معتبر شناخته خواهد شد که توسط واحدهای فنی وزارتخانه‌ها ، سازمانهای دولتی یا وابسته به دولت ، شهرداریها ، شخصیت‌های حقوقی شاغل در رشته‌های موضوع (قانون) ، شرکت‌های ساختمانی یا مهندسان مشاور که دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی (شخص حقوقی) می‌باشند و یا توسط دو نفر از مهندسان با بیش از ده سال سابقه کار و دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی و یا توسط (نظام مهندسی استان) تایید و صادر شده باشد. در گواهی اشتغال مذکور موارد زیر باید درج شود:

الف - نام ، محل و مشخصات پروژه‌ای که متقاضی در آن اشتغال داشته است ب - مدت اشتغال متقاضی با ذکر تاریخ شروع و خاتمه کار. پ - نام و مشخصات تحصیلی متقاضی ت - نام ، مشخصات ، سمت و شماره (پروانه اشتغال) شخصی حقیقی یا حقوقی صادر کننده گواهی ماده ۷ - متقاضی (پروانه اشتغال) باید تقاضای کتبی خود را طبق فرم مخصوصی که توسط وزارت مسکن و شهرسازی تهیه شده و حاوی نکات ضروری که متقاضی باید تعهد و رعایت نمایند نیز می‌باشد ، تکمیل نموده ، همراه با مدارک زیر تسلیم نماید. الف - فتوکپی مصدق مدرک تحصیلی که ارزش دانشگاهی و رشته و درجه علمی آن صریحاً توسط وزارت فرهنگ و آموزش عالی مورد تصویب و تایید قرار گرفته باشد ، به کیفیتی که اطمینان به صحت آن برای مرجع صادر کننده (پروانه اشتغال محرز شود. ب - گواهی اشتغال به کار به ترتیبی که در ماده ۶ این آیین نامه مقرر شده است پ - گواهی قبولی در آزمون ت - فتوکپی کارت کد اقتصادی متقاضی ث - فیش بانکی مربوط به پرداخت عوارض صدور (پروانه اشتغال ج - مدارک عضویت (نظام مهندسی استان) مربوط چ - مدارک هویت به ترتیبی که در فرم تقاضای (پروانه اشتغال) تعیین و مقرر شده است ح - سایر مدارکی که ارایه آن‌ها به موجب مقررات این آیین نامه و یا قوانین حاکم بر صدور این گونه مدارک الزامی باشد. ماده ۸ - وزارت مسکن و شهرسازی پس از بررسی تقاضای (پروانه اشتغال) و مدارک ضمیمه آن در صورت کامل بودن ، حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ وصول (پروانه اشتغال) مورد درخواست را صادر خواهد نمود و در صورت کافی نبودن مدارک ، مراتب را ظرف (۱۵) روز با ذکر نواقص به طور کتبی به متقاضی اعلام خواهد نمود. تبصره - وزارت مسکن و شهرسازی در استان‌هایی که شرایط را مقتضی تشخیص دهد ، وصول تقاضای (پروانه اشتغال) و مدارک مربوط را به عهده (نظام مهندسی استان) محول خواهد کرد. (نظام مهندسی استان) در این حالت پس از بررسی و تایید و تنظیم پرونده ، آن را برای صدور (پروانه اشتغال) به وزارت مسکن و شهرسازی ارسال خواهد کرد. ماده ۹ - اشخاص حقیقی دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی در رشته و تخصصی که تشخیص صلاحیت شده‌اند به طور فردی یا به طور مشترک با مسوولیت مشترک می‌توانند اقدام به تاسیس دفتر مهندسی بنمایند. دفاتر مهندسی قائم به شخص یا اشخاص حقیقی دارای (پروانه اشتغال) می‌باشد و امتیاز آن قابل واگذاری نیست اشخاص مذکور موظف به نگهداری دفاتر قانونی بر اساس ماده (۹۶) قانون مالیاتهای مستقیم می‌باشند. دفاتر مهندسی مذکور می‌توانند با توجه به حدود صلاحیت افراد دارنده (پروانه اشتغال) که عضو دفتر می‌باشند از وزارت مسکن و شهرسازی درخواست صلاحیت بنمایند. ماده ۱۰ - اشخاص حقوقی با دارا بودن شرایط و ارایه مدارک به شرح زیر ، می‌توانند در یک یا چند رشته مشروط بر اینکه حداقل دو نفر از

مدیران آن دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی یا کاردانی باشند تقاضای صدور (پروانه اشتغال) شخص حقوقی بنمایند. الف - فتوکپی پروانه اشتغال به کار مهندسی یا کاردانی اشخاص حقیقی فوق الذکر. ب - یک نسخه فتوکپی اساسنامه و روزنامه رسمی حاوی آگهی تاسیس و آخرین تغییرات و یک نسخه از صورت جلسه مجمع عمومی و مدارک مربوط به ثبت آن در مورد انتخاب مدیر یا مدیران و کسانی که دارای حق امضا می‌باشند. پ - مدارک مربوط به احراز صلاحیت از سازمان برنامه و بودجه و سایر مراجع ذیربط در صورت وجود. ت - فتوکپی کارت کد اقتصادی متقاضی ت - فیش بانکی مربوط به پرداخت عوارض صدور پروانه اشتغال ج - ارایه مدارک عضویت در (نظام مهندسی استان) . چ - هر نوع مدارک دیگری که در فرم تقاضای (پروانه اشتغال) اشخاص حقوقی تعیین و مقرر شده باشد. تبصره - تغییرات اساسنامه یا ترکیب مدیران باید ظرف حداکثر یک ماه به مرجع صادر کننده (پروانه اشتغال) اطلاع داده شود و در صورتی که تغییرات مذکور به موقع اطلاع داده نشود و یا مدیرانی که دارای (پروانه اشتغال) شخص حقیقی می‌باشند از مدیریت شخص حقوقی خارج شوند ، وزارت مسکن و شهرسازی می‌تواند حسب مورد (پروانه اشتغال) مدیران یا شخصیت حقوقی یا هر دو را لغو کند. ب - حدود صلاحیت و ظرفیت اشتغال ماده ۱۱ - پروانه اشتغال به کار مهندسی در (۴) درجه ، (پایه (۳)) ، (پایه (۲)) ، (پایه (۱)) ، (ارشد) صادر می‌شود. برای متقاضیان (پروانه اشتغال) ، با داشتن سوابق تجربی یا کارآموزی به میزان مندرج در ماده (۵) (پروانه اشتغال) (پایه (۳)) صادر می‌گردد. جهت ارتقا از (پایه (۳)) به (پایه (۲)) داشتن (۴) سال و از (پایه (۲)) به (پایه (۱)) (۵) سال و از (پایه (۱)) به (ارشد) (۶) سال سابقه کار حرفه‌ای در پایه قبلی و موفقیت در آزمون مربوط ضروری است تبصره ۱ - اشخاصی که در حال حاضر دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی در (رشته‌های اصلی) می‌باشند و یا با داشتن سوابق کار بیشتر از میزان مندرج در ماده (۵) این آیین نامه ، متقاضی دریافت (پروانه اشتغال) هستند ، چنانچه ظرف یک سال از تاریخ ابلاغ این آیین نامه جهت تعویض یا دریافت (پروانه اشتغال) مراجعه نمایند ، با احتساب سنوات تجربه حرفه‌ای طبقه بندی و بدون آزمون در یک درجه پایین‌تر قرار خواهند گرفت و در صورتیکه بعد از ضرب الاجل مذکور مراجعه نمایند درجه (پروانه اشتغال) با توجه به سنوات تجربه حرفه‌ای و موفقیت در آزمون هر یک از درجات مذکور تعیین خواهد شد. تبصره ۲ - در ظرف یک سال موضوع تبصره (۱) این ماده جهت انطباق اشخاص به درجه مهندسی ارشد ، (شورای مرکزی) ، سوابق و شرایط متقاضیان را بررسی و پس از تایید صلاحیت حرفه‌ای ، آنها را جهت اخذ درجه مهندسی ارشد به وزارت مسکن و شهرسازی معرفی می‌کند. اشخاص مذکور می‌توانند تا سیر تشریفات مذکور ، با اخذ (پروانه اشتغال) ، (پایه ۱) به کار خود ادامه دهند. پس از پایان مهلت مذکور ، انطباق درجه متقاضیان مهندسی ارشد یا احراز درجه مذکور نیز تابع شرایط عمومی مندرج در این آیین نامه خواهد بود. تبصره ۳ - وزارت مسکن و شهرسازی موظف است با توجه به تعداد متقاضیان هر درجه و رعایت تناسب مورد نیاز جامعه به آن طور مستمر در فواصل زمانی معین نسبت به برگزاریازمونه‌های مربوط اقدام کند. تبصره ۴ - تعیین حدود صلاحیت و ظرفیت اشخاص حقوقی که بوسیله سازمان برنامه و بودجه تشخیص صلاحیت و تعیین ظرفیت شده یا می‌شوند مطابق دستورالعملی خواهد بود که به‌طور مشترک توسط وزارت مسکن و شهرسازی و سازمان برنامه و بودجه تهیه و ابلاغ می‌شود. ماده ۱۲ - به منظور تعیین حدود صلاحیت و ظرفیت اشتغال دارندگان (پروانه اشتغال) ، در (مهندسی ساختمان) ، فعالیت‌های مهندسی بر اساس پیچیدگی عوامل و حجم کار به چهار گروه ، (الف) ، (ب) ، (ج) و (د) تقسیم می‌شود. تبصره ۱ - برای تعیین فعالیت‌های مهندسی در بخش ساختمان ، ساختمانها به چهار گروه به ترتیب زیر تقسیم می‌شوند. گروه (الف) با مقیاس کاربری محله (۱) تا (۲) طبقه ارتفاع از روی زمین یا حداکثر زیر بنای ۶۰۰ متر مربع گروه (ب) با مقیاس کاربری ناحیه (۳) تا (۵) طبقه ارتفاع از روی زمین یا حد اکثر زیر بنای ۲۰۰۰ متر مربع گروه (ج) با مقیاس کاربری منطقه (۶) تا (۱۰) طبقه ارتفاع از روی زمین یا حداکثر زیر بنای ۵۰۰۰ متر مربع گروه (د) با مقیاس کاربری شهر بیش از ۱۰ طبقه ارتفاع از روی زمین یا بیش از ۵۰۰۰ متر مربع تبصره ۲ - تهیه طرح معماری و انجام محاسبات سازه و همچنین نظارت معماری و نظارت سازه برای تمام گروه‌های ساختمانی

مندرج در تبصره ۱ این ماده الزامی و به شرح جدول موضوع این ماده می‌باشد: طبقه بندی صلاحیت برای هر یک از گروه‌های ساختمان صلاحیت گروه ساختمانیها -- تهیه طرح معماری توسط -- انجام محاسبات سازه توسط -- نظارت بر طرح معماری توسط -- نظارت بر اجرای سازه توسط گروه (الف -- مهندس معمار پایه ۳ یا بالاتر -- مهندس عمران پایه ۳ یا بالاتر -- مهندس معمار یا عمران پایه ۳ یا بالاتر -- مهندس معمار پایه ۲ یا بالاتر -- مهندس عمران پایه ۲ یا بالاتر -- مهندس معمار پایه ۳ یا بالاتر -- مهندس عمران پایه ۳ یا بالاتر گروه (ب) -- مهندس معمار پایه ۲ یا بالاتر -- مهندس عمران پایه ۲ یا بالاتر -- مهندس معمار پایه ۱ یا بالاتر -- مهندس عمران پایه ۱ یا بالاتر -- مهندس معمار پایه ۳ یا بالاتر -- مهندس عمران پایه ۳ یا بالاتر گروه (ج) -- مهندس معمار پایه ۱ یا بالاتر -- مهندس عمران پایه ۱ یا بالاتر -- مهندس معمار پایه ۲ یا بالاتر -- مهندس عمران پایه ۲ یا بالاتر گروه (د) -- مهندس معمار ارشد -- مهندس عمران ارشد -- مهندس معمار پایه ۱ یا بالاتر -- مهندس عمران پایه ۱ یا بالاتر در محل‌هایی که مهندس معمار یا عمران به تعداد کافی نباشد طبق نظر وزارت مسکن و شهرسازی حسب مورد از خدمات مهندسی (رشته‌های مرتبط) یا رشته‌های دیگر یا کاردانه‌های دارای صلاحیت استفاده می‌شود. تبصره ۳ - گروه بندی سایر فعالیتهای مهندسی موضوع (قانون) و همچنین تعیین حدود صلاحیت سایر دارندگان (پروانه اشتغال) به موجب دستورالعملی که به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و ابلاغ می‌شود تعیین می‌گردد. ماده ۱۳ - ظرفیت اشتغال دارندگان (پروانه اشتغال) در رشته‌های مختلف و در هر استان به پیشنهاد (نظام مهندسی استان) و تصویب وزارت مسکن و شهرسازی تعیین می‌شود. تبصره - دارندگان (پروانه اشتغال) و کلیه مراجع صادر کننده پروانه ساختمان ، و سایر مجوزهای مربوط موظفند حدود صلاحیت و ظرفیت اشتغال مندرج در (پروانه اشتغال) را رعایت نمایند. ماده ۱۴ - حدود صلاحیت دارندگان (پروانه اشتغال) شخص حقوقی در رشته و تخصص مورد تقاضا از طریق بررسی و ارزیابی سوابق شخص حقوقی طبق دستورالعمل صادر شده توسط وزارت مسکن و شهرسازی صورت خواهد گرفت و در مواردی که نقشه‌های تسلیمی به شهرداریها و سایر مراجع صدور پروانه ساختمان و تفکیک اراضی توسط اشخاص حقوقی امضا و یا تعهد نظارت می‌شود باید بر حسب الزامی بودن هر یک از موارد ، تهیه طرح معماری و نظارت بر اجرای آن ، انجام محاسبات سازه و نظارت بر اجرای آن ، تهیه طرحهای تاسیسات مکانیکی و برقی و نظارت بر اجرای آنها و نظایر آن و نقشه‌ها و محاسبات فنی توسط مهندسان دارای (پروانه اشتغال) تهیه ، امضا و یا تعهد نظارت شود. ماده ۱۵ - در مورد شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت ، موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی به استثنای شهرداری‌ها که به طور قانونی وظیفه تهیه و یا تایید نقشه و انجام کارهای اجرایی ساختمانی به عهده آنها می‌باشد و اقدام به تاسیس واحدهای سازمانی فنی خاص ، چه در مرکز و چه در هر یک از نقاط مختلف کشور برای انجام این قبیل امور نموده باشند ، مشروط بر اینکه تشکیلات سازمانی آنها به تصویب مراجع صلاحیت دار رسیده و مسوول واحد فنی آنها دارای (پروانه اشتغال) شخص حقیقی باشد ، با ارایه مدارک و مجوزها و مصوبات مراجع صلاحیت دار ، برای هر یک از واحدهای سازمانی فنی تابع آنها به ترتیب مقرر در این آیین نامه (پروانه اشتغال) شخص حقوقی صادر خواهد شد. ماده ۱۶ - مسوولیت صحت طراحی و محاسبه ، اجرا ، نظارت و نظایر آن به عهده مدیر عامل یاریس موسسه و در مورد اشخاص موضوع ماده (۱۵) این آیین نامه به عهده مسوولان واحدهای فنی مربوط ، که دارای (پروانه اشتغال) شخص حقیقی بوده و به امضای آنها رسیده است خواهد بود و این مسوولیت قائم به شخص امضا کننده بوده و با تغییر سمت وی ، ساقط نخواهد شد. همچنین امضای وی رافع مسوولیت مهندس طراح ، محاسب و ناظر که در رشته مربوط امضا یا تعهد نظارت کرده‌اند ، نخواهد بود. ماده ۱۷ - با توجه به اصلاحیه تبصره (۱) ماده (۱) قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۶۸ پاسخ به استعلامات مراجع ذیصلاح در خصوص اشخاص حقوقی شامل شرکتهای ساختمانی ، شرکتهای تاسیساتی و تجهیزاتی و شرکتهای مهندسان مشاور و شرکت‌های خدمات مهندسی و سایر موسساتی که ارایه خدمات و فعالیت آنها مستلزم داشتن (پروانه اشتغال) می‌باشد ، همچنین پاسخگویی به مسایل صنفی آنها با (نظام مهندسی استان) است که وفق دستورالعمل وزارت مسکن و شهرسازی عمل خواهد نمود. ماده ۱۸ - کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی غیر ایرانی جهت انجام خدمات موضوع (قانون) ضمن رعایت سایر قوانین و مقررات مربوط و احراز کلیه شرایط مقرر در مورد اشخاص حقیقی و حقوقی

ایرانی باید (پروانه اشتغال) موقت از وزارت مسکن و شهرسازی دریافت دارند. در (پروانه اشتغال) موقت مدت اعتبار ، صلاحیت متقاضی و سایر شرایط حسب مورد باید درج شود. ماده ۱۹ - امضای مجاز اشخاص حقیقی و حقوقی ذیل نقشه‌ها و اسناد تعهد آور همراه با مهری خواهد بود که در آن نام کامل و شماره پروانه اشتغال و شماره عضویت نظام مهندسی ، رشته و کد اقتصادی درج شده باشد. ماده ۲۰ - برای متقاضیانی که در بیش از یک رشته دارای شرایط اخذ (پروانه اشتغال) می‌باشند یا بعدا صلاحیت جدید کسب نمایند فقط یک (پروانه اشتغال) صادر می‌شود و در (پروانه اشتغال) مذکور رشته‌ها و تخصص‌هایی که دارنده (پروانه اشتغال) در آن تعیین صلاحیت شده است با قید تاریخ احراز و ظرفیت اشتغال آنها درج خواهد شد. ماده ۲۱ - وزارت مسکن و شهرسازی می‌تواند ، در مورد تمام یا بعضی از رشته‌ها و تخصص‌ها ، صدور یا تجدید یا تمدید پروانه وهم چنین ارتقا پایه مهندسی را موکول به گذراندن آزمون‌های عمومی و تخصصی نماید. ماده ۲۲ - (پروانه اشتغال) برای مدت سه سال در سراسر کشور ، در رشته و تخصص تعیین شده معتبر است وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است در صورت درخواست متقاضی و دارا بودن شرایط لازم ظرف یک ماه نسبت به تجدید یا تمدید (پروانه اشتغال) اقدام ، و در صورت رد تقاضا یا وجود نواقص مراتب را به طور کتبی با ذکر دلایل به متقاضی اعلام نماید. تاریخ تجدید یا تمدید (پروانه اشتغال) باید در محل مخصوصی از متن (پروانه اشتغال) درج شود. تبصره ۱ - در صورتیکه اعتبار یک یا بعضی از مدارک لازم جهت صدور یا تجدید یا تمدید (پروانه اشتغال) محدود به مدت معینی کمتر از (۳) سال باشد ، در این صورت مدت اعتبار (پروانه اشتغال) با توجه به محدودیت‌های زمانی مدارک مذکور تعیین و درج خواهد شد. تبصره ۲ - در صورتیکه دارنده (پروانه اشتغال) بخواهد در خارج از محدوده استانی که در (نظام مهندسی استان) آن عضو است ، از (پروانه اشتغال) خود استفاده نماید ، مکلف است مراتب را به طور کتبی به اطلاع (نظام مهندسی استان) هر دو استان برساند. ماده ۲۳ - در موارد زیر (پروانه اشتغال) حسب مورد فاقد اعتبار شناخته شده و یا اعتبار آن معلق یا اساسا ابطال خواهد شد: الف - فوت دارنده (پروانه اشتغال) . ب - حجر دارنده (پروانه اشتغال) تا زمانی که رفع حجر نشده باشد. پ - عدم تمدید یا تجدید یا عدم پرداخت وجوه و عوارض مقرر ظرف مدت یک ماه از تاریخ انقضای مهلت ت - محکومیت قطعی دارنده (پروانه اشتغال) به مجازاتی که کیفر تبعی آن محرومیت از حقوق اجتماعی باشد ، تا انقضای مدت محرومیت از حقوق اجتماعی ت - در صورتی که دارنده (پروانه اشتغال) به موجب رای قطعی شورای انتظامی استان یا (شورای انتظامی نظام مهندسی) محکوم به محرومیت از کار شود ، در مدت محرومیت از کار. ج - تصمیم وزیر مسکن و شهرسازی در صورت عدم توجه به ابلاغیه‌ها و اطلاعیه‌های قانونی وزارت مسکن و شهرسازی چ - قطع عضویت از (نظام مهندسی استان) یا اخراج از آن ح - انحلال یا فقدان شرایط لازم در خصوص اشخاص حقوقی تبصره - دارنده (پروانه اشتغال) در مدتی که (پروانه اشتغال) او فاقد اعتبار شده یا اعتبار آن معلق شده است ، حق استفاده از (پروانه اشتغال) را جز برای ادامه کارها و مسوولیت‌هایی که قبل از آن به عهده گرفته است (آنهم مشروط به رعایت مقررات و رفع تخلفات موجود) نخواهد داشت ماده ۲۴ - چنانچه (پروانه اشتغال) مفقود شود ، صاحب (پروانه اشتغال) می‌تواند تقاضای صدور المثنی بنماید ، و مرجع صادر کننده موظف خواهد بود پس از انقضای مدت سه ماه از تاریخ تقاضا ، در صورتیکه یابنده آن را به مرجع مذکور ارسال ننموده باشد نسبت به صدور المثنی اقدام نماید. ماده ۲۵ - با توجه به ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی (پروانه اشتغال) یک سند رسمی دولتی است و کلیه آثار و تبعات اسناد رسمی را داراست

فصل سوم پروانه اشتغال به کار کاردانی و تجربی (ماده ۲۶ تا ۳۲)

ماده ۲۶ - برای دارندگان مدرک تحصیلی کاردانی فنی ، دیپلم فنی و همچنین معماران تجربی در صورت قبول شدن در آزمون علمی و عملی مربوط ، در یکی از رشته‌های موضوع (قانون) حسب مورد (پروانه اشتغال) در سه درجه پایه (۳) ، پایه (۲) و پایه

(۱) به شرح زیر صادر می‌شود: الف - برای دارندگان مدرک کاردانی فنی مورد تایید وزارت فرهنگ و آموزش عالی در یکی از رشته‌های موضوع (قانون) با: - داشتن (۵) سال سابقه کار و تجربه مفید پس از دریافت مدرک کاردانی در رشته مربوط، پروانه اشتغال به کار کاردانی پایه (۳) - جهت ارتقا از پایه (۳) به پایه (۲) داشتن (۴) سال و از پایه (۲) به پایه (۱) داشتن (۶) سال سابقه کار در پایه قبلی و موفقیت در آزمون مربوط ضروری است ب - برای دارندگان مدرک کاردانی فنی سایر وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی در یکی از رشته‌های موضوع (قانون) با: - داشتن (۶) سال سابقه کار و تجربه مفید پس از دریافت مدرک کاردانی در رشته مربوط، پروانه اشتغال به کار کاردانی پایه (۳) - جهت ارتقا از پایه (۳) به پایه (۲) داشتن (۴) سال و از پایه (۲) به پایه (۱) داشتن ۶ سال سابقه کار در پایه قبلی و موفقیت در آزمون مربوط ضروری است پ - برای دارندگان مدرک دیپلم فنی در یکی از رشته‌های موضوع (قانون) با: - داشتن (۷) سال سابقه کار و تجربه مفید پس از دریافت دیپلم در رشته مربوط، پروانه اشتغال به کار تجربی پایه (۳) - جهت ارتقا از پایه (۳) به پایه (۲) داشتن (۵) سال و از پایه (۲) به پایه (۱) داشتن (۶) سال سابقه کار در پایه قبلی و موفقیت در آزمون مربوط ضروری است ت - برای دارندگان سایر مدارک تحصیلی و معماران تجربی در یکی از رشته‌های موضوع قانون با: - داشتن (۸) سال سابقه کار و تجربه مفید بر اساس مدارک تحصیلی و تجربی در رشته مربوط، پروانه اشتغال به کار تجربی پایه (۳) - جهت ارتقا از پایه (۳) به پایه (۲) داشتن (۵) سال و از پایه (۲) به پایه (۱) داشتن (۶) سال سابقه کار در پایه قبلی و موفقیت در آزمون مربوط ضروری است تبصره - سابقه و تجربه مفید حسب گواهی‌ها و مدارک مندرج در ماده (۶) این آیین نامه و سایر مستندات مورد قبول وزارت مسکن و شهرسازی احراز می‌شود. ماده ۲۷ - متقاضیان موضوع این فصل از آیین نامه باید تقاضای کتبی خود را همراه با مدارک زیر در تهران به وزارت مسکن و شهرسازی و در استانها به سازمان مسکن و شهرسازی استان تسلیم نمایند. الف - تصویر مصدق مدرک تحصیلی که به تایید مراجع ذیصلاح رسیده است و در مورد کاردانه‌ها تعیین و تصریح رشته و گرایش آن ب - گواهی سابقه و تجربه مفید به شرح مذکور در ماده ۶ این آیین نامه. پ - رایه مدرک قبولی در آزمون علمی و عملی ت - فتوکپی کارت کد اقتصادی متقاضی ث - فیش بانکی مربوط به پرداخت عوارض صدور (پروانه اشتغال). ج - مدارک عضویت در تشکل حرفه‌ای مربوط، در صورت تاسیس تشکیلات مذکور. چ - رایه مدرک هویت به ترتیبی که در فرم تقاضا قید شده است ح - سایر مدارکی که رایه آنها به موجب قوانین و مقررات مصوب ضروری است ماده ۲۸ - نحوه برگزاری آزمون و سوالات علمی و تجربی و عنداللزوم مصاحبه حضوری در سراسر کشور یکسان و متحدالشکل می‌باشد. سوالات به صورت کتبی و به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و در اختیار سازمان‌های مسکن و شهرسازی استان قرار می‌گیرد، تا با نظارت مستقیم و همکاری (نظام مهندسی استان) آزمون برگزار شود. تصحیح اوراق و اعلام اسامی پذیرفته شدگان و عنداللزوم انجام مصاحبه حضوری در تهران با وزارت مسکن و شهرسازی و در استانها با سازمان مسکن و شهرسازی استان است پس از تاسیس تشکیلات حرفه‌ای، در برگزاری آزمونها از همکاری تشکیلات مذکور استفاده خواهد شد. ماده ۲۹ - به منظور تعیین حدود صلاحیت حرفه‌ای و ظرفیت اشتغال کاردانه‌ها و معماران تجربی فعالیت‌های فنی مهندسی در بخش اجرای ساختمان بر اساس پیچیدگی عوامل و حجم کار و موقعیت جغرافیایی به سه گروه (الف) و (ب) و (ج) تقسیم می‌شود. سپس با توجه به پایه (پروانه اشتغال) و مدرک تحصیلی و سوابق کار حرفه‌ای و توانایی متقاضی و سایر عوامل موثر، حدود صلاحیت و ظرفیت اشتغال دارنده (پروانه اشتغال) طبق دستورالعملی که به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و ابلاغ می‌شود تعیین و در (پروانه اشتغال) درج می‌شود. ماده ۳۰ - مدت اعتبار پروانه اشتغال به کار کاردانی یا کار تجربی ۳ سال است و در انقضای مدت، در صورت وجود شرایط لازم قابل تمدید است ماده ۳۱ - کلیه امور مربوط به (پروانه اشتغال) اعم از فقدان اعتبار، یا معلق شدن اعتبار و سایر موارد از جمله تفویض اختیار در مورد صدور و غیر اینها تابع مقررات مصوب مربوط به دارندگان پروانه اشتغال به کار مهندسی است ماده ۳۲ - مرجع و نحوه رسیدگی به تخلفات حرفه‌ای و انضباطی دارندگان پروانه اشتغال به کار کاردانی و تجربی نیز، مانند دارندگان پروانه

اشتغال به کار مهندسی است لکن پس از تاسیس تشکیلات حرفه‌ای مربوط ، شورای انتظامی استان و مرجع تجدیدنظر با همکاری و هماهنگی تشکیلات مذکور اقدام خواهند کرد و موارد خاصی که در مورد این گروه باید مورد توجه مراجع رسیدگی کننده قرار گیرد و یا باید از آن استثنا شود با توجه به پیشنهادات تشکیلات حرفه‌ای مربوط طی دستورالعملی به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی به شورای انتظامی استان و مرجع تجدیدنظر ابلاغ خواهد شد.

فصل چهارم نظارت و کنترل ساختمان (ماده ۳۳ تا ۴۰)

ماده ۳۳- مسوولیت نظارت عالی بر اجرای ضوابط و مقررات ملی ساختمان در طراحی و اجرای تمامی ساختمانها و طرحهای شهرسازی و شهرک سازی و عمران شهری که اجرای ضوابط و مقررات مزبور در مورد آنها الزامی است ، بر عهده وزارت مسکن و شهرسازی است و وزارت مذکور با انتشار اعلامیه و اطلاعیه‌ها ، آگاهی‌های لازم را به افراد جامعه خواهد داد. ماده ۳۴- شهرداریها موظفند در متن تاییدیه نقشه‌های تفکیک زمین و متن پروانه‌های ساختمانی و متن پاسخ به هر گونه استعمال درباره کاربری و تراکم اراضی ، مشخصات مصوبات طرحهای جامع ، تفصیلی و هادی را که شامل نام مرجع تصویب کننده ، تاریخ تصویب و شماره و تاریخ ابلاغیه قانونی است ذکر نمایند. ماده ۳۵- مالکان و کارفرمایانی که اقدام به احداث ساختمان می کنند موظفند از نخستین روز شروع عملیات اجرایی ، یک نسخه از نقشه ساختمان مهمور شده به مهر شهرداری و یک نسخه از پروانه ساختمان را ، در تمام مدت اجرای ساختمان ، در محل کارگاه نگهداری نمایند تا در صورت مراجعه ماموران کنترل ساختمان در اختیار آنها گذاشته شود. ماده ۳۶- کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی و سازمانها و دستگاههای دولتی و غیر دولتی می توانند در هر موردی که با تخلف مواجه شده یا احتمال تخلف از ضوابط و مقررات شهرسازی و مقررات ملی ساختمان می دهند ، شکایت با اطلاعات خود را به وزارت مسکن و شهرسازی در تهران و سازمان مسکن و شهرسازی در استان ارسال یا تسلیم نمایند. ماده ۳۷- وزارت مسکن و شهرسازی یا سازمان مسکن و شهرسازی استان ، ساختمانها را رأساً به صورت کنترل نمونه‌ای ، سرزده و موردی یا پس از دریافت شکایت مورد رسیدگی و بازرسی قرار می دهد ، در صورت احراز تخلف از مقررات مذکور در مواد (۳۴) و (۳۵) (قانون) و مواد مندرج در این فصل ، با ذکر دلایل و مستندات دستور اصلاح یا جلوگیری از ادامه کار را به شهرداریها و مراجع صدور پروانه ساختمانی و مهندس مسوول نظارت ذیربط ابلاغ می نماید. ماده ۳۸- به منظور اعمال نظارت موضوع ماده (۳۵) قانون ، مراجع و اشخاص یاد شده در ماده (۳۴) موظفند در صورت درخواست ، حسب مورد اطلاعات و نقشه‌های فنی لازم را در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار دهند و در صورتی که وزارت یاد شده به تخلفی برخورد نماید با ذکر دلایل و مستندات دستور اصلاح یا جلوگیری از ادامه کار را به مهندس مسوول نظارت و مرجع صدور پروانه ساختمانی دی ربط ابلاغ نماید و تا رفع تخلف ، موضوع قابل پیگیری است در اجرا این وظیفه کلیه مراجع ذی ربط موظف به همکاری می باشند. ماده ۳۹- سازمان مسکن و شهرسازی استان موظف است با همکاریهای نظام مهندسی استان و شهرداریها در محل هایی که مشمول ماده (۴) قانون نمی باشند ، در اجرای ماده (۳۶) قانون نسبت به تهیه طرحهای همسان (تپ) در زمینه طراحی و اجرای ساختمان اقدام نماید. شهرداریها نقشه‌های مذکور را در اختیار متقاضیان قرار می دهند و چنانچه متقاضی بر اساس نقشه همسان ، درخواست پروانه ساختمان بنماید ، شهرداریها موظفند با رعایت سایر مقررات ، پروانه ساختمانی را صادر و رأساً اعمال نظارت نمایند. ماده ۴۰- به منظور مطالعات و تحقیقات مورد نیاز برای توسعه نظام مهندسی و اصلاح سیستم کنترل در (مهندسی ساختمان) و گسترش آن در سطح کشور ، متناسب با امکانات و مقتضیات محلی و ارتقا کیفی (مهندسی ساختمان) از طریق پیشنهاد اصلاح قوانین ، تدوین آیین نامه های قانونی ، اصلاح و روشها و ساختار اداری و اجرایی و تدوین برنامه‌های آموزشی در سطوح مختلف ، شورایی مرکب از ۷ عضو تحت عنوان (شورای توسعه

نظام مهندسی و کنترل ساختمان) در وزارت مسکن و شهرسازی تشکیل می‌شود. اعضا و رئیس شورای مذکور توسط وزیر مسکن و شهرسازی انتخاب و دبیرخانه شورای مذکور در وزارت مسکن و شهرسازی تشکیل می‌شود.

فصل پنجم سازمان نظام مهندسی ساختمان استان (ماده ۴۱ تا ۹۴)

ماده ۴۱ - به منظور تامین مشارکت هر چه وسیعتر مهندسان در انتظام امور حرفه‌ای خود و تحقق اهداف (قانون) در سطح کشور سازمانی تحت عنوان (سازمان نظام مهندسی ساختمان) تشکیل می‌شود. ارکان (سازمان) متشکل است از (نظام مهندسی استان) ، (هیات عمومی) ، (شورای مرکزی) ، (رئیس سازمان) و (شورای انتظامی نظام مهندسی) ماده ۴۲ - (سازمان) و (نظام مهندسی استان) ها دارای شخصیت حقوقی مستقل و غیر انتفاعی بوده و تابع قوانین و مقررات عمومی حاکم بر موسسات غیر انتفاعی می‌باشند. ماده ۴۳ - برای تشکیل (نظام مهندسی استان) وجود حداقل (۵۰) داوطلب عضویت از بین مهندسان مقیم حوزه آن استان که واجد شرایط مقرر در ماده (۶) (قانون) و تبصره‌های آن باشند، ضروری است تبصره - عضویت اشخاص حقوقی شاغل به کار مهندسی در رشته‌های اصلی و اشخاص حقیقی در (رشته‌های مرتبط) در (نظام مهندسی استان) بلامانع است ولی در مجامع عمومی فقط اشخاص حقیقی عضو، حق رای دارند. ماده ۴۴ - عضویت در (نظام مهندسی استان) مستلزم احراز شرایط و انجام ترتیبات زیر است الف - دارا بودن مدرک کارشناسی یا بالاتر در یکی از (رشته‌های اصلی) یا (رشته‌های مرتبط) ب - متولد آن استان بوده و یا حداقل شش ماه ممتد قبل از تسلیم درخواست عضویت، در حوزه استان مقیم باشد، بطوریکه فعالیت حرفه‌ای وی در آن استان متمرکز بوده و اقامت غالب وی در آن استان باشد. پ - نداشتن محکومیت قطعی به محرومیت از اشتغال به کار در هنگام تقاضای عضویت ت - دادن تعهد نسبت به انجام وظایفی که از طریق (نظام مهندسی استان) یا (شورای مرکزی) تصویب و ابلاغ شده یا می‌شود، در چهارچوب اهداف (قانون) و آیین نامه اجرایی آن ت - پرداخت ورودیه و حق عضویت سالانه طبق تعرفه‌های مصوب مربوط ج - تنظیم و تسلیم تقاضای عضویت، طبق فرم مخصوصی که در اختیار متقاضیان عضویت قرار خواهد گرفت همراه با مدارک مقرر در فرم مذکور. ماده ۴۵ - متقاضی عضویت در (نظام مهندسی استان) تقاضای خود را به دبیرخانه (نظام مهندسی استان) تسلیم خواهد نمود. مرجع مذکور مکلف است حداکثر ظرف (۱۵) روز به تقاضای واصل شده رسیدگی نماید و در صورتیکه متقاضی را واجد کلیه شرایط تشخیص دهد، نسبت به صدور و تسلیم کارت عضویت او اقدام و چنانچه تقاضا را ناقص و یا متقاضی را فاقد شرایط کافی تشخیص دهد نظر خود را در مورد نقص یا رد تقاضا به طور صریح و کتبی به متقاضی ابلاغ نماید. ماده ۴۶ - کسانی که به عضویت (نظام مهندسی استان) پذیرفته می‌شوند در موارد زیر عضویت آنها قطع می‌شود و در هر زمان، عللی که موجب قطع عضویت شده است برطرف شود. بنا به تقاضای متقاضی عضویت تجدید و ادامه خواهد یافت الف - نقل مکان به استان دیگر. ب - استعفا از عضویت (نظام مهندسی استان). پ - سلب هر یک از شرایط عضویت موضوع ماده (۴۴) این آیین نامه. ت - اخراج از (سازمان) به دلیل تکرار تخلف تبصره - قطع عضویت در (نظام مهندسی استان) موجب قطع عضویت در کلیه نهادهای وابسته به آن نیز خواهد بود، ولی برقراری مجدد عضویت لزوماً موجب برقراری مجدد عضویت در نهادهای مذکور نخواهد شد و مستلزم تجدید انتخاب یا صدور حکم مجدد خواهد بود. ماده ۴۷ - شخص حقیقی یا حقوقی نمی‌تواند در آن واحد عضویت بیش از یک (نظام مهندسی استان) را دارا باشد و در مواقعی که اقامتگاه شخص از یک استان به استان دیگر تغییر می‌کند، کارت عضویت (سازمان نظام مهندسی) جدید پس از موافقت (نظام مهندسی استان) و تحقق شش ماه اقامت در استان جدید صادر و کارت عضویت قبلی باطل شده و همراه با مدارک مربوط به (نظام مهندسی استان) محل صدور آن فرستاده می‌شود. در فاصله شش ماه مذکور کارت عضویت (نظام مهندسی استان) قبلی به اعتبار خود باقی است همچنین (نظام مهندسی استان) قبلی

موظف است حسب درخواست (نظام مهندسی استان) جدید رونوشتی از پرونده و سوابق عضو انتقالی برای (نظام مهندسی استان) جدید ارسال دارد. ماده ۴۸ - در استانهایی که به واسطه کافی نبودن تعداد مهندسان واجد شرایط ، (نظام مهندسی استان) تشکیل نشده است ، مهندسان حوزه آن استان می‌توانند به عضویت (نظام مهندسی استان) مجاور که توسط وزیر مسکن و شهرسازی تعیین می‌شود ، پذیرفته شوند. در این قبیل موارد ، وظایف مربوط به استان مذکور نیز توسط (نظام مهندسی استان) مجاور که به شرح فوق تعیین شده انجام خواهد شد. هرگاه تعداد این افراد به حد نصاب رسید سازمان مسکن و شهرسازی مربوط اقدام به برگزاری اولین دوره انتخابات و تشکیل (نظام مهندسی استان خواهد کرد. ماده ۴۹ - به منظور تشکیل (سازمان) در استان‌های وفق (قانون) ، اولین دوره برگزاری انتخابات در استانها به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی با همکاری سازمانهای موجود نظام مهندسی ساختمان در استان انجام می‌گیرد و پس از تشکیل (نظام مهندسی استان) طبق (قانون) ، کلیه امکانات ، اموال ، دارایی و تعهدات سازمان موجود به (نظام مهندسی استان) با نمایندگی هیات مدیره قانونی آن و با حضور نماینده وزارت مذکور منتقل و تحویل می‌شود. ماده ۵۰ - عضویت در نظام مهندسی استان دارای امتیازاتی به شرح زیر می‌باشد: الف - دریافت پروانه اشتغال به کار مهندسی با رعایت سایر شرایط ب - شرکت در انتخابات هیات مدیره ، اعم از انتخاب نمودن یا انتخاب شدن پ - امکان انتخاب شدن به عضویت هیات عمومی و (شورای مرکزی) و سایر مجامع و کمیسیونها و هیات‌های وابسته به (نظام مهندسی استان) . ت - استفاده از تسهیلات و خدماتی که نظام مهندسی استان بنا به وظایف و هدفهای خود در اختیار اعضا قرار می‌دهد. از جمله حفظ حقوق و شیون و حیثیت حرفه‌ای اعضا (نظام مهندسی استان) و دفاع در مقابل تعرض به آنها از طریق ارائه خدمات مشاوره حقوقی ، مالی ، فنی و غیره ث - استفاده از پایگاههای علمی ، فنی ، آموزشی و انتشاراتی به منظور بالا بردن دانش فنی اعضا. ج - استفاده از تسهیلات قانونی ، که برای دارندگان (پروانه اشتغال) فراهم می‌شود. چ - استفاده از ارجاع خدمات کارشناسی موضوع ماده (۲۷) (قانون) . ح - استفاده از خدمات مالیاتی ماده ۵۱ - ارکان (نظام مهندسی استان) به شرح زیر تعیین می‌شود: الف - (مجمع عمومی) ب - (هیات مدیره) ج - (بازرسان) د - (شورای انتظامی استان) محل استقرار دائم آن در مرکز استان است و می‌تواند در سایر شهرها و همچنین مناطق مختلف شهرهای بزرگ استان دفاتر نمایندگی دایر و انجام تمام یا بخشی از وظایف مستمر خود را در حوزه مربوط به آن دفاتر محول نماید. الف - (مجمع عمومی) ماده ۵۲ - مجمع عمومی نظام مهندسی استان از اجتماع تمامی اشخاص حقیقی عضو (نظام مهندسی استان) دارای مدارک تحصیلی در (رشته‌های اصلی) یا (رشته‌های مرتبط) و کارت عضویت معتبر ، که اصالتا یا کالتا حق رای دارند تشکیل می‌شود. تبصره ۱ - اعضای که حق رای خود را تفویض می‌کنند ، باید کارت عضویت خود را نیز ضمیمه برگه اعطای نمایندگی نمایند و نمی‌توانند جداگانه در رای گیری شرکت کنند. تبصره ۲ - در استانهایی که هنوز سازمان نظام مهندسی ساختمان به موجب قانون آزمایشی تشکیل نشده باشد ، به منظور برگزاری اولین دوره انتخابات ، سازمان مسکن و شهرسازی استان ، کارت عضویت موقت با حداکثر مدت اعتبار یک سال صادر خواهد کرد. ماده ۵۳ - جلسات مجمع عمومی به دعوت هیات مدیره در موارد زیر تشکیل می‌شوند: الف - جلسات مجمع عمومی به طور عادی سالی یک بار ب - جلسات مجمع عمومی به طور فوق العاده به تعداد دفعات و در زمانهایی که در جلسه عادی تعیین می‌شود و یا در مواردی که وزارت مسکن و شهرسازی و یا بازرسان (بازرسان) یا بتصویب شورای مرکزی و یا دو سوم اعضای هیات مدیره و یا حداقل بیست درصد اعضای نظام مهندسی استان تشکیل آن را از هیات مدیره خواستار می‌شوند. (اصلاحی ۳۰/۴/۱۳۸۱) تبصره ۱ - در مواردی که اشخاص و مراجع مذکور در بند (ب) درخواست تشکیل مجمع عمومی به طور فوق العاده را نمایند ، هیات مدیره مکلف است به فاصله حد اکثر ۴۵ روز نسبت به تشکیل جلسه مجمع عمومی اقدام نماید. در صورت استتکاف هیات مدیره از تشکیل جلسه مجمع عمومی در مدت مذکور بازرسان (بازرسان مکلفند با اطلاع وزارت مسکن و شهرسازی اقدام لازم به منظور تشکیل جلسه مجمع عمومی به عمل آورند. (اصلاحی ۳۰/۴/۱۳۸۱) تبصره ۲ - هیات مدیره ملزم به دعوت از نماینده وزیر مسکن و شهرسازی

جهت شرکت در جلسات مجمع عمومی است و جلسات یاد شده با رعایت سایر شرایط، مشروط به انجام دعوت مذکور رسمیت خواهد یافت تبصره ۳- نمایندگان اشخاص حقوقی عضو (نظام مهندسی استان) می‌توانند به عنوان ناظر در جلسات مجمع عمومی حضور یابند. ماده ۵۴- دعوت به تشکیل جلسات مجمع عمومی باید حداقل (۲۰) روز قبل از تشکیل جلسه از طریق دو نوبت آگهی در روزنامه کثیرالانتشار و در صورت لزوم از طریق دعوتنامه و یا به وسیله رسانه‌های گروهی و جمعی دیگر به اطلاع اعضا برسد. در آگهی و یا دعوتنامه و یا اطلاعیه‌های مزبور باید روز و ساعت و محل تشکیل و دستور جلسه قید شود. ماده ۵۵- جلسات مجمع عمومی با حضور حداقل نصف به اضافه یک نفر کلیه اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیمات آن با رای موافق نصف به اضافه یک عده حاضر در جلسه معتبر می‌باشد، در صورت عدم حصول اکثریت لازم برای رسمیت یافتن جلسه در نوبت اول، جلسه دوم به فاصله حداکثر ۲۰ روز پس از آن مجدداً تشکیل و با حضور هر تعداد شرکت کننده رسمیت خواهد یافت و تصمیمات آن با رای مثبت نصف به اضافه یک عده حاضر در جلسه معتبر خواهد بود. تبصره- در مجامع عمومی که دستور کار جلسه، انتخاب اعضای هیات مدیره می‌باشد، اجتماع در محل واحد و احراز حد نصاب فوق الذکر ضروری نیست و انتخابات از طریق مراجعه مستقیم اعضای مجمع عمومی به صندوقهای رای گیری با رای مخفی و رعایت مواد آتی انجام می‌شود، و در این مورد هر عضو فقط حق یک رای داشته و مجاز به دادن رای به نمایندگی غیر نمی‌باشد. ماده ۵۶- مجمع عمومی توسط هیات ریسه موقت مرکب از مسن‌ترین عضو به عنوان رییس سنی و جوان‌ترین عضو به عنوان منشی و دو ناظر که با رای اعضای حاضر انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد. هیات ریسه اصلی مجمع عمومی استان از بین اعضای داوطلب و با رای اعضای حاضر در مجمع عمومی، با اکثریت نسبی انتخاب خواهند شد. هیات ریسه اصلی مجمع عمومی مرکب از رییس و یک منشی و دو ناظر خواهد بود. از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورتجلسه‌ای در سه نسخه توسط منشی تدوین و پس از امضای هیات ریسه مجمع عمومی، به رویت و امضای بازرسان (بازرسان سازمان استان می‌رسد و نسخ آن به ترتیب به دبیر خانه نظام مهندسی استان، سازمان مسکن و شهرسازی استان و دفتر شورای مرکزی ارسال می‌شود. ماده ۵۷- وظایف و اختیارات مجمع عمومی اعم از اینکه به طور عادی یا فوق العاده تشکیل شده باشد به شرح زیر است الف- انتخاب اعضای هیات مدیره ب- انتخاب بازرسان یا بازرسان اصلی و علی‌البدل پ- شنیدن گزارش عملکرد سالانه هیات مدیره و اعلام نظر نسبت به آن ت- بررسی و تصویب ترازنامه سالانه (نظام مهندسی استان) و بودجه پیشنهادی هیات مدیره ث- تعیین و تصویب ورودیه و حق عضویت سالانه اعضا و سایر منابع در آمد برای (نظام مهندسی استان) بر اساس پیشنهاد هیات مدیره ج- اتخاذ تصمیم در مورد پرداخت حق الزحمه اعضای هیات مدیره، بازرسان و اعضای شورای انتظامی استان چ- تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای اطلاعیه‌های (نظام مهندسی استان). ح- شنیدن گزارش فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فرهنگی و تصویب پیشنهادات مربوط به آن خ- تقدیر و تشویق و اعطای جوایز به فعالیت‌های ارزنده انجام شده در سطح استان توسط اعضا و موسسات و نظایر آن د- بررسی و نظر خواهی در مورد موضوعات حرفه‌ای و مهندسی ذ- تعیین حداکثر دفعاتی که نیاز به تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده در طول هر سال خواهد بود در اولین جلسه مجمع عمومی سالانه ر- بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به سایر اموری که طبق قوانین و آیین نامه‌های مربوط به عهده (نظام مهندسی استان) و در صلاحیت مجمع عمومی می‌باشد. ب هیات مدیره ماده ۵۸- هر یک از (نظام مهندسی استان) ها دارای هیات مدیره‌ای خواهد بود که از بین اعضای داوطلب در (رشته‌های اصلی) برای یک دوره سه ساله انتخاب خواهد شد و انتخاب مجدد اعضای هیات مدیره بلامانع است ماده ۵۹- داوطلبان عضویت در هیات مدیره، (نظام مهندسی استان) ها علاوه بر دارا بودن شرایط مندرج در ماده (۱۱) (قانون) باید دارای (پروانه اشتغال) پایه (۲) مهندسی یا بالاتر باشند و از (۵) سال قبل از تاریخ اعلام داوطلبی فاقد محکومیت انتظامی از درجه (۳) یا بالاتر باشند. ماده ۶۰- تعداد اعضای اصلی هیات مدیره متناسب با تعداد اعضای (نظام مهندسی استان) می‌باشد که به شرح زیر تعیین می‌شود: از (۵۰) تا (۳۰۰) عضو تعداد اعضای اصلی هیات مدیره (۵) تا (۷) نفر از (۳۰۱) تا (۱۰۰۰) عضو تعداد اعضای اصلی

شرکت کنندگان در انتخابات ضروری بنظر می‌رسد. ح - ارسال آگهی‌های منتشر شده به آدرس کلیه اعضای (نظام مهندسی استان) در صورت لزوم ماده ۶۵ - داوطلبان عضویت در هیات مدیره می‌توانند ظرف مهلتی که توسط هیات اجرایی انتخابات تعیین شده است ، داوطلبی خود را به طور کتبی همراه با فتوکپی (پروانه اشتغال) و سایر مدارک لازم به هیات اجرایی انتخابات یا یکی از محل‌های ثبت نام تسلیم و رسید دریافت دارند. ماده ۶۶ - هیات اجرایی انتخابات موظف است حداکثر ظرف یک هفته از پایان مهلت ثبت نام جهت احراز شرایط داوطلبان ، از مراجع ذیربط استعلام و رو نوشت آن را برای (دستگاه نظارت) ارسال و ظرف یکماه از تاریخ مذکور اعم از اینکه پاسخ استعلامها واصل شده یا نشده باشد با اکثریت آرا نسبت به صلاحیت نامزدها اتخاذ تصمیم و نتیجه را به (دستگاه نظارت) و متقاضی اعلام نماید. افرادی که صلاحیت آنها رد شده است می‌توانند ظرف (۳) روز از تاریخ وصول نظریه شکایت خود را به طور کتبی به (دستگاه نظارت) تسلیم و رسید دریافت دارند. (دستگاه نظارت) موظف است ظرف یک هفته به شکایت واصل شده رسیدگی و نظر قطعی خود را در مورد صلاحیت شاکیان و سایر داوطلبان به هیات اجرایی انتخابات اعلام دارد. پس از تایید فهرست نهایی نامزدها به وسیله (دستگاه نظارت) ، هیات اجرایی انتخابات فهرست مذکور را به تعداد کافی تکثیر و توزیع نموده ، حداقل دو هفته قبل از روز اخذ رای آن را در روزنامه محلی یا روزنامه کثیرالانتشار آگهی یا در صورت لزوم به وسایل مقتضی به اطلاع اعضا می‌رساند. تبصره - فهرست اسامی داوطلبان شامل ، نام و نام خانوادگی ، با ذکر رشته تحصیلی ، نام دانشکده ، سال دریافت مدرک ، نوع مدرک ، رشته تحصیلی به صورتالفبایی و به تفکیک رشته باید تنظیم شود و در روز رای گیری در محل‌های مناسب در معرض دید رای دهندگان قرار داده شود. ماده ۶۷ - در صورتیکه هیات اجرایی انتخابات با توجه به امکانات ، وسعت استان ، تعداد اعضا ، پراکندگی شهرهای استان و سایر عوامل ، محل‌های متعددی جهت برگزاری انتخابات تعیین نماید ، باید برای هر یک از محل‌های مذکور هیات اجرایی انتخابات فرعی مرکب از سه عضو (نظام مهندسی استان) که واجد شرایط انتخاب شدن در هیات اجرایی انتخابات باشند تعیین کند ، ولی به هر حال مسوولیت حسن انجام انتخابات با هیات اجرایی انتخابات می‌باشد. (دستگاه نظارت) نیز برای هر محل یک ناظر خواهد داشت ماده ۶۸ - هر یک از اعضای (نظام مهندسی استان) می‌تواند با ارایه کارت عضویت همان استان به تشخیص خود به تمام یا بعضی از داوطلبان در هر یک از رشته‌های اصلی و حداکثر به تعداد اعضای اصلی هیات مدیره (نظام مهندسی استان) رای دهد و در صورتی که بیش از آن در ورقه رای خود نوشته باشد ، اسامی اضافی از آخر حذف خواهد شد. تبصره - در صورتی که رای دهنده اسامی افرادی غیر از داوطلبان اعلام شده را بنویسد فقط آن اسامی حذف می‌شود. ماده ۶۹ - پس از خاتمه رای گیری ، هیات اجرایی انتخابات موظف است زیر نظر (دستگاه نظارت) اقدام به شمارش آرا نماید. در هر یک از (رشته‌های اصلی) از بین کسانی که دارای رای بیشتر باشد به ترتیب اولویت ، اعضای اصلی و علیالبدل در آن رشته تعیین می‌شود و نتایج رای گیری صورتجلسه شده و توسط اعضای هیات اجرایی انتخابات و نمایندگان (دستگاه نظارت) امضا و اعلام می‌شود. ماده ۷۰ - مدت قبول شکایات مربوط به انتخابات تا (۵) روز بعد از روز اخذ رای خواهد بود و مدت رسیدگی به آنها یک هفته پس از انقضای مدت مذکور می‌باشد. مرجع رسیدگی به این شکایات ، هیات اجرایی انتخابات به اتفاق نماینده (دستگاه نظارت) است به شکایات بدون نام و مشخصات و نشانی شاکی ترتیب اثر داده نخواهد شد. پس از انجام رسیدگی ، در صورت تایید انتخابات ، نتایج قطعی اعلام و کلیه اوراق و دفاتر و مدارک مربوط به دبیرخانه (نظام مهندسی استان) تحویل می‌شود و در صورت ابطال انتخابات ، هیات اجرایی انتخابات حداکثر ظرف مدت یک ماه نسبت به شروع تشریفات انتخابات مجدد ، اقدام خواهد نمود. تایید یا ابطال انتخابات منحصر از اختیارات (دستگاه نظارت) است پس از خاتمه انتخابات و تایید آن ، اعتبارنامه‌های اعضای هیات مدیره ، به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی امضا و صادر می‌شود. ماده ۷۱ - هیات مدیره‌ای که از اعضای اصلی تشکیل می‌شود در اولین جلسه خود هیات ریسه‌ای مرکب از یک رییس و دو نایب رییس و یک دبیر با تعداد آرای نصف به علاوه یک نفراعضای اصلی هیات مدیره برای مدت یک سال انتخاب می‌کند و تجدید

انتخاب آنان در سالهای بعد بلامانع است هیات ریسه از بین خود و یا از میان هیات مدیره یک نفر را با تایید هیات مدیره به عنوان خزانه دار انتخاب می کند. رییس هیات مدیره (رییس سازمان نظام مهندسی استان) می باشد. تبصره - چنانچه آرای مأخوذه در مورد هر یک از اعضای هیات ریسه مساوی باشد و هیات مدیره نتواند حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز نسبت به انتخاب عضوی که در مورد آن توافق حاصل نگردیده اقدام نمایند و نیز اگر هیات مدیره نتواند پس از انقضای مدت یکساله عضویت و یا در صورت فوت یا حجر یا تعلیق یا لغو عضویت هر یک از اعضای هیات ریسه نسبت به انتخاب جایگزین ، ظرف مدت مذکور اقدام کند هیات مدیره مکلف است موضوع را بلافاصله به شورای مرکزی منعکس نماید و شورای مزبور مکلف است عضو یا اعضای جایگزین را از بین اعضای هیات مدیره به طور موقت تا زمان حصول توافق برای انتخاب اعضای مزبور توسط هیات مدیره تعیین و معرفی نماید. ماده ۷۲- جلسات هیات مدیره حداقل ماهی دو بار تشکیل و با حضور دو سوم اعضای اصلی رسمیت می یابد. اعضای علیالبدل می توانند بدون داشتن حق رای در کلیه جلسات هیات مدیره شرکت نمایند. تصمیمات و مصوبات هیات مدیره با رعایت نصاب اکثریت نصف به اضافه یک به نسبت تعداد کل اعضای اصلی معتبر بوده و توسط دبیر در دفتر مخصوصی ثبت و به امضای اعضای حاضر در جلسه می رسد. اسامی غایبین ذیل آن ذکر می شود. تبصره ۱- چنانچه هر یک از اعضای اصلی هیات مدیره چهار جلسه پیاپی یا هشت جلسه متناوب در مدت شش ماه متوالی بدون عذر موجه غیبت نمایند مستعفی شناخته شده و عضو علیالبدل به جای او در جلسات هیات مدیره به عنوان عضو اصلی شرکت خواهد کرد و مراتب رانیز به عضو مستعفی به طور کتبی اعلام می شود. تبصره ۲- در صورت فوت ، استعفا ، حجر یا سلب صلاحیت قانونی هر یک از اعضای هیات مدیره ، از عضو علیالبدل به عنوان عضو اصلی جهت شرکت در جلسات هیات مدیره دعوت خواهد شد. ماده ۷۳- اختیارات و وظایف هیات مدیره به شرح زیر تعیین می شود: ۱- برنامه ریزی در جهت تقویت و توسعه فرهنگ و ارزشهای اسلامی در معماری و شهرسازی ۲- برنامه ریزی به منظور رشد و اعتلای حرفه های (مهندسی ساختمان) و مشاغل مرتبط با آن و جلب مشارکت اعضا در جهت توسعه فعالیتهای حرفه ای و مهندسی ۳- ارتقای دانش فنی و کیفیت کار شاغلان در بخشهای (مهندسی ساختمان) از طریق ایجاد پایگاههای علمی ، فنی ، آموزشی و نظایر آن ۴- همکاری با مراجع مسوول در امر کنترل ساختمان از قبیل اجرای دقیق و صحیح مقررات ملی ساختمان و ضوابط طرحهای جامع و تفصیلی و هادی شهرها توسط اعضای (نظام مهندسیاستان) حسب درخواست ۵- نظارت بر حسن اجرای انجام خدمات مهندسی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی در طرحها و فعالیتهای غیر دولتی در حوزه استان و تعقیب متخلفان از طریق مراجع قانونی ذیصلاح ۶- مشارکت در امر ارزشیابی و تعیین صلاحیت و ظرفیت اشتغال به کار شاغلان در امور فنی مربوط به فعالیتهای حوزه های مشمول (قانون) . ۷- دفاع از حقوق اجتماعی و حیثیت حرفه ای اعضا و تشویق و حمایت از فعالیتهای با ارزش و برگزاری مسابقات حرفه ای و تخصصی و معرفی طرحهای ارزشمند. ۸- تنظیم روابط بین صاحبان حرفه های (مهندسی ساختمان) و کارفرمایان و کمک به مراجع مسوول در بخش (مهندسی ساختمان) در زمینه ارجاع مناسب کارها به صاحبان صلاحیت و جلوگیری از مداخله اشخاص فاقد صلاحیت در امور فنی ۹- کمک به ترویج اصول صحیح (مهندسی ساختمان) و همکاری با وزارت مسکن و شهرسازی در زمینه تدوین ، اجرا و کنترل مقررات ملی ساختمان و استانداردها و معیارها. ۱۰- کمک به ارتقای کیفیت طرحهای ساختمان ، عمرانی و شهرسازی در محدوده استان و ارائه گزارش بر حسب درخواست ، شرکت در کمیسیونها و شوراهای تصمیم گیری در مورد اینگونه طرحها و همکاری با وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداریها در زمینه کنترل ساختمان و اجرای طرحهای یاد شده با استفاده از خدمات اعضای (نظام مهندسی استان) . ۱۱- ارائه خدمات کارشناسی فنی به مراجع قضایی و قبول داوری در اختلافاتی که دارای ماهیت فنی است ۱۲- همکاری با مراجع استان در هنگام بروز سوانح و بلایای طبیعی ۱۳- تهیه و تنظیم و تصویب برنامه ها و بودجه و ترازنامه سالانه (نظام مهندسی استان) و ارائه آن به مجمع عمومی جهت تصویب ۱۴- معرفی نماینده هیات مدیره جهت عضویت در کمیسیونهای حل اختلافات مالیاتی به منظور رسیدگی و تشخیص مالیات فنی و مهندسی

اعضا (نظام مهندسی استان) . ۱۵ - تهیه و تنظیم مبانی قیمت گذاری خدمات مهندسی در استان و پیشنهاد آن به وزارت مسکن و شهرسازی جهت تصویب و ابلاغ ۱۶ - پیشنهاد اسامی بازرسان به میزان دو برابر تعداد آن‌ها از بین اعضای (نظام مهندسی استان) به مجمع عمومی برای انتخاب بازرسان اصلی و علیالبدل ۱۷ - انتخاب و معرفی حسب مورد دو تا چهار عضو شورای انتظامی استان به (شورای مرکزی) جهت صدور حکم عضویت در شورای انتظامی استان موضوع ماده (۱۷) (قانون) و فراهم کردن موجبات و وسایل تشکیل شورای انتظامی استان ۱۸ - تهیه و تصویب نظام نامه اداری ، تشکیلاتی ، مالی و داخلی (نظام مهندسی استان) . ۱۹ - تنظیم امور اداری و مالی (نظام مهندسی استان) طبق مقررات و نظام نامه‌های مربوط ۲۰ - تعیین میزان ورودیه و حق عضویت سالانه اعضا و ارایه آن به مجمع عمومی جهت تصویب ۲۱ - ارسال شکایات واصل شده به شورای انتظامی استان ۲۲ - استخدام و عزل و نصب کارکنان (نظام مهندسی استان) و تعیین شغل و حقوق و دستمزد و پاداش آنها . ۲۳ - افتتاح حساب بانکی ، بنام (نظام مهندسی استان) نزد بانکها و برداشت از این حسابها جهت انجام امور (نظام مهندسی استان) و پرداخت هزینه‌ها . ۲۴ - تعیین امضا یا امضاهای مجاز به منظور برداشت از حسابهای بانکی ، امضای قراردادها ، اسناد و اوراق تعهد آور ، اقامه دعوی و صلح و سازش ۲۵ - تعیین فهرست کارشناسان خبره و واجد شرایط به تفکیک (رشته‌های اصلی) از بین اعضای (نظام مهندسی استان) با رعایت ضوابط و دستورالعمل وزارت مسکن و شهرسازی جهت معرفی به مراجع قضایی یا شوراهای انتظامی یا سایر مراجع متقاضی ۲۶ - اعلام نظر کتبی به مراجع قضایی یا معرفی کارشناس یا هیات کارشناسی خبره واجد شرایط به محاکم قضایی ظرف مهلت‌های تعیین شده ، موضوع ماده ۱۷ (قانون) . ۲۷ - همکاری در برگزاری آزمونهای موضوع (قانون) و آیین نامه اجرایی آن ۲۸ - تشکیل کمیته نظام پیشنهادات در (نظام مهندسی استان) و تعیین وظایف و نحوه هماهنگی با سایر استانها موضوع ماده (۸۶) این آیین نامه . ۲۹ - تشکیل هیات مشورتی نظام مهندسی استان و تعیین وظایف و نحوه همکاری ۳۰ - تاسیس دفاتر نمایندگی و تهیه و تصویب نظام نامه مربوط شامل نحوه تشکیل ، چگونگی فعالیت و تعیین حدود وظایف و اختیارات آنها . ۳۱ - تهیه نظام نامه مربوط به کمیسیونهای تخصصی شامل نحوه تشکیل ، شرح وظایف و حدود اختیارات و نحوه ترکیب آنها . ۳۲ - ایجاد تسهیلات لازم جهت انجام کار آموزی فارغ‌التحصیلان (رشته‌های اصلی) و (رشته‌های مرتبط) در (مهندسی ساختمان) . ۳۳ - تشکیل دفاتر مشاوره و راهنمایی به منظور کسب اطلاعات لازم و ارایه آن به عموم به منظور اطلاع رسانی به مراجعین و اعضای سازمان و ارجاع امور به اعضای حقیقی و حقوقی (نظام مهندسی استان) و مراجع ذیربط در موارد نیاز نظر حل و فصل موضوعات ، رفع اختلاف ، خدمات مشاوره فنی و مهندسی ۳۴ - انتشار خبرنامه و نشریات تخصصی و تهیه و توزیع نشریات حرفه‌ای ، نرم افزارهای غیره . ۳۵ - تشکیل نمایشگاههای تخصصی ، فنی ، تولیدی ، و ایجاد تسهیلات لازم برای شرکت اعضا در نمایشگاههای داخلی و خارجی ۳۶ - پیشنهاد تغییرات خاص متناسب با شرایط ویژه استان در مقررات ملی ساختمان بر اساس ماده (۳۳) (قانون) . ۳۷ - مشورت با گروههای تخصصی و کسب نظر از آنها در امور مرتبط با رشته مربوط ۳۸ - هر نوع وظیفه دیگری که به موجب (قانون) و آیین نامه اجرایی و سایر مقررات مربوط و یا عرفا ضروری است و به عهده هیات مدیره می‌باشد . تبصره - در مواردی که مجمع عمومی پس از استماع گزارش بازرس (بازرسان عملکرد یا ترازنامه سالیانه هیات مدیره را تایید و تصویب نکند ، موارد اشکال و ابهام را دقیقاً مشخص و به انضمام ترازنامه جهت انجام اصلاحات لازم به هیات مدیره اعاده می‌نماید . هیات مدیره مکلف است ظرف یکماه مراتب را مورد رسیدگی قرار داده و پس از انجام اصلاحات لازم و تایید بازرس یا بازرسان ترازنامه را جهت تصویب به مجمع عمومی تسلیم نماید . چنانچه مجدداً ترازنامه به تصویب مجمع عمومی نرسد هیات مدیره بلافاصله مراتب را به شورای مرکزی منعکس می‌نماید ، و نظر نهایی شورای مرکزی برای هیات مدیره لازم‌الاجرا خواهد بود . ماده ۷۴ - کلیه مکاتبات (نظام مهندسی استان) با امضا رییس هیات مدیره و در غیاب او به ترتیب با امضای نایب رییس اول یا دوم انجام می‌شود ، مگر آنکه در موارد معینی ، هیات مدیره نحوه خاصی تعیین کرده باشد . ماده ۷۵ - نمایندگی (نظام مهندسی استان) با هیات مدیره است ، که به طور

کلی یا موردی نماینده یا نمایندگان خود را با حق انتخاب وکیل با حق توکیل غیر یا بدون آن و با تعیین حدود اختیارات و صلاحیت تعیین خواهد کرد. ماده ۷۶- هیات مدیره می تواند در جهت اجرای تصمیمات و وظایف محوله تمام یا قسمتی از اختیارات خود را در موارد معین و یا برای مدت محدود و معین به هر یک یا چند نفر از اعضای هیات مدیره تفویض نماید. همچنین هیات مدیره می تواند قسمتی از اختیارات و وظایف خود را به موجب نظام نامه های مربوط به دفاتر نمایندگی و کمیسیونهای تخصصی مهندسان هر رشته در شهرستانهای تابعه استان واگذار کند. این نظام نامه ها ممکن است در صورت قبول و تایید شورای انتظامی استان نیز شامل دریافت شکایات انتظامی و رسیدگی مقدماتی نسبت به آنها بر اساس مفاد توافق نامه های منعقد شده و ارسال پرونده به شورای انتظامی استان جهت رسیدگی و صدور رای باشد. ماده ۷۷- گروههای تخصصی در هر یک از استانها و در هر یک از (رشته های اصلی) که تعداد آنها حداقل به (۷) نفر بالغ شود ، تشکیل می شود. گروههای مذکور ، امور تخصصی مرتبط با رشته خود را در جلسات گروه ، طرح و مورد بررسی و حل و فصل قرار می دهند و نظرات و پیشنهادات خود را برای (نظام مهندسی استان) ارسال می دارند. هیات مدیره نیز قبل از تصمیم گیری در اموری که اختصاصا مرتبط با یکی از (رشته های اصلی) است نظر گروه تخصصی مربوط را استعلام نموده ، آن را در تصمیم گیری های خود مورد توجه قرار می دهد. ماده ۷۸- هیات مدیره (نظام مهندسی استان) موظف است ظرف سه ماه از تاریخ تشکیل (نظام مهندسی استان) نسبت به تشکیل گروههای تخصصی موجود در استان اقدام کنند. ماده ۷۹- هر یک از گروههای تخصصی دارای یک هیات ریسه متشکل از ۳ تا ۷ عضو خواهد بود که از بین اعضای هیات مدیره (نظام مهندسی استان) در رشته مربوط و سایر اعضای همان رشته در نظام مهندسی استان برای مدت سه سال به شرح زیر تعیین و انتخاب می شود و نمایندگی گروه تخصصی آن رشته را در امور مربوط به عهده خواهند داشت نحوه انتخاب و تعداد اعضای هیات ریسه گروههای تخصصی تعداد اعضای (نظام مهندسی ساختمان ۵۰۰۰۱ به بالا- تعداد اعضای منتخب از بین هیات مدیره (نظام مهندسی استان ۳ نفر تعداد اعضای منتخب از بین اعضای همان رشته در (نظام مهندسی استان ۴ نفر تعداد اعضای هیات ریسه هر گروه تخصصی ۷ نفر تبصره ۱- انتخاب سایر اعضای هیات مدیره (نظام مهندسی استان) در رشته مربوط به وسیله اعضای همان رشته در (نظام مهندسی استان) به عنوان عضو هیات ریسه گروه تخصصی نیز بلامانع است تبصره ۲- اگر در بین اعضای هیات مدیره به تعداد کافی از متخصصین رشته ای موجود نباشد ، به تعداد مورد نیاز ، از بین سایر اعضای همان رشته در (نظام مهندسی استان) انتخاب خواهند داشت تبصره ۳- در برگزاری انتخابات هیات ریسه گروههای تخصصی ، نماینده سازمان مسکن و شهرسازی استان به عنوان ناظر حضور خواهد شد. ماده ۸۰- به منظور دسترسی و مورد استفاده قرار دادن تجربه ها ، روش های اسلامی و آداب سنتی ، ملی و فرهنگی در طراحی ، محاسبه ، اجرا ، بهره برداری ، نگهداری و سایر فعالیتهای مهندسی ، کمیته ای تحت عنوان (کمیته نظام پیشنهادات) در وزارت مسکن و شهرسازی و همچنین در هر یک از نهادهای (قانون) ، نظیر (شورای مرکزی نظام مهندسی استان) و گروههای تخصصی موضوع ماده (۱۶) (قانون) تشکیل می گردد. نحوه گردش اطلاعات و چگونگی استفاده از آن به ترتیب زیر خواهد بود: الف- گروههای تخصصی استان نظریات و پیشنهادات واصل شده را ضمن اعلام وصول کتبی به پیشنهاد دهندگان دسته بندی نموده در پایان هر ماه گزارش آن را همراه اظهار نظر یا هر گونه پیشنهادی به (نظام مهندسی استان) ارسال می دارند. ب- (نظام مهندسی استان) گزارش های واصل شده گروههای تخصصی استان و نظرات و پیشنهادات واصل شده از سایر اعضا را ضمن اعلام وصول به گروههای تخصصی و اعضا و همچنین درج در خبرنامه (نظام مهندسی استان) دسته بندی و طبقه بندی موضوعی نموده و مواردی را که در حدود اختیارات و صلاحیت (نظام مهندسی استان) است رأسا اقدام می نماید و در پایان هر فصل گزارش آن را همراه اظهار نظر یا هر گونه پیشنهادی به (شورای مرکزی) ارسال خواهد داشت پ- (شورای مرکزی) گزارشهای واصل شده (نظام مهندسی استان) ها را ضمن اعلام وصول و همچنین درج در خبرنامه شورای مرکزی همراه گزارشی شامل - اظهار نظر و پیشنهادات (شورای مرکزی) ، - دسته بندی و طبقه بندی موضوعی

مطالب ، - تعیین الویت‌های پیشنهاداتی که باید مورد عمل قرار گیرد ، - ضرورت تحقق و شرایط و ملزومات مورد نیاز ، هر شش ماه یک بار به کمیته نظام پیشنهادات وزارت مسکن و شهرسازی ارسال خواهد داشت ت - کمیته نظام پیشنهادات وزارت مسکن و شهرسازی با توجه به پیشنهادات (شورای مرکزی) از محل بودجه موضوع ماده (۳۹) (قانون) که به این منظور تخصیص یافته ، به پیشنهاداتی که مورد عمل قرار گرفته بر اساس دستورالعمل مصوب وزیر مسکن و شهرسازی در هر سال جایزه‌ای تحت عنوان (جایزه پیشنهاد) به پیشنهاد دهندگان اعطا می نماید. ج - بازرس و بازرسان ماده ۸۱ - هر (نظام مهندسی استان) که تا (۱۰۰۰) عضو داشته باشد یک بازرس اصلی و یک بازرس علیالبدل و از (۱۰۰۱) عضو تا (۵۰۰۰) عضو دو بازرس اصلی و یک بازرس علیالبدل و از (۵۰۰۱) عضو و بیشتر سه بازرس اصلی و یک بازرس علیالبدل خواهد داشت بازرسان نباید عضو هیات مدیره یا شورای انتظامی استان باشند و حداقل باید ده سال سابقه کار داشته متعهد و خوشنام باشند. به منظور انتخاب بازرسان ، هیات مدیره اسامی دو برابر تعداد بازرسان اصلی و علیالبدل واجد شرایط را از بین اعضای (نظام مهندسی استان) انتخاب و به اولین جلسه مجمع عمومی که بعد از انتخاب هیات مدیره تشکیل می شود پیشنهاد می نماید. حایزین اکثریت آرا به ترتیب نفرات اول به عنوان بازرس یا بازرسان اصلی و نفر بعدی به عنوان بازرس علیالبدل برای مدت دو سال انتخاب می شوند. ماده ۸۲ - وظایف و اختیارات بازرس (بازرسان به شرح زیر تعیین می شود: الف - اظهار نظر درباره صحت و درستی صورت داری‌ها و صورت حساب دوره عملکرد و ترازنامه‌ای که هیات مدیره برای ارایه به مجمع عمومی تهیه نموده است و تهیه گزارش و تسلیم آن به هیات مدیره حداقل (۱۵) روز قبل از تشکیل مجمع عمومی ب - اظهار نظر درباره صحت مطالب و گزارشها و اطلاعاتی که هیات مدیره برای ارایه به مجمع عمومی تنظیم نموده است پ - بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند اقدامات و عملکرد هیات مدیره در حدود (قانون) و آیین نامه های اجرایی آن بوده و حقوق اعضا در حدودی که (قانون) و آیین نامه های آن تعیین کرده به طور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که هیات مدیره تخلف یا تخطی از (قانون) و آیین نامه داشته و یا اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار مجمع عمومی قرار دهند بازرس یا بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را از آن آگاه نمایند. ت - بازرس یا بازرسان با اطلاع هیات مدیره حق دارند ، در هر موقع هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک اطلاعات مربوط به (نظام مهندسی استان) را از هیات مدیره مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند. این رسیدگی نباید به گونه‌ای باشد که موجب وقفه در عملیات جاری شود. ث - بازرس یا بازرسان می توانند به مسوولیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند ، مشروط بر اینکه آنها را از قبل به طور رسمی و کتبی به (نظام مهندسی استان) معرفی کرده باشند. این کارشناسان در موارد و حدودی که بازرس یا بازرسان تهیه می کنند مانند خود بازرس حق هر گونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت د - شورای انتظامی استان ماده ۸۳ - هر یک از (نظام مهندسی استان) ها دارای یک شورای انتظامی استان خواهد بود. تعداد اعضای شورای انتظامی استان در استان‌هایی که تعداد اعضای (نظام مهندسی استان) تا (۱۰۰۰) نفر باشد سه عضو و بیش از (۱۰۰۰) نفر از پنج عضو تشکیل می شود. یک عضو شورای انتظامی استان توسط رییس دادگستری استان و بقیه از بین اعضای خوشنام (نظام مهندسی استان) توسط هیات مدیره برای مدت سه سال انتخاب و به (شورای مرکزی) جهت صدور حکم عضویت در شورای انتظامی استان معرفی می شوند. ماده ۸۴ - شورای انتظامی استان در اولین جلسه از بین خود یک رییس و یک نایب رییس برای مدت یک سال انتخاب خواهد کرد و تجدید انتخاب آنها پس از انقضای هر دوره یک ساله بلامانع خواهد بود. جلسات شورای انتظامی استان با حضور دو سوم از اعضا رسمیت یافته و تصمیمات آن با اکثریت آرای حاضر در جلسه معتبر است ماده ۸۵ - شورای انتظامی استان مرجع رسیدگی به شکایات و دعاوی اشخاص حقیقی و حقوقی در خصوص تخلفات حرفه‌ای انضباطی و انتظامی مهندسان و کاردانه‌های فنی عضو (نظام مهندسی استان) و یا دارندگان (پروانه اشتغال) می باشد. کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از صاحب کار ، زیان دیده از تخلف ، دستگامها و سازمانهای دولتی و وابسته به دولت یا غیر دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی شهرداریها و موسسات عمومی و به طور کلی هر شخصی

که در مورد هر یک از اعضای (نظام مهندسی استان) یا دارنده (پروانه اشتغال) شکایتی در مورد تخلفات انضباطی ، انتظامی و یا حرفه‌ای وی داشته باشد می‌تواند شکایت خود را به طور کتبی و با درج مشخصات و شرح تخلف مورد ادعا به انضمام اسناد و مدارک مربوط به دبیرخانه (نظام مهندسی استان) ارسال یا تحویل نماید. تبصره ۱- رسیدگی به تخلفات اشخاصی که بر اساس قوانین قبلی دارای (پروانه اشتغال) هستند ولی هنوز عضویت (نظام مهندسی استان) را دارا نمی‌باشند ، در صلاحیت شورای انتظامی استان است تبصره ۲- در صورتی که مشتکی عنه عضو (نظام مهندسی استان) دیگری غیر از (نظام مهندسی استان) واصل کننده شکایت باشد ، (نظام مهندسی استان) محل وقوع تخلف صالح برای رسیدگی به شکایت است تبصره ۳- به شکایات واصل شده که بدون امضا و نام و نشانی کامل شاکی باشد ترتیب اثر داده نخواهد شد. تبصره ۴- هیات مدیره می‌تواند در صورت اطلاع از وقوع تخلف ، بدون دریافت شکایت ، رأساً نیز به شورای انتظامی استان اعلام شکایت کند. ماده ۸۶- دبیرخانه (نظام مهندسی استان) که دبیرخانه شورای انتظامی نیز محسوب می‌شود ، کلیه شکایات واصل شده را در دفتر مخصوصی ثبت و پس از تشکیل پرونده و ضمیمه نمودن سوابق عضویت مشتکی عنه با رعایت نوبت ، تعیین وقت نموده و به شورای انتظامی استان تسلیم می‌نماید. موارد خارج از نوبت به تشخیص رییس شورای انتظامی استان تعیین خواهد شد. تبصره - کلیه مکاتبات و تصمیمات و آرا شورای انتظامی استان با امضای رییس یا نایب رییس شورای انتظامی استان از طریق همین دبیرخانه انجام و ابلاغ خواهد شد. ماده ۸۷- شورای انتظامی استان ملزم است به شکایات واصل شده رسیدگی و در صورتیکه شکایت را وارد نداند و یا رسیدگی به موضوع را در صلاحیت خود تشخیص ندهد نظر به رد شکایت یا عدم صلاحیت داده و در غیر اینصورت حسب مورد از محل بازدید و یا از شاکی و مشتکی عنه و یا هر شخص دیگر که در ارتباط با موضوع شکایت است دعوت بعمل آورده و ضرورتاً پس از شنیدن اظهارات و دفاعیات آنها اتخاذ تصمیم کند. عدم حضور شاکی یا وکیل یا نماینده او در اولین جلسه رسیدگی در حکم انصراف از شکایت است لکن عدم حضور مشتکی عنه مانع رسیدگی و اخذ تصمیم نخواهد بود. تبصره ۱- مشتکی عنه می‌تواند در صورت عدم امکان حضور ، لایحه دفاعیه خود را قبل از جلسه رسیدگی به دبیرخانه شورای انتظامی استان تسلیم و یا یک نفر را به عنوان وکیل معرفی نماید. تبصره ۲- شورای انتظامی استان در هر مورد که به مصلحت تشخیص دهد می‌تواند از نظرات مشورتی کارشناسان خبره (نظام مهندسی استان) موضوع بند (۲۵) ماده (۷۳) این آیین نامه و یا متخصصان واجد شرایط یا نظرات کمیسیونهای تخصصی تشکیل شده در (نظام مهندسی استان) نیز استفاده کند و می‌تواند دریافت و ثبت شکایات و انجام امور مقدماتی از قبیل بازدید از محل ، کسب نظر کارشناسی ، تهیه گزارش و همچنین ارسال و ابلاغ اوراق و دعوتنامه‌ها و آرای صادر شده را به دفاتر نمایندگی در استان تفویض اختیار نماید. ماده ۸۸- طرح و رسیدگی به شکایت در مراجع قضایی مانع از رسیدگی در شورای انتظامی استان و اعمال مجازاتهای انضباطی و حرفه‌ای مندرج در این آیین نامه نخواهد بود. ماده ۸۹- شورای انتظامی استان مکلف است به شکایات و اعلانات وزارت مسکن و شهرسازی در مورد تخلفاتی که از اجرای مواد (۳۴) و (۳۵) و سایر مواد (قانون) و آیین نامه اجراییان روی داده ، خارج از نوبت و حد اکثر ظرف مدت یکماه رسیدگی و اعلام رای نماید. ماده ۹۰- مجازاتهای انتظامی به قرار زیر است درجه ۱- اخطار کتبی با درج در پرونده عضویت در (نظام مهندسی استان) . درجه ۲- توبیخ کتبی با درج در پرونده عضویت در (نظام مهندسی استان) . درجه ۳- محرومیت موقت از استفاده از (پروانه اشتغال) به مدت سه ماه تا یک سال و ضبط (پروانه اشتغال) به مدت محرومیت درجه ۴- محرومیت موقت از استفاده از (پروانه اشتغال) به مدت یک سال تا سه سال و ضبط (پروانه اشتغال) به مدت محرومیت درجه ۵- محرومیت موقت از استفاده از (پروانه اشتغال) به مدت سه سال تا پنج سال و ضبط (پروانه اشتغال) به مدت محرومیت درجه ۶- محرومیت دائم از عضویت (نظام مهندسی استان) ها و ابطال (پروانه اشتغال) . تبصره - در صورت تکرار تخلف ، اشخاصی که به سه مرتبه محرومیت موقت از استفاده از (پروانه اشتغال) محکوم شده باشند در صورتی که برای دفعات بعدی مرتکب تخلفی شوند که بازهم مستلزم اعمال مجازات محرومیت موقت از

درجه (۴) یا (۵) باشد به مجازات مربوط به اضافه‌یک برابر مجموعه مدت محرومیت‌های قبلی از استفاده از (پروانه اشتغال) و ضبط آن و یا مجازات از نوع درجه (۶) محکوم خواهند شد. ماده ۹۱ - تخلفات انضباطی و حرفه‌ای عبارت از تخلف در اموری است که انجام آن ناشی از (پروانه اشتغال) موضوع (قانون) یا عضویت در (نظام مهندسی استان) باشد. تخلف انضباطی و حرفه‌ای و انطباق آنها با مجازات‌های انتظامی به شرح زیر است الف - عدم رعایت ضوابط شهرسازی و مقررات ملی ساختمان و همچنین ضوابط و معیارهای فنی مربوط به آن یا هر اقدام یا عملی که مخالف یا متناقض با مقررات مذکور یا سایر مقررات مربوط جاری کشور باشد ، مجازات انتظامی از درجه یک تا درجه پنج ب - مسامحه و یا عدم توجه در انجام امور حرفه‌ای بنحوی که موجب اضرار یا تضییع حقوق صاحب کار شود ، از درجه یک تا درجه چهار. پ - مسامحه و یا عدم توجه در انجام امور حرفه‌ای به نحوی که موجب اضرار غیر و یا تضییع حقوق یا اموال عمومی شود ، از درجه یک تا درجه پنج ت - خودداری از انجام اقدامات بازدارنده یا اصلاحی در مورد تخلفات هر یک از عوامل اجرایی کار از نظر مشخصات لوازم و مصالح و کیفیت انجام کار با توجه به مفاد قراردادهای مربوط و ضوابط و مقررات ساختمانی ، از درجه یک تا درجه سه ث - صدور گواهی‌های خلاف واقع ، از درجه یک تا درجه پنج ج - تایید غیر واقعی میزان عملیات انجام شده جهت تنظیم صورت وضعیت یا مدرک مشابه دیگر ، از درجه سه تا درجه پنج چ - امتناع از اظهار نظر کارشناسی پس از قبول انجام آن در مواردی که از طریق مراجع ذیصلاح قانونی نظر خواهی شده است ، از درجه یک تا درجه سه ح - تعلل در تنظیم و تسلیم گزارش‌هایی که به موجب ضوابط و مقررات یا دستورات مراجع ذیصلاح قانونی موظف به تهیه و تسلیم آنها به مراجع ذیربط بوده است ، از درجه یک تا درجه سه خ - عدم توجه به مفاد اطلاعیه‌ها و اخطاریه‌های ابلاغ شده از سوی مراجع ذیصلاح و ذیربط ، از درجه یک تا درجه پنج د - جعل در اوراق و اسناد و مدارک حرفه‌ای به شرط اثبات وقوع جعل در مراجع قضایی ، از درجه سه تا درجه پنج ذ - اشتغال در حرف مهندسی موضوع (قانون) خارج از صلاحیت یا ظرفیت تعیین شده در (پروانه اشتغال) ، از درجه یک تا درجه پنج ر - دریافت هر گونه وجهی خارج از ضوابط ، از درجه دو تا درجه پنج ز - سو استفاده از عضویت و یا موقعیت‌های شغلی و اداری (نظام مهندسی استان) به نفع خود یا غیره ، از درجه دو تا درجه پنج ژ - عدم رعایت مقررات و ضوابط مصوب (نظام مهندسی استان) ، از درجه یک تا درجه سه س - عدم رسیدگی به تخلفات در شورای انتظامی استان یا عدم اجرای رای به وسیله (نظام مهندسی استان) بدون عذر و علت موجه بیش از سه ماه ، به تشخیص (شورای مرکزی) در مورد اعضای شورای انتظامی استان یا اعضای (هیات مدیره نظام مهندسی استان) از درجه دو تا درجه پنج ش - ارایه خدمات مهندسی طراحی ، محاسبه ، اجرا و نظارت توسط اشخاص حقیقی و حقوقی که مسوولیت بررسی و تایید نقشه و یا امور مربوط به کنترل آن پروژه را در شهرداری‌ها و سازمانهای دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی بر عهده دارند از درجه یک تا درجه پنج ص - تاسیس هر گونه موسسه ، دفتر یا محل کسب و پیشه برای انجام خدمات فنی بدون داشتن مدرک صلاحیت مربوط از درجه دو تا درجه پنج ض - استفاده از (پروانه اشتغال) در دوره محرومیت موقت از درجه دو تا درجه پنج ع - انجام هر عملی که به موجب آیین نامه های داخلی (نظام مهندسی استان) مربوط مخالف شیون حرفه‌ای بوده و موجب خدشه دار شدن حیثیت (نظام مهندسی استان) شود ، از درجه یک تا درجه چهار. ماده ۹۲ - تشخیص اهمیت تخلف و انطباق آن با هر یک از مجازات‌های مقرر در بندهای ماده (۹۰) این آیین نامه به عهده شورای انتظامی استان است و تکرار تخلف از هر نوع که باشد مستوجب مجازات شدیدتر خواهد بود. تبصره ۱ - در صورتی که متخلف در یک پرونده مرتکب دو یا چند تخلف شده باشد برای هر تخلف مجازات جداگانه تعیین می‌شود ، لیکن فقط مجازاتی که شدیدتر است اعمال خواهد شد و چنانچه مجازات‌های مذکور همگی از یک درجه باشد در این صورت مجازات مناسب با توجه به تعدد تخلفات تعیین می‌شود. تبصره ۲ - در صورت تکرار تخلف ، مجازات مناسب با رعایت تبصره ماده (۹۰) این آیین نامه تعیین می‌شود. ماده ۹۳ - آرای شورای انتظامی استان باید مستند و مستدل و صریح بوده و در ذیل برگ رای ، نحوه اعتراض و مهلت آن به طور دقیق قید شود. آرای شورای انتظامی استان اعم از اینکه مبنی بر عدم وقوع تخلف و یا

تعیین مجازات باشد ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر است ماده ۹۴ - مرجع تجدید نظر از تصمیمات و آرای شورای انتظامی استان‌ها ، (شورای انتظامی نظام مهندسی) است تبصره - آرای بدوی که توسط شورای انتظامی استان در اجرای قانون آزمایشی (نظام مهندسی ساختمان) مصوب ۱۳۷۱ صادر شده به قوت خود باقی و ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ و در صورتی که قبلاً ابلاغ شده ولی قبل از پایان مهلت تجدید نظر خواهی و یا رسیدگی مجدد و صدور رای قطعی ، اجرای قانون آزمایشی متوقف شده است ، ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ این آیین نامه ، قابل تجدید نظر خواهی در (شورای انتظامی نظام مهندسی) است

فصل ششم شورای انتظامی نظام مهندسی (ماده ۹۵ تا ۱۰۱)

ماده ۹۵ - (شورای انتظامی نظام مهندسی) مرجع تجدید نظر آرا صادر شده از شورای انتظامی استانهاست و دارای پنج عضو می‌باشد و اعضای آن برای مدت سه سال به شرح زیر منصوب می‌شوند و انتخاب مجدد آنها بلامانع است الف - یک عضو حقوق دان به معرفی ریاست قوه قضاییه ب - دو عضو به معرفی وزیر مسکن و شهرسازی ج - دو عضو به معرفی (شورای مرکزی) جلسات (شورای انتظامی نظام مهندسی) با حضور حد اقل دو سوم اعضا رسمیت یافته و آرای صادر شده با (۳) رای موافق معتبر خواهد بود. ماده ۹۶ - (شورای انتظامی نظام مهندسی) در اولین جلسه از بین خود یک رییس ، یک نایب رییس و یک دبیر برای مدت یک سال انتخاب می‌نماید و انتخاب مجدد آنها بلامانع است ماده ۹۷ - تقاضای تجدید نظر در دبیرخانه (نظام مهندسی استان) ثبت و دبیرخانه مذکور تقاضا را به انضمام پرونده مربوط ، حاوی تمامی اوراق و مدارک و مستندات ، رای صادر شده و پروانه عضویت مشتکی عنه ، مهر و موم کرده و از طریق پست سفارشی به دبیرخانه (شورای انتظامی نظام مهندسی) ارسال می‌دارد. در صورتی که تجدید نظر خواه در خواست خود را مستقیماً به دبیرخانه (شورای انتظامی نظام مهندسی) تسلیم یا ارسال دارد ، دبیرخانه مذکور کلیه سوابق و مدارک لازم را از دبیرخانه شورای انتظامی استان دریافت می‌دارد. ماده ۹۸ - در صورتی که درخواست تجدید نظر در مهلت مقرر تسلیم و به ثبت رسیده باشد (شورای انتظامی نظام مهندسی) با رعایت نوبت به موضوع رسیدگی کرده و کلیه اختیارات لازم از قبیل دعوت طرفین و یا هر شخص دیگری که در ارتباط با موضوع است و کسب نظر کارشناسان و متخصصین و کمیسیونهای تخصصی و غیره را دارد. مرجع تجدید نظر پس از ختم رسیدگی نسبت به صدور رای مبنی بر تایید یا تعدیل یا تغییر رای تجدید نظر خواسته شده اقدام می‌نماید. آرا صادر شده از مرجع تجدید نظر باید مستند ، مستدل و صریح بوده و در آن قید شود که رای قطعی است و در مواردی که رای مبنی بر محرومیت است باید تاریخ شروع محرومیت با رعایت فرجه لازم جهت ابلاغ رای در متن رای درج شود. تبصره - در صورتی که پرونده در شورای انتظامی استان در اجرای مواد (۸۶) و (۸۹) این آیین نامه خارج از نوبت رسیدگی شده باشد یا رییس (شورای انتظامی نظام مهندسی) رسیدگی خارج از نوبت را ضروری تشخیص دهد در (شورای انتظامی نظام مهندسی) نیز خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد. ماده ۹۹ - دبیرخانه (شورای انتظامی نظام مهندسی) پس از ثبت آرا قطعی شده در دفتر مخصوص و حفظ سوابق ، آرا مذکور را ظرف یک هفته حضوری یا بوسیله پست سفارشی به طرفین شکایت ابلاغ و نسخه‌ای از آنها را جهت اجرا به (نظام مهندسی استان) ارسال می‌دارد. (نظام مهندسی استان) ضمن اینکه یک نسخه از رای مذکور را در پرونده عضویت ضبط و یک نسخه دیگر را جهت ثبت در سوابق امر به سازمان مسکن و شهرسازی استان ارسال می‌کند ، مفاد رای را به مورد اجرا می‌گذارد. ماده ۱۰۰ - در کلیه مواردی که آرای قطعی شده دایر بر محرومیت موقت استفاده از (پروانه اشتغال) باشد (نظام مهندسی استان) مربوط موظف است (پروانه اشتغال) عضو محکوم را اخذ و به سازمان مسکن و شهرسازی استان ارسال نماید و تصویر (پروانه اشتغال) ضبط شده را به دبیرخانه (شورای انتظامی نظام مهندسی) ارسال

دارد. (پروانه اشتغال) تا پایان مدت محرومیت در سازمان مسکن و شهرسازی استان نگاهداری می‌شود. تبصره - در صورتی که عضو مختلف ، ظرف سه ماه از تاریخ مندرج در رای قطعی مبنی بر محرومیت موقت استفاده از (پروانه اشتغال) از تحویل (پروانه اشتغال) خود به (نظام مهندسیاستان) یا مرجع صدور (پروانه اشتغال) امتناع ورزد ، مرجع صادر کننده (پروانه اشتغال) ، محکومیت وی را در پرونده او درج و (پروانه اشتغال) بعدی وی را با تاخیری معادل دو برابر مدت محرومیت مذکور تمدید و تجدید خواهد کرد و مراتب را به کلیه شهرداریها و مراجع ذیربط نیز ابلاغ خواهد نمود. مفاد این تبصره باید به صورت فرم در کلیه آرای صادر شده درج شود. ماده ۱۰۱ - مراجع رسیدگی به شکایات از اعضای هیات مدیره و شورای انتظامی استان و تخلفات آنان به اعتبار وظایف آنها در هیات مدیره با شورای انتظامی استان (شورای انتظامی نظام مهندسی) خواهد بود.

فصل هفتم هیات عمومی (ماده ۱۰۲ تا ۱۰۷)

ماده ۱۰۲ - در اجرای ماده (۱۹) (قانون) به منظور ایجاد هماهنگی در امور (نظام مهندسیاستان) ها ، (هیات عمومی) متشکل از اعضای هیات مدیره‌ها در سطح کشور ، تشکیل می‌شود. جلسات عادی (هیات عمومی) با دعوت (رییس سازمان) از اعضای هیات مدیره‌ها سالی یکبار با حضور نماینده وزیر مسکن و شهرسازی تشکیل می‌شود. در دعوت نامه تاریخ ، محل و دستور جلسه باید قید شود. تبصره - اولین جلسه عادی (هیات عمومی) پس از انتخاب و آغاز به کار هیات مدیره‌ها در دوسوم استان‌های کشور مشروط بر اینکه در برگیرنده تمام (نظام مهندسی استان) هایی که دارای ۷۰۰ نفر عضو یا بیشتر هستند باشد ، به دعوت وزارت مسکن و شهرسازی تشکیل خواهد شد. ماده ۱۰۳ - جلسات فوق العاده (هیات عمومی) بنا به تصمیم آخرین جلسه عادی (هیات عمومی) و یا به تقاضای دو سوم اعضای (شورای مرکزی) و یا دعوت وزیر مسکن و شهرسازی تشکیل می‌شود. ماده ۱۰۴ - جلسات (هیات عمومی) با حضور دو سوم از تعداد کل اعضای هیات مدیره (نظام مهندسی استان) ها که تا آن تاریخ تشکیل شده است رسمیت خواهد یافت افتتاح و اداره جلسات (هیات عمومی) تا تعیین هیات ریسه بر عهده دستگاه دعوت کننده خواهد بود. هیات ریسه هراجلاس شامل ، یک رییس ، یک نایب رییس ، یک دبیر و دو نفر ناظر می‌باشد که از بین عده حاضر در جلسه با رای اکثریت انتخاب خواهند شد. دبیرخانه (هیات عمومی) همان دبیرخانه (شورای مرکزی) می‌باشد. ماده ۱۰۵ - اداره جلسات (هیات عمومی) به عهده رییس جلسه و در غیاب او به عهده نایب رییس است طرح دستور جلسه و تنظیم صورت مذاکرات و تصمیمات به عهده دبیر و نظارت در حصول اکثریت در رای گیری مصوبات به عهده نظار خواهد بود. تصمیمات جلسه با آرای اکثریت نصف به علاوه یک عده حاضر در جلسه معتبر می‌باشد. ماده ۱۰۶ - جلسات عادی (هیات عمومی) سالی یکبار در تیر ماه به مدت دو تا چهار روز در یکی از استانها تشکیل می‌شود و در پایان هر جلسه ، تاریخ و مکان و دستور جلسه بعد و در صورت لزوم تاریخ و مکان جلسات فوق العاده ای که در حد فاصل جلسه عادی بعد باید در همان استان تشکیل شود ، با رای اکثریت اعضا تعیین می‌شود. هیات عمومی می‌تواند جلسات غیر رسمی نیز داشته باشد. ماده ۱۰۷ - وظایف و اختیارات (هیات عمومی) ، به شرح زیر تعیین می‌شود: الف - انتخاب افراد واجد شرایط عضویت در (شورای مرکزی) به میزان حداقل دو برابر تعداد مورد نیاز در هر رشته (با قید اصلی و علیالبدل) و معرفی به وزیر مسکن و شهرسازی به منظور انتخاب نمودن اعضای اصلی و علیالبدل (شورای مرکزی) از بین آنها. ب - شنیدن گزارش سالانه (شورای مرکزی) . پ - بررسی و تصویب ترازنامه (شورای مرکزی) . ت - بررسی و تصویب خط مشی عمومی و پیشنهادی (شورای مرکزی) . ث - شنیدن گزارش عملکرد (نظام مهندسی استان) های مختلف که به وسیله دبیرخانه (هیات عمومی) ارایه می‌شود و حصول اطلاع از فعالیتهای ، وضعیت و مشکلات (نظام مهندسی استان) ها از طریق به آنها. ج - شنیدن سایر گزارش‌ها و پیشنهادات مختلف که به وسیله دبیرخانه (هیات عمومی) یا هر یک از (نظام مهندسی استان)

ها ارایه می‌شود و اتخاذ تصمیم یا ارایه طریق مناسب چ - اتخاذ تصمیم در مورد تنظیم روابط بین (نظام مهندسی استان) ها با یکدیگر از لحاظ تبادل تجارب و اطلاعات و نیز همکاری با شهرداریها و مراجع دولتی و عمومی بنا به پیشنهاد دبیرخانه (هیات عمومی) . ح - بررسی و تصویب ضوابط و مقررات نظام نامه‌های پیشنهادی اداری ، استخدامی و غیره مربوط به شورای مرکزی خ - بررسی و تصویب نظام نامه‌های داخلی نحوه اداره (هیات عمومی) . د - تصویب میزان ورودیه و حق عضویت سالانه اعضای (نظام مهندسی استان) ها با توجه به موقعیت و امکانات هر استان ذ - بررسی و تصویب نظام نامه پیشنهادی (شورای مرکزی) در خصوص نحوه تشکیل و اداره امور صندوق مشترک (نظام مهندسی استان) ها . ر - بررسی و تصویب سایر ضوابط و مقررات و نظام نامه‌ها و پیشنهادات ارایه شده از سوی (شورای مرکزی) یا دبیرخانه (هیات عمومی) .

فصل هشتم شورای مرکزی (ماده ۱۰۸ تا ۱۱۴)

ماده ۱۰۸ - (شورای مرکزی) متشکل از (۲۵) عضو اصلی و (۷) عضو علی البدل با ترکیب (رشته‌های اصلی) طبق جدول زیر می‌باشد ، که از بین دو برابر افراد معرفی شده به وسیله (هیات عمومی) در هر رشته با قید اصلی و علی البدل توسط وزیر مسکن و شهرسازی انتخاب می‌شوند. اعضای (شورای مرکزی) باید علاوه بر داشتن عضویت در هیات مدیره خوشنام و دارای سابقه انجام کارهای طراحی ، اجرایی ، علمی ، تحقیقی یا آموزشی برجسته و ارزنده و فاقد محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا در پنج سال گذشته باشند. تبصره - اعضای هیات مدیره که به عضویت (شورای مرکزی) انتخاب می‌شوند ، می‌توانند همچنان در عضویت (نظام مهندسی استان) خود نیز باقی بمانند. جدول تعداد اعضای اصلی و علی البدل (شورای مرکزی) گروه رشته تعداد حداقل عضو در هر رشته تعداد اعضای اصلی هر گروه تعداد اعضای علی البدل عمران ۱۱ عمران نقشه برداری ۱۲۱ ترافیک ۱۱ تاسیسات تاسیسات برق ۱۱ تاسیسات مکانیک ۱۶ معماری و شهرسازی معماری ۱۱ شهرسازی ۱۷۱ تعداد اعضای اصلی و علی البدل شورای مرکزی ۲۵ ماده ۱۰۹ - مدت عضویت اعضای (شورای مرکزی) سه سال است تجدید انتخاب اعضای (شورای مرکزی) در صورت بقای شرایط لازم در دوره‌های بعد بلامانع است ماده ۱۱۰ - (شورای مرکزی) دارای هیات ریسه‌ای متشکل از یک رئیس و دو دبیر اجرایی و دو منشی می‌باشد که دبیران و منشی‌ها با اکثریت آرا از بین اعضای (شورای مرکزی) انتخاب می‌شوند و دوره مسوولیت آنها یک ساله و انتخاب مجدد ایشان بلامانع است رئیس (شورای مرکزی) نیز به شرح مندرج در ماده (۱۱۵) این آیین نامه منصوب می‌شود. ماده ۱۱۱ - جلسات (شورای مرکزی) در مواقع لزوم به دعوت رئیس (شورای مرکزی) و درغیاب وی به دعوت یکی از دبیران اجرایی در محل (شورای مرکزی) تشکیل و با حضور دو سوم اعضا رسمیت خواهد یافت و تصمیمات و مصوبات آن با حداقل (۱۳) رای موافق معتبر است اعضای علی البدل بدون داشتن حق رای می‌توانند در جلسات (شورای مرکزی) شرکت کنند. تصمیمات (شورای مرکزی) ، پس از ثبت در دفتر مخصوص از طریق دبیرخانه (شورای مرکزی) به اشخاص و مراجع ذیصلاح ابلاغ می‌شود و پیگیری لازم به عمل خواهد آمد ماده ۱۱۲ - انجام هزینه‌های اداری و استخدامی و جاری (شورای مرکزی) و دبیرخانه آن و همچنین پرداخت هزینه سفر اعضای (شورای مرکزی) که از استانها در جلسات (شورای مرکزی) شرکت می‌کنند به موجب نظام نامه مالی و اداری (سازمان) است که به پیشنهاد (شورای مرکزی) به تصویب (هیات عمومی) می‌رسد. ماده ۱۱۳ - هزینه‌های سازمان و ارکان آن از محل حق عضویت اعضا ، صندوق مشترک (نظام مهندسی استان) ها ، کمکهای اعطایی دولت ، نهادها ، اشخاص حقیقی و حقوقی ، دریافت بهای ارایه خدمات پژوهشی ، فنی و آموزشی ، فروش نشریات و سایر مواد کمک آموزشی و مهندسی تامین خواهد شد. نحوه و چگونگی و میزان دریافت از هر یک از منابع مذکور و همچنین تشکیل صندوق مشترک (نظام مهندسی استان) ها و تامین بودجه آن و نحوه هزینه و اداره امور آن به موجب نظام نامه‌ای که

به پیشنهاد (شورای مرکزی) به تصویب هیات عمومی می‌رسد خواهد بود. صندوق مشترک مذکور زیر نظر رییس (شورای مرکزی) اداره می‌شود. ماده ۱۱۴ - وظایف و اختیارات (شورای مرکزی) به شرح زیر تعیین می‌شود: الف - برنامه ریزی و فراهم آوردن زمینه اجرای اهداف و خط مشی‌های (قانون) با جلب مشارکت (نظام مهندسی استان) ها و هماهنگی وزارت مسکن و شهرسازی

ب - بررسی مسایل مشترک (نظام مهندسی استان) ها و (سازمان) و تعیین خط مشی‌های کوتاه مدت ، میان مدت و دراز مدت در چهار چوب (قانون) و مقررات و مصوبات هیات عمومی و ابلاغ آنها. پ - ایجاد زمینه‌های مناسب برای انجام وظایف ارکان (سازمان) از طریق مذاکره و مشاوره با مراجع ملی و محلی ، در امور برنامه ریزی ، مدیریت ، اجرا و کنترل طرحهای ساختمانی و شهرسازی و با مراجع قضایی در مورد اجرای مواد (قانون) که به امور قضایی و انتظامی مربوط می‌باشد. ت - حل و فصل اختلافات بین ارکان داخلی (نظام مهندسی استان) ها یا بین (نظام مهندسی استان) ها با یکدیگر یا بین اعضای (نظام مهندسی استان) ها با (نظام مهندسی استان) خود از طریق داوری ث - همکاری با وزارت مسکن و شهرسازی در امر نظارت بر عملکرد (نظام مهندسی استان) ها و اصلاح خط مشی (نظام مهندسی استان) ها از طریق مذاکره و ابلاغ دستورالعملها. ج - همکاری با مراکز تحقیقاتی و علمی و آموزشی و ارایه مشورتهای لازم در زمینه تهیه مواد درسی و محتوای آموزش علوم و فنون مهندسی در سطوح مختلف به وزارت خانه‌های آموزش و پرورش و فرهنگ و آموزش عالی چ - همکاری با وزارت مسکن و شهرسازی و سایر دستگاههای اجرایی در زمینه تدوین مقررات ملی ساختمان و ترویج و کنترل اجرای آن و تهیه (شناسنامه فنی و ملکی ساختمانها) و برگزاری مسابقات حرفه‌ای و تخصصی ح - همکاری با وزارت کار و امور اجتماعی در زمینه ارتقای سطح مهارت کارگران ماهر شاغل در (مهندسی ساختمان) و تعیین استاندارد مهارت و کنترل آن خ - تلاش در جهت جلب مشارکت و تشویق به سرمایه گذاری اشخاص و موسسات در طرحهای مسکن و تاسیسات و مستحذات عمرانی عام المنفعه و همکاری با دستگاههای اجرایی در ارتقای کیفیت اینگونه طرحها. د - جمع آوری کمکهای داخلی و بین المللی جهت کمک به دستگاههای مسوول در امر امداد و نجات در زمان وقوع حوادث غیر مترقبه ذ - همکاری در برگزاری آزمونهای تخصصی مهندسان ، کاردانان فنی و کارگران ماهر و آموزشهای تکمیلی برای بهنگام نگاه داشتن دانش فنی و همچنین شناسایی و تدارک فرصتهای کار آموزی و معرفی به دانشگاهها. ر - حمایت اجتماعی از اعضا (نظام مهندسی استان) ها و دفاع از حیثیت و حقوق حقه آنها و همچنین دفاع از حقوق متقابل جامعه به عنوان مصرف کنندگان محصولات ، تولیدات و خدمات مهندسی در مشاغل مهندسی و حرف بخشهای ساختمان ، عمران و شهرسازی ز - مشارکت در برگزاری کنفرانسها و گردهماییهای تخصصی و تبادل اطلاعات در داخل کشور و در سطح بین المللی ژ - ارایه گزارش عملکرد به (هیات عمومی) و وزیر مسکن و شهرسازی س - تهیه مبانی قیمت گذاری خدمات مهندسی با توجه به پیشنهادات (نظام مهندسی استان) ها و پیشنهاد آن به وزارت مسکن و شهرسازی جهت تصویب و همچنین بررسی مستمر پیشنهادات (نظام مهندسی استان) ها در این زمینه و انعکاس نظرات مناسب به وزارت مذکور. ش - تشکیل کمیته نظام پیشنهادات و هیات مشورتی (سازمان) . ص - تهیه و تصویب نظام به داخلی نحوه اداره (هیات عمومی) و پیشنهاد آن به (هیات عمومی) جهت تصویب ض - تهیه و پیشنهاد نظام نامه نحوه تشکیل صندوق مشترک (نظام مهندسی استان) ها و چگونگی اداره آن ، به هیات عمومی جهت تصویب ط - تصویب برنامه و بودجه سالانه (سازمان) به پیشنهاد رییس سازمان ظ - تعیین امضاهای مجاز برای امضای اوراق و اسناد مالی و تعهد آور و قرار دادها. ع - انتشار نشریه (سازمان) و سایر نشریات تخصصی غ - ارایه نظرات مشورتی به دولت و دستگاههای اجرایی در زمینه برنامه‌های توسعه و طرحهای بزرگ ساختمانی ، عمرانی و شهرسازی حسب درخواست دستگاههای مربوط ف - رسیدگی و اتخاذ تصمیم در خصوص ترازنامه و عملکرد مالی هیات مدیره که به تصویب مجمع عمومی سازمان استان نرسیده باشد. ق - انجام هر نوع وظیفه دیگری که به موجب (قانون) و آیین نامه اجرایی و سایر مقررات و یاعرفا ضروری باشد.

فصل نهم رییس سازمان (ماده ۱۱۵ تا ۱۱۶)

ماده ۱۱۵ - (شورای مرکزی) در اولین جلسه خود که به دعوت وزیر مسکن و شهرسازی و به ریاست وی در وزارت مسکن و شهرسازی تشکیل می‌شود ، از میان خود سه نفر را به منظور تعیین رییس (شورای مرکزی) به وزیر مسکن و شهرسازی پیشنهاد می‌نماید و وزیر مسکن و شهرسازی از بین آنها یک نفر را به عنوان رییس (شورای مرکزی) که (رییس سازمان) نیز محسوب می‌شود جهت صدور حکم به رییس جمهور معرفی خواهد نمود. دوره تصدی رییس (شورای مرکزی) مدت (۳) سال است و انتخاب مجدد او مشروط به تحقق شرایط فوق بلامانع می‌باشد. ماده ۱۱۶ - وظایف و اختیارات (رییس سازمان) به شرح زیر تعیین می‌شود: الف - (رییس سازمان) بالاترین مقام اجرایی و اداری (سازمان) بوده و نمایندگی سازمان را در مراجع ملی و بین‌المللی بر عهده دارد. ب - مسوولیت اجرای مصوبات (شورای مرکزی) . پ - نظارت بر عملکرد (سازمان) و تهیه پیشنهادات و توصیه‌های لازم به منظور تحقق اهداف مندرج در (قانون) و اصلاح خط مشی (سازمان) و ارایه آن به (شورای مرکزی) . ت - نظارت بر عملکرد (نظام مهندسی استان) ها با هماهنگی (شورای مرکزی) به منظور حسن جریان امور و حفظ حقوق ، منابع ، حیثیت ، شیونات حرفه‌ای و اموال (سازمان) و ارایه نظرات ، پیشنهادات و توصیه‌های لازم به (نظام مهندسی استان) ها و ارایه گزارش آن به (شورای مرکزی) . ث - انتخاب و پیشنهاد مدیر برای اداره صندوق مشترک (نظام مهندسی استان) ها به (شورای مرکزی) جهت تصویب ج - کنترل و نظارت بر عملکرد مدیر صندوق مشترک چ - پیشنهاد برنامه و بودجه سالانه به (شورای مرکزی) . ح - امضای کلیه مکاتبات عادی و جاری (سازمان) و احکام مدیر صندوق مشترک و کارکنان (سازمان) و سایر مواردی که به تفویض اختیار می‌شود. خ - افتتاح جلسات (هیات عمومی) در مواقعی که دعوت کننده (شورای مرکزی) است د - ارایه گزارشهای لازم به وزیر مسکن و شهرسازی درباره مسایلی که مورد استعلام قرار می‌گیرد. ذ - ابلاغ دستورالعمل‌ها و مصوبات و بخشنامه‌های وزارت مسکن و شهرسازی به (نظام مهندسی استان) ها. ر - انتقال نظرات ، پیشنهادات و توصیه‌های وزارت مسکن و شهرسازی به اعضای (شورای مرکزی) و سایر اعضای (نظام مهندسی استان) ها و نظارت بر رعایت آنها. ز - انجام سایر وظایفی که از طرف (هیات عمومی) یا (شورای مرکزی) به (رییس سازمان) محول می‌شود و همچنین وظایفی که به منظور اداره (سازمان) ضروری است .

فصل دهم مقررات متفرقه (ماده ۱۱۷ تا ۱۲۴)

ماده ۱۱۷ - وزارت مسکن و شهرسازی موظف است به منظور یکسان نمودن روشها و ایجاد وحدت رویه و جلوگیری از تعارضات در تهیه و تنظیم مبانی قیمت گذاری خدمات مهندسی ، ظرف شش ماه مبانی مذکور را با توجه به پیشنهادات واصل شده از (نظام مهندسی استان) ها و شورای فنیاستان‌ها و یا با جلب مشورت آنها تهیه نماید. تبصره ۱ - به منظور بررسی و تایید مبانی قیمت گذاری و قیمت خدمات مهندسی ، در وزارت مسکن و شهرسازی شورایی تحت عنوان (شورای بررسی و تایید مبانی قیمت گذاری خدمات مهندسی) مرکب از (۵) نفر کارشناس خبره به انتخاب وزیر مسکن و شهرسازی و (۲) نفر کارشناس به معرفی رییس سازمان برنامه و بودجه تشکیل می‌شود که (۴) عضو آن از جمله دو عضو سازمان برنامه و بودجه ثابت و (۳) عضو آن بر حسب موضوعات مطروحه متغیر خواهد بود. شورای یادشده می‌تواند کمیته‌های تخصصی نیز داشته باشد. تبصره ۲ - فهرستهای قیمت خدمات مهندسی پس از تصویب وزیر مسکن و شهرسازی جهت اطلاع عموم آگهی خواهد شد. ماده ۱۱۸ - عوارض مربوط به صدور و

تمدید (پروانه اشتغال) یا المثنی بر اساس ماده (۳۸) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ وصول می‌شود و به حسابی که به همین منظور توسط خزانه افتتاح می‌شود واریز می‌گردد. معادل صد درصد (۱۰۰٪) وجوه واریزی فوق از محل اعتباری که به همین منظور در قانون بودجه هر ساله منظور می‌شود، در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار خواهد گرفت تا جهت تدوین مقررات ملی ساختمان، نظام کنترل ساختمان، توسعه نظام مهندسی، کمک به (نظام مهندسی استان) ها و برقراری دوره‌های آموزشی در سطوح مختلف مذکور به مصرف برسد. ماده ۱۱۹ - ذیحسابان و مسوولان امور مالی موظفند نسخه‌ای از اسناد مالی مربوط به وجوهی را که در اجرای ماده (۳۹) (قانون) کسر یا وصول نموده و به حساب در آمد عمومی کشور واریز نموده‌اند در تهران برای وزارت مسکن و شهرسازی و در استانها به سازمان مسکن و شهرسازی استان ارسال دارند تا وزارت مسکن و شهرسازی با توجه به وجوه دریافتی هر ساله برنامه‌های لازم را جهت انجام وظایف و تحقق اهداف مندرج در (قانون) تهیه و به مورد اجرا گذارد شهرداریها موظفند در هنگام صدور پروانه ساختمانی فیش واریز مبلغ تعیین شده موضوع ماده (۳۹) (قانون) به حساب خزانه که توسط وزارت مسکن و شهرسازی اعلام می‌شود را، به عنوان یکی از مدارک صدور پروانه از متقاضی دریافت نماید. ماده ۱۲۰ - وزارت مسکن و شهرسازی و سازمانهای مسکن و شهرسازی استان، تسهیلات لازم برای تاسیس و شروع به کار (سازمان) و (نظام مهندسی استان) ها را فراهم آورده و در تنظیم روابط آنان با دستگاههای اجرایی و مراجع قضایی در سطوح ملی و محلی با توجه به اهداف (قانون) اقدام می‌نماید. ماده ۱۲۱ - در اجرای ماده (۳۸) (قانون) به منظور تامین محل و مکان استقرار نهادهای (سازمان) نظیر (شورای مرکزی)، (نظام مهندسی استان) ها و تشکلهای تخصصی و مهندسی در شهرهای کشور وزارت مسکن و شهرسازی در مراکز استانها جهت تامین زمین یا ساختمان، متناسب با نیازهای (نظام مهندسی استان) مساعدت لازم را معمول می‌دارد تا بر اساس طرح مصوب، نیازهای اداری و تاسیساتی تشکلهای مربوط در آن تامین شود. ماده ۱۲۲ - وزارت مسکن و شهرسازی ضمن بررسی عملکرد (نظام مهندسی استان) ها و گزارشهای (هیات عمومی) توصیه‌های لازم را ارایه خواهد داد. در صورتی که به توصیه‌های مذکور توجه نشود و انحراف از اهداف (سازمان) حاصل شود، وزارت مذکور پیشنهاد انحلال سازمان منتخب را به هیات مندرج در ماده (۲۶) (قانون) ارایه و بر اساس تصمیمات هیات مذکور عمل خواهد شد. تبصره - انجام وظایف قانونی (سازمان) و (نظام مهندسی استان) تا زمانی که تشکیل نشده و همچنین در زمان تعطیل یا انحلال با وزارت مسکن و شهرسازی است و در هر حال وزارت مذکور موظف است ظرف مدت شش ماه نسبت به برگزاری انتخابات برای تشکیل سازمانهای مذکور اقدام نماید. ماده ۱۲۳ - دستورالعمل‌های موضوع مواد این آیین نامه ظرف شش ماه به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و ابلاغ می‌شود و در موارد سکوت یا ابهام در نحوه اجرا یا اعمال مواد این آیین نامه یا دستورالعمل‌های مربوط طبق نظر وزیر مسکن و شهرسازی عمل خواهد شد. ماده ۱۲۴ - در اجرای مفاد ماده (۴۱) قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان - مصوب ۱۳۷۴ در مورد اجرا و نظارت بر طرحهای عمرانی (منظور در بودجه عمومی کشور) قانون برنامه و بودجه و ضوابط منبث از آن جایگزین ضوابط مندرج در این آیین نامه خواهد بود.

مصوبه شورای عالی در خصوص هماهنگ نمودن صدور پروانه، گواهی عدم خلاف و گواهی پایان ساختمان در سطح ش

شورای عالی اداری درسی و چهارمین جلسه مورخ ۱۳/۸/۱۳۷۱، بنا به پیشنهاد سازمان اموراداری و استخدامی کشور جهت بهبود سیستمها و روشها و گردش کار در ادارات با جهت گیری بالابردن کارایی دستگاههای اجرایی در خصوص هماهنگ نمودن صدور پروانه، گواهی عدم خلاف و گواهی پایان ساختمان در سطح شهرداریهای کشور موارد ذیل را تصویب نمود: ۱ - صدور پروانه، گواهی عدم خلاف و گواهی پایان ساختمان توسط شهرداریهای کشور طبق شناسنامه ساختمان که پیوست می‌باشد انجام می‌گردد. ۲ - شهرداریها مکلفند براساس مراحل ذیل نسبت به صدور شناسنامه ساختمان که حاوی پروانه، گواهی عدم خلاف و گواهی پایان

ساختمان می‌باشد اقدام و به متقاضی تسلیم نمایند: الف - حداکثر ظرف مدت هفت روز پس از دریافت مدارک لازم شامل درخواست پروانه ، نقشه محل وقوع ملک ، فتوکپی مدارک مالکیت رسمی ، فتوکپی شناسنامه ذینفع (مالک یا مالکین و در صورت مراجعه و کیل مالک ، فتوکپی وکالتنامه ، از محل بازدید و گزارش وضعیت موجود ملک راجهت درج در پرونده تنظیم و با تعیین ضوابط شهرسازی حاکم بر ملک (شامل نوع کاربری ، میزان تراکم مجاز ، تعداد طبقات ، حدود تعریض و غیره آماده تحویل نقشه‌های معماری و محاسباتی را به متقاضی ابلاغ نمایند در غیر این صورت لازم است علت عدم آماده تحویل نقشه‌ها را کتبا به ذینفع اعلام نمایند. تبصره - بمنظور جلوگیری از استعلامهای متعدد شهرداریها از دستگاههای اجرایی کلیه دستگاهها مکلفند در پایان هر سال طرحها و پروژه‌های ساختمانی و عمرانی مصوب خود را به منظور انعکاس در نقشه شهر به شهرداریها گزارش نمایند. نقشه‌های شهر باید به گونه‌ای به روز نگاه داشته شوند که در ابتدای هر سال نشان دهنده وضع کالبدی شهر در آن مقطع زمانی باشد. ب - حداکثر ظرف مدت پنج روز پس از دریافت نقشه‌های مربوطه با رعایت ضوابط اعلام شده در بند الف و نیز مفاد ماده ۱۷ نظام مهندسی ساختمان نسبت به ارایه کلیه برگهای پرداخت عوارض و سایر حقوق قانونی متعلقه به ملک مورد تقاضا اقدام نمایند. ج - حداکثر ظرف مدت دو روز پس از پرداخت و تسلیم قبوض عوارض فوق الذکر نسبت به صدور شناسنامه ساختمان که حاوی پروانه ساختمان می‌باشد اقدام نمایند. تبصره - شهرداریها موظفند بتدریج زمان مصروفه مراحل صدور پروانه ساختمان را از ۱۴ روزه حداکثر ۷ روز تقلیل دهند. ۳ - شهرداریها موظفند حداکثر ظرف مدت دو روز پس از درخواست مالک یا مالکین جهت صدور گواهی عدم خلاف و انطباق ساختمان احداث شده با ضوابط فنی و شهرسازی حاکم بر ملک نسبت به صدور گواهی عدم خلاف اقدام و در غیر این صورت لازم است علت عدم صدور گواهی عدم خلاف کتبا به ذینفع اعلام گردد. ۴ - شهرداریها موظفند حداکثر ظرف مدت دو روز پس از درخواست مالک یا مالکین جهت صدور گواهی پایان ساختمان و انطباق ساختمان احداث شده با ضوابط فنی و شهرسازی حاکم بر ملک نسبت به صدور گواهی ساختمان ، به ذینفع اعلام شود. ۵ - وزارتخانه‌های کشور و پست و تلگراف و تلفن موظفند ظرف مدت یکماه پس از تصویب این مصوبه نسبت به احصا آن دسته از خدمات پستی مربوط به این مصوبه که توسط شرکت پست جمهوری اسلامی ایران امکان پذیر می‌باشند اقدام نمایند. ۶ - از تاریخ ۱/۱۱/۱۳۷۱ شناسنامه ساختمان بعنوان یک سند رسمی تلقی گردیده و در رابطه با استعلامهای دستگاهها و ارگانهای ذیصلاح از قبیل وزارت مسکن و شهرسازی ، بانکها ، شرکت گاز ، برق و آب ، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ، وزارت امور اقتصادی و دارایی و ... مورد استناد می‌باشد. تبصره ۲ - شهرداریها موظفند بتدریج برای متقاضیانی که قبلا پروانه ساختمان دریافت کرده‌اند حسب درخواست متقاضی نسبت به صدور شناسنامه ساختمان اقدام نمایند. ۷ - شهرداریها مکلفند تمهیدات لازم جهت واگذاری فعالیتهای اجرایی و فنی مربوط به صدور پروانه ، گواهی عدم خلاف و گواهی پایان ساختمان را با هماهنگی وزارت کشور به اشخاص حقیقی و حقوقی که اعتبار و صلاحیت آنان به تایید مراجع ذیصلاح رسیده‌اند فراهم نمایند. تبصره ۱ - این روش بمنظور سهولت در امر مراحل صدور پروانه ، گواهی عدم خلاف و گواهی پایان ساختمان می‌باشد لیکن متقاضی در صورت تمایل می‌تواند از طریق شهرداریها نسبت به موارد فوق الذکر اقدام نماید. تبصره ۲ - نظارت بر حسن جریان امور و کنترلهای لازم در چهارچوب مقررات به‌عهده شهرداریها خواهد بود. ۸ - وزارت مسکن و شهرسازی موظف است ظرف مدت ۲ ماه پس از تصویب طرحهای شهرسازی زمینهای موات شهری را در طرحهای مصوب مشخص نماید. تبصره - وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان زمین شهری موظف است تا تحقق بند فوق پس از وصول استعلام از شهرداریها در خصوص نوع زمین حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز اقدام نماید. ۹ - شهرداریها موظفند به منظور حسن اجرای ماده ۷ قانون زمین شهری مصوب ۲۲/۶/۱۳۶۶ ، با اخذ تعهد از مالک مبنی بر عدم استفاده از مزایای فوق نسبت به صدور پروانه ساختمانی اقدام و همزمان از وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان زمین شهری استعلام بعمل آورده و در صورت خلاف ادعای مالک نسبت به ابطال پروانه اقدام نمایند. ۱۰ - وزارت کشور و شهرداریها مسول اجرای این مصوبه بوده و دبیرخانه شورای عالی

اداری گزارش پیشرفت این مصوبه را هر سه ماه یک بار به شورای عالی اداری ارائه خواهد نمود. معاون رییس جمهوری و دبیر شورای عالی اداری - سید منصور رضوی

آیین نامه طرح ساختمان در برابر زلزله - مصوب ۲۴ مهر ۱۳۶۷ هیات وزیران

۱- کلیه مقررات فنی آیین نامه مذکور، به استثناء آن دسته از ضوابط موجود در آن که تحت عنوان توصیه پیشنهاد شده است بعنوان مقررات الزامی برای تامین ساختمانها در برابر زلزله به ترتیبی که در بندهای آتی تعیین گردیده به موقع اجرا گذارده خواهد شد و وزارت مسکن و شهرسازی مکلف به ارسال آن به کلیه مراجع ذیربط خواهد بود. ۲- مفاد آیین نامه مزبور از تاریخ تصویب جایگزین مبحث زلزله در نشریه استاندارد شماره ۵۱۹ موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی جمهوری اسلامی گردیده و کلیه مهندسین و طراحان و دستگاههای اجرایی و اجرا کنندگان ساختمان موظف به رعایت آن می باشند. در مورد ساختمانهای بسیار با اهمیت نظیر مراکز امدادی که بالضروره بایستی در مواقع بروز زلزله های شدید از ورود آسیب مصون بمانند، دستگاههای اجرایی مسئول مجاز خواهند بود در طراحی و محاسبه و اجرا آنها با جلب نظر مراجع مذکور در ماده ۱۳ قانون نظام معماری، ایمنی اینگونه ساختمانها را از آنچه در آیین نامه پیش بینی گردیده بالاتر ببرند. ۳- استفاده کنندگان از این آیین نامه مجازند در اجرای موادی که طی آنها استفاده کننده به منابع معتبر دیگر ارجاع داده شده مادام که برای اینگونه موارد آیین نامه کلی و مرجع فنی داخلی تصویب نشده به تشخیص خود به سایر منابع فنی معتبر مراجعه کنند اما مسئولیت صحت تشخیص و ایمنی کامل ساختمان به عهده ایشان خواهد بود. ۴- رعایت آیین نامه فوق در طراحی، محاسبه و اجرای ساختمانهای واقع در شهرهاییکه مشمول تبصره ۲ ماده ۶ قانون اصلاحی نظام معماری و ساختمانی مصوب ۱۳۵۶ می باشند الزامی است و در شهرهاییکه از این پس نیز مشمول تبصره فوق الذکر می گردند از زمان شمول الزامی خواهد گردید. ۵- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است با جلب نظر وزارت کشور ظرف مدت یکسال آیین نامه های تکمیلی و در مرحله نخست آیین نامه ساختمانهای ساخته شده با مصالح بنایی مسلح را تدوین و ابلاغ نماید. ۶- تجدیدنظر در مواد فنی آیین نامه فوق عنداللزوم و هر ۵ سال یکبار به عهده وزارت مسکن و شهرسازی و با رعایت تشریفات ماده ۱۳ قانون نظام مهندسی معماری و ساختمان خواهد بود.

آیین نامه اجرایی ماده (۲۷) قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان - مصوب ۳/۸/۱۳۷۹ هیات وزیران

ماده ۱- تعاریف واژه ها و اصطلاحات مندرج در آیین نامه با توجه به قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان و آیین نامه های آن به شرح زیر تعریف می شود: الف- سازمان استان سازمان نظام مهندسی ساختمان استان ب- شورای مرکزی شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان ج- مهندس واجد شرایط مهندس دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی معتبر که بر اساس آیین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب ۱۷/۱۱/۱۳۷۵ هیات وزیران و دستورالعمل مصوب وزارت مسکن و شهرسازی، در یک یا چند رشته تخصصی مهندسی، صلاحیت ارائه خدمات مهندسی کارشناسی را دارا باشد. د- خدمات مهندسی کارشناسی کلیه خدمات مهندسی از قبیل طراحی، محاسبه، نظارت، اجرا، بهره برداری، کنترل و بازرسی، آزمایش، متره، برآورد، ارزیابی و تقویم، تشخیص علل خرابی که در چهار چوب معیارهای پذیرفته شده تخصصی قابل عرضه بوده و در زمره امور حرفه ای ناشی از پروانه اشتغال موضوع قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان یا عضویت در سازمان استان می باشد. ه- مراجع درخواست کننده وزارتخانه ها، موسسات دولتی، نهادهای عمومی غیر دولتی، نیروهای نظامی و انتظامی، شرکتهای دولتی و شهرداریها که متقاضی خدمات مهندسی کارشناسی باشند. ماده ۲- مرجع درخواست کننده می تواند به موجب ضوابط این آیین نامه برای خدمات مهندسی

کارشناسی از سازمان استان درخواست معرفی مهندس یا مهندسان واجد شرایط نماید. در این صورت سازمان استان فرد یا افرادی را بر اساس دستورالعمل خاصی که از سوی شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی پیشنهاد و به تصویب وزارت مسکن و شهرسازی می‌رسد، انتخاب و به مرجع درخواست کننده معرفی می‌کند. ماده ۳- مرجع درخواست کننده (مهندس) یا (مهندسان) واجد شرایط، باید در برگ درخواست خود موارد زیر را درج کند: الف- موضوع خدمات مهندسی کارشناسی درخواستی اعم از امور تخصصی یا ارزیابی با ذکر جزئیات لازم. ب- تعداد (مهندسان) واجد شرایط مورد درخواست و تخصصهای هر یک از آنان ج- محل انجام خدمات مهندسی کارشناسی د- مهلت زمانی معرفی (مهندس) یا (مهندسان) واجد شرایط ه- مهلت زمانی برای اعلام نظریه خدمات مهندسی کارشناسی و- تعهد پرداخت حق الزحمه خدمات مهندسی کارشناسی بر اساس تعرفه مندرج در ماده (۶) این آیین نامه. ماده ۴- معرفی مهندس یا مهندسان واجد شرایط به مرجع درخواست کننده، تنها توسط سازمان استان با رعایت ماده (۷۴) آیین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان صورت می‌گیرد و مراجع درخواست کننده برای خدمات مهندسی کارشناسی، مجاز به مراجعه مستقیم به مهندسان دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی موضوع این آیین نامه نیستند. ماده ۵- نظریه مهندس یا مهندسان معرفی شده از طرف سازمان استان، پس از ثبت در دفتر سازمان استان، توسط هیات مدیره سازمان استان به مرجع درخواست کننده ارسال یا تسلیم خواهد شد. ماده ۶- تعرفه حق الزحمه خدمات مهندسی کارشناسی موضوع این آیین نامه، عینا معادل تعرفه مربوط به دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری است و در مواردی که تعرفه خاصی وجود ندارد، در چهارچوب بند (۱۵) ماده (۱۵) قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان به پیشنهاد هیات مدیره سازمان استان و تصویب وزیر مسکن و شهرسازی تعیین خواهد شد. ماده ۷- مرجع درخواست کننده مهندس یا مهندسان واجد شرایط مجاز به پرداخت مستقیم حق الزحمه خدمات مهندسی کارشناسی به فرد یا افراد معرفی شده نیستند و باید حق الزحمه مربوط را به حساب سازمان استان واریز و یک نسخه از فیش بانکی را به سازمان استان مذکور تسلیم کنند. سازمان استان پس از وصول اصل نظریه مهندس یا مهندسان معرفی شده، حق الزحمه را بعد از کسر کسورات زیر به مهندس یا مهندسان معرفی شده پرداخت می‌کند: الف- پنج درصد (۵٪) بابت مالیات علیالحساب موضوع ماده (۱۰۴) قانون مالیاتهای مستقیم به حساب وزارت امور اقتصادی و دارایی ب- پنج درصد (۵٪) به حساب سازمان استان بابت ارجاع کار در چهار چوب ماده (۳۷) قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان ماده ۸- هرگاه مرجع درخواست کننده تخلفی از مهندس یا مهندسان معرفی شده توسط سازمان استان مشاهده کند، باید موضوع را به هیات مدیره سازمان استان و شورای انتظامی نظام مهندسی ساختمان استان مربوط گزارش کند. ماده ۹- مرجع درخواست کننده و سازمان استان مکلفند جهات رد مهندس یا مهندسان معرفی شده را که همان جهات رد مربوط به کارشناسان رسمی دادگستری است، بررسی و از عدم شمول آن اطمینان حاصل کنند، این تکلیف متوجه مهندس یا مهندسان معرفی شده، نیز می‌باشد. عدم رعایت این ماده از ناحیه مرجع درخواست کننده، تخلف اداری و از ناحیه سازمان استان و مهندس و مهندسان معرفی شده، تخلف انتظامی محسوب می‌شود.

مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری

دستورالعمل تشخیصی اساس طرح جامع شهر - مصوب ۲۳/۱۲/۶۳ (بند ۱)

از آنجا که در تشخیص اساس طرح جامع موضوع ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران تا کنون ابهامات و اشکالاتی وجود داشته است (دستورالعمل تشخیصی اساس طرح جامع شهر) که مبتنی بر تعاریف مندرج در قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی و تعیین وظایف آن، مصوب بیست و دوم اسفند ۱۳۵۱ می‌باشد، به شرح ذیل تصویب می‌گردد: الف کلیات محتوای نظری طرح جامع سرزمین که در تهیه طرحهای جامع شهرها به عنوان مبانی به کار می‌رود به

قرار زیر است ۱- ضرورتها و برنامه‌های افزایش جمعیت و توسعه ۲- اولویتهای ملی و اقتصادی و زیست محیطی بهره‌وری سرزمین و محدودیتهای توسعه ناشی از آنها مثل کمبود آب به عنوان مهمترین عامل تعیین نوع بهره‌وری ۳- نقش و عملکرد اصلی شهر (در حال و آینده، صنعتی کشاورزی، خدماتی، جهانگردی، مختلط و غیره و اهمیت آن در منطقه و کشور. ۴- برنامه‌های هماهنگ عمرانی بخشهای عمومی و خصوصی ۵- ضرورتها و مبانی دیگر. ب محتوای اصلی یا اساس طرح جامع شهر: ۱- ساخت شهر و توسعه ۱- ۱- مشخصات ساختی و کالبدی (مثل متمرکز، شعاعی، خطی، پیوسته، ناپیوسته و غیره ۱- ۲- تعیین حوزه عملکردهای اصلی (کاربریه‌های عمده و موثر شهر) ۱- ۳- خطوط کلی و نظام شبکه ارتباطی (و تسهیلات شهری عمده مثل خط آهن شهری، فرودگاه و غیره ۱- ۴- نظام تقسیمات واحدهای شهری (مثل مناطق و محلات و غیره ۱- ۵- تعیین عناصر و بافتهای خاص (تاریخی، صنعتی و اقلیمی و مناطق نوسازی و بهسازی ۲- جهات و حدود کلی توسعه و ظرفیت شهر ۲- ۱- احتمالات جمعیتی و ظرفیت جمعیت پذیری ۲- ۲- منابع و محاسبات ظرفیت زیربنای شهری ۲- ۳- حدود کلی تراکم جمعیت شهر. ۲- ۴- محدوده استحفاظی یا حریم شهر. ۳- معیارها و ضوابط و مقررات در مورد: ۳- ۱- سرانه مصارف مختلف و کاربری زمین ۳- ۲- استقرار عملکردهای مختلف در داخل واحدهای تقسیمات شهری مثل مناطق و محلات و غیره ۳- ۳- چگونگی توزیع تراکم جمعیت ۳- ۴- عناصر و بافتهای خاص و مناطق نوسازی و بهسازی ۳- ۵- حفظ بنا و نماهای تاریخی و مناظر طبیعی ۴- ۶- کلیات معماری سیمای شهری، بافت و ساختمان با توجه به سنن فرهنگی و ویژگیهای اقلیمی ۳- ۷- حفاظت محیط زیست تبصره ۱- علاوه بر اینکه در صورتی که نیاز به توضیحات کلی و موردی بیشتر باشد و به منظور راهنمایی کمیسیون ماده ۵ و رفع ابهام و اشکال و اختلاف نظر، موضوع تبصره ماده ۷ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در صورتی که خارج از چارچوب این دستورالعمل نباشد وزارت مسکن و شهرسازی می‌تواند راسا اقدام نماید. تبصره ۲- همانطور که نقشه‌های تفصیلی توسط مهندسين مشاور تهیه می‌شود، مطالعات لازم برای بررسی تغییرات نیز بایستی بوسیله مهندسين مشاور با وزارت مسکن و شهرسازی انجام شود. با تصویب این دستورالعمل، دستورالعمل مربوط به تشخیص نوع مغایرتهای اساسی و طرحهای تفصیلی با طرحهای جامع که در تاریخ ۱۵/۱۲/۱۳۶۲ به تصویب رسیده و کلیه دستورالعملهای مغایر دیگر لغو می‌گردد.

منع احداث و توسعه و ضرورت خروج تدریجی تاسیسات نظامی از محدوده و حریم استحفاظی شهر - مصوب ۲۳/۱۲/۶۳)

احداث و توسعه تاسیسات نظامی از قبیل پادگانها و میادین آموزشی و تمام یا هر قسمت از هرگونه تاسیسات دیگر متعلق به واحدهای نظامی و انتظامی ه عملکرد شهری ندارند در داخل محدوده و حریم استحفاظی شهرها ممنوع است و تاسیسات مشابه موجود لازم است طی برنامه تدریجی از محدوده و حریم شهرها خارج شده و اراضی و ساختمانهای باقیمانده با رعایت اولویتهای شهری به مصارف عمومی تبدیل شود. تبصره - (اضافه شده بر اساس مصوبه مورخ ۱۱/۳/۶۶) در صورتی که در برخی از شهرها استثنائاً بنا به مصالحی که شورای عالی دفاع تشخیص دهد که خروج تدریجی تاسیسات مذکور در بند ۵ مستلزم زمان بیشتری باشد، مراتب از طریق شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به دستگاههای ذیربط ابلاغ خواهد شد.

تصویب طرحهای ملی موثر در توسعه شهرها توسط شورای عالی شهرسازی و معماری ایران - مصوبه مورخ ۲۳/۱۲/۶۳ ب)

با توجه به لزوم تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران نسبت به طرح جامع سرزمین طبق تبصره ذیل بند (ز) از ردیف ۱ ماده ۳ قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی و تعیین وظایف آن و طرح جامع شهر طبق ردیف ۳ از ماده ۲ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران موارد زیر بایستی به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران برسد:

۶ - ۱ - هر طرح ملی که در شهر یا حریم استحقاقی آن اجراء شود، در صورت مغایرت یا عدم پیش‌بینی طرح جامع ۶ - ۲ - دستورالعمل‌ها و تغییر سیاست‌های هریک از دستگاه‌های اجرایی که در چگونگی رشد و توسعه و اساس طرح جامع هر شهر تاثیر خواهد گذاشت ۶ - ۳ - هر گونه طرح یا سیاست‌گذاری یا مقرراتی که عملکرد و تاثیر منطقه‌ای و ملی داشته و در واقع جزئی از طرح جامع سرزمین محسوب می‌شود.

متن اصلاح شده مصوبه ۱۹/۱۱/۶۴ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران - مصوب ۷/۲/۶۶

۱ - شهرداریهایی که دارای طرح جامع می‌باشند می‌توانند در قبال اضافه ارزشی که برای هر یک از قطعات اراضی شهر بر اثر ضوابط منطقه بندی و تعیین تراکم های ساختمانی و کاربری اراضی بیش از قیمت اراضی در مناطق مسکونی با تراکم کم ایجاد می‌شود ، با تعیین شورای شهر (مستند به بند ۱ ماده ۳۵ قانون تشکیل شوراهای اسلامی و تایید وزارت کشور ، مستند به تبصره بند ۸ ماده ۴۵ قانون شهرداریها و تبصره آن عوارض اختصاصی به تناسب میزان اضافه ارزش حاصله وضع و وصول نموده و در حسابی جداگانه به نام (درآمد حاصله از فعالیتهای اقتصادی در ساختمانهای شهری) نگهداری کرده و صرفاً در تهیه طرحهای توسعه و عمران شهری و اجرای آن با نظر شورای شهر و عاملیت دستگاههای مربوطه به مصرف برسانند. ۲ - در مورد ساختمانها و تاسیسات ناهماهنگ با کاربریهای مصوب که بعد از تصویب طرح جامع و ضوابط منطقه بندی مقرر در طرحهای جامع و تفصیلی بدون پروانه احداث گردیده و همچنین در مواردی که علیرغم تعیین نوع استفاده از ساختمان در پروانه صادره در مناطق غیر تجاری ، محل کسب و پیشه و یا تجارت احداث گردیده و یا به هر حال شرایط کاربری مقرر در پروانه ساختمان رعایت نشده باشد ، شهرداری می‌تواند در صورتی که ضوابط مربوط به وصول عوارض اختصاصی از اضافه ارزش حاصله بر اثر امتیازات کاربری و تراکمهای ساختمانی را به تصویب شورای شهر و تایید وزارت کشور رسانیده باشد ، بنابر تقاضای صاحب ملک و یا صاحب محل کسب و پیشه ، و تعهد قبول پرداخت عوارض اختصاصی مربوط بر طبق تعرفه مصوب توسط آنها ، قبل از طرح موضوع در کمیسیون ماده ۱۰۰ و قلع بنا یا تعطیل محل کسب و پیشه مورد را در کمیسیون طرح تفصیلی موضوع ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مطرح سازد. هرگاه کمیسیون مذکور با استفاده از تعدیل ضوابط منطقه بندی تشخیص دهد که ساختمانها و تاسیسات احداث شده و بهره برداری از آنها لطمه اساسی به توازن و تناسب شهر وارد نمی‌سازد و در اساس طرح جامع شهر موثر نیست و لهذا با اصلاح و تعدیل کاربری آن موافقت نماید شهرداری بابت ساختمانها و تاسیسات مذکور عوارض اختصاصی مقرر را بر اساس ضابطه مندرج در بند (۱) فوق وصول و با صدور گواهی پایان کار یا عدم خلاف و یا ادامه کار محل کسب و پیشه موافقت خواهد نمود. ولی در صورتی که کمیسیون مذکور با اصلاح و تعدیل ضوابط کاربری موافقت ننماید و یا آن را مغایر با توازن و تناسب آن منطقه از شهر و یا مغایر یا اساس طرح جامع تشخیص دهد برابر مفاد تبصره ۱ ماده ۱۰۰ و تبصره بند ۲۴ الحاقی به ماده ۵۵ قانون شهرداری رفتار خواهد شد. تبصره - منظور از رعایت اساس طرح جامع و توازن و تناسب شهر ، رعایت حدود و سقفهای کلی است که در طرحهای جامع هم برای مقادیر کاربریهای مختلف و هم در ضوابط مکانیابی آنها تعیین شده است الویتهای مصارف درآمد حاصل از عوارض اختصاصی موضوع بند ۱ به شرح زیر از طرف شورای عالی شهرسازی و معماری به وزارت کشور پیشنهاد می‌شود. ۱ - تهیه طرحهای جامع و تفصیلی و هادی و توسعه و عمران شهری ۲ - اصلاح و احداث شبکه ارتباطی ۳ - بهسازی و نوسازی و بافتهای کهنه و قدیمی ۴ - بهبود و توسعه منابع و شبکه آبرسانی (اگر انجام آن بعهده شهرداری باشد) ۵ - کمک به تملک و احداث ساختمانهای آموزشی

به منظور حفاظت جان ساکنین و استفاده کنندگان از کلیه ساختمانهای مسکونی و عمومی شهری در مقابل اثرات بمبهای انفجاری معمولی از تاریخ اعلام ضوابط توسط وزارت مسکن و شهرسازی طبق اصول کلی زیر ایمن سازی ساختمان و یا احداث پناهگاه در کلیه ساختمانهای مسکونی و عمومی شهری الزامی خواهد بود و شهرداریها و سایر مراجع مسوول صدور پروانه ساختمان و نظارت بر اجرای آن موظفند فقط برای نقشه‌های ساختمانی که اصول و ضوابط ایمن سازی و یا احداث پناهگاه در آنها رعایت شده باشد پروانه ساختمان صادر و در اجرای صحیح آن نظارت نمایند. ۱- ضوابط اجرای مربوط به موقعیت، ابعاد و مشخصات فنی، تاسیسات هوارسانی، تاسیسات الکتریکی، تاسیسات و تجهیزات آب و فاضلاب و همچنین تدابیر و تجهیزات مربوط به مقابله با اثرات بمبهای شیمیایی و سایر مقررات لازم در زمینه ایمن سازی و یا احداث پناهگاه متناسب با وضع و اهمیت هر یک از انواع ساختمانها حداکثر ظرف ۳ ماه توسط وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و ابلاغ خواهد شد. وزارت مسکن و شهرسازی نحوه استفاده از انواع مصالح و روشهای ساختمانی به صورت تمام بتونی یا ترکیب بتون و مصالح بنایی و یا تماما از مصالح بنایی را متناسب با ظرفیت، ابعاد و سایر مشخصات فنی به منظور ایجاد حداکثر تسهیلات جهت نیل به اهداف این مصوبه برای مردم تنظیم و تدوین خواهد نمود. ۲- وزارت مسکن و شهرسازی تدریجا متناسب با پیشرفت امکانات و مقدرات مردم و دولت، برای بالا بردن درجه ایمنی، ضوابط ایمن سازی و یا احداث پناهگاه را تکمیل خواهد نمود. ۳- در ساختمانهای مسکونی استفاده از مقدار معینی از ساختمان که ایمن سازی شده و یا پناهگاه که طبق نقشه‌های ساختمانی و پروانه‌های صادره و ضوابط این مصوبه به هر واحد مسکونی تعلق دارد منحصر حق ساکنین و استفاده کنندگان از آن واحد مسکونی است ۴- بکاربردن تجهیزات مربوط به مقابله با اثرات بمبهای شیمیایی در ایمن سازی ساختمانهای مسکونی و کمتر الزامی نیست مگر آنچه که تامین آن پس از اجرای ساختمان مقدور نباشد. ۵- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است طرح مقررات حمایتی و تشویق ایمنی سازی و یا احداث پناهگاه از جمله استفاده از تسهیلات بانکی را برای تصویب مراجع قضایی حداکثر ظرف مدت ۳ ماه تهیه نماید

ضوابط حفظ حریم و اراضی مجاور راهها در محدوده استحفاظی و حریم شهرها - مصوب مورخ ۱/۳/۶۸

به منظور کنترل ساخت و سازهای اطراف جاده‌های بین شهری و کمربندیها که عموما منجر به توسعه بی رویه به سمت جاده‌های مذکور می‌گردد، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه مورخ ۱/۳/۶۸ ضوابط زیر را تصویب نمود: ۱- اراضی واقع در حد فاصل جاده‌های کمربندی و محدوده قانونی شهرها و همچنین تا عمق ۱۵۰ متر از حد حریم قانونی راه در بر خارجی جاده‌های مذکور چنانچه در خارج از محدوده استحفاظی طرحهای مصوب جامع یا هادی واقع شده‌اند به محدوده‌های مذکور اضافه می‌گردند مگر اینکه فاصله کمربندی از محدوده و وسعت اراضی فیما بین به حدی باشد که در طول عمر طرح تاثیری در میزان جهت گسترش شهر نداشته و اجرای مقررات نظارت بر حریم استحفاظی را عملا غیر ممکن بسازد که تشخیص آن با کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در شهرهای دارای طرح جامع و مراجع و مقامات مسوول بررسی و تصویب طرحهای هادی حسب مورد خواهد بود. ۲- ایجاد هرگونه ساختمان و تاسیسات تا عمق ۱۵۰ متر، از بر حریم راه در طرفین جاده‌های واقع در حریمهای استحفاظی و همچنین ایجاد هر نوع راه دسترسی هم سطح به جاده‌های مذکور ممنوع است ۳- احداث هرگونه ساختمان و تاسیسات در طرفین کلیه راههای بین شهری واقع در محدوده استحفاظی و حریم شهرها به عمق ۱۵۰ متر مربع از بر حریم قانونی راه و همچنین ایجاد راههای دسترسی هم سطح به جاده‌های اصلی ممنوع است مگر در مورد کاربریهای خاص که هم محل کاربری و هم راههای دسترسی لازم عینا در قالب طرحهای مصوب جامع و تفصیلی و هادی ترسیم شده یا ضوابط مربوط به آنها تعیین شده باشد. تبصره - تاسیسات لازم برای بهره‌برداری (کاشت، داشت و برداشت از زمینهای کشاورزی و باغات و همچنین خطوط پایه‌های

انتقال نیروی برق و شبکه‌های مخابراتی، پلها و تونلهای واقع در مسیر راهها، لوله‌های انتقال نفت و گاز، کانالها و شبکه‌های آبیاری خطوط و لوله‌های آبرسانی، سیل‌بندها و سیل‌گیرها، از شمول بندهای فوق مستثنی و تابع قوانین و مقررات مربوط به خود هستند. کمیسیونهای ماده ۵ یا مراجع تصویب طرحهای هادی بر حسب مورد و در صورت لزوم می‌توانند جاده‌های ارتباطی دیگری را نیز که از شهرها به روستاها و یا نقاط دیگری در اطراف شهر منتهی می‌شوند مشمول این مقررات بنمایند که در این صورت حریم حفاظتی آنها تا ۵۰ متر قابل تقلیل است همچنین در قالب طرحهای به سازی یا هادی روستایی مورد طراحی قرار گیرد تا ۵۰ متر قابل تقلیل است (بند ۳ مصوبه به موجب مصوبه مورخ ۳/۲/۶۹ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به شرح فوق اصلاح شده است) ۴- کلیه کارگاهها و واحدهای صنعتی و صنفی و تجاری و خدماتی و نظایر آن موجود در دوطرف راههای موضوع این مصوبه می‌بایست به مجموعه‌های متمرکز جدید منتقل شوند. شهرداریها در مورد حریم موضوع ماده ۹۹ و مراجع مسوول صدور پروانه و نظارت در حدفاصل حریم شهرداری تا محدوده نهایی طرحهای جامع و هادی موظفند محل‌های مناسب برای انتقال این گونه واحدها را با همکاری ادارات کل مسکن و شهرسازی استانها بر اساس طرحهای مصوب توسعه شهری تعیین و تسهیلات لازم را برای انتقال فراهم نمایند و وزارت مسکن و شهرسازی با استفاده از امکانات سازمان زمین شهری و خصوصا با استفاده از اراضی دولتی تحقق امر فوق را تسهیل خواهد کرد. محل‌های قبلی بر اساس تصویب مراجع قانونی مقرر حسب مورد به فضاهای سبز و یا سایر کاربریهای عمومی تبدیل و اعمال هرگونه کاربری خصوصی مغایر با آن ممنوع است.

ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای عبور و مرور معلولین - مصوب مورخ ۸/۳/۶۸

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه مورخ ۸/۳/۶۸ پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی در ارتباط با رفع موانع شهرسازی و معماری در عبور و مرور، دسترسی به اماکن و فضاها و تجهیزات عمومی شهری به منظور تامین امکانات شرکت افراد دارای معلولیت‌های گوناگون جسمی در زندگی روزمره جامعه را به شرح زیر تصویب نمود: ۱- از این تاریخ در کلیه طرحهای آتی و در دست تهیه شهرکسازی و مجتمع‌های مسکونی و ساختمانی سراسر کشور اعم از اینکه توسط دستگاههای دولتی و وابسته به دولت و شهرداریها و یا بخش خصوصی تهیه گردند، رعایت ضوابط موضوع فصل اول مجموعه پیوست که شامل ضوابط برنامه ریزی و طراحی برای تسهیل حرکت معلولین سطح شهر می‌باشد الزامی بوده و کلیه مراجع مسوول تهیه، بررسی و تصویب و اجرای طرحهای توسعه شهری، شهرک سازی و مجتمع‌های ساختمانی و مسکونی موظفند در مراحل مختلف تصویب و صدور پروانه و نظارت ضوابط مذکور را رعایت نمایند. ۲- به منظور رفع موانع شهری موجود لازم است که اصلاحات موضوع فصل دوم فوراً و تا قبل از تهیه و یا تجدیدنظر توسعه شهری به منظور نزدیکتر کردن شرایط موجود به استاندارد توسط مراجع مسوول عمران شهری با توجه به اولویت هر یک به اجرا در آید. ۳- رعایت ضوابط فصل سوم در طراحی کلیه ساختمانهای موضوع فصل مذکور برای تهیه کنندگان طرحهای فوق الذکر الزامی است و مراجع مسوول صدور پروانه و نظارت ساختمانی موظف به اجرای صحیح و دقیق آن هستند. کلیه ساختمانهای عمومی موضوع این آیین نامه به خصوص ادارات دولتی موجود باید تدریجاً با شرایط این آیین نامه تطبیق داده شوند. تشخیص میزان طبق این ضوابط و زمان لازم برای اعمال آن به عهده کمیسیونی مرکب از نمایندگان سازمان بهزیستی بنیاد جانبازان و وزارت مسکن و شهرسازی خواهد بود. وزارت مسکن و شهرسازی موظف است تضمین قانونی اعمال این ضوابط را از مراجع ذیربط کسب نماید. ۴- اعمال ضوابط و مقررات فصل چهارم فعلاً اختیاری بوده ولی بر حسب تشخیص کمیسیون موضوع بند ۳ و با استفاده از تضمین قانونی که کسب خواهد شد الزام آور خواهد گردید. ۵- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است حداکثر هر ۵ سال یک بار با جلب نظر سازمان بهزیستی و بنیاد جانبازان ضوابط و مقررات موضوع این مصوبه را مورد بازنگری و تطبیق با شرایط و امکانات جدید قرار داده و برای تصویب به شورای عالی شهرسازی و معماری پیشنهاد نماید.

لزوم مطابقت کلیه طرح‌های آماده‌سازی با طرح‌های جامع تفصیلی و هادی - مصوب مورخ ۱۸/۱۰/۶۸ (بند ۴)

مصوب مورخ ۱۸/۱۰/۶۸ (بند ۴) ب با توجه به لزوم حفظ حریم تصفیه خانه‌های فاضلاب به لحاظ مشکل بو و سایر عوامل زیست محیطی اولاً: در انتخاب موقعیت مکانی تصفیه خانه‌ها کلیه مسایل فنی و زیست محیطی رعایت گردد و ثانیاً: کلیه دستگاه‌های ذیربط موظفند از هر گونه ساخت و ساز تا حریم ۶ کیلومتری تصفیه خانه جلوگیری نمایند، ضمناً لازم است توسط مسئولین مربوطه کمر بند درختکاری در اطراف تصفیه‌خانه‌ها ایجاد شود.

اصلاحیه بند ۳ ضوابط حفظ حریم و اراضی مجاور راهها در محدوده استحفاظی مصوب ۱/۳/۶۸ - از مصوبه ۳/۲/۶۹

بند ۳: احداث هر گونه ساختمان و تاسیسات در طرفین کلیه راه‌های بین شهری واقع در محدوده استحفاظی و حریم شهرها به عمق ۱۵۰ متر از بر حریم قانونی راه و همچنین ایجاد راه‌های دسترسی هم سطح به جاده اصلی ممنوع است مگر در مورد کاربری‌های خاص که هم محل کاربری و هم راه‌های دسترسی لازم عیناً طرح‌های مصوب جامع و تفصیلی و هادی ترسیم شده یا ضوابط مربوط به آنها تعیین شده باشد. تبصره ۱: تاسیسات لازم برای بهره برداری (کشت، داشت و برداشت از زمینهای کشاورزی و باغات و همچنین خطوط پایه‌های انتقال نیروی برق و شبکه‌های مخابراتی، پلها، و تونلهای واقع در مسیر راهها، لوله‌های انتقال نفت و گاز، کانالها و شبکه‌های آبیاری خطوط لوله‌های آبرسانی، سیل‌بندهای و سیل‌گیرها، از شمول بندهای فوق مستثنی و تابع قوانین و مقررات مربوط به خود هستند. کمیسیونهای ماده ۵ مراجع تصویب طرح‌های هادی حسب مورد و در صورت لزوم می‌توانند جاده‌های ارتباطی دیگری را نیز که از شهر به روستاها و یا نقاط دیگری در اطراف شهر منتهی می‌شوند مشمول این مقررات نمایند که در این صورت حریم حفاظتی آنها تا ۵۰ متر قابل تقلیل است همچنین حریم حفاظتی جاده‌های بین شهری در مواردی که از روستا عبور می‌نمایند نیز چنانچه در قالب طرح‌های بهسازی یا هادی روستایی مورد طراحی قرار گیرد تا ۵۰ متر قابل تقلیل است

بررسی مصوبات قبلی کمیسیونهای ماده ۵ - مصوب مورخ ۱۷/۱۰/۶۹

شورای عالی شهرسازی و معماری در جلسه ۱۷/۱۰/۶۹ مقرر نمود که واحد شهرسازی و معماری مصوبات قبلی کمیسیونهای ماده ۵ را از لحاظ عدم مغایرت با مصوبات شورای عالی و تطبیق با حدود اختیارات قانونی کمیسیونهای ماده ۵ بررسی نموده و نتایج را برای اتخاذ تصمیم درباره لغو مغایرتها تا ابتدای سال ۱۳۷۰ در شورای عالی مطرح نمایند و منبعت نیز هر سه ماه یکبار گزارشی از کلیه کمیسیونهای ماده ۵ در این راستا جهت بررسی مغایرتها در شورای عالی مطرح نماید.

ضوابط و مقررات افزایش تراکم و بلند مرتبه سازی - از مصوبه مورخ ۲۴/۱۰/۶۹

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه مورخ ۲۴/۱۰/۶۹ به منظور نیل به اهداف - استفاده بیشتر و بهتر از سطح زمین در شهرها برای اسکان جمعیت تامین فضای باز و محیط زیست بهتر. و در هماهنگی با مصوبه مورخ ۱/۷/۶۹ شورای اقتصاد در خصوص تقلیل سطح زیربنای واحدهای مسکونی با تاکید بر خط مشی‌های کلی - تشویق بلندمرتبه سازی - تطبیق الگوی تفکیک با مقتضیات بلندمرتبه سازی - تشویق به تجمیع قطعات در مناطق نوسازی - استفاده از ظرفیتهای افزایش تراکم جمعیتی و ساختمانی - انبوه سازی و بکارگیری روشهای صنعتی در ساختمان سازی تصویب نمود که کمیسیونهای ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری موظفند طرح‌های تفصیلی و ضوابط و مقررات اجرایی آنها را در کلیه شهرهایی که طبق سرشماری ۱۳۶۵ بیش

از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت داشته‌اند با رعایت موارد زیر اصلاح نمایند: ۱- نظام شبکه ارتباطی و اساس طرح جامع حفظ گردد و چنانچه تغییرات اساسی باشد تصویب آن بعهدہ شورایعالی شهرسازی و معماری ایران خواهد بود. ۲- تعیین مناطقی مسکونی و مختلط مسکونی با تراکم بالا برای مرتبه سازی و حداقل ۴ طبقه غیر از زیرزمین در اراضی ساخته نشده ۳- تعیین مناطق مسکونی و مختلط مسکونی برای بلندمرتبه سازی تشویقی (حداقل ۴ طبقه غیر از زیرزمین در مناطق نوسازی و محلات فرسوده و قدیمی و قطعات کوچک ساخته نشده برای استفاده از افزایش تراکم تشویقی لازم است قطعات کوچک در حد مساحت لازم برای بلندمرتبه سازی تجمیع شوند. ۴- تعیین مناطق مسکونی ۱ یا ۲ خانواری با حداکثر ارتفاع ۲ طبقه غیر از زیرزمین ۵- تعیین حداکثر سطح اشغال در مناطق بلند مرتبه سازی ۶- تعیین ضوابط تفکیک و تراکم ساختمانی در مناطق بلند مرتبه سازی با رعایت حداقل ۱۰۰۰ متر مربع مساحت و مقررات تشویقی افزایش تراکم در مقابل افزایش سطح قطعات و کاهش سطح اشغال ۷- تعیین ضوابط تفکیک و تراکم ساختمانی در مناطق ۲ و ۱ خانواری ۸- تعیین ضوابط مربوط به فاصله ساختمانها از معبر مجاور اضلاع زمین به منظور تامین تهویه نور و آفتاب کافی بر حسب شرایط اقلیمی و جلوگیری از اشرف ۹- تعیین ضوابط حداقل عرض زمین و تناسب لازم بین عرض و عمق ۱۰- تعیین ضوابط مربوط به پارکینگ ۱۱- اجرای این ضوابط و مقررات در شهرهایی که طبق سرشماری ۱۳۶۵ کمتر از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت داشته‌اند اجباری نمی‌باشد. پیشنهادات مربوط به اجرای این مصوبه در شهرهای مزبور پس از بررسی و پیشنهاد کمیسیون ماده ۵ که لازم است تا آخر خرداد ۱۳۷۰ به وزارت مسکن و شهرسازی ارسال گردد در شورایعالی مورد تصمیم‌گیری قرار خواهد گرفت و تا آن زمان هرگونه تغییری در ضوابط تفکیک و تراکم ساختمانی طرحهای مصوب ممنوع است مگر با تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ۱۲- افزایش تراکم متوسط جمعیتی شهرناشی از افزایش تراکم ساختمانی حداکثر تا میزان ۲۵٪ نسبت به طرح جامع تصویب شده بیشتر نباشد. ۱۳- گزارش توجیهی افزایش تراکم موضوع بند ۱۲ و مشتمل بر اثرات آن بر روی سرانه‌ها، توزیع فضاهای خدماتی و شبکه عبور و مرور و تاسیسات آب و برق که قبلا در کمیسیون ماده ۵ بادعوت از نماینده وزارت نیرو و سازمانهای برنامه بودجه و محیط زیست مورد بررسی قرار گرفته‌است برای تصویب به شورایعالی شهرسازی و معماری ارسال گردد. ۱۴- هرگونه تغییرات دیگری در ضوابط و مقررات تفکیک و تراکم ساختمانی که منجر به افزایش تراکم جمعیتی شهر شود بدون تصویب شورای عالی شهرسازی ممنوع است

مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری در مورد غیر قابل تفویض بودن اختیارات کمیسیون ماده ۵ - مصوب ۲/۲/۷۰

شورایعالی شهرسازی و معماری ایران در تاریخ ۲/۲/۷۰ تشکیل شد. در ارتباط با صورتحساب شماره ۹۰ و شماره ۱۰۰ مورخ ۲۳/۷/۶۸ کمیسیون ماده ۵ تهران که پاره‌ای از اختیارات کمیسیون ماده ۵ را به شهردار تهران تفویض نموده است نظر شورای عالی به شرح زیر تصویب شد: ۱- اختیارات کمیسیون ماده ۵ به هیچ وجه قابل تفویض نبوده و مصوبات شماره ۹۰ و شماره ۱۰۰ مورخ ۲۳/۷/۶۸ کمیسیون ماده ۵ تهران ملغی اعلام می‌گردد و هرگونه تغییر در طرح تفصیلی باید به تصویب اعضای کمیسیون ماده ۵ برسد. ضمناً کمیسیونهای ماده ۵ نمی‌توانند مواردی را که مغایرت اساسی در طرحهای جامع ایجاد می‌کند تصویب نمایند. ۲- کلیه مواردی که قبلا با استفاده از صورتحسابات ۹۰ و ۱۰۰ مذکور انجام شده ظرف یک ماه از این تاریخ در کمیسیون ماده ۵ تهران مورد بررسی قرار گرفته مغایرتها به شورای عالی گزارش شود.

مشخصات پهنه‌بندی اقلیمی ایران و روشهای کلی طراحی مسکن ساختمان و شهرسازی - مصوب ۱۳/۳/۷۰

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در تاریخ ۱۳/۳/۱۳۷۰ مطالعات پهنه بندی اقلیمی ایران را که توسط مراکز تحقیقات ساختمان

و مسکن وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی تهیه شده و نتایج آن در قالب پهنه بندی اقلیمی و جدولهای مربوط به حدود تقریبی درصد سالانه نیازهای حرارتی ساختمان و روشهای کلی برای نیل به اهداف عمده طراحی اقلیمی در مسکن ساختمان و شهرسازی تنظیم گردیده مورد بررسی قرار داده ضمن تایید ارزش و اعتبار این مطالعات کاربرد نتایج آن را به شرح زیر اعلام نمود: ۱- در کلیه مطالعات شهرسازی و معماری و ساختمان درصد سالانه نیازهای حرارتی ساختمان و روشهای پیشنهادی برای دستیابی به اهداف عمده طراحی اقلیمی موضوعت این مصوبه مورد توجه کامل تهیه کنندگان و تصویب کنندگان طرحها قرار گیرد. ۲- در کلیه طرحهای جامع و تفصیلی و هادی و آماده سازی که منبهد تهیه می‌شود، پهنه بندی و مشخصات اقلیمی و روشهای کلی طراحی موضوع این مصوبه می‌تواند جایگزین مطالعات عمومی مربوط به اقلیم و آب و هوا گردد. تهیه کنندگان طرحها برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند از گزارش پایه این مطالعات شامل آمار و اطلاعات آب و هوایی و بررسی وضعیت حرارتی استفاده نمایند بدیهی است در صورتیکه مطالعات محلی و تفصیلی اقلیمی مورد نیاز باشد طبق شرح خدمات خاص انجام خواهد شد.

ضوابط نحوه استفاده از زمینهای واقع در معرض خطر بالا آمدن آب دریای خزر (اصلاحی ۷۱)

(اصلاح شده بر اساس مصوب ۹/۱۰/۷۰ و مصوبه ۲۳/۹/۷۱ شورای عالی شهرسازی و معماری شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه مورخ ۷/۵/۱۳۷۰ با توجه به نتایج مطالعات انجام شده توسط وزارت نیرو درمورد تغییرات آب دریای خزر ضمن تاکید بر اهمیت و ارزش اراضی ساحلی و لزوم استفاده از آخرین دستاوردهای علمی و تکنولوژی پیشرفته برای حداکثر بهره‌وری از زمینهای ساحلی و جلوگیری از خطر و خسارات بالا آمدن آب دریا، موارد زیر را تصویب نمود: کمیته‌ای به ریاست معاون وزارت نیرو و عضویت معاونین (نمایندگان اعضای شورای عالی وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی، کشور، کشاورزی جهاد سازندگی و سازمان محیط زیست، مطالعات همه جانبه در زمینه بالا آمدن آب دریا و اثرات آن بر اراضی و مستحذات ساحلی و روشهای مقابله با آن و همچنین برنامه ادامه مستمر این مطالعات را تا آخر سال ۱۳۷۰ انجام داده و نتایج آن را به شورای عالی گزارش نماید. ب وزارت مسکن و شهرسازی طرح جامع اسکان جمعیت در مناطق ساحلی دریای خزر را برپایه مطالعات طرح منطقه‌ای به منظور تامین اراضی کافی همراه با ضوابط خاص احداث ساختمان در آنها تا آخر سال ۱۳۷۱ تهیه و به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری برساند. ج وزارت مسکن و شهرسازی ضمن تهیه طرح جامع اسکان جمعیت در مناطق ساحلی دریای خزر با استفاده از آخرین مطالعات ضوابط و مقررات دایمی استفاده از زمینهای واقع در معرض خطر بالا آمدن آب دریای خزر را قبل از پایان سال ۱۳۷۱ برای بررسی شورای عالی تهیه نماید و تا آن تاریخ ضوابط و مقررات ذیل لازم الاجرا است ۱- از تاریخ این اصلاحی احداث هر نوع ساختمان غیر از سازه‌های سبک و موقت برای استفاده فصلی از دریا و نظایر آن در تمام اراضی ساحلی دریای خزر بدون رعایت تراز از حداقل ۲۴ برای معیار و محوطه‌ها و احداث کلیه ساختمانهای امدادی درمانی ادارات اصلی شهر و منطقه، تاسیسات آب و برق و مخابرات و همچنین هرگونه تاسیسات و تجهیزات و ساختمانهای خدماتی که توقف و تعطیل کار و خدمات آنها برای شهر قابل تحمل نبوده و امکان جایگزینی سریع آنها در صورت محاصره شدن در آب نباشد در زیر تراز (۲۲-) ممنوع است فهرست کامل ساختمانهای ممنوع در زیر تراز (۲۲-) مشترکا توسط وزارتین مسکن و شهرسازی و کشور ظرف مدت یکماه تهیه و اعلام خواهد گردید. تبصره - احداث پروژه‌های خاص مثل هتل و تاسیسات توریستی و مجموعه‌سازیه با استفاده از سازه‌های مقاوم در برابر آب با رعایت تراز ۲۴- برای دسترسی‌ها در اراضی زیر تراز ۲۴- مجاز است مشروط بر اینکه طرح شهرسازی آنها حسب مورد به تصویب کمیسیون ماده ۵ یا مرجع تصویب طرح هادی و یا مراجع مسئول صدور پروانه و نظارت در خارج از محدوده حریم شهرها برسد. ۲- لازم است شهرداریها و مراجع مسئول خارج از محدوده و حریم شهرها با همکاری سازمان نقشه برداری کشور ترازهای (۲۴-) و (۲۲-) را در روی زمین به تعداد کافی علامت گذاری کرده و برای تعیین رقوم دسترسی به ساختمانها در صدور

پروانه‌های ساختمانی مفاد این مصوبه را رعایت کنند وزارت مسکن و شهرسازی هزینه علامت گذاری داخل شهرها را پرداخت خواهد نمود. ۳- رعایت مفاد مصوبه در تهیه طرحهای جامع و تفصیلی و هادی شهری و روستایی الزامی است و در مورد طرحهای جامع و تفصیلی و هادی شهری و روستایی قبلی با توجه به قرار گرفتن بخشی از شبکه ارتباطی و محوطه ها در خارج از تراز (۲۴-) و ضرورت جایگزینی آنها در بالای تراز (۲۴-) و همچنین انتقال کاربری های که نباید زیر تراز (۲۲-) اصلاحات لازم بایستی به عمل آمده و به تصویب مراجع ذیربط برسد. تبصره - دستگاههای مسئول تهیه طرحهای هادی روستایی تا آخر ۷۰ طرحهای هادی روستاهای مشمول این مصوبه را تهیه خواهند نمود. د- از آنجا که در کنار اجرای این مصوبه هرچه سریعتر طرح ساحل سازی توسط وزارت نیرو نیز ضرورت دارد از هیات محترم دولت درخواست می شود در تامین اعتبارات مطابق برنامه زمانبندی پیشنهاد شده توسط وزارت نیرو اقدام گردد. (فهرست ساختمانهایی ممنوع در زیر تراز ۲۲- اراضی ساحلی دریای خزر که به موجب بند ۱ قسمت ج این ضوابط تهیه شده پیوست این مجموعه است .

ضوابط و نحوه تعیین عرض بستر و حریم رودخانه ، انبار و مسیلهای واقع در شهرها و حریم استحقاقی آنها - م

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه مورخ ۷/۵/۷۰ موارد زیر را تصویب نمود. ۱- وزارت نیرو حجم سیلاب رودخانه‌ها ، انبار و مسیلهای واقع در شهرها و محدوده استحقاقی آنها را در دوره‌های تناوب ۲۰ ، ۲۵ ، ۵۰ ، ۱۰۰ ساله ، در نقاط ورود به شهر تعیین و برای استفاده در مطالعات طرحهای جامع و تفصیلی و هادی حسب درخواست در اختیار وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی و کشور قرار خواهد داد. تبصره ۱- در مواردی که به دلیل اهمیت مسئله بررسی دوره‌های تناوب دیگری نیز مورد نیاز باشد وزارت نیرو حجم سیلابات مربوطه را نیز اعلام خواهد نمود. تبصره ۲- در صورتی که در طرحهای هادی وزارت کشور علاوه بر نقطه ورودی متقاضی تعیین دبی سیلاب و بستر طبیعی در نقاط مهم دیگری از رودخانه باشد وزارت نیرو اعلام خواهد نمود. ۲- عرض بستر طبیعی و حریم و در موارد لازم روشهای تقلیل عرض بستر طبیعی با استفاده از سازه‌های مناسب روباز یا سرپوشیده برحسب دوره های تناوب مختلف در طرحهای جامع و تفصیلی و هادی با تایید وزارت نیرو مشخص می گردد و ضوابط نحوه استفاده از زمین و احداث ساختمان طبق شرح خدمات و روش انجام مطالعات که ظرف ۴ ماه از طرف وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و ابلاغ خواهد گردید پیشنهاد خواهد شد. ۳- مراجع تصویب طرحهای جامع و تفصیلی و هادی بر اساس مطالعات انجام شده موضوع بند ۲ عرض بستر و حریم و ضوابط استفاده از زمین و احداث ساختمان را تصویب خواهد نمود. ۴- اعمال ضوابط این مصوبه در طرحهای جامع و تفصیلی و هادی که بعد از این تاریخ تصویب شود لازم بوده و در سایر شهرها به ترتیب اولیاتی که وزارت نیرو پیشنهاد نماید صورت خواهد گرفت و تا قبل از آن تاریخ ضوابطی که قبلا از طرف وزارت نیرو اعلام شده به قوت خود باقی است

نحوه بررسی و تصویب طرحهای جامع شهری - مصوب ۱/۴/۷۱

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه مورخ ۱/۴/۷۱ مراحل مختلف بررسی و تصویب طرحهای جامع شهر را به استناد بند ۱ ماده ۴ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به شرح زیر تصویب نمود. (۱- الف بررسی طرح در شورای شهرسازی استان حداکثر ظرف یکماه و ارسال گزارش بررسی به دبیرخانه شورای عالی تبصره - در صورتیکه شورای شهرسازی استان انجام تغییرات و اصلاحاتی را پیشنهاد نماید. زمان انجام آن را نیز تعیین خواهد نمود. بدیهی است در این صورت مهلت شورای شهرسازی استان برای بررسی مجدد طرح و رسیدگی به تغییرات و اصلاحات یک ماه از تاریخ تحویل مجدد طرح خواهد بود ولی به هر حال بررسی طرح در شورای شهرسازی استان جمعا نباید از دو ماه تجاوز نماید. (۱- ب - بررسی طرح در کمیته‌های فنی زیر و

گزارش نتایج بررسیها توسط دبیرخانه شورایعالی شهرسازی و معماری ایران (۱- ب - ۱) کمیته فنی کالبدی متشکل از نمایندگان وزارت کشور و وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی (میراث فرهنگی سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت نیرو، وزارت کشاورزی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان برنامه و بودجه (حداکثر ۳ جلسه (۱ - ب - ۲) کمیته فنی اجتماعی - اقتصادی متشکل از نمایندگان سازمان برنامه و بودجه، وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت کشاورزی، وزارت جهاد سازندگی، وزارت کشور و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱- ب - ۳) کمیته فنی ضوابط و مقررات متشکل از نمایندگان وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی (میراث فرهنگی حداکثر ۳ جلسه (۱ - ج - ۱) استماع گزارش دبیرخانه از تلفیق نظرات کمیته‌ها، مذاکره نهایی و رای گیری برای تصویب توسط شورایعالی شهرسازی و معماری ایران ۲- مراحل بررسی و تصویب طرح جامع شهرها با جمعیت کمتر از ۲۰۰ هزار نفر طبق مصوبه مورخ ۱۲/۶/۶۹ شورایعالی (۲ - الف بررسی طرح در کمیته‌های فنی متشکل از نمایندگان اعضا شورای شهرسازی استان، با ترکیب و مدت پیش‌بینی شده در بند ۱ - ب این مصوبه و گزارش نتایج بررسیها توسط اداره کل مسکن و شهرسازی به شورای شهرسازی استان (۲ - ب استماع گزارش اداره کل مسکن و شهرسازی، مذاکره نهایی و رای گیری برای اتخاذ تصمیم توسط شورای شهرسازی استان (۲- ج ارائه گزارش شورای شهرسازی استان به شورایعالی شهرسازی و معماری توسط دبیرخانه شورایعالی شهرسازی و معماری حداکثر ظرف یک ماه برای تصویب شورایعالی ۴- مصوبه مورخ ۲/۲/۶۹ مربوط به شهرهای واقع در استانهای جنگزده از این تاریخ لغو می‌گردد و در این تاریخ لغو می‌گردد و در این راستا نیز حسب مورد به یکی از دو روش مربوط به شهرهای کمتر یا بیشتر از ۲۰۰ هزار نفر عمل خواهد شد.

ضوابط شهرسازی و معماری در ارتباط با قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها - مصوب

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه مورخ ۱۶/۶/۷۱ ضوابط شهرسازی و معماری در ارتباط با قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها مصوب ۲۹/۹/۶۷ مجلس شورای اسلامی را به طرح زیر تصویب نمود: شهرداریها موظفند در تمام کاربری‌های طرحهای جامع و تفصیلی و هادی اعم از مسکونی، تجاری و خدماتی طبق ضوابط و مقررات طرحهای مزبور برای مالکینی که متقاضی احداث ساختمان مطابق با کاربریهای مصوب هستند پروانه ساختمان صادر نمایند مگر اینکه اجرای طرحهای دولتی یا طرحهای شهرداریها توسط دستگاههای ذیربط در املاک مالکین مزبور اعلام شده باشد که در این صورت با توجه به قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها به ترتیب زیر عمل خواهد شد: ۱- در صورت اعلام نظر دستگاه اجرایی مبنی بر تصمیم به اجرای طرح ظرف ۱۸ ماه مقرر در قانون و موکول کردن آن به آینده خواه قبل و خواه بعد از ده سال یا انقضای مهلت ۱۸ ماه مقرر در قانون، در مناطق مسکونی و تجاری اجازه احداث یا تجدید بنا و افزایش ساختمان مسکونی با رعایت ضوابط مربوط به تعداد طبقات و سطح اشغال و تراکم مجاز، حداکثر ۱۵۰ متر مربع در کل زیربنا داده شود. تبصره ۱- در صورتی که اجرای طرح به قبل از ده سال موکول شده باشد، تعهد لازم مبنی بر عدم مطالبه هزینه احداث و تجدید بنا مطابق تبصره ۱ قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها از مالک اخذ خواهد گردید. تبصره ۲- در صورت تعدد مالکین مشاع بر اساس اسناد مالکیت مربوط به قبل از تصویب قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها (۲۹/۹/۶۷) به هر یک از مالکین احداث یک واحد مسکونی به مساحت حداکثر ۱۵۰ متر مربع اجازه داده می‌شود مشروط بر اینکه در مجموع از تراکم ساختمان مجاز منطقه بیشتر نباشد و ضوابط مربوط به تعداد طبقات و سطح اشغال رعایت شود.

ضوابط مربوط به تعیین مقدار زمین مورد نیاز موسسات آموزش عالی - مصوب ۲۳/۶/۷۱

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در تاریخ ۲۳/۶/۷۱ ضوابط مربوط به تعیین مقدار زمین مورد نیاز موسسات آموزش عالی را به شرح زیر تصویب نمود: ۱- زمین مورد نیاز موسسات آموزش عالی شامل فضاهای آموزشی، کمک آموزشی، فضاهای خدماتی و فوق برنامه، خدمات پشتوانه ای، فضاهای باز و سبز و درختکار و ورزشی، با توجه به امکانات موجود در شهرهای مختلف کشور به شرح زیر تعیین می گردد. ۱-۱- در داخل محدوده ساخته شده کلیه شهرها و محدوده توسعه آتی شهرهای مشهد - اصفهان - تبریز و شیراز ۷۰ متر مربع به ازای هر دانشجو. ۱-۲- داخل محدوده توسعه آتی شهرها (به جز شهرهای مشهد - اصفهان - تبریز و شیراز) ۱۰۰ متر مربع به ازای هر دانشجو. تبصره ۱- در مواردی که خوابگاههای دانشجویی و منازل سازمانی بنا به تشخیص شورای گسترش آموزش عالی در داخل محوطه دانشگاه پیش بینی شود در مورد بند ۱-۲، ۵۰ مترمربع به سرانه های این بند اضافه خواهد شد. تبصره ۲- این ارقام سرانه موضوع این بند شامل زمینهای مورد نیاز برای مزارع نمونه و تحقیقاتی دانشکدههای کشاورزی و منابع طبیعی و دامپزشکی نمی باشد. ۲- تعیین کاربری آموزش عالی در طرحهای جامع و هادی متناسب با تعداد دانشجویان در ۱۰ سال بعد بر اساس درخواست وزارت فرهنگ و آموزش عالی و متناسب با مصوبات شورای گسترش آموزش عالی خواهد بود. ۳- سطوحی که طبق سرانه های این مصوب تخصیص یابد تا زمانی که تحت اشغال ساختمان درنیامده باید متناسب با برنامه اجرایی پروژه تحت پوشش فضای سبز در آید. ۴- طرح موسسات آموزش عالی به صورت شهرها یا شهرکهای مستقل دانشگاهی در خارج از محدوده استحفاظی شهرها باید به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران برسد. ۵- چنانچه در دانشگاههای علوم پزشکی، ایجاد بیمارستان در داخل محوطه دانشگاه پیش بینی شود ۲۰ هکتار برای احداث یک بیمارستان ۵۴۰ تختخوابی قابل توسعه تا ۷۲۰ تخت و یک کلینیک دندانپزشکی به سطح مورد نیاز اضافه خواهد شد. ۶- در کلیه زمینهای واگذاری قبلی، سطوح مازاد بر سرانه های این مصوبه باید با تصویب کمیسیون ماده ۵ یا شورای عالی به کاربری های لازم شهر اختصاص یابد. ۷- ضوابط مربوط به تعیین سطوح مورد نیاز دانشگاه پیام نور و مراکز تحقیقاتی و پژوهشی تکمیلی توسط وزارت فرهنگ و آموزش عالی پیشنهاد و به تصویب شورای عالی شهرسازی خواهد رسید.

مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص نحوه بررسی طرحهای جامع شهرهای مرکز استان با جمعیت ک

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه مورخ ۵/۴/۷۴ مقرر نمود که طرحهای جامع شهرهای مرکز استان که جمعیت آن ها کمتر از ۲۰۰۰۰۰ نفر است از شمول نحوه بررسی و تصویب موضوع مصوبه مورخ ۴۲/۶/۶۹ شورای عالی مستثنی و تابع نحوه بررسی و تصویب شهرهای با جمعیت بیش از ۲۰۰۰۰۰ نفر شود

مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص نحوه بررسی و تصویب طرحهای جامع شهرستان - مصوب ۱/۸

سازمان مسکن و شهرسازی استانها.... (کلیه استانها) شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه مورخ ۱/۸/۷۴ نحوه بررسی و تصویب طرحهای جامع شهرستان را به شرح زیر تعیین نمود: الف - کلیه طرحهای جامع شهرستانهایی که ۱- شهرهای مراکز استانها در آنها واقعند، ۲- شهر مرکز آنها بر اساس آخرین سرشماری عمومی بیش از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارد. ۳- جمعیت آنها بر اساس آخرین سرشماری عمومی بیش از ۴۰۰ هزار نفر است جهت بررسی و تصویب در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مطرح شود. بررسی این طرحها در کمیته فنی شورای عالی حداکثر طی ۵ جلسه انجام و نتیجه آن به شورای عالی گزارش خواهد شد.

ب - نتیجه بررسی سایر طرحهای جامع شهرستان ، پس از طرح در کمیته فنی شورای شهرسازی استانها و اعلام نظر شوراهای مذکور ، جهت تصویب نهایی به شورایعالی شهرسازی و معماری ایران گزارش شود. مدت بررسی این طرحها در کمیته فنی شورای شهرسازی استان نیز حداکثر ۵ جلسه است اعضا شورایعالی اسامی شهرستان هایی را که مایلند نماینده آنها نیز در جلسه شورای شهرسازی استان شرکت نمایند به وزارت مسکن و شهرسازی ارسال خواهند نمود تا از آن جا جهت شرکت در جلسه دعوت به عمل آید.

مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص ضوابط جلوگیری از افزایش محدوده شهرها - مصوب ۱۰/۸/۱۳

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران علاوه بر وظیفه اظهارنظر درباره لوایح و آیین نامه های شهرسازی عهده دار تصویب طرحهای توسعه و عمران در مقیاسهای ملی ، منطقه‌ای ، ناحیه‌ای و محل و بررسی و تصویب ضوابط و مقررات شهرسازی است که به خصوص در بند ۴ ماده ۲ قانون تاسیس شورایعالی مذکور تصریح شده است اینگونه ضوابط که با هدف فراهم شدن موازین اجرایی و قانونی توسعه موزون و هماهنگ کالبدی کشور تهیه می‌شوند با توجه به دامنه شمول (شهر ، ناحیه ، منطقه ، کشور) و تاثیرگذاری وسیع آنها بر توسعه و عمران کشور ، یکی از پایه‌های اصلی نظام طرح ریزی و کنترل توسعه کالبدی کشور می‌باشند. در سالهای اخیر گسترش تدریجی محدوده مصوب شهرها در شرایطی روی داده که جمعیت واقعی شهرها در افق طرحهای جامع یا هادی و یا در مقاطع زمانی معین ، از رقم جمعیت پیش بینی شده برای آنها در طرحهای مذکور در همان مقاطع با اختلاف قابل ملاحظه‌ای کمتر بود. مقایسه جمعیت چند شهر بزرگ و کوچک که به صورت اتفاقی هم انتخاب شدند نشان داد که این امر قابل تعمیم به وضعیت قریب به اتفاق شهرهای کشور است و قطع نظر از عوامل به وجود آورنده ، نشان‌دهنده عدم تحقق تراکمهای پیش‌بینی شد در طرح و توان جمعیت پذیری شهر حتی تا سالهایی دورتر از افق طرحهاست در چنین مواردی گسترش محدوده شهرها حتی پس از پایان یافتن دوره اجرایی ده ساله آنها نیز منطقی نبوده و حاصلی جز تشدید تخریب اراضی کشاورزی و باغات پیرامون شهرها ، تحمیل هزینه های گزاف به دستگاههای مسیول تامین خدمات شهری و در نتیجه دشوارتر شدن مدیریت شهری و عدم ارایه خدمات مطلوب و مناسب به شهروندان و بالاخره پراکنده سازی و زشت شدن سیما و منظر شهرها ندارد. با توجه به موارد فوق و بررسیهای انجام شده مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه ۱۰/۸/۱۳۷۸ به شرح زیر جهت اجرا ابلاغ می‌شود: ۱- از تاریخ تصویب این مصوبه ، هرگونه افزایش در محدوده مصوب طرحهای هادی و جامع شهری تا زمانی که تراکم ناخالص جمعیتی (یعنی نسبت جمعیت به سطح مصوب در محدوده فعلی طرح (یعنی محدوده طرح مصوب به اضافه کلیه تغییرات احتمالی قانونی و مصوب بعدی تا این تاریخ بر اساس طرحهای مصوب تحقق پیدا نکرده باشد. تبصره - آن دسته از پیشنهادات مربوطه به افزایش محدوده شهرها که تا این تاریخ به دبیرخانه شورایعالی شهرسازی و معماری ایران و اصل و درنوبت دستور کار شورای عالی قرار گرفته است مشمول مفاد این مصوبه نبوده و بررسی های کارشناسی لازم جهت طرح در شورایعالی در مورد آنها به عمل خواهد آمد. ۲- دستگاههای ذیربط موظفند برای ارتقا و شرایط زندگی در محله‌های مرکزی و قدیمی شهرها و به وجود آمدن امکان عرضه بیشتر و به موقع زمین در بخشهای مذکور ، پس از تعیین حدود مناطق مشمول بهسازی ، بازسازی ، و نوسازی در طرحهای جامع شهری ، بلافاصله طرحهای تفصیلی موضعی و طراحی شهری لازم برای این مناطق را با حفظ هویت و رعایت اصول معماری و شهرسازی بومی شهر تهیه و به تصویب کمیسیون ماده ۵ استان مربوطه برسانند ، در مورد بافتهای با ارزش تاریخی لازم است پیش از طرح در کمیسیون ماده ۵ طرحهای مذکور به تایید سازمان میراث فرهنگی برسد. ۳- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است در جهت هدایت اصولی افزایش تراکم ناخالص شهری بعنوان یکی از ابزارهای مورد نیاز این مصوبه ضوابط بلند مرتبه سازی و مکانیابی آن برحسب اولویت و ضرورت در شهرها با همکاری شهرداریها ، مطالعه و تهیه نماید و برای طی مراحل تصویب

و اجرا ارایه نماید. ۴- هرگونه تفکیک زمین و واگذاری آن برای امر مسکن به افراد، شرکت‌های تعاونی یا ارگان‌های دولتی و غیردولتی و نهادها در داخل حریم و محدوده استحفاظی شهرها ممنوع می‌باشد. ۵- قبول تقاضاهای مربوط به افزایش محدوده طرح‌های مصوب اعم از اینکه از طریق سازمانها، اشخاص یا شرکت‌های تعاونی و غیره درخواست شده باشد توسط شهرداریها و سایر اعضا کمیسیون ماده ۵ و طرح این تقاضاها در کمیسیونهای مذکور و شوراهای شهرسازی استانها تا حصول به شرایط تعیین شده در این مصوبه ممنوع می‌باشد. ۶- تغییر کاربری اراضی زراعی و باغات دارای کاربری کشاورزی و باغداری در طرح‌های مصوب شهری و تبدیل جنگلها به کاربریهای شهری ممنوع است ۷- صدور هرگونه مجوز تفکیک و پروانه احداث بنا برای اراضی زراعی و باغات واقع در حاشیه شهرها که در طرح‌های مصوب شهری دارای کاربری مسکونی هستند، تا قبل از اینکه تراکم ناخالص جمعیتی در بقیه اراضی شهری به تراکم ناخالص پیش بینی شده در طرح مصوب نرسیده باشد ممنوع است ۸- به منظور جلوگیری از گسترش بی رویه شهرها و حفظ باغات و اراضی زراعی و زمینهای باقابلیت کشاورزی و جنگلها در پیرامون شهرهای کشور و رعایت دقیق موضوع این مصوبه، از تاریخ تصویب این مقررات دستگاههای تهیه کننده طرح‌های توسعه شهری موظفند در تجدیدنظر و یا تهیه طرح‌های جامع و هادی شهرها، نقشه منطقه بندی و استفاده از زمین در محدوده استحفاظی و حریم تعیین شده در طرح‌های مذکور را با حفظ اراضی کشاورزی و باغات و جنگل‌های موجود و همچنین حفظ و حراست از حرایم راه‌های عبوری بین شهری و رعایت محدوده‌های مناطق چهارگانه محیط زیست و تعیین کاربریهای عمده و تاسیسات و تجهیزات مورد نیاز در مقیاس شهری و ناحیه‌ای که می‌توانند در حریم شهر مستقر شوند و کمر بند سبز، تهیه و برای تصویب به شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و سایر مراجع ذیربط ارایه نمایند. ۹- دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران موظف است مفاد این مصوبه را برای اطلاع عمومی در دو روزنامه کثیرالانتشار درج نماید. در خاتمه از جنابعالی به عنوان رییس شورای شهرسازی استان و کمیسیون موضوع ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران با توجه به نقش موثر و خطیری که در نظارت عالی بر توسعه موزون و هماهنگ استان بعهدہ دارید درخواست می‌شود تا ضمن ابلاغ مراتب به کلیه مراجع ذیربط ترتیبی اتخاذ فرمایید که مردم، مسئولین و شهرداری های استان با مفاد این مصوبه آشنا شوند و بر رعایت کامل آن که ضامن تحقق حقوق شهروندی در جهت تامین آسایش، نظم و زیبایی شهرهاست نظارت دقیق به عمل آید.

اراضی و املاک

آیین نامه مربوط به استفاده از اراضی احداث بنا و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها - مصوب ۲۷/۲/۱۳۵۵ هیات وزیران با اصلاحیه‌های بعدی

فصل اول - کلیات و تعاریف (ماده ۱ تا ۳)

آیین نامه مربوط به استفاده از اراضی احداث بنا و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها - مصوب ۲۷/۲/۱۳۵۵ هیات وزیران با اصلاحیه‌های بعدی ماده ۱- از لحاظ اجرای مقررات مندرج در این آیین نامه کلمات و عبارات محدوده قانونی حریم شهر (محدوده استحفاظی یا نفوذی در مفاهیم زیر بکار رفته است ۱- محدوده قانونی در شهرهایی که طرح جامع یا طرح هادی برای آنها تهیه و بتصویب مراجع ذیربط رسیده باشد شامل محدوده خدماتی باضافه محدوده توسعه آینده شهر که در طرح جامع یا هادی منظور گردیده است خواهد بود مگر اینکه حدود حوزه شهرداری تعیین شده طبق ماده ۲ قانون شهرداری وسیعتر از آن باشد که در این صورت محدوده اخیرالذکر محدوده قانونی شناخته می‌شود در مورد سایر شهرها محدوده قانونی همان حدود

حوزه شهرداری است که طبق ماده ۲ قانون شهرداری تعیین می‌گردد. ۲- در شهرهاییکه طرح جامع یا هادی برای آنها تهیه و بتصویب مراجع ذیربط رسیده و در طرحهای مذکور محدوده استحفاظی یا نفوذی مشخص گردیده است حریم شهر همان محدوده استحفاظی یا نفوذی است و در مورد شهرهایی که فاقد طرح جامع یا هادی بوده و یا محدوده استحفاظی یا نفوذی در طرحهای مذکور تعیین نشده باشد حریم شهر بر اساس ماده ۹۹ الحاقی به قانون شهرداری تعیین می‌گردد. ماده ۲- ساختمانها و تاسیساتی که در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها ایجاد می‌گردد به یکی از دو صورت زیر خواهد بود: الف- شهرک به محلی اطلاق می‌شود که در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها با حداقل ۵۰۰ قطعه زمین برای احداث واحدهای مسکونی بصورت مستقل یا آپارتمانی قابل تملک شخصی باضافه ساختمانها و تاسیسات مورد نیاز عمومی و اجتماعی سکنه بصورت مجتمع برای سکونت و تامین نیازهای عمومی و اجتماعی و رفاهی شاغلین بخشهای مختلف اقتصادی و اجتماعی یک منطقه یا به منظور رفع کمبود مسکن و جلوگیری از توسعه بی تناسب شهرهای مجاور و یا بصورت مراکز تفریحی جهت استفاده مردم یک منطقه یا مردم سراسر کشور بوجود آمده امور آن بوسیله هیاتی که توسط ساکنان و مالکان انتخاب می‌شوند و با خودیاری ساکنان و مالکان اداره می‌شود. ب- غیر شهرک به ساختمانها و تاسیساتی اطلاق می‌شود که برای تامین نیازمندیهای عمومی، اقتصادی، تجاری، اجتماعی، بهداشتی، تفریحی، آموزشی و نظایر آن در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها ایجاد گردد. در صورتی که ساختمانهای دیگری نیز باقتضای نوع فعالیت در مجاورت تاسیسات مذکور ایجاد شود واحد علیحده محسوب نمی‌شود و از نظر ثبتی قابل تجزیه و تفکیک نیست ماده ۳- تفکیک و تقسیم اراضی واقع در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها به قطعات کمتر از بیست هکتار تابع ضوابط و ترتیبات زیر می‌باشد: الف- در مورد اراضی شهرکها تشریفات و ضوابط مقرر در فصل سوم این آیین نامه باید انجام گردد. ب- در مورد اراضی غیر شهرک تفکیک تحت شرایط و ترتیبات زیر مجاز خواهد بود: ۱- هدف از تفکیک، اجرای طرح مشخصی باشد که طبق مقررات مربوط مورد موافقت مراجع ذیربط قرار گرفته باشد. ۲- مساحت قطعات تفکیکی معادل و متناسب با اجرای طرح مورد نظر باشد. ۳- انجام عملیات ساختمانی یا تاسیساتی طرح در زمین مورد نظر امکان پذیر باشد و مغایرتی با ضوابط مقرر در ماده ۴ این آیین نامه نداشته باشد. ۴- اعلام نظر وزارت کشاورزی و منابع طبیعی یا واحدهای تابع آن وزارت که اختیارات لازم بآنها تفویض شده باشد مبنی بر عدم قابلیت تولید زراعی اراضی و اقتصادی نبودن بهره‌وری کشاورزی از زمین مورد نظر و مناسب بودن آن برای اجرای طرح نسبت به اراضی دیگر همان حوزه کشاورزی ۵- تقاضا و نقشه تفکیکی ضمن رعایت کلیه شرایط بالا- مورد تصویب مراجعی که در حوزه هراستان اختیار صدور پروانه‌های ساختمانی را در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها دارند قرار گرفته باشد. تبصره ۱- ادارات ثبت مجاز نخواهند بود هیچ نوع تقاضای تفکیکی را به قطعات کوچکتر از بیست هکتار قبل از اینکه مورد تصویب مراجع فوق قرار گرفته و ابلاغ شود بپذیرند و نسبت به آن اقدام کنند. تبصره ۲- در محدوده مسکونی روستاها صدور اجازه تفکیک با رعایت قوانین جاری کشور و در حدود نیازهای سکونتی و اجتماعی روستا بعهدہ وزارت تعاون و امور روستاها یا واحدهای تابعه آن وزارت که اختیارات لازم بآنها تفویض شده باشد خواهد بود.

فصل دوم - ایجاد ساختمانها و تاسیسات غیر شهرک (ماده ۴ تا ۱۰)

ماده ۴- ایجاد هرگونه ساختمان و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها مستلزم رعایت ضوابط عمومی زیر است ۱- رعایت حریم نسبت به راهها، دریا، رودخانه، جنگلها، دریاچهها، تالابها، نهرهای عمومی، قنوات و چاهها، مسیلها، خطوط و پایه‌های انتقال نیروی برق، خطوط و پایه‌ها و تاسیسات مخابراتی، پلها و تونلهای واقع در مسیر راهها یا تاسیسات عمرانی، لوله‌های انتقال نفت و گاز، سدها و کانالها و شبکه‌های آبیاری، خطوط و لوله‌های آبرسانی، تاسیسات نظامی و انتظامی و امنیتی و

مرزی ، تصفیه‌خانه‌های آب و فاضلاب ، سیل‌بندها و سیل‌گیرها و سایر تاسیسات عمومی و عمرانی و ابنیه و آثار تاریخی و همچنین رعایت ضوابط مقرر توسط مراجع ذیربط در مورد بهداشت عمومی و بهسازی و حفاظت محیط زیست ۲ - مدخل هر ساختمان باید در گذرگاهی باشد که لا اقل ۸ متر عرض داشته و این گذرگاه در هر حال باید با شبکه معابر عمومی ارتباط داشته باشد. ۳ - رعایت قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درخت در مورد اراضی مشجر و باغات و ضوابط مربوط به قانون مذکور و آیین نامه های مربوط به آن ۴ - منظور داشتن حداقل ۷۵ درصد از مساحت زمین بصورت فضای باز و در صورتیکه ساختمان بیش از یک طبقه باشد عدم تجاوز مساحت کل زیربنای ساختمان از ۵۰ درصد مساحت زمین ۵ - ارایه طرحی که بتصویب مراجع ذیربط دولتی رسیده باشد و در مواردیکه مرجع مشخصی برای تصویب طرح وجود ندارد تایید مراجع مقرر در ماده ۶ این آیین نامه . ۶ - اخذ پروانه ساختمان با رعایت ماده ۶ این آیین نامه و رعایت مشخصات مندرج در پروانه مذکور. تبصره ۱ - ضوابط مذکور در بند ۱ این ماده در صورتی لازم‌الرعایه خواهد بود که آن ضوابط بموجب مقررات قانونی وضع و اعلام شده باشد و یا از طرف سازمانهای ذیربط در حدود قانون به مراجع صادرکننده پروانه ابلاغ گردیده باشد. تبصره ۲ - دستورالعمل طرز اجرای بند ۶ این ماده توسط وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت کشور تهیه و ابلاغ خواهد شد. تبصره ۳ - در محلهایی که طرح جامع منطقه‌ای یا ناحیه‌ای برای آنها تهیه گردیده و بتصویب مراجع مقرر در قوانین مربوط برسد و یا بعنوان قطب کشاورزی یا صنعتی تعیین شود هرگاه ضوابط مشخصی در طرح‌های فوق‌الذکر از لحاظ تفکیک اراضی و ساختمان و ایجاد تاسیسات عمومی مقرر شده باشد ضوابط مذکور در صدور پروانه ساختمان و ایجاد شهرک و صدور اجازه تفکیک ملحوظ خواهد گردید. «الحاقی ۵/۱۱/۱۳۷۳:

وزارت مسکن و شهرسازی موظف است طرح‌های منطقه‌ای یا ناحیه‌ای را در محدوده یک ناحیه شامل یک یا چند شهرستان ، تحت عنوان طرح‌های توسعه و عمران جامع ناحیه‌ای ، به همراه طرح جامع شهرهای مراکز شهرستانهای مشمول ناحیه را برای یک دوره بیست ساله تهیه و کاربریهای اراضی و ضوابط و مقررات تفکیک زمین و احداث بنا را در محدوده شهرستان یا شهرستانهای مذکور تعیین و برای تصویب به شورای عالی شهرسازی و معماری ایران پیشنهاد نماید. رعایت کلیه ضوابط مقرر در طرح‌های توسعه و عمران (جامع ناحیه‌ای مصوب و ضوابط زیست محیطی در تهیه و اجرای طرح‌های جامع و هادی کلیه شهرهای واقع در ناحیه مشمول طرح‌های توسعه و عمران مذکور یا احداث شهر و شهرکهای جدید همچنین استفاده از اراضی واحداث بنا و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرهای واقع در ناحیه یاد شده ضروری است تغییرات طرح‌های منطقه‌ای پس از بررسی کارشناسی در وزارت مسکن و شهرسازی به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری رسیده و تغییرات طرح‌های ناحیه‌ای پس از بررسی کارشناسی توسط سازمان مسکن و شهرسازی استان در صورتی که مغایر با اساس طرح نباشد به تصویب کمیسیون ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری با حضور نماینده وزارت نیرو می‌رسد و در صورت وجود مغایرت اساسی باید به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری برسد. یک نسخه از مدارک فنی طرح‌ها شامل مطالعات و نقشه‌ها و تغییرات آنها در دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در وزارت مسکن و شهرسازی و یک نسخه دیگر از آنها در دبیرخانه کمیسیون ماده (۵) در سازمان مسکن و شهرسازی استانها نگهداری خواهد شد. سازمانهای مسکن و شهرسازی وظیفه دارند عملکردها را با طرح‌های مصوب تطبیق و موارد تخلف را به استانداری‌ها و وزارت مسکن و شهرسازی گزارش نمایند. رعایت بند ۳ تبصره ۷۲ قانون برنامه دوم در طرح‌های فوق‌الذکر ضروری است همچنین احداث شهرها و شهرکهای جدید در مناطق چهارگانه سازمان حفاظت محیط زیست ممنوع است تبصره ۴ - حریم مذکور در بند (۱) این ماده نسبت به راهها ، به عنوان نوار حفاظتی که احداث هرگونه ساختمان و تاسیسات در آن ممنوع می‌باشد عبارتست از: تا عمق (۱۵۰) متر از منتهی‌الیه حریم قانونی راه در طرفین ورودی کلیه راه‌های بین شهری به طول (۵) تا (۲۰) کیلومتر از انتهای محدوده استحقاقی هر شهر ، مناطق حساسی که در بقیه طول راه ممکن است در معرض ساخت و ساز قرار گیرند به تشخیص کمیسیون موضوع ماده (۱۳) این آیین نامه و تا عمق (۱۵۰) متر در طرفین تمام طول

جاده‌های کمربندی که خارج از محدوده استحفاظی شهرها واقع می‌گردند. رعایت مقررات مربوط به حریم قانونی راهها در تمام موارد الزامی است تعیین طول مناسب نوار حفاظتی هریک از راههای بین شهری بر حسب اهمیت و قابلیت توسعه شهر و همچنین تعیین حدود نوار حفاظتی در بقیه طول راهها که مشمول ممنوعیت احداث هرگونه ساختمان و تاسیسات قرار می‌گیرند، بر عهده کمیسیون موضوع ماده (۱۳) این آیین نامه می‌باشد. در مواردی که ساختمانها و تاسیساتی طبق ضوابط مقرر در این آیین نامه و پس از اخذ پروانه در خارج از حدود نوار حفاظتی مزبور یا در منتهیالیه حریم قانونی در بقیه طول راهها ساخته می‌شوند، لازم است نقشه چگونگی دسترسی آنها به خطوط مواصلاتی به تایید وزارت راه و ترابری برسد. ایجاد خطوط و پایه‌های انتقال نیروی برق و شبکه‌های مخابراتی، پلها و تونلهای واقع در مسیر راهها، لوله‌های انتقال نفت و گاز و کانالها و شبکه‌های آبیاری، خطوط و لوله‌های آبرسانی، سیل‌بندها و سیل‌گیرها بعد از حریم راهها از شمول این آیین نامه مستثنی و تابع قوانین و مقررات مربوط، می‌باشد. ماده ۵- در اراضی خارج از محدوده قطبهای کشاورزی که مساحت آن پنجهزار متر مربع یا بیشتر باشد ایجاد ساختمان در حدود احتیاجات کشاورزی و سکونت شخص مالک یا کشاورزان یا کارگران کشاورزی تا میزان حداکثر ۴ درصد مساحت زمین مشروط بر اینکه مساحت زیربنای ساختمان از ۶۰۰ متر مربع تجاوز نکند مجاز است و بدون نیاز به اجرای بند ۵ ماده ۴ این آیین نامه پروانه ساختمان صادر می‌گردد. ماده ۶- صدور پروانه ساختمان و اعمال نظارت‌های لازم برای اینکه ساختمان طبق مشخصات و شرایط و ضوابط مندرج در پروانه، بنا گردد و ضوابط مقرر در ماده (۴) این آیین نامه در مورد آنها رعایت شود، در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها بعهدہ مرجعی خواهد بود که در هر ناحیه توسط استانداری تعیین می‌گردد. مناطقی که صدور پروانه ساختمان و اعمال نظارت در آنها الزامی است به شرح زیر می‌باشند: الف- مناطق مجاور شهرهای بزرگ یا حدفاصل شهرهای نزدیک بهم که امکان توسعه و اتصال آنها به یکدیگر وجود دارد و همچنین اراضی مجاور و نزدیک به راههای مواصلاتی کشور که حدود آنها توسط کمیسیون موضوع ماده (۱۳) این آیین نامه تعیین و قبلاً از طریق انتشار آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی و مرکز، اعلام می‌گردد. ب- مناطق حساسی که در طول راهها بعد از منتهیالیه نوار حفاظتی یا حریم قانونی راه ممکن است مورد ساخت و ساز قرار گیرند و به تشخیص کمیسیون موضوع ماده (۱۳) این آیین نامه احداث بعضی از ساختمانهای مجاز در آنها مشمول صدور پروانه و نظارت ساختمانی می‌گردد. ج- مناطقی که بنا به مقتضیات محل به پیشنهاد استاندار و تصویب کمیسیون موضوع ماده (۱۳) این آیین نامه با اعلام قبلی و انتشار آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی و مرکز احداث تمام یا بعضی از انواع ساختمانها در آنها مشمول دریافت پروانه می‌گردد. د- رعایت ضوابط مقرر در بندهای (۱) تا (۳) از ماده (۴) این آیین نامه در مورد کلیه مناطق الزامی است ماده ۷- مراقبت و اعمال نظارت در رعایت ضوابط مقرر در این آیین نامه و تامین تسهیلات لازم برای انجام فعالیتهای سالم و هماهنگ ساختمانی در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها و راهنمایی و ارشاد کسانی که قصد ایجاد ساختمان و تاسیسات در این قبیل نقاط دارند و جلوگیری از تخلفات ساختمانی در حوزه هر استان یا فرمانداری کل بعهدہ استاندار یا فرماندار کل می‌باشد که با استفاده از سازمانهای دولتی واقع در حوزه استان این وظیفه را انجام دهد. ماده ۸- هرگاه در ایجاد ساختمانها و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها و در خارج از قطبهای کشاورزی رعایت ضوابط مقرر در این آیین نامه نشده باشد بطریق زیر عمل خواهد شد: ۱- بنا به تشخیص مهندسين و تکنيسين‌های ساختمانی و تاسیساتی که از طرف استاندار مأمور نظارت شده‌اند یا تقاضای کتبی سازمانهای ذیربط دولتی و یا بنا به اعلام فرمانداران و بخشداران که مورد تایید مرجع صادرکننده پروانه باشد از طرف استاندار یا فرماندار کل قرار گیرد دستور توقف عملیات ساختمانی صادر و از ادامه کار آن جلوگیری خواهد شد تا تکلیف آن طبق مقررات بند ۲ این ماده تعیین شود. ۲- اعم از اینکه عملیات ساختمانی خاتمه یافته و مورد بهره‌برداری قرار گرفته یا نگرفته و یا ساختمان و تاسیسات قبل از اتمام متوقف و از ادامه آن جلوگیری شده باشد اتخاذ تصمیم در مورد کیفیت رفتار با متخلف با توجه بقوانین و مقررات جاری کشور و تعیین نحوه بهره‌برداری یا ادامه کار ساختمان بعهدہ یک

هیات پنج نفری مرکب از نمایندگان استانداری، انجمن استان، اداره کل مسکن و شهرسازی، اداره کل کشاورزی و منابع طبیعی و اداره کل صنایع و معادن خواهد بود. در اتخاذ تصمیم هیات مذکور اکثریت سه رای موافق مناط اعتبار است تبصره - کمیسیون مکلف است حداکثر ظرف مدت دو ماه از تاریخ توقف عملیات ساختمانی و یا اعلام تخلف بموضوع رسیدگی و تصمیم خود را اعلام نماید. ماده ۹ - هرگونه ساختمان اعم از ساختمانهای مسکونی و عمومی و اجتماعی در محدوده مسکونی روستاها که در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها قرار داشته باشد تا زمانیکه از طرف وزارت تعاون و امور روستاها ضوابط و مقررات خاصی ایجاد و بموقع اجرا گذاشته نشده است تابع عرف محلی خواهد بود و تعیین محدوده مسکونی هر روستا بعهده وزارت تعاون و امور روستاها می باشد. ماده ۱۰ - ایجاد ساختمانها و تاسیسات نظامی، انتظامی، امنیتی، مرزی و همچنین ساختمانها و تاسیسات مربوط به طرحهای آب و فاضلاب و برق، لوله کشی های نفت و گاز، تاسیسات فنی مربوط به اکتشاف و استخراج نفت و گاز، خطوط ارتباطی و مخابراتی و واحدها و مجتمع های مسکونی و سایر تاسیسات متعلق به سازمانهای دولتی یا وابسته بدولت و شهرداریها در خارج از محدوده قانونی شهرها تابع پروژهها و طرح های مصوب توسط مراجع و مقامات صلاحیتدار مربوط می باشد و مقامات تهیه کننده و تصویب کننده این قبیل پروژهها و طرحها باید رعایت ضوابط عمومی ایجاد ساختمان و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی شهرها را به ترتیبی که در این آیین نامه مقرر شده است بر حسب مورد بنمایند.

فصل سوم - احداث شهرک (ماده ۱۱ تا ۱۶)

ماده ۱۱ - در مورد ایجاد شهرک رعایت ضوابط زیر الزامی است ۱ - دریافت گواهی از ادارات کشاورزی و منابع طبیعی، تعاون و امور روستاهای محل مبنی بر بلا مانع بودن استفاده از زمین و نیز گواهی شرکت های آب و برق منطقه ای از نظر وجود و یا امکان ایجاد منابع آب و برق کافی برای تامین احتیاجات شهرک ۲ - ارایه سند مالکیت بنام متقاضی ۳ - تعیین و معرفی مهندس مشاور شهرسازی و معماری مجاز مسئول، تهیه طرح و نظارت ساختمان شهرک ۴ - منظور داشتن حداقل سی درصد کل مساحت زمین موضوع طرح برای معابر عمومی و فضای سبز و میادین و تاسیسات عمومی و اجتماعی و تجهیزات شهری که غیر قابل تملک خصوصی باشد. ۵ - رعایت ضوابط مقرر در ماده ۴ این آیین نامه در هر مورد که به تشخیص وزارت مسکن و شهرسازی قابل انطباق با ضوابط شهرک سازی باشد. ماده ۱۲ - احداث شهرک مستلزم دریافت پروانه می باشد و دارنده پروانه شهرک سازی حق واگذاری یا انتقال پروانه را بدیگری ندارد مگر با موافقت وزارت مسکن و شهرسازی تبصره - ترتیب صدور پروانه تاسیس شهرک و پروانه بهره برداری از شهرک طبق دستورالعملی خواهد بود که به پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران خواهد رسید. ماده ۱۳ - بمنظور بررسی و اتخاذ تصمیم مقدماتی در مورد پیشنهادهای مربوط به احداث شهرک های جدید بر اساس مقتضیات و نیازهای منطقه و اجرای وظایف مقرر در این آیین نامه و یادستورالعمل موضوع تبصره ماده ۱۲ در مرکز هر استان کمیسیونی بریاست استاندار و شرکت مقامات زیر تشکیل می گردد و تصمیمات آن با رای اکثریت مجموع اعضا مناط اعتبار خواهد بود: ۱ - معاون استاندار در امور عمرانی که ضمناً قائم مقام استاندار در غیبت او خواهد بود. ۲ - مدیر کل مسکن و شهرسازی استان که ضمناً دبیری کمیسیون را نیز بعهده خواهد داشت ۳ - مدیر کل کشاورزی و منابع طبیعی استان ۴ - رییس دفتر مهندسی استان ۵ - رییس دفتر برنامه و بودجه استان ۶ - مدیر کل راه و ترابری استان ۷ - مسئول جهاد سازندگی استان تبصره ۱ - در استان مرکزی بجای مدیر کل مسکن و شهرسازی استان نماینده واحد شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی و بجای رییس دفتر مهندسی استان نماینده حوزه معاونت عمرانی وزارت کشور عضویت کمیسیون را خواهند داشت و در مواقع لزوم از دبیر شورای نظارت برگسترش شهر تهران نیز برای شرکت در کمیسیون دعوت بعمل خواهد آمد. تبصره ۲ - در استانهایی که شوراهای

هماهنگی و نظارت بر توسعه وجود داشته یا بعداً ایجاد شود دبیران شوراهای مذکور نیز عضویت کمیسیون را خواهند داشت تبصره ۳- در هر مورد که حضور نمایندگان سازمان حفاظت محیط زیست یا وزارت اطلاعات و جهانگردی یا هریک از سازمانهای دیگر دولتی در کمیسیون لازم و میسر تشخیص داده شود از آنها نیز دعوت بعمل خواهد آمد. ماده ۱۴- انجام عملیات مربوط به تفکیک ثبتی اراضی شهرکها منوط به اتمام عملیات زیربنایی و صدور پروانه بهره‌برداری و اجازه تفکیک می‌باشد و بر حسب مورد ممکن است عملیات اجرایی زیربنایی و صدور پروانه بهره‌برداری و اجازه تفکیک بمراحل مختلف تقسیم گردیده پس از خاتمه عملیات هر قسمت پروانه بهره‌برداری و اجازه تفکیک نسبت به آن قسمت صادر و به‌احداث کننده شهرک تسلیم شود- همچنین در مواردی که به تشخیص کمیسیون مقرر در ماده ۱۳ این آیین نامه ایجاب کند می‌توان پروانه بهره‌برداری را از لحاظ امکان تفکیک و فروش قطعات ساختمانها و اراضی قبل از اتمام عملیات اجرایی زیربنایی نسبت به هر قسمت از شهرک صادر نمود. مشروط بر اینکه از متقاضی تضمین کافی که ترتیب آن در دستورالعمل موضوع تبصره ماده ۱۲ این آیین نامه مقرر خواهد گردید برای اتمام عملیات زیربنایی قسمت‌های مذکور اخذ شود. ماده ۱۵- در مورد شهرک‌هایی که قبل از تصویب این آیین نامه شروع به احداث شده است اجازه انجام عملیات شهرسازی و ساختمانی پس از رسیدگی و تصویب پروژه شهرک توسط کمیسیون مقرر در ماده ۱۳ این آیین نامه و اخذ تضمین کافی برای تکمیل عملیات زیربنایی توسط اداره کل مسکن و شهرسازی استان مربوط صادر خواهد شد. تبصره ۱- دستورالعمل طرز اجرای این ماده و تعیین آن مقدار از ضوابط مقرر در مورد شهرک‌های جدید الاحداث که رعایت آنها در این قبیل شهرکها لازم و امکان پذیر باشد و کیفیت اخذ تضمین برای تکمیل عملیات زیربنایی با توجه به شرایط خاص هر یک از انواع این قبیل شهرکها توسط وزارت مسکن و شهرسازی تصویب و بر طبق شهرکها لازم و امکان پذیر باشد و کیفیت اخذ تضمین برای تکمیل عملیات زیربنایی با توجه به شرایط خاص هر یک از انواع این قبیل شهرکها توسط وزارت مسکن و شهرسازی تصویب و بر طبق آن رفتار خواهد شد. تبصره ۲- در صورتیکه نحوه تفکیک اراضی این قبیل شهرکها با ضوابط مقرر برای هریک هماهنگ نباشد با صدور اجازه اصلاح نقشه تفکیکی توسط کمیسیون موضوع ماده ۱۳ این آیین نامه اصلاحات لازم در نقشه تفکیکی بعمل خواهد آمد. ماده ۱۶- وظایف و اختیاراتی که در این آیین نامه برای استاندار یا سایر مقامات در استان تعیین شده است بعهدہ فرماندار کل و سایر مقامات مربوط در فرمانداری کل خواهد بود.

لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت - مص

ماده ۱- هرگاه برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی وزارتخانه‌ها یا موسسات و شرکتهای دولتی یا وابسته بدولت، همچنین شهرداریها و بانکها و دانشگاههای دولتی و سازمانهایی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام باشد و از این پس (دستگاہ اجرایی) نامیده می‌شوند، به اراضی، ابنیه، مستحدثات، تاسیسات و سایر حقوق مربوط به اراضی مذکور متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی نیاز داشته باشند و اعتبار آن قبلاً وسیله (دستگاہ اجرایی) یا از طرف سازمان برنامه و بودجه تامین شده باشد دستگاہ اجرایی می‌تواند مورد نیاز را مستقیماً یا بوسیله هر سازمان خاصی که مقتضی بداند بر طبق مقررات مندرج در این قانون خریداری و تملک نماید. ماده ۲- برنامه‌های مذکور در ماده ۱ شامل برنامه‌هایی است که اجرای بموقع آن برای امور عمومی و امنیتی (دستگاہ اجرایی) لازم و ضروری باشد، ضرورت اجرای طرح باید به تایید و تصویب بالاترین مقام اجرایی (دستگاہ اجرایی) برسد. تبصره ۱- دستگاہ اجرایی موظف است برای اجرای طرح حتی‌المقدور از اراضی ملی شده یا دولتی استفاده نماید. عدم وجود این قبیل اراضی حسب مورد باید به تایید وزارت کشاورزی و عمران روستایی یا سازمان عمران اراضی شهری در تهران و ادارات کل و شعب مربوط در استانها رسیده باشد. تبصره ۲- اداره ثبت اسناد و املاک محل مکلف است محل وقوع و وضع ثبتی ملک را باتوجه به نقشه ارایه شده حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ استعلام پاسخ دهد. ماده ۳- بهای عادله اراضی، ابنیه،

مستحقات ، تاسیسات و سایر حقوق و خسارات وارده از طریق توافق بین (دستگاه اجرایی) و مالک یا مالکین و صاحبان حقوق تعیین می گردد. تبصره ۱ - در صورت توافق در مورد بهای عادلانه هرگاه مبلغ مورد معامله یا خسارت هر یک از مالکین بیش از یک میلیون ریال نباشد (دستگاه اجرایی) می تواند راسا نسبت به خرید ملک و پرداخت خسارت اقدام نماید و هرگاه مبلغ مورد معامله یا خسارت هر یک از مالکین بیش از یک میلیون ریال باشد بهای خرید ملک یا میزان خسارت و انجام معامله باید بتصویب هیات مقرر در ماده ۷۱ قانون محاسبات عمومی و در مورد شهرداریها بتصویب انجمن شهر برسد. تبصره ۲ - در صورت حصول توافق (دستگاه اجرایی) موظف است حداکثر ظرف سه ماه نسبت به خرید ملک و پرداخت حقوق یا خسارات اقدام و یا آنکه انصراف خود را از خرید و تملک کتبا بمالک یا مالکین اعلام نماید ، بهرحال عدم اقدام به خرید یا اعلام انصراف در مدت مذکور بمنزله انصراف است ماده ۴ - هرگاه نسبت به تعیین بهای عادلانه اراضی و ابنیه و تاسیسات و حقوق و خسارات وارده بین (دستگاه اجرایی) و مالک توافق حاصل نشود ، بهای عادلانه توسط هیاتی مرکب از سه نفر کارشناس رسمی دادگستری تعیین می گردد ، کارشناسان یکنفر از طرف (دستگاه اجرایی) یکنفر از طرف مالک یا صاحب حق و نفر سوم به انتخاب طرفین و در صورت عدم توافق یا استنکاف بمعرفی دادگاه صالحه محل وقوع ملک انتخاب می شوند ، رای اکثریت هیات مزبور قطعی و لازم الاجرا است تبصره ۱ - در صورتیکه در محل کارشناس رسمی دادگستری وجود نداشته باشد طبق ماده ۲۹ قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ عمل می شود. تبصره ۲ - هرگاه مالک یا مالکین کارشناس خود را حداکثر ظرف یکماه از تاریخ اعلام (دستگاه اجرایی) که به یکی از صور ابلاغ کتبی ، انتشار در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار یا آگهی در محل به اطلاع عموم می رسد تعیین ننماید و یا بعلت مجهول بودن مالک ، عدم تکمیل تشریفات ثبتی ، عدم صدور سند مالکیت ، اختلاف در مالکیت ، فوت مالک و موانعی از این قبیل ، امکان انتخاب کارشناس میسر نباشد دادگاه صالحه محل وقوع ملک حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ مراجعه (دستگاه اجرایی) به دادگاه نسبت به تعیین کارشناس اقدام می نماید. ماده ۵ - ملاک تعیین قیمت عبارتست از بهای عادلانه روز تقویم اراضی و ابنیه و تاسیسات و حقوق و خسارات مشابه واقع در حوزه عملیات طرح بدون در نظر گرفتن تاثیر طرح در قیمت آنها. تبصره ۱ - در مواردی که ملک محل سکونت یا ممر اعاشه مالک باشد علاوه بر بهای عادلانه صدی پانزده به قیمت ملک افزوده خواهد شد. تشخیص اینکه مالک در محل ساکن است یا ملک ممر اعاشه وی می باشد با (دستگاه اجرایی) است و در صورت بروز اختلاف تشخیص نهایی با دادگاه صالحه محل وقوع ملک می باشد که به تقاضای هریک از طرفین اظهار نظر خواهد کرد. تبصره ۲ - در صورتیکه طبق نظر اداره کشاورزی و عمران روستایی محل ، زارعین حقوقی در ملک مورد بحث داشته باشند حقوق زارعین ذینفع به تشخیص اداره مذکور از محل ارزش کل ملک به آنان پرداخت و بقیه در هنگام انجام معامله به مالک پرداخت خواهد شد. چنانچه در ملک مورد معامله ، ساختمانهای روستایی فاقد سند مالکیت و نیز هرگونه اعیانی و یا حقوقی نظیر حق ریشه ، بهای شخم ، بذر ، کود و سایر زحماتی که زارع برای آماده کردن زمین متحمق ل شده است وجود داشته باشد بهای اعیان و حقوق متعلق به آنان برابر قراردادهای موجود بین زارع و مالک و یا طبق مقررات یا عرف محل از طریق توافق یا از سوی کارشناسان تعیین و از محل ارزش کل ملک به ایشان و بقیه به مالک پرداخت می گردد. تبصره ۳ - چنانچه ملک مورد معامله محل کسب و پیشه اشخاص باشد در صورتی به آن حق کسب و پیشه تعلق خواهد گرفت که حداقل یکسال قبل از اعلام تصمیم (دستگاه اجرایی) محل کسب و پیشه بوده باشد. تبصره ۴ - نسبت به املاک موقوفه ای که طبق تشخیص سازمان اوقاف تبدیل به احسن آنها قانونا مجاز است بطریق مذکور در این قانون اقدام و آنها را که شرعا مجاز نیست بطریق اجاره طویل المدت عمل خواهد شد در مورد املاک اخیر در صورت وجود اعیانی متعلق به اشخاص و یا حقوق مندرج در تبصره های ۲ و ۳ ماده ۵ این قانون حقوق فوق از سوی هیات کارشناسی مندرج در این قانون تعیین و از محل اعتبار طرح پرداخت و مال الاجاره ملک موقوفه با در نظر گرفتن پرداخت مزبور از سوی هیات کارشناسی تعیین خواهد شد. تبصره ۵ - در کلیه موارد مندرج در این قانون هیات کارشناسی مکلف است بر اساس مقررات و ضوابط مندرج در قانون

کارشناسی مصوب سال ۱۳۱۷ و سایر مقررات مربوط حداکثر ظرف یکماه نظرات خود را دقیقاً اعلام نماید. دستمزد کارشناسان طبق آیین‌نامه دستمزد کارشناسان رسمی و اصلاحات بعدی آن و در صورت اختلاف طبق نظر دادگاه محل مشخص و از محل اعتبار مربوط به طرح قابل پرداخت می‌باشد. نصف هزینه کارشناسی پرداخت شده که بعهد مالک می‌باشد در هنگام انجام معامله از ارزش ملک کسر می‌گردد. ماده ۶- در مواردی که (دستگاه اجرایی) مقتضی بداند و در صورت رضایت مالک عوض اراضی تملیک شده از اراضی مشابه ملی یا دولتی متعلق به خود تامین و با حفظ ضوابط مندرج در قوانین و مقررات مربوط ، به مالکین واگذار می‌نماید. در این صورت نیز تعیین بهای عوض و معوض بعهد هیات کارشناسی مندرج در این قانون می‌باشد. ماده ۷- (دستگاه اجرایی) مجاز است بجای پرداخت حق کسب و پیشه در صورت رضایت صاحب حق تعهد نماید که پس از انجام طرح ، محل کسبی در همان حدود به صاحب حق واگذار نماید. ماده ۸- تصرف اراضی ، ابنیه و تاسیسات و خلع ید مالک قبل از انجام معامله و پرداخت قیمت ملک یا حقوق مالک مجاز نمی‌باشد مگر آنکه در اثر موانعی از قبیل استتکاف مالک از انجام معامله ، اختلاف مالکیت ، مجهول بودن مالک ، رهن یا بازداشت ملک ، فوت مالک و غیره انجام معامله قطعی ممکن نگردد ، در این صورت بمنظور جلوگیری از وقفه یا تاخیر در اجرای طرح بشرح زیر اقدام می‌شود. چنانچه مالک ظرف یکماه از تاریخ اعلام (دستگاه اجرایی) به یکی از انجا مقرر در تبصره ۲ و ۴ برای انجام معامله مراجعه نکند یا از انجام معامله بنحوی استتکاف نماید مراتب برای بار دوم اعلام و پس از انقضا ۱۵ روز مهلت مجدد ، ارزش تقویمی ملک که طبق نظر هیات کارشناسی مندرج در ماده ۴ یا تبصره ۲ آن تعیین شده است بمیزان و مساحت مورد تملک به صندوق ثبت محل تودیع و دادستان محل یا نماینده وی سند انتقال را امضا و ظرف یکماه به تخلیه و خلع ید اقدام خواهد نمود و بهای ملک یا حقوق یا خسارات بمیزان مالکیتی که در مراجع ذیربط احراز می‌گردد از سویاداره ثبت به ذیحق پرداخت و اسناد قبلی مالک حسب مورد اصلاح یا ابطال و مازاد سپرده طبق مقررات مربوط به صندوق دولت مسترد می‌شود ، اداره ثبت محل موظف است بر اساس سند انتقال امضا شده وسیله دادستان یا نماینده وی سند مالکیت جدیدی بمیزان و مساحت اراضی ، ابنیه و تاسیسات مورد تملک بنام (دستگاه اجرایی) صادر و تسلیم نماید. ماده ۹- در صورتیکه فوریت اجرای طرح با ذکر دلایل موجه به تشخیص وزیر دستگاه اجرایی ضرورت داشته باشد بنحوی که عدم تسریع در انجام طرح موجب ضرر و زیان جبران‌ناپذیری گردد ، (دستگاه اجرایی) می‌تواند قبل از انجام معامله قطعی و با تنظیم صورت‌مجلس وضع موجود ملک باحضور مالک یا نماینده وی در غیاب او و نماینده دادستان و کارشناس رسمی نسبت به تصرف و اجرای طرح اقدام نماید لکن (دستگاه اجرایی) مکلف است حداکثر تا سه ماه از تاریخ تصرف نسبت به پرداخت یا تودیع قیمت عادلانه طبق مقررات این قانون اقدام نماید. تبصره - مالک یا صاحب حق می‌تواند در صورت عدم پرداخت بها در مدت مذکور با مراجعه به دادگاه صالحه درخواست توقیف عملیات اجرایی را تا زمان پرداخت بها بنماید و محاکم صالحه به موضوع خارج از نوبت رسیدگی و حکم لازم صادر می‌نمایند و در صورت پرداخت قیمت تعیین شده بلافاصله رفع توقیف عملیات اجرایی بعمل خواهد آمد. ماده ۱۰- چنانچه قبل از تصویب این قانون ، اراضی ، ابنیه یا تاسیساتی بر اساس قوانین موضوعه قبلی بتصرف وزارتخانه‌ها ، موسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته بدولت و همچنین شهرداریها ، بانکها و دانشگاههای دولتی یا سازمانهایی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام باشد درآمده و یا در محدوده مورد تصرف قرار گرفته باشد که بر اساس قوانین مذکور دولت مکلف به پرداخت بهای عادلانه و حقوق و خسارات متعلقه بوده ولی تعیین بهای آن و یا حقوق و خسارات متعلقه منجر بصدور نظر قطعی در مراجع ذیصلاح نشده باشد و یا به تصرف مجری طرح در نیامده باشد بها و حقوق و خسارات مربوط بشرح زیر پرداخت خواهد شد:

الف - ارزش کلیه اعیانی اعم از هرگونه ساختمان ، تاسیسات ، مستحقات و سایر حقوق متعلقه طبق مقررات این قانون تقویم و نقدا پرداخت می‌شود. ب - بهای زمینهای دایر در بخش خصوصی بقیمت روز تقویم و پرداخت خواهد شد و بابت زمینهای موات ، جنگلها ، مراتع و هر قسمتی که طبق قانون اساسی جزو اموال عمومی درآمده وجه پرداخت نخواهد شد. زمینهای دایر را به آن قسمت

که اضافه بر حداکثر مجاز زمینهای مذکور در قانون مصوب شورای انقلاب که توسط وزارت کشاورزی پیشنهاد شده هیچگونه وجهی تعلق نمی‌گیرد. تبصره ۱ - ارزش تقویم شده زمین در صورت اختلاف نظر از طرف هیات کارشناسان موضوع ۴ این قانون با در نظر گرفتن میانگین ارزش کل مساحت هر ملک تعیین خواهد شد. تبصره ۲ - هرگونه انتقال قهری و یا ملکیت مشاع بمنزله یک واحد مالکیت خواهد بود. تبصره ۳ - (دستگاه اجرایی) مکلف می‌باشند اعتبار مورد نیاز جهت اجرای مفاد ماده ۱۰ این قانون را پیش‌بینی و پس از تأمین اعتبار لازم به ترتیب فراهم شدن مقدمات انجام معامله قطعی حداکثر ظرف ۵ سال بهای کلیه اراضی و متصرفی را پرداخت و تملک نمایند. ادارات ثبت اسناد و املاک مکلف به صدور سند مالکیت می‌باشند. تبصره ۴ - طرحهای موضوع این قانون از تاریخ شروع به اجرا از پرداخت هر نوع عوارض مستقیم به شهرداریها مثل انواع عوارض متعلق به زمین و ساختمان و سایر اموال منقول و غیرمنقول و حق تشرف و حق مرغوبیت و مشابه آن معاف هستند. ماده ۱۱ - هرگاه برای اجرای طرح (دستگاه اجرایی) احتیاج به اراضی دایر یا بایر، ابنیه یا تاسیسات متعلق به سایر وزارتخانه‌ها یا موسسات و شرکتهای دولتی یا وابسته بدولت و همچنین شهرداریها، بانکها و دانشگاههای دولتی و سازمانهایی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام است داشته باشد واگذاری حق استفاده بموجب موافقت وزیر یا رییس موسسه یا شرکت که ملک را در اختیار دارد ممکن خواهد بود. این واگذاری بصورت بلا-عوض می‌باشد و در صورتی که مسئولین مربوط بتوافق نرسند طبق نظر نخست‌وزیر عمل خواهد شد. تبصره - در صورتیکه اراضی و ابنیه و تاسیسات یا حقوق آن متعلق به شرکت یا سازمان یا موسسه دولتی یا وابسته بدولت بوده و واگذاری بلاعوض آن برابر اساسنامه شرکت مقدور نباشد، بهای آن بر اساس ارزش تعیین شده در ترازنامه شرکت قابل پرداخت است در این صورت ملک بصورت قطعی به (دستگاه اجرایی) منتقل خواهد شد. ماده ۱۲ - کلیه قوانین و مقرراتی که تا این تاریخ در مورد لا-یحه نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی و عمرانی و نظامی دولت تصویب شده و با این قانون مغایرت دارد از تاریخ تصویب این قانون ملغی‌الثر می‌باشد.

قانون نحوه تقویم ابنیه، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها - مصوب ۲۸/۷/۱۳۷۰

ماده واحده - در کلیه قوانین و مقرراتی که شهرداریها مجاز به تملک ابنیه، املاک و اراضی قانونی مردم می‌باشند در صورت عدم توافق بین شهرداری و مالک، قیمت ابنیه، املاک و اراضی بایستی به قیمت روز تقویم و پرداخت شود. تبصره ۱ - قیمت روز توسط هیاتی مرکب از سه نفر کارشناس رسمی دادگستری و مورد وثوق که یک نفر به انتخاب شهرداری و یک نفر به انتخاب مالک یا صاحب حق و نفر سوم به انتخاب طرفین می‌باشد تعیین خواهد شد، رای اکثریت هیات مزبور قطعی و لازم الاجرا است تبصره ۲ - در صورت عدم توافق در انتخاب کارشناس سوم، دادگاه صالح محل وقوع ملک، اقدام به معرفی کارشناس خواهد نمود. تبصره ۳ - در صورتیکه در محل، کارشناس رسمی دادگستری وجود نداشته باشد طبق ماده ۲۹ قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ عمل خواهد شد. تبصره ۴ - هرگاه مالک یا مالکین، کارشناس خود را حداکثر ظرف مدت یکماه از تاریخ اعلام دستگاه که به یکی از صور ابلاغ کتبی، انتشار در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار یا آگهی در محل به اطلاع عمومی می‌رسد، تعیین ننماید و در مواردی که بعلت مجهول بودن مالک، عدم تکمیل تشریفات ثبتی، عدم صدور سند مالکیت، اختلاف در مالکیت، فوت مالک و موانعی از این قبیل، امکان انتخاب کارشناس میسر نباشد دادگاه صالحه محل وقوع ملک حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ مراجعه (شهرداریها) به دادگاه نسبت به تعیین کارشناس اقدام می‌نماید. تبصره ۵ - زمینهای تملیکی قانون زمین شهری که مورد نیاز شهرداریها بوده و سهم هر مالک که دارای سند رسمی بوده و بیش از یک هزار متر مربع باشد نسبت به مازاد یک هزار متر مربع از شمول این قانون مستثنی است تبصره ۶ - جهت تأمین معوض ابنیه، املاک، اراضی شرعی و قانونی مردم که در اختیار شهرداریها قرار می‌گیرد دولت موظف است ۱۰٪ از اراضی و واحدهای مسکونی قابل واگذاری را باقیمت تمام شده به شهرداریها اختصاص

دهد تا پس از توافق بین مالکین و شهرداریها بعنوان معوض تحویل گردد. تبصره ۷- از تاریخ تصویب و لازم‌الاجرا شدن این قانون ماده ۴ و آن قسمت از ماده ۵ از لایحه تا نظامی دولت باید در گیومه قرار گیرد (لایحه قانون نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی ، عمرانی و نظامی دولت) مصوب ۱۷/۱۱/۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی که مربوط به نحوه تعیین قیمت عادلانه الزامی می‌باشد در مورد شهرداریها لغو می‌گردد.

قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها - مصوب ۲۹/۸/۱۳۶۷

ماده واحده - کلیه وزارتخانه‌ها ، موسسات ، سازمانها ، نهادها ، شرکتهای دولتی یا وابسته به دولت و شهرداریها و موسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام باشد ، مکلف می‌باشند در طرحهای عمومی یا عمرانی که ضرورت اجرا آنها توسط وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی بارعایت ضوابط مربوطه تصویب و اعلان شده باشد و در اراضی و املاک شرعی و قانونی اشخاص اعم از (حقیقی و حقوقی قرار داشته و در داخل محدوده شهرها و شهرکها و حریم استحفاظی آنها باشد ، پس از اعلام رسمی وجود طرح ، حداکثر ظرف مدت هجده ماه نسبت به انجام معامله قطعی و انتقال اسناد رسمی و پرداخت بها یا عوض آن طبق قوانین مربوطه اقدام نمایند. تبصره ۱ - در صورتیکه اجرای طرح و تملک املاک واقع در آن بموجب برنامه زمان بندی مصوب به حداقل ۵ سال بعد موکول شده باشد ، مالکین املاک واقع در طرح از کلیه حقوق مالکانه مانند احداث یا تجدید بنا یا افزایش بنا و تعمیر و فروش و اجاره و رهن و غیره برخوردارند و در صورتیکه کمتر از ۵ سال باشد مالک هنگام اخذ پروانه تعهد می‌نماید هرگاه زمان اجرای طرح قبل از ده سال شروع شود حق مطالبه هزینه احداث و تجدید بنا را ندارد. تبصره ۲ - شهرداریها موظفند همزمان با صدور پروانه ساختمان مالکان مشمول قسمت اخیر تبصره ۱ مشخصات دقیق عرصه و اعیان و تاسیسات موجود را معین و در پرونده درج و ضبط نمایند تا ملاک ارزیابی به هنگام اجرای طرح قرار گیرد و در زمانی که به لحاظ تامین اعتبار آمادگی و اجرای طرح مزبور باشد. به هنگام اجرای طرح مصوب ملاک پرداخت خسارت قیمت عرصه و اعیان ملک در زمان اجرای طرح خواهد بود. تبصره ۳ - مالکین املاک و اراضی واقع در طرحهای آتی که قبل از تصویب طرح واجد شرایط جهت اخذ پروانه ساختمان بوده و قصد احداث یا تجدید یا افزایش بنا دارند ، جهت اخذ زمین عوض در اولویت قرار خواهند گرفت و در بین اینگونه مالکین اشخاصی که ملک آنها در مسیراحداث یا توسعه معابر و میادین قرار دارند ، نسبت به سایرین حق تقدم دارند. تبصره ۴ - در مواردی که تهیه زمین عوض در داخل محدوده‌های مجاز برای قطعه بندی و تفکیک و ساختمان سازی میسر نباشد و احتیاج به توسعه محدوده مزبور طبق طرحهای مصوب توسعه شهری مورد تایید مراجع قانونی قرار بگیرد ، مراجع مزبور می‌توانند در مقابل موافقت با تقاضای صاحبان اراضی برای استفاده از مزایای ورود به محدوده توسعه و عمران شهر ، علاوه بر انجام تعهدات مربوط به عمران و آماده سازی زمین و واگذاری سطوح لازم برای تاسیسات و تجهیزات و خدمات عمومی ، حداکثر تا ۲۰٪ از اراضی آنها را برای تامین عوض اراضی واقع در طرحهای موضوع این قانون و همچنین اراضی عوض طرحهای نوسازی و بهسازی شهری ، بطور رایگان دریافت نمایند.

لایحه قانونی راجع به لغو مالکیت اراضی موات واقع بین محدوده بیست و پنج ساله قانونی شهر تهران و حریم ا

ماده واحده - کلیه اراضی واقع بین محدوده بیست و پنج ساله قانونی شهر تهران و حریم استحفاظی طبق نقشه ضمیمه که به صورت موات معطل مانده و در آن عمران و آبادانی به عمل نیامده است مالکیت اشخاص نسبت به آنها طبق مفاد قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و از تاریخ ابلاغ آن لغو می‌گردد. تبصره ۱ - آن قسمت از اراضی که طبق تشخیص کمیسیون منتخب از نمایندگان

وزارت کشاورزی و عمران روستایی و وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری تهران به صورت مزروعی و یا باغ بوده و در مهرماه سال ۵۸ در آنها کشت و درختکاری شده زمین کشاورزی تشخیص و صاحب یا صاحبان آنها می‌توانند بکار کشاورزی با پروانه صادره از وزارت کشاورزی و عمران روستایی ادامه دهند. تبصره ۲- ترتیب عمران و استفاده و تبدیل اراضی موات مندرج در این قانون بصورت منطقه سبز طبق برنامه ایست که توسط شهرداری تهران با مشارکت وزارت کشاورزی و عمران روستایی انجام خواهد شد. تبصره ۳- اشخاصی که مبادرت به فروش یا تصرف اراضی موات موضوع این قانون را بنمایند یا در آن ایجاد بنا یا سایر تصرفات بنمایند یا اشخاص دیگر را متصرف این اراضی نمایند علاوه بر محکومیت به پرداخت دو برابر مبالغی که بابت فروش یا به تصرف دادن این اراضی عایدشان شده است به صندوق دولت، به مجازات مقرر در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی نیز محکوم خواهند شد. شکایت هر یک از وزارتخانه‌های کشاورزی و عمران روستایی و مسکن و شهرسازی یا شهرداری تهران برای تعقیب این قبیل اشخاص کافی می‌باشد.

قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن - سال ۱۳۵۸

ماده ۱- دولت مکلف است در داخل محدوده قانونی (۲۵ ساله شهرها در نقاطی که محدوده قانونی وجود دارد و در سایر شهرها در محدوده‌ای که از طرف وزارت مسکن و شهرسازی تعیین و اعلام خواهد شد. به تدریج و با رعایت طرح تفصیلی شهر در هر منطقه به کسانی که طبق موازین رژیم سابق مالک اینگونه اراضی شناخته می‌شدند اعلام نماید تا ظرف مدت معینی نسبت به عمران و آبادی اینگونه اراضی اقدام کنند. چنانچه در مهلت مقرر اقدام لازم به عمل نیاورند هیچگونه اولویتی برای آنها منظور نخواهد شد و بلاعوض به تصرف دولت در خواهد آمد. تبصره- دولت برای کسانی که یک قطعه زمین کوچک برای سکونت شخصی خود تهیه کرده‌اند و فاقد خانه مسکونی می‌باشند حداقل سه سال مهلت خواهد داد تا بتوانند به عمران زمین خود پردازند. ماده ۲- دولت باید زمینهای تفکیک نشده‌ای را که به ترتیب مقرر در این قانون به تصرف خویش در می‌آورد تفکیک کند و بر اساس طرح تفصیلی منطقه مربوطه در اختیار متقاضیان برای احداث ساختمان و مسکن قرار دهد. ماده ۳- نحوه اعلام به کسانی که در رژیم سابق مالک اینگونه اراضی شناخته می‌شدند و تشخیص موات بودن و عمران و آبادی و شرایط واگذاری اراضی مذکور و تعیین مساحت زمینهای مذکور در تبصره ماده یک در هر منطقه و سایر مسائل اجرایی این قانون مطابق آیین نامه ای خواهد بود که وزارت مسکن و شهرسازی تهیه می‌کند و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۴- وزارت مسکن و شهرسازی مأمور اجرای این قانون است

اصلاحیه قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن - سال ۱۳۵۸

ماده واحده- مهلت مقرر در ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن مخصوص زمینهایی است که مشمول تبصره ذیل همان ماده است و برای مساحتهای زاید بر آن نیازی به دادن مهلت از جانب دولت نیست بلافاصله به تملک دولت در خواهد آمد. تبصره- اراضی موات واقع در داخل محدوده شهرکها مشمول ماده یک این قانون هستند و دارندگان پروانه احداث مجتمع های مسکونی و شهرکها در صورتی که از تاریخ تصویب این قانون نسبت به احداث تاسیسات زیربنایی اقدام نموده باشند ولی نتوانند در مهلت مقرر در پروانه ساختمانی خود واحدهای مسکونی مورد نظر را بسازند آن قسمت از اراضی که ساخته نشده است به تملک دولت در خواهد آمد. در صورت تملک اینگونه اراضی بهای تاسیسات زیربنایی شهرک ها مشروط بر آنکه به تشخیص دولت قابل بهره برداری و سکونت باشد با نظر کارشناس قابل پرداخت خواهد بود. بهای اعیانی و مستحقات ایجاد شده در سایر زمینهایی که بموجب این قانون به تصرف دولت در می‌آید نیز به ترتیب فوق قابل پرداخت است

آیین نامه قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن - مصوب ۲۶/۵/۱۳۵۸ هیات وزیران

فصل اول نحوه اعلام به مالکین (ماده ۱)

ماده ۱- وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است به مالکین اراضی مشمول تبصره ذیل ماده یک قانون مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن مصوب ۵/۴/۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی از طریق جراید کثیرالانتشار و سایر رسانه‌های گروهی اعلام نماید که ظرف مهلت‌های تعیین شده در ماده ۶ این آیین نامه نسبت به عمران و آبادی اراضی خود با رعایت ضوابط این آیین نامه اقدام نماید و گرنه پس از انقضای مهلت مقرر و عدم اقدام نسبت به عمران و آبادی، زمین بلاعوض به تصرف دولت در خواهد آمد.

فصل دوم مقررات تشخیص اراضی موات و عمران و آبادی (ماده ۲ تا ۴)

ماده ۲- زمین موات از نظر این قانون زمینی است که معطل مانده و عمران و آبادی در آن به عمل نیامده باشد، عمران و آبادی قابل قبول به شرح زیر است ۲- ۱- زمین قبلا به صورت خانه بوده و در سند مالکیت قید شده باشد. ۲- ۲- هر گاه در زمین قبلا ساختمانی بوده و بعدا خراب شده و فعلا بقایای آن مشهود باشد و در این صورت معادل ۴ برابر مساحت زیر بنای ساختمان مخروطه، احیا شده محسوب می گردد. ۲- ۳- اراضی زیر کشت محصولات زراعی و باغهای گل که لا اقل سه چهارم مساحت زمین آن زیر کشت باشد. ۲- ۴- باغ مشجر اعم از مثمر و غیرمثمر که در هر صد متر مربع ۶ اصله درخت سه ساله کاشته شده باشد مشروط بر اینکه با در نظر گرفتن خیابان بندی و تاسیسات مورد نیاز باغ لا اقل سه چهارم از مساحت زمین مشجر باشد. ۲- ۵- نوع استفاده از اراضی و باغات مذکور در بندهای ۲- ۳ و ۲- ۴ تغییرناپذیر است ولی صاحبان این اراضی و باغات می توانند با رعایت مقررات شهرداری محل برای سکونت شخصی و یا رفع نیازمندیهای زراعی و باغداری یکدستگاه ساختمان که مساحت زیربنای آن از ۲۵۰ متر مربع تجاوز نماید احداث نمایند. ۲- ۶- در صورتی که در زمین ساختمان احداث شده باشد، لا اقل یک طبقه آن کامل مسقف و قابل بهره برداری بود و مجموع مساحت زیر بنای آن از یک چهارم مساحت کل زمین کمتر نباشد. ۲- ۷- در مورد پارکینگ‌ها - اتوشویی‌ها - تعمیرگاهها و تاسیسات مشابه عمران آن تابع ضوابط طرح جامع بوده و در شهرهایی که ضوابطی موجود نباشد شهرداریها ضوابط آن را تعیین خواهند نمود و چنانچه تاسیساتی که در گذشته بوجود آمده است دارای پروانه کسب بوده و یا دایر باشند احیا شده محسوب می شود. ۲- ۸- هر گاه اعیانی استخر شنا یا ورزشگاه باشد در این صورت مساحتی معادل حداکثر ۸ برابر سطح زیر بنا احیا شده محسوب می شود. ۲- ۹- اراضی مشمول بندهای ۲- ۷ و ۲- ۸ غیر قابل تفکیک بوده و نوع استفاده از آنها تغییرناپذیر است، ولی مالکین آن می توانند طبق ضوابط شهرداریها نسبت به تکمیل و مرمت آنها اقدام نمایند. ماده ۳- کسانی که اراضی آنها مشمول تبصره ذیل قانون اصلاح قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن مصوب ۲۸/۴/۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی می باشند و در پروانه ساختمانی آنها مدت معین نشده باشد مکلفند ظرف ۳ ماه از تاریخ انتشار این آیین نامه به دستگاههای ذیربط مراجعه و تاریخ متناسبی را که برای عمران اراضی آنها وسیله دستگاههای مذکور معین می شود رعایت نمایند. ماده ۴- کسانی که تا قبل از تاریخ قانون اصلاح قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن برای عمران زمین خود پروانه دریافت نموده و کار را نیز شروع نموده باشند مکلفند نسبت به عمران زمین خود طبق ضوابط این آیین نامه در مدت قید شده در پروانه ساختمان اقدام نمایند و چنانچه در پروانه ساختمانی آنها مدت معین نشده باشد باید به شهرداریها مراجعه و تاریخ متناسبی را که برای عمران اراضی آنها معین می شود رعایت نمایند.

فصل سوم اراضی مشمول تبصره ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن (ماده ۵ تا ۸)

ماده ۵- مساحت یک قطعه زمین کوچک در تبصره فوق الذکر برای شهرهایی که مطابق سرشماری سال ۱۳۵۵ بیش از دو بیست هزار نفر جمعیت دارند ۱۰۰۰ متر مربع و برای شهرهایی که کمتر از ۲۰۰۰ هزار نفر جمعیت دارند ۱۵۰۰ متر مربع خواهد بود. تبصره ۱- هر گاه قطعه کوچک بیش از مساحت پیش‌بینی شده در ماده ۵ بوده و مازاد به صورت یک قطعه مستقل قابل تفکیک استفاده نباشد در این صورت مساحت اضافی جزو قطعه محسوب است تبصره ۲- مراد از مالکیت خانه مسکونی مندرج در تبصره ذیل ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن، مالکیت ۶ دانگ اعیانی واحد مسکونی می‌باشد. ماده ۶- مهلت مقرر برای عمران زمینهای کوچک موضوع تبصره ۱ قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن به شرح زیر تعیین می‌گردد: ۱-۶- در شهرهایی که برابر سرشماری سال ۱۳۵۵ کمتر از ۵۰ هزار نفر جمعیت دارند از تاریخ اعلام قبول درخواست گواهی مهلت عمران ۶ سال می‌باشد. ۲-۶- در شهرهایی که برابر سرشماری سال ۱۳۵۵ بیش از ۵۰ هزار نفر و کمتر از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارند از تاریخ اعلام قبول درخواست گواهی مهلت عمران ۵ سال می‌باشد. ۳-۶- در شهرهایی که برابر سرشماری سال ۱۳۵۵ بیش از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارند از تاریخ اعلام قبول درخواست گواهی مهلت عمران ۴ سال می‌باشد. ماده ۷- کسانی که در تاریخ تصویب قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن مصوب ۵/۴/۵۸ شورای انقلاب اسلامی صاحب یک واحد مسکونی غیر آپارتمانی که مساحت عرصه آن از ۱۵۰ متر مربع تجاوز ننماید و یا یک واحد آپارتمانی با مساحت اختصاصی حداکثر ۱۰۰ متر مربع باشد (در شهرهای موضوع شق اول ماده ۵ این آیین نامه) و در سایر شهرها موضوع شق دوم ماده ۵ این آیین نامه مذکور مساحت واحد مسکونی غیر آپارتمانی از دو بیست متر تجاوز نماید و یا واحد مسکونی او در رهن بانک یا موسسه وام دهنده رسمی (بخش دولتی یا خصوصی در مقابل وام مسکن باشد)، می‌تواند از مزایای تبصره یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری استفاده نماید. ماده ۸- اشخاص مشمول تبصره ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن در صورتیکه مشاعا مالک زمینی باشند هر یک از آنها می‌توانند در سهم خود از مزایای قانونی مندرج در این فصل استفاده کنند.

فصل چهارم تعیین تکلیف اراضی موات (ماده ۹ تا ۱۵)

ماده ۹- مالکین اراضی موضوع ماده ۲ این آیین نامه که زمین خود را مشمول یک یا چند بند ماده مزبور می‌دانند مکلفند ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه به محللهایی که وزارت مسکن و شهرسازی تعیین می‌کنند مراجعه نمایند و با تسلیم فتوکی سند مالکیت زمین و کروکی مربوط تقاضای صدور گواهی مبنی بر موات نبودن زمین خود دریافت دارند. ماده ۱۰- افرادی که بر اساس این قانون خود را مشمول تبصره ذیل ماده یک قانون می‌دانند باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه درخواست خود را منضم به فتوکی سند مالکیت زمین با کروکی مربوط به محللهایی که وزارت مسکن و شهرسازی تعیین نموده مراجعه و گواهی لازم دریافت نمایند. تفکیک این گونه اراضی ممنوع است در صورت عدم مراجعه در مهلت مقرر و عدم صدور گواهی، زمین به تصرف دولت در می‌آید. تبصره ۱- در صورتی که مالکیت اشخاص از طریق انحصار وراثت با آرا دادگاهها و یا بنچاق نامه‌های رسمی احراز شده باشد لکن هنوز منجر به صدور سند مالکیت رسمی نشده باشد در صورتی که اشخاص مذکور واجد شرایط تشخیص داده شوند می‌توانند از مهلت عمران استفاده نمایند. تبصره ۲- چنانچه صحت معامله و مالکیت اشخاصی که زمینی را به صورت قسطی خریداری نموده‌اند و هنوز فاقد سند مالکیت رسمی می‌باشند و یا بر طبق عرف محل با سند عادی معامله کرده‌اند و یا سایر موارد مشابه در کمیسیونی متشکل از نماینده دادگاه شهرستان، نماینده اداره ثبت محل و نماینده

وزارت مسکن و شهرسازی احراز گردد ، در صورت دارا بودن سایر شرایط می‌توان برای آنها گواهی عمران صادر نمود. از تاریخ صدور گواهی عمران باقیمانده اقساط با توجه به روشهای قیمت گذاری سازمانهای عمران اراضی شهری و به تشخیص کمیسیون مذکور به سازمانهای عمران اراضی شهری پرداخت خواهد شد. تبصره ۳- شرایط احراز مالکیت مندرج در دو تبصره فوق برای احراز مالکیت اشخاص مندرج در ماده ۹ آیین نامه مربوط به قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن نیز قابل تسری است اشخاصی که خود را مشمول یکی از تبصره‌های فوق می‌دانند از تاریخ ابلاغ این تصویبنامه به مدت ۱۰ روز فرصت مراجعه به سازمان عمران اراضی شهری را دارند. ماده ۱۱- اراضی موات متعلق به وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکتهای دولتی و موسساتی که شمول حکم مستلزم ذکر نام آنهاست نیز در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار خواهد گرفت تبصره - موقوفات عام که اسناد مالکیت وقفنامه‌های آنها حاکی از عمران و آبادی در آن باشد احیا شده محسوب می‌گردد ، ولی در هر حال مشمول بند ۲-۵ این آیین نامه خواهد بود و اگر ضروری باشد از اینگونه اراضی استفاده‌ای غیر از آنچه در وقفنامه ذکر شده است بشود موافقت هیات وزیران الزامی است ماده ۱۲- مراد از محدوده قانونی (۲۵ ساله مذکور در ماده یک قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن محدوده‌ای است که بر طبق ضوابطی که از طرف وزارت مسکن و شهرسازی تهیه می‌شود تعیین شده باشد. ماده ۱۳- شهرداریها در موقع صدور پروانه ساختمان برای کسانی که طبق تبصره ذیل ماده یک قانون می‌خواهند اقدام به عمران نمایند موظف می‌باشند تعهد لازم را از متقاضی اخذ نمایند تاچنانچه بعدا ثابت شود که واجد شرایط مندرج در تبصره ذیل ماده یک قانون نبوده تصرف او بر روی زمین تصرف غیرقانونی و تعرض به اموال عمومی تلقی می‌شود و طبق مقررات مربوطه با اورفتار خواهد شد. ماده ۱۴- هرگاه شهرداریها به علت ضوابط و مقررات طرح جامع و تفصیلی و یا به علل دیگر نتوانند برای متقاضیان پروانه صادر نمایند ، وزارت مسکن و شهرسازی باید به درخواست شهرداریهاییک قطعه زمین در حد نصاب تفکیک مجاز شهرداریها از زمینهایی که به تصرف دولت در آمده به مالکین واجد شرایط به طور رایگان ضمن انتقال سند مالکیت زمینی که در طرح قرار می‌گیرد به نام وزارت مسکن و شهرسازی واگذار نماید. ماده ۱۵- در مورد زمینهایی که طبق قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن و قانون اصلاحی آن به تصرف دولت در آمده است ، اعلام وزارت مسکن و شهرسازی برای ابطال اسناد مالکیت و تفکیک آنها و صدور پروانه ساختمانی کافی است و سازمان ثبت اسناد و املاک و شهرداریها مکلف به انجام درخواست وزارت مسکن و شهرسازی خواهند بود.

فصل پنجم نحوه واگذاری اراضی (ماده ۱۶ تا ۲۳)

ماده ۱۶- زمینهایی که در داخل محدوده‌های خدماتی شهری به تصرف دولت در میاید باید مجانا برای نیازمندیهای عمومی شهر اختصاص یابد و در صورتی که زمین با تشخیص شهرداری محل و تصویب مقامات ذیصلاح شهر مازاد بر نیازمندیهای عمومی شهر باشد وزارت مسکن و شهرسازی نسبت به واگذاری این گونه زمینها به متقاضیان اقدام خواهد نمود. ماده ۱۷- اراضی خارج از محدوده خدماتی شهرها که در داخل محدوده قانونی است باید از طرف وزارت مسکن و شهرسازی آماده و بر اساس طرحهای تفصیلی تفکیک شده و زمینهایی که برای نیازمندیهای عمومی شهر اختصاص یافته مجانا در اختیار موسسات ذیصلاح دولتی قرار گیرد و زمینهایی که به بخش خدماتی خصوصی واگذار می‌شود باید با نظر شهرداری و تصویب مقامات ذیصلاح شهر برای عمران فروخته شود. ماده ۱۸- زمینهایی که برای واحدهای مسکونی تک واحدی آماده سازی و تفکیک شده با رعایت اولویتهای زیر در صورتی که تعداد متقاضی واجد شرایط بیش از قطعات مورد معامله باشد از طریق قرعه کشی به متقاضیان فروخته خواهد شد. ۱-۱۸- متقاضی و افراد تحت تکفل او فاقد واحد مسکونی باشند. ۲-۱۸- تاریخ سکونت و اشتغال در محل مورد تقاضا نباید بعد از

فروردین سال ۱۳۵۳ باشد و کسانی که مدت بیشتری در محل مورد تقاضا سکونت داشته باشند اولویت خواهند داشت تبصره - کارمندان دولت نظیر قضات ، پرسنل نیروهای مسلح ، مامورین شهربانی ، ژاندارمری و وزارت کشور که نوع شغل و خدمت آنها ایجاب می‌کند که هر چند مدتی در یکی از شهرستانهای کشور انجام وظیفه نمایند از شمول بند ۲ ماده ۱۸ آیین نامه خارج می‌باشند و اینگونه کارمندان دولت برای یکبار با جلب نظر سازمان متبوع می‌توانند در هر یک از شهرستانهای ایران که در نظر دارند به طور دایم ساکن آن شهرستان شوند ، سازمان عمران اراضی شهری محل مورد تقاضا مکلف به قبول تقاضای آنان می‌باشد ، مشروط بر آنکه این تقاضا برای شهرستان تهران و حومه آن نباشد. ۱۸-۳- متقاضی باید امکانات مالی لازم برای ساختمان را تامین کرده باشد. ماده ۱۹- وزارت مسکن و شهرسازی قیمت زمینهای آماده شده را بر اساس هزینه متوسط تاسیسات زیربنایی و درصدی بابت سایر هزینه های بالاسری آنها و با رعایت نحوه استفاده از زمین تعیین و به متقاضیان واجد شرایط واگذار خواهد کرد. جزییات ضوابط و شرایط واگذاری اراضی در هر منطقه را وزارت مسکن و شهرسازی با همکاری شهرداری محل تعیین و به اطلاع عموم خواهد رسانید. ماده ۲۰- در زمینهایی که ساختمان بیش از یک واحد مجاز می‌باشد (آپارتمان سازی متقاضیان احداث آپارتمان می‌توانند به صورت گروهی با وکالت رسمی یک نفر با رعایت طرح جامع و تفصیلی شهر و مفاد ماده ۱۸ این آیین نامه نسبت به احداث اقدام نمایند. ماده ۲۱- شرکتهای رسمی تامین مسکن که شرایط و صلاحیت آنها طبق ضوابطی باشد که از طرف وزارت مسکن و شهرسازی تعیین شده است می‌توانند درخواست زمین نموده و اقدام به احداث آپارتمان و یا خانه تک واحدی نموده و طبق قیمتی که بیش از قیمتی که وزارت مسکن و شهرسازی تعیین می‌کند نباشد نسبت به فروش آنها اقدام نمایند. تبصره - شرکتهای تعاونی مسکن و کارخانجات و کارگاههای تولیدی که تعهد نمایند در زمین مورد واگذاری برای اعضا و کارکنان خود طبق ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی خانه سازی نموده و به آنها واگذار نمایند مشمول مفاد ماده ۲۱ خواهند بود. ماده ۲۲- واگذاری قطعی زمین موقعی انجام خواهد گرفت که گواهی پایان عملیات ساختمانی از طریق مراجع ذیصلاح صادر شده باشد. ماده ۲۳- تاریخ اجرای این آیین نامه توسط وزارت مسکن و شهرسازی در هر شهر تعیین و اعلام خواهد شد.

قانون اراضی شهری - سال ۱۳۶۰/۱۲/۲۷

ماده ۱- برای نیل به اهداف مذکور در اصول ۳۱- ۴۳- ۴۵- ۴۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی که تامین نیازهای عموم به مسکن و تاسیسات عمومی شهری را وظیفه دولت قرار داده وبمنظور جلوگیری از بورس بازی روی زمین بصورت کالا- و حرکت در جهت مصالح کلی اقتصاد کشور که سوق سرمایه‌ها به بخشهای تولیدی زیر بنایی (کشاورزی و صنعتی می‌باشد با استفاده از اجازه مورخ ۱۹/۷/۱۳۶۰ حضرت امام خمینی مدظله العالی که در آن مجلس شورای اسلامی راصاحب صلاحیت برای تشخیص موارد ضرورت فساد و اختلال نظام اجتماعی و قانونگذاری لازم در این موارد دانسته‌اند ، اجرای مواد این قانون موقتا برای مدت پنج سال در سراسر کشور ضروری تشخیص داده می‌شود. ماده ۲- اراضی شهری زمینهایی است که در محدوده قانونی شهرها و شهرکها قرار گرفته باشد. ماده ۳- اراضی موات شهری زمینهایی است که سابقه عمران و احیا نداشته باشد. ماده ۴- اراضی بایر شهری زمینهایی است که سابقه عمران و احیا داشته و بتدریج به حالت موات برگشته است اعم از آنکه صاحب مشخصی داشته و یا نداشته باشد. ماده ۵- کلیه زمینهای موات شهری در اختیار دولت جمهوری اسلامی است و اسناد و مدارک مالکیت گذشته ارزش قانونی ندارد مگر آنکه از تاریخ ۲۲/۱۱/۱۳۵۷ توسط دولت واگذار شده باشد. تبصره - اسناد مالکیت زمینهای مواتی که به موجب قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و این قانون به اختیار دولت در آمده یا در میاید و در وثیقه می‌باشند آزاد تلقی و غیر از مطالبات اشخاص ناشی از فروش اینگونه اراضی که منتفی می‌گردد مطالبات دیگر وسیله طلبکار از سایر اموال بدهکار وصول خواهد شد. ماده ۶- کسانی که طبق مدارک مالکیت رسمی از زمینهای موات شهری داشته‌اند مشروط برآنکه مسکن مناسبی نداشته باشند طبق ضوابط مسکن و

شهرسازی در سراسر کشور زمینی در حدنصاب ماده ۸ در اختیارشان گذاشته می‌شود تا عمران و احیا کنند و در صورت عدم عمران و احیا حق مذکور ساقط و زمین به دولت باز می‌گردد. تبصره - در مورد کسانی که به تاریخ قبل از قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری با اسناد عادی دارای زمین بوده و در مهلهای تعیین شده قبلی از طرف مراجع مربوط تشکیل پرونده داده‌اند و نیز در شهرهایی که تا کنون مهلهای مذکور برای تشکیل پرونده اعلام نشده در صورتی که تاریخ تنظیم سند عادی و صحت معامله از طرف مراجع ذیصلاح قضایی تایید گردد برابر ضوابطی که در این نامه اجرایی این قانون تعیین می‌شود اجازه عمران داده خواهد شد. ماده ۷ - کلیه اراضی بایر شهری بلاصاحب معلوم در اختیار دولت می‌باشد. ماده ۸ - مالکان اراضی بایر شهری می‌توانند طبق ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی در سراسر کشور فقط زمینی را به مساحت کمتر از دو برابر بالاتر حداقل نصاب تفکیکی مناطق مسکونی در شهر محل وقوع زمین حداکثر تا ۱۰۰۰ متر مربع طبق ضوابط شهرسازی مصوب عمران و احیا کنند یا به دولت بفروشند و در شهرهایی که نصاب تفکیک مشخص نگردیده بر طبق آیین نامه اجرایی خواهد بود که وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و تصویب می‌نماید و زاید بر آن (نه عین و نه منفعت قابل واگذاری نیست مگر به دولت و با تقویم دولت تبصره ۱ - مالکین اراضی مشاعی هر یک می‌توانند تا حد نصاب مذکور از مزایای این ماده استفاده کنند مشروط بر آنکه تحت تکفل دیگری نباشند (باستثنای همسر) که در این صورت فقط یک اجازه عمران و احیا برای زمین در حد نصاب یاد شده به افراد مذکور داده می‌شود. طریقه افزای اختصاص سهام مالکین مشاعی بر طبق آیین نامه اجرایی خواهد بود. تبصره ۲ - کسانی که به حکم مواد شش و هشت این قانون مالک قطعه زمینی موات و قطعه زمینی بایر می‌شوند در صورتی که مجموع هر دو زمین بیشتر از مقدار تعیین شده در ماده ۸ باشد فقط می‌توانند یکی از آنها را به دلخواه خود نگهدارند و در هر مورد برای افرادی که تحت تکفل دیگری باشند (به استثنای همسر) یک اجازه عمران صادر می‌گردد و از نظر حد نصاب تابع ضوابط این قانون است تبصره ۳ - واگذاری سهام مشاعی مالکین اراضی موات و بایر شهری به یکدیگر در یک یا چند قطعه زمین به نحوی که سهم هر یک از مالکین پس از انتقال زاید بر حد نصاب مقرر در این ماده نگردد با رعایت سایر شرایط مندرج در این قانون بلامانع است تبصره ۴ - شرکتهای تعاونی مسکن که قبل از تصویب این قانون بموجب اسناد رسمی مالک زمینهایی باشند با رعایت حداقل نصاب تفکیک محل وقوع زمین برای هر یک از اعضا در قالب ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی حق بهره برداری از زمین خود را دارا می‌باشند و زمینهای مازاد بر نیاز آنها و نیز زمینی که طبق ضوابط مذکور در مهلت مقرر عمران نگردد تابع مقررات این قانون بوده و در اختیار دولت قرار می‌گیرد. تبصره ۵ - تقویم دولت بر اساس قیمت منطقه‌ای (ارزشهای معاملاتی زمین می‌باشد. ماده ۹ - مالکین زمینهای بایر و دایر شهری موظفند زمینهای مورد نیاز دولت یا شهرداری‌ها را با تقویم دولت به آنها بفروشند و دولت می‌تواند به جای زمینهایی که مساحت آنها بیش از سه هزار متر مربع می‌باشد با رعایت ضوابط عوض آن را از سایر اراضی دولتی که ارزش معاملاتی آن معادل بهای زمین واگذاری به دولت باشد بفروشنده واگذار کند. تبصره ۱ - مقررات این قانون نسبت به زمینهای تملکی قبلی دولت و بانکها که تمام یا قسمتیاز بهای آن را پرداخت نکرده‌اند نیز قابل اجرا است تبصره ۲ - در صورت استنکاف یا عدم مراجعه یا عدم دسترسی به مالک پس از اعلام وزارت مسکن و شهرسازی و با وجود تعارض ثبتی و در وثیقه بودن ملک و هرگونه اشکالات حقوقی دیگر که مانع از انجام معامله دولت گردد دولت زمین را تملک و حسب مورد وزارت مسکن و شهرسازی یا شهرداری به قایم مقامی مالک سند انتقال را امضا می‌نماید و در موقع مراجعه مالک پس از ارایه مفاصا حسابهای لازم و رفع هرگونه اشکال بهای آن پرداخت یا زمین معوض واگذار می‌گردد. ماده ۱۰ - از تاریخ تصویب این قانون کلیه زمینهای متعلق به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و بانکها و سازمانهای وابسته به دولت و موسساتی که شمول حکم مستلزم ذکر نام آنها است و کلیه بنیادها و نهادهای انقلابی در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار می‌گیرد. تبصره ۱ - شهرداریها و شرکتهای وابسته به شهرداریها از شمول این ماده مستثنی هستند ولی حق واگذاری اینگونه اراضی را بدون اجازه وزارت مسکن و شهرسازی ندارند مگر بعنوان رفع نیازمندیهای عمومی شهر و معوض املاک واقع در

طرحهای مصوب شهری تبصره ۲- اراضی غیرموات وقفی به وقفیت خود باقی و عمل به وقف می‌شود، لکن هرگونه واگذاری اراضی از طرف اوقاف یا آستان قدس رضوی یا سایر متولیان بایستی برطبق ضوابط شهرداری با نظر وزارت مسکن و شهرسازی صورت گیرد. تبصره ۳- وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است اراضی حاصل از موضوع این ماده را به ادارات و سازمانهای مذکور در حد نیاز اداری و تاسیساتی مجاناً واگذار نماید. ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور بر طبق آیین نامه اجرایی نسبت به واگذاری و عمران زمینهای موات و بایر شهری خود برطبق طرحهای مصوب شهرداری اقدام کند و در محدوده مصوب شهر تهران با نظر شهرداری تهران می‌باشد. تبصره ۱- دولت از پرداخت هرگونه مالیات و حق تمبر و هزینه‌های ثبتی و معاملاتی بابت تفکیک و فروش اراضی معاف است تبصره ۲- بهای واگذاری زمین به اشخاص نباید از قیمت‌های منطقه‌ای (ارزشهای معاملاتی تجاوز نماید، ولی چنانچه هزینه تمام شده زمینی برای دولت بیش از قیمت‌های منطقه‌ای (ارزشهای معاملاتی باشد با بهای هزینه تمام شده واگذار می‌گردد. ماده ۱۲- تشخیص عمران و احیا و تاسیسات متناسب و تمیز بایر و موات اراضی با کمیسیون مرکب از نمایندگان وزرا دادگستری و مسکن و شهرسازی و شهردار محل بر طبق آیین نامه اجرایی خواهد بود. تشخیص کمیسیون ظرف ده روز از تاریخ اعلام وزارت مسکن و شهرسازی قابل اعتراض در دادگاه محل است دادگاه نسبت به اعتراض مدعی خارج از نوبت رسیدگی کرده و حکم صادره قطعی است ماده ۱۳- تغییر اساسنامه و یا ادغام و تعیین شیوه کار سازمانهای عمران اراضی و هیاتهای پنج نفری بطریقی است که در آیین نامه اجرایی مشخص خواهد شد. ماده ۱۴- از تاریخ تصویب این قانون هرگونه تصرف و تجاوز به اراضی شهری متعلق یا منتقل شده به دولت و شهرداریها یا احداث هرگونه بنا و یا هرگونه نقل و انتقالات به موجب اسناد عادی یارسمی و تفکیک و افزای آن اراضی و یا هرگونه عملی برخلاف این قانون جرم شناخته می‌شود، از زمین مزبور خلع ید شده و آثار تجاوز رفع می‌گردد و مرتکبین و واسطه‌ها و اشخاصی که در این اعمال دخالت داشته باشند هر یک علاوه بر پرداخت ضرر و زیان وارده طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری به مدت پنج سال از انجام هرگونه معاملات اموال غیرمنقول در سراسر ایران محروم می‌شوند. ماده ۱۵- وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداریها باید این متجاوزین را به دادرسی و دادگاههای صالحه معرفی و از اراضی مورد تصرف و تجاوز با دخالت مستقیم قوای انتظامی رفع تصرف و تجاوز نموده و برحسب مورد در اختیار دولت یا شهرداریها قرار دهد. ماده ۱۶- هر یک از کارمندانی که در اجرای این قانون به تشخیص دادگاه صالحه رعایت دقیق مقررات آن را ننموده و تخطی نمایند علاوه بر جبران خسارات وارده به دولت یا اشخاص و اعاده وضع، بر حسب مورد به انفصال موقت یا دایم از خدمات دولتی محکوم می‌گردند. ماده ۱۷- وزارت مسکن و شهرسازی مأمور اجرای این قانون می‌باشد و موظف است حداکثر ظرف سه ماه آیین نامه اجرایی مواد این قانون را که به تصویب هیات دولت خواهد رسید، تهیه و به اجرا بگذارد. قانون فوق مشتمل بر هفده ماده و چهارده تبصره در جلسه روز پنجشنبه بیست و هفتم اسفند ماه یکهزار و سیصد و شصت به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است رییس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی

اصلاحیه قانون اراضی شهری - سال ۱۳۶۷

۱- اقدامات دولت در مورد کلیه زمینهایی که در اجرای ماده ۹ قانون اراضی شهری مصوب ۲۷/۱۲/۶۰ مجلس شورای اسلامی اعم از موات و بایر و دایر در محدوده قانون تملک و واگذار یا تعهد شده از زمان اجرای قانون مذکور تا پایان مهلت آن قانون معتبر و هرگونه حکمی که خلاف این نظریه داده شده فاقد اعتبار است ۲- اقدامات مذکور در مورد زمینهایی که به نحو فوق در همان مهلت تملک شده و در اختیار دولت است لکن تا کنون واگذار نشده نیز معتبر بوده و هرگونه حکمی که خلاف این نظریه داده شده، فاقد اعتبار است

تفسیر قانونی تبصره ۲ ماده ۱۰ و مواد ۱۴ و ۱۵ قانون اراضی شهری - مصوب ۵/۱۰/۱۳۶۰

۱ - در تبصره ۲ ماده ۱۰، از جمله (با نظر وزارت مسکن و شهرسازی) این منظور مستفاد است که واگذاری زمین از طرف متولیان به افرادی که صلاح می‌دانند با کسب مجوز از وزارت مسکن و براساس ضوابط مسکن و شهرسازی باید باشد. ۲ - در مواد ۱۴ و ۱۵ منظور این است که تصرف و تجاوز و هرگونه عملی برخلاف این قانون شامل تصرف و بنا و احداث ساختمان در زمین خود شخص بدون رعایت ضوابط مسکن و شهرسازی هم می‌شود و منظور از دخالت مستقیم قوای انتظامی در ماده ۱۵ دخالت آن قوا بوسیله وزارت مسکن و شهرسازی است نه دادگاه مگر در مواردی که طرف مدعی حق قانونی باشد که در این صورت بایست بوسیله دادگاه رفع تصرف و تجاوز عدوانی بشود. تفسیر قانونی فوق در جلسه روز دوشنبه پنجم دیماه یکهزار و سیصد و شصت و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۵/۱۱/۱۳۶۲ به تایید شورای نگهبان رسیده است رییس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی

آیین نامه اجرایی قانون اراضی شهری - مصوب ۲۰/۳/۱۳۶۱**فصل اول - مقررات محدوده شهرها و شهرکها (ماده ۱ تا ۲)**

ماده ۱ - محدوده مورد عمل قانون برای شهرها محدوده‌ای است که مقررات آن بر اساس مصوبه شماره ۶۸۰۰ مورخ ۲۵/۴/۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی ایران موضوع تعیین محدوده شهرها تعیین گردیده است تبصره - استانداریها مکلفند ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه محدوده شهرهای هراستان را بر اساس مصوبه مذکور روی نقشه با مقیاس مناسب مشخص و به وزارت مسکن و شهرسازی اعلام نمایند. ماده ۲ - محدوده مورد عمل قانون برای شهرکها اعم از اینکه با پروانه یا بدون پروانه شهرک‌سازی ایجاد گردیده باشند محدوده ایست که کمیسیون ماده ۱۳ آیین نامه مربوط به استفاده از اراضی و احداث بنا و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها مصوب ۲۷/۲/۵۵ بررسی و تصویب خواهند نمود. استانداریها مکلفند نقشه محدوده شهرکها را با مقیاس مناسب مشخص و جهت تعیین و تصویب محدوده مورد عمل قانون به کمیسیون ماده ۱۳ آیین نامه یاد شده فوق از نظر زمانی به نحوی ارجاع نمایند که کمیسیون مذکور قادر باشد نتیجه را ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه از طریق استانداری به وزارت مسکن و شهرسازی اعلام نماید. نظارت بر حفظ محدوده‌های فوق و همچنین اقدامات قانونی لازم جهت جلوگیری از توسعه غیرقانونی محدوده‌های مشخص شده مذکور به عهده استانداریها می‌باشد.

فصل دوم - نحوه تشکیل کمیسیونها و مقررات تشخیص اراضی (ماده ۳ تا ۴۲)

ماده ۳ - اعضای کمیسیون موضوع ماده ۱۲ قانون اراضی شهری که در این آیین نامه کمیسیون تشخیص نامیده می‌شود با حکم وزرای دادگستری، مسکن و شهرسازی و شهردار محل تعیین می‌گردند و جلسات کمیسیون با حضور کلیه اعضا رسمیت یافته و نظریه صادره با اکثریت ارا معتبر خواهد بود و در صورت ضرورت می‌توان در هر یک از شهرها کمیسیونهای متعدد تشخیص رابه ترتیب فوق تشکیل داد. در شهرکهایی که فاقد شهرداری می‌باشند نماینده شهرداری نزدیکترین شهر به آن شهرک در کمیسیون شرکت خواهد کرد. ماده ۴ - محل کار کمیسیونهای تشخیص و دبیرخانه‌های مربوطه را سازمان زمین شهری موضوع ماده ۸۱ این آیین نامه تعیین و این دبیرخانه زیر نظر سازمان مذکور انجام وظیفه می‌نماید، ارجاع کلیه پرونده‌ها به کمیسیونهای مزبور و ابلاغ

نظریه کمیسیون‌ها به مراجع ذیربط نیز از طریق این دبیرخانه توسط سازمان زمین شهری و واحدهای تابعه انجام می‌گیرد. ماده ۵ - ابطال شد. ماده ۶ - ابطال شد. ماده ۷ - زمینهای مربوط به تاسیسات صنعتی، کشاورزی و مراکز کسب و تجارت باید حسب مورد متناسب با مستحداثات و یا احتیاجات باشد و چنانچه طبق نظر کمیسیون تشخیص مقادیر زمین مازاد بر احتیاج به صورت بایر یا موات تشخیص داده شود بر حسب مورد طبق قانون و این آیین نامه عمل خواهد شد. ماده ۸ - کمیسیونهای تشخیص برای اظهار نظر پس از معاینه محل و ملاحظه نقشه‌ها و عکسهای هوایی در سنوات مختلف (در صورت وجود) و پرونده‌های ثبتی و در صورت لزوم با رعایت عرف مسلم محل اتخاذ تصمیم می‌نمایند، صورتجلسات مضبوط در پرونده‌های ثبتی و مندرجات اسناد مالکیت به تنهایی ملاک تشخیص نخواهند بود و نظریه کمیسیونها بایستی مستدل بوده و متضمن مساحت و موقعیت و مشخصات ثبتی ملک همراه با مستندات کافی باشد. ماده ۹ - کمیسیونهای تشخیص می‌توانند برای تشخیص میزان عمران و احیا و همچنین تناسب تاسیسات از نظرات مشورتی سازمانهای ذیربط استفاده نمایند. سازمانهای مربوطه مکلفند نظرات مشورتی خود را بر اساس ضوابط مورد عمل اعلام نمایند. ماده ۱۰ - نظریه کمیسیون تشخیص باید حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ ارجاع به شرح زیر اعلام گردد. الف - در مواردی که نظریه کمیسیون بر اساس ارجاع سازمان مذکور باید دو نسخه از نظریه را به صاحبان اسناد پلاکهای مربوطه اعلام نماید، و در صورتی که نظریه یاد شده از طرف مالک رویت شده باشد در نسخه ثانی رسید اخذ و به دبیرخانه کمیسیون اعاده دهد. ب - در مواردی که نظریه کمیسیون بر اساس درخواست سازمانهای دیگر صادر می‌شود دبیرخانه کمیسیون مکلف است سه نسخه از نظریه کمیسیون را به آن سازمان ارسال دارد و سازمان مذکور موظف است دو نسخه از نظریه را حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز به نمایندگی وزارت مسکن و شهرسازی به صاحبان اسناد اعلام و در صورتی که نظریه یاد شده از طرف مالک رویت شده باشد در نسخه ثانی رسید اخذ و جهت ضبط در پرونده امر به دبیرخانه کمیسیون تشخیص اعاده دهد و در غیر این صورت جهت اقدامات مقتضی به واحد زمین شهری منعکس می‌نماید. تبصره - شروع مهلت اعتراض از جانب سازمان زمین شهری و سازمانهای ذینفع دیگر به نظریه کمیسیون تشخیص از تاریخ ثبت در دفاتر آنها و در مورد صاحبان اسناد از تاریخ اعلام خواهد بود. ماده ۱۱ - ابطال شد. ماده ۱۲ - مراجع درخواست کننده نظریه کمیسیونهای تشخیص بایستی در صورت وجود نقشه ثبتی دو نسخه رونوشت یا فتوکپی آن را و در صورت نبودن نقشه مذکور دو نسخه کروکی دقیق زمین را که منطبق با سوابق ثبتی و وضع محل آن باشد با انعکاس موقعیت ملک روی نقشه هوایی با مقیاس مناسب (در موارد وجود نقشه هوایی را از متقاضی اخذ و به ضمیمه فتوکپی مصدق مدارک مالکیت مربوطه پس از تطبیق با اصل و گواهی ذیل آن به دبیرخانه کمیسیون ارسال نمایند. نقشه‌هایارسالی در موقع اظهار نظر به امضای اعضا کمیسیون تشخیص رسیده و یک نسخه از آن ضمیمه نظریه کمیسیون به مرجع درخواست کننده ارسال و نسخه دیگر به انضمام نظریه مذکور در دبیرخانه بایگانی می‌شود. تبصره - در مواردی که سازمانهای مذکور راسا و بدون در اختیار داشتن مدارک مالکیت، نظریه کمیسیون تشخیص را درخواست می‌نمایند بایستی هر گونه مدارک موجود و وضعیت ثبتی که در اختیار دارند به انضمام نقشه مربوطه به کمیسیون ارسال نمایند. ماده ۱۳ - ابطال شد. ماده ۱۴ - کمیسیونهای تشخیص مکلفند نظریات خود را در دفتر مخصوصی ثبت و امضا نمایند. ماده ۱۵ - موارد زیر نیاز به طرح در کمیسیون تشخیص ندارد. ۱ - پلاکهایی که مساحت آنها کمتر از حد نصاب مقرر در ماده ۸ قانون زمین شهری بوده و یا پروانه ساختمانی در آن احداث بنا شده و به صورت ساختمان باقی باشند و همچنین پلاکهای مذکور که مشاعی بوده و مساحت سهم هر یک از مالکین مشاعی از حد نصاب یاد شده تجاوز نماید. ۲ - پلاکهایی که به استناد گواهی‌های مهلت عمران نسبت به آنها پروانه ساختمانی صادر و در آن احداث بنا شده باشد و یا در مهلت اعتبار پروانه مذکور احداث بنا شروع شود. ۳ - پلاکهای تا ۳۰۰۰ متر مربع مساحت (عرضه و اعیان مربوط به واحدهای مسکونی و محلهای کسب و پیشه و مستحداثات متفرقه در صورت وجود هر یک از اسناد رسمی زیر که تاریخ صدور آنها قبل از تصویب

قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری ۵/۴/۵۸ باشد: الف - اسناد مالکیتی که به عنوان واحدهای مسکونی و یا با قید مستحذات صادر شده باشد. ب - در ستون انتقالات قید ساختمان به عنوان واحد مسکونی و مستحذات شده باشد. ج - هرگونه ملک مورد نظر قبلا - به عنوان واحد مسکونی یا ساختمان مورد معامله یا رهن با وزارتخانه‌ها، شرکتها و موسسات دولتی و وابسته به دولت، شهرداریها و موسسات اعتباری مجاز قرار گرفته باشد. د - گواهیهای مالیاتی اعم از مفاصا حسابهای مالیاتی و یا گواهی ارث به شرطی که در آن تصریح شده باشد که پلاک مورد نظر واحد مسکونی یا ساختمان است - ه - در صورتی که به موجب سند رسمی سابقه اجاره به عنوان واحد مسکونی یا ساختمان داشته باشد. و - مفاصا حساب نوسازی شهرداری به عنوان واحد مسکونی و یا ساختمان صادر شده باشد. ز - گواهی پایان کار به عنوان واحد مسکونی یا ساختمان صادر شده باشد. ح - پلاکهایی که به تشخیص شهرداری محل قبل از تاریخ اجرای مقررات مربوط به صدور پروانه ساختمانی در شهر محل وقوع پلاک به صورت ساختمان و مستحذات درآمده باشد. ۴ - پلاکهایی که قبل از تصویب قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری ۵/۴/۵۸ به صورت تاسیسات و مستحذات صنعتی، ورزشی، جایگاههای فروش مواد نفتی و همچنین کارگاهها، گاراژها، توقفگاهها، و انبارهای مسقف، اماکن درمانی، بهداشتی، آموزشی، فرهنگی و خدمات عمومی و تاسیسات مشابه بوده مشروط بر اینکه مساحت آنها از ۳۰۰۰ متر مربع تجاوز نماید و دارای پروانه رسمی کسب و پروانه ساختمانی باشند. ۵ - ذکر وجود ساختمان در مرحله صدور آخرین مفاصا حسابهای نوسازی و مالیاتی در کلیه بندهای فوق حسب مورد توسط سازمان مربوطه ملاک عمل خواهد بود. ۶ - در صورت اعلام کتبی و رسمی مالک یا مالکین ششدانگ زمین مبنی بر موات بودن آن که در صورت ادارات ثبت با اعلام سازمان زمین شهری مکلف به ابطال ثبت و سند قبلی طبق اقرار مذکور و صدور سند به نام دولت جمهوری اسلامی ایران با نمایندگی سازمان زمین شهری می‌باشند. ماده ۱۶ - از تاریخ تصویب این آیین نامه نیازی به صدور گواهی عمران برای زمینهای دایرنمی‌باشد و سازمانهای قانونی مورد مراجعه مالکین بایستی با قبول مسئولیت نسبت به انجام امراقدام نمایند. مالکین پلاکهای خارج از شمول ماده ۱۵ این آیین نامه بر حسب نیاز خود با در دست داشتن مدارک مندرج در ماده ۱۲ آیین نامه به ارگانهای ذیربط مراجعه می‌نمایند تا سابقه جهت اخذ نظریه کمیسیون تشخیص به سازمان زمین شهری ارسال گردد. تبصره ۱ - گواهی‌های عمرانی صادره قبلی نسبت به اراضی عمران شده پس از تایید صحت آن وسیله سازمان زمین شهری فقط از لحاظ احیا و عمران به اعتبار خود باقی خواهند بود. تبصره ۲ - سازمانهای قانونی مذکور در این ماده مکلفند نتیجه آخرین اقدام خود و همچنین کمیسیونهای تشخیص نسخه‌ای از آخرین نظریه خود نسبت به کیفیت پلاک مورد بررسی و نام صاحب سند و فتوکی مدرک مالکیت را به اداره ثبت مربوطه جهت انعکاس در سوابق ثبتی و نیز به سازمان زمین شهری ارسال نمایند. ماده ۱۷ - چنانچه نسبت به مواد ۱۵ و ۱۶ این آیین نامه و تبصره‌های مربوطه درخواست متقاضی منجر به تعیین تکلیف قطعی نگردد سازمان مورد مراجعه مکلف است پرونده امر را جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم به کمیسیون تشخیص ارجاع نماید. ماده ۱۸ - کسانی که طبق اسناد و مدارک مالکیت رسمی و یا بر اساس قوانین و مقررات جاری دارای زمینی موات در حد نصاب مقرر در قانون بوده و در گذشته طبق قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری گواهی مهلت عمران تا حد نصاب مقرر در قانون اراضی شهری اخذ ننموده‌اند، اعم از اینکه در سازمانهای عمران اراضی شهری قبلا تشکیل پرونده داده یا نداده باشند و از تاریخ ۵/۴/۵۸ به بعد از هیچ نهاد یا سازمانی در سطح کشور زمین برای واحد مسکونی به آنها منتقل نشده باشد می‌توانند از تاریخی که سازمان زمین شهری اعلام نماید از شهرداری مربوطه درخواست صدور پروانه ساختمانی نمایند و شهرداریها مکلفند قبل از صدور پروانه ساختمانی با استعلام از سازمان مذکور از وی طبق فرم ارسال از سازمان یاد شده با رعایت ضوابط مربوطه پروانه ساختمانی صادر و رونوشت آن را به سازمان مذکور ارسال نمایند. تفکیک پلاکهای مزبور با در نظر گرفتن ضوابط تفکیکی شهرداری بلامانع است لکن شهرداریها فقط به مقدار نصاب مندرج در ماده ۸ قانون در یک یا چند قطعه تفکیکی پروانه صادر خواهند نمود. تبصره ۱ - سازمان زمین شهری می‌تواند بنا به درخواست

شهرداری‌ها فهرست اسامی مربوط به دارندگان گواهی مهلت عمران و دریافت کنندگان زمین و سایر اطلاعات ضروری و تکمیلی همراه با دستورالعمل نحوه استفاده از آن را در اختیار شهرداری‌ها قرار دهد و در این صورت شهرداری نیازی به استعلام از سازمان نخواهد داشت و با مسئولیت خود طبق قانون اراضی شهری و این آیین نامه با استفاده از اطلاعات ارسالی در هر مورد اقدام نموده و مکلف است در مرحله صدور پروانه ساختمانی و همچنین در مرحله صدور گواهی پایان کار حداکثر ظرف یک هفته رونوشت آنها را جهت تکمیل فهرست اطلاعات به محلی که در دستورالعمل مذکور مشخص شده است ارسال نماید. تبصره ۲ - تا زمان تکمیل اطلاعات مربوط به گواهی‌های مهلت عمران و واگذاری‌های انجام شده در سطح کشور در سازمان زمین شهری و اعلام آن به مراجع ذیربط شهرداری‌ها و فرمانداریها مکلفند برای متقاضیان پروانه ساختمانی در شهرها و شهرکها تا حد نصاب مقرر در قانون اراضی شهری با اخذ تعهد رسمی از متقاضیان در دو نسخه (طبق نمونه‌ای که سازمان زمین شهری تهیه و به شهرداری‌ها و فرمانداریها ارسال می‌نماید) پروانه صادر و حداکثر ظرف یک هفته رونوشت آن را به ضمیمه یک نسخه از تعهد نامه و همچنین در موقع صدور گواهی پایان کار بلافاصله یک نسخه رونوشت آن را به سازمان زمین شهری و شعب مربوطه بر حسب مورد ارسال نمایند و سازمان زمین شهری مشخصات دارنده پروانه را در فهرست اطلاعات مربوطه ثبت می‌نماید و در هر موقع که خلاف تعهدات مذکور احراز شود پروانه صادره فاقد اعتبار بوده و برابر مقررات با متخلف رفتار می‌شود. ماده ۱۹ - چنانچه مساحت زمین فرد واجد شرایطی که برای آن پروانه ساختمان صادر می‌گردد مازاد بر حد نصاب مقرر در قانون باشد و قبلاً برای آن گواهی مهلت عمران صادر نشده باشد شهرداری‌ها ضمن رعایت مفاد ماده ۱۸ قبل از صدور پروانه ساختمانی نسبت به جدا نمودن مازاد آن تا حد نصاب مقرر اقدام و برای این منظور می‌توانند بدون توجه به مقررات تفکیکی منطقه وقوع ملک و فقط با رعایت حداقل نصاب تفکیکی مسکونی در آن شهر و طرح‌های اصلاحی به نحوی نقشه تفکیکی را تصویب نمایند که نزدیکترین مساحت به حد نصاب مقرر قانون برای متقاضی باقی‌مانده مشروط بر اینکه هیچگاه از حد نصاب مذکور تجاوز ننماید. تبصره ۱ - تهیه نقشه تفکیکی به عهده متقاضی صدور پروانه است تبصره ۲ - در صورتی که عمل تفکیک به لحاظ ضوابط مربوطه و طول و ابعاد ملک انجام پذیر نباشد پرونده به سازمان زمین شهری ارجاع و پس از قطعیت نظریه کمیسیون تشخیص در صورت بایر بودن مازاد زمین جزو قطعه محسوب و در صورت موات بودن بهای مازاد توسط سازمان زمین شهری دریافت و سپس اجازه نامه جهت ادامه ید به صاحب سند تسلیم خواهد شد. تبصره ۳ - در صورتی که تفکیک مازاد زمین از کل قطعه امکان‌پذیر باشد شهرداری نقشه تفکیکی مصوب خود را به سازمان زمین شهری ارسال و پس از قطعیت نظریه کمیسیون تشخیص سازمان مذکور نقشه تفکیکی را با ذکر نوع زمین از لحاظ موات یا بایر بودن مبتنی بر نظر کمیسیون به اداره ثبت مربوطه ارسال می‌نمایند تا در صورت موات بودن زمین، ثبت و سند قطعه مازاد ابطال و سند مالکیت آن به نام دولت با نمایندگی سازمان زمین شهری صادر گردد و در صورت بایر بودن اداره ثبت با توضیح لازم در سوابق ثبتی و صفحه ملاحظات سند مالکیت قید نماید، باقیمانده زمین در مهلت اعتبار قانون اراضی شهری (نه عین نه منفعت قابل واگذاری نیست مگر به دولت و باتقویم دولت سازمان پس از وصول صورت جلسه تفکیکی از اداره ثبت سوابق ارسالی را جهت صدور پروانه ساختمانی در حد نصاب مقرر به شهرداری اعاده می‌نماید. تبصره ۴ - گواهی‌های مهلت عمران صادره قبلی از طرف سازمانهای عمران اراضی شهری به اعتبار خود باقی است و شهرداریها می‌توانند بر مبنای گواهی‌های مذکور پروانه ساختمانی صادر نمایند لکن فقط تا هزار متر مربع گواهیهای مذکور قابل صدور پروانه ساختمانی خواهند بود و نسبت به مازاد هزار متر مربع طبق این ماده عمل خواهد شد. ماده ۲۰ - واحد مسکونی مناسب در هر شهر ظرف مدت یک ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه توسط وزارت مسکن و شهرسازی تعیین و اعلام خواهد شد. ماده ۲۱ - زمینی که طبق مواد ۶ و ۸ قانون اراضی شهری برای آن پروانه صادر می‌گردد زمینیاست که در حد نصاب مقرر در قانون اعم از اینکه به صورت یک یا چند قطعه متصل یا منفصل بوده یا دارای پلاکهای متعدد باشد که در این صورت مالک می‌تواند نسبت به کلیه آنها پروانه ساختمانی اخذ نماید و یا برای یک قطعه از

آن پروانه ساختمانی اخذ و بقیه را در صورت نیاز دولتی از شهرداریها به آنها بفروشد و چنانچه هیچ یک از قطعات پراکنده و منفصل مذکور به گواهی شهرداری قابل احداث واحد مسکونی نباشد سازمان زمین شهری یا شهرداری در قبال تملک آن قطعات یک قطعه زمین حتی المقدور معادل قیمتی آن واگذار می نماید. همچنین سازمان زمین شهری در مواردی که یک قطعه زمین در زیر حد نصاب غیر از قطعه مورد عمران مالکی را اعم از موات یا بایر تملک می نماید می تواند همان زمین را به یکی از اقربای طبقه اول وی در صورتی که فاقد زمین و ساختمان مسکونی از تاریخ ۲۷/۱۲/۶۰ باشند واگذار نماید. ماده ۲۲ - کسانی که به ترتیب مقرر در این آیین نامه واجد شرایط بوده و در اجرای قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری در مهلتهای مقرر برای گرفتن گواهی مهلت عمران مراجعه نکرده اند و با اعلام سازمانهای عمران اراضی شهری زمین آنها ابطال ثبت گردیده ولی به غیر واگذار نشده باشد، حتی المقدور زمین مزبور با رعایت ضوابط قانون اراضی شهری و این آیین نامه به مشارالیهم واگذار و الا زمین دیگری معادل بها آن تا حد نصاب مقرر توسط سازمان زمین شهری واگذار می گردد. ماده ۲۳ - مهلت عمران دارندگان اسناد مالکیت اراضی موات که مساحت آنها کمتر از دو برابر بالا-ترین حداقل نصاب تفکیکی مناطق مسکونی در شهر محل وقوع زمین باشند اعم از آنکه گواهی مهلت عمران داشته یا نداشته باشند تا آخر سال ۱۳۶۵ تمدید می گردد. تبصره - در مواردی که به عللی از سوی مراجع ذیصلاح صدور پروانه موقتا ممنوع و یا غیرمقدور باشد مهلت مذکور از تاریخ رفع ممنوعیت شروع می گردد. ماده ۲۴ - کسانی که طبق ضوابط قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن برای یک قطعه زمین به مساحتی کمتر از حد نصاب مقرر در قانون اراضی شهر گواهی مهلت عمران اخذ نموده اند چنانچه زمین مذکور هنوز ساختمان نگردیده و یا در صورت ساختمان با توجه به حد نصاب واحد مسکونی مناسب مندرج در ماده ۶ قانون کافی نباشد و متقاضی زمین دیگری در مجاورت قطعه مذکور داشته باشد که به مالکیت دولت در نیامده و توسط سازمانهای عمران اراضی به غیر واگذار نشده باشد می تواند تا حد نصاب مقرر در قانون اراضی شهری قطعات مذکور را تجمیع نماید و در صورتی که متقاضی فوق دارای قطعات منفصل باشد طبق ماده ۲۱ اصلاحی عمل خواهد شد. ماده ۲۵ - در شهرهایی که حد نصاب تفکیک زمین در مناطق مسکونی تعیین نگردیده استانداریها مکلفند حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه نسبت به تهیه و تصویب آن طبق مقررات مربوطه اقدام و نتیجه را به وزارت مسکن و شهرسازی اعلام نمایند، حد نصابهای مذکور نیز حد نصاب مربوط به شهرهایی که دارای ضوابط تفکیکی مصوب می باشند پس از اعلام از طرف وزارت مسکن و شهرسازی ملاک اجرای قانون اراضی شهری و این آیین نامه بوده و در صورت تغییر نیز همان حد نصاب تعیین شده قبلی برای اجرای قانون اراضی شهری ملاک عمل خواهد بود. تبصره - در شهرها و شهرکهایی که ضوابط تفکیک بیشتر از حد نصاب مقرر در قانون اراضی شهری (۱۰۰۰ متر مربع باشد بایستی ضوابط مزبور حداکثر تا حد نصاب یاد شده تقلیل یابد. ماده ۲۶ - کسانی که در یک یا چند قطعه زمین بایر موات مشاعا شریک بوده و تحت تکفل دیگری نباشند (به استثنای همسر) هر یک می توانند پس از تجمیع یا انتقال یا افزای با رعایت سایر ضوابط و شرایط منفردا یا مجتمعا برای عمران زمین خود پروانه اخذ نمایند، هر گونه تجمیع و افزای انتقال سهام مشاعی بین مالکین تا حد نصاب مقرر با رعایت ضوابط شهرداری بلامانع است و مراجع قانونی ذیربط باید پس از اقدام نتیجه را جهت ثبت در فهرست مربوطه به سازمان زمین شهری ارسال نمایند. ماده ۲۷ - مالکین اراضی مشاعی که طبق قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری برای تمام یا قسمتی از سهام خود گواهی مهلت عمران اخذ نموده اند در صورتی که بقیه زمین آنها واگذار نشده یا ثبت و سند مربوطه ابطال نشده باشد می توانند در حد نصاب مقرر در قانون اراضی شهری از مزایای ماده فوق استفاده نمایند. ماده ۲۸ - مالکین واجد شرایط اراضی مشاعی که زمین آنها قابل صدور پروانه ساختمانی برای واحد مسکونی باشد و لکن قابل افزای به قطعه مستقل نبوده و در کل پلاک نتوان به تعداد مالکین واحد مسکونی احداث نمود به تعدادی که فاقد واحد مسکونی باقی می ماند پس از انتقال سهام به شریک مشاعی واجد شرایط می توانند متقاضی خرید زمین از سازمان زمین شهری باشند. ماده ۲۹ - برای پدر و اولاد صغیر تحت تکفل او

فقط تا حد نصاب مقرر در قانون اراضی شهری یک پروانه ساختمان به انتخاب پدر صادر می‌گردد (اعم از اینکه زمین به صورت مشاعی یا مفروز و متعلق به پدر باشد یا اولاد صغیر تحت تکفل او) و نسبت به زمینهای دیگر طبق مقررات قانون و این آیین نامه عمل می‌شود. تبصره - صغار خانواده‌ای که به علل قانونی تحت سرپرستی غیر از پدر باشند و نیز محجورین حسب مورد به انتخاب ولی یا قیم هر یک می‌توانند زمینی را تا حد نصاب مقرر طبق این آیین نامه عمل نمایند. ماده ۳۰ - انتقال زمین در حد نصاب مقرر در قانون بین اقربای درجه اول خانواده شهدا با معرفی بنیاد شهید در صورتی که طرفین خانه و زمین دیگری نداشته و هر دو واجد شرایط لازم برای اخذ پروانه ساختمانی باشند با اجازه سازمان زمین شهری فقط برای یک بار بلامانع است ماده ۳۱ - چنانچه زمینی در عقدنامه رسمی قبلی از ۲۷/۱۲/۶۰ در صدق زن قرار گرفته باشد تنظیم سند انتقال به زوجه در صورتی که مساحت آن کمتر از حد نصاب مقرر باشد بلامانع است در مواردی که مساحت زمین مازاد بر حد نصاب باشد پس از قطعیت نظریه کمیسیون تشخیص در صورت بایر بودن انتقال آن به زوجه بلامانع و چنانچه موات تشخیص گردد و زوجه واجد شرایط برای عمران یک قطعه زمین موات باشد مازاد در اختیار دولت قرار می‌گیرد. ماده ۳۲ - انتقال زمین متعلق به زوج یا زوجه به یکدیگر در حد نصاب مقرر مشروط بر آنکه طرفین واجد شرایط برای عمران آن باشند منحصرا در مواردی که یکی از آنها دارای مجوز اخذ وام بوده و برای دریافت وام لازم است زمین در ملکیت او باشد با موافقت طرفین و با نظر سازمان زمین شهری فقط برای یک بار بلامانع است در این صورت متعاملین نمی‌توانند متقاضی خرید یا صدور پروانه برای زمین دیگر باشند. ماده ۳۳ - چنانچه کسی واجد شرایط برای عمران زمین خود در حد نصاب مقرر باشد و بخواهد آن را صدق زوجه خود یا زوجه یکی از اقربای طبقه اول خود که فاقد مسکن و زمین است قرار دهد بلامانع می‌باشد. ماده ۳۴ - در شهرهایی که شهرداریها برای واگذاری اراضی معوض طرحها فاقد زمین باشند چنانچه زمین کسی که واجد شرایط برای اخذ پروانه است در طرحهای مختلف شهرداری قرار گیرد و شهرداریها برابر ضوابط قانون و این آیین نامه زمین مزبور را خریداری یا تملک نموده باشند متقاضیان را جهت خرید یک قطعه زمین به سازمان زمین شهری معرفی می‌نمایند و سازمان مذکور موظف است این گونه متقاضیان را در اولویت قرار دهد. تبصره ۱ - در مورد زمینهایی که مطابق طرحهای مصوب شهری تکلیف قطعی آنها مشخص شده و با توجه به طرحهای مذکور امکان عمران توسط متقاضی وجود نداشته باشد طبق این ماده عمل خواهد شد. (بدون رعایت اولویت تبصره ۲ - در مورد پرونده‌هایی که قبل از تصویب قانون اراضی شهری به سازمانهای عمران اراضی ارسال گردیده تا در ارتباط با ماده ۱۴ آیین نامه اجرایی قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری زمین معوض واگذار شود و زمین معوض واگذار نشده باشد، بر اساس مقررات قانون و این آیین نامه اقدام می‌گردد. تبصره ۳ - سازمان زمین شهری مکلف است قطعاتی از اراضی خود را که بر اساس ضوابط و مقررات شهرداریها و سایر مقررات تفکیک شده است به شهرداریها یا سایر سازمانهای دولتی بفروشد تا جهت رفع نیازمندیهای عمومی شهر و معوض املاک واقع در طرحهای اجرایی مصوب شورای اقتصاد در تهران یا شورای برنامه ریزی در استانها مورد استفاده قرار دهند. تبصره ۴ - چنانچه اراضی شهری کسانی که واجد شرایط برای اخذ پروانه ساختمانی می‌باشند برابر ضوابط مصوب شهرسازی در طرحهای دولت قرار گرفته یا بگیرد دستگاہهای دولتی اراضی مور نیاز را خریداری یا تملک می‌نمایند و فروشندگان اراضی را جهت خرید یک قطعه زمین به سازمان زمین شهری معرفی خواهند نمود و سازمان مذکور موظف است این گونه متقاضیان را نیز در اولویت قرار دهد. تبصره ۵ - سازمان زمین شهری مکلف است در قبال زمینهای موات واقع در طرحهای اجرایی مصوب پنج ساله شهرداریها که در شهر تهران به تصویب شورای اقتصاد و در استانها به تصویب شورای برنامه ریزی استان رسیده باشد زمینی به صورت معوض حتی المقدور معادل قیمتی زمین واقع در طرح به مالکین واجد شرایط از محل زمینهای موات خود واگذار نماید و فقط نسبت به مازادها، سازمان می‌تواند مابه التفاوت مربوطه را اخذ نماید. ماده ۳۵ - اگر قسمتی از زمین افراد واجد شرایطی که درخواست پروانه نموده‌اند در طرح مصوب دولت یا شهرداری قرار گرفته باشد مالک می‌تواند از باقیمانده زمین تا حد نصاب مقرر استفاده نماید و چنانچه برای باقی مانده برابر

ضوابط شهرداری بتوان پروانه ساختمانی صادر نمود در صورت تمایل مالک نسبت به صدور پروانه اقدام یا برابر ضوابط قانون و این آیین نامه عمل خواهد شد. ماده ۳۶- در مورد مالکیت اراضی شهری که فاقد واحد مسکونی مناسب بوده و زمین دیگری که قابل صدور پروانه ساختمانی باشد ندارند و زمین آنها در طرحهای مصوب شهری یا دولت واقع گردیده لکن شهرداریها به لحاظ سایر علل مربوط به ضوابط شهری نمی‌توانند برای زمین پروانه ساختمانی صادر نمایند سازمان زمین شهری می‌تواند با درخواست متقاضی طبق ضوابط یک قطعه زمین جهت امر مسکن به او بفروشد در این صورت پس از قطعیت نظریه کمیسیون تشخیص در صورتی که زمین متقاضی موات باشد در اختیار دولت قرار می‌گیرد و در صورتی که بایر باشد درسند آن قید می‌گردد که در مهلت اعتبار قانون اراضی شهری قابل واگذاری نیست (نه عین نه منفعت مگر به دولت و با تقویم دولت ماده ۳۷- در اجرای تبصره ماده ۶ قانون اراضی شهری متقاضیانی که پرونده‌های آنان بر اساس مصوبه الحاق سه تبصره به ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری در سازمانهای عمران اراضی شهری سابق تشکیل و منتهی به صدور رای کمیسیون مربوطه نگردیده می‌توانند پس از دو ماه از تاریخ این آیین نامه به دادگاه صالحه مراجعه نمایند و سازمان زمین شهری نیز مکلف به ارسال پرونده‌های مطروحه مذکور ظرف دو ماه به مراجع یاد شده می‌باشد. ماده ۳۸- در شهرهایی که مهلت مذکور در مصوبه سه تبصره الحاقی به ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری اعلام نگردیده دارندگان زمین با اسناد عادی مربوطه به تاریخ قبل از ۵/۴/۵۸ مکلفند در اجرای قسمت اخیر تبصره ماده ۶ قانون اراضی شهری ظرف یک ماه از تاریخ اعلام سازمان زمین شهری به مراجع صالحه قضایی مراجعه نمایند. ماده ۳۹- در مورد زمینهایی که تا تاریخ ۵/۴/۵۸ با اسناد عادی معامله شده و حکم لازم طبق قانون و این آیین نامه مبنی بر صحت معامله صادر می‌گردد چنانچه زمین بایر باشد با توجه به حکم صادره حسب مورد از طرف سازمان زمین شهری اجازه افزاز یا انتقال از فروشنده به خریدار داده خواهد شد و بهره برداری از آن در حد نصاب مقرر مجاز است و چنانچه زمین بر اساس نظریه قطعی کمیسیون تشخیص، موات باشد ثبت قبلی زمین ابطال و سند مالکیت به نام دولت یا نمایندگی سازمان زمین شهری صادر و سپس به میزان مساحت مورد معامله تا حد نصاب برابر مقررات مربوط از همان زمین به خریدار واجد شرایط واگذار می‌گردد مهلت عمران برای زمینهای موات مذکور از تاریخ واگذاری سه سال می‌باشد. تبصره- در مورد اراضی موات موضوع این ماده در صورتی که به موجب احکام دادگاههای قسمتی از بها زمین به فروشنده پرداخت نشده باشد آن قسمت از مبالغ پرداختی که به قطعه زمین مورد واگذاری تعلق می‌گیرد از قیمت زمین که بر اساس مقررات این آیین نامه ارزیابی می‌گردد کسر و باقیمانده توسط سازمان زمین شهری وصول خواهد شد. ماده ۴۰- شرکت‌های تعاونی مسکن که طبق تبصره ۴ ماده ۸ قانون دارای زمینی باشند مکلفند ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه مدارک خود را به وزارت مسکن و شهرسازی ارسال نمایند و وزارت مذکور پس از رسیدگی به مدارک با رعایت ضوابط قانون اراضی شهری و این آیین نامه مساحت زمین متناسب برای اجرای طرح را حداکثر تا میزان کل زمین شرکت تعاونی، تعیین و مهلت لازم را برای اجرای طرح به شرکت تعاونی می‌دهد. در صورت عدم مراجعه در مهلت مقرر و یا عدم اجرای طرح در مدت تعیین شده چنانچه زمین موات باشد در اختیار سازمان زمین شهری قرار می‌گیرد. ماده ۴۱- کلیه مقررات یاد شده برای صدور پروانه جهت کسانی که واجد شرایط می‌باشند در زمین موات یا بایر اشخاص حقیقی است و اشخاص حقوقی که دارای مجوز قانونی عمران نباشند نمی‌توانند از این مزایا استفاده نمایند و زمین مواتی که به نام اشخاص حقوقی باشد در اختیار سازمان زمین شهری قرار می‌گیرد و فقط بهای زمین بایر در صورت نیاز دولت و شهرداریها به آن، طبق ضوابط پرداخت می‌گردد. ماده ۴۲- زمینهای بایری که طبق گواهی شهرداری فقط برای رفع نیاز خاصی، غیر از سکونت و تجارت بتوانند مورد بهره برداری قرار گیرد و نیاز اشخاص حقیقی یا حقوقی مالک این گونه اراضی پس از استعلام سازمان زمین شهری طبق گواهی مراجع ذیربط مورد تایید قرار گیرد مالکین آن می‌توانند در مهلت مناسبی که از طرف مراجع مزبور تعیین خواهد شد متناسب با نحوه استفاده از زمین مذکور و طرح مورد نظر بر اساس طرحهای شهرسازی

مصوب نسبت به عمران آن اقدام کنند. مهلت مذکور از تاریخ موافقت سازمان زمین شهری شروع می‌شود. تبصره - اشخاص حقیقی موضوع این ماده چنانچه خود یا اولاد صغیر تحت تکفل آنان فاقد واحد مسکونی باشند برای سکونت خود نیز می‌توانند یک قطعه زمین متعلق به خود را در حد نصاب مقرر عمران کنند.

فصل سوم - نحوه اعلام برای خرید و تملک اراضی (ماده ۴۳ تا ۶۳)

ماده ۴۳ - خرید و تملک زمین توسط سازمان زمین شهری و شهرداریها در قالب انجام وظایف قانونی آنها بر اساس قانون اراضی شهری و این آیین نامه انجام می‌گیرد و سایر ارگانهای دولتی یا وابسته به دولت اراضی مورد نیاز طرحهای خود را راسا بر اساس قوانین و مقررات مربوطه و بارعایت قانون اراضی شهری و این آیین نامه خریداری یا تملک می‌نمایند. ماده ۴۴ - سازمان زمین شهری در اجرای سیاستهای وزارت مسکن و شهرسازی محدوده و مشخصات زمینهای مورد نیاز در اجرای قانون اراضی شهری را با توجه به طرحهای جامع و تفصیلی و در صورت عدم وجود طرحهای مذکور بر اساس سایر طرحهای شهرسازی مصوب یا مقررات شهرداری تعیین و از طریق درج آگهی در روزنامه محل یا کثیرالانتشار (عنداللزوم اعلام به نحو مقتضی در دو نوبت به فاصله ده روز به اطلاع عموم می‌رساند. مالکین اراضی و همچنین صاحبان سایر حقوق قانونی در محدوده مذکور مکلفند ظرف مهلت ۱۵ روز از تاریخ انتشار آخرین آگهی باهمراه داشتن مدارک مربوط جهت واگذاری زمین خود به سازمانهای ذیربط که در آگهی مشخص می‌گردد مراجعه نمایند. تبصره ۱ - کسانی که در محدوده اعلام شده دارای گواهی مهلت عمران یا پروانه ساختمان معتبر باشند نیز بایستی ظرف مدت مذکور جهت تعیین تکلیف خود به سازمانهای یاد شده مراجعه نمایند. تبصره ۲ - در محدوده اعلام شده مذکور شهرداریها و فرمانداریها حسب مورد حق صدور پروانه ساختمانی نداشته و پروانههای صادره‌ای که مالکین آنها اقدام به احداث بنا ننموده‌اند باطل تلقی و ارگانهای مزبور حسب مورد با رعایت مقررات مکلفند از احداث بنا جلوگیری نمایند. تبصره ۳ - بهای اراضی بایر و عرضه اراضی دایر بر اساس مقررات قانون اراضی شهری و این آیین نامه ارزیابی و به نحو مقتضی پرداخت و یا زمین معوض واگذار می‌شود. تبصره ۴ - ابطال شد. ماده ۴۵ - چنانچه پس از اعلام سازمان زمین شهری مالکین اراضی بایر و املاک مستثنی نشده واقع در محدوده مورد اعلام در مهلت مقرر و یا قبل از صدور سند انتقال به نام دولت مراجعه نمایند در صورتی که انجام معامله هیچگونه اشکال ثبتی و حقوقی نداشته باشد مدارک مالکیت مالک یا مالکین جهت تنظیم سند انتقال به دفتر اسناد رسمی ارسال می‌گردد و بهای ملک طبق ضوابط قانون و این آیین نامه محاسبه و حسب مورد پرداخت یا زمین معوض واگذار می‌شود. ماده ۴۶ - در مورد ماده قبل و همچنین در مورد اراضی مشاعی چنانچه یک یا چند مالک مشاع در مهلت مقرر مراجعه لکن به لحاظ عدم حضور بقیه مالکین انجام معامله کل ملک مقدور نباشد نسبت به آن تعداد از مالکین که تنظیم سند امکان ندارد طبق مفاد قانون اراضی شهری و این آیین نامه سند انتقال به قایم مقامی مالک یا مالکین امضا می‌گردد. ماده ۴۷ - سازمان زمین شهری محدوده مورد نیاز خود یا شهرداری را در محل مشخص نموده و قبل از انتشار آگهی، نقشه محدوده را به اداره ثبت محل ارسال می‌نماید. اداره ثبت مکلف است با در نظر گرفتن امکانات، حداکثر ظرف یک ماه مشخصات پلاکهای ثبتی یا تفکیکی و نقشه پلاک بندی و جریان ثبتی و نام آخرین مالک قانونی را در خصوص محدوده مورد نظر که طبق صورت مجلس تنظیمی بین نمایندگان سازمان زمین شهری یا شهرداری بر حسب مورد و اداره ثبت ارایه گردیده به سازمان مذکور یا شهرداری اعلام و ارسال نماید. در این صورت پس از انتشار آگهی و اعلام محدوده نهایی مورد نظر چنانچه مالکین در مهلت تعیین شده جهت انتقال ملک خود مراجعه نمایند و در سایر موارد مندرج در تبصره ۲ ماده ۹ قانون اراضی شهری، نماینده سازمان زمین شهری یا شهرداری حسب مورد به قایم مقامی آنان سند انتقال را امضا می‌نمایند تا پس از مراجعه مالک یا مالکین و کسر مالیاتها و

هزینه‌های متعلقه مطابق ضوابط قانون و این آیین نامه بهای ملک توسط سازمان تملک کننده یا شهرداری حسب مورد به آنها پرداخت گردد. نقشه محدوده مورد نظر سازمان زمین شهری یا شهرداری برای تملک همزمان با آگهی مربوطه در اجرای ماده ۴۴ این آیین نامه به اداره ثبت و شهرداری مربوطه ارسال می‌گردد. ماده ۴۸ - در مورد ماده ۴۷ ادارات ثبت مکلفند حسب درخواست سازمان زمین شهری سند تجمیعی پلاکهای محدوده مورد تملک را که ضمناً در بر گیرنده معابر و مسیل‌ها و انهار متروکه و حریم‌ها و موارد مشابه داخل آن و املاک مجهول المالك نیز باشد طبق مقررات مربوطه صادر نمایند. اعلام موافقت کتبی شهرداریها و سایر سازمانهای ذیربط در این زمینه برای ادارات ثبت کفایست تبصره - تغییر و جابجایی محل معابر و طرح اماکن عمومی در محدوده مورد نظر سازمان زمین شهری با توجه به اینکه در طرح مجدد معابر و محل اماکن مذکور در نظر گرفته می‌شود بلامانع است ماده ۴۹ - در مواردی که محدوده‌ای به شرح موارد بالا از طرف سازمان زمین شهری خریداری و یا تملک می‌شود سند مالکیت به نام دولت با نمایندگی سازمان مذکور صادر می‌گردد و ادارات ثبت و مراجع ذیصلاح مربوطه پس از صدور سند، طبق ضوابط مورد عمل خود با توجه به پرونده‌های ثبتی به هر گونه تعارضات یا اختلافات ثبتی موجود رسیدگی و نتیجه را به سازمان زمین شهری اعلام خواهند نمود. ماده ۵۰ - در اجرای قانون اراضی شهری و این آیین نامه هر گونه واگذاری اراضی بایر شهری عیناً و منفعتاً تحت هر عنوان در مدت اعتبار قانون مذکور توسط مالکین اینگونه اراضی ممنوع بوده لکن دولت یا شهرداریها فقط در صورت نیاز مبادرت به خرید یا تملک اراضی مذکور می‌نمایند. ماده ۵۱ - ابطال شد. تبصره - در صورتی که مالک زمین مورد خریداری یا تملک قبلاً گواهی مهلت عمران اخذ نموده و یا دارای پروانه ساختمانی معتبر بوده یا واجد شرایط برای عمران باشد اعم از اینکه زمین مشاعی باشد یا مفروز در صورت امکان از همان زمین و در غیر این صورت با رضایت مالک یا مالکین از محل دیگر زمینی حتی المقدور معادل قیمتی زمین مذکور حداکثر تا نصاب مقرر در قانون واگذار و مابه التفاوت بر حسب مورد پرداخت یا دریافت می‌گردد. ماده ۵۲ - در صورتی که در محدوده اعلام شده زمین وقفی وجود داشته باشد، اعم از اینکه به اجاره واگذار شده یا نشده باشد ادارات اوقاف و متولیان موقوفه مکلفند ظرف ۱۵ روز از تاریخ انتشار آخرین آگهی موضوع ماده ۴۴ مراتب را به سازمان زمین شهری اعلام و حداکثر ظرف یک ماه نقشه زمین وقفی و مشخصات آن را ارائه دهند. در این صورت اراضی مذکور از محدوده مورد تملک مستثنی خواهد شد. تبصره ۱ - سازمان زمین شهری در موقع اعلام و ارسال آگهی برای انتشار یک نسخه از آن را به نحو مطمئن یا با پست سفارشی به سازمان اوقاف و در سایر شهرستانها به ادارات اوقاف مربوطه و نیز به آستان قدس رضوی و آستان حضرت معصومه (ع) ارسال می‌دارد. عدم ارسال این مدارک برای سایر متولیان رافع مسئولیت ادارات اوقاف و متولیان موقوفه در اجرای این ماده نمی‌باشد. تبصره ۲ - پس از اعلام و انتشار آگهی محدوده مورد درخواست از طرف سازمان زمین شهری واحراز اینکه تمام یا قسمتی از محدوده وقفی است، با نظر ادارات اوقاف و متولیان موقوفه برابر مقررات اوقاف و قانون اراضی شهری عمل خواهد شد. ماده ۵۳ - ابطال شد. ماده ۵۴ - واگذاری زمین شهری از طرف اوقاف یا متولیان موقوفه برای امر مسکن و یاتاسیسات عمومی فقط طبق نقش شهرسازی مورد تایید وزارت مسکن و شهرسازی که به تصویب مراجع ذیصلاح برسد، طبق مقررات اوقاف صورت خواهد گرفت، مگر اینکه در وقفنامه به مورد یا افراد خاصی اشاره شده باشد. ماده ۵۵ - ابطال شد. ماده ۵۶ - ابطال شد. ماده ۵۷ - ابطال شد. تبصره - شهرداریها می‌توانند بدون توجه به موقعیت شهری ملک و با استفاده از ضوابط تفکیکی هر یک از مناطق شهری که مناسب باشد عمل تفکیک را به نحوی انجام دهند که مساحت قطعه مربوط به مستاجر حتی المقدور نزدیک به معادل حد نصاب مقرر در این ماده برای واحد مسکونی گردد. ماده ۵۸ - سازمان اوقاف مکلف است فهرست تولیت آستانه‌های کشور را ظرف یک ماه به سازمان زمین شهری ارسال نماید و در مواردی که در این آیین نامه اشاره به متولیان موقوفه شده اعم از اینکه به آستانی خاص اشاره شده یا نشده باشد بر هر گونه تولیت و آستانی شمول دارد. ماده ۵۹ - چنانچه افراد خیر بخواهند زمینی را خریداری و برای امور خیریه عام المنفعه وقف عام نمایند سازمان زمین شهری می‌تواند زمینی متناسب با طرح مورد نظر با رعایت

طرح‌های مصوب شهری و مقررات شهرداری‌ها تعیین و واگذار نماید که در این صورت همزمان با فروش به صورت وقف عام در اختیار سازمان اوقاف قرار می‌گیرد. ماده ۶۰- وقف عام زمین بایر مالکی که طبق ضوابط این آیین نامه در حد نصاب مقرر اجازه عمران آن را دارد مشروط بر آنکه در طرح تملک سازمان زمین شهری نباشد بلامانع است نحوه استفاده سازمان اوقاف از زمین مذکور به شرح ماده ۵۴ این آیین نامه می‌باشد. ماده ۶۱- سازمان زمین شهری می‌تواند با رعایت مقررات شهرداریها برای احداث مساجد از اراضی خود زمین مناسب تعیین و با تخفیف به سازمان اوقاف واگذار نماید. ماده ۶۲- ادارات ثبت مکلفند در هر مورد که زمینهایی به صورت مفروز یا مشاع بر اساس قانون اراضی شهری به ملکیت دولت در آمده یا در میاید اعم از موات و یا بایر و دایر بر اساس درخواست سازمان زمین شهری به شرح زیر اقدام به صدور سند مالکیت نمایند. ۱- ابطال سند مالکیت قبلی اعم از اینکه سند مالکیت در اختیار سازمان زمین شهری باشد یا نباشد و صدور سند مالکیت جدید به نام دولت بانمایدگی سازمان زمین شهری ۲- در صورتیکه زمین سابقه ثبتی نداشته و بر اساس رای کمیسیون موات تشخیص داده شده و یا بشود اظهارنامه ثبتی به نام دولت یا نمایندگی سازمان زمین شهری تنظیم و بلافاصله صورتجلسه تعیین حدود بدون انتشار آگهی نوبتی و تحدیدی و با رعایت حدود مجاورین (اگر مجاورین سابقه تحدید حدود داشته باشند) از طرف اداره ثبت با حضور نماینده اداره زمین شهری محل تنظیم و بلافاصله ملک در دفتر املاک ثبت و سند مالکیت به نام دولت صادر می‌گردد. ۳- در صورتی که زمین طبق نظریه کمیسیون تشخیص موات است و سابقه درخواست ثبت دارد ولی تحدید حدود آن به عمل نیامده باشد اعم از اینکه آگهی‌های نوبتی آن منتشر شده یا نشده باشد بدون انتشار آگهی تحدیدی نسبت به تنظیم صورتجلسه تعیین حدود لازم و صدور سند مالکیتان با رعایت بند ۲ از طرف اداره ثبت محل اقدام لازم معمول خواهد شد. ۴- در صورتی که سازمان زمین شهری یا سایر دستگاههای دولتی و یا شهرداریها بر اساس ماده ۹ قانون قصد تملک زمین بایر و دایر را دارند و یا قبلاً تملک نموده‌اند ولی اساساً سابقه درخواست ثبت ندارد و به اصطلاح مجهول المالك است ، ادارات ثبت مکلفند ضمن تنظیم صورتجلسه لازم در اجرای ماده ۴۷ این آیین نامه که به منزله صورتجلسه احراز تصرف خواهد بود ، مشخصات زمین اعم از شماره پلاک و مساحت و حدود و نام و مشخصات متصرف را با رعایت حدود مجاورین (اگر سابقه تحدید حدود دارند) تعیین نمایند و همین صورتجلسه مستند انجام معامله خواهد بود و پس از تنظیم سند انتقال بر اساس ماده ۹ قانون به نام دولت یا شهرداری به ترتیب ذیل اقدام به صدور سند مالکیت نمایند: الف- پس از ارایه یک نسخه سند انتقال (سند تملکی به اداره ثبت محل اداره اخیرالذکر بر اساس سند رسمی تنظیمی بلافاصله سند مالکیت زمین را به نام دولت یا نمایندگی سازمان زمین شهری یا سایر دستگاههای دولتی یا شهرداری حسب مورد صادر نمایند. ب- برای روشن شدن وضع پرداخت بهای زمین مورد تملک ادارات ثبت بایستی نسبت به تنظیم اظهارنامه ثبتی اقدام و علاوه بر قید نام دولت به نمایندگی سازمان زمین شهری یا دستگاه دولتی تملک کننده یا شهرداریها نام شخص و یا اشخاصی که مدعی مالکیت ملک مورد تملک هستند بر اساس صورتجلسه تنظیمی بالا در اظهارنامه ثبتی قید نمایند و در اجرای دستور ماده ۵۹ آیین نامه قانون ثبت مبادرت به انتشار آگهی‌های نوبتی نمایند تا در صورتیکه با انقضای مدت نودروز اعتراض قانونی ثبت ، اعتراض نرسید پس از گواهی اداره ثبت محل در این زمینه مبادرت به پرداخت بهای زمین به مالک یا مالکین آن گردد ، در صورت وصول اعتراض به ثبت تا تعیین تکلیف نهایی اعتراض در دادگاه بهای ملک پرداخت نخواهد گردید. ج- چنانچه زمینی که موات اعلام شده و یا ملکی که تملک گردیده دارای اعتراض به ثبت یا حدود و یا سایر اعتراضات قانونی و یا تعارض ثبتی داشته باشد و یا در رهن و وثیقه و بازداشت باشد ادارات ثبت مکلف به صدور سند مالکیت آزاد و بدون قید بازداشت و یا وثیقه و رهن به نام دولت می‌باشند. در خصوص اعتراض به ثبت و تعارض ثبتی پس از صدور رای قطعی از طرف مراجع قضایی سازمان زمین شهری مکلف است بر اساس قانون اراضی شهری و آیین نامه آن با محکوم له رفتار نماید. در مورد رهن وثیقه و بازداشت اراضی بایر و دایر سازمان تملک کننده مجاز است از محل اعتبارات تملک زمین مبلغ مندرج در سند وثیقه و رهن و

مبلغ مورد بازداشت را پرداخت نماید. در صورتی که مبلغ مورد وثیقه بیش از مبلغ مورد ملک باشد بستانکار و مرجع بازداشت کننده می‌تواند برای وصول بقیه طلب خود تقاضای توقیف سایر اموال بدهکار را بر اساس قوانین مربوطه از مراجع قضایی بنماید. د - در صورتی که زمین مورد تملک بر اساس سند انتقال رسمی سابقه ثبت داشته ولی آگهی نوبتی آن منتشر نشده باشد اداره ثبت محل مکلف است بدون انتشار آگهی تحدیدی نسبت به تنظیم صورت مجلس تعیین حدود با رعایت حدود مجاورین (اگر مجاورین سابقه تحدید داشته باشند) اقدام و بلافاصله سند مالکیت زمین را به نام سازمان شهری یا دستگاه تملک کننده صادر نمایند و برای اینکه پرداخت وجه مورد تملک به مالک ملک مقدر باشد اداره ثبت محل نسبت به انتشار آگهی‌های نوبتی بر اساس بند (ب این فراز اقدام می‌نماید در مورد زمینهای مورد تملک که سابقه ثبت و انتشار آگهی نوبتی داشته ولی تحدید حدود آن به عمل نیامده تعیین حدود و صدور سند مالکیت آن به شرح این بند صورت می‌گیرد. ۵- در مواردی که زمین بر اساس رای کمیسیون موات تشخیص شده یا بشود ادارات ثبت مکلفند به درخواست سازمان زمین شهری قبل از قطعیت رای کمیسیون تشخیص سند مالکیت آن رابه نام دولت به نمایندگی سازمان زمین شهری صادر نمایند در صورتی که بر اساس رای قطعی دادگاه زمین مزبور غیر موات تشخیص و نوع آن به بایر یا دایر تغییر یابد سازمان زمین شهری مکلف است بهای زمین را حسب مورد بر اساس ماده ۹ قانون اراضی شهری پس از ارایه مفاسد حسابهای لازم با تنظیم اقرار نامه رسمی به مالک آن پرداخت نماید. ماده ۶۳- وزارتخانه‌ها و موسسات و بانکها و سازمانهای وابسته به دولت و کلیه موسسات موضوع ماده ۱۰ قانون مکلفند ظرف مدت یک ماه از تاریخ درخواست اداره زمین شهری محل اسناد مالکیت اراضی خود را به اداره زمین شهری محل ارسال نمایند، در غیر این صورت حسب درخواست سازمان زمین شهری ادارات ثبت اسناد و املاک مکلفند با رعایت مقررات مربوط نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام نمایند. تبصره ۱- هرگونه تصرفات و یا تجاوزاتی که در اراضی مذکور به عمل آمده باشد بایستی در نقشه‌های ارسالی منعکس و سوابق مربوط به تعقیب متجاوزین و اقدامات انجام شده نیز به سازمان زمین شهری ارسال گردد. تبصره ۲- نگهداری و بهره برداری اراضی دایری که اسناد و مدارک و نقشه آنها به سازمان زمین شهری ارسال گردیده تا اطلاع سازمان مذکور و تحویل گرفتن آنها به عهده ارگانهای دارنده زمین می‌باشد. تبصره ۳- به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی یا وابسته به دولت و سایر موسسات و نهادهای مذکور در ماده ۱۰ قانون مذکور زمین به طور بلاعوض و مجانی با رعایت طرحهای مصوب شهرسازی واگذار می‌شود مشروط بر اینکه حداکثر ظرف شش ماه اجرای آنها شروع و در مهلتی که وزارت مسکن و شهرسازی تعیین می‌نماید به اتمام برسانند در صورتی که نسبت به تایید نیاز توافق حاصل نشود اتخاذ تصمیم با نخست وزیر خواهد بود. تبصره ۴- اراضی واقع در شهرکهای موضوع قانون اجازه واگذاری اراضی داخل شهرکها برای تامین اعتبار مربوط به تکمیل ساختمانهای شهرکهای نیمه تمام دولتی مصوب ۶/۷/۱۳۶۰ طبق قانون مذکور و آیین نامه مربوطه واگذار خواهد شد و نیازی به ارسال اسناد و مدارک یاد شده به سازمان زمین شهری نمی‌باشد.

فصل چهارم نحوه واگذاری اراضی (ماده ۶۴ تا ۷۷)

ماده ۶۴- سازمان زمین شهری اراضی ملکی خود را طبق ضوابط و مقررات شهرداریها حسب مورد تفکیک یا قطعه بندی و در صورت نیاز طبق اختیارات مندرج در اساسنامه آماده سازی یا به همان وضع موجود به ارگانهای قانونی، شهرداریها، نهادهای انقلاب اسلامی و بانکها جهت تامین نیازهای تاسیساتی و اداری و خدماتی (غیر مسکونی و به افراد شرکتهای تعاونی مسکن اشخاص سازنده مسکن، کارخانجات و کارگاهها و نهادهای انقلاب اسلامی و بانکهای مسئول تامین مسکن برای امر مسکن و به اشخاص جهت محل کسب و خدمات عمومی به شرح مواد زیر واگذار می‌نماید. ماده ۶۵- واگذاری زمین به صورت انفرادی برای تامین مسکن با رعایت شرایط و ضوابط زیر صورت می‌گیرد: ۱- متقاضی و همسر و اولاد تحت تکفل او از تاریخ ۲۷/۱۲/۶۰ فاقد

واحد مسکونی یا زمین شهری در سطح کشور باشد. ۲- متقاضی متاهل و یا حداقل دارای ۲۵ سال تمام سن باشد. ۳- حداقل از ۵ سال قبل تاریخ تصویب قانون اراضی شهری یا تاریخ تسلیم تقاضا به طورمتوالی در شهر محل درخواست زمین سکونت داشته باشند مدت لازم در شهرهای استان تهران حداقل ۱۰ سال قبل از تاریخ تصویب قانون اراضی شهری خواهد بود. بدیهی است سابقه سکونت بیشتر برای متقاضیان زمین ایجاد اولویت می‌نماید. ۴- متقاضی توانایی مالی احداث واحد مسکونی را در زمان عقد قرارداد اعلام نماید. ۵- حذف شد. ۶- شرط مدت سکونت مذکور در بند ۳ برای کسانی که بخواهند به شهرهایی که وزارت مسکن و شهرسازی تعیین و اعلام می‌نماید با رعایت ضوابط مهاجرت نمایند رعایت نمی‌شود و در مورد کارمندان دولت که به شهرهای مختلف منتقل شده یا می‌شوند شرط مدت سکونت مندرج در بند ۳ با نظر مجمع عمومی سازمان زمین شهری قابل کاهش خواهد بود. ضوابط مربوط به مهاجرت و متقاضیانی که قصد مهاجرت دارند و همچنین شهرهایی که امکانات مهاجری را دارا باشند توسط وزارت کشور، سازمان برنامه و بودجه و وزارت مسکن و شهرسازی ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه تهیه و به اجرا گذاشته می‌شود. ۷- جانبازان انقلاب اسلامی (معلولین و خانواده شهدا به معرفی بنیاد شهید در صورت داشتن سایر شرایط در اولویت قرار می‌گیرند. ۸- در شرایط مساوی اولویت متقاضیان با توجه به تعداد اولاد و افراد تحت تکفل و سابقه سکونت در محل تعیین و در صورت کثرت تقاضا از روشهای قرعه کشی یا نظام یافته دیگری که موجود باشد با نظر وزارت مسکن و شهرسازی استفاده می‌شود. ۹- واگذاری زمین به کسانی که تنها زمین تهیه شده آنها برای امر مسکن، در محدوده شهرها و شهرکها در اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع کشور ملی اعلام گردیده و سایر شرایط را برای اخذ زمین دارند در شهری که وزارت مسکن و شهرسازی تعیین می‌نماید در اولویت قرار می‌گیرد و در مورد مشمولین ماده ۳۶ قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون مذکور یک قطعه تفکیکی زمین به افراد واجد شرایط بعنوان معوض واگذار می‌گردد، وزارت کشاورزی در مورد هر متقاضی مکلف است زمین او را در صورتی که داخل محدوده مورد عمل سازمان زمین شهری بوده و ملی شده مشخص و مراتب را جهت اقدام لازم به سازمان یاد شده اعلام نماید. ۱۰- کسانی که اراضی آنها توسط دولت و یا بانکها تملک گردیده در صورتی که امر تملک بعد از ۵/۴/۱۳۵۸ خاتمه یافته و یا بعدا خاتمه پذیرد با دارا بودن سایر شرایط و قطعیت امر تملک برای دریافت زمین در اولویت قرار خواهند گرفت ۱۱- واگذاری زمین در مناطق مختلف شهری باید متناسب با کاربری زمین از نظر تراکم ساختمان باشد و می‌توان قطعه زمینی را مشاعا به چند نفر متقاضی واگذار نمود. تبصره- در مورد نمایندگان مجلس شورای اسلامی و وزرا و معاونین وزرا و قضات و استادانان تحقیق شرایط احراز سکونت به شکل تعهد محضری صورت خواهد گرفت ماده ۶۶- واگذاری زمین برای امر مسکن به شرکتهای تعاونی مسکن با شرایط و ضوابط زیر انجام می‌گیرد: ۱- شرکت تعاونی مسکن به ثبت رسیده و رسماً تعهد نماید که فاقد زمین متناسب با مسکن تعداد اعضای واجد شرایط و قابل صدور پروانه می‌باشد. ۲- هر یک از اعضای شرکت تعاونی دارای شرایط بندهای ۱ و ۲ و ۳ مربوط به واگذاری زمین به افراد باشد. ۳- شرکت تعاونی مسکن علاوه بر بهای زمین هنگام عقد قرارداد واگذاری باید بین ۲۵ تا ۵۰ درصد هزینه ساختمان را طبق تشخیص و اعلام وزارت مسکن و شهرسازی در حساب خود موجود داشته باشند. ۴- مساحت زمین مورد واگذاری، بر اساس تعداد اعضای واجد شرایط و سطح مناسب برای هر خانواده با توجه به تراکم ساختمانی منطقه محاسبه خواهد شد. ۵- حذف شد. ماده ۶۷- واگذاری زمین به سازندگان واحدهای مسکونی اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی و همچنین کسانی که آمادگی و شرایط لازم را به منظور سرمایه گذاری در امر تولید و احداث واحدهای مسکونی ارزان قیمت به منظور ارایه جهت فروش و اجاره با نظر وزارت مسکن و شهرسازی دارا باشند با شرایط زیر به عمل خواهد آمد: ۱- شخص سازنده اعم از حقیقی و حقوقی باید تعهد معتبر تامین اعتبار جهت احداث بنا را طبق طرح و گزارش توجیهی که ارایه می‌دهد، بسپارد. ۲- زمین واگذاری به اشخاص حقیقی در هر بار متناسب با طرح و تعهد مربوطه بیش از ده‌دستگاه واحد مسکونی نخواهد بود. ۳- میزان زمین واگذاری به اشخاص حقوقی در هر بار متناسب با طرح و تعهد لازم بیش از

می‌نماید نداشته باشد. ۳- مجوز لازم جهت دایر نمودن واحد پشتیبانی از سازمان مربوطه وسیله متقاضی ارایه گردد. ۴- زمینهای مورد واگذاری برای هر پیشه باید مطابق با کاربری زمین در طرحهای شهرسازی مصوب و در صورت عدم وجود طرحهای مذکور طبق مقررات شهرداری برای آن منطقه شهر باشد. ۵- حداقل از پنج سال پیش از تسلیم تقاضای زمین به طور متوالی در محل درخواست زمین سکونت داشته باشد. مدت لازم در شهر تهران ۱۰ سال می‌باشد. ۶- افراد مذکور در بندهای ۶ و ۷ ماده ۶۵ در صورت دارا بودن شرایط فوق در اولویت خواهند بود. ۷- شرط مدت سکونت برای کسانی که از پاره‌ای از شهرها به شهرهای دیگر طبق اعلام وزارت مسکن و شهرسازی عزیزت نموده و در شهرهای مزبور اقدام به سرمایه گذاری در امر ایجاد واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی به جز محلهای کسب نمایند رعایت نمی‌شود. نحوه واگذاری اراضی موضوع این بند به جز در مواردی که به صورت قطعی به شهرداریها فروخته می‌شود به صورت اجاره خواهد بود. ماده ۷۳- شرکتهای تعاونی مسکن کارگران و کارکنان دولت و سازمانها و شرکتهای وابسته به دولت در صورتی که واجد شرایط مندرج در این آیین نامه باشند برای خرید زمین در اولویت خواهند بود. ماده ۷۴- در کلیه مواردی که زمین برای امر مسکن یا سایر نیازهای عمومی و خصوصی به افرادی یا موسسات دولتی و خصوصی و نهادهای انقلاب اسلامی طبق قرارداد واگذار می‌گردد انتقال قطعی زمین موکول به اجرای طرح و ارایه گواهی پایان کار ساختمانی از شهرداری یا سایر مراجع ذیصلاح خواهد بود. شهرداریها مکلف به صدور پروانه ساختمانی بر اساس اوراق قرارداد واگذاری سازمان زمین شهری بوده و اوراق مراجع ذیصلاح مربوطه معتبر است بانکها و مراجع وام دهنده دولتی دیگر در مواردی که طبق ضوابط مورد عمل وام پرداخت می‌نمایند مکلفند در اینگونه اراضی به جای اسناد رسمی و اوراق ثبتی منحصرأ قراردادهای واگذاری سازمان مذکور را برای دادن وام و انجام مشارکت قبول نمایند و با توافق سازمان زمین شهری در خصوص رهن زمین و هرگونه مشارکت نسبت به زمین واگذاری اقدام نمایند. واحدهای مسکونی که در اراضی واگذاری سازمان زمین شهری ایجاد شده باشد تا ۵ سال از تاریخ پایان کار توسط انتقال گیرنده زمین قابل فروش نبوده و این امر بایستی در سند انتقال تصریح گردد و شهرداریها مکلفند نسبت به صدور یک فقره پروانه ساختمانی نیز گواهی پایان کار واحد اقدام نمایند. ضمناً در مورد بانکها و سایر مراجع وام دهنده که در اجرای ماده ۶۷ این آیین نامه از این تاریخ اقدام به احداث و اجرای طرح طبق ضوابط وزارت مسکن تا ۳۰٪ نموده باشند انتقال قطعی بلا اشکال خواهد بود. تبصره ۱- اوراق قرارداد واگذاری سازمان زمین شهری برای اخذ وام از بانکها ارزش سند را دارد و حضور نماینده سازمان مذکور برای امضا اوراق مربوط به پرداخت وام در دفتر اسناد رسمی ضروری نیست تبصره ۲- چنانچه قرارداد واگذاری زمین به هر علتی فسخ یا ابطال گردد بانک پرداخت کننده وام یا اعتبار جانشین طرف قرارداد با سازمان زمین شهری می‌شود در این صورت بانک ساختمان را تکمیل و زیر نظر و طبق ضوابط وزارت مسکن و شهرسازی به متقاضی واجد شرایط واگذار می‌نماید و در این صورت تسویه حساب با طرف قرارداد اولیه بعهده بانک خواهد بود چنانچه بانک ظرف مدت قرارداد اقدام به اتمام واحد مسکونی ننماید قرارداد واگذاری بانک نیز فسخ و زمین طبق ضوابط مربوطه به اشخاص واجد شرایط واگذار می‌شود. ماده ۷۵- فروش اضافه مساحتها و زمینهای کوچکی که در ملکیت دولت است و مورد نیاز شهرداری نبوده و برای هیچگونه طرحی مناسب نباشد به مالک یا مالکین پلاکهای مجاور بلا مانع است، و در صورت نیاز شهرداری در قبال دریافت بهای آن به شهرداری واگذار می‌شود. ماده ۷۶- هرگونه واگذاری زمین توسط سازمان زمین شهری بر اساس قانون اراضی شهری و این آیین نامه با دریافت بهای زمین صورت می‌گیرد و در موارد بسیار استثنایی که افراد از نظر مالی به هیچ وجه قادر به تامین بهای زمین نمی‌باشند با تشخیص وزارت مسکن و شهرسازی و در صورت موافقت بنیادها و نهادهایی که وظایف آنها در ارتباط با تامین مسکن می‌باشد برای احداث واحد مسکونی برای افراد مذکور پس از تصویب مجمع عمومی واگذاری زمین به بنیادها و نهادهای یادشده با تخفیف بلا مانع است متقاضی باید واجد سایر شرایط مندرج در بند (الف) ماده ۶۵ این آیین نامه باشد. تبصره - حذف شد. ماده ۷۷- سازمان زمین شهری مجاز است زمینهای مورد تملک خود را بر اساس

ماده ۹ قانون اراضی شهری پس از تنظیم سند انتقال و در صورت نیاز به تقسیم پس از تصویب نقشه تفکیکی از طرف شهرداری واگذار نماید ولی واگذاری رسمی آن در دفترخانه اسناد رسمی به خریدار بایستی براساس سند مالکیت صادره به نام دولت و صورت مجلس تفکیکی تنظیمی از طرف ثبت اسناد محل واحداث بنا صورت پذیرد و واگذاری اراضی موات در هر مرحله موکول به صدور سند مالکیت به نام دولت می باشد. در خصوص سایر زمینهایی که با توجه به قانون اراضی شهری و آیین نامه آن و اساسنامه سازمان زمین شهری در مالکیت دولت و در اختیار سازمان زمین شهری است تنظیم قرارداد واگذاری به استناد نقشه مصوب شهرداری بلامانع است ولی واگذاری قطعی و نهایی آن به شرح مراتب بالا صورت می پذیرد.

فصل پنجم نحوه تقویم دولت برای خرید و فروش و معاوضه اراضی (ماده ۷۸ تا ۸۰)

ماده ۷۸ - قیمت منطقه‌ای (ارزش معاملاتی زمین آخرین قیمت تعیین شده در اجرای تبصره ۲ ماده ۲۳ قانون مالیاتهای مستقیم و اصلاحیه‌های بعدی آن خواهد بود. در مورد اراضی که فاقد ارزش معاملاتی باشند وزارت امور اقتصادی و دارایی با اعلام وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است نسبت به تعیین ارزش معاملاتی آن بر اساس تبصره فوق الذکر در اسرع وقت اقدام نماید. تبصره - وزارت امور اقتصادی و دارایی در تهران و ادارات کل امور اقتصادی و دارایی در شهرستانها مکلفند همزمان با اعلام ارزش معاملاتی تعیین شده به شرح این ماده نسخه‌ای از آن را نیز به سازمان زمین شهری یا واحدهای تابعه آن بر حسب مورد ارسال نماید.

ماده ۷۹ - ملاک تقویم برای خرید و تملک ملک در اجرای قانون اراضی شهری و این آیین نامه قیمت زمان تنظیم سند انتقال خواهد بود. ماده ۸۰ - بهای فروش، قیمت منطقه‌ای (ارزش معاملاتی زمان تنظیم قرارداد واگذاری زمین خواهد بود مشروط بر آنکه مجموع قیمت خرید زمینهایی که در اجرای قانون اراضی شهری و این آیین نامه خریداری و یا تملک شده است و یا ارزش معاملاتی اراضی موات حسب مورد به اضافه هزینه‌های انجام شده برای آنها از جمع ارزش قطعات تفکیکی قابل فروش در زمان تنظیم قرارداد واگذاری اولین قطعه در هر طرح بیشتر نباشد و در صورت تجاوز مازاد به نسبت مساحت قطعات تفکیکی محاسبه و به قیمت منطقه‌ای (ارزش معاملاتی قطعه مورد واگذاری اضافه می شود. تبصره ۱ - در مورد اراضی متعلق به دولت که در اجرای قانون اراضی شهری و این آیین نامه تملک و خریداری نشده است ملاک فروش قیمت منطقه‌ای (ارزش معاملاتی قطعه مورد واگذاری به اضافه هزینه‌های مربوطه خواهد بود. تبصره ۲ - هزینه‌های انجام شده مذکور در این ماده شامل هزینه‌های تهیه طرح عمرانی آماده سازی پرداخت عوارض تفکیک به شهرداری و همچنین هزینه‌های اختصاصی از قبیل نشر آگهی کارشناسی و نظایر آن که منحصر برای زمین مربوطه صرف گردید می باشد. تبصره ۳ - بهای قطعات مربوط به تاسیسات عمومی و رفاهی واقع در طرحهای تفکیکی ملکی سازمان زمین شهری که مورد نیاز پروژه و منطبق با ضوابط طرحهای جامع و تفصیلی و تاسیسات زیربنایی یا ضوابط شهرداریها باشد محاسبه و متناسباً به قیمت قطعات قابل فروش همان طرح افزوده و از خریداران زمین دریافت می گردد و زمین جهت اجرای طرحهای یاد شده به صورت رایگان در اختیار شهرداری یا دستگاه دولتی ذیربط قرار داده خواهد شد.

فصل ششم - شیوه ادغام سازمانهای عمران اراضی شهری (ماده ۸۱ تا ۸۲)

ماده ۸۱ - از تاریخ تصویب این آیین نامه کلیه سازمانهای عمران اراضی استانها با سرمایه و بودجه و اعتبارات و دیون و مطالبات و اموال و کارکنان در یک سازمان ادغام و سازمان مذکور به عنوان سازمان مرکزی با اساسنامه‌ای که به پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی جداگانه به تجویز ماده ۱۳ قانون اراضی شهری به تصویب هیات وزیران خواهد رسید اداره می شود. ماده ۸۲ - مجامع

عمومی سازمانهای عمران اراضی قبلی و هیات‌های پنج نفری مربوطه با ادغام سازمانهای عمران اراضی در یک سازمان موضوعاً منتفی می‌باشند.

فصل هفتم - مقررات مربوط به رفع تصرف و تجاوز (ماده ۸۳ تا ۸۷)

ماده ۸۳- ابطال شد. ماده ۸۴- ابطال شد. ماده ۸۵- در صورتیکه تخلف اشخاص از تعهدات داده شده احراز گردد مجوزهای قانونی که به استناد تعهدات مذکور صادر شده فاقد اعتبار محسوب و با اعلام سازمان مذکور از هرگونه تصرف و ادامه عملیات ساختمانی جلوگیری و با متخلف طبق قوانین مربوطه و این آیین نامه رفتار می‌شود. ماده ۸۶- قوای انتظامی و نهادهای انتظامی انقلاب اسلامی برحسب مورد در صورت ملاحظه هرگونه تصرف در اراضی شهری مکلفند مدارک قانونی معتبر تصرف را از متصرف مطالبه و در صورت ملاحظه تخلف مراتب را به سازمان شهری و شهرداری اعلام نمایند. ماده ۸۷- قوای انتظامی و نهادهای انتظامی انقلاب اسلامی حسب مورد به تقاضای سازمان زمین شهری یا شهرداریها مکلفند در رفع آثار تصرف و تجاوز به اراضی مشمول قانون اراضی شهری و این آیین نامه با سازمان زمین شهری و شهرداری همکاری و نظارت و دخالت مستقیم نمایند.

فصل هشتم - مقررات متفرقه (ماده ۸۸ تا ۱۰۰)

ماده ۸۸- سازمان زمین شهری از پرداخت مالیات نقل و انتقال، حق تمبر، هزینه‌های ثبتی و معاملات بابت تفکیک و تجمیع و فروش اراضی به مراجع ذیربط و همچنین از پرداخت عوارض مختلف شهری و تفکیکی و هرگونه پرداختی دیگر بابت فروش اراضی به شهرداریها نیز معاف است ماده ۸۹- ابطال شد. ماده ۹۰- و بندهای ۱ و ۲ و ۳ و تبصره آن ابطال شد. ماده ۹۱- ابطال شد. ماده ۹۲- ابطال شد. ماده ۹۳- در مواردی که در اجرای قانون اراضی شهری و این آیین نامه برای شهرداریها مقررات خاصی وضع شده است این مقررات منحصر به همان موارد می‌باشد و در مورد شهر تهران با توجه به قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون اراضی شهری هرگونه واگذاری و عمران زمین در محدوده مورد نظر سازمان زمین شهری بایستی با رعایت طرح جامع و یا آخرین طرح تفصیلی با استعلام از شهرداری تهران انجام گیرد و شهرداری مزبور ملزم است نظریه خود را با رعایت نکات فوق حداکثر ظرف مدت یک ماه اعلام نماید. ماده ۹۴- ابطال شد. ماده ۹۵- در مواردی که سازمان زمین شهری، اراضی خود را به اجاره واگذار می‌نماید مال الاجاره با نظر کارشناس رسمی وزارت دادگستری تعیین و هر سه سال یکبار تجدید قرارداد می‌گردد. ماده ۹۶- اقاله اسناد انتقال اراضی بایر و موات شهری پس از احراز واجد شرایط بودن متعاملین با رعایت ضوابط قانون اراضی شهری در این آیین نامه و با نظر سازمان زمین شهری صورت می‌گیرد. ماده ۹۷- شورایعالی انفورماتیک موظف است با توجه به قانون اراضی شهری و این آیین نامه و لزوم تهیه و تنظیم سند اطلاعاتی مناسب درباره اراضی شهری طرح اطلاعاتی لازم را تهیه و تصویب نموده و نسبت به تعیین و تخصیص مرکز خدمات ماشینی و گروه طراح سیستم و سایر موارد ضروری اقدام نماید و مرکز تعیین شده نیز مکلف است از کلیه امکانات خود در اسرع وقت استفاده و نتیجه را جهت بهره برداری لازم در اختیار سازمان زمین شهری قرار دهد. ماده ۹۸- وزارتخانه‌ها و شهرداریها و کلیه سازمانهای دولتی و وابسته به دولت و نهادهای انقلاب اسلامی مکلفند در اجرای قانون اراضی شهری و این آیین نامه با وزارت مسکن و شهرسازی و سازمان زمین شهری همکاری نمایند. ماده ۹۹- ابطال شد. ماده ۱۰۰- این آیین نامه در صد ماده و چهل و پنج تبصره در تاریخ ۳۰/۳/۱۳۶۱ به تصویب رسیده است

آیین نامه اجرایی قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن - مصوب سال ۱۳۶۶

ماده ۴- در شهرهایی که طرح جامع یا هادی برای آن‌ها تهیه شده و به تصویب مراجع ذیربط رسیده و در طرحهای مذکور محدوده استحقاقی یا نفوذی مشخص گردیده است حریم شهر همان محدوده استحقاقی یا نفوذی است و در مورد شهرهایی که فاقد طرح جامع یا هادی بوده و یا محدوده استحقاقی یا نفوذی در طرحهای مذکور تعیین نشده باشد محدوده استحقاقی شهر توسط وزارت مسکن و شهرسازی تعیین و اعلام می‌گردد. وزارت مسکن و شهرسازی موظف است ظرف سه ماه ضوابط تعیین محدوده استحقاقی اینگونه شهرها را تهیه و ارایه نماید. تبصره ۱- ابتدای محدوده مورد عمل این آیین نامه پس از پایان محدوده مندرج در قانون زمین شهری مصوب ۲۲/۶/۶۶ مجلس شورای اسلامی می‌باشد. تبصره ۲- در مورد شهرهایی که محدوده استحقاقی مشخصی ندارد وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است جهت اعلام وزارت کشاورزی محدوده استحقاقی آنها را حداکثر ظرف سه ماه تعیین و به وزارت مذکور اعلام نماید. تبصره ۳- چنانچه هنگام تعیین محدوده استحقاقی شهرها معلوم گردد که تمام یا قسمتی از اراضی موات داخل آن و یا داخل شهرکها در اختیار هیات‌های هفت نفره است اراضی مذکور فوراً در اختیار سازمان زمین شهری قرار خواهد گرفت و برای این منظور ارسال مصوبه مربوط به حریم شهری و یا پروانه شهرک به ادارات ثبت کافی خواهد بود. تبصره ۴- در اجرای تبصره ۱۰ ماده ۹ قانون زمین شهری مقادیری از اراضی موات موضوع این آیین نامه به صاحبان اراضی شهری که توسط وزارت مسکن و شهرسازی تملک می‌گردد در اولویت واگذار خواهد شد. ضوابط واگذاری در آیین نامه قانون زمین شهری تعیین و ابلاغ خواهد شد.

قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها - مصوب مجمع تشخیص مصلحت ۱۵/۱۲/۱۳۷۰

ماده واحده- در خصوص اراضی مشمول اقدامات زیر سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است چنانچه تاکنون مالکیت آنها به نام دولت صادر نشده نسبت به صدور اسناد مذکور با نمایندگی سازمان زمین شهری سریعاً و بدون رعایت تشریفات ثبتی اقدام و در مواردی که علیرغم صدور سند اراضی به نام دولت اقدامات دستگاههای ذیربط وسیله مراجع ذیصلاح ابطال شده یا بشود و یا نوع زمین به موجب رأی دادگاه تغییر یافته یا بیابد، اسناد صادره را به نام دولت و یا خریداران اراضی از دولت حسب مورد، با ذکر مراتب در ستون ملاحظات دفتر املاک تنفیذ و اخبار نماید. در مواردی که امکان صدور سند به نام خریداران وجود دارد رأساً بایستی به نام خریداران اراضی از دولت سند صادر شود. الف- زمینهایی که به وسیله بنیاد مسکن انقلاب اسلامی یا نهادهای انقلاب اسلامی و عنوانهای مشابه و وزارت مسکن و شهرسازی (سازمانهای عمران اراضی یا سازمان زمین شهری واگذار شده و طبق اعلام وزارت مسکن و شهرسازی در آن احداث بنا به عمل آمده وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است بهای منطقه ای زمان ابلاغ این مصوبه در خصوص اراضی غیر موات را به صاحبان حق پرداخت نماید. همچنین است در مورد زمینهایی که طراحی آماده سازی انجام و به مردم تخصیص داده شده است ب- زمینهایی که وزارت مسکن و شهرسازی عملیات آماده سازی را در آنها انجام داده لکن به مردم تخصیص داده نشده است در این صورت بهای کارشناسی روز این گونه اراضی به تاریخ این مصوبه بدون در نظر گرفتن ارزشهای ناشی از ورود زمین به محدوده براساس تصمیم مراجع ذیصلاح و اقدامات اجرایی دولت و عملیات آماده سازی که از زمان شروع به تملک دولت صورت گرفته به مالک پرداخت و یا معادل آن به بهای تمام شده زمین به مالک واگذار گردد. موضوع (تعیین تکلیف اراضی دولت و نهادها) در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسه مورخ پانزدهم اسفندماه یک هزار و سیصد و هفتاد مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و طی ماده واحده فوق به تصویب رسیده است

قانون تفسیر قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها - مصوب ۱۵/۱۲/۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام

موضوع استفساریه نظر به اینکه متعاقب ابلاغ قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها مصوب ۱۵/۱۲/۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام برای بعضی از واحدهای سازمان ملی زمین و مسکن این ابهام به وجود آمده که ضوابط مذکور به موقوفات نیز تسری دارد. مستدعی است نظریه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد شمول یا عدم شمول قانون فوق الذکر نسبت به موقوفات اعلام گردد. نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام ماده واحده - موقوفات از شمول قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها مصوب ۱۵/۱۲/۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام مستثنی می‌باشد. تفسیر فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه روز پنجشنبه سوم آذرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و سه مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده است رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام - اکبر هاشمی رفسنجانی

لایحه قانونی راجع به جلوگیری از تصرف و تملک اراضی متعلق به دولت موضوع قانون لغو مالکیت اراضی

بمنظور جلوگیری از تصرف و تملک اراضی متعلق به دولت ، موضوع قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و احداث هرگونه بنا در آن و ممانعت از نقل و انتقال اراضی و املاک بموجب اسناد عادی و همچنین جهت جلوگیری از تفکیک و افراز اراضی مزبور مقررات زیر تصویب و مقرر می‌گردد شهرداری و مقامات قضائی و انتظامی و پاسداران انقلاب کمیته‌ها و رسانه‌های گروهی دولتی در اجرای مفاد آن اقدام نمایند. ماد ۱- هرگونه تفکیک و افراز و نقل و انتقال اراضی که با تصویب قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری مصوب ۵/۴/۱۳۵۸ و اصلاحی آن مورخ ۲۹/۴/۵۸ و آیین نامه اجرائی مربوطه در مالکیت دولت جمهوری اسلامی قرار گرفته و جزو اموال عمومی و بیت المال است در حکم تعرض و تجاوز به اموال و حقوق عمومی بوده و مرتکبین و واسطه‌ها و کسانی که به نحوی از انحا در این گونه عملیات دخالت داشته باشند بحکم دادگاه انقلاب اسلامی و یا دادگاه صالح دیگر که در شهرداری مستقر خواهد بود حسب مورد به مجازاتهای مقرر در قانون مربوط به متجاوزین به اموال عمومی و مردم مصوب ۲۲/۹/۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران محکوم خواهد شد. ماده ۲- شهرداری مکلف است ضمن معرفی متجاوزین و متصرفین عدوانی اراضی مورد بحث به دادگاه انقلاب یا سایر دادگاههای صالحه مورد تصرف را با مشارکت و دخالت مستقیم مقامات انتظامی و پاسداران کمیته‌ها تخلیه و خلع ید نماید. ماده ۳- کلیه نقل و انتقالات اراضی و املاک موضوع این قانون بموجب اسناد عادی (مانند قولنامه و مشابه آن فاقد اعتبار قانونی است تبصره - نظر به اینکه اشخاصی بعد از اعلام قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری زمینهای تصرفی خود را با تنظیم اسناد عادی به تاریخهای ماقبل قانون به فروش رسانده‌اند، این قبیل اسناد عادی نیز که به تاریخ قبل از تصویب قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری تنظیم شده باشد از درجه اعتبار ساقط بوده و مشمول مفاد این قانون می‌باشد. مگر اینکه مشمول تبصره ۲ الحاقی به ماده ۱۰۰ لایحه قانونی شماره ۲۴۴۱ مورخ ۲۷/۱۱/۵۸ باشد. ماده ۴- انتقال دهندگان اراضی موات شهری و املاک احداث شده روی آنها که بموجب اسناد عادی عمل شده باشد توسط شهرداری و مقامات انتظامی به دادگاه انقلاب یا دادگاه صالح دیگر مستقر در شهرداری معرفی می‌گردد و دادگاه علاوه بر الزام فروشنده به استرداد وجه دریافتی به ذینفع وی را به پرداخت جزای نقدی به میزان ۵۰٪ (پنجاه درصد) مبلغ مزبور در حق شهرداری محکوم خواهد کرد. ماده ۵- کلیه اعیان و مستحقات در این قبیل اراضی ملک شهری محسوب و متعلق به شهرداری خواهد بود که در اختیار خدمات عمومی شهری یا طبق نظر دادگاه صالح مذکور در بند ۱ به طبقات محروم واگذار خواهد شد. تبصره - شهرداری می‌تواند بر اساس نظر دادگاه رسیدگی کننده قسمتی از خسارت وارده به خریدار بابت احداث اعیانی در مورد معامله را از محل جریمه مذکور در بند ۴ پرداخت نماید.

مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص تعیین مهلت اعتراض به نظریه وزارت مسکن و شهرسازی و موضوع ماده ۱۲

ماده واحده - وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است نظریه خود را در تشخیص نوع زمین ، اعم از آنچه تاکنون صادر نموده و به آن اعتراض نشده یا آنچه بعدا صادر می نماید به مالکین اعلام نماید. مهلت حق اعتراض از تاریخ اعلام سه ماه تعیین می گردد. در صورت عدم دسترسی یا استنکاف مالک از دریافت نظریه بایستی طی دو نوبت به فاصله ده روز نظریه مذکور در روزنامه کثیرالانتشار آگهی ، تا سه ماه از تاریخ آخرین آگهی مدعیان می توانند اعتراض خود را به دادگاه تسلیم نمایند، در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مذکور تشخیص قطعی و لازم الاجراست موضوع (تعیین مهلت اعتراض به نظریه وزارت مسکن و شهرسازی موضوع ماده ۱۲ قانون زمین شهری مصوب ۲۲/۶/۱۳۶۶) در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسه ی روز پنجشنبه مورخ سوم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هفتاد مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و طی ماده واحده فوق به تصویب رسید.

قانون راجع به اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانکها - مصوب ۸/۶/۱۳۳۵

ماده واحده - هرگاه دولت یا شهرداری تشخیص دهد که در تهران و اطراف آن از میدان سپه تا شعاع صد کیلومتر از هر سمت از طرف افراد یا اشخاص حقوقی نسبت به اراضی متعلق به دولت که در دفتر رقبات ثبت است و اراضی شهرداری و نیز اراضی اوقاف و اراضی متعلق به بانک کشاورزی یا بانک ساختمانی و مسیلهها و تپه ها و اراضی موات و اراضی بایر بلا مالک تجاوز شده و بدون داشتن حق آن اراضی و یا مسیلهها و یا تپه های موات و یا اراضی بایر بلا مالک را ثبت کرده اند و بر اثر انقضا مدت اعتراض و یا به علت صدور سند مالکیت به نام متجاوز و یا ایادی متلقای آنها طرح دعوی در مراجع صلاحیتدار ممکن نیست به تقاضای دولت یا شهرداری یا اداره اوقاف و یا بانکهای کشاورزی و ساختمانی و یا دادستان شهرستان موضوع در هیاتی مرکب از: رییس دیوان عالی کشور و دادستان کل و یکی از روسای شعب دیوان کشور به انتخاب رییس دیوان عالی کشور و رییس کل دادگاههای استان مرکز و مدیرکل بازرسی کشور در ظرف یکسال از تاریخ تصویب این قانون (در کمیسیون دادگستری مشترک مجلسین طرح خواهد شد. هیات مزبور با مراجعه به سوابق و پرونده ها و تحقیقاتی که برای رسیدگی لازم بدانند در صورتی که تجاوز به حق دولت یا شهرداری یا اداره اوقاف یا بانکهای مذکور فوق و اراضی و مسیلهها و تپه های موات نامبرده را احراز کند به ترتیب ذیل عمل خواهد کرد: الف - هرگاه متقاضی ثبت اراضی یا متجاوز اصلی اراضی و مسیلهها و تپه های مذکور را به دیگری منتقل نکرده باشد رای به پرداخت اعلی القیم بهای اراضی مذکور از تاریخ تجاوز تا تصویب این قانون خواهد داد. ب - هرگاه متقاضی ثبت و یا متجاوز اصلی در اراضی و تپه های مذکور مسیلهها تا تاریخ تصویب این قانون احداث ساختمان نموده باشد در آن صورت هیات با در نظر گرفتن قوانین احیا اراضی موات رای به پرداخت قیمت فعلی زمین در تاریخ تصویب این قانون خواهد داد. ج - هرگاه متقاضی ثبت یا متجاوز اصلی اراضی و مسیلهها و تپه های مذکور را به دیگری منتقل کرده باشد هیات رای به پرداخت قیمت اراضی و مسیلهها و تپه های مذکور طبق قیمت واگذاری خواهد داد مگر آنکه تشخیص دهد که قیمت واگذاری کمتر از قیمت واقعی بوده که در آن صورت رای به پرداخت قیمت واقعی به تشخیص یکی از روسای بانکهای کشاورزی یا رهنی یا ساختمانی در مورد مربوط به ادعای خودشان خواهد داد. رای این هیات نسبت به موارد فوق قطعی و لازم الاجراست حقوق دولت یا شهرداری یا بانکها یا اداره اوقاف و حقوق عامه از انقد دارایی متجاوز طبق مقررات اسناد لازم الاجرا استیفا خواهد شد و اگر اراضی مورد تجاوز تمام یا قسمتی از آن در تصرف متجاوز باقی مانده باشد و پیشنهاد تسلیم عین زمینی را در مقابل قیمتی که هیات تعیین کرده بنماید قبول می شود. د - اقدام به عملیات اجرایی به تقاضای دولت و یا شهرداری و بانکهای کشاورزی و ساختمانی و دادستان شهرستان تهران توسط اجرای

دادگستری و زیر نظر رییس هیات رسیدگی انجام خواهد شد. ه - وجوه اراضی حاصل از اجرای بند اول ماده واحده به استثنای وجوه و اراضی متعلق به شهرداری و بانک کشاورزی و موقوفات به عنوان سرمایه در اختیار بانک ساختمانی قرار خواهد گرفت و - وزیر دادگستری مکلف است هر سه ماه یکبار گزارش کامل اقدامات هیات رسیدگی مذکور را به کمیسیون مشترک قوانین دادگستری تسلیم نماید. ز - نقل و انتقالاتی که از تاریخ تقدیم این لایحه به مجلس سنا تا خاتمه رسیدگی هیات مذکور توسط متجاوزین و ایادی متلقای آن به هر عنوان به عمل آمده باشد معتبر نخواهد بود. ح - اشخاصی که طبق مقررات بند اول ماده واحده محکوم به پرداخت مبلغی می‌شوند در صورتی که تا ده روز از تاریخ صدور رای حاضر به پرداخت محکوم به نشوند توقیف می‌شوند مدت توقیف این اشخاص مجموعاً از پنجسال تجاوز نخواهد کرد و عرض حال اعسار از آنها پذیرفته نمی‌شود. ۲ - برای خاتمه دادن به اختلافات موجود بین افرادی که تا تاریخ تصویب این قانون تقاضای ثبت ملک را کرده‌اند و به تقاضای ثبت آنان اعتراضی در مدت قانونی نشده باشد و یا اگر اعتراضی شده منجر به صدور حکم قطعی گردیده و یادارندگان سند اراضی شهر تهران از یک طرف و اشخاصی که بدون اجازه مالکین ساختمانهایی در اراضی مزبور نموده و متصرف می‌باشند از طرف دیگر مقرر می‌گردد هیاتی مرکب از: معاون اول دادستان کل و رییس دادگاههای شهرستان مرکز و مدیر کل ثبت به اختلافات مزبور با توجه به اوضاع و احوال و استطاعت هر یک از طرفین به طور کدخدانمنشی رسیدگی نموده یا رای به پرداخت بهای عادلانه اراضی متصرفی حین تصرف و اجرت المثل سنواتی اراضی تا تاریخ صدور رای هیات توسط متصرفین به مالکین می‌دهد و یا به تقاضای مالکین ضمن صدور رای به پرداخت بهای اعیانی در تاریخ تصویب این قانون از طرف مالک به متصرف رای به خلع ید از متصرف نیز خواهد داد. این حکم قطعی و غیرقابل اعتراض است الف - متصرفین اعیانی‌های فوق باید شخصاً ساکن اراضی مزبور بوده و در صورتی که بخواهند از مقررات این قانون استفاده نمایند منتهی ظرف دو ماه از تاریخ اجرای این قانون درخواست خود را باید در قبال اخذ رسید به دفتر دادگاه شهرستان تهران تسلیم دارند و الا به تقاضای مالک طبق قسمت اخیر بند ۲ اقدام خواهد شد. ب - اراضی موضوع بند ۲ این قانون وقتی به ملکیت قطعی متصرفین فعلی در خواهد آمد که کلیه بدهی خود را از بابت قیمت عرصه پرداخته باشند. ج - اشخاصی که پس از تاریخ تسلیم لایحه اراضی موات از طرف دولت به مجلس سنا به تصرف و یا غصب اراضی دیگران در شهر تهران و حومه پرداخته باشند از مقررات بند ۲ این قانون استفاده نمی‌کنند و اگر این اشخاص پس از ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه مالک باز هم به تصرفات غاصبانه خود ادامه دهند مشمول بند ۴ ماده واحده خواهند بود. ۳ - در شهرستانهایی که وزارت دادگستری اجرای مقررات این قانون را لازم بداند می‌تواند طبق مقررات خاصی که از تصویب کمیسیون مشترک قوانین دادگستری مجلسین خواهد گذشت اقدام نماید. ۴ - اشخاصی که بعد از تاریخ تصویب این قانون نسبت به اراضی دولت یا بانک‌های دولتی یا اوقاف یا شهرداری و یا اراضی موات بدون رعایت قوانین احیا اراضی موات با مردم (با شکایت مدعی خصوصی تجاوز کرده و تصرفاتی در آن بنمایند راساً از طرف دادستان مورد تعقیب واقع و علاوه بر خلع ید از آنها به مجازات از دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد. ۵ - در رسیدگی هیات‌های مذکور در این قانون رعایت تشریفات آیین دادرسی ضروری نیست تصمیمات آنها با اکثریت آرا معتبر خواهد بود. ۶ - وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون است به موجب قانون اجازه اجرای لوایح پیشنهادی وزارت دادگستری پس از تصویب کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین لایحه قانونی مربوط به اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانکها مشتمل بر ماده واحده که در جلسه پنجشنبه مورخ هشتم شهریور ماه یکهزار و سیصد و سی و پنج به تصویب کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین رسیده است موقتاً قابل اجرا می‌باشد.

قانون مربوط به تملک زمینها برای اجرای برنامه‌های شهرسازی - مصوب ۱۷/۳/۱۳۳۹

ماده ۱ - به دولت اجازه داده می‌شود در هر مورد زمینهایی را که برای اجرای برنامه‌های شهرسازی و خانه سازی لازم و ضروری

تشخیص می‌دهد و همچنین محلاتی را که به علل شهرسازی و بهداشتی باید تخریب و تجدید بنا گردد پس از پرداخت بهای عادلانه به شرح زیر تملک و تصرف نماید. تبصره ۱- بهای عادلانه عبارت است از قیمت اراضی یک سال قبل از تاریخ اعلام تصمیم دولت چنانچه این بها از بهای روز بیشتر باشد قیمت عادلانه روز ملاک عمل قرار خواهد گرفت بهای عادلانه بدون در نظر گرفتن منظور از خرید و تاثیر اجرای برنامه‌های شهرسازی و خانه‌سازی در قیمت‌ها خواهد بود. تبصره ۲- بهای عادلانه توسط کمیسیون کارشناسی مرکب از سه نفر تعیین می‌شود که یک نفر از طرف دولت نفر دوم از طرف مالک یا مالکین و نفر سوم به رضایت طرفین و در صورت عدم توافق و یا استنکاف در تهران از طرف دادستان کل و در سایر نقاط از طرف دادستان شهرستان هر محل انتخاب می‌شوند. رای اکثریت هیات مزبور قطعی و لازم‌الاجرا است هرگاه مالک یا مالکین کارشناس خود را حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ اعلام دولت تعیین نکند دادستان کل یا دادستان شهرستان به شرح فوق این وظیفه را انجام خواهند داد. تبصره ۳- چنانچه اراضی مورد نظر دارای اعیانی از هر قبیل باشد و همچنین در مورد تجدیدبنای محلات قدیمی یا غیر بهداشتی شهرها بهای عادلانه مجموع عرصه و اعیانی نیز به ترتیب فوق تعیین و پرداخت می‌شود. ماده ۲- چنانچه اعیانی موجود در اراضی محل کسب و پیشه باشد و حق کسب و پیشه به آن تعلق گیرد میزان آن طبق تبصره ۲ ماده ۱ تعیین خواهد شد مشروط بر اینکه محل مزبور حداقل یکسال قبل از اعلام تصمیم دولت محل کسب و پیشه بوده باشد. در این مورد نفر دوم کمیسیون کارشناسی از طرف صاحب کسب و پیشه تعیین خواهد شد. دولت می‌تواند به جای پرداخت حق کسب و پیشه تعهد نماید که پس از انجام برنامه ساختمانی محل کسبی در همان حدود به وی واگذار کند. ماده ۳- در مواردی که دولت مقتضی بداند برای تعیین بهای عرصه و اعیانی و حق کسب و پیشه محلاتی که باید تجدید بنا گردد به توسط کمیسیون کارشناسی به ترتیب زیر قیمت منطقه‌ای تعیین می‌شود. الف- بهای عرصه محله‌ای که باید تجدید بنا گردد به صورت منطقه‌ای تعیین می‌شود. ب- بهای اعیانی مشابه برحسب نوع مصالح و تاریخ احداث و تناسب آن با بهای عرصه و سایر مشخصات معین می‌شود. ت- نفر دوم کمیسیون کارشناسی مذکور در تبصره ۲ ماده ۱ توسط سه نفر نماینده مالکین هر منطقه به اکثریت آرا و در غیر این صورت به قید قرعه از بین کارشناسان منتخب آنها تعیین می‌شود. اگر مالکین منطقه در انتخاب نمایندگان خود توافق نکردند سه نفر نماینده مزبور با قید قرعه از بین مالکین تعیین می‌گردند. در صورتی که نمایندگان مالکین منطقه ظرف مدت پانزده روز پس از تاریخ اعلام دولت حاضر به تعیین کارشناس نشدند دادستان به نمایندگی آنها تعیین کارشناس خواهد کرد. ماده ۴- در مواردی که مالکیت زمین و اعیانی به نحوی از انحاء متنازع فیه باشد و مدعیان مالکیت نتوانند در انتخاب کارشناس و یا نماینده توافق کنند دادستان این تکلیف را انجام خواهد داد بهای تعیین شده پس از آنکه مالک مشخص شد به وی تسلیم خواهد شد در صورتی که مالک فوت شده باشد و ورثه قانونا هنوز معین نشده باشد دادستان به نمایندگی قانونی از طرف مالک عمل خواهد کرد همچنین در مواردی که پس از تعیین و پرداخت بها مالک از امضا اسناد معامله خودداری نماید دادستان به نمایندگی او اسناد مربوط را امضا خواهد کرد. ماده ۵- اگر بین تاریخ تعیین بها و تاریخ تصرف دولت مدتی فاصله شود دولت سالیانه ۶ درصد اضافه بها به مالک خواهد پرداخت تبصره- در صورتی که دولت طبق ماده دوم به جای پرداخت حق کسب و پیشه تعهد نماید که محل جدیدی واگذار کند سالانه صدی شش حق کسب و پیشه تعیین شده را از تاریخ تخلیه تا زمان تحویل محل کسب جدید به صاحب حق خواهد پرداخت ماده ۶- از تاریخ تصویب این قانون در نقاطی که از طرف شهرداری نقشه و بر اصلاحی تعیین و به تصویب مراجع قانونی رسیده و برای اصلاح عمومی آگاهی شده باشد در صورتی که مالکین بدون اخذ پروانه از شهرداری اقدام به ساختمان و هر نوع تجدید بنا و دیوار بنمایند و در اثر توسعه معبر طبق نقشه و بر اصلاحی مزبور آن ساختمان یا دیوار خراب شود مالکین حق مطالبه خسارت بابت بنای جدید یا دیوار را نخواهد داشت ماده ۷- اگر اضافه ارزشی که در نتیجه اجرا برنامه‌های شهرسازی و خانه سازی در املاک خصوصی مجاور نسبت به ارزش آن املاک در تاریخ یک سال قبل از آغاز برنامه‌های مزبور حاصل گردد بیش از بیست درصد باشد نصف مازاد به دولت تعلق خواهد گرفت این اضافه

ارزش بر حسب منطقه از طرف کمیسیون کارشناسی مندرج در این قانون تعیین می‌گردد مالک می‌تواند اضافه ارزش تعیین شده را در مدت پنجسال به اقساط مساوی پرداخت کند و یا مقداری از اراضی خود را که قیمت آن معادل اضافه ارزش تعیین شده باشد به دولت تحویل دهد. در صورت استنکاف مالک از پرداخت اضافه ارزش یا انتقال اراضی طلب دولت بابت اضافه ارزش به وسیله اجرا ثبت وصول خواهد شد. ماده ۸- نقل و انتقالات مشمول این قانون از پرداخت هر گونه مالیات و عوارض و سایر هزینه‌های مربوطه به استثنا حق الثبت معاف خواهد بود حتی که به سر دفتران دفاتر رسمی تعلق می‌گیرد بالمناصفه توسط طرفین پرداخت خواهد شد. ماده ۹- به دولت اجازه داده می‌شود در اجرای برنامه‌های خانه سازی و شهرسازی با سرمایه‌های داخلی یا خارجی مشارکت نموده و طبق اصول بازرگانی عمل نماید. وزارت دارایی مجاز است با تصویب هیات وزیران ضمانت پرداخت اقساط قراردادهای منعقد شده مربوطه به برنامه‌های خانه سازی و شهرسازی را بنماید. دولت در اجرای برنامه‌های خانه سازی و شهرسازی رعایت اصول اقتصادی و ایجاد هماهنگی بین برنامه‌های تولیدی و عمرانی را خواهد نمود. تبصره - بانک ملی ایران در مقابل ضمانت متقابل وزارت دارایی ضمانت مندرجه در این ماده را به جای وزارت دارایی می‌نماید. ماده ۱۰- دولت مأمور اجرای این قانون است و آیین نامه اجرایی این قانون به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر دو ماده و پنج تبصره است پس از تصویب مجلس سنا در جلسه روز سه‌شنبه هفدهم خرداد ماه یکهزار و سیصد و سی و نه به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

لایحه قانونی خرید اراضی و املاک مورد احتیاج دولت و شهرداریها - سال ۱۳۵۸

لایحه قانونی خرید اراضی و املاک مورد احتیاج دولت و شهرداریها - سال ۱۳۵۸ لایحه قانونی خرید اراضی و املاک مورد احتیاج دولت و شهرداریها - سال ۱۳۵۸ لایحه قانونی خرید اراضی و املاک مورد احتیاج دولت و شهرداریها - سال ۱۳۵۸ ماده ۱- در مواردیکه وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداریها برای ایجاد یا توسعه مرافق عامه از قبیل توسعه یا احداث جاده، راه آهن یا خیابان، توسعه معابر، لوله‌کشی آب و نفت و گاز، حفر نهر و غیره برای مصارف عمومی احتیاج به خرید اراضی و املاک اشخاص داشته باشند و در انجام معامله یا تعیین قیمت با مالک توافق نشود یا ملک مجهول المالک باشد می‌توانند به ترتیب مقرر در این قانون با پرداخت قیمت عادلانه آن را تملک نمایند مشروط به اینکه اجرای طرح مورد نظر در محدوده یا مسیر معین ضروری باشد به نحویکه انجام آن در محل دیگر میسر نبوده یا موجب خسارت عمده‌ای گردد. ماده ۲- به منظور حل اختلاف در انجام معامله با تعیین قیمت و میزان خسارت و ارزیابی حقوقی که اشخاص در اراضی و املاک موضوع این قانون دارند در هر استان هیاتی مرکب از رییس دادگستری و مدیرکل ثبت، و رییس شورای استان (در غیاب رییس شورای استان استاندار) تشکیل می‌شود. در استان تهران به جای رییس دادگستری یکی از مستشاران دیوانعالی کشور به انتخاب رییس دیوان مزبور شرکت خواهد کرد. ماده ۳- سازمان یا موسسه خریدار باید مدارک زیر را به درخواستی که تسلیم هیات می‌نماید ضمیمه کند. الف- نام و مشخصات مالک یا صاحب حق ب- نقشه دقیق ملک مورد نیاز ج- مدارک تصویب طرح و بودجه آن و دلایل ضرورت اجرای طرح در محل مورد نظر. د- مدرک دعوت مالک یا صاحب حق برای توافق و عدم حصول توافق اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک مکلف است حداکثر ظرف یک هفته وضع ثبتی ملک را به دستگاه اجرایی استعلام کننده اعلام نماید. تبصره - در صورتی که ملک مورد نیاز طبق گواهی اداره ثبت محل مجهول المالک باشد گواهی مذکور کفایت و مقررات بند د این ماده اجرا نمی‌شود. در صورتی که اقامتگاه مالک معلوم نباشد مالک بوسیله نشر آگاهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محل به فاصله ده روز از تاریخ انتشار آگاهی دعوت خواهد شد. ماده ۴- پس از وصول درخواست در صورتی که مقررات ماده ۳ این قانون رعایت شده باشد هیات ظرف پانزده روز اقدام به تعیین یک یا چند کارشناس خواهد کرد. کارشناس یا کارشناسان منتخب باید از کارشناسان رسمی وزارت دادگستری باشند چنانچه در موضوعی کارشناس رسمی صلاحیتدار نباشد هیات می‌تواند از کارشناسان و

خبرگان غیر رسمی استفاده نماید. ماده ۵- کارشناس مکلف است در مهلت مقرر نظر خود را به هیات تسلیم نماید و چنانچه اظهار نظر در مدت مذکور مقدور نباشد می‌تواند در خواست تمدید مهلت نماید. در صورتی که عذر کارشناس موجه باشد هیات مهلت را تجدید خواهد کرد. تبصره- هرگاه کارشناس رسمی بدون عذر موجه از قبول کارشناسی استنکاف کند و یا در ظرف مهلت مقرر اظهار نظر ننماید تحت تعقیب انتظامی واقع و پروانه کارشناسی او لغو خواهد شد. ماده ۶- دستمزد کارشناس به نظر هیات تعیین می‌شود و پرداخت آن بر عهده سازمان یا موسسه خریدار است ماده ۷- بهای اراضی و ابنیه و تاسیسات و ارزش حقوقی که اشخاص در ملک دارند بدون در نظر گرفتن تاثیر اجرای طرح مربوطه تعیین خواهد شد. در موردی که ملک محل سکنا مالک باشد ده درصد و هرگاه ملک ممر اعاشه منحصر او باشد پانزده درصد علاوه بر قیمت عادلانه پرداخت خواهد شد. ماده ۸- در مورد املاک مزروعی با توجه به قانون نحوه انتقال اراضی واگذاری به زارعین مشمول قوانین و مقررات اصلاحات ارضی مصوب ۲۱/۹/۱۳۵۱ اقدام و علاوه بر پرداخت بهای عادلانه معادل پانزده درصد قیمت مزبور بین زارعین و پانزده درصد بین خوش نشینان و برزگرانی که در اثر اجرای طرح محل سکونت خود را ترک می‌نمایند به نسبت تعداد عایله تحت تکفل آنان تقسیم خواهد شد. ماده ۹- در صورتی که طبق نظر اداره کشاورزی و امور روستاهای محل، زارعین حقوقی در ملک مورد بحث داشته باشند معادل حقوق زارعین ذینفع به تشخیص آن اداره از قیمت عادلانه ملک کسر و به آنها پرداخت و بقیه به مالک تادیه خواهد شد. ماده ۱۰- نسبت به املاک موقوفه حسب مورد از طریق اجاره طویل‌المدت یا تبدیل به احسن عمل خواهد شد در صورتی که زارعین ملک موقوفه حقوقی در آن ملک داشته باشند به ترتیب مقرر در ماده قبل عمل خواهد شد. ماده ۱۱- هرگاه از طرف مالک یا متصرف ملک یا هر شخص دیگری از اجرا کارشناسی ممانعت به عمل آید، به دستور هیات مأمورین انتظامی محل رفع ممانعت و مزاحمت خواهند نمود. ماده ۱۲- پس از وصول نظریه کارشناس هیات باید ظرف یک هفته رای خود را در مورد بهای ملک و میزان خسارت وارده صادر و به ترتیب مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی به طرفین ابلاغ نماید. ماده ۱۳- هرگاه هیات راسا یا در اثر اعتراض خریدار یا مالک تشخیص دهد که نظر کارشناس یا کارشناسان عادلانه نیست، کارشناس یا کارشناسان دیگری انتخاب خواهد کرد. ماده ۱۴- در مورد املاک کی که قبل از تصویب این قانون از هیات‌های سابق تقاضای خرید آنها شده و هنوز سند انتقال تنظیم نگردیده (اعم از اینکه نسبت به آنها رای صادر شده یا نشده باشد) در صورتیکه از طرف دستگاههای اجرایی ابنیه و تاسیساتی در آن املاک ایجاد شده و یا اینکه تصرفی نشده ولی با رعایت ماده ۱ این قانون مورد احتیاج باشند هیات‌های رسیدگی با ارزیابی مجدد رای به انتقال آنها خواهد داد. ملاک قیمت بهای تاریخی است که مالک از تصرف در ملک خود ممنوع گردیده است تبصره- در تمام موارد مذکور در این قانون برای فاصله بین تاریخ ارزیابی و تاریخ تنظیم سند انتقال شش درصد بها در سال بابت اجرت المثل منافع مورد معامله علاوه بر بهای تعیین شده پرداخت خواهد شد مشروط به اینکه در این مدت بانک از تصرف و بهره برداری در ملک منع شده باشد. ماده ۱۵- پس از صدور رای از طرف هیات در صورتی که مالک به انتقال ملک و تحویل آن رضایت ندهد پس از سپردن تمام قیمت ملک و خسارات در صندوق دادگستری به دستور هیات، دادستان شهرستان محل وقوع ملک سند انتقال ملک را از طرف مالک امضا و ظرف یک ماه دستور تخلیه و تحویل ملک را به سازمان یا موسسه خریدار خواهد داد. هزینه تنظیم سند بر عهده خریدار است و مالک از پرداخت مالیات انتقال املاک غیر منقول معاف خواهد بود ولی مالیات ارزش سرقفلی که جز قیمت کارشناسی منظور شده است وصول خواهد شد. تبصره- هرگاه ملک مورد نظر در تصرف مستاجر و محل سکنا او باشد دادستان شهرستان به تشخیص خود می‌تواند تا دو ماه برای تخلیه ملک مهلت دهد. ماده ۱۶- در صورتی که ملک در رهن یا وثیقه نباشد وجه سپرده شده در صندوق دادگستری به دستور دادستان شهرستان محل وقوع ملک به مالک پرداخت می‌شود. در غیر این صورت به دستور دادستان تا حد بهای تعیین شده از دین مالک در وجه طلبکار تامین و رهن یا وثیقه ملک فک و سند انتقال تنظیم می‌گردد. هرگاه ملک مجهول‌المالک باشد یا مالکیت آن مورد اختلاف

باشد ، وجه سپرده شده بعد از مشخص شدن مالک قانونی به وی تادیه خواهد گردید. ماده ۱۷ - چنانچه سازمان یا موسسه خریدار ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رای هیات مبلغ بهای تعیین شده را در صندوق دادگستری تودیع نکند به تقاضای مالک رای صادره بی اعتبار و ملغی الاثر خواهد شد و مالک می تواند استرداد ملک را از هیات های مذکور تقاضا نماید. ماده ۱۸ - کلیه قوانین و مقرراتی که با این قانون مغایر است در آن قسمت که مغایرت دارد نسخ می شود.

آیین نامه اجرایی قانون مربوط به تملک زمین ها برای اجرای برنامه های شهر سازی - مصوب ۱۳۳۹

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۴/۸/۱۳۳۹ بنا به پیشنهاد ۱۲۰۳۸-۷/۸/۱۳۳۹ وزارت کشاورزی و موافقت شماره ۶۳۱۴/ح ۲۱/۷/۳۹ وزارت دادگستری طرح آیین نامه اجرایی قانون مربوط به تملک زمین ها برای اجرای برنامه های شهر سازی را در هشت ماده به شرح زیر تصویب نمودند: ماده ۱ - در هر مورد که تملک زمینی از جهت برنامه های خانه سازی مورد نیاز باشد و همچنین در مواردی که نوسازی محلاتی ضروری تشخیص شود موضوع از طریق سازمان تهیه مسکن بوسیله وزارت کشاورزی به هیات وزیران پیشنهاد خواهد شد. ماده ۲ - در تصویب نامه هیات وزیران حدود زمین و یا محله ای که تملک خواهد شد صریحا تعیین می گردد. ماده ۳ - سازمان تهیه مسکن مکلف است بلافاصله پس از صدور تصویب نامه هیات وزیران مراتب را یکبار در روزنامه رسمی و یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی نموده و صاحبان حق را دعوت نماید که ظرف پانزده روز ضمن اعلام مالکیت خود به موجب اسناد مثبت کارشناس اختصاصی خویش راعرفی نمایند. ماده ۴ - صاحبان حق مکلفند که نشانی کامل و همچنین قبولی کارشناس اختصاصی خود را به سازمان تهیه مسکن تسلیم نمایند. ماده ۵ - چنانچه مالکین از اعلام مالکیت خود استنکاف نمایند سازمان تهیه مسکن اسامی مالکین محدوده مورد تملک را از ثبت کل استعمال خواهد نمود و در این صورت تشریفات تملک به نام کسانی جریان خواهد یافت که از طرف ثبت کل به عنوان مالک معرفی شده باشند. ماده ۶ - در مورد استنکاف مالک یا مالکین از تعیین کارشناس اختصاصی خود از طرف سازمان تهیه مسکن طی نامه مراتب به دادستان کل و یا دادستان شهرستان اعلام خواهد گردید. ماده ۷ - در مواردی که به صورت منطقه ای تعیین قیمت می شود تقسیم محدوده مورد تملک به مناطق توسط سازمان تهیه مسکن انجام خواهد گردید. ماده ۸ - سازمان تهیه مسکن با درج آگهی در جراید مالکین هر منطقه را برای روز و ساعت معین جهت انتخاب نمایندگان خود دعوت خواهد کرد و این نمایندگان بلافاصله بعد از انتخاب نسبت به تعیین کارشناس پیش بینی شده در قانون اقدام نمایند. تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است

آیین نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه ها و انهار و مسیل ها مرداب ها ، برکه های طبیعی و شبکه های آ

ماده ۱ - اصطلاحات مندرج در این آیین نامه از نظر اجرای مقررات آن در معانی ذیل به کار رفته است الف - رودخانه مجرای است طبیعی که آب بطور دائم یا فصلی در آن جریان داشته باشد. ب - نهر طبیعی مجرای است که آب به طور دائم یا فصلی در آن جریان داشته و دارای حوضه آبریز مشخصی نباشد. پ - نهر سنتی مجرای آبی است که به وسیله اشخاص به صورت غیر مدرن احداث شده باشد. ت - مرداب زمین باتلاقی ، مسطح و پستی است که دارای یک یا تعدادی آبراهه باشد و معمولا در مد بزرگ دریا زیر آب رود ، همچنین اراضی پستی که در مناطق غیر ساحلی در فصول بارندگی و سیلاب غرقاب شده و معمولا در تمام سال حالت باتلاقی داشته باشد. ث - برکه اراضی پستی است که در اثر جریان سطحی و زیرزمینی آب در آنها جمع شده و باقی می ماند. ج - مسیل متروک مجرای طبیعی است که تحت تاثیر عوامل طبیعی یا غیر طبیعی ، امکان حدوث سیلاب در آن وجود نداشته باشد. چ - شبکه های آبیاری و زهکشی و کانالها: مجاری مستحدثه ای هستند که به منظور آبرسانی ، سالم سازی اراضی و یا انتقال آب

ایجاد شده یا می‌شوند. ح - بستر: آن قسمت از رودخانه، نهر یا مسیل است که در هر محل با توجه به آمار هیدرولوژیک و داغاب و حداکثر طغیان با دوره برگشت ۲۵ ساله به وسیله وزارت نیرو یا شرکتهای آب منطقه‌ای تعیین می‌شود. در مناطقی که ضرورت ایجاد می‌نماید سیلاب با دوره برگشت کمتر یا بیشتر از ۲۵ ساله ملاک محاسبه قرار گیرد، سازمانهای آب منطقه‌ای حسب مورد با ارایه نقشه‌های مربوط و توجیحات فنی از حوزه ستادی وزارت نیرو مجوز لازم را اخذ خواهند نمود. تغییرات طبیعی بستر رودخانه‌ها، مسیله‌ها یا انهار طبیعی در بستر سابق تاثیری نداشته و بستر سابق کماکان در اختیار حکومت اسلامی است، لیکن حریم برای آن منظور نخواهد شد. خ - حریم آن قسمت از اراضی اطراف رودخانه، مسیل، نهر طبیعی یا سنتی، مرداب و برکه طبیعی است که بلافاصله پس از بستر قرار دارد و به عنوان حق ارتفاع برای کمال انتفاع و حفاظت‌انها لازم است و طبق مقررات این آیین نامه توسط وزارت نیرو یا شرکتهای آب منطقه‌ای تعیین می‌گردد. حریم انهار طبیعی یا رودخانه‌ها اعم از اینکه آب دایم یا فصلی داشته باشند، از یک تا بیست متر خواهد بود که حسب مورد با توجه به وضع رودخانه یا نهر طبیعی یا مسیل از هر طرف بستر به وسیله وزارت نیرو تعیین می‌گردد. ماده ۲ - شرکتهای آب منطقه‌ای مکلفند با توجه به امکانات، حد بستر و حریم رودخانه‌ها، انهار، مسیله‌ها، مردابها و برکه‌های طبیعی موجود در حوزه فعالیت خود را با برنامه ریزی مشخصی و با اعزام کارشناس یا کارشناسان ذی صلاح طبق مقررات این آیین نامه تعیین نمایند. ماده ۳ - شرکت آب منطقه‌ای در هر مورد که بستر و حریم رودخانه، نهر طبیعی، مسیل، مرداب و برکه طبیعی را تعیین می‌نماید، مراتب را به طرق مقتضی به طور کتبی به متقاضی اعلام و در مورد تعیین بستر و حریم سرتاسری، موضوع از طریق پخش اطلاعیه‌های محلی (برای یک نوبت به اطلاع اشخاص ذی نفع می‌رسد که بستر و حریم رودخانه، نهر (طبیعی - سنتی) مسیل، مرداب و برکه طبیعی مورد نظر تعیین گردیده و اشخاص می‌توانند برای کسب اطلاع از حدود بستر و حریم تعیین شده به شرکت آب مربوط مراجعه و چنانچه اعتراضی داشته باشند ظرف یک ماه از تاریخ انتشار اطلاعیه، اعتراض خود را به شرکت مربوط تسلیم و رسید دریافت دارند. چنانچه اعتراضی نسبت به بستر و حریم تعیین شده در مهلت مذکور در فوق واصل شود، شرکت آب منطقه‌ای مربوط اعتراض را به کمیسیونی مرکب از دو نفر، کارشناس فنی ذی صلاح و یک نفر کارشناس حقوقی که از بین مجربترین کارشناسان شرکت با ابلاغ مدیر عامل منصوب می‌شوند، ارجاع می‌نماید. ماده ۴ - کمیسیون مذکور در ماده (۳) پس از وصول پرونده مورد اعتراض، گزارش کارشناس یا کارشناسان را بررسی می‌کند و در صورتی که با بستر و حریم تعیین شده موافق باشد، آن را تایید می‌کند و الا بعد از اخذ توضیحات از کارشناس یا کارشناسان ذی ربط، نظر خود را به شرکت اعلام خواهد نمود. چنانچه توضیحات مذکور برای کمیسیون قانع کننده نباشد، کمیسیون می‌تواند راسا یا به وسیله کارشناسان دیگری محل را بازدید کند و سپس نظر خود را در مورد بستر و حریم به شرکت اعلام دارد. نظر این کمیسیون قطعی و به منزله نظر وزارت نیرو است ماده ۵ - پس از اعلام نظر کمیسیون موضوع ماده (۳) این آیین نامه، شرکت آب منطقه‌ای نسبت به علامت گذاری نهایی حد بستر و حریم تعیین شده به نحو مقتضی اقدام خواهد نمود و نسخه‌ای از نقشه مربوط به بستر و حریم را برای اطلاع به اداره ثبت اسناد و املاک، بخشداری و شهرداری حوزه عمل ارسال و نیز مراتب را به نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اعلام خواهد داشت و از تجاوز اشخاص به بستر و حریم با همکاری مأموران انتظامی جلوگیری خواهد کرد. ماده ۶ - پس از تعیین و تشخیص میزان بستر و حریم رودخانه، نهر، مسیل، مرداب و برکه طبیعی در صورتی که شرکت آب منطقه‌ای قلع و قمع اعیانی اعم از اشجار و غیر آن واقع در بستر و حریم را برای استفاده از امور مربوط به آب و برق لازم بداند، بر اساس مقررات مربوط اقدام خواهد نمود. تبصره - هرگاه اعیانی موجود در بستر و حریم به صورت کشت موقت باشد، پس از برداشت محصول مقررات ماده فوق اعمال خواهد شد. ماده ۷ - کشت موقت در آن قسمت از بستر رودخانه، نهر و مسیل که برای بهره برداری از آب مزاحمتی ایجاد ننماید، با موافقت کتبی و قبلی شرکت آب منطقه‌ای ذی ربط به صورت اجاره و رعایت اولویت برای مجاوران بلامانع است، ولی مستاجر به هیچ وجه حق ایجاد اعیانی و غرس نهال و درخت (به جز زراعت سطحی را ندارد. در صورت تخلف

اراضی مسترد و از فعالیت وی جلوگیری خواهد شد. شرکت آب منطقه‌ای ذی‌ربط باید در اجاره نامه قید کند که در صورت بروز هرگونه خسارت ناشی از سیل و نظایر آن هیچگونه مسوولیتی نخواهد داشت تبصره - استفاده از مقررات این ماده در مورد اراضی بستر بالادست سدها شمول ندارد. ماده ۸ - چنانچه بستر رودخانه، نهر طبیعی و مسیل به صورت طبیعی تغییر نماید و باقیمانده بستر که بستر مرده نامیده می‌شود و کماکان در اختیار دولت است، برای اجرای طرحهای آب و برق قابل استفاده باشد، با حدود مشخصی از طریق وزارت نیرو به دستگاه متقاضی به صورت اجاره‌واگذار و نحوه آماده سازی، کناره بندی و سایر شرایط مربوط در سند واگذاری قید خواهد گردید. ماده ۹ - چنانچه افراد یا شهرداریها یا ادارات ثبت اسناد و املاک به صورت موردی تقاضای تعیین حد بستر و حریم رودخانه، انهار یا مسیل یا مرداب و یا برکه طبیعی را که در مجاورت ملکی واقع است، بنمایند شرکت آب منطقه‌ای مکلف است با اخذ هزینه کارشناسی که تعرفه آن از طرف وزارت نیرو تعیین خواهد شد، نسبت به تعیین حد بستر و حریم هر یک از موارد یاد شده به ترتیب مقرر در این آیین نامه اقدام نماید، مشروط بر اینکه تصرفات قانونی اشخاص نسبت به املاک مورد نظر احراز و توسط مراجع ذی صلاح تایید شده باشد. ماده ۱۰ - چنانچه امکان دیواره سازی و استفاده از اراضی مزاد بستر برای مجاوران وجود داشته باشد، شرکت آب منطقه‌ای ضمن مشخص کردن مجاوران رودخانه یا نهر یا مسیل یا مرداب یا برکه طبیعی، مشخصات دیواره و مقدار زمینهایی را که در اثر دیواره سازی حاصل می‌شود، معلوم و به مجاوران اعلام خواهند نمود تا در صورت تمایل به شرکت مراجعه و با قبول شرایط و مشخصات دیواره سازی برای اخذ اجازه مربوط اقدام نمایند. بستر واقع در پشت دیواره احداثی در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران است شرکت می‌تواند پس از تامین میزان حریم که بلافاصله بعد از دیواره احداثی شروع می‌شود، باقیمانده بستر را به سازنده دیوار یا در صورت عدم تمایل سازنده به دیگران اجاره دهد. ماده ۱۱ - شرکت‌های آب منطقه‌ای با همکاری شهرداریها و ادارات ثبت اسناد و املاک، مسیلهای متروک را شناسایی خواهند نمود. تشخیص متروک بودن مسیلهای در خارج محدوده قانونی شهرها با شرکت آب منطقه‌ای است، ولی در داخل محدوده قانونی شهرها، شرکت مزبور با همکاری شهرداریها تصمیم لازم را اتخاذ خواهد نمود. در صورت بروز اختلاف نظر، تشخیص وزارت نیرو معتبر می‌باشد. ماده ۱۲ - عبور لوله نفت و گاز و غیره از بستر و حریم رودخانه‌ها، انهار طبیعی، مسیلهای، مردابها و برکه‌های طبیعی با موافقت وزارت نیرو بلامانع است، ولی مسوولیت حفاظت آنها بادستگاههای ذی‌ربط خواهد بود. ماده ۱۳ - وزارتخانه‌ها، موسسات و شرکت‌های دولتی، شهرداریها و همچنین سازمان و نهادهای وابسته به دولت مکلفند قبل از اجرای طرحهای مربوط به خود و صدور پروانه لازم بستر و حریم رودخانه‌ها، انهار، مسیلهای، مردابها و برکه‌های طبیعی را استعلام نمایند. هر نوع تصرف در بستر و حریم منوط به موافقت کتبی و قبلی وزارت نیرو است متخلفان از این ماده طبق مقررات موضوعه تعقیب و مجازات خواهند شد. ماده ۱۴ - هرگاه حریم رودخانه‌ها، انهار، مسیلهای، مردابها، برکه‌های طبیعی و راههای اصلی و فرعی موجود تداخل نمایند، قسمت مورد تداخل برای تاسیسات طرفین به طور مشترک مورد استفاده قرار خواهند گرفت ماده ۱۵ - حریم کانالها، انهار احداثی و سنتی و شبکه‌های آبیاری و زهکشی با توجه به ظرفیتانها طبق جدول زیر از طرف وزارت نیرو یا شرکت‌های تابع آن برای هر طرف تعیین می‌گردد و این حریم از منتهی الیه دیواره آنها می‌باشد: ظرفیت کانالها و انهار مستحده و شبکه‌های آبیاری و زهکشی الف - آبدهی (دبی بیش از ۱۵ متر مکعب در ثانیه میزان حریم از هر طرف ۱۲ متر تا ۱۵ متر ب - آبدهی (دبی بیش از ۱۰ تا ۱۵ متر مکعب در ثانیه میزان حریم از هر طرف ۸ تا ۱۲ متر. پ - آبدهی (دبی بیش از ۵ تا ۱۰ متر مکعب در ثانیه میزان حریم از هر طرف ۶ تا ۸ متر. ت - آبدهی (دبی بیش از ۲ تا ۵ متر مکعب در ثانیه میزان حریم از هر طرف ۴ تا ۶ متر. ث - آبدهی (دبی بیش از یکصد و پنجاه لیتر تا ۲ متر مکعب در ثانیه میزان حریم از هر طرف ۱ تا ۲ متر. ج - آبدهی (دبی کمتر از یکصد و پنجاه لیتر در ثانیه - میزان حریم از هر طرف ۱ متر. الف - حریم لوله آبرسانی تا قطر پانصد میلیمتر کلا ۶ متر (۳ متر از هر طرف نسبت به محور لوله) ب - حریم لوله از پانصد تا قطر یکهزار و دوست ۱۲۰۰ میلیمتر کلا ۱۰ متر (۵ متر از هر طرف نسبت به محور لول) پ - حریم لوله از یکهزار و

دویست میلیمتر به بالا- کلا ۱۲ متر (۶ متر از هر طرف نسبت به محورلول) در صورتی که لوله‌های آبرسانی به موازات و در حریم یکدیگر نصب گردند، حد خارجی حریم به اعتبار قطر آخرین لوله منظور می‌شود. تبصره ۱- کانال، انهار و شبکه‌های آبیاری و زهکشی و انهار طبیعی و احدائی واقع در داخل مزارع و باغها تا مساحت یکصد هکتار که برای آبیاری همان مزارع و باغات مورد استفاده است، دارای حریم نیستند. تبصره ۲- در مواردی که در طراحی کانال، تاسیسات تبعی (راه سرویس، گل انداز، زهکش و غیره در یک طرف یا طرفین آن منظور شده باشد حریم مرتبط به فاصله ۲ متر از منتهی الیه تاسیسات مذکور برای حفاظت آنها در نظر گرفته می‌شود ولی در هر حال فاصله‌ای که تاسیسات تبعی مذکور به انضمام دو متر حریم مقرر در فوق در آن قرار دارد نباید از میزان حریم مقرر در این ماده کمتر باشد.

لایحه قانونی مربوط به الحاق یک تبصره به ماده واحده قانون اراضی دولت و شهرداریها و اوقاف و بانکها -

تبصره - مهلت مقرر در شق الف از بند ۲ ماده واحده فوق تا آخر فروردین ماده ۳۶ تمدید و حدود صلاحیت هیات ۳ نفری از میدان سپاه تا شعاع ده کیلومتر تعیین می‌شود و نسبت به اختلافاتی که تا قبل از وضع این قانون در دادگاههای تهران مطرح بوده اعم از اینکه حکم صادر نشده باشد یا صادر شده ولی تا این تاریخ به هر جهتی از جهات اجرا آن متعذر بوده در هیات ۳ نفری رسیدگی خواهد گردید. به موجب قانون فوق اجازه اجرای لوایح پیشنهادی وزارت دادگستری مصوب ششم مرداد ماه ۳۵ لایحه فوق در تاریخ شانزدهم بهمن ماه ۳۵ به تصویب کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین رسیده و موقتا قابل اجرا می‌باشد.

آیین نامه مربوط به تعیین بستر و حریم رودخانه‌ها و انهار و مسیله‌ها و شبکه‌های آبیاری و زهکشی - مصوب

ماده ۱- تعریف اصطلاحات مندرج در این آیین نامه از نظر اجرای مقررات آن به شرح زیر است الف- رودخانه مجرای است طبیعی که آب بطور دائم یا فصلی در آن جریان داشته باشد. ب- نهر طبیعی مجرای آبی است که بدون دخالت دست اشخاص ایجاد شده باشد. ج- مسیل مجرای است طبیعی که سیل حاصله از باران و برف و رگبارها موقتا در آن جریان پیدامی‌کنند. د- انهار و شبکه‌های آبیاری و زهکشی و کانالهای مجاری مستحدثه‌ای هستند که به منظور آبیاری اراضی زراعی یا سالم سازی اراضی یا آبرسانی شهری و صنعتی ایجاد شده یا می‌شوند. ه- بستر آن قسمت از رودخانه نهر طبیعی یا مسیل است که در حداکثر طغیان معمولی زیر آب قرار می‌گیرد. و- حداکثر طغیان معمولی میزان آبی است که با تناوب ۲۵ ساله از طریق محاسبات آمار و احتمالات هیدرولوژیک از طرف وزارت آب و برق محاسبه و تعیین می‌گردد. ز- حریم آن قسمت از اراضی اطراف رودخانه مسیل یا نهر طبیعی و احدائی یا شبکه‌های آبیاری و زهکشی است که بعنوان حق ارتفاع برای کمال انتفاع و حفاظت آنها لازم است و بلافاصله پس از بستر قرار دارد. ماده ۲- در صورتی که در اثر دیواره سازی یک طرف یا طرفین رودخانه یا مسیل یا نهر طبیعی قسمتی از بستر در پشت دیوار احدائی باقی بماند باقیمانده بستر کماکان ملک دولت است دیواره سازی باید به نحوی انجام شود که حداکثر طغیان معمولی در رودخانه یا نهر طبیعی یا مسیل قادر به عبور باشد. طرح و نقشه‌های مربوط به دیواره سازی باید قبلا- به تصویب وزارت آب و برق رسیده باشد. تبصره - در رودخانه‌ها و انهار طبیعی و مسیله‌ها که دیواره سازی می‌شود حریم بلافاصله پس از دیوار مستحدثه واقع است در صورتی که از باقیمانده بستر بتوان حریم لازم را تامین نمود دیگر احتیاجی به حریم اضافی خارج از بستر قبلی نخواهد بود و اگر باقیمانده بستر جزئی از حریم را تامین کند بقیه حریم باید از اراضی خارج از بستر قبلی تامین شود. ماده ۳- در صورتی که دستگاههای دولتی یا شهرداریها به اراضی باقیمانده از بستر نیاز داشته باشند بر طبق مقررات مربوطه عمل خواهد شد. تبصره - تغییرات طبیعی بستر رودخانه‌ها یا مسیله‌ها یا انهار طبیعی در مالکیت دولت نسبت به بستر سابق خللی

وارد نخواهد کرد لیکن حریم برای آن منظور نخواهد شد. ماده ۴- حریم انهار طبیعی یا رودخانه‌ها و مسیله‌ها اعم از اینکه آب دائم یا فصلی داشته باشند از یک تا بیست متر خواهد بود که حسب مورد با توجه به وضع رودخانه یا نهر طبیعی یا مسیل از یک طرف یا طرفین بستر وسیله وزارت آب و برق تعیین می‌گردد. ماده ۵- حریم کانالها و انهار احداثی و شبکه‌های آبیاری و زهکشی با توجه به ظرفیت آنها طبق جدول زیر از طرف وزارت آب و برق برای هر یک طرف یا طرفین تعیین می‌گردد و این حریم از منتهی الیه دیوار آنها تعیین می‌شود. ظرفیت کانالها و انهار مستحده و شبکه‌های آبیاری و زهکشی آبدهی (دبی بیش از ۱۵ متر مکعب در ثانیه میزان حریم از هر طرف ۱۲ متر تا ۱۵ متر آبدهی (دبی بیش از ۱۰ تا ۱۵ متر مکعب در ثانیه میزان حریم از هر طرف ۸ تا ۱۲ متر. آبدهی (دبی بیش از ۵ تا ۱۰ متر مکعب در ثانیه میزان حریم از هر طرف ۶ تا ۸ متر. آبدهی (دبی بیش از ۲ تا ۵ متر مکعب در ثانیه میزان حریم از هر طرف ۴ تا ۶ متر. آبدهی (دبی بیش از ۱۵۰ لیتر تا ۲ متر مکعب در ثانیه میزان حریم از هر طرف ۱ تا ۲ متر. حریم لوله آبرسانی تا قطر پانصد میلیمتر کلا ۶ متر (۳ متر از هر طرف نسبت به محور لوله حریم لوله از پانصد تا قطر یکهزار و دویست ۱۲۰۰ میلیمتر کلا ۱۰ متر (۵ متر از هر طرف نسبت به محور لوله حریم لوله از یکهزار و دویست میلیمتر به بالا- کلا ۱۲ متر (۶ متر از هر طرف نسبت به محور لوله در صورتی که لوله‌های آبرسانی به موازات و در حریم یکدیگر نصب گردید حریم واقع ما بین لوله‌ها و حریم لوله بزرگتر خواهد بود و حد خارجی حریم به اعتبار قطر آخرین لوله منظور می‌شود. تبصره - کانال و انهار و شبکه‌های آبیاری و زهکشی و انهار طبیعی و احداثی واقع در داخل مزارع و باغات تا مساحت یکصد هکتار که برای آبیاری همان مزارع و باغات مورد استفاده است دارای حریم نیستند. تبصره ۲- در مواردی که در طراحی کانال تاسیسات تبعی (راه سرویس گل انداز، زهکش و غیره در یکطرف یا طرفین آن منظور شده باشد حریم مرتبط به فاصله ۲ متر از منتهی الیه تاسیسات مذکور برای حفاظت آنها در نظر گرفته می‌شود ولی در هر حال فاصله‌ای که تاسیسات تبعی مذکور به انضمام دو متر حریم مقرر در فوق در آن قرارداد نباید از میزان حریم مقرر در ماده ۵ کمتر باشد. تبصره ۳- حریمهای مذکور در محدوده قانونی شهرها با توجه به طرح جامع یا هادی شهر باتوافق وزارت آب و برق و شهرداری محل تعیین خواهد شد. ماده ۶- وزارت آب و برق جز در مورد انهار و شبکه‌های آبیاری مکلف است در هر مورد که بستر یا حریم مذکور در این آیین نامه را تعیین و مشخص می‌نماید مراتب را جهت اطلاع عموم آگهی نماید. مدعیان حق می‌توانند ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی مزبور اعتراض خود را به وزارت آب و یا سازمان آب منطقه‌ای مربوط تسلیم نمایند در این صورت موضوع در هیاتی مرکب از سه نفر کارشناسان (دو نفر کارشناس فنی و یک نفر کارشناس حقوقی که از طرف وزیر آب و برق انتخاب خواهند شد مطرح و نظر هیات مذکور قطعی است به هر حال قبل از قلع و قمع مستحدهات واقع در بستر رودخانه وضعیت و ارزش آنها باید قبلا با حضور نماینده وزارت آب و برق و نماینده دادستان و شهرستان و یک نفر کارشناس رسمی دادگستری تعیین و صورت مجلس شود تنها در صورت قلع و قمع آنها اگر اعیانی به اعتبار سند مالکیت احداث و یا موضوع مشمول قسمت اخیر تبصره ۲ ماده ۲ قانون آب و نحوه ملی شدن آن باشد میزان خسارت وارده مشخص و معلوم گردد. تبصره - در صورتی که قبل از تعیین بستر یا حریم به شرح ماده فوق شهرداریها یا ادارات ثبتاسناد و املاک در مورد بستر رودخانه‌ها و انهار طبیعی و مسیله‌ها و یا حریم مقرر در این آیین نامه استعلام نمایند وزارت آب و برق می‌تواند بنا به مورد نسبت به تعیین بستر یا حریم اقدام و مراتب را به ذینفع و اداره استعلام کننده اعلام نماید اگر ذینفع معترض به آن باشد به شرح ماده فوق رسیدگی و اقدام خواهد شد. ماده ۷- جلوگیری از تجاوز اشخاص به بستر و حریم رودخانه‌ها و انهار طبیعی و مسیله‌ها و همچنین شبکه‌های آبیاری و زهکشی و لوله‌های آبرسانی که وسیله وزارت آب و برق یا شرکتهای تابع آن ایجاد شده و اجرای تصمیمات متخذه در این مورد به عهده پلیس مسلح تر است و در مناطقی که پلیس مسلح آب تشکیل نشده مأمورین شهربانی و ژاندارمری موظف به اجرای دستورات صادره از مراجع مذکور می‌باشند. تبصره - عبور لوله نفت و گاز در بستر رودخانه‌ها و انهار طبیعی و مسیله‌ها با نظر وزارت آب و برق بلامانع است ماده ۸- هرگاه ساختمان شبکه آبیاری و لوله‌های آبرسانی مقدم بر ایجاد

راههای اصلی و فرعی باشد حریم آنها از طرف وزارت راه باید مراعات گردد و اگر ساختمان راه مقدم بر ایجاد و شبکه آبیاری و لوله آبرسانی باشد حریم آن از طرف وزارت آب و برق رعایت خواهد شد. تبصره - در صورتی که حریم انهار و شبکه‌های آبیاری و لوله‌های آبرسانی و راههای اصلی و فرعی موجود تداخل نمایند قسمت مورد تداخل برای تاسیسات طرفین بالمناصفه خواهد بود. ماده ۹ - تصویبنامه شماره ۳۷۵۷۸ مورخ ۱۳/۹/۱۳۵۰ هیات وزیران و کلیه تصویب‌نامه‌هایی که در مورد تعیین حریم رودخانه‌ها، مسیله‌ها و انهار طبیعی و شبکه‌های آبیاری و زهکشی و کانالها به تصویب رسیده از تاریخ تصویب این آیین نامه ملغی است

تصویبنامه راجع به انتقال صنایع آلوده کننده و مزاحم محیط زیست شهر تهران (تهران بزرگ و دامادریها و م

صنایع آلوده کننده و مزاحم محیط زیست شهر تهران (تهران بزرگ و دامادریها و مرغداریهای داخل محدوده شهر تهران (تهران بزرگ بر اساس طرحهای تفصیلی و اجرایی که طبق ضوابط زیر تهیه می گردند، به خارج از محدوده شهر انتقال یابند. ۱- طرحهای تفصیلی و اجرایی انتقال صنایع آلوده کننده و مزاحم محیط زیست داخل محدوده شهر تهران توسط کمیته‌ای با مسوولیت استاندار تهران و با حضور نمایندگان دستگاههای اجرایی ذیربط و شهرداری تهران تهیه و پس از تصویب کمیسیون متشکل از وزرای کشور، صنایع سنگین، صنایع، کشاورزی، بازرگانی و مسکن و شهرسازی، سرپرست سازمان حفاظت محیط زیست و شهردار تهران، به مورد اجرا گذاشته شود. ۲- شرکت شهرکهای صنعتی ایران مجری طرح ایجاد شهرکهای صنعتی برای استقرار صنایع آلوده کننده و مزاحم شهر تهران خواهد بود و کلیه دستگاههای ذیربط مکلف به همکاری و تامین نیازهای زیربنایی و خدماتی شهرکهای مزبور می باشند. ۳- هفده (۱۷) قطعه زمین به پلاکهای مشروحه زیر جهت ایجاد شهرکهای صنعتی برای استقرار صنایع انتقال از محدوده شهر تهران، در اختیار شرکت شهرکهای صنعتی ایران قرار گیرد. الف - در محور کرج - اشتهارد: پلاکهای صحت آباد، مراد تپه، قلیچ آباد و در پلاکهای شماره ۱۱۵۹، ۱۱۶۰ و ۱۱۶۱ دو قطعه ب - در محور تهران - قم پلاکهای شمس آباد، محمدآباد و قنبرآباد. ج - در محور تهران - ورامین پلاکهای دولت آباد و اسد آباد (تپه سیاه د - در محور تهران - ساوه پلاکهای نصیرآباد، ده حسن و سفیداره - در محور کرج - قزوین، پلاک -ک نجم آباد. ۴- فعالیتها و کارگاههای صنعتی و تولیدی و صنفی که بر اساس ضوابط مندرج در طرحهای تفصیلی و اجرایی انتقال، آلوده کننده و مزاحم محیط زیست شهر تهران تشخیص داده می شوند ظرف مهلت زمانی که بنا به پیشنهاد شرکت شهرکهای صنعتی ایران و تصویب کمیسیون موضوع بند (۱) تعیین می شود، به محل‌های انتخاب شده در پلاکهای مذکور در بند (۳) انتقال می یابند. شهرداری تهران، سازمان حفاظت محیط زیست و سایر سازمانهای ذیربط پس از مهلت مزبور بر اساس مقررات از ادامه فعالیت آنها در مکانهای فعلی جلوگیری خواهند کرد. واحدهای تولیدی و صنعتی و صنفی مشمول این بند که بدون پروانه فعالیت داشته‌اند در صورت موافقت وزارتخانه صنعتی ذیربط با ادامه فعالیت آنها، پس از انتقال به پلاکهای موضوع بند (۳) با تایید وزارتخانه صنعتی ذیربط کارت شناسایی دریافت خواهند داشت ۵- طرحهای اجرایی و ضوابط انتقال دامادریها و مرغداریها داخل محدوده شهر تهران اعم از سنتی یا صنعتی و دارای پروانه یا فاقد پروانه توسط وزارت کشاورزی تهیه و به مورد اجرا گذاشته می شود. ۶- کمیسیون موضوع ماده (۵) قانون تشکیل شورای عالی شهرسازی نسبت به تغییر کاربری‌ماکنی که بر اثر اجرای طرح‌های انتقال تخلیه می گردند با توجه به وسعت و موقعیت آنها و نیازهای محلی و منطقه‌ای، اقدام خواهد نمود. ۷- شهرداری تهران، سازمان حفاظت محیط زیست وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظفند در انتقال و تعطیل صنایع آلوده کننده و مزاحم محیط زیست شهر تهران و دامادریها و مرغداریهای داخل محدوده شهر تهران بامجریان طرح‌های انتقال همکاری نمایند. ۸- از تاریخ ابلاغ این تصویبنامه مفاد ابلاغیه شماره ۴۷۶۲ - ۱۲/ م مورخ ۲/۲/۱۳۶۸ کان لم یکن می گردد.

آیین نامه اجرایی قانون اصلاح مواد یک و دو و سه قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت (با اصلاحات بعد

ماده ۱- قانون اصلاح مواد یک و دو و سه قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۳۱/۴/۱۳۶۵ و الحاق موادی به آن مصوب ۲۱/۶/۷۰ مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۴/۸/۷۰ لازم‌الاجرا شده است در این آیین نامه اختصاراً قانون نامیده می‌شود. ماده ۲- ادارات ثبت مکلفند حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون تمهیدات اجرای آن را فراهم نموده و از طریق رادیوی استان و نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار محلی یا نزدیک به محل که آگهی‌های ثبتی در آنها منتشر می‌شود و همچنین الصاق آگهی در اماکن و معابر عمومی مراتب را به اطلاع عموم برسانند که ظرف یکسال تقاضای خود را به ضمیمه رونوشت مصدق مدارک در قبال اخذ رسید تسلیم ثبت محل وقوع ملک نمایند. تبصره - به منظور هماهنگی ادارات ثبت مکلفند تاریخی را که از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور برای قبول تقاضانامه تعیین شده است در آگهی فوق قید نمایند. ماده ۳- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور دفاتر (ثبت تقاضانامه اوقات ثبت آراء و ثبت توافق و همچنین تقاضانامه و قبض رسید آن را به تعداد کافی تهیه نموده از طریق ادارات کل ثبت استانها در اختیار واحدهای ثبت قرار می‌دهد. ماده ۴- قبض رسید تقاضانامه سه نسخه‌ای است که شماره مسلسل دارد و شماره قبوض و تعداد آنها و نام واحد ثبتی گیرنده در موقع تحویل در دفتر مخصوص ثبت می‌شود. ماده ۵- متقاضی یا قائم‌مقام قانونی وی تقاضانامه را تکمیل نموده و همراه با سایر مدارک و مستندات در فرجه قانونی به اداره ثبت محل تسلیم می‌نماید (متقاضی موظف است نشانی دقیق خود را جهت ابلاغ اوراق دعوتنامه و سایر مکاتبات در تقاضانامه قید و صورت تغییر نیز نشانی جدید خود را کتبا به ثبت محل اطلاع دهد)

اصلاحیه آیین نامه قانون اصلاح مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت مصوب ۱۹/۱/۷۱ - مصوب

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان چون ضرورت انجام اصلاحاتی در آیین نامه اجرایی قانون اصلاح مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت مصوب ۱۹/۱/۷۱ و اصلاحیه‌های بعدی آن لازم به نظر می‌رسید لذا مراتب به محضر آیت ا... هاشمی شاهرودی دامت برکاته رییس محترم قوه قضاییه اعلام و اصلاحات زیر در آیین نامه در تاریخ ۱۰/۸/۷۸ به تصویب معظم له رسید. ۱- عبارت زیر به ماده ۲۱ آیین نامه اضافه می‌گردد: چنانچه اشخاص مذکور با وجود ابلاغ دعوتنامه مطابق مقررات فوق در هیات حضور نیابند یکبار دیگر از آنان دعوت به عمل می‌آید و در صورت عدم حضور هیات قرار بایگانی شدن پرونده را تا مراجعه مجدد آنان صادر می‌نمایند. تبصره ۱- به جریان افتادن مجدد پرونده منوط به پرداخت مبلغ پنجاه هزار ریال علاوه بر مبلغ مقرر در ماده ۳۷ آیین نامه توسط متقاضی است تبصره ۲- موارد مذکور در قسمت اخیر ماده و تبصره یک باید در دعوتنامه اشخاص مزبور قید شود. ۲- ماده ۳۷ آیین نامه به شرح زیر اصلاح می‌گردد: مبلغ مندرج در ماده مذکور بعد از عبارت (بابت هر پرونده به شرح زیر اصلاح می‌گردد: الف- عبارت یکصد و بیست هزار ریال مقرر در ماده ۳۷ به مبلغ دویست هزار ریال تبدیل می‌گردد. ب- از متقاضیان مقرر در ماده ۱۰ قانون و متقاضیانی که برابر گواهی صادره زیر پوشش کمیته‌امداد امام خمینی (ره) می‌باشند به جای مبلغ مقرر در ماده ۳۷ به میزان هزینه‌های مندرج در ماده ۳۹ آیین نامه اخذ می‌گردد. ۳- ماده ۳۹ آیین نامه به شرح زیر اصلاح می‌گردد: از محل وجوه دریافتی موضوع ماده ۳۷ آیین نامه پرداخت‌های زیر انجام می‌شود. الف- حق حضور و حق الزحمه هر یک از اعضاء هیات حل اختلاف برای هر پرونده ۷۵۰۰ ریال تعیین می‌شود. ب- حق حضور و حق الزحمه هر یک از اعضاء هیات حل اختلاف برای پرونده موضوع قسمت اخیر ماده ۲۱ آیین نامه یک هزار ریال تعیین می‌شود. ج- حق الزحمه دبیر هیات حل اختلاف برای هر پرونده مبلغ چهار هزار ریال و برای هر پرونده موضوع قسمت اخیر ماده ۲۱ آیین نامه مبلغ پانصد ریال تعیین می‌شود.

آیین نامه اجرایی تبصره (۳) ماده (۲) قانون اصلاح مواد (۱۴۷) و (۱۴۸) اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک کش

ماده ۱- در کلیه مواردی که مستحداثات و بنای تصرفی در اراضی دولت یا شهرداریها ایجاد شده باشد هیات‌های موضوع ماده (۲) قانون اصلاح مواد (۱) و (۲) و (۳) قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک - مصوب ۳۱/۴/۱۳۶۵ - با انتخاب کارشناسان ثبتی و همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نسبت به تهیه و ترسیم، کروکی محل مورد تصرف دلایل تصرف تعیین موقعیت حدود، مساحت و شماره پلاک اصلی و فرعی و نحوه تصرفات اقدام و هرماه با مشخصات کامل شناسنامه (اعم از نام نام خانوادگی نام پدر، شماره شناسنامه و محل صدور آن به صورت مستند از طریق ادارات به دستگاه صاحب زمین اعلام می‌نمایند تا در خصوص موارد قید نشده در بند (و) تبصره (۳) ماده (۲) اعلام نظر نمایند. ماده ۲- مدت زمان اعلام نظر مراجع موضوع بند (و) تبصره (۳) ماده (۲) قانون یاد شده حداکثرسی روز تعیین می‌شود در صورت عدم وصول پاسخ توسط مراجع مربوط هیات اعلام نظر خواهد کرد. ماده ۳- در کلیه موارد مقرر که جهت تعیین بهای ملک مورد تصرف به اعلام نظر کارشناس رسمی دادگستری نیاز می‌باشد، نظریه کارشناس توسط دبیرخانه هیات، به متقاضی و دستگاه صاحب زمین اعلام می‌شود و در صورتی که طرفین نسبت به نظریه کارشناسی اعتراض داشته باشند حداکثر ظرف یک هفته کتبا به دبیرخانه هیات اعلام می‌نمایند. در صورت عدم اعلام نظر در مهلت مقرر، دبیرخانه هیات طبق مقررات اقدام خواهد نمود. ماده ۴- در کلیه مواردی که هیات پس از اخذ موافقت دستگاه صاحب زمین رای به انتقال ملک به متقاضی را صادر می‌نماید بهای تعیین شده اعم از بهای تمام شده زمین یا قیمت عادلانه روز به شماره حسابی که از سوی دستگاه صاحب زمین اعلام می‌گردد واریز خواهد شد و رای هیات و قبض پرداختی جهت تنظیم سند به سازمان مسکن و شهرسازی ارسال می‌گردد و چنانچه ظرف بیست روز پس از ثبت در دبیرخانه سازمان مزبور سند انتقال تنظیم نگردد نماینده اداره ثبت می‌تواند به قایم مقامی سند انتقال را به نام متقاضی امضاء نماید. ماده ۵- در مواردی که دستگاه صاحب زمین با انتقال زمین موافقت نمی‌نماید مکلف است علت را مستدل به هیات رسیدگی کننده اعلام نماید. ماده ۶- پرداخت هزینه‌های کارشناسی موضوع بند (ز) قانون اصلاح مواد (۱۴۷) و (۱۴۸) اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک کشور - مصوب ۱۳۷۶ برعهده متقاضی خواهد بود. ماده ۷- از تاریخ تصویب این آیین نامه آن قسمت از آیین نامه اجرایی مواد (۱۴۷) و (۱۴۸) قانون ثبت که مغایر با این آیین نامه است لغو می‌شود.

لایحه قانونی ثبت اراضی موات اطراف شهر تهران - مصوب ۲۵/۴/۱۳۳۱

ماده ۱- از این تاریخ قبول تقاضای ثبت نسبت به اراضی بایر و موات اطراف شهر تهران واقع در حدود ذیل از احدی پذیرفته نخواهد شد. شرقا و جنوبا و غربا از اضلاع خارجی خیابانهای شهباز و شوش و سی متری نظامی تا شعاع اقدام به درخواست ثبت نماید و به مصرف امور عام المنفعه رسانیده و یا به قطعات کوچک تقسیم و به معرض فروش بگذارد. ماده ۳- اشخاصی که نسبت به این قبیل اراضی ادعایی داشته باشند پس از ثبوت در محاکم وجهی را که دولت از خریدار دریافت نموده به آنان خواهد پرداخت ماده ۴- وزارتین دادگستری و دارایی مامور اجرای این قانون هستند. بر طبق قانون اعطا اختیارات مصوبه ۲۰ مرداد ۱۳۳۱ لایحه قانونی مشتمل بر چهار ماده راجع به ثبت اراضی بایر و موات اطراف شهر تهران تصویب می‌شود. نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

مقررات مالی**آیین نامه مالی شهرداریها - مصوب ۱۲/۴/۱۳۴۶**

قسمت اول - امور معاملات (ماده ۱ تا ۴)

ماده ۱ - معاملات شهرداریها از نظر میزان مبلغ به سه نوع تقسیم می‌شود: نوع اول - معاملات جزئی که میزان آن از پنجاه هزار ریال تجاوز نخواهد کرد. نوع دوم - معاملات متوسط که میزان آن بیشتر از پنجاه هزار ریال و کمتر از پانصد هزار ریال باشد. نوع سوم - معاملات عمده که میزان آن پانصد هزار ریال و بیشتر خواهد بود. ماده ۲ - در مورد معاملات جزئی متصدی خرید یا کسی که وظیفه مذکور کتبا از طرف شهرداریه او ارجاع گردیده مکلف است بهای جنس یا اجرت کار مورد معامله را بنحو ممکنه و به مسئولیت خود بدست آورده با جلب موافقت کتبی مقامات زیر اقدام نماید: الف - در شهرداریهایی که درآمد سالانه آنها تا ۱۰ میلیون ریال است موافقت شهردار. ب - در شهرداری‌هایی که درآمد سالانه آنها از ۱۰ میلیون ریال تا ۵۰ میلیون ریال است موافقت متصدی امور مالی ج - در شهرداریهایی که درآمد سالانه آنها از ۵۰ میلیون ریال بیشتر است موافقت رییس کارپردازی تبصره ۱ - ذکر نام و نام خانوادگی و امضا و سمت متصدی خرید و همچنین آدرس و مشخصات کامل فروشنده جنس یا انجام دهنده کار در ذیل سند ضروری است تبصره ۲ - شهردار می‌تواند بموجب ابلاغ کتبی انجام بعضی از انواع معاملات جزئی را که در این ماده اختیار تصویب آنها به متصدی امور مالی یا رییس کارپردازی داده شده است موکول به موافقت کتبی خود نماید و یا اختیار رییس کارپردازی را به متصدی امور مالی یا رییس حسابداری شهرداری واگذار کند. ماده ۳ - در مورد معاملات متوسط متصدی خرید باید حداقل از سه نفر فروشندگان کالا یا انجام دهندگان کار از هر یک جداگانه استعلام کتبی که مشعر بر تعیین و تصریح نوع و مشخصات کامل جنس یا موضوع کار مورد معامله و مقدار و شرایط معامله و مدت تحویل باشد اخذ و فروشنده کالا یا انجام دهنده کار باید حداقل بها ممکنه را ضمن تعیین مدت و نشانی دقیق خود در برگ استعلام بها ذکر و با قید تاریخ امضا نموده و متصدی خرید صحت مندرجات آن را گواهی نماید. انجام معامله پس از موافقت کمیسیون معاملات مرکب از شهردار یا معاون شهرداری متصدی امور مالی و یک نفر از روسای واحدها یا اعضا ارشد شهرداری بنا به تناسب کار و به انتخاب شهردار مجاز خواهد بود و تصمیمات کمیسیون باتفاق آرا و یا با اکثریت دو رای موافق در صورتی مناط اعتبار خواهد بود که شهردار یا معاون او یکی از آن دو نفر باشد. تبصره - در شهرداریهایی که درآمد سالانه آنها از ۵۰ میلیون ریال بیشتر است در صورتی که شهرداری فاقد معاون باشد شهردار می‌تواند رییس کارپردازی یا یکی از اعضای دیگر شهرداری را به عضویت کمیسیون معاملات انتخاب ولی تصمیمات کمیسیون را موکول بتایید خود نماید. ماده ۴ - معاملات عمده باید بطور کلی با تشریفات مناقصه یا مزایده عمومی و یا مناقصه محدود انجام شود اگر ترک مناقصه ضروری تشخیص گردد بطریق زیر انجام خواهد شد: الف - در صورتیکه میزان معامله کمتر از دو میلیون ریال باشد بنا به پیشنهاد مستدل و موجه شهردار و تصویب انجمن شهر. ب - در صورتیکه میزان معامله از دو تا پنجاه میلیون ریال باشد بنا به پیشنهاد مستدل و موجه شهردار و تصویب انجمن شهر و تایید وزارت کشور. ج - در صورتیکه میزان معامله از پنجاه میلیون ریال بیشتر باشد بنا به پیشنهاد مستدل و موجه شهردار و تصویب انجمن شهر و تایید وزارت کشور و تصویب هیات دولت تبصره ۱ - در مورد مناقصه محدود شهرداری از بین فهرست مقاطعه کاران واجد شرایط منتخبه توسط سازمان برنامه یا وزارت راه حداقل شش شرکت یا موسسه واجد شرایط را دعوت خواهد نمود. تبصره ۲ - موارد استفاده از مناقصه محدود با تصویب انجمن شهر تعیین می‌شود و طرز عمل بر طبق صوابدید انجمن شهر به ترتیبی خواهد بود که در آیین نامه مناقصه امور ساختمانی وزارت راه مصوب اسفند ماه ۱۳۳۸ و یا آیین نامه مربوط در سازمان برنامه مقرر است در مواردی که در آیین نامه های فوق وزیر و مدیر عامل نوشته شده شهردار و در مواردی که هیات عامل نوشته شده انجمن شهر جایگزین آن خواهد بود. تبصره ۳ - در مورد کالای انحصاری دولت و کالاها یا خدمات منحصر بفرد انجام معامله بانماینده‌گی‌های رسمی و انحصاری فروش کالا پس از گواهی کمیسیون معاملات مبنی بر انحصاری بودن کالا - یا خدمات با ترک مناقصه بلامانع خواهد بود و در مورد کالاهای انحصاری غیر

دولتی بهای کالا با گواهی اداره کل نظارت بر قیمت‌ها یا اطاق بازرگانی استان تعیین و پرداخت خواهد گردید.

قسمت دوم - مناقصه (ماده ۵ تا ۸)

الف - آگهی مناقصه ماده ۵ - در معاملات عمده آگهی مناقصه یا مزایده در دو نوبت بفاصله حداقل یک هفته به تشخیص شهردار در روزنامه رسمی کشور و حداقل یکی از جراید کثیرالانتشار تهران و در صورت وجود روزنامه محلی در یکی از روزنامه‌های محلی بشرح و شرایط زیر منتشر می‌گردد: ۱ - نوع و میزان کالا - یا کار (مدت انجام کار) محل تحویل (مهلت قبول پیشنهادات محل اخذ اسناد مناقصه یا مزایده و تسلیم پیشنهادها. ۲ - دادن سپرده‌ای که از پنج درصد مبلغ کل برآورد کمتر نباشد بصورت نقد یا اسناد خزانه یا ضمانت نامه بانکی ۳ - ذکر اینکه برندگان اول و دوم و سوم مناقصه یا مزایده هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان بترتیب ضبط خواهد شد. ۴ - ذکر اینکه سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به معامله در اسناد مناقصه یا مزایده مندرج است ۵ - ذکر اینکه شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است تبصره - مدت قبول پیشنهادها از تاریخ نشر آخرین آگهی در داخله ۱۰ روز و در خارجه از ۶۰ روز نباید کمتر باشد. ب - تشکیل کمیسیون مناقصه یا مزایده و رسیدگی به پیشنهادات و تشخیص برنده مناقصه یا مزایده ماده ۶ - رسیدگی به پیشنهادها مربوط به مناقصه یا مزایده بعهد هیات عالی معاملات شهرداری مرکب از شهردار، رئیس امور مالی یا حسابداری شهرداری، یک نفر از افراد بصیر و مطلع در معامله مورد نظر به پیشنهاد شهردار و تایید انجمن شهر خواهد بود. تبصره - تصمیمات هیات به اتفاق آرا و یا به اکثریت دورای مشروط بر اینکه شهردار یکی از آن دوف نفر باشد مناط اعتبار خواهد بود. ماده ۷ - کمیسیون باید در وقت مقرر که در آگهی مناقصه یا مزایده یا دعوتنامه مناقصه محدود قید گردیده تشکیل شود و پیشنهادهای رسیده را در صورتی که تعداد آنها سه یا بیشتر باشد مفتوح و مورد رسیدگی قرار دهد و اگر تعداد پیشنهادها رسیده از سه فقره کمتر بود مناقصه یا مزایده راتجدید و مراتب را در صورت مجلس تنظیمی قید نماید. در مناقصه یا مزایده مجدد ولو آنکه تعداد پیشنهادها کمتر از سه فقره باشد کمیسیون پیشنهادها را باز و مورد رسیدگی و ترتیب اثر قرار خواهد داد. کمیسیون مکلف است از روز قرائت پیشنهادها حداکثر ظرف یک هفته نظر خود را اعلام کند و در موارد استثنایی این مهلت با تصویب شهردار تا بیست روز دیگر قابل تمدید خواهد بود. ماده ۸ - هرگاه برنده مناقصه یا مزایده از انجام معامله خودداری کند یا پس از ابلاغ قانونی حداکثر تا هفت روز حاضر به انعقاد قرارداد نشود سپرده او بفتح شهرداری ضبط و قرارداد با نفر بعدی منعقد خواهد گردید و در صورتیکه برندگان دوم و سوم نیز ظرف مهلت هفت روز پس از ابلاغ قانونی حاضر بعقد قرارداد نشوند سپرده آنان بفتح شهرداری ضبط خواهد شد.

قسمت سوم - انعقاد پیمان (ماده ۹ تا ۱۰)

قسمت سوم - انعقاد پیمان (ماده ۹ تا ۱۰) قسمت سوم - انعقاد پیمان ماده ۹ - شهرداری مکلف است هنگام تنظیم و عقد پیمان معادل ۱۰ درصد کل مبلغ مورد پیمان را بمنظور تضمین حسن انجام کار از پیمانکار تضمین نامه بانکی یا اسناد خزانه بعنوان سپرده دریافت دارد. ماده ۱۰ - حق ارجاع داوری در هیچیک از پیمانها نباید قید گردد مگر اینکه در موارد استثنایی و بنا به پیشنهاد مستدل و موجه شهردار قبلاً بتصویب انجمن رسیده باشد.

قسمت چهارم - ترتیب تحویل (ماده ۱۱ تا ۱۲)

ماده ۱۱ - جنس یا کار انجام شده هر گاه مربوط به معاملات جزئی باشد تحویل آن بوسیله انباردار یا اداره درخواست کننده انجام خواهد شد و در مورد معاملات متوسط باید تحویل با نظارت کمیسیون مرکب از سه نفر بانتخاب شهردار انجام پذیرد و در معاملات عمده کمیسیون تحویل مرکب خواهد بود از دو نفر نماینده منتخب شهردار و یک نفر نماینده ذیصلاحیت به انتخاب انجمن شهر. ماده ۱۲ - در معاملات متوسط و عمده برای تحویل هر فقره جنس یا کار باید کمیسیون تحویل صورت مجلس تنظیم و در آن بطور صریح قید گردد که جنس مورد معامله یا کار انجام شده طبق نمونه و با مشخصات مندرج در پیمان با استعمال بها می باشد و ذیل آن را تمام اعضا کمیسیون تحویل و فروشنده یا پیمانکار امضا نمایند و در مورد اجناسی که تحویل انبار می شود انباردار نیز صورت مجلس را امضا و قبض انبار صادر خواهد نمود. تبصره - هر گاه بین اعضا کمیسیون در نوع و مشخصات کالا یا کار مورد تحویل اتفاق آرا نباشد نظر شهردار قاطع خواهد بود.

قسمت پنجم - مزایده (ماده ۱۳ تا ۱۴)

ماده ۱۳ - فروش اموال منقول و غیر منقول و اجاره اموال غیر منقول شهرداری از طریق مزایده کتبی صورت خواهد گرفت لکن در مورد فروش اموال منقول و اجاره دادن فراورده های واحدها و موسسات تابعه شهرداری با جلب موافقت انجمن شهر می توان از طریق مزایده حضوری (حراج اقدام نمود. تبصره ۱ - در مورد مزایده حضوری (حراج باید روز و محل حراج قبلا - آگهی شود و در آگهی اطلاعات لازم راجع به نوع اشیا قید گردد و تصریح شود که در مقابل فروش اشیا وجه نقد دریافت می گردد و پرداخت هر نوع مالیات و عوارض بعهده خریدار است ماده ۱۴ - مقرراتی که در این آیین نامه برای انتشار آگهی و سایر تشریفات مناقصه پیش بینی شده است در مورد مزایده نیز باید رعایت گردد.

قسمت ششم - سایر معاملات شهرداری (ماده ۱۵ تا ۱۶)

ماده ۱۵ - شهرداری تهران راسا و سایر شهرداریها با موافقت انجمن شهر می تواند در صورت ضرورت و با در نظر گرفتن صرفه و صلاح هر نوع کاری را بطور امانی بر اساس و ترتیب مندرج در ماده ۴ این آیین نامه انجام دهند مشروط بر اینکه از لحاظ کادر فنی و وسایل برای انجام آن کار مجهز باشند. ماده ۱۶ - هر گاه شهرداری به اجاره نمودن ساختمان یا زمین یا وسیله نقلیه یا ماشین آلات فنی یا هر نوع اشیا و اموال دیگری که عرفا در معرض اجاره و استیجاره قرار می گیرد احتیاج پیدا کند بشرح زیر اقدام خواهد شد: الف - در صورتیکه مورد اجاره نظایر متعدد و بی تفاوت داشته باشد پس از تحقیق و تجسس کافی بوسیله متصدی خرید حداقل سه فقره از با صرفه ترین آنها بوسیله استعمال بها تعیین و معرفی خواهد گردید. ب - اگر مورد اجاره نظایر متعدد نداشته باشد یا اجاره ملک یا زمین معینی مورد لزوم شهرداری باشد مذاکره و توافق مقدماتی با مالک بعمل خواهد آمد. انجام معامله و عقد قرارداد اجاره در هر مورد در صورتی که مال الاجاره سالانه از شصت هزار ریال تجاوز نکند با تصویب هیات عالی معاملات شهرداری و در صورتیکه مال الاجاره سالانه بیش از پنجاه هزار ریال باشد با تصویب انجمن شهر صورت خواهد گرفت

قسمت هفتم - مقررات عمومی (ماده ۱۷ تا ۲۲)

ماده ۱۷ - هرگاه ضمن اجرای قراردادهای ساختمانی یا عمرانی تغییرات جدیدی در مشخصات و نقشه و یا نوع کار پیش آید که جداگانه انجام پذیر نباشد و بهای واحد آن کار در فهرست واحد بهایش بینی نشده باشد بهای عادلانه واحد کار مورد نظر از طرف قسمت فنی شهرداری یا دفتر فنی شهرداری استان یا فرمانداری کل و با موافقت پیمانکار و تصویب هیات عالی معاملات شهرداری و تایید شهردار تعیین خواهد شد ولی میزان کارهای جدید نباید از صدی ۱۰ کل مبلغ پیمان تجاوز کند. ماده ۱۸ - در قراردادها باید قید شود شهرداری می تواند تا حداکثر بیست و پنج درصد مبلغ پیمان از میزان کار یا جنس موضوع پیمان را کسر یا اضافه نماید و در هر حال باید قبل از انقضا مدت پیمان به پیمانکار ابلاغ کند. ماده ۱۹ - در مورد معامله با وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکتهای دولتی یا وابسته به دولت و شهرداری و معامله بین دو شهرداری فقط توافق طرفین که بتایید انجمن شهر برسد کافی است ماده ۲۰ - در موارد استثنایی که بصلاح و صرفه شهرداری باشد انجمن شهر می تواند بنا به پیشنهاد شهردار اختلافاتی را که با پیمانکاران شهرداری پیدا می شود و مبلغ مورد اختلاف از پانصد هزار ریال بیشتر نباشد از طریق سازش و یا ارجاع به داوری حل و فصل نمایند لکن در مواردی که مبلغ مورد اختلاف بیش از پانصد هزار ریال باشد رفع اختلاف از طریق سازش یا ارجاع بدآوری با پیشنهاد شهردار و تایید انجمن شهر و تصویب وزارت کشور امکان پذیر خواهد بود. در اینگونه موارد داور اختصاصی و داور مشترک باید به تایید وزارت کشور برسند. ماده ۲۰ مکرر - حد نصابهای تعیین شده در بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۴) و قسمت اخیر ماده (۲۰) این آیین نامه متناسب با شرایط اقتصاد کشور و هماهنگی با نصابهای معاملات دولتی بنابه پیشنهاد وزارت کشور و با تصویب هیات وزیران قابل تجدیدنظر خواهد بود. تبصره - در مورد شهرهای با بیش از یک میلیون نفر جمعیت حد نصابهای موضوع این قانون با پیشنهاد شهردار و تصویب شورای اسلامی شهر ذی ربط تا سقف پنج در هزار بودجه مصوب سالانه همان شهر برای هر معامله قابل افزایش است و در هر صورت اختیار شهرداران در این مصوبات، بالاتر از اختیار وزیران در معاملات مشابه نخواهد بود. ماده ۲۱ - معاملات شهرداری تهران تابع مقررات آیین نامه مربوطه مصوب آذرماه ۱۳۴۴ کمیسیون کشور مجلسین و مقررات فصل ششم این آیین نامه می باشد و اختیارات و وظایف هیات عالی معاملات در شهرداری تهران بعهد کمیسیون مناقصه مقرر در ماده ۶ آیین نامه مذکور خواهد بود. تبصره - در مورد معاملات جزئی شهرداری تهران می تواند اختیارات مربوط به رییس کارپردازی را به روسای نواحی و یا روسا و مسئولین هر یک از واحدهای تابعه شهرداری واگذار نماید. ماده ۲۲ - دستورالعمل مربوط به طرز اجرا این آیین نامه از طرف وزارت کشور تهیه و به شهرداریها ابلاغ خواهد شد و در هر مورد که ابهامی در طرز اجرا هر یک از مواد این آیین نامه حاصل شود رفع ابهام بعهد وزارت کشور خواهد بود.

قسمت هشتم - امور مالی

فصل اول - بودجه (ماده ۲۳ تا ۲۸)

ماده ۲۳ - بودجه سالانه شهرداری عبارت است از یک برنامه جامع مالی که در آن کلیه خدمات و فعالیتها و اقداماتی که باید در طی سال مالی انجام شود همراه با برآورد مبلغ و میزان مخارج و درآمدهای لازم برای تامین هزینه انجام آنها پیش بینی می شود و پس از تصویب انجمن شهر قابل اجراست ماده ۲۴ - دوره عمل بودجه هر سال تا ۱۵ اردیبهشت سال بعد خواهد بود و تعهداتی که تا آخر اسفند ماه هر سال تحقق یافته باشد تا خاتمه دوره عمل بودجه از محل اعتبار مربوط قابل پرداخت است ماده ۲۵ - بودجه شهرداریها باید بر اساس برنامه‌ها و وظایف و فعالیت‌های مختلف و هزینه‌های هر یک از آنها تنظیم گردد طرز تنظیم برنامه و بودجه و تفریح بودجه و نحوه تفکیک وظایف و فعالیتها و انطباق بودجه با برنامه و همچنین طرز برآورد درآمد و هزینه بموجب دستورالعملی خواهد بود که بوسیله وزارت کشور تصویب و ابلاغ خواهد شد. ماده ۲۶ - مسئولیت تنظیم بودجه شهرداری و مراقبت

در حسن اجرای آن و همچنین تنظیم تفریغ بودجه بعهدہ شهردار و مسئول امور مالی است (مدیر امور مالی یا رییس حسابداری بسته بوضع تشکیلات شهرداری و واگذاری این وظیفه از طرف شهردار به هر یک از مأمورین دیگر شهرداری رفع مسئولیت نخواهد کرد. شهردار موظف است بمحض پیشنهاد بودجه یا تفریغ بودجه به انجمن شهر با استفاده از اختیاری که بر طبق ماده ۳۸ قانون شهرداری به او تفویض شده حداقل هفته‌ای سه روز تقاضای تشکیل جلسه انجمن را بنماید و خود نیز در جلسات حضور یافته توضیحات لازم را درباره ارقام مندرج در آن بدهد. ماده ۲۷ - موعده تصویب نهایی بودجه سالیانه بوسیله انجمن شهر و ابلاغ آن بشهرداری طبق ماده ۶۷ قانون حداکثر تا اول اسفند ماه سال قبل می‌باشد و در صورتیکه انجمن در راس موعده مذکور بوظیفه قانونی خود در این مورد عمل نکند شهردار موظف است مراتب را به استاندار یا فرماندار کل و در شهرداری تهران به وزارت کشور اطلاع دهد تا بر طبق ماده ۴۱ اصلاحی قانون شهرداری اقدامات لازم معمول گردد. ماده ۲۸ - شهردار می‌تواند اعتبارات مصوب در بودجه برای هر یک از مواد هزینه یا فعالیت‌های داخل در یک وظیفه را تا ۱۰٪ تقلیل یا افزایش دهد بنحوی که از اعتبار کلی مصوب برای آن وظیفه تجاوز نشود.

فصل دوم - درآمدها (ماده ۲۹ تا ۳۲)

ماده ۲۹ - درآمد شهرداری‌ها به شش طبقه شرح زیر تقسیم می‌شود: ۱ - درآمدهای ناشی از عوارض عمومی (درآمدهای مستمر) ۲ - درآمدهای ناشی از عوارض اختصاصی ۳ - بها خدمات و درآمدهای موسسات انتفاعی شهرداری ۴ - درآمدهای حاصله از وجوه و اموال شهرداری ۵ - کمک‌های اعطایی دولت و سازمانهای دولتی ۶ - اعانات و کمک‌های اهدایی اشخاص و سازمانهای خصوصی و اموال و دارایی‌هایی که بطور اتفاقی یا بموجب قانون بشهرداری تعلق می‌گیرد. تبصره - از انواع درآمدهای مذکور در ماده فوق فقط درآمدهای ناشی از عوارض عمومی (درآمدهای مستمر) مشمول پرداخت سهمیه‌ها و حد نصاب‌های مقرر در ماده ۸۶ قانون شهرداری می‌باشد. ماده ۳۰ - هر شهرداری دارای تعرفه‌ای خواهد بود که در آن کلیه انواع عوارض و بهای خدمات و سایر درآمدهایی که بوسیله شهرداری و موسسات تابعه و وابسته به آن وصول یا تحصیل می‌شود درج و هر نوع عوارض یا بهای خدمات جدیدی که وضع و تصویب می‌گردد یا هر تغییری که در نوع و میزان نرخ آنها صورت می‌گیرد در تعرفه مذکور منعکس می‌شود. وزارت کشور برای طرز تنظیم تعرفه و درج تغییرات بعدی و همچنین چگونگی وضع و تشخیص وصول انواع عوارض و درآمدها دستورات عملی جامع تهیه و برای راهنمایی به شهرداریها ابلاغ خواهد کرد. ماده ۳۱ - تطبیق وضع هر مودی یا هر مورد با تعرفه عوارض درآمدها و تعیین و تشخیص بدهی مودی بعهدہ مأمورین تشخیص یا کسانی است که از طرف شهرداری یا سازمان‌های تابعه و وابسته اختیار تشخیص بآنها داده شده است مأمورین مذکور مکلفند کمال دقت بی‌نظری را در تشخیص‌های خود بکار برند در صورت تخلف بوضع آنها در دادگاه اداری شهرداری رسیدگی و تنبیهات مقرر درباره آنها اتخاذ و بموقع اجرا گذارده خواهد شد. ماده ۳۲ - به شهرداری‌های کل کشور اجازه داده می‌شود تا مطالبات خود را با اقساط حداکثر سی و شش ماهه مطابق دستورات عملی که به پیشنهاد شهردار به تصویب شورای اسلامی شهر مربوط می‌رسد، دریافت نمایند. در هر حال صدور مفاصا حساب موکول به تادیه کلیه بدهی مودی خواهد بود.

فصل سوم - هزینه‌ها (ماده ۳۳ تا ۳۶)

ماده ۳۳ - پرداخت هزینه‌ها در شهرداری مستلزم طی مراحل سه‌گانه زیر است الف - ایجاد تعهد در حدود اعتبارات مصوب و مقررات جاری و تحقق یافتن تعهد به این طریق که کار و خدمتی انجام یا اموالی به تصرف شهرداری درآمده بدینوسیله دینی برای شهرداری ایجاد شده باشد. ب - تشخیص مستند مبلغی که باید به هر یک از داینین پرداخت شود. ج - صدور حواله در وجه داین یا

داینین در قبال اسناد مثبت تبصره - ایجاد تعهد و تشخیص و صدور حواله بشرح فوق در صلاحیت شهردار یا کسانی است که از طرف شهردار کتبا و بطور منجز اختیارات لازم به آنها تفویض می‌شود. ماده ۳۴ - کلیه پرداخت‌های شهرداری باید با توجه به ماده ۷۹ قانون شهرداری با اسناد مثبتانجام گردد و در مورد هزینه‌هایی که تنظیم اسناد مثبت آن قبل از پرداخت میسر نباشد ممکن است بطور علی الحساب پرداخت و اسناد هزینه آن در اسرع وقت تکمیل و بحساب قطعی منظور گردد نوع هزینه‌هایی که بطور علی الحساب قابل پرداخت است و طرز استفاده از تنخواه گردان بموجب دستورالعملی که وزارت کشور ابلاغ خواهد نمود تعیین خواهد شد. ماده ۳۵ - انجمن شهر با توجه به تبصره بند ۳ اصلاحی ماده ۴۵ قانون شهرداری می‌تواند اختیار تصویب و نظارت در معاملات را تا میزان معینی بشهردار واگذار کند و در مورد تصویب و نظارت کلی نسبت به سایر معاملات هر ترتیبی را که مقتضی بداند بنحوی که موجب کندی پیشرفت کارهای شهرداری نگردد برقرار و طبق آن عمل خواهد شد. ماده ۳۶ - طرز تهیه اسناد هزینه و مدارک ضمیمه آن و طرز طبقه‌بندی هزینه‌های شهرداری و همچنین اصول و قواعد مربوط به انبارداری و رابطه آن با کارپردازی بموجب دستورالعملی که بوسیله وزارت کشور تصویب و ابلاغ خواهد شد مقرر خواهد گردید.

فصل چهارم - صندوق و عملیات استقراضی شهرداری (ماده ۳۷ تا ۴۱)

ماده ۳۷ - استفاده از وجوه حاصله از درآمدها قبل از منظور داشتن آنها بحساب قطعی درآمد بهر عنوان حتی بطور علی الحساب و یا برای پرداخت هزینه‌های ضروری و فوری ممنوع است ماده ۳۸ - صندوقدار یا کسی که پرداخت هزینه‌ها بعهده او محول می‌شود مکلف است در موقع پرداخت نسبت به هویت و اهلیت دریافت‌کننده وجه و صحت و اصالت امضا حواله دقت‌های لازم را بعمل آورده و اسناد و امضایی که ذمه شهرداری را از دین بری سازد از گیرنده وجه دریافت کند. ماده ۳۹ - در مواردی که شهرداری برای فعالیت‌های مختلف عمومی و اختصاصی حساب‌های مجزا داشته باشد استقراض از یک حساب برای استفاده در حساب دیگر منوط بموافقت انجمن شهر است و در موافقت‌نامه مذکور مدت استقراض باید معلوم گردد و بمحض پیدایش موجودی در حساب بدهکار بمیزانی که پرداخت مبلغ استقراضی را تکافو کند فرضا که مدت مقرر نیز منقضی نگردیده باشد باید بحساب بستانکار برگشت داده شود. ماده ۴۰ - استقراض شهرداری با توجه به بند ۱۹ از ماده ۴۵ قانون شهرداری باید با اجازه و تصویب انجمن شهر صورت گیرد و در موقع استقراض مورد مصرف وجوه استقراضی تعیین و کیفیت استرداد آن که از محل درآمدهای عمومی یا اختصاصی خواهد بود و بهره و مدت وام و طرز استهلاک مشخص و بر طبق آن عمل شود. ماده ۴۱ - وظایف شهرداری از لحاظ وصول و نگهداری درآمدها و پرداخت هزینه‌ها و نگاهداری حساب موجودی و تنظیم گزارش‌های مستمر وضع مالی شهرداری و همچنین ترتیبات مربوط به عملیات استقراضی شهرداریها بموجب دستورالعملی که وسیله وزارت کشور تصویب و ابلاغ خواهد شد ، تعیین خواهد گردید.

فصل پنجم - حسابداری (ماده ۴۲ تا ۴۳)

ماده ۴۲ - از تاریخ تصویب این آیین نامه ظرف مدت سه سال کلیه شهرداریهای کشور مکلفند دفاتر و اوراق و فرم‌های حسابداری خود را بطریق دو طرفه (دو بیل و از لحاظ نقدی یا تعهدی بودن روش حسابداری بترتیبی که دستورالعمل صادره از طرف وزارت کشور مقرر خواهد شد تغییر داده منطبق نمایند. ماده ۴۳ - وزارت کشور مکلف است بمنظور ایجاد روش مناسب و متحدالشکل حسابداری در کلیه شهرداریهای کشور تامین وسایل اجرا آن نسبت ایجاد دوره‌های آموزشی امور مالی و حسابداری و تربیت تعداد کافی حسابدار از بین کارکنان شاغل شهرداریها یا افراد جدید اقدام و دستورالعمل جامعی در مورد روش متحدالشکل حسابداری و طبقه‌بندی حسابها و نمونه اوراق و دفاتر حساب و گزارش مالی و ممیزی قبل از پرداخت هزینه‌ها در شهرداریهای

کشور تنظیم و برای اجرا ابلاغ کند.

فصل ششم - ممیزی و حسابرسی (ماده ۴۴)

ماده ۴۴ - رسیدگی و ممیزی حساب شهرداری‌ها در سه مرحله بشرح زیر انجام خواهد گردید: الف - حسابرسی بوسیله شهرداری قبل و بعد از خرج بوسیله کارکنان ثابت شهرداری که اطلاعات کافی در امور مالی و حسابداری داشته باشند. ب - حسابرسی بوسیله حسابرسان وزارت کشور انجام و در صورت نداشتن حسابرس شورای شهر می‌تواند از وجود حسابرسان قسم خورده یا کارشناسان رسمی دادگستری استفاده نمایند که در اینصورت شورای شهر و شهرداری مکلفند نتیجه گزارش حسابرسان مذکور را به وزارت کشور ارسال دارند. ج - رسیدگی نهایی بوسیله انجمن شهر از طریق بررسی گزارش‌های مالی و گزارش حسابرسان مذکور در بند ب ماده فوق. تبصره - طرز انجام حسابرسی شهرداری طبق دستورالعملی است که وزارت کشور تنظیم و بشهرداریها ابلاغ خواهد کرد.

فصل هفتم - اموال (ماده ۴۵ تا ۴۸)

ماده ۴۵ - اموال شهرداریها اعم از منقول و غیرمنقول بر دو نوع تقسیم می‌شود: اموال اختصاصی و اموال عمومی، اموال اختصاصی شهرداری اموالی است که شهرداری حق تصرف مالکانه نسبت بآنها را دارد از قبیل اراضی و ابنیه و اثاثه و نظایر آن اموال عمومی شهرداری اموالی که متعلق بشهر بوده و برای استفاده عموم اختصاص یافته است مانند معابر عمومی، خیابانها، میادین، پلها، گورستانها، سیل برگردان، مجاری آب و فاضلاب و متعلقات آنها، انهار عمومی، اشجار اعم از اشجاری که شهرداری یا اشخاص در معابر و میادین عمومی غرس نموده باشند، چمن کاری، گلکاری و امثال آن ماده ۴۶ - حفاظت از اموال عمومی شهرداری و آماده و مهیا ساختن آن برای استفاده عموم و جلوگیری از تجاوز و تصرف اشخاص نسبت به آنها بعهده شهرداری است و در صورتی که بعضی از اموال عمومی شهر بنحوی تغییر حالت و موقعیت دهد که قابلیت استفاده عمومی از آن سلب گردد به تشخیص انجمن شهر جز اموال اختصاصی شهرداری منظور و محسوب می‌شود. ماده ۴۷ - شهرداری مکلف است کلیه اموال غیرمنقول اختصاصی شهرداری را طبق مقررات ثبت املاک به ثبت برساند. ماده ۴۸ - طرز نگاهداری و حفظ و حراست اموال شهرداری اعم از اختصاصی و عمومی و ثبتانها در دفاتر و کارتهای اموال و بازدید مستمر و استفاده صحیح از آنها و نحوه محاسبه استهلاک و نگاهداری حساب موجودی اموال بموجب دستورالعملی که بوسیله وزارت کشور تصویب و ابلاغ خواهد شد مقرر خواهد گردید.

آیین نامه معاملات شهرداری تهران - مصوب ۲۵/۱/۱۳۵۵ با اصلاحات

فصل اول - نصاب معاملات (ماده ۱ تا ۴)

ماده ۱ - معاملات از نظر مبلغ در این آیین نامه به سه نوع تقسیم می‌شود: نوع اول - معاملات جزئی که مبلغ آن از دویست هزار ریال تجاوز نکند. نوع دوم - معاملات متوسط که مبلغ آن از دویست هزار ریال بیشتر و از دو میلیون ریال تجاوز نکند. نوع سوم - معاملات عمده که مبلغ آن از دو میلیون ریال بیشتر باشد. تبصره ۱ - مبنای نصاب در خرید برای معاملات جزئی و متوسط مبلغ معامله و در مورد معاملات عمده مبلغ برآورد است تبصره ۲ - مبنای نصاب در فروش مبلغ تعیین شده از طرف کارشناس منتخب شهرداری تهران است ماده ۲ - در مورد معاملات جزئی مامور خرید باید به فروشندگان کالا یا انجام‌دهندگان کار مورد احتیاج مراجعه و پس از تحقیق کامل از بهای کالا یا کار یا خدمات مورد نیاز در صورتیکه بهای مورد معامله تا ده هزار ریال باشد به مسئولیت خود و از

مبلغ مزبور بی‌الا تا یکصد هزار ریال را با مسئولیت خود و با جلب موافقت کتبی رییس کارپردازی با رعایت صرفه شهرداری معامله را انجام دهد مأمور خرید باید ذیل سند هزینه را با قید نام و نام خانوادگی و سمت و تاریخ و همچنین نشانی و مشخصات کامل طرف معامله و گواهی اینکه معامله به کمترین بهای ممکن انجام شده است امضا کند. تبصره - در مناطق و سازمانهای وابسته و تابع شهرداری معاملات زاید بر ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال با موافقت مسئول منطقه یا سازمان حسب مورد انجام خواهد شد. ماده ۳ - در مورد معاملات متوسط مأمور خرید باید از فروشندگان کالا یا انجام دهندگان کار یا خدمت مورد احتیاج که عده آنها کمتر از سه نفر نباشد (مگر در مواردی که عده فروشندگان یا انجام دهندگان کار یا خدمت کمتر باشند) از هر کدام روی برگ جداگانه استعمال بهای کتبی بعمل آورد به این ترتیب که مأمور خرید نوع کالا یا کار یا خدمت مورد معامله و مقدار و مشخصات آن را بطور کامل در برگ استعمال بها تعیین و فروشنده کالا یا انجام دهنده کار یا خدمت و حداقل بهای آن را با قید مدت اعتبار بهای اعلام شده در آن تصریح و با ذکر کامل نشانی خود و تاریخ امضا نماید مأمور خرید باید ذیل برگهای استعمال بها را با ذکر اینکه استعمال بها وسیله او بعمل آمده است با قید تاریخ و نام و نام خانوادگی و سمت خود امضا کند. تبصره ۱ - در مواردی که فروشنده یا انجام دهنده کار یا خدمت کمتر از ۳ نفر باشد مأمور خرید مراتب را باید در متن سند هزینه بنویسد و امضا کند. تبصره ۲ - مأمور خرید با توجه به مدتی که فروشندگان کالا یا انجام دهندگان کار یا خدمت در برگ استعمال بها برای اعتبار بهای پیشنهاد شده ذکر کرده اند طوری باید اقدام کند که بعثت انقضا مدت خسارتی متوجه شهرداری نشود. ماده ۴ - مأمور خرید در صورتیکه حداقل بهای بدست آمده در استعمال بها را عادلانه تشخیص دهد پس از جلب موافقت کمیسیونی مرکب از مسئولین ادارات حسابداری، بازرسی و تدارکات یا معاونان آنها که بنام کمیسیون معاملات نامیده می‌شود با پیشنهاد دهنده حداقل بها معامله را انجام خواهد داد کمیسیون مزبور می‌تواند در صورت احتیاج از نظر متخصصین و مطلعین شهرداری استفاده نماید. تبصره - در کلیه مناطق شهرداری و سازمانهای وابسته و تابع شهرداری تهران اعضا کمیسیون معاملات با پیشنهاد مسئول منطقه یا سازمان و تصویب شهردار تهران، تعیین می‌گردند.

فصل دوم - مناقصه (ماده ۵ تا ۲۳)

ماده ۵ - در مورد معاملات عمده معامله باید با انتشار آگهی مناقصه (مناقصه عمومی یا ارسال دعوتنامه) (مناقصه محدود) به تشخیص شهردار تهران انجام شود. آگهی مناقصه (مناقصه عمومی) ماده ۶ - آگهی مناقصه یک نوبت در روزنامه رسمی کشور و از یک تا سه نوبت باقتضای اهمیت معامله در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران باید منتشر گردد. تبصره ۱ - در مواردی که شهرداری تهران تشخیص دهد که انتشار آگهی در خارج از تهران ضرورت دارد می‌تواند علاوه بر نشر آگهی در تهران در شهرهایی که لازم بداند به نشر آگهی اقدام کند. تبصره ۲ - در مواردی که شهرداری لازم تشخیص دهد می‌تواند از سایر وسایل و طرق انتشاراتی از قبیل پخش آگهی در رادیو و یا تلویزیون و یا ارسال آگهی برای اشخاص مربوط یا الصاق آگهی در معابر عمومی استفاده نماید. تبصره ۳ - اگر به تشخیص شهرداری پایتخت موضوع معامله ایجاب کند که علاوه بر نشر آگهی در داخل کشور موضوع به اطلاع فروشندگان کالا یا انجام دهندگان کار یا خدمت در خارج کشور هم برسد یک نسخه از آگهی باید بوسیله وزارت امور خارجه به هر یک از سفارتخانه‌های ممالک مربوط در تهران و یک نسخه هم به سفارتخانه‌های کشور جمهوری اسلامی ایران در ممالک مربوط از طریق وزارت مذکور فرستاده شود. ماده ۷ - در آگهی مناقصه باید نکات زیر ذکر شود. ۱ - نوع و مقدار کالا و یا کار یا خدمت با ذکر مشخصات ۲ - مدت و محل و نحوه تحویل کار یا انجام کار یا خدمت و ترتیب عمل و میزان خسارت در مواردی که طرف معامله در تحویل کالا یا انجام کار یا خدمت کلا یا بعضاً تاخیر نماید. ۳ - تصریح اینکه بهای پیشنهادی باید از حیث مبلغ

مشخص و معین و بدون ابهام بوده و درپاکت لاک و مهر شده تسلیم شود. ۴- مدت قبول پیشنهادها. ۵- محل تسلیم پیشنهادها. ۶- میزان سپرده شرکت در مناقصه بطور مقطوع که باید بصورت نقد بحساب سپرده شهرداری پایتخت در بانک تحویل و رسید آن بضمیمه پیشنهاد تسلیم شود. ۷- میزان تضمین حسن انجام معامله و ترتیب دریافت و استرداد آن ۸- حداکثر مدتی که برای بررسی پیشنهادها و تشخیص برنده مناقصه و ابلاغ به برنده ضرورت دارد. ۹- روز و ساعت و محل قرائت پیشنهادها و همچنین مجاز بودن حضور پیشنهاد دهندگان یا نمایندگان آنها در کمیسیون مناقصه ۱۰- میزان پیش پرداخت در صورتیکه به تشخیص شهرداری پایتخت پرداخت آن به برنده مناقصه لازم باشد و ترتیب پرداخت و واریز آن ۱۱- محل توزیع یا فروش نقشه‌ها و برگ شرایط و مشخصات در صورت لزوم ۱۲- محل توزیع نمونه‌های ضمانتنامه و قرارداد اگر تهیه آن لازم باشد که در این صورت ضمانتنامه عینا مطابق نمونه باید تنظیم و نمونه قرارداد نیز با قید اینکه مورد قبول است باید امضا و ضمیمه پیشنهاد شود. ۱۳- تصریح این نکته که شرکت در مناقصه و دادن پیشنهاد بمنزله قبول شروط و تکالیف شهرداری تهران موضوع ماده ۱۱۰ این آیین نامه می‌باشد. ماده ۸- شهرداری تهران در صورتیکه ذکر شروط خاصی را علاوه بر آنچه در ماده ۷ ذکر شده است لازم تشخیص دهد مشروط بر اینکه با قوانین و مفاد این آیین نامه مغایر نباشد می‌تواند در متن آگهی یا در نقشه‌ها و برگ شرایط و مشخصات درج نماید بطوریکه داوطلبان قبل از تسلیم پیشنهاد از مفاد آن اطلاع حاصل کنند ولی منظور داشتن امتیازات جدید برای برنده مناقصه هنگام انعقاد قراردادی اجرای قرارداد بهر عنوان ممنوع است ماده ۹- در صورتیکه شروط مناقصه که طبق مواد ۷ و ۸ باید در آگهی ذکر شود مفصل باشد و درج آن در روزنامه مستلزم هزینه زیاد گردد ممکن است نوع کالا یا کار یا خدمت مورد معامله و مقدار و مدت و محل تحویل و میزان پیش پرداخت و مدت و محل قبول پیشنهادها در آگهی درج شود و تصریح محل معینی که نقشه‌ها و شرح شروط و مشخصات معامله در آن موجود است و ذکر اینکه پیشنهاد دهندگان باید یک نسخه از آن را دریافت و با قید قبولی امضا کرده و به پیشنهاد خود ضمیمه و تسلیم نماید. ماده ۱۰- شهرداری در خصوص اتخاذ تصمیم در مورد پیشنهادها و انعقاد قراردادها دارای تکالیف و اختیارات زیر می‌باشد. ۱- شهرداری مکلف است سپرده شرکت در مناقصه برنده مناقصه را در صورتی که بر اساس تبصره ماده ۲۲ برای انجام معامله به او رجوع شود و از انجام معامله امتناع نماید ضبط کند. ۲- شهرداری اختیار دارد مقدار کالا- یا کار مورد معامله را تا بیست و پنج درصد کل مورد معامله افزایش یا کاهش دهد. ۳- شهرداری مجاز نیست به پیشنهادهای مبهم و مشروط و بدون سپرده و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر در آگهی برسد ترتیب اثر دهد. ۴- شهرداری در رد یک یا تمام پیشنهادها مختار است در اینصورت سپرده‌ها مسترد خواهد شد. ۵- هزینه ثبت قرارداد در دفترخانه اسناد رسمی بعهد برنده مناقصه خواهد بود. ۶- شهرداری مکلف است هرگونه مالیات یا عوارض یا جوهی را که قانونا بابت معامله بطرف قرارداد تعلق می‌گیرد از بهای کارکرد یا کالای تحویلی در موقع پرداخت مطالبات او کسر کند. ماده ۱۱- شهرداری مکلف برعایت نکات زیر می‌باشد: ۱- مدت قبول پیشنهادها در مورد آگهی‌هایی که در داخل کشور منتشر می‌شود از تاریخ انتشار در روزنامه رسمی کشور از ۱۰ روز نباید کمتر باشد و در مورد آگهی‌هایی که در خارج از کشور طبق تبصره ۳ ماده ۶ منتشر می‌شود از ۶۰ روز (شصت روز) نباید کمتر تعیین شود. ۲- در صورتیکه به تشخیص شهرداری نوع معامله ایجاب کند که نقشه یا برگ شروط و مشخصات و نمونه‌های ضمانتنامه و قرارداد و مدارک دیگری تهیه شود قبل از نشر آگهی باید آنها را آماده نماید. ۳- میزان پیش پرداخت نباید از بیست و پنج درصد مبلغ معامله تجاوز کند و پرداخت آن در قبال ضمانتنامه بانکی انجام خواهد شد. ۴- میزان سپرده شرکت در مناقصه با توجه به موضوع و خصوصیات معامله نباید از پنج درصد مبلغ برآورد معامله کمتر باشد ولی در صورتیکه میزان سپرده بیاخذ فوق از پانصد هزار ریال بیشتر شود شهرداری می‌تواند میزان سپرده را به مبلغ مناسب که از پانصد هزار ریال کمتر نباشد تقلیل دهد. ۵- حداقل میزان تضمین حسن انجام معامله که باید قبل از انعقاد قرارداد اخذ شود در مورد معاملاتی که موضوع آن انجام امور ساختمانی یا باربری یا خرید ماشین آلات باشد پنج درصد و در مورد سایر معاملات ده درصد مبلغ معامله می‌باشد و

باید بصورت نقد بحساب سپرده بانکی شهرداری تحویل شود در مورد معاملات ساختمانی و باربری علاوه بر پنج٪ مذکور شهرداری باید از هر پرداخت معادل ده درصد کسر و بحساب سپرده بابت تضمین حسن انجام معامله منظور کند. دعوتنامه (مناقصه محدود) ماده ۱۲ - در هر مورد که شهردار تهران از لحاظ فوریت امر و یا نوع و میزان کار یا خدمت ونحوه تخصص انتشار آگهی مناقصه را ضروری تشخیص ندهد می‌تواند با رعایت آیین نامه های موضوع ماده ۲۲ قانون برنامه و بودجه کشور از مناقصه محدود استفاده کند. کمیسیون مناقصه ماده ۱۳ - کمیسیون مناقصه از پنج نفر بشرح زیر تشکیل می‌شود: ۱ - یکی از معاونان شهرداری به انتخاب شهردار تهران ۲ - مسئول امور مالی شهرداری تهران و در غیاب جانشین او. ۳ - مسئول واحد تقاضاکننده مورد معامله و در غیاب جانشین او. ۴ - مسئول امور حقوقی شهرداری تهران و در غیاب جانشین او. ۵ - یک نفر مأمور فنی به انتخاب شهردار تهران ماده ۱۴ - در صورتیکه در مدت مقرر پیشنهادی نرسیده باشد شهرداری می‌تواند مناقصه را تجدید یا موضوع را برای اتخاذ تصمیم به کمیسیونی مرکب از معاون مالی و اداری شهرداری و دونفر عضو عالیمقام شهرداری که به پیشنهاد شهردار تهران و تصویب انجمن شهر تعیین می‌شوند احاله کند هر گاه کمیسیون انجام معامله را از طریق ترک مناقصه تجویز کند با توجه به مبلغ معامله بارعایت مفاد ماده ۳۱ این آیین نامه عمل خواهد شد. ماده ۱۵ - در صورتیکه در مدت مقرر پیشنهاد رسیده باشد کمیسیون مناقصه تشکیل می‌شود و پیشنهادهای رسیده را اعم از اینکه یک یا بیشتر باشد رسیدگی و بشرح زیر اتخاذ تصمیم خواهند نمود: در صورتیکه بنظر کمیسیون مناقصه کمترین بهای پیشنهاد شده یا بهای پیشنهاد شده در موردی که فقط یک پیشنهاد رسیده باشد عادلانه باشد کمیسیون پیشنهاددهنده را بعنوان برنده مناقصه اعلام خواهند نمود و در غیر اینصورت می‌تواند اظهار نظر کند که مناقصه تجدید یا حداقل از سه نفر استعلام بها شود و نتیجه در کمیسیون مطرح گردد. در صورتیکه حداقل بهای بدست آمده در استعلام بها کمتر از حداقل بهای پیشنهاد شده در مناقصه باشد کمیسیون پیشنهاددهنده حداقل بها در استعلام را حایز حداقل می‌کند مگر اینکه تفاوت این دو بها کمتر از پنج درصد باشد که در اینصورت اگر پیشنهاددهنده حداقل در مناقصه حاضر باشد به حداقل بهای بدست آمده در استعلام معامله را انجام دهد بعنوان برنده مناقصه اعلام خواهد شد و در صورتیکه حداقل بهای بدست آمده در استعلام برابر یا بیشتر از حداقل بهای پیشنهاد شده در مناقصه باشد یا در استعلام بها کسی داوطلب معامله نباشد. کمیسیون می‌تواند پیشنهاددهنده حداقل در مناقصه را بعنوان برنده مناقصه اعلام کند یا رای به تجدید مناقصه دهد. تبصره ۱ - شهرداری در مواردی که میسر تشخیص دهد باید قبل از قرائت پیشنهادها بهای عادلانه مورد مناقصه را به وسایل مقتضی و مطمئن و بطور محرمانه تهیه نموده در پاکت لاک و مهر شده در اختیار کمیسیون مناقصه قرار دهد تا روزی که پیشنهادات و اصل قرائت می‌شود مورد استفاده در اتخاذ تصمیم کمیسیون مناقصه قرار گیرد. تبصره ۲ - در مواردی که کمیسیون مناقصه رای به تجدید مناقصه دهد احاله موضوع برای اتخاذ تصمیم دیگر به کمیسیون مقرر در ماده ۱۴ بلامانع است تبصره ۳ - شهرداری تهران در مورد انتخاب مهندس مشاور و پیمانکار عملیات عمرانی مکلف به رعایت آیین نامه موضوع ماده ۲۲ قانون برنامه و بودجه کشور می‌باشد. ماده ۱۶ - در مواردی که موضوع مناقصه چند نوع کالا- یا کار یا خدمت باشد هر گاه در شرایط مناقصه اختیار تفکیک مورد معامله برای شهرداری پیش‌بینی نشده باشد کمیسیون مناقصه می‌تواند شخصی را که بهای پیشنهادی او در مجموع کمتر است برنده مناقصه اعلام کند. ماده ۱۷ - تصمیم کمیسیون مناقصه به اکثریت آرا معتبر است و در صورتیکه عضو فنی کمیسیون مناقصه در امور فنی در اقلیت باشد موضوع برای اظهار نظر به کمیسیون مقرر در ماده ۱۴ احاله خواهد شد. تبصره - کمیسیون مناقصه مکلف است از روز قرائت پیشنهادها حداکثر ظرف هفت روز به استثنای ایام تعطیل نظر خود را اعلام کند و در موارد استثنایی ممکن است این مهلت با جلب نظر شهردار تهران تا ده روز دیگر تمدید شود. ماده ۱۸ - تصمیم کمیسیون مناقصه پس از موافقت شهردار تهران و تصویب انجمن شهر باید به مناقصه گزار ابلاغ شود و مناقصه گزار نیز باید حداکثر ظرف پنج روز به استثنای ایام تعطیل نتیجه مناقصه را به برنده ابلاغ و سپس به انعقاد قرارداد و انجام معامله، اقدام نماید. تبصره - در مواردی که انجمن شهر مستند به تبصره الحاقی به بند ۳ اصلاحی ماده ۴۵ قانون شهرداری و سایر

مقررات موضوعه به شهردار تهران تفویض اختیار نموده باشد تحصیل موافقت انجمن شهر ضرورت ندارد. ماده ۱۹ - در مواردی که کمیسیون مناقصه برنده مناقصه را اعلام کرده باشد سپرده او و شخصی که بهای پیشنهادی او در مرتبه دوم قرارداد (مگر اینکه رجوع باو طبق تبصره ۱ ماده ۲۰ میسر نباشد) نگاهداری و سپرده سایر پیشنهاد دهندگان مسترد خواهد شد. ماده ۲۰ - در صورتیکه برنده مناقصه از تاریخ ابلاغ نتیجه مناقصه ظرف مدت هفت روز به استثنای ایام تعطیل نسبت به سپردن تضمین حسن انجام معامله اقدام نکند و یا برای انجام معامله حاضر نشود سپرده شرکت در مناقصه او ضبط می شود و مراتب به شخصی که پیشنهاد او در مرتبه دوم قرار دارد با رعایت مفاد تبصره ۱ این ماده ابلاغ می گردد، اگر او هم از تاریخ ابلاغ ظرف مدت ۷ روز به استثنای ایام تعطیل نسبت به سپردن تضمین حسن انجام معامله اقدام نکند و یا برای انجام معامله حاضر نشود سپرده او هم ضبط می شود و در این صورت به تشخیص شهرداری مناقصه تجدید و یا موضوع برای اتخاذ تصمیم دیگر به کمیسیون مقرر در ماده ۱۴ این آیین نامه ارجاع خواهد شد. تبصره ۱ - رجوع به پیشنهاد دهنده که بهای پیشنهادی او در مرتبه دوم قرار دارد بشرطی میسر است که تفاوت بهای پیشنهادی او با برنده مناقصه از مبلغ سپرده بیشتر نباشد در غیر این صورت رجوع به او ممنوع است تبصره ۲ - مدت ۷ روز مقرر در این ماده در مورد معاملاتی که طرف معامله در خارج از کشور اقامت دارد حداکثر تا یکماه تعیین می شود مشروط بر اینکه مدت مذکور در آگهی مناقصه یا برگ شرایط آن ذکر شده باشد. ماده ۲۱ - در صورتیکه حایز حداقل بها بیش از یک نفر باشد برنده مناقصه به قید قرعه انتخاب خواهد شد. ماده ۲۲ - در معاملاتی که تحویل مورد معامله در مهلت های مقرر در ماده ۲۰ میسر نباشد باید قرارداد منعقد شود. ماده ۲۳ - در قرارداد نکات زیر باید قید گردد: ۱ - نام متعاملین ۲ - نوع و مقدار مورد معامله با مشخصات کامل آنها. ۳ - مدت انجام تعهد و محل و شرایط تحویل مورد معامله ۴ - ترتیب عمل و میزان خسارت در مواردی که برنده مناقصه در انجام تعهدات جزیا یا کلاتاخر نماید. ۵ - الزام تحویل کالا طبق نمونه مهور در صورتیکه تهیه نمونه لازم باشد. در این صورت باید نمونه کالا با مهر طرفین معامله مهور و نزد شهرداری نگاهداری شود. ۶ - اقرار برنده مناقصه به اینکه از مشخصات کالا یا کار یا خدمت مورد معامله و مقتضیات محل تحویل کالا یا انجام کار اطلاع کامل دارد. ۷ - اختیار شهرداری نسبت به افزایش یا کاهش مورد معامله در مدت قرارداد تا میزان بیست و پنج درصد مقدار مندرج در قرارداد. ۸ - بهای مورد معامله و ترتیب پرداخت آن در مواردی که انجام کار بر اساس واحد بها باشد بهای مورد معامله برآورد و در قرارداد ذکر می شود ولی بهای کارهای انجام یافته بر اساس واحد بها احتساب و پرداخت خواهد شد. ۹ - مبلغ پیش پرداخت و ترتیب واریز آن در صورتیکه در شرایط مناقصه ذکر شده باشد. ۱۰ - میزان تضمین حسن انجام معامله و نحوه وصول آن اقساط در مورد امور ساختمانی و باربری و ترتیب استرداد آن بر اساس شرایط مناقصه ۱۱ - مدت فاصله زمانی بین تحویل موقت و تحویل قطعی در قراردادهای مربوط به ساختمان و راهسازی و نظایر آن بر اساس شرایط مناقصه ۱۲ - اقرار به عدم شمول ممنوعیت موضوع قانون راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب دیماه ۱۳۳۷. ۱۳ - سایر تعهداتی که در شرایط مناقصه ذکر شده است ۱۴ - سایر شرایط که مورد توافق طرفین معامله قرار گیرد مشروط بر آنکه متضمن امتیازاتی علاوه بر آنچه در شرایط مناقصه ذکر شده برای طرف قرارداد نباشد.

فصل چهارم - ترتیب تحویل کالا یا خدمت (ماده ۲۴ تا ۲۷)

ماده ۲۴ - تحویل مورد معامله بشرح زیر باید انجام شود. الف - در مورد معاملاتی که بهای آن تا ده هزار ریال است توسط انباردار یا تحویل گیرنده کالا - یا خدمت حسب مورد. ب - در مورد معاملاتی که بهای آن از ده هزار ریال بیشتر است و از یکصد هزار ریال تجاوز نمی کند بوسیله و مسئولیت انباردار یا تحویل گیرنده کار و نماینده قسمت تقاضا کننده ج - در مورد معاملات متوسط و عمده

بوسیله و مسئولیت انباردار یا تحویل گیرنده کار یا خدمت و نماینده قسمت تقاضاکننده با نظارت کمیسیونی که لا اقل از سه نفر افراد واجد شرایط به انتخاب شهردار تهران تشکیل خواهد شد. تبصره ۱- برای تحویل هر فقره جنس یا کار یا خدمت مورد معامله موضوع بند (ج) این ماده باید کمیسیون تحویل ، صورت مجلس تنظیم کند و در آن بطور صریح قید گردد که جنس مورد معامله یا کار یا خدمت انجام شده طبق نمونه یا مشخصات مندرج در پیمان می باشد و ذیل آن را تمام اعضای کمیسیون و فروشنده یا پیمانکار امضا نمایند. گواهی تطبیق مشخصات و مقدار کالا یا کاریا خدمت در مورد بند (الف) بعهد انباردار یا تحویل گیرنده کار یا خدمت و در مورد بند (ب) بعهد انباردار یا تحویل گیرنده کار یا خدمت و نماینده قسمت تقاضاکننده می باشد. تبصره ۲- در مواردی که تشخیص مشخصات مورد معامله محتاج به بصیرت و تخصص باشد نماینده قسمت تقاضاکننده از بین کسانی باید انتخاب شود که دارای اطلاعات کافی در این خصوص باشد و این مسئولیت را عهده دار خواهد بود. ماده ۲۵- برای کالاهای تحویل شده در تمام موارد باید قبض انبار که دارای شماره مسلسل باشد صادر گردد و به امضای انباردار برسد و در واردات دفتر انبار ثبت و شماره ثبت دفتر انبار روی قبض ذکر گردد. تبصره ۱- در مواردی که کالا- در خارج از انبار تحویل می گردد و به انبار وارد نمی شود با در نظر گرفتن ماده ۲۴ و تبصره های آن حسب مورد اقدام خواهد شد و تحویل گیرنده کالا بجای انباردار تکالیف مربوط را انجام خواهد داد و رسید یا صورت مجلس حسب مورد مبنای صدور قبض انبار و حواله انبار قرار خواهد گرفت تبصره ۲- کالاهای غیرمصرفی علاوه بر ثبت در دفتر انبار باید ثبت دفتر اموال شهرداری نیز بشود. ماده ۲۶- در صورتیکه در شرایط معامله برای تحویل مورد معامله علاوه بر آنچه در مواد ۲۴ و ۲۵ تعیین شده تکالیف دیگری نیز پیش بینی شده باشد باید اجرا شود. ماده ۲۷- در مواردی که بین مسئولان تحویل مورد معامله مذکور در بند (ج) ماده ۲۴ از لحاظ مشخصات و سایر مسایل مربوط بکار یا خدمت یا کالایی که باید تحویل گرفته شود اختلاف نظر باشد نحوه تحویل طبق نظر شهردار پایتخت یا رییس منطقه شهرداری و رییس سازمان باقتضای مورد با کسب نظر افراد بصیر تعیین خواهد شد.

فصل پنجم - مزایده (ماده ۲۸ تا ۳۰)

ماده ۲۸- در مورد معاملات جزئی مأمور فروش مکلف است به داوطلبان معامله مراجعه و پس از تحقیق کامل از بها با رعایت صرفه شهرداری معامله را تا میزان ده هزار ریال به مسئولیت خود انجام دهد و سند مربوط را با تعهد اینکه معامله با بیشترین بهای ممکن انجام شده است و با ذکر نام و نام خانوادگی و سمت و تاریخ امضا کند و در مورد معاملات جزئی زاید بر ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال مأمور فروش پس از جلب نظر ارزیاب شهرداری با در نظر گرفتن مراتب فوق اقدام بفروش خواهد کرد. ماده ۲۹- معاملات متوسط بطریق حراج و بشرح زیر انجام خواهد شد: ۱- اطلاعات کلی در مورد نوع و مشخصات و مقدار مورد معامله و روز و ساعت و محل حراج و سایر شرایطی که لازم باشد باید با یک نوبت آگهی در روزنامه رسمی و حداقل یک نوبت آگهی در روزنامه کثیرالانتشار و در صورت ضرورت به وسایل و طرق انتشاراتی دیگر از قبیل رادیو یا تلویزیون یا الصاق آگهی در معابر با اطلاع عموم برسد و در آگهی باید قید گردد که در مقابل فروش اشیا وجه نقد دریافت خواهد شد و پرداخت هر گونه مالیات و عوارض بعهد خریدار است ۲- مورد معامله باید قبلا ارزیابی شود و فهرست قیمت قبل از انجام حراج در پاکت لاک و مهر شده در اختیار کمیسیون حراج که بشرح مذکور در بند ۳ این ماده تشکیل خواهد شد قرار گیرد حراج از بهای ارزیابی شروع شده و با خریداری که بالاترین بها را پیشنهاد کند معامله انجام خواهد شد و اگر بقیمت ارزیابی شده داوطلب پیدا نشود باید ارزیابی تجدید شود. ۳- کمیسیون حراج حداقل از پنج نفر بشرح زیر تشکیل خواهد شد: ۱- مسئول امور مالی یا نماینده او. ۲- مسئول تدارکات یا نماینده او. ۳- مسئول بازرسی یا نماینده او. ۴- مسئول امور حقوقی یا نماینده او. ۵- مسئول واحد تقاضاکننده یا نماینده او. ماده ۳۰

- معاملات عمده بطریق مزایده و با انتشار آگهی بشرح زیر بعمل می‌آید. ۱- در آگهی مزایده شرایطی که طبق این آیین نامه برای آگهی مناقصه پیش‌بینی شده در صورتیکه با عمل مزایده منطبق باشد باید رعایت شود. ۲- مقرراتی که در این آیین نامه در مورد ترتیب تشکیل کمیسیون مناقصه و کمیسیون مقرر در ماده ۱۴ و اتخاذ تصمیم در کمیسیون‌های مذکور و اجرای تصمیم کمیسیونها و انعقاد قرارداد و تحویل مورد معامله معین شده در صورتیکه با عمل مزایده منطبق باشد باید اجرا شود.

فصل ششم - ترک مناقصه یا مزایده و حراج (ماده ۳۱ تا ۳۴)

ماده ۳۱- در موارد زیر معاملات بدون تشریفات مناقصه یا مزایده و حراج انجام خواهد شد: ۱- در مورد معاملاتی که طرف معامله وزارتخانه و یا موسسه یا شرکت دولتی یا شهرداریها یا موسسات وابسته به آنها باشند. ۲- در مورد خرید اموال و خدمات و حقوق مالی که به تشخیص شهردار پایتخت منحصر بفرده باشد. ۳- در مورد خرید یا اجاره کردن اموال غیر منقول که طبق نظر کارشناس منتخب شهرداری پایتخت انجام خواهد شد. ۴- در مورد خرید خدمات هنری و صنایع مستظرفه و کارشناسان ۵- در مورد خرید کالاهای انحصاری دولتی و کالاهایی که از طرف مراجع صالح دولتی برای آنها تعیین نرخ شده باشد. ۶- در مورد خرید کالاهای مورد مصرف روزانه که در محل نرخ ثابتی از طرف دولت یا شهرداریها یا مراجع ذیصلاح برای آنها تعیین شده باشد. ۷- در مورد کرایه حمل و نقل هوایی - دریایی - هزینه مسافرت و نظایر آن در صورت وجود نرخ ثابت و مقطوع ۸- در مورد خرید قطعات یدکی برای تعویض یا تکمیل لوازم و تجهیزات ماشین آلات موجود و همچنین ادوات و ابزار و وسایل اندازه گیری دقیق و لوازم آزمایشگاهی علمی و فنی و حق اختراع و نظایر آن به تشخیص شهردار پایتخت تبصره - در مواردی که نماینده انحصاری فروش کالاهای ساخت کارخانه‌های خارجی یا کارخانه‌های داخلی کالا را موجود نداشته باشند یا به نرخ اعلام شده از طرف مراجع رسمی نفروشد شهرداری پایتخت می‌تواند کالا را با رعایت مقررات این آیین نامه خریداری کند و در صورتیکه کالایش از نرخ که از طرف مراجع فوق الذکر تعیین شده از نماینده انحصاری فروش یا کارخانه داخلی خریداری شود باید مراتب را بمراجع تعیین کننده نرخ اعلام کند. ماده ۳۲- در مورد چاپ و صحافی معامله طبق آیین نامه مربوط که برای امور چاپ و صحافی دستگاههای دولتی بتصویب هیات وزیران رسیده است انجام خواهد شد. ماده ۳۳- در مواردی که انجام مناقصه یا مزایده و حراج به تشخیص و طبق گزارش توجیهی واحد مربوط و تایید کمیسیون مقرر در ماده ۱۴ میسر یا به مصلحت نباشد در این صورت معامله بارعایت مراتب زیر و به ترتیبی که کمیسیون مذکور معین خواهد کرد انجام می‌شود. الف - در مورد معاملات تا مبلغ ده میلیون ریال با تصویب شهردار تهران در حدود اختیارات تفویض شده به شهردار موضوع تبصره الحاقی به بند ۳ اصلاحی ماده ۴۵ قانون شهرداری ب - در مورد معاملات از ده میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال با موافقت شهردار تهران و تایید شورای شهر و وزارت کشور. ج - در مورد معاملات یکصد میلیون ریال و بیشتر به پیشنهاد شهردار تهران با تایید شورای شهر و وزارت کشور و تصویب هیات وزیران تبصره - شهردار تهران می‌تواند در موارد مذکور در ماده ۳۳ اختیار خود را تا مبلغ دو میلیون ریال به روسای مناطق شهرداری و مدیران کل یا مدیران عامل سازمانهای تابعه و وابسته تفویض نماید. ماده ۳۴- بهای اجناس و خدمات و حقوق موضوع بندهای ۲ و ۴ و ۸ و ماده ۳۱ در صورتی که طبق تعرفه‌های مبتنی بر قانون یا از طرف مراجع صلاحیتدار تعیین نشده باشد قیمت مورد معامله وسیله ارزیاب یا کارشناس منتخب شهرداری تعیین و پس از تایید شهردار تهران معامله انجام خواهد شد.

فصل هفتم - مقررات عمومی (ماده ۳۵ تا ۴۰)

ماده ۳۵- دریافت ضمانتنامه بانکی یا اسناد خزانه یا اوراق قرضه دولتی بعنوان سپرده شرکت در مناقصه یا مزایده و یا تضمین حسن انجام معامله بلامانع می‌باشد و در هر صورت با موافقت شهردار تهران در هر موقع قابل تبدیل بیکدیگر می‌باشند. ماده ۳۶- هرگاه ضمن اجرای قراردادهای ساختمانی و عمرانی تغییرات جدیدی در مشخصات و نقشه یا نوع کار یا خدمت پیش آید که جداگانه انجام پذیر نباشد و میزان بهای آن کار یا خدمت در فهرست واحد بها پیش‌بینی و تعیین نشده باشد بهای عادلانه واحد کار یا خدمت مورد نظر از طرف قسمت فنی با موافقت پیمانکار و تصویب شهردار تهران تعیین خواهد شد ولی میزان کارها یا خدمات جدید نباید از صدی ده مبلغ پیمان تجاوز نماید. ماده ۳۷- در صورتیکه شهرداری بخواهد موافق بند ۲ ماده ۱۰ این آیین نامه میزان کار یا خدمت یا جنس موضوع پیمان را کسر یا اضافه نماید باید قبل از انقضای مدت به پیمانکار ابلاغ نماید. ماده ۳۸- اختلافات ناشی از معاملات موضوع این آیین نامه که بین طرفین ایجاد می‌شود در هیاتی مرکب از نماینده شهرداری به انتخاب شهردار تهران و نماینده انجمن شهر مطرح می‌شود و هیات مذکور می‌تواند با طرف قرارداد توافق کند این توافق برای طرفین قابل اجرا و غیر قابل اعتراض خواهد بود و در صورتیکه اختلاف رفع نشود هریک از طرفین می‌توانند به دادگاه صلاحیتدار مراجعه نمایند. ماده ۳۹- موسسات تابعه و وابسته شهرداری تهران، که دارای شخصیت حقوقی بوده و بطریق بازرگانی اداره می‌شوند در صورتیکه دارای آیین نامه معاملات مخصوص خود نباشند معاملات خود را طبق مقررات این آیین نامه انجام خواهند داد. ماده ۴۰- آیین نامه معاملات شهرداری تهران مصوب سال ۱۳۴۴ از تاریخ اجرای این آیین نامه لغو می‌شود.

تصویب نامه در خصوص تغییر سقف ترک تشریفات مناقصه یا مزایده در معاملات عمده شهرداریها

شماره ۱۴۱۸۲ - ۲۳/۸/۱۳۷۲ روزنامه رسمی وزارت کشور هیات وزیران در جلسه مورخ ۲/۸/۱۳۷۲ بنا به پیشنهاد شماره ۴۳/۳/۱/۱/۲۵۵۸ مورخ ۲۷/۱۱/۱۳۷۱ وزارت کشور و به استناد بند (ج) ماده (۴) آیین نامه مالی شهرداریها - مصوب ۱۳۴۶ - تصویب نمود: تصویب نامه شماره ۱۰۰۴۵ / ت ۲۰۸ ه مورخ ۵/۷/۱۳۷۲ به شرح زیر اصلاح می‌شود: عبارت (تا دوست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال در مصوبه شماره ۱۰۰۴۵ / ت ه مورخ ۵/۷/۱۳۷۲ هیات وزیران به عبارت (تا یک میلیارد (۱۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال تغییر داده می‌شود. معاون اول رییس جمهور - حسن حبیبی

قانون تطبیق سقف معاملات شهرداریهای کشور و شهرداری تهران با نصابهای مذکور در قانون اصلاح بندهای الف

شماره ۱۵۲۴۲ - ۱۱/۴/۱۳۷۶ روزنامه رسمی ماده واحده سقف معاملات جزیبی متوسط و عمده موضوع ماده (۱) آیین نامه مالی شهرداریها مصوب ۱۳۴۶ و ماده (۱) اصلاحی آیین نامه معاملات شهرداری تهران مصوب ۱۳۶۲ و مطابق نصابهای مندرج در بندهای الف، ب، ج، د، ه، و (ج جز (۱) ماده واحده قانون اصلاح بندهای الف، ب و (ج ماده (۸۰) و ماده (۸۶) قانون محاسبات عمومی کشور، مصوب ۱۳۷۳، و تغییرات بعدی آن تعیین می‌شود.

تصویب نامه در خصوص ماده (۶۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران -

شماره ۲۳۰۷۸ ت ۲۵۵۹۸ ه - ۱۹/۶/۱۳۷۹ روزنامه رسمی هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۳/۶/۱۳۷۹ بنا به پیشنهاد شماره ۵۹۲۱/۱۴۳۷۵/۵۶ مورخ ۱۷/۳/۱۳۷۹ وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد ماده (۶۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۹ - و با توجه به شاخص اعلام شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نسبت به سال ۱۳۷۸ تصویب نمود: ماده ۱- نصابهای مندرج در بندهای الف، ب و (ج ماده (۸۰) و ماده (۸۶) قانون

محاسبات عمومی کشور و اصلاحیه مربوط، موضوع قانون اصلاح بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۸۰) ماده (۸۶) قانون محاسبات عمومی کشور - مصوب ۱۳۷۳ - در سال ۱۳۷۹ به شرح زیر تغییر می‌یابد: الف - معاملات جزئی معاملاتی که مبلغ آن از یک میلیون و دویست هزار ریال تجاوز نکند. ب - معاملات متوسط معاملاتی که مبلغ آن از یک میلیون و دویست هزار ریال بیشتر باشد و از هیجده میلیون ریال تجاوز نکند. ج - معاملات عمده معاملاتی که مبلغ آن از هیجده میلیون ریال بیشتر باشد. و - مبلغ موضوع ماده (۸۶) قانون محاسبات عمومی کشور و اصلاحیه آن به مبلغ یکصد و هشتاد میلیون ریال افزایش می‌یابد. ماده ۲ - نصاب معاملات موضوع ماده (۸۷) قانون محاسبات عمومی کشور و اصلاحیه آن موضوع قانون تغییر نصاب معاملات موضوع ماده (۸۷) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۷۲ - در سال ۱۳۷۹ به مبلغ یک میلیارد و دویست میلیون ریال تغییر می‌یابد. ماده ۳ - نصابهای تعیین شده از ابتدای سال ۱۳۷۹ و تا زمانی که اصلاح نشده باشد قابل اجرا خواهد بود.

آیین نامه اجرایی بند (۳) از ماده (۲۴) قانون مالیاتهای مستقیم - مصوب ۱۳۶۶

روزنامه رسمی شماره ۱۴۳۰۰ مورخ ۲۳/۱/۱۳۷۳ شماره ۲۲۴/ت ۴۱۷ ماده ۱ - استفاده از معافیت مالیاتی نسبت به اموالی که برای سازمانهای مذکور در بندهای (۱)، (۲) و (۴) ماده (۲) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶ که از این پس به اختصار قانون نامیده می‌شود، یا امور مندرج در بند (۳) ماده مزبور مورد وقف یا حبس یا نذر واقع گردد یا به موجب وصیت نامه قطعی شده مورد وصیت واقع شده است موکول به رعایت مقررات زیر خواهد بود: الف - در صورتی که وقف یا حبس یا نذر یا وصیت برای سازمانها و موسسات مندرج در بندهای (۱)، (۲) و (۴) ماده (۲) قانون باشد گواهی لازم مبنی بر اینکه مال در اختیار آنها قرار گرفته است حسب مورد باید به امضای بالاترین مقام اجرایی از سازمانها موسسات مذکور اخذ و به ضمیمه یک نسخه از تصویر یا رونوشت مصدق وقف نامه یا حبس نامه یا نذرنامه یا وصیت نامه به اداره امور اقتصادی و دارایی محل تسلیم شود. ب - در صورتی که وقف یا حبس یا نذر یا وصیت برای انجام امور مندرج در بند (۳) ماده (۲) قانون باشد باید گواهی لازم از مراجع صلاحیتدار دولتی یا شهرداری مربوط یا مرجع مورد قبول دولت مبنی بر اعمال نظارت اخذ و به انضمام نسخه‌ای از تصویر یا رونوشت مصدق وقف نامه یا حبس نامه یا نذر نامه یا وصیت نامه معتبر به اداره امور اقتصادی و دارایی محل تسلیم شود. ماده ۲ - حق نظارت دولت یا شهرداری یا مراجعی که مورد قبول دولت واقع می‌شوند به یکی از جهات زیر حاصل خواهد شد: الف - به موجب قانون ایجاد شده یا بشود. ب - مستند به وقف نامه یا حبس نامه یا نذرنامه یا وصیت نامه معتبر باشد. ج - از طرف متصدی امور وقف حبس نذر و یا وصی داده شود. د - انجام امور مندرج در بند (۳) ماده (۲) قانون به یکی از سازمانها و موسسات مذکور در بندهای (۱) و (۲) ماده مزبور محول شده باشد. ماده ۳ - اداره امور اقتصادی و دارایی محل مکلف است ظرف سی روز پس از دریافت گواهینامه موضوع بندهای الف و ب ماده (۱) این آیین نامه گواهی معافیت مالیاتی مقرر در ماده (۲۴) قانون مالیاتهای مستقیم را صادر و به متقاضی تسلیم کند. تبصره - معافیت مزبور مانع از اجرای تبصره (۳) ماده (۳۲) قانون مالیاتهای مستقیم و مطالبه مالیات متعلقه نخواهد بود. معاون اول رئیس جمهور - حسن حبیبی

آیین نامه اجرای بندهای (الف و ب) ماده ۱۲۷ ق.م.م - مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶

شماره و تاریخ ۱۹۰۲۴/۴۲۴۰/۴/۳۰ - ۲۵/۰۴/۶۸ - ماده ۱ - سازمانهای خیریه یا عام المنفعه یا وزارتخانه‌ها یا موسسات دولتی یا شرکتهای دولتی یا شهرداریها یا نهادهای انقلاب اسلامی موضوع بند (الف) باید بموجب قانون یا اساسنامه تاسیس یا وقف نامه یا مصوبات دولت حسب مورد مجاز به پرداخت کمکهای نقدی و غیرنقدی بلاعوض باشند. ماده ۲ - وجوه یا کمکهای مالی اهدایی

موضوع بند (ب) با احراز شرایط ذیل مشمول مالیات اتفاقی نخواهد بود. اولاً - وقوع خسارت ناشی از حوادث مذکور در بند (ب) بوده و به تایید فرماندار یا بخشدار محل وقوع خسارت رسیده باشد. ثانیاً - میزان خسارت وارده توسط ممیز مالیاتی و نماینده دادگستری محل وقوع خسارت و عندالاقضا با استفاده از اظهار نظر اشخاص بصیر و مطلع که از طرف فرماندار یا بخشدار محل معرفی خواهد شد تعیین شده باشد میزان خسارتی که به ترتیب مذکور تعیین می شود برای استفاده از معافیت مالیاتی قطعی است ثالثاً - وجه یا کمک مالی ظرف یکسال از تاریخ وقوع خسارت اهدا شده باشد. رابعاً - مجموع وجوه یا کمکهای مالی از طرف اشخاص به هر خسارت دیده بیش از خسارت وارده نباشد اهدایی مازاد بر خسارت وارده مشمول مالیات اتفاقی خواهد بود. ماده ۳ - اشخاص مذکور در ماده یک و پرداخت کنندگان وجوه یا کمکهای مالی موضوع بند (ب) مکلفند ظرف یک ماه از تاریخ پرداخت فهرست مبلغ پرداختی و در صورتیکه پرداخت غیر نقدی باشد نوع و قیمت تمام شده آن و هویت و نشانی دریافت کننده را در تهران به اداره کل خدمات مالیاتی و در مراکز استانها به ادارات کل امور اقتصادی و دارایی و در شهرستانها به ادارات امور اقتصادی و دارایی محل ارسال نمایند. در مواردی که پرداخت به علت خسارت ناشی از حوادث مذکور در بند (ب) باشد فهرست ارسالی باید از جهت وقوع خسارت به تایید فرماندار یا بخشدار محل برسد. ماده ۴ - در صورتیکه پرداخت کنندگان موضوع بندهای (الف) و (ب) ترتیبات و شرایط و تکالیف مقرر در این آیین نامه را حسب مورد رعایت نموده و یا در موعد مقرر انجام ندهند با دریافت کنندگان متضامناً مسیول پرداخت مالیات متعلقه خواهند بود. احراز و رعایت بندهای ثانیاً و رابعاً ماده (۲) بعهدہ پرداخت کنندگان نبوده و مشمول حکم این ماده نخواهد بود. ماده ۵ - ادارات مذکور در ماده (۳) این آیین نامه واصله را برای رسیدگی و نگهداری سوابق و در صورت لزوم تشخیص درآمد و مطالبه مالیات متعلقه به حوزه مالیاتی ذیربط ارسال خواهد نمود.

قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت - مصوب ۳۰/۶/۷۶

ماده ۱ - به منظور مشارکت عموم در اجرای طرحهای عمرانی انتفاعی دولت مندرج در قوانین بودجه سالانه کل کشور و طرحهای سودآور تولیدی و ساختمانی و خدماتی، به دولت و شرکتهای دولتی و شهرداریها و موسسات و نهادهای عمومی و غیردولتی و موسسات عام المنفعه و شرکتهای وابسته به دستگاههای مذکور و همچنین شرکتهای سهامی عام و خاص و شرکتهای تعاونی تولیدی اجازه داده می شود طبق مقررات این قانون قسمتی از منابع مالی مورد نیاز برای اجرای طرحهای مذکور شامل منابع مالی لازم برای تهیه مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی را از طریق انتشار و عرضه اوراق مشارکت تامین نمایند. تبصره - تشخیص انتفاعی بودن طرحهای عمرانی دولت موضوع این ماده با رعایت تعریف قانونی (طرح انتفاعی) به عهده هیاتی مرکب از نمایندگان وزارت امور اقتصادی و دارایی سازمان برنامه بودجه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می باشد. این قبیل طرحها در پیوست طرحهای عمرانی لوایح بودجه سالانه کل کشور با علامت مشخص درج خواهد شد. ماده ۲ - اوراق مشارکت اوراق بهادار با نام یابی نامی است که به موجب این قانونی به قیمت اسمی مشخص برای مدت معین منتشر می شود و به سرمایه گذارانی که قصد مشارکت در اجرای طرحهای موضوع ماده (۱) را دارند واگذار می گردد. دارندگان این اوراق به نسبت قیمت اسمی و مدت زمان مشارکت در سود حاصل از اجرای طرح مربوط شریک خواهند بود. خرید و فروش این اوراق مستقیماً و یا از طریق بورس اوراق بهادار مجاز می باشد. ماده ۳ - انتشار اوراق مشارکت از طرف دولت برای تامین منابع مالی مورد نیاز جهت اجرای طرحهای عمرانی انتفاعی دولت موضوع ماده (۱) به میزانی که در قوانین بودجه سالانه کل کشور پیش بینی می شود مجاز خواهد بود. تضمین بازپرداخت اصل و سود علی الحساب و سود تحقق یافته این قبیل اوراق توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی از محل اعتبارات ردیف های خاصی که توسط سازمان برنامه و بودجه و به همین منظور در قوانین بودجه سالانه کل کشور پیش بینی می شود به عمل خواهد آمد. تبصره - انتشار اوراق مشارکت به منظور تامین منابع مالی لازم برای اجرای طرحهای عمرانی انتفاعی دولت مندرج در قوانین بودجه

سالانه کل کشور که مجری آنها شرکتهای دولتی و یا شهرداریها می‌باشند نیز مشمول حکم این ماده می‌باشد. ماده ۴ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طرحهای مشمول این قانون به استثنا طرح عمرانی انتفاعی دولت موضوع ماده (۳) را که توسط شرکتهای دولتی شهرداریها و موسسات و شرکتهای غیردولتی موضوع ماده (۱) ارایه می‌شود بررسی نموده و در صورتی که دارای توجیحات کامل اقتصادی فنی و مالی باشد، پس از ارایه تضمین کافی توسط موسسه و یا شرکت متقاضی به بانک عامل مجوز انتشار اوراق مشارکت به میزان لازم صادر خواهد کرد. تبصره ۱ - درخواست انتشار اوراق مشارکت توسط شرکتهای دولتی قبل از ارایه به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باید به تصویب مجمع عمومی و یا شورای عالی شرکتهای مربوط رسیده باشد. تبصره ۲ - حداکثر میزان (سقف اوراق مشارکت قابل انتشار برای طرحهای موضوع این ماده در هر سال با توجه به سیاستهای پولی و مالی کشور توسط شورای پول و اعتبار تعیین و اعلام می‌گردد. تبصره ۳ - میزان (سقف اوراق مشارکت قابل انتشار برای طرحهای موضوع این ماده در مورد هر یک از متقاضیان می‌بایستی متناسب با خالص دارایی‌های وی (مجموع دارایی‌ها منهای مجموع بدهی‌ها) باشد. ماده ۵ - شرکتهای دولتی شهرداریها و موسسات و شرکتهای غیردولتی، موضوع ماده (۱) در صورت انتشار اوراق مشارکت مکلف اند بازپرداخت اصل و سود متعلق را در سررسیدهای مقرر در اوراق مذکور، تعهد و تضمین نمایند. در صورت عدم ایفای تعهدات مزبور در سررسیدهای مقرر، بانک عامل مکلف است از محل تضمین مذکور در ماده (۴) رأساً اقدام نماید. تبصره - پرداخت سود علی الحساب به تریبی که در اوراق مشارکت قید می‌شود مجاز می‌باشد. ماده ۶ - شرکتهای سهامی عام می‌توانند طبق این قانون اوراق مشارکت قابل تبدیل یا تعویض با سهام منتشر کنند. شرایط و نحوه تبدیل و تعویض این قبیل اوراق طبق آیین‌نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ماده ۷ - مبالغ پرداختی و یا تخصیصی بابت سود متعلق به اوراق مشارکت مشمول مالیات مقطوع به نرخ پنج درصد (۵٪) می‌باشد و به سود اوراق مشارکت و معاملات اوراق مذکور هیچگونه مالیات دیگری تعلق نمی‌گیرد. پرداخت کنندگان سود اوراق مشارکت اعم از علی الحساب و قطعی مکلفند در هر پرداخت یا تخصیص به حسابی که توسط خزانه داری کل تعیین می‌شود واریز و رسید آن را ظرف سی روز از تاریخ واریز همراه با فهرستی متضمن میزان سود پرداختی به حوزه مالیاتی مربوط تسلیم نمایند. پرداخت کنندگان سود این اوراق مشارکت و در صورت تخلف از انجام تکالیف مذکور مشمول مقررات متن ماده ۱۹۹ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ خواهند بود. تبصره - پرداخت مالیات سود پرداختی و یا تخصیصی به اوراق مشارکتی که قبل از تاریخ اجرای این قانون منتشر شده است با نرخ مقرر در این ماده برعهده دستگاههای منتشر کننده اوراق مذکور می‌باشد. ماده ۸ - در صورتی که شرکتهای سهامی خاص وابسته به دستگاههای مذکور در ماده (۱) این قانون به سهامی عام تبدیل شوند، دارندگان اوراق مشارکت شرکتهای مزبور در خرید سهام از اولویت برخوردار می‌باشند. ماده ۹ - سود پرداختی به دارندگان اوراق مشارکت جزو هزینه‌های قابل قبول در حساب مالیاتی موضوع ماده (۱۴۸) قانون مالیاتهای مستقیم محسوب می‌گردد. ماده ۱۰ - مصرف وجوه حاصل از واگذاری اوراق مشارکت در غیر اجرای طرحهای مربوط، در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال عمومی محسوب خواهد شد. ماده ۱۱ - مقررات مواد ۲ و ۵ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ این قانون و تبصره‌های ذیل مواد مذکور شامل اوراق مشارکتی که تا قبل از اجرای آن منتشر شده‌اند نیز می‌گردد. ماده ۱۲ - آیین‌نامه اجرایی این قانون متضمن مشخصات طرحهای سودآوری تولیدی ساختمانی و خدماتی شرایط و میزان و نحوه انتشار و عرضه اوراق مشارکت و چگونگی تبدیل و تعویض اوراق مذکور با سهام شرکتهای سهامی عام و همچنین نحوه اعمال نظارت بر اجرای صحیح این قانون با پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس اوراق بهادار ظرف مدت شش ماه به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۳ - وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلفند گزارشی متضمن میزان و انواع اوراق مشارکت منتشره طی هر سال را همراه با اظهار نظر در خصوص آثار اقتصادی انتشار اوراق مذکور برای اطلاع کمیسیونهای برنامه و بودجه امور اقتصادی و دارایی و تعاون و دیوان

محاسبات و بودجه مجلس شورای اسلامی ارسال نمایند. قانون فوق مشتمل بر سیزده ماده و هفت تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی ام شهریور ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲/۷/۱۳۷۶ به تایید شورای نگهبان رسیده است رییس مجلس شورای اسلامی - علی اکبر ناطق نوری

آیین نامه اجرایی قانون نحوه اوراق مشارکت - مصوب ۱۸/۵/۱۳۷۷ هیات وزیران

ماده ۱- در این آیین نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح به کار رفته است - قانون قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت - طرحهای عمرانی انتفاعی دولت منظور طرحی است که در مدت معقولی پس از شروع بهره برداری علاوه بر تامین هزینه های جاری و استهلاک سرمایه سود متناسبی به تبعیت از سیاست دولت را نیز عاید نماید. منظور از انتفاع ، انتفاع مالی است به نحوی که فایده های ناشی از بهره برداری طرح قابل فروش و قابل تقویم به پول باشد. اوراق مشارکت اوراق بهادار با نام یا بی نامی است که به موجب قانون یا مجوز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به قیمت اسمی مشخص برای مدت معین و برای تامین بخشی از منابع مالی مورد نیاز طرحهای عمرانی - انتفاعی دولت مندرج در قوانین بودجه سالانه کشور یا برای تامین منابع مالی مورد نیاز جهت ایجاد ، تکمیل و توسعه طرحهای سودآور تولیدی ، ساختمانی و خدماتی شامل منابع مالی لازم برای تهیه مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی توسط دولت ، شرکتهای دولتی ، شهرداری ها و موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و موسسات عام المنفعه و شرکتهای وابسته به دستگاههای مذکور ، شرکتهای سهامی عام و خاص و شرکتهای تعاونی تولید منتشر می شود و به سرمایه گذارانی که قصد مشارکت در اجرای طرحهای یاد شده را دارند از طریق عرضه عمومی واگذار می گردد. اوراق مشارکت قابل تعویض با سهام اوراقی است که توسط شرکتهای سهامی عام منتشر و در سررسید نهایی با سهام سایر شرکتهای پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تعویض می شود. اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام اوراقی است که توسط شرکتهای سهامی عام منتشر و در سررسید نهایی یا زمان تحقق افزایش سرمایه به سهام شرکتهای موضوع طرح اوراق مشارکت ، تبدیل می گردد. ناشر: دستگاه دولتی یا غیردولتی است که به موجب ماده (۱) قانون ، اجازه انتشار اوراق مشارکت را دارد. عامل بانکی است که از طرف ناشر نسبت به عرضه اوراق برای فروش ، پرداخت سود علی الحساب و قطعی ، بازپرداخت اصل مبلغ اوراق مشارکت در سررسید مربوط یا بازخرید آن قبل از سررسید ، کسر و پرداخت مالیات موضوع ماده (۷) قانون و انجام سایر امور مرتبط ، طبق قرارداد عاملیت مبادرت می ورزد. امین شخص حقیقی یا حقوقی است که از طرف بانک مرکزی انتخاب می شود و به منظور حفظ منافع دارندگان اوراق مشارکت و حصول اطمینان از صحت عملیات ناشر در طرح ، نسبت به مصرف وجوه ، نحوه نگهداری حسابها و صورتهای مالی و عملکرد اجرایی ناشر به موجب قرارداد منعقد شده ، مستمرا رسیدگی و اظهار نظر می نماید. وظایف امین در مورد طرح های عمرانی - انتفاعی دولت به مسئولیت سازمان برنامه و بودجه انجام خواهد شد. بانک مرکزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هیات تشخیص هیاتی است مرکب از نمایندگان وزارت امور اقتصاد و دارایی ، سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی که انتفاعی بودن طرحهای عمرانی دولت را مورد تایید قرار می دهد. ماده ۲- دارندگان اوراق مشارکت به نسبت قیمت اسمی و مدت زمان مشارکت در نتیجه مالی حاصل از اجرای طرح های مربوط سهم خواهند بود. ماده ۳- هر ورقه مشارکت نشان دهنده میزان قدر السهم دارنده آن در مشارکت است با فروش اوراق مشارکت رابطه و کیل و موکل بین مباشر و خریدار اوراق محقق می شود. (ناشر) به وکالت از طرف خریداران اوراق می تواند نسبت به مصرف وجوه حاصل از فروش اوراق جهت اجرای طرح و خرید و فروش هر گونه کالا ، خدمت و دارایی مربوط به طرح اقدام نماید. انتقال اوراق به اختیار تفویضی تحت عنوان وکالت خدشه وارد نمی نماید و این رابطه تا سررسید اوراق مباشر و دارندگان اوراق نافذو معتبر است ماده ۴- مصرف وجوه حاصل از واگذاری اوراق مشارکت در غیر اجرای طرحهای مربوط در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال عمومی محسوب خواهد شد. ماده ۵- بانک مرکزی در صورت تایید فنی - اقتصادی و مالی

طرح‌های مشمول قانون که از طرف متقاضیان آن با تایید عامل ارایه می‌شود با در نظر داشتن شرایط انتشار اوراق مشارکت، مجوز لازم را ظرف مدت یک ماه از تاریخ دریافت گزارش در چهارچوب این آیین نامه صادر می‌نماید. تبصره ۱ - گزارش توجیهی فنی - اقتصادی و مالی طرح‌های غیردولتی مذکور باید قبل از ارسال به بانک مرکزی مورد بررسی و تایید عامل قرار گیرد. مدت رسیدگی بانک عامل حداکثر یک‌ماه خواهد بود. تبصره ۲ - در مورد طرح‌های عمرانی - انتفاعی دولت، مطابق ماده ۷ این آیین نامه عمل خواهد شد. ماده ۶ - حداکثر میزان (سقف اوراق مشارکت قابل انتشار برای طرح‌های موضوع ماده (۴) قانون در هر سال با توجه به سیاست‌های پولی و مالی کشور توسط شورای پول و اعتبار تعیین و اعلام می‌گردد. ماده ۷ - گزارش توجیه فنی - اقتصادی و مالی طرح‌های عمرانی - انتفاعی دولت باید به سازمان برنامه و بودجه ارایه شود. سازمان برنامه و بودجه گزارش مزبور را همراه با نظرات کارشناسی خود ظرف یک ماه در هیات تشخیص انتفاعی بودن طرح‌های عمرانی - انتفاعی دولت، مذکور در ماده (۱) آیین نامه مطرح و هیات تشخیص حداکثر ظرف یک ماه نظر قطعی خود را در مورد انتفاعی بودن از طریق سازمان برنامه و بودجه به دستگاه‌های اجرایی اعلام می‌نماید. طرح‌های عمرانی - انتفاعی دولتی که به تایید هیات تشخیص رسیده باشد توسط سازمان برنامه و بودجه در لایحه بودجه سال آینده با علامت مشخص درج خواهد شد. تضمین بازپرداخت اصل و سود علی الحساب و سود تخصیص یافته اوراق مشارکت عمرانی دولت طبق ماده (۳) قانون خواهد بود. ماده ۸ - حداقل سهم شرکتی ناشر در هر طرح (اعم از آورده نقدی و غیرنقدی و میزان (سقف فردی اوراق مشارکت قابل انتشار برای طرح‌های موضوع اوراق مشارکت) (به استثنای طرح‌های عمرانی - انتفاعی دولت با رعایت وضعیت مالی و اعتباری ناشر توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود. ماده ۹ - تاریخ، شرایط و مراحل انتشار و عرضه اوراق به پیشنهاد ناشر و با موافقت بانک مرکزی، با توجه به شرایط بازار سرمایه تعیین می‌شود. تمدید مهلت عرضه با تایید بانک مرکزی امکان‌پذیر است ماده ۱۰ - ناشر پس از اخذ مجوز انتشار اوراق مشارکت باید مراتب را از طریق رسانه‌های جمعی به اطلاع عموم برساند. متن اطلاعیه انتشار باید قبلاً به تایید عامل برسد. ماده ۱۱ - در صورت فروش صد درصد اوراق مشارکت منتشر شده در مدت مقرر، بانک مرکزی اجازه برداشت از وجوه جمع آوری شده را به ناشر خواهد داد. در صورت عدم فروش صد درصد اوراق مشارکت منتشر شده در مدت مذکور بانک مرکزی باید از طریق تمدید مهلت فروش یا طرق دیگر چگونگی تامین کسری مورد نیاز طرح را توسط ناشر تعیین نماید. در صورت عدم تامین کسری منابع توسط ناشر طی مهلت مقرر، بانک مرکزی دستور انتشار اطلاعیه مربوط به استرداد وجوه دارندگان اوراق مشارکت را حداکثر ظرف یک هفته به عامل خواهد داد. هزینه‌های مالی ناشی از این امر بر عهده ناشر خواهد بود. ماده ۱۲ - بانک مرکزی به منظور حصول اطمینان از بازپرداخت اصل اوراق مشارکت در سررسید، به تشخیص خود، ناشر را ملزم به تامین تضمین‌های لازم نزد عامل می‌نماید. ماده ۱۳ - میزان سود قطعی قابل پرداخت به دارندگان اوراق، پس از خاتمه اجرای طرح توسط تامین طرح ظرف پنج ماه پس از سررسید نهایی محاسبه و به تایید بانک مرکزی خواهد رسید. ماده ۱۴ - بانک مرکزی وظایف و اختیارات امین و میزان حق الزحمه خدمات مربوط و ترتیب پرداخت آن را طی قرارداد منعقد شده با وی تعیین می‌نماید. ماده ۱۵ - ناشر موظف است بازپرداخت اصل و سود متعلق را در سررسیدهای مقرر در اوراق، تعهد کند و وثایق لازم را برای تضمین بازپرداخت اصل و سود متعلق به اوراق توسط عامل، در اختیار عامل قرار دهد. در صورت عدم ایفای تعهدات در سررسیدهای مقرر، عامل مکلف است از محل تضمین مذکور راساً اقدام نماید. مهلت پرداخت مابه التفاوت سودهای قطعی و سودهای علی‌الحساب پرداخت شده بر حسب انواع اوراق حداکثر شش ماه پس از سررسید نهایی اوراق، خواهد بود. ماده ۱۶ - ناشر موظف است طبق اعلام عامل وجوه لازم را جهت پرداخت سود و اصل اوراق مشارکت، در سررسیدهای مربوط تامین و در اختیار عامل قرار دهد. هرگونه تاخیر در تامین منابع فوق، مشمول پرداخت وجه التزام تاخیر تامین منابع به میزان مقرر در قرارداد عاملیت خواهد شد. ماده ۱۷ - ناشر موظف به انجام سایر تعهداتی است که به هنگام فروش اوراق، پذیرفته و آن تعهدات، مورد تایید بانک مرکزی نیز قرار گرفته است ماده ۱۸ -

اعطای هرگونه امتیازی به دارندگان اوراق مشارکت از جمله اختیار تعویض یا تبدیل اوراق مشارکت و تخفیفات فروش منوط به موافقت بانک مرکزی و اخذ تضمینات لازم توسط عامل است تبصره - اعطای این گونه امتیازات از جمله تعهداتی به حساب میاید که باید به موقع ایفا گردد و تاخیر در اعطای آن مشمول خسارت ناشی از تاخیر زمانی و افزایش قیمت خواهد بود. ماده ۱۹ - ناشر موظف است چنانچه اوراق علاوه بر سازمان بورس اوراق بهادار (که با مجوز سازمان بورس صورت می گیرد) توسط عامل نیز قابل معامله و قابل بازخريد قبل از سررسيد باشد ، وجوه لازم راجهت بازخريد اوراق ، طبق قرارداد عاملیت در اختیار عامل قرار دهد. ماده ۲۰ - ناشر موظف است حق الزحمه انجام خدمات امین را به ترتیب مقرر در قرارداد منعقدشده بین بانک مرکزی و امین پرداخت نماید و بلافاصله پس از فروش اوراق ، سیستم حسابداری مطابق با استانداردهای مورد قبول سازمان حسابرسی در مورد طرح مورد نظر به طور جداگانه و خارج از سایر عملیات و فعالیتهای خود ، مستقر و به مورد اجرا گذارد. تبصره - امین طرحهای عمرانی - انتفاعی دولت از مفاد این ماده مستثنی است ماده ۲۱ - ناشر موظف است اطلاعیه حاوی گزارش وضعیت مالی و عملکرد اجرایی طرح راهمراه اظهارنظر امین ، پس از کسب مجوز انتشار اطلاعیه از بانک مرکزی ، حداقل هر شش ماه یا درمقاطعی که توسط بانک مرکزی تعیین می گردد از طریق یکی از روزنامه های کثیرالانتشار منتشر نماید. ماده ۲۲ - امین موظف است نسبت به مصرف وجوه ، نگهداری حسابها و صورت های مالی طرح رسیدگی و اظهارنظر نماید و گزارشهای مربوط را حداکثر هر شش ماه یک بار به بانک مرکزی ارائه دهد. ماده ۲۳ - امین مکلف است نسبت به مقررات و ضوابط حاکم بر معاملات ناشر در طرح همچنین انطباق معاملات انجام شده با ضوابط و مقررات مربوط رسیدگی و اظهارنظر نماید. همچنین امین مکلف است ظرف مدتی که به موجب قرارداد منعقد شده با بانک مرکزی تعیین می شود ، نسبت به کفایت روشهای حسابداری ناشر در طرح رسیدگی و اظهارنظر نماید. ماده ۲۴ - عامل ، اوراق مشارکت را برای فروش عرضه و سود علی الحساب اوراق را پس از کسر مالیات در مقاطع تعیین شده پرداخت می نماید. ماده ۲۵ - عامل ، اصل مبلغ اوراق را در سررسید با رعایت ماده (۱۵) این آیین نامه بازپرداخت می نماید. ماده ۲۶ - عامل ، سود قطعی اوراق مشارکت را پس از کسر مالیات و تایید بانک مرکزی پرداخت می نماید. ماده ۲۷ - چگونگی پرداخت مالیات موضوع تبصره ماده (۷) قانون ، حداکثر سه ماه پس از ابلاغ این آیین نامه توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی تعیین می شود. ماده ۲۸ - شرکتهای سهامی عام پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار با تایید قبلی سازمان مذکور و رعایت ضوابط مربوط می توانند اوراق مشارکت قابل تبدیل و تعویض با سهام منتشر نمایند. ماده ۲۹ - اوراق مشارکت ممکن است قابل تعویض با سهام سایر شرکتهای پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار باشد. در این صورت ناشر موظف است حداقل به میزان اوراق مشارکت قابل تعویض ، موجودی سهام شرکتهای مذکور را تا سررسید نهایی اوراق مشارکت نگهداری نماید. ماده ۳۰ - اوراق مشارکت ممکن است قابل تبدیل به سهام شرکت (سهامی عام باشد در این صورت مجمع عمومی فوق العاده بنا به پیشنهاد هیات مدیره و گزارش خاص بازرس یا بازرسان شرکت اجازه انتشار اوراق مشارکت را می دهد و شرایط و مهلتی را که طی آن دارندگان این گونه اوراق خواهند توانست اوراق خود را به سهام شرکت تبدیل کنند تعیین و اجازه افزایش سرمایه را به هیات مدیره خواهد داد. تبصره - مابه التفاوت سود قطعی و سود علی الحساب می تواند قابل تعویض یا تبدیل به سهام باشد. ماده ۳۱ - حق تقدم سهامداران شرکت در خرید سهام قابل تبدیل با اوراق مشارکت با تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت منتفی خواهد بود. ماده ۳۲ - شرایط مشارکت و ترتیب تعویض و تبدیل ورقه مشارکت به سهام باید در ورقه مشارکت قید شود. تبدیل و تعویض ورقه مشارکت به سهم منوط به درخواست دارنده ورقه مشارکت است ماده ۳۳ - در مورد ماده (۳۰) هیات مدیره شرکت بر اساس تصمیم مجمع عمومی مذکور در همان ماده در پایان مهلت مقرر معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراق مشارکتی که جهت تبدیل به سهام شرکت عرضه شده است سرمایه شرکت را افزایش داده و پس از ثبت این افزایش در مرجع ثبت شرکتهای سهام جدید صادر خواهد کرد و به دارندگان اوراق مذکور معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراقی که به شرکت تسلیم کرده اند سهم خواهد داد. ماده ۳۴ - از

تاریخ تصمیم مجمع مذکور در ماده (۳۰) تا سررسید نهایی اوراق یا زمان تحقق افزایش سرمایه موضوع اوراق مشارکت، شرکت نمی‌تواند اوراق مشارکت جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کند یا نسبت به کاهش یا افزایش سرمایه اقدام نماید یا سرمایه خود را مستهلک سازد یا آن را از طریق بازخرید سهام کاهش دهد یا اقدام به تقسیم اندوخته کند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهد. کاهش سرمایه شرکت در نتیجه زیانهای وارد شده که منتهی به تقلیل مبلغ اسمی سهام یا تقلیل تعداد سهام شود شامل سهامی که دارندگان اوراق مشارکت در نتیجه تبدیل اوراق خود دریافت می‌دارند نیز می‌گردد این گونه دارندگان اوراق قرضه از همان موقع انتشار اوراق مذکور، سهامدار شرکت محسوب می‌شوند. ماده ۳۵- از تاریخ تصمیم مجمع مذکور در ماده (۳۰) تا سررسید نهایی اوراق مشارکت یا زمان تحقق افزایش سرمایه موضوع اوراق مشارکت، صدور سهام جدید در نتیجه انتقال اندوخته سرمایه و به طور کلی دادن سهم یا تخصیص یا پرداخت وجه به سهامداران تحت عناوینی از قبیل جایزه یا منافع انتشار سهام ممنوع خواهد بود مگر آن که حقوق دارندگان اوراق مشارکت که متعاقباً اوراق خود را به سهام شرکت تبدیل می‌کنند به نسبت سهامی که در نتیجه تبدیل مالک می‌شوند حفظ شود به منظور فوق شرکت باید تدابیر لازم را اتخاذ کند تا دارندگان اوراق که متعاقباً اوراق خود را به سهام شرکت تبدیل می‌کنند بتوانند به نسبت و تحت همان شرایط حقوق مالی مذکور را استیفانمایند. ماده ۳۶- در قراردادهای مشارکت در صورت توافق طرفین می‌توان داور تعیین نمود. ماده ۳۷- وزارتخانه‌ها، موسسات و شرکتهای دولتی، شهرداریها و سایر دستگاههای اجرایی موظفند اوراق مشارکت موضوع این آیین نامه را به عنوان وثیقه طرفهای معامله در قراردادهای مربوط بپذیرند. ماده ۳۸- دریافت مجوز انتشار اوراق از سوی ناشر، قبولی عاملیت توسط عامل و انعقاد قرارداد حسابرسی به عنوان امین طرح به منزله قبول کلیه آثار و تعهدات ناشی از مقررات این آیین نامه و دستورالعمل اجرایی آن است معاون اول رییس جمهور - حسن حبیبی

آیین نامه مربوط به شرایط و طرز انتخاب و حدود وظایف و مسولیتهای امین اموال - مصوب ۵ بهمن ۱۳۷۶ هیات

شماره ۱۵۴۳۶ - ۲۹/۱۱/۷۶ روزنامه رسمی ماده ۱- امین اموال ماموری است که از بین مستخدمین رسمی با موافقت ذیحساب ذیربط به موجب حکم وزارتخانه یا موسسه دولتی به این سمت منصوب و مسولیت حفظ و حراست و تحویل و تحول و تنظیم حساب اموال و اوراقی که در حکم وجه نقد است و همچنین کالاهای تحت ابوابجمعی خود را بر اساس مقررات این آیین نامه و آیین نامه اموال دولتی و سایر مقررات مربوط به عهده خواهد داشت تبصره ۱- مقررات مربوط به صاحب جمعان در قوانین عمومی مورد عمل وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی در صورت عدم مغایرت با مفاد قانون محاسبات عمومی کشور برای امنای اموال نیز قابل اجرا می‌باشد. تبصره ۲- مأمورینی که تحت سایر عناوین شغلی در آزمایشگاهها، کتابخانه‌ها، موزه‌ها، انبارها و سایر موارد عهده دار مسولیت حفظ و حراست اموال دولتی و نگهداری حساب آنها می‌باشند، از لحاظ مسولیتهای موضوع این آیین نامه در حکم امین اموال خواهند بود. تبصره ۳- مسولیت تحویل و حفظ و حراست اموالی که توسط وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی به طور امانی به شرکتهای دولتی و موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، تحویل می‌گردد باید به عهده یک یا حسب ضرورت چند نفر از کارکنان ثابت و غیر موقت دستگاههای مذکور که در حکم امین اموال خواهند بود محول گردد. مسولیت موضوع این تبصره رافع مسولیت دستگاه تحویل گیرنده در مورد حفظ و حراست و اعاده اموال مذکور نخواهد بود. ماده ۲- وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و شرکتهای دولتی و موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی مجری طرحهای عمرانی مکلفند به منظور حفظ و حراست و تحویل و تنظیم حساب اموال طرحهای مزبور برابر مقررات امین اموال تعیین و منصوب نمایند. تبصره - امین اموال در شرکتهای دولتی و موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی در ارتباط با طرحهای عمرانی باید از بین کارکنان ثابت و غیر موقت آنها منصوب گردد. ماده ۳- امین اموال باید دارای شرایط زیر باشد: الف- داشتن حداقل مدرک تحصیلی پایان دوره دبیرستان ب- داشتن صلاحیت و

توانایی لازم برای انجام وظایف مربوط ج - سپردن تضمین مناسب در موارد و به میزانی که در مقررات مربوط پیش‌بینی شده است تبصره ۱ - در صورت نبودن فرد واجد شرایط موضوع بند (الف) این ماده استفاده موقت از افرادی که ضمن داشتن سایر شرایط دارای مدرک تحصیلی سوم متوسطه نظام آموزشی سابق یاپایان دوره راهنمایی نظام آموزشی فعلی باشند به شرط دارا بودن حداقل دو سال سابقه کار تجربی مربوط بلامانع است تبصره ۲ - امنای اموال کتب کتابخانه‌ها ، اشیای موزه‌ای ، لوازم آزمایشگاهی ، لوازم فنی و نظایر آنها باید از بین کسانی انتخاب شوند که علاوه بر دارا بودن شرایط مندرج در این ماده یا تبصره یک آن‌حسب مورد دارای اطلاعات فنی لازم نیز باشند. ماده ۴ - امین اموال از لحاظ وظایف مربوط به نگهداری حساب اموال دولتی و تنظیم حساب آنها و تحویل و تحول اموال تحت ابوابجمعی و سایر مقررات مربوط زیر نظر ذیحساب انجام وظیفه می‌نماید. تبصره - ذیحساب مکلف است در فواصل زمانی مناسب حسب مورد به تشخیص خود وحدافل سالی یک بار به طریق مقتضی به موجودی حساب امین اموال رسیدگی و در صورت مشاهده کسری در ابواب جمعی امین اموال مراتب را جهت اقدام به وزارتخانه یا موسسه دولتی ذیربط و وزارت امور اقتصادی و دارایی گزارش و تا حصول نتیجه موضوع را پیگیری نماید. ماده ۵ - امین اموال مکلف است برای هر یک از اموال منقول غیرمصرفی تحت ابوابجمعی خودبا رعایت طبقه‌بندی مربوط یک شماره اختصاص دهد و شماره مذکور را در مورد اموالی که الصاق برچسب به آنها میسر می‌باشد روی برچسب درج و به مال الصاق نماید و در مورد اموالی که به تشخیص و پیشنهاد دستگاه اجرایی ذیربط و تایید وزارت امور اقتصادی و دارایی الصاق برچسب به آنها میسر نباشد ، ثبت مشخصات مال در دفاتر و صورتحساب‌ها کافی خواهد بود. تبصره ۱ - شماره برچسب هر طبقه از اموال موضوع این ماده در مورد واحدهایی که بدو حساب اموال خود را بر اساس این آیین نامه تنظیم می‌نمایند از شماره یک شروع و بارعایت تسلسل ادامه خواهد یافت و در مورد واحدهایی که دارای حساب اموال بر اساس آیین نامه اموال دولتی هستند ، شماره برچسب هر طبقه به دنبال شماره برچسب‌های سابق ادامه پیدا می‌کند. تبصره ۲ - نوع برچسب باید متناسب با وضعیت مال به صورتی که دوام لازم را داشته باشد تهیه و به نحوی الصاق گردد که صدمه و خسارتی به مال وارد نیاید. در صورتی که در مورد برخی از اموال منقول غیرمصرفی بر حسب ضرورت از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی برچسب‌خاصی تعیین و اعلام گردد امین اموال مکلف است در مورد اینگونه اموال از همان نوع برچسب استفاده نماید. ماده ۶ - امین اموال مکلف است مشخصات کامل اموال منقول غیرمصرفی رسیده و فرستاده‌واحد ابوابجمعی خود را به ترتیب شماره تخصیصی و برحسب نوع و طبقه اموال در دفاتر مربوط ثبت نماید. تبصره - ثبت دفاتر موضوع این ماده باید با رعایت دستورالعمل طبقه بندی اموال به عمل آید. ماده ۷ - امین اموال مکلف است در مواقعی که باید مالی با رعایت مقررات به طور موقت یادایم از واحد اداری ذیربط خارج شود با توجه به مجوز صادر شده از طرف مقامات مجاز دستگاه مربوط پروانه خروج که دارای شماره ترتیب و حاوی مشخصات کامل مال باشد در سه نسخه صادر و نسخه اول را به خارج کننده مال و نسخه دوم را به واحد انتظامات تحویل و نسخه سوم را نزد خودنگهداری نماید ، پروانه مذکور باید به امضای امین اموال و مقام مجاز ذیربط رسیده باشد. تبصره ۱ - خروج خودروهای دولتی به منظور ارایه خدمت یا ماموریت اداری و از شمول این ماده خارج و تابع ضوابط مربوط به خود می‌باشد. تبصره ۲ - خروج دوچرخه ، موبیلت و موتور سیکلت و سایر وسایل نقلیه که به منظور خدمات یا انجام وظایف اداری تحویل کارکنان شده یا می‌شود و مسوولیت حفظ و نگهداری آنها به‌عهده شخص تحویل گیرنده می‌باشد ، از شمول این ماده خارج است تبصره ۳ - خروج موقت کتاب و نظایر آن از کتابخانه‌ها تابع ضوابط خاص خود است تبصره ۴ - در صورتی که مالی بدون پروانه خروج موضوع این ماده از واحد اداری ذیربط خارج شود ، مسولیت آن به‌عهده واحد انتظامات مربوط خواهد بود. ماده ۸ - امین اموال مکلف است صورتحساب اموال منقول غیرمصرفی رسیده و فرستاده نیمه‌هر سال را تا آخر مهرماه همان سال و صورتحساب نیمه دوم را تا آخر فروردین ماه سال بعد از روی دفاتر اموال در سه نسخه تنظیم و پس از امضای خود و رییس واحد ذیربط به ذیحسابی تحویل نماید. ذیحساب مربوط پس از بررسی صورتحساب و امضای آن یک

نسخه از آن را حسب مورد در مرکز به وزارت امور اقتصادی و دارایی و در استانها به اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان مربوط ارسال و نسخه دیگر آن را به واحد متبوع ارسال و نسخه سوم را نزد خود نگهداری نماید. ماده ۹ - امین اموال مکلف است اموال منقول رسیده و فرستاده مصرفی و در حکم مصرفیابوابعمی خود را در دفتری مطابق نمونه‌ای که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی ابلاغ شده است ، ثبت نموده و صورت موجودی آخر سال خود را در سه نسخه تنظیم و پس از امضای خود و رییس واحد ذیربط به ذیحسابی ارسال نماید. ذیحساب مربوط پس از بررسی صورتحساب و امضای آن منتهی تا آخر فروردین ماه سال بعدیک نسخه آن را حسب مورد در مرکز به وزارت امور اقتصادی و دارایی و در استانها به اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان مربوط و یک نسخه آن را به واحد متبوع ارسال و نسخه آخر را نزد خود نگهداری می‌نماید. ماده ۱۰ - دفاتر اموال باید بدون خدشه و قلم خوردگی ثبت و نگهداری شود و هرگاه اشتباهی در ثبت اقلام رخ دهد امین اموال مکلف است توضیح لازم را به امضای خود در ستون ملاحظات درمقابل نام مال قید نماید. ماده ۱۱ - در پایان سال مالی امین اموال ذیل آخرین ردیف ثبت شده دفاتر اموال را بسته و امضای نماید و از صفحه بعدی همان دفتر جهت ثبت مشخصات اموال سال مالی بعد استفاده خواهد نمود. تبصره - ثبت مراتب حذف هر قلم از اموال فرستاده در دفاتر بایستی در مقابل مشخصات رسیده همان مال انجام شود. ماده ۱۲ - آن دسته از دستگاههای دولتی مشمول آیین نامه که با توجه به طبع و ماهیت برخی از اموال دولتی از قبیل اموال موزه‌ها ، کتب کتابخانه‌ها و انواع کالاهای انبارها ، برای حفظ و حراست و تنظیم و نگهداری حساب و تحویل و تحول آنها از روشهای خاصی استفاده می‌نمایند ، با موافقت وزارت امور اقتصادی و دارایی در مورد این قبیل اموال بجای استفاده از روشهای مقرر در این آیین نامه روشهای مربوط را اعمال خواهند نمود. ماده ۱۳ - امین اموال مکلف است اموال منقول امانی رسیده را بلافاصله بدون تخصیص برچسب در دفتری که نمونه آن توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تعیین می‌شود ثبت و فهرستانها را در فرم مربوط که به تایید ذیحساب یا اداره مجاز از طرف او نیز رسیده است در سه نسخه تنظیم و یک نسخه را توسط ذیحساب و حسب مورد به وزارت امور اقتصادی و دارایی و یا اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان و نسخه دوم را به واحد متبوع ارسال و نسخه سوم را نزد خود نگهداری نماید. ماده ۱۴ - پس از انقضای زمان تعیین شده برای استفاده از مال امانی ، امنای اموال واحدهای گیرنده و دهنده مال امانی مکلفند به منظور استرداد مال مذکور ، مراتب را بموقع به واحدهای متبوع خود گزارش نمایند. در صورت استرداد مال باید صورتجلسه لازم مطابق نمونه مربوط در چهار نسخه تنظیم و پس از تایید ذیحساب و یا افراد مجاز از طرف او نسخه‌ای به هر یک از واحدهای متبوع و دو نسخه دیگر آن به تحویل دهنده و تحویل گیرنده تسلیم شود. ماده ۱۵ - امین اموال (انباردار) موظف است در آخر هر سال نسبت به شمارش موجودی اموال تحت ابوابجمعی خود با حضور نماینده رییس دستگاه اجرایی ذیربط مطابق فرمی که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی تعیین می‌گردد در سه نسخه اقدام و پس از تایید رییس اداره و ذیحساب مربوط حداکثر تا فروردین ماه سال بعد نسخه اول را حسب مورد در مرکز به اداره کل اموال دولتی و در استانها به اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان مربوط تحویل و نسخه دوم را به واحد متبوع خود ارسال و نسخه سوم را نزد خود نگهداری نماید. ماده ۱۶ - امین اموال مکلف است فهرست مشخصات اموال غیر منقول ابوابجمعی خود را حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ آیین نامه تهیه و به ذیحسابی مربوط ارسال و تغییرات بعدی را بلافاصله گزارش نمایند. ماده ۱۷ - چنانچه امین اموال منصوب شده بر اساس ماده (۳۴) قانون محاسبات عمومی کشور ، همان جمعدار قبلی اموال باشد امین اموال باید در دفاتر مورد عمل شروع فعالیت خود را با سمت امین اموال و براساس این آیین نامه مشخص و تفکیک نماید و در مواردی که واحد مربوط قبلا دارای جمعدار اموال بوده و امین اموالی غیر از جمعدار قبلی برای آن در نظر گرفته شود جمعدار سابق مکلف به تحویل اموال ابوابجمعی خود به امین اموال با تنظیم صورتجلسه‌ای که به امضای رییس واحد و ذیحساب مربوط یا نمایندگان آنها رسیده باشد خواهد بود ، یک نسخه از صورتجلسه مزبور برای ذیحساب ذیربط ارسال و نسخه دیگر نزد امین اموال نگهداری می‌شود. ماده ۱۸ - در صورتی که امین اموال تغییر سمت یافته یا به

نحوی از انحای سمت امین اموالی از وی سلب شود مکلف است بترتیب مقرر در ماده (۱۷) این آیین نامه نسبت به تحویل اموال ابوابجمعی خود به امین اموال جدید اقدام نماید. تبصره - در مواردی که امین اموال یا جمعدار سابق موضوع ماده (۱۷) این آیین نامه از تحویل ابوابجمعی خود به امین اموال جدید استنکاف نماید یا به هر علت حضور وی برای تحویل اموال تحت ابوابجمعی میسر نباشد تحویل اموال و دفاتر و سوابق مربوط با حضور رییس واحد و ذیحساب مربوط یا نمایندگان آنها و نماینده دیوان محاسبات کشور انجام خواهد شد. تحویل و تحول موضوع این تبصره مانع از رسیدگی واحد ذیربط در مورد علت استنکاف یا عدم حضور امین اموال یا جمعدار سابق و اقدامات قانونی لازم در این زمینه نخواهد بود. ماده ۱۹ - امین اموال مکلف است صورت اموال منقول غیرمصرفی موجود در هر الحاق یا محل را با ذکر مشخصات کامل در سه نسخه تنظیم و پس از امضای خود و یک نفر از کارکنان واحد ذیربط که از طرف رییس اداره مربوط معرفی شده است، تنظیم و یک نسخه آن را نزد خود نگهداری و نسخه دوم را به کارمند مذکور تحویل و نسخه سوم را در اطاق یا محل مربوط الصاق نماید. هر نوع نقل و انتقال و جابجایی در اموال موضوع این ماده با رعایت مقررات مربوط و با اطلاع قبلی امین اموال ذیربط مجاز می‌باشد و کارکنان فوق الذکر که صورت اموال به امضای آنها می‌رسد مکلفند قبل از هر نوع نقل و انتقال و جابجایی و همچنین در صورت بروز کسری و نقصان در اموال مزبور مراتب را از طریق رییس یا کارمند ارشد واحد ذیربط برای اقدامات لازم کتبا به امین اموال مربوط اعلام نمایند. تبصره - امین اموال می‌تواند به تشخیص و موافقت رییس هر واحد اموال منقول غیر مصرفی را که بر اساس وظایف و ماموریت‌های محوله مورد استفاده یک یا چند نفر از کارمندان می‌باشد و حفظ و حراست این قبیل اموال با توجه به حجم یا سایر خصوصیات آنها توسط یک نفر از کارمندان مذکور مقدور باشد (مانند دوربین و ماشین حساب و نظایر آن) با اخذ رسید ذیل صورت مشخصات اموال مزبور به کارمند مربوط بسپارد. صورت مشخصات مورد اشاره در سه نسخه تنظیم و نسخه اول آن نزد امین اموال نگهداری و نسخه دوم به تحویل گیرنده تسلیم و نسخه سوم در اطاق یا محل مربوط الصاق خواهد شد. کارمندان که اموال موضوع این تبصره به آنها سپرده می‌شود تا زمانی که بر طبق وظایف و ماموریت‌های محوله اموال مذکور را در اختیار دارند در مورد حفظ و حراست آنها مسوول هستند و مکلفند این قبیل اموال را بلافاصله پس از رفع نیاز اداری یا تغییر سمت یا بازنشستگی با اخذ رسید به امین اموال مربوط تحویل نمایند. ماده ۲۰ - دستگاه‌های دولتی مکلفند با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی نسبت به تنظیم و اجرای برنامه‌های آموزشی لازم برای امنای اموال و سایر ماموران مربوط به منظور فراهم آوردن موجبات حسن اجرای وظایف و مسوولیت‌هایی که در رابطه با اموال دولتی تحت اختیار به عهده آنها محول می‌باشد اقدام نمایند. ماده ۲۱ - امین اموال مکلف است در صورت مفقود شدن یا از بین رفتن یا وارد شدن خسارت به مال ناشی از سیل، زلزله، سرقت یا آتش سوزی یا هر علت دیگر مراتب را کتبا به واحد ذیربط اطلاع دهد تا پس از گواهی رییس واحد مزبور، مراتب به وزارتخانه یا موسسه دولتی مربوط برای رسیدگی و اقدام لازم گزارش گردد. ماده ۲۲ - امین اموال اوراق بهادار که مسئولیت حراست و تحویل و تحول و تنظیم حساب اوراق در حکم وجه نقد را بر عهده دارد وظایف خود را با رعایت این آیین نامه و بر اساس دستورالعملی که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و ابلاغ می‌گردد زیر نظر ذیحساب انجام خواهد داد. ماده ۲۳ - با توجه به اهمیت وظایف و مسوولیت‌های امنای اموال و ضرورت حفظ و حراست اموال دولتی که قسمتی از بیت المال را تشکیل می‌دهد سازمان امور اداری و استخدامی کشور موظف است فوق العاده شغل امین اموال و شغل موزه دار را که از لحاظ رعایت مسوولیت‌های موضوع این آیین نامه در حکم امین اموال می‌باشد و همچنین موارد نظیر را به نحوی پیش‌بینی نماید که انگیزه جذب افراد واجد صلاحیت برای مشاغل مذکور فراهم گردد.

قانون انحلال صندوق مشترک شهرداریها - مصوب ۱۳۶۲/۸/۱۲

ماده واحده - به موجب این قانون صندوق مشترک شهرداریها منحل و به مجمع عمومی صندوق فوق اختیار داده می‌شود که نسبت به

تعیین اعضا هیات تصفیه اقدام نماید. هیات تصفیه بر طبق مقررات قانون تجارت و این قانون نست به امر تصفیه اقدام خواهد نمود. تبصره ۱ - وزارت کشور مکلف است درآمدهای مشروع این صندوق و درآمدهای حاصل از اجرای قانون لغو عوارض دروازه‌ای و سایر درآمدهای مرکزی شهرداریها و وجوه حاصل از بازپرداخت وامهای صندوق مشترک شهرداریها را طبق آیین نامه ای که حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید به منظور نیل به خودکفایی بین شهرداریهای کشور توزیع نماید. تبصره ۲ - باقیمانده وامهای تصویبی و پرداخت نشده صندوق مشترک شهرداریها از تاریخ انحلال غیرقابل پرداخت می‌باشد و اقساط کلیه وامهای پرداختی صندوق مشترک بر طبق قراردادهای منعقد شده بین شهرداریها و صندوق توسط وزارت کشور وصول خواهد شد تا بر اساس آیین نامه موضوع تبصره (۱) این قانون مورد استفاده قرار گیرد. تبصره ۳ - کلیه اموال و دارایی‌های صندوق مشترک در تاریخ انحلالی به حوزه معاونت امور محلی و عمران شهری وزارت کشور انتقال خواهد یافت تبصره ۴ - هیات تصفیه موظف است نسبت به انتقال کارکنان صندوق مشترک به وزارت کشور و حتی الامکان در سازمانهای گسترش وزارت کشور و سایر سازمانهای دولتی شهرداریها و شرکتهای دولتی اقدام نماید. تبصره ۵ - هیات تصفیه تا پایان کار تصفیه می‌تواند از مانده وجوه مربوط به اعتبارات بودجه جاری سال ۱۳۶۱ صندوق نسبت به انجام هزینه‌های جاری مربوط به امر تصفیه اقدام نماید.

تصویبنامه راجع به تعیین مبنای پیمانها و شاخص‌های تعدیل توسط شورای عالی فنی سازمان برنامه و بودجه

روزنامه رسمی شماره ۱۳۳۴۳ - ۲۹/۹/۱۳۶۹ هیات وزیران در جلسه مورخ ۹/۸/۱۳۶۹ بنا به پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه و به استناد ماده (۲۳) قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱ تصویب نمود: شورای عالی فنی در بررسی و تصویب قیمت‌های پایه و ضوابط و دستورالعمل‌های مربوط به آن موارد زیر را ملحوظ نماید. ۱ - تاریخ انتشار فهرست بهای مورد عمل به عنوان شاخص مبنای پیمان تعیین گردد. ۲ - شاخص‌های تعدیل به صورت واقعی و با تناوب‌های حداکثر (۶) ماهه تعیین و منتشر گردد. معاون اول رئیس جمهور - حسن حبیبی

موافقتنامه ، شرایط عمومی و شرایط خصوصی پیمان (بخشنامه به دستگاههای اجرایی ، مهندسان مشاور و پیمانکاران)

شماره ۸۴۲/۵۴ - ۱۰۸۸/۱۰۲ تاریخ ۳/۳/۱۳۷۸ موضوع ابلاغ موافقتنامه شرایط عمومی و شرایط خصوصی پیمانها و مقررات آنها به استناد ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه آیین نامه اجرایی آن و نظام فنی و اجرایی طرحهای عمرانی کشور (مصوبه ۴/۴/۲۴۵۲۵۱۳۷۵) ۱۴۸۹۸ ه هیات وزیران به پیوست ، موافقتنامه ، شرایط عمومی و شرایط خصوصی پیمان کارهای پیمانکاری و مقررات مربوط به آنها که از نوع گروه اول لازم‌الاجرا) به شمار می‌رود ، ارسال می‌شود تا از تاریخ ابلاغ ، برای انعقاد پیمانها مورد عمل قرار گیرد. در مواردی که این مجموعه ، به طور کامل پاسخگوی نیاز کار نیست ، دستگاه اجرایی ، تغییرات مورد نظر خود را به سازمان برنامه و بودجه پیشنهاد می‌نماید تا پس از تایید سازمان برنامه و بودجه ، به مورد اجرا گذاشته شود. پیمانهای حمل و نقل ، پیمانهای خرید مصالح ، تجهیزات و ماشین‌آلات و پیمانهای تهیه و نصب تجهیزات صنعتی که بیشتر از ۷۵ درصد برآورد هزینه آنها مربوط به تهیه تجهیزات و ماشین‌آلات است ، مشمول این بخشنامه نیست محمدعلی نجفی معاون رئیس جمهور و رییس سازمان برنامه و بودجه فصل اول تعاریف و مفاهیم ماده ۱ - پیمان پیمان ، مجموعه اسناد و مدارکی است که در ماده ۲ موافقتنامه پیمان درج شده است ماده ۲ - موافقتنامه موافقتنامه ، سندی است که مشخصات اصلی پیمان ، مانند مشخصات دو طرف ، موضوع ، مبلغ و مدت پیمان ، در آن بیان شده است ماده ۳ - شرایط عمومی شرایط عمومی ، مفاد همین متن است که شرایط عمومی حاکم بر پیمان را تعیین می‌کند.

ماده ۴- شرایط خصوصی شرایط خصوصی، شرایط خاصی است که به منظور تکمیل شرایط عمومی، برای این پیمان، با توجه به وضعیت و ماهیت آن، تنظیم شده است موارد درج شده در شرایط خصوصی، هیچ گاه نمی تواند مواد شرایط عمومی را نقض کند.

ماده ۵- برنامه زمانی اجرای کار الف برنامه زمانی کلی برنامه‌ای است که در آن، زمانبندی کلی کارهای مورد پیمان برحسب ماه، منعکس گشته و در اسناد و مدارک پیمان درج شده است ب برنامه زمانی تفصیلی برنامه‌ای است که زمانبندی فعالیت‌های مختلف کارهای موضوع پیمان، به تفصیل و در چارچوب برنامه زمانی کلی، در آن آمده است ماده ۶- کارفرما کارفرما، شخص حقوقی است که یک سوی امضا کننده پیمان است و عملیات موضوع پیمان را براساس اسناد و مدارک پیمان، به پیمانکار واگذار کرده است نمایندگان و جانشینهای قانونی کارفرما، در حکم کارفرما می باشند. ماده ۷- پیمانکار پیمانکار، شخص حقوقی یا حقیقی است که سوی دیگر امضا کننده پیمان است و اجرای موضوع پیمان را بر اساس اسناد و مدارک پیمان، به عهده گرفته است نمایندگان و جانشینهای قانونی پیمانکار، در حکم پیمانکار می باشند. ماده ۸- مدیر طرح مدیر طرح، شخص حقوقی است که به منظور مدیریت اجرای کار، در چارچوب اختیارات تعیین شده در اسناد و مدارک پیمان، از سوی کارفرما به پیمانکار معرفی می شود. ماده ۹- مهندس مشاور، مهندس ناظر الف مهندس مشاور، شخص حقوقی یا حقیقی است که برای نظارت بر اجرای کار، در چارچوب اختیارات تعیین شده در اسناد و مدارک پیمان، از سوی کارفرما به پیمانکار معرفی می شود. ب مهندس ناظر، نماینده مقیم مهندس مشاور در کارگاه است و در چارچوب اختیارات تعیین شده در اسناد و مدارک پیمان به پیمانکار معرفی می شود. ماده ۱۰- رییس کارگاه رییس کارگاه، شخصی حقیقی دارای تخصص و تجربه لازم است که پیمانکار، او را به مهندس مشاور معرفی می کند تا اجرای موضوع پیمان در کارگاه را سرپرستی کند. ماده ۱۱- پیمانکار جز پیمانکار جز، شخصی حقیقی یا حقوقی است که تخصص در انجام کارهای اجرایی رادارد و پیمانکار برای اجرای بخشی از عملیات موضوع پیمان، با او قرارداد می بندد. ماده ۱۲- کار، کارگاه، تجهیز و برچیدن کارگاه الف کار، عبارت از مجموعه عملیات، خدمات یا اقدامات مورد نیاز، برای آغاز کردن، انجام و پایان دادن عملیات موضوع پیمان است و شامل کارهای دائمی است که باقی خواهد ماند و به عنوان موضوع پیمان تحویل کارفرما می گردد، و کارهای موقتی است که به منظور اجرا و نگهداری موضوع پیمان انجام می شود. ب کارگاه، محل یا محلهایی است که عملیات موضوع پیمان در آن اجرا می شود یا به منظور اجرای پیمان، با اجازه کارفرما از آن استفاده می کنند. کارگاهها با کارخانه‌های تولیدی خارج از محلها و زمینهای تحویلی کارفرما، که به منظور ساخت تجهیزات یا قطعاتی که در کار نصب خواهد شد مورد استفاده قرار می گیرد، جزو کارگاه به شمار نمی آید. ج تجهیز کارگاه، عبارت از عملیات، اقدامها و تدارکاتی است که باید به صورت موقت برای دوره اجرا انجام شود، تا آغاز کردن و انجام دادن عملیات موضوع پیمان، طبق اسناد و مدارک پیمان، میسر شود. د) برچیدن کارگاه، عبارت از جمع آوری مصالح، تجهیزات، تاسیسات و ساختمانهای موقت، خارج کرد مواد زاید، مصالح، تجهیزات، ماشین آلات و دیگر تدارکات پیمانکار از کارگاه و تسطیح و تمیز کردن محلها یا محلهایی که کارفرما می باشد.

ماده ۱۳- مصالح، تجهیزات، مصالح و تجهیزات پای کار، ماشین آلات و ابزار، تاسیسات و ساختمانهای موقت، وسایل الف مصالح، عبارت از مواد، اجناس و کالاهایی است که در عملیات موضوع پیمان مصرف یا نصب شده و در کار باقی می ماند. ب تجهیزات، عبارت از دستگاهها و ماشین آلاتی است که در عملیات موضوع پیمان نصب شده و در کار باقی می ماند. ج مصالح و تجهیزات پای کار، عبارت از مصالح و تجهیزاتی است که پیمانکار، با توجه به اسناد و مدارک پیمان برای اجرای موضوع پیمان، تهیه کرده و در محل یا محلهایی از کارگاه که در طرح جانمایی تجهیز کارگاه به عنوان انبار کارگاه یا محل انباشت مصالح تعیین گردیده است، نگهداری و محافظت می کند. مصالح و تجهیزات موجود در محل مصرف یا نصب نیز مصالح و تجهیزات پای کار نامیده می شود. تبصره- قطعات پیش ساخته و تجهیزاتی که در اجرای موضوع پیمان، با اجازه کارفرما و زیر نظر مهندس مشاور، در کارگاهها یا کارخانه‌های تولیدی خارج از کارگاه ساخته شده است نیز در حکم مصالح و تجهیزات پای کار به شمار می رود. د)

ماشین آلات و ابزار، عبارت از دستگاهها، تجهیزات، ماشین آلات، و به طور کلی، ابزارهای اجرای کار است که به منظور اجرای موضوع پیمان به صورت موقت به کار گرفته می شود. ماشین آلات و ابزار را ممکن است ماشین آلات نیز بنامند. ه) تاسیسات و ساختمانهای موقت، عبارت از انواع ساختمانها، محوطه سازیها، انبارها، تاسیساتاب، برق، سوخت و مخبرات، شالوده دستگاهها، و به طور کلی، تمام تاسیسات و بناهایی که به صورت موقت، برای دوره اجرا تامین شده و جزو کارهای تجهیز کارگاه به شمار می رود. و) وسایل، عبارت از اثاثیه اداری، مسکونی، آشپزخانه و دیگر لوازم مورد نیازی است که برای دوره اجرا تامین شده و جزو تجهیز کارگاه منظور می شود. ماده ۱۴ - برآورد هزینه اجرای کار، مبلغ پیمان، مبلغ اولیه پیمان، مبلغ نهایی پیمان، ضریب پیمان، نرخ پیمان، مدت پیمان، مدت اولیه پیمان، متوسط کارکرد فرضی ماهانه الف برآورد هزینه اجرای کار، مبلغی است که به عنوان هزینه اجرای موضوع پیمان، به وسیله کارفرما محاسبه و اعلام شده است ب مبلغ پیمان، مبلغ درج شده در ماده ۳ موافقتنامه با احتساب مبلغ ناشی از تغییر مقادیر کار و قیمت جدید است مبلغ پیمان هنگام مبادله پیمان، همان مبلغ درج شده در ماده ۳ موافقتنامه است که مبلغ اولیه پیمان نامیده می شود. ج مبلغ نهایی پیمان، مبلغ درج شده در ماده ۳ موافقتنامه و تغییرات احتمالی است که بر اساس اسناد و مدارک پیمان، در آن ایجاد می شود. د) ضریب پیمان، حاصل تقسیم مبلغ اولیه پیمان به مبلغ برآورد هزینه اجرای کار است ه) نرخ پیمان، در مورد هر یک از اقلام کار، عبارت از بهای واحد آن قلم کار در فهرست بهای منضم به پیمان با اعمال ضریب پیمان و ضریبهای پیش بینی شده در فهرست بها و مقادیر کار است در پیمانهایی که مشمول تعدیل آحادها هستند، نرخ پیمان، نرخ محاسبه شده به روش پیشگفته، پس از اعمال تعدیل آحادها می باشد. و) متوسط کارکرد فرضی ماهانه، عبارت از حاصل تقسیم مبلغ اولیه پیمان به مدت اولیه پیمان است ز) مدت پیمان یا مدت اجرای کار، مدت درج شده در بند ب ماده ۴ موافقتنامه و تغییرات احتمالی است که بر اساس ماده ۳۰ در آن ایجاد می شود. مدت پیمان هنگام مبادله پیمان، همان مدت درج شده در ماده ۴ موافقتنامه است که مدت اولیه پیمان نامیده می شود. ماده ۱۵ - روز، ماه، تاریخها، مفرد و جمع، عنوانها الف روز و ماه، روز و ماه تقویمی و شمسی است ب تاریخها طبق تقویم رسمی کشور است ج هر جا که معنای عبارت ایجاب کند، کلمات مفرد معنای جمع و کلمات جمع معنای مفرد دارند د) عنوانهای به کار رفته در متون موافقتنامه یا شرایط عمومی و دیگر قسمتهای اسناد و مدارک پیمان، صرفا به منظور راهنمایی و آگاهی از مفاد اسناد و مدارک است و نمی توان در تفسیر اسناد و مدارک پیمان از آنها استفاده کرد. فصل دوم تاییدات و تعهدات پیمانکار ماده ۱۶ - تاییدات پیمانکار مواد زیر را پیمانکار تایید می نماید: الف تمام اسناد و مدارک موضوع ماده ۲ موافقتنامه را مطالعه نموده و از مفاد آن کاملا آگاه شده است ب نسبت به تامین نیروی انسانی مورد نیاز و تدارک مصالح، تجهیزات، ماشین آلات و ابزار اجرای کار طبق مشخصات در محل یا از نقاط دیگر، اطمینان یافته است ج محل اجرای کار را دیده و بررسی کرده است و از وضعیت آب و هوا، بارندگی و امکان اجرای کار در فصلهای مختلف سال، با توجه به آمار ۲۰ سال پیش از تاریخ ارایه پیشنهاد قیمت و در نظر گرفتن مدت اجرای کار، اطلاع یافته است د) از قوانین و مقررات مربوط به کار، بیمه های اجتماعی، مالیاتها، عوارض و دیگر قوانین و مقررات، که تا تاریخ تسلیم پیشنهاد معمول و مجرا بوده است، کاملا مطلع بوده و متعهد است که همه آنها را رعایت کند. در هر حال، مسئولیت عدم رعایت قوانین و مقررات یاد شده، برعهده پیمانکار است ه) در تهیه پیشنهاد قیمت، سود مورد نظر خود و تمام هزینه های ناشی از مفاد بندهای بالا را در نظر گرفته و بعدا از هیچ بابت، حق درخواست اضافه پرداختی ندارد. به هر حال، پیمانکار تایید می نماید که هنگام تسلیم پیشنهاد، مطالعات کافی انجام داده و هیچ موردی باقی نمانده است که بعدا در مورد آن استناد به جهل خود نماید. ماده ۱۷ - کارکنان الف پیمانکار متعهد است که عملیات موضوع پیمان را به وسیله افرادی که در کار خود تخصص و تجربه کافی دارند، انجام دهد. کسانی که در اجرای این پیمان، خدماتی برای پیمانکار انجام می دهند، کارکنان پیمانکار شناخته می شوند. اگر در اسناد و مدارک پیمان، استفاده از متخصصان خارجی پیش بینی شده باشد، پیمانکار متعهد است قبلا وضعیت استخدام، مانند میزان حقوق و مزایا،

مدت‌استخدام و محل اقامت و مشخصات آنها را به وسیله مهندس مشاور به اطلاع کارفرما برساند و بارعایت مقررات ذی‌ربط و تامین هزینه‌های مربوط ، برای استخدام آنها اقدام کند. کارفرما تسهیلات لازم را برای استخدام متخصصان یاد شده فراهم می‌نماید. تشخیص لزوم و حدود تسهیلات مزبور با کارفرماست و این مساعدت از مسئولیت پیمانکار نمی‌کاهد. ب تامین نیروی انسانی مورد نیاز و محل سکونت مناسب ، آب آشامیدنی و روشنایی کافی برایشان به عهده پیمانکار است پیمانکار باید برای تدارک دائمی آذوقه کارگران ، اقدامات لازم به عمل آورد ، بدون آنکه این اقدام برای وی حق انحصاری ایجاد کند و به آزادی کارگران در تامین مواد مورد نیاز آنها ، از هر منبعی که مایل به تحصیل آن باشند ، محدودیتی وارد سازد. بهای آذوقه که بدین ترتیب از طرف پیمانکار تهیه می‌شود ، نباید از بهای جنس مشابه در نزدیکترین شهر یا محل گرانتر باشد و پیمانکار نمی‌تواند هزینه‌های دیگری ، مانند هزینه حمل را به قیمت‌های خرید اضافه کند. ج کارکنان ایرانی کارگاه باید دارای شناسنامه و کارکنان بیگانه کارگاه باید دارای پروانه اقامت و اجازه کار باشند. د) پیمانکار نباید کارکنان شاغل کارفرما وزارتخانه‌ها ، سازمانها و شرکتهای دولتی و شهرداریها را بدون اجازه مسئولان ذی‌ربط استخدام نماید. همچنین پیمانکار باید از به کار گماشتن اشخاصی که استخدام آنها از نظر اداره وظیفه عمومی مجاز نیست خودداری کند. ه) پیمانکار موظف است که برای کارگران کارنامه کارکرد روزانه صادر کند و در اختیار آنان قرار دهد. مهندس ناظر می‌تواند از ادامه کارگران بدون کارنامه جلوگیری نماید. و) پیمانکار متعهد است که دستمزد کارگران خود را طبق قانون کار مرتباً پرداخت کند. در صورتی که در پرداخت دستمزد کارگردان تاخیری پیش آید ، مهندس مشاور به پیمانکار اخطار می‌کند که طلب کارگران را پرداخت نماید. در صورت استنکاف پیمانکار ، کارفرما می‌تواند دستمزد کارگران را برای ماه یا ماههایی که صورت وضعیت آن به پیمانکار پرداخت شده است ، طبق کارنامه‌های کارگری که در دست کارگران و دارای امضای رییس کارگاه است ، با توجه به پرداختهای علی الحساب که به آنها شده است ، با حضور نماینده مهندس مشاور و پیمانکار ، از محل مطالبات پیمانکار پرداخت کند و مبلغ پرداختی را به اضافه ۱۵ درصد ، به حساب بدهی پیمانکار منظور نماید و اگر مطالبات پیمانکار کافی نباشد ، از محل تضمینهای پیمانکار تامین کند. در صورتی که نماینده پیمانکار ، با وجود اخطار مهندس مشاور ، از حضور برای پرداختها خودداری کند ، کارفرما پرداخت مزبور را انجام می‌دهد ، بدون اینکه پیمانکار حق اعتراضی بر این عمل و مبلغ پرداختی و تعداد کارگران و میزان استحقاقیانان داشته باشد. در صورت تکرار تاخیر در پرداخت دستمزد کارگران به مدت بیش از یک ماه ، برای ماهی که صورت وضعیت آن پرداخت شده است ، کارفرما می‌تواند پیمان را فسخ نماید. ز) پیمانکار می‌کوشد تا حد ممکن ، کارگران مورد نیاز خود را از بین ساکنان منطقه اجرای کار ، که صلاحیت انجام کارهای موضوع پیمان را داشته باشند ، انتخاب کند و به کار گمارد. ح پیمانکار موظف به اجرای مقررات بیمه‌های درمانی و اجتماعی ، مقررات و دستورالعملهای حفاظت فنی و بهداشت کار است ط در اجرای این پیمان ، پیمانکار در مقابل کارفرما ، مسئول اعمال کارکنان خود است ، هرگاه کارکنان و کارگران پیمانکار و پیمانکاران در صلاحیت لازم را برای انجام کار مربوط را نداشته باشند نظم کارگاه شوند ، مهندس مشاور یا مهندس ناظر ، مراتب را برای بار اول به رییس کارگاه تذکر می‌دهد ، و در صورت تکرار ، می‌تواند از پیمانکار بخواهد که متخلفان را از کار برکنار کند. در این صورت ، پیمانکار مکلف به اجرای این دستور است و حق ندارد برکنار شدگان را بار دیگر در همان کارگاه به کار گمارد. د اجرای این دستور از مسئولیت‌های پیمانکار نمی‌کاهد و ایجاد حقی برای او نمی‌کند. ماده ۱۸ - مسئولیت حسن اجرای کار ، برنامه کار ، گزارش پیشرفت کار ، هماهنگی با پیمانکاران دیگر ، رییس کارگاه الف پیمانکار مسئولیت کامل حسن اجرای کارهای موضوع پیمان را طبق اسناد و مدارک پیمان به عهده دارد. ب پیمانکار متعهد است که سازمان ، روش اجرا و برنامه زمانی تفصیلی اجرای کار را طبق نظر مهندس مشاور بر اساس نقشه‌های موجود و برنامه زمانی کلی تهیه کند و ظرف یک ماه از تاریخ مبادله پیمان ، یا مدت دیگری که در اسناد و مدارک پیمان تعیین شده است ، تسلیم مهندس مشاور نماید تا پس از اصلاح و تصویب کارفرما برای اجرا به پیمانکار ابلاغ شود. اگر در اسناد و

مدارک پیمان، جزئیاتی برای چگونگی تهیه برنامه زمانی تفصیلی و به هنگام کردن آن تعیین شده باشد، پیمانکار ملزم به رعایت آن می‌باشد. ج در صورتی که حین اجرای کار، پیمانکار تشخیص دهد که تغییراتی در برنامه زمانی تفصیلی ضروری است، موظف است که پیش از رسیدن موعد انجام کارهایی که به نظر او باید در برنامه آن تغییر داده شود، مراتب را با ذکر دلیل، به مهندس مشاور اطلاع دهد. مهندس مشاور، تغییرات مورد تقاضای پیمانکار را در قالب برنامه زمانی کلی رسیدگی می‌کند و آنچه را که قبول است، پس از تصویب کارفرما، به پیمانکار ابلاغ می‌کند. بدیهی است که این تغییرات در حدود مندرجات پیمان، از میزان تعهدات و مسئولیتهای پیمانکار نمی‌کاهد. اگر تغییر برنامه زمانی تفصیلی از سوی مهندس مشاور مطرح شود، پیمانکار با توجه به نظر مهندس مشاور، تغییرات برنامه زمانی تفصیلی را تهیه می‌کند و به شرح پیشگفته، برای طی مراتب بررسی و تصویب، تسلیم مهندس مشاور می‌نماید. (د) پیمانکار متعهد است که هماهنگی لازم را با دیگر پیمانکاران یا گروههای اجرایی متعلق به کارفرما، که به نحوی با موضوع قرارداد مرتبط هستند، به عمل آورند. برنامه ریزی چگونگی این هماهنگی توسط مهندس مشاور به پیمانکار ابلاغ می‌شود. ه) پیمانکار مکلف است که در پایان هر ماه گزارش کامل کارهای انجام شده در آن ماه را تهیه نماید. شکل و چگونگی تهیه گزارش را مهندس مشاور تعیین می‌کند. این گزارش، شامل مقدار و درصد فعالیتهای انجام شده، میزان پیشرفت یا تاخیر نسبت به برنامه زمانی تفصیلی، مشکلات و موانع اجرایی، نوع و مقدار مصالح و تجهیزات وارد شده، به کارگاه تعداد و نوع ماشین آلات موجود و آماده به کار، تعداد و تخصص نیروی انسانی موجود و دیگر اطلاعات لازم می‌باشد. در صورتی که جزئیات دیگری برای چگونگی تهیه گزارش پیشرفت کار در اسناد و مدارک پیمان تعیین شده باشد، پیمانکار موظف به رعایت آن است و) پیمانکار متعهد است که یک نسخه از برنامه، نمودارها و جدولهای پیشرفت کار را در کارگاه آماده داشته باشد تا در صورت لزوم، مهندس مشاور و کسانی که اجازه بازدید از کارگاه را دارند، از آن استفاده کنند. ز) پیمانکار باید پیش از آغاز عملیات، شخص واجد صلاحیتی را که مورد قبول مهندس مشاور باشد، به عنوان رئیس کارگاه معرفی نماید. رئیس کارگاه باید در اوقات کار در کارگاه حاضر باشد و عملیات اجرای، با مسئولیت و نظارت او انجام شود. اگر ضمن کار معلوم شود که رئیس کارگاه قادر به انجام وظایف خود نیست، مهندس مشاور، با ذکر دلیل، درخواست تعویض او را از پیمانکار خواهد کرد و پیمانکار مکلف است ظرف یک ماه، شخص واجد صلاحیت دیگری را که مورد قبول مهندس مشاور باشد، معرفی کند. پیمانکار باید به منظور اجرای کار و دریافت دستور کارها و نقشه‌ها از مهندس مشاور و همچنین برای تنظیم صورت وضعیتهای موقت، اختیارات کافی به رئیس کارگاه بدهد. هر نوع اخطار و اعلام که مربوط به اجرای کار باشد و از طرف مهندس مشاور یا نماینده او به رئیس کارگاه ابلاغ شود، در حکم ابلاغ به پیمانکار است. پیمانکار می‌تواند در صورت لزوم رئیس کارگاه را عوض کند، مشروط به اینکه پیش از تعویض، مراتب را به اطلاع مهندس مشاور برساند و صلاحیت جانشین او مورد قبول نامبرده باشد. ماده ۱۹ - کنترل نقاط نشانه پیاده کردن نقشه‌ها، اندازه گیریها الف پیمانکار، پیش از آغاز عملیات موضوع پیمان، باید نقاط نشانه و مبدأ را از لحاظ تطبیق بانقشه‌ها کنترل نماید و در صورتی که اختلافی موجود نباشد، درستی آنها را تایید و اعلام دارد و در صورتی که اختلافی وجود داشته باشد، مراتب را به اطلاع مهندس مشاور برساند تا وضع موجود بامهندس مشاور و کارفرما صورت مجلس شود و ملاک شروع عملیات قرار گیرد. بدیهی است که پس از آغاز عملیات، هیچگونه اعتراضی از جانب پیمانکار در این زمینه پذیرفته نیست پس از تحویل هر قسمت از کارگاه، پیمانکار باید بی درنگ، نقاط نشانه و مبدأ و همچنین علایم مربوط به آنها را با بتن یا مصالح بنایی تثبیت نماید و در طول مدت اجرای کار تا تحویل موقت به هزینه خود حفظ و نگهداری کند. ب پیمانکار متعهد است که نقشه‌ها، امتدادها و محورها را با نظارت مهندس مشاور پیاده کند و درستی آنها را با مهندس مشاور صورت مجلس کند. در صورتی که هنگام پیاده کردن نقشه‌ها، امتدادها و محورها، اختلافی در مورد تراز زمین طبیعی با تراز آنها در مدارک فنی مشاهده شود، وضع موجود را پیمانکار و مهندس مشاور و کارفرما صورت مجلس می‌کنند. تراز کف پی بناها و

زیرسازی راهها و تمام عملیاتی که پس از انجام کار پوشیده می‌شوند و بعداً مریی نیستند، یا به هر صورت، کنترل و اندازه‌گیری کامل آنها میسر نباشد، باید پیش از پوشیدن شدن یا از بین رفتن آثار آنها، صورت‌مجلس شود و به امضای مهندس ناظر و رییس کارگاه برسد. این صورت‌مجلسها، ملاک اندازه‌گیری‌ها در تنظیم صورت وضعیت‌هاست اگر پیمانکار عملیاتی را که باید مورد آزمایش یا بازدید قرار گیرد و تایید شود، پیش از آنکه اقدامات پیشگفته انجام شود ببوشاند، موظف است پوششهای انجام شده را به هزینه خود بردارد و پس از انجام آزمایشها و بازدیدهای لازم و تایید انجام کار از سوی مهندس ناظر، به هزینه خود، نسبت به پوشش مجدد و اصلاح کار اقدام کند. ج اندازه‌گیریها بر اساس نقشه‌های اجرایی، دستور کارهای اجرا شده و صورت‌مجلسها، که شامل کروکیهای لازم و روشن است، انجام می‌شود. ماده ۲۰ - تجهیز کارگاه، تدارک مصالح، تجهیزات و ماشین آلات الف پیمانکار موظف است که پس از تحویل گرفتن کارگاه، با توجه به مدت تعیین شده برای تجهیز، طرح جانمایی تجهیز کارگاه را تهیه کرده و پس از تایید مهندس مشاور، آن را مبنای تجهیز کارگاه قرار دهد. تامین آب، برق، سوخت و مخابرات، و به طور کلی تجهیز کامل کارگاه، به نحوی که برای اجرای کار طبق اسناد و مدارک پیمان لازم است، به عهده پیمانکار می‌باشد، مگر آنکه در اسناد و مدارک پیمان، ترتیب دیگری پیش‌بینی شده باشد. ب تامین نیروی انسانی، مصالح و تجهیزات، ماشین آلات و ابزار به عهده پیمانکار است، مگر آنکه در اسناد و مدارک پیمان، ترتیب دیگری پیش‌بینی شده باشد. مصالح و تجهیزاتی که پیمانکار برای انجام عملیات موضوع پیمان تهیه و در کارگاه نگهداری می‌کند باید به قرار زیر باشد: (۱) اگر منابع تهیه مصالح و تجهیزات در اسناد و مدارک پیمان تعیین شده یا بعداً معین شود، باید از همان منابع تهیه گردید. نمونه یا کاتالوگ فنی مصالح و تجهیزات از نظر تطبیق با مشخصات فنی، پیش از سفارش، به تایید مهندس مشاور برسد. در هر حال، از نظر مرغوبیت باید کاملاً طبق مشخصات فنی باشد و مورد تایید مهندس مشاور قرار گیرد. (۲) ذکر منابع تهیه مصالح و تجهیزات در اسناد و مدارک پیمان یا تعیین آنها ضمن اجرا، از تعهدات پیمانکار در قبال مصالح و تجهیزات و کافی نمی‌گاهد. بدین روی، پیمانکار موظف است با مطالعه کافی نسبت به امکانات محلی و کیفیت منابع تهیه مصالح و تجهیزات، نظر و پیشنهاد خود را تسلیم مهندس مشاور کند. در صورتی که استفاده از این قبیل منابع مورد موافقت مهندس مشاور و کارفرما قرار گیرد. اقدام به تهیه و حمل آنها نماید. بدیهی است که کارفرما این حق را دارد که منابع تهیه مصالح را تغییر دهد و پیمانکار موظف به رعایت آن می‌باشد. اگر به مناسبت این تغییر محل، اضافه یا کسر هزینه‌ای بابت تغییر مسافت حمل یا عوامل دیگر ایجاد شود، تفاوت بها، به اقتضای مورد، از پیمانکار کسر یا به او پرداخت می‌شود. پیمانکار ملزم به رعایت مقررات مربوط به استخراج و بهره‌برداری شن و ماسه و دیگر مصالح معدنی است (۳) نوع مقدار و تاریخ ورود مصالح و تجهیزات به کارگاه باید با مهندس ناظر صورت‌مجلس شود. مصالح باید به طور مرتب به نحوی انبار شود که تمام آن به سهولت قابل بازرسی، شمارش یا اندازه‌گیری باشد. انبار مصالح باید از هر لحاظ قابل حفاظت بوده تا مصالح در مقابل عوامل جوی و عوامل دیگر مصون باشد. ج هرگاه تهیه یا توزیع مصالح و لوازمی در داخل کشور در انحصار دولت باشد، کارفرما تسهیلات لازم برای تهیه آن مصالح و لوازم را فراهم می‌کند. اگر تهیه بعضی از مصالح یا لوازم، طبق مشخصات ذی‌ربط در داخل کشور میسر نباشد و ورود آنها هم از طرف دولت ممنوع شده یا بشود، کارفرما یا خودش اجازه ورود مصالح و لوازم مزبور را برای پیمانکار تحصیل می‌کند یا مشخصات را تغییر می‌دهد. (د) در مواردی که مصالح و تجهیزاتی باید به وسیله پیمانکار از خارج کشور تهیه شود، کارفرما اجازه ورود آنها را از سازمانهای ذی‌ربط به هزینه پیمانکار تحصیل می‌نماید. همراه ضمن اجرای کار، محدودیتهای جدید پیش‌آید که به علت آن، پیمانکار نتواند مصالح و تجهیزات مورد نیاز اجرای کار را، در مدتی که برنامه پیشرفت کار ایجاد می‌کند، از خارج از کشور تهیه و وارد کند، مراتب را با ذکر دلیل و ارایه انسان از طریق مهندس مشاور به اطلاع کارفرما می‌رساند تا با توجه به برنامه زمانبندی کار، کارفرما در مورد چگونگی تامین این قبیل مصالح و تجهیزات، تصمیم‌گیری نماید. (ه) در صورتی که در اسناد و مدارک پیمان، مشخصاتی برای ماشین آلات و ابزار اجرای کار

تعیین شده باشد، پیمانکار باید آن را طبق مشخصات تعیین شده، تامین کند. هرگاه ضمن اجرای کار، مهندس مشاور تشخیص دهد که ماشین آلات و ابزار موجود پیمانکار، برای اتمام کار در مدت پیمان کافی نیست یا مشخصات آنها برای اجرای کار، مناسب نیست، مراتب را به پیمانکار ابلاغ می‌کند. پیمانکار مکلف است که ماشین آلات و ابزار خود را طبق نظر مهندس مشاور و در مدتی که نامبرده تعیین می‌نماید، تکمیل و تقویت کند، بدون اینکه برای این کار، ادعای خسارت یا هزینه اضافی از کارفرما داشته باشد. (و) پیمانکار نمی‌تواند ماشین آلات و ابزاری را که برای عملیات لازم است، از کارگاه خارج کند. در مورد بیرون بردن ماشین آلاتی که در کارگاه مورد نیاز نیست، پیمانکار، تقاضای بیرون بردن ماشین آلات مزبور را به مهندس مشاور تسلیم می‌کند. مهندس مشاور، به تقاضای او رسیدگی می‌کند، و در صورتی که موجه باشد اجازه خروج می‌دهد. (ز) در صورتی که طبق اسناد و مدارک پیمان، تامین اقلامی از تجهیزات که پیمانکار باید نصف کند و به صورت دائم کار باقی بماند در تعهد کارفرما باشد پیمانکار مسئول عملکرد ناقص احتمالی این تجهیزات نیست، مگر آنکه ثابت شود که نقص آنها مربوط به کار پیمانکار است. اگر در اسناد و مدارک پیمان، تکلیفی برای تهیه غذا، مسکن و دفتر کارکنان کارفرما، مهندس مشاور و آزمایشگاه در محل کار به عهده پیمانکار گذاشته شود، پیمانکار موظف به تامین آنها، طبق شرایط پیش‌بینی شده می‌باشد. ماده ۲۱ - حفاظت از کار و شخص ثالث، بیمه کار، مراقبتهای لازم الف پیمانکار از روز تحویل کارگاه تا روز تحویل موقت عملیات موضوع پیمان، مسئول حفظ و نگهداری کارهای انجام شده، مصالح، تجهیزات، ماشین آلات و ابزار، زمینها، راهها، تاسیسات و بناهایی می‌باشد که زیر نظر و مراقبت او قرار دارد، و به همین منظور اقدامات لازم را برای نگهداری و حفاظت آنها در داخل کارگاه در مقابل عوامل جوی و طغیان آب رودخانه و سرقت و حریق و مانند اینها به عمل می‌آورد. در چارچوب مقررات و دستورالعملهای حفاظت فنی و بهداشت کار، مسئول خسارتهای وارد شده به شخص ثالث در محوطه کارگاه است، و در هر حال، کارفرما در این مورد هیچ نوع مسئولیتی به عهده ندارد. کارفرما و مهندس مشاور می‌توانند رد صورت مشاهده عدم رعایت دستورالعملهای حفاظت فنی و بهداشت کار، دستور توقف بخشی از کار را که دارای ایمنی لازم نیست تا برقرار ایمنی طبق دستورالعملهای یاد شده صادر نماید. در این حالت، پیمانکار حق مطالبه خسارت در اثر دستور توقف کار را ندارد. پیمانکار متعهد است که تدابیر لازم را برای جلوگیری از وارد شدن خسارت و آسیب به املاک مجاور اتخاذ نماید، و اگر در اثر سهل انگاری او خسارتی به املاک و تاسیسات مجاور یا محصول آنها وارد آید، پیمانکار مسئول جبران آن می‌باشد. ج پیمانکار مکلف است که پیش از شروع کار، تمام یا آن قسمت از کارهای موضوع پیمان را که در اسناد و مدارک پیمان تعیین شده است، در مقابل مواردی از حوادث مذکور در اسناد یاد شده به نفع کارفرما نزد موسسه‌ای که مورد قبول کارفرما باشد بیمه نموده و بیمه نامه‌ها را به کارفرما تسلیم کند. بیمه نامه‌ها باید تا تاریخ تحویل موقت اعتبار داشته باشد، تا زمانی که تحویل موقت انجام نشده است، پیمانکار مکلف است که بیمه نامه‌ها را تا مدتی که لازم است تمدید کند. کارفرما هزینه‌های مربوط به بیمه به شرح پیشگفته را در مقابل ارایه اسناد صادر شده از سوی بیمه گر، عیناً به بیمه پرداخت می‌کند. آن قسمت از هزینه بیمه که مربوط به مدت تاخیر غیرمجاز پیمانکار باشد، به حساب بدهی پیمانکار منظور می‌شود. در صورت بروز حادثه‌ای که باعث از بین رفتن تمام یا قسمتی از کارهای انجام یافته و مصالح و تجهیزات پای کار شود، پیمانکار موظف است که اولاً مراتب را فوراً به کارفرما و مهندس مشاور و طبق مقررات بیمه به بیمه گر اطلاع دهد، ثانیاً طبق دستور کارفرما یا مهندس مشاور کارها را به حالت اولیه باز گرداند. برنامه زمانی انجام کارهای پیشگفته توسط پیمانکار تهیه می‌گردد و پس از تایید مهندس مشاور و کارفرما به اجرا در می‌آید. کارفرما خسارتهای وارد شده بر آنچه را که بیمه شده است از بیمه گر وصول می‌نماید و مبلغ وصول شده از بیمه گر را برای تجدید عملیات به تناسب پیشرفت کار و طبق هزینه تمام شده اعم از هزینه مستقیم یا غیرمستقیم (بالا- سری با تایید مهندس مشاور به تدریج تا اعاده کار به حالت حادثه، خسارت دریافتی از بیمه گر برای اعاده کارها به حالت اولیه کافی باشد، در صورتی که تکلیف بیمه کار در اسناد و مدارک پیمان تعیین نشده باشد، پیش از

شروع کار، پیمانکار چگونگی بیمه کار را از کارفرما استعلام می‌نماید و کارفرما در مدت ۱۰ روز کارها و حوادث مشمول بیمه را تعیین و به پیمانکار ابلاغ می‌کند تا پیمانکار طبق مفاد این بند، در مورد بیمه کار اقدام کند. اگر کارفرما عملیات موضوع پیمان را بیمه نکند، در صورت وقوع حادثه جبران خسارتهای وارد شده به عهده او می‌باشد. (د) پیمانکار موظف است که تمام ساختمانها و تاسیسات موقت، ماشین آلات و ابزار وسایل کارگاه را، که متعلق به او یا در اختیار اوست و برای انجام عملیات موضوع پیمان به کار می‌گیرد، به هزینه خود بیمه کند و رونوشت بیمه نامه‌ها را به کارفرما تسلیم نماید. ماشین آلات و ابزاری را که کارفرما در اختیار پیمانکار قرار می‌دهد، کارفرما بیمه می‌کند. (ه) پیمانکار موظف است که روشنایی قسمتهایی از داخل کارگاه را که باید روشن باشد تامین کند، و همچنین تمام علایم راهنمایی و خطر و وسایل حفاظتی، و در صورت لزوم، حصار کشی را فراهم نماید و تعداد کافی نگهبان و مراقب در هر جا که لازم باشد بگمارد. (و) پیمانکار متعهد است که عملیات اجرایی خود را طوری انجام دهد که راه عبور مناسبی در پیاده رو و سواره رو برای عبور و مرور رهگذران و وسایط نقلیه همواره باز بماند و مصالح خود را در محلهایی انبار کند که موجب ناراحتی یا زحمت ساکنان اطراف، یا رهگذران نشود. استفاده از ماشین آلات و ابزار در ساعات عادی کار، و در نتیجه، صدای آنها و همچنین استفاده از راههای معین به منظور انجام عملیات، مزاحمت تلقی نمی‌شود. در مواردی که اجرای کار ایجاب کند که قسمتی از سواره رو یا پیاده رو برای مدتی موقت و با اطلاع مهندس مشاور یا مهندس ناظر به کلی مسدود شود، پیمانکار باید با کسب مجوز لازم از مقامات محلی عبور و مرور را با راههای انحرافی که مسیر آنها باید به تایید مهندس مشاور برسد، تامین کند. کارفرما نیز مساعدت لازم را برای تحصیل مجوزهای مورد نیاز به عمل می‌آورد. اگر ترتیب احتساب و پرداخت هزینه ایجاد و نگهداری راههای انحرافی در اسناد و مدارک پیمان معین نشده باشد، این هزینه‌ها به عهده پیمانکار است همچنین پیمانکار متعهد است که در حمل مصالح و ماشین آلات و عبور آنها از راهها، پلها و تونلها، رعایت قوانین، مقررات و استانداردها را بکند و اگر عبور ماشین یا مصالحی ترتیب خاصی را ایجاب کند، با نظر کارفرما یا مهندس مشاور اقدام نماید. هرگاه پیمانکار برخلاف مفاد این بند رفتار کند، مسئول جبران خسارتهای وارد شده می‌باشد. (ز) پیمانکار متعهد است که انتظامات کارگاه را تامین کند و از ورود اشخاص غیر مجاز و کسانی که باعث اختلال نظم کارگاه می‌شوند خود یا توسط مقامات انتظامی جلوگیری کند. ح هرگاه پیمانکار در اجرای تمام یا قسمتی از موارد درج شده در این ماده سهل انگاری یا کوتاهی کند و از انجام تعهداتی که طبق آن به عهده گرفته است خودداری نماید، کارفرما حق دارد آن تعهدات را به جای پیمانکار انجام دهد و هزینه‌های انجام شده و خسارت وارد شده را به اضافه ۱۵ درصد به حساب بدهی پیمانکار منظور کرده و از مطالبات وی کسر نماید. در این صورت هرگونه ادعای پیمانکار نسبت به این قبیل پرداختها و همچنین نسبت به تشخیص کارفرما، خواه از نظر اساس تخلف و خواه از نظر مبلغ پرداختی، بی اثر می‌باشد. ماده ۲۲ - ترتیب گردش مدارک، نقشه‌ها و ابلاغ دستور کارها الف تمام نقشه‌ها، مشخصات، دستورالعملها و استانداردهای فنی که داری مهر و امضای مهندس مشاور است، به تعداد نسخه‌های درج شده در اسناد و مدارک پیمان و در صورتی که در اسناد و مدارک پیمان تعداد نسخه معین نشده باشد، در دو نسخه بدون دریافت هزینه، در اختیار پیمانکار قرار می‌گیرد. در صورت نیاز پیمانکار، نسخه‌های اضافی به هزینه او تکثیر می‌شود. پیمانکار باید یک نسخه از نقشه‌ها و مشخصات، با آخرین تغییرات آنها را همیشه در کارگاه نگهداری کند، تا در صورت لزوم، به منظور بازرسی کارها در اختیار مهندس مشاور، کارفرما یا نمایندگان آنها قرار گیرد. نسخه اصل نقشه‌ها و مدارک تا پایان کار نزد مهندس مشاور باقی می‌ماند. ب پیمانکار موظف است که پیش از آغاز هر قسمت از کار، تمام نقشه‌ها، دستورالعملها و دیگر اسناد و مدارک فنی مربوط به آن قسمت را با دقت مطالعه کند و اندازه درج شده در نقشه‌ها را کنترل نماید، به نحوی که هیچگونه ابهامی از نظر چگونگی اجرای کار برای خود و کارکنانش باقی نماند. به‌طور کلی، کمبود نقشه برای هر قسمت از کار هرگز از تعهدات پیمانکار مبنی بر اجرای کامل کار نمی‌کاهد. در صورت مشاهده اشتباه در اندازه‌ها یا هرگونه ابهام یا کسری در مدارک، نقشه‌ها

دستورالعملها، پیمانکار باید به موقع رفع نقص آنها را از مهندس مشاور درخواست کند. مهندس مشاور موظف است که با توجه به برنامه زمانی اجرای کار، برای تکمیل نقشه‌ها و ابلاغ به پیمانکار اقدام کند. ج هرگاه پیمانکار در مورد درستی بعضی نقشه‌ها و محاسبات یا دستور کارها یا مشخصات مصالح و تجهیزاتی که بنا به دستور کارفرما از منابع معینی تحصیل می‌شود ایرادی داشته باشد، باید با توجه به برنامه زمانی تفصیلی، مراتب را با ذکر دلیل به اطلاع مهندس مشاور برساند. در صورتی که مهندس مشاور، درستی مدارک پیشگفته را تایید کند، ولی پیمانکار همچنان نسبت به آنها ایراد داشته باشد، پیمانکار باید موضوع را به کارفرما منعکس نماید و پس از دریافت نظر کارفرما، طبق نظر و انجام دهد. در چنین حالتی، پیمانکار فقط مسئول اجرای درست کار است و در مورد صحت نقشه‌ها، مشخصات، محاسبات و دستور کارهای مربوط، مسئولیتی ندارد. هزینه رفع عیب و نقص در چنین مواردی به عهده پیمانکار نمی‌باشد. (د) پیمانکار، نقشه‌های کارگاهی را که نقشه‌های جزییات ساخت قطعات و قسمتهای از کار است، در صورت نیاز ضمن اجرای کار، بر اساس نقشه‌های اجرایی، مشخصات فنی و دستورالعمل سازندگان، تهیه می‌کند و در سه نسخه، که یک نسخه آن قابل تکثیر باشد، تسلیم مهندس مشاور می‌نماید. مهندس مشاور، نقشه‌های یاد شده را پس از بررسی و اصلاح لازم، تایید و در یک نسخه به پیمانکار ابلاغ می‌کند. نسخه قابل تکثیر این مدارک نزد مهندس مشاور نگهداری می‌شود. (ه) نقشه‌های چون ساخت، نقشه‌های کارهای انجام شده به نحوی که اجرا شده‌اند، می‌باشد و شامل تمام نقشه‌های اجرایی، اعم از تغییر یافته یا بدون تغییر است پیمانکار باید نقشه‌های چون ساخت و به تدریج و طبق نظر مهندس مشاور، در سه نسخه که یک نسخه آن قابل تکثیر باشد تهیه کند و برای بررسی و تایید به مهندس مشاور بدهد. مهندس مشاور، یک نسخه از نقشه‌های چون ساخت تایید شده را در اختیار پیمانکار قرار می‌دهد. (و) پیمانکار باید مشخصات فنی، نقشه‌ها و دستورالعملهای نصب، راه اندازی و بهره‌برداری تجهیزاتی را که تامین آن به عهده اوست، از سازنده آنها بگیرد و در دو نسخه به مهندس مشاور بدهد. مهندس مشاور بر اساس مدارک سازنده، نقشه‌های اجرایی محل استقرار تجهیزات یاد شده را تهیه و برای اجرا به پیمانکار ابلاغ می‌کند. (ز) مهندس مشاور، تمام موافقتها، معرفیها، تصویبها، اخطارها و دستور کارها را به صورت کتبی، به پیمانکار ابلاغ می‌کند و در موارد لزوم به نحو پیش‌بینی شده در اسناد و مدارک پیمان به تایید کارفرما نیز می‌رساند و سپس به پیمانکار ابلاغ می‌کند. پیمانکار، پس از وصول دستور کارها، می‌تواند برای اصلاح آنها اظهار نظر کند. اما در هر حال موظف به اجرای چنین دستور کارهایی است در موارد صدور دستور کار شفاهی از سوی مهندس مشاور، پیمانکار می‌تواند درخواست ابلاغ کتبی آنها را بنماید و مهندس مشاور نیز موظف است که دستور کارها را کتبی به پیمانکار ابلاغ کند، در غیر این صورت، این دستور کارها برای پیمانکار معتبر نیست مهندس مشاور یک نسخه رونوشت از تمام نامه‌های ابلاغی، همراه با نقشه‌ها، دستور کارها و صورت جلسه‌ها را برای کارفرما ارسال می‌کند. ح پیش از تحویل موقت کار طبق ماده ۳۹، پیمانکار دستورالعملهای راه اندازی، راهبری، تعمیر و نگهداری را همراه با نقشه‌های چون ساخت در سه نسخه، که یک نسخه آن قابل تکثیر باشد، به مهندس مشاور می‌دهد. مدارک یاد شده باید به نحوی باشد که راهبری، تعمیر و نگهداری تمام قسمتهای موضوع پیمان به سهولت انجام شود. در صورتی که در اسناد و مدارک پیمان، تعداد نسخه یا مشخصات ویژه‌ای برای مدارک موضوع این بند تعیین شده باشد، طبق آن عمل می‌شود. ماده ۲۳ - حفاظت تاسیسات زیربنایی و تغییر وضع آنها پیمانکار باید عملیات موضوع پیمان را به نحوی اجرا کند که به تاسیسات زیربنایی موجود در کارگاه، مانند خطوط آب، برق، گاز، مخابرات و مانند اینها، آسیبی وارد نشود. هرگاه در اثر عمل پیمانکار، به تاسیسات یاد شده صدماتی وارد شود، پیمانکار متعهد است که هزینه ترمیم و برقراری مجدد آنها را بپردازد. هرگاه پیمانکار نسبت به جبران خسارت وارد شده اقدام لازم و فوری به عمل نیاورد، کارفرما می‌تواند به هر طریق که مصلحت بپندارند، برای رفع نقص و خسارت اقدام کند و هزینه آن را به اضافه ۱۵ درصد به حساب بدهی پیمانکار منظور کند و پیمانکار، از این بابت، حق هیچ گونه اعتراضی ندارد. در صورتی که موقعیت تاسیسات زیرزمینی در اسناد و مدارک پیمان مشخص نشده باشد، پیمانکار باید با توجه به برنامه

زمانی اجرای کار، تعیین وضعیت آنها را از مهندس مشاور اعلام کند و پس از اعلام نظر مهندس مشاور، برای عملیات حفاری اقدام نماید. بدین ترتیب، مسئولیت پیمانکار در مورد بروز هر نوع حادثه و پرداخت خسارت و هزینه‌های پیشگفته در مورد تاسیسات زیرزمینی، منوط به آن است که نوع محل یا مسیر تاسیسات مزبور به اطلاع پیمانکار رسیده یا در اسناد و مدارک پیمان مشخص ده باشد. هرگاه انجام عملیات موضوع پیمان، تغییر وضع تاسیسات یاد شده را ایجاب کند، پیمانکار به کارفرما اطلاع می‌دهد تا سازمانهای ذیربط، برای تغییر وضع آنها اقدام کنند. هزینه‌های مربوط به عملیات یاد شده به عهده کارفرماست ماده ۲۴ - واگذاری پیمانکاران جز الف پیمانکار حق واگذاری پیمان به دیگران را ندارد. ب پیمانکار می‌تواند به منظور تسهیل و تسریع در اجرای قسمت یا قسمتهایی از عملیات موضوع پیمان، پیمانهایی یا پیمانکاران جز ببندد، مشروط به آنکه آنان را از واگذاری کار به دیگران ممنوع کند در صورتی که در اسناد و مدارک پیمان، کارفرما، لزوم تایید صلاحیت پیمانکاران جز را پیش‌بینی کرده باشد، پیمانکار موظف است که تایید کارفرما را در این مورد تحصیل نماید. این واگذاری نباید از پیشرفت کار طبق برنامه زمانی اجرای کار بکاهد، و به هر حال، به هیچ روی، از مسئولیت و تعهدات پیمانکار نمی‌کاهد. پیمانکار مسئول تمام عملیاتی است که توسط پیمانکاران جز یا کارکنان آنها انجام می‌شود. در پیمانهای بین پیمانکار و پیمانکاران جز باید نوشته شود که در صورت بروز اختلاف بین آنها، کارفرما حق دارد، در صورتی که مقتضی بداند، به مورد اختلاف رسیدگی کند. پیمانکار و پیمانکار جز نیز می‌پذیرند که نظر کارفرما در این مورد قطعی است و تعهد می‌کنند که الزام آن را اجرا کنند. هرگاه در پرداخت مطالبات پیمانکاران جز، با توجه به شرایط درج شده در پیمان آنها، تاخیری روی دهد، در صورتی که پیمانکار جز، تعهدات خود را بر اساس پیمان تنظیمی خود با پیمانکار کاملاً انجام داده و کار او مورد قبول و تایید مهندس مشاور باشد، کارفرما می‌تواند بنا بر تقاضای پیمانکار جز، با حضور نماینده پیمانکار، به کار او رسیدگی کند. اگر در اثر این رسیدگی، پیمانکار جز طلبکار شود و پیمانکار از پرداخت آن خودداری کند، کارفرما حق دارد طلب پیمانکار جز را برای کارهایی که صورت وضعیت آن به پیمانکار پرداخت شده است، از محل مطالعات پیمانکار بردارد. در صورتی که با اخطار کارفرما، پیمانکار یا نماینده او برای رسیدگی حاضر نشوند، کارفرما رسیدگی می‌نماید و به شرح پیشگفته عمل می‌کند و این عمل قطعی و غیرقابل اعتراض است هرگاه پس از فسخ یا خاتمه پیمان، پیمانکاران جز، مطالباتی از پیمانکار داشته باشند مهندس مشاور کارفرما، به شرح پیشگفته موضوع را رسیدگی می‌نماید. اگر پس از رسیدگی و تهیه صورت حساب نهایی، پیمانکار مطالباتی داشته باشد، کارفرما می‌تواند طلب پیمانکاران جز را از محل مطالبات پیمانکار بردارد. ماده ۲۵ - اجرای کار در شب اجرای کار در شب، در موارد زیر مجاز است الف در برنامه زمانی تفصیلی پیش‌بینی شده باشد. ب هرگاه به سبب بروز تاخیرهایی از سوی پیمانکار، انجام کار طبق تشخیص پیمانکار در مدت پیمان امکانپذیر نباشد، پیمانکار می‌تواند بدون آنکه حق دریافت اضافه هزینه کار را داشته باشد با تایید مهندس مشاور و موافقت کارفرما، قسمتی از کار را در شب اجرا کند. ج هرگاه مهندس مشاور تشخیص دهد که پیشرفت کار پیمانکار به نحوی نیست که همه عملیات در مدت پیمان پایان یابد، می‌تواند پس از موافقت کارفرما، به پیمانکار دستور دهد که قسمتی از کار را در شب اجرا کند. در این حالت، پیمانکار مکلف به اجرای این دستور است و حق ادعا یا مطالبه هیچ‌گونه خسارت و اضافه بها ندارد. د) اگر به تشخیص مهندس مشاور و تایید کارفرما برای جبران تاخیرهایی که ناشی از قصور پیمانکار نیست، کار در شب نیز انجام شود، اضافه هزینه‌های مربوط به کار در شب، با تایید مهندس مشاور و تصویب کارفرما، پرداخت می‌شود. در محاسبه این هزینه‌ها، به منظور تعیین هزینه‌های اضافی دستمزد نیروی انسانی برای کار در شب، باید مقررات قانون کار و امور اجتماعی ملاک عمل قرار گیرد. پیمانکار متعهد است که ترتیب کار را طوری دهد که تا حد امکان، اجرای کار در شب برای ساکنان مجاور مزاحمتی ایجاد نکند. ماده ۲۶ - آثار تاریخی و اشیای عتیقه هرگاه ضمن اجرای کار، اشیای عتیقه یا آثار تاریخی و مسکوکات قدیمی و مانند آن در محل کار پیدا شود، پیمانکار متعهد است که بی‌درنگ مراتب را از طریق مهندس مشاور به اطلاع کارفرما و طبق قوانین

به اطلاع دستگاه‌های انتظامی برساند. کارفرما برای حفظ و نگهداری با انتقال اشیای عتیقه، اقدام فوری به عمل می‌آورد. پیمانکار باید تا زمان اقدام به حفاظت از سوی کارفرما یا مقامات ذی‌ربط، برای حفظ و نگهداری اشیای و آثار مزبور، مراقبت لازم را به عمل آورد. هرگاه اجرای این ماده، موجب توقف یا تعطیل عملیات موضوع پیمان گردد، طبق ماده ۴۹ رفتار می‌شود. ماده ۲۷ - اقامتگاه قانونی اقامتگاه قانونی کارفرما و پیمانکار همان است که در موافقتنامه پیمان نوشته شده است در صورتی که یکی از طرفین، محل قانونی خود را تغییر دهد، باید نشانی جدید خود را دست کم ۱۵ روز پیش از تاریخ تغییر، به طرف دیگر اطلاع دهد، تا وقتی که نشانی جدید به طرف دیگر اعلام نشده است، مکاتبات به نشانی قبلی ارسال می‌شود و دریافت شده تلقی می‌گردد. فصل سوم تعهدات و اختیارات کارفرما ماده ۲۸ - تحویل کارگاه الف کارفرما متعهد است که کارگاه را بی‌عوض و بدون معارض تحویل پیمانکار دهد. اگر اجرای کار در زمینها و محل‌های تحویلی، مستلزم اخذ پروانه یا پرداخت حقوقی از قبیل عوارض شهرداری، حق ریشه و مستحقات و مانند اینها باشد کارفرما تحصیل پروانه ساختمان پرداخت وجوه مزبور است تبصره ۱ - اگر در اسناد و مدارک پیمان، تامین تمام یا قسمتی از زمین مورد نیاز برای تجهیز کارگاه به عهده پیمانکار گذاشته شده باشد، طبق شرایط پیش‌بینی شده در پیمان عمل می‌شود. تبصره ۲ - در صورتی که محل تحویل شده به پیمانکار معیار پیدا کند و موجب توقف اجرای تمام یا قسمتی از کار شود، آن قسمت از کار که متوقف شده است، مشمول تعلیق می‌گردد و طبق ماده ۴۹ رفتار می‌شود. ب کارفرما پس از مبادله پیمان، تاریخ تحویل کارگاه را که نباید بیشتر از ۳۰ روز از تاریخ مبادله پیمان باشد، به پیمانکار اعلام می‌کند. پیمانکار باید در تاریخ تعیین شده در محل کار حاضر شود و طی صورتجلسه‌هایی، اقدام به تحویل گرفتن کارگاه نماید. در صورتی که حداکثر ۳۰ روز از تاریخ تعیین شده برای تحویل گرفتن کارگاه حاضر نشود، کارفرما حق دارد که طبق ماده ۴۶ پیمان را فسخ کند. در صورت مجلس‌های تحویل کارگاه باید حدود موقعیت زمینها و محل‌هایی که در آنها موضوع پیمان اجرا می‌شود و نقاط نشانه با مشخصات آنها، محور عملیات و محل منابع تهیه مصالحی که باید در کارگاه تولید گردد، درج شود. اگر تحویل کارگاه به طور یکجا میسر نباشد، کارفرما باید کارگاه را به ترتیبی تحویل دهد که پیمانکار بتواند عملیات موضوع پیمان را طبق برنامه زمانی تفصیلی انجام دهد. در این حالت نیز مهلت کارفرما برای تحویل دست کم اولین قسمت از کارگاه برای تجهیز کارگاه و شروع عملیات موضوع پیمان لازم است، حداکثر ۳۰ روز است. ج هرگاه کارفرما نتواند کارگاه را به ترتیبی تحویل دهد که پیمانکار بتواند کار را طبق برنامه زمانی تفصیلی انجام دهد، و مدت تاخیر در تحویل کارگاه بیش از یک ماه شود، کارفرما به منظور جبران خسارت تاخیر در تحویل کارگاه هزینه‌های اضافی ایجاد شده برای پیمانکار را که طبق رابطه زیر محاسبه می‌شود، پرداخت می‌کند، مشروط به اینکه با تایید مهندس مشاور، پیمانکار در محل‌های تحویل شده تاخیر غیرمجاز نداشته باشد. مبلغ اولیه پیمان تاخیر تحویل کارگاه مبلغ کارهایی که در تحویل محل اجرای کار تاخیر شده است (متوسط کارکرد فرضی ماهانه $5100/7$ = مبلغ خسارت پس از کسر یک ماه مدت تاخیر به ماه اگر مدت تاخیر از ۳۰ درصد مدت پیمان یا ۶ ماه، هر کدام که کمتر است بیشتر شود، حقوقی به پیمانکار تعلق می‌گیرد، بدین ترتیب که اگر مبلغ کارهای پیش‌بینی شده در محل‌های تحویل شده تا ۲۵ درصد مبلغ اولیه پیمان باشد، پیمانکار می‌تواند با اطلاع قبلی ۱۵ روزه آن قسمت از کار را از تعهدات خود حذف کند ولی اگر این مبلغ بیشتر از ۲۵ درصد مبلغ اولیه پیمان باشد، در صورت اعلام خاتمه پیمان از سوی پیمانکار، پیمان خاتمه یافته و طبق ماده ۴۸ عمل می‌شود. هرگاه پیمانکار در محل‌هایی که در تحویل آنها بیش از مدت پیشگفته تاخیر شده است، کار اجرایی را شروع نماید، حق حذف تعهدات در آن قسمت از کار را از خود سلب می‌نماید. تبصره - اگر کارفرما نتواند هیچ قسمت از کارگاه را به پیمانکار تحویل دهد، برای تاخیر بیش از یک ماه تا ۳۰ درصد مدت پیمان یا ۶ ماه هر کدام که کمتر است، نسبت به تاریخ مبادله پیمان، ماهانه معادل مبلغ $5/2$ درصد متوسط کارکرد فرضی ماهانه را به پیمانکار پرداخت می‌کند اگر پیمانکار پس از انقضای ۳۰ درصد مدت پیمان یا ۶ ماه، هر کدام که کمتر است، مایل به ادامه یا اجرای کار نباشد، با اعلام او، قرارداد طبق ماده ۴۸ خاتمه می‌یابد و

پیمانکار هیچ گونه دعوی دیگری نمی‌تواند مطرح نماید. خسارت تاخیر در تحویل تمام یا قسمتی از کارگاه برای مدت مازاد بر یک ماه حداکثر تا ۳۰ درصد مدت پیمان یا ۶ ماه، هر کدام که کمتر است، قابل پرداخت است (د) در مواردی که به استناد این ماده، قسمتی از تعهدات پیمانکار حذف شود، تضمین انجام تعهدات پیمانکار نیز به تناسب کاهش داده می‌شود. (ه) پیمانکار نمی‌تواند جز آنچه طبق نقشه‌ها و دستور کارهاست، در زمینها و محل‌های متعلق به کارفرما یا ملک غیر که از طرف کارفرما به پیمانکار تحویل شده است، اقدام به احداث بنا یا ساختمان کند. اگر در اثر اجرای کار در ملک غیر که از سوی کارفرما تحویل شده است، صاحب ملک اقامه دعوا و درخواست خسارت و جلوگیری و توقف کار نماید، طرف ادعا کارفرماست و پیمانکار هیچ گونه مسئولیت و تعهدی در این مورد را ندارد. (و) در صورتی که طبق اسناد و مدارک پیمان، تامین تمام یا قسمتی از زمین مورد نیاز تجهیز کارگاه به عهده پیمانکار باشد یا پیمانکار بخواهد طبق صلاحدید خود از محل‌هایی خارج از محل‌های تحویلی کارفرما برای تجهیز کارگاه استفاده کند باید موقعیت آنها را به تایید کارفرما برساند. در این حالت، مسئولیت هر نوع ادعا و طلب خسارت از سوی صاحب ملک به عهده پیمانکار است و کارفرما در این موارد مسئولیتی ندارد. هرگاه پیمانکار محل‌های مورد نیاز تجهیز کارگاه را به صورت اجاره‌ای در اختیار بگیرد، باید در اجاره‌نامه آنها، امکان انتقال مورد اجاره را به کارفرما پیش‌بینی کند. ماده ۲۹ - تغییر مقادیر کار، قیمت‌های جدید، تعدیل نرخ پیمان الف در ضمن اجرای کار، ممکن است مقادیر درج شده در فهرست بها و مقادیر منضم به پیمان تغییر کند. تغییر مقادیر به وسیله مهندس مشاور محاسبه می‌شود و پس از تصویب کارفرما به پیمانکار ابلاغ می‌گردد. پیمانکار با دریافت ابلاغ تغییر مقادیر کار، موظف به انجام کار با نرخ پیمان است، به شرط آن که مبلغ ناشی از تغییر مقادیر کار، از حدود تعیین شده در زیر بیشتر نشود. (۱) افزایش مقادیر باید در چارچوب موضوع پیمان به پیمانکار ابلاغ شود. جمع مبلغ مربوط به افزایش مقادیر و مبلغ کارهای با قیمت جدید (موضوع بند ج نباید از ۲۵ درصد مبلغ اولیه پیمان بیشتر شود. تبصره - اگر نرخ پیمان مشمول تعدیل آحاد بها باشد، برای محاسبه افزایش مبلغ پیمان به سبب قیمت‌های جدید، ابتدا قیمت‌های جدید به مبنای نرخ پیمان تبدیل می‌شود و سپس ملاک محاسبه قرار می‌گیرد. (۲) جمع مبلغ مربوط به کاهش مقادیر و حذف آنها نباید از ۲۵ درصد مبلغ اولیه پیمان بیشتر شود. اگر این مبلغ از حد تعیین شده بیشتر شود و پیمانکار با اتمام کار با نرخ پیمان موافق باشد، عملیات موضوع پیمان در چارچوب پیمان انجام می‌شود. ولی در صورتی که پیمانکار مایل به اتمام کار نباشد، پیمان طبق ماده ۴۸ خاتمه داده می‌شود. تبصره ۱ - در صورت حذف قسمتهایی از کار به استناد بند ج ماده ۲۸ برای تعیین حد افزایش یا کاهش مقادیر طبق بندهای ۱ و ۲، به جای مبلغ اولیه پیمان، پس از کسر مبلغ کارهای حذف شده به وسیله پیمانکار ملاک قرار می‌گیرد. تبصره ۲ - اضافه یا کاهش مقادیر کار طبق مفاد بندهای (الف - ۱) و (الف - ۲) این ماده تا ۱۰ درصد با دستور مهندس مشاور عمل می‌شود، ولی اضافه بر آن با تصویب کارفرما قابل اجرا است ب در صورتی که پس از تکمیل کار و تصویب صورت وضعیت قطعی مشخص شود، مقادیر کاربرد آنکه از سوی کارفرما کم شده باشد، نسبت به مقادیر منضم به پیمان کاهشی بیش از حد تعیین شده در بند (الف - ۲) داشته باشد، در این حالت نیز نرخ پیمان ملاک عمل است ج اگر در چارچوب موضوع پیمان، کارهایی به پیمانکار ابلاغ شود که برای آنها قیمت و مقدار در فهرست بها و مقادیر منضم به پیمان پیش‌بینی نشده است، پیمانکار باید بی درنگ پس از دریافت ابلاغ مهندس مشاور، قیمت پیشنهادی خود را برای اجرای کارهای یاد شده، همراه با تجزیه قیمت، به مهندس مشاور تسلیم کند. قیمتی که با توافق پیمانکار و مهندس مشاور تعیین شود و به تصویب کارفرما برسد، ملاک پرداخت است قیمت‌های جدیدی که به این صورت تعیین می‌شود باید بر حسب هزینه اجرای کار در محل اجرا محاسبه گردد. از این رو، تنها ضریب هزینه بالا سری پیمان به قیمت‌های جدید اعمال می‌شود. تبصره - در صورتی که پیمان با استفاده از فهرست‌های بهای واحد پایه منعقد شده باشد، چگونگی تعیین قیمت جدید، علاوه بر مفاد این بند، تابع دستورالعمل نحوه استفاده از قیمت‌های پایه در تعیین قیمت جدید با اولویت دستورالعمل یاد شده است (د) جمع بهای قیمت‌های جدید، علاوه بر آنکه تابع سقف تعیین شده در بند الف است، نباید از ۱۰ درصد

مبلغ اولیه پیمان بیشتر شود. ه) تعدیل نرخ پیمان طبق شرایط پیش‌بینی شده در شرایط خصوصی است ماده ۳۰ - تغییر مدت پیمان الف در صورت وقوع هر یک از موارد زیر که موجب افزایش مدت اجرای کار شود، پیمانکاری می‌تواند درخواست تمدید مدت پیمان را بنماید. پیمانکار درخواست تمدید مدت پیمان را با ارایه محاسبات و دلایل توجیهی، به مهندس مشاور تسلیم می‌کند و مهندس مشاور پس از بررسی و تایید مراتب را برای اتخاذ تصمیم به کارفرما گزارش می‌کند و سپس نتیجه تصمیم کارفرما را به پیمانکار ابلاغ می‌نماید. ۱) در صورتیکه طبق بندهای الف و ج ماده ۲۹، مبلغ پیمان تغییر نکند. ۲) هرگاه به دستور کارفرما یا مهندس مشاور، نقشه‌های اجرایی یا مشخصات فنی تغییر اساسی نکند. ۳) هرگاه کارفرما در تحویل کارگاه، ابلاغ دستور کارها یا نقشه‌ها و تحویل مصالحی که تهیه آن به‌عهده اوست، تاخیر کند. تاخیر در ابلاغ دستور کارها و نقشه‌ها به شرطی مشمول این بند است که پیمانکار با توجه به برنامه زمانی تفصیلی، آنها را از مهندس مشاور درخواست کرده باشد. ۴) اگر در تحویل مصالحی که فروش آنها لزوماً باید با حواله کارفرما صورت گیرد تاخیر ایجاد شود، به شرطی که پیمانکار با توجه به برنامه زمانی تفصیلی برای تهیه آنها به موقع اقدام کرده باشد. ۵) در موارد حوادث قهری و همچنین در موارد مربوط به کشف اشیای عتیقه و آثار تاریخی که در مواد ۲۶ و ۴۳ پیش‌بینی شده است ۶) هرگاه محدودیت برای ورود مصالح و تجهیزات طبق بند د ماده ۲۰ پیش‌آید. ۷) در صورتی که کار طبق ماده ۴۹ به حالت تعلیق در آید. ۸) در صورتی که قوانین و مقررات جدیدی وضع شود که در تغییر مدت اجرای کار موثر باشد. ۹) هرگاه کارفرما نتواند تعهدات مالی خود را در موعدهای درج شده در اسناد و مدارک پیمان انجام دهد. ۱۰) موارد دیگری که به تشخیص کارفرما خارج از قصور پیمانکار باشد. ب) اگر وقوع برخی از موارد درج شده در بند الف موجب کاهش مدت پیمان شود، مهندس مشاور با کسب نظر پیمانکار، کاهش مدت پیمان را تعیین می‌کند و مراتب را برای اتخاذ تصمیم به کارفرما گزارش می‌نماید، و سپس نتیجه تصمیم کارفرما را به پیمانکار ابلاغ می‌کند. ج) در پایان مدت اولیه پیمان یا هر تمدید مدت پیمان، اگر کار به اتمام نرسیده باشد، مهندس مشاور با کسب نظر پیمانکار و با توجه به موارد تعیین شده در بند الف علل تاخیر کار را بررسی می‌کند و میزان مدت مجاز و غیر مجاز آن را با توافق پیمانکار تعیین می‌نماید و نتیجه را به کارفرما گزارش می‌کند، و سپس نظر کارفرما را در مورد میزان مجاز یا غیر مجاز تاخیر کار به پیمانکار اعلام می‌کند و معادل مدت تاخیر مجاز، مدت پیمان را تمدید می‌نماید. د) در اجرای مفاد این ماده برای تمدید مدت پیمان، تاخیرهای همزمان ناشی از عوامل مختلف درج شده در بند الف، فقط یک بار محاسبه می‌شود. ه) در اجرای مفاد این ماده، اگر پیمانکار با مهندس مشاور توافق نداشته باشد یا نسبت به تصمیم کارفرما معترض باشد، طبق نظر کارفرما عمل می‌شود و پیمانکار می‌تواند بر اساس ماده ۵۳ برای حل مسأله اقدام نماید. ماده ۳۱ - مدیریت اجرا کارفرما می‌تواند قسمتی از اختیارات خود را به شخص حقوقی، که مدیر طرح نامیده می‌شود، واگذار کند. کارفرما مدیر طرح را با تعیین حدود اختیارات و واگذار شده به پیمانکار معرفی می‌نماید. تمام تصمیم‌گیریهای مدیر طرح در چارچوب اختیارات و واگذار شده، در حکم تصمیم کارفرما می‌باشد. ماده ۳۲ - نظارت بر اجرای کار الف عملیات اجرای پیمانکار، همیشه باید زیر نظر و با اطلاع مهندس مشاور انجام شود. نظارتی که از طرف کارفرما و مهندس مشاور در اجرای کارها به عمل می‌آید به هیچ روی از میزان مسئولیت پیمانکار نمی‌کاهد. نظارت مستقیم بر کار پیمانکار در محدوده کارگاه و در موارد خاص (برای ساخت قطعات و تجهیزات در خارج از کارگاه انجام می‌شود. در هر حال پیمانکار باید گزارش پیشرفت اقدامهایی را که در خارج از کارگاه به منظور انجام تعهدات پیمان انجام می‌دهد، به مهندس مشاور تسلیم کند. ب) مهندس مشاور، تنها مرجع فنی پیمانکار برای اجرای موضوع پیمان از سوی کارفرماست هرگونه تغییرات، اظهارنظرهای فنی و اصلاحات مورد نظر پیمانکاران، سازندگان و بازرسان فنی، پس از هماهنگی با مهندس مشاور انجام می‌گیرد و توسط وی به پیمانکار ابلاغ می‌شود. مواردی که مهندس مشاور، موظف به کسب مجوز از کارفرما، برای انجام وظایف نظارت است در اسناد و مدارک پیمان تعیین شده است ج) مهندس مشاور به منظور اطمینان از صحت اجرای کار، اقدام به آزمایش مصالح یا کارهای انجام یافته می‌کند. هزینه انجام

آزمایشها برعهده کارفرماست، مگر آنکه در اسناد و مدارک پیمان ترتیب دیگری هم پیش بینی شده باشد. هرگاه نتایج این آزمایشها با آنچه که در مدارک فنی تعیین شده است تطبیق نکند، پیمانکار متعهد است که مصالح و کارها را طبق دستور مهندس مشاور اصلاح کند. هزینه انجام این اصلاحات به عهده پیمانکار است، مگر آنکه نقض موجود مربوط به مدارک فنی باشد. پیمانکار موظف است که برای نمونه برداری از مصالح یا انجام هر نوع آزمایش، تعداد لازم کارگر به صورت موردی و موقت به طور رایگان در اختیار مهندس مشاور بگذارد. (د) در صورتی که مهندس مشاور مواردی از عدم رعایت مشخصات فنی، نقشه‌ها و دیگر مدارک فنی پیمان را در اجرای کارها مشاهده کند، با ارسال اخطاریه‌ای، اصلاح کارهای معیوب را در مدت مناسبی که با توجه به حجم و نوع کار تعیین می‌نماید از پیمانکار می‌خواهد. اگر پس از پایان مهلت تعیین شده، پیمانکار نسبت به اصلاح کارها اقدام نکند کارفرما می‌تواند خودش کارهای معیوب را اصلاح کند و هزینه‌های مربوط را به اضافه ۱۵ درصد از مطالبات پیمانکار کسر کند. در صورتی که عدم توجه به اخطار مهندس مشاور برای اصلاح هر کار معیوب از سوی پیمانکار تکرار شود، کارفرما می‌تواند پیمان را طبق ماده ۴۶ فسخ نماید. (ه) کارفرما در مدت اجرای پیمان، هر موقع که لازم بداند، توسط نمایندگان خود، عملیات پیمانکار را بازرسی می‌کند. پیمانکار موظف است که هر نوع اطلاعات و مدارکی را که مورد نیاز باشد، در اختیار نمایندگان کارفرما بگذارد و تسهیلات لازم را برای انجام این بازرسیها فراهم سازد. (و) اگر کارفرما در طول مدت پیمان، تصمیم به تغییر مهندس مشاور بگیرد، این تصمیم باید دست کم یک ماه بیشتر به اطلاع پیمانکار برسد. پیمانکار و مهندس مشاور، موظف هستند که تکلیف آزمایشهای ناتمام، صورتجلسه‌های در دست اقدام و صورت کارکردهای در حال رسیدگی را روشن کنند. در صورتی که مهندس مشاور به شرح پیشگفته عمل نکند، کارفرما مستقیماً به جای مهندس مشاور تکلیف کارهای ناتمام را روشن کند و هزینه‌های مربوط به این اقدام را به حساب بدهی مهندس مشاور منظور می‌نماید. اگر در زمان اعلام کارفرما مبنی بر تغییر مهندس مشاور، بخشهایی از کار توسط پیمانکار در حال اجرا باشد که اتمام آن بخش منجر به صدور تاییدیه‌های مهندس مشاور شده و این امر موکول به زمان پس از تغییر مهندس مشاور شود، این گونه موارد، باید در طول یک هفته از تاریخ اعلام کارفرما، از سوی پیمانکار به کارفرما منعکس شود، تا کارفرما منعکس شود، تا کارفرما ترتیب لازم را برای عدم انقطاع آن بخش از کار پیمانکار و صدور به موقع تاییدیه بدهد. کارفرما مهندس مشاور جدید را به پیمانکار معرفی می‌کند و اختیارات او را طبق آنچه که برای مهندس مشاور قبلی تعیین شده بود، تنفیذ یا تغییرات مربوط را به پیمانکار ابلاغ می‌نماید و از آن پس، تصمیمها و دستورهای مهندس مشاور جدید در چارچوب پیمان، برای پیمانکار لازم‌الاجرا است ماده ۳۳- مهندس ناظر الف مهندس ناظر که نماینده مهندس مشاور در کارگاه است وظیفه دارد که با توجه به اسناد و مدارک پیمان، در اجرای کار، نظارت و مراقبت دقیق به عمل آورد و مصالح و تجهیزاتی را که باید به مصرف برسد بر اساس نقشه‌ها و مشخصات فنی مورد رسیدگی و آزمایش قرار دهد و هرگاه عیب و نقصی در آنها یا در نحوه مهارت کارکنان یا چگونگی کار مشاهده کند، دستور رفع آنها را به پیمانکار بدهد. همچنین هرگاه بعضی از ماشین آلات معیوب باشد به طوری که نتوان با آنها کار را طبق مشخصات فنی انجام داد، مهندس ناظر تعمیر یا تعویض و تغییر آنها را از پیمانکار می‌خواهد. بارعایت مفاد بند (ب) هرگونه دستوری که از طرف مهندس ناظر به پیمانکار داده شود، به مثابه دستورهای داده شده توسط مهندس مشاور است و پیمانکار ملزم به اجرای آنهاست ب مهندس ناظر، به هیچ روی، حق ندارد که از تعهدات پیمانکار بکاهد یا موجب تمدید مدت پیمان یا پرداخت اضافی به پیمانکار شود یا هر نوع دستور تغییر کاری را صادر کند. ج پیمانکار مکلف است که دستورهای مهندس ناظر را در حدود مفاد این ماده اجرا نماید، مگر در مواردی که آنها را برخلاف اسناد و مدارک پیمان تشخیص دهد، که در این صورت، موظف است که موضوع را به مهندس مشاور بنویسد و کسب تکلیف کند. هرگاه مهندس مشاور موضوع را فیصله ندهد، نظر کارفرما در آن مورد قاطع می‌باشد. (د) با وجود نظارتی که از طرف مهندس ناظر در اجرای کارها به عمل می‌آید، کارفرما و مهندس مشاور حق دارند مصالح مصرفی و

کارهای انجام یافته را مورد رسیدگی قرار دهند و اگر مشخصات آنها را مغایر با نقشه‌ها و مشخصات فنی تشخیص دهند، پیمانکار متعهد است مصالح و کارهای معیوب را به هزینه خود تعویض نماید. به هر حال، نظارت مهندس ناظر بر مسئولیت پیمانکار نمی‌کاهد و سلب حق از کارفرما مهندس مشاور نمی‌کند. فصل چهار: تضمین، پرداخت، تحویل کار ماده ۳۴ - تضمین انجام تعهدات موقع امضای پیمان، برای تضمین انجام تعهدات ناشی از آن، پیمانکار باید ضمانتنامه‌ای معادل ۵ درصد مبلغ اولیه پیمان، صادر شده از طرف بانک مورد قبول کارفرما و طبق نمونه‌ای که ضمیمه اسناد مناقصه بوده است، تسلیم کارفرما کند. ضمانتنامه یاد شده باید تا یک ماه پس از تاریخ تحویل موقت موضوع پیمان، معتبر باشد. تا هنگامی که تحویل موقت انجام نشده است، پیمانکار مکلف است برای تمدید ضمانتنامه یا شده اقدام کند و اگر تا ۱۵ روز پیش از انقضای مدت اعتبار ضمانتنامه، پیمانکار موجبات تمدید آن را فراهم نکرده و ضمانتنامه تمدید نشود، کارفرما حق دارد که مبلغ ضمانتنامه را از بانک ضامن دریافت کند و وجه آن را به جای ضمانتنامه، به رسم وثیقه نزد خود نگه دارد. کارفرما تضمین انجام تعهدات را پس از تصویب صورت مجلس تحویل موقت، با توجه به تبصره یک این ماده آزاد می‌کند. تبصره ۱ - حداکثر تا یک ماه پس از تحویل موقت، آخرین صورت وضعیت موقت طبق ماده ۳۷، بدون منظور داشتن مصالح پای کار تنظیم می‌شود. هر گاه بر اساس این صورت وضعیت، پیمانکار بدهکار نباشد و یا جمع بدهی او از نصف کسور تضمین حسن انجام کار کمتر باشد، ضمانتنامه انجام تعهدات بی‌درنگ آزاد می‌شود. ولی هر گاه میزان بدهی پیمانکار، از نصف کسور تضمین حسن انجام کار بیشتر باشد، ضمانتنامه انجام تعهدات، برحسب مورد طبق شرایط تعیین شده در ماده ۴۰ یا ۵۲ آزاد می‌شود. تبصره ۲ - در صورتی که تمام یا قسمتی از تضمین انجام تعهدات، به صورت نقد نزد کارفرما باشد یا با رعایت مقررات، به جای ضمانتنامه بانکی از انواع دیگر اوراق بهادار استفاده شود، چگونگی گرفتن تضمین و استرداد آن در هر مورد، طبق شرایطی است که در این پیمان برای ضمانتنامه بانکی تعیین شده است. ماده ۳۵ - تضمین حسن انجام کار از مبلغ هر پرداخت به پیمانکار، معادل ۱۰ درصد به عنوان تضمین حسن انجام کار کسر و در حساب سپرده نزد کارفرما نگاهداری می‌شود. نصف این مبلغ پس از تصویب صورت وضعیت قطعی طبق ماده ۴۰ و نصف دیگر آن پس از تحویل قطعی با رعایت مواد ۴۲ و ۵۲ مسترد می‌گردد. تبصره - پیمانکار می‌تواند، وجوه سپرده تضمین حسن انجام کار را طبق دستورالعمل نافذ در زمان ارجاع کار که شماره و تاریخ آن در اسناد و مدارک پیمان درج شده است، دریافت کند. ماده ۶ - پیش پرداخت کارفرما موافقت دارد که به منظور تقویت بنیه مالی پیمانکار، مبلغی به عنوان پیش پرداخت به پیمانکار پرداخت کند. میزان، روش پرداخت و چگونگی واریز پیش پرداخت و دیگر ضوابط آن، براساس دستورالعمل مربوط است که در زمان ارجاع کارفرما نافذ بوده و شماره و تاریخ آن در اسناد و مدارک پیمان درج شده است. پیمانکار در موعدهای مقرر در دستورالعمل پیشگفته، برای دریافت هر یک از اقساط پیش پرداخت درخواست خود را به مهندس مشاور می‌نویسد. کارفرما پس از تایید مهندس مشاور، هر قسط پیش پرداخت را در مقابل تضمین تعیین شده در دستورالعمل، بدون اینکه جوهی از آن کسر شود، پرداخت می‌نماید. مهلت پرداخت هر قسط پیش پرداخت ۲۰ روز از تاریخ درخواست پیمانکار که به تایید مهندس مشاور رسیده است، یا ۱۰ روز از تاریخ رایحه تضمین از سوی پیمانکار، هر کدام که بیشتر است، می‌باشد. ماده ۳۷ - پرداختها الف در آخر هر ماه، پیمانکار، وضعیت کارهای انجام شده از شروع کار تا آن تاریخ را که طبق نقشه‌های اجرایی، دستور کارها و صورت جلسه است اندازه گیری می‌نماید و مقدار مصالح و تجهیزات پای کار را تعیین می‌کند، سپس بر اساس فهرست بهای منضم به پیمان، مبلغ صورت وضعیت را محاسبه کرده و آن را در آخر آن ماه تسلیم مهندس ناظر می‌نماید. مهندس مشاور، صورت وضعیت پیمانکار را از نظر تطبیق با اسناد و مدارک پیمان کنترل کرده و در صورت لزوم با تعیین دلیل اصلاح می‌نماید و آن را در مدت حداکثر ۱۰ روز از تاریخ دریافت از سوی مهندس ناظر، برای کارفرما ارسال می‌نماید و مراتب را نیز به اطلاع پیمانکار می‌رساند. کارفرما صورت وضعیت کنترل شده از سوی مهندس مشاور را رسیدگی کرده و پس از کسر وجوهی که بابت صورت وضعیتهای موقت قبلی

پرداخت شده است و همچنین اعمال کسور قانونی و کسور متعلقه طبق پیمان ، باقیمانده مبلغ قابل پرداخت به پیمانکار را حداکثر ظرف ۱۰ روز از تاریخ وصول صورت وضعیت ، با صدور چک به نام پیمانکار پرداخت می کند. با پرداخت صورت وضعیت موقت ، تمام کارها و مصالح و تجهیزاتی که در صورت وضعیت مزبور درج گردیده است متعلق به کارفرماست لیکن به منظور اجرای بقیه کارهای موضوع پیمان ، به رسم امانت ، تا موقع تحویل موقت ، در اختیار پیمانکار قرار می گیرد. مقادیر درج شده در صورت وضعیتهای موقت و پرداختهایی که بابت آنها به عمل میاید جنبه موقت و علی الحساب دارد و هر نوع اشتباه اندازه گیری و محاسباتی و جز اینها ، در صورت وضعیتهای بعدی یا در صورت وضعیت قطعی ، اصلاح و رفع می شود. به منظور ایجاد امکان برای تهیه ، رسیدگی و تصویب صورت وضعیت قطعی در مهلهای تعیین شده در ماده ۴۰ ، پیمانکار باید ، ضمن اجرای کار و پس از اتمام هر یک از اجزای آن ، نسبت به تهیه متره های قطعی و ارایه آنها به مهندس مشاور برای رسیدگی همراه با صورت مجلسها و مدارک مربوط اقدام نماید ، این اسناد باید در تهیه صورت وضعیتهای موقت نیز مورد استفاده قرار گیرد. تبصره ۱ - هرگاه به عللی صورت وضعیتهای ارسالی از طرف مهندس مشاور مورد تایید کارفرما قرار نگیرد ، کارفرما پس از وضع کسور تعیین شده در این ماده ، تا ۷۰ درصد مبلغ صورت وضعیت را که مهندس مشاور ارسال نموده است ، به عنوان علی الحساب و در مدت مقرر در این ماده در وجه پیمانکار پرداخت می کند و صورت وضعیت را همراه با دلایل رد آن ، برای تصحیح به مهندس مشاور بر می گرداند ، تا پس از اعمال اصلاحات لازم در مدت حداکثر ۵ روز ، دوباره به شرح یاد شده ، برای کارفرما ارسال شود و بقیه مبلغ به ترتیب پیشگفته به پیمانکار پرداخت گردد. در این صورت مهلت پرداخت مبلغ صورت وضعیت از تاریخی شروع می شود که صورت وضعیت تصحیح شده تسلیم کارفرما شود. تبصره ۲ - هرگاه پیمانکار نسبت به صورت وضعیت که به شرح پیشگفته اصلاح شده است معترض باشد ، اعتراض خود را با ذکر دلیل ، حداکثر ظرف یک ماه ، به کارفرما اعلام می کند تا مورد رسیدگی قرار گیرد. تبصره ۳ - اگر پیمانکار در موعد مقرر صورت وضعیت موقت را تهیه و تسلیم مهندس ناظر نکند ، مهندس مشاور با تایید کارفرما و به هزینه پیمانکار اقدام به تهیه آن می کند و اقدامات بعدی برای رسیدگی و پرداخت آن را به ترتیب این ماده به عمل میاورد. در این حالت ، هیچگونه مسئولیتی از نظر تاخیر در پرداخت صورت وضعیت مربوط متوجه کارفرما نیست ب در پیمانهایی که مشمول تعدیل آحادها هستند ، پس از تایید هر صورت وضعیت موقت از سوی کارفرما پیمانکار صورت وضعیت تعدیل آحادهای آن صورت وضعیت را بر اساس آخرین شاخصهای اعلام شده محاسبه می نماید و به منظور بررسی و پرداخت به نحوی که در بند الف تعیین شده است ، برای مهندس مشاور ارسال می کند. تبصره - اگر به هر دلیل و غیر از قصور پیمانکار ، تعدیل کارکردهای هر نیمه از سال (سه ماهه اول و دوم یا سوم و چهارم پس از سپری شدن سه ماه از آن نیمه سال ، با شاخصهای قطعی ، پرداخت نشود ، طبق بند ۹ ماده ۳۰ عمل خواهد شد. ج برای پرداخت وجوه دیگری که به موجب اسناد و مدارک پیمان به پیمانکار تعلق می گیرد ، مهندس مشاور ، ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ دریافت صورتحساب پیمانکار ، آن را رسیدگی می کند و به کارفرما تسلیم می نماید تا طبق بند الف برای رسیدگی و پرداخت آن اقدام شود. ماده ۳۸ - پرداختهای ارزی هرگاه طبق اسناد و مدارک پیمان ، پیمانکار برای بعضی از هزینه های اجرایی موضوع پیمان ، احتیاج به ارز داشته باشد ، بدین ترتیب رفتار می شود. الف اگر در اجرای بند الف ماده ۱۷ ، برای استخدام متخصصان خارجی در اسناد و مدارک پیمان پرداخت ارز از سوی کارفرما تعهد شده باشد ، کارفرما ارز مورد نیاز را در مقابل پرداخت معادل ریالیان از سوی پیمانکار به نرخ رسمی فروش بانک مرکزی ایران در تاریخ پرداخت ، در اختیار پیمانکار قرار می دهد ، به شرط آنکه در قرارداد آنها ، قسمتی از حقوق که هیچ گاه نباید از ۵۰ درصد بیشتر باشد ، به ارز پیش بینی شده باشد. ب برای تهیه مصالح و تجهیزاتی که در اسناد و مدارک پیمان پرداخت ارز از سوی کارفرما تعهد شده است و باید از خارج کشور وارد شود و در عملیات موضوع پیمان مصرف گردیده و در کار باقی بماند ، پیمانکار باید طبق مشخصات تعیین شده در اسناد و مدارک پیمان و با توجه به برنامه زمانی تفصیلی ، برای تهیه پروفورمهای خرید مصالح و تجهیزات مورد بحث ، به طوری که دست کم

دارای ۹۰ روز اعتبار باشد، اقدام نماید. پیمانکار باید با مسئولیت خود، اسناد فروشنده را از لحاظ انطباق مقادیر و مشخصات آنها با اسناد و مدارک پیمان، کنترل نماید و پس از تایید، به مهندس مشاور تسلیم کند. مهندس مشاور، اسناد دریافتی را بررسی می‌کند و پس از تایید ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ وصول آنها، نظر کارفرما را به پیمانکار ابلاغ می‌نماید. اسناد مربوط به خرید مصالح و تجهیزات پیشگفته باید به نام کارفرما صادر شود. کارفرما بر اساس اسناد تایید شده به حساب پیمانکار اقدام به گشایش اعتبار می‌کند. پیمانکار با نظارت کارفرما، نسبت به ترخیص مصالح و تجهیزات سفارش شده از گمرک، به هزینه خود، اقدام می‌نماید. پس از آنکه مصالح و تجهیزات یادشده وارد کارگاه شد و بهای آن به صورت کار یا مصالح و تجهیزات پای کار در صورت وضعیت‌ها منظور گردید، پرداختهای قبلی که به صورت اعتبار از طرف کارفرما انجام شده است، از طلب پیمانکار کسر می‌شود. ج اگر در اجرای بندهای الف و ب نرخ تسعیر ارز نسبت به نرخ آن در تاریخ تسلیم پیشنهاد قیمت پیمانکار تغییر کند، در صورت افزایش نرخ ارز، تفاوت نرخ تسعیر ارز به حساب بستانکاری پیمانکار منظور می‌شود و در صورت کاهش نرخ ارز به حساب بدهی پیمانکار منظور می‌گردد. (د) تعدیل نرخ کارهای موضوع بند (ب)، در صورت شمول تعدیل به این پیمان، تابع مقررات تعدیل خاص طبق دستورالعمل نحوه تعدیل آحادها که در مورد این پیمان نافذ است، می‌باشد. (ه) اگر برای خرید ماشین آلات و ابزار خاصی که برای اجرای کار مورد نیاز است و امکان تهیه آنها در داخل نیست و باید از خارج کشور وارد شود، از سوی کارفرما تسهیلات ارزی در اسناد و مدارک پیمان پیش‌بینی شده باشد، در این مورد، به ترتیب پیش‌بینی شده عمل می‌شود. پرداخت هزینه تامین ماشین آلات و ابزار موضوع این بند، به عهده پیمانکار، و مالکیت آنها، متعلق به پیمانکار است ماده ۳۹- تحویل موقت الف پس از آنکه عملیات موضوع پیمان تکمیل گردید و کار آماده بهره برداری شد، پیمانکار از مهندس مشاور تقاضای تحویل موقت می‌کند و نماینده خود را برای عضویت در هیات تحویل معرفی می‌نماید. مهندس مشاور، به درخواست پیمانکار رسیدگی می‌کند و در صورت تایید، ضمن تعیین تاریخ آمادگی کار برای تحویل موقت، تقاضای تشکیل هیات تحویل موقت را از کارفرما می‌نماید. کارفرما به گونه‌ای ترتیب کار را فراهم می‌کند که هیات تحویل، حداکثر در مدت ۲۰ روز از تاریخ آمادگی کار که به تایید مهندس مشاور رسیده است، در محل کار حاضر شود و برای تحویل موقت اقدام نماید. اگر به نظر مهندس مشاور، عملیات موضوع پیمان آماده بهره برداری نباشد ظرف مدت هفت روز از دریافت تقاضای پیمانکار، نواقص و کارهایی را که باید پیش از تحویل موقت تکمیل شود، به اطلاع پیمانکار می‌رساند. هیات تحویل موقت، متشکل است از: نماینده کارفرما نماینده مهندس مشاور نماینده پیمانکار کارفرما تاریخ و محل تشکیل هیات را به اطلاع مهندس مشاور و پیمانکار می‌رساند و تا تشکیل هیات مهندس مشاور، برنامه انجام آزمایشهایی را که برای تحویل کار لازم است تهیه و به پیمانکار ابلاغ می‌کند تا آن قسمت از وسایل را که تدارک آنها طبق اسناد و مدارک پیمان به عهده اوست، برای روز تشکیل هیات در محل کار آماده کند. پیمانکار موظف است که تسهیلات لازم را برای هیات تحویل فراهم آورد. آزمایشهای لازم به تشخیص و با نظر اعضای هیات در محل انجام می‌شود، و نتایج آن در صورت مجلس تحویل موقت درج می‌گردد. بجز آزمایشهایی که طبق اسناد و مدارک پیمان هزینه آنها به عهده پیمانکار است، هزینه آزمایشها را کارفرما پرداخت می‌کند. هرگاه هیات تحویل، عیب و نقصی در کارها مشاهده نکند، اقدام به تنظیم صورت مجلس تحویل موقت می‌نماید. صورت مجلس تحویل موقت را به همراه نتیجه آزمایشهای انجام شده، برای کارفرما ارسال می‌کنند و نسخه‌ای از آن را نیز تا ابلاغ از سوی کارفرما، در اختیار پیمانکار قرار می‌دهند. کارفرما پس از تایید، تحویل موقت عملیات موضوع پیمان را به پیمانکار ابلاغ می‌نماید. هرگاه هیات تحویل موقت، عیب و نقصی در کارها مشاهده نماید، اقدام به تنظیم صورت مجلس تحویل موقت با تعیین مهلتی برای رفع نقص می‌کند و فهرستی از نقایص و معایب کارها و عملیات ناتمام و آزمایشهایی که نتیجه آن بعداً معلوم می‌شود را تنظیم و ضمیمه صورت مجلس تحویل موقت می‌نماید و نسخه‌ای از آنها را به پیمانکار می‌دهد. پس از اعلام رفع نقص از جانب پیمانکار، مهندس مشاور، به اتفاق نماینده کارفرما، دوباره عملیات را

بازدید می‌کند و اگر بر اساس فهرست نقایص تعیین شده، هیچگونه عیب و نقصی باقی نمانده باشد، مهندس مشاور، صورت‌مجلس تحویل موقت و گواهی رفع نقایص و معایب را که به امضای نماینده کارفرما، مهندس مشاور و پیمانکار رسیده است، همراه نتایج آزمایشهای خواسته شده برای کارفرما ارسال می‌کند تا پس از تایید کارفرما، به پیمانکار ابلاغ می‌شود. اگر به تشخیص کارفرما، حضور نماینده او در بازدید از کار و گواهی رفع نقص ضروری نباشد، به مهندس مشاور نمایندگی می‌دهد تا به جای نماینده کارفرما اقدام کند. تاریخ تحویل موقت، تاریخ تشکیل هیات در محل و تحویل کار به کارفرماست که در صورت‌مجلس تحویل موقت درج می‌شود. تاریخ دوره تضمین تاریخ تحویل موقت است، به شرط آنکه هیات تحویل، هیچگونه نقصی در کار مشاهده نکند یا نقایص در مهلتی که از طرف هیات تعیین شده است، رفع شود. اگر زمانی که پیمانکار صرف رفع نقایص می‌کند، بیش از مهلت تعیین شده باشد، تاریخ تحویل موقت، همان تاریخ تشکیل هیات و تحویل کار به کارفرماست، ولی تاریخ شروع دوره تضمین، تاریخ رفع نقص است که به تایید مهندس مشاور رسیده باشد. اگر هیات تحویل موقت، دیرتر از موعد مقرر (۲۰ روز از تاریخ اعلام آمادگی کار از سوی پیمانکار که به تایید مهندس مشاور رسیده است در محل حاضر شود و برای تحویل موقت اقدام نماید، تاریخ تحویل موقت، تاریخ تشکیل هیات در محل و تحویل کار به کارفرماست در این حالت، اگر هیات نقصی در کار مشاهده نکند یا نقایص در مهلتی که از سوی هیات تعیین شده است رفع شود، تاریخ شروع دوره تضمین ۲۰ روز پس از تاریخ اعلام آمادگی کار از سوی پیمانکار که به تایید مهندس مشاور رسیده است می‌باشد، مگر آنکه زمانی که پیمانکار صرف رفع نقص می‌کند، بیش از مهلت تعیین شده باشد که در این صورت، تاریخ شروع دوره تضمین، برابر تاریخ رفع نقص که به تایید مهندس مشاور رسیده است، منهای مدت تاخیر تشکیل هیات در محل (نسبت به مهلت ۲۰ روز)، می‌باشد. کارفرما باید هزینه‌های حفظ و نگهداری از کار را برای مدت تاخیر در تحویل موقت نسبت به مهلت ۲۰ روز) به پیمانکار پرداخت کند. ب در صورتی که در اسناد و مدارک پیمان، برای تکمیل و تحویل موقت قسمتهای مستقلی از کار، زمانهای مجزایی پیش‌بینی شده باشد، یاب نظر کارفرما، بهره برداری از قسمتهای مستقل از کار پیش از تکمیل کل کارمورد نیاز باشد، کارفرما با رعایت این ماده، قسمتهای پیشگفته را تحویل موقت گرفته و اقدامهای پس از تحویل موقت مانند آزاد نمودن تضمین انجام تعهدات، شروع دوره تضمین، تحویل قطعی، استرداد کسور تضمین حسن انجام کار، را به تناسب آن قسمت از کار که تحویل موقت گردیده است، طبق اسناد و مدارک پیمان، به صورت مستقل انجام می‌دهد. ج اگر با توجه به بند الف ماده ۲۹، عملیات موضوع پیمان تا حد ۱۲۵ درصد مبلغ اولیه پیمان انجام شود، ولی کارهای اجرا شده قابل بهره برداری نباشد و پیمانکار برای ادامه کار موافقت نکند، کارفرما طبق ماده ۴۸ به پیمان خاتمه می‌دهد. د) در صورتی که عملیات موضوع پیمان طبق این ماده آماده شود، ولی پیمانکار تقاضای تحویل کار را نکند، مهندس مشاور آماده بودن کار برای تحویل موقت را به کارفرما اعلام می‌نماید تا کارفرما طبق این ماده برای تشکیل هیات و تحویل موقت کار اقدام کند. اگر پس از ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ کارفرما، پیمانکار نماینده خود را برای موقت معرفی نکند، کارفرما با تامین دلیل به وسیله دادگاه محل، نسبت به تحویل موقت موضوع پیمان، طبق این ماده اقدام می‌نماید. در این حالت، پیمانکار حق هیچ گونه اعتراضی در این مورد ندارد. ه) پس از تقاضای پیمانکار برای تحویل موقت، در صورتی که آماده بودن کار برای تحویل موقت مورد تایید مهندس مشاور باشد ولی تدارکات لازم برای راه اندازی و انجام آزمایشهای مورد نیاز مانند آب و برق که باید از سوی کارفرما تامین شود فراهم نباشد، نحوه تحویل موقت و تحویل قطعی و آزاد کردن تضمینهای پیمانکار با رعایت حقوق طرفین پیمان طبق نظر هیاتی متشکل از نماینده سازمان برنامه و بودجه، نماینده کارفرما و نماینده پیمانکار می‌باشد. نظر این هیات قطعی و لازم‌الاجرا است و) پیمانکار موظف است که پس از تحویل موقت، تمام وسایل، ماشین آلات و ابزار و مصالح اضافی متعلق به خود در محل‌های تحویلی کارفرما راطرف مناسبی که مورد قبول مهندس مشاور باشد، از محل‌های یاد شد خارج کند. به علاوه، پیمانکار باید ظرف مدت معینی که توسط مهندس مشاور

تعیین می‌شود، ساختمانها و تاسیسات موقتی را که برای اجرای کار در محل‌های تحویلی کارفرما ساخته است تخریب یا پیاده کند و مواد زاید آن را از محل کار خارج و کارگاه را به هزینه خود تمیز کند. در غیر این صورت، کارفرما می‌تواند برای خارج نمودن آنها به هر نحو که مقتضی بداند عمل نماید و هزینه‌های آن را به حساب بدهکاری پیمانکار منظور دارد. در این صورت، پیمانکار حق اعتراض نسبت به اقدام کارفرما و ادعای ضرر و زیان به اموال و داراییهای خود را ندارد. با توجه به اینکه مالکیت ساختمانهای پیش ساخته و مصالح بازیافتی و قطعات پیش ساخته ساختمانها و تاسیسات تجهیز کارگاه که به وسیله پیمانکار در محل‌های تحویلی کارفرما نصب با احداث شده است، متعلق به پیمانکار است، هرگاه تمام یا قسمتی از این ساختمانها و تاسیسات موقت پیمانکار مورد احتیاج کارفرما باشد، با توجه به اینکه رد این حالت نباید وجهی بابت برچیدن ساختمانها و تاسیسات یاد شده به پیمانکار پرداخت شود، قیمت آن با تراضی طرفین تعیین و به کارفرما فروخته و تحویل می‌شود. ماده ۴۰ - صورت وضعیت قطعی پیمانکار باید حداکثر تا یکماه از تاریخ تحویل موقت، صورت وضعیت قطعی کارهای انجام شده را بر اساس اسناد و مدارک پیمان، بدون منظور نمودن مصالح و تجهیزات پای کار تهیه کند و برای رسیدگی به مهندس مشاور تسلیم نماید مهندس مشاور صورت وضعیت دریافت شده را ظرف مدت سه ماه برای تصویب کارفرما ارسال می‌نماید. کارفرما صورت وضعیت دریافت شده را ظرف مدت دو ماه از تاریخ وصول رسیدگی می‌کند و نظر نهایی خود را ضمن ارسال یک نسخه از آن به پیمانکار، اعلام می‌دارد. در صورتی که پیمانکار، ظرف مهلت تعیین شده، برای تهیه صورت وضعیت قطعی اقدام نکند، با تایید کارفرما، مهندس مشاور به هزینه پیمانکار، اقدام به تهیه آن می‌کند و پس از امضای پیمانکار برای تصویب کارفرما ارسال می‌دارد. در صورتی که پیمانکار از امضای صورت وضعیت خودداری کند، مهندس مشاور بدون امضای پیمانکار، صورت وضعیت را برای کارفرما می‌فرستد. در حالتی که پیمانکار، صورت وضعیت را قبلاً امضا نموده است اگر اعتراض نسبت به نظر کارفرما داشته باشد یا در حالتی که صورت وضعیت را قبلاً امضا نکرده است و نسبت به نظر کارفرما اعتراض دارد، اعتراض خود را حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ وصول صورت وضعیت، یا ارایه دلیل و مدرک، یکجا به اطلاع کارفرما می‌رساند. کارفرما حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ وصول نظر پیمانکار، به موارد اعتراض رسیدگی می‌کند و قبول یا رد آنها را اعلام می‌نماید. پیمانکار می‌تواند برای تعیین تکلیف آن قسمت از اعتراض خود که مورد قبول کارفرما واقع نمی‌شود، طبق ماده ۵۳ اقدام نماید. در صورتی که پیمانکار ظرف مدت تعیین شده به صورت وضعیت اعتراض نکند، صورت وضعیت قطعی از طرف پیمانکار قبول شده تلقی می‌شود. مقادیر کارها که به ترتیب بالا در صورت وضعیت قطعی منظور می‌شود به تنهایی قاطع است و مأخذ تسویه حساب قرار می‌گیرد، هر چند که بین آنها و مقادیری که در صورت وضعیتهای موقت منظور گردیده است، اختلاف باشد. هرگاه با توجه به صورت وضعیت قطعی تصویب شده و سایر حسابهای پیمانکار، پیمانکار بدهکار نباشد، نصف تضمین حسن انجام کار آزاد می‌شود. تبصره - در مواردی که طبق مواد ۴۷ و ۴۸ پس از فسخ یا خاتمه پیمان، اقدام به تهیه صورت وضعیت قطعی می‌شود، مهلت تهیه صورت وضعیت قطعی، به ترتیب از تاریخ صورت برداری یا تاریخ تحویل کارهای انجام شده می‌باشد. ماده ۴۱ - تحویل قطعی در پایان دوره تضمین تعیین شده در ماده ۵ موافقتنامه، کارفرما بنا به تقاضای پیمانکار و تایید مهندس مشاور، اعضای هیات تحویل قطعی و تاریخ تشکیل هیات را، به همان گونه که در ماده ۳۹ برای تحویل موقت پیش‌بینی شده است، معین و به پیمانکار ابلاغ می‌کند. هیات تحویل قطعی، پس از بازدید کارها، هرگاه عیب و نقصی که ناشی از کار پیمانکار باشد مشاهده نماید، موضوع پیمان را تحویل قطعی می‌گیرد و بی‌درنگ صورت مجلس آن را تنظیم و برای کارفرما ارسال می‌کند و نسخه‌ای از آن را تا ابلاغ از سوی کارفرما به پیمانکار می‌دهد و سپس کارفرما تصویب تحویل قطعی کار را به پیمانکار ابلاغ می‌نماید. تبصره ۱ - هرگاه هیات تحویل قطعی، عیب و نقصی ناشی از کار پیمانکار مشاهده کند، برای رفع آنها طبق ماده ۴۲ رفتار می‌شود. تبصره ۲ - اگر پیمانکار، در پایان دوره تضمین تعیین شده در ماده ۵ موافقتنامه، تقاضای تحویل قطعی کار را ننماید، مکلف به رفع نواقص ناشی از کار خود

که تا تاریخ تقاضای تحویل قطعی بروز کرده است می‌باشد و تاریخ تقاضای پیمانکار ، ملاک اقدامات مربوط به تحویل قطعی است تبصره ۳- اگر کارفرما با وجود تقاضای پیمانکار ، اقدام به اعزام هیات تحویل نکند و این تاخیر بیش از دو ماه به طور انجامد و پس از درخواست مجدد پیمانکار و انقضای یک ماده از تاریخ تقاضای مجدد ، کارفرما در این زمینه اقدامی نکند ، عملیات موضوع پیمان تحویل قطعی شده تلقی می‌گردد و باید اقدامات پس از تحویل قطعی در مورد آن انجام شود. ماده ۴۲- مسئولیتهای دوره تضمین اگر در دوره تضمین ، معایب و نقایصی در کار ببینند که ناشی از کار پیمانکار باشد ، پیمانکار مکلف است که آن معایب و نقایص را به هزینه خود رفع کند. برای این منظور ، کارفرما مراتب را با ذکر معایب و نقایص و محل آنها را به پیمانکار ابلاغ می‌کند و پیمانکار باید حداکثر ۱۵ روز پس از ابلاغ کارفرما ، شروع به رفع معایب و نقایص کند و آنها را طی مدتی که مورد قبول کارفرماست ، رفع نماید. هرگاه پیمانکار در انجام این تعهد قصور ورزد یا مسامحه کند ، کارفرما حق دارد آن معایب و نقایص را خودش یا به ترتیبی که مقتضی بداند رفع نماید و هزینه آن را به اضافه ۱۵ درصد: از محل تضمین پیمانکار یا هر نوع مطالبات و سپرده‌ای که پیمانکار نزد او دارد ، برداشت نماید. هزینه‌های حفاظت ، نگهداری و بهره برداری کارهای تحویل موقت شده در دوره تضمین به عهده کارفرماست فصل پنجم حوادث قهری ، فسخ ، ختم ، تعلیق ، هزینه تسریع ، خسارت تاخیر ، تسویه حساب ، حل اختلاف ماده ۴۳- بروز حوادث قهری جنگ ، اعم از اعلام شده یا نشده ، انقلابها و اعتصابات عمومی ، شیوع بیماریهای واگیردار ، زلزله ، سیل و طغیانهای غیرعادی ، آتش سوزیهای دامنه دار و مهار نشدنی ، طوفان و حوادث مشابه خارج از کنترل دو طرف پیمان که در منطقه اجرای کار وقوع یابد و ادامه کار را برای پیمانکار ناممکن سازد ، جزو حوادث قهری به شمار می‌رود و در صورت بروز آنها ، به ترتیب زیر عمل می‌شود. در بروز حوادث قهری ، هیچ یک از دو طرف ، مسئول خسارتهای وارد شده به طرف دیگر در اثر این حوادث نیست الف پیمانکار موظف است که حداکثر کوشش خود را برای حفاظت از کارهای اجرا شده که در وضعیت قهری رها کردن آنها منجر به زیان جدی می‌شود و انتقال مصالح و تجهیزات پای کار به محل‌های مطمئن و ایمن ، به کار برد. کارفرما نیز باید تمام امکانات موجود خود را در محل ، در حدامکان ، برای تسریع در این امر ، در اختیار پیمانکار قرار دهد. ب در مورد خسارتهای وارد شده به کارهای موضوع پیمان ، تاسیسات و ساختمانهای موقت ، ماشین آلات و ابزار و وسایل پیمانکار ، به شرح زیر عمل می‌شود. ۱) هرگاه خسارتهای وارد شده به کارهای موضوع پیمان ، مشمول بیمه موضوع بند ج ماده ۲۱ باشد برای جبران آن طبق همان ماده اقدام می‌شود. ۲) اگر خسارتهای وارد شده به کارهای موضوع پیمان ، مشمول بیمه موضوع بند ج ماده ۲۱ میزان آن جبران خسارتهای کافی نباشد ، جبران خسارت به عهده کارفرماست ۳) جبران خسارتهای وارد شده به ساختمانها و تاسیسات موقت ، ماشین آلات و ابزار و وسایل پیمانکار ، با توجه به بند د ماده ۲۱ به عهده پیمانکار است منظور از جبران خسارتهای یاد شده در بندهای ب - ۱ و ب - ۲ اعاده کارها به صورت پیش از وقوع حادثه است پس از رفع وضعیت قهری ، اگر کارفرما اعاده کارها را به حالت پیش از وقوع حادثه لازم می‌داند ، پیمانکار مکلف است که اجرای کارها را بی درنگ آغاز کند. در این صورت ، تمدید مدت مناسبی برای اعاده کارها به وضع اولیه ، از سوی پیمانکار پیشنهاد می‌شود که پس از رسیدگی و تایید مهندس مشاور و تصویب کارفرما به پیمانکار ابلاغ می‌گردد. ج اگر کارفرما ادامه یا اعاده کارها به وضع اولیه را ضروری تشخیص ندهد ، یا اگر وضعیت قهری بیش از شش ماه ادامه یابد ، بدون رعایت بند د ماده ۴۸ ، طبق ماده ۴۸ ، به پیمان خاتمه می‌دهد. کارفرما هزینه‌های توقف کار پیمانکار را برای مدت مازاد بر یک ماه اول ، طبق بندهای ب و ج ماده ۴۹ پرداخت می‌کند. ماده ۴۴- ممنوعیت قانونی پیمانکار اعلام می‌کند که در موقع عقد پیمان ، مشمول قانون منع مداخله ، مصوب بیست و دوم دی‌ماه یک هزار و سیصد و سی و هفت نیست و در صورتی که خلاف آن برای کارفرما محرز شود پیمان فسخ و طبق ماده ۴۷ رفتار می‌شود. هرگاه ضمن انجام کار تا تحویل موقت ، پیمانکار ، به علل زیر ، مشمول قانون پیشگفته شود: الف تغییراتی که در صاحبان سهام ، میزان سهام ، مدیران یا بازرسان شرکت پیمانکار پیش آید. ب تغییراتی که در دستگاههای دولت یا کارفرما پیش آید. در

حالت (الف) پیمان فسخ و طبق ماده ۴۷ رفتار میشود. در حالت (ب) به محض وقوع منع قانونی، پیمانکار مکلف است که مراتب را به کارفرما اعلام کند و در صورتی که مانع قانونی رفع نشود، کارفرما به پیمان خاتمه می‌دهد و طبق ماده ۴۸ با پیمانکار عمل می‌کند. اگر پیمانکار مراتب را به موقع به کارفرما اعلام نکند، پیمان فسخ و طبق ماده ۴۷ رفتار می‌شود. ماده ۴۵ - حقوق انحصاری ثبت شده الف پیمانکار کارفرما را در مقابل تمام دعاوی، خسارتها و مطالبات مربوط به نقض احتمالی حقوق ثبت شده، تالیفات، علائم یا نامهای تجاری و دیگر حقوق حمایت شده که در اجرای موضوع پیمان ایجاد شود، مصون می‌دارد. ب کارفرما تایید می‌نماید که مفاد اسناد و مدارک پیمان به گونه‌ای نیست که موجب نقض حقوق حمایت شده شود. در صورتی که برای پیمانکار معلوم شود که رعایت اسناد و مدارک پیمان ناگزیر در مواردی موجب نقض حقوق حمایت شده می‌گردد، باید پیش از هر نوع اقدام در مورد آنها، مراتب را به مهندس مشاور اعلام کند تا کارفرما نسبت به انجام تغییرات لازم، به گونه‌ای که نقض حقوق حمایت شده بر طرف شود، اقدام نماید و نتیجه را به پیمانکار ابلاغ کند. ماده ۴۶ - موارد فسخ پیمان الف کارفرما می‌تواند در صورت تحقق هر یک از موارد زیر، پیمان را طبق ماده ۴۷ فسخ کند. ۱) تاخیر در تحویل گرفتن کارگاه از جانب پیمانکار بیش از مهلت تعیین شده در بند (ب) ماده ۲۸) تاخیر در ارایه برنامه زمانی تفصیلی به مدت بیش از نصف مهلت تعیین شده برای تسلیم آن ۳) تاخیر در تجهیز کارگاه برای شروع عملیات موضوع پیمان، بیش از نصف مدت تعیین شده در بند (ج) ماده ۴ موافقتنامه فسخ پیمان در این حالت، در صورتی مجاز است که کارفرما قسمتی از پیش پرداخت را که باید بعد از تحویل کارگاه پرداخت کند، پرداخت کرده باشد. ۴) تاخیر در شروع عملیات موضوع پیمان، بیش از یک دهم مدت اولیه پیمان یا دو ماه، هر کدام که کمتر است ۵) تاخیر در اتمام هر یک از کارهای پیش‌بینی شده در برنامه زمانی تفصیلی، بیش از نصف مدت تعیین شده برای آن کار با توجه به ماده ۳۰. ۶) تاخیر در اتمام کار به مدت بیش از یک چهارم مدت پیمان با توجه به ماده ۳۰. ۷) عدم شروع کار پس از رفع وضعیت قهری موضوع ماده ۴۳ و بلاغ شروع کار از سوی کارفرما. ۸) بدون سرپرست گذاشتن کارگاه یا تعطیل کردن کار، بدون اجازه کارفرما، بیش از ۱۵ روز. ۹) عدم انجام دستور مهندس مشاور برای اصلاح کارهای انجام شده معیوب، طبق بند (د) ماده ۳۲. ۱۰) انحلال شرکت پیمانکار. ۱۱) ورشکستگی پیمانکار یا توقیف ماشین آلات و اموال پیمانکار از سوی محاکم قضایی، به گونه‌ای که موجب توقف یا کندی پیشرفت کار شود. ۱۲) تاخیر بیش از یک ماه در پرداخت دستمزد کارگران، طبق بند و ماده ۱۷. ۱۳) هرگاه ثابت شود که پیمانکار برای تحصیل پیمان یا اجرای آن به عوامل کارفرما حق العمل، پاداش یا هدایایی داده است، یا آنها یا واسطه‌های آنها را در منافع خود سهیم کرده است ب در صورت احراز موارد زیر، کارفرما پیمان را فسخ می‌کند. ۱) واگذاری پیمان به شخص ثالث ۲) پیمانکار مشمول ممنوعیت قانونی ماده ۴۴ گردد، به استثنای حالت پیش‌بینی شده و در بند ب آن، برای مشمول ماده ۴۸. ماده ۴۷ - اقدامات فسخ پیمان الف در صورتی که به علت بروز یک یا چند مورد از حالت‌های درج شده در ماده ۴۶، کارفرما پیمان را مشمول فسخ تشخیص دهد، نظر خود را با ذکر مواردی که به استناد آنها پیمانکار را مشمول فسخ می‌داند به پیمانکار ابلاغ می‌کند. پیمانکار مکلف است که در مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ کارفرما، در صورتی که دلیلی حاکی از عدم انطباق نظر کارفرما با علام شده داشته باشد، مراتب را به اطلاع کارفرما برساند. اگر ظرف مهلت تعیین شده، پاسخی از سوی پیمانکار نرسد یا کارفرما دلایل اقامه شده او را مردود بداند، کارفرما فسخ پیمان را به پیمانکار ابلاغ می‌کند و بدون احتیاج به انجام دادن تشریفات قضایی، به ترتیب مفاد این ماده، عمل می‌نماید. در صورتی که تصمیم کارفرما برای فسخ پیمان به استناد موارد درج شده در بند الف ماده ۴۶ باشد، موضوع فسخ پیمان باید بدو به وسیله هیاتی متشکل از سه نفر به انتخاب وزیر یا بالاترین مقام سازمان کارفرما (در مورد سازمانهایی که تابع هیچ یک از وزارتخانه‌ها نیستند) بررسی و تایید شود و مورد موافقت وزیر یا بالاترین مقام سازمان کارفرما قرار گیرد و سپس به پیمانکار ابلاغ شود. ب کارفرما تضمین انجام تعهدات و تضمین حسن انجام کار کسر شده، را ضبط و به حساب خزانه‌واریزی می‌کنند و بی درنگ کارگاه، تاسیسات و ساختمانهای موقت، مصالح و

تجهیزات ، ماشین آلات و ابزار و تمام تدارکات موجود در آن را در اختیار می‌گیرد و برای حفاظت آن اقدام لازم معمول می‌دارد. سپس بی‌درنگ از پیمانکار دعوت می‌کند که ظرف یک هفته نماینده‌ای برای صورت‌برداری و تهیه صورت‌مجلس کارهای انجام شده و تمام مصالح ، تجهیزات ، ماشین آلات و ابزار و تدارکات دیگر در کارگاه موجود است ، معرفی نماید. هرگاه پیمانکار از معرفی نماینده ظرف مدت تعیین شده خودداری کند یا نماینده معرفی شده از جانب او در موعد مقرر برای صورت‌برداری حاضر نشود ، کارفرما به منظور تامین دلیل ، با حضور نماینده دادگاه محل ، برای صورت‌برداری اقدام می‌نماید و پیمانکار حق هیچ‌گونه اعتراضی در این مورد را ندارد. پس از صورت‌برداری ، پیمانکاری درنگ ، طبق ماده ۴۰ ، اقدام به تهیه صورت وضعیت قطعی از کارهای انجام شده می‌کند. ج کارفرما تاسیسات و ساختمانهای موقت را که در کارگاه احداث شده و برای ادامه کار مورد نیاز است ، در اختیار می‌گیرد و بهای آنها را در برابر ارزش مصالح و تجهیزات بازیافتی که با توافق دوطرف تعیین می‌شود با توجه به اینکه در این موارد نباید وجهی بابت برچیدن کارگاه به پیمانکار پرداخت شود ، به حساب طلب پیمانکار منظور می‌کند. اگر تاسیسات و ساختمانهای پیشگفته در خارج از محلهای تحویلی کارفرما ایجاد شده باشد ، کارفرما بهای اجاره آنها را که با توافق دو طرف تعیین می‌شود ، برای مدتی که به منظور تکمیل کار در اختیار خواهد داشت به پیمانکار پرداخت می‌کند. (د کارفرما می‌تواند ماشین آلات و ابزار و وسایل متعلق به پیمانکار را که در کارگاه موجود است و به تشخیص خود برای اتمام کار مورد نیاز بداند ، برای مدت مناسبی که برای جایگزین کردن آنها بامشین آلات دیگر لازم است در اختیار بگیرد و هزینه اجاره آنها را که با توافق دو طرف تعیین می‌شود به حساب طلب پیمان کار منظور نماید. کارفرما نمی‌تواند بدون موافقت پیمانکار ماشین آلات او را بیش از مدت‌های تعیین شده در زیر در اجاره خود بگیرد. ۱) در مورد ماشین آلات ثابت مانند دستگاه مرکزی بتن ، کارخانه آسفالت و ماشین آلات خاصی که نام آنها در شرایط خصوصی پیمان پیش‌بینی شده است ، برابر مدتی که از رابطه زیر به دست می‌آید. مدت اولیه پیمان * (مبلغ پیمان مبلغ صورت وضعیت قطعی - ۱) + ۳ ماه = مدت اختیار کارفرما برای اجاره ۲) در مورد سایر ماشین آلات ، برابر ده ماه اگر پیمانکار به کارفرما بدهکار باشد ، کارفرما به میزان طلب خود ، اقلامی از ماشین آلات و ابزار و وسایل پیمانکار را که توسط کارشناس یا کارشناسان منتخب طرفین ارزیابی می‌شود در اختیار می‌گیرد و با رعایت قوانین جاری کشور ، به تملک قطعی خود در می‌آورد. ه) کارفرما از مصالح و تجهیزات پای کار آنچه طبق مشخصات بوده و برای اجرای پیمان تهیه شده است قبول می‌کند و بهای آن را بر اساس نرخ متعارف در تاریخ خرید که مورد توافق دو طرف باشد ، به حساب طلب پیمانکار منظور می‌نماید. و) پیمانکار با دریافت بلاغ فسخ پیمان ، بی‌درنگ فهرست مصالح و تجهیزات سفارش شده برای اجرای کار را همراه با شرایط خرید آنها برای کارفرما ارسال می‌نماید. کارفرما تا ده روز از دریافت فهرست پیشگفته ، اقلامی از مصالح و تجهیزات سفارش شده را که مورد نیاز تشخیص می‌دهد به پیمانکار اعلام می‌نماید تا پیمانکار قرارداد خرید آنها را به کارفرما منتقل نماید. مبالغی که بابت خرید این مصالح و تجهیزات از سوی پیمانکار تادیه شده است ، در مقابل تسلیم اسناد و مدارک آن به حساب طلب پیمانکار منظور می‌گردد. و تادیه بقیه بهای خرید و هر نوع تعهد مربوط به آنها به عهده کارفرما خواهد بود. ز) هرگاه پیمانکار ظرف دو هفته از تاریخ ابلاغ کارفرما ، به منظور توافق در اجرای بندهای ج ، د و ه حاضر نشود یا توافق بین طرفین حاصل نگردد ، کارفرما یک یا چند کارشناس رسمی دادگستری انتخاب می‌نماید. نظر این کارشناس یا کارشناسان برای قوانین قطعی است و حق الزحمه آنان را کارفرما می‌پردازد و به حساب بدهی پیمانکار منظور می‌کند. ح پیمانکار مکلف است که مازاد مصالح و تجهیزات و دیگر تدارکات خود را که در محلهای تحویل کارفرما باقی مانده است ، حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ کارفرما ، از محلهای یاد شده خارج کند. در غیر این صورت ، کارفرما می‌تواند برای خارج کردن آنها به هر نحو که مقتضی بداند عمل نماید و هزینه‌های آن را به حساب بدهکار پیمانکار منظور دارد. در این حالت ، پیمانکار نمی‌تواند نسبت به ضرر و زیان وارد شده به اموال و داراییهای خود دعوایی مطرح نماید. ط از تاریخ ابلاغ فسخ پیمان تا تاریخی که صورت‌برداریها و ارزیابی طبق این ماده پایان

می‌یابد، نصب هزینه‌های مربوط به نگهداری و حفاظت کارگاه به عهده کارفرما و نصف دیگر به عهده پیمانکار است این مدت نباید از سه ماه بیشتر شود، در غیر این صورت، هزینه‌های مربوط به نگهداری و حفاظت کارگاه برای ایام بیش از سه ماه، به عهده کارفرماست ماده ۴۸ - خاتمه پیمان هرگاه پیش از اتمام کارهای موضوع پیمان، کارفرما بدون آنکه تقصیری متوجه پیمانکار باشد، بنا به مصلحت خود یا علل دیگر، تصمیم به خاتمه دادن پیمان بگیرد، خاتمه پیمان را با تعیین تاریخ آماده کردن کارگاه برای تحویل، که نباید بیشتر از ۱۵ روز باشد، به پیمانکار ابلاغ می‌کند. کارفرما کارهایی را که ناتمام ماندن آنها موجب بروز خطر یا زیان مسلم است در این ابلاغ تعیین می‌کند و مهلت بیشتری به پیمانکار می‌دهد تا پیمانکار بتواند در آن مهلت، این گونه کارها را تکمیل کند و کارگاه را آماده تحویل نماید. اقدامات پس از خاتمه دادن پیمان، به شرح زیر، است الف کارفرما آن قسمت از کارها را که ناتمام است، طبق مقررات درج شده در ماده ۴۱ تحویل قطعی و آن قسمت را که پایان یافته است طبق مقررات تعیین شده در ماده ۳۹ تحویل موقت می‌گیرد. اگر معایبی در مورد کارهای ناتمام مشاهده شود، پیمانکار مکلف است به هزینه خود، در مدت مناسبی که با توافق کارفرما تعیین می‌شود، رفع عیب نماید و سپس تحویل قطعی دهد. در صورتی که پیمانکار در مهلت مقرر رفع نقص نکند، کارفرما طبق بند د ماده ۳۲ اقدام به رفع نقص می‌نماید. تا حدی که مورد لزوم و درخواست کارفرماست، پیمانکار باید نقشه‌ها، کاتالوگها، قراردادهای بایمانکاران جز و سایر مدارک اجرای کار را تحویل کارفرما دهد. ب در صورت وضعیت کارهای انجام شده، طبق ماده ۴۰ تهیه میشود. ج در مورد مصالح و تجهیزات موجود و سفارش شده، به شرح زیر، اقدام می‌شود: ۱) مصالح و تجهیزات موجود در کارگاه که طبق مشخصات فنی بوده و برای اجرای موضوع پیمان تهیه شده است، اندازه‌گیری و بهای آنها بر اساس نرخ متعارف روز در تاریخ خرید، که مورد توافق دوطرف باشد، در صورت وضعیت قطعی منظور می‌شود. ۲) پیمانکار با دریافت ابلاغ خاتمه پیمان، بی‌درنگ فهرست مصالح و تجهیزات سفارش شده برای اجرای کار را همراه با شرایط خرید آنها برای کارفرما ارسال می‌نماید. کارفرما تا ده روز از دریافت فهرست پیشگفته، اقلامی از مصالح و تجهیزات سفارش شده را که مورد نیاز تشخیص می‌دهد به پیمانکار اعلام می‌نماید تا پیمانکار قرارداد خرید آنها را به کارفرما منتقل نماید. مبالغی که بابت خرید این مصالح و تجهیزات از سوی پیمانکار تادیه شده است، در مقابل تسلیم اسناد و مدارک آن به حساب طلب پیمانکار منظور می‌گردد و تادیه بقیه بهای خرید و هر نوع تعهد مربوط به آنها به عهده کارفرما خواهد بود. ۳) پیمانکار باید بی‌درنگ پس از دریافت ابلاغ خاتمه پیمان، تمام قراردادهای خود با پیمانکاران جز و اشخاص ثالث را خاتمه دهد. خاتمه قراردادهای خرید مصالح و تجهیزاتی که مورد نیاز کارفرما نیست پس از اعلام نظر کارفرما طبق بند ۲ انجام می‌شود. د) در صورتی که پیمانکار به منظور اجرای موضوع پیمان، در مقابل اشخاص ثالث تعهداتی کرده‌است و در اثر خاتمه دادن به پیمان ملزم به پرداخت هزینه و خسارتهایی به آن اشخاص گردد، این هزینه و خسارتهای، پس از رسیدگی و تایید کارفرما، به حساب بستانکاری پیمانکار منظور می‌شود. ه) کارفرما تاسیسات و ساختمانهای موقتی را که در کارگاه احداث شده است، در اختیار می‌گیرد. بهای این تاسیسات و ساختمانها با در نظر گرفتن پرداختهایی که قبلاً به پیمانکار شده است، با توافق دو طرف تعیین می‌شود و به حساب طلب پیمانکار منظور می‌گردد و بابت آنها وجهی به عنوان برچیدن کارگاه پرداخت نمی‌شود. اگر تاسیسات و ساختمانهای پیشگفته در خارج از محلهای تحویلی کارفرما ایجاد شده باشد، کارفرما بهای اجاره آنها را که با توافق دو طرف تعیین می‌شود، برای مدتی که به منظور تکمیل کار در اختیار خواهد داشت به پیمانکار پرداخت می‌کند. و) پیمانکار مکلف است که مازاد مصالح و تجهیزات و دیگر تدارکات خود را که در محلهای تحویلی کارفرما باقی مانده است، حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ کارفرما، از محلهای یاد شده خارج کند. در غیر این صورت، کارفرما می‌تواند برای خارج کردن آنها به هر نحو که مقتضی بداند عمل نماید و هزینه‌های آن را به حساب بدهی پیمانکار منظور دارد. در این صورت، پیمانکار نمی‌تواند نسبت به ضرر و زیان وارد شده به اموال و داراییهای خود، دعوایی مطرح نماید. ز) در مورد تضمینهای پیمانکار، به ترتیب، زیر عمل می‌شود. ۱)

تضمین انجام تعهدات پیمان، طبق روش تعیینی شده در تبصره ۱ ماده ۳۴ آزاد می‌شود، با این تفاوت که آخرین صورت وضعیت موقت موضوع تبصره پیشگفته، حداکثر تا یک ماه پس از تحویل کار، اعم از قسمت تحویل موقت شده و تحویل قطعی شده با احتساب مصالح پای کار تهیه می‌شود. (۲) تضمین حسن انجام کار قسمت تحویل موقت شده و قسمت تحویل قطعی شده، هر یک جداگانه طبق ماده ۳۵ آزاد می‌شود. ماده ۴۹ - تعلیق الف کارفرما می‌تواند در مدت پیمان، اجرای کار را برای یک بار و حداکثر سه ماه معلق کند، در این صورت باید مراتب را با تعیین تاریخ شروع تعلیق به پیمانکار اطلاع دهد. در مدت تعلیق، پیمانکار مکلف است که تمام کارهای انجام شده، مصالح و تجهیزات پای کار، تاسیسات و ساختمانهای موقت را بر اساس پیمان به طور شایسته، حفاظت و حراست کند. ب کارفرما هزینه‌های بالاسری پیمانکار را در دوران تعلیق، به میزان تعیین شده در اسناد و مدارک پیمان، به پیمانکار می‌پردازد. اگر در اسناد و مدارک پیمان، تعیین هزینه‌های یاد شده، به توافق طرفین در زمان ابلاغ تعلیق موکول شده باشد، کارفرما در مورد میزان آن با پیمانکار توافق می‌نماید. در صورتی که در اسناد و مدارک پیمان، هیچ نوع پیش‌بینی برای پرداخت هزینه‌های بالاسری پیمانکار در دوره تعلیق نشده باشد، کارفرما ماهانه مبلغی معادل ۱۰ درصد متوسط کارکرد فرضی ماهانه را به پیمانکار می‌پردازد. اگر به دستور کارفرما، قسمتی از کار متوقف شود، بابت هزینه‌های پیشگفته در مدت تعلیق، ماهانه مبلغی معادل ۱۰ درصد متوسط کارکرد فرضی ماهانه، به تناسب مبلغ کار متوقف شده، به پیمانکار پرداخت می‌شود. برای تعیین هزینه تعلیق، کسر ماه به تناسب محاسبه می‌شود. تبصره - در صورتی که پیش از آغاز عملیات موضوع پیمان، تعلیق پیمان از سوی کارفرما ابلاغ شود ۸۰ درصد هزینه تعلیق محاسبه شده طبق این بند، به پیمانکار پرداخت می‌شود. ج کارفرما و پیمانکار در مورد ماشین‌آلاتی که پیمانکار مایل است در مدت تعلیق از کارگاه خارج نماید، بدون پرداخت هیچ نوع هزینه‌ای، توافق می‌کنند. اجاره مربوط به دوران توقف آن تعداد از ماشین‌آلات که در کارگاه باقی می‌مانند، بر اساس توافق طرفین به پیمانکار پرداخت می‌شود. (د) در صورتی که تعلیق بیش از سه ماه ضروری باشد، کارفرما می‌تواند با موافقت پیمانکار، مدت تعلیق را برای یک بار و حداکثر سه ماه، با شرایط پیشگفته افزایش دهد. در صورت عدم موافقت پیمانکار با تعلیق بیش از سه ماه، پیمان خاتمه یافته و طبق ماده ۴۸ عمل می‌شود. ه) هرگاه عوامل موجب تعلیق کار برطرف شود، کارفرما با تعیین مهلتی برای پیمانکار به منظور آماده‌نمودن کارگاه، تاریخ شروع مجدد کار را به پیمانکار ابلاغ می‌کند. ماده ۵۰ - هزینه تسریع کار، خسارت تاخیر کار الف اگر در مقابل اتمام پیش از موعد کار، در اسناد و مدارک پیمان، پرداخت هزینه تسریع کار به پیمانکار، پیش‌بینی شده باشد و پیمانکار پیش از سپری شدن مدت پیمان، عملیات موضوع پیمان را تکمیل کند و آماده تحویل نماید، پیمانکار محق به دریافت هزینه تسریع طبق شرایط پیش‌بینی شده می‌باشد. ب در پایان کار، در صورتی که مدت انجام کار، بیش از مدت اولیه پیمان به علاوه مدت‌های تمدید شده پیمان باشد، مهندس مشاور با رعایت ماده ۳۰ و رسیدگی به دلایل پیمانکار، مدت تاخیر غیرمجاز پیمانکار را تعیین می‌کند تا پس از تصویب کارفرما به شرح زیر، ملاک محاسبه خسارت تاخیر قرار گیرد. (۱) هرگاه جمع مدت تاخیر غیرمجاز از یک دهم مدت پیمان بیشتر نشود، برای هر روز تاخیر، یک‌دو هزارم مبلغ باقیمانده کار که در اجرای آن تاخیر شده است (۲) هرگاه جمع مدت تاخیر غیرمجاز از یک دهم مدت پیمان بیشتر شود، تا یک دهم مدت پیمان طبق بند ۱ و برای مازاد بر آن تا یک چهارم مدت پیمان، برای هر روز تاخیر یک هزارم مبلغ باقیمانده کار که در اجرای آن تاخیر شده است (۳) هرگاه جمع مدت تاخیر غیرمجاز از یک چهارم مدت پیمان بیشتر شود ولی پیمان ادامه یابد. مجموع خسارتهای تاخیر قابل دریافت از پیمانکار نمی‌تواند از جمع خسارت محاسبه شده بر پایه بند (۲) بیشتر شود و مدت اضافه بر یک چهارم مدت پیمان، برای ادامه و انجام کار بدون دریافت خسارت منظور می‌شود. (۴) مبلغ باقیمانده کار که در اجرای آن تاخیر شده است عبارت است از مبلغ پیمان، منهای مبلغ صورت وضعیت مربوط به کارهای انجام یافته تا آخرین روز مدت پیمان (۵) در صورتی که پیمان، طبق ماده ۴۶ فسخ گردد یا طبق ماده ۴۸، به پیمان خاتمه داده شود، تاخیر کار نسبت به برنامه زمانی تفصیلی با رعایت ماده ۳۰ بررسی شده، میزان مجاز و

غیرمجاز آن تعیین می‌شود بابت تاخیر غیرمجاز پیمانکار، طبق مفاد این بند، پرداخت خسارت تاخیر به پیمانکار تعلق می‌گیرد. در این حالت، مبلغ باقیمانده کار که در اجرای آن تاخیر شده است، عبارت است از مبلغ کارهایی که طبق برنامه زمانی تفصیلی و با در نظر گرفتن تاخیر مجاز پیمانکار باید تا تاریخ فسخ یا خاتمه پیمان انجام می‌شد، منهای مبلغ کار انجام شده ۶- در مواردی که اخذ خسارت تاخیر بیش از ارقام درج شده در این ماده ضروری باشد و در اسناد دودمدارک پیمان، میزان آن پیش‌بینی شده باشد، خسارت تاخیر را بر اساس آن محاسبه می‌کنند. ماده ۵۱- صورتحساب نهایی صورتحساب نهایی پیمان که ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب صورت وضعیت قطعی توسط کارفرما تهیه می‌شود، عبارت است از مبلغ صورت وضعیت قطعی که طبق ماده ۴۰ تهیه و تصویب می‌شود و مبلغی که بر اساس اسناد و مدارک پیمان به مبلغ بالاضافه یا از آن کسر می‌گردد، مانند وجوه ناشی از تعدیل آحاد بها، بهای مصالح، تجهیزات و ماشین آلات تحویلی کارفرما به پیمانکار، مبلغ جبران خسارت یا جریمه‌های رسیدگی و قطعی شده صورتحساب نهایی تهیه شده توسط کارفرما در صورتی که مورد قبول پیمانکار باشد، توسط کارفرما و پیمانکار امضا می‌شود. اگر پیمانکار به صورتحساب نهایی تهیه شده، توسط کارفرما معترض باشد و آن را امضا نکند، باید ظرف یک ماه، نظر خود را با مدارک کافی به کارفرما بنویسد، وگرنه صورتحساب نهایی از طرف پیمانکار پذیرفته شده تلقی می‌شود. کارفرما در صورت تایید اعتراض پیمانکار، صورتحساب نهایی را اصلاح می‌کند و دو طرف پیمان آن را امضا می‌کند. صورتحساب نهایی تایید شده به شرح بالا- که ملاک تسویه حساب پیمانکار طبق ماده ۵۲ قرار می‌گیرد، برای دو طرف پیمان قطعی است و هرگونه اعتراض و ادعایی در مورد آن بی‌تاثیر می‌باشد. در صورتی که پیمانکار نسبت به صورتحساب نهایی تهیه شده توسط کارفرما معترض باشد و اعتراض خود را در مهلت تعیین شده اعلام کند و اعتراض او مورد پذیرش کارفرما قرار نگیرد، پیمانکار می‌تواند برای حل مسأله، طبق ماده ۵۳ اقدام نماید. تبصره ۱- در صورتی که به علت تاخیر در رسیدگی آخرین صورت وضعیت موقت یا صورت وضعیت قطعی یا تاخیر در تهیه صورتحساب نهایی، هزینه‌های اضافی بابت تمدید ضمانتنامه‌های پیمانکار ایجاد شود، کارفرما این هزینه‌های اضافی را که از سوی پیمانکار تامین شده است، به او پرداخت می‌کند و اگر مدت تاخیر در آزاد کردن هر یک از تضمینها از سه ماه بیشتر شود، کارفرما تضمین مربوط را آزاد می‌نماید. تبصره ۲- هرگاه بر اساس صورت وضعیت قطعی، معلوم شود که در آخرین صورت وضعیت موقت، پیمانکار بدهکار نبوده یا بدهی او کمتر از نصف کسور تضمین حسن انجام کار بوده است یا طبق صورت حساب نهایی، مشخص شود که در زمان تصویب صورت وضعیت قطعی پیمانکار بدهکار نبوده است، کارفرما باید بی‌درنگ تضمین آزاد نشده مربوط به هر یک از مدارک یاد شده را آزاد کرده و هزینه تمدید آنها را که از سوی پیمانکار تامین شده است، برای مدتی که در آزاد نمودن آنها تاخیر ایجاد گردیده پرداخت کند. ماده ۵۲- تسویه حساب الف هرگاه بر اساس صورتحساب نهایی که به شرح ماده ۵۱ تهیه شده است پیمانکار بستانکار شود، طلب او حداکثر در مدت یک ماه از تاریخ امضای صورتحساب نهایی یا اعلام کارفرما پرداخت می‌گردد و به غیر از نصف تضمین حسن انجام کار، که تا تحویل قطعی باید نزد کارفرما باقی بماند، دیر تضمینهای پیمانکار، از هر نوع که باشد، بی‌درنگ آزاد می‌شود. ب هرگاه بر اساس صورتحساب نهایی، پیمانکار بدهکار شود، مکلف است که در مدت یک ماه از تاریخ امضای صورتحساب نهایی یا اعلام کارفرما، به شرح بالا طلب کارفرما را پردازد و اگر از این پرداخت استنکاف ورزد یا تاخیر نماید، کارفرما حق دارد بدون انجام تشریفات قضایی، طلب خود را از محل سپرده‌ها و تضمینهای پیمانکار (در صورتی که طبق ماده ۴۷ ضبط نشده باشد)، وصول نماید و اگر مبالغ این تضمینها تکافو ننماید، با رعایت قوانین جاری کشور از دیگر داراییهای او وصول کند. هرگاه پیمانکار در مهلت مقرر در بالا، طلب کارفرما را پرداخت کند، به غیر از نصف کشور تضمین حسن انجام کار که تا تحویل قطعی نزد کارفرما باقی می‌ماند، بقیه ضمانتنامه‌ها و سپرده‌های او، به‌هر عنوان که باشد، بی‌درنگ آزاد می‌شود. ماده ۵۳- حل اختلاف الف هرگاه در اجرای تفسیر مفاد پیمان بین دو طرف اختلاف نظر پیش آید، دو طرف می‌توانند برای حل سریع آن، قبل از درخواست ارجاع موضوع یا

موضوعات مورد اختلاف به داوری طبق بند ج برحسب مورد، به روش تعیین شده در بندهای ۱ و ۲ عمل نماید. ۱) در مورد مسایل ناشی از برداشت متفاوت دو طرف از متون بخشنامه‌هایی که به استناد ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه از سوی سازمان برنامه و بودجه ابلاغ شده است، هر یک از دو طرف از سازمان برنامه و بودجه چگونگی اجرای بخشنامه مربوط را استعلام نماید و دو طرف طبق نظری که از سوی سازمان برنامه بودجه اعلام می‌شود، عمل کنند. ۲) در مورد اختلاف نظرهایی که خارج از شمول بند ۱ است، رسیدگی و اعلام نظر درباره آنها به کارشناس یا هیات کارشناسی منتخب دو طرف واگذار شود و دو طرف طبق نظری که از سوی کارشناس یا هیات کارشناسی، در چارچوب پیمان و قوانین و مقررات مربوط اعلام می‌گردد، عمل کنند. ب در صورتی که دو طرف در انتخاب کارشناس یا هیات کارشناسی موضوع بند ۲، به توافق نرسند یا نظر اعلام شده طبق بندهای ۱ و ۲، مورد قبول هر یک از دو طرف نباشد، برای حل اختلاف، طبق بند ج اقدام می‌گردد. ج هرگاه در اجرا یا تفسیر مفاد پیمان بین دو طرف اختلاف نظر پیش آید، هر یک از طرفها می‌تواند درخواست ارجاع موضوع یا موضوعات مورد اختلاف به داوری را به رییس سازمان برنامه بودجه ارایه نماید. تبصره ۱ - چنانچه رییس سازمان یاد شده با تقاضای مورد اشاره موافقت نمود، مرجع حل اختلاف شورای عالی فنی خواهد بود. تبصره ۲ - رسیدگی و اعلام نظر شورای عالی فنی، در چارچوب پیمان و قوانین و مقررات مربوط انجام می‌شود. پس از اعلام نظر شورای یاد شده، طرفها بر طبق آن عمل می‌نمایند. د) ارجاع موضوع یا موضوعات مورد اختلاف به شورای عالی فنی، تغییری در تعهدات قراردادی دو طرف نمی‌دهد و موجب آن نمی‌شود که یکی از دو طرف به تعهدات قراردادی خویش عمل نکنند. ماده ۵۴ - قوانین و مقررات حاکم بر پیمان قوانین و مقررات حاکم بر این پیمان منحصرأ قوانین و مقررات کشور جمهوری اسلامی ایران است نمایند کارفرما نماینده پیمانکار نام و نام خانوادگی نام و نام خانوادگی امضا امضا شرایط خصوصی این شرایط خصوصی، در توضیح و تکمیل موادی از شرایط عمومی پیمان است که تعیین تکلیف برخی از موارد در آنها، به شرایط خصوصی پیمان موکول شده است و هیچ گاه نمی‌تواند مواد شرایط عمومی پیمان را نقض کند. از این رو، هرگونه نتیجه‌گیری و تفسیر مواد مختلف این شرایط خصوصی، نه تنها و بدون توجه به مفاد ماده مربوط به آن در شرایط عمومی پیمان، بی اعتبار است شماره و حروف به کار رفته در مواد این شرایط خصوصی، همان شماره و حروف مربوط به آن در شرایط عمومی پیمان است اگر شرایط عمومی مصوب سازمان برنامه بودجه همراه اسناد و مدارک پیمان نباشد، شرایط عمومی ابلاغ شده از سوی سازمان برنامه و بودجه به شماره مورخ بر این پیمان حاکم است ماده ۱۷ - الف پیمانکار متعهد است که برای اجرای موضوع پیمان، تعداد نفر / ماه کارشناس خارجی با تخصصهای تعیین شده در زیر، به کار گمارد. ماده ۱۸ - ب آخرین مهلت پیمانکار، برای ارایه برنامه زمانی تفصیلی اجرای کار روز از تاریخ مبادله پیمان است جزئیات روش تهیه برنامه زمانی تفصیلی و به هنگام کردن آن، به شرح زیر است ماده ۱۹ - ه) گزارش پیشرفت کار پیمانکار باید دارای جزئیات زیر باشد. ماده ۲۰ - الف کارفرما امکانات و تسهیلات تجهیز کارگاه، از قبیل ساختمان، راه، آب، برق، مخابرات و سوخت را که در زیر تعیین شده است، در اختیار پیمانکار قرار می‌دهد. ماده ۲۰ - ب و ۲۰ - ز) کارفرما، به شرح زیر، مصالح، تجهیزات و ماشین آلات را تامین می‌کند. ماده ۲۰ - ه) پیمانکار باید مشخصات تعیین شده در زیر را در تامین ماشین آلات رعایت کند. ماده ۲۰ - ح پیمانکار متعهد است که برای کارکنان کارفرما، مهندس مشاور و آزمایشگاه به شمار افراد زیر، دفتر کارگاهی، مسکن کارگاهی و غذا، به تفکیک و به شرح مشخصات زیر، تامین کند: ماده ۲۰ - ج قسمتهایی از موضوع پیمان که پیمانکار باید بیمه کند و همچنین موارد یا حوادثی که باید مشمول بیمه گردد، به شرح زیر است ماده ۲۱ - و) چگونگی پرداخت هزینه احداث و نگهداری راههای انحرافی به پیمانکار، به شرح زیر است ماده ۲۲ - الف شمار نسخه‌های نقشه‌ها و مشخصات فنی که بدون دریافت هزینه در اختیار پیمانکار قرار می‌گیرد، به شرح زیر است ماده ۲۲ - ح شمار نسخه‌ها و مشخصات دستورالعملهای راه اندازی، تعمیر، نگهداری و راهبری و نقشه‌های چون ساخت که پیمانکار تهیه می‌کند، به شرح زیر است ماده ۲۴ - ب پیمانکار موظف است که در انتخاب پیمانکاران

جز ، موارد زیر را رعایت کند. ماده ۲۸- الف پیمانکار زمین مورد نیاز برای تجهیز کارگاه را به شرح زیر ، تامین می کند. ماده ۲۹- ه) تعدیل نرخ پیمان ، به شرح زیر است ماده ۳۲- ج هزینه انجام آزمایشهای زیر ، به عهده پیمانکار است ماده ۳۵- دریافت وجوه سپرده تضمین حسن انجام کار پیمان ، طبق مصوبه شمارهمورخهیات وزیران ، است ماده ۳۶- میزان ، روش پرداخت و نحوه واریز پیش پرداخت پیمان ، طبق مصوبه شمارهمورخهیات وزیران است ماده ۳۸- الف میزان و ترتیب پرداختهای ارزی به پیمانکار ، برای متخصصان خارجی ، به شرح زیر است ماده ۳۸- ب کارفرما ارز مورد نیاز برای تامین مصالح و تجهیزات زیر را از خارج کشور تامین می کند. ماده ۳۸- ه) کارفرما ارز مورد نیاز برای خرید ماشین آلات و ابزار خاصی که در زیر نام برده شده است را طبق شرایط زیر ، تامین می کند. ماده ۳۹- ب پیمانکار موظف است که پیش از تکمیل کل کار ، قسمتهای زیر را در زمانهایی که برای هر یک از آنها به شرح زیر تعیین شده است ، تکمیل کند و به کارفرما تحویل دهد. ماده ۴۷- د) ماشین آلات اختصاصی این پیمان که در صورت فسخ پیمان باید برای اتمام کار به صورت اجاره در اختیار کارفرما قرار گیرد ، به شرح زیر است ماده ۴۹- ب هزینه بالای سری پیمانکار در دوره تعلیق ، به میزان و ترتیب تعیین شده در زیر ، پرداخت می شود. ماده ۵۰- الف در صورت اتمام پیش از موعد کار ، کارفرما هزینه تسریع کار را به نحو تعیین شده در زیر به پیمانکار پرداخت می کند. ماده ۵۰- ب- ۶) خسارت تاخیر غیرمجاز پیمان (ناشی از کار پیمانکار) ، به میزان و ترتیب زیر ، از پیمانکار وصول می شود. نماینده کارفرما نماینده پیمانکار نام و نام خانوادگی نام و نام خانوادگی امضا امضا

تصویب نامه راجع به ماده (۲۰) مکررالحاقی به قانون آیین نامه مالی شهرداری ها - مصوب ۱۳۸۲

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱/۴/۱۳۸۲ بنا به پیشنهاد شماره ۳۴/۳/۱/۱۳۴۷ مورخ ۲۰/۳/۱۳۸۲ وزارت کشور و به استناد ماده (۲۰) مکرر الحاقی به قانون آیین نامه مالی شهرداری ها - مصوب ۱۳۸۰- تصویب نمود: حدنصاب های مقرر در بندهای «الف» ، «ب» و «ج» ماده (۴) و قسمت اخیر ماده (۱۶) و ماده (۲۰) آیین نامه مذکور به شرح ذیل افزایش می یابد: ۱- در بند «الف» ماده (۴): از دومیلیون (۲،۰۰۰،۰۰۰) ریال به دو بیست و بیست و سه میلیون (۲۲۳،۰۰۰،۰۰۰) ریال. ۲- در بند «ب» ماده (۴): به ترتیب از دومیلیون (۲،۰۰۰،۰۰۰) ریال به دو بیست و بیست و سه میلیون (۲۲۳،۰۰۰،۰۰۰) ریال و از پنجاه میلیون (۵۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال به یک میلیارد و پانصد و چهار میلیون (۱،۵۰۴،۰۰۰،۰۰۰) ریال. ۳- در بند «ج» ماده (۴): از پنجاه میلیون (۵۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال به یک میلیارد و پانصد و چهار میلیون (۱،۵۰۴،۰۰۰،۰۰۰) ریال. ۴- در ماده (۱۶): به ترتیب از ششصد هزار (۶۰۰،۰۰۰) ریال به بیست و چهار میلیون (۲۴،۰۰۰،۰۰۰) ریال سالانه و از پنجاه هزار (۵۰،۰۰۰) ریال به دومیلیون (۲،۰۰۰،۰۰۰) ریال ماهانه. ۵- در ماده (۲۰): از پانصد هزار (۵۰۰،۰۰۰) ریال به بیست میلیون (۲۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال. معاون اول رییس جمهور - محمدرضا عارف

مقررات استخدامی

آیین نامه استخدامی کارکنان شهرداریهای کشور - مصوب ۱۵/۸/۱۳۸۱ هیات وزیران

فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۱۰)

ماده ۱- کلیه شهرداریهای کشور و واحدهای تابعه آنها را لحاظ استخدامی مشمول مقررات این آیین نامه خواهند بود. تبصره - سازمانهای وابسته به شهرداری که با استناد مواد (۸۴) و (۱۱۱) قانون شهرداری - مصوب ۱۳۳۴- تشکیل شده یا می شوند و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی بوده و بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه آن توسط شهرداری تامین شده باشد ، در صورتیکه در

اساسنامه آنها آیین نامه استخدامی خاص پیش‌بینی نشده باشد مشمول مقررات این آیین نامه هستند. ماده ۲ - مستخدمان شهرداریها از نظر استخدامی به چهار دسته به شرح زیر تقسیم می‌شوند: الف - مستخدم ثابت که به موجب حکم رسمی در یکی از گروه‌های جدول حقوق موضوع ماده (۱) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت - مصوب ۱۳۷۰ - و اصلاحات بعدی آن برای تصدی یکی از پست‌های سازمانی بر اساس آیین نامه استخدامی شهرداری استخدام شده باشد. ب - مستخدم رسمی که بر اساس قانون استخدام کشوری - مصوب ۱۳۴۵ - و اصلاحات بعدی آن در شهرداری استخدام شده است پ - مستخدم موقت که به موجب قرارداد برای مدت معین و کار مشخص به استخدام شهرداری درمی‌آید. مقررات استخدامی این قبیل مستخدمان و تغییرات بعدی آن توسط وزارت کشور تهیه و با موافقت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اجرا خواهد شد. ت - کارگران شهرداری که مشمول قانون کار - مصوب ۱۳۶۹ - و اصلاحات بعدی آن هستند. تبصره - مشاغل کارگری در شهرداری بنا به پیشنهاد هر یک از شهرداریها و تایید وزارت کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مشخص می‌شوند. ماده ۳ - مستخدمان رسمی در صورت درخواست و مستخدمان ثابت شهرداری موضوع بندهای الف و (ب) ماده (۲) این آیین نامه مشمول مقررات این آیین نامه هستند. ماده ۴ - سازمان تفصیلی و ایجاد یا حذف پستهای سازمانی در کلیه شهرداریها با رعایت تبصره ماده (۱۱۲) قانون استخدام کشوری مشمول ماده (۵۴) قانون شهرداری و اصلاحیه آن است ماده ۵ - در مورد استخدام اتباع بیگانه در شهرداری بر اساس قوانین و مقررات مربوط به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی عمل خواهد شد. ماده ۶ - بمنظور نظارت بر حسن اجرای این آیین نامه شورای اداری و استخدامی شهرداری - که در این آیین نامه شورا نامیده می‌شود - در هر یک از استانهای کشور و همچنین در شهرهای با جمعیت بیش از پانصد هزار نفر تشکیل می‌گردد. ماده ۷ - اعضای شورای شهرهای با جمعیت بیش از پانصد هزار نفر به شرح زیر تعیین می‌شوند. الف - شهردار و در غیاب او معاون مالی و اداری شهرداری (رییس شورا) ب - نماینده وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) پ - دو نفر از مدیران یا کارشناسان خبره و مطلع به انتخاب شهردار. ت - مدیر کل امور شهرداریهای وزارت کشور ماده ۸ - شورای هر استان که بر حسن اجرای این آیین نامه در شهرهای زیر پانصد هزار نفر آن استان نظارت می‌کند از افراد زیر تشکیل می‌شود: الف - معاون عمرانی استانداری (رییس شورا) ب - شهردار شهر مرکز استان پ - مدیر کل دفتر امور شهری و روستایی استانداری ت - یک نفر از کارشناسان خبره و ذی صلاح در امور استخدامی شهرداریها به پیشنهاد رییس شورا و تایید استاندار. ث - شهردار شهری که مسایل مربوط به شهرداری مورد تصدی وی در شورا مطرح می‌شود. تبصره - دبیرخانه شورا در دفتر امور شهری و روستایی استانداری مستقر می‌شود. ماده ۹ - شوراها علاوه بر وظایف مقرر در این آیین نامه به عنوان کارگروه اجرایی طرح طبقه‌بندی مشاغل موضوع ماده (۲۱) آیین نامه اجرایی قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت - موضوع تصویب نامه شماره ۵۷۳۵۰/ت/۴۳۷ ه مورخ ۸/۱۱/۱۳۷۰ در شهرداریها وظیفه نظارت بر حسن اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و رسیدگی به اعتراضات استخدامی مستخدمان ثابت شهرداری رانیز برعهده دارد. تبصره - جلسات شورا با حضور حداقل سه چهارم اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیمات با حداقل سه رای مثبت دارای اعتبار است ماده ۱۰ - حق جلسه اعضای شورا به ازای هر جلسه یک چهارم حقوق و مزایای مستخدمان شهرداری مرکز استان تعیین می‌شود که از محل اعتبارات شهرداری ذی‌ربط قابل پرداخت است

فصل دوم - ورود به خدمت (ماده ۱۱ تا ۲۱)

ماده ۱۱ - داوطلبان استخدام در شهرداری باید دارای شرایط زیر باشند: الف - تابعیت جمهوری اسلامی ایران ب - حداقل هیجده و حداکثر سی و پنج سال تمام سن در ورود. پ - انجام خدمت وظیفه عمومی یا معافیت دائم ت - اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی آن ث - تدین و عاملیت به احکام اسلام یا پیروی یکی از ادیان به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران ج - عدم اعتیاد به مواد مخدر چ - داشتن دیپلم کامل متوسطه ح - عدم محکومیت به محرومیت از حقوق اجتماعی خ - داشتن توانایی جسمی برای انجام کاری که داوطلب استخدام آن است د - عدم تجاهر به فسق و داشتن شایستگی اخلاقی لازم و حسن سابقه تبصره ۱ - شهرداری می‌تواند برای پست‌های بالاتر از سازمانی در مشاغل تخصصی با تصویب شورا داوطلبان را تا سن چهل سالگی استخدام نماید. تبصره ۲ - فهرست مشاغل تخصصی توسط وزارت کشور تهیه و پس از تایید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در شهرداریها اجرا خواهد شد. تبصره ۳ - برای تصدی بعضی از پستهای سازمانی، شهرداری می‌تواند با تصویب شورا داوطلبان استخدام را با داشتن گواهینامه پایان دوره راهنمایی تحصیلی استخدام نماید. تبصره ۴ - کسانی که مجدداً به استخدام شهرداری در می‌یابند مشمول محدودیت حداکثر سن موضوع بند ب این ماده نخواهند بود مشروط بر اینکه سن آنها پس از کسر مدت خدمت در شهرداری از حداکثر سن مقرر تجاوز ننماید. تبصره ۵ - شهرداری می‌تواند با انعقاد قراردادهای خاص از خدمات مشاوره‌ای افراد متخصص یا مهندسان مشاور با پیشنهاد شهردار و موافقت شورا استفاده نموده و حق الزحمه مناسبی به این افراد پرداخت نماید ولی در خصوص انعقاد قرارداد با مهندسان مشاور خارجی علاوه بر موافقت شورامراتب باید به تایید وزیر کشور نیز برسد. ماده ۱۲ - استخدام برای تصدی پست‌های سازمانی از طریق امتحان یا مسابقه به عمل می‌آید. تبصره - برگزاری امتحان و مسابقه در شهرداریها به موجب آیین نامه ای خواهد بود که توسط وزارت کشور تهیه و به تایید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور خواهد رسید. ماده ۱۳ - شهرداریها مکلفند در صورت داشتن اعتبار لازم در بودجه مصوب، نیروی انسانی مورد نیاز خود را برای تصدی پستهای سازمانی از بین داوطلبان واجد شرایط پس از اخذ مجوزاستخدام از مراجع ذی صلاح و موافقت وزارت کشور تامین نمایند. ماده ۱۴ - افرادی که در تاریخ ابلاغ این آیین نامه به صورت غیرثابت در استخدام شهرداریها و سازمانهای وابسته هستند و در مشاغل کارمندی انجام وظیفه می‌نمایند، در صورت وجود پست بالاتر از تصدی و داشتن شرایط احراز شغل مورد نظر و حداقل سه سال سابقه خدمت متوالی، در صورتی که خدمت آنها ادامه داشته باشد با تصویب شورا از شرط مسابقه موضوع این ماده معاف هستند. ماده ۱۵ - شهرداریانی که بعد از تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۲ به سمت شهردار منصوب شده باشند و خدمت آنها خاتمه یافته باشد با رعایت ماده (۱۱) این آیین نامه و دارا بودن شرایط زیر از شرط امتحان و مسابقه معاف هستند و می‌توانند در یکی از شهرداریهای کشور استخدام شوند. الف - خدمت آنها به علت استعفا یا اتمام دوره قانونی خدمت (چهار سال خاتمه یافته باشد. ب - حداقل دو سال سابقه خدمت متوالی یا چهار سال خدمت متناوب در سمت شهردار داشته باشد. پ - در صورت تعلیق از خدمت طبق مقررات قانونی، دارای حکم قطعی برایت از مراجع ذی صلاح باشند. ت - حداکثر تا مدت یک سال از تاریخ خاتمه خدمت درخواست استخدام خود را با رعایت سایر بندهای این ماده به یکی از شهرداریهای کشور یا سازمانهای وابسته تسلیم نمایند. تبصره ۱ - این گونه افراد در صورت رعایت بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده و موافقت هسته‌گزینش از خدمت دوره آزمایشی موضوع ماده (۱۸) این آیین نامه معاف هستند. تبصره ۲ - شهرداریانی که بر اساس ماده (۷۳) قانون تشکیلات و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ - از کار برکنار شده‌اند می‌توانند، طی مدت یک سال با تایید شورا برای یکی از پستهای بالاتر از تصدی به استخدام شهرداری مربوط یا سایر شهرداریهای کشور درآیند. تبصره ۳ - شهرداریانی که قبلاً خاتمه خدمت یافته‌اند و از خاتمه خدمت آنها بیش از یک سال می‌گذرد می‌توانند با رعایت سایر بندهای این ماده تا مدت یک سال از تاریخ تصویب این آیین نامه درخواست استخدام خود را به آخرین شهرداری مربوط یا شهرداریهای کشور تسلیم نمایند. تبصره ۴ - در صورت عدم وجود پست سازمانی مناسب در شهرداریها، وزارت کشور می‌تواند به پیشنهاد شهرداری متقاضی استخدام، با موافقت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نسبت به ایجاد پست با نام مطابق با مدرک تحصیلی متقاضی تحت یکی از عناوین کارشناس، کاردار و کمک کارشناس اقدام نماید. ماده ۱۶ - شهرداریها مکلفند کارگران مورد نیاز خود را که در تشکیلات مصوب به عنوان کارگر ثابت شناخته شده‌اند در صورت داشتن اعتبار لازم در بودجه مصوب برای تصدی پست‌های سازمانی، پس از اخذ مجوز استخدام و

موافقت از وزارت کشور و تایید کمیته طبقه بندی مشاغل کارگرياستان با رعایت مقررات قانون کار از بین داوطلبان واجد شرایط استخدام نمایند. ماده ۱۷ - جانبازانی که در تاریخ ابلاغ این آیین نامه به صورت غیر ثابت برای مشاغل کارمندی دراستخدام شهرداری یا سازمانهای وابسته باشند با رعایت قانون تسهیلات استخدامی، اجتماعی جانبازان - مصوب ۱۳۷۴ - و با تصویب شورا از شرط امتحان و مسابقه معاف هستند. ماده ۱۸ - داوطلبان استخدام که در امتحان یا مسابقه ورودی پذیرفته شده‌اند یک دوره آزمایشی راطی می نمایند که مدت آن حداقل شش ماه و حداکثر دو سال است، هرگاه وضع خدمت و رفتار آنها در دوره خدمت آزمایشی رضایت بخش باشد حکم قطعی استخدام آنها پس از تایید هسته گزینش ذی ربط به عنوان مستخدم ثابت صادر می شود و مدت خدمت آزمایشی جز سابقه خدمت آنها محسوب می شود. تبصره ۱ - در صورت عدم اعلام نظر هسته گزینش ظرف مدت تعیین شده حکم استخدام قطعی مستخدمان آزمایشی صادر می شود. تبصره ۲ - افراد مشمول این ماده در طی دوره خدمت آزمایشی در حکم مستخدم ثابت محسوب و از حقوق، فوق العاده شغل و سایر مزایای پست مورد تصدی در گروه ورودی برخوردار می شوند. تبصره ۳ - به خدمت افرادی که حداکثر تا پایان دوره آزمایشی صالح برای ابقا در پست مورد نظر تشخیص داده نشوند خاتمه داده می شود. به این قبیل افراد حقوق و مزایای ایام مرخصی استحقاقی استفاده نشده و کسور بازنشستگی کسر شده پرداخت می شود. ماده ۱۹ - هرگاه مستخدمان رسمی و ثابت شهرداری و سازمانهای وابسته از خدمت در شهرداری یا سازمانهای وابسته استعفا نمایند، استخدام مجدد آنها با موافقت شورا و رعایت سایر مقررات این آیین نامه پس از اعلام نظر هسته گزینش امکان پذیر است و این گونه مستخدمان از طی دوره آزمایشی معاف هستند. ماده ۲۰ - صدور احکام استخدامی مستخدمان ثابت شهرداریها (به جز شهرداری تهران در بدو ورود به خدمت از لحاظ انطباق با مقررات این آیین نامه موکول به تایید وزارت کشور است ماده ۲۱ - شهرداری موظف است سالانه شایستگی و استعداد مستخدمان رسمی ثابت خود را براساس ضوابط ارزشیابی کارکنان دولت مورد بررسی قرار داده و نتیجه را در پرونده استخدامی آنها منعکس نماید. این سنجش طوری صورت می گیرد که موجب ارشاد و معرف استحقاق مستخدم برای احراز گروه و پستهای بالاتر یا لزوم گذراندن دوره کارآموزی جدید باشد.

فصل سوم - حقوق و مزایا (ماده ۲۲ تا ۳۸)

ماده ۲۲ - حقوق مبنای مستخدمان ثابت و رسمی شهرداریهای سراسر کشور و سازمانهای وابسته برابر عدد مبنای حقوق مستخدمان مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت و اصلاحات بعدی آن با اعمال ضرایب ریالی مصوب سالانه تعیین می شود. ماده ۲۳ - تخصیص مشاغل مستخدمان مشمول این آیین نامه به گروههای ورودی بر مبنای جدول تخصیص مشاغل مستخدمان مشمول قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگی پرداخت کارکنان دولت و اصلاحات بعدی آن است تبصره ۱ - تغییرات و اصلاحات در گروههای موضوع این ماده و تخصیص گروه ورودی به مستخدمانی که مشاغل آنها از پیچیدگی و حساسیت برخوردار و مستلزم دارا بودن مهارتهای خاص و فوق العاده است به پیشنهاد وزارت کشور و تایید سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به اجرا در می آید. تبصره ۲ - انتصاب مستخدمان شهرداری و سازمانهای وابسته در غیر رسته مربوط مستخدم ممنوع است ولی در صورت نیاز و داشتن شرایط احراز شغل پیشنهادی می توان با رضایت مستخدم و موافقت شورا او را در رسته دیگر منصوب نمود. ماده ۲۴ - حقوق مستخدمان در هر سال با در نظر گرفتن خدمت قابل قبول آنها در سال قبل به شرح زیر تعیین می شود: (ضریب افزایش سنواتی + ۱) حقوق سال قبل = حقوق هر سال ماده ۲۵ - سوابق خدمت کارگران شهرداری به لحاظ تجربی برای تصدی مشاغل کارمندی قابل احتساب نیست ولی در صورت ارایه مدرک مستند موضوع ماده (۱۴) طرح طبقه بندی مشاغل و اصلاحات بعدی آن سوابق خدمت آنها پس از تایید شورا از لحاظ تجربه و احراز مشاغل کارمندی قابل احتساب است تبصره - کارگرانی که

موفق به اخذ مدرک تحصیلی بالاتر شوند هنگام استخدام کارمندی سوابق خدمت مشابه یا مرتبط آنها در شهرداری از لحاظ تعیین گروه بر اساس آخرین مدرک تحصیلی و با تایید شورا قابل احتساب است ماده ۲۶ - شهرداری می تواند به مستخدمان مشمول این آیین نامه که خدمت آنها رضایت بخش باشد و مستخدمانی که خدمات برجسته انجام داده باشند به شرط دارا بودن شایستگی بر اساس ماده ۳۱ این آیین نامه ، علاوه بر فوق العاده شغل گروه مربوط ، افزایش فوق العاده شغل به میزان حداکثر بیست درصد عدد مبنای گروه مربوط را پردازد ولی به هر حال فوق العاده شغل یاد شده نباید از یکصد و پنجاه درصد (۱۵۰٪) حقوق مبنای مستخدم تجاوز نماید. تبصره - میزان افزایش فوق العاده شغل موضوع این ماده و مصادیق خدمات برجسته به پیشنهاد شهردار و تایید شورا تعیین می شود. ماده ۲۷ - کسانی که به خدمت ثابت شهرداری پذیرفته می شوند در اولین طبقه گروه مربوط قرار می گیرند و چنان چه دارای سابقه خدمت دولتی یا خدمت در شهرداری یا سازمانهای وابسته باشند به ازای هر سال خدمت ، از ضریب افزایش سنواتی به میزان سه درصد (۳٪) برخوردار می شوند و مدت خدمت و وظیفه عمومی آنها نیز جز سابقه خدمت شان محسوب می شود. ماده ۲۸ - جدول و نحوه ارتقای گروه مستخدمان با در نظر گرفتن ارزش کار ، میزان مسوولیتها ، اهمیت وظایف ، سوابق تجربی ، تحصیلات و ارزشیابی شاغلان تعیین می شود. تبصره ۱ - حقوق مستخدمانی که ارتقای گروه می یابند بر اساس عدد مبنای در گروه جدید به اضافه مجموع افزایشهای سنواتی در گروه قبل تعیین می شود. تبصره ۲ - ارتقای گروه مستخدمانی که سقف رشته شغلی مورد تصدی آنها اجازه استفاده از گروه تعیین شده جهت مدرک تحصیلی آنها را نمی دهد منوط به انتصاب آنها به مشاغل دیگر است ماده ۲۹ - شهرداری می تواند در صورت وجود شرایط زیر مستخدم را به گروههای بالاتر ارتقا دهد: الف - در گروه جدید پست سازمانی بالاتر تصدی وجود داشته باشد یا بر اساس طرح طبقه بندی مشاغل به سبب احراز شرایط تحصیلی یا تجربی مقرر در طرح ، در طبقه شغلی که در گروه بالاتر است قرار گیرد. ب - مستخدم در خدمات گذشته خود ابراز لیاقت و کاردانی نموده باشد. تبصره - حقوق و امتیازات مربوط به ایشارگران مشمول قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت در مورد مستخدمان ایشارگر شهرداری نیز اعمال می شود. ماده ۳۰ - شهرداری می تواند با تصویب شورا به مستخدمان خود یک الی دو گروه تشویقی موضوع مفاد تبصره (۴) ماده (۳) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت و اصلاحات بعدی آن علاوه بر گروه استحقاقی آنها اعطا نماید. ماده ۳۱ - مستخدمانی که به لحاظ تغییر شغل در گروه پایین تر از گروه استحقاقی خود قرار می گیرند مابه التفاوت حقوق مبنای گروه قبلی با گروه جدید به اضافه مجموع افزایشهای سنواتی قبلی رادریافت می نمایند و هرگونه افزایشهای بعدی در حقوق مبنای این مستخدمان در گروه جدید و افزایش ناشی از ارتقای گروه بعدی تا استهلاك کامل از مابه التفاوت یاد شده کسر می شود. ماده ۳۲ - وزارت کشور موظف است بر اساس اهمیت وظایف ، مسوولیتها ، شرایط احراز ، مدرک تحصیلی ، تجربه و سایر شرایط موثر ، کلیه مشاغل شهرداریها و سازمانهای وابسته را طبقه بندی و ارزیابی نماید و پس از تایید سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به یکی از گروههای جدول حقوقی و ضوابط پرداخت فوق العاده شغل تخصیص دهد. هر نوع اصلاح در طرح طبقه بندی مشاغل بنا به پیشنهاد وزارت کشور و پس از موافقت سازمان یاد شده قابل اجرا است تبصره - تعیین حقوق فعلی مستخدمان شهرداری مشمول این آیین نامه بر اساس آیین نامه ای که از طرف وزارت کشور تنظیم و به تایید سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور می رسد به عمل می آید ولی در هیچ مورد با اجرای این تبصره از حقوق مستخدم در حین تطبیق ، رقمی کسر نمی شود. ماده ۳۳ - مادام که طرح طبقه بندی مشاغل و ضوابط تغییر گروه و جدول فوق العاده شغل مستخدمان ثابت و رسمی شهرداریها توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب مراجع مربوط نرسیده است ، طرح طبقه بندی مشاغل و جداول فوق العاده شغل و تغییر گروه مستخدمان رسمی مشمول قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت و اصلاحات بعدی آن در مورد مستخدمان رسمی و ثابت شهرداریها قابل اجرا است ماده ۳۴ - انتصاب مستخدمان به پستهای سازمانی که شرایط احراز آن را طبق شرح شغل مربوط ندارند ممنوع است تبصره ۱ - چنانچه برای تصدی یکی از پستهای سازمانی یا معاونت در شهرداریهایی که دارای

یک معاون هستند مستخدم واجد شرایط در شهرداریها نباشد، شهرداری می‌تواند از وجود مستخدمان واجد شرایط احراز طرح طبقه بندی مشاغل از سایر وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکتهای دولتی و سایر شهرداریها و سازمانهای وابسته به عنوان مأمور استفاده نماید. تبصره ۲- شهرداری می‌تواند با رعایت مقررات این آیین نامه در شهرداریهایی که دارای یک معاون است فردی را که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی عمران و شهرسازی است از طریق امتحان یا مسابقه پس از طرح موضوع در شورا و طی مراحل گزینش در پست معاون شهردار به استخدام ثابت شهرداری در آورد. تبصره ۳- در صورت استفاده شهرداری از مستخدمان وزارتخانه‌ها، موسسات و شرکتهای دولتی مشمول قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت و سایر شهرداریها و سازمانهای وابسته به عنوان مأمور و انتصاب آنها به یکی از پستهای ثابت سازمانی (با تصویب شورا) بر اساس آیین نامه مأموریت مستخدمان مشمول قانون استخدام کشوری و اصلاحات بعدیان و سایر مقررات مربوط عمل می‌شود. تبصره ۴- در اجرای مفاد ماده ۷۹ قانون شهرداری ذی حساب دوم شهرداری یا قایم مقام او از بین مستخدمان ثابت و رسمی واجد شرایط شهرداری انتخاب و بنا به پیشنهاد شهردار و تایید شورامنصوب می‌شود. ماده ۳۵- مستخدمان ثابت و رسمی شهرداری و سازمانهای وابسته بر اساس پست مورد تصدی از فوق العاده شغل مربوط بر مبنای طرح طبقه بندی مشاغل و جدول فوق العاده شغل برخوردار می‌شوند. تبصره ۱- فوق العاده شغل مستخدمانی که تصدی مشاغل مدیریت و سرپرستی موضوع تبصره ۱ ماده ۴ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت را برعهده دارند علاوه بر فوق العاده شغل موضوع این ماده و اصلاحات بعدی آن بر اساس پیشنهاد وزارت کشور و تایید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور قابل افزایش است تبصره ۲- فوق العاده شغل مستخدمانی که تصدی مشاغل تحقیقی و تخصصی شهرداریها موضوع تبصره (۲) ماده (۴) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت را برعهده دارند علاوه بر فوق العاده شغل گروه مربوط و اصلاحات بعدی آن بر اساس پیشنهاد وزارت کشور و تایید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور قابل افزایش است تبصره ۳- عناوین مشاغل مدیریت و سرپرستی با توجه به تشکیلات مصوب به پیشنهاد شهرداری مربوطه توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور از طریق همترازی تعیین می‌شود. تبصره ۴- شهرداری می‌تواند سالانه به کارکنانی که در افزایش درآمدهای کوششی و وصول آنها مازاد بر بودجه مصوب سعی و تلاش نموده‌اند با تشخیص شهردار فوق العاده‌ای تحت عنوان حق وصول برای یک بار در سال به میزان یک درصد مازاد درآمد کوششی که وصول شده برای کارکنان ذی ربط پرداخت نماید مشروط بر اینکه حداکثر از دو برابر حقوق و فوق العاده شغل ماهانه مستخدم در یک سال تجاوز نماید. ماده ۳۶- هرگونه مصوبه، دستورالعمل، بخشنامه، آیین نامه، مقررات و سایر تسهیلات که برای کارکنان مشمول قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت تصویب یادر نظر گرفته شده یا می‌شود در مورد کارکنان شهرداریهای سراسر کشور و سازمانهای وابسته که مشمول تبصره ماده (۱) این آیین نامه هستند با تامین اعتبار لازم در بودجه شهرداریها به اجرا درمی‌آید. ماده ۳۷- شهرداری می‌تواند علاوه بر عیدی و پاداش سالانه در صورت وجود اعتبار به هر یک از مستخدمان معادل یک ماه حقوق و فوق العاده شغل در پایان هر سال به عنوان حق تلاش به تناسب مدتی که مستخدم در آن سال تصدی پستی را برعهده داشته است پرداخت نماید. ماده ۳۸- جدول یا ضوابط پرداخت فوق العاده جذب و کارانه کارکنان شهرداری بر اساس مقررات و مصوبات مورد عمل مستخدمان رسمی مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت و اصلاحات بعدی آن به علاوه بیست تعیین و برقرار می‌شود. تبصره- فوق العاده جذب مدیران و سرپرستان و کارشناسان شهرداری بر مبنای ارقام فوق العاده‌های مستخدمان مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت بر اساس همترازی که توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور انجام پذیرفته به مرحله اجرا در می‌آید.

ماده ۳۹- وزارت کشور مکلف است در اجرای ماده (۶۲) قانون شهرداری و به منظور بالا بردن سطح معلومات فنی و تخصصی کارکنان مورد نیاز شهرداریها زمینه‌های آموزش پیش از خدمت و ضمن خدمت داوطلبان استخدام و شاغلان را به طرق مقتضی و عنداللزوم با ایجاد مراکز آموزشی فراهم آورد. تبصره ۱- مادام که وزارت کشور در اجرای این ماده زمینه آموزش مستخدمان شهرداریها را به طرق مقتضی فراهم نموده است استانداردها و شهرداری‌های سراسر کشور می‌توانند با هماهنگی وزارت کشور زمینه آموزشهای لازم را در محل فراهم نمایند. تبصره ۲- ضوابط اعطای امتیاز شرکت در دوره‌های آموزشی اعم از کوتاه مدت و بلند مدت همانند ضوابط آموزشی کارکنان مشمول قانون استخدام کشوری تعیین می‌شود.

فصل پنجم - رفاه (ماده ۴۰ تا ۴۵)

ماده ۴۰- مستخدمان شهرداری سالی یک ماه به تناسب مدت خدمت حق استفاده از مرخصی با حقوق و فوق العاده‌های مربوط را دارند. ماده ۴۱- مستخدمان شهرداری در صورت ابتلا به بیماریهایی که مانع از انجام خدمت باشند از مرخصی استعلاجی استفاده می‌نمایند. تبصره - جز در مورد بیماریهای صعب العلاج حداکثر استفاده از مرخصی استعلاجی چهارماه در سال است ماده ۴۲- مستخدم می‌تواند با موافقت شهرداری از مرخصی بدون حقوق استفاده کند، محفوظ ماندن پست سازمانی مستخدم رسمی وثابت در مدتی که از مرخصی بدون حقوق بیش از سه ماه در هر سال استفاده می‌نماید الزامی نیست، در صورتی که پس از پایان دوران مرخصی پست سازمانی مناسب برای ارجاع به مستخدم یاد شده موجود نباشد وی به حال آماده به خدمت در می‌آید. تبصره ۱- حداکثر مدتی که مستخدم شهرداری در طول خدمت خود می‌تواند از مرخصی بدون حقوق استفاده کند سه سال است ولی برای ادامه تحصیلات عالی تخصصی در رشته مورد نیاز شهرداری این مرخصی با تصویب شورا حداکثر تا دو سال دیگر قابل تمدید است تبصره ۲- مستخدمانی که در حال مرخصی بدون حقوق هستند می‌توانند کماکان از مزایای بیمه عمر طبق ضوابط استفاده نمایند. تبصره ۳- مدت مرخصی بدون حقوق جز سابقه خدمت مستخدم محسوب نمی‌شود. ماده ۴۳- استفاده از مرخصی‌های موضوع مواد (۲۷) و (۲۸) و (۲۹) و تبصره‌های مربوط بر اساس آیین نامه مورد عمل درباره مستخدمان رسمی مشمول قانون استخدام کشوری انجام می‌شود. ماده ۴۴- شهرداری موظف است به طرق مقتضی در تامین بهداشت و درمان مستخدمان خود و ایجاد تسهیلات رفاهی برای کارکنان و ایجاد محیط مناسب کار و کمک به امور تعاونی در زمینه‌های مصرف، مسکن، قرض الحسنه و نظایر آن که بر اساس مقررات رفاهی سازمانهای دولتی و وابسته به دولت نظیر قانون نحوه ایجاد تسهیلات رفاهی برای کارکنان دولت - مصوب ۱۳۶۷ - تهیه و به تصویب می‌رسد اقدام و مساعی لازم را به عمل آورد. ماده ۴۵- چنانچه مستخدم فوت شود و مرخصی استحقاقی ذخیره شده داشته باشد حقوق و فوق العاده شغل و فوق العاده‌های مستمر او بابت مرخصیهای ذخیره شده به وراثت قانونی وی پرداخت می‌شود.

فصل ششم - بازنشستگی (ماده ۴۶ تا ۸۲)

ماده ۴۶- مستخدمان ثابت شهرداری تهران از نظر بازنشستگی تابع صندوق بازنشستگی و وظیفه مستخدمان شهرداری موضوع ماده (۵۸) اصلاحی قانون شهرداری - مصوب ۱۳۴۵ - هستند. ماده ۴۷- مستخدمان ثابت و رسمی شهرداریها - به جز شهرداری تهران - از نظر بازنشستگی تابع صندوق بازنشستگی و وظیفه مستخدمان شهرداریها در سازمان بازنشستگی کشوری هستند و از نظر بازنشستگی

و کسور پرداخت شده تابع مقررات بازنشستگی و وظیفه مشمولان قانون استخدام کشوری و اصلاحات بعدی آن هستند. ماده ۴۸ - شهرداری مکلف است از تاریخ تطبیق وضع مستخدمان خود با این آیین نامه هر ماه مطابق مقررات قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت کسورات قانونی بازنشستگی مستخدم را کسر نموده و پس از افزودن سهم شهرداری با توجه به قوانین یاد شده مجموع آن را به صندوق بازنشستگی و وظیفه مربوط پرداخت نماید. تبصره ۱ - وجود حاصل اعم از سهم مستخدم و شهرداری به حساب مخصوص در یکی از بانکهای دولتی که از طرف سازمان بازنشستگی معرفی می شود واریز می گردد. تبصره ۲ - کسور بازنشستگی مستخدمان آماده به خدمت بر مبنای تمام حقوق گروه و افزایشهای سنواتی احتساب و از حقوق ماهانه آنان کسر می شود. ماده ۴۹ - شهرداری مکلف است اولین حقوق ماهانه کسانی که دوره آزمایشی را گذرانده و به استخدام قطعی شهرداری پذیرفته می شوند و هر نوع تفاوت یک ماهه حقوق حاصل از افزایش سنواتی و ارتقای گروه مستخدمان را به حساب صندوق بازنشستگی واریز نماید. ماده ۵۰ - مستخدمان شهرداری می توانند با داشتن شرایط زیر تقاضای بازنشستگی نمایند و شهرداری مخیر به قبول آن است الف - داشتن شصت (۶۰) سال سن ب - داشتن بیست و پنج (۲۵) سال سابقه خدمت و پنجاه (۵۰) سال سن تبصره ۱ - هرگاه مستخدمان مشمول این آیین نامه قبل از رسیدن به سن بازنشستگی یا بعد از آن فوت شوند از تاریخ فوت بازنشسته محسوب و تمامی حقوق بازنشستگی و اصلاحات بعدی آن به وراثت قانونی آنها پرداخت می شود. تبصره ۲ - مستخدمان شهرداری در هر حال مشمول قانون نحوه تعدیل نیروی انسانی در دستگاههای دولتی مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن و قوانین مربوط به اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه هستند. ماده ۵۱ - شهرداری موظف است قبل از تاریخ بازنشستگی در صورت استحقاق مستخدم و بنا به درخواست او حداکثر چهارماه مرخصی با استفاده از حقوق و فوق العاده شغل و سایر مزایای مربوط به وی اعطا نماید و در هر حال تاریخ پایان این مرخصی باید طوری تعیین شود که سن مستخدم از شصت و پنج (۶۵) سال تمام تجاوز نماید. ماده ۵۲ - حقوق بازنشستگی و وظیفه از کارافتادگی و وظیفه وراثت مستخدمان شهرداری عبارتست از معدل تمامی حقوق و مزایای دریافتی آنها که ملاک کسور بازنشستگی است در دو سال آخر خدمت مشروط بر آنکه حقوق بازنشستگی آنها از بالاترین حقوق بازنشستگی مقرر در قوانین و مقررات مربوط تجاوز نماید. ماده ۵۳ - شهرداری می تواند مستخدمان رسمی و ثابت خود را که دارای سی سال سابقه خدمت با هر قدر سن باشند بازنشسته نماید. ماده ۵۴ - شهرداری مکلف است کلیه مستخدمانی که شصت و پنج سال تمام سن دارند را بازنشسته نماید. ماده ۵۵ - سوابق خدمت تمام وقت مستخدمان ثابت در شهرداریها و سازمانهای وابسته ، وزارتخانه ها ، موسسات و شرکتهای دولتی و موسسات عمومی غیردولتی و سمت شهردار در صورت انتقال کسور یا حق بیمه برابر مقررات قانونی یا تقبل پرداخت آن به صندوق بازنشستگی ذی ربط بر اساس مقررات مربوط از نظر افزایش سنواتی و بازنشستگی جز سنوات خدمت آنها محسوب می شود. تبصره ۱ - مأخذ پرداخت کسور برای سوابق خدمت در شهرداریها و سازمانهای وابسته که کسور یا حق بیمه آن منتقل یا پرداخت نشده است مطابق مقررات قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت تعیین و سهم شهرداری با توجه به ماده (۴۸) این آیین نامه پرداخت می شود. تبصره ۲ - مأخذ پرداخت کسور برای سوابق خدمت خارج از شهرداریها و سازمانهای وابسته که کسور یا حق بیمه آن انتقال نیافته است بر مبنای بیست و یک درصد (۲۱٪) اولین حقوق و فوق العاده شغل و سایر مزایای مشمول کسور بازنشستگی مستخدم ثابت در شهرداری و اصلاحات بعدی آن تعیین می شود که توسط مستخدم پرداخت خواهد شد. تبصره ۳ - چنانچه مستخدمان سازمانهای وابسته به شهرداریها که به استناد اساسنامه آن سازمان مشمول این آیین نامه نیستند بر اساس مقررات مربوط به استخدام شهرداریها درایند سوابق خدمت تمام وقت آنها مشمول این ماده است ماده ۵۶ - کسور متعلق در اجرای تبصره های (۱) و (۲) و (۳) ماده (۵۵) این آیین نامه از طرف شهرداری به طور یکجا و از طرف مستخدم در یکصد و بیست قسط ماهانه به صندوق بازنشستگی پرداخت می شود مشروط بر اینکه در مورد مستخدمان شاغل مجموع پرداختی مستخدم بابت بدهی کسور بازنشستگی سنوات خدمت گذشته و کسور بازنشستگی جاری از یک چهارم مجموع

حقوق و فوق العاده شغل و در مورد بازنشستگان و وظیفه بگیران از یک چهارم حقوق بازنشستگی یا وظیفه تجاوز نکند ، در صورتی که از این مقدار تجاوز کند به همین میزان به تعداد اقساط ماهانه او اضافه می‌شود. ماده ۵۷ - سابقه خدمت مستخدمان مشمول ماده (۵۵) این آیین نامه از نظر بازنشستگی و وظیفه در صورتی جز خدمت رسمی آنها محسوب می‌شود که به موجب احکام صادر شده به صورت تمام وقت یا با دریافت حقوق از شهرداریها و سازمانهای وابسته یا یکی از وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی بوده باشد. تبصره - سوابق خدمت کسانی که در تاریخ تصویب این آیین نامه به عنوان کارمند ثابت با مقررات استخدامی تطبیق شده‌اند از لحاظ افزایش سنواتی و بازنشستگی قابل احتساب است مشروط بر اینکه سوابق یاد شده منطبق با لیستهای حقوق و مدارکی که مبین انجام خدمت آنها در مشاغل اداری شهرداری است به تایید شورا رسیده باشد. ماده ۵۸ - مدت خدمت وظیفه مستخدمان ثابت جز سابقه آنان محسوب می‌شود مشروط بر اینکه مستخدم کسور بازنشستگی سهم خود را طبق تبصره‌های (۱) و (۲) و (۳) ماده (۵۵) حسب مورد و ماده (۵۶) این آیین نامه پرداخت نمایند که در این صورت شهرداری نیز موظف به پرداخت سهم خود حسب مورد در مدت مقرر است ماده ۵۹ - مستخدمان رسمی مشمول ماده (۱۴۴) قانون استخدام کشوری در صورت تمایل می‌توانند به استناد تبصره (۳) ماده یاد شده مشمول این آیین نامه شوند و شهرداری موظف است درخواست آنها را به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ارسال نماید تا سازمان بازنشستگی کشوری نسبت به واریز کسور مربوط به صندوق بازنشستگی شهرداری اقدام نماید. ماده ۶۰ - در صورتی که مستخدمان شهرداری به علل غیر ناشی از کار ، از کار افتاده شناخته شوند بر اساس مقررات قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت و اصلاحات بعدی آن حقوق وظیفه از کارافتادگی دریافت می‌نمایند و در صورتی که سنوات پرداخت کسور بازنشستگی مستخدم از پانزده (۱۵) سال کمتر باشد پانزده سال تمام محسوب می‌شود. ماده ۶۱ - در صورتی که مستخدم ثابت در حین انجام وظیفه به علت حادثه ناشی از کار ، از کار افتاده شود بدون رعایت سنوات پرداخت کسور بازنشستگی ، تمام حقوق ، فوق العاده شغل ، تفاوت تطبیق و سایر مزایای مشمول کسورات بازنشستگی مستخدم در زمان از کارافتادگی در مورد او برقرار می‌شود مشروط بر آن که از حداکثر حقوق بازنشستگی مقرر در این آیین نامه تجاوز ننماید. تبصره ۱ - هرگاه مستخدم موضوع این ماده به علت همان حادثه فوت شود حقوق وظیفه از کارافتادگی او به عنوان حقوق وظیفه به وراث قانونی وی پرداخت می‌شود. تبصره ۲ - اعاده به خدمت مستخدمان از کار افتاده در صورتی که بهبودی حاصل نمایند و توانایی اشتغال یافته باشند قبل از رسیدن به سن شصت سالگی بلامانع است و تشخیص آن برعهده شورا است ماده ۶۲ - در صورتی که مستخدم بازنشسته یا از کار افتاده ، فوت شود حقوق وظیفه وراث قانونی او برقرار می‌شود. ماده ۶۳ - وراث قانونی در این آیین نامه عبارتند از: الف - زوجه دائمی تبصره - در صورتی که متوفی دارای چند زوجه باشد این سهم به تساوی بین آنها تقسیم می‌شود. ب - زوج ، در صورتی که علیل ، از کار افتاده و تحت تکفل زوجه متوفی خود بوده باشد. پ - فرزندان ذکور متوفی تا پایان بیست سالگی و در صورت ادامه تحصیل در یکی از دانشگاهها یا موسسات آموزش عالی رسمی کشور تا پایان بیست و پنج سالگی ت - فرزندان اناث تا زمان اختیار شوهر. ث - فرزندان علیل یا ناقص العضو مستخدم متوفی که از کار افتاده باشند مادام العمر. ج - والدین مستخدم متوفی مشروط بر اینکه تحت تکفل متوفی بوده و پدر حداقل شصت سال و مادر حداقل پنجاه و پنج سال داشته یا از کار افتاده باشند. چ - نوادگانی که پدرشان فوت شده و در کفالت مستخدم متوفی بوده‌اند با دارا بودن شرایط بندهای پ و ث این ماده ح - دختران متوفی که مطلقه شده‌اند. ماده ۶۴ - مجموع حقوق وظیفه بازماندگان معادل تمام حقوق بازنشستگی یا حقوق وظیفه از کارافتادگی مستخدم متوفی است که به تساوی بین بازماندگان واجد شرایط تقسیم می‌شود ، در صورت قطع سهم هر یک از بازماندگان سهم قطع شده به تساوی به سهم سایر بازماندگان افزوده خواهد شد ، هرگاه بازمانده واجد شرایط مستخدم متوفی منحصر به فرد باشد کل حقوق وظیفه به وی پرداخت می‌شود. ماده ۶۵ - در صورتی که مستخدم قبل از برقراری حقوق بازنشستگی یا وظیفه از کار افتادگی موضوع ماده (۵۲) این آیین نامه فوت شود ، حقوق وظیفه بازماندگان او بر مبنای تمام حقوق

بازنشستگی استحقاقی مستخدم متوفی به ترتیب مقرر در ماده (۶۴) این آیین نامه برقرار می‌شود، در این مورد سنوات پرداخت کسور بازنشستگی مستخدم در صورتی که از پانزده سال کمتر باشد پانزده سال تمام منظور می‌شود. ماده ۶۶ - حقوق وظیفه وراث شهدا و سایر ایثارگران عبارت است از حقوق وظیفه مقرر در قوانین و مقررات مربوط به اصلاحات بعدی ماده ۶۷ - هرگاه سنوات پرداخت کسور بازنشستگی مستخدم متوفی یا از کار افتاده کمتر از دو سال باشد متوسط حقوق مدتی که کسور بازنشستگی را پرداخت کرده است ملاک محاسبه قرار می‌گیرد. ماده ۶۸ - از کار افتادگی در این آیین نامه عبارت است از عدم توانایی کامل و دایمی مستخدم به انجام کار. ماده ۶۹ - تشخیص از کار افتادگی و سبب آن و تشخیص این که فوت مستخدم به علت حادثه ناشی از کار یا در حین انجام وظیفه بوده است و نیز تشخیص موارد مندرج در مواد (۴۹) و (۵۰) حسب مورد برعهده هیات مدیره صندوق بازنشستگی شهرداری تهران یا سازمان بازنشستگی کشور است، در صورت اختلاف نظر، در مورد شهرداری تهران نظر شورای تهران و در مورد سایر شهرداریها نظر سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور لازم الاجراست ماده ۷۰ - در صورتی که مستخدم متوفی از بابت پرداخت کسور بازنشستگی سنوات خدمت احتساب شده قبلی یا خدمت وظیفه عمومی بدهکار باشد، شهرداری و بازماندگان او از پرداخت بقیه اقساط مربوط معاف هستند. ماده ۷۱ - در صورت دریافت هرگونه وجهی از وجوه عمومی کشور در قبال خدمت مستمر، اخذ حقوق وظیفه ممنوع است ماده ۷۲ - دریافت بیش از یک حقوق بازنشستگی برای ایام واحد خدمت همچنین دریافت بیش از یک حقوق وظیفه یا یک حقوق وظیفه توأم با یک حقوق بازنشستگی از صندوق بازنشستگی کشوری و صندوق موسسات دولتی، شهرداریها و سازمانهای وابسته، انجمنهای بهداری و سازمانهایی که جنبه محلی دارند و هزینه‌های آنها از درآمدهای خاص محلی تامین می‌شود ممنوع است، مستخدمانی که مستحق دریافت بیش از یک حقوق وظیفه یا یک حقوق وظیفه و حقوق بازنشستگی باشند در استفاده از هر یک از آنها مخیر هستند. تبصره - استفاده از حقوق وظیفه پدر و مادر توأم با رعایت مقررات مربوط مجاز است ماده ۷۳ - شهرداری می‌تواند در صورت رضایت مستخدم اعم از ثابت یا رسمی تابع قانون استخدام کشوری درصدی از حقوق ماهانه او را به میزان مقرر در قانون تشکیل حساب پس انداز کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۶ - و اصلاحات بعدی آن کسر و پس از افزودن معادل آن بابت سهم شهرداری مجموع آن را در حساب خاصی به نام سپرده مستخدم شهرداری نزد یکی از بانکهای کشور نگهداری نماید و پس از بازنشسته شدن، از کار افتادگی یا فوت، مجموع سپرده مستخدم و سهم شهرداری را به علاوه سود حاصل شده به طور یکجا به مستخدم یا وراث قانونی او پردازد. ماده ۷۴ - هرگاه مستخدمی که طبق این آیین نامه از حقوق بازنشستگی استفاده می‌کند به موجب حکم دادگاه صالح اصالتا یا تبعا به محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شود تا زمانی که از حقوق اجتماعی محروم است شخصا از دریافت حقوق بازنشستگی محروم خواهد بود ولی در صورتی که محکومیت مربوط به دوره خدمت وی باشد با عایله او مانند وراث قانونی بازنشستگان متوفی رفتار می‌شود و اگر جرم و محکومیت مربوط به دوره بازنشستگی باشد در مدت حیات مستخدم تمام حقوق بازنشستگی به عایله او به ترتیب مقرر در ماده (۶۴) این آیین نامه پرداخت می‌شود. ماده ۷۵ - هرگاه مستخدمی که طبق این آیین نامه مستحق دریافت حقوق بازنشستگی شناخته شده است به موجب حکم قطعی دادگاه صالح از حقوق اجتماعی و به تبع آن از دریافت حقوق بازنشستگی محروم شود و بعدا در اثر اعاده دادرسی از اتهام منتسبه برایت حاصل نماید مابه التفاوت حقوق بازنشستگی استحقاقی خود و وجوهی که طبق ماده (۷۴) این آیین نامه در مدت محرومیت دریافت شده است به او پرداخت می‌شود. ماده ۷۶ - هرگاه مستخدمی که طبق این آیین نامه از حقوق بازنشستگی یا وظیفه استفاده می‌کند در مدت یک سال حقوق بازنشستگی یا وظیفه خود را مطالبه نکند عایله او در صورتی که طبق شرایط ماده (۶۴) این آیین نامه مشمول دریافت حقوق وظیفه باشند حق دارند موقتا حقوق وظیفه مقرر خود را تقاضا و دریافت کنند، اگر بعدا معلوم شود مستخدم یاد شده فوت شده، حقوق وظیفه موقتا تاریخ فوت به طور دائم برقرار می‌شود و در صورتی که معلوم شود در حال حیات است وضع حقوق او به حالت اول بر می‌گردد. تبصره - منظور از عایله در این آیین نامه افرادی

هستند که با رعایت شرایط مقرر در ماده (۶۳) این آیین نامه از حقوق وظیفه استفاده نمایند. ماده ۷۷- توقیف حقوق بازنشستگی یا وظیفه در قابل مطالبات دولت یا اشخاص حقیقی و حقوقی با حکم قطعی دادگاه صالح فقط تا میزان یک چهارم حقوق بازنشستگی یا وظیفه جایز است ماده ۷۸- ترک تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران موجب قطع حقوق بازنشستگی و وظیفه خواهد شد. ماده ۷۹- در صورتی که خدمت مستخدم در شهرداری قطع شود و مقررات محل خدمت جدید مستخدم به او اجازه دهد بنا به درخواست او، صندوق بازنشستگی مکلف است کسور بازنشستگی مربوط به او را اعم از سهم شهرداری و سهم مستخدم به صندوق مربوط به محل خدمت جدید انتقال دهد. ماده ۸۰- هرگاه خدمت مستخدم در شهرداری قطع و از شمول این مقررات خارج شود و جوهی که بابت کسور بازنشستگی پرداخت کرده است به او مسترد شود. ماده ۸۱- صندوق بازنشستگی موضوع ماده (۴۶) این آیین نامه موظف است هر سه سال یکبار وضع مالی صندوق را از نظر تطبیق کسور بازنشستگی با توجه به تعهدات صندوق در مورد حقوق بازنشستگی و وظیفه بر اساس محاسبات فنی مورد بررسی دهد و نتیجه را به شهرداری تهران اعلام نماید تا در صورتی که صندوق با کمبود اعتبار مواجه باشد شهرداری نسبت به تامین آن اقدام نماید. ماده ۸۲- در صورتی که ضریب ریالی حقوق موضوع ماده (۲۲) این آیین نامه تغییر نماید به نسبتین تغییر حقوق مستخدمان بازنشسته و وظیفه بگیر همانند مستخدمان بازنشسته و وظیفه بگیر مشمول قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت افزایش می‌یابد.

فصل هفتم - سایر مقررات (ماده ۸۳ تا ۹۹)

ماده ۸۳- انواع مجازاتها و ترتیب رسیدگی به تخلفات و تقصیرات اداری مستخدمان شهرداری همان است که در مورد مستخدمان رسمی مشمول قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت اعمال می‌شود و در این مورد شهردار تهران دارای همان اختیاراتی است که در مقررات یاد شده به رییس موسسه مستقل دولتی تفویض شده است و این اختیارات در سایر شهرداریها با پیشنهاد شهرداری و تایید شورای اعمال می‌شود. تبصره ۱- رسیدگی به تخلفات کارگران شهرداری و سازمانهای وابسته بر اساس آیین نامه ای خواهد بود که توسط وزارت کشور تهیه و پس از تایید وزارت کار و امور اجتماعی اعمال خواهد شد. تبصره ۲- حداکثر مدت ارایه اعتراضات در خصوص مسایل استخدامی موضوع ماده (۹) این آیین نامه به دبیرخانه شورا یک ماه است و شورای یاد شده موظف است حداکثر مدت دو ماه نسبت به موضوع رسیدگی و پاسخ لازم را از طریق دبیرخانه شورا به ذی نفع ابلاغ نماید. ماده ۸۴- مستخدمان شهرداری می‌توانند از خدمت شهرداری استعفا کنند مشروط بر این که تصمیم خود را دو ماه قبل از استعفا از طریق واحد متبوع به اطلاع شهرداری برسانند مادام که موافقت شهرداری با استعفای مستخدم به او ابلاغ نشده است او در قبال وظایفی که عهده دار است مسوول شناخته می‌شود. تبصره ۱- جوهی که مستخدم استعفی بابت کسور بازنشستگی به صندوق بازنشستگی پرداخت کرده است به او مسترد می‌شود. تبصره ۲- مستخدمی که به منظور شرکت در انتخابات شوراها یا اسلامی از سمت خود در شهرداری استعفا می‌دهد می‌تواند در صورت عدم انتخاب پس از اعلام رسمی نتایج انتخابات حداکثر طی مدت دو ماه به شهرداری یا سازمان وابسته ذی ربط مراجعه نماید و اشتغال مجدد او منعی ندارد، در صورتی که پست سازمانی برای ارجاع به افراد یاد شده موجود نباشد به حال آماده به خدمت در می‌آیند. ماده ۸۵- در صورتی که مستخدم دو ماه بدون اطلاع و عذر موجه در محل خدمت خود حاضر نشود از تاریخ ترک خدمت به خدمت وی خاتمه داده می‌شود. تبصره ۱- اگر مستخدم موضوع این ماده شرایط بازنشسته شدن را طبق مقررات مربوط دارا باشد بازنشسته خواهد شد. تبصره ۲- هر مستخدم مشمول این ماده مدعی شود به عللی که خارج از حدود قدرت و اختیارات او بوده نتوانسته است در محل خدمت حاضر شود یا عدم حضورش را اطلاع دهد و ادعای او مورد قبول شهرداری قرار نگیرد می‌تواند شکایت خود را به ضمیمه مدارک مورد استناد به هیات رسیدگی به تخلفات

اداری کارمندان مربوط تسلیم نماید در صورتی که رای صادر شده حاکی از موجه بودن عذر مشارالیه باشد به خدمت اعاده و مدت غیبت او موجه محسوب خواهد شد. تبصره ۳- ایام غیبت غیرموجه مستخدم از لحاظ تجربه، ارتقای گروه، بازنشستگی و حقوق وظیفه قابل احتساب نیست ماده ۸۶- در صورتی که پست سازمانی مستخدم حذف شود و پست دیگری متناسب با شرایط او برای ارجاع به وی موجود نباشد مطابق قانون استخدام کشوری مستخدم آماده به خدمت می شود. ماده ۸۷- حقوق دوران آمادگی به خدمت به ترتیب زیر تعیین می شود: الف- از ماه اول تا آخر ماه ششم برابر آخرین حقوق. ب- از ماه هفتم تا پایان ماه دوازدهم نصف آخرین حقوق. تبصره- دوران آمادگی به خدمت با پرداخت کسور بازنشستگی به مأخذ تمام حقوق جز سابقه خدمت مستخدم محسوب می شود. ماده ۸۸- در صورتی که در طول دوران آمادگی به خدمت پست مناسبی برای ارجاع به مستخدم موجود نباشد یا انتقال وی به سایر شهرداریها میسر نشود با او مطابق ماده (۷۴) قانون استخدام کشوری و تبصره های اصلاحی آن رفتار می شود. تبصره- شهرداریها مکلفند یک نسخه حکم آمادگی به خدمت مستخدمان ثابت و رسمی خود را به وزارت کشور ارسال نمایند. وزارت کشور نیز مکلف است هر شش ماه یک بار فهرستی از مستخدمان یاد شده را به کلیه شهرداریها و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ارسال کند. ماده ۸۹- شهرداری مکلف است مستخدمی را که طبق قانون معلق شده است در صورت برایت از تاریخ قطعی شدن رای دادگاه به خدمت ابقا و کلیه حقوق دوران تعلیق را به مأخذ آخرین حقوق زمان اشتغال به او بپردازد و در صورتی که پست سازمانی برای او خالی نباشد مستخدم آماده به خدمت محسوب می شود. ماده ۹۰- مستخدمان ثابت شهرداری که برای نمایندگی مجلس یا احراز سمت شهردار انتخاب یا به مقامات موضوع ماده (۳) قانون استخدام کشوری منصوب می شوند تا پایان تصدی مقامات یادشده از شهرداری هیچ گونه حقوق یا مزایایی دریافت نخواهند کرد ولی این مدت جز سابقه خدمت آنها محسوب می شود مشروط بر اینکه کسور بازنشستگی سهم خود را به مأخذ آخرین حقوق و مزایای دریافتی به صندوق بازنشستگی مربوط بپردازد. تبصره- شهرداری مکلف است مستخدمان یاد شده را پس از بازگشت به خدمت در پستی که واجد شرایط احراز آن باشند منصوب کند ولی در صورتی که پست سازمانی بلا تصدی برای ارجاع موجود نباشد آماده به خدمت محسوب می شوند. ماده ۹۱- مستخدمان موضوع ماده (۱۴۳) و (۱۴۴) قانون استخدام کشوری شاغل در شهرداری از لحاظ پرداخت حقوق و مزایا تابع مقررات این آیین نامه هستند. ماده ۹۲- انتقال و مأموریت مستخدمان ثابت و رسمی شهرداری و سازمانهای وابسته به سایر دستگاهها و بالعکس با درخواست کتبی مستخدم و موافقت دستگاههای یاد شده مجاز است تبصره ۱- کسرو بازنشستگی یا حق بیمه سهم مستخدمان موضوع این ماده در مورد مستخدمان شهرداری تهران به صندوق بازنشستگی شهرداری تهران و در مورد کارکنان سایر شهرداریهای کشور به صندوق بازنشستگی کشوری منتقل می شود و کلیه سوابق خدمت آنها که بابت آن کشور بازنشستگی یا حق بیمه پرداخت شده است از هر لحاظ جز خدمت این کارکنان محسوب و با آن دسته از کارکنان که بابت سنوات خدمت آنها کسور بازنشستگی یا حق بیمه پرداخت نشده باشد طبق مقررات پیش بینی شده در قانون استخدام کشوری قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت و آیین نامه ها و دستورالعملهای اجرایی مربوط رفتار می شود. تبصره ۲- انتقال کارگران شهرداریها و سازمانهای وابسته به سایر شهرداریها و سازمانهای وابسته با توافق طرفین (مبدأ و مقصد) بلامانع است و حق سنوات این کارگران باید توسط شهرداری یا سازمان وابسته مبدأ به حساب شهرداری یا سازمان وابسته مقصد واریز شود که در این صورت سوابق خدمت قبلی کارگر در محل اشتغال جدید قابل احتساب است ماده ۹۳- انتقال و مأموریت مستخدمان شهرداری بر اساس مقررات و آیین نامه های مورد عمل مستخدمان رسمی مشمول قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت انجام می شود. ماده ۹۴- مستخدم مکلف است در حدود قوانین و مقررات، احکام و دستورات روسای مافوق خود را در حدود وظایف و اختیارات خود اجرا نماید، اگر مستخدم دستور مقام بالاتر خود را برخلاف قوانین و مقررات تشخیص دهد مکلف است به صورت کتبی مغایرت دستور را به مافوق اطلاع دهد، در صورتی که بعد از این اطلاع مقام بالاتر به صورت کتبی بر اجرای دستور خود

تاکید کرد مستخدم مکلف به اجرای دستور صادر شده خواهد بد. ماده ۹۵ - شهرداری نمی‌تواند مشمولان این آیین نامه را جز در موارد مصرح از پست سازمانی خود برکنار کند ، مگر این که با تایید شورای بلافاصله او را به پست سازمانی دیگر منصوب نماید. ماده ۹۶ - وزارت کشور مکلف است دستورات عملی لازم برای اجرای این آیین نامه را که چگونگی تهیه و تصویب آن پیش‌بینی نشده است تنظیم نماید و پس از تایید سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به اجرا در آورده مادام که این آیین نامه ها و دستورات عملی تهیه نشده آیین نامه ها و دستورات عملی فعلی مورد عمل شهرداریها و سازمانهای وابسته نافذ هستند. ماده ۹۷ - وزارت کشور مسوول نظارت بر حسن اجرای این آیین نامه است ماده ۹۸ - در مواردی که این آیین نامه مسکوت است بر اساس قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت عمل می‌شود. ماده ۹۹ - تصویب نامه شماره ۱۷۵۷۰/ت ۱۵۷ مورخ ۲/۳/۱۳۶۸ و سایر مقررات مغایر با این آیین‌نامه لغو می‌شوند.

مقررات بازنشستگی و وظیفه مستخدمین ثابت شهرداری تهران و موسسات وابسته - مصوب ۶/۴/۱۳۵۳

ماده ۱ - در اجرای ماده ۴۷ آیین نامه استخدامی شهرداری تهران و باستناد ماده ۵۸ اصلاحی قانون شهرداریها صندوق بازنشستگی و وظیفه مستخدمین ثابت شهرداری پایتخت که دارای شخصیت حقوق و استقلال مالی خواهد بود ایجاد می‌شود. وجوه حاصل اعم از سهم مستخدم و سهم شهرداری در حساب مخصوص در یکی از بانکهای دولتی که بصرفه و صلاح صندوق تشخیص داده شود نگهداری خواهد شد. تبصره ۱ - مستخدمین قرار دادی شهرداری تهران تابع مقررات قانون حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی از پیری مو از کارافتادگی و فوت می‌باشد و از این لحاظ طبق قانون مذکور درباره آنها عمل خواهد شد. تبصره ۲ - کلیه موسسات تابعه و وابسته به شهرداری تهران که از لحاظ استخدامی از مقررات مورد عمل شهرداری مذکور تبعیت می‌کنند مشمول این مقررات خواهند بود. ماده ۲ - اساسنامه صندوق بازنشستگی و وظیفه مستخدمین شهرداری تهران حداکثر ظرف یکماه پس از تصویب این مقررات از طرف شهرداری تهیه و پس از تصویب انجمن شهر با رعایت تبصره ماده ۱۱۲ قانون استخدام کشوری بمورد اجرا گذارده می‌شود. ماده ۳ - شهرداری مکلف است از تاریخ تطبیق وضع استخدامی مستخدمین خود با آیین نامه استخدامی شهرداری تهران مصوب نوزدهم آذر ماه ۱۳۴۵ هرماه هفت درصد از حقوق و مزایای شغل مستخدمین ، ثابت خود را کسر نموده و پس از افزودن چهارده درصد به آن بابت سهم شهرداری مجموع آنرا بصندوق بازنشستگی و وظیفه مستخدمین شهرداری پایتخت که در این مقررات صندوق بازنشستگی نامیده می‌شود پرداخت نماید. تبصره - کسور بازنشستگی مستخدمین آماده بخدمت بر مبنای تمام حقوق مرتبه و پایه آنان احتساب پرداخت خواهد شد. ماده ۴ - شهرداری مکلف است حقوق اولین ماه کسانی را که دوره آزمایشی را طی نموده و به استخدام ثابت شهرداری پذیرفته می‌شوند و همچنین هر نوع اضافه حقوق ماه اول که به مستخدم پرداخت می‌شود برداشت و بصندوق بازنشستگی واریز نماید. ماده ۵ - حقوق بازنشستگی مستخدمین شهرداری با رعایت شرایط زیر تعیین و برقرار می‌گردد: الف - مستخدم حداقل دهسال تمام کسور بازنشستگی مقرر را پرداخت نموده باشد و یا پرداخت آنرا طبق مفاد این مقررات تعهد کرده باشد. ب - سن مستخدم مرد به شصت سال تمام و سن مستخدم زن به پنجاه و پنج سال تمام رسیده باشد. ماده ۶ - ملاک تشخیص سن مستخدمینی که در تاریخ تصویب آیین نامه استخدامی شهرداری تهران در خدمت شهرداری بوده‌اند شناسنامه ایست که در تاریخ ۱۹/۹/۱۳۴۵ در دست داشته‌اند و در مورد مستخدمینی که بعدا به استخدام شهرداری پذیرفته شده و یا می‌شوند شناسنامه‌ای است که در بدو ورود بخدمت ارائه نموده و یا نمایند. تبصره - در صورتیکه ماه تولد و یا ماه تاریخ ورود بخدمت از روی مدارک رسمی مشخص نباشد اول مهرماه ملاک محاسبه قرار خواهد گرفت ماده ۷ - شهرداری موظف است قبل از تاریخ بازنشستگی در صورت استحقاق مستخدم و بنابدرخواست او حداکثر چهارماه مرخصی با استفاده از حقوق و مزایای شغل بوی اعطا نماید و تاریخ انقضا این مرخصی در هر حال باید طوری تعیین گردد که سن مستخدم زن از ۶۰ سال و سن مستخدم مرد از ۶۵ سال

تجاوز نکند. ماده ۸- حقوق بازنشستگی عبارتست از یک چهلیم متوسط حقوق ضرب در سنوات خدمتی که مستخدم کسور بازنشستگی مقررا پرداخت نموده و یا پرداخت آنرا طبق مفاد این مقررات تعهد کرده باشد مشروط براینکه اولاً- از چهار پنجم متوسط حقوق زمان اشتغال مستخدم تجاوز ننماید و ثانیاً از آخرین پایه گروه ۱۲ جدول حقوق موضوع ماده ۳۲ قانون استخدام کشوری بیشتر نشود. ماده ۹- متوسط حقوق موضوع ماده ۸ عبارت از معدل حقوق و مزایای شغل سه سال آخر خدمت میباشد و در صورتیکه مجموع خدمت مستخدم از سه سال کمتر باشد متوسط حقوق معدل و مزایای شغل سنوات خدمت او خواهد بود. ماده ۱۰- در صورتیکه مستخدمین ثابت شهرداری تهران با داشتن شرایط زیر: الف- مستخدم زن با بیست و پنجسال سابقه خدمت و حداقل پنجاه سال تمام سن ب- مستخدم مرد با سی سال سابقه خدمت و حداقل پنجاه و پنجسال تمام سن تقاضای بازنشستگی کند، شهرداری مکلف به قبول آنست ولی برقراری و پرداخت حقوق بازنشستگی و وظیفه آنان و بازماندگان و عایله آنها در هر مورد از تاریخ تحقق یافتن شرایط مذکور در این مقررات است ماده ۱۱- شهرداری می تواند آن عده از مستخدمین خود را که واجد شرایط مذکور در ماده ۵ این آیین نامه می باشند بازنشسته کند. ماده ۱۲- شهرداری موظف است کلیه مستخدمین ثابت خود را که در شرایطی سنی زیر: الف- مستخدم مرد ۶۵ سال تمام ب- مستخدم زن ۶۰ سال تمام میباشند در صورتیکه واجد شرایط مذکور در بند الف ماده ۵ باشند بازنشسته نماید، و هرگاه واجد شرایط مذکور نبوده و تحقق یافتن آن نیز با احتساب سنوات خدمت گذشته و پرداخت کسور بازنشستگی میسر نگردد خدمت آنان با پرداخت یکماه آخرین حقوق زمان اشتغال در ازا هر سال خدمت و کسور بازنشستگی پرداختی سهم مستخدم و شهرداری و بهره آن همچنین پرداخت حقوق مرخصی استحقاقی ذخیره شده که در هر حال از چهار ماه تجاوز نخواهد کرد از طرف شهرداری باز خرید می گردد. تبصره- خدمت اینگونه مستخدمین در صورتیکه کمتر از ده سال باشد ده سال احتساب خواهد گردید و در هر صورت مبلغ کل پرداختی از طرف شهرداری بابت باز خرید خدمت از یکصد هزارریال کمتر نخواهد بود. ماده ۱۳- سوابق خدمت مستخدمین ثابت شهرداری که باستناد آیین نامه استخدامی شهرداری مصوب ۱۹/۹/۱۳۴۵ تبدیل وضع یافته اند بنا بتقاضای آنان از لحاظ بازنشستگی و وظیفه جزو سابقه خدمت آنها محسوب و منظور خواهد شد مشروط بر اینکه کسور بازنشستگی سوابق مذکور را بصندوق بازنشستگی پرداخت نمایند. ماده ۱۴- مأخذ پرداخت کسور بازنشستگی به منظور احتساب سوابق خدمت موضوع ماده ۱۳ هفت درصد نصف مجموع اولین حقوق ورود به خدمت آنان در شهرداری تهران بعلاوه اولین حقوق بعد از تطبیق به مستخدم ثابت براساس آیین نامه استخدامی شهرداری مصوب ۱۹/۹/۱۳۴۵ خواهد بود و سهم شهرداری نیز با توجه بمفاد ماده ۲ این آیین نامه بهمان نسبت پرداخت می شود. تبصره ۱- کسور متعلق در اجرای این ماده از طرف مستخدم و شهرداری در یکصد و بیست قسط ماهانه بصندوق بازنشستگی پرداخت خواهد گردید، مشروط بر اینکه در مورد مستخدمین شاغل مجموع پرداختی مستخدم بابت بدهی کسور بازنشستگی سنوات خدمت گذشته و کسور بازنشستگی جاری از یک چهارم مجموع حقوق و مزایای شغل وی و در مورد بازنشستگان و وظیفه بگیران از حقوق بازنشستگی یا وظیفه آنان تجاوز نکند و در صورتی که از این مقدار تجاوز کند بهمان نسبت به تعداد اقساط ماهانه علاوه خواهد شد. تبصره ۲- کیله و جوهری که بعنوان پس انداز از حقوق مستخدمین ثابت اعم از سهم مستخدم و شهرداری تا تاریخ تصویب این مقررات دریافت شده است بابت کسور بازنشستگی همان سنوات خدمت (اعم از سهم مستخدم و شهرداری محسوب و منظور خواهد شد و بابت این سنوات کسور دیگری تادیه نمی گردد. ماده ۱۵- سابقه خدمت مستخدمین مشمول ماده ۱۳ از لحاظ بازنشستگی و وظیفه در صورتی جز خدمت ثابت آنان محسوب خواهد شد که بموجب احکام صادره قبلی در شهرداریها و موسسات دولتی بوده باشد. ماده ۱۶- مدت خدمت وظیفه مستخدمین ثابت جز سابقه خدمت آنان محسوب میگردد، مشروط براینکه مستخدم کسور بازنشستگی سهم خود را طبق تبصره ۱ ماده ۱۴ پرداخت نماید که در این صورت شهرداری نیز موظف به پرداخت سهم خود در مدت مقرر می باشد. ماده ۱۷- مستخدمینی که دارای ۳۲ سال تمام سابقه پرداخت کسور بازنشستگی باشند می توانند در صورت تمایل بنا

بدرخواست خود از پرداخت کسور بازنشستگی معاف شوند و شهرداری نیز سهمی بابت آنان نخواهد پرداخت ولی مبنای برقراری حقوق بازنشستگی و وظیفه اینگونه مستخدمین و بازماندگان آنان متوسط حقوق سه سال آخری میباشد که بر مبنای آن کسور بازنشستگی پرداخت نموده‌اند. ماده ۱۸ - کشوری نسبت به واریز کسور مربوط به صندوق بازنشستگی موضوع این مقررات اقدام کند. کسور بازنشستگی اینگونه مستخدمین همچنین حقوق بازنشستگی یا وظیفه پرداختی به آنان یا بازماندگان آنها باید در حساب جداگانه نگهداری شود تا در صورتیکه صندوق بازنشستگی از این بابت با کسری مواجه شود - دولت کمبود آنرا تامین و پرداخت کند. ماده ۱۹ - در صورتیکه مستخدم ثابت بععل غیرناشی از کار، از کار افتاده شناخته شود ماهانه متوسط حقوق ضربدر سنوات پرداخت کسور را بعنوان حقوق وظیفه از کارافتادگی دریافت خواهد داشت و این حقوق از حداکثر حقوق بازنشستگی مقرر در ماده ۸ تجاوز نخواهد کرد و در صورتیکه سنوات پرداخت کسور بازنشستگی مستخدم کمتر از پانزده سال باشد ۱۵ سال تمام محسوب خواهد شد. ماده ۲۰ - در صورتیکه مستخدم بععل حادثه ناشی از کار یا بسبب انجام وظیفه از کار افتاده شناخته شود بدون رعایت سنوات پرداخت کسور بازنشستگی حداکثر حقوق بازنشستگی مقرر در ماده ۸ بعنوان حقوق وظیفه از کار افتادگی درباره وی برقرار میگردد. ماده ۲۱ - در صورتیکه مستخدم بازنشسته یا از کار افتاده فوت شود حقوق وظیفه بازماندگان او بر مبنای حقوق بازنشستگی یا حقوق وظیفه از کارافتادگی مستخدم متوفی بترتیب زیر برقرار می‌شود: ۱ - عیال دائمی متوفی تا زمانی که شوهر اختیار نکرده است از پنجاه درصد و در صورتیکه متوفی داری چند عیال باشد این سهم به تساوی بین آنان تقسیم خواهد شد. ۲ - شوهر در صورتیکه علیل و از کار افتاده و تحت تکفل عیال متوفای خود بوده باشد از پنجاه درصد. ۳ - فرزندان متوفی تا پایان بیست سالگی و در صورت ادامه تحصیل در موسسات رسمی عالی‌آموزشی تا پایان بیست و پنجسالگی (در مورد دختران مشروط بر اینکه شوهر نداشته باشند) هریک از ۲۵ درصد و هر گاه هیچیک از والدین در قید حیات نباشند هریک از پنجاه درصد. ۴ - فرزندان علیل یا ناقص العضو مستخدم متوفی که از کار افتاده باشند مادام العمر طبق درصدهای مقرر در بند پ این ماده ۵ - والدین متوفی مشروط بر اینکه تحت تکفل مستخدم متوفی بوده و سن پدر ۶۰ سال تمام و سن مادر ۵۵ سال تمام یابیشتر باشد و یا از کار افتاده باشند از بیست درصد و هر گاه بازمانده واجد شرایط دیگری وجود نداشته باشد از ۵۰ درصد. ۶ - نوادگانی که پدرشان فوت شده و در کفایت مستخدم متوفی بوده‌اند با دارا بودن شرایط بندهای پ و طبق درصدهای مقرر در بند پ این ماده تبصره - مجموع سهام بازماندگان نمی‌تواند از صد در صد حقوق وظیفه موضوع این ماده تجاوز نماید و در صورتیکه از این میزان تجاوز کند سهم هر یک از بازماندگان متناسب درصدهای مذکور در این ماده کاهش خواهد یافت در این حال هر گاه هریک از بازماندگان مستخدم متوفی فوت شود یافاقد شرایط استحقاق دریافت حقوق وظیفه گردد سهم او با در نظر گرفتن درصدهای مذکور در این ماده بسهم باقی بازماندگان اضافه خواهد شد. ماده ۲۲ - در صورتیکه مستخدم قبل از برقراری حقوق بازنشستگی یا حقوق وظیفه از کارافتادگی فوت شود حقوق وظیفه بازماندگان وی بر مبنای ۴۵ حقوق بازنشستگی مستخدم متوفی بترتیب مقرر در ماده ۲۱ برقرار میشود. در این مورد سنوات پرداخت کسور بازنشستگی مستخدم در صورتیکه از ۱۵ سال تمام منظور خواهد شد. ماده ۲۳ - هر گاه مستخدم بععل حادثه ناشی از کار یا بسبب انجام وظیفه فوت شود حقوق وظیفه بازماندگان او بر مبنای ۴۵ حقوق وظیفه‌ای که طبق ماده ۲۰ بمستخدم متوفی تعلق میگرفته است بترتیب مقرر در ماده ۲۱ برقرار میشود. ماده ۲۴ - در موارد از کارافتادگی وفوت هر گاه سنوات پرداخت کسور، بازنشستگی مستخدم کمتر از سه سال باشد متوسط حقوق مدتی که مستخدم کسور بازنشستگی را پرداخت کرده است ملاک محاسبه قرار خواهد گرفت ماده ۲۵ - از کارافتادگی موضوع این مقررات عبارت از عام توانایی کامل و دائمی شخص به انجام دادن اموری که به آن اشتغال داشته است میباشد. تشخیص از کارافتادگی و سبب آن و همچنین تشخیص اینکه فوت مستخدم بععل حادثه ناشی از کار یا بسبب انجام وظیفه بوده است با هیات مدیره صندوق بازنشستگی خواهد بود و در صورت اختلاف نظر رای شورای اداری شهرداری پایتخت قطعی و لازم‌الاجرا است ماده ۲۶ - در صورتیکه مستخدم متوفی از بابت

پرداخت کسور بازنشستگی سنوات خدمت احتساب شده قبلی یا خدمت وظیفه عمومی بدهکار باشد اقساط مذکور هر ماهه از سهمیه هریک از بازماندگان با رعایت تبصره ۱ ماه ۱۴ باین مقررات متناسب کسر خواهد شد. ماده ۲۷ - اخذ حقوق وظیفه در صورت دریافت هر گونه وجهی از وجوه عمومی کشور در قبال خدمت مستمر ممنوع است ماده ۲۸ - دریافت بیش از یک حقوق بازنشستگی برای ایام واحد خدمت و همچنین دریافت بیش از یک حقوق وظیفه یا یک حقوق و بازنشستگی توأم^۱ از صندوق بازنشستگی کشور و صندوق موسسات دولتی و شهرداریها و موسسات تابعه و وابسته بآنها وانجمنهای بهداری و سازمانهایی که جنبه محلی داشته و هزینه‌های آنها از درآمدهای خاص محلی تامین می‌شود ممنوع است مستخدمی که مستحق دریافت بیش از یک حقوق وظیفه و یا یک حقوق وظیفه و حقوق بازنشستگی باشد در استفاده از هر یک از آنها مخیر است ماده ۲۹ - اشتغال بازنشستگان مشمول مقررات در شهرداریها و موسسات تابعه و وابسته بآنها ممنوع است ماده ۳۰ - هرگاه مستخدمی که طبق این مقررات از حقوق بازنشستگی استفاده می‌کند بموجب حکم دادگاه صلاحیتدار اصالتا یا تبعا بمحرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شود تا زمانی که از حقوق اجتماعی محروم است شخصا از دریافت حقوق بازنشستگی محروم خواهد بود ولی در صورتیکه محکومیت مربوط بدوره خدمت وی باشد با عایله او همان رفتار می‌شود که در مورد بازماندگان بازنشستگان متوفی می‌شود و اگر جرم و محکومیت مربوط بدوره بازنشستگی باشد در مدت حیات مستخدم تمام حقوق بازنشستگی به عایله او بترتیب مقرر در ماده ۲۱ پرداخت خواهد شد. ماده ۳۱ - هرگاه مستخدمی که طبق این مقررات مستحق دریافت حقوق بازنشستگی شناخته شده است بموجب حکم قطعی دادگاه صلاحیتدار از حقوق اجتماعی و به تبع آن از دریافت حقوق بازنشستگی محروم شود و بعدا در اثر اعاده دادرسی از اتهام متناسبه برایت حاصل نماید مستحق دریافت مابه التفاوت حقوق بازنشستگی استحقاقی خود و وجوهی که طبق ماده ۳۰ در مدت محرومیت پرداخت شده است خواهد بود. ماده ۳۲ - هرگاه مستخدمی که طبق این مقررات از حقوق بازنشستگی یا حقوق وظیفه استفاده می‌کند در مدت یکسال حقوق بازنشستگی یا وظیفه خود را مطالبه نکند عایله او در صورتیکه طبق شرایط ماده ۲۱ مشمول دریافت حقوق وظیفه باشند حق دارند موقتا حقوق وظیفه مقرر خود را تقاضا و دریافت کنند. اگر بعدا معلوم شود مستخدم مذکور فوت شده حقوق وظیفه موقت از تاریخ فوت بطور دایم برقرار می‌شود و در صورتی که معلوم گردد در حال حیات است وضع حقوق اوبحالت اول اعاده می‌گردد. تبصره - منظور از عایله مذکور در این مقررات افرادی که طبق ماده ۲۱ و با رعایت شرایط مقرر دران از حقوق وظیفه استفاده خواهند کرد. ماده ۳۳ - توقیف حقوق بازنشستگی یا وظیفه در قبال مطالبات دولت یا محکومیت حقوقی یا عناوین دیگر از این قبیل فقط تا میزان ۱۴ حقوق بازنشستگی یا وظیفه جایز است ماده ۳۴ - ترک تابعیت موجب قطع حقوق بازنشستگی و حقوق وظیفه خواهد شد و در مورد مستخدم بازنشسته یا از کار افتاده‌ای که ترک تابعیت کند با عایله او در صورت بقا تابعیت ایران طبق ماده ۳۲ رفتار می‌شود. ماده ۳۵ - در صورتیکه خدمت مستخدم در شهرداری قطع شود و مقررات موسسه جدید محل خدمت او اجازه دهد بنا بدخواست مستخدم صندوق بازنشستگی مکلف است کسور بازنشستگی مربوط به او را اعم از سهم شهرداری و سهم مستخدم با احتساب ۶٪ بهره مرکب سالانه بصندوق مربوط به موسسه جدید انتقال دهد. ماده ۳۶ - هرگاه خدمت مستخدم در شهرداری قطع شود و از شمول این مقررات خارج گردد اگر سابقه پرداخت کسور بازنشستگی او پنج سال یا کمتر باشد کسور بازنشستگی پرداختی سهم او با اضافه ۶٪ بهره مرکب سالانه و اگر بیش از پنجسال و کمتر از دهسال تمام سابقه پرداخت کسور بازنشستگی داشته باشد کسور بازنشستگی پرداختی سهم او و نصف کسور بازنشستگی پرداختی سهم شهرداری با اضافه ۶٪ بهره مرکب سالانه پس از رسیدن به سن شصت سالگی در مورد مرد و پنجاه و پنج سالگی در مورد زن پرداخت می‌شود و در صورتی که قبل از رسیدن به سنین مذکور از کار افتاده یا فوت شود وجوه مزبور بلافاصله به او یا بازماندگان او برحسب مورد پرداخت خواهد شد. ماده ۳۷ - صندوق بازنشستگی موظف است هر سه سال یکبار وضع مالی صندوق را از نظر تطبیق کسور بازنشستگی با توجه به تعهدات صندوق در مورد حقوق بازنشستگی و وظیفه براساس محاسبات فنی مورد

بررسی قرار داده و نتیجه را برای اتخاذ تصمیم و اقدام مقتضی بشهرداری تهران گزارش دهد. ماده ۳۸ - میزان حقوق بازنشستگی و وظیفه موضوع این مقررات هر سه سال یکبار با توجه به تغییرات شاخص هزینه زندگی از طرف شورای اداری شهرداری تهران مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورتیکه شاخص هزینه زندگی طی مدت مذکور پنج درصد و یا بیشتر افزایش یافته باشد و یا ضریب ریالی جدول حقوق اضافه شود و یا حقوق مستخدمین بازنشسته و موظفین مشمول قانون استخدام کشوری تغییر کند شورا در مورد افزایش میزان حقوق بازنشستگی و وظیفه طرح لازم را تهیه و پس از تایید شهردار تهران و موافقت انجمن شهر و تصویب هیات وزیران بمرور اجرا گذارده خواهد شد. ماده ۳۹ - وراث قانونی آندسته از مستخدمین ثابت شهرداری که پس از تاریخ تطبیق وضع استخدامی (۱/۴/۱۳۴۷) موضوع ماده ۶۶ آیین نامه استخدامی شهرداری تهران مصوب ۱۹/۹/۱۳۴۵ فوت شده اند می توانند با دارابودن شرایط مقرر در این مقررات از حقوق وظیفه استفاده کنند مشروط بر اینکه در صورت دریافت وجوه پس انداز و پایان خدمت و امثال آن وجوه دریافتی را مسترد دارند، در اینصورت کسور بازنشستگی مدت خدمت گذشته سهم مستخدم متوفی طبق این مقررات از حقوق وظیفه آنان کسر می شود و شهرداری نیز موظف است سهم خود را بصندوق بازنشستگی پرداخت کند.

لایحه قانونی راجع به تبدیل وضع استخدامی پیمانی (موقت شهرداری تهران به (ثابت - مصوب ۲۸/۹/۱۳۵۸

ماده واحده - شهرداری تهران مکلف است مستخدمین پیمانی (موقت و همچنین کارکنانی که برای انجام خدمت تمام وقت در مقابل دریافت دستمزد بکارگمارده شده اند و در تاریخ تصویب این ماده واحده در خدمت دارد، بنا به درخواست آنان با حفظ سابقه خدمت در شهرداری و همچنین سابقه خدمت دولتی به (ثابت تبدیل کند، رتبه و پایه آنان براساس طرح طبقه بندی مشاغل مورد عمل شهرداری تهران تعیین میگردد. تبصره ۱ - نحوه اجرای مفاد این ماده واحده بموجب دستورالعمل اجرایی است که توسط شهرداری تهران تهیه و پس از تایید سازمان امور اداری و استخدامی کشور بمرحله اجرا گذارده میشود. تبصره ۲ - کارگران شهرداری کماکان تابع مقررات قانون کار می باشند. تبصره ۳ - کلیه حق بیمه مستخدمین و کارکنان موضوع این ماده واحده از صندوق سازمان تامین اجتماعی به صندوق بازنشستگی و وظیفه شهرداری تهران منتقل میشود.

لایحه قانونی شمول قانون استخدام کشوری درباره کارکنان شهرداریهای سراسر کشور (غیر از شهرداری پایتخت

ماده واحده اول شهریور ماه ۱۳۵۸ شمسی کلیه مستخدمین شهرداریها و موسسات تابعه و وابسته و اتحادیه شهرداریهای کشور که مشمول آیین نامه استخدامی شهرداری ها، مصوب ۲۹/۱۰/۱۳۵۴ بوده اند مشمول قانون استخدام کشور می شوند نحوه اجرای قانون مذکور درباره مستخدمین فوق الذکر و همچنین نحوه انتقال وجوه صندوق بازنشستگی شهرداریها بصندوق بازنشستگی کشوری بموجب آیین نامه ای خواهد بود که ظرف یکماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت کشور و سازمان امور اداری و استخدامی کشور تهیه و پس از تصویب هیات وزیران بموقع اجرا گذارده خواهد شد. تبصره مستخدمین بازنشسته و از کار افتاده فعلی و وارث وظیفه بگیر آنان که مشمول مقررات بازنشستگی و وظیفه شهرداریها بوده اند. مشمول ضوابط مقرر در آیین نامه موضوع این قانون خواهند بود.

آیین نامه امتحانات یا مسابقات استخدامی شهرداریها موضوع ماده هفت آیین نامه استخدامی شهرداریها

ماده ۱ - برای رعایت اختصار در این آیین نامه کلیه شهرداریهای کشور و واحدهای تابعه و سازمانهای وابسته به آنها که از لحاظ استخدامی تابع آیین نامه استخدام شهرداریها می باشد "شهرداری نامیده می شود. ماده ۲ - منظور از امتحان و مسابقه در این آیین نامه

بشرح زیر است الف - امتحان عبارت از مجموعه اقداماتی است که بمنظور سنجش شایستگی و توانایی‌های افراد و تشخیص صلاحیت آنان در زمینه‌های مورد نظر انجام می‌گیرد. کسانی در امتحان پذیرفته می‌شوند که نمره امتحان آنان به حد نصاب لازم رسیده باشد. ب - مسابقه عبارت است از انتخاب بهترین داوطلبانی که حد نصاب لازم به ترتیب امتیاز کسب کرده باشند. ماده ۳ - ورود بخدمت شهرداری برای تصدی پستهای ثابت سازمانی از طریق مسابقه انجام خواهد شد مگر در موارد زیر که از طریق امتحان صورت می‌پذیرد: الف - مواردی که استخدام مشمولین قانون استخدام "ایشان گران مصوب ۷/۱۰/۶۷ و قانون حمایت از آزادگان مصوب ۱۳/۹/۱۳۶۸ منظور نظر باشد. ب - مواردی که استخدام برای تعدادی از مشاغل تخصصی صورت می‌گیرد. فهرست مشاغل تخصصی بنا به پیشنهاد سازمان به تایید سازمان اموراداری و استخدامی کشور خواهد شد. این فهرست برای مدت معین شده دارای اعتبار است ماده ۴ - اجرای امتحان یا مسابقه استخدامی حسب مورد شامل تمام یا قسمتی از مراحل زیر است ۱ - تهیه و ارسال لیست افراد مورد نیاز سالانه شهرداری به تفکیک تعداد مورد نیاز: عنوان پست، رشته شغلی، شرایط احراز و حداقل حقوق و مزایای هر یک از مشاغل در بدو استخدام به وزارت کشور. ۲ - تهیه و تنظیم آگهی استخدامی توسط وزارت کشور و انتشار آن در دو نوبت به فاصله هفت روز در دو روزنامه کثیرالانتشار و یک روزنامه محلی در منطقه محل استقرار شهرداری (در صورت انتشار). ۳ - ثبت نام از داوطلبان و صدور پروانه ورود به جلسه امتحان یا مسابقه ۴ - برگزاری امتحان یا مسابقه ۵ - تصحیح اوراق و نتیجه‌گیری از امتحان یا مسابقه ۶ - اعلام اسامی پذیرفته شدگان مرحله امتحان یا مسابقه ۷ - اجرای مصاحبه یا امتحان عملی ۸ - تهیه فهرست انتخاب شدگان نهایی ۹ - اعلام نتیجه امتحان یا مسابقه به پذیرفته شدگان در مسیر مراحل گزینش ۱۰ - معرفی پذیرفته شدگان به شهرداریهای متقاضی تبصره ۱ - نمونه آگهی استخدامی و فرم ثبت نام و پروانه ورود به جلسه امتحان یا مسابقه و فرم مصاحبه و سایر فرمهای مورد نیاز در این ماده توسط وزارت کشور تهیه و به تایید سازمان اموراداری و استخدامی کشور می‌رسد. تبصره ۲ - آگهی استخدام ر علاوه بر روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران می‌توان در سایر وسایل ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، نصب و اعلان در جماعات و سایر اماکن عمومی و اداری نیز منتشر نمود. ماده ۵ - امتحان یا مسابقه بوسیله وزارت کشور انجام می‌شود. تبصره - وزارت کشور می‌تواند در مواردی که مقتضی بداند اجرای امتحان یا مسابقه را با حفظ حق نظارت به شهرداری و یا هر سازمان و دستگاه حقوقی که صلاح بداند واگذار نماید تا در چارچوب این آیین نامه به انجام آن مبادرت شود. ماده ۶ - امتحان یا مسابقه ممکن است بصورت کتبی، شفاهی، عملی، مصاحبه یا ترکیبی از آنها برگزار شود. ماده ۷ - در مواردی که ضرورت داشته باشد امتحان یا مسابقه استخدامی بیش از یک نوع برگزار شود پس از اجرای نوع اول فهرست اسامی و مشخصات پذیرفته شدگان حتی الامکان و حداکثر تا سه برابر تعداد مورد نیاز در هر شغل به ترتیب تقدم برای شرکت آنان در مراحل بعدی امتحان یا مسابقه اعلام می‌شود. تبصره - چنانچه امتحان یا مسابقه توسط شهرداری و یا دستگاه دیگری غیر از وزارت کشور انجام می‌شود یک نسخه از فهرست قبول شدگان هر مرحله به وزارت کشور ارسال می‌گردد. ماده ۸ - هرگاه تعدادی از پذیرفته شدگان مرحله نهایی امتحان یا مسابقه از قبول خدمت خودداری ورزند افراد مورد نیاز را می‌توان بهمان تعداد از نفرات قبول شده بعدی به ترتیب نمرات انتخاب نمود. تبصره - مدت اعتبار فهرست قبول شدگان در امتحانات یا مسابقات استخدامی از زمان اعلام اسامی قبول شدگان نهایی تا یکسال خواهد بود. ماده ۹ - اوراق امتحانی از تاریخ اعلام نتایج پذیرفته شدگان نهایی حداکثر به مدت یکسال نگهداری می‌شود و از آن تاریخ به بعد امحا آنها بلامانع است ماده ۱۰ - شرکت کنندگان در امتحان یا مسابقه استخدامی باید کلیه مقرراتی را که قبل از برگزاری امتحان یا مسابقه به اطلاع آنان می‌رسد رعایت کنند. افرادی که از این مقررات تخلف ورزند مدت ۲ سال از شرکت در آزمونهای استخدامی شهرداریهای کشور محروم خواهند شد. فهرست اسامی این قبیل افراد توسط وزارت کشور مضبوط و نگهداری می‌گردد. ماده ۱۱ - هر یک از مسوولان و متصدیان اجرای امتحان یا مسابقه که از مقررات جلسه امتحان یا مسابقه، یا تصحیح اوراق امتحانی و یا هر یک از مراحل پیش‌بینی شده در ماده چهار این آیین نامه تخلف ورزند بنحوی که این تخلف منجر به سود و

زیان داوطلب یا اخلاص و اغتشاش در جلسه امتحان یا مسابقه گردد، چنانچه در زمره کارکنان دولت و شهرداریها باشد براساس قانون رسیدگی به تخلفات اداری و در غیر این صورت از طریق مراجع ذیصلاح قانونی توسط وزارت کشور تحت پیگرد قرار خواهد گرفت ماده ۱۲- هرگاه برای وزارت کشور مسلم گردد امتحان یا مسابقه استخدامی برابر مقررات این آیین نامه انجام نگرفته است می تواند نسبت به لغو آن اقدام و مرحله یا مراحل لغو شده را تجدیدنماید. ماده ۱۳- این آیین نامه مستند به ماده ۷ آیین نامه استخدامی شهرداریها مصوب ۱۳/۱۲/۶۸ هیات وزیران در سیزده ماده و ۵ تبصره تهیه و با شماره ۵۸۵۰/۴۵ مورخ ۱۹/۹/۶۹ به تایید سازمان اموراداری و استخدامی کشور رسیده است و هرگونه تغییر در آن بنا به پیشنهاد وزارت کشور و تاییدسازمان مذکور خواهد بود.

مقررات استخدامی مستخدمین موقت شهرداریها موضوع بند (پ ماده ۲ آیین نامه استخدامی شهرداریها - مصوب ۱

ماده ۱- شهرداریها می توانند در صورت وجود اعتبار، پس از تحصیل مجوز استخدامی، اشخاص مورد نیاز را بعنوان مستخدم موقت، بموجب قرار دادی که طبق مقررات زیر بین شهرداری از یکطرف و داوطلب خدمت موقت از طرف دیگر منعقد می گردد، استخدام نمایند. تبصره- فرم انعقاد قرار داد توسط وزارت کشور تهیه و ابلاغ می گردد. ماده ۲- حداکثر مدت قرار داد یکسال است و در صورت لزوم تمدید آن مستند به مجوز اخذ شده حداکثر تا ۵ سال دیگر بلامانع است ماده ۳- افرادی که در مشاغل کارگری موضوع بند "ت ماده ۲ آیین نامه استخدامی شهرداریها بخدمت شهرداری پذیرفته می شوند از شمول این آیین نامه مستثنی خواهند بود. ماده ۴- فسخ قرار داد استخدام موقت توسط هریک از طرفین قرار داد تا یکماه اعلام قبلی امکان پذیر خواهد بود مگر آنکه در قرار داد مدت دیگری تعیین شده باشد. ماده ۵- داوطلبان استخدام موقت باید علاوه بر شرایط اختصاصی شغل مورد نظر دارای شرایط مندرج در ماده ۶ آیین نامه استخدامی شهرداریها باستانی محدودیت مربوط به حداکثر سن حداقل تحصیلات باشند. ماده ۶- داوطلبان ورود بخدمت موقت از طریق امتحان و گزینش انتخاب می شوند. ماده ۷- حقوق مستخدمین موقت مشمول این مقررات براساس مدرک تحصیلی آنان بشرح جدول زیر تعیین می شود: طبقه - حداکثر حقوق - شرایط تصدی از نظر مدارک تحصیلی ۱- ۵۵۰- دارا بودن گواهینامه پایان دوره تحصیلات اول متوسطه یا راهنمایی تحصیلی ۲- ۶۵۰- دارا بودن گواهینامه دیپلم کامل متوسطه ۳- ۸۵۰- دارا بودن گواهینامه کاردانی (فوق دیپلم ۴- ۱۰۵۰- دارا بودن گواهینامه کارشناس (لیسانس ۵- ۱۳۰۰- دارا بودن گواهینامه کارشناسی ارشد (فوق لیسانس ۶- ۱۷۰۰- دارا بودن گواهینامه دکترا ۷- ۱۹۰۰- دارا بودن گواهینامه دکترا و تخصص در رشته های پزشکی و پیراپزشکی تبصره ۱- ضریب ریالی جدول حقوق مستخدمین موقت عدد ۱۰۰ می باشد و تغییرات بعدی آن با تایید نامه سازمان امور اداری و استخدامی کشور و تصویب وزیر کشور بمرحله اجرا در خواهد آمد. تبصره ۲- مستخدمین موقت با توجه به مدارک تحصیلی در یکی از طبقات مندرج در جدول فوق قرار می گیرند و از حقوق طبقه مربوط برخوردار می گردند. تبصره ۳- اشخاصی که دارای تحصیلات حوزه ای هستند با توجه به ارزش مدرک تحصیلی آنان که براساس مصوبات جلسات مورخ ۸/۹/۱۳۶۳ و ۳۰/۱۰/۱۳۶۳ و ۵۰۸/۱۳۶۵ شورای امور اداری و استخدامی کشور و اصلاحات بعدی آن تعیین می گردد از حقوق طبقات ۲ لغایت ۵ جدول حقوق فوق استفاده می کنند. تبصره ۴- چنانچه استخدام موقت جهت مشاغل فنی و تخصصی در طبقات یک، دو و سه جدول موضوع این ماده صورت گرفته باشد تا ۲۰٪ حقوق مبنای طبقه به دریافتی اینگونه مستخدمین افزوده می گردد. تبصره ۵- هرگاه مستخدمین موقت براساس دستورالعملهای ارزشیابی جزو ۲۰٪ کارکنان برجسته دارندگان بالاترین نمره ارزشیابی باشند، در صورت تمدید قرار داد دریافتی شان تا ۱۰٪ حقوق مبنای طبقه مربوط صرفا برای سال بعد قابل افزایش است تبصره ۶- شهرداریها می توانند علاوه بر حقوق ماهانه بازا هر سال تجربه یا آموزش قابل قبول و یا سابقه خدمت موقت (پیمانی مربوط به شغل مورد تصدی حداکثر معادل ۵٪ حقوق مبنای طبقه مربوط را با توجه به میزان کارایی به مستخدمین موقت پرداخت نمایند

مشروط بر آنکه این افزایش از حداکثر حقوق طبقه مربوط تجاوز نکند، تشخیص و احتساب سوابق تجربی و آموزشی براساس دستورالعملی است که توسط وزارت کشور تهیه خواهد شد. تبصره ۷- اعطا امتیازات استخدامی مقرر در قوانین و مقررات عمومی درباره آزادگان و ایثارگران به مستخدمین موقت مشمول این مقررات بموجب دستورالعملی خواهد بود که بنا به پیشنهاد وزارت کشور و تایید سازمان امور اداری و استخدامی کشور بمرحله در خواهد آمد. ماده ۸- در صورتیکه شرایط بازار کار و سایر عوامل موثر اقتضا نماید که برای استخدام برخی متخصصین بعنوان موقت منحصرأ برای مشاغل فنی در طبقات ۴ و ۵ و ۶ و ۷ حقوق مبنای طبقه مربوط براساس ضوابطی که توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب شورای حقوق و دستمزد می‌رسد، پرداخت خواهد شد. ماده ۹- شهرداریها می‌توانند علاوه بر حقوق و فوق العاده مخصوص مبالغی بشرح زیر در صورت وجود اعتبار به مستخدمین موقت پرداخت نمایند. ۱- هر سه ماه تا میزان ۲/۱ (یک دوم حقوق بعنوان پاداش بشرط رضایت از خدمت مستخدم ۲- در پایان خدمت مستخدم در صورت حصول رضایت به ازای هر سال خدمت موقت با ۱۵ روز حقوق و فوق العاده مخصوص به تشخیص شهردار. ۳- مواردی از فوق العاده و هزینه‌های موضوع ماده ۲۵ آیین نامه استخدامی شهرداریها که طبق مقررات مربوط هماهنگ با میزان پرداختی به مستخدمین ثابت پرداخت می‌باشد. در تعیین فوق العاده‌های بدی آب و هوا، محرومیت از تسهیلات زندگی، سختی شرایط محیط کار و نوبت کاری ۲/۱ (یک دوم حقوق مستخدمین موقت مبنای محاسبه قرار خواهد گرفت ماده ۱۰- پرداخت هرگونه وجهی غیر از موارد ذکر شده در این آیین نامه، به هر عنوان به مستخدمین موقت ممنوع است ماده ۱۱- مستخدمین موقت مشمول مقررات قانون تامین اجتماعی می‌باشند و شهرداریها مکلفند حق بیمه مقرر را از دریافتی آنان کسر و با اضافه نمودن سهم کارفرما طبق مقررات مربوط به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نمایند. ماده ۱۲- مستخدمین موقت سالی یکماه حق استفاده از مرخصی استحقاقی به نسبت مدت خدمت با استفاده از حقوق و فوق العاده‌های مربوط را خواهد داشت تبصره ۱- استفاده از مرخصی استحقاقی باتقاضای مستخدم و موافقت رییس مربوط می‌باشد. تعطیلات واقع در بین دو مرخصی استحقاقی جز مرخصی استحقاقی منظور خواهد شد. تبصره ۲- حق استفاده از مرخصی مربوط به هرماه برای ماههای بعد محفوظ است ولی هیچ مستخدمی نمی‌تواند در هر سال بیش از پانزده روز مرخصی استحقاقی خود را ذخیره نماید و هرگاه از بقیه مرخصی مذکور استفاده نماید مدت زاید بر پانزده روز ذخیره نخواهد شد. تبصره ۳- حقوق و فوق العاده‌های مربوط به ایام مرخصی استحقاقی ذخیره شده در هنگام خاتمه قرار داد (در صورت عدم تمدید) به مستخدم موقت پرداخت خواهد شد. ماده ۱۳- مستخدم موقت می‌تواند در صورت نیاز با موافقت شهرداری در طول هر قرار داد یکساله حداکثر یکماه از مرخصی بدون حقوق استفاده نماید. مدت مرخصی بدون حقوق جز سوابق خدمت و تجربه منظور نمی‌گردد. ماده ۱۴- مستخدم موقت در صورت ابتلا به بیماریهایی که مانع از انجام کار آنان باشد و نیز زنان باردار از حمایتهای مقرر در قانون تامین اجتماعی استفاده خواهند کرد. تبصره ۱- این قبیل مستخدمین موظفند ضمن آگاه نمودن مسئولین متبوع خود از علت عدم حضور خویش در محل خدمت، مدارک مربوط به بیماری خود را که به تایید مراجع ذیصلاح مذکور در قانون تامین اجتماعی رسیده باشد در پایان ایام بیماری ارائه نماید. تبصره ۲- حقوق و فوق العاده‌های مستخدم موقت که عدم اشتغال آنان به سبب بیماری باشد و در بیمارستان بستری شوند تا سه روز توسط شهرداری پرداخت خواهد شد و در صورتی که مدت بیماری آنان مازاد بر سه روز باشد از ابتدای بیماری تا خاتمه آن و حداکثر تا پایان قرار داد مشمول مقررات قانون تامین اجتماعی خواهد بود. ماده ۱۵- در صورتیکه مستخدم موقت هفت روز بدون عذر موجه در محل خدمت حاضر نشود شهرداری می‌تواند قرار داد استخدام او را بدون رعایت یکماه مهلت مقرر در ماده ۴ از تاریخ ترک خدمت فسخ نماید. وجوه مربوط به بندهای "الف" و "ب" ماده ۹ و مرخصی ذخیره شده موضوع تبصره ۳ ماده ۱۲ به وی تعلق نخواهد گرفت تبصره- در صورتیکه پذیرفته شدن عذر مستخدم موضوع این ماده (موجه بودن عذر) توسط شهرداری از بابت ایام عدم حضور در محل خدمت حقوق و فوق العاده‌های مربوط به این مدت به او پرداخت نخواهد شد. ماده ۱۶- اوقات کار مستخدمین موقت شهرداری و

سازمانهای تابعه بهمان ترتیبی است که در ماده ۸۶ آیین نامه استخدامی شهرداریها مشخص گردیده و ساعات کار مستخدمین مزبور بر در هیچ مورد از حداقل ساعات کار قانونی کمتر نخواهد بود. ماده ۱۷ - اشتغال مستخدم موقت در موسسات و شرکتهای طرف معامله با شهرداری یا سازمانهای تابعه و وابسته ممنوع است تبصره هرگاه مستخدم موقت بخواهد در غیر ساعات کار در موسسات دیگری غیر از موسسات موضوع این ماده مشغول بکار شود باید مراتب را با اطلاع شهرداری برساند. ماده ۱۸ - تغییر شغل مستخدم موقت تا اصلاح قرار داده منعقد با رعایت این مقررات بلامانع است ماده ۱۹ - مفاد قرار داد استخدامی مستخدمین موقت که بموجب مقررات قبلی به خدمت اشتغال دارند تا خاتمه قرار داد یا فسخ آن از لحاظ پرداخت وجوه تعیین شده در قرار داد بقوت خود باقیاست ولی تمدید یا انعقاد قرار داد جدید از هرلحاظ تابع مفاد این مقررات خواهد بود. ماده ۲۰ - رسیدگی به تخلفات اداری مستخدمین موقت و تعیین مجازات آنان مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری و آیین نامه اجرایی آن می باشد. ماده ۲۱ - هرگونه تغییری در این مقررات منوط به پیشنهاد وزارت کشور و موافقت سازمان اموراداری واستخدامی کشور خواهد بود. ماده ۲۲ - از تاریخ اجرای این مقررات شهرداریها و سازمانهای مکلفند در استخدام مستخدمین موقت منحصر طبق این مقررات عمل نمایند. ماده ۲۳ - این مقررات مستند به بند "ب" ماده ۲ آیین نامه استخدامی شهرداریها مصوب ۱۳/۲/۱۳۶۸ هیات وزیران در ۱۳ ماده و ۱۵ تبصره تهیه و تصویب و با توجه به موافقت شماره ۲۴/۱/۷۰ د- ۲۴/۱/۷۰ سازمان امور اداری و استخدامی کشور از تاریخ ۱/۱/۷۰ قابل اجرا است

آیین نامه حقوق و مزایای شهرداران - مصوب ۱۹/۳/۱۳۷۰

ماده ۱ - حقوق شهرداران در سراسر کشور به استثنای شهردار تهران که حقوق و مزایای ماهیانه او بنا به پیشنهاد وزیر کشور و تایید رئیس جمهور تعیین خواهد شد ، بر مبنای درجه بندی شهرداریها به شرح زیر محاسبه می گردد: ضریب ریالی * عدد مبنای حقوق = حقوق شهردار تبصره ۱ - اعداد مبنای حقوق شهرداران بر اساس درجه بندی شهرداریها به شرح زیر می باشد و تغییر آنها موکول به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات وزیران می باشد. ۱ - اعداد مبنای حقوق شهرداران ، مندرج در جدول تبصره (۱) ماده (۱) این آیین نامه به از تاریخ ۱/۱/۱۳۷۸ به میزان هفتاد درصد (۷۰٪) افزایش می یابد. تبصره ۲ - ضریب ریالی موضوع این ماده معادل ضریب حقوقی مشمولین قانون استخدام کشوری می باشد. تبصره ۳ - تشخیص درجه شهرداریهای جدیدالتاسیس و تغییر درجه بندی شهرداریها با تایید سازمان امور اداری و استخدامی کشور و تصویب وزیر کشور خواهد بود. تبصره ۴ - وزارت کشور می تواند به ازای هر سال سابقه خدمت در سمت شهردار که بعد از تاریخ ۲۲/۱۱/۱۳۵۷ انجام شده باشد ، عدد مبنای حقوق شهردار را تا (۵٪) افزایش دهد. تبصره ۵ - برای جذب نیروهای کارآمد و متخصص جهت انتصاب به سمت شهردار ، وزارت کشور می تواند در این موارد عدد مبنای حقوق شهردار را تا (۵۰٪) تحت عنوان فوق العاده جذب افزایش دهد. تبصره ۶ - تطبیق شهرداریهای موجود با درجات (۱۲) گانه موضوع تبصره (۱) بر عهده وزارت کشور می باشد. تبصره ۷ - افرادی که از وزارتخانه ها ، سازمانها و ارگانهای دولتی تابع قانون نظام هماهنگ پرداخت ، به صورت مأمور ، سمت شهردار را در شهرداریها تصدی می کنند می توانند مبنای حقوق خود را بر اساس آخرین حقوق تعیین شده در وزارتخانه ، سازمان یا ارگان مربوط (بدون محاسبه فوق العاده شغل و سایر مزایا) انتخاب کنند در غیر این صورت مبنای حقوق آنان طبق مفاد این آیین نامه تعیین می شود. تبصره ۸ - به شهرداریانی که خارج از ساعات اداری - موضوع ماده (۸۶) آیین نامه استخدامی شهرداریهای سراسر کشور حضور فعال تری در امور شهر و شهرداری داشته باشند ، به تشخیص وزارت کشور ، ماهانه حداکثر تا میزان شصت درصد حقوق شهردار - موضوع این ماده به عنوان فوق العاده جذب پرداخت می شود. ماده ۲ - چنانچه عملیات عمرانی طی هر سال در دوره خدمت شهردار در شهر ، طبق برنامه های مصوب و در قالب موارد تایید شده باشد فوق العاده ای تحت عنوان فوق العاده عمران که به شرح زیر محاسبه می گردد ،

ماهیهانه و در حدود اعتبارات بودجه مصوب و مقررات موضوع ماده (۶۸) قانون شهرداری ، حداکثر تا دو برابر حقوق موضوع ماده (۱) این آیین نامه به هنگام تفریح بودجه شهرداری با تایید وزارت کشور ، به شهردار قابل پرداخت می‌باشد. (اعتبارات هزینه شده جهت اجرای عملیات عمرانی در هر سال * درصد فوق العاده عمران = فوق العاده عمران تبصره - درصد فوق العاده عمران موضوع این ماده در مورد شهرداری‌های (۱۲) گانه به شرح زیر می‌باشد: ماده ۳- در صورتی که شهرداری فاقد محل مسکونی برای سکونت شهردار باشد تا میزان (۲۰٪) عدد مبنای حقوق موضوع تبصره (۱) ماده (۱) این آیین نامه با اعمال ضریب ریالی موضوع تبصره (۲) ماده (۱) به عنوان حق مسکن به شهردار قابل پرداخت است تبصره - در صورتی که شهرداری دارای محل مسکونی برای شهردار باشد به شرط استفاده شهردار از محل مسکونی هر ماه به میزان حداکثر ده درصد (۱۰٪) عدد مبنای حقوق موضوع تبصره (۱) ماده (۱) این آییننامه با اعمال ضریب ریالی موضوع تبصره (۲) ماده (۱) بر اساس جداول هزینه استفاده از خانه‌های سازمانی موضوع تصویب نامه شماره ۲۲۳۵۳/ت/۲۴۶ ه مورخ ۸/۶/۱۳۷۱ به عنوان حق استفاده از مسکن سازمانی از وی کسر خواهد شد. ماده ۴- در صورتی که شهردار از مقررات بازنشستگی خاصی استفاده نماید کسور مربوط به سهم او هر ماه از حقوق وی کسر و پس از افزودن سهم کارفرما (شهرداری مجموع آن به صندوق بازنشستگی مربوط واریز می‌گردد. تبصره - هرگاه شهردار از صندوق خاصی تبعیت نماید مشمول مقررات قانون تامین اجتماعی شده و هرماه حق بیمه مقرر از حقوق وی کسر و با افزودن سهم کارفرما (شهرداری مجموع آن را به صندوق تامین اجتماعی پرداخت خواهد شد. ماده ۵- شهرداری مکلف است همه ماهه معادل (۳٪) حقوق موضوع ماده یک این آیین نامه را از حقوق شهردار کسر و با افزودن عادل آن از بودجه شهرداری مجموع آن را در حساب سپرده خاصی به نام شهرداری نزد بانکی که شهرداری در آن دارای حساب است واریز نماید تا پس از پایان تصدی سمت شهردار در آن شهرداری ، اصل و سود متعلقه به وی پرداخت گردد. ماده ۶- فوق العاده‌های بدی آب و هوا و محرومیت از تسهیلات زندگی تا میزانی که برای مستخدمین ثابت شهرداری مقرر است بر اساس عدد مبنای حقوق موضوع تبصره ۱ ماده (۱) این آیین نامه با اعمال ضریب ریالی موضوع تبصره (۲) ماده (۱) تعیین و به شهردار قابل پرداخت می‌باشد. تبصره - کمک هزینه عایله‌مندی و اولاد به شهرداران بر اساس ماده (۹) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت - مصوب ۱۳۷۰ - پرداخت می‌شود. ماده ۷- با پیشنهاد شورای شهر و تایید وزارت کشور (سازمان شهرداری‌های کشور) ۹ به ازای هر سال خدمت شهردار معادل یک ماه حقوق موضوع ماده (۱) این آیین نامه به عنوان پاداش از محل اعتبارات بودجه شهرداری ، به شهردار قابل پرداخت است و اگر خدمت شهردار کمتر از یک سال باشد به تناسب مدت خدمت پاداش دریافت خواهد نمود. ماده ۸- هزینه سفر و فوق العاده روزانه شهرداران در مأموریت مطابق مستخدمین ثابت شهرداری پرداخت خواهد شد. حداکثر مدت مأموریت‌های داخل و خارج از کشور برای شهردار در طول یک سال تقویمی نباید از یک ماه تجاوز نماید. ماده ۹- شهردار برای یک سال خدمت حق استفاده از یک ماه مرخصی با استفاده از حقوق و فوق العاده‌های مربوط را خواهد داشت تبصره ۱- تاریخ استفاده از مرخصی بنا به تقاضای شهردار توسط شورای اسلامی شهر تعیین خواهد شد ولی با تصمیم شورای مزبور ممکن است استفاده از مرخصی شهردار نتواند از مرخصی تقاضا شده استفاده نماید تمام مرخصی مزبور ذخیره خواهد شد. تبصره ۲- چنانچه شهردار به اختیار از مرخصی استحقاقی خود استفاده ننماید در هر سال فقط (۱۵) روز آن ذخیره خواهد شد و در صورتی که شهردار مایل به انتقال مرخصی ذخیره شده به موسسه متبوع خود نباشد می‌تواند در پایان سمت شهرداری حقوق و فوق العاده‌های مربوط به ایام مرخصی ذخیره شده را از اعتبارات همان شهرداری دریافت نماید. تبصره ۳- در صورتی که خدمت شهردار کمتر از یک سال باشد به تناسب مدت استحقاق دریافت مرخصی را خواهد داشت ماده ۱۰- شهردار به ازای هر یک سال خدمت ، حق استفاده از یک ماه مرخصی استعلاجی با دریافت حقوق و فوق العاده مربوط را خواهد داشت پرداخت حقوق و فوق العاده مربوط به ایام مرخصی استعلاجی شهردار موقوف به تایید بیماری وی از طرف پزشک معتمد شهرداری و موافقت شورای شهر می‌باشد. تبصره - هزینه معالجه شهردار که از طریق سازمان تامین اجتماعی

پرداخت نمی‌شود، در صورت وجود اعتبار به شرط اینکه از میزان یک ماه حقوق وی تجاوز ننماید براساس گواهی پزشک معتمد شهرداری و با تصویب شورای شهر پرداخت می‌شود. ماده ۱۱ - پرداخت حقوق و مزایای شهردار بر اساس این آیین نامه در صورت وجود اعتبار در بودجه مصوب شهرداری موکول به صدور حکم از طرف وزارت کشور (سازمان شهرداری‌های کشور) می‌باشد و پرداخت هر گونه وجه دیگری به هر عنوان غیر از موارد ذکر شده در این آیین نامه به شهردار، ممنوع است ماده ۱۲ - این تصویب‌نامه از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا می‌باشد و تصویب نامه‌های مورخ ۱۸/۱۲/۱۳۵۳ و ۲۱/۶/۱۳۵۶ و ۱۹/۴/۱۳۵۷ و کلیه مقررات مغایر ملغی است

آیین نامه اجرایی شرایط احراز تصدی سمت شهردار - مصوب ۱۱/۶/۱۳۷۷ هیات وزیران

ماده ۱ - کسانی را می‌توان به سمت شهردار انتخاب نمود که دارای شرایط زیر باشند: ۱ - تابعیت جمهوری اسلامی ایران ۲ - حتی المقدور متاهل و دارای حداقل (۲۵) سال سن و (۵) سال سابقه اجرایی در موقع انتخاب شدن ۳ - انجام خدمت وظیفه عمومی (دوره ضرورت یا داشتن معافیت دایم در زمان صلح ۴ - اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی ۵ - دارا بودن حسن شهرت ۶ - داشتن توانایی جسمی و روحی برای انجام کار. ۷ - نداشتن محکومیت کیفری که مستلزم محرومیت از حقوق اجتماعی باشد. ۸ - دارا بودن تحصیلات و تجربه به شرح زیر: ۹ - حداقل تحصیلات کارشناسی (لیسانس برای شهرداریهای درجه (۱) و (۶) - ۱۰ - حداقل تحصیلات کارشناسی (لیسانس با گرایشهای مشخص شده توسط وزارت کشور برای شهرداریهای درجه (۷) تا (۱۰) - ۱۱ - برای شهرداریهای درجه (۱۱) و (۱۲) حداقل تحصیلات کارشناسی ارشد (فوق لیسانس با گرایشهای مشخص شده توسط وزارت کشور. تبصره ۱ - کسانی که دارای تحصیلات فوق دیپلم و پنج سال سابقه اجرایی - که حداقل (۲) سال آنرا در سمت شهردار و یا مدیریت (سرپرستی و بالاتر) در وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و شهرداریها خدمت کرده باشند - یا دارای (۴) سال تجربه در امور مربوط به شهرداری باشند نیز می‌توانند عهده دار تصدی شهرداریهای از درجه (۱) تا (۶) می‌شوند. تبصره ۲ - کسانی که دارای تحصیلات فوق دیپلم و پنج سال سابقه اجرایی و حداقل چهار سال سابقه کار و تجربه در سمت شهردار در شهرداری درجه (۱) تا (۶) و یا معاون شهردار در شهرداری درجه (۷) به بالا - یا مدیریت (مدیریت میانی به بالا) در وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و شهرداریها باشند نیز می‌توانند تصدی شهرداریهای درجه (۷) تا (۱۰) را عهده دار شوند. تبصره ۳ - کسانی که دارای تحصیلات کارشناسی (لیسانس مندرج در ردیف (۲) بند (ح) ماده (۱) این آیین نامه با حداقل پنج سال پیشینه کار در سمت شهردار شهر درجه (۷) تا (۱۰) و بالاتر و یا معاون شهردار شهر درجه (۱۱) و (۱۲) و یا مدیریت میانی به بالا و همتراز آنها در وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و شهرداریها باشند نیز می‌توانند برای احراز سمت شهردار در شهرداریهای درجه (۱۱) و (۱۲) و تهران انتخاب شوند. تبصره ۴ - انتخاب مقامات موضوع تبصره (۲) ماده (۱) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت و همترازان آنها و همچنین معاونان استانداران و مدیران کل ستادی حوزه عمرانی وزارت کشور با داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی با رشته‌های مندرج در ردیف (۲) بند (ح) ماده (۱) این آیین نامه و حداقل (۲) سال سابقه خدمت در سمتهای مذکور به سمت شهردار بلامانع است تبصره ۵ - در صورتی که اشخاص موضوع تبصره‌های بالا یکی از دوره‌های مکاتبه‌ای یا حضوری میانی شهرداری، منطبق با دستورالعملهای وزارت کشور را با موفقیت گذرانده باشند، دوره مذکور معادل یک سال تجربه در امور شهرداری و چنانچه دوره عالی مدیریت شهرداری و مطابق با دستورالعملهای وزارت کشور را گذرانده باشند، دوره مذکور معادل ۵/۱ سال تجربه در امور شهرداری برای آنان محسوب خواهد شد. تبصره ۶ - منظور از درجه شهرداری در این آیین نامه درجه بندی شهرداریها موضوع تبصره (۱) ماده (۱) آیین نامه حقوق و مزایای شهرداران (موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۱۱/ت/۱۱۱ مورخ ۱/۴/۱۳۷۰ هیات وزیران می‌باشد و در صورت اصلاح درجه شهرداریها در آیین نامه اجرایی یادشده مفاد این آیین نامه

متناسب با آن اصلاح خواهد شد. تبصره ۷- کلیه کسانی که در زمان تصویب این آیین نامه در سمت شهردار مشغول انجام وظیفه بوده و از نظر تحصیلات و سوابق تجربی واجد شرایط لازم برای تصدی سمت شهردار در شهر مربوط نمی‌باشند تا زمان تصدی در سمت مذکور در آن شهر از شرایط تحصیلات و سوابق مذکور در این آیین نامه معاف می‌باشند و انتخاب آنان برای تصدی سمت شهردار در شهرداریهای با همان درجه بلامانع است تبصره ۸- تشخیص همترازی مدیریت و سرپرستی و نیز تجربه مدیریت در بخش خصوصی به عهده وزارت کشور است تبصره ۹- شهردار باید علاوه بر شرایط فوق به امور مالی و ذی حسابی با تشخیص وزارت کشور آشنا باشد و در غیر این صورت باید در دوره توجیهی که توسط وزارت یاد شده تشکیل می‌شود شرکت نماید. تبصره ۱۰- در موارد استثنا، انتخاب شهردار از میان افراد دارای مدرک تحصیلی دیپلم با تایید وزیر کشور بلامانع است ماده ۲- کسی که به سمت شهردار انتخاب می‌شود نباید صاحب موسساتی باشد که تمام یا بخش‌یاز حوایج عمومی حوزه عمل شهرداری را تامین می‌نماید و همچنین نباید در زمان تصدی این سمت، رییس یا عضو هیات مدیره یا مدیر عامل شرکتها و موسسات مذکور باشد. شهردار حق ندارد در معاملات و قرار دادهایی که یک طرف آن شهرداری یا یکی از موسسات تابعه و یا وابسته به آن است بطور مستقیم یا غیر مستقیم ذی نفع باشد. تبصره - عضویت شهردار در هیات مدیره و مجمع عمومی و یا شورای شرکتها و سازمانهای و موسساتی که وابسته و یا تابع شهرداریها و نیز موسسات عمومی، اعم از دولتی و غیر دولتی که شهرداری در آنها صاحب سهم باشد و یا حضور شهردار در سمتهای مذکور در این گونه موسسان که بنابه تصویب شورای اسلامی شهر ضروری تشخیص داده شود از شمول معاد این ماده مستثنی است ماده ۳- شهردار باید از تاریخ اشتغال به کار تا زمانی که در این سمت انجام وظیفه می‌نماید در داخل محدوده قانونی شهر ساکن باشد. شهرداری مکلف است برابر دستورالعمل وزارت کشور شرایط مناسب جهت تحقق مفاد این ماده را برای شهردار فراهم سازد. ماده ۴- شورای اسلامی شهر به محض آن که از فقدان یکی از شرایط مندرج در بندهای و تبصره‌های ذیل ماده (۱) و مواد (۲) و (۳) این آیین نامه در شهردار منتخب خود مطلع شود باید در اولین جلسه عادی یا فوق العاده که با حضور شهردار تشکیل می‌شود به موضوع رسیدگی و تشخیص خود را اعم از صحت یا سقم مطلب به مرجع صدور حکم انتصاب اعلام نماید، مرجع صدور حکم انتصاب پس از بررسی موضوع، در صورت صحت فقدان هر یک از شرایط، حکم انتصاب راملغی می‌نماید. ماده ۵- در صورتی که شهردار از بین کارگزاران شهرداریها و موسسات و سازمانهای تابعه و وابسته آنها و یا وزارتخانه‌ها و یا موسسات و شرکت‌های دولتی تابع و وابسته به دولت انتخاب شود، پس از خاتمه دوره خدمت با رعایت مقررات استخدامی مربوط، به سازمان محل خدمت اولیه خود برگشت داده می‌شود و چنانچه از بین کارگزاران انتخاب نشده باشد، وزارت کشور و شهرداریها در قبال او هیچگونه تعهد استخدامی ندارند. تبصره ۱- شهردار خاتمه خدمت یافته، می‌تواند ضمن داشتن شرایط استخدام موضوع ماده (۶) اصلاحی آیین نامه استخدامی شهرداری تهران (موضوع تصویبنامه شماره ۱۷۵۷۰/ت مورخ ۲/۳/۱۳۶۸) در صورت دار بودن شرایط زیر، ظرف یکسال از تاریخ خاتمه خدمت و یا صدور حکم قطعی برایت درخواست استخدام به شهرداری تسلیم نماید که در این صورت از شروط امتحان و مسابقه موضوع ماده (۷) اصلاحی آیین نامه یاد شده معاف خواهد بود. ۱- فاقد هر گونه ارتباط و تعهد استخدامی با موسسات مذکور در ماده (۵) این آیین نامه باشد. ۲- خدمت وی به علت استعفا یا اتمام دوره قانونی خدمت (۴) سال خاتمه یافته باشد. ۳- حداقل دوسال متوالی یا چهار سال متناوب دارای سابقه خدمت مورد پذیرش وزارت کشور در سمت شهردار باشد. ۴- در صورت تعلیق از خدمت طبق مقررات قانونی درای حکم قطعی برایت از مراجع صالح قضایی باشد. وزارت کشور می‌تواند پس از تامین اعتبار در اولین بودجه، اصلاح بودجه یا متمم بودجه، مطابق مدرک تحصیلی وی، تحت عناوین (کارشناس، کمک کارشناس و کاردان با موافقت سازمان امور اداری و استخدامی کشور نسبت به ایجاد پست سازمانی مناسب برای وی در یکی از شهرداریهای سراسر کشور اقدام نماید. پس از ترک پست مذکور توسط شاغل به هر عنوان، پست یاد شده حذف می‌شود. تبصره ۲- اجرای مفاد تبصره یک در مورد شهرداریانی که مطابق مفاد ماده (۷۳) قانون موضوع این آیین نامه از کار

برکنار شده‌اند، ظرف مهلت مذکور منوط به تصویب شورای اسلامی شهر است ماده ۶ - نظارت بر حسن اجرای این آیین نامه برعهده وزارت کشور است معاون او رییس جمهور - حسن حبیبی

اصلاحیه تصویب نامه موضوع تبصره الحاقی به ماده (۲۷) آیین نامه استخدامی شهرداریهای کشور - ۱۳۸۰

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۸/۶/۱۳۸۰ با توجه به نظر رییس مجلس شورای اسلامی، موضوع نامه شماره ۳۴۱۳ هـ/ب مورخ ۸/۵/۱۳۸۰ تصویب نمود: ۱ - در تصویبنامه شماره ۱۹۰۳۶/ت ۱۸۸۶۳ هـ مورخ ۹/۲/۱۳۷۸، موضوع تبصره الحاقی به ماده (۲۷) آیین نامه استخدامی شهرداریهای کشور، عبارت (تا حدی که مغایر قانون نظام هماهنگ پرداخت نباشد) بعد از عبارت (و بر اساس آیین نامه حقوق و مزایای شهرداران و تغییرات بعدی آن) اضافه می گردد. ۲ - این تصویب نامه جانشین تصویب نامه شماره ۵۶۶۸۶/ت ۲۳۹۹۶ هـ مورخ ۱۰/۱۲/۱۳۷۹ می گردد. معاون اول رییس جمهور - محمدرضا عارف

اصلاحیه آیین نامه استخدامی کارکنان شهرداریهای کشور - مصوب ۱۳۸۲

نظر به اینکه در ماده (۱۰) آیین نامه استخدامی کارکنان شهرداریهای کشور، موضوع تصویب نامه شماره ۶۴۰۱۸/ت ۲۵۳۴۲-هـ مورخ ۱۴/۱۲/۱۳۸۱ که براساس طرح تصویب نامه پیشنهادی تنظیم و ابلاغ شده است، عبارت «یک چهارم حقوق و مزایای شهردار مربوط» به اشتباه «یک چهارم حقوق و مزایای مستخدمان شهرداری مرکز استان» تحریر شده است، مراتب جهت اصلاح اعلام می شود. دبیر هیات دولت - عبدا... رمضان زاده

صنوف و اماکن عمومی

لایحه قانونی راجع به نحوه واگذاری اماکن و میادین و غرفه‌ها بمنظور ایجاد تسهیل در تهیه و توزیع میوه و

ماده واحده - شهرداری تهران می تواند بمنظور تسهیل در تهیه و توزیع میوه و تره بار و فرآورده های کشاورزی مورد مصرف مردم و کوتاه کردن دست واسطه‌ها از طریق ایجاد ارتباط مستقیم بین تولیدکنندگان و مصرف کنندگان کلیه اماکن و میادین و غرفه‌ها که توسط شهرداری ایجاد شده یا بشود را بصورت نمایندگی منحصر به اشخاص حقیقی یا حقوقی تولیدکننده واگذار نماید. این قبیل اماکن و میادین و غرفه‌ها مشمول مقررات قانون روابط موجر و مستاجر نبوده و حقوق استیجاری و کسب و پیشه برای متصرفین یا متصدیان آنها ایجاد نخواهد کرد و هر موقع که شهرداری لازم بداند می تواند با توجه بشرایط واگذاری نمایندگی محل را تصرف کند و هرگاه اشیا متعلق به متصرف در آن باشد شهرداری آن را به محل دیگری منتقل خواهد کرد. مقررات این ماده واحده شامل اماکنی که قبلاً بمنظور فوق به اشخاص حقیقی یا حقوقی که بدون تنظیم قرارداد واگذار گردیده است نیز خواهد بود. تبصره ۱ - شهرداریهای سایر شهرها نیز مشمول مفاد این قانون می باشند. تبصره ۲ - در واگذاری غرفه‌ها با شرایط یکسان رزمندگان و خانواده‌های شهدا و آزادگان و جانبازان و اتحادیه‌ها و شرکتهای تعاونی تولیدی محصولات و فرآورده‌های کشاورزی - دامی طیور و آبزیان اولویت دارند. تبصره ۳ - آیین نامه اجرائی و شرایط واگذاری نمایندگی و مدت و نحوه استفاده از محلهای مزبور توسط وزارت کشور با هماهنگی وزارتخانه‌های کشاورزی، جهاد سازندگی و بازرگانی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

قانون نظام صنفی کشور - مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲

فصل اول - تعاریف (ماده ۱ تا ۱۱)

ماده ۱ - نظام صنفی قواعد و مقرراتی است که امور مربوط به سازمان ، وظایف ، اختیارات ، حدود و حقوق افراد و واحدهای صنفی را طبق این قانون تعیین می کند. ماده ۲ - فرد صنفی : هر شخص حقیقی یا حقوقی که در یکی از فعالیت های صنفی اعم از تولید، تبدیل خرید، فروش توزیع خدمات و خدمات فنی سرمایه گذاری کند و به عنوان پیشه ور و صاحب حرفه و شغل آزاد، خواه به شخصه یا با مباشرت دیگران محل کسبی دایر یا وسیله کسبی فراهم آورد و تمام یا قسمتی از کالا، محصول یا خدمات خود را به طور مستقیم یا غیرمستقیم و به صورت کلی یا جزئی به مصرف کننده عرضه دارد، فرد صنفی شناخته می شود. تبصره - صنفی که قانون خاص دارند، از شمول این قانون مستثنی هستند. ماده ۳ - واحد صنفی : هر واحد اقتصادی که فعالیت آن در محل ثابت یا وسیله سیار باشد و توسط فرد یا افراد صنفی با اخذ پروانه کسب دایر شده باشد، واحد صنفی شناخته می شود. تبصره ۱ - فعالیت واحدهای صنفی سیار در محل ثابت با اخذ پروانه کسب برای همان محل بلامانع است تبصره ۲ - اماکنی که طبق ضوابط مصوب کمیسیونهای نظارت واجد شروط لازم جهت استقرار چند واحد صنفی باشند، می توانند به عنوان محل ثابت کسب به وسیله یک یا چند فرد صنفی ، پس از اخذ پروانه کسب از اتحادیه یا اتحادیه های ذی ربط ، مورد استفاده قرار گیرند. تبصره ۳ - دفاتری که خدماتی به واحدهای صنفی سیار می دهند، واحد صنفی محسوب می شوند. ماده ۴ - صنف : آن گروه از افراد صنفی که طبیعت فعالیت آنان از یک نوع باشد، تشکیل یک صنف را می دهند. صنوف مشمول این قانون با توجه به نوع فعالیت آنها به چهار گروه تولیدی ، خدمات فنی ، توزیعی یا خدماتی تقسیم می شوند. ماده ۵ - پروانه کسب : مجوزی است که طبق مقررات این قانون به منظور شروع و ادامه کسب و کار یا حرفه به فرد یا افراد صنفی برای محل مشخص یا وسیله کسب معین داده می شود. ماده ۶ - پروانه تخصصی و فنی گواهینامه ای است که بر داشتن مهارت انجام دادن کارهای تخصصی یا فنی دلالت دارد و به وسیله مراجع ذی صلاح صادر می شود. ماده ۷ - اتحادیه : شخصیتی حقوقی است که از افراد یک یا چند صنف که دارای فعالیت یکسان یا مشابه اند، برای انجام دادن وظایف و مسوولیت های مقرر در این قانون تشکیل می گردد. ماده ۸ - مجمع امور صنفی : مجمعی است که از نمایندگان منتخب اعضای هیات مدیره اتحادیه های صنفی هر شهرستان برای انجام دادن وظایف و مسوولیت های مقرر در این قانون تشکیل می شود. ماده ۹ - شورای اصناف کشور : شورایی است که از نمایندگان هیات رییسه مجامع امور صنفی شهرستانهای کشور با هدف تقویت مبانی نظام صنفی در تهران تشکیل می گردد. ماده ۱۰ - کمیسیون نظارت : کمیسیونی است که به منظور برقراری ارتباط و ایجاد هماهنگی بین اتحادیه ها و مجامع امور صنفی با سازمانها و دستگاههای دولتی در راستای وظایف و اختیارات آنها و همچنین نظارت بر اتحادیه ها و مجامع امور صنفی هر شهرستان تشکیل می شود. ماده ۱۱ - هیات عالی نظارت : هیاتی است که به منظور تعیین برنامه ریزی هدایت ایجاد هماهنگی و نظارت بر کلیه اتحادیه ها، مجامع امور صنفی شورای اصناف کشور و کمیسیونهای نظارت تشکیل می گردد و بالاترین مرجع نظارت بر امور اصناف کشور است

فصل دوم - فرد صنفی (ماده ۱۲ تا ۲۰)

ماده ۱۲ - افراد صنفی موظفند قبل از تاسیس هر نوع واحد صنفی یا اشتغال به کسب و حرفه نسبت به اخذ پروانه کسب اقدام کنند. تبصره ۱ - آیین نامه صدور پروانه کسب طبق مفاد این قانون ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت با کسب نظر وزارتخانه های کشور، بهداشت درمان و آموزش پزشکی و اداره کل نظارت بر اماکن عمومی ناجا و مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۲ - کلیه دستگاههایی که اتحادیه ها برای صدور

پروانه کسب از آنها استعمال میکنند، موظفند ظرف مدت پانزده روز از تاریخ دریافت استعمال نظر قطعی و نهایی خود را اعلام دارند. عدم اعلام نظر در مهلت مقرر به منزله نظر مثبت است تبصره ۳ - صدور بیش از یک پروانه کسب برای هر فرد صنفی واجد شروط قانونی برای یک یا چند محل کسب بلامانع است تبصره ۴ - در صورتیکه چند نفر، یک واحد صنفی را به صورت مشترک اداره کنند، به طور مشترک مسوولیت امور واحد را عهده‌دار خواهند بود. تبصره ۵ - تمدید اعتبار پروانه کسب هر ده سال یکبار الزامی است ماده ۱۳ - صدور پروانه کسب برای مشاغل تخصصی و فنی مستلزم اخذ پروانه تخصصی و فنی از مراجع ذیربط به وسیله متقاضی است اگر متقاضی واجد شروط لازم برای اخذ پروانه تخصصی و فنی نباشد، حضور یک نفر شاغل دارنده پروانه تخصصی و فنی در واحد صنفی برای صدور پروانه کسب مشروط، به نام متقاضی کافی است تبصره - انواع مشاغل تخصصی و فنی به شرح آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت و با هماهنگی وزارتخانه‌ها و سازمانهای ذیربط و نظرخواهی از مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۱۴ - افراد صنفی مکلفند در هر سال عوارض کسب و پیشه حق عضویت اتحادیه (در صورت عضویت و مالیات خود را پردازند. ماده ۱۵ - افراد صنفی عرضه کننده کالاها و خدمات مکلفند با الصاق برچسب روی کالا، یا نصب تابلو در محل کسب یا حرفه قیمت واحد کالا یا دستمزد خدمت را به طور روشن و مکتوب و به گونه‌ای که برای همگان قابل رویت باشد، اعلام کنند. تبصره ۱ - هر فرد صنفی در مقابل دریافت بها، اجرت یا دستمزد باید صورتحسابی شامل نام و نشانی واحد صنفی، تاریخ، مبلغ دریافتی و نوع و مشخصات کالاها فروخته شده یا خدمات انجام شده را به مشتری تسلیم دارد. تبصره ۲ - مجمع امور صنفی میتواند با تصویب کمیسیون نظارت مرکز استان بعضی از صنوف یا مشاغل را تا مبلغی معین یا برخی دیگر را که دادن صورتحساب برای آنها مشکل است از دادن صورتحساب معاف کند. تبصره ۳ - افراد صنفی که کالاها خود را به صورت کلی عرضه میدارند باید از صورتحسابهای چاپ شده استفاده کنند و مشخصات خریدار را نیز در آن بنویسند. تبصره ۴ - فرد صنفی، مسوول انطباق کیفیت و کمیت هر نوع کالای عرضه شده یا خدمت ارایه گردیده با وجه یا اجرت دریافتی مندرج در صورتحساب است ماده ۱۶ - صاحبان اماکن عمومی به تشخیص مجمع امور صنفی و تصویب کمیسیون نظارت مکلفند: الف - فهرست قیمت غذا و مواد غذایی را که برای مصرف مشتریان ارایه میشود در برگه‌های مخصوص تهیه و در دسترس مشتریان قرار دهند و بر مبنای آن صورتحساب به مشتری تسلیم دارند. ب - نرخ اغذیه و مواد غذایی خود را در تابلو مخصوص در محل کسب به قسمی که در معرض دید همگان باشد نصب کنند. ماده ۱۷ - افراد صنفی مکلفند قوانین و مقررات جاری کشور، از جمله قوانین و مقررات صنفی، انتظامی، بهداشتی، ایمنی، حفاظت فنی و زیباسازی محیط کار و دستورالعمل‌های مربوط به نرخ‌گذاری کالاها و خدمات را که از سوی مراجع قانونی ذیربط ابلاغ میگردد، رعایت و اجرا کنند. تبصره ۱ - افراد صنفی مکلفند پیش از به کارگیری کسانی که برای انجام دادن خدمات به منازل و اماکن مراجعه میکنند، مراتب را به اتحادیه اطلاع دهند تا اتحادیه پس از اخذ نظر نیروی انتظامی، نسبت به صدور کارت شناسایی عکس‌دار با درج تخصص اقدام لازم را به عمل آورد. تبصره ۲ - افراد صنفی مجاز نیستند برای جلب مشتری درباره محصولات کالاها یا خدمات برخلاف واقع تبلیغ کنند. در غیر این صورت طبق ماده ۶۸ این قانون با آنها رفتار خواهد شد. ماده ۱۸ - در صورتیکه دارنده پروانه کسب بخواهد پروانه خود را به دیگری واگذار کند، باید درخواست کتبی خود را به اتحادیه تسلیم دارد. اتحادیه در صورت واجد شروط قانونی بودن فرد معرفی شده و با رعایت سایر مقررات پروانه کسب متقاضی را باطل و پروانه جدیدی به نام فرد معرفی شده صادر میکند. ماده ۱۹ - در صورتیکه دارنده پروانه کسب محجور شود، قیم میتواند با رعایت غبطه محجور و طبق مقررات این قانون نسبت به اداره یا انتقال واحد صنفی اقدام کند. ماده ۲۰ - در صورت فوت صاحب پروانه کسب حقوق متعارف ناشی از واحد صنفی متعلق به ورثه است چنانچه ورثه یا نماینده قانونی آنها مایل باشند، در صورت دارا بودن شروط فردی، میتوانند ظرف مدت دو سال نسبت به اخذ پروانه کسب با رعایت مقررات اقدام کنند. پس از انقضای مهلت مقرر پروانه متوفی از درجه اعتبار ساقط است

فصل سوم - اتحادیه ها (ماده ۲۱ تا ۳۱)

ماده ۲۱- در هر شهرستان که واحدهای صنفی با فعالیت‌های شغلی مشابه یا همگن وجود داشته باشد، افراد صنفی با رعایت این قانون مبادرت به تشکیل اتحادیه می‌کنند. تبصره ۱- اتحادیه دارای شخصیت حقوقی و غیرانتفاعی است و پس از ثبت در وزارت بازرگانی رسمیت می‌یابد. تبصره ۲- حدنصاب تعداد واحدهای صنفی برای تشکیل یک اتحادیه در کشور به شرح زیر است الف- در تهران ۳۰۰ واحد ب- در شهرستانهای با بیش از دو میلیون نفر جمعیت ۲۰۰ واحد ج- در شهرستانهای دارای بیش از یک میلیون نفر و کمتر از دو میلیون نفر جمعیت ۱۵۰ واحد د- در شهرستانهای دارای بیش از پانصد هزار نفر و کمتر از یک میلیون نفر جمعیت ۱۰۰ واحد ه- در شهرستانهای با کمتر از پانصد هزار نفر جمعیت ۵۰ واحد تبصره ۳- کمیسیون نظارت هر شهرستان موظف است ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون نسبت به ادغام اتحادیه‌هایی که تعداد واحدهای صنفی تحت پوشش آنها کمتر از نصابهای تعیین شده است اقدام کند. تبصره ۴- اگر تشکیل اتحادیه واحد برای تمامی شهرها یا بخشهای هر شهرستان به تشخیص کمیسیون نظارت مرکز استان ممکن نباشد، شیوه اداره امور واحدهای صنفی آن شهرها یا بخشها تابع آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به وسیله دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۵- اگر تشکیل اتحادیه‌ای از واحدهای صنفی یک شهرستان که تعدادشان به نصاب مقرر جهت تشکیل اتحادیه نرسیده است به تشخیص کمیسیون نظارت مرکز استان لازم باشد، در صورت تصویب هیات عالی نظارت اتحادیه‌ای با همان تعداد واحدهای موجود تشکیل خواهد شد. تبصره ۶- اگر تشکیل اتحادیه‌ای در مرکز استان از واحدهای صنفی موجود در شهرستانهای همان استان به تشخیص کمیسیون نظارت مرکز استان لازم باشد، در صورت تصویب هیات عالی نظارت اتحادیه‌ای در مرکز استان تشکیل خواهد شد. این اتحادیه مانند سایر اتحادیه‌های موضوع این ماده تلقی خواهد شد. تبصره ۷- اگر تشکیل اتحادیه‌ای از واحدهای صنفی سراسر کشور لازم باشد، با تایید وزیر بازرگانی اتحادیه کشوری تشکیل خواهد شد. این اتحادیه نیز مانند دیگر اتحادیه‌های موضوع این ماده خواهد بود. ماده ۲۲- اتحادیه‌ها توسط هیات مدیره منتخب اعضای اتحادیه اداره می‌شوند. تعداد اعضای این هیات پنج نفر اصلی و دو نفر علی‌البدل برای اتحادیه‌های دارای کمتر از هزار واحد صنفی عضو و هفت نفر اصلی و سه نفر علی‌البدل برای اتحادیه‌های دارای بیش از هزار واحد صنفی عضو خواهد بود. تبصره ۱- مدت خدمت و مسوولیت اعضای هیات مدیره اتحادیه‌ها از تاریخ انتخاب چهار سال تمام خواهد بود. اعضای هیات مدیره با رای مخفی و مستقیم اعضای اتحادیه انتخاب می‌شوند. انتخاب مجدد افراد عضو هیات مدیره در ادوار بعد بلامانع است تبصره ۲- کمیسیون نظارت هر شهرستان موظف است شش ماه قبل از پایان هر دوره هیات مدیره مقدمات برگزاری انتخابات را فراهم آورد. تبصره ۳- انتخابات اتحادیه‌ها در دور اول با حضور حداقل یک سوم اعضا و در دور دوم با حضور حداقل یک چهارم اعضا رسمیت می‌یابد. در صورت برگزار نشدن انتخابات در دور دوم تا انتخاب هیات مدیره جدید، کمیسیون نظارت مکلف است با تشکیل هیات سرپرستی از بین اعضای همان صنف که توسط مجمع امور صنفی معرفی می‌گردند، افراد واجد شروط قانونی را برای اداره امور اتحادیه به طور موقت منصوب کند. آیین‌نامه انتخابات اتحادیه‌ها توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت با نظرخواهی از مجامع امور صنفی مراکز استانها ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۴- در صورتی که بر اثر استعفا، عزل فوت بیماری حجر یا محرومیت از حقوق اجتماعی عضو یا اعضای از هیات مدیره با وجود جایگزینی اعضای علی‌البدل آن هیات از نصاب این ماده خارج شود، کمیسیون نظارت مکلف است ظرف شش ماه نسبت به برگزاری انتخابات برای تعیین اعضای جایگزین اقدام کند. تا انجام انتخابات افرادی از اعضای همان صنف که واجد شروط قانونی برای اداره امور اتحادیه باشند، توسط مجمع امور صنفی معرفی می‌گردند تا پس از تصویب کمیسیون

نظارت به‌عنوان اعضای جایگزین به عضویت اصلی یا علی‌البدل هیات مدیره منصوب شوند. اگر کمتر از دو سال از مدت ماموریت هیات مدیره مانده باشد، مدت ماموریت اعضای جایگزین تا پایان مدت ماموریت هیات مدیره ادامه خواهد یافت تبصره ۵ - افراد منصوب شده موضوع تبصره‌های (۳) و (۴) این ماده دارای کلیه اختیارات حقوق و تکالیف هیات مدیره به استثنای عضویت در هیات ریسه مجمع امور صنفی خواهند بود. ماده ۲۳ - هیات مدیره اتحادیه‌ها از میان خود یک نفر را به عنوان رییس یک نفر را به عنوان نایب رییس یک نفر را به عنوان بازرس یک نفر را به عنوان خزانه‌دار و یک نفر را به عنوان دبیر انتخاب می‌کند. انتخاب مجدد این افراد بلامانع خواهد بود. رییس هیات مدیره علاوه بر دعوت از اعضا، اداره جلسات و ابلاغ مصوبات به‌عنوان نماینده اتحادیه در مجمع امور صنفی شهرستان نیز شناخته می‌شود. رییس هیات مدیره بالا-ترین مقام اجرایی اتحادیه محسوب می‌گردد. در غیاب رییس نایب رییس وظایف و اختیارات وی را برعهده می‌گیرد. تبصره - در اتحادیه‌هایی که تعداد اعضای هیات مدیره آن هفت نفر است دو نفر نایب رییس و دو نفر بازرس خواهند بود. ماده ۲۴ - هیات مدیره هر اتحادیه مکلف است از خدمات یک نفر، که دارای حداقل مدرک کارشناسی باشد، به صورت تمام وقت به عنوان مدیر اجرایی استفاده کند. در شهرستانهای دارای کمتر از یک میلیون نفر جمعیت به کارگیری افراد دیپلمه به‌عنوان مدیر اجرایی بلامانع است مدیر اجرایی مجری مصوبات هیات مدیره و منتخب آن است و با جایگزین شدن هیات مدیره جدید مستعفی تلقی می‌گردد. استفاده از خدمات همان مدیر در ادوار بعد بلامانع است ماده ۲۵ - در صورت نیاز، کمیسیون نظارت مرکز استان بنا به درخواست اکثریت نسبی اتحادیه‌های صنفی شهرستانهای همان استان با نظرخواهی از مجمع امور صنفی مرکز استان نسبت به تشکیل مجمع استانی برای اتحادیه‌های آن استان اقدام خواهد کرد. این مجمع متشکل از نمایندگان هیات مدیره اتحادیه‌های شهرستانها خواهد بود و به‌منظور تبادل نظر در خصوص مشکلات و امور صنفی ارایه پیشنهاد و برقراری ارتباط و هماهنگی‌های لازم با مراجع و مراکز ذی‌ربط تشکیل می‌شود. تبصره - تعداد نمایندگان هر شهرستان به ازای هر پنج اتحادیه یک نفر خواهد بود که با رای روسای اتحادیه‌ها انتخاب خواهند شد. مدت ماموریت اعضای هیات مدیره مجمع استانی دو سال است ماده ۲۶ - هر گاه شخصی بخواهد فعالیت صنفی را آغاز کند، ابتدا باید به اتحادیه ذی‌ربط مراجعه و تقاضای کتبی خود را تسلیم و رسید دریافت دارد. اتحادیه مکلف است در چارچوب مقررات نظر خود را مبنی بر رد یا قبول تقاضا حداکثر ظرف پانزده روز با احتساب ایام غیرتعطیل رسمی به صورت کتبی به متقاضی اعلام کند. عدم اعلام نظر در مدت یاد شده به منزله پذیرش تقاضا محسوب می‌گردد. در صورت قبول تقاضا توسط اتحادیه متقاضی باید از آن تاریخ ظرف حداکثر سه ماه مدارک مورد نیاز اتحادیه را تکمیل کند و به اتحادیه تسلیم دارد. در غیر این صورت متقاضی جدید محسوب خواهد گردید. اتحادیه موظف است پس از دریافت تمام مدارک لازم و با رعایت ضوابط ظرف پانزده روز نسبت به صدور پروانه کسب و تسلیم آن به متقاضی اقدام کند. همچنین متقاضی پروانه کسب موظف است از تاریخ دریافت پروانه کسب ظرف شش ماه نسبت به افتتاح محل کسب اقدام کند. تبصره ۱ - چنانچه اتحادیه درخواست متقاضی پروانه کسب را رد کند یا از صدور پروانه کسب استنکاف ورزد، باید مراتب را با ذکر دلایل مستند به‌طور کتبی به متقاضی اعلام کند. در صورتی که متقاضی به آن معترض باشد، می‌تواند اعتراض کتبی خود را ظرف بیست روز از تاریخ دریافت پاسخ به مجمع امور صنفی ذی‌ربط تسلیم دارد. مجمع امور صنفی مکلف است طی پانزده روز به اعتراض متقاضی رسیدگی و نظر نهایی خود را برای اجرا به اتحادیه مربوط اعلام کند. تبصره ۲ - در صورتی که اتحادیه یا متقاضی به نظر مجمع امور صنفی معترض باشند می‌توانند ظرف بیست روز از زمان ابلاغ نظر مجمع امور صنفی اعتراض خود را نسبت به نظر مجمع مذکور به کمیسیون نظارت منعکس کنند. کمیسیون نظارت مکلف است ظرف یک ماه نظر خود را اعلام دارد. نظر کمیسیون نظارت در این مورد معتبر و قابل اجرا است مگر آن که هیات عالی نظارت نظر کمیسیون نظارت را ظرف یک ماه پس از دریافت اعتراض نقض کند. در این صورت نظر هیات عالی نظارت قطعی و لازمالاجرا است در صورت اعتراض هر یک از طرفین می‌توانند به مراجع ذی صلاح قضایی مراجعه کنند. تبصره ۳ - برای صنوفی که تعداد آنها

به حد نصاب نرسیده است یا فاقد اتحادیه هستند، پروانه کسب از طریق اتحادیه همگن بنا به تشخیص کمیسیون نظارت صادر خواهد شد. تبصره ۴- واحدهای صنفی که به‌عنوان آلاینده یا مزاحم نقل مکان داده می‌شوند، همچنان عضو اتحادیه‌ای که بوده‌اند خواهند ماند، حتی اگر در محدوده جغرافیایی جدیدی قرار گیرند. ماده ۲۷- محل دایر شده به‌وسیله هر شخص حقیقی یا حقوقی که پروانه کسب دایم یا موقت برای آن صادر نشده باشد، با اعلام اتحادیه راسا از طریق نیروی انتظامی پلمب می‌گردد. تبصره ۱- قبل از پلمب محل دایر شده از ده تا بیست روز به دایرکننده مهلت داده می‌شود تا کالاهای موجود در محل را تخلیه کند. تبصره ۲- کسانی که پلمب یا لا-ک و مهر محل‌های تعطیل شده در اجرای این قانون را بشکنند و محل‌های مزبور را به نحوی از انحا برای کسب مورد استفاده قرار دهند، به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد. تبصره ۳- پرداخت عوارض توسط اشخاص موضوع این ماده موجب احراز هیچ یک از حقوق صنفی نخواهد شد. ماده ۲۸- واحد صنفی تنها در موارد زیر پس از گذراندن مراحل مندرج در آیین‌نامه‌ای که به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید، به‌طور موقت از یک هفته تا شش ماه تعطیل می‌گردد: الف- اشتغال به شغل یا مشاغل دیگر در محل کسب غیر از آنچه در پروانه کسب قید گردیده یا کمیسیون نظارت مجاز شمرده است ب- تعطیل محل کسب بدون دلیل موجه حداقل به مدت پانزده روز برای آن دسته از صنوفی که به تشخیص هیات عالی نظارت موجب عسر و حرج برای مصرف‌کننده می‌شود. تبصره- تشخیص موجه بودن دلیل با مجمع امور صنفی است ج- عدم پرداخت حق عضویت به اتحادیه براساس ضوابطی که در آیین‌نامه مصوب کمیسیون نظارت تعیین شده است د- عدم اجرای مصوبات و دستورات قانونی هیات عالی و کمیسیون نظارت که به‌وسیله اتحادیه‌ها به واحدهای صنفی ابلاغ شده است تبصره- تشخیص عدم اجرا بر عهده مجمع امور صنفی است ه- عدم اجرای تکالیف واحدهای صنفی به موجب این قانون تبصره ۱- تعطیل موقت واحد صنفی با اعلام اتحادیه راسا از طریق نیروی انتظامی به عمل می‌آید. تبصره ۲- هر فرد صنفی که واحد کسب وی تعطیل می‌شود می‌تواند به کمیسیون نظارت شکایت کند. نظر کمیسیون نظارت که حداکثر ظرف دو هفته اعلام خواهد شد، لازمالاجرا است در صورت اعتراض فرد صنفی می‌تواند به مراجع ذی صلاح قضایی مراجعه کند. تبصره ۳- جبران خسارات وارد شده به واحد صنفی در اثر تعطیل غیرموجه با مجوز اتحادیه یا مراجع دیگر، به‌استناد نظر کمیسیون نظارت بر عهده دستوردهنده است ماده ۲۹- اتحادیه‌ها می‌توانند وصول مالیات، عوارض و هزینه خدمات وزارتخانه‌ها، شهرداریها و سازمانهای وابسته به دولت را طبق مقررات و قوانین جاری عهده‌دار شوند و مبالغ وصول شده بابت مالیات عوارض یا هزینه خدمات را ظرف یک هفته به حساب قانونی دستگاه مربوطه واریز کنند. مبلغ کارمزد توافق شده از سوی طرف توافق به حساب اتحادیه‌ها واریز می‌گردد. ماده ۳۰- وظایف و اختیارات اتحادیه‌ها عبارت است از: الف- ارایه پیشنهاد برای تهیه تنظیم یا تغییر ضوابط صدور پروانه کسب و انواع پروانه‌های لازم برای مشاغل به مجمع امور صنفی ب- اجرای مصوبات و بخشنامه‌های هیات عالی نظارت و کمیسیون نظارت که در چارچوب این قانون به اتحادیه‌ها ابلاغ می‌گردد. تبصره- مجمع امور صنفی موظف است مصوبات و بخشنامه‌های هیات عالی نظارت و کمیسیون نظارت را ظرف پنج روز از تاریخ دریافت به اتحادیه‌ها ابلاغ کند. پس از انقضای این مهلت دبیرخانه هیات عالی نظارت و کمیسیون نظارت می‌تواند بی‌واسطه مصوبات و بخشنامه‌های خود را به اتحادیه‌ها برای اجرا ابلاغ کند. ج- ارایه پیشنهاد درباره امور اصناف به مجمع امور صنفی د- صدور پروانه کسب با دریافت تقاضا و مدارک متقاضیان با رعایت قوانین و مقررات مربوط ه- ابطال پروانه کسب و تعطیل محل کسب طبق مقررات این قانون و اعلام آن به کمیسیون نظارت و جلوگیری از ادامه فعالیت واحدهای صنفی که بدون پروانه کسب دایر می‌شوند یا پروانه آنها به عللی باطل می‌گردد. و- تنظیم بودجه سال بعد و تسلیم آن تا آخر دی‌ماه هر سال به مجمع امور صنفی جهت رسیدگی و تصویب ز- تنظیم ترازنامه سالانه و تسلیم آن تا پایان خردادماه هر سال به مجمع امور صنفی برای رسیدگی و تصویب ح- ایجاد تسهیلات لازم برای آموزشهای مورد نیاز افراد صنفی به‌طور مستقل یا با کمک سازمانهای دولتی یا غیردولتی ط- تشکیل کمیسیونهای رسیدگی به شکایات، حل اختلاف، بازرسی واحدهای صنفی،

فنی و آموزشی و کمیسیونهای دیگر مصوب هیات عالی نظارت تبصره ۱ - اعضای کمیسیونهای مذکور بین سه تا پنج نفرند که از میان اعضای دارای پروانه کسب به پیشنهاد اتحادیه و تصویب مجمع امور صنفی ذی ربط تعیین می‌شوند. تبصره ۲ - آیین نامه اجرایی این بند توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت و مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۳ - در صورت بروز اختلاف صنفی بین افراد صنفی و اتحادیه مراتب به مجمع امور صنفی جهت رسیدگی و صدور رای ارجاع می‌شود. طرف معترض نسبت به رای صادر شده می‌تواند ظرف بیست روز اعتراض خود را به کمیسیون نظارت تسلیم دارد. نظر کمیسیون نظارت قطعی و لازمالاجرا خواهد بود. در صورت اعتراض هر یک از طرفین می‌توانند به مراجع ذی صلاح قضایی مراجعه کنند. ی - وصول مالیات عوارض و هزینه خدمات به نمایندگی از طرف وزارتخانه‌ها، شهرداریها و سازمانهای وابسته به دولت ک - هماهنگی با شهرداری و شورای شهر به منظور ایجاد شهرکهای صنفی و تمرکز تدریجی کالاها و معاملات عمده‌فروشی در میدین و مراکز معین شهری متناسب با احتیاجات شهر طبق مقررات و ضوابطی که به تصویب کمیسیون نظارت برسد. ل - ارایه پیشنهاد به منظور تعیین نرخ کالا و خدمات حدود صنفی تعداد واحدهای صنفی مورد نیاز در هر سال جهت صدور پروانه کسب به مجمع امور صنفی جهت رسیدگی و تصویب کمیسیون نظارت م - سایر مواردی که در این قانون پیش‌بینی شده است تبصره - در بخشها و شهرهای تابعه مرکز شهرستان که بنا به اعلام اتحادیه‌ها و تصویب هیات عالی نظارت انجام خدمات صنفی از طریق اتحادیه مقدور نمی‌باشد. ادارات دولتی شهرداریها، سازمانهای وابسته حسب مورد مجاز به انجام خدمات مذکور می‌باشند. ماده ۳۱ - منابع مالی هر اتحادیه عبارتند از: الف - حق عضویت افراد صنفی در اتحادیه ب - وجوه دریافتی در ازای ارایه خدمات اعم از فنی و آموزشی به اعضای صنف ج - کمکهای دریافتی از اشخاص حقیقی یا حقوقی د - کارمزد وصول مالیات عوارض و هزینه خدمات وزارتخانه‌ها، شهرداریها و سازمانهای وابسته به دولت تبصره ۱ - میزان و نحوه وصول وجوه موضوع این ماده متناسب با وضعیت اتحادیه نوع شغل و شهر، صرفا و انحصارا در چارچوب آیین‌نامه‌ای مجاز خواهد بود که به پیشنهاد مجامع امور صنفی مراکز استانها به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۲ - اتحادیه‌ها موظفند بیست درصد (۲۰٪) مبالغ دریافتی به موجب این ماده را به حساب مجمع امور صنفی واریز کنند.

فصل چهارم - مجمع امور صنفی (ماده ۳۲ تا ۴۰)

ماده ۳۲ - مجامع امور صنفی از نمایندگان اتحادیه‌ها با ترکیب زیر تشکیل می‌گردد: الف - مجمع امور صنفی صنوف تولیدی - خدمات فنی ب - مجمع امور صنفی صنوف توزیعی - خدماتی ج - مجمع امور صنفی مشترک صنوف تولیدی - خدمات فنی و توزیعی - خدماتی تبصره ۱ - مجمع امور صنفی دارای شخصیت حقوقی و غیرانتفاعی است و پس از ثبت در وزارت بازرگانی رسمیت می‌یابد. تبصره ۲ - حداقل تعداد واحدهای صنفی دارای پروانه کسب در هر شهرستان برای تشکیل دو مجمع جداگانه بیست هزار واحد صنفی است هیات عالی نظارت می‌تواند بنا به پیشنهاد کمیسیون نظارت مراکز استانها نصاب مذکور را جهت شهرستان‌های تابعه آن استان تغییر دهد و نسبت به تشکیل ادغام یا تفکیک مجمع یا مجامع امور صنفی اتخاذ تصمیم کند. تبصره ۳ - در صورت ادغام مجامع امور صنفی کلیه اموال دارایی‌ها، حقوق و تعهدات مجامع قبلی بانظارت کمیسیون نظارت به مجمع امور صنفی مشترک منتقل می‌گردد. تبصره ۴ - در صورت تفکیک مجمع امور صنفی مشترک کلیه اموال دارایی‌ها، حقوق و تعهدات آن به نسبت تعداد اعضا با نظارت کمیسیون نظارت به مجامع جدید منتقل می‌گردد. ماده ۳۳ - تعداد اعضای هیات ریسه مجمع امور صنفی مشترک پنج نفر به شرح زیر است: الف - یک نفر رییس ب - دو نفر نایب رییس ج - یک نفر دبیر. د - یک نفر خزانه‌دار. تعداد اعضای هیات ریسه به نسبت تعداد اتحادیه‌های مربوط به صنوف تولیدی - خدمات فنی و توزیعی - خدماتی تعیین خواهد

شد. تبصره - تعداد اعضای هیات ریسه مجامع امور صنفی تولیدی - خدمات فنی یا توزیعی - خدماتی هر کدام سه نفر مشتمل بر رییس نایب رییس و دبیر است ماده ۳۴ - جلسات مجامع امور صنفی با حضور حداقل دو سوم اعضا تشکیل می‌شود و رسمیت می‌یابد و تصمیمات متخذه با اکثریت نصف به علاوه یک آرا حاضران در جلسه معتبر خواهد بود. تبصره - مدت ماموریت نماینده هر اتحادیه در مجمع امور صنفی ذی ربط تا پایان مدت ماموریت او در هیات مدیره اتحادیه است در صورت فوت بیماری محرومیت از حقوق اجتماعی، استعفا، حجر یا عزل هر نماینده اتحادیه وفق مواد (۲۲) و (۲۳) این قانون نسبت به معرفی نماینده دیگری برای مدت باقیمانده به مجمع امور صنفی اقدام می‌کند. ماده ۳۵ - مجمع امور صنفی در اولین جلسه هر دوره هیات ریسه مجمع را برای مدت دو سال انتخاب می‌کند. انتخاب مجدد اعضای مذکور در ادوار بعدی بلامانع است ماده ۳۶ - ترتیب انتخاب هیات ریسه مجامع امور صنفی وظایف هیات ریسه، طرز تشکیل جلسات و تعداد کمیسیون های آن و سایر مقررات مربوط به اداره مجامع و حق الزحمه خدمات آنها طبق آیین نامه ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت با کسب نظر از مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۳۷ - وظایف و اختیارات مجامع امور صنفی به شرح زیر است الف - ایجاد هماهنگی بین اتحادیه‌ها، نظارت بر عملکرد آنها و راهنمایی صنوف ب - تنظیم و تصویب آیین نامه‌های مالی استخدامی اداری آموزشی و تشکیلاتی اتحادیه‌ها و تغییرات آنها. ج - اظهار نظر در مورد ضوابط خاص داخلی اتحادیه‌های تحت پوشش برای صدور پروانه کسب جهت بررسی و تصویب کمیسیون نظارت د - نظارت بر حسن اجرای اقدامات اتحادیه‌ها در خصوص صدور پروانه کسب از جهت تطبیق با مقررات این قانون و آیین نامه‌های آن ه - تأیید، انتخاب و معرفی نمایندگان اتحادیه‌ها به اداره‌های امور مالیاتی هیاتهای حل اختلاف مالیاتی و سایر مراجعی که به موجب قانون معرفی نماینده از طرف صنوف به عمل می‌آید. و - اجرای مصوبات هیات عالی نظارت و کمیسیون نظارت ز - نظارت بر اجرای مقررات فنی بهداشتی ایمنی انتظامی حفاظتی بیمه‌گذاری زیباسازی و سایر مقررات مربوط به واحدهای صنفی که از طرف مراجع ذی ربط وضع می‌شود. همچنین همکاری با ماموران انتظامی در اجرای مقررات تبصره - چنانچه افراد صنفی در انجام دادن ضوابط انتظامی که در موارد خاص تعیین و از طریق مجمع امور صنفی ابلاغ می‌گردد، و نیز در اجرای مقررات بهداشتی، ایمنی یا زیباسازی با مخالفت مالک ملک مواجه شوند، می‌توانند با جلب موافقت مجمع امور صنفی و با هزینه خود اقدام مقتضی را به عمل آورند. ح - رسیدگی به اعتراض افراد صنفی نسبت به تصمیمات اتحادیه‌ها. ط - انتخاب و معرفی یک نفر نماینده از بین اعضا هیات ریسه به کمیسیون نظارت برای نظارت بر حسن اجرای انتخابات هیات مدیره اتحادیه‌ها. ی - پیشنهاد تشکیل اتحادیه جدید یا ادغام اتحادیه‌ها یا تقسیم یک اتحادیه به دو یا چند اتحادیه برای اتخاذ تصمیم به کمیسیون نظارت ک - تعیین نوع و نرخ کالاها و خدماتی که افراد هر صنف می‌توانند برای فروش عرضه یا ارایه کنند و پیشنهاد آن برای اتخاذ تصمیم به کمیسیون نظارت و اعلام مصوبه کمیسیون به اتحادیه‌ها برای ابلاغ به افراد صنفی با هدف جلوگیری از تداخل صنفی ل - جمع آوری اطلاعات و آمار لازم با وسایل مقتضی برای تعیین حدود و تعداد واحدهای صنفی متناسب با جمعیت و نیازها و ارایه آن به کمیسیون نظارت جهت تصمیم‌گیری م - تنظیم ساعات کار و ایام تعطیل واحدهای صنفی با توجه به طبیعت و نوع کار آنان و ارایه برنامه برای اتخاذ تصمیم به وسیله کمیسیون نظارت ن - همکاری و معاضدت با سایر مجامع امور صنفی و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و اتاق تعاون س - تصویب بودجه ترازنامه و صورتهای مالی اتحادیه‌ها پس از رسیدگی به آنها و نظارت بر عملیات مالی اتحادیه‌ها. ع - درجه بندی واحدهای صنفی در موارد لزوم طبق ضوابط و مقرراتی که توسط وزارت بازرگانی و با کسب نظر نیروی انتظامی و اتحادیه‌های ذی ربط تهیه می‌شود و به تصویب کمیسیون نظارت می‌رسد. ف - اجرای برنامه‌های علمی آموزشی و پژوهشی مورد نیاز برای ارتقا سطح آگاهی های هیات مدیره اتحادیه‌ها با همکاری دستگاههای دولتی ذی ربط در چارچوب مقررات ص - تنظیم ترازنامه و صورتهای مالی سالانه و تسلیم آن ظرف دو ماه بعد از پایان هر سال مالی به کمیسیون نظارت برای رسیدگی و تصویب تبصره - کمیسیون نظارت مکلف است ترازنامه و صورتهای

مالی را ظرف یک ماه رسیدگی کند و نتیجه را به مجمع امور صنفی اعلام دارد. تایید ترازنامه به منزله مفاصا حساب دوره عملکرد مجمع امور صنفی خواهد بود. ق - تنظیم بودجه سال بعد و تسلیم آن تا اول بهمن ماه هر سال به کمیسیون نظارت برای تصویب و نظارت بر اجرای آن ر - سایر مواردی که در این قانون پیش‌بینی شده است تبصره ۱ - اداره امور مجامع امور صنفی و همچنین پیگیری و اجرای مصوبات اجلاس مجامع امور صنفی و نیز مسوولیت پیگیری و اجرای بندهای (الف ، (د)، (ه)، (ز)، (ح ، (ط ، (ل ، (ن ، (ع و (ف این ماده به هیات ریسه مجامع امور صنفی و سایر وظایف و اختیارات محوله به اجلاس عمومی اعضای مجامع امور صنفی واگذار می‌گردد. تبصره ۲ - مجامع امور صنفی با وزارت آموزش و پرورش در مورد آموزش مهارت های شاخه کار دانش همکاری لازم را به عمل خواهند آورد. تبصره ۳ - مجامع امور صنفی مجازند برای تشکیل بانک اصناف موسسه اعتباری ، صندوق قرض الحسنه ، شرکت تعاونی اعتبار و دیگر موسسات پولی ، بانکی ، مالی و اعتباری ، طبق قوانین و مقررات جاری کشور اقدام کنند. ماده ۳۸ - در شهرستانهایی که برخی از اتحادیه‌ها به علت نداشتن امکانات و توانایی های لازم نتوانند صدور پروانه کسب را عهده‌دار شوند، به پیشنهاد آن اتحادیه و تصویب کمیسیون نظارت مسوولیت صدور پروانه کسب به طور موقت به مجمع امور صنفی واگذار می‌گردد. در صورت رفع مشکل بنابه پیشنهاد همان اتحادیه و تصویب کمیسیون نظارت مسوولیت صدور پروانه کسب برعهده اتحادیه قرار خواهد گرفت ماده ۳۹ - وظایف کمیسیون بازرسی مجامع امور صنفی به قرار زیر است الف - بازرسی امور مربوط به اتحادیه‌ها به منظور حصول اطمینان از رعایت ضوابط و مقررات صنفی و تنظیم گزارش های لازم تبصره - کمیسیون موظف است نتیجه بررسی و گزارشهای خود را از طریق هیات ریسه مجمع امور صنفی جهت بررسی کمیسیون نظارت تسلیم دارد. ب - بازرسی و رسیدگی به شکایات و اعتراضاتی که به مجمع امور صنفی می‌رسد و ارایه گزارش لازم به مجمع ماده ۴۰ - مسوولان مجامع امور صنفی و اتحادیه‌ها مکلفند تسهیلات لازم را برای انجام دادن وظایفی که طبق این قانون به کمیسیون بازرسی محول شده است فراهم کنند.

فصل پنجم - شورای اصناف کشور (ماده ۴۱ تا ۴۷)

ماده ۴۱ - به منظور تقویت مبانی نظام صنفی ، شورایی به نام شورای اصناف کشور با هماهنگی دبیرخانه هیات عالی نظارت در تهران تشکیل می‌گردد. ماده ۴۲ - شورای اصناف کشور متشکل از نمایندگان هیات ریسه مجامع امور صنفی شهرستانهای کشور است نمایندگان به ترتیب زیر، با نظارت کمیسیون نظارت مرکز استان و رای مخفی اعضای هیات ریسه مجامع امور صنفی آن استان انتخاب و به دبیرخانه هیات عالی نظارت معرفی می‌گردند : الف - استانهایی که جمعیت آنها تا یک میلیون نفر باشد، تعداد دو نفر. ب - استانهایی که جمعیت آنها بیش از یک میلیون نفر و کمتر از دو میلیون نفر باشد، تعداد چهار نفر. ج - استانهایی که جمعیت آنها بیش از دو میلیون نفر و کمتر از سه میلیون نفر باشد، تعداد شش نفر. د - استانهایی که جمعیت آنها بیش از سه میلیون نفر باشد، تعداد هشت نفر. ه - استان تهران دوازده نفر. تبصره ۱ - نیمی از نمایندگان در هر مورد همواره از صنوف تولیدی - خدمات فنی و نیم دیگر از صنوف توزیعی - خدماتی خواهند بود. تبصره ۲ - اعضای شورای اصناف کشور به غیر از مبالغ دریافتی به شرح مندرج در آیین‌نامه موضوع ماده (۴۶) این قانون ، دریافتی دیگری نخواهند داشت ماده ۴۳ - هیات ریسه شورای اصناف کشور مرکب از هفت نفر است که سه نفر از صنوف تولیدی - خدمات فنی و سه نفر از صنوف توزیعی - خدماتی هستند و با رای مخفی اعضای شورای اصناف کشور انتخاب می‌شوند. یک نفر دیگر به پیشنهاد وزارت بازرگانی و با تصویب هیات عالی نظارت از بین افراد صنفی متعهد و آگاه به مسایل صنفی حداکثر برای مدت دو سال تعیین می‌گردد. تبصره ۱ - مدت مسوولیت هیات ریسه شورای اصناف کشور نمی‌تواند بیش از مدت باقیمانده از عضویت آنها در هیات ریسه مجامع امور صنفی باشد. با پایان

یافتن مدت مسوولیت هر عضو، عضو دیگری با رعایت مفاد همین ماده جایگزین خواهد شد. تبصره ۲ - نحوه بررسی صلاحیت و برگزاری انتخابات هیات ریسه شورای اصناف کشور به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۴۴ - پس از تعیین هیات ریسه شورای اصناف کشور، دبیرخانه هیات عالی نظارت موظف است ظرف پانزده روز از هیات ریسه منتخب دعوت به عمل آورد تا در جلسه‌ای نسبت به انتخاب یک نفر رییس، دو نفر نایب رییس، یک نفر دبیر و یک نفر خزانه‌دار از بین خود اقدام کنند. تشکیل جلسه‌های ادواری شورای اصناف کشور در محل دبیرخانه هیات عالی نظارت یا هر مکان دیگری خواهد بود که به وسیله دبیرخانه تعیین می‌شود. ماده ۴۵ - وظایف و اختیارات شورای اصناف کشور، در محدوده این قانون، طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که حداکثر ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۴۶ - شیوه اداره مصارف وجوه شورای اصناف کشور و بازپرداخت هزینه‌های قابل قبول ناشی از عضویت اعضا در شورا، به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت و با نظرخواهی از مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۴۷ - منابع مالی شورای اصناف کشور شامل حق عضویت و کمکهای دریافتی از مجامع امور صنفی کشور و حق ارایه خدمات فنی و آموزشی حسب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت و با نظرخواهی از مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید.

فصل ششم - کمیسیون نظارت (ماده ۴۸ تا ۵۲)

ماده ۴۸ - کمیسیون نظارت در شهرستانهای مراکز استانها و در سایر شهرستانهای هر استان با ترتیب زیر تشکیل میگردد: الف - در شهرستانهای مراکز استانها - مدیران کل یا روسای سازمانهای زیر: بازرگانی (رییس کمیسیون امور اقتصادی و دارایی. بهداشت درمان و آموزش پزشکی. دادگستری. نیروی انتظامی. - رییس شورای شهر. - شهردار. - روسای مجامع امور صنفی. - نماینده مطلع و تام‌الاختیار استانداری. ب - در سایر شهرستان های هر استان - روسای ادارات: بازرگانی (رییس کمیسیون امور اقتصادی و دارایی. بهداشت درمان و آموزش پزشکی. دادگستری. نیروی انتظامی. - رییس شورای شهر. - شهردار. - روسای مجامع امور صنفی. - نماینده مطلع و تام‌الاختیار فرمانداری یا بخشداری. تبصره ۱ - جلسات کمیسیون های یادشده با حضور حداقل هفت نفر از اعضا رسمیت مییابد و تصمیمات با اکثریت مطلق آرای حاضران معتبر خواهد بود. تبصره ۲ - کمیسیون نظارت میتواند از افراد ذیصلاح و صاحب نظر و نیز نماینده دستگاههای دولتی یا عمومی ذی مدخل بدون داشتن حق رای برای حضور در جلسات دعوت به عمل آورد. تبصره ۳ - در تهران، هیات عالی نظارت وظایف کمیسیون نظارت را انجام خواهد داد و میتواند تمام یا قسمتی از وظایف مزبور را به کمیسیون یا کمیسیون هایی مرکب از نمایندگان خود اعم از اعضا هیات یا افراد دیگر واگذار کند. ماده ۴۹ - وظایف و اختیارات کمیسیون نظارت به شرح زیر است: الف - ادغام اتحادیه‌ها یا تقسیم یک اتحادیه به دو یا چند اتحادیه و موافقت با تشکیل اتحادیه جدید. تبصره - وضعیت اموال دارایی ها، حقوق و تعهدات اتحادیه ای که به دو یا چند اتحادیه تقسیم میگردد به موجب آیین‌نامه‌ای تعیین میشود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ب - نظارت بر انتخابات اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی. ج - رسیدگی و بازرسی عملکرد اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی و تطبیق دادن اقدامات انجام شده آنها با قوانین و مقررات د - رسیدگی به بودجه ترازنامه و صورتهای مالی مجامع امور صنفی و تصویب آنها. ه - سایر مواردی که در این قانون پیش‌بینی شده است تبصره ۱ - کمیسیون نظارت موظف به اجرای تصمیمات هیات عالی نظارت در حدود وظایف و اختیارات قانونی است تبصره ۲ - کمیسیون نظارت هر شهرستان موظف است براساس امکانات و به منظور رعایت مصالح

عمومی و حفظ حقوق دیگران در ابتدای هر سال براساس دستورالعمل تعیین شده از سوی هیات عالی نظارت تعداد واحدهای مورد نیاز هر صنف را در هر شهرستان مشخص و جهت صدور پروانه کسب به اتحادیه‌های صنفی مربوط ابلاغ کند. ماده ۵۰ - مسوولیت ایجاد هماهنگی و همکاریهای لازم بین کمیسیونهای نظارت اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی استان برعهده رییس کمیسیون نظارت شهرستان مرکز استان است رییس کمیسیون نظارت شهرستان مرکز استان موظف است با تشکیل جلسات و گردهمایی ها و اتخاذ تدابیر لازم، زمینه انجام دادن امور را فراهم آورد. ماده ۵۱ - کمیسیون نظارت مکلف است انواع کالاها و خدمات واحدهای صنفی را که تعیین نرخ برای آنها از نظر کمیسیون ضرورت دارد، مشخص و نرخ آنها را برای مدت معین تعیین کند و به مجمع امور صنفی ذریبط اعلام دارد. نرخ کالاها و خدماتی که از طرف مجلس شورای اسلامی، دولت یا شورای اقتصاد تعیین میشود، برای کمیسیون لازم الرعایه است مجمع امور صنفی مکلف است مراتب را از طریق رسانه های گروهی برای اطلاع عموم آگهی و از طریق اتحادیه‌ها به افراد و واحدهای صنفی اعلام کند. کلیه افراد و واحدهای صنفی ملزم به رعایت نرخهای تعیین شده از طرف کمیسیون نظارت هستند. ماده ۵۲ - کمیسیون نظارت برای نظارت بر نرخ گذاری کالاها و خدمات موظف است ناظرانی از بین معتمدان خود و مصرف کنندگان انتخاب و معرفی کند. گزارش ناظران برای مراجع قانونی ذیصلاح موضوع ماده ۷۲ قابل پیگیری است برای ناظران از سوی کمیسیون نظارت کارت شناسایی صادر میگردد. تبصره - کلیه امور ناظران اعم از عزل و نصب آنها برعهده وزارت بازرگانی است

فصل هفتم - هیات عالی نظارت (ماده ۵۳ تا ۵۶)

ماده ۵۳ - هیات عالی نظارت با ترکیب زیر تشکیل می شود: الف - وزیر بازرگانی (رییس هیات ب - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ج - وزیر کشور د - وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی ه - وزیر دادگستری و - وزیر امور اقتصادی و دارایی ز - وزیر صنایع و معادن ح - فرماندهی نیروی انتظامی کشور. ط - شهردار تهران ی - رییس شورای اصناف کشور ک - رؤسای مجامع امور صنفی شهرستان تهران تبصره ۱ - جلسات هیات عالی نظارت با حضور اکثریت نسبی اعضا رسمیت می یابد. تبصره ۲ - وزیران دیگر، براساس دستور جلسه، با داشتن حق رای در جلسات حضور خواهند یافت تبصره ۳ - هیات عالی نظارت می تواند از افراد ذی صلاح و صاحب نظر برای حضور بدون داشتن حق رای در جلسات خود دعوت به عمل آورد. ماده ۵۴ - هیات عالی نظارت دارای دبیرخانه ای است که در وزارت بازرگانی مستقر است دبیرخانه بازوی اجرایی هیات عالی نظارت به شمار میاید و علاوه بر هماهنگ کردن امور، وظایف تهیه و تدوین مکتوبات مورد نیاز جهت تصویب هیات و ارایه پیشنهاد را برعهده دارد. تشکیلات اداری و امور مالی و نحوه اداره دبیرخانه به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۵۵ - وظایف و اختیارات هیات عالی نظارت به شرح زیر است الف - تشخیص ضرورت برقراری حدود صنفی و تعیین سقف تعدادی برای صنوف و صدور دستورالعمل در این زمینه ها. ب - ابطال انتخابات یا عزل هیات ریسه اتحادیه ها یا مجامع امور صنفی شهرستانها به پیشنهاد کمیسیون نظارت ج - ابطال انتخابات یا عزل هیات ریسه شورای اصناف کشور. د - رسیدگی به اختلاف بین کمیسیون نظارت و مجامع امور صنفی یا شورای اصناف کشور. ه - تعیین دستورالعمل نظارت بر چگونگی صدور پروانه کسب در سطح کشور. و - تعیین دستورالعمل نظارت بر حسن انجام وظایف قانونی و ایجاد هماهنگی بین کمیسیون های نظارت اتحادیه ها و مجامع امور صنفی کشور و شورای اصناف کشور و نظارت بر فعالیت آنها در حدود مفاد این قانون ز - ارایه راهکارهای اجرایی مناسب برای صدور کالاها و خدمات واحدهای صنفی با رعایت قوانین و مقررات جاری کشور. ح - سایر مواردی که به موجب این قانون به هیات عالی نظارت محول گردیده است ماده ۵۶ - هیات عالی نظارت می تواند قسمتی از وظایف خود را به کمیسیون یا

کمیسیونهایی مرکب از نمایندگان خود تفویض کند.

فصل هشتم - تخلفات و جریمه ها (ماده ۵۷ تا ۷۴)

ماده ۵۷ - گران فروشی : عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا ارایه خدمت به بهایی بیش از نرخ های تعیین شده به وسیله مراجع قانونی ذی ربط ، عدم اجرای مقررات و ضوابط قیمت گذاری و انجام دادن هر نوع عملی که منجر به افزایش بهای کالا یا خدمت به زیان خریدار گردد. جریمه گران فروشی ، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است الف - جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل مبلغ گران فروشی ، در صورتی که جریمه نقدی کمتر از پنجاه هزار ریال باشد، جریمه نقدی معادل پنجاه هزار (۵۰۰۰۰) ریال خواهد بود. ب - چنانچه کل مبلغ جریمه های نقدی پس از سومین مرتبه تخلف به بیش از دو میلیون ریال برسد، پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت ده روز نصب خواهد شد. ج - در صورتی که کل مبلغ جریمه های نقدی پس از چهارمین مرتبه تخلف به بیش از بیست میلیون ریال برسد، پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی نصب و محل کسب به مدت سه ماه تعطیل خواهد شد. ماده ۵۸ - کم فروشی عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا ارایه خدمت کمتر از میزان یا معیار مقرر شده جریمه کم فروشی با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است الف - جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل دو برابر مبلغ کم فروشی در صورتی که جریمه نقدی کمتر از مبلغ یکصد هزار ریال باشد، جریمه نقدی معادل یکصد هزار ریال خواهد بود. ب - چنانچه کل مبلغ جریمه های نقدی پس از سومین مرتبه تخلف به بیش از دو میلیون ریال برسد، پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت ده روز نصب خواهد شد. ج - در صورتی که کل مبلغ جریمه های نقدی پس از چهارمین مرتبه تخلف به بیش از بیست میلیون ریال برسد، پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی نصب و محل کسب به مدت چهار ماه تعطیل خواهد شد. ماده ۵۹ - تقلب عبارت است از عرضه یا فروش کالا - یا ارایه خدمتی که از لحاظ کیفیت یا کمیت منطبق با مشخصات کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی نباشد. جریمه تقلب با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است الف - مرتبه اول - جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل چهار برابر مابه التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه یا فروخته شده یا خدمت ارایه داده شده ، در صورتی که جریمه نقدی از مبلغ یکصد هزار ریال کمتر باشد، جریمه نقدی معادل یکصد هزار ریال خواهد بود. ب - مرتبه دوم - جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی به میزان هشت برابر مابه التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه یا فروخته شده ، در صورتی که جریمه نقدی معادل دو صد هزار ریال خواهد بود. ج - مرتبه سوم - جبران خسارت وارد شده به خریدار، جریمه نقدی معادل دوازده برابر مابه التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه یا فروخته شده یا خدمت ارایه داده شده و نصب پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت شش ماه در صورتی که جریمه نقدی از مبلغ یک میلیون ریال کمتر باشد، جریمه نقدی معادل یک میلیون ریال خواهد بود. تبصره ۱ - در صورت تقاضای خریدار مبنی بر استرداد کالای مورد تقلب فروشنده علاوه بر تحمل مجازاتهای مقرر، مکلف به قبول کالا و استرداد وجه دریافتی به خریدار خواهد بود. تبصره ۲ - در صورتی که در قوانین دیگر برای عمل متقلبانه مجازات شدیدتری پیش بینی شده باشد، فرد متقلب به مجازات مزبور محکوم خواهد شد. ماده ۶۰ - احتکار : عبارت است از نگهداری کالا به صورت عمدی با تشخیص مراجع ذی صلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گران فروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه از طرف وزارت بازرگانی یا سایر مراجع قانونی ذی ربط . جریمه احتکار، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر

است الف - مرتبه اول - الزام محترک به عرضه و فروش کل کالاهای احتکارشده و جریمه نقدی معادل پنجاه درصد (۵۰٪) قیمت روز کالاهای احتکار شده ب - مرتبه دوم - الزام محترک به عرضه و فروش کل کالاهای احتکارشده و جریمه نقدی معادل دو برابر قیمت روز کالاهای احتکارشده و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت یک ماه ج - مرتبه سوم - الزام محترک به عرضه و فروش کل کالاهای احتکارشده و جریمه نقدی معادل پنج برابر قیمت روز کالاهای احتکار شده و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت یک ماه ماده ۶۱ - عرضه خارج از شبکه عبارت است از عرضه کالا یا ارایه خدمت برخلاف ضوابط و شبکه‌های تعیین شده از طرف وزارت بازرگانی یا دستگاه اجرایی ذی ربط جریمه عرضه خارج از شبکه با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است الف - مرتبه اول - الزام به عرضه کالا یا ارایه خدمت ، در شبکه و جریمه نقدی معادل دو برابر ارزش روز کالا یا خدمت خارج شده از شبکه در زمان تخلف ب - مرتبه دوم - الزام به عرضه کالا یا ارایه خدمت در شبکه و جریمه نقدی معادل چهار برابر ارزش روز کالا یا خدمت خارج شده از شبکه در زمان تخلف ج - مرتبه سوم - الزام به عرضه کالا - یا ارایه خدمت در شبکه و جریمه نقدی معادل شش برابر ارزش روز کالا یا خدمت خارج شده از شبکه در زمان تخلف و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت یک ماه ماده ۶۲ - عرضه و فروش کالای قاچاق حمل و نقل نگهداری عرضه و فروش کالای قاچاق توسط واحدهای صنفی ممنوع است و متخلف با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر جریمه می گردد: الف - مرتبه اول - جریمه نقدی معادل دو برابر قیمت روز کالای قاچاق و ضبط کالای قاچاق موجود به نفع دولت ب - مرتبه دوم - جریمه نقدی معادل پنج برابر قیمت روز کالای قاچاق ، ضبط کالای قاچاق موجود به نفع دولت و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت یک ماه ج - مرتبه سوم - جریمه نقدی معادل ده برابر قیمت روز کالای قاچاق ، ضبط کالای قاچاق موجود به نفع دولت و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت شش ماه د - چنانچه در قوانین دیگر برای عرضه و فروش کالای قاچاق مجازات شدیدتری پیش بینی شده باشد متخلف به مجازات مزبور محکوم خواهد شد. ماده ۶۳ - عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع عبارت است از عدم ارایه مدارک لازم جهت اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع به مراجع قانونی بدون عذر موجه ظرف سه ماه از تاریخ ترخیص کالا - یا خدمت وارداتی یا در اختیار گرفتن تولید داخلی برای آن دسته از کالاها و خدماتی که توسط مراجع قانونی ذی ربط مشمول قیمت گذاری می گردند. تبصره - تشخیص موجه بودن عذر با وزارت بازرگانی است جریمه عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع ، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال تخلف ، به شرح زیر است الف - مرتبه اول - جریمه نقدی معادل نصف قیمت رسمی کالا یا خدمت ب - مرتبه دوم - جریمه نقدی معادل دو برابر قیمت رسمی کالا یا خدمت ج - مرتبه سوم - جریمه نقدی معادل چهار برابر قیمت رسمی کالا یا خدمت و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت یک ماه ماده ۶۴ - فروش اجباری عبارت است از فروش اجباری یک یا چند نوع کالا یا خدمت به همراه کالا یا خدمت دیگر. جریمه فروش اجباری به شرح زیر است الف - برای فروش اجباری کالا، الزام فروشنده به پس گرفتن کالا و جریمه نقدی معادل پنج برابر قیمت فروش کالای تحمیلی ب - برای فروش اجباری خدمت جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل پنج برابر مبلغ خدمت اجباری ماده ۶۵ - عدم درج قیمت عبارت است از نصب نکردن برچسب قیمت بر کالا، استفاده نکردن از تابلو نرخ دستمزد خدمت در محل کسب یا حرفه یا درج قیمت به نحوی که برای مراجعه کنندگان قابل رویت نباشد. جریمه عدم درج قیمت در هر بار تخلف دویست هزار ریال است ماده ۶۶ - عدم صدور صورتحساب عبارت است از خودداری از صدور صورتحسابی که با ویژگی های مندرج در ماده ۱۵) این قانون منطبق باشد. جریمه عدم صدور صورتحساب در هر بار تخلف دویست هزار ریال است ماده ۶۷ - چنانچه بر اثر وقوع تخلف های مندرج در این قانون ، خسارتی به اشخاص ثالث وارد شود ، به درخواست شخص خسارت دیده ، فرد صنفی متخلف علاوه بر جریمه های مقرر در این قانون ، به جبران

زیانهای واردشده به خسارت دیده نیز محکوم خواهد شد. ماده ۶۸ - عدم رعایت مفاد ماده (۱۶)، تبصره (۴) ماده (۱۷) و بندهای (ک) و (م) ماده (۳۷) و همچنین دستورالعمل‌های بهداشتی موضوع ماده (۱۷) این قانون از سوی فرد صنفی تخلف محسوب می‌شود و متخلف باید جریمه نقدی از دویست هزار ریال تا پانصد هزار ریال را در هر بار تخلف بپردازد. ماده ۶۹ - فروش کالا - از طریق قرعه‌کشی ممنوع است مرتکبین علاوه بر جبران خسارت وارده به جریمه‌ای معادل سه برابر مبالغ دریافتی محکوم خواهند شد. ماده ۷۰ - اگر اشخاص حقیقی یا حقوقی با فروش فوق العاده یا فروش اقساطی به اشخاص خسارت وارد آورند، علاوه بر جبران خسارت واردشده به خریدار، به پرداخت جریمه نقدی معادل مبلغ دریافتی یا قیمت روز کالا یا خدمت عرضه‌شده ملزم خواهند شد. تبصره - آیین‌نامه اجرایی موضوع این ماده ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون به وسیله دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۷۱ - به منظور تسهیل داد و ستد و ثبت و مستندسازی فعالیت‌های اقتصادی افراد صنفی عرضه‌کننده کالا - و یا ارایه دهنده خدمت مکلفند حداکثر ظرف مدت سه سال از تصویب این قانون در شهرستان‌های بیش از سیصد هزار نفر جمعیت و ظرف مدت پنج سال در سایر شهرستانها به تناسب از صندوق مکانیزه فروش (Posse) و یا دستگاه توزین دیجیتالی و یا هر دو برای فروش کالا یا ارایه خدمت خود با رعایت شرایط مندرج در تبصره (۱) ماده (۱۵) استفاده نمایند. تبصره ۱ - تعیین صنوف مشمول این ماده و ضوابط نحوه استفاده و پلمب دستگاه توسط مراجع ذی ربط تابع آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت ظرف مدت شش ماه تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۲ - از تاریخ اتمام مهلت مقرر، در صورت عدم استفاده از صندوق مکانیزه فروش و یا دستگاه توزین دیجیتالی واحد صنفی مشمول این ماده برای هر ماه تاخیر معادل یک میلیون ریال جریمه خواهد شد. ماده ۷۲ - خریداران و مصرف‌کنندگان می‌توانند شکایت خود را در مورد تخلف‌های موضوع این قانون به اتحادیه‌های ذی ربط و یا ناظران و بازرسان موضوع ماده (۵۲) این قانون تسلیم ارسال یا اعلام دارند. همچنین بازرسان و ناظران موضوع این قانون نیز گزارش تخلفات موضوع این قانون یا شکایت دریافتی را حداکثر ظرف ده روز به هیات رسیدگی بدوی و یا اتحادیه‌های ذی ربط، تسلیم می‌دارند. اتحادیه‌ها موظفند حداکثر ظرف مدت ده روز شکایت یا گزارش تخلف دریافتی را مورد بررسی قرار دهند و در صورت احراز عدم تخلف فرد صنفی، یا انصراف شاکی، با اعلام مراتب، پرونده را مختومه نمایند. در غیر این صورت و یا اعتراض شاکی، بازرسان یا ناظر ظرف مدت ده روز از تاریخ اعلام مختومه شدن، پرونده برای بررسی به هیات رسیدگی بدوی ارسال خواهد گردید. هیات یا هیاتهای رسیدگی بدوی در هر شهرستان مرکب از سه نفر نمایندگان اداره یا سازمان بازرگانی، دادگستری با حکم رییس قوه قضاییه و مجمع امور صنفی ذی ربط است که ظرف دو هفته در جلسه‌ای با دعوت از طرفین یا نمایندگان آنها به پرونده رسیدگی و طبق مفاد این قانون رای صادر می‌کنند. عدم حضور هر یک از طرفین مانع از رسیدگی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود. هر یک از طرفین می‌تواند در صورت معترض بودن به رای صادره اعتراض کتبی خود را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رای به هیات تجدید نظر تسلیم دارد. هیات یا هیاتهای تجدید نظر در هر شهرستان مرکب از سه نفر، رییس اداره یا سازمان بازرگانی یا یکی از معاونان وی رییس دادگستری یا نماینده معرفی شده وی و رییس یا یکی از اعضا هیات ریسه مجمع امور صنفی ذی ربط است که ظرف یک ماه به درخواست طرف معترض می‌تواند با دعوت از طرفین یا نمایندگان آنها رسیدگی و رای صادر کند. این رای قطعی و لازم‌الاجرا است عدم حضور هر یک از طرفین مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود. جلسه‌های هیاتهای رسیدگی بدوی و تجدید نظر با حضور هر سه نفر اعضا رسمی است و آرا صادره با دو رای موافق معتبر و لازم‌الاجرا خواهد بود. تبصره ۱ - در صورت عدم امکان تشکیل هیات رسیدگی در هر شهرستان، یکی از هیاتهای رسیدگی شهرستان همجوار استان یا مرکز استان وظایف مقرر شده را عهده‌دار خواهد شد. تبصره ۲ - اداره امور مراجع رسیدگی بدوی و تجدید نظر و مسوولیت تشکیل جلسه‌های رسیدگی بر عهده اداره یا سازمان بازرگانی شهرستان یا استان است همچنین مسوولیت هماهنگی و رسیدگی به تخلفات هیاتها، صدور رای و ابلاغ آن و آموزش بازرسان و

ناظران به عهده وزارت بازرگانی می‌باشد نحوه نظارت و بازرسی ، تهیه گزارش و اجرای رای تجدیدنظر و رسیدگی به شکایات و تخلفات موضوع این قانون و دستورالعمل اجرایی و مالی آن به موجب این قانون خواهد بود. تبصره ۳- درآمدهای ناشی از جریمه‌های دریافتی به حساب خزانه واریز خواهد گردید. معادل این مبلغ در بودجه های سنواتی منظور خواهد شد تا توسط وزارت بازرگانی برای اجرای این قانون به مصرف برسد. تبصره ۴- دادگستری و نیروی انتظامی کلیه وزارتخانه‌ها و دستگاههای اجرایی ، موسسات ، سازمانها ، شرکتهای دولتی ، سایر دستگاههای دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است موسسات عمومی غیردولتی و سازمان‌های تابعه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و بانکها موظفند نسبت به امور مربوط به رسیدگی و اجرای احکام تخلفات موضوع این قانون همکاری نمایند. ماده ۷۳- از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون ، رسیدگی به تخلفات افراد صنفی و تعیین جریمه‌های آنها تنها به موجب احکام این قانون صورت خواهد پذیرفت قوانین و مقررات مغایر با این قانون از جمله مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص تعزیرات حکومتی مربوط به اصناف و واحدهای صنفی موضوع این قانون لغو می‌گردد. ماده ۷۴- میزان جریمه‌های نقدی تعیین شده در این فصل هر سه سال یک بار و براساس نرخ تورم سالانه بنا به پیشنهاد وزارت بازرگانی و تایید هیات وزیران قابل تعدیل است

فصل نهم - سایر مقررات (ماده ۷۵ تا ۹۶)

ماده ۷۵- اتحادیه ها و مجامع امور صنفی می‌توانند برای خدمات اعضای هیات مدیره یا هیات ریسه خود، برحسب آیین نامه‌ای که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید، مبالغی را از محل درآمدهای خود در بودجه سالانه خود پیش بینی و پرداخت کنند. تبصره - اعضای موضوع این ماده با توجه به ماهیت کار خود، بابت دریافتی های یاد شده مشمول قوانین و مقررات کار و تامین اجتماعی نخواهند بود. ماده ۷۶- هر یک از اعضای هیات مدیره اتحادیه‌ها و هیات ریسه مجامع امور صنفی و شورای اصناف کشور نسبت به وجوه و اموال اتحادیه ، مجمع امور صنفی و شورای اصناف کشور و وجوهی که در اجرای این قانون و سایر قوانین و مقررات در اختیار آنان قرار می‌گیرد ، امین محسوب می‌شوند. ماده ۷۷- به منظور حمایت از بافندگان فرش دستباف به کمیسیونهای نظارت مراکز استانها اجازه داده می‌شود، به تشخیص خود، در هر استان نسبت به تشکیل اتحادیه استانی بدون رعایت مفاد ماده (۲۱) این قانون جهت بافندگان مزبور اقدام کنند. این اتحادیه ها تحت نظارت کمیسیون نظارت مرکز استان خود خواهند بود. ماده ۷۸- به منظور تقویت صنوف تولیدی و توسعه صادرات غیرنفتی کشور، به پیشنهاد کمیسیون نظارت و تصویب هیات عالی نظارت اتحادیه‌های صادراتی در شهرهای مرکز استان یا تهران به صورت استانی یا کشوری تشکیل خواهد شد. فعالیت این اتحادیه‌ها تابع آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۷۹- وزارت بازرگانی مکلف است با رعایت بند (ه) ماده (۵۵) این قانون نسبت به صدور پروانه کسب برای افرادی که نام برده می‌شوند، در صورتی که دارای محل کسب ملکی یا اجاره‌ای باشند، اقدام کند: الف - جانباز، همسر جانباز، یکی از فرزندان جانباز متوفی و یکی از فرزندان جانباز از کارافتاده ب - آزاده همسر آزاده یکی از فرزندان آزاده متوفی و یکی از فرزندان آزاده از کار افتاده ج - کلیه اعضای خانواده شهدا اعم از همسر، فرزند، والدین خواهر و برادر. آیین نامه اجرایی این ماده به وسیله دبیرخانه هیات عالی نظارت با همکاری بنیاد شهید، بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی و ستاد آزادگان تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۱- صدور پروانه کسب پس از دریافت معرفی نامه از نهاد ذی ربط و احراز شروط لازم تنها برای یک بار خواهد بود. تبصره ۲- اتحادیه ها موظفند دارنده پروانه کسب را به‌عنوان فرد صنفی بپذیرند. همچنین کلیه سازمانهای ذی ربط موظفند نسبت به اعطای تسهیلات و امکانات همسان با سایر افراد صنفی عضو آن اتحادیه برای دارنده پروانه کسب اقدام کنند.

تبصره ۳- افراد صنفی موضوع این ماده نمی‌توانند شغل دیگری داشته باشند، یا از وزارتخانه های دیگر موافقت اصولی یا پروانه تاسیس دریافت کرده باشند، مگر آن که موضوع موافقت اصولی یا پروانه تاسیس مرتبط با موضوع فعالیت باشد که برای آن درخواست پروانه کسب کرده‌اند. تبصره ۴- افراد صنفی موضوع این ماده می‌توانند در صورت منتقل شدن به شهرستان یا استان دیگر، به شرط ابطال پروانه کسب قبلی در محل جدید با رعایت مفاد این ماده پروانه کسب معوض دریافت دارند. ماده ۸۰- صدور پروانه کسب برای اماکن با کاربری اداری یا کارگاهی بلامانع است ماده ۸۱- نیروی انتظامی کشور موظف است در اجرای این قانون همکاری لازم را با اتحادیه ها، مجامع امور صنفی و شورای اصناف کشور معمول دارد. نحوه همکاری به موجب آیین نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت با همکاری وزارت کشور و نیروی انتظامی تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۸۲- اگر یک فرد صنفی به سبب تغییر الگوی مصرف یا نیازها، یا رویدادهای پیش‌بینی نشده تحمیلی امکان ادامه فعالیت صنفی خود را از دست بدهد، می‌تواند با کسب نظر مالک و تایید کمیسیون نظارت و با حفظ کاربری محل کسب به فعالیت صنفی دیگری در همان محل پردازد. ماده ۸۳- شهرداریها موظفند در صورت تخریب محلهای کسب در اجرای طرحهای مصوب ، از دریافت هزینه‌های مترتب بر صدور پروانه ساخت محل جدید خودداری ورزند. اگر معوضی از طرف شهرداریها پیشنهاد شود، ارزش روز آن نباید از ارزش روز محل کسب تخریب شده کمتر باشد. ماده ۸۴- حراج‌های فردی یا جمعی فصلی یا غیرفصلی واحدها یا افراد صنفی طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی می‌رسد. برگزاری حراج بدون رعایت ضوابط مندرج در آن آیین‌نامه ، واحد صنفی را مشمول مجازات مندرج در ماده (۶۸) این قانون خواهد کرد. ماده ۸۵- برگزاری روز بازارهای جمعی واحدها یا افراد صنفی براساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۸۶- فعالیت فروشگاههای بزرگ چندمنظوره یا زنجیره‌ای و نحوه نظارت بر آنها، طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره - مرجع صدور مجوز فعالیت فروشگاههای موضوع این ماده وزارت بازرگانی است ماده ۸۷- افراد صنفی که در بازارهای مجازی فعالیت می‌کنند، ملزم به ارایه مدارک مورد استفاده در آن بازارها هستند. ماده ۸۸- دبیرخانه هیات عالی نظارت مکلف است با همکاری دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری صنعتی نسبت به تهیه آیین‌نامه اجرایی حاکم بر تشکیل و فعالیت تشکلهای صنفی در مناطق آزاد کشور اقدام کند تا پس از تصویب وزیر بازرگانی به اجرا درآید. ماده ۸۹- کلیه واردکنندگان کالا که به صورت تجاری به واردات کالا اقدام می‌کنند و قصد توزیع یا فروش کالاهای وارداتی خود را دارند، در صورتی که به عرضه مستقیم کالا به مصرف کننده مبادرت ورزند، ملزم به اخذ پروانه کسب طبق مقررات این قانون خواهند بود. ماده ۹۰- وزارتخانه‌ها، موسسات سازمانها یا شرکتهای دولتی سایر دستگاههای دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و نهادهای عمومی غیردولتی ، که طبق قوانین جاری ملزم یا مجاز به عرضه مستقیم کالاها یا خدمات به مصرف کنندگان هستند، اعم از این که از طریق اماکن و تاسیسات متعلق به خود یا دیگر اشخاص به این کار مبادرت ورزند، از شمول این قانون مستثنی هستند. اما رعایت سایر قوانین و مقررات جاری و نرخهای تعیین شده برای کالاها و خدمات توسط مراجع قانونی ذی‌ربط ، الزامی است دستگاه دولتی یا نهاد عمومی غیردولتی متبوع در حیطه وظایف و اختیارات قانونی خود، مسوولیت نظارت و کنترل و سایر امور مربوط به اداره اماکن را برعهده دارد. در صورتی که این قبیل فعالیت ها به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار گردد یا انجام دادن آنها با مشارکت بخش خصوصی صورت پذیرد، مشمول قانون نظام صنفی و مقررات آن خواهد بود. ماده ۹۱- اشخاص حقیقی یا حقوقی که طبق قوانین جاری موظف به اخذ مجوز فعالیت یا پروانه تاسیس بهره‌برداری یا اشتغال از وزارتخانه ها ، موسسات ، سازمان ها یا شرکتهای دولتی ، سایر دستگاههای دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است یا نهادهای عمومی غیردولتی هستند، چنانچه به عرضه مستقیم کالاها یا خدمات به مصرف کنندگان مبادرت ورزند، مکلفند علاوه بر دریافت مجوز فعالیت یا

پروانه ، نسبت به اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوط اقدام کنند. اشخاص مذکور مشمول قانون نظام صنفی و مقررات آن خواهند بود. تبصره - اخذ پروانه کسب از اتحادیه مانع اعمال نظارت مقرر در قوانین جاری ازسوی هر یک از دستگاههای دولتی یا نهادهای عمومی غیردولتی یاد شده بر آنها نخواهد بود. ماده ۹۲ - سازمان تامین اجتماعی فقط در صورت شکایت هر یک از کارکنان واحدهای صنفی مبنی بر عدم پرداخت حق بیمه در مدت همکاری توسط افراد صنفی می تواند به نظر بازرس یا مندرجات دفاتر قانونی فرد صنفی استناد و حق بیمه را دریافت کند. این مبلغ در صورت احراز تخلف فرد صنفی ، معادل حق بیمه پرداخت نشده شاکی شاغل و جریمه ای به مبلغ دو برابر آن خواهد بود. چنانچه مبلغ جریمه کمتر از یکصد هزار ریال باشد جریمه نقدی معادل یکصد هزار ریال خواهد بود. ماده ۹۳ - مجمع امور صنفی منحل نمی شود مگر در مواردی که در انجام وظایف محوله تسامح ورزد، یا برخلاف مصالح عمومی و وظایف مقرر رفتار کند. در این صورت کمیسیون نظارت مراتب را با ذکر دلایل کافی به هیات عالی نظارت اعلام می دارد. اگر هیات عالی نظارت پس از رسیدگی به دلایل طرفین ، انحلال را لازم بداند مراتب را جهت تصویب به وزیر بازرگانی اعلام می دارد. اتحادیه ها موظفند ظرف یک ماه از تاریخ انحلال مجمع ، نمایندگان خود را جهت تشکیل مجدد مجمع امور صنفی معرفی کنند. انحلال شورای اصناف کشور نیز به پیشنهاد هیات عالی نظارت و تصویب وزیر بازرگانی خواهد بود. مجامع امور صنفی موظفند ظرف یک ماه از تاریخ انحلال شورای اصناف ، نمایندگان خود را جهت تشکیل مجدد شورای اصناف کشور معرفی کنند. در صورت اعتراض هر یک از طرفین می توانند به مراجع ذیصلاح قضایی مراجعه کنند. ماده ۹۴ - آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۲۹، بند (ی ماده ۳۰) و تبصره ۳ ماده ۳۷) این قانون به پیشنهاد وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی و بازرگانی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۹۵ - وزارت بازرگانی موظف است گزارش عملکرد این قانون را سالیانه به کمیسیونهای اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارسال نماید. ماده ۹۶ - از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون قانون نظام صنفی مصوب ۱۳/۴/۱۳۵۹ شورای انقلاب و کلیه اصلاحات و الحاقات بعدی آن و قانون ایجاد تسهیلات لازم جهت صدور پروانه کسب برای جانبازان ، اسرای آزاد شده و خانواده محترم شهدا مصوب ۱۳/۱۲/۱۳۶۸ و نیز سایر قوانین مغایر لغو و بلا اثر می گردد. قانون فوق مشتمل بر نود و شش ماده و نود و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و چهارم اسفند ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۸/۱۲/۱۳۸۲ به تایید شورای نگهبان رسید .

آیین نامه آسیابانی - مصوب ۲۵/۷/۱۳۱۸

ماده ۱ - دایر کردن آسیا اعم از آبی یا بخاری و غیره برای آرد کردن غلات منوط به تحصیل پروانه از شهرداری است مقصود از آسیای نامبرده آسیایی است که مورد احتیاج و مراجعه شهرداریها یا اهالی شهر باشد. ماده ۲ - از تاریخ ابلاغ این آیین نامه کلیه شهرداریها و بخشداریهایی که عهده دار وظایف شهرداری هستند باید یک نسخه از این آیین نامه را به هر یک از متصدیان آسیاهای مندرج در ماده ۱ تسلیم نموده رسیده دریافت دارند. ماده ۳ - متصدی هر آسیا موظف است از تاریخ وصول این آیین نامه تا یک ماه برای گرفتن پروانه به شهرداری محل رجوع و طبق دستور اداره مزبور درخواستی مبنی بر تقاضای پروانه دایر کردن آسیا تهیه نموده به ضمیمه دو قطعه عکس خود تسلیم نماید و نیز کسانی که پس از تصویب این آیین نامه می خواهند آسیا دایر کنند باید قبلا مقررات فوق را انجام و پروانه تحصیل نمایند. ماده ۴ - مسئول آسیا کسی است که تقاضای صدور پروانه نموده و پروانه به نام او صادر شده است صدور پروانه مجانی است ماده ۵ - آسیابان باید در اسفندماه هر سال پروانه خود را به شهرداری محل برده و درخواست تجدید آن را برای سال بعد بنماید شهرداری نیز مکلف است در صورت رعایت مقررات این آیین نامه از طرف درخواست کننده پروانه او را منتهی تا آخر فروردین سال مزبور تجدید نماید. فصل دوم ماده ۶ - محل آسیا با مصالح محکم ساخته شده باشد که رطوبت یا موش و غیره نفوذ و رخنه نماید. ماده ۷ - محوطه داخل آسیا باید با گچ یا مواد مشابه آن سفیدکاری شود.

ماده ۸- محل نصب سنگ آسیا باید از سطح زمین آنجا به قدر لزوم بلندتر بوده و اطراف آن یا تخته یا آهن سفید محصور باشد.

ماده ۹- محل آرد (طشتک) باید از آهن سفید یا چوب یا هرگونه مصالح دیگر ساخته شود که محکم بوده و ریزش نداشته باشد.

ماده ۱۰- داخل آسیا باید همیشه تمیز باشد. ماده ۱۱- استعمال چراغ نفتی بدون لوله در داخل آسیا ممنوع است ماده ۱۲- طویله و محل بارانداز از آسیا مجزا بوده و از ورود دامها (حیوانات و پرونده‌های اهلی در محوطه آسیا جلوگیری شود. ماده ۱۳- شهرداری باید ماهی یکمتر به آسیاها را مورد معاینه قرار داده و در صورتی که نقص و بی‌ترتیبی در حدود آیین نامه مشاهده شود کتباً به آسیابان اخطار نماید که در مدت متناسب برفع آن اقدام کند. فصل سوم ماده ۱۴- شهرداری هر محل به تناسب احتیاج حوزه خود می‌تواند یک یا چند آسیا را برای آرد کردن گندم جهت مصرف نان عمومی تخصیص دهد و در این مورد آسیابان حق ندارد مادام که جنس شهرداری آزاد نشده جنس اشخاص متفرقه را آرد نماید. ماده ۱۵- آسیابان باید گندم و جو و سایر حبوباتی که برای آرد کردن به او داده می‌شود بدون آنکه چیز دیگری به آن مخلوطه نماید عیناً آرد نموده تسلیم کند. ماده ۱۶- آرد باید از هر حیث خبره کارشناس پسندیده بوده و بیش از اندازه متعارف نباید زیر و یادارای سبوس باشد. تبصره- جنس اشخاص متفرقه را آسیابان باید به هر نحو که صاحب آن می‌خواهد آرد نموده تحویل دهد. ماده ۱۷- شهرداری هر محل می‌تواند با موافقت انجمن شهرداری دستمزد آسیابانی را با رعایت موقعیت محل و اقتضای فصل در هر سال تعیین نماید و در این صورت آسیابانها حق تجاوز از نرخ نخواهند داشت ماده ۱۸- آسیابان مکلف است جنس‌هایی را که برای آرد کردن تحویل می‌گیرد به نوبت آرد نموده و مراقبت نماید که جنس‌ها با هم مخلوط و یا عوض نشود. ماده ۱۹- آسیابانهایی که طرف قرارداد با شهرداری برای آرد کردن گندم شهر هستند باید معادل پانصد ریال بعنوان سپرده (ودیعه به صندوق شهرداری بسپارند تا چنانچه گندمی که تحویل آنهامی‌شود تفریط نمایند از وجه سپرده جبران شود. ماده ۲۰- آسیابانی که بخواهد از شغل خود کناره‌گیری کند باید مراتب را به شهرداری اطلاع داده و پروانه خود را مسترد دارد. ماده ۲۱- یک نفر آسیابان می‌تواند عهده دار گرداندن از یک تا سه آسیا باشد ولی باید برای هر آسیا پروانه جداگانه تحصیل نماید. ماده ۲۲- متخلفین از مواد ۱- ۵- ۷- ۸- ۹- ۱۰- ۱۱- ۱۲- ۱۵- ۱۶ قسمت اخیر ماده ۱۷- ماده ۱۸- ۲۰ و ماده ۲۱ آیین نامه غیر از مواردی که تخلف آنان طبق قوانین جزایی مستلزم مجازات شدیدتری است به حبس تکدیری از ۲۴ ساعت تا هفت روز و پرداخت غرامت از سه تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد.

آیین نامه ممنوعیت استعمال و عرضه سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی - مصوب ۷/۸/۱۳۷۶ هیات وزیران

ماده ۱- به منظور حفظ حقوق افراد جامعه و تامین سلامت آنها در برابر زیانها و بیماریهای ناشی از استعمال دخانیات، استعمال هر نوع سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی مسقف به هر نحو ممنوع است تبصره ۱- اماکن عمومی مسقف به محلهایی اطلاع می‌شود که محل استفاده و مراجعه عموم مردم می‌باشد از قبیل اماکن متبرکه و مقدسه مساجد، مصلی‌ها، کارخانجات بیمارستانها در مانگاهها، مطبها، سالنهای نمایش سینماها، سالن مهمانخانه‌ها (هتل‌ها) و مهمانسراها و میهمان پذیرها، خوراک سراها (رستورانها، گنجینه‌ها (موزه‌ها) پایانه‌ها (ترمینالها)، فروشگاههای بزرگ اماکن فرهنگی و فرهنگسراها کتابخانه‌های عمومی ورزشگاهها، مدارس دانشگاهها و مراکز آموزشی و پژوهشی وسایل نقلیه عمومی موسسات و سازمانهای دولتی و عمومی نهادهای انقلاب اسلامی بانکها، شرکتهای دولتی و شهرداریها. تبصره ۲- مسئولان اماکن عمومی موظفند تابلوی ممنوعیت مصرف دخانیات را به تعداد مناسب در محلهایی که قابل رویت باشد نصب نمایند و ممنوعیت استعمال دخانیات در اماکن عمومی رایاد آور شوند.

ماده ۲- وزارتخانه‌های بهداشت درمان و آموزش پزشکی فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما و سایر دستگاههای فرهنگی و شهرداریها موظفند به منظور جلوگیری از دخانیات از هرگونه اقدامی که موجب تبلیغ تشویق یا تحریک افراد به استعمال یا مصرف بیشتر دخانیات شود جلوگیری نموده و نسبت به تهیه برنامه‌های منظور و منسجم فرهنگی و تبلیغی مناسب در زمینه تبیین

مضرات و تفتیح مصرف مواد دخانی برای همگان به ویژه جوانان اقدام نمایند و همچنین برای حسن اجرای این قانون اقدامات لازم را به عمل آورند. هیات وزیران هر شش ماه یک بار گزارش چگونگی اجرای این قانون را از سامانه‌های مربوط دریافت خواهد کرد. تبصره ۱- شرکت دخانیات ایران موظف است هشدارهای لازم مربوط به مضرات سیگار را در روی بسته‌های سیگار اعلام نماید. تبصره ۲- تبلیغ هرگونه اقدامی که به ترتیب مقرر در آیین نامه اجرایی این قانون منجر به تشویق عموم به مصرف دخانیات شود، ممنوع است ماده ۳- سازمان صدا و سیما و وزارت - فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرداریها و مطبوعات باید ترتیبی اتخاذ نمایند که در کارها و انتشارات خود، فیلمها و سریالهای تولیدی تبلیغ دخانیات به طور مستقیم یا غیر مستقیم صورت نگیرد و شخصیت‌های مثبت فیلمهای استعمال دخانیات نمایند

آیین نامه اماکن عمومی - مصوب ۲۳/۳/۱۳۶۳ هیات وزیران با اصلاحات ۹/۱۱/۱۳۶۴

ماده ۱- شهربانی جمهوری اسلامی ایران در اجرای وظایف انتظامی و کنترل ترافیک و سایر مسئولیت‌های محوله به امور اماکن عمومی طبق مقررات این آیین نامه نظارت و مطابق مقررات اقدام می‌نماید. ماده ۲- اماکن و موسسات موضوع این آیین نامه به شرح زیر می‌باشد: ۱- هتل‌ها ۲- مسافرخانه‌ها ۳- رستوران‌ها ۴- پانسیون‌ها و مهدکودک‌ها ۵- سلف سرویس‌ها ۶- قهوه خانه ۷- اغذیه فروشی‌ها ۸- چلوکبابی و چلوخوردستی و طبخ‌ها ۹- بوفه سینما و تیاتر ۱۰- کافه تریاها ۱۱- کافه قنادی‌ها ۱۲- آرایشگاهها ۱۳- آموزشگاه‌های رانندگی ۱۴- فروشگاههای جراید و نشریات داخلی ۱۵- موسسات بارکش شهری ۱۶- تعمیرگاه‌های دوچرخه و موتورسیکلت ۱۷- عکاسی‌ها ۱۸- فروشگاه‌های جراید و نشریات خارجی ۱۹- سینماها و تماشاخانه‌ها ۲۰- فروشگاه‌های اتومبیل ۲۱- موسسات تبلیغاتی و تولید کننده فیلم‌های تبلیغاتی ۲۲- تعمیرگاه‌ها، اتوسرویس‌ها و پارکینگ‌ها ۲۳- موسسات توریستی و کرایه دهی اتومبیل ۲۴- بنگاه‌های مسافربری ۲۵- کتابفروشی‌ها ۲۶- بنگاه‌های معاملات ۲۷- کارگاه‌های وراق اتومبیل ۲۸- کارگاه‌های تعویض روغن، پنچرگیری و لاستیک فروشی اتومبیل ۲۹- موسسات تاکسی بار ۳۰- کلیشه و گراور سازی‌ها ۳۱- فروشگاه‌های لوازم یدکی اتومبیل ۳۲- کارگاه‌های ناقشی اتومبیل ۳۳- چاپخانه‌ها ۳۴- سمساری و امانت فروشی‌ها ۳۵- موسسات باربری ۳۶- استودیوها ۳۷- طلا و جواهر فروشی‌ها ۳۸- موسسات نشر و طبع ۳۹- آموزشگاه‌های خیاطی، ماشین نویسی و آرایشگری تبصره - افتتاح هر نوع امکنه و موسسه مشابه دیگری در آینده، بنا به تشخیص و اعلام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مشمول مقررات این آیین نامه خواهد بود. ماده ۳- مراجع صدور پروانه واحدهای صنفی مذکور در ماده ۲ باید قبل از صدور و انتقال پروانه و همچنین انتقال محل واحد صنفی نسبت به موارد مذکور در ماده ۱ از نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران استعلام نظر به عمل آورند سپس صدور پروانه با رعایت ضوابط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ماده ۲۳ قانون نظام صنفی صورت خواهد گرفت تبصره - ضوابط مربوط به صلاحیت دایره کننده واحد صنفی از نقطه نظر وظایف نیروی انتظامی و نیز امور انتظامی و ترافیک و محل کسب با توجه به بند ۴ ماده ۳۹ قانون نظام صنفی، وسیله‌ادارات ذیربط نیروی انتظامی تهیه و پس از تصویب ریاست نیروی انتظامی به مورد اجرا گذارده خواهد شد. ماده ۴- در خارج از حوزه استحفاظی شهربانی، ژاندارمری عهده دار انجام وظایف مذکور در این آیین نامه می‌باشد. ماده ۵- متقاضیان صدور پروانه اماکن عمومی مندرج در ماده ۲ قبل از اخذ پروانه حق افتتاح امکان خود را ندارند و در صورت تخلف مادامی که پروانه تحصیل نکرده باشند از افتتاح آن مکان تا صدور پروانه به وسیله نیروی انتظامی جلوگیری خواهد شد. ماده ۶- در صورتی که هر یک از صاحبان یا مدیران اماکن عمومی مندرج در ماده ۲ آیین نامه در مدت اعتبار پروانه از ضوابط مقرر نیروی انتظامی عدول کنند مراتب به مراجع صدور پروانه اعلام خواهد شد تا مطابق مقررات اقدام نمایند. ماده ۷- چنانچه صاحبان اماکن عمومی مندرج در ماده ۲ بخواهند اداره امور داخلی خود را به دیگری واگذار نمایند بایستی مدیر داخلی از طریق مراجع صدور پروانه به نیروی انتظامی معرفی تاپس از بررسیهای لازم و تایید صلاحیت مدیر معرفی شده در

پروانه صادره منظور گردد. ماده ۸- صاحبان اماکن عمومی مندرج در ماده ۲ از ردیف ۱ الی ۱۱ شامل ۱- هتل ها ۲- مسافرخانه ها ۳- رستوران ها ۴- پانسیون ها و مهد کودک ها ۵- سلف سرویس ها ۶ قهوه خانه ۷- اغذیه فروشی ها ۸- چلوکبابی و چلوخوردشتی و طبخ‌های ۹- بوفه سینما و تیاتر ۱۰- کافه تریاها ۱۱- کافه قنادی‌ها مکلفند کلیه کارکنان خود را (اعم از ایرانی و خارجی به نیروی انتظامی معرفی تا نسبت به تعیین صلاحیت و صدور پروانه خدمتگزاری جهت آنان اقدام گردد و در صورت تغییر هر یک از آنان مراتب را ظرف مدت ۴۸ ساعت اعلام نمایند. تبصره - مدت اعتبار پروانه خدمتگزاری یک سال می باشد و کارکنان اماکن عمومی مندرج در ماده ۸ موظفند همسایه نسبت به تمدیدی پروانه خود اقدام نمایند. ماده ۹- کلیه مستخدمین و کارکنان اماکن عمومی مندرج در ماده ۸ بایستی دارای کارت بهداشت از مرجع مربوطه و پروانه کار از شهرداری باشند. ماده ۱۰- صاحبان کلیه اماکن عمومی مکلفند آن دستهای مواد آیین نامه و اعلامیه‌های نیروی انتظامی را که ارتباط با نوع کار آن مکان دارد در محل مناسبی که برای واردین قابل رویت باشد نصب نمایند. ماده ۱۱- صاحبان اماکن مسافری (هتل - مسافرخانه - پانسیون و سایر اماکن مشابه موظفند در قبال اموالی که ز طرف مسافرین یا واردین به مکان‌های مزبور به آنان سپرده می شود رسید کتبی بدهند. ماده ۱۲- در صورتی که یکی از مسافرین در اماکن مسافری فوت نماید صاحب یا مدیر موسسه باید بلافاصله مراتب را کتبا با ذکر مشخصات شخص متوفی و شماره اتاق به نیروی انتظامی محل اطلاع داده تا ورود نمایندگان نیروی انتظامی و دادسرا و پزشکی قانونی، اتاق متوفی باید بسته شده و واحدی داخل آن نشود. ماده ۱۳- صاحبان و مدیران کلیه اماکن عمومی موظفند هر موقع هرگونه توضیحاتی که مامورین نیروی انتظامی بخواهند (نسبت به وضعیت امکان و مسافرین و مستخدمین بلا تامل در حدود اطلاعاتی که دارند با نهایت صحت به آنها بدهند. ماده ۱۴- در تمام ایامی که اماکن عمومی دایر هستند حضور متصدی یا مدیر امکان در محل الزامیست ماده ۱۵- در موقعی که یکی از مسافرین یا خدمه مظنون یا مبتلا- به دارا بودن امراض واگیردار و عفونی از قبیل وبا، طاعون، و امثالهم باشد، صاحبان اماکن عمومی مکلفند مراتب را بلافاصله با ذکر مشخصات بیمار به بهداری و نیروی انتظامی اطلاع دهند. ماده ۱۶- صاحبان اماکن مسافری و پانسیون‌ها مکلفند تابلوی شماره اتاق‌ها را در محل مناسبی در مدخل امکان خود نصب نمایند. ماده ۱۷- صاحبان اماکن مسافری و پانسیون‌ها باید دفتری مطابق نمونه نیروی انتظامی برای ورود و خروج مسافرین تهیه و نام و نشان کامل آنها را در آن دفتر قید نمایند. ماده ۱۸- صاحبان اماکن مسافری (هتل - مسافرخانه - پانسیون و امثال آنها) موظفند ضمن رویت شناسنامه یا هرگونه برگ شناسایی مشخصات و تاریخ و ساعت ورود و خروج و مسافرین و واردین به اماکن مزبور را مطابق نمونه اعلامیه‌ای که از طرف نیروی انتظامی داده می شود تنظیم و اول وقت روز بعد به نیروی انتظامی محل تسلیم نمایند. ماده ۱۹- صاحبان هتل‌ها و مسافرخانه‌ها و پانسیون‌ها موظفند در صورت مراجعه اطفال و اشخاصی که به سن قانونی نرسیده و بدون سرپرست هستند و قصد اقامت در امکان مزبور را دارند بلافاصله مراتب را به نیروی انتظامی محل اعلام دارند. ماده ۲۰- برگزاری هر نوع مجلس جشن و عروسی، مهمانی، شب نشینی و امثال آن و یا اجرا هرگونه برنامه هنری و نمایشی در اماکن عمومی مستلزم تایید محتوای برنامه هنری و نمایشی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تحصیل اجازه مخصوص نیروی انتظامی محل (حداقل ۴۸ ساعت قبل می باشد. بدیهی است مسئولین اماکن عمومی مزبور می بایست ساعت ورود و تشکیل مراسم و صرفاً مشخصات پیشنهاد کننده مراسم را با ارایه دو عدد کارت ورود به سالن به مسئولین ذیربط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اعلام نمایند. ماده ۲۱- پروانه متخلفین در موارد ذیل اخذ و به مراجع صدور پروانه ارسال که برابر با ماده ۳۹ قانون نظام صنفی نسبت به ابطال آن اقدام گردد: ۱- تسهیل یا فراهم نمودن وسیله عمل منافعی عفت و شهوترانی در امکان مربوطه و یا استخدام و یا اجیر نمودن اشخاص برای منظور فوق. ۲- تشکیل جلسات در محل امکان عمومی برای مقاصد سو و خلاف قانون علیه دولت و امنیت کشور. ۳- تهیه موجبات تسهیل خرید و فروش مواد افیونی و چرس و بنگ و استعمال آنها و همچنین فروش و عرضه هر نوع مشروبات الکلی ۴- طرح ریزی و توطیه برای انجام مقاصد سو و خلاف قانون نظیر سرقت، خرید و فروش و نگهداری اموال مسروقه و غیره ۵- هرگونه عمل شرط

بندی و برد و باخت و قمار. تبصره - ابطال پروانه مرتکبین تخلف از ماده ۲۱ مانع از اجرای سایر مجازات‌های شرعی و قانونی نخواهد شد. ماده ۲۲ - سخنرانی و هر عمل دیگری که خلاف منظور از تشکیل مکان عمومی و مفاد پروانه صادره مربوط به آن باشد و بدون اجازه مخصوص نیروی انتظامی ممنوع است ماده ۲۳ - قبول و اسکان اشخاص شرور و بد سابقه در محل امکان عمومی ممنوع می‌باشد. ماده ۲۴ - در اماکن عمومی ایجاد صداهای ناهنجار، ادای الفاظ رکیک و انجام حرکات زشت و اعمالی که موجب سلب آسایش دیگران یا ضرر به اموال عمومی می‌شود ممنوع است و صاحبان اماکن عمومی مکلفند متخلف را به مأمورین انتظامی معرفی نمایند. ماده ۲۵ - یک نفر نمی‌تواند بیش از یک مکان عمومی را اداره و پروانه آن را تحصیل نماید مگر اینکه برای اماکن دیگری که می‌خواهد تاسیس کند از طرف مرجع صدور پروانه مدیر یا مباری که نیروی انتظامی صلاحیت او را گواهی نماید استخدام کند که در این صورت مدیر مزبور مسئول اداره مکان مربوطه خواهد بود. ماده ۲۶ - درجه بندی و تعریف هر یک از اماکن عمومی به وسیله کمیسیون مرکب از نمایندگان نیروی انتظامی، شهرداری، بهداشتی و سایر سازمان‌های ذیربط تعیین می‌گردد. مسئولیت تشکیل کمیسیون مزبور و اجرای تصمیمات متخذه به عهده نیروی انتظامی می‌باشد در مواردی که درجه بندی و تعریف برخی از اماکن عمومی به موجب قانون از وظایف ارگان‌های دیگر باشد، همان ملاک عمل خواهد بود. ماده ۲۷ - تخلف از مقررات این آیین نامه برای بار اول به موجب اخطار کتبی و در صورت تکرار طبق ماده ۳۹ قانون نظام صنفی حسب مورد لغو موقت یا دائم پروانه کسب می‌گردد و این امر در صورت لزوم مانع از اجرای سایر مجازات‌های شرعی و قانونی نخواهد شد. ماده ۲۸ - برای اماکن عمومی باید نام فارسی با مضامین موافق عفت عمومی انتخاب و فقط به زبان فارسی هم روی تابلو نوشته شود. ماده ۲۹ - در کلیه اماکن عمومی وسایل مقدماتی آتش نشانی طبق استاندارد سازمان آتش نشانی باید مهیا باشد تا به موقع مورد بهره برداری قرار گیرد. ماده ۳۰ - کلیه دعاوی مربوط به امور صنفی صاحبان اماکن عمومی نزد مقالات صالحه رسیدگی خواهد شد. لیکن چنانچه اختلافی بین آنها و نیز با مراجعین در رابطه با مقررات این آیین نامه پیش آید در صورتی که موضوع در نیروی انتظامی مطرح و منجر به تحصیل رضایت نامه کتبی از طرفین نگردد نیروی انتظامی آنها را به مراجع قانونی ذیربط هدایت خواهد کرد. ماده ۳۱ - از تاریخ تصویب این آیین نامه کلیه مقررات و ضوابطی که مغایر با مفاد این آیین نامه باشد ملغی است

آیین نامه چگونگی صدور پروانه کسب موقت و تبدیل آن به پروانه کسب دائم - مصوب ۶/۹/۱۳۷۹

فصل اول - شرایط صدور پروانه کسب موقت (ماده ۱ تا ۵)

ماده ۱ - اتحادیه‌های صنفی موظفند با رعایت این آیین نامه نسبت به صدور پروانه کسب موقت برای واحدهای صنفی فاقد پروانه کسب که قبل از سال ۱۳۷۸ در کشور دایر شده‌اند، اقدام نمایند. ماده ۲ - صاحبان واحدهای فاقد پروانه کسب مشمول ماده ۱ این آیین نامه موظفند جهت ادامه فعالیت کسبی خود به اتحادیه‌های صنفی ذی ربط مراجعه و با تسلیم تقاضای کتبی و ارایه مدارک زیر نسبت به اخذ پروانه کسب موقت اقدام نمایند: ۱ - سند مالکیت یا اجاره نامه یا مبایعه نامه یا قرارداد واگذاری عین یا منافع ملک با اشخاص حقیقی یا حقوقی، سازمان‌ها نهادها و ارگان‌ها. ۲ - هر گونه مدرک مبنی بر تشخیص، قطعیت یا پرداخت مفاسد حساب مالیاتی متقاضی و پرداخت عوارض سالانه متعلقه شهرداری ۳ - گواهی پایان خدمت نظام وظیفه یا معافیت دائم یا گواهی مبنی بر رسیدگی به وضع مشمولیت متقاضی از اداره وظیفه عمومی مطابق ماده (۱۰) قانون خدمت وظیفه عمومی - مصوب ۱۳۶۳ - پروانه کار معتبر از وزارت کار و امور اجتماعی و پروانه اقامت معتبر از وزارت کشور برای اتباع بیگانه ۵ - برگ سلامت و بهداشت شخصی و محل کسب از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای صنوفی که مشمول قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و

بهداشتی - مصوب ۱۳۴۶ - اصلاحات بعدی هستند. ۶ - گواهی صلاحیت فنی طبق تبصره (۲) ماده (۳۵) قانون نظام صنفی - مصوب ۱۳۵۹ - و آیین نامه آن برای مشاغل فنی یا تاییدیه لازم از اتحادیه ذی ربط ۷ - کسب نظر اداره نظارت بر اماکن عمومی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) برای مشاغل خاص مطابق آیین نامه اماکن عمومی ۸ - گواهی پرداخت حق عضویت سالانه و حق خدمات به اتحادیه ذی ربط بر اساس مواد (۲) و (۴) آیین نامه اجرایی ماده (۲۹) قانون نظام صنفی ماده ۳ - پروانه کسب موقت برای واحدهای صنفی که صاحبان آنها فوت نموده‌اند به نام یکی از وراثت یا نماینده قانونی آنها با ارایه گواهی انحصار وراثت و رضایت وراثت با گواهی امضا صادر می‌شود. ماده ۴ - برای شرکت‌های موضوع تبصره (۱) الحاقی به بند (۲) ماده (۱۴) نظام صنفی و مشارکت‌های مدنی یک پروانه کسب موقت با ذکر نام مدیر عامل شرکت درخواست کننده یا یکی از شرکا در مشارکت‌های مدنی که توسط سایر شرکا به صورت کتبی معرفی و امضای آنان توسط دفترخانه اسناد رسمی گواهی شده باشد، در صورت احراز سایر شرایط صادر می‌گردد. ماده ۵ - اتحادیه صنفی مربوط پس از دریافت تقاضای متقاضی به همراه مدارک لازم، پروانه کسب موقت را در یک نسخه اصلی و سه نسخه رونوشت صادر می‌کند که نسخه اصلی به متقاضی تحویل می‌شود و از نسخه‌های رونوشت یک نسخه در پرونده صنفی متقاضی در اتحادیه نگهداری و یک نسخه برای دبیرخانه هیات عالی نظارت و یک نسخه برای اداره نظارت بر اماکن عمومی ناجا ارسال می‌شود.

فصل دوم - چگونگی تبدیل پروانه کسب موقت به دائم (ماده ۶ تا ۷)

ماده ۶ - اتحادیه‌های صنفی موظفند حداکثر ظرف سه سال پس از صدور پروانه کسب موقت با اخذ مدارک زیر از متقاضیان نسبت به تبدیل پروانه‌های کسب موقت به دائم (الگوی هیات عالی نظارت اقدام نمایند. ۱ - اصل پروانه کسب موقت جهت ابطال توسط اتحادیه ۲ - گواهی صلاحیت فنی طبق تبصره (۲) ماده (۳۵) قانون نظام صنفی و آیین نامه مربوط برای مشاغل فنی ۳ - برگ عدم اعتیاد به مواد مخدر. ۴ - گواهی عدم سو پیشینه کیفری ۵ - هرگونه مدرک مبنی بر مشخص بودن وضعیت مالیاتی متقاضی و پرداخت عوارض متعلقه و قانون شهرداری ۶ - گواهی پرداخت حق عضویت سالانه و وجوهی که بر اساس ماده (۲) و بند (ب) ماده (۷) آیین نامه اجرایی ماده (۲۹) قانون نظام صنفی جهت مجامع امور صنفی تعیین شده است ۷ - گواهی واریز مبلغ مقرر در بند (ج) ماده (۸۰) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین - مصوب ۱۳۷۳ - به حساب خزانه تبصره - اتحادیه‌های صنفی و مراجع قانونی صدور پروانه کسب موقت مکلفند حداقل چهار ماه قبل از انقضای دوره سه ساله اعتبار پروانه‌های یاد شده از متقاضی برای ارایه مدارک لازم جهت صدور پروانه کسب دائم دعوت و رونوشت دعوتنامه را در پرونده صنفی متقاضی نگهداری نمایند. در صورت عدم مراجعه متقاضی به اتحادیه در مدت یاد شده، اتحادیه بار دیگر از متقاضی دعوت می‌کند تا ظرف یک ماه نسبت به تکمیل پرونده و دریافت پروانه کسب دائم اقدام نماید. در صورتی که متقاضی ظرف مدت‌های فوق پرونده صنفی خود را تکمیل ننماید مطابق مقررات نسبت به تعطیل واحد اقدام می‌شود. ماده ۷ - صدور پروانه کسب موقت یا دائم بر اساس مفاد این آیین نامه در مورد واحدهای صنفی واقع در طرح‌های جامع، تفصیلی و هادی شهرسازی مانع اجرای مقررات قانون شهرداری در مورد واحدهای یاد شده نیست تبصره - با واحدهای مزاحم مطابق بند (۲۰) اصلاحی ماده (۵۵) قانون شهرداری عمل می‌شود.

فصل سوم - سایر موارد (ماده ۸ تا ۲۰)

ماده ۸ - به منظور نظارت بر اجرای صدور پروانه کسب موقت و دائم توسط اتحادیه‌های صنفی در تهران بزرگ کمیسیونی تحت

نظارت دبیرخانه هیات عالی نظارت بر سازمان‌های صنفی کشور به ریاست دبیر هیات عالی نظارت و عضویت نمایندگان وزارت کشور، مجامع امور صنفی، اداره نظارت بر اماکن عمومی ناجا و اداره کل بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات استان تهران و در مراکز استان‌ها با مسئولیت اداره کل بازرگانی و عضویت نمایندگان استانداری، اداره نظارت بر اماکن عمومی ناجا، مجامع امور صنفی و اداره کل بازرسی و نظارت بر قیمت کالا و خدمات استان و در شهرستان‌ها با مسئولیت اداره بازرگانی و عضویت نمایندگان فرمانداری، اداره نظارت بر اماکن عمومی ناجا، مجامع امور صنفی و اداره بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات شهرستان تشکیل می‌شود. تبصره ۱- مسئولیت نظارت بر عملکرد کمیسیون‌های موضوع این ماده - که از این پس کمیسیون نامیده می‌شود - در شهرهای استان تهران به استثنای تهران بزرگ برعهده مدیر کل بازرگانی استان تهران و در شهرهای سایر استان‌های کشور برعهده مدیر کل بازرگانی استان و در سطح کشور برعهده معاون وزیر بازرگانی یا نماینده تام‌الاختیار ایشان است تبصره ۲- چگونگی تشکیل جلسات و انجام اقدامات و امور جاری کمیسیون به موجب دستورالعملی است که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تنظیم و به تصویب هیات عالی نظارت می‌رسد. ماده ۹- مرجع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نهایی در مورد اختلافات مربوط به نحوه یا عدم صدور پروانه‌های کسب موقت و دایم برعهده کمیسیون می‌باشد و رای کمیسیون یاد شده لازم‌الاجرا است ماده ۱۰- در صورت خودداری اتحادیه از صدور پروانه کسب موقت یا دایم برای متقاضیان، مجمع امور صنفی مربوط بنا بر اعلام کمیسیون با رعایت این آیین نامه نسبت به صدور پروانه کسب اقدام می‌نماید، سپس به پیشنهاد کمیسیون نظارت شهر مراتب جهت رسیدگی و عزل هیات مدیره اتحادیه موافق ماده (۵۴) قانون نظام صنفی به دبیرخانه هیات عالی نظارت اعلام می‌شود. ماده ۱۱- در صورتی که دارندگان پروانه کسب موقت قبل از انقضای دوره سه ساله طبق مقررات این آیین نامه دارای شرایط دریافت پروانه کسب دایم شوند، اتحادیه‌ها مطابق این آیین نامه موظف به صدور پروانه کسب دایم به نام متقاضی هستند. ماده ۱۲- چنانچه متقاضیان پروانه کسب موقت بر اساس مقررات این آیین نامه تمام شرایط لازم جهت دریافت پروانه کسب دایم را دارا باشند، اتحادیه‌های صنفی ضمن رعایت مفاد بند (۷) ماده (۲) این آیین نامه موظف به صدور پروانه کسب دایم برای آنها بوده و صدور پروانه کسب موقت برای آنها ضرورت ندارد. ماده ۱۳- پروانه کسب‌های موقت در سطح کشور، با شکل و الگوی یکنواخت به صورت یک نسخه اصلی به رنگ آبی آسمانی با حاشیه زرد و سرمه‌ای و سه نسخه رونوشت به رنگ سفید جهت بایگانی در اتحادیه و دبیرخانه هیات عالی نظارت و اداره نظارت بر اماکن عمومی ناجا صادر می‌شوند. ماده ۱۴- خرید و فروش پروانه کسب موقت و دایم ممنوع است در صورتی که دارنده پروانه کسب موقت یا دایم بخواهد حقوق ناشی از پروانه خود را به دیگری منتقل کند، اتحادیه مربوط مکلف است، با رعایت مقررات این آیین نامه پروانه منتقل کننده را باطل و پروانه جدید به نام انتقال گیرنده در صورت دارا بودن شرایط لازم صادر کند. ماده ۱۵- چنانچه سازمان‌های استعمال شونده در این آیین نامه حداکثر ظرف پانزده روز از تاریخ دریافت نامه استعمال، نظر خود را به صورت قطعی اعلام نمایند، اتحادیه حسب مورد مجاز به صدور پروانه کسب موقت یا دایم است تبصره - اتحادیه‌های صنفی مکلفند حداکثر ظرف یک هفته پس از تکمیل پرونده متقاضی نسبت به صدور پروانه کسب اقدام نمایند. ماده ۱۶- کمیسیون مکلف است زمان متعارف برای مراجعه صاحبان واحدهای فاقد پروانه کسب به اتحادیه‌های صنفی یا مراجع قانونی ذی ربط را تعیین نماید. در صورت عدم مراجعه صاحبان واحدهای یاد شده برابر مقررات نسبت به تعطیل و پلمپ واحد اقدام می‌شود. ماده ۱۷- اتحادیه‌های صنفی به منظور جلوگیری از فعالیت واحدهای صنفی فاقد پروانه کسب مکلفند با هماهنگی نیروی انتظامی از فعالیت واحدهای صنفی فاقد پروانه کسب طبق ماده (۷۲) قانون نظام صنفی جلوگیری نمایند. ماده ۱۸- کمیسیون مجاز است به منظور همکاری با اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی در جهت شناسایی، اخطار و ابلاغ به واحدهای فاقد پروانه کسب و هدایت آنها به اتحادیه‌های صنفی مربوط و دریافت پروانه کسب موقت یا دایم، همچنین شناسایی و تعطیل واحدهای فاقد پروانه کسب که تاکنون نسبت به دریافت جواز کسب اقدام ننموده‌اند و واحدهای غیرمجازی که

دایر می‌گردند، با سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا- و خدمات و اداره نظارت بر اماکن عمومی ناجا انعقاد توافق نامه‌هایی اقدام لازم به عمل آورد. ماده ۱۹- در شهرهایی که فاقد سازمان‌های صنفی هستند همچنین در محدوده حفاظتی خارج از شهرها، اجرای این آیین نامه حسب مورد برعهده شهرداری‌ها و شوراهای بخش است ماده ۲۰- هزینه‌های کمیسیون از محل درآمدهای حاصل از اجرای ماده (۴) آیین نامه اجرایی درآمدهای اتحادیه‌های صنفی موضوع ماده (۲۹) قانون نظام صنفی تامین می‌گردد که میزان آن توسط وزیر بازرگان (رییس هیات عالی نظارت تعیین و توسط اتحادیه‌های صنفی اخذ و به حساب مشترک مجامع امور صنفی واریز می‌گردد.

آیین نامه اجرایی قانون اصلاح ماده واحده قانون نحوه واگذاری اماکن و میداین و غرفه توزیع میوه مصوب ۱

ماده ۱- اصلاحات به کار رفته در این آیین نامه به شرح زیر تعریف می‌شوند: الف- میوه و تره بار و فراورده‌های کشاورزی، به کلیه محصولات و تولیداتی گفته می‌شود که از منابع خاک، آب و دام استحصال می‌شوند. ب- غرفه، مکان مستقلی است که به وسیله مصالح ساختمانی از قبیل آهن، آجر، سیمان، سنگ، آهک، خشت، گل و چوب بنا شده دارای محل عبور مجزا و آب و برق باشد. ب- چادر، مکانی است که به وسیله داربست فلزی یا چوبی بنا شده و با پارچه یا برزنت محصور شده باشد و در صورت امکان دارای آب و برق باشد. ت- کیوسک، کانکس و کانتینر، اتاقک‌های منقولی هستند که از اجناسی مانند فایبر گلاس، فلز، چوب و نظایر آن ساخته شده و بنا به ضرورت در مقاطع زمانی مشخص مورد استفاده واقع شوند. ث- محوطه، به هر نوع مکان سرپوشیدن یا سربازی گفته می‌شود که توسط شهرداری برای عرضه انواع محصولات و تولیدات موضوع این آیین‌نامه در نظر گرفته شده باشد. ج- میدان، مکانی است معین که برای تسهیل در امر تهیه و توزیع میوه و تره بار و فراورده‌های کشاورزی اختصاص یابد. چ- عمده فروشی، عبارت از عرضه محصولات و تولیدات موضوع این آیین نامه به صورت کلی به توزیع کنندگان می‌باشد. ح- خرده فروشی، عبارت از عرضه محصولات و تولیدات موضوع این آیین نامه به صورت جزیی در اندازه و میزان قابل عرضه به مصرف کنندگان می‌باشد. ماده ۲- در واگذاری غرفه‌ها با شرایط یکسان، اولویت با رزمندگان، خانواده‌های شهدا، آزادگان، جانبازان، اتحادیه‌ها و شرکتهای تعاونی تولیدی محصولات و فراورده‌های کشاورزی، دامی، طیور و آبزیان است ماده ۳- شهرداری مکلف است برای هر یک از اماکن با توجه به موقعیت محل وقوع و وسعت و تسهیلات ایجاد شده و نیز متناسب با شرایط اقتصادی موثر در معاملات و عرضه محصولات و تولیدات موضوع این آیین نامه مبلغی را بابت حق بهره برداری، همچنین ضمانت حسن انجام کار و رعایت مقررات این آیین نامه تعیین و پس از تصویب شورای اسلامی شهر و در صورت عدم تشکیل شورای یاد شده پس از تصویب وزیر کشور از غرفه داران دریافت کند. مبلغ مذکور قابل تغییر است ماده ۴- متقاضیان اماکن باید پس از انتشار آگهی در جراید کثیرالانتشار و جراید محلی توسط شهرداری، در وقت مقرر تاییدیه توان تولید، همچنین گواهی امکان ارسال تولیدات به امکان مزبور در هر شهر را حسب مورد از ادارات کشاورزی یا جهاد سازندگی منطقه محل تولید یا سایر مراجع قانونی ذی ربط اخذ و به همراه مدارک مثبت و کروکی و آدرس دقیق محل تولید به شهرداری شهر مورد نظر ارائه کنند. ماده ۵- شرایط اداره و نگاهداری اماکن و حدود اختیارات و مسئولیت‌ها در قرارداد واگذاری که به امضای نماینده شهرداری و بهره بردار می‌رسد، تعیین می‌شود. ماده ۶- شهرداری خدمات ضروری و مورد نیاز زیر را برای میداین فراهم می‌سازد: الف- تامین آب مصرفی میدان با نصب شیرهای عمومی و سیستم اطفای حریق ب- تامین برق و روشنایی معابر و محوطه‌های عمومی میدان پ- تامین کادر نگهبانی، انتظامات و نظیف دستشویی و قسمت‌های خارجی اماکن فروش ث- احداث نمازخانه ج- پارکینگ برای اتومبیل‌های سواری ماده ۷- شهرداری‌ها موظفند نرخ‌های مصوب را که بر اساس مقررات مربوط تعیین می‌شود اعلام نموده و بر قیمت‌های اعلام شده، همچنین کیفیت محصولات و تولیدات ارائه شده نظارت کنند. ماده ۸- بهره بردار مکلف است نسبت به

نظافت و پاکیزگی محیط داخلی محل فروش، رعایت اصول بهداشتی در عرضه کالا، حسن برخورد با خریداران، توزین محصولات و عدم عرضه محصولات بد و فاسد دقت و اهتمام کافی معمول دارد. ماده ۹- اماکنی که بر اساس این آیین نامه به متقاضیان واجد شرایط واگذار می‌شود، مشمول لایحه قانونی راجع به نحوه واگذاری اماکن و میادین و غرفه‌ها به منظور ایجاد تسهیل در تهیه و توزیع میوه و تره بار و فراورده‌های کشاورزی - مصوب ۵/۱۰/۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران بوده و هیچ گونه حقوق استیجاری و کسب و پیشه برای بهره برداران آنها ایجاد نمی‌شود. ماده ۱۰- بهره بردار جز با اجازه شهردار حق واگذاری جزیی یا کلی مورد قرارداد را به غیر ندارد و موظف است فقط محصولات تولیدی خود و تولید کنندگانی که نمایندگی فروش آنها را به طور رسمی برعهده دارد به فروش برساند. ماده ۱۱- بهره بردار مکلف است کلیه شوون و مقررات انضباطی میادین را رعایت و اجرا نماید. تبصره - مقررات انضباطی حسب دستورالعملی که با ملحوظ داشتن این آیین نامه توسط شهرداری تهیه می‌گردد و به تصویب شورای اسلامی شهر و در صورت عدم تشکیل شورای یاد شده به تصویب وزیر کشور می‌رسد، تعیین می‌شود. ماده ۱۲- از تاریخ تصویب این آییننامه، کلیه مقررات مغایر لغو می‌شود.

آیین نامه مرده شویخانه و گورستان - مصوب ۱۳۱۹

فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱- ساختمان و انتظام مرده شویخانه و گورستان از لحاظ بهداشت تحت نظر شهرداری بوده و همچنین احداث بنگاه‌های نامبرده منوط به موافقت قبلی و دریافت پروانه از شهرداری است ماده ۲- کسانی که می‌خواهند احداث مرده شویخانه یا گورستان نمایند باید اعتبار کافی داشته مقررات این آیین نامه را کاملاً رعایت نمایند. ماده ۳- مرده شویخانه باید بنا به مقتضیات محلی و به تناسب نیازمندی دارای اطاق های کافی جهت گذراندن جنازه قبل از غسل - اطاق های مخصوص غسل - اطاق برای معاینه در گذشتگان مشکوک - اطاق پذیرایی با لوازم - اطاق برای انجام آیین مذهبی - انبار البسه در گذشتگان باشد. اطاق های مخصوص غسل باید برای جریان آب گرم و سرد لوله کشی شده باشد و مجرای فاضلاب مطابق اصول بهداشت داشته باشد.

فصل دوم - شرایط حمل در گذشتگان (ماده ۴ تا ۹)

ماده ۴- حمل در گذشتگان قبل از تحصیل پروانه دفن ممنوع است مگر در موارد ضروری تبصره ۱- پروانه دفن را پزشک معالج مکلف است بدهد و در صورت نداشتن پزشک معالج باید به وسیله کلانتری مربوطه از پزشک بهداری شهرداری بخش پروانه دفن تحصیل نمایند و در موارد جنحه یا جنایت باید به شهربانی و یا پزشک قانونی دادگستری مراجعه شود (پروانه روی اوراق چاپی که از طرف اداره بهداری به طور رایگان به اختیار پزشکان گذارده می‌شود نوشته میشود). تبصره ۲- بینوایان و اشخاص غریب که در اماکن عمومی و گذرها فوت می‌نمایند و همچنین جسد خردسال‌ها را که در این قبیل اماکن و یا گذرها می‌گذارند پس از مراجعه به کلانتری از طرف پزشک بهداری بخش مربوطه معاینه خواهند شد و در صورتی که مظنون به جنحه و جنایت نباشند پروانه دفن از طرف پزشک نامبرده صادر و به مامور کلانتری تسلیم می‌شود تا از طرف کلانتری مامورین مرده شویخانه برای حمل در گذشته احضار شوند. ماده ۵- حمل جنازه به وسیله وسایط نقلیه و کرایه و شخصی اکیدا ممنوع است ماده ۶- اتومبیل یا کالسکه مخصوص نعش کش باید دارای تابوت روبرسته از چوب جلا- شده بوده و داخل آن نیز آهن سفید باشد که مرده را داخل آن قرار دهند -

اتومبیل و کالسکه نامبرده باید منحصراً برای حمل در گذشتگان به کار برده شده هرگونه استفاده دیگری از آن ممنوع است ماده ۷- پس از حمل در گذشته باید داخل تابوت را با آهک شستشو دهند. ماده ۸- وسایل جهت حمل در گذشته می‌بایستی به محض اطلاع منتهی تا یک ساعت در محل حاضر شود. ماده ۹- مامورین حمل باید لباس مشکی نظیف در برداشته باشند.

فصل سوم - شرایط غسل و کفن در گذشتگان (ماده ۱۰ تا ۲۰)

ماده ۱۰- محل غسل باید کف آن تا یک متر از دیوار از سمت صیقلی شده و صاف پوشیده شده و همیشه پاکیزه نگاهداری و لا اقل روزی دو مرتبه به وسیله آب آهک شسته شود. ماده ۱۱- غسل در گذشتگان در غیر مرده شویخانه‌های عمومی ممنوع است و در موارد ضرورتی موکول به موافقت شهرداری است ماده ۱۲- غسل در گذشتگان قبل از ارایه پروانه دفن ممنوع است ماده ۱۳- نگاهداری در گذشتگان مگر در موارد ضروری بیش از دو ساعت در مرده شویخانه ممنوع است ماده ۱۴- متصدیان غسل و کفن و دفن باید از دستورات مذهبی مطلع و دارای پروانه مخصوص بوده از شرایط بهداشت کاملاً آگاه باشند. ماده ۱۵- متصدیان غسل و کفن پس از انجام کار باید هر دفعه دست‌های خود را تا آرنج با آب گرم و صابون شسته سپس در یکی از محلول‌های گندزدایی فرو برند. ماده ۱۶- اشخاص نامبرده باید معروف به فساد اخلاق نبوده دارای پروانه تندرستی از پزشک رسمی بوده همیشه نظیف و در موقع کار لباس مخصوص در برداشته باشند. ماده ۱۷- متصدیان غسل و کفن حق ندارند با لباس کار از مغسل خارج شوند و پس از انجام کار باید خود را شستشو داده با لباس شخصی بیرون روند. ماده ۱۸- اشخاص نامبرده و همچنین گورکنان حق اشتغال به پیشه دیگری ندارند. ماده ۱۹- کفن در گذشتگان باید در همان اطاق مخصوص غسل روی سکوی جداگانه که از سمت و یا سنگ یک پارچه صاف باشد انجام گیرد. ماده ۲۰- ورود اشخاص متفرقه به محل غسل ممنوع است

فصل چهارم - شرایط دفن و امانت گذاردن در گذشتگان (ماده ۲۱ تا ۲۵)

ماده ۲۱- دفن و امانت گذاردن در گذشتگان در غیر از گورستان‌های رسمی ممنوع است ماده ۲۲- گودی گور باید حداقل دو متر ، طول دو متر و عرض هشتاد سانتی متر باشد. در اطفال خردسال عرض و طول به تناسب سن کمتر از این مقیاس منظور می‌شود. ماده ۲۳- هر گور از اطراف با گور دیگر باید سی سانتی‌متر فاصله داشته باشد. ماده ۲۴- برای هر در گذشته گور جداگانه لازم است - دفن دو در گذشته یا بیشتر در یک گور ممنوع است ماده ۲۵- در گور در گذشتگانی که به بیماری‌های واگیری مثل اسهال خونی - حصه - سل و غیره فوت کرده‌اند باید مقدار ۳ کیلو آهک را در آب مخلوط نموده در توی گودی بریزند و سپس روی آن را بپوشانند

فصل پنجم - گورستان (ماده ۲۶ تا ۲۸)

فصل پنجم - گورستان (ماده ۲۶ تا ۲۸) فصل پنجم - گورستان ماده ۲۶- گورستان باید دارای شرایط زیر باشد: الف - محصور از دیوار یا نرده آهن بوده مطابق نقشه مصوب شهرداری خیابان بند و درختکاری و گل کاری داشته باشد. ب - ساختمان مقبره‌های خصوصی در گورستان مطابق نقشه اداره بهداری خواهد بود. ج - در گورستان باید محل مخصوص مطابق اصول بهداشت برای درگذشتگانی که به امانت گذارده می‌شوند ساخته شود و نیز باید اطاق‌های متعدد جهت مشایعین - گورکنان و گذاردن در

گذشتگان داشته و لوازم دفن از قبیل آهک آجر و غیره همیشه موجود داشته باشد. ماده ۲۷ - گورستان باید به قدر کافی و به اقتضای موقع گورکن و کارگر داشته باشد. ماده ۲۸ - برای هر گورستان و مرده شویخانه یک دستگاه تلفن ضروری است

فصل ششم - راجع به حمل درگذشتگان به اماکن متبرکه و یا سایر نقاط دیگر (ماده ۲۹)

ماده ۲۹ - جنایزی که به اماکن متبرکه حمل می‌شوند باید با پروانه اداره بهداری شهرداری و یازشکی که به نمایندگی آن اداره تعیین می‌گردد بر طبق مقررات زیر انجام شود؟ الف - اولیا در گذشته کتباً شرحی منضم به پروانه پزشک معالج تهیه و تسلیم اداره بهداری خواهند نمود تا چنانچه از لحاظ بهداشت حمل جنازه مانعی نداشته باشد پروانه داده شود. ب - طرز حمل جنازه به اماکن متبرکه و دور دست بر حسب محل و اقتضای فصل بر طبق دستوراداره بهداری و یا پزشک نماینده آن اداره خواهد بود. ج - برای حمل جنازه به خارج از کشور طبق مقررات اداره کل بهداری باید رفتار شود.

فصل هفتم - مواد متفرقه (ماده ۳۰ تا ۳۷)

ماده ۳۰ - مرده شویخانه و گورستان باید جداگانه دفاتر چاپی مخصوص زیر را مطابق دستور اداره بهداری برای ثبت عملیات مربوطه به خود داشته و نگاهداری نماید. دفتر ثبت درگذشتگان به ترتیب ورود به غسل خانه - دفتر ثبت البسه درگذشتگان - دفتر ثبت گزارش یومیه - دفتر درآمد و هزینه روزانه - دفتر ثبت هزینه متعلق به درگذشتگان تبصره - متصدی مرده شویخانه و گورستان مکلف است در مقابل دریافت هرگونه وجهی که به عنوان هزینه دریافت می‌کند قبض رسمی داده آن را به دفتر مربوطه ضبط نماید. ماده ۳۱ - متصدی مرده شویخانه موظف است روی اوراق چاپی که به دستور اداره بهداری طبع شود همه روزه از کلیه درگذشتگان وارده گزارشی تهیه و حاضر نموده صبح روز بعد به اداره بهداری شهرداری تسلیم نماید کلیه پروانه‌های دفن صادره از طرف پزشکان باید ضمیمه گزارش نامبرده به اداره بهداری تسلیم شود این گزارش باید در دفتر مخصوص گزارش یومیه ثبت و وارد شود. ماده ۳۲ - البسه درگذشتگان همه ماهه جمع آوری و در آخر هر ماه با نظارت پزشک اداره بهداری شهرداری باید سوزانده شود. ماده ۳۳ - نرخ حمل - کفن و دفن اموات مطابق صورتی خواهد بود که از طرف شهرداری تعیین و ابلاغ شود. کارکنان کن و دفن نمی‌توانند به هیچ وجه اضافه از نرخ نامبرده وجهی از کسان در گذشته مطالبه و دریافت دارند. ماده ۳۴ - متصدی غسل خانه موظف است یک نسخه از تمام مقررات این آیین نامه را در محل مقتضی که قابل استفاده عموم باشد به دیوار نصب نماید و همچنین نرخ مصوب باید به خط درشت‌اعلام و به شرح بالا در معرض استفاده واردین قرار گیرد. ماده ۳۵ - هر یک از متصدیان غسل خانه و گورستان و همچنین کارکنان در مواردی که وظیفه مخصوصی به عهده آنها است مسئول اجرای کلیه مقررات این آیین نامه می‌باشند. ماده ۳۶ - آیین غسل و کفن و دفن درگذشتگان ملل متنوعه از لحاظ تشریفات مذهبی تابع مقررات مخصوص به خود آنها بوده ولی از لحاظ بهداشت و انتظامات تابع این آیین نامه خواهد بود. ماده ۳۷ - متخلفین از مقررات این آیین نامه طبق ماده ۲۷۶ قانون کیفر عمومی و به شرح زیر به کیفر خواهند رسید: الف - چنانچه متخلف از متصدیان و مسئولین نگاهداری و اداره مرده شویخانه و گورستان باشد از مواد ۳ و ۶ و ۱۱ و ۱۳ و ۲۶ (شق الف و ج و ۲۷ و ۲۸ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۴) تخلف کنند به حبس تکدیری از یک تا هفت روز و جزای نقدی از ۵ تا ۵۰ ریال و یا به یکی از این دو کیفر خواهند رسید و مراتب در پشت پروانه آنها قید می‌شود چنانچه در ظرف سال اشخاص نامبرده سه محکومیت به شرح فوق پیدا کنند پروانه آنها پس گرفته می‌شود. ب - هرگاه کارکنان بنگاه‌های نامبرده از مواد ۴ و ۵ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ تخلف کنند به حبس تکدیری از

یک تا سه روز و غرامت از ۳ تا ۳۰ ریال و یا به یکی از این دو کیفر محکوم می‌شوند. همچنین اگر ثابت شود مسئولین و متصدیان بنگاه در نظارت و اجرای تکالیف کارکنان به شرح بند(ب) غفلت ورزیده‌اند به کیفر مقرر در بند (الف) این ماده خواهند رسید.

آیین نامه نامگذاری شهرها ، خیابان‌ها ، اماکن و موسسات عمومی – مصوب ۶/۹/۱۳۷۵

شهرهای جمهوری اسلامی ایران در ظاهر و باطن باید نمایانگر تاریخ و جغرافیای تمدن و فرهنگ اسلامی و ایرانی باشد. یکی از مصادیق مهم این امر ، اسامی خیابان‌ها ، اماکن و موسسات عمومی در شهرهاست و این اسامی در حکم شناسنامه شهرها و بیانگر ارزش‌های اعتقادی ، تاریخی ، فرهنگی و ملی جامعه است ماده ۱ - ضوابط و معیارهای نامگذاری ۱ - نام شخصیت‌های مهم تاریخ صدر اسلام و انقلاب اسلامی و شهرداری گرانقدر آن و حوادث مهم تاریخ مبارزات اسلامی مردم ایران در درجه اول و نام شخصیت‌های فرهنگی ، ادبی ، علمی ، سیاسی و تاریخی ایران و اسامی راجع به اندیشه ، فکر و هنر و نیز مظاهر طبیعت زیبای ایران در مرتبه بعدبرگزیده شود. ۲ - در نامگذاری تناسب اسم و مسمی رعایت شود. ۳ - اسامی باید رسا ، کوتاه ، سلیس و روان باشد. ۴ - از اسامی مناسبی که باعث ایجاد روحیه افتخار ملی و حماسی ، و انبساط خاطر و تلطیف اخلاقی و عاطفی مردم و بیانگر غنای فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی باشد استفاده شود. ۵ - به منظور حفظ و تحکیم یکپارچگی سیاسی و فرهنگی کشور و حفظ هویت ملی ، نام‌ها باید فقط به زبان فارسی باشند. ۶ - در نقاط مختلف کشور ضمن توجه به ویژگی‌های منطقه‌ای از اسامی شهرهای دیگر هم استفاده شود. ۷ - به منظور ایجاد پیوندهای سیاسی و فرهنگی با کشورهای دیگر می‌توان در نامگذاری اماکن بایشنهادهای وزارت امور خارجه و تایید شورای فرهنگ عمومی کشور از نام شخصیت‌های سیاسی و مردمی خارجی یا اسامی اماکن خارجی استفاده کرد. در این زمینه اولویت با کشورهای اسلام‌یاست ۸ - در نامگذاری علاوه بر توجه به شخصیت‌های ملی و قهرمانان ، به شخصیت‌های محلی هر منطقه نیز توجه شود. ۹ - از نام اشخاص خیری که تاسیسات مهم عام المنفعه (اعم از دینی ، آموزشی ، علمی و فرهنگی ، هنری و تربیتی احداث کرده‌اند می‌توان برای نام گذاری اماکن یاد شده استفاده کرد. ۱۰ - فروشگاه‌ها ، شرکت‌ها و مراکز کار و پیشه باید از گذاشتن اسامی خارجی جدا خودداری کنند. نام‌ها باید فقط به زبان فارسی باشد. مگر در مواردی که به تشخیص شورای فرهنگ عمومی این اسامی به منظور ایجاد پیوندهای فرهنگی ، علمی و سیاسی انتخاب شده باشند. شیوه نامه آن راشورای فرهنگ عمومی تهیه و ابلاغ خواهد کرد. ماده ۲ - موارد مشمول نامگذاری ۱ - آیین نامه نامگذاری شامل این موارد می‌شود: شهرها ، شهرک‌ها ، بندرها ، رودها ، جزیره‌ها ، بزرگراه‌ها ، خیابان‌ها ، بازارها و کوچه‌ها ، مدارس و مهدکودک‌ها ، موسسات تحقیقاتی و مجامع علمی و فرهنگی ، تالارهای عمومی ، بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی و درمانی ، سینماها و مراکز تفریحی و باغ‌ها و بوستان‌ها ، میدان‌ها و پایانه‌ها ، فرودگاه‌ها و ایستگاه‌های راه آهن و پالایشگاه‌ها ، کارخانه‌ها ، بانک‌ها و مراکز ورزشی و باشگاه‌ها ، فروشگاه‌ها ، شرکت‌ها و مراکز کار و پیشه ۲ - این آیین نامه درباره اماکن جدید الاحداث است ولی در مورد تغییر اسامی نامناسب موجود لازم است بر طبق شیوه نامه‌ای که شورای فرهنگ عمومی بر اساس این آیین نامه تنظیم و ابلاغ می‌کند عمل شود. ماده ۳ - مرجع نظارت ۱ - نظارت بر حسن اجرای ضوابط و معیارهای شورای عالی انقلاب فرهنگی در امر نامگذاری اماکن به عهده شورای فرهنگ عمومی است ۲ - این شورا همه ساله گزارشی بررسی و نظارت و عملکرد خود را به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه می‌دهد. ماده ۴ - این آیین نامه در ۴ ماده و ۱۴ بند در جلسه مورخ ۶/۹/۷۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید و آیین نامه های قبلی لغو می‌شود.

حمل و نقل و ترافیک

قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی عمومی در شهرها – مصوب ۱۶/۱۱/۱۳۳۱ با اصلاحات

ماده واحده - امتیاز اتوبوسرانی و نقل و انتقال مسافر بطور دسته جمعی در داخل هر شهر و حومه آن با شهرداری محل می‌باشد. تبصره ۱ - برای استفاده از این امتیاز شهرداریها می‌توانند هر یک شرکت واحد سهامی تشکیل دهند مشروط بر اینکه حداقل پنجاه و یک درصد سهام آن متعلق بشهرداری و بقیه متعلق به اتباع ایران ساکن محل بوده و مدت هر شرکت از شرکتهای اتوبوسرانی بیش از هشت سال نباشد. تبصره ۲ - سهام شرکت اسمی است هر گاه یکی از سهامداران بخواهد سهم خود را بفروش برساند. شهرداری حق اولویت دارد و در صورت انتشار سهام جدید شهرداری در خرید سهام حق تقدم خواهد داشت تبصره ۳ - حق رای نسبت به سهام شهرداری با انجمن قانونی شهر است و در غیاب انجمن وزارت کشور قایم مقام آن خواهد بود. تبصره ۴ - مالکین اتوبوسهای هر شهر و حومه آن که هنگام تقدیم لایحه دولت اجازه اتوبوسرانی داشته‌اند از تاریخ اعلام تاسیس شرکت تا دو ماه حق تقدم در خرید سهام قابل انتقال شرکت خواهند داشت تبصره ۵ - هیچیک از اعضا انجمن شهر یا شخص شهردار نمی‌تواند صاحب سهام شرکت اتوبوسرانی در شهر محل تاسیس شرکت باشند و همچنین اقوام بلافصل آنها مشمول همین تبصره خواهند بود. تبصره ۶ - ارزیابی اتوبوسها و احتساب بهای آن در مقابل سهام بر طبق آیین نامه ارزیابی انجام خواهد گرفت تبصره ۷ - چنانچه بعضی از صاحبان جزیی از اتوبوس مایل باشند و توانایی قبول سهام شرکت رانداشته باشند بشرط تقاضای خودشان شرکت واحد مکلف است قیمت تقویمی آن جز از اتوبوس را پردازد. تبصره ۸ - کارشناسان فعلی اتوبوسها در صورت واجد بودن شرایط مقرر در آیین نامه استخدامی شرکت بر دیگران حق تقدم دارند. تبصره ۹ - کارکنان اتوبوسهای شرکت مشمول مقررات قانون کار خواهند بود. تبصره ۱۰ - شهرداریها مجازند اراضی متعلق به شهرداری را که مورد نیاز شرکت باشد به قیمت عادلانه در مقابل قسمتی از سهام نقدی خود بشرکت واگذار نمایند. تبصره ۱۱ - وزارت کشور و شهرداریهایی که دارای انجمن قانونی باشند می‌توانند برای تهیه سرمایه نقدی شهرداریها در شرکتهای متناسبی که آیین نامه استقراضی تعیین خواهد نمود مجموعا تا مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال از بانک ملی وام دریافت نموده و در مدت دهسال مستهلک نمایند. تبصره ۱۲ - وزارت کشور مکلف است منتهی تا یکماه از تاریخ تصویب این قانون، آیین نامه‌های مربوط را تدوین و پس از تصویب هیات وزیران بموقع اجرا گذارد. تبصره ۱۳ - شهرداریها می‌توانند در صورت اقتضا برای بهبود وضع اتوبوسرانی و نقل و انتقال مسافر در داخل و حومه هر شهر بهره‌برداری تمام یا پاره‌ای از خطوط اتوبوسرانی را با شرایطی که بتصویب انجمن شهر خواهد رسید و با توجه به صرفه و صلاح ساکنین شهرها و رعایت آیین نامه معاملات شهرداری به بخش خصوصی واگذار کنند در این مورد کسانی که در تاریخ تصویب این تبصره پروانه اتوبوسرانی داشته‌اند با شرایط مساوی حق تقدم دارند.

آیین نامه اجرای قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی - مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۳۴ با اصلاحات

ماده ۱ - در اجرای قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی عمومی مصوب مجلسین، وزارت کشور و شهرداریهایی که دارای انجمن قانونی باشند موظفند پس از نشر آگهی در ظرف حداکثر دو ماه و نیم شرکت واحد سهامی اتوبوسرانی عمومی حوزه خود و حومه آن را بر اساس مقررات مربوط قانون تجارت به ثبت برسانند. ماده ۲ - چنانچه در ظرف مدت دو ماه از تاریخ نشر آگهی صاحبان وسایط موجوده در هر شهر از واگذاری وسایط و خرید سهام خودداری کنند وزارت کشور یا شهرداری بر اساس این آیین نامه راستاتاسیس شرکت اقدام خواهد نمود و در اینصورت بموجب تبصره ۸ قانون تاسیس شرکات اتوبوسرانی عمومی کارکنان فعلی اتوبوسها خدمتگزار شرکت واحد اتوبوسرانی خواهند بود. ماده ۳ - شرکتنامه و اساسنامه شرکت باید پس از تصویب انجمن شهر با وزارت کشور (در محل‌هایی که انجمن شهر وجود ندارد) ثبت برسد. ماده ۴ - پس از انقضا مدت مقرر در تبصره ۴ قانون مذکور که حق تقدم مالکین منتفی می‌شود بموجب متن ماده واحده که اتوبوسرانی عمومی و نقل و انتقال مسافر داخل هر شهر و حومه

آنرا مخصوص شهرداری قرار داده است شهرداری بتاسیس شرکت مبادرت می کند و در اینصورت شهرداری مجاز است از اتوبوسرانی خطوط سابق جلوگیری کند. ماده ۵- برای مراقبت در حسن اجرای قانون تاسیس شرکت واحد اتوبوسرانی و تعهد ناشیه از عمل شرکت هیاتی بنام هیات عالی نظارت و مشاور اتوبوسرانی عمومی تهران از اشخاص زیر تشکیل می شود: الف- وزیر کشور. ب- مدیر کل بانک ملی ایران یا معاون بانک ملی ج- رئیس شهربانی د- شهردار تهران ه- معاون وزارت دادگستری و- معاون وزارت دارایی ز- معاون وزارت کار. ح- معاون وزارت بازرگانی ط- معاون وزارت صنایع و معادن ی- سه نفر نماینده از طرف صاحبان سهام ۴۹٪ مادام که سهام ۴۹ درصد کاملاً پرداخت نشده وزارت کشور به قایم مقامی انجمن شهر می تواند افراد مزبور را از بین سهامداران انتخاب نماید ولی پس از تعیین تکلیف ۴۹٪ انتخاب سه نفر مزبور نیز طبق مقررات شرکتها باید توسط کلیه صاحبان سهام بعمل آید. وظایف و اختیارات هیات نظارت مذکور در ماده ۵ بشرح زیر خواهد بود. تبصره ۲- هیات مدیره موظف است امور مالی شرکت را با توجه به قانون تاسیس شرکت واحداً اتوبوسرانی تهران و حومه و اساسنامه مربوط و رعایت قانون تجارت اداره نماید.) ماده ۶- وظایف و اختیارات هیات نظارت با توجه بر رعایت مقررات عمومی و انتظامی و رانندگی بشرح زیر است الف- تصویب نقشه مسیر خطوط و محل توقفگاهها و تاسیسات ب- مراقبت در اجرای برنامه حرکت و مدت کار رانندگان و کارکنان اتوبوسها. ج- مراقبت در وجود عده کافی پایگاه وسایط در هریک از خطوط د- نظارت در موجود بودن وسایط محکم و پاکیزه مناسب برای هریک از خطوط بعهده کافی بطوریکه استفاده اهالی از اتوبوسرانی به بهترین وجه به حداکثر ممکن تامین شود. ه- تصویب مقررات فنی و انتظامی مربوط به وسایط و در صورت لزوم پیشنهاد آن بمقامات صالحه ماده ۷- عضویت هیات نظارت جزو وظایف اداری و قانونی هریک از اعضا آن خواهد بود و از این بابت حقوقی از شرکت دریافت نخواهند نمود. ماده ۸- شرکت موظف است مصوبات هیات نظارت را در آنچه مربوط به انتظام امر اتوبوسرانی عمومی و نظافت اتوبوسها و کارکنان و لباس آنها و آنچه موجب تامین رفاه عامه می باشد بموقع اجرا گذارد. شرکت موظف است دستورات انتظامی شهربانی را مراعات و اجرا نماید. ماده ۹- استفاده از متخصصین فنی خارجی بعنوان مشاور یا مستخدم شرکت در حدود قوانین مربوطه بلامانع خواهد بود. ماده ۱۰- چنانچه در آتیه احتیاج به اصلاح یا تکمیل هریک از مواد این آیین نامه باشد با پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات دولت اقدام بعمل خواهد آمد ، آیین نامه مصوب ۳۱/۱/۱۳۳۲ ملغی می گردد.

قانون تاسیس شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور - مصوب ۸/۱۲/۱۳۷۲

ماده ۱- به منظور اعمال سیاستهای جامع و هماهنگ ترافیکی و تهیه خط مشی لازم و هماهنگی هدایت نظارت و انتظامات ترافیکی شهرها، شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور که از این پس شورای عالی نامیده می شود، مرکب از اعضای زیر تاسیس می شود: ۱- معاون وزیر کشور، ریاست شورا. ۲- معاون وزیر راه و ترابری ۳- معاون وزیر مسکن و شهرسازی ۴- معاون وزیر پست و تلگراف و تلفن ۵- معاون رئیس سازمان برنامه و بودجه ۶- رئیس سازمان حفاظت محیط زیست یا معاون وی ۷- فرمانده نیروی انتظامی یا معاون وی مصوبات این شورا پس از تصویب وزیر کشور قابل اجراست ماده ۲- وزارت کشور عهده دار دبیرخانه شورای عالی خواهد بود. ماده ۳- شورای هماهنگی ترافیک استان به ریاست استاندار یا معاون عمرانی وی و با حضور مدیران کل وزارتخانهها و سازمانهای عضو شورای عالی مستقر در استان و فرمانده ناحیه انتظامی تشکیل می شود. تبصره- دبیرخانه شورای هماهنگی ترافیک استان در استانداریها خواهد بود. ماده ۴- مصوبات شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور که باید در چارچوب قوانین و مقررات کشور باشد با رعایت ماده یک این قانون برای کلیه وزارتخانهها، مؤسسهها، سازمانهای دولتی نهادها و مؤسسههای عمومی و خصوصی لازم الاجرا است ماده ۵- وظایف شورای هماهنگی ترافیک استان همچنین وظایف دبیرخانه شورای عالی و شورای هماهنگی ترافیک استان بر اساس آیین نامه ای خواهد بود که توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران

می‌رسد. ماده ۶ - کلیه قوانین و مقررات مغایر از تاریخ تصویب این قانون لغو و بلااثر است تبصره - مصوبات شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور نباید مغایر با مصوبات قانونی شورای عالی شهرسازی و معماری و شورای عالی هماهنگی ترابری کشور باشد.

آیین نامه موضوع ماده (۵) قانون تاسیس شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور - مصوب ۲/۷/۱۳۷۴ هیات وز

ماده ۱ - وظایف شورای هماهنگی ترافیک استان - که از این پس در این آیین نامه به اختصار شورای هماهنگی نامیده می‌شود - عبارت است از: الف - برنامه‌ریزی برای اجرای مصوبات شورای عالی هماهنگی ترافیک استان - که از این پس در این آیین نامه به اختصار شورای عالی نامیده می‌شود - در سطح استان ب - تدوین خط مشی و سیاستهای جامع و هماهنگ استانی ترافیک درون شهری بر اساس اهداف و سیاستهای ملی منطقه‌ای و مصوبات شورای عالی ج - بررسی و تایید طرحهای جامع حمل و نقل و ترافیک درون شهری - که شرح خدمات آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد - و سایر مطالعات حمل و نقل و ترافیک لازم برای شهرهای استان به منظور بررسی و تصویب شورای عالی د - هماهنگی کلیه امور مربوط به عبور و مرور شهرهای استان بر اساس مصوبات شورای عالی و شرایط منطقه‌ای و محلی به منظور افزایش بهره‌وری فعالیتها. ه - هماهنگی کلیه اقدامات حمل و نقل و ترافیک درون شهری با اقدامات مشابه برون شهری استان بر اساس مصوبات شورای عالی و شرایط استانی و منطقه‌ای ماده ۲ - وظایف دبیرخانه شورای عالی عبارت است از: الف - وظایف عمومی دبیرخانه‌ای از قبیل مکاتبات و امور ارسال و مراسلات ب - امور مربوط به جلسات شورای عالی از قبیل اعلام زمان تشکیل و لغو جلسه به اعضا، تنظیم دستور جلسه تهیه گزارش موضوعات مورد بحث در جلسه و صورتجلسه پ - ثبت نگهداری و ابلاغ مصوبات شورای عالی ت - تهیه و جمع‌آوری اطلاعات لازم و انجام تحقیقات و پژوهش در زمینه حمل و نقل ث - ایجاد بانک اطلاعات در زمینه حمل و نقل شهری در سطح ملی ج - ارایه شاخصها و معیارها و استانداردها و آمار و اطلاعات فنی و کارشناسی و مدیریتی به شورای عالی چ - پیگیری تهیه و اجرای طرحهای جامع حمل و نقل بر اساس اولویتهای مصوب ح - شناسایی و دسته‌بندی مهندسی مشاور و پیمانکاران داخلی و خارجی صاحب صلاحیت خ - تهیه و تدوین شرح خدمات در امر حمل و نقل د - ارایه خدمات فنی و تشکیلاتی و مشورتی به شورای هماهنگی استانها. ذ - ایجاد هماهنگی لازم در کلیه امور مربوط به حمل و نقل و ترافیک درون شهرهای استان و اقدامات مشابه برون شهری بر اساس مصوبات شورای عالی و شرایط استانی ر - برگزاری نشستها و نمایشگاههای تخصصی با همکاری سازمانهای ذی ربط به منظور نیل به اهداف مذکور در قانون ماده ۳ - دبیرخانه شورای عالی زیر نظر دبیر شورا که با حکم رییس شورا منصوب می‌شود، فعالیت می‌کند و محل آن معاونت امور هماهنگی عمرانی وزارت کشور است ماده ۴ - دبیر شورای عالی ریاست جلسات فرعی را که به منظور فراهم آوردن زمینه اجرای مصوبات شورای عالی تشکیل می‌شود، بر عهده دارد و کلیه مکاتبات دبیرخانه با امضای وی انجام می‌شود. ماده ۵ - وظایف دبیرخانه شورای عالی هماهنگی عبارت است از: الف - وظایف عمومی دبیرخانه‌ای از قبیل مکاتبات و امور ارسال و مراسلات ب - امور مربوط به جلسات شورای عالی از قبیل اعلام زمان تشکیل و لغو جلسه به اعضا، تنظیم دستور جلسه تهیه گزارش موضوعات مورد بحث در جلسه و صورتجلسه پ - ثبت نگهداری و ابلاغ مصوبات شورای عالی هماهنگی ت - گردآوری و ابلاغ بانک اطلاعاتی مربوط به حمل و نقل و ترافیک شهرهای استان ث - نظارت بر تهیه طرحهای جامع حمل و نقل شهرها. ج - بررسی و ارزیابی طرحها و برنامه‌های مطرح شده چ - ارایه گزارش به شورای هماهنگی ح - انجام پژوهش و تحقیقات در امر حمل و نقل شهری خ - همکاری با دبیرخانه شورای عالی در زمینه تدوین و ارایه شاخصها و معیارهای لازم د - انجام امور کارشناسی جهت تدوین سیاستهای جامع و هماهنگ حمل و نقل درون شهری برای شهرهای استان بر اساس اهداف مصوب ذ - برگزاری سمینارها و تشکیل نمایشگاههای لازم در زمینه حمل و نقل و ترافیک شهری در سطح استان با تصویب شورای هماهنگی

ماده ۶- دبیرخانه شورای هماهنگی زیر نظر دبیر شورا که با حکم رییس شورا منصوب می‌شود، فعالیت می‌کند و محل آن معاونت امور عمرانی استانداری است ماده ۷- دبیر شورای هماهنگی ریاست جلسات فرعی را که به منظور فراهم آوردن زمینه اجرای مصوبات شورای هماهنگی تشکیل می‌شود، بر عهده دارد و کلیه مکاتبات دبیرخانه با امضای وی انجام می‌شود.

آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده واحده قانون راجع به تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی شهر تهران زیر نظر شهرداری تهران - مصوب ۲۸/۳/۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی

فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱- به منظور ایجاد تمرکز و هماهنگی در امور مربوط به تاکسیرانی و انواع سرویسهای تاکسی شهری در شهرها، وزارت کشور بر اساس مواد (۵۴) و (۸۴) قانون شهرداری - مصوب ۱۳۳۴ اقدامات لازم را معمول می‌کند. ماده ۲- تاکسی عبارت از وسیله نقلیه‌ای - اعم از سواری، استیشن یا هر خودروی مناسب دیگر است که دارای مشخصات معین شده در این آیین نامه است و با امتیاز بهره‌برداری که توسط شهرداری صادر می‌شود، به صورت یکی از سرویسهای تاکسی شهری به جابجایی مسافر در درون شهری پردازد. تبصره - انواع سرویسهای تاکسی شهری که با عناوین، رنگها و فرمهای گوناگون نظیر نارنجی و فرودگاه که با وسایل نقلیه سواری، استیشن یا خودروی مناسب دیگر یا آژانس مشغول به کار هستند، مشمول این آیین نامه هستند. ماده ۳- تمرکز امور مربوط به تاکسیرانی، همچنین کلیه امور مربوط به حمل و نقل عمومی مسافر در درون شهر، در حیطه نظارت و مسئولیت شهرداری است تبصره - شهرداری می‌تواند به منظور رعایت مفاد این آیین نامه، برای اشخاص حقوقی واجد شرایط، مجوز حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری صادر نماید. اشخاص یادشده بر طبق مفاد این آیین نامه و به نمایندگی از شهرداری به حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری اقدام می‌نمایند.

فصل دوم - پروانه اشتغال به حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری با تاکسی (پروانه تاکسیرانی) (ماده ۴ تا ۸)

ماده ۴- پروانه اشتغال به حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری با تاکسی (پروانه تاکسیرانی مجوزی است که پس از طی موفقیت آمیز مراحل مختلف مذکور در این آیین نامه، برای مدت معین حداکثر ۱۲ ساعت در روز)، سرویس مشخص، مسیر و زمان معین توسط شهرداری صادر می‌شود. مجوز مذکور فقط برای اشتغال فرد با وسیله نقلیه مشخص است، اعم از اینکه وسیله نقلیه متعلق به دارنده مجوز باشد یا به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر تعلق داشته باشد. تبصره - شماره پروانه تاکسیرانی به عنوان کد شناسایی راننده نیز به کار خواهد رفت ماده ۵- مراحل مختلف صدور پروانه تاکسیرانی به قرار زیر است الف - ثبت نام از متقاضی ب - امتحان ورودی مطابق با مفاد دستورالعمل امتحان که به تصویب شهرداری می‌رسد. پ - تحقیق در مورد صلاحیت اخلاقی و اجتماعی متقاضی ت - مصاحبه حضوری ث - صدور پروانه تاکسیرانی مطابق مقررات موضوعه توسط شهرداری و در قبال اخذ گواهینامه معتبر رانندگی تبصره ۱- با توجه به درج نوع و شماره گواهینامه رانندگی در پروانه تاکسیرانی، پروانه مزبور برای رانندگی با تاکسی به منزله کارت شهری موضوع آیین نامه راهنمایی و رانندگی و گواهینامه رانندگی است تبصره ۲- تعداد پروانه تاکسیرانی و پروانه بهره‌برداری از امتیاز سرویسهای تاکسی شهری در هر شهر، با رعایت ضوابط مصوب شورای عالی ترافیک، توسط شهرداری تعیین می‌شود. تبصره ۳- هزینه خدمات و هزینه صدور پروانه‌ها و مجوزهای موضوع این آیین نامه و حق امتیاز پروانه بهره‌برداری و حق امتیاز واگذاری نمایندگی به اشخاص حقوقی با تصویب شورای شهر یا جانشین قانونی آن و تایید

وزارت کشور توسط شهرداری از متقاضیان اخذ خواهد شد. تبصره ۴ - مدت اعتبار پروانه تاکسیرانی (۲) سال است و در صورت دارا بودن شرایط، هربار تمدید آن برای (۲) سال دیگر توسط شهرداری مجاز است تبصره ۵ - شهرداری موظف است نسخه‌ای از پروانه تاکسیرانی را برای اطلاع راهنمایی و رانندگی یا هر مرجع ذی صلاح جانشین ارسال کند. ماده ۶ - شرایط لازم برای دریافت پروانه تاکسیرانی به شرح زیر می‌باشد: الف - داشتن حداقل (۲۳) سال سن ب - داشتن حداقل گواهی پایان دوره ابتدایی یا گواهی نهضت سوادآموزی معادل آن برای افرادی که کمتر از (۵۰) سال سن دارند و سواد خواندن و نوشتن برای افرادی که دارای بیش از (۵۰) سال سن هستند. پ - داشتن برگ پایان خدمت یا معافیت از خدمت وظیفه عمومی ت - دارا بودن گواهینامه معتبر رانندگی اتومبیل که حداقل یک سال از تاریخ دریافت آن گذشته باشد. ث - داشتن تاهل ج - تابعیت جمهوری اسلامی ایران چ - نداشتن سو پیشینه ح - عدم اشتغال به فساد اخلاقی خ - ارایه گواهی صحت بدنی و فکری و عدم اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی د - محروم نبودن از حقوق اجتماعی یا اشتغال به رانندگی از طرف مراجع ذیصلاح ذ - التزام به رعایت شئون اسلامی ر - نداشتن شغل دیگر. تبصره - در صورت فقدان هر یک از شرایط یاد شده اعتبار پروانه خاتمه می‌پذیرد. ماده ۷ - متقاضی صدور پروانه تاکسیرانی مکلف به سپردن تعهد رسمی مبنی بر عدم انجام تخلفات موضوع این آیین نامه و قبول تصمیمهای هیاتهای انضباطی و رعایت دستورالعملهای صادر شده است ماده ۸ - امور زیر از تخلفات تاکسیرانی محسوب و مرتکبین تابع تصمیمهای هیاتهای انضباطی خواهند بود: ۱ - امتناع از حمل مسافر یا حمل مسافر با شرایطی خارج از مقررات ۲ - عدم رعایت شئون اسلامی و اجتماعی ۳ - عدم انجام کشیکهای محوله و رعایت مقررات آن ۴ - اقدام به تاکسیرانی برای غیر از ساعت، مسیر و سرویسی که در پروانه قید شده است ۵ - ارتکاب به جرم در هنگام تاکسیرانی یا با استفاده از تاکسی ۶ - عدم رعایت نرخهای مصوب و عدم استفاده از تاکسی متر در صورت نصب و الزام استفاده از آن ۷ - عدم رعایت مقررات مربوط به حمل مسافر و تکرار تخلفات راهنمایی و رانندگی ۸ - استفاده از پلاک شناسایی راننده دیگر در هنگام ارایه سرویس ۹ - نصب و استفاده از وسایل غیرمجاز که مخالف دستورالعملهای صادر شده باشد، در تاکسی

فصل سوم - پروانه بهره‌برداری از امتیاز سرویسهای تاکسی شهری (ماده ۹ تا ۱۳)

ماده ۹ - ارایه انواع سرویسهای تاکسی شهری در هر شهر با مدیریت شهرداری صورت می‌گیرد و ارایه هر یک از انواع سرویسهای مذکور توسط اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط، مستلزم اخذ موافقتنامه اصولی و ارایه پروانه سرویس تاکسی شهری برای هر تاکسی از شهرداری است پروانه مذکور در این آیین نامه به اختصار (پروانه بهره‌برداری) نامیده می‌شود. تبصره ۱ - شماره پروانه بهره‌برداری عنوان کد شناسایی وسیله نقلیه (تاکسی) را نیز خواهد داشت تبصره ۲ - اعتبار پروانه بهره‌برداری (۲) سال است و در صورت عدم تغییر شرایط مندرج در قرارداد، هر بار برای مدت (۲) سال دیگر قابل تمدید است ماده ۱۰ - شماره گذاری وسایط نقلیه به عنوان تاکسی توسط مرجع شماره گذاری با ارایه پروانه بهره‌برداری معتبر امکان‌پذیر است تبصره - فرم، رنگ، تعداد ارقام و حروف قابل درج در شماره تاکسی توسط شهرداری با هماهنگی سازمان شهرداریهای کشور و نیروی انتظامی تعیین خواهد شد. ماده ۱۱ - پروانه بهره‌برداری که به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط قابل واگذاری است تبصره - برای شخص حقیقی واجد شرایط فقط یک پروانه بهره‌برداری صادر می‌شود. ماده ۱۲ - شرایط اشخاص حقیقی برای دریافت پروانه بهره‌برداری به شرح زیر می‌باشد: ۱ - داشتن پروانه تاکسیرانی معتبر. ۲ - معرفی یک دستگاه وسیله نقلیه مناسب مطابق با ضوابط این آیین نامه به عنوان تاکسی ۳ - انعقاد قرارداد در قالب مفاد ماده (۱۰) قانون مدنی به منظور قبول تعهدات و شرایط زیر، همچنین تصمیمهای هیات انضباطی موضوع ماده (۱۵) این آیین نامه: الف - تعهد ارایه فقط یکی از سرویسهای تاکسی برابر مفاد قرارداد و روزانه حداقل یک

نوبت کاری ۸) ساعته حداکثر اضافه کار یک فرد که ارایه سرویس را در یک نوبت کاری (۸) ساعته قبول می‌کند ، (۴) ساعت است که میزان آن توسط شهرداری در پروانه تاکسیرانی قید می‌شود. دارنده پروانه بهره‌برداری با موافقت شهرداری ، اختیار ارایه همان سرویس در نوبت کاری دیگر را منوط به قید موضوع در قرارداد و معرفی فرد دارای پروانه تاکسیرانی دیگر دارد. در این صورت مسئولیت‌های ارایه سرویس در نوبت کاری دیگر نیز کماکان به عهده دارنده پروانه بهره‌برداری است ب - اعلام زمان استفاده از مرخصی سالیانه به مدت یک ماه که ضمن آن ممکن است حداقل یک نوبت کاری ارایه سرویس تعطیل شود. دارنده پروانه بهره‌برداری فقط در مدت مرخصی سالیانه می‌تواند به جای خود فرد دارای پروانه تاکسیرانی دیگری را برای ارایه سرویس در نوبت کاری مورد تعهد معرفی نماید. پ - تعهد به انجام نوع سرویس و مسیر و زمانهای شروع و خاتمه هر نوبت کاری سرویس درج شده در پروانه تاکسیرانی ت - تقبل انجام برنامه‌های مربوط به کشیک ث - تعهد به انجام مرتب نظافت بیرون و داخل تاکسی و رعایت شوون اسلامی و اجتماعی و عدم نصب لوازم و اشیای غیرمجاز در تاکسی برابر دستورالعملهای ارایه شده ج - تعهد به تهیه و استفاده از لباس فرم نظیف توسط راننده هنگام ارایه سرویس و نصب پلاک کدشناسایی راننده بر روی شیشه عقب خودرو برای رویت از خارج ، همچنین نصب کد شناسایی راننده و وسیله نقلیه (تاکسی) در داخل اتومبیل در محل قابت رویت مسافر برابر دستورالعملهای شهرداری چ - تعهد به عدم سپردن تاکسی برای ارایه سرویس به افراد فاقد پروانه تاکسیرانی معتبر و نیز بهره‌برداری از تاکسی در زمانی که پروانه بهره‌برداری توسط مراجع ذی‌ربط طبق مقررات اخذ یا به‌طور موقت تا صدور پروانه بهره‌برداری جدید باطل شده است ح - تعهد به اعلام علت عدم ارایه سرویس ظرف (۴۸) ساعت از تاریخ توقف تاکسی به شهرداری خ - تعهد به رعایت نرخهای مصوب و نیز نصب و استفاده از تاکسی متر طبق دستورالعملهای صادر شده د - تعهد به عدم امتناع از حمل مسافر ، همچنین عدم اقدام به حمل مسافر با اعمال شرایط شخصی و خارج از مقررات ذ - تعهد به استفاده از تابلو (خارج از سرویس) در مواردی که بنا به دلایل نقص فنی اتومبیل یا پایان نوبت کاری یا بنا به اضطرار قابل توجیه ، پذیرش مسافر ممکن نباشد. ر - تعهد به توجه کامل به اخطارها و تذکرات بازرسان شهرداری در امور تاکسیرانی ماده ۱۳ - اشخاص حقوقی با احراز شرایط زیر و دریافت پروانه بهره‌برداری می‌توانند به نمایندگی از شهرداری اقدام به حمل و نقل عمومی مسافر در شهر بنمایند: ۱ - تاسیس شرکت با موضوع حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری توسط انواع اتومبیلهای سواری ، استیشن یا خودرو مناسب مدل بالا - که حداکثر (۵) مدل پایین تر از مدل همان سال باشد برای انجام سرویسهایی که در موافقت نامه اصولی به اطلاع متقاضی می‌رسد. تبصره ۱ - شرکتهای تعاونی ایجاد شده توسط اشخاص حقیقی که تا تاریخ تصویب این آیین نامه دارای تاکسی بوده و در اجرای این آیین نامه پروانه بهره‌برداری دریافت کرده باشند ، مشروط به استفاده از پروانه بهره‌برداری تاکسی خود در شرکت ، در اولویت هستند. تبصره ۲ - شرکتهای تعاونی تاکسیرانی در امور غیر حمل و نقل اعم از خدمات رفاهی و پشتیبانیاعضا تابع قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران خواهند بود. ۲ - حداقل و حداکثر تعداد وسیله نقلیه با توجه به نوع وسیله نقلیه اعم از ملکی یا قراردادی که شرکت می‌تواند به کارگیرد ، برابر ضوابطی است که از طرف شهرداری با هماهنگی شورای عالی ترافیک تعیین می‌شود. تبصره ۱ - چنانچه خودروی مناسب دیگری معرفی شود ، حداقل تعداد توسط شهرداری اعلام خواهد شد. حداکثر تعداد آن اتومبیلهای ملکی و قراردادی هر شرکت نباید از هفت برابر تعداد اتومبیلهای شرکتی که کمترین تعداد وسیله نقلیه را دارد بیشتر باشد. تبصره ۲ - شرکتهایی که با توجه به شرایط موضوع این ماده تاسیس و مشغول به کار می‌شوند ، می‌توانند در حدود معین شده در بند (۲) این ماده از اتومبیلهای واجد شرایط اشخاص حقیقی و حقوقی با تنظیم قرارداد در جهت ارایه سرویسهایی که در قرارداد مشخص می‌شود استفاده نمایند. در این صورت شرکت نسخه دوم قرارداد را به شهرداری ارایه و پس از اخذ پروانه بهره‌برداری به نام شرکت ، اتومبیل را تحت نظارت خود مورد استفاده قرار می‌دهد. چنانچه هر شخص حقیقی دارای پروانه بهره‌برداری معتبر ، مایل باشد تاکسی متعلق به وی توسط یکی از این شرکتها مورد استفاده قرار گیرد ، باید ضمن انعقاد قرارداد با شرکت مورد نظر ، پروانه بهره‌برداری خود را

به شرکت تسلیم کند. شرکت، پروانه بهره‌برداری وسیله نقلیه مذکور را به همراه نسخه دوم قرارداد به شهرداری ارایه و پروانه بهره‌برداری بنام شرکت دریافت می‌کند. پروانه بهره‌برداری شخصی که به این ترتیب در اختیار شهرداری قرار می‌گیرد، پس از خاتمه قرارداد و در صورتی که مالک اتومبیل همچنان واجد شرایط باشد، از طرف شهرداری به وی اعاده خواهد شد. حداقل زمان قراردادها طبق ضوابطی خواهد بود که توسط شهرداری هر شهر تعیین می‌شود. ۳- معرفی دفتر و توقفگاه مناسب با حداقل یک شماره تلفن ۴- انعقاد قرارداد در قالب مفاد ماده (۱۰) قانون مدنی برای ارایه سرویسهای محوله به نمایندگی از طرف شهرداری با قبول کلیه تعهدات و شرایط ذیل و تصمیمهای هیاتهای انضباطی الف - تعهد به ارایه سرویس تاکسی برابر مشخصات قرارداد حداقل یک نوبت کاری (۸) ساعته برای هر اتومبیل شرکت، توسط افراد دارای پروانه تاکسیرانی ب - تعهد به اینکه در هیچ زمان سرویس ارایه شده توسط اتومبیلهای شرکت کمتر از چهارپنجم تعداد اتومبیلهای معرفی شده نباشد. در غیر این صورت باید ظرف حداکثر (۲۴) ساعت شهرداری رامطلع کند. پ - تعهد به تقبل انجام برنامه‌های کشیک و مقررات مربوط ت - تعهد به انجام نظافت درون و بیرون تاکسی و رعایت شئون اسلامی و اجتماعی برابر دستورالعملهای صادره شده ث - تعهد به تهیه و استفاده از لباس هم شکل توسط رانندگان شرکت هنگام ارایه سرویس، همچنین نصب کد شناسایی راننده و وسیله نقلیه (تاکسی در داخل اتومبیل در محل قابل رویت مسافر و شیشه عقب اتومبیل به نحوی که از بیرون قابل رویت باشد. ج - تعهد به تجهیز شرکت به سیستم ارتباطی با ارایه اشتراک در سیستم ارتباطی شرکتهای مشابه در صورت اعلام شهرداری مبنی بر استفاده از سیستم ارتباطی، با رعایت قوانین و مقررات مربوط چ - تعهد مبنی بر عدم واگذاری سهام شرکت تحت هر عنوان به اشخاص دیگر، مگر با اطلاع شهرداری ح - تعهد به استفاده از تابلو (خارج از سرویس) در تاکسیهای شرکت در مواردی که بنا به دلایل فنی یا اضطراری قابل توجیه یا اتمام نوبت کاری پذیرش مسافر ممکن نباشد. خ - تعهد به رعایت نرخهای مصوب و نصب و استفاده از تاکسی متر برابر دستورالعملهای صادر شده د - تعهد به عدم امتناع از حمل مسافر، همچنین عدم اقدام به حمل مسافر با شرایط شخصی و خارج از مقررات ذ - تعهد به توجه کامل به اخطارها و تذکراتی بازرسین شهرداری ر - تعهد به عدم استفاده از وسایط نقلیه‌ای که پروانه بهره‌برداری آن به نام شرکت نیست

فصل چهارم - نحوه نقل و انتقال حقوق پروانه بهره‌برداری (ماده ۱۴ تا ۱۹)

ماده ۱۴ - انتقال حقوق متعارف اشخاص ناشی از داشتن پروانه بهره‌برداری معتبر فقط به اشخاصی که برابر مفاد این آیین نامه واجد شرایط واگذاری پروانه بهره‌برداری باشند و با طی مراحل زیر از طریق شهرداری صورت می‌گیرد: ۱ - متقاضی انتقال، مشخصات کامل پروانه بهره‌برداری و مشخصات انتقال گیرنده را طی فرمی تسلیم دفتر مخصوص انتقالات پروانه بهره‌برداری تاکسی مستقر در شهرداری می‌نماید. ۲ - شهرداری بلافاصله و در صورت معتبر بودن پروانه بهره‌برداری، همچنین واجد شرایط بودن انتقال گیرنده فرم موافقت نامه اصولی انتقال را به متقاضی تسلیم می‌کند. ۳ - انتقال حقوق پروانه بهره‌برداری صرفاً به طور رسمی و با ثبت در دفاتر اسناد رسمی معرفی شده از طرف شهرداری ممکن است دفاتر اسناد رسمی مذکور مکلفند بر اساس مشخصات موافقت نامه اصولی معتبر صادره از سوی شهرداری نسبت به ثبت اسناد معامله اقدام و پروانه بهره‌برداری مورد معامله را به مهر باطل شد که از سوی شهرداری در اختیار آنها گذارده می‌شود، مههور کنند. تبصره - وسیله نقلیه (تاکسی در طول مدتی که پروانه بهره‌برداری مربوط به آن باطل یا مضبوط است، حق تردد ندارد و متخلف تحت پیگرد قرار می‌گیرد. ۴ - شخصی که حقوق پروانه بهره‌برداری به او منتقل شده است، پروانه بهره‌برداری باطل شده و تصویری از سند انتقال را به شهرداری تسلیم می‌کند. شهرداری موظف است پروانه بهره‌برداری جدید به نام متقاضی صادر و آن را ظرف (۲۴) ساعت به وی تسلیم کند. تبصره ۱ - چنانچه حقوق

متعارف ناشی از پروانه بهره‌برداری معتبر، به صورت قهری اعم از ارث یا در اثر اجرای احکام مراجع قضایی به اشخاص منتقل شود، پروانه بهره‌برداری از تاریخ انتقال رسمی حقوق مذکور از درجه اعتبار ساقط و باطل می‌شود. اشخاص صاحب حق مکلفند حداکثر ظرف سه ماه با رعایت مفاد این ماده و بندهای آن و با ارایه گواهی انحصار وراثت و حکم قطعی مرجع قضایی نسبت به درخواست صدور پروانه بهره‌برداری جدید به ن ۱۰d۴ ستناد حکم انحصار وراثت یا حکم قطعی مراجع قضایی حقوق ناشی از پروانه بهره‌برداری معتبر به یک یا عده‌ای محجور (صغار، اشخاص غیر رشید، مجانین تعلق یابد، به درخواست ولی یا قیم اشخاص محجور و نیز رضایت سایر صاحبان احتمالی حقوق و درخصوص ورثه سایر وراثت در صورتی که تا کسی به تشخیص هیات انضباطی وسیله امرار معاش اشخاص محجور باشد، تا هنگام رفع محجوریت از تمامی آنها، شهرداری با استفاده از حقوق پروانه بهره‌برداری توسط ولی یا قیم به نفع اشخاص محجور، از طریق معرفی اشخاص دارای پروانه تاکسیرانی برای هر نوبت کاری موافقت می‌کند. ماده ۱۵ - در هر شهر توسط شهرداری به تعداد مورد نیاز هیاتهای سه نفره انضباطی به منظور رسیدگی به تخلفات تاکسیرانان و تا کسی داران و نیز وظایفی که در این آیین نامه ذکر شده است، مرکب از نماینده تا کسی داران دارای پروانه بهره‌برداری یا نماینده اشخاص حقوقی که به نمایندگی شهرداری اقدام به حمل و نقل عمومی مسافر می‌نمایند یا تاکسیرانان دارای پروانه تاکسیرانی حسب مورد مطرح شده در هیات و نماینده شهرداری و نماینده شورای اسلامی شهر یا جانشین قانونی آن تشکیل خواهد شد. تصمیمات هیات قطعی و لازم‌الاجراست تبصره ۱ - جلسات هیات مذکور به ریاست نماینده شورای اسلامی شهر یا جانشین قانونی وی و بنا به دعوت شهرداری، حداقل هر ماه یک بار، در محل تعیین شده توسط شهرداری و با حضور کلیه اعضا تشکیل و تصمیمهای هیات با اکثریت دو رای وقتی معتبر است که نماینده شهرداری یکی از آن دو نفر باشد. رای اقلیت نیز به صورت مستند و مستدل درج می‌شود. تبصره ۲ - هیات پس از وصول پرونده تخلفات از شهرداری، به ذی نفع اعلام می‌نماید که ظرف ده روز توضیحات خود را کتبا برای هیات ارسال کند. پس از انقضای مدت مذکور هیات مکلف است ظرف یک ماه بر حسب مورد و بر اساس مقررات تصمیم مقتضی اتخاذ نماید. تبصره ۳ - در صورتی که تخلف راننده و دارنده تا کسی از جرایم مندرج در سایر قوانین مملکتی از جمله ق ۵۹C این جزایی باشد، علاوه بر اعمال تصمیمهای هیات انضباطی، مراتب جهت اعمال مقررات کیفری مناسب به مراجع ذی صلاح قضایی نیز منعکس می‌شود. تبصره ۴ - افرادی که پروانه تاکسیرانی آنها به صورت دائم باطل می‌شود، حق ثبت نام مجدد برای دریافت پروانه جدید نخواهند داشت ماده ۱۶ - شهرداری می‌تواند در تشکیل شرکتهای تعاونی مصرف، مسکن، خدمات فرهنگی، ورزشی و رفاهی، خدمات پزشکی و درمانی، خدمات تعمیرگاهی و تامین لوازم یدکی، حمایتاقتصاد ۵۹C و صندوق قرض الحسنه برای تاکسیرانان و تاکسیداران اهتمام ورزیده و در حد امکان در زمینه تحقق نیازهای فوق مشارکت نماید. ماده ۱۷ - شهرداری برای تنظیم و اداره امور تاکسیرانی در شهر می‌تواند در احداث ایستگاه تا کسی، ترمینالهای درون شهری، مرکز معاملات تا کسی و ایجاد جایگاههای توزیع موقت و ایجاد تسهیلات برای راه اندازی سیستمهای ارتباطی از جمله بی سیم، اقدامات لازم را معمول نماید. تبصره - استفاده از دستگاههای بی سیم منوط به کسب مجوزهای قان ۱۶۷۰ ونی لازم از دستگاههای ذی ربط است ماده ۱۸ - کلیه ضوابط، آیین نامه ها و دستورالعملهای مغایر با مفاد این آیین نامه از تاریخ تصویب ملغی می‌شود. ماده ۱۹ - در اجرای ماده (۶۲) قانون شهرداری وزارت کشور می‌تواند در ارتباط با مسئولیتهای شهرداریها در امور تاکسیرانی هماهنگیهای لازم را ایجاد نماید.

قانون تفسیر تبصره یک ماده واحده قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی عمومی - مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۵۱

ماده واحده - با توجه به بند ۲ ماده ۱۹۹ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۹ اسفندماه ۱۳۴۷ و عبارت مصرح در قسمت اخیر آن (مگر اینکه مدت قبل از انقضا تمدید شده باشد) و به لحاظ اینکه از تبصره یک ماده واحد مصوب ۱۶ بهمن ۱۳۳۱ استنباط

عدم امکان تمدید مدت نمی‌شود لذا تمدید مدت شرکت اتوبوسرانی عمومی قبل از انقضا بلامانع است

قانون واگذاری امور مربوط به راهنمایی و رانندگی شهر تهران به شهرداری پایتخت - مصوب ۷/۱۲/۱۳۵۳

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون کلیه امور مربوط به راهنمایی و رانندگی و ترافیک اعم از صدور پروانه رانندگی - نصب علائم - صدور اجازه نصب شماره اتومبیل (پلاک) و وسایط نقلیه در محدوده قانونی شهر تهران به شهرداری پایتخت واگذار می‌شود. تبصره ۱ - افسران و همچنین کارمندان و هم‌ردیفان و درجه‌داران و افراد با رعایت قوانین و مقررات استخدامی و کیفری مورد عمل نیروهای مسلح برای انجام امور محول به صورت مأمور در اختیار شهردار پایتخت گذارده می‌شوند لکن از نظر امور حفاظتی و امنیتی زیر نظر شهرداری کشور انجام وظیفه نموده و دستورات و خط مشی های صادره شهرداری کشور را اجرا خواهند کرد. تبصره ۲ - بودجه و اعتبارات مورد نیاز امور پرسنلی و تدارکات و تجهیزات پرسنلی مربوط به راهنمایی و رانندگی پایتخت همه ساله توسط شهرداری پایتخت تهیه و از طریق شهرداری کشور بررسی و یکجا به طور مشخص در بودجه سنواتی منظور می‌گردد. بودجه و اعتبارات و تجهیزات و تدارکات عمومی و سایر نیازمندیها به وسیله شهرداری تهیه و پس از تایید انجمن شهر به دولت پیشنهاد می‌گردد که یک قلم در بودجه کل کشور منظور و پس از تصویب به عنوان کمک هر ساله در اختیار شهرداری پایتخت قرار گیرد. تبصره ۳ - کلیه وسایط نقلیه موتوری و تجهیزات فنی و ارتباطی امور راهنمایی و رانندگی مربوط به محدوده شهر تهران که به هر نحو در اختیار اداره راهنمایی شهرداری کشور می‌باشد و همچنین کلیه تجهیزات و ساختمانهایی که در تهران از محل اخذ جریمه احداث یا خریداری گردیده است بلا-عوض به شهرداری پایتخت واگذار می‌گردد. تبصره ۴ - اجرای کلیه قوانین و آیین‌نامه‌ها و مقررات موضوعه مربوط به امور راهنمایی و رانندگی پایتخت همچنین کلیه اختیارات و وظایف که به موجب مقررات موضوعه مربوط به امر راهنمایی و رانندگی به شهرداری کشور واگذار گردیده است عینا در شهر تهران به شهرداری پایتخت واگذار می‌گردد. تبصره ۵ - وجوه حاصل از جرایم تخلفات رانندگی اعم از موجودی و وصولی که طبق قانون نحوه رسیدگی به تخلف و اخذ جرایم رانندگی در تهران وصول می‌شود کلا در حساب مخصوص که توسط شهرداری پایتخت در بانک مرکزی ایران افتتاح می‌شود واریز و منحصر به منظور بهبود امور راهنمایی و رانندگی و پارکینگ طبق آیین نامه خاص که به تصویب انجمن شهر خواهد رسید مصرف خواهد شد. قانون فوق مشتمل بر یک ماده و پنج تبصره پس از تصویب مجلس سنا در جلسه روز دوشنبه ۷/۱۱/۱۳۵۳، در جلسه روز سه‌شنبه بیست و نهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و سه شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

قانون الحاق یک تبصره به قانون واگذاری امور مربوط به راهنمایی و رانندگی شهر تهران به شهرداری پایتخت

ماده واحده - تبصره زیر به عنوان تبصره ۶ به ماده واحده قانون واگذاری امور مربوط به راهنمایی و رانندگی شهر تهران به شهرداری پایتخت مصوب سال ۱۳۵۳ اضافه می‌شود. تبصره ۶ - کلیه لوازم و تجهیزات از قبیل دستگاههای فرستنده و گیرنده و علائم و چراغهای راهنمایی و دستگاههای کنترل کننده مرکزی و وسایط نقلیه (به استثنای اتومبیل سواری شخصی و موتورسیکلت و ابزار و لوازم یدکی آنها که به تصویب هیات وزیران منحصر برای مصارف اداره راهنمایی و رانندگی تهران خریداری و مستقیما به نام اداره مذکور از خارج وارد می‌شود از پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض معاف خواهد بود، ولی هزینه گمرکی باید پرداخت شود.

قانون الحاق سه تبصره به بند (۱۲) ماده (۴) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ - مصوب ۱

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون سه تبصره به ذیل بند (۱۲) ماده (۴) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۲۷/۴/۱۳۶۹ الحاق می گردد: تبصره ۱ - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است کلیه امور راهنمایی و رانندگی شهر تهران را برابر با سیاستها و برنامه‌های شهرداری شهر تهران و در چهارچوب قانون به اجرا درآورد. تامین کلیه تجهیزات و تاسیسات و بودجه و امکانات مورد نیاز اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران به استثنای حقوق و مزایای پرسنل و تجهیزات مخابراتی و سلاح و مهمات بر عهده شهرداری شهر تهران می باشد. کلیه امکانات و تجهیزات موجود اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران عینا در این اداره باقی خواهد ماند. تبصره ۲ - اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران عندالزوم در زمینه برقراری امنیت برابر با ابلاغیه های نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) انجام وظیفه می نماید. تبصره ۳ - چگونگی اجرای این قانون از جمله نحوه عزل و نصب رییس اداره راهنمایی و رانندگی شهر تهران با رعایت اصل یکصد و دهم (۱۱۰) قانون اساسی (به استثنای موارد مربوط به امور امنیتی و انتظامی که به تصویب فرماندهی کل قوا می رسد) مطابق با آیین نامه ای می باشد که حداکثر ظرف مدت شش ماه توسط وزارت کشور با هماهنگی و همکاری ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی - مصوب ۳۰/۳/۱۳۵۰ و اصلاحیه های بعدی

ماده ۱ - در شهرهایی که از طرف شهربانی کل کشور با موافقت وزارت کشور تعیین و آگهی می شود به افسر شهربانی که آموزش لازم دیده و برای تشخیص تخلفات رانندگی تعیین شده باشند اجازه داده می شود که متخلفین از آیین نامه راهنمایی و رانندگی را در محل و حین مشاهده تخلف متوقف کرده و جریمه نقدی را با تسلیم قبض رسید وصول نمایند. در صورتی که متخلف در محل از پرداخت جریمه خودداری کند مأمور مربوط بر گه اخطاریه که زمان و محل وقوع تخلف و نوع آن و نام و شماره گواهینامه راننده و مشخصات وسیله نقلیه همچنین مشخصات مأمور مزبور در آن ذکر شده باشد به متخلف تسلیم می کند. در صورتی که متوقف ساختن وسیله نقلیه مقدور نباشد مأمور مربوط گزارش خود را که حاکی از مشخصات و شماره وسیله نقلیه و نوع تخلف و روز و ساعت و محل وقوع تخلف خواهد بود تنظیم و برای تعقیب متخلف به اداره مربوط تسلیم می کند. در مورد وسیله نقلیه ای که در محل غیرمجاز متوقف شده باشد در صورت عدم حضور متخلف مأموران مذکور می تواند اخطاریه مزبور را با ذکر مشخصات وسیله نقلیه و زمان و مکان وقوع تخلف و نوع آن و مشخصات خود به وسیله نقلیه الصاق نمایند. در هر یک از موارد فوق متخلف می تواند ظرف ۱۵ روز از تاریخ مندرج در اخطاریه جریمه مقرر رابه حسابی که از طرف خزانه داری کل تعیین و اعلام می شود پرداخت و رسید دریافت نماید تا نسبت به آن ظرف همان مدت با ذکر دلیل به دادگاه بخش اعتراض کند. به معترضینی که برای تسلیم اعتراض خود به دادگاه مراجعه می نمایند در صورتی که در همان موقع امکان رسیدگی به اعتراض آنها نباشد ورقه ای حاوی شماره اخطاریه مورد اعتراض تاریخ وصول اعتراض و وقت رسیدگی دادگاه داده می شود اعتبار ورقه مزبور تا تاریخ رسیدگی مندرج در آن است دادگاه پس از رسیدگی هرگاه اعتراض را وارد تشخیص نداد متخلف را به دو تا سه برابر اصل جریمه محکوم می نماید. هرگاه متخلف در موعد ۱۵ روز مهلت جریمه را پرداخت ننماید و اعتراض هم به دادگاه نکرده باشد جریمه را باید به مأخذ دو برابر مبلغ مندرج در اخطاریه به حساب خزانه داری کل پردازد. اگر هیچگونه اقدامی ظرف مدت یکماه از تاریخ اخطاریه به عمل نیاید متخلف در ساعت اداری به دادگاه اعزام می شود و پس از رسیدگی نسبت به علت عدم پرداخت جریمه در صورتی که عذر او موجه تشخیص شود فقط به اصل جریمه والا به دو تا سه برابر آن محکوم می شود. تبصره ۱ - رسیدگی به تخلفات رانندگی وسایل نقلیه موتوری با دادگاه بخش است تبصره ۲ - چنانچه دادگاه ضمن رسیدگی گزارش مأمور مربوط را خلاف تشخیص دهد باید

مراتب را برای تعقیب مأمور به شهربانی کل یا ژاندارمری کل کشور اعلام نماید. تبصره ۳- در شهر تهران متخلفین از آیین نامه راهنمایی و رانندگی باید ظرف مدت پانزده روز از تاریخ تسلیم برگ اخطاریه به راننده یا الصاق آن به وسیله نقلیه جریمه مقرر را در یکی از شعب بانک ملی به حسابی که از طرف شهرداری در بانک ملی مفتوح می‌شود پرداخت نمایند، در صورت عدم پرداخت جریمه در موعد مقرر مبلغ آن به دو برابر افزایش می‌یابد و متخلف مکلف است که این مبلغ را به حساب مذکور در فوق پرداخت نماید، چنانچه متخلف به نوع تخلف و جریمه تعیین شده در اخطاریه صادره اعتراض داشته باشد می‌تواند اعتراض خود را ظرف مدت پانزده (۱۵) روز از تاریخ صدور اخطاریه با ذکر دلیل به دادگاه تسلیم کند، دادگاه پس از رسیدگی در صورت احراز تخلف متخلف را به پرداخت جزای نقدی معادل دو یا سه برابر اصل جریمه محکوم می‌نماید به تشخیص دادگاه مربوطه در مورد معترضینی که دارای عذر موجه باشند عدم رعایت پانزده (۱۵) روز مهلت اعتراض سلب حق اعتراض نمی‌نماید. تبصره ۴- تطبیق میزان جریمه یا نوع تخلفات رانندگان توسط افسران یا مأمورین مجاز تعیین می‌گردد، که در شهر تهران وسیله کامپیوتر تنظیم و کنترل می‌شود و دادگاه فقط در صورت ضرورت گزارش تخلف را مطالبه و بررسی خواهد کرد. ماده ۲- مجازات تخلفات رانندگی طبق آیین نامه از یکصد الی یکهزار ریال است ماده ۳- (وجوه حاصل از محل جرایم رانندگی در حوزه هر شهر در حساب مخصوصی که از طرف خزانه افتتاح می‌شود نگهداری خواهد شد، بیست درصد وجوه مزبور را برای ایجاد توقفگاه‌ها (پارکینگ و اصلاح معابر در اختیار شهرداری محل گذارده می‌شود و ۸۰ درصد بقیه به عنوان درآمد اختصاصی در اختیار شهربانی محل گذارده خواهد شد که برای تهیه وسایل خط‌کشی و نصب علائم و چراغ‌های راهنمایی و حسن انتظام عبور و مرور به مصرف برسد. نحوه مصرف وجوه مزبور به موجب آیین نامه این قانون تعیین خواهد شد) خط‌کشی معابر در شهر تهران از وظایف شهرداری تهران خواهد بود. تبصره ۱- در سال ۱۳۵۰ معادل مبلغی که ضمن ردیف ۴۲۰۲ درآمد عمومی بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور منظور شده از محل وجوه حاصل از جرایم رانندگی در حوزه شهر تهران به درآمد عمومی منتقل و مازاد آن به حساب موضوع این ماده منظور می‌شود. از سال ۱۳۵۱ به طریقی که در متن این ماده مذکور است عمل خواهد شد. تبصره ۲- در شهر تهران شهرداری می‌تواند به درجه‌داران دیپلمه و مأمورین مورد تایید اداره راهنمایی و رانندگی تهران که آموزش لازم دیده باشند اختیارات و وظایف افسران مندرج در ماده یک این قانون را از لحاظ تشخیص تخلف و صدور اخطاریه تفویض نماید و در شهرستانهای دیگر به پیشنهاد راهنمایی آن شهر و تصویب شهربانی مربوطه تفویض اختیار می‌شود. ماده ۴- وجوه حاصل از جرایم تخلفات رانندگی در حوزه مسئولیت پلیس راه ژاندارمری کل کشور به عنوان درآمد اختصاصی ژاندارمری کل کشور منظور می‌شود و بر اساس بودجه‌ای که به پیشنهاد وزارت کشور و موافقت دفتر مرکزی بودجه و وزارت دارایی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد به مصرف هزینه‌های مربوط به پیشگیری از تصادفات کمک به تهیه وسایل و لوازم‌مخابراتی و موتوری مورد نیاز پلیس راه و نیز ایجاد تأسیسات در جاده‌های خارج از محدوده شهرها خواهد رسید نحوه مصرف وجوه مزبور طبق آیین نامه این قانون تعیین خواهد شد. تبصره - در سال ۱۳۵۰ معادل مبلغی که ضمن ردیف ۴۲۰۳ درآمد عمومی بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور منظور شده از محل وجوه حاصل از جرایم رانندگی موضوع این ماده به درآمد عمومی منتقل و مازاد آن به عنوان درآمد اختصاصی ژاندارمری کل کشور منظور می‌شود از سال ۱۳۵۱ به طریقی که در متن این ماده مذکور است عمل خواهد شد. ماده ۵- مأمورین مذکور در ماده ۱ این قانون می‌توانند حسب مورد و نوع تخلف گواهینامه رانندگی متخلف را با دادن رسید حداکثر تا یکماه ضبط نمایند، نوع تخلفات و مدت ضبط گواهینامه و نحوه‌جلوگیری از ادامه رانندگی راننده متخلف و مهلتی را که باید در موارد ضروری برای ادامه رانندگی موقت به راننده متخلف داد ضمن آیین نامه این ماده تعیین خواهد شد، رسید مزبور در مهلت مندرج در آن در حکم پروانه رانندگی است و ماده ۶- محلهایی که توقف وسایل نقلیه در آن محل‌ها موجب بروز خطر و انسداد راه می‌شود باید با نصب علائم مخصوص رانندگی وسیله مسئولان مربوط مشخص شود، در صورت توقف وسایل نقلیه در این قبیل محلها و پیاده‌روها مأموران مربوط مجازند

با وسایل اطمینان بخشی که برای این کار معمول است وسیله نقلیه مزبور را به نزدیکترین توقفگاه یا منطقه مجاز انتقال داده جرمه مقرر را با حق توقف در توقفگاه از متخلف دریافت کنند. تبصره ۱- علایم مخصوص در سواره‌روهای مذکور در این ماده باید از علایم معمولی توقف ممنوع متمایز باشد. تبصره ۲- در شهر تهران در تصادفات وسایل نقلیه که فقط منجر به خسارت مالی شده باشند رانندگان مکلفند وسیله نقلیه خود را فوراً به کنار معابر هدایت کنند تا توافق نموده یا جهت بررسی تقاضای اعزام افسر کارشناس نمایند و در صورت امتناع رانندگان از رفع سد معبر پلیس با وسایل مقتضی رفع سد معبر می‌نمایند و با مشاهده محل وقوع تصادف از طرف افسر راهنمایی در صورت لزوم کروکی تصادف ترسیم و با متخلف طبق ماده یک اقدام می‌نمایند. ماده ۷- در شهرهایی که از طرف شهرداری در خیابانها و معابر پارکومتر نصب و یا توقفگاه ایجاد می‌شود حق توقف متناسبی با تصویب انجمن شهر محل دریافت خواهد شد. ماده ۸- در صورتی که عابر پیاده در عبور از سواره‌رو و معابر و خیابانها جز از نقاطی که خط‌کشی شده و مخصوص عبور عابر پیاده است (محل مجاز) از محل دیگری (محلهای غیرمجاز) عبور نماید متخلف شناخته می‌شود و مکلف به پرداخت جرمه مقرر در آیین نامه می‌باشد و در صورتی که در این قبیل نقاط غیرمجاز وسیله نقلیه موتوری با عابر پیاده تصادف نماید راننده وسیله نقلیه در صورتی که کلیه مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نموده باشد مسئول شناخته نمی‌شود عدم مسئولیت راننده مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود. برای اجرای مقررات این ماده ادارات مسئول امر عبور و مرور بر حسب مورد (شهریانی شهرداری ژاندارمری مکلفند قبلاً خیابان یا مسیر با معبر مورد نظر را از حیث پیاده‌رو و خط‌کشی و نصب چراغ و کلیه علایم لازم و ایمنی عابر پیاده و رانندگان وسیله نقلیه موتوری کاملاً مهیا و تأمین کرده و مراتب را ۱۵ روز قبل از تاریخ اجرا وسیله جرایم و رادیو و تلویزیون به اطلاع عموم اهالی برسانند. تبصره- در شهر تهران در خیابانهایی که به وسایل ایمنی عبور عابر پیاده مجهز شده باشند و مقررات زیر به وسیله شهرداری برای اطلاع عموم آگهی شود، عابر پیاده مکلف است فقط از محل‌های مخصوص عابر پیاده عبور کند و در غیر این صورت اگر تصادفی بین وسیله نقلیه و عابر پیاده در سواره‌رو واقع شود مشروط بر آنکه راننده مست نبوده و گواهینامه مجاز رانندگی داشته باشد و با سرعت مجاز حرکت کرده و وسیله نقلیه او نقص فنی موثر در حادثه نداشته باشد و سه نفر افسر ارشد کارشناس تصادفات راهنمایی و رانندگی از این جهات عدم مسئولیت راننده را گواهی نمایند، مسئولیت جزایی متوجه راننده نخواهد بود و راننده آزاد خواهد شد و پرونده به مراجع قضایی جهت اقدام مقتضی ارسال می‌شود عدم مسئولیت جزایی راننده مانع استفاده شخص متضرر از حادثه از مقررات بیمه شخص ثالث نخواهد بود. ماده ۹- رانندگانی که ظرف یکسال سه دفعه به اتهام جرایم خلاف مربوط به امور رانندگی در دادگاه محکوم شده باشند یا مرتکب تخلفاتی گردند که طبق آیین نامه امور خلافی رانندگان مستلزم سه بار ثبت در پرونده و منگنه نمودن گواهینامه رانندگی باشد به مدت ۶ ماه محرومیت از حق رانندگی محکوم خواهند شد و در صورتی که تخلف راننده بار دیگر به شرح فوق ظرف یکسال تکرار شود مدت محرومیت از حق رانندگی یکسال خواهد بود. هرگاه رانندگانی که گواهینامه آنها از طرف افسران شهریانی یا پلیس راه طبق ماده ۵ این قانون و مقررات مندرج در آیین نامه آن ضبط شده باشد مبادرت به رانندگی نمایند در حکم اشخاصی خواهند بود که بدون پروانه رانندگی نموده‌اند. ماده ۱۰- کلیه معاملات و نقل و انتقالات وسایل نقلیه موتوری از لحاظ شناسایی مالک آن نیز باید در دفاتر شهریانی کل ثبت شود. دفاتر اسناد رسمی مکلفند پس از تنظیم سند خلاصه آن را به شهریانی محل نصب پلاک اعلام نمایند. تبصره ۱- برای وسایل نقلیه موتوری که در تهران شماره گذاری شده یا بشود از طرف اداره راهنمایی و رانندگی شناسنامه تنظیم خواهد شد و وسایل نقلیه‌ای که پس از انقضا یکسال از تاریخ اعلام اداره راهنمایی و رانندگی تهران بدون اخذ شناسنامه مورد استفاده واقع شود توسط افسران و مأمورین تا صدور شناسنامه یا ارایه آن متوقف می‌شوند. در شهر تهران نقل و انتقالات وسایل نقلیه موتوری زمینی باید در اداره راهنمایی و رانندگی ثبت گردد و در صورتی که وسیله نقلیه فاقد شناسنامه باشد و سند انتقال در دفتر اسناد رسمی تنظیم شود سردفتر مکلف است سند انتقال را به اداره راهنمایی و رانندگی ارسال دارد تا از طرف اداره

مذکور پس از ثبت انتقال شناسنامه صادر و به صاحب آن تسلیم گردد، صدور رونوشت سند معامله قبل از ارایه شناسنامه جز به تقاضای مراجع رسمی و همچنین نقل و انتقال وسایل نقلیه در دفتر اسناد رسمی پس از انقضا مهلت یکسال مذکور فوق بدون ارایه شناسنامه ممنوع است سردفترانی که از اجرای مفاد این ماده تخلف کنند به پرداخت جزای نقدی از ده هزار ریال تا بیست هزار ریال در دادگاه انتظامی سردفتران محکوم خواهند شد. تبصره ۲ - در شهر تهران افسران و مأمورین اجرا فقط گواهینامه یا کارت رانندگی مخصوص وسایط نقلیه متخلفینی را اخذ می‌نمایند که دارای تخلفات پرداخت نشده در مهلت مقرر باشند، در این مورد افسران و مأمورین اجرا مکلفند با ارایه رسید، یکی از مدارک فوق‌الذکر را اخذ و متخلف را جهت پرداخت وجوه جرایم به یکی از محلهای تعیین شده در برگ رسید راهنمایی نمایند. متخلف می‌تواند پس از پرداخت وجوه جرایم و ارایه رسید، مدرک خود را از محل تعیین شده تحویل گیرد. در صورت عدم ارایه یکی از مدارک فوق‌الذکر مأمورین اجرا می‌توانند وسیله نقلیه را در یکی از پارکینگ‌ها متوقف و راننده را جهت پرداخت جریمه به یکی از مراجع تعیین شده هدایت نمایند تا پس از پرداخت جریمه بلافاصله وسیله نقلیه ترخیص گردد. صورت وضعیت خلافهای پرداخت نشده که وسیله کامپیوتر تنظیم و جهت پرداخت مبلغ مذکور در آن به متخلف تسلیم می‌گردد، در صورت پرداخت به بانک نیمه دوم آن نیز به منزله رسید است ماده ۱۱ - شهربانی و ژاندارمری کل کشور در حوزه مأموریت خود مجازند موسسات حمل‌ونقل و مسافربری زمینی را که خلاف مقررات و آیین نامه های حمل بار و مسافر رفتار نمایند حداکثر تا یک‌ماه تعطیل کنند. تعطیل زاید بر یک ماه تا یکسال با جلب موافقت دادستان شهرستان محل موسسات مذکور خواهد بود رسیدگی به اعتراض در مورد اول دادگاه بخش و در مورد تعطیل زاید بر یک ماه با دادگاه شهرستان است و در هر دو مورد خارج از نوبت رسیدگی می‌شود و حکم دادگاهها قطعی است آیین نامه حمل بار و مسافر و مدت تعطیل از طرف وزارتخانه‌های کشور و دادگستری تهیه و به تصویب کمیسیونهای کشور و دادگستری مجلسین خواهد رسید. تبصره - در مواردی که طبق این ماده مؤسسه حمل‌ونقل بار یا مسافر تعطیل می‌شود مؤسسه مکلف است ترتیب حمل بار و مسافر را که قبلاً تعهد کرده به وسیله موسسات دیگر بدهد والا مسئول خسارات وارده به اشخاص ثالث خواهد بود. ماده ۱۲ - کسانی که قبل از تصویب این قانون مرتکب تخلفات رانندگی شده و جریمه مقرر رانپرداخته باشند هرگاه ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون نسبت به پرداخت اصل جریمه اقدام نمایند از جرایم اضافی معاف خواهند بود. ماده ۱۳ - کلیه اختیارات و وظایفی که به موجب این قانون به افسران شهربانی واگذار گردیده در خارج از حوزه استحفاظی شهربانی به پلیس راه ژاندارمری و افسران و درجه‌داران دیپلمه پلیس راه که برای این منظور آموزش لازم دیده باشند محول می‌گردد. ماده ۱۴ - موسسات حمل‌ونقل و رانندگان وسایل نقلیه بارکشی و باربری در راهها مکلفند مقررات حمل بار در راههای کشور را که از طرف وزارت راه و ترابری تعیین و اعلام می‌گردد دقیقاً رعایت نمایند. در صورت تخلف وسیله نقلیه توسط مأمورین پلیس راه متوقف و از متخلف توسط مأموران پلیس راه سه هزار ریال جریمه عدول از مقررات حمل بار دریافت خواهد شد، به وسیله نقلیه موقعی اجازه حرکت داده می‌شود که مؤسسه حمل‌ونقل و یا راننده وسیله بارگیری وسیله نقلیه را با مقررات حمل بار مطابقت دهد. ماده ۱۵ - قانون اعطای اختیار به افسران شهربانی در وصول جرایم رانندگی مصوب سال ۱۳۳۹ از تاریخ اجرای این قانون ملغی است ماده ۱۶ - آیین نامه های اجرایی مربوط به این قانون به استثناء آیین نامه ماده ۱۱ از طرف وزارتخانه‌های کشور و دادگستری تهیه و پس از تصویب هیأت دولت به موقع اجرا گذارده می‌شود. ماده ۱۷ - وزارتخانه‌های کشور، دادگستری دارایی و راه مأمور اجرای این قانون هستند. توضیح ضروری تبصره‌ای که به عنوان تبصره ۲ ماده ۱۰ درج گردیده از نظر موضوع با مفاد ماده ۱۰ بی‌ارتباط بوده و به نظر می‌رسد تبصره مذکور می‌بایست در ذیل ماده ۵ درج گردد و عنوان تبصره ۲ ماده ۱۰ مندرج در بند (ز) لایحه قانونی اصلاح قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی (منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۰۰۱۸، ۲۵/۴/۱۳۵۸) مبنی بر اشتباه باشد.

آیین نامه اجرایی قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی - مصوب ۹/۵/۱۳۵۰ هیات وزیران

ماده ۱- در شهرهاییکه طبق ماده یک قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی اجازه اخذ جرایم بافسران شهربانی داده می شود شهربانی کل کشور عده ای از افسران را که آموزش لازم دیده اند جهت اخذ جرایم نقدی از متخلفین مقررات راهنمایی و رانندگی در آن شهرها تعیین خواهند نمود. ماده ۲- میزان جرایم مربوط به تخلفات از مقررات راهنمایی و رانندگی طبق جدولهای (الف - ب - ج - د) ضمیمه می باشد. تبصره - یکصد و بیست نوع تخلفات رانندگی به سه گروه تقسیم و تخلفات رانندگی مشابه در یک رده و جمعا در بیست فقره خلاصه شده و برای هر گروه جریمه ای به شرح زیر تعیین می گردد. گروه اول - تخلفاتی که جریمه آنها یک هزار ریال است به این شرح می باشد: ۱- توقف منجر بسد معبر. ۲- عدم توجه به چراغ راهنما و تابلو ایست ۳- عبور و حرکت غیرمجاز. ۴- حرکت مارپیچ و انحراف به چپ ۵- سبقت های غیرمجاز. ۶- سرعت غیرمجاز. گروه دوم - تخلفاتی که جریمه آنها پانصد ریال است ۱- توقف های غیرمجاز. ۲- عدم رعایت فاصله و حق تقدم ۳- دور زدن و گردش های غیرمجاز. ۴- نقص های فنی و یا استفاده از لاستیک غیرمجاز. ۵- همراه نداشتن هریک از مدارک لازم ۶- عدم رعایت مقررات در سوار کردن مسافر یا سرنشین ۷- استفاده از پلاک غیرمجاز یا نداشتن پلاک ۸- عدم توجه به فرمان پلیس راهنمایی یا پلیس مدارس ۹- استفاده از بوقها یا وسایل و علائم ممنوع شده ۱۰- عدم رعایت مقررات در بارگیری و حمل یا تخلیه بار. ۱۱- عدم رعایت هر یک از مقررات ایمنی مربوط به دید. گروه سوم - تخلفاتی که جرایم آنها دو بیست ریال می باشد: ۱- عدم رعایت مقررات تعیین مسیر و جهت عبور و یا قصور در دادن علامت ۲- عدم مقررات ایمنی درب وسیله نقلیه ۳- عدم رعایت نظافت شهر. ماده ۳- قبض رسید تمبردار که در قبال وصول جرایم داده می شود طبق نمونه ای که از طرف شهربانی کل کشور پیشنهاد می گردد وسیله وزارت دارایی تهیه و در اختیار شهربانی گذارده خواهد شد. تبصره - در شهر تهران قبض رسیدی که در قبال وصول جرایم رانندگی داده می شود طبق نمونه ای خواهد بود که از طرف شهرداری تهران تهیه و در اختیار اداره راهنمایی و رانندگی تهران گذارده می شود. ماده ۴- در مواردیکه وصول جریمه به علت همراه نداشتن وجه یا هر علت دیگری از متخلف در محل مقدور نباشد افسر مربوطه یک نسخه از برگ اخطاریه را به راننده تسلیم یا به وسیله نقلیه الصاق می نماید. چنانچه متخلف از دریافت برگ اخطاریه خودداری نماید افسر استنکاف متخلف را در برگ ثانی اخطاریه قید و نسخه اول را به وسیله نقلیه الصاق می نماید. ماده ۵- نسخه دوم برگهای اخطاریه که جرایم آنها توسط متخلفین پرداخت نشده در واحد مربوط جمع آوری و به ترتیب پس از انقضا ۱۵ روز مهلت قانونی با متخلف طبق مقررات قانونی عمل خواهد شد. ماده ۶- در صورت تعدد خلاف و جریمه هر یک از تخلفات به میزان مقرر در جدولهای مذکور در ماده ۲ اخذ می گردد. ماده ۷- شماره حساب در شعب بانکهای ملی دریافت کننده جرایم نقدی رانندگی توسط شهربانی هر محل به وسیله مقتضی به اطلاع عامه خواهد رسید. تبصره - در شهر تهران شماره حساب در بانک ملی ایران برای دریافت جرایم نقدی توسط شهرداری تهران افتتاح و به اطلاع عامه خواهد رسید. ماده ۸- راننده متخلف می تواند وسیله شخص دیگری هم جریمه را به حساب مربوط بانکی پرداخت و قبض رسید دریافت دارد. تبصره - در شهر تهران راننده متخلف می تواند جز در مورد تخلفات مندرج در جدول نمرات منفی تخلفات که باید برای پرداخت جریمه شخصا و با در دست داشتن گواهینامه رانندگی به یکی از شعب اجرایات اداره راهنمایی و رانندگی مراجعه کند وسیله شخص دیگری جریمه خود را به حساب بانکی پرداخت کند. ماده ۹- شخص معترض می تواند ظرف ۱۵ روز پس از دریافت برگ اخطاریه یا الصاق آن به وسیله نقلیه به دادگاه مربوط مراجعه نماید. ماده ۱۰- افسران مجاز گواهینامه رانندگی متخلفین را که به علت سرعت و سبقت غیرمجاز و تجاوز به چپ ، عبور از جهت و مسیر ممنوع عدم رعایت حق تقدم نقص فنی عبور از چراغ قرمز. عدم توجه به فرمان پلیس راهنما و دور زدن در نقاط غیرمجاز جریمه شده اند با دادن رسید اخذ و جهت انعکاس تخلف در پرونده آنان به اداره راهنمایی ارسال می دارند. تبصره ۱-

نقص فنی عبارت است از نداشتن چراغهای جلو و عقب، نامیزان بودن چرخهای جلو یا فرمان حساس و میزان نبودن ترمز پای، نداشتن عاج در سطح اتکالاستیک چرخ، نداشتن برف پاک کن در مواقع بارندگی و زنجیر چرخ در یخبندان و دود کردن تبصره ۲- وسایط نقلیه‌ای که رانندگان آنها در حال مستی مبادرت به رانندگی نمایند یا دارای نقص فنی باشد و یا رانندگان آنها با وجود قید در گواهینامه رانندگی از عینک طبی استفاده نکنند توسط افسران مجاز متوقف و از ادامه حرکت آنها جلوگیری به عمل میاید و در مورد وسایط نقلیه‌ای که نقص فنی دارند به تعمیرگاه اعزام و پلاکهای شماره آن اخذ و پس از رفع نقص و تایید افسر کارشناس پلاکها مسترد می گردد. ماده ۱۱- اعتبار رسید گواهینامه رانندگانی که مرتکب تخلفات مندرج در ماده ۱۰ شده‌اند پنج روز می باشد. راننده باید ظرف این مدت به اداره راهنمایی و رانندگی مراجعه نماید و در صورتی که مشمول مقررات ماده ۹ قانون نباشد گواهینامه او پس از انعکاس تخلف در پرونده مسترد می گردد. تبصره- به رانندگان متخلف مندرج در ماده ۱۰ این آیین نامه برای ادامه رانندگی موقت در موارد ضروری و بر حسب مورد تا پنج روز مهلت داده می شود و مدت مهلت در رسید ذکر می گردد. ماده ۱۲- در صورتی که افسران مجاز وسیله نقلیه فاقد شماره‌ای را در معابر عمومی مشاهده کنند علاوه بر اخذ جریمه از ادامه حرکت اتومبیل جلوگیری به عمل میاورند. ماده ۱۳- دادگاه مکلف است پس از صدور حکم محکومیت رانندگانی که به علت ارتکاب تخلفات مستی حین رانندگی، تجاوز به چپ، سرعت غیرمجاز، سبقت غیرمجاز، عبور از چراغ قرمز، عبور از مسیر ممنوع عدم رعایت حق تقدم، امتناع تاکسی از سوار کردن مسافر، نرساندن مسافر به مقصد، عدم استفاده از تاکسیمتر با داشتن مسافر و دور زدن در نقاط غیرمجاز محکوم شده‌اند مراتب محکومیت و نوع تخلف را جهت درج در پرونده صاحب گواهینامه به اداره راهنمایی اعلام نماید تا مفاد ماده ۹ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی به مورد اجرا گذارده شود. ماده ۱۴- گواهینامه رانندگانی که به علت تکرار در ارتکاب تخلف مندرج در ماده ۱۰ منگنه می شود حداکثر برای مدت یک ماه و به شرح زیر ضبط می گردد: ۱- برای دو منگنه در یکسال ۱۰ روز. ۲- برای سه منگنه در یکسال ۲۰ روز. ۳- برای بیش از سه منگنه در یکسال ۳۰ روز. تبصره- در شهر تهران اداره راهنمایی و رانندگی می تواند گواهینامه رانندگانی را که ظرف مدت یک سال دارای ده نمره منفی باشند برای مدت یک ماه ضبط نماید. ماده ۱۵- مقررات این آیین نامه در نقاطی که در حوزه استحفاظی ژاندارمری کشور قرار دارد به وسیله افسران و درجه داران دیپلمه پلیس راه که آموزش لازم دیده باشند اجرا می شود. ماده ۱۶- کلیه اختیاراتی که در آیین نامه اجرایی قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی به شهربانی کشور داده شده است در تهران به شهرداری تهران واگذار می شود. ماده ۱۷- هر کس با باز کردن قفل مخصوص وسایل نقلیه‌ای که از طرف اداره راهنمایی و رانندگی متوقف شده است به رانندگی با آن اقدام کند و یا محل آن را تغییر دهد به پنج هزار ریال جزای نقدی محکوم می شود.

قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین - مصوب ۲۸/۱۲/۷۳

مصوب ۲۸/۱۲/۷۳ ماده ۳۲- قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب ۳۰ خرداد ۱۳۵۰ و اصلاحات بعدی آن و آیین نامه های اجرایی قانون مذکور به شرح زیر اصلاح می شود: ۱- در صورتی که متخلف ظرف یک ماه پس از تاریخ اخطاریه، جریمه را پرداخت ننماید جریمه را باید به ماخذ دو برابر مبلغ مندرج در اخطاریه به حسابهایی که به همین منظور توسط خزانه افتتاح خواهد شد پردازد. جرایم موضوع این ماده مشمول مرور زمان نخواهد بود. ۲- مجازات تخلفات رانندگی از دو هزار (۲۰۰۰) ریال الی یکصد هزار (۱۰۰۰۰۰) ریال به تناسب جداول موجود تعیین می شود. ۳- کلیه وجوه حاصل از جرایم رانندگی در شهرها و جاده‌ها باید به حساب درآمد عمومی کشور واریز شود. همه ساله مبالغی به ترتیب زیر از محل اعتباری که به همین منظور در قانون بودجه هر سال منظور می شود، در اختیار دستگاههای مربوط قرار خواهد گرفت الف- معادل پنجاه درصد (۵۰٪) وجوه حاصل از جرایم رانندگی در هر یک از شهرها که به حساب درآمد عمومی کشور واریز می شود، از محل اعتبار فوق الذکر به حساب

شهرداری مربوط واریزمی شود تا جهت ایجاد توقفگاه و ایجاد و اصلاح و تعمیر و مرمت معابر و پل‌های زیر گذر و روگذر هزینه نماید. ب - معادل پنجاه درصد (۵۰٪) باقی مانده از وجوه حاصل از جرایم رانندگی در هر یک از شهرها و همچنین معادل هفتاد درصد (۷۰٪) کلیه وجوه حاصل از جرایم رانندگی در جاده‌ها که به حساب درآمد عمومی کشور واریزمی شود، از محل اعتبار مذکور در اختیار نیروی انتظامی قرار خواهد گرفت تا سه درصد (۳٪) آن را جهت تشویق به مأمورانی که تخلف را تشخیص و اقدام به صدور اخطاریه می‌نمایند و نیز ایجاد انگیزه، تلاش و ترغیب و تشویق سایر مأموران مربوطه به منظور اجرای هر چه بهتر وظایف محوله هزینه نماید مابقی وجوه مذکور جهت حسن انتظام عبور و مرور، آموزش، اقدامات پیشگیرانه و تهیه وسایل و قطعات مخابراتی و وسایل نقلیه موتوری و لوازم آن و همچنین هزینه سوخت و نگهداری آنها، خرید اراضی و احداث و اجاره ابنیه مورد نیاز، تجهیزات و علائم، تهیه وسایل آموزش همگانی، اعزام احتمالی پرسنل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به خارج از کشور جهت مطالعه و بازدید از مؤسسات آموزشی و ترافیکی و پرداخت حق التدریس برای آموزش راهنمایی و رانندگی به مصرف برسد، همچنین معادل سی درصد باقی مانده وجوه حاصل از جرایم رانندگی در جاده‌ها در اختیار وزارت راه و ترابری قرار خواهد گرفت تا جهت رفع نقایص و خسارات و تأمین علائم و تجهیزات ایمنی در راهها مصرف گردد.

قانون لغو موارد مصرف قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین - مصوب ۲۳/۹/۷۶

ماده واحده - از اول فروردین ماه سال ۱۳۷۷ موارد مصرف کلیه وجوهی که از بابت درآمدهای موضوع مواد مختلف قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۲۸/۱۲/۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی و اصلاحیه‌های بعدی آن به عنوان درآمد برای مصرف یا موارد خاص در بودجه کل کشور منظور می‌شود لغو می‌گردد. تبصره - دولت می‌تواند متناسب با فعالیتهای درآمدی دستگاههای ذینفع اعتبارات مناسبی را در لوائح بودجه سالانه منظور نماید.

لایحه قانونی راجع به مجازات متخلفین از اجرای مقررات طرح جدید ترافیک (مرحله سوم) - مصوب ۱۷/۳/۱۳۵۹

ماده ۱ - از تاریخ اجرای طرح جدید ترافیک (مرحله سوم تردد وسایط نقلیه در ساعات و محدوده‌ای از شهر که از سوی اداره راهنمایی و رانندگی تهران تعیین و به اطلاع عموم می‌رسد ممنوع بوده و متخلفین از اجرای این مقررات مبلغ یک هزار ریال جریمه خواهند شد. ماده ۲ - عبور و توقف وسایط نقلیه غیر مجاز در مسیر ویژه ممنوع بوده و متخلفین مبلغ یک هزار ریال جریمه خواهند شد. شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

قانون تشدید مجازات موتور سیکلت سواران متخلف - مصوب ۲۴/۲/۱۳۵۶

ماده واحده - افسران و درجه‌داران دیپلمه مأمور راهنمایی و رانندگی شهرداری پایتخت مکلفند در محدوده قانونی شهر تهران رانندگان موتور سیکلت یا موتورگازی را که در پیاده‌رو مبادرت به رانندگی می‌کنند و یا در جهت مخالف مسیر مجاز حرکت می‌کنند و یا به وسیله لوله خروج دود عمدا صدای ناهنجار ایجاد می‌کنند علاوه بر اخذ جزای نقدی مقرر در آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۱۶ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب خرداد ماه سال ۱۳۵۰، موتورسیکلت یا موتورگازی آنان را از سه ماه تا شش ماه به ترتیب زیر توقیف نمایند. الف - ایجاد صدای ناهنجار لوله خروج دود سه ماه توقیف موتور سیکلت یا موتورگازی ب - رانندگی در پیاده‌رو سه ماه و در صورتی که همراه با صدای ناهنجار لوله خروج دود باشد شش ماه ج - رانندگی در جهت مخالف مسیر مجاز سه ماه و در صورتی که همراه با صدای ناهنجار لوله خروج دود باشد شش ماه تبصره ۱ -

مقررات این قانون در سایر شهرها یا شهرکها و یا روستاها و یا راههای کشور بنا به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیأت وزیران از تاریخی که در آگهی تعیین شود به وسیله افسران شهربانی یا پلیس راه یا ژاندارمری بر حسب مورد اجرا خواهد شد. تبصره ۲ - در صورتی که عمل متهم با ماده جزایی دیگری قابل انطباق باشد اجرای این ماده مانع تعقیب کیفری او نخواهد بود. تبصره ۳ - آیین نامه اجرایی این قانون متضمن ترتیب توقیف موتورها و هزینه نگهداری و ترتیب استرداد آنها و سایر موارد مربوط در محدوده قانونی شهر تهران توسط شهرداری پایتخت و در سایر نقاط توسط شهربانی و ژاندارمری بر حسب مورد تهیه و پس از تایید وزارتخانه‌های کشور و دادگستری قابل اجرا خواهد بود.

آیین نامه اجرایی تبصره ۳ ماده واحده قانون تشدید مجازات موتور سیکلت سواران متخلف - مصوب ۲۸/۴/۱۳۶۶

فصل اول - شهر تهران (ماده ۱ تا ۷)

ماده ۱ - مأمورین اداره راهنمایی و رانندگی تهران پس از مشاهده هر یک از تخلفات ذیل موتورسیکلت یا موتور گازی را به نحو مقتضی به پارکینگ منتقل می نمایند و وسایل مزبور مطابق قانون تشدید مجازات موتورسیکلت سواران متخلف مصوب ۱۳۵۶ حسب مورد تخلف به شرح زیر توقیف می شوند: الف - ایجاد صدای ناهنجار لوله خروج دود ۳ ماه ب - رانندگی در پیاده‌رو ۳ ماه و در صورتی که همراه با صدای ناهنجار لوله خروج دود باشد ۶ ماه ج - رانندگی در جهت مخالف مسیر مجاز ۳ ماه و در صورتی که همراه با صدای ناهنجار لوله خروج دود باشد ۶ ماه تبصره - پس از توقیف وسیله به راننده آن توسط مسئولان مربوط رسید داده خواهد شد. ماده ۲ - شهرداری تهران موظف است محلهای مناسبی را به منظور نگهداری موتور سیکلتها و موتورهای گازی توقیفی تعیین و یا پرسنل مورد نیاز در اختیار اداره راهنمایی و رانندگی قرار دهد. تبصره - هزینه نگهداری موتور سیکلت یا موتور گازی به ازای هر روز ۵۰ ریال خواهد بود. ماده ۳ - ترخیص موتور سیکلت یا موتور گازی پس از پایان مدت توقیف موکول به پرداخت جریمه متعلقه و هزینه نگهداری می باشد. ماده ۴ - مسئولین پارکینگ پس از دریافت گواهی مبنی بر پرداخت جریمه و هزینه نگهداری که به تایید اداره راهنمایی و رانندگی رسیده باشد موتورسیکلت یا موتور گازی توقیفی را به مالک قانونی یا وکیل مسترد می دارد. تبصره - در صورتی که موتور سیکلت یا موتور گازی هنگام ترخیص دارای تخلفات دیگر مشمول آیین نامه و راهنمایی و رانندگی باشد وفق همان مقررات عمل خواهد شد. ماده ۵ - در صورت عدم مراجعه مالک موتورسیکلت یا موتور گازی جهت ترخیص وسیله پس از مدت توقیف مقرر در قانون به ازای هر روز نگهداری اضافی وسیله مذکور در پارکینگ، مالک موظف است مبلغ ۸۰ ریال به عنوان هزینه نگهداری بپردازد. ماده ۶ - در صورت عدم مراجعه مالک پس از یکسال از زمان توقیف شهرداری تهران برای وصول جرایم و هزینه نگهداری از طریق مراجع قضایی ذیصلاح اقدام می نماید. ماده ۷ - وجوهی که به عنوان هزینه نگهداری مذکور در این آیین نامه وصول می شود در اختیار شهرداری تهران قرار می گیرد.

فصل دوم - شهرها، شهرکها، روستاها و راههای کشور (ماده ۸ تا ۱۱)

ماده ۸ - در محدوده قانونی شهرها، شهرکها، روستاها و راههای کشور، در صورتی که رانندگان موتور سیکلت یا موتور گازی مرتکب هر یک از تخلفات مندرج در ماده ۱ و بندهای سه گانه آن شوند به مجازاتهای مقرر در همان ماده محکوم خواهند شد. ماده ۹ - مأمورین راهنمایی و رانندگی شهربانی و پلیس راه ژاندارمری موظفند پس از مشاهده هر یک از تخلفات مندرجه در بند

الف ، ب ، ج ماده ۱ موتور سیکلت یا موتور گازی را به نحو مقتضی جهت نگهداری ، به راهنمایی و رانندگی ، کلا نتری ، پاسگاه ژاندارمری و یا در صورت لزوم به پارکینگ اختصاصی منتقل می نمایند و پس از تعیین میزان توقیف بر حسب مورد تخلف به راننده آن رسید دهند. تبصره - هزینه نگهداری موتور سیکلت یا موتور گازی ، چنانچه در پارکینگ های اختصاصی نگهداری شوند ، به ازای هر روز برابر نرخ مصوبه محلی خواهد بود. ماده ۱۰ - ترخیص موتور سیکلت یا موتور گازی پس از پایان مدت توقیف موکول به پرداخت جریمه متعلقه و هزینه نگهداری در پارکینگ اختصاصی و ارایه برگ ترخیص از سوی مرجع توقیف کننده می باشد. ماده ۱۱ - در صورت عدم مراجعه مالک پس از یکسال از زمان توقیف ، شهربانی یا ژاندارمری به منظور وصول جرایم و هزینه نگهداری در پارکینگ اختصاصی و تعیین تکلیف موظفند مراتب را به مراجع قضایی ذیصلاح اعلام نمایند.

فصل سوم - مقررات عمومی (ماده ۱۲ تا ۱۳)

ماده ۱۲ - در رسیدی که به صاحب وسیله داده خواهد شد حسب مورد تبصره ماده ۲ و نیز مواد ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و یا تبصره ماده ۹ و نیز مواد ۱۰ و ۱۱ و مفاد آن به صاحب وسیله تفهیم خواهد شد. ماده ۱۳ - جرایم موضوع قانون تشدید مجازات موتور سیکلت سواران متخلف که در مواد ۴ و ۱۰ این آیین نامه به آنها اشاره شده است به حساب خزانه واریز خواهد شد. این آیین نامه مشتمل بر ۱۳ ماده و ۳ تبصره در تاریخ ۲۸/۴/۶۶ به تصویب شورای عالی قضایی و وزارت کشور رسید.

آیین نامه اجرایی قانون جلوگیری از تردد موتور سیکلت های فاقد شماره راهنمایی و رانندگی - مصوب ۱۳۷۵

فصل اول - نحوه احراز مالکیت و شماره گذاری (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱ - در مورد موتور سیکلت هایی که اسناد و مدارک مالکیت آنها (برگ فروش شرکت یا کارخانه سازنده ، برگ فروش سازمان یا ارگان دولتی و سند رسمی به نام متصرف نیست و متصرف دسترسی به مالک ندارد و قادر به معرفی وی نمی باشد همچنین موتور سیکلت های فاقد مالکیت رسمی ، ضمن بازدید کاردان فنی ، نظریه اداره آگاهی مبنی بر عدم سابقه سرقت ، نظریه مرجع صادر کننده برگ فروش در مورد اصالت سند ، تعهد در قبال کشف فساد احتمالی که به تایید دفتر اسناد رسمی رسیده باشد اخذ و شماره گذاری با رعایت ضوابط قانونی انجام می شود. ماده ۲ - در مورد موتور سیکلت هایی که فاقد هر گونه اسناد و مدارک مالکیت می باشند ، پس از بازدید کاردان فنی ، نظریه آگاهی مبنی بر عدم سابقه سرقت ، تعهد در قبال کشف فساد احتمالی و ضمانت معتبر که امضای ضامن توسط دفتر اسناد رسمی گواهی شده باشد ، شماره گذاری می شود. ماده ۳ - موتور سیکلت هایی که متصرفان آنها جهت شماره گذاری مراجعه می نمایند برابر فرم تنظیمی پیوست این آیین نامه در دو نسخه احراز مالکیت شده و شماره گذاری به نام متصرف برابر مقررات انجام می شود.

فصل دوم - نحوه نگهداری موتور سیکلت های توقیف شده و تعیین تکلیف آنها (ماده ۴ تا ۶)

ماده ۴ - روش اجرایی تبصره یک ماده واحده قانون یاد شده شامل نحوه اقدام مأموران انتظامی ، روش انتقال موتور سیکلت ها به توقفگاه و چگونگی نگهداری مناسب موتور سیکلت های توقیف شده طی دستورالعملی خواهد بود که توسط نیروی انتظامی

جمهوری اسلامی ایران تهیه و به‌واحدهای اجرایی ذی‌ربط ابلاغ خواهد شد، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در صورتی که توقفگاه لازم و مناسب در اختیار نداشته باشد، با هماهنگی لازم از توقفگاههای شهرداری استفاده نماید. ماده ۵ - متصرفان موتورسیکلت‌هایی که به موجب ماده (۴) این آیین نامه توقیف شده‌اند موظفند حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ توقیف، با در دست داشتن اسناد و مدارک مربوط به منظور تعیین تکلیف موتورسیکلت‌های خود به واحد شماره‌گذاری مراجعه نمایند. ماده ۶ - تکلیف موتورسیکلت‌هایی که در اجرای قانون یادشده در توقفگاهها توقیف گردیده و مالکیت آنها به ترتیبی که در مواد (۱)، (۲) و (۳) این آیین نامه درج گردیده به اثبات نمی‌رسد یا مدعی مالکیت مراجعه نمی‌کند، پس از انقضای مهلت شش ماه از تاریخ توقیف ضمن هماهنگی با مقامات قضایی مشخص می‌شود.

فصل سوم - وجوه دریافتی از متقاضیان بابت ایجاد تسهیلات لازم و نحوه هزینه آن (ماده ۷ تا ۱۱)

ماده ۷ - در اجرای تبصره (۲) قانون یاد شده جهت شماره‌گذاری هر دستگاه موتورسیکلت مبلغ پنجاه هزار ریال پس از احراز مالکیت و قبل از شماره‌گذاری از مالک اخذ و به حساب درآمد عمومی واریز می‌شود. ماده ۸ - به ازای هر روز توقف موتورسیکلت در توقفگاه، متناسب با عرف روز از مالک یا متصرف آن هزینه نگهداری دریافت و درآمد حاصل شده به مالک حقیقی یا حقوقی توقفگاه تعلق خواهد گرفت ماده ۹ - نقل و انتقال موتورسیکلت قبل از شماره‌گذاری ممنوع می‌باشد. در صورتی که دفاتر اسناد رسمی مبادرت به نقل و انتقال این قبیل موتورسیکلت‌ها نمایند با آنها برابر مقررات رفتار خواهد شد. ماده ۱۰ - پس از اقدام به شماره‌گذاری چنانچه شماره مفقود گردد صدور المثنی تابع مقررات راجع به صدور شماره المثنی برای خودروها خواهد بود. ماده ۱۱ - هر نوع جعل و تزویر نسبت به اسناد فوق الذکر جعل در اسناد دولتی محسوب و مرتکبین به مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط محکوم خواهند شد.

قانون تاسیس شرکت راه آهن شهری تهران و حومه - مصوب ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۴

ماده واحده - به شهرداری تهران اجازه داده می‌شود به منظور احداث راه آهن شهری و تاسیسات مربوط و بهره‌برداری از آن شرکتی بنام شرکت راه آهن شهری تهران و حومه تاسیس نماید. سرمایه شرکت مزبور از طرف دولت تامین و در اختیار شهرداری گذارده می‌شود. شرکت دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و طبق اصول بازرگانی و مقررات این قانون و اساسنامه مربوط اداره می‌شود. اساسنامه شرکت ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون از طرف شهرداری تهران پیشنهاد و پس از موافقت وزارت کشور و سازمان امور اداری و استخدامی کشور و تایید هیأت وزیران برای تصویب کمیسیونهای مربوط مجلسین تقدیم خواهد شد. تبصره ۱ - آیین نامه مربوط به مقررات مالی و معاملاتی شرکت به تصویب مجمع عمومی خواهد رسید و آیین نامه استخدامی پس از تایید شورای حقوق و دستمزد تصویب مجمع عمومی شرکت می‌رسد. تبصره ۲ - شرکت می‌تواند به منظور اجرای طرح راه آهن شهری تهران و حومه تامین نیازمندیهای خود از زیر اراضی و املاک محدوده قانونی شهر و حومه بدون هیچگونه پرداختی استفاده نماید و در مواردی که برای نقشه برداری و گمانه زدن ورود به منازل و اماکن عمومی ضروری تشخیص شود با اخطار کتبی ۴۸ ساعته به محلهای مزبور وارد و در صورت ممانعت با حضور نماینده دادستان شهرستان نسبت به اجرای موارد فوق اقدام می‌نماید. شرکت مکلف است پیش‌بینی‌های لازم را برای جلوگیری و جبران هرگونه صدمه و خسارت به جان و مال اشخاص بنماید. در صورت وقوع خسارت به مستحذات میزان خسارت وارده طبق ماده ۵۰ قانون برنامه و بودجه کشور مصوب اسفندماه ۱۳۵۱ پرداخت می‌گردد. در صورت احتیاج به تملک زمین یا مستحذات برای اجرای این قانون از مقررات مذکور استفاده خواهد شد. تبصره ۳ -

مقررات مواد ۹، ۱۰ و ۱۳ قانون ایمنی راهها و راه آهن مصوب ۱۳۴۹ و همچنین قانون کیفر بزه‌های مربوط به راه آهن مصوب سال ۱۳۲۰ و ملحقات آن در مورد راه آهن شهری تهران و حومه اجرا خواهد شد. وظایف و اختیارات راه و راه آهن دولتی ایران در قانون کیفر بزه‌های مربوط به راه آهن در این مورد به عهده شرکت راه آهن شهری تهران و حومه خواهد بود.

لایحه قانونی اصلاح قانون تاسیس شرکت راه آهن شهری تهران و حومه مصوب ۱۵ تیر ۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی

ماده یکم - به دولت اجازه داده می‌شود به منظور احداث راه آهن شهری و تاسیسات مربوط و بهره برداری از آن شرکتی بنام راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) تاسیس نماید. شرکت دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و طبق اصول بازرگانی و مقررات این قانون و اساسنامه مربوط اداره می‌شود. تبصره ۱ - شرکت می‌تواند به منظور اجرای طرح راه آهن شهری تهران و حومه و تامین نیازمندیهای خود از زیر اراضی و املاک محدوده قانونی شهر و حومه بدون هیچگونه پرداختی استفاده نماید و در مواردی که برای انجام امور فنی و اجرایی ورود به منازل و محلهای کسب و اماکن عمومی ضروری تشخیص داده شود با اخطار کتبی ۴۸ ساعته به محلهای مزبور وارد و در صورت ممانعت با حضور نماینده دادستان شهرستان نسبت به اجرای موارد فوق اقدام نماید. در صورتی که بر اثر عملیات اجرایی مترو خسارتی به مستحذات اشخاص وارد شود میزان خسارت وارده (طبق ماده ۵۰ قانون برنامه و بودجه کشور مصوب اسفندماه ۱۳۵۱) قابل پرداخت می‌باشد. تبصره ۲ - مقررات مواد ۹ و ۱۰ و ۱۳ قانون ایمنی راهها و راه آهن مصوب تیرماه ۱۳۴۹ و همچنین قانون کیفر بزه‌های مربوط به راه آهن مصوب سال ۱۳۲۰ و ملحقات آن در مورد راه آهن شهری تهران و حومه اجرا خواهد شد. وظایف و اختیارات وزارت راه و راه آهن دولتی ایران در قانون کیفر بزه‌های مربوط به راه آهن در این مورد به عهده راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) خواهد بود. تبصره ۳ - آن قسمت از تصمیمات مجمع عمومی گذشته که بدون حضور عضو سوم با دو رای موافق تصویب و به مرحله اجرا درآمده است مشروط بر آنکه به تصویب مجمع عمومی مندرج در اساسنامه مربوط برسد معتبر است ماده دوم - به منظور تامین هماهنگی در امور اجرایی احداث راه آهن شهری (مترو) شورایی به نام شورای هماهنگی مرکب از هفت نفر به شرح زیر تشکیل می‌گردد: ۱ - شهردار تهران یا قائم مقام شهردار. ۲ - معاون سازمان برنامه و بودجه ۳ - مدیرعامل سازمان آب تهران ۴ - مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای تهران ۵ - مدیرعامل شرکت مخابرات ۶ - مدیرعامل شرکت گاز. ۷ - رئیس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت راه آهن شهری (مترو) همچنین مسئولان سایر سازمانهایی که به تشخیص شهردار تهران حضور آنها در جلسات شورای هماهنگی لازم است وظایف شورای هماهنگی عبارتست از ایجاد هماهنگی در کارهای اجرایی راه آهن شهری که با تاسیسات یا طرحهای سازمانهای مختلف ارتباط حاصل می‌کند و رفع مشکلاتی که از عدم رعایت هماهنگی ممکن است پیش آید و همچنین اتخاذ تصمیم نسبت به کلیه مسائلی که از طرف هیات مدیره شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) و یا سایر اعضا شورا در این زمینه مطرح می‌شود. تصمیمات شورا در این گونه موارد برای کلیه سازمانهای ذیربط لازم‌الاجرا خواهد بود. تبصره ۱ - تشکیل جلسات شورای هماهنگی با پیشنهاد رئیس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت راه آهن شهری (مترو) و دعوت شهردار تهران به عمل خواهد آمد. تبصره ۲ - ریاست شورای هماهنگی با شهردار تهران است ماده سوم - بررسی و تصویب اساسنامه و همچنین اتخاذ تصمیم نسبت به وابستگی شرکت به کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت کشور - شهرداری تهران - سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه تفویض می‌گردد.

لایحه قانونی احداث ترمینالهای مسافری و ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافری بین شهری در داخل شهر تهران

ماده ۱ - شهرداری تهران موظف است علاوه بر بهره‌برداری از ترمینال موجود به تدریج نسبت به احداث ترمینالهای جدید متناسب با

نیاز شهر در شرق و غرب و شمال تهران اقدام نماید. سازمان برنامه و بودجه با توجه به امکانات دولت مکلف به تامین اعتبار لازم جهت احداث ترمینالهای جدید خواهد بود. ماده ۲ - شهرداری تهران غرفه های ترمینالهای شهر را به شرکتهای مسافربری که طبق شرایط خاص تشکیل می شود در مقابل اخذ اجاره بهای مناسب به صورت نمایندگی واگذار می نماید. شرایط تشکیل این شرکتها بر طبق آیین نامه ای خواهد بود که توسط شهرداری تهران بر اساس قوانین مصوب وزارت راه و ترابری و همکاری آن وزارت تهیه و به تصویب شورای شهر و در غیاب شورای شهر به تصویب وزارت کشور خواهد رسید. شرکتهای تعاونی متشکل از دارندگان اتوبوسها و کارکنان شرکتهای مسافربری موجود اولویت خواهند داشت تبصره - شرایط واگذاری غرفه ها طبق آیین نامه ای خواهد بود که توسط شهرداری تهران تهیه و به تصویب شورای شهر یا در غیاب شورای شهر به تصویب وزارت کشور خواهد رسید. این واگذاری مشمول مقررات قانون روابط موجر و مستاجر نبوده و حقوق استیجاری و کسب و پیشه برای متصرفین یا متصدیان آنها ایجاد نخواهد کرد و هر موقع که شهرداری لازم بداند می تواند محل را با توجه به شرایط واگذاری نمایندگی و با اخطار قبلی لااقل یکماه تصرف کند. ماده ۳ - مالکیت و مدیریت تاسیسات ترمینالها و مسئولیت خدمات با شهرداری تهران می باشد. شهرداری تهران موظف به نظارت بر برنامه ریزی مسافربری و کیفیت عرضه خدمات شرکتها خواهد بود. تبصره - حدود وظایف و اختیارات و نظارت شهرداری تهران و خدمات شرکتها بر طبق آیین نامه جداگانه ای خواهد بود که بر اساس ماده دوم و تبصره ذیل آن مشخص خواهد شد. ماده ۴ - شروع کار ترمینال و ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافربری بین شهری همزمان انجام خواهد شد. زمان و محدوده ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافربری حداقل یکماه قبل از شروع توسط شهرداری تهران اعلام می شود. ماده ۵ - سایر شهرداریهای شهرهای بزرگ کشور که جمعیت آنها بیش از یکصد هزار نفر باشند موظفند نسبت به ایجاد ترمینال مسافربری بین شهری در محلهای مناسب بر اساس مفاد این قانون با توجه به امکانات اقدام نمایند. ماده ۶ - کلیه مقررات و قوانین مغایر و آیین نامه های موجود که مغایر با مفاد این قانون باشد از درجه اعتبار ساقط است

آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۲) قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه های مسافربری و ممنوعیت تردد

آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۲) قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه های مسافربری و ممنوعیت تردد آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۲) قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه های مسافربری و ممنوعیت تردد آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۲) قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه های مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیلهای مسافربری برون شهری در داخل شهر تهران - مصوب هیات وزیران ۱۰/۸/۷۴ - شهرداریها غرفه های موجود در پایانه های مسافربری شهر را به شرکتهای مسافربری که طبق ضوابط وزارت راه و ترابری تشکیل می شوند جهت انجام خدمات مسافربری تحت شرایط زیر به صورت نمایندگی در مقابل اخذ اجاره بها و از طریق انعقاد قرارداد واگذاری، واگذار می نمایند. تبصره - در واگذاری غرفه های پایانه های مسافربری شهر، شرکتهای تعاونی مسافربری و شرکتهای مسافربری که قبل از اصلاح قانون در ترمینالها مستقر بوده اند اولویت خواهند داشت ماده ۲ - مبنای مال الاجاره ماهانه غرفه های قابل واگذاری به شرکتهای مسافربری به وسیله یک نفر از کارشناسان رسمی دادگستری که توسط شهرداری شهر انتخاب می گردد، تعیین می شود، تا با انجام تشریفات مزایده در حضور نمایندگان شهرداری شهر و سازمان حمل و نقل و پایانه های استان، مبلغ قطعی مال الاجاره مشخص گردیده و از شرکت استفاده کننده غرفه اخذ شود. تبصره ۱ - کارشناس منتخب مذکور اجاره بهای ماهانه غرفه واگذار شده را با رعایت ارزش عرصه و اعیان و موقعیت غرفه متناسب با آن مقدار از سطح ترمینال که وسایط نقلیه شرکت مسافربری در آن توقف یا مورد سایر استفاده ها قرار می دهند همچنین با ملحوظ داشتن هزینه هایی که برای نگهداری و سایر خدمات از طرف شهرداری مصرف می گردد، به صورت یکجا به عنوان مال الاجاره غرفه اختصاصی شرکت مسافربری استفاده کننده به صورت قیمت پایه برآورد می نمایند. تبصره ۲ - شرکت مسافربری استفاده کننده از غرفه واگذار

شده مکلف است مال الاجاره مندرج در قرارداد را بدون هیچگونه عذر و تعلل در سررسید معین در قرارداد واگذاری به شهرداری شهر تادیه نماید. تبصره ۳- این واگذاری مشمول مقررات قانون روابط موجر و مستاجر نبوده و حقوق استیجاری و کسب و پیشه برای متصرفان یا متصدیان آنها ایجاد نخواهد کرد. تبصره ۴- واگذاری سایر غرفه‌های پایانه نیز مشمول مقررات این آیین نامه خواهد بود و نقش سازمان حمل و نقل و پایانه‌ها صرفاً در خصوص غرفه‌های شرکتهای مسافربری می‌باشد. ماده ۳- شرکتهای مسافربری در هنگام عقد قرارداد باید معادل ۶ ماه اجاره‌بهای ماهانه هر سال را به صورت ضمانتنامه بانکی یا سپرده نقدی به منظور حسن انجام خدمات و تعهدات برابر قرارداد منعقد شده در اختیار شهرداری شهر بگذارند تا در صورت تعلل در پرداخت اجاره بها یا حدوث هرگونه خسارت به تاسیسات، ساختمان، لوازم و تجهیزات ترمینال از جانب بهره‌بردار یا عوامل وی، شهرداری بتواند خسارت خود را از آن محل برداشت نماید. تبصره ۱- تشخیص میزان خسارت با کارشناس منتخب شهرداری شهر و سازمان حمل و نقل و پایانه‌های استان می‌باشد. تبصره ۲- چنانچه قبل از خاتمه قرارداد از محل ضمانتنامه مذکور شهرداری مبلغی وفق مقررات برداشت نماید شرکت مکلف است ظرف مدت ده روز بعد از اعلام کتبی شهرداری شهر آن را تامین نماید، به طوری که همواره سپرده، معادل ۶ ماه مال الاجاره باشد. بدیهی است در صورت عدم تامین سپرده، شهرداری بلافاصله قرارداد واگذاری را لغو خواهد نمود. تبصره ۳- دریافت هرگونه وجهی یا تضمین دیگری علاوه بر مال الاجاره و تضمین فوق الذکر تحت هر عنوان از قبیل سرقتی، پیش پرداخت و غیره توسط شهرداری از شرکتهای مسافربری استفاده کننده از غرفه‌های پایانه‌های شهر ممنوع است. ماده ۴- قرارداد واگذاری غرفه‌های پایانه‌های شهر به مدت یکسال منعقد می‌شود و قابل تمدید می‌باشد. تبصره ۱- شهرداری می‌تواند در صورت عدم انجام تعهدات مالی از سوی شرکتهای یا عدم رعایت مقررات شهرداری و پس از کسب نظر سازمان حمل و نقل و پایانه‌های استان که حداکثر ظرف ۱۵ روز اظهار نظر خواهند نمود و یا اعلام کتبی سازمان مذکور مبنی بر عدم تمدید قرارداد به لحاظ عدم رعایت مقررات مربوط از تمدید قرارداد خودداری نماید. تبصره ۲- مفاد و شرایط قرارداد مذکور به صورت قرارداد نمونه توسط وزارت کشور و با کسب نظر از وزارت راه و ترابری تهیه و به مورد اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۵- مبلغ اجاره بها برای هر دو سال یکبار با توجه به روش مذکور در ماده ۲ این آیین نامه قابل تجدیدنظر است ماده ۶- از تاریخ تصویب این آیین نامه، آیین نامه قبلی شرایط واگذاری غرفه‌های ترمینالها لغو می‌شود.

قانون مجازات متخلفین از تعرفه نرخ حمل کالا و مسافر - مصوب ۲۳/۱/۶۷

ماده ۱- مجازات تجاوز از تعرفه نرخ حمل کالا و مسافر که توسط وزارت راه و ترابری اعلام می‌شود از ناحیه شرکت یا موسسه و یا پیمانکاری حمل و نقل حتی با رضایت صاحب کالا و یا مسافر با توجه به دفعات و مراتب جرم و شرایط و امکانات خاطی برای بار اول جزای نقدی از ۵ تا ۲۰ برابر وجهی که اضافه دریافت شده و تعطیل موقت به مدت ۱۵ تا ۴۵ روز و برای بار دوم جزای نقدی از ۱۰ تا ۳۰ برابر اضافه دریافتی و تعطیل موقت به مدت شش ماه و برای بار سوم جزای نقدی از ۲۰ تا ۵۰ برابر اضافه وجه دریافتی و تعطیل دائم شرکت یا موسسه یا پیمانکاری خواهد بود و صاحب امتیاز بعداً بهیچ عنوان اجازه فعالیت در امور حمل و نقل نخواهد داشت. ماده ۲- رانندگان وسایط نقلیه عمومی اعم از کامیون، اتوبوس، مینی‌بوس و غیره که اقدام به حمل بار و مسافر با مبلغی بیش از نرخ مصوب نمایند، با توجه به دفعات و مراتب جرم و شرایط و امکانات خاطی برای بار اول محکوم به پرداخت جزای نقدی از ۲ تا ۱۰ برابر اضافه وجه دریافتی و در صورت تکرار جرم مزبور از ۵ تا ۲۰ برابر اضافه وجه دریافت شده محکوم خواهند شد. ماده ۳- پرداخت هرگونه وجه اضافه از تعرفه نرخ حمل کالا و مسافر از ناحیه شرکت‌ها سازمانها و موسسات دولتی تحت هر عنوان از قبیل پاداش نقدی یا جنسی ممنوع بوده و در صورت تخلف، متخلف یا متخلفین در مورد پرداخت اضافه از نرخ مقرر در حکم متصرف غیرقانونی در اموال دولتی محسوب می‌شوند و حسب مورد طبق قوانین و مقررات مربوطه تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. ماده ۴-

در موارد خاص و ضروری در محورهای معین با تشخیص و اعلان وزارت راه و ترابری تعرفه نرخ حمل کالا و مسافر به صورت موقت قابل تغییر است ماده ۵- پرداخت هر گونه وجه علاوه بر نرخ مقرر بابت حمل کالا و مسافر از ناحیه کارخانجات، شرکتها، موسسات خصوصی، تجار، واحدهای صنعتی و هر سازمان اقتصادی دیگر اعم از بزرگ و کوچک با توجه به دفعات و مراتب جرم و شرایط و امکانات خا طی برای بار اول موجب محکومیت به جزای نقدی از ۲ تا ۱۰ برابر اضافه پرداختی و برای بار دوم از ۵ تا ۲۰ برابر و بار سوم به بعد از ۲۰ تا ۵۰ برابر اضافه پرداختی خواهد بود. ماده ۶- چنانچه متهم برای اولین بار مرتکب یکی از اعمال مذکور در موارد فوق شده باشد و دادستان در موارد غیرمهم تشخیص دهد با وعظ یا توبیخ یا تهدید یا اخذ تعهد تادیب خواهد شد با اعمال یکی از موارد تادیب فوق پرونده را ضمن انعکاس به وزارت راه و ترابری بایگانی می نماید. دادگاه نیز در صورت طرح پرونده در دادگاه حق اعمال مراتب بالا را به تشخیص خود دارد. ماده ۷- کلیه قوانین و مقرراتی که مغایر با این قانون باشد از تاریخ اجرای این قانون در آن قسمت که مغایر است بلا اثر می باشد.

قانون الزام شرکتها و موسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه - مصوب ۱۳۶۸

ماده ۱- شرکتها و موسساتی که در امر حمل و نقل جاده‌ای بین شهری مسافر یا کالا اعم از داخلی و بین المللی فعالیت می نمایند موظفند بر حسب نوع فعالیت برای هر جابجایی از صورت وضعیت مسافری و بارنامه های داخلی و بین المللی موضوع این قانون استفاده نمایند و بجای آن مجاز به استفاده از اوراق انحصاری - اختصاصی یا انواع دیگر نمی باشند. ماده ۲- بارنامه داخلی موضوع این قانون عبارتست از سند کاشف از حقوق مالکیت که طرح آن توسط وزارت راه و ترابری تهیه و از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی چاپ و پس از وصول حق تمبر به میزان ۱۰۰ ریال به موجب حواله وزارت راه و ترابری در اختیار شرکتها و موسسات مجاز حمل و نقل جاده‌ای داخلی کالا جهت جابجایی محمولات بین شهرهای کشور قرار خواهد گرفت تبصره - صدور بارنامه جهت حمل محمولات بصورت خرده بار تابع ضوابطی خواهد بود که از سوی وزارت راه و ترابری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تعیین و اعلام خواهد شد و میزان حق تمبر بارنامه خرده بار ۴۰ ریال تعیین می گردد. ماده ۳- بارنامه بین المللی موضوع این قانون عبارتست از سند کاشف از حقوق مالکیت که طرح آن توسط وزارت راه و ترابری تهیه و از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی چاپ و پس از وصول حق تمبر به میزان ۲۵۰ ریال به موجب حواله وزارت راه و ترابری در اختیار شرکتهای مجاز حمل و نقل جاده‌ای بین المللی کالا- قرار خواهد گرفت ماده ۴- صورت وضعیت مسافری موضوع این قانون عبارتست از فرمی که طرح آن توسط وزارت راه و ترابری تهیه و از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی چاپ و پس از وصول حق تمبر به میزان ۱۰۰ ریال برای حمل مسافربری جاده‌ای داخلی و ۲۵۰ ریال برای مسافری جاده‌ای بین المللی به موجب حواله وزارت راه و ترابری در اختیار شرکتها و موسسات مسافربری جاده‌ای داخلی و بین المللی مجاز قرار خواهد گرفت ماده ۵- سازمانها و موسسات دولتی صاحب بار چنانچه در رابطه با حمل کالاهای مربوطه به خود تمایل به استفاده از اوراق مخصوص به عنوان بارنامه داشته باشند می توانند پس از کسب موافقت وزارت راه و ترابری نسبت به چاپ بارنامه مخصوص خود از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی اقدام نمایند، اینگونه بارنامه ها مشمول حق تمبر بارنامه‌های داخلی موضوع این قانون می باشند. تبصره - سازمانها و موسسات موضوع این ماده موظفند این نوع بارنامه‌ها را صرفاً در اختیار شرکتها و موسسات حمل و نقل مجاز طرف قرارداد خود قرار دهند. ماده ۶- چنانچه شرکتها و موسسات ترابری جاده‌ای مسافر و کالا بر حسب نوع فعالیت از اوراق مذکور در مواد ۲ و ۳ و ۴ و ۵ این قانون استفاده نمایند و یا مبادرت به استفاده از اوراق عادی به عنوان صورت وضعیت مسافری یا بارنامه بنمایند یا به طور غیرمجاز صورت وضعیت مسافری یا بارنامه تهیه و مورد استفاده قرار دهند یا مشخصات مسافر و محموله با اوراق مذکور مطابقت نداشته باشد و یا مندرجات آن را تکمیل نمایند و یا اوراق مذکور در این قانون را به اشخاص دیگر غیرمجاز واگذار نمایند متخلف محسوب و با رعایت شرایط و

امکانات خا طی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب ، وعظ ، توبیخ و تهدید و پس از آن برای بار اول از ۲۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی و برای بار دوم از ۵۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی و برای بار سوم از ۱۰۰۰۰۰۰ ریال تا ۲۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی و تعطیل از ۱ ماه تا ۳ ماه (دستمزد کارکنان موسسه یا شرکت در مدت تعطیل وسیله صاحب امتیاز پرداخت خواهد شد) و برای بار چهارم محور فعالیت مدیران و صاحبان امتیاز آنها لغو و مجوز فعالیت مجدد در امر حمل و نقل برای آنها صادر نخواهد شد ، میزان مجازات در هر مورد با نصب پلاکارد در محل اعلام می گردد و مراتب در هرنوبت به وزارت راه و ترابری منعکس خواهد شد. ماده ۷- چنانچه رانندگان وسایط نقلیه مسافربری و باربری بدون اوراق مذکور در این قانون اقدام به جابجایی مسافر یا حمل بار بنمایند و یا محموله و مسافر همراه آنان با موارد قید شده در بارنامه و صورت وضعیت مسافری که در اختیار دارند مطابقت نداشته باشد متخلف محسوب و با رعایت شرایط و امکانات خا طی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب ، وعظ ، توبیخ و تهدید و پس از آن برای بار اول به ۱۰۰۰۰۰ ریال تا ۳۰۰۰۰۰ ریال جریمه نقدی و برای بار دوم به ۱۰۰۰۰۰ ریال تا ۳۰۰۰۰۰ ریال جریمه نقدی و سوراخ کردن گواهینامه و در صورت تکرار برای بار سوم از ۲۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰ ریال جریمه نقدی و سوراخ کردن مجدد گواهینامه و در صورت تکرار به ۲۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰ ریال جریمه نقدی و ضبط گواهینامه برای مدت ۶ ماه تا یکسال محکوم می گردند و مراتب در هرنوبت به وزارت راه و ترابری منعکس خواهد شد. تبصره ۱- در اجرای این ماده مأمورین پلیس راه ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران موظفند اسناد و مدارک رانندگان وسایط نقلیه مسافربری و باربری را کنترل و در صورت مشاهده فقدان صورت وضعیت مسافری یا بارنامه‌های موضوع این قانون و با احراز عدم انطباق تعداد مسافر و مشخصات محموله با صورت وضعیت مسافری و بارنامه ، رانندگان متخلف را به مراجع قضایی معرفی نمایند راننده متخلف می تواند به جای رفتن به دادگاه حداکثر جریمه تعیین شده را پرداخت نماید در غیراین صورت موظف است بلافاصله پس از رساندن بار یا مسافر به مقصد خود را به مرجع تعیین شده معرفی کند. تبصره ۲- تخلفات راننده در دفترچه کار وی که توسط وزارت راه و ترابری صادر می گردد به وسیله پلیس راه یا مأموران راهنمایی و رانندگی ثبت خواهد شد تردد در جاده‌ها بدون همراه داشتن دفترچه کار ممنوع است و موسسات و شرکتهای حمل و نقل باید از تحویل مسافر یا کالا به راننده‌ای که فاقد دفترچه کار می باشد خودداری نموده و در غیر این صورت به مجازات‌های مقرر در ماده ۶ این قانون محکوم خواهند شد ، المثنی برای دفترچه کار حداکثر به مدت شش ماه به تشخیص وزارت راه و ترابری صادر نمی گردد. ماده ۸- وجوه حاصل از محل اخذ جرایم نقدی موضوع این قانون به حساب خزانه واریز خواهد شد. ماده ۹- آیین نامه اجرایی در خصوص معافیت از اوراق مذکور در این قانون در مورد حداقل مسافت ، حداقل سرنشین و حداقل تناژ توسط وزارتخانه‌های راه و ترابری - امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۰- رسیدگی به تخلفات مشروحه در این قانون در دادگاهها خارج از نوبت به عمل خواهد آمد. ماده ۱۱- از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر لغو می گردد. قانون فوق مشتمل بر یازده ماده و چهار تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی و یکم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و شصت و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۷/۳/۱۳۶۸ به تایید شورای نگهبان رسیده است

تصویب نامه در خصوص دریافت هزینه انتقال خودروها از محل ممنوعه به توقفگاه - مصوب ۵/۱۲/۱۳۷۵

وزارت کشور - وزارت امور اقتصادی و دارایی هیات وزیران در جلسه مورخ ۵/۱۲/۱۳۷۵ بنا به پیشنهاد شماره ۶/۱/۲۱۵۰ مورخ ۵/۶/۱۳۷۵ وزارت کشور و به استناد ماده (۵۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین - مصوب ۱۳۷۳ - تصویب نمود: الف - بابت هزینه انتقال خودرو از محل ممنوعه به توقفگاه مبالغ زیر متناسب با نوع وسیله نقلیه از دارنده آن اخذ و به حساب درآمد عمومی کشور واریز می گردد: ۱ - جهت انتقال موتور سیکلت از محل ممنوعه به توقفگاه ۵۰۰۰ ریال ۲ - جهت

انتقال خودروهای سبک (از قبیل سواری و وانت از محل ممنوعه به توقفگاه ۱۰۰۰۰ ریال ۳- جهت انتقال خودروهای نیمه سبک (از قبیل مینی بوس و کامیونت از محل ممنوعه به توقفگاه ۲۰۰۰۰ ریال ۴- جهت انتقال خودروهای سنگین (از قبیل اتوبوس کامیون و تریلرکش از محل ممنوعه به توقفگاه ۵۰۰۰۰ ریال ب- معادل مبالغ واریزی فوق از محل اعتباری که به همین منظور در قانون بودجه هر سال پیش بینی می شود در اختیار وزارت کشور قرار خواهد گرفت تا به منظور ایجاد، توسعه و تجهیز توقفگاههای اختصاصی برای خودروهای مزبور همچنین اجاره یا خرید یا تعمیر و نگهداری لوازم و وسایل مورد نیاز از قبیل جرثقیل و غیره و سایر نیازمندیهای مؤثر در بهبود سیستم ترافیکی طبق مقررات هزینه نماید. ج- وسیله نقلیه پس از دریافت هزینه انتقال و نگهداری آن در توقفگاه به مالک یا وکیل و یا قائم مقام قانونی وی مسترد خواهد شد.

قانون ایمنی راهها و راه آهن - مصوب ۱۳۴۹/۴/۷ با اصلاحات بعدی

ماده ۱- شاهراه به راهی اطلاق می شود که حداقل دارای دو خط اتومبیل رو و یک شانه حداقل به عرض ۳ متر برای هر طرف رفت و برگشت بوده و دو طرف آن به نحوی محصور و در تمام طول شاهراه از هم کاملاً مجزا باشد و ارتباط آنها با هم فقط به وسیله راههای فرعی که از زیر یا بالای شاهراه عبور کند تامین شود و هیچ راه دیگری آنرا قطع نکند. ماده ۲- هر شاهراه که با خصوصیات فوق ساخته شده یا بشود از تاریخی که وزارت راه اعلام کند مشمول مقررات این قانون می باشد. ماده ۳- وزارت راه مکلف است در هر شاهراه حداقل و حداکثر سرعت همچنین انواع وسایط نقلیه ای که عبور آنها مجاز نیست با نصب علائم مشخص کند و نیز کلیه علائم مربوط به مقررات رانندگی و محل های توقف مجاز و سایر علائم لازم را که برای پیشگیری از خطرات احتمالی تصادف لازم است در طول راه برای اطلاع رانندگان نصب کند. ماده ۴- ورود و عبور عابرین پیاده و انواع وسایط نقلیه غیر مجاز و عبور دادن دام در شاهراهها و همچنین توقف وسایط نقلیه در خطوط عبور ممنوع است هر گاه به جهات مذکور حادثه ای واقع شود که منجر به ضرب یا جرح یا قتل یا خسارت مالی شود، راننده مجاز که وسیله نقلیه او مجاز به حرکت در شاهراه باشد نسبت به موارد فوق مسئولیتی نخواهد داشت ولی در هر حال مکلف است در صورت بروز حادثه وسیله نقلیه را در شانه سمت راست متوقف نموده و مصدوم را با وسیله نقلیه خود یا وسیله دیگر بلافاصله به اولین درمانگاه یا بیمارستان برساند و مراتب را به مأمورین انتظامی اطلاع دهد. عدم مسئولیت راننده مذکور مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود. تبصره ۱- وزارت راه مکلف است محل های توقف ضروری مجاز وسایط نقلیه در طول شاهراهها را ایجاد کند. تبصره ۲- وسایل نقلیه غیرمجازی که به طور موقت و به سبب ضرورت و مأموریت های ضروری می بایست در بزرگراه تردد نمایند. فقط با اجازه وزیر راه و ترابری و یا معاونین راهداری و حمل و نقل وی و یا بالاترین مقام اجرایی ادارات کل راه و ترابری استانها در حوزه استحفاظی خود و بانصب تابلو (عبور آزاد بزرگراه) در پشت وسیله نقلیه که به وسیله پلیس راه به راننده تحویل و اخذ خواهد شد، می توانند وارد بزرگراه شوند تابلو فوق الذکر به تعداد لازم توسط وزارت راه و ترابری تهیه و تحویل پلیس راه می گردد. تعیین حداقل و حداکثر سرعت اینگونه وسایل طبق آیین نامه ای خواهد بود که به تصویب وزارت راه و ترابری می رسد. تبصره ۳- مأمورین سازمانهای دولتی و انتظامی و یا افرادی که به سبب ضرورت جهت انجام مأموریت و ارایه خدمات در سطح یا حاشیه بزرگراهها به صورت پیاده تردد یا توقف می نمایند با رعایت ضوابط ایمنی در صورت بروز حادثه از شمول حکم ماده ۴ مستثنی می باشند و مسئولیت راننده مقصر وسیله نقلیه مجاز که منجر به تصادف شده است به قوت خود باقی است تبصره ۴- وسایل نقلیه غیرمجاز به عبور از آزادراهها که طبق این ماده واحده مجوز عبور می گیرند، موظف هستند از خطوط مجاز در آزادراهها عبور و مرور نمایند. ماده ۵- دولت می تواند با تصویب کمیسیونهای راه و دارایی مجلسین برای شاهراهها عوارض مناسبی تعیین و وصول کند. ماده ۶- اقدام به هرگونه عملیاتی که موجب خرابی جاده گردد همچنین ایجاد هرگونه متسحذات یا درختکاری یا زراعت یا اقدام به حفاری در

حریم قانونی شاهراهها و راههای اصلی و فرعی و راه آهن که میزان هر یک به طریق و وسایل متناسب مشخص و از طرف وزارت راه آگهی می‌شود بدون اجازه وزارت راه ممنوع است تبصره ۱- وزارت راه مکلف است با حضور نماینده دادسرا و در نقاطی که دادسرا نباشد با حضور نماینده دادگاه بخش این قبیل مستحذات یا درختکاری و یا زراعت و حفاریات را ضمن تنظیم صورت مجلس رأساً قلع و آثار تجاوز را محو کند. تبصره ۲- اشخاص ذینفع می‌توانند به مراجع دادگستری مراجعه کنند. دادگاه خارج از نوبت به این گونه پرونده‌ها رسیدگی نموده و حکم لازم را صادر می‌کند. ماده ۷- هرگاه در طول خطوط راه آهن از طرف وسایل نقلیه راه آهن بر اثر رانندگی وسایل مزبور قتل یا جرح یا ضرب واقع شود باید وسیله نقلیه متوقف گردد و ضمن مبادرت به کمکهای نخستین در مورد مجروحین و مصدومین صورت مجلس در محل حادثه به وسیله مأمورین انتظامی راه آهن و مأمورین مربوط راه آهن تنظیم و پس از تحقیقات اولیه از راننده و مطلعین در صورتی که به سبب حادثه جسد یا اجسام دیگری روی خط راه آهن قرار گرفته و مانع عبور قطار و وسایل نقلیه راه آهن باشد مأمورین پلیس انتظامی راه آهن آن را به مجازات محل به خارج خط در نقطه مناسبی انتقال داده بلافاصله قطار و وسیله نقلیه را حرکت دهند. مأمورین پلیس انتظامی راه آهن موظفند آثار و علائم موجود را در محل حادثه حفظ کرده و مراتب رادر صورت وقوع قتل فوراً به مقامات قضایی برای حضور و انجام تشریفات قانونی گزارش دهند. ماده ۸- راه آهن دولتی ایران مکلف است در طول راه آهن معابر و گذرگاههای مجاز برای افراد و وسایل نقلیه را با نصب علامات مشخص کند. ماده ۹- عبور از روی خطوط راه آهن ورود در محوطه ایستگاهها و کارخانه‌ها و تاسیسات فنی راه آهن به استثنای سکوهای مسافری و امکان و گذرگاهها و معابر مجاز واقع در ایستگاهها و در طول خطوط ممنوع است جز برای آن عده از مأمورین راه آهن که بر حسب وظیفه مجاز به ورود و عبور می‌باشند و در صورت تخلف و بروز حادثه راه آهن دولتی ایران مسئول نخواهد بود. ماده ۱۰- عبور هرگونه وسیله نقلیه اعم از موتوری و غیرموتوری از یک طرف خط آهن به طرف دیگر در غیر محل‌های مجاز ممنوع است و متخلف از این امر مسئول هرگونه پیش آمد و خسارت وارده می‌باشد. تبصره ۱- تخلف از مقررات این ماده مستوجب پانصد ریال جزای نقدی است ترتیب رسیدگی به تخلف مزبور به نحوی است که در قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب سال ۱۳۵۰ مقرر گردیده و تا تشکیل گارد ترابری موضوع ماده ۱۶ قانون تغییر نام وزارت راه و ترابری افسران یا درجه داران دیپلمه پلیس انتظامی راه آهن و در نقاطی که پلیس انتظامی راه آهن نباشد افسران یا درجه داران دیپلمه پلیس راه ژاندارمری کشور وظایف مذکور در آن قانون را انجام خواهند داد و پس از تشکیل گارد ترابری حق رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم با افراد دیپلمه گارد مذکور خواهد بود. تبصره ۲- هرگاه عبور وسایط نقلیه موجب خرابی یا انحراف قسمتی از ریل و همچنین خاکریز و سایر تاسیسات مربوط به راه آهن گردد، راننده وسیله نقلیه به پرداخت جزای نقدی از ۱۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال و جبران خسارات وارده محکوم می‌شود. تبصره ۳- وجوه حاصل از اجرای تبصره یک به حساب خزانه داری کل منظور خواهد گردید. ماده ۱۱- از تاریخ تصویب این قانون غرامت موضوع ماده ۱۳ قانون کیفر بزه‌های راه آهن مصوب فروردین ماه ۱۳۲۰ از پانصد ریال تا پنجهزار ریال خواهد بود و تجاوز به محدوده ایستگاهها در حکم تجاوز به حریم خط آهن می‌باشد. تبصره - حدود ایستگاه راه آهن عبارتست از محوطه‌ای که مورد نیاز راه آهن بوده و بر اساس نقشه‌های مصوب راه آهن قانوناً به تصرف و تملک راه آهن درآمده باشد و به وسیله علائم مخصوص از طرف راه آهن مشخص می‌شود. ماده ۱۲- تبصره ذیل به ماده ۲۱ قانون بزه‌های راه آهن اضافه می‌شود: تبصره - تعقیب متهم در دادگستری موقوف به شکایت راه آهن خواهد بود. ماده ۱۳- هرگاه بر اثر عبور انسان یا دام یا وسیله نقلیه‌ای که حرکت آن بستگی به راه آهن ندارد و برخورد آن با وسایل نقلیه مجاز راه آهن در روی خط آهن حادثه‌ای منجر به قتل یا جرح ضرب یا خسارت مالی شود راننده مجاز که بر حسب وظیفه رانندگی وسایل نقلیه راه آهن را روی خط آهن به عهده دارد در صورتی که نظامات و مقررات مربوط را رعایت نموده باشد مسئولیتی نخواهد داشت عدم مسئولیت راننده مذکور مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود. ماده ۱۴- وزارت راه مکلف است هنگام ایجاد راههای جدید

و راه آهن گذرگاههای ضروری و مجاری لازم را در نظر گرفته موجبات ارتباط طرفین راه احداثی را به نحو مقتضی فراهم کند و در مورد شاهراهها وسیله ارتباط تلفنی در طول راه به مسافتهای معین ایجاد نماید. ماده ۱۵ - خارج از محدوده شهرها در مناطقی که هیأت وزیران تصویب و وزارت راه اعلام می نماید احداث دیوار به ارتفاع بیش از یک متر در اراضی و مستحدثاتی که تا فاصله هفتاد متر از انتهای حریم راه آهن و شاهراهها و راههای اصلی واقع شده ممنوع است مگر برای اراضی واقع در مسیر طوفان شن که به منظور جلوگیری از ورود توده های شنی مالکین حسب مورد با اخذ پروانه از ادارات راه یا راه آهن می توانند به احداث آن اقدام نمایند. با متخلفین حسب مقررات تبصره های یک و دو ماده ۶ این قانون رفتار خواهد شد. تبصره - نرده کشی و سیم کشی به هر ارتفاع و احداث هر نوع ساختمان و ترمیم دیوارهای موجود در اراضی مستحدثات فوق الذکر بلامانع است

آیین نامه اجرایی آموزشگاههای تعلیم رانندگی - مصوب ۲۱/۱/۱۳۶۲ هیات وزیران

فصل اول - تعاریف (ماده ۱)

ماده ۱ - اصطلاحات و جملاتی که در آیین نامه به کار برده شده دارای معانی زیر می باشد: ۱ - آموزشگاه تعلیم رانندگی - موسسه ای است که بر اساس مقررات این آیین نامه تاسیس و از متقاضیان ثبت نام نموده و آموزشهای رانندگی را در محل های تعیین شده به آنان تعلیم می دهد. ۲ - موسس آموزشگاه تعلیم رانندگی - شخص حقیقی یا حقوقی است که منحصراً به منظور تعلیم رانندگی پروانه اخذ نموده است تبصره - موسس می تواند مدیریت آموزشگاه را هم به عهده بگیرد. ۳ - مدیر آموزشگاه تعلیم رانندگی - شخصی است که برای اداره امور داخلی آموزشگاه تعیین می شود. ۴ - مربی آموزشگاه تعلیم رانندگی - شخصی است که به هنر آموزان عملی و آموزش فنی و تیوری تعلیم می دهد. ۵ - هنرآموز کسی که برای فراگرفتن فن رانندگی در آموزشگاه تعلیم رانندگی ثبت نام می نماید. ۶ - اتومبیل تعلیماتی - اتومبیلی است که دارای علائم مشخصه، مندرج در این آیین نامه بوده و به وسیله آن به هنرآموزان آموزشگاه تعلیم رانندگی آموزش داده می شود.

فصل دوم - نوع و شرایط آموزشگاههای تعلیم رانندگی (ماده ۲ تا ۱۸)

ماده ۲ - آموزشگاه تعلیم رانندگی درجه یک باید دارای تجهیزات زیر باشد: ۱ - حداقل پانصد متر مربع زمین محصور و آسفالتت جهت پارکینگ اتومبیل های آموزشگاه با در ورود و خروج مناسب اتومبیل و احداث تاسیسات زیر: الف - کلاس آموزش آیین نامه راهنمایی و رانندگی ب - کلاس آموزش فنی مجهز به قطعات منفصله اتومبیل (موتور - گیربکس - دیفرانسیل و غیره). ج - دفتر کار مناسب د - دستشویی و توالت ۲ - محلی برای آموزش تپه که به نظر افسر کاردان فنی مناسب تشخیص داده شده و حسب مورد از طرف مالک یا اهالی یا سایر مراجع ذینفع مورد اعتراض نباشد. ۳ - حداقل ده دستگاه اتومبیل سواری تعلیماتی که بیش از ۵ سال از مدل سال عقبتر نباشد و ۵ دستگاه کامیون با ظرفیت بارگیری حداقل ۵ تن و شش دنده یا اتوبوس تعلیماتی که بیشتر از ۷ سال از مدل سال عقبتر نباشد در تهران و در سایر استانها و شهرستانها تعداد وسایط نقلیه مذکور با نظریاتی به انتخاب رییس شهربانی استان در مرکز استان تعیین می گردد که در هر حال از سه دستگاه سواری و دو دستگاه کامیون یا اتوبوس کمتر نخواهد بود. تبصره - در بخشها پروانه تاسیس آموزشگاه رانندگی درجه یک داده نمی شود. ماده ۳ - آموزشگاههای تعلیم رانندگی درجه ۲ باید دارای تاسیسات و تجهیزات زیر باشد: ۱ - در شهرها چهارصد متر مربع و در بخشها سیصد متر مربع زمین محصور و آسفالتت جهت

احداث تاسیسات و پارکینگ اتومبیل‌های آموزشگاه با در ورود و خروج مناسب برای اتومبیل ۲- شرایط مندرج در قسمتهای الف ، ج و د بند ۱ ماده ۳۲- در تهران ۱۰ دستگاه اتومبیل سواری تعلیماتی که بیشتر از ۵ سال از مدل سال عقبتر نباشد و در سایر استانها و شهرستانها و بخشها این تعداد با نظر هیات مذکور در بند ۳ ماده ۲ تعیین می‌شود به طوری که از سه دستگاه اتومبیل سواری کمتر نباشد. ماده ۴- شرایط موسس و مدیر آموزشگاه ۱- حداقل سن ۲۵ سال تمام و متاهل باشد. ۲- عدم پیشینه کیفری و دارا بودن حسن شهرت به تایید مقامات شهربانی ۳- عدم ابتلای به بیماریهای مسری و عدم اعتیاد به مواد مخدر و الکل به گواهی پزشک معرفی شده از سوی شهربانی ۴- لزوم اشتغال منحصر و تمام وقت مدیر برای اداره امور آموزشگاه ۵- حداقل دیپلم متوسطه برای مدیر و پنجم ابتدایی برای موسس در صورتی که شخص حقیقی باشد. ۶- دارا بودن گواهی نامه پایه یکم برای مدیر یا موسس آموزشگاه درجه یک (در صورتی که شخص حقیقی باشد) و گواهینامه پایه دوم برای مدیر و موسس آموزشگاه درجه دوم ماده ۵- اتومبیل‌های تعلیماتی باید دارای تجهیزات و مدارک لازم مشخصه زیر باشد: ۱- دو کلاچ و دو ترمز و دو آئینه در داخل اتومبیل ۲- بیمه شخص ثالث ۳- برگ معاینه معتبر ۴- قید نام آموزشگاه در دو طرف بدنه اتومبیل ۵- اطراف اتومبیل (روی در و گلگیر) به عرض ۲۰ سانتیمتر با نوار سیاه و سفید (شظرنجی مشخص گردد. ۶- نصب عمودی تابلو آموزشگاه با زمینه زرد روی سقف اتومبیل ۷- نصب تابلویی به شکل مثلث متساویالاضلاع با زمینه قرمز روی سپرهای جلو و عقب اتومبیل که روی آن عبارت (احتیاط - تحت تعلیم نوشته شده باشد. ۸- حداقل موتور اتومبیل چهارسیلندر. تبصره - شهربانی مراکز استان و راهنمایی تهران می‌توانند از مالکین اتومبیل‌های تعلیماتی بخواهند اتومبیل‌های خود را به رنگهای مشخص و یکنواخت درآورند. ماده ۶- شرایط مربی تعلیم رانندگی ۱- حداقل سن به ترتیب برای آموزش هنرآموزان پایه یک و دوم ۲۶ و ۲۳ سال تمام ۲- گذشت حداقل دو سال از تاریخ صدور گواهینامه پایه یکم و پایه دوم ۳- عدم سو پیشینه کیفری و دارا بودن حسن شهرت به تایید مقامات شهربانی ۴- تاهل ۵- سواد خواندن و نوشتن ۶- گواهینامه مخصوص مربی‌ها برای تعلیم هر نوع وسیله نقلیه ۷- عدم ابتلا به امراض مسری و عدم اعتیاد به مواد مخدر و الکل و عدم هرگونه نقص عضو به گواهی پزشک معتمد شهربانی تبصره ۱- رعایت بند ۱ و ۲ و ۵ برای مربیان آئین نامه فنی ، الزامی نبوده ، لکن میزان اطلاعات آنها باید مورد تایید موسس و مدیر آموزشگاه باشد. تبصره ۲- آموزش هنرآموزان زن ، باید توسط مربیان زن انجام گیرد. ماده ۷- راهنمایی و رانندگی با اخذ مدارک لازم (عکس ، فتوکپی شناسنامه و اصل گواهی نامه رانندگی و معرفی نامه آموزشگاه و غیره کارت مخصوص برای مربی صادر می‌نماید که اعتبار آن ۳ سال بوده و قابل تمدید است و مربی باید هنگام تعلیم آن را همراه داشته باشد. تبصره - مربیانی که فعلا مشغول به کار هستند باید از تاریخ تصویب تحت شرایط این آئین نامه ظرف مدت شش ماه کارت مربیگری اخذ نمایند. ماده ۸- شرایط صدور پروانه آموزشگاههای تعلیم رانندگی ۱- مراجعه موسس به نزدیکترین واحد راهنمایی و رانندگی که دارای کاردان فنی باشد و کسب موافقت کتبی مقامات انتظامی و راهنمایی شهرداری برای ایجاد آموزشگاه در محل مورد نظر. ۲- تاسیس آموزشگاه و اخذ پروانه ظرف مدت ۹ ماه از تاریخ اعلام موافقت کتبی مقامات مذکور در بند ۱ ، این مهلت فقط سه ماه قابل تمدید است ۳- مالکیت یا اجاره نامه یا واگذاری رسمی مکان آموزشگاه و مالکیت حداقل تعداد اتومبیل‌های لازم برای آموزشگاه مندرج در این آئین نامه به نام موسس باشد. ۴- معرفی مدیری که واجد شرایط مربوطه باشد (مسئولیت مدیریت آموزشگاه در غیاب مدیر به عهده موسس می‌باشد). ۵- تسلیم اصل اسناد محل آموزشگاه و اتومبیلها به راهنمایی و رانندگی محل ۶- معرفی اتومبیل‌های تعلیماتی که بیمه شده باشد. ۷- معرفی مربیان آموزشگاه که حایز شرایط مندرج در ماده ۶ بوده و به استخدام آموزشگاه درآمده باشد. ماده ۹- راهنمایی و رانندگی موظف است در صورت موافقت قبلی با ایجاد آموزشگاه در محل مورد نظر ، مدارک مذکور در ماده ۶ را اخذ و پس از مشاهده محل آموزشگاه و اتومبیل‌های تعلیماتی و مدارک مدیر آموزشگاه و مربیان معرفی شده پروانه صادر و در صورت وجود نقص ، تذکرات لازم را برای رفع آن کتبا اعلام نمایند. تبصره ۱- تاسیس آموزشگاههای تعلیم رانندگی متعدد توسط شخص حقیقی و یا حقوقی در نقاط مختلف

کشور با رعایت شرایط این آیین نامه بلامانع است تبصره ۲ - صدور پروانه تاسیس برای آموزشگاههای تعلیم رانندگی دولتی و موسسات وابسته به آن الزامی نبوده لیکن آموزشگاههای مذکور ، مکلف به رعایت مواد ۵ و ۶ و ۱۴ این آیین نامه می باشند. ماده ۱۰ - آموزشگاههای تعلیم رانندگی موجود که دارای پروانه می باشند باید ظرف مدت یکسال از تاریخ تصویب این آیین نامه وضع خود را با شرایط مندرج در این آیین نامه تطبیق داده و پروانه جدید اخذ نمایند ، در غیر این صورت از ادامه کار آنان جلوگیری خواهد شد. ماده ۱۱ - تمدید پروانه آموزشگاههای رانندگی هر سه سال یکبار توسط مرجع صادرکننده و با احراز شرایط مندرج در ماده ۸ انجام می گیرد. ماده ۱۲ - مدیر آموزشگاه موظف است قرارداد منعقد با هنرآموز اعم از ساعتی یا دوره‌ای را در دونسخه تنظیم نموده و یکبرگ آن را در دفتر آموزشگاه نگهداری و نسخه دوم را تسلیم هنرآموز نماید. همچنین مکلف است نام و مشخصات هنرآموز را با ذکر ساعت و تاریخ تنظیم و نام مربی در دفتر جداگانه ثبت نماید. ماده ۱۳ - واگذاری آموزشگاههای تعلیم رانندگی به هر عنوان به اشخاص دیگر با تغییر مکان آنها تابع شرایط این آیین نامه بوده و با نظر مرجع صادرکننده پروانه انجام می گیرد. ماده ۱۴ - راهنمایی و رانندگی می تواند در شهرها ، خیابانهای مخصوصی را برای تعلیم رانندگی ممنوع اعلام نماید. ماده ۱۵ - تعداد آموزشگاههای تعلیم رانندگی در هر شهرستان در صورت نیاز در سال یکبار در کمیسیون مرکب از فرماندار و نمایندگان شهربانی و دادگستری و شورای محلی و اداره کار و اموراجتماعی و اتحادیه آموزشگاههای رانندگی (در صورت تاسیس تعیین می گردد. ماده ۱۶ - نرخ آموزش عملی رانندگی و فنی و آیین نامه به ازای هر ساعت و یا مقطوعاً تا زمان اخذ گواهینامه تحت نظر هیاتی مرکب از نمایندگان استانداری - دادگستری - شهرداری - شهربانی - کمیته امور صنفی - اداره بازرگانی و اتحادیه آموزشگاههای تعلیم رانندگی (در صورت تاسیس تعیین می گردد. ماده ۱۷ - تخلف از هر یک از موارد این آیین نامه که در قانون اخذ جرایم و سایر ملحقات آن پیش بینی نشده باشد به آموزشگاه مربوطه اعلام می گردد تا حداکثر ظرف مدت ۲ ماه نسبت به رفع آن اقدام نماید در غیر این صورت برای بار اول موجب تعطیل آموزشگاه به مدت ۱۵ روز و برای بار دوم به مدت یکماه خواهد بود و در صورت تکرار پروانه آموزشگاه از طرف واحد صادرکننده لغو و از ادامه کار آن جلوگیری به عمل خواهد آمد. ماده ۱۸ - با توجه به مقررات قانون لغو مالکیت اراضی و آیین نامه اجرایی آن به منظور امکان خرید یا واگذاری زمین مورد احتیاج متقاضیان ، مراجع ذیربط موجبات قانونی این اقدام را فراهم خواهند نمود.

قانون کیفر بزه‌های مربوط راه آهن - مصوب ۳۱/۱/۱۳۲۰ با اصلاحات بعدی

ماده ۱ - هرکس خاک ریز ، خاک بر ، پل ، تونل ، دیوار ، سد ، امنیه ، بالاست ، تراورس ، ریل ، پیچ و مهره ریل ، اتصالی ریل ، علائم خطر ، تیرهای تلفن و تلگراف و سیم‌های آن و وسایل نقلیه راه آهن را خراب کند و به طور کلی عملی نماید که موجب خروج قطار از خط یا تصادم یا حادثه مهم دیگری شود به حبس جنایی درجه یک از پنج تا پانزده سال محکوم می شود و اگر در نتیجه حادثه یک یا چند نفر کشته شود مرتکب محکوم به اعدام خواهد شد. هرگاه عمل منتهی به یکی از حادثه‌های مذکور نگردد در غیر مورد خرابی پل تونل و سد مرتکب به دو تا هفت سال حبس جنایی درجه دو و در مورد پل و تونل و سد از ۴ سال تا ده سال حبس جنایی درجه یک محکوم می شود. ماده ۲ - هرکس در غیر مورد مذکور در ماده یک در متعلقات راه آهن عملی نماید که بیم خروج قطار از خط یا تصادم یا حادثه مهم دیگر برود مرتکب به حبس جنایی درجه دو از دو تا پنج سال محکوم می شود و هرگاه عمل مذکور برای حرکت قطار فقط ایجاد مانعی نماید و به طور کلی اسباب اختلال حرکت قطار را فراهم کند مرتکب به حبس جنحه‌ای تا دو سال محکوم می شود. ماده ۳ - هرگاه بزه‌های مذکور در ماده یک و دو در اثر توطیه و تبانی دو نفر یا بیشتر انجام یابد یک ثلث از کیفری که قطع نظر از تبانی برای مرتکب افزوده خواهد شد جز در مورد اعدام که مرتکب به همان کیفر محکوم می شود. ماده ۴ - هرگاه برای ارتکاب بزه‌های مذکوره در ماده یک جمعیتی از سه تن به بالا- تشکیل شود تشکیل دهندگان و

محرکین فقط برای همین عمل به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شوند. کسی که عضو این جمعیت شده باشد فقط برای همین عمل به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. هرگاه از جمعیت مزبور دست کم سه تن مسلح باشند محرکین و تشکیل دهندگان هر یک به حبس جنایی درجه یک از سه سال تا پنج سال محکوم می‌شوند و کسی که عضو این جمعیت شده باشد به دو سال تا سه سال حبس جنایی درجه دو محکوم می‌گردد. ماده ۵- هر یک از شرکت کنندگان که جمعیت مذکور در مواد فوق را منحل یا موجبات انحلال آن رافراهم سازد یا از جز توطیه کنندگان یا عضو جمعیت خارج شوند یا از وقوع بزه یا توطیه با تشکیل جمعیت برای ارتکاب بزه مانع شوند یا وجود جمعیت و تصمیمات آن را به مأمورین دولت افشاکنند از کیفر معاف خواهد بود مشروط بر اینکه پیش از تعقیب و پیش از وقوع بزه که جمعیت برای ارتکاب آن تشکیل شده اقدامات مزبور به عمل آمده باشد. ماده ۶- هر کس اعمال مذکور در مواد ۱ و ۲ را از روی بی‌مبالا‌تی یا غفلت انجام دهد در مواردی که کیفر بزه عمدی اعدام یا حبس جنایی درجه یک است به حبس جنحه‌ای از یک سال تا سه سال و به تادیه غرامت از دویست تا ده هزار ریال محکوم می‌شود در مواردی که برای بزه عمدی حبس جنایی درجه دو مقرر شده کیفر مرتکب حبس جنحه‌ای از سه ماه تا دو سال و تادیه غرامت از صد تا هزار ریال می‌باشد. ماده ۷- هر کس وسایل نقلیه راه آهن را ضایع یا خراب کند به طوری که از خاصیت بهره‌برداری بیاندازد در صورتی که وسایط نقلیه از قبیل لکوموتیو یا اتوموتوریس باشد به حبس جنایی درجه دو تا پنج سال محکوم می‌شود و در مورد سایر وسایط نقلیه راه آهن کیفر مرتکب حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال خواهد بود مگر اینکه عمل مشمول عنوان شدیدتری باشد که در آن صورت مرتکب به کیفر همان بزه محکوم می‌گردد. ماده ۸- مسافری که بدون جهت علامات موجود در واگونها را از قبیل ترمز خطر و غیره بکار برد و قطار بایستند به تادیه غرامت دویست تا پانصد ریال ملزم خواهد شد. ماده ۹- مسافری که به تجهیزات واگون از قبیل چراغ- توری‌های پنجره- شیشه- پرده- جایگاه- جامه‌دان زینانی وارد آورد به پرداخت خسارت طبق تعرفه راه آهن مصوب وزارت راه ملزم خواهد شد برای خسارتی که قابل پیش‌بینی در تعرفه نبوده با رعایت اینکه مقدار خسارت از یکصد ریال تجاوز نکند طبق تشخیص اداره راه آهن ملزم خواهد شد در صورتی که عمل مشمول عناوین کیفری باشد به کیفر مقرر برای عمل نیز در مراجع صالحه محکوم می‌شود. ماده ۱۰- وجوه مذکور در ماده ۸ به تشخیص رییس قطار وجوه مذکور در ماده ۹ مطابق تعرفه یا تشخیص راه آهن به حسب مورد در مقابل قبض رسمی اداری دریافت می‌گردد. در صورتی که واردکننده خسارت اعتراضی داشته باشد می‌تواند پس از پرداخت وجه تا مدت شش ماه به یکی از دادگاههای شهرستان خط سیر مراجعه نماید. هرگاه واردکننده خسارت از پرداخت این وجوه امتناع نماید چنانچه مالی همراه داشته باشد رییس قطار حق دارد به میزان خسارت مورد مطالبه از مال او بازداشت نموده و طبق آیین نامه مصوب وزارت راه- وزارت دادگستری خسارت راه آهن را از آن استیفا نماید نسبت به بازداشت مال نیز واردکننده خسارت از تاریخ بازداشت آن به شرح بالا حق شکایت خواهد داشت هرگاه دارایی ممتنع کفایت خسارت وارده را ندهد یا دارایی نداشته باشد و نتواند تضمین کافی بدهد چنانچه راه آهن مقتضی بداند می‌تواند صورت مجلس تنظیم و با خود او تحت مراقبت مأمورین به نزدیک‌ترین دادگاه مقصد ممتنع بفرستد- دادگاه به این قبیل موارد خارج از نوبت رسیدگی خواهد کرد. ماده ۱۱- حمل مواد زود اشتعال و قابل احتراق و انفجار بدون اطلاع اداره راه آهن ممنوع است و مسافری که بدون اطلاع راه آهن مواد مزبور را در جامه‌دانها و اثاثیه خود در واگنها حمل کند یا آنها را به قسمت حمل و نقل اثاثیه (توشه بسپارد و همچنین هر کس بدون استحضار راه آهن مواد مزبور را برای حمل به وسیله واگنهای باری تحویل نماید محکوم به تادیه غرامت از دویست تا هزار ریال خواهد گردید در صورتی که عمل مزبور منجر به حریق یا حادثه دیگری گردد که جرم شدیدتری شناخته شده باشد مرتکب به کیفر آن بزه محکوم خواهد شد. ماده ۱۲- هرگاه کسی باعث تضییع یا تلف مالی بشود که برای حمل به راه آهن سپرده شده است درقبال بنگاه راه آهن مسوول خساراتی است که از این جهت به راه آهن وارد شده باشد. ماده ۱۳- هر کس در حریم راه آهن بدون اجازه کتبی بنگاه راه آهن ساختمان یا حفریات و به طور کلی هر دخل و تصرفی نماید

علاوه بر اجبار به اعاده محل به صورت اولیه محکوم به تادیه غرامت از ۵۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد. آنچه پیش از اجرای این قانون داخل در حریم بوده در صورتی که راه آهن اجازه ابقا آن را ندهد مالک آن ملزم است که آن را از حریم راه آهن بردارد و اگر امتناع نماید راه آهن آن را برخواهد داشت و یا در صورت موافقت راه آهن به بهای عادلانه به راه آهن واگذار می شود. حریم راه آهن عبارت از ۱۷ متر فاصله به هر یک از دو طرف محور خط می باشد. ماده ۱۴ - نگاهداری و چراندن دام در حریم راه آهن ممنوع است و راه آهن مسوول خسارت وارده که از تلف آنها حاصل می شود نخواهد بود. اگر از این راه خساراتی به راه آهن وارد شود مالکین دامها در قبال راه آهن مسوول خواهند بود. ماده ۱۵ - تا مسافت کمتر از پنجاه متر از خط آهن ساختن بناهایی که دارای سقف پوشالی باشد و خرمن نمودن کاه و علف و انبار نمودن مواد زود احتراق و زود اشتعال ممنوع است و متخلفین به تادیه غرامت از دویست تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۱۶ - هر یک از کارمندان راه آهن که متصدی راندن یا وظیفه دار تشکیل یا حرکت قطار می باشند لکوموتیو - واگن - در زین یا هرگونه وسایط نقلیه را که می داند معیوب است و در صورت سیر موجب مخاطره خواهند شد به راه اندازد و یا به مناسبت وظیفه مانع تشکیل قطار و حرکت آن نشود به حبس جنحه ای از شش ماه تا دو سال محکوم می شود همین کیفر درباره کارمندی که از معیوب بودن وسایل نقلیه مطلع و بر حسب وظیفه مکلف به آگاه ساختن مقامات مربوطه بوده و آن مقامات را مسبوق نساخته اند اعمال می گردد. ماده ۱۷ - رییس قطار - راننده - ترمزبانان - سوزن بانان که بر خلاف مقررات در موقع حرکت قطار تارسیدن آن به مقصد یا در موقع حرکت و ورود قطار به ایستگاه محل خدمت خود را ترک و یا وظیفه خود را انجام ندهند به حبس جنحه ای از شش ماه تا دو سال محکوم می شوند. ماده ۱۸ - متصدیان حفظ ساختمان و بناهای مربوطه به راه آهن با آلات فنی آن که مسوول نگاهداری خط و نظارت ساختمانها و به طور کلی مأمور حفظ اموال راه آهن اعم از فنی و غیر فنی می باشند اگر وظیفه خود را ترک کنند محکوم به حبس جنحه ای از یک ماه تا شش ماه خواهند شد. هرگاه بزه های مذکور در این ماده و دو ماده پیش منتهی به تصادم یا خروج قطار از خط و یا حادثه مهم دیگری بشود مرتکب به دو تا سه سال حبس جنایی درجه دو محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه حادثه کسی کشته شود به حبس جنایی درجه یک از سه سال تا ده سال محکوم می گردد. در مورد این ماده و ماده ۱۷ در قسمتی که کیفر مرتکب حبس جنحه ای مقرر شده است تعقیب بزه منوط بدرخواست بنگاه راه آهن می باشد. ماده ۱۹ - اگر مأمورین راه آهن از امر مافوق خود که برای احتراز از خطر و حادثه راه آهن صادر شده تخلف کنند به حبس جنحه ای از یک ماه تا شش ماه محکوم خواهند شد و چنانچه این تخلف منجر به حادثه راه آهن شود مرتکب به دو تا سه سال حبس جنایی درجه دو محکوم می شود و اگر در نتیجه حادثه کسی کشته شود کیفر مرتکب حبس جنایی درجه یک است از سه تا ده سال ماده ۲۰ - هرگاه کارمند راه آهن از ساختمانها - تجهیزات - کارخانجات تاسیسات ثابت و وسایط نقلیه و غیر آن نقشه - عکس یا اطلاعاتی که جنحه سری دارند و افشا آن بر خلاف مصالح راه آهن و یا مصالح عمومی کشور باشد به کسی بدهد یا کسی را برای بدست آوردن چنین اسناد و مدارک کمک نماید در صورتی که عمل بزه شدیدتری نباشد به حبس جنایی درجه دو ، دو تا پنج سال محکوم می شود. ماده ۲۱ - چنانچه کارکنان لکوموتیو اعم از راننده یا آتشکار و همچنین سایر کارمندان راه آهن که مسوول تامین آمد و شد قطار هستند در غیر مورد مذکور در ماده ۶ مرتکب بی مبالاتی یا غفلت بشنوند که منجر به زیان دولت بشود علاوه بر جبران خسارت به حبس جنحه ای از یک ماه تا یک سال محکوم می شوند. تبصره - تعقیب متهم در دادگستری موکول به شکایت راه آهن خواهد بود. ماده ۲۲ - کدخدایان و دهبانانی که به امر مقامات مربوطه مواظبت قسمتی از راه آهن به عهده آنها و گذار شده هرگاه در انجام مأموریت خود بی مبالاتی و یا غفلتی بنمایند که موجب شود کسی به راه آهن خرابی وارد نماید به سه ماه تا سه سال حبس جنحه ای محکوم می شوند. ماده ۲۳ - هرگاه اعمال مذکور در این قانون منتهی به نتایج قابل کیفری گردد که در این قانون پیش بینی نشده است مقررات سایر قوانین کیفری مجری خواهد بود. ماده ۲۴ - وزارت راه می تواند ضمن آیین نامه که به موجب ماده ۴ قانون سازمان بنگاه راه آهن دولتی ایران مصوب ۱۲ مرداد ۱۳۱۴ اختیار

تنظیم آن داده شده از نظر انتظام و انضباط کارهای راه آهن برای تخلف کارمندان راه آهن از مقررات یا دستورهای روسای مافوق در موارد لزوم از یک روز تا بیست روز حبس انضباطی پیش‌بینی نموده و آن آیین نامه را پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجراگذار طرز رسیدگی و مرجع شایسته نیز در آیین نامه مذکور معین خواهد شد.

قانون اجازه واگذاری امتیاز سرقفلی و مشارکت غرفه و فروشگاههای پایانه‌های عمومی بار و مسافر مجتمع ها

ماده واحده - به سازمان حمل و نقل پایانه‌های کشور اجازه داده می‌شود امتیاز سرقفلی غرفه و فروشگاههای پایانه‌ها و مجتمع های خدمات رفاهی بین راهی و تیر پارکها را قبل از شروع به احداث یا تکمیل آنها، به متقاضیان بهره برداری یا احداث واگذار نماید. مستحذات مذکور پس از ارزیابی کارشناسی منتخب مجمع سازمان در قرارداد منعقد شده به حساب سرقفلی بهره بردار منظور می‌شود. همچنین سازمان مجازات احداث آنها را در قالب قرارداد مشارکت مدنی واگذار نماید. تبصره - صدور مجوز تأسیس و بهره برداری از پایانه‌ها و مجتمع‌های فوق و هرگونه تأسیسات رفاهی بین راهی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی و ساماندهی و تمرکز آنها در نقاط مناسب شبکه راههای کشور به عهده سازمان مذکور است و در صورت بروز تخلف مراجع قضایی با درخواست سازمان دستور جلوگیری و پس از رسیدگی و حکم تخریب هرگونه ساخت و ساز غیر مجاز را صادر می‌نماید. شرایط و ضوابط به نحوه ساخت و بهره برداری پایانه‌های یاد شده و تعرفه صدور مجوزهای مربوطه و سایر خدمات قابل ارائه سازمان در قالب طرح جامع خدمات رفاهی بین راهی خواهد بود که به تصویب مجمع عمومی سازمان می‌رسد.

قانون تاسیس شرکت سهامی خاص پایانه‌های عمومی وسایل نقلیه باربری - مصوب ۲۸ دی ماه ۱۳۶۷

ماده واحده - به منظور بهره‌برداری توسعه و نگاهداری پایانه‌های عمومی وسایل نقلیه سنگین باربری مستحذته موجود و نیز احداث بهره‌برداری توسعه و نگاهداری پایانه‌های عمومی مورد نیاز در کلیه نقاط کشور که به تشخیص وزارت راه و ترابری ایجاد آنها جهت ارائه خدمات به‌راندگان وسایل نقلیه باربری ضرورت خواهد یافت شرکت سهامی پایانه‌های عمومی وسایل نقلیه باربری تاسیس می‌گردد. احداث پایانه وسایل نقلیه باربری توسط شرکت موضوع این قانون مانع احداث و تاسیس پایانه باربری توسط بخش غیردولتی مطابق ضوابط وزارت راه و ترابری نمی‌باشد. تبصره ۱ - مجمع عمومی این شرکت مرکب از وزرای راه و ترابری برنامه و بودجه امور اقتصادی و دارایی خواهد بود. ریاست مجمع بر عهده وزیر راه و ترابری است تبصره ۲ - سهام پایانه هر محل تا ۴۹٪ قابل واگذاری به بخش غیردولتی می‌باشد نحوه واگذاری در اساسنامه شرکت مشخص می‌گردد. تبصره ۳ - اساسنامه شرکت در چارچوب این قانون و ماده ۳۰۰ قانون تجارت ظرف مدت ۳ ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت راه و ترابری تهیه و پس از تصویب مجمع عمومی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. تبصره ۴ - شرکت موظف است بهره‌برداری از فروشگاهها و غرفه‌های پایانه از قبیل تعمیرگاهها، کارگاههای فنی فروشگاههای قطعات یدکی سالنهای تعویض روغن رستوران را طبق آیین نامه ای که توسط وزارت راه و ترابری تهیه و پس از تایید مجمع عمومی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید به بخش غیردولتی واگذار نماید. تبصره ۵ - شرکت به صورت خودکفا اداره می‌گردد و در قبال خدماتی که ارائه می‌نماید وجوهی دریافت می‌دارد، نوع خدمات و میزان وجوه دریافتی بر اساس آیین نامه ای خواهد بود که با پیشنهاد وزارت راه و ترابری به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. تبصره ۶ - شرکتها و مؤسسات باربری موظفند در پایانه‌هایی که احداث می‌شود مستقر گردند مگر آنکه از خود دارای تأسیسات و تجهیزات متناسب با نوع فعالیت مطابق با ضوابط وزارت راه و ترابری باشند، در غیر این صورت از فعالیت آنان جلوگیری خواهد شد. تبصره ۷ - شرکت می‌تواند از محل درآمدهای خود نسبت به ایجاد تأسیسات رفاهی بین راهی در نقاط محروم کشور که

بخش غیردولتی راغب به ایجاد آن نیستند اقدام نماید. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و هفت تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه بیست و هشتم دی‌ماه یک‌هزار و سیصد و شصت و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۵/۱۱/۱۳۶۷ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون اصلاح قانون تاسیس شرکت سهامی خاص پایانه های عمومی وسایل نقلیه باربری - مصوب ۲۵/۴/۷۴

ماده واحده - قانون تاسیس شرکت سهامی خاص پایانه های عمومی وسایل نقلیه باربری مصوب ۲۸/۱۰/۱۳۶۷ به شرح زیر اصلاح می شود: ۱ - ماده واحده در ماده واحده قانون بعد از پایانه‌های عمومی (و مجتمع‌های خدمات رفاهی بین‌راهی) اضافه می شود. ۲ - تبصره ۴ به شرح زیر تغییر می یابد: تبصره ۴ - شرکت مجاز است بهره‌برداری از فروشگاهها و غرفه‌های احداثی در پایانه‌ها و مجتمع‌های خدمات رفاهی بین راهی را با اخذ سرقفلی یا بدون آن طبق آیین‌نامه‌ای که توسط وزارت راه و ترابری تهیه و به تصویب مجمع عمومی شرکت خواهد رسید به متقاضیان واجد شرایط اعم از بخش دولتی و یا غیردولتی با انعقاد قرارداد اجاره واگذار نماید. واگذاری بدون سرقفلی مشمول قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۲/۵/۱۳۵۶ نبوده و هیچگونه حقی اعم از کسب و پیشه و تجارت و سرقفلی برای طرف قرارداد ایجاد نمی نماید و در صورت تخطی متصرف از مفاد قرارداد در هر زمان به تشخیص شرکت و یا انقضای مدت اجاره شرکت می تواند با اخطار قبلی یک ماهه از طریق دفتر اسناد رسمی و صدور اجراییه از طریق دوایر اجرای ثبت محل را تخلیه و تصرف نموده و به متقاضیان واجد شرایط دیگر واگذار نماید. لیکن در مورد اشخاصی که در هنگام انعقاد قرارداد به عنوان سرقفلی وجهی به شرکت پرداخت نموده باشند، شرکت موظف است در صورت تخلیه ارزش روز سرقفلی را به آنها مسترد نماید. کلیه فروشگاهها و غرفه‌های پایانه هر محل که قبل از تصویب این قانون به اشخاص واگذار شده نیز از هر حیث مشمول مقررات این تبصره می باشند. مگر اینکه قرارداد به نحو دیگری تنظیم شده باشد و جوه حاصل از فروش سرقفلی غرفه‌ها و همچنین یک درصد (۱٪) ارزش بارنامه‌های صادره در سراسر کشور که توسط شرکت وصول خواهد شد به حساب خزانه واریز می گردد. صددرصد (۱۰۰٪) وجوه واریزی به عنوان منابع تامین اعتبار بر اساس بودجه سالانه جهت توسعه و احداث پایانه‌های جدید و تیر پارکها (یا مجتمع‌های خدمات رفاهی بین‌راهی در اختیار شرکت مزبور قرار می گیرد. ۳ - تبصره ۷ به شرح زیر اصلاحی می گردد: تبصره ۷ - شرکت می تواند از محل درآمدهای خود نسبت به ایجاد پایانه‌ها و تیر پارکها و مجتمع‌های رفاهی بین‌راهی در نقاط مختلف کشور که بخش غیردولتی راغب به ایجاد آن نیستند، اقدام نماید. ۴ - تبصره زیر به عنوان تبصره ۸ به شرح زیر اضافه می گردد: تبصره ۸ - درج کرایه غیرواقعی حمل و نقل در بارنامه و هر فعل دیگری که موجب عدم پرداخت تمام یا قسمتی از وجوه موضوع تبصره ۴ و ۵ این قانون به شرکت شود، تخلف محسوب و مرتکب برای بار اول علاوه بر جبران خسارات وارده به شرکت به سه برابر مبلغ کسری جریمه خواهد شد این مبلغ در هر صورت از پانصد هزار (۵۰۰/۰۰۰) ریال کمتر نخواهد بود. در صورت تکرار نیز، پروانه متخلف به صورت موقت یا دائم لغو می شود. ۵ - تبصره ۹ به شرح زیر به تبصره‌ها اضافه گردد: تبصره ۹ - وظایف معاونت حمل و نقل وزارت راه و ترابری به شرکت پایانه منتقل می شود و نام شرکت به سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور تغییر می یابد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و پنجم تیرماه یک‌هزار و سیصد و هفتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱/۵/۱۳۷۴ به تایید شورای نگهبان رسیده است

فضای سبز

لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها - مصوب ۳/۳/۱۳۵۹

ماده ۱- به منظور حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان قطع هر نوع درخت در معابر، بزرگراه‌ها و پارک‌ها، باغات و محل‌هایی که به صورت باغ شناخته شوند و در محدوده قانونی و حریم شهرها بدون اجازه شهرداری ممنوع است ضوابط مربوط به چگونگی اجرای این ماده پس از تهیه توسط شهرداری و تصویب شورای شهر قابل اجرا است ماده ۲- شهرداری‌ها در محدوده قانونی و حریم شهرها مکلفند ظرف مدت یک سال شناسنامه‌ای شامل تعداد و نوع و محیط و سن تقریبی درختان محل‌های مشمول این قانون را تنظیم کنند و این شناسنامه هر پنج سال یکبار قابل تجدید و سند اجرای این قانون می‌باشد. تبصره - شهرداری‌ها مکلفند درختان معابر، میادین بزرگراه‌ها و پارک‌ها را پس از تنظیم مشخصات آنان پلاک کوبی کنند. ماده ۳- مأموران شهرداری‌ها بر حسب مورد می‌توانند برای تنظیم یا تطبیق برگ شناسایی درختان با در دست داشتن معرفی‌نامه و نمایندگی دادستانی وارد محل‌های مشمول این قانون بشوند. ماده ۴- از تاریخ اجرای این قانون اعم از اینکه شناسنامه موضوع ماده ۲ تنظیم و ابلاغ شده باشد یا نه قطع درختان مشمول قانون ممنوع است مگر با تحصیل اجازه از شهرداری طبق مقررات و ضوابط مربوط تبصره ۱- اراضی مشجر و اماکن مسکونی و محل‌های کسب و پیشه و تجارت که مساحت آن از پانصد متر مربع تجاوز نکند از شمول قانون مستثنی است تفکیک قطعات اراضی مشجر و باغات بزرگ‌تر از پانصد متر مربع با رعایت مقررات شهرسازی مجاز است ولی قطع درخت در قطعات تفکیک شده بود هر مساحت که باشد بدون تحصیل اجازه طبق مقررات این قانون ممنوع است تبصره ۲- در پروانه‌های ساختمانی که بر اساس طرح جامع و یا هادی شهرها از طرف شهرداری‌ها صادر می‌شود تعداد درختی که در اثر ساختمان باید قطع شود تعیین و قید خواهد شد. در صورتی که پس از دریافت پروانه و قطع درخت ظرف مدت مندرج در پروانه بدون عذر موجه اقدام به ساختمان نشود مرتکب مشمول مجازات‌های مقرر در این قانون خواهد بود. تبصره ۳- مالکین باغات و محل‌هایی که به صورت باغ شناخته شوند مکلفند به ازای درخت‌هایی که اجازه قطع آنان از طرف شهرداری صادر می‌شود به تعداد دو برابر در همان محل و یا هر محلی که شهرداری تعیین خواهد کرد بر طبق ضوابط و دستورالعمل‌های موجود در فصل مناسب غرس نمایند. تبصره ۴- کاشت و حفاظت و آبیاری درختان معابر، میادین بزرگراه‌ها و پارک‌های عمومی از اهم وظایف شهرداری‌ها می‌باشد. ماده ۵- ضوابط مربوط به خزانه و جابجا کردن - جانشین ساختن و قطع درختان که ملازمه بایربرداری از نهالستان‌ها، قلمستان‌ها و باغات و موارد دیگر دارد به موجب آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون تعیین خواهد گردید. ماده ۶- هر کس عالماً و عامداً و برخلاف مقررات این قانون مرتکب قطع و یا موجبات از بین رفتن درختان مشمول آن قانون را فراهم سازد به حبس جنحه‌ای تا سه سال و پرداخت جزای نقدی بر حسب نوع و محیط سن درخت و موقعیت آن از یک هزار ریال تا یکصد هزار ریال محکوم خواهد شد. تبصره ۱- در صورتی که قطع درخت از طرف مالکین به نحوی باشد که باغی را از این ببرد و از زمین آن به صورت تفکیک و خانه سازی استفاده کند همه زمین به نفع شهرداری ضبط می‌شود و به مصرف خدمات عمومی شهر و محرومین می‌رسد. تبصره ۲- مجازات‌های مذکور در این ماده قابل تعلیق و یا تبدیل به جزای نقدی نبوده و احکام صادره فقط قابل پژوهش خواهد بود. ماده ۷- گزارش مأموران شهرداری‌های مأمور اجرای این قانون که قبلاً با وظایف ضابطین دادگستری آشنا شده‌اند به منزله گزارش ضابطین دادگستری است ماده ۸- هر کس اعم از مأموران مجری این قانون و سایر اشخاص عالماً جرایم مذکور در این قانون را به خلاف حقیقت به کسی نسبت دهد و یا گزارش خلاف واقع بدهد به مجازات حبس جنحه‌ای تا سه سال محکوم می‌شود مگر اینکه در قوانین جزایی مجازات شدیدتری پیش‌بینی شده باشد که در این صورت به مجازات اشد محکوم خواهد شد. مقررات تبصره ذیل ماده ۶ در این مورد نیز لازم‌الرعایه است

قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب ۱۳۷۴/۲/۳

فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱ - جهت تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور پاکسازی و حفاظت هوا از آلودگی‌ها کلیه دستگاه‌ها و موسسات و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی موظفند مقررات و سیاست‌های مقرر در این قانون را رعایت نمایند. ماده ۲ - اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی هوا را فراهم نماید ممنوع است منظور از آلودگی هوا عبارت است از وجود و پخش یک یا چند آلوده کننده اعم از جامد، مایع گاز، تشعشع پرتوزا و غیر پرتوزا در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوری که زیان آور برای انسان و یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد. ماده ۳ - منابع آلوده کننده هوا که تحت مقررات این قانون قرار دارند به سه دسته زیر طبقه بندی می‌شوند: الف وسایل نقلیه موتوری ب کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها. ج منابع تجاری و خانگی و منابع متفرقه

فصل دوم - وسایل نقلیه موتوری (ماده ۴ تا ۱۱)

ماده ۴ - استفاده از وسایل نقلیه موتوری که بیش از حد مجاز مقرر دود و آلوده کننده‌های دیگر وارد هوای آزاد نمایند ممنوع است حد مجاز خروجی وسایل نقلیه موتوری توسط سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت صنایع تعیین و به تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست می‌رسد. ماده ۵ - هر وسیله نقلیه موتوری که به کار گرفته می‌شود باید دارای گواهی نامه مخصوص مبنی بر رعایت حد مجاز خروجی آلوده کننده‌های هوا باشد. دارندگان وسایل نقلیه موتوری مکلفند همه ساله وسایل نقلیه خود را در مراکز مورد تایید سازمان حفاظت محیط زیست که توسط شهرداری‌ها ایجاد می‌گردد تحت آزمایش و معاینه قرار داده و گواهی نامه مبنی بر رعایت حد مجاز آلودگی را دریافت نمایند. در غیر این صورت از تردد وسایل نقلیه فاقد گواهی نامه مذکور به ترتیبی که در این نامه اجرایی این قانون تعیین می‌شود جلوگیری خواهد شد. تبصره ۱ - هزینه انجام آزمایش و معاینه وسایل نقلیه موتوری از دارندگان وسایل نقلیه مذکور طبق تعرفه‌ای که توسط وزارت کشور و سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد اخذ خواهد شد. تبصره ۲ - تاریخ شروع اجرای این ماده و تبصره‌های آن حداکثر یک سال پس از تصویب این قانون تعیین می‌شود و سازمان حفاظت محیط زیست و شهرداری و سایر دستگاه‌های ذیربط موظفند ظرف مدت مذکور امکانات لازم جهت اجرای این ماده را فراهم کنند. ماده ۶ - شهرداری‌ها، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران وزارت خانه‌ها و سازمان‌های ذیربط موظفند نحوه تردد وسایل نقلیه موتوری و سیستم حمل و نقل شهری را به صورتی طراحی و سامان دهند که ضمن کاهش آلودگی هوا جوابگوی سفرهای روزانه شهری باشد. تبصره - آیین نامه اجرایی این ماده که در برگیرنده ساعات و محدوده مجاز تردد شهری پیش‌بینی‌شده استفاده مطلوب و بیشتر از وسایل نقلیه عمومی و امثال آن می‌باشد توسط وزارت کشور (شهرداری‌ها) و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و سازمان حفاظت محیط زیست و در صورت لزوم با همکاری سازمان‌های ذیربط تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۷ - در مواقع اضطراری که به علت کیفیت خاص جوی آلودگی هوای شهرها به حدی برسد که به تشخیص وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی سلامت انسان و محیط زیست را شدیداً به مخاطره بیندازد، سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت کشور (شهرداری‌ها و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌های موقت زمانی مکانی و نوعی را برای منابع آلوده کننده برقرار نموده و بلافاصله مراتب را از طریق رسانه‌های همگانی به اطلاع عموم خواهد رسانید. با بر طرف شدن وضعیت اضطراری و کاهش آلودگی هوا، سازمان نسبت به رفع ممنوعیت و محدودیت برقرار شده اقدام و مراتب را به نحو مقتضی به اطلاع عموم خواهد رسانید. ماده ۸ - ساخت و تولید و ورود وسایل نقلیه موتوری و همچنین موتور و سایر قطعات مرتبط با احتراق وسایل نقلیه از قبیل کاربوراتور و فیلتر مستلزم رعایت استانداردهای حفاظت محیط زیست می‌باشد. ماده

۹- وزارت صنایع موظف است سیاست‌ها و برنامه‌های تولیدی واحدها و شرکت‌های تابعه تولید وسایل نقلیه موتوری خود را به نحوی تنظیم نماید که اولاً- تولید وسایل نقلیه با موتورها و قطعات غیر استاندارد صورت نپذیرد ثانياً در برنامه‌ریزی ساخت خودرو برنامه تولید وسایل نقلیه و حمل و نقل عمومی را در اولویت قرار دهد ثالثاً طراحی و ساخت اتومبیل‌ها به نحوی صورت گیرد که حتی المقدور امکان استفاده از گاز هم وجود داشته باشد. ماده ۱۰- شماره گذاری هر نوع وسیله نقلیه موتوری مستلزم رعایت استانداردهای موضوع ماه ۸ این قانون می‌باشد. ماده ۱۱- استانداردهای موضوع مواد ۸ و ۹ این قانون توسط سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت صنایع و وزارت نفت و موسسات تحقیقاتی ذیصلاح تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل سوم - کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها (ماده ۱۲ تا ۲۱)

ماده ۱۲- احداث کارخانجات و کارگاه‌های جدید و توسعه و تغییر محل و یا خط تولید کارخانجات و کارگاه‌های موجود مستلزم رعایت ضوابط و معیارهای سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد. ماده ۱۳- وزارت خانه‌های صنایع معادن و فلزات کشاورزی و جهاد سازندگی هنگام صدور جواز تاسیس رونوشتی از جواز تاسیس مربوط را به سازمان حفاظت محیط زیست ارسال خواهند نمود. دارندگان جواز تاسیس مذکور مکلفند محل استقرار واحدهای صنعتی و یا تولیدی خود را طبق ضوابط استقرار موضوع ماده ۱۲ این قانون تعیین نمایند. صدور پروانه بهره‌برداری موقوف به تایید محل استقرار با رعایت ضوابط موضوع ماده ۱۲ فوق براساس اعلام سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد. تبصره ۱- احداث نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها، کارخانجات پتروشیمی کارخانجات صنایع نظامی فرودگاه‌ها و ترمینال‌های بارگیری موقوف به رعایت ضوابط و معیارهای سازمان حفاظت محیط زیست از لحاظ محل استقرار می‌باشد. تبصره ۲- ضوابط و معیارهای موضوع مواد ۱۲ و ۱۳ توسط سازمان با مشارکت وزارت خانه‌های مذکور در این ماده تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۳- سازمان حفاظت محیط زیست موظف است ضوابط و معیارهای زیست محیطی لازم را از طریق وزارت خانه‌های ذیربط به دارندگان جواز تاسیس اعلام نماید. ماده ۱۴- فعالیت کارخانجات و کارگاه‌های جدیدی که ضوابط و معیارهای موضوع ماده ۱۲ را رعایت ننمایند و همچنین فعالیت و بهره‌برداری از کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌هایی که بیش از حد مجاز موجبات آلودگی هوا را فراهم آورند ممنوع است ماده ۱۵- سازمان حفاظت محیط زیست کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌هایی که آلودگی آنها بیش از حد مجاز استانداردهای محیط زیست باشد را مشخص نموده و مراتب را با تعیین نوع و میزان آلودگی به صاحبان و یا مسئولان کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها ابلاغ خواهد کرد تا در مهلت معینی که توسط سازمان با همکاری و مشارکت دستگاه‌های ذیربط تعیین می‌شود نسبت به رفع آلودگی یا تعطیل کار و فعالیت خود تا رفع آلودگی اقدام نمایند. تبصره ۱- در صورتی که صاحب یا مسئول کارخانه و کارگاهی که موجبات آلودگی هوا را فراهم می‌نماید با دلایل قابل قبول سازمان اثبات نماید که طرف مهلت تعیین شده رفع آلودگی عملی نمی‌باشد سازمان می‌تواند باری یکبار مهلت اضافی مناسب در مورد این گونه کارخانجات و کارگاه‌ها قایل شود. تبصره ۲- سازمان حفاظت محیط زیست موظف است استانداردهای هوای پاک و استانداردهای آلوده کننده‌های حاصل از کارخانجات و کارگاه‌ها که به هر طریق وارد هوای آزاد می‌گردند را برای هر منطقه و با توجه به کیفیت هوا و مناسبات زیست محیطی آن مناطق تهیه نموده و در اختیار متقاضیان و صاحبان کارخانجات و کارگاه‌ها قرار دهد. حد مجاز (استانداردهای محیط زیست این ماده توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۶- در صورتی که صاحبان و مسئولان کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌های آلوده کننده ظرف مهلت تعیین شده مبادرت به رفع آلودگی یا ممانعت از کار و فعالیت کارخانه و کارگاه مربوط ننمایند، در پایان مهلت مقرر به درخواست سازمان حفاظت محیط زیست و دستور مرجع قضایی ذیربط محل که بلافاصله توسط مأمورین انتظامی به مورد اجرا گذاشته می‌شود

از کار و فعالیت کارخانجات و کارگاه‌های آلوده کننده جلوگیری به عمل خواهد آمد. ادامه کار یا فعالیت کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌های مزبور منوط به صدور اجازه سازمان حفاظت محیط زیست و یا رای دادگاه صلاحیتدار خواهد بود. تبصره - در صورتی که صاحبان و مسئولان کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌های آلوده کننده پس از ابلاغ سازمان حفاظت محیط زیست از فعالیت و ادامه کار کارخانجات و کارگاه‌های مربوط ممانعت به عمل نیاورده و یا پس از تعطیل کارخانجات و کارگاه‌های مذکور راسا و بدون کسب اجازه از سازمان یا بدون صدور رای کارگاه صالحه مبادرت به بازگشایی و ادامه فعالیت آنها بنمایند بر حسب مورد به مجازات‌های مقرر در این قانون و سایر مقررات مربوط به عدم رعایت دستورات مراجع قانونی و قضایی محکوم خواهند شد و چنانچه مدیران و مسئولان مذکور اداره و تصدی کارخانجات و کارگاه‌های دولتی یا وابسته به دولت را بر عهده داشته باشند موضوع در هیات رسیدگی به تخلفات اداری وزارت خانه یا دستگاه متبوع مدیر یا مسئول نیز مطرح و حکم مقتضی صادر خواهد گردید. ماده ۱۷ - در مواقع اضطراری و یا شرایط جوی نامناسب رییس سازمان حفاظت محیط زیست می‌تواند کارخانجات و کارگاه‌هایی را که فعالیت آنها خطرات فوری در برداشته باشد یا اخطار سریع خواستار توقف فعالیت آنها گردد و در صورت استنکاف به حکم رییس دادگاه محل تا رفع موجبات خطر تعطیل نماید. ماده ۱۸ - در مواردی که کاهش یا از بین بردن آلودگی ناشی از فعالیت کارخانجات و یا کارگاه‌ها از طریق دیگر بجز انتقال یک یا برخی از آنها به نقاط مناسب امکان‌پذیر نبوده و یا فعالیت کارخانجات و کارگاه‌های مذکور در مناطق مسکونی سلامت ساکنان آن مناطق را به خطر بیندازد سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت خانه‌ها و دیگر دستگاه‌های دولتی ذیربط طرح انتقال کارخانجات و کارگاه‌های مذکور را به نقاط مناسب (ترجیحا شهرک‌ها و قطب‌های صنعتی تهیه و به هیات وزیران ارایه می‌نماید. دولت در صورت صلاحدید و موافقت حسب مورد اقدام خواهد نمود. ماده ۱۹ - قطب‌ها و شهرک‌ها و مجتمع‌های صنعتی و نیروگاه‌ها و واحدهای تولیدی مکلفند حداقل ۱۰ درصد از فضای شهرک‌ها و یا مجموعه فضای تخصیص داده شده جهت احداث واحدهای تولیدی و خدماتی را به ایجاد فضای سبز و مشجر و کشت درختان مناسب منطقه اختصاص دهند. بهره برداری از واحدهای صنعتی و تولیدی مذکور منوط به رعایت این ماده و ایجاد فضای سبز مناسب می‌باشد. وزارت خانه‌های صنعتی موظف به نظارت بر حسن اجرای این ماده می‌باشند. ماده ۲۰ - کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها و کوره‌های آجرپزی و آهک‌پزی موظف به استفاده از سوخت و سیستم‌های احتراقی مناسب قابل دسترسی به نحوی که موجبات کاهش آلودگی هوا را فراهم نمایند هستند. تبصره - وزارت نفت موظف است در برنامه‌ریزی گاز رسانی و سوخت رسانی خود تامین سوخت مناطق صنعتی و مراکز استقرار کارخانجات و کارگاه‌ها و کوره‌های آجرپزی و مجاور شهرهای بزرگ را در اولویت قرار دهد. ماده ۲۱ - آیین‌نامه اجرایی این فصل و همچنین ضوابط مربوط به محدودیت استقرار صنایع در مجاورت شهرها توسط سازمان حفاظت محیط زیست با مشارکت وزارت خانه‌های ذیربط تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل چهارم - منابع تجاری خانگی و منابع متفرقه (ماده ۲۲ تا ۲۷)

ماده ۲۲ - پخش و انتشار هر نوع مواد آلوده کننده هوا بیش از حد مجاز از منابع تجاری خانگی و متفرقه در هوای آزاد ممنوع است منابع تجاری خانگی و متفرقه از جهت نوع و میزان آلودگی توسط سازمان حفاظت محیط زیست مشخص و طبقه بندی شده و حد مجاز موضوع این ماده توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲۳ - کلیه منابع آلوده کننده از قبیل حمام‌ها، نانوایی‌ها، هتل‌ها و رستوران‌ها و غیره مکلفند ضمن اتخاذ تدابیر لازم جهت جلوگیری از انتشار دود و دوده و سایر مواد آلوده کننده در هوای آزاد، از سوخت مناسبی ترجیحا گاز شهری که موجب کاهش آلودگی هوا می‌شود استفاده نمایند.

وزارت نفت موظف است در برنامه سوخت رسانی شهرهای بزرگ تامین سوخت مناسب و گازرسانی منابع تجاری و واحدهای خدمات عمومی را در اولویت قرار دهد. ماده ۲۴ - سوزاندن و انباشتن زباله‌های شهری خانگی و هرگونه نخاله در معابر عمومی فضای باز ممنوع می‌باشد. ماده ۲۵ - وزارتین مسکن و شهرسازی و کشور موظفند هنگام تهیه طرح‌های هادی و جامع و بهسازی شهرها به نحوی برنامه ریزی نمایند که فصل جداگانه‌ای از مطالعات طرح را به بررسی مسایل زیست محیطی اختصاص دهند به گونه‌ای که طراحی شهرها و شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی از نظر فضای سبز و باز، همجواری کاربری‌ها، شبکه معابر و حمل و نقل ضوابط تراکم ساختمانی و غیره با معیارهای زیست محیطی مورد تایید سازمان متناسب باشد. تبصره - نقشه‌های شهرها، شهرک‌های مسکونی قطب‌ها و شهرک‌ها و مجتمع‌های صنعتی اداری کشاورزی و غیره موکول به رعایت ضوابط و مقررات حفاظت محیط زیست می‌باشد. ماده ۲۶ - آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۲۵ این قانون مشترکاً توسط وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت کشور و سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲۷ - ایجاد هرگونه آلودگی صوتی بیش از حد مجاز ممنوع می‌باشد. آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی صوتی توسط سازمان محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل پنجم - مجازات‌ها (ماده ۲۸ تا ۳۲)

ماده ۲۸ - افرادی که با وسایل نقلیه موتوری آلوده کننده غیر مجاز تردد می‌نمایند و همچنین کسانی که محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های موضوع ماده ۷ این قانون را رعایت نمایند به حکم دادگاه صالح به جزای نقدی از پنج هزار ریال تا یکصد هزار ریال بنا بر تعداد سیلندر حجم موتور میزان آلودگی و دفعات تکرار جرم محکوم خواهند شد ضمناً از تردد وسایل نقلیه آلوده کننده مذکور تا رفع موجبات آلودگی جلوگیری به عمل خواهد آمد. ماده ۲۹ - صاحبان و مسئولین کارخانجات و کارگاه‌های آلوده کننده که برخلاف مواد ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ این قانون عمل نمایند برای بار اول به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از دو ماه تا شش ماه و جزای نقدی از هفتصد هزار ریال تا دو میلیون ریال محکوم می‌شوند. تبصره ۱ - صاحبان و مسئولان این گونه کارخانجات و کارگاه‌های آلوده کننده علاوه بر محکومیت مذکور مکلف به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط زیست و اشخاص حقیقی و حقوقی به حکم دادگاه صالحه می‌باشند. تبصره ۲ - در مورد جرایم مقرر در این قانون علاوه بر اشخاص حقیقی و حقوقی سازمان حفاظت محیط زیست بر حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی در زمینه خسارات وارده به محیط زیست می‌باشد. ماده ۳۰ - کسانی که از انجام بازرسی مأموران سازمان حفاظت محیط زیست برای نمونه برداری و تعیین میزان آلودگی ناشی از فعالیت کارخانجات و کارگاه‌ها، منابع تجاری بهداشتی و خدمات و اماکن عمومی ممانعت به عمل آورده و یا اسناد و مدارک و اطلاعات مورد نیاز سازمان را در اختیار ایشان نگذارند و یا اسناد و مدارک و اطلاعات مورد نیاز سازمان را در اختیار ایشان نگذارند و یا اسناد و مدارک و اطلاعات خلاف واقع ارائه نمایند بر حسب مورد و اهمیت موضوع به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا پنج میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از یک ماه تا ۳ ماه و جزای نقدی مذکور محکوم خواهند شد. تبصره - در صورتی که مأموران سازمان حفاظت محیط زیست در جرایم موضوع این ماده همکاری یا مشارکت داشته یا گزارش خلاف واقع ارائه نمایند علاوه بر محکومیت در هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد. ماده ۳۱ - صاحبان و مسئولان منابع تجاری و اماکن عمومی که برخلاف ماده ۲۴ این قانون موجبات آلودگی هوا را فراهم نمایند پس از هر بار اخطار و پایان مهلت مقرر به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال و در صورت تکرار از سیصد هزار ریال تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. ماده ۳۲ - مسئولین آلودگی حاصل از منابع

متفرقه و منابع خانگی و همچنین عاملین آلودگی صوتی به جزای نقدی از سی هزار ریال تا سیصد هزار ریال و در صورت تکرار از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال محکوم خواهند شد.

فصل ششم - مقررات مختلف (ماده ۳۳ تا ۳۶)

ماده ۳۳ - سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران موظف است با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست برنامه‌های مناسب جهت تنویر افکار عمومی آموزش قوانین و مقررات مسایل حفاظت محیط زیست را تنظیم و به مورد اجرا بگذارد. ماده ۳۴ - درآمدهای حاصل از اجرای این قانون پس از وصول بلافاصله به حساب خزانه واریز گردیده و معادل پنجاه درصد (۵۰٪) وجوه واریزی در هر سال و حداکثر تا سقف یک میلیارد ریال جهت اجرای این قانون به صورت ردیف جداگانه در لایحه بودجه هر سال منظور و در اختیار سازمان حفاظت محیط زیست و معادل بیست درصد (۲۰٪) تا سقف چهارصد میلیون ریال در اختیار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد. ماده ۳۵ - آیین نامه های اجرایی این قانون علاوه بر مواردی که در هریک از مواد قانون نسبت به آن تعیین تکلیف شده است حداکثر ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون توسط سازمان حفاظت محیط زیست و بر حسب مورد با مشارکت یا همکاری دستگاه‌های ذیربط تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۳۶ - از تاریخ ابلاغ این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن در زمینه جلوگیری از آلودگی هوالغو می‌گردد.

آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا

فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱ - عبارات و اصطلاحاتی که در آیین‌نامه به کار رفته است به شرح زیر تعریف می‌شوند: الف - قانون قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۳/۲/۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی ب - سازمان سازمان حفاظت محیط زیست پ - مواد آلوده کننده هوا: هر نوع ماده گازی بخار، مایع جامد و یا مجموعه ترکیبی از آنها که در هوای آزاد پخش و باعث آلودگی هوا و یا موجب تشدید آلودگی آن شود و یا ایجاد بوهای نامطبوع نماید از قبیل دود، دوده ذرات معلق اکسیدهای گوگرد، اکسیدهای ازت منواکسید کربن اکسیدکننده‌ها، هیدروکربنها، اسیدها، آمونیاک و نظایر آن ت - گواهینامه مخصوص تاییدیه کتبی مراکز معاینه مبنی بر رعایت حد مجاز آلودگی توسط وسایل نقلیه موتوری که به صورت برجسب صادر و بر روی وسایل نقلیه مذکور الصاق می‌شود. این گواهینامه می‌تواند علاوه بر رعایت حد مجاز آلودگی رعایت ضوابط ایمنی را در برداشته باشد. ث - آلوده کننده هر شخص حقیقی که اداره یا تصدی منابع مولد آلودگی را خواه برای خود، خواه به نمایندگی از طرف شخص یا اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر برعهده داشته و یا شخصاً و به طرق مختلف عامل ایجاد آلودگی باشد. ماده ۲ - منابع آلوده کننده هوا غیر از کارخانه‌ها و کارگاههای موضوع آیین‌نامه اجرایی فصل سوم قانون به شرح زیر طبقه بندی می‌شوند: الف - وسایل نقلیه موتوری هر نوع وسیله‌ای که با موتورهای درونسوز حرکت می‌کند و برای حمل و نقل مورد استفاده قرار می‌گیرد و در صورت به کار انداختن منشأ ایجاد یک یا چند ماده آلوده کننده می‌گردد. ب - منابع تجاری خانگی و منابع متفرقه ۱ - منابع تجاری به محلهای مشخصی اطلاق می‌شود که برای انجام فعالیتهای مختلف تجاری و خدماتی و نگهداری و عرضه تولیدات و کالا و خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرد و بدون اینکه محدود به موارد زیر گردد، برحسب نوع فعالیت خدماتی و یا تجاری شامل گروههای زیر می‌گردد: گروه اول - هتلها،

مهمانخانه‌ها، رستورانها، شیرینی پزیها، نانواپیها، گرمابه‌ها و امثال اینها. گروه دوم - دامداریها، مرغداریهای صنعتی کشتارگاهها، مؤسسات نگهداری حیوانات و امثال آنها. گروه سوم - بیمارستانها، مراکز درمانی و بهداشتی آزمایشگاهها و امثال اینها. ۲ - منابع خانگی از قبیل منازل و واحدها و مجتمعهای مسکونی به مکانی اطلاق می‌شود که صرفاً جهت سکونت مورد استفاده واقع می‌شود. ۳ - منابع متفرقه عبارتست از منابعی غیر از کارخانه‌ها، کارگاهها، وسایل نقلیه موتوری و منابع تجاری و خانگی و هر عملی که ایجاد آلودگی هوا نماید از قبیل آتش سوزی زباله‌ها و انباشتن موادزاید و متعفن در هوای آزاد. ماده ۳ - سازمان موظف است نسبت به شناسایی و تعیین نوع و میزان مواد آلوده کننده هوا به طرق مقتضی از جمله اخذ اطلاعات مدارک لازم و در صورت لزوم بازدید و بازرسی اقدام نماید. تبصره - کلیه اشخاص حقیقی و حقوق مکلفند آمار، اطلاعات و اسناد و مدارک مورد نیاز سازمان که در جهت اجرای قانون و این آیین‌نامه درخواست می‌شود، در اختیار سازمان قرار دهند.

فصل دوم - وسایل نقلیه موتوری (ماده ۴ تا ۶)

ماده ۴ - شرایط ایجاد مراکز معاینه وسایل نقلیه موتوری اعم از بنزینی گاز سوز و تجهیزات آن توسط سازمان با هماهنگی وزارتخانه‌های کشور و صنایع تنظیم و ابلاغ خواهد شد. تبصره - سازمان مجاز است در جهت حصول اطمینان از روند مطلوب در اجرای ماده (۵) قانون و عملکرد صحیح مراکز معاینه نسبت به اخذ آمار و اطلاعات هر یک از مراکز مزبور در از طریق شهرداریهای ذیربط و انجام معاینات و آزمایشهای موردی از برخی وسایل نقلیه موتوری که توسط مراکز یاد شده مورد آزمایش قرار گرفته و گواهی زیست محیطی دریافت داشته‌اند، اقدام نماید. ماده ۵ - رانندگان وسایل نقلیه موتوری مکلفند برچسب حاوی گواهینامه مخصوص را در محل مناسبی که توسط مراکز معاینه تعیین می‌شود، بر روی شیشه اتومبیل خود نصب نمایند. ماده ۶ - طبق زمان بندی مصوب شورای عالی ترافیک از تردد وسایل نقلیه موتوری که فاقد برچسب موضوع ماده (۵) باشند، در شهرهای تهران اصفهان مشهد، تبریز، شیراز، اراک اهواز و کرج توسط مأموران انتظامی (مأموران راهنمایی و رانندگی جلوگیری شده و رانندگان وسایل نقلیه مذکور مطابق ماده (۲۸) قانون محکوم خواهند شد. تبصره ۱ - وسایل نقلیه مذکور تا هنگام رفع موجبات آلودگی و انجام معاینه فنی مجدد و دریافت گواهینامه اجازه تردد نخواهند داشت تبصره ۲ - شمول مقررات این ماده به سایر شهرها بنا به تصویب شورای عالی محیط زیست خواهد بود. تبصره ۳ - از تردد موتورهای دو زمانه براساس زمان بندی که سازمان تعیین می‌کند در شهرهای یاد شده جلوگیری خواهد شد.

فصل سوم - منابع تجاری و متفرقه (ماده ۷ تا ۱۰)

ماده ۷ - در اجرای ماده (۷) قانون دستورالعمل مربوط به مواقع اضطراری هوا توسط سازمان وسایر دستگاههای ذیربط تهیه و توسط وزارت کشور ابلاغ می‌شود. ماده ۸ - سازمان پس از شناسایی و طبقه بندی منابع تجاری خانگی و منابع متفرقه آن دسته از منابع مذکور را که آلودگی آنها بیش از حد مجاز می‌باشد، مشخص و مراتب را با تعیین نوع و میزان آلودگی به مسئولان و یا صاحبان منابع فوق الذکر اعلام خواهد کرد تا در مهلت معین و مناسبی که توسط سازمان تعیین می‌شود، نسبت به رفع آلودگی اقدام نمایند. ماده ۹ - بیمارستانها، درمانگاهها و مراکز بهداشتی و درمانی وسایر مراکز مجاز که به منظور امحای زباله‌های خود از روش سوزاندن استفاده می‌نمایند، مکلفند از دستگاه زباله سوز مناسب که استانداردهای آلودگی هوا رعایت نماید، استفاده کنند. ماده ۱۰ - سازمان مجاز است در اجرای ماده (۲۳) قانون در مناطقی که گاز شهری در دسترس می‌باشد، برای اشخاص حقیقی و حقوقی که با عدم

استفاده از گاز موجبات آلودگی هوا را فراهم می‌سازند، اختطاریه صادر و مهلت مناسبی را جهت رفع آلودگی تعیین نماید. معاون اول رییس جمهور - حسن حبیبی

آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۶) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب ۱۴/۲/۱۳۷۶

فصل اول - کلیات (ماده ۱ تا ۲)

ماده ۱ - در این آیین نامه عبارات و اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند: محدوده ممنوعه تردد: محدوده جغرافیایی داخل شهری است که توسط مراجع صلاحیتدار مندرج در این آیین نامه تعیین می‌شود و عبور و مرور برای برخی از وسایل نقلیه در آن ممنوع است ساعات ممنوعه تردد: ساعاتی از شبانه‌روز است که توسط مقامات یاد شده در این آیین نامه تعیین می‌شود و عبور و مرور وسایل نقلیه در آن ساعات ممنوع است وسایل نقلیه عمومی وسایل نقلیه جمعی که در مالکیت یا در اختیار یا نظارت مراجع دولتی یا عمومی بوده و در شبکه حمل و نقل عمومی شهری به کار گرفته می‌شود. ماده ۲ - شهرهای مشمول محدودیت یا ممنوعیت تردد وسایل نقلیه موضوع این آیین نامه در نقاطی که بنابه اعلام سازمان حفاظت محیط زیست آلودگی هوا ناشی از تردد وسایل نقلیه موتوری بیش از حد مجاز بوده و سهم وسایل نقلیه موتوری و تردد شهری در آلودگی هوای آنها بیش از سایر منابع آلوده کننده باشد، به پیشنهاد سازمان حفاظت محیط زیست یا شهرداریهای کشور یا نیروی انتظامی و تصویب شورای هماهنگی ترافیک استان مربوط تعیین می‌شوند. تبصره ۱ - محدوده‌ها و ساعات ممنوعه تردد وسایل نقلیه همچنین نوع آنها در شهرهای مشمول بنابه پیشنهاد شهرداری شهر یا اداره کل حفاظت محیط زیست استان یا نیروی انتظامی استان مربوط و تصویب شورای هماهنگی ترافیک استان تعیین می‌شوند. تبصره ۲ - شورای هماهنگی ترافیک استان با هماهنگی دستگاههای ذی‌ربط موارد استثنا از حکم تبصره (۱) این ماده را با توجه به تعداد، نوع و کاربری وسایل نقلیه و زمان اعمال محدودیت یا ممنوعیت، همزمان اعلام می‌کند

فصل دوم - نحوه صدور مجوز تردد و چگونگی نظارت بر اجرای محدودیتها (ماده ۳ تا ۶)

ماده ۳ - عبور و مرور وسایل نقلیه موتوری اعم از خودرو و انواع موتورسیکلت در محدوده‌ها و ساعات ممنوعه مستلزم دریافت مجوز تردد که توسط شهرداریهای کشور صادر می‌شود می‌باشد. تبصره - مدت اعتبار مجوزهای تردد به تصویب شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور می‌رسد. ماده ۴ - در مواقع اضطراری موضوع ماده (۷) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب ۱۳۷۴ مجوزهای تردد صادر شده پس از اطلاع از طریق رسانه‌های همگانی به گونه‌ای که اعلام خواهد شد، به طور موقت از درجه اعتبار ساقط می‌شوند. ماده ۵ - شهرداریهای کشور مکلف هستند از طریق انتشار آگهی در رسانه‌های همگانی مردم را از محدوده‌ها و ساعات ممنوعه تردد آگاه نمایند و با نصب تابلوهای ویژه با هماهنگی اداره راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در مبادی ورودی محدوده ممنوعه هشدارهای لازم را به عموم افراد بدهند. ماده ۶ - نیروی انتظامی موظف است با نصب تابلو ورود ممنوع در مبادی ورودی به محدوده ممنوعه از تردد وسایل نقلیه فاقد مجوز موضوع ماده (۳) این آیین نامه در محدوده مورد نظر در ساعات ممنوعه جلوگیری کند و با متخلفین برابر مقررات مربوط رفتار نماید، همچنین موارد استثنا (موضوع تبصره ۲ ماده ۲ این آیین نامه) را بر روی تابلوهای ویژه اعلام کند.

فصل سوم - ساماندهی حمل و نقل شهری (ماده ۷ تا ۱۴)

ماده ۷- به منظور کاهش تعداد و طول سفرهای روزانه شهری در شهرهای بزرگ کشور، سازمان اموراداری و استخدامی کشور موظف است راهکارهای مناسب را در جهت غیرمتمرکز کردن خدمات اداری و بانکی در امور غیرستادی توزیع ساعات شروع و اتمام کار (مدارس ادارات بانکها، بازار و غیراینها)، افزایش ساعات ارائه خدمات عمومی تفویض اختیار به ادارات تابعه هدایت دستگاهها به ساخت مجتمع های اداری مشترک و نظایر آن را تدوین به تصویب شورای عالی اداری برساند، همچنین به منظور کاهش آلودگی هوا ناشی از تردد وسایل نقلیه موتوری و تقلیل سفرهای غیرضرور شهری با هماهنگی وزارت پست و تلگراف و تلفن ترتیبی اتخاذ کند تا تمامی دستگاههای دولتی و موسسات عمومی به ویژه ارائه دهندگان خدمات عمومی به طور سالانه درصدی از مراجعات حضوری ارباب رجوع خود را با استفاده از شبکه پست، پست بانک، مخابرات، دیتا و جایگزین اطلاع رسانی و به کارگیری شیوه مکاتبه به جای مراجعه، پاسخگویی کنند. تبصره - میزان کاهش مراجعات و فهرست انواع خدمات قابل ارائه از راههای یاد شده در هر سال توسط سازمان امور اداری و استخدامی کشور با هماهنگی وزارت پست و تلگراف و تلفن و دستگاه ذی ربط تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد. عملکرد دستگاهها و مؤسسات موضوع این ماده هر شش ماه یک بار توسط سازمان یاد شده به دولت گزارش می‌شود. ماده ۸- وزارتخانه های کشور و صنایع و سازمان برنامه و بودجه و شهرداریهای کشور مکلفند امکانات حمل و نقل عمومی سفرهای روزانه شهری را در شهرهای کشور به ویژه شهرهای بزرگ به گونه‌ای فراهم نمایند تا علاوه بر حصول اهداف تعیین شده در برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۳ - اهتمام کامل برای تحقق اهداف الگوی مصرف الگوی حمل و نقل به میزان هشتاد درصد (۸۰٪) نیز به عمل آید. ماده ۹- به منظور افزایش ظرفیت ناوگان حمل و نقل داخل شهری دولت سالانه تسهیلات ویژه‌ای را در اختیار شرکتها و سازمانهای اتوبوسرانی شهری قرار می‌دهد تا با استفاده از آن تسهیلات به ظرفیت موجود ناوگان اضافه شود. شهرداریهای کشور مکلف هستند سالانه حداقل ده درصد (۱۰٪) به مجموع ظرفیت موجود اضافه نمایند. وزارت صنایع مکلف است به منظور پاسخگویی به نیاز ناوگان حمل و نقل شهری افزایش ظرفیت تولیدات خود را در زمینه وسایل نقلیه عمومی در اولویت قرار دهد. ماده ۱۰- برای کاهش حجم تصدی امور توسط دولت و تمرکز امور حمل و نقل جمعی کارکنان دولت و استفاده بهینه از امکانات موجود، دستگاههای اجرایی و تحت پوشش مستقر در شهرهای بزرگ می‌توانند به دو صورت زیر اقدام کنند: الف - تا پایان برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با رعایت ماده (۱۱) قانون محاسبات عمومی کشور - مصوب ۱۳۶۶ - به مرور نسبت به واگذاری امانی وسایل نقلیه جمعی خود به شرکتهای اتوبوسرانی در ازای ارائه خدمات مربوط با اولویت کارکنان دستگاههای طرف قرارداد دولت اقدام نمایند. تبصره - دستورالعمل اجرایی این بند توسط وزرای امور اقتصادی و دارایی و کشور و دستگاههای ذی ربط تهیه و به مورد اجرا گذاشته می‌شود. ب - در قبال قرارداد، در ساعات غیراداری و یا غیر از ساعات انتقال کارکنان خویش وسایل نقلیه جمعی خود را در اختیار شرکتهای واحد اتوبوسرانی قرار دهند. مفاد این ماده با هماهنگی و موافقت ستاد کل نیروهای مسلح در مورد نیروهای مسلح اعمال خواهد شد. ماده ۱۱- به منظور کاهش آلودگی هوا در تهران و شهرهای بزرگ دستگاههای اجرایی نیروهای نظامی و انتظامی موظفند نسبت به گازسوز یا دوگانه سوز کردن تدریجی وسایل نقلیه تحت اختیار خود، همچنین استفاده از سایر سوختهای مناسب با حداقل ترکیبات آلاینده از جمله بنزین بدون سرب براساس زمان بندی مشخص اقدام نمایند. سازمان حفاظت محیط زیست کشور موظف است گزارش سالانه عملکرد دستگاهها را به دولت گزارش نماید. این اقدام در مورد نیروهای مسلح با هماهنگی و موافقت ستاد کل نیروهای مسلح انجام می‌شود. تبصره ۱- جهت تشویق بخش خصوصی در مورد استفاده از سایر سوختها و گازسوز یا دوگانه سوز کردن وسایل نقلیه، دولت با اعطای وام یا تسهیلات بانکی با سود متضمن نرخ ترجیحی

اقدام خواهد کرد. تبصره ۲- وزارت نفت مکلف است به منظور به حداقل رساندن آلودگی ناشی از سوخت‌های آلاینده و جایگزین کردن کامل بنزین بدون سرب با بنزین معمولی و سایر سوختها، نسبت به تولید و عرضه بنزین بدون سرب در حد نیاز اقدام نماید. تبصره ۳- وزارتخانه های نفت صنایع و شهرداری تهران برابر برنامه زمان بندی شده با به کارگیری تمامی امکانات و منابع موجود ، نسبت به گازسوز یا دو گانه سوز کردن وسایل نقلیه موتوری تمامی متقاضیان اقدام می نمایند. تبصره ۴- سازمان برنامه و بودجه موظف است برای به اجرا در آمدن مفاد این ماده اعتبارات لازم را در بودجه سالانه کشور پیش بینی نماید. تبصره ۵- سازمان صداوسیما مکلف است با همکاری دستگاههای ذی ربط برنامه هایی را در راستای نمایاندن مزایای گازسوز کردن وسایل نقلیه و استفاده از بنزین بدون سرب از نظر اقتصادی و زیست محیطی همچنین برنامه های آموزشی متضمن ملاحظات ایمنی مربوط به گازسوز شدن از طریق صداوسیما به عموم مردم ارایه نماید. تبصره ۶- مؤسسه تحقیقات و استاندارد صنعتی ایران مکلف است بررسیهای لازم در مورد تدوین استانداردهای گازسوز وسایل نقلیه را تهیه و جهت اجرا به مراجع ذی ربط ارایه نماید. مراجع ذی ربط در تولید و اصلاح سیستم سوخت وسایل نقلیه موظف به رعایت استاندارد مزبور می باشند. ماده ۱۲- شهرداریهای کشور در شهرهای بزرگ مکلف هستند حتی الامکان وسایل نقلیه عمومی با سوخت حداقل ترکیبات آلاینده از قبیل اتوبوس گازسوز ، مترو ، قطار شهری و غیر اینها یا با سوخت بنزین بدون سرب را در شبکه حمل و نقل شهری به کار گیرند و جهت تشویق مردم به استفاده بیشتر از وسایل نقلیه عمومی ، راهکارهای مناسبی را از جمله تنظیم برنامه زمانبندی حرکت وسایل نقلیه عمومی در خطوط و شبکه حمل و نقل شهری به مورد اجرا گذارند. ماده ۱۳- وزارت صنایع موظف است تمامی تولید کنندگان داخلی موتورسیکلت‌های دوزمانه را در یک برنامه زمانی پنج ساله از زمان لازم الاجرا شدن این آیین نامه مکلف نماید فروش سالانه خود در سطح کشور را کاهش و با نوع موتور چهارزمانه جایگزین نمایند. نیروی انتظامی موظف است در پایان این دوره از تردد موتور سیکلت‌های با سیستم دو زمانه در شهرهای کشور که به تشخیص سازمان حفاظت محیط زیست با مشکل آلودگی هوا روبرو هستند جلوگیری کند. ماده ۱۴- در اجرای تبصره (۱) ماده (۲) قانون مقررات صادرات و واردات از تاریخ لازم الاجرا شدن این آیین نامه ، ورود موتورسیکلت‌های دوزمانه ممنوع است

تصویب نامه در خصوص ماده (۱۵) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ - مصوب ۲۸/۸/۱۳۷۹

وزرای عضو کمیسیون مأمور تعیین حد مجاز استانداردهای محیط زیست در جلسه مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۱۵ با رعایت تصویب نامه شماره ۵۰۴۶۷/۵/۱۸۵۲۶ ه مورخ ۳/۸/۱۳۷۷ و به استناد ماده (۱۵) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب ۱۳۷۴ - حد مجاز استانداردهای خروجی از کارخانجات و کارگاههای صنعتی را به شرح جداول پیوست تصویب نمودند. این تصویب نامه در تاریخ ۲۸/۸/۱۳۷۹ به تایید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است معاون اول رییس جمهور - حسن حبیبی

آیین نامه اجرایی تبصره ۸۲ قانون برنامه پنج ساله دوم اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۸/۶/۱۳۷۸ بنا به پیشنهاد شماره ۱۳۹۲۰ - ۶۵ - ۱۰۱ مورخ ۱۴/۱۰/۱۳۷۷ سازمان حفظ محیط زیست و بر اساس اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به استناد تبصره (۸۲) قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۳ - تصویب نمود ، ماده ۱- به استناد مواد ۸ و ۱۰ قانون جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب ۱۳۷۴ - از تاریخ ۱/۱/۱۳۸۰ تولید و ورود مینی بوس ها و اتوبوس های دیزلی که فاقد استاندارد مصوب یورو - یک ۱ - EURO) موضوع بند (۳) مصوبه شماره (۱۶۲) مورخ ۲۷/۵/۱۳۷۷ شورای عالی حفاظت محیط زیست

باشند، ممنوع می‌باشد. تشخیص عدم تطبیق نوع موتورهای اتوبوس‌ها و مینی بوس‌های دیزلی موضوع این ماده با استانداردهای مصوب (یورو - یک) ، با سازمان حفاظت محیط زیست میباشد. ماده ۲ - از تاریخ ۱/۱/۱۳۸۰ شماره گذاری مینی بوس‌ها و اتوبوس‌های شهری مصرف کننده گازوییل در سطح شهر تهران ممنوع است ماده ۳ - به منظور گازسوز کردن مینی بوس‌های تحت پوشش شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه سازمان برنامه و بودجه وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به استناد تبصره‌های (۱) و (۴) ماده (۱۱) آیین نامه اجرایی تبصره ماده (۶) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب ۱۳۷۶ - تسهیلات و اعتبارات لازم را به صورت اعطای وام و تسهیلات بانکی با سود متضمن نرخ ترجیحی با معرفی شهرداری‌ها، در اختیار مالکان مینی بوس‌های موضوع این ماده قرار خواهند داد. ماده ۴ - شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به تناسب تامین اعتبار موضوع ماده (۳) مکلف است مینی بوس‌های تحت پوشش خود را به گازسوز تبدیل نماید. تبصره - خروجی آگزوز مینی بوس‌های گازسوزی که جانشین می‌شوند، باید استانداردهای مربوطه را دارا باشند.

تصویب نامه راجع به انتقال صنایع آلوده کننده و مزاحم محیط زیست شهر تهران (تهران بزرگ و دامداری‌ها و

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۳/۳/۱۳۶۹ بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های کشور - صنایع سنگین - صنایع - مسکن و شهرسازی و بازرگانی و شهرداری تهران و با توجه به اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: صنایع آلوده کننده و مزاحم محیط زیست شهر تهران (تهران بزرگ و دامداری‌ها و مرغداری‌های داخل محدوده شهر تهران (تهران بزرگ بر اساس طرح‌های تفصیلی و اجرایی که طبق ضوابط زیر تهیه می‌گردند، به خارج از محدوده شهر انتقال یابند. ۱ - طرح‌های تفصیلی و اجرایی انتقال صنایع آلوده کننده و مزاحم محیط زیست داخل محدوده شهر تهران توسط کمیته‌ای با مسئولیت استاندار تهران و با حضور نمایندگان دستگاه‌های اجرایی ذی ربط و شهرداری تهران تهیه و پس از تصویب کمیسیون متشکل از وزیران کشور، صنایع سنگین ، صنایع ، جهاد سازندگی ، بازرگانی و مسکن و شهرسازی ، کار و امور اجتماعی ، سرپرست سازمان حفاظت محیط زیست و شهردار تهران به مورد اجرا گذاشته شود. ۲ - شرکت شهرک‌های صنعتی ایران مجری طرح ایجاد شهرک‌های صنعتی برای استقرار صنایع آلوده کننده و مزاحم شهر تهران خواهد بود و کلیه دستگاه‌های ذیربط مکلف به همکاری و تامین نیازهای زیربنایی و خدماتی شهرک‌های مزبور می‌باشند. ۳ - هفده (۱۷) قطعه زمین به پلاک‌های مشروحه زیر جهت ایجاد شهرک‌های صنعتی برای استقرار صنایع انتقالی از محدوده شهر تهران در اختیار شرکت شهرک‌های صنعتی ایران قرار گیرد. الف - در محور کرج - اشتهارد: پلاک‌های صحت آباد، مراد تپه قلیچ آباد و در پلاک‌های شماره ۱۱۶۰، ۱۱۵۹ و ۱۱۶۱ دو قطعه ب - در محور تهران - قم پلاک‌های شمس آباد، محمد آباد و قنبر آباد ج - در محور تهران - ورامین پلاک‌های دولت آباد و اسدآباد (تپه سیاه د - در محور تهران - ساوه پلاک‌های نصیرآباد، ده حسن و سفیداره - در محور کرج - قزوین پاک نجم آباد. ن - در محور تهران - گرمسار: پلاک‌های علی آباد و قرمز تپه و عباس آباد. ۴ - فعالیت‌ها و کارگاه‌های صنعتی و تولیدی و صنفی که بر اساس ضوابط مندرج در طرح‌های تفصیلی و اجرایی انتقال آلوده کننده و مزاحم محیط زیست شهر تهران تشخیص داده می‌شوند ظرف مهلت زمانی که بنا به پیشنهاد شرکت شهرک‌های صنعتی ایران و تصویب کمیسیون موضوع بند (۱) تعیین می‌شود، به محل‌های انتخاب شده در پلاک‌های مذکور در بند (۳) انتقال می‌یابند. شهرداری تهران سازمان حفاظت محیط زیست و سایر سازمان‌های ذیربط پس از مهلت مزبور بر اساس مقررات از ادامه فعالیت آنها در مکان‌های فعلی جلوگیری خواهند کرد. واحدهای تولیدی و صنعتی و صنفی مشمول این بند که بدون پروانه فعالیت داشته‌اند در صورت موافقت وزارتخانه صنعتی ذیربط با ادامه فعالیت آنها پس از انتقال به پلاک‌های موضوع بند (۳) با تایید وزارتخانه صنعتی ذیربط کارت شناسایی دریافت خواهند داشت ۵ - طرح‌های اجرایی و ضوابط انتقال دامداری‌ها و مرغداری‌های داخل محدوده شهر تهران اعم از سنتی یا صنعتی و دارای پروانه یا فاقد پروانه توسط وزارت جهاد سازندگی تهیه و به مورد

اجرا گذاشته می‌شود. ۶- کمیسیون موضوع ماده (۵) قانون تشکیل شورای عالی شهرسازی نسبت به تغییر کاربری اماکنی که بر اثر اجرای طرح‌های انتقال تخلیه می‌گردند، با توجه به وسعت و موقعیت آنها و نیازهای محلی و منطقه‌ای اقدام خواهد نمود. ۷- شهرداری تهران سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی موظفند در انتقال و تعطیل صنایع آلوده کننده و مزاحم محیط زیست شهر تهران و دامداری‌ها و مرغداری‌های داخل محدوده شهر تهران با مجریان طرح‌های انتقال همکاری نمایند. ۸- از تاریخ ابلاغ این تصویبنامه مفاد ابلاغیه شماره ۴۷۶۲- ۱۲/م ن مورخ ۲/۲/۱۳۶۸ کان لم یکن می‌گردد.

تصویب نامه راجع به انتقال دامداری‌ها و مرغداری‌ها به خارج از محدوده شهر - مصوب ۸/۵/۱۳۷۶

هیات وزیران در جلسه مورخ ۸/۵/۱۳۷۶ بنا به پیشنهاد مشترک شماره ۲۲۸۵۸/ص ۱۰ و مورخ ۱۲/۱۰/۱۳۷۴ وزارتخانه‌های کشور و جهاد سازندگی و به استناد بند (۴) ماده (۷۷) قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۳ تصویب نمود: دامداری‌ها و مرغداری‌های داخل محدوده شهرهای با بیش از پنجاه هزار (۵۰۰۰۰) نفر جمعیت براساس طرح‌های تفصیلی و اجرایی که طبق ضوابط زیر تهیه می‌گردند، به خارج از محدوده شهرانتقال می‌یابند. ۱- طرح‌های تفصیلی و اجرایی و تجمیع انتقال دامداری‌ها و مرغداری‌های داخل محدوده شهرهای با بیش از ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت توسط کمیسویی به مسئولیت استاندار و با عضویت رئیس سازمان جهاد سازندگی استان مدیرکل مسکن و شهرسازی استان، رئیس سازمان کشاورزی استان مدیرکل صنایع استان مدیرکل منابع طبیعی استان مدیرکل حفاظت محیط زیست استان رئیس سازمان برنامه و بودجه استان و فرماندار و شهردار شهرهای مشمول حسب مورد تهیه و به مورد اجرا گذاشته می‌شود. تبصره - کمیسیون فوق مکلف است در خصوص تعیین کاربری و تسریع درانتقال واحدهای دامداری هماهنگی لازم را با کمیسیون‌های ذی ربط شورای عالی شهرسازی و معماری به عمل آورد. ۲- وزارت جهاد سازندگی مکلف است ضمن هماهنگی با دستگاه‌های ذیربط استانی نسبت به ایجاد مجتمع‌های دامپروری برای تجمیع و انتقال دامداری‌ها و مرغداری‌ها اقدام نماید. تبصره - انتقال دامداری‌ها به مجتمع‌های مذکور، بر اساس برنامه زمان بندی شده صورت خواهد گرفت ۳- با افرادی که به صورت غیرمجاز در شهرها نسبت به نگهداری دام اقدام می‌نمایند، مطابق مقررات برخورد می‌شود.

تبصره ۱۳ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۶۸

تبصره ۱۳- به منظور فراهم نمودن امکانات و تجهیزات لازم جهت پیشگیری و جلوگیری از آلودگی ناشی از صنایع آلوده کننده کارخانه‌ها و کارگاه‌ها موظفند یک در هزار از فروش تولیدات خود را با تشخیص و تحت نظر سازمان حفاظت محیط زیست صرف کنترل آلودگی‌ها و جبران زیان ناشی از آلودگی‌ها و ایجاد فضای سبز نمایند. وجوه هزینه شده از این محل جز هزینه‌های قابل قبول موسسه مربوط محاسبه خواهد شد. آیین نامه اجرایی این تبصره توسط سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

آیین نامه اجرایی تبصره ۱۳ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

ماده ۱- عبارات و اصطلاحاتی که در این آیین نامه به کار رفته است دارای معانی زیر می‌باشند: ۱- سازمان حفاظت محیط زیست در این آیین نامه اختصاراً سازمان نامیده می‌شود. ۲- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این آیین نامه اختصاراً قانون نامیده می‌شود. ۳- آلودگی یا آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن

مواد خارجی به آب هوا، خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آنها را به طوری که زیان آور و به حال انسان یا سایر موجودات زنده گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد، تغییر دهد. ۴- صنایع آلوده کننده عبارت است از محل مشخصی که در آن یک یا چند دستگاه یا وسیله به منظور تولید فراورده‌ها یا عرضه خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرد و بهره برداری از آن سبب ایجاد آلودگی محیط زیست می‌شود. ۵- وسایل و روش‌های مناسب عبارت است از مناسب‌ترین وسایل یا روش‌ها و یا استفاده از سوخت‌ها که کاربرد آنها با توجه به شرایط محلی درجه پیشرفت و امکانات علمی و فنی و هزینه‌های مربوط کاهش موثر یا جلوگیری از آلودگی محیط زیست را امکان‌پذیر می‌سازد. ۶- میزان معیار یا استاندارد: عبارت است از حدود مجاز و مشخصات ویژه‌ای که با توجه به اصول حفاظت و بهسازی محیط زیست برای محیط زیست منابع و آلوده کننده‌ها، تعیین می‌شود. تبصره ۱- برای تعیین میزان معیار یا استاندارد، مفاد مواد (۲)، (۳)، (۷)، (۸) آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب و هوا مصوب ۱۳۵۴ مصوبه ۱۰۳ شورای عالی حفاظت محیط زیست و ماده (۵) آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۶۴ ملاک عمل است تبصره ۲- آلودگی ناشی از مواد پرتوزا و همچنین آلودگی مواد نفتی در دریاها و رودخانه‌های مرزی از شمول این آیین نامه مستثنی می‌باشد و مطابق مقررات مربوط در مورد آنها اقدام خواهد شد. تبصره ۳- منظور از کارگاه‌ها و کارخانجات در این آیین نامه کلیه کارگاه‌ها و کارخانجات اعم از آلوده کننده و غیر آن می‌باشد. ماده ۲- سازمان در اجرای این آیین نامه، کارخانجات و کارگاه‌های موضوع تبصره (۱۳) قانون رابرحسب نوع منبع و میزان آلودگی و تاثیرات سو بر محیط زیست بر اساس قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و آیین نامه‌های مربوط مشخص و اولویت بندی می‌نماید و انجام تکالیف مقرر و موارد پیش‌بینی شده در این آیین نامه و نحوه کنترل آلودگی‌ها و جبران زیان‌های ناشی از آلودگی و ایجاد فضای سبز را به آنها اعلام خواهد نمود. تبصره - صنایع آلوده کننده مطابق فهرستی است که به موجب تبصره ۱ ماده ۱۷ آیین نامه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۵۴ و ماده (۴) آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۶۴ تعیین شده یا خواهد شد. ماده ۳- کارخانجات و کارگاه‌های موضوع تبصره ۱۳ قانون موظفند یک در هزار فروش تولیدات و عرضه خدمات خود را در هر سال به حساب جداگانه‌ای واریز واز محل وجوه‌ای حساب هزینه‌های مربوط به انجام موارد مقرر در این آیین نامه را پرداخت نمایند. تبصره ۱- مخارج و هزینه‌هایی که کارخانجات و کارگاه‌ها بر اساس طرح‌ها، برنامه‌ها و دستورالعمل‌های مورد تایید سازمان در اجرای این آیین نامه به مصرف می‌رسانند، جز هزینه‌های قابل قبول آنان منظور خواهد شد. تبصره ۲- در صورتی که یک در هزار فروش تولید کارخانجات و کارگاه‌ها پس از انجام هزینه‌های مقرر در این آیین نامه در پایان سال مالی تماماً به مصرف نرسیده باشد معادل مانده آن در سال‌های بعد قابل هزینه می‌باشد و جز هزینه‌های قابل قبول مالیاتی سالی که وجوه مزبور به مصرف رسیده است احتساب خواهد شد. تبصره ۳- وزارت امور اقتصادی و دارایی بنا به تقاضای سازمان میزان درآمد و هزینه‌های مصرف شده هر یک از کارخانجات و کارگاه‌های موضوع تبصره ۱۳ قانون از محل یک در هزار فروش تولیدات آنها را در پایان سال مالی به سازمان اعلام خواهد نمود. ماده ۴- سازمان بر اساس قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و آیین نامه‌های مربوط طی اخطاریه‌ای نوع آلودگی و مراتب رفع آلودگی یا تقلیل آن را تا حد استانداردهای تعیین شده به صنایع آلوده کننده اعلام می‌نماید و صنایع مذکور پس از دریافت اخطاریه موظفند نسبت به رفع یا تقلیل آلودگی اقدام نمایند. در صورتی که سازمان نتیجه را بر اساس استانداردهای مصوب تایید نماید، گواهی مبنی بر اجرای طرح جلوگیری یا کاهش از آلودگی مربوط صادر خواهد نمود که ملاک تشخیص هزینه‌های انجام شده برای اجرای طرح می‌باشد. تبصره ۱- عدم تکافوی منابع یک در هزار فروش تولیدات صنایع آلوده کننده مانع انجام تکالیفی که اینگونه صنایع به موجب ماده (۱۱) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و آیین نامه مربوط در جهت جلوگیری از آلودگی دارند نخواهد بود. تبصره ۲- کارخانجات و کارگاه‌هایی که منبع راه اندازی می‌گردند موظفند قبل از شروع بهره‌برداری و فروش تولیدات نسبت به اجرای طرح تصفیه فاضلاب یا نصب الکتروفیلتر و دستگاه‌های کنترل آلودگی و سایر تدابیر لازم اقدام نمایند. کارگاه‌ها و کارخانجات موضوع

این تبصره در زمان بهره برداری و فروش تولیدات صرفاً می‌توانند هزینه‌های مربوط به اداره نگهداری و به روز رساندن تاسیسات کنترل آلودگی و ایجاد فضای سبز را از محل وجوه حاصل از یک در هزار موضوع تبصره ۱۳) قانون پرداخت نمایند. ماده ۵ - مجتمع‌های صنعتی و کارخانجات بزرگ موظفند در مواردی که سازمان ضروری تشخیص دهد با استفاده از وجوه موضوع ماده (۳) این آیین نامه اقدامات زیر را انجام می‌دهند: ۱- نصب دستگاه و ایستگاه‌های اندازه‌گیری و کنترل آلودگی هوا و یا ایجاد آزمایشگاه و سیستم‌های آزمایش آب و فاضلاب ۲- انجام مطالعات و تحقیقات کاربردی جهت پیشگیری و کنترل آلودگی ناشی از فعالیت منابع آلوده کننده یا تولیدات با نظارت و در قالب طرح‌های مورد تایید سازمان ۳- تهیه و تامین تجهیزات و وسایل مناسب برای پیشگیری و جلوگیری موثر از آلودگی تحت نظارت سازمان ماده ۶ - کارخانجات و کارگاه‌ها می‌توانند به صورت منفرد، مشترک یا مجموعه و یا در چارچوب شهرک‌های صنعتی با استفاده از وجوه موضوع ماده ۱۳ این آیین نامه و تحت نظارت سازمان درخصوص تهیه و تامین تجهیزات و امکانات لازم جهت پیشگیری و جلوگیری از آلودگی‌ها و جبران زیان ناشی از آنها و همچنین پرداخت هزینه‌های کارشناسی و خدمات فنی رفع آلودگی و ایجاد فضای سبز اقدام نمایند. هزینه‌های مزبور با تایید سازمان جز هزینه‌های قابل قبول مالیاتی محسوب خواهد شد. ماده ۷ - وزارتخانه‌های صنعتی ذیربط موظفند ماشین آلات تجهیزات و لوازم مورد نیاز در زمینه جلوگیری و یا کاهش آلودگی ناشی از فعالیت صنایع آلوده کننده را حسب مورد به گونه‌ای تعیین یا تایید نمایند که تامین کننده میزان معیار یا استانداردهای زیست محیطی مصوب باشند. ماده ۸ - سازمان در مواقع لازم روش‌ها و وسایل مناسب جهت رفع یا کاهش موثر آلودگی و جبران خسارات وارده به محیط زیست (از قبیل مرگ و میر آبریان و سایر جانوران وحشی نشت گاز یا مواد شیمیایی تخلیه فاضلاب به رودخانه‌ها و آب‌های تحت الارضی در یک منطقه استان یا شهر را براساس طرح مصوب و با تعیین سهم هر یک از کارخانجات و کارگاه‌ها در اجرای طرح مذکور مشخص و مراتب را جهت اجرا به کارخانجات و کارگاه‌های مذکور اعلام می‌نماید. هزینه‌های اجرای طرح‌های موضوع این ماده از محل مازاد وجوه موضوع تبصره ۱۳ قانون که برای کنترل و جبران آلودگی کارگاه‌ها و کارخانجات مشمول زاید می‌باشند، تامین می‌گردد. تبصره ۱ - طرح‌های موضوع این ماده به تصویب کمیسیون مرکب از مدیران کل مسکن و شهرسازی صنایع معادن و فلزات صنایع سنگین نیرو، کشاورزی جهاد سازندگی برنامه بودجه و حفاظت محیط زیست خواهد رسید. مدیر کل حفاظت محیط زیست هر استان سمت دبیر کمیسیون مربوط را دارد. تبصره ۲ - در صورتی که وجوه حاصل از یک در هزار فروش تولیدات هزینه‌های مربوط به جبران خسارات وارده را تامین نماید جبران خسارت مطابق مقررات مربوط به عمل خواهد آمد. ماده ۹ - سازمان بر اساس شرایط محلی و موقعیت استقرار کارخانجات و کارگاه‌ها نحوه ایجاد فضای سبز مورد نیاز و برنامه زیباسازی محیط را تعیین و به کارخانجات و کارگاه‌ها اعلام خواهد نمود کارخانجات و کارگاه‌ها موظفند بر اساس طرح‌ها و دستورالعمل‌های تعیین شده در مواعید زمانی مقرر نسبت به ایجاد فضای سبز و زیباسازی محیط اقدام نمایند. تبصره ۱ - ایجاد فضاهای سبز مورد نیاز در داخل محدوده خدمات شهری بر اساس طرح‌های مصوب کمیسیون موضوع ماده (۵) قانون تشکیل شورای عالی معماری و شهرسازی ایران انجام خواهد گرفت تبصره ۲ - میزان فضای سبز مورد نیاز کارخانجات و کارگاه‌هایی که بیش از یک هکتار زمین در اختیار داشته باشند حداکثر ۲۵٪ مساحت کل آن کارخانجات و کارگاه‌ها میباشد. ماده ۱۱ - سازمان در مواقعی که لازم تشخیص دهد از صنایع آلوده کننده و کارخانجات و کارگاه‌ها بازرسی به عمل می‌آورد و بر نحوه انجام تکالیف مقرر در این آیین نامه، نظارت خواهد نمود. مسئولان و صاحبان صنایع مذکور موظف به همکاری با کارشناسان و ماموران سازمان می‌باشند و در صورت درخواست باید اطلاعات و مدارک مورد نیاز را در اختیار سازمان قرار دهند. ماده ۱۲ - سازمان امور اداری و استخدامی کشور با توجه به وظایفی که به سازمان محیط زیست در اجرای تبصره ۱۳ قانون برعهده دارد، عندالاقضاء در تشکیلات و پست‌های سازمانی آن تجدیدنظر خواهد نمود. ماده ۱۳ - انجام وظایف و اختیارات سازمان در ارتباط با این آیین نامه در استان‌ها حتی المقدور از طریق ادارات کل حفاظت محیط زیست استان صورت خواهد گرفت

این تصویب نامه در تاریخ ۷/۸/۱۳۶۹ به تایید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است

فن آوری اطلاعات

قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزار های رایانه ای - مصوب ۱۰/۱۰/۱۳۷۹

ماده ۱- حق نشر، عرضه، اجرا و حق بهره برداری مادی و معنوی نرم افزار رایانه ای متعلق به پدیدآورنده آن است. نحوه تدوین و ارائه داده ها در محیط قابل پردازش رایانه ای نیز مشمول احکام نرم افزار خواهد بود. مدت حقوق مادی سی (۳۰) سال از تاریخ پدیدآوردن نرم افزار و مدت حقوق معنوی نامحدود است. ماده ۲- در صورت وجود شرایط مقرر در قانون ثبت علائم و اختراعات، نرم افزار به عنوان اختراع شناخته می شود، آئین نامه مربوط به این ماده به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. ماده ۳- نام، عنوان و نشانه ویژه ای که معرف نرم افزار است از حمایت این قانون برخوردار است و هیچ کس نمی تواند آنها را برای نرم افزار دیگری از همان نوع یا مانند آن به تریبی که القای شبهه کند بکار برد در غیر این صورت به مجازات مقرر در ماده (۱۳) این قانون محکوم خواهد شد. ماده ۴- حقوق ناشی از آن بخش از نرم افزاری که به واسطه نرم افزارهای دیگر پدید می آید متعلق به دارنده حقوق نرم افزارهای واسط نیست. ماده ۵- پدیدآوردن نرم افزارهای مکمل و سازگار با دیگر نرم افزارها با رعایت حقوق مادی نرم افزارهای اولیه مجاز است. ماده ۶- پدیدآوردن نرم افزارها ممکن است ناشی از استخدام و یا قرارداد باشد در اینصورت: الف- باید نام پدیدآورنده توسط متقاضی ثبت به مراجع یاد شده در این قانون به منظور صدور گواهی ثبت، اعلام شود. ب- اگر هدف از استخدام یا انعقاد قرارداد، پدیدآوردن نرم افزار موردنظر بوده و یا پدیدآوردن آن جزء موضوع قرارداد باشد، حقوق مادی مربوط و حق تغییر و توسعه نرم افزار متعلق به استخدام کننده یا کارفرما است، مگر اینکه در قرارداد به صورت دیگری پیش بینی شده باشد. ماده ۷- تهیه نسخه های پشتیبان و همچنین تکثیر نرم افزاری که به طریق مجاز برای استفاده شخصی تهیه شده است چنانچه به طور همزمان مورد استفاده قرار نگیرد، بلامانع است. ماده ۸- ثبت نرم افزارهای موضوع مواد (۱) و (۲) این قانون پس از صدور تأییدیه فنی توسط شورای عالی انفورماتیک حسب مورد توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و یا مرجع ثبت شرکتها انجام می پذیرد. ماده ۹- دعوی نقض حقوق مورد حمایت این قانون، در صورتی در مراجع قضایی مسموع است که پیش از اقامه دعوی، تأییدیه فنی یادشده در ماده (۸) این قانون صادر شده باشد. در مورد حق اختراع، علاوه بر تأییدیه مزبور، تقاضای ثبت نیز باید به مرجع ذیربط تسلیم شده باشد. ماده ۱۰- برای صدور تأییدیه فنی موضوع ماده (۸) در مورد نرم افزارهایی که پدیدآورنده آن مدعی اختراع بودن آن است، کمیته ای به نامه " کمیته حق اختراع " زیر نظر شورای عالی انفورماتیک تشکیل می شود. اعضای این کمیته مرکب از سه کارشناس ارشد نرم افزار به عنوان نمایندگان شورای عالی انفورماتیک، نماینده سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و یک کارشناس حقوقی به انتخاب شورای عالی انفورماتیک خواهد بود. ماده ۱۱- شورا مکلف است از صدور تأییدیه فنی برای نرم افزارهایی که به تشخیص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خلاف اخلاق اسلامی و عفت عمومی و سلامت شخصیت کودکان و نوجوانان باشند خودداری کند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید ظرف دو هفته راجع به استعلام کتبی شورای عالی انفورماتیک اعلام نظر کند. ماده ۱۲- به منظور حمایت عملی از حقوق یاد شده در این قانون، نظم بخشی و ساماندهی فعالیت های تجاری رایانه ای مجاز، نظام صنفی رایانه ای توسط اعضای صنف یاد شده تحت نظارت شورا به وجود خواهد آمد. مجازات های مربوط به تخلفات صنفی مربوط، برابر مجازات های جرایم یاد شده در لایحه قانونی امور صنفی - مصوب ۱۳/۴/۱۳۵۹ و اصلاحیه های آن - خواهد بود. ماده ۱۳- هر کس حقوق مورد حمایت این قانون را نقض نماید علاوه بر جبران خسارت به حبس از نود و یک روز تا شش ماه و جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) تا پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم می گردد. تبصره - خسارات

شاکی خصوصی از اموال شخص مرتکب جرم جبران می شود. ماده ۱۴- شاکی خصوصی می توان تقاضا کند مفاد حکم دادگاه در یکی از روزنامه ها با انتخاب و هزینه او آگهی شود. ماده ۱۵- رسیدگی جرم مذکور در ماده (۱۳) با شکایت شاکی خصوصی آغاز و با گذشت او موقوف می شود. ماده ۱۶- حقوق مذکور در ماده (۱) در صورتی مورد حمایت این قانون خواهد بود که موضوع برای نخستین بار در ایران تولید و توزیع شده باشد. ماده ۱۷- آیین نامه اجرایی این قانون شامل مواردی از قبیل چگونگی صدور گواهی ثبت و تأییدیه فنی و هزینه های مربوط همچنین نحوه تشکیل نظام صنفی رایانه ای، به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و با هماهنگی وزارتخانه های فرهنگ و ارشاد اسلامی و دادگستری به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. - قانون فوق مشتمل بر هفده ماده و یک تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ چهارم دی ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۰/۱۰/۱۳۷۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

قانون تجارت الکترونیکی - مصوب ۵/۱۱/۱۳۸۲

شماره ۷۹۲۴۹ ۲۹/۱۰/۱۳۸۲ حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدمحمد خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران طرح تجارت الکترونیکی که در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۷/۱۰/۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسیده است ، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ارسال می گردد. رییس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی شماره ۶۱۶۹۴ ۵/۱۱/۱۳۸۲ وزارت بازرگانی قانون تجارت الکترونیکی که در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ هفدهم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۴/۱۰/۱۳۸۲ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۷۹۲۴۹ مورخ ۲۹/۱۰/۱۳۸۲ واصل گردیده است ، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رییس جمهور - سیدمحمد خاتمی قانون تجارت الکترونیکی باب اول - مقررات عمومی مبحث اول - در کلیات فصل اول - قلمرو و شمول قانون ماده ۱ - این قانون مجموعه اصول و قواعدی است که برای مبادله آسان و ایمن اطلاعات در واسط های الکترونیکی و با استفاده از سیستمهای ارتباطی جدید به کار می رود. فصل دوم - تعاریف ماده ۲ - الف - (داده پیام) هر نمادی از واقعه ، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی ، نوری و یا فناوری های جدید اطلاعات تولید ، ارسال ، دریافت ، ذخیره یا پردازش می شود. ب - (اصل ساز) منشا اصلی (داده پیام) است که (داده پیام) به وسیله او یا از طرف او تولید یا ارسال می شود اما شامل شخصی که در خصوص (داده پیام) به عنوان واسطه عمل می کند نخواهد شد. ج - (مخاطب) شخصی است که اصل ساز قصد دارد وی (داده پیام) را دریافت کند ، اما شامل شخصی که در ارتباط با (داده پیام) به عنوان واسطه عمل می کند نخواهد شد. د - (ارجاع در داده پیام) یعنی به منابعی خارج از (داده پیام) عطف شود که در صورت مطابقت با ماده (۱۸) این قانون جزئی از (داده پیام) محسوب می شود. ه - (تمامیت داده پیام) عبارت است از موجودیت کامل و بدون تغییر (داده پیام) . اعمال ناشی از تصدی سیستم از قبیل ارسال ، ذخیره یا نمایش اطلاعات که به طور معمول انجام می شود خدشه ای به تمامیت (داده پیام) وارد نمی کند. و - (سیستم رایانه ای) هر نوع دستگاه یا مجموعه ای از دستگاههای متصل سخت افزاری - نرم افزاری است که از طریق اجرای برنامه های پردازش خودکار (داده پیام) عمل می کند. ز - (سیستم اطلاعاتی) سیستمی برای تولید (اصل سازی) ، ارسال ، دریافت ، ذخیره یا پردازش (داده پیام) است. ح - (سیستم اطلاعاتی مطمئن) سیستم اطلاعاتی است که: ۱ - به نحوی معقول در برابر سوء استفاده و نفوذ محفوظ باشد. ۲ - سطح معقولی از قابلیت دسترسی و تصدی صحیح را دارا باشد. ۳ - به نحوی معقول متناسب با اهمیت کاری که انجام می دهد بیکربندی و سازماندهی شده باشد. ۴ - موافق با رویه ایمن باشد. ط - (رویه ایمن) رویه ای است برای تطبیق صحت ثبت (داده پیام) ، منشا و مقصد آن با تعیین تاریخ و برای یافتن هرگونه خطا یا تغییر در مبادله ، محتوا و یا ذخیره سازی (داده پیام) از یک زمان خاص. یک رویه ایمن ممکن است با

استفاده از الگوریتمها یا کدها، کلمات یا ارقام شناسائی، رمزنگاری، روشهای تصدیق یا پاسخ برگشت و یا طرق ایمنی مشابه انجام شود. ی - (امضای الکترونیکی) عبارت از هر نوع علامت منضم شده یا به نحو منطقی متصل شده به (داده پیام) است که برای شناسائی امضاءکننده (داده پیام) مورد استفاده قرار می‌گیرد. ک - (امضای الکترونیکی مطمئن) هر امضای الکترونیکی است که مطابق با ماده (۱۰) این قانون باشد. ل - (امضاءکننده) هر شخص یا قائم مقام وی که امضای الکترونیکی تولید می‌کند. م - (شخص) اعم است از شخص حقیقی و حقوقی و یا سیستم‌های رایانه‌ای تحت کنترل آنان. ن - (معقول) (سنجش عقلانی) ، با توجه به اوضاع و احوال مبادله (داده پیام) از جمله: طبیعت مبادله، مهارت و موقعیت طرفین، حجم مبادلات طرفین در موارد مشابه، در دسترس بودن گزینه‌های پیشنهادی و رد آن گزینه‌ها از جانب هر یک از طرفین، هزینه‌گزینه‌های پیشنهادی، عرف و روشهای معمول و مورد استفاده در این نوع مبادلات، ارزیابی می‌شود. س - (مصرف‌کننده) هر شخصی است که به منظوری جز تجارت یا شغل حرفه‌ای اقدام می‌کند. ع - (تامین‌کننده) عبارت از شخصی است که بنا به اهلیت تجاری، صنفی یا حرفه‌ای فعالیت می‌کند. ف - (وسائل ارتباط از راه دور) عبارت از هر نوع وسیله‌ای است که بدون حضور فیزیکی همزمان تامین‌کننده و مصرف‌کننده جهت فروش کالا و خدمات استفاده می‌شود. ص - (عقد از راه دور) ایجاب و قبول راجع به کالاها و خدمات بین تامین‌کننده و مصرف‌کننده با استفاده از وسائل ارتباط از راه دور است. ق - (واسط با دوام) یعنی وسائلی که به موجب آن مصرف‌کننده بتواند شخصا (داده پیام) های مربوطه را بر روی آن ذخیره کند از جمله شامل فلاپی دیسک، دیسک فشرده، دیسک سخت و یا پست الکترونیکی مصرف‌کننده. ر - (داده پیام‌های شخصی) یعنی (داده پیام) های مربوط به یک شخص حقیقی (موضوع داده) مشخص و معین. فصل سوم - تفسیر قانون ماده ۳ - در تفسیر این قانون همیشه باید به خصوصیت بین المللی، ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در کاربرد آن و رعایت لزوم حسن نیت توجه کرد. ماده ۴ - در مواقع سکوت و یا ابهام باب اول این قانون، محاکم قضایی باید براساس سایر قوانین موضوعه و رعایت چهارچوب فصول و مواد مندرج در این قانون، قضاوت نمایند. فصل چهارم - اعتبار قراردادهای خصوصی ماده ۵ - هرگونه تغییر در تولید، ارسال، دریافت، ذخیره و یا پردازش داده پیام با توافق و قرارداد خاص طرفین معتبر است. مبحث دوم - در احکام (داده پیام) - نوشته، امضاء اصل ماده ۶ - هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، (داده پیام) در حکم نوشته است مگر در موارد زیر: الف - اسناد مالکیت اموال غیرمنقول. ب - فروش مواد داروئی به مصرف‌کنندگان نهایی. ج - اعلام، اخطار، هشدار و یا عبارات مشابهی که دستور خاصی برای استفاده کالا صادر می‌کند و یا از بکارگیری روشهای خاصی به صورت فعل یا ترک فعل منع می‌کند. ماده ۷ - هرگاه قانون، وجود امضاء را لازم بداند امضای الکترونیکی مکفی است. ماده ۸ - هرگاه قانون لازم بداند که اطلاعات به صورت اصل ارائه یا نگهداری شود، این امر یا نگهداری و ارائه اطلاعات به صورت داده پیام نیز در صورت وجود شرایط زیر امکان پذیر می‌باشد: الف - اطلاعات موردنظر قابل دسترسی بوده و امکان استفاده در صورت رجوع بعدی فراهم باشد. ب - داده پیام به همان قالبی (فرمتی) که تولید، ارسال و یا دریافت شده و یا به قالبی که دقیقاً نمایشگر اطلاعاتی باشد که تولید، ارسال و یا دریافت شده، نگهداری شود. ج - اطلاعاتی که مشخص‌کننده مبداء، مقصد، زمان ارسال و زمان دریافت داده پیام می‌باشند نیز در صورت وجود نگهداری شوند. د - شرایط دیگری که هر نهاد، سازمان، دستگاه دولتی و یا وزارتخانه در خصوص نگهداری داده پیام مرتبط با حوزه مسوولیت خود مقرر نموده فراهم شده باشد. ماده ۹ - هرگاه شرایطی به وجود آید که از مقطعی معین ارسال (داده پیام) خاتمه یافته و استفاده از اسناد کاغذی جایگزین آن شود سند کاغذی که تحت این شرایط صادر می‌شود باید به طور صریح ختم تبادل (داده پیام) را اعلام کند. جایگزینی اسناد کاغذی به جای (داده پیام) اثری بر حقوق و تعهدات قبلی طرفین نخواهد داشت. مبحث سوم - (داده پیام) مطمئن فصل اول - امضاء و سابقه الکترونیکی مطمئن ماده ۱۰ - امضای الکترونیکی مطمئن باید دارای شرایط زیر باشد: الف - نسبت به امضاءکننده منحصر به فرد باشد. ب - هویت امضاءکننده (داده پیام) را معلوم نماید. ج -

به وسیله امضاءکننده و یا تحت اراده انحصاری وی صادر شده باشد. د - به نحوی به یک (داده پیام) متصل شود که هر تغییری در آن (داده پیام) قابل تشخیص و کشف باشد. ماده ۱۱ - سابقه الکترونیکی مطمئن عبارت از (داده پیام) ی است که با رعایت شرایط یک سیستم اطلاعاتی مطمئن ذخیره شده و به هنگام لزوم در دسترس و قابل درک است. فصل دوم - پذیرش ، ارزش اثباتی و آثار سابقه و امضای الکترونیکی مطمئن ماده ۱۲ - اسناد و ادله اثبات دعوی ممکن است به صورت داده پیام بوده و در هیچ محکمه یا اداره دولتی نمی توان براساس قواعد ادله موجود ، ارزش اثباتی (داده پیام) را صرفا به دلیل شکل و قالب آن رد کرد. ماده ۱۳ - به طور کلی ، ارزش اثباتی (داده پیام) ها با توجه به عوامل مطمئنه از جمله تناسب روشهای ایمنی به کار گرفته شده با موضوع و منظور مبادله (داده پیام) تعیین می شود. ماده ۱۴ - کلیه (داده پیام) هائی که به طریق مطمئن ایجاد و نگهداری شده اند از حیث محتویات و امضای مندرج در آن ، تعهدات طرفین یا طرفی که تعهد کرده و کلیه اشخاصی که قائم مقام قانونی آنان محسوب می شوند ، اجرای مفاد آن و سایر آثار در حکم اسناد معتبر و قابل استناد در مراجع قضائی و حقوقی است. ماده ۱۵ - نسبت به (داده پیام) مطمئن ، سوابق الکترونیکی مطمئن و امضای الکترونیکی مطمئن انکار و تردید مسموع نیست و تنها می توان ادعای جعلیت به (داده پیام) مزبور وارد و یا ثابت نمود که (داده پیام) مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است. ماده ۱۶ - هر (داده پیام) ی که توسط شخص ثالث مطابق با شرایط ماده (۱۱) این قانون ثبت و نگهداری می شود ، مقرون به صحت است. مبحث چهارم - مبادله (داده پیام) فصل اول - اعتبار قانونی ارجاع در (داده پیام) ، عقد و اراده طرفین ماده ۱۷ - (ارجاع در داده پیام) با رعایت موارد زیر معتبر است: الف - مورد ارجاع به طور صریح در (داده پیام) معین شود. ب - مورد ارجاع برای طرف مقابل که به آن تکیه می کند روشن و مشخص باشد. ج - (داده پیام) موضوع ارجاع مورد قبول طرف باشد. فصل دوم - انتساب (داده پیام) ماده ۱۸ - در موارد زیر (داده پیام) منسوب به اصل ساز است: الف - اگر توسط اصل ساز و یا به وسیله شخصی ارسال شده باشد که از جانب اصل ساز مجاز به این کار بوده است. ب - اگر به وسیله سیستم اطلاعاتی برنامه ریزی شده یا تصدی خودکار از جانب اصل ساز ارسال شود. ماده ۱۹ - (داده پیام) ی که براساس یکی از شروط زیر ارسال می شود مخاطب حق دارد آن را ارسال شده محسوب کرده ، و مطابق چنین فرضی (ارسال شده) عمل نماید: الف - قبلا به وسیله اصل ساز روشی معرفی و یا توافق شده باشد که معلوم کند آیا (داده پیام) همان است که اصل ساز ارسال کرده است ، ب - (داده پیام) دریافت شده توسط مخاطب از اقدامات شخصی ناشی شده که رابطه اش با اصل ساز ، یا نمایندگان وی باعث شده تا شخص مذکور به روش مورد استفاده اصل ساز دسترسی یافته و (داده پیام) را به مثابه (داده پیام) خود بشناسد. ماده ۲۰ - ماده (۱۹) این قانون شامل مواردی نیست که پیام از اصل ساز صادر نشده باشد و یا به طور اشتباه صادر شده باشد. ماده ۲۱ - هر (داده پیام) یک (داده پیام) مجزا و مستقل محسوب می گردد ، مگر آن که معلوم باشد که آن (داده پیام) نسخه مجددی از (داده پیام) اولیه است. فصل سوم - تصدیق دریافت ماده ۲۲ - هرگاه قبل یا به هنگام ارسال (داده پیام) اصل ساز از مخاطب بخواهد یا توافق کنند که دریافت (داده پیام) تصدیق شود ، اگر به شکل یا روش تصدیق توافق نشده باشد ، هر نوع ارتباط خودکار یا مکاتبه یا اتخاذ هر نوع تدبیر مناسب از سوی مخاطب که اصل ساز را به نحو معقول از دریافت (داده پیام) مطمئن کند تصدیق دریافت (داده پیام) محسوب می گردد. ماده ۲۳ - اگر اصل ساز به طور صریح هرگونه اثر حقوقی (داده پیام) را مشروط به تصدیق دریافت (داده پیام) کرده باشد ، (داده پیام) ارسال نشده تلقی می شود ، مگر آن که تصدیق آن دریافت شود. ماده ۲۴ - اماره دریافت (داده پیام) راجع به محتوای (داده پیام) صادق نیست. ماده ۲۵ - هنگامی که در تصدیق قید می شود (داده پیام) مطابق با الزامات فنی استاندارد یا روش مورد توافق طرفین دریافت شده ، فرض بر این است که آن الزامات رعایت شده اند. فصل چهارم - زمان و مکان ارسال و دریافت (داده پیام) ماده ۲۶ - ارسال (داده پیام) زمانی تحقق می یابد که به یک سیستم اطلاعاتی خارج از کنترل اصل ساز یا قائم مقام وی وارد شود. ماده ۲۷ - زمان دریافت (داده پیام) مطابق شرایط زیر خواهد بود: الف - اگر سیستم اطلاعاتی

مخاطب برای دریافت (داده پیام) معین شده باشد دریافت ، زمانی محقق می شود که: ۱ - (داده پیام) به سیستم اطلاعاتی معین شده وارد شود؛ یا ۲ - چنانچه (داده پیام) به سیستم اطلاعاتی مخاطب غیر از سیستمی که منحصر برای این کار معین شده وارد شود (داده پیام) بازیافت شود. ب - اگر مخاطب ، یک سیستم اطلاعاتی برای دریافت معین نکرده باشد ، دریافت زمانی محقق می شود که (داده پیام) وارد سیستم اطلاعاتی مخاطب شود. ماده ۲۸ - مفاد ماده (۲۷) این قانون بدون توجه به محل استقرار سیستم اطلاعاتی جاری است. ماده ۲۹ - اگر محل استقرار سیستم اطلاعاتی با محل استقرار دریافت (داده پیام) مختلف باشد مطابق قاعده زیر عمل می شود: الف - محل تجاری ، یا کاری اصل ساز محل ارسال (داده پیام) است و محل تجاری یا کاری مخاطب محل دریافت (داده پیام) است مگر آن که خلاف آن توافق شده باشد. ب - اگر اصل ساز بیش از یک محل تجاری یا کاری داشته باشد ، نزدیکترین محل به اصل معامله ، محل تجاری یا کاری خواهد بود در غیر این صورت محل اصلی شرکت ، محل تجاری یا کاری است. ج - اگر اصل ساز یا مخاطب فاقد محل تجاری یا کاری باشند ، اقامتگاه قانونی آنان ملاک خواهد بود. ماده ۳۰ - آثار حقوقی پس از انتساب ، دریافت تصدیق و زمان و مکان ارسال و دریافت (داده پیام) موضوع فصول دوم تا چهارم مبحث چهارم این قانون و همچنین محتوی (داده پیام) تابع قواعد عمومی است. باب دوم - دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی ماده ۳۱ - دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی واحدهائی هستند که برای ارائه خدمات صدور امضای الکترونیکی در کشور تاسیس می شوند. این خدمات شامل تولید ، صدور ، ذخیره ، ارسال ، تایید ، ابطال و به روز نگهداری گواهی های اصالت (امضای الکترونیکی می باشد. ماده ۳۲ - آیین نامه و ضوابط نظام تاسیس و شرح وظایف این دفاتر توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و وزارتخانه های بازرگانی ، ارتباطات و فناوری اطلاعات ، امور اقتصادی و دارایی و دادگستری تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. باب سوم - در قواعد مختلف مبحث اول - حمایت های انحصاری در بستر مبادلات الکترونیکی فصل اول - حمایت از مصرف کننده ماده ۳۳ - فروشندگان کالا و ارائه دهندگان خدمات بایستی اطلاعات موثر در تصمیم گیری مصرف کنندگان جهت خرید و یا قبول شرایط را از زمان مناسبی قبل از عقد در اختیار مصرف کنندگان قرار دهند. حداقل اطلاعات لازم ، شامل موارد زیر می باشد: الف - مشخصات فنی و ویژگیهای کاربردی کالا و یا خدمات. ب - هویت تامین کننده ، نام تجاری که تحت آن نام به فعالیت مشغول می باشد و نشانی وی. ج - آدرس پست الکترونیکی ، شماره تلفن و یا هر روشی که مشتری در صورت نیاز بایستی از آن طریق با فروشنده ارتباط برقرار کند. د - کلیه هزینه هائی که برای خرید کالا بر عهده مشتری خواهد بود (از جمله قیمت کالا- و یا خدمات ، میزان مالیات ، هزینه حمل ، هزینه تماس) . ه - مدت زمانی که پیشنهاد ارائه شده معتبر می باشد. و - شرایط و فرایند عقد از جمله ترتیب و نحوه پرداخت ، تحویل و یا اجرا ، فسخ ، ارجاع ، خدمات پس از فروش. ماده ۳۴ - تامین کننده باید به طور جداگانه ضمن تایید اطلاعات مقدماتی ، اطلاعات زیر را ارسال نماید: الف - آدرس محل تجاری یا کاری تامین کننده برای شکایت احتمالی. ب - اطلاعات راجع به ضمانت و پشتیبانی پس از فروش. ج - شرایط و فراگرد فسخ معامله به موجب مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون. د - شرایط فسخ در قراردادهای انجام خدمات. ماده ۳۵ - اطلاعات اعلامی و تاییدیه اطلاعات اعلامی به مصرف کننده باید در واسطی با دوام ، روشن و صریح بوده و در زمان مناسب و با وسایل مناسب ارتباطی در مدت معین و بر اساس لزوم حسن نیت در معاملات و از جمله ضرورت رعایت افراد ناتوان و کودکان ارائه شود. ماده ۳۶ - در صورت استفاده از ارتباط صوتی ، هویت تامین کننده و قصد وی از ایجاد تماس با مصرف کننده باید به طور روشن و صریح در شروع هر مکالمه بیان شود. ماده ۳۷ - در هر معامله از راه دور مصرف کننده باید حداقل هفت روز کاری ، وقت برای انصراف (حق انصراف) از قبول خود بدون تحمل جریمه و یا ارائه دلیل داشته باشد. تنها هزینه تحمیلی بر مصرف کننده هزینه بازپس فرستادن کالا خواهد بود. ماده ۳۸ - شروع اعمال حق انصراف به ترتیب زیر خواهد بود: الف - در صورت فروش کالا ، از تاریخ تسلیم کالا به مصرف کننده و در صورت فروش خدمات ، از روز انعقاد. ب - در هر حال آغاز اعمال حق انصراف مصرف کننده پس از ارائه

اطلاعاتی خواهد بود که تامین کننده طبق مواد (۳۳) و (۳۴) این قانون موظف به ارائه آن است. ج - به محض استفاده مصرف کننده از حق انصراف ، تامین کننده مکلف است بدون مطالبه هیچ گونه وجهی عین مبلغ دریافتی را در اسرع وقت به مصرف کننده مسترد نماید. د - حق انصراف مصرف کننده در مواردی که شرایط خاصی بر نوع کالا و خدمات حاکم است اجرا نخواهد شد. موارد آن به موجب آیین نامه ای است که در ماده (۷۹) این قانون خواهد آمد. ماده ۳۹ - در صورتی که تامین کننده در حین معامله به دلیل عدم موجودی کالا و یا عدم امکان اجرای خدمات ، نتواند تعهدات خود را انجام دهد ، باید مبلغ دریافتی را فوراً به مخاطب برگرداند ، مگر در بقیه کلی و تعهداتی که برای همیشه وفای به تعهد غیرممکن نباشد و مخاطب آماده صبر کردن تا امکان تحویل کالا و یا ایفای تعهد باشد. در صورتی که معلوم شود تامین کننده از ابتدا عدم امکان ایفای تعهد خود را می دانسته ، علاوه بر لزوم استرداد مبلغ دریافتی ، به حداکثر مجازات مقرر در این قانون نیز محکوم خواهد شد. ماده ۴۰ - تامین کننده می تواند کالا یا خدمات مشابه آنچه را که به مصرف کننده وعده کرده تحویل یا ارائه نماید مشروط بر آن که قبل از معامله یا در حین انجام معامله آن را اعلام کرده باشد. ماده ۴۱ - در صورتی که تامین کننده ، کالا- یا خدمات دیگری غیر از موضوع معامله یا تعهد را برای مخاطب ارسال نماید ، کالا و یا خدمات ارجاع داده می شود و هزینه ارجاع به عهده تامین کننده است. کالا یا خدمات ارسالی مذکور چنانچه به عنوان یک معامله یا تعهد دیگر از سوی تامین کننده مورد ایجاب قرار گیرد ، مخاطب می تواند آن را قبول کند. ماده ۴۲ - حمایت های این فصل در موارد زیر اجرا نخواهد شد: الف - خدمات مالی که فهرست آن به موجب آیین نامه ای است که در ماده (۷۹) این قانون خواهد آمد. ب - معاملات راجع به فروش اموال غیرمنقول و یا حقوق مالکیت ناشی از اموال غیرمنقول به جز اجاره. ج - خرید از ماشین های فروش مستقیم کالا و خدمات. د - معاملاتی که با استفاده از تلفن عمومی (همگانی) انجام می شود. ه - معاملات راجع به حراجی ها. ماده ۴۳ - تامین کننده نباید سکوت مصرف کننده را حمل بر رضایت وی کند. ماده ۴۴ - در موارد اختلاف و یا تردید مراجع قضائی رسیدگی خواهند کرد. ماده ۴۵ - اجرای حقوق مصرف کننده به موجب این قانون نباید بر اساس سایر قوانین که حمایت ضعیف تری اعمال می کنند متوقف شود. ماده ۴۶ - استفاده از شروط قراردادی خلاف مقررات این فصل و همچنین اعمال شروط غیرمنصفانه به ضرر مصرف کننده ، موثر نیست. ماده ۴۷ - در معاملات از راه دور آن بخش از موضوع معامله که به روشی غیر از وسائل ارتباط از راه دور انجام می شود مشمول مقررات این قانون نخواهد بود. ماده ۴۸ - سازمانهای قانونی و مدنی حمایت از حقوق مصرف کننده می توانند به عنوان شاکی اقامه دعوی نمایند. ترتیب آن به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به پیشنهاد وزارت بازرگانی و تصویب هیات وزیران می باشد. ماده ۴۹ - حقوق مصرف کننده در زمان استفاده از وسایل پرداخت الکترونیکی به موجب قوانین و مقرراتی است که توسط مراجع قانونی ذی ربط تصویب شده و یا خواهد شد. فصل دوم - در قواعد تبلیغ ماده ۵۰ - تامین کنندگان در تبلیغ کالا و خدمات خود نباید مرتکب فعل یا ترک فعلی شوند که سبب مشتبه شدن و یا فریب مخاطب از حیث کمیت و کیفیت شود. ماده ۵۱ - تامین کنندگانی که برای فروش کالا و خدمات خود تبلیغ می کنند نباید سلامتی افراد را به خطر اندازند. ماده ۵۲ - تامین کننده باید به نحوی تبلیغ کند که مصرف کننده به طور دقیق ، صحیح و روشن اطلاعات مربوط به کالا و خدمات را درک کند. ماده ۵۳ - در تبلیغات و بازاریابی باید هویت شخص یا بنگاهی که تبلیغات به نفع اوست روشن و صریح باشد. ماده ۵۴ - تامین کنندگان نباید از خصوصیات ویژه معاملات به روش الکترونیکی جهت مخفی نمودن حقایق مربوط به هویت یا محل کسب خود سوءاستفاده کنند. ماده ۵۵ - تامین کنندگان باید تمهیداتی را برای مصرف کنندگان در نظر بگیرند تا آنان راجع به دریافت تبلیغات به نشانی پستی و یا پست الکترونیکی خود تصمیم بگیرند. ماده ۵۶ - تامین کنندگان در تبلیغات باید مطابق با رویه حرفه ای عمل نمایند. ضوابط آن به موجب آیین نامه ای است که در ماده (۷۹) این قانون خواهد آمد. ماده ۵۷ - تبلیغ و بازاریابی برای کودکان و نوجوانان زیر سن قانونی به موجب آیین نامه ای است که در ماده (۷۹) این قانون خواهد آمد. فصل سوم - حمایت از (داده پیام) های شخصی (حمایت از داده) ماده ۵۸ - ذخیره ، پردازش

و یا توزیع (داده پیام) های شخصی مبین ریشه های قومی یا نژادی ، دیدگاههای عقیدتی ، مذهبی ، خصوصیات اخلاقی و (داده پیام) های راجع به وضعیت جسمانی ، روانی و یا جنسی اشخاص بدون رضایت صریح آنها به هر عنوان غیرقانونی است. ماده ۵۹ - در صورت رضایت شخص موضوع (داده پیام) نیز به شرط آنکه محتوای داده پیام وفق قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی باشد ذخیره ، پردازش و توزیع (داده پیام) های شخصی در بستر مبادلات الکترونیکی باید با لحاظ شرایط زیر صورت پذیرد: الف - اهداف آن مشخص بوده و به طور واضح شرح داده شده باشند. ب - (داده پیام) باید تنها به اندازه ضرورت و متناسب با اهدافی که در هنگام جمع آوری برای شخص موضوع (داده پیام) شرح داده شده جمع آوری گردد و تنها برای اهداف تعیین شده مورد استفاده قرار گیرد. ج - (داده پیام) باید صحیح و روزآمد باشد. د - شخص موضوع (داده پیام) باید به پرونده های رایانه ای حاوی (داده پیام) های شخصی مربوط به خود دسترسی داشته و بتواند (داده پیام) های ناقص و یا نادرست را محو یا اصلاح کند. ه - شخص موضوع (داده پیام) باید بتواند در هر زمان با رعایت ضوابط مربوطه درخواست محو کامل پرونده رایانه ای (داده پیام) های شخصی مربوط به خود را بنماید. ماده ۶۰ - ذخیره ، پردازش و یا توزیع (داده پیام) های مربوط به سوابق پزشکی و بهداشتی تابع آیین نامه ای است که در ماده (۷۹) این قانون خواهد آمد. ماده ۶۱ - سایر موارد راجع به دسترسی موضوع (داده پیام) ، از قبیل استثنائات ، افشای آن برای اشخاص ثالث ، اعتراض ، فراگردهای ایمنی ، نهادهای مسوول دیدبانی و کنترل جریان (داده پیام) های شخصی به موجب مواد مندرج در باب چهارم این قانون و آیین نامه مربوطه خواهد بود. مبحث دوم - حفاظت از (داده پیام) در بستر مبادلات الکترونیکی فصل اول - حمایت از حقوق مولف در بستر مبادلات الکترونیکی ماده ۶۲ - حق تکثیر ، اجراء و توزیع (عرضه و نشر) آثار تحت حمایت قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۳/۹/۱۳۴۸ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۲۶/۹/۱۳۵۲ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای مصوب ۴/۱۰/۱۳۷۹ ، به صورت (داده پیام) منحصر در اختیار مولف است. کلیه آثار و تالیفاتی که در قالب (داده پیام) می باشند ، از جمله اطلاعات ، نرم افزارها و برنامه های رایانه ای ، ابزار و روشهای رایانه ای و پایگاههای داده و همچنین حمایت از حقوق مالکیت های فکری در بستر مبادلات الکترونیکی شامل حق اختراع ، حق طراحی ، حق مولف ، حقوق مرتبط با حق مولف ، حمایت از پایگاههای داده ، حمایت از نقشه مدارهای یکپارچه قطعات الکترونیکی و حمایت از اسرار تجاری ، مشمول قوانین مذکور در این ماده و قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱/۴/۱۳۱۰ و آئین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۴/۴/۱۳۳۷ خواهد بود ، منوط بر آن که امور مذکور در آن دو قانون موافق مصوبات مجلس شورای اسلامی باشد. تبصره ۱ - حقوق مرتبط با مالکیت ادبی و هنری که پیش از این به عنوان حقوق جانبی مالکیت ادبی و هنری شناخته می شدند شامل حقوق مادی و معنوی برای عناصر دیگری علاوه بر مولف ، از جمله حقوق هنرمندان مجری آثار ، تولیدکنندگان صفحات صوتی و تصویری و سازمانها و موسسات ضبط و پخش می باشند که مشمول قوانین مصوب ۳/۹/۱۳۴۸ و ۲۶/۹/۱۳۵۲ مورد اشاره در این ماده می باشند. تبصره ۲ - مدار یکپارچه یک جزء الکترونیکی با نقشه و منطقی خاص است که عملکرد و کارایی آن قابلیت جایگزینی با تعداد بسیار زیادی از اجزاء الکترونیکی متعارف را داراست. طراحی های نقشه ، جانمایی و منطقی این مدارها بر اساس قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱/۴/۱۳۱۰ و آیین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۴/۴/۱۳۳۷ مورد حمایت می باشد. ماده ۶۳ - اعمال موقت تکثیر ، اجراء و توزیع اثر که جزء لاینفک فراگرد فنی پردازش (داده پیام) در شبکه ها است از شمول مقرر فوق خارج است. فصل دوم - حمایت از اسرار تجاری ماده ۶۴ - به منظور حمایت از رقابتهای مشروع و عادلانه در بستر مبادلات الکترونیکی ، تحصیل غیرقانونی اسرار تجاری و اقتصادی بنگاهها و موسسات برای خود و یا افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیکی جرم محسوب و مرتکب به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید. ماده ۶۵ - اسرار تجاری الکترونیکی (داده پیام) ی است که شامل اطلاعات ، فرمولها ، الگوها ، نرم افزارها و برنامه ها ، ابزار و روشها ،

تکنیک ها و فرایندها، تالیفات منتشر نشده، روشهای انجام تجارت و داد و ستد، فنون، نقشه ها و فراگردها، اطلاعات مالی، فهرست مشتریان، طرحهای تجاری و امثال اینها است، که به طور مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده و در دسترس عموم قرار ندارد و تلاشهای معقولانه ای برای حفظ و حراست از آنها انجام شده است. فصل سوم - حمایت از علائم تجاری ماده ۶۶ - به منظور حمایت از حقوق مصرف کنندگان و تشویق رقابت های مشروع در بستر مبادلات الکترونیکی استفاده از علائم تجاری به صورت نام دامنه و یا هر نوع نمایش بر خط علائم تجاری که موجب فریب یا مشتبه شدن طرف به اصالت کالا و خدمات شود ممنوع و متخلف به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید. باب چهارم - جرایم و مجازات ها مبحث اول - کلاهبرداری کامپیوتری ماده ۶۷ - هر کس در بستر مبادلات الکترونیکی، با سوء استفاده و یا استفاده غیرمجاز از (داده پیام) ها، برنامه ها و سیستم های رایانه ای و وسایل ارتباط از راه دور و ارتکاب افعالی نظیر ورود، محو، توقف (داده پیام)، مداخله در عملکرد برنامه یا سیستم رایانه ای و غیره دیگران را بفریبد و یا سبب گمراهی سیستم های پردازش خودکار و نظایر آن شود و از این طریق برای خود یا دیگری وجوه، اموال یا امتیازات مالی تحصیل کند و اموال دیگران را ببرد مجرم محسوب و علاوه بر رد مال به صاحبان اموال به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جزای نقدی معادل مال ماخوذه محکوم می شود. تبصره - شروع به این جرم نیز جرم محسوب و مجازات آن حداقل مجازات مقرر در این ماده می باشد. مبحث دوم - جعل کامپیوتری ماده ۶۸ - هر کس در بستر مبادلات الکترونیکی، از طریق ورود، تغییر، محو و توقف (داده پیام) و مداخله در پردازش (داده پیام) و سیستم های رایانه ای، و یا استفاده از وسایل کاربردی سیستم های رمزنگاری تولید امضاء - مثل کلید اختصاصی - بدون مجوز امضاء کننده و یا تولید امضای فاقد سابقه ثبت در فهرست دفاتر اسناد الکترونیکی و یا عدم انطباق آن وسایل با نام دارنده در فهرست مزبور و اخذ گواهی مجعول و نظایر آن اقدام به جعل (داده پیام) های دارای ارزش مالی و اثباتی نماید تا با ارائه آن به مراجع اداری، قضایی، مالی و غیره به عنوان (داده پیام) های معتبر استفاده نماید جاعل محسوب و به مجازات حبس از یک تا سه سال و پرداخت جزای نقدی به میزان پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم می شود. تبصره - مجازات شروع به این جرم حداقل مجازات در این ماده می باشد. مبحث سوم - نقض حقوق انحصاری در بستر مبادلات الکترونیک فصل اول - نقض حقوق مصرف کننده و قواعد تبلیغ ماده ۶۹ - تامین کننده متخلف از مواد (۳۳)، (۳۴)، (۳۵)، (۳۶) و (۳۷) این قانون به مجازات از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد. تبصره - تامین کننده متخلف از ماده (۳۷) به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۷۰ - تامین کننده متخلف از مواد (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۴) و (۴۵) این قانون به مجازات از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد. تبصره ۱ - تامین کننده متخلف از ماده (۴۱) این قانون به حداکثر مجازات در این ماده محکوم خواهد شد. تبصره ۲ - تامین کننده متخلف از ماده (۴۵) این قانون به حداقل مجازات در این ماده محکوم خواهد شد. فصل دوم - نقض حمایت از (داده پیام) های شخصی / حمایت از داده ماده ۷۱ - هر کس در بستر مبادلات الکترونیکی شرایط مقرر در مواد (۴۸) و (۴۹) این قانون را نقض نماید مجرم محسوب و به یک تا سه سال حبس محکوم می شود. ماده ۷۲ - هرگاه جرایم راجع به (داده پیام) های شخصی توسط دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی و سایر نهادهای مسوول ارتکاب یابد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در ماده (۷۱) این قانون محکوم خواهد شد. ماده ۷۳ - اگر به واسطه بی مبالا-تی و بی احتیاطی دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی جرایم راجع به (داده پیام) های شخصی روی دهد، مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس و پرداخت جزای نقدی معادل پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم می شود. مبحث چهارم - نقض حفاظت از (داده پیام) در بستر مبادلات الکترونیکی فصل اول - نقض حق مولف ماده ۷۴ - هر کس در بستر مبادلات الکترونیکی با تکثیر، اجرا و توزیع (عرضه و نشر) مواردی که در قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۳/۹/۱۳۴۸ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۲۶/۹/۱۳۵۲ و قانون حمایت از حقوق

پدید آورندگان نرم افزارهای رایانه ای مصوب ۴/۱۰/۱۳۷۹، منوط بر آنکه امور مذکور طبق مصوبات مجلس شورای اسلامی مجاز شمرده شود، در صورتی که حق تصریح شده مولفان را نقض نماید به مجازات سه ماه تا یک سال حبس و جزای نقدی به میزان پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد. فصل دوم - نقض اسرار تجاری ماده ۷۵ - متخلفین از ماده (۶۴) این قانون و هر کس در بستر مبادلات الکترونیکی به منظور رقابت، منفعت و یا ورود خسارت به بنگاه های تجاری، صنعتی، اقتصادی و خدماتی، با نقض حقوق قراردادهای استخدام مبنی بر عدم افشای اسرار شغلی و یا دستیابی غیرمجاز، اسرار تجاری آنان را برای خود تحصیل نموده و یا برای اشخاص ثالث افشا نماید به حبس از شش ماه تا دو سال و نیم، و جزای نقدی معادل پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد. فصل سوم - نقض علایم تجاری ماده ۷۶ - متخلفان از ماده (۶۶) این قانون به یک تا سه سال حبس و جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد. فصل چهارم - سایر ماده ۷۷ - سایر جرایم، آیین دادرسی و مقررات مربوط به صلاحیت جزایی و روش های همکاری بین المللی قضایی جزایی مرتبط با بستر مبادلات الکترونیکی به موجب قانون خواهد بود. باب پنجم - جبران خسارت ماده ۷۸ - هرگاه در بستر مبادلات الکترونیکی در اثر نقص یا ضعف سیستم موسسات خصوصی و دولتی، به جز در نتیجه قطع فیزیکی ارتباط الکترونیکی، خسارتی به اشخاص وارد شود، موسسات مزبور مسوول جبران خسارت وارده می باشند مگر اینکه خسارات وارده ناشی از فعل شخصی افراد باشد که در این صورت جبران خسارات بر عهده این اشخاص خواهد بود. باب ششم - متفرقه ماده ۷۹ - وزارت بازرگانی موظف است زمینه های مرتبط با تجارت الکترونیکی را که در اجرای این قانون موثر می باشند شناسائی کرده و با ارائه پیشنهاد و تایید شورای عالی فناوری اطلاعات، خواستار تدوین مقررات مربوطه و آئین نامه های این قانون توسط نهادهای ذی ربط شود. این آیین نامه ها و مقررات پس از تصویب هیات وزیران به مرحله اجرا درخواهند آمد. سایر آیین نامه های مورد اشاره در این قانون به ترتیب ذیل تهیه خواهند شد: الف - آیین نامه مربوط به مواد (۳۸) و (۴۲) این قانون به پیشنهاد وزارتخانه های بازرگانی، امور اقتصادی و دارائی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ب - آیین نامه مربوط به مواد (۵۶) و (۵۷) این قانون به پیشنهاد وزارتخانه های بازرگانی و فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ج - آیین نامه مربوط به ماده (۶۰) این قانون به پیشنهاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۸۰ - وزارت بازرگانی موظف است به منظور حمایت از فعالیت های تجارت الکترونیکی، با تجمیع واحدهای ذی ربط، مرکزی را در این وزارتخانه ایجاد نماید. اساسنامه و آیین نامه این مرکز به پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۸۱ - اصل سازان، مخاطبین، بایگاتان، مصرف کنندگان و کلیه کسانی که (داده پیام) در اختیار دارند موظفند (داده پیام) هائی را که تحت مسوولیت خود دارند به طریقی نگهداری نموده و پشتوانه تهیه نمایند که در صورت بروز هرگونه خطری برای یک نسخه، نسخه دیگر مصون بماند. قانون فوق مشتمل بر هشتاد و یک ماده و هفت تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ هفدهم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۴/۱۰/۱۳۸۲ به تایید شورای نگهبان رسیده است. رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی

آئین نامه اجرائی مواد (۲) و (۱۷) قانون حمایت از حقوق پدید آورندگان نرم افزارهای رایانه ای - مصوب ۲۴/۴

شماره ۲/۲۱۱۸۵ ت/۲۶۰۸۹ هـ - ۲۴/۴/۱۳۸۳ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - وزارت دادگستری - وزارت بازرگانی - وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات - سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۱/۴/۱۳۸۳ بنا به پیشنهاد شماره

۲۰۰۹۷/۰۵ مورخ ۲۹/۱۱/۱۳۸۰ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و به استناد مواد (۲) و (۱۷) قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای - مصوب ۱۳۷۹-، آئین نامه اجرائی مواد یادشده را به شرح زیر تصویب نمود: آئین نامه اجرائی مواد (۲) و (۱۷) قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای قسمت اول - ثبت نرم افزار بخش اول - تعاریف مربوط به ثبت نرم افزار: ماده ۱- در این آئین نامه منظور از کلمه «قانون»، قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای - مصوب ۱۳۷۹- می باشد. ماده ۲- نرم افزار عبارت است از مجموعه برنامه های رایانه ای، رویه ها، دستورالعملها و مستندات مربوط به آنها و نیز اطلاعات مربوط به عملیات یک سیستم رایانه ای که دارای کاربری مشخص بوده و بر روی یکی از حاملهای رایانه ای ضبط شده باشد. تبصره ۱- آثار و محصولات نرم افزاری نوشتاری، صوتی و تصویری که با کمک نرم افزار پردازش شده و به صورت یک پدیده مستقل تهیه و ارائه شود نیز مشمول این آئین نامه خواهد بود. تبصره ۲- خلق عملیات نرم افزاری در ذهن یا بیان مخلوق ذهنی بدون اینکه برنامه های رایانه ای و مستندات و دستورالعملهای آن تدوین شده باشد، نرم افزار محسوب نمی شود و برای خالق آن حقوقی ایجاد نمی نماید. ماده ۳- پدیدآورنده نرم افزار شخص یا اشخاصی هستند که براساس دانش و ابتکار خود کلیه مراحل مربوط اعم از تحلیل، طراحی، ساخت و پیاده سازی نرم افزار را انجام دهند. ماده ۴- حقوق معنوی نرم افزار رایانه ای بدون اینکه منحصر به این تعبیر باشد عبارت است از حق انتساب نرم افزار به پدیدآورنده آن و محدود به زمان و مکان نیست و غیر قابل انتقال است. ماده ۵- حقوق مادی نرم افزار رایانه ای بدون اینکه منحصر به مصادیق زیر باشد عبارت از حق استفاده شخصی، حق نشر، حق عرضه، حق اجراء، حق تکثیر و هرگونه بهره برداری اقتصادی است و قابل نقل و انتقال می باشد. ماده ۶- نشر عبارت است از قرارداد نرم افزار در معرض استفاده عموم اعم از اینکه بر روی یکی از حاملهای رایانه ای، تکثیر شده یا به منظور فوق در محیطهای رایانه ای قابل استفاده برای دیگران قرار داده شود. ماده ۷- عرضه عبارت است از ارائه نرم افزار برای استفاده شخص یا اشخاص معین دیگر در زمان یا مکان محدود و برای بهره برداری مشخص. ماده ۸- اجراء عبارت است از استفاده عملی و کاربردی از نرم افزار در محیطهای رایانه ای. بخش دوم - حقوق پدیدآورنده: ماده ۹- حقوق مادی و معنوی نرم افزار به پدیدآورنده تعلق دارد. استفاده از تمام یا قسمتی از حقوق مادی موضوع قانون برای مدت ۳۰ سال یا کمتر، با قید شرط یا بدون شرط به اشخاص دیگر قابل نقل و انتقال می باشد. اشخاصی که به ترتیب فوق اجازه نشر یا عرضه یا اجرای نرم افزاری را که دیگری پدیدآورده است به دست آورده اند مکلفند نام پدیدآورنده را نیز در نسخ عرضه شده ذکر نمایند مگر اینکه با پدیدآورنده به گونه ای دیگر توافق شده باشد. ماده ۱۰- نرم افزار ممکن است به سفارش شخص حقیقی یا حقوقی پدید آمده باشد. حقوق مادی نرم افزارهایی که مطابق ماده (۶) قانون پدید می آیند به مدت مقرر در ماده (۱) قانون (۳۰ سال) متعلق به سفارش دهنده است، مگر اینکه برای مدت کمتر یا ترتیب محدودتری توافق شده باشد ولی حقوق معنوی نرم افزارها متعلق به پدیدآورنده است. ماده ۱۱- هرگاه اشخاص متعدد در پدیدآوردن نرم افزار مشارکت داشته باشند، چنانچه سهم مشارکت هر یک در پدیدآوردن نرم افزار مشخص باشد، حقوق مادی حاصل از آن به نسبت مشارکت به هر یک تعلق می گیرد. در صورتی که کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد اثر مشترک نامیده می شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدیدآورندگان است. تبصره - هر یک از شرکاء به تنهایی یا همه آنها به اتفاق می توانند در مورد نقض حقوق موضوع قانون به مراجع قضائی صالحه مراجعه نمایند. ماده ۱۲- استفاده از نرم افزارهای دیگر برای ایجاد نرم افزارهای سازگار و مکمل که قابلیتها و ظرفیتها یا کاربری جدید ایجاد کند بلامانع است و نقض حقوق پدیدآورنده نرم افزارهای دیگر محسوب نمی شود مشروط بر اینکه پدیدآورنده نرم افزار سازگار و مکمل رضایت کتبی پدیدآورندگان نرم افزارهایی که برای نخستین بار در ایران تولید و توزیع شده است را گرفته باشد. ماده ۱۳- حقوق مادی و معنوی نرم افزارهای جدید که به واسطه نرم افزارهای دیگر پدید می آید متعلق به پدیدآورنده نرم افزار جدید است. ماده ۱۴- پاداش، جایزه نقدی و امتیازاتی که در مسابقات علمی، هنری و ادبی طبق شرایط مسابقه به آثار موردحمایت این آئین نامه تعلق می گیرد،

متعلق به پدیدآورنده آن خواهد بود. ماده ۱۵- اشخاصی که نرم افزاری را با تغییراتی که عرفاً نتوان آن را یک نرم افزار جدید به حساب آورد، به نام خود ثبت، تکثیر، منتشر، عرضه و یا بهره برداری نمایند، حقوق پدیدآورنده نرم افزار یادشده را نقض کرده اند.

ماده ۱۶- اشخاصی که از نام، عنوان و نشان ویژه ای که معرف نرم افزار خاصی است برای نام، عنوان و نشان نرم افزار خود بدون اخذ مجوز دارنده حقوق مادی و معنوی نرم افزار سابق و یا نماینده قانونی وی استفاده نمایند، ناقض حقوق پدیدآورنده محسوب می شوند. ماده ۱۷- اشخاصی که با علم و اطلاع از عدم رعایت حقوق پدیدآورنده، نرم افزاری را که بدون اجازه پدید آورنده منتشر یا عرضه شده است تهیه و مورد بهره برداری قرار دهند، ناقض حقوق پدیدآورنده محسوب می گردند. ماده ۱۸- حق تکثیر تمام یا بخشی از نرم افزار بر روی حاملهای رایانه ای متعلق به پدیدآورنده است و سایر اشخاص حتی اگر قصد نشر یا عرضه یا بهره برداری نداشته باشند مجاز به تکثیر نیستند. ماده ۱۹- خرید و به کارگیری نرم افزارهای کپی غیرمجاز توسط دستگاههای دولتی و دیگر دستگاهها و واحدها و سازمانهای تابعه آنها که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است ممنوع می باشد. ذیحسابان دستگاههای یادشده مجاز به پرداخت هزینه خرید نرم افزارهای کپی غیرمجاز نیستند. تبصره - کارکنان دستگاههای موضوع این ماده، مجاز به نصب و بهره برداری نسخه کپی غیرمجاز نرم افزارهای مورد حمایت قانون روی رایانه های متعلق به دولت و دستگاه مرتبط نمی باشند. متخلفان از این حکم، مشمول مجازات مقرر در قانون خواهند بود. بخش سوم - اختراع نرم افزار: ماده ۲۰- به منظور صدور تأییدیه فنی برای نرم افزارهایی که پدیدآورنده مدعی اختراع آن است، در اجرای ماده (۱۰) قانون، کمیته ای با ترکیب مقرر در ماده مذکور زیر نظر شورای عالی انفورماتیک تشکیل می شود. اعضای این کمیته به مدت سه سال منصوب می شوند و انتصاب مجدد آنان نیز بلامانع است. دستورالعمل مربوط به نحوه تشکیل جلسات و اتخاذ تصمیم در کمیته مذکور به تصویب شورای عالی انفورماتیک خواهد رسید. ماده ۲۱- در صورتی که متقاضی، مدعی اختراع نرم افزار باشد ابتدا با مراجعه به اداره مالکیت صنعتی، اظهارنامه مربوط را اخذ و تکمیل و همراه با مدارک و مستندات به اداره یادشده تسلیم و رسید دریافت می نماید. اداره مالکیت صنعتی موظف است پس از انجام تشریفات قانونی یک نسخه از اظهارنامه به همراه مدارک و مستندات را به دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک ارسال نماید. دبیرخانه مزبور موضوع را در کمیته حق اختراع مطرح و در صورت تأیید یا عدم تأیید فنی اختراع، مراتب را به اداره مالکیت صنعتی اعلام تا مرجع مذکور حسب مورد و بر اساس ترتیبات و تشریفات مقرر در قانون ثبت علائم و اختراعات و آئین نامه های مربوط مبادرت به صدور ورقه اختراع و اعلام نتیجه نماید. ماده ۲۲- حقوق دارنده ورقه ثبت اختراع نرم افزار همان است که در قانون ثبت علائم و اختراعات و اصلاحات بعدی آن مشخص شده است. تبصره - استفاده از حقوق مندرج در قانون ثبت علائم و اختراعات مانع از برخورداری پدیدآورنده نرم افزار از حقوق موضوع قانون و مقررات این آئین نامه نخواهد بود. بخش چهارم - چگونگی صدور گواهی ثبت نرم افزار: ماده ۲۳- دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرمهای لازم برای تکمیل توسط متقاضی ثبت نرم افزار را تهیه تا از طریق دبیرخانه مزبور در اختیار متقاضی قرار گیرد. ماده ۲۴- متقاضی ثبت نرم افزار پس از تکمیل فرمها، دو نسخه از نرم افزار را به دبیرخانه تحویل داده و رسید دریافت می دارد. علاوه بر آن متقاضی باید به ازای هر نرم افزار مبلغ یکصد هزار (۱۰۰،۰۰۰) ریال برای ثبت و یکصد هزار (۱۰۰،۰۰۰) ریال برای تأیید فنی به حساب خزانه واریز و رسید آن را نیز همراه تقاضای خود تحویل دهد. ماده ۲۵- شورای یادشده پیش از تأیید فنی، باید با ارسال یک نسخه از نرم افزار به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، عدم مخالفت نرم افزار را با اخلاق اسلامی و عفت عمومی و سلامت شخصیت کودکان و نوجوانان استعلام کند. وزارت یادشده موظف است ظرف دو هفته نظر خود را به شورا اعلام کند. (اصلاحی ۹/۱۰/۱۳۸۳) تبصره - چنانچه وزارت مذکور ظرف مدت یک ماه، در پاسخ به استعلام شورا قادر به اظهار نظر قطعی نباشد، موظف است ضمن اعلام دلائل خود، حداکثر ظرف سه ماه نظر قطعی خود را اعلام نماید. در غیر اینصورت عدم مخالفت نرم افزار با ضوابط و مقررات فرهنگی از جمله اخلاق اسلامی، عفت عمومی و سلامت

شخصیت کودکان و نوجوانان مورد تأیید تلقی خواهد شد. ماده ۲۶- شورا پس از دریافت تأییدیه وزارت بهداشت و سازمان اسناد و کتابخانه ملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت صنایع و معادن، در صورت لزوم، با همکاری وزارت امور خارجه و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در خصوص احراز شرایط لازم برای اخذ پروانه کسب، با توجه به ضوابط و مقررات مربوطه، اقدام خواهد کرد.

ماده ۲۷- وزارت مذکور موظف است حداکثر ظرف دو هفته پس از دریافت تأییدیه فنی شورا نسبت به ثبت نرم افزار و صدور گواهی ثبت به نام متقاضی اقدام نماید. تبصره ۱- دارنده گواهینامه ثبت نرم افزار می تواند شخصاً با مراجعه به وزارت تقاضا نماید حقوق مادی نرم افزار به شخص دیگری منتقل شود. در این صورت وزارت موظف است مراتب نقل و انتقال را ثبت و در گواهینامه ثبت نرم افزار درج نماید. تبصره ۲- وزارت موظف است مراتب ثبت و تغییرات مالکیت حقوق مادی نرم افزار را در جایگاه اینترنتی که به همین منظور ایجاد گردیده است درج کند. ماده ۲۸- چنانچه پدید آورنده، مدعی اختراع نرم افزار باشد، پس از طی مراحل مذکور در ماده (۲۱)، نرم افزار در کمیته حق اختراع مذکور در ماده (۱۰) قانون مورد بررسی قرار گرفته و مراتب تأیید یا عدم تأیید در فرم مربوط درج می گردد. ابلاغ تأیید یا عدم تأیید اختراع توسط دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک کشور به اداره مالکیت صنعتی و از آن طریق به متقاضی صورت می گیرد. ماده ۲۹- شورای عالی انفورماتیک و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلفند از نسخ نرم افزارهایی که جهت تأیید و ثبت در اختیار آنها قرار می گیرد به نحوی محافظت نمایند که مندرجات آن جز با رضایت مالک حقوق مادی نرم افزار در دسترس سایر اشخاص قرار نگیرد. اشخاصی که در دبیرخانه شورا و وزارت مذکور متهم به اهمال و سوء استفاده باشند، با شکایت مالک به عنوان ناقض حقوق وی تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. به علاوه تخلف این قبیل اشخاص حسب مورد در هیئتهای رسیدگی به تخلفات اداری یا هیئتهای انضباطی مشابه رسیدگی و مجازات اداری مقرر نیز در مورد آنان اعمال خواهد شد. تبصره - در موارد اختراع، موضوع تابع قوانین و مقررات مربوط خواهد بود. ماده ۳۰- قبول تقاضای ثبت اختراع و نیز ثبت نرم افزار، مانع اعتراض و ادعای حق از ناحیه اشخاص دیگر نخواهد بود و افراد ذی حق می توانند به مراجع صالحه قضائی مراجعه نمایند. ماده ۳۱- چنانچه متقاضی ثبت نرم افزار نسبت به تصمیم شورای عالی انفورماتیک و یا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعتراض داشته باشد حسب مورد می تواند در شورای یادشده و یا کمیته ای که توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تعیین می شود تقاضای تجدید نظر و رسیدگی مجدد نماید. قسمت دوم - نظام صنفی رایانه ای بخش اول - تعاریف مربوط به نظام صنفی رایانه ای: ماده ۳۲- اصطلاحات اختصاری زیر در معانی مشروح مربوط به کار می رود: ۱ - نظام صنفی رایانه ای: قواعد و مقرراتی است که در جهت ساماندهی، ایجاد تشکیلات، تعیین وظائف و نظم بخشی به فعالیت تجاری رایانه ای مجاز و حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزار وضع و تحت نظارت شورای عالی انفورماتیک کشور تنظیم و تنسیق می گردد و از این پس « نظام صنفی رایانه ای » خوانده می شود. ۲ - فرد صنفی: شخص حقیقی یا حقوقی است که فعالیت خود را در زمینه امور تحقیقاتی، طراحی، تولیدی، خدماتی، تجاری رایانه ای (اعم از سخت افزار، نرم افزار و شبکه های اطلاع رسانی) قرار می دهد. تبصره ۱- ایجاد هر گونه مرکز پژوهشی، تحقیقاتی منوط به رعایت ضوابط قانونی مربوط است. تبصره ۲- اشخاص حقیقی یا حقوقی که طبق این آئین نامه و قانون مجوز فعالیت، پروانه تأسیس یا بهره برداری می گیرند، چنانچه مبادرت به عرضه مستقیم کالا یا خدمات به مصرف کنندگان نمایند مکلفند علاوه بر رعایت این آئین نامه بر اساس مقررات مربوط نسبت به اخذ پروانه کسب حسب قانون نظام صنفی و مجوزهای مربوط از مراجع ذی ربط اقدام کنند. ۳ - واحد صنفی: هر واحد اقتصادی که توسط فرد صنفی رایانه ای با اخذ پروانه کسب یا مجوز لازم برای فعالیت موضوع بند (۲) این ماده دایره می گردد، واحد صنفی نامیده می شود. ۴ - عضو صنف: دانش آموختگان رشته های کامپیوتر، مهندسی برق، ریاضی و رشته های مرتبط که حداقل دو سال از زمان فارغ التحصیلی آنان در رشته های مزبور گذشته و یا در آزمونی که به همین منظور از سوی نظام صنفی رایانه ای برگزار می گردد موفقیت لازم را احراز نمایند، به عنوان شخص حقیقی به عضویت نظام یادشده در می آیند. ۵ - صنف رایانه ای: آن گروه از افراد که طبیعت فعالیت آنان از یک نوع باشد، صنف رایانه ای را تشکیل می دهند. ۶ - شاخه های نظام صنفی رایانه ای: شاخه

های صنف بر اساس طبیعت کارهای قابل ارجاع به آن به شرح زیر دسته بندی می شوند: الف - برای انجام فعالیت‌های مشاوره، نظارت، طراحی، تولید، نصب و راه اندازی، توسعه و پشتیبانی و آموزش سیستم‌های نرم افزار، سخت افزار، شبکه های اطلاع رسانی و نظایر آن، « شاخه شرکتها » با مشارکت افراد حقوقی صنف که حسب قانون تجارت ایجاد می شوند، تشکیل می گردد. ب - برای فعالیت‌های مربوط به عرضه محصولات سخت افزاری، نرم افزاری و حامل‌های حاوی اطلاعات، قطعات و مواد مصرفی که نوعاً نیاز به پشتیبانی فنی نداشته و یا پشتیبانی فنی آنها توسط شرکت‌های موضوع بند (الف) ارائه می شود، « شاخه فروشگاهها » با مشارکت افراد حقیقی صنفی که دارای پروانه کسب حسب قانون نظام صنفی هستند، تشکیل می شود. تبصره - عضویت اعضای فروشگاه‌ها در نظام صنفی رایانه‌ای موجب سلب اختیارات قانونی اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی نمی شود. ج - برای فعالیت‌های مشاوره ای و نظارت، « شاخه مشاوران » تشکیل می گردد. مشاوران از میان اعضاء انتخاب می شوند. تبصره - شرایط احراز رتبه مشاوره و روش انتخاب و سقف فعالیت آنان به موجب دستورالعملی که بر اساس قوانین و مقررات موجود به تصویب شورای عالی انفورماتیک می رسد، تعیین خواهد شد. بخش دوم - ارکان نظام صنفی رایانه ای: ماده ۳۳- ارکان نظام صنفی رایانه ای عبارتند از: نظام صنفی رایانه ای استانها، شورای انتظامی استانها، هیئت عمومی نظام، شورای مرکزی نظام، شورای انتظامی کل، بازرس و رئیس. الف - نظام صنفی رایانه ای استانها: ماده ۳۴- نظام صنفی رایانه ای هر استان در صورتی که حداقل اعضای جدول زیر را به تشخیص مراجع مذکور در آن پوشش دهد، تشکیل می شود: (جدول یک) حداقل عضو در استان مرجع تشخیص شرکتها و سایر اشخاص حقوقی ۱۰ شورای عالی انفورماتیک فروشگاهها ۱۵ اتحادیه صنفی مرکز استان مشاوران ۵ شورای عالی انفورماتیک تبصره ۱- مادامی که نظام صنفی رایانه ای استان تشکیل نشده است، امور مربوط به آن استان توسط شورای مرکزی نظام، سرپرستی یا اداره آن به نظام رایانه ای یکی از استانهای همجوار واگذار خواهد شد. تبصره ۲- عضویت در بیش از یک نظام صنفی استانی مجاز نمی باشد. ماده ۳۵- هر نظام استانی دارای مجمع عمومی، هیئت مدیره، شورای انتظامی و بازرس است. محل استقرار دائم دفتر مرکزی آن در مرکز استان می باشد، ولی هیئت مدیره می تواند پس از تأیید شورای مرکزی در سایر شهرستانها نیز نمایندگی دایر نماید. ماده ۳۶- مجمع عمومی نظام هر استان از اجتماع تمامی اعضای (حقوقی، فروشگاه‌ها و حقیقی) دارای حق رأی تشکیل می گردد و وظائف و اختیارات آن به شرح زیر است: ۱- انتخاب اعضای هیئت مدیره و بازرس. ۲- تصویب خط مشی ها، سیاستها و برنامه ها و آئین نامه های اجرایی نظام. ۳- بررسی و تصویب پیشنهادهای هیئت مدیره. ۴- تعیین میزان ورودیه، حق عضویت و سایر منابع درآمدی. ۵- عزل هیئت مدیره و بازرس. ۶- بررسی و تصویب ترازنامه، صورتحساب درآمد و هزینه های سال مالی گذشته و بودجه سال آتی نظام. ۷- استماع و ارزیابی گزارش سالیانه هیئت مدیره در خصوص فعالیت‌های نظام. ۸- تصویب تغییرات در مفاد اساسنامه نظام. ۹- تصویب انحلال نظام استانی و ارجاع آن به هیئت عمومی صنف. ۱۰- بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به سایر اموری که طبق قوانین، آئین نامه های مربوط در صلاحیت مجمع عمومی است. تبصره ۱- هر مجمع توسط هیئت رئیسه ای مرکب از یک رئیس، یک منشی و دو ناظر اداره می شود. تبصره ۲- اعضای هیئت رئیسه نباید از بین کسانی باشند که خود را در انتخابات هیئت مدیره و بازرس نامزد کرده اند. تبصره ۳- تصویب موارد مربوط به بندهای (۸) و (۹) در اختیار مجمع عمومی فوق العاده می باشد. ماده ۳۷- نحوه تشکیل جلسات مجمع عمومی عادی و فوق العاده: تشکیل مجمع عمومی عادی در نوبت اول با حضور نصف به علاوه یک اعضای هر شاخه (حقیقی، حقوقی و فروشگاه‌ها) نظام می باشد که در صورت عدم حصول به نصاب لازم، در نوبت دوم که حداکثر پانزده روز بعد تشکیل می شود با هر تعداد از اعضای کل شاخه ها برگزار خواهد شد. تصمیمات مجمع عمومی عادی با رأی اکثریت نسبی حاضران لازم الاجراء خواهد بود. تبصره ۱- نصاب تشکیل مجمع عمومی فوق العاده همان نصاب تشکیل مجمع عمومی عادی است ولی تصمیمات آن با رأی دو سوم حاضران دارای اعتبار است. تبصره ۲- هر عضو می تواند حداکثر وکالت دو عضو غائب در جلسه را داشته باشد. تبصره ۳- دعوت برای تشکیل مجمع عمومی توسط هیئت مدیره یا بازرس و در دوره فترت

توسط دبیر صورت خواهد گرفت. تبصره ۴- دعوت برای تشکیل مجامع عمومی با دعوت کتبی و یا از طریق آگهی در روزنامه کثیرالانتشار منتخب مجمع عمومی و با تعیین زمان و مکان و دستور جلسه انجام و باید حداقل پانزده روز قبل از تشکیل مجمع به اطلاع عموم برسد. مجمع می تواند برای دعوت از اعضاء روش دیگری را جایگزین نماید. تبصره ۵- یک سوم از اعضاء شاخه های (حقوقی، فروشگاهی، حقیقی) نظام می تواند درخواست تشکیل مجمع عمومی فوق العاده نماید. هیئت مدیره مکلف به قبول درخواست می باشد. تبصره ۶- مجمع عمومی عادی سالی یک بار و مجمع عمومی به طور فوق العاده می تواند به دفعات تشکیل شود. ماده ۳۸- هر نظام استانی دارای هیئت مدیره ای خواهد بود که از اعضاء داوطلب واجد شرایط شاخه های آن توسط اعضاء همان شاخه برای یک دوره سه ساله انتخاب خواهند شد. انتخاب مجدد آنان برای یک دوره پیوسته دیگر بلامانع است و هیئت مدیره تا زمان انتخاب هیئت مدیره جدید، کماکان عهده دار مسئولیت خواهد بود. ماده ۳۹- تعداد نمایندگان هر شاخه در هیئت مدیره نظام استانی به شرح جدول زیر خواهد بود که بین یک الی سه عضو علی البدل حسب تعداد برای هر شاخه خواهد داشت: (جدول دو) تبصره - با توجه به عدم وجود زیرساخت مناسب جهت تعیین صلاحیت مشاوران، هیئت مدیره های استانی و شورای مرکزی دوره اول بدون حضور نمایندگان این شاخه تشکیل می شوند. آئین نامه چگونگی احراز صلاحیت مشاوران پس از تصویب در شورای عالی انفورماتیک حداکثر تا مجمع عمومی بعدی به اجراء گذاشته می شود. ماده ۴۰- شرایط انتخاب شوندگان هیئتهای مدیره استانی به شرح زیر می باشد: ۱- تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران. ۲- پایبندی به اسلام و یا یکی از اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون اساسی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران. ۳- عدم اعتیاد به مواد مخدر. ۴- داشتن حسن شهرت اجتماعی، شغلی، عملی، حرفه ای و عدم اشتغال به فساد اخلاقی، به تأیید ۵ درصد واجدان حق رأی دادن در نظام است که این تعداد کمتر از ۲ نفر نمی باشد. ۵- نداشتن پیشینه کیفری مؤثر. ماده ۴۱- اولین دوره انتخاب در استان با نظارت شورای عالی انفورماتیک و با اطلاع استاندار و توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی هر استان برگزار خواهد شد. تبصره - دستورالعمل مربوط به تشکیل مجمع عمومی مؤسس استانها، اساسنامه الگو، برگزاری انتخابات اولین دوره هیئت مدیره استانها، انتخابات شورای مرکزی، با رعایت قانون و مفاد این آئین نامه تهیه و به تصویب شورای عالی انفورماتیک خواهد رسید. ماده ۴۲- اهم وظائف و اختیارات هیئت مدیره به شرح زیر است: ۱- نظارت بر حسن انجام خدمات ارائه شده توسط اشخاص حقیقی و حقوقی در حوزه استان. ۲- تنظیم روابط بین اعضاء صنف و کارفرمایان و ارائه اطلاعات لازم به کارفرمایان در مورد اشخاص واجد صلاحیت فنی. ۳- دفاع از حقوق اجتماعی و حیث حرفه ای صنف. ۴- همکاری با مراجع ذی ربط در امر ارزشیابی، تعیین صلاحیت و ظرفیت اشتغال. ۵- ارائه خدمات کارشناسی فنی به مراجع قضائی و قبول داوری در اختلافاتی که دارای ماهیت فنی است در چارچوب قوانین و مقررات مربوط کشور. ۶- معرفی نماینده نظام جهت عضویت در کمیسیون حل اختلاف مالیاتی، هیئتهای تشخیص مطالبات تأمین اجتماعی و سایر مراجع قانونی. ۷- ارتقای دانش فنی و کیفیت کار اعضاء صنف. ۸- برنامه ریزی در جهت تقویت و توسعه فرهنگ فناوری اطلاعات در استان با برگزاری مسابقات حرفه ای و تخصصی در چارچوب قوانین و مقررات. ۹- انتخاب دبیر نظام صنفی رایانه ای استانی از بین خود و یا خارج از آن و یا عزل وی. ۱۰- تعیین حق الزحمه کارکنان نظام استانی. ۱۱- تنظیم دستورالعملهای اداری - مالی نظام استانی طبق مقررات و نظام نامه های مصوب هیئت عمومی. ۱۲- معرفی اعضاء شورای انتظامی وفق مقررات این آئین نامه. ۱۳- تشکیل کمیسیونهای تخصصی استانی با رعایت نظام نامه های هیئت عمومی و شورای مرکزی. ۱۴- بررسی و تصویب بودجه سال آتی پیشنهادی نظام استانی. ماده ۴۳- هیئت مدیره در اولین نشست خود یک نفر را به عنوان رئیس، یک یا دو نفر را به عنوان نایب رئیس و یک نفر را به عنوان خزانه دار انتخاب می نماید. ماده ۴۴- هیئت مدیره می تواند یک نفر را از بین خود و یا خارج از آن به عنوان دبیر انتخاب نماید. دبیر نظام، مسئول اداره امور دبیرخانه بوده و وظائف او به شرح زیر است: ۱- استخدام یا به کارگماردن کارکنان اداری نظام و در صورت لزوم استخدام مشاور و کارشناس پس از تصویب هیئت مدیره. ۲-

انجام مکاتبات و نامه های اداری نظام و نظارت بر حسن اجرای مقررات داخلی نظام. ۳- گشایش حسابهای بانکی نظام به اتفاق خزانه دار و رئیس هیئت مدیره. ۴- اجرای مصوبات و تصمیمات هیئت مدیره و مجمع عمومی و انجام امور جاری نظام. ۵- حفظ و نگهداری اسناد و مدارک اداری و مشخصات کامل اعضاء. ۶- تهیه و تنظیم کارت عضویت نظام با امضای خود و رئیس هیئت مدیره و مهر رسمی نظام. ۷- ارسال شکایات واصله به شورای انتظامی استان. ۸- نمایندگی نظام نزد کلیه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی، مراجع قضایی و اداری با حق توکیل. ماده ۴۵- خزانه دار مسئول امور مالی نظام است و وظائف وی به شرح زیر است: ۱- امضاء کلیه چکها، اسناد مالی و اوراق تعهدآور برعهده او و رئیس هیئت مدیره یا دبیر نظام است. ۲- اداره امور مالی نظام، تنظیم دفاتر و اسناد صورتجلسات مالی و رسیدگی و حفظ حسابها. ۳- وصول و جمع آوری ورودیه، حق عضویتها و کمکهای مالی. ۴- تهیه و تنظیم ترازنامه جهت ارائه به هیئت مدیره و بازرس. ۵- رسیدگی به صحت اسناد و مدارک ارائه شده در مورد پرداختها. ۶- نظارت بر خرید و فروش و هر نوع عمل مالی. ۷- حفظ اموال منقول و غیرمنقول، وجوه و اسناد مالی. ۸- تنظیم بودجه سال آتی و تسلیم آن به هیئت مدیره جهت بررسی و تصویب. ب- شورای انتظامی استان: ماده ۴۶- هر نظام استانی دارای یک شورای انتظامی متشکل از ۳ تا ۵ نفر به معرفی هیئت مدیره که یک نفر از آنها حقوقدان می باشد خواهد بود و همگی با حکم رئیس شورای مرکزی نظام برای مدت سه سال منصوب شده و انتصاب مجدد آنان بلامانع خواهد بود. رسیدگی به شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی در خصوص تخلفات حرفه ای، انضباطی و انتظامی اعضاء به عهده شورای یادشده می باشد. چگونگی رسیدگی به تخلفات و تعیین مجازاتهای انضباطی و موارد قابل تجدیدنظر در شورای انتظامی نظام طبق مواد آتی خواهد بود. تبصره - هرگاه تخلف عضو، عنوان یکی از جرائم مندرج در قوانین را داشته باشد، این شورا مکلف است مراتب را برای رسیدگی به جنبه جزائی آن در اسرع وقت به مراجع قضائی صالح اعلام دارد. رسیدگی مراجع قضائی مزبور مانع از اجرای مجازاتهای انتظامی اعضاء نخواهد بود. ماده ۴۷- شورای انتظامی در اولین جلسه خود یک رئیس و یک نائب رئیس و یک نفر منشی برای مدت یک سال انتخاب خواهد کرد و تجدید انتخاب آنان بلامانع خواهد بود. ماده ۴۸- هیئت مدیره می تواند در صورت اطلاع از وقوع تخلف، رأساً نیز به شورای انتظامی اعلام شکایت کند. ماده ۴۹- دبیرخانه شورای انتظامی استان در دبیرخانه نظام صنفی رایانه ای استان قرار داشته و پس از وصول شکایت و تشکیل پرونده با رعایت نوبت تعیین وقت می نماید. موارد خارج از نوبت به تشخیص رئیس شورای انتظامی استان تعیین می شود. تبصره - کلیه مکاتبات و تصمیمات و آرای شورای انتظامی استان با امضای رئیس و در غیاب وی نائب رئیس و از طریق دبیرخانه انجام و ابلاغ می شود. ماده ۵۰- شورای انتظامی استان ملزم به رسیدگی به کلیه شکایات واصله می باشد. اگر شکایتی را وارد نداند و یا رسیدگی به شکایتی را در صلاحیت خود تشخیص ندهد نظر به رد شکایت یا عدم صلاحیت داده و در غیر این صورت پس از اخذ دفاعیات اتخاذ تصمیم می کند. شورا می تواند در صورت نیاز از طرفین برای استماع اظهارات آنان دعوت نماید. عدم حضور شاکی یا وکیل یا نماینده او در اولین جلسه رسیدگی بدون اعلام قبلی در حکم انصراف از شکایت است، لیکن عدم حضور مشتکی عنه مانع رسیدگی و اخذ تصمیم نخواهد بود. در صورت درخواست مشتکی عنه جهت حضور، شورا موظف به دعوت از وی می باشد. مشتکی عنه در صورت عدم امکان حضور، لایحه دفاعیه خود را قبل از جلسه رسیدگی به دبیرخانه شورای انتظامی استان تسلیم و یا یک نفر را به عنوان وکیل معرفی می نماید. تبصره - شورای انتظامی استان می تواند از نظرات مشورتی کارشناسان خبره استفاده نماید. ماده ۵۱- مجازاتهای انتظامی به قرار زیر است: ۱- اخطار شفاهی بدون درج در پرونده عضویت در نظام صنفی رایانه ای استان. ۲- توبیخ کتبی یا درج در پرونده عضویت در نظام صنفی رایانه ای استان. ۳- محرومیت موقت از فعالیت صنفی به مدت ۱ روز تا ۳ ماه. ۴- محرومیت موقت از فعالیت صنفی به مدت سه ماه و یک روز تا یک سال. ۵- محرومیت موقت از فعالیت صنفی به مدت یک سال و یک روز تا پنج سال. ماده ۵۲- تخلفات انتظامی و انضباطی و مجازاتهای مربوط حسب مورد با توجه به شرائط، دفعات و مراتب تخلف به شرح زیر است: ۱- عدم رعایت شئون

شغلی و حرفه ای مربوط از درجه یک تا درجه دو. ۲- سهل انگاری و یا عدم رعایت اصول فنی به نحوی که موجب تضییع حقوق غیر گردد به تناسب میزان خسارات وارده از درجه یک تا درجه سه. ۳- صدور تأییدیه های خلاف واقع، از درجه یک تا درجه پنج. ۴- ارائه صورت وضعیت یا سایر اوراق و مدارک که موجب تضییع حقوق دیگران شود از درجه دو تا درجه چهار. ۵- امتناع از انجام تمام یا بخشی از تکالیف ناشی از قرارداد از درجه یک تا درجه سه. ۶- جعل و تزویر در اوراق و اسناد و مدارک حرفه ای از درجه سه تا درجه پنج. ۷- اشتغال در کارهایی که خارج از صلاحیت حرفه ای و یا ظرفیت اشتغال تعیین شده توسط مراجع ذی ربط، از درجه یک تا درجه پنج. ۸- سوء استفاده از عضویت و یا موقعیتهای شغلی و اداری نظام به نفع خود و یا غیر از درجه دو تا درجه پنج. ۹- دریافت و پرداخت هرگونه مال یا وجه یا قبول خدمت خارج از ضوابط از درجه سه تا درجه پنج. ۱۰- عدم رعایت مقررات و ضوابط مصوب نظام از درجه یک تا درجه سه. ۱۱- تأسیس هرگونه مؤسسه، دفتر یا محل کسب و پیشه برای انجام خدمات فنی بدون داشتن مجوز قانونی لازم از درجه دو تا درجه پنج. ۱۲- انجام فعالیت در دوره محرومیت موقت، علاوه بر محدودیت سابق از درجه چهار تا درجه پنج. ماده ۵۳- تشخیص تخلف و انطباق آن با هر یک از مجازاتهای مقرر به عهده شورای انتظامی استان است و تکرار تخلف از هر نوع که باشد موجب مجازات شدیدتر خواهد بود. ارتکاب جرائم متعدد مشمول جمع مجازاتها است که در هر حال مجموع محرومیت از ۱۰ سال فراتر نخواهد رفت. تبصره - شورای انتظامی استان موارد تخلف اعضای فروشگاهی را به مراجعی که در قانون نظام صنفی معین شده است، منعکس می کند تا طبق مفاد قانون یادشده نسبت به آن رسیدگی و احکام لازم صادر گردد. ماده ۵۴- آرای شورای انتظامی باید مستند و مستدل و صریح بوده و در ذیل برگ رأی، نحوه اعتراض و مهلت آن به طور دقیق ذکر شود. آرای شورای انتظامی استان اعم از اینکه مبنی بر عدم وقوع تخلف و یا تعیین مجازات باشد، ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ، حسب مورد در شورای تجدیدنظر استانی و یا شورای انتظامی کل قابل تجدیدنظر است. ماده ۵۵- هر نظام استانی دارای یک شورای انتظامی تجدیدنظر است که متشکل از پنج نفر مرکب از یک نفر حقوقدان با ۱۰ سال سابقه به انتخاب استاندار، یک نفر به انتخاب سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان، یک نفر از اعضای هیئت مدیره و دو نفر به انتخاب شورای مرکزی نظام می باشد که با حکم شورای مرکزی نظام برای مدت سه سال منصوب می گردند. جلسات شورای انتظامی استان با حضور دو سوم اعضا رسمیت یافته و در هر حال آرای صادرشده با سه رأی موافق معتبر و لازم الاجرا خواهد بود. کلیه درخواستهای تجدیدنظر در این شورا بررسی می شود. کلیه احکام و مجازاتهای صادره تا درجه چهار در این شورا قطعی و لازم الاجرا بوده و مجازاتهای درجه پنج در صورت درخواست محکوم علیه قابل بررسی در شورای انتظامی کل خواهد بود. تبصره - شورای انتظامی تجدیدنظر در اولین جلسه خود یک نفر را به عنوان رئیس و یک نفر به عنوان نایب رئیس و یک نفر را به عنوان منشی از بین خود انتخاب می نماید. پ - شورای انتظامی کل نظام: ماده ۵۶- شورای انتظامی کل نظام، مرجع تجدیدنظر آرای صادر شده مبنی بر محکومیت از درجه پنج شورای انتظامی استانها است و دارای پنج عضو می باشد. اعضای آن برای مدت سه سال به شرح زیر منصوب و انتخاب مجدد آنها بلامانع است: ۱- یک نفر حقوقدان با ۱۵ سال سابقه کار به معرفی وزیر دادگستری. ۲- دو نفر به انتخاب شورای عالی انفورماتیک. ۳- دو نفر به انتخاب شورای مرکزی نظام. جلسات شورای انتظامی کل با حضور دو سوم اعضا رسمیت یافته و آرای صادر شده با سه رأی موافق معتبر و لازم الاجرا خواهد بود. تبصره - روش و مدت انتخاب رئیس و نایب رئیس و منشی و محل دبیرخانه آن همانند شورای انتظامی استان خواهد بود. ماده ۵۷- تقاضاهای تجدیدنظر پس از ثبت در دبیرخانه نظام استانی به همراه پرونده حسب مورد برای شورای انتظامی تجدیدنظر و یا شورای انتظامی کل ارسال خواهد شد. ت - بازرس: ماده ۵۸- مجمع عمومی استان یک نفر را به عنوان بازرس اصلی و یک نفر را به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب می نماید. وظائف و اختیارات بازرس به شرح زیر است: ۱- بازرس می تواند در جلسات هیئت مدیره بدون داشتن حق رأی شرکت نماید. ۲- بازرس اختیار دارد بدون دخالت در امور اجرایی بر فعالیت هیئت مدیره نظارت داشته و دفاتر و اسناد و

مدارک و اطلاعات مورد نیاز را بدون آنکه وقفه ای در فعالیتهای اجرائی هیئت مدیره ایجاد شود مطالبه و مورد بررسی قرار دهد. ۳ - بازرسی می تواند برای حسابرسی صورتهای مالی پیشنهاد استفاده از مؤسسات حسابرسی را به هیئت مدیره ارائه نماید. هیئت مدیره موظف است نسبت به عقد قرارداد با مؤسسه مذکور اقدام کند. ۴ - بازرسی موظف است صورتهای مالی مصوب هیئت مدیره را که حداقل دو هفته قبل از تشکیل مجمع عمومی سالیانه تهیه و در اختیار ایشان قرار می گیرد، مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را ظرف حداکثر پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی در اختیار هیئت مدیره جهت طرح در مجمع عمومی قرار داده و گزارش سالیانه خود را به مجمع عمومی ارائه نماید. ث - هیئت عمومی: ماده ۵۹ - به منظور هماهنگی در امور نظامهای استانی هیئت عمومی نظام صنفی رایانه ای که از این پس به اختصار هیئت عمومی خوانده می شود، از کلیه اعضای هیئت مدیره نظامهای استانی در سطح کشور تشکیل می شود. هیئت عمومی هر سال یکبار با دعوت شورای مرکزی با حضور نماینده شورای عالی انفورماتیک جلسه عادی خواهد داشت. جلسات هیئت عمومی با حضور حداقل نیمی از اعضاء رسمیت خواهد یافت. تبصره - تشکیل اولین هیئت عمومی بنا به دعوت ریاست شورای عالی انفورماتیک خواهد بود. ماده ۶۰ - وظائف و اختیارات هیئت عمومی به شرح زیر است: ۱ - انتخاب اعضای شورای مرکزی از میان اعضای هیئت عمومی و عزل آنان. ۲ - استماع و ارزیابی گزارش سالیانه شورای مرکزی در خصوص فعالیتهای نظام. ۳ - بررسی و تصویب ترانزنامه شورای مرکزی. ۴ - بررسی و تصویب خط مشیهای عمومی و پیشنهادی شورای مرکزی. ۵ - دریافت گزارش از فعالیتهای و مشکلات نظامهای استانی و ارائه طریق به آنها. ۶ - اخذ تصمیم در مورد تنظیم روابط بین نظامهای استانی به پیشنهاد شورای مرکزی. ۷ - بررسی و تصویب ضوابط، مقررات، نظام نامه ها و همچنین دستورالعمل پرداخت حق الزحمه اعضای شورای مرکزی، اعضای شورای انتظامی استانی، شورای انتظامی کل، بازرسان استانی و بازرسی نظام به پیشنهاد شورای مرکزی. ۸ - بررسی و تصویب نظامنامه های داخلی نحوه اداره هیئت عمومی. ۹ - بررسی و تصویب نظامنامه پیشنهادی شورای مرکزی در خصوص نحوه مدیریت منابع مالی نظام. ۱۰ - انتخاب بازرسی. تبصره - شرح وظائف و اختیارات بازرسی شورای مرکزی مطابق ماده (۵۸) این آئین نامه خواهد بود. ج - شورای مرکزی: ماده ۶۱ - برای اداره امور کلان نظام، شورای مرکزی مرکب از ۲۳ عضو اصلی و ۹ عضو علی البدل تشکیل می شود. ترکیب نمایندگان شورای مرکزی و اعضای علی البدل به همان نسبت مذکور در ستون آخر جدول ماده (۳۹) این آئین نامه بوده و دارای یک رئیس، دو نایب رئیس و یک خزانه دار است. مدت فعالیت هر دوره شورای مرکزی سه سال است. ماده ۶۲ - جلسات شورای مرکزی در مواقع لزوم به دعوت رئیس شورای مرکزی و در غیاب وی توسط نواب رئیس تشکیل و با حضور نصف به علاوه یک اعضاء رسمیت خواهد یافت. تصمیمات و مصوبات آن با حداقل ۱۲ رأی موافق معتبر است. اعضای علی البدل بدون داشتن حق رأی می توانند در جلسات شورای مرکزی شرکت کنند. تصمیمات شورای مرکزی پس از ثبت در دفتر مخصوص از طریق دبیرخانه شورای مرکزی به اشخاص و مراجع ذی صلاح ابلاغ و پیگیری می شود. ماده ۶۳ - انجام هزینه های اداری، استخدامی و سایر هزینه های اداره بهینه نظام، به موجب نظامنامه مالی و اداری است که توسط شورای مرکزی پیشنهاد و به تصویب هیئت عمومی خواهد رسید. ماده ۶۴ - هزینه های سازمانی نظام و ارکان آن از محل حق عضویت اعضاء، کمکهای اعطائی، دریافت بهای ارائه خدمات پژوهشی، کارشناسی و آموزشی، فروش نشریات و برگزاری سمینارها و نمایشگاهها تأمین خواهد شد. نحوه و میزان دریافت هر یک از منابع مذکور به موجب نظامنامه ای خواهد بود که به پیشنهاد شورای مرکزی و تصویب هیئت عمومی می رسد. ماده ۶۵ - اهم وظائف شورای مرکزی عبارتست از: ۱ - پیشنهاد خط مشی های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت جهت تصویب هیئت عمومی. ۲ - برنامه ریزی و فراهم آوردن زمینه اجرای اهداف و خط مشی های مصوب هیئت عمومی. ۳ - ایجاد زمینه مناسب برای انجام وظائف ارکان نظام. ۴ - برگزاری آزمونهای تخصصی احراز صلاحیت مشاوران مستقل. ۵ - تهیه پیش نویس تعیین حدود صلاحیت اعضای صنف برای تصویب در شورای عالی انفورماتیک. ۶ - همکاری با شورای عالی انفورماتیک در اجرای رتبه بندی و احراز صلاحیت اعضای صنف. ۷ - تهیه

پیش نویس نحوه ارجاع کار و ظرفیت اشتغال اعضای صنف جهت تصویب در شورای عالی انفورماتیک. ۸- مشارکت در برگزاری کنفرانسها و گردهماییهای تخصصی در داخل کشور و در سطح بین المللی. ۹- داوری بین ارکان داخلی نظامهای استانی یا بین نظامهای استانی با یکدیگر. ۱۰- همکاری با مراکز تحقیقاتی، علمی و آموزشی. ۱۱- حمایت اجتماعی از اعضای نظام رایانه ای و دفاع از حقوق و حیثیت آنها و همچنین دفاع متقابل از حقوق جامعه به عنوان مصرف کنندگان محصولات صنف. ۱۲- تهیه مبانی قیمت گذاری خدمات با توجه به پیشنهادها و نظامهای استانی. ۱۳- تعیین و معرفی امضاهای مجاز برای امضای اوراق و اسناد مالی و تعهدآور و قراردادهای. ۱۴- انتشار نشریه نظام و سایر نشریات تخصصی. ۱۵- همکاری و ارائه نظرات مشورتی به دولت و دستگاههای اجرائی در زمینه برنامه های توسعه فناوری اطلاعات در کشور. تبصره- وظائف خزانه دار مشابه وظائف خزانه دار نظام استانی است. چ- رئیس سازمان: ماده ۶۶- شورای مرکزی در اولین نشست خود سه نفر از اعضای اصلی شورا را به عنوان رئیس به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (شورای عالی انفورماتیک) پیشنهاد می نماید تا یکی از آنها با حکم رئیس جمهور به این سمت منصوب گردد. ماده ۶۷- وظائف و اختیارات رئیس سازمان به شرح زیر است: ۱- رئیس سازمان بالاترین مقام اجرائی و اداری سازمان بوده و نمایندگی سازمان در مراجع ملی و بین المللی را به عهده دارد. ۲- مسئول اجرای مصوبات شورای مرکزی است. ۳- نظارت بر عملکرد دبیرخانه و تهیه پیشنهادها و توصیه های لازم به منظور تحقق اهداف مندرج در قانون و ارائه آن به شورای مرکزی. ۴- نظارت بر عملکرد نظامهای استانی با هماهنگی شورای مرکزی به منظور حسن جریان امور و حفظ حقوق، منافع، حیثیت و شئون حرفه ای. ۵- پیشنهاد تعیین دبیرکل. ۶- افتتاح جلسات هیئت عمومی در مواقعی که دعوت کننده شورای مرکزی است. ۷- ابلاغ دستورالعملها، مصوبات و بخشنامه های مربوط به فناوری به نظام مهندسی استانها. ۸- انجام سایر وظائفی که از طرف هیئت عمومی یا شورای مرکزی به رئیس سازمان محول می شود و همچنین وظائفی که به منظور اداره نظام ضروری است. ۹- امضاء مکاتبات عادی و اداری نظام. ماده ۶۸- رئیس سازمان می تواند یک نفر از اعضای شورای مرکزی و یا خارج از آن را به عنوان دبیرکل به شورای مرکزی جهت کسب رأی اعتماد معرفی و یا درخواست عزل وی را نماید. تبصره- رئیس می تواند برخی از اختیارات خود را با حفظ مسئولیت به دبیر کل نظام محول کند. ماده ۶۹- در کلیه موارد مبهم یا مسکوت در این آئین نامه، با رعایت مواد قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای، قانون نظام صنفی و این آئین نامه، نظر شورای عالی انفورماتیک ملاک عمل خواهد بود. معاون اول رییس جمهور - محمدرضا عارف

تصویب نامه در خصوص برنامه جامع توسعه تجارت الکترونیکی - مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۵/۴/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۴۹۳۴ مورخ ۲۳/۳/۱۳۸۴ وزارت بازرگانی و به استناد ماده (۷۹) قانون تجارت الکترونیکی - مصوب ۱۳۸۲- تصویب نمود: برنامه جامع توسعه تجارت الکترونیکی به شرح پیوست تعیین می گردد. معاون اول رئیس جمهور - محمدرضا عارف برنامه جامع توسعه تجارت الکترونیکی ماده ۱- معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری مکلف است با همکاری دستگاههای ذیربط نسبت به تدوین ساز و کار هماهنگ تنظیم لوایح قانونی فضای تبادل اطلاعات اقدام و آن را حداکثر تا پایان آذر سال ۱۳۸۴ به هیأت دولت ارائه کند. ماده ۲- وزارت دادگستری مکلف است با همکاری قوه قضاییه و وزارت بازرگانی اقدامات زیر را انجام دهد: • تدوین قانون آیین دادرسی خاص تجارت الکترونیکی و امکان طرح دعاوی حقوقی در فضای تبادل اطلاعات متناسب با فضای غیرمادی و نامحسوس آن با توجه به قانون تجارت ایران و رعایت اهمیت اصل سرعت در این نوع دعاوی، حداکثر تا پایان شهریور سال ۱۳۸۵ • تدوین قانون خاص در زمینه صلاحیت برای تجارت الکترونیکی و مواد راجع به استرداد، همکاری متقابل در جرایم خاص فضای تبادل اطلاعات، مواد قانونی فنون و ابزارهای پیشگیری برای جرایم خاص فضای تبادل اطلاعات به منظور مبارزه با جرایم خاص فضای تبادل اطلاعات و امکان همکاری

بین‌المللی متقابل و رعایت استانداردهای عدالت کیفری حداکثر تا اسفند ماه سال ۱۳۸۴ •. تدوین قانون مسوولیت کیفری برای اشخاص حقیقی - حقوقی و شناسایی نظریه‌های جدید مسوولیت و تصویب قانون برای جرایم ناشی از عمد/ بی‌مبالاتی مطابق کدهای رفتاری، کدهای کیفری فضای تبادل اطلاعات و امثال آن حداکثر تا پایان شهریور ماه سال ۱۳۸۵. ماده ۳- وزارت دادگستری مکلف است با همکاری قوه قضاییه، نسبت به تدوین قواعد رفع تعارض قوانین جدید به عنوان بخشی از قانون عام آیین دادرسی مدنی فضای تبادل اطلاعات و قانون آیین دادرسی خاص تجارت الکترونیکی از جمله قواعد داوری و واسطه‌گری برخط برای تسهیل در حل و فصل اختلافات ناشی از تجارت الکترونیکی حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۴ اقدام کند. ماده ۴- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است، نسبت به اصلاح قوانین مخابراتی برای همخوان کردن مصوبات نهادهای ذیربط در عرصه فعالیت تأمین‌کنندگان خدمات اینترنتی و محتوا و پیروی این نهادها از قواعد عام مسوولیت مدنی و کیفری براساس نظریه‌های مرسوم حقوق مسوولیت حداکثر تا پایان اسفندماه سال ۱۳۸۴ اقدام کند. ماده ۵- وزارت دادگستری مکلف است با همکاری قوه قضاییه، بانک مرکزی و وزارت بازرگانی، نسبت به تدوین حقوق جزای ماهوی شامل به رسمیت شناختن مسوولیت کیفری اشخاص حقوقی در محیط تجارت الکترونیکی و جرایم جاسوسی صنعتی، افشای اسرار، کلاهبرداری (اشکال خاص)، کارت اعتباری، بانکداری الکترونیکی، حق مؤلف برای همخوانی با استانداردهای حقوق جزا و امکان مبارزه موثر با جرایم عصر صنعتی و فراصنعتی حداکثر تا پایان اسفندماه سال ۱۳۸۵ اقدام کند. ماده ۶- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است با همکاری وزارت دادگستری، قوه قضاییه، وزارت اطلاعات، بانک مرکزی، وزارت بازرگانی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت به تدوین قانون جامع حمایت از داده/حریم خصوصی و قانون خاص حمایت از داده/حریم خصوصی در مخابرات به منظور حمایت خاص قانونی در عرصه تجارت الکترونیکی از سوی حاکمیت و الزام به رعایت ایمنی خاص توسط کاربران تجارت الکترونیکی، حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۵ اقدام کند. ماده ۷- وزارت دادگستری مکلف است با همکاری قوه قضاییه، وزارت بازرگانی، وزارت کشور و وزارت امور خارجه نسبت به تدوین و اصلاح مواد مربوط به استرداد مجرمان و تنظیم معاهدات دو یا چندجانبه برای ایجاد مبارزه با جرایم در سطح بین‌المللی و امکان هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی و ایجاد مدل دادرسی و مجازات برای اشخاص توقیف شده، مصادره، تفتیش و توقیف جریان جنایت، همکاری متقابل، نیابت قضایی و اعتبار بین‌المللی امر مختوم در حوزه تجارت الکترونیکی تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۸۴ اقدام کند. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (شورای عالی انفورماتیک) مکلف است با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت بازرگانی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت دادگستری و قوه قضاییه نسبت به تدوین قانون حق تألیف در فضای تبادل اطلاعات برابر با استانداردهای بین‌المللی تا پایان شهریور ماه سال ۱۳۸۵ اقدام کند. ماده ۸- وزارت بازرگانی مکلف است نسبت به تنظیم مدل قراردادی برای مبادلات فرامرزی تجارت الکترونیکی براساس مدل UN/CEFACT و شیوه‌نامه اتحادیه اروپایی ۱۹۹۵ برای ایجاد روابط سالم بدون مشکلات حقوقی در مبادلات و تسهیل تجاری حداکثر تا پایان اسفندماه سال ۱۳۸۴ اقدام کند. ماده ۹- وزارت بازرگانی مکلف است با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت دادگستری و قوه قضاییه اقدامات زیر را انجام دهد •: تدوین الگوی داوری در دعاوی تجارت الکترونیکی برای کاهش دعاوی حقوقی با اعمال حداقل استانداردهای حقوقی در عرصه تجارت الکترونیکی حداکثر تا پایان شهریور ماه سال ۱۳۸۵ •. تدوین الگوی قراردادی حل اختلاف برای دعاوی در الگوهای بنگاه به بنگاه (B۲B) و بنگاه به مشتری (B۲C) به منظور ساده و شفاف‌سازی روند حل و فصل اختلافات حداکثر تا پایان اسفندماه سال ۱۳۸۵. ماده ۱۰- بانک مرکزی مکلف است با همکاری وزارت بازرگانی نسبت به تدوین و اجرای نظام پرداخت الکترونیکی به منظور کامل شدن چرخه تجارت الکترونیکی و توسعه بانکداری الکترونیکی حداکثر تا پایان اسفندماه سال ۱۳۸۴ اقدام کند. ماده ۱۱- وزارت بازرگانی مکلف است اقدامات زیر را انجام دهد •: تدوین و ابلاغ استانداردهای موضوع بند ط ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در

حوزه‌های امنیت سیستم‌های کاربردی تجارت الکترونیکی، فرایندهای محیط تجاری، تبادل اسناد، واسطه‌های اطلاع‌رسانی، پیغام، کدگذاری کالا و خدمات تا پایان مهرماه سال ۱۳۸۴ • راه‌اندازی سیستم کتابخانه جامع فرایندهای تجاری مشترک الکترونیکی &(۱۷۷۷)(CBL;) در صنایع ذینفع با پشتیبانی از ویرایشهای موجود &(۱۷۷۸) EDI; و OpenEDI حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۴.

• راه‌اندازی سیستم مدیریت اسناد تجاری براساس استاندارد اسناد تجاری الکترونیکی سازمان ملل متحد (۳) (UNe Doc) حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۵ • اصلاح استانداردها و توصیه‌های ارایه شده در زمینه تجارت الکترونیکی به شرکتهای تجاری براساس استانداردها و توصیه‌های جدید سازمانهای معتبر بین‌المللی مانند &(۱۷۸۰) UNCTAD ; ، &(۱۷۸۱) AFACT ، UN/CEFACT. ماده ۱۲- وزارت بازرگانی مکلف است با همکاری دستگاههای اجرایی ذیربط، به منظور افزایش سطح آگاهی عمومی نسبت به مباحث مختلف تجارت الکترونیکی از طریق برنامه‌های آموزشی کاربردی مناسب، به اشتراک گذاشتن تجربیات موفق، آموزش از طریق رسانه‌های گروهی، توسعه تسهیلات آموزشی و تشویق و تسهیل برای تولید فرآورده‌ها و خدمات فرهنگی و برگزاری مسابقه‌ها و جشنواره‌های استانی و ملی برای خانوارها اقدام کند، شروع برنامه‌های یادشده از شهریور ماه سال ۱۳۸۴ است.

ماده ۱۳- وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح موظف است با جلب موافقت فرماندهی کل قوا برای مشمولانی که موفق به دریافت گواهی درجه ۱ کاربرد تجارت الکترونیکی شوند یک ماه بخشودگی خدمت اعطا کنند. تعریف ویژگیها و الزامات دریافت گواهی درجه ۱ کاربرد تجارت الکترونیکی به عهده وزارت بازرگانی است. ماده ۱۴- وزارت بازرگانی مکلف است با همکاری وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی به منظور افزایش آگاه‌سازی عمومی در آحاد مردم، با هدف فراگیری کاربرد اینترنت با محورهای شناساندن تأثیر تجارت الکترونیکی بر ارتقای وضعیت اقتصادی خانوار، آشنایی با ابزارها و رویه‌های به کارگیری تجارت الکترونیکی و ایجاد انگیزه برای چیرگی بر مقاومت خانوارها در برابر تغییر در فرهنگ خرید نسبت به برگزاری مسابقه‌ها و جشنواره‌های استانی و ملی برای خانوارها اقدام نماید. ماده ۱۵- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است با همکاری وزارت بازرگانی به منظور ارایه آموزش ضمن خدمت در خصوص استراتژیها، کاربرد و توسعه تجارت الکترونیکی نسبت به برگزاری دوره‌های مختلف آموزش تجارت الکترونیکی برای مدیران عالی، میانی و پایه و نیز کارشناسان دستگاههای اجرایی درخصوص مفاهیم پایه و ابزارهای مهندسی اینترنت و تجارت الکترونیکی، مدیریت راهبردی سازمانها مبتنی بر فناوری اطلاعات، تعریف جرم و بزه‌های فضای تبادل اطلاعات و روشهای پیشگیری از آنها اقدام کند. به نحوی که از میان جمع ۸۰۵۹۲ نفری کارشناسان، مدیران و معاونین با مدرک تحصیلی بالا-تر از لیسانس در وزارتخانه‌های بازرگانی، امور اقتصادی و دارائی و موسسات بانک مرکزی، گمرک و بیمه تا پایان شهریور ماه سال ۱۳۸۶، حداقل ۲۰٪ آنها و دو راه حل عملیاتی نمونه مبتنی بر &(۱۷۸۲) ebXML; و UNeDocs را فراگیرند. به علاوه این سازمان مکلف به برنامه‌ریزی لازم برای گسترش آموزش تا تمامی سطوح مدیریتی و کارشناسی ذی‌مدخل در دستگاه‌های فوق است به نحوی که تا پایان سال ۱۳۸۶ حداقل ۸۰٪ مدیران و کارشناسان این وزارتخانه‌ها تسلط کامل به مباحث مدیریتی و راهبری تجارت الکترونیکی در حوزه تخصصی خود را داشته باشند. ماده ۱۶- وزارت دادگستری مکلف است با همکاری قوه قضاییه و وزارت بازرگانی به منظور آموزش استراتژیها و کاربرد تجارت الکترونیکی نسبت به آموزش آن برای قضات و کادر دادرسی در سرفصلهایی چون تعریفهای بین‌المللی جرایم و بزه‌های رایانه‌ای، احراز هویت، روشهای تعیین مسیر و رهگیری داده‌ها در وب و شبکه‌های رایانه‌ای، اصول رمزگذاری و رمزگشایی در بسته‌های اطلاعاتی اقدام کند. ماده ۱۷- وزارت آموزش و پرورش مکلف است با همکاری وزارت بازرگانی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به منظور آموزش مفاهیم، مهارتها و منافع تجارت الکترونیکی در مدارس کشور، نسبت به مبانی اینترنت و تجارت الکترونیکی در دوره‌های متوسطه مدارس آموزش داده و افزون بر آن نسبت به تدوین و تهیه مطالب آموزشی ویژه توسعه مهارت‌های وب، آموزش کاربردهای مقدماتی تجارت الکترونیکی در مواردی مانند اصول پرداخت

الکترونیکی، سیستمهای نقطه پایانی فروش (POS) (۱۷۸۳)، رمزین (بارکد) و آشنایی با مسایل ایمنی، حریم شخصی و حقوق تجارت الکترونیکی مبادرت ورزند. ماده ۱۸- وزارت بازرگانی مکلف است به منظور آموزش استراتژیها و کاربردها در تجارت الکترونیکی نسبت به تدوین برنامه‌های آموزشی دوره‌های آن ویژه بازرگانان و اصناف حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۴ و اجرای برنامه‌های آموزشی دوره‌های ویژه بازرگانان و اصناف با سطوح تحصیلات زیر دیپلم، دیپلم و دانشگاهی در سرفصلهای مبانی اینترنت، مبانی تجارت الکترونیکی، سیستمهای نقطه پایانی فروش، رمزین (بارکد) امنیت اطلاعات و مباحث حقوقی بطور پیوسته اقدام کند. ماده ۱۹- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مکلف است با همکاری وزارت بازرگانی به منظور تأمین زمینه‌های لازم برای فناوری‌های توانمندساز سیستمهای تجارت الکترونیکی و افزایش مهارتها و نوآوری‌ها در تجارت الکترونیکی اقدامات زیر را انجام دهد:

- ایجاد رشته‌ها و گرایشهای مرتبط با تجارت الکترونیکی در مقاطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی حداکثر تا پایان شهریورماه سال ۱۳۸۵. • تدوین، اجرا و توسعه دوره‌های آموزشی برخط با همکاری دانشگاههای معتبر خارجی به منظور گسترش آموزش‌های الکترونیکی از راه دور در مقاطع مختلف تحصیلی با اولویت رشته‌های مدیریت، اقتصاد و حقوق. ماده ۲۰- وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است با همکاری وزارت بازرگانی و وزارت آموزش و پرورش به منظور ارتقاء سطح دانش ذینفعان در رابطه با کاربردهای تجارت الکترونیکی، نسبت به تشویق و تسهیل سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی آموزش تجارت الکترونیکی در قالب دوره‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت توسط موسسات آموزشی خصوصی اقدام کند. این آموزشها عمدتاً در زمینه‌های: استراتژی توسعه، مسایل امنیتی، مدیریت بازار، موفقیت تضمین شده در ایجاد بازرگانی الکترونیکی، چگونگی مشارکت کارافزینان در توسعه، توسعه بازرگانی الکترونیکی، چگونگی کاهش هزینه‌های بازرگانی، خدمات مشتری و پرداخت، فنون بازاریابی، تبلیغات و ارتقای جایگاه سایت در رده‌بندی پایگاههای وب، ایجاد طرح شغل الکترونیکی، برنامه‌ریزی منابع و مدیریت بازرگانی الکترونیکی خواهد بود. ماده ۲۱- مرکز آمار ایران مکلف است با همکاری وزارت بازرگانی به منظور دستیابی به آمارها و معیارهای دقیق پیشرفت توسعه تجارت الکترونیکی نسبت به سنجش دوره‌ای سطح آمادگی و کارایی تجارت الکترونیکی در کشور و ارزیابی دوره‌ای میزان آمادگی و کارایی زیرساختها و گسترش بهره‌برداری از تجارت الکترونیکی در میان بنگاهها و جامعه بر پایه سنجش پارامترهای علمی مانند الگوی رفتار کاربران در وب، حجم معاملات تجاری، شمار و حجم دعاوی، نقاط ضعف و قدرت، توانمندسازها، حجم و تغییرات شاخص بهای آگهی‌های تجاری، شناسایی الگوی تغییر در نوع خرید کالا و خدمات از دیدگاه برخط و غیر برخط بودن معامله، شمار سایت‌های تازه انتشار یافته تجارت الکترونیکی و سایت‌های متروک و سایر موارد اقدام کند.
- ماده ۲۲- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است با همکاری وزارت صنایع و معادن نسبت به حمایت از طراحی و پیاده‌سازی ابزارهای ایمن‌سازی تجارت الکترونیکی، انجام تحقیقات نظام‌مند و هماهنگ در زمینه تولید ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ارائه دهنده سرویس‌های پایه‌ای (مانند دیواره آتش، سیستمهای تشخیص نفوذی و ...) و تشویق دستگاهها و سازمانها به بهره‌گیری از ابزارهای ایمن‌سازی تجارت الکترونیکی تولید داخل اقدام کند. ماده ۲۳- وزارت بازرگانی مکلف است به منظور فراهم‌سازی امکان مبادلات فرامرزی با استناد به امضای دیجیتال نسبت به تدوین قراردادها و معاهدات دو یا چند جانبه برای شناسایی بین‌المللی مراجع صدور گواهی دیجیتال (Cross Certificate) حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۴ اقدام کند. ماده ۲۴- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است در راستای دستیابی به اهداف کمی برنامه چهارم توسعه و براساس برنامه‌های موضوع سند تلفیقی توسعه فناوری ارتباطات و به منظور تامین نیازهای توسعه تجارت الکترونیکی حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۶ نرخ نفوذ تلفن در کشور را در خطوط تلفن ثابت به ازای حداقل ۳۸ خط برای هر ۱۰۰ نفر و در زمینه تلفنهای همراه ۲۰ خط همراه به ازای هر صد نفر ضریب نفوذ کاربران اینترنت را به ۲۰ درصد افزایش دهد. ماده ۲۵- وزارت بازرگانی مکلف است با همکاری دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (شورای عالی انفورماتیک) به

منظور ارتقاء و توسعه واسط‌های نرم‌افزاری و کاربردی تجارت الکترونیکی و غنی‌سازی شبکه‌های اطلاع‌رسانی و کاربردی در محیط فارسی نسبت به توسعه برنامه‌های نرم‌افزارهای متن باز تجارت الکترونیکی و غنی‌سازی محتوای فارسی خدمات ارتباطی و مخابراتی اقدام کند. ماده ۲۶- بانک مرکزی مکلف است با همکاری شبکه بانکی کشور به منظور اجرای سیستمهای پرداخت الکترونیکی نسبت به راه‌اندازی سیستم جامع اتاق پایاپای وجوه الکترونیکی &(۱۷۸۴) (ACH;) و راه‌اندازی سیستم تسویه ناخالص آنی جامع عملیات بین بانکی &(۱۷۸۵) (RTGS;) حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۴ اقدام کند. ماده ۲۷- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است به منظور توسعه منابع و سهولت دسترسی به نرم‌افزار و سخت‌افزار ویژه تجارت الکترونیکی برای ذینفعان عمومی و متخصصین، آموزش افراد و افزایش سرمایه‌گذاری در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات، اقدامات زیر را حداکثر تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۸۴ انجام دهد: • پشتیبانی از کاربرد برنامه‌های متن باز &(۱۷۷۷&۱۷۷۶) (Open Source;) در سازمانهای دولتی و شرکتهای بزرگ خصوصی و پشتیبانی از حقوق مالکیت معنوی مورد نیاز آن • حمایت از ایجاد و توسعه صنعت مهندسی نرم‌افزار مبتنی بر راه‌حل‌های متن باز (مانند اعطای تسهیلات و وامهای کم‌بهره، برگزاری جشنواره‌ها و نمایشگاههای ویژه نرم‌افزارهای متن باز، طراحی لوگوهای ملی و اعطای آن به نرم‌افزارهای متن باز که کیفیت بالای آن گواهی شده است). ماده ۲۸- وزارت بازرگانی مکلف است با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به منظور گردآوری و پردازش سیستمهای اطلاع‌رسانی کاربردی تجارت الکترونیکی مانند شبکه جامع اطلاع‌رسانی بازرگانی کشور و نقطه تجاری و ارائه خدمات اصلی پشتیبانی تجارت الکترونیکی مانند کتابخانه ملی فرایندهای تجاری مشترک و میزبانی پایگاههای وب ویژه تجارت الکترونیکی نسبت به ایجاد مرکز داده (Data Center) بخش بازرگانی و تجارت الکترونیکی کشور حداکثر تا پایان شهریور ماه سال ۱۳۸۵ اقدام کند. ماده ۲۹- کلیه دستگاههای اجرایی و شرکتهای دولتی عرضه‌کننده خدمات به افراد و بنگاهها مکلفند برای بهینه‌سازی رویه‌ها و فرایندهای اداری و تجاری و ساختارهای داخلی خود، عملیات بازمینی داخلی و بهینه‌سازی (BPR) با محوریت راه‌حلهای مبتنی بر معماری فناوری اطلاعات و ارتباطات را با توجه به سند دولت الکترونیکی تا پایان سال ۱۳۸۴ آغاز کنند. برنامه‌ریزی اجرایی این عملیات باید به گونه‌ای باشد که برون‌دادهای اصلی آن مشتمل بر طرح‌های جامع بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در داخل دستگاهها و برنامه‌ریزی منابع سازمانی (ERP) به ویژه در مورد زیر سیستمهای ارائه خدمت به شهروندان و تعاملات الکترونیکی تا پایان سال ۱۳۸۵ در دسترس و عملیاتی باشد. ماده ۳۰- بیمه مرکزی ایران مکلف است به منظور تسهیل در انجام عملیات بیمه الکترونیکی، نسبت به بررسی، مطالعه و سیاستگذاری روش ارائه خدمات نوین بیمه‌ای در چارچوب استانداردهای تجارت الکترونیکی به گونه‌ای اقدام کند که تا پایان سال ۱۳۸۵ اقدامات زیر در صنعت بیمه تحقق یابد: • خودکارسازی سیستم بیمه &(۱۷۷۷&۱۷۷۷) همراه با راه‌اندازی مرکز داده متمرکز و سیستم جامع پشتیبانی بیمه‌ای که بصورت مشترک توسط شرکتهای بیمه‌ای مورد استفاده قرار گیرد، به منظور مدیریت بهینه منابع، ممانعت از تخلفات بیمه‌گذاران مختلف و استفاده مشترک از اطلاعات جامع صنعت • طراحی و راه‌اندازی پورتال جامعه بیمه &(۱۷۷۷&۱۷۷۸) (؛ارایه انواع خدمات بر خط بیمه‌ای مانند بیمه خودرو، بیمه عمر، بیمه خانوار، سیستمهای نرم‌افزاری بیمه، فروش بیمه نامه آتش‌سوزی منازل و خودرو از طریق اینترنت، مکانیزاسیون بیمه باربری صدور و الحاقیه بیمه‌نامه، ساماندهی سیستمهای عملیاتی موجود برای بهبود زمینه‌سازی کاربرد بیمه الکترونیکی) به منظور افزایش کارایی در صنعت و بهره‌برداری اشتراکی از مجموعه اطلاعات صنعت بیمه، ارائه انواع خدمات برخط بیمه‌ای و ساماندهی سیستمهای عملیاتی موجود. ماده ۳۱- گمرک ایران مکلف است در چارچوب استانداردهای تجارت الکترونیکی و به منظور ارتقاء بهره‌وری در عملیات مبادی ورودی و خروجی کشور و تبدیل این مبادی به یک مرکز پشتیبانی منطقه‌ای گمرک ایران و همچنین انجام عملیات ترخیص کالا از گمرکات کشور حداکثر در ۲۴ ساعت، نسبت به مطالعه و بررسی مناطق مشکل‌زا و مهندسی مجدد فرایندهای گمرکی در کشور حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۴ اقدام کند. ماده ۳۲- وزارت امور اقتصادی

و دارایی مکلف است به منظور ایجاد شفافیت و انسجام در کلیه فرایندهای مالیاتی خودکار اقدامات زیر را در چارچوب استانداردهای تجارت الکترونیکی انجام دهد: • مطالعه، بررسی و تعیین چگونگی نحوه اخذ مالیاتهای تکلیفی، نقل و انتقال و تدوین قانون مربوطه حداکثر تا پایان شهریور ۱۳۸۵. • تسهیل در امر مدیریت اخذ مالیاتها از طریق بهبود روشها و مهندسی مجدد دوره‌ای سیستم‌های تعیین، اظهار و پرداخت مالیات. ماده ۳۳- وزارت نفت مکلف است در چارچوب استانداردهای تجارت الکترونیکی اقدامات زیر را انجام دهد: • عضویت در یکی از بازارهای معاملات الکترونیکی تجهیزات صنایع نفت و گاز و پتروشیمی تا پایان سال ۱۳۸۴. • پیاده‌سازی سیستم خرید الکترونیکی (e-Procurement) به منظور فرایند خرید، افزایش نقدینگی، حمایت از تولیدکنندگان داخلی و جلوگیری از تاخیر در اجرای طرحها تا پایان شهریور ماه سال ۱۳۸۵. • ایجاد راه‌اندازی بورس الکترونیکی نفت e-PEM به منظور کاهش ریسک معاملات، استفاده از فرصتهای جدید در معاملات کاهش هزینه معاملات و حضور فعال در معاملات بین‌المللی نفت و گاز تا پایان سال ۱۳۸۵. ماده ۳۴- سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مکلف است در چارچوب استانداردهای تجارت الکترونیکی اقدامات زیر انجام دهد: • ارتقای درگاه (پورتال) موجود اطلاعات گردشگری به منظور تسهیل دسترسی به اطلاعات جامع، ایجاد فعالیتهای مشترک بازاریابی و درک بهتر نیازهای گردشگران تا پایان سال ۱۳۸۵. • ایجاد و راه‌اندازی پایگاه اطلاعات گردشگری به منظور تأمین داده‌های منسجم و معتبر در بخش گردشگری، از میان بردن فعالیتهای موازی، ایجاد منبع واحد اطلاعات برای طرح‌های برخط گردشگری تا پایان سال ۱۳۸۵. • راه‌اندازی مرکز تماس (Call-Center) در قطبهای گردشگری کشور، • گسترش سیستمهای ذخیره‌ی برخط جا در هتلها و گسترش ارتباط آنها به سیستمهای بین‌المللی. ماده ۳۵- وزارت راه و ترابری مکلف است به منظور گسترش گردشگری الکترونیکی با همکاری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری طرحهای لازم برای گسترش سیستمهای ذخیره‌ی برخط بلیت در شرکتهای هواپیمایی، موسسات حمل و نقل جاده‌ای، ریلی و دریایی داخلی و گسترش ارتباط آنها به سیستمهای بین‌المللی را تا پایان سال ۱۳۸۵ به‌انجام رساند. ماده ۳۶- بانک مرکزی مکلف است در چارچوب استانداردهای تجارت الکترونیکی و به منظور کاهش هزینه عملیاتی، اصلاح و بهبود کارایی بخش بانکی، ارائه خدمات جدید بانکی، بهبود نحوه ارائه خدمات به مشتریان، تا پایان سال ۱۳۸۵ نسبت به ایجاد و راه‌اندازی نظام بانکداری جامع اینترنتی اقدام کند. ماده ۳۷- وزارت صنایع و معادن (سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران) مکلف است در چارچوب استانداردهای تجارت الکترونیکی اقدامات لازم را برای تحقق موارد زیر انجام دهد: • ایجاد و راه‌اندازی پورتال جامع خودروسازی به منظور مرتبط کردن فعالان صنعت خودرو، ارائه اطلاعات درخصوص تازه‌ترین فناوری‌های صنعت خودرو، ارائه اطلاعات درخصوص گرایش‌ها و سمت‌گیری‌های بازار جهانی تا پایان شهریور سال ۱۳۸۵. • گسترش تجارت الکترونیکی به منظور هماهنگ کردن تمامی عوامل موثر در صنعت خودروسازی (مانند شرکت‌های تولید خودرو، قطعه‌سازان، شرکت‌های طراحی و مشاوره‌ای در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات) از طریق فراهم‌سازی نیازهای مهندسی در بخش خودروسازی (مانند استانداردهای لازم در محیط تجاری و زنجیره ارزش خودروسازی و انجام عملیات لجستیک بر اساس مدل‌های استاندارد تجاری B2B) و استفاده از بهترین تجربیات در موضوعات لجستیک، تبادل اسناد CAD و اسناد فنی و مدل‌سازی فرایندهای لجستیک تا پایان سال ۱۳۸۴. ماده ۳۸- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات (شرکت مخابرات ایران) مکلف است در چهارچوب استانداردهای تجارت الکترونیکی طراحی و به بهره‌برداری رساندن سیستم مدیریت ارتباط با مشتریان/ مشترکین را تا پایان سال ۱۳۸۵ محقق کند. ماده ۳۹- وزارتخانه‌های نیرو، نفت و ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف هستند تا پایان سال ۱۳۸۵ نسبت به ایجاد و راه‌اندازی و توسعه سیستم صدور قبض‌های الکترونیکی خدمات مشترکین خود اقدام کنند. ماده ۴۰- وزارت بازرگانی مکلف است در چارچوب استانداردهای تجارت الکترونیکی اقدامات زیر را انجام دهد: • ایجاد و راه‌اندازی پورتال اصناف تا پایان شهریور سال ۱۳۸۵. • نوسازی شبکه بازرگانی کشور از طریق یکپارچه‌سازی فعالیتهای اطلاع‌رسانی، گسترش

بازارهای داد و ستد الکترونیکی مبتنی بر فناوری خدمات وبی. ماده ۴۱- تمامی دستگاههایی که در این برنامه متکفل تکالیفی در زمینه امنیت فضای تبادل اطلاعات شده‌اند موظف هستند در انجام تکالیف محوله سند راهبردی امنیت تبادل اطلاعات کشور و نیز مصوبات شورای عالی امنیت فضای تبادل اطلاعات را مورد توجه قرار دهند. ماده ۴۲- تمامی دستگاههای ذیربط موظفند اعتبارات موردنیاز اجرای تکالیف محوله طی این سند را برای سال جاری از محل بودجه‌ی برنامه‌ی توسعه کاربرد فناوری اطلاعات تامین و اعتبار موردنیاز برای سال آینده را در قالب بودجه‌ی پیشنهادی به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ارائه کنند. ماده ۴۳- تمامی وزارتخانه‌ها و دستگاههایی که در این سند تکالیفی برای آنها مقرر شده‌است موظفند گزارش ششماهه‌ی اقدامات خود را برای جمع‌بندی و ارائه گزارش جامع به هیات وزیران به وزارت بازرگانی ارائه کنند. _____ ۱ - Common Business Library. ۲ - United Nations electronic Trade - Electronic Data Interchange Documents. ۳ - United Nation Centre for Trade Facilitation and Electronic Business. ۴ - Electronic ; Asia/Pacific Centre for Trade Facilitation and Electronic Business. & ۱۷۸۲ Business eXtensible Markup Language & ۱۷۸۳- Point of sale & ۱۷۸۴; وظیفه اصلی این اتاق، تسویه خودکار بدهیها و بستن‌کاریهای مستقیم میان بانکهای کشور به‌نماینده‌گی از سوی مشتریان است. این امر بویژه در مورد حجم زیادی از تراکنشهای مالی که هر یک ارزش کم تا متوسط دارند باعث کاهش حجم چک و پول نقد در گردش میان بانکها برای تراکنشهای مالی با ارزش کم و متوسط می‌شود. & ۱۷۸۵- این سیستم برخط خدمات آنی و غیرقابل استرداد مالی را به بانکها و نیز میان بانک و مشتریانش ارائه می‌کند و برای پیشگیری از اعمال بار زیاد تراکنش به این سیستم، لازم است در ۳ سال نخست حداقل مبلغ تراکنش برخط ۱۰ میلیون ریال مقرر شود. & ۱۷۷۷ & ۱۷۷۶- برنامه راهبردی متن باز باید به گونه‌ای تنظیم شود که برنامه‌هایی چون سیاستگذاری فناوری اطلاعات (اجرای برنامه‌ای که حوزه تدارکاتی نرم‌افزار را تحت پوشش قرار دهد)، پشتیبانی و آموزش ظرفیت سازی در صنایع نرم‌افزار داخلی را دربرگیرد. & ۱۷۷۷ & ۱۷۷۷- به منظور طراحی و پیاده سازی سیستم خودکار سازی بیمه بایستی از یکی از متولوژیهای مهندسی اطلاعات (Information Engineering) IE، متدولوژی زکمن (Zachman International)، متدولوژی EAP (Enterprise Architecture Planning) و یا سایر متدولوژیهای متداول روز استفاده شود. & ۱۷۷۷ & ۱۷۷۸- تحلیل حوزه کاری با استفاده از متدولوژیهای، (BSP Business System) EAP (Enterprise Architecture Planning), IE (Information Engineering) Planning و یا سایر متدولوژیهای معتبر روز بایستی انجام پذیرد

آییننامه گسترش بهره‌برداری از خدمات پول الکترونیک - مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۵/۵/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۱۶۵۹۵ مورخ ۱/۵/۱۳۸۴ وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آیین‌نامه گسترش بهره‌برداری از خدمات پول الکترونیکی را به شرح زیر تصویب نمود: آییننامه گسترش بهره‌برداری از خدمات پول الکترونیک ماده ۱- به منظور ایجاد تسهیلات و ارتقاء کیفیت خدمات به مردم و در جهت تحقق بند (۴) ماده (۱۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ - کلیه بانکهای کشور (دولتی و خصوصی) موظفند نسبت به صدور انواع کارت پول الکترونیکی (اعتباری، پیش پرداخت) و نصب تجهیزات مربوط از قبیل دستگاههای خودپرداز (ATM) و پایانه فروش (pos) و پرداخت اینترنتی جهت استفاده فرایند خرید و فروش کالا و خدمات در کشور اقدام نمایند. مشارکت بخش خصوصی مطابق ضوابط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجاز می‌باشد. ماده ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران آیین‌نامه‌ها، دستورالعملها، ضوابط و

مشخصات فنی - اجرایی مربوط به نظام و فرایند بانکداری الکترونیکی اعم از داخلی و بین‌المللی و تجهیزات و خدمات پول الکترونیک از قبیل انواع کارت پول الکترونیکی، انواع دستگاههای الکترونیکی دریافت و پرداخت مثل پایانه فروش (POS) و خودپرداز (ATM)، شرایط فعالیت شرکتهای بخش خصوصی در ارایه خدمات پول الکترونیکی، ایجاد مرکز پایاپای بین بانکی، پرداخت اینترنتی، نحوه صدور گواهی دیجیتال مورد نیاز شبکه بانکی و همکاریهای بین‌المللی در ارایه خدمات پول الکترونیکی در داخل و خارج از کشور با هماهنگی سیاستهای تجارت الکترونیکی تهیه، تصویب و ابلاغ و نظارت می‌نماید. کلیه دستگاههای کشور موظف به رعایت استانداردهای مذکور در خدمات مربوط می‌باشند. ماده ۳- مؤسسات بیمه گر موظفند نسبت به تهیه و ارایه انواع خدمات بیمه‌ای نوین متناسب با نیازهای جدید بانکداری الکترونیکی و تجارت الکترونیکی اقدام نمایند. شورای عالی بیمه کشور مسئول ایجاد هماهنگی لازم می‌باشد. ماده ۴- دستگاههای دولتی، شرکتهای و نهادها موظفند کلیه پرداختهای کمکهای غیرنقدی به کارکنان خود را بجای بن کاغذی با استفاده از انواع کارتهای اعتباری پول الکترونیکی انجام دهند. کلیه فروشگاههای سراسر کشور با استفاده از شبکه خدمات الکترونیکی بانکها می‌توانند مبادرت به خرید و فروش کالا و خدمات مربوط به این بنها نمایند. خزانه‌داری کل کشور هماهنگی و نظارت بر تحقق این فعالیتها را بر عهده خواهد داشت. ماده ۵ - کلیه سازمانهای صادرکننده قبوض پرداخت و دریافت موظفند تمهیدات لازم را برای پرداخت و دریافت الکترونیکی با استفاده از ابزارهای مذکور در ماده (۱) این آیین‌نامه و یا محیط اینترنت فراهم آورند. از آغاز سال ۱۳۸۵ با تصویب شورای اقتصاد خدمات دریافت قبوض در شعب بانکها (خدمات غیرالکترونیکی) براساس تعرفه واقعی خواهد بود. ماده ۶ - به منظور به‌روزآوری و شفاف‌سازی حسابهای دولتی (منابع، مصارف، هزینه، درآمد) وزارت امور اقتصاد و دارایی (خزانه‌داری کل کشور) موظف است کلیه حسابهای دولتی در کشور را طی شش ماه از حسابهای عادی به صورت حسابهای متمرکز (قابل پرداخت و دریافت در محیط شبکه‌های الکترونیکی و اینترنتی و بر خط در سراسر کشور) تبدیل نماید. ماده ۷- به منظور ارایه خدمات بهینه و برقراری تسهیلات اداری و اجرایی برای مردم و تکریم ارباب رجوع برای کلیه پرداختهای هزینه خدمات و کالاهایی که توسط دستگاههای دولتی، شرکتهای، مؤسساتی که شمول آن مستلزم ذکر نام است، ارایه می‌شود رسید پرداخت وجه توسط انواع دستگاههای الکترونیکی از قبیل خودپرداز (ATM)، پایانه فروش (POS) یا اینترنتی معتبر می‌باشد. خزانه‌داری کل کشور اعمال هماهنگی و نظارت بر اجرای این رویه را بر عهده خواهد داشت. معاون اول رئیس‌جمهور - محمدرضا عارف

آییننامه اجرایی ماده (۴۸) قانون تجارت الکترونیکی

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲/۵/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۱۲۱۹۴/۱ مورخ ۱۸/۶/۱۳۸۳ وزارت بازرگانی و به استناد ماده (۴۸) قانون تجارت الکترونیکی - مصوب ۱۳۸۲ - آییننامه اجرایی ماده یاد شده را به شرح زیر تصویب نمود: آییننامه اجرایی ماده (۴۸) قانون تجارت الکترونیکی ماده ۱- در این آییننامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار میروند: الف - سازمانهای قانونی و مدنی حمایت از مصرفکننده (که از این پس سازمان نامیده میشوند): اعم از هر مؤسسه، شرکت یا انجمنی است که مطابق قانون یا در اجرای آن با هدف حمایت از مصرفکننده در زمینه‌هایی از قبیل قیمت کالا- و خدمات اعم از تولیدی و وارداتی، سیستمهای مربوط به توزیع تا مرحله مصرف، ضرر و زیان کالاهای مصرفی و خدماتی ایجاد و یا ثبت شده یا میشوند. ب - مصرفکننده: هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی است که به منظوری جز تجارت یا شغل حرفهای به خرید کالا و خدمت اقدام میکند. ج - تأمینکننده: هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی است که بنا به اهلیت تجاری، صنفی یا حرفهای فعالیت میکند. ماده ۲- سازمان میتواند در موارد زیر و به ترتیب پیشینی شده در این آییننامه، مبادرت به طرح شکایت در مراجع قضایی یا سایر مراجع صلاحیتدار نماید: الف - به تقاضای مصرفکننده متضرر؛ ب - به تقاضای یک یا چند مصرفکننده در حالی که تعداد کثیری از

مصرفکنندگان ضرر مشترکی را متحمل شده‌اند؛ ج - اقدام مستقل سازمان بدون تقاضای شاکی خصوصی. تبصره ۱- منظور از مصرفکننده متضرر در این ماده شخصی است که در نتیجه تخلف تأمینکننده از قواعد حمایت از مصرفکننده مقرر در باب سوم قانون تجارت الکترونیکی و موارد مذکور در فصل هشتم قانون نظام صنفی - مصوب ۱۳۸۲ - متحمل آسیب یا خسارت شده است. تبصره ۲- هر یک از اشخاص مذکور در بندهای (الف) و (ب) این ماده میباید همراه با تقاضانامه، اسناد و مدارک مثبته ادعای خود را به سازمان ارایه نمایند. ماده ۳- درخواستهای مطرح شده از جانب مصرفکنندگان توسط سازمان، ثبت شده و رسیدی مشتمل بر نام متقاضی، تاریخ و شماره ثبت به تقدیمکننده درخواست داده خواهد شد. نحوه طرح دعوی و شکایت توسط سازمان در مراجع ذیربط قانونی حسب مورد مطابق تشریفات آیین رسیدگی مراجع مربوط خواهد بود. ماده ۴- سازمان مکلف است نسبت به تقاضانامه‌های دریافت شده ظرف یک هفته تعیین تکلیف کند و در صورت مقتضی ظرف یک ماه نسبت به طرح شکایت در مراجع قانونی ذیربط اقدام نماید. در غیر این صورت پاسخ مناسبی به درخواستکننده ارایه کند. این مواعد با رضایت مصرفکننده و نیز در صورتی که موضوع نیاز به بررسی بیشتری توسط سازمان داشته‌باشد برای یک ماه قابل تمدید خواهد بود. ماده ۵- سازمان میتواند براساس دلایل و مدارک موجود نسبت تعیین طرف دعوی اقدام کند که حسب مورد ممکن است طراح کالا، سازنده مواد اولیه، تولیدکننده، عرضه‌کننده و فروشنده یا مجموعهای از آنها باشد. معاون اول رئیسجمهور - محمدرضا عارف

اساسنامه شورای عالی فناوری اطلاعات

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴/۳/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۱۷۰۵۷/۱۰۰ مورخ ۱۴/۶/۱۳۸۳ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و به استناد بند (ج) ماده (۴) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات - مصوب ۱۳۸۲ - اساسنامه شورای عالی فناوری اطلاعات را به شرح زیر تصویب نمود: اساسنامه شورای عالی فناوری اطلاعات ماده ۱- هدف از تشکیل شورای عالی فناوری اطلاعات که در این اساسنامه به اختصار شورای عالی نامیده می‌شود، سیاستگذاری و تدوین راهبردهای ملی در قلمرو فناوری اطلاعات، تدوین برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت برای توسعه پژوهشهای بنیادی و کاربردی در قلمرو فناوری اطلاعات و گسترش کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور و برنامه‌های توسعه بخشهای مختلف می‌باشد. ماده ۲- وظایف شورای عالی به شرح زیر است: ۱- تدوین اهداف کلان و راهبردی توسعه فناوری اطلاعات در کشور. ۲- سیاستگذاری و تدوین راهبردهای لازم برای گسترش به کارگیری فناوری اطلاعات در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی. ۳- تمهید و تدوین نظام جامع فناوری اطلاعات و تعیین وظایف بخشهای مختلف کشور در نظام جامع یادشده. ۴- تدوین مقررات، آیین‌نامه‌ها و ضوابط لازم برای قلمرو فناوری اطلاعات. ۵- تدوین برنامه‌های کلان پژوهش در جهت توسعه فناوری اطلاعات در کشور. ۶- تدوین برنامه‌های همکاریهای ارتباطات بین‌المللی در قلمرو فناوری اطلاعات. ماده ۳- ریاست شورای عالی برعهده رئیس جمهور است و در غیاب ایشان، معاون اول رئیس جمهور این وظیفه را برعهده خواهد داشت. ماده ۴- ترکیب اعضای شورای عالی به این شرح است: ۱- رئیس جمهور (رئیس شورای عالی). ۲- وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات. ۳- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری اطلاعات. ۴- وزیر بازرگانی. ۵- وزیر صنایع و معادن. ۶- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. ۷- وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح. ۸- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. ۹- وزیر آموزش و پرورش. ۱۰- وزیر رفاه و تأمین اجتماعی. ۱۱- وزیر اموراتصادی و دارایی. ۱۲- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳- سه نفر از متخصصان فناوری اطلاعات از بخش غیردولتی به پیشنهاد وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و حکم رئیس جمهور. تبصره - وزرای ذیربط برحسب موضوع طرح شده، بنا بر دعوت دبیر شورای عالی با حق رای در جلسه حضور خواهند یافت. ماده ۵- تصمیمات شورای عالی با رعایت سیاستهای کلی نظام و در چارچوب قوانین و مقررات، پس از تأیید رئیس جمهور توسط وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ابلاغ می‌گردد و مسؤولیت نظارت

بر حُسن اجرای آن بر عهده وی خواهد بود. ماده ۶- دبیرخانه شورای عالی در وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تشکیل و دبیر آن به پیشنهاد وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و با حکم رییس جمهور منصوب می شود. ماده ۷- شورای عالی حداقل سالی دو بار تشکیل جلسه می دهد و جلسات آن، با حضور دو سوم اعضا رسمیت خواهد یافت. مصوبات شورای عالی با رای نصف بعلاوه یک اعضای حاضر در جلسه قابل اجرا خواهد بود. ماده ۸- شورای عالی می تواند کار گروههای تخصصی تشکیل دهد. شرح وظایف و نحوه تشکیل این کار گروهها به تصویب شورای عالی خواهد رسید. ماده ۹- دبیرخانه شورای عالی به منظور جلوگیری از دوباره کاری و انجام فعالیتهای موازی، هماهنگی و تبادل نظر لازم را با دبیرخانه سایر شوراهای مشابه به عمل می آورد. معاون اول رئیس جمهور - محمدرضا عارف

قانون اجازه اجرای موافقتنامه پروانه شبکه و خدمات ارتباطات سیار - مصوب ۱۳۸۴

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمدخاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران لایحه اجازه اجرای موافقتنامه پروانه شبکه و خدمات ارتباطات سیار که از سوی دولت به شماره ۴۲۳۹۲/۳۱۴۹۶ مورخ ۳/۸/۱۳۸۳ به مجلس شورای اسلامی تقدیم و بک فوریت آن در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۵/۸/۱۳۸۳ تصویب گردید و در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ ۵/۲/۱۳۸۴ مجلس با اصلاحاتی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست اسال می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل شماره ۹۳۱۰ ۲۶/۲/۱۳۸۴ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات قانون اجازه اجرای موافقتنامه پروانه شبکه و خدمات ارتباطات سیار که در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ پنجم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۴/۲/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۶۰۷۸۰/۲۶۰ مورخ ۱۸/۲/۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رئیس جمهور - سید محمد خاتمی قانون اجازه اجرای موافقتنامه پروانه شبکه و خدمات ارتباطات سیار ماده واحده - به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اجازه داده می شود نسبت به اجرای موافقتنامه پروانه شبکه و خدمات ارتباطات سیار که در اجرای بند (ه) ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصوب ۱۹/۹/۱۳۸۲ با شرکت ایران سل منعقد شده است با رعایت اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ضوابط زیر اقدام کند. کلیه امور حاکمیتی از جمله فرکانس و شبکه مادر زیر ساخت و مالکیت آنها قابل واگذاری نمی باشد و صرفاً در انحصار دولت خواهد بود. ۱- کلیه موارد امنیتی موافقتنامه به تأیید شورای عالی امنیت ملی می رسد. اختیارات، وظایف، قوانین و مقررات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و شورای عالی امنیت ملی به قوت خود باقی است و مفاد این قانون نباید مانع اجرای آنها شود. ۲- دولت مکلف است با رعایت اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات بر ایجاد شبکه تلفن همراه موضوع این قانون نظارت کامل داشته باشد. ۳- موافقتنامه پس از تأیید توجیه اقتصادی آن توسط شورای اقتصاد، قابل اجرا می باشد. ۴- دولت مکلف است بر تنظیم مقررات مدیریت فرکانس کشور و سیاستگذاری در خصوص صدور مجوز فرکانس، در چارچوب سیاستهای کلی نظام نظارت کامل نماید. ۵- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است جهت تأمین و توسعه شبکه زیرساخت اپراتور دوم، قبل از موعد مقرر اقدام نماید. ۶- با توجه به قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژهها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۲/۱۲/۱۳۷۵، حداقل پنجاه و یک درصد (۵۱٪) از سهم ارزش مالی تجهیزات اصلی شبکه در طول اجرای قرارداد از داخل کشور تأمین می شود. ۷- مدیریت فنی و پشتیبانی فنی جزو مسؤولیتهای مدیران ایرانی کنسرسیوم ایران سل می باشد. ۸- کلیه تصمیمات هیأت مدیره و مجامع عمومی و فوق العاده شرکت مشروط به موافقت حداقل پنجاه درصد (۵۰٪)

سهامداران ایرانی این کنسرسیوم می‌باشد. ۹- سهام شرکتهای ایرانی که صددرصد (۱۰۰٪) سهام آنها متعلق به شخصیتهای حقیقی و حقوقی ایرانی است، در کنسرسیوم ایران سل نباید از پنجاه و یک درصد (۵۱٪) کمتر باشد. انتقال سهام بین سهامداران کنسرسیوم ایران سل باید به نحوی صورت پذیرد که سهام شرکتهای سهامداران ایرانی از پنجاه و یک درصد (۵۱٪) سهام کنسرسیوم ایران سل کمتر نگردد. ۱۰- تعرفه‌های ارتباطی ارائه شده از طرف کنسرسیوم ایران سل حداکثر بیست درصد (۲۰٪) بیشتر از تعرفه‌های شرکت مخابرات نباشد. حداقل تعرفه‌های اعلام شده از طرف ایران سل محدودیتی نخواهد داشت. ۱۱- بیست و هشت و یک دهم درصد (۱/۲۸٪) درآمد حاصله از انجام خدمات ویژه و ارزش افزوده و مالیات متعلقه باید علاوه بر درآمدهای کنسرسیوم ایران سل از بابت قرارداد اپراتوری دوم پرداخت گردد. ۱۲- موافقتنامه پروانه شبکه و خدمات ارتباط سیار منعقد با شرکت ایران سل با رعایت کلیه موارد مذکور در این قانون باید اصلاح گردد و اجرایی شدن آن منوط به اعمال اصلاحات مذکور می‌باشد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ پنجم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۴/۲/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

پیشنویس لایحه (قانون حمایت از سازندگان پایگاههای داده)

باب نخست - کلیات فصل اول - محدوده حمایت ماده ۱- این قانون از «سازنده» پایگاه داده‌های که ممکن است در ساخت آن از روشهای ابداعی تجمع و آرایش و/یا سرمایه گذاری صرف اقتصادی استفاده شده باشد حمایت میکند. ماده ۲- حمایتهای این قانون شامل برنامه و نرم افزارهای رایانه ای که برای ساخت یا عملیات پایگاه داده مورد استفاده قرار گرفته خواهد شد. فصل دوم - تعاریف ماده ۳- «پایگاه داده» مجموعه‌های از مطالب مستقل، داده یا اطلاعاتی است که به‌طور منظم یا روشمند ترتیب یافته - که در این قانون به آن اثر نیز اطلاق میشود- و توسط ابزارهای الکترونیکی یا هر واسط دیگر قابل دستیابی است. ماده ۴- «سازنده» پایگاه داده عبارت از هر شخص حقیقی یا گروهی از اشخاص حقیقی یا شخصیت حقوقی است. ماده ۵- «مطالب» پایگاه داده عبارت از آثار مستقلی است که به وسیله سازنده پایگاه داده پدید نیامده. ماده ۶- «محتویات» پایگاه داده عبارت از است مطالب و سایر داده و اطلاعات تشکیل دهنده پایگاه داده. ماده ۷- «بخشهای غیراساسی» یعنی بخشهایی از پایگاه داده که در دسترس عموم قرار گرفته به طوری که تکثیر از آن موجب زیان به حقوق انحصاری سازنده پایگاه داده نشود. ماده ۸- «تغییر اساسی» به معنای اصلاح (اضافه، حذف یا تغییر) کمی و/یا کیفی در نحوه تجمع و آرایش محتویات پایگاه داده است به نحوی که با یک پایگاه داده جدید مواجه شویم. ماده ۹- «تغییر غیراساسی» اقداماتی است که صرفاً برای ادامه عملکرد و کارایی پایگاه داده ضروری باشد. ماده ۱۰- (رزرو) ماده ۱۱- (رزرو) فصل سوم - حقوق سازنده ماده ۱۲- «سازنده» پایگاه داده دارای حقوق انحصاری به شرح زیر است: ۱. تکثیر موقت یا دائم پایگاه داده به هر وسیله یا به هر شکلی جزئاً یا کلاً. ۲. ترجمه، تطبیق، ترتیب یا هر نوع تغییر در پایگاه داده. ۳. هر نوع تکثیر، توزیع، ارتباط، نمایش یا اجرای عمومی که ناشی از اعمال فوق باشد. ۴. هر شکل از توزیع عمومی پایگاه داده یا نسخه‌هایی از آن. ۵. هر نوع ارتباط، نمایش یا اجرای عمومی پایگاه داده. ماده ۱۳- اثر زمانی مشترک محسوب میشود که در خلق آن چند شخص حقیقی همکاری داشته باشند. ماده ۱۴- اثر زمانی مرکب تلقی میشود که بر مبنای اثر اصلی و بدون مشارکت مولف اثر اصلی به وجود آمده باشد. ماده ۱۵- اثر زمانی جمعی است که به ابتکار یک شخص حقیقی یا حقوقی و تحت مدیریت یا نام وی ساخته و توزیع شده باشد. این اثر در مجموع ناشی از مشارکت اشخاص متعدد در ساخت آن است بدون آنکه به طور اختصاصی حق جداگانه‌ای برای هر یک از آنها نسبت به مجموعه اثر ایجاد شده باشد. ماده ۱۶- اثر مشترک اصولاً در مالکیت مشاع سازندگان آن قرار دارد، مگر آنکه شرکت هر یک از سازندگان به قصد اشتراک نبوده و بدون ایجاد زحمت در اثر مشترک، به طور جداگانه بتوانند از نتیجه مشارکت خود بهره‌مند شوند. ماده ۱۷- اثر مرکب در مالکیت سازنده‌های که آنرا ساخته قرار خواهد

گرفت مشروط بر آنکه حقوق اثر ابتدایی (اثر اصلی) را رعایت کرده باشد. ماده ۱۸- مالک اثر جمعی شخص حقیقی یا حقوقی است که اثر به نام او انتشار یافته، مگر آنکه بر خلاف آن توافق شده باشد. باب دوم - حق تألیف فصل چهارم - حق تألیف پایگاه داده ماده ۱۹- تجمع و آرایش فکری و اصیل از محتویات یک پایگاه داده تحت حمایت حق تألیف قرار خواهد گرفت. ماده ۲۰- حمایت‌های حق تألیف این قانون نسبت به مطالب مندرج در پایگاه داده اعمال نخواهد شد. ماده ۲۱- مطالب مندرج در پایگاه داده براساس مجوز دارنده حق در اختیار سازنده پایگاه داده قرار خواهد گرفت. ماده ۲۲- اعطای حق تألیف برای پایگاه داده نباید به حقوق مکتسبه مطالب مندرج در آن خللی وارد کند. ماده ۲۳- حمایت قانون حق تألیف از پایگاه‌های داده به نام صاحبان حق اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی براساس قانون حاکم یا توافقی بین المللی که دولت جمهوری اسلامی ایران به آنها ملحق شده باشد به عنوان اثر ادبی- هنری اعطاء خواهد شد. فصل پنجم - مدت حمایت در حق تألیف ماده ۲۴- مدت حمایت حق تألیف از پایگاه داده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل میشود از تاریخ فوت سازنده پنجاه سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشود برای همان مدت به منظور استفاده در اختیار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار خواهد گرفت. ماده ۲۵- مدت حمایت اثر مشترک پنجاه سال پس از فوت آخرین سازنده خواهد بود. ماده ۲۶- مدت حمایت از اثر جمعی تا پنجاه سال از تاریخ ساخت متعلق به مالک حقیقی یا حقوقی خواهد بود. ماده ۲۷- در موارد انقضاء و یا فسخ حقوق انتقالی، در صورت حیات سازنده، استفاده از حق مذکور متعلق به خود او و در غیر اینصورت تابع ترتیب مقرر در ماده ۲۴ خواهد بود. ماده ۲۸- تغییر اساسی در تجمع و آرایش محتویات، پایگاه داده جدیدی به وجود خواهد آورد که میتواند از تاریخ جدید موضوع حمایت این قانون قرار گیرد. چنین حمایتی نباید زبانی به حقوق موجود در ارتباط با پایگاه داده اصلی ایجاد کند. ماده ۲۹- هر نوع تغییر غیر اساسی در تجمع و آرایش محتویات پایگاه داده اثری در مدت حمایت ایجاد نخواهد کرد. باب سوم - حقوق خاص مربوط به سازندگان پایگاه داده فصل ششم - حقوق سرمایه گذاری ماده ۳۰- سازندگان پایگاه داده‌ای که به نحو کمی و/یا کیفی سرمایه گذاری در تحصیل، تطبیق، و ارایه محتویات کرده اند در برابر «استخراج» و «کاراسازی مجدد» از همه یا بخشهای اساسی (کمی و/یا کیفی) محتویات پایگاه داده مطابق مقررات این باب حمایت خواهند شد. ماده ۳۱- حق مزبور در این فصل صرف نظر از اینکه پایگاه داده و/یا مطالب مندرج در آن تحت حمایت حق تألیف در این قانون یا حمایت سایر قوانین قرار دارد یا نه اعمال خواهد شد. ماده ۳۲- اجرای حقوق این فصل تاثیری بر حقوق مکتسبه مطالب مندرج در آن ندارد. فصل هفتم - مدت حمایت در حقوق خاص ماده ۳۳- حمایت‌های قانونی این باب برای ۱۵ سال از تاریخ ساخت پایگاه داده اجرا خواهد شد. این مدت از تاریخ اولین روز در دسترس قرار دادن عمومی و یا ایجاد تغییرات اساسی در پایگاه داده محاسبه خواهد شد. ماده ۳۴- شروع مدت حمایت از سازنده پایگاه داده مطابق مقررات فصل پنجم از باب دوم این قانون خواهد بود. باب چهارم - بهره برداری منصفانه و مجوزهای قهری فصل هشتم - بهره برداری منصفانه ماده ۳۵- هرگاه کاربر قانونی برای دسترسی به محتویات پایگاه داده ناگزیر از اجرای حقوق انحصاری سازنده مذکور در ماده ۱۱ باشد نیازی به کسب مجوز از سازنده ندارد. ماده ۳۶- «استخراج» و/یا «کاراسازی مجدد» از بخشهای غیر اساسی محتویات پایگاه داده توسط کاربر قانونی به مقاصد علمی و فنی و آموزشی و تربیتی در حدود متعارف مجاز است. ماده ۳۷- کاربر قانونی پایگاه داده می تواند، بدون مجوز سازنده جهت استفاده شخصی از محتویات پایگاه داده به نحو غیر الکترونیکی تکثیر نماید. ماده ۳۸- کاربر قانونی در استفاده از امتیازات این فصل نباید به حقوق مشروع سازنده و صاحبان قانونی محتویات پایگاه داده خللی وارد کند. فصل هشتم - مجوز قهری ماده ۳۹- به منظور رقابت مشروع در صنعت پایگاه داده و ایجاد مشاغل اطلاعاتی، امتیاز پایگاه‌های داده‌ای که بر اساس شرایط زیر به وجود آمده اند می تواند به منظور تجاری براساس شرایط منصفانه و بدون تبعیض بر اساس آییننامه مخصوص به اشخاص متقاضی حقوق خصوصی واگذار شود: ۱. مراجع یا مؤسسات دولتی و دوایری که موظف شده اند اطلاعات را منتشر سازند و یا اصولاً وظیفه آنان انجام چنین کاری است. ۲.

شرکتها و مؤسساتی که دولتی نیستند ولی به موجب یک دستور اداری وظیفه انحصاری برای انتشار اطلاعات دارند. ماده ۴۰- کاربر قانونی پایگاه داده می تواند بدون مجوز سازنده پایگاه داده موضوع این فصل از بخشهای غیراساسی محتویات پایگاه داده به منظور تجاری استفاده کند مشروط بر آنکه منبع آن را ذکر نماید. باب پنجم - حقوق مشترک فصل نهم - علامت ماده ۴۱- نام و عنوان و نشان ویژه و اسامی ملکی (domain name) در اینترنت که معرف اثر است از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود و هیچکس نمیتواند آن را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القا شبیه کند به کاربرد. ماده ۴۲- در انتهای نام، عنوان و نشانه ویژه‌های که معرف اثر است و این قانون از آن حمایت میکند باید حرف لاتین C درون یک دایره حک شود. ماده ۴۳- سازندگان پایگاههای داده میتوانند نام و عنوان و نشان ویژه و اسامی ملکی اثر خود را در مراکزی که سازمان مدیریت و برنامه ریزی آگهی می نماید به ثبت برسانند. چگونگی و ترتیب انجام تشریفات ثبت و همچنین مرجع پذیرش درخواست ثبت به موجب آییننامه خواهد بود. فصل دهم - مجازاتها ماده ۴۴- هر کس حقوق انحصاری سازنده پایگاه داده را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام سازنده بدون اجازه او و یا عالماً یا عامداً به نام شخص دیگری غیر از سازنده به هر طریقی نشر یا پخش یا عرضه کند به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۴۵- متخلفان از ماده ۴۱ این قانون به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد. ماده ۴۶- نسبت به متخلفان از مواد این قانون در مواردی که به سبب سپری شدن مدت حق سازنده، استفاده از اثر با رعایت مقررات برای همگان آزاد است وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عنوان شاکی خصوصی را خواهد داشت. ماده ۴۷- شاکی خصوصی میتواند از دادگاه صادر کننده حکم نهایی درخواست کند که مفاد حکم در یکی از روزنامه ها به انتخاب و هزینه او آگهی شود. ماده ۴۸- مراجع قضایی میتوانند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه آثار مورد شکایت و ضبط آن دستور لازم به ضابطین دادگستری بدهند. ماده ۴۹- اثرهایی که پیش از تصویب این قانون پدید آمده از حمایت این قانون برخوردار است. اشخاصی که بدون اجازه از اثرهای دیگران تا تاریخ تصویب این قانون استفاده یا بهره برداری کرده اند به هیچ نحوی نمیتوانند حقوق انحصاری سازنده پایگاه داده را جز با اجازه سازنده و یا قائم مقام او با رعایت این قانون اعمال نمایند. متخلفان از حکم این ماده و همچنین کسانی که برای فرار از کیفر به تاریخ مقدم بر تصویب این قانون اثر را به طور غیرقانونی مورد استفاده قرار دهند به کیفر مقرر در ماده ۴۵ محکوم خواهند شد. ماده ۵۰- دعاوی و شکایاتی که قبل از تصویب این قانون در مراجع قضایی مطرح گردیده، به اعتبار خود باقی است. ماده ۵۱- تعقیب بزه های مذکور در این قانون با شکایت شاکی خصوصی شروع و با گذشت او موقوف میشود. فصل یازدهم - جبران خسارت ماده ۵۲- هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند ما بهالتفاوت از اموال مرتکب جبران میشود. ماده ۵۳- جبران خسارت ممکن است به صورت قانونی یا قضایی باشد. ماده ۵۴- خسارت قانونی معادل ۱۰۰ میلیون ریال الی ۹۵۰ میلیون ریال است. ماده ۵۵- خسارت قضایی براساس ضرر و زیان ناشی از دست دادن بازار یک اثر که در نتیجه فعل ناقض حق به سازنده وارد می شود محاسبه خواهد شد. اثبات این امر به عهده مدعی است که به طور نامحدود قابل تقویم به خسارت مالی است. ماده ۵۶- اگر اثر تحت حمایت این قانون مطابق آئین نامه مخصوص به ثبت نرسیده باشد جبران خسارت فقط به نحو قضایی صورت خواهد پذیرفت. ماده ۵۷- اگر سازنده اثر خود را مطابق قانون به ثبت رسانده باشد در انتخاب خسارت قضایی یا قانونی اختیار دارد و باید این مسأله را در دادخواست ابتدایی تصریح نماید. فصل دوازدهم - متفرقه ماده ۵۸- آئین نامه های اجرایی این قانون از طرف سازمان مدیریت و برنامه ریزی، وزارت دادگستری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

دستورالعمل توسعه کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه قضایی و استقرار نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی که در تاریخ ۲۳/۱۲/۱۳۸۶ به تصویب ریاست قوه قضاییه نیز رسیده، در روزنامه رسمی کشور منتشر گردید. دستورالعمل توسعه کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه قضایی و استقرار نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی اجرای پروژه‌های زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات در قوه قضاییه و استقرار نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی در دادگستری استان‌ها با اتکال به خداوند متعال و همت والا و تلاش مستمر مسئولان ستادی، رؤسا، مسئولین و کارکنان دادگستری‌های سراسر کشور، روندی روبه‌رشد و سریع یافته است. در این میان اجرای زیرساخت شبکه محلی (LAN) شامل کابل کشی و نصب و راه‌اندازی تجهیزات مرتبط در تمامی مراکز استان‌ها و در بیش از ۱۷۰ واحد قضایی (ساختمان‌های دادگستری در سراسر کشور، برقراری شبکه گسترده (WAN) برای بیش از ۱۴۰ نقطه قضایی در بستر مخابراتی، تأمین تجهیزات رایانه‌ای موردنیاز دادگستری‌های مراکز استان‌ها برای راه‌اندازی نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی و نرم‌افزار جامع اتوماسیون اداری، آموزش نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی به بیش از ۳۵۰۰ نفر از پرسنل شعب دادسراها و دادگاه‌ها شامل مدیران و کارکنان، استقرار نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی در کلیه شعب مجتمع‌های قضایی ۲۰ مرکز استان و برخی شهرستان‌ها و راه‌اندازی تا ۹۵ درصدی در استان‌های باقیمانده، استقرار نرم‌افزار جامع و یکپارچه اتوماسیون اداری در ستاد قوه قضاییه و ۷ استان کشور، اجرای طرح بایگانی الکترونیکی و الکترونیکی نمودن پرونده‌های قضایی راکد در استان تهران و برخی استان‌های کشور در راستای اجرای بند الف ماده ۱۳۱ قانون برنامه چهارم، نشان از تلاش گسترده در این حوزه است. در این میان استقرار نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی از جایگاه ویژه برخوردار است. هدف اصلی استقرار این نرم‌افزار عبارت است از: - افزایش سرعت، دقت، صحت و شفافیت در فرآیند دادرسی؛ - وجوه بانک اطلاعات مرکزی برای پیشینه همه پرونده‌های قضایی کشور؛ - تعیین وضعیت سجل قضایی اشخاص با دانستن اطلاعات پایه؛ - ارزیابی وضعیت رسیدگی به پرونده‌های مختلف در سراسر کشور؛ - کاستن مراسلات و مکاتبات کاغذی از نظام قضایی و اداری؛ - رعایت کمال حفاظت اطلاعاتی در حفظ و انتقال موارد قضایی؛ - امکان نظارت سلسله مراتبی و مستقیم بر جایگاه‌های سازمانی قوه قضاییه؛ - امکان پاسخگویی به مردم از طریق تماس با شبکه‌های الکترونیکی؛ - دریافت انواع گزارش‌های دوره‌ای، موردی، مقایسه‌ای یا تطبیقی؛ - صرفه‌جویی کلان در هزینه‌های رسیدگی به پرونده‌ها بر اثر افزایش دقت و سرعت؛ - امکان تهیه تحلیل‌ها و گزارش‌های تجمعی و مقایسه‌ای در مورد احکام صادره؛ - امکان تعیین کارکرد خارج از استاندارد و یا روال مرسوم در امر قضاء؛ - کسب اطلاع مقایسه‌ای از میزان کار ارجاعی به محاکم مختلف؛ - فراهم آوردن زمینه‌های پژوهش جرم‌شناسی بر حسب مناطق جغرافیایی، جایگاه اجتماعی، و جمعیت‌شناسی؛ - ارتقای پژوهش بر مبنای اطلاعات کارکرد محاکم و ویژگی‌های پرونده؛ - اطلاع‌رسانی در مورد طرح دعوی تکراری در مراجع قضایی متعدد؛ - تسریع در برقراری ارتباط مراجع قضایی با سایر سازمان‌های تابعه؛ - امکان انتشار آرای مراجع مختلف قضایی و قانونی برای بهره‌برداری مجامع علمی و قضات. لذا در راستای اجرای جامع و یکپارچه فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه‌های ستادی و دادگستری‌های سراسر کشور و سازمان‌های تابعه، «دستورالعمل توسعه کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه قضایی و استقرار نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی» به شرح زیر تصویب می‌گردد. ماده ۱- به منظور استانداردسازی زیرساخت‌های حقوقی نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی و نیز یکسان‌سازی رویه‌های ورود اطلاعات پرونده‌ها به نرم‌افزار مذکور، کمیته‌های زیرساخت حقوقی نرم‌افزار و استانداردسازی رویه‌ها در شورای فناوری اطلاعات و ارتباطات حوزه معاونت حقوقی و توسعه قضایی و با همکاری خبرگان حقوقی و قضایی و متخصصین مربوط تشکیل و مصوبات در اصلاح نرم‌افزار اعمال و اجرا می‌گردد. ماده ۲- براساس این دستورالعمل تمامی واحدهای قضایی که نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی در آن‌ها استقرار یافته است، موظفند حداکثر تا ۳۱/۱/۱۳۸۷ نسبت به جمع‌آوری دفاتر شعب از قبیل ثبت عرایض، اندیکاتور، تعیین وقت، بازداشتی و دادنامه اقدام نمایند. ماده ۳-

واحدهای قضایی که در آینده نرم‌افزار در آن استقرار می‌یابد، موظفند پس از دو ماه از زمان استقرار نرم‌افزار در شعب، نسبت به جمع‌آوری دفاتر اقدام نمایند. ماده ۴- برای واحدهای قضایی که نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی در آن‌ها استقرار یافته است، گزارش‌های آماری استخراج‌شده از این نرم‌افزار، ملاک عمل خواهد بود و برای سایر واحدهای قضایی تا زمان استقرار نرم‌افزار در شعب، لازم است تا اطلاعات عملکردی، در سیستم اطلاعات مدیریت نرم‌افزار مذکور وارد شود. ماده ۵- رؤسای دادگستری‌ها، دادستان‌ها و مدیران واحدهای قضایی موظفند تا ضمن فراگیری نرم‌افزار مذکور شخصاً بر فرآیند رسیدگی در مراجع نظارت و با استفاده از آن، گزارش‌های آماری تحلیلی تهیه و به صورت مستمر و ماهانه به حوزه ریاست قوه قضاییه و معاونت حقوقی و توسعه قضایی ارسال نمایند. ماده ۶- با توجه به راه‌اندازی سیستم الکترونیکی مکاتبات قضایی در نرم‌افزار مذکور، واحدهای قضایی سازمان‌های تابعه موظفند با ایجاد امکانات و زیرساخت‌های لازم، نسبت به ارسال و دریافت اطلاعات مانند استعلامات به صورت الکترونیکی و از طریق نرم‌افزار، همکاری و اقدام نمایند. ماده ۷- با توجه به راه‌اندازی سیستم پایانه‌ی قضایی در نرم‌افزار مدیریت پرونده قضایی، اطلاع‌رسانی ابلاغ‌ها به صورت الکترونیکی از طریق پست الکترونیکی، پیام کوتاه و ... علاوه بر شیوه مکاتبات، صورت پذیرد. ماده ۸- کلیه واحدهای قضایی موظفند شکواییه‌ها و دادخواست‌هایی که از طریق سیستم پایانه‌ی قضایی وارد و چاپ گرفته شده است را قبول و جهت رسیدگی ارجاع نمایند. ماده ۹- با توجه به لزوم استانداردسازی زیرساخت‌های حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات در قوه قضاییه، تمامی بخش‌های ستادی، سازمانهای تابعه و دادگستری‌های کشور موظفند به هنگام احداث ساختمانهای اداری و قضایی جدید، نسبت به ایجاد شبکه داده محلی (LAN) براساس استانداردهای شورای فناوری اطلاعات و ارتباطات قوه قضاییه اقدام و از مرجع مذکور تأییدیه مکتوب اخذ نمایند. حوزه معاونت اداری و مالی قوه قضاییه بر اجرای صحیح این بند، نظارت و تمهیدات لازم را فراهم خواهد نمود. رییس قوه قضاییه - سید محمود هاشمی شاهرودی

بخشهای قوه قضائیه

بخشنامه به مراجع قضائی سراسر کشور - ۱۳۸۴/۱۱۰

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام، تصویر بخشنامه شماره ۱۳۸/۸۴/۱ - ۱۰/۱/۱۳۸۴ ریاست محترم قوه قضائیه به منظور رعایت مفاد آن جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. مستشار دیوانعالی کشور و مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه - خسرو حکیمی بخشنامه به مراجع قضائی سراسر کشور پیرو اعلام نظر مبارک مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر عدم موضوعیت موارد مذکور در بندهای ۴ و ۵ و ۶ ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ با اصلاحات بعدی و اختیار جانی در انتخاب یکی از اعیان سه گانه مندرج در بندهای ۱ و ۲ و ۳ ماده مرقوم و در اجرای تبصره ذیل آن، قیمت احشام سه گانه تعیین شده برای اجرای دیات سال ۱۳۸۴ به شرح زیر ابلاغ می‌گردد. رییس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به رؤسای کل دادگستریها و دادستانهای عمومی و انقلاب سراسر کشور - ۱۳۸۴/۲۱۱

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام؛ تصویر بخشنامه شماره ۱۶۱۴/۸۴/۱ - ۱۱/۲/۱۳۸۴ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه و مستشار دیوانعالی کشور - خسرو حکیمی بخشنامه به رؤسای کل دادگستریها و دادستانهای عمومی و انقلاب سراسر کشور نظر به اینکه در ارتباط با قاچاق کالاهای دارویی، بهداشتی، خوردنی و آشامیدنی در صورت عدم احراز وقوع جرم، استرداد کالا- مستلزم تحصیل پروانه ورود از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در جهت رعایت مقررات ماده ۱۶ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۶۴ می‌باشد تا به

منظور حفظ سلامت و بهداشت جامعه از ورود و توزیع کالاهای غیربهداشتی و نیز تاریخ مصرف گذشته، جلوگیری شود، لذا به موجب این بخشنامه به کلیه قضات محترم ابلاغ می‌گردد تا پس از کسب نظر مقامات بهداشتی کشور نسبت به تعیین تکلیف این کالاها اقدام نمایند. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

اصلاحیه بخشنامه به رؤسای کل دادگستری‌ها و دادستان‌های عمومی و انقلاب سراسر کشور - ۱۳۸۴ ۲ ۱۱

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام تصویب اصلاحیه بخشنامه شماره ۱۶۱۴/۸۴/۱ - ۱۱/۲/۱۳۸۴ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. مستشار دیوانعالی کشور و مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه - خسرو حکیمی اصلاحیه بخشنامه به رؤسای کل دادگستری‌ها و دادستان‌های عمومی و انقلاب سراسر کشور بدینوسیله سال ۱۳۶۴ مندرج در متن بخشنامه شماره ۱۶۱۴/۸۴/۱ - ۱۱/۲/۱۳۸۴ در ارتباط با قاجاق کالاهای دارویی، بهداشتی، خوردنی و آشامیدنی به سال ۱۳۴۶ و عبارت «مقامات بهداشتی کشور» به عبارت «وزارت مرقوم» اصلاح می‌گردد. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به رؤسای کل دادگستریها و دادستانهای عمومی و انقلاب سراسر کشور - ۱۳۸۴ ۱ ۲۲

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام؛ تصویر بخشنامه شماره ۵۲۵/۸۴/۱ - ۲۲/۱/۱۳۸۴ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه و مستشار دیوانعالی کشور - خسرو حکیمی بخشنامه به رؤسای کل دادگستریها و دادستانهای عمومی و انقلاب سراسر کشور به منظور جلوگیری از اشاعه منکرات و جرائم منافی عفت عمومی (فحشاء)، حفظ حیثیت مرتکبان احتمالی این جرائم و پیشگیری از تبادل بی‌مورد این قبیل پرونده‌ها بین مراجع مختلف قضائی و با توجه به اختیارات حاصل از تبصره ۳ الحاقی به ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ناظر به تبصره ۳ ماده ۳ اصلاحی ۲۸/۷/۱۳۸۱، لازم است برای مدت ۳ سال دادگاه کیفری استان در شهرستان محل وقوع جرم، تشکیل شود. بدین جهت رؤسای محترم دادگستری استان با بررسیهای کافی سه نفر از قضات ارشد هر شهرستان (غیر از مرکز استان) را که از حیث سن، تجربه و تأهل برای عضویت دادگاه کیفری استان، مناسب باشند به عنوان رئیس و مستشاران موقت، انتخاب و معرفی نمایند تا با حفظ سمت، ابلاغ قضائی آنان صادر گردد و هر بار که لازم باشد با حضور دادستان محل یا نماینده وی، براساس موازین به موارد مطروح رسیدگی نموده و رای مقتضی را صادر نمایند. همچنین دادستان شهرستانهایی که دادگاه کیفری استان ندارند به صرف درج عنوان اتهامی این قبیل منکرات در گزارش مأمورین یا شکایت شاکی و مادام که با بررسیهای لازم معلوم نشده است که رسیدگی به اتهام در صلاحیت محاکم کیفری استان می‌باشد نباید نسبت به ارسال پرونده و بدرقه متهم به مرکز استان اقدام نمایند. و در موارد وجود مفسده در بدرقه متهم به مرکز استان، طبق قسمت اخیر تبصره (۳) ماده ۳ اصلاحی قانون مذکور از جهت ضرورت، تحقیقات لازم در دادرسی انجام داده و پس از احراز اتهام و تنظیم کیفرخواست پرونده تکمیلأً به دادگاه کیفری استان ارسال شود. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به واحدهای قضائی سراسر کشور - ۱۳۸۴ ۲ ۱۵

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام، تصویر بخشنامه شماره ۱۸۲۸/۸۴/۱ مورخ ۱۵/۲/۱۳۸۴ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال میگردد. مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه و مستشار دیوانعالی کشور - خسرو حکیمی بخشنامه به واحدهای قضائی سراسر کشور یکی از اهداف اصلی احیای دادرسیها در سراسر کشور سپردن امر تعقیب و تحقیق از متهمین به مقامات قضائی میباشد تا قضات دادرسی با مباشرت در این امر موجب حفظ حقوق جامعه و متهمین گردند به همین منظور توجه

قضات و ضابطین دادگستری را به موارد ذیل معطوف مینماید. ۱- به موجب قسمت دوم بند ه ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب انجام تحقیقات مقدماتی کلیه جرائم به عهده بازپرس است و در جرائمی که در صلاحیت دادگاههای کیفری استان نیست دادستان و به تبع او دادیاران دارای کلیه وظائف و اختیارات بازپرس میباشند، بنابراین مستفاد از این امر این است که مقامات دادسرا باید از بدو ارجاع و تشکیل پرونده مابشراً تحقیق امر کیفری را به عهده گرفته و بدون نظارت و حضور مقامات دادسرا هیچگونه تحقیقی توسط ضابطین صورت نگیرد بنابراین اولاً: تشکیل هرگونه پرونده قضائی در غیر از جرائم مشهود لازم است از ابتداء در دادسرا تشکیل شود. ثانیاً: استفاده از مهرهای متحدالشکل و ارجاع کلی به ضابطین و دستور به انجام تحقیقات کلی توسط مقامات ارجاع ممنوع است. ثالثاً: امر بازجوئی و استنطاق را شخصاً به عهده گرفته و در مواردی که ممکن نباشد با حضور و نظارت قاضی پرونده، بازجوئی با رعایت ضوابط و مقررات قانونی به عمل آمده و مراتب توسط مقام قضائی گواهی گردد. خامساً: در صورت وجود دلایل کافی و توجه اتهام با رعایت مواد ۱۳۲ و ۱۳۴ قانون آئین دادرسی، قرار تأمین مناسب و متناسب با نوع جرم صادر گردد و از تفویض این امر به ضابطین اکیداً جلوگیری شود یادآور میگردد برابر ماده ۱۹ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب تحت هیچ شرایطی آزادی متهم منوط به سپردن تأمین به ضابطین دادگستری نخواهد بود. سادساً: به منظور سرعت بخشیدن به امر تحقیقات مقدماتی و نظارت مستقیم مقامات قضائی، دادستانهای سراسر کشور موظف هستند هرچه سریعتر در مراکز مهم مانند ادارات آگاهی و سایر پاسگاههایی که مقدر باشد یکی از شعب بازپرسی یا دادیاری را با حفظ شئون آنان مستقر نماید. ۲- به موجب ماده ۱۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری قاضی نباید کسی را احضار یا جلب کند مگر اینکه دلایل کافی برای احضار یا جلب موجود باشد بنابراین مقامات دادسرا موظف هستند قبل از هرچیز تحقیقات مقدماتی را تکمیل نموده و از وجود دلایل کافی و توجه اتهام به متهم مطمئن شوند و ضابطین دادگستری نیز نباید در خارج از حدود جرائم مشهود راساً و بدون دستور مقام قضائی کسی را احضار یا جلب نمایند. ۳- همانگونه که در قسمت دوم ماده ۱۲۹ قانون آئین دادرسی تأکید شده است در زمان بازجوئی سئوالات باید مفید و روشن باشد و سئوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم ممنوع است و برابر ماده ۱۳۱ همان قانون پاسخ سئوالات همانطوری که بیان میشود باید بدون تغییر و تبدیل یا تحریف نوشته شود. لذا از طرح سئوالات خارج از موضوع اتهام و یا مربوط به مسائل اخلاقی و خانوادگی و سوابق متهم و بیان مطلبی در راستای مرعوب نمودن و منکوب شدن شخصیت وی جداً خودداری شود و از هرگونه عامل فشار فیزیکی و روانی اجتناب گردد بدیهی است اقرار و شهادت ناشی از شرائط مذکور نافذ نمیشد و کرامت انسانی ایجاب میکند در جریان تحقیقات از بکارگیری الفاظ و کلمات توهینآمیز و تحقیرکننده جلوگیری شود. ۴- علاوه بر ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی رعایت مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون آئین دادرسی کیفری درخصوص نحوه ضبط اشیائی که وسیله ارتکاب جرم هستند مورد تأکید است همچنین تفتیش منازل اشخاص باید با رعایت کلیه موازین شرعی و قانونی و توجه به حقوق مجاورین و در غیر موارد اضطراری باید در روز و با دستور و زیر نظر مقام قضائی به عمل آید و ضبط اموالی که ارتباطی با موضوع جرم ندارند ممنوع است. ۵- با عنایت به موارد فوقالذکر مسئولیت قانونی هرگونه تخلفی که در جریان تحقیقات مقدماتی توسط ضابطین دادگستری به عمل آید علاوه بر مباشر به عهده قاضی پرونده نیز خواهد بود و دادسرای انتظامی قضات و سایر مقامات و مدیران قضائی که حسب وظائف قانونی موظف به نظارت بر جریان دادرسی میباشند مسئول اجرای دقیق این بخشنامه میباشند. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به رؤسای حوزههای قضائی و سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور - ۱۳۸۴ ۲ ۱۷

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام، تصویر بخشنامه شماره ۱۸۵۴/۸۴/۱ مورخ ۱۷/۲/۱۳۸۴ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال میگردد. مستشار دیوانعالی کشور و مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه - خسرو حکیمی بخشنامه به رؤسای

حوزه‌های قضائی و سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به منظور مساعدت در حل مشکلات آن گروه از متهمان و محکومان زندانی که اتهام یا جرائم انتسابی به آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار نبوده و بدون پیشینه مؤثر کیفری باشند و نیز کسانی که محکومیت مالی دارند و در صورت اعطای مرخصی به آنان، میتوانند رضایت شاکی یا مدعی خصوصی را کسب نمایند یا صرفاً به خاطر جزای نقدی تا مبلغ ده میلیون ریال در زندان به سر می‌برند و همچنین مبتلایان به بیماریهای خاص و امراض صعب‌العلاجی که بنا بر تشخیص پزشکی نیازمند مداوا در خارج از زندان می‌باشند و همینطور کسانی که تا پایان محکومیت و آزادی آنان بیشتر از ۳ ماه باقی نمانده است و محبوس بودن این عده تا خاتمه اجرای حکم، جز تراکم تعداد زندانیان و تحمیل بار مالی بر زندان، ثمری ندارد، با نظارت رئیس حوزه قضائی (استان، شهرستان و بخش) و مراعات مقررات، حداکثر سه ماه مرخصی به آنان داده شود تا با استفاده از این فرصت مشکلات خود را مرتفع سازند. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به واحدهای قضائی سراسر کشور - ۱۶/۳/۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام، تصویر بخشنامه شماره ۳۱۳۶/۸۴/۱ مورخ ۱۶/۳/۱۳۸۴ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. مستشار دیوانعالی کشور و مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه - خسرو حکیمی بخشنامه به واحدهای قضائی سراسر کشور نظر به اینکه مشاهده می‌شود بعضی از قضات، نسبت به مرتکبان جرائم مربوط به مواد مخدر، همچنان به استناد ماده ۱۷ لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادین مصوب ۱۹/۳/۱۳۵۹ قرار بازداشت موقت تا شروع دادرسی یا صدور حکم برائت صادر می‌نمایند، در حالی که مواد ۳۲، ۳۳ و ۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ با تمدید بعدی، برای صدور قرار بازداشت قایل به تفصیل و ترتیب خاصی گردیده‌اند که در اغلب دادرسیها و محاکمات مراعات می‌گردد. به منظور ایجاد روش واحد و کاهش میزان صدور این نوع قرار، اقتضاء دارد از این به بعد در جرائم مربوط به مواد مخدر نیز مانند سایر جرائم، با رعایت قیود و شرایط مندرج در مواد ۳۲، ۳۳ و ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری اقدام و از صدور قرار بازداشت خلاف موازین مذکور، اجتناب گردد. سید محمود هاشمی شاهرودی - رئیس قوه قضائیه

طرح جامع رفع اطاله دادرسی

رئیس محترم هیئت مدیره و مدیرعامل روزنامه رسمی به پیوست یک نسخه طرح جامع رفع اطاله دادرسی در خصوص ارشاد و معاضدت قضائی و امور رابطان و استعلامات که در تاریخ ۳۰/۷/۱۳۸۴ به تأیید و تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده، جهت درج در روزنامه رسمی ارسال می‌گردد. رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه - عبدالرضا ایزدپناه طرح جامع رفع اطاله دادرسی دستورالعمل شماره ۱ «ارشاد و معاضدت قضائی و امور رابطان و استعلامات» مقدمه با عنایت به بند هفدهم سیاستهای کلی نظام در بخش قضائی، مصوب مقام معظم رهبری که حاکی از ضرورت «گسترش دادن نظام معاضدت و مشاورت قضائی» می‌باشد و با توجه به بند نوزدهم از برنامه تفصیلی پنجساله دوم قوه قضائیه که مبتنی بر «طرح ایجاد و گسترش مؤسسات مدنی ارشاد و معاضدت و..... برای آموزش و آگاه‌سازی قضائی» است؛ و با توجه به بند پنجم و ششم سیاستهای کلی نظام در بخش قضائی، مصوب مقام معظم رهبری که حاکی از ضرورت «تمرکز دادن کلیه امور دارای ماهیت قضائی، در قوه قضائیه.....» و «کاستن مراحل دادرسی به منظور دستیابی به قطعیت احکام در زمان مناسب» و «بالا بردن..... توان عملی ضابطان دادگستری و فراهم ساختن زمینه برای استفاده بهینه از قوای انتظامی» بوده است؛ و همچنین نظر به بند ۵ قسمت الف و قسمت ج اهداف کلان پنج ساله دوم توسعه قضائی که مبتنی بر «توانمندسازی مردم در امور قضائی از طریق آموزشهای مردمی.....» و «بهبود کارایی و اثربخشی

نظام قضایی کشور» می‌باشد؛ از آنجا که از مهمترین عوامل اطلاع دادرسی و بروز نارضایتی در آحاد مراجعه‌کنندگان به دستگاه قضایی، «ناآشنایی با روند آغاز و پیگیری دعوا و چگونگی استفاده از وکلا و کارشناسان و مشاوران حقوقی» یا «عدم استطاعت مالی در استفاده از وکلا و کارشناسان و مشاوران حقوقی» و یا «پراکندگی و بُعد مسافت میان واحدهای قضایی و ادارات مرتبط با آنها و صعوبت اخذ استعلامات از این ادارات و اطلاع روندهای پیگیری پرونده می‌باشد؛ بدین وسیله «طرح جامع رفع اطلاع دادرسی» که در راستای اجرای مصوبات مذکور و رفع معضلات اخیرالذکر، در قالب دستورالعمل شماره یک، به تفصیل ارائه گردیده است، ابلاغ می‌گردد. مقتضی است رؤسای کل محترم دادگستری استانها، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان پزشکی قانونی کشور، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (در مقام ضابط)، شورای عالی کارشناسان کشور، کانون وکلا، مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه، و دیگر مقامات ذیربط شاغل در واحدهای قضایی سراسر کشور، نسبت به ایجاد «اداره ارشاد و معاضدت قضایی، وکالت اتفاقی و معاضدت، کارشناسان، و امور رباطان و استعلامات» که منبع در این دستورالعمل، اختصاراً «اداره ارشاد و معاضدت قضایی» خوانده می‌شود، اقدام نموده و اهتمام تام و تمام در اجرای دقیق کلیه بندهای این طرح که انشاء... تأثیر به‌سزایی در رفع اطلاع دادرسی خواهد داشت، مصروف نمایند. «اداره ارشاد و معاضدت قضایی» کلیات (اهداف و وظایف و تشکیلات): «اهداف» در اجرای ماده ۱۰ اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ و ماده ۴۲ آیین‌نامه اجرایی آن در دادگستریها و مجتمعهای قضایی، اداره مذکور (ارشاد و معاضدت قضایی) زیر نظر رؤسای حوزه‌های قضایی با هدف توانمند ساختن مراجعه‌کنندگان به دادگستری و جلب رضایت آنان و رعایت حقوق همه جانبه آنها تشکیل می‌گردد. این اهداف از طریق راهنمایی و ارشاد مراجعین در راستای اقامه دعوا و پیگیری آن و همچنین بهره‌گیری از وکلای معاضدتی برای مراجعین بی‌بضاعت و امکان وکالت اتفاقی و استفاده از کارشناسان و تجمیع نمایندگان واحدهای مرتبط با محاکم و دادسراها در این اداره، در جهت تسهیل امور استعلامات و تعاملات، عینیت خواهد یافت. «وظایف» الف - افزایش آگاهیهای مراجعان درخصوص اهداف، وظایف و تشکیلات قوه قضاییه، نحوه طرح شکایات و دعاوی و چگونگی تنظیم قراردادها و تعهدات و اعمال حقوقی، راهنمایی و ارائه راههای سهل و کوتاه در احقاق حق به مراجعان واحدهای قضایی، همکاری در ایجاد و گسترش دفاتر خدمات و راهنمایی حقوقی در ادارات، سازمانها و مؤسسات دولتی و شهرداریها و نهادهای انقلاب اسلامی و اتحادیه‌های صنفی. ب - راهنمایی و ارشاد نسبت به چگونگی اخذ مشاوره و وکالت اتفاقی و کارشناسی. ج - تعیین وکیل معاضدتی برای اشخاص بی‌بضاعت. د - دلالت مراجعین به رباطان سازمانها و نهادهای مرتبط با محاکم، در جهت تسریع در اخذ استعلامات و انجام مکاتبات. «تشکیلات» این واحد در حوزه‌های قضایی اعم از دادگاه و دادسرا با اعضای زیر تشکیل می‌گردد: اداره ارشاد و معاضدت قضایی، کارشناسان، رباطان و استعلامات (مرکز استان درجه ۱) * رئیس واحد امور ارشاد و معاضدت قضایی - کارشناس مسئول قضایی (مسئول واحد). - کارشناس امور قضایی. - کارشناس امور قضایی. - مددکار. - متصدی امور دفتری و پیگیری. - متصدی امور دفتری (اپراتور). واحد امور وکالت اتفاقی و معاضدتی و کارشناسان - کارشناس مسئول امور قضایی (مسئول واحد). - کارشناس پیگیری و هماهنگی. - متصدی امور دفتری و پیگیری. - متصدی امور دفتری (اپراتور). واحد امور رباطان و استعلامات - کارشناس مسئول امور رباطان و استعلامات (مسئول واحد). - کارشناس امور رباطان. - کارشناس امور استعلامات. - متصدی امور دفتری و هماهنگی. - متصدی امور دفتری (اپراتور). اداره ارشاد و معاضدت قضایی، کارشناسان، رباطان و استعلامات (مرکز استان درجه ۲) * رئیس واحد امور ارشاد و معاضدت قضایی - کارشناس مسئول قضایی (مسئول واحد). - کارشناس امور قضایی و پیگیری. - متصدی امور دفتری (اپراتور). واحد امور وکالت اتفاقی و معاضدتی و کارشناسان - کارشناس مسئول امور قضایی (مسئول واحد). - کارشناس پیگیری و هماهنگی. - متصدی امور دفتری (اپراتور). واحد امور رباطان و استعلامات - کارشناس مسئول امور رباطان و استعلامات (مسئول

واحد). - کارشناس امور رابطان و استعلامات. - متصدی امور دفتری و هماهنگی. - متصدی امور دفتری (اپراتور). اداره ارشاد و معاضدت قضائی، کارشناسان، رابطان و استعلامات (مرکز استان درجه ۳) * رئیس واحد امور ارشاد و معاضدت قضائی - کارشناس مسئول امور قضائی (مسئول واحد). - کارشناس امور قضائی. - مددکار. - متصدی امور دفتری (اپراتور). واحد امور و کالت اتفاقی و معاضدتی و کارشناسان - کارشناس مسئول امور قضائی (مسئول واحد). - کارشناس پیگیری و هماهنگی. - متصدی امور دفتری (اپراتور). واحد امور رابطان و استعلامات - کارشناس مسئول امور رابطان و استعلامات (مسئول واحد). - کارشناس امور رابطان و استعلامات. - متصدی امور دفتری (اپراتور). واحد ارشاد و معاضدت قضائی، کارشناسان، رابطان و استعلامات مجتمع قضائی * رئیس - کارشناس امور قضائی (ارشاد و معاضدت قضائی). - کارشناس امور قضائی (امور و کالت اتفاقی و معاضدتی و معاضدتی و کارشناسان). - کارشناس پیگیری و هماهنگی (امور رابطان و استعلامات). - مددکار. - متصدی امور دفتری و پیگیری (اپراتور). * در دادگاههای عمومی بخش، زیر نظر دفتر دادگاه، یک یا دو پست به صورت مرکب (تحت عنوان کارشناس امور قضائی) پیش بینی می گردد. * در شهرستانهایی که تعداد شعب آن اعم از محاکم و دادرای عمومی و انقلاب به ۲۰ شعبه و بالاتر می رسد، تشکیلات فوق قابل اجرا می باشد و برای شهرستانهای کوچک (کمتر از ۲۰ شعبه) به تعداد لازم، پست کارشناس امور قضائی و پیگیری پیش بینی می گردد. فصل اول - ارشاد و معاضدت قضائی ۱- واحدهای مذکور در هر حوزه قضائی به تعداد لازم «کارشناس» آشنا به مسائل حقوقی، کیفری و اداری را، جهت ارشاد و معاضدت ارباب رجوع در اختیار خواهند داشت. ۲- انتخاب کارشناسان مذکور از میان کارشناسان قضائی و حقوقی شاغل و بازنشسته دادگستری، وکلای دادگستری و مشاوران حقوقی موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه، از سوی قاضی مسؤول ارشاد و معاضدت، با هماهنگی رؤسای واحدهای قضائی و دادستانها، به معاونت آموزش هر استان معرفی و پس از تأیید معاونت مذکور، ابلاغ ایشان، توسط رئیس کل دادگستری استان صادر خواهد شد. تبصره - ارشاد و معاضدت توسط وکلای دادگستری و مشاوران موضوع ماده ۱۸۷ و بازنشستگان افتخاری خواهد بود؛ لکن دادگستری متناسب با فعالیت و آمار کارکرد آنها پاداش مناسبی به آنان پرداخت خواهد کرد. ۳- کارشناسان مذکور مکلفند افراد نیازمند را ارشاد و راهنمایی و راههای سهل و ساده را برای انجام امور آنها ارائه کنند و عنداللزوم نسبت به تنظیم لوائح و عرایض مورد نیاز اقدام کنند. ۴- واحدهای مذکور، دفاتری را برای ثبت مشخصات مراجعان و علت مراجعه و نتیجه راهنمایی آنان و مشخصات کارشناس ارشاد کننده، در اختیار کارشناسان مستقر در حوزه های قضائی قرار خواهند داد. همچنین سوابق مربوط به صدور جواز و کالت و مشاوره اتفاقی و تعیین وکیل معاضدتی در دفاتر مخصوص ثبت خواهد شد. دفاتر مذکور توسط دفتر تشکیلات و برنامه ریزی تهیه و در اختیار هر واحد قرار خواهد گرفت. ۵- معاونت آموزش دادگستریها، عهده دار آموزش اعضای این واحدها خواهند بود. ۶- کلیه کارشناسان، بجز وکلای و مشاورین حقوقی و قضات بازنشسته، مکلف به گذراندن دوره های آموزشی مخصوص می باشند که سرفصلها و عناوین آن توسط معاونت آموزش قوه قضائیه تعیین خواهد شد. ۷- عریضه نویسان در هر حوزه قضائی، زیر نظر واحد مزبور، ساماندهی و توسط معاونتهای آموزش دادگستریها، آموزشهای لازم را خواهند دید. ۸- واحد ارشاد در هر حوزه قضائی که لازم بداند، مرکز مشاوره قضائی تلفنی دایر می نماید. چگونگی خدمت رسانی و شماره تلفن از طریق رسانه های جمعی به اطلاع شهروندان خواهد رسید. ۹- با توجه به ماده واحده قانون حمایت قضائی از کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۶ (۱)، واحدهای مذکور، کلیه شاغلان، مستمری و وظیفه بگیران اعم از کارمند و کارگر در وزارتخانه ها، سازمانها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها و نهادهای انقلاب اسلامی و نیروهای مسلح و مؤسساتی را که از بودجه عمومی کشور استفاده می کنند، را در حدود صلاحیت جهت طرح و یا دفاع از

دعاوی مربوط به خود یا قائم‌مقام قانونی او پس از فوت در دعاوی که از انجام وظیفه آنان ناشی می‌شود، برای استفاده از خدمات و راهنمایی حقوقی به واحد حقوقی دستگاه ذی ربط معرفی می‌کنند. ۱۰- مجامع امور صنفی (۲) نیز تسهیلات لازم را برای آموزشهای موردنیاز افراد صنف پیش‌بینی و با کمک واحد ارشاد، واحدهای حقوقی را برای مشاوره در امور مربوط به شکایات و حل و فصل اختلافات، در اتحادیه‌های اصناف دایر می‌نمایند. ۱۱- مشاوران املاک و خودرو موظفند برای تنظیم قراردادها از نظرهای حقوقی واحدهای حقوقی اتحادیه صنف خود با هماهنگی سازمان ثبت اسناد و مطابق دستورالعمل اجرایی نحوه صدور پروانه تخصصی اشتغال برای مشاوران املاک و خودرو (مصوب ۱۶/۴/۱۳۸۴ - رئیس قوه قضائیه)، استفاده نمایند. ۱۲- واحد ارشاد، نمونه قراردادها و اوراق قضائی تهیه شده توسط مراجع ذی صلاح را در اختیار واحدهای حقوقی دولتی و صنفی قرار خواهد داد. فصل دوم - امور وکالت اتفاقی و معاضدتی الف - وکالت اتفاقی ۱- با توجه به ماده ۲ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۷ (۳) و آیین نامه صدور جواز وکالت اتفاقی مصوب ۳/۳/۱۳۷۸، اشخاص واجد شرایط مقرر در این دستورالعمل، می‌توانند برای اقرای سببی یا نسبی خود تا درجه دوم از طبقه سوم با رعایت مقررات مربوط، وکالت نمایند. ۲- درخواست اخذ جواز وکالت اتفاقی، توسط شخص متقاضی به عمل می‌آید و به امضای طرفین (متقاضی و وکیل معاضدتی) رسیده و به کارشناسان مسؤول واحد در حوزه‌های قضائی سراسر کشور تسلیم می‌گردد. تبصره - فرم درخواست یاد شده، توسط دفتر تشکیلات و برنامه‌ریزی تهیه و در اختیار واحدهای استانی قرار می‌گیرد. ۳- درخواست باید متضمن معرفی کامل متقاضی و اعلام میزان تحصیلات و تجربیات و سایر جهات مؤثر در قضیه و نیز متضمن مشخصات کامل موکل یا موکلان موردنظر و درجه قرابت آنان و مشخصات موضوع دعوی باشد که متقاضی قرار است عهده‌دار طرح یا دفاع از آن شود. ۴- متقاضی مکلف است مدارک مثبت قرابت و دیگر موارد استناد یا فتوکپی مصدق آنها را پیوست تقاضای خود بنماید. ۵- برای هر مورد وکالت اتفاقی، باید جداگانه، درخواست با ضمایم کامل تهیه و تسلیم شود. ۶- پس از احراز شرایط توسط کارشناس مسؤول واحد یا دفاتر ارشاد و معاضدت قضائی، درخواست به همراه سایر مستندات به کانون وکلای دادگستری و مرکز امور مشاوران و کارشناسان مستقر در استانها یا نمایندگان آنها در شهرستانها و حوزه‌های تابعه که به همین منظور تعیین می‌شوند، تسلیم خواهد شد. ۷- کانون وکلا و مرکز امور مشاوران یا نمایندگان آنها در حوزه‌های قضائی، پس از بررسی اسناد و مدارک پیشنهادی واحد ارشاد و معاضدت، مجوز لازم را صادر می‌نماید. ب - وکالت معاضدتی ۱- اشخاص بی‌بضاعت می‌توانند از واحد ارشاد و معاضدت، تقاضای تعیین وکیل معاضدتی نمایند. ۲- تقاضای مذکور همراه کلیه مستندات دعوا و تصدیق معتمدان یا شورای اسلامی محل مبنی بر بی‌بضاعت بودن متقاضی، به واحد ارشاد و معاضدت حوزه قضائی محل اقامت متقاضی تسلیم می‌شود. تبصره - تقاضای یاد شده باید حاوی مشخصات طرفین، نوع دعوا، شغل و درآمد ماهانه متقاضی و استشهادیه محلی باشد. ۳- در صورتی که کارشناس واحد ارشاد، توضیحاتی را از متقاضی لازم بداند از مشارالیه به هر وسیله ممکن دعوت خواهد کرد. ۴- واحد ارشاد و معاضدت، پس از دریافت درخواست، هرگاه آن را ناقص ببیند، مکلف است مراتب را به متقاضی اعلام تا ظرف مدت ده روز نسبت به رفع نقص آن اقدام نماید، در صورت عدم رفع نقص پس از انقضای مدت مذکور، تقاضا بایگانی می‌شود و در صورت مراجعه ذی نفع، طبق مقررات اقدام خواهد شد. ۵- واحد ارشاد و معاضدت با توجه به مستندات و مدارک ارائه شده و عندالاقضاء، اخذ توضیح حضوری از متقاضی، چنانچه تشخیص دهد که هدف متقاضی، سوء استفاده و اذیت و آزار طرف مقابل است یا دعوا اصولاً بی‌اساس است یا موضوع قبلاً مسبوق به سابقه بوده و مردود اعلام شده است، درخواست متقاضی را رد می‌نماید. بدیهی است رد تقاضا نافی صلاحیت دادگاه در اجرای مقررات مواد ۵۰۵ و ۵۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی و سایر مقررات جاری نخواهد بود. ۶- قاضی ارشاد و معاضدت قضائی، در صورتی که درخواست متقاضی را موجه بداند، با رعایت مواد قبل و با عنایت به آیین‌نامه اجرایی مواد ۳۱ و ۳۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۵/۳/۱۳۸۴ و پس از هماهنگی با کانون وکلا و مرکز امور مشاوران قوه قضائیه، وکیلی را برای متقاضی تعیین می‌نماید. تبصره - هرگاه در حوزه

قضائی استان به تعداد مورد نیاز وکیل وجود نداشته باشد، انتخاب وکیل خارج از استان با هماهنگی و معرفی کانون و کلاء و مرکز امور و کلاء و مشاوران قوه قضائیه صورت خواهد گرفت. ۷- هر وکیل یا مشاوره قوه قضائیه مکلف است در صورت ارجاع، هر ماه حداقل یک پرونده معاضدتی قبول نماید. ۸- از تصمیم قاضی ارشاد و معاضدت در مورد تعیین وکیل چهار نسخه تهیه، نسخه اول به تقاضا کننده، نسخه دوم به وکیل منتخب، نسخه سوم در پرونده مربوط بایگانی و نسخه چهارم به کانون و کلاء و مرکز امور مشاوران جهت درج در پرونده وکیل، ارسال خواهد شد. ۹- وکیل منتخب، ملزم است نسبت به تنظیم قرارداد حق الوکاله اقدام و نسخه دوم آن را به واحد ارشاد و معاضدت ارسال مذکور را از جریان کار ارجاع داده شده مطلع سازد. تبصره - وکیل انتخابی می تواند در صورت لزوم با کارشناس واحد ارشاد و معاضدت قضائی مشورت نماید. ۱۰- در مواردی که رعایت تشریفات ذکر شده موجب انقضای مواعد قانونی شود، رئیس حوزه قضائی یا دادستان محل اقامه دعوا، می تواند به شرط کامل بودن تقاضا نامه، مستقیماً وکیل معاضدتی انتخاب نمایند و نتیجه آن را جهت تشکیل پرونده به واحد ارشاد و معاضدت ارسال نمایند. ۱۱- کلیه اوراق مورد لزوم جهت انتخاب وکیل و مشاور معاضدتی، توسط کانون و کلاء و مرکز امور مشاوران قوه قضائیه تهیه و در اختیار واحدهای مشاوره و معاضدت استانها قرار می گیرد. ۱۲- اگر متقاضی در دعوا، محکوم له واقع شود، حق الوکاله جزء خسارات دادرسی از محکوم علیه، به حکم دادگاه دریافت خواهد شد. ۱۳- در صورتی که در هر مرحله از دادرسی، واهی بودن ادعای عدم بضاعت متقاضی ثابت شود به درخواست وکیل، حق الوکاله از وی گرفته می شود. ج - ارشاد و معاضدت توسط کارشناسان رسمی نظر به اینکه برخی از مراجعات به دادگستری صرفاً جنبه فنی داشته و فاقد جنبه حقوقی می باشد، و این گونه موارد عمدتاً در مبحث «کارشناسی» (اعم از کارشناس خط، ساختمان، تصادفات، ثبت علائم و اختراعات، بیمه و سایر رشته‌های مورد نیاز) عینیت می یابد و با توجه به تأثیر بسزای نقش کارشناسان رسمی در رفع اختلافات و حل دعاوی و همچنین قانون کارشناسان رسمی دادگستری که تصریح نموده است: «کارشناس نمی تواند از قبول کاری که به او رجوع شده، خودداری نماید»، «کانون کارشناسان رسمی دادگستری» و «مرکز امور مشاوران حقوقی و کارشناسان رسمی» قوه قضائیه موظفند، حسب مورد نسبت به موارد ذیل اقدام نمایند:

- ۱- اجرای قرارهای کارشناسی معاضدتی و رایگان با عنایت به اینکه اجرای قرارهای کارشناسی، حسب تصریح قوانین بر عهده کارشناس مربوطه (به موجب تعیین دادگاه) خواهد بود و با توجه به قانون کارشناسان رسمی دادگستری بویژه تبصره ۲ ماده ۳ تعرفه حق الزحمه کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۴ رئیس قوه قضائیه، که همه کارشناسان را موظف به انجام کارشناسی رایگان برای حداکثر ۳ مورد پرونده در سال (بویژه افراد بی بضاعت) نموده است، مقتضی است کانون و مرکز امور کارشناسان رسمی دادگستری با تعیین این گونه افراد، به موجب قرعه یا اولویت یا نوبت و یا هر روش منطقی دیگر و برنامه ریزی دقیق، برای حضور ایشان در واحد کارشناسی مجتمع قضایی یا دادگستری مورد نظر، این امر را به نحوی ساماندهی نمایند که همواره به تعداد مورد نیاز از کارشناسان رسمی - خاصه در اموری که بیشتر مبتلی به می باشد اعم از ساختمان، تصادفات بیمه، خط و در این واحد مستقر گردیده و حسب ضرورت تحت نظر واحد ارشاد و معاضدت، انجام وظیفه نمایند. ۲- راهنمایی و ارشاد حسب وظایف مشخص شده برای واحد ارشاد، در صورت لزوم، مراجعه کنندگان از سوی این واحد به کارشناس دلالت خواهند شد. لذا مقتضی است کانون و مرکز کارشناسان رسمی دادگستری با استقرار دائمی نماینده بصیر خود در مجتمع قضایی یا دادگستری مربوطه به همراه کارشناسان ذی صلاحیت، در خصوص این گونه موارد ارشاد لازم را به عمل آورند و چه بسا با اتخاذ تدابیر مناسب توسط کارشناس مستقر، موضوع پیش از اقامه رسمی دعوا توسط مراجعه کننده، حل و فصل شده و منتهی به انصراف وی از تقدیم دادخواست گردد. ۳- حل اختلاف از طریق کارشناسان در بسیاری از اختلافات که موضوع اختلاف، در بردارنده جنبه تخصصی است و مستلزم کارشناسی می باشد و آن موضوع، علت اصلی اختلاف و مانع از حصول توافق میان طرفین می باشد، طرفین ممکن است توافق کنند که یک کارشناس بی طرف راجع به موضوع اتخاذ تصمیم نماید. این امر که در ماده ۲۶۸ قانون آیین دادرسی

دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی (مصوب سال ۱۳۷۹) با این عبارت تصریح شده است که: «... در این صورت، کارشناس مرضی طرفین به جای کارشناس منتخب دادگاه برای اجرای قرار کارشناسی اقدام خواهد کرد. کارشناسی که به تراضی انتخاب می‌شود، ممکن است غیر از کارشناس رسمی باشد» می‌تواند با توافق طرفین، الزام آور نیز باشد. نکته قابل توجه در این بخش آن است که واحدهای ارشاد و معاضدت قضایی، موظفند حسب تشخیص خود، افراد را نسبت به این روش حل اختلاف، آگاه نموده و مزایای آن را از قبیل رایگان بودن و عدم ضرورت رعایت تشریفات بیان و نسبت به ترغیب و دلالت ایشان به استفاده از این روش و نیز تهیه صورت جلسات، جهت مراجعه به کارشناس مرضی طرفین اقدام نمایند. کارشناسان مستقر نیز فارغ از اینکه طرفین مراجعه کننده به ایشان دارای دستور قضایی مبنی بر قرار کارشناسی باشند یا خیر، در صورت توافق طرفین، نسبت به ورود به موضوع اقدام و نهایت تلاش را در جهت رفع اختلاف مبذول خواهند داشت. فصل سوم - امور رابطان و استعلامات ۱- پزشکی قانونی - با عنایت به ضرورت مراجعه بسیاری از اصحاب دعاوی جزایی و حقوقی به ادارات پزشکی قانونی، پیش بینی راهکارهایی در جهت تسهیل تعامل ایشان در خصوص امور مرتبط با پزشکی قانونی، ضروری به نظر می‌رسد. لذا مقتضی است رئیس کل دادگستری و مدیرکل پزشکی قانونی هر استان، توأمان نسبت به اجرای موارد ذیل اقدام نمایند: الف: استقرار دائم یک پزشک قانونی در هر یک از مجتمعهای قضایی (کیفری) به منظور پاسخگویی به ضروریات اولیه اعم از پاسخ به استعلامات (با بهره‌گیری از رایانه حاوی اطلاعات پزشکی قانونی استان) و معاینات مقدماتی و ... ب: استقرار پزشک قانونی کشیک در کنار مقامات قضایی کشیک دادرسی: عدم ضرورت اخذ معرفی نامه مجدد از مقام قضایی برای مصدومانی که نیاز به معاینه مجدد دارند. د: برقراری ارتباط مناسب بین پزشکی قانونی استان با شوراهای حل اختلاف و واحدهای خسارت بیمه بدنی در جهت تسریع در پرداخت خسارت. (این بند از طریق راه‌اندازی شوراهای حل اختلاف در پزشکی قانونی و با واحدهای خسارت بیمه بدنی، عینیت خواهد یافت). « رئیس سازمان پزشکی قانونی مکلف است این قسمت از دستورالعمل را به کلیه واحدهای پزشکی قانونی کشور جهت اجراء ابلاغ نماید. » ۲- استقرار باجه بانکی - یکی از معضلات موجود برای مراجعان به نظام قضایی کشور، پرداخت مبالغ قانونی به حسابهای دولتی، از طریق سیستم بانکی است که دشواری این امر و مشکلات تردد و صرف وقت، عمده نارضایتی افراد را موجب می‌گردد. در جهت رفع این مشکل، اقداماتی از سوی قوه قضائیه انجام گردیده است تا نسبت به استقرار باجه بانک در دادگستریها و مجتمع‌های قضایی اقدام شود. به همین منظور با مدیران بانک ملی مذاکراتی صورت پذیرفته و بانک مذکور پس از هماهنگی با مدیران استانی خود، نسبت به ابلاغ موضوع به استانها اقدام کرده است و از سوی دیگر موضوع به اطلاع دادگستری‌های استان نیز رسیده است. لذا مقتضی است رؤسای کل محترم دادگستری استانها، در جهت اجرای طرح، هماهنگی لازم را با سرپرستی بانک ملی در استان مربوط برقرار و حسب ضرورت نسبت به استقرار باجه یا گیشه بانک در واحدهای قضایی اقدام نمایند. ۳- کانون کارشناسان رسمی دادگستری، مرکز امور مشاوران حقوقی، و کلا و کارشناسان قوه قضائیه - «نظر به نقش کرامند «کارشناسی» در پرونده‌های دادرسیها و محاکم و مطابق بند ۱۳ سیاستهای کلی نظام در امور قضائی، (مصوب مقام معظم رهبری) و قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۲ و آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه، نظارت بر کارشناسان رسمی دادگستری و مرکز امور مشاوران قوه قضائیه بر عهده این قوه می‌باشد و با توجه به اینکه متأسفانه نحوه اجرای قرارهای کارشناسی به یکی از معضلات رسیدگی قضایی و یکی از عوامل اصلی اطاله دادرسی تبدیل گردیده است، لذا مقتضی است: الف: به منظور دسترسی مراجع قضایی و شوراهای حل اختلاف به کارشناس در خارج از وقت اداری و جلوگیری از بازداشت متهمان و نیز فراهم آوردن امکان تأمین دلیل بویژه در اموری که جنبه فوریت دارد، در خارج از اوقات اداری، کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مرکز اجرایی ماده ۱۸۷ مکلفند نسبت به تعیین کارشناس کشیک و استقرار و نظارت بر حضور آنان در خارج از وقت اداری در رشته‌های مورد نیاز از قبیل کارشناس املاک، تصادفات و غیره اقدام نمایند و لیست کارشناسان کشیک را همه

ماهه از طریق رؤسای واحدهای قضایی به اطلاع قضات و اعضای شوراها حل اختلاف برسانند. ب: کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مرکز امور مشاوران، و کلاء و کارشناسان قوه قضائیه موظفند یک نفر از کارشناسان بصیر و مطلع را به عنوان نماینده خود به کلیه واحدهای قضایی معرفی نمایند. ج: کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مرکز امور مشاوران، و کلاء و کارشناسان قوه قضائیه موظفند با تهیه سیستم رایانه‌ای و نرم افزار مناسب، به طور مرتب اسامی کارشناسانی که به دلایلی از قبیل محرومیت - بیماری - مرخصی - کهولت سن و غیره امکان انجام کارشناسی را ندارند و همچنین موارد تلاقی و همزمانی وقت ابلاغ شده را قبل از حلول وقت دادرسی، به دادگستری‌ها اعلام و نیز هر سال، جدیدترین اطلاعات مربوط به کارشناسان ذی صلاحیت را به صورت مجموعه‌ای از کارشناسان، با ذکر مشخصات کامل آنها چاپ و در اختیار دادگستریها قرار دهند. د: کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مرکز امور مشاوران، و کلاء و کارشناسان قوه قضائیه، موظفند برای دسترسی آسان مراجعان به کارشناسان و سرعت در انجام امور محوله بر حسب تخصص تعدادی از کارشناسان را به هر واحد قضایی در تهران و شهرهای بزرگ برای انجام کارشناسی معرفی کنند. ه: کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مرکز امور مشاوران، و کلاء و کارشناسان قوه قضائیه وظیفه دارند، چنانچه اختاریه‌های کارشناسان به نحوی از انحاء امکان ابلاغ نداشته باشد و مورد از موارد قرار رد کارشناسی نباشد، فوراً به طرق مقتضی به وسیله نماینده کانون و مرکز امور مشاوران به کارشناسان مربوطه اطلاع داده شود و نتیجه آن را از طریق نماینده مزبور به مرجع قضایی مربوطه اعلام دارند. و: در صورتی که مطابق گزارشهای مقامات قضایی، هر یک از کارشناسان از انجام وظیفه خود طفره یا تعلل ورزد یا تخلفات دیگری مرتکب شود، کانون و مرکز امور مشاوران قوه قضائیه موظفند فوراً کارشناس مورد نظر را از طریق مراجع مربوط تحت تعقیب قراردادده و پس از رسیدگی قانونی، نتیجه آن را به مرجع قضایی ذی ربط ابلاغ نمایند. ز: چنانچه امور محوله به کارشناس از نظر کثرت ارجاعات خارج از حد متعارف باشد، و همچنین موارد تلاقی و همزمانی وقت ابلاغ شده، به نحوی که امکان انجام کارشناسی بموقع و سریع را از وی سلب نماید، کانون و مرکز امور مشاوران و شخص کارشناس، حسب مورد موظفند فوراً مراتب را به دادگستریهای ذی ربط اعلام تا مقام قضایی صالح مطابق مورد، اتخاذ تصمیم و عنداللزوم کارشناس دیگری انتخاب نمایند و نیز برای انتخاب بعدی وی نیز این امر مورد توجه مقامات قضایی قرار گیرد. ح: جهت هماهنگی بیشتر کارشناسان با مقامات قضایی، رؤسای واحدهای قضایی (مجمعها و دادگستریها) موظفند جلسات مستمری جهت رفع اشکالات جاری با حضور نماینده کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مرکز امور مشاوران تشکیل دهند. ۴- ادارات کل ثبت اسناد نظر به اینکه در جهت خدمت‌رسانی بیشتر و بهتر به مردم و تکریم ارباب رجوع و جلب رضایت آنان و جلوگیری از رفت و آمدهای مکرر به مراجع قضایی و واحدهای ثبتی و در راستای جلوگیری از اطاله دادرسی، پاسخ فوری به استعلامات ثبتی مراجع قضایی راجع به وضعیت مالکیت پلاکهای ثبتی سهم بسزایی دارد، علی‌هذا ضرورت دارد واحدهای ثبتی، رابطی با تجهیزات لازم در دادگستریها و مجمعه‌های قضائی مستقر و نسبت به پیگیری استعلامات و مکاتبات قضایی اقدام مقتضی و فوری به عمل آورند و به‌ویژه به استعلامات مراجع قضایی راجع به مالکیت پلاک ثبتی حداکثر ظرف سه روز پاسخ دهند. بدیهی است رؤسای واحدهای قضایی همکاری لازم را خواهند داشت» ۵- نیروی انتظامی (در مقام ضابط) با عنایت به بند ۱۱ سیاستهای کلی قضایی نظام مصوب مقام معظم رهبری مبنی بر «ضرورت ارتباط ضابطان دستگاه قضایی با محاکم و دادرها» و نقش کارساز ایشان در انجام دستورهای قضایی اعم از نظارت بر مأموران و ابلاغها و جلب افراد ... و نیز با توجه به تبعات منفی هر نوع تمرد یا تخطی یا سهل‌انگاری و افراط و تفریط ضابطان در اجرای دستور و به منظور امکان کنترل و نظارت بیشتر، لازم است در هر یک از دادرها و مجمعه‌های قضایی سراسر کشور یک یا چند نفر از عوامل بازرسی ناجا تحت نظارت و ریاست دادستان یا سرپرست دادرای هر حوزه قضایی، مستقر شوند و نظارت دقیق بر عملکرد عوامل ناجا (در مقام ضابط قضایی) را عهده دار باشند. بدیهی است این افراد با حکم فرمانده نیروی انتظامی هر استان خطاب به رئیس کل دادگستری استان منصوب و علاوه بر انجام مأموریتهای محوله، حسب ضرورت موظف

به ارائه گزارشهای دوره‌ای و موردی به دادستان نیز می‌باشند. ۶- امور زندانیها نظر به اینکه عدم هماهنگی منظم اداره زندان با واحدهای قضایی موجب بسیاری از تجدید اوقات دادرسی، و نتیجتاً موجب اتلاف وقت قضات و طولانی شدن فرایند دادرسی می‌شود، از این حیث لازم است در واحدهای قضایی که حجم پرونده‌های کیفری، اقتضای استقرار نماینده‌ای از اداره زندانها را ضروری می‌نماید، فردی به عنوان رابط اداره زندان مجهز به سیستم رایانه‌ای در دادرها و مجتمع‌های قضایی کیفری مستقر گردد تا اولاً - آمار دقیقی از زندانیان و علت زندانی بودن آنها توسط رابط تهیه شود. ثانیاً - این رابط نسبت به انتقال مشکلات زندانیان به مقامات ذی ربط قضایی به طرق مقتضی اقدام نماید. ثالثاً - مدیران دفاتر دادگاهها و منشیهای دادرها موظف شوند در تعیین وقت رسیدگی راجع به زندانیها - از حیث اینکه آیا با توجه به طول مدت حبس، زندانی در زمان رسیدگی در زندان می‌باشد یا خیر؟ - دقت نظر لازم را معمول دارند که در این صورت، از نشانی دیگری در احضاریه استفاده شود. رابعاً - در صورتی که از حیث نظم و انضباط در رفت و آمد زندانیان، اقتضاء داشته باشد، صرفاً در روزهای خاصی، مانند روزهای فرد یا زوج نسبت به احضار آنها اقدام شود. خامساً - در جهت جلوگیری از جعل و تحریف نامه‌ها و مکاتبات، ارسال احضاریه‌ها و اوراق قضایی مربوط به زندانیان، بدواً به نظر رابط مزبور رسیده و از آن طریق به اداره زندان ابلاغ شود. ۷- سایر استعلامات همان طوری که در بخشهای گذشته به تعدادی از مهمترین نهادهای مرتبط از جمله پزشکی قانونی و سازمان ثبت اسناد و سازمان زندانها اشاره شد، سازمانها و نهادهای مرتبط، صرفاً به این موارد محدود نبوده و دستگاههای دیگر از جمله: بیمه، شهرداریها، دواير راهنمایی و رانندگی، وزارتخانه‌های مختلف و واحدهای زیرمجموعه آنها از جمله: وزارت ارشاد، جهاد کشاورزی (سازمان جنگلها و مراتع و منابع طبیعی)، سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان ثبت احوال، گمرک و ... را شامل می‌گردد. لذا با عنایت به آنکه ساماندهی نوع تعامل با این دستگاهها تأثیر به‌سزایی در رفع اطاله دادرسی و پیشبرد امور خواهد داشت، مقتضی است رؤسای واحدهای قضایی بدواً نسبت به شناسایی مهمترین دستگاههای مرتبط و اولویت بندی آنها اقدام نموده و حسب مورد با هماهنگی متولیان آنها، عنداللزوم نماینده‌ای از هر یک از دستگاههای مزبور تعیین و در واحد امور رابطین و استعلامات مستقر نمایند. بدیهی است رؤسای محترم واحدهای قضایی بنا به عرف و شرایط جغرافیایی و فرهنگی و اجتماعی منطقه محل خدمت خود، ارتباطات لازم سازمانی را برقرار و در جهت اجرای کامل این بند اقدام می‌نمایند. آن قسمت از دستورالعملها و بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌هایی که مغایر این دستورالعمل می‌باشند، کان لم یکن تلقی می‌گردند و اعتبار لازم برای اجرای صحیح این دستورالعمل، سالانه توسط معاونت اداری و مالی پیشنهاد و در بودجه قوه قضائیه ملحوظ می‌گردد. رؤسای کل دادگستریها و سازمانهای وابسته قوه قضائیه موظفند به فوریت، نسبت به اجرای تمامی قسمتهای این دستورالعمل با همکاری و تعامل یکدیگر، از طریق تشکیل جلسه در شورای قضایی استان، ظرف یک ماه اقدام و گزارش هر قسمت را به صورت مستقل، هر ماه به معاونت اول قوه قضائیه اعلام دارند.» رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی‌شاهرودی ۱- تمام وزارتخانه‌ها، شرکتها، مؤسسات و سازمانهای دولتی و دستگاههایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است؛ همچنین نیروهای مسلح (نظامی و انتظامی) مکلفند بنا به درخواست کارکنان خود در زمان حیات یا وراثت درجه اول آنان پس از فوت در دعواهایی که از انجام وظیفه آنان ناشی می‌شود یا به نحوی با وظایف ایشان مرتبط است با استفاده از کارشناسان حقوقی شاغل، به آنان خدمات حقوقی ارائه کنند. ۲- ماده ۳۰ قانون نظام صنفی مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲ وظایف و اختیارات اتحادیه... ح - ایجاد تسهیلات لازم برای آموزشهای موردنیاز افراد صنف به طور مستقل یا با کمک سازمانهای دولتی یا غیردولتی تشکیل کمیسیونهای رسیدگی به شکایات، حل اختلاف، بازرسی واحدهای صنفی، فنی و آموزش و کمیسیونهای دیگر مصوب هیأت عالی نظارت. ۳- ماده ۲ قانون وکالت مصوب ۲۵ بهمن ۱۳۱۵: اشخاصی که واجد معلومات کافی برای وکالت باشند ولی شغل آنها وکالت در عدلیه نباشد، اگر بخواهند برای اقربای سببی و نسبی خود تا درجه دوم از طبقه سوم وکالت بنمایند ممکن است به آنها در سال، سه نوبت جواز وکالت اتفاقی داده شود.

دستورالعمل ساماندهی نظارت بر تردد مراجعین و ارتقاء رفتار سازمانی در قوه قضائیه - مصوب ۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور احتراماً به پیوست دو نسخه دستورالعمل ۱- ساماندهی نظارت بر تردد مراجعین و ارتقاء رفتار سازمانی در قوه قضائیه ۲- ساماندهی نظام ارجاع و دفاتر شعب دادگاهها و دادسراها و واحد ابلاغ و استفاده از فرمهای استاندارد که در تاریخ ۱۵/۱۱/۱۳۸۴ به تأیید و تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده، جهت درج در روزنامه رسمی ارسال می‌گردد. رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه - عبدالرضا ایزدپناه دستورالعمل ساماندهی نظارت بر تردد مراجعین و ارتقاء رفتار سازمانی در قوه قضائیه در راستای اجرایی نمودن بند هشتم از سیاستهای کلی قضائی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری درخصوص «اصلاح و تقویت نظام نظارتی و بازرسی قوه قضائیه بر دستگاههای اجرایی و قضایی و نهادها» و همچنین با عنایت به قسمت پنجم از بند ب اهداف کلان پنج ساله دوم توسعه قضایی مبنی بر «حفظ سلامت کادر قضایی و اداری از طریق بهبود وضع معیشتی آنان و تقویت نظارت و کنترل بر عملکرد و جلوگیری از هرگونه اعمال نفوذ و کار چاق کنی» و در جهت رفع بسترهای فساد و پیشگیری از وقوع جرم در فضاها داخلی مجموعه نظام قضایی کشور، ذیلاً دستورالعمل «ساماندهی نظارت بر تردد مراجعین و ارتقاء رفتار سازمانی در قوه قضائیه» ابلاغ می‌گردد. لذا مقتضی است معاونتهای محترم قوه قضائیه، رئیس محترم مرکز حفاظت و اطلاعات کل، رؤسای محترم دیوانعالی و دیوان عدالت اداری، دادستان محترم کل، دادستان انتظامی قضات و خاصه، رؤسای کل محترم دادگستری استانها، دقت نظر لازم را حسب مورد درخصوص اجرا یا نظارت بر اجرای مفاد این دستورالعمل اعمال نمایند: (۱) به منظور امکان اعمال نظارت بر افرادی که در واحد قضایی مربوطه تردد می‌نمایند، مقتضی است تمامی دفاتر کل به صورت مکانیزه و مجهز به رایانه بوده و تمامی اطلاعات مربوط به اصحاب دعوا و مرتبطين به فوریت در رایانه ثبت گردیده و بر این اساس، صحت و سقم اظهارات افراد حاضر در شعب یا دفاتر یا راهروهای واحد قضایی با مراجعه به رایانه دفتر کل، مشخص گردد و در همین راستا، نگهبانان ورودی و مسئولین اطلاعات از ورود کلیه افراد فاقد مستندات اعم از احضاریه و ممانعت به عمل خواهند آورد (مگر در مواردی که ذینفع بودن ارباب رجوع توسط دفتر کل یا شعبات ذیربط تأیید شود) (۲) به موجب ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی، «مدیر دفتر دادگاه، پس از وصول دادخواست باید فوری آنرا ثبت کرده، رسیدی مشتمل بر نام خواهان، خوانده، تاریخ تسلیم (روز و ماه و سال) با ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده دادخواست بدهد و در برگ دادخواست، تاریخ تسلیم را قید نماید». لذا نظر به اینکه عمده دفاتر شعب در حال حاضر، صرفاً در صدور رسید، به ثبت شماره و تاریخ اکتفاء می‌نمایند، توجه متصدیان مربوطه را به اجرای دقیق و کامل ماده قانونی مذکور جلب نموده و بر برخورد قانونی با متخلفین تأکید می‌نماید. بدیهی است دقت در این امر، خاصه در مواردی که به فرد، ابلاغ حضوری شده و اخطاریه‌ای در دست ندارد، امکان کنترل تردد کنندگان در واحد قضائی را - با مطالبه رسید دادخواست از وی و کنترل مشخصات - میسر خواهد نمود. (فرم رسید دادخواست توسط دفتر تشکیلات و برنامه‌ریزی قوه قضائیه استاندارد و جهت تکثیر ابلاغ می‌شود) (۳) از هرگونه جابجایی بی مورد مدیران دفاتر پرهیز گردیده و در قبال آن با برنامه زمانبندی شده، نسبت به جابجایی دوره‌ای مدیران دفاتر و کارکنان شعب در جهت پیشگیری از وقوع جرم اقدام گردد. همچنین هرگونه جابجایی مدیران دفاتر به اطلاع حفاظت اطلاعات رسیده، پس از کنترل دقیق اسناد و پرونده‌های شعبه مربوط و صورتجلسه تحویل و تحول پرونده و اسناد مربوطه، به صورت دقیق تنظیم و به امضای هر دو مدیر دفتر برسد. همچنین درخصوص تعیین تکلیف پرونده‌هایی که احیاناً مفقود یا ناقص گردیده است، اقدام لازم صورت پذیرفته و به مقامات ذیصلاح گزارش گردد. (۴) خارج کردن پرونده‌ها از شعب دادرها و دادگاهها، حتی توسط قضات ممنوع بوده و در صورت ضرورت، با برگ شماری و تهیه بدل و تسلیم رسید به مسئول مربوط امکان پذیر خواهد بود لیکن خروج پرونده‌های مهمه ملی و بین‌المللی - که برای دادرسان آنها ابلاغ ویژه صادر می‌گردد -، از شعبه رسیدگی کننده مطلقاً ممنوع بوده و لازم است مکان مناسب مورد تأیید

حفاظت و اطلاعات، جهت استقرار دادرس و همکاران وی پیش‌بینی شود. (۵) به‌طور کلی ملاقات‌های شخصی قضات و کارکنان محاکم دادگستری در ساعات اداری با هماهنگی قبلی نگهبانی و اخذ کارت شناسایی معتبر از مراجعه کننده، به شعبه مربوط میسر خواهد شد. همچنین در صورت وجود فرم تردد (که از سوی دفتر تشکیلات و برنامه‌ریزی تهیه خواهد گردید) صرفاً با رؤیت کارت شناسایی و انتقال اطلاعات آن بر روی فرم و تحویل فرم اکتفا خواهد گردید. بدیهی است اینگونه مراجعه کنندگان، تنها با تحویل فرم تایید شده توسط فرد مراجعه شونده، امکان خروج از واحد قضایی را خواهند داشت. (۶) رؤسای کل دادگستریها و رؤسای واحدهای قضایی موظفند در بازدیدهای بدون اطلاع قبلی از مجموعه تحت مدیریت خود، اعم از دفاتر شعب و معابر داخلی و محوطه و تعامل مستقیم با مراجعه کنندگان به واحد قضایی، حسب مورد اطلاعاتی از قبیل: دلیل مراجعه ایشان، تعداد دفعات مراجعه، علت اطاله دادرسی احتمالی، دیدگاه ایشان نسبت به نحوه رسیدگی، نوع رفتار دادرس و متصدیان دفتر شعب و ... را کسب نمایند و تصمیمات فوری در جهت رفع مشکل، حسب مورد اتخاذ نمایند. (۷) به موجب نظامنامه تخلفات انتظامی قضات و ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری که «ترک خدمت در خلال ساعات اداری» را جزو تخلفات کارکنان، احصاء نموده‌است، ضروری است هرگونه خروج از واحد قضایی در ساعات اداری صرفاً با هماهنگی مقام بالاتر و اخذ مجوز (مرخصی ساعتی) صورت پذیرد. (۸) نظارت و ساماندهی امور نگهبانی در تمامی واحدهای قضایی برعهده حفاظت و اطلاعات می‌باشد. مسئولین واحدهای حفاظت و اطلاعات موظفند ضمن نظارت بر نگهبانان و تردد افراد به واحد قضایی مربوط، از ورود افراد متفرقه و فاقد مستندات لازم جهت مراجعه به واحد قضایی در موارد مشکوک، ممانعت نمایند. (۹) مسئولین واحدهای حفاظت و اطلاعات موظفند، حسب مورد با ایجاد راهکارهای مقتضی، اعم از: استقرار دفتر، صندوق پستی، پست الکترونیک و ... امکان ارتباط سهم‌الوصول مراجعین با آن واحد را فراهم نمایند. (۱۰) در جهت جلوگیری از آمد و شد افراد مرتبط با پرونده‌ها به دیوانعالی کشور (به ویژه پرونده‌های مربوط به شعبات تشخیص)، مقتضی است با اعلام شماره نمابر و تلفن از سوی اداره دفتر آن دیوان، امکان پاسخگویی تلفنی به افراد ذینفع میسر گردد. رعایت توصیه‌های حفاظتی در این خصوص الزامی است. (۱۱) مقتضی است در ورودی تمامی ساختمانهای قوه قضائیه خاصه دیوانعالی کشور و دیوان عدالت اداری، با رعایت اولویت و در جهت تأمین امنیت با حفظ کرامت اشخاص، دستگاه «گیت» نصب گردیده و افراد ملزم به عبور از آن شوند. همچنین با نصب تابلوهایی درخصوص معرفی ملزوماتی که به همراه داشتن آنها در ورود به واحدهای قضایی ممنوع می‌باشد و همچنین تابلوی «ممنوعیت ورود اشخاص فاقد سمت در پرونده» از بروز حوادث پیشگیری گردد. (۱۲) ضروری است در ورودی واحدهای قضایی و محلهای تردد مراجعین، سیستم دوربین مداربسته برقرار و نمایشگرهای مربوطه نیز در دفتر رئیس حوزه قضایی مستقر گردد. (۱۳) ضروری است از ورود دستگاههای مربوط به ضبط تصویر (اعم از: تلفنهای همراه) و صوت (اعم از: دستگاههای خبرنگاری و غیره)، به واحدهای قضایی جلوگیری نموده و این امر در موارد ضروری صرفاً با هماهنگی رئیس حوزه قضایی امکان‌پذیر خواهد بود. (۱۴) مقتضی است قضات و کارمندان محترم، حتی‌الامکان در ساعات اداری از مکالمه با تلفن همراه خودداری نموده و دستگاههای مربوط را در حین دادرسی و تحقیقات قضایی خاموش نمایند. (۱۵) به مدیران و قضات و کارمندان قوه قضائیه تأکید می‌شود از پذیرش اشخاصی که خود را منتسب به نهادهای امنیتی و یا مقامات کشوری و قضایی می‌کنند، امتناع و پس از احراز هویت آنان چنانچه سوء استفاده و یا جعل عنوان و کذب ادعای آنها محرز شود، جهت بررسی و عنداللزوم تعقیب قانونی به واحدهای حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه و دادسرا معرفی شوند. (۱۶) اجرای دقیق دستورالعمل‌های حفاظتی تدوین شده از سوی مرکز حفاظت و اطلاعات کل قوه قضائیه به شرح ذیل ضروری می‌باشد: الف: رفع نواقص و مختصات فیزیکی محاکم اعم از: امکان نفوذ غیرمجاز به بخشهای مختلف ساختمانهای واحدهای قضایی در ساعات اداری و غیراداری از سوی افراد فاقد صلاحیت و همچنین امکان استتساخت از اسناد و مدارک و سرقت آنها یا معدوم نمودن یا امکان آتش سوزی عمدی و امثالهم. ب: استقرار دفاتر، اسناد، مدارک، پرونده‌ها، رایانه‌ها

و ملزومات مربوطه در محل مناسب، دور از دسترسی افراد فاقد صلاحیت. ج: تحویل فوری « ملزومات و مکشوفات مرتبط با پرونده » به انبار واحد قضایی و ساماندهی امر تحویل و تحول و ورود و خروج آنها از انبار و همچنین دقت در درج مشخصات پرونده مربوط بر روی هریک از لوازم انتقالی به انبار. د: رعایت دقیق آیین‌نامه طرز نگهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و نحوه تعیین طبقه‌بندی اسناد طبقه‌بندی شده (مصوب سال ۱۳۵۴) با عنایت به تعامل انواع مرتبین با محاکم اعم از « سربازان، ضابطین، نیروهای شرکتی، محققین، وکلا، کاراموزان و ارباب دعا » و دقت در صلاحیت هریک از ایشان در دسترسی به اسناد و پرونده‌ها با رعایت شأن مشارالیه و طبقه‌بندی حفاظتی هر پرونده و سند. تبصره: شورای حفاظت و اطلاعات استان که به ریاست رئیس کل دادگستری استان و عضویت اعضای شورای قضائی استان تشکیل می‌گردد، نظارت لازم را بر اجرای مفاد این ماده به عمل خواهد آورد. دبیر این شورا، رئیس حفاظت و اطلاعات دادگستری کل استان می‌باشد. (۱۷) با عنایت به ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی کیفری و بند ۱۱ از ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، افشای اسرار و تصمیم‌های پرونده‌های قضایی در روند قبل و بعد از رسیدگی (و قبل از ابلاغ دادنامه)، از سوی قضات و کارمندان مرتبط، ممنوع می‌باشد. (۱۸) ضروری است کلیه کارکنان دستگاه قضایی از هرگونه مصاحبه با رسانه‌ها درخصوص پرونده‌های قضایی و یا اظهارنظری که شائبه اعلام موضع از سوی دستگاه قضایی را ایجاد نماید، پرهیز نمایند و در مواقع ضروری طبق آئین‌نامه مربوطه صرفاً با هماهنگی معاونین رئیس قوه قضائیه و یا رؤسای کل دادگستری‌ها حسب مورد مبادرت ورزند. (۱۹) با توجه به آثار سوء و غیرقابل جبران تخلفات احتمالی کارکنان، هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات کارمندان (مستقر در دستگاه قضایی)، مجاز به اعمال تخفیف یا اغماض نسبت به متخلفین از مفاد این دستورالعمل نمی‌باشند. (۲۰) به موجب بند ۱۵ از ماده ۸ قانون تخلفات اداری و مواد ۲ و ۳ و ۴ نظامنامه تقصیرات انتظامی قضات، سهل‌انگاری رؤسای محاکم و دادستانها و مدیران در عدم ارائه گزارش تخلفات کارمندان تحت امر، تخلف محسوب می‌شود. لذا توجه رؤسای محترم واحدهای قضایی و اداری را به این امر و همچنین ضرورت توجیه کارمندان تحت امر و گوشزد نمودن تکلیف قانونی به ایشان، مبنی بر ضرورت ارائه گزارش تخلفات، جلب می‌نماید. (۲۱) ضروری است با ممانعت از حضور عریضه نویسان در اطراف واحدهای قضایی و ساماندهی و کنترل آنها، نسبت به صدور مجوز فعالیت برای ایشان از سوی رؤسای واحدهای قضایی (مدیریت واحد ارشاد و معاضدت قضایی) اقدام گردد. (۲۲) مقتضی است روابط عمومی دادگستری‌های کل استانها و سازمانهای وابسته با برقراری تعامل مستمر با رؤسای واحدهای قضایی و رسانه‌ها (خاصه صدا و سیما) به نحوی اقدام نمایند که « محوریت پاسخ‌گویی و تکریم ارباب رجوع و عدالت محوری در دستگاه قضایی » مورد تأکید قرار گرفته و از طریق برگزاری همایشها و مصاحبه با صاحب‌نظران داخل و خارج از دستگاه قضایی، پیشرفتهای صورت گرفته و خدمات انجام شده در سالهای اخیر در نظام قضایی کشور معرفی گردد. همچنین زمینه تشویق و تشهیر کارکنانی که حسن خلق و تکریم و پاسخگویی مناسب به ارباب رجوع را سرلوحه رفتار خود قرار داده و به هر نحو در جهت پیشرفت قوه قضائیه تلاش می‌کنند را، فراهم نمایند. (۲۳) معاونت آموزش قوه قضائیه موظف است با هماهنگی مرکز حفاظت و اطلاعات کل قوه قضائیه و اداره کل روابط عمومی قوه قضائیه، کمیسیونی را تشکیل و اقدام به تهیه، تدوین و نشر اقلام تبلیغاتی اعم از تابلو، بروشور، پلاکارد و ... در جهت توجیه کارکنان و مراجعین نسبت به سوء جریانات و پیشگیری از وقوع جرم نماید. مسئولیت اجرای این دستورالعمل بر عهده مسئولین کلیه واحدهای قضائی و اداری اعم از ستاد و استانها و همچنین رؤسای سازمانهای وابسته قوه قضائیه می‌باشد. « مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه » و « دفتر پیگیری طرحها و برنامه‌ها و هماهنگی امور استانها و سازمانهای وابسته » موظفند از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این دستورالعمل، ماهانه گزارش کاملی از روند اجرایی آن در تمامی حوزه‌های قضای و ستادی قوه قضائیه اعلام نمایند. این دستورالعمل مشتمل بر ۲۳ ماده و یک تبصره در تاریخ ۱۳۸۴/۱۱/۱۵ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی طرح جامع رفع اطاله دادرسی دستورالعمل شماره ۲ ساماندهی نظام ارجاع و دفاتر شعب دادگاهها و دادرها و واحد ابلاغ و

استفاده از فرمهای استاندارد مقدمه در اجرای بندهای چهارم (تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی در سطوح مورد نیاز) و ششم (کاستن مراحل دادرسی به منظور دستیابی و قطعیت احکام در زمان مناسب) و نهم (استفاده از روش داوری و حکمیت در حل و فصل دعاوی) سیاستهای قضایی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و همچنین با توجه به بند اول از قسمت الف اهداف کلان برنامه پنج ساله دوم توسعه قضائی مبنی بر « ایجاد و توسعه نهادهای شبه قضائی (شوراهای حل اختلاف، داوریهای الزامی، هیأت‌های اداری و صنفی رسیدگی به تخلفات، مؤسسات میانجیگری و پیشگیری از اختلاف) » و بند سوم از قسمت ج آن برنامه مبنی بر « تخصصی نمودن محاکم و استفاده از کارشناسان و مشاوران و متخصصان در هر بخش، لازم است پس از تصویب و ابلاغ دستورالعمل شماره ۱ رفع اطاله دادرسی که مشتمل بر ساماندهی امر « ارشاد و معاضدت قضائی و امور کارشناسان و وکالت اتفاقی و امور رابطین و استعلامات» بوده است، مرحله بعدی که موضوع « ارجاع » پرونده‌ها و ساماندهی و تشخیص صلاحیت مرجع رسیدگی کننده می‌باشد و علی‌القاعده هرگونه سوء تدبیر یا اشتباه در ارجاع، تراکم کار دادگستری و نتیجتاً اطاله دادرسی را به دنبال خواهد داشت، مدنظر قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، آنگاه که در پی دقت در فحوای دعاوی وارده، ضرورت رسیدگی به آن در محکمه احساس گردیده و لزوم آغاز مراحل دادرسی در شعبه احراز می‌شود، باید توجه داشت که « نا آشنایی بعضی از مدیران دفاتر، منشیان و متصدیان خدمات اداری (ثبات و بایگان) با شرح وظایف خود » و « عدم رعایت مقررات آیین دادرسی » نیز می‌تواند به شدت در تطویل روند دادرسی مؤثر باشد که در راستای پیشگیری از مشکلات مذکور، ضروری است رؤسای واحدهای قضایی و قضات محترم، اهتمام بیش از پیش به مقوله ارجاع مبذول داشته و ضمن توجه به صلاحیت محکمه و صلاحیتهای نهادهای شبه قضائی (شصت نهاد شبه قضایی)، صرفاً در صورت احراز صلاحیت دادگستری، دادخواستها و شکایات را قبول و ارجاع نموده و در صورت قبول دعاوی وارده، نظارت لازم را بر « توجه اعضاء دفتری به شرح وظایف خود »، « استفاده از فرمهای استاندارد برای طرح شکایات و دعاوی » و « کنترل مستندات و مدارک قانونی » اعمال نمایند. این دستورالعمل بنا بر تفکیک مشکلات و راهکارها در دو فصل جداگانه با عنوان « ساماندهی نظام ارجاع » و « ساماندهی دفاتر شعب دادگاهها و دادسراها و واحد ابلاغ و استفاده از فرمهای استاندارد » ارائه می‌گردد. ضمن تأکید مجدد بر مسئولیت قضات ذریبط در اجرای تمامی بخشهای دستورالعمل، ضرورت توجه دقیق کارکنان اداری محاکم بر اجرای فصل دوم را نیز متذکر می‌گردد: فصل اول ساماندهی نظام ارجاع در راستای اعمال سیاست « قضازدایی » و کاهش ورودی پرونده‌ها به محاکم، یکی از مهمترین ابزارهای موجود، توجه به سایر مراجع و تقویت نهادهای شبه قضائی است. در همین زمینه، دقت نظر در ماده ۱۰ آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی (مصوب ۱۳۷۹) و ضرورت تفسیر موسّع از این قانون و همچنین توجه به « صلاحیتهای واحد اجراء ادارات ثبت »، « تشکیل دفتر نهادهای شبه قضایی در دادگستریها و دادسراها »، « تشکیل مجتمع قضایی ویژه دعاوی بانکها در مراکز استان »، « تقویت نهاد داوری » و « توجه به ارجاع تخصصی پرونده‌ها »، راهکارهایی است که ذیلاً به تفصیل بیان گردیده و توجه دقیق در اجرای مفاد هر بخش ضروری می‌باشد: الف - توجه به صلاحیت دادگستری در زمان ارجاع ۱- نظر به اینکه مطابق ماده ۱۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ که مقرر داشته « رسیدگی نخستین به دعاوی، حسب مورد در صلاحیت دادگاههای عمومی و انقلاب است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد » رسیدگی به اموری که به حکم قانون به مرجع دیگری اعم از دادگاههای نظامی، ویژه روحانیت، دیوان عدالت اداری و مراجع شبه قضایی (از قبیل: کمیسیونهای مالیاتی، هیأت‌های حل اختلاف کار، شوراهای حل اختلاف و یا نهادهای داوری) واگذار شده از دایره شمول رسیدگی دادگاهها خارج است، لذا چنانچه موضوعی در صلاحیت مراجع مذکور و یا کمیسیونهایی مانند کمیسیون موضوع مواد ۱۰۰ و ۷۷ قانون شهرداری، ماده ۷۲ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲(۱) و ماده ۱۴ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه(۲) باشد، قضات محترم قبل از هرگونه اقدام و رسیدگی به موضوع، به صلاحیت ذاتی دادگستری توجه و در صورت مواجهه

با یکی از موارد فوق از ارجاع به شعب دادگاهها امتناع و در صورت ارجاع به شعب، با صدور قرار عدم صلاحیت، از رسیدگی امتناع نمایند. همچنین مقتضی است رؤسای واحدها و مجتمع‌های قضایی با نصب تابلویی در محل واحد ارشاد و معاضدت قضایی، لیست نهادهای شبه قضایی و وظایف و صلاحیت هر یک از آنها را به همراه توضیحات لازم و مزایای مادی و معنوی پیگیری از طریق این نهادها، در معرض دید مراجعین قرار دهند. جهت سهولت و سرعت در کار، فهرست عناوین نهادهای شبه قضایی که رسیدگی به عناوین اشعاری از وظایف آنها می‌باشد، به پیوست ارسال می‌گردد. (ضمیمه شماره ۱) ب- تشکیل دفتر نهادهای شبه قضایی زیر نظر واحد ارشاد و معاضدت قضایی از آنجایی که اشخاص جهت طرح دعوی و شکایات خود در ساعت‌های اداری به دادگستریها مراجعه می‌کنند و علیرغم اینکه بسیاری از اینگونه دعاوی قابلیت حل و فصل و رسیدگی در شوراهای حل اختلاف و دیگر نهادهای شبه قضایی را دارند، لیکن بعلت فعالیت این شوراها و کمیسیونها در بعد از ساعات اداری یا خارج از محل دادگستری، استفاده از آنها غیر ممکن و یا مشکل می‌گردد. علیهذا لازم است رؤسای محترم حوزه‌های قضایی در جهت تسریع و تسهیل در رسیدگی به دعاوی و اختلافات و به منظور تکمیل ظرفیت نهادهای شبه قضایی، به ویژه نهاد شوراهای حل اختلاف، دفتری زیر نظر واحد ارشاد و معاضدت قضایی دادگستریها و داسراها، به همین نام تشکیل و اعضاء دفتر را مکلف نمایند شکایات و دادخواست‌هایی که به دلالت «معاونت ارجاع» مربوط به نهادهای شبه قضایی باشد، اخذ و ثبت و نسبت به ارسال آن به نهادهای شبه قضایی مربوط اقدام و همچنین راهنمایی لازمه را در جهت مراجعه به شوراهای تخصصی ویژه (مانند شوراهای حل اختلاف صنفی)، انجام دهند & (۱۷۷۹) ج- احاله پرونده‌های موضوع مواد ۹۲ و ۹۳ قانون ثبت به واحد اجراء ثبت اسناد (اسناد لازم الاجراء) مطابق ماده ۹۲ قانون ثبت اسناد «مدلول کلیه اسناد رسمی راجع به دیون و سایر اموال منقول، بدون احتیاج حکمی از محاکم عدلیه، لازم الاجراء است...» و همچنین مطابق ماده ۹۳ «کلیه اسناد رسمی راجع به معاملات املاک ثبت شده مستقلا و بدون مراجعه به محاکم لازم الاجراء است.» و نیز برابر ماده ۱۳۲ قانون مذکور، پرداخت هزینه اجرایی پس از وصول طلب موضوع اجرائیه و آنهم توسط مدیون تجویز گردیده است و ریاست محترم سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در ارتباط با توسعه واحدهای اجراء ثبت، اقداماتی به عمل آورده است و با توجه به اینکه ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در خصوص مجازات اشخاصی که به قصد فرار از دین اموالشان را به نحوی به دیگران منتقل می‌نمایند، شامل بدهکاران اجرائیه ثبتی هم می‌شود، معاونتهای ذیربط در دادگستریها و مجتمع‌های قضایی (ارجاع) قبل از ارجاع پرونده‌های مشمول مواد ۹۲ و ۹۳ قانون ثبت اسناد (اسناد رسمی لازم الاجراء) یا اسناد در حکم آن، مانند چک و قراردادهای بانکی) به نحوی با اطلاع رسانی شفاف، سعی در متقاعد کردن دادخواه به مراجعه به واحدهای اجراء ثبت بنماید تا در صورت تمایل، به واحدهای موصوف مراجعه والا به تکلیف قانونی خود عمل کنند. بدیهی است قضات محترم دادگستری به آثار بسیار مثبت مراجعه به واحدهای اجراء ثبت و قوف کامل دارند که از جمله آن فوریت در صدور اجرائیه - جلوگیری از معامله به قصد فرار از دین به لحاظ طولانی نبودن رسیدگی - عدم پرداخت هزینه دادرسی و اجراء و طبعا کم کردن ورودی پرونده‌ها به محاکم و فرصت بیشتر برای رسیدگی به پرونده‌های مهم دیگر می‌باشد. شایسته است رؤسای محترم واحدهای ارشاد و معاضدت قضایی ترتیبی اتخاذ نمایند که مزایای اخیرالذکر بصورت تابلویی در معرض دید مراجعین قرار داشته و بدین نحو مراجعین را ارشاد نمایند. به پیوست فهرست مواردی که در صلاحیت واحد اجراء ثبت می‌باشد جهت ملاحظه ارسال می‌گردد. (ضمیمه دو) همچنین رؤسای محترم واحدهای قضایی لازم است شعبه یا شعبی را جهت رسیدگی فوق‌العاده به اعتراضات ثبتی و واحدهای اجرایی آن مشخص نمایند. د- شرط داوری مندرج در قرارداد با توجه به بند ۶ ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه & (۱۷۸۰) (در قسمت امور قضایی)، مبنی بر «فراهم نمودن زمینه تشکیل نهادهای داوری غیر دولتی» و نظر به محسنات عدیده داوری در حل و فصل اختلافات، که از مهمترین آنها: «سرعت در رسیدگی»، «حل و فصل نهایی خصومت»، «پیشگیری از اختلافات بعدی»، «کم کردن ورودی پرونده‌ها» و «ارزان بودن رسیدگی برای اصحاب دعوی» است و نظر به

اینکه شرط داوری در قراردادها مطابق باب هفتم قانون آئین دادرسی مدنی و ماده ۱۰ قانون مدنی (۱۷۸۱)، برای طرفین لازم الاجراء است، بر این اساس چنانچه یکی از طرفین برخلاف شرط موصوف، راسا به دادگستری مراجعه نماید، ادعای وی قانونا قابل استعمال نیست. علیهذا به واحدهای ارجاع و قضات محترم محاکم تاکید می‌شود در آن دسته از دعاوی که موضوع آنها عقود و قرارداد است و « شرط داوری » (برای موارد حدوث اختلاف) در آن گنجانده شده باشد، نسبت به این موضوع توجه و اتخاذ تصمیم نمایند. رؤسای دادگستریها موظفند تعدادی از کارشناسان در امور مختلف را به عنوان داوران پیشنهادی دادگستری در هر حوزه قضایی گزینش و به تناسب کمیت و کیفیت کار، شعبی از شوراهای حل اختلاف را جهت داوری در دعاوی که طرفین داور مشخصی ندارند یا داور به نحوی از انحاء از انجام داوری امتناع می‌نماید اختصاص دهند، همچنین شعب ویژه ای از دادگاهها را جهت رسیدگی به اعتراض آراء داوری و اجرای احکام آنها تعیین کنند. هـ- تشکیل مجتمع ثبتی - قضایی ویژه دعاوی بانکها در تهران و مراکز استانهای پرجمعیت نظر به اینکه مطابق ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا و ماده ۲ اصلاحی قانون چک، اسناد و قراردادهای بانکی و چکهای صادره بر عهده بانکهای ایران، همگی در حکم اسناد لازم الاجراء بوده و بدون صدور حکم، قابل اجراء در واحدهای اجراء ثبت اسناد می‌باشد و با توجه به اینکه بسیاری از پرونده های حقوقی محاکم دادگستری در خصوص مطالبات بانکها می‌باشد (که همگی دارای قراردادهای رسمی یا عادی در حکم اسناد رسمی لازم الاجرا هستند) و یا مطالبات اشخاص راجع به چک است که قابل اجراء در واحدهای اجراء ثبت اسناد می‌باشد و با توجه به اینکه بسیاری از پرونده های حقوقی محاکم دادگستری در خصوص کردن ورودی پرونده ها به محاکم، رؤسای کل دادگستریها مکلفند با تشکیل شورای قضایی استان به همراهی مدیر کل ثبت هر استان و با دعوت از مدیران بانکهای مربوطه و فرماندهان نیروی انتظامی استان، زمینه تشکیل « مجتمع ویژه بانک » را با همراهی واحدهای اجراء ثبت و استقرار شعبه یا شعبی از دادگاهها - که صرفا در جهت رسیدگی به اعتراض به نحوه صدور اجرائیه های ثبتی اقدام می‌نمایند - فراهم کنند. مضافا آنکه، چنانچه در هر یک از مراکز استانها، امکان تأسیس مجتمع قضائی ویژه بانک میسر نباشد، رؤسای کل محترم با تخصیص شعب کافی در یکی از مجتمع های قضایی موجود، اجرای این بخش از دستورالعمل را محقق خواهند نمود. و: ارجاع تخصصی پرونده ها به منظور جلوگیری از اطاله دادرسی و در جهت تخصصی شدن رسیدگی های قضایی و رعایت دقیق ماده ۴ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۸۱) و ماده ۴ آیین نامه اصلاحی قانون مزبور، لازم است در دادسراها و دادگاههای عمومی و انقلاب و دادگاههای کیفری استان و تجدید نظر استان مطابق این دستورالعمل (در مواردی که شعب مربوطه در واحد قضایی، بالغ بر ۳ شعبه یا بیشتر باشد) نسبت به ارجاع پرونده ها به شعب تخصصی اقدام شود. بنابراین رؤسای کل دادگستری موظفند ظرف یک ماه قضات مسئول شعب (دادسرا و دادگاه) مربوط را، با در نظر گرفتن تخصصهای مشروحه ذیل جهت صدور ابلاغ تخصصی به کمیسیون نقل و انتقالات قضات اعلام کنند: بخش اول: امور کیفری از قبیل ۱- قتل و ایراد صدمات بدنی (عمد و شبه عمد و خطای محض) ۲- سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و جرایم در حکم آنان و صدور چک بلامحل ۳- تخریب و احراق و نهب و غارت و اتلاف اموال ۴- جعل و استفاده از سند مجعول ۵- رشاء، ارتشاء، اختلاس، تصرف غیر قانونی اموال دولتی و عمومی و جرایم در حکم آنان ۶- منافی عفت (دایر کردن اماکن فساد و) ۷- جرایم مربوط به امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی ۸- جرایم زیست محیطی و منابع طبیعی ۹- جرایم در صلاحیت دادگاه انقلاب بخش دوم - امور حقوقی از قبیل ۱- دعاوی بازرگانی و امور تجاری داخلی و بین المللی و داوریها ۲- دعاوی مربوط به اموال غیر منقول و روابط موجر و مستأجر دعاوی مربوط به تقاضای ابطال آراء کمیسیونها مانند کمیسیون ماد ۱۲ قانون زمین شهری ۳- اعتراض به تصمیمات مراجع غیر دادگستری، امور ثبتی و مالکیت معنوی ۴- مطالبه وجه، ضمان قهری و قراردادها و اموال منقول ۵- امور خانوادگی و امور حسبی فصل دوم ساماندهی دفاتر شعب دادگاهها و دادسراها و واحد ابلاغ و استفاده از فرمهای استاندارد در راستای سیاست « رفع اطاله دادرسی » و اعمال توأمان سرعت و دقت در دادرسیها، ضروری است شاغلین محترم اداری

محاكم ضمن توجه دقیق به شرح وظایف سازمانی خود، نکات ذیل الذکر را نیز دقیقاً مد نظر قرار داده و با بهره‌برداری از فرمهای استاندارد شده برای کلیه مراحل دادرسی، امکان تحقق سیاستهای جاری دستگاه قضایی را فراهم نمایند: الف: ضرورت توجه دقیق شاغلین اداری محاکم به انجام وظایف خود نظر به تصریح ماده ۱۴ قانون اصول تشکیلات عدلیه که « مدیران دفاتر »، « اجزای تحریر و ضبط و ثبت » (منشی، بایگان و متصدی امور دفتری) و « مأمورین احضار و اعلام و اجراء » را در معیت محاکم می‌داند، ضروری است متصدیان اینگونه مشاغل که نحوه انجام وظیفه ایشان تأثیر بسیار قابل توجه در تسهیل یا تأخیر در روند رسیدگی و دادرسی خواهد داشت، توجه دقیق نسبت به شرح وظایف قانونی خود اعمال داشته و با اجرای دقیق وظیفه‌های احصاء شده، زمینه تسریع در روند دادرسی را فراهم نمایند. ذیلاً دستورالعملهای مربوط به این مشاغل بیان می‌گردد. لذا ضروریست متصدیان آنها ضمن توجه به شرح وظایف مصوب، نکات زیر را نیز مورد اهتمام جدی قرار دهند و مقامات قضایی نیز مکلف به نظارت می‌باشند:

(الف - ۱) - مدیر دفتر مکلف است علاوه بر وظایف مصرح قانونی نسبت به انجام موارد ذیل که در جهت کوتاه کردن فرایند رسیدگی است اقدام کند: - هزینه دادرسی و الصاق تمبر را محاسبه و طبق قانون (مواد ۴۸ الی ۶۶ ق.آ.د.م) اقدام نمایند. - اوراق قضایی مانند احضاریه و اجراییه را صادر و برای ابلاغ ارسال کند و پس از ابلاغ، نحوه ابلاغ را بررسی و در خصوص نتیجه ابلاغ، دقت نماید. - کلیه مکاتبات وارده و صادر شده را پیگیری و از حصول نتیجه و احیاناً علت عدم حصول نتیجه اطمینان حاصل نماید. - در پایان هر هفته، دفتر اوقات را کنترل نماید، بطوری که مشخص شود برای هر پرونده اقدام لازم انجام شده یا خیر؟ مواردی از جمله « صدور رای » یا « تجدید وقت » لحاظ گردیده باشد و آخر هر هفته به نظر ریاست دادگاه برسد. - ضمن ضمیمه نمودن قبض سپرده (فیشهای بانکی) بابت دستمزد کارشناس یا تأمین خواسته و غیره، شماره فیش بر روی دادخواست قید شود که اگر فیش صادر شده و لیکن در پرونده دیده نشد، آنرا بیابند. - مراقبت نمایند به هنگام ارسال هر پرونده به مرجع دیگر، پس از شمارش اوراق، آنها را منگنه نموده، ضمن مهور نمودن به مهر دفتر در ظهر اوراق و همچنین در آخرین برگ، با قید تعداد کل اوراق به مرجعی که باید فرستاده شود، ارسال شود. - هنگام لاک و مهر نمودن پرونده‌ها دقت شود نوشته‌ها یا شماره‌نامه‌ها مخدوش، محو و یا پنهان نگردد. (الف - ۲) - منشی مکلف است علاوه بر وظایف قانونی خود موارد ذیل را انجام دهد: نهایت دقت را در تعیین اوقات دادرسی به عمل آورده و آنها را در دفتر اوقات ثبت و نتیجه رسیدگی را نیز منعکس نماید. - پس از امضاء رای توسط رئیس دادگاه، به فوریت مراتب را در دفتر احکام ثبت و در کوتاهترین زمان ممکن جهت تایپ و سپس ابلاغ به واحد مربوط ارسال نماید. - پرونده‌های زندانی‌دار را با نصب اتیکت مشخص نموده و اقدامات مربوط به آنها را به صورت ویژه و با اولویت نسبت به سایر پرونده‌ها به انجام رساند. - حسب مورد، نامه‌ها و مکاتبات مربوط به بازپرسی یا دادرسی و دادگاه را دریافت و برای ثبت در دفاتر ثبت عرایض کیفری، نیابت قضایی و تعیین اوقات اقدام نماید. - در آماده نمودن پرونده‌های تعیین وقت شده، نظارت داشته و پرونده‌های مربوط به هر روز را یک روز قبل به شعبه رسیدگی کننده (مقام قضایی) تحویل نماید. (الف - ۳) - متصدی امور دفتری و بایگانی مکلف است علاوه بر وظایف معینه، نسبت به موارد ذیل اقدام نماید: پرونده‌ها را به محض انجام دستورات قضایی، بلافاصله در کارتن مخصوص خود ضبط و اکیدا از آشفستگی و ماندن آنها بر روی میز و احیاناً بر روی کف اطاق خودداری نمایند. - رعایت نظم در اوراق پرونده‌ها (اعم از کیفری یا حقوقی) و تنظیم و ترتیب آنها را معمول دارد (اوراق جابجا نشود و برگ شماری گردد و هر یک از اوراق در جای خود قرار داشته باشد) (الف - ۴) - مأمور ابلاغ مکلف است ضمن انجام وظایف مصرح قانونی، نکات ذیل را نیز به طور جدی مدنظر قرار داده و اجرا نمایند: - در اسرع وقت نسبت به ابلاغ اوراق قضایی و اعاده نسخ ثانی به اداره یا واحد ابلاغ مربوط اقدام نمایند. - چنانچه دستور قضایی صادره مبنی بر « ابلاغ واقعی » باشد، لازمست حتماً نسبت به ابلاغ اوراق مربوط صرفاً به شخص مخاطب اقدام گردد. - مقتضی است در اجرای دقیق مفاد ماده ۶۸ و دو تبصره ذیل آن و همچنین ماده ۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۷۹) نهایت اهتمام را به عمل آورند. - مقتضی است نسبت به اجرای دقیق مفاد بندهای

سه گانه ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۷۹) که در خصوص ضرورت ذکر « نام و مشخصات خود به طور روشن و خوانا، نام کسی که دادخواست به او ابلاغ شده با تعیین اینکه چه سمتی نسبت به مخاطب اختاریه دارد و محل و تاریخ ابلاغ با تعیین روز، ماه و سال با تمام حروف » می‌باشد، اقدام نمایند. که دادخواست به او ابلاغ شده با تعیین اینکه چه سمتی نسبت به مخاطب اختاریه دارد و محل و تاریخ ابلاغ با تعیین روز، ماه و سال با تمام حروف می‌باشد، اقدام نمایند. ب- استفاده از فرمهای جدید و اصلاح فرمهای سابق (استاندارد شده) در جریان دادرسی اصلاح فرمهای موجود و همچنین تهیه فرمهای جدید که در واقع در راستای اجرایی تر شدن مقررات قانون آیین دادرسی، انجام یافته است، تأثیر به سزایی در سهولت طرح دعوی قانونی توسط خواهان و پیگیری موضوع و کنترل مرحله به مرحله دعاوی خواهد داشت، به نحوی که با اعمال این موارد نواقص موجود در پرونده به مرحله بعد منتقل شده و در همان مرحله اصلاح می‌گردد و از این طریق کاهش جدی در فرایند دادرسی حاصل خواهد شد. لذا لازمست رؤسای واحدهای قضایی منبهد با بهره‌برداری از فرمهای اصلاح شده و فرمهای جدید، نسبت به اجرای دقیق این دستورالعمل در حوزه قضایی مربوط به خود نظارت داشته باشند: (ب - ۱) - فرم دادخواست به دادگاه نخستین این فرم پیش از این نیز وجود داشته، لکن با برگزاری جلسات متعدد و بهره‌برداری از دیدگاههای صاحب نظران، خاصه مدیران کل دفاتر دادگاهها و مقامات قضایی نسبت به اصلاحات کلی در فرم، اقدام شده است که مهمترین آنها بدین شرح می‌باشد (نمونه فرم، پیوست است): - جابجایی « محل آرم و نقش تمبر » و عبارات و تغییر در اندازه کادرها به منظور سهولت استفاده مراجعین. - تذکرات لازم به خواهان در ظهر فرم، جهت پیش بینی گواه و ارائه اطلاعات از سایر دعاوی به دادگاه و ... - پیش بینی « محل دستور دادگاه » و « جدول ثبت اوقات رسیدگی » با کادر مشخص و تعیین زمان دقیق اوقات. - پیش بینی یک « برگ مخصوص » جهت « ادامه شرح دادخواست » به جای ظهر فرمهای قبلی. (ب - ۲) - فرم رسید دادخواست: با عنایت به اینکه روال جاری در دفاتر دادگاهها به این نحو است که مدیران دفاتر شعب در قبال وصول دادخواست، صرفا به ارائه شماره ثبت و تاریخ به تقدیم کننده، بسنده می‌نمایند و این امر برخلاف ماده ۴۹ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی که تصریح نموده است: « مدیر دفتر دادگاه پس از وصول دادخواست باید فوری آنرا ثبت کرده، رسیدی مشتمل بر نام خواهان، خوانده، تاریخ تسلیم (روز و ماه و سال) با ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده دادخواست بدهد و در برگ دادخواست تاریخ تسلیم را قید نماید ...» می‌باشد لذا به منظور رفع این روال ناصحیح و ایجاد وحدت رویه، فرم رسید دادخواست (که پیوست می‌باشد) جهت بهره‌برداری کلیه دفاتر شعب قضایی معرفی می‌گردد. بدیهی است منبهد این فرم جایگزین کلیه رسیدهای متفرقه کنونی خواهد بود. (ب - ۳) - فرمهای کنترل صحت شرایط دادخواست به دادگاه «نخستین» و «تجدید نظر» (چک لیست) با عنایت به مفاد مواد ۴۹ تا ۶۰ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب، به ویژه ماده ۵۴، این قانون، اعمال صحیح و دقیق این مواد توسط مدیر دفتر دادگاه و نظارت بر آن توسط رئیس شعبه، یکی از مؤثرترین طرق رفع اطاله دادرسی است. در بعضی از مواقع، بدون رفع نقایص موجود در دادخواست، دادگاه دستور تعیین وقت رسیدگی را می‌دهد، که پس از حلول جلسه دادرسی، قاضی دادگاه متوجه نقایص دادخواست می‌شود و پس از مدت بعضا طولانی، مجددا باید پرونده به دفتر دادگاه عودت داده شود تا کاری که فرضا چند ماه پیش باید انجام می‌شد، انجام می‌گردد. در همین راستا، فرمهای کنترل صحت شرایط دادخواست به دادگاه نخستین و تجدید نظر (چک لیست) ارائه گردیده است که مدیران دفاتر به سهولت و در کوتاهترین زمان ممکن، نواقص موجود در دادخواست را کنترل نموده و جهت رفع نقص به خواهان اطلاع دهند. تاثیر اعمال این فرمها (پیوست) در کوتاه کردن فرایند دادرسی و جلب رضایت مراجعین قابل توجه است. فرم چک لیست تجدیدنظر به نحوی تنظیم گردیده است که امکان کشف نواقص پرونده اعم از مستندات و سوابق قبل از ارسال پرونده به دادگاه تجدید نظر نیز میسر خواهد شد. (ب - ۴) - فرم خلاصه وضعیت پرونده حقوقی بسیاری از دعاوی حقوقی، در جلسه اول منجر به تصمیم نهایی نگردیده و به لحاظ ضرورت رسیدگی جامع تر، منتهی به جلسات دوم و سوم و ... می‌گردد و مقام قضایی

رسیدگی کننده، بالاجبار در شروع هر بار رسیدگی، ملزم به مطالعه کامل پرونده و محتویات آن، جهت اشراف بر موضوع خواهد بود. فرم خلاصه وضعیت پرونده حقوقی، که پیوست می‌باشد فرمی است که با الصاق آن بر روی پرونده، اجمالی از روند رسیدگی، نظریات کارشناسان، مراجع، مستندات و تصمیمات جلسات قبلی را شامل خواهد بود. بهره‌گیری از چنین فرمی، تأثیر به‌سزایی در افزایش سرعت رسیدگی و بهبود عملکرد قضات خواهد داشت. (ب - ۵) - فرم دادخواست تجدید نظر این فرم نیز از فرمهای اصلاح شده است که با اصلاح برخی عبارات و کلمات، نسبت به پیش‌بینی جدول لازم جهت تسلیم دادخواست به شعب یا دفاتر زندان اقدام گردیده و همچنین عین مفاد قوانین مرتبط با امر تجدید نظرخواهی (از قانون آیین دادرسی کیفری و از قانون آیین دادرسی مدنی) که جهت خواهان قطعاً کارگشا خواهد بود، در ظهر همین فرم پیش‌بینی شده است. این فرم نیز پیوست می‌باشد.

(ب - ۶) - فرم دادخواست فرجام خواهی فرم مذکور نیز که پیوست می‌باشد، جهت فرجام خواهی از شعب دیوانعالی کشور، تهیه گردیده و ضمن اصلاحات لازم در ابعاد و کادرها و رفع نقایص، مستندات قانونی لازم و مرتبط با فرجام خواهی (بالغ بر ۱۲ ماده قانونی) جهت راهنمایی فرجام خواه در ظهر فرم پیش‌بینی و همچنین محلی برای درج مشخصات ابلاغ فرم نیز در نظر گرفته شده است. (ب - ۷) - فرم شکواییه ماده ۶۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، تصریحات نکاتی را که می‌بایستی در شکواییه افراد به دادرها رعایت شود، احصاء نموده است. لذا با عنایت به این ماده، فرمی با عنوان فرم شکواییه تهیه گردیده است که کلیه مستندات و اطلاعات لازم جهت ارائه یک شکایت قانونی به مرجع قضایی در آن پیش‌بینی گردیده است. فرم مذکور پیوست می‌باشد. ب - ۸ - فرم خلاصه وضعیت پرونده دادرها پس از وصول شکایت فرد و مستندات ضمیمه آن، مقام قضایی مستقر در دادرها، نسبت به بررسی و تحقیق و جمع‌آوری دلایل و گزارش ضابطین و پزشکی قانونی و سایر مراجع اقدام نموده و حسب وضعیت، قرار مقتضی یا کیفرخواست را صادر می‌نماید. نظر به ویژگی خاص پرونده‌های دادرها، عمدتاً پرونده، آمده و شد مکرر داشته و لذا لازمست خلاصه‌ای از این اقدامات متعدد به صورت یکجا، جهت اشراف مقام قضایی رسیدگی کننده و نظارت مقام قضایی بر محتوای کلی موضوع، ارائه شود فرم مذکور که پیوست می‌باشد، چنین نقشی را ایفا خواهد کرد. ب - ۹ - فرم خلاصه پرونده کیفری دادگاه این فرم نیز چنانکه در موارد پیشین ذکر شد، به منظور سهولت و سرعت اطلاع قضات بر مواقع پرونده‌ها و تصمیمات قبلی و وضعیت شاکی و مشتکی عنه تدوین گردیده است و نسخه‌ای از آن پیوست می‌باشد. مسئولیت اجرای این دستورالعمل به عهده رؤسای کل دادگستریها و سازمان ثبت اسناد و املاک و معاونتهای ارجاع و دیگر مقامات قضایی ذیربط می‌باشد. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی (ضمیمه یک) فهرست نهادهای شبه قضائی صلاحیت رسیدگی نهادهای خاص ۱- اتحادیه‌های صنفی و کمیسیونهای مربوط به قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲. ۲- سازمان تعزیرات حکومتی. ۳- شعبه حقوقی تحقیق اداره اوقاف موضوع ماده ۱۴ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه. ۴- شورای حل اختلاف موضوع ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی. ۵- کمیسیون رسیدگی به شکایات جانبازان موضوع ماده ۱۶ قانون تسهیلات جانبازان مصوب ۱۳۷۴. ۶- کمیسیون کفالت نظام وظیفه موضوع ماده ۲۸ قانون نظام وظیفه. ۷- مراجع حل اختلاف مالیاتی موضوع قانون مالیاتهای مستقیم. ۸- مرجع رسیدگی به شکایت کارفرمایان در خصوص مطالبات حق بیمه موضوع قانون سازمان تأمین اجتماعی. ۹- هیأت تشخیص و حل اختلاف قانون کار. ۱۰- هیأت حل اختلاف امور گمرکی موضوع ماده ۵۰ قانون گمرک. ۱۱- هیأت حل اختلاف ثبت احوال موضوع ماده ۳ قانون ثبت احوال. ۱۲- هیأت نظارت بر مطبوعات موضوع قانون مطبوعات. داوری در قوانین موضوعه ۱- داوری قانون آیین دادرسی مدنی. ۲- داوری موضوع قانون بیمه و آئین‌نامه‌های آن. ۳- داوری اتحادیه و اتاق تعاونها. ۴- داوری قانون صنایع و معادن. ۵- داوری قانون بورس اوراق بهادار. ۶- داوری واگذاری سهام شرکتهای دولتی (موضوع ماده ۲۰ قانون برنامه سوم توسعه) امور اراضی و آب ۱- شورای اصلاحات ارضی. ۲- کمیسیون تغییر کاربری اراضی کشاورزی و باغها. ۳- کمیسیون قانون توزیع عادلانه آب. ۴- کمیسیون قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه. ۵- کمیسیون

ماده ۳۴ قانون جنگلها و مراتع با اصلاحات بعدی. ۶- کمیسیون ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع با اصلاحات بعدی. ۷- کمیسیون ماده ۱۲ قانون زمین شهری. ۸- مرجع تشخیص اراضی موات خارج از محدوده شهرها. ۹- هیأت نحوه خرید و تملک اراضی مورد نیاز دولت و شهرداریها. ثبت اسناد و املاک ۱- اداره ثبت (صلاحیت واحد اجرای ثبت در صدور اجرائیه ثبتی و رئیس ثبت در مقام رسیدگی به اعتراض افراد نسبت به عملیات مأمورین اجراء ثبت) ۲- هیأت نظارت و شورای عالی ثبت. ۳- هیأت حل اختلاف ثبتی موضوع مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت. ۴- هیأت حل اختلاف ثبتی موضوع ماده ۱۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه. ۵- افراز و فروش املاک-ک مشاع. کمیسیونهای شهرداری - کمیسیون ماده ۵ قانون تأسیس شورایی عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱. - کمیسیون ماده ۵۵ و ۷۷ قانون شهرداریها. - کمیسیونهای ماده ۱۰۰ و ۱۰۱ قانون شهرداریها. اقدامات سازمانها و نهادها در برخی مسائل حقوقی ۱- اقدامات اولیه وزارت بهداشت قبل از مراجعه به دادگاه (موضوع ماده ۱۳ قانون بهداشت) ۲- حل اختلاف بین دستگاههای اجرایی راجع به املاک و مستغلات (کمیسیون مستقر در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) ۳- رفع تجاوز به اراضی مستحدث و ساحلی. ۴- سازمان حفاظت محیط زیست در مقام جلوگیری از آلودگی هوا. ۵- شهرداری در مقام رفع سد معبر. ۶- وزارت راه در مقام رفع مستحذات غیرمجاز. ۷- وزارت کار در جریمه کارفرمایان (به کارگیری اتباع بیگانه) ۸- وزارت نیرو در رفع مزاحمت و ممانعت از مستحذات غیر مجاز آب و برق. ۹- هیأت حل اختلاف و رسیدگی به انحراف شوراهای اسلامی از وظایف قانونی. (ضمیمه دو) موارد صلاحیت واحد اجراء ثبت ۱- صدور اجرائیه راجع به مطالبه مهریه‌های موضوع سند ازدواج. ۲- صدور اجرائیه جهت چکهای بلامحل مربوط به بانکهایی که در حوزه مناطق ثبتی مربوطه واقع شده‌اند. ۳- رسیدگی و اظهارنظر نسبت به کلیه اعتراضات واصله از ادارات تابعه اجراء، نسبت به عملیات اجرائی با رعایت مواد ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۶۰ و سایر مواد آئیننامه اجرائی مفاد اسناد رسمی: ۴- بررسی و صدور اجرائیه جهت وصول مطالبات سازمان آب موضوع مادتين ۲۵۷ و ۲۵۸ آئیننامه اجرائی مفاد اسناد رسمی و وصول هزینه خدمات مشترک آپارتمان موضوع ماده ۱۰ مکرر قانون تملک آپارتمانها با رعایت ماده ۲۴۲ آئیننامه اجرای مفاد اسناد رسمی. ۵- بررسی و صدور اجرائیه قبوض اقساطی که مدت آنها منقضی شده و ادامه عملیات اجرائی تا ختم پرونده. ۶- بررسی و صدور اجرائیه اسناد ثبت نشده که قانون‌گذار آنان را در ردیف اسناد رسمی لازم‌الاجرا تلقی نموده و سازمان ثبت مکلف به اجرای آن می‌باشد مانند وصول عوارض شهرداری موضوع تبصره ماده ۱۳ قانون نوسازی و عمرانی شهری و ماده ۷۷ قانون شهرداریها براساس مادتين ۲۴۳ و ۲۴۴ مفاد آئین‌نامه اجرای اسناد رسمی. ۷- صدور اجرائیه جهت وصول مطالبات ارتش جمهوری اسلامی ایران در مورد محکومیت‌های نقدی موضوع ماده ۲۵۹ آئیننامه اجرای اسناد رسمی و با رعایت ماده ۴۲۵ قانون دادرسی و کیفری ارتش. ۸- صدور اجرائیه در مورد اسناد عادی شرکتهای تعاونی روستائی و اتحادیه‌های تعاونی روستائی و شرکتهای تعاونی کشاورزی صیادی و عشایری موضوع ماده ۲۵۶ آئیننامه اجرای مفاد اسناد رسمی و ماده واحده مصوب ۲/۲/۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی. ۹- صدور اجرائیه آراء صادره از طرف هیأت داوران ماده ۱۸ قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب سال ۱۳۴۵. ۱۰- بررسی و صدور دستور تخلیه اماکن مورد اجاره که به علت انقضای مدت و یا بدلیل عدم پرداخت مال‌الاجاره صادر شده و یا تخلیه مورد معامله پرونده‌های اجرائی. ۱۱- بررسی و رسیدگی و صدور اجرائیه قبوض وثیقه انبارهای عمومی موضوع ماده ۲۴۱ آئین‌نامه. ۱۲- اجرای مفاد اسناد رسمی مستند به ماده ۱۰ تصویب‌نامه انبارهای عمومی مصوب ۲/۱۰/۱۳۴۰ و ماده ۱۴ آئین‌نامه انبارهای عمومی. ۱۳- بررسی و صدور اجرائیه نسبت به قراردادهای تنظیمی بین بانکها و مشتریان در اجرای ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا و تعقیب عملیات اجرائی تا ختم پرونده. ۱۴- بررسی و اقدام در مورد کلیه عملیات اجرائی مربوط به اجرائیه‌های صادره اسناد رهنی، شرطی ضمانتی و ذمه. ۱۵- صدور دستور کسر حقوق بدهکاران پرونده‌ها به حسابداری ادارات یا کارخانجات یا سازمانهایی که بدهکار در آنجا مشغول به خدمت است. ۱۶- انجام مزایده و حراج اموال منقول و غیرمنقول مورد وثیقه که طبق قانون بایستی از طریق حراج یا مزایده بفروش برسد. (ضمیمه سه) لیست اسامی اتحادیه‌های صنفی (جدول) (ضمیمه چهار) برگ

دادخواست به دادگاه نخستین (فرمها)

بخشنامه به رؤسای کل محترم دادگستری استان‌های سراسر کشور - ۱۳۸۴۹۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور تصویر بخشنامه شماره ۱/۱۱/۱۳۸۵-۱۸۶۶۳/۸۵/۱ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. مستشار دیوانعالی کشور - مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه - خسرو حکیمی بخشنامه به رؤسای کل محترم دادگستری استان‌های سراسر کشور پیرو بخشنامه شماره ۱/۱۱۷۷۷/۸۴/۱ مورخ ۱۴/۹/۱۳۸۴ و به منظور سهولت و تسریع در جریان امور و جلوگیری از هر گونه وقفه در انجام مأموریت‌های قانونی محوله، به رؤسای کل دادگستری استان‌های سراسر کشور تفویض اختیار می‌شود تا در خصوص: ۱- تعیین عضو قضائی، موضوع مواد ۲۶ و ۲۸ قانون تأسیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۳/۴/۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی. ۲- تعیین عضو قضائی، موضوع ماده ۴۴ قانون تأمین اجتماعی (اصلاحی ۲۷/۷/۱۳۷۶ مصوب مجلس شورای اسلامی) اقدام نمایند. مدت ابلاغ احکام صادره برای اعضای منتخب یک سال می‌باشد و مقتضی است رؤسای کل محترم رونوشت احکام صادره را جهت اطلاع و ضبط در سابقه، به دبیرخانه کمیسیون نقل و انتقالات قضات ارسال نمایند. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به رؤسای دادگستری استانهای سراسر کشور ۱۳۸۴ ۱۲ ۲۱

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام تصویر بخشنامه شماره ۱/۱۷۰۸۳/۸۴/۱ - ۲۱/۱۲/۱۳۸۴ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. مستشار دیوانعالی کشور و مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه - خسرو حکیمی بخشنامه به رؤسای دادگستری استانهای سراسر کشور موضوع: تفویض اختیار با توجه به اجرای قانون نظام صنفی مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی در سراسر کشور و به منظور سهولت در کار و جلوگیری از بروز وقفه در انجام مأموریت‌های محوله مطابق با قانون، به رؤسای کل دادگستری استانهای سراسر کشور تفویض اختیار می‌شود تا نسبت به صدور ابلاغ مأموریت برای قضات استان مربوطه در هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر موضوع ماده ۷۲ قانون نظام صنفی اقدام نمایند. بدیهی است مدت ابلاغ صادره برای اعضای منتخب یکسال بوده و لازم است رونوشت احکام مزبور جهت اطلاع و ضبط در سابقه به دبیرخانه کمیسیون نقل و انتقالات قضات ارسال گردد. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به واحدهای قضایی سراسر کشور - مصوب ۱۳۸۵

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور تصویر بخشنامه شماره ۱/۱۷۹۸۸/۸۵/۱ - ۱۶/۱۰/۱۳۸۵ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. مستشار دیوانعالی کشور و مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه - خسرو حکیمی بخشنامه به واحدهای قضایی سراسر کشور پیرو بخشنامه شماره م/۶۷۶۳/۱ - ۲۲/۴/۱۳۷۴ در مورد اسکناس‌های مجعول: به منظور تمرکز آمار و اطلاعات و بررسی‌های فنی و تخصصی و نیز تکمیل آرشیو جعل اسناد بانکی اقتضاء دارد در مواردی که مراجع قضایی به موضوع اسکناس‌ها و چک‌های مسافرتی مجعول رسیدگی می‌نمایند، پس از طی مراحل قضایی به جای صدور دستور امحای آنها اسناد مجعول را به همراه نتیجه رسیدگی، مستقیم به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ارسال و تحویل نمایند. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به رؤسای تمامی واحدهای قضایی سراسر کشور - ۱۳۸۵ ۱۰ ۱۷

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور تصویر بخشنامه شماره ۱۸۱۰۵/۸۵/۱ - ۱۷/۱۰/۱۳۸۵ ریاست محترم قوه قضائیه جهت درج در روزنامه رسمی ارسال می‌گردد. مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه - خسرو حکیمی بخشنامه به رؤسای تمامی واحدهای قضایی سراسر کشور نظر به این که مطابق ماده ۳۸ قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی و اساسنامه آن کلیه دستگاههای اجرایی و مراجع ذیصلاح مکلفند پس از ضبط مواد مخدر و نیز اسلحه و مهمات و انواع مواد منفجره آنها را بلافاصله به ترتیب و حسب مورد به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح (واحد نظامی محلی) تحویل داده تا تحت نظارت نماینده دادستان محل و نماینده تام‌الاختیار سازمان نگهداری و پس از ضبط قطعی به فروش رسانده شود و در صورت لزوم نیز بنا به تشخیص مراجع ذیربط معدوم گردد. با توجه به این که نگهداری مواد مخدر ضبط شده، علاوه بر این که موجب مشکلات عدیده برای دادگستری‌ها از حیث اشغال فضا و نکات امنیتی گردیده، از نظر مسایل بهداشتی نیز باعث انتشار انواع بیماری‌ها می‌شود، به رؤسای تمامی واحدهای قضایی تأکید می‌گردد بلافاصله پس از اتخاذ تصمیم مبنی بر ضبط مواد اشعاری وفق ماده مرقوم و بند الف آن اقدام نمایند. بدیهی است در صورت عدم اقدام به موقع مسئولین ذیربط، مطابق مقررات با متخلف رفتار خواهد شد. رؤسای دادگستری‌ها مسئول نظارت بر حسن اجرای این بخشنامه می‌باشند. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به معاونین، رؤسای سازمانهای تابعه، رؤسای دادگستری‌ها و دادستان‌های سراسر کشور، مدیران حوزه

رئیس محترم هیئت‌مدیره و مدیرعامل روزنامه رسمی کشور تصویر بخشنامه شماره ۱۸۶۶۲/۸۵/۱ - ۱/۱۱/۱۳۸۵ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. مستشار دیوانعالی کشور - مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه - خسرو حکیمی بخشنامه به معاونین، رؤسای سازمانهای تابعه، رؤسای دادگستری‌ها و دادستان‌های سراسر کشور، مدیران حوزه‌های ستادی نظر به تصریح اصول ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۶۰ قانون اساسی و قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب سال ۱۳۷۸ که تصویب تشکیلات قضایی و اداری قوه قضائیه و همچنین استخدام کارکنان قضایی و اداری موردنیاز و پیشنهاد بودجه سالیانه قوه قضائیه و سازمانهای وابسته آن به هیئت وزیران را از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه دانسته است و در جهت حفظ استقلال دستگاه قضایی در تمامی شئون و جلوگیری از تجزیه و تضعیف آن و نیز به منظور جلوگیری از بروز برخی از مسائل و مشکلات اجرایی و امکان برقراری تعامل منطقی و شایسته با مبادی خارج از قوه قضائیه، اینگونه امور ضرورتاً می‌بایستی به صورت متمرکز در ستاد قوه قضائیه از طریق « معاونت اول» و «معاونت اداری و مالی» صورت پذیرد و اقدام مستقیم هر یک از بخشهای قوه قضائیه در طرح، مذاکره و تأمین نیازمندیهای مذکور از مبادی خارج از دستگاه قضایی نه تنها موجبات سلب استقلال قوه قضائیه و تضعیف آن را فراهم می‌نماید، بلکه ناهماهنگی و عدم تمرکز در مدیریت دستگاه را نیز به دنبال خواهد داشت و از ایجاد ارتباط درخور و شایسته با متولیان امور اجرایی کشور ممانعت خواهد نمود. لذا ضروری است تمامی ارکان و بخشهای قوه قضائیه اعم از صف و ستاد و سازمانهای وابسته، هرگونه نیازمندی خود اعم از بودجه و اعتبارات و نیروی انسانی و تشکیلات مورد نیاز را صرفاً از طریق مبادی مسئول در ستاد قوه قضائیه - ضمن معرفی نمایندگان مطلع و با تجربه به واحدهای ذیربط - تأمین نمایند. بدیهی است اجرای مفاد این بخشنامه، مانع از برقراری فضای مفاهمه و همکاری با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و بهره‌مندی از ظرفیتهای، امکانات و مقدرات آن سازمان نخواهد بود. مسئولیت نظارت بر حسن اجرای این بخشنامه بر عهده «معاون اول قوه قضائیه» و «معاون اداری و مالی قوه قضائیه» می‌باشد. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام تصویر بخشنامه شماره ۶۹۳۱/۸۶/۱-۲۹/۶/۱۳۸۶ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. بخشنامه به رؤسای محترم کل دادگستری‌های سراسر کشور موضوع: ابلاغ نمونه مکاتبات شماره ۲۰۱ پیوست دستورالعمل تسریع در پرداخت خسارت جانی بیمه شخص ثالث پیرو نامه شماره ۶۲۵۶/۸۶/۱-۵/۶/۱۳۸۶ به منظور یکسان‌سازی و اجتناب از مکاتبات متفاوت بین دادگستری‌ها و شرکت‌های بیمه، دو نمونه مکاتبات تهیه شده شامل نمونه شماره ۱؛ مختص استعلام و ارسال مدارک مستندات لازم از سوی دادگستری به شرکت بیمه و نمونه شماره ۲؛ مختص پاسخ شرکت‌های بیمه به دادگستری‌ها برای تأیید اصالت بیمه‌نامه و میزان تعهد شرکت بیمه در پرداخت خسارت به حادثه دیدگان ابلاغ می‌گردد. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی پیوست نمونه شماره ۲ دستورالعمل تسریع در پرداخت خسارت جانی بیمه شخص ثالث (پاسخ شرکت‌های بیمه به استعلام مرجع قضائی) بسمه تعالی (آرم شرکت مربوطه) دادیار محترم شعبه دادسرای عمومی و انقلاب موضوع: پرونده کلاسه: با احترام، بازگشت به نامه شماره مورخ به استحضار می‌رساند بیمه‌نامه شخص ثالث به شماره خریداری شده از این شرکت دارای اعتبار از تاریخ تا تاریخ با حداکثر تعهد خسارت بدنی به مبلغ، فوت و نقص عضو هر سرنشین خودرو مقصر و هزینه درمان هر سرنشین خودرو مقصر می‌باشد. غرامت خسارت وارده با عنایت به شرایط و ضوابط حاکم بر بیمه‌نامه صادره، به جز استثنائات قانونی مندرج در بندهای ذیل، قابل رسیدگی و پرداخت خواهد بود. استثنائات: ۱- بیمه‌گذار، مالک یا راننده وسیله نقلیه مسئول حادثه، (بند الف، ماده ۲ قانون بیمه اجباری مسولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷)، ۲- همسر و پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد و اجداد تحت تکفل بیمه‌گذار در صورتی که سرنشین وسیله نقلیه‌ای باشند که راننده یا بیمه‌گذار مسئول حادثه باشد. (بند ج، ماده ۲ قانون بیمه اجباری شخص ثالث)، مگر اینکه به صورت اختیاری خریداری شده باشد که تعهد شرکت بیمه برابر با شرایط مندرج در بیمه‌نامه خواهد بود. همچنین رعایت کاربری وسیله نقلیه (موضوع ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی قانون بیمه اجباری مسولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷ و مواد ۱۲ و ۱۳ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶)، رعایت ظرفیت مجاز براساس بیمه‌نامه یا کارت خودرو (موضوع ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی قانون بیمه اجباری مسولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷)، اثبات عمد راننده در ایجاد حادثه (موضوع ماده ۵ قانون بیمه اجباری مسولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷) و شرایط گواهینامه مقصر حادثه (موضوع ماده ۵ قانون بیمه اجباری مسولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷ و ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی قانون بیمه اجباری مسولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷) در نوع تعهد بیمه، مبلغ قابل پرداخت و حق استرداد خسارت‌های پرداخت شده از راننده مقصر حادثه تعیین کننده خواهد بود. بدیهی است برابر استثنائات قانونی اشاره شده، پرداخت قسمتی یا کل خسارت منوط به اخذ تعهد وثیقه بازپرداخت از مقصر حادثه خواهد بود. شرکت سهامی بیمه پیوست نمونه شماره ۱ دستورالعمل تسریع در پرداخت خسارت جانی بیمه شخص ثالث (استعلام مرجع قضائی از شرکت‌های بیمه) شرکت بیمه؛ شعبه/ نماینده مستقر در استان/شهر حسب گزارش پاسگاه/ حوزه انتظامی در تاریخ ساعت حادثه رانندگی منجر به جرح؟ فوت؟ در محل اتفاق افتاده است. مقصر حادثه آقای/ خانم به شماره شناسنامه محل تولد محل صدور متولد کد ملی دارای گواهینامه پایه به شماره محل صدور تاریخ صدور، راننده خودرو، به شماره شهربانی بیمه‌نامه شماره

آن شرکت را که تا تاریخ اعتبار دارد ارائه نموده است. مقتضی است ضمن بررسی مدارک پیوست، نسبت به تأیید اصالت بیمه‌نامه و سقف تعهدات آن حداکثر ظرف مدت ۲ روز کاری پس از دریافت این استعلام اعلام نظر گردد. ۱- اسامی حادثه دیدگان خودروی طرف مقصر: (نام، نام خانوادگی، مجروح یا متوفی، نسبت با راننده مقصر) ۲- اسامی حادثه دیدگان طرف مقابل: (نام، نام خانوادگی، مجروح یا متوفی) فهرست مدارک پیوست: ۱- اصل کارت، سند خودرو و گواهینامه مقصر حادثه و زیان‌دیده (در صورتیکه زیان‌دیده، راننده وسیله نقلیه آسیب دیده باشد). ۲- اصل شناسنامه مصدوم حادثه. ۳- کروکی افسر کاردان فنی و نظریه نهایی کارشناس رسمی دادگستری مبنی بر مقصر بودن راننده اتومبیل مورد بیمه. ۴- گزارش اولیه و نهایی حوزه انتظامی محل وقوع حادثه. ۵- اوراق بازجویی طرفین پرونده. ۶- گواهی پزشک قانونی راجع به علت فوت (در مورد متوفی). ۷- برگ معاینه جسد و جواز دفن و خلاصه رونوشت وفات (در مورد متوفی). ۸- اعلام نظر پزشکی قانونی در خصوص صدمه و جرح مصدوم حادثه (در صورت تعدد گواهی، تمام گواهی‌ها). ۹- گواهی انحصار وراثت (در مورد متوفی). دادیار شعبه

بخشنامه به دادستان‌های عمومی و انقلاب دادگاه‌های انقلاب اسلامی کشور - ۱۳۸۶/۶/۳۱

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام تصویر بخشنامه شماره ۶۹۷۳/۸۶/۱-۳۱/۶/۱۳۸۶ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. بخشنامه به دادستان‌های عمومی و انقلاب دادگاه‌های انقلاب اسلامی کشور براساس بررسی‌های به عمل آمده عدم رعایت بعضی از مقررات قانونی و نکات لازم‌الرعايه در رسیدگی‌ها موجبات نقض تعداد قابل توجه آرای صادره توسط دادستانی کل و دیوان عالی کشور و اطاله رسیدگی‌ها و تضییع حقوق متهمین را فراهم آورده است لذا برای اجتناب از ادامه روند مزبور ضروری است: ۱- در اجرای ماده هشت آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۷ کلیه مواد مخدر مکشوفه مورد آزمایش قرار گرفته و نوع آن تعیین شود. ۲- با توجه به اینکه تعیین درصد خلوص مواد مخدر مکشوفه و صدور حکم براساس آن، مستنبط از ماده هشت آیین‌نامه اجرایی مزبور، تبصره ماده یک قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۶ ناظر بر مواد ۲ تا ۶ تصویب‌نامه راجع به فهرست مواد مخدر مصوب سال ۱۳۳۸ هیئت وزیران با اصلاحات بعدی آن، تبصره ماده سه قانون مربوط به مواد روان‌گردان (پسیکوتروپ) فاقد وجاهت قانونی می‌باشد و لازم است با توجه به صدق عرفی مواد، صرفاً براساس میزان دقیق آن (بدون لفاف و پوشش) تعیین مجازات شود مگر آن که متهم مدعی مخلوط بودن آن با مواد خارجی شده یا دلایل و قرائن کافی بر اختلاط مواد با مواد خارجی وجود داشته باشد که در این صورت به لحاظ ضرورت حفظ دماء، میزان مواد خارجی مخلوط تعیین و با کسر آن از وزن مواد مخدر مکشوفه نسبت به باقیمانده رسیدگی و تعیین مجازات شود. ۳- براساس تکلیف مقرر در بند ج ماده ۱۴ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۸۱ جلسات دادرسی با حضور دادستان یا نماینده وی تشکیل شده، پس از استماع و انعکاس نظریات و مدافعات دادستان یا نماینده او، صورتجلسات دادگاه با ذکر نام به امضای نماینده حاضر در جلسه برسد. در اجرای اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و رأی وحدت رویه شماره ۲۸/۶/۶۳ - ۱۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور و ماده واحده مصوب ۱۱/۷/۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام و ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۸ و تبصره آن و نیز ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۷ در کلیه مواردی که مجازات قانونی مقرر حبس ابد یا اعدام می‌باشد. الف - بدواً به متهم ابلاغ تا نسبت به تعیین وکیل برای دفاع از خود اقدام نماید. ب - در صورت عجز متهم از تعیین وکیل نسبت به تعیین وکیل تسخیری اقدام گردد. ج - در سایر موارد، در صورت درخواست متهم، وکیل تسخیری تعیین و قبل از محاکمه، فرصت لازم جهت مطالعه پرونده و تهیه لایحه دفاعیه در اختیار وکیل مدافع قرار گیرد. د - تعیین یک وکیل تسخیری، برای دو یا چند متهم در یک پرونده به لحاظ تعارض دفاع از موکلین ممنوع است. هـ - در راستای اجرای دقیق مواد ۲۸ و

۳۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۶ و مواد ۱۳ و ۱۴ آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور، از طریق کمیته شناسایی اموال، نسبت به شناسایی کلیه اموال متهمین و تعیین مشخصات دقیق اموال مصادره شده و نیز مستثنیات آن در حکم یا حکم اصلاحی اقدام شود. دادستانی کل کشور و دادسرای انتظامی قضات مسئول نظارت بر اجرای صحیح این بخشنامه می‌باشند. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به مراجع قضایی سراسر کشور - ۱۳۸۶۷۳

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام تصویر بخشنامه شماره ۳۱/۶/۱۳۸۶-۶۹۷۳/۸۶/۱ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. بخشنامه به دادستان‌های عمومی و انقلاب دادگاه‌های انقلاب اسلامی کشور براساس بررسی‌های به عمل آمده عدم رعایت بعضی از مقررات قانونی و نکات لازم‌الرعايه در رسیدگی‌ها موجبات نقض تعداد قابل توجه آرای صادره توسط دادستانی کل و دیوان عالی کشور و اطاله رسیدگی‌ها و تضییع حقوق متهمین را فراهم آورده است لذا برای اجتناب از ادامه روند مزبور ضروری است: ۱- در اجرای ماده هشت آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۷ کلیه مواد مخدر مکشوفه مورد آزمایش قرار گرفته و نوع آن تعیین شود. ۲- با توجه به اینکه تعیین درصد خلوص مواد مخدر مکشوفه و صدور حکم براساس آن، مستنبط از ماده هشت آیین‌نامه اجرایی مزبور، تبصره ماده یک قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۶ ناظر بر مواد ۲ تا ۶ تصویب‌نامه راجع به فهرست مواد مخدر مصوب سال ۱۳۳۸ هیئت وزیران با اصلاحات بعدی آن، تبصره ماده سه قانون مربوط به مواد روان‌گردان (پسیکو تروپ) فاقد وجاهت قانونی می‌باشد و لازم است با توجه به صدق عرفی مواد، صرفاً براساس میزان دقیق آن (بدون لفاف و پوشش) تعیین مجازات شود مگر آن که متهم مدعی مخلوط بودن آن با مواد خارجی شده یا دلایل و قرائن کافی بر اختلاط مواد با مواد خارجی وجود داشته باشد که در این صورت به لحاظ ضرورت حفظ دماء، میزان مواد خارجی مخلوط تعیین و با کسر آن از وزن مواد مخدر مکشوفه نسبت به باقیمانده رسیدگی و تعیین مجازات شود. ۳- براساس تکلیف مقرر در بند ج ماده ۱۴ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۸۱ جلسات دادرسی با حضور دادستان یا نماینده وی تشکیل شده، پس از استماع و انعکاس نظریات و مدافعات دادستان یا نماینده او، صورتجلسات دادگاه با ذکر نام به امضای نماینده حاضر در جلسه برسد. در اجرای اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و رأی وحدت رویه شماره ۲۸/۶/۶۳ - ۱۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور و ماده واحده مصوب ۱۱/۷/۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام و ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۸ و تبصره آن و نیز ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۷ در کلیه مواردی که مجازات قانونی مقرر حبس ابد یا اعدام می‌باشد. الف - بدواً به متهم ابلاغ تا نسبت به تعیین وکیل برای دفاع از خود اقدام نماید. ب - در صورت عجز متهم از تعیین وکیل نسبت به تعیین وکیل تسخیری اقدام گردد. ج - در سایر موارد، در صورت درخواست متهم، وکیل تسخیری تعیین و قبل از محاکمه، فرصت لازم جهت مطالعه پرونده و تهیه لایحه دفاعیه در اختیار وکیل مدافع قرار گیرد. د - تعیین یک وکیل تسخیری، برای دو یا چند متهم در یک پرونده به لحاظ تعارض دفاع از موکلین ممنوع است. ه - در راستای اجرای دقیق مواد ۲۸ و ۳۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۶ و مواد ۱۳ و ۱۴ آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور، از طریق کمیته شناسایی اموال، نسبت به شناسایی کلیه اموال متهمین و تعیین مشخصات دقیق اموال مصادره شده و نیز مستثنیات آن در حکم یا حکم اصلاحی اقدام شود. دادستانی کل کشور و دادسرای انتظامی قضات مسئول نظارت بر اجرای صحیح این بخشنامه می‌باشند. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام تصویر بخشنامه شماره ۷۱۳۷/۸۶/۱-۳/۷/۱۳۸۶ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. بخشنامه به مراجع قضایی سراسر کشور با آن که به موجب ماده ۴۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی «وکلاء نمی‌توانند نسبت به موضوعی که قبلاً به واسطه سمت قضایی یا حکمیت در آن اظهار عقیده کتبی نموده‌اند قبول وکالت نمایند.» اطلاع حاصل شد که احد از وکلای دادگستری با اعلام اشتباه نسبت به رأیی که به مناسبت شغل قضایی سابق خود در یکی از پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی صادر کرده بود، زمینه طرح مجدد آن را در مراجع قضایی فراهم کرده است! از آنجا که توسل به چنین اقداماتی، تخلف از قانون و سبب بی اعتباری احکام سابق‌الصدر می‌گردد، لزوماً خاطر نشان می‌گردد که در نظایر مورد چنانچه وکیلی به مناسبت مشاغل قضایی سابق خود در پرونده‌ای اظهار نظر یا حکمی صادر کرده باشد برای همیشه از قبول وکالت در آن موضوع ممنوع است. بنابراین در صورت مشاهده هر نوع تخلفی از وکلای دادگستری یا وکلاء و مشاوران حقوقی موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مراتب اعلام گردد تا اقدام مقتضی به عمل آید. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به واحدهای قضائی سراسر کشور - ۱۳۸۶ ۸ ۲۳

بخشنامه به دادستان کل کشور - رؤسای کل دادگستری‌ها، دادستان‌ها و رؤسای واحدهای قضایی سراسر کشور - ۱۵ بخشنامه به دادستان کل کشور - رؤسای کل دادگستری‌ها، دادستان‌ها و رؤسای واحدهای قضایی سراسر کشور ۱۳۸۶ ۷ ۱۵ مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام؛ تصویر بخشنامه شماره ۷۴۲۴/۸۶/۱ - ۱۵/۷/۱۳۸۶ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. بخشنامه به دادستان کل کشور - رؤسای کل دادگستری‌ها، دادستان‌ها و رؤسای واحدهای قضایی سراسر کشور نظر به ضرورت توسعه حمایت‌های حقوقی و قضایی ایرانیان خارج از کشور و تحقیق در امور مربوط به وکالت‌نامه‌های تنظیمی در نمایندگی‌ها و جلوگیری از بروز مشکلات در زمینه احراز صحت و سقم اسناد، مقرر است ظرف سه ماه از تاریخ صدور این بخشنامه دادستان کل کشور با استعلام از مراجع ذیربط، مشخصات دقیق افراد ممنوع المعامله را بصورت رسمی اعلام و در خصوص رفع اثر از بخشنامه‌های ۱۱۵۸۲/۱۵۰، ۹۱/۱۱۷۹۴/۶۸/۱۴۰ - ۲۸/۱۱/۱۳۶۸ - ۹۲/۱۷۲۷۶/۷۳/۱۴۰ - ۱۳/۹/۱۳۷۳ صادره از سوی دادستان وقت کل انقلاب اسلامی اقدام نماید. بدیهی است کلیه واحدهای ذیربط به ویژه وزارت اطلاعات همکاری لازم را خواهند داشت. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی مستشار دیوانعالی کشور و مدیر کل دبیرخانه قوه قضائیه - خسرو حکیمی

بخشنامه به کلیه مراجع قضایی ۱۳۸۶ ۸ ۲۹

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام تصویر بخشنامه شماره ۹۰۵۷/۸۶/۱ - ۲۹/۸/۱۳۸۶ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. بخشنامه به کلیه مراجع قضایی به منظور ساماندهی نحوه اخذ محکومیت‌های مالی تقسیط‌شده، مقتضی است، در مواردی که مطابق حکم صادره تأدیه دین اعم از بدهی، مهریه، دیه و..... به نحو اقساط صورت می‌پذیرد، در موارد تمایل ذینفع و معرفی شماره حساب توسط وی ضمن هماهنگی با واحد اجرای احکام، اقساط بدهی در تاریخ مقرر به حساب مزبور واریز و رسید آن جهت نظارت به واحد اجرا ارائه گردد. واحدهای اجرای احکام موظفند یکی از کارکنان خود را جهت تنظیم امور اداری و پرداخت به موقع اقساط موضوع این بخشنامه معین نمایند. مسوولیت حسن اجرای این بخشنامه به عهده رؤسای واحدهای قضایی می‌باشد. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه به رؤسای کل دادگستری استان‌ها - مصوب ۱۳۸۶/۹/۱۰

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام تصویر بخشنامه شماره ۹۴۲۸/۸۶/۱ - ۱۰/۹/۱۳۸۶ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. بخشنامه به رؤسای کل دادگستری استان‌ها بنا بر پیشنهاد سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، به رؤسای کل دادگستری استانها تفویض اختیار می‌گردد تا در موارد لازم بتوانند به محکومان زندانی که کمتر از ۶ ماه به پایان محکومیت آن باقی مانده است و یا کمتر از دو میلیون تومان جریمه دارند هر دو هفته یکبار به اعطای مرخصی به زندانیان مذکور اقدام نمایند. رئیس قوه قضائیه - سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی

بخشنامه به رؤسای کل دادگستری‌های استان‌های سراسر کشور - ۱۳۸۶ ۹ ۲۶

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام تصویر بخشنامه شماره ۹۹۲۴/۸۶/۱ - ۲۶/۹/۱۳۸۶ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. رؤسای کل دادگستری‌های استان‌های سراسر کشور به منظور تسهیل و تسریع در جریان امور و جلوگیری از هرگونه وقفه در انجام مأموریت‌های محوله، به رؤسای کل دادگستری‌های استان‌های کشور تفویض اختیار می‌شود که در اجرای مقررات بند یک ماده ۲۳ و بند الف ماده ۲۴ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۸/۱/۱۳۸۱ نسبت به انتخاب عضو حقوقدان مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی کارشناسان و صدور ابلاغ مأموریت برای قضات واجد شرایط استان مربوطه اقدام نمایند. لازم است رونوشت احکام مزبور جهت اطلاع و ضبط در سابقه به دبیرخانه کمیسیون نقل و انتقالات قضات ارسال گردد. رئیس قوه قضائیه - سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه - محسن محدث

بخشنامه به مراجع قضایی سراسر کشور - ۱۳۸۶ ۱۱ ۱۳

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور تصویر بخشنامه شماره ۱۱۴۵۹/۸۶/۱ مورخ ۱۳/۱۱/۱۳۸۶ ریاست قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. بخشنامه به مراجع قضایی سراسر کشور نظر به اهمیت و لزوم رعایت مقررات و قوانین آیین دادرسی، بالاخص در زمینه‌های تعقیب، احضار و جلب اشخاص و نیز قواعد مربوط به صلاحیت‌های ذاتی، نسبی و محلی مراجع قضایی، چگونگی اعطاء و اجرای نیابت‌های قضایی که از متفرعات بحث صلاحیت مراجع قضایی است و با توجه به این که برخی گزارشهای رسیده حکایت از تشتت و تنوع رویه‌ها در مورد « نیابت‌های قضایی » دارد و از طرفی، اعطای نیابت‌های مبهم، مجمل و کلی و مشتمل بر نواقص، علاوه بر صرف هزینه‌های زیاد و اتلاف وقت، موجبات سرگردانی صاحبان دعاوی و ارباب رجوع و در نتیجه اطلاع دادرسی را فراهم می‌آورد، بنابراین ضمن تذکر لزوم رعایت قوانین و مقررات مربوط از سوی کلیه مراجع و مقامات قضایی معطی و مجری، بر اعمال دقیق موارد و نکات ذیل تأکید می‌شود: ۱- در تنظیم برگ اعطای نیابت قضایی، ضمن درج مشخصات و نشانی دقیق و کامل طرفین پرونده و شهود، می‌بایست نام و سمت قاضی معطی نیابت بطور دقیق ذکر شود و سپس توسط وی، برگه مزبور امضا و مهر گردد. ۲- مراجع معطی نیابت، در ارسال برگ نیابت به حوزه قضایی موردنظر، دقت لازم را معمول دارند تا از ارسال آن به مرکز استان که باعث طولانی‌شدن زمان اجرای نیابت می‌شود، جلوگیری گردد. لازم است حوزه‌های قضایی که برگ اعطای نیابت اشتباهاً به آن واحد واصل گردیده است، اوراق مربوطه را بدون عودت به مرجع معطی نیابت، رأساً به حوزه قضایی مجری نیابت ارسال نمایند و رونوشت آن نیز به مرجع معطی نیابت جهت اطلاع و پی‌گیری داده شود تا موجب اطلاع رسیدگی نگردد. ۳- ضروری است ضمن پرهیز از اعطای نیابت‌های مبهم، مجمل، کلی و ناقص، هر یک از اقداماتی که می‌بایست توسط مرجع مجری نیابت معمول گردد، بطور روشن و خوانا و دقیق با ذکر جزئیات کامل در برگ اعطای نیابت قید

گردد و همچنین دلایل مجرمیت متهم به صورت دقیق و مشخص احصاء و در مواردی که اوراقی از پرونده نیاز به ملاحظه قاضی مجری نیابت باشد، رونوشت آنها پیوست گردد. ۴- در تنظیم برگ اعطای نیابت قضایی، می‌بایست اختیارات قانونی تفویض شده با توجه به موارد خواسته به صورت کامل واگذار گردد تا از مکاتبه مجدد بین مرجع مجری با مرجع معطی نیابت جلوگیری شود. ۵- از تقاضای جلب و اعزام تحت‌الحفظ متهم بدون تفهیم اتهام و صدور قرار تأمین خودداری گردد و از جلب و احضار افراد، بدون توجه اتهام و دلایل کافی پرهیز به عمل می‌آید. همچنین در مورد محکومین آراء غیابی، دادنامه غیابی ضمیمه گردد. ۶- در خصوص تقاضای مربوط به ممنوع‌الخروج و استرداد مجرمین، با توجه به وظایف دادستانی کل کشور و اداره حقوقی قوه قضائیه، حسب مورد اقدام گردد. ۷- در مواردی که متهمین موضوع نیابت بیش از یک نفر باشند و راجع به یکی از متهمین اقدامات نیابتی کامل گردد و یا پس از تحقیق و اخذ تأمین از متهم، وجود اوراق نیابت جهت ادامه تحقیقات دیگر ضروری باشد، قاضی مجری نیابت موظف است، اوراق نیابت را تفکیک و در مورد متهمی که نسبت به وی تحقیقات انجام و تأمین اخذ گردیده است، فوراً اوراق مربوط را به همراه متهم موصوف به مرجع معطی نیابت اعاده و اعزام نماید و در هیچ شرایطی مدت بازداشت وی بیش از ۴۸ ساعت نشود. ۸- نیابت‌های صادره می‌بایست با استفاده از نامبر (فاکس) ارسال شود و در جهت تضمین صحت و اصالت آن، مدیر دفتر حوزه قضایی یا جانشین طرف گیرنده باید با درج مشخصات خود و امضاء ذیل اوراق نیابت، مراتب را تأیید نماید و در غیراینصورت مانند ضرورت اعزام مأمور ضابط به همراه پرونده و غیره، حداکثر ظرف ۳ روز پرونده موضوع نیابت به مرجع مجری نیابت ارسال گردد. ۹- با توجه به اینکه در حوزه قضایی تهران، امور نیابت در مجتمع ویژه نیابت متمرکز گردیده است، لازم است تمامی مکاتبات با موضوع نیابت از طریق نشانی کامل به همراه شماره نامبر (فاکس) که متعاقباً از طریق دادگستری استان تهران اعلام خواهد شد، به عمل آید: رؤسای حوزه‌های قضایی و دادستان‌ها مسئول نظارت بر حسن اجرای این بخشنامه هستند. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

دستورالعمل ارزیابی عملکرد دادگستری‌ها، حوزه‌های ستادی و سازمان‌های وابسته قوه قضائیه - ۱۳۸۶ ۱۱۹

بخشنامه به رؤسای کل دادگستری‌های استان‌های سراسر کشور - ۲۶ ۱۳۸۶ ۹ مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور به پیوست « دستورالعمل ارزیابی عملکرد دادگستری‌ها، حوزه‌های ستادی و سازمان‌های وابسته قوه قضائیه» به منظور درج در روزنامه رسمی و اعلام نتیجه به حضور ارسال می‌گردد. دستورالعمل ارزیابی عملکرد دادگستری‌ها، حوزه‌های ستادی و سازمان‌های وابسته قوه قضائیه در راستای بررسی و ارزیابی برنامه‌ها و اقدامات انجام شده در قوه قضائیه و شناخت چالش‌ها و تنظیم سیاست‌های نوین و جهت گیری فعالیت‌ها به منظور نیل به اهداف برنامه‌ها، دستورالعمل ارزیابی عملکرد دادگستری‌ها، حوزه‌های ستادی و سازمان‌های وابسته قوه قضائیه به شرح زیر تصویب می‌گردد: ماده ۱- اصطلاحات به کار برده شده در این دستورالعمل به شرح ذیل تعریف می‌گردد: الف - عملکرد: نتایج حاصل از انجام وظایف و فعالیت‌ها. ب - ارزیابی: فرآیند سنجش، ارزش‌گذاری و قضاوت. ج - شاخص: مشخصه‌ای که در اندازه‌گیری ورودی‌ها، فرآیندها، ستاده‌ها و یا پیامدها مورد استفاده قرار می‌گیرد. د - استاندارد: حد مطلوب تعیین شده برای سنجش شاخص‌های ارزیابی عملکرد. ه - اقتصادی بودن: استفاده بهینه از امکانات و منابع. ماده ۲- هدف از ارزیابی عملکرد عبارتست از سنجش، ارزش‌گذاری و قضاوت در خصوص عملکرد دادگستری‌ها، حوزه‌های ستادی و سازمان‌های وابسته قوه قضائیه براساس قوانین و مقررات و شرح وظایف و برنامه‌های مصوب با رویکرد معیارهای اثربخشی، کارآئی، اقتصادی و اخلاقی بمنظور ارتقای کیفیت خدمات و نیل به اهداف قوه قضائیه. ماده ۳- عملکرد دادگستری‌ها، حوزه‌های ستادی و سازمان‌های وابسته قوه قضائیه به شرح زیر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد: الف - کلیات ۱- مجری دستورالعمل: اداره کل پیگیری امور استان‌ها و سازمان‌های وابسته قوه قضائیه. ۲- اهداف: تهیه گزارش وضعیت موجود نظام قضائی کشور و ارزیابی دادگستری‌ها، حوزه‌های

ستادی و سازمان‌های وابسته براساس میزان اجرای سیاست‌های قضائی. ۳- دوره مورد بررسی: از ابتدای فروردین تا پایان اسفند. ۴- زمان اجرا: به صورت فصلی (سه ماهه) و جمع‌بندی سالانه. ۵- نحوه اجرا: گزارش‌گیری، بررسی و بازرسی براساس شاخص‌های استاندارد. ۶- نحوه کنترل: بازرسی میدانی در طول سال دوره مورد بررسی و سه ماهه اول سال بعد از دوره. ۷- بهره‌بردار: حوزه ریاست، معاونین قوه قضائیه، رؤسای سازمان‌های وابسته و حوزه‌های ذیربط. ب- ابعاد عمومی ب ۱- نظام مدیریتی ۱- مدیریت راهبردی. ۲- مدیریت منابع انسانی. ۳- ساختار (تشکیلات، قوانین و مقررات). ۴- بهبود سیستم‌ها و روش‌های انجام کار. ۵- بهره‌گیری از فن‌آوری‌های اداری. ۶- قانونگرایی. ب ۲- شهروندمداری. ۱- شناخت نیازها. ۲- تطابق کیفیت خدمات با نیازها. ۳- انتظارات ارباب رجوع. ج- ابعاد اختصاصی ۱- میزان تحقق سیاست‌های محوری قوه قضائیه - فعالیت‌های پیشگیرانه از جرم. - نحوه اجرا یا میزان پیشرفت برنامه‌های جامع و عملیاتی قوه قضائیه. - نحوه اجرا یا میزان پیشرفت برنامه‌های توسعه کشور. - اقدامات منتهی به کاهش وارد پرونده به محاکم. - اقدامات منتهی به افزایش مختومه پرونده در محاکم. - اقدامات منتهی به کاهش ورودی زندانی و زندانیان موجود. - اقدامات منتهی به کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌ها از زمان تشکیل پرونده تا مختومه شدن آن در مرجع قضائی. - توسعه کیفی شوراهای حل اختلاف. - کاهش موارد نقض پرونده‌ها در مراجع قضائی، تجدیدنظر و دیوانعالی کشور. - کاهش زمان اجرای احکام صادره. ۲- عملکرد دادگستری‌ها با توجه به میزان تحقق سیاست‌های محوری، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها - وضعیت ستاد مبارزه با جرایم خاص. - وضعیت شورای قضائی استان. - وضعیت دفتر امور زندانیان. - وضعیت برگزاری ملاقات‌های مردمی رئیس کل دادگستری. - وضعیت دفتر حمایت از حقوق زنان و کودکان. - وضعیت ضابطین استان. - اقدام در راستای حفظ حقوق شهروندی. - وضعیت واحدهای ارشاد و معاضدت. - تخصصی نمودن و مکانیزاسیون رسیدگی. - وضعیت حفاظت از بیت‌المال و منابع طبیعی. - اقدامات انجام شده در رابطه با دستورالعمل‌های رفع اطلاع دادرسی. - بررسی کیفیت آراء محاکم. ۳- عملکرد حوزه‌های ستادی - ارزیابی عملکرد براساس شرح وظایف قانونی. - ارزیابی عملکرد براساس قوانین و برنامه‌های توسعه کشور. - ارزیابی عملکرد براساس برنامه‌های توسعه قضائی. ۴- عملکرد سازمان‌های وابسته قوه قضائیه - ارزیابی عملکرد براساس شرح وظایف قانونی. - ارزیابی عملکرد براساس قوانین و برنامه‌های توسعه کشور. - ارزیابی عملکرد براساس برنامه‌های توسعه قضائی. ۵- میزان موفقیت دادگستری‌ها در اجرای سیاست‌های محوری، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها. ۶- میزان موفقیت حوزه‌های ستادی براساس شرح وظایف قانونی. ۷- میزان موفقیت سازمان‌های وابسته براساس شرح وظایف قانونی. ماده ۴- فرآیند تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد به شرح زیر است: الف- تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد در ابعاد عمومی: شاخص‌های ارزیابی عملکرد عمومی براساس ابعاد و محورهای قوه قضائیه و شهروندمداری با همکاری مراجع و حوزه‌های ذیربط توسط اداره کل پیگیری امور استان‌ها و سازمان‌های وابسته تهیه و پس از تصویب رئیس قوه قضائیه به دادگستری‌ها، حوزه‌های ستادی و سازمان‌های وابسته به ابلاغ و ملاک ارزیابی قرار خواهد گرفت. ب- تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد در ابعاد اختصاصی: شاخص‌های ارزیابی عملکرد اختصاصی براساس ابعاد و محورهای مذکور در بند ج ماده ۳ این دستورالعمل، با همکاری حوزه‌های ذیربط توسط اداره کل پیگیری امور استان‌ها و سازمان‌های وابسته و با نگرش به قوانین و برنامه‌های توسعه کشور و برنامه‌های عملیاتی توسعه قضائی، احکام خاص مندرج در قوانین بودجه، قوانین و مصوبات خاص قوه قضائیه و دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های صادره دولتی و قوه قضائیه با هماهنگی و همکاری دستگاهها و حوزه‌های ذیربط تهیه و پس از تصویب رئیس قوه قضائیه به دادگستری‌ها، حوزه‌های ستادی و سازمان‌های وابسته ابلاغ و ملاک ارزیابی قرار خواهد گرفت. ماده ۵- معاونت‌ها، حوزه‌های ستادی مستقل، سازمان‌های وابسته و دادگستری کل استان‌ها براساس اعلام اداره کل پیگیری امور استان‌ها و سازمان‌های وابسته قوه قضائیه همکاری لازم را معمول خواهند داشت. ماده ۶- این دستورالعمل در ۶ ماده در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۱۲ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده و از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا می‌باشد. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

آئین‌نامه نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضائیه

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام به پیوست آئین‌نامه نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضائیه که به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده است جهت اطلاع ارسال می‌گردد. آئین‌نامه نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضائیه الف - کلیات ماده ۱- به منظور هماهنگی و تمرکز در سیاست‌ها، ایجاد هماهنگی در برنامه‌های کلان و تلفیقی اطلاع‌رسانی قوه قضائیه و در راستای برنامه دوم توسعه قضایی، « آئین‌نامه نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضائیه » به شرح مواد آتی تصویب می‌شود. ماده ۲- تعاریف: ۱-۲- قوه قضائیه: شامل بخش‌های ستادی و استانی، تشکیلات قضایی و سازمان‌های تابعه قوه قضائیه ۲-۲- نظام اطلاع‌رسانی قوه قضائیه: مجموعه‌ای از فرآیندهای برنامه‌ریزی، فراهم‌آوری، پردازش و نشر اطلاعات، پشتیبانی، نظارت، ارزیابی و کنترل آن و ارتباطات فی‌مابین. ۲-۳- روش‌های اطلاع‌رسانی: اطلاع‌رسانی به یکی از روش‌های شفاهی، مکتوب، مجازی (الکترونیکی)، سایر روش‌ها و یا ترکیبی از آن‌ها انجام خواهد شد. الف - اطلاع‌رسانی شفاهی (گفتاری): از طریق اعلام نظر، موضع و خبررسانی از طریق انجام مصاحبه با رسانه‌ها و یا به صورت مستقیم برای جمعی از افراد انجام می‌شود. ب - اطلاع‌رسانی مکتوب: شامل اعلام نظر، موضع و خبررسانی به صورت نوشتاری و از طریق انتشار نشریات ادواری و غیر ادواری، بولتن‌های خبری و گزارش‌های عملکرد می‌باشد. ج - اطلاع‌رسانی مجازی: اعلام نظر، موضع و خبررسانی از طریق فضای سایبر و یا استفاده از برخی نوآوری‌های تکنولوژیک نظیر sms را در برگیرد. د - سایر روش‌های اطلاع‌رسانی: شامل همایش‌ها، کارگاه‌های آموزشی و امثالهم است. ۲-۴- اطلاع‌رسانی ویژه (اطلاعات و اخبار ویژه): ارائه و نشر اطلاعات و اخبار ویژه شامل هرگونه طرح موضوع قبل از اقدام پیشگیرانه یا تعقیب قضایی اشخاص، از جمله پرونده‌های موضوع تبصره ذیل ماده ۴ (الحاقی ۲۸/۷/۱۳۸۱) و ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و مواد ۴۹۸ تا ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی، پرونده‌های ملی، حساس و مهم و پرونده‌هایی که ممکن است بازتاب داخلی یا بین‌المللی داشته باشد و نیز در ارتباط با اتباع خارجی. البته با رعایت قوانین و مقررات مربوط به محرمانه بودن مطالب. ۲-۵- موضوعات اطلاع‌رسانی: سیاست‌ها و برنامه‌های قوه قضائیه، عملکرد قوه قضائیه، اخبار قضایی، پاسخ‌ها و مواضع رسمی قوه قضائیه در قبال موضوعات داخلی و بین‌المللی، اطلاعات پایه و عمومی حقوقی و قضایی. ۲-۶- دوره اطلاع‌رسانی: الف - فوری (بدون فوت وقت): در موارد اطلاع‌رسانی ویژه و یا برحسب نیاز مسئولین ذیربط. ب - دوره‌ای (روزانه، هفتگی، ماهانه، ...): اهم رخدادها، اخبار، گزارش عملکرد در چارچوب وظایف تشکیلاتی، قضایی و تخصصی هر بخش. ج - موردی: هرگونه گزارش برحسب نیاز مخاطبین در چارچوب آئین‌نامه اطلاع‌رسانی قوه قضائیه. ۲-۷- مخاطبین نظام اطلاع‌رسانی قوه قضائیه: الف - مخاطبین درون قوه قضائیه (۱- رئیس قوه قضائیه، ۲- مسئولان و مدیران عالی قوه قضائیه، ۳- قضات ۴- نخبگان حقوقی و خبرگان قضایی قوه قضائیه ۵- کارکنان قوه قضائیه، ۶- عوامل خبری قوه قضائیه) ب - مخاطبین محیطی - کشوری (بیرون قوه قضائیه) (۱- رهبر معظم انقلاب اسلامی ۲- سران قوای مجریه و مقننه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ۳- مدیران عالی کشور (وزرا، نمایندگان مجلس، سفرا، ...) ۴- آیات عظام و فقها، نخبگان حقوقی و فقهی ۵- مسئولین و کارشناسان موضوعی، اشخاص مرتبط مانند وکلا، کارشناسان، خبرگان محلی ۶- صنوف، احزاب، نهادهای مدنی ۷- شهروندان ۸- عوامل خبری و سایر). ج - مخاطبین محیطی - بین‌المللی (۱- سران و مقامات سایر کشورها، ۲- مسئولان و مقامات سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای ۳- کارشناسان و متخصصان بین‌المللی ۴- سازمان‌ها و نهادهای مدنی مرتبط، ۵- عوامل خبری و سایر). ۲-۸- حوزه جغرافیایی نظام اطلاع‌رسانی قوه قضائیه: محدوده اطلاع‌رسانی شامل موارد زیر است: الف - استان تهران (به عنوان مرکز اصلی فعالیت مدیران و مسئولان عالی کشور و محل رسیدگی به پرونده‌های مهم قضایی). ب - سایر استان‌های کشور. ج - کشورهای اسلامی، کشورهای آسیایی، سایر کشورهای جهان. ۲-۹- اطلاعات طبقه‌بندی شده: اسناد و مطالبی است که به موجب قانون و « آئین‌نامه طرز نگهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه‌بندی و نحوه مشخص نمودن

نوع اسناد و اطلاعات مصوب ۱/۱۰/۱۳۵۴» به چهار دسته محرمانه، خیلی محرمانه، سری و به کلی سری تقسیم شده است.» ۱-۲- عوامل خبری: افرادی هستند که به صورت مجاز از موضوعات خبری گزارش، فیلم، عکس و نوار تهیه و در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهند. ۱-۲- مسؤول اطلاع‌رسانی ویژه: فردی است که از سوی رئیس قوه قضائیه برای اخذ اطلاعات ویژه و انعکاس فوری آن به ایشان، تعیین می‌گردد. ۱-۲- مسؤول اطلاع‌رسانی داخلی: فردی است که از سوی بالاترین مقام تمامی بخش‌های ستادی، تشکیلات قضایی و سازمان‌های تابعه در سطوح سازمانی قوه قضائیه، به عنوان مسؤول اطلاع‌رسانی حوزه ذیربط به دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی قوه قضائیه، معرفی می‌شود. ب- ارکان نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضائیه ماده ۳- ارکان نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضائیه به شرح زیر است: ۱- شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه. ۲- دبیرخانه شورا. ۳- کمیته مرکزی هماهنگی شورا. ۴- کمیته‌های تخصصی شورا شامل: ۱-۴- کمیته ارتقای مدیریت و نظارت (مأموریت اصلی: توسعه مدیریت و منابع نظام اطلاع‌رسانی و توسعه علمی، پژوهشی و فناوری‌های نو و روزآمد. ۲-۴- کمیته ارتقای اطلاع‌رسانی (مأموریت اصلی: ارزیابی فرایند اطلاع‌رسانی و ارتقای کمی و کیفی اطلاع‌رسانی). ۳-۴- کمیته فرهنگ‌سازی و توسعه مشارکت‌ها (مأموریت اصلی: ارتقای سطح دانش حقوقی و قضایی جامعه، و توسعه تعامل و مشارکت مردم، مسؤولان، خبرگان، رسانه‌ها و نهادهای ذیربط). ۵- کمیته‌های اطلاع‌رسانی استانی. ۶- واحدهای روابط عمومی و اطلاع‌رسانی تابعه. تبصره - تمامی فرآیندها و اقدامات اجرایی توسط واحدهای سازمانی ذیربط در قوه قضائیه انجام می‌شود و واحدهای مذکور موظف به اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب شورای اطلاع‌رسانی می‌باشند. ماده ۴- اعضای «شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه» به شرح زیر است: ۱- رئیس شورا. ۲- سخنگوی قوه قضائیه (دبیر شورا). ۳- رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه. ۴- رئیس سازمان بازرسی کل کشور. ۵- معاون حقوقی و توسعه قضایی. ۶- معاون آموزش. ۷- رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی. ۸- دبیر ستاد حقوق بشر. ۹- رئیس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه. ۱۰- رئیس کل دادگستری استان تهران. ۱۱- دادستان عمومی و انقلاب تهران. تبصره ۱- رئیس شورای اطلاع‌رسانی توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود. تبصره ۲- جلسات شورای اطلاع‌رسانی حداقل هر ۳ ماه یکبار تشکیل می‌شود. تبصره ۳- دبیر شورا می‌تواند بر حسب مورد از مسوولان قضایی و نمایندگان سایر نهادهای کشور دعوت به عمل آورد. ماده ۵- وظایف و اختیارات شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه به شرح زیر است: ۱- تدوین و بازنگری برنامه راهبردی اطلاع‌رسانی قوه قضائیه. ۲- بررسی و تصویب مفاهیم، تعاریف، مقررات، آیین‌نامه‌های اطلاع‌رسانی مورد نیاز. ۳- ایجاد تمهیدات لازم برای اجرای طرح جامع اطلاع‌رسانی و تسهیل، تسریع و توسعه فرآیند برنامه‌ریزی، فراهم‌آوری، پردازش و ساماندهی و نشر اطلاعات. ۴- بررسی و تصویب طرح‌ها، برنامه‌ها و بودجه‌های اطلاع‌رسانی. ۵- ایجاد زمینه‌های لازم برای اطلاع‌رسانی و آموزش عمومی، حقوقی و قضایی جامعه و مردم. ۶- ایجاد زمینه‌های لازم برای توسعه تعامل و مشارکت مردم، مسؤولان، خبرگان، رسانه‌ها، نهادهای ذیربط. ۷- ایجاد تمهیدات لازم برای توسعه علمی و پژوهشی اطلاع‌رسانی. ۸- ایجاد تمهیدات لازم برای بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات و سایر فناوری‌های نو در نظام اطلاع‌رسانی قوه قضائیه. ۹- ایجاد تمهیدات لازم برای هماهنگی، ساماندهی و توسعه روابط عمومی‌ها و نهادهای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه. ۱۰- ایجاد تمهیدات لازم برای توسعه منابع انسانی، منابع مالی، مدیریت و برنامه‌ریزی، استانداردها، امکانات و تجهیزات اطلاع‌رسانی. ۱۱- نظارت، ارزیابی و کنترل عالی نظام اطلاع‌رسانی و روابط عمومی‌ها و نهادهای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه از طریق دبیرخانه شورا و کمیته‌های آن. ماده ۶- وظایف و اختیارات دبیرخانه شورا: ایجاد ساختار و تشکیلات لازم دبیرخانه. تنظیم پیش‌نویس طرح‌ها و برنامه‌های شورا. تنظیم دستور جلسات شورا. تنظیم صورت‌جلسات شورا. پیگیری مصوبات شورا. مستندسازی فعالیت شورا و کمیته‌ها. انجام امور اداری و عمومی شورا و کمیته‌ها. تنظیم گزارش‌های دوره‌ای و موردی از عملکرد شورا و کمیته‌ها و ارائه به شورا. تبصره ۱- دبیر شورا، مسؤولیت پیگیری مصوبات شورا و اداره دبیرخانه را بر عهده دارد. دبیر شورا می‌تواند با هماهنگی رئیس شورا، یک نفر را به عنوان مدیر هماهنگی اجرایی (یا رئیس دبیرخانه شورا) تعیین و انجام امور اجرایی و اداره دبیرخانه را به وی

تفویض نماید. تبصره ۲- دبیر شورا موظف است تا حداکثر ظرف یک ماه، ساختار و تشکیلات دبیرخانه شورا را تهیه برای تصویب به رئیس شورا ارائه نماید. تبصره ۳- دبیر شورا موظف است تا حداکثر در هر ۳ ماه، گزارش جامعی از اقدامات دبیرخانه و کمیته‌های شورا، تهیه و به ریاست شورا ارائه نماید. ماده ۷- اعضای کمیته مرکزی هماهنگی شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه عبارتند از: ۱- دبیر شورای اطلاع‌رسانی به عنوان رئیس کمیته. ۲- دبیر کمیته به انتخاب دبیر شورای اطلاع‌رسانی. ۳- مدیر کل روابط عمومی و اطلاع‌رسانی قوه قضائیه. ۴- مدیر کل امور فرهنگی و اجتماعی قوه قضائیه. ۵- مدیران کل روابط عمومی و اطلاع‌رسانی سازمان‌های تابعه و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری. ۶- نمایندگان اطلاع‌رسانی حوزه‌های ستادی و معاونت‌های قوه قضائیه، دیوان عالی کشور، دیوان عدالت اداری، دادستان کل کشور، وزارت دادگستری، دادسرا و دادگاه انتظامی قضات، دادگستری کل استان تهران، حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه. ۷- یکی از معاونین دادستان به عنوان نماینده اطلاع‌رسانی دادسرای تهران. ۸- دو نفر از مدیران مسؤول یا سردبیران نشریات قوه قضائیه به انتخاب رئیس شورا. تبصره - بر حسب ضرورت و با موافقت رئیس کمیته، از نمایندگان سایر بخش‌های خارج از قوه قضائیه یا کارشناسان ذیربط دعوت خواهد شد. ماده ۸- وظایف و اختیارات کمیته مرکزی هماهنگی شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه بدین شرح است: ۱- انجام کلیه وظایف شورای اطلاع‌رسانی بر حسب تفویض شورا. ۲- بررسی و تصویب شکلی و محتوایی انواع اطلاع‌رسانی‌ها. ۳- نظارت بر فرآیندها و شیوه‌های اطلاع‌رسانی از قبیل پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، نشریات و اخبار منتشره. ۴- تصمیم‌گیری در خصوص اطلاع‌رسانی‌های ویژه. ۵- ایجاد هماهنگی مابین کمیته‌های تخصصی و بخش‌های مختلف نظام اطلاع‌رسانی قوه قضائیه. ۶- ایجاد هماهنگی مابین روابط عمومی‌ها و نهادهای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه. ۷- نظارت، ارزیابی و کنترل فعالیت‌های کمیته‌های تخصصی. ۸- تهیه مواد لازم برای بررسی و تصویب شورای اطلاع‌رسانی. ماده ۹- وظایف و اختیارات کمیته‌های تخصصی بدین شرح است: ۱- کارشناسی موضوعات تخصصی مرتبط مبتنی بر راهبردها و مأموریت نظام اطلاع‌رسانی. ۲- هماهنگی بین بخش‌های اجرایی مرتبط در ساختار قوه قضائیه (اعم از ستادی، تشکیلات قضایی و سازمان‌های تابعه). ۳- نظارت، ارزیابی و کنترل بر صحت فعالیت بخش‌های اجرایی مرتبط در ساختار قوه قضائیه (اعم از ستادی، تشکیلات قضایی و سازمان‌های تابعه) در چارچوب نظام اطلاع‌رسانی. ۴- ارائه مصوبات کمیته‌ها به کمیته مرکزی هماهنگی شورا برای بررسی و تصویب. تبصره ۱- ریاست کمیته‌های تخصصی به پیشنهاد دبیر شورا و با حکم رئیس شورا و بر عهده یکی از مدیران کل قوه قضائیه یا نمایندگان نهادهای عضو خواهد بود، که فعالیت حوزه متبوعش مرتبط با موضوع تخصصی آن کمیته باشد. تبصره ۲- جلسات کمیته‌ها بر حسب موضوع و نیاز به صورت هفتگی و یا حداکثر ماهانه تشکیل خواهد شد. ماده ۱۰- در هر استان کمیته اطلاع‌رسانی با هدف ایجاد هماهنگی و انسجام و تسریع و تسهیل در اطلاع‌رسانی، به خصوص اطلاع‌رسانی‌های ویژه، به ریاست یکی از معاونین دادگستری استان یا دادستان مرکز استان به انتخاب رئیس کل دادگستری استان، و دبیری مسؤول روابط عمومی و اطلاع‌رسانی دادگستری و عضویت دادستان مرکز استان و نمایندگان اطلاع‌رسانی واحدهای استانی سازمان‌های تابعه قوه قضائیه، تشکیل می‌شود. تبصره - دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی وظیفه برقراری ارتباط مستمر، ایجاد هماهنگی مابین کمیته‌های اطلاع‌رسانی استان‌ها را بر عهده خواهد داشت. ج - شرایط اطلاع‌رسانی ماده ۱۱- مسؤولین اطلاع‌رسانی در بخش‌های ستادی و استانی، تشکیلات قضایی و سازمان‌های تابعه قوه قضائیه موظفند: الف - اهم اطلاعات و اخبار حوزه تحت پوشش خود را به صورت روزانه و به طریق مناسب به دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی اعلام و ارسال نمایند. ب - اطلاعات و اخبار ویژه را پس از اطلاع، بدون فوت وقت در تمامی اوقات شبانه‌روز به دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی و « مسؤول اطلاع‌رسانی ویژه»، از طریق مقتضی منعکس نمایند. تبصره - دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی موظف است به صورت مستمر، دوره‌ای و سطح‌مند نسبت به اطلاع‌رسانی به مخاطبین مختلف به ویژه مقامات عالی کشور اقدام نماید. جزئیات این اطلاع‌رسانی براساس دستورالعملی خواهد بود که توسط کمیته مرکزی هماهنگی شورا تهیه می‌شود. ماده ۱۲- مقامات مجاز به اطلاع‌رسانی و محدوده اطلاع‌رسانی هر یک: ۱- رئیس شورای اطلاع‌رسانی، سخنگوی

قوه قضائیه، معاون اول قوه قضائیه، دادستان کل کشور، رئیس حوزه ریاست: اطلاع‌رسانی در ارتباط با سیاست‌ها و برنامه‌های کلان و مربوط به کلیت قوه قضائیه اعم از تشکیلات اداری، قضایی و سازمان‌های تابعه، اطلاع‌رسانی ویژه، مواضع رسمی و پاسخگویی‌های قوه قضائیه و به طور اخص در ارتباط با پرونده‌های ملی و حساس و مهم و پرونده‌هایی که ممکن است بازتاب داخلی یا بین‌المللی داشته باشد، اخبار مربوط به احضار یا بازداشت اتباع خارجی. ۲- رئیس دیوان عالی کشور، رئیس دیوان عدالت اداری، سایر معاونین قوه قضائیه، رؤسای سازمان‌های تابعه، رئیس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه، رئیس دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری: اطلاع‌رسانی برنامه و عملکرد اجرایی و اخبار حوزه مرتبط. ۳- رؤسای کل دادگستری استان، دادستان مرکز استان، مدیران کل سازمان‌های تابعه استانی، (معاونان رؤسای کل دادگستری استان، دادستان‌های استان و معاونان آنان، رؤسای دادگستری‌های شهرستان‌ها، رؤسای مجتمع‌های قضایی همگی با هماهنگی رئیس کل دادگستری استان): اطلاع‌رسانی برنامه و عملکرد اجرایی و اخبار حوزه مرتبط و یا برحسب تفویض شورا. ۴- مدیران روابط عمومی و اطلاع‌رسانی یا مسئولین اطلاع‌رسانی در هر بخش ستادی و استانی یا قضایی: اطلاع‌رسانی برنامه و عملکرد اجرایی و اطلاع‌رسانی ویژه حوزه مرتبط با هماهنگی بالاترین مقام مرتبط و در چارچوب آئین‌نامه نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضائیه. تبصره - کمیته مرکزی هماهنگی شورا می‌تواند بر حسب لزوم، اطلاع‌رسانی در برخی موارد را با تعیین حدود و ثغور و شکل آن، به یک یا چند نفر از افراد مندرج در ماده ۱۲ این آئین‌نامه تفویض نماید. ماده ۱۳- هرگونه اطلاع‌رسانی اعم از مصاحبه، افشاء، انتشار اخبار و صدور اطلاعیه در موارد زیر ممنوع می‌باشد: - اسناد و اطلاعات دارای طبقه‌بندی حفاظتی (اسناد سری و محرمانه دولتی). - مذاکرات غیرعلنی محاکم و تحقیقات مراجع قضائی و انتظامی در مرحله مقدماتی و انتشار جریان دادگاه علنی قبل از قطعی شدن حکم. - دعاوی خصوصی اشخاصی که حداقل یکی از طرفین دعوی تقاضای غیرعلنی بودن آن را نموده باشد و همچنین انتشار اسامی، عناوین اتهام که مغایر با حیثیت و آبروی اشخاص باشد. - جریان رسیدگی به جرائم خانوادگی، اطفال و یا فیلمبرداری و تهیه عکس و افشای هویت طفل متهم. - اخباری که افشاء و انتشار آن موجب اختلال و مانع انجام صحیح و سالم در روند دادرسی عادلانه قضایی گردد. - اخباری که موجب تفرقه و دوگانگی و تشدید درگیری میان اقشار جامعه، گروه‌ها احزاب و مسئولین شود. - اخباری که موجب آشفتگی، اذهان عمومی و یا هراس بین آنان و یا موجب بی‌اعتمادی عمومی به نظام و دستگاه قضائی شود. - مصاحبه، صدور اطلاعیه یا خبری که مغایر شأن قضات و یا موجب خدشه‌دار شدن اقتدار و استقلال قضایی شود. - هرگونه اظهار عقیده مقامات قضایی در خصوص برائت و مجرمیت متهم قبل از اتمام رسیدگی و اعلام رأی. - گزارش‌های بازرسان بازرسی کل کشور به تشخیص رئیس قوه قضائیه. تبصره - در صورت ضرورت انتشار اطلاعیه، خبر و یا مصاحبه به منظور اطلاع‌رسانی همگانی، هشدار یا استمداد از کلیه اقشار جامعه درخصوص پرونده‌های قضایی که انتشار و افشاء اطلاعات آن مطابق مفاد این آئین‌نامه ممنوع می‌باشد، بنابه تشخیص شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه و با کسب اجازه از رئیس قوه قضائیه، اطلاعات لازم و کافی از قاضی رسیدگی کننده پرونده اخذ و متن خبر و نحوه و میزان انتشار آن در حد ضرورت که متضمن افشاء اسرار و اطلاعات طبقه‌بندی شده نباشد، توسط شورا تهیه و در اختیار سخنگوی قوه قضائیه و یا روابط عمومی و اطلاع‌رسانی قوه قضائیه و یا فردی بنا به تعیین شورا، قرار می‌گیرد. در صورت نیاز، روابط عمومی و اطلاع‌رسانی قوه قضائیه رأساً یا با هدایت عوامل خبری، فیلم و گزارش به میزان تعیین شده، تهیه و اطلاع‌رسانی می‌نماید. د - الزامات و شرایط همکاری واحدهای روابط عمومی و اطلاع‌رسانی با عوامل خبری ماده ۱۴- رعایت موارد زیر برای حضور عوامل خبری در هریک از اماکن قضایی و اداری قوه قضائیه الزامی است: ۱- هماهنگی با روابط عمومی مربوط ۲- رعایت اخلاق و شئون حرفه‌ای ۳- ارائه معرفی‌نامه از رسانه متبوع ۴- تردد و فعالیت صرفاً در محل‌های تعیین شده توسط روابط عمومی ۵- انجام فعالیت خبری در چارچوب موازین قانونی ماده ۱۵- تهیه هرگونه خبر، فیلم و عکس در محیط دادسراها، دادگاه‌های علنی و نیز سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه باید با هماهنگی و تحت نظر واحدهای روابط عمومی و اطلاع‌رسانی انجام پذیرد. نظارت بر

موضوعات فیلمبرداری و عکس و خبر و کنترل ممنوعیت‌های قانونی بر عهده واحد روابط عمومی و اطلاع‌رسانی می‌باشد. ماده ۱۶- روابط عمومی‌ها موظفند در ارتباط با عوامل خبری، اقدامات زیر را انجام دهند: ۱- اخذ و تکمیل اسم، مشخصات و امضاء عوامل خبری مطابق فرم‌های مصوب ۲- هدایت و معرفی عوامل خبری به مراجع مربوط در چهارچوب محور تعیین شده از سوی رسانه اعزام کننده ۳- نظارت و کنترل عوامل خبری برای تهیه فیلم، عکس، صدا و گزارش در چارچوب موازین قانونی ۴- نگهداری کلیه معرفی‌نامه‌ها و نیز فرم‌های تکمیل و امضاء شده توسط خبرنگاران و سایر گروه‌های خبری و تهیه‌کنندگان فیلم و سریال و داستان در روابط عمومی و اطلاع‌رسانی. ه- سایر مواد ماده ۱۷- کلیه بخش‌های ستادی، تشکیلات قضایی و سازمان‌های تابعه در تمامی سطوح سازمان، در صورتی که دارای واحد روابط عمومی و اطلاع‌رسانی نیستند موظفند حداقل یک نفر را به عنوان مسئول و رابط اطلاع‌رسانی به دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه، معرفی نمایند. ماده ۱۸- کلیه بخش‌های ستادی، تشکیلات قضایی و سازمان‌های تابعه قوه قضائیه مکلفند ضمن همکاری با شورای اطلاع‌رسانی، دبیرخانه شورا و کمیته‌های آن، برنامه‌های خود در حوزه اطلاع‌رسانی را منطبق با سیاست‌ها، برنامه‌ها و استانداردهای مصوب شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه و کمیته‌های آن، تنظیم و اجرا نمایند. تبصره - برنامه و بودجه حوزه روابط عمومی و اطلاع‌رسانی باید به صورت سالانه پس از بررسی در کمیته‌های تخصصی، به تصویب شورای اطلاع‌رسانی و ریاست قوه قضائیه برسد. ماده ۱۹- کلیه مصوبات و بخش‌نامه‌های شورای اطلاع‌رسانی برای ابلاغ به بخش‌های مختلف قوه قضائیه، پس از تأیید ریاست قوه قضائیه از طریق رئیس شورا ابلاغ می‌شود. ماده ۲۰- مسئولیت اجرای مفاد این آئین‌نامه به عهده بالاترین مقام مسئول بخش‌های مختلف قوه قضائیه می‌باشد. ماده ۲۱- نظارت بر حسن اجرای مفاد این آئین‌نامه بر عهده شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه می‌باشد. در صورت مشاهده تخلف موارد توسط رئیس شورا به مراجع ذیصلاح جهت اقدام، گزارش خواهد شد. ماده ۲۲- این آئین‌نامه در ۲۲ ماده و ۱۵ تبصره تنظیم و در تاریخ ۱۳۸۶/۷/۱۹ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید. از این تاریخ « آئین‌نامه اجرایی شورای عالی اطلاع‌رسانی و پاسخگویی قوه قضائیه»، منسوخ و آئین‌نامه حاضر جایگزین آن و لازم‌الاجرا است. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

بخشنامه جلوگیری از دسترسی افراد غیرمجاز به پرونده‌های قضایی

جلوگیری از دسترسی افراد غیرمجاز به پرونده‌های قضایی مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور با احترام تصویر بخشنامه شماره ۸۸۶۱/۸۶/۱ - ۲۳/۸/۱۳۸۶ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. بخشنامه به واحدهای قضائی سراسر کشور پیرو بخشنامه شماره ۲۲۰۹۶/۷۹/۱ مورخ ۲۵/۱۲/۱۳۷۹ و تأکید بر نظارت موثر و مستمر بر اجرای مدلول آن در دادگاه‌ها و دادسراها و نظر به اهمیت حفاظت از پرونده‌های مدنی و کیفری و مراقبت دائمی از محتویات آنها، لازم است اصول حفاظتی و نگهداری از آنها پیوسته مدنظر متصدیان مربوط قرار داشته و از دسترسی افراد غیرمجاز به پرونده‌های قضایی جلوگیری گردد و در صورت احراز خارج شدن مدارک و صورتجلسات و ادله استنادی طرفین از داخل آنها و گم شدن یا ربوده شدن پرونده و اسناد ضمیمه آن، ضمن اقدام فوری به منظور شناسایی و تعقیب مرتکب و دستیابی به پرونده یا برگ‌های مفقود یا مسروق، روسای واحدهای قضایی و دادستان‌ها موظف‌اند مراتب را به حفاظت و اطلاعات اعلام کنند تا اقدام مناسب به عمل آورند. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

راهنمای ثبت

۱- قانون شرکتهای تجاری در ایران

قانون شرکتهای تجاری در ایران - در آغاز بخشی از قانون تجارت ایران برای نخستین بار در ۲۵ دلو ۱۳۰۳ خورشیدی تصویب و بقیه آن در دوازدهم خرداد ۱۳۰۴ به تصویب رسید و به اجرا درآمد این قانون در ۱۳/۲/۱۳۱۱ در مجلس شورای ملی اصلاح تکمیل و تصویب شد که اینک حدود هشتاد سال از عمر آن می گذرد. این قانون برگردانی از قانون تجارت کشورهای فرانسه و بلژیک است که باطلع حاصل تجربیات حقوقی و تجاری کشور ما نبوده و بدون توجه به نیازهای واقعی جامعه تجاری ما وضع گردیده است البته این بدان معنی نیست که نکات مثبت این قانون را انکار کنیم. قانونگذار در سال ۱۳۴۷ درصدد اصلاح قسمتی از قانون مذکور برآمد و با استفاده از تجربیات حاصله از عملکرد شرکت های سهامی و با توجه به مقتضیات حقوقی و اقتصادی و نیز پیشرفت هایی که این شرکت ها در دنیای تجارت داشته اند دیدگاه های خود را درباره قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ به کنار نهاده و دیدگاه های نوینی ارائه نمود که قانون اصلاحی شرکتهای سهامی عام و خاص مصوب ۲۴ اسفند ۱۳۴۷ با ۳۰۰ ماده خط مشی قضایی تجارت ما را تعیین نمود. اما متأسفانه از زمان اصلاح قانون تجارت تاکنون علیرغم پیشرفت بسیار در دنیای علم و تکنولوژی و اقتصاد و توسعه انواع مختلف شرکت های تجاری هیچگونه بازنگری در قانون مذکور صورت نگرفته است. این قانون نقایص و ایرادات قابل توجهی را در بر دارد. آنچه مسلم است شرکت های موضوع قانون تجارت نقش مهمی در جلب سرمایه های مردم و شکوفایی اقتصاد کشور ایفا می نمایند. در این راستا شایسته است که مقرراتی وضع گردد تا مردم با اعتماد به شرکت های مزبور و اطمینان خاطر از تضمین حقوق خود مبادرت به سرمایه گذاری بنمایند. از آنجایی که اغلب سرمایه گذاری ها در بخش های صنعتی خدماتی و بازرگانی بین المللی توسط اشخاص حقوقی صورت می گیرد اصلاح قوانین و هماهنگ کردن آنها با مقررات جامعه بین المللی ضروری به نظر می رسد. یادآوری می کنم که نقایص قانونی قابل توجهی در ارگان تصمیم گیرنده (مجمع عمومی مؤسس مجمع عمومی عادی و فوق العاده) ارگان اداره کننده (هیئت مدیره و مدیر عامل) و ارگان کنترل کننده (بازرس یا بازرسان) وجود دارد که مشکلاتی را در بازرگانی داخل و بین المللی ایجاد نموده است. زیرا نحوه دعوت مجامع و اتخاذ تصمیم و افزایش و کاهش سرمایه و سیستم بازرسی و مدیریت و حمایت از حقوق سهامداران و توسعه حق کسب اطلاع آنان در حقوق فرانسه (قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶) در حقوق انگلیس (قانون شرکت های تجاری ۱۹۸۵) و ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای تغییراتی پیدا کرده است). هم چنین قوانین حاکم بر شرکت های با مسئولیت محدود تضامنی نسبی مختلط سهامی و غیر سهامی (ماد ۹۴ تا ۲۲۲ مصوب ۱۳۱۱) با توجه به گذشت سالیان متمادی که از تصویب آنها می گذرد از نظر ارگان (تصمیم گیرنده) مدیریت و سیستم کنترل مشکلات زیادی را در عمل ایجاد کرده که در نتیجه تراکم دعاوی در دادگستری و رکود اقتصادی را در کشور فراهم ساخته است. به همین گونه قوانین مربوط به ورشکستگی شرکت ها مصوب ۱۳۱۱ نمی تواند از حقوق طلبکار حمایت کرده و اعتماد او را برای سرمایه گذاری جلب نماید. توجه داشته باشیم که قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۲۴ تیرماه ۱۳۱۸ و آیین نامه مربوط به آن از حقوق سوییس اقتباس شده اتس و اداره تصفیه امور ورشکستگی که در حوزه قضایی چند شهرستان تاسیس گردیده به علت کندی امر تصفیه و هزینه زیاد آن در عمل مشکلاتی برای طلبکاران ایجاد کرده است. از طرف دیگر در سایر نقاط ایران امر تصفیه طبق قانون تجارت ۱۳۱۱ که با مطالعه قانون ۴ مارس ۱۸۸۹ فرانسه و سایر مقررات بعدی تهیه گردیده به هیچ وجه نیازهای حمایتی طلبکاران را فراهم می سازد. زیرا در قوانین ورشکستگی مصوب ۱۳ ژوئیه ۱۹۶۷ و ۲۵ ژانویه ۱۹۸۵ در کشور سوییس تغییرات قابل توجهی صورت گرفته است به هر حال این دوگانگی در نظام تصفیه امور ورشکستگی افزون بر پیچیده کردن درک قانون آن هم به ضرر شرکتهای تجاری برای افزودن اعتبار و جلب اعتماد مردم نیاز به بازنگری کامل دارد.

۲- کلیات حقوق شرکت ها در کشورهای مختلف

۱- در حقوق فرانسه

کلیات حقوق شرکت ها در کشورهای مختلف - در حقوق فرانسه از قرن هجدهم به بعد در حقوق تجارت فرانسه شرکتهای سهامی به دو گونه پدیدار شدند یک گونه شرکت های مختلط سهامی بودند که برای تاسیس آنها اجازه دولت لازم نبود و مسئولیت تضامنی برخی از شرکاء اساس کار بود و گونه دیگر شرکت های سهامی بی نام بودند که برای تاسیس آنها دریافت اجازه مخصوص از دولت لازم بود. برای اولین بار در قانون تجارت فرانسه محدودیت مسئولیت شرکاء به نسبت آورده آنها مطرح شد بدون اینکه این مسئولیت در اساسنامه شرکت ذکر شود گرچه تا این زمان ذکر مسئولیت و نحوه آن در اساسنامه ضروری بود در فرانسه نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر تحولات چشمگیری نسبت به مقررات شرکت های سهامی صورت گرفت. بطور مثال در قانون تجارت ۲۴ ژوئیه ۱۸۷۶ فرانسه برای ایجاد شرکت های سهام الزام اخذ مجوز از دولت برطرف شد که رفع محدودیت ها باعث رشد و موفقیت زیاد این نوع شرکت ها گردید. در ادامه تغییرات و تحولات در قانون تجارت فرانسه در سال ۱۸۹۳ اصل بازرگانی بودن شرکت مورد تاکید قرار گرفت هر چند که شرکت سهامی به کار بازرگانی نپردازد. قانون سال ۱۹۶۳ در خصوص مسئولیت و تکالیف مدیران شرکت سهامی مقرراتی وضع کرد ولی از ۲۴ در خصوص ۱۹۶۶ که هم اکنون نیز قانون تجارت فرانسه تلقی می شود قانون فعلی تجارت فرانسه را تشکیل می دهد و آیین نامه این قانون در ۲۳ مارس ۱۹۶۷ به تصویب رسید. پس از تصویب قانون سال ۱۹۶۶ شرکت های تضامنی، مختلط غیر سهامی، با مسئولیت محدود، سهامی و مختلط سهامی در قانون تجارتی محسوب شدند.

۲- در حقوق ژاپن

کلیات حقوق شرکت ها در کشورهای مختلف - در حقوق ژاپن رمز موفقیت ژاپن در جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی وانتقال تکنولوژی و بالاخره دانش فنی Know-How تصویب قوانین مربوط، در بعد از جنگ جهانی دوم بود زیرا صنایع ژاپن در طول جنگ به کلی نابود شده و بالعکس تکنولوژی غربی رشد قابل توجهی کرده بود. در قانون تجارت ژاپن هفت نوع واحد تجارتي وجود دارد که معروف ترین آنها شرکت سهامی عام و خاص یا Kabusshikigaisha و شرکت با مسئولیت محدود Yugengaisha می باشد. مجامع عمومی عادی و فوق العاده در شرکت های مزبور نحوه انتخاب مدیران و تقسیم سود ویژه بین سهامداران حائز اهمیت بوده و تصمیمات با اکثریت آراء حاضر در جلسه اتخاذ می گردد ولی هر گونه تغییرات در اساسنامه با آراء ۳/۲ عده حاضر صورت می گیرد. اخذ وام و صدور اوراق قرضه از اختیارات هیئت مدیره بوده و بازرسان مانند حقوق ایران و فرانسه از طرف مجمع عمومی سهامداران انتخاب می شوند که در کنترل صحت و درستی حسابهای شرکت نقش مهمی را ایفا می کنند. قانون ۱۹۵۰ سرمایه گذاری خارجی معروف به FIA تسهیلات فراوانی برای ورود سرمایه های خارجی و انتقال دانش فنی و تکنولوژی به ژاپن فراهم کردو منعقد گردید که به غیر از چند مورد ورود سرمایه خارجی فقط با موافقت وزیر مربوط به آن صنعت صورت می گرفت. قانون FIA در سال ۱۹۹۰ مورد تجدید نظر قرار گرفت و در حال حاضر سرمایه گذار خارجی می تواند فقط با اطلاع قبلی به وزارتخانه مربوط در ژاپن آزادانه اقدام به سرمایه گذاری کرده و در صورت لزوم سرمایه خود را با همان ارز از کشور مزبور خارج نماید.

۳- در حقوق انگلیس

کلیات حقوق شرکت ها در کشورهای مختلف - در حقوق انگلیس در قرن هجدهم میلادی با گسترش و نفوذ تفکر سرمایه داری تاسیس شرکت های تجاری شروع می شود. در ابتدای قرن هجدهم به فرمان پادشاه یا مجلس انگلیس شرکت های بزرگ تاسیس

می شد در نیمه های قرن نوزدهم میلادی تشکیل شرکت و به رسمیت شناختن شخصیت حقوقی منحصر با ثبت شرکت نامه امکان پذیر گردید. شرکت ها به دو دسته عمده تقسیم می شدند: ۱- شرکت هایی با مسئولیت نامحدود (unlimited co) که در این شرکت ها مسئولیت و شخصیت شرکا مدنظر قرار داشت. ۲- شرکت هایی با مسئولیت محدود (limited co) که در عمل بیشتر به شرکت های سهامی در قانون ایران تشابه دارند. این دسته از شرکت ها خود به شرکت های سهامی عام که موسسان آن برای تشکیل سرمایه شان عموم مراجعه می کنند و شرکت های سهامی خاص که موسسان آن خود سرمایه شرکت را تامین می نمایند تقسیم می شوند. در انگلستان نیز مانند کشورهای دیگر قوانین مربوط به شرکت های تجاری که هم اکنون نیز مرعی است قانون شرکت های سال ۱۹۸۹ می باشد که از جمله اصلاحات آن ثبت اجباری شرکت و نظارت وزارت بازرگانی بر تاسیس و طرز کار شرکت ها است. در حقوق انگلستان اصل را بر این نهاده اند سهامداری می تواند سهامدار بهتری باشد که وضعیت شرکت کاملا اطلاع دارد. و ملزم به ثبت شرکت و نهادن نهادی نظارتی - اداری بر وضعیت شرکت ها مبتنی بر تقویت حق اطلاع از سهامداران است. پروفیسور گاور استاد حقوق تجارت دانشگاه لندن شرکت های تجاری را به سه دسته تقسیم کرده است: ۱- شرکت با مسئولیت نامحدود Unlmimited companies که در این شرکت ها سرمایه به سهام تقسیم شده و هر صاحب سهم مسئولیت مدنی به بیش از مبلغ سهم خود در برابر بستانکاران دارد. توجه کنیم که سهام این شرکت ها بدون رضایت سایر اعضاء قابل نقل و انتقال نمی باشد. این نوع شرکت ها در انگلیس کمتر مورد استقبال عموم قرار دارد. ۲- شرکت با ضمانت پرداخت بدهی بطور محدود Companies Limited by Shares در این نوع شرکت مسئولیت شرکاء همانند شرکت سهامی عام و خاص در ایران محدود به مبلغ اسمی سهام سهامدار است. شرکت مزبور شامل: - شرکت سهامی عام Public Joint - Stock Compaky که برای تاسیس آن وجود حداقل هفت نفر ضروری است. - شرکت سهامی خاص Private Joint - Stock Compaky که برای تاسیس آن دو نفر پیش بینی شده است.

۴- در حقوق آلمان

کلیات حقوق شرکت ها در کشورهای مختلف - در حقوق آلمان در طول جنگ جهانی و سالهای پس از آن نشان داده شد که قانون مصوب ۱۹۳۷ درباره شرکت های سهامی کاربری ندارد. زیرا قانون مزبور دیگر متناسب با نیازهی اقتصادی آلمان نبود در نتیجه برای جلوگیری از تمرکز قدرت در مجمع عمومی نهادی به نام هیئت نظارت به وجود آمد اما سهامداران به طور مفید و موثر در اداره شرکت مداخله ای نداشتند. بدین گونه بود که جدایی بین قانون و واقعیت و خواست سهامداران در هر زمان بیشتر می شد. قانون ۱۹۳۷ بیشتر به ترفندها و تقلب های منجر به ورشکستگی و جلوگیری نسبت به سو استفاده از دارایی شرکت ها پرداخته بود که تا حدودی سهامداران اقلیت توانستند از سود سرمایه گذاری خود بهره مند شوند. در سال ۱۹۶۵ برای مبارزه با حزب سوسیال دمکرات قلمرو بخش خصوصی گسترده شد آنگونه که بخش عظیمی از مردم آلمان به خرید سهام از شرکت های سهامی روی آوردند به طوری که شرکت و با در سال ۱۹۶۵ حدود ۱۶۰۰۰۰۰ سهامدار و فولکس واگن ۱۱۰۰۰۰۰ سهامدار را جذب کردند که این سهامداران متشکل از ۳/۳۰ درصد کارکنان شرکت ۶/۲۳٪ خانم های خانه دار و ۳/۱۰ درصد بازنشستگان و سرانجام ۴/۱۰ درصد دانشجو و دانش آموز و بقیه از صاحبان مشاغل آزاد بودند. می بینیم که سیاست اطلاع رسانی مدیریت موثر و وضع قانون متناسب با نیاز جامعه چه گونه با موفقیت می تواند سرمایه های کوچک مردم را جذب کرده و آن را مانند قطرات باران تبدیل به دریایی نماید که نتیجه آن ایجاد اشتغال و حرکت چرخ هی واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی آلمان است. ارگان مدیریت دوگانه در شرکت های سهامی از ابتکارات حقوقدانان آلمانی است زیرا وظایف هیئت مدیره بطور کامل از وظایف هیئت نظارت جدا شده است توجه داشته باشیم که هیئت نظارت حق مدیریت در شرکت را ندارد اما در صحت و درستی اعمال آنان

مراقبت می نماید آنها تمامی اطلاعات لازم را از امور شرکت در اختیار دارند. آنچه مسلم است مدیران از بین افراد لایق و شایسته انتخاب شدند و سهامداران نیز حق طرح دعوی مدنی علیه مدیران و حق دسترسی به اطلاعات بازرگانی شرکت های سهامی را کسب نمودند.

۵- در حقوق ایالات متحده آمریکا

کلیات حقوق شرکت ها در کشورهای مختلف - در حقوق ایالات متحده آمریکا در آمریکا نیز مانند حقوق تجارت انگلستان شرکت سهامی زمانی دارای شخصیت حقوقی می شود که اساسنامه آن به ثبت برسد. در حقوق تجارت آمریکا تاسیس و اداره شرکت های سهامی تابع حقوق ایالتی بوده و سهامداران از اختیارات زیادی در اداره شرکت برخوردارند. در آمریکا قوانین فدرال برای حمایت از سرمایه گذاران مقرراتی وضع کرده که بر طبق قوانین فدرال کمیسیون با اختیارات زیاد تحت عنوان کمیسیون بورس اوراق بهادار برای کنترل نحوه تاسیس و اداره شرکت ها وجود دارد که تصمیمات این کمیسیون برای کلیه شرکت ها لازم الاجراست. به موجب قانون بورس اوراق بهادار اصلاحی ۱۹۶۴ کلیه شرکت هایی که بیش از ۵۰۰ سهامدار دارند و سرمایه آنها بیش از یک میلیون دلار است باید از مقررات کمیسیون بورس اوراق بهادار SEC تبعیت نمایند. در صورت احراز تخلف از طرف شرکت های پذیرفته شده در بورس کمیسیون مزبور می تواند با صدور دستور توقف از معاملات سهام آنها جلوگیری نماید. قانون فدرال مصوب ۱۹۳۳ اوراق بهادار (Securities Exchange Act ۱۹۳۴) معاملات سهام را در بورس کنترل می کند. ضمناً کارشناسان بسیاری (بیش از ۳۰۰۰۰ نفر) و همچنین مدیران شرکت ها در کنترل صحت حساب های شرکت و معاملات بازار بورس نقش مهمی را ایفا می کنند.

۳- طبقه بندی شرکتهای تجاری

طبقه بندی شرکتهای تجاری - شرکتهای سرمایه در شرکتهای سرمایه فقط سرمایه مورد توجه قرار می گیرد نه شخص سرمایه گذار زیرا در این نوع شرکتهای مسئولیت هر یک از سهامداران در مقابل اشخاص ثالث به حصه خود که (سهام) نامیده می شود محدود می گردد. از مشخصات بارز این نوع شرکتهای قابل انتقال بودن سهام است و با فوت سهامدار اوراق سهام به وراثت وی منتقل می گردد. در شرکتهای سرمایه پس از فوت ورشکستگی یا ممنوعیت قانونی و قضائی سهامدار شرکت همچنان به حیات خود ادامه می دهد. شرکتهای سهامی خاص و عام و شرکتهای مختلط سهامی و تعاونی جزو شرکتهای سرمایه محسوب می شوند.

۴- مسئولیت مدنی و جزائی راجع به تشکیل شرکت

مسئولیت مدنی و جزائی راجع به تشکیل شرکت - مسئولیت مدنی و جزائی راجع به تشکیل شرکت طبق ماده ۲۷۰ (ل.ا.ق.ت) هرگاه در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می گردد مقررات قانونی رعایت نشود بر حسب مورد بنا به درخواست هر ذینفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلام خواهد شد. لیکن موسسین و مدیران و بازرسان و صاحبان شرکت نمی توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند. چنانچه قبل از صدور حکم بطلان شرکت در مرحله بدوی موجبات بطلان مرتفع شده باشد دادگاه قرار سقوط دعوس بطلان را صادر خواهد کرد. (ماده ۲۷۱ ل.ا.ق.ت) همچنین برای رفع موجبات بطلان به درخواست خواننده مهلت ۶ ماهه ای در نظر گرفته شده است. (ماده ۲۷۲ ل.ا.ق.ت) در مورد مسئولیت جزائی باید گفت که هر کس عالمان و بر خلاف واقع پذیره نویسی سهام را تصدیق کند و یا بر خلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیره نویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به

مرجع ثبت شرکتها تسلیم کند و یا در عین ارزش آورده غیر نقد تقلب کند به حبس تادیبی از سه ماه تا ۲ سال یا به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم می شود (ماده ۲۴۳ ل.ا.ق.ت) هر کس اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه شرکت سهامی را بدون امضاهای مجاز و نام و نشانی موسسین یا مدیران شرکت منتشر کند به جزای نقدی از ده هزار ریال تا سی هزار ریال محکوم خواهد شد. (ماده ۲۴۸ ل.ا.ق.ت)

۵- شرکت با مسئولیت محدود

۱- وجوه افتراق و اشتراک شرکتهای سهامی خاص و با مسئولیت محدود

شرکت با مسئولیت محدود - وجوه افتراق و اشتراک شرکتهای سهامی خاص و با مسئولیت محدود ۱- در شرکت با مسئولیت محدود تعداد شرکا حداقل ۲ نفر و در شرکت سهامی خاص تعداد سهامداران حداقل ۳ نفر می باشند. ۲- حداقل سرمایه برای ثبت شرکت با مسئولیت محدود و سهامی خاص یک میلیون ریال است. ۳- در شرکت سهامی خاص حداقل ۳۵٪ سرمایه باید نقدا در یکی از شعب بانکها تودیع و گواهی مربوطه ارائه و ۶۵٪ در تعهد سهامداران باشد در شرکت با مسئولیت محدود باید کل سرمایه تحویل مدیرعامل شرکت شده و مدیرعامل شرکت شده و مدیرعامل اقرار به دریافت نمایند و ارائه گواهی بانکی دال بر انجام این امر ضرورت ندارد. ۴- انتخاب بازرسان اصلی و علی البدل در شرکت سهامی خاص اجباری ولی در شرکت با مسئولیت محدود اختیاری است. ۵- مدت مدیریت در شرکت سهامی خاص حداکثر دو سال می باشد که قابل تمدید است در شرکت با مسئولیت محدود مدیران شرکت برای مدت نامحدود انتخاب می شوند و همچنین مخیر خواهند بود که مدتی برای مدیران در اساسنامه شرکت مقرر دارند. ۶- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار در شرکت سهامی خاص برای درج آگهی های دعوت شرکت الزامی و در شرکت با مسئولیت محدود اختیاری است. ۷- شرایط احراز حد نصاب در مجامع عمومی در شرکت سهامی خاص سهل تر و در شرکت با مسئولیت محدود با توجه به نوع شرکت مشکل تر میباشد. ۸- مجامع عمومی در شرکت سهامی خاص توسط هیات رئیسه ای مرکب از یک نفر رئیس و دو نفر ناظر و یک نفر منشی که از بین سهامداران انتخاب می شوند اداره می گردد. در شرکت با مسئولیت محدود اداره مجامع عمومی شرکت توسط هیات نظار در صورتی خواهد بود که تعداد شرکای آن از ۱۲ نفر بیشتر باشد. ۹- در شرکت سهامی خاص و با مسئولیت محدود شرکت در افزایش سرمایه اختیاری است. ۱۰- سرمایه در شرکت سهامی خاص به سهام تقسیم و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است سرمایه در شرکت با مسئولیت محدود به سهام یا قطعات سهام تقسیم نمی شود و شرکا فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات می باشند. ۱۱- مدیران در شرکت سهامی خاص الزاما بایستی سهامدار بوده یا تعداد سهام وثیقه مقرر در اساسنامه را تهیه و به صندوق شرکت بسپارند مدیران در شرکت با مسئولیت محدود بصورت موظف یا غیر موظف که از بین شرکا یا از خارج انتخاب می شوند انجام وظیفه خواهند نمود. ۱۲- تقسیم سود در شرکت سهامی خاص به نسبت تعداد سهام و در شرکت با مسئولیت محدود به نسبت سرمایه شرکا تقسیم خواهد شد و در شرکت با مسئولیت محدود می توانند در اساسنامه ترتیب دیگری برای تقسیم سود مقرر دارند. ۱۳- حق رای در شرکت سهامی خاص به تعداد سهام و در شرکت با مسئولیت محدود به نسبت سرمایه خواهد بود. ۱۴- تقویم سهم الشرکه غیر نقدی در شرکت با مسئولیت محدود توسط شرکا صورت می گیرد شرکا در این خصوص دارای مسئولیت می باشند تقویم آورده غیر نقدی در شرکت سهامی خاص با کارشناس رسمی دادگستری خواهد بود. ۱۵- مدارک تاسیس در شرکت سهامی خاص عبارتند از: دو برگ اظهارنامه و دو جلد اساسنامه و گواهی بانک دایر بر پرداخت ۳۵٪ سرمایه تعدی و فتوکپی شناسنامه سهامداران و بازرسان و صورتجلسه مجمع عمومی موسس و هیات مدیره. برای کسب اطلاعات بیشتر می توان به کتاب قانون

تجارت در باب شرکت سهامی و با مسئولیت محدود مراجعه نمود.

۲- اساسنامه شرکت با مسئولیت محدود

شرکت با مسئولیت محدود - اساسنامه شرکت با مسئولیت محدود ماده ۱: نام و نوع شرکت : شرکت با مسئولیت محدود ماده ۲: موضوع شرکت: ماده ۳: مرکز اصلی شرکت: هیات مدیره می تواند تصویب نماید مرکز اصلی شرکت را به هر کجا که صلاح و مصلحت بداند منتقل و یا شعبی را تاسیس و صورتجلسه را جهت ثبت به اداره ثبت شرکتهای تقدیم نماید. ماده ۴: سرمایه شرکت: ماده ۵: مدت شرکت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود ماده ۶: تابعیت شرکت : تابعیت شرکت ایرانی است . ماده ۷: هیچیک از شرکا حق انتقال سهم الشرکه خود را به غیر ندارند مگر با رضایت و موافقت دارندگان سه چهارم سرمایه شرکت که دارای اکثریت عددی نیز باشند و انتقال سهم الشرکه بعمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی ماده ۸: مجمع عمومی عادی شرکت در ظرف مدت چهارماه اول هر سال پس از انقضای سال مالی شرکت تشکیل ولی ممکن است بنابه دعوت هر یک از اعضای هیات مدیره یا شرکا مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده تشکیل گردد. ماده ۹: دعوت برای تشکیل مجامع عمومی توسط هر یک از اعضای هیات مدیره یا مدیرعامل و یا شرکا به وسیله دعوتنامه کتبی با درج آگهی در یکی از جراید کثیرالانتشار بعمل خواهد آمد.فاصله بین دعوت تا تشکیل مجمع حداقل ده روز و حداکثر ۴۰ روز خواهد بود. ماده ۱۰: در صورتی که کلیه شرکا در هر یک از جلسات مجامع عمومی حضور یابند رعایت ماده ۹ اساسنامه ضرورت نخواهد داشت. ماده ۱۱: وظایف مجمع عمومی عادی یا عادی بطور فوق العاده بشرح زیر می باشد: الف: استماع گزارش هیات مدیره در امور مالی و ترازنامه سالیانه شرکت و تصویب آن ب: تصویب پیشنهاد سود قابل تقسیم از طرف هیات مدیره ج: تعیین خط مشی آینده شرکت و تصویب آن د: انتخاب هیات مدیره و در صورت لزوم بازرس ماده ۱۲: وظایف مجمع عمومی فوق العاده به قرار زیر است : الف - تغییر اساسنامه یا الحاق یا حذف یک یا چند مواد اساسنامه ب- تنظیم اساسنامه جدید یا تبدیل نوع شرکت ج - افزایش یا تقلیل سرمایه شرکت د- ورود شریک یا شرکای جدید به شرکت ماده ۱۳: تصمیمات شرکا در مجمع عمومی فوق العاده با موافقت دارندگان سه چهارم سرمایه که اکثریت عددی دارند و در مجمع عمومی عادی از بین شرکا و یا از خارج انتخاب می شوند. ماده ۱۴: هیات مدیره شرکت مرکب از نفر خواهند بود که در مجمع عمومی عادی از بین شرکا و یا از خارج انتخاب می شوند. ماده ۱۵: هیات مدیره از بین خود یک نفر را به سمت رئیس هیات مدیره و یک نفر را به سمت مدیرعامل انتخاب و همچنین می تواند برای اعضای خود سمتهای دیگر تعیین نماید. ماده ۱۶: نماینده قانونی و تام الاختیار شرکت بوده و می تواند در کلیه امور مداخله و اقدام نماید مخصوصا در موارد زیر: امور اداری از هر قبیل انجام تشریفات قانونی حفظ و تنظیم فهرست دارایی شرکت و تنظیم بودجه و تعیین پرداخت حقوق و انجام هزینه ها رسیدگی به محاسبات پیشنهاد سود قابل تقسیم سالیانه تهیه آیین نامه های داخلی اجرای تصمیمات مجامع عمومی ادای دیون و وصول مطالبات تاسیس شعب واگذاری و قبول نمایندگی انتخاب و انتصاب و استخدام متخصصین و کارمندان و کارگران عقد هر گونه پیمان با شرکتهای و بانکها و ادارات و اشخاص خرید و فروش و اجاره اموال منقول و غیر منقول و ماشین آلات و بطور کلی وسایل مورد نیاز و همچنین معاملات بنام و حساب شرکت مشارکت با سایر شرکتهای و شخصیتهای حقیقی و حقوقی استقراض با رهن یا بدون رهن و تحصیل اعتبار و وام دادن و وام گرفتن از بانکها و اشخاص و شرکتهای و باز کردن حساب جاری و ثابت در بانکها دریافت وجه از حسابهای شرکت صدور ظهننویسی و پرداخت بروات و اسناد و سفته ها و هزینه ها مرافعات چه شرکت مدعی باشد و چه مدعی علیه در تمام مراحل با تمام اختیارات از رجوع به دادگاههای صالحه و ابتدایی و استیناف و دیوان کشور انتخاب وکیل و وکیل در توکیل دادن اختیارات لازمه بنامبرده و عزل آن قطع و فصل دعاوی با صلح و سازش اختیارات فوق جنبه محدودیت نداشته و هر تصمیمی را که

هیات مدیره جهت پیشرفت شرکت اتخاذ نماید معتبر می باشد. ماده ۱۷: جلسات هیات مدیره با حضور اکثریت اعضا رسمیت می یابد و تصمیمات هیات مدیره با اکثریت آرا معتبر است. ماده ۱۸: دارندگان حق امضا در شرکت: دارندگان حق امضای اوراق و اسناد بهادار از قبیل چک سفته برات اسناد تعهدآور و قراردادها را هیات مدیره تعیین می کند. ماده ۱۹- هر یک از اعضا هیات مدیره می تواند تمام یا قسمتی از اختیارات و همچنین حق امضای خود را به هر یک از شرکا برای هر مدت که صلاح بداند تفویض نماید و همچنین هیات مدیره می تواند تمامی یا قسمتی از اختیارات خود را به مدیرعامل تفویض کند. ماده ۲۰- سال مالی شرکت از اول فروردین ماه هر سال شروع و به آخر اسفند ماه همان سال خاتمه می یابد به استثنای سال اول که ابتدای آن از تاریخ تاسیس شرکت است. ماده ۲۱: تقسیم سود از درآمد شرکت در پایان هر سال مالی هزینه های اداری حقوق کارکنان و مدیران استهلاکات مالیات و سایر عوارض دولتی کسر و پس از وضع صدی ده بابت ذخیره قانونی بقیه که سود ویژه است به نسبت سهم الشرکه بین شرکا تقسیم خواهد شد. ماده ۲۲: فوت یا محجوریت هر یک از شرکا باعث انحلال شرکت نخواهد شد و وارث یا وراث شریک متوفی و یا ولی محجور می تواند به مشارکت خود ادامه دهند در غیر این صورت بایستی سهم الشرکه خود را پس از انجام تشریفات قانونی دریافت و یا به شرکت دیگری منتقل و از شرکت خارج شوند. ماده ۲۳: انحلال شرکت: مطابق ماده ۱۱۴ قانون تجارت منحل خواهد شد. ماده ۲۴: در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده شرکا رای به انحلال شرکت دهد یک نفر از بین شرکا و یا از خارج از شرکت به سمت مدیرتصفیه تعیین خواهد شد وظایف مدیر تصفیه طبق قانون تجارت می باشد. ماده ۲۵: اختلافات حاصله بین شرکای شرکت از طریق حکمیت و داوری حل و فصل خواهد شد. ماده ۲۶: در سایر موضوعاتی که در این اساسنامه قید نشده است مطابق مقررات قانون تجارت ایران و سایر قوانین موضوعه عمل و رفتار خواهد گردید. ماده ۲۷: این اساسنامه در ۲۷ ماده تنظیم و به امضای کلیه موسسین شرکت به اسامی ذیل رسید و تمام صفحات آن امضا شد.

۳- روش و مراحل ثبت شرکت با مسئولیت محدود

شرکت با مسئولیت محدود - روش و مراحل ثبت شرکت با مسئولیت محدود ۱- پس از تکمیل دو برگ تقاضانامه و دو برگ شرکتنامه (مطابق نمونه ضمیمه) و تهیه دو جلد اساسنامه و امضای ذیل تمام اوراق توسط تمام شرکا جهت پرداخت هزینه تعیین نام پس از اخذ فیش به بانکهای معین مراجعه و فیش پرداختی را به واحد حسابداری اداره ثبت شرکتها ارائه واحد مزبور نسبت به مهور نمودن برگ اظهارنامه اقدام می نماید. ۲- چند نام (با توجه به اینکه: ۱- نام خارجی نباشد ۲- سابقه ثبت نداشته باشد ۳- دارای معنا و مفهوم باشد ۴- با فرهنگ اسلامی مطابقت داشته باشد) انتخاب و به واحد تعیین نام اداره ثبت شرکتها مراجعه و مسئول مربوطه با بررسی نامهای ارائه شده نسبت به انتخاب و تعیین نام اقدام و نام تعیین شده را در روی برگ اظهارنامه قید می نماید و سپس اخذ موافقت از مسئولین اداره ثبت شرکتها در خصوص نام تعیین شده بعمل آید و این نام باید در واحد تعیین نام ثبت دفتر شود. ۳- مدارک را با توجه به مواردی که ذکر شد (۲ برگ تقاضانامه ۲ برگ شرکتنامه ۲ جلد اساسنامه فتوکپی شناسنامه کلیه شرکا ارائه مجوز در صورت نیاز ۲ نسخه صورتجلسه مجمع عمومی موسسین ۲ نسخه صورتجلسه هیات مدیره) تحویل قسمت پذیرش مدارک اداره ثبت شرکتها داده و رسید دریافت شود و با عنایت به تاریخ تعیین شده برای اعلام نتیجه در روز موعده به (احدی از شرکا یا وکیل رسمی شرکت) به باجه اعلام نتیجه اداره ثبت شرکتها مراجعه نماید. ۴- در صورتی که کارشناس اداره ثبت شرکتها ایرادی یا نقصی در مدارک ابرازی مشاهده نماید نسبت به تهیه پیش نویس آگهی ثبت اقدام و پیش نویس مربوطه پس از تایید مسئولین اداره ثبت شرکتها تایپ و در روز مراجعه تحویل متقاضی داده می شود متقاضی بایستی به بانک مراجعه و نسبت به پرداخت حق الثبت که در ذیل اظهارنامه مبلغ آن قید شده اقدام نماید. تذکره: قبل از روز مراجعه به بانک به نمایندگی روابط عمومی جهت تعیین مبلغ حق الدرجه آگهی تاسیس در روزنامه کثیرالانتشار و اخذ فیش مراجعه شود و مبلغ حق

الثبت و حق الدرجه در يك مرحله به بانك پرداخت شود. تذکره ۲: در صورتی که کارشناس اداره ثبت شرکتها ایراد یا نقصی در مدارك مشاهده نماید مراتب کتبا به متقاضی اعلام خواهد شد که نسبت به رفع نقص یا ایراد اقدام نماید. تذکره ۳: در صورتی که کارشناس اداره ثبت شرکتها موضوع شرکت را محتاج مجوز از مراجع ذیصلاح تشخیص دهد نسبت به تهیه استعلام اقدام و برگ استعلام پس از اخذ امضا از مسئولیت مربوطه در دبیرخانه اداره کل ثبت شرکتها ثبت دفتر شده و به مرجع مربوطه همراه با يك نسخه فتوکپی از مدارك تحویل داده شود. ۵- پس از پرداخت مبلغ حق الثبت فیش مربوطه را به واحد حسابدارای اداره ثبت شرکتها ارائه و واحد مربوطه نسبت به ممهور نمودن ذیل برگ تقاضانامه و درج مبلغ پرداختی و تاریخ و شماره فیش اقدام می نماید. ۶- مدارك به واحد ثبت تاسیس و تغییرات اداره ثبت شرکتها تحویل داده شود و مسئول مربوطه پس از ثبت در دفتر و تعیین شماره ثبت شرکت و درج بر روی اظهارنامه اقدام و در ذیل ثبت دفتر از شخص معرفی شده توسط شرکا (که خود از شرکا یا وکیل رسمی شرکت می باشد) با قید جمله ثبت با سند برابر است امضا اخذ می نماید و سپس آگهی تایپ شده بامضای رئیس اداره ثبت شرکتها برسد يك نسخه از مدارك ضبط در پرونده شرکت شده و در بایگانی اداره ثبت شرکتها نگهداری خواهد شد و يك نسخه دیگر از مدارك (تقاضانامه شرکت نامه اساسنامه صورتجلسه و مجمع عمومی موسس صورتجلسه هیات مدیره) ممهور به مهر اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی شده و تحویل متقاضی می گردد. ۷- متقاضی مدارك مربوط به خود و پرونده تشکیل شده را به قسمت دبیرخانه اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی برده و پس از ثبت آگهی در دفتر اندیکاتور مسئول مربوطه نسبت به درج شماره ثبت دفتر و ممهور نمودن آگهی تایپ شده اقدام و پرونده تشکیل شده را ضبط و بقیه مدارك تحویل متقاضی می گردد. ۸- متقاضی پس از تحویل گرفتن مدارك مربوط به خود نسخه دوم آگهی تاسیس را به واحد روابط عمومی مستقر در اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی جهت درج در روزنامه کنیالاتشار تحویل و نسخه اول آگهی تایپ شده تاسیس شرکت را به دفتر شرکت سهامی روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران واقع در خ بهشت (خ پارک شهر) جهت درج در روزنامه رسمی (پس از پرداخت حق الدرجه که توسط مسئول مربوطه تعیین می گردد) تسلیم می نماید. تذکره: در صورت نیاز فوری به آگهی تاسیس شرکت قبل از انتشار در روزنامه رسمی چند نسخه فتوکپی از آگهی تاسیس تهیه و هنگام تحویل اصل آگهی به دفتر روزنامه رسمی فتوکپی ها توسط دفتر روزنامه رسمی ممهور به مهر می گردد که دارای اعتبار مربوطه خواهد بود .

۴- تعریف شرکت با مسئولیت محدود

شرکت با مسئولیت محدود - تعریف شرکت با مسئولیت محدود شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هریک از شرکا بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است (م ۹۴ ق.ت) در اسم شرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود و همچنین اسم شرکت نباید متضمن نام هیچ یک از شرکا باشد و الا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن را در شرکت تضامنی خواهد داشت (م ۹۵ ق.ت) مدارك مورد نیاز شرکت با مسئولیت محدود : ۱- تقاضانامه ثبت شرکت با مسئولیت محدود ۲ برگ ۲- شرکت نامه ۲ برگ ۳- اساسنامه ۲ جلد ۴- صورتجلسه مجمع عمومی موسسین و هیات مدیره ۲ نسخه ۵- فتوکپی شناسنامه شرکا و مدیران (در صورتی که خارج از سهامداران انتخاب شود) ۶- اخذ و ارائه مجوز در صورت نیاز

۵- یادآورهای مهم قبل از تکمیل مدارك شرکت با مسئولیت محدود

شرکت با مسئولیت محدود - یادآوریه‌های مهم قبل از تکمیل مدارک شرکت با مسئولیت محدود ۱- حداقل تعداد شرکا در شرکت با مسئولیت محدود دو نفر خواهد بود (م ۹۴ ق.ت) ۲- حداقل سرمایه با توجه به رویه و حداقل مبلغ دریافت حق الثبت یک میلیون ریال می باشد. ۳- سعی شود در نام شرکت از نام شرکا استفاده نشود اسم شریکی که در نام شرکت قید شود حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را داشته و در بدو امر مسئول پرداخت کلیه قروض و تعهدات شرکت خواهد بود (م ۹۵ ق.ت) ۴- شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد و مدیرعامل اقرار به دریافت کلیه سرمایه نقدی و سهم الشرکه غیر نقدی نماید و هر شرکت که برخلاف این ماده تشکیل شود باطل و از درجه اعتبار ساقط است (م ۹۶ ق.ت) ۵- در شرکت نامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم الشرکه های غیر نقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است و هر شرکت که برخلاف این ماده تشکیل شود باطل و از درجه اعتبار ساقط است (م ۹۷ ق.ت) ۶- کلیه شرکا نسبت به قیمتی که در حین تشکیل برای سهم الشرکه های غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند (م ۹۸ ق.ت) ۷- سهم الشرکه شرکا نمی تواند به شکل اوراق تجارتي قابل انتقال اعم از با اسم و بی اسم و غیره در آید و سهم الشرکه را نمی توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده ای از شرکا که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند (م ۱۰۲ ق.ت) ۸- انتقال سهم الشرکه به موجب سند رسمی خواهد بود (م ۱۰۳ ق.ت) ۹- شرکت بوسیله یک یا چند نفر مدیر که بصورت موظف یا غیر موظف از بین شرکا یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدود معین می شوند اداره می گردد (م ۱۰۴ ق.ت) ۱۰- مدیران شرکت کلیه اختیارات لازم را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد (م ۱۰۵ ق.ت) ۱۱- تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لااقل نصف سرمایه اتخاذ شود و اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکا مجدداً دعوت شوند و در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکا اتخاذ می شود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد اساسنامه شرکت می تواند ترتیب دیگری برای حد نصاب مجامع مقرر دارد . (م ۱۰۶ ق.ت) ۱۲- هر یک از شرکا به نسبت سهمی که در شرکت دارد در مجامع دارای رای خواهد بود اساسنامه شرکت می تواند ترتیب دیگری مقرر نماید (م ۱۰۷ ق.ت) ۱۳- روابط شرکا شرکت تابع مقررات اساسنامه است و تقسیم سود به نسبت سرمایه شرکا است اساسنامه شرکت می تواند ترتیب دیگری برای تقسیم سود مقرر دارد (م ۱۰۸ ق.ت) ۱۴- در هر شرکت با مسئولیت محدود که تعداد شرکا بیش از ۱۲ نفر باشند باید دارای هیات نظار بوده و هیات نظار لااقل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکا را تشکیل دهد (م ۱۰۹ ق.ت) هیات نظار مرکب از ۳ نفر بوده که از بین شرکا برای مدت یک سال انتخاب می شوند و اعضای هیات نظار نبایستی عضو هیات مدیره شرکت باشند. وظایف هیات نظار: الف: تحقیق نماید که سرمایه نقدی شرکت پرداخت شده و سهم الشرکه غیر نقدی تقویم و تسلیم شده باشد . ب: در شرکت نامه تقویم سهم الشرکه غیر نقدی به صراحت ذکر شده باشد. ج: دعوت شرکا برای مجمع عمومی فوق العاده . د: اعضای هیات نظار از جهت اعمال اداری و نتایج حاصله از آن هیچ مسئولیتی ندارند لیکن هر یک از آنها در انجام ماموریت خود بر طبق قوانین معموله مملکتی مسئول اعمال و تقصیرات خود می باشند (م ۱۶۷ ق.ت) ه: اعضای هیات نظار دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را تحت تدقیق در آورده همه ساله گزارش به مجمع عمومی میدهند و هر گاه در تنظیم صورت دارایی بی ترتیبی و خطهایی مشاهده نمایند موضوع را در گزارش مذکور ذکر نموده و اگر مخالفتی با پیشنهاد مدیر شرکت در تقسیم منافع داشته باشند دلایل خود را بیان می کنند (م ۱۶۸ ق.ت) و: تا ۱۵ روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی می تواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرت حاضر شده از صورت بیلان و صورت دارایی و گزارش هیات نظار اطلاع حاصل کند. (م ۱۷۰ ق.ت) ۱۵- شرکای شرکت نمی توانند تابعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آرا (م ۱۱۰ ق.ت) ۱۶- اتخاذ تصمیم راجع به تغییرات اساسنامه باید با اکثریت عددی شرکا که لااقل سه ربع (سه چهارم) سرمایه را نیز دارا باشند به عمل آید اساسنامه شرکت می تواند حد نصاب دیگری را مقرر دارد. (م ۱۱۱ ق.ت) ۱۷- در هیچ مورد اکثریت

شرکا نمی توانند شریکی را مجبور به افزایش سهم الشرکه خود در شرکت نمایند. (م ۱۱۲ ق.ت) ۱۸- سرمایه احتیاطی مجمع عمومی می تواند مقرر نماید درصدی از سود قابل تقسیم بعنوان سرمایه احتیاطی منظور گردد. ۱۹- شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می شود: ۱- وقتی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده است. ۲- وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد. ۳- در صورتی که شرکت ورشکست شود. ۴- در صورت تصمیم عده ای از شرکا سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد. ۵- در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکا تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکا حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج نمایند. ۶- در مورد فوت یکی از شرکا اگر به موجب اساسنامه پیش بینی شده باشد. (مواد ۹۳ و ۱۱۴ ق.ت) ۲۰- اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می شوند: الف: موسسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم الشرکه غیر نقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند. ب: کسانی که به وسایل متقلبانه سهم الشرکه غیر نقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند. ج: مدیرانی که بانبودن صورت دارایی یا به استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین شرکا تقسیم کنند. (م ۱۱۵ ق.ت) ۲۱- ثبت کلیه شرکتهای مذکور (سهامی عام - سهامی خاص - با مسئولیت محدود - تضامنی - نسبی - مختلط سهامی - مختلط غیر سهامی - تعاونی) در این قانون (قانون تجارت) الزامی و تابع مقررات قانون ثبت شرکتهای است. (م ۱۹۶ ق ت) ۲۲- در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت خلاصه شرکتهای ها و منضمات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد. (م ۱۹۶ ق ت) ۲۳- در هر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید مدت شرکت زاید بر مدت مقرر یا انحلال شرکت (حتی در مواردی که انحلال به واسطه انقضای مدت شرکت صورت می گیرد) و تعیین کیفیت تفریغ حساب یا تبدیل شرکا یا خروج بعضی از آنها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵ (بند ۲۱) و ۱۹۷ (بند ۲۲) لازم الرعایه است. (م ۲۰۰ ق ت) ۲۴- در هر گونه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات و غیره که بطور خطی یا چاپی از طرف شرکتهای مذکور در این قانون به استثنای شرکتهای تعاونی صادر می شود سرمایه شرکت صریحا باید ذکر گردد و اگر تمام سرمایه پرداخته نشده قسمتی که پرداخته شده نیز باید صریحا معین شود الا شرکت متخلف به جزای نقدی محکوم خواهد شد. (م ۲۰۱ ق ت) ۲۵- در شرکتهای سهامی و شرکتهای با مسئولیت محدود و شرکتهای تعاونی امر تصفیه به عهده مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت ترتیب دیگری مقرر داشته باشد. (م ۲۱۳ ق.ت) ۲۶- هر شرکت تجاری ایرانی مذکور در این قانون (قانون تجارت) و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکتهای مصوب خرداد ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و الا محکوم به جزای نقدی خواهد شد (قسمتی از م ۲۲۰ ق.ت) ۲۷- انتخاب بازرس در شرکت با مسئولیت محدود اختیاری است. ۲۸- انتخاب روزنامه برای درج آگهی های دعوت شرکت در شرکت با مسئولیت محدود اختیاری است. ۲۹- پس از تشکیل شرکت با مسئولیت محدود حداکثر ظرف یک هفته از تاریخ ثبت نسبت به تهیه دفاتر قانونی (دفتر روزنامه و کل) و پلمپ آنها در اداره ثبت شرکتهای اقدام نمایند.

۶- تصفیه شرکت با مسئولیت محدود

شرکت با مسئولیت محدود - تصفیه شرکت با مسئولیت محدود با توجه به عدم پیش بینی مقررات مربوط به تصفیه شرکت با مسئولیت محدود در قانون تجارت و شباهت های زیاد این شرکت با شرکتهای سهامی به ویژه از نظر مسئولیت شرکا پیش بینی مقرراتی نظیر آنچه در خصوص تصفیه شرکتهای سهامی در ل.ا.ق.ت. آمده است ضروری به نظر می رسد و مطلوب تر این است

که با در نظر گرفتن ویژگی های هر شرکت مقرراتی برای تحقق منظور فوق وضع گردد.

۷- مجمع عمومی و هیئت نظار

شرکت با مسئولیت محدود - مجمع عمومی و هیئت نظار افراد شریک در شرکت با مسئولیت محدود معمولاً از افراد یک خانواده یا دوستان نزدیک و مورد اعتماد می باشند و از آنجا که معمولاً تعداد محدود است نظارت تک تک اعضا بر فعالیت شریک امکانپذیر است. در قانون اگر تعداد شرکا زیر ۱۲ نفر باشند هیچ گونه تصریحی نشده است اما برای شرکا منعی وجود ندارد تا طبق فعالیت شرکت نظارت کنند ولی چنانچه تعداد بیشتر از ۱۲ نفر شوند ماده ۱۰۹ ق.ت. هیئت نظار را پیش بینی نموده است که لااقل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکا را تشکیل دهد ووظیفه دیگر این هیئت نظارت و تحقیق جهت اطمینان از دستور و مواد ۹۶ و ۹۷ می باشد هم چنین هیئت نظار می تواند شرکا را برای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده دعوت نماید این ماده رعایت مقررات مواد ۱۶۵ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکتهای با مسئولیت محدود را نیز لازم الرعایه می داند ماده ۱۶۵ هیئت نظار را حداقل سه نفر می داند و انتخاب هیئت بر حسب شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تجدید می شود و در هر صورت اولین هیئت نظار برای یک سال انتخاب خواهند شد. طبق ماده ۱۶۷ مسئولیتی بابت اعمال اداری ندارند ولی در انجام ماموریت خود طبق قوانین مملکتی مسئول اعمال و تصمیمات خود هستند و طبق ماده ۱۶۸ وظایف بازرس شرکت را دارند و اختیارات بازرسان در ماده ۱۷۰ به هیئت نظار محول شده است و آنچه قابل انتقاد است اجبار سه نفر هیئت نظارت که در شرکت با مسئولیت محدود که سرمایه کمتری دارد ناعادلانه است زیرا پرداخت هزینه های این تعداد سنگین خواهد بود از آنجا که ماده ۶۲ ق.ت. که هنوز برای شرکت با مسئولیت محدود طبق ماده ۲۹۹ ل.ا.ق.ت. به قوت خود باقی است یک نفر بازرس را مجاز می داند که عادلانه تر است. انتخاب هیئت نظار توسط مجمع عمومی شرکا انجام میگیرد پس شرط تشکیل مجمع عمومی این است که تعداد شرکا بیش از ۱۲ نفر باشد تا هیئت نظار حداقل سالی یک بار آنها را جهت تشکیل مجمع عمومی عادی فوق العاده دعوت نماید و در صورتی که تعداد کمتر از ۱۲ نفر باشند تشکل مجامع عمومی کاملاً اختیاری می باشد. اما به نظر می رسد که شرکا بتوانند در اساسنامه الزام تشکیل مجامع عمومی را طبق مقررات شرکتهای سهامی با توجه به مواد ۹۲ و ۹۷ و ۱۲۰ ل.ا.ق.ت. پیش بینی کنند. تصمیمات مجمع ماده ۱۰۶ ق.ت. مقرر می دارد: (تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لاقبل نصف سرمایه اتخاذ شود - اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکا مجدداً دعوت شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکا اتخاذ می شود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشند اساسنامه شرکت می تواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد. باید یادآور شد که تصمیمات می تواند دو نوع باشد: - تصمیمات عادی که با تکلیف ماده ۱۰۶ قانون تجارت سازگار است و حتی بدون تشکیل مجمع شرکا می توانند تصمیمات را به صورت صورتجلسه تهیه و به امضای سایر شرکا برسانند و تعداد آرا به نسبت سهم الشرکه هر شریک خواهد بود. - تصمیمات فوق العاده که درباره شرکت با مسئولیت محدود الزامی شناخته نشده است ولی با توجه به ماده ۱۱۱ و ۱۰۹ که هیئت نظار را مجاز به تشکیل و دعوت مجمع عمومی فوق العاده نموده و خصوصاً ماده ۱۱۱ که تغییر در اساسنامه را با اکثریت عددی شرکا که لااقل سه ربع سرمایه را داشته باشند می داند پس چون این نسبت و اکثریت همان است که برای مجامع فوق العاده سهامی در نظر گرفته شده به نظر می رسد تشکیل مجمع عمومی فوق العاده برای این نوع شرکت نیز ضروری می باشد. - برای بار دوم چنانچه اکثریت مذکور تشکیل نگردد مجدداً شرکا دعوت می شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکا اتخاذ می شود. اما در مورد تصمیمات در مجمع فوق العاده باید گفته شود که با اکثریت عددی شرکا که لااقل ۴/۳ سرمایه را نیز دارا باشند(ماده ۱۱۱ ق.ت.) و در تمام موارد مذکور تعداد آرای هر شریک به نسبت سهم الشرکه او می باشد. نحوه تقسیم سود ماده ۱۰۸ ق.ت. مقرر می دارد: (روابط بین شرکا تابع اساسنامه است اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد

تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکا به عمل خواهد آمد). اولاً باید گفت منظور از سود در ماده مذکور سود قبل از تقسیم است یعنی سودی که کلیه هزینه‌ها و ذخیره قانونی و غیره از آن کسر شده و در ترازنامه شرکت تفاوت بین بدهی و دارایی شرکت می‌باشد. ثانیاً معمولاً همان طور که در مواد ۱۰۲ و ۱۰۵ و ۱۱۱ و ۱۱۴ آمده همیشه اکثریت لازم به نسبت سرمایه تعیین شده است و بعید می‌دانیم که اساسنامه بتواند در مورد سود غیر از نسبت سهم شرکت در سرمایه تصمیمی بگیرد و سهم ممتاز هم که نداریم. حق رای و روابط شرکا در ماده ۱۰۷ ق.ت. آمده است: (هر یک از شرکا به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رای خواهد بود مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد). آنچه در شرکت‌های سهامی معمول است هر سهم یک رای دارد و برای انتخاب تعدادی از مدیران تعداد سهام در تعداد مدیران ضرب می‌شود و مجموع آن تعداد آرای یک سهامدار می‌باشد که می‌تواند آن تعداد رای خود را به یک نفر یا به هر نسبتی که بخواهد به چند نفر بدهد اما آنچه در این ماده آمده تعداد آرا را به میزان تعداد با مقدار سهم شرکت از سرمایه و نسبت بین سرمایه و سهم شرکت رانسبت به آرا یک شریک نسبت به سایرین می‌داند آنچه معلوم نیست هدف قانونگذار از آن چه بوده استثنای مذکور (مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد) است که با مواد ۱۰۳ و ۱۰۵ و ۱۱۱ و ۱۱۴ ق.ت. منطبق نیست زیرا در مواد مذکور صحبت از اکثریت لازم به نسبت سرمایه می‌باشد. ماده ۱۰۸ ق.ت. مقرر می‌دارد: (روابط بین شرکا تابع اساسنامه است اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکا به عمل خواهد آمد). از جمله روابط بین شرکا رابطه ای است که در مورد سود و میزان سهم شرکت هر شریک در سود و زیان وجود دارد که قبلاً به طور مفصل توضیح داده شد اما اینکه ماده ۱۰۸ ق.ت. می‌گوید روابط بین شرکا تابع اساسنامه می‌باشد در صورتی که اساسنامه مخالف قانون نمی‌باشد و گرنه اساسنامه ای که مخالف قانن باشد اعتبار ندارد و لازم رعایه نمی‌باشد. در مواد مختلف از جمله ماده ۱۰۵ ق.ت. و ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. تأکید می‌کند که در روابط شرکا و محدودیت اختیارات مدیران در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. تغییرات اساسنامه و تابعیت شرکت ماده ۱۱۱ ق.ت. مقرر می‌دارد: (هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید با اکثریت عددی شرکا که لااقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند بعمل آید مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد). اگر چه در مورد شرکت با مسئولیت محدود نص صریحی وجود ندارد که تشکیل مجمع عمومی فوق العاده را الزامی کرده باشد یا این اختیار را به صراحت به مدیران داده باشد ولی با تنقیح مناط و وحدت ملاک از ماده ۸۳ ل.ا.ق.ت. که مقرر می‌دارد: هر گونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه... منحصر در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می‌باشد و با توجه به تاریخ تصویب لایحه اصلاح ق.ت. که موخر بر ماده ۱۱۱ می‌باشد و نظر به ماده ۱۰۹ ق.ت. که اجازه دعوت مجمع عمومی فوق العاده را به هیئت نظار داده است می‌توان نتیجه گرفت که در شرکت با مسئولیت محدود نیز هر گونه تغییری در اساسنامه فقط توسط مجمع عمومی فوق العاده امکانپذیر است. ماده ۹۴ ل.ا.ق.ت. مقرر می‌دارد: (هیچ مجمع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و یا هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید) یعنی مجمع عمومی فوق العاده که حق تغییرات در سرمایه و اساسنامه را دارد نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد. و ماده ۵۹۱ ق.ت. مقرر می‌دارد: (اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است) ایفا ماده ۵۹۰ ق.ت. اشعار می‌دارد: اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است. ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی نیز اقامتگاه اشخاص حقوقی را مرکز عملیات آنها می‌داند و ماده ۲۲ (آ.د.م.د) اقامتگاه اشخاص حقوقی را مرکز اصلی شرکت می‌داند و ماده اول قانون ثبت شرکتها موید آن است که شرکت‌هایی که در ایران تشکیل می‌شوند اقامتگاه آنها ایران است. بنابراین با توجه به نظر مرحوم دکتر حسن امامی و دکتر محمد جعفر لنگرودی و آنچه که در بالا ذکر شده به نظر می‌رسد هیچ گونه تعارضی بین مواد مذکور نیست و همه معانی (مرکز عملیات) در ماده ۱۰۰۲ ق.م. و (اداره) در ماده ۵۹۰ ق.ت. و (مرکز اصلی شرکت) در ماده ۲۲ (ق.آ.د.م) مترادفند و هیچگونه تناقض و تضادی دیده نمی‌شود پس هیچ تغییر تابعیت صرفاً در اختیار شرکا و با تغییر اساسنامه ممکن نیست و توافق دولت و شروط دیگر را

نیز می‌تواند البتّه موادی دیگر چون ماده ۱۱۰ ق.ت. و ماده ۹۸۸ ق.م. را نیز باید در نظر گرفت. به هر صورت تغییر تابعیت کار ساده‌ای و صرفاً با توافق شرکا نیست و اتفاق آراء در ماده ۱۱۰ ق.ت. فقط یکی از شروط است.

۸- نتیجه

شرکت با مسئولیت محدود - نتیجه شرکت با مسئولیت محدود که حداقل از دو نفر تشکیل می‌گردد اگر یکی از شرکا فوت نماید برای بقی شرکت قانون تجارت نصی را پیش بینی نکرده است. به نظر می‌رسد که همانند حقوق فرانسه شرکت بتواند به بقای خود ادامه دهد مگر اینکه اشخاص ذینفع تقاضای انحلال آن را بنمایند. در مورد عزل مدیر یا مدیران نیز در صورت بروز اختلاف مشکلاتی وجود دارد و ماده ۱۰۵ قانون تجارت به اجمال برگزار شده است. ضمناً مسئولیت جزایی پیش بینی شده در ماده ۱۱۵ قانون تجارت با توجه به تاریخ تصویب آن (۱۳۱۱) و پیش بینی ماده واحده راجع به کلاهبرداری بعلت سنگین بودن مجازات تناسب با جرم ارتكابی ندارد. هم چنین پیش بینی مجمع عادی و فوق العاده و برقراری سیستم بازرسی برای حمایت از حقوق شرکا و اشخاص ذینفع ضروری می‌باشد مشکلات قانونی موجب گردیده که با توجه به استقبال مردم از این شرکت دعاوی زیادی در دادگستری مطرح گردد.

۹- بطلان و انحلال شرکت با مسئولیت محدود

شرکت با مسئولیت محدود - بطلان و انحلال شرکت با مسئولیت محدود ۱- بطلان اصولاً برای تشکیل شرکت شرایطی لازم است از جمله این شرایط شرایط شکلی و ماهوی است که شرایط ماهوی برای انجام معاملات همان است که در ماده ۱۹۰ ق.م آمده است یعنی قصد و رضای شرکا اهلیت شرکا موضوع شرکت و مشروعیت جهت شرکت و شرایطی شکلی ضرورت وجود قرارداد کتبی و سایر تشریفات می‌باشد که ضمانت اجرای عدم رعایت این موارد بطلان شرکت می‌باشد. ماده ۱۰۰ ق.ت. مقرر می‌دارد: (هر شرکت با مسئولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ ق.ت. تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکا در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان را ندارند. و ماده ۹۶ ق.ت. در رابطه با تادیه سهم الشریک نقدی و تقویم و تسلیم سهم الشریکه غیرنقدی و ماده ۹۷ ق.ت. در رابطه با قید تقویم سهم الشریکه غیرنقدی می‌باشد که ماده ۱۰۰ ق.ت. ضمانت اجرای عدم رعایت این موارد را بطلان شرکت می‌داند. البتّه منظور از این بطلان بطلان نسبی می‌باشد. یعنی چنانچه عوامل و اسباب بطلان بر طرف شود شرکت تشکیل میشود ولی اشخاص ثالث طرف قرارداد شرکت می‌توانند به آثار بطلان شرکت در مدتی که شرکت باطل بوده است استناد نمایند در مورد مسئولیت مدنی ماده ۱۰۱ ق.ت. مقرر می‌دارد: (اگر حکم بطلان شرکت به استناد ماده قبل صادر شود شرکایی که بطلان مستند بعمل آنها است و هیئت نظار و مدیره‌هایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سرو کار بوده و انجام وظیفه نکرده اند در مقابل شرکای دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشی از این بطلان متضامناً مسئول خواهند بود. مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب بطلان است.) ۲- انحلال انحلال به علت شمول فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۹۳ ق.ت. ماده ۱۱۴ ق.ت. مقرر می‌دارد: (شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می‌شود: - در مورد فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۹۳. - در صورت تصمیم عده‌ای از شرکا که سهم الشریکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد. - در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکا تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکا حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می‌گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند. - در صورت فوت یکی از شرکا اگر به موجب اساسنامه پیش بینی شده باشد. که به طور مختصر به شرح هر یک از بندهای ماده مذکور می‌

پردازیم: - در مورد فقرات او ۲ و ۳ ماده ۹۳ - پیش تر گفتیم که به استناد ماده ۲۹۹ (ل.ا.ق.ت) مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۴۷ که مقرر می دارد: (آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ مربوط به شرکتهای سهمی که ناظر بر سایر انواع شرکتهای تجارتی می باشد نسبت به آن شرکت ها به قوت خود باقی است). مواد ۲۱ تا ۹۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ در مورد شرکت با مسئولیت محدود مجری می باشد اگر چه در بعضی از کتابهایی که تحت عنوان قانون تجارت تالیف می شود آورده نمی شود. ماده ۹۳ قانون مذکور مقرر می دارد: (شرکت سهامی در موارد ذیل منحل می شود): ۱- وقتی که شرکت مقصودی را برای آن تشکیل شده بود انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده باشد. ۲- وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد. ۳- در صورتی که شرکت ورشکست شود. ۴- در صورت تصمیم مجمع عمومی از تصریح قابل اعمال بودن موارد راجع به شرکت های سهامی به شرکت با مسئولیت محدود و بالعکس شاید بتوان نتیجه گرفت که بعضی از موارد ماده ۲۰۱ (ل.ا.ق.ت) را در مورد شرکت با مسئولیت محدود می توان اعمال کرد زیرا در غیر این صورت حق و حقوق اقلیت شرکا در شرکت با مسئولیت محدود بدون حمایت جدی قانونگذار باقی ماده و در واقع موجبات تضییع آن ایجاد می شود. البته اگر چه این نظر بسیار بعید است ولی جهت رعایت حقوق حقه و مسلم اقلیت ضروری می باشد هر چند لازم است که با وحدت ملاک با شرایط شرکت با مسئولیت محدود تطبیق داده شود. در مورد غیر ممکن بودن مقصود شرکت ممکن است ناشی از قانون یا ظرفیت و توان شرکت باشد بطور مثال موضوع شرکت به موجب قانون جدیدی ممنوع اعلام شود در مورد مدت نیز باید گفت که انقضای مدت شرکت موت فرضی شخصیت حقوقی بوده مگر اینکه قبل از انقضای مدت تمدید شده باشد. و اما چنانچه شرکت تجارتی در نتیجه توقف از تادیه وجوهی که به عهده او است ورشکست شود منحل شده محسوب می شود و به موجب ماه ۴۲۳ ق.ت. از یک سری معاملات ممنوع می باشد. البته لازم به ذکر است که ورشکستگی همیشه دیون بیشتر از دارایی نمی باشد و ممکن است به دلایل مختلف توقف از تادیه دیون ایجاد شود و تاجر مثلا دسترسی به اموال خود نداشته باشد یا فعلا نتواند اموال خود را مسترد کند. انحلال ارادی بند ب ماده ۱۱۴ ق.ت. مقرر می دارد: (در صورت تصمیم عده ای از شرکا که سهم الشرکه آنها بش از نصف سرمایه شرکت باشد). به نظر می رسد این امتیاز برای دارندگان اشخاصی که اکثریت سرمایه را دارند امتیازی خوب و کارا جهت کنترل شرکت باشد واز آنجا که اقلیت همچنان در معرض تضییع حق می باشد لازم است در جهت حفظ حقوق اقلیت نیز قانون اصلاح گردد. البته شاید بتوان گفت که هیچ ایرادی ندارد که اساسنامه این اکثریت را بتواند تشدید کند و بطور مثال به اکثریت عددی شرکا با داشتن لااقل ۴/۳ سرمایه و یا با تراضی تمام شرکای شرکت منحل شود. انحلال به علت ضرر دکتور ستوده تهرانی در مورد (بند ج ماده ۱۱۴ ق.ت.) می گویند: (انحلال شرکت به تقاضای یکی از شرکا از طریق دادگاه مقررات انحلال شرکت را نزدیک به شرکت های تضامنی و نسبی و شرکت های مختلط غیرسهامی می نماید. در صورتی که در مورد شرکتهای سهامی و شرکتهای مختلط سهامی شرکا به طور انفرادی دارای چنین حقی نیستند زیرا در شرکتهای با مسئولیت محدود شخصیت شرکا تا اندازه ای دخالت دارد و شرکا باید با یکدیگر توافق داشته باشند و علاوه بر آن شرکا دارای آن اختیاراتی که برابر مجامع عمومی شرکت های سهامی پیش بینی شده است نبوده و در صورتی که مدیر شرکت برای مدت نامحدودی تعیین شده باشد به هیچ وجه نمی تواند مانع عملیات او گردند ولی این تقاضا منوط است به اینکه اولاً به واسطه زیان های حاصله نصف سرمایه شرکت از بین رفته باشد و ثانیاً محکمه دلایل متقاضی را راجع به انحلال شرکت موجه تشخیص دهد و ثالثاً سایر شرکا حاضر نباشند سهمی را که به او در صورت انحلال تعلق می گیرد بپردازند و او را از شرکت خارج نمایند. به این جهت موارد اعمال این ماده نادر است. آیا اساسنامه می تواند این موضوع را که از حقوق شرکا است از آنها سلب کند؟ به نظر می رسد برخلاف شرکتهای سهامی در مورد شرکتهای با مسئولیت محدود این چنین موردی مخالف با بند ج ماده ۱۱۴ ق.ت. می باشد. انحلال به واسطه فوت شریک آنچه از مفهوم مخالف این بند ماده استنباط می شود اصل بر عدم انحلال شرکت بواسطه فوت احدی از شرکاست مگر اینکه در اساسنامه شرکت به این امر تصریح شده باشد. اما

در شرکت تضامنی برعکس شرکت با مسئولیت محدود به استناد بند (و) از ماده ۱۳۶ ق.ت. فوت یا محجوریت یکی از شرکا از موجبات انحلال شرکت است. از آنجا که پیش تر گفتیم در شرکت با مسئولیت محدود نیز می شود مجمع عمومی فوق العاده تشکیل داد و تغییر در اساسنامه را نیز از وظایف و اختیارات این مجمع دانستیم لذا با توجه به بند (د) ماده ۱۱۴ ق.ت. که انحلا شرکت با فوت احد از شرکا را منوط به ذکر در اساسنامه کرده است می توان نتیجه گرفت که حتی بعد از فوت احد از شرکا به شرط اینکه اکثری عددی که دارای لاقبل ۴/۳ سرمایه شرکت باشد را تقلیل ندهد میشود چنین موردی را در اساسنامه گنجانند اما در مورد ورشکستگی و محجوریت با توجه به عدم ذکر در قانون و هم چنین عدم تغییر در شخصیت شریک این مورد قابل اعمال نیست. البته ایرادی که ممکن است وارد باشد اینکه چنانچه ما اساسنامه شرکت با به صورتی در آوریم که هنگام فوت شریک منحل شده محسوب شود تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده برای تغییر در اساسنامه بعد از فوت شریک شرکت را ممکن است با اشکال قانونی مواجه شود.

۱۰- خصوصیات شرکت با مسئولیت محدود

شرکت با مسئولیت محدود - خصوصیات شرکت با مسئولیت محدود - تقسیم سرمایه به سهم الشرکه: در شرکت با مسئولیت محدود برخلاف شرکت های سهامی که بحث از سهم است و سهامدار صحبت از شریک می باشد. سهم الشرکه که می تواند قسمتی از آن غیر نقدی هم باشد که در این صورت تقویم و تسلیم آن ضرورت دارد و ضمانت اجرایش ابطال شرکت است. - ممنوعیت تقسیم سرمایه به سهام: صدور ورقه سهام خاص شرکت های سهامی عام و خاص می باشد و در شرکت با مسئولیت محدود اصدار سهام ممنوع است. - محدود بودن مسئولیت شرکا تا حدود سهم الشرکه خود در مقابل قروض و دیون شرکت: به صراحت این ماده مسئولیت شرکا محدود به سرمایه ای می باشد که در شرکت دارند. - عدم آزادی شریک در انتقال سهم الشرکه خود: که ذیل ماده ۱۰۲ ق.ت. ثبت خواهد شد. ضمنا در شرکت با مسئولیت محدود برخلاف شرکت سهامی عام که حداقل باید پنج نفر مدیر و در سهامی خاص حداقل باید ۳ نفر مدیر داشته باشند تا شرکت تشکیل می شود (مواد ۳ و ۱۰۷ (ل.ا.ق.ت)) در شرکت با مسئولیت محدود حداقل با دو نفر هم شرکت تشکیل می شود و هیچ شرط خاصی برای این شرکا ذکر نشده است و در مورد حداکثر اعضا هم هیچ گونه محدودیتی قانونگذار قائل نشده است. در مورد (امور تجارتي) در ماده ۹۴ ق.ت. به نظر می رسد که وقتی ما شرکت های ماده ۲۰ ق.ت. را تجاری محسوب نمائیم اعمال آنها به تبع تاجر بودن شرکت تجارتي محسوب می شود ولو اینکه عمل تجارتي نباشد و این استثنای شرکت های سهامی مندرج در ماده ۲ (ل.ا.ق.ت) قابل تسری به بقیه شرکت های ماده ۲۰ نیز می باشد. ولی آنچه در تعرف شرکت با مسئولیت محدود در ماده ۹۴ ق.ت. آمده نیز میباشد. ولی آنچه در تعریف شرکت با مسئولیت محدود در ماده ۹۴ ق.ت. آمده منظور این است که هدف تشکیل امور تجارتي می باشد یعنی شرکت صرفا می تواند یکی از موارد ده گانه ماد ۲۰ ق.ت. را موضوع فعالیت خود قرار دهد می دانیم که اعمال تجارتي دو نوع هستند یکی ماهوی و اصلی که ذاتا این گونه اعمال تجارتي محسوب می شوند و در ماده ۲ ق.ت. احصا شده اند و دیگری اعمال تجارتي تبعی می باشند که به تبع تاجر بودن شخصی تاجر تجارتي محسوب می شوند و در ماده ۳ ق.ت. احصا شده اند و اما از تعریف ماده ۹۴ چنین استنباط می شود که شرکت با مسئولیت محدود برای این تشکیل می شود که یکی از اعمال ذاتی تجاری را انجام دهد در حالی که به استناد ماده ۲۰ ق.ت. و ماده ۳ قانون مذکور اعمال تبعی این نوع شرکت نیز تجارتي محسوب می شوند مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجارتي او باشد نیز تجارتي می باشند بطور مثال اگر شرک با مسئولیت محدود که به استناد ماده ۲۰ ق.ت. تاجر محسوب می شود برای حوائج تجارتي خود کامیون خریداری نماید طرف غیر تاجر او می تواند در صورت عدم پرداخت چک مربوط به معامله علیه او اعلام ورشکستگی نماید ولی بطور مثال میوه فروش چنین اختیاری ندارد. - عدم تقسیم سرمایه به سهام یا

قطعات سهام: سهام و سهامداران اختصاص به شرکت سهامی دارد که براساس ماده ۲۰ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ به شرکت سهامی و شرکت مختلط سهامی تقسیم شده است ولی مواد ۲۱ تا ۹۴ که مربوط به شرکت سهامی بود در سال ۱۳۴۷ نسخ گردید و لایحه اصلاحی قانون تجارت جایگزین آن شد و در تعریف ماده ۱ (ل.ا.ق.ت) اصطلاح (برای امور تجاری) که در ماده ۲۸ ق.ت. آمده بود حذف گردید و بدین وسیله قلمرو فعالیت شرکت های سهامی گسترده تر گردید و حتی در ماده ۳ (ل.ا.ق.ت) به صراحت هر گونه عمل غیر تجاری را توسط شرکت سهامی تجاری محسوب می کند (حتی معامله غیر منقول ماده ۴ ق.ت) و بعد از تصویب لایحه اصلاح قانون تجارت اکثر بازرگانان و اشخاص معمولاً فعالیت اقتصادی خود را در قالب شرکت های سهامی انجام می دهند و سرمایه شرکت به سهام تقسیم می شود و مسئولیت دارندگان سهام به میزان مبلغ اسمی و تا میزان سهمشان محدود می باشد که با شرکت با مسئولیت محدود در این مورد تفاوت اساسی دارد. - میزان مسئولیت: در مسئولیت باید بین میزان مسئولیت شرکا و مدیران تفکیک قائل شد میزان مسئولیت شرکا محدود است به میزان سهم شرکتی که در سرمایه شرکت دارند و جز سرمایه ای که رد شرکت دارند مسئولیت دیگری ندارند و اگر شرکت ورشکسته شود مسلماً دیان قسمتی از طلب را از دست می دهند و اما باید متذکر شد که برخلاف شرکت های سهامی در شرکت با مسئولیت محدود نمی توان مقداری از سرمایه را تعهد کرد بلکه به استناد ماده ۹۶ قانون مذکور نیز مقرر می دارد: (در شرکت نامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم شرکتی های غیر نقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است). و در ماده ۹۸ به تضامنی بودن مسئولیت شرکا نسبت به قیمت که در حین تشکیل شرکت برای سهم شرکتی های غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث تصریح شده است و مهمتر از موارد فوق ماده ۱۰۰ قانون تجارت تصریح می کند که: (هر شرکت با مسئولیت محدود که بر خلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است. لیکن شرکا در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان را ندارند). ماده ۱۰۱ ق.ت. نیز هیئت نظار را در صورت عدم انجام وظیفه مسئول می داند و به استناد ماده ۴۳۹ ق.ت. علیه شرکای شرکت با مسئولیت محدود بعد از ورشکستگی شرکت نمی توان دعوی ورشکستگی مطرح نمود (با تنقیح مناط و وحدت ملاک از ماده مجبور به ازدیاد سهم شرکتی خود کنند علاوه بر مسئولیت مدنی قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات در خصوص دسیسه و تقلب در کسب و تجارت مجازاتی جزایی پیش بینی نموده است و همچنین ماده ۱۱۵ ق.ت. مجازات کلاهبرداری را برای متخلفین احصا شده در آن ماده ذکر می کند می تواند شامل شرکا و هم شامل مدیران باشد. اما میزان مسئولیت مدیران شرکت مدیران شرکت برای آنکه مسئولیت شخصی نداشته باشند باید در ذیل تعهدات را که از طرف شرکت امضا می نمایند سمت خود را تصریح نمایند و در صورتی که شرکت مهر داشته باشد مهر شرکت را به امضای خود امضا نمایند دکتر ستوده تهرانی معتقدند علیرغم عدم تصریح در مورد مسئولیت مدیران در شرکت با مسئولیت محدود جز مواد ۱۰۱ و ۱۱۵ ق.ت. مدیر شرکت در کلیه مواردی که مرتکب تقصیر یا تخلفاتی داشته باشد مسئولیت حقوقی یا جزایی دارد و مانند مدیران شرکت سهامی قابل تعقیب می باشد ایشان در ادامه می افزاید: (در نتیجه سو استفاده ای که مدیران شرکت با مسئولیت محدود ممکن است به شرکت مرتکب شوند عده ای قیده دارند که مسئولیت مدیر شرکت با مسئولیت محدود باید شدیدتر شود تا نتواند به نام شرکت مرتکب سو استفاده هایی بشود و بعداً طلبکاران را به عنوان اینکه اشخاص مسئول نمی باشند به شرکتی که دارایی کافی ندارد حواله دهد). دکتر عرفانی نیز در این رابطه می گویند: (مدیر یا مدیران شرکت با مسئولیت محدود به نمایندگی از طرف شرکت وظایف خود را طبق قانون یا اساسنامه انجام می دهند و چون تاجر محسوب نمی شوند بنابراین علیه آنان در صورت توقف شرکت ازادای دیون و قروضی که به عهده دارند نمی توان اعلام ورشکستگی نمود). بدیهی است که این مورد یکی از نقایص قانون تجارت می باشد.

شرکت با مسئولیت محدود - سهم الشرکه و مسائل مربوط به نقل و انتقال آن ۱- عدم قابلیت تبدیل به اوراق تجاری ماده ۱۰۲ ق.ت می گوید: (سهم الشرکه شرکا نمی توانند به شکل اوراق تجاری قابل انتقال اعم از با اسم یا بی اسم و غیره در آید سهم الشرکه را نمی توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده ای از شرکا که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند). براساس این ماده سهم الشرکه شرکا را نمی توان به غیر منتقل نمود مگر با رضایت دارندگان سه ربع سرمایه که اکثریت عددی را نیز دارا باشند اما در عمل ممکن است تطابق اکثریت عددی با سه ربع سرمایه فراهم نشود. مثل اینکه یک شخص به تنهایی ۷۵٪ سرمایه و دو شخص دیگر هر کدام ۱۰٪ و ۱۵٪ مابقی سرمایه را داشته باشند و هیچ یک با انتقال سهم الشرکه دیگری به شخص ثالث رضایت نداشته باشند اگر شریک اول با آنکه سه ربع سرمایه را دارد به انتقال هم رضایت دهد انتقال عملی نمی گردد. به طور کلی تلفیق اکثریت عدیی با اکثریت سرمایه ای و تطبیق این دو با هم ضرورت ندارد. از طرفی وقتی که در انتقال سهم الشرکه به استناد قسمت اخیر ماده مذکور سخت گیری شده است معلوم است که در مورد اوراق تجاری قابل انتقال به طریق اولی ممنوعیت بیشتری در نظر گرفته خواهد شد در شرکت های سهامی که اوراق به صورت سهم با قیمت ارزش اسمی صادر می شوند و سهام بی نام یا قبض و اقباض و سهام با نام با ثبت در دفتر مخصوص قابل نقل و انتقال باشند مسئولیت سهامدار بیشتر از مسئولیت شرکت با مسئولیت محدود می باشد و همان طور که از اسم این نوع شرکت می باشد پس ضرورت دارد که سهم الشرکه ها غیر قابل انتقال باشند و صرفا با توافق ۴/۳ سرمایه و با اکثریت مبلغ سرمایه و عده ای شرکا امکان پذیر باشد. ۲- تاثیر سهم الشرکه در حق رای ماده ۱۰۷ ق.ت. مقرر می دارد: (هر یک از شرکا به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رای خواهد بود مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد). همان طور که از منطوق ماده روشن است میزان رای و تعداد آرای هر شریک بستگی به میزان سهم الشرکه او دارد و از آنجا که ماده ۱۱۴ قانون تجارت در مورد انحلال شرکت تصریح دارد اگر عده ای از شرکا که سهم الشرکه آنها بیشتر از ۲/۱ سرمایه شرکت باشد تصمیم به انحلال شرکت بگیرند می توانند شرکت را منحل کنند این شرکا بدون تشکیل مجمع می توانند تصمیم خود را در صورت جلسه ای تنظیم کنند و به امضای شرکای مذکور برسانند و شرکت را منحل کنند. دکتر ستوده تهرانی معتقد است که اساسنامه شرکت می تواند در مورد تصمیم به انحلال شرکت اکثریت زیادتری را پیش بینی کند. وی همچنین می گوید: ماده ۱۰۷ قانون تجارت مقرر می دارد که: هر یک از شرکا به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رای خواهد بود مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد. مفاد این ماده به هیچ وجه با مقررات مواد ۱۰۲ و ۱۰۵ و ۱۱۱ و ۱۱۴ تطبیق نمی کند زیرا در مواد مزبور اکثریت لازم به نسبت سرمایه تعیین شده و معلوم نیست به چه ترتیب اساسنامه شرکت بتواند حق رای شرکای را تغییر دهد. زیرا به فرض اساسنامه برای بعضی از سهم الشرکه حق دو یا چند رای را پیش بینی کند آرا مزبور در تناسب سرمایه شرکت تاثیری ندارد بنابراین پیش بینی ترتیب دیگری در اساسنامه برای حق رای شرکا تاثیر عملی ندارد. دکتر عرفانی گویا استثنای ماده ۱۰۷ را می پذیرد لذا وی می گوید: (هر شریک به نسبت سهم الشرکه خود حق رای دارد مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد (مستفاد از ماده ۱۰۷ ق.ت) در حقوق فرانسه نیز آرا هر شریک مساوی با تعداد سهم الشرکه ای است که شریک در شرکت سرمایه گذاری کرده مگر اینکه اساسنامه برخلاف آن پیش بینی کرده باشد. ۳- تاثیر سهم الشرکه در نحوه تقسیم سود و زیان ماده ۱۰۸ ق.ت. مقرر می دارد: (روابط بین شرکا تابع اساسنامه است اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکا به عمل خواهد آمد) دکتر اسکینی در ذیل این ماده می گوید: (... باید توجه داشت که در ماده ۱۰۸ ق.ت. سودی مورد نظر مقنن است که قابل تقسیم باشد منظور از سود قابل تقسیم سودی است که شرکت در پایان هر دوره عملکرد به واقع تحصیل کرده است. این سود زمانی محقق است که بیلان شرکت در قسمت دارایی مبلغی بیشتر از مبلغ مندرج در قسمت بدهی شرکت را نشان بدهد. لذا به نظر می رسد که سود قابل تقسیم پس از کسر کلیه هزینه ها بابت استهلاک و اندوخته و ضرر و زیان های سال جاری و سنوات گذشته باشد و این سود است که به نسبت

سهام شرکت هر شریک بین آنها تقسیم می شود. دکتر عرفانی پیشنهاد می کند: (به نظر می رسد که در شرکت با مسئولیت محدود مجمع عمومی عادی برای حفظ حقوق شرکای اقلیت الزاما یکبار در سال برای رسیدگی به حسابهای شرکت و تقسیم سود و استماع گزارش مدیران شرکت گردد تا آنان بتوانند با کسب اطلاع دقیق از وضع تجاری شرکت حقوق قانون خود را مطالبه و عنداللزوم به استناد بند ج ماده ق.ت. از دادگاه تقاضای انحلال شرکت با نمایند با این ترتیب اصلاح ماده ۱۰۶ ق.ت. ضروری می باشد. ۴- تاثیر سهام شرکت در تصمیمات ماده ۱۰۶ ق.ت. مقرر می دارد: (تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لاقبل نصف سرمایه اتخاذ شود- اگر در دعوت اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکا مجددا دعوت شوند در این صورت تصمیمات با اکثریت عددی شرکا اتخاذ می شود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد - اساسنامه شرکت می تواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر می دارد. همان طور که ملاحظه می شود در دفعه اول تصمیم گیری با اکثریت لاقبل نصف سرمایه صورت میگیرد حال آنکه چنانچه این جلسه به علت عدم حضور شرکای مالک نصف سرمایه تشکیل نشود در دعوت دوم تصمیمات نه با اکثریت سرمایه که به اکثریت عددی شرکا اتخاذ می شود بنا به تصف سرمایه شرکت باشد منحل می شود و اگر چه قانون در مورد اکثریت زیادتر به سکوت گذاشته اما می توان گفت که اساسنامه می تواند اکثریت زیادتری را برای انحلال شرکت با مسئولیت محدود پیش بینی کند. ۵- انتقال سهم شرکت به موجب ماده ۱۰۲ ق.ت. سهم شرکت نمی تواند به شکل اوراق تجاری قابل انتقال اعم از با اسم یا بی اسم و غیره درآید همچنین این ماده انتقال سهم شرکت را منوط به رضایت عده ای از شرکا که لاقبل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی را نیز داشته باشند کرده است و ماده ۱۰۳ قانون مذکور انتقال سهم شرکت را فقط از طریق سند رسمی قابل قبول می داند. حال سؤال این است که آیا انتقال قهری هم باید با رضایت ۴/۳ شرکا باشد؟ به نظر می رسد که در چنین مواردی که غیر ارادی است هیچ منعی ندارد و شرط رعایت رضایت لازم الرعایه نمی باشد. از آنجا که نص صریحی در مورد ضمانت اجرای ماده ۱۰۲ نداریم و منعی هم در انتقال بدون رضایت دیده نمی شود یعنی شرکا می توانند سهم شرکت را حتی بدون رضایت منتقل کنند. آیا انتقال بدو رضایت چه اثر حقوقی می تواند داشته باشد؟ از مفهوم ماده چنین برمی آید که این گونه انتقالها فاقد اثر حقوقی می باشند. در مورد انتقال سهم شرکت به دیگر شرکا هیچ گونه معنی وجود ندارد و نیاز به رضایت ۴/۳ سرمایه نیز نمی باشد.

۱۲- محاسن و معایب شرکت با مسئولیت محدود در مقایسه با شرکت سهامی

شرکت با مسئولیت محدود - محاسن و معایب شرکت با مسئولیت محدود در مقایسه با شرکت سهامی محاسن - شرکت سهامی عام با حضور حداقل پنج سهامدار (مدیر) و شرکت سهامی خاص با حداقل سه سهامدار خاص با حداقل سه سهامدار تشکیل می گردد (مواد ۳ و ۱۰۷ ل.ا.ق.ت.). در صورتی که شرکت با مسئولیت محدود با حداقل دو شریک تشکیل می شود (ماده ق.ت.). - حداقل سرمایه در سهامی عام پنج میلیون ریال و سهامی خاص یک میلیون ریال به اضافه تکالیف حداقل ۳۵٪ نقدی کل سرمایه (مواد ۶ و ۳۰ ل.ا.ق.ت.) می باشد اما در شرکت با مسئولیت محدود بدون ارائه مدارک تودیع سرمایه صرفا اقرار موسسین به میزان سرمایه و پرداخت به صندوق شرکت یا هیئت مدیره کفایت می کند. در واقع قانونگذار حداقل و حداکثری برای سرمایه شرکت مقرر نکرده است و این تقیصه موجب تضعیف حقوق طلبکاران این نوع شرکت می شود چرا که عمده تضمین طلب طلبکار سرمایه شرکت است. بنابراین لازم است که حداقل سرمایه مشخص و به میزانی باشد که تا حدودی جوابگوی طلب طلبکاران باشد. - در شرکت با مسئولیت محدود یک یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که ممکن است از خارج از شرکا هم باشند برای مدت محدود یا نامحدود اراه شرکت را برعهده میگردند (ماده ۱۰۴ ق.ت.). در صورتی که در شرکت سهامی عام حداقل پنج نفر و در شرکت سهامی خاص حداقل سه نفر مدیر برای مدت حداکثر ۲ سال انتخاب می شوند (ماده ۳ و ۱۰۷ ل.ا.ق.ت) و ۱۰۹ (ق.ت.)).

- قلمرو آگهی ها در شرکت های سهامی با توجه به مواد (۹۷ و ۹۸۵ ل.ا.ق.ت)) وسیعتر از شرکت با مسئولیت محدود می باشد (ماده ۲۰ ق.ت). معایب - اگر چه تمام سهم الشرکه شرکت باید در شرکت با مسئولیت محدود در بدو تاسیس پذیره نویسی و پرداخت شود ولی این پرداخت ممکن است صوری باشد. - در شرکت با مسئولیت محدود ورقه ای به نام سهم الشرکه صادر نمی گردد و هم چنین این سهم الشرکه نمی تواند به صورت اوراق تجارتي قابل انتقال اعم از با نام یا بی نام صادر گردد ولی در شرکت سهامی عام نقل و انتقال سهام کاملا آزاد بوده و در شرکت سهامی خاص این نقل و انتقال ممکن است فقط مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی سهامداران بشود. حال این سئوال مطرح می شود آیا شرکت با مسئولیت محدود از جمله شرکت های شخص است؟ با توجه به اینکه مسئولیت شرکت جدا از مسئولیت شرکا می باشد و شریک در شرکت با مسئولیت محدود بجز سرمایه ای که در شرکت گذاشته است مسئولیت دیگری ندارد و اگر در نتیجه ضررهای مختلف شرکت ورشکسته شود طلبکاران یقینا از قسمتی از طلب خود محروم می شوند پس اگر چه شخصیت شرکا در شرکت دخالت دارد و غالبا این نوع شرکت بین اشخاص آنهم اشخاص یک خانواده یا آشنا باهم تشکیل می شود ولی به هر صورت شرکت با مسئولیت محدود یک شرکت سرمایه است و به استناد ماده ۹۵ ق.ت. که مقرر میدارد: (در اسم شرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود و الا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود. اسم شرت نباید متضمن اسم هیچ یک از شرکا باشد و الا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.) شکی در تجارتي بودن شرکت با مسئولیت محدود و عدم مسئولیت شرکا جز به میزان سهم الشرکه باقی نمی ماند.

۱۳- نحوه اداره شرکت قلمرو اختیارات و مسئولیت مدیران

شرکت با مسئولیت محدود - نحوه اداره شرکت قلمرو اختیارات و مسئولیت مدیران ۱- مدیر یا مدیران ماده ۱۰۴ ق.ت. مقرر می دارد: شرکت با مسئولیت محدود به وسیله یک یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که از بین شرکا یا خارج برای مدت محدود یا نامحدودی معین می شوند اداره می گردد. منظور از مدیر (غیر موظف) آن دسته از مدیران می باشند که در قبال کار خود دستمزدی از شرکت نمی گیرند و مدیران موظف در قبال کار خود از شرکت دستمزد می گیرند. در تمام شرکت ها اولین مدیران توسط مجمع عمومی موسسین و ضمن شرکت نمه به امضا موسسین تعیین می شوند و در مراحل بعد توسط مجمع عمومی عادی انتخاب می شوند. هر گاه مدیر حین تنظیم و امضای شرکت نامه معین نشده باشد انتخاب او به موجب سندی دیگر می تواند به اکثریت آرا باشد چه این اقدام مشمول ماده ۱۰۶ ق.ت. است که به اداره شرکت مربوط می شود. به موجب این ماده تصمیمات راجع به شرکت باید با اکثریت لاقبل نصف سرمایه اتخاذ شود. مشکلی که مطرح می شود این است که هر گاه اکثریت مزبور حاصل نشود وضع شرکت چه خواهد شد. بخصوص در فرضی که شرکت فقط دارای دو شریک است که هر یک نصف سرمایه را دارند و در مورد مدیریت شرکت توافق نمی کنند آیا شرکت باید منحل شود یا هر یک از شرکا مدیر تلقی خواهند شد. برای عزل مدیران اگر در اساسنامه مقرراتی پیش بینی شود باید با رعایت آن اقدام گردد و در غیر این صورت فقط طبق اکثریت مذکور ماده ۱۰۶ ق.ت. اقدام می شود در مورد حدود مسئولیت مدیران در برابر شرکا با وحدت ملاک از ماده ۱۲۱ ق.ت. و ماده ۵۱ ق.ت. اعمال می شود. ۲- اختیارات مدیران ماده ۱۰۵ ق.ت. مقرر می دارد: (مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد - هر قراردادی راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است. به استناد ماده ۲۹۹ ل.ا.ق.ت. که مواد ۲۱ تا ۹۴ ق.ت. را در مورد شرکت با مسئولیت محدود نافذ می داند. و این رابطه همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد لذا هر اقدامی از طرف مدیران با قصد نیابت از طرف شرکت نافذ است. ولی این اقدامات با توجه به مقررات ماده ۱۰۵ ق.ت.

و ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. باید در حدود موضوع شرکت باشد پس ما در خصوص اختیارات مدیران شرکت های تجارتي مواجه با دو ماده قانونی هستیم اول - ماده ۱۱۸ قانون شرکت های سهامی (اختیارات وسیع مدیران) دوم - ماده ۱۰۵ ق.ت. (محدود نمودن اختیارات مقرر در اساسنامه). بحث بر سر این است که هرگاه مدیر شرکتی چکی به مبلغ صد میلیون ریال صادر کند که در اساسنامه شرکت اختیارات در امضای اسناد تعهد آور تا مبلغ ده میلیون ریال باشد مسئول پرداخت این سند چه کسی است مدیر یا شرکت؟ دو نظریه مختلف وجود دارد عده ای معتقدند قانون تجارت ر.ا.ل.ا.ق.ت. در سال ۱۳۴۷ نسخ کرده است (نظر اکثریت) عده ای نیز که اقلیت می باشند معتقدند قانون خاص قانون عام سابق را نسخ نمی کند لذا ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. در مورد شرکت های خاص قانون عام سابق را نسخ نمی کند لذا ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. در مورد شرکت های سهامی قابل اعمال است و در مورد بقیه شرکت ها ماده ۱۰۵ ق.ت. قابل اعمال است پس در مورد مثال بالا پذیرش این نظریه که شرکت سهامی است یا نوع دیگری از شقوق ماده ۲۰ ق.ت. است. اگر شرکت سهامی باشد شرکت مسئول می باشد و اگر نه مسئولیت شرکت تا حدودی است که در اساسنامه ذکر شده و مازاد بر آن را خود مدیر باید پردازد. ۳- مسئولیت کیفری. ماده ۱۱۵ ق.ت. مقرر می دارد: (اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می شوند: - موسسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت سهم الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم الشرکه غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند. - کسانی که به وسایل متقلبانه سهم الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند. - مدیرانی که با نبودن صورت دارایی یا به استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین شرکا تقسیم کنند. از آنجا که جرم مذکور در این ماده در حکم کلاهبرداری می باشد لذا لازم نیست که همه عناصر جرم کلاهبرداری در آن وجود داشته باشد و با توضیح این مطلب به شرح بندهای سه گانه ماده مذکور می پردازیم: ثقلب در در تقویم یا تسلیم سهم الشرکه مولفین حقوق تجارت در نظم حقوقی کنونی ذیل بند الف ماده ۱۱۵ ق.ت. آورده اند: ارکان تحقیقی جرم موضوع بند (الف) عبارتند از: - اظهار خلاف واقع مبنی بر پرداخت تمام سهم الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم الشرکه غیرنقدی. - اظهار باید در اوراق و اسنادی باشد که باید برای ثبت شرکت بدهند به نظر می رسد تا زمانی که این اوراق و اسناد به اداره ثبت شرکت ارائه نشده (اظهار کردن). تحقیق پیدا نمی کند. - اظهار باید توسط موسسین یا مدیران باشد. تقویم غیرواقعی سهم الشرکه غیرنقدی مولفین حقوق تجارت در نظم حقوقی کنونی در ذیل بند (ب) از ماده ۱۱۵ ق.ت. می گویند: (در مورد بند ب) نکات ذیل قابل ذکر است: - از مصادیق (وسایل متقلبانه) می توان به صحنه سازی اظهارنامه کارشناسی غیر واقع استفاده از مدارک جعلی یا ارائه اسنادی که راجع به مال معرفی شده نباشد به نحوی که راجع به آن متصور و متوهم شود اشاره نمود. - منظور از قیمت واقعی قیمت بازاری روز تقویم است. - مرتکبین این جرم ممکن است شرکا مدیران هیئت نظار یا هر شخص دیگری باشد که در تقویم سرمایه شرکت دخالت کرده اند. تقسیم منافع موهوم دکتر ستوده تهرانی معتقد است: (راجع به منافع موهوم کلیه مقرراتی که در شرکت های سهامی ذکر گردید نیز باید در نظر گرفته شود. ولی درباره شرکت با مسئولیت محدود قانون تصریح نکرده که در صورت تقسیم منافع موهوم در صورتی که شرکا سو نیتی نداشته باشند آیا منافع موهومی که تقسیم شده قابل استرداد است یا خیر؟ ضمنا موضوعی که باید درباره منافع در نظر گرفته شود این است که سود ویژه شرکت افزایشی است که در دارایی شرکت در پایان سال تشکیل می شود ولی آیا شرکت می تواند در اساسنامه خود تصریح کند که در پایان هر سال چند در صد به عنوان بهر سرمایه بین شرکا تقسیم گردد یا خیر؟ ... قانون تجارت ایران چنین امری را مجاز نمی داند.) پس نتیجه اینکه سود غیر واقعی سود است که قانونا قابل تقسیم بین شرکا نمی باشد و مجازات مدیران یا موسسین مذکور در ماده ۱۱۵ ق.ت. طبق مقررات قانون مجازات اسلامی می باشد. دکتر ستوده تهرانی در آخر متذکر می شود: (نتیجه رویه استفاده هایی که مدیران شرکت با مسئولیت محدود ممکن است به نام شرکت مرتکب شوند عده ای عقیده دارند که مسئولیت مدیر شرکت با مسئولیت محدود باید شدیدتر شود تا نتواند به نام شرکت مرتکب سو استفاده هایی شود و بعدا طلبکاران به عنوان اینکه شخصا مسئول نمی باشند به

شرکتی که دارایی کافی ندارد حواله دهد).

۶- ارگان تصمیم گیرنده شرکت با مسئولیت محدود

۱- کلیات

ارگان تصمیم گیرنده شرکت با مسئولیت محدود - کلیات دعوت و تشکیل مجامع عمومی در شرکت با مسئولیت محدود فقط در ماده ۱۰۹ ق.ت که می گوید: هر شرکت با مسئولیت محدود که عده شرکای آن بیش از ۱۲ نفر باشد باید دارای هیئت نظار بوده و هیئت مزبور لااقل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکا را تشکیل دهد... اجباری شناخته شده است. در مفهوم مخالف ماده مذکور میتوان گفت که تشکیل مجمع عمومی عادی و فوق العاده در شرکتهای با مسئولیت محدود که شرکای آن کمتر از ۱۲ نفر می باشند کاملاً اختیاری است ولی شرکا می توانند در اساسنامه الزام تشکیل مجامع عمومی را مطابق مقررات شرکتهای سهامی عام و خاص و با در نظر گرفتن مواد ۹۲ و ۹۷ و ۱۲۰ (ل.ا.ق.ت) پیش بینی نمایند.

۲- تصمیمات عادی

ارگان تصمیم گیرنده شرکت با مسئولیت محدود - تصمیمات عادی شرکت با مسئولیت محدود می تواند تصمیمات عادی خود را بدون تشکیل مجمع اتخاذ نماید و تصمیمات راجع به شرکت را به صورت صورتجلسه تهیه و به امضا شرکت برساند هر شریک به نسبت سهم شرکت خود حق رای دارد مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد. ماده ۱۰۶ ق.ت. می گوید: تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لاقبل نصف سرمایه اتخاذ شود اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکا مجدداً دعوت شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکا اتخاذ می شود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد اساسنامه شرکت می تواند ترتیبی بر خلاف مراتب فوق مقرر دارد. تقسیم سود در قانون تجارت ایران در ماده ۱۱۷ پیش بینی شده و مقرر می دارد: روابط شرکا تبع اساسنامه است اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکا به عمل خواهد آمد رد شرکت با مسئولیت محدود قانونگذار در ماده ۱۱۳ ق.ت. اندوخته قانونی را تحت عنوان سرمایه احتیاطی با رعایت ماده ۵۷ قانون شرکت سهامی ۱۳۱۱ که می گوید: همه ساله لااقل یک بیستم از عایدات خالص شرکت برای تشکیل سرمایه احتیاطی موضوع خواهد شد همین که سرمایه احتیاطی به عشر سرمایه شرکت رسید موضوع کردن این مقدار اختیاری است الزامی دانسته است.

۳- تصمیمات فوق العاده

ارگان تصمیم گیرنده شرکت با مسئولیت محدود - تصمیمات فوق العاده در شرکت با مسئولیت محدود تشکیل مجمع عمومی فوق العاده همانند شرکتهای سهامی عام و خاص الزامی شناخته نشده است ولی با عنایت به ماده ۱۱ ق.ت. که می گوید: هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید با اکثریت عددی شرکا که لااقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند به عمل آید مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد. به نظر می رسد که تشکیل مجمع عمومی فوق العاده از نظر اهمیت موارد پیش بینی شده در ماده ۱۱۱ مذکور می باشد. در این صورت وظایف مجمع عمومی فوق العاده در اساسنامه باید به شرح زیر پیش بینی گردد: ۱- تغییرات در اساسنامه یا الحاق یا حذف چند مواد از آن. ۲- افزایش یا کاهش سرمایه شرکت. ۳- ورود شریک یا شرکا جدید به شرکت.

۴- تنظیم اساسنامه جدید یا تبدیل نوع شرکت. ۵- انحلال شرکت قبل از موعد. بدیهی است تصمیمات در موارد فوق باید با موافقت دارندگان ۴/۳ سرمایه شرکایی که اکثریت عددی را نیز دارند اتخاذ گردد.

۴- مسئولیت مدنی و جزایی

ارگان تصمیم گیرنده شرکت با مسئولیت محدود - مسئولیت مدنی و جزایی اگر مجامع عمومی شرکت با مسئولیت محدود در تصمیمات خود از مقررات قانونی تخلف نموده و از این بابت شرکا یا اشخاص ثالث متضرر گردند زیان دیده می تواند براساس مقررات قانون مدنی و تعیین ضرر وارده و اثبات رابطه علیت جبران زیان وارده را از دادگاه درخواست نماید و در مواردی که شرکا با استناد به تصمیم مجامع مرتکب جرائمی از قبیل کلاهبرداری و غیره بشوند بر طبق مقررات پیش بینی شده در قانون مجازات اسلامی با آنان رفتار خواهد شد.

۷- ارگان اداره کننده شرکت با مسئولیت محدود

۱- مسئولیت مدنی و جزایی مدیران

ارگان اداره کننده شرکت با مسئولیت محدود - مسئولیت مدنی و جزایی مدیران مدیر یا مدیران شرکت با مسئولیت محدود به نمایندگی از طرف شرکت و به نام شرکت وظایف خود را بر طبق قانون یا اساسنامه انجام می دهند و چون تاجر محسوب نمی شوند بنابراین علیه آنان در صورت توقف شرکت از ادای دیون و قروضی که به عهد دارند نمی توان اعلام ورشکستگی نمود و این یکی از نقایص قانون تجارت می باشد. زیرا امکان دارد که مدیران اموال شرکت را به دارایی شخصی خود انتقال دهند. و طلبکاران شرکت نیز در صورت وصول نشدن مطالبات خود ناچار خواهند بود فقط به دارایی شرکت مراجعه نمایند مگر آنکه دادخواست جداگانه ای براساس مقررات قانون مدنی به دادگاه تسلیم و پس از اثبات تقصیر مدیران و ضرر وارده رابطه علیت جبران زیان وارده را تقاضا نمایند. از نظر جزایی مدیرانی که با نبودن صورت دارایی یا با استناد به صورت دارائی مزور منافع موهومی را بین شرکا تقسیم نمایند کلاهبردار محسوب خواهند شد و زیان دیده می تواند تقاضای استرداد منافع موهوم تقسیم شده را جهت جبران زیاد وارده بنماید.

۲- محدودیت اختیارات مدیران

ارگان اداره کننده شرکت با مسئولیت محدود - محدودیت اختیارات مدیران در قانون تجارت ایران هیچگونه محدودیتی در مورد اختیارات مدیران در شرکت با مسئولیت محدود پیش بینی نشده است ولی قانونگذار با قید جمله ... مگر آنکه در اساسنامه ترتیب دیگر مقرر شده باشد تحدید اختیارات مدیران را به شرکا واگذار نموده است قسمت دوم ماده (۱۰۵ ق.ت) می گوید: هر قراردادی که اختیارات مدیران را محدود نماید و در اساسنامه نیز به این امر اشاره ای نشده باشد در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن می باشد) اگر مدیری در خارج از موضوع شرکت اقدام نماید در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت در صورت ایراد شخصا جوابگو می باشد.

۳- قلمرو اختیارات مدیران

ارگان ادراه کننده شرکت با مسئولیت محدود - قلمرو اختیارات مدیران مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد (ماده ۱۰۵ ق.ت). برابر بند ۴ ماده ۴۹ قانون تجارت فرانسه حدود روابط مدیران با شرکا به اساسنامه محول شده است. یعنی مدیران در مواردی مانند تنظیم بعضی از قراردادها و یا انجام برخی از اعمال حقوقی مهم مانند اخذ وام از بانک (غیر از اعتبار) رهن اموال غیر منقول شرکت و یا وثیقه و غیره مکلف به کسب اجازه قبلی از شرکا می باشند و در صورت تجاوز از اختیار خود علاوه بر حبران زیان وارده شرکا می توانند عزل مدیر متخلف را بخواهند بدون اینکه نامبرده حق مطالبه ضرر و زیان ناشی از عزل را داشته باشد. سایر اختیارات مدیران عبارتند از: دعوت مجامع عمومی گزارش وضع مالی شرکت و کسر اندوخته های قانونی مندرج در ماده (۱۱۳ ق.ت) گزارش در ورد افزایش و کاهش سرمایه گزارش سالیانه راجع به فعالیت وضع عمومی شرکت و بالاخره اعلام صور تجلسه مربوط به انتخاب مدیران و بازرسان تصویب ترازنامه کاهش و افزایش سرمایه تغییرات در اساسنامه انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن به اداره ثبت شرکتها.

۴- انتخاب و عزل مدیران

ارگان ادراه کننده شرکت با مسئولیت محدود - انتخاب و عزل مدیران شرکت با مسئولیت محدود ممکن است توسط یک یا چند مدیر موظف یا غیر موظف که از بین شرکا یا خارج از شرکا انتخاب می گردند اداره شود مدیران مزبور می توانند برای مدت محدود یا نامحدود انتخاب شوند (ماده ۱۰۴ ق.ت). مدیران با اشخاص حقیقی بوده و اهلیت قانونی برای انجام مدیریت داشته باشند. در قانون تجارت ایران تصریحی در خصوص عزل مدیر یا مدیران شرکت با مسئولیت محدود وجود ندارد ولی به نظر می رسد در صورتی که مدیر یا مدیران شرکت با مسئولیت محدود با ارتکاب تقصیر (مانند ترک شرکت به قصد اضرار) موجبات ضرر شرکت را فراهم سازند شرکا با توجه به اصول عام پیش بینی شده در حقوق مدنی مجمع عمومی را تشکیل داده و با در دست داشتن ادله موجه و رعایت نصاب اتخاذ تصمیم در مجمع مدیر مقصر را عزل و مراتب را به اداره ثبت شرکتها اعلام نمایند.

۸- ارگان کنترل کننده شرکت با مسئولیت محدود

ارگان کنترل کننده شرکت با مسئولیت محدود - انتخاب هیئت نظار قانونگذار در حقوق ایران انتخاب بازرسان یا بازرسان را جهت کنترل شرکت با مسئولیت محدود لازم ندانسته است لیکن در صورتی که تعداد شرکای با مسئولیت محدود بیش از ۱۲ نفر باشد انتخاب هیئت نظار را از بین شرکا الزامی دانسته است در این زمینه ماده ۱۰۱ قانون تجارت مقرر می دارد: (هر شرکت با مسئولیت محدود که عده شرکای آن بیش از ۱۲ نفر باشد باید دارای هیئت نظار بوده ...) وظایف و اختیارات هیئت نظار: اول - کنترل آورده نقدی و غیر نقدی هیئت نظار باید پس از تشکیل بلافاصله اطمینان حاصل کند که تمام سرمایه نقدی به وسیله شرکا تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی شرکت نیز تقویم و تسلیم شده و رد شرکتنامه صراحتا گردیده باشد که سهم الشرکه های غیر نقدی هر کدام به چه میزان شده است (مستفاد از قسمت دو ماده ۱۰۹ ق.ت و رعایت مواد ۹۶ و ۹۷ همان قانون). دوم - کنترل دفاتر و دارائی شرکت به موجب ماده ۱۰۹ ناظر به ماده ۱۶۸ ق.ت هیئت نظار مکلفند که دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را به طور دقیق کنترل نموده و در پایان هر سال مالی گزارشی به مجمع عمومی شرکت در این مورد تقدیم کنند و چنانچه در تنظیم ترازنامه و تقسیم منافع شرکت به وسیله مدیران تخلفی مشاهده نمایند باید آن را در گزارش خود قید کنند هر شریک می تواند از گزارش مزبور تا ۱۵ روز قبل از انعقاد مجمع عمومی شخصا یا بوسیله نماینده اش کسب اطلاع نماید. سوم - دعوت مجمع عمومی عادی و فوق العاده هیئت نظار مکلف است سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکا را دعوت کرده و آن را تشکیل دهد. همچنین هیئت مزبور می تواند مجمع عمومی فوق العاده را نیز برای انعقاد دعوت نماید. نظار تصمیمات خود را با اکثریت آرای اعضا خود اتخاذ می

نماید. مسئولیت هیئت نظار (ماده ۱۰۹ ناظر به ماده ۱۶۷) در صورتی که تصمیمات و اقدامات هیئت نظار بر خلاف قوانین حاکم باشد مسئولیت آن متوجه اعضای هیئت خواهد بود. ضمناً هیئت نظار در صورتی تباری در مورد تقویم سهم الشرکه غیر نقدی به بیش از قیمت واقعی آن علاوه بر مسئولیت تضامنی در مقابل اشخاص ثالث مشمول مجازات جزائی مقرر در ماده ۱۱۵ خواهند بود.

۹- انحلال و تصفیه شرکت با مسئولیت محدود

۱- انحلال شرکت با مسئولیت محدود

انحلال و تصفیه شرکت با مسئولیت محدود - انحلال شرکت با مسئولیت محدود موارد انحلال شرکت با مسئولیت محدود در ماده ۱۱۴ ق.ت. به شرح زیر پیش بینی شده است: در مورد بندهای ۱ و ۲ و ۳ ماده (ماده ۹۳ ق.ت) (شرکتهای سهامی منسوخه سال ۱۳۱۱): وقتی که شرکت برای هدفی که تشکیل شده آن را انجام داده یا انجام آن غیر ممکن باشد. وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل شده و آن مدت منقضی شده باشد. در صورتی که شرکت ورشکسته اعلام گردد. در صورتی که به واسطه ضررهای وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکای شرکت با مسئولیت محدود تقاضای انحلال آن را کرده باشد دادگاه نیز دلایل مدعی را موجه تشخیص دهد و سایر شرکا حاضر نباشند سهم الشرکه ای که در صورت انحلال شرکت به او تعلق می گیرد پرداخت نموده و او را از شرکت خارج سازند. در صورتی که عده ای به انحلال اتخاذ تصمیم نموده باشند بدیهی است که اساسنامه شرکت با مسئولیت محدود برای انحلال شرکت می تواند اکثریت سرمایه را به هر میزانی بیش از نصف اعم از ۴/۳ غیره پیش بینی نماید. در مورد فوت یکی از شرکا و آن در صورتی است که چنین موردی در اساسنامه پیش بینی شده باشد قانونگذار حجر یکی از شرکا را از موارد انحلال ندانسته است. لیکن در صورت ورشکستگی شرکت (نه یکی از شرکا) انحلال و تصفیه آن امری بدیهی است.

۲- تصفیه شرکت با مسئولیت محدود

انحلال و تصفیه شرکت با مسئولیت محدود - تصفیه شرکت با مسئولیت محدود بعد از انحلال شرکت امر تصفیه آن آغاز می گردد. عملیات تصفیه شامل مراحل زیر خواهد بود: وصول مطالبات شرکت. نقد کردن دارایی شرکت. پرداخت دیون شرکت تقسیم دارایی باقیمانده شرکت بین شرکا در شرکت با مسئولیت محدود امر تصفیه به موجب ماده ۲۱۳ ق.ت. به عهده مدیران شرکت می باشد. مگر اینکه اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت ترتیب دیگری مقرر داشته باشد. وظایف مدیران یا مدیران تصفیه مدیران شرکت که برای تصفیه تعیین می شوند مکلفند اسامی خود را به اداره ثبت شرکتهای اعلام نمایند (ماده ۲۰۵ ق.ت) مدیر تصفیه در حکم وکیل شرکا بوده و حتی مدیر مزبور می تواند از طریق دادگاه انتخاب گردد. رسیدگی به حسابهای شرکت تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان به هنگام انحلال آن اجرای تعهدات شرکت وصول مطالبات و نقد کردن دارایی شرکت و پرداخت دیون شرکت و تقسیم دارایی باقیمانده بین شرکا از وظایف مدیر یا مدیران تصفیه می باشند. مسئولیت مدنی و جزائی مدیران تصفیه اگر مدیران تصفیه از مقررات قانونی و یا اساسنامه تخلف نمایند و از این تخلف به اشخاص ذینفع ضرر و زیانی وارد گردد متضرر می تواند پس از اثبات تقصیر فاعل زیان و رابطه سببیت بین فعل زیان آور و ضرر وارده جبران خسارت وارده را مطالبه نماید. از نظر جزایی در صورتی که مدیران تصفیه بر خلاف قوانین عام مرتکب جرائمی از قبیل خیانت در امانت کلاهبرداری و غیره شوند طبق مقررات پیش بینی شده تعقیب و مجازات خواهند شد.

۱۰- تشکیل شرکت با مسئولیت محدود**۱- مسئولیت مدنی و جزایی راجع به تشکیل شرکت**

تشکیل شرکت با مسئولیت محدود - مسئولیت مدنی و جزایی راجع به تشکیل شرکت در مورد مسئولیت مدنی موسسین نسبت به اشخاص متضرر از تاسیس شرکت باید به مقررات خاص قانون تجارت و قانون مدنی توجه نمود. مواد ۱۰۰ و ۱۰۱ قانون تجارت بطلان تاسیس شرکت با مسئولیت محدودی که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ (تادیه تمام سرمایه نقدی و تقویم و تسلیم آورده های غیر نقدی) تاسیس شده باشد را پیش بینی نموده و آن را از درجه اعتبار ساقط دانسته است. در صورتی که حکم بطلان شرکت به شرح فوق صادر گردد شرکایی که بطلان مستند به عمل آنها می باشد و نیز هیئت نظار و مدیرانی که در حین حدوث سبب بطلان در سمت خود باقی بوده و به وظایف خود عمل ننموده باشند به نحو تضامنی مسئول می باشند. مدت مرور زمان دعاوی ناشی از این امر نیز ۱۰ سال از تاریخ حدوث سبب بطلان می باشد بر طبق مقررات خاص قانون مدنی اگر موسسین شرکت با مسئولیت محدود در تاسیس شرکت از مقررات قانونی یا اساسنامه مربوطه تخلف نمایند و از این تخلف به سایر شرکا و یا اشخاص ثالث ضرر و زیانی وارد گردد هر ذینفع می تواند با توسل به مقررات عام پیش بینی شده راجع به مسئولیت مدنی در دادگاه صلاحیتدار طرح دعوی نماید. از نظر مسئولیت جزایی موسسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم الشرکه نقدی و تسلیم سهم الشرکه غیر نقدی را در اوراق و اسنادی که باید به اداره ثبت شرکتها بدهند اظهارنمایند کلاهبردار محسوب و مطابق قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام مجازات خواهد شد.

۲- شرایط ماهوی

تشکیل شرکت با مسئولیت محدود - شرایط ماهوی اول - رضایت و اهلیت در قرارداد تشکیل شرکت با مسئولیت محدود که بین شرکا امضا می شود مانند شرکتهای دیگر رضایت شرکا باید بدون عیوب مانند اشتباه اکراه یا تدلیس باشد به عبارت دیگر هر شرکت باید با اراده آزاد خود قرارداد شرکت یا شرکتنامه را امضا کند. در پاسخ به این سؤال که آیا محجورین می توانند شریک شرکت شوند یا شرکتنامه باید گفت برابر ماده (۱۲۱۲ ق.م) اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط به اموال و حقوق مالی او باشد باطل و بلااثر است به این ترتیب صغیری که به سن بلوغ نرسیده است نمی تواند هیچگونه اعمال حقوقی انجام دهد. اما مطابق قسمت دوم ماده (۱۲۱۲ ق.م) و ماده ۸۵ و ۸۶ قانون امور حسبی صغیر ممیز می تواند اموال و منافع را که به سعی خود او حاصل شده با اذن ولی یا قیم اداره نماید و در صورتی که ولی یا قیم او مقتضی بداند و نامبرده اجازه اشتغال به کار یا پیشه داده می شود به این ترتیب نامبرده می تواند شریک شرکت با مسئولیت محدود شود اما سایر محجورین فقط می توانند به وسیله نماینده قانونی خود شریک شرکت شوند. دوم - موضوع شرکت و میزان سرمایه به هنگام تشکیل شرکت با مسئولیت محدود شرکا که مکلف به تنظیم شرکتنامه و امضا آن می باشند موضوع شرکت را در آن قید و این موضوع مطابق ماده (۱۹۰ ق.م) باید مشروع باشد. هر چند در ماده مزبور به علت تعهد اشاره نشده است لیکن علت تعهد نباید به تجویز ماده (۳۴۸ ق.م) امر ممنوع باشد. با وجود اینکه در قانون تجارت ایران برای سرمایه شرکت با مسئولیت محدود حداقل سرمایه ای پیش بینی نشده ولی با این حال شرکت با مسئولیت محدود زمانی تشکیل میشود که کلیه سرمایه نقدی آن تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد. به نظر می رسد که در حقوق ایران به منظور جلوگیری از تشکیل شرکتهای با مسئولیت محدود بطور صوری و بدون سرمایه و حمایت از بستانکاران بهتر است که همانند شرکتهای سهامی موسسین مکلف باشند که حداقل سرمایه ای به حساب شرکت در بانک پرداخت و فیش مربوطه

را نیز به اداره ثبت شرکتها ارائه نمایند. برابر مواد (۱۰۰ و ۹۶ ق.ت) شرکا می توانند سهم الشرکه خود را به طور غیرنقدی به شرکت پس از تقویم تسلیم نمایند و این امر باید در شرکتنامه نیز قید گردد. بدیهی است شرکا مزبور نسبت به قیمت آن در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند. با این ترتیب مقررات راجع به آورده های غیرنقدی در شرکتها با مسئولیت محدود حقوق اشخاص ثالث و شرکایی که آورده نقدی به شرکت تادیه نموده اند را تامین نمی نماید زیرا در تقویم آورده های غیر نقدی نظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری همانند شرکتها سهامی پیش بینی نشده است. سوم - تعداد شرکا و سهم الشرکه مطابق ماده (۹۴ ق.ت) حداقل شرکا شرکت با مسئولیت محدود ۲ نفر تعیین گردیده ولی قانونگذار حداکثر شرکا را پیش بینی نموده است اما در حقوق فرانسه حداکثر شرکای شرکت با مسئولیت محدود ۵۰ نفر در نظر گرفته شده است و چنانچه تعداد شرکا بیشتر از ۵۰ نفر باشد شرکت باید نوع خود را تغییر داده و ظرف دو سال به شرکت سهامی تبدیل گردد. اگر شرکت با مسئولیت محدودی با حداقل ۲ نفر تشکیل گردد وبعد از تشکیل یکی از شرکا سهم خود را به دیگری انتقال دهد آیا شرکت می تواند با یک نفر شریک به بقای خود ادامه دهد یا خیر؟ در قانون تجارت ایران پاسخی به این مسئله داده نشده است ولی در قانون فرانسه آمده که اگر سهم الشرکه یا سهام شرکتی در دست یک نفر به علت انتقال یا ارث و غیره جمع شود این امر موجبات انحلال شرکت را فراهم نمی آورد ولی هر کسی می تواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد مگر آنکه شریک منحصر به فرد ظرف یکسال وضع خود را از لحاظ تعداد شرکا با قانون تطبیق دهد. چهارم - نام شرکت و مدت آن در نام شرکت باید عبارت (مسئولیت محدود) قید شود و الا شرکت با مسئولیت محدود در مقابل اشخاص شرکت تضامنی محسوب شده و تابع مقررات آن خواهد بود ضمناً نام شرکت نباید متضمن نام هیچیک از شرکا باشد حال اگر شریک نام خود را به دنبال اسم شرکت قید نماید در مقابل اشخاص ثالث در حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی خواهد بود. در مورد مدت شرکت در قانون تجارت ایران ذکرى به عمل نیامده و معمولاً شرکا به هنگام تشکیل شرکت مدت آن را نامحدود قید می نمایند ولی در حقوق فرانسه مدت شرکت ۹۹ سال می باشد و این مدت از تاریخ ثبت آغاز می گردد.

۳- شرایط شکلی

تشکیل شرکت با مسئولیت محدود - شرایط شکلی اول - لزوم تنظیم شرکتنامه و نشر آگهی آن در قانون تجارت ایران نص صریحی در خصوص لزوم تنظیم شرکتنامه وجود ندارد ولی با عنایت به ماده (۹۷ ق.ت) ملاحظه می شود که موسسین شرکت الزاماً باید شرکتنامه بین خود تنظیم و امضا نمایند. تنظیم اساسنامه برای شرکت با مسئولیت محدود علاوه بر شرکتنامه ضروری می باشد زیرا شرکا می توانند اراده خود را از نظر قلمرو و اختیارات و اتخاذ تصمیم و یا حق رای و بالاخره روابط فیما بین در آن منعکس نمایند. برابر بند ۲ ماده ۴۷ قانون ثبت اسناد و املاک با اصلاحات بعدی صلحنامه و هبه نامه و شرکتنامه باید طبق سند رسمی تنظیم گردد. از طرف دیگر طبق ماده ۱ نظامنامه قانون تجارت شرکتها تجارتی باید به موجب شرکتنامه رسمی تشکیل شوند. مطابق ماده (۱۹۷ ق.ت) ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت خلاصه شرکتنامه و منضمات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد و نیز برابر ماده (۱۹۶ ق.ت) (اساسنامه و نوشته جاتی که برای به ثبت رسیدن شرکت لازم است در نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود.) نظامنامه مندرج در مواد فوق باید در تهران در دایره ثبت شرکتها و در خارج از تهران در اداره ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت به ثبت برسد و طبق ماده ۳ نظامنامه تسلیم تقاضانامه در دو نسخه الزامی است و علاوه بر آن در شرکتها با مسئولیت محدود باید یک نسخه مصدق از اساسنامه (اگر باشد) یک نسخه مصدق از شرکتنامه اسامی شریک یا شرکایی که برای اداره شرکت تعیین شده اند و بالاخره نوشته ای به امضا مدیر شرکت حاکی از پرداخت تمام سرمایه نقدی و سرمایه غیرنقدی با تعیین قیمت حصه های غیر نقدی نیز تقدیم گردد. بعد از ثبت شرکت متصدی ثبت باید نسخه ثانی تقاضانامه را با قید تاریخ و نمره ثبت امضا و به مهر اداره

ممه‌ور نموده و به متقاضی بدهد این سند ثبت شرکت محسوب خواهد شد متعاقباً در ظرف ماه اول ثبت هر شرکت خلاصه شرکتنامه و منضمات آن توسط اداره ثبت محل در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار مرکز اصلی شرکت به هزینه خود شرکت منتشر می گردد. دوم - وضعیت قراردادهای تنظیمی به حساب شرکت قبل از تشکیل آن طبق اصل تفکیک و تنجیز شخصیت حقوقی شرکت از شرکا و سهامداران تا زمانی که شرکت تشکیل نشده و دارای شخصیت حقوقی نگشته است نمی تواند با اشخاص ثالث قرارداد تنظیم نموده و دارای حقوق و تعهدات گردد. اگر قبل از تشکیل شرکت با مسئولیت محدود موسسین به حساب شرکت با اشخاص ثالث تعهداتی بنمایند آیا شرکت پس از تشکیل در مقابل صاحبان حق جوابگو می باشد یا خیر؟ قانون تجارت در این زمینه سکوت نموده ولی به نظر می رسد برای حفظ حقوق اشخاص ثالث که قبل از تشکیل شرکت با موسسین قرارداد تنظیم نموده اند موسسین در مقابل آنان و همچنین نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که برای تاسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می دهند مسئولیت تضامنی داشته باشند.

۱۱- تعریف و خصوصیات شرکت با مسئولیت محدود

۱- تعریف شرکت

تعریف و خصوصیات شرکت با مسئولیت محدود - تعریف شرکت شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجارتي تشکیل شده و هریک از شرکا بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است (ماده ۹۴ ل.ا.ق.ت). در این تعریف: اولاً - سرمایه به سهم الشرکه تقسیم شده نه به سهام و در شرکت با مسئولیت محدود ورقه ای به نام سهم الشرکه صادر نمی شود. ثانياً - مسئولیت شرکا در مقابل دیون و قروض شرکت در حدود سهم الشرکه ای است که هر شریک سرمایه گذاری نموده. ثالثاً - سهم الشرکه آزادانه قابل نقل و انتقال نمی باشد. رابعاً - شرکت با مسئولیت محدود حداقل بین دو نفر و حداکثر بین هر چند نفری که باشد تشکیل می گردد.

۲- خصوصیات شرکت

تعریف و خصوصیات شرکت با مسئولیت محدود - خصوصیات شرکت اول - محاسن و معایب شرکت با مسئولیت محدود در مقایسه با شرکتهای سهامی شرکت سهامی عام با حضور الزامی حداقل پنج سهامدار (مدیر) و شرکت سهامی خاص با حداقل سه سهامداران تشکیل می گردد در صورتی که شرکت با مسئولیت محدود را میتوان با حداقل دو شریک تشکیل داد. در شرکت با مسئولیت محدود هیچگونه حداقل سرمایه ای پیش بینی نشده و الزام قانونی ارائه مدارک در این زمینه به اداره ثبت شرکتهای برای موسسین وجود ندارد فقط اقرار موسسین به میزان سرمایه و پرداخت آن به صندوق شرکت یا هیئت مدیره در شرکت نامه کافی خواهد بود در صورتی که حداقل سرمایه در شرکت سهامی عام و خاص به ترتیب پنج میلیون و یک میلیون ریال می باشد و موسسین مکلفند حداقل ۳۵٪ کل سرمایه را به حساب شرکت در شرف تاسیس واریز و فیش بانکی را به اداره ثبت شرکتهای ارائه نمایند. شرکت با مسئولیت محدود به وسیله یک یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که ممکن است خارج از شرکا هم باشند برای مدت محدود یا نامحدود اداره می شود ولی در شرکتهای سهامی عام و خاص به ترتیب حداقل مدیران نباید از پنج و سه نفر کمتر باشد و نیز این مدیران برای مدت حداکثر ۲ سال انتخاب می شوند. و بالاخره آخرین حسن شرکت با مسئولیت محدود در مقایسه با شرکتهای سهامی این است که قلمرو آگهی ها در شرکت های سهامی وسیعتر از شرکت با مسئولیت محدود می باشد. از معایب شرکت با مسئولیت محدود این است که پذیره نویسی و پرداخت تمام سهم الشرکه به صورت اوراق تجارتي قابل انتقال اعم

از با نام و بی نام صادر نمی گردد. ولی در شرکتهای سهامی عام نقل و انتقال سهام کاملاً آزاد بوده و در شرکتهای سهامی خاص این نقل و انتقال ممکن است مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی سهامداران بشود. دوم - مقررات مالیاتی مطابق بند (د) ماده ۱۰۵ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۳/۱۲/۱۳۶۶ جمع درآمد مشمول مالیات شرکتهای سهامی و مختلط سهامی و سایر اشخاص حقوقی (از جمله شرکت با مسئولیت محدود) پس از کسر مالیات به نرخ ۱۰٪ نسبت به مجموع درآمد به عنوان مالیات شرکت محاسبه و وصول می شود به شرح زیر می باشد: ۱- در مورد شرکتهای سهامی و مختلط سهامی به نسبت درآمد سهام بی نام کلاً به نرخ ماده ۱۳۱ قانون مالیاتهای مستقیم و در مورد سهام با نام و سهم الشرکه شرکا ضامن و با توجه به درآمد سهم هر یک از سهامداران و سهم الشرکه شرکا ضامن به نرخ ماده ۱۳۱ همان قانون. ۲- در مورد سایر اشخاص حقوقی از جمله شرکت با مسئولیت محدود به نسبتی از سود مشمول مالیات که طبق اساسنامه یا شرکت نامه شخص حقوقی به هر یک از صاحبان سرمایه یا اعضا شخص حقوقی تعلق می گیرد به نرخ مقرر در ماده ۱۳۱ این قانون. امتیازی که شرکتهای سهامی عام در مقایسه با شرکتهای با مسئولیت محدود دارند این است که شرکتهایی که سهام آنها از طرف طرف هیئت پذیرش بورس برابر قانون برای معامله در بازار بورس پذیرفته شده اند از سال پذیرش تا سالی که فهرست نرخها در بورس حذف نشده اند از پرداخت ده درصد مالیات شرکت معاف می باشند مشروط بر اینکه کلیه نقل و انتقالات سهام شرکتهای مزبور از طریق کارگزاران بورس انجام و در دفاتر مربوط ثبت گردد. سوم - حقوق و تعهدات شرکا شرکت هر شریک به هر میزان که سهم الشرکه دارد میتواند سهم الشرکه که خود را با رعایت شرایط مندرج در مواد (۱۰۲ و ۱۰۳ ل.ا.ق.ت) به شخص دیگری انتقال دهد و در صورتی که شرکت نصف سرمایه خود را از دست بدهد هر شریکی می تواند از دادگاه تقاضای انحلال شرکت را بنماید به شرط اینکه محکمه دلایل او را موجه تشخیص داده و سایر شرکا نیز جهت خروج او از شرکت حاضر به پرداخت سهم الشرکه ای که در صورت اطلاع حاصل نماید. از حقوق دیگر حق استفاده از سود شرکت و استرداد سهم الشرکه می باشد که نحوه استفاده شرکا از سود شرکت موکول به اساسنامه یعنی توافق فیما بین شرکا گردیده است ولی اگر اساسنامه راجع به سود و زیان مقررات خاصی را پیش بینی نکرده باشد تقسیم سود و زیان به نسبت سرمایه شرکا خواهد بود. استرداد سهم الشرکه موکول به موافقت شرکا می باشد که به موجب آن تصمیمات راجع به شرکت باید با اکثریت حداقل نصف سرمایه در دعوت اول اتخاذ گردد. چنانچه اکثریت حاصل نشد کلیه شرکا برای بار دوم دعوت شده و در این صورت تصمیمات با اکثریت عددی شرکا اتخاذ خواهد شد هر چند که اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشند. حق رای هم یکی دیگر از حقوق شرکا می باشد که هر شریکی به نسبت سهم الشرکه خود در شرکت دارای رای می باشد مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری را مقرر داشته باشد. در مورد تعهدات شرکا باید متذکر شد که برابر ماده (۹۴ ق.ت) مسئولیت هر شریک در مقابل قروض و تعهدات شرکت محدود به مبلغ اسمی سهم الشرکه ای است که در شرکت سرمایه گذاری نموده است. بنابراین اگر شرکت منحل شده و اموال آن تصفیه گردد طلبکاران شرکت برای وصول مطالبات خود فقط حق دارند به دارایی باقیمانده شرکت مراجعه و از حاصل فروش آن مطالبات خود را برداشت نمایند. اداره تصفیه برای طلبکارانی که طلب خود را به طور کامل حصول ننموده اند سند عدم کفایت دارایی صادر می کند. طلبکاران شرکت قادر نخواهند بود در صورت توقف شرکت از ادای دیون مطالبات خود را از اموال شخصی شرکا مطالبه نمایند و این امر موجبات سو استفاده شرکا شرکت را فراهم می سازد به این معنی که ممکن است شخص ثالثی کالایی را به طور نسیه به شرکت بفروشد ولی شرکت از پرداخت ثمن معامله خودداری نماید. در اینجا طلبکار فقط میتواند به مقررات راجع به ورشکستگی علیه شرکت متوسل شود و مالا قسمتی از طلب چنین شخصی بلاوصول خواهد ماند. برابر ماده (۱۱۲ ق.ت) در هیچ مورد شرکا نمی توانند شریکی را مجبور به ازدیاد سهم الشرکه خود بنمایند و این امر کاملاً منطقی است زیرا تاسیس شرکت تجارتي امری اختیاری می باشد و بر خلاف حقوق مدنی شرکت قهری وجود خارجی ندارد و قانونگذار سعی کرده ارداه سرمایه گذار را در پذیرش افزایش سرمایه مورد توجه قرار دهد. سایر تعهدات شرکا عبارتند از: رقابت

غیر قانونی توزیع سود موهوم و تغییر تابعیت شرکت. در توضیح هر کدام باید گفت که در اساسنامه شرکا می توانند تعهد نمایند معاملات نظیر معاملات شرکت را که موجب رقابت با عملیات شرکت باشد انجام ندهند و در صورت تخلف و ایجاد ضرر مسئول جبران آن خواهند بود. مدیرانی که بدون تنظیم ترازنامه یا با استناد به صورت دارائی مزور سود موهومی را بین شرکا تقسیم نمایند کلاهبردار محسوب و به مجازات مقرر محکوم خواهند شد. درخاتمه باید متذکر شد که به موجب ماده (۱۱۰ ق.ت) شرکا حق ندارند تابعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آرا.

۱۲- تشکیل شرکت سهامی

۱- تشکیل شرکت سهامی عام

تشکیل شرکت سهامی - تشکیل شرکت سهامی عام توضیح مختصری درباره شرکت‌های سهامی عام برای انجام پروژه های بزرگ عمرانی صنعتی کشاورزی وجود شرکت‌های بزرگ لازم و ضروری است در اینگونه شرکتها سرمایه های اندک در قالب سهام به عمومی مردم واگذار می شود موسسین یا مدیران با اداره شرکت سرمایه حاصله را در جریان گردش صحیح اقتصادی قرار می دهند و در اثر این عمل دو منفعت حاصل می گردد در مرحله اول سودی از سرمایه گذاری یا انجام فعالیت های عمرانی نصیب سهامدار می شود و در مرحله دوم رونق و آبادانی را برای کشور به ارمغان می آورد. شرکت سهامی عام نوع بخصوص و منحصر بفرد شرکت های بزرگ می باشد که اجازه فروش سهام به عموم مردم را دارد و مردم می توانند در هنگام اعلام پذیره نویسی به شعب بانک اعلام شده مراجعه و ورقه تعهد سهم را امضا و وجوه معینه را به حساب شرکت واریز نمایند. ذیلا توضیحات مختصری در خصوص این نوع شرکت با استفاده از مفاد لایحه اصلاحی قانون تجارت بیان می گردد. شرکت هایی که موسسین آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تامین می کنند شرکت سهامی عام نامیده می شود و باید بلافاصله قبل یا بعد از نام شرکت عبارت سهامی عام در کلیه اوراق و اطلاعیه ها و آگهی های شرکت بطور روشن و خوانا قید شود (مستفاد از ماده ۴ ل.ا.ق.ت) و سرمایه در موقع تاسیس شرکت‌های سهامی عام نباید از پنج میلیون ریال کمتر باشد و در صورتی که بنا به موجباتی سرمایه شرکت سهامی عام در هر زمان کمتر از مبلغ مذکور شود باید ظرف یک سال از طریق افزایش سرمایه - سرمایه شرکت به حد مقرر برسد و در صورت عدم حصول شرکت سهامی عام باید به انواع شرکت های دیگر مصرح در قانون تجارت تبدیل شود و در غیر این صورت هر ذینفع (سهامدار) می تواند انحلال شرکت سهامی عام را از دادگاه صلاحیتدار تقاضا نماید شرایط تاسیس شرکت سهامی عام برای تاسیس شرکت سهامی عام موسسین در بدو امر بایستی حداقل ۲۰٪ سرمایه را شخصا تعهد و لااقل ۳۵٪ از مبلغ تعهدی را در حسابی بنام شرکت در شرف تاسیس نزدیکی از بانکها سپرده سپس اظهارنامه ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام که به امضای کلیه موسسین رسیده باشد به اداره ثبت شرکتها تسلیم و رسید دریافت دارند چنانچه قسمتی از تعهد موسسین به صورت غیر نقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و مدارک فوق الذکر به اداره ثبت شرکتها تسلیم دارند. اداره ثبت شرکتها بر اساس (ماده ۱۰ ل.ا.ق.ت) پس از مطالعه اظهارنامه و ضمایم مربوطه و تطبیق مندرجات آن با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی را صادر خواهد نمود و اعلامیه پذیره نویسی توسط موسسین در جراید آگهی و در بانکی که تعهد سهام نزد آن بعمل آمده در معرض دید علاقه مندان قرار می گیرد علاقه مندان به خرید سهام در ظرف مهلتی که اعلام شده به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضا و مبلغی که باید نقدا پرداخت شود پرداخت و رسید دریافت خواهند داشت ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم و با قید تاریخ به امضای پذیره نویس یا قائم مقام قانونی وی خواهد رسید نسخه اول در بانک نگهداری و نسخه دوم با قید

رسید وجه و مهر و امضای بانک به پذیره نویس تسلیم می شود و در صورتی که ورقه تعهد سهم را شخص دیگر به جای پذیره نویس امضا نماید باید سمت و نشانی و هویت کامل خود را در ورقه قید نماید و مدارک مزبور ضمیمه ورقه تعهد سهم خواهد شد امضای ورقه سهم نشانه قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهم خواهد بود پس از انقضای مهلت پذیره نویسی یا تمدید آن موسسین حداکثر در ظرف یکماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی و پس از احراز تعهد صحیح سرمایه شرکت که اقلاً ۳۵٪ آن پرداخت شده باشد مجمع عمومی موسس را دعوت خواهند نمود. مجمع عمومی موسس پس از رسیدگی و احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و پرداخت مبالغ لازم وارد شور شده و اساسنامه شرکت را تصویب و اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت را انتخاب می نمایند و مدیران و بازرسان باید کتبا قبولی خود را اعلام و در این مرحله شرکت تشکیل شده محسوب می گردد آنگاه اساسنامه مصوبه مجمع عمومی موسس به ضمیمه صورتجلسه مجمع و اعلامیه قبولی مدیران و بازرسان و صورتجلسه هیات مدیره و سایر مدارک مورد نیاز جهت ثبت به اداره ثبت شرکتها تحویل گردد و چنانچه شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه به ثبت نرسد به درخواست هر یک از موسسین با پذیره نویسان اداره ثبت شرکتها گواهی نامه ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوه در آن بعمل آمده ارسال می دارد تا موسسین و پذیره نویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی را مسترد دارند و هر گونه هزینه که برای تاسیس شرکت پرداخت شده بعهده موسسین می باشد. مدارک لازم جهت کسب اجازه پذیره نویسی شرکت در شرف تاسیس سهام عام از مرجع ثبت شرکتها ۱- دو نسخه طرح اظهارنامه شرکت سهامی عام ۲- دو نسخه طرح اساسنامه شرکت سهامی عام ۳- دو نسخه طرح اعلامیه پذیره نویسی ۴- گواهی بانکی مبنی بر واریز حداقل ۳۵٪ سرمایه تعهد شده توسط موسسین ۵- فتوکپی شناسنامه موسسین مدارک لازم جهت تاسیس شرکت سهام عام ۱- دو نسخه اظهارنامه ۲- دو نسخه اساسنامه توضیح: اینکه از طرح اساسنامه این مجلد می توان بعنوان اساسنامه استفاده نمود و در این مرحله در ماده ۶ اساسنامه سرمایه ای که در هنگام پذیره نویسی تعهد شده به اضافه ۲۰٪ سرمایه تعهد شده توسط موسسین قید گردد. ۳- دو نسخه صورتجلسه مجمع عمومی موسسین ۴- دو نسخه صورتجلسه هیات مدیره (تعداد مدیران حداقل پنج نفر میباشد) ۵- آگهی دعوت مجمع موسسین در روزنامه تعیین شده ۶- فتوکپی شناسنامه مدیران (در مورد اشخاص حقوقی ارائه برگ نمایندگی الزامی است) ۷- گواهی بانکی مبنی بر واریز حداقل ۳۵٪ سرمایه شرکت ۸- ارائه مجوز یا موافقت اصولی یا مجوز از مراجع ذیصلاح در صورت نیاز توجه : ۱- حداقل سرمایه مبلغ پنج میلیون ریال باشد. ۲- حداقل ۲۰٪ سرمایه تعیین شده توسط موسسین تعهد گردد و ۳۵٪ از میزان تعهد شده پرداخت گردد. ۳- اظهارنامه و طرح اساسنامه و طرح اعلامیه پذیره نویسی به امضای موسسین رسیده باشد. ۴- اخذ و ارائه مجوز از مراجع ذیصلاح در صورت نیاز نحوه انتخاب مدیران شرکت سهامی عام و خاص بوسیله هیئت مدیره ای که از بین سهامداران انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می باشند. اداره می شود. به موجب ماده ۱۰۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ سهامدار بودن اعضای هیئت مدیره الزامی است. اما به نظر می رسد این الزام برای هیئت مدیره که از مهم ترین ارکان شرکت و مغز متفکر و موتور محرکه آن به شمار می رود. منطقی نباشد. زیرا امروزه مدیریت به صورت یک امر تخصصی درآمده و ثابت شده است که اکثر صاحبان شرکت ها مانند صنایع حمل و نقل و ... با همه علاقه و دلسوزی دیگر نمی توانند مدیریت موفق باشند. بنابراین محروم کردن شرکت ها از استفاده چنین افرادی لایق نوعی علم گریزی و عین ضرر است. هر چند در عمل برای جبران این نقیصه سهامداران قسمتی از سهام خود را به فردی که متخصص امر مدیریت است تملیک می کنند تا او واجد شرایط عضویت در هیئت مدیره شود. اما به موجب یک قرارداد از وی تعهد گرفته میشود که پس از اتمام دوره مدیریت سهم مزبور را به تملیک کننده مسترد دارد. قانونگذار واژه اداره شرکت توسط هیئت مدیره را برای اولین بار در لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ به کار برده است. اما در آن تعریفی از مدیران به عمل نیآورده است و صرفاً در ماده ۱۰۷ لایحه مذکور چنین مقرر کرده است: (شرکت سهامی به وسیله هیئت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده

و کلا- یا بعضا قابل عزل می باشند اداره خواهد شد. به نظر نمی رسد با پرهیز از تعریف عناوینی با چنین اهمیت بتوان مشکلات مربوط به آن را حل نمود. در هر حال در مقام تعریف مدیران شاید بتوان گفت: مدیران افراد با صلاحیتی هستند که به وسیله صاحبان سهام برای مدت معینی انتخاب شده و کنترل و اداره شرکت را به عهده دارند. با وجود آنکه طبق ماده ۴۷ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ داره شرکت سهامی به عهده یک یا چند نماینده (که از میان شرکا به سمت مدیری انتخاب می شدند) قرار داشت و در هیچ یک از مواد قانون اخیر الذکر نیز اشاره ای به هیئتی بودن مدیریت شرکت سهامی نشده بود ولی عملا هیئت مدیره اداره امور شرکت را بر عهده داشت. هم چنین حداقل تعداد اعضای هیئت مدیره در شرکت های سهامی عام را ماده ۱۰۷ تعیین نموده. به موجب قسمت اخیر این ماده اعضای هیئت مدیره در شرکت های سهامی عام نباید کمتر از پنج نفر باشد ولی راجع به حداقل تعداد اعضای هیئت مدیره در شرکت های سهامی خاص صراحتی ندارد. ماده ۳ (ل.ا.ق.ت.) بطور اطلاق بیان می دارد که تعداد شرکا در شرکت های سهامی نباید از سه نفر کمتر باشد. متعاقب آن در ماده ۴ شرکت سهامی را به دو نوع عام و خاص تقسیم می کند بنابراین حداقل تعداد اعضای هیئت مدیره مندرج در ماده ۳ باید هر دو نوع شرکت سهامی عام و خاص را شامل گردد که چنین نیست زیرا ماده ۱۰۷ حداقل تعداد اعضای هیئت مدیره را در شرکت سهامی عام ۵ نفر ذکر میکند. بدین ترتیب ملاحظه می گردد که بین مواد ۳ و ۱۰۷ قانون مذکور تعارض وجود دارد. یعنی چگونه ممکن است شرکت سهامی عام که می تواند با سه نفر عضو تشکیل شود باید حداقل ۵ مدیر داشته باشد؟ برای رفع این تعارض می توان چنین توجیه نمود که ماده ۱۰۷ وارد بر ماده ۳ بوده و اطلاق آن را در مورد شرکت های سهامی عام ازین برده و بدین نحو ماده ۳ را تخصیص می دهد. از طرفی چون در هیچ یک از مواد (ل.ا.ق.ت.) در مورد تعداد اعضای هیئت مدیره شرکت های سهامی خاص جاری است و بدین ترتیب اعضای هیئت مدیره در شرکت های سهامی خاص نمیتواند از سه نفر عضو کمتر باشد. به طوری که ملاحظه میگردد قانونگذار حداقل اعضای هیئت مدیره شرکت های سهامی را بر شمرده اما حداکثر تعداد آنان را پیش بینی نکرده است. از این رو تعداد اعضای هیئت مدیره در هر دو نوع شرکت سهامی می تواند به هر تعداد باشد و این امر ممکن است نظم اداره شرکت را مختل نماید. به نظر میرسد چنانچه مقنن سقفی برای تعداد اعضای هیئت مدیره تعیین یا تناسبی بین تعداد سهامداران از یک سو و تعداد مدیران از سوی دیگر برقرار نماید مفید خواهد بود. به موجب ماده ۱۰۷ (ل.ا.ق.ت.) شرکت سهامی بوسیله هیئت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلا یا بعضا قابل عزل می باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیئت مدیره در شرکت های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد. با توجه به مفاد ماده مذکور: اولاً: اشخاصی به عضویت هیئت مدیره پذیرفته خواهند شد که سهامدار شرکت باشند به عبارت دیگر عضو هیئت مدیره را نمی توان از غیر سهامداران شرکت انتخاب نمود. ثانیاً: اعضای هیئت مدیره در هر موقع توسط مجمع عمومی قابل عزل می باشند. هر چند ماده مذکور صراحتاً مرجع عزل مدیران را مشخص نکرده است ولی عبارت صاحبان سهام در آن مجمع عمومی متبادر به هن میگردد. چنانچه ماده ۷۲ (ل.ا.ق.ت.) می گوید: مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می شود... بنابراین مجمع عمومی شرکت هر زمان می تواند تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره را از سمت مدیری عزل نماید و این مهم را بدون ارائه هیچ گوه دلیلی عملی سازد. در توجیه این امر گفته اند که در واقع رابطه مجمع عمومی با هیئت مدیره رابطه وکیل و موکل است. لذا مجمع عمومی که صاحبان سهام تشکیل شده است. هر زمان اختیار دارد با رعایت مقررات و تشریفات مندرج در قانون تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره را از سمت خود عزل نماید. بعضی از علمای حقوق تجارت نیز با عزل اعضای هیئت مدیره به نحوی که در ماده ۱۰۷ مذکور پیش بینی گردی موافق گردید موافق نیستند و معتقدند که مدیر جزئی از ارکان شرکت است و همانطور که نمی تواند در هر شرایطی استعفا کند نباید در هر شرایطی هم قابل عزل باشد (معدلک با توجه به قاعده آمره عزل مدیر این راه حل اجتناب ناپذیر است) این گروه مخالف استعفای بلا توجیه مدیر نیز هستند. ثالثاً: عضو یا اعضای هیئت مدیره که توسط مجمع عمومی عزل گردیده اند نمی توانند به سبب عزل از شرکت مطالبه ضرر و زیان کنند مگر آنکه عزل

ایشان مطابق قواعد عام در شرایطی صورت گرفته باشد که موجب مسئولیت مدنی مسئولان عزل باشد. به موجب اصل چهلم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.) اجرای این قانون که از مصادیق نظریه سو استفاده از حق است به مدیر معزول اجازه می دهد خسارت خود را مطالبه کند. مطالبه خسارت مذکور باید از دادگاه های دادگستری به عمل آید. رابعا: اعضای هیئت مدیره شرکت سهامی از ارکان شرکت بوده و به هیچ وجه مشمول مقررات قانون کار نیستند بدین ترتیب در صورت معزول یا مستعفی شدن و به طور کلی قطع رابطه مدیریتی آنها با شرکت مراجع حل اختلاف مذکور در قانون کار مازون رسیدگی به شکایت ایشان نیستند زیرا رابطه هیئت مدیره با شرکت رابطه کارگری و کارفرمایی نیست. و همانطور که بیان گردید چنانچه فرد یا افراد معزول در مورد عزل خود مدعی ورود خساراتی به خود باشند باید به مراجع دادگستری مراجعه نمایند. گفتیم که اعضای هیئت مدیره کلا یا بعضا از سوی مجمع عمومی قابل عزل می باشند. ولی اشکال که عملا برای عزل پیش می آید این است که مجمع عمومی معمولا اختیار دارند فقط درباره موضوعهایی که در دستور جلسه است بحث کرده و تصمیم بگیرند و مدیران شرکت های سهامی حاضر به درج این موضوع در دستور جلسه شرکت نمی شوند. برای رفع این اشکال صاحبان سهام دو وسیله در دست دارند یکی آنکه چنانچه صاحبان سهام از عملیات هیئت مدیره راضی نباشند در مجمع عمومی ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را تصویب نکنند این موضوع به عنوان رای عدم اعتدال نسبت به مدیران تلقی شده و چون امور شرکت مختل می ماند مدیران مجبور به استعفا میشوند. دیگر آنکه یک پنجم سهامداران به ترتیبی که در مواد ۹۵ و ۹۶ (ل.ا.ق.ت.) بیان شد. کتبا تقاضای تشکیل مجمع عمومی را برای عزل مدیران بنمایند. در این صورت هیئت مدیره مکلف است مجمع عمومی عادی را بطور فوق العاده دعوت کند. در این مورد نیز گفته شده که مجمع می تواند مدیر را عزل کند حتی اگر عزل او جز دستور جلسه نباشد. دو نکته دیگر قابل ذکر در مورد عزل مدیران یکی آن است که هرگاه عضو هیئت مدیره شرکت از کارکنان شرکت باشد عزل او خللی به رابطه استخدامی او با شرکت وارد نمی آورد و او هم چنان در شرکت به کار خود ادامه خواهد داد. دیگر آنکه عزل مدیر به منزله عزل او از شرکت نیست و او همچنان در زمره یکی از سهامداران شرکت می باشد. خامسا: سمت مدیری در هیئت مدیره شرکت سهامی مباشرتی بوده و قابل واگذاری نیست. از این رو مدیران نمی توانند سمت خود را به دیگران انتقال دهند. چون اداره شرکت در واقع وظیفه مدیران است نه حق آنها لذا وظیفه مذکور قابل واگذاری نیست. لیکن در مقررات شرکت های سهامی موضوع قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ چنین اجازه ای به مدیران داده شده بود. مقررات مذکور با دو شرط اجازه می داد که عضو هیئت مدیره برای خود جانشین تعیین نماید یکی اینکه اساسنامه چنین موضعی را تصریح کرده بود (حق و کالت در توکیل) و دیگر اینکه مدیران دیگر نیز این موضوع را تایید می کردند. ولی به هر حال مسئولیت اعمال شخص خارج به عهده خود مدیران بود (ماده ۴۹ قانون اخیرالذکر). در (ل.ا.ق.ت.) مصوب ۱۳۴۷ واگذاری سمت مدیری از سوی هیئت مدیره فقط به مدیر عمل پیش بینی شده است. به موجب قسمت اول ماده ۱۲۴ قانون مذکور هیئت مدیره مکلف است اقلا یک شخص حقیقی را به مدیرعاملی شرکت برگزیند. به موجب ماده ۱۰۸ (ل.ا.ق.ت.) مدیران شرکت توسط مجمع عمومی موسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می شوند. بدیهی است که فقط اولین مدیران شرکت توسط مجمع عمومی موسس انتخاب می شوند. قانونگذار در شرکت های سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی موسس را الزامی ننموده (ماده ۸۲ قانون فوق الذکر) لذا این نوع شرکت مخیر در شکل مجمع عمومی موسس یا عدم آن می باشد. معمولا رویه چنین است که به هنگام تاسیس شرکت های سهامی خاص انتخاب اولین مدیران برابر ماده ۲۰ (ل.ا.ق.ت.) در صورت جلسه ای قید می شود و به امضای کلیه سهامداران می رسد. صورت جلسه مذکور به انضمام سایر مدارکی که در ماده اخیر بدانها اشاره شده به ضمیمه اظهارنامه برای ثبت و تشکیل شرکت به اداره کل ثبت شرکت ها ارسال می گردد. طبق بند ۳ ماده مذکور که مقرر می دارد: انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که باید در صورت جلسه قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. ظاهرا به نظر می رسد که اعضای

هیئت مدیره باید مورد تأیید همه سهامداران باشند. حال اگر شرکت مذکور بخواهد از طریق تشکیل مجمع عمومی موسس اعضای هیئت مدیره خود را انتخاب کند لزوماً نحوه تشکیل مجمع عمومی موسس اعضای هیئت مدیره خود را انتخاب کند لزوماً نحوه تشکیل جلسه مجمع عمومی اخذ را می باید طبق ماده ۷۵ (ل.ا.ق.ت.) انجام گیرد. ماده مذکور در این خصوص مقرر می دارد: (در مجمع عمومی موسس حضور عده ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است. اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد. مجامع عمومی جدید فقط تا دو نوبت توسط موسسین دعوت می شوند. مجمع عمومی جدید.

۲- تشکیل مجمع عمومی موسس

تشکیل شرکت سهامی - تشکیل مجمع عمومی موسس ۱- اقدامات مقدماتی موسسین برای تشکیل مجمع با توجه به ماده ۱۶ (ل.ا.ق.ت) موسسین باید قبل از تشکیل مجمع عمومی موسس اعمال زیر را انجام دهند: رسیدگی به تعهدات پذیره نویسان حداکثر ظرف مدت یک ماه پس از انقضای مهلت پذیره نویسی اعم از اینکه مهلت مذکور تمدید شده یا نشده باشد. احراز اینکه کلیه سرمایه شرکت به طور صحیح پذیره نویسی شده باشد. ملاحظه این که الاقل ۳۵ درصد کل سرمایه شرکت بطور نقدی پرداخت گردیده است. تعیین و اعلام تعداد سهام هر پذیره نویس. جلب نظر کارشناس در ارزیابی آورده های غیر نقدی که فقط به موسسین تعلق دارد. برابر ماده ۷۷ (ل.ا.ق.ت) صاحبان آورده غیر نقدی از حق رای به هنگام رسیدگی مجمع موسس در مورد آورده های مذکور محروم می باشند و از سوی دیگر سرمایه غیر نقدی را که موضوع مذاکره و رای می باشد. از حیث حد نصاب جز سرمایه شرکت منظور نمی دارند. دعوت مجمع عمومی موسس که چنین دعوتی در روزنامه کثیرالانتشار به عمل می آید که برابر بند ۱۴ از ماده ۹ در طرح پذیره نویسی قبلاً تعیین گردیده است. به نظر می رسد در دعوت مجمع عمومی موسس رعایت مفاد مواد ۹۷ و ۹۸ به بعد (ل.ا.ق.ت) الزامی باشد. به دستور ماده ۹۸ (ل.ا.ق.ت) فاصله نشر دعوتنامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن حداقل ده روز و حداکثر چهار روز خواهد بود. ۲- وظایف مجمع عمومی موسس مجمع عمومی موسسین شرکت بایستی بدواً در اجرای ماده ۱۰۱ (ل.ا.ق.ت) هیئت رئیسه شامل ریاست مجمع و نظار و منشی جلسه را انتخاب و برابر ماده ۷۴ (ل.ا.ق.ت) به گزارش موسسین رسیدگی و در صورت لزوم آن را تصویب نماید. سپس ضمن احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبلغ لازم به تصویب طرح اساسنامه شرکت و عنداللزوم به اصلاح آن مبادرت و رزد و بالاخره مجمع مذکور اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت را انتخاب و روزنامه کثیرالانتشاری را برای آگهی های بعدی شرکت تعیین نماید. برابر ماده ۷۵ (ل.ا.ق.ت) حد نصاب لازم برای تشکیل مجمع عمومی موسس عبارت است از: در دعوت اول باید عده ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده اند حاضر باشند و در دعوت دوم چنانچه در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشد مجمع عمومی برای بار دوم دعوت می شود که در این صورت حضور لااقل صاحبان ثلث سرمایه شرکت الزامی است و چنانچه در دعوت سوم اکثریت لازم (صاحبان ثلث سرمایه شرکت) در مجمع عمومی حاضر نشدند موسسین باید عدم تشکیل شرکت را اعلام دارند. در هر یک از مجامع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت ۳/۲ رای حاضر در جلسه اتخاذ گردد. تبصره ماده فوق در مجمع عمومی موسس برای هر سهم حق یک رای قائل شده است و بدین ترتیب تعداد آرا برابر با تعداد سهام خواهد بود. پس از آنکه مدیران و بازرسان شرکت کتبا سمت خود را قبول نمودند از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می شود (قسمت اخیر ماده ۱۷ ل.ا.ق.ت).

۳- تشکیل شرکت سهامی خاص

تشکیل شرکت سهامی - تشکیل شرکت سهامی خاص شرکت سهامی خاص شرکتی است که تمام سرمایه آن در موقع تاسیس منحصر بوسیله موسسین تامین می گردد. اول - تشریفات تشکیل شرکت سهامی خاص برای تشکیل شرکت سهامی خاص رعایت نکات ذیل الزامی است: ۱- اساسنامه شرکت که باید به امضای کلیه سهام و گواهینامه بانکی حاکی از تادیه قسمت نقدی آن که نباید کمتر از ۳۵٪ کل سهام باشد. ۲- همچنین تادیه و تقویم سرمایه غیر نقدی و تفکیک آن در اظهارنامه و ذکر سهام ممتاز در صورت وجود چنین سهامی. ۳- انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که باید در صورت جلسه ای قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. ۴- قبول سمت مدیریت و بازرسی با رعایت قسمت اخیر ماده ۱۷ ۵- ذکر نام روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت. دوم - خصوصیات شرکت سهامی خاص سرمایه شرکت به هنگام تاسیس نباید کمتر از ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال باشد و نیز شرکای شرکت نباید کمتر از ۳ نفر باشند. سهام شرکت قابل معامله در بازار بورس نمی باشد و نقل انتقال سهام شرکت مشروط به موافقت مدیران یا مجامع عمومی صاحبان سهام است. ضمناً این شرکت نمی تواند مبادرت به صدور اوراق قرضه نماید.

۱۳- تعریف و انواع شرکت سهامی

۱- تعریف شرکت سهامی

تعریف و انواع شرکت سهامی - تعریف شرکت سهامی برابر ماده اول لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۴ اسفندماه ۱۳۴۷ که می گوید: (شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی آنها است) در شرکت سهامی سرمایه شرکت به سهام متساوی القیمه تقسیم شده مبلغ اسمی سهام و حتی در صورت تجزیه آن به قطعات سهام باید متساوی باشد. تجزیه سهم بدین صورت است که هر سهم ممکن است به چند قطعه معین که (پاره سهم) نامیده می شود تجزیه گردد. هر پاره سهم دارای ارزش معین بوده ولی فاقد حقوق مربوط به یک سهم می باشد و مجموع آنها یک سهم را تشکیل می دهد.

۲- انواع شرکت سهامی

تعریف و انواع شرکت سهامی - انواع شرکت سهامی ماده ۴ لایحه اصلاح قانون تجارت می گوید: شرکت سهامی به دو نوع تقسیم می شود: نوع اول - شرکتهای سهامی عام هستند که موسسین آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تامین می کنند. نوع دوم - شرکتهای سهامی خاص هستند که تمام سرمایه آنها در موقع تاسیس منحصر توسط موسسین تامین گردیده است.

۳- جهات افتراق شرکت سهامی عام و خاص

تعریف و انواع شرکت سهامی - جهات افتراق شرکت سهامی عام و خاص جهات افتراق دو شرکت مذکور به شرح زیر می باشد: شرکت سهامی عام برای تامین سرمایه اقدام به پذیره نویسی عمومی می نماید ولی شرکت سهامی خاص حق مراجعه به عامه را ندارد. امکان صدور اوراق قرضه برای شرکت سهامی عام وجود دارد ولی شرکت سهامی خاص چنین حقی ندارد. نقل و انتقال سهام در شرکتهای سهامی عام مشروط به موافقت سهامداران نیست. ولی در شرکت سهامی خاص چنین نقل و انتقالی منوط به

توافق مدیران یا مجامع عمومی شرکت می تواند باشد. سهام شرکت سهامی عام قابل عرضه در بازار بورس می باشد ولی شرکت سهامی خاص چنین اجازه ای ندارد. حداقل سرمایه برای تاسیس شرکت سهامی عام ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد در حالی که حداقل سرمایه برای تاسیس شرکت سهامی خاص ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد. مدیران و سهامداران شرکت سهامی عام حداقل ۵ نفر و شرکت سهامی خاص حداقل ۳ نفر می باشد (مواد ۳ و ۱۰۷ ل.ا.ق.ت).

۱۴- ماهیت حقوقی شرکتهای سهامی

۱- نظریات مختلف

ماهیت حقوقی شرکتهای سهامی - نظریات مختلف در مورد ماهیت حقوقی شرکت دو نظریه مختلف وجود دارد: دسته اول معتقدند که شرکت قراردادی بیش نیست که بین شرکائی تنظیم می گردد و دسته دوم می گویند که شرکت تجارتي شخصیت حقوقی مستقل دارد. دلایل دسته اول از این قرار است: اولاً: سهامدار قبلاً با پذیره نویسی یا خرید سهام شرکت رضایت خود را اعلام می نماید و چنین عملی در واقع امضای قرار داد شرکت می باشد. ثانياً: اختیارات مجامع عمومی شرکت ناشی از عقد است و سهامداران به مجامع مذکور اختیار می دهند تا تصمیمات در امور شرکت بر مبنای اکثریت آرا اتخاذ گردد و بدین ترتیب اقلیت اراده اکثریت را مورد قبول قرار می دهند. ثالثاً: شرکت سهامی به وسیله نمایندگان انتخابی اداره می شود که این امر بر مبنای عقد و کالت می باشد و آنان امین مالکین مشاع می باشند. برابر نظریه شخصیت حقوقی دارائی شخصی سهامداران از آورده های آنان به شرکت منفک و مجزا می گردد و در نتیجه طلبکاران شرکت فقط حق دارند طلب خود را از طریق تعقیب از اموال شرکت مطالبه نمایند و خود شرکت نیز در صورت داین بودن می تواند اقدام به وصول مطالبات خود کند. بنابراین دارائی متعلق به شخص حقوقی منفک از دارائی اشخاص حقیقی که شرکت را تاسیس نموده اند می باشد.

۲- شخص حقوقی در قانون تجارت ایران

ماهیت حقوقی شرکتهای سهامی - شخص حقوقی در قانونی تجارت ایران لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۴ اسفندماه ۱۳۴۷ با حذف تنظیم شرکت نامه برای تاسیس شرکت و الزام به تنظیم اظهارنامه و ضمیمه نمودن آن به اساسنامه شرکت ظاهراً به نظریه شخص حقوقی که در آن شخصیت سهامداران مورد نظر نمی باشد توجه خاصی نموده است.

۱۵- شرکت های سهامی خاص و عام

۱- تشریفات فروش سهام جدید

شرکت سهامی خاص - تشریفات فروش سهام جدید - در شرکت های سهامی عام شرکت های سهامی عام باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیره نویسی عمومی ابتدا طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم و رسید دریافت کنند. (ماده ۱۷۳ لایحه اصلاحی). آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است باید به ضمیمه طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم گردد و در صورتی که شرکت تا آن موقع ترازنامه و حساب سود و زیان تنظیم نکرده باشد این نکته باید در طرح اعلامیه پذیره نویسی قید گردد (ماده ۱۷۵ لایحه اصلاحی). مرجع ثبت شرکتهای پس از وصول طرح اعلامیه پذیره نویسی و ضمامم آن و تطبیق مندرجات آنها با مقررات قانونی اجازه انتشار

اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود. (ماده ۱۷۶ لایحه اصلاحی). اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های شرکت در آن نشر می گردد حداقل در دو روزنامه کثیرالانتشار دیگر آگهی شود و نیز دربانکی که تهاد سهام در نزد آن به عمل می آید در معرض دید علاقه مندان قراردادده شود. در اعلامیه پذیره نویسی باید قید شود که آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است در نزد مرجع ثبت شرکت ها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقه مندان آماده است (ماده ۱۷۷ لایحه اصلاحی). خریداران ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید معین شده است و نباید از ۲ ماه کمتر باشد به بانک مراجعه و ورقه سهام را امضا کرده و مبلغی را که باید پرداخته شود تادیه و رسید دریافت خواهند کرد. (ماده ۱۷۸ لایحه اصلاحی). پذیره نویسی سهام جدید به موجب ورقه تعهد خرید سهم به عمل می آید. ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم و با قید تاریخ به امضای پذیره نویسی یا قائم مقام قانونی او رسیده نسخه اول نزد بانک نگهداری و نسخه دوم با قید رسید وجه و مهر و امضای بانک به پذیره نویس تسلیم می شود. در صورتی که ورقه تعهد سهم را شخصی برای دیگری امضا کند هویت و نشانی کامل و سمت امضای کننده قید و مدرک سمت او اخذ و ضمیمه خواهد شد. امضای ورقه تعهد سهم به خودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجمع عمومی صاحبان سهام می باشد. (ماده ۱۴ و ۱۵ لایحه اصلاحی ناظر به ماده ۱۸۰ لایحه اصلاحی). پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره نویسی معین شده است و در صورت تمدید بعد از انقضای مدت تمدید شده هیئت مدیره حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی کرده و تعداد سهام هر یک از تعهد کنندگان را تعیین و اعلام و مراتب را جهت ثبت آگهی به مرجع ثبت شرکت ها اطلاع خواهد داد. هرگاه پس از رسیدگی به اوراق پذیره نویسی مقدار سهام خریداری شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد هیئت مدیره مکلف است ضمن تعیین تعداد سهام هر خریدار دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری شده را به بانک مربوط بدهد. (ماده ۱۸۱ لایحه اصلاحی). هرگاه افزایش سرمایه شرکت تا نه ماه از تاریخ تسلیم طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکور در ماده ۱۷۴ به مرجع ثبت شرکت ها به ثبت نرسد به درخواست هر یک از پذیره نویسان سهام جدید مرجع ثبت شرکت که طرح اعلامیه پذیره نویسی به آن تسلیم شده است گواهی نامه ای حاکی از عدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می دارد تا اشخاصی که سهام جدید را پذیره نویسی کرده اند به بانک مراجعه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هر گونه هزینه ای که برای افزایش سرمایه شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده شرکت قرار می گیرد. (ماده ۱۸۲ لایحه اصلاحی). - در شرکت های سهامی خاص به موجب ماده ۱۶۹ لایحه اصلاحی در شرکت های سهامی خاص پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید مراتب از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن منتشر می گردد به اطلاع صاحبان سهام برسد در این آگهی باید اطلاعات مربوط به مبلغ افزایش سرمایه و مبلغ اسمی سهام جدید و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم و تعداد سامی که هر صاحب سهم به نسبت سهام خود حق تقدم در خرید آنها را دارد و مهلت پذیره نویسی و نحوه پرداخت ذکر شود. در صورتی که برای سهام جدید شرایطی خاصی در نظر گرفته شده باشد چگونگی این شرایط در آگهی قید خواهد شد. برای ثبت افزایش سرمایه شرکت های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت ها کافی خواهد بود: - صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را تصویب نموده یا اجازه آن را به هیئت مدیره داده است و در صورت اخیر صورت جلسه هیئت مدیره که افزایش سرمایه را مورد تصویب قراردادده است. - در یک نسخه از روزنامه ای که آگهی مذکور در ماده ۱۶۹ این قانون در آن نشر گردیده است. - اظهارنامه مشعر بر فروش کلیه سهام جدید و در صورتی که سهام جدید امتیازاتی داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه قید شود. - در صورتی که قسمتی از افزایش سرمایه به صورت غیر نقدی باشد باید تمام قسمت غیر نقد تحویل گردیده و با رعایت ماده ۸۲ این قانون به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده باشد. مجمع عمومی فوق العاده در این مورد با

حضور صاحبان سهام شرکت و پذیره نویسان سهام جدید تشکیل شده و رعایت مقررات مواد ۷۷ لغایت ۸۱ این قانون در آن قسمت که به آورده غیرنقد مربوط می شود الزامی خواهد بود و یک نسخه از صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده باید به اظهارنامه مذکور ضمیمه شود اظهارنامه های مذکور باید به امضای کلیه اعضای هیئت مدیره رسیده باشد. (ماده ۱۸۳ لایحه اصلاحی).

افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام در این طریق شرکت سهامی اقدام به بالا بردن بهای اسمی سهام خود می نماید به طور مثال شرکتی دارای پانصد سهم هزار ریالی است و می خواهد سرمایه اش را دو برابر کند. مجمع عمومی این طریق را مورد تصویب قرار می دهد و مقرر می کند که از این پس هر سهم ۲۰۰۰ ریال ارزش خواهد داشت و از صاحبان سرمایه می خواهد که به نسبت سهامی خود مبلغ اضافی را پرداخت کنند. افزایش سرمایه در شرکت های سهامی خاص به روش مذکور مشکل چندانی ایجاد نمی کند ولی در شرکت های سهامی عام باید که مبلغ اسمی هر سهم پس از افزایش سرمایه از ده هزار ریال بیشتر نشود. (ماده ۲۹ لایحه اصلاحی).

افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نخواهد بود مگر آنکه کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند. (ماده ۱۵۹ لایحه). این ماده در راستای ماده ۹۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷ و این قاعده کلی تدوین شده است که هیچ اکثریتی حق ندارد بر تعهدات شرکا بیفزاید. مفهوم این قاعده این است که نمی توان شرکا را وادار کرد علاوه بر آنچه رد شرکت دارند. مبلغی به شرکت بیاورند. برعکس به نظر ما ایرادی ندارد اگر سود تقسیم شده شرکا در شرکت بابت اضافه ارزش سهام گذاشته شود چون عدم تقسیم سود به معنای افزودن بر تعهد شرکا نیست. در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت می گیرد کلیه افزایش سرمایه باید نقدا پرداخت شود و نیز سهام جدیدی که در قبال افزایش سرمایه صادر می شود باید هنگام پذیره نویسی بر حسب مورد کلا پرداخته یا تهاتر شود. (ماده ۱۸۸ لایحه اصلاحی).

مقررات کلی مربوط به افزایش سرمایه تصمیم مربوط به افزایش سرمایه در صلاحیت انحصاری مجمع عمومی فوق العاده می باشد. اساسنامه شرکت نمی تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیئت مدیره باشد. (ماده ۱۶۴ لایحه اصلاحی). برای افزایش سرمایه شرکت رعایت ۳ شرط ضروریست: - تصویب مجمع عمومی فوق العاده (ماده ۸۳ لایحه اصلاحی).

- تادیه تمام سرمایه قبلی شرکت. (ماده ۱۶۵ لایحه اصلاحی). - تادیه مبلغی افزایش سرمایه. (ماده ۱۸۸ لایحه اصلاحی). مجمع عمومی فوق العاده به پیشنهاد هیئت مدیره پس از قرائت گزارش بازرسان شرکت در مورد افزایش سرمایه شرکت اتخاذ تصمیم می کند. مجمع مزبور ضمن اتخاذ تصمیم نسبت به افزایش سرمایه شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تادیه قیمت آن را تعیین یا اختیار آن را به هیئت مدیره واگذار خواهد کرد. هیئت مدیره در هر حال مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه حداکثر ظرف ۱ ماه مراتب را ضمن اصلاح اساسنامه در قسمت مربوط به مقدار سرمایه ثبت شده شرکت به مرجع ثبت شرکت ها اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود. کاهش سرمایه و انواع آن کاهش سرمایه هم در فرضی که شرکت به سبب زیان در شرایط نامطلوبی قرار دارد مفید است و هم در فرضی که شرکت سود ده است. هرگاه شرکت به سبب زیان قسمتی از سرمایه اش را از دست بدهد تا این ضرر جبران نشود تقسیم سود میان شرکا انکان پذیر نخواهد بود. البته قبل از تقسیم سود باید مبلغی نیز به عنوان اندوخته الزامات کنار گذاشته شود. با کاهش سرمایه به حد دارایی واقعی آن شرکا می توانند در صورت سوددهی شرکت سود حاصل را بین خود تقسیم کنند چه لازم نیست مانند فرض ذکر شده منتظر جبران کمبود سرمایه ناشی از زیان بمانند. هرگاه شرکت از لحاظ مالی در وضعیت مطلوبی باشد کاهش سرمایه کمتر مورد پیدا می کند ولی اگر هم سرمایه اش کاهش یابد بی فایده نخواهد بود. در واقع ممکن است دارایی شرکت کافی باشد در حالی که هنوز قسمتی از مبلغ اسمی پرداخت نشده سهام موجب می شود بدهی شرکا به شرکت از میان برود. کاهش سرمایه بر دو نوع می باشد: اجباری: شرکتهای سهامی در پاره ای موارد به موجب قانون مکلف به کاهش سرمایه خود می باشند از جمله موارد آن ماده ۱۴۱ لایحه اصلاحی می باشد که به موجب آن اگر بر اثر زیان های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیئت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی

فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقا شرکت مورد و رای واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رای به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت اینکه سرمایه شرکت از حداقل قانونی کمتر نشود سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. اختیاری: علاوه بر کاهش سرمایه به صورت اجباری شرکت های سهامی می توانند هر وقت که مایل باشند با رعایت تشریفات قانونی نسبت به کاهش سرمایه اقدام نمایند. (ماده ۱۸۹ لایحه اصلاحی). طرق کاهش سرمایه در تبصره ۱۸۹ لایحه اصلاحی دو طریق برای کاهش سرمایه پیش بینی گردیده است: - از طریق کاهش تعداد سهام شرکت: در این روش شرکت سهامی بدون اینکه از مبلغ اسمی سهام بکاهد اقدام به کاهش تعداد سهام موجود شرکت می نماید. بطور مثال شرکت با صدور سهام جدید مقرر می دارد که هر دو سهم سابق با یک سهم جدید تعویض گردد. سهامداران در این صورت با مراجعه به شرکت به نسبت تعیین شده سهام جدید دریافت می دارند که البته مبلغ اسمی سهام جدید با سهام قدیم تفاوت ندارد. در این روش مشکل سهم منفرد باقی می ماند. - از طریق کاهش مبلغ اسمی سهام شرکت: در این روش اسمی سهام شرکت کاهش پیدا می کند و سهام قدیم شرکت کلا باطل می گردد و سهام جدید که از ارزش اسمی کمتر برخوردار هستند بین سهامداران شرکت با توجه به تعداد سهام آنها توزیع می گردد.

۲- تعریف شرکت سهامی خاص

شرکت سهامی خاص - تعریف شرکت سهامی خاص شرکتی است بازرگانی که تمام سرمایه آن منحصرًا توسط موسسین تامین گردیده و سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است و تعداد سهامداران نباید از سه نفر کمتر باشد. عنوان شرکت سهامی خاص باید قبل از نام شرکت یا بعد از آن بدون فاصله بانام شرکت بطور روشن و خوانا قید شود .

۳- مسئولیت مدنی

شرکت سهامی خاص - مسئولیت مدنی قانون در مورد تشکیل شرکت سهامی مقرراتی پیش بینی نموده است که موسسین شرکت موظفند آنها را رعایت نموده و انجام آن اعمال جز قواعد آمره بوده و موسسین شرکت نمی توانند با تراضی و توافق و یا تصریح در اساسنامه از انجام آن قواعد صرف نظر نمایند لذا اگر قواعد مربوط به تاسیس شرکت رعایت نگردد بطور مثال کلیه سهام شرکت پذیره نویسی نشده است ولی موسسین شرکت چنین وانمود نمایند که تمام سهام شرکت پذیره نویسی شده است در این صورت هر ذینفع می تواند تقاضای بطلان شرکت را از دادگاه بخواهد در هر حال اگر دادگاه نیز حکم به بطلان شرکت بدهد موسسین و مدیران و بازرسان و سهامداران شرکت نمی توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند (ماده ۲۷۰). در صورتی که قبل از بطلان (صدور حکم بطلان) شرکت موجبات بطلان مرتفع شود دادگاه قرار سقوط دعوی را به جهت رفع موجبات بطلان صادر خواهد کرد در هر حال خواند دعوی می تواند تقاضای استمهال نموده تا موجبات بطلان شرکت را برطرف نموده و دادگاه می تواند مهلتی که بیش از شش ماه نباشد جهت رفع موجبات بطلان تعیین نماید و اگر در ظرف مهلت مزبور رفع نقص نگردیده و موجبات بطلان برطرف نگردد دادگاه حکم مقتضی صادر خواهد کرد (ماده ۲۷۲). سؤال: اگر دادگاه اقدام به صدور حکم مبنی بر بطلان شرکت نماید و از این حکم به اشخاص ثالث و سهامداران شرکت زیان وارد گردد این خسارت وارده چگونه جبران می گردد؟ در این صورت ماده ۲۷۳ مسئولین بطلان شرکت را در مقابل خسارت وارده متضامًا مسئول دانسته است در مورد اصطلاح متضامًا لازم به توضیح است که کلیه اشخاصی که باعث ورود خسارت به شرکت گردیده اند موظف هستند هر کدام از آنها در

صورت مراجعه کسانی که زیان دیده اند کلیه خسارت شخص زیان دیده را جبران نمایند ایشان نمی توانند خسارت را تقسیط کنند و به این استناد که او یکی از مسئولین می باشد از پرداخت خسارات خودداری نماید بنابراین تمام زیان دیدگان می توانند برای جبران خسارت خود به همه کسانی که به آنها خسارت وارد کرده اند رجوع نمایند و یا برای کل زیان وارده به یکی از متخلفین رجوع نمایند و تنها شخص پرداخت کننده اگر بیش از سهم خود و اندازه خسارت وارده که باید در نهایت بین متضامین تقسیم گردد پرداخت نماید می تواند به نسبت مازاد بر پرداخت به سایر مسئولین رجوع نماید. در هر حال در صورتی که دادگاه حکم به بطلان شرکت را صادر نماید دادگاه ضمن صدور حکم بطلان شرکت یک یا چند نفر را جهت تصفیه امر شرکت به عنوان مدیر تصفیه انتخاب می نماید و دادگاه خود میزان حق الزحمه مدیران تصفیه را مشخص می نماید و در صورتی که مدیر یا مدیران تصفیه از قبول سمت مزبور خودداری نمایند امر تصفیه به اداره تصفیه امور ورشکستگی حوزه خود دادگاه صادر کننده حکم ارجاع می گردد (ماده ۲۷۵). مطالبه خسارت سهامداران از مدیران ماده ۳۲۸ مدنی در مبحث الزامات خارج از قرارداد (اتلاف) کسانی را که باعث تلف یا نقص و یا ورود خسارت به دیگری شده اند را مسئول جبران خسارت نموده است و حتی در ماده ۳۳۱ ق. مدنی اگر تلف به طور مستقیم هم نبوده و شخص سبب ورود ضرر باشد و به تسببت به دیگری زیان وارد نموده باشد نیز مسئول جبران خسارت می باشد البته در فرض دوم باید اظهار نمود که مسبب در صورتی مسئول جبران خسارت است که اقوی از مباشر تلف باشد. ماده ۲۷۶ اظهار داشته که شخص و یا اشخاصی که حداق ۵/۱ یا ۲۰ درصد سهام شرکت را دارا باشند می توانند در صورت تخلف و تقصیر مدیران شرکت به هزینه خود علیه هر یک از مدیران و یا تمام آنها طرح شکایت نموده و تقاضای جبران خسارت وارده را به شرکت بنمایند در این صورت اگر مدیران شرکت تقصیرشان احراز گردد و محکوم شوند علاوه بر جبران خسارت وارده را به شرکت بنمایند در این صورت اگر مدیران شرکت تقصیرشان احراز گردد و محکوم شوند علاوه بر جبران خسارت وارده به شرکت مسئول پرداخت کلیه خساراتی خواهند بود که از طریق دادرسی به شکات وارد شده است (از باب تسببت) و اگر تقصیر مدیران احراز نگردد هزینه مزبور به عهده خود خواهانها می باشد سؤال: آیا موسسین شرکت می توانند در زمان تاسیس در اساسنامه شرکت شرط عدم مسئولیت مدیران را در رابطه با خسارتهای وارده توسط آنها به شرکت را بنمایند؟ به نظر می رسد که این شرط ممکن است در مقابل سهامداران قابل استناد باشد ولی در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نمی باشد و از طرف دیگر شرط عدم مسئولیت فقط در صورتی مورد قبول می باشد که خسارت وارده عمدا نبوده و مدیر مزبور به عمد باعث ورود ضرر نگردیده باشد چرا که شرط عدم مسئولیت در مورد خسارت های عمومی قابل اجرا نمی باشد. سؤال: آیا اساسنامه شرکت و یا مجمع عمومی می توانند حق اقامه دعوی بر علیه مدیران شرکت را محدود نمایند؟ طبق ماده ۲۷۷ چنین شرطی فاقد اثر بوده و نمی توان حق اقامه دعوی را محدود نمود. تطبیق وضع شرکت های موجود با قانون جدید بعد از تصویب لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ قانونگذار در ماده ۲۸۴ این قانون مقرر نمود که از تاریخ تصویب این قانون به مدت سه سال کلیه شرکت های سهامی موظفند خود را به صورت یکی از شرکت های سهامی عام یا خاص و یا دیگر شرکت های موجود در قانون تجارت در آورده و الا منحل محسوب خواهند شد از طرف دیگر می دانیم که تغییر اساسنامه شرکت از وظایف مجمع عمومی فوق العاده می باشد در صورتی که ماده ۲۸۵ این قانون به طور استثنایی این وظیفه را به عهده مجمع عمومی عادی گذاشته است مگر اینکه تغییر اساسنامه مستلزم افزایش سرمایه باشد که در این صورت باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده برسد. برای تبدیل شرکت سهامی به شرکت سهامی خاص اولاً باید سرمایه شرکت تا حداقل میزان مقرر سرمایه در قانون یعنی یک میلیون ریال افزایش یافته و اساسنامه شرکت باید مطابق قانون جدید اصلاح گردد و مراتب باید جهت ثبت به مرجع شرکتهای اعلام شود و مرجع مزبور پس از احراز تطبیق وضع شرکت با مقررات جدید مراتب را ثبت نموده و به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود. می دانیم که یکی از مواردی که در موقع افزایش سرمایه شرکت باید رعایت شود این است که سرمایه قبلی شرکت کلاً پرداخت شده باشد و

سهامداران سابق از بابت تادیه وجوه تعهدی بابت سهامی که اتباع نموده اند باید به شرکت بدهکار نباشند ولی در ماده ۲۸۸ قانون جدید این الزام برداشته شده و شرکت هایی که جهت تطبیق شرایط خود با شرکت سهامی خاص مجبور افزایش سرمایه باشند لازم نیست که چنین شرطی را رعایت نمایند. در هر حال ضمانت اجرای عدم تطبیق شرکت با یکی از شرکت های موجود یا سهامی خاص و عام را ماده ۲۹۷ این قانون پیش بینی نموده و رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل را ماده ۲۹۷ این قانون پیش بینی نموده و رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل که اقدام به دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق العاده نمایند و یا مدارک و اسناد لازم را جهت تطبیق شرکت به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم نمایند به مجازات مقرر در ماده مارالذکر محکوم شده و علاوه بر مجازات کیفری اعضای مزبور متضمن مسئول خسارت وارده که بر اثر انحلال شرکت به وجود آمده خواهند بود بنابراین هر یک از اعضای مزبور که بخواهند از مجازات فوق و مسئولیت مدنی تبری جویند باید این وظیفه قانونی را به سایر مسئولین تذکر داده و علاوه بر این بوسیله اظهارنامه رسمی این موضوع را به اطلاع تک تک اعضا برسانند اگر جلسات هیئت مدیره به جهتی تشکیل نگردد ارسال اظهارنامه رسمی کفایت می کند.

۴- جرایم مربوط به سهام

شرکت سهامی خاص - جرایم مربوط به سهام ماده ۲۴۳ کلیه اعمالی را که باید از بدو تاسیس تا زمان انتشار اوراق سهام شرکت و پذیره نویسی رعایت شود را مدنظر قراردادده و تخلفاتی را که ممکن است در این مرحله صورت بگیرد را در بندهای ۶ گانه آورده و ضمانت اجرای آن نیز مجازات صدر ماده می باشد. ماده ۲۴۴ جرایم مربوط به سهام شرکت می باشد لذا کسانی که در شرکت سهامی بدون ذکر مبلغ اسمی سهم یا گواهینامه موقت سهمی صادر نماید با این سهام و گواهی نامه موقت را که در آن مبلغ اسمی قید نشده است را به فروش برساند و یا سهمی بی نام را بدون اینکه تمام مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد بفروشد و یا حتی در معرض فروش قراردهد و یا کسانی که سهام با نام را قبل از اینکه حداقل سی و پنج درصد مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد را صادر نماید و یا بفروشد و یا حتی در معرض فروش قرار دهد به مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد. مطابق قانون در سهام و گواهی نامه موقت اسمی باید قید شود و لذا اگر مبلغ اسمی آن قید نشده باشد به جهت مجهول بودن ارزش واقعی سهام مزبور ممکن است به اشخاص ثالث زیان وارد شده و بدین جهت قانونگذاری را منع نموده است و یا فروش سهام قبل از آن که مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد ممنوع است در این ماده کلمه معرض فروش نیز ذکر شده است لذا چنین نتیجه می توان گرفت که اگر سهام شرکتی که تمام مبلغ اسمی آن پرداخت نشده باشد در معرض فروش قرار داده شود حتی اگر مشتری نیز جهت خرید آن سهام پیدا نشود باز هم جرم واقع شده یعنی حصول نتیجه فروش برای تحقق جرم لازم نیست (ماده ۲۴۵ لایحه قانونی). می دانیم که هیئت مدیره شرکت های سهامی دارای وظایف خاص بوده بطور مثال ایشان موظفند در صورتی که مبلغ اسمی سهام در ظرف مهلت مقرر قانونی پرداخت نشده باشد مجمع عمومی فوق العاده را جهت تقلیل سرمایه شرکت تا میزان سرمایه پرداختی دعوت نمایند لذا اگر به وظیفه ای که قانون به آنها محول کرده است عمل نمایند به مجازات دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد و یا اگر قبل از پرداخت تمام سرمایه شرکت اقدام به صدور اوراق قرضه نمایند بنابراین هیئت مدیره که توسط مجمع عمومی موسس و یاعادی انتخاب می شود ممکن است چنین اختیاری نیز برای یک یا چند مرتبه انتشار اوراق قرضه را نیز داشته باشند لذا اگر قبل از پرداخت تمام سرمایه شرکت توسط سهامداران اقدام به انتشار اوراق قرضه نمایند مرتکب تخلف شده و مشمول مجازات ماده ۲۴۶ می گردند. در هر حال اگر در جلسات هیئت مدیره که جهت بررسی اوضاع شرکت و انجام وظایف محوله تشکیل می شود هریک از اعضا که به دیگران تذکر دهد که به جهت عدم ایفا تعهدات شرکا مبنی بر پرداخت دیونی که از بابت خرید سهام موظف به پرداخت آن می باشند

سرمایه شرکت تحقق پیدا نکرده لذا به هیئت مدیره اخطار نماید که برای تقلیل سرمایه شرکت و انجام وظیفه قانونی باید مجمع عمومی فوق العاده را دعوت نمود ولی دیگر اعضا التفاتی به اظهارات او نکنند عضو مزبور از مقررات جزایی معاف خواهد بود مشروط بر اینکه این امر را مطابق اظهارنامه رسمی به هر یک از اعضای هیئت مدیره اعلام نماید (ماده ۲۴۷) سئوالی که مطرح می شود اینکه اگر جلسات هیئت مدیره به هر دلیل بطور مثال نرسیدن به حد نصاب قانونی تشکیل نگردد برای سلب مسئولیت جزایی از خود چه باید کرد؟ قسمت اخیر ماده ۲۴۷ پاسخ این سئوال را داده که عضو مزبور با ارسال اظهارنامه رسمی جهت هر یک از اعضای هیئت مدیره از مقررات جزایی بری شده و مسئولیت جزایی نخواهد داشت. ماده ۲۴۹ کسانی که مرتکب اعمال مندرج در این ماده شوند را به عنوان کلاهبردار نام برده است. بنابراین افرادی که با توسل به وسایل متقلبانه دیگران را برخلاف واقع تشویق به خرید سهام شرکت نمایند و یا اطلاعات واهی و غیرواقعی و موهوم ارائه نمایند و باعث اغوا افراد گردند مشمول مجازات کلاهبرداران بوده و اکنون با توجه به تصویب قانون مرتکبین اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری مرتکبین اعمال مندرج در ماده مشمول مجازات ۱ تا ۷ سال حبس می باشند. مدیرعامل و رئیس و اعضای هیئت مدیره که قبل از ثبت افزایش سرمایه شرکت و یا در صورتی که افزایش سرمایه شرکت به صورت مزورانه باشد به ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد و هم چنین در صورتی که قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام سابق اقدام به صدور و انتشار سهام جدید نمایند به مجازات دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد (۲۶۱) در مورد قسمت اخیر ماده ۲۶۱ در صورتی جرم محقق شده است که علاوه بر صدور سهام منتشر هم بشود بنابراین اگر قبل از انتشار و بعد از صدور متخلفین از انتشار سهام مزبور خودداری نمایند آنان را نمی توان به صرف صدور سهام جدید مجرم شناخت پس صدور سهام یکی از عناصر مادی جرم است در صورتی عنصر مادی جرم تحقق کامل پیدا می نماید که سهام منتشر نیز بشود. در موقع افزایش سرمایه شرکت حق تقدمی جهت پذیره نویسی سهام منتشره جدیدی برای سهامداران سابق در نظر گرفته شده است که ایشان می توانند سهام جدید را قبل از اشخاص ثالث پذیره نویسی نمایند البته این حق تقدم در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده برخلاف این حق انتشار سهام جدید را به جهتی از مصالح شرکت جهت افراد خاصی صادر نکرده باشد و یا حق تقدم سهامداران سابق را از آنان سلب نکرده باشد در صورتی که رئیس یا اعضای هیئت مدیره مدیرعامل این حق تقدم را از سهامداران قدیمی برخلاف قانون سلب کنند و یا مهلت لازمه را جهت پذیره نویسی به سهامداران سابق ندهند در این صورت به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دو صد هزار ریال محکوم خواهند شد (بند ۱ ماده ۲۶۲) و همچنین اگر رئیس یا اعضای هیئت مدیره یا مدیرعامل جهت تضييع حق تقدم سهامداران سابق جهت پذیره نویسی سهام جدید برخلاف واقع اطلاعات نادرست در اختیار مجمع عمومی بگذارند به حبس از شش ماه تا ۳ سال یا جزای نقدی از یکصد هزار ریال یا یک میلیون ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد (ماده ۲۶۳). در مورد کاهش سرمایه شرکت نیز رئیس یا اعضای هیئت مدیره هر شرکت سهامی موظفند که مساورات در حقوق سهامداران را رعایت نموده و پیشنهاد راجع به کاهش سرمایه شرکت را حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرس شرکت جهت ارائه گزارش و راپرت به مجمع تسلیم نمایند و تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده را دائر بر تصویب کاهش سرمایه شرکت را از طریق روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد جهت اطلاع عموم منتشر نمایند در غیر این صورت به مجازات مقرر در ماده ۲۶۴ محکوم خواهند شد.

۵- انحلال و تصفیه و اشکالات قانونی

شرکت سهامی خاص - انحلال و تصفیه و اشکالات قانونی انحلال واژه مصطلحی است که برای خاتمه دادن به حیات یک شرکت تجاری استفاده می شود. ممکن است واژه انحلال مترادف با واژه تصفیه دانسته شود در صورتی که انحلال مرحله ای پیش از مرحله

تصفیه شرکت است. در مرحله انحلال تصمیم به پایان فعالیت شرکت گرفته می شود ولی در دوران تصفیه شرکت به سوی ختم حیات شخصیت حقوقی پیش می رود. انحلال یا تصفیه در حقیقت مرحله ای است که اموال و دارایی های شرکت جمع آوری و فروخته می شود و آنگاه تعهدات و دیون شرکت ایفا و در صورت وجود دارایی مازاد موجودی بین شرکا (بر طبق اساسنامه) تقسیم می گردد.

۶- ارگان تصمیم گیرنده

شرکت سهامی خاص - ارگان تصمیم گیرنده اساسنامه مهمترین رکن شرکت سهامی است. در واقع چهارچوب روابط و تقسیم منافع و زیان و نحوه اداره شرکت را اساسنامه معین میکند. اساسنامه تابع نظر موسسین و اکثریت دارندگان سهام است و بخاطر اهمیت آن قانون موارد الزام آوری را در آن شرط نموده است بعبارتی دیگر اساسنامه در تشکیل شرکتهای سهامی نقش مهم و موثری دارد و در واقع عقد شرکت در قالب تنظیم اساسنامه و امضای آن منعقد می گردد. به دستور بند ۱ از ماده ۲۰ (ل.ا.ق.ت) اساسنامه شرکت در شرکتهای سهامی خاص می بایست به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. لیکن در ماده ۱۵ (ل.ا.ق.ت) در شرکت های سهامی عام امضای ورقه سهم بخودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت است. این عقد پس از تصویب اساسنامه با قبول سمت از ناحیه مدیران و بازرسان شرکت شخصیت حقوقی شرکت را ایجاد و سپس با ثبت آن به مرحله کمال خود می رسد (مواد ۱۷ و ۲۰ و ۲۲ از (ل.ا.ق.ت) لذا اساسنامه در واقع قانون حاکم بر شرکت های سهامی است فلذا چنانچه با مقرر لایحه مورد اشاره مغایرت نداشته باشد اختیارات و نحوه تشکیل مجامع عمومی را می توان در آن پیش بینی نمود. این امر در ماده ۷۲ (ل.ا.ق.ت) چنین مقرر شده است: (مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می شود. مقررات مربوط به حضور عده لازم برای تشکیل مجمع عمومی و آرا لازم جهت اتخاذ تصمیمات در اساسنامه معین خواهد شد مگر در مواردی که به موجب قانون تکلیف خاص برای آن مقرر شده باشد. حال سؤال این است که چنانچه نصاب مقرر در تشکیل جلسات مجمع از حداقل مقرر در قانون کمتر باشد و یا تصمیمات اتخاذ شده با مقررات آمره (ل.ا.ق.ت) مغایرت داشته باشد تکلیف چیست؟ آیا صرف تقاضای ابطال تصمیمات اتخاذ شده کافی است یا ضمن ابطال تصمیمات ابطال آن قسمت از اساسنامه نیز لازم است؟ به نظرمی رسد می بایست قائل به تفکیک شد. چنانچه در اساسنامه مقرراتی مغایر با قانون - حداقل از حیث نصاب تشکیل جلسات - تصویب شده باشد ضمن ابطال تصمیمات اتخاذ شده ابطال اساسنامه نیز از این حیث لازم است. اگر چه فقط ابطال تصمیمات غیرقانونی تقاضا شود با ایقاع اساسنامه مجامع بعدی حق تصویب مقررات مغایر با اساسنامه را نخواهد داشت. لیکن با ابطال اساسنامه یا مجمع عمومی فوق العاده جهت تغییر اساسنامه دعوت خواهد شد و یا شرکت ناچار است براساس مقررات لایحه تصمیم بگیرد. و اما چنانچه اساسنامه مغایرتی با قانون نداشته باشد معذکک مجامع عمومی برخلاف مصوبات اساسنامه و قانون اخذ تصمیمات نمایند فقط تصمیمات اتخاذ شده بایستی در محاکم عمومی صالحه با رعایت مواد ۲۷۰ تا ۲۷۳ (ل.ا.ق.ت) ابطال گردد.

۷- مزایای مدیران

شرکت سهامی خاص - مزایای مدیران برای اعضای موظف و غیر موظف هیئت مدیره در (ل.ا.ق.ت) مزایایی منظور گردیده که ذیلا مختصری درباره آن به صحبت می پردازیم. به موجب صدر ماده ۱۳۴ لایحه مذکور (مجمع عمومی صاحبان سهام می تواند باتوجه به ساعات حضر اعضای غیر موظف هیئت مدیره در جلسات هیئت مزبور پرداخت مبلغی را به طور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات هیئت مزبور پرداخت مبلغی را به طور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات تصویب کند. مجمع عمومی این

مبلغ را با توجه به تعداد ساعات و اوقاتی که هر عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت حضور داشته است تعیین خواهد کرد...)

بنابراین به ساعات غیبت هر یک از مدیران غیر موظف حق حضور مزبور تعلق نخواهد گرفت. به طوری که ملاحظه می گردد حق حضور جلسات هیئت مدیره فقط به مدیران غیر موظف شرکت پرداخت می گردد. حق حضور مذکور جز هزینه های عمومی شرکت منظور می شود. به موجب ماده ۱۳۴ (ل.ا.ق.ت) می توان در صدی از سودخالص سالانه شرکت را به عنوان پاداش برای اعضای هیئت مدیره اعم از موظف یا غیر موظف تعیین نمود. پرداخت این پاداش به اعضا دارای دو شرط است. یکی آنکه این موضوع در اساسنامه شرکت پیش بینی شده باشد دیگر آنکه مجمع عمومی عادی سالانه پرداخت آن را تصویب کند. قسمت دوم ماده ۱۳۴ در این خصوص مقرر می دارد: (... همچنین در صورتی که در اساسنامه پیش بینی شده باشد مجمع عمومی می تواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت به عنوان پاداش به اعضای هیئت مدیره پرداخت شود) باید توجه داشت که به موجب ماده ۲۴۱ (ل.ا.ق.ت) پاداش مذکور نباید در شرکت های سهامی عام از پنج درصد و در شرکت های سهامی خاص از ده درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می شود تجاوز کند. مجددا یادآوری می شود که پاداش مذکور هم به اعضای موظف تعلق می گیرد هم به اعضای غیر موظف. - در اینجا بی مناسبت نیست مختصری درباره اعضای موظف و غیره موظف هیئت مدیره بطور جداگانه به بحث پردازیم: اعضای غیر موظف هیئت مدیره - اعضای مذکور سهامداران شرکت بوده و بجز رابطه مدیریت ارتباط کاری دیگری با شرکت ندارند. این مدیران وکیل و امین شرکت بوده که حقوق و اختیارات شرکت را طبق مقررات موضوعه و اساسنامه آن اعمال می نمایند و از این جهت اعمال آنها شرکت محسوب میشود بنابراین به منزله کارفرمای شرکت می باشند. بنابراین رابطه اعضای غیر موظف با شرکت به هیچ وجه رابطه استخدامی نیست و چنانچه هر یک از آنها از عضویت هیئت مدیره مستعفی یا معزول یا به هر علت دیگری برکنار گردند نمی توانند بابت عضو مذکور به مراجع مشمول قانون کار و لا-جرم هیچ یک از حمایت های مندرج در آن نیستند ادعای آنها در مراجع مذکور قابلیت استماع ندارد. اعضای موظف هیئت مدیره - اصطلاح (اعضای موظف) به صراحت در (ل.ا.ق.ت) به کار نرفته فقط در مقابل (اعضای غیرموظف) مندرج در ماده ۱۳۴ به ناچار عبارت مذکور مصطلح گشته است و ظاهرا به سهامداری اطلاق می گردد که علاوه بر عضویت در هیئت مدیره به شغلی از مشاغل شرکت اشتغال دارد. ممکن است این اشتغال قبل از مدیریت در شرکت باشد یا آنکه پس از برگزیده شدن به سمت مدیری در هیئت مدیره تصدی یکی از مشاغل شرکت را نیز عهده دار گردیده است. قانونگذار مقررات ویژه ای درباره قرارداد کار عضو هیئت مدیره را با شرکت پیش بینی نکرده است و ظاهرا از نظر مقررات کاری مشمول مقررات استخدامی شرکت است چنانچه شرکت دولتی مشمول مقررات خاص باشد مدیر مذکور هم از نظر شغلی تابع مقررات شرکتی است که در آن به کار مشغول گردیده و اگر شرکت از نظر استخدامی تابع مقررات قانون کار باشد (این گونه شرکت ها ممکن است حتی دولتی مشمول مقررات خاص هم باشند ولی مجاز باشند که طبق مقررات قانون کار افرادی را نیز استخدام نمایند) مدیر مذکور فقط از لحاظ شغلی که تصدی آن را به عنوان ابوابجمعی شرکت دارد (نه عضویت در هیئت مدیره) مشمول مقررات قانون کار قرار می گیرد. این وضعیت در مورد مدیری که از قبل در شرکت به کار اشتغال داشته (به طریق اولی) نیز حکمفرماست. در مورد قرارداد کار مدیرانی که پس از انتخاب شدن به عضویت هیئت مدیره به شغلی در شرکت اشتغال یافته اند باید توجه داشت که مقررات مواد ۱۲۹ تا ۱۳۱ (ل.ا.ق.ت) می بایست حتما رعایت گردد. یعنی قرارداد استخدامی این قبیل مدیران اعم از اینکه شرکت محل کار آنها مشمول مقررات قانون کار باشد یا نه به تایید هیئت مدیره برسد. و مورد موافقت مجمع عمومی نیز قرار بگیرد. چنانچه تشریفات مذکور رعایت نشود قرارداد استخدامی مدیر بلااثر می گردد ولی مدیریت او در هیئت مدیره پابرجا خواهد بود. در هر مورد که عضو هیئت مدیره در شرکت شاغل باشد و به نحوی از انحا قرارداد او لغو گردد به عضویت او در هیئت مدیره لطمه ای نخواهد خورد. همین طور است اگر مدیر شاغل در شرکت به عللی از عضویت در هیئت مدیره کناره برد رابطه شغلی او با شرکت قطع

نخواهد شد.

۸- منع تحصیل وام از شرکت

شرکت سهامی خاص - منع تحصیل وام از شرکت مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره شرکت از گرفتن هر گونه وام یا اعتبار از شرکت ممنوع هستند و این ممنوعیت حتی به بعضی از افراد خانواده و فامیل مدیران مذکور سرایت می کند. این افراد شامل همسر پدر و مادر و اجداد خواهر و برادر همچنین اولاد و فرزندان آنان می گردد. البته وابستگان افراد مذکور مشمول این ممنوعیت نیستند مانند همسر برادر یا خواهر همسر اولاد (عروس یا داماد). اشخاص حقوقی عضو هیئت مدیره از قاعده فوق مستثنی بوده و لیکن اشخاص حقیقی که به عنوان نمایندگان اشخاص حقوقی در هیئت مدیره شرکت دارند به مثابه مدیرعامل و سایر اشخاص حقیقی که عضو هیئت مدیره هستند بوده و نمی توانند هیچگونه وام یا اعتبار از شرکت دریافت دارند. این ممنوعیت شامل افراد خانواده و فامیل آنها که فوقا بدانها اشاره شد نیز می گردد. هرگاه علیرغم ممنوعیت فوق مدیرعامل یا عضو هیئت مدیره توانسته باشد از شرکت تحصیل وام یا اعتبار نماید عملیات مذکور بخودی خود باطل است و باید وجوه و اعتبار ماخوذه با احتساب خسارات به بانک مسترد گردد. مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره بانکها و شرکتهای مالی و اعتباری از قاعده فوق مستثنی هستند و بانکها و شرکت های مذکور می توانند به مدیران و افراد فامیل و خانواده آنها هر گونه وام یا اعتباری واگذار کنند مشروط بر اینکه اعطای وام یا اعتبار مذکور تحت لوای همان قیود و شرایطی باشد که برای اعطای وام یا اعتبار سایرین رعایت می گردد. (ماده ۱۳۲ ل.ا.ق.ت.)

۹- شرکتهای شخص

شرکت سهامی خاص - شرکتهای شخص در این نوع شرکتهای شخصیت و روابط شرکائی با یکدیگر اهمیت مخصوص دارد و مسئولیت هر یک از شرکای ضامن در مقابل اشخاص ثالث نامحدود و تضامنی است و شخص ثالث می تواند برای وصول طلب خود به فرد شرکائی مراجعه نماید و شریک ضامن ملزم به تادیه طلب شرکت می باشد. اصولاً در شرکتهای شخص سهم الشرکه در حال حیات یا پس از فوت قابل انتقال نیست مگر با رضایت سایر شرکائی شرکتهای تضامنی و نسبی از جمله شرکتهای شخص هستند و شرکتهای مختلط غیر سهامی و شرکت با مسئولیت محدود را نیز می توان جزئی شرکتهای شخص دانست.

۱۰- وجوه افتراق و اشتراک شرکتهای سهامی خاص و با مسئولیت محدود

شرکت سهامی خاص - وجوه افتراق و اشتراک شرکتهای سهامی خاص و با مسئولیت محدود ۱- در شرکت با مسئولیت محدود تعداد شرکا حداقل ۲ نفر و در شرکت سهامی خاص تعداد سهامداران حداقل ۳ نفر می باشند. ۲- حداقل سرمایه برای ثبت شرکت با مسئولیت محدود و سهامی خاص یک میلیون ریال است. ۳- در شرکت سهامی خاص حداقل ۳۵٪ سرمایه باید نقدا در یکی از شعب بانکها تودیع و گواهی مربوطه ارائه و ۶۵٪ در تعهد سهامداران باشد در شرکت با مسئولیت محدود باید کل سرمایه تحویل مدیرعامل شرکت شده و مدیرعامل اقرار به دریافت نماید و ارائه گواهی بانکی دال بر انجام این امر ضرورت ندارد. ۴- انتخاب بازرس اصلی و علی البدل در شرکت سهامی خاص اجباری ولی در شرکت با مسئولیت محدود اختیاری است. ۵- مدت مدیریت در شرکت سهامی خاص حداکثر دو سال می باشد که قابل تمدید است و در شرکت با مسئولیت محدود مدیران شرکت برای مدت نامحدود انتخاب می شوند و همچنین مخیر خواهند بود که مدتی برای مدیران در اساسنامه شرکت مقرر دارند. ۶- انتخاب روزنامه

کثیرالانتشار در شرکت سهامی خاص برای درج آگهی های دعوت شرکت در سهامی خاص الزامی و در شرکت با مسئولیت محدود اختیاری است . ۷- شرایط احراز حد نصاب در مجامع عمومی در شرکت سهامی خاص سهل تر و در شرکت با مسئولیت محدود با توجه به نوع شرکت مشکل تر می باشد. ۸- مجامع عمومی در شرکت سهامی خاص توسط هیات رئیسه ای مرکب از یک نفر رئیس و دو نفر ناظر و یک نفر منشی که از بین سهامداران انتخاب می شوند اداره می گردد در شرکت با مسئولیت محدود اداره مجامع عمومی شرکت توسط هیات نظار در صورتی خواهد بود که تعداد شرکای آن از ۱۲ نفر بیشتر باشد. ۹- در شرکت سهامی خاص و با مسئولیت محدود شرکت در افزایش سرمایه اختیاری است. ۱۰- سرمایه در شرکت سهامی خاص به سهام تقسیم و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است سرمایه در شرکت با مسئولیت محدود به سهام یا قطعات سهام تقسیم نمی شود و شرکا فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات می باشند. ۱۱- مدیران در شرکت سهامی خاص الزاما بایستی سهامدار بوده یا تعداد سهام وثیقه مقرر در اساسنامه را تهیه و به صندوق شرکت بسپارند مدیران در شرکت با مسئولیت محدود بصورت موظف یا غیر موظف که از بین شرکا یا از خارج انتخاب می شوند انجام وظیفه خواهند نمود. ۱۲- تقسیم سود در شرکت سهامی خاص به نسبت تعداد سهام و در شرکت با مسئولیت محدود به نسبت سرمایه شرکا تقسیم خواهد شد و در شرکت با مسئولیت محدود می توانند در اساسنامه ترتیب دیگری برای تقسیم سود مقرر دارند. ۱۳- حق رای در شرکت سهامی خاص به تعداد سهام و در شرکت با مسئولیت محدود به نسبت سرمایه خواهد بود. ۱۴- تقویم سهم الشرکه غیر نقدی در شرکت با مسئولیت محدود توسط شرکا صورت می گیرد شرکا در این خصوص دارای مسئولیت می باشند تقویم آورده غیر نقدی در شرکت سهامی خاص با کارشناس رسمی دادگستری خواهد بود. ۱۵- مدارک تاسیس در شرکت سهامی خاص عبارتند از : دوبرگ اظهارنامه و دو جلد اساسنامه و گواهی بانک دایر بر پرداخت ۳۵٪ سرمایه تعهدی و فتوکپی شناسنامه سهامداران و بازرسان و صورتجلسات مجمع عمومی موسس و هیات مدیره . مدارک تاسیس در شرکت با مسئولیت محدود عبارتند از : دو برگ تقاضانامه و دو برگ شرکت نامه و دو جلد اساسنامه و فتوکپی شناسنامه شرکا و صورتجلسه مجمع عمومی موسس و هیات مدیره . ۱۶- برای کسب اطلاعات بیشتر می توان به کتاب قانون تجارت در باب شرکت سهامی و با مسئولیت محدود مراجعه نمود.

۱۱- اساسنامه شرکت سهامی خاص

شرکت سهامی خاص - اساسنامه شرکت سهامی خاص ماده (۱) نام شرکت نام شرکت عبارت است از شرکت (شرکت سهامی خاص) ماده (۲) موضوع شرکت موضوع شرکت عبارتست از:

..... ماده (۳) مدت شرکت از تاریخ ثبت بمدت نامحدود تعیین شده است . ماده (۴) مرکز اصلی شرکت و شعب آن مرکز اصلی شرکت انتقال مرکز اصلی به هر نقطه دیگر در ایران منوط به تصمیم مجمع عمومی فوق العاده است و همچنین مجمع عمومی می تواند به هیات مدیره در خصوص تغییر مرکز شرکت تفویض اختیار نماید هیات مدیره می تواند هر موقع لازم بداند شعب یا نمایندگی هایی در داخل یا خارج از ایران دایر یا آنها را منحل نماید. ماده (۵) سرمایه سرمایه نقدی شرکت مبلغ ریال منقسم به سهم با نام و سهم بی نام هر یک به ارزش ریال می باشد که مبلغ ریال آن نقدا پرداخت و مبل ریال بقیه از طرف صاحبان سهام تعهد شده است. ماده (۶) پرداخت بقیه مبلغ اسمی سهام قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی سهام مذکور در ماده ششم بر حسب احتیاجات شرکت در موعد یا مواعیدی که طبق تصمیم هیات مدیره تعیین میشود پرداخت میگردد و

در این مورد هیات مدیره وفق مواد ۳۵ تا ۳۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت اقدام خواهد نمود. ماده (۷) اوراق سهام کلیه سهام شرکت (بانام و یا بی نام و یا تواما) است اوراق سهام شرکت متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب و حاوی نکات مذکور در ماده ۲۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب اسفندماه ۱۳۴۷ بوده و به امضای دونفر از مدیران شرکت که از طرف هیات مدیره تعیین می شوند خواهد رسید و به مهر شرکت ممهور می گردد. ماده (۸) گواهینامه موقت سهام تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است شرکت به صاحبان سهام گواهینامه موقت سهم می دهد که معرف تعداد و نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن است. ماده (۹) غیر قابل تقسیم بودن سهام شرکت غیر قابل تقسیم می باشد مالکین مشاع مکلفند که در برابر شرکت تنها به یک نفر از خودشان نمایندگی بدهند. ماده (۱۰) انتقال سهام بانام صاحبان سهام حق انتقال سهام خود را ندارند مگر با موافقت هیات مدیره نقل و انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده و انتقال گیرنده یا نمایندگان قانونی آنها باید در دفتر شرکت حاضر شده نقل و انتقال را گواهی نمایند نقل و انتقال سهام با نام بدون رعایت تشریفات فوق از درجه اعتبار ساقط بوده و شرکت کسی را صاحب سهم خواهد شناخت که سهام به نام او در دفتر سهام شرکت به ثبت رسیده باشد و علی الاصول مواد ۳۹ و ۴۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت مجری خواهد بود. ماده (۱۱) مسئولیت صاحبان سهام مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است. ماده (۱۲) کاهش یا افزایش سرمایه شرکت هر گونه کاهش یا افزایش در سرمایه شرکت با رعایت مقررات لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب اسفندماه ۱۳۴۷ صورت خواهد گرفت. تذکر: اساسنامه شرکت نمی تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیات مدیره باشد. ماده (۱۳) حق تقدم در خرید سهام جدید در صورت افزایش سرمایه صاحبان سهام شرکت در خرید سهام جدید به نسبت سهامی که مالکند حق تقدم خواهند داشت ترتیب استفاده از این حق تقدم طبق مقررات لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب اسفند ماه ۱۳۴۷ خواهد بود. ماده (۱۴) مقررات مشترک بین مجامع عمومی مجامع عمومی عادی سالانه و مجامع عمومی فوق العاده را هیات مدیره دعوت می کند هیات مدیره و همچنین بازرس شرکت می توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را بطور فوق العاده دعوت نمایند در این صورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود. علاوه بر این سهامدارانی که اقلای یک پنجم سهام شرکت را مالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیات مدیره خواستار شوند و هیات مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند در غیر این صورت درخواست کنندگان می توانند دعوت مجمع را از بازرس یا بازرسان شرکت خواستار شوند و بازرس یا بازرسان ملکف خواهند بود که با رعایت تشریفات مقرر مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نمایند و گرنه آن گروه از صاحبان سهام حق خواهند داشت مستقیماً بدعوت مجمع اقدام کنند بشرط آنکه کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت به عدم اجابت درخواست خود توسط هیات مدیره و بازرسان تصریح نمایند. ماده (۱۵) شرایط لازم برای داشتن حق حضور و رای در مجامع عمومی صاحبان سهام با نمایندگان آنان قطع نظر از عده سهام خود می توانند در مجامع عمومی حضور بهم رسانند و برای هر یک سهم یک رای خواهند داشت مشروط بر اینکه بهای مطالبه شده سهام خود را کاملاً پرداخت نموده باشند. ماده (۱۶) محل انعقاد مجامع عمومی مجامع عمومی اعم از عادی و فوق العاده در مرکز اصلی شرکت یا در محلی که در آگهی دعوت صاحبان سهام تعیین می شود منعقد خواهد شد. ماده (۱۷) دعوت مجامع عمومی دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد بعمل خواهد آمد و دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع باقید ساعت و نشانی کامل در آگهی ذکر خواهد شد. تبصره ۱: در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع عمومی حاضر باشند انتشار آگهی و رعایت تشریفات دعوت الزامی نیست. ماده (۱۸) دستور جلسه هر گاه مجمع عمومی بوسیله هیات مدیره دعوت شده باشد دستور جلسه را هیات مدیره و هر گاه بوسیله بازرس دعوت شده باشد بازرس معین می نماید. دستور جلسه باید در آگهی دعوت بطور خلاصه ذکر

گردد مطالبی که در دستور جلسه پیش بینی نشده باشد به هیچ وجه در مجامع عمومی مطرح نخواهد شد. ماده ۱۹) فاصله بین دعوت و انعقاد مجامع عمومی فاصله بین دعوت و انعقاد هر یک از جلسات مجامع عمومی عادی و مجامع عمومی فوق العاده حداقل ۱۰ روز و حداکثر ۴۰ روز خواهد بود. ماده ۲۰) وکالت و نمایندگی در کلیه مجامع عمومی حضور و کیل یا قائم مقام قانونی صاحبان سهام و همچنین حضور نماینده یا نمایندگان اشخاص حقوقی بشرط تسلیم مدرک وکالت یا نمایندگی بمنزله حضور خود صاحب سهم است. ماده ۲۱) هیات رئیسه مجمع مجامع عمومی اعم از عادی و فوق العاده به ریاست رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره و در غیاب آنها به ریاست یکی از مدیرانی که به این منظور از طرف هیات مدیره انتخاب شده باشند تشکیل خواهد گردید مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزئی دستور جلسه مجمع باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه با اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد دو نفر ناظر از سهامداران از طرف مجمع عمومی با اکثریت آرای یک نفر منشی از بین صاحبان سهام یا از خارج تعیین می نمایند هر گاه مجامع عمومی عادی بوسیله بازرس دعوت شده باشد ریاست با بازرس خواهد بود. ماده ۲۲) صورتجلسه ها از مذاکرات و تصمیمات مجامع عمومی اعم از عادی و فوق العاده صورتجلسه ای ترتیب داده می شود که به امضای هیات رئیسه مجمع رسیده و یک نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد. چنانچه تصمیمات مجامع عمومی شامل یکی از موارد مشروحه زیر باشد یک نسخه از صورتجلسه مربوطه جهت ثبت و درج در روزنامه رسمی به اداره ثبت شرکتها تقدیم می گردد. ۱- انتخاب مدیران و بازرسان ۲- تصویب ترازنامه ۳- کاهش یا افزایش سرمایه شرکت و یا هرگونه تغییر در مواد اساسنامه ۴- انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن ماده ۲۳) اثر تصمیمات مجامع عمومی اعم از عادی و فوق العاده که طبق مقررات قانون و اساسنامه حاضر تشکیل می گردد نماینده عموم سهامداران است و تصمیمات آنها برای همه صاحبان سهام ولو غایبین و مخالفین الزام آور می باشد. ماده ۲۴) مجمع عمومی عادی مجمع عمومی عادی شرکت لاقبل سالی یک دفعه حداکثر ظرف مدت ۴ ماه از تاریخ انقضای سال مالی شرکت منعقد می گردد. ماده ۲۵) حد نصاب مجمع عمومی عادی در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلابیش از نصف سهامی که حق رای دارند ضروری است اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و باحضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود بشرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. ماده ۲۶) تصمیمات در مجمع عمومی عادی در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت نصف بعلاوه یک رای حاضر در جلسه رسمیت خواهد یافت مگر در موارد انتخاب مدیران و بازرسان که مطابق ذیل ماده ۸۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت عمل خواهد شد. ماده ۲۷) اختیارات مجامع عمومی عادی مجمع عمومی عادی می تواند به استثنای مواردی که درباره آنها در قوانین تعیین تکلیف شده یا اتخاذ تصمیم درباره آنها در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده و موسس می باشد تصمیم گیری نماید. ماده ۲۸) حد نصاب مجمع عمومی فوق العاده در مجمع عمومی فوق العاده باید دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رای دارند حاضر باشند اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد برای بار دوم دعوت و با حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود بشرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. ماده ۲۹) اکثریت در مجمع عمومی فوق العاده تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره با اکثریت دوسوم آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود. ماده ۳۰) اختیارات مجمع عمومی فوق العاده هر گونه تغییر در موارد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصر در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد. ماده ۳۱) عده اعضای هیات مدیره شرکت بوسیله هیات مدیره ای مرکب از نفر عضو که بوسیله مجمع عمومی عادی از بین صاحبان سهام انتخاب می شوند اداره خواهد شد مدیران کلا یا بعضا قابل عزل می باشند. تبصره ۲: انتخاب مجدد مدیران توسط مجمع عمومی عادی بلامانع است. ماده ۳۲) مدت مأموریت مدت مأموریت مدیران دو سال است مدت مذکور تاوقتی که تشریفات راجع به ثبت و آگهی انتخاب مدیران بعدی انجام گیرد خودبخود

ادامه پیدا می کند. ماده ۳۳) سهام وثیقه مدیران هریک از مدیران باید در مدت خود مالک حداقل سهم از سهام شرکت بوده و ورقه سهم مزبور را به عنوان وثیقه و تضمین خساراتی که ممکن است از تصمیمات مدیران منفردا یا مشترکا بر شرکت وارد شود به صندوق شرکت بسپارد وثیقه بودن ورقه سهم مانع استفاده مدیر از حقوق ناشیه از آن از قبیل حق رای و دریافت سود نمی باشد ولی مادامی که مدیرمفاصا حساب دوره تصدی خود را از شرکت دریافت نکرده سهم مذکور به عنوان وثیقه در صندوق شرکت باقی خواهد ماند. ماده ۳۴) رئیس و نائب رئیس هیات مدیره هیات مدیره در اولین جلسه خود که حداکثر ظرف یک هفته بعد از مجمع عمومی عادی که هیات مدیره را انتخاب کرده است منعقد خواهد شد و از بین اعضای هیات یک رئیس و یک نائب رئیس برای هیات مدیره تعیین می نماید. مدت ریاست رئیس و نائب رئیس بیش از مدت عضویت آنها در هیات مدیره نخواهد بود هیات مدیره می تواند از بین خود یا از خارج یک نفر را هم بسمت منشی برای مدت یکسال انتخاب نماید. رئیس و نائب رئیس قابل عزل و تجدید انتخاب خواهند بود در صورت غیبت رئیس و نائب رئیس اعضای هیات مدیره یک نفر از اعضای حاضر در جلسه را تعیین می نماید تا وظایف رئیس را انجام دهد. ماده ۳۵) مواقع تشکیل جلسات هیات مدیره هیات مدیره در مواقعی که خود بطور هفتگی یا ماهیانه معین می کند و یا به دعوت کتبی رئیس و یا نائب رئیس و یا دیگر اعضای هیات مدیره یا به دعوت مدیرعال در هر موقع که ضرورت ایجاب کند تشکیل جلسه خواهد داد چنانچه تاریخ تشکیل جلسه بعدی در صورتجلسه تعیین و ذکر گردد در این صورت ارسال دعوت نامه برای اعضایی که در جلسه مذکور حضور داشته اند ضروری نخواهد بود. ماده ۳۶) محل تشکیل جلسات هیات مدیره جلسات هیات مدیره در مرکز اصلی شرکت یا در هر محل دیگری که در دعوت نامه تعیین شده باشد تشکیل خواهد شد. ماده ۳۷) حدنصاب و اکثریت لازم برای رسمیت جلسه جلسات هیات مدیره در صورتی رسمیت دارد که اکثریت مدیران در جلسه حاضر داشته باشند. تصمیمات با اکثریت آرای حاضرین اتخاذ می گردد. ماده ۳۸) تصمیمات امضا شده تصمیماتی که به امضای کلیه مدیران رسیده باشد دارای اعتبار تصمیماتی خواهد بود که در جلسه هیات مدیره اتخاذ شده باشد. ماده ۳۹) صورتجلسات هیات مدیره برای هریک از جلسات هیات مدیره صورتجلسه ای تنظیم و به امضای اکثریت مدیران حاضر در جلسه می رسد. در صورتجلسات هیات مدیره نام مدیرانی که حضور دارند یا غایب می باشند و خلاصه ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات متخذه در جلسه با قید تاریخ ذکر و نظر هریک از مدیران که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورتجلسه مخالف باشد در صورتجلسه درج می گردد. در مورد ماده ۳۸ تصمیم امضا دشه توسط مدیران بجای صورتجلسه هیات مدیره نگهداری خواهد شد. ماده ۴۰) اختیارات هیات مدیره هیات مدیره برای هرگونه اقدامی بنام شرکت و انجام هرگونه عملیات و معاملاتی که مربوط به موضوع شرکت بوده و اتخاذ تصمیم درباره آنها صریحا در صلاحیت مجامع عمومی قرار نگرفته باشد دارای وسیع ترین اختیارات است هیات مدیره مخصوصا اختیارات زیر را دارا می باشد. ۱- نمایندگی شرکت در برابر اشخاص و کلیه ادارات دولتی و موسسات خصوصی ۲- تصویب آیین نامه های داخلی شرکت به پیشنهاد مدیرعامل ۳- ایجاد و حذف نمایندگی ها یا شعبه ها در هر نقطه ای از ایران یا خارج از ایران ۴- نصب و عزل کلیه ماموران و کارکنان شرکت و تعیین شغل و حقوق و دستمزد و انعام و ترفیع و تنبیه و تعیین سایر شرایط استخدام و معافیت و خروج آنها از خدمت و مرخصی و بازنشستگی و مستمری وراث آنها ۵- تصویب بودجه برای اداره شرکت ۶- افتتاح حساب و استفاده از آن بنام شرکت نزد بانکها و موسسات ۷- دریافت مطالبات شرکت و پرداخت دیون آن از اصل و بهره و متفرعات ۸- تعهد ظهرنویسی قبولی پرداخت و واخواست اوراق تجارتي ۹- عقد هر نوع قرارداد و تغییر و تبدیل یا فسخ و اقاله آن در مورد خرید و فروش و معاوضه اموال منقول و غیر منقول و ماشین آلات و مناقصه و مزایده و غیره که جزئی موضوع شرکت باشد بالجمله انجام کلیه عملیات و معاملات مذکور در ماده (۳) این اساسنامه (۱۰) مبادرت به تقاضا و اقدام برای ثبت هر گونه علامت تجارتي (۱۱) به امانت گذاردن هر نوع اسناد و مدارک و وجوه در صندوق های دولتی و خصوصی و استرداد آنها (۱۲) تحصیل اعتبار از بانکها و شرکتها و موسسات و هر نوع استقراض و اخذ وجه به هر مبلغ و به هر

مدت و به هر میزان بهره و کارمزد و یا هرگونه شرایطی که مقتضی باشد. ۱۳) اقامه هرگونه دعوی و دفاع از هرگونه دعوی یا تسلیم به دعوی یا انصراف از آن اعم از حقوقی و کیفری با داشتن تمام اختیارات مراجعه به امر دادرسی از حق پژوهش فرجام مصالحه تعیین وکیل سازش ادعای جعل نسبت به سند طرف و استرداد سند تعیین داور یا بدون اختیار صلح و بطور کلی استفاده از کلیه حقوق و اجرای کلیه تکالیف ناشیه از قانون داوری تعیین وکیل برای دادرسی و غیره با یا بدون حق توکیل و توکیل در توکیل ولو کرارا تعیین مصدق و کارشناس اقرار خواه در ماهیت دعوتی و خواه به امری که کاملاً قاطع دعوی باشد دعوی خسارت استرداد دعوی جلب شخص ثالث و دفاع از دعوی ثالث اقدام به دعوی متقابل و دفاع از آن تامین مدعی به تقاضای توقیف اشخاص و اموال از دادگاهها اعطای مهلت برای پرداخت مطالبات شرکت درخواست صدور برگ ارجایی و تعقیب عملیات اجرایی و اخذ محکوم به چه در دادگاه و چه در ادارات و دوایر ثبت اسناد. ۱۴) تعیین میزان استهلاکها (۱۵) تنظیم خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت هر شش ماه یک بار و دادن آن به بازرس شرکت (۱۶) تنظیم صورت دارایی و دیون شرکت پس از انقضای سال مالی و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت طبق ماده ۲۳۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (۱۷) دعوت مجامع عمومی عادی و فوق العاده و تعیین دستور جلسه آنها (۱۸) پیشنهاد هر نوع اندوخته علاوه بر پنج درصد اندوخته موضوع مواد ۱۴۰ و ۲۳۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (۱۹) پیشنهاد تقسیم سود بین صاحبان سهام (۲۰) پیشنهاد اصلاح اساسنامه در مواقعی که مفید تشخیص داده شود. اختیارات هیات مدیره منحصر به موارد فوق نیست شرح موارد فوق الذکر تمثیلی بوده و در حدود مقررات صدر ماده حاضر بهیچوجه به اختیارات تام هیات مدیره خللی وارد نمی سازد. ماده (۴۱) پاداش اعضای هیات مدیره مجمع عمومی عادی هر سال نسبت معینی از سود ویژه شرکت را بصورت پاداش برای اعضای هیات مدیره تصویب خواهد نمود. ماده (۴۲) مسئولیت اعضای هیات مدیره مسئولیت هریک از اعضای هیات مدیره شرکت طبق مقررات لایحه اصلاحی قانون تجارت و قوانین جاریه کشور است. ماده (۴۳) معاملات مدیران با شرکت اعضای هیات مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین موسسات و شرکتهایی که اعضای هیات مدیره و یا مدیرعامل شرکت شریک یا عضو هیات مدیره یا مدیرعامل آنها باشند نمی توانند بدون اجازه هیات مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شود بطور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهام شوند و در صورت اجازه نیز مفاد ماده ۲۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت لازم الرعایه می باشد. ماده (۴۴) مدیرعامل هیات مدیره باید اقلاً یک نفر شخص حقیقی را از بین اعضای خود یا از خارج به مدیریت عامل شرکت برگزیند و حدود و اختیارات او را تعیین کند. هیات مدیره می تواند تمامی یا قسمتی از اختیارات مشروحه در ماده ۴۰ این اساسنامه را با حق توکیل بمدیر عامل تفویض نماید در صورتی که مدیرعامل عضو هیات مدیره باشد دوره مدیریت عمل از مدت عضویت آنها در هیات مدیره بیشتر نخواهد بود. تبصره ۳: هیات مدیره در صورت تمایل می تواند معاونی برای مدیرعامل تعیین و حدود اختیارات وی را مشخص نماید. تبصره ۴: نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیرعامل باید با ارسال نسخه ای از صورتجلسه هیات مدیره به اداره ثبت شرکتهای اعلام و پس از ثبت در رزودنامه رسمی آگهی شود. تبصره ۵: هیات مدیره در هر موقع می تواند مدیرعامل را عزل نماید. ماده (۴۵) صاحبان امضای مجاز نحوه امضای اسناد و اوراق تعهدآور شرکت و چکها و بروات و سفته ها و سایر اوراق تجارتهای و غیره و نیز اشخاصی را که حق امضا درانند هیات مدیره تعیین خواهد نمود. ماده (۴۶) ترتیب انتخاب و وظایف بازرس مجمع عمومی یک بازرس اصلی و یک بازرس علی البدل برای مدت یکسال معین می کند. بازرس اصلی یا علی البدل باید درباره صحت صورت دارایی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجمع عمومی گذاشته اند اظهار نظر کنند و گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم نمایند. گزارش بازرس باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهم در مرکز شرکت آماده باشد تصمیماتی که بدون دریافت گزارش بازرس راجع به

تصویب صورت دارایی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت از طرف مجمع عمومی اتخاذ شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

تبصره ۶: در صورت فوت یا استعفا یا سلب شرایط قانونی بازرس اصلی وظیفه او را بازرس علی البدل انجام خواهد داد. ماده (۴۷)

اختیارات بازرس بازرس اصلی یا برحسب مورد بازرس علی البدل می تواند در هر موقع هر گونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهد. ماده (۴۸) مسئولیت بازرس مسئولیت بازرس اصلی یا علی البدل در مقابل شرکت و اشخاص ثالث طبق مقررات ماده ۱۵۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت می باشد. ماده (۴۹) حق الزحمه بازرس حق الزحمه بازرس اصلی و بازرس علی البدل را مجمع عمومی عادی تعیین می نماید و تا اتخاذ تصمیم مجدد به همان میزان باقی خواهد ماند. ماده (۵۰) معاملات بازرس با شرکت بازرس اصلی و یا علی البدل نمی توانند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می گیرد بطور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شوند. ماده (۵۱) سال مالی سال مالی شرکت روز اول فروردین هر سال آغاز می شود و روز آخر اسفند همان سال به پایان می رسد اولین سال مالی شرکت از تاریخ تاسیس تا آخر اسفند ماه همان سال می باشد. ماده (۵۲) صورتحساب شش ماهه هیات مدیره باید طبق ماده ۱۳۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت لااقل هر ششماه یکبار خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت را تنظیم کرده به بازرس بدهد. ماده (۵۳) حسابهای سالانه هیات مدیره شرکت باید پس از انقضای هر سال مالی طبق ماده ۲۳۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت صورت دارایی و دیون شرکت را در پایان سال همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت به ضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم کند اسناد مذکور در این ماده باید اقلایست روز قبل از تاریخ تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرس گذاشته شود تا پس از رسیدگی به گزارش بازرس به مجمع عمومی صاحبان سهام تقدیم گردد. ماده (۵۴) حق مراجعه صاحبان سهام از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی سالانه هر صاحب سهم می تواند در مرکز اصلی شرکت به صورتحسابها و صورت اسامی صاحبان سهام مراجعه کرده و از ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت رونوشت بگیرد. ماده (۵۵) اقلام ترازنامه استهلاکات ارزیابی دارایی های شرکت طبق موازین و اصول صحیح حسابداری بعمل خواهد آمد در ترازنامه باید استهلاک اموال و اندوخته های لازم در نظر گرفته شود ولو آنکه پس از وضع استهلاک و اندوخته ها سود قابل تقسیم باقی نماند یا کافی نباشد پایین آمدن ارزش دارایی ثابت خواه در نتیجه استعمال خواه بر اثر تغییرات فنی و خواه بععل دیگر باید در استهلاکات منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اقلام دارایی و زیانها و هزینه های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد. تعهداتی که شرکت آن را تضمین کرده است باید با قید مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شود. ماده (۵۶) تقدیم ترازنامه ترازنامه هر سال باید حداکثر ظرف مدت ۴ ماه پس از انقضای سال مالی شرکت برای تصویب به مجمع عمومی صاحبان سهام تقدیم گردد. ماده (۵۷) مفاصا تصویب ترازنامه از طرف مجمع عمومی برای هیات مدیره بمنزله مفاصا خواهد بود. ماده (۵۸) سود خالص سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارت است از درآمد حاصله در همان سال مالی منهای کلیه هزینه های و استهلاکات و اندوخته ها ماده (۵۹) اندوخته قانونی و اختیاری از سود خالص شرکت پس از وضع زیانهای وارده در سالهای قبل باید معادل یک بیستم آن بر طبق ماده ۱۴۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت بعنوان اندوخته قانونی موضوع شود هر تصمیمی بر خلاف این امر باطل است. ماده (۶۰) سود قابل تقسیم سود قابل تقسیم عبارت است از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیانهای سال مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده فوق و سایر اندوخته های اختیاری بعلاوه سود قابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده است تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی عادی جایز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ده درصد از سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است. ماده (۶۱) انحلال شرکت در موارد زیر منحل می شود: ۱- در مواردی که بر اثر زیانهای وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیات مدیره مکلف است طبق ماده ۱۴۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت بلافاصله مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع

انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رای واقع شود هر گاه مجمع مزبور رای به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات قانی سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. ۲- در صورتی که هیات مدیره شرکت به دعوت مجمع عمومی فوق العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی که دعوت می شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذینفع می تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. در موارد مذکور مفاد ماده ۱۹۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مراعات گردد. ماده ۶۲) تصفیه هر گاه شرکت طبق مندرجات ماده فوق منحل گردد تصفیه امور آن با تابعیت از مقررات مواد مربوطه لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت بعمل خواهد آمد. ماده ۶۳) موارد پیش بینی نشده در موارد مسائلی که در این اساسنامه پیش بینی نشده است طبق قانون تجارت و سایر قوانین ممکنه عمل خواهد شد. ماده ۶۴) این اساسنامه در ۶۳ ماده و ۷ تبصره در جلسه مورخ به تصویب مجمع عمومی موسس رسید.

۱۲- یادآورهای مهم قبل از تکمیل مدارک شرکت سهامی خاص

شرکت سهامی خاص - یادآورهای مهم قبل از تکمیل مدارک شرکت سهامی خاص ۱- حداقل تعداد سهامداران در شرکت سهامی خاص ۳ نفر میباشد (ماده ۳ ل.ا.ق.ت) ۲- حداقل سرمایه در شرکت سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد (ماده ۵ ل.ا.ق.ت) ۳- پس از تهیه مدارک لازم (اظهارنامه اساسنامه صورتجلسه مجمع عمومی موسسین صورتجلسه هیات مدیره فتوکپی شناسنامه سهامداران و بازرسین مجوز در خصوص موضوع در صورت نیاز) نسبت به تکمیل آن براساس نمونه فرم های ضمیمه این راهنما و قید نام شرکت و امضای ذیل تمام اوراق اساسنامه اظهارنامه اقدام شود. ۴- در موقع تنظیم صورتجلسه مجمع عمومی موسس وفق دستور ماده ۱۰۱ (ل.ا.ق.ت) هیات رئیسه ای مشتمل بر یک رئیس و دو ناظر و یک منشی از بین سهامداران انتخاب (منشی می تواند خارج از سهامداران باشد) و سپس رئیس رسمیت جلسه را اعلام و نسبت به (الف) تصویب اساسنامه ب) انتخاب هیات مدیره ج) انتخاب بازرسان د) انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت اقدام می نماید و ذیل صورتجلسه مصوبات مجمع توسط هیات رئیسه باید امضا شود. ۵- الف) شرکت سهامی خاص بوسیله هیات مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلا یا بعضا قابل عزل می باشند اداره خواهد شد (ماده ۱۰۷ ل.ا.ق.ت) ب) اشخاص حقوقی را می توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود در این صورت شخص حقوقی یک نفر را به نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی می نماید. (ماده ۱۱۰ ل.ا.ق.ت) ج) محجورین و ورشکستگان و مرتکبین به جنایت سرقت خیانت در امانت کلاهبرداری اختلاس تدلیس که به موجب حکم قطعی دادگاه محکوم شده باشند نمی توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند (ماده ۱۱۱ ل.ا.ق.ت) د) در صورتی که مدیری در هنگام انتخاب مالک تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه نباشد باید ظرف مدت یکماه تعداد سهام لازم را به عنوان وثیقه تهیه و به صندوق شرکت بسپارد و گرنه مستعفی محسوب خواهد شد. (ماده ۱۱۵ ل.ا.ق.ت) ه) مدت مدیریت در اساسنامه معین می شود لیکن این مدت از دو سال بیشتر نمی تواند باشد (ماده ۱۰۹ ل.ا.ق.ت) و) هیات مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیات یک رئیس و یک نایب رئیس که باید شخص حقیقی باشند انتخاب و مدت ریاست رئیس و نایب رئیس نباید از مدت عضویت آنها در هیات مدیره بیشتر باشد (ماده ۱۱۹ ل.ا.ق.ت) ز) رئیس هیات مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات موظف است مجامع عمومی صاحبان سهام را در مواردی که هیات مدیره موظف به دعوت است دعوت نماید و هرگاه رئیس هیات مدیره موقتا نتوانست وظایف خود را انجام دهد نایب رئیس به جای وی انجام وظیفه می نماید. (مواد ۱۱۹ و ۱۲۰ ل.ا.ق.ت) ح) برای هر یک از جلسات هیات مدیره باید صورت جلسه ای تنظیم و به امضای اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد (م ۱۲۳ ل.ا.ق.ت) ط) هیات مدیره باید یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت انتخاب که حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین نماید مدیرعامل در عین حال نمی تواند رئیس هیات مدیره باشد مگر با تصویب

سه چهارم آرای حاضر در مجمع عمومی (م ۱۲۴ ل.ا.ق.ت) و هیات مدیره در هر موقع می تواند مدیرعامل را عزل نمایند و انتخاب مدیرعامل باید با ارسال یک نسخه صورتجلسه هیات مدیره به اداره ثبت شرکتها به ثبت برسد و در روزنامه رسمی آگهی گردد. (م ۱۲۸ ل.ا.ق.ت) و هیچ کس نمی تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد (م ۱۲۶ ل.ا.ق.ت) (ی) اعضای هیات مدیره و مدیر عامل شرکت نمی توانند بدون اجازه هیات مدیره در معالاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شود طرف معامله قرار بگیرند و در صورت اجازه هیات مدیره بلافاصله باید بازرس شرکت در جریان امر قرار گیرد. (م ۱۲۹ ل.ا.ق.ت) مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت یا مصوبات مجمع برحسب مورد منفردا یا مشترکا مسئول بوده و دادگاه حدود مسولیت را برای جبران خسارت تعیین می نماید. (م ۱۴۲ ل.ا.ق.ت) (ک) مجمع عمومی عادی صاحبان سهام می تواند مقرر دارد با توجه به ساعات حضور اعضای غیر موظف هیات مدیره مبلغی بطور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات پرداخت شود. همچنین در صورتی که در اساسنامه پیش بینی شده باشد مجمع عمومی می تواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت به عنوان پاداش به اعضای هیات مدیره اعطا گردد. (م ۱۳۴ ل.ا.ق.ت) ۶- مجمع عمومی عادی هر سال یک یا چند بازرس انتخاب می کند تا برطبق قانون به وظایف خود عمل کنند. انتخاب مجدد بازرسان بلامانع است. مجمع عمومی عادی در هر موقع می تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند بشرط آنکه جانشین آنها را انتخاب نماید. (م ۱۴۴ ل.ا.ق.ت) انتخاب اولین بازرسان توسط مجمع عمومی موسس صورت می گیرد. (م ۱۴۵ ل.ا.ق.ت) الف) بازرسان شرت کتبا قبول سمت نمایند و قبول سمت به خودی خود دلیل براین است که بازرس با علم به تکالیف و مسولیت های خود عهده دار آن گردیده است (م ۱۷ ل.ا.ق.ت) ب) انتخاب بازرس یا بازرسان (همراه با انتخاب مدیران) باید در صورتجلسه ای قید و به امضای کلیه سهامداران برسد (م ۲۰ ل.ا.ق.ت) امضای ذیل صورتجلسه توسط بازرس حاکی از قبولی سمت می باشد. ج) مجمع عمومی عادی باید یک یا چند بازرس علی البدل را انتخاب نماید تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفا یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرس یا بازرسان اصلی جهت انجام وظایف بازرسی دعوت شوند (م ۱۴۶ ل.ا.ق.ت) د) اشخاص ذیل را نمی توان به سمت بازرس شرکت انتخاب نمود: د- ۱) محجورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنان صادره شده یا بعلت ارتکاب جنایت یا سرقت یا خیانت در امانت یا کلاهبرداری یا اختلاس یا تدلیس بموجب حکم قطعی محکوم و از حقوق اجتماعی کلا یا بعضا محروم شده باشند. د- ۲) مدیران یا مدیرعامل شرکت. د- ۳) اقربای سببی و نسبی مدیران و مدیرعامل شرکت تا درجه سوم از طبقه اول و دوم. د- ۴) هر کس که خود یا همسرش از شرکت موظفا حقوق دریافت می دارد. (م ۱۴۷ ل.ا.ق.ت) ه) بازرسان مکلفند درباره صحت و درستی صورت دارایی و صورت حساب دروه عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجمع عمومی گذاشته اند اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل کنند که حقوق صاحبان سهام در حدود قانون و اساسنامه رعایت شده و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را آگاه سازند (م ۱۴۸ ل.ا.ق.ت) و همچنین بازرسان مکلفند با توجه به موارد فوق الذکر گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند و این گزارش باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد و در صورتی که بازرسان متعدد باشند هر یک به تنهایی می توانند گزارشی را تهیه نمایند. (م ۱۵۰ ل.ا.ق.ت) و) بازرس یا بازرسان باید هر گونه تقصیر یا تخلف مدیران شرکت را به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورت اطلاع از وقوع جرمی در حین بازرسی مراتب را به مرجع قضایی صلاحیتدار اعلام و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهند (م ۱۵۱ ل.ا.ق.ت) و در صورتی که مجمع بدون دریافت گزارش بازرس یا براساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ ل.ا.ق.ت) بعنوان بازرس تعیین شده صورت دارایی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را تصویب نماید این تصویب اثر قانونی نداشته و از درجه اعتبار ساقط است (م ۱۵۲

ل.ا.ق.ت) ح) در صورتی که مجمع عمومی بازرس تعیین نکرده و یا بازرسان تعیین شده به عللی نتوانند گزارش بدهند یا از دادن گزارش امتناع کنند رئیس دادگاه صلاحیتدار به تقاضای اشخاص ذینفع به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت بازرس یا بازرسانی را انتخاب تا وظایف مربوط را تا انتخاب بازرس به وسیله مجمع عمومی انجام دهند و تصمیم رئیس دادگاه غیر قابل شکایت است. (مستفاد از م ۱۵۳ ل.ا.ق.ت) و بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت خواهند بود. (م ۱۵۴ ل.ا.ق.ت) و بازرس یا بازرسان نمی توانند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می گیرد بطور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شوند (م ۱۵۶ ل.ا.ق.ت) و تعیین حق الزحمه بازرس یا بازرسان با مجمع عمومی عادی خواهد بود (م ۱۵۵ ل.ا.ق.ت) ط) چنانچه هیات مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند راسا اقدام به دعوت مجمع مزبور نمایند (م ۹۱ ل.ا.ق.ت) هیات مدیره و همچنین بازرس یا بازرسان شرکت می توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را بطور فوق العاده دعوت نمایند در این صورت دستور جلسه باید در آگهی دعوت قید شود. ۷- مجمع عمومی موسس نام روزنامه کثیرالانتشار که هر گونه آگهی راجع به شرکت در آن منتشر خواهد شد تعیین می نماید (مستفاد از بند ۵ ماده ۲۰ ل.ا.ق.ت) این وظیفه پس از تشکیل شرکت بعهده مجمع عمومی عادی خواهد بود. در انتخاب روزنامه حتما کثیرالانتشار بودن روزنامه رعایت شود. کلیه دعوت های صاحبان سهام برای تشکیل مجامع عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد به عمل آید. (م ۹۸ ل.ا.ق.ت) ۸- پس از تشکیل و ثبت شرکت سهامی خاص هیات مدیره می باید حداکثر ظرف یک هفته از تاریخ ثبت نسبت به تهیه دفاتر قانونی شرکت (روزنامه - کل) و پلمپ دفاتر در اداره ثبت شرکتها اقدام نماید. ۹- وفق ماده ۴۸ قانون مالیاتهای مستقیم شرکتها سهامی موظفند ظرف مدت یکماه از تاریخ ثبت نسبت به پرداخت مبلغ دو در هزار حق تمبر (باتوجه به مبلغ سرمایه) به ادارات دارایی مراجعه نمایند عدم انجام امر مذکور در مهلت مقرر مشمول جریمه خواهد بود.

۱۳- روش و مراحل ثبت شرکتهای سهامی خاص

شرکت سهامی خاص - روش و مراحل ثبت شرکتهای سهامی خاص الف) پس از تکمیل دو برگ اظهارنامه و اساسنامه شرکت جهت پرداخت هزینه تعیین نام به بانک مراجعه و سپس حسابداری اداره ثبت شرکتها با رویت فیش پرداختی نسبت به ممهور نمودن ذیل برگ اظهارنامه اقدام مینماید. ب) چند نام (باتوجه به اینکه: ۱- نام خارجی نباشد. ۲- سابقه ثبت نداشته باشد. ۳- دارای معنا و مفهوم باشد. ۴- با فرهنگ انقلاب اسلامی مطابقت داشته باشد) انتخاب به واحد تعیین نام اداره ثبت شرکتها مراجعه و مسئول مربوط نسبت به تعیین نام اقدام نموده و سپس اخذ موافقت از مسئولین اداره ثبت شرکتها در خصوص نام تعیین شده بعمل آید و سپس این نام باید توسط واحد تعیین نام ثبت دفتر شود. ج) مدارک را با توجه به مواردی که ذکر شد (۲ برگ اظهارنامه ۲ جلد اساسنامه ۲ نسخه صورتجلسه مجمع عمومی موسسین ۲ نسخه صورتجلسه هیات مدیره گواهی بانکی دایر بر پرداخت حداقل ۳۵٪ سرمایه شرکت فتوکپی شناسنامه سهامداران و بازرسین مجوز در صورت نیاز) تحویل قسمت پذیرش مدارک اداره ثبت شرکتها داده و رسید دریافت شود و با عنایت به تاریخ تعیین شده برای اعلام نتیجه در روز موعد برای اخذ نتیجه به باجه اعلام نتیجه اداره ثبت شرکتها مراجعه نمایند. د) در صورتی که کارشناس اداره ثبت شرکتها ایرادی در مدارک ابرازی مشاهده نماید نسبت به تهیه پیش نویس آگهی ثبت اقدام و پیش نویس مربوطه پس از مسئولین اداره ثبت شرکتها تایپ و در روز مراجعه تحویل متقاضی داده میشود. متقاضی بایستی به بانک مراجعه و نسبت به پرداخت حق الثبت که در ذیل اظهارنامه مبلغ آن قید شده اقدام نماید. توجه: قبل از مراجعه به بانک به نمایندگی روابط عمومی جهت تعیین مبلغ حق الدرجه آگهی تاسیس در روزنامه انتخاب مجمع

عمومی موسس و اخذ فیش مراجعه شود و مبلغ حق الثبت و حق الدرجه یکجا به بانک مربوطه پرداخت گردد. ه) پس از پرداخت مبلغ حق الثبت به واحد حسابداری اداره ثبت شرکتها مراجعه و واحد مربوطه پس از رویت فیش پرداختی نسبت به مهور نمودن ذیل اظهارنامه اقدام می نماید. و) مدارک به قسمت ثبت دفاتر ثبت شرکتها تحویل داده شود و مسئول مربوطه پس از ثبت در دفتر و تعیین شماره ثبت شرکت و درج بر روی اظهارنامه اقدام و در ذیل ثبت دفتر از شخص معرفی شده توسط سهامداران (که خود یا از سهامداران بوده یا وکیل رسمی شرکت می باشد) با قید ثبت باسند برابر است امضا اخذ می نماید و سپس آگهی تاسیس تایپ شده باید به امضای رئیس اداره ثبت شرکتها برسد. یک نسخه از مدارک ضبط در پرونده شرکت که در بایگانی اداره ثبت شرکتها نگهداری خواهد شد و یک نسخه دیگر از مدارک (اظهارنامه یک برگ اساسنامه یک جلد صورتجلسه مجمع عمومی موسسین یک نسخه صورتجلسه هیات مدیره یک نسخه) مهور به مهر اداره شده و تحویل متقاضی می گردد. متقاضی مدارک خود و پرونده متشکله را به قسمت دبیرخانه اداره برده و پس از ثبت آگهی در دفتر اندیکاتور نسبت به درج شماره ثبت دفتر و مهور نمودن آگهی تایپ شده اقدام و نسخه مربوط به اداره را ضبط می نماید. ز) متقاضی پس از تحویل گرفتن مدارک نسخه دوم آگهی تاسیس را به واحد روابط عمومی مستقر در اداره ثبت شرکتها جهت درج در روزنامه کثیرالانتشار شرکت تحویل و نسخه اول آگهی تایپ شده را به دفتر شرکت سهامی روزنامه رسمی جمهوری اسلامی واقع در خ بهشت (خ جنوبی پارک شهر) جهت درج در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران (پس از پرداخت حق الدرجه که توسط مسول مربوطه تعیین می شود) تسلیم می نماید. توجه: چنانچه قبل از انتشار روزنامه نیاز فوری به آگهی باشد چند نسخه فتوکپی تهیه و هنگام تحویل اصل آگهی به روزنامه رسمی فتوکپی ها توسط دفتر روزنامه رسمی مهور به مهر می گردد که دارای اعتبار مربوطه خواهد بود.

۱۴- مدارک مورد نیاز برای ثبت شرکت سهامی خاص

شرکت سهامی خاص - مدارک مورد نیاز برای ثبت شرکت سهامی خاص مدارک مورد نیاز برای ثبت شرکت سهامی خاص : ۱- دوبرگ اظهارنامه شرکت سهامی خاص و تکمیل آن و امضای ذیل اظهارنامه توسط کلیه سهامداران . ۲- دو جلد اساسنامه شرکت سهامی خاص و امضای ذیل تمام صفحات آن توسط کلیه سهامداران . ۳- دونه نسخه صورتجلسه مجمع عمومی موسسین که به امضای سهامداران و بازرسین رسیده باشد. ۴- دونه نسخه صورتجلسه هیات مدیره که به امضای مدیران منتخب مجمع رسیده باشد. ۵- فتوکپی برابر اصل شده شناسنامه کلیه سهامداران و بازرسین. ۶- ارائه گواهی پرداخت حداقل ۳۵٪ سرمایه شرکت از بانکی که حساب شرکت در شرف تاسیس در آنجا باز شده است. تذکر: در صورتیکه مقداری از سرمایه شرکت آورده غیر نقدی باشد (اموال منقول و غیر منقول) ارائه تقویم نامه کارشناس رسمی دادگستری الزامی است و در صورتی که اموال غیرمنقول جز سرمایه شرکت قرار داده شود ارائه اصل سند مالکیت ضروری است . ۷- ارائه مجوز در صورت نیاز بنابه اعلام کارشناس اداره ثبت شرکتها.

۱۵- مسئولیت جزایی

شرکت سهامی خاص - مسئولیت جزایی جرایم مربوط به تاسیس شرکت ماده ۲۴۳ مجازات حبس ۳ ماه تا ۲ سال یا جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا هر دو مجازات را برای مرتکبین اعمال ذیل ماه در نظر گرفته است در بند ۱ مقرر شده هر کس که عالما و برخلاف واقع پذیره نویسی سهام را تصدیق کند و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیره نویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکت تسلیم کند و یا در تعیین ارزش آورده غیر نقد تقلب اعمال کند. در مورد این بند نکاتی به نظر می رسد که بررسی آنها لازم و ضروری می باشد اولاً از عنوان هر کس استفاده شده است که

معلوم نیست هر کس یعنی چه آیا کسانی که هیچ سمتی در شرکت ندارند و پذیره نویسی را تصدیق نمایند مشمول این بند خواهند بود یا خیر و منظور از تصدیق چیست؟ آیا صرف تایید پذیره نویسی هر چند می باشد را انجام یا تنظیم نموده باشد؟ و یا اگر شخص متقلب با توسل به تقلب باعث بردن مال دیگری بشود و بدین طریق به اشخاص ثالث ضرر وارد نماید با توجه به اینکه در سال ۶۷ مقررات ویژه ای در رابطه با کلاهبرداری تنظیم شده است بازهم مورد مشمول مقررات جزایی تجاری بوده و یا مشمول قانون مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری خواهد بود. از طرف دیگر اعلامیه پذیره نویسی سهام شرکت باید زمانی منتشر شود که کلیه سهام شرکت پذیره نویسی شده باشد و اداره ثبت شرکت ها اجازه انتشار اعلامیه را داده باشد و همچنین اگر شرکت قانونا تشکیل نشده باشد و موسسین یا مسئولین تشکیل شرکت بر خلاف واقع چنین وانمود نمایند که شرکت در مرجع ثبت شرکت ها ثبت شده است و بدین طریق اشخاص ثالث را ترغیب به معامله با شرکت نموده باشد و آورده غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن محاسبه نموده باشد نیز مشمول این ماده ۲۴۳ می باشد حال همچنان که در صدر این صفحه مطرح گردید اگر انجام اعمال مندرج در این بند باعث و یا حیف و میل بشود و یا به نفع طرف مقابل قرار بگیرد آیا باز هم مشمول ماده ۲۴۳ خواهد بود یا ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و تقلب دیگر وجوه ... تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد آیا با وجود تصریح این ماده باز هم در صورت وجود شرایط ذکر شده در این ماده باید متخلف را مشمول ماده ۲۴۳ به عنوان قانون خاص در رابطه با جرایم شرکت ها بدانیم یا مشمول قانون مجازات کلاهبرداری؟ در رابطه با بند ۳ ماده ۲۴۳ باید اظهار نمود که این بند بر خلاف بندها دیگر این ماده تنها مربوط به زمان تاسیس شرکت نبوده است و به صورت عام می باشد بنابراین اگر کسی که موظف است اطلاعاتی را در رابطه با شرکت به مرجع ثبت شرکت ها ارسال نماید واز چنین امری امتناع کند مشمول مجازات ماده ۲۴۳ می باشد بنابراین در این بند مطلب به طور عام بیان شده است.

۱۶- کلیات

شرکت سهامی عام - کلیات برای انجام پروژه های بزرگ عمرانی صنعتی کشاورزی وجود شرکتهای بزرگ لازم و ضروری است در اینگونه شرکتهای سرمایه های اندک در قالب سهام به عمومی مردم واگذار می شود موسسین یا مدیران با اداره شرکت سرمایه حاصله را در جریان گردش صحیح اقتصادی قرار می دهند و در اثر این عمل دو منفعت حاصل می گردد در مرحله اول سودی از سرمایه گذاری یا انجام فعالیت های عمرانی نصیب سهامدار می شود و در مرحله دوم رونق و آبادانی را برای کشور به ارمغان می آورد. شرکت سهامی عام نوع بخصوص و منحصر بفرد شرکت های بزرگ می باشد که اجازه فروش سهام به عموم مردم را دارد و مردم می توانند در هنگام اعلام پذیره نویسی به شعب بانک اعلام شده مراجعه و ورقه تعهد سهم را امضا و وجوه معینه را به حساب شرکت واریز نمایند. ذیلا توضیحات مختصری در خصوص این نوع شرکت با استفاده از مفاد لایحه اصلاحی قانون تجارت بیان می گردد. شرکت هایی که موسسین آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تامین می کنند شرکت سهامی عام نامیده می شود و باید بلافاصله قبل یا بعد از نام شرکت عبارت سهامی عام در کلیه اوراق و اطلاعیه ها و آگهی های شرکت بطور روشن و خوانا قید شود (مستفاد از ماده ۴ ل.ا.ق.ت) و سرمایه در موقع تاسیس شرکتهای سهامی عام نباید از پنج میلیون ریال کمتر باشد و در صورتی که بنا به موجباتی سرمایه شرکت سهامی عام در هر زمان کمتر از مبلغ مذکور شود باید ظرف یک سال از طریق افزایش سرمایه - سرمایه شرکت به حد مقرر برسد و در صورت عدم حصول شرکت سهامی عام باید به انواع شرکت های دیگر مصرح در قانون تجارت تبدیل شود و در غیر این صورت هر ذینفع (سهامدار) می تواند انحلال شرکت سهامی عام را از دادگاه صلاحیتدار تقاضا نماید (ماده ۵ ل.ا.ق.ت) برای تاسیس شرکت سهامی عام موسسین در بدو امر بایستی حداقل ۲۰٪ سرمایه را شخصا تعهد و لااقل ۳۵٪ از مبلغ تعهدی را در حسابی بنام شرکت در شرف تاسیس نزدیکی از بانکها سپرده سپس اظهارنامه ای به

ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام که به امضای کلیه موسسین رسیده باشد به اداره ثبت شرکتها تسلیم و رسید دریافت دارند چنانچه قسمتی از تعهد موسسین به صورت غیر نقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و مدارک فوق الذکر به اداره ثبت شرکتها تسلیم دارند. اداره ثبت شرکتها بر اساس ماده ۱۰ ل.ا.ق.ت.پس از مطالعه اظهارنامه و ضمایم مربوطه و تطبیق مندرجات آن با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی را صادر خواهد نمود و اعلامیه پذیره نویسی توسط موسسین در جراید آگهی و در بانکی که تعهد سهام نزد آن بعمل آمده در معرض دید علاقه مندان قرار می گیرد علاقه مندان به خرید سهام در ظرف مهلتی که اعلام شده به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضا و مبلغی که باید نقدا پرداخت شود پرداخت و رسید دریافت خواهند داشت ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم و با قید تاریخ به امضای پذیره نویس یا قائم مقام قانونی وی خواهد رسید نسخه اول در بانک نگهداری و نسخه دوم با قید رسید وجه و مهر و امضای بانک به پذیره نویس تسلیم می شود و در صورتی که ورقه تعهد سهم را شخص دیگر به جای پذیره نویس امضا نماید باید سمت و نشانی و هویت کامل خود را در ورقه قید نماید و مدارک مزبور ضمیمه ورقه تعهد سهم خواهد شد امضای ورقه سهم نشانه قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهم خواهد بود پس از انقضای مهلت پذیره نویسی یا تمدید آن موسسین حداکثر در ظرف یکماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی و پس از احراز تعهد صحیح سرمایه شرکت که اقل ۳۵٪ آن پرداخت شده باشد مجمع عمومی موسس را دعوت خواهند نمود. مجمع عمومی موسس پس از رسیدگی و احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و پرداخت مبالغ لازم وارد شور شده و اساسنامه شرکت را تصویب و اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت را انتخاب می نمایند و مدیران و بازرسان باید کتبا قبولی خود را اعلام و در این مرحله شرکت تشکیل شده محسوب می گردد آنگاه اساسنامه مصوبه مجمع عمومی موسس به ضمیمه صورتجلسه مجمع و اعلامیه قبولی مدیران و بازرسان و صورتجلسه هیات مدیره و سایر مدارک مورد نیاز جهت ثبت به اداره ثبت شرکتها تحویل گردد و چنانچه شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه به ثبت نرسد به درخواست هر یک از موسسین با پذیره نویسان اداره ثبت شرکتها گواهی نامه ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوه در آن بعمل آمده ارسال می دارد تا موسسین و پذیره نویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی را مسترد دارند و هر گونه هزینه که برای تاسیس شرکت پرداخت شده بعهده موسسین می باشد. مدارک لازم جهت کسب اجازه پذیره نویسی شرکت در شرف تاسیس سهام عام از مرجع ثبت شرکتها ۱- دو نسخه طرح اظهارنامه شرکت سهامی عام ۲- دو نسخه طرح اساسنامه شرکت سهامی عام ۳- دو نسخه طرح اعلامیه پذیره نویسی ۴- گواهی بانکی مبنی بر واریز حداقل ۳۵٪ سرمایه تعهد شده توسط موسسین ۵- فتوکپی شناسنامه موسسین مدارک لازم جهت تاسیس شرکت سهام عام ۱- دو نسخه اظهارنامه ۲- دو نسخه اساسنامه (توضیح اینکه از طرح اساسنامه این مجلد می توان بعنوان اساسنامه استفاده نمود و در این مرحله در ماده ۶ اساسنامه سرمایه ای که در هنگام پذیره نویسی تعهد شده به اضافه ۲۰٪ سرمایه تعهد شده توسط موسسین قید گردد). ۳- دو نسخه صورتجلسه مجمع عمومی موسسین ۴- دو نسخه صورتجلسه هیات مدیره (تعداد مدیران حداقل پنج نفر میباشد) ۵- آگهی دعوت مجمع موسسین در روزنامه تعیین شده ۶- فتوکپی شناسنامه مدیران (در مورد اشخاص حقوقی ارائه برگ نمایندگی الزامی است) ۷- گواهی بانکی مبنی بر واریز حداقل ۳۵٪ سرمایه شرکت ۸- ارائه مجوز یا موافقت اصولی یا مجوز از مراجع ذیصلاح در صورت نیاز یادآوریهها: ۱- حداقل سرمایه مبلغ پنج میلیون ریال باشد. ۲- حداقل ۲۰٪ سرمایه تعیین شده توسط موسسین تعهد گردد و ۳۵٪ از میزان تعهد شده پرداخت گردد. ۳- اظهارنامه و طرح اساسنامه و طرح اعلامیه پذیره نویسی به امضای موسسین رسیده باشد. ۴- اخذ و ارائه مجوز از مراجع ذیصلاح در صورت نیاز.

شرکت سهامی عام - اساسنامه شرکت سهامی عام ماده (۱) تشکیل شرکت بین دارندگان سهامی که طبق مقررات اساسنامه حاضر بوجود آمده یا بعدا بوجود آید با رعایت قوانین جاریه و مقررات اساسنامه حاضر شرکتی بنام (شرکت سهامی عام) که در موارد بعدی بطور اختصار شرکت نامیده می شود تشکیل می گردد. ماده (۲) نام شرکت نام شرکت عبارت است از

شرکت سهامی عام ماده (۳) موضوع شرکت

..... - سرمایه گذاری

و مشارکت در سایر شرکتهای از طریق تعهد سهام شرکتهای جدید و یا خرید و تعهد سهام شرکتهای موجود. - اخذ نمایندگی ایجاد شعبه و اعطای نمایندگی در داخل و خارج از کشور ماده (۴) مدت شرکت برای مدت نامحدود تشکیل شده است. ماده (۵) مرکز اصلی شرکت و شعب آن مرکز اصلی شرکت در می باشد تعیین و تغییر نشانی مرکز اصلی شرکت در صورت لزوم بنا به تصویب هیات مدیره صورت خواهد گرفت. ماده (۶) سرمایه و تعداد سهام ماده (۷) پرداخت بقیه مبلغ اسمی سهام قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی هر سهم ظرف پنج سال از تاریخ تاسیس شرکت باید در موعد یا مواعدی که طبق تصمیم هیات مدیره تعیین می شود پرداخت گردد. مطالبه تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن منتشر می شود بعمل خواهد آمد فاصله بین مطالبه و تاریخ اولین پرداخت کمتر از دو ماه نخواهد بود هر یک از تعهد کنندگان سهام که از پرداخت وجوه مورد تعهد خود در موعد یا مواعد مقرر خودداری کنند نسبت به مبلغی که تادیه نشده باشد باید خسارت دیرکرد از قرار دوازده درصد در سال نیز پردازند پس از اخطار از طرف شرکت به صاحب سهم و گذشتن یک ماه اگر مبلغ مورد مطالبه و خسارت تاخیر آن تماما پرداخت نشود شرکت اینگونه سهام را در صورتی که در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس و گرنه از طریق مزایده بفروش خواهد رسانید از حاصل فروش سهم بدوا کلیه هزینه های مترتبه برداشت گردیده و در صورتی که خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سهم (بابت اصل و هزینه ها و خسارت دیرکرد) بیشتر باشد مازاد به وی پرداخت خواهد شد. ماده (۸) در مورد ماده فوق آگهی فروش سهم با قید مشخصات سهام مورد مزایده فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر و یک نسخه از آگهی وسیله پست سفارشی برای صاحب سهم ارسال می شود هر گاه قبل از تاریخی که برای فروش معین شده است کلیه بدهیهای مربوط به سهام اعم از اصل و خسارت و هزینه ها به شرکت پرداخت شود شرکت از فروش سهام خودداری خواهد کرد در صورت فروش نام صاحب سهم سابق از دفاتر شرکت حذف اوراق سهام یا گواهینامه موقت سهام قبلی ابطال می شود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی می گردد. دارندگان سهام مذکور در ماده ۷ حق حضور و رای در مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت را نخواهند داشت و در احتساب حدنصاب تشکیل مجامع عمومی تعداد اینگونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد به علاوه حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت و همچنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت به اینگونه سهام معلق خواهد ماند. ماده (۹) در مورد ماده قبل هر گاه دارندگان سهام قبل از فروش سهام بدهی خود را بابت اصل و خسارت و هزینه ها به شرکت پرداخت کننده مجددا حق حضور و رای در مجامع عمومی را خواهند داشت و می توانند حقوق مالی وابسته به سهام خود را که مشمول مرور زمان نشده باشد مطالبه نمایند. ماده (۱۰) اوراق سهام کلیه سهام شرکت با نام است اوراق سهام شرکت متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب بوده و باید به امضای دو نفر که از طرف هیات مدیره تعیین می شوند برسد و به مهر شرکت مهور گردد به علاوه در این اوراق باید نکات زیر قید شود: ۱- نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکتهای ۲- مبلغ سرمایه ثبت شده و مبلغ پرداخت شده آن ۳- تعیین نوع سهم ۴- مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و به اعداد ۵- تعداد سهامی که هر ورقه نماینده آن است ماده (۱۱) گواهینامه موقت سهام تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است

شرکت باید به صاحبان سهام گواهینامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد و نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن باشد. ماده ۱۲) انتقال سهام انتقال سهام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضا نماید مادام که تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است هویت کامل و نشانی انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام قید و به امضای انتقال گیرنده یا وکیل یا نماینده او خواهد رسید تملک هر یک از سهام شرکت قهرا متضمن قبول مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی سهامداران خواهد بود. ماده ۱۳) غیر قابل تقسیمی بودن سهام سهام شرکت غیر قابل تقسیم است مالکین مشاع سهام مکلفند که در برابر شرکت به یک نفر نمایندگی بدهند. ماده ۱۴) مسئولیت صاحبان سهام مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است. ماده ۱۵) سرمایه شرکت سرمایه شرکت را می توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد. تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به یکی از طرق زیر امکان پذیر است: ۱- پرداخت مبلغ اسمی سهم به نقد ۲- تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سهام جدید ۳- انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت ۴- تبدیل اوراق قرضه به سهام ماده ۱۶) مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیات مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق مذکور در ماده ۱۵ افزایش دهد. ماده ۱۷) مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را از طریق فروش سهام جدید تصویب می کند یا اجازه آن را به هیات مدیره می دهد می تواند حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید از آنان سلب کند به شرط آنکه چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیات مدیره و گزارش بازرس یا بازرسان شرکت اتخاذ گردد وگرنه باطل خواهد بود. ماده ۱۸) علاوه بر کاهش اجباری سرمایه به علت از بین رفتن قسمتی از سرمایه شرکت مجمع عمومی فوق العاده شرکت می تواند به پیشنهاد هیات مدیره در مورد کاهش سرمایه شرکت بطور اختیاری اتخاذ تصمیم کند مشروط بر آنکه بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه ای وارد نشود. تبصره ۱: کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد یا مبلغ اسمی سهام صورت گرفته و کاهش اختیاری سرمایه از طریق کاهش بهای اسمی به نسبت متساوی ورد مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام می گیرد. تبصره ۲: در مورد کاهش اختیاری سرمایه تا زمانی که سهام شرکت در سازمان بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده است میزان سرمایه هیچگاه نباید کمتر از حد نصاب مقرر در زمان درج نام شرکت در فهرست شرکتهای بورس باشد. ماده ۱۹) حق تقدم در خرید سهام جدید در صورت افزایش سرمایه صاحبان سهام شرکت در خرید سهام جدید به نسبت سهامی که مالکند حق تقدم خواهند داشت و این حق قابل نقل و انتقال است. مهلتی که طی آن سهامداران می توانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند بنابه پیشنهاد هیات مدیره و تصویب مجمع عمومی فوق العاده تعیین خواهد شد و در هر حال کمتر از شصت روز نخواهد بود این مهلت از روزی که برای پذیره نویسی تعیین می گردد شروع می شود و نحوه استفاده از این حق تقدم بدین ترتیب است که پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه باید مراتب از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد به اطلاع صاحبان سهام برسد برای صاحبان سهام با نام گواهینامه حق خرید باید توسط پست سفارشی ارسال گردد. ماده ۲۰) اضافه ارزش سهم مجمع عمومی فوق العاده با توجه به پیشنهاد و گزارش هیات مدیره می تواند مقرر دارد که برای افزایش سرمایه جدیدی با اضافه ارزش یعنی به مبلغی بیش از ارزش اسمی آنها بفروش برسد عواید حاصل از اضافه ارزش سهام را می توان بحساب اندوخته منتقل ساخت یا بین صاحبان سهام تقسیم نمود یا در ازای آن سهام جدید به صاحبان سهام داد. ماده ۲۱) اوراق قرضه شرکت می تواند با تصویب مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام به انتشار اوراق قرضه مبادرت نماید تصمیم راجع به فروش اوراق قرضه و شرایط صدور و انتشار آن باید همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه کتبا به مرجع ثبت شرکتهای اعلام شود مرجع مذکور مفاد تصمیم را ثبت و خلاصه آن را همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه به هزینه شرکت در روزنامه رسمی آگهی خواهد نمود. تبصره ۱: قبل از انجام تشریفات مذکور در

ماده فوق هر گونه آگهی برای فروش اوراق قرضه ممنوع است. تبصره ۲: در هر بار انتشار مبلغ اسمی اوراق قرضه و نیز قطعات اوراق قرضه باید متساوی باشد. تبصره ۳: در اطلاعیه انتشار اوراق قرضه رعایت موارد مندرج در ماده ۵۸ قانون تجارت الزامی است.

ماده ۲۲) مقررات مشترک بین مجامع عمومی مجامع عمومی عادی سالیانه و مجامع عمومی فوق العاده را هیات مدیره دعوت می کند هیات مدیره و همچنین بازرس شرکت می تواند مقتضی مجمع عمومی عادی را بطور فوق العاده دعوت نمایند. علاوه بر این سهامدارانی که اقلاً یک پنجم سهام شرکت را مالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیات مدیره خواستار شوند و هیات مدیره باید حداکثر تا بیست روز از تاریخ تقاضات مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند در غیر اینصورت درخواست کنندگان می توانند دعوت مجمع را از بازرس شرکت خواستار شوند و بازرس مکلف خواهد بود که با رعایت تشریفات مقرر مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز از تاریخ تقاضات دعوت نماید و گرنه صاحبان سهام حق خواهند داشت مستقیماً به دعوت مجمع اقدام کنند بشرط آنکه کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت به عدم اجابت درخواست خود توسط هیات مدیره و بازرسان تصریح نمایند. تبصره ۱: چنانچه هیات مدیره مجمع عمومی عادی سالیانه را در موعد مقرر دعوت نکند بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند راساً اقدام به دعوت مجمع مزبور نمایند. تبصره ۲: هیچ مجمع عمومی نمی تواند تعهدات شرکت را تغییر بدهد و یا هیچ اکثریتی نمی تواند به تعهدات صاحبان سهام بیفزاید. ماده ۲۳) شرایط لازم برای داشتن حق حضور و رای در مجامع عمومی در کلیه مجامع عمومی کلیه صاحبان سهام یا وکیل یا قائم مقام قانونی یا نمایندگان آنها قطع نظر از عده سهام خود می توانند حضور بهم رسانند و برای هر یک سهم حق یک رای خواهند داشت مشروط بر این که بهای مطالبه شده سهام خود را کاملاً پرداخت نموده باشند. تبصره ۱: هر گاه سهامداران شرکت سهام خودشان را به دیگران انتقال دهند سهامداران بعدی وقتی با واجد بودن شرایط فوق در مجامع عادی و فوق العاده حق حضور و رای دارند که قبل از انعقاد این مجامع انتقال سهام به آنها طبق ماده ۱۲ اساسنامه حاضر در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت رسیده یا گواهینامه موقت سهم در دست داشته و از شرکت با ارائه ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ورقه ورود به جلسه دریافت کرده باشند. تبصره ۲: تا زمانی که نام شرکت در فهرست نرخ های بورس درج می باشد شرکت می تواند حداقل یک هفته قبل از تاریخ تشکیل مجمع کتبا از سازمان بورس جهت اعزام نماینده در کلیه مجامع عمومی دعوت نماید. ماده ۲۴) آگهی دعوت مجمع عمومی در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد بعمل خواهد آمد و دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع با قید ساعت و نشانی کامل در آگهی ذکر خواهد شد. تبصره: در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع عمومی حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست. ماده ۲۵) محل انعقاد مجامع عمومی مجامع عمومی اعم از عادی و فوق العاده در مرکز اصلی شرکت یا در محلی که در آگهی دعوت صاحبان سهام تعیین می شود منعقد خواهد شد. ماده ۲۶) دستور جلسه دستور جلسه هر مجمع عمومی را مقام دعوت کننده آن معین می نماید دستور جلسه باید در آگهی دعوت ذکر گردد مطالبی که در دستور جلسه پیش بینی نشده باشد قابل طرح در مجمع نخواهد بود مگر اینکه کلیه صاحبان سهام در مجمع عمومی حاضر باشند. ماده ۲۷) فاصله بین دعوت و انعقاد مجامع عمومی فاصله بین دعوت و انعقاد هر یک از جلسات مجامع عمومی عادی و فوق العاده ده روز و حداکثر چهل روز خواهد بود. ماده ۲۸) وکالت و نمایندگی در کلیه مجامع عمومی حضور وکیل یا قائم مقام قانونی صاحبان سهام و همچنین حضور نماینده یا نمایندگان اشخاص حقوقی به شرط تسلیم مدرک وکالت یا نمایندگی بمنزله حضور خود صاحب سهم است. ماده ۲۹) هیات رئیسه مجمع مجامع عمومی اعم از عادی و فوق العاده به ریاست رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره و در غیاب آنها به ریاست یکی از مدیرانی که به این منظور از طرف هیات مدیره انتخاب شده باشد تشکیل خواهد گردید مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها در دستور جلسه مجمع باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه با

اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد دو نفر از سهامداران حاضر از طرف مجمع بعنوان ناظر انتخاب می شوند همچنین مجمع عمومی با اکثریت آرا یک نفر منشی از بین صاحبان سهام یا از خارج تعیین می نماید. ماده (۳۰) ورقه ورودی و ورقه حضور و غیاب قبل از تشکیل هریک از مجامع عمومی هر صاحب سهمی که مایل به حضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم متعلق به خود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند از حاضرین در مجمع فهرستی ترتیب داده خواهد شد که در آن هویت کامل و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آرای هریک از حاضرین قید و به امضای آنان خواهد رسید. ماده (۳۱) طریقه اخذ رای اخذ رای بطور شفاهی بعمل می آید مگر اینکه مجمع عمومی با اکثریت آرا مقرر دارد که اخذ رای بطور کتبی صورت گیرد. ماده (۳۲) تمدید جلسات هرگاه در مجمع عمومی تمام موضوعات مندرج در دستور مجمع مورد اخذ تصمیم واقع نشود هیات رئیسه مجمع با تصویب مجمع می تواند اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند تمدید جلسه محتاج به دعوت آگهی مجدد نیست و در جلسات بعد مجمع به همان حد نصاب جلسه اولیه رسمیت خواهد داشت. ماده (۳۳) صورتجلسه ها از مذاکرات و تصمیمات مجامع عمومی صورتجلسه ای توسط منشی ترتیب داده می شود که به امضای هیات رئیسه مجمع رسیده باشد و یک نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد. ماده (۳۴) اثر تصمیمات مجامع عمومی که طبق مقررات قانونی و اساسنامه حاضر تشکیل گردد نماینده عموم سهامداران است و تصمیمات آنها برای همگی صاحبان سهام الزام آور می باشد. ماده (۳۵) مجمع عمومی عادی مجمع عمومی عادی شرکت باید لااقل سالی یک دفعه ظرف مدت چهارماه از تاریخ انقضای سال مالی شرکت منعقد گردد. ماده (۳۶) حد نصاب مجمع عمومی عادی در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلای بیش از نصف سهام شرکت که حق رای دارند ضروری است اگر در اولین جلسه دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رای دارند می تواند رسمیت یافته و تصمیم گیری کند به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. ماده (۳۷) اکثریت در مجمع عمومی عادی در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت نصف به علاوه یک آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود در مورد انتخاب مدیران تعداد آرای هر رای دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شود ضرب می و شد و حق رای هر رای دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود رای دهنده می تواند آرای خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفر که مایل باشد تقسیم کند. ماده (۳۸) وظایف مجمع عمومی عادی وظایف مجمع عمومی عادی بدین قرار می باشد: - استماع گزارش هیات مدیره راجع به امور شرکت و گزارش راجع بوضع شرکت و ترازنامه و حسابهای تقدیمی هیات مدیره - رسیدگی تصویب رد و یا تصحیح حسابها - تصویب سود قابل تقسیم و اندوخته ها - نصب تعویض عزل یا تجدید انتخاب مدیران و بازرسان اصلی و علی البدل تعیین حق حضور و پاداش اعضای هیات مدیره و همچنین تعیین حق الزحمه بازرسان اعم از اصلی و علی البدل - تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هر گونه آگهی های مربوط به شرکت در آن منتشر می گردد. - اتخاذ تصمیم در مورد هر گونه موضوعاتی که جزئی دستور جلسه بوده و در صلاحیت مجمع فوق العاده نباشد. تبصره: تصویب ترازنامه و حسابها باید پس از استماع گزارش بازرسان اصلی با برحسب مورد بازرسان علی البدل بعمل آید و الا باطل و از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. ماده (۳۹) مجمع عمومی فوق العاده - حدنصاب رسمیت در مجمع عمومی فوق العاده باید دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رای دارند حاضر باشند اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت و با حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. ماده (۴۰) اکثریت تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره با اکثریت دو سوم آرای سهام حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود. ماده (۴۱) اختیارات هر گونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت منحصر در صلاحیت مجمع فوق العاده می

باشد. تبصره: در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی متضمن یکی از امور ذیل باشد یک نسخه از صورتجلسه مجمع باید جهت ثبت به مرجع ثبت شرکتها ارسال گردد: ۱- انتخاب مدیران و بازررس یا بازرسان ۲- تصویب ترازنامه ۳- کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر در اساسنامه ۴- انحلال شرکت ونحوه تصفیه آن ماده (۴۲) تعداد اعضای هیات مدیره شرکت بوسیله هیات مدیره ای مرکب از حداقل پنج نفر عضو اصلی و دو عضو علی البدل که بوسیله مجمع عمومی عادی از بین صاحبان سهام انتخاب می شوند اداره خواهد شد مدیران قابل عزل و تجدید انتخاب می باشند هر یک از مدیران می توانند با اطلاع کتبی به رئیس هیات مدیره در هر موقع از سمت خود استعفا دهند در صورتی که بر اثر فوت یا استعفا و یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران تعداد اعضای هیات مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود اعضای علی البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه و الا به ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آنان را خواهند گرفت و در صورتی که تعداد اعضای علی البدل کافی برای تصدی محلهای خالی در هیات مدیره نباشد مدیران باقیمانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت را جهت تکمیل اعضای هیات مدیره دعوت نمایند. تبصره: هر گاه هیات مدیره حسب مورد از دعوت مجمع عمومی برای انتخاب مدیری که سمت او بلا تصدی مانده خودداری کند هر ذینفع حق دارد از بازررس یا بازرسان شرکت بخواهد که به دعوت مجمع عمومی عادی جهت تکمیل تعداد مدیران با رعایت تشریفات لازم اقدام کند و نیز بازررس یا بازرسان مکلف به انجام چنین درخواستی می باشند. ماده (۴۳) انتخاب اشخاص حقوقی به عضویت هیات مدیره اشخاص حقوقی را می توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود در این صورت شخص حقوقی باید یک نفر را به نمایندگی خود جهت انجام وظایف مدیریت کتبا به شرکت معرفی نماید. تبصره: اشخاص مندرج در ماده ۱۱۱ قانون تجارت را نمی توان به سمت مدیرعامل شرکت انتخاب نمود. ماده (۴۴) مدت مأموریت مدیران مدت مأموریت مدیران دو سال است این مأموریت تاوقتی که تشریفات راجع به ثبت و آگهی انتخاب مدیران بعدی انجام گیرد خود به خود ادامه پیدا می کند. ماده (۴۵) سهام وثیقه هر یک از مدیران باید لااقل سهم از سهام شرکت را در تمام مدت مأموریت خود دارا باشد این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفردا یا مشترکا بر شرکت وارد شود سهام مذکور قابل انتقال نیست و مادام که مدیریت مفاصا حساب دوره تصدی خود را در شرکت دریافت نداشته است سهام مذکور در صندوق شرکت به عنوان وثیقه باقی خواهد ماند وثیقه بودن این سهام مانع استفاده از حق رای در مجامع و پرداخت سود آنها به صاحبانشان نخواهد بود. ماده (۴۶) رئیس و نائب رئیس و منشی هیات مدیره در اولین جلسه خود که حداکثر ظرف مدت یک هفته بعد از مجمع عمومی عادی که هیات مدیره را انتخاب کرده است منعقد خواهد شد از بین اعضای هیات یک رئیس یک نائب رئیس که باید شخص حقیقی باشند برای هیات مدیره تعیین می نمایند. مدت ریاست رئیس و نیابت نائب رئیس بیش از مدت عضویت آنها در هیات مدیره نخواهد بود رئیس و نائب رئیس قابل عزل و تجدید انتخاب خواهند بود در صورت غیبت رئیس و نائب رئیس اعضای هیات مدیره یک نفر از اعضای حاضر در جلسه را تعیین می نمایند تا وظایف رئیس را انجام دهد هیات مدیره از بین اعضای هیات یا خارج یک نفر را به عنوان منشی انتخاب می نماید. ماده (۴۷) مواقع تشکیل جلسات هیات مدیره در مواقعی که خود به طور هفتگی یا ماهیانه معین می کند با دعوت کتبی یا تلگرافی رئیس یا نائب رئیس و یا دونفر از اعضای هیات مدیره یا به دعوت مدیرعامل در هر موقع که ضرورت ایجاب کند تشکیل جلسه خواهد داد بین تاریخ ارسال دعوتنامه و تشکیل جلسه هیات مدیره فاصله معقولی رعایت خواهد شد چنانچه در یک جلسه هیات مدیره تاریخ تشکیل جلسه بعد تعیین و در صورتجلسه قید شده باشد ارسال دعوتنامه برای مدیرانی که در همان جلسه حضور داشته اند ضرورت نخواهد داشت. ماده (۴۸) محل تشکیل جلسات هیات مدیره جلسات هیات مدیره در مرکز اصلی شرکت یا در هر محل دیگری که در دعوتنامه تعیین شده باشد تشکیل خواهد شد. ماده (۴۹) حدنصاب و اکثریت لازم برای رسمیت جلسه و حق دادن رای به سمت و کالت جلسه هیات مدیره در صورتی رسمیت دارد که دو سوم اعضای هیات مدیره در آن جلسات حضور داشته باشند تصمیمات هیات مدیره با اکثریت آرای حاضرین معتبر خواهد بود

هر یک از مدیران می تواند به مسئولیت خود یک نفر از اعضای هیات مدیره را به وکالت تعیین کند تا در غیاب او در جلسه هیات مدیره شرکت نماید هیچ یک از مدیران نمی تواند وکالت بیش از یک مدیر را قبول کند مدیرعامل در جلسات هیات مدیره شرکت خواهد نمود و در صورتی که عضو هیات مدیره نباشد حق رای نخواهد داشت. ماده ۵۰) تصمیمات امضا شده تصمیماتی که به امضای کلیه مدیران رسیده باشد دارای اعتبار تصمیماتی خواهد بود که در جلسه هیات مدیره اتخاذ شده باشد. ماده ۵۱) صورتجلسات هیات مدیره برای هر یک از جلسات هیات مدیره باید صورتجلسه ای تنظیم و لااقل به امضای اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد نام مدیران حاضر و غایب و خلاصه ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات متخذه در هر جلسه با قید تاریخ در صورتجلسه ذکر می گردد نظر هر یک از مدیران که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورتجلسه مخالف باشد باید در صورتجلسه قید شود در مورد ماده ۵۰ تصمیم امضا شده توسط مدیران به جای صورتجلسه هیات مدیره نگهداری خواهد شد. ماده ۵۲) اختیارات هیات مدیره هیات مدیره برای هر گونه اقدامی به نام شرکت و انجام هر نوع عملیات و معاملاتی که مربوط به موضوع شرکت بوده و اتخاذ تصمیم درباره آنها صریحا در صلاحیت مجمع عمومی قرار نگرفته باشد دارای اختیارات نامحدود است در زیر قسمتی از اختیارات هیات مدیره تصریح شده است: ۱- نمایندگی شرکت بر این اشخاص ثالث و کلیه ادارات دولتی و موسسات خصوصی ۲- تصویب آیین نامه های داخلی شرکت ۳- ایجاد و حذف نمایندگی ها یا شعبه ها در هر نقطه از ایران یا خارج از ایران ۴- نصب و عزل کلیه ماموران و کارکنان شرکت و تعیین شغل و حقوق و دستمزد و انعام و ترفیع و تنبیه و تعیین سایر شرایط استخدام و معافیت و خروج آنها از خدمات و مرخصی و بازنشستگی و مستمری وراثت آنان ۵- تصویب بودجه برای اداره کردن شرکت ۶- افتتاح حساب و استفاده از آن به نام شرکت نزد بانکها و موسسات ۷- دریافت مطالبات شرکت و پرداخت و اخواست اوراق تجارتي ۸- تعهد ظهرنویسی قبولی پرداخت و اخواست اوراق تجارتي ۹- عقد هر نوع قرارداد و تغییر و تبدیل یا فسخ و اقاله آن در مورد خرید و فروش و معاوضه امول منقول و غیر منقول که جزی موضوع شرکت باشد و بالجمله انجام کلیه عملیات و معاملات مذکور در ماده ۳ این اساسنامه ۱۰- واگذاری یا تحصیل هر گونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی) ۱۱- مبادرت به تقاضا و اقدام در مورد ثبت هر گونه اختراع ویا خرید و یا تحصیل یا فروش یا واگذاری اختراعات وورقه اختراع و یا هر گونه حقوق و امتیازات مربوط به آنها ۱۲- مبادرات به تقاضا و اقدام برای ثبت هر گونه علامت تجاری ۱۳- اجاره استجاره و واگذاری و فسخ اجاره و تقاضای تعدیل اجاره بها و دفاع از این نوع تقاضاها در تمام مراحل و مراجع و تخلیه عین مستاجر و تقاضای تجدید نظر در رای صادره یا اجرای آن ۱۴- به امانت گذاردن هر نوع اسناد و مدارک و وجوه در صندوقهای دولتی و خصوصی و استرداد آنها ۱۵- تحصیل اعتبار از بانکها و شرکتها و موسسات و هر نوع استقراض و اخذ وجه به هر مبلغ و به هر مدت و به هر میزان بهره و کارمزد ویا هر گونه شرایطی که مقتضی باشد با رعایت مقر

۱۶- شرکت های سهامی عام و خاص

۱- محاسبه میزان حق تقدم

شرکت های سهامی عام و خاص - محاسبه میزان حق تقدم میزان حق تقدم از طریق مقایسه مبلغ سرمایه موجود با مبلغ افزایش سرمایه محاسبه می شود برای مثال اگر شرکتی که سرمایه اش از ۲۰ هزار سهم ۱۰۰۰ ریالی تشکیل می شود (۲۰ میلیون ریال سرمایه دارد) سرمایه اش را به دو برابر افزایش دهد و ۲۰ هزار سهم جدید هزار ریالی صادر کند حق تقدم هر سهم معادل حق خرید یک سهم خواهد بود. پس اگر شخصی صد سهم داشته باشد می تواند صد سهم جدید خریداری کند. هر گاه در فرض مزبور شرکت فقط ۱۰ هزار سهم جدید منتشر کند حق تقدم شخصی که صد سهم دارد پنجاه سهم خواهد بود. این گونه است که ماده

۱۶۶ لایحه اصلاحی مقرر داشته است که خرید سهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالکند حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است. مهلتی که طی آن سهامداران می توانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند کمتر از شصت روز نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای پذیره نویسی تعیین می گردد شروع می شود. - محدودیت نقل اوحق تقدم صاحبان سهام در خرید سهام جدید به صراحت ماده ۱۶۶ لایحه قانونی حق تقدم صاحبان سهام در خرید سهام جدید قابل نقل و انتقال است. اما ماده مزبور حقوق حاکم بر آن و محدودیت های آن را تعیین نکرده است. از این رو نقل و انتقال حق تقدم در نهایت منجر به انتقال سهام و سهامداران شدن انتقال گیرنده می شود. بنابراین رعایت محدودیت های موجود درباره انتقال سام در این خصوص نیز ضروری است. از این رو اگر در یک شرکت سهامی خاص انتقال سهم منوط به موافقت مدیران باشد انتقال حق تقدم در خرید سهام جدید نیز باید منوط به موافقت مزبور باشد و پیش بینی این مورد در قانون تجارت ایران لازم به نظر می رسد. سلب حق تقدم اگر حق تقدم صاحبان سهام به طور کامل اعمال شود مانعی برای ورود اشخاص ناخواسته به شرکت است. اما عدم ورود اشخاص ثالث به شرکت در همه موارد مطلوب نیست. اگر یکی از طلبکاران مهم شرکت قبول کند که طلبش به سهام تبدیل شود یا گروه با نفوذی بپذیرند که به شرکت وارد شوند سلب حق تقدم صاحبان سهام راه حل مفیدی برای تقویت قدرت مالی شرکت است. به همین علت این نکته همواره مورد قبول بوده است که حق تقدم شرکا را می توان سلب کرد و در اساسنامه ها در قدیم همواره از این اختیار به سلب حق تقدم صاحبان سهام تعبیر می شد. مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را از طریق فروش سام جدید تصویب می کند یا اجازه آن را به هیئت مدیره می دهد می تواند حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی تمام یا قسمتی از سام جدید از آنان سلب کند به شرط آنکه چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیئت مدیره و گزارش بازرس یا بازرسان شرکت اتخاذ گردد و گرنه باطل خواهد بود. گزارش مذکور باید مشتمل بر توجیه لزوم افزایش سرمایه و سلب حق تقدم از سهامداران و معرفی شخص یا اشخاصی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است و تعداد و قیمت این گونه سهام و عواملی که در تعیین قیمت اینگونه سهام در نظر گرفته شده است باشد. گزارش بازرس یا بازرسان باید حاکی از تایید عوامل و جهاتی باشد که در گزارش هیئت مدیره ذکر شده است (ماده ۱۶۷ لایحه اصلاحی). در صورتی که حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید از صاحبان سهام سلب شده باشد یا صاحبان سهام از حق تقدم خود ظرف مهلت مقرر استفاده نکنند حسب مورد تمام یا باقیمانده سهام جدید عرضه و به متقاضیان فروخته خواهد شد. (ماده ۱۷۲ لایحه اصلاحی). نصاب آرا در سلب حق تقدم در خصوص تصمیم مجمع عمومی فوق العاده مبنی بر سلب حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید چنانچه سلب حق تقدم از بعضی صاحبان سهام به نفع بعضی دیگر انجام گیرد سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است حق ندارند در اخذ رای درباره سلب حق تقدم سایر سهامداران شرکت کنند در احتساب حد نصاب رسمیت جلسه و اکثریت لازم جهت بودن تصمیمات مجمع عمومی سهام سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است به حساب نخواهد آمد. (ماده ۱۶۸ لایحه اصلاحی).

۲- قلمرو محدودیت اختیارات بازرس یا بازرسان

شرکت های سهامی عام و خاص - قلمرو محدودیت اختیارات بازرس یا بازرسان برای آنکه بازرس بتواند در بهترین شرایط وظایفش را انجام دهد قانونگذار اختیارات وسیعی به او اعطا کرده است. در واقع در قسمت اول ماده ۱۴۹ (ل.ا.ق.ت) مقرر میدارد: (بازرس یا بازرسان می توانند در هر موقع هر گونه رسیدگی و بازرسی یا بازرسان می توانند در هر موقع هر گونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالعه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند...) آنچه مسلم است اگر مدارک و اطلاعات مزبور نزد شرکت باشد مدیران و مدیرعامل باید آنها را در اختیار بازرس یا بازرسان قرار دهند ولی

اگر این اطلاعات در اختیار اشخاص خارج از شرکت باشد آیا بازرسی می تواند آنها را نیز از اشخاص مزبور مطالبه کند؟ در قانون ۱۹۶۶ فرانسه به صراحت این حق به بازرسی داده شده است که اطلاعات مربوط به شرکت را از خود شرکت (مدیران) یا شرکت های وابسته به آن و یا از اشخاصی که به حساب شرکت اقداماتی کرده اند و به شرکت خدمات می دهند مانند بانکها کارگزاران بورس و سردفتران. البته مشتریان شرکت مشمول این قاعده نمی شوند چه این اشخاص به نام شرکت عمل نمی کنند. در حقوق ایران چنین اختیاراتی به بازرسی داده نشده است و به نظر می رسد که او فقط می تواند به خود شرکت یا شرکت های وابسته به آن مراجعه کند. اطلاعات را نیز باید از مرکز شرکت مطالبه و در همان جامطالعه نماید. عبارت ماده ۱۴۹ یعنی (اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت) نیز همین معنا را می رساند. با توجه به شرایط فعلی قانونگذاری ایران این راه حل منطقی است چه بازرسان دارای تشکیلات منسجمی نیستند تا بتوان از آن طریق آنان را به رعایت شئون حرفه ای مجبور ساخت. اگر آنان اختیار مراجعه به اشخاصی غیر از شرکت را داشته باشند ممکن است رعایت امانت را نکرده اطلاعات حرفه ای این اشخاص را به دیگران منتقل کنند بدون اینکه به مجازات انتظامی خاصی محکوم شوند. به موجب قسمت اخیر ماد ۱۴۹ (ل.ا.ق.ت) بازرسی یا بازرسان می توانند به مسئولیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند به شرط آنکه آنها را قبلاً به شرکت معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردی که بازرسی تعیین می کند مانند خود بازرسی حق هر گونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت. آنچه که از لفظ کارشناسان متبادر به ذهن می شود کارشناس رسمی می باشد که دارای تشکیلات و مقررات مربوط به خود می باشند. هم چنین به موجب تبصره ماده ۱۵۰ (ل.ا.ق.ت) در صورتی که بازرسان شرکت بیش از یک نفر باشند هر یک می توانند به تنهایی وظایف خود را انجام دهند اما کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظر بین بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید خواهد شد. بازرسان دارای وظایفی به شرح ذیل می باشند: - رسیدگی و اظهار نظر درباره صحت و درستی صورت دارایی و صورتحساب دوره جامعی به مجمع عمومی عادی شرکت. این گزارش باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه به صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد. اهمیت گزارش بازرسان به حدی است که ترازنامه شرکت بدون آن قابل تصویب نبوده و در صورت تصویب به هیچ وجه اثر قانونی نداشته و از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. (مواد ۱۴۸ و ۱۵۰ و ۱۵۲ و ۸۹ (ل.ا.ق.ت)). - آگاه ساختن مجمع عمومی درباره اطلاعاتی که مدیران بر خلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار داده اند (قسمت اخیر ماده ۱۴۸ (ل.ا.ق.ت)).

۳- مسئولیت مدنی و جزایی بازرسی یا بازرسان

شرکت های سهامی عام و خاص - مسئولیت مدنی و جزایی بازرسی یا بازرسان بازرسان در انجام وظایف قانونی دارای دو نوع مسئولیت می باشند: مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری. البته در صورت تشکیل کانون بازرسین علاوه بر مسئولیت های فوق دارای مسئولیت انتظامی هم خواهند بود. (آیین نامه اجرای تبصره ماده ۱۴۴ (ل.ا.ق.ت)). - مسئولیت مدنی: به موجب ماده ۱۵۴ (ل.ا.ق.ت) بازرسی یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود. براساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی اولاً: بازرسی زمانی مسئول است که مرتکب خطا و تقصیری گردیده باشد. ثانیاً: اثبات خطا و تقصیر برعهده مدعی است. ثالثاً: باید اثبات شود که ضرر بوجود آمده ناشی از تقصیر بازرسی می باشد و رابطه علت و معلولی بین زیان و فعل بازرسی وجود دارد. هر گاه بازرسان شرکت بیش از یکی باشند و ضرر بوجود آمده ناشی از خطای هر دو باشد ضرر و زیان وارده بین آنان تقسیم می شود. - مسئولیت کیفری: بازرسان هم مانند هر شخص دیگری امکان دارد مرتکب جرمی شوند بدیهی است مسئولیت آنها به میزان مجازات پیش بینی شده در قانون مجازات می باشد. اما در (ل.ا.ق.ت) سال ۱۳۴۷ جرایم خاصی برای بازرسان مقرر گردیده است که مختص

بازرسین شرکت سهامی است. به موجب ماده ۲۶۶ (ل.ا.ق.ت) (هر کس با وجودنق قانونی عالما سمت بازرسی را در شرکت سهامی پذیرد و به آن عمل کند به حبس تادیبی از دو ماه تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا یکصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد) همچنین به موجب ماده ۲۶۷ (ل.ا.ق.ت) هر کس در سمت بازرسی شرکت سهامی عالما راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارش های خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد و یا این گونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تادیبی از ۳ ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

۴- مجمع عمومی موسس

شرکت های سهامی عام و خاص - مجمع عمومی موسس ماده ۷۲ (ل.ا.ق.ت) می گوید: مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می شود. براساس این ماده و ماده ۱۷ از لایحه قانونی مذکور و ماده ۴۵ سابق قانون تجارت مصوب ۱۳/۱۲/۱۳۱۱ می توان مجمع عمومی موسس در شرف تاسیس را به شرح آتی تعریف نمود: به صحت اظهارات موسسین در زمینه احراز پذیره نویس کلیه سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت و تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی سهامداران با رعایت مقررات قانونی. به مستفاد از مواد ۲۰ و ۲۳ لایحه قانونی فوق الذکر در شرکت های سهامی خاص اولین جلسه کلیه سهامداران که طبق مقررات قانونی با هدف های فوق تشکیل می شود به منزله مجمع عمومی موسس تلقی خواهد شد. لازم به توضیح است که در شرکت های سهامی عام نباید هیئت موسس را با مجمع عمومی موسس اشتباه نمود زیرا: هیئت بنیانگذاری شرکت اقدام کرده اند و قانونا ملزم هستند حداقل بیست درصد کل سرمایه شرکت را تعهد نموده و لاقلسی و پنج درصد مبلغی مورد تعهد را به حساب (شرکت در شرف تاسیس) نزد بانک واریز نمایند. ولی مجمع عمومی موسس تشکیل می شود از کلیه صاحبان سهام شرکت اعم از موسسین و پذیره نویسان. در این مجمع اعضا می توانند در مورد هر موضوع راجع به اطلاعات شرکت یا گزارش قانونی را مورد بحث و بررسی قرار داده و فقط در مورد موضوعات آگهی شده می توانند اتخاذ تصمیم نمایند. حدنصاب لازم برای تشکیل مجمع عمومی موسس به دستور ماده ۷۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مقررات مربوط به: عده لازم از صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی و آرای لازم جهت اتخاذ تصمیم در اساسنامه معین می شود مگر در مواردی که به موجب قانون تکلیف خاصی برای آن مقرر شده است. حدنصاب لازم برای تشکیل مجمع عمومی موسس در ماده ۷۵ لایحه قانونی فوق الذکر به شرح ذیل پیش بینی شده است: (در مجمع عمومی موسس حضور عده ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است. اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد مجامع عمومی جدید فقط تا دو نوبت توسط موسسین دعوت می شوند مشروط بر این که لاقلسی بیست روز قبل از انعقاد آن مجمع آگهی دعوت آن با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشاری که در اعلامیه پذیره نویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لاقلسی یک سوم سرمایه شرکت در آن حاضر باشند. در هر یک از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت دو ثلث آرای حاضرین اتخاذ شود. در صورتی که در مجمع عمومی سوم اکثریت لازم حاضر نشد موسسین عدم تشکیل شرکت را اعلام می دارند. در خصوص ماده مذکور مراتب ذیل قانون توجه است: - جلسه مجمع عمومی موسس در نوبت اول فقط هنگامی رسمیت خواهد داشت که لاقلسی تعدادی از پذیره نویسان که نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده اند حاضر باشند بدیهی است این تعداد نباید از سه نفر کمتر باشد چرا که در این صورت عنوان مجمع بر آن جلسه صادق نیست. - منظور از اصطلاح (پذیره نویسان) در ماده ۷۵ اعم است از موسسین و تعهدکنندگان خرید سهام زیرا موسسین خود با تعهد بیست درصد کل سهام سرمایه شرکت و پرداخت سی و پنج درصد آن هم ردیف پذیره نویسان می باشند. - نظر به اینکه به موجب تبصره ماده ۷۵ (ل.ا.ق.ت) (در مجمع عمومی موسس

کلیه موسسین و پذیره نویسان حق حضور دارند و هر سهم دارای یک رای خواهد بود علی الاصول در صورت تمایل پذیره نویسان به تشکیل شرکت اکثریت مورد نظر مقنن حاصل می شود مگر این که آنها از تشکیل شرکت انصراف حاصل کرده و با عدم حضور در جلسات مجمع عمومی موجبات عدم تشکیل شرکت را فراهم سازند. درباره اعتبار تصمیمات مجمع عمومی موسس ماده ۷۵ لایحه قانونی فوق الذکر صراحت دارد که تصمیمات باید به اکثریت دو ثلث آرای حاضرین اتخاذ گردد. لذا طبق ماده ۱۰۳ لایحه قانونی مورد بحث: (در کلیه مواردی که در این قانون اکثریت آرا در مجامع ذکر شده است مراد اکثریت حاضرین در جلسه است) و حکم ماده ۷۵ ناظر به جلسه اول و جلسات دوم و سوم مجمع عمومی موسس است. به همین دلیل در ماده ۷۵ لایحه قانونی مذکور (دو ثلث آرای حاضرین) مناط اعتبار قرار داده شده است. تا چنین اکثریتی در جلسات دوم و سوم اساس اتخاذ تصمیمات باشد. وظایف مجمع عمومی موسس با رسمیت یافتن جلسه مجمع عمومی موسس قانونا وظایفی بر عهده این مجمع محول شده است که ذیلا مورد بررسی قرار می دهیم: - رسیدگی به تعهدات پذیره نویسان اعم از تصویب آورده های غیر نقدی و مزایای مورد مطالبه موسسین و غیره به حکم قسمت اخیر ماده ۷۷ (ل.ا.ق.ت) موسسینی که تصویب تقویم آورده غیر نقدی ایشان و یا مزایای مورد مطالبه آنها در دستور کار جلسه می باشد بایستی از صورت حاضرین در جلسه حذف شوند و بدون در نظر گرفتن حضور و رای آنها در خصوص مورد به اکثریت دو ثلث آرا حاضرین اتخاذ تصمیم نمایند.

۵- مجمع عمومی عادی صاحبان سهام

شرکت های سهامی عام و خاص - مجمع عمومی عادی صاحبان سهام مجمع عمومی عادی عبارت است از اجتماع سالانه صاحبان سهام شرکت طبق اصول قوانین تجاری و مالی و مقررات اساسنامه شرکت به منظور اتخاذ تصمیم بنیادی نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه در صلاحیت مجامع عمومی موسس و فوق العاده است. (ماده ۸۶ (ل.ا.ق.ت)). (در حقوق انگلیس به موجب ماده ۳۶۶ قانون شرکت ها مصوب ۱۹۸۵ هر شرکتی موظف است که در پایان سال مالی مجمع عمومی سالیانه را دعوت و تشکیل دهند ضمنا فاصله دو مجمع سالیانه نباید بیشتر از ۱۵ ماه باشد بنا به ماده ۳۶۶ (قسمت الف) شرکت سهامی خاص می تواند بنا به تصمیم سهامداران از تشکیل مجمع عمومی سالیانه خودداری نماید. در هر حال استتکاف از تشکیل مجمع عمومی سالیانه در صورتی که مقرر شده باشد موجبات مسئولیت مدنی هیئت مدیره را فراهم می سازد اداره بازرگانی و صنعت می تواند بنا به تقاضای هر سهامدار یا راسا مجمع را دعوت نماید. برای تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه شرکت سهامی حضور دارندگان اقلای بیش از نصف سهامی که حق رای دارند ضروری است. اگر در اولین جلسه که دعوت به عمل آمد حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع عمومی برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهام که حق رای دارند رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود (مواد ۸۷ و ۳۷ و ۴۹ و ۵۰ و بند ۲ ماده ۲۵۳ (ل.ا.ق.ت)) به شرط آن که در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. بر قاعده کلی فوق استثنایی وارد است و آن موقعی است که مجمع عمومی عادی بخواهد نوع خاصی از سهام شرکت را که برای آنها حقوقی در نظر گرفته شده است. در آن حقوق تغییراتی بدهد. در این مورد ماده ۹۳ (ل.ا.ق.ت) می گوید: (در هر موقع که مجمع عمومی صاحبان سهام بخواهد در حقوق نوع مخصوصی از سهام شرکت تغییر بدهد تصمیم مجمع قطعی نخواهد بود مگر بعد از آنکه دارندگان این گونه سهامی در جلسه خاصی آن را تصویب کنند. و برای آن که تصمیم جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید دارندگان لااقل نصف این گونه سهام در جلسه حاضر باشند. و اگر در این دعوت این حد نصاب حاصل نشود در دعوت دوم حضور دارندگان اقلای یک سوم این گونه سهام کافی خواهد بود تصمیمات همواره به اکثریت دو سوم آرا معتبر خواهد بود. در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت نصف به علاوه یک آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود. استثنا بر این اصل در مورد انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت است که برای انتخاب آنها اکثریت نسبی کافی خواهد بود. ماده ۸۸

(ل.ا.ق.ت) برای انتخاب مدیران فرمولی ارائه داده و می گوید: (... در مورد انتخاب مدیران تعداد آرای هر رای دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب میشود و حق رای دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود. رای دهنده می تواند آرای خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند. اساسنامه شرکت نمی تواند خلاف این ترتیب را مقرر می دارد. براین اساس اگر اقلیت موجود بین سهامداران حاضر در جلسه مجمع عمومی عادی بخواهند نماینده ای در هیئت مدیره داشته باشند می توانند با هم ائتلاف نموده با در نظر گرفتن موقعیت آرای حاضرین در جلسه رسمی همگی آرای خود را به یک یا دو نفر از کاندیدهای عضو در هیئت مدیره بدهند تا از این طریق آنها نیز نماینده ای در هیئت مدیره داشته باشند. در حقوق ایالت متحده آمریکا تصمیمات برای انتخاب مدیران اکثریت نسبی ارا به استثنا مقررات خاص صورت می گیرد و برخلاف حقوق فرانسه و کالت به صورت سفید امضا برای رای در مجمع مورد پذیرش نمی باشد. رای ادغامی در ۲۰ ایالت به صورت اجباری و در ۱۷ ایالت اختیاری می باشد تا اقلیت بتوانند از میان خود یک یا چند نفر را برای هیئت مدیره انتخاب نمایند بطور مثال اگر شرکتی دارای ۱۰۰۰ سهم بوده و مدیران آن ۱۰ نفر باشند تعداد مدیران در سهام سهامداران بشرح زیر ضرب می شود. و هر سهامدار می تواند آرا خود را به یک یا چند نفر بدهد اما اگر اقلیت ائتلاف داشته باشند در این صورت می توانند حداقل یک نفر مدیر از میان خود انتخاب نمایند. چنانچه در اولین جلسه مجمع عمومی عادی که دعوت به عمل آمده حد نصاب قانونی حاصل نشود و در دعوت دوم نیز کسی از سهامداران در جلسه حاضر نگردد سومین دعوت از مجمع عمومی عادی در قانون پیش بینی نشده است. فلذا باید مجمع عمومی عادی به طرز فوق العاده دعوت شود. (ماده ۹۲ (ل.ا.ق.ت)). وظایف و اختیارات مجمع عمومی عادی صاحبان سهام با صراحت ماده ۸۶ لایحه قانونی تجارت مجمع عمومی می تواند نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی موسس و مجمع عمومی فوق العاده است تصمیم بگیرد. وظایف مجمع عمومی عادی به شرح زیر است: - اخذ تصمیم نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه قانونا استثنا شده است (ماده ۸۶). - انتخاب مدیران شرکت. (ماده ۸۸). - انتخاب بازرسان شرکت. (ماده ۸۸). - تشکیل جلسه سالانه در موقع معین در اساسنامه برای رسیدگی به ترازنامه و حساب و سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات و دیون شرکت و صورتحساب دوره عملکرد سالیانه شرکت. در این موارد پس از استماع گزارش بازرسان یا بازرسان مالی شرکت نسبت به ترازنامه و حساب و سود و زیان سال مالی و استماع گزارش مدیران و رسیدگی به این گزارشات و سایر امور مربوط به حساب های سال مالی شرکت اتخاذ تصمیم خواهد نمود. (بند ۱۲ ماده ۵۸ و ماده ۸۹ و ماده ۱۴۸ و مواد ۱۵۰ و ۱۵۲ (ل.ا.ق.ت) به نحوی که طبق تبصره ماده ۸۹: بدون قرائت گزارش بازرسان یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب و سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود. - اظهار نظر نسبت به اظهارنامه مالیات لازم التسلیم به حوزه مالیاتی مربوط که این اظهارنامه توجهها به بند ۱۶ ماد ۸۵ و به مستفاد از مواد ۲۵ و ۲۸ و ۱۱۸ و ۱۱۹ لایحه قانونی بایستی به امضای دارندگان حق امضا پیش بینی شده در اساسنامه رسیده و به مهر شرکت مهور گردد. - تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هر گونه دعوت و آگهی ها و اطلاعیه های شرکت در آن منتشر خواهد شد (تبصره ماده ۱۷ و بند ۱۴ ماده ۹ و بند ۵ ماده ۲۰) - تعیین جانشینان مدیرانی که فوت یا استعفا نموده و یا از آنها سلب شرایط شده است. (مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ لایحه). - تعیین حق الزحمه مدیران و بازرسان شرکت. (ماده ۱۳۴ و ۱۵۵). - طبق ماده ۹۰ لایحه قانونی تجارت: (تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود. و در صورت وجود منافع تقسیم ده درصد از سود ویزه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است. - تنظیم صورت مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی توسط منشی که به امضای هیئت رئیسه مجمع رسیده و یک نسخه از صورتجلسه مذکور در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد نسخه دیگر به مرجع ثبت شرکت ها ارسال می گردد (مواد ۱۰۵ و ۱۰۶). - شور و تصویب اولین طرح اساسنامه شرکت. (مواد ۸ و ۱۷). مجمع عمومی عادی متشکله به طور فوق العاده مجمع عمومی عادی متشکله به طور فوق العاده را نباید با مجمع عمومی فوق العاده که طبق بند ۳ ماده ۷۳ لایحه قانونی تجارت یکی از

انواع خاص مجامع عمومی در شرکت های سهامی است اشتباه کرد. مجمع عمومی عادی متشکله به طور فوق العاده در واقع همان مجمع عمومی عادی موضوع بند ۲ ماده ۷۳ لایحه قانونی فوق الذکر است لیکن چون به موجب ماده ۸۶ لایحه قانونی مذکور: (مجمع عمومی عادی می تواند نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه در صلاحیت مجمع عمومی است - بایستی تصمیم گیری نماید لذا اقدام به دعوت فوق العاده این مجمع می شود. در نتیجه وقتی این مجمع عمومی طبق مواد ۸۹ و ۱۴۸ و ۱۵۰ و ۱۵۲ لایحه قانونی تجارت جلسه سالانه خود را تشکیل می دهد به نام مجمع عمومی عادی سالانه نامید می شود. و در مواقعی که ضرورتی تشکیل آن را اقتضا می نماید - مانند مورد مواد ۱۳۶ و ۱۵۳ لایحه قانونی یا موردی که بیش تر در عمل پیش می آید و ذیلا ذکر خواهد شد - مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده دعوت به تشکیل می شود. ماده ۹۲ لایحه قانونی تجارت می گوید: (هیئت مدیره و همچنین بازرس یا بازرسان شرکت می توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را به طور فوق العاده دعوت نمایند. در این صورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود.) لذا چنانچه برای تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه در جلسه اول اکثریتی حاصل نشود. و پس از این که در اجرای ماده ۸۷ لایحه قانونی تجارت مجمع عمومی عادی سالانه برای نوبت دوم دعوت شد در جلسه دوم هم فقط دو نفر از سهامداران حاضر گردند در این صورت چون عبارت ماده ۸۷ لایحه قانونی تجارت نسبت به مورد چنین است: (اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشود مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور (هر عده) از صاحبان سهامی که حق رای دارد رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود. به شرط آن که در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. و کلمات (هر عده) مفید این معناست که در جلسه دوم می بایستی بیش از یک نفر از سهامداران حاضر شده باشند تا بتوان گفت (عده ای) در جلسه حاضر بوده اند. و چون در قانون دعوت مجمع عمومی عادی سالانه برای بار سوم و نیز ترتیب چنین دعوتی پیش بینی نشده است لذا از مجموع مقررات مربوطه چنین استنباط می شود که اگر در جلسه دوم از سهامداران فقط یک نفر حضور خود را در مجمع عمومی عادی سالانه انعکاس دهد به لحاظ عدم امکان تشکیل جلسه دوم راه حل قضیه در مرتبه سوم دعوت از مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده است. و چون برای تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده هر چند بار هم که دعوت به عمل آید قانونا محدودیتی پیش بینی نشده است لذا از نظر قاون تجدید دعوت اشکالی نخواهد داشت. النهایه بدون این که در آگهی دعوت ذکری از نوبت آگهی یا نتیجه دعوت ها به جلسات اول و دوم مجمع عمومی عادی سالانه به میان آید در دعوت از مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت دستور جلسه هر چه باشد در آگهی دعوت باید قید شود. و در هر حال هر بار که مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده دعوت می شود باید حد نصاب پیش بینی شده در صدر ماده ۸۷ (ل.ا.ق.ت) یعنی حضور دارندگان اقل - بیش از نصف سهامی که حق رای دارند در جلسه وجود داشته باشد والا - جلسه متشکله رسمی محسوب نخواهد شد. ذکر چند مورد در این خصوص قابل اهمیت است: - غالبا دیده شده که مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (ماده ۹۲ ل.ا.ق.ت)) به علت عدم حصول نصاب قانونی برای بار سوم به منظور تشکیل جلسه از طریق جراید دعوت می شود. در حالی که طبق ماده ۸۷ لایحه قانونی مذکور دعوت مجمع عمومی عادی برای بیش از دو نوبت پیش بینی نشده است. - در دعوت نوبت اول جلسه مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقل - بیش از نصف سهامی که حق رای دارند ضروری است تا جلسه رسمیت یابد. و طبق ماده ۸۸ همان لایحه برای این که تصمیمات مجمع معتبر باشد اکثریت نصف به علاوه یک آرا حاضر در جلسه رسمی لازم است مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود. - در دعوت نوبت دوم جلسه مجمع عمومی عادی با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رای دارد رسمیت خواهد یافت و اخذ تصمیم خواهد نمود به شرط آن که در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. بنابراین اگر مجمع عمومی عادی طبق ماده ۹۲ لایحه قانونی فوق الذکر (به طور فوق العاده) دعوت می شود نباید آن را با مجمع عمومی فوق العاده که حدود وظایف و حد نصاب رسمیت جلسه و اعتبار تصمیمات متخذ از سوی آن مجمع در مواد ۸۳ تا ۸۵ لایحه قانونی مذکور مصرح است اشتباه نمود. بلکه مجمع متشکله براساس ماده ۹۲ لایحه قانونی

مورد بحث همان مجمع عموم عادی را در جلسه نوبت دوم با هر عده معتبر می شناسد لذا به نظر دعوت چنین مجمعی برای نوبت سوم و جاهت قانونی ندارد. ولی اگر مسامحه در دعوت سوم براساس مصلحت شرکت قابل توجیه باشد در آن صورت نیز باید معتقد بود که طبق ماده ۸۷ لایحه قانونی مذکور مجمع با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رای دارند رسمیت خواهد یافت و بالحاظ ماده ۸۸ لایحه قانونی اتخاذ تصمیم خواهد نمود.

۶- مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام

شرکت های سهامی عام و خاص - مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام شرکت عبارت است از اجتماع صاحبان سهام شرکت به طور فوق العاده طبق و قوانین تجاری و مالی و مقررات اساسنامه شرکت به منظور اتخاذ تصمیمات بنیادی نسبت به آنچه که قانونا در صلاحیت این مجمع عمومی است. (ماده ۸۳ (ل.ا.ق.ت). در مجمع عمومی فوق العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رای دارند باید حاضر باشند. اگر در اولین در دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت می شود و با حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود. به شرط آن که در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. (ماده ۸۴ (ل.ا.ق.ت)). طبق ماده ۸۵ لایحه قانونی تجارت: (تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره به اکثریت دو سوم آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود) و طبق ماده ۷۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ شرکت مجاز است حق رای سهامداران را منوط به داشتن حداقل تعداد مشخصی سهم کند. این راه حل قانونگذار در رابطه با مجامع عمومی فوق العاده قابل انتقال است زیرا وظیفه این مجامع عمدتا تغییر اساسنامه شرکت است و اساسنامه حاصل کار مجمع عمومی موسس می باشد که در آن تمام شرکا بلااستثنا حق حضور و رای دارند. در واقع راه حل قانونگذار متضمن این تالی فاسد است که عده ای از شرکا میتوانند بعد از تصویب اساسنامه و بدون حضور دیگران اساسنامه را تغییر داده و به حقوق دیگران لطمه وارد کنند. به نظر می رسد که اگر قانونگذار راه حل قانون فرانسه را اعمال نماید منطقی تر باشد. زیرا به موجب قانون فرانسه در مجمع عمومی فوق العاده نیز مانند مجمع عمومی موسس هر صاحب سهم بدون توجه به اینکه چه تعداد سهام را مالک است حق حضور و رای دارد و پیش بینی شرط خلاف آن در اساسنامه باطل است. ماده ۱۰۳ لایحه مذکور نسبت به موارد اکثریت ضابطه کلی به دست داده و مقرر می دارد: (در کلیه مواردی که در این قانون اکثریت آرا در مجامع عمومی ذکر شده است مراد اکثریت آرای حاضرین در جلسه است.) وظایف و اختیارات مجمع عمومی فوق العاده گاهی در شرکت ضرورتی پیش می آید که اقدام به تغییر و تبدیلاتی را ایجاب می نماید. اخذ تصمیم درباره این تغییرات و تبدیلات از وظایف مجمع عمومی فوق العاده صاحب سهام است. در حقوق انگلیس قانون شرکت ها مصوب ۱۹۸۵ مجمع عمومی فوق العاده را تعریف نموده و تصریح شده اگر مجمعی غیر از مجمع عمومی عادی سالیانه تشکیل گردد مجمع عمومی فوق العاده نامیده می شود. ملاحظه می شود که عدم تشکیل مجمع عمومی فوق العاده هیچگونه مسئولیتی را متوجه مدیران نمی کند و تشکیل مجمع اخیر الذکر به موجب مواد ۳۶ و ۳۷ موکول به نظر مدیران شرکت می باشد ضمنا طبق ماده ۳۶۸ قانون شرکت ها مجمع عمومی فوق العاده بنا به درخواست سهامداران تشکیل می گردد و تصمیمات فقط برای آن طبق ماضی لازم الجرا خواهد بود (بطور مثال در مورد درخواست صاحبان سهام ممتاز). افزایش سرمایه شرکت و انواع آن افزایش سرمایه شرکت می تواند بنا به دلایلی متعددی انجام پذیرد. از قبیل توسعه فعالیت های شرکت فراهم نمودن امکان تادیه شرکت و یا تبدیل شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت های تجاری. - اجباری: شرکت های سهامی در پاره ای موارد به موجب قانون مکلف به افزایش تاسیس به هر علت از حداقل قانونی کمتر شود که باید ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام لازم صورت پذیرد (ماده ۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت). هم چنین به موجب ماده ۶۱ لایحه اصلاحی در صورتی که اوراق قرضه قابل تعویض با سهام

شرکت باشد مجمع عمومی فوق العاده باید بنا به پیشنهاد هیئت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت مقارن اجازه انتشار اوراق قرضه افزایش سرمایه شرکت را اقلا برابر مبلغ قرضه تصویب کند. - اختیاری: علاوه بر موارد مذکور در بالا شرکت های سهامی می توانند هر وقت که مایل باشند با رعایت مقررات قانونی نسبت به افزایش اقدام نمایند. افزایش سرمایه شرکت اعم از موارد اجباری یا اختیاری از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود امکانپذیر می باشد (ماده ۱۵۷ لایحه اصلاحی) هر گونه تغییر در میزان سرمایه شرکت منحصر در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد (ماده ۸۳ لایحه اصلاحی). مجمع عموم فوق العاده به پیشنهاد هیئت مدیره پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مورد افزایش سرمایه شرکت اتخاذ تصمیم می کند. ماده ۱۶۱ لایحه اصلاحی. پیشنهاد هیئت مدیره راجع به افزایش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی درباره شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حساب های سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد گزارش باید حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد. گزارش بازرس یا بازرسان باید شامل اظهارنامه درباره پیشنهاد هیئت مدیره نیز باشد (تبصره ۲ ماده ۱۶۱ لایحه اصلاحی). مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیئت مدیره اجازه می دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند. سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق مذکور قانون افزایش دهد (ماده ۱۶۲ لایحه اصلاحی). اساسنامه شرکت نمی تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیئت مدیره باشد. بدیهی است که مادام که سرمایه شرکت به طور کامل تادیه نشده باشد افزایش سرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود (مواد ۱۶۴ و ۱۶۵ لایحه اصلاحی). افزایش سرمایه از طریق صدور سهام جدید. در این روش شرکت سهامی بدون اینکه به میزان مبلغ اسمی سهام بیافزاید اقدام به انتشار سهام جدیدی می نماید. مجمع عمومی فوق العاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم می کند شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تادیه قیمت آن را تعیین و یا اختیار تعیین آن را به هیئت مدیره واگذار خواهد کرد. روشهای پرداخت قیمت سهام جدید: تایده مبلغ اسمی سهام جدید به یکی از طرق زیر امکانپذیر می باشد: - پرداخت مبلغ اسمی سهم به نقد: در شرکت سهامی عام افزایش سرمایه فقط به صورت نقدی امکانپذیر است. به عکس در شرکت سهامی خاص به طور غیر نقدی هم می توان سرمایه را افزایش داد (تبصره ۱ ماده ۱۵۸ لایحه اصلاحی). - تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت سهام جدید: در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام افزایش سرمایه شرکت را از طریق تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت تصویب کرده باشد سهام جدیدی که در نتیجه این گونه افزایش سرمایه صادر خواهد شد با امضای ورقه خرید سهام توسط طلبکارانی که مایل به پذیره نویسی سهام جدید باشند انجام می گیرد. (ماده ۱۸۵ لایحه اصلاحی) چنین اقدامی زمانی از طرف شرکت قابل اعمال است که شرکت در فروخته شدن سهام جدید خود تردید داشته باشد زیرا طلبکاران شرکت حاضر نمی شوند بدون کسب امتیازتی از قبیل سلب حق تقدم خرید سهام جدید از بعضی و یا کل سهامداران شرکت به تبدیل مطالبات حال شده خود به سهام مذکور مبادرات نمایند مگر اینکه شرکت از نظر مالی وضع موفقیت آمیزی داشته باشد در این صورت نیز شرت حاضر نخواهد بود از سهامداران خود در خرید سهام جدید سلب حق تقدم کرده بدین ترتیب موجبات نارضایتی آنان را فراهم سازد زیرا سهامداران که با سرمایه گذاری در شرکت سرمایه خود را به خطر انداخته است به هیچ وجه راضی نخواهد بود که از مزایای اضافه ارزش متعلقه به سهام جدید صرف نظر کند. - انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهامی جدید به سرمایه شرکت: (این روش افزایش سرمایه هم برای شرکا مفید است و هم برای شرکت. در واقع شرکت می تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهامی فروخته شده را به اندوخته اختیاری منتقل کند (ماده ۱۶۰ لایحه قانونی ۱۳۴۷) و شرکا نمیتوانند او را به تقسیم آن بین خود وادار کنند. تخصیص سهام جدید به شرکا به نسبت حقتشان نسبت به اندوخته به آنان امکان می دهد با فروش سهام دریافتی به اشخاص ثالث وجه نقد به دست آورند. شرکت نیز بیدن وسیله اندوخته ها و سود تقسیم نشده را که در حساب بدهکاری خود نگاهداری می کند به حساب سرمایه منتقل کرده از طلبکاران (بابت اندوخته

و سود تقسیم نشده) شریک می سازد. بیهوده نیست که استفاده از این نوع واکنش سرمایه بسیار رواج دارد. - تبدیل اوراق قرضه به سهام: تنها شرکت سهامی عام می تواند به موجب قانون تجارت مبادرت به انتشار اوراق قرضه نماید و در صورتی که اوراق مزبور قابلیت تبدیل یا تعویض با سهام شرکت را داشته باشد شرکت باید سرمایه خود را تا میزان مبلغ این اوراق افزایش دهد. شرکت سهامی خاص حق انتشار اوراق قرضه را ندارد و در نتیجه از این طریق نمی تواند نسبت به افزایش سرمایه اقدام نماید. تشریفات تبدیل و تعویض اوراق قرضه با سهام شرکت در مواد ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ لایحه اصلاحی بیان گردیده است.

۷- جرایم مربوط به مجامع عمومی شرکت سهامی خاص

شرکت های سهامی عام و خاص - جرایم مربوط به مجامع عمومی شرکت سهامی خاص اگر شخصی بدون اینکه دارای سهامی شرکت باشد با توسل به وسایل متقلبانه و مزورانه خود را سهامدار شرکت قلمداد نموده و در جلسه مجمع عمومی نیز شرکت نماید و اخذ رای از ایشان شده باشد و یا کسی مانع از حضور دارنده سهام شرکت در جلسات مجمع عمومی شود مطابق ماده ۲۵۳ مجازات خواهد شد در ماده ۲۵۳ صراحت به اخذ رای شده است بنابراین اگر کسی در جلسه مجمع مزورانه شرکت نماید ولی در اخذ رای دخالت نکند و به عنوان سهامدار رای نداده سهم به تعهدات خودش در قبال شرکت عمل ننموده باشد مسئولین شرکت به جهت تخلف از انجام تعهدات مانع حضور ایشان در جلسه مجمع شوند در این صورت جرمی اتفاق نیفتاده بلکه مسئولین به وظیفه قانونی خود عمل نموده پس بنابراین صرف داشتن سهم شرکت دلیل بر محقق بودن جهت حضور در جلسات مجمع عمومی و دادن رای به عنوان سهامدار نمی باشد. یکی دیگر از وظایف رئیس و اعضای هیئت مدیره شرکت دعوت از سهامداران شرکت در ظرف مدت شش ماه پس از پایان سالی مالی شرکت می باشد بنابراین در صورتی که افراد مزبور اقدام به این ارم نمایند به حبس از ۲ ماه تا شش ماه و یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو محکوم خواهند شد (ماده ۲۵۴ و ۲۳۲). برای حضور در جلسات مجمع عمومی هر صاحب سهمی باید با ارائه سهم خود یا گواهی نامه موقت سهم ورقه حضور در جلسه مجمع را دریافت نماید در غیر این صورت از حضور ایشان در جلسات ممانعت خواهد شد و رئیس و اعضای هیئت مدیره موظفند صورت اعضای حاضرین در مجمع را ترتیب داده در غیر این صورت به مجازات مقرر در ماده ۲۵۵ محکوم خواهد شد. بعد از تشکیل جلسه مجمع عمومی صورت جلسه ای از مذاکرات و تصمیمات مجمع توسط منشی ترتیب داده می شود که این صورت جلسه باید به امضای رئیس مجمع برسد و یک نسخه از آن در مرکز شرکت بایگانی و نسخه دیگر جهت اطلاع و پیوست به سوابق به اداره ثبت شرکت ها ارسال می شود در صورتی که هیئت رئیسه مجمع این صورت جلسه را تنظیم ننماید مرتکب جرم شده است (ماده ۲۵۶). از وظایف دیگر رئیس و اعضای هیئت مدیره شرکت دعوت از مجمع عمومی جهت تعیین بازرس یا بازرسان شرکت است. بنابراین اگر اقدام به دعوت مجمع عمومی نمایند و یا در موقعی که بازرسان شرکت را جهت ارائه گزارش به مجمع عمومی به این مجمع دعوت نمایند مطابق ماده ۲۵۹ مجازات خواهند شد از طرف دیگر می دانیم که رئیس و اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل موظفند زمینه لازم جهت اطلاع بازرسان شرکت از اوضاع و احوال شرکت و اقداماتی را که شرکت در طی فعالیت خود انجام می دهد فراهم نموده تا بازرسان شرکت در صورتی که تخلفاتی مشاهده نمودند و یا در رابطه با اقدامات شرکت تهیه گزارش نموده و در موقع مجمع عمومی سالانه به صورت راپرت به اطلاع سهامداران شرکت برسانند. بنابراین اگر اعضای مارالذکر از فعالیت های بازرسان ممانعت به عمل آورند و یا ماخل فعالیت آنان شوند مجازات خواهند شد (ماده ۲۶۰). ماده ۱۴۷ اظهار می دارد اشخاص زیر نمی توانند به سمت بازرس شرکت سهامی انتخاب شوند: - اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ این قانون. - مدیران و مدیرعامل شرکت. - اقربا سببی و نسبی مدیران و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم. - هر کس که خود یا همسرش از اشخاص مذکور در بند ۲ موظفا حقوق دریافت نماید. بند یک ماده فوق الذکر اشاره به ماده ۱۱۱ نموده است که در این ماده شرایطی که باید مدیران شرکت

داشته باشند قید شده است که اولاً محجور نباشند و حکم ورشکستگی آنها صادر نشده باشد. ثانیاً مرتکب جرایم سرقت خیانت در امانت کلاهبرداری جنحه هایی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده اختلاس تدلیس تصرف غیرقانونی در اموال عمومی نشده باشند بنابراین اگر کسی که یکی از صفات مندرج در این ماده را داشته باشد و برخلاف قانون به عنوان بازرس شرکت انتخاب شده باشد مطابق تبصره ذیل ماده ۱۱۱ دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل بازرس و بازسانی را که برخلاف واقع انتخاب شده باشند را خواهد داد امروز به جهت تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب دیگر دادگاه شهرستان موضوعیت نداشته به نظر می رسد این تقاضا را می توان از رئیس شعبه ۱ دادگاه عمومی شهرستان درخواست نمود نه تنها بازرس که برخلاف قانون انتخاب شده است را می توان عزل کرد بلکه بازرسی که با علم به عدم صلاحیت خود سمت بازرسی شرکت را پذیرفته باشد مطابق ماده ۲۶۶ قابل مجازات نیز می باشد. نکته جالبی که به نظر می رسد اینکه قانونگذار شرایط انتخاب بازرس را خیلی دقیق تر و سخت تر و با وسواس بیشتر از شرایطی که باید رئیس و اعضای هیئت مدیره داشته باشند در نظر گرفته است چرا که شرایط مدیران را در ماده ۱۱۱ قید نموده در صورتی که در ماده ۱۴۷ همین قانون شرایط بازرس را توسعه داده به حدی که شرایط مدیران را در غالب یک بند از شرایط بازرسان قید کرده است بنابراین چنین نتیجه گرفته می شود که کار بازرس در شرکت خیلی حساس و مهم بوده چرا که بازرس کسی است که باید نظارت بر کلیه اعمال شرکت بنماید حتی اعمالی که مدیران انجام می دهند لذا وجود یک بازرس با صلاحیت می تواند جلوی خیلی از تخلفات احتمالی را در شرکت گرفته و مانع تضییع حقوق شرکا و اشخاص ثالث که با شرکت در ارتباط می باشند شود بنابراین اگر بازرس شرکت که باید چشم ناظر بر اعمال شرکت داشته باشد برخلاف واقع اطلاعات نادرست به مجمع عمومی داده و یا اطلاعاتی را که توسط هیئت مدیره به مجمع عمومی داده می شود برخلاف واقع تصدیق نماید مطابق ماده ۲۶۷ مجازات خواهد شد. تقسیم منافع موهوم بند ۱ ماده ۲۵۸ چنین مقرر می دارد: رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت که بدون صورت دارایی و ترازنامه یا به استناد صورت دارایی و ترازنامه ضرر و منافع موهوم را بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشند به مجازات حبس تادیبی از یک سال تا ۳ سال محکوم خواهد شد. منظور از منافع موهوم به منافی گفته می شود که غیر واقعی بوده و واقعا وجود خارجی نداشته و مسئولین شرکت برخلاف حقیقت چنین وانمود کرده باشند که شرکت سود کرده است و این سود غیرواقعی را تقسیم نمایند می دانیم که سود قابل تقسیم به سودی گفته می شود که از حاصل کسر هزینه ها و بدهکاریهای و ذخایر و کسورات سال های قبل شرکت از درآمد کلی حاصل یا به دست می آید بطور مثال اگر یک شرکت در سال مالی خود یک میلیون تومان معامله کرده باشد و در کنار این درآمد پانصد هزار تومان هزینه کرده باشد و یکصد هزار تومان نز بدهی داشته باشد و از سال مالی قبل خود نیز ۱۵۰ هزار تومان کسری داشته باشد از کل درآمد که یک میلیون تومان است می ماند ۲۵۰ هزار تومان که تازه ۱۰ درصد از این مبلغ نیز باید به عنوان ذخیره در حساب شرکت بماند و مابقی به عنوان سود قابل تقسیم بین شرکا به نسبت سهم تقسیم می شود. بنابراین اگر مدیران و اعضای هیئت مدیره برخلاف واقع اقدام به تقسیم منافع موهوم نمایند و بدین طریق در حقیقت سرمایه شرکت را به عنوان سود تقسیم نمایند مجازات خواهند شد. تنظیم ترازنامه غیرواقعی یکی دیگر از وظایف رئیس و اعضای هیئت مدیره تنظیم ترازنامه شرکت و حساب سود و زیان مالی شرکت در سال مالی گذشته می باشد (یا سال مالی قبل) بنابراین ایشان موظفند که ترازنامه شرکت را تنظیم نمود و جهت ارائه در مجمع عمومی سالانه در اختیار بازرسان شرکت بگذارند. لذا اگر اعضای فوق جهت پنهان و مخفی نگه داشتن وضعیت شرکت اقدام به سندسازی نموده و ترازنامه غیرواقعی به صاحبان سهام ارائه نمایند مطابق بند ۲ ماده ۲۵۸ محکوم خواهند شد. استفاده از اموال و اعتبارات شرکت اموال و اعتباراتی که در شرکت به عنوان سرمایه شرکت می باشد جهت جریان انداختن و کسب منافع و سود در اختیار رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت قرار داده می شود و ایشان موظفند که از امکانات مزبور جهت توسعه و رسیدن به مقاصد شرکت استفاده نمایند بدین طریق باید هر چه بیشتر بر منافع و سود شرکت اضافه نموده و سهم شرکا را

افزایش دهند. لذا اعضای مزبور حق استفاده شخصی از اموال شرکت را نداشته و تنها در چهارچوب اختیارات و مقررات مربوطه حق استفاده را دارند لذا اگر ایشان از اموال مارالذکر به نفع خود استفاده نموده و یا سرمایه شرکت را در اموری که منافع آن به مسئولین شرکت تعلق دارد مصرف نمایند مطابق ماده ۲۵۸ مجازات خواهند شد. سواستفاده از اختیارات به ضرر شرکت هر یک از مسئولین شرکت دارای اختیاراتی می باشد که مطابق قانون و اساسنامه شرکت به آنها محول شده است و ایشان می توانند با استفاده از اختیارات خود اموری مربوط به شرکت را انجام دهند بنابراین اگر افراد مزبور از اختیارات محوله سو استفاده نمودند و با سونیت از اختیارات مزبور به نفع خود به طور مستقیم و غیرمستقیم حفاظتی ایجاد نمایند مجرم و طبق بند ۴ ماده ۲۵۸ به مجازات خواهند رسید به طور مثال مدیرعامل شرکت که امور اجرایی و معاملات مربوط به شرکت را انجام یم دهد و این حق طبق قانون به او واگذار شده است از این اختیار سو استفاده نماید و اموال شرکت را به قیمت کمتر از قیمت واقعی به شرکتی که خود سهامدار می باشد واگذار نماید و یا اجناس مربوط به شرکتی که خود در آنجا سهام است را به قیمت بیشتر از قیمت واقعی برای شرکتی که به عنوان مدیرعامل دخالت نموده بخرد مشمول این ماده خواهد بود. عدم اقدام به موقع جهت تقلیل سرمایه شرکت در صورتی که بیش از نیمی از سرمایه شرت از بین رفته باشد. در صورتی که بر اثر معاملات شرکت و یا زیان های وارده ناشی از این معاملات و یا عوامل مختلف ناشی از سقوط قیمت در بازار اجناس مربوط به شرکت بیش از نیمی از سرمایه شرکت از بین برود هیئت مدیره موظف است مطابق ماده ۱۴۱ مجمع عمومی فوق العاده را دعوت نموده تا موضوع انحلال و یا بقا شرکت و تقلیل سرمایه شرکت به رای گذاشته شود بنابراین اگر اعضای مزبور به این وظیفه قانونی عمل نمایند طبق ماده ۲۶۸ مجازات خواهند شد. جرایم مربوط به کاهش سرمایه شرکت در صورتی که هیئت مدیره تصمیم به کاهش سرمایه شرکت بگیرد این امر را حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده باید به اطلاع بازرس شرکت رسانیده و رعایت تساوی در تقلیل سهام شرکا را بنمایند و در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده تصمیم به تقلیل سرمایه شرکت گرفت باید مهلت و شرایط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اعلانات مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی شود در غیر این صورت مطابق ماده ۲۶۴ مجازات خواهند شد. جرایم مدیران تصفیه در صورتی که شرکت سهامی به یکی از دلایل در ماده ۱۹۹ منحل شود در این صورت اگر انحلال شرکت به تصمیم مجمع عمومی فوق العاده باشد مدیر تصفیه نیز توسط این مجمع انتخاب می گردد و اگر به جهت صدور حکم دادگاه باشد مدیر تصفیه توسط دادگاه انتخاب می شود در این صورت مدیر تصفیه موظف است ظرف مدت یکماه تصمیم به انحلال شرکت را به مرجع ثبت شرکت ها اطلاع داده و از زمان شروع به امر تصفیه باید ظرف شش ماه گزارش مربوط به ترازنامه شرکت و دارایی و بدهی های شرکت را به اطلاع مجمع عمومی برساند مدیر تصفیه برای مدت معین اگر انتخاب شده باشد موظف است قبل از انقضای مدت ماموریت خود تقاضای تمدید مدت ماموریت خود را بنماید و همچنین مدیر تصفیه باید اگر امر تصفیه چندین سال طول بکشد همه گزارش مربوط به سود و زیان شرکت و ترازنامه و دارایی ها و بدهی های شرکت را و کلیه اعمالی را که در رابطه با امر تصفیه شرکت انجام می دهد را به اطلاع مجمع عمومی برساند و همچنین در صورتی که امر تصفیه خاتمه پیدا کند باید خاتمه عملیات خود را به مرجع ثبت شرکت ها گزارش نماید و کلیه وجوهی که بعد از تصفیه و دریافت طلب های شرکت و پرداخت بدهی های شرکت باقیمانده باشد باید در حساب مخصوصی در یکی از بانکها تودیع نموده و صورت افراد و کلیه طلبکاری هایی که طلب خود را وصول نکرده اند به بانک مزبور تسلیم نماید و باید پایان یافتن امر تصفیه را از طریق روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت از آنجا منتشر می شود برای اطلاع اشخاص ذینفع منتشر نماید بنابراین مدیریت تصفیه اگر به هر یک از وظایف مقرر در فوق عمل ننماید برخلاف امرقانونی و وظیفه محوله قانونی به خود عمل نموده و مطابق ماده ۲۶۸ مجازات خواهد شد.

۸- اضافه ارزش سهامی یابهای انتشار

شرکت های سهامی عام و خاص - اضافه ارزش سهامی یابهای انتشار می دانیم که در بدو تاسیس شرکت مجموع ارزش اسمی سهام معادل آورده های نقدی و غیرنقدی سهامداران شرکت می باشد بنابراین در این مرحله هیچگونه اختلافی بین ارزش اسمی و ارزش تجاری سهام وجود ندارد ولی در اثر فعالیت و رونق بازار شرکت تغییراتی در ارزش تجاری سهام به وجود می آید که عملاً بیشتر از ارزش اسمی آن می باشد بطور مثال اگر شرکتی دارای ۳۰ میلیون ریال سرمایه بوده که به ۳۰ هزاران سهم هزار ریالی تقسیم گردیده و دارای ۱۵ میلیون ریال اندوخته باشد ارزش تجاری هر سهم عبارت خواهد بود از: شرکت می تواند سهام جدید را برابر مبلغ اسمی بفروشد یا اینکه مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهام به عنوان اضافه ارزش سهام از خریداران دریافت کند. شرکت می تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهام فروخته شده را به اندوخته منتقل سازد یا نقداً بین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا در ازای آن سهام جدید به صاحبان سهام سابق بدهد. (ماده ۱۶۰ لایحه اصلاحی). اگر شرکت وجوه دریافتی از بابت اضافه ارزش سهام را جزو سرمایه شرکت منظور نماید در چنین صورتی غیرقابل تقسیم بین سهامداران خواهد بود اما بر عکس اگر آنها را به ذخائر شرکت منتقل سازد می تواند پس از کسر مخارج و استهلاکات و ذخیره ها و غیره مابقی اضافی مذکور را بین صاحبان سهام توزیع نماید و یا سود قابل تقسیم مزبور را به سرمایه انتقال دهد.

۹- مقایسه طرق کاهش

شرکت های سهامی عام و خاص - مقایسه طرق کاهش آنچه که همواره باید به عنوان یک اصل در کاهش سرمایه مدنظر قرار گیرد رعایت تساوی حقوق شرکای شرکت می باشد. (ماده ۱۸۹ لایحه اصلاحی) به نظر می رسد در روش کاهش سرمایه از طریق کاهش مبلغ اسمی سهام حقوق سهامداران (تساوی آن) به نحو مطلوب تری حفظ می گردد چرا که در این روش کاهش مبلغ اسمی سهام بدون توجه به تعداد سهام اشخاص و نوع آن از قبیل عادی یا ممتاز صورت می گیرد و این کاهش بر تمام سهامداران تاثیر یکسانی دارد و باعث نمی شود که سهامداری از شرکت خارج می گردد. اما در روش کاهش سرمایه از طریق تقلیل تعداد سهام این امر متصور می باشد که سهامدارانی که دارای سهام منفرد می باشند به واسطه تقلیل تعداد سهام از شرکت خارج شوند و نتیجتاً رعایت تساوی حقوق سهامداران دچار نقصان گردد. ظاهراً قانونگذار هم با این استدلال کاهش اختیاری سرمایه را از طریق تقلیل تعداد سهام تجویز ننموده است و تنها روش کاهش مبلغ اسمی را که تساوی حقوق سهامداران را به نحو مطلوب تری تضمین می نماید اجازه داده است. بدیهی است که در خصوص کاهش اجباری سرمایه چون قهراً صورت می پذیرد قانونگذار مجمع فوق العاده را مخیر به انتخاب یکی از دو روش - با توجه به مصلحت شرکت - نموده است. تشریفات کاهش سرمایه هر گونه تصمیم در خصوص کاهش سرمایه شرکت سهامی منحصر در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد. (ماده ۸۳ لایحه اصلاحی). پیشنهاد هیئت مدیره راجع به کاهش سرمایه باید حداقل ۴۵ روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرسان یا بازرسان شرکت تسلیم گردد. (ماده ۱۹۰ لایحه اصلاحی) پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و همچنین شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد. بازرسان یا بازرسان شرکت پیشنهاد هیئت مدیره را مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را طی گزارشی به مجمع عمومی فوق العاده تسلیم خواهند نمود و مجمع عمومی پس از استماع گزارش بازرسان تصمیم خواهد گرفت. (ماده ۱۹۱ لایحه اصلاحی). هیئت مدیره قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی را درباره کاهش حداکثر ظرف مدت یک ماه در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد

آگهی کند (ماده ۱۹۲ لایحه اصلاحی). اعتراض به کاهش سرمایه گفته شد که سرمایه شرکت وثیقه طلب طلبکاران شرکت می باشد و هر گونه کاهش در سرمایه باعث می شود که طلبکاران از تضمین کمتری نسبت به بازپرداخت طلب خود برخوردار باشند. طلبکاران شرکت در خصوص کاهش اجباری سرمایه به ناچاری می بایست تبعات آن را تحمل نمایند اما در خصوص کاهش اختیاری سرمایه چنین اجباری ندارند و می توانند نسبت به آن اعتراض نمایند. در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت هر یک از دارندگان اوراق قرضه و یا بستانکارانی که منشا طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده ۱۹۲ باشد می توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی اعتراض خود را نسبت به کاهش سرمایه شرکت به دادگاه تقدیم کنند. (ماده ۱۹۳ لایحه اصلاحی). در صورتی که به نظر دادگاه اعتراض نسبت به کاهش سرمایه وارد تشخیص شود. و شرکت جهت تامین پرداخت طلب معترض وثیقه ای که به نظر دادگاه کافی باشد نسیپارد در این صورت آن دین حال شده و دادگاه حکم به پرداخت آن خواهد داد. (ماده ۱۹۴ لایحه اصلاحی). اطلاعیه کاهش سرمایه و رد مبلغ کاهش یافته برای کاهش بهای اسمی سهام شرکت و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم هیئت مدیره شرکت باید مراتب را طی اطلاعیه ای به اطلاع کلیه صاحبان سهم برساند. اطلاعیه شرکت باید در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر شود و برای صاحبان سهام با نام توسط پست سفارشی ارسال گردد. (ماده ۱۹۶ لایحه اصلاحی) اطلاعیه مذکور در ماده ۱۹۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد: - نام و نشانی مرکز اصلی شرکت. - مبلغ سرمایه شرکت قبل از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه. - مبلغی که هر سهم به آن میزان کاهش می یابد یا بهای اسمی هر سهم پس از کاهش. - نحوه پرداخت و مهلتی که برای بازپرداخت مبلغ کاهش یافته هر سهم در نظر گرفته شده و محلی که در آن این بازپرداخت انجام می گیرد. ممنوعیت خرید سهام شرکت توسط خود شرکت به موجب ماده ۱۹۸ لایحه اصلاحی: (خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع است). (علت وضع این ماده جلوگیری از ایجاد ضرر به سهامداران را خریداری و باطل نماید. بدین ترتیب اشخاص اخیر از وضع بهتری نسبت به سایر صاحبان سهم برخوردار شوند. از طرف دیگر با چنین اقدامی اصل تساوی حقوق سهامداران در شرکت رعایت نشده اشخاص ثالث نیز که با شرکت طرف قرارداد می باشند که با کاهش مخفی سرمایه مواجه خواهند شد. اما این سؤال مطرح می شود که آیا شرکت می تواند تحت شرایطی مبادرت به خرید سهام خود بنماید؟ نظر به اینکه ماده ۱۹۸ مذکور اصل ممنوعیت خرید سهام شرکت بوسیله خود شرکت را بیان کرده لذا مشکل است اشاره مقنن را در ماد ۶۵ و بند ۲ از ماده ۲۶۲ لایحه اصلاحی به کاهش سرمایه از طریق باز خرید سهام به عنوان قاعده خاص تلقی نمود. ممکن است گفته شود که اگر باز خرید سهام شرکت توأم با تقلیل سرمایه باشد در این صورت لطمه ای به حقوق صاحبان سهم و اشخاص ثالث وارد نمی شود. در پاسخ می توان گفت که اگر این کاهش تحت ضوابط دقیق قانونی صورت نگیرد و متأسفانه قانون تجارت ایران آن را پیش بینی ننموده است امکان دارد که شرکت به تغییرات صوری سرمایه مبادرت ورزد و چنین عملی برخلاف اصل ثبات وثیقه طلب طلبکاران و رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام خواهد بود. از وظایف دیگر مجمع عمومی فوق العاده تغییرات در اساسنامه و تبدیل نوع شرکت می باشد. به هر حال مجمع عمومی فوق العاده به علت تصمیمات مهمی که اتخاذ می نماید از اهمیت ویژه ای برخوردار است و به همین دلیل نصاب اتخاذ تصمیم در این مجمع با ۳/۲ آرا حاضر در جلسه اتخاذ می گردد.

۱۰- تصفیه شرکت های سهامی

شرکت های سهامی عام و خاص - تصفیه شرکت های سهامی نتایج انحلال شرکت تصفیه و تقسیم اموال آن است. تصفیه و تقسیم اموال شرکت در زمانی که شرکت به حکم دادگاه باطل اعلام می گردد نیز انجام می شود (ماده ۲۷۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷). لایحه قانونی ۱۳۴۷ نسبت به قانون تجارت ۱۳۱۱ در مورد تصفیه امور شرکت و تقسیم اموال آن مقررات کامل تری دارد. با تصمیم مجمع

عمومی فوق العاده صاحبان سهام به انحلال شرکت تجاری دوران تصفیه شرکت آغاز می گردد. در انحلال غیر اختیاری نیز با تصمیم مرجع ذیصلاح قضایی مبنی بر انحلال شرکت دوران تصفیه شروع می شود. از آنجا که قانونگذار به لحاظ حفظ حقوق سهامداران و اشخاص ثالث ذینفع و نیز پرداخت سریعتر دیون شرکت بر مسئله تسریع در امر تصفیه و کوتاه شدن زمان تصفیه تاکید خاصی معمول داشته و سقف زمانی خاصی را برای ماموریت مدیران منظور نموده است لذا بدین لحاظ از ایجاد هر گونه فاصله ای در مدت تصفیه که امور مربوطه را معلق و معطل بگذارد اجتناب و مقررات نسبتاً روشنی را برای انتخاب عزل تمدید و پایان ماموریت مدیران تصفیه پیش بینی نموده است. مجموع عملیاتی را که پس از انحلال شرکت به منظور پرداخت قروض و وصول مطالبات و تقسیم مازاد دارایی شرکت انجام می دهند تصفیه امور شرکت می گویند. شخصیت حقوقی شرکت در حال تصفیه بقای شخصیت حقوقی شرکت در دوران تصفیه موجب بهره مندی شرکت از مزایای یک شخص حقوقی را فراهم می آور و در طول مدت تصفیه شرکت از این مزایا می تواند استفاده کند و در نتیجه در دوران تصفیه اولاً مدیران تصفیه می توانند به نام شرکت در حال تصفیه اقدامات لازم را برای انجام عملیات تصفیه و خاتمه حیات شخص حقوقی ایجاد شده بنمایند. (ماده ۲۱۲ ل.ا.ق.ت) ثانياً بستانکاران شرکت بدو حق رجوع به سهامداران برای ایفای طلب خود را ندارند و پاسخگوی مطالبات آنان شرکت در حال تصفیه می باشد نه شخص سهامداران مگر اینکه در شرکت های شخص دارایی شرکت تکافوی بدهی های آن را بنماید که در این صورت نیز پس از تادیه بدهی ها از شرکت به قدر ممکن طبق قانون تجارت رجوع به سهامداران ممکن می گردد. (ماده ۱۱۶ ق.ت) ثالثاً اموال و دارایی های متعلق به شرکت با ابقای شخصیت حقوقی شرکت پس از انحلال نیز در اختیار و ملکیت شخص حقوقی خواهد ماند تا اینکه حقوق اشخاص ثالث و بستانکاران تایده گردد سپس مازاد بر آن طبق مقررات تقسیم خواهد شد (ماده ۲۳۳ ل.ا.ق.ت) رابعاً کلیه دعاوی بر ضد شرکت و یا دعاوی شرکت بر ضد اشخاص به نام و از طرف شرکت اقامه می شود و شرکا یا سهامداران مادام که شخصیت حقوقی باشد نمی توانند برای پرداخت بدهی مربوط به شرکت مورد تعقیب واقع شوند (ماده ۲۰۸ ل.ا.ق.ت). بنابراین شرکت در طول تصفیه شخصیت حقوقی خود را حفظ می کند در نتیجه دارای حقوق و تعهداتی مستقل از شرکاست البته حقوق و تعهداتی محدودتر از زمان قبل از انحلال آن. وجود شخصیت حقوقی ناقص شرکت (که فقط به منظور امر تصفیه باقی می ماند) نتایجی در بردارد که با نتایج وجود شخصیت حقوقی کامل شرکت متفاوت است. - نام شرکت : طبق ماده ۲۰۶ لایحه قانونی ۱۳۴۷ نام شرکت در طول امر تصفیه ذکر می شود. هم چنین نام مدیر یا مدیران تصفیه باید در تمام اوراق و آگهی هیا مربوط به شرکت قید گردد. نتیجه این وضع این است که تا زمانی که امر تصفیه به پایان نرسیده است هیچ شرکت دیگری حق ندارد از نام شرکت استفاده کند. هر گاه مدیر تصفیه از اجرای مقررات ماده ۲۰۶ خودداری کند و به این سبب به اشخاص ثالث زیان وارد شود (برای مثال اشخاص بدون آنکه بدانند شرکت در حال تصفیه است با او معامله کنند) مدیر تصفیه با توجه به قواعد عام مسئولیت مدنی محکوم به پرداخت خسارات وارده بر آنها خواهد بود. - نشانی شرکت: شرکت در طول تصفیه نشانی سابق خود را حفظ خواهد کرد (نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود مگر آنکه به موجب تصمیم مجمع عمومی فوق العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شده باشد. (ماده ۲۰۷ لایحه قانونی ۱۳۴۷). لازم نیست این نشانی در اوراق و آگهی های مربوط به شرکت قید شود چه آنچه لازم نیست در اوراق و آگهی های مذکور ذکر گردد عبارت (در حال تصفیه) است نه چیز دیگر (ماده ۲۰۶ لایحه قانونی ۱۳۴۷) البته این امر نقصی است که در قانون وجود دارد و قانونگذار باید آن را رفع کند. - اهلیت شرکت: شرکت فقط برای انجام یافتن امور تصفیه موجود است: یعنی اقدامات مدیر تصفیه به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت محدود می شود و معاملات جدید ممنوع است مگر برای اجرای تعهدات شرکت (ماده ۲۰۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷) این محدودیت تصمیمات مجمع عمومی در زمان تصفیه را نیز شامل می شود. یعنی مجمع عمومی فقط در مورد امور تصفیه می تواند تصمیم گیری کند. برای مثال نمی تواند تصمیم بگیرد

که شرکت به شرکت دیگری تبدیل شود. - دارایی شرکت: شرکت در زمان تصفیه دارایی خود را حفظ می کند و انحلال آن موجب نمی شود دارایی اش به صورت مشاع غیر مشاع در مالکیت قرار گیرد. این قاعده کاملاً منطقی است چه دارایی شرکت تضمین طلب طلبکاران آن است و طلبکاران شرکا نسبت به آن حقی ندارند. - ورشکستگی شرکت: هر گاه در حین امر تصفیه معلوم شود که شرکت ورشکسته است می توان صدور حکم ورشکستگی آن را از دادگاه صلاحیت در مرکز اصلی شرکت تقاضا کرد. در این صورت تصفیه امور شرکت و تقسیم دارایی آن مطابق مقررات مربوط به ورشکستگی انجام خواهد شد (ماده ۲۰۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷). - اقامه دعوی: شرکت در حال تصفیه می تواند علیه اشخاص دیگر اقامه دعوی کند و هم چنین می توان آن را مورد تعقیب قضایی قرارداد. اقامه کننده دعوی برای شرکت منحصرأ مدیر تصفیه است و طرف دعوی اشخاص ثالث علیه شرکت نیز شخص اخیر است نه شرکای شرکت. مدیران تصفیه امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق العاده ای که رای به انحلال شرکت می دهد ترتیب دیگری مقرر داشته باشد (ماده ۲۰۴ ل.ا.ق.ت) در مواردی که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه صورت می گیرد. مدیر یا مدیران تصفیه را دادگاه ضمن صدور حکم انحلال تعیین خواهد کرد. در صورتی که به هر علت مدیر تصفیه تعیین نشده باشد یا تعیین شده ولی به وظایف خود عمل نکند هر ذینفع حق دارد تعیین مدیر تصفیه را از دادگاه درخواست کند ماده ۲۰۵ لایحه اصلاح قانون تجارت. بدین ترتیب می توان گفت که مدیران تصفیه شرکت سهامی عبارت خواهند بود از: - هیئت مدیره شرکت - یا شخص یا اشخاصی که اساسنامه تعیین کرده است - یا شخص یا اشخاصی که مجمع عمومی فوق العاده تعیین می کند. - یا شخص یا اشخاصی که دادگاه تعیین می نماید. در هر مورد که بر اثر انحلال یا بطلان شرکت مدیر تصفیه باید از طرف دادگاه تعیین شود و مدیر یا مدیران تصفیه ای که توسط دادگاه تعیین شده اند حاضرین به قبول سمت مدیریت تصفیه نباشند دادگاه امر تصفیه را به اداره تصفیه امور ورشکستگی حوزه خود ارجاع می نماید. تبصره - تعیین حق الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه ای که توسط دادگاه تعیین می گردد به عهده دادگاه است. اعلام به مرجع ثبت شرکتها مدیران تصفیه مکلفند ظرف پنج روز تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنها را به مرجع ثبت شرکت اعلام تا پس از ثبت برای اطلاع عمومی در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی شود. انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده است نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است. چند نکته قابل ذکر است: - نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود. مگر آنکه موجب تصمیم مجمع عمومی فوق العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شده باشد. - در مدت تصفیه اطلاعیه ها و آگهی های شرکت در حال تصفیه در همان روزنامه کثیرالانتشاری انتشار می یابد که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است. - مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالماً ظرف یک ماه پس از انتخاب تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام نشانی خود را به مرجع ثبت شرکت ها اعلام نکنند به حبس یا جزای نقدی یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد. برفرض صحت ادعا مبنی بر توقف یا انحلال و تصفیه شرکت با عنایت به مدلول و مدت ملاک ماده ۲۰۹ قانون تجارت لزوماً می بایست به اداره ثبت شرکت ها اعلام و آگهی شود که پاسخ استعمال دایره ثبت شرکت ها چنین حکایتی ندارد. مدت ماموریت مدیر تصفیه قانونگذار به منظور جلوگیری از طولانی شدن مدت تصفیه در ماده ۲۱۴ لایحه قانون ۱۳۴۷ مقرر کرده است: (مدت ماموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند. اگر تا پایان ماموریت مدیران تصفیه خاتمه نیافته باشد مدیر یا مدیران تصفیه باید با ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می دانند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهم رسانیده تمدید مدت ماموریت خود را خواستار شوند. تطویل زمان تصفیه علی القاعده موجبات ایجاد هزینه های زیاد و ضرر و زیان صاحبان سهم و یا اشخاص ذینفع دیگر را فراهم می آورد و چه بسا اطمینان مردم را از شرکت های تجاری بکاهد لذا مدیران تصفیه می بایست هر چه سریعتر و

رحداقل زمان ممکن عملیات تصفیه را به انجام برسانند و ختم عملیات تصفیه را اعلام کنند. بدین منظور قانونگذار مهلت زمان خاصی را پیش بینی نموده است تا از طولانی نمودن زمان تصفیه توسط مدیران جلوگیری گردد. علی الاصول تمدید ماموریت بامر جعی است که مدیر تصفیه را تعیین می نماید اگر مدیران توسط صاحبان سهام انتخاب شده باشند تمدید زمان ماموریت آنان یا مجمع عمومی شرکت است و چنانچه مدیران از طرف دادگاه انتخاب شده باشند می باید با رعایت تشریفات مقرر توسط دادگاه تمدید ماموریت صورت گیرد. انتخاب اولین مدیران تصفیه شرکت توسط مجمع عمومی فوق العاده شرکت (که تصمیم به انحلال شرکت می گیرد) انجام می شود ولی به نظر نمی رسد که تمدید ماموریت آنان نیز به تصمیم مجمع عمومی فوق العاده داشته باشد بلکه مجمع عمومی عادی صاحبان سهام نیز می تواند در این خصوص اتخاذ تصمیم نماید بهتر است که موضوع توسط قانونگذار تصریح شود. فوت یا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته دعوت نمایند و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقی مانده مکلفند تعیین جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند. اگر امر تصفیه منحصرأ به عهده یک نفر باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورتی که مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذینفع می تواند از مرجع ثبت شرکت ها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هر ذینفع می تواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد با فوت مدیر تصفیه این سمت به خاندان ورثه او منتقل نمی شود مگر اینکه مجمع از ورثه وی فردی را به عنوان مدیر انتخاب نماید. عزل مدیر در مدت ماموریت اگر برای مدیران تصفیه نقش وکیل برای صاحبان سهام را قایل باشیم با عنایت به اینکه موکل حق عزل وکیل خود را در هر موقعی دارد سهامداران می توانند هر موقع بخواهند مدیران منتخب را معزول نمایند. منتها چون مدیران وکی اکثریت سهامداران شرکت هستند لذا عزل آنها موکل به تصمیم مجمع عمومی و مرجعی است که آنان را انتخاب نموده است. در مواردی نیز که مدیران تویط دادگاه تعیین می شوند دادگاه به عنوان قائم مقام قانونی صاحبان سهام حق عزل مدیران را دارد. در اینجا این پرسش مطرح است که آیا صاحبان سهام به هر کیفیتی که اراده کنند می توانند از این حق خود در جهت عزل و نصب مدیران استفاده کنند یا اینکه در اعمال آن محدودیت دارند؟ و آیا مدیران می توانند از بابت عزل خود از سمت مدیریت شرکت تقاضای ضرر و زیان وادعای خسارت نمایند؟ پاسخ به پرسش های فوق به مسئله سو استفاده یا حسن نیت شخص در اعمال حق قانونی اش برمی گردد. بدیهی است که اگر عزل مدیر به طور عادی و در شرایط طبیعی انجام شود و این عزل و برکناری به قصد اضرار به مدیر انجام نگردد و از این رهگذر مدیران به طور مادی یا معنوی متضرر نگردند هیچ گونه مسئولیتی متوجه صاحبان سهام نخواهد شد و مدیران معزول نیز نمی توانند درخواست ضرر و زیان نمایند چرا که این حق مسلم صاحبان سهام است که برای رعایت مصالح و منافع خود مدیری را که در لیاقت و کفایت او شک می کنند از مدیریت شرکت معاف نمایند و او را بر کنار کنند. امکان عزل مدیر قبل از اتمام مدت مقرر در اساسنامه : طبق مواد ۴۸ و ۵۱ قانون تجارت (منسوخه) مدیر یا مدیران شرکت سهامی که برای مدت محدودی به مدیریت انتخاب می شوند قابل عزل می باشند و با ملاحظه مفاد این مواد پیداست که مجمع عمومی می تواند هر وقت بخواهد در طول مدت تصدی مدیر یا مدیران اقدام به عزل آنها بنماید بنابراین تعیین مدت در اساسنامه برای تصدی مدیر یا مدیران تاثیری در حق مجمع عمومی از لحاظ اختیار عزل که قانون برای آن مجمع مقرر دانسته ندارد و در چنین مواقعی

برای عزل مدیر یا مدیران حاجت به تغییر مواد اساسنامه نمی باشد. وظایف و اختیارات مدیر و یا هیئت مدیره تصفیه از تاریخ تعیین مدیر یا مدیران تصفیه اختیارات مدیران شرکت خاتمه می یابد و تصفیه شرکت شروع می شود. وظایف و اختیارات هیئت تصفیه به قرار زیر است: - تحویل کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت تنظیم صورت جلسه ای که به امضای مدیران شرکت و هیئت تصفیه برسد. - خاتمه دادن کارهای جاری با قید اینکه کار جدید شروع نخواهد شد. - اجرای تعهدات شرکت و عدم قبول تعهد جدید مگر اینکه اجرای تعهدات سابق شرکت معاملات جدیدی را ایجاب نماید. - وصول مطالبات - پرداخت بدهی ها. - طرح دعوی و تعقیب دعاوی سابق و دفاع از کلیه دعاوی مطروحه بر علیه شرکت از طریق دادرسی یا ارجاع به داوری و سازش راسا یا بوسیله وکیل دادگستری. - نقد کردن دارایی شرکت: مدیر یا مدیران تصفیه باید اموال شرکت را اعم از منقول و غیر منقول به فروش رسانیده و تبدیل به پول نقد کنند. زیرا علاوه بر پرداخت دیون شرکت که باید نقدی باشد تقسیم دارایی شرکت بین صاحبان سهام آن نیز باید نقدی انجام گیرد. مدیر یا مدیران تصفیه در فروش اموال باید صلاح و صرفه شرکت را مراعات کنند. هر چند قانون بیانی در این خصوص ندارد. ولی صواب این است که فروش اموال از طریق مزایده و با کسب نظر کارشناس رسمی به عمل آید. - دعوت بستانکاران: مدیر یا مدیران تصفیه باید طی آگهی که سه دفعه و هر دفعه به فاصله یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه و آگهی های مربوط به شرکت در آن مندرج می شود منتشر می کند شروع تصفیه را اعلان و بستانکاران شرکت را دعوت نمایند. بررسی اسناد در دست بستانکاران که مراجعه می کنند و تهیه لیستی از دیون مالی و موجل شرکت از اموری است که مدیران تصفیه باید آن را انجام دهند. - بستانکاران شرکت می توانند انواع زیر باشند: - بستانکاران با وثیقه - بستانکاران با حق رجحان. - بستانکاران عادی. بستانکاری که دارای وثیقه است نسبت به حاص فروش مال مورد وثیقه بر سایر طلبکاران مقدم خواهد بود و از مبلغ به دست آمده از فروش آن نخست طلب او باید پرداخت گردد. بستانکاران با حق رجحان شرکت منحل عبارتند از: - کارکنان شرکت برای شش ماه حقوق و دستمزد قبل از انحلال شرکت. - کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می گیرند برای مزد سه ماه قبل از انحلال شرکت. گروه اول در دریافت حقوق و دستمزد خود از دارایی شرکت منحله بر گروه دوم مقدم هستند. اول حقوق و دستمزد آنها به طور کامل پرداخت می شود و سپس به پرداخت دستمزد استحقاقی گروه دوم اقدام می گردد. مطالبات بستانکاران عادی بعد از بستانکاران با حق رجحان پرداخت می شود. - تقسیم دارایی نقدی شرکت بین صاحبان سهام به نسبت سهام آنها به شرطی که در مدت تصفیه مورد احتیاج نبوده و حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعد تادیه آن نرسیده موضوع شود. - دعوت مجمع عمومی عادی سالانه سهامداران مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته است. - تسلیم گزارش و صورت حساب دارایی منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان دوره عملکرد سالانه با کلیه اقدامات و معاملات که انجام شده است. تبصره ۱- صاحبان سهام حق دارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات حسابها در دوره تصفیه کسب اطلاع کنند. تبصره ۲- در صورتی که مجمع عمومی دو دفعه دعوت شود ولی تشکیل نگردد و یا تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد باید مدیران تصفیه گزارش عملیات خود را در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد برای اطلاع عموم سهامداران منتشر کنند. - دعوت مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام در صورت لزوم طبق تشریفات که قبل از انحلال انجام می گرفت. - باز پرداخت مبلغ رسمی سهام به سهامداران پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و پرداخت کلیه دیون شرکت. - تودیع باقیمانده وجوه در حساب مخصوص نزدیکی از بانک های ایران با تسلیم صورت حساب و اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی که حقوق خود را استیفا نکرده اند و آگهی مراتب در روزنامه. تبصره - این وجوه تا ده سال در اختیار بانک خواهد بود که به مراجعه کنندگان ذی حق پرداخت شود و سپس از پایان ده سال به عنوان مال بلاصاحب به خزانه دولت تحویل خواهد شد. - اعلام پایان تصفیه به ثبت شرکت ها برای ثبت و انتشار در روزنامه کثیرالانتشار در روزنامه کثیرالانتشار. - تحویل دفاتر و اسناد و مدارک به اداره ثبت شرکتها که تا ده سال از اعلام ختم تصفیه باقی بماند. ممنوعیت مدیران

تصفیه به موجب ماده ۲۱۳ لایحه اصلاح قانون تجارت انتقال دارایی شرکت در حال تصفیه کالا یا بعضا اشخاص زیرممنوع است: - مدیر یا مدیران تصفیه - اقارب مدیر یا مدیران تصفیه از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم به تصریح ماده مزبور هر نقل و انتقالی که برخلاف مقررات فوق انجام گیرد باطل خواهد بود. علاوه بر آن مدیر یا مدیران تصفیه ای که برخلاف ماده ۲۱۳ به انتقال دارایی شرکت در حال تصفیه مبادرت کنند به مجازات حبس محکوم خواهند شد. ناظر یا ناظران دعوت مجامع عمومی در کلیه موارد به عهده مدیران تصفیه است. هرگاه مدیران تصفیه به تکلیف مزبور عمل نکنند ناظر مکلف به دعوت مجمع عمومی خواهد بود. اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی می تواند برای دوره تصفیه یک یا چند ناظر تعیین نماید. در صورتی که ناظر یا ناظران نیز به تکلیف خود عمل نکرده و به دعوت مجمع عمومی اقدام نمایند یا ناظر در اساسنامه پیش بینی نشده یا مجمع عمومی به تعیین ناظر اقدام نکرده باشد دادگاه به تقاضای هر ذینفع حکم به تشکیل مجمع عمومی خواهد داد. اساسنامه یا مجمع عمومی صاحبان سهام می تواند برای دوره تصفیه ناظر یا ناظرانی تعیین کند ناظر یا ناظران مکلفند به عملیات تصفیه رسیدگی کرده گزارش خود را به مجمع عمومی عادی صاحبان سهام تسلیم کنند. به نظر می رسد که مجمع عمومی عادی می تواند به عزل ناظر یا ناظران و تعیین جانشین برای آنها اقدام کند. وضعیت شرکت در مدت تصفیه همانطور که قبلا گفته شد برابر ماده ۲۱۷ لایحه اصلاح قانون تجارت مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته است مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در قانون و اساسنامه پیش بینی شده است دعوت کرده صورت دارایی منقول و غیرمنقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارش حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده اند به مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند. ضمانت اجرای کیفی این ماده در بند ۳ ماده ۲۶۸ ذکر گردیده است. در مدت زمان تصفیه صاحبان سهام حق دارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حساب ها کسب اطلاع کنند. در مدت تصفیه مقررات راجع به دعوت و تشکیل مجامع عمومی و شرایط حد نصاب و اکثریت مجامع مانند زمان قبل از انحلال باید رعایت شود و هر گونه دعوتنامه و اطلاعیه ای که مدیران تصفیه برای صاحبان سهام منتشر می کنند باید در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد منتشر شود. در ماده ۲۲۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت لزوم مطلع کردن سهامداران از عدم تشکیل مجامع عمومی صحبت شده و تصریح دارد: (در مواردی که به موجب این قانون هرگاه مجمع عمومی مورد نظر دو مرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت شده ولی تشکیل نگردد یا اینکه تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد مدیران تصفیه باید گزارش خود و صورت حسابهای مقرر در ماده ۲۱۷ این قانون را در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط در آن درج می گردد برای اطلاع عمومی سهامداران منتشر کنند. و بالاخره آن قسمت از دارایی نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست بین صاحبان سهام تقسیم می شود مشروط بر اینکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعد تادیه آن نرسیده است موضوع شده باشد.

۱۱- مسئولیت مدنی و جزایی در شرکت های سهامی

شرکت های سهامی عام و خاص - مسئولیت مدنی و جزایی در شرکت های سهامی با توجه به اینکه شرکت سهامی اعم از خاص و عام از مجموع چند نفر شریک یا سرمایه مشترک که دور هم جمع شده و جهت انجام اعمال واموری که مد نظر شرکا می باشد تشکیل می شود تا مسئولین شرکت با به کارانداختن سرمایه کسب منافع نموده و منافع حاصله را بین شرکا به نسبت سهم تقسیم نمایند و همچنین تشکیل شرکت و انجام فعالیتها مورد نظر شرکت مستلزم ایجاد رابطه و معامله با افراد خارج از شرکت می باشد واز این معاملات و خرید و فروشهایی که شرکت با افراد خارج از شرکت انجام می دهد مبنای حصول سود بوده (سود خالص قابل تقسیم) که این سود بین سهامداران به نسبت سهم تقسیم می شود بر این مبنا شرکا یا مسئولین ممکن است که به خاطر رسیدن به

سود بیشتر دست به تخلفاتی زده و یا با سرمایه اندک اقدام به تاسیس شرکت نموده بنابراین دولت به عنوان حافظ منافع عموم در امر شرکت ها دخالت نموده و با وضع قوانین و مقررات چهارچوبه قانونی تشکیل و فعالیت و سایر اقدامات که از بدو تشکیل شرکت تا زمان انحلال شرکت حتی بعد از انحلال و تصفیه شرکت را مشخص نموده تا بدین طریق منافع و حقوق اشخاص ثالث که با شرکت در مراد و معامله باشند تضمین شده و شرکا با توسل به تقلب و راههایی غیرقانونی حقوق اشخاص ثالث را در معرض تضییع قرار ندهد و حتی در بعضی موارد قانون گذار به خاطر حفظ حقوق شرکا و جلوگیری از تفویت منافع شرکت مجبور به تنظیم مقرراتی شده است و بدین وسیله رابطه بین شرکا و وظیفه مسئولین شرکت را مشخص نموده است با این حال قانونگذار تنها به ذکر قواعد کلی و شکلی شرکت اکتفا نموده و تنها به مقررات تنظیمی بسنده نموده است بلکه جهت حسن اجرای مقررات و جلوگیری از تخلفات احتمالی ضمانت اجرایی منظور نموده است که تحت عنوان مقررات جزایی عنوان شده است لذا در صورت تخلف هر یک از ارکان اداره کننده و اجرایی شرکت متخلفین را با تعیین مجازات به کیفر عمل خودشان و عاقبت بی قانونی و تخلف از مقررات مسبوق نموده است این مجازاتها را قانونگذار در بخش یازدهم اصلاحی سال ۴۷ مقرر نموده است لذا بر آن شده ایم تا با تحلیل مقررات جزایی مربوط به این بخش گامی هر چند کوچک در جهت تبیین و تفسیر مقررات جزایی تجارت برداریم. لازم به ذکر است که در هر موردی که حداکثر مجازات قانونی بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از ۹۱ روز باشد دادگاه موظف است که طبق بند ۲ ماده ۳ قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین در صورتی که بخواهد به کمتر از ۹۱ روز حبس حکم دهد به جای حکم حبس محکوم را به جزای نقدی از ۷۰۰۰۱ ریال تا سه میلیون ریال محکوم نماید در غیر این صورت اگر دادگاه بخواهد اعمال حبس نماید باید مجازات حبس را بیش از ۹۱ روز معین نماید. لازم به ذکر است که کلیه مواد استنادی در این مورد منظور قانون لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ می باشد در غیر این صورت اگر منظور قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ و یا سایر قوانین باشد در کنار مواد مرجع استنادی تصریح خواهد شد.

۱۲- انتخاب و عزل بازرسی یا بازرسان

شرکت های سهامی عام و خاص - انتخاب و عزل بازرسی یا بازرسان انتخاب بازرسی یا بازرسان در شرکت های سهامی اجباری است و مدت مأموریت بازرسان حداکثر یک سال می باشد. مجمع عمومی عادی در هر سال یک یا چند بازرسی انتخاب می کند تا بر طبق قانون به وظایف خود عمل کند انتخاب مجدد بازرسی یا بازرسان بلامانع است. (ماده ۱۴۴ (ل.ا.ق.ت) ۱۳۴۷) انتخاب اولین بازرسی یا بازرسان در شرکت های سهامی عام با مجمع عمومی مؤسس (ماده ۱۴۵ (ل.ا.ق.ت) ۱۳۴۷) و در شرکت های سهامی خاص با سهامداران شرکت است که مطابق بند ۳ ماده ۲۰ (ل.ا.ق.ت) این انتخاب باید در صورت جلسه ای قید و به امضای کلیه سهامداران برسد. علاوه بر انتخاب بازرسی یا بازرسان اصلی مجمع عمومی باید یک یا چند بازرسی علی البدل نیز انتخاب کند تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفا یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرسی یا بازرسان اصلی جهت انجام وظایف بازرسی دعوت شوند (ماده ۱۴۶ (ل.ا.ق.ت)). مطابق تبصره ماده ۱۴۴ (ل.ا.ق.ت) در حوزه هایی که وزارت اقتصاد اعلام می کند وظایف بازرسی شرکتها را در شرکت های سهامی عام اشخاصی می توانند ایفا کنند که نام آنها در فهرست رسمی بازرسان شرکت ها مندرج شده باشد. ماده ۱ آیین نامه اجرایی تبصره ماده مزبور مصوب ۱۳/۱۱/۱۳۴۹ کمیسیون اقتصاد مجلسین شرایط لازم برای بازرسان شرکت های سهامی عام را به شرح زیر تعیین می نماید: - داشتن حسن شهرت و نداشتن کیفری موثر. - داشتن درجه لیسانس یا بالاتر در یکی از رشته های متناسب با وظایف و مسئولیت های بازرسی به تشخیص کمیسیون مذکور در ماده ۲. - عدم اشتغال به نمایندگی در مجلس. - عدم اشتغال به طور تمام وقت در موسسات وابسته به دولت و شهرداریها و موسسات وابسته به آن. در حقوق ایالات متحده آمریکا آنگلیس و فرانسه بازرسی انتخاب می شود نظر بازرسی در صحت و درستی حسابهای شرکت و

اطلاعات داده شده به سهامداران و مردم از اهمیت ویژه ای برخوردار است و موجبات جلب اعتماد مردم را به سرمایه گذاری فرام می سازد. ضمناً حق الزحمه بازرسان براساس ماده ۱۵۵ (ل.ا.ق.ت) در مجمع عمومی عادی سالیانه تعیین می گردد. به موجب ماده ۱۴۴ (ل.ا.ق.ت) مجمع عمومی عادی در هر موقع می تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند به شرط آنکه جانشین آنها را نیز انتخاب نماید. به موج بماده ۸۸ (ل.ا.ق.ت) برای انتخاب بازرسان اکثریت نسبی آرا حاضر در جلسه رسمی معتبر می باشد و نیازی به اکثریت مطلق آرا نمی باشد. مکانیزم تعیین شده برای انتخاب مدیران با توجه به سکوت قانون در خصوص بازرسان در مورد آنان نیز لازم الرعایه می باشد. با توجه به حساسیت وظایف بازرسان به عنوان ارگان کنترل کننده شرکت های سهامی و در جهت حفظ حقوق سهامداران قانونگذار در خصوص انتخاب افراد به عنوان بازرس یا بازرسین شرکت مقررات سختی را وضع نموده است. به موجب ماده ۱۴۷ (ل.ا.ق.ت) اشخاص زیر نیم توانند به سمت بازرسی شرکت سهامی انتخاب شوند: اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ این (ل.ا.ق.ت) ماده مذکور در خصوص صفات سلبيه اشخاصی است که به مدیریت شرکت های سهامی انتخاب می شوند که عبارتست از: - محجورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است. - کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه های ذیل به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت سرقت خیانت در امانت کلاهبرداری جنحه هایی که موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است اختلاس تدلیس تصرف غیرقانونی در اموال عمومی. - مدیران و مدیرعامل شرکت بدیهی است اشخاص که اعمال آنها موضوع وظایف بازرسی است خود نمی توانند به عنوان بازرس انتخاب گردند. - اقربا سببی و نسبی مدیران و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم - هر کس که خود یا همسرش از اشخاص مذکور در بند ۲ موظفاً حقوق دریافت می دارد.

۱۳- نحوه فعالیت هیئت مدیره

شرکت های سهامی عام و خاص - نحوه فعالیت هیئت مدیره برابر ماده ۱۰۷ (ل.ا.ق.ت). شرکت سهامی به وسیله هیئت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می باشند اداره خواهد شد. در مقررات شرکت سهامی (ق.ت) ۱۳۱۱ نیز طبق ماده ۴۸ آن اداره شرکت بعهده یک یا چند نفر واگذار شده بود. ماده مذکور مقرر می داشت (شرکت سهامی به واسطه یک یا چند نفر نماینده موظف یا غیر موظف که از میان شرکا به سمت مدیر و برای مدت محدودی معین شده و قابل عزل باشند اداره خواهد شد). بطوری که ملاحظه می گردد به موجب ماده اخیر الذکر اداره شرکت سهامی توسط یک نفر هم امکان پذیر بود. ولی باوجود صراحت ماده مذکور عملاً شرکت های سهامی به وسیله هیئت مدیره اداره می گردید. در مقررات شرکت های سهامی سابق راجع به قلمرو اختیارات مدیران شرکت های سهامی تصریحی وجود نداشت فقط در ماده ۵۱ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ به مسئولیت مدیران اشاره کرده بود. به موجب ماده مذکور (مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد). از این رو قلمرو اختیارات مدیران محدود به قلمرو وکیل و تابع مقررات وکالت بود. و اساسنامه شرکت می توانست اختیارات مدیران را به طور وسیع معین یا آنکه آنها را محدود کند. در صورتیکه اختیارات مدیران در اساسنامه پیش بینی نشده یا محدود تعیین شده بود با توجه به مقررات قانون مدنی در باب وکالت هیئت مدیره ناچار بود برای انجام امور شرکت در هر مورد برای گرفتن مجوز به مجمع عمومی مراجعه کند. البته بعدها برای جلوگیری از این گرفتاریها اغلب شرکتهای در اساسنامه طی ماده مخصوصی کلیه اختیارات لازم برای هیئت مدیره پیش بینی می کردند. البته بعضی از مدیران نیز برای فرار از مسئولیت انجام بیشتر امور شرکت را موکل به تصویب مجمع عمومی می نمودند. در (ل.ا.ق.ت) مصوب ۱۳۴۷ قانونگذار با این نگاه که اولاً مدیران شرکت وکیل صاحبان سهام نیستند بلکه وکیل شرکت که یک شخصیت حقوقی علیحده است می باشند ثانیاً شرکت سهامی یک سازمان حقوقی مستقلی بوده و دارای ارکان تشکیلاتی که هیئت مدیره یکی از ارکان می باشد و با توجه به اینکه هر

یک از اعضا ارکان شرکت دارای وظایف و اختیارات خاصی بوده که نباید در وظایف و اختیارات یکدیگر دخالت مبادرت به تصویب ماده ۱۱۸ کرد به موجب ماده مذکور: (جز در مورد موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.) هر چند که ماده مذکور علی الاطلاق راجع به قلمرو اختیارات مدیران شرکت سهامی سخن بهمیان آورده لیکن مقررات این ماده فقط راجع به اعضای هیئت مدیره است و مدیرعامل رادر بر نمی گیرد. حدود اختیارات مدیرعامل نشأت گرفته از هیئت مدیره است ماده ۱۲۵ (ل.ا.ق.ت) در این خصوص مقرر کرده است: (مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضا دارد.) بطوری که ملاحظه می گردد ماده ۱۱۸ مذکور اختیارات تام هیئت مدیره مقید به دو قید نموده که راجع به هر یک از آنها توضیحاتی داده خواهد شد. - هیئت مدیره نمی تواند راجع به موضوعاتی که به موجب مقررات (ل.ا.ق.ت) اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی اعم از عادی و فوق العاده هیچ گونه اقدامی انجام دهد. بدین ترتیب هیئت مدیره نمی تواند اعضای خود را انتخاب یا عزل کند یا حق حضور مدیران را تعیین نماید یا آنکه ترازنامه سالیانه و حساب سود و زیان شرکت را تصویب کند. چه این موارد در صلاحیت مجامع عمومی عادی شرکت می باشد. همینطور هیئت مدیره نمی تواند مقررات اساسنامه را مورد تغییر یا اصلاح قرار دهد یا آنکه سرمایه شرکت را کم یا زیاد کند. زیرا این موارد در صلاحیت خاص مجامع عمومی فوق العاده است. - تصمیمات هیئت مدیره باید در حدود موضوع شرکت باشد اقدامات و تصمیمات مدیران در مقابل اشخاص ثالث در صورتی معتبر است که قاعده مذکور در آن رعایت شده باشد. این قاعده با این منطق حقوقی منطبق است که مدیران نمی توانند بیشتر از شرکت دارای حق باشند. این راه حل که برای حفظ حقوق شرکت و شرکای شرکت مقرر شده بیشتر با قواعد و کالت سازگاری دارد تا با مقررات مربوط به امور تجارت. گفتیم که هیئت مدیره بایستی در چارچوب اساسنامه شرکت و موضوعی که شرکت برای آن بوجود آمده فعالیت نماید. حال اگر هیئت مدیره دایره عمل و اقدام خود را به خارج از موضوع شرکت بکشد یا آنکه فقط در خارج از موضوع شرکت فعالیت کند به موجب مفهوم مخالف ماده ۱۱۸ مورد بحث در مقابل شرکت مسئول می باشد. این امر ممکن است به حقوق شخص ثالث که طرف عمل و اقدام هیئت مدیره می باشد لطمه وارد نماید. یعنی ممکن است عمل یا اقدام مذکور از سوی دادگاه باطل اعلام و موجب ضرر شخص ثالث گردد. در این خصوص بعضی از علمای حقوق تجارت عقیده دارند که چنانچه هیئت مدیره شرکت سهامی خارج از چارچوب و موضوع شرکت اقدام کند در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت مسئولیت دارند. طبق نظر مذکور اقدامات هیئت مدیره در قبال اشخاص ثالث معتبر است حتی اگر اقدامات مذکور خارج از موضوع شرکت باشد مگر اینکه ثابت شود اشخاص ثالث از اقدامات خارج از موضوع شرکت هیئت مدیره اطلاع داشته و با این عمل با شرکت رابطه تجاری برقرار کرده اند. به هر حال به نظر میرسد ماده ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) تاب تفسیر فوق را ندارد و در فرض مطروحه شخص ثالث فقط می تواند جبران خسارت وارده را از هیئت مدیره مطالبه کند و در توجیه آن می تواند گفت که شرکت های سهامی خاص پس از تشکیل باید در اداره کل ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی به ثبت برسند و پس از ثبت لازم است که آگهی تاسیس شرکت مذکور برای اطلاع عموم روزنامه رسمی کشور جمهوری اسلامی ایران و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار درج گردد. آگهی مذکور مشتمل است بر مشخصات کامل شرکت سهامی خاص از جمله نام میزان سرمایه مرکز اصلی مدت شرکت و دارندگان امضای مجاز و مهمتر از همه موضوع شرکت و نوع فعالیت های که شرکت به منظور آن تشکیل می شود. بنابراین فرض قانونگذار این است که شخص ثالث طرف عمل و اقدام شرکت به موضوع شرکت اشرف دارد. بنابراین اگر قرار منعقد خارج از موضوع شرکت باشد شرکت در قبال

آن مسئولیت ندارد و ثالث فقط می تواند به اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل (اشخاصی که بی واسطه در انعقاد قرارداد دخالت داشته اند) مراجعه کند. بنابراین لازم است که افراد (اعم از شخص حقیقی یا حقوقی) در معاملات با شرکت های سهامی ابتدائاً در ماده موضوع شرکت تحقیق کرده و با این شناخت اقدام خود را آغاز کنند و گرنه ممکن است متحمل ضرر گردند. با تصویب ماده ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) اعضای هیئت مدیره دارای کلیه اختیارات تام برای اداره امور شرکت در محدود موضوع شرکت می باشند و می توانند بی نیاز از داشتن وکالتنامه کلیه امور شرکت را تحت عنوان (هیئت مدیره شرکت) انجام دهند. ماده ۵۸۸ ق.ت. مقرر می دارد: شخص حقوقی می تواند دارای کیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت بنوت و امثال ذلک. طبق ماده مذکور شرکت سهامی که یک شخص حقوقی است می تواند به نام شرکت اقامه دعوی کند یا به دفاع از دعوی که علیه شرکت شده پردازد خرید و فروش کند وام بگیرد یا وام بدهد رهن بدهد یا رهن بگیرد و قس علیهذا. و چون اعمال حقوقی مذکور توسط هیئت مدیره انجام گیرد لذا ماده ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) هیئت مدیره شرکت را با کلیه اختیارات لازم مامور اداره امور شرکت نموده بجز آنچه را که استناد کرده است. لایحه اصلاح قانون تجارت در ماده ۱۲۹ اعضای هیئت مدیره (و اشخاص دیگری) را که بدون اجازه هیئت مدیره مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله یا سهام در معامله می شوند از انجام معامله منع کرده است. باید توجه داشت ممنوعیت مذکور جز مستثنیات ماده ۱۱۸ نمی باشد معاملات موضوع ماده ۱۲۹ معاملات شخصی اعضای هیئت مدیره بوده و به شرکت مربوط نمی گردد که در حیطه ماده ۱۱۸ فرار بگیرد. همینطور است معاملات موضوع ماده ۱۳۳ و محدودیت هایی که در ماده ۱۳۲ برای اعضای هیئت مدیره پیش بینی گردیده است. راجع به مواد مذکور در جای خود توضیحات لازم داده خواهد شد. در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مدیران شرکت سهامی تابع مقررات وکالت بودند. از آنجا که به موجب قوانین مقررات راجع به وکالت انجام بعضی از اعمال حقوق توسط وکیل نیاز به تصریح آن در قوانین مقررات راجع به وکالت انجام بعضی از اعمال حقوق توسط وکیل نیاز به تصریح آن در قرارداد دارد. می باید اختیار انجام این قبیل اعمال توسط هیئت مدیره در اساسنامه قید می گردید. اختیاراتی نظیر خرید و فروش وام دادن و وام گرفتن رهن دادن و رهن گرفتن حق مصالحه و سازش و داوری حق وکالت در توکیل حق اقامه دعوی و دفاع از آن باید مورد به مورد در اساسنامه تصریح می گشت. اگر چنانچه یکی از اختیارات مذکور در اساسنامه پیش بینی نشده بود در مواقع لزوم هیئت مدیره ناگزیر از دعوت مجمع عمومی بود تا مجمع مذکور اختیار انجام آن را به هیئت مدیره تفویض میکرد. لایحه اصلاح قانون تجارت در ماده ۱۱۸ بدون در نظر گرفتن محدودیت هایی که در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجمع عمومی برای هیئت مدیره در نظر گرفته شده به هیئت مدیره اختیار تام برای اداره امور شرکت داده است و بر همین مبنا اشخاص ثالث میتوانند به شرکت (از طریق اعضای هیئت مدیره آن) فارغ از دغدغه های موضوعات و مسائل درونی شرکت در حدود موضوع شرکت وارد داد و ستد شده و روابط تجاری و مالی برقرار کنند. البته چنانچه در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجمع عمومی اختیارات تام مدیران محدود گشته باشد مدیران لزوم به رعایت آن محدودیت ها خواهند بود و هر گاه خارج از چارچوب پیش بینی شده مبادرت به اخذ تصمیم یا اقدام نمایند در مقابل شرکت مسئول خواهند بود. بنابراین اگر هیئت مدیره در روند کار ادای شرکت ناچار باید پا را فراتر از محدودیت اختیاراتش بگذارد نباید قبل از آنکه نظر مثبت مجمع عمومی شرکت را در مورد آن بگیرد هیچ گونه اقدامی انجام بدهد. اگر هیئت مدیره بدون جلب موافقت مجمع مذکور کار خود را انجام بدهد ماده ۱۱۸ اقدام انجام شده را در مورد شخص ثالث نافذ و معتبر می شناسد. فقط اعضای هیئت مدیره در مقابل شرکت مسئول آن اقدام خواهند بود و شرکت حق خواهد داشت در صورت ورود خسارت بخود جبران آن را از مدیران مطالبه کند. قسمت اخیر ماده ۱۱۸ در این خصوص مقرر می دارد: محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجمع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است. از این رو شرکت و صاحبان سهام نمی توانند تقاضای ابطال

عمل یا اقدام هیئت مدیره را که خارج از حیطه اختیارات او بوده بکنند. اشخاص ثالث نیز نمی توانند به استناد محدودیت هایی که برای مدیران به لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام مقرر شده به آن عمل یا اقدام خدشه ای وارد کنند. شایان ذکر است در صورتی که چارچوب اختیارات هیئت مدیره اساسنامه شرکت از قبل تعیین شده باشد چون لازمه افزایش و کاهش اختیارات مدیران نیاز به تغییر یا اصلاح اساسنامه شرکت دارد از این رو این امر در صلاحیت خاص مجمع عمومی فوق العاده می باشد و مجمع عمومی عادی از این لحاظ نمی تواند کاری انجام دهد بجز عزل مدیران. هیئت عمومی شعب حقوقی دیوانعالی کشور در رای اصراری شماره ۲۲-۱۱/۷/۷۴ راجع به پرونده شماره ۱۵/۱۳۷۴ با استناد به مواد ۱۱۸ و ۱۳۵ و وحدت ملاک ماده ۱۳۰ (ل.ا.ق.ت) چنین حکم کرده است که عدم رعایت اساسنامه راجع به فروش اموال غیر منقول شرکت سهامی موجب عدم نفوذ معامله در برابر اشخاص ثالث نیست. لازم به ذکر است که اختیاراتی که به موجب ماده ۱۱۸ به مدیران تفویض گردیده برای هیئت مدیره به عنوان یکی از ارکان شرکت وضع شده که با توجه به قواعد و ضوابط تعیین شده در (ل.ا.ق.ت) مبادرت به اتخاذ تصمیم نمایند. بنابراین اعضای هیئت مدیره منفردا حق مداخله در امور شرکت را ندارند. به طوری که اشاره شد اعضای هیئت مدیره منفردا حق مداخله در امور شرکت را ندارند بلکه مجموع آنها با توجه به مقررات ذریبط و اساسنامه شرت باید امور شرکت را اداره نمایند. از آنجا که تعداد مدیران در شرکت های سهامی خاص حداقل سه نفر هستند و اکثرا با توجه به کثرت صاحبان سهام بیش از این دارای مدیر هستند لاجرم در اداره شرکت و اتخاذ تصمیم راجع به آن امکان تداخل نظرات وجود دارد لذا قانونگذار برای جلوگیری از این امر رعایت ضوابطی را ضروری اعلام نموده است ماده ۱۲۱ (ل.ا.ق.ت) در این خصوص مقرر می دارد: برای تشکیل جلسات هیئت مدیره حضور بیش از نصف اعضای هیئت مدیره لازم است. تصمیمات باید با اکثریت آرا حاضرین اتخاذ گردد مگر آنکه در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شده باشد. با توجه به تصریح ماده مذکور اعضای هیئت مدیره باید شخصا در جلسات حضور بهم رسانند و نمی توانند به جای خود وکیل یا نماینده اعزام نمایند. این ممنوعیت شامل دادن وکالت یا نمایندگی هر یک از اعضای هیئت مدیره به دیگری نیز می گردد. قبلا- گفتیم که در مقررات شرکت های سهامی موضوع قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ تحت شرایطی هر یک از مدیران می توانست برای خود جانشینی به عنوان نماینده تعیین کند. با توجه به صدور ماده چنانچه هیئت مدیره متشکل از ۹ نفر عضو باشد حضور شخصی لااقل ۵ نفر از اعضا در جلسه هیئت مدیره الزامی است تا جلسه رسمیت یابد و گرنه جلسه تشکیل گردید اتخاذ تصمیم منوط به اکثریت آرا حاضرین در جلسه خواهد بود در این جلسه تصمیم یا تصمیمات متخذع لااقل با تصویب سه نفر از حاضرین معتبر می باشد. هر گاه در اساسنامه اکثریت بیشتری برای تصویب تصمیمات پیش بینی شده باشد طبق قسمت اخیر ماده ۱۲۱ اکثریت مذکور مالک خواهد بود. به نظر می رسد اساسنامه شرکت نمی تواند نصاب مقرر در قسمت اول ماده مذکور را افزایش دهد. زیرا ظاهرا قید استثنا کننده مندرج در قسمت اخیر ماده نظر به اکثریت آرا حاضرین در جلسه دارد نه (حضور بیش از نصف اعضای هیئت مدیره). به هر حال تعیین نصابهایی کمتر از میزان تعیین شده مندرج در ماده ۱۲۱ صحیح نبوده و موجب بطلان تصمیمات متخذع در جلسه هیئت مدیره می باشد. مساله ای که در اینجا مطرح می شود این است که هرگاه نیمی از اعضای حاضر در جلسه موافق و نیمی دیگر مخالف تصمیم گیری در مورد دستور جلسه بودند چه باید کرد؟ به نظر می رسد در این مورد چون مندرج در قسمت اخیر ماده ۱۲۱ حاصل نگردیده پس تصویبی هم صورت نگرفته است. البته این حالت در مواردی پیش می آید که اکثریتی که در جلسه حضور یافته اند رقم زوجی را تشکیل دهند. حال چنانچه در مورد مساله ای عده موافق و مخالف مساوی باشند و یک یا چند عضو دیگر هیئت مدیره که در جلسه هم حضور دارند حاضر به دادن رای نباشد و باصطلاح رای ممتنع بدهند تکلیف چیست؟ در این مورد هم به نظر می رسد آرا ممتنع را باید جز آرا مخالفین بحساب آورد. معمولا در اساسنامه شرکت ها نوعی ضمانت اجرا در مورد غیبت غیر موجه هر یک از مدیران در هیئت مدیره پیش بینی می گردد بطور مثال غیبت غیر موجه دو جلسه متوالی یا سه جلسه متناوب هر مدیری به منزله استعفا او از هیئت مدیره محسوب می گردد.

قانونگذار در ماد ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) برای اداره امور شرکت اختیارات تام به هیئت مدیره داده است. بدیهی است که لازمه این اختیارات ایجاد تکلیف و مسئولیت برای مدیران است و عدم رعایت آنها نیز موجب مسئولیت مدنی و بعضاً کیفری است که قانونگذار موارد آنها را در قانون پیش بینی نموده است. با توجه به اینکه اعضای هیئت مدیره منتخب مجمع عمومی موسس یا مجمع عمومی عادی همه در یک سطح قرار دارند و امکان مخدوش گردیدن وظایف و لوث مسئولیت آنها بدون اعمال مدیریت وجود دارد قانونگذار به موجب ماده ۱۱۹ (ل.ا.ق.ت) هیئت مدیره را مکلف نموده که از بین خود یک رئیس و یک نایب رئیس انتخاب کند به موجب ماده مذکور: هیئت مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیئت یک رئیس و یک نایب رئیس که باید شخصی حقیقی باشند برای هیئت مدیره تعیین می نماید. مدت ریاست رئیس و نیابت نایب رئیس هیئت مدیره در هر موقع می تواند رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره را از سمت های مذکور عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود کان لم یکن خواهد بود. به طوری که از ماده مذکور استنباط می گردد هیئت مدیره می تواند مدت ریاست رئیس و نایب رئیس را بطور محدود معین کند. یعنی علاوه بر آنکه مدت ریاست رئیس و نیابت نایب رئیس هیئت مدیره نمی تواند بیش از مدت عضویت او در هیئت مدیره باشد هیئت مدیره می تواند مدت مذکور را کمتر از مدت عضویت مدیر تعیین کند. چنانچه این مدت در اساسنامه تعیین شده باشد مدت ریاست رئیس و نیابت نایب رئیس نباید از مدت مذکور هم تجاوز کند. باید توجه داشت که چون حداکثر مدت مدیریت به موجب ماده ۱۰۹ (ل.ا.ق.ت) ۲ سال است مدت مذکور هیچ گاه از دو سال تجاوز نخواهد کرد. ممکن است اساسنامه شرکت نحوه انتخاب رئیس و نایب رئیس را تعیین کرده باشد به هر حال انتخابات مذکور باز هم به عهده هیئت مدیره در هر موقع می تواند رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره را از سمت های مذکور عزل کند ولی بلافاصله باید رئیس و نایب رئیس دیگری را تعیین نماید. ماده مذکور مقرر داشته رئیس و نایب رئیس بای شخص حقیقی باشد. ولی با توجه به اینکه شخص حقوقی عضو هیئت مدیره نیز باید یک نفر شخص حقیقی را به نمایندگی دائمی خود به هیئت مدیره معرفی کند لذا نماینده شخص حقوقی هم می تواند به سمت های مذکور انتخاب شود. تبصره ۱ ماده ۱۱۹ در این خصوص مقرر می دارد: از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که به عنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیئت مدیره معرفی شده باشد در حکم عضو هیئت مدیره تلقی خواهد شد. می توان گفت مقنن در مورد اینکه رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره حتما شخص حقیقی باشد تاکید ویژه داشته است. مقررات ماده مذکور از قواعد آمره بوده و به موجب قسمت اخیر آن هر ترتیبی که خلاف ماده مذکور مقرر شود کان لم یکن می باشد. به موجب تبصره ۲ ماده ۱۱۹ هر گاه رئیس هیئت مدیره موقتا نتواند وظایف خود را انجام دهد وظایف او را نایب رئیس هیئت مدیره انجام خواهند داد با توجه به این تبصره نایب رئیس هیئت مدیره عهده دار وظیفه ای نخواهد بود مگر آنکه رئیس هیئت مدیره بطور موقت نتواند وظایفش را انجام دهد. به عبارت دیگر وظایف نایب رئیس هیئت مدیره جنبه موقتی دارد و هر گاه رئیس هیئت مدیره به طور دائمی قادر نباشد وظایف خود را انجام دهد باید برای هیئت مدیره رئیس انتخاب شود. رئیس هیئت مدیره که در اولین جلسه هیئت مدیره از بین اعضا انتخاب می گردد در وهله اول خود عضوی از اعضای هیئت مدیره است که همپای آنان دارای وظایف خاص هیئت مدیره است. لکن قانونگذار به لحاظ اهمیت خاص برخی از وظایف مدیران ابتدائاً رئیس هیئت را موظف به انجام آن نموده است و بدیهی است در مواقعی که رئیس هیئت مدیره موقتا نتواند وظایف خود را انجام دهد وظایف خاص او به عهده نایب رئیس خواهد بود. با توجه به مقررات (ل.ا.ق.ت) وظایف رئیس هیئت مدیره را می توان بشرح زیر برشمرد: - دعوت و اداره جلسات هیئت مدیره. هر چند که به موجب صدر ماده ۱۲۲ (ل.ا.ق.ت) ترتیب دعوت و تشکیل جلسات هیئت مدیره را اساسنامه تعیین خواهد کرد. ولی الزاماً با توجه به ماده ۱۲۰ قانون مذکور دعوت و اداره جلسات به عهده رئیس هیئت مدیره خواهد بود. رئیس هیئت مدیره باید در دعوت اعضا مقررات اساسنامه را از قبیل نحوه دعوت اعضا از نظر اینکه دعوت به صورت کتبی باشد یا شفاهی یا غیره نظیر فکس و تلفن مهلت دعوت و محل تشکیل جلسات هیئت مدیره کاملاً رعایت نماید. عدم رعایت مقررات مذکور می تواند از جمله

موارد بطلان مصوبات هیئت مدیره در جلسات مذکور باشد. - دعوت مجامع عمومی عادی سالانه شرکت وظیفه دیگری که قانون موکداً برای رئیس هیئت مدیره پیش بینی کرده مربوط به مواقعی است که هیئت مدیره مکلف به دعوت مجمع عمومی می باشد. ماده ۱۲۰ در این خصوص مقرر داشته است: (رئیس هیئت مدیره... موظف است که مجامع عمومی صاحبان سهام را در مواردی که هیئت مدیره مکلف به دعوت آنها می باشد دعوت آنها می باشد دعوت نماید. از جمله موارد مذکور مورد ماده ۱۳۸ (ل.ا.ق.ت) است به موجب ماده مذکور هیئت مدیره موظف گردیده که مجمع عمومی سالانه را برای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید. به طوری که ملاحظه می گردد قانونگذار طی دو ماده مسئولیت دعوت مجامع عمومی عادی سالانه را بر دوش رئیس هیئت مدیره گذارده که در یک مورد آن تحت عنوان رئیس هیئت مدیره مکلف به اجرای آن است (ماده ۱۲۰) و در مورد دیگر به عنوان عضوی از اعضای هیئت مدیره (ماده ۱۳۸). عدم دعوت مجمع عمومی عادی از طرف رئیس هیئت مدیره موجب مسئولیت مدنی او می گردد. علاوه بر مسئولیت مذکور رئیس هیئت مدیره (بهمراه سایر اعضا) مسئولیت کیفری نیز خواهد داشت. ماده ۲۵۴ (ل.ا.ق.ت) برای رئیس و اعضای هیئت مدیره شرکت که حداکثر ۶ ماه پس از پایان هر سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را دعوت نکنند مجازات حبس از ۲ ماه تا ۶ ماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا هر دو مجازات را تعیین کرده است. - دعوت مجمع عمومی فوق العاده در صورتی که نصف سرمایه شرکت از بین رفته باشد از موارد دیگری است که رئیس هیئت مدیره موظف به دعوت مجمع عمومی می باشد. موضوع ماده ۱۴۱ (ل.ا.ق.ت) می باشد. براساس قسمت اول ماده مذکور اگر بر اثر زیان های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیئت مدیره مکلف گردیده بلافاصله مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقا شرکت مورد شور و رای واقع شود. با توجه به ماده ۱۲۰ (ل.ا.ق.ت) رئیس هیئت مدیره نیز در مورد ماده ۱۴۱ شخصاً مکلف به دعوت مجمع عمومی فوق العاده است و در صورت عدم دعوت نامبرده دارای مسئولیت مدنی است. ضمناً ماده ۲۶۵ قانون مذکور نیز برای رئیس و اعضای هیئت مدیره که از دعوت مجمع فوق الذکر خودداری کرده اند. مجازات تعیین نموده است. - ریاست مجامع عمومی ریاست مجمع عمومی با رئیس هیئت مدیره است مگر آنکه ترتیب دیگری در اساسنامه پیش بینی شده باشد. در مواردی هم که دستور جلسه انتخاب یا عزل تمام یا بعضی از مدیران باشد ریاست مجامع مذکور با یکی از سهامداران حاضر در جلسه خواهد بود. در این مورد ماده ۱۰۱ (ل.ا.ق.ت) چنین مقرر می دارد: (در صورتی که ترتیب هیئت رئیسه مجمع عمومی در اساسنامه پیش بینی نشده باشد ریاست مجمع با رئیس هیئت مدیره خواهد بود. مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزو دستور جلسه مجمع باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران در صورت عدم حضور رئیس به عهده نایب رئیس می باشد) ضمناً دعوت به تشکیل جلسه در صورت عدم حضور رئیس به عهده نایب رئیس می باشد و اداره جلسات هیئت مدیره و تنظیم صورتجلسه به موجب ماده ۱۲۳ بوسلیه رئیس هیئت مدیره و در غیر این صورت بوسلیه نایب رئیس اتخاذ می گردد و تصمیمات با اکثریت عددی عده حاضر در جلسه اتخاذ می شود (ماده ۱۲۱ (ل.ا.ق.ت))

۱۴- نحوه انتخاب قلمرو و محدودیت اختیارات مدیران

شرکت های سهامی عام و خاص - نحوه انتخاب قلمرو و محدودیت اختیارات مدیران نحوه انتخاب مدیران ماده ۱۰۷ (ل.ا.ق.ت) اداره شرکت سهامی را به عهده هیئت مدیره گذارده و ماده ۱۱۸ قلمرو و اختیارات هیئت مذکور را تعیین نموده است. گفتیم که قلمرو مذکور تمام اموری را که درباره موضوع شرکت باشد در برمی گیرد و به موجب ماده اخیر الذکر محدود کردن اختیارات مدیران فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام است و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن می باشد. با این همه قانونگذار لزوم حضور شخص دیگری را برای اداره شرکت به نام مدیرعامل در (ل.ا.ق.ت) پیش بینی نموده است. این امر را چنین

می توان توجیه کرد که قانونگذار با مکلف نمودن هیئت مدیره به انتخاب مدیر عامل و دادن سمت نمایندگی شرکت به وی (البته در حدود اختیاراتی که هیئت مدیره به او تفویض کرده است) اداره کلی شرکت و اداره عملی آن را از یک دیگر مجزا نموده است و بدین ترتیب مسئولیت اداره کل عملیات شرکت را از طریق اتخاذ تصمیمات قانونی به هیئت مدیره واگذار نموده (ماده ۱۲۱ (ل.ا.ق.ت)) و اداره عملی شرکت و پرداختن به راهکارهای عملی و اجرای تصمیمات هیئت مدیره را به عهده مدیر عامل نهاده است (ماده ۱۲۵ (ل.ا.ق.ت)). ماده ۱۲۴ (ل.ا.ق.ت) در مورد مدیرعامل چنین مقرر می دارد: هیئت مدیره باید اقلاً یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین کند. در صورتی که مدیرعامل عضو هیئت مدیره باشد. دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیئت مدیره بیشتر نخواهد بود. مدیرعامل شرکت نمی تواند در عین حال رئیس هیئت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آرا حاضر در مجمع عمومی. تبصره- هیئت مدیره در هر موقع می تواند مدیر عامل را عزل کند نکاتی که از این ماده لازم است در اینجا بیان گردد بطور خلاصه در زیر برشمرده می شود: - مدیرعامل باید حتماً شخص حقیقی باشد بنابراین نمی توان نماینده شخص حقوقی را به عنوان مدیرعامل شرکت برگزید. در مورد اینکه نماینده شخص حقوقی میتواند رئیس یا نائب رئیس هیئت مدیره باشد تبصره یک ماده ۱۱۹ صراحت دارد. به موجب تبصره مذکور نماینده شخص حقوقی عضو هیئت مدیره در حکم عضو هیئت مدیره تلقی گردیده است ولی در مورد مدیر عامل چنین تصریح وجود ندارد و تسری تبصره مذکور به ماده ۱۲۴ با توجه به قید (از نظر اجرای مفاد این ماده) مندرج در تبصره صحیح به نظر نمی رسد. ماده ۱۲۴ به این نکته تأکید دارد که اگر مدیرعامل عضو هیئت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیئت مدیره بیشتر نخواهد بود. از این قسمت ماده دو نکته استخراج می گردد یکی آنکه مدیرعامل میتواند از غیر عضو هیئت مدیره تعیین گردد. دیگر آنکه مدیرعامل می تواند غیر سهامدار هم باشد. در مورد اینکه هیئت مدیره می تواند مدیرعامل را خارج از سهامداران شرکت انتخاب کند بعضی از حقوقدانان عقیده دارند که هر چند قانون در این مورد سکوت کرده است ولی با اطلاق ماده ۱۱۴ (ل.ا.ق.ت) مقرر می دارد که چون مدیران باید دارای تعداد سهامی که اساسنامه شرکت مقرر کرده باشند بنابراین به نظر می رسد که مدیرعامل باید جزو مدیران شرکت باشد الزاماً وی نیز باید تعداد سهامی را (که به موجب اساسنامه مقرر شده و سهام وثیقه نام دارد) داشته باشد. از سوی دیگر عضو عادی هیئت مدیره ملزم به سپردن سهام وثیقه مذکور به صندوق شرکت است. پس چرا نباید مدیر عامل که برابر ماده ۱۲۵ (ل.ا.ق.ت) نماینده شکر محسوب و از طرف شرکت حق امضا دارد مشمول مقررات ماده ۱۱۴ نباشد؟ - صدر ماده ۱۲۴ به هیئت مدیره اجازه داده که مدت تصدی مدیرعامل را تعیین کند و در قسمت دیگر ماده به این اشاره دارد که اگر مدیرعامل عضو هیئت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از عضویت او در هیئت مدیره بیشتر نخواهد بود. با توجه به مقررات مذکور (مندرج در ماده ۱۲۴) به نظر می رسد هیئت مدیره می تواند مدت تصدی مدیرعامل شرکت را چنانچه عضو هیئت مدیره نباشد به میزانی تعیین کند که فراتر از مدت عضویت هیئت مدیره باشد. این استنباط از ماده مورد بحث با نبود هیچ گونه منع قانونی صحیح به نظر می رسد بخصوص که تبصره این ماده صراحت دارد بر اینکه هیئت مدیره در هر موقع می تواند مدیر عامل را عزل کند. در تبیین این نظر میتوان گفت که چون انتخاب و عزل مدیر عامل تشریفات انتخاب و عزل اعضای هیئت مدیره را ندارد پس لزومی به تسری مقررات ماده ۱۰۹ (ل.ا.ق.ت) (در مورد حداکثر مدت عضویت هیئت مدیره) به مدت تصدی مدیرعامل نمی باشد حتی تسری آن هم مع الفارق است و صحیح به نظر نمی رسد. به هر حال با پایان گرفتن دوره مدیریت اعضای هیئت مدیره و انتخاب اعضای جدید مدیر عامل منتخب هیئت مدیره قبلی که عضو هیئت مدیره نبوده تا زمانی که استعفا نکند یا به دلایل قانونی معزول نگردد همچنان مدیر عامل شرکت باقی خواهد ماند تا هنگامی هیئت مدیره جدید مدیرعامل دیگری را برگزیند در این صورت است که مدیرعاملی او خاتمه می یابد. - هیئت مدیره می تواند بیش از یک مدیرعامل هم انتخاب کند زیرا صدر ماده ۱۲۴ مقرر میدارد که هیئت مدیره باید اقلاً یک نفر را به مدیریت عاملی شرکت برگزیند بنابراین

شرکت سهامی می تواند بیش از یک مدیر داشته باشد. با این حال به سبب مشکلاتی که در تبیین اختیارات هر کدام از آنان پیش می آید عملاً دیده نشده شرکتی بیش از یک مدیرعامل داشته باشد. - هر گاه مدیرعامل ختیار انتخاب قائم مقام را داشته باشد می تواند شخص یا اشخاصی را برای امورخاص قائم مقام خود کند ولی این انتخاب مسئولیت های او را در تصدی امور شرکت محدود نمی کند. - در صورتی که هیئت مدیره رئیس هیئت مدیره را به سمت مدیرعاملی برگزیند لازم است که این انتخاب به تصویب مجمع عمومی هم برسد. آنهم با اکثریت ۴/۳ آرا حاضر در مجمع مذکور. به نظر می رسد اگر آرا ماخوذه مجمع عمومی درمورد عضوی که به ریاست هیئت مدیره انتخاب گردیده اکثریت ۴/۳ آرا مذکور را داشته باشد دیگر نیازی به تشکیل مجمع عمومی در این خصوص نباشد. - مدیرعامل چه از بین اعضای هیئت مدیره انتخاب شده باشد یا خارج از آن به موجب صریح ماده ۱۲۴ استحقاق حق الزحمه را دارد. میزان این حق الزحمه را هیئت مدیره تعیین می کند. - هیئت مدیره در هر موقع میتواند مدیرعامل را عزل کند بعضی از حقوقدانان گفته اند هرچند مدیرعامل منتخب هیئت مدیره است ولی این امر مانع از عزل مدیرعامل توسط مجمع عمومی نمی گردد. زیرا رابطه مجمع عمومی با مدیرعامل رابطه وکیل و موکل است و مدیرعامل نسبت به اعمال خویش و نحوه اداره شرکت در مقابل هیئت مدیره و مجمع پاسخگو و مسئول می باشد. - انتخاب محدود مدیرعامل بلامانع است. هر چند که قانونگذار به صراحت این نکته را پیش بینی نکرده لیکن آنرا هم منع نکرده است. - اگر مدیرعامل درعین اینکه عضو هیئت مدیره شرکت است قبل از انقضا دوره مدیریت از عضویت در هیئت مدیره معزول شود یا به نحو دیگری کنار برود سمت مدیرعاملی او پا برجاست مگر آنکه خود از این سمت استعفا کند یا هیئت مدیره او را عزل نمایند. - طبق ماده ۱۲۸ (ل.ا.ق.ت) نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیرعامل باید با ارسال نسخه ای از صورتجلسه هیئت مدیره به مرجع ثبت شرکت ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود. - در مورد وضعیت و ماهیت حقوقی رابطه مدیرعامل با شرکت اختلاف نظر وجود دارد. برخی مدیرعامل را کارگر و برخی دیگر وکیل شرکت می دانند. مدیرعامل چنانچه کارگر محسوب گردد مشمول حقوق و تکالیف مندرج در قانون کار خواهد بود و از حمایت های قانون مزبور نیز بهره خواهد گرفت. اداره حقوقی وزارت دادگستری در نظریه شماره ۱۳۸۰/۷ - ۲۱/۳/۶۳ راجع به اینکه آیا مدیران عامل شرکت های تعاونی روستایی کارگر محسوبند و قوانین کار شامل آنان می شود یا نه؟ چنین ابراز داشته است: (با توجه به مواد ۱ و ۳ قانون کار (قانون کار مصب ۱۳۳۹) که راجع به تعریف کارگر و کارفرما است می توان مدیران عامل شرکت های تعاونی را مشمول مقررات این قانون دانسته و کارگر محسوب داشت.) یکی از اساتید حقوق تجارت راجع به رابطه کاری فیما بین مدیرعامل و شرکت سهامی چنین نظری ابراز داشته اند: (برپایه مواد مختلف لایحه اصلاح قانون تجارت در مورد اختیارات و مسئولیت های مدیرعامل و به ویژه ماده ۱۲۴ و تبصره آن و ماده ۱۲۵ مدیرعامل را نمی توان کارگر دانست مدیرعامل نماینده شرکت و شخص حقوقی است و در بیشتر موارد رابطه تبعیت حقوقی بین او و شرکت به ترتیبی که موجب احراز رابطه کارگری و کارفرمایی شود وجود ندارد. - در مجموع پرسش و پاسخ کارشناسان اداره کل نظارت و تنظیم روابط وزارت کار و اموراجتماعی در مورد این پرسش: (مدیران عامل در شرکت های تجاری مشمول قانون کار هستند یاخیر؟ بعد از اشاره به موارد مشابهت و نیز موارد مفارقت قرارداد کار (موضوع قانون کار) و نیز عقد وکالت (موضوع قانون مدنی) چنین نتیجه گرفته اند: به نظر می رسد رابطه میان (مدیرعامل) و شرکت تجاری رابطه کارگری و کارفرمایی موضوع قانون کار نبوده و مسئولیت وی در مقابل شرکت همان مسئولیت وکیل در مقابل موکل می باشد. مضافاً به اینکه در لایحه قانونی مربوط ب تعیین مدیر یا مدیران موقت برای سرپرستی واحدهای تولیدی و ... مصوب ۲۴/۳/۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی نیز ممستولیت مدیر هر واحد در مقابل آن واحد همان مسئولیت وکیل در مقابل موکل اعلام گردیده است و از آنجا که به نظر نمی رسد مدیران واحدهای مشمول قانون مزبور دارای خصوصیتی در قیاس با مدیران واحدهای تجاری باشند. بلحاظ وحدت ملاک میتوان حکم یاد شده را به مدیران اخیرالاشاره نیز تسری داد. هر چند که انتخاب مدیرعامل با هیئت مدیره است ولی قانونگذار اشخاصی را ازاینکه به مدیریت

عامل شرکت سهامی انتخاب شوند منع کرده است لذا هیئت مدیره شرکت سهامی نیز نمی توانند آنها را به سمت مدیرعاملی انتخاب نمایند از جمله این اشخاص یکی اشخاصی مذکور در ماده ۱۱۱ (ل.ا.ق.ت) و دیگر مدیران عامل شرکت های می باشند. ماده ۱۲۶(ل.ا.ق.ت) در این خصوص مقرر می دارد: اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ نمی توانند به مدیریت عامل شرکت شوند و همچنین هیچ کس نمی تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیرعامل که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسئولیت های سمت مدیرعامل شامل حال او خواهد شد. علاوه بر موارد مذکور در ماده ۱۲۶ فوق الذکر همانطور که قبلا راجع به اعضای هیئت مدیره بیان گردید دارندگان بعضی از مشاغل و سمت ها نیز حق مدیرعامل شدن در شرکت ها را ندارند. اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عضویت در هیئت مدیره یا مدیریت عامل انواع مختلف شرکت های خصوصی بجز شرکت های تعاونی ادارات و موسسات را برای رئیس جمهور معاونات رئیس جمهور و وزیران و کارمندان دولت ممنوع کرده است. هم چنین به موجب بند ۳ ماده ۱۵ قانون دفاتر اسناد رسمی و قانون سردفتران مصوب ۲۵/۴/۱۳۵۴ عضویت در هیئت مدیره و مدیریت عامل شرکت های تجاری و بانها یا موسسات بیمه و موسسات دولتی و یا وابسته به دولت منافی شغل سردفتری و دفتریاری اعلام شده است. چنانچه یکی از افراد فوق الذکر به عنوان مدیرعامل شرکت انتخاب گردد هر ذینفعی می تواند حکم عزل او را از دادگاه صالح تقاضا کند. ماده ۱۲۷ (ل.ا.ق.ت) در این مقام مقرر می دارد: هر کس برخلاف ماده ۱۲۶ به مدیریت عامل انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول ماده مذکور گردد دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل او را صادر خواهد کرد و چنین حکمی قطعی خواهد بود. مفاد حکم مذکور در مورد اشخاص دیگری هم که به موجب مقررات خاص ممنوع از مدیرعاملی در شرکت های می باشند قابل اعمال خواهد بود. نکته مهم ماده ۱۲۶ در مورد تصمیمات و اقدامات مدیرعاملی است که از انتخاب شدن به سمت مدیرعاملی ممنوع بوده است. ماده مذکور هم تصمیمات و اقدامات مدیرعامل مباحث عنه را در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر اعلام می دارد و هم چنین مدیرعامل مذکور را مشمول مسئولیت های سمت مدیرعاملی قرار میدهد.

۱۵- ارگان کنترل کننده (بازرس یا بازرسان) و اشکالات قانونی

شرکت های سهامی عام و خاص - ارگان کنترل کننده (بازرس یا بازرسان) و اشکالات قانونی در شرکت سهامی کنترل و اداره امور شرکت بر عهده سهامداران است این کنترل به وسیله حق کسب اطلاع از امور شرکت و حق رای در مجامع متجلی می گردد لکن تجربه نشان داده است که کنترل سهامداران کافی نبوده و تقویت آن ضروری است. در گذشته خودسهامداران نظارت بر کار هیئت مدیره را عهده دار بودند ولی به سبب عدم حضور دائم آنان در اداره شرکت و نیز نداشتن تخصص در امور اداری و مالی این نظارت در حفظ حقوق آنان موثر نبوده به همین دلیل از دیرباز در قوانین مختلف جهان پیش بینی کرده اند که اشخاص ثالث بر کار هیئت مدیره نظارت داشته باشند. این اشخاص در قانون تجارت ۱۳۱۱ (مفتش) و در لایحه قانونی ۱۳۴۷ (بازرس) نامیده شده اند. در قانون تجارت ۱۳۱۱ به اختصار به تکالیف مفتشان شرکت سهامی اشاره شده و فقط سه ماده (مواد ۶۲ لغایت ۶۴) به این رکن اساسی شرکت سهامی اختصاصی داده بود. در لایحه قانونی سال ۱۳۴۷ به تبعیت از قانون ۱۹۶۶ فرانسه مواد بیشتر و مفصل تری به امر نظارت در شرکت سهامی اختصاص داده شده است که با بررسی آنها به ترتیب وضعیت بازرسی و اختیارات و مسئولیت های او پی خواهیم برد.

۱۶- اشکالات قانونی از نظر کلیات و تاسیسی

شرکت های سهامی عام و خاص - اشکالات قانونی از نظر کلیات و تاسیس شرکت های سهامی عام نقش اقتصادی مهمی را در دنیا از نظر بازرگانی داخلی و بین المللی ایفاء می نمایند، زیرا شرکت های بزرگ صنعتی و خدماتی در قالب حقوقی شرکت سهامی عام تاسیس می شوند مانند بانک های خصوصی، بیمه، حمل و نقل زمینی، هوایی، دریایی، صنایع نفتی و هواپیما و کشتی سازی و غیره. اما شرکت های سهامی خاص در حقوق ایران و کشورهای نظیر فرانسه، آلمان، انگلیس، آمریکا و ژاپن معمولاً از تعداد اعضای خانواده و یا شرکای کمتری تشکیل می گردند و به علت عدم امکان جذب سرمایه های مردم فعالیت اقتصادی چندانی نظیر شرکت های با مسئولیت محدود ندارند. این شرکت ها عموماً از نظر تاسیس و فعالیت و انحلال و تصفیه تابع قوانین تجارت و در صورت لزوم تابع مقررات دیگر می باشند. ۱- زمان ایجاد شخصیت حقوقی تعیین آغاز شخصیت حقوقی از این نظر واجد اهمیت است که نقطه شروع تعهدات شرکت را معین می کند. در واقع تا قبل از تحقق شخصیت حقوقی علی الاصول نمی تواند تعهداتی را که شرکاء بر عهده گرفته اند، بر عهده شرکت گذاشت، چراکه شرکتی وجود ندارد تا بتواند متعهد شود. در کشورهای اروپایی و شخصیت حقوقی نقطه آغازی مشخص شده است. این نقطه آغاز زمان ثبت شرکت تجاری است. در قانون تجارت ایران نظریه شخصیت حقوقی در مقابل نظریه قراردادی برای شرکت ها مانند اتحادیه اروپا و گروه کامن لا پذیرفته شده است. ماده ۵۸۳ ق.ت در این زمینه مقرر می دارد کلیه شرکت های تجاری مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند. ولی این ماده زمان ایجاد شخصیت حقوقی را تعیین ننموده است که از این نظر در عمل مشکلاتی ایجاد کرده است که البته می توان با مراجعه به مواد قانون تجارت در این مورد اظهار نظر نمود. بطور مثال در شرکت های سهامی عام و خاص و شخصیت حقوقی شرکت از زمانی آغاز می شود که مدیران و بازرسان کتبا سمت خود را قبول نمایند این امر دلیل بر این است که مدیران و بازرسان آگاهی از تکالیف و مسئولیت های سمت خود عهده دار آن گردیده است از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می شود (ماده ۱۷ قانون تجارت اصلاحی ۲۲/۱۱/۱۳۵۳) تاریخ دقیق ایجاد شخصیت حقوقی در ماده ۵۸۴ مشخص گردیده که از تاریخ ثبت در دفتر مخصوص وزارت دادگستری ایجاد می گردد و در مورد سایر شرکت ها ایجاد شخصیت حقوقی به شیوه خاصی پیش بینی شده است، مثلاً در شرکت با مسئولیت محدود شرکت وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد (ماده ۹۶ ق.ت) و در شرکت تضامنی و نسبی تشکیل شرکت موکول به پرداخت تمام سرمایه نقدی و تقویم و تسلیم سهم الشرکه غیر نقدی است (ماده ۱۱۸ و ماده ۱۸۵ ناظر به ماده ۱۱۸ ق.ت) ملاحظه می شود که در مقررات راجع به زمان شروع شخصیت حقوقی در شرکت های مختلف بطور هماهنگ اما نامفهوم پیش بینی شده است. آگاهی از تاریخ دقیق ایجاد شخصیت حقوقی در تنظیم قراردادها و مسئولیت مدنی شرکت و اشخاص حقیقی ضروری است. گرچه ماده ۲۲۰ ق.ت. به موادی اشاره کرده که اگر شرکتی مطابق قانون تجارت تشکیل نشده باشد در این صورت شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکت های تضامنی در آن مورد اجرا می گردد. ملاحظه می شود که ماده اخیر به وضعیت شرکت عملی اشاره کرده و شخصیت حقوقی مستقلی را نسبت به آن قائل می باشد. با قبول این فرض طلبکاران چنین شرکتی می توانند در ابتدای امر به شرکت مراجعه کرده و در صورت عدم وصول مطالبات خود تقاضای ورشکستگی آن را بنمایند که پس از تصفیه اموال چنانچه دارایی شرکت تکافوی مطالبات بستانکاران را نماید در چنین صورتی به دارایی شرکاء به طور منفرد یا جمعی مراجعه می نمایند ولی اصلح این است که برای شرکت عملی مزبور شخصیت حقوقی قائل نشده و به طلبکاران انکان داده شود که به دارایی شخصی شرکاء به نحو تضامن مراجعه نمایند. از طرف دیگر اعلام ورشکستگی برای شرکتی که فاقد نام خاص و مرکز اصلی است مشکل به نظر می رسد و تسری دادن نظریه قراردادی در این مورد مناسب می باشد. در مورد نظریه قراردادی عده ای از متخصصین حقوق تجارت معتقدند که شرکت تجاری مانند هر شرکت دیگر عقد و قراردادی بیش نیست زیرا شرکاء به هنگام پرداخت ارزش سهام خود عملاً قرارداد شرکت را امضاء می نمایند بنابراین می توان مجمع عمومی را نیز به صورت قرارداد با توافق شرکاء تشکیل داد و مدیر یا مدیران می

توانند به وکالت از سایر شرکاء ادامه شرکت را به عهده بگیرند. البته این نظریه با توجه به امتیازات پذیرش شخصیت حقوقی مورد انتقاد قرار گرفته است. زیرا دارایی متعلق به شخص حقوقی منفک از دارایی اشخاص حقیقی که شرکت را تاسیس نموده اند، مورد قبول قرار گرفته و از نظر تنظیم قراردادها و اعلام ورشکستگی و طرح سایر دعاوی که در مرکز اصلی شرکت صورت می گیرد، تسهیلات زیادی در مبادلات بازرگانی ایجاد می کند. ۲- مسئله تعداد شرکاء و موسسین قانونگذار لفظ موسس را در قانون تعریف نکرده است به همین علت در عمل برای تعیین اشخاصی که بتوان آنان را موسس تلقی کرد به ناچار باید ملاک های متعددی را در نظر گرفت. در تعریف آن می توان گفت: موسس شرکت به شخصی اطلاق می شود که برای ایجاد شرکت پیش قدم می شود سرمایه شرکت را از طریق جمع کردن شرکای دیگر فراهم می کند و مطابق مقررات قانونی اقدامات لازم را برای تشکیل شرکت به انجام می رساند. در خصوص شرکت های سهامی ل.ا.ق.ت. حداقلی برای شرکاء و موسسین در نظر گرفته است: ماده ۳ ل.ا.ق.ت. می گوید: در شرکت سهامی تعداد شرکاء نباید از ۳ نفر کمتر باشد. ماده ۱۰۷ ل.ا.ق.ت. می گوید که عده اعضای هیئت مدیره در شرکت های سهامی عمومی نباید از ۵ نفر کمتر باشد. به نظر می رسد بین این دو ماده تراحم ظاهری وجود دارد زیرا در ماده ۳ در مورد شرکت سهامی بطور اطلاق حداقل شرکاء را ۳ نفر پیش بینی کرده که هم سهمی خاص و هم سهامی عام تلقی می شود. حال آنکه در ماده ۱۰۷ حداقل را برای شرکت سهامی عام ۵ نفر ذکر کرده برای حل این تراحم ظاهری دو نظریه و راه حل وجود دارد: مقررات ماده ۳ با مقررات ماده ۱۰۷ که مقرر می دارد اعضای هیئت مدیره در شرکت سهامی عام نباید از ۵ نفر کمتر باشد و از طرف دیگر سهامدار بودن اعضای هیئت مدیره را ضروری می داند. متزاحم است بنابراین حکم ماده ۱۰۷ نیز تکالیف را در سهامی عام مشخص کرده است. با توجه به اینکه ماده ۳ در ابتدا بحث کلی شرکت های سهامی است شامل هر دو نوع شرکت می باشد. منتهی حداقل ۳ نفر برای شروع و اولین اقدام برای تشکیل یک شرکت سهامی است. و حکم ماده ۱۰۷ زمانی است که شرکت تشکیل شده و هیئت مدیره شکل یافته و برای مرحله دوم یعنی ثبت پس از تشکیل است که ضرورت دارد هیئت مدیره ۵ نفر باشند. بنابراین حداقل موسسین در هر نوع شرکت ۳ نفر کفایت می کند. و از مرحله اقدامات ثبت و انتخاب مدیران و قبول سمت آنهاست که باید در سهامی عام ۵ نفر عضو وجود داشته باشد. با این استدلال یک شرکت سهامی برای اینکه به حداقل مذکور در ماده ۱۰۷ برسد باید ۵ نفر سهامدار شرکت باشند. مقررات ماده ۳ با مقررات ماده ۱۰۷ که مقرر می دارد اعضای هیئت مدیره در شرکت سهامی عام نباید از ۵ نفر کمتر باشد و از طرف دیگر سهامدار بودن اعضای هیئت مدیره را ضروری می داند متزاحم است بنابراین حکم ماده ۳ فقط در خصوص شرکت های سهامی خاص مجری است و ماده ۱۰۷ نیز تکالیف را در سهامی عام مشخص کرده است. با توجه به اینکه ماده ۳ در ابتدا بحث کلی شرکت های سهامی است شامل هر دو نوع شرکت می باشد. منتهی حداقل ۳ نفر برای شروع و اولین اقدام برای تشکیل یک شرکت سهامی است. و حکم ماده ۱۰۷ زمانی است که شرکت تشکیل شده و هیئت مدیره شکل یافته و برای مرحله دوم یعنی ثبت پس از تشکیل است که ضرورت دارد هیئت مدیره ۵ نفر باشند. بنابراین حداقل موسسین در هر دو نوع شرکت ۳ نفر کفایت می کند. و از مرحله اقدامات ثبت و انتخاب مدیران و قبول سمت آنهاست که باید در سهامی عام ۵ نفر عضو وجود داشته باشد. این استدلال یک شرکت سهامی برای اینکه به حداقل مذکور در ماده ۱۰۷ برسد باید دو نفر دیگر تحت عنوان پذیره نویس به جمع موسسان اضافه شوند تا هم هیئت مدیره تکمیل گردد و هم هر ۵ نفر سهامدار شرکت باشند. مقررات ماده ۳ با مقررات ماده ۱۰۷ که مقرر می دارد اعضای هیئت مدیره در شرکت سهامی عام نباید از ۵ نفر کمتر باشد و از طرف دیگر سهامدار بودن اعضای هیئت مدیره را ضروری می داند متزاحم است بنابراین حکم ماده ۳ فقط در خصوص شرکت های سهامی خاص مجری است و ماده ۱۰۷ نیز تکالیف را در سهامی عام مشخص کرده است. با توجه به اینکه ماده ۳ در ابتدا بحث کلی شرکت های سهامی است شامل هر دو نوع شرکت می باشد. منتهی حداقل ۳ نفر برای شروع و اولین اقدام برای تشکیل یک شرکت سهامی است. و حکم ماده ۱۰۷ زمانی است که شرکت تشکیل شده و هیئت مدیره شکل یافته و برای مرحله دوم یعنی ثبت پس از تشکیل است که ضرورت دارد هیئت مدیره ۵ نفر باشند. بنابراین حداقل موسسین در هر دو نوع شرکت ۳ نفر کفایت می کند. و از مرحله اقدامات ثبت و انتخاب مدیران و قبول سمت آنهاست که باید در سهامی عام ۵ نفر عضو وجود داشته باشد. این استدلال یک شرکت سهامی برای اینکه به حداقل مذکور در ماده ۱۰۷ برسد باید دو نفر دیگر تحت عنوان پذیره نویس به جمع موسسان اضافه شوند تا هم هیئت مدیره تکمیل گردد و هم هر ۵ نفر سهامدار شرکت باشند. ۳-

مسائل مربوط به اداره ثبت شرکت ها با توجه به گذشت بیش از هفتاد سال از فعالیت اداره ثبت شرکت ها امکانات این اداره با تعداد شرکت های ثبت شده (حدود ۴۰۰ هزار) در زمینه دسترسی به سیستم الکترونیکی و آموزش پرسنل هماهنگ نمی باشد. این عدم هماهنگی، سرگردانی و نارضایتی و اتلاف وقت مراجعین را در پی دارد. بایسته است که با ترتیب کادر متخصص مدیریت بازرگانی و صنعتی زبان و ادبیات فارسی و خارجی الکترونیک، گرافیک و دگرگونی بزرگی انجام پذیرد. بخصوص که این

دگرگونی توأم با بهره‌گیری از صنایع الکترونیک و علوم و فنون جدید، می‌تواند از اتلاف وقت نیروی انسانی و مراجعان جلوگیری و سرعت انتقال و تبادل اطلاعات را فراهم سازد که در نتیجه اداره ثبت شرکت‌ها را همانند سایر کشورهای پیشرفته دنیا با تحولات جهان تجارت همگام خواهد ساخت. پیشنهاد می‌شود برای کاهش مسائل مربوط به اداره ثبت شرکت‌ها تمام شرکت‌های تجاری در ایران تشکیلی همانند کانون و کلاسازمان نظام مهندسی به هر نامی که خود آنان انتخاب می‌کنند تشکیل دهند تا این تشکل صنفی مشکلات شرکت‌های تجاری پیشنهادهای خود را به قانونگذار مجریان و دست‌اندرکاران مربوط ارائه دهد. وجود چنین تشکیلی قطعاً همانند تشکل‌های مشابه سودمندی بسیاری را برای شرکت‌های تجاری در برخواهد داشت این تشکل می‌تواند شامل یک هیئت رئیسه مرکزی باشد که با برگزاری انتخابات تعیین می‌شوند و دپارتمان یا بخش‌های مختلفی حسب مورد و با توجه به نوع شرح کاری شرکت‌ها مثل راه‌سازی، تولید لوازم خانگی، نساجی و ... که در داخل آنها نیز انتخابات برگزار و هیئت رئیسه نیز انتخاب می‌شوند. این گونه کانون یا سازمان دارای اساسنامه‌ای خواهد بود که اختیارات و مسئولیت‌ها در آن تشریح می‌شوند و برای بازاریابی داخلی و خارجی و راه‌کاری بهتر شدن و وضعیت شرکت‌های تجاری در ایران اقدام می‌نماید. پیشنهاد دیگر اینکه در دنیای تجارت امروز به پلیس و دادگاه مخصوصی نیاز است که به مسائل و دعاوی شرکت‌های تجاری رسیدگی نماید تا عدالت نیز در این زمینه به شایستگی برقرار گردد. ۴- نحوه تاسیس شرکت سهامی عام برای تاسیس شرکت سهامی عام رعایت ماده ۶ ل.ا.ق.ت. الزامی است بر طبق این ماده اولین اقدام موسسین پذیره نویسی ۲۰٪ کل سرمایه شرکت است که از این مبلغ حداقل ۳۵٪ آنرا نقدادر حساب بانکی شرکت در شرف تاسیس واریز نموده و رسید آن را به اداره ثبت شرکت‌ها به انضمام اظهارنامه طرح اساسنامه و پذیره نویسی تسلیم نمایند. با توجه به اینکه حداقل سرمایه شرکت سهامی عام ۵ میلیون ریال بوده و ۳۵٪ مبلغ اخیر در حال حاضر بسیار ناچیز است و موجب می‌گردد که مسئولیت صاحبان سهام در شرکت‌های سهامی عام محدود به مبلغ اسمی آنها باشد (ماده یک لایحه اصلاحی) در نتیجه طلبکاران این شرکت‌ها بیشترین ضرر را متحمل می‌شوند از طرفی هدف قانونگذار مبنی بر اینکه افراد برای فعالیت‌های کوچک به این نوع شرکت‌ها روی نیاورند، تامین نگردد. وباب سوء استفاده استفاده برای کلاهبرداران که اغلب با تشکیل شرکت با حداقل سرمایه و با استفاده از عنوان آن به انحای مختلف مبادرت به تحصیل مال به طرق نامشروع می‌نمایند همیشه باز باشد. بنابراین اصلاح میزان حداقل سرمایه و درصدی نقدی واریز شده ضروری به نظر می‌رسد. زیرا هدف قانونگذار در سال ۱۳۴۷ این بوده که شرکت در بدو تاسیس از نقدینگی مناسبی برای جلب اعتماد مردم برخوردار باشد. در حالی که این مبلغ امروزه برای هدف مذکور بسیار ناچیز است. نهایت کلام اینکه اگر چه حداقل سرمایه تعیین شده برای تشکیل شرکت سهامی عام از شرکت سهامی خاص بیشتر است و مقررات این تحولات به گونه‌ای تدوین گردیده که بدون توجه به اهمیت فعالیت شرکت‌ها می‌توانند هر نوع شرکت سهامی را انتخاب کنند اما در عمل معلوم شده است مقررات پیچیده راجع به شرکت‌های سهامی را انتخاب کنند. اما در علم معلوم شده است که مقررات پیچیده راجع به شرکت‌های سهامی عام برای فعالیت‌های عمومی گرفته نمی‌شود و شرکا به جای تشکیل مجمع عمومی به تدوین صورت‌مجلس و دریافت امضای تک تک شرکا بسنده می‌کنند. از اقدامات دیگر موسسین بررسی تعهدات پذیره نویسان پس از انقضای مهلت مقرر در اعلامیه پذیره نویسی و تعیین میزان سهم هر یک از سهامداران که در مورد ۱۶ و ۱۷ ل.ا.ق.ت. پیش‌بینی شده و تقویم آورده‌های غیر نقدی موسسین می‌باشد. برای اجرای این امر پس از کسب نظر کتبی کارشناس رسمی دادگستری به ارائه گزارش به مجمع می‌پردازند. در صورتی که موسسین برای خود مزایای مطالبه کرده باشند باید توجیه آنرا به ضمیمه گزارش مزبور به مجمع عمومی موسس تقدیم کنند. به نظر می‌رسد که شناسایی مزایا برای موسسین موجبات شک و تردید سایر سهامداران را فراهم می‌سازد به همین دلیل در حقوق فرانسه مزایای موسسین که تحت عنوان سهم موسسین در ازای انجام خدماتی به آنان داده می‌شد به موجب قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۸ حذف گردید. در مورد آورده‌های منقول موسسین به موجب تبصره ماده ۶ ل.ا.ق.ت. باید

عینا تسلیم گردد و در صورتی که قبل از تشکیل مجمع عمومی موسسی مال مزبور تلف شود صاحب آن آورده مسئول خواهد بود. مهمترین وجه افتراق شرکت سهامی عام و خاص این است که شرکت سهامی عام می تواند از طریق پذیره نویسی سرمایه و پس انداز مردم را جذب کند همچنین می تواند در بازار بورس پذیرفته شده و اوراق خود را به عامه عرضه نماید در صورتی که شرکت سهامی خاص چنین حقی را ندارد. دعوت مجمع عمومی موسس با رعایت مواد ۹۸ و ۷۵ ل.ا.ق.ت. صورت می پذیرد و در دعوت اول با حضور عده ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد کرده باشند رسمیت پیدا می کند و در غیر این صورت آگهی دعوت مجمع برای دومین بار با فاصله لااقل ۲۰ روز قبل از انعقاد آن مجمع با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشار که در اعلامیه پذیره نویسی معین شده است منتشر گردد. برای مجمع عمومی جدید حضور عده ای لازم است که لااقل ۳/۱ سرمایه شرکت را داشته باشند. ماده ۷۵ ل.ا.ق.ت. دعوت سومی را با همان شرایط در صورت عدم حصول نصاب رسمیت مجمع عمومی موسس پیش بینی کرده است و این امر موجب اتلاف وقت و صرف هزینه می شود لذا حذف دعوت سوم مجمع مزبور از ماده ۷۵ مفید به نظر می رسد. وظایف مجمع عمومی موسس در ماده ۷۴ ل.ا.ق.ت. به شرح زیر آمده است: - رسیدگی به گزارش موسسین و تصویب آن و احراز پذیره نویسی کلیه سهامداران و اطمینان از تادیه مبالغ لازم. - برری آورده های غیرنقدی و مزایای مطالبه شده. - تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن. - انتخاب اولین مدیران و بازرسان شرکت. - انتخاب روزنامه کثیرالانتشار. در حقوق انگلیس موسسین که پرومتر نامید می شود اقدام به تشکیل شرکت سهامی می نمایند. در بدو امر پیش نویس اساسنامه اظهارنامه و صورتجلسات توسط یک یا چند نفر از موسسین تهیه می گردد و اقداماتی از قبیل تهیه محل برای مرکز اصلی شرکت و استخدام مشاور و افتتاح حساب بانکی صورت گرفته و بالاخره مجمع عمومی موسس تشکیل می گردد. در حقوق انگلیس مانند حقوق ایران (ماده ۲۳ ل.ا.ق.ت) موسسین درمقابل پذیره نویسان و شرکت در شرف تاسیس مسئولیت تضامنی دارند. در اظهارنامه شرکت حداقل نام ۷ نفر برای شرکت سهامی عام و ۲ نفر برای شرکت سهامی خاص قید می گردد و بالاخره اسم شرکت موضوع آن و قلمرو و محدودیت اختیارات مدیران قید می گردد ضمناً تعیین سرمایه شرکت و تقسیم آن به تعداد سهام و تعیین ارزش اسمی آن از اهمیت خاصی برخوردار است. موسسین اساسنامه شرکت را امضا کرده و شاهدهی نیز آنرا گواهی و امضا می نمایند. بعد از پرداخت حق الثبت که شامل تمبر اظهارنامه و اساسنامه است به انضمام مدارک مزبور به اداره ثبت تحویل می گردد. تاریخ صدور گواهی ثبت شرکت تاریخ تشکیل آن محسوب می شود. ۵- نحوه تاسیس شرکت سهامی خاص مقنن برای تشکیل سهامی خاص مقررات ساده تری را نسبت به سهامی عام در ماده ۲۰ ل.ا.ق.ت. ۱۳۴۷ پیش بینی نموده و مقرر می دارد: برای تاسیس و ثبت شرکت های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتهای کافی خواهد بود: اساسنامه شرکت که باید به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. - اظهارنامه مشعربر تعهد کلیه سهام و گواهینامه بانکی حاکی از تادیه قسمت نقدی آن که نباید کمتر از ۳۵٪ کل سهامداران مکلفند که اظهارنامه مذکور را امضا نمایند. هر گاه تمام یا قسمتی از سرمایه به صورت غیر نقدی باشد باید تمام آن تادیه شده و صورت تقویم آن نیز به تفکیک در اظهارنامه منعکس گردد در صورتی که سهام ممتازی وجود داشته باشد بای شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه قید شود. - انتخاب اولین مدیران و بازرسان شرکت که باید در صورت جلسه ای قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد - قبول سمت مدیران و بازرسی با رعایت قسمت اخیر ماده ۱۷ ل.ا.ق.ت. - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشار که هر گونه آگهی راجع به شرکت تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد. در اینجا ذکر دو نکته ضروری است: اظهارنامه مذکور در بند ۲ ماده ۲۰ ل.ا.ق.ت. با اظهارنامه صدر ماده ۲۰ متفاوت است و اظهارنامه بند دوم سندی است که سهامداران تایید می کنند که کلیه سهام تعهد شده است. - در شرکت سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی موسس الزامی نیست لیکن اولین جلسه ای که موسسان برای تصویب اساسنامه و انتخاب هیئت مدیره و بازرسان تشکیل می دهند. در واقع می تواند جلسه مجمع عمومی موسس تلقی

گردد. در حقوق انگلیس بعد از پرداخت حق الثبت به استناد قانون شرکت ها مصوب ۱۹۴۸ مدارک به اداره ثبت شرکت ها تحویل داده می شود و پس از ثبت گواهی شخصیت حقوقی صادر می گردد. شرکت سهامی خاص دارای محدودیت های زیر می باشد: - سهام شرکت سهامی خاص قابل معامله در بازار بورس نمی باشد (ماده ۲۱ لایحه) - نقل و انتقال سهام شرکت سهامی خاص مشروط به موافقت مدیران با مجامع عمومی صاحبان سهام است. (از مفهوم مخالف ماده ۴۱). - شرکت سهامی خاص نمی تواند مبادرت به صدور اوراق قرضه نماید. تمام سرمایه شرکت سهامی خاص به وسیله موسسین تامین می گردد. - شرکای شرکت سهامی خاص نباید از ۳ نفر کمتر باشد (ماده ۳ ل.ا.ق.ت). - سرمایه شرکت سهامی خاص در هنگام تاسیس نباید از یک میلیون ریال کمتر باشد. (ماده ۵ ل.ا.ق.ت).

۱۷- ارگان اداره کننده و اشکالات قانونی

شرکت های سهامی عام و خاص - ارگان اداره کننده و اشکالات قانونی شرکت های سهامی عام نقش اقتصادی و تجاری بسیار موثری در بازرگانی داخلی و خارجی دارند. نقش مدیریت برای بالابردن میزان فعالیت و موفقیت شرکت های مزبور در بازار سرمایه و ایجاد اشتغال از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ترکیب و سازمان ارگان عالی مدیریت در حقوق ایران انگلیس و ایالات متحده آمریکا به صورت واحد بوده اما در برخی از کشورها مانند آلمان به شکل دو گانه یعنی شامل هیئت مدیره و هیئت مراقب می باشد. حقوق فرانسه در قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶ با الهام از حقوق آلمان ترکیب دو سیستم را پذیرفته و موسسین مخیر هستند که سیستم هیئت مدیره واحد یا دو گانه را بپذیرد. در حقوق ایران مشکلات قانونی از نظر عزل مدیران که مجمع بدون توجیه منطقی می تواند آنها را عزل نماید به ثبات مدیریت لطمه می زند و یا در مورد استعفای مدیر یا قصد اضرار و یا انقضای مدت مدیریت آنان مسئولیت مدنی برای فاعل زیان در قانون تجارت پیش بینی نشده و بالاخره نحوه انشای مواد ۱۲۹ و ۳۰ و ۱۳۱ (ل.ا.ق.ت). علاوه ب رابهامات موجود نیاز به بازنویسی دارد.

۱۸- نحوه انتخاب مدیران

شرکت های سهامی عام و خاص - نحوه انتخاب مدیران شرکت سهامی عام و خاص بوسیله هیئت مدیره ای که از بین سهامداران انتخاب شده و کلا- یا بعضا قابل عزل می باشند. اداره می شود. به موجب ماده ۱۰۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ سهامدار بودن اعضای هیئت مدیره الزامی است. اما به نظر می رسد این الزام برای هیئت مدیره که از مهم ترین ارکان شرکت و مغز متفکر و موتور محرکه آن به شمار می رود. منطقی نباشد. زیرا امروزه مدیریت به صورت یک امر تخصصی درآمده و ثابت شده است که اکثر صاحبان شرکت ها مانند صنایع حمل و نقل و ... با همه علاقه و دلسوزی دیگر نمی توانند مدیریت موفق باشند. بنابراین محروم کردن شرکت ها از استفاده چنین افرادی لایق نوعی علم گریزی و عین ضرر است. هر چند در عمل برای جبران این نقیصه سهامداران قسمتی از سهام خود را به فردی که متخصص امر مدیریت است تملیک می کنند تا او واجد شرایط عضویت در هیئت مدیره شود. اما به موجب یک قرارداد از وی تعهد گرفته میشود که پس از اتمام دوره مدیریت سهم مزبور را به تملیک کننده مسترد دارد. قانونگذار واژه اداره شرکت توسط هیئت مدیره را برای اولین بار در لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ به کار برده است. اما در آن تعریفی از مدیران به عمل نیاورده است و صرفا در ماده ۱۰۷ لایحه مذکور چنین مقرر کرده است: (شرکت سهامی به وسیله هیئت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلا یا بعضا قابل عزل می باشند اداره خواهد شد. به نظر نمی رسد با پرهیز از تعریف عناوینی با چنین اهمیت بتوان مشکلات مربوط به آن را حل نمود. در هر حال در مقام تعریف مدیران

شاید بتوان گفت: مدیران افراد با صلاحیتی هستند که به وسیله صاحبان سهام برای مدت معینی انتخاب شده و کنترل و اداره شرکت را به عهده دارند. با وجود آنکه طبق ماده ۴۷ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ داره شرکت سهامی به عهده یک یا چند نماینده (که از میان شرکا به سمت مدیری انتخاب می شدند) قرار داشت و در هیچ یک از مواد قانون اخیر الذکر نیز اشاره ای به هیئتی بودن مدیریت شرکت سهامی نشده بود ولی عملاً هیئت مدیره اداره امور شرکت را بر عهده داشت. هم چنین حداقل تعداد اعضای هیئت مدیره در شرکت های سهامی عام را ماده ۱۰۷ تعیین نموده. به موجب قسمت اخیر این ماده اعضای هیئت مدیره در شرکت های سهامی عام نباید کمتر از پنج نفر باشد ولی راجع به حداقل تعداد اعضای هیئت مدیره در شرکت های سهامی خاص صراحتی ندارد. ماده ۳ (ل.ا.ق.ت.) بطور اطلاق بیان می دارد که تعداد شرکا در شرکت های سهامی نباید از سه نفر کمتر باشد. متعاقب آن در ماده ۴ شرکت سهامی را به دو نوع عام و خاص تقسیم می کند بنابراین حداقل تعداد اعضای هیئت مدیره مندرج در ماده ۳ باید هر دو نوع شرکت سهامی عام و خاص را شامل گردد که چنین نیست زیرا ماده ۱۰۷ حداقل تعداد اعضای هیئت مدیره را در شرکت سهامی عام ۵ نفر ذکر میکند. بدین ترتیب ملاحظه می گردد که بین مواد ۳ و ۱۰۷ قانون مذکور تعارض وجود دارد. یعنی چگونه ممکن است شرکت سهامی عام که می تواند با سه نفر عضو تشکیل شود باید حداقل ۵ مدیر داشته باشد؟ برای رفع این تعارض می توان چنین توجیه نمود که ماده ۱۰۷ وارد بر ماده ۳ بوده و اطلاق آن را در مورد شرکت های سهامی عام از بین برده و بدین نحو ماده ۳ را تخصیص می دهد. از طرفی چون در هیچ یک از مواد (ل.ا.ق.ت.) در مورد تعداد اعضای هیئت مدیره شرکت های سهامی خاص جاری است و بدین ترتیب اعضای هیئت مدیره در شرکت های سهامی خاص نمیتواند از سه نفر عضو کمتر باشد. به طوری که ملاحظه میگردد قانونگذار حداقل اعضای هیئت مدیره شرکت های سهامی را بر شمرده اما حداکثر تعداد آنان را پیش بینی نکرده است. از این رو تعداد اعضای هیئت مدیره در هر دو نوع شرکت سهامی می تواند به هر تعداد باشد و این امر ممکن است نظم اداره شرکت را مختل نماید. به نظر میرسد چنانچه مقنن سقفی برای تعداد اعضای هیئت مدیره تعیین یا تناسبی بین تعداد سهامداران از یک سو و تعداد مدیران از سوی دیگر برقرار نماید مفید خواهد بود. به موجب ماده ۱۰۷ (ل.ا.ق.ت.) شرکت سهامی بوسیله هیئت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیئت مدیره در شرکت های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد. با توجه به مفاد ماده مذکور: اولاً: اشخاصی به عضویت هیئت مدیره پذیرفته خواهند شد که سهامدار شرکت باشند به عبارت دیگر عضو هیئت مدیره را نمی توان از غیر سهامداران شرکت انتخاب نمود. ثانیاً: اعضای هیئت مدیره در هر موقع توسط مجمع عمومی قابل عزل می باشند. هر چند ماده مذکور صراحتاً مرجع عزل مدیران را مشخص نکرده است ولی عبارت صاحبان سهام در آن مجمع عمومی متبادر به هن میگردد. چنانچه ماده ۷۲ (ل.ا.ق.ت.) می گوید: مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می شود... بنابراین مجمع عمومی شرکت هر زمان می تواند تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره را از سمت مدیری عزل نماید و این مهم را بدون ارائه هیچ گوه دلیلی عملی سازد. در توجیه این امر گفته اند که در واقع رابطه مجمع عمومی با هیئت مدیره رابطه وکیل و موکل است. لذا مجمع عمومی که صاحبان سهام تشکیل شده است. هر زمان اختیار دارد با رعایت مقررات و تشریفات مندرج در قانون تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره را از سمت خود عزل نماید. بعضی از علمای حقوق تجارت نیز با عزل اعضای هیئت مدیره به نحوی که در ماده ۱۰۷ مذکور پیش بینی گردی موافق گردید موافق نیستند و معتقدند که مدیر جزیی از ارکان شرکت است و همانطور که نمی تواند در هر شرایطی استعفا کند نباید در هر شرایطی هم قابل عزل باشد (معدلک با توجه به قاعده آمره عزل مدیر این راه حل اجتناب ناپذیر است) این گروه مخالف استعفای بلا توجیه مدیر نیز هستند. ثالثاً: عضو یا اعضای هیئت مدیره که توسط مجمع عمومی عزل گردیده اند نمی توانند به سبب عزل از شرکت مطالبه ضرر و زیان کنند مگر آنکه عزل ایشان مطابق قواعد عام در شرایطی صورت گرفته باشد که موجب مسئولیت مدنی مسئولان عزل باشد. به موجب اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (هیچ کس نمی

تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.) اجرای این قانون که از مصادیق نظریه سو استفاده از حق است به مدیر معزول اجازه می دهد خسارت خود را مطالبه کند. مطالبه خسارت مذکور باید از دادگاه های دادگستری به عمل آید. رابعا: اعضای هیئت مدیره شرکت سهامی از ارکان شرکت بوده و به هیچ وجه مشمول مقررات قانون کار نیستند بدین ترتیب در صورت معزول یا مستعفی شدن و به طور کلی قطع رابطه مدیریتی آنها با شرکت مراجع حل اختلاف مذکور در قانون کار ماذون رسیدگی به شکایت ایشان نیستند زیرا رابطه هیئت مدیره با شرکت رابطه کارگری و کارفرمایی نیست. و همانطور که بیان گردید چنانچه فرد یا افراد معزول در مورد عزل خود مدعی ورود خساراتی به خود باشند باید به مراجع دادگستری مراجعه نمایند. گفتیم که اعضای هیئت مدیره کلا یا بعضا از سوی مجمع عمومی قابل عزل می باشند. ولی اشکال که عملا برای عزل پیش می آید این است که مجمع عمومی معمولا اختیار دارند فقط درباره موضوعهایی که در دستور جلسه است بحث کرده و تصمیم بگیرند و مدیران شرکت های سهامی حاضر به درج این موضوع در دستور جلسه شرکت نمی شوند. برای رفع این اشکال صاحبان سهام دو وسیله در دست دارند یکی آنکه چنانچه صاحبان سهام از عملیات هیئت مدیره راضی نباشند در مجمع عمومی ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را تصویب نکنند این موضوع به عنوان رای عدم اعتاد نسبت به مدیران تلقی شده و چون امور شرکت مختل می ماند مدیران مجبور به استعفا میشوند. دیگر آنکه یک پنجم سهامداران به ترتیبی که در مواد ۹۵ و ۹۶ (ل.ا.ق.ت.) بیان شد. کتبا تقاضای تشکیل مجمع عمومی را برای عزل مدیران بنمایند. در این صورت هیئت مدیره مکلف است مجمع عمومی عادی را بطور فوق العاده دعوت کند. در این مورد نیز گفته شده که مجمع می تواند مدیر را عزل کند حتی اگر عزل او جز دستور جلسه نباشد. دو نکته دیگر قابل ذکر در مورد عزل مدیران یکی آن است که هرگاه عضو هیئت مدیره شرکت از کارکنان شرکت باشد عزل او خللی به رابطه استخدامی او با شرکت وارد نمی آورد و او هم چنان در شرکت به کار خود ادامه خواهد داد. دیگر آنکه عزل مدیر به منزله عزل او از شرکت نیست و او همچنان در زمره یکی از سهامداران شرکت می باشد. خامسا: سمت مدیری در هیئت مدیره شرکت سهامی مباشرتی بوده و قابل واگذاری نیست. از این رو مدیران نمی توانند سمت خود را به دیگران انتقال دهند. چون اداره شرکت در واقع وظیفه مدیران است نه حق آنها لذا وظیفه مذکور قابل واگذاری نیست. لیکن در مقررات شرکت های سهامی موضوع قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ چنین اجازه ای به مدیران داده شده بود. مقررات مذکور با دو شرط اجازه می داد که عضو هیئت مدیره برای خود جانشین تعیین نماید یکی اینکه اساسنامه چنین موضعی را تصریح کرده بود (حق وکالت در توکیل) و دیگر اینکه مدیران دیگر نیز این موضوع را تایید می کردند. ولی به هر حال مسئولیت اعمال شخص خارج به عهده خود مدیران بود (ماده ۴۹ قانون اخیرالذکر). در (ل.ا.ق.ت.) مصوب ۱۳۴۷ واگذاری سمت مدیریت از سوی هیئت مدیره فقط به مدیر عمل پیش بینی شده است. به موجب قسمت اول ماده ۱۲۴ قانون مذکور هیئت مدیره مکلف است اقلا یک شخص حقیقی را به مدیرعاملی شرکت برگزیند. به موجب ماده ۱۰۸ (ل.ا.ق.ت.) مدیران شرکت توسط مجمع عمومی موسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می شوند. بدیهی است که فقط اولین مدیران شرکت توسط مجمع عمومی موسس انتخاب می شوند. قانونگذار در شرکت های سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی موسس را الزامی ننموده (ماده ۸۲ قانون فوق الذکر) لذا این نوع شرکت مخیر در تشکل مجمع عمومی موسس یا عدم آن می باشد. معمولا رویه چنین است که به هنگام تاسیس شرکت های سهامی خاص انتخاب اولین مدیران برابر ماده ۲۰ (ل.ا.ق.ت.) در صورت جلسه ای قید می شود و به امضای کلیه سهامداران می رسد. صورت جلسه مذکور به انضمام سایر مدارکی که در ماده اخیر بدانها اشاره شده به ضمیمه اظهارنامه برای ثبت و تشکیل شرکت به اداره کل ثبت شرکت ها ارسال می گردد. طبق بند ۳ ماده مذکور که مقرر می دارد: انتخاب اولین مدیران و بازرسان یا بازرسان شرکت که باید در صورت جلسه قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. ظاهرا به نظر می رسد که اعضای هیئت مدیره باید مورد تأیید همه سهامداران باشند. حال اگر شرکت مذکور بخواهد از طریق تشکیل مجمع عمومی موسس اعضای هیئت مدیره خود را انتخاب کند لزوما نحوه تشکیل

مجمع عمومی موسس اعضای هیئت مدیره خود را انتخاب کند لزوما نحوه تشکیل جلسه مجمع عمومی اخذ را می باید طبق ماده ۷۵ (ل.ا.ق.ت.). انجام گیرد. ماده مذکور در این خصوص مقرر می دارد: (در مجمع عمومی موسس حضور عده ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است. اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد. مجمع عمومی جدید فقط تا دو نوبت توسط موسسین دعوت می شوند.. مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لاقبل یک سوم سرمایه شرکت در آن حاضر باشند. در هر یک از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت دو ثلث آرا حاضرین اتخاذ شود... به طوری که ملاحظه می گردد ماده ۷۵ و بند ۳ ماده ۲۰ (ل.ا.ق.ت.). از نظر کسب تعداد آرا ماخوذه برای عضویت در هیئت مدیره شرکت سهامی خاص تعارض دارد. این تعارض ظاهری است. اعضای اولین هیئت مدیره شرکت سهامی خاص چه در مجمع عمومی موسس انتخاب گردند و چه توسط سهامداران شرکت (بدون تشکیل مجمع عمومی موسس). بایستی با اکثریتی که در ماده ۷۵ مذکور پیش بینی شده انتخاب گردند. فقط بند ۳ ماده ۲۰ کلیه سهامداران شرکت سهامی خاص را مکلف نموده که ذیل صورتجلسه مذکور را (که مسلما حاوی نحوه انتخاب اعضای هیئت مدیره و تعداد آرای هر یک از آنها به دست آورده نیز می باشد) امضا نمایند. انتخاب هیئت مدیره های بعدی در طول حیات شرکت توسط مجمع عمومی عادی به عمل خواهد آمد ماده ۸۸ (ل.ا.ق.ت.). در این خصوص مقرر می دارد: در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت نصف بعلاوه یک ارا حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود. در مورد انتخاب مدیران تعداد آرای هر رای دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می شود و حق رای دهند برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود رای دهند می تواند آرای خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند. اساسنامه شرکت نمی تواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد. مجمع عمومی مذکور (موسس و عادی) علاوه بر انتخاب اعضای اصلی هیئت مدیره معمولا چند نفر را نیز به عنوان اعضای علی البدل هیئت مدیره انتخاب می نمایند تا در صورتی که بر اثر فوت یا استعفا یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران تعداد آنها از داخل مقرر در قانون کمتر شود اعضای علی البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه یا به ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آنان را بگیرند. ضمنا اعضای علی البدل در صورت عدم حضور موقت اعضای هیئت مدیره در جلسات هیئت مدیره مدیران در اساسنامه معین می شود لیکن این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد. انتخاب مجدد مدیران بلامانع است. در صورت عدم ذکر مدت در اساسنامه مجمع عمومی عادی می تواند مدت تصدی مدیران را تعیین نماید لیکن اساسنامه و تصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام نمی تواند برخلاف نص ماده فوق الذکر مدت ماموریت مدیران را بسش از دو سال تعیین کند. در صورتی که مدت مزبور در اساسنامه قید شده باشد تغییر آن به مدتی کمتر از ۲ سال از طریق تغییر اساسنامه توسط مجمع عمومی عادی باشد مجمع مذکور می تواند هر زمان مطابق مقررات مندرج در اساسنامه تشکیل جلسه داده و به مدیریت ماموریت مدیران خاتمه دهد و اعضای دیگری را حداکثر تا دو سال جایگزین آنان بنماید. قبل از اصلاح قانون تجارت دوره مدیریت طرح ماده ۴۶ ق.ت. مصوب ۱۳۱۱ چهار سال و تجدید انتخاب آنان بلامانع بود مگر آنکه اساسنامه شرکت غیر از این مقرر میداشت و در صورتی که طبق مقررات اساسنامه تعیین مدیران موقوف به تصویب مجمع عمومی نبود فرضا اساسنامه تعیین آنان را به سازمانهایی غیر از صاحبان سهام محول نموده بود دروه مدیریت نمی توانست از دو سال تجاوز کند. اعضای هیئت مدیره ممکن است از اشخاص حقیقی باشند در مقررات مربوط به شرکت های سهامی مذکور ق.ت. مصوب ۱۳۱۱ پیش بینی نشده بود که شخص حقوقی بتواند به مدیریت شرکت سهامی انتخاب گردد. اما با توجه به ماده ۵۸۳ ق.ت. که مقرر می دارد: کلیه شرکت های تجاری مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند و نیز ماده ۵۸۸ بدین شرح که: شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افرادا قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت بنوت و امثال ذلک. می توانستند به سمت مدیریت شرکت سهامی انتخاب شوند. ماده ۱۱۰ (ل.ا.ق.ت.). صراحت دارد بر اینکه

اشخاصی حقوقی را می توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود. در این صورت شخص حقوقی همان مسئولیت های مدنی شخص حقیقی عضو هیئت مدیره را داشته و باید یک نفر را به نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید. چنین نماینده ای مشمول همان شرایط و تعهدات و مسئولیت های مدنی و جزایی عضو هیئت مدیره بوده از جهت مدنی با شخص حقوقی که او را به نمایندگی تعیین نموده است مسئولیت تضامنی خواهد داشت. شخص حقوقی عضو هیئت مدیره می تواند نماینده خود را عزل کند به شرط آنکه در همان موقع جانشین او را کتبا به شرکت معرفی نماید و گرنه غایب محسوب می شود. با توجه به ماده فوق بالا شخص حقوقی عضو هیئت مدیره دارای همان مسئولیت مدنی است که شخص حقیقی عضو هیئت مدیره داراست. ثانیاً شخص حقوقی با نماینده خود از جهت مدنی مسئولیت تضامنی دارد. ثالثاً نماینده شخص حقوقی هم مشمول همان شرایط و تعهدات و مسئولیت های مدنی و جزایی شخص حقیقی عضو هیئت مدیره می باشد. نکته قابل ذکر در مورد مسئولیت مدنی نماینده شخص حقوقی این است که نماینده مذکور که در حکم وکیل شخص حقوقی و باید دستورات او یعنی موکل را در هیئت مدیره اجرا کند چگونه می تواند در قبال اجرای این دستورات مسئولیت شخصی داشته باشد؟ منطبق این راه حل این است که نماینده شخص حقوقی در عین اینکه وکیل شخص اخیر است رکنی از ارکان شرکت محسوب می شود (رکن مدیریت) و بنابراین باید مسئولیت شخصی داشته باشد. اما قانونگذار پیش بینی نکرده است که در صورت اختلاف نظر میان شخص حقوقی و نماینده او و ابزار این اختلاف در هیئت مدیره مدیر نماینده مسئول خواهد بود یا خیر؟ به نظر می رسد با رعایت مقررات عام راجع به وکالت در صورتی که نماینده صرفاً دستور شخص حقوقی را انجام داده باشد پس از پرداخت خسارت ناشی از عمل خود در هیئت مدیره حق دارد به شخص حقوقی مراجعه کند. مسئله دیگری که قانونگذار معین نکرده این است که چه کسی نماینده شخص حقوقی را برای عضویت در هیئت مدیره شرکت انتخاب می کند. بدیهی است این سؤال بیشتری در مورد شرکت هایی مطرح می شود که عضو هیئت مدیره شرکت دیگری هستند نه اشخاص حقوقی دیگر در مورد این اشخاص حقوقی مانند وزارتخانه ها معمولاً بالاترین مقام شخص حقوقی مانند وزیر حق انتخاب نماینده شخص حقوقی را در شرکت دارد. در این صورت مسئله این است که انتخاب نماینده با هیئت مدیره شخص حقوقی مدیر است یا با مجمع عمومی آن. به نظر می رسد هیئت مدیره که اداره شرکت به عهده اوست حق انتخاب نماینده برای عضویت در هیئت مدیره شرکت دیگر را دارد. معذکک با توجه به عدم منع آن توسط قانونگذار هیئت مدیره می تواند اختیار تعیین نماینده را به مدیرعامل واگذار کند. به هر حال مدت ماموریت نماینده شخص حقوقی در هیئت مدیره شرکت تحت تاثیر دو عامل خواهد بود یکی آنه به محض اتمام مدت ماموریت شخص حقوقی مدت ماموریت نماینده مذکور هم تمام می شود. دیگر اینکه اگر مدت ماموریت هیئت مدیره به اتمام برسد نماینده شخص حقوقی هم دیگر سمت نمایندگی شخص مذکور را نخواهد داشت. نکته قابل ذکر اینکه در صورتیکه شخص حقوقی عضو هیئت مدیره باشد لازم نیست شخص حقیقی نماینده وی هم دارای سهم در شرکت مذکور باشد.

۱۹- قلمرو اختیارات مدیران

شرکت های سهامی عام و خاص - قلمرو اختیارات مدیران به طوری که قبلاً بیان گردید هیئت مدیره مستقیماً در اداره عملی شرکت مداخله نمی کند و این امر را به شخص دیگری به عنوان مدیرعامل واگذار می کند به موجب ماده ۱۲۵ (ل.ا.ق.ت) مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضا دارد. با توجه به ماده مذکور ملاحظه می گردد: - مرجع تعیین اختیارات مدیرعامل فقط هیئت مدیره است. بنابراین چنانچه در اساسنامه محدودیت اختیارات مدیرعامل تعیین شده باشد هیئت مدیره می تواند به موجب صریح ماده مذکور دایره اختیارات مدیرعامل را وسیعتر یا تنگ تر بنماید. قبل از تصویب لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ چنانچه وظایف و

اختیارات مدیرعامل به وسیله اساسنامه تعیین شده بود هیئت مدیره نمی توانست اختیارات مزبور را تقلیل دهد یا اضافه کند. و در موارد لزوم مجمع عمومی را دعوت کرده و تقاضای تغییر آنها را از مجمع عمومی می کردند و در صورتی که اساسنامه تعیین اختیارات و وظایف مدیرعامل را موکول به تصمیم هیئت مدیره می نمود هیئت مدیره در هر موقع اختیار داشت اختیارات و وظایف مذکور را تغییر دهد. - اختیارات مدیرعامل محدود به میزانی است که به موجب ماده ۱۲۵ توسط هیئت مدیره به او تفویض گردیده و شامل اختیارات مندرج در ماده ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) نمی گردد. مقررات ماده اخیرالذکر فقط راجع به اختیارات اعضای هیئت مدیره است. گرچه در ماده مذکور سخن از مدیران شرکت شده است ولی غرض از لفظ مدیران اعضای هیئت مدیره می باشد و لاغیر. - چنانچه هیئت مدیره برای اداره امور شرکت اختیار نام بدهند مدیرعامل دارای تمام اختیارات است مگر آنچه را که خود هیئت مدیره اختیار انجام آن را نداشته باشد. به موجب ماده ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) هیئت مدیره حق مداخله در اموری که در صلاحیت خاص مجامع عمومی است ندارد لاجرم مدیرعامل نیز نمی تواند چنین حقی را دارا باشد. همچنین مدیرعامل حق اقدام در مورد آنچه را که خارج از موضوع شرکت است ندارد. صرفنظر از موارد فوق الذکر مدیرعامل نمی تواند در مورد اموری که در صلاحیت خاص هیئت مدیره است اقدامی بعمل آورد حتی اگر این اجازه به وی داده شده باشد مانند تعیین رئیس هیئت مدیره و نایب او (ماده ۱۱۹ (ل.ا.ق.ت)) دعوت و اداره جلسات هیئت مدیره دعوت مجامع عمومی (ماده ۱۲۰ (ل.ا.ق.ت)) دادن اجازه انجام معاملات موضوع ماده ۱۲۹ (ل.ا.ق.ت) و اعطای اجازه گرفتن وام به اعضای هیئت مدیره از بانکها و شرکت های مالی و اعتباری (ماده ۱۳۲ (ل.ا.ق.ت)). - سمت مدیریت عاملی شرکت سهامی قابل واگذاری به غیر نیست. مدیرعامل حق ندارد تمام یا قسمتی از اختیاراتی که توسط هیئت مدیره به او تفویض شده است به دیگران واگذار نماید. زیرا که نظر قانونگذار در ماده ۱۲۴ (ل.ا.ق.ت) این است که هیئت مدیره یک نفر شخص حقیقی را برای تصدی اداره شرکت برگزیند. و چنانچه می خواست که مدیرعامل مذکور دارای حق وکالت در توکیل باشد طبق مقررات راجع به وکالت می بایست آن را ذکر می کرد. پس عدم ذکر آن در قانون نمی تواند دلالت بر اباحه حق مذکور نماید. لازم به ذکر است کسانی که به سمت وکیل دادگستری از سوی شرکت های سهامی در مراجع قضایی حضور می یابند وکیل شرکت هستند نه وکیل مدیرعامل در مقررات شرکت های سهامی موضوع قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ ذکری از مدیرعامل نشده بود. مدیرعامل طبق مقررات اساسنامه یک نفر مدیر برای شرکت معین می کرد مدیر مزبور در عین حال دارای اختیارات هیئت مدیره و مدیرعامل نیز می بود. اختیارات مدیرعامل یا طبق اساسنامه یا طبق تصمیم هیئت مدیره معین می گشت. اختیارات مدیرعامل اگر از اختیارات معمولی تجاوز می کرد موارد آن تصریح می گردید. مدیرعامل در صورتی که اختیار وکالت در توکیل می داشت. می توانست برای خود معاونانی تعیین کند یا آن که تمام یا قسمتی از اختیارات خود را به نمایندگان دیگر واگذار نماید. در این صورت نمایندگان مزبور نماینده شرکت بودند و به نام شرکت عمل می کردند نه به نام مدیرعامل ولی مدیرعامل چون مسئول کلیه امور شرکت بود موظف بود در کار معاونان یا نمایندگان مذکور نیز نظارت کند. - مدیرعامل طبق ماده ۱۲۵ در حدود اختیاراتی که هیئت مدیره به او تفویض کرده نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضا دارد. با توجه به ماده مذکور تعدادی از اساتید حقوق تجارت عقیده دارند که نمایندگی شرکت خاص مدیرعامل است و هیئت مدیره نمیتواند نماینده باشد اما می تواند به یکی از اعضا خود اختیار دهد که همراه مدیرعامل در مقابل اشخاص ثالث حق امضا داشته باشد و بدین ترتیب مدیریت اداری را از مدیریت عملی جدا می دانند و چنین ابراز می نمایند که لفظ اداره که در ماده ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) آمده متضمن مفهوم نمایندگی مندرج در ماده ۱۲۵ (ل.ا.ق.ت) نمی باشد تا هیئت مدیره واجد صفت نمایندگی گردد و برای مثال به ماده ۱۰۵ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ اشاره می کنند که: (باتوجه به مفاد این ماده معقول نخواهد بود که بگوئیم قانونگذار اداره شرکت را شامل نمایندگی هم می داند به علاوه اگر طبق قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مدیران شرکت های سهامی سابق در مقابل اشخاص ثالث حق اقدام داشتند بدان دلیل بود که قانونگذار مدیران را به طور صریح نمایندگان شرکت معرفی کرده بود. (به

موجب ماده ۴۸ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ (شرکت سهامی بواسطه یک یا چند نفر نماینده ... اداره خواهد شد) در حالی که در ماده ۱۱۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷ از لفظ نمایندگی استفاده نکرده است. هم چنین طرفداران این نظریه در توجیه نظر خود اظهار می نمایند که قبول این نظر که هیئت مدیره می تواند به نمایندگی از طرف شرکت در مقابل اشخاص ثالث حق امضا داشته باشد برای اشخاص خارج از شرکت خطر آفرین است چه ممکن است در معامله ای مدیرعامل شرکت با وجود اختیارات با شخصی طرف قرارداد شده باشد و هیئت مدیره با شخص دیگری. قانونگذار با وضع این قاعده که مدیرعامل نماینده قانونی شرکت در مقابل اشخاص ثالث است قصد داشته از بروز چنین اشکالاتی جلوگیری کند به همین علت باید قبول کرد که مدیرعامل تنها نماینده شرکت در مقابل اشخاص ثالث است. لفظ مدیرعامل مبین این معناست که هیئت مدیره تصمیم میگیرد و مدیرعامل عمل می کند. با ملحوظ قراردادن نظریه مذکور باید به این نکته نیز توجه داشت که درست است مقنن در ماده ۱۱۸ لفظ نمایندگی را به کار نبرده ولی معلوم هم نیست که دو لفظ اداره و نمایندگی را هم به یک معنا به کار نبرده باشد به هر حال چنین استنتاج و استنباط منفی از ماده ۱۱۸ و منع انجام اموری که اتخاذ تصمیم و اقدام و به طور کلی اداره آنها صریحا بعهد هیئت مدیره واگذار شده نیاز به توجیه بیشتری دارد. از طرفی باید توجه داشت که ماده ۱۲۴ هیئت مدیره رامکلف نموده که اقلا یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند. لاجرم تکلیف مذکور ایجاب می کند که مدیریت عملی شرکت طبق ماده ۱۲۵ (ل.ا.ق.ت) که صریحا مدیرعامل را نماینده شرکت قلمداد می کند در حدود اختیارات مفوضه با مدیر عامل باشد که عملا هم چنین است.

۲۰- محدودیت اختیارات مدیران و مزایا

شرکت های سهامی عام و خاص - محدودیت اختیارات مدیران و مزایا اصولا مدیران شرکت با توجه به این که دارای شخصیت حقوقی مستقلی هستند باید بتوانند برابر مقررات قانونی هر گونه معامله ای با شرکت منعقد کنند. اما مقنن به لحاظ حقوق شرکت و نیز سهامداران و جلوگیری از بروز هر گونه سوطن در مورد نحوه استفاده مدیران از اختیارات خود محدودیت هایی را برای آنان پیش بینی کرده است. لازم به ذکر است که دایره این محدودیت ها گاه فراتر از شرکتی می باشد که مدیران عضو آن می باشند. که آنها را در پنج قسمت مورد بررسی قرار می دهیم.

۲۱- منع معامله با شرکت

شرکت های سهامی عام و خاص - منع معامله با شرکت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل هر گاه بخواهند در معلات شرکت طرف معامله قرار بگیرند یا تسهیم شوند باید قبلا از هیئت مدیره اجازه بگیرند. عدم کسب اجازه از هیئت مدیره ممکن است معامله مذکور را دچار تزلزل نموده و حتی ابطال آن در پی داشته باشد. قسمت اول ماده ۱۲۹ (ل.ا.ق.ت) در این خصوص چنین مقرر می دارد: اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین موسسات و شرکت هایی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل شرکت و همچنین موسسات و شرکت هایی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل شرکت شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل آنها باشند نمی توانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شود بطور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع شوند. به طوری که ملاحظه می گردد دامنه ممنوعیت معامله بدون اجازه هیئت مدیره به موسسات و شرکت های دیگری نیز کشیده شده است. بدین ترتیب که نه تنها مدیران شرکت نمی توانند بدون کسب مجوز مذکور طرف معامله قرار بگیرند بلکه موسسات و شرکت هایی که مدیران فوق الذکر در آن شریک یا مدیر هستند بدون اجازه هیئت مدیره فوق الذکر ممنوع از معامله می باشند. قبل از اصلاح قانون تجار به موجب ماده ۵۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مدیران شرکت نمی توانستند بدون اجازه

مجمع عمومی در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شد بطور مستقیم یا غیر مستقیم سهیم شوند. باوجود این ماده در عمل دیده می شد در هر سال مجمع عمومی بطور کلی اجازه می داد که اعضای شرکت بتوانند با شرکت معاملات مزبور به ضمیمه ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت به مجمع عمومی برای تأیید تسلیم می شد. به طوری که ملاحظه می گردد شرکت های سهامی سابق تنها از سهیم شدن در معاملات شرکت ممنوع بودند. منظور از شریک در صدر ماده ۱۲۹ عبارت است از این که مدیر یا مدیران شرکت سهامی خاص با موسسه یا شرکت دیگر شریک باشند نه سهامدار جز به نظر می رسد که مدیر شرکت سهامی خاص اگر در یک شرکت بزرگ سهامی عام که سرمایه آن چندین صد هزار سهام ده هزار ریالی است دارای چند برگ سهام باشد نمی توان به او عرفاً شریک اطلاق کرد. به هر حال اگر شریک محسوب گردد برای انجام هر معامله ای با آن شرکت کسب مجوز برای وی لازم خواهد بود. عضو هیئت مدیره یا مدیرعاملی که می خواهد با شرکت معامله ای انجام دهد باید هیئت مدیره را از قصد خود آگاه کند تا موضوع در دستور کار هیئت مدیره قرار گرفته. و در جلسه هیئت مدیره نسبت به آن رسیدگی و اتخاذ تصمیم گردد. البته عضو هیئت مدیره که در معامله ذینفع است حق رای نخواهد داشت. در صورتی که هیئت مدیره انجام معامله با شرکت را به شخص ذینفع بدهد مکلف است اولاً بلافاصله بازرس شرکت را از معامله ای که اجازه آن داده شده است مطلع نماید. ثانیاً گزارش آن را به اولین مجمع عمومی بدهد تا در مورد آن نظر خود را اعلام نمایند. بازرس شرکت نیز مکلف است گزارشی که حاوی جزئیات معامله باشد به انضمام نظر جامع خود (راجع به معامله مذکور) به همین مجمع تقدیم کند. ماده ۱۲۹ (ل.ا.ق.ت) راجع به دو گزارش مزبور چنین مقرر می دارد: (... و در صورت اجازه نیز هیئت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله ای به همان مجمع تقدیم کند... بنابراین بازرس نمی تواند در گزارش خود به ذکر کلیات اکتفا کند بطور مثال فلان معامله با فلان مدیر یا مدیرعامل انجام گرفته بی شک گزارش جزئیات باید مستلزم مشخصات و موضوع دقیق قرارداد. نامه مدیر یا مدیرعامل ذینفع شرایط اساسی معامله مثل قیمت زمان پرداخت ثمن سود معین شده در قرارداد تضمین های احتمالی و موارد دیگر باشد عدم رعایت دستور قانونگذار در مورد بیان جزئیات معامله موجب بی اعتباری گزارش بازرس خواهد بود. هم چنین است اگر بازرس ضمن گزارش مذکور نظر شخصی و کارشناسانه خود را راجع به معامله انجام شده به مجمع عمومی تقدیم نکند. هر گاه مجمع عمومی براساس چنین گزارشی تصمیمی اتخاذ کند تصمیم مزبور به حکم قاعده عام مندرج در ماده ۲۷۰ (ل.ا.ق.ت) مصوب ۱۳۴۷ قابل ابطال است. چنانچه موضوع معامله به بازرس اطلاع داده نشود هر زمان که بازرس متوجه معامله مذکور گردد باید طبق ماده ۱۵۱ (ل.ا.ق.ت) عمل نموده و مراتب را به مجمع عمومی اطلاع دهد. به موجب قسمت اخیر ماده ۱۲۹: (... عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل ذینفع در معامله در جلسه هیئت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور حق رای نخواهد داشت. به نظر می رسد منظور از مدیرعامل ذینفعی که حق رای در جلسه هیئت مدیره را ندارد مدیرعاملی است که عضو هیئت مدیره نیز می باشد. زیرا اگر مدیرعامل مذکور عضو هیئت مدیره نباشد در جلسات هیئت مدیره قانوناً حق رای ندارد. هم چنین مدیرعامل ذینفعی که حق رای در مجمع عمومی ندارد مدیرعاملی است که الزاماً سهامدار شرکت است. بنابراین چنانچه مدیر مذکور از بین صاحبان سهام انتخاب نشده باشد به ناچار در مجمع عمومی حق رای نخواهد داشت. مجمع عمومی تصمیم گیرنده در مورد معامله ای که هیئت مدیره اجازه آن را داده است مجمع عمومی عادی سالانه شرکت می باشد. معاملاتی که با اجازه هیئت مدیره منعقد گردیده و به اولین مجمع عمومی گزارش آن داده شده از دو حالت خارج نیستند یا مورد تصویب مجمع عمومی قرار می گیرد یا رد می گردند در هر دو حالت معاملات مذکور در مقابل اشخاص ثالث معتبر است (مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. که در این مورد بعداً توضیح داده خواهد شد.) و به موجب مفهوم مخالف قسمت اول ماده ۱۳۱ (ل.ا.ق.ت) معاملات مذکور قابل ابطال نمی باشند. به

عقیده یکی از اساتید حقوق تجارت عدم قابلیت ابطال این گونه معاملات منطقی نیست چه ممکن است معامله انجام شده متضمن زیان قابل ملاحظه ای برای شرکت باشد. البته قانونگذار پیش بینی کرده است که در چنین صورتی جبران خسارات وارده بر شرکت بر عهده مدیر یا مدیران یا مدیرعامل ذینفع است ولی این راه حل برای جبران خسارت شرکت کافی نیست. چه ممکن است اشخاص اخیر معسر یا ورشکسته باشند. لازم به ذکر است که قانونگذار از فرض موردی را که مجوز معامله موضوع ماده ۱۲۹ از هیئت مدیره صادر شده ولی گزارش آن به مجمع عمومی داده نشده پیش بینی نکرده است. در اصل چنین معامله ای باطل نیست زیرا تصویب مجمع عمومی شرط صحت معاملات موضوع ماده اخیر الذکر نیم باشد. به هر حال به نظر می رسد این مورد مشمول ماده ۱۳۰ (ل.ا.ق.ت) می پردازیم. به موجب ماده ۱۳۰ (معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عمومی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارت بر عهده هیئت مدیره و مدیرعامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه آن معامله را داده اند که همگی آنها متضامنا مسئول جبران خسارات وارده به شرکت می باشند. صدر ماده مذکور به صراحت مشخص نیست که منظور از معاملات موضوع ماده ۱۲۹ معاملاتی است که هیئت مدیره با آن موافقت کرده است یا خیر. به هر حال با توجه به ماده ۱۳۱ (ل.ا.ق.ت) می توان به این نتیجه دست یافت که منظور مقنن در ماده ۱۳۰ معاملاتی است که به تأیید هیئت مدیره رسیده است بخصوص بالحفاظ قراردادان عبارت ولو آنکه توسط مجمع عادی تصویب نشود معلوم میگردد مراد قانونگذار در ماده اخیر الذکر معاملاتی است که مجوز آن توسط هیئت مدیره صادر گردیده خواه توسط مجمع عمومی مورد تصویب قرار گرفته باشد یا نه. به هر حال ماده ۱۳۰ در شرح خود معاملاتی مذکور در فوق را در مقابل اشخاص ثالث معتبر می شناسد. مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. که در این صورت شرکت می تواند به دلیل تدلیس یا تقلب ثالث حسب مورد کیفری یا مدنی بودن موضوع تدلیس و تقلب ابطال یا فسخ آن را از دادگاه صلاحیت دار درخواست نماید. به غیر از موارد تدلیس و تقلب هر گاه از معاملات موضوع ماده ۱۲۹ (ل.ا.ق.ت) (معاملاتی که محور آن توسط هیئت مدیره صادر شده است) ضرری به شرکت وارد آمده باشد شرکت فقط می تواند جبران خسارت آن را مطالبه نماید و نمی تواند ابطال آن را بخواهد. در دعاوی مذکور خواننده دعوی حسب مورد هیئت مدیره و مدیرعامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه این نوع معاملات را داده اند. تا اینجا مطالب راجع به معاملاتی بود که هیئت مدیره مجوز آن را صادر کرده بود که در مورد مسائل آن توضیحاتی داده شد. حال اگر معاملات موضوع ماده ۱۲۹ بدون صدور مجوز هیئت مدیره منعقد شود و بعد گزارش آن به مجمع واصل گردد باید دید تکلیف آن چگونه است. در این مورد قسمت اول ماده ۱۳۱ (ل.ا.ق.ت) مقرر می دارد: (در صورتی که معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ این قانون بدون اجازه هیئت مدیره صورت گرفته باشد هرگاه مجمع عمومی عادی شرکت آنها را تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتی که معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن بطلان معامله را از دادگاه صلاحیت دار درخواست کند. لیکن در هر حال مسئولیت مدیر و مدیران و یا مدیرعامل ذینفع در مقابل شرکت باقی خواهد بود... صدر این ماده صراحت دارد بر اینکه موضوع آن راجع به معاملاتی است که بدون اجازه هیئت مدیره انجام شده. معاملات مذکور از نظر تصویب آن در مجمع عمومی عادی سالانه با دو حالت تصویب یا عدم تصویب مجمع عمومی مواجه است. در صورتی که مجمع عمومی آنها را تصویب کند معاملاتی انجام شده مزبور معتبر بوده و از این نظر به هیچ وجه قابل ابطال نمی باشد. ولی در صورتی که از معامله مذکور ضرر و زیانی به شرکت وارد آمده باشد مدیرانی که دخالت در معاملات مذکور داشته اند مسئول خواهند بود. هر گاه معاملات مذکور به تصویب مجمع عمومی نرسد شرکت می تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله بطلان آن را از دادگاه صالح تقاضا کند و چنانچه معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن می تواند به دادگاه مراجعه

کند. در این حالت نیز مانند مورد فوق الذکر (مجمع عمومی انجام معامله را تصویب کرده است) مسئولیت مدیر و مدیران و یا مدیرعامل ذینفع در مقابل شرکت یا برجا خواهد بود. تصمیم راجع به تقاضای بطلان معامله با مجمع عمومی عادی است که پس از استماع گزارش بازرس مبنی بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله در مورد آن رای خواهد داد. عضو هیئت مدیره و همچنین مدیرعاملی که سهامدار می باشد در مجمع مذکور حق رای نخواهد داشت. چنانچه مدیر عامل از بین سهامداران انتخاب نشده باشد به دلیل سهامدار نبودن قانوناً حق رای ندارد.

۲۲- منع مضمون عنه واقع شدن

شرکت های سهامی عام و خاص - منع مضمون عنه واقع شدن ماده ۱۳۲ (ل.ا.ق.ت) که در بیان منع مدیران شرکت از تحصیل هر گونه وام یا اعتبار از شرکت است ضمناً شرکت ها را هم از ضمانت کردن و تعهد دیون مدیران خود منع کرده است. چنانچه مدیران مذکور و همچنین افراد وابسته به آنان (همسر پدر و مادر اجداد خواهر و برادر اولاد و فرزند آنان) وام یا اعتبار دریافت کرده باشند شرکت نمی تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند ممنوعیت فوق شامل اشخاص حقوقی نمی گردد. بانکها و شرکت های مالی و اعتباری می توانند ضامن دیون مدیران خود گردند مشروط بر اینکه تحت قیود و شرایط باشد که در مورد سایر متقاضیان رعایت می گردد. ماده ۱۳۲ (ل.ا.ق.ت) که در بیان منع مدیران شرکت سهامی از تحصیل هر گونه وام یا اعتبار است همچنین شرکت را از تضمین و دیون ایشان نیز منع کرده است چنین مقرر می دارد: (مدیر عامل شرکت و اعضای هیئت مدیره به استثنای اشخاص حقوقی حق ندارند هیچگونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. اینگونه عملیات بخودی خود باطل است. در مورد بانکها و شرکت های مالی و اعتباری معاملات مذکور در این ماده بشرط آنکه تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر خواهد بود. ممنوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت مدیره شرکت می کنند و همچنین شامل همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاد و اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می باشد.

۲۳- منع رقابت با شرکت

شرکت های سهامی عام و خاص - منع رقابت با شرکت (ل.ا.ق.ت) مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره شرکت را از انجام هر معامله ای که نظیر معاملات شرکت بوده و متضمن رقابت با عملیات شرکت هم باشد منع کرده است. قسمت اول ماده ۱۳۳ (ل.ا.ق.ت) در این خصوص مقرر می دارد: مدیران و مدیرعامل نمی توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. مقررات مذکور جنبه آمره دارد و هیچ یک از ارکان شرکت نمی توانند به انجام خلاف این قاعده رضایت دهند و اساسنامه هم نمی تواند خلاف آن را پیش بینی کند. با توجه به اطلاق ماده مذکور ممنوعیت رقابت تجاری شامل شخص حقوقی عضو هیئت مدیره نیز می شود. همچنین چون نماینده شخص حقوقی عضو هیئت مدیره مطابق قسمت دوم ماده ۱۱۰ (ل.ا.ق.ت) مشمول همان شرایط و تعهدات و مسئولیت های مدنی و جزایی عضو هیئت مدیره است قاعده مقرر در ماده ۱۳۳ شامل او نیز می گردد. باید توجه داشت که ضمانت اجرای منع رقابت تجاری با شرکت از جانب مدیران بطلان معاملات مدیر با اشخاص ثالث نیست. در واقع نه قانونگذار در ماده ۱۳۳ مذکور چنین بطلانی را پیش بینی کرده و نه از اصولی کلی حقوقی می توان چنین نتیجه ای گرفت بلکه ضمانت اجرای انجام دادن معاملاتی نظیر معاملات شرکت این است که مدیر متخلف مسئول جبران ضررهای وارده بر شرکت به سبب این گونه معاملات خواهد بود. به موجب قسمت دوم ماده مذکور (هر گونه مدیری که از مقررات این ماده

تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد مسئول جبران آن خواهد بود. منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت یا تفویت منفعت. به طوری که ملاحظه می گردد مسئولیت مدیر برای آنکه به منصفه ظهور برسد نیاز به گذر از مراحل دارد علی الظاهر اثبات معاملاتی نظیر معاملات شرکت برای ذینفع یعنی شرکت کار مشکلی نخواهد بود. اما قانونگذار بر این نکته تاکید دارد که معاملات مذکور نه تنها باید نظیر معاملات شرکت باشد بلکه باید متضمن رقابت با عملیات شرکت هم باشد. که اثبات این امر چندان ساده هم نخواهد بود. قانونگذار که در قسمت اخیر ماده ضرر را اعم از ورود خسارت یا تفویت منفعت بر شمرده تا حدود زیادی طی راه ناهموار اثبات موضوع دعوی را برای شرکت (مدعی) مطلوب نموده است. منع رقابت مدیران با شرکت در مورد شرکت های سهامی موضوع قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مصداق نداشت.

۲۴- منع دریافت حقوق یا پاداش

شرکت های سهامی عام و خاص - منع دریافت حقوق یا پاداش قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ راجع به حق الزحمه یا حقوق و مزایای مدیران ساکت بود فقط ماده ۴۸ آن مقرر می داشت: (شرکت سهامی بواسطه یک یا چند نفر نماینده موظف یا غیر موظف ... اداره خواهد شد) و عملاً شرکت های مذکور بوسیله چند نفر مدیر اداره می گردید که به جمع آنها مدیران یا هیئت مدیره اطلاق می گردید. چنانچه عضو هیئت مدیره از سهامدارانی می بود که به عنوان مدیر فنی مدیر داخلی یا عناوی دیگر در شرکت به کار اشتغال داشت یا بعداً به استخدام شرکت در می آمد (که معمولاً همین طور بود) نماینده موظف نامیده می شد و گرنه (نماینده غیر موظف به وی اطلاق می گردید). عملاً دستمزد مدیران مذکور به طریق حق حضور تعیین می شد. یعنی مدیران برای هر جلسه مبلغی دریافت می داشتند یا گر در اساسنامه پیش بینی شده بود در پایان سال چند درصدی از منافع به عنوان پاداش به آنها تعلق می گرفت. (ل.ا.ق.ت) مصوب ۱۳۴۷ نیز ظاهراً همان تقسیم بندی قانون تجارت ۱۳۱۱ را (از نظر مدیران موظف و غیر موظف) بطور خلاصه تری پذیرفته است. بدین صورت که در ماده ۱۳۴ صریحاً از (مدیران غیر موظف) نام برده و به مدیران موظف ضمن کلمه مدیران که شامل هر دو گروه مدیران موظف و غیر موظف می گردد اشاره کرده است. قانونگذار در لایحه مذکور با تجربه ای که از وضعیت دریافتی مدیران شرکتهای سهامی سابق داشت که مدیران مذکور علاوه بر دریافت حق الزحمه ها و پاداشهایی که در اساسنامه پیش بینی شده بود یا به تصویب مجمع عمومی می رسید مشاغلی هم در محدودیتهایی برای دریافتی های هیئت مدیره به وجود آورده است. نه در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ نه در (ل.ا.ق.ت) ۱۳۴۷ از مدیران موظف و غیر موظف تعریفی به عمل نیامده و مفارقت آن دو نیز معلوم نگردیده است. اما ظاهراً همان تعاریف و تفاریقی که عملاً در شرکت های سهامی سابق در مورد مدیران موظف و غیر موظف داشتند و قبلاً درباره آنها بحث شد درباره مدیران فعلی نیز مصداق دارد. با در نظر گرفتن آنچه که گفتیم و با توجه به ماده ۱۳۴ (ل.ا.ق.ت) به اعضای غیر موظف هیئت مدیره هیچ گونه حقوقی و مزایایی مانند کارمندان کشوری (مستخدمین دولت) یا مزدبگیران مشمول قانون کار یا سایر مقررات خاص استخدامی تعلق نمی گیرد مگر آنچه که در ماده مذکور پیش بینی گردیده است. قسمت اخیر ماده ۱۳۴ در مورد ممنوعیت فوق الذکر چنین اشعار می دارد: (... اعضای غیر موظف هیئت مدیره حق ندارند بجز آنچه در این ماده پیش بینی شده است در قبال سمت مدیریت خود بطور مستمر یا غیر مستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند.

۲۵- مسئولیت مدنی و جزایی مدیران

شرکت های سهامی عام و خاص - مسئولیت مدنی و جزایی مدیران هر چند که اداره شرکت سهامی به عهده افرادی است که تحت

عنوان هیئت مدیره اداره امور شرکت را به عهده گرفته اند ولی مدیران مذکور معمولاً منتخب کل سهامداران نیستند (بندرت این رخدادهای بوقوع می پیوندد) و با این وجود اداره شرکت به عهده آنهاست و هیچ کدام از سهامداران حتی آنهايي که در انتخاب مدیران رای مثبت به همه آنها داده اند حق مداخله در امور شرکت را ندارند. به موجب مواد ۱۰۷ و ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) هیئت مدیره نمایندگان شرکت سهامی هستند و در حدود موضوع شرکت و در چارچوب قانون و اساسنامه و مصوبات مجامع عمومی به نام و به حساب شرکت اعمال حقوقی انجام می دهند. و از این جهت رابطه بین مدیران با شرکت یک رابطه قراردادی است که بیشتر در قالب نظریه نمایندگی تعبیر و تحلیل می شود. ماده ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) ضمن بیان اصل تام بودن اختیارات هیئت مدیره در عین حال حقوق اشخاص ثالث طرف معامله با شرکت را به خوبی در نظر گرفته است بدین بیان (... محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.) بنابراین اگر مدیری خارج از موضوع شرکت یا مصوبات مجامع عمومی مبادرت به انعقاد قرارداد نماید و از این رهگذر به شرکت و صاحبان سهام خسارتی وارد شود. شرکت و اشخاص ذینفع (سهامداران) می توانند مطابق قواعد حاکم بر مسئولیت قراردادی و با اثبات تقصیر مدیران متخلف جبران خسارت وارده را مطالبه نمایند. در فرض فوق به غیر از مدیران و سهامداران اشخاص دیگری نیز تحت عنوان اشخاص ثالث دیده میشوند. آیا این اشخاص که غالباً فارغ از چم و خم کار شرکت و مدیران و سهامدارانش هستند در صورت ورود خسارتی به آنان باید مانند شرکت و سهامداران برای مطالبه حق خود ناگزیر از اثبات تقصیر مدیران شرکت باشند؟ و آیا اشخاص ثالث در صورتی که بنا به علت یا عللی از مفاد قراردادی که صحیحاً با شرکت منعقد کرده اند رضایت نداشته و تمایل به برهم زدن آن داشته باشند می توانند ادعای یطلان قرارداد مذکور را به دلیلی که فقط به شرکت و فعل مدیران مرتبط است بنمایند؟ لایحه اصلاحی قانون تجارب مصوب ۱۳۴۷ در چارچوب ضوابطی خاص به دو سؤال مذکور پاسخ منفی می دهد. راجع به آنچه که فوقاً ذکر شد تحت سه گفتار بشرح زیرمورد بررسی قرار می گیرد. لایحه اصلاح قانون تجارت در ماده ۱۱۸ با بیان اصل تام اختیارات هیئت مدیره به اشخاص ثالث این آسودگی خیال را بخشیده که در پناه اصل مذکور و فارغ از محدودیت هایی که خارج از ماده یاد شده برای هیئت مدیره مقرر گردیده با شرکت سهامی روابط مالی برقرار کنند. و این اطمینان را داشته باشد که شرکت سهامی مسئول تعهداتی است که مدیران وی در قبال اشخاص ثالث به عهده گرفته اند. قانونگذار به همین حد بسنده کرده و اجازه نمی دهد که اشخاص ثالث مستنداً به عدم رعایت مقررات مربوط به نحوه انتخاب مدیران شرکت بتوانند در روابط مالی و غیر مالی برقرار شده و یا معاملات منعقد قبلی که طبق اصول حقوقی صحیحاً انجام گردیده خللی وارد آوردند. بطور مثال انتخاب هیئت مدیره که قانوناً با مجمع عمومی عادی است توسط مجمع عمومی فوق العاده انجام گیرد یا آنکه شخصی به مدیریت عامل شرکت انتخاب گردد که حکم ورشکستگی او قبلاً توسط دادگاه صالح صادر شده است. اشخاص ثالث نمی توانند به این دلیل که چون انتخاب مدیرعامل صحیحاً انجام نگرفته قرارداد قبلی منعقد را که توسط مدیر مذکور انجام گردیده و غیر معتبر بدانند. در این خصوص ماده ۱۳۵ (ل.ا.ق.ت) چنین مقرر کرده است: (کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرح انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست. چند نکته راجع به این ماده قابل ذکر است. اولاً بعضی از حقوقدانان معتقدند گرچه ماده مذکور به کلیه اعمال و اقدامات مدیرعامل بمانند اعمال و اقدامات هیئت مدیره در مقابل اشخاص ثالث نفوذ و اعتبار داده لکن چون اختیارات مدیرعامل مقتبس از هیئت مدیره است. بنابراین کلیه اقدامات مدیرعامل در حدودی که به وی تفویض گردیده در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر می باشد نه راجع به کلیه اموری که ماده ۱۱۸ به هیئت مدیره اختیار انجام آن داده شده است. بدیهی است چنانچه هیئت مدیره در مورد انجام امور شرکت به مدیرعامل اختیار تام داده باشد اعمال و اقدامات مدیرعامل مذکور در حدود ماده ۱۱۸ نسبت به اشخاص ثالث دارای نفوذ و اعتبار خواهد بود. حال بنیم از برداشت و استنباط مذکور از ماده ۱۳۵ (درمورد

اعمال و اقدامات مدیرعامل شرکت که خارج از محدوده اختیاراتش اقدام نموده) چه نتیجه ای حاصل می گردد. برای روشن شدن موضوع مثال مدیرعامل ورشکسته ای را که در ابتدای مطلب به آن اشاره کردیم پی می گیریم مدیرعامل مزبور حائز شرایط مدیرعامل نبوده لیکن به این سمت انتخاب شده است. این مدیرعامل طبق مقررات حاکم بر قراردادهای قراردادی با شخص ثالث (رشید و عاقل و بالغ و مختار) منعقد نموده موضوع قرارداد هم مصوبه هیئت مدیره است و تشریفات عقد قرارداد نیز در محل شرکت طبق ضوابط اساسنامه و مقررات مربوط انجام گرفته است. پس از انعقاد قرارداد شرکت یا ثالث مذکور از انجام عقد به عللی پشیمان می گردند. آیا واقعا شرکت یا شخص مذکور مجاز هستند که ابطال قرارداد مذکور را به لحاظ اینکه در موقع انعقاد قرارداد مدیرعامل حائز شرایط مدیری نبوده است بخواهند؟ اگر به صراحت و ظاهر ماده ۱۳۵ مراجعه کنیم می بینیم که قانونگذار صریحا معامله مذکور را نافذ و معتبر دانسته است. بنابراین معامله مذکور را طبق صریح این ماده (... نمی توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب مدیرعامل ...) غیر معتبر دانست. درست است که قانونگذار در ماده ۱۱۸ فقط نظر به هیئت مدیره داشته که نظری است کاملا- صواب. ولی دلیل نمی شود همین نظر را بر ماده ۱۳۵ باز کنیم. در این ماده با اینکه قانونگذار لفظ (مدیران) را همانطور که در ماده ۱۱۸ به کار برده شده استعمال نموده ولی بلافاصله لفظ (مدیرعامل) را نیز به کار گرفته است و مدیرعامل را صریحا همطراز هیئت مدیره برشمرده است. پس چگونه می توانیم (مدیرعامل) مذکور در این ماده را محدود به اختیاراتی کنیم که هیئت مدیره تفویض کرده است بدون اینکه مقیدی در این خصوص در ماده مذکور صریحا یا تلویحا وجود داشته باشد. اگر کارایی ماده مذکور را در نظر بگیریم متوجه می شویم منظور قانونگذار از این ماده به هیچ وجه گسیختن رابطه صمیمی که بین شرکت (توسط مدیرعامل) و شخص ثالث برقرار (و محرز) گردیده نمی باشد و اصولا چنین تصویری عقلایی نیست. زیرا اگر در نفوذ قرارداد مذکور از لحاظ شرایط صحت عقد و اصول حاکم بر حقوق مدنی تردید حاصل گردد ماده مذکور مانع نمی باشد. یعنی شرکت یا شخص ثالث مجاز و مختار است صحت قرارداد مذکور را بر پایه قواعد حقوق مدنی قائم به قراردادهای زیر سؤال ببرند و عدم نفوذ ابطال انحلال فسخ انفساخ و ... و بالاخره بی اعتباری بعضی یا تمام آن را تقاضا کنند ولی چنانچه به آنها اجازه داده شود که قرارداد را به دلیل انتخاب ناصحیح مدیرعامل شرکت مخدوش کنند و بدنی ترتیب به حقوق شرکت و لاجرم صاحبان سهام لطمه وارد نمایند غیر منصفانه است وصول حاکم بر عدالت آن را نمی پذیرد صرفنظر از این که با منطق هم موافق نیست. طبق قواعد عمومی مدیرعاملی که خارج از اختیارات خود عمل یا اقدامی کند که موجب ضرر شرکت گردد در مقابل شرکت مسئولیت دارد و هیئت مدیره فقط می تواند جبران خسارات وارده را مطالبه کند نه بطلان آن عمل یا اقدام را. قسمت اول ماده ۱۳۵ بدین شرح (کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است یک قاعده کلی را بیان می کند که آن عبارت است از قاعده صحت اعمال مدیران و مدیرعامل در مقابل اشخاص ثالث و در قسمت بعدی ماده به این بیان و نمی توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست ملاحظه میگرد که قانونگذار قسمت اخیر را باقید نمیتوان و بدون ذکر مخاطب آن شروع کرده است. حال این سؤال به ذهن خطور می کند که مخاطب ماده چه شخصی است؟ چه شخصی نمی تواند به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل اعمال و اقدامات آنها را غیر معتبر بداند؟ و بالاخره اگر بخواهیم برای قسمت دوم ماده ۱۳۵ فاعل یا فاعلهایی معین کنیم چه شخص یا اشخاصی باید جای فاعل را بگیرند؟ شرکت شخص ثالث مدیرعامل اعضای هیئت مدیره ذینفع دادگاه مراجع دولتی یا خصوصی. چنانچه به نص صریح و روان ماده مذکور توجه کنیم مخاطب هریک از اشخاص نامبرده (حتی قائم مقام آنها) آنها می توانند قرار بگیرند. بنابراین هیچ شخص و هیچ کس و هیچ مقامی نمی توانند به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر بدانند. ثالثا باید توجه کرد که مقررات ماده ۱۳۵ فقط ناظر به عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل می باشد و لاغیر. رابعا تقاضای ابطال

تصمیمات مجمع عمومی شرکت سهامی راجع به انتخاب اعضای هیئت مدیره که تمام یا بعضی از آنان واجد شرایط مدیر شدن نبوده اند و هم چنین درخواست ابطال اعمال و اقدامات مدیرعاملی که او نیز واجد شرایط مدیریت عاملی نبوده ولی توسط هیئت مدیره و انتخاب شده است طبق ماده ۱۳۵ قابل پذیرش نخواهد بود و طبق ماده ۲۷۰ (ل.ا.ق.ت) طرح دعاوی فوق الذکر قابل استماع نمی باشد. زیرا که حکم ماده ۱۳۵ در خصوص اعتبار داشتن اعمال و اقدامات هیئت مدیره و مدیرعاملی است که در مورد آنان تشریفات مربوط به طرح انتخابشان رعایت نگردیده ماده ۲۷۰ را تخصیص داده است و ابطال شامل اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل موضوع ماده ۱۳۵ نمی گردد. مسئولیت در قبال مشکلات مالی شرکت گفته شد که هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت یا مصوبات مجمع عمومی مسئولیت دارند. (ماده ۱۴۲ (ل.ا.ق.ت)) پیش بینی چنین مسئولیتی برای حفظ حیات شرکت است و در واقع هشدار است به مدیران شرکت که در اعمال خود رعایت غبطه شرکت را بنمایند. تا شرکت دچار خسران و لاجرم ورشکستگی نگردد. علیرغم اخطار مذکور ممکن است شرکت بر اثر زیان های وارده طبق مقررات قانونی ورشکسته اعلام گردد. یا آنکه با فراهم آمدن یکی از اسباب انحلال شرکت (موضوع ماده ۱۹۹ (ل.ا.ق.ت)) شرکت سهامی منحل گردد. قانونگذار در دو مورد مذکور نیز اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل (متصدیان وقت) شرکت را که ورشکستگی شرکت به خاطر تخلف آنها صورت گرفته مسئول شناخته است و همین طور اگر شرکت منحل گردد و پس از انحلال دارایی شرکت برای تادیه دیون آن کافی نباشد ماده ۱۴۳ (ل.ا.ق.ت) در این خصوص مقرر میدارد: در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تادیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیت دار می تواند به تقاضای هر ذینفع هر یک از مدیران یا مدیرعاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحلال معلول تخلفات او بودهاست منفردا یا متضامنا به تادیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نماید. به موجب ماده مذکور: - از آنجا که ورشکستگی شرکت سهامی در نتیجه وجود دین وعدم پرداخت آن حادث می گردد و در مورد انحلال شرکت نیز ماده ۱۴۳ (ل.ا.ق.ت) نظر بردیون شرکت و عدم تکافوی دارایی شرکت برای جبران آن دارد می توان اذعان کرد که غرض مقنن از وضع ماده ۱۴۳ حمایت از بستانکارانی است که نتوانسته اند طلب خود را از شرکت دریافت دارند. لذا به ایشان اجازه داده یا اثبات تخلف هر یک از مدیران یا مدیرعاملی که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی آن معلول عمل آنها بوده است خسارات وارده به خود رامطالبه نمایند. - ذینفع مندرج در این ماده هر طلبکاری را که توانسته تمام یا بعض طلب خود را وصول کند در بر می گیرد. سهامداران شرکت نمی توانند به استناد این ماده علیه مدیران اقامه دعوی کنند. چون سهامداران شرکت از عدم کفایت دارایی شرکت برای تادیه دیون ضرری متحمل نمی شوند. مگر اینکه سهامدار شرکت مانند اشخاص ثالث با شرکت قراردادی منعقد نموده و از این بابت طلبکار واقع شده باشد. - ورشکستگی موضوع این ماده هم می تواند معلول تخلف اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت یا مصوبات مجمع عمومی باشد هم می تواند از سو مدیریت ناشی گردد. بطور مثال هیئت مدیره یا مدیرعاملی که در اداره شرکت سهل انگاری کنند یا دستور خریدهای بی مورد را صادر نمایند. یا افراد نالایقی را به کارگمارند. همینطور است در موردی که پس از انحلال شرکت معلوم شود که دارایی شرکت برای تادیه دیون آن کافی نباشد. - مسئولیت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل در ماده مذکور بنا به نظر قاضی می تواند انفرادی یا تضامنی باشد. یعنی دادگاه می تواند کلیه مدیران مسئول را متضامنا محکوم به پرداخت دیون شرکت به محکوم له نماید یا سهم هر یک را مشخص کرده هر یک از منفردا محکوم کند. - میزان مسئولیت مدیران یا مدیرعامل متخلف محدود به آن قسمت از دیون است که مطالبه شده و دارایی شرکت تکافوی پرداخت آن را نمی کند. - چنانچه دادگاه مدیران متخلف را متضامنا محکوم به پرداخت دیون مورد مطالبه نماید هر یک از مدیران که کل محکوم به را پردازد حق دارد بابت سهم هر یک از محکوم علیهم به آنان مراجعه کند. - اگر مدیری که به پرداخت خسارت محکوم شده است به پرداخت آن تن در ندهد

چنانچه شخصا تاجر باشد ذینفع می تواند ورشکستگی او را از دادگاه درخواست نماید. (ماده ۴۱۲ ق.ت.) و به موجب ماده ۱۴۳ (ل.ا.ق.ت) اگر پس از انحلال یا ورشکستگی دارایی شرکت تکافوی طلب بستانکاران را ننماید آنان می توانند علیه مدیران متخلف طرح دعوی نموده و بقیه طلب خود را از دارایی شخصی مدیران مطالبه نمایند. - شخص حقوقی عضو هیئت مدیره نیز مشمول مقررات این ماده است و با شخص حقیقی نماینده خود مسئولیت تضامنی دارد. - ماده ۱۴۳ مورد بحث ابداع لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ می باشد و در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ در مورد شرکت های سهامی چنین قاعده ای ملاحظه نگردید. نتیجه: اشکالات زیر در ارگان اداره کننده قابل توجه می باشد: - قید کلمه شرکا در ماده ۳ (ل.ا.ق.ت) در شرکت های سهامی تناسبی ندارد زیرا این واژه مختص شرکت های شخص بوده و بهتر اس از کلمه سهامدار به جای آن استفاده شود. - عزل مدیران در ماده ۱۰۷ (ل.ا.ق.ت) بخودی خود و بدون توجیه صورت می گیرد. در صورتی که این امر به ثبات مدیریت لطمه وارد خواهد ساخت. - ماده ۱۲۹ (ل.ا.ق.ت) از نظر نگارش فهم مطلب را مشکل ساخته و اصلح است که صدر ماده مزبور چنین پیش بینی گردد: (اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت نمی توانند در معاملات با شرکت یا به حساب شرکت بطور مستقیم یا غیر مستقیم بدون اجازه هیئت مدیره طرف معامله واقع یا سهیم شوند. به همین ترتیب است در صورتی که اشخاص مذکور در شرکت دیگری هم سمت مدیریت داشته باشند...) - از نظر مسئولیت مدنی در قبال اشخاص ثالث به هنگام اقدام یا اتخاذ تصمیم خارج از موضوع شرکت در حقوق فرانسه شرکت در مقابل اشخاص ثالث مسئول می داند ولی به نظر می رسد که در حقوق ایران شخص مدیران بنحو تضامن در این مورد جوابگو باشند. در خاتمه میزان سهام وثیقه با نام مدیران در اده ۱۱۴ (ل.ا.ق.ت) بطور مبهم قید گردیده است و به نظر می رسد که پیش بینی مبلغ قابل توجهی بابت وثیقه به نسبت سرمایه شرکت موجبات دقت بیشتر مدیران را در اداره امور شرکت فراهم سازد زیرا براساس ماده مذکور مدیران در صورت ارتکاب تقصیر مسئول جبران ضرر و زیان وارده به شرکت می باشند.

۲۶- اهلیت قانونی و سهام و وثیقه مدیران

شرکت های سهامی عام و خاص - اهلیت قانونی و سهام و وثیقه مدیران هرگاه در اساسنامه شرکت سهامی شرایطی برای سهامدار شدن پیش بینی نشده باشد همگان چنین حقی را دارند. به موجب ماده ۹۵۶ قانون مدنی اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می شود. بنابراین صغار محجورین و مجانین می توانند در شرکت های سهامی دارای سهام باشند. لیکن برای عضویت در هیئت مدیره شرکت چنین حقی برای همه سهامداران وجود ندارد و قانونگذار بعضی از سهامداران را از عضویت در هیئت مدیره ممنوع اعالم کرده است. مقررات شرکت های سهامی مذکور در ق.ت. مصوب ۱۳۱۱ هیچ گونه قید و شرطی برای احراز سمت مدیریت در شرکت سهامی قائل نشده بود جز اینکه مدیران باید از میان شرکا باشند. البته برای احراز سمت مدیریت عضو می بایست اهلیت لازم را برای وکیل شدن داشته باشد. امادر (ل.ا.ق.ت.) مصوب ۱۳۴۷ قانونگذار صریحا بعضی از اشخاص را از انتخاب شدن به عضویت هیئت مدیره منع کرده است. به موجب ماده ۱۱۱ قانون اخیر الذکر: اشخاص ذیل نمی توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند: - محجورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است. - کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه های ذیل به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلا یا بعضا محروم شده باشند در مدت محرومیت سرقت خیانت در امانت کلاهبرداری جنحه هایی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است. - اختلاس تدلیس تصرف غیرقانونی در اموال عمومی. در زیر مختصری در مورد اشخاص مذکور توضیحاتی داده می شود. - محجورین: ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی صغار و اشخاص غیررشید و مجانین را محجور اعلام نمود. و ایشان را از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع کرده است. وقتی که اشخاص مذکور از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع باشند به طریق اولی

اداره امور یا اموال دیگران را نیز نمی‌توانند عهده دار گردند. نکته قابل ذکر در اینجا این است که آیا حکم مندرج در بند ۱ ماده مذکور محجورین را هم در بر می‌گیرد یا خیر. بند مزبور صراحت دادر به اینکه کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده ممنوع از عضویت در هیئت مدیره هستند. آیا لازم است که در مورد محجورین هم حکم حجر از دادگاه صادر شده باشد. به نظر می‌رسد صیانت و حفظ حقوق بشر ایجاب می‌کند که اعلام حجر افراد به موجب حکم دادگاه صالح باشد مگر در مورد صغر بنابراین عزل مدیر به لحاظ محجور بودن یا محجور شدن وی نیازمند اثبات حجر او در مراجع قضایی است. - ورشکستگان: ورشکستگی از موانع اشتغال به امر تجارت و به طریق اولی تصدی اداره اور شرکت می‌باشد. اعلام ورشکستگی باید به موجب حکم دادگاه صالح انجام گیرد. - محکوم شدگان به بعضی از مجازات های کیفری: جرایم مذکور در بند ۲ ماده ۱۱۱ مذکور منطبق با تقسیم بندی جرایم در قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ می‌باشد. در قانون مجازات اسلامی تقسیم بندی جرایم به جنحه و جنایت وجود ندارد. به موجب ماده ۱۲ قانون مذکور ک دادگاه می‌تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است... مدتی از حقوق اجتماعی محروم... نماید قانونگذار در سال ۱۳۷۷ طی یک ماده الحاقی به قانون فوق (تحت ماده ۶۲ مکرر) بطور کلی محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی را (شرحی که ذیلا درج می‌گردد) موجب محرومیت از حقوق اجتماعی ذکر کرده است. (که پس از انقضای مدت محرومیت و نیز اجرای حکم از آن رفع اثر می‌گردد). - محکومان به قطع عضو در جرایم مشمول حد پنج سال پس از اجرای حکم. - محکومان به شلاق در تجاریم مشمول حد یک سال پس از اجرای حکم. - محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال دو سال پس از اجرای حکم. تبصره یک ماده مذکور حقوق اجتماعی را تعریف کرده و هشت مورد آن را به عنوان مثال ذکر کرده است که در بین آنها از عضویت در هیئت مدیره شرکتهای سهامی ذکری به میان نیامده است. ولی با توجه به اینکه ژ(ل.ا.ق.ت.) در ماده ۱۱۱ محرومیت از حقوق اجتماعی را در مورد عضو هیئت مدیره شرکت سهامی مانع عضویت او در هیئت مدیره می‌داند لا-جرم کسانی که به موجب حکم قطعی دادگاه از حقوق اجتماعی محروم شده باشند در مدت محرومیت حق پذیرفته شدن به عضویت در هیئت مدیره را ندارند. و چنانچه قبل از صدور حکم قطعی مدیر هیئت مدیره باشند می‌باید معزول گردند. حتی اگر هم به نظر دادگاه مدیریت در شرکت های سهامی از حقوق اجتماعی بشمار نرود. به نظر می‌رسد با توجه به ماده ۱۱۱ مورد بحث یکی از مصادیق حقوق اجتماعی هم مدیریت در شرکت های سهامی است. علاوه بر ممنوعیت اشخاص فوق الذکر به عضویت در هیئت مدیره شرکت به موجب مقررات خاصی دارندگان بعضی از مشاغل و سمت ها حق مدیر شدن در شرکت های سهامی را ندارند. اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عضویت در هیئت مدیره یا مدیریت عامل انواع مختلف شرکت های خصوصی غیر از شرکت های تعاونی ادارات و موسسات را برای رئیس جمهور معاونان رئیس جمهور وزیران و کارمندان دولت ممنوع کرده است. هم چنین به موجب بند ۳ ماده ۱۵ قانون دفاتر اسناد رسمی و قانون سردفتران مصوب ۲۵/۴/۱۳۵۴ عضویت در هیئت مدیره و مدیریت عامل شرکت های تجاری و بانکها و یا موسسات بیمه و موسسات دولتی و یا وابسته به دولت منافی شغل سردفتری و دفتریاری اعلام شده است. حال چنانچه علیرغم منع قانون اشخاص مذکور در فوق به عضویت هیئت مدیره پذیرفته شوند یا آنکه مدیر شرکت سهامی مشمول یکی از بندهای فوق قرار گیرد تکلیف چیست؟ تبصره ماده ۱۱۱ (ل.ا.ق.ت.) راهکار فوق بوده و مقرر میدارد: (دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل هر مدیری را که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفاد این ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود.) قاعده مزبور که در مورد محجورین و ورشکستگان و محرومین از حقوق اجتماعی به علت ارتکاب بعضی از جرایم می‌باشد در مورد اشخاص دیگری هم که به موجب مقررات خاص ممنوع از مدیریت در شرکت های سهامی می‌باشند قابل اعمال خواهد بود. ضمنا حکم ماده مذکور در مورد شخص حقیقی نماینده شخص حقوقی عضو هیئت مدیره نیز لازم الرعایه خواهد بود. اصل هشتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دادن امتیاز تشکیل شرکت ها و

مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات را به خارجیان مطلقاً ممنوع اعلام نموده است. به نظر یکی از استادان حقوق تجارت چون مدیر باید الزاماً از شرکای شرکت باشد با اطلاق اصل مذکور بالطبع خارجیان نمی‌توانند عضو هیئت مدیره شرکت سهامی در ایران گردند. به نظر می‌رسد اطلاق اصل مذکور راجع به منع دادن امتیاز تشکیل شرکت به خارجیان است و صرف سهامدار شرکتی بودن و یا عضو هیئت مدیره شرکت ایرانی بودن مشمول ممنوعیت اصل مذکور نیست. چون سهامدار شرکت ایرانی بودن به معنی دادن امتیاز تشکیل شرکت به خارجیان نیست. در مورد اخیر به نظر می‌رسد که هر گاه تمامی اعضای هیئت مدیره خارجی باشند اصل هشتم و یکم از حاکم خواهد بود. نکته مهم دیگر که ما آن را از صفحه ۱۲۹ کتاب قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی نقل می‌کنیم عبارتست از اینکه در دعوی عزل مدیر شرکت نیز باید طرف دعوی قرار گیرد. رای شعبه ۲۵ دادگاه عمومی تهران در دادنامه شماره ۲۷۱-۲۴/۳/۷۲ در این باره چنین است نظر به اینکه خواسته خواهان بطور خلاصه این است عزل خوانده (آقای ... مدیر شرکت) از مدیریت و عضویت در هیئت مدیره شرکت سهامی خاص تولیدی و صنعتی .. اقتضا داشت که شرکت مذکور نیز که دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و به نظر دادگاه نیز ذینفع در دعوی است به دادرسی دعوت و فراخواهد می‌شد. با این ترتیب دعوی قابلیت استماع را ندارد. قرار رد دعوی صادر و اعلام می‌گردد... قبلاً گفته شد که مدیران شرکت باید از بین سهامداران انتخاب شوند (ماده ۱۰۷ ل.ا.ق.ت.). اما قانونگذار صرف سهامدار بودن را کافی ندانسته و در ماده ۱۱۴ قانون مذکور چنین تکلیف نموده که: مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که به موجب اساسنامه جهت دادن رای در مجامع عمومی لازم است کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفرداً یا مشترکاً بر شرکت وارد شود. سهام مذکور با اسم بوده و قابل انتقال نیست و مادام که مدیری مفاصا حساب دوره تصدی خود در شرکت را دریافت نداشته است سهام مذکور در صندوق شرکت به عنوان وثیقه باقی خواهد ماند. از این رو به سهام مذکور وثیقه می‌گویند به موجب مقررات شرکت سهامی در ق.ت. مصوب ۱۳۱۱ نیز مدیران مکلف بودند تعداد سهامی را که اساسنامه مقرر می‌داشت در صندوق شرکت ودیعه بگذارند تا چنانچه از اعمال آنها خسارتی به شرکت وارد گردد از محل سهام مذکور جبران شود. اما تعداد سهام وثیقه عملاً نه در شرکت های سهامی سابق به میزانی بود که در صورت ورود ضرر و خسارات به شرکت جبران مافات از آن بشود نه طبق روال معمول شرکت های سهامی فعلی چنین است. امروزه تعداد سهام وثیقه عملاً نه در شرکت های سهامی سابق به میزانی بود که در صورت ورود ضرر و خسارات به شرکت جبران مافات از آن بشود نه طبق روال معمول شرکت های سهامی فعلی چنین است. امروزه عملاً تعداد سهام وثیقه ای که مدیران باید به صندوق شرکت بسپارند به میزانی نیست که منظور قانونگذار را که ماده ۱۱۴ (ل.ا.ق.ت.) براساس آن تنظیم گردیده تأمین نماید. هر چند که در ماده مذکور حداقل تعداد سهام وثیقه را به میزانی که در مجامع عمومی جهت دادن رای لازم است. تعیین نموده ولی از آنجا که معمولاً به عنوان وثیقه منظور خواهد شد مگر آنکه در اساسنامه تعداد سهام وثیقه بیشتری تعیین شده باشد. برای تأمین نظر مقنن بهتر است در اساسنامه شرکت های سهامی تعداد سهام وثیقه لازم برای مدیران به اندازه ای تعیین شود که مدیر خود را در منافع شرکت ذینفع احساس کند. این ارم موجب خواهد شد تا مدیر با رغبت بیشتری وظایف خود را انجام داده و غبطه شرکت را رعایت کند. به طوری که ظاهر صدر ماده ۱۱۴ مذکور می‌رساند مدیران باید در زمان انتخاب شدن تعداد سهامی را که در اساسنامه شرکت مقرر شده دارا باشند والا نمی‌توانند به عضویت هیئت مدیره در آیند ولی بلافاصله ماده ۱۱۵ (ل.ا.ق.ت.) به مدیری که دارای سهام کافی نیست فرصت یک ماهه می‌دهد تا سهام لازم را تهیه نماید. ماده مذکور در این خصوص مقرر می‌دارد: در صورتی که مدیری در هنگام انتخاب مالک تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه نباشد و هم چنین در صورت انتقال قهری سهام مورد وثیقه و یا افزایش یافتن تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه مدیر باید ظرف مدت یک ماه تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه را تهیه و به صندوق شرکت بسپارد و گرنه مستعفی محسوب خواهد شد. براساس ماده مذکور بعضی از

حقوقدانان معتقدند که اعضای هیئت مدیره را می توان از غیر سهامداران نیز انتخاب نمود و دلیل آنان نیز این است که حکم ماده ۱۰۷ (ل.ا.ق.ت.) را که مقرر می دارد اعضای هیئت مدیره باید از بین صاحبان سهام انتخاب شوند باید با توجه به ماده ۱۱۵ قانون مذکور تفسیر کرد. براساس این نظریه مدیری که خارج از سهامداران انتخاب شده با توجه به مجوز موضوع ماده اخیر الذکر فرصت دارد که سهام مورد نظر را تهیه کند. ولی باید توجه داشت که ماده ۱۱۵ مبین یک حکم خاص بوده و ناظر به ماده ۱۱۴ یعنی لزو داشتن سهام وثیقه است و علی الاصول اعضای هیئت مدیره باید از بین سهامداران شرکت انتخاب شوند. وثیقه بون سهام مدیران مانع بهره مندی سهامداران مزبور از امتیازاتی که به سهام آنان تعلق می گیرد نمی گردد مانند استفاده از سود سهام و داشتن حق رای. هم چنین اگر سهام مدیری بیشتر از تعدا سهام وثیقه باشد همه سهام مزبور وثیقه نخواهد بود. بلکه آن تعداد که برای وثیقه مدیران لازم دانسته شده به عنوان وثیقه در صندوق شرکت سپرده می شود. سهام وثیقه قابل نقل و انتقال نیست بعضی از استادان حقوق تجارت معتقدند که مدیران ممکن است سهام مزبور را حتی در موقعی که در شرکت ودیعه است انتقال دهند. ولی انتقال مزبور تا زمانی که به مدیران مفاصا داده نشده است تحقق پیدا نمی کند. بنابراین واگذاری سهام از طرف مدیران به شرط آن که مجمع نسبت به عملیات مدیران مفاصا بدهد اشکالی ندارد. سهام وثیقه تا زمانی که عضو هیئت مدیره مفاصا حساب دوره تصدی خود را نگرفته آزاد نمی شود. ماده ۱۱۶ (ل.ا.ق.ت.) در این خصوص مقرر می دارد: تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت به منزله مفاصا حساب مدیران برای همان دوره مالی می باشد و پس از تصویب ترازنامه و حساب و سود و زیان دوره مالی که طی آن مدت مدیریت مدیران منقضی یا به هر نحو دیگری از آنان سلب شده است سهام مورد وثیقه این گونه مدیران خود بخود از قید وثیقه آزاد خواهد شد. معمولا مدیران شرکت های سهامی برای رفع مسئولیت از خود ضمن تسلیم ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت تقاضای مفاصا نیز می نمایند. هر چند که تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت توسط مجمع عمومی به منزله مفاصا هر یک از مدیران شرکت است ولی مفاصا مذکور آنها را از مسئولیت مبری نمی کند. و در صورت اثبات تقصیر مسئول جبران خسارت خواهند بود. چون سهام وثیقه تضمین خسارات مدیران است لذا سهام مذکور وثیقه کلیه خسارات ناشی از تقصیرات تمام مدیران می باشد خواه یک نفر از ایشان مقصر باشد یا همه آنها. شرکت حق ندارد برای جبران خسارات ناشی از تقصیر مدیران راسا به فروش سهام وثیقه مبادرت ورزد بلکه باید از طریق مراجع قضایی اقدام کند مگر آنکه وکالت در فروش داشته باشد. سهام وثیقه تا جبران کامل خسارات وارده بر شرکت در وثیقه خواهد ماند و جبران قسمتی از خسارت موجب نمی شود سهام وثیقه به آن نسبت فک شود. بازرسان شرکت مکلفند نظارت کامل بر سهام وثیقه مدیران داشته باشند و چنانچه تخلفی مشاهده کنند به مجمع عمومی سالانه گزارش نمایند. ماد ۱۱۷ (ل.ا.ق.ت.) در این خصوص مقرر می دارد: بازرسان یا بازرسان شرکت مکلفند هر گونه تخلفی از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت در مورد سهام وثیقه مشاهده کنند به مجمع عمومی عادی گزارش دهند. تا اینجا گفتیم که اداره شرکت سهامی به عهده اعضای هیئت مدیره است هیئت مدیره ای که ممکن است همه اعضای آن اشخاص حقیقی یا حقوقی یا آمیزه ای از هر دو آنها باشند و نیز گفتیم که شخص حقوقی عضو هیئت مدیره یک شخص حقیقی را به نمایندگی خود در شرکت معرفی می نماید. اشخاص حقیقی در طول مدت مدیریت خود ممکن است بنابه عللی سمت خود را در هیئت مدیره از دست بدهند. مانند آنکه مستعفی شده یا آنکه با از دست دادن شرایط پیش بینی شده در قانون معزول گردند. یا آنکه فوت نمایند. البته این فرضیات در مورد اشخاص حقوقی هم به نوع خصا خود مصداق می یابد. چنانچه شخص حقوقی عضو هیئت مدیره به دلایل قانونی منحل گردد در این صورت نماینده او نیز سمت خود را در هیئت مدیره از دست خواهد داد. یا آنکه شخص حقوقی عضو هیئت مدیره از سمت مدیری استعفا کند. بدیهی است نماینده او نیز دیگر سمتی در هیئت مدیره نخواهد داشت. مسلما با استعفا یا فوت یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران شرکت هیئت مدیره دچار خلا گردیده و چه بسا خلا مذکور موجب اختلال در روند اداره امور شرکت شود. از این رو قانونگذار به منظور احتراز از بروز اشکالات ناشی از

خالی شدن جایگاه مدیران شرکت به موجب ماده ۱۱۲ (ل.ا.ق.ت.) چنین پیش بینی کرده است: در صورتی که بر اثر فوت یا استعفا یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران تعداد اعضای هیئت مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود اعضای علی البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه والا- به ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آنان را خواهند گرفت و در صورتی که عضو علی البدل تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضای علی البدل کافی برای تصدی محل های خالی در هیئت مدیره نباشد مدیران باقیمانده بای بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت را جهت تکمیل اعضای هیئت مدیره دعوت نمایند. مستعفی شدن عضو هیئت مدیره موضوع ماده ۱۱۵ (ل.ا.ق.ت.) را نیز باید به موارد صدر ماده ۱۱۲ افزود و آن در مورد مدیری که هنگام انتخاب نکرده و به صندوق شرکت تودیع نموده است چنین مدیری مستعفی محسوب می گردد. منظور از سلب شرایط معزول شدن مدیر به یکی از دلایل قانونی است که بعضا مورد آن طی ماده ۱۱۱ (ل.ا.ق.ت.) ذکر یا در مقررات دیگر پیش بینی شده است. مانند محجور شدن یا به استخدام رسمی دولت درآمدن یکی از اعضای هیئت مدیره. لازم به ذکر است که ماد ۱۱۲ قانون مذکور در بیان جایگزینی مدیران متوفی مستعفی یا سلب شرایط مشعر است بر اینکه در صورتی که تعداد اعضای هیئت مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود باید نسبت به جایگزینی آنان اقدام گردد. قبلا گفتیم که حداقل تعداد مدیران در شرکت های سهامی خاص ۳ نفر و در شرکت های سهامی عام پنج نفر می باشد. آیا منظور قانونگذار در ماده ۱۱۲ این حداقلها سمت یا تعداد مدیرانی است که در اساسنامه تعیین شده است. ظاهر ماده اشعار بر حداقل مقرر در قانون را دارد زیرا که می گوید: حداقل مقرر در این قانون پذیرش ظاهر ماده مذکور را به بیراهه می کشاند. فرضا اگر تعداد مدیران شرکت سهامی خاصی طبق اساسنامه ۷ نفر باشد. با توجه به ظاهر عبارت مندرج در ماده بدین شرح تعداد اعضای هیئت مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود. اگر تا ۴ نفر آنان به عللی از عضویت خارج گردند مدیران باقیمانده که سه نفر هستند (و برابر حداقل مقرر قانون هستند) می توانند امور شرکت را اداره نمایند و نیازی به جایگزینی افراد خارج شده نمی باشد. ولی اگر نفر پنجم هم به عللی از گردونه مدیریت خارج گردد و فقط دو نفر مدیر باقی بمانند چون این تعداد از حداقل مقرر در قانون کمتر است. این هنگام است که وضعیت هیئت مدیره از نظر تعداد آنها مشمول مقررات ماده ۱۱۲ قرار می گیرد و باید محل های خالی هیئت مدیره پر گردد. پرواضح است که واقعیت و نفس امر چنین نیست زیرا درست است که قانونگذار حداقل اعضای هیئت مدیره را پیش بینی کرده است ولی منظور مقنن آن بوده که اختیار اداره شرکت سهامی خاص اقلا در دست یک گروه سه نفری باشد نه کمتر از آن. نه مقررات شرکت سهامی مندرج در ق.ت. مصوب ۱۳۱۱ و نه لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ هیچ گاه اجازه نداده اند که اعضای هیئت مدیره در یک شرکت سهامی بین حداقل و حداکثر نوسان داشته باشد. عملا هم شرکت های سهامی در اساسنامه خود تعداد مشخصی را برای عضویت در هیئت مدیره تعیین می کنند و طبق آن در مجامع عمومی اعضای هیئت مدیره انتخاب می گردند. از طرفی قبول کاهش اجباری مدیران شرکت و عدم جایگزینی آنان مغایر با اساسنامه شرکت و خواست مجمع عمومی موسس می باشد زیرا مجمع عمومی موسس مصوب هیئت مدیره ای است که تعداد اعضای آن مشخص و تعیین شده است بنابراین در صورتی که تعداد مذکور به عللی از میزان تعیین شده در اساسنامه کمتر شود به منظور تامین نظر موسسان و نیز مرعی داشتن اساسنامه با راهکارهای قانونی باید نسبت به تکمیل نفرات اعضای هیئت مدیره اقدام گردد. منظور از عضو یا اعضای علی البدل در ماده ۱۱۲ (ل.ا.ق.ت.) کسانی هستند که در مجمع عمومی موسس یا مجامع عمومی عادی داوطلب عضویت در هیئت مدیره شرکت بوده اند ولی چون رای کمتری نسبت به پذیرفته شدگان مدیریت آورده اند به عنوان عضو علی البدل انتخاب گردیده اند. معمولا- تعداد اعضای علی البدل و نیز نحوه انتخاب آنان در اساسنامه شرکت پیش بینی می گردد و با توجه به عبارت والا- به ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی مذکور در ماده ۱۱۲ مجمع عمومی هم می تواند در موقع انتخاب اعضای اصلی هیئت مدیره یک یا چند نفری را به عنوان علی البدل انتخاب نماید. معمولا اعضای علی البدل در مورد اداره شرکت در دو هنگام دارای نقش می باشند یکی در مواقعی که یک یا چند نفر از مدیران برای

مدت محدودی به علت مأموریت یا بیماری نظائر آن در معذوریت بسر می برند و نمی توانند در جلسات هیئت مدیره موقتا حضور یابند که در این صورت عضو یا اعضای علی البدل به جای آنها در جلسات مذکور شرکت می کنند. دیگر موارد مذکور در ماده ۱۱۲ می باشد که در این صورت نقش علی البدل از چهره آنها زوده می شود و تا پایان دوره مدیریت باقیمانده عضو یا اعضای خارج شده دارای سمت مدیری در هیئت مدیره می باشند و بعبارت دیگر مدت مدیریت اصلی افراد مذکور بقیه مدت مدیریت مدیر یا مدیرانی است که به جای آنها انتخاب گردیده اند. علی البدل هایی که بدین ترتیب رسماً به عضویت هیئت مدیره درمی آیند با اعلام قبولی کار خود را در هیئت مدیره آغاز می کنند و مراتب مذکور نیز به اداره کل ثبت شرکت ها اعلام می گردد. مستنبط از قسمت اخیر ماده ۱۱۰ (ل.ا.ق.ت.) که به موجب آن شخص حقوقی عضو هیئت مدیره می تواند نماینده خود را عزل کند به شرط آنکه در همان موقع جانشین او را کتبا به شرکت معرفی نماید و گرنه غایب محسوب می شود به نظر می رسد چنانچه نماینده شخص حقوقی در جلسه حاضر گردد. مگر آنکه شخص حقوقی کتبا این اجازه را به عضو علی البدل بدهد. به طریق اولی در صورت استعفا شخصی حقوقی یا فوت یا عزل یا حجر نماینده شخص حقوقی عضو علی البدل نمی تواند جایگزین او گردد مگر در موارد استثنایی که علی البدل شخص حقوقی یا نماینده او نیز قبلاً انتخاب شده باشد. طبق قسمت اخیر ماده ۱۱۲ در صورتیکه عضو علی البدل تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضای علی البدل برای تصدی محل های خالی در هیئت مدیره کافی نباشد مدیران باقیمانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت برای تکمیل اعضای هیئت مدیره دعوت نمایند. لازم به یادآوری است که دعوت مجمع عمومی توسط مدیران باقیمانده مذکور به هر تعداد که باشند حتی اگر یک نفر باشد قانونی و رسمی بوده و به هر حال بدلیل عدم رعایت ضوابط مربوط به تشکیل جلسات هیئت مدیره و نحوه اتخاذ تصمیم هیچکس نمی تواند متعرض آن گردد. مجمع عمومی که طبق این ماده تشکیل می گردد از مصادیق مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده موضوع ماده ۹۲ (ل.ا.ق.ت.) می باید در صورتیکه اعضای باقیمانده هیئت مدیره نیز از دعوت مجمع عمومی فوق الذکر خوداری کند قانونگذار ترتیب دعوت مجمع عمومی عادی را جهت تعیین بقیه اعضای هیئت مدیره پیش بینی کرده است. ماده ۱۱۳ (ل.ا.ق.ت.) در این خصوص مقرر می دارد: (در مورد ماده ۱۱۲ هر گاه هیئت مدیره کسب مورد از دعوت مجمع عمومی برای انتخاب مدیری که سمت او بلا تصدی مانده خوداری کند هر ذینفع حق دارد از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد که به دعوت مجمع عمومی عادی جهت تکمیل عده مدیران با رعایت تشریفات لازم اقدام کنند و بازرس یا بازرسان مکلف به انجام چنین درخواستی می باشند. در مواردی هم که همه اعضای هیئت مدیره فوت یا استعفا کرده و یا شرایطی مدیریت را از دست بدهند هر ذینفعی حق دارد طبق ماده اخیر الذکر از بازرس یا بازرسان از مجمع عمومی عادی صاحبان سهام دعوت کند و اگر بازرسان هم امتناع بورزند سهامدارانی که مالک حداقل یک پنجم سهام شرکت هستند حق دارند سهامداران جهت مجمع عمومی دعوت کنند (ماده ۹۵ (ل.ا.ق.ت.)).

۱۷- طرز کار شرکت سهامی

۱- ارگان تصمیم گیرنده شرکت سهامی

طرز کار شرکت سهامی - ارگان تصمیم گیرنده شرکت سهامی ارگان تصمیم گیرنده مجامع سهامداران هستند که از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می شود. این مجامع عبارتند از: مجمع عمومی مؤسس مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق العاده. نظر به اینکه مجمع عمومی مؤسس قبلاً مورد بحث قرار گرفته است لذا ذیلاً به مطالعه دو مجمع دیگر می پردازیم.

۲- مسئولیت مدنی و جزائی ارگان تصمیم گیرنده

طرز کار شرکت سهامی - مسئولیت مدنی و جزائی ارگان تصمیم گیرنده مسئولیت مدنی باید گفت که مجمع عمومی عادی یا فوق العاده شرکت سهامی ممکن است بدون رعایت مقررات قانونی تصمیماتی اتخاذ کند که بنا به تقاضای هر ذینفع (سهامدار زیان دیده طلبکار صاحب سهم انتفاعی که در سود یا مزایای متعلقه به وی لطمه وارد شده و نیز خود شرکت در صورت متضرر شدن از این تصمیمات) دادگاه حکم بطلان تصمیمات مذکور را صادر می نماید لکن مدیران و بازرسان و سهامداران شرکت نمی توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد کنند (ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت). اشخاص ثالث می توانند پس از قطعیت حکم بطلان صادره از کسانی که مسئول بطلان بوده اند خسارات وارده را اخذ نمایند. از نظر اعتبار قضیه محکوم بها طبق اصل کلی حکم بطلان صادره بین طرفین از اعتبار قانونی (به طور مطلق) برخوردار است. ولی به لحاظ اینکه ممکن است حکم بطلان در اثر تبانی سهامداران و یا مدیران شرکت سهامی صادر گردد قانونگذار در جهت تقویت اعتبار شرکت های سهامی به اشخاص ذینفع حق داده تا علیه کسانی که مسئول بطلان بوده اند دعوی مسئولیت اقامه نمایند. ضمناً کسانی که به صاحبان سهام و اشخاص ثالث در اثر بطلان خساراتی وارد کرده باشند مسئولیت تضامنی خواهند داشت. راجع به تغییرات در اساسنامه در صورتی که مجمع عمومی تابعیت شرکت را تغییر دهد و یا با اکثریت (نه به اتفاق آرا) تعهدات صاحبان سهام را افزایش دهد چون بر خلاف ماده ۹۴ (ل.ا.ق.ت) می باشد لذا تصمیم متخذه در این مورد باطل خواهد بود. در مورد انحلال شرکت قبل از موعد در صورتی که پس از تاسیس سرمایه شرکتهای مزبور (شرکت سهامی عام ۵/۱۰۰۰/۰۰۰ ریال و شرکت سهامی خاص ۱/۱۰۰۰/۰۰۰ ریال) به هر علت از حداقل مذکور کمتر شود شرکت مکلف است ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام کند و یا نوع شرکت را تغییر دهد و گرنه هر ذینفع حق دارد انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست نماید. مسئولیت جزائی اگر هیئت رئیسه هر مجمع عمومی از تنظیم صورت جلسه ای توسط منشی از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی که به امضای هیئت رئیسه نیز رسیده باشد خودداری نماید به جزای نقدی از ۲۰/۱۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۱۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد. مطابق ماده ۲۵۳ و ۲۵۷ ناظر به ماده ۲۵۵ (ل.ا.ق.ت) هر کس با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات سهم معرفی کند و به این طریق در اخذ رای در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت نماید به حبس تادیبی از ۳ ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از ۲۰/۱۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۱۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. بند ۳ از ماده ۲۴۳ (ل.ا.ق.ت) هر کس را که از اعلام مطالب مندرج در ماده ۱۰۶ (ل.ا.ق.ت) و یا سایر موارد مقرر در قانون که باید به مرجع ثبت شرکتهای اعلام گردد بعضاً یا کلاً خودداری کند و یا مطالب خلاف واقع به مرجع مذکور اعلام دارد به حبس تادیبی از ۳ ماه تا ۲ سال یا به جزای نقدی از ۲۰/۱۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۱۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم می نماید. ارگان اداره کننده شرکتهای سهامی عام و خاص به وسیله هیئت مدیره ای که از بین سهامداران انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می باشند اداره می شود عده اعضای هیئت مدیره در شرکت سهامی عام حداقل ۵ نفر و در شرکت سهامی خاص نباید از ۳ نفر کمتر باشد (مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ ل.ا.ق.ت). اول - انتخاب و عزل مدیران به هنگام تاسیس شرکت عمومی موسس اولین مدیران شرکت را انتخاب می نماید و مدت مدیریت آنان که در هر حال نباید از دو سال تجاوز کند در اساسنامه تعیین می شود در طول حیات شرکت هیئت مدیره از میان سهامداران شرکت و توسط مجمع عمومی عادی با اکثریت نسبی انتخاب می شود و مجمع مزبور می تواند در تصمیمات بعدی خود هیئت مدیره را کلاً و یا بعضاً عزل کند برای انتخاب مدیران تعداد آرای هر رای دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می شود و بدین ترتیب هر سهامدار رای دهنده می تواند یک یا چند نفری را که مایل باشد انتخاب نماید. ضمناً صورت جلسه مجمع عمومی در مورد انتخاب مدیران باید جهت ثبت به مرجع ثبت شرکتهای ارسال گردد (مواد ۸۸ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ ل.ا.ق.ت). مطابق ماده ۱۱۱ (ل.ا.ق.ت) اشخاص ذیل نمی توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند: افراد محجور افراد ورشکسته (تاجر ورشکسته) محکومین جزائی (کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه ها به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند) و نیز کسانی که در

امور دولتی و دفاتر اسناد رسمی برابر اصل ۱۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای مشاغلی هستند. دادگاه عمومی بنا به تقاضای هر ذینفع حکم عزل هر مدیری را که بر خلاف ماده ۱۱۱ (ل.ا.ق.ت) انتخاب شود صادر خواهد نمود و حکم دادگاه موصوف قطعی خواهد بود. ماده ۱۲۶ (ل.ا.ق.ت) مقرر می دارد که علاوه بر اشخاص مندرج در ماده ۱۱۱ افرادی که مدیریت عاملی بیش از یک شرکت را دارا باشند نیز نمی توانند به عنوان مدیر عامل شرکت انتخاب شوند. اعضای هیئت مدیره ممکن است از اشخاص حقیقی یا حقوقی باشد. شخص حقوقی باید یک نفر را به نمایندگی خود جهت انجام وظایف مدیریت به شرکت معرفی نماید. مسئولیت مدنی و جزائی نماینده شخص حقوقی و مدیره همانند مسئولیت مدیران طبیعی می باشد ولی از جهت مسئولیت مدنی با شخص حقوقی که او را به نمایندگی تعیین و معرفی نموده است مسئولیت تضامنی خواهد داشت (ماده ۱۱۰ ل.ا.ق.ت). مدیران شرکت نمی توانند از بابت عزل خود از مدیریت شرکت تقاضای ضرر و زیان بنمایند مگر اینکه عزل آنان در نتیجه سوء استفاده از حق صورت گرفته باشد. با مذاقه در ماده ۱۱۲ به بعد (ل.ا.ق.ت) برای استعفای مدیران منع قانونی وجود ندارد. اما اگر مدیری با قصد اضرار به شرکت یا بی موقع استعفا دهد ممکن است مرتکب تقصیر جرمی یا تقصیر عمدی شده و به جبران ضرر و زیان وارده به شرکت محکوم شود. مدیران باید از بین سهامداران انتخاب شوند و دارای تعداد سهامی باشند که در اساسنامه شرکت مقرر شده است. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که به موجب اساسنامه جهت دادن رای در مجامع عمومی لازم است کمتر باشد و نیز برای جبران خسارات احتمالی از سوی مدیران مطابق ماده ۱۱۴ (ل.ا.ق.ت) باید تعدادی سهام با نام و غیر قابل انتقال به عنوان وثیقه به صندوق شرکت بسپارد تعداد سهام مورد وثیقه برای هر یک از مدیران باید به میزانی باشد که خسارات مورد بحث را جبران نماید. هر مدیری می تواند سهام مورد وثیقه خود را پس از پایان دوره مدیریتش از صندوق آزاد نماید. پس از انتخاب هیئت مدیره از طرف مجمع عمومی عادی برابر ماده ۱۱۹ (ل.ا.ق.ت) هیئت مزبور اولین جلسه خود را تشکیل می دهد و از بین خود یک رئیس و یا نایب رئیس تعیین می کند. هیئت مدیره مکلف است لااقل یک نفر شخص حقیقی را به عنوان مدیر عامل شرکت انتخاب نماید و مدت تصدی شخص اخیر در صورتی که عضو هیئت مدیره باشد نباید از مدت عضویت او در هیئت مدیره بیشتر باشد. وقتی که مدیر عامل از میان اعضای هیئت مدیره انتخاب می شود الزاما سهامدار شرکت نیز می باشد ولی از مفهوم مخالف ماده ۱۲۴ (ل.ا.ق.ت) این طور استنباط می شود که مدیرعامل می تواند از خارج از اعضای هیئت مدیره نیز انتخاب شود. آیا هیئت مدیره شرکت می تواند خارج از اعضای خود یک نفر شخص طبیعی را که حتی سهامدار همان شرکت هم نباشد به آن سمت انتخاب نماید؟ به نظر می رسد اصلح است برای جلب اعتماد مردم به سرمایه گذاری در شرکتهای سهامی و برای حسن اداره شرکت مدیر عامل از میان سهامداران انتخاب شود تا خود در نفع و ضرر شرکت سهیم باشد و در صورت ارتکاب تقصیر یا سوء استفاده از اختیارات سهام وثیقه برای جبران خسارات احتمالی وارده به شرکت و سهامدار و شخص ثالث ذینفع در صندوق شرکت داشته باشد. دوم - اختیارات مدیران و محدودیت آن ۱- قلمرو اختیارات مدیران ماده ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) در تعیین قلمرو اختیارات مدیران مقرر می دارد: (جز درباره موضوعی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.) این اختیارات شامل موارد زیر می باشند: انجام عملیات شرکت تعیین و انتخاب و عزل نماینده و وکیل با حق وکالت در توکیل اقدام به هرگونه معاملات منقول و غیر منقول انعقاد هر گونه قرارداد اجاره رهن دارائی شرکت و قبول رهن مشتریان دادن هر گونه رسید و مفاصا کشیدن و امضا و ظهر نویسی چک ها و بروا و سفته ها انجام تشریفات گمرکی... ۲- محدودیت اختیارات مدیران مواد ۱۱۸ و ۱۲۹ به بعد (ل.ا.ق.ت) در موارد زیر اختیارات تامه مدیران را محدود نموده است: مدیران حق ندارند درباره موضوعی که به موجب

مقررات قانون تجارت اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است (انتخاب هیئت رئیسه برای مجامع تصویب ترازنامه سالیانه و حساب سود و زیان تعیین روزنامه کثیرالانتشار تعیین حق الزحمه مدیران و بازرسان و تعیین جانشینان در خاتمه مدت آن و ...) اقدام و اتخاذ تصمیم بنماید. مدیران نمی توانند در خارج از موضوع شرکت معامله و یا اقدام نمایند زیرا بر خلاف هدف شرکت بوده علیه منافع عمومی شرکت می باشد. اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت حق ندارند بدون اجازه هیئت مدیره بطور مستقیم یا غیرمستقیم در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شود طرف معامله واقع و یا سهم شوند (ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت). اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل (به استثنای اشخاص حقوقی) از تحصیل هر گونه وام یا اعتبار از شرکت ممنوع می باشند و ضمناً شرکت نمی تواند دیون مدیران مزبور را در مقابل ثالث تعهد و یا تضمین نماید. این گونه عملیات به خودی خود باطل محسوب می شود. مدیران و مدیر عامل حق ندارند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت محسوب شود انجام دهند. در صورتی تخلف مسئول جبران ضرر وارده به شرکت اعم از ورود خسارت یا تفویت منفعت خواهند بود. (ماده ۱۳۲ ل.ا.ق.ت). سوم - الزامات قانونی مدیران ۱- هیئت مدیره مکلف است در اولین جلسه خود یک رئیس و یک نایب رئیس از اشخاص حقیقی که مدت ریاست آنها نباید بیشتر از مدت عضویت در هیئت مدیره باشد برای هیئت مدیره انتخاب نمایند. در هر حال مدت مدیریت مدیران از دو سال تجاوز نخواهد کرد و انتخاب مجدد آنان بلامانع می باشد. ۲- رئیس هیئت مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیئت مدیره مکلف است مجامع عمومی سهامداران (اعم از عادی و فوق العاده و مجمع خاص) را در موارد زیر که هیئت مدیره ملزم به دعوت کردن آنها می باشد فراخواند: مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت. دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق العاده بنا به درخواست سهامدارانی که اقلاً ۵/۱ سهام شرکت را مالک می باشند. دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده در مواقع مقتضی. دعوت مجمع عمومی فوق العاده در موارد تغییر در اساسنامه کاهش و افزایش سرمایه شرکت انحلال شرکت قبل از موعد یا تغییر نوع شرکت زیانهای وارده به شرکت حداقل به میزان نصف سرمایه شرکت. مجمع عمومی توسط رئیس هیئت مدیره و در غیاب او توسط جانشین او افتتاح خواهد گردید (مستفاد از مواد ۸۳ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۵ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۳۸ و ۱۴۱ و ۱۲۰ ل.ا.ق.ت). ۳- رئیس هیئت مدیره در مواردی که مجمع عمومی (اعم از عادی و فوق العاده) نتواند درباره موضوعات مطروحه در دستور جمعی اتخاذ تصمیم نماید اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعدی را که نباید بیش از دو هفته باشد تعیین می نماید (مستفاد از ماده ۱۰۴ ل.ا.ق.ت). ۴- در زمان انتخاب مدیران و بازرسان یا بازرسان تصویب ترازنامه کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییرات در اساسنامه و انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن باید یک نسخه از صورتجلسه مجمع عمومی یا هیئت مدیره توسط رئیس هیئت مزبور یا سایر مدیران به مرجع ثبت شرکتهای ارسال گردد (ماده ۱۰۶ ل.ا.ق.ت). ۵- برای تشکیل جلسات هیئت مدیره حضور بیش از نصف اعضای هیئت مدیره الزامی است. ۶- هیئت مدیره موظف است در هر سال مالی ۲۰/۱ یا ۵ درصد از سود خالص شرکت را به عنوان اندوخته قانونی کسر نماید اما اگر اندوخته قانونی به ۱۰/۱ سرمایه شرکت رسیده کسر کردن آن اختیاری خواهد بود و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش داده شود وضع ۲۰/۱ مذکور تا هنگامی که اندوخته قانونی که به ۱۰/۱ سرمایه بالغ گردد ادامه خواهد یافت. ۷- برای هر یک از جلسات هیئت مدیره باید صورت جلسه ای که اسامی مدیران حاضر یا غایب در جلسه و خلاصه ای از مذاکرات و تصمیمات متخذه با قید تاریخ در آن ذکر شده تنظیم و حداقل به امضای اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد. ۸- پیشنهاد هیئت مدیره در مورد افزایش یا کاهش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش یا کاهش سرمایه و نیز شامل گزارشی درباره امور شرکت از ابتدای سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی عادی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از اول سال مالی قبل باشد. چهارم - مسئولیت مدنی و جزائی مدیران در مورد مسئولیت مدنی مدیران ماده ۲۷۰ (ل.ا.ق.ت) مقرر می دارد: (اگر عملیات یا تصمیمات ارگان مدیریت (شامل هیئت مدیره و مدیر عامل) برخلاف مقررات قانون و یا اساسنامه باشد هر ذینفع می تواند از دادگاه ذیصلاح صدور حکم بطلان و طرح دعوی

علیه تصمیمات را حسب در خواست نماید.) قانون اصلاحی تجارت مسئولیت فردی - اشتراکی - تضامنی مدیران را به شرح زیر پیش بینی نموده است: اولاً - در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پیش از انحلال دادگاه صلاحیتدار می تواند به تقاضای هر ذینفع هر یک از مدیران و یا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحا معلول تخلفات او بوده است منفرداً یا متضامناً به تادیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نماید (ماده ۱۴۳ ل.ا.ق.ت). ثانیاً - در صورت صدور حکم قطعی بطلان عملیات و تصمیمات شرکت اگر مدیران مسئول بطلان باشند متضامناً مسئول جبران ضرر و زیانی خواهند بود که در اثر بطلان مزبور به سهامداران و اشخاص ثالث ذینفع وارد شده است (ماده ۲۷۳ ل.ا.ق.ت). ثالثاً - مدیران (هیئت مدیره و مدیر عامل) نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی (عادی یا فوق العاده) در مقابل شرکت و اشخاص ثالث بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک از مدیران مزبور را جهت جبران ضرر و زیان وارده به متضرر تعیین خواهد نمود (ماده ۱۴۲ ل.ا.ق.ت) رابعاً - مسئولیت انفرادی هر مدیری که معاملاتی نظیر معاملات شرکت انجام دهد که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد در ماده ۱۳۳ (ل.ا.ق.ت) پیش بینی شده است. خامساً - مسئولیت تضامنی مدیران در زمانی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد شود در ماده ۱۳۰ (ل.ا.ق.ت) پیش بینی شده است. سادساً - شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنان حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد حق دارند در صورت احراز تخلف یا تقصیر مدیران (هیئت مدیره و مدیر عامل) به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه تمام یا بعضی از مدیران مزبور اقامه دعوی مسئولیت نموده جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند (ماده ۲۷۶ ل.ا.ق.ت). در مورد مسئولیت جزائی مدیران باید به مقررات خاص قانون اصلاحی تجارت اشاره ای نمائیم: عدم دعوت مجمع و عدم تنظیم اسناد: اگر رئیس و اعضای هیئت مدیره شرکت سهامی حداکثر تا ۶ ماه پس از پایان هر سال مالی مجمع عمومی عادی سهامداران را دعوت نکنند به حبس از ۲ تا ۶ ماه یا به جزای نقدی از ۱۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد (ماده ۲۴۵ ل.ا.ق.ت). عدم تنظیم صورت حاضرین در مجمع: که در این صورت رئیس و اعضای هیئت مدیره به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد (ماده ۲۵۵ ل.ا.ق.ت). جلوگیری از حضور سهامدار در مجمع عمومی و عدم رعایت حق رای: که در صورت انجام این کار توسط هر یک از مدیران (اعضای هیئت مدیره مدیر عامل) شرکت سهامی به حبس تادیبی از ۳ ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد (مستنبط از ماده ۲۵۳ و ۲۵۷ ناظر به ماده ۲۵۵ ل.ا.ق.ت). تقسیم سود موهوم: هر گاه رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت بدون صورت دارائی و ترازنامه یا به استناد صورت دارائی و ترازنامه مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم نمایند و یا ترازنامه غیر واقع به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به سهامداران رائه یا منتشر کرده باشند به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد (مستفاد از بند ۱ و ۲ ماده ۲۵۸ ل.ا.ق.ت). استفاده خلاف از اموال و اعتبارات شرکت: که در این صورت رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد (مستفاد از بند ۳ و ۴ ماده ۲۵۸ ل.ا.ق.ت). در صورت سلب حق تقدم به هنگام افزایش سرمایه و دادن اطلاعات نادرست: توسط رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد. در صورتی که مدیران مذکور عالماً مبادرت به این کار نمایند به حبس از شش ماه تا سه سال یا به جزای نقدی از ۱۰۰/۰۰۰ ریال تا ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد (بند ۱ از ماده ۲۶۲ و ماده ۲۶۳). عدم رعایت مقررات راجع به کاهش سرمایه: توسط رئیس و اعضای هیئت مدیره هر شرکت سهامی منجر به جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال محکومیت خواهد شد (ماده ۲۶۴ ل.ا.ق.ت). با از میان رفتن بیش از نصف سرمایه: رئیس هیئت مدیره هر شرکت سهامی باید حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق العاده سهامداران را دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مور

۳- مجمع عمومی فوق العاده

طرز کار شرکت سهامی - مجمع عمومی فوق العاده ۱- حد نصاب برای تشکیل مجمع و اتخاذ تصمیم مجمع عمومی فوق العاده با حداقل دارندگان بیش از یک دوم سهامی که حق رای دارند یا نمایندگان آنها در جلسه رسمیت خواهد داشت. اگر این حد نصاب در اولین دعوت حاصل نشود مجمع برای مرتبه دوم دعوت خواهند شد و حد نصاب در این مجمع با حضور بیش از یک سوم سهام صاحبان سهام با حق رای شرکت است مشروط بر آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول ذکر شده باشد. تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده با شرکت دو سوم آرا صاحبان سهام حاضر در جلسه معتبر خواهد بود (مواد ۸۴ و ۸۵ ل.ا.ق.ت). ۲- وظایف و اختیارات مجمع عمومی فوق العاده و وظایف مجمع عبارت است از: افزایش سرمایه گاهش سرمایه تغییرات اساسنامه انحلال شرکت قبل از موعد و یا تغییر نوع شرکت. اولاً - افزایش سرمایه: حدود اختیارات مجمع عمومی فوق العاده در مورد افزایش سرمایه: افزایش از نظر حقوقی وقتی صورت می گیرد که سرمایه شرکت تماماً تادیه شده باشد که این افزایش به چهار صورت تحقق می یابد: افزایش سرمایه از طریق پرداخت مبلغ اسمی سهم به نقد. به وسیله تبدیل سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام به سرمایه شرکت. به صورت تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سهام جدید. بالاخره با تبدیل اوراق قرضه به سهام. مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیئت مدیره اختیار دهد که در ظرف مدت معینی که از ۵ سال تجاوز نماید سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق مندرج در ماده ۱۵۹ (ل.ا.ق.ت) افزایش دهد (مواد ۱۶۱ و ۱۶۲ ل.ا.ق.ت) این تفویض اختیار به هیئت مدیره به طور استثنا است زیرا افزایش سرمایه در صلاحیت اصلی مجمع عمومی فوق العاده می باشد. ۱- افزایش سرمایه از طریق پرداخت مبلغ اسمی سهم به نقد: شرکت سهامی برای ادامه کار و فعالیت تجاری خود از طریق فراهم ساختن سرمایه ضروری مبادرت به انتشار سهام جدید عادی می نماید و چنین اقدامی در صورتی نتیجه بخش خواهد بود که شرکت از اعتبار کافی برخوردار باشد والا اگر شرکت متحمل زیان شد و ذخائر خود را نیز مصرف کرده باشد اصلح است که به عوض سهام عادی جدید مبادرت به صدور سهام ممتاز و یا اوراق قرضه بنماید. بدیهی است اگر شرکت اطمینان از فروش سهام عادی جدید خود داشته باشد در این صورت نه امتیازی به سهامداران جدید خود می دهد و نه بار مالی پرداخت بهره اوراق قرضه را در مواعد معین تحمل می نماید. ارزش اسمی سهام جدید که منتشر می گردد باید مساوی با بهای اسمی سهام قدیم باشد زیرا برابر ماده ۳۲ (ل.ا.ق.ت) مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید متساوی باشد. بدین ترتیب ارزش اسمی کلیه سهام شرکت در طول مدت حیات شرکت چه در صورت تجزیه سهام به قطعات باید متساوی باشد. منظور از اضافه ارزش هر سهم که در ماده ۱۶۰ (ل.ا.ق.ت) اشاره گردیده مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی هر سهم است که شرکت می تواند به مناسبت افزایش از پذیره نویسان مطالبه نماید و علت چنین مطالبه ای هم این است که سهامداران قدیم شرکت متضرر نشوند. در مورد پاسخ به این سؤال که آیا جمع اضافه ارزشهای دریافتی شرکت از پذیره نویسان جزو سرمایه شرکت محسوب می شو و یا م توان آنها را در ردیف منافع محول نموده و می گوید: شرکت می تواند از عواید حاصله از اضافه ارزش سهام فروخته شده را اندوخته منتقل سازد یا نقدا بین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا در آ آن سهام جدید به صاحبان سهام سابق بدهد. بر طبق ماده ۱۶۶ (ل.ا.ق.ت) حق تقدم صاحبان سهام قدیم پیش بینی شده است که می گوید: در خرید سهام جدید صاحبان سهام سابق بدهد. بر طبق ماده ۱۶۶ (ل.ا.ق.ت) حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است مهلتی که طی آن سهامداران می توانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند کمتر از ۶۰ روز نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای پذیره نویسی تعیین می گردد شروع می شود. مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هنگام تصویب افزایش سرمایه از طریق فروش سهام حق تقدم سهامداران را نسبت به پذیره نویسی تمام و یا قسمتی از سهام جدید از آنان سلب نماید مشروط بر آنکه چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیات مدیره و بازرس و بازرسان شرکت اتخاذ گردد و الا

تصمیم مزبور باطل خواهد بود (ماده ۱۶۷ ل.ا.ق.ت). در صورتی که حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید از سهامداران سابق سلب شده یا صاحب سهام از حق تقدم خود در ظرف مدت مقرر استفاده ننمایند تمام یا باقیمانده سهام جدید حسب مورد عرضه شده و به متقاضیان فروخته خواهد شد (ماده ۱۷۲ ل.ا.ق.ت). بر طبق ماده ۱۷۱ (ل.ا.ق.ت) گواهینامه حق خرید سهامی که صاحبان سهام حق تقدم در خرید آن را دارند باید شامل نکات زیر باشد: نام و شماره ثبت مرکز اصلی شرکت مبلغ سرمایه فعلی و نیز مبلغ افزایش سرمایه شرکت. تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهینامه حق خرید آن را دارد با ذکر مبلغ اسمی سهم و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش آن. نام بانک و مشخصات حساب سپرده ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود. مهلتی که طی آن دارنده گواهینامه می تواند از حق خرید مندرج در گواهینامه استفاده کند. گواهینامه مذکور باید لاقبل به امضای دو نفر که به موجب مقررات اساسنامه تعیین می شود برسد. شرکت سهامی عام باید قبل عرضه سهام جدید جهت پذیره نویسی مردم ابتدا طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید برای افزایش سرمایه را به مرجع ثبت شرکتها تسلیم و رسید دریافت نماید که اعلامیه مزبور الزاما باید به امضای مجاز شرکت رسیده باشد و نیز شامل نکات مقرر در مواد ۱۷۴ و ۱۷۷ (ل.ا.ق.ت) باشد سپس مراجع ثبت شرکتها پس از بررسی طرح اعلامیه مزبور و ضmann مربوط اجازه انتشار آن را صادر مینماید و شرکت اعلامیه پذیره نویسی سهام افزایش سرمایه را باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشار که آگهی های شرکت در آن منتشر می گردد لاقبل در دو روزنامه کثیرالانتشار دیگر آگهی نماید و نیز در آگهی مزبور باید در تاریخ شروع پذیره نویسی سهام افزایش سرمایه و تاریخ خاتمه آن که مجموعا نباید کمتر از ۲ ماه باشد قید شود. حال اگر مقدار سهام خریداری شده بیشتر از کل سهم تعیین شده برای افزایش سرمایه باشد هیئت مدیره باید نسبت به تعدیل سهام مذکور با تعیین تعداد سهام هر خریدار دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری شده را به بانک مربوط صادر نماید (ماده ۸۸۱ ل.ا.ق.ت). مطابق ماده ۸۲ (ل.ا.ق.ت) و ماده ۷۶ همان قانون اگر قسمتی از افزایش سرمایه به صورت غیر نقدی تادیه شود باید بدوا آورده های غیر نقدی طبق نظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری ارزیابی گردد و گزارش مربوط به ارزیابی آورده های غیر نقدی در اختیار مجمع عمومی فوق العاده قرار گیرد اگر آورده های غیر نقدی یا مزایای که مطالبه شده مورد تصویب مجمع عمومی فوق العاده قرار نگیرد دومین جلسه مجمع اخیر که حد نصاب آن حضور بیش از نصف پذیره نویسان هر مقدار سهام جدید و صاحبان سهام شرکت می باشد. به فاصله مدتی که از یک ماه تجاوز ننماید تشکیل می شود و در فاصله دو جلسه مذکور صاحبان آورده های غیر نقدی که آورده آنها مورد تصویب واقع نشده می توانند تعهد غیر نقدی خود را به تعهد نقدی تبدیل و مبلغ معادل آن را پرداخت کنند و همچنین کسانی که مزایای مورد مطالبه آنان از طرف مجمع عمومی فوق العاده پذیرفته نشده است در صورت تمایل می توانند از مزایای مزبور انصراف حاصل و در شرکت باقی بمانند. در شرکت سهامی خاص قانونگذار تشریفات کمتری برای افزایش سرمایه از طریق صدور سهام قائل شده است. به منظور ثبت افزایش سرمایه شرکت مزبور فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک مندرج در ماده ۱۸۳ ناظر به ماده ۱۶۹ (ل.ا.ق.ت) کافی خواهد بود. برای افزایش سرمایه در شرکت سهامی خاص از طریق فروش سهام جدید مجمع عمومی فوق العاده باید بنا به پیشنهاد هیات مدیره و پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در این مورد مراتب را تصویب نماید. در صورتی که سلب حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید از بعضی از سهامداران به نفع بعضی دیگر انجام پذیرد صاحبان سهامی که سهام جدید برای تخصیص به آنان در نظر گرفته شده است حق شرکت در اخذ رای درباره سلب حق تقدم مورد بحث ندارند و در حد نصاب رسمیت جلسه و اکثریت برای اتخاذ تصمیم نیز آرای آنان به حساب نخواهد آمد و همچنین مهلتی که طی آن صاحبان سهام می توانند حق تقدم خود را در خرید سهام جدید به مناسبت افزایش سرمایه شرکت اعمال کنند حداقل ۶۰ روز خواهد بود و این مهلت از روزی که برای پذیره نویسی تعیین می گردد شروع می شود (مواد ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ ل.ا.ق.ت). شرکت سهامی خاص نمی تواند در اساسنامه خود اختیار افزایش سرمایه را برای هیات مدیره تفویض نماید و ضمنا مادامی که سرمایه شرکت کلا تادیه نشده باشد افزایش سرمایه مجاز

نخواهد بود (مواد ۱۶۴ و ۱۶۵ ل.ا.ق.ت). ۲- افزایش سرمایه به وسیله تبدیل سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام به سرمایه شرکت: سود قابل تقسیم عبارت است از سود خالص در هر سال مالی منهای زیانهای سالهای مالی قبل و اندوخته‌ها (اختیاری - مالیاتی و قانونی) و حسب مورد به علاوه سود قابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده منهای پاداش اعضای موظف هیات مدیره با در نظر گرفتن شرایط مقرر در ماده ۲۴۱ (تلفیقی از مواد ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۱ ل.ا.ق.ت). اگر شرکت بخواهد سود تقسیم نشده یا اندوخته و یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام را تبدیل به سرمایه بنماید (بند ۳ از ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت). در چنین حالتی شرکت با استفاده از منابع مالی مربوط از یک نوع خود کفائی برخوردار می باشد و چون سهامداران شرکت هیچگونه مبلغ جدیدی از بابت افزایش سرمایه مذکور پرداخت نمی نمایند. لذا توزیع اوراق تعهد سهام بین صاحبان سهام از طرف شرکت برای پذیره نویسی و به طریق اولی انتشار اعلامیه و آگهی مربوط پذیره نویسی الزامی نخواهد بود. مطابق تبصره ۲ از ماده ۱۵۸ (ل.ا.ق.ت) انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع شده است و این امر شاید به منظور تضمین بیشتر مطالبات اشخاص ثالث از شرکت بوده است ولی عملاً اگر اندوخته های قانونی به سرمایه منتقل شود موجب افزایش سرمایه شرکت خواهد بود و چنین اقدامی به نفع طلبکاران شرکت می باشد نه به ضرر آنان گر چه ممکن است اندوخته مذکور با صدور سهام جدید مجانی بین سهامداران تقسیم گردد. در صورتی که کلیه صاحبان سهام با افزایش مبلغ اسمی سهام شرکت موافق باشند. در این صورت سهام سابق شرکت باطل و به عوض آنها سهام جدید با مبلغ اسمی بیشتر تعیین شده از طرف شرکت صادر می گردد. مطابق ماده ۱۸۸ (ل.ا.ق.ت) در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت گیرد کلیه افزایش باید نقدا پرداخت شود. افزایش سرمایه شرکت موجب بالا رفتن اعتبار آن در مقابل اشخاص طرف قرارداد با شرکت بالاخص با بانکها و موسسات مالی معتبر می گردد. در صورتی که شرکت ذخائر قابل تقسیم و یا اضافه ارزش سهام فروخته شده را بدو بین صاحبان سهام تقسیم و سپس مبادرت به صدور سهام جدید با پرداخت مبلغ اسمی بنماید کاری بیهوده و عبث خواهد بود زیرا حتی در صورتی که سهامداران شرکت پس از دریافت سود متعلقه به خود مجدداً آنها را صرف خرید سهام جدید شرکت نمایند شرکت ناچار خواهد بود برای پذیره نویسی سهام جدید تشریفات قانونی که مستلزم هزینه و اتلاف وقت است انجام دهد. مجمع عمومی فوق العاده می تواند راساً مبادرت به افزایش سرمایه نماید یا این کار را به هیئت مدیره محول می کند در هر حال هیات مدیره مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش حداکثر مدت یک ماه مراتب را ضمن اصلاح اساسنامه در قسمت راجع به میزان سرمایه ثبت شده شرکت جهت ثبت به مرجع ثبت شرکتهای اعلام کند تا پس از انجام تشریفات ثبت نتیجه جهت اطلاع عموم آگهی شود (مواد ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ ل.ا.ق.ت). ۳- تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سهام جدید: مطابق ماده ۱۸۵ (ل.ا.ق.ت) مجمع عمومی فوق العاده اختیار دارد از طریق تبدیل مطالبات نقدی حال شده طلبکاران شرکت به سهام جدید سرمایه شرکت را افزایش دهد و این در صورتی است که شرکت در فروخته شدن سهام جدیدی خود تردید داشته باشد زیرا طلبکار شرکت حاضر نمی شوند بدون کسب امتیازاتی از قبیل سلب حق تقدم خرید سهام جدید از بعضی و یا کل سهامداران شرکت به تبدیل مطالبات حال شده خود به سهام مذکور مبادرت نمایند مگر اینکه شرکت از نظر مالی وضع موفقیت آمیزی داشته باشد. با توجه به ماده ۱۸۵ (ل.ا.ق.ت) ملاحظه می گردد که برای تبدیل مطالبات نقدی حال نشده اشخاص به سهام جدید علاوه بر اتخاذ تصمیم مجمع مزبور تمایل طلبکاران در تبدیل مطالبات حال شده آنان به سهام جدید الزامی می باشد. حال باید دید که آیا بین دین شرکت و دین طلبکار شرکت که پس از خرید سهام جدید ایجاد می شود تفاوت حاصل خواهد شد یا خیر؟ مطابق ماده ۱۸۸ (ل.ا.ق.ت) که اشاره ای به تفاوت نموده است کلیه افزایش سرمایه از طریق مذکور باید نقداً پرداخت شود و به هنگام پذیره نویسی تمام سهام جدید بر حسب مورد کلاً پرداخت یا تفاوت شود. با توجه به اینکه تفاوت قهری مندرج در ماده ۲۹۵ قانون مدنی ایران نمی تواند در این مورد مصداق داشته باشد اگر طرفین با رعایت مواد ۲۹۸ و ۲۹۹ قانون مذکور در شرایط تفاوت توافق نمایند آیا بین دیون تفاوت حاصل می

شود یا خیر؟ مجمع عمومی فوق العاده که تبدیل مطالبات حال شده اشخاص را به سهام جدید برای افزایش سرمایه تصویب نموده و طلبکار نیز به این امر رضایت داده است تصور نمی شود که به حقوق اشخاص ثالث لطمه وارد شده باشد مگر اینکه این شرکت به نفع اشخاص اخیر توقیف شود. اگر طلبکار شرکتی ورقه تعهد سهام جدید شرکت مزبور را به منظور تبدیل مطالبات خود به سهام پذیره نویسی نماید آیا اشخاص ثالث می توانند قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه دیون شرکت به طلبکار مزبور را تامین یا توقیف نمایند؟ مطابق ماده ۱۸۴ (ل.ا.ق.ت) وجوهی را که به حساب افزایش سرمایه پرداخت می شود و باید در حساب سپرده مخصوص نیز نگهداری شود قابل تامین و توقیف و انتقال به حسابهای شرکت نیست مگر اینکه افزایش سرمایه شرکت مزبور در مرجع ثبت شرکتها به ثبت رسیده باشد. ورقه تعهد سهم مذکور در مورد شرکتهای سهامی عام باید مشتمل بر نکات مندرج در ماده ۱۸۶ (ل.ا.ق.ت) ناظر به ماده ۱۷۹ همان قانون باشد و همچنین شرکت مکلف است برای به ثبت رسانیدن افزایش سرمایه با تبدیل مطالبات نقدی حاصل شده اشخاص از شرکت به سهام جدید مدارک مذکور در ماده ۱۸۷ (ل.ا.ق.ت) را به مرجع ثبت شرکتها تسلیم نماید. ۴- تبدیل اوراق به سهام: قانونگذار برای افزایش سرمایه با صدور سهام جدید که با اوراق قرضه قابل تبدیل یا تعویض باشد تشریفات خاصی به شرح زیر قائل شده است: در صورت قابل تبدیل بودن اوراق قرضه به سهام شرکت مجمع عمومی فوق العاده بنا به پیشنهاد هیات مدیره و گزارش خاص بازرسان اجازه انتشار اوراق قرضه را می دهد و ضمن تعیین شرایط و مهلتی به هیات مدیره اجازه می دهد تا سرمایه شرکت را افزایش دهد و هیات مدیره نیز در پایان مهلت تعیین شده معادل مبلغ باز پرداخت نشده اوراق قرضه ای که برای تبدیل به سهام شرکت عرضه شده است سرمایه شرکت را افزایش داده و پس از انجام تشریفات ثبت افزایش مزبور در مرجع ثبت شرکتها سهام جدید انتشار و به صاحبان اوراق مذکور معادل مبلغ باز پرداخت نشده اوراق به شرکت تسلیم نموده اند تحویل می دهد. در تبدیل اوراق قرضه به سهام شرکت حق تقدم سهامداران شرکت در خرید سهام قابل تبدیل مزبور خود به خود متفی می باشد. در صورت قابل تعویض بودن اوراق قرضه با سهام شرکت مجمع عمومی فوق العاده بنا به پیشنهاد هیات مدیره و گزارش مخصوص بازرسان شرکت مقارن اجازه انتشار اوراق قرضه افزایش سرمایه شرکت را لاقبل برابر بامبلغ اسمی اوراق مزبور تصویب می کند ای قبیل افزایش سرمایه باید قبل از انتشار اوراق قرضه به وسیله یک یا چند بانک و یا موسسه مالی معتبر پذیره نویسی شود و قرار داد مربوط به اینگونه عمومی فوق العاده سهامداران برسد والا- فاقد هر گونه اعتبار خواهد بود. اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت الزاما باید با نام باشد (مواد ۶۱ و ۶۲ ل.ا.ق.ت) و شرکت مکلف است اوراق مذکور را به صاحبان مربوط انتقال داده در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برساند (مواد ۶۷ و ۶۸ ل.ا.ق.ت). ثانيا - کاهش سرمایه: کاهش سرمایه شرکت بر خلاف استهلاک آن موجب تغییر مبلغ اسمی سرمایه شده در نتیجه و ثیقه طلبکاران شرکت تقلیل پیدا می کند. کاهش سرمایه شرکت معمولا بنا به دلایل و طرق مشروحه زیر به عمل می آید: ۱- کاهش سرمایه به علت زیان های وارده به شرکت: در چنین صورتی باید سرمایه شرکت ارزیابی شده و بر مبنای واقعیت موجود تقلیل داده شود. به تجویز ماده ۱۴۱ (ل.ا.ق.ت) کاهش سرمایه هنگامی اجباری محسوب می شود که زیان های وارده شرکت حداقل برابر نصف سرمایه شرکت باشد. کاهش اجباری سرمایه برابر تبصره ماده ۱۸۹ به شرح زیر به عمل می آید: تقلیل تعداد سهام شرکت: مثلا تعویض دو سهم قدیم در مقابل یک سهم جدید که این کار به ضرر سهامدارانی است که لاقبل یک سهم داشته یا تعداد سهام آنان منفرد باشد و برای این قبیل سهامداران هم نمی توان سهام انتفاعی قائل شد زیرا اعطای سهامی انتفاعی غالبا موجبات نارضایتی سهامداران شرکت و اشخاص ثالث را فراهم می سازد. برای تعیین و تکلیف این صاحبان سهام منفرد می توان در صورت تقلیل اجباری سرمایه از طریق تقلیل تعداد سهام در مواردی که بعضی از سهامداران فقط یک سهم و یا سهام منفرد غیر قابل تبدیل به سهام جدید باشند. باطل شده محسوب و سهامدار حقی از این بابت نخواهد داشت و یا اینکه چنین سهامدارانی را به خرید سهام جدید شرکت ملزم نمود. تقلیل قیمت اسمی سهام: در این حالت ارزش اسمی سهام شرکت تقلیل پیدا می کند به طوری که سهام قدیم کلا باطل شده

وسهم جدید با ارزش اسمی کمتر بین سهامداران شرکت به نسبت سهام آنان توزیع می گردد. ۲- کاهش سرمایه به علت زیاد بودن دارائی شرکت: هنگامی که میزان سرمایه شرکت با فعالیت آن تناسبی نداشته و از نظر تجاری قابل توجیه نباشد. در اینصورت می توان از طریق توزیع قسمتی از سرمایه شرکت بین سهامداران آن سرمایه شرکت را کاهش داد و این کاهش که به طور اختیاری است کمتر در شرکتها عملی می شود. در صورتی که بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه وارد نشود یا سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده ۵ (ل.ا.ق.ت) کمتر نشود مجمع عمومی فوق العاده بنا به پیشنهاد هیات مدیره و گزارش بازرس یا بازرسان اتخاذ تصمیم می نماید. هیات مدیره قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه مکلف است تصمیم مجمع عمومی فوق العاده را درباره کاهش مزبور حداکثر ظرف مدت یک ماه در روزنامه کثیرالانتشار آگهی نماید تا از این طریق از اشخاص ثالث حمایت به عمل آورده باشد. ۳- آیا کاهش سرمایه از طریق خرید سهام شرکت به وسیله خود شرکت امکان پذیر است یا خیر؟ برابر ماده ۱۹۸ (ل.ا.ق.ت) خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع می باشد زیرا شرکت ممکن است سهامی بعضی از سهامداران را خریداری و باطل نماید و اشخاص اخیر از وضع بهتری نسبت به سایر صاحبان سهام برخوردار شوند و علت دیگر ممنوعیت این کار این است که اصل تساوی حقوق سهامدار در شرکت با چنین اقدامی رعایت نشده و اشخاص ثالث نیز که با شرکت طرف قرارداد می باشند با کاهش مخفی سرمایه مواجه خواهند شد. ثالثاً - تغییرات در اساسنامه: در صورتی که تغییرات در اساسنامه به اصل تساوی حقوق سهامداران در شرکت خللی وارد نکند مجمع عمومی فوق العاده اختیار کامل دارد که در اساسنامه شرکت با اکثریت دو سوم آرا حاضر در جلسه رسمی تغییراتی بدهد (مواد ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ ل.ا.ق.ت). یکی از استثنائات اصل مذکور غیر قابل تغییر بودن تابعیت شرکت می باشد که چون اعطای تابعیت یا سلب آن علی الاصول از جمله اختیارات دولت می باشد لیکن اگر شرکتی مرکز اصلی خود را به کشور دیگری انتقال دهد در این صورت قهراً شرکت تابعیت آن کشور را کسب می نماید. امروزه دولتها در نقل و انتقال بین المللی مرکز اصلی شرکتها نرزش به خرج داده و با انعقاد قرارداد با کشورهای دیگر به شرکتها اجازه می دهند که تحت شرایطی تابعیت کشور خارجی را با حفظ تابعیت کشور اصلی کسب نمایند. با صراحت ماده ۹۴ (ل.ا.ق.ت) هیچ مجمعی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد. بدیهی است چنانچه بر خلاف این ماده اتخاذ تصمیم بنماید ضمانت اجرائی آن بطلان تصمیم متخذه خواهد بود. استثنائ دیگر منع افزایش تعهدات صاحبان سهام می باشد که مجمع عمومی فوق العاده حق ندارد با اکثریت مقرر تعهدات سهامداران را افزایش دهد و این به خاطر رعایت اصل تساوی حقوق سهامداران و آزادی قراردادهاست. رابعاً - انحلال شرکت قبل از موعد و یا تغییر نوع شرکت: وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده باشد و یا مدت شرکت منقضی شده باشد در صورت ورشکستگی شرکت در هر موقع به تصمیم مجمع عمومی فوق العاده و بالاخره در زمان انحلال به حکم قطعی دادگاه شرکت سهامی منحل می گردد (ماده ۱۹۹ ل.ا.ق.ت). تغییر نوع شرکت در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد که با توجه به مواد ۵ و ۲۷۸ به بعد (ل.ا.ق.ت) به شرح زیر به عمل می آید: ۱- تبدیل شرکت سهامی خاص به سهامی عام: شرکت سهامی خاص با رعایت شرایط ذیل می تواند به شرکت سهامی عام تبدیل شود: موضوع شرکت به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد سرمایه آن نباید از ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال کمتر باشد در غیر اینصورت افزایش سرمایه الزامی است. از تاریخ تاسیس و ثبت شرکت دو سال گذشته و دو ترانزنامه سال مالی آن به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده باشد. اساسنامه شرکت سهامی خاص با رعایت مقررات لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت در مورد شرکت سهامی اصلاح و یا مجدداً تنظیم گردد. شرکت سهامی خاص باید ظرف مدت یک ماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق العاده سهامداران تبدیل شرکت را به سهامی عام تصویب نموده است صورتجلسه مجمع مزبور را به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها تسلیم نماید: اساسنامه ای که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده است. ترانزنامه و حساب سود و زیان شرکت. صورت دارائی شرکت. اعلامیه تبدیل

شرکت که به امضا صاحبان امضا مجاز شرکت رسیده باشد و حاوی نام و شماره ثبت شرکت موضوع شرکت مرکز اصلی شرکت تاریخ انقضای مدت آن سرمایه شرکت تعداد امتیازات سهام ممتاز در صورت انتشار هیت کالم رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیر عامل شرکت شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجامع عمومی مقررات اساسنامه مبلغ دیون شرکت ذکر نام روزنامه کثیرالانتشار باشد. اداره ثبت شرکتها پس از دریافت مدارک فوق و تطبیق مندرجات آنها با قانون تجارت تبدیل شرکت سهامی خاص را به شرکت سهامی عام ثبت و مراتب را به هزینه شرکت آگهی می نماید. ۲- تبدیل شرکت سهامی به انواع شرکتهای دیگر: مطابق ماده ۵ (ل.ا.ق.ت) هر گاه سرمایه شرکت سهامی عام از ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و سرمایه شرکت سهامی خاص از ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال کمتر می شود باید ظرف یکسال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام نموده و یا شرکت را به نوع دیگری از انواع شرکتهای تجارتي تغییر دهند در غیر این صورت هر ذینفع می تواند از دادگاه ذیصلاح انحلال شرکت را درخواست نماید.

۴- مقررات مشترک راجع به مجامع عمومی عادی و فوق العاده

طرز کار شرکت سهامی - مقررات مشترک راجع به مجامع عمومی عادی و فوق العاده دعوت مجامع دعوت مجامع از جمله وظایف هیات مدیره بوده و در صورت خودداری هیئت مدیره از دعوت این امر به عهده بازرس یا بازرسان شرکت محول شده است. دعوت مجامع عمومی و فوق العاده از طریق انتشار آگهی در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار به عمل می آید و تاریخ تشکیل جلسه نباید زودتر از ۱۰ روز و دیرتر از ۴۰ روز پس از انتشار دعوتنامه تعیین شود. ضمناً در صورتی که کلیه صاحبان سهام شرکت در مجمع عمومی حضور داشته باشند ارسال دعوتنامه قبلی لازم نمی باشد. از طرف دیگر سهامدارانی که لااقل یک پنجم سهام شرکت را دارا می باشند حق دارند دعوت و تشکیل مجمع عمومی را از هیات مدیره و در صورت امتناع هیئت مدیره از بازرس یا بازرسان خواستار شوند. نحوه شرکت در مجامع عمومی قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی یا فوق العاده هر صاحب سهمی که بخواهد در مجمع عمومی یا فوق العاده شرکت کند می بایست ورقه ورود به جلسه مجمع را با ارائه ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهام متعلق به خود از شرکت دریافت نماید. همچنین هر سهامدار می تواند برای خود وکیل یا قائم مقام قانونی جهت حضور در کلیه مجامع تعیین نماید. نحوه اخذ رای در مجامع معمولاً با ورقه انجام می شود ولی به علت سکوت قانون تجارت در این مورد رای گیری با قیام و قعود و یا بلند کردن انگشت مجاز می باشد. در کلیه مجامع تصمیمات به اکثریت آرا به ترتیب مقرر اتخاذ می گردد. مراد از اکثریت اکثریت آرای حاضرین در جلسه می باشد (ماده ۱۰۳ ل.ا.ق.ت). انتخاب هیئت رئیسه مجمع عمومی عادی یا فوق العاده توسط هیئت رئیسه ای مرکب از یک رئیس و دو ناظر و یک منشی اداره می شود ریاست مجمع از بین صاحبان حاضر در جلسه به اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد. محدودیت اختیارات مجامع عمومی با توجه به ماده ۹۴ (ل.ا.ق.ت) که می گوید: (هیچ مجمع عمومی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و یا هیچ اکثریتی نمیتواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید) این سؤال مطرح می شود که منظور از افزایش تعهدات صاحبان سهام توسط اکثریت سهامداران شرکت چیست؟ مثلاً افزایش سرمایه شرکت و الزام هر سهامدار به مشارکت در آن موجب ازدیاد تعهد او می شود و چنین عملی بر خلاف نص صریح قانون می باشد. ولی با توجه به مفهوم مخالف قسمت اخیر ماده ۹۴ می توان گفت که اگر کلیه سهامداران شرکت به پیشنهاد شرکت در مورد افزایش سرمایه رای توافق بدهند در این صورت منع قانونی نخواهد داشت. حق کسب اطلاع سهامداران قانون تجارت ایران در ماده ۱۳۹ فقط حق کسب اطلاع سهامداران قبل از تشکیل مجمع عمومی را پیش بینی نموده و مقرر می دارد: هر صاحب سهم می تواند از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی در مرکز شرکت به صورت حسابها مراجعه کرده از ترانزنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان رونوشت بگیرد.

۵- مجمع عمومی عادی

طرز کار شرکت سهامی - مجمع عمومی عادی ۱- حد نصاب برای تشکیل مجمع و اتخاذ تصمیم در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلای بیش از نصف سهامی که حق رای دارند ضروری می باشد. هر گاه در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهند شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رای دارند جلسه رسمیت می یابد و تصمیمات لازم را نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی موسس و فوق العاده است اتخاذ خواهند نمود مشروط بر آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد (مواد ۸۶ و ۸۷ ل.ا.ق.ت) تصمیمات در مجمع عمومی عادی همواره با اکثریت نصف به علاوه یک آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر می باشد. مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود (بند ۱ ماده ۸۸ ل.ا.ق.ت). ۲- وظایف مجمع عمومی عادی این وظایف شامل موارد زیر خواهد بود: استماع گزارش و پیشنهادات هیات مدیره و بازرسان شرکت در مورد وضع مال و خط مشی آینده شرکت و اخذ تصمیم درباره آنها. تصویب ترانزنامه سالیانه و حساب سود و زیان تعیین حق الزحمه مدیران و بازرسان و تعیین جانشینان در خاتمه ماموریت آنان. تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های شرکت در آن درج می شود. ۳- اختیارات مجمع عمومی عادی اولاً - رسیدگی به حسابهای شرکت و تقسیم سود. ثانیاً - برابر ماده ۹۰ (ل.ا.ق.ت) که می گوید: (تقسیم سود و اندوخته صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ۱۰٪ از سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است. در ماده مذکور مقنن به سود ویژه اشاره می کند و منظور از آن عبارت است از وضع تمام مخارج شرکت مانند: هزینه تجارتي و مخارج بهره برداری استهلاک هزینه عمومی و تبلیغات مالیات و پاداش مطالبات مشکوک الوصول پذیرایی و غیره از درآمد کل شرکت. از شود ویژه به میزان ۲۰/۱ یا ۵۰٪ جهت تشکیل ذخیره قانونی شرکت تا زمانی که میزان آن به ۱۰٪ سرمایه اصلی شرکت برسد برداشت می شود و بعد از آن برداشت به عنان ذخیره قانونی اختیاری خواهد بود (ماده ۱۴۰ ل.ا.ق.ت). ثالثاً - انتخاب مدیران و بازرسان: مدیران شرکت توسط مجمع عمومی موسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می شوند و مدت مدیریت آنان نباید از دو سال تجاوز نماید (مواد ۱۰۸ و ۱۰۹ ل.ا.ق.ت) از طرف دیگر مجمع مزبور می تواند در تصمیمات بعدی خود هیات مدیره را کلاً یا بعضاً عزل نماید. نحوه انتخاب مدیران شرکت در ماده ۸۸ (ل.ا.ق.ت) با اکثریت نسبی پیش بینی شده است و تعداد آرای هر رای دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب میشود و حق هر رای دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می شود و حق هر رای دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود. و در قسمت دوم ماده ۸۸ مذکور گفته شده است که: با توجه به اصل رعایت تساوی حقوق هر سهامدار در تخصیص رای به انتخاب مدیران تعداد سها هر رای دهنده تعدا آرا صاحبان سهام ممتاز مندرج در ماده ۴۲ (ل.ا.ق.ت) مانند سهام عادی حساب می شود در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می شود. معمولاً اقلیت از سیستم رای ادغامی استفاده می نمایند به این معنی که سهامداران اقلیت آرا خود را روی یک یا چند مدیر کاندیدا متمرکز می کنند تا بدین وسیله بتوانند در هیئت مدیره نفوذ نمایند و تا حدودی در کنترل شرکت مدخلیت داشته باشند. رابعاً - تعیین روزنامه کثیرالانتشار شرکت از جمله اختیارات مجمع عمومی عادی سالیانه برای آگهی ها و اطلاعیه های بعدی سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه بعد می باشد.

۱۸- انحلال و تصفیه شرکت سهامی**۱- انحلال شرکت سهامی**

انحلال و تصفیه شرکت سهامی - انحلال شرکت سهامی شرکت سهامی ممکن است بنا به علل زیر منحل شود: از بین رفتن حداقل نصف سرمایه شرکت بر اثر زیان های وارده به شرکت (ماده ۱۴۱ ل.ا.ق.ت). از بین رفتن موضوع شرکت یا غیر ممکن شدن انجام موضوع شرکت (بند ۱ از ماده ۱۹۹ ل.ا.ق.ت). در صورت انقضای مدت شرکت (بند ۲ ماده ۱۹۹ ل.ا.ق.ت). تقلیل سرمایه شرکت به کمتر از حداقل قانونی (حداقل سرمایه شرکت سهامی عام ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و حداقل سرمایه شرکت سهامی خاص ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد). در صورت ورشکستگی شرکت. در صورت تصمیم مجمع عمومی فوق العاده مبنی بر انحلال شرکت. انحلال شرکت هب حکم دادگاه موارد مندرج در ماده ۲۰۱ (ل.ا.ق.ت) ناظر به انحلال شرکت از طریق دادگاه با درخواست ذینفع می باشد. به تجویز مواد ۱۰۶ و ۲۰۹ و ۲۱۰ (ل.ا.ق.ت) یک نسخه از صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده در مورد انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن باید به مرجع ثبت شرکتها ارسال شود تا پس از ثبت برای اطلاع مردم در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد آگهی شود.

۲- تصفیه شرکت سهامی

انحلال و تصفیه شرکت سهامی - تصفیه شرکت سهامی تصفیه شرکت سهامی مشتمل بر عملیات زیر می باشد: نقد کردن دارائی شرکت منحل و وصول مطالبات شرکت منحل پرداخت دیون شرکت منحل تقسیم باقیمانده دارائی شرکت بین سهامداران. اول - انتخاب و عزل مدیر یا مدیران تصفیه امور شرکت سهامی با مدیران شرکت است مگر اینکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق العاده که رای به انحلال شرکت می دهد ترتیب دیگر مقرر داشته باشد (ماده ۲۰۴ ل.ا.ق.ت). پس در درجه اول مدیران شرکت برای انجام امور تصفیه انتخاب می شوند از طرف دیگر شرکت می تواند مدیر یا مدیران تصفیه غیر از مدیران شرکت انتخاب نماید. با این کار دیگر وظایف مدیران شرکت و سایر نمایندگان خاتمه می یابد. چنانچه به هر علت مدیر تصفیه تعیین نشده باشد و یا تعیین شده ولی به وظایف خود عمل ننماید هر ذینفع می تواند تعیین مدیر تصفیه را از دادگاه ذیصلاح درخواست نماید. مدت ماموریت مدیر یا مدیران تصفیه حداکثر ۲ سال است تمدید این مدت با ذکر علل و جهات از طرف مدیر تصفیه به مجمع عمومی سهامداران بلامانع است. اگر مدیر تصفیه قصد استعفای داشته باشد باید مراتب را به مجمع عمومی عادی سهامداران شرکت اعلام نماید و نیز در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه هرگاه مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را برای انتخاب جانشین دعوت کند ولی اگر مدیر تصفیه مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذینفع می تواند از مرجع ثبت شرکتها بخواهد که مجمع عمومی عادی سهامداران را برای تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت کند. برای دوره تصفیه ممکن است به موجب اساسنامه یا به تصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام یک یا چند ناظر تعیین شود تا به عملیات مدیران تصفیه رسیدگی کرده گزارش خود را به مجمع عمومی عادی سهامداران تقدیم کنند. دوم - اختیارات مدیر یا مدیران تصفیه مدیران تصفیه نمایند شرکت در حال تصفیه محسوب شده و دارای کلیه اختیارات لازم جهت امر تصفیه حتی از طریق اقامه دعوی و ارجاع به داوری و حق سازش می باشند و حق دارند و می توانند برای طرح دعاوی و دفاع از آنها وکیل تعیین کنند (ماده ۲۱۲ ل.ا.ق.ت) ولی مدیر تصفیه نمی تواند دارائی شرکت در حال تصفیه را به خود یا به اقارب خود از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم انتقال دهد (ماده ۲۱۳ ل.ا.ق.ت). سوم - وظایف مدیران ۱- عملیات تصفیه شرکت منحل و وصول مطالبات شرکت از بدهکاران اعم از سهامداران یا اشخاص ثالث ولو از طریق اقامه دعوی در مراجع قضائی. نقد کردن دارائی شرکت از طریق فروش اموال منقول یا غیر منقول. پرداخت دیون شرکت با رعایت حقوق صاحبان مطالبات ممتاز. تقسیم باقیمانده دارائی شرکت بین سهامداران. ۲- دعوت مجامع عمومی اول - مقام دعوت کننده مجامع عمومی در دوران تصفیه دعوت مجامع اعم از عادی فوق العاده یا عادی به

طور فوق العاده به عهده مدیران تصفیه است. در صورت خودداری مدیر تصفیه از انجام تکلیف ناظر مکلف است نسبت به دعوت مجمع عمومی اقدام نماید و یا اینکه دادگاه به تقاضای هر ذینفع حکم به تشکیل مجمع عمومی خواهد داد (ماده ۲۱۹ ل.ا.ق.ت).

دوم - حق کسب اطلاع سهامداران سهامداران شرکت حق ندارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حسابها در مدت تصفیه کسب اطلاع نمایند (ماده ۲۲۰ ل.ا.ق.ت). مدیر یا مدیران تصفیه مکلفند تا زمانی که امر تصفیه شرکت خاتمه نیافته است همه ساله مجمع عمومی عادی سهامداران را با رعایت شرایط و تشریفات که در قانون و اساسنامه پیش بینی شده است دعوت و صورت دارائی منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به مجمع عمومی سالیانه تسلیم و گزارشی از اعمالی که تا زمان تشکیل مجمع مزبور انجام داده اند به مجمع عمومی عادی تقدیم نمایند. ۳- الزامات رعایت تشریفات قانونی در طول مدت تصفیه مقررات راجع به دعوت و تشکیل مجامع عمومی و شرایط حد نصاب و اکثریت مجامع مانند زمان قبل از انحلال شرکت باید رعایت شود و هر گونه دعوتنامه و اطلاعیه ای که مدیران تصفیه برای سهامداران منتشر می کنند باید در روزنامه کثیر الانتشار که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد تشکیل شود ولی اتخاذ تصمیم نماید مدیر یا مدیران تصفیه مکلف به انتشار گزارش خود و صورتحسابهای مقرر در ماده ۲۱۷ (ل.ا.ق.ت) در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه هیا مربوط به شرکت در آن درج می گردد جهت اطلاع عموم صاحبان سهام می باشند. ۴- اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکت مدیر یا مدیران تصفیه باید ظرف یک ماه پس از پایان امر تصفیه شرکت سهامی مراتب را به مرجع ثبت شرکتها به منظور حذف نام شرکت از دفتر مرجع مذکور و دفتر ثبت تجارتي اعلام نمایند و نیز جریان امر باید در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می شود آگهی شود. پس از پایان تصفیه در صورتی که وجوهی متعلق به بستانکاران و سهامداران شرکت باقی مانده باشد مدیر تصفیه مکلف است وجوه باقیمانده را در حساب مخصوص نزد یکی از بانکهای ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که روزنامه رسمی و کثیرالانتشار به اطلاع اشخاص ذینفع برسانند تا برای دریافت مطالبات خود به بانک مورد نظر مراجعه کنند. چهارم - مسئولیت مدنی و جزائی مدیران تصفیه مسئولیت مدنی مدیران تصفیه در اثر ارتکاب تقصیرتابع اصول کلی حقوق مدنی می باشد و چنانچه در اثر تقصیر مدیران تصفیه به سهامدار شخص ثالث ذینفع یا شرکت مستقیما خسارتی وارد گردد زیان دیده برای اخذ خسارت باید تقصیر فاعل زیان و رابطه سببیت بین فعل زیان آور و ضرر وارده را اثبات نماید. ماده ۲۲۶ (ل.ا.ق.ت) مدیر یا مدیران تصفیه را که از مقررات مندرج در ماده ۲۲۵ (ل.ا.ق.ت) تخلف نموده باشد از لحاظ میزان خسارات وارده به بستانکارانی که طلب خود را دریافت نکرده باشند مسئول می داند. در صورتی که پس از انحلال شرکت معلوم شود که دارائی شرکت برای تادیه طلب بستانکار تکافو نمی کند دادگاه ذیصلاح می تواند به تقاضای هر ذینفع هر یک از مدیران یا مدیر عاملی را که کافی نبودن دارائی شرکت به نحوی از انجا معلول تخلفات او بوده منفردا یا متضامنا به پرداخت آن قسمت از دیونی که تادیه ان از دارائی شرکت امکان پذیر نیست محکوم کند. در مورد مسئولیت جزائی مدیران تصفیه ماده ۲۶۸ (ل.ا.ق.ت) مقرر می دارد که مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت در صورتی که عالما مرتکب جرائم زیر شوند به حبس تادیبی از ۲ ماه تا ۶ ماه یا جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: عدم اعلام نام و نشانی مربوط به مرجع ثبت شرکتها در ظرف مدت یک ماه پس از اتخاذ تصمیم راجع به انحلال شرکت. دعوت نمودن مجمع عمومی عادی صاحبان سهام و اطلاع ندادن به مجمع از وضعیت اموال و مطالبات و قروض شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که جهت خاتمه امر تصفیه لازم می دانند تا مدت ۶ ماه پس از شروع به امر تصفیه. دعوت نمودن مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت همه ساله تا قبل از خاتمه امر تصفیه با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون و اساسنامه شرکت پیش بینی شده است و نیز عدم تسلیم صورت دارائی منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات مربوط به مجمع مذکور به انضمام گزارش حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده اند. ادامه دادن به عملیات امر تصفیه

پس از خاتمه دوره تصدی مدیریت مشروط بر آنکه تمدید ماموریت خود را خواستار شده باشند. عدم اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکتها در ظرف مدت یک ماه پس از خاتمه آن عدم تودیع وجوه باقیمانده پس از ختم تصفیه متعلق به سهامداران و بستانکارانی که طلب خود را وصول ننموده اند در حساب مخصوص در یکی از بانکهای ایرانی. عدم اطلاع تودیع وجوه باقیمانده مذکور به اشخاص ذینفع در طی آگهی ختم تصفیه و نیز ارتکاب جرائم مندرج در ماده ۲۶۹ (ل.ا.ق.ت) منجر به حبس تادیبی از ۱ سال تا ۳ سال محکومیت خواهد داشت.

۱۹- شرکت مختلط سهامی

۱- علل مهجوریت شرکت مختلط سهامی

شرکت مختلط سهامی - علل مهجوریت شرکت مختلط سهامی شرکت مختلط سهامی نیز همانند شرکت مختلط غیر سهامی مهجور مانده و اشخاص رغبت چندانی به تشکیل این نوع شرکت از خود نشان نمی دهند. این امر البته به دلایل مختلفی است که برخی از آنها مربوط به موانع موجود بر سر راه شرکای ضامن است و به همان دلایلی که اشخاص را از تشکیل شرکت تضامنی منع می کند از تشکیل این شرکت نیز باز داشته است و چون در بحث شرکت تضامنی بدان اشاره از تکرار آن خودداری میشود. برخی دلایل دیگر مربوط به شرکای سهامی است که در بخش مربوط به علل مهجوریت شرکت مختلط غیر سهامی توضیح داده شد و از تکرار آن خودداری می شود. ولی در خصوص دلایل مربوط به شرکای سهامی ذکر یک نکته مهم است که بدان اشاره می شود: یکی از دلایل اهمیت شرکت مختلط سهامی در گذشته این بود که تشکیل شرکت سهامی منوط به اجازه قبلی دولت بود. در صورتی که تشکیل شرکت مختلط سهامی احتیاج به اجازه قبلی نداشت و آزاد بود. با آزاد شدن تشکیل شرکت های سهامی و هم چنین با پیش بینی شرکت های با مسئولیت محدود دیگر احتیاجی به تشکیل شرکت مختلط سهامی پیدا نمی شود. مجموعه این دلایل و عوامل سبب شده تا از تعداد این شرکت های کاسته شده و روز به روز نیز عرصه را به نفع شرکت های سهامی و با مسئولیت محدود خالی نمایند.

۲- اداره شرکت

شرکت مختلط سهامی - اداره شرکت اداره این شرکت همانگونه که ماده ۱۶۴ ق.ت. صراحت دارد با شریک یا شرکای ضامن می باشد ماده فوق می گوید: (مدیریت شرکت مختلط سهامی مخصوص به شریک یا شرکای ضامن است). این امر به خاطر مسئولیت سنگینی است که شرکای مذکور در برابر طلبکاران شرکت دارند چرا که مسئولیت شرکای شرکت سهامی فقط تا میزان آورده است در حالی که شرکای ضامن از دارایی خود باقیمانده دیون شرکت را باید پردازند. بنابراین باید به نحوی مدیریت نمایند که پاسخگوی اعمال و فعالیت های خود در شرکت باشند. با توجه به این ماده شرکای سهامی حقی در اداره امور شرکت ندارند اما این امر آنها را از وظیفه نظارتی منع نمی کند و مانع از آن نمی شود که آنها در جریان امور شرکت قرار گیرند. ماده ۱۶۵ ق.ت. بدون در نظر گرفتن محدودیت در مورد هیئت نظار اشعار داشته: ۹ در هر یک از شرکتهای مختلط سهامی هیئت نظاری لااقل مرکب از سه نفر از شرکا برقرار می شود و این هیئت را مجمع عمومی شرکا بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی در امور شرکت معین می کند انتخاب هیئت بر حسب شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تجدید می شود... بنابراین شرکای سهامی نیز می توانند عضو هیئت نظار باشند. از طرف دیگر ماده ۱۷۰ ق.ت. نیز در مورد حق اطلاع شرکا اشعار داشته است که: (تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی می تواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرکت حاضر شده از صورت بیان و

صورت دارایی و راپرت هیئت نظار اطلاع حاصل کند). با توجه به مطالب فوق باید گفت شرکای سهامی در اداره امور شرکت نقشی ندارند ولی می توانند عضو هیئت نظار شده بر امور شرکت نظارت کرده و در جریان مسائل شرکت قرار بگیرند.

۳- حدود مسئولیت شرکا

شرکت مختلط سهامی - حدود مسئولیت شرکا همانگونه که از تعریف فوق برمی آید دو نوع شریک در شرکت فوق وجود دارد و مسئولیت هر گروه نیز متفاوت می باشد که به بیان آن می پردازیم: ماده ۱۶۲ ق.ت. می گوید: (... شرکای سهامی... مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه ای است که در شرکت دارند...) بنابراین گروه اول از شرکا که سرمایه شرکت را تامین می کنند به صراحت ماده مذکور فقط تا میزان سرمایه خود که در شرکت گذاشته اند مسئولیت دارند و رد صورتی که تمام سرمایه تعهد شده خود را به شرکت نداده باشند در صورت ورشکستگی مدیر تصفیه مابقی آن را از آنان وصول خواهد کرد. در این خصوص ماده ۱۷۳ ق.ت. می گوید: (هر گاه شرکت مختلط سهامی ورشکسته شود و شرکای سهامی تمام قیمت سهام خود را نپرداخت باشند مدیر تصفیه آنچه را که برعهده آنها باقی است وصول می کند). ورد صورتی هم که شرکت به طریقی غیر از ورشکستگی منحل شود ماده ۱۷۴ ق.ت. تصریح دارد که: (... هریک از طلبکاران شرکت می توانند به هر یک از شرکای سهامی که از بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت رجوع کرده در حدود بدهی آن شری طلب خود را مطالبه نمایند. مادام که شرکت منحل نشده طلبکاران برای وصول طلب خود حق رجوع به هیچ یک از شرکای سهامی را ندارند.) در خصوص شریک ضامن ماده ۱۶۲ ق.ت. اشعار می دارد: (شریک ضامن کسی است که سرمایه او به صورت سهام در نیامده و مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود و در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود) بنابراین برخلاف شرکا دسته اول شرکا تضامنی چون اعتبار و کار و صنعت خود را به شرکت می آورند بر همین مبنا هم مسئولیت دارند در صورتی که سرمایه شرکت نتواند پاسخ بدهی های شرکت را بدهد خود آنها از دارایی خود باید آن را جبران نمایند. و در واقع همان مقررات شرکت تضامنی در اینجا حاکم می باشد.

۴- تفاوت شرکت مختلط سهامی با غیر سهامی

شرکت مختلط سهامی - تفاوت شرکت مختلط سهامی با غیر سهامی در شرکت مختلط غیر سهامی سهم شریک با مسئولیت محدود به قطعات سهام تقسیم نمی شود و آزادانه قابل معامله نسبت و شخصیت شرکای با مسئولیت محدود در شرکت مدنظر است در صورتی که در شرکت مختلط سهامی شرکای با مسئولیت محدود به صورت سهم در می آید و مانند سهام شرکت های سهامی قابل نقل و انتقال است و شخصیت شرکای صاحب سهم از اهمیت برخوردار نیست و هر صاحب سهمی شریک شرکت محسوب می شود. به همین ترتیب شرکت مختلط همه مزایای شرکت مختلط غیر سهامی را واجد است با این مزیت که معامله سهام در آن کاملاً آزاد می باشد.

۵- مشارکت اشخاص حقوقی در شرکت به عنوان شریک ضامن

شرکت مختلط سهامی - مشارکت اشخاص حقوقی در شرکت به عنوان شریک ضامن این بحث در خصوص شرکت های غیر سهامی نیز مطرح است که آیا اشخاص حقوقی می توانند به عنوان شریک ضامن عضو شرکت شوند یا نه؟ عده ای اعتقاد دارند که چون شریک ضامن در شرکت های مختلط کار و صنعت خود را در شرکت می گذارند باید حتماً شخص حقیقی باشند. بعلاوه

اینکه برخی معتقدند این اشخاص نمی توانند عضو شرکت تضامنی گردند. این نگرش به نظر نمی رسد چندان قابل دفاع باشد چرا که در شرکت های تضامنی نیز مسئولیت هر شریک تا میزان دارایی وی می باشد که در خصوص اشخاص حقوقی هم نمی تواند با مانعی مواجه شود و از طرف دیگر اشخاص حقوقی نیز می توانند تخصص خود را به شرکت آورند مضافا به اینکه ماده ۵۸۸ ق.ت. تصریح می کند که: (شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت - بنوت و امثال ذلک). بنابراین دلیلی وجود ندارد که اشخاص حقوقی نتوانند به عنوان شریک ضامن در شرکت های مذکور عضو شوند.

۲۰- شرکت مختلط غیر سهامی

۱- علل مهجوریت شرکت مختلط سهامی

شرکت مختلط غیر سهامی - علل مهجوریت شرکت مختلط سهامی همانگونه که در تعریف این شرکت گذشت این شرکت دو نوع شریک دارد. یک عده شرکای ضامن هستند و شرکای دیگر مسئولیت محدود دارند و مسئولیت آنها به اندازه سرمایه ای است که به شرکت آورده اند. نگاهی به قواعد و مقررات و مسئولیت شرکا مبین این است که این شرکت همانند شرکت های مضاربه ای قانون مدنی که عده ای که سرمایه دارند و نمی خواهند. مستقیما فعالیت تجاری کنند یا نمی توانند تجارت نمایند سرمایه خود را در اختیار افرادی قرار می دهند که فاقد سرمایه اما واجد تخصص و صنعت هستند. تا در نتیجه فعالیت شرکای ضامن در سود سرمایه خود سهیم شوند اما امروزه از این نوع شرکت ها کاسته شده و این امر به دلایل متعددی می باشد که ذیلا بدان اشاره می شود: برخی از دلایل مذکور همان دلایل کاهش رغبت افراد به این نوع شرکت می باشد. برخی دلایل دیگر مربوط به موانع و محدودیت های داخل خود شرکت و برخی دیگر تسهیلاتی است که در تشکیل شرکتهای دیگر وجود دارد می باشد که ذیلا بدان اشاره می شود: - ماده ۱۴۸ ق.ت. می گوید: (هیچ شریک با مسئولیت نمی تواند بدون رضایت سایر شرکا شخص ثالثی را با انتقال تمام یا قسمتی از سهم الشرکه خود به او داخل در شرکت کند) و این خود محدودیت بزرگی است که برای شریک شرکت مذکور قائل شده است و آنها را به سمت تشکیل شرکت های سرمایه ای می کشاند. - گر شخصی بدون رضایت سایر شرکا داخل شرکت شود این شخص نه حق دخالت در اداره شرکت و نه حق تفتیش در امور شرکت را خواهد داشت. این مطلب که در ماده ۱۴۹ ق.ت. آمده شرکای شرکت را با محدودیت بزرگی مواجه می سازد. - مطلب دیگر در ماده ۱۵۵ ق.ت. آمد است. ماده مذکور می گوید: (هرکس به عنوان شریک با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیر سهامی موجودی داخل شود تا معادل سهم الشرکه خود مسئول قروضی خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته خواه اسم شرکت عوض شده یا نشده باشد. هر شرطی که بر خلاف این ترتیب باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود). - توسعه شرکت های سهامی در قرون اخیر و امکان تشکیل شرکت با مسئولیت محدود باعث شده است تا روز به روز اهمیت این شرکت های کاسته شود. در روزگاران گذشته اگر محدود بودن مسئولیت شرکایی که سرمایه به این شرکت ها می آورند باعث میل و رغبت آنها به این شرکت ها می شد امروزه با وجود شرکت های سهامی و با مسئولیت محدود که مسئولیت همه شرکا به میزان سرمایه آنهاست و از طرف دیگر برخلاف شرکت مختلط غیر سهامی در انتخاب مدیران و اداره امور شرکت نقش مستقیم دارند دیگر شرکت مختلط آن اهمیت سابق خود را از دست داده و اشخاص سرمایه گذار را به سمت تشکیل شرکتهای سهامی یا با مسئولیت محدود سوق می دهد. و از طرف دیگر فوت یا محجوریت شرکا یا مدیر نیز تاثیری در امور شرکت نداشته و شرکا می توانند با تعیین مدیر یا مدیران دیگر موجودیت شرکت را حفظ کنند. مجموعه این عوامل و عوامل دیگری که با شرکت های دیگر یکسان است سبب شده اند که امروزه این شرکت ها مهجور بمانند به

گونه ای که از بدو تدوین قانون شاید تعداد انگشت شماری از این نوع شرکت ها تشکیل و به ثبت رسیده باشد.

۲- اداره شرکت

شرکت مختلط غیرسهامی - اداره شرکت مطابق ماده ۱۴۴ ق.ت: (اداره شرکت مختلط سهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکای شرکت تضامنی مقرر است). و در مورد شرکای با مسئولیت محدود ماده ۱۴۵ اشعار داشته: (شریک با مسئولیت محدود نه به عنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارد نه اداره امور شرکت از وظایف اوست). آنگونه که از مواد فوق برمی آید در شرکت مختلط غیرسهامی فقط شرکای ضامن هستند که حق اداره کردن شرکت را دارند و به عبارت دیگر اداره و مدیریت شرکت تنها بر عهده آنهاست و شرکای با مسئولیت محدود نمی توانند در این امر دخالت کنند. علت این امر نیز این است که شرکای ضامن در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت نامحدود دارند و طبیعی است که باید حقوق آنها در مقابل شرکای با مسئولیت محدود حفظ شود و اراده آنها می تواند در تصمیم شرکای ضامن تاثیر گذارد. حال سؤال این است که آیا شرکای با مسئولیت محدود هیچ دخالتی در شرکت نمی توانند بکنند و حدود این منع قانونی تا کجاست؟ همانگونه که قانونگذار تصریح کرده شرکای با مسئولیت محدود نمی توانند در اداره شرکت دخالت کنند. بدیهی است که منظور از اداره شرکت انجام دادن کلیه عملیات و معاملاتی است که برای شرکت ایجاد تعهد کند و هدف از آن نیز حفظ حقوق شرکای ضامن در قبال سایر شرکا و اشخاص ثالث می باشد. پس بنابراین نباید نتیجه گرفت که اعمال شریک با مسئولیت محدود در درون شرکت نیز که ارتباطی با حقوق اشخاص ثالث ندارد ممنوع است. بنابراین شریک با مسئولیت محدود می تواند در رای دادن مشورت شرکت در مجامع و سایر اموری که جنبه اداری درون شرکت دارد دخالت کند. کما اینکه خود مقنن به حق نظارت شرکای با مسئولیت محدود تصریح کرده است. ماده ۱۴۷ ق.ت در این خصوص می گوید: (هر شریک با مسئولیت محدود حق نظارت در امور شرکت را داشته و می تواند از روی دفاتر و اسناد شرکت برای اطلاع شخص خود راجع به وضعیت مالی شرکت صورت خلاصه ترتیب دهد. هر قراردادی که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شود از درجه اعتبار ساقط است). بنابراین قانون تجارت برخلاف مواد ۱۴۴ و ۱۴۵ که دخالت شرکای با مسئولیت محدود را در اداره شرکت منع کرده است در ماده ۱۴۷ به صراحت حق نظارت را به آنها اعطا نموده و این موضوع جنبه نظم عمومی داشته تا آنجا که قرارداد بر خلاف آن را از درجه اعتبار ساقط دانسته است. نکته ای که در خصوص اداره شرکت قابل توجه است انتخاب مدیران شرکت است. مسئله این است که آیا شرکا می توانند از اشخاص خارج شرکت همانند ماده ۱۲۰ ق.ت. اشخاص را به عنوان مدیر انتخاب نمایند و آیا اصولاً انتخاب شرکای با مسئولیت محدود به عنوان مدیر مجاز است؟ ظاهر ماده ۱۴۴ ق.ت. چنین امری را نمی پذیرد چرا که اداره آن را از وظایف شرکا ضامن می داند و طبیعی است که با پذیرش آن شرکای با مسئولیت محدود نیز نمی توانند به عنوان مدیر انتخاب شوند. و این سیاست قانونگذار شرکت های مختلط را در بهره بردن از متخصصین امر مدیریت محدود می کند. ولی به نظر می رسد که با استفاده از اصول کلی حاکم بر شرکتهای تضامنی می توان استنباط کرد که انتخاب مدیران از بین اشخاص خارج از شرکت و حتی شرکای با مسئولیت محدود امکانپذیر باشد. ماده ۱۲۰ ق.ت. که در خصوص اداره شرکت های تضامنی است چنین امری را تجویز می کند و از طرف دیگر لحن ماده ۱۴۴ به گونه ای است که اداره شرکت را از اختصاصات شرکای ضامن می داند کما اینکه اداره شرکت تضامنی یا هر شرکت دیگری نیز از اختیارات و وظایف شرکاست. بنابراین در صورتی که اشخاص ضامن شخص را حتی خارج از شرکت نیز به این سمت بگمارند باز هم خود آنها هستند که شرکت را اداره می کنند چرا که مدیر مذکور نماینده آنها تلقی می شود و مانند این است که خودشان شرکت را اداره نمایند. بنابراین می توان با این توضیح و به خاطر نفعی که شرکت در انتخاب مدیران متخصص می تواند داشته باشد چنین امری را برای شرکت تجویز کرد.

۲۱- بررسی اشکالات قانونی شرکت های تضامنی - نسبی - مختلط.**۱- عدم تعیین زمان برای تقسیم سود در شرکت های تضامنی**

بررسی اشکالات قانونی شرکت های تضامنی - نسبی - مختلط. - عدم تعیین زمان برای تقسیم سود در شرکت های تضامنی قانونگذار در شرکت تضامنی برخلاف شرکت سهامی زمان خاصی را برای تقسیم سود معین نکرده است که شایسته است در این مورد پیش بینی های لازم به عمل آید.

۲- عدم تعیین حدود اختیارات و وظایف مدیران در شرکت های تضامنی

بررسی اشکالات قانونی شرکت های تضامنی - نسبی - مختلط. - عدم تعیین حدود اختیارات و وظایف مدیران در شرکت های تضامنی همچنین قانونگذار در خصوص حدود اختیارات و وظایف مدیران در شرکت های تضامنی مقرراتی وضع ننموده است که باید در این مورد نیز چاره بیندیشد.

۳- لزوم تعیین مدیر در شرکت های تضامنی

بررسی اشکالات قانونی شرکت های تضامنی - نسبی - مختلط. - لزوم تعیین مدیر در شرکت های تضامنی طبق ماده ۱۲۰ ق.ت. در شرکتهای تضامنی شرکا باید لااقل یک نفر از میان خود یا از خارج به سمت میدری معین نمایند. اما قانون مذکور تعیین نمی کند که هر گاه شرکا به این تکلیف عمل نکنند چه باید کرد. بدیهی است که تشکیل شرکت تضامنی برخلاف آنچه در خصوص شرکتهای سهامی صادق است منوط به نصب مدیر نیست. بنابراین هر اقدامی که هیر یک از شرکا انجام دهند مستلزم تنفیذ آن توسط کلیه شرکا خواهد بود که چنین ترتیبی با طبیعت شرکت تضامنی مطابقت ندارد و اصولا شرکا باید حتما مدیر یا مدیران را تعیین کنند و این اشکالی است که قانونگذار باید نسبت به رفع آن اقدام نماید.

۴- اصلاح عبارتی از ماده ۱۲۵ قانون تجار در خصوص شرکت تضامنی

بررسی اشکالات قانونی شرکت های تضامنی - نسبی - مختلط. - اصلاح عبارتی از ماده ۱۲۵ قانون تجار در خصوص شرکت تضامنی در ماده ۱۲۵ ق.ت. که مقرر شده: (هر کس به عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود...) به نظر می رسد قید کلمه ضامن بی وجه است. زیرا هر شریکی وارد شرکت شود ضامن است و در واقع همه شرکا ضامن هستند نه آنکه شریکی ضامن و شریکی غیرضامن باشد. بنابراین حذف کلمه مزبور خالی از وجه نمی باشد.

۵- دلایل عدم اقبال شرکت های تضامنی و نسبی

بررسی اشکالات قانونی شرکت های تضامنی - نسبی - مختلط. - دلایل عدم اقبال شرکت های تضامنی و نسبی این نوع شرکت از نظر تاریخی سابقه طولانی دارد و از حقوق روم اقتباس شده و در قرون وسطی به شکل فعلی آن در اروپا رواج داشت. با اینکه این نوع شرکت تقریبا در اکثر کشورها وجود دارد. ولی اقبال عمومی در گرایش به این شرکت ها به خاطر مسئولیت نامحدودی که برای شرکای قائل است کم می باشد. گذری به قانون مربوط به شرکت های تضامنی مویید این ادعاست با نگاهی به قوانین بتوان

دلایل عدم اقبال به این شرکتها را دریافت: ذیل ماده ۱۱۶ ق.ت مقرر میدارد: (... اگر دارایی شرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکا مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است. هر قراری که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود). ماده ۱۲۴ ق.ت. نیز می گوید: (... پس از انحلال طلبکاران شرکت می توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکا که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند و در هر حال هیچ یک از شرکا نمی توانند به استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می نماید از تادیه قروض شرکت امتناع ورزد...). ماده ۱۲۶ ق.ت. نیز مقرر می دارد: (هر گاه شرکت تضامنی منحل شود ... اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند طالبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکا ضامن مطالبه کنند...) نگاهی به مواد فوق نشان از مسئولیت نامحدود شرکا پس از انحلال شرکت دارد و طبیعی است که این مسئولیت نامحدود از رغبت و گرایش سرمایه گذاران برای تشکیل این نوع شرکت کاسته و آنها را به سمت تشکیل شرکت های سرمایه ای سوق دهد. ماده ۱۱۸ ق.ت. مقرر می دارد: (شرکت تضامنی وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد). همانگونه که ماده فوق اشعار داشته شرکا تا تمام سرمایه شرکت را نقدا تادیه نکنند یا سهم الشرکه غیرنقدی تسلیم نمایند نمی توانند شرکت تضامنی را تشکیل دهند درحالی که در شرکت های دیگر بخصوص شرکتهای سهامی شرکا می توانند با پرداخت درصدی از سرمایه و تعهد مابقی آن شرکت را تشکیل دهند و این امر نیز می توانند یکی از موانع رغبت به این شرکت تلقی شود. - عامل دیگر می تواند مربوط به محدودیت در انتقال سهم الشرکه باشد. ماده ۱۲۳ ق.ت. می گوید: (در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکا نمی تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکا). همانگونه که مذکور است در شرکت تضامنی در صورتی که شریکی بخواهد سهم خود را انتقال دهد باید همه شرکا بدان رضایت دهند. اولاً این انتقال غیر ممکن است و این هم می تواند مانعی در رغبت افراد به تشکیل این شرکت باشد چرا که در مقام مقایسه در سایر شرکت ها به خصوص شرکت های سهامی شرکا به راحتی می توانند سهم خود را به دیگری انتقال دهند و از مزایای شرکت نیز استفاده کنند. - عامل دیگر مربوط به شرکایی است که به شرکت تضامنی موجودی داخل شوند چرا که قانون این شرکا را در مقابل قروض قبل از وصول نیز مسئول می داند. ماده ۱۲۵ ق.ت. در این خصوص اشعار می دارد: (هر کس به عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامناً با سایر شرکا مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد. هر قراری که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود). - محدودیت دیگر شرکای شرکت تضامنی در ماده ۱۳۴ ق.ت. مذکور است. با توجه به این ماده: (هیچ شریکی نمی تواند بدون رضایت سایر شرکا (به حساب شخص خود یا به حساب شخص ثالث) تجارتهای از نوع تجارت شرکت نموده و یا به عنوان شریک ضامن یا شریک با مسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود). و طبیعی است که اگر عضو شرکت بودن مانع تجارت دیگر شود و باصطلاح آزادی تجارت را از افراد بگیرد این امر خود می تواند سبب بی میلی در گرایش آن باشد. - عامل مهم دیگری که می تواند در عدم رغبت افراد در تشکیل این شرکتها موثر باشد مربوط به فوت یا محجوریت شرکای شرکت تضامنی می باشد. از آنجایی که در شرکت تضامنی شخصیت شرکا دارای اهمیت زیادی می باشد و به خاطر همین امر معمولاً این نوع شرکت بین افراد یک خانواده یا بین دوستان معتمد شکل می گیرد وجود هر شریک در شرکت برای بقیه از اهمیت بالایی برخوردار است و مقنن هم با توجه به این مسئله مواد مربوطه را انشا کرده است. در حالی که در شرکت های سرمایه ای این سرمایه است که سرمایه سهام به آسانی قابل انتقال است. با توجه به این امر فوت یا محجوریت هر یک از شرکا شرکت و بقیه شرکا را با مخاطره ای جدی روبرو می سازد و ممکن است با فوت هر شریک شرکت در معرض انحلال قرار گیرد و این موضوعی است که رغبت افراد را در تشکیل این شرکت های ممکن است کاهش دهد. در این خصوص ماده ۱۳۶ ق.ت. می گوید: (شرکت

تضامنی در موارد ذیل منحل می شود...). - در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا مواد ۱۳۹ و ۱۴۰ (... و مواد مذکور اشعار می دارند: ماده ۱۳۹ ق.ت: (در صورت فوت یکی از شرکا بقا شرکت موقوف به رضایت سایر شرکا و قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوه و نسبت به ضرر آن مدت سهم نخواهد بود. سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است.) ماده ۱۴۰ ق.ت.: (در مورد محجوریت یکی از شرکا مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد). - یکی دیگر از دلایلی را که می توان به این بحث افزود رواج شرکت های سرمایه به خصوص شرکت با مسئولیت محدود می باشد چرا که برخلاف شرکت تضامنی مسئولیت شرکا محدود است و شرکا می توانند اموال شخصی خود را از توقیف و تعرض طلبکاران شرکت مصون نگه دارند. آنچه گفته شد از موانع و محدودیت هایی است که به شرکای شرکت تضامنی تحمیل می شود و باعث ایجاد مسئولیت نامحدود گشته و همین امر رغبت اشخاص را برای تشکیل شرکت کاهش می دهد و از طرف دیگر آنها را به سمت تشکیل شرکت های سرمایه ای سوق می دهد. و رزو به روز از تعداد شرکت های مذکور می کاهد.

۶- تشکیل شرکت و مشکلات موجود

بررسی اشکالات قانونی شرکت های تضامنی - نسبی - مختلط. - تشکیل شرکت و مشکلات موجود شرکت تضامنی به موجب قراردادی بین شرکا منعقد می گردد و تشکیل می شود این قرارداد باید علاوه بر دارا بودن شرایط عمومی که برای تشکیل قرارداد ضروری است از قبیل قصد و رضای شرکا اهلیت داشتن موضوع و مشروعیت جهت تشکیل شرکت باید شرایط شکلی را نیز که از قوانین مختلفه مربوط به شرکت ها قابل استنباط است داشته باشد. در غیر اینصورت شرکت نمی تواند اعتبار حقوقی کسب کند استنباط است داشته باشد. در غیر این صورت شرکت نمی تواند اعتبار حقوقی کسب کند و فعالیت آن می تواند برای شرکا در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت به دنبال داشته باشد. بنابراین شرکت تضامین باید به موجب قرارداد کتبی که شرکت نامه نامیده می شود بوجود آید و این شرکت نامه نیز باید به شکل رسمی تنظیم شده و به ثبت برسد چراکه در غیر این صورت مطابق مواد ۴۷ و ۴۸ قانون ثبت در هیچ یک از ادارات و محاکم پذیرفته نخواهد شد. و مطابق ماده ۱۹۵ قانون تجارت ثبت کلیه شرکت های مذکور در این قانون الزامی و تابع مقررات ثبت شرکت هاست. بنابراین شرکت نامه باید به صورت رسمی تنظیم گردد. بعد از تنظیم ثبت شرکت نامه شرکت نامه باید برای آگاهی عموم منتشر گردد. گر چه انتشار شرکت نامه از شرایط شکلی تشکیل شرکت لیکن ماده ۱۹۷ قانون تجارت نشر آن را لازم دانست و ماده ۱۹۸ نیز ضمانت اجرای عدم رعایت ماده مزبور را جواز ابطال عملیات شرکت دانسته است و از طرف دیگر در عمل نیز برای به رسمیت شناختن شرکت رعایت مقررات انتشار شرکت نامه ضروری است. گذشته از آنچه در خصوص تنظیم قرارداد شرکت ثبت و انتشار آن گفته شد مطابق ماده ۱۱۸ قانون تجارت: (شرکت تضامنی وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.) بنابراین مطابق این ماده تا زمانی که تمام سرمایه شرکت (خواه نقدی و خواه غیر نقدی) تادیه و تسلیم نشده باشد شرکت تضامنی تشکیل نمی شود. سهم الشرکه غیرنقدی نیز مطابق ماده ۱۲۲ قانون تجارت باید قبل از تشکیل با رضایت همه شرکا تقویم شود. قانونگذار برای عدم رعایت مقررات پیش بینی شده در ماده ۱۱۸ ق.ت. ضمانت اجرایی پیش بینی نموده است و جا دارد در این خصوص تمهیدات لازم به عمل آید. نکته دیگر در خصوص اساسنامه شرکت است چرا که هر شخصیت حقوقی برای فعالیت و رسیدن به اهدافی که در پیش گرفته است احتیاج به برنامه و تشکیلاتی دارد که قبلا باید طرح و تصویب شده باشد. این امر نیز معمولا در سندی انجام می شود که اساسنامه نامیده می شود در واقع اساسنامه سندی است که معرف تشکیلات اهداف و شیوه ای است که شخصیت حقوقی برای

فعالیت و ادامه آن بر آن اساس عمل می کند. در مقررات مربوط به شرکت تضامنی هیچ تصریح قانونی بر لزوم وجود اساسنامه دیده نمی شود. و همه جا از عنوان شرکت نامه استفاده شده است و از طرفی شرکت نامه عقد شرکت محسوب می شود و شرایط انعقاد و تعداد شرکا و اراده آنها برای تشکیل شرکت و سایر نکات ضروری در آن درج می شود. بنابراین می توان گفت با درج این نکات در شرکت نامه ضرورت چندانی به وجود اساسنامه احساس نمی شود و به همین خاطر قانونگذار نیز آن را ضروری ندانسته است اما از نجا که ممکن است تعداد شرکای شرکت تضامنی نیز زیادتر باشند و از طرفی اهداف و گستره فعالیت شرکت گسترده باشد می توان علاوه بر شرکت نامه که عقد شرکت تلقی می شود سایر مسائل مربوط را در اساسنامه گنجانده و مبنای کار شرکت تلقی گردد. هم چنین در شرکت تضامنی لازم است که شرکا مطابق ماده ۱۲۰ قانون تجارت لاقلاً یک نفر را از میان خود یا خارج به سمت مدیریت معین نمایند و حدود مسئولیت مدیر مذکور نیز مطابق ماده ۱۲۱ قانون تجارت و ماده ۵۱ قانون تجارت در خصوص شرکت های سهامی که اعتبار آن در این مورد همچنان باقی است مسئولیت و کیل در مقابل موکل است ولی از لحاظ کیفری در این مورد قاعده خاصی وضع نشده بنابراین تاع مقررات عمومی است و مدیری که به این ترتیب انتخاب می شود مدیر اجرایی شرکت بوده و نماینده شرکت برای انجام امور مربوطه طبق اساسنامه یا شرکت نامه می باشد.

۲۲- افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی خاص و عام

۱- مقدمه

افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی خاص و عام - مقدمه افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی خاص جهت سهامداران شرکت و کسانی که مایل به سرمایه گذاری در شرکت می باشند وفق مقررات مواد ۱۵۷ الی ۱۶۹ و مواد ۱۸۳ الی ۱۸۸ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت صورت می پذیرد. افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی عام برای سهامداران تابع مواد فوق الذکر و کسانی که قصد دارند به جرگه سهامداران وارد شوند وفق مواد ۱۷۰ الی ۱۸۲ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت صورت خواهد گرفت. روش افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی خاص سرمایه شرکت را می توان از طریق صدور سهام جدید یا از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد (ماده ۱۵۷ ل.ا.ق.ت) الف: پرداخت مبلغ اسمی یا مبلغ افزایش سرمایه به نقد: در این حالت ارائه گواهی بانکی با رعایت ماده ۱۸۴ ل.ا.ق.ت بهمراه سایر مدارک به اداره ثبت شرکتهای الزامی است. ب: تبدیل مطالبات حال شده اشخاص از شرکت به سهام جدید: در تبدیل مطالبات حال شده اشخاص به سهم رعایت مواد ۱۷۵ الی ۱۸۷ ل.ا.ق.ت الزامی است سهام جدیدی که در نتیجه این گونه افزایش سرمایه صادر می گردد می بایستی ورقه خرید سهم توسط طلبکاری که مایل به پذیره نویسی می باشد امضا شود در ورقه خرید سهم رعایت بندهای ذیل ماده ۱۷۹ ل.ا.ق.ت ضروری است در مورد مواد فوق الاشاره در موقع ارائه مدارک افزایش سرمایه می بایستی لیست کاملی از بستانکاران شرکت شامل مطالبات حال شده آنان که تبدیل به سهام گردیده و رونوشت اسناد و مدارکی که حاکی است از تصفیه این مطالبات که صحت آن به تایید بازرسان شرکت رسیده باشد و تایید هیات مدیره دایر بر تبدیل مطالبات به سهام به همراه سایر مدارک به اداره ثبت شرکتهای تسلیم شود. ج: انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته شرکت یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه: سود یا اندوخته مازاد بر اندوخته قانونی و یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید براساس ماده ۱۶۰ ل.ا.ق.ت را به سرمایه شرکت اضافه نماید در این حالت کلیه عواید حاصله و سود یا اندوخته قانونی به نسبت سهام به هر یک از سهامداران تعلق می گیرد صورتجلسه هیات مدیره دایر بر رعایت موارد بهمراه سایر مدارک به اداره ثبت شرکتهای تسلیم گردد. د: تبدیل اوراق قرضه به سهام: افزایش سرمایه از طریق تبدیل اوراق قرضه به سهام فقط در شرکت های سهامی عام با رعایت مفاد مواد ۵۱ الی ۷۱ ل.ا.ق.ت امکان پذیر می باشد. ورقه قرضه

ورقه قابل معامله ای است که معرف مبلغی وام با بهره معین است که تمام یا جزئی آن در موعد یا مواعد معین باید به مالک آن مسترد گردد دارندگان اوراق قرضه جزئی سهامداران شرکت محسوب نمی شوند و در اداره شرکت حق هیچگونه دخالتی را ندارند و فقط بستانکاران شرکت محسوب می گردند. مجمع عمومی فوق العاده شرکت می تواند در صورتی که موعد پرداخت اوراق قرضه فرا رسیده باشد تعویض این اوراق با سهام شرکت را تصویب نماید این تصمیم باید مقارن و همزمان با تصمیم افزایش سرمایه حداقل تاسقف اوراق قرضه منتشره باشد این تصویب باید با رعایت ماده ۱۶۱ ل.ا.ق.ت و خصوصا تبصره ۲ آن همراه باشد. و: افزایش سرمایه از طریق تادیه غیر نقد افزایش سرمایه از محل تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقد فقط در شرکتهای سهامی خاص امکان پذیر می باشد. وفق بند ۴ ماده ۱۸۳ ل.ا.ق.ت چنانچه تمام یا قسمتی از افزایش سرمایه از طریق آورده های غیر نقدی سهامداران یا افراد دیگری که مجمع با ورود آنان به شرکت موافقت می نماید باشد بر اساس رعایت ماده ۸۲ قانون فوق الذکر این اموال می بایستی مورد تقویم و ارزیابی کارشناس رسمی دادگستری واقع گردیده و به تصویب مجمع عمومی فوق العاده با دستور جلسه افزایش سرمایه رسیده و مدارک آن بانضمام سایر مدارک مورد نیاز به اداره ثبت شرکتهای ارائه گردد. مبلغ افزایش سرمایه از آورده غیر نقدی تابع مبلغ ارزش تعیین شده آن توسط کارشناس مربوطه بوده و ذکر مبلغی بیش از آن مجاز نمی باشد چنانچه این آورده مربوط به تعدادی از سهامداران یا افراد جدیدالورود به شرکت باشد رعایت مواد ۷۷ الی ۸۱ ل.ا.ق.ت الزامی است (در زمانی که در مجمع بحث در مورد افزایش سرمایه شرکت کلا یا جزئا از محل آورده های غیر نقد و استفاده از مزایای درخواست شده مربوط به آن سهام می باشد. سهامداران آورنده آورده های غیر نقد حق رای در جلسه نداشته و آن قسمت از سرمایه غیر نقد که موضوع مذاکره و رای می باشد از حیث حد نصاب جهت اعلام رسمیت جلسه و رای گیری محسوب نمی گردد و چنانچه مجمع با این آورده ها و امتیازات درخواست شده موافقت نماید دومین جلسه مجمع بلافاصله زمانی که بیش از یک ماه نخواهد بود تشکیل و در حد فاصل دو جلسه اشخاص که آورده های غیر نقد آنان و یا مزایای درخواست شده توسط مجمع قبول نشده باشد در صورت تمایل می توانند بمیزان ارزش تعیین شده اموال غیر نقد بصورت نقد مبلغ سهام را تعهد و تادیه نمایند و همچنین از مزایا و امتیازات درخواستی نیز انصراف حاصل نمایند در صورتی که صاحبان آورده غیر نقد و درخواست کنندگان مزایا و امتیازات ذکر شده بنظر مجمع تسلیم نشوند تعهد آنها نسبت به سهام خود باطل شده محسوب و سایر پذیره نویسان می توانند بجای آنان این سهام را تعهد و مبالغ لازم را تادیه و سهام مربوطه را ابتیاع نمایند ضمنا در جلسه ثانوی که جهت رسیدگی به وضع آورده های غیر نقد و مزایای مطالبه شده جهت آن تشکیل می گردد می بایستی بیش از نصف پذیره نویسان هر مقدار از سهام شرکت که تعهد شده است حاضر باشند و در آگهی دعوت نوبت دوم باید نتیجه جلسه قبل و دستور جلسه نوبت دوم قید گردد (ماده ۸۰ ل.ا.ق.ت) همچنین در صورت انصراف سهامداران از تبدیل آورده های غیر نقد به سرمایه شرکت و عدم خریداری سهام جدید توسط سایر سهامداران در صورتی که قسمتی از افزایش سرمایه بصورت نقد بوده و مبالغ آن تادیه و گواهی از بانک ارائه گردیده شرکت می تواند در صورت انصراف از کل افزایش سرمایه به استناد ماده ۱۹ قانون تجارت از اداره ثبت شرکتهای خواستار دریافت گواهینامه استرداد سرمایه واریزی جهت قسمتی از افزایش سرمایه را نماید و اداره مذکور به استناد ماده مار الذکر ملزم به ارائه چنین گواهینامه ای می باشد. افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی عام (انحصارا جهت شخص سهامداران) و سهامی خاص (سهامداران و افراد جدیدالورود) مجامعی که جهت اتخاذ تصمیم در خصوص امر مذکور تشکیل می گردد به دو صورت ذیل امکان پذیر است: الف: تشکیل مجمع با حضور کلیه سهامداران الف - ۱: جلسه مجمع عمومی فوق العاده با حضور صددرصد سهامداران تشکیل و عملی شدن افزایش سرمایه را به یکی از طرق مذکور در ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت یا تجمعی از بندهای ماده مذکور تصویب و ماده مربوطه اساسنامه را اصلاح می نماید در این مورد مدارک ذیل طبق ماده ۱۸۳ ل.ا.ق.ت ضروری می باشد. ۱- صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده دایر بر افزایش سرمایه با رعایت کامل مفاد اساسنامه شرکت و قانون تجارت یعنی مواد ۱۰۵ و ۱۰۱ و ۱۶۱ و تبصره ۲ آن

۲- فهرست صد در صد سهامداران حاضر در جلسه با تایید هیات رئیسه جلسه در رعایت ماده ۱۰۵ (ل.ا.ق.ت) ۳- دو نسخه اظهارنامه مبنی بر افزایش سرمایه و اعلام سرمایه جدید و تعداد سهام شرکت و اسامی سهامداران و تعداد سهام هر یک از آنان و امتیازات و نوع سهام (برگهای اظهارنامه از واحد فروش اوراق بهادار مستقر در اداره ثبت شرکتها تهیه شود) ۴- مدارک لازم در مورد بندهای مربوط به افزایش سرمایه با توجه به ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت الف- ۲: جلسه مجمع عمومی فوق العاده با حضور صد در صد سهامداران تشکیل و رای بر تصویب افزایش سرمایه به یکی از طرق مذکور در ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت یا چند طریق آن تواما داده و مقرر می گردد پس از عملی شدن افزایش سرمایه ماده اساسنامه مربوطه اصلاح گردد که با توجه به اینکه هیات مدیره مجری مصوبات مجمع می باشد بایستی طبق ماده ۱۶۳ ل.ا.ق.ت و با عنایت بماده ۱۸۳ ل.ا.ق.ت عمل نماید ضمنا مدارک ذیل جهت ثبت لازم می باشد: ۱- صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده با رعایت مواد ۱۰۱ و ۱۶۱ ل.ا.ق.ت و تبصره های ۱ و ۲ آن ۲- فهرست کلیه سهامداران حاضر در جلسه با امضای آنان و تایید هیات رئیسه جلسه در رعایت ماده ۱۰۵ ۳- آگهی حق تقدم یا افزایش سرمایه در رعایت ماده ۱۶۹ و ۱۶۶ ل.ا.ق.ت ۴- صورتجلسه هیات مدیره جهت انجام مصوبات مجمع و عملی شدن افزایش سرمایه ۵- دو نسخه اظهارنامه دال بر افزایش سرمایه ۶- مدارک لازم در مورد بندهای مربوط به نحوه افزایش سرمایه در رعایت ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت ب - تشکیل مجمع با حضور اکثریت سهامداران: در این مورد می بایستی دعوت از سهامداران شرکت جهت حضور در مجمع فوق العاده با رعایت مواد ۸۴ و ۹۸ و ۱۰۰ ل.ا.ق.ت و اساسنامه شرکت بعمل آید. ماده ۸۴ ل.ا.ق.ت مقرر می دارد جلسه مجمع در نوبت اول با حضور بیش از ۵۱٪ از سهامداران و در نوبت دوم با حضور بیش از یک سوم سهامداران رسمیت می یابد به شرطی که در آگهی دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید گردد. ماده ۹۸ ل.ا.ق.ت فاصله بین نشر دعوتنامه و مجمع را حداقل ۱۰ روز و حداکثر ۴۰ روز مقرر داشته است. طبق ماده ۱۰۰ ل.ا.ق.ت در آگهی دعوت منتشره در روزنامه شرکت دستور جلسه و ساعت و نشانی کامل محل جلسه و تاریخ آن می بایستی صراحتا قید گردد. مدارک لازم در بند فوق با نظر به ماده ۱۸۳ ل.ا.ق.ت عبارتست از: ۱- آگهی دعوت مجمع مندرج در روزنامه شرکت با رعایت مفاد مواد ذکر شده ۲- صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده دایر بر افزایش سرمایه با رعایت کامل ماده ۱۰۱ و ماده ۱۶۱ ل.ا.ق.ت و تبصره های آن ۳- دو نسخه اظهارنامه دال بر اعلام سرمایه جدید و تعداد سهام و مزایا و نوع آن و اسامی سهامداران با تعداد سهام آنان ۴- مدارک لازم در مورد عملی شدن افزایش سرمایه به یکی از طرق مندرج در ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت یا تجمیعی از بندهای مزبور ۵- فهرست سهامداران حاضر در مجمع با امضای آنان و تایید هیات رئیسه جلسه مبنی بر صحت حضور آنان ۶- صورتجلسه هیات مدیره دال بر انجام افزایش سرمایه در اجرای مصوبه مجمع عمومی فوق العاده مربوطه ۷- فهرست سهامداران پس از افزایش سرمایه با تایید هیات مدیره مستندا به تبصره بند ۴ ماده ۱۸۳ ل.ا.ق.ت ۸- آگهی حق تقدم یا افزایش سرمایه در اجرای مواد ۱۶۶ و ۱۶۹ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت جهت شرکتهای سهامی خاص و آگهی مذکور در رعایت مواد فوق الذکر و رعایت مواد ۱۷۰ و ۱۷۱ ل.ا.ق.ت جهت شرکتهای سهامی عام.

۲- توضیحات

افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی خاص و عام - توضیحات در خصوص مجامع فوق الاشعار: الف- چنانچه مجمع در رعایت ماده ۱۶۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت تصویب نماید که تمام یا قسمتی از حق تقدم صاحبان سهام به نسبت تمام یا بخشی از پذیره نویسی سهام جدید مربوط به افزایش سرمایه مصوبه همان مجمع را سلب نماید می بایستی این ماده و تبصره مربوط به آن کاملا رعایت گردد هیات مدیره در گزارش خود در رعایت این ماده و تبصره آن بایستی غیر از توجیه لزوم افزایش سرمایه علل و موارد سلب حق تقدم از بعض یا کلیه سهامداران را ذکر و اسامی افراد جدید یا سهامدارانی را که اینگونه سهام بنفع آن سلب حق تقدم گردیده معرفی و تعداد و قیمت سهام و عواملی را که در تعیین قیمت مدنظر واقع گردیده اعلام نماید و ضمنا بازرس یا بازرسان

شرکت می بایستی گزارش هیات مدیره و علل ذکر شده جهت سلب حق تقدم سهامداران را کاملا تایید نمایند. چنانچه سلب حق تقدم از بعضی از سهامداران برفع تعدادی دیگر از سهامداران باشد براساس ماده ۱۶۸ ل.ا.ق.ت سهامدارانی که اینگونه سهام جهت آنان منظور شده نمی توانند در اخذ رای جهت اعلام نظریه مجمع در مورد سلب حق تقدم سایر سهامدارانی برفع آنان شرکت نمایند در احتساب حد نصاب رسمیت جلسه و دارا بودن اکثریت قانونی جهت معتبر بودن تصمیمات مجمع سهام این سهامداران ملحوظ نظر و محسوب نمی گردد. ب- بر اساس ماده ۱۶۵ ل.ا.ق.ت مادامی که سرمایه قبلی و تعهدی شرکت کلا پرداخت نشده و تادیه نشده باشد افزایش سرمایه جدید مجاز نمی باشد. ج- بر اساس تبصره ماده ۱۸۳ ل.ا.ق.ت اظهارنامه های افزایش سرمایه می باستی توسط کلیه اعضای هیات مدیره امضا شود. د- بموجب ماده ۱۸۴ ل.ا.ق.ت اساسنامه شرکت نمی تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه در شرکت برای هیات مدیره باشد و هیات مدیره راسا مجاز به افزایش سرمایه نبوده و فقط مجری مصوبات مجمع عمومی برای عملی نمودن افزایش سرمایه می باشد. ه- افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نمی باشد مگر آنکه کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند: (ماده ۱۵۹ ل.ا.ق.ت) و- طبق ماده ۹۴ هیچ مجمعی و با هیچ اکثریتی نمی تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید. ز- شرکتهای سهامی خاص نمی توانند سهام خود را برای پذیره نویسی یا فروش در سازمان بورس و اوراق بهادار یا بانکها به عموم عرضه نمایند و یا به انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی دیگر برای فروش سهام به غیر سهامداران مبادرت نمایند مگر اینکه از مقررات مربوط به شرکتهای سهامی عام که در قانون تجارت ذکر گردیده تبعیت و پیروی نمایند: (ماده ۲۱ ل.ا.ق.ت) ح- بموجب ماده ۱۶۲ ل.ا.ق.ت مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیات مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که می بایستی از ۵ سال تجاوز ننماید سرمایه شرکت را به یکی از طرق ذکر شده در قانون و تا سقف مبلغ مشخص شده افزایش دهد. ط- مستفاد از ماده ۱۸۸ ل.ا.ق.ت در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت گیرد کلیه این افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت گیرد کلیه این افزایش سرمایه باید نقدا پرداخت شود و نیز سهام جدیدی که در قبال این افزایش سرمایه صادر می شود باید هنگام پذیره نویسی بر حسب مورد کلا پرداخته یا تهاتر شود. ی- بر اساس ماده ۱۶۳ ل.ا.ق.ت هیات مدیره در هر حال مکلف و موظف است در هر نوبت پس از عملی شدن افزایش سرمایه مراتب آن را حداکثر ظرف یک ماه ضمن اصلاح ماده اساسنامه به اداره ثبت شرکتهای اعلام تا آن مرجع نسبت به ثبت و آگهی مفاد آن اقدام نماید. ک- طبق تبصره ۱ ماده ۱۶۱ ل.ا.ق.ت مجمع عمومی فوق العاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم می کند شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تادیه قیمت آن را تعیین یا اختیار تعیین آن را به هیات مدیره شرکت واگذار خواهد کرد.

۳- روش افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی عام

افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی خاص و عام - روش افزایش سرمایه در شرکتهای سهامی عام مستندا به ماده ۱۷۲ ل.ا.ق.ت و با عنایت به صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده اگر تمام مبلغ افزایش سرمایه جهت متقاضیان و افراد غیر سهامدار شرکت در نظر گرفته شود بایستی از کلیه سهامداران شرکت در همان مجمع سلب حق تقدم گردد و یا چنانچه به استناد ماده ۱۷۰ ل.ا.ق.ت و با رعایت ماده ۱۶۹ ل.ا.ق.ت بایستی آگهی افزایش سرمایه و استفاده از حق تقدم در افزایش سرمایه جهت سهامداران انتشار یافته و مفاد ماده ۱۷۰ ل.ا.ق.ت رعایت گردد لیکن اگر صاحبان سهام شرکت در مهلت و فرجه قانونی از تمام یا قسمتی از حق تقدم خود در افزایش سرمایه استفاده ننموده باشند حسب مورد تمام یا باقیمانده سهام خریداری یا پذیره نشده به متقاضیان جدید و افرادی که مایل به پذیره نویسی در شرکت مربوطه می باشند بایستی با رعایت موارد آتی الذکر سهام خریداری یا پذیره نشده فروخته یا واگذار شود. در شرکتهای سهامی عام می بایستی بر اساس ماده ۱۷۳ ل.ا.ق.ت قبل از عرضه نمودن سهام جدید برای افزایش

سرمایه مصوب مجمع یا سهام باقیمانده و خریداری و یا پذیره نشده توسط سهامداران قبلی شرکت خواهان پذیره نویسی عمومی برای آن باشد می بایستی بدو طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را که با رعایت ماده ۱۷۴ ل.ا.ق.ت تنظیم گردیده به انضمام آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع رسیده است و در صورتی که شرکت تا آن زمان ترازوی تصویب ننموده باشد با قید و ذکر این مورد در طرح اعلامیه پذیره نویسی با رعایت مواد ۱۷۵ و ۱۷۶ ل.ا.ق.ت کلیه مدارک مربوطه را به مرجع ثبت شرکتها تسلیم و رسید دریافت نمایند. اداره ثبت شرکتها موظف می باشد که طرح اعلامیه پذیره نویسی و ضمایم آن را با عنایت بمفاد مواد لایحه اصلاحی قانون تجارت و اساسنامه شرکت بررسی و در صورت صحت مدارک اجازه پذیره نویسی سهام جدید را جهت پذیره نویسان جدید و افراد مایل به سرمایه گذاری در شرکت صادر نماید مدارکی که در این مرحله باید تحویل اداره ثبت شرکتها گردد عبارتند از: ۱- صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده دال بر تصویب افزایش با رعایت کلیه مفاد اساسنامه و مواد لایحه اصلاحی قانون تجارت ۲- آگهی دعوت تشکیل مجمع عمومی فوق العاده (البته در صورت عدم تشکیل جلسه مجمع با حضور کلیه سهامداران) ۳- فهرست سهامداران حاضر در مجمع عمومی فوق العاده با رعایت ماده ۱۰۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۴- آگهی افزایش سرمایه و حق تقدم منتشره در روزنامه کثیرالانتشار شرکت در رعایت مواد ۱۶۶ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ ل.ا.ق.ت انحصاراً جهت سهامداران شرکت ۵- ارائه مدارک لازم در جهت افزایش سرمایه از طریق یکی از طرق یا تجمیعی از بندهای ذکر شده در ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت ۶- صورتجلسه هیات مدیره بعد از انقضای مهلت مقرر قانونی در رعایت ماده ۱۶۶ ل.ا.ق.ت دال بر عملی شدن قسمتی از افزایش سرمایه که مربوط به سهامداران قبلی شرکت می باشد. توجه: (در مورد بند ۴ و ۵) در صورتی مدارک ذکر شده ضمیمه می گردد که در جلسه مجمع عمومی فوق العاده مربوط به افزایش از کلیه صاحبان سهام شرکت سلب حق تقدم نگردیده باشد) ۷- فهرست سهامداران پس از افزایش سرمایه همراه با قید تعداد سهام آنان ۸- آخرین ترازنامه و حساب و سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی شرکت رسیده باشد. طرح اعلامیه پذیره نویسی طرح اعلامیه پذیره نویسی باید با استناد به ماده ۱۷۴ ل.ا.ق.ت تهیه و شامل موارد زیر به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت برسد: ۱- نام و شماره ثبت شرکت ۲- موضوع شرکت و نوع فعالیت‌های آن ۳- نشانی مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت دارای شعبی باشد نشانی شعب آن ۴- در صورتی که شرکت برای مدت محدودی تاسیس و تشکیل گردیده باشد تاریخ انقضای مدت آن ۵- آخرین مبلغ سرمایه ثبت شده شرکت قبل از این افزایش سرمایه ۶- چنانچه شرکت دارای سهام ممتاز می باشد تعداد سهام ممتاز و امتیازات مربوط به آن ۷- هویت و مشخصات کامل اعضای هیات مدیره و مدیرعامل وقت شرکت ۸- شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام طبق اساسنامه در مجامع عمومی شرکت ۹- مقررات اساسنامه در مورد نحوه تقسیم سود شرکت و تشکیل اندوخته و تقسیم داراییهای شرکت بعد از تصفیه ۱۰- چنانچه شرکت دارای اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام شرکت باشد ذکر مبلغ باز پرداخت نشده این اوراق و تضمینات مربوط به آن ۱۱- چنانچه شرکت دارای اوراق قرضه غیر قابل تبدیل به سهام شرکت باشد ذکر مبلغ بازپرداخت نشده این اوراق و تضمینات مربوط به آن ۱۲- ذکر مبلغ دیون شرکت و همچنین دیون مربوط به اشخاص ثالث که در صورت عدم پرداخت آن توسط افراد مزبور استرداد وجوه آن توسط شرکت تضمین گردیده است. ۱۳- مبلغ افزایش سرمایه مورد نظر و مصوبه مجمع فوق العاده ۱۴- تعداد و نوع سهام جدیدی که قبل از انتشار این طرح توسط صاحبان سهام شرکت با استفاده از حق تقدم منتشره با عنایت بمواد ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ ل.ا.

۲۳- سهام و اوراق قرضه

۱- تعریف سهام و انواع آن

سهام و اوراق قرضه - تعریف سهام و انواع آن اول - تعریف سهام در تعریف سهام می توان گفت: سهم قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که مشخص کننده میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می باشد. ورقه سهم سند قابل معامله ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. سهم ممکن است با نام و یا بی نام باشد. در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعیت مقررات قانون تجارت مزایایی قائل شوند این گونه سهام سهام ممتاز نامیده می شود. مجموع ارزش اسمی سهام سرمایه شرکت را تشکیل می دهد و پس از انحلال شرکت هر سهامداری حق دارد مبلغ اسمی سهام خود را دریافت نماید در صورتی که سهم انتفاعی جز سرمایه شرکت نبوده و صاحب آن حق مطالبه مبلغ اسمی آن را پس از انحلال شرکت ندارد. اصولاً همه سهامداران در شرکت سهامی از تساوی حقوق برخوردارند و این حقوق شامل میزان مشارکت تعهدات و منافع صاحب سهم در شرت سهامی می باشد و برای استفاده از این حقوق دارنده سهم باید مبلغ اسمی سهمی را که پذیره نویسی نموده در مهلت قانون پرداخت نماید. دوم - انواع سهام سهم با نام: سهمی است که بر مالکیت شخص معینی دلالت می کند و نام مشخصات صاحب سهم در ورقه سهم و در دفتر ثبت شرکت درج می گردد و در موارد زیر صدور سهام با نام الزامی است: مادامی که تمام مبلغ اسمی هر سهم بی نام پرداخت نشده باشد. سهامی که مدیران شرکت به عنوان وثیقه می سپارند و تا خاتمه مفاصا حساب دوره تصدی مدیران غیر قابل انتقال می باشد. سهام محجورین و صغار به منظور حمایت از حقوق آنها. سهام با نام و هر گونه نقل و انتقال آنها باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و الا فاقد اعتبار قانونی برای شرکت و اشخاص ثالث خواهد بود. در صورتی که قسمتی از مبلغ اسمی سهم با نام پرداخت نشود منتقل الیه قائم مقام ناقل خواهد بود. سهم بی نام: سهمی است که نام دارنده در آن درج نمیشود و به صورت سند در وجه حامل تنظیم دارنده آن مالک شناخته می شود مگر آنکه خلاف آن ثابت گردد. این سهم به راحتی قابل نقل و انتقال بوده و انتقال مالکیت با قبض و اقباض تحقق می یابد. این نوع سهام از حیث صلاحیت محاکم در حکم اموال منقول است و باید به دادگاه محلی رجوع شود. سرقت و یا مفقود شدن سهام بی نام و همچنین خیانت در امانت امین و وکیل نسبت به سهام بی نام که به آنها سپرده شده خطر بزرگی برای صاحب آن محسوب می شود. زیرا بی نام بودن سهم مانع شناسایی دارنده اصلی می شود و سارق و یا باینده به آسانی می تواند سهم مزبور را در بازار بورس و یا خارج از آن به اشخاص دیگر بفروشد و خریدار نیز حق دارد به تصرف خود به عنوان مالکیت استناد نماید. سهام ممتاز: یکی از اصول اساسی شرکتهای سهامی تساوی حقوق سهامداران است. مگر در دو مورد اول آنکه شرکت با مشکلات مالی مواجه باشد و نتواند به آسانی به منابع مالی دسترسی یابد. در این صورت ناچار خواهد بود امتیازات بیشتری به سهامداران جدید قائل شود و دوم اینکه در هنگام افزایش سرمایه شرکت از ذخایر مالی خود برای این منظور استفاده نماید که در این صورت باید حقوق بیشتری برای سهامداران سابق شرکت در نظر گرفت. در این دو مورد سهم ممتاز صادر می شود. امتیازاتی که توسط ممتاز به وجود می آید می تواند به صورت برداشت نفع ثابت از سود قابل تقسیم شرکت باشد و یا اینکه دارنده سهم ممتاز می تواند نسبت به صاحبان سهام عادی در برداشت ارزش اسمی ممتاز به هنگام انحلال و تصفیه و تقسیم دارائی شرکت اولویت داشته باشد. به هنگام انحلال و تصفیه شرکت مطالبات معوقه صاحبان سهام ممتاز از دارائی شرکت پرداخت می گردد و نیز هنگام استهلاك سهام شرکت صاحبان سهام ممتاز دارای اولویت می باشند. سهم موسس یا انتفاعی: سهم موسس یا انتفاعی سهمی است که دارنده آن بدون داشتن حقی به سرمایه شرکت از منافع شرکت به نسبت سهم خود بهره مند گردد و معمولاً این گونه سهام را موسسان بابت اطلاعات علمی و فنی و تجارتي که به شرکت می آورند به خود تخصیص می دهند. در اساسنامه شرکت می باید حقوق صاحبان سهام موسس یا انتفاعی مثل حق حضور در مجامع حق رای حق اولویت در پذیره نویسی سهام و غیره تصریح گردد. چون سهامداران مزبور مالک سرمایه نمی باشند لذا نمی توانند سهامداران شرکت محسوب شوند ولی در منافع شرکت حقوقی دارند که از آن مانند طلبکار منتفع می گردند و استفاده آنها از سود شرکت بستگی به موفقیت و سودآوری شرکت دارد. سوم - شکل سهام و مطالبه مبلغ اسمی

سهام در ورقه سهام باید نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکتها مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن تعیین نوع سهم مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و به اعداد و بالاخره تعداد سهامی که هر ورقه نماینده آن است ذکر گردد. در مورد مطالبه مبلغ اسمی سهام باید گفت که بهای تعهد شده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر که حداکثر نباید از پنج سال تجاوز نماید از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض مطالبه شود (بند ۷ ماده ۸ ل.ا.ق.ت) مطالبه تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام باید در روزنامه کثیرالانتشار درج گردد در صورتی که صاحب سهم بقیه بهای تعهد شده را در مهلت مقرر پرداخت ننماید و مبلغ پرداخت نشده خسارت دیر کرد به نرخ رسمی بهره به علاوه چهار درصد در سال تعلق خواهد گرفت. دارندگان سهام که با وجود مطالبه هیات مدیره بقیه تعهد خود را بابت سهام پرداخت ننموده اند. حق حضور و رای در جامع عمومی تعداد این گونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد و در صورت پرداخت بدهی خود مجدداً حق حضور و رای در مجامع عمومی را خواهند یافت و می توانند حقوق مالی وابسته به سهام خود را در صورتی که مشمول مرور زمان نشده باشد مطالبه کنند (مواد ۳۷ و ۳۸ ل.ا.ق.ت) چهارم - تبدیل سهام برای تبدیل سهام بینام به سهام با نام باید مراتب در سه نوبت و هر یک به فاصله ۵ روز در روزنامه کثیرالانتشار شرکت نشر گردد و در مدتی که نباید کمتر از ۶ ماهه از تاریخ اولین آگهی باشد به صاحبان سهام فرصت داده شود تا به منظور تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه نمایند. پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی نام شرکت باطل و به تعداد آنها سهام با نام صادر و از طریق بورس اوراق بهادار و یا از طریق حراج به فروش می رسد. برای تبدیل سهام با نام به سهام بی نام مراتب فقط یک مرتبه در روزنامه کثیرالانتشار شرکت آگهی می گردد و مهلت مذکور شرکت نسبت به تبدیل سهام اقدام می نماید. در کلیه موارد تبدیل سهام بی نام به سهام با نام و بالعکس مراتب باید پس از انقضای مهلت های مقرر در قانون در اداره ثبت شرکتها جهت اطلاع عمومی اعلام گردد. پنجم - وثیقه سهام چنانچه سهم بی نام به رهن گذاشته شود باید به قبض مرتهن یا به تصرف کسی که بین طرفین معین می گردد داده شود (ماده ۷۷۲ ق.م) و در مورد رهن سهم با نام مراتب در دفتر سهام شرکت ثبت می گردد و الا از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار خواهد بود.

۲- اوراق قرضه (اوراق سرمایه گذاری)

سهام و اوراق قرضه - اوراق قرضه (اوراق سرمایه گذاری) در شرکتهای سهامی فقط شرکت سهامی عام می تواند تحت شرایطی مبادرت به صدور اوراق قرضه بنماید. این اوراق مانند سهام قابل معامله بوده و نقل و انتقال آن مثل سهام بی نام (با قبض و اقباض) و سهام با نام (ثبت در دفتر نقل و انتقال سهام شرکت) صورت می گیرد. ورقه مزبور معرف مبلغی وام است. بدین معنی که دارنده ورقه قرضه بستانکار شرکت می گردد و برخلاف صاحب سهم نمی تواند از حقوق ناشی از سهم منتفع گردد. به ورقه قرضه بهره معینی تعلق می گیرد و این بهره مبلغ ثابت بوده و در هر سال مالی به دارنده ورقه توسط شرکت پرداخت می گردد. شرکت ملزم است تمامی وام دریافتی را در یک دفعه و یا به اقساط به صاحب ورقه قرضه مسترد نماید و نیز شرکت می تواند علاوه بر بهره حقوق دیگری از قبیل قابل تعویض یا قابل تبدیل بودن ورقه قرضه به سهام را به صاحب آن اعطا نماید. اول - انتشار اوراق قرضه انتشار اوراق قرضه در ایران از طرف دولت و موسسات وابسته به آن سابقه طولانی دارد ولی صدور این اوراق در بخش خصوصی به علت عدم نیاز به سرمایه های عظیم برای واحدهای تولیدی متداول نشده است با وجود آن ترتیبات قانونی آن در مواد ۵۱ الی ۷۱ (ل.ا.ق.ت) پیش بینی شده است. موارد انتشار اوراق قرضه توسط شرکتهای سهامی عبارتند از: نیاز به سرمایه بیشتر برای توسعه فعالیتهای تولیدی و اقتصادی کم هزینه بودن انتشار اوراق قرضه نسبت به انتشار سهام تمایل شرکت سهامی به عدم تغییر در ترکیب مجمع عمومی. دوم - نحوه انتشار اوراق قرضه انتشار اوراق قرضه وقتی امکان پذیر است که شرکت سهامی عام کلیه سرمایه ثبت شده خود را تادیه نمود و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته باشد. ضمناً ترازنامه های سالیانه مربوط به دو سال گذشته نیز

به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد. چنانچه در اساسنامه بنا به پیشنهاد هیات مدیره شرکت انتشار اوراق قرضه را تصویب نموده شرایط آن را نیز تعیین می کند مبلغ اسمی اوراق قرضه و همچنین قطعات اوراق قرضه در صورت تجزیه باید متساوی باشد (مواد ۵۵ و ۵۶ ل.ا.ق.ت). سوم- اطلاعیه انتشار اوراق قرضه اطلاعیه انتشار اوراق قرضه مشتمل بر نکات مندرج در ماده ۵۸ (ل.ا.ق.ت) است که پس از امضا توسط دارندگان امضای مجاز شرکت باید به انضمام تصمیم کتبی راجع به فروش اوراق قرضه و شرایط صدور و انتشار آن به مرجع ثبت شرکتها اعلام گردد. اداره ثبت شرکتها پس از ثبت مفاد تصمیم شرکت راجع به فروش اوراق قرضه خلاصه آن را همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق مزبور به هزینه شرکت در روزنامه رسمی آگهی می نماید. توضیح آنکه بدون انجام تشریفات مورد بحث هر گونه آگهی برای فروش اوراق قرضه ممنوع می باشد. پس از انتشار آگهی فوق شرکت مکلف است که تصمیم مجمع عمومی و اطلاعیه انتشار اوراق قرضه را با قید شماره و تاریخ آگهی منتشر در روزنامه رسمی و همچنین شماره و تاریخ روزنامه رسمی که آگهی در آن منتشر شده است در روزنامه کثیرالانتشار که آگهی های مربوط به شرکت در آن شرمی گردد آگهی نماید (مواد ۵۷ . ۵۸ . ۵۹ ل.ا.ق.ت). برابر ماده ۶۰ (ل.ا.ق.ت) ورقه قرضه مانند سهام شامل نکات زیر بوده و به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام مقرر شده است توسط لاقفل دو نفر که به موجب مقررات اساسنامه تعیین شده اند امضا می شود: ۱- نام شرکت ۲- شماره و تاریخ ثبت شرکت ۳- مرکز اصلی شرکت ۴- مبلغ سرمایه شرکت ۵- مدت شرکت ۶- مبلغ اسمی و شماره ترتیب و تاریخ صدور ورقه قرضه ۷- تاریخ و شرایط بازپرداخت قرضه و نیز شرایط بازخرید ورقه قرضه (اگر قابل بازخرید باشد) ۸- تضمیناتی که احتمالا برای قرضه در نظر گرفته شده است. ۹- در صورت قابلیت تعویض اوراق قرضه با سهام شرایط و ترتیباتی که باید برای تعویض رعایت شود با ذکر نام اشخاص یا موسساتی که تعهد تعویض اوراق قرضه را کرده اند. ۱۰- در صورت قابلیت تبدیل ورقه قرضه به سهام شرکت مهلت و شرایط این تبدیل. چهارم - حقوق صاحبان اوراق قرضه ۱- حق دریافت بهره نرخ بهره که ضمن تصمیم شرکت راجع به فروش و شرایط انتشار اوراق قرضه تعیین می گردد در اطلاعیه انتشار اوراق قرضه همانظوری که در بند ۹ ماده ۵۸ (ل.ا.ق.ت) پیش بینی شده برای اطلاع خریداران قید می شود تا علاوه بر مبلغ اسمی هر ورقه نرخ بهره ای که به قرضه تعلق می گیرد و همچنین ترتیب محاسبه آن مشخص گردد. ۲- حق دریافت مبلغ اسمی ورقه قرضه هر صاحب ورقه قرضه حق دارد پس از انقضای موعد یا مواعد قرضه مبلغ اسمی آن را مطالبه نماید و شرکت صادر کننده ورقه مزبور نیز مکلف است مبلغ اسمی مندرج در ورقه قرضه را در موعد یا مواعد معین به دارنده اش مسترد دارد. برای جلوگیری از تضرر صاحب ورقه ناشی از کاهش ارزش پول شرکتها معمولاً- در بازپرداخت مبلغ اسمی میزان افزایش نرخ بعضی از محصولات یا خدمات شرکت را پیش بینی می نمایند و یا اینکه جایزه ای برای دارندگان ورقه در نظر می گیرند. ۳- حقوق دیگری که ممکن است به صاحب ورقه تعلق گیرد. ماده ۵۲ (ل.ا.ق.ت) مقرر داشته که (برای ورقه قرضه ممکن است علاوه بر بهره حقوق دیگری نیز شناخته شود) این حقوق ممکن است شامل: حق تبدیل ورقه قرضه با سهم شرکت که با افزایش سرمایه شرکت تحقق می یابد حق تعویض ورقه قرضه با سهم شرکت که این امر نیز با افزایش سرمایه صورت می گیرد باشد.

۳- مسئولیت مدنی و جزائی راجع به سهام و اوراق قرضه

سهام و اوراق قرضه - مسئولیت مدنی و جزائی راجع به سهام و اوراق قرضه اول - مسئولیت مدنی هر گاه تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده در مورد انتشار سهام و اوراق قرضه و تعیین شرایط و همچنین انجام سایر تشریفات مربوط به آن برخلاف مقررات قانونی باشد به تجویز ماده ۲۷۰ (ل.ا.ق.ت) بطلان تصمیمات یا عملیات مذکور بر حسب مورد بنا به درخواست هر ذینفع و به حکم دادگاه اعلان خواهد شد و موسسین و مدیران و بازرسان و صاحبان شرکت نمی توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند. تبصره ذیل ماده ۵۷ (ل.ا.ق.ت) هر گونه آگهی برای فروش اوراق قرضه را قبل از انجام تشریفات مقرر در ماده اخیر الذکر منع

نموده است بدیهی است ضمانت اجرای تخلف از ماده مذکور بطلان عمل می باشد زیرا نهی مقنن با توجه به ماده ۳۴۸ ق.م موجب فساد معامله خواهد بود. ماده ۴۰ (ل.ا.ق.ت) انتقال سهام با نام را در صورتی که شرایط قانونی مربوط به انتقال سهام مزبور به انتقال سهام مزبور رعایت نشود از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار شناخته است. دوم - مسئولیت جزائی ۱- مقررات جزائی مربوط به ورقه سهم برابر ماده ۲۴۳ (ل.ا.ق.ت) اشخاص زیر به حبس تادیبی از ۳ ماه تا ۲ سال به جزای نقدی از ۲۰۰/۲۰۰ ریال تا ۲۰۰/۲۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: هر کس در ورقه سهم با نام یا گواهینامه موقت سهم مبلغ پرداخت شده را بیش از آنچه واقعا پرداخت شده است قید کند. هر کس سهام یا قطعات سهام را قبل از به ثبت رسیدن شرکت و یا در صورتی که ثبت شرکت مزورانه انجام پذیرفته باشد صادر نماید. هر کس سهام یا قطعات سهم را بدون پذیره نویسی کلیه سرمایه و تادیه حداقل سی و پنج درصد آن و نیز تحویل کلیه سرمایه غیرنقد صادر کند. هر کس قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهم سهام بی نام یا گواهینامه موقت بی نام صادر کند. به دستور ماده ۲۴۴ (ل.ا.ق.ت) اشخاص زیر به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از ۵۰/۵۰۰ ریال تا ۵۰۰/۵۰۰ ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: هر کس عالما سهام یا گواهینامه موقت سهام را بدون ذکر مبلغ اسمی صادر کرده یا بفروشد و یا به معرض فروش بگذارد. هر کس سهام با نام را قبل از آنکه لااقل ۳۵٪ مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد صادر کرده یا بفروشد و یا به معرض فروش بگذارد. همچنین ماده ۴۲۵ (ل.ا.ق.ت) محکومیت هر کس را که عالما در هر یک از عملیات مذکور در ماده ۳۴۴ فوق شرکت کرده یا انجام عملیات مزبور را تسهیل نماید بر حسب مورد به مجازات شریک یا معاون مرتکب اصلی محکوم می نماید. ۲- مقررات جزائی مربوط به اوراق قرضه هرگاه رئیس و اعضای هیات مدیره هر شرکت سهامی عام قبل از پرداخت کلیه سرمایه ثبت شده شرکت و قبل از انقضای دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت و تصویب دو ترازنامه آن توسط مجمع عمومی شرکت اقدام به انتشار اوراق قرضه بنماید به جزای نقدی ۲۰۰/۲۰۰ ریال تا ۲۰۰/۲۰۰ ریال محکوم خواهند شد (ماده ۲۵۰ ل.ا.ق.ت). به دستور ماده ۲۵۱ (ل.ا.ق.ت) هرگاه رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی عام بدون رعایت مقررات ماده ۵۶ مبادرت به صدور اوراق قرضه بنماید به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال و جزای نقدی از ۲۰۰/۲۰۰ ریال تا ۲۰۰/۲۰۰ ریال محکوم خواهند شد. هرگاه رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی عام نکات مندرج در ماده ۶۰ را در اوراق قرضه قید نکنند به جزای نقدی از ۲۰۰/۲۰۰ ریال تا ۲۰۰/۲۰۰ ریال محکوم خواهند شد (ماده ۲۵۲ ل.ا.ق.ت).

۲۴- شرکت مختلط سهامی

۱- تشکیل شرکت مختلط سهامی

شرکت مختلط سهامی - تشکیل شرکت مختلط سهامی شرکت مذکور با تنظیم شرکتنامه و اساسنامه و موافقت شریک یا شرکای ضامن تشکیل می گردد. برای تشکیل شرکت مختلط سهامی شرایط ذیل الزامی است: ۱- تعهد پرداخت تمام سرمایه و تادیه نقدی حداقل یک سوم آن توسط شرکا ۲- تقویم سهم الشرکه غیرنقدی بر طبق ماده ۱۴۱ قانون شرکت سهامی منسوخه و تسلیم آن. ۳- تقسیم سهم الشرکه یا سهام شرکا به یکصد ریالی چنانچه سرمایه بیشتر از دویست هزار ریال باشد و در صورتی که سرمایه کمتر از مبلغ اخیر الذکر باشد حداقل هر سهم الشرکه یا سهام نباید کمتر از ۵۰ ریال باشد. ۴- تهیه نوشته ای از طرف هیئت مدیره که به موجب آن سرمایه متعهد و تادیه ثلث آن اعلام شده و همچنین اسامی شرکا و میزان پرداخت شده در آن قید گردد.

۲- ارگان اداره کننده شرکت مختلط سهامی

شرکت مختلط سهمی - ارگان اداره کننده شرکت مختلط سهمی با وجود اینکه شرکت مختلط سهمی دارای دو نوع شریک می باشد ولی مدیریت شرکت مخصوص به شریک یا شرکای ضامن است. اگر شریک ضامن یک نفر باشد به تنهایی مدیریت شرکت را تقبل می نماید و در صورت تعدد اساسنامه پیش بینی می نماید که به طور جمعی باید مدیریت نمایند یا اینکه یک یا چند نفر از میان آنان اداره امور شرکت را به عهده می گیرند. نام مدیریت شرکت باید در اساسنامه قید گردد و چون جهت تغییر اساسنامه موافقت شریک نیز لازم است در نتیجه مدیر شرکت مختلط سهمی غیر قابل عزل می باشد. اختیارات حقوق و وظایف و میزان مسئولیت مدیران در این نوع شرکت همانند مقررات شرکتهای تضامنی است زیرا مدیران شرکت شرکای ضامن می باشند. فوت یا محجوریت مدیر شرکت امکان انحلال شرکت را فراهم ساخته و استعفای مدیر با موافقت مجمع عمومی صاحبان سهام خواهد بود.

۳- ارگان کنترل کننده شرکت

شرکت مختلط سهمی - ارگان کنترل کننده شرکت کنترل شرکتهای مختلط سهمی از طریق هیئتی مرکب از حداقل سه نفر بوده که از میان شرکا با تصویب مجمع عمومی انتخاب می گردند. شریک ضامن نیز می تواند از اعضای ارگان کنترل کننده باشد. شرکای سهمی در شرکتهای مختلط سهمی حق نظارت فردی بر امور شرکت را ندارند و این حق را توسط نمایندگان خود در هیئت نظار اعمال می نمایند. لیکن تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی می تواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرکت حاضر شده و از صورت بیلان و صورت دارایی و گزارش هیئت نظار اطلاع حاصل نماید. مدت ماموریت اولین هیئت نظار یک سال است و تجدید انتخاب آنان به موجب شرایط مقرر در اساسنامه به عمل می آید و می توان مدت ماموریت آنان را به طور نامحدود تعیین نمود. وظیفه اولین هیئت نظار این است که بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق نمایند که شرایط لازم جهت تشکیل شرکت رعایت شده یا خیر؟ وظایف دیگر این هیئت عبارت است از: - اعضای هیئت نظار دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را تحت تدفیق درآورده همه ساله گزارشی به مجمع عمومی می دهند و هرگاه در تنظیم صورت دارایی بی ترتیبی مشاهده نمایند در گزارش مذکور نموده و اگر مخالفتی یا پیشنهاد مدیر شرکت در تقسیم منافع داشته باشند دلایل خود را بیان می کنند. هیئت نظار می تواند شرکا را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نموده و با تحصیل موافقت مجمع مزبور شرکت را منحل کند.

۴- ارگان تصمیم گیرنده شرکت

شرکت مختلط سهمی - ارگان تصمیم گیرنده شرکت شرکت مختلط سهمی نخست دارای مجمع عمومی موسس می باشد که صاحبان سهام شرکت آن را تشکیل می دهند. از وظایف این مجمع تقویم سهم الشرکه غیر نقدی و تصویب اظهارنامه جهت تقدیم به اداره ثبت شرکتهای می باشد. مجمع عمومی عادی شرکت سالی یک مرتبه تشکیل می گردد و به نظر می رسد که جهت تشکیل آن از مقررات شرکتهای سهمی و یا از شرایط اساسنامه پیروی می شود. هر زمانی که تغییر در اساسنامه و یا انحلال شرکت مطرح شود مجمع عمومی فوق العاده تشکیل می گردد. هیئت نظار می تواند شرکا را برای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده جهت تصمیم گیری نسبت به انحلال شرکت در صورتی که این حق به مجمع مذکور در اساسنامه داده شده باشد دعوت نماید. در صورتی که حق انحلال و یا تغییرات اساسنامه به مجمع عمومی داده شده باشد از آنجایی که شرکت مختلط سهمی دارای شرکای ضامن نیز باشد و با توجه به مقررات شرکتهای تضامنی رعایت تمام آنها شرط است در ابتدا باید مجمع عمومی با توجه به مقررات شرکتهای سهمی نسبت به موضوع رای داده و شرکای ضامن نیز به آن رضایت بدهند.

۵- بطلان شرکت مختلط سهمی

شرکت مختلط سهمی - بطلان شرکت مختلط سهمی به موجب ماده ۱۱۷ ق.ت. هر شرکت مختلط سهمی که برخلاف مواد ۲۸ و ۲۹ و ۳۹ و ۵۰ تشکیل می شود باطل است لیکن شرکا نمی توانند در مقابل اشخاص خارج به این بطلان استناد نمایند. این مواد در مورد شرکتهای سهمی منسوخ می باشد: در صورتی که سرمایه شرکت سهمی از دویست هزار ریال تجاوز نکند سهام یا قطعات سهام نباید کمتر از پنجاه ریال باشد و هرگاه سرمایه زائد بر دویست هزار ریال باشد سهام یا قطعات سهام کمتر از یکصد ریال نخواهد بود (ماده ۲۸). مادام که شرکت سهمی تشکیل نشده سهام یا تصدیق موقتی (اعم از با اسم یا بی اسم) نمی توان صادر کرد. هر سهم یا تصدیق موقتی که قبل از تشکیل شرکت به کسی داده شده باشد. باطل و صادر کنندگان متضامنا مسئول خساراتی هستند که به دارندگان این قبیل اوراق شده است (ماده ۲۹). چیزی که در ازای سهام غیر نقدی تعهد شود تماما باید تحویل شود (ماده ۳۹). برای اینکه تعهد و تادیه وجه سرمایه از طرف شرکا ثابت شود باید مدیر شرکت وقوع آن را به موجب نوشته که به دایره ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت می سپارد و به ثبت می رسد اعلام نماید و باید اسامی شرکا را با مقداری از سرمایه که پرداخته شده با یک نسخه از اساسنامه و یکی از نسخین شرکتنامه به نوشته مزبور منضم نماید (ماده ۵۰). هر شرکت سهمی که برخلاف موارد فوق الذکر تشکیل شود باطل است لیکن شرکا نمی توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند. اگر حکم به بطلان شرکت به استناد ماده ۱۷۸ صادر شود شرکایی که بطلان مستند به عمل آنهاست و هیئت نظار و مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سرکار بوده و انجام وظیفه نکرده اند در مقابل شرکای دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشی از این بطلان متضامنا مسئول خواهند بود. مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب بطلان است.

۶- انحلال و تصفیه

شرکت مختلط سهمی - انحلال و تصفیه به موجب ماده ۱۸۱ ق.ت. مجمع عمومی به خودی خود نمی تواند تصمیم به انحلال شرکت بگیرد بلکه موقعی این حق را خواهد داشت که در اساسنامه پیش بینی شده باشد. بر طبق ماده فوق شرکت مختلط سهمی در موارد ذیل منحل می شود: - در مورد فقرات ۱ و ۲ و ۳ و ماده ۹۳. - بر حسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد. - بر حسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکای ضامن. - در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکای ضامن مشروط بر این که انحلال شرکت در این موارد در اساسنامه تصریح شده باشند. هر گاه در اساسنامه حق تصمیم به انحلال برای مجمع معین نشده و بین مجمع و شرکای ضامن توافقی حاصل نشود محکمه با موجه دیدن دلایل طرفداران انحلال حکم به انحلال خواهد داد (مستفاد از ماده ۱۸۲ ق.ت.). تا زمانی که شرکت منحل نگردیده مطالبه قروض از خود شرکت به عمل می آید ولی پس از انحلال طلبکاران می توانند به هر یک از شرکای ضامن یا به تمام آنها مراجعه نمایند به هر حال هیچ شریکی نمی تواند با استناد به اینکه میزان سهم الشرکه او از میزان قروض شرکت کمتر است از تادیه قروض خودداری نماید فقط در روابط بین شرکا مسئولیت در پرداخت به میزان سرمایه آنها خواهد بود (مستفاد از ماده ۱۷۲ ناظر بر ماده ۱۲۴ ق.ت.). شرکت در موارد ورشکستگی نیز منحل می گردد ولی ورشکستگی هیچیک از شرکا ضامن موجب انحلال شرکت نخواهد شد مگر در مورد ماده ۱۳۸. امر تصفیه شرکتهای مختلط سهمی همانند شرکتهای مختلط غیر سهمی از مقررات مواد ۲۰۲ به بعد قانون تجارت پیروی می نماید. اگر انحلال ناشی از ورشکستگی باشد تصفیه تابع مقررات مربوط به ورشکستگی خواهد بود. اگر شرکت به غیر از موارد ورشکستگی منحل شود طلبکاران حق مراجعه به شرکای سهمی را که بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت می باشند. دارند و تا میزان بدهی آن شریک طلب خود را مطالبه خواهند نمود لیکن قبل از انحلال طلبکاران حق مراجعه به شرکای سهمی را جهت وصول طلب خود ندارند.

۷- تعریف و وضعیت حقوقی شرکای شرکت

شرکت مختلط سهامی - تعریف و وضعیت حقوقی شرکای شرکت الف - تعریف شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین یک عده شرکای سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می شود (ماده ۱۶۲ ق.ت.). با توجه به ماده فوق شرکت مختلط سهامی نیز مانند شرکت مختلط غیرسهامی دارای دو نوع شریک می باشد یک یا چند نفر شریک ضامن که میزان مسئولیت آنها در قبال قروض شرکت تضامنی است و یک عده شرکای غیر ضامن که میزان مسئولیت آنها در قبال قروض شرکت تضامنی است و یک عده شرکای غیر ضامن که در حکم سهامدارا شرکتهای سهامی بوده و حدود و مسئولیت آنان تا میزان آورده شان می باشد و آنان تحت عنوان شرکای سهامی یا شرکای غیر ضامن نامیده می شوند. در شرکت مختلط سهامی وجود یک شریک ضامن برای تشکیل شرکت کافی بوده ولی شریک سهامی حتما باید بیش از یک نفر باشد. شرکت مختلط سهامی برای امور تجارتي تشکیل می گردد. در شرکت مختلط سهامی سهم الشکره شرکای غیر ضامن به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده و مانند شرکتهای سهامی قابل نقل و انتقال می باشد. مطابق ماده ۱۶۳ ق.ت. در اسم شرکت باید عبارت شرکت مختلط و لاقبل اسم یکی از شرکای ضامن قید شود. ب - وضعیت حقوقی شرکای شرکت در شرکت مختلط سهامی شرکای سهامی که سرمایه آنها به صورت سهام با ارزش مساوی درآمده و مسئولیت آنان در مقابل بدهی شرکت تا میزان همان سرمایه ای است که در شرکت سرمایه گذاری نموده اند حق دخالت در امور شرکت را ندارند و فقط حق نظارت بر آن را دارند و مکلفند آورده خود را کاملا پذیره نویسی کرده و لاقبل ثلث آن را به صورت نقد در موقع تاسیس شرکت تادیه نمایند. شرکت یا شرکای ضامن در شرکت مختلط سهامی که سرمایه آنها به صورت سهام درآمده و مسئول کلیه قروض شرکت علاوه بر دارایی موجود شرکت می باشند در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنان در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت خواهد بود. شرکای مزبور مدیریت شرکت را به عهده دارند و سرمایه را در این شرکت فقط شرکای سهامی تامین می کنند و شریک ضامن ملزم به سرمایه گذاری نبوده و فقط با انجام کار و فعالیت صنعتی خود اداره امور شرکت را عهده دار می گردد و در مقابل قسمتی از منافع شرکت را که معمولا به نسبت یک دوم یک سوم و یا یک چهارم خواهد بود. در پایان سال مالی دریافت می نمایند.

۲۵- شرکت مختلط غیر سهامی**۱- تعریف وضعیت حقوقی شرکای شرکت مختلط غیر سهامی**

شرکت مختلط غیر سهامی - تعریف وضعیت حقوقی شرکای شرکت مختلط غیر سهامی الف - تعریف شرکت مختلط غیرسهامی شرکتی است که برای امور تجارتي تحت اسم مخصوص بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می گردد در این شرکت شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت حاصل شود و مسئولیت شریک با مسئولیت محدود تا میزان سرمایه ای است که در شرکت سرمایه گذاری کرده یا خواهد کرد. به دنبال نام این شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و حداقل نام یکی از شرکا ضامن قید گردد. (ماده ۱۴۱ ق.ت.) شرکت مختلط غیر سهامی دو نوع شریک دارد: شریک ضامن که شبیه ضامن در شرکت تضامنی است و غیر ضامن که وجود شریک اخیرالذکر شریک مختلط غیر سهامی را از شرکت تضامنی متمایز می سازد. ب - وضعیت حقوقی شرکا شریک ضامن که مقداری از سرمایه شرکت را پرداخت می نماید مسئول کلیه بدهیهایی است که شرکت ممکن است علاوه بر دارایی خود پیدا نماید. یعنی اگر سرمایه شرکت تکافوی طلب طلبکاران را ننمود طلبکاران می توانند به اموال و دارایی فرد فرد شرکا ضامن و یا به

کلیه آنان به نحو تضامن مراجعه نموده و آن قسمت از طلب خود را که از دارائی شرکت دریافت ننموده اند وصول نمایند. در صورتی که شرکا با مسئولیت محدود فقط در حدود آورده خود به شرکت در مقابل طلبکاران جوابگو خواهند بود و به هیچ وجه طلبکار حق مراجعه به اموال و دارائی شخصی شرکا اخیر الذکر را ندارد. در شرکت مختلط غیر سهامی روابط بین شرکا تابع شرکتنامه خواهد بود. نام شریک غیر ضامن نباید به دنبال اسم شرکت آورده شود و اگر بر خلاف این مورد عمل شود شریک مذکور ضامن تلقی خواهد شد.

۲- تشکیل شرکت مختلط غیر سهامی

شرکت مختلط غیر سهامی - تشکیل شرکت مختلط غیر سهامی شرکت مختلط غیر سهامی که از نظر طبقه بندی جز شرکتهای شخص محسوب می شود با تنظیم شرکتنامه و اساسنامه و امضای شرکا تشکیل و به ثبت می رسد. روابط شرکا تابع شرکتنامه خواهد بود. تنظیم اساسنامه نیز در شرکت متداول و مورد استفاده قرار می گیرد. در تنظیم شرکتنامه و اساسنامه باید مفاد ماده ۱۶۱ ق.ت. ناظر به مواد ۱۳۶ تا ۱۴۰ همان قانون مورد توجه قرار گیرد. بعد از ثبت شرکت مختلط غیر سهامی خلاصه ای از شرکتنامه در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار درج می گردد.

۳- ارگان اداره کننده شرکت مختلط غیر سهامی

شرکت مختلط غیر سهامی - ارگان اداره کننده شرکت مختلط غیر سهامی اداره امور شرکت مختلط غیر سهامی به عهده شریک یا شرکا ضامن بوده و قلمرو اختیارات آنان از مقررات شرکت تضامنی تبعیت می نماید. به این ترتیب شریک ضامن مسئول تادیه قروضی است که شرکت مختلط غیر سهامی بر اثر فعالیت خود به دیگران پیدا می نماید. بدیهی است که طلبکار پس از انحلال شرکت در بدو امر به دارایی شخص حقوقی مراجعه کرده و در صورت عدم تکافوی دارایی شرکت می تواند بطور نامحدود و تضامنی به دارائی شخصی شرکای ضامن مراجعه نماید (مستفاد از مواد ۱۴۱ و ۱۶۴ و ۱۵۱ و ۱۵۷ ق.ت.). شریک با مسئولیت محدود حق اداره کردن شرکت را ندارد و در صورت انجام معاملاتی برای شرکت در مورد تعهدات ناشی از آن معاملات در مقابل طرف معامله ضامن خواهد بود مگر اینکه تصریح نماید که معامله را به وکالت از طرف شرکت انجام می دهد. در صورت زیاد بودن شرکا کلیه آنان حق مداخله در امور شرکت را خواهند داشت. به نظر می رسد که اساسنامه شرکت می تواند اداره امور شرکت را به یک یا چند مدیر منتخب واگذار نموده و نحوه مدیریت مدیر یا مدیران را تعیین کرده و قلمرو و حدود اختیارات آنان را ترسیم نماید. برابر ماده ۱۴۴ ناظر به ماده ۱۲۳ ق.ت. هیچ یک از شرکای ضامن نمی تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند. مگر به رضایت تمام شرکا. و نیز به موجب ماده ۱۴۸ ق.ت. شریک با مسئولیت محدود حق ندارد بدون رضایت سایر شرکا تمام یا قسمتی از سهم الشرکه خود را به شخص ثالث انتقال داده و او را در شرکت مختلط داخل نماید. در چنین صورتی شخص ثالث مزبور حق دخالت در اداره شرکت و حق بازرسی در امور شرکت را نخواهد داشت. ضمناً در اساسنامه شرکت مختلط غیر سهامی می توان بازرس یا بازرسان را برای کنترل و مراقبت شرکت پیش بینی نمود.

۴- ارگان تصمیم گیرنده

شرکت مختلط غیر سهامی - ارگان تصمیم گیرنده در قانون تجارت ایران تشکیل مجامع عمومی عادی یا فوق العاده برای شرکت مختلط غیر سهامی پیش بینی نشده است ولی این مانع از آن نیست که شرکای به هنگام تاسیس شرکت مجامع مزبور را در اساسنامه

پیش بینی نمایند. شریک یا شرکا با مسئولیت محدود نمی توانند از سود شرکت استفاده نمایند مگر در صورتی که تقسیم سود بین آنان موجبات تقلیل سرمایه را فراهم ننماید. از طرف دیگر چنانچه در اثر زیانهای وارده سهم الشرکه شریک با مسئولیت محدود نقصان پیدا نماید. تا جبران کسری مذکور هیچگونه سودی را نمی توان به وی تخصیص داد و در صورتی که وجهی برخلاف موارد فوق تادیه گردد شریک با مسئولیت محدود تا معادل وجه دریافتی در مقابل تعهدات شرکت جوابگو خواهد بود مگر این که ثابت نماید با حسن نیت و با استناد به ترازنامه مرتب وجه مزبور را دریافت نموده است. (مستفاد از ماده ۱۵۴ ق.ت)

۵- انحلال و تصفیه

شرکت مختلط غیر سهامی - انحلال و تصفیه شرکت مختلط غیر سهامی در موارد ذیل منحل می گردد (ماده ۱۶۱ ناظر بر ماده ۱۳۶ ق.ت) ۱- در موارد فقرات ۱ و ۲ ماده ۹۳ ق.ت. (منسوخه). ۲- در صورت تراضی تمام شرکا ۳- در صورتی که یکی از شرکا به دلایلی انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا نموده و دادگاه با احراز موجه بودن دلایل مزبور حکم به انحلال شرکت بدهد. ۴- در صورت فسخ یکی از شرکا مطابق با ماده ۱۳۷ ق.ت. ۵- در صورت ورشکستگی یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۸ ق.ت. ۶- در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰ ق.ت. مطابق قسمت دوم ماده ۱۶۱ ق.ت مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکای با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی شود. امر تصفیه به عهده مدیر یا مدیران شرکت می باشد مگر آنکه شرکای ضامن اشخاص دیگری را از خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نمایند در صورت اختلاف نظر بین شرکای ضامن دادگاه اشخاصی را برای تصفیه تعیین می نماید و شرکای غیر ضامن نیز حق دارند کهبیک یا چند نفر را جهت نظارت در امر تصفیه معین نمایند. وظیفه مدیران تصفیه خاتمه دادن به کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت است. اگر شرکت مختلط غیر سهامی منحل شده و شریک با مسئولیت محدود هنوز تمام یا قسمتی از سهم الشرکه خود را نپرداخته و یا پس از تادیه مسترد داشته باشد طلبکاران شرکت حق دارند معادل آنچه از بابت سهم الشرکه باقی مانده است مستقیماً علیه شریک با مسئولیت محدود اقامه دعوی نمایند و اگر شرکت ورشکسته شده باشد حق مزبور با مدیر تصفیه می باشد. در صورت ورشکستگی شرکت مختلط غیر سهامی دارایی شرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده و اطلبکاران شخص شرکا در آن دارایی شرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده و طلبکاران شخص شرکا در آن حقی ندارند سهم الشرکه شرکای با مسئولیت محدود نیز جز دارایی شرکت محسوب می گردد. در صورت عدم تکافوی دارایی شرکت برای تادیه قروض طلبکاران بقیه طلب خود را از دارایی شخصی تمام یا هر یک از شرکای ضامن وصول می نمایند و در این صورت بین طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکای ضامن تفاوتی نخواهد بود و در صورت ورشکستگی یکی از شرکای شرکت و یا طلبکاران شخصی شرکای ضامن تفاوتی نخواهد بود. در صورت ورشکستگی یکی از شرکای شرکت و یا طلبکاران آن با طلبکاران شخصی شریک مزبور متساوی الحقوق خواهند بود (مستفاد از مواد ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ ق.ت). دفاتر هر شرکتی که منحل شود بانظر مدیر ثبت اسناد در محل معینی از تاریخ ختم تصفیه تا دو سال محفوظ می ماند و نیز هر شرکتی مجاز است که جهت تصفیه ترتیب دیگری را در اساسنامه خود مقرر دارد (مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ ق.ت).

۲۶- شرکت تعاونی

۱- مفهوم تعاون

شرکت تعاونی - مفهوم تعاون همانگونه که ذکر گردید اهداف بخش تعاون در نظام اقتصادی ایران در اصول مذکوره قانون ذکر

شده است منتهی از آنجا که اهداف مذکور کلی بوده اند قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ با الهام از روح اصول فوق و شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه اهداف زیر را برای بخش تعاونی ها بر شمرده اند: ماده ۱ قانون فوق الاشعار می گوید: - ایجاد و تامین شرایط وامکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل. - قرار دادن وسائل کار در اختیار کسانی که قادر به کارند ولی وسائل کار ندارند. - پیشگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی. - جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت. - قرار گرفتن مدیریت و سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق بهره برداری مستقیم از حاصل کار خود. - پیشگیری از انحصار احتکار تورم و اضرار به غیر. - توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم. تبصره - اهداف مذکور این ماده باید رعایت ضرورت های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد عملی شود. نکته در خور توجه در این خصوص در مورد نقش والایی است که قانون اساسی و قانون فوق الاشعار به بخش تعاونی به عنوان یکی از بخش های اصلی اقتصاد کشور قائل شده اند. اکنون با عنایت به مقدماتی که ذکر شد و جایگاهی که تعاونی ها در اقتصاد کشور دارند و بخصوص موقعیت حقوقی و قانونی آنها به بررسی شرکت های تعاونی که از طریق آنها اهداف مذکور قابل تحقق اند می پردازیم: با توجه به مقررات شرکت های تعاونی و اهدافی که قانون برای آنها بر شمرده و موقعیت ویژه ای که در اقتصاد مملکت دارند و هم چنین با توجه به ماده ۲ قانون بخش تعاونی که مقرر می دارد: (شرکت هایی که با رعایت مقررات این قانون تشکیل و به ثبت برسند تعاونی شناخته می شوند.) می توان در تعریف شرکت تعاونی گفت: (شرکت تعاونی شرکتی است که بین اشخاص حقیقی برای فعالیت در امور مربوط به تولید و توزیع در جهت اهداف مصرح در قانون بخش تعاونی به منظور بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی و اعضا از طریق همکاری و تشریک مساعی آنها با رعایت مقررات قانون مزبور تشکیل می شود). در این تعریف چند نکته مورد توجه قرار گرفته که به اختصار به آنها اشاره می شود: - فقط اشخاص حقیقی می توانند عضو شرکت شوند. این مطلب در ماده ۸ قانون بخش تعاون بدان اشاره شده. ماده مذکور می گوید: (عضو در شرکت های شخصی است حقیقی). - شرکت تعاونی فقط در امور مربوط به تولید و توزیع می توانند فعالیت کنند که در اصل ۴۴ (ق.ا.ج.ا) مذکور افتاده است. - شرکت های تعاونی فقط به منظور رسیدن به اهداف خاصی که در ماده ۱ قانون بخش تعاون آمده می توانند تشکیل شده و فعالیت نمایند. - طرق فعالیت در شرکت های تعاونی تولید و توزیع همکاری و تشریک مساعی است و به طریق دیگر نمی توانند فعالیت نمایند. - رعایت مقررات قانونی بخش تعاون در تشکیل و فعالیت شرکت های مذکور الزامی است.

۲- جایگاه شرکت های تعاونی در قوانین موضوعه

شرکت تعاونی - جایگاه شرکت های تعاونی در قوانین موضوعه همانگونه که مذکور افتاد قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ به هنگام بحث از شرکت های تجاری مبحث هفتم از شرکت ها را به شرکت های تعاونی اختصاص داده و از ماده ۱۹۰ تا ۱۹۵ قواعد آن را بیان داشته و در ماده ۲۰ نیز به تجاری بودن این شرکت تصریح نموده است. (بند ۷ ماده ۲۰ ق.ت). اما از آنجا که مقررات مذکور پاسخگوی نقش تعاونی ها در اقتصاد و همچنین ساختار تشکیلات و سایر مسائل مربوط بدان نبود مقنن مجبور شد تا قانون دیگری رابه آن اختصاص دهد و به همین منظور در سال ۱۳۳۲ قانونی با عنوان (لایحه قانونی شرکتهای تعاونی) در چهارده ماده تصویب کرد و در ماده ۱۱ با تصریح اینکه شرکتهای تعاونی ملزم به تبعیت از مواد قانون تجارت راجع به تشکیل سازمان نیستند شرکتهای تعاونی را در امور مزبور از شمول قانون تجارت خارج نموده مستقل ساخته است. این قانون حاوی نکات جدید نو تازه ای در خصوص تعاونی ها بود ولی با این حال این شرکتهای ملزم به تبعیت از قانون مذکور نمی گردوبه آنها اجازه می داد که همچنان اگر خواستند بتوانند مطابق قانون تجارت تشکیل شوند. در سال ۱۳۳۴ قانون دیگری با عنوان ((لایحه قانونی شرکتهای تعاونی)) جایگزین قانون

قبلی گردید و حاوی جزئیات بیشتری نسبت به قانون سابق بود ولی باین حال هیچ کدام از این قوانین پاسخگوی بخش تعاونی در حال رشد نبود تا اینکه قانونگذار مجبور گردید در مورخه ۱۶/۳/۱۳۵۰ قانون مفصل و نسبتاً دقیق در خصوص شرکتهای تعاونی تصویب کند و ضمن بیان مقررات آن نهادهای جدیدی را پیش بینی کرد قانون مذکور شرکتهای تعاونی را چنین تعریف می کند شرکتهای تعاونی شرکتی است از اشخاص حقیقی و حقوقی که به منظور رفع نیازمندی های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری انان موافق اصولی که در این قانون مصرح است تشکیل می شود تعداد اعضای شرکت تعاونی نباید از ۷ نفر کمتر باشد. ماده ۱ و تبصره قانون مذکور از سال تصویب آن مبنای فعالیت و تشکیل شرکت های تعاونی گردید کلیه قوانین قبلی از جمله مقررات قانون تشکیل و ادامه فعالیت دهند. ولی با این حال قانون مذکور نیز دوام نیاورد و جای خود را به قانون مصوب ۱۳۷۰ داد. این قانون در سال مذکور تحت عنوان (قانون بخش تعاونی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران) در ۷۱ ماده به تصویب رسید و کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن را ملغی اعلام کرد و هم اکنون کلیه شرکت های تعاونی باید مطابق قانون مذکور تشکیل شوند و الا نمی توانند از امتیازات و مزایا و سایر مقررات مربوطه استفاده نمایند. از خصوصیات قانون بخش تعاونی ایجاد وزارت تعان و اتاق تعاونی است نکته ای که در خصوص این قانون قابل ذکر است این است که علیرغم اینکه کلیه قوانین و مقررات مغایر را ملغی اعلام کرده است با این حال صریحاً قانون ۱۳۵۰ را نسخ نکرده و بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که مقرراتی از قانون مزبور که با قانون بخش تعاونی مخابرات ندارد و به قوت خود باقی است و قابل استناد و لازم الرعایه است.

۳- استقلال شرکت های تعاونی

شرکت تعاونی - استقلال شرکت های تعاونی با توجه به آنچه گذشت در متن قوانین تجاری شرکت های مذکور جایگاه چندانی نداشته و علاوه بر مقررات مختصری که قانون تجارت برای شرکت های تعاونی مقرر کرده بود ماده ۲۰ ق.ت. آن را یکی از اقسام شرکت های تجاری قلمداد کرده و ماده ۱۹۳ ق.ت. با بیان اینکه شرکت تعاونی اعم از تولید یا مصرف ممکن است مطابق اصول شرکت سهامی یا بر طبق مقررات مخصوصی که با تراضی شرکا ترتیب داده شده باشد تشکیل بشود جایگاه چندانی برای شرکتهای مذکور قائل نشده بود و شاید یکی از مهمترین دلایل عدم رشد و عدم نیاز به شرکت و موسسات مذکور بود. اما همانگونه که گذشت نیاز روزافزون جامعه به بخش تعاونی و نقش بزرگی که معمولاً این نوع شرکتهای در اقتصاد مملکت ایفا می کنند مقنن را بر آن داشت تا مقررات مورد نیاز آن را تدوین کند تا جایی که قانون اساسی نیز جایگاه خاص خود را یافت و حتی برای نظارت و سازماندهی آن وزارت تعاون تشکیل شد و نقطه اوج آن نیز مقررات ۱۳۷۰ در خصوص شرکت های مذکور بود به گونه ای که شرکت ای تعاونی به صورت کاملاً مستقل در برابر سایر شرکت ها خود نمایی کردند. این استقلال نیز بیشتر در دو جنبه مشهود بود: یکی در اهدافی که این شرکت ها داشتند و دوم مقرراتی که در این خصوص تدوین شده بود. ۱- استقلال از جنبه اهداف شرکت ها در خصوص اهداف همانگونه که مقررات مذکور نیز بیان داشته اند و ماده ۱ به طور مفصل آن را بر شمرده باید گفت قرارداد و وسایل کار در اختیار کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند. پیشگیری از تمرکز ثروت و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی - قرار گرفتن مدیریت و سرمایه و منافع و اختیار نیروی کار و تشویق بهره برداری مستقیم از حاصل کار خود - پیشگیری از انحصار تورم و احتکار از جمله این اهداف اند. اهداف مذکور از مهمترین اهداف شرکت تعاونی است و اصولاً تحقق بخشیدن به آنها علت غایی تشکیل آن است و لذا اهتمام شرکت های تعاونی در نیل به آنها به سبب جهتی که برای فعالیت های آن تعیین شده یک ضرورت است اما منظور شرکت تعاونی حمایت از منافع مادی بهتر کردن وضع کار و شغل تحصیل رزق و انتظام امور معاش و معیشت اعضا و به طور کلی بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی هر دو

است. فی الواقع اهداف و منظور فوق خصوصياتی است که شرکت تعاونی را از شرکت تجاری منفک و ممتاز می سازد. زیرا در شرکت تجاری سودآوری به معنای خاص آن یعنی کسب پول مطرح و منظور است و در نتیجه فقط وضع مادی صاحبان سرمایه مطمح نظر است. در صورتی که در شرکت تعاونی وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا هر دو منظور است. بنابراین شرکت ها تعاونی در اهداف و منظور خود استقلال کامل یعنی وضع اجتماعی و اقتصادی اعضا را در نظر دارند در حالیکه در سایر شرکت ها فقط وضع مادی مدنظر است. و همین هدف این شرکت ها را فراتر از نگرش مادی در نظر گرفته است. ۲- استقلال از جنبه مقررات با تصویب قانون بخش تعاونی ۱۳۷۰ مقررات بخش تعاونی استقلال کامل یافت تا جایی که هیچ شرکت تعاونی بدون رعایت مقررات مذکور نمی تواند تشکیل شود و به ثبت برسد و فعالیت کند زیرا طبق قانون وزارت تعاون که نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات تعاونی را بر عهده دارد. (ماده ۶۶ قانون بخش تعاونی). اولاً- اقدامات مربوط به تاسیس شرکت های تعاونی را تحت نظارت و کنترل دارد و وقتی مجوز تشکیل آنها را می دهد که در انجام مقدمات مزبور مقررات مربوطه رعایت شده باشد و ثانياً موظف است که باخودداری از صدور مجوز ثبت از ثبت شرکت هایی که در مراحل تشکیل آنها مقررات مزبور مراعات نشده ممانعت به عمل آورده از فعالیت شرکت هایی که به هر نحو از عنوان تعاونی سو استفاده میکنند. جلوگیری نماید و از تعاونی هایی که برخلاف قانون و مقررات بخش تعاونی و اساسنامه خود عمل می کنند سلب مزایا کند. (بندهای ۱۸ و ۲۸ و ۲۹ ماده ۶۶ قانون بخش تعاونی) و بدین گونه شرکت های مذکور هم از لحاظ مقررات جنبه استقلال کامل یافته و با توجه به جایگاه آنها در اقتصاد مملکت در قوانین جاریه از جمله قانون اساسی و هم چنین قوانین عادی موقعیت ممتازی یافته اند.

۲۷- تعریف و تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی

۱- تعریف و تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی

تعریف و تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی - تعریف و تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی شرکتهای تعاونی شرکتهایی هستند که تمام یا حداقل ۵۱٪ سرمایه به وسیله اعضا در اختیار شرکت تعاونی قرار گیرد و وزارتخانه ها سازمان ها شرکتهای دولتی و وابسته به دولت و تحت پوشش دولت بانکها شهرداریها شوراهای اسلامی کشوری بنیاد مستضعفان مستضعفان و سایر نهادهای عمومی می توانند جهت اجرای بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی از راه ام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر از قبیل مشارکت مضاربه مزارعه مساقات اجاره اجاره به شرط تملیک بیع شرط فروش اقساطی و صلح اقدام به کمک در تامین یا افزایش سرمایه شرکتهای تعاونی نمایند بدون آنکه عضو باشند. تعاونی های تولید شامل تعاونی های مربوط به کشاورزی دامداری دامپروری و پرورش و غیره تعاونی های توزیع شامل تعاونی هایی می شوند که نیاز مشاغل تولیدی یا مصرف کنندگان عضو خود را در چهار چوب مصالح عمومی و به منظور کاهش هزینه ها و قیمت ها تامین می نمایند. تاسیس شرکتهای تعاونی بر اساس اقدام مجمع موسس که شامل عده ای افراد واجد شرایط عضویت می باشد صورت می گیرد. تعداد اعضای مجمع عمومی موسس هفت نفر است که سه نفر به عنوان هیئت موسس و یک نفر به عنوان نماینده در اداره کل تعاون می باشند. در اولین جلسه رسمی مجمع عمومی عادی که با شرکت متقاضیان همراه با رسید لازم التادیه سهام مقرر تشکیل می شود اساسنامه پیشنهادی پس از بحث و بررسی با موافقت حداقل دو سوم اعضا تصویب شده و اعضایی که با مصوبه آن مجمع در مورد اساسنامه موافقت نداشته باشند می توانند در همان جلسه تقاضای عضویت خود را پس بگیرند. (مستفاد از ماده ۳۱). حداقل و حداکثر تعداد عضو در تعاونی ها به نسبت سرمایه و فرصت اشتغال و نوع فعالیت و رعایت اصل عدم تمرکز و تداول ثروت به موجب آیین نامه مصوبه وزارت تعاون تعیین می گردد. ولی در هر حال تعداد اعضا از ۷ نفر کمتر نخواهد بود (ماده ۶). در اولین جلسه مجمع عمومی عادی اعضای هیئت مدیره انتخاب می گردند و در اولین جلسه هیئت

مدیره اسامی و مشخصات کامل اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل و بازرسان شرکت تهیه و جهت بررسی تقدیم اداره کل تعاون می گردد. اولین هیئت مدیره منتخب شرکت تعاونی مکلف است پس از اعلام قبولی با انجام تشریفات مقرر نسبت به ثبت تعاونی اقدام نماید. برای انجام ثبت شرکتها و اتحادیه های تعاونی پس از طرح و تصویب آن ارائه مدارک مندرج در ماده ۵۱ الزامی می باشد که باید در چهار نسخه به اداره ثبت شرکتها داده شود. سرمایه تامین یا تعهد شده از طرف اعضا در هر مرحله تاسیس شرکت نباید کمتر ۵۱ درصد کل سرمایه شرکت باشد و هر تعاونی وقتی ثبت و تشکیل می گردد که حداقل یک سوم سرمایه آن تادیه و در صورتی که به صورت نقدی و جنسی باشد تقویم و تسلیم شده باشد. شرایط عضویت در تعاونی ها در ماده ۹ آمده است و خروج عضو از تعاونی اختیاری بوده و نمی توان آن را منع کرد ولی در صورتی که خروج نامبرده موجب ضرری برای تعانی باشد ملزم به جبران آن خواهد بود. در صورت فوت عضو ورثه او با وجود شرایط لازم عضو تعاونی محسوب می شوند و در صورت تعدد ورثه بایستی ما به التفاوت افزایش سهم ناشی از تعدد خود را بپردازند و در غیر این صورت با اعلام عدم تمایل عضویت آنان لغو می گردد و در صورت لغو عضویت به هر علت سهم و کلیه حقوق و مطالبات عضو به قیمت روز تقویم و به دیون تعاونی تبدیل می شود که پس از کسر دیون وی به تعاونی به او یا ورثه اش پرداخت می شود.

۲- ارگان اداره کننده

تعریف و تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی - ارگان اداره کننده اداره امور تعاونی بر طبق اساسنامه به عهده هیئت مدیره منتخب مجمع عمومی می باشد. خدماتی که اعضا هیئت مدیره درازا عضویت در هیئت مدیره شرکتهای تعاونی انجام می دهند بلاعوض است ولی هزینه اجرای ماموریتهایی که از طرف تعاونی در حدود بودجه مصوب مجمع عمومی به آنان ارجاع می شود قابل پرداخت می باشد و مجمع می تواند مبلغی از سود خالص را به عنوان پاداش به آنان بپردازد (تبصره ۴ ماده ۳۶) وظایف و اختیارات هیئت مدیره در ماده ۳۷ (ق.ت.ج.ا) طی ۱۰ بند و یک تبصره احصا شده است. الف - نحوه انتخاب اعضا هیئت مدیره انتخاب اعضا اصلی و علی البدل هیئت مدیره بر عهده مجمع عمومی است که با اکثریت مطلق آرا به عمل می آید. اگر در دوره اول رای گیری تمام یا بعضی از داوطلبان حائز اکثریت مطلق نگردند بلافاصله از بین دارندگان بشتین آرا به تعداد دو برابر مورد نیاز برای تکمیل هیئت مدیره و علی البدل با اکثریت نسبی رای گیری به عمل می آید. هیئت مدیره مرکب از حداقل ۳ و حداکثر ۷ نفر عضو اصلی و تا یک سوم اعضای اصلی اعضای علی البدل می باشد. در تعاونی های بزرگ در مقابل افزایش هر چهارصد نفر یک نفر به اعضای اصلی و یک نفر به اعضای علی البدل اضافه می گردد. مشروط بر آنکه مازاد بر ۱۵ نفر نشود. اعضای هیئت مدیره برای مدت ۲ سال با رای مخفی انتخاب می شوند (مستفاد از ماده ۳۶ و تبصره آن). در صورت استعفا فوت ممنوعیت قانونی و یا غیبت غیر موجه مکرر مطابق تبصره ۳ ماده ۳۶ عمل می گردد. ب - قلمرو اختیارات هیئت مدیره در اولین جلسه هیئت مدیره از میان خود یک رئیس و یک نایب رئیس و یک یا دو نفر منشی انتخاب می نماید و نیز باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن فرد واجد شرایطی را از بین اعضا و یا از خارج تعاونی برای مدت ۲ سال به عنوان مدیر عامل انتخاب نماید تا مدیریت عملیات تعاونی و اجرای تصمیمات مجمع عمومی و هیئت مدیره را به عهده گیرد. وظایف و اختیارات هیئت مدیره وظایف خود را به صورت جمعی انجام می دهد و هیچیک از اعضای هیئت مدیره حق ندارد از اختیارات هیئت منفردا استفاده کند مگر در موارد خاص که وکالت یا نمایندگی کتبی از طرف هیئت مدیره داشته باشد. هیئت مزبور می تواند قسمتی از اختیارات خود را با اکثریت سه چهارم آرا به مدیر عامل تفویض نماید. هیئت مدیره مکلف است که از حدود اختیارات خود خارج نشده و قوانین و مقررات مربوطه را رعایت نماید در غیر این صورت طبق بند ۵ ماده ۵۴ با آنان رفتار خواهد شد.

۳- ارگان تصمیم گیرنده

تعریف و تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی - ارگان تصمیم گیرنده بالاترین مرجع تصمیم گیری و نظارت در امور شرکتهای تعاونی مجامع عمومی هستند که از اجتماع اعضای تعاونی یا نمایندگان تام الاختیار به صورت عادی و فوق العاده تشکیل شده و هر عضو بدون در نظر گرفتن میزان سهم تنها دارای یک رای می باشد. الف - مجمع عمومی عادی مجمع عمومی عادی حداقل سالی یک بار پس از پایان سال مالی جهت انجام وظایف قانونی خود با دعوت هیئت مدیره تشکیل گردیده و وظایفش به شرح زیر می باشد: انتخاب هیئت مدیره و بازرس یا بازرسان برای مدت ۲ سال رسیدگی و اتخاذ تصمیم درباره ترازنامه و حساب سود زیان سایر گزارشهای مالی هیئت مدیره تعیین خط مشی و برنامه تعاونی و تصویب بودجه جاری و سرمایه گذاری و اعتبارات وامهای درخواستی و سایر عملیات مالی به پیشنهاد هیئت مدیره و (مواد ۳۳ و ۳۴ و ۳۷). ب - مجمع عمومی فوق العاده مجمع عمومی فوق العاده بنا به تقاضای کتبی حداقل یک سوم اعضای تعاونی و یا اکثریت مطلق اعضا هیئت مدیره و یا بازرس و یا بازرسان با حضور حداقل دو سوم اعضا کل مجمع تشکیل می شود. در تعاونی های دارای بیش از پانصد نفر عضو در صورتی که بار اول مجمع با دو سوم اعضا تشکیل نشود بار دوم با نصف به علاوه یک رسمیت خواهد داشت. در صورت عدم تشکیل مجمع عمومی فوق العاده توسط هیئت مدیره ظرف مدت حداکثر یک ماه وزارت تعاون اقدام به این کار می نماید. وظایف مجمع عمومی فوق العاده تغییر در مواد اساسنامه (در حدود قانون) تصمیم گیری نسبت به عزل یا قبول استعفای هیئت مدیره و انحلال یا ادغام تعاونی خواهد بود (ماده ۳۵).

۴- ارگان کنترل کننده

تعریف و تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی - ارگان کنترل کننده مجمع عمومی عادی برای مدت ۲ سال بازرس یا بازرسانی را جهت اداره امور شرکت انتخاب می نماید که انتخاب مجدد آنان بلامانع می باشد. بازرسان مزبور علاوه بر داشتن شرایط عضویت باید دارای شرایط مندرج در ماده ۳۸ نیز باشند. حق الزحمه و پاداش آنان نیز با تصویب مجمع عمومی تعیین می گردد (ماده ۴۰) وظایف بازرس یا بازرسان تعاونی در ماده ۴۱ (ق.ت.ج.ا) احصا گردیده است. مطابق تبصره ماده فوق بازرس حق دخالت مستقیم در اداره امور تعاونی را نداشته ولی می توانند بدون حق رای در جلسات هیئت مدیره شرکت کنند و نظرات خود را نسبت به مسایل جاری تعاونی اظهار دارند.

۵- ادغام انحلال و تصفیه

تعریف و تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی - ادغام انحلال و تصفیه الف - ادغام مجامع عمومی فوق العاده می توانند ادغام شرکتهای تعاونی را با یکدیگر تصویب نمایند. صورتجلسات مجامع عمومی فوق العاده تعاونی هایی که با هم ادغام شده اسناد به همراه مدارک مربوطه حداکثر ظرف مدت دو هفته جهت ثبت به اداره ثبت شرکتهای تسلیم شده و خلاصه تصمیمات نیز به اطلاع کلیه اعضا و بستانکاران می رسد (مستفاد از ماده ۵۳). ب - انحلال و تصفیه شرکتهای تعاونی با رای مجمع عمومی فوق العاده یا وزارت تعاون در موارد زیر منحل می گردند: در صورت تصمیم مجمع عمومی فوق العاده کاهش تعداد اعضا از حد نصاب مقرر در صورتی که حداکثر ظرف مدت ۳ ماه تعدا اعضا به نصاب مقرر نرسیده باشد. انقضای مدت تعیین شده در اساسنامه مربوط در صورتی که در اساسنامه مدت تعیین شده باشد و مجمع عمومی مدت را تمدید نکرده باشد توقف بیش از یک سال بدون عذر موجه عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط پس از ۳ بار اخطار کتبی در سال به وسیله وزارت تعاون بر طبق آیین نامه مربوط و

بالاخره در صورت ورشکستگی طبق قوانین مربوط. بعد از انحلال سه نفر جهت امر تصفیه ظرف مدت یک ماه انتخاب و به اداره ثبت محل معرفی می گردند.

۲۸- شرکت نسبی

شرکت نسبی - تعریف و خصوصیات شرکت نسبی شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری تحت اسم مخصوص بین دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیت هر یک از شرکا به نسبت سرمایه ای است که در شرکت گذاشته است. (ماده ۱۸۳ ق.ت) قانونگذار برای آگاهی اشخاص ثالث از نسبی بودن مسئولیت شرکا قید عبارت مزبور را لازم دانسته است. منظور از مسئولیت شرکا به نسبت سرمایه این است که هر شریک در صورتی که دارائی شرکت پس از انحلال و تصفیه برای ادای دیون و قروض شرکت کافی نباشد به نسبت سهم الشرکه خود از کل قروض در مقابل طلبکاران مسئولیت مدنی دارد. نحوه تاسیس و طرز کار و انحلال شرکت نسبی همانند شرکت تضامنی است و تنها وجه افتراق این دو شرکت در میزان مسئولیت مدنی شرکا بعد از انحلال شرکت در مقابل طلبکاران می باشد.

۲۹- شرکت تضامنی

۱- کلیات

شرکت تضامنی - کلیات یکی دیگر از شرکتهایی که بعد از شرکت سهامی خاص و شرکت با مسئولیت محدود در امور تجاری مورد استقبال واقع می شود شرکت تضامنی است شرکت تضامنی از جمله شرکتهای شخصی محسوب گردیده و شخصیت شرکا نقش بسیار مهمی در این نوع شرکت ایفا می نماید مواد ۱۱۶ و ۱۱۷ ق ت شرکت تضامنی را شرکتی می داند که در تحت اسم مخصوص برای امور تجاری بین حداقل دو نفر شریک با مسئولیت تضامنی تشکیل می شود و اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض شرکت کافی نباشد هر یک از شرکا به تنهایی مسئول پرداخت تمام قروض شرکت می باشند و اگر شرکا قراری بر خلاف مورد فوق بین خود مقرر نموده باشند این قرار در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود. بلافاصله بعد از نام شرکت باید نام یک نفر از شرکا در صورتی که نام شرکت مشتمل بر نام کلیه شرکا نباشد و عباراتی از قبیل و شرکا یا برادران قید شود مانند شرکت ضامنی حسن زاده و برادران شرکت تضامنی وقتی تشکیل شده محسوب می شود که تمام سرمایه نقدی پرداخت و سهم الشرکه غیر نقدی نیز با توافق کلیه شرکا ارزیابی و تسلیم شده باشد (ماده ۱۱۸ ق ت) در شرکت تضامنی تقسیم منفعت به نسبت سهم الشرکه شرکا است ولی شرکا می توانند ترتیب دیگری برای تقسیم منفعت بین خود مقرر نمایند اداره شرکت تضامنی با مدیری است که از بین شرکا یا خارج از شرکا انتخاب می شود مسئولیت مدیر در اداره شرکت در قبال شرکا مسئولیت و کیل است در مقابل موکل (ماده ۱۲۰ و ۱۲۱ ق ت) نقل و انتقال سهم الشرکه در شرکت تضامنی با رضایت کلیه شرکا بعمل می آید و فلسفه این امر به دلیل وجود شخصیت شرکا می باشد. (ماده ۱۲۳ ق.ت) مطالبه پرداخت دیون شرکت از شرکا به انتخاب طلبکار می باشد طلبکار می تواند از یک یا چند نفر از شرکا درخواست پرداخت دیون شرکت را بنماید و شریکی که از او درخواست پرداخت دیون شده نمی تواند به استناد اینکه میزان قروض شرکت بیش از سهم وی در شرکت می باشد از پرداخت خودداری نماید و در صورت پرداخت دیون شرکت توسط احدی از شرکا این شخص حق دارد به نسبت سهم الشرکه به سایر شرکا مراجعه نماید و اگر در اساسنامه ترتیب دیگری برای پرداخت دیون مقرر شده باشد در روابط فیما بین شرکا آن امر مجری خواهد بود. (ماده ۱۲۴ ق ت) هیچکدام از شرکای تضامنی نمی تواند بدون اجازه سایر شرکا به حساب خود به تجاری از نوع تجارت شرکت

تضامنی که وی در آن شریک است اقدام ورزد. (ماده ۱۳۴ ق ت) تازمانی که شرکت تضامنی منحل نشده باشد باید درخواست پرداخت قروض از خود شرکت بعمل آید و در صورت انحلال طلبکاران شرکت می توانند به شرکا برای وصول مطالبات خود اقدام نمایند. (ماده ۱۲۴ ق ت)

۲- موارد انحلال شرکت تضامنی

شرکت تضامنی - موارد انحلال شرکت تضامنی ۱- شرکت برای انجام هدفی تاسیس شده و آن امر انجام گردد و یا انجام آن غیر مقدور باشد . ۲- شرکت برای مدتی معین تشکیل و آن مدت منقضی شده و قبل از انقضای آخرین روز صورتجلسه تمدید مدت تحویل اداره ثبت شرکتها نشده باشد. ۳- در صورتی که ورشکست شده باشد (ورشکستگی توقف از پرداخت دیون می باشد) ۴- در صورت تصمیم مجمع عمومی فوق العاده شرکت تضامنی ۵- در صورت تراضی تمام شرکا ۶- در صورتی که احدی از شرکا بنا به دلایلی از محکمه درخواست انحلال کرده و محکمه آن دلایل را موجه دانسته و حکم به انحلال شرکت بدهد. ۷- در صورتی که احدی از شرکا ورشکست شود و سهم ورشکسته در شرکت از منافع کافی برای پرداخت دیون وی نباشد می توانند تقاضای انحلال شرکت را نمایند مشروط بر اینکه شش ماه قبل قصد خود را بوسیله اظهارنامه به اطلاع شرکت رسانده باشند در این صورت سایر شرکا می توانند قبل از صدور رای قطعی دایر بر انحلال شرکت با پرداخت طلب طلبکاران (تاحد دارایی مدیون) یا با جلب رضایت آنان بطرق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری بعمل آورند. ۸- در صورتی که احدی از شرکا شرکت را فسخ نماید و وفق اساسنامه اجازه این کار را داشته باشند. ۹- در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا و قید این امر در اساسنامه ۱۰- در صورت انحلال شرکت احدی از شرکا یا خارج از شرکا به عنوان مدیر تصفیه انتخاب خواهد شد. ۱۱- هر گاه شرکت تضامنی منحل شود تازمانی که دیون شرکت از دارایی آن پرداخت نشده باشد هیچکدام از طلبکاران شخصی شرکا حقی در آن دارایی نخواهند داشت اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض کافی نباشد طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکای ضامن مطالبه نمایند ولی طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شرکا حق تقدمی ندارند (ماده ۱۲۶ ق ت) و در صورتی می توان شرکا را برای وصول طلب تحت تعقیب قرارداد که شرکت منحل شده باشد. ۱۲- هر کس که به عنوان شریک ضامن وارد شرکت تضامنی شود متضامنا با سایر شرکا مسئول پرداخت قروضی خواهد بود که قبل از ورود وی حاصل شده و اعم از اینکه تغییری در اسم شرکت داده یا نداده شده باشد چنانچه شرکا قراری فیما بین برخلاف فوق نموده باشند این قرار در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود (ماده ۱۲۵ ق ت) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا بقای شرکت منوط به رضایت سایر شرکا و قائم مقام متوفی خواهد بود . (مواد ۱۳۹ و ۱۴۰ ق ت) مدارک مورد نیاز برای تقاضای ثبت شرکت تضامنی: ۱- تقاضانامه ۲ برگ ۲- شرکت نامه ۲ برگ ۳- اساسنامه ۲ جلد ۴- فتوکی شناسنامه شرکا روش و مراحل ثبت همانند شرکت با مسئولیت محدود خواهد بود خواهشمند است به مبحث مربوطه مراجعه شود.

۳- اساسنامه شرکت تضامنی

شرکت تضامنی - اساسنامه شرکت تضامنی ماده ۱- نام شرکت: شرکت تضامنی ماده ۲- نوع شرکت: ماده ۳- موضوع شرکت: ماده ۴- مرکز اصلی شرکت : هیات مدیره می تواند مرکز شرکت را به هر کجا که صلاح و مصلحت بداند منتقل و یا شعبی تاسیس نماید. ماده ۵- مدت شرکت : ماده ۶- سرمایه شرکت : سرمایه شرکت مبلغ

..... که تماما بصورت نقدی پرداخت شده و سرمایه غیر نقدی که معادل مبلغ ریال است تقدیم و تسلیم شده است . (طبق ماده ۱۱۸) ماده ۷- تابعیت شرکت ماده ۸- سهم الشرکه شرکا: ماده ۹- مدیران شرکت : اداره امور شرکت بعهد نفر خواهد بود و مدت مدیریت آنان سال است اولین مدیران شرکت عبارتند از : کلیه قراردادها و اوراق تعهد آور و اوراق بهادار اعم از چک سفته و اعتبارات بانکی و اسناد مالی و غیره با امضای مدیرعامل و یک نفر دیگر از مدیران متفقا با مهر شرکت معتبر خواهد بود. ماده ۱۰- مسئولیت مدیران : حدود مسئولیت مدیر یا مدیران بتصریح ماده ۱۲۱ قانون تجارت همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده است . ماده ۱۱- اختیارات مدیران: مدیران شرکت متفقا نماینده قانونی و تام الاختیار شرکت بوده و بدون اجازه نامه مخصوص می توانند در تمام امور شرکت از هر قبیل اعم از انجام تشریفات قانونی حفظ اموال و تنظیم فهرست دارایی رسیدگی به حسابها و پیشنهاد سود قابل تقسیم سالانه قبول و واگذاری نمایندگی امضای دفاتر اسناد رسمی تعیین وکیل با حق توکیل ولو کرارا استخدام کارمند و اخراج آن مشارکت با شخصیتهای حقیقی و حقوقی و بانکها استقراض با رهن وبدون رهن تعیین اعتبار وام دادن وام گرفتن از بانکها اشخاص و شرکتها و ادارات و افتتاح حسابهای جاری و سپرده در کلیه بانکها وموسسات واردات وصادرات و خرید و فروش و توزیع کلیه کالاهای مجاز ماده ۱۲- انتقال سهم الشرکه: هیچ یک از شرکا نمی تواند سهم الشرکه خود را به دیگری منتقل کند مگر با رضایتی تمام شرکا ماده ۱۳- تغییر اساسنامه: هر نوع تغییری در مورد این اساسنامه از قبیل ازدیاد یا کسر کردن سرمایه تغییر نام شرکت قبول شریک یا شرکای جدید برای شرکت وبطور کلی هر گونه اصلاحات و الحاقات مورد لزوم در مفاد اساسنامه با موافقت کلیه شرکا امکان پذیر است. ماده ۱۴- سال مالی : سال مالی شرکت از اول فروردین هر سال شروع و در پایان اسفند همان سال پایان می یابد و اولین سال مالی شرکت از روز شروع بکار آن (تاریخ ثبت شرکت) آغاز و با پایان اسفند همان سال پایان می یابد. ماده ۱۵- ترتیب تقسیم سود شرکت: از کلیه درآمد شرکت بدوا تمام هزینه های اداری و انتفاعی و مصارف ضروری و حقوق کارکنان و استهلاک اثاثیه و مالیات کسر و بقیه آن که سود ویژه است پس از وضع ۵٪ ذخیره احتیاطی که برای جبران زیانهای احتمالی در نظر گرفته می شود بقیه بین شرکا به نسبت سهم الشرکه با توجه به ماده ۱۳۲ تقسیم خواهد شد. ماده ۱۶- حق الزحمه مدیران: مدیران شرکت می توانند با موافقت شرکا همه ماهه حقوق خود را از صندوق شرکت دریافت وبه هزینه قطعی شرکت منظور نمایند. ماده ۱۷- مجامع عمومی شرکا: مجامع عمومی شرکا اعم از عادی یا فوق العاده به وسیله دعوتنامه کتبی از طرف هر یک از مدیران شرکت و ارسال آن از طریق پست سفارشی به نشانی شرکا و یا به وسیله درج آگهی در یکی از جراید کثیرالانتشار بعمل خواهد آمد فاصله دعوت از روزانتشار تا تشکیل جلسه ده روز خواهد بود. ماده ۱۸- وظایف مجمع عمومی عادی: وظایف مجمع عمومی عادی به شرح زیر می باشد: الف - استماع گزارش هیات مدیره در امور مالی و ترازنامه سالیانه شرکت و تصویب آن ب - تصویب پیشنهاد سود قابل تقسیم از طرف هیات مدیره ج - تعیین خط مشی آینده شرکت و تصویب آن د - انتخاب هیات مدیره و در صورت لزوم بازرس ماده ۱۹- وظایف مجمع عمومی فوق العاده : وظایف مجمع عمومی فوق العاده به قرار زیر است: الف - تغییر اساسنامه یا الحاق و یا حذف یا چند ماده اساسنامه ب - تنظیم اساسنامه جدید یا تبدیل نوع شرکت ج - افزایش یا تقلیل سرمایه شرکت با عنایت به ماده ۱۳۳ قانون تجارت د - ورود شریک یا شرکای جدید به شرکت ماده ۲۰- تصمیمات مجمع عمومی طبق دستور ماده ۱۰۶ قانون تجارت معتبر و لازم الاجرا خواهد بود. ماده ۲۱- در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا بقای شرکت موقوف به رضایت سایر شرکا و قائم مقام متوفی ویا قیم محجور و طبق دستور ماده ۱۳۹ و ۱۴۰ قانون تجارت خواهد بود. ماده ۲۲- انحلال شرکت : شرکت مطابق ماده ۱۳۶ قانون تجارت منحل خواهد شد در صورتی که مجمع شرکا رای به انحلال شرکت دهد یک نفر از بین شرکا و یا از خارج از شرکت به سمت مدیر تصفیه تعیین خواهد شد

وظایف مدیرتصفیه طبق قانون تجارت می باشد. ماده ۲۳- اختلافات بین شرکا در رابطه با امور شرکت از طریق حکمیت و داوری حل و فصل خواهد شد. ماده ۲۴- موارد سکوت: درباره سایر موارد و موضوعاتی که در این اساسنامه قید و پیش بینی نشده طبق مقررات قانون تجارت رفتار خواهد شد. ماده ۲۵- تصویب اساسنامه: این اساسنامه در ۲۵ ماده تنظیم و با امضای شرکا در ذیل آن مورد تصویب و قبول شرکا واقع گردیده است.

۴- مسئولیت شرکای تضامنی در مقابل طلبکاران شرکت

شرکت تضامنی - مسئولیت شرکای تضامنی در مقابل طلبکاران شرکت شرکای شرکت تضامنی مسئولیت تضامنی دارند و کلیه بستانکاران مطالبات خود را از شرکت مطالبه می نمایند. حال اگر دارائی شرکت تکافوی ادای دیون بستانکاران را نکند اشخاص اخیر حق دارند به شرکای شرکت تضامنی جهت وصول مابقی مطالبات خود منفردا و یا مجتمعا مراجعه نمایند. هیچیک از شرکا نمی توانند با استناد به اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می نماید از تادیه قروض شرکت امتناع ورزد فقط در روابط بین شرکا مسئولیت هر یک از آنها در تادیه قروض شرکت به نسبت سرمایه ای خواهد بود که در شرکت گذاشته اند. آن هم در صورتی که در شرکت نامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد (مستفاد از ماده ۱۱۶ ق.ت). در تائید مطالب بالا ماده ۴۰۳ ق.ت. می گوید: (در کلیه مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی باشد طلبکار می تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعا رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید

۵- مسئولیت شرکا در مقابل طلبکار شخصی خود

شرکت تضامنی - مسئولیت شرکا در مقابل طلبکار شخصی خود طلبکاران شخصی شرکا حق ندارند که طلب خود را از دارائی شرکت تامین و یا وصول نمایند. اما می توانند نسبت به سهمیه مدیون خود (شریک تضامنی شرکت) از منافع شرکت یا سهامی که ممکن از در صورت انحلال شرکت عاید مدیون مزبور گردد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد به عمل آورند. طلبکاران شخصی شرکا در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارائی شخصی مدیون وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت برای تادیه طلب آنها کافی نباشد می توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند. (مستفاد از ماده ۱۲۹ ق.ت) در موردتهاتر دیون مطالبی در ماده ۱۳۰ ذکر گردیده که خلاصه آنها عبارتند از: ۱- مدیون شرکت حق ندارد در مقابل طلبی که از یکی از شرکا شرکت مزبور دارد استناد به تهاتر کند. ۲- شریک شرکت نیز نمی تواند در مقابل کسی که به شرکت مدیون بوده ولی از شریک مزبور طلب شخصی دارد استناد به تهاتر کند. ۳- تهاتر دیون طلبکار شخصی یکی از شرکا پس از انحلال شرکت به دلیل از بین رفتن شخصیت حقوقی شرکت و تعلق دارائی آن به شرکا تجویز شده است (در اینجا اصل تفکیک شخصیت حقوقی شرکت با شرکا مورد توجه قرار گرفته است).

۶- تعریف شرکت و وضعیت حقوقی شرکا

شرکت تضامنی - تعریف شرکت و وضعیت حقوقی شرکا شرکت تضامنی شرکتی است که تحت اسم مخصوص برای امور تجارتنی بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می شود. اگر دارائی شرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکا مسئول پرداخت تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکا مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است. هر قراری که بین شرکا برخلاف

این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود. در اسم شرکت تضامنی باید عبارت شرکت تضامنی و حداقل اسم یک نفر از شرکا ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکا نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل: (و شرکا) یا (برادران) قید گردد. (ماده ۱۱۷ ق.ت). از مطالب بالا می فهمیم که شرکت تضامنی بین دو یا چند نفر شریک تشکیل می شود و شرکای شرکت تضامنی در برابر تعهدات شرکت متضامنا و بطور نامحدود مسئولیت دارند. هر گونه توافق بین شرکا جهت حفظ حقوق اشخاص ثالث کان لم یکن می باشد. آخرین نکته ای که از مطالب بالا فهمیده می شود این است که خصوصیت شخصی بودن قرارداد شرکت تضامنی موجب شده سهم الشرکه هر یک از شرکا اصولا غیر قابل انتقال باشد مگر با رضایت کلیه شرکا در طول حیات شرکا و پس از فوت یکی از شرکا.

۳۰- تاسیس و اداره شرکت تضامنی

۱- اداره شرکت تضامنی

تاسیس و اداره شرکت تضامنی - اداره شرکت تضامنی اول - نحوه انتخاب و عزل مدیر شرکت تضامنی توسط حداقل یک مدیر که شرکا از میان خود انتخاب می نمایند اداره می شود مدیر مزبور ممکن است غیر از شرکا بوده و از خارج انتخاب شود (ماده ۱۲۰ ق.ت) در صورتی که مدیران از بین شرکا بدون قید در اساسنامه انتخاب شده باشند با توجه به شرایط اساسنامه به اتفاق آرا سایر شرکا قابل عزل می باشند مدیر غیر شریک با شرایط پیش بینی شده در اساسنامه و در غیر این صورت با تصمیم اکثریت شرکا معزول می شود. در صورتی که عزل مدیری بدون دلیل موجه باشد مدیر معزول حق مطالبه ضرر و زیان را از شرکت خواهد داشت. مدیر یا مدیران مندرج در شرکتنامه قابل عزل نمی باشند و حق استعفا نیز ندارند مگر با توافق کلیه شرکای شرکت تضامنی. در صورتی که مدیر یا مدیران در اساسنامه انتخاب شده باشند. ممکن است طبق اساسنامه نسبت به تغییر مدیر یا مدیران مذکور عمل شود. اگر مدیر یا مدیران در شرکتنامه یا اساسنامه انتخاب نشده ولی انتخاب آنان بعدا صورت گرفته باشد در این صورت شرکا می توانند مدیر یا مدیران فوق را معزول نمایند. بدیهی است مدیر یا مدیران حق استعفا خواهند داشت. دوم - قلمرو محدودیت اختیارات مدیر شرکت تضامنی برای اینکه بتواند شرکت را در مقابل اشخاص ثالث متعهد سازد باید به نام شرکت و در حدود اختیارات خود اقدام و اتخاذ تصمیم نماید. در غیر این صورت شخصا مسئول تعهدات مزبور خواهد بود. در دو مورد به محدودیت اختیارات مدیر یا شریک شرکت تضامنی به طور صریح اشاره شده است: ۱- تا جبران ضررهای وارده به شرکت تقسیم سود ممنوع می باشد (ماده ۱۳۲ ق.ت). ۲- محدودیت انجام عملیات تجاری (ماده ۱۳۴ ق.ت). سوم - مسئولیت مدنی مدیر شرکت مسئولیت مدنی مدیران در مقابل شرکت از مقررات عقد و کاکت پیروی می نماید و مسئولیت مدنی مدیر در مقابل شرکا تابع اصول کلی حقوق مدنی که در باب تسبیب و قانون مسئولیت مدنی پیش بینی شده است می باشد بالا-خص در مواردی که قلمرو اختیارات مدیران در اساسنامه تعیین شده است.

۲- تقسیم سود

تاسیس و اداره شرکت تضامنی - تقسیم سود منافع در شرکت تضامنی به نسبت سهم الشرکه بین شرکا تقسیم می شود مگر آنکه شرکتنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد لیکن تادیه هر نوع منفعت به شرکا تا زمانی که کمبود سهم الشرکه شرکا به علت زیان های وارده جبران نشده باشد ممنوع خواهد بود (مستفاد از مواد ۱۱۹ و ۱۳۲ ق.ت).

۳- تاسیس شرکت تضامنی

تاسیس و اداره شرکت تضامنی - تاسیس شرکت تضامنی تاسیس شرکت تضامنی با تنظیم شرکتنامه که به صورت اوراق چاپی در اداره ثبت شرکتها موجود می باشد صورت می گیرد. در شرکتنامه مذکور باید نام نوع موضوع شرکت و مرکز اصلی و نشانی کامل همچنین اسامی شرکا یا موسسین و شماره شناسنامه و محل اقامت آنها و غیره قید گردد. برای تشکیل شرکت تضامنی تمام سرمایه نقدی تادیه و چنانچه سهم الشرکه غیر نقدی باشد باید تقویم شده و و تسلیم گردد. به هنگام تاسیس شرکت اساسنامه مربوط به آن نیز که در واقع آئین نامه داخلی شرکت می باشد توسط موسسین تنظیم می گردد. مطابق ماده ۱۹۵ ق.ت. ثبت کلیه شرکتهای مذکور در این قانون الزامی است و تابع مقررات قانون ثبت شرکتهاست.

۳۱- انحلال شرکت تضامنی

انحلال شرکت تضامنی - انحلال شرکت تضامنی زمانی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده باشد وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد و بالاخره در صورت ورشکستگی شرکت شرکت تضامنی منحل می گردد (فقرات ۱ و ۲ و ۳ و ماده ۹۳ ق.ت) موارد دیگری که باعث انحلال شرکت می شوند عبارتند از: تراضی تمام شرکا صدور حکم انحلال از دادگاه تقاضای فسخ از طرف یکی از شرکا ورشکستگی یکی از شرکا و در خاتمه فوت یا محجوریت یکی از شرکا. الف - نتایج انحلال اول - ثبت و اعلام انحلال شرکت تضامنی باید طبق ماده (۲۰۰ ق.ت) ناظر به مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ همان قانون و برابر نظامنامه وزارت عدلیه اعلام شود. این نظامنامه در ماده ۹ خود می گوید: (در هر موقع که تصمیمات راجع به تمدید مدت شرکت زائد بر مدت مقرر یا انحلال شرکت قبل از مدت معینه یا تغییر کیفیت تفریح حساب یا تغییر اسم شرکت یا تغییر دیگر در اساسنامه یا تبدیل و یا خروج بعضی از شرکا ضامن از شرکت اتخاذ شود و همچنین در هر موقعی که مدیر یا مدیران شرکت تغییر می یابد و یا تصمیمی نسبت به مورد معین در ماده ۵۸ قانون تجارت اتخاذ شود مقررات این نظامنامه راجع به ثبت و انتشار باید در مورد تغییرات حاصله نیز رعایت شود. شرکا شرکت تضامنی مکلفند که انحلال خود را با تقدیم مدارک مقرر بدوا در اداره ثبت شرکتها به ثبت برسانند و سپس در ظرف ماه اول از تاریخ ثبت انحلال آن را به هزینه خود شرکت توسط اداره ثبت محل در روزنامه رسمی و یکی از جراید کثیرالانتشار مرکز اصلی شرکت منتشر نمایند. دوم - تصفیه شرکت تضامنی شرکت تضامنی پس از انحلال باید تصفیه شود. در بعضی کشورها شرکت پس از انحلال و در حلا تصفیه می تواند با شرکت دیگر ادغام شده و یا نوع خود را تغییر دهد. بدین ترتیب تصفیه صورت نمی گیرد. در قانون تجارت ایران تبدیل شرکت تضامنی به شرکت سهامی (اعم از عام و خاص) فقط در زمان حیات شرکت پیش بینی شده است (ماده ۱۳۵ ق.ت.) و ظاهرا چنین تبدیلی پس از انحلال امکانپذیر نمی باشد ولی با اصلاح ماده ۱۳۵ مذکور شرکا می توانند پس از پرداخت طلب طلبکاران حتی در زمان انحلال شرکت و در طول مدت تصفیه شرکت تضامنی را به شرکت سهامی عام و خاص تبدیل نماید. مدیر یا مدیران تصفیه دارائی شرکت منحل را نقد و مطالبات شرکت را نیز وصول می نمایند. همچنین دیون شرکت را پرداخته و در آخر دارائی باقیمانده شرکت را بین شرکا تقسیم می کنند. سوم - انتخاب مدیر یا مدیران تصفیه امر تصفیه در شرکت تضامنی با مدیر یا مدیران شرکت می باشد مگر آنکه شرکای ضامن اشخاص دیگری را از خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نمایند. در صورت عدم توافق سایر شرکا با اشخاص تعیین شده دادگاه عمومی اشخاصی را برای امر تصفیه تعیین خواهد کرد. اسامی مدیرانی که غیر از مدیران شرکت باشند باید در اداره ثبت شرکتها در تهران و در دایره ثبت شرکتها در شهرستانها به ثبت و آگهی برسد. چهارم - وظایف مدیر یا مدیران تصفیه از کارهایی که مدیر تصفیه مکلف به اجرای آن می باشد خاتمه دادن به کارهای جاری شرکت و

اجرا نمودن تعهدات شرکت می باشد و در صورت نیاز می تواند برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی نیز بنماید. از جمله کارهای دیگر مدیر تصفیه وصول مطالبات شرکت تضامنی و تقسیم دارائی شرکت می باشد آن قسمت از دارائی شرکت که در مدت تصفیه مورد نیاز نمی باشد بطور موقت بین شرکا تقسیم می شود. مدیر یا مدیر عامل تصفیه حساب شرکا را نسبت به هم و سهم هر یک از شرکا را از نفع و ضرر تعیین می نماید. در صورت اختلاف نظر در مورد تقسیم بین شرکا حل مساله با دادگاه ذیصلاح می باشد. ب - مرور زمان دفاتر هر شرکتی که محل شده با نظر مدیر ثبت اسناد در محل معینی از تاریخ ختم تصفیه تا ده سال محفوظ خواهد ماند (در ماده ۲۱۷ ق.ت) ضمنا مدت مرور زمان در دعاوی مطروحه از طرف اشخاص ثالث علیه شرکا یا وراث آنها راجع به معاملات شرکت در صورتی که شرکا یا وراث قانونا مسئول باشند ۵ سال است و مبدا مرور زمان از روزی است که انحلال شرکت تضامنی یا استعفا شریک یا اخراج او از شرکت در اداره ثبت شرکتها به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی آگهی شود. چنانچه طلب پس از ثبت و آگهی مزبور قابل مطالبه شده باشد مرور زمان از روزی شروع می شود که طلبکار حق مطالبه پیدا کرده باشد. شرکای شرکت تضامنی در مدت ۵ سال از تاریخ جاری شدن مرور زمان هر کدان منفردا و متضامنا در مورد تعهدات شرکت در مقابل اشخاص ثالث مسئول می باشند. مرور زمان پیش بینی شده در ماده ۲۱۹ ق.ت. که مدت آن ۵ سال است مانند سایر مرورزمانهای مندرج در قانون تجارت قاعده خاص بوده و به قوت خود باقی است و با احراز شرایط زیر جاری می گردد: دعوی شخص ثالث علیه شرکای شرکت تضامنی یا وراث آنها باشد. شرکای یا وراث آنها قانونا مسئول قرار داده شده باشند. دعوی شخص ثالث راجع به معاملات (تعهدات) شرکت باشند. مبدا مرور زمان از تاریخ ثبت انحلال شرکت یا کناره گیری شریک یا اخراج او از شرکت در اداره ثبت و اعلان در مجله رسمی شروع می شود.

۳۲- ثبت شرکت داخلی و شعبه آن

ثبت شرکت داخلی و شعبه آن - ثبت شرکت قانون تجارت در ماده ۲۲۰ مقرر می دارد: هر شرکت ایرانی که فعلا وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجارتي خود را به صورت یکی از شرکتهای مذکور در این قانون در نیاورد و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی در مورد آن اجرا می گردد. هر شرکت تجارتي ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکتها مصوب خرداد ماده ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید. که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و الا- محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال خواهد شد. این مجازات علاوه بر مجازاتهایی است که در قانون ثبت شرکتها برای عدم ثبت مقرر شده. مرجع ثبت شرکتها در تهران (اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی) و در خارج از آن اداره ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت است که دایره و دفتر مخصوصی برای اینکار در نظر گرفته شده است. برای ثبت شرکت اظهارنامه تقاضای ثبت و تقاضانامه ثبت شرکت باید براساس قانون و آئین ثبت شرکت تقدیم گردد و برای انجام این امر اوراق چاپی مخصوص به وسیله اداره ثبت شرکتها تهیه و تنظیم شده متقاضی ثبت شرکت آنها را در دو نسخه تنظیم و تسلیم مرجع ثبت می نماید. به موجب ماده ۱۹۶ ق.ت.: اسناد و نوشتجاتی که برای به ثبت رسانیدن شرکت لازم است در نظامنامه وزارت عدلیه معین شده که به طور خلاصه به شرح زیر می باشد: شرکت نامه حاوی مشخصات شرکت. اساسنامه صورتجلسه مجمع عمومی. صورتجلسه انتخاب هیئت مدیره و قبولی آنان. رسید سرمایه. پس از آنکه درخواست ثبت شرکت در دو نسخه با ضمائم تسلیم متصدی ثبت گردید یک نسخه از آن در پرونده ضبط کرده و مندرجات آن را در دفتر مخصوص ثبت شرکتها به ثبت می رساند و متصدی مزبور نسخه ثانی آن را با قید تاریخ و شماره ثبت پس از امضا و مهر به متقاضی تسلیم می نماید... (ماده ۵ نظامنامه راجع به مواد ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۹ ق.ت. مصوب ۱۳۱۱/۳/۱۵) و متعاقبا صاحبان امضا مجاز دفتر مخصوص را امضا می کنند

و ثبت در دفتر مزبور مانند ثبت سند در دفترخانه اسناد رسمی است زیرا به موجب ماده ۵ اصلاح آیین نامه ثبت شرکتها اداره ثبت شرکتها در تهران و دواير ثبت شرکتها در شهرستانها در ثبت شرکت نامه قائم مقام دفتر خانه های رسمی می باشند. ضمنا خلاصه ای از وضعیت شرکت در دفتر جداگانه ای که حاوی شماره ردیف ثبت شرکت و خلاصه مفاد شرکت نامه و اساسنامه می باشد و در صفحه مربوط به همان شرکت ثبت می شود و متقاضی ثبت دفتر را با اصل تصدیق می نماید. به موجب ماده ۱۹۷ ق.ت. که می گوید (در ظرف ماه اول تشکیل شرکت خلاصه شرکت نامه و منضمات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد انتشار ثبت در ظرف ماه اول تشکیل شرکت به انضمام خلاصه ای از شرکت نامه و پیوستهای آن منتشر می گردد. به موجب ماده ۲۰۰ ق.ت. (در هر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید شرکت زاید بر مدت مقرر یا انحلال شرکت (حتی در مواردی که انحلال بواسطه انقضا مدت شرکت صورت می گیرد) و تعیین کیفیت تفریق حساب یا تبدیل شرکا یا خروج بعضی از آنها از شرکت یا تغییر اسم شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ لازم الرعایه است. همین ترتیب در موقع هر تصمیمی که نسبت به مورد معین در ماده ۷۹ این قانون اتخاذ شود رعایت خواهد شد. به عبارت دیگر صورتجلسه تنظیمی در شرکت پس از امضا به اداره ثبت شرکتها تسلیم می شود تا به استناد ماده ۹ نظامنامه مذکور در موقع تغییر مدیر یا مدیران شرکت تشریفات ثبت و آگهی صورت پذیرد باید مراتب ثبت و منتشر گردد. ثبت شعبه شرکت شعبه شرکت اگر به هنگام تاسیس شرکت معین شده باشد با شرکت اصلی ثبت و آگهی می شود و چنانچه شعبه متعاقبا تاسیس گردد تغییرات در شرکت محسوب شده و طبق مقررات تغییر نسبت به ثبت و نشر آن اقدام می شود. ثبت شعبه شرکت در محل شعبه منتشر می شود. به عنوان مثال شرکت دوچرخه سازی (سهامی خاص) در تهران تشکیل شده و اگر قرار باشد شعبه ای از آن در اردبیل تشکیل گردد باید مراحل زیر رعایت شود: - تنظیم صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده و در صورتی که اختیار تاسیس شعبه در اساسنامه به هیئت مدیره داده شده باشد تنظیم صورتجلسه توسط هیئت مدیره. - تقدیم صورتجلسه مربوط به اداره ثبت شرکتها در مثال فوق تهران (مرکز اصلی شرکت) به انضمام یک نسخه اساسنامه موجود با آخرین اصلاحات. - بررسی صورتجلسه توسط کارشناس مربوط و در صورت عدم ایراد واریز هزینه ثبت شعبه تاسیس شده در دفاتر اداره ثبت تهران به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی منتشر می گردد. - ارسال یک نسخه از صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده (یا هیئت مدیره در صورت داشتن اختیار با انضمام یک نسخه اساسنامه و آگهی ثبت مربوط به اردبیل (محل شعبه). - مراتب فوق در محل شعبه (اردبیل) به عنوان شعبه ثبت و شماره مستقلی در اردبیل به آن داده خواهد شد. - آگهی تاسیس شعبه توسط اداره ثبت شرکتهای اردبیل در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار. شایان ذکر است که هزینه ثبت تاسیس شعبه همان هزینه تاسیس شعبه در مرکز اصلی شرکت می باشد. شرکت فرعی گاهی شرکت اصلی مترصد می شود که شرکت دیگری را در درون شرکت مزبور ایجاد نماید و سرمایه آن متعلق به شرکای اصلی باشد و یا ممکن است اکثریت سرمایه متعلق به شرکت اصلی بوده و افراد دیگری نیز سرمایه گذاری نماید در کلیه این موارد تشریفات و مقررات ثبت همانند ثبت شرکت اصلی می باشد و فقط حق الثبت به میزان سرمایه اضافه شده به سرمایه اصلی پرداخت می گردد.

۳۳- موسسات غیر تجاری

۱- کلیات

موسسات غیر تجاری - کلیات در کنار شرکتها که به کار تجارت اشتغال دارند قانونگذار نهاد حقوقی خاصی را که دارای شخصیت حقوقی می باشد جهت انجام اموری که جنبه غیر تجاری دارد از قبیل کارهای علمی یا ادبی یا امور خیریه یا خدماتی پیش بینی نموده است ماده یک آیین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری موسسه غیر تجاری را چنین تعریف نموده است:

مقصود از تشکیلات و موسسات غیر تجارتي مذکور در ماده ۵۸۴ قانون تجارت کلیه تشکیلات و موسساتی است که برای مقاصد غیر تجارتي از قبیل امور علمی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می شود اعم از آنکه موسسین و تشکیل دهندگان قصد انتفاع داشته یا نداشته باشند. بنابراین ارائه خدمات علمی و آموزشی و خدمات شهری و ارائه کمک های انسانی در قالب شخصیت حقوقی متصور بوده و از این جهت موسسات غیر تجارتي به دو قسمت تقسیم می شوند: الف: موسساتی که مقصود از تشکیل آنها جلب منافع و تقسیم آن بین اعضای خود نباشد اینگونه موسسات اصطلاحاً موسسات غیر انتفاعی نامیده می شود کلیه فعالیت های اجتماعی از قبیل انجمن های اسلامی و تخصصی و علمی خاص و احزاب و دستجات سیاسی و موسسین آن هنگامی که در خواست ثبت می نمایند توسط اداره ثبت شرکتها مراتب از اداره کل اطلاعات نیروی انتظامی استعلام می شود و پس از وصول پاسخ مثبت نسبت به ثبت اقدام می گردد. ب: موسساتی که مقصود از تشکیل آن ممکن است جلب منافع مادی و تقسیم منافع مزبور بین اعضای خود یا غیر باشد اینگونه موسسات موسسات غیر تجارتي نامیده می شوند بنابراین فعالیت هایی از قبیل آموزشگاههای علمی و فنی و کلاس های زبان و مدارس غیر انتفاعی و موسسات گاز رسانی یا ارائه خدمات شهری مانند نظافت و فضای سبز و موارد دیگر در زمینه های فوق در قالب موسسات غیر تجارتي متصور می باشد و موسسین باید پس از به ثبت رساندن موسسه نسبت به اخذ مجوز فعالیت اقدام نمایند.

۲- مدارک لازم برای ثبت موسسه غیر تجارتي

موسسات غیر تجاری - مدارک لازم برای ثبت موسسه غیر تجارتي ۱- اخذ دو نسخه تقاضا نامه ثبت موسسه از اداره ثبت شرکتها و تکمیل و امضا توسط شرکا (بر طبق نمونه پیوست) ۲- تنظیم اساسنامه حداقل در ۲ جلد و امضای ذیل تمام صفحات توسط کلیه شرکا یا اعضا ۳- تنظیم صورتجلسه مجمع موسسین حداقل در ۲ نسخه ۴- فتوکپی شناسنامه شرکا ۵- اخذ مجوز در رابطه با موضوع موسسه در صورت لزوم تذکر ۱- حداقل وجود دو نفر شریک در موسسه الزامی است. تذکر ۲- قید سرمایه به هر میزان در موسسه مجاز می باشد. تذکر ۳- امضای مدیر شعبه و فتوکپی شناسنامه و قید محل سکونت در صورتی که شرکت شعبه داشته باشد الزامی است. روش و مراحل ثبت موسسه ۱- کامل نمودن فرم تقاضانامه ثبت موسسه و امضا توسط شرکا ۲- کامل نمودن فرم صورتجلسه موسسین و امضا توسط شرکا ۳- تنظیم و امضای کلیه صفحات اساسنامه توسط شرکا ۴- چند نام انتخاب و به مسئول تعیین نام اداره ثبت شرکتها ارائه گردد (توجه شود نام انتخاب شده اولاً باید با فرهنگ انقلاب اسلامی مطابقت داشته و ثانياً سابقه ثبت نداشته باشد ثالثاً از نامهای خارجی نباشد) و مسئول مربوطه پس از بررسی گواهی لازم را با انتخاب یکی از اسامی پیشنهادی صادر می نماید. ۵- پس از تعیین نام به قسمت ارجاع اداره ثبت شرکتها مراجعه و ممیز مربوطه پس از بررسی اولیه با توجه به موضوع فعالیت موسسه چنانچه نیاز به اخذ مجوز از مراجع ذیصلاح داشته باشد عنداللزوم به مرجع مربوطه جهت اخذ مجوز معرفی می شود. ۶- پس از وصول و ارائه مجوز لازم (در رابطه با موضوع موسسه) ممیز ثبت شرکتها بشرط عدم وجود نقص مدارک متقاضی را جهت پرداختن حق الثبت به حسابداری راهنمایی و مسئول حسابداری با توجه به سرمایه موسسه و تعیین مبلغ حق الثبت متقاضی را جهت پرداخت حق الثبت به بانک ملی ایران هدایت و پس از پرداخت وجه مذکور و ارائه فیش پرداختی به حسابداری حسابدار اقدام به مهور نمودن تقاضانامه متقاضی می کند و ممیز مربوطه دستور ثبت را صادر و متقاضی به قسمت ثبت شرکتها مراجعه می نماید. ۷- در قسمت ثبت شرکتها پیش نویس آگهی تاسیس تهیه شده پس از امضای رئیس اداره ثبت شرکتها و تایپ آگهی مربوط متقاضی مجدداً به قسمت ثبت شرکتها مراجعه و پس از احراز هویت توسط مسئول قسمت از متقاضی ذیل ثبت دفتر (اصالتاً یا وکالتاً) امضا اخذ مینماید و سپس یک نسخه از مدارک (اساسنامه صورتجلسه تقاضانامه) که مهور به مهر اداره ثبت شرکتها می باشد به متقاضی تسلیم می گردد و متقاضی به دبیرخانه اداره مراجعه و پرونده را تحویل داده یک برگ آگهی تایپ شده را به

اداره کل دفتر روابط عمومی و امور بین‌المللی برده و پس از تعیین مبلغ جهت درج در روزنامه کثیرالانتشار به بانک مراجعه و همراه فیش پرداخت شده به دبیرخانه مراجعه می‌کند. پس از امضای نسخ تایپ شده توسط رئیس اداره ثبت شرکتها در این مرحله آگهی صادر و دو نسخه تایی به متقاضی تحویل می‌گردد یک نسخه جهت درج در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی (واقع در خ بهشت ضلع جنوبی پارک شهر) و نسخه دیگر همراه فیش پرداختی به قسمت دایره آگهی ها جهت درج در روزنامه کثیرالانتشار داده می‌شود. در این مرحله کار ثبت موسسه پایان یافته است.

۳- اساسنامه موسسه غیر تجارتي

موسسات غیر تجارتي - اساسنامه موسسه غیر تجارتي ماده ۱: نام و نوع موسسه: ماده ۲: موضوع موسسه : ماده ۳: مرکز اصلی موسسه: ماده ۴: سرمایه موسسه: ماده ۵: مدت موسسه: از تاریخ بمدت نامحدود ماده ۶: تابعیت موسسه : تابعیت ایرانی است . ماده ۷: هیچ یک از شرکا حق انتقال سهم الشرکه خود را بغیر ندارند مگر با رضایت و موافقت دارندگان سه چهارم سرمایه موسسه که دارای اکثریت عددی نیز باشند و انتقال سهم الشرکه بعمل نخواهد آمد مگر بموجب سند رسمی ماده ۸: مجمع عمومی عادی موسسه در ظرف مدت چهارماه اول هر سال پس از انقضای سال مالی موسسه تشکیل ولی ممکن است بنابه دعوت هریک از اعضای هیات مدیره یا شرکا بطور فوق العاده تشکیل گردد. ماده ۹: دعوت هر یک از جلسات مجامع عمومی توسط هر یک از اعضای هیات مدیره مدیرعامل یا شرکا بوسیله دعوتنامه کتبی یا درج آگهی در یکی از جراید کثیرالانتشار بعمل خواهد آمد فاصله دعوت از روز انتشار تا تشکیل جلسه ۱۲ روز خواهد بود . ماده ۱۰: در صورتی که کلیه شرکا در هریک از جلسات مجامع عمومی حضور یابند رعایت ماده ۸ اساسنامه ضرورت نخواهد داشت . ماده ۱۱: وظایف مجمع عمومی عادی بشرح زیر میباشد: الف - استماع گزارش هیات مدیره در امور مالی و ترازنامه سالیانه موسسه و تصویب آن ب- تصویب پیشنهاد سود قابل تقسیم از طرف هیات مدیره ج - تعیین خط مشی آینده موسسه و تصویب آن د - انتخاب هیات مدیره و در صورت لزوم بازرس ماده ۱۲: وظایف مجمع عمومی فوق العاده بقرار زیر است : الف: تغییر اساسنامه یا الحاق یا حذف یک یا چند مواد اساسنامه ب: افزایش یا تقلیل سرمایه موسسه ج : ورود شریک یا شرکا جدید موسسه ماده ۱۳: تصمیمات شرکا در مجمع عمومی فوق العاده با موافقت دارندگان سه چهارم سرمایه که اکثریت عددی دارند و در مجمع عمومی عادی طبق دستور ماده ۱۰۶ قانون تجارت معتبر و لازم الاجرا خواهد بود. ماده ۱۴: هیات مدیره موسسه مرکب از نفر خواهد بود که در مجمع عمومی از بین شرکا و یا از خارج انتخاب می نماید. ماده ۱۵: هیات مدیره از بین خود یک نفر را به سمت رئیس هیات مدیره و یک نفر را به سمت مدیرعامل انتخاب و همچنین می تواند برای اعضای خود سمتهای دیگری تعیین نماید. ماده ۱۶: نماینده قانونی و تام الاختیار موسسه بوده و می تواند در کلیه امور مداخله و اقدام نماید مخصوصا در موارد زیر: امور اداری موسسه از هر قبیل انجام تشریفات قانونی حفظ و تنظیم فهرست دارایی موسسه و تنظیم بودجه و تعیین و پرداخت حقوق و انجام هزینه ها و رسیدگی به محاسبات پیشنهاد سود قابل تقسیم سالیانه تهیه آیین نامه های داخلی اجرای تصمیمات مجامع عمومی ادای دیون و وصول مطالبات تاسیس شعب واگذاری و قبول نمایندگی انتخاب و انتصاب و استخدام متخصصین و کارمندان و کارگران عقد هر گونه پیمان با شرکتها و بانکها و ادارات و اشخاص خرید و فروش و اجاره اموال منقول و غیر منقول و ماشین آلات و بطور کلی وسایل مورد نیاز و همچنین معاملات بنام و حساب موسسه مشارکت با سایر موسسات و شخصیتهای حقوقی و حقیقی استقراض یا رهن یا بدون رهن و تحصیل اعتبار و وام دادن و وام گرفتن از بانکها و اشخاص و موسسات و بازکردن حسابجاری و ثابت در بانکها دریافت وجه از حسابهای موسسه صدور ظهنوئسی و پرداخت بروات و اسناد وسفته ها و هزینه ها طرح مرافعات موسسه چه مدعی باشد و چه

مدعی علیه در تمام مراحل با تمام اختیارات از جمله رجوع به دادگاههای صالحه بدوی و تجدید نظر و دیوان کشور انتخاب وکیل و وکیل در توکیل دادن اختیارات لازمه به نامبرده و عزل آن قطع و فصل دعاوی با صلح و سازش اختیارات فوق جنبه محدودیت نداشته و هر تصمیمی را که هیات مدیره جهت پیشرفت موسسه اتخاذ نماید معتبر می باشد. ماده ۱۷: جلسات هیات مدیره با حضور اکثریت اعضا رسمیت می یابد و تصمیمات هیات مدیره با اکثریت آرا معتبر است. ماده ۱۸: دارندگان حق امضا در موسسه: دارندگان حق اکضای اوراق و اسناد بهادار از قبیل چک سفته برات اسناد تعهدآور و قراردادهای هیات مدیره تعیین می کند. ماده ۱۹: هر یک از اعضای هیات مدیره می تواند تمام یا قسمتی از اختیارات و همچنین حق امضای خود را به هریک از شرکا برای هر مدت که صلاح بداند تفویض نماید و همچنین هیات مدیره می تواند تمام یا قسمتی از اختیارات خود را به مدیرعامل تفویض نماید. ماده ۲۰: سال مالی موسسه از اول فروردین ماه هر سال شروع و به آخر اسفند ماه همان سال خاتمه می یابد به استثنای سال اول که ابتدای آن از تاریخ تاسیس موسسه است. ماده ۲۱: تقسیم سود: از درآمد موسسه در پایان هر سال مالی هزینه اداری حقوق کارکنان و مدیران استهلاکات مالیات سایر عوارض دولتی کسر و پس از وضع صدی ده بابت ذخیره قانونی بقیه که سود ویژه است به نسبت سهم الشرکه بین شرکا تقسیم خواهد شد. ماده ۲۲: فوت یا محجوریت هریک از شرکا باعث انحلال موسسه نخواهد شد و وراثت شریک متوفی و یا ولی محجور می توانند به مشارکت خود ادامه دهند. در غیر این صورت بایستی سهم الشرکه خود را پس از انجام تشریفات قانونی دریافت و یا به شریک دیگر منتقل و از موسسه خارج شوند. ماده ۲۳: انحلال: موسسه مطابق ماده ۱۱۴ قانون تجارت منحل خواهد شد در صورتی که مجمع شرکا رای به انحلال موسسه دهد یک نفر از بین شرکا و یا از خارج موسسه به سمت مدیر تصفیه تعیین خواهد شد وظایف مدیر تصفیه طبق قانون تجارت می باشد. ماده ۲۴: اختلافات حاصله بین شرکای موسسه از طریق حکمیت و داوری حل و فصل خواهد شد. ماده ۲۵: در سایر موضوعاتی که در این اساسنامه قید نشده است مطابق مقررات قانون تجارت ایران عمل و رفتار خواهد شد. ماده ۲۶: این اساسنامه در ۲۶ ماده تنظیم و به امضای کلیه موسسین موسسه به اسامی ذیل رسید و تمام مشخصات امضا شد.

۳۴- موسسات غیر تجاری ثبت شرکتهای خارجی و داخلی و شعب

موسسات غیر تجاری ثبت شرکتهای خارجی و داخلی و شعب - موسسات غیر تجاری الف - تعریف و ثبت موسسات تشکیل و موسسات غیر تجاری موسساتی هستند که جهت مقاصد غیر تجاری مثل امور علمی ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می شوند و تشکیل دهندگان آنها ممکن است قصد انتفاع داشته و یا نداشته باشند. تشکیل مزبور از تاریخ ثبت شخصیت حقوقی پیدا می کنند و می تواند عناوینی از قبیل انجمن بنگاه کانون و امثال آن را اتخاذ نمایند. موسسات غیر تجاری به دو قسمت تقسیم می شوند: ۱- موسساتی که هدفشان جلب منافع و تقسیم آن بین اعضا خود نباشد. ۲- موسساتی که هدفشان جلب منافع مادی و تقسیم منافع مزبور بین اعضا خود یا غیر باشد مانند کانون های فنی و حقوقی و غیره. حداقل شرکا در موسسات فوق نباید کمتر از دو نفر باشد و قید سرمایه به هر میزان مجاز است. موسسات غیر تجاری همانند موسسات تجاری باید در تهران در اداره ثبت شرکتهای و در شهرستانها در دایره ثبت شرکتهای اداره ثبت مرکز اصلی موسسه به ثبت برسند و جهت آن کلیه اقدامات تاسیس شرکتهای به همراه رعایت مواد آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیل و موسسات غیر تجاری که در سال ۱۳۳۷ به تصویب رسیده است ضروری می باشد. جهت ثبت تشکیلات غیر تجاری تسلیم اظهارنامه (فرم چاپی تقاضانامه ثبت موسسه به همراه ضوابط لازم در دو نسخه که دارای تاریخ و امضا بوده الزامی است ضوابط آن شامل نسخه اصلی یا رونوشت و کالتنامه (در صورت تقاضا توسط وکیل) رونوشت. گواهی شده تصدیق کشوری که موسسه در آنجا به ثبت رسیده به همراه ترجمه مصدق فارسی آن دو نسخه اساسنامه و امضا تمام صفحات آن توسط شرکا صورت مجلس عمومی موسس مبنی بر انتخاب هیئت مدیره و معرفی صاحبان امضا (دو نسخه)

رسید پرداخت حق الثبت و فتوکپی شناسنامه شرکا می باشد. در صورت غیر انتفاعی بودن موسسه اجازه نامه نیروی انتظامی محل جهت ثبت ضروری می باشد و در صورت انتفاعی بودن آن موضوع موسسه با مدارک تحصیلی و تخصص موسسین تطبیق داده شده سپس دستور ثبت صادر می گردد. اساسنامه موسسات غیر تجاری می تواند مانند اساسنامه شرکت با مسئولیت محدود باشد و در آن مواردی مانند موضوع موسسه ارگان اداره کننده (هیئت مدیره) وارگان تصمیم گیرنده (مجمع عمومی) و اختیارات آنها و غیره آورده شود. موسسه مزبور دارای مجمع عمومی عادی و فوق العاده نیز می باشد که هر کدام دارای وظایفی هستند. هیئت مدیره موسسه می تواند در مجمع عمومی عادی از بین شرکا یا خارج از آن انتخاب گردد و مدیران می توانند برای مدت محدود یا نامحدود معین شوند و دارای اختیارات تام نیز می باشند مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری را مقرر داشته باشد. جلسات هیئت با حضور اکثریت اعضا موسسه رسمیت پیدا نموده و تصمیمات هیئت مدیره با اکثریت آرا مناط اعتبار خواهد بود. در صورتی که تقاضای ثبت مورد قبول واقع شود مراتب در دفتر مخصوصی ثبت و ورقه ای حاکی از تصدیق ثبت به تقاضا کننده داده می شود علاوه بر آن خلاصه مراتب در روزنامه رسمی یا یکی از روزنامه های کثیرالانتشار با هزینه متقاضی منتشر می گردد. ب - انحلال و تصفیه انحلال موسسات غیر تجاری می تواند اختیاری و با تصمیم مجمع عمومی فوق العاده و یا به موجب حکم دادگاه باشد. چنانچه انحلال اختیاری صورت گرفته باشد تصفیه آن مطابق مقررات مندرج در اساسنامه توسط مدیر یا مدیران آن انجام می گیرد و در صورتی که متصدی امر تصفیه و چگونگی انجام آن معین نشده باشد مجمع عمومی فوق العاده به هنگام انحلال یک نفر را به عنوان مدیر تصفیه با تعیین حدود اختیارات آن معرفی می نماید. اگر انحلال به موجب حکم دادگاه باشد امر تصفیه به عهده متصدی تصفیه مقرر در اساسنامه خواهد بود و چنانچه متصدی مشخص نشده باشد دادگاه ضمن حکم انحلال یک نفر را جهت تصفیه معین می نماید و مطابق قانون تجارت امر تصفیه صورت خواهد گرفت.

۳۵- شرکتهای خارجی و ثبت آن در ایران

۱- روش ثبت شعبه شرکت خارجی

شرکتهای خارجی و ثبت آن در ایران - روش ثبت شعبه شرکت خارجی اگر شرکت خارجی ثبت شده در ایران تقاضای تاسیس شعبه رانیز داشته باشد باید اظهارنامه ثبت به فارسی سواد مصدق سند ثبت خود شرکت در ایران و سواد مصدق از اختیارنامه نماینده که مدیر شعبه است را تقدیم نماید (ماده ۸ اظهارنامه). تبصره - ممکن است تقاضای ثبت شعبه در ضمن تقاضای ثبت خود شرکت به عمل آید در این صورت تقدیم سواد مصدق سند ثبت خود شرکت لازم نخواهد بود.

۲- ثبت تغییرات در شرکتهای خارجی

شرکتهای خارجی و ثبت آن در ایران - ثبت تغییرات در شرکتهای خارجی تغییرات راجع به نمایندگان شرکت و یا مدیران یا شعب آن باید به اداره ثبت اسناد کتبا اطلاع داده شود و تا وقتی که این اطلاع داده نشده عملیاتی که نماینده و یا مدیر سابق به نام شرکت انجام داده عملیات شرکت محسوب است. مگر اینکه شرکت اطلاع اشخاصی را که به استناد این ماده ادعای حقی می کنند از تغییر نماینده یا مدیر خود به ثبوت برساند. (ماده ۷ قانون ثبت شرکتهای). قانون ثبت شرکتهای در خصوص ورشکستگی انحلال و تصفیه شرکتهای خارجی مورد را به سکوت برگزار نموده است. به طور مسلم هنگامی که شرکت در کشور اصلی خود ورشکسته و یا منحل می گردد شعبه آن نیز در ایران منحل می گردد و انحلال و ورشکستگی آنها تابع مقررات اصلی خود شرکت می باشد.

۳- روش ثبت شرکتهای خارجی

شرکتهای خارجی و ثبت آن در ایران - روش ثبت شرکتهای خارجی مطابق ماده ۳ قانون ثبت شرکتهای فعالیت شرکتهای خارجی در ایران منوط به قانونی بودن آنها در کشور اصلی خود و ثبت در اداره ثبت اسناد تهران است. بنابراین نخست اداره ثبت اسناد تهران با بررسی مدارک لازم از قبیل گواهی اداره ثبت محل و یا گواهی دفتر ثبت تجاری قانونی بودن شرکت را در کشور اصلی خود احراز می نماید (هر چند که در خصوص ملاحظه اسناد قانون ثبت شرکتهای تصریحی ندارد). جهت ثبت شرکتهای خارجی ارائه مدارک زیر به اداره کل ثبت شرکتهای مالکیت صنعتی الزام است: ۱- اظهارنامه ثبت. ۲- یک نسخه مصدق از اساسنامه شرکت. ۳- یک نسخه مصدق از اختیارنامه عمده شرکت در ایران و در صورتی که شرکت چند نماینده مستقل در ایران داشته باشد یک نسخه مصدق از اختیارنامه هر یک از آنها. ۴- داشتن مجوز (قرارداد قانونی) با یکی از وزارتخانه ها یا سازمان های دولتی و یا چنانچه شرکت خارجی باشد شرایط عملیات آن باید به موجب امتیازات صحیح و منظمی مقرر گردیده باشد. اظهارنامه ثبت شرکتهای باید به فارسی نوشته شود و حاوی نام کامل شرکت نوع شرکت از قبیل سهامی تضامنی و مختلط و غیره مرکز اصلی شرکت و در آدرس صحیح آن تابعیت شرکت مقدار سرمایه شرکت در تاریخ تقاض و سایر موارد مندرج در ماده ۶ نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکتهای مصوب سال ۱۳۱۰ باشد. اساسنامه شرکت و اختیارنامه نماینده و عمده آن در ایران و سایر نمایندگان و نیز آخرین بیلان شرکت باید در مرکزی اصلی شرکت توسط شخص یا اشخاصی که حق امضای از طرف شرکت دارند تصدیق گردد و امضا آنها نیز به تصدیق مقامات صلاحیتدار کشوری که امضا در آنجا واقع شده و یا نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشور مزبور و یا نماینده سیاسی یا کنسولی دولت متبوع شرکت در ایران برسد. اداره ثبت شرکتهای علاوه بر مدارک فوق (اظهارنامه و ضمائم آن) صورت جلسه مجمع عمومی موسسین و هیئت مدیره چنانچه شرکت از نوع سهامی خاص باشد رسید بانکی سرمایه مبنی بر پرداخت حداقل ۳۵٪ از سرمایه را از ذینفع مطالبه می نماید بعد از طی مراحل فوق مطابق ماده ۲۰ نظامنامه (در ظرف یک ماده از تاریخ ثبت هر شرکت خارجی یا شعبه آن دایره ثبت شرکتهای باید مراتب ذیل را به خرج خود شرکت در مجله رسمی وزارت عدلیه و یکی از روزنامه های یومیه تهران منتشر نماید: ۱- خلاصه اساسنامه شرکت ۲- اسم نماینده عمده شرکت در ایران و اگر شرکت در ایران چند نفر نماینده مستقل داشته باشد اسم همه آنها. ۳- اسم اشخاصی که از طرف شرکت حق امضا دارند. ۴- اسم شخص یا اشخاص مقیم در ایران که برای دریافت کلیه ابلاغیه های مربوط به شرکت صلاحیت دارند. پس از ثبت شرکت باید از طرف اداره ثبت به تقاضا کنند ه تصدیقی ارائه گردد.

۴- مقررات جزائی

شرکتهای خارجی و ثبت آن در ایران - مقررات جزائی اشخاصی که به عنوان نمایندگی یا مدیریت شرکتهای خارجی در ایران اقدام به امور تجاری یا صنعتی یا مالی کرده و قبل از انقضا موعد مقرر تقاضای ثبت نکنند به تقاضای مدعی العموم بدایت و به حکم محکمه ابتدائی تهران محکوم به تاخیر پس از صدور حکم متخلف را به تادیبه پنج الی پنجاه تومان محکوم خواهد کرد و هر گاه حکم قطعی شده و تا سه ماه پس از تاریخ ابلاغ آن تخلف ادامه یابد دولت از عملیات نماینده یا مدیر شرکت متخلف جلوگیری خواهد نمود. ماده ۵ قانون ثبت شرکتهای. اگر نماینده یا مدیر شعبه هر شرکت خارجی قبل از ثبت به سمت نمایندگی یا مدیریت شعبه شرکت در ایران اقدام به عملیات تجاری یا صنعتی یا مالی نماید محکوم به جزای نقدی خواهد شد. بنابراین تنها توجه و تقاضای مدعی العموم (دادستان) تهران موجب اعمال مجازات مقرر نسبت به تخلف عدم ثبت شرکت خارجی می باشد.

۳۶- راهنمای ثبت شعبه یانماینده‌گی شرکتهای خارجی

۱- قانون اجازه ثبت شعبه یانماینده‌گی شرکتهای خارجی

راهنمای ثبت شعبه یانماینده‌گی شرکتهای خارجی - قانون اجازه ثبت شعبه یانماینده‌گی شرکتهای خارجی ۱- قانون اجازه ثبت شعبه یانماینده‌گی شرکتهای خارجی (مصوب ۲۱/۸/۱۳۷۶ مجلس شورای اسلامی) ماده واحده - شرکتهای خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می شوند مشروط به عمل متقابل از سوی کشور متبوع می توانند در زمینه هائی که توسط دولت جمهوری اسلامی ایران تعیین می شود در چهارچوب قوانین و مقررات کشور به ثبت شعبه یانماینده‌گی خود اقدام نمایند. تبصره - آئین نامه اجرائی این قانون بنابه پیشنهاد وزارت اموراتصادی و دارائی با هماهنگی سایر مراجع ذیربط به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ۲- تاریخچه مختصر ثبت شرکتهای و ثبت شعب شرکتهای خارجی ثبت شرکتهای خارجی یا شعب آنها در دو مقطع به طور مختصر تشریح می گردد. الف: قبل از انقلاب اسلامی ثبت شرکتهای خارجی و شعب یا نمایندگی آنها در قبل از انقلاب اسلامی بر اساس ماده ۳ قانون راجع به ثبت شرکتهای مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۱۱ شمسی با اصلاحات بعدی و رعایت مواد ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ همان قانون و همچنین مواد ۱ تا ۲۴ نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکتهای مصوب ۲ خرداد ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی صورت می گرفت. معنی برای ثبت شرکتهای خارجی وجود نداشت و همچنین تفکیکی برای ثبت شرکت خارجی یا ثبت شعبه شرکت خارجی و یا ثبت نمایندگی شرکت خارجی به طور خاص نبود. ب: بعد از انقلاب اسلامی ثبت شرکتهای خارجی و شعب و نمایندگی آنها بعد از انقلاب اسلامی بر خلاف اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که می گوید دادن امتیاز تشکیل شرکتهای و موسسات در امور تجارتي و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است تشخیص داده شد به همین جهت نخست وزیر وقت شهید رجائی طی نامه شماره ۸۳۲۴۰ مورخ ۱۳۶۰/۱/۸ مراتب را از شورای نگهبان قانون اساسی سوال نمودند و شورای نگهبان قانون اساسی در نظریه مورخ ۱۳۶۰/۲/۲ خود اعلام داشت (شرکتهای خارجی که با دستگاههای دولتی ایران قرارداد قانونی منعقد نموده اند می توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیتهای خود در حدود قراردادهای منعقد طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکتهای به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این امر با اصل قانون اساسی مغایرتی ندارد. بعد از وصول نظریه شورای نگهبان قانون اساسی شرکتهای خارجی که با دستگاههای دولتی ایران وزارتخانه ها و ادارات و شرکتهای دولتی دارای قرارداد بودند با رعایت نظر شورای نگهبان در خصوص اصل ۸۱ قانون اساسی و ارائه معرفی نامه دستگاه ذیربط و قرارداد و مدارک ثبت شرکت ثبت می شدند. با توجه به وضعیت اقتصادی در جهان و اشتیاق شرکتهای خارجی به حضور در جمهوری اسلامی ایران دولت لایحه اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی را تقدیم مجلس شورای اسلامی نمود و النهایه قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی به تصویب مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان قانون اساسی رسید. ۳- چه شرکتهائی مجاز به ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران هستند؟ آئین نامه اجرائی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی تحت شماره ۹۳۰-۷۸ / م / ت / ۱۹۷۷۶ ه مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۳ به تصویب هیات وزیران رسید بر اساس ماده یک آئین نامه شرکتهایی که در کشور متبوع خود تشکیل شده و دارای شخصیت حقوقی ثبت شده هستند می توانند برای فعالیت در ایران در زمینه هایی که ذکر خواهد شد براساس قوانین و مقررات مربوطه اقدام به ثبت شعبه یا نمایندگی خود نمایند ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی در ایران مشروط به عمل متقابل کشور متبوع شرکت خارجی می باشد یعنی اگر در کشور متبوع شرکت خارجی شعب یا نمایندگیهای شرکت های ایرانی به ثبت برسند آن شرکتهای نیز می توانند نسبت به ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خود در ایران اقدام نمایند. ۴- زمینه های فعالیت برای شرکتهای خارجی ۱- ارائه خدمات بعد از فروش کالاها یا خدمات شرکت خارجی در صورتی که شرکتهای خارجی اقدام به فروش کالا یا خدمات به اشخاص ایرانی بنمایند برای ارائه خدمات بعد از فروش می توانند تقاضای

ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی را بنمایند. ۲- انجام عملیات اجرائی قراردادهایی که بین اشخاص ایرانی و شرکت خارجی منعقد می شود. در خصوص شروع عملیات اجرایی و انجام موضوع قراردادهای منعقد شده بین اشخاص ایرانی (اشخاص حقیقی اشخاص حقوقی اعم از خصوصی و دولتی) و شرکتهای خارجی طرف خارجی می تواند تقاضای ثبت شعبه یا نمایندگی خود را نماید. ۳- بررسی و زمینه سازی برای سرمایه گذاری شرکت خارجی در ایران مقدمتا باید گفت شرکتهای خارجی که قصد سرمایه گذاری در ایران را دارند به دو نحو زیر می توانند اقدام نمایند: الف: در چهارچوب مقررات قانون مربوط به جلب و حمایت سرمایه های خارجی مصوب آذرماه ۱۳۳۴ از طریق مراجعه به سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی ایران و تسلیم مدارک و اخذ مصوبه هیات وزیران جهت سرمایه گذاری. ب: مشارکت مستقیم با اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی از طریق ایجاد شرکتهای تجاری یا سهام شدن در شرکتهای تجاری موجود در ارتباط با بررسی و زمینه سازی برای اقدام در زمینه دو مورد فوق شرکتهای خارجی می توانند اقدام به تاسیس شعبه یا نمایندگی نمایند. ۴- همکاری با شرکتهای فنی و مهندسی ایرانی برای انجام کار در کشورهای ثالث در مواردی که شرکتهای فنی و مهندسی ایرانی برای انجام امور صنعتی فنی عمرانی و غیره در کشورهای ثالث انتخاب شده و جهت انجام امور مربوطه با یک یا چند شرکت خارجی قرارداد مشارکت منعقد نموده باشند شرکتهای خارجی طرف قرارداد با ارائه مدارک لازم می توانند نسبت به ثبت شعبه یا نمایندگی خود در ایران اقدام نمایند همچنین شرکتهای فنی و مهندسی خارجی که برای انجام پروژه هایی در کشور ثالث انتخاب شده اند و جهت انجام اینگونه پروژه ها با شرکتهای فنی و مهندسی ایرانی طی قرارداد مشارکت داشته باشند می توانند نسبت به ثبت شعبه یا نمایندگی خود در ایران اقدام نمایند. ۵- افزایش صادرات غیر نفتی جمهوری اسلامی ایران و انتقال دانش فنی و فن آوری شرکتهای خارجی که در پیشبرد صادرات محصولات غیر نفتی از قبیل تولیدات صنعتی و کشاورزی و صنایع دستی و فعالیت داشته باشند. شرکتهای خارجی که دانش فنی ساخت محصولات را به اشخاص ایرانی منتقل می نمایند و شرکتهای خارجی که فن آوری محصولات صنعتی را در اختیار داشته و در ارتباط با ایجاد تاسیسات و کارخانه ها و کارگاههای مختلف جهت تولید انواع محصولات اقدام به انتقال فن آوری به اشخاص ایرانی می نمایند می توانند نسبت به ثبت شعبه و نمایندگی خود در ایران اقدام نمایند. ۶- انجام فعالیت هایی که مجوز آن توسط دستگاههای دولتی که بطور قانونی مجاز به صدور مجوز هستند صادر می گردد از قبیل ارائه خدمات در زمینه های حمل و نقل بیمه و بازرسی کالا بانکی بازاریابی و غیره شرکتهای خارجی که در ارتباط با ارائه خدمات در زمینه های مختلف بایکی از دستگاه های دولتی ایران دارای قرارداد باشند و یا برای ارائه خدمات در زمینه های مذکور محتاج به اخذ مجوز از دستگاههای دولتی خاصی باشد که قانونا مجاز به صدور مجوز فعالیت باشند می توانند نسبت به ثبت شعبه و نمایندگی خود در ایران اقدام نمایند ارائه خدمات در زمینه های حمل و نقل اعم از دریایی هوایی زمین با اخذ مجوز از سازمان های ذیربط مانند سازمان حمل و نقل پایانه های کشور میسر است و همچنین فعالیت در زمینه های بانکی با اخذ مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجاز می باشد و همینطور سایر دستگاههای مسئول می توانند در زمینه های یادشده مجوز فعالیت صادر نمایند. ۵- شعبه شرکت خارجی بر اساس ماده ۲ آئین نامه اجرایی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی شعبه شرکت خارجی واحد محلی تابع شرکت اصلی است که مستقیما به وسیله نماینده یا نمایندگان خود موضوع و وظایف شرکت اصلی را درمحل انجام می دهند. ۶- مسئولیت شرکت خارجی فعالیت شعبه در ایران تحت نام و با مسئولیت شرکت اصلی خواهد بود بنابراین کلیه وظایف و مسئولیت های قانونی را شرکت اصلی دارد و در صورت لزوم پاسخگو خواهد بود. ۷- اسناد و مدارک مورد لزوم برای ثبت شعبه شرکت خارجی شرکت های خارجی متقاضی ثبت شعبه در ایران بایستی اسناد و مدارک زیر را تهیه و به اداره کل ثبت شرکتهای و مالکیت صنعتی ارائه نمایند: ۱- درخواست کتبی شرکت ۲- تصویر مصدق اساسنامه شرکت آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبت شده در مراجع ذیربط ۳- آخرین گزارش مالی تایید شده شرکت ۴- گزارش توجیهی حاوی اطلاعات مربوط به فعالیت های شرکت گزارش

توجهی مشتمل بر: الف: اطلاعات مربوط به فعالیت های شرکت ب: تبیین دلائل و ضرورت ثبت شعبه در ایران ج: تعیین نوع و حدود اختیارات و محل فعالیت شعبه د: برآورد نیروی انسانی ایرانی و خارجی مورد نیاز ه: نحوه تامین منابع وجوه ارزی و ریالی برای اداره امور شعبه ۵- ارائه معرفی نامه از دستگاه دولتی در صورتی که دارای قرارداد با آن دستگاه باشند. ۶- اظهارنامه ثبت شعبه شرکت خارجی ۷- تصدیق ثبت شرکت خارجی ۸- اختیارنامه نماینده یا نمایندگان شرکت خارجی ۹- ارائه تعهد نامه دایر بر اینکه چنانچه مجوز فعالیت آنها از سوی مراجع ذی صلاح لغو شود در ظرف مدت معینی که توسط اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی ابلاغ می شود نسبت به انحلال شعبه و معرفی مدیر تصفیه اقدام نمایند. ۱۰- کلیه اسناد شرکت که در کشور خارجی تهیه می گردد پس از تایید مرجع ذیربط و تایید وزارت خارجه آن کشور بایستی به تایید سفارت یا نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آن کشور برسد و پس از ترجمه رسمی به فارسی و تایید اداره فنی دادگستری اصل و ترجمه آن به اداره ثبت شرکتها ارائه گردد. ۸- نماینده یا نمایندگی شرکت خارجی نماینده شرکت خارجی شخص حقیقی یا حقوقی است که بر اساس قرارداد نمایندگی انجام بخشی از موضوع و وظایف شرکت طرف نمایندگی را در محل برعهده گرفته است. ۹- مسئولیت نماینده یا نمایندگی شرکت خارجی نماینده یا نمایندگی نسبت به فعالیتهایی که تحت نمایندگی شرکت طرف نمایندگی در محل انجام می پذیرد مسئولیت خواهد داشت. ۱۰- اداره امور نمایندگی اداره امور نمایندگی ثبت شده طبق آئین نامه اجرای قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتها خارجی باید توسط یک یا چند شخص حقیقی مقیم ایران انجام گیرد. ۱۱- اسناد ومدارک مورد لزوم برای ثبت نمایندگی شرکت خارجی الف: در صورتیکه شخص حقیقی نماینده شرکت خارجی باشد بایستی ترجمه فارسی اسناد و اصل مدارک و اطلاعات زیر را به اداره ثبت شرکتها ارائه نماید. ۱- تصویر مصدق قرارداد نمایندگی با شرکت خارجی ۲- تصویر شناسنامه ۳- آدرس محل سکونت نماینده و محل نمایندگی ۴- ارائه سابقه فعالیت شخص متقاضی ثبت نمایندگی در زمینه امور پیش بینی شد در قرارداد نمایندگی ۵- تصویر مصدق اساسنامه شرکت خارجی طرف نمایندگی آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبت شده در مراجع ذیربط ۶- گزارش فعالیتهای شرکت خارجی طرف نمایندگی و تبیین دلایل و ضرورت اخذ نمایندگی ۷- آخرین گزارش مالی تایید شده شرکت خارجی طرف نمایندگی ۸- ارائه معرفی نامه وزارتخانه ذیربط در صورتی که قرارداد با دستگاه مربوطه منعقد شده باشد ۹- اظهارنامه ثبت شعبه شرکت خارجی ۱۰- تصدیق ثبت شرکت خارجی ۱۱- اختیارنامه نماینده یا نمایندگان عمده شرکت خارجی ۱۲- کلیه اسناد شرکت که در کشور خارجی تهیه می گردد پس از تایید مرجع ذیربط نظیر مرجع ثبت شرکتها و تایید وزارت خارجه آن کشور بایستی به تایید سفارت یا نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آن کشور برسد و پس از ترجمه رسمی به فارسی و تایید اداره فنی دادگستری اصل و ترجمه آن به اداره ثبت شرکتها ارائه گردد. ب: در صورتیکه شخص حقوقی نماینده شرکت خارجی باشد بایستی ترجمه فارسی اسناد و اصل مدارک و اطلاعات زیر را به اداره ثبت شرکتها ارائه نماید. ۱- تصویر مصدق قرارداد نمایندگی با شرکت خارجی ۲- تصویر مصدق اساسنامه شرکت متقاضی ثبت نمایندگی ۳- روزنامه رسمی حاوی آگهی تاسیس شرکت ۴- روزنامه رسمی حاوی آگهی آخرین تغییرات ثبت شده خصوصاً در مورد مدیران ۵- ارائه سابقه فعالیت شخص حقوقی متقاضی ثبت نمایندگی در زمینه امور پیش بینی شده در قرارداد نمایندگی ۶- اساسنامه شرکت خارجی طرف نمایندگی آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبت شده در مراجع ذی ربط ۷- گزارش فعالیت های شرکت خارجی طرف نمایندگی و تبیین دلایل و ضرورت اخذ نمایندگی ۸- آخرین گزارش مالی تایید شده شرکت خارجی طرف نمایندگی ۹- ارائه معرفی نامه وزارتخانه ذیربط در صورتی که قرارداد با دستگاه مربوطه منعقد شده باشد. ۱۰- اظهارنامه ثبت نمایندگی شرکت خارجی ۱۱- تصدیق ثبت شرکت خارجی ۱۲- کلیه اسناد شرکت که در کشور خارجی تهیه می گردد پس از تایید مرجع ذیربط و تایید وزارت خارجه آن کشور بایستی به تایید سفارت یا نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آن کشور برسد و پس از ترجمه رسمی به فارسی و تایید اداره فنی دادگستری اصل و ترجمه آن به اداره ثبت شرکتها ارائه گردد.

۱۲- گزارش فعالیت نمایندگی نماینده یا نمایندگی شرکت خارجی بر اساس ماده ۸ آئین نامه اجرائی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت های خارجی موظفند گزارش فعالیت نمایندگی در ایران را همراه با صورت های مالی حسابرسی شده خود ظرف مدت چهارماه پس از پایان سال مالی به دستگاه های ذیربط ارسال دارند. تذکر: حسابرسی مذکور تا زمانی که آئین نامه اجرائی تبصره ۴ ماده واحده قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه ای حسابداران ذی صلاح به عنوان حسابدار رسمی مصوب ۱۳۷۲ اعلام نشده است باید توسط سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی مورد قبول دستگاه ذی ربط که شرکای آن افراد حقیقی تایید شده توسط اداره نظارت سازمان حسابرسی باشند انجام گیرد. ۱۳- وظایف و مسئولیت های شعبه شرکت خارجی ۱- انحلال شعبه شرکت در صورت لغو مجوز فعالیت از سوی مرجع ذی صلاح ۲- ارائه گزارش سالانه شرکت اصلی مشتمل بر گزارش های مالی حسابرسی شده توسط حسابرسان مستقل مقیم در کشور متبوع به دستگاه ذیربط ۳- ارائه گزارش فعالیت شعبه یا نمایندگی در ایران همراه با صورت های مالی حسابرسی شده ظرف ۴ ماه پس از پایان سال مالی به دستگاه ذیربط برابر ماده ۸ آئین نامه ۴- اداره امور شعبه یا نمایندگی توسط یک یا چند شخص حقیقی مقیم ایران بسمه تعالی تعهدنامه اینجانب نماینده تام الاختیار شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی بر اساس تبصره و ماده ۶ آئین نام اجرائی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی مصوب ۱۱/۱/۱۳۷۸ هیات محترم وزیران تعهد می نمایم در صورتیکه مجوز فعالیت شعبه یا نمایندگی شرکت از سوی مراجع ذی صلاح لغو شود در مهلتی که توسط اداره کل ثبت شرکتهای و مالکیت صنعتی اعلام می گردد نسبت به انحلال شعبه یا نمایندگی شرکت و انجام امور تصفیه آن اقدام نمایم و در صورتیکه در ظرف مهلت اعلامی نسبت به انحلال شعبه یا نمایندگی اقدام ننمایم اداره کل ثبت شرکتهای و مالکیت صنعتی مجاز است که راسا نسبت به انحلال شعبه یا نمایندگی اقدام لازم را مبذول نماید. نام و امضای نماینده تام الاختیار

۲- روش و مراحل ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی

راهنمای ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتهای خارجی - روش و مراحل ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی ۱- نماینده یا وکیل قانونی شرکت خارجی برای ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی پس از تهیه مدارک مذکور در بندهای ۷ و ۱۱ و ۱۵ و ۱۶ این راهنما بنحو ذیل اقدام نماید . ۲- به قسمت حسابداری اداره ثبت شرکتهای مراجعه و قبض پرداخت هزینه تعیین نام را اخذ و به بانک ملی مستقر در ساختمان سازمان ثبت اسناد و املاک کشور یا یکی از شعب بانک ملی فیاض بخش حافظ ثبت کل مراجعه و وجه مربوطه را واریز و سپس به قسمت حسابداری مراجعه تا مسئول مربوطه نسبت به مهر نمودن اظهارنامه اقدام نماید. ۳- با در دست داشتن اسناد و مدارک به واحد تعیین نام اداره ثبت شرکتهای مراجعه و نام شرکت خارجی توسط مسئول تعیین نام در روی اظهارنامه درج گردد و سپس موافقت مسئول اداره ثبت شرکتهای در رابطه با نام اخذ گردد. تذکر: توجه شود که نام اخذ شده عین نام کامل شرکت خارجی با قید شعبه یا نمایندگی باشد و از ترجمه نام یا اختصار آن اکیدا خودداری گردد. ۴- مدارک به قسمت پذیرش اداره ثبت شرکتهای تحویل و رسیدی که در آن تاریخ مراجعه مشخص شده اخذ شود. ۵- در تاریخ تعیین شده به قسمت اعلام نتیجه مراجعه با ارائه اصل رسید نسبت به دریافت مدارک اقدام گردد . الف: ۱- در صورتی که کارشناس ایراد و نقصی در مدارک تحویل مشاهده نموده نسبت به تهیه پیش نویس آگهی ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی اقدام و پس از امضای مسئول اداره ثبت شرکتهای تحریر می گردد. ۲- متقاضی با مراجعه به بانکهای نامبرده در فوق نسبت به پرداخت حق الثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی و پرداخت حق الدرجه در روزنامه کثیرالانتشار پس از اخذ قبض از واحد روابط عمومی مستقر در اداره ثبت شرکتهای اقدام می کند. ۳- قبض های پرداختی حق الثبت به بانک به حسابداری اداره ثبت شرکتهای ارائه و مسئول حسابداری نسبت به درج مبلغ پرداختی در روی اظهارنامه و ممهور نمودن آن اقدام می نماید. ۴- به قسمت ثبت تاسیس و تغییرات مراجعه تا مراتب ثبت با

سند برابر است از نماینده یا وکیل قانونی امضا اخذشود و شماره ثبت نمایندگی یا شعبه شرکت خارجی تعیین می گردد. ۵- پس از ثبت در دفاتر مسئول اداره ثبت شرکتها نسبت به امضا آگهی ثبت اقدام و سپس در دفتر اندیکاتور ثبت می شود. ۶- یک نسخه از آگهی تاسیس شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی به واحد روابط عمومی مستقر در اداره ثبت شرکتها جهت درج در روزنامه کثیر الانتشار تحویل و رسید اخذ می شود. ۷- نسخه اصلی آگهی ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی تحویل دفتر شرکت سهامی روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران واقع در پارک شهر خ بهشت ساختمان دادگستری جهت درج در روزنامه رسمی گردد پس از تعیین حق الدرجه و صدور قبض بانکی وجه مربوطه به بانک مستقر در ساختمان مذکور پرداخت و قبض مربوطه و آگهی تحویل دفتر شود مسئول مربوطه ضمن تحویل برگ رسید تاریخ مراجعه و وصول نسخ روزنامه رسمی حاوی درج آگهی ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت خارجی را معین می کند. ب: ۱- در صورت نقص در مدارک یا وجود ایراد کارشناس مراتب را کتبا اعلام می نماید. ۲- پس از رفع نقص یا ایراد مدارک به قسمت پذیرش اداره ثبت شرکتها تحویل تا بنحو فوق مورد بررسی و آگهی قرار گیرد.

۳- روش و مراحل ثبت شرکت (مشارکت ایرانی و خارجی)

راهنمای ثبت شعبه یا نمایندگی شرکتها خارجی - روش و مراحل ثبت شرکت (مشارکت ایرانی و خارجی) چنانچه شریک خارجی شخص یا اشخاص باشد حداکثر میزان سهم ایشان ۴۹٪ می باشد و این مطلب بعد از تصویب لایحه قانونگذاری به لحاظ مطالب به وجود آمده در کشور اسرائیل و فلسطین به وجود آمده است بنابراین خارجیان می توانند برای ثبت شرکت در ایران اقدام نموده ولی میزان سهم ایشان می تواند حداکثر ۴۹٪ سهام باشد. برای ثبت شرکت خارجی با شخص یا شرکت ایرانی مدارک لازم به شرح زیر می باشد: ۱- ترجمه و کپی از تمامی صفحات پاسپورت فرد خارجی به گونه که نامبرده دارای مهر ویزای ایران باشد. ۲- امضای فرد خارجی در ذیل اوراق ثبت شرکتها ایران ۳- تعیین میزان سرمایه شرکت به گونه ای که کمتر از ده هزار دلار امریکا نباشد. چنانچه شریک خارجی شرکت باشد باز هم حداکثر میزان سهم ایشان ۴۹٪ می باشد مگر اینکه اداره سرمایه گذاری اتباع خارجی با داشتن میزان سهام بیش از ۴۹٪ موافقت کند که لازمه این موافقت پس از ثبت شرکت ایرانی به میزان ۴۹٪ خارجی و ۵۱٪ ایرانی قابل بررسی و اجرا می باشد. مدارک لازم برای ثبت شرکت به گونه ای که شریک خارجی شرکت باشد به شرح زیر میباشد: ۱- ترجمه و اصل اساسنامه شرکت خارجی ۲- ترجمه و اصل سوگند نامه شرکت خارجی ۳- ترجمه و اصل اظهارنامه ثبت شرکت خارجی ۴- ترجمه گواهی ثبت شرکت خارجی در کشور متبوع ۵- ترجمه و اصل موافقت نامه فی مابین شرکت ایرانی و خارجی مبنی بر ایجاد و ثبت شرکت جدید در ایران ۶- دو نامه معرفی نامه ترجمه و اصل ۷- معرفی فقط یک نماینده جهت عضویت در هیات مدیره در شرکت شرف تاسیس و حضور در مجامع و جلسات هیات مدیره آن شایان ذکر است هر شرکت می تواند فقط یک نماینده جهت شرکت در شرف تاسیس معرفی نماید ۸- ترجمه و اصل اختیار و وکالت با حق توکیل به غیر توسط شرکت خارجی به نماینده شرکت بطوریکه در تمامی موارد نماینده اختیار تام داشته باشد ۹- سرمایه شرکت ایرانی می بایست مطابق با ۵۱٪ سرمایه شرکت خارجی باشد و سرمایه شرکت در شرف تاسیس متشکل از مجموع سرمایه دو شرکت ایرانی و خارجی می باشد. ۱۰- امضای نماینده و مهر شرکت خارجی در ذیل اوراق ثبت شرکت در شرف تاسیس که از طرف شرکت سماء در اختیار شما گذاشته می شود. ۱۱- اساسنامه ها متشکل از دو قسمت خارجی و ایرانی می باشد که در ذیل قسمت لاتین نماینده شرکت خارجی و در ذیل اوراق قسمت فارسی شرکت ایرانی امضا می نمایند. چنانچه دو شرکت ایرانی و خارجی قصد مشارکت و جوینت ونچر داشته باشند تمامی مراحل ان مانند یازده مورد فوق می باشد با این فرق که اوراق ایرانی نیازی به ترجمه ندارد و بعد از ثبت مراحل در واحد دارائی قسمت اتباع خارجه دارد که در صورت نیاز به استفاده از تسهیلات مشارکت مطالب را با شرکت

سما در میان بگذارید. نمونه معرفی نامه اول : احتراماً آقای فرزند به نمایندگی این شرکت جهت حضور در مجامع و جلسات هیات مدیره در شرکت در شرف تاسیس به حضور معرفی می گردد. مهر و امضا شرکت خارجی معرفی نامه دوم : اداره محترم ثبت شرکتهای احتراماً این شرکت ضمن موافقت خود جهت تاسیس شرکت در شرف تاسیس در ایران آقای فرزند را به نمایندگی خود با حق توکیل به غیر جهت عضویت در هیات مدیره شرکت در شرف تاسیس به حضور معرفی می نماید ضمناً نامبرده در کلیه موارد ثبت از این شرکت و کالت تام با حق توکیل به غیر را دارد. نمونه امضا نماینده شرکت نمونه امضا شرکت خارجی هر دو نامه فوق به لاتین و با ترجمه فارسی ضمیمه باشد. تمامی ترجمه ها باید به تایید سفارت ایران در کشور متبوع برسد.

۴- شرکت های تضامنی ونسبی

راهنمای ثبت شعبه یانماینده گی شرکتهای خارجی - شرکت های تضامنی ونسبی نظر به اینکه شرکت نسبی از نظر نحوه تاسیس و طرز کار و انحلال با توجه به مواد ۱۸۵ تا ۱۸۹ ق.ت. همانند شرکت تضامنی است (مواد ۱۱۸ تا ۱۲۳ و ۱۲۶ جز مسئولیت شرکا که به نسبت سرمایه آنها از کل بدهی می باشد و مواد ۱۲۷ تا ۱۳۶) و تنها وجه افتراق این دو شرکت در میزان مسئولیت مدنی شرکا بعد از انحلال در مقابل طلب طلبکاران می باشد لذا شرکت تضامنی را مورد مطالعه قرار می دهیم. شرکت تضامنی مطابق ماده ۱۱۶ ق.ت. (شرکتی است که تحت اسم مخصوص برای امور تجارتهای بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می شود. اگر دارایی شرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکا مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است هر قراری که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود). بنابراین مطابق ماده فوق الذکر شرکت تضامنی تحت عنوان اسم خاص و برای امور تجارتهای تشکیل می شود و حداقل دو نفر باید در آن عضویت داشته باشند. این شرکت یکی از قدیمی ترین نوع شرکت ها می باشد و به علت مسئولیت نامحدود شرکا در برابر اشخاص ثالث بسیار مورد اقبال اشخاص ثالث است و به همین علت هم افراد تمایل کمتری به تشکیل این نوع شرکت از خود نشان می دهند. این شرکت در ایران و فراسنه دارای شخصیت حقوقی است در حالی که در کشورهای آنگلو ساکسون فاقد شخصیت حقوقی می باشد. مطابق ماده ۱۱۷ ق.ت. : (در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لااقل اسم یک نفر از شرکا ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسمی تمام شرکا نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتهای از قبیل (و شرکا) یا (برادران) قید شود.) به خاطر اهمیت فوق العاده ای که شخصیت و اعتبار شریک در شرکت تضامنی دارد قانون تصریح اسم شریک یا شرکا را به دنبال نام شرکت ضروری می داند و این امر بدین لحاظ می باشد که چون اعتبار شریک ضامن اعتبار شرکت می باشد. کسی که بخواهد با شرکت تضامنی معامله کند باید از قبل بداند که اعتبار چه کسانی سرمایه شرکت می باشد. ولی از آنجا که ممکن است تعداد شرکا زیاد باشد قید نام همه آنان امکان ندارد و به همین دلیل قانونگذار تصریح کرده است که در این حالت اسم یکی از شرکا نوشته شده و به دنبال آن عبارتهای از قبیل (و شرکا) یا (و برادران) نوشته می شود. در این حالت هر کسی بخواهد با شرکت تضامنی معامله کند می تواند با شناخت شریکی که اسم او به دنبال اسم شرکت آمده و عبارتهای بعدی با اطمینان بیشتری با شرکت وارد معامله و تجارت گردد. نکته مهمی که در این بحث وجود دارد تاکید قانونگذار بر مسئولیت جمعی شرکا است چرا که قید الزام به درج نام شریک و یا شرکا در اسم شرکت مبین این است که آنها در قبال همه طلبکاران مسئولیت تضامنی خواهند داشت و قبل از اینکه افراد به معامه با شرکت فکر کنند اعتبار شرکایی برای آنها مهم است که شرکت را بوجود آورده اند و به خاطر همین نکته قانونگذار در جای دیگر که شریک مسئولیت تضامنی در شرکت ندارد از درج نام شریک در اسم شرکت ممانعت به عمل آورده و در صورتی که اسم شریک

بدون داشتن مسئولیت تضامنی در شرکت به دنبال اسم شرکت آورده شود. او را در قبال طلبکاران دارای مسئولیت تضامنی می شناسد (ماده ۹۵ ق.ت). نکته دیگر که در این خصوص قابل ذکر است فوت و یا خروج شریک یا شرکایی است که اسم آنها در شرکت آمده است. در این حالت چون متعاملین با شرکت بیشتر به اعتبار شریک یا شرکای مذکور با شرکت معامله می کنند واز آنجا که بقای نام آنها به دنبال شرکت مفهوم این نکته است که آنها هنوز در شرکت حضور دارند طبیعی است که باید با فوت یا خروج آنها اسم آنها نیز از شرکت حذف گردد.

۳۷- راهنمای ثبت صندوق قرض الحسنه

۱- مدارک مورد نیاز ثبت موسسه قرض الحسنه

راهنمای ثبت صندوق قرض الحسنه - مدارک مورد نیاز ثبت موسسه قرض الحسنه صندوقهای قرض الحسنه در قالب موسسه غیر انتفاعی در اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری پس از کسب موافقت اداره کل اطلاعات نیروی انتظامی بنا به روش زیر به ثبت می رسد. الف : مدارک مورد نیاز ثبت موسسه قرض الحسنه: ۱- دو جلد اساسنامه که به امضای موسسین و هیات امنای رسیده باشد و یک نسخه کپی آن . ۲- دو برگ تقاضا نامه ثبت موسسات غیر تجاری که به امضای موسسین و اعضای هیات امنای رسیده باشد و یک نسخه کپی آن ۳- مجوز ثبت صادره از اداره کل اطلاعات نیروی انتظامی ۴- فتوکپی شناسنامه برابر اصل شده موسسین و هیات امنای و هیات مدیره و بازرسین و یک نسخه کپی آن . ب : روش ثبت موسسه قرض الحسنه: ۱- با استفاده از اساسنامه ضمیمه دو جلد اساسنامه که ذیل تمام صفحات به امضای موسسین و هیات و اعضا هیات مدیره امنای رسیده باشد و یک نسخه کپی آن ۲- صورتهای ضمیمه اساسنامه که اعضای هیات امنای و هیات مدیره و بازرسین مشخص شده و به امضای آنان رسیده باشد ۳- تقاضانامه ثبت موسسات غیر تجاری که برای تقاضانامه ثبت موسسه قرض الحسنه نیز ازان می توان استفاده نمود تکمیل و به امضا موسسین و هیات امنای و هیات مدیره رسیده باشد. (تذکر : تقاضانامه مذکور بایستی از اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری اکتیاف شود) ۴- فتوکپی شناسنامه موسسین و اعضای هیات امنای و هیات مدیره و بازرسین درمراجع ذیصلاح برابر اصل شود . ۵- پس از تهیه مدارک فوق الذکر یک سری کپی از تمام آنها تهیه شود به همراه سایر مدارک تحویل اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری شود . ۶- احدی از اعضا هیات مدیره یا هیات امنای وکیل رسمی شرکت با در دست داشتن مدارک فوق الذکر برای تعیین نام به قسمت تعیین نام اداره ثبت شرکتها مراجعه نماید (در این راستا لازم است قبلا هماهنگی لازم بین موسسین و اعضا هیات مدیره و هیات امنای در خصوص تعیین چندانام برای موسسه قرض الحسنه به عمل آید و چند نام انتخاب شود و معمولا برای موسسات قرض الحسنه از اسما متبرک که دارای قداست خاصی در بین مردم می باشد و بدون سابقه ثبت هم باشد استفاده و به قسمت تعیین نام مراجعه شود) ۷- مسئول تعیین نام یکی از اسما که دارای معنا و مفهوم خاص باشد و نیز سابقه ثبت ندارد را در انتخاب و در روی برگ تقاضانامه درج می نماید و بایستی موافقت باین نام از مسئولین اداره ثبت شرکتها اخذ و نام معینه در دفتر تعیین نام ثبت شود . ۸- مدارک اصل و کپی تحویل قسمت پذیرش شود و مسئول مربوطه در بدو امر نسبت به بررسی اجمالی مدارک اقدام و سپس تحویل گرفته می شود و برگ رسید با تعیین تاریخ مراجعه بعدی برای اخذ پاسخ صادر و تحویل ذینفع می شود. ۹- در تاریخ معینه در برگ رسید به قسمت اعلام نتیجه مراجعه شود کارشناس مربوطه برای ثبت موسسه قرض الحسنه نیاز به استعلام دارد فلذا نسبت به استعلام از اداره کل اطلاعات نیروی انتظامی اقدام می نماید و شماره و تاریخ استعلام را به ذینفع جهت پیگیری بعدی تسلیم می نماید. ۱۰- پس از گذشت مدتی بایستی با هماهنگی قبلی به اداره استعلام شونده مراجعه و فرم های مربوطه توسط موسسین و اعضای هیات امنای و اعضای هیات مدیره کامل شود و اداره مذکور پس از بررسی صلاحیت متقاضیان مراتب موافقت با ثبت موسسه

قرض الحسنه را کتبا به اداره ثبت شرکتها اعلام می نماید. ۱۱- کارشناس اداره ثبت شرکتها پس از وصول مراتب موافقت اداره استعلام شونده نسبت به تهیه آگهی تاسیس موسسه قرض الحسنه اقدام می نماید. ۱۲- در مراجعه بعدی به اداره ثبت شرکتها آگهی تاسیس موسسه قرض الحسنه را دریافت و به حسابداری جهت دریافت قبض حق الثبت و هم چنین واحد روابط عمومی مستقر در اداره ثبت شرکتها جهت تعیین حق الدرجه انتشار آگهی تاسیس در روزنامه کثیرالانتشار مراجعه و مبالغ معینه به شعبه بانک ملی ایران مستقر در سازمان ثبت پرداخت گردد. ۱۳- پس از پرداخت ها فیش پرداختی حق الثبت به واحد حسابداری اداره ثبت شرکتها ارائه و مسئول مربوطه نسبت به مههور نمودن پیش نویس آگهی اقدام می نماید و سپس آگهی تاسیس موسسه قرض الحسنه به واحد ثبت تاسیس و تغییرات تحویل داده می شود. ۱۴- مسئول مربوطه با ثبت آگهی تاسیس موسسه قرض الحسنه در دفتر ثبت ضمن تعیین شماره ثبت و درج آن در روی اوراق مربوطه در ذیل ثبت از شخص معرفی شده در ذیل صورتجلسه ها با قید جمله ثبت با سند برابر است امضا اخذ می نماید. ۱۵- آگهی تاسیس موسسه قرض الحسنه به دبیرخانه تحویل شود دبیرخانه ضمن شماره نمودن آگهی تاسیس نسخه مدارک مربوط به موسسه را تحویل نماینده معرفی شده می نماید و نماینده مذکور نسخه آگهی مربوط به درج در روزنامه کثیرالانتشار را تقدیم واحد روابط عمومی مستقر در اداره ثبت شرکتها می کند و نسخه مربوط به درج روزنامه رسمی به شرکت روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران سهامی خاص مستقر در خ بهشت ساختمان دادگستری تحویل می دهد و مسئول مربوطه ضمن تعیین مبلغ حق الدرجه و صدور فیش نماینده موسسه بایستی مبلغ معینه را به بانک پرداخت و فیش مربوطه را به دفتر روزنامه رسمی تحویل نماید و در این مرحله کار ثبت موسسه به اتمام رسیده است. تذکر: ۱- در صورت نیاز فوری به آگهی تاسیس چند نسخه کپی از آگهی تاسیس موسسه قرض الحسنه تهیه که در هنگام تحویل آگهی مههور به مهر روزنامه رسمی می شود و تا زمان انتشار روزنامه رسمی از این آگهی مهر شده می توان استفاده قانونی کرد. ۲- موسسات نیز مانند شرکتها می توانند دفاتر روزنامه وکل و دارایی داشته باشند و در این صورت لازم است که دفاتر مزبور تهیه و با ارائه آگهی مههور به مهر روزنامه رسمی و ابتیاع اظهارنام پلمپ دفاتر از واحد فروش اوراق بهادار و تکمیل امضای آنها توسط دارندگان یا مدیرعامل و یا موسسه و ارائه آن به واحد پلمپ دفاتر نسبت به پلمپ دفاتر روزنامه و کل و دارایی اقدام لازم بعمل خواهد آمد. ۱۶- برای اعمال تغییرات بعدی در موسسه قرض الحسنه می توان از راهنمای ثبت موسسه و تغییرات آن مندرج در این راهنما استفاده شود.

۲- اساسنامه صندوق قرض الحسنه

راهنمای ثبت صندوق قرض الحسنه - اساسنامه صندوق قرض الحسنه این صندوق با الهام از تعالیم عالیه اسلام و با استظهار به عنایات خاصه حضرت بقیه اله امام زمان حجه بن الحسن العسگری عجل الله تعالی فرجه الشریف به منظور انجام خدمات عام المنفعه و نشر و تعلیم و ترویج فرهنگ اسلامی به هر نوع و هر کیفیت و کمک به تامین نیازها و بهبود زندگی نیازمندان جامعه و اعطای وامهای بدون بهره (قرض الحسنه) از طریق دریافت پولهای ذخیره شده توسط مردم که بصورت قرض در اختیار صندوق قرار خواهند داد با حفظ ورعایت موازین شرعی و مقررات جمهوری اسلامی ایران تشکیل می گردد. فصل اول نام - تابعیت - مدت - مرکز - موضوع - سرمایه ماده ۱- این موسسه بنام صندوق است که در این اساسنامه اختصارا صندوق نامیده می شود. ماده ۲- صندوق دارای تابعیت ایرانی است. ماده ۳- صندوق برای مدت نامحدود تشکیل شده است. ماده ۴- مرکز اصلی صندوق در است و صندوق می تواند پس از کسب موافقت با رعایت مقررات و موازین مربوطه در تهران یا سایر نقاط داخل و خارج کشور شعبه دایر و یا نمایندگی اعطا نماید. ماده ۵- موضوع صندوق انجام کارهای عام المنفعه بطور غیر انتفاعی و بشرح زیر می باشد. الف - پرداخت وامهای بدون بهره (قرض الحسنه) و اعطای اعتبارات بدون بهره به اشخاص اعم از حقیقی و

حقوقی با رعایت موازین شرعی . ب - دریافت وام و اعتبار بدون بهره از منابع داخلی و خارجی و قبول هدایا ج - وصول وجوه و اسناد امانتی اشخاص و قبول نمایندگی و وکالت د - اقدام در جهت اشاعه و نشر و ترویج فرهنگ اسلامی بھر نحو و کیفیت و انجام امور خیریه و خدمات عام المنفعه در جهت پیشبرد اهداف اسلامی (انتشار هر گونه مطبوعه ای پس از کسب اجازه از وزارت ارشاد اسلامی و دریافت پروانه انتشار با رعایت کامل قانون مطبوعات انجام خواهد گرفت.) ه - افتتاح حسابهای پس انداز و جاری و یا هر نوع حساب بدون بهره دیگر و - انجام عملیاتی از قبیل اداره اموال دیگران اعم از منقول و غیر منقول حفاظت وصایت قیمومت و وکالت ز - از آنجا که کلیه اهداف و فعالیتهای صندوق منحصر در جهت جلب رضای خداوند و خدمت به جامعه مسلمین است لذا انجام عقود شرعی در حدود تامین هزینه متعارف صندوق مجاز بوده و کیفیت آن مطابق با قوانین فقهی شرعی و مقررات کشوری و بر اساس آیین نامه های داخلی خواهد بود. تبصره ۱ - طرحها برنامه ها و سایر اقداماتی که در اساسنامه پیش بینی شده و به نحوی با وظایف یکی از وزارتخانه ها یا سازمانهای دولتی ارتباط دارد پس از کسب موافقت وزارتخانه یا سازمان دولتی ذیربط به مرحله اجرا در خواهد آمد. تبصره ۲ - صندوق و اعضا وابسته به آن بنام صندوق حق فعالیت سیاسی یا وابستگی به احزاب و گروههای سیاسی را ندارد. تبصره ۳ - صندوق و اعضای وابسته به آن التزام خود را به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام می دارند. تبصره ۴ - هر گونه تغییر در مفاد اساسنامه هیات مدیره پس از موافقت نیروی انتظامی قابل اجرا می باشد. ماده ۶ - سرمایه صندوق ریال است که توسط موسسین و مردم تامین گردیده است. فصل دوم - ارکان صندوق ماده ۷ - ارکان صندوق عبارتند از : هیات امانا هیات مدیره و بازرسان که تابع مقررات کلی اساسنامه خواهند بود. ماده ۸ - هیات امانا صندوق مرکب از ۲۹ نفر است که از سوی موسسین انتخاب می شوند این هیات بالاترین مقام صندوق بوده و در هر حال و هر مورد نایب مناب موسسین می باشد. ماده ۹ - هر یک از اعضا هیات امانا باید در هنگام حیات خود یک فرد متدین و مورد اعتماد را که دارای صلاحیت اخلاقی باشد برای جانشینی خویش معرفی نماید که بعد از وفات وی بعنوان عضو هیات امانا انجام وظیفه نماید عضو مذکور باید مورد قبول حداقل سه چهارم اعضا هیات امانا قرار گیرد و بهمین ترتیب هر کس که بعدا به عضویت هیات امانا برگزیده می شود باید جانشین خود را به ترتیب ذکر شده معین و معرفی نماید بطوریکه تکالیف و وظایف مقرر در این اساسنامه بدون وقفه انجام پذیر باشد. تبصره ۱ - چنانچه هر یک از اعضا هیات امانا در زمان حیات خویش از تعیین و معرفی جانشین و یا از ادامه همکاری به هر صورت و به هر یک کیفیت خودداری نماید هیات امانا شخص واجد شرایط و مورد اعتماد خود را از میان داوطلبان و با اکثریت آرا انتخاب نموده و بعنوان عضو هیات امانا به جانشینی شخص مذکور خواهد پذیرفت . تبصره ۲ - امتناع یا عدم حضور در جلسات در صورتی محرز می شود که عضو ممتنع کتبا انصراف خود را به هیات امانا اطلاع دهد و در غیر اینصورت با اخطار کتبی هیات امانا چنانچه ظرف ۱۵ روز عضو مذکور حاضر به ادامه همکاری نشود یا دلیل موجه عدم حضور خود را ارائه ندهد از عضویت در هیات امانا مستعفی تلقی می شود و هیات امانا برای انتخاب جانشینی او تصمیم خواهد گرفت. تبصره ۳ - چنانچه اکثریت هیات امانا تشخیص دهند که یکی از اعضا هیات امانا یا جانشین او فاقد صلاحیت اخلاقی و دینی است و یا بعدا این تغییر در وی بوجود آید شخص دیگری را که واجد شرایط و مورد اعتماد باشد با اکثریت آرائی به جای شخص نامبرده انتخاب خواهند نمود. ماده ۱۰ - هیات امانا حداقل هر سه ماه یکبار برای رسیدگی به امور صندوق تشکیل جلسه خواهند داد دعوت از اعضا هیات امانا بوسیله رئیس هیات مدیره و یا نایب رئیس بعمل خواهد آمد و در مورد ضروری اعضا هیات امانا یا هیات مدیره و یا بازرسان می توانند هیات امانا را دعوت کنند. تبصره: جلسه هیات امانا با حضور حداقل دوسوم اعضا رسمیت خواهد یافت. ماده ۱۱ - دعوت هیات امانا بوسیله پست یا تلفن و یا به هر نحو مقتضی دیگر بعمل خواهد آمد فاصله تاریخ ابلاغ دعوتنامه با روز جلسه باید حداقل ۵ روز باشد. ماده ۱۲ - تصمیمات هیات امانا با رای دو سوم افراد حاضر در جلسه معتبر خواهد بود. ماده ۱۳ - وظایف و اختیارات هیات امانا عبارت است از : رسیدگی به ترازنامه و بیلان استماع گزارش بازرسان انتخاب و عزل و تجدید انتخاب اعضا هیات مدیره و بازرسان تعیین روزنامه

کثیرالانتشار برای درج آگهی های صندوق اصلاح اساسنامه بجز مواردی که مربوط به اهداف و مدت صندوق است تا مین زمان احتمالی تعیین خط مشی صندوق انحلال تصفیه ماده ۱۴- هیات مدیره صندوق دارای حداقل ۷ نفر عضو اصلی و ۵ نفر عضو علی البدل خواهد بود که توسط هیات امانا از بین اعضا یا از خارج بمدت ۲ سال انتخاب می شوند ماده ۱۵- شرکت اعضا هیات مدیره در جلسات هیات مدیره ضروری است و غیبت هر یک از اعضا بدون عذر موجه و بدون اطلاع قبلی تا سه جلسه متوالی در حکم استعفای عضو غایب خواهد بود. ماده ۱۶- در صورت استعفا یا فوت یا سلب شرایط از هر یک از اعضا هیات مدیره عضو علی البدل برای مدت باقی مانده هیات مدیره بجای عضو اصلی انجام وظیفه خواهد نمود. ماده ۱۷- صاحبان امضا اعضا اصلی هیات مدیره و کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور با امضا حداقل دو نفر از اعضا اصلی و مدیرعامل یا قائم مقام او و مهر صندوق معتبر خواهد بود. ماده ۱۸- هیات مدیره باید در نخستین جلسه خود که حداکثر یک هفته بعد از انتخاب آنان توسط هیات امانا تشکیل خواهد شد از بین خود یک نفر را بعنوان رئیس هیات مدیره و یک نفر را بعنوان نایب رئیس انتخاب نمایند. ماده ۱۹- انتخاب مجدد هر یک از اعضا اصلی و علی البدل هیات مدیره بلامانع است. ماده ۲۰- هیات مدیره علاوه بر جلساتی که بطور مرتب و حداقل هر ۱۵ روز یکبار تشکیل خواهد داد بنابه ضرورت با دعوت کتبی یا تلفنی رئیس یا نایب رئیس یا مدیرعامل و یا چند نفر از اعضا هیات مدیره تشکیل جلسه فوق العاده خواهد داد فاصله بین ارسال دعوتنامه و یا تلفن و تشکیل جلسه هیات مدیره حداکثر سه روز خواهد بود. ماده ۲۱- جلسات هیات مدیره در صورتی رسمی و معتبر خواهد بود که حداقل با حضور دوسوم اعضا تشکیل شود هر گونه تصمیم با رای موافق اکثریت مطلق هیات مدیره معتبر خواهد بود. ماده ۲۲- وظایف و اختیارات هیات مدیره: نمایندگی در برابر اشخاص ثالث ادارات و موسسات دولتی و خصوصی عزل و نصب ماموران و کارکنان صندوق تعیین شغل یا ترفیع و تنبیه و اجرای شرایط استخدامی افتتاح حساب جاری و هر گونه حساب دیگر نزد بانکها یا سایر موسسات و اشخاص حقوقی و اعتباری وصول مطالبات و پرداخت دیون صنوق قبول تعهد ظهن نویسی و یا قبولی انجام هر نوع معامله و انعقاد قرارداد و تقسیم و تبدیل و فسخ و اقاله و ابطال و واگذاری و اجرای آنها نسبت به اموال منقول و غیر منقول و حقوق و اسناد و اوراق اجاره و استجاره و واگذاری و فسخ اجاره و درخواست تعدیل و دفاع از آن رهن گذاردن و رهن گرفتن اموال صندوق اقامه و تعقیب و دفاع از هر گونه دعوت یا انصراف و استرداد آن با داشتن تمام اختیارات کليه مراحل دادرسی اعم از دادگاههای عمومی و دیوان کشور و سایر مراجع یا حق مصالحه و سازش و تعیین و کیل با حق توکیل غیر ادعای جعل و انکار نسبت به سند طرف و استرداد سند و تعیین جاعل ارجاع دعوی به داوری و تعیین داور و کیل با حق توکیل غیر ولو کرارا و عزل و انتخاب مجدد آنها تعیین میزان حق الوکاله انتخاب مصدق و کارشناس اقرار نسبت به کلیه امور دعوی خسارت جلب ثالث و دفاع از آن دعوی متقابل و دفاع از آن درخواست صدور اجرائیه اعم از دادگاههای دادگستری و اجرای ثبت و هر دادگاه دیگر و تعقیب عملیات اجرائی و اخذ محکوم به اجرای مصوبات هیات امانا قبول یا رد هدایات و وجوه بلاعوض یا کسب اختیار نام در نوع مصرف آن . ماده ۲۳- هیات مدیره باید از بین خود یا از خارج یک نفر شخص حقیقی ایرانی مسلمان و خوشنام را به مدیریت عامل انتخاب نموده و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین نماید مدیر عامل بالاترین مقام اجرائی صندوق است و در حدود اختیاراتی که از طرف هیات مدیره به وی تفویض شده است نماینده صندوق محسوب شده و از طرف صندوق حق امضا دارد . ماده ۲۴- اگر مدیرعامل عضو هیات مدیره باشد دوره مدیریت عامل اوزامدت عضویت او در هیات مدیره بیشتر نخواهد بود ولی در هر حال انتخاب مجدد او برطبق مقررات این اساسنامه بلامانع است ماده ۲۵- مدیرعامل می تواند به مسئولیت خود برای خویش قائم مقام و یا معاون انتخاب نموده و با قبول مسئولیت کامل تمام یا قسمتی از اختیارات خود را به او یا هر یک از کارکنان صندوق تفویض نماید . ماده ۲۶- هیات امانا یک بازرس اصلی و یک بازرس علی البدل برای مدت یکسال از بین خود یا از خارج انتخاب می کنند. ماده ۲۷- بازرس باید درباره صحت صورت دارائی و عملکرد صندوق و درباره صحت دارائی و عملکرد صندوق و درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران

دراختیار هیات امنا گذاشته اند کتا اظهار نظر نماید. ماده ۲۸- در صورت فوت یا استعفا یا معذوریت بازرس اصلی یا سلب شرایط از او بازرس علی البدل بجای او انجام وظیفه خواهد نمود. ماده ۲۹- بازرس می تواند در هر موقع و بهر گونه رسیدگی و بازرسی را در مورد عملیات صندوق انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوطه را مطالعه کرده و مورد رسیدگی قرار دهد و در صورت لزوم تقاضای تشکیل جلسه فوق العاده هیات امنا را بنماید. ماده ۳۰- هیات مدیره و بازرسان تازمانی که جانشین آنها از سوی هیات امنا تعیین و معرفی نشده است به مسئولیت خود باقی خواهند بود. فصل سوم - سال مالی - انحلال و تصفیه ماده ۳۱- سال مالی صندوق از اول فرودین ماه هر سال شروع و در پایان اسفندماه همان سال خاتمه می یابد اولین سال مالی صندوق از تاریخ ثبت تاپایان اسفند همان سال است. ماده ۳۲- انحلال و تصفیه: چنانچه بعللی تصمیم به انحلال صندوق گرفته شود هیات امنا با اکثریت سه چهارم مجمع ارا ۵ نفر از بین خود یا اعضا هیات مدیره یا خارج بعنوان هیات تصفیه انتخاب می نمایند. ماده ۳۳- هیات تصفیه پس از رسیدگی به حسابها و تصفیه بدهی ها و تعیین دارائی مسلم اعم از منقول و غیر منقول و وصول مطالبات باقی مانده دارائی صندوق را با تصویب هیات امنا و بانظر نماینده ولی فقیه به یکی از مراکز خیریه واگذار خواهد کرد

۳۸- راهنمای اخذ کارت بازرگانی

۱- مدارک مورد نیاز برای صدور اظهارنامه ثبت نام در دفاتر بازرگانی در اداره ثبت شرکتها

راهنمای اخذ کارت بازرگانی - مدارک مورد نیاز برای صدور اظهارنامه ثبت نام در دفاتر بازرگانی در اداره ثبت شرکتها
تشریفات صدور کارت بازرگانی در اداره کل ثبت شرکتها و مالیکت صنعتی و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران صورت می گیرد. در بدو امر مراحل و مدارک مورد نیاز در اداره ثبت شرکتها ذکر و در مرحله دوم مراحل و مدارک مورد نیاز در اتاق بازرگانی شرح داده می شود. ۱- سه برگ اظهارنامه ثبت نام در دفاتر بازرگانی ۲- پلمپ دفاتر تجارتي (روزنامه و کل) در سال جاری و ارائه گواهی پلمپ دفاتر تجارتي ۳- یک برگ فتوکپی شناسنامه (در صورتی که متقاضی شخص حقیقی باشد) ۴- فتوکپی آگهی تاسیس شرکت و آخرین تغییرات آن (در صورتی که متقاضی شخص حقوقی باشد) ۵- فیش پرداختی حق الثبت نام در دفاتر بازرگانی ۶- چنانچه امور توسط وکیل رسمی شرکت یا شخص انجام می شود اصل یا فتوکپی برابر اصل سند رسمی وکالت شرح موارد: ۱- سه برگ اظهارنامه ثبت نام در دفاتر بازرگانی را از دایره فروش اوراق بهادار مستقر در اداره کل ثبت شرکتها و مالیکت صنعتی ابتياع و طبق فرم ضمیمه آن را تکمیل و امضا نمایند. ۲- هر شخصی (اعم از حقیقی یا حقوقی) که تاجر محسوب شود می بایستی دارای دفاتر قانونی باشد این دفاتر طبق قانون تجارت دفتر روزنامه دفتر کل دفتر دارایی و دفتر کپی می باشد امروزه با وجود دستگاههایی از قبیل فتوکپی فاکس و امثالهم وجود دفتر کپی ضروری بنظر نمی رسد و دیگر دفاتر در اداره ثبت شرکتها پلمپ می شود و تاجر وفق مقررات نسبت به درج صورت حسابهای خود در آنها اقدام می نماید این دفاتر وقتی دارای سندیت خواهد بود که در اداره ثبت شرکتها نسبت به ثبت و پلمپ آنها اقدام نماید. برای اخذ کارت بازرگانی اشخاص حقوقی و حقیقی بایستی دارای دفاتر قانونی (روزنامه و کل) باشند بنابراین با توجه به میزان معاملات خود نسبت به اخذ دفتر با تعداد صفحات لازم (۵۰ برگگی ۱۰۰ برگگی ۲۰۰ برگگی و یا بالاتر) تهیه و در دایره پلمپ دفاتر ثبت شرکتها اقدام و یک برگ گواهی پلمپ دفاتر تجارتي از واحد فروش اوراق بهادار تهیه و پس از پلمپ دفاتر نسبت به تکمیل آن (طبق فرم ضمیمه) اقدام و مسئول مربوطه نسبت به امضا و مهر آن اقدام خواهد نمود. ۳- در صورتی که متقاضی کارت بازرگانی شخص حقیقی باشد ارائه یک برگ فتوکپی صفحه اول شناسنامه ضروری است. ۴- در صورتی که متقاضی کارت بازرگانی شخص حقوقی باشد ارائه روزنامه رسمی تاسیس شرکت همراه با آخرین تغییرات در شرکت ضروری می باشد. ۵- حق الثبت نام در دفاتر بازرگانی با عنایت به قانون درآمدهای

دولت و مصرف آن در موارد معین مبلغ چهل هزار ریال می باشد که پس از اخذ فیش نسبت به واریز مبلغ مذکور در شعب بانک ملی معین اقدام و رسید پرداخت به واحد مربوطه بهمراه سایر مدارک ارائه گردد. ۶- در صورتی که امور توسط وکیل انجام می پذیرد ارائه و کالت نامه رسمی نیز ضروری میباشد. پس از تهیه مدارک فوق الاشعار به واحد ثبت نام دفاتر بازرگانی مراجعه و مسئول مربوطه نسبت به ثبت اظهارنامه ها در دفتر ثبت نام تجاری اقدام و شماره دفتر را در روی سه نسخه اظهارنامه درج و نسبت به امضا و مهر نمودن اظهارنامه ها اقدام می نماید سپس یک نسخه از اظهارنامه را جهت بایگانی در سوابق ضبط و دیگر نسخ را تحویل متقاضی میدهد. در این مرحله انجام کار در اداره ثبت شرکتها به اتمام رسیده با در دست داشتن مدارک به اتاق بازرگانی و صنایع و معادن مراجعه گردد. رعایت نکات زیر جهت دریافت کارت بازرگانی الزامی است: ۱- امضای دوبرگ اظهارنامه پلمپ دفاتر و سه برگ اظهارنامه کارت بازرگانی و در صورت شرکت بودن زدن مهر شرکت روی آن ۲- امضا و کالت نامه وکیل مربوطه توسط شخص و در صورت شرکتی بودن کارت زدن مهر شرکت بر روی امضای مدیرعامل ۳- پرداخت مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان کارمزد و واریزی ثبت شرکتها و حق الوکاله وکیل ۴- ارائه کپی شناسنامه برای کارت شخصی و ارائه کپی کلیه مدارک شرکت و روزنامه رسمی و کپی شناسنامه مدیرعامل برای شرکت پس از تکمیل مدارک بالا و تسلیم آن به شرکت سه روز بعد به شرکت مراجعه کرده و ضمن دریافت اسناد و مدارک به شرح بالا مراحل زیر را دنبال می کنید: ۱- ابتدا با همراه داشتن دو قطعه عکس و مدارک تسلیمی از طرف شرکت به اتاق بازرگانی واقع در خ طالقانی جنب سفارت امریکا تشریف برده و به مسئول مربوطه مراجعه و با ارائه مدارک تقاضای معرفی نامه به اداره سو پیشینه و دریافت فرمهای مخصوص کارت بازرگانی را می نمایید. ۲- سپس بعد از اخذ معرفی نامه به نزدیکترین محل اداره تشخیص هویت نیروی انتظامی مراجعه تا از شما انگشت نگاری به عمل آید. ۳- فرمهای مخصوص کارت بازرگانی را تایپ و تنظیم به شرکت تحویل می دهید و در مورد مراحل بعدی مشورت می نمایید. ۴- از میان فرمها یک فرم به نام (فرم الف) مخصوص ارائه به بانک جهت گرفتن استعلام خوش حسابی جهت شرکت شما و یا شخص شما می باشد که همزمان با عملیات انگشت نگاری می توانید به همراه فرم الف به بانک مربوطه مراجعه و فرم را تحویل فرمایید و اگر شرکت جدیدالتاسیس باشد می بایست از حساب جاری مدیرعامل نیز استعلام به عمل آید و در صورت نداشتن حساب جاری مدیرعامل باید حتما سه ماه از افتتاح حساب شرکتی گذاشته باشد. ۱- (فرم د) را از اوراق جدا کرده و به دفتر خانه ای برده و در صورت شرکتی بودن امضا و مهر و شخصی بودن امضا را گواهی می نمایید. ۲- در مورد کارتهای شخصی ارائه دو نفر معرف با سابقه ۳ سال بازرگانی که دارای کارت بازرگانی می باشند الزامی است مگر اینکه متقاضی دارای مدرک لیسانس باشد که ارائه معرفین در (فرم ج) صورت می گیرد. ۳- مهمترین مرحله اگر سند مالکیت به صورت شش دانگ متعلق به متقاضی کارت باشد مشکلی نیست ولی اگر محل اجاره باشد باید همراه اجاره نامه محل و فیش برق و تلفن و اصل سند مالکیت شش دانگ به همراه شخص مالک محل به اتاق بازرگانی مراجعه گردد. پس از تکمیل موارد بالا به همراه مدارک زیر: ۱- فرمهای تایپ شده اتاق بازرگانی به طور کامل که توسط شرکت صورت گرفته است. ۲- اصل و کپی گواهی حسن اعتبار بانکی و تایید اداره اعتبارات مبنی بر نداشتن چک برگشتی از شخص یا مدیرعامل شرکت ۳- اصل کلیه مدارک معرفین و کپی از کارت بازرگانی ایشان و تاییدیه توسط ایشان مبنی بر معتبر بودن شما جهت دریافت کارت بازرگانی ۴- اصل و کپی تعهدنامه و تصدیق امضا شخص یا مدیرعامل و مهر شرکت در دفترخانه ۵- مدارک به ثبت رسیده توسط شرکت و گواهی پلمپ آن که در مرحله اول به شما تسلیم گردیده است. ۶- اصل و فتوکپی گواهی عدم سو پیشینه مدیرعامل یا شخص ۷- چهار قطعه عکس ۴*۶ بدون روتوش و کراوات ۸- اصل و دو سری کپی از شناسنامه و کارت پایان خدمت مدیرعامل یا شخص متقاضی ۹- اصل و دو سری کپی از سند مالکیت حتی صفحات سفید سند و فیش نوسازی و قبض برق و تلفن ۱۰- و به همراه مبلغ ۲/۶۰۰/۰۰۰ ریال وجه نقد به اتاق بازرگانی مراجعه و پس از تکمیل مدارک اقدام به اخذ کارت بازرگانی نمایید.

۲- ابطال کارت بازرگانی

راهنمای اخذ کارت بازرگانی - ابطال کارت بازرگانی متقاضی ابطال کارت بازرگانی با در دست داشتن اصل کارت بازرگانی و یک برگ تقاضای ابطال به واحد ثبت نام در دفتر بازرگانی مراجعه و مدارک مزبور ارائه شود و مسئول مربوطه نسبت به ثبت تقاضانامه و درج شماره در روی آن مراتب را در دفتر ثبت می نماید پس از ثبت به اتاق بازرگانی مراجعه و مدارک مذکور در صفحات بعدی تهیه و تحویل گردد.

۳- مدارک مورد نیاز جهت ابطال کارت بازرگانی (ویژه اشخاص حقوقی)

راهنمای اخذ کارت بازرگانی - مدارک مورد نیاز جهت ابطال کارت بازرگانی (ویژه اشخاص حقوقی) ۱- تقاضای شرکت در ۲ نسخه ۲- گواهی مفصاحساب دارایی آخرین سال مالیاتی: اصل و کپی آن ۳- اظهارنامه ابطالی ثبت دفاتر تجاری ۲ نسخه اصل ۴- صورتجلسه مجمع عمومی برای شرکت‌های سهامی عام خاص تعاونی ها و صورتجلسه هیات مدیره برای سایر شرکتها مبنی بر انحلال شرکت ۵- تصویر روزنامه رسمی مبنی بر اعلام انحلال شرکت ۶- اصل کارت بازرگانی و کپی صفحات اول و دوم تذکر ۱- اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی برای ابطال کارت خود می توانند در تهران درخواست خود را به اتاق بازرگانی و در شهرستانها به نمایندگی اتاق بازرگانی و یا به ادارات کل بازرگانی استانها تسلیم نمایند یا می توانند مستقیماً به وزارت بازرگانی مراجعه کنند در هر حال ابطال با موافقت و ابلاغ وزارت بازرگانی در اداره مرکزی کارت بازرگانی صورت خواهد گرفت. تذکر ۲- کلیه شرایط فوق برای اشخاص خارجی نیز قابل اعمال و تسری است. تذکر ۳- در صورت مفقود شدن کارت بازرگانی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها ارائه درخواست شخص و اعلام مفقودی در روزنامه کثیرالانتشار کافی است. تذکر ۴- در صورت سرقت کارت بازرگانی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها ارائه درخواست شخص و اعلام مفقودی در روزنامه کثیرالانتشار و گواهی از اداره آگاهی و امثالهم کافی می باشد.

۳۹- مالکیت صنعتی (قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی، علائم تجاری)**۱- اختراعات**

ماده ۱- اختراع نتیجه فکر فرد یا افراد است که برای اولین بار فرآیند یا فرآورده‌ای خاص را ارائه می کند و مشکلی را در یک حرفه فن فناوری صنعت و مانند آنها حل می نماید. ماده ۲- اختراعی قابل ثبت است که حاوی ابتکار جدید و دارای کاربرد صنعتی باشد. ابتکار جدید عبارت است از آنچه که در فن یا صنعت قبلی وجود نداشته و برای دارنده مهارت عادی در فن مذکور معلوم و آشکار نباشد و از نظر صنعتی اختراعی کاربردی محسوب می شود که در رشته‌ای از صنعت قابل ساخت یا استفاده باشد. مراد از صنعت معنای گسترده آن است و شامل مواردی نظیر صنایع دستی کشاورزی ماهیگیری و خدمات نیز می شود. ماده ۳- گواهینامه اختراع سندی است که اداره مالکیت صنعتی برای حمایت از اختراع صادر می کند و دارنده آن می تواند از حقوق انحصاری بهره مند شود. ماده ۴- موارد زیر از حیطه حمایت از اختراع خارج است الف - کشفیات نظریه‌های علمی روشهای ریاضی و آثار هنری ب - طرحها و قواعد یا روشهای انجام کار تجاری و سایر فعالیتهای ذهنی و اجتماعی ج - روشهای تشخیص و معالجه بیماریهای انسان یا حیوان این بند شامل فرآورده‌های منطبق با تعریف اختراع و مورد استفاده در روشهای مزبور نمی شود. د - منابع ژنتیک و اجزاء ژنتیک تشکیل دهنده آنها و همچنین فرآیندهای بیولوژیک تولید آنها. ه - آنچه قبلاً در فنون و صنایع پیش‌بینی شده باشد. فن یا صنعت

قبل عبارت است از هر چیزی که در نقطه‌ای از جهان از طریق انتشار کتبی یا شفاهی یا از طریق استفاده عملی و یا هر طریق دیگر، قبل از تقاضا و یا در موارد حق تقدم ناشی از اظهارنامه ثبت اختراع افشاء شده باشد. در صورتی که افشاء اختراع ظرف مدت شش ماه قبل از تاریخ تقاضا یا در موارد مقتضی قبل از تاریخ حق تقدم اختراع صورت گرفته باشد، مانع ثبت نخواهد بود. و - اختراعاتی که بهره‌برداری از آنها خلاف موازین شرعی یا نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد. ماده ۵ - چگونگی ذکر نام مخترع در گواهینامه اختراع و نحوه تعلق حق اختراع ثبت شده به شرح زیر است الف - حقوق اختراع ثبت شده منحصرأ به مخترع تعلق دارد. ب - اگر افرادی به صورت مشترک اختراعی کرده باشند، حقوق ناشی از اختراع مشترکاً به آنان تعلق می‌گیرد. ج - هرگاه دو یا چند نفر، مستقل از دیگری اختراع واحدی کرده باشند شخصی که اظهارنامه اختراع خود را زودتر تسلیم کرده و یا در صورت ادعای حق تقدم هر کدام بتوانند اثبات کنند که در تاریخ مقدم اظهارنامه خود را به صورت معتبر تسلیم کرده‌اند، مشروط بر این که اظهارنامه مذکور مسترد یا رد نگردیده یا مسکوت گذاشته نشده باشد، حق ثبت اختراع را خواهند داشت د - حقوق ناشی از اختراع ثبت شده قابل انتقال است و در صورت فوت صاحب حق به ورثه او منتقل می‌شود. ه - در صورتی که اختراع ناشی از استخدام یا قرارداد باشد، حقوق مادی آن متعلق به کارفرما خواهد بود، مگر آن که خلاف آن در قرارداد شرط شده باشد. و - نام مخترع در گواهینامه اختراع قید می‌شود مگر این که کتباً از اداره مالکیت صنعتی درخواست کند که نامش ذکر نشود. هرگونه اظهار یا تعهد مخترع مبنی بر این که نام شخص دیگری به عنوان مخترع قید گردد، فاقد اثر قانونی است ماده ۶ - اظهارنامه ثبت اختراع که به اداره مالکیت صنعتی داده می‌شود، باید موضوعی را که حمایت از آن درخواست می‌شود، تعیین کرده و به فارسی تنظیم شود، دارای تاریخ و امضاء بوده و خواسته توصیف ادعا، خلاصه‌ای از توصیف اختراع و در صورت لزوم نقشه‌های مربوطه را دربرداشته باشد. هزینه‌های ثبت اظهارنامه از درخواست کننده ثبت دریافت می‌شود. در تنظیم و تسلیم اظهارنامه باید موارد زیر رعایت شود: الف - نام و سایر اطلاعات لازم در خصوص متقاضی مخترع و نماینده قانونی او، در صورت وجود و عنوان اختراع در اظهارنامه درج شود. ب - در مواقعی که متقاضی شخص مخترع نیست مدارک دال بر سمت قانونی وی همراه اظهارنامه تحویل گردد. ج - ادعای مذکور در اظهارنامه گویا و مختصر بوده و با توصیف همراه باشد، به نحوی که برای شخص دارای مهارت عادی در فن مربوط واضح و کامل بوده و حداقل یک روش اجرایی برای اختراع ارائه کند. خلاصه توصیف فقط به منظور ارائه اطلاعات فنی است و نمی‌توان برای تفسیر محدوده حمایت به آن استناد کرد. ماده ۷ - متقاضی ثبت اختراع تا زمانی که اظهارنامه او برای ثبت اختراع قبول نشده است می‌تواند آن را مسترد کند. ماده ۸ - اظهارنامه باید فقط به یک اختراع یا به دسته‌ای از اختراعات مرتبط که یک اختراع کلی را تشکیل می‌دهند مربوط باشد. در اختراع کلی ذکر نکردن ارتباط اجزاء آن موجب بی‌اعتباری گواهینامه اختراع مربوط نمی‌شود. متقاضی می‌تواند تا زمانی که اظهارنامه وی مورد موافقت قرار نگرفته است الف - اظهارنامه خود را اصلاح کند، مشروط بر آن که از حدود اظهارنامه نخست تجاوز نکند. ب - آن را به دو یا چند اظهارنامه تقسیم کند. اظهارنامه تقسیمی باید دارای تاریخ تقاضای اولیه بوده و در صورت اقتضاء، مشمول حق تقدم اظهارنامه نخستین است ماده ۹ - متقاضی می‌تواند همراه با اظهارنامه خود، طی اعلامیه‌ای حق تقدم مقرر در کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی مورخ ۱۲۶۱ هجری شمسی (۲۰ مارس ۱۸۸۳ میلادی و اصلاحات بعدی آن را درخواست نماید. حق تقدم می‌تواند براساس یک یا چند اظهارنامه ملی یا منطقه‌ای یا بین‌المللی باشد که در هر کشور یا برای هر کشور عضو کنوانسیون مذکور تسلیم شده است در صورت درخواست حق تقدم الف - اداره مالکیت صنعتی از متقاضی می‌خواهد ظرف مدت معین رونوشت اظهارنامه‌ای را ارائه دهد که توسط مرجع ثبت اظهارنامه‌ای که مبنای حق تقدم است گواهی شده باشد. ب - با پذیرش درخواست حق تقدم حمایت‌های مذکور در کنوانسیون پاریس شامل آن خواهد بود. در صورت عدم مراعات شرایط مندرج در این ماده و مقررات مربوط به آن اعلامیه مذکور کان‌لم‌یکن تلقی می‌شود. ماده ۱۰ - بنا به درخواست اداره مالکیت صنعتی متقاضی باید شماره و تاریخ اظهارنامه اختراعی را که در خارج تسلیم کرده و عیناً و

ماهیتاً مربوط به اختراع مذکور در اظهارنامه تسلیم شده به اداره مالکیت صنعتی است ارائه دهد. همچنین با درخواست اداره مالکیت صنعتی متقاضی باید مدارک زیر را به اداره مذکور تسلیم کند: الف - تصویر هر گونه نامه و اخطاریه‌ای که متقاضی در مورد نتایج بررسی‌های انجام شده در خصوص اظهارنامه‌های خارج دریافت کرده است ب - تصویر گواهینامه اختراع که براساس اظهارنامه‌های خارجی ثبت شده است ج - تصویر هر گونه تصمیم نهایی مبنی بر رد اظهارنامه خارجی یا رد ثبت اختراع ادعا شده در اظهارنامه خارجی د - تصویر هر تصمیم نهایی مبنی بر بی‌اعتباری گواهینامه اختراع صادر شده براساس اظهارنامه خارجی ماده ۱۱- اداره مالکیت صنعتی تاریخ تقاضا را همان تاریخ دریافت اظهارنامه تلقی خواهد کرد مشروط بر این که اظهارنامه در زمان دریافت حاوی نکات زیر باشد: الف - ذکر صریح یا ضمنی این نکته که ثبت یک اختراع تقاضا می‌شود. ب - ذکر نکاتی که شناخت هویت متقاضی را میسر می‌کند. ج - توصیف اجمالی اختراع اگر اداره مالکیت صنعتی تشخیص دهد که اظهارنامه در زمان تقاضا فاقد شرایط فوق بوده است از متقاضی دعوت خواهد کرد تا از تاریخ ابلاغ ظرف سی روز اصلاحات لازم را انجام دهد و تاریخ تقاضا همان تاریخ دریافت اصلاحات مذکور خواهد بود ولی اگر در مهلت تعیین شده اصلاح صورت نگیرد، اظهارنامه کان‌لم‌یکن تلقی خواهد شد. ماده ۱۲- چنانچه در اظهارنامه به نقشه‌هایی اشاره شود که در آن درج یا ضمیمه نشده است اداره مالکیت صنعتی از متقاضی دعوت می‌کند تا نقشه‌ها را ارائه دهد. اگر متقاضی دعوت را اجابت کرده و نقشه‌های مورد اشاره را ارائه نماید، اداره مذکور تاریخ دریافت نقشه را تاریخ تقاضا تلقی خواهد نمود. در غیر این صورت تاریخ تقاضا را همان تاریخ دریافت اظهارنامه قید نموده و اشاره به نقشه‌ها را کان‌لم‌یکن تلقی خواهد کرد. ماده ۱۳- پس از قید تاریخ تقاضا، اداره مالکیت صنعتی اظهارنامه را از نظر انطباق با شرایط مندرج در این قانون و آئین‌نامه آن بررسی خواهد کرد و در صورت تشخیص انطباق اقدام لازم را برای ثبت اختراع انجام می‌دهد. در غیر این صورت اظهارنامه را رد و مراتب را به متقاضی ابلاغ می‌کند. ماده ۱۴- اداره مالکیت صنعتی پس از ثبت اختراع باید: الف - در خصوص ثبت اختراع یک نوبت آگهی منتشر کند. ب - گواهینامه ثبت اختراع را صادر کند. ج - رونوشت گواهینامه ثبت اختراع را بایگانی و پس از دریافت هزینه مقرر، اصل آن را به متقاضی تسلیم کند. د - به درخواست دارنده گواهینامه اختراع تغییراتی را در مضمون و نقشه‌های اختراع به منظور تعیین حدود حمایت اعطاء شده انجام دهد، مشروط بر این که در نتیجه این تغییرات اطلاعات مندرج در گواهینامه اختراع از حدود اطلاعات مذکور در اظهارنامه اولیه‌ای که اختراع براساس آن ثبت شده است تجاوز نکند. ماده ۱۵- حقوق ناشی از گواهینامه اختراع به ترتیب زیر است الف - بهره‌برداری از اختراع ثبت شده در ایران توسط اشخاصی غیر از مالک اختراع مشروط به موافقت مالک آن است بهره‌برداری از اختراع ثبت شده به شرح آتی خواهد بود: ۱ - در صورتی که اختراع در خصوص فرآورده باشد: اول - ساخت صادرات و واردات عرضه برای فروش فروش و استفاده از فرآورده دوم - ذخیره به قصد عرضه برای فروش یا استفاده از فرآورده ۲ - در صورتی که موضوع ثبت اختراع فرآیند باشد: اول - استفاده از فرآیند. دوم - انجام هر یک از موارد مندرج در جزء (۱) بند (الف) این ماده در خصوص کالاهایی که مستقیماً از طریق این فرآیند به دست می‌آید. ب - مالک می‌تواند با رعایت بند (ج) این ماده و ماده (۱۷) علیه هر شخص که بدون اجازه او بهره‌برداریهای مندرج در بند (الف) را انجام دهد و به حق مخترع تعدی کند و یا عملی انجام دهد که ممکن است منجر به تعدی به حق مخترع شود، به دادگاه شکایت کند. ج - حقوق ناشی از گواهینامه اختراع شامل موارد زیر نمی‌شود: ۱- بهره‌برداری از کالاهایی که توسط مالک اختراع یا با توافق او در بازار ایران عرضه می‌شود. ۲- استفاده از وسایل موضوع اختراع در هواپیماها، وسائط نقلیه زمینی یا کشتی‌های سایر کشورها که به طور موقت یا تصادفاً وارد حریم هوایی مرزهای زمینی یا آبهای کشور می‌شود. ۳- بهره‌برداریهایی که فقط با اهداف آزمایشی درباره اختراع ثبت شده انجام می‌شود. ۴- بهره‌برداری توسط هر شخصی که با حفسن نیت قبل از تقاضای ثبت اختراع یا در مواقعی که حق تقدم تقاضا شده است قبل از تاریخ تقاضای حق تقدم همان اختراع از اختراع استفاده می‌کرده یا اقدامات جدی و مؤثری جهت آماده شدن برای استفاده از آن در ایران به عمل می‌آورده است د - حقوق استفاده

کننده قبلی که در جزء (۴) بند (ج) این ماده قید شده است تنها به همراه شرکت یا کسب و کار یا به همراه بخشی که در آن از اختراع استفاده می‌شده یا مقدمات استفاده از آن فراهم گردیده قابل انتقال یا واگذاری است ماده ۱۶- اعتبار گواهینامه اختراع با رعایت این ماده پس از بیست سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه اختراع منقضی می‌شود. به منظور حفظ اعتبار گواهینامه یا اظهارنامه اختراع پس از گذشت یک سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه و قبل از شروع هر سال مبلغی که به موجب آئین‌نامه این قانون تعیین می‌شود، توسط متقاضی به اداره مالکیت صنعتی پرداخت می‌گردد. تأخیر در پرداخت، حداکثر تا شش ماه در صورت پرداخت جریمه مجاز است در صورتی که هزینه سالانه پرداخت نشود، اظهارنامه مربوط مسترد شده تلقی و یا گواهینامه اختراع فاقد اعتبار می‌شود. ماده ۱۷- دولت یا شخص مجاز از طرف آن با رعایت ترتیبات زیر، می‌تواند از اختراع بهره‌برداری نمایند: الف - در مواردی که با نظر وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط منافع عمومی مانند امنیت ملی تغذیه بهداشت یا توسعه سایر بخشهای حیاتی اقتصادی کشور، اقتضاء کند که دولت یا شخص ثالث از اختراع بهره‌برداری نماید و یا بهره‌برداری از سوی مالک یا شخص مجاز از سوی او مغایر با رقابت آزاد بوده و از نظر مقام مذکور، بهره‌برداری از اختراع رافع مشکل باشد، موضوع در کمیسیون مرکب از رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، یکی از قضات دیوان عالی کشور با معرفی رئیس قوه قضائیه دادستان کل کشور، نماینده رئیس‌جمهور و وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط مطرح و در صورت تصویب با تعیین کمیسیون مذکور، سازمان دولتی یا شخص ثالث بدون موافقت مالک اختراع از اختراع بهره‌برداری می‌نماید. ب - بهره‌برداری از اختراع محدود به منظوری خواهد بود که در مجوز آمده است و مشروط به پرداخت مبلغ مناسب به مالک مذکور با در نظر گرفتن ارزش اقتصادی مورد اجازه می‌باشد. در صورتی که مالک اختراع یا هر شخص ذی‌نفع دیگر توضیحی داشته باشند، کمیسیون پس از رسیدگی به اظهارات آنان و لحاظ کردن بهره‌برداری در فعالیتهای غیررقابتی اتخاذ تصمیم خواهد کرد. کمیسیون می‌تواند بنا به درخواست مالک اختراع یا سازمان دولتی یا شخص ثالثی که مجوز بهره‌برداری از اختراع ثبت شده را دارد، پس از رسیدگی به اظهارات طرفین یا یکی از آنها در محدوده‌ای که ضرورت اقتضاء نماید، نسبت به تصمیم‌گیری مجدد اقدام کند. ج - در صورتی که مالک اختراع ادعا نماید که شرایط و اوضاع و احوالی که باعث اتخاذ تصمیم شده دیگر وجود ندارد و امکان تکرار آن میسر نیست و یا این که ادعا نماید سازمان دولتی یا شخص ثالثی که توسط کمیسیون تعیین شده نتوانسته طبق مفاد تصمیم و شرایط آن عمل کند، موضوع در کمیسیون مطرح و بررسی و پس از استماع اظهارات مالک اختراع وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط و بهره‌بردار، اجازه بهره‌برداری لغو شده و حسب مورد اجازه بهره‌برداری برای مالک یا بهره‌بردار دیگر صادر می‌شود. با احراز شرایط مقرر در این بند، اگر کمیسیون تشخیص دهد حفظ حقوق قانونی اشخاصی که این اجازه را کسب کرده‌اند، بقاء تصمیم را ایجاب می‌نماید آن تصمیم را لغو نمی‌کند. در مواردی که اجازه بهره‌برداری توسط کمیسیون به شخص ثالثی داده شده است می‌توان آن مجوز را فقط به همراه شرکت یا کسب و کار شخص تعیین شده از طرف کمیسیون یا به همراه قسمتی از شرکت یا کسب و کاری که اختراع در آن بهره‌برداری می‌شود، انتقال داد. د - اجازه بهره‌برداری موضوع این ماده مانع انجام امور زیر نیست ۱ - انعقاد قرارداد بهره‌برداری توسط مالک اختراع با رعایت مقررات این ماده ۲ - بهره‌برداری مستمر از حقوق تفویضی توسط مالک اختراع طبق مندرجات بند (الف) ماده (۱۵). ۳ - صدور اجازه استفاده ناخواسته طبق اجزاء (۱) و (۲) بند (ح) این ماده ه - درخواست اجازه بهره‌برداری از کمیسیون باید همراه دلیل و سندی باشد که به موجب آن ثابت شود دستگاه دولتی یا شخص مجاز، از مالک اختراع درخواست بهره‌برداری کرده ولی نتوانسته است اجازه بهره‌برداری را با شرایط معقول و ظرف مدت زمان متعارف تحصیل نماید. رعایت مراتب این بند، در صورت فوریت ناشی از مصالح ملی یا موارد حصول شرایط قهریه در کشور کلاً به تشخیص کمیسیون لازم نخواهد بود، مشروط بر آن که در این قبیل موارد مالک اختراع در اولین فرصت ممکن از تصمیم کمیسیون مطلع شود. و - بهره‌برداری از اختراع توسط سازمان دولتی یا اشخاص ثالثی که توسط کمیسیون تعیین شده‌اند، برای عرضه در بازار ایران است ز - اجازه کمیسیون

درخصوص بهره‌برداری از اختراع در زمینه فناوری نیمه‌هادیها، تنها در موردی جایز است که به منظور استفاده غیرتجاری عمومی بوده یا درموردی باشد که وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط تشخیص دهد که نحوه استفاده از اختراع ثبت شده توسط مالک یا استفاده کننده آن غیررقابتی است ح - پروانه بهره‌برداری بدون موافقت مالک در موارد زیر نیز با ترتیباتی که ذکر می‌شود قابل صدور است ۱- در صورتی که در یک گواهینامه اختراع ادعا شده باشد که بدون استفاده از یک اختراع ثبت شده قبلی قابل بهره‌برداری نیست و اختراع مؤخر نسبت به اختراع مقدم متضمن پیشرفت مهم فنی و دارای اهمیت اقتصادی قابل توجه باشد، اداره مالکیت صنعتی به درخواست مالک اختراع مؤخر پروانه بهره‌برداری از اختراع مقدم را در حد ضرورت بدون موافقت مالک آن صادر می‌کند. ۲- در مواقعی که طبق جزء (۱) این بند پروانه بهره‌برداری بدون موافقت مالک صادر شده باشد، اداره مالکیت صنعتی به درخواست مالک اختراع مقدم پروانه بهره‌برداری از اختراع مؤخر را نیز بدون موافقت مالک آن صادر می‌کند. ۳- در صورت درخواست صدور پروانه بهره‌برداری بدون موافقت مالک طبق اجزاء (۱) و (۲) این بند در تصمیم مربوط به صدور هر یک از پروانه‌های مذکور، حدود و کاربرد پروانه و مبلغ مناسبی که باید به مالک اختراع ذی‌ربط پرداخت شود و شرایط پرداخت تعیین می‌شود. ۴- در صورت صدور پروانه بهره‌برداری طبق جزء (۱) انتقال آن فقط به همراه اختراع مؤخر و در صورت صدور پروانه بهره‌برداری طبق جزء (۲) انتقال آن فقط به همراه اختراع مقدم مجاز است ۵- درخواست صدور پروانه بهره‌برداری بدون موافقت مالک مشروط به پرداخت هزینه مقرر می‌باشد. ۶- در صورت صدور پروانه بهره‌برداری بدون موافقت مالک، اجزاء (۱) و (۲) این بند و بندهای (ب تا و) و نیز بند (ط این ماده قابل اعمال است ط - تصمیمات کمیسیون در محدوده بندهای این ماده در دادگاه عمومی تهران قابل اعتراض است ماده ۱۸- هر ذی‌نفع می‌تواند ابطال گواهینامه اختراعی را از دادگاه درخواست نماید. در صورتی که ذی‌نفع ثابت کند یکی از شرایط مندرج در مواد (۱)، (۲)، (۴) و صدر ماده (۶) و بند (ج آن رعایت نشده است یا این که مالک اختراع مخترع یا قائم مقام قانونی او نیست حکم ابطال گواهینامه اختراع صادر می‌شود. هر گواهینامه اختراع یا ادعا یا بخشی از ادعاهای مربوط که باطل شده است از تاریخ ثبت اختراع باطل تلقی می‌شود. رأی نهایی دادگاه به اداره مالکیت صنعتی ابلاغ می‌گردد و اداره مزبور آن را ثبت و پس از دریافت هزینه آگهی مربوط به آن را در اولین فرصت ممکن منتشر می‌کند. ماده ۱۹- چنانچه مالک اختراع بخواهد از اختراع ثبت شده استفاده کند، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور حداکثر ظرف مهلت یک هفته موضوع را به دستگاه یا دستگاههای ذی‌ربط منعکس می‌نماید. دستگاههای مذکور در خصوص امکان بهره‌برداری از اختراع حداکثر ظرف مدت دوماه اظهار نظر نموده و نتیجه را جهت صدور پروانه بهره‌برداری کتباً به سازمان ثبت اسناد و املاک اعلام می‌نماید.

۲- طرح‌های صنعتی

ماده ۲۰- از نظر این قانون هر گونه ترکیب خطوط یا رنگها و هر گونه شکل سه بعدی با خطوط رنگها و یا بدون آن به گونه‌ای که ترکیب یا شکل یک فرآورده صنعتی یا محصولی از صنایع دستی را تغییر دهد، طرح صنعتی است در یک طرح صنعتی تنها دسترسی به یک نتیجه فنی بدون تغییر ظاهری مشمول حمایت از این قانون نمی‌باشد. ماده ۲۱- طرح صنعتی زمانی قابل ثبت است که جدید و یا اصیل باشد. طرح صنعتی زمانی جدید است که از طریق انتشار به طور محسوس و یا از طریق استفاده به هر نحو دیگر قبل از تاریخ تسلیم اظهارنامه یا بر حسب مورد قبل از حق تقدم اظهارنامه برای ثبت در هیچ نقطه‌ای از جهان برای عموم افشاء نشده باشد. مفاد قسمت اخیر بند (ه) و بند (و) ماده (۴) این قانون درخصوص طرحهای صنعتی نیز قابل اعمال است ماده ۲۲- اظهارنامه ثبت طرح صنعتی که به اداره مالکیت صنعتی تسلیم می‌شود، همراه نقشه عکس و سایر مشخصات گرافیکی کالا که تشکیل دهنده طرح صنعتی هستند و ذکر نوع فرآورده‌هایی که طرح صنعتی برای آنها استفاده می‌شود، خواهد بود. اگر طرح

صنعتی سه بعدی باشد، اداره مالکیت صنعتی می‌تواند نمونه واقعی یا ماکتی از آن را نیز به همراه اظهارنامه درخواست نماید. اظهارنامه مشمول هزینه مقرر برای تسلیم آن خواهد بود. اظهارنامه باید در بردارنده مشخصات طرح باشد و در مواردی که متقاضی همان طراح نیست اظهارنامه باید به همراه مدرکی باشد که ذی‌حق بودن متقاضی را برای ثبت طرح صنعتی ثابت نماید. ماده ۲۳- مفاد مواد (۵)، (۹) و بند (ج) مواد (۱۱) و (۱۵) این قانون در خصوص طرحهای صنعتی نیز قابل اعمال است ماده ۲۴- دو یا چند طرح صنعتی را می‌توان در یک اظهارنامه قید و تسلیم نمود، مشروط بر آن که مربوط به یک طبقه‌بندی بین‌المللی و یا مربوط به یک مجموعه یا ترکیبی از اجزاء باشد. ماده ۲۵- ممکن است ضمن اظهارنامه درخواست شود که انتشار آگهی ثبت طرح صنعتی از تاریخ تسلیم اظهارنامه حداکثر تا دوازده ماه و یا اگر ادعای حق تقدم شده است از تاریخ حق تقدم به تأخیر افتد. ماده ۲۶- متقاضی می‌تواند تا زمانی که اظهارنامه در جریان بررسی است آن را مسترد نماید. ماده ۲۷- بررسی ثبت و انتشار آگهی طرح صنعتی به ترتیب زیر خواهد بود: الف - تاریخ اظهارنامه همان تاریخ تسلیم آن به اداره مالکیت صنعتی است مشروط بر این که در زمان تسلیم اظهارنامه حاوی کلیه اطلاعاتی باشد که شناسایی متقاضی و همچنین نمایش گرافیکی کالای متضمن طرح صنعتی را میسر سازد. ب - اداره مالکیت صنعتی پس از وصول اظهارنامه آن را از نظر مطابقت با مفاد ماده (۲۲) و نیز این که طرح صنعتی مذکور، وفق مقررات مندرج در ماده (۲۰) و بند (و) ماده (۴) و مقررات مربوط می‌باشد، بررسی می‌کند. ج - در صورتی که اداره مالکیت صنعتی تشخیص دهد شرایط موضوع بند (ب) این ماده رعایت شده است طرح صنعتی را ثبت و آگهی مربوط را منتشر و گواهی ثبت آن را به نام متقاضی صادر می‌نماید در غیر این صورت اظهارنامه را مردود اعلام می‌کند. د - هرگاه درخواستی طبق ماده (۲۵) ارائه شده باشد، پس از ثبت طرح صنعتی نمونه طرح و مفاد اظهارنامه منتشر نمی‌شود. در این صورت اداره مالکیت صنعتی یک آگهی حاوی تأخیر انتشار طرح صنعتی مذکور و اطلاعات مربوط به هویت مالک طرح ثبت شده و تاریخ تسلیم اظهارنامه و مدت تأخیر مورد درخواست و سایر امور ضروری را منتشر می‌کند. پس از انقضای مدت تأخیر درخواست شده اداره مالکیت صنعتی آگهی طرح صنعتی ثبت شده را منتشر خواهد کرد. رسیدگی به دعوی راجع به یک طرح صنعتی ثبت شده در مدت تأخیر انتشار آگهی مشروط به آن است که اطلاعات مندرج در دفاتر ثبت و اطلاعات مربوط به پرونده اظهارنامه به شخصی که علیه او دعوی اقامه می‌شود به طور کتبی ابلاغ شده باشد. ماده ۲۸- حقوق ناشی از ثبت طرح صنعتی مدت اعتبار و تمدید آن به شرح زیر است الف - بهره‌برداری از هر طرح صنعتی که در ایران ثبت شده باشد، توسط اشخاص مشروط به موافقت مالک آن است ب - بهره‌برداری از یک طرح صنعتی ثبت شده عبارت است از: ساخت فروش و وارد کردن اقلام حاوی آن طرح صنعتی ج - مالک طرح صنعتی ثبت شده می‌تواند علیه شخصی که بدون موافقت او افعال مذکور در بند (ب) این ماده را انجام دهد یا مرتکب عملی شود که عادتاً موجبات تجاوز آینده را فراهم آورد، در دادگاه اقامه دعوی نماید. د - مدت اعتبار طرح صنعتی پنج سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه ثبت آن خواهد بود. این مدت را می‌توان برای دو دوره پنجساله متوالی دیگر پس از پرداخت هزینه مربوط تمدید نمود. پس از انقضای هر دوره که از پایان دوره شروع می‌شود، یک مهلت شش ماهه برای پرداخت هزینه تمدید گردیده و همچنین جریمه تأخیر در نظر گرفته خواهد شد. ماده ۲۹- هر ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه ابطال ثبت طرح صنعتی را درخواست نماید. در این صورت باید ثابت کند که یکی از شرایط مندرج در مواد (۲۰) و (۲۱) رعایت نشده است و یا کسی که طرح صنعتی به نام وی ثبت شده پدیدآورنده آن طرح یا قائم‌مقام قانونی او نیست مفاد قسمت اخیر ماده (۱۸) در این خصوص نیز اعمال می‌شود.

۳- علائم تجاری

ماده ۳۰- علامت علامت جمعی و نام تجاری عبارتند از: الف - علامت یعنی هر نشان قابل رؤیتی که بتواند کالاها یا خدمات اشخاص حقیقی یا حقوقی را از هم متمایز سازد. ب - علامت جمعی یعنی هر نشان قابل رؤیتی که با عنوان علامت جمعی در

اظهارنامه ثبت معرفی شود و بتواند مبدأ و یا هرگونه خصوصیات دیگر مانند کیفیت کالا یا خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی را که از این نشان تحت نظارت مالک علامت ثبت شده جمعی استفاده می‌کنند متمایز سازد. ج - نام تجارتنی یعنی اسم یا عنوانی که معرف و مشخص‌کننده شخص حقیقی یا حقوقی باشد. ماده ۳۱ - حق استفاده انحصاری از یک علامت به کسی اختصاص دارد که آن علامت را طبق مقررات این قانون به ثبت رسانده باشد. ماده ۳۲ - علامت در موارد زیر قابل ثبت نیست الف - نتواند کالاها یا خدمات یک مؤسسه را از کالاها و خدمات مؤسسه دیگر متمایز سازد. ب - خلاف موازین شرعی یا نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد. ج - مراکز تجاری یا عمومی را به ویژه در مورد مبدأ جغرافیایی کالاها یا خدمات یا خصوصیات آنها گمراه کند. د - عین یا تقلید نشان نظامی پرچم یا سایر نشانهای مملکتی یا نام یا نام اختصاری یا حروف اول یک نام یا نشان رسمی متعلق به کشور، سازمانهای بین‌الدولی یا سازمانهایی که تحت کنوانسیونهای بین‌المللی تأسیس شده‌اند، بوده یا موارد مذکور یکی از اجزاء آن علامت باشد، مگر آن که توسط مقام صلاحیتدار کشور مربوط یا سازمان ذی‌ربط اجازه استفاده از آن صادر شود. ه - عین یا به طرز گمراه‌کننده‌ای شبیه یا ترجمه یک علامت یا نام تجاری باشد که برای همان کالاها یا خدمات مشابه متعلق به مؤسسه دیگری در ایران معروف است و - عین یا شبیه آن قبلاً برای خدمات غیرمشابه ثبت و معروف شده باشد مشروط بر آن که عرفاً میان استفاده از علامت و مالک علامت معروف ارتباط وجود داشته و ثبت آن به منافع مالک علامت قبلی لطمه وارد سازد. ز - عین علامتی باشد که قبلاً به نام مالک دیگری ثبت شده و یا تاریخ تقاضای ثبت آن مقدم یا دارای حق تقدم برای همان کالا و خدمات و یا برای کالا و خدماتی است که به لحاظ ارتباط و شباهت موجب فریب و گمراهی شود. ماده ۳۳ - اظهارنامه ثبت علامت به همراه نمونه علامت و فهرست کالاها یا خدماتی که ثبت علامت برای آنها درخواست شده و براساس طبقه‌بندی قابل اجراء یا طبقه‌بندی بین‌المللی باشد، به اداره مالکیت صنعتی تسلیم می‌شود. پرداخت هزینه‌های ثبت علامت بر عهده متقاضی است ماده ۳۴ - در صورتی که اظهارنامه دربردارنده ادعای حق تقدم به شرح مذکور در کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی باشد که توسط متقاضی یا سلف او در هر کشور عضو کنوانسیون تقاضا شده است طبق مفاد ماده (۹) این قانون رفتار می‌شود. ماده ۳۵ - متقاضی می‌تواند تا زمانی که اظهارنامه او هنوز ثبت نشده آن را مسترد کند. ماده ۳۶ - اداره مالکیت صنعتی اظهارنامه را از لحاظ انطباق با شرایط و مقررات مندرج در این قانون بررسی و در صورتی که علامت را قابل ثبت بداند، اجازه انتشار آگهی مربوط به آن را صادر می‌کند. ماده ۳۷ - هر ذی‌نفع می‌تواند حداکثر تا سی روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را مبنی بر عدم رعایت مفاد بند (الف) ماده (۳۰) و ماده (۳۲) این قانون به اداره مالکیت صنعتی تسلیم نماید. در این صورت : ۱ - اداره مالکیت صنعتی رونوشت اعتراض‌نامه را به متقاضی ابلاغ کرده و بیست روز به او مهلت می‌دهد تا نظر خود را اعلام کند. متقاضی در صورت تأکید بر تقاضای خود یادداشت متقابلی را به همراه استدلال مربوط به اداره مذکور می‌فرستد. در غیر این صورت اظهارنامه وی مسترد شده تلقی خواهد شد. ۲ - اگر متقاضی یادداشت متقابلی بفرستد، اداره مالکیت صنعتی رونوشت آن را در اختیار معترض قرار می‌دهد و با در نظر گرفتن نظرات طرفین و مواد این قانون تصمیم می‌گیرد که علامت را ثبت و یا آن را رد کند. ماده ۳۸ - پس از انتشار آگهی اظهارنامه و تا زمان ثبت علامت متقاضی از امتیازات و حقوقی برخوردار است که در صورت ثبت برخوردار خواهد بود. با این حال هرگاه به وسیله متقاضی ثبت درباره عملی که پس از آگهی اظهارنامه انجام شده دعوایی مطرح شود و خواننده ثابت کند که در زمان انجام عمل علامت، قانوناً قابل ثبت نبوده است به دفاع خواننده رسیدگی و در مورد ثبت یا عدم ثبت علامت تصمیم مقتضی اتخاذ می‌شود. ماده ۳۹ - هرگاه اداره مالکیت صنعتی تشخیص دهد که شرایط مندرج در این قانون رعایت شده است علامت را ثبت کرده و آگهی مربوط به ثبت آن را منتشر و گواهینامه ثبت را به نام متقاضی صادر می‌نماید. ماده ۴۰ - حقوق ناشی از ثبت علامت مدت اعتبار و تمدید آن به شرح زیر است الف - استفاده از هر علامت که در ایران ثبت شده باشد، توسط هر شخص غیر از مالک علامت مشروط به موافقت مالک آن می‌باشد. ب - مالک علامت ثبت شده می‌تواند علیه هر شخصی که بدون موافقت وی از

علامت استفاده کند و یا شخصی که مرتکب عملی شود که عادتاً منتهی به تجاوز به حقوق ناشی از ثبت علامت گردد، در دادگاه اقامه دعوی نماید. این حقوق شامل موارد استفاده از علامتی می‌شود که شبیه علامت ثبت شده است و استفاده از آن برای کالا یا خدمات مشابه موجب گمراهی عموم می‌گردد. ج - حقوق ناشی از ثبت علامت اقدامات مربوط به کالاها و خدماتی را که توسط مالک علامت یا با موافقت او به کشور وارد و در بازار ایران عرضه می‌گردد، شامل نمی‌شود. د - مدت اعتبار ثبت علامت ده سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه ثبت آن می‌باشد. این مدت با درخواست مالک آن برای دوره‌های متوالی ده ساله با پرداخت هزینه مقرر، قابل تمدید است یک مهلت ارفاقی شش ماهه که از پایان دوره شروع می‌شود، برای پرداخت هزینه تمدید، با پرداخت جریمه تأخیر، در نظر گرفته می‌شود. ماده ۴۱- هر ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه ابطال ثبت علامت را درخواست نماید. در این صورت باید ثابت کند مفاد بند (الف) ماده (۳۰) و ماده (۳۲) این قانون رعایت نشده است ابطال ثبت یک علامت از تاریخ ثبت آن مؤثر است و آگهی مربوط به آن نیز در اولین فرصت ممکن منتشر می‌شود. هر ذی‌نفع که ثابت کند که مالک علامت ثبت شده شخصاً یا به وسیله شخصی که از طرف او مجاز بوده است آن علامت را حداقل به مدت سه سال کامل از تاریخ ثبت تا یک ماه قبل از تاریخ درخواست ذی‌نفع استفاده نکرده است می‌تواند لغو آن را از دادگاه تقاضا کند. در صورتی که ثابت شود قوه‌قهریه مانع استفاده از علامت شده است ثبت علامت لغو نمی‌شود. ماده ۴۲- با رعایت این ماده و ماده (۴۳)، مواد (۳۱) تا (۴۱) این قانون در مورد علائم جمعی نیز قابل اعمال است در اظهارنامه ثبت علامت جمعی ضمن اشاره به جمعی بودن علامت نسخه‌ای از ضوابط و شرایط استفاده از آن نیز ضمیمه می‌شود. مالک علامت جمعی ثبت شده باید اداره مالکیت صنعتی را از هر گونه تغییر در ضوابط و شرایط مذکور در صدر این ماده مطلع کند. ماده ۴۳- علاوه بر موجبات ابطال مذکور در ماده (۴۱)، هر گاه خواهان ثابت کند که مالک علامت ثبت شده از آن به تنهایی و یا برخلاف ضوابط مندرج در ذیل ماده (۴۲) از آن استفاده کرده و یا اجازه استفاده از آن را صادر می‌کند یا به نحوی از علامت جمعی استفاده کند یا اجازه استفاده از آن را بدهد که موجب فریب مراکز تجاری یا عمومی نسبت به مبدأ و یا هر خصوصیت مشترک دیگر کالا- و خدمات مربوط گردد، دادگاه علامت جمعی را باطل می‌کند. ماده ۴۴- قرارداد اجازه بهره‌برداری از ثبت یا اظهارنامه ثبت علامت باید به طور مؤثر کنترل اجازه دهنده بر کیفیت و مرغوبیت کالا و ارائه خدمات توسط استفاده‌کننده را در برداشته باشد. در غیر این صورت یا در صورتی که کنترل به طور مؤثر انجام نگیرد، قرارداد اجازه بهره‌برداری فاقد اعتبار خواهد بود. ماده ۴۵- ثبت علامت جمعی یا اظهارنامه آن نمی‌تواند موضوع قرارداد اجازه بهره‌برداری باشد. ماده ۴۶- اسم یا عنوانی که ماهیت یا طریقه استفاده از آن برخلاف موازین شرعی یا نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد و یا موجبات فریب مراکز تجاری یا عمومی را نسبت به ماهیت مؤسسه‌ای فراهم کند که اسم یا عنوان معرف آن است نمی‌تواند به عنوان یک نام تجاری به کار رود. ماده ۴۷- با رعایت قوانین و مقررات ثبت اجباری نامهای تجاری این قبیل نامها حتی بدون ثبت در برابر عمل خلاف قانون اشخاص ثالث حمایت می‌شوند. هر گونه استفاده از نام تجاری توسط اشخاص ثالث به صورت نام تجاری یا علامت یا علامت جمعی یا هر گونه استفاده از آنها که عرفاً باعث فریب عموم شود، غیرقانونی تلقی می‌شود.

۴- مقررات عمومی

ماده ۴۸- هر گونه تغییر در مالکیت اختراع ثبت طرح صنعتی یا ثبت علائم تجاری یا علامت جمعی یا حق مالکیت ناشی از تسلیم اظهارنامه مربوط به درخواست کتبی هر ذی‌نفع از اداره مالکیت صنعتی انجام شده و به ثبت می‌رسد و جز در مورد تغییر مالکیت اظهارنامه توسط اداره مذکور آگهی می‌شود. تأثیر این گونه تغییر نسبت به اشخاص ثالث منوط به تسلیم درخواست مذکور است تغییر در مالکیت ثبت علامت یا علامت جمعی در صورتی که در مواردی مانند ماهیت مبدأ، مراحل ساخت خصوصیات یا تناسب با هدف کالاها یا خدمات سبب گمراهی یا فریب عمومی شود، معتبر نیست هر گونه تغییر در مالکیت ثبت یک علامت جمعی یا

مالکیت اظهارنامه مربوط به آن منوط به موافقت قبلی رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌باشد. ماده ۴۹- هرگونه تغییر در مالکیت نام تجاری باید همراه با انتقال مؤسسه یا بخشی از آن که با نام مزبور شناخته می‌شود، صورت پذیرد. ماده ۵۰- هرگونه قرارداد اجازه بهره‌برداری از اختراع و طرحهای صنعتی ثبت شده یا علامت ثبت شده یا اظهارنامه مربوط به آنها به اداره مالکیت صنعتی تسلیم می‌شود. اداره مالکیت صنعتی مفاد قرارداد را به صورت محرمانه حفظ ولی اجازه بهره‌برداری را ثبت و آگهی می‌کند. تأثیر این گونه قراردادها نسبت به اشخاص ثالث منوط به مراعات مراتب فوق است ماده ۵۱- در صورتی که محل اقامت متقاضی یا مرکز اصلی تجارت وی خارج از ایران باشد، وکیل قانونی او که مقیم و شاغل در ایران است می‌تواند به نمایندگی از او اقدامات لازم را انجام دهد. ماده ۵۲- تصدی امور مربوط به مالکیت صنعتی و همچنین نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی مالکیت معنوی و اتحادیه‌های مربوط به کنوانسیونهای ذی‌ربط به عهده سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است ثبت کلیه موضوعات مالکیت صنعتی اعم از اختراع علامت علامت جمعی طرح صنعتی نیز توسط اداره مالکیت صنعتی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور انجام می‌شود. در مواردی که مراجع دیگر به موجب قانون اقدام به بررسی و ثبت می‌نمایند در صورتی از حمایتها و امتیازات مذکور در این قانون بهره‌مند می‌شوند که حسب مورد مالکیت یا اختراع آنها در اداره مالکیت صنعتی به ثبت رسیده باشد. ماده ۵۳- اداره مالکیت صنعتی با استفاده از شیوه‌های نوین دفاتر جداگانه‌ای برای ثبت اختراعات طرحهای صنعتی و علائم تجارتنی پیش‌بینی می‌کند. علائم جمعی در بخش ویژه‌ای در دفتر ثبت علائم ثبت می‌شود. ماده ۵۴- اطلاعات موجود در دفاتر ثبت قابل دسترسی همگان بوده و هر شخص می‌تواند برابر مقررات مندرج در آئین‌نامه اجرائی اطلاعات مورد نیاز خود را دریافت نماید. ماده ۵۵- اداره مالکیت صنعتی کلیه آگهی‌های مذکور در این قانون را در روزنامه رسمی کشور منتشر خواهد کرد. ماده ۵۶- اداره مالکیت صنعتی مجاز است هرگونه اشتباه در ترجمه یا نسخه‌برداری اشتباه اداری اشتباه در اظهارنامه و یا اشتباه در هر یک از ثبت‌های انجام‌شده طبق این قانون یا آئین‌نامه اجرائی را تصحیح کند. ماده ۵۷- اداره مالکیت صنعتی پس از دریافت هرگونه درخواست کتبی مبنی بر تمدید مهلت انجام هر اقدامی که در این قانون یا آئین‌نامه اجرائی آن پیش‌بینی شده است پس از بررسی شرایط موجود می‌تواند آن را تمدید نماید. این کار پس از اعلام به اشخاص ذی‌نفع طبق مقررات مذکور در آئین‌نامه انجام می‌شود. ماده ۵۸- اداره مالکیت صنعتی قبل از اعمال اختیارات قانونی به طرفی که می‌خواهد علیه او تصمیم بگیرد فرصت کافی می‌دهد تا مطالب خود را اعلام نماید. در این صورت هرگونه تصمیم با لحاظ اعلام مذکور اتخاذ می‌شود. ماده ۵۹- رسیدگی به اختلافات ناشی از اجراء این قانون و آئین‌نامه اجرائی آن در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاههای عمومی تهران می‌باشد که حداکثر تا شش ماه بعد از تاریخ تصویب این قانون توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌گردد. تصمیمات اداره مالکیت صنعتی توسط اشخاص ذی‌نفع قابل اعتراض است و دادخواست مربوط باید ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ تصمیم به ذی‌نفع و یا اطلاع او از آن به دادگاه صالح تقدیم گردد. تجدیدنظرخواهی از آراء و نحوه رسیدگی تابع مقررات آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی است ماده ۶۰- نقض حقوق مندرج در این قانون عبارت است از معنای انجام هرگونه فعلیتی در ایران که توسط اشخاصی غیر از مالک حقوق تحت حمایت این قانون و بدون موافقت او انجام می‌گیرد. علاوه بر مالک حقوق تحت حمایت این قانون هرگاه ثابت شود دارنده اجازه استفاده، از مالک درخواست کرده است تا برای خواسته معینی به دادگاه دادخواست بدهد و مالک امتناع کرده یا نتوانسته آن را انجام دهد، دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور دستور جلوگیری از نقض حقوق یا نقض قریب‌الوقوع حقوق به جبران خسارت مربوط نیز حکم صادر کند و یا تصمیم دیگری جهت احقاق حق اتخاذ نماید. ماده ۶۱- هر شخصی که با علم و عمد مرتکب عملی شود که طبق مواد (۱۵)، (۲۸) و (۴۰) نقض حقوق به شمار آید یا طبق ماده (۴۷) عمل غیرقانونی تلقی شود، مجرم شناخته‌شده و علاوه بر جبران خسارت به پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه یا هر دوی آنها محکوم می‌شود. در دعوی

مدنی راجع به نقض حقوق مالک اختراع در مواقعی که اختراع فرآیند دستیابی به یک فرآورده باشد، در صورت وجود شرایط زیر، مسؤولیت اثبات این که فرآورده از طریق آن فرآیند ساخته نشده است به عهده خواننده دعوی نقض حق خواهد بود. در این صورت دادگاه در صورت ارائه اسناد و مدارک منافع مشروع خواننده دعوی نقض حق را از جهت عدم افشاء اسرار تولیدی و تجاری وی در نظر خواهد گرفت ۱- فرآورده جدید باشد. ۲- احتمال قوی وجود داشته باشد که فرآورده با استفاده از فرآیند مزبور ساخته شده و مالک حقوق ثبت شده علی‌رغم تلاش‌های معقول نتوانسته است فرآیندی را که واقعاً استفاده شده تعیین نماید. ماده ۶۲ - در صورت تعارض مفاد این قانون با مقررات مندرج در معاهدات بین‌المللی راجع به مالکیت صنعتی که دولت جمهوری اسلامی ایران به آنها پیوسته و یا می‌پیوندد، مقررات معاهدات مذکور مقدم است ماده ۶۳ - بایش‌بینی در قانون بودجه سالانه تام‌عادل پنجاه درصد (۵۰٪) از درآمد ارزی ناشی از اجراء مفاد کنوانسیون‌های مربوط به ثبت بین‌المللی مالکیت صنعتی که از تاریخ تصویب این قانون عاید می‌گردد، برای ارتقاء و تجهیز اداره مالکیت صنعتی و ارتقاء کیفی آن در قانون بودجه سالانه اختصاص می‌یابد. پس از تأیید اداره مالکیت صنعتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است ارزش مورد نیاز صاحبان ایرانی حقوق مالکیت صنعتی را جهت ثبت بین‌المللی این حقوق برابر تعرفه‌های مذکور در کنوانسیون‌ها و مقررات بین‌المللی با نرخ رسمی تأمین نماید. ماده ۶۴ - آئین‌نامه اجرائی این قانون ظرف یک سال از تاریخ تصویب توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. در آئین‌نامه مذکور به‌ویژه باید تعرفه‌های مربوط به اظهارنامه‌های ثبت اختراعات و طرح‌های صنعتی ثبت علائم و علائم جمعی و تمدید ثبت آنها و جرائم تأخیر در تمدید با رعایت این قانون و مفاد کنوانسیون‌های مربوط که جمهوری اسلامی ایران عضویت در آنها را پذیرفته است تعیین شود و در صورت لزوم هر سه سال یک بار قابل تجدید نظر می‌باشد. ماده ۶۵ - اختراعات و علائم تجارتمی که قبلاً برابر مقررات سابق ثبت شده است، معتبر بوده و مورد حمایت این قانون قرار می‌گیرد. در این صورت: الف - در مورد اختراعات باید هزینه‌های سالانه مقرر در این قانون برای مدت باقیمانده پرداخت شود. ب - علائم باید در موعد مقرر در همان قانون تمدید شده و پس از تمدید براساس طبقه‌بندی بین‌المللی مجدداً طبقه‌بندی شود. ماده ۶۶ - از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰/۴/۱ و اصلاحات بعدی آن و آئین‌نامه‌های مربوط به آن ملغی می‌شود. قانون فوق مشتمل بر شصت و شش ماده در جلسه مورخ هفتم آبان‌ماه یک‌هزار و سیصد و هشتاد و شش کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب گردید و پس از موافقت مجلس با اجراء آزمایشی آن به مدت پنج سال در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۳ به تأیید شورای نگهبان رسید.

۴۰- اعاده اعتبار و حیثیت

اعاده اعتبار و حیثیت - اعاده اعتبار و حیثیت برابر ماده ۵۶۱ ق.ت. (هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته است بپردازد حقا اعاده اعتبار می‌نماید) که اعاده اعتبار حقیقی است. نوع دیگری از اعاده اعتبار نیز وجود دارد به نام اعاده اعتبار قانونی و آن موقعی است که تاجر ورشکسته ای که تحصیل قرارداد ارفاقی نموده تمام وجوهی که به موجب قرارداد به عهده گرفته است پرداخته باشد. این ترتیب در مورد شریک شرکت ورشکسته که شخصاً تحصیل قرارداد ارفاقی جداگانه نموده است نیز رعایت می‌شود و تاجر ورشکسته ای که کلیه بستانکاران ذمه او را بری کرده یا به ادعاه اعتبار وی رضایت بدهند می‌تواند اعتبار خود را اعاده نماید.

۴۱- تصفیه امور ورشکستگی طبق قانون اداره تصفیه

۱- خانمه ورشکستگی

تصفیه امور ورشکستگی طبق قانون اداره تصفیه - خاتمه ورشکستگی در تصفیه عادی پس از تقسیم اموال و خاتمه ورشکستگی کارمند مربوطه گزارشی مبنی بر خاتمه ورشکستگی به رئیس اداره تصفیه می دهد. در این گزارش خلاصه عملیات تصفیه و علت ورشکستگی و مبلغ دارائی بدهی و میزان کسری و همچنین سهمیه هایی که برابر ماده ۴۷ قانون اداره تصفیه در صندوق دادگستری به ودیعه گذاشته شده قید می گردد. متعاقباً ورشکستگی از طرف رئیس اداره تصفیه اعلام و انتشار می گردد.

۲- اداره تصفیه

تصفیه امور ورشکستگی طبق قانون اداره تصفیه - اداره تصفیه به موجب ماده ۱ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی سازمانی به نام اداره تصفیه امور ورشکستگی که در حال حاضر زیر نظر شورای عالی قضائی وزارت دادگستری انجام وظیفه می نماید در تهران و در بعضی از شهرستانهای مهم تاسیس گردیده است. اما در تقاطی که اداره تصفیه تشکیل نشده است. امر تصفیه توسط مدیر تصفیه و نظارت عضو ناظر صورت میگیرد. برابر ماده ۲ (ق.ا.ت.ا.و) (رئیس و کارمندان اداره تصفیه ممکن است از بین خدمتگزاران قضائی یا اداری یا غیر از خدمتگزاران دولت انتخاب شوند...). کارمندان اداره تصفیه به دو گروه تقسیم می شوند یکی قضات و دیگری کارمندان اداری. قضات اداره تصفیه نقش مدیر را در رسیدگی به پرونده های ورشکستگی و عملیات تصفیه ایفا می نمایند. قضات مزبور که از جمله قضات ایستاده می باشند از میان دادرسان وزارت دادگستری بنا به پیشنهاد مدیر کل اداره تصفیه امور ورشکستگی تحت نظارت شورای عالی قضائی تعیین می شوند. کارمندان اداری به سه دسته تقسیم می شوند: کارمندان حسابداری که امور حسابداری را طبق مقررات خاص حسابداری و دستورات رئیس حسابداری اداره کل تصفیه یا رئیس اداره تصفیه انجام میدهند. کارمندان دبیرخانه که امور دفتری اداره تصفیه و امور اجرائی و دستورات قضات را انجام می دهند. کارمندان که معمولاً سابقه قضائی دارند و مانند قضات به پرونده های ورشکستگی رسیدگی می نمایند. اول - دفاتر اداره تصفیه و برکهای نمونه طبق ماده ۱ آئین نامه قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی اداره تصفیه ملزم به داشتن دفاتر زیر می باشد: ۱- دفتر فهرست ورشکستگان ۲- دفتر فهرست ماموریت ها ۳- دفتر صندوق و دفتر تراز آزمایش. ۵- دفتر نماینده دوم - امور مالی اداره تصفیه - صندوق (الف و ب) اداره تصفیه که عملیات مربوط به امور ورشکستگی را انجام می دهد نیاز به هزینه های ضروری دارد. به همین جهت قانونگذار صراحتاً حق وصول هزینه های مزبور را پس از مشخص شدن اموال ورشکسته و قبل از تقسیم آنها بین غرما به اداره مزبور داده است. (صندوق الف) از طرف دیگر برای جلوگیری از محظورات مالی صندوق دیگری نیز پیش بینی گردیده است که درآمدهایی را طبق قانون وصول نماید. اداره تصفیه قبلاً استقلال مالی داشت ولی به موجب ماده واحده لایحه قانونی راجع به درآمدهای اختصاصی چون کلیه درآمدهای اختصاصی وزارتخانه ها و موسسات دولتی باید به درآمد عمومی منتقل گردد. لذا درآمدهای اداره تصفیه امور ورشکستگی نیز به درآمد عمومی انتقال یافته و در مقابل اعتبار مورد نیاز اداره مزبور ضمن بودجه وزارت دادگستری در ردیف خاصی منظور می گردد. طبق ماده ۵۱ (ق.ا.ت.ا.و) اداره تصفیه دارای دو صندوق به نام صندوق الف و ب می باشد که ذیلاً به شرح آنها می پردازیم: صندوق الف باید بین درآمد و هزینه صندوق مزبور قائل به تفکیک شد: درآمد صندوق الف عبارت از جوهری است که حاصل ویژه دارائی ورشکسته به عنوان هزینه امور ورشکستگی به شرح زیر احتساب و برداشت می شود: تا ۰۰۰/۱۰۰ ریال ۸٪ نسبت به مازاد ۰۰۰/۱۰۰ ریال تا ۰۰۰/۵۰۰ ریال ۷٪ نسبت هب مازاد ۰۰۰/۵۰۰ ریال به بالا ۶٪ در رابطه با هزینه صندوق (الف) و جوهری که به شرح ماده ۱ تصویب نامه مذکور وصول می شود باید به تجویز ماده واحده راجع به درآمدهای اختصاصی وزارتخانه ها به درآمد عمومی انتقال گردد و همانطور که اشاره شد هزینه های امور ورشکسته از محل اعتبار مصوبه سالیانه اداره تصفیه تامین می گردد و اسناد هزینه باید به امضای متفق رئیس اداره کل تصفیه ذیحساب وزارت دارائی برسد.

صندوق ب درآمد صندوق (ب) عبارت است از ۲۵٪ حقوقی که به موجب قانون ثبت شرکتها و ماده ۱۱ قانون تجارت برای امضا دفاتر تعلق می گیرد ضمنا میزان حق الثبت و پلمپ دفاتر تجارتي به استثنا بهای تقاضانامه و اظهارنامه پلمپ و نیز درآمد صندوق (ب) به ازای هر یکصد صفحه دفتر تجارتي ۲۰۰ ریال کسر صد صفحه اول حداقل حق الثبت یکصد صفحه ۲۰۰ ریال محاسبه می شود. وجوه صندوق (ب) پس از تامین کسری اعتبارات صندوق (الف) طبق بودجه ای که هر سال از طرف وزارت دادگستری تنظیم و به تصویب هیئت وزیران می رسد به ترتیب به مصارف زیر خواهد رسید: پرداخت کسری هزینه های بیمارستان وزارت دادگستری پرداخت حقوق و مزایای کارمندانی که حسب ضرورت از طرف اداره کل تصفیه پرداخت شده و در دادگستری مشغول به کار می باشند. پرداخت فوق العاده سختی معیشت قضائی که در بخش های خارج از مرکز و نقاط دوردست و صعب المعیشه انجام وظیفه می نمایند. کمک به صندوق تعاونی کارمندان قضائی و اداری دادگستری تامین هزینه های لازم برای اجرا قانون اطفال بزهکار و تاسیس دادگاه بخش در خارج از مقرر دادگاه شهرستان. تامین هزینه های لازم به منظور اجرای قانون اقدامات تامینی.

۳- وظایف اداره تصفیه

تصفیه امور ورشکستگی طبق قانون اداره تصفیه - وظایف اداره تصفیه اول - اقدامات تامین و حفظ حقوق اشخاص ثالث اراه تصفیه ه تجویز ماده ۳ (آ.ق.ا.ت.ا.و) حکم ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتي ورشکسته را بر حسب تاریخ در دفتر فهرست ورشکستگان ثبت و شماره گذاری کرده و به نظر رئیس اداره می رساند. سپس پرونده معمولا به یکی از کارمندان قضائی یا اداری محول می گردد. متصدی پرونده مکلف است از روز شروع ماموریت خود برای حفظ حقوق تاجر ورشکسته اقدامات تامینی علیه مدیونین او به عمل آورد و برای انجام امور فوق قانونگذار استقراض اداره تصفیه را عنداللزوم به اعتبار دارائی موجود ورشکسته برای اقدامات تامینی بدوی پیش بینی نموده است. سایر اقدامات تامینی عبارت است از: صورت برداری از اموال ورشکسته و مهر و موم آنها و توقیف ورشکسته. دوم - فروش اموال و تقسیم وجوه حاصله بین بستانکاران در صورتی که قرارداد ارفاقی با تاجر ورشکسته منعقد نشده باشد اموال تاجر مزبور اصولا به طریق مزایده به فروش رسیده و حاصل فروش بین بستانکاران ورشکسته تقسیم می شود. اگر هیئتی از بستانکاران که واحد شرایط مذکور در ماده ۴۸۰ ق.ت. می باشند رضایت بدهند و وقتی که مال در بازار بورس یا در بازار ارزش معینی دارد (مانند سهام شرکتها) به استثنای اشیا مورد وثیقه که آنها را نمی توان بدون جلب رضایت صاحبان حق وثیقه به طریق غیر مزایده فروخت و نیز اموال فاسد شدنی و اشیایی که در معرض تنزل قیمت هستند و نگهداری آنها مستلزم هزینه غیر متناسبی باشد استثناءا بدون مزایده و به طریق عادی به فروش میرسد. گاهی به علت طول عملیات تصفیه امور ورشکستگی اداره تصفیه به تقسیم موقت سهام مبادرت می کند. این تقسیم موقت باید پس از انقضا مهلت ۲۰ روز از تاریخ انتشار آگهی مربوط به صورت طبکاران انجام پذیرد. ضمنا اداره تصفیه صورت موقت تقسیم سهام را تهیه نموده و با اعلام قبلی آن را به مدت ۱۰ روز در دسترس بستانکاران قرار می دهد. درمورد بستانکارانی که طلب آنها موجه است قبل از رسیدن سررسید طلب پرداختی به آنان صورت نمی گیرد مگر آنکه نسبت به کسر فرع قانونی از طلب خود رضایت دهند. (مواد ۴۸ و ۳۶ ق.ا.ت.ا.و. و ۵۴ آ.ق.ا.ت.ا.و). صورت تقسیم و حساب نهائی که پس از قطعیت کلیه دعاوی مربوط به اموال دیون ورشکسته تنظیم می گردد. درمدت ۱۰ روز در دسترس بستانکاران قرار گرفته و مراتب به اطلاع آنان خواهد رسید. ضمنا خلاصه ای از صورت مربوط به سهم هر یک از بستانکاران به آنان فرستاده می شود. پس از انقضا مدت نامبرده اداره تصفیه بدوا هزینه توقف و هزینه تصفیه را احتساب و برداشت نموده و سپس اقدام به پرداخت سهم هر یک از سهام می نماید. اگر بستانکاری کاملا به حق خودرسید باید سند مربوط را به اداره تصفیه تسلیم نماید. اما اگر قسمتی از طلب خود را دریافت کرد مراتب در سند قید شده و به بستانکار مزبور سند عدم کفایت دارایی داده خواهد شد تا به هنگام ملائت ورشکسته بتواند با ارائه سند مزبور بقیه طلب خود را ادعا و وصول نماید.

۴۲- ورشکستگی و تصفیه اموال

۱- تصفیه امور ورشکستگی مطابق قانون تجارت

ورشکستگی و تصفیه اموال - تصفیه امور ورشکستگی مطابق قانون تجارت برابر ماده ۴۰۴ قانون تجارت دادگاه در ضمن صدور حکم ورشکستگی و یا حداکثر ظرف ۵ روز از صدور حکم یک نفر را به عنوان مدیر تصفیه و مطابق با ماده ۴۲۷ ق.ت. یک نفر را به سمت عضو ناظر تعیین می نماید. الف - وظایف عضو ناظر و مدیر تصفیه عضو ناظر و مدیر تصفیه به منظور اقدامات تامینی به دعوت بستانکاران و بدهکاران ورشکسته اداره اموال و وصول مطالبات ورشکسته فروش اموال ورشکسته تقسیم دارائی ورشکسته بین بستانکاران و بالاخره اعلام خاتمه ورشکستگی اقدام می نمایند. برابر ماده ۴۳۴ ق.ت. دادگاه به عضو ناظر ماموریت می دهد که از کلیه اموال تاجر ورشکسته فوراً صورت برداری نماید و این صورت برداری علی‌القاعده باید در یک روز انجام شود چنانچه به نظر عضو ناظر مدت صورت برداری از دارائی تاجر متجاوز از یک روز باشد عضو ناظر اقدام به مهر و موم اموال تاجر می نماید. در مهر و موم اموال تاجر ورشکسته عضو ناظر به ترتیب انبارها حجره ها صندوق اسناد دفاتر نوشته ها اسباب و اثاثیه تجارخانه و منزل تاجر را مهر و موم خواهد نمود (ماده ۴۳۸ ق.ت.). اگر شرکت ورشکسته تضامنی نسبی یا مختلط باشد اموال شخصی شرکا ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر اینکه حکم ورشکستگی شرکا نیز به موجب حکم جداگانه یا ضمن حکم ورشکستگی شرکا نیز به موجب حکم جداگانه یا ضمن حکم ورشکستگی شرکت صادر شده باشد. البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوائج ضروری تاجر ورشکسته و خانواده او لازم هستند اشیائی که ممکن از قریباً ضایع شود و یا کسر قیمت حاصل نمایند اشیائی که برای به کار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته و استفاده از آن لازم است در صورتی که توقیف آنها موجب خسارت طلبکاران باشد از مهر و موم مستثنی هستند. مدیر تصفیه همچنین مکلف است صورت طلبکاران احتمالی ورشکسته را تهیه نماید و برای این منظور باید به صورت قروضی که تاجر متوقف داده است مراجعه نماید و در صورتی که تاجر ورشکسته صورت دارائی خود را تسلیم ننموده باشد بر طبق ماده ۴۴۹ ق.ت. عمل نماید. وقتی که حکم ورشکستگی صادر گردید بستانکاران تاجر ورشکسته مکلفند پس از آگاهی دعوت مدیر تصفیه اسناد طلب خود یا رونوشت مصدق آن را به عنوان انضمام فهرستی که کلیه مطالبات بستانکاران را معین نماید به مدیر دفتر دادگاه صادر کننده حکم تسلیم نموده و رسید آن را دریافت دارند. تشخیص مطالبات بستانکاران مزبور باید ظرف ۳ روز از تاریخ پایان مهلت های نشر آخرین آگهی در روزنامه شروع شده و بدون وقفه در محل و روز و ساعاتی که از طرف عضو ناظر تعیین گردیده است ادامه یابد در صورتی که طلب مسلم و قبول شده مدیر تصفیه بر روی سند این عبارت را می نویسد: جزو قروض ... مبلغ ... قبول شد به تاریخ... و عضو ناظر نیز آنرا گواهی می کند. اول - طبقه بندی بستانکاران بستانکاران را می توان به چهار طبقه زیر تقسیم نمود: ۱- بستانکاران با حق وثیقه منقول ۲- بستانکاران با حق وثیقه غیر منقول ۳- بستانکاران با حق رجحان ۴- بستانکاران عادی که به غرماً مشهور شده اند و به نسبت طلب خود حصه می برند. ۱- بستانکاران با حق وثیقه منقول طلبکارانی که رهینه منقول در دست دارند به عبارت دیگر درقبال طلب خود مال منقولی از تاجر اخذ نموده اند نام آنان فقط در صورت غرماً برای یادداشت قید می شود به این معنا که آنها می توانند تمام طلب خود را که صحت آنها تصدیق شده از دارائی تاجر ورشکسته بگیرند و نیازی نیست که داخل در غرماً شوند. مدیر تصفیه می تواند هر موقع که بخواهد با اجازه عضو ناظر طلب بستانکاران مزبور را داده و مال الرهانه را از رهن خارج ساخته و جز دارائی تاجر ورشکسته منظور دارد. در صورتی که مورد وثیقه فک نشود مدیر تصفیه باید با نظارت دادستان و با حضور مرتهن آنان را به فروش برساند. ۲- بستانکاران با حق وثیقه غیر منقول طلبکارانی که رهینه غیر منقول دارند نسبت به مال مزبور تقدم دارند و شکی نیست که قبل از پرداخت طلب این قبیل اشخاص که

در مقابل طلب خود مال غیر منقول تاجر ورشکسته را در تصرف دارند نمی توان از آنان خلع ید نمود. به این ترتیب از وجوه حاصل از فروش مال غیر منقول بدوا باید طلب طلبکاری که رهنه غیر منقول دارد پرداخت گردد حال اگر حاصل فروش مزبور کفایت طلب مرتهن را ننماید نسبت به بقیه طلب جز غرما معمولی منظور شده واز وجوهی که برای غرما مقرر شده است حصه می برد به شرط آنکه طلب وی تصدیق شده باشد. (ماده ۵۱۸ ق.ت). ۳- بستانکاران با حق رجحان ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی بستانکاران با حق رجحان را به شرح زیر احصا نموده است: طبقه اول: حقوق خدمه خانه برای مدت سال آخر قبل از توقف حقوق خدمتگذار بنگاه ورشکسته برای مدت ۶ ماه آخر قبل از توقف دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می گیرند برای مدت سه ماه قبل از توقف. طبقه دوم: طلب اشخاصی که مال آنها به عنوان ولایت یا قیومت تحت اداره ورشکسته بوده نسبت به میزانی که ورشکسته از جهت ولایت و یا قیومت مدیون شده است. طبقه سوم: طلب پزشک و دارو فروش و مطالباتی که به مصرف مداوای مدیون و خانواده اش در ظرف سال قبل از توقف رسیده باشد. طبقه چهارم: نفقه زن مطابق ماد ۱۲۰۶ قانونی مدنی مهریه زن تا میزان ۱۰/۰۰۰ ریال به شرط آنکه ازدواج اقله ۵ سال قبل از توقف واقع شده باشد و نسبت به مازاد جز سایر دیون محسوب می شود. ۴- بستانکاران عادی بستانکاران عادی کسانی هستند که حق وثیقه یا حق رجحان نسبت به اموال و دارایی ورشکسته ندارند. بدیهی طلب بستانکاران مزبور پس از ادعای مطالبات با حق وثیقه یا حق رجحان از باقیمانده دارایی ورشکسته به نسبت طلب آنان پرداخت می شود. دوم - قرارداد ارفاقی پس از صدور حکم ورشکستگی تاجر و تشخیص طلبکاران حقیقی او به منظور ارفاق و مدارا و کمک و همراهی بین تاجر و طلبکاران مزبور تحت شرایط قانونی قرارداد ارفاقی تنظیم می گردد که به موجب آن طلبکاران از دریافت قسمتی از طلب خود از تاجر ورشکسته صرف نظر کرده و بقیه را با ترتیب معینی و وصول می نمایند. ضمنا به تاجر موصوف مهلت می دهند که بنگاه تجارتنی خود را بازسازی نموده و در صورت سوددهی مابقی بدهی خود را پرداخت نماید تاجر ورشکسته نیز به نوبه خود مراتب فوق را متعهد می گردد. اما این امر که انعقاد قرارداد ارفاقی بعد از صدور حکم ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتنی باشد قابل انتقاد به نظر می رسد زیرا اگر تاجری به جهت مشکلات اقتصادی و حوادث غیر مترقبه از پرداخت دیون خود متوقف گردیده است عدالت و نصفت حکم می کند که قبل از اینکه حکم ورشکستگی چنین شخصی صادر شده و موجبات تزلزل اعتبار تجارتنی او فراهم گردد قاضی دادگاه قادر باشد که با دعوت طلبکاران تاجر متوقف و با جلب رضایت آنان یا حتی راسا با توجه به اهمیت واحد تولیدی و صنعتی و یا تجارتنی به تاجر یا شرکت متوقف مهلت بازسازی و ادای دیون را بدهد. ۱- دعوت بستانکاران حد نصاب رسمیت جلسه و انعقاد قرارداد ارفاقی پس از رسیدگی به مطالبات عضو ناظر به موجب ماده ۴۷۶ ق.ت. باید از کلیه بستانکارانی که طلب آنان تشخیص و تصدیق یا موقتا قبول شده است در ظرف ۸ روز از تاریخ موعدی که تعیین گردیده توسط مدیر دفتر دادگاه صادر کننده حکم دعوت به عمل آورد و در مجمع مزبور که تحت ریاست عضو ناظر تشکیل می گردد علاوه بر طلبکاران یا وکیل ثابت الوکاله آنان تاجر ورشکسته هم باید شخصا حضور به رسانده و در مذاکرات شرکت نماید. برای رسمیت مجمع مزبور و اتخاذ تصمیم دو نوع اکثریت پیش بینی گردیده که یکی اکثریت عددی و دیگری اکثریت مبلغی می باشد. در مورد اکثریت عددی حضور لاقبل نصف به علاوه یک طلبکارانی که مطالبات آنان تشخیص و تصدیق شده یا موقتا مورد قبول قرار گرفته است برای اتخاذ تصمیم ضروری است ولی برای اینکه تصمیم مزبور به مورد اجرا در آید اکثریت مبلغی نیز الزامی می باشد. به عبارت دیگر طلبکاران مزبور باید سه چهارم از کلیه مطالبات را هم دارا باشند. وقتی مجمع طلبکاران با توجه به اکثریت عددی (نصف به علاوه یک طلبکاران) و اکثریت مبلغی (دارندگان سه چهارم از مطالبات) تشکیل گردید. موضوع قرارداد ارفاقی که هدف آن کمک و همراهی ارفاق به ورشکسته می باشد بین تاجر ورشکسته و طلبکاران وی با شرایط پیش بینی شده در قانون منعقد می گردد. در جلسه مزبور مدیر تصفیه گزارش خود را ارائه می دهد و سپس تاجر ورشکسته نظریاتی در مورد دیون و ادامه کار تجارتنی خود و امکانات پرداخت قروض خود به اطلاع حضار می رساند. در صورتی

که اکثریت لازم در خصوص انعقاد قرارداد ارفاقی حاصل شد عمل ورشکستگی در همین جا خاتمه پیدا نموده و تاجر به کار تجارتي خود ادامه می دهد. در مورد تاجر ورشکسته به تقلب قرارداد ارفاقی منعقد نمی شود زیرا شکی نیست که ورشکسته به تقلب با توسل به وسایل متقلبانه به اضرار طلبکاران اهتمام ورزیده است ولی در مورد تاجر ورشکسته به تقصیر انعقاد قرارداد ارفاقی ممکن است. ۲- موارد بطلان یا فسخ قرارداد ارفاقی به موجب ماده ۴۹۲ قانون تجارت قرارداد ارفاقی در موارد زیر باطل می شود: ۱- در صورتی که تاجر به عنوان ورشکسته به تقلب محکوم شود. ۲- چنانچه کشف شود که قبل از انعقاد قرارداد ارفاقی در میزان دارائی یا مقدار قروض تاجر ورشکسته حيله و تزويری به کار رفته و مقدار واقعی آنها در صورت حسابها قید نشده است. مواردی که می توان قرارداد ارفاقی را فسخ نمود دو مورد می باشد: اول آنکه اگر تاجر ورشکسته از شرایط قرارداد ارفاقی سرپیچی کرده یا آن را اجرا ننماید و دوم در صورتی که اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را کسی ضمانت کرده باشد طلبکار می تواند اجزای کلی یا جزئی قرارداد را از ضامن بخواهد و در صورت تعدد ضامن مسئولیت آنها تضامنی است. در مورد اخیر اگر قسمتی از قرارداد ضامن نداشته باشد قرارداد نسبت به آن فسخ می شود (مواد ۴۹۴ و ۴۹۵ ق.ت.). سوم - فروش اموال ورشکسته مدیر تصفیه پس از انجام تشریفات راجع به جمع آوری اموال ورشکسته و حفاظت آنها و همچنین تشخیص دیون و مطالبات ورشکسته و تهیه صورت طبقه بندی بستانکاران او در صورتی که بین تاجر ورشکسته و بستانکاران وی قرارداد ارفاقی منعقد نشده و یا به دلایلی ابطال و یا فسخ شده باشد. اقدام به فروش اموال ورشکسته و تبدیل آنها به پول نقد می نماید تا حاصل فروش را بتواند آنها به پول نقد می نماید تا حاصل فروش را بتواند بین غرما تقسیم کند. را معین کرده است امکان پذیر می باشد و مرجع صلاحیتدار برای رسیدگی به شکایت مزبور دادگاهی که عضو ناظر و مدیر تصفیه را معین کرده است می باشد. چنانکه تصمیمات مدیر تصفیه در خصوص تشخیص مطالبات طلبکاران پس از انجام تشریفات قانونی از طرف هر طلبکار و تاجر ورشکسته قابل اعتراض است (مستفاد از مواد ۴۳۰ و ۴۳۱ و ۴۶۴ ق.ت.). از طرف دیگر برابر ماده ۴۷۳ ق.ت. طلبکارانی که در مواعد تصفیه حاضر نشده و مطابق ماده ۴۶۲ ق.ت. عمل نمایند. نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که در مورد تقسیم وجوه قبل از حضور آنان به عمل آمده حق هیچگونه اعتراضی ندارند. اما در تقسیم وجوهی که ممکن است بعدا به عمل آید جز غرما محسوب می شوند بدون اینکه حق داشته باشند حصه ای را که در تقسیمات سابق به آنان تعلق می گرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه کنند. ب- مسئولیت مدنی و جزائی مدیر تصفیه و عضو ناظر مدیر تصفیه یا عضو ناظر ممکن است تصمیمات خود را بر خلاف قانون اتخاذ نموده و به منابع خصوصی طلبکاران و یا ورشکسته لطمه وارد سازند. در چنین مواردی اشخاص متضرر می توانند بطلان و تصمیمات مورد بحث را از دادگاه صلاحیتدار تقاضا نمایند. گاهی اتفاق می افتد که مدیر تصفیه یا عضو ناظر در اثر ارتکاب تقصیر در امور تصفیه به طلبکاران و اشخاص ورشکسته و یا سایر اشخاص ذینفع خسارت وارد نمایند. بدیهی است اشخاص متضرر به منظور اخذ خسارت وارده باید با توجه به مواد ۳۲۸ و ۹۵۱ و ۹۵۲ و ۹۵۳ قانون مدنی قانون مسئولیت مدنی تقصیر فاعل زیان و رابطه سببیت بین فعل زیان آور و ضرر وارده را در دادگاه ثابت نمایند. اگر مدیر تصفیه در حین تصدی به امور تصفیه ورشکستگی تاجر ورشکسته وجهی را حیف و میل نماید به اشد مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد. مجازات خیانت در امانت برابر مواد ۷۷۳ و ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) بر حسب نحوه بزه ارتكابی تعیین گردیده است.

۲- انواع ورشکستگی

ورشکستگی و تصفیه اموال - انواع ورشکستگی ورشکستگی را می توان به عادی به تقصیر و به تقلب تقسیم نمود. الف - ورشکستگی عادی برابر مواد ۴۱۲ و ۴۱۳ ق.ت. کسی ورشکسته عادی محسوب می شود که تاجر یا شرکت تجارتي بوده و از پرداخت وجوهی که برعهده دارد متوقف گردد و ظرف ۳ روز از تاریخ وقفه که در ادای قروض یا سایر تعهدات نقدی او حاصل

شده باشد توقف خود را به دفتر دادگاه عمومی محل اقامت خود اظهار خود اظهار نموده و صورت حساب دارائی و کلیه دفاتر تجارتي خود را به دفتر دادگاه مزبور تسليم نمايد. صورت حساب دارائی و کلیه دفاتر تجارتي خود را به دفتر دادگاه مزبور تسليم نمايد. صورت حساب موصوف بايد مورخ بوده و به امضا تاجر رسیده و تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول تاجر متوقف بطور مشروح صورت کلیه قروض و مطالبات و نیز صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی در آن مندرج گردد. بنابراین اگر تاجر یا شرکت تجارتي بدهکار ظرف مهلت مقرر توقف از تادیه دیون خود را به دادگاه صلاحیتدار به انضمام مدارک موردنظر اعلام کرد ورشکستگی عادی محسوب می شود. ب - ورشکستگی به تقصیر اول - موارد چهارگانه الزامی صدور حکم ورشکستگی به تقصیر (ماده ۵۴۱ ق.ت). ۱ - مخارج شخصی یا مخارج افراد تحت تکفل تاجر در ایام عادی به نسبت عایدی او فوق العاده شود. ۲ - تاجر مبالغ زیادی از سرمایه خود را صرف معاملات کند که در عرف تجارتي موهوم بوده و یا سودآوری معاملات مذکور منوط به اتفاق محض باشد. ۳ - تاجر به منظور به تاخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی گرانتر یا فروشی ارزانتر از قیمت روز کند و برای بدست آوردن وجه نقد به روش دور از صرفه متوسل شود مثل استقراض یا صدور برات سازشی وغیره. ۴ - تاجر پس از تاریخ توقف از ادای دیون و قروضی که بر عهده دارد یکی از طلبکاران خود را بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پردازد. دوم - موارد سه گانه اختیاری صدور حکم ورشکستگی به تقصیر (ماده ۵۴۲ ق.ت). ۱ - تاجر به حساب دیگری و بدون آنکه عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او انجام تعهدات مزبور فوق العاده باشد. ۲ - عملیات تجارتي او متوقف شده و مطابق ماده ۴۱۳ قانون تجارت رفتار نکرده باشد. ۳ - تاجر دفاتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی ترتیب بوده یا در صورت دارائی وضعیت واقعی خود را اعم از قروض و مطالبات بطور صریح معین نکند مشروط بر آنکه مورد اخیر الذکر تقلبی نکرده باشد. سوم - تعقیب جزائی و مجازات تاجر ورشکسته به تقصیر تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر بنا به تقاضای هر یک از طلبکاران یا دادستان و یا مدیر تصفیه پس از تصویب اکثریت بستانکاران به عمل می آید (مواد ۵۴۴ و ۵۴۷ ق.ت). اگر تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر از طرف دادستان به عمل آمده باشد هزینه دادرسی آن به هیچ وجه به عهده هیئت طلبکاران نمی باشد. اگر مدیر تصفیه ورشکسته به تقصیر را به نام بستانکاران تعقیب نماید در صورت برائت ورشکسته موصوف هزینه تعقیب به عهده بستانکاران می باشد و چنانچه تعقیب از طرف یکی از طلبکاران به عمل آمده باشد و ورشکسته برائت حاصل نماید هزینه دادرسی به عهده طلبکار است اما در صورت محکومیت ورشکسته مزبور هزینه دادرسی به عهده دولت خواهد بود. مجازات تاجر ورشکسته به تقصیر از ۶ ماه تا ۲ سال حبس می باشد (ماده ۶۷۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)). ج - ورشکستگی به تقلب مطابق ماده ۵۴۹ ق.ت. اگر تاجر دفاتر تجارتي خود را از روی عمد و سونیت مفقود نماید یا قسمتی از دارائی خود را مخفی کند و یا به طریق مواضعه و معاملات صوری آن را از بین ببرد و بالاخره اگر به وسیله اسنادن یا به وسیله صورت دارائی و قروض به طور تقلب به میزانی که در واقع مدیون نمی باشد خود را مدیون قلمداد نماید ورشکسته به تقلب محسوب می شود. تعقیب جزائی و مجازات تاجر ورشکسته به تقلب تعقیب جزائی تاجر ورشکسته به تقلب همانند تعقب جزائی ورشکسته به تقصیر می باشد و مجازات کسانی که به عنوان ورشکسته به تقلب محکوم می شوند از ۱ تا ۵ سال حبس می باشد (ماده ۶۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)).

۳ - اعلام ورشکستگی

ورشکستگی و تصفیه اموال - اعلام ورشکستگی برابر ماده ۴۱۵ ق.ت. ورشکستگی تاجر به حکم محکمه بدایت بر حسب اظهار خود تاجر به موجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران و بر حسب تقاضای مدعی العموم اعلام می شود. الف - بر حسب اظهار خود تاجر هر تاجر بدهکار مکلف است دادخواست توقف خود را ظرف سه روز از تاریخ وقفه در پرداخت دیون به انضمام صورت حساب دارائی و کلیه دفاتر تجارتي مربوط به دفتر دادگاه حقوقی یک محل اقامت خود تسليم نماید. صورتحساب مذکور باید

مورخ باشد و به امضا تاجر نیز رسیده و تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول تاجر متوقف به طور مشروح صورت قروض و مطالبات صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی هم ذکر شده باشد. تاجری که به محض حصول توقف از پرداخت دیون نقدی خود در ظرف مدت ۳ روز با در نظر گرفتن ماده ۴۱۳ ق.ت. اعلام توقف ننماید دادگاه می تواند برابر بند ۲ از ماده ۵۴۲ و ۵۴۳ ق.ت. چنین تاجری را ورشکسته به تقصیر اعلام نماید. ب - به موجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران مطابق بند ب از ماده ۴۱۵ ق.ت هر کسی که از تاجر مطالباتی دارد می تواند در صورت وقفه در تادیه مطالبات مزبور از طرف تاجر یا شرکت تجارتي دادخواست ورشکستگی علیه هر یک از آنها تهیه و به دادگاه تقدیم نماید. چنین حقی فقط برای حفظ حقوق او بوده است. زیرا بعضی از تجار بر اثر سهل انگاری و یا تعدد حاضر نمی شوند بطور آشکار وضع اسف بار مالی خود را به دادگاه اعلام نمایند و چه بسا باقیمانده اموال را نیز به طرق مختلف به دیگران منتقل می سازند لذا اقدام قانونی طلبکار برای رفع چنین مشکلاتی و جلوگیری از سو استفاده و حیف و میل شدن مابقی اموال تاجر متوقف ضروری می باشد. ج - به موجب تقاضای دادستان دادستان به نمایندگی از طرف جامعه حق دارد صدور حکم ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتي متوقف را از دادگاه مربوطه تقاضا نماید. زیرا ورشکستگی با اقتصاد کشور ارتباط مستقیم دارد اشخاص ثالث می توانند در مواردی که تاجر یا شرکت تجارتي مرتکب جرائمی راجع به ورشکستگی به تقصیر یا تقلب شده باشد مراتب را به دادستانی محل وقوع جرم اطلاع دهند. زیرا ورشکستگی ممکن است موجبات تزلزل اعتبار مالی دیگران را نیز فراهم سازد.

۴- شرایط آغاز رسیدگی

ورشکستگی و تصفیه اموال - شرایط آغاز رسیدگی بدهکار باید تاجر یا شرکت تجارتي بوده و از تادیه دیون خود متوقف باشد. الف - خصوصیات بدهکار اول - تاجر یا شرکت تجارتي ماده ۴۱۲ ق.ت. مقرر می دارد: ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتي در نتیجه توقف از تادیه وجوهی که برعهده اوست حاصل می شود. برابر ماده مذکور در صورتی که هر تاجر یا شرکت تجارتي نتواند دیون خود را در موعد مقرر پرداخت نماید ورشکسته محسوب می شود و قانونگذار ورشکستگی را به غیر تاجر و حتی شرکت غیر تجارتي توسعه نداده است. در پاسخ به این پرسش که آیا می توان علیه کسبه جز یا پیشه ورانی که از ادای دیون خود متوقف شده اند دادخواست توقف داد باید گفت قانون کسبه جز را از شمول ورشکستگی معاف نموده و درباره آنان اعمال مقررات راجع به اعسار و تجویز نموده است ولی به نظر می رسد اگر شخص حقیقی غیر تاجر اعم از کسبه جز یا پیشه ور بطور معمولی عمل تجارتي انجام و فقط زندگی خود و خانواده اش را به وسیله آن تامین کند در این صورت تاجر محسوب نمی شود. اما در صورتی که از حاصل کار دیگران یا انجام معامله سود ببرند علیه چنین اشخاص تحت شرایطی که در مورد اصلاح ماده ۴۱۲ ق.ت. پیشنهاد گردیده می توان دادخواست ورشکستگی تسلیم نمود. هر چند که نام آنان در دفتر تجارتي ثبت نشده باشد. در مورد شرکتهای تجارتي قانونگذار کلیه معاملات شرکتهای تجارتي را به تبع شرکت تجارتي می داند ولی شرکا و مدیران شرکتهای مزبور را اصولاً تاجر محسوب نمی کند (بند ۴ ماده ۳ ق.ت) اصل توسعه دادن ورشکستگی به اموال شخصی بعضی از مدیران در قانون تجارت ایران پیش بینی نشده است. بنابراین لازم است گفته شود که اگر شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارائی شرکت برای تادیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیتدار می تواند به تقاضای هر ذینفع هر یک از مدیران یا مدیر عامل را منفرداً یا متضامناً به تادیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارائی شرکت ممکن نیست محکوم نماید. دوم - تاجر متوفی قسمت دوم ماده ۴۱۲ ق.ت. می گوید (حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یک سال بعد از مرگ او نیز می توان صادر نمود همین حکم را میتوان در مورد تاجر متواری نیز جاری ساخت). ب - توقف از ادای دیون قانون تجارت ایران توقف از ادای دیون را تعریف نموده و ظاهراً عدم توانائی پرداخت غیر اداری دین است. زیرا عدم توانائی پرداخت هنگامی تحقق پیدا می

کند که دارائی منفی بدهکار از دارائی مثبت او بیشتر باشد و عدم تعادل دو دارائی دقیقاً پس از تصفیه اموال مشخص می گردد. از طرف دیگر توقف از ادای دیون نیز دارای مفهومی بسیار خشن می باشد زیرا ظاهراً با ملاحظه کلمات مذکور در بدو امر چنین تصور می شود که بدهکار با اینکه توانائی پرداخت دیون خود را در انقضا مهلت داشته ولی از پرداخت آنها خوداری نموده است. با این تعبیر علی الاصول باید عدم پرداخت دین واحد برای تحقق تقف کافی باشد. اگر بازهم توقف از ادای دیون را نشانگر ضعف بنیه مالی تاجر بدانیم ممکن است تاجری که مشکل مالی دارد سعی کند برای مدت کوتاهی به ظاهر خود را دارای اعتبار جلوه بدهد. به عبارت دیگر تاجر مزبور با اخذ ام موقتا دیون تجاری خود را پرداخت کند تولی از ادای مالیات و حقوق تامین اجتماعی خودداری نماید. بدین ترتیب توقف از پرداخت شرط رضایت بخش و کافی برای ورشکستگی تاجر نخواهد بود. دادگاههای ایران از تفسیر مضیق و محدود ماده ۴۱۲ ق.ت. خودداری نموده اند و پیشنهاد می شود که قسمت اول ماده ۴۱۲ ق.ت. به شرح زیر اصلاح گردد: ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری ه رخص حقوقی حقوق خصوصی حتی غیر تاجر یا هر شخص حقیقی غیر تاجر که موضوع فعالیت آنان اقتصادی و یا سودآور باشد در نتیجه عدم توانائی از تادیه دیونی که بر عهده دارد حاصل می گردد.

۵- رسیدگی به دعوی و صدور حکم

ورشکستگی و تصفیه اموال - رسیدگی به دعوی و صدور حکم در حکومت قانون سابق دادگاههای حقوقی یک صلاحیت رسیدگی به دادخواست ورشکستگی را بطور اختصاصی طبق قانون آئین دادرسی مدنی داشتند. طبق ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۲۱/۱/۷۹ همین که خواهان دادخواست خود را با ضمائم مربوط به دفتر دادگاه تقدیم نمود مدیر دفتر مکلف است در صورتی که دادخواست کامل باشد بلافاصله و الا- پس رفع نقص یک نسخه از دادخواست و پیوستها را با تعیین روز و ساعت جلسه دادرسی برای خواننده ارسال نماید و روز جلسه دادگاه باید به نحوی تعیین شود که فاصله بین ابلاغ دادخواست و روز جلسه کمتر از ۵ روز نباشد. ضمناً در مواردی که نشانی طرفین دعوا یا یکی از آنها در خارج از کشور باشد فاصله بین ابلاغ و وقت و روز جلسه کمتر از دو ماه نخواهد بود. آنچه مسلم است ادعای خواهان باید مستند به دلیل باشد. در غیر این صورت ولو اینکه خواننده هم سکوت کرده باشد خواهان محکوم به بی حقی خواهد بود زیرا برابر ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۷۹/۱/۲۱ دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوی برای اثبات یا دفاع از دعوی به آن استناد می نمایند. قانون تجارت ایران دادگاه رسیدگی کنند به دعوی ورشکستگی را مکلف کرده که پس از احراز تاجر بودن فرد و علم به توقف از ادای وجوهی که بر عهده اوست حکم ورشکستگی تاجر را صادر نماید بدیهی است در این مورد باید به دلایل اقامه شده توجه نماید. قبل از صدور حکم ورشکستگی دادگاه باید راساً یا توسط قاضی دیگر و یا مدیر تصفیه و بالاخره توسط مدیر دفتر اطلاعات کافی از وضع تاجر (اعم از حقیقی یا حقوقی) کسب نماید تا معلوم شود که آیا شخص مزبور قادر به ادامه فعالیت تجاری می باشد یا خیر؟ چون هدف حقوق تجارت کمک به بازسازی واحدهای تولید صنعتی تجاری یا خدماتی است لذا باید تحقیقات لازم در این مورد به عمل آید. مسئله دیگری که قبل از صدور حکم ورشکستگی باید در نظر گرفته شود این است که قاضی رسیدگی کنند به دعوی ورشکستگی مخیر است قبل از صدور حکم توقف در صورتی که امیدی به ادامه کار تاجر داشته باشد هیئت بستانکاران را برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی دعوت نماید حال اگر تاجر بدهکار در مهلهای تعیین شده نتوانست دیون خود را پرداخت کند در این صورت دادگاه می تواند حکم ورشکستگی و تصفیه اموال تاجر مزبور را صادر نماید. دادگاه رسیدگی کننده به دعوی ورشکستگی می تواند به وسیله مدیر تصفیه و با نظارت خود و طلبکاران بدون اینکه حکم توقف صادر کند قسمتی از اموال تاجر متوقف را فروخته بین طلبکاران تقسیم نماید و چنین اقدامی در صورت

رضایت طلبکاران امکانپذیر خواهد بود. قاضی پرونده ورشکستگی باید مجاز باشد تاجر بدهکار را که پس از دعوی حاضر نشده است جلب و حتی زندانی نموده و نیز اقدامات تامینی لازم نسبت به اموال نامبرده از قبیل منع انتقال اموال و پرداخت دیون به عمل آورد. بدیهی است پس از رد تقاضای ورشکستگی کلیه ممنوعیت های مورد بحث ملغی الاثر خواهد بود.

۶- محتوی حکم به موجب قانون تجارت

ورشکستگی و تصفیه اموال - محتوی حکم به موجب قانون تجارت حکم ورشکستگی حکم اعلامی است یعنی آثار حکم محدود به طرفین دعوی نبوده بلکه نسبت به کلیه افراد دارای اعتبار می باشد. ضمناً حکم ورشکستگی بطور موقت اجر می شود و چون حکم به قطعیت نرسیده عملیات اجرائی معمولاً محدود به اقدامات تامینی می باشد. اگر در هر حوزه دادگاه عمومی اداره تصفیه برای رسیدگی به امور ورشکستگی تاسیس نشده باشد دادگاه مکلف به تعیین عضو ناظر خواهد بود. الف - تعیین عضو ناظر عضو ناظر مامور اداره امور مربوط به ورشکستگی است و دادگاه میتواند در موردی که مقتضی بداند عضو ناظر را تبدیل و شخص دیگری را به جای او تعیین نماید (مواد ۴۲۸ و ۴۳۲ ق.ت) عضو ناظر در کلیه امور مربوط به ورشکستگی و سرعت جریان آن نظارت داشته و در تمام منازعاتی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه می باشد مداخله و مراتب را گزارش می نماید. در صورت شکایت از تصمیمات عضو ناظر باید به دادگاهی که عضو ناظر را تعیین نموده مراجعه کرد. ب - اقدامات تامینی دادگاه در حکم ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری دستور مهر و موم انبارها و حجره ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشته ها و اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر را صادر می نماید عضو ناظر ممکن است فوراً از کلیه دارائی تاجر یا شرکت تجاری صورت برداری نماید و از آنجائی که این عمل معمولاً مدتی به طول می انجامد لذا عضو ناظر برای جلوگیری از حیف و میل دارائی ورشکسته قبل از صورت برداری اقدام به مهر و موم آنها می نماید. ماده ۴۳۴ ق.ت. می گوید (مهر و موم باید فوراً به توسط ناظر به عمل آید مگر در صورتی که به عقیده عضو مزبور برداشتن صورت دارائی تاجر در یک روز ممکن باشد در این صورت باید فوراً شروع به برداشت صورت شود. اگر شرکت تجاری ورشکسته تضامنی یا مختلط و یا نسبی باشد اموال شخص شرکا ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر آنکه دادگاه حکم ورشکستگی شخص شرکا شرکتهای مذکور را به موجب حکم جداگانه و یا در ضمن حکم دادگاه صادر نماید. ج - صدور قرار توقیف تاجر چنانچه تاجر مفاد ماد ۴۱۳ ق.ت. را در مورد اعلام وقفه از تادیبه دیون و تسلیم صورت حساب دارائی و کلیه دفاتر تجاری خود که متضمن مراتب مندرج در ماده ۴۱۴ قانون مذکور می باشد به دادگاه عمومی یک محل اقامت خود رعایت نکند دادگاه مکلف است قرار توقیف تاجر را صادر نماید و این سخت گیری قانونگذار از مواردی است که تاجر ورشکسته به تقصیر نیز باشد. ضمناً قرار توقیف ورشکسته در مواقعی نیز داده می شود که معلوم گردد تاجر ورشکسته می خواهد به واسطه اقدامات خود از ادراه امور ورشکستگی و تصفیه دارائی مربوطه جلوگیری نماید (مواد ۴۳۵ و ۴۳۶ ق.ت.). د - تعیین تاریخ توقف دادگاه باید تاریخ توقف را تعیین نماید. هر چند که ماد ۴۱۶ ق.ت. در صورت تعیین نشدن تاریخ از طرف دادگاه تاریخ صدور حکم ورشکستگی را تاریخ توقف محسوب می کند. از طرف دیگر بستانکاران می توانند تا انقضا مهلتی که برای تشخیص و تصدیق مطالبات خود معین شده است تغییر تاریخ توقف را از دادگاه صادرکننده حکم درخواست نمایند. با تعیین تاریخ توقف تاجر یا شرکت تجاری ورشکسته از تاریخ توقف حق مداخله یا دخل و تصرف در تمام اموال خود اعم از اعیانی و منافع و حقوق مالی را ندارد. ه - تعیین مدیر تصفیه دادگاه ضمن حکم ورشکستگی خود یا حداکثر در ظرف ۵ روز پس از صدور حکم یک نفر را به سمت مدیریت تصفیه معین می نماید تا حسابهای تاجر ورشکسته را تصفیه و دیون او را پرداخت نماید و در قبال انجام وظایف قانونی مستحق دریافت حق الزحمه ای است که از طرف دادگاه معین می شود.

۷- آثار حکم ورشکستگی نسبت به ورشکسته

ورشکستگی و تصفیه اموال - آثار حکم ورشکستگی نسبت به ورشکسته تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است در کلیه اختیارات و حقوق مالی رشکسته که استفاده از آن موثر در تادیبه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبور استفاده کند. (ماده ۴۱۸ ق.ت.). آثار حکم ورشکستگی وقتی ظاهر می شود که حکم ورشکستگی از دادگاه صلاحیتدار صادر شده باشد و برابر ماده ۴۱۹ ق.ت. از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوائی از منقول یا غیر منقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند. کلیه اقدامات اجرائی نیز مشمول همین دستور خواهد بود. ماده ۴۱۸ بطور صریح تاریخ صدور حکم را مبدا سلب مداخله تاجر در تمام اموال خود تعیین نموده است و منطقی هم به نظر می رسد زیرا اشخاص طرف معامله تاجر بدون آگاهی از وضع مالی او مبادرت به تنظیم قراردادهایی نموده و به مورد اجرا می گذارند حال اگر پس از مدتی چنین قراردادهایی به علت توقف تاجر باطل اعلام گردد مآلاً اشخاص مذکور که سونیتی هم نداشته اند متضرر خواهند شد. الف - مستثنیات دین برابر ماد ۱۶ (ق.ا.ت.ا.و.) (مستثنیات دین تحت اختیار ورشکسته گذاشته شده ولی جز صورت اموال قید خواهد شد). ماد ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ به مستثنیات دین اشاره نمی کند. ولی اموال زیر را برای اجرای حکم غیر قابل توقیف می داند: ۱- لباس و اشیا و اسبابی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه و خانواده او لازم است. ۲- آذوقه موجود به قدر احتیاج یک ماهه محکوم علیه و اشخاص واجب النفقه او. ۳- وسایل و ابزار کار ساده کسبه و پیشه وران و کشاورزان. ۴- اموال و اشیایی که به موجب قانون مخصوص غیر قابل توقیف می باشند. تبصره: تصنیفات و تالیفات و ترجمه هائی که هنوز به چاپ نرسیده بدون رضایت مصنف و مولف و مترجم و در صورت فوت آنها بدون رضایت ورثه یا قائم مقام آنان توقیف نمی شود. ب- ورشکستگی شخصی مدیران شرکت و اشخاص دیگر ماده ۴۱۲ فقط در مورد ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتي که از ادای دیون و وجوهی که بر عهده دارد متوقف گشته است صحبت کرده و سخنی درباره ورشکستگی مدیران یا شرکا شرکت بیان نموده است. برابر ماده ۴۳۹ ق.ت. در مورد شرکا ضامن شرکتهای تضامنی یا مختلط یا نسبی دادگاه اختیار دارد حکم ورشکستگی شرکا ضامن را در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا به موجب حکم جداگانه صادر نماید. ولی در مورد شرکتهای سهامی عام و خاص با مسئولیت محدود شرکتهای مختلط (در مورد سهامداران و شرکا با مسئولیت محدود) سکوت نموده است. امروزه اصل تفکیک بنگاههای تجارتي از اداره کنندگان و شرکا آن موجب گردیده است که ورشکستگی شخصی مدیران و سایر تدابیر تامینی را پیش بینی نمایند تا دست اندرکاران شرکتهای در تحت پوشش شخص حقوقی سهامداران شرکا و یا اشخاص ثالث را تضرر نمایند و برای حمایت از واحدهای تولیدی و صنعتی و تجاری و خدماتی عام المنفعه در قوانین جدید کلمه (ورشکستگی) را فقط در مورد مدیران و دست اندرکاران واحدهای مذکور بکار برده اند. ج - اثر ورشکستگی شخصی شریک یا سهامدار در انحلال شرکت در طبقه بندی شرکتهای تجارتي آنها را با توجه به خصوصیات که دارند به شرکتهای شخص (شامل: شرکت تضامنی شرکت نسبی شرکت با مسئولیت محدود شرکت مختلط غیر سهامی) و به شرکتهای سرمایه (شامل: شرکت سهامی عام و خاص شرکت مختلط سهامی شرکت تعاونی) تقسیم می نمایند. اول - در شرکتهای شخص در این شرکتهای که نمونه بارز آن شرکت تضامنی است ماده ۱۲۸ ق.ت. مقرر می دارد (ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکا و ورشکستگی بعضی از شرکا ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.) این ماده با در نظر گرفتن اصل انفکاک و تنجیز دارائی شخص حقوقی (شرکت) از اشخاص حقیقی آن (شرکا) ورشکستگی بعضی از شرکا را موجب ورشکستگی شرکت نمی داند. اما چون ممکن است شرکا تحت پوشش شخص حقوقی ورشکستگی شرکت نمی داند اما چون ممکن است شرکا تحت پوشش شخص حقوقی و

به قصد فرار از دین اموال شرکت را به نام خود منتقل سازند لذا ماده ۱۳۸ ق.ت. برای حفظ حقوق بستانکاران تحت شرایطی ورشکستگی شرکت تضامنی را به تبع ورشکستگی یک یا چند نفر از شرکا تقاضای کتبی مدیر تصفیه شخص ورشکسته از شرکت تضامنی مبنی بر انحلال شرکت اخیر انقضا مدت ۶ ماه از تاریخ تقاضای مدیر تصفیه و منصرف نکردن مدیر تصفیه از تقاضای انحلال توسط شرکت. برابر ماده ۱۲۹ قانونگذار برای اثبات امور تجارتي سعی نموده از انحلال شرکت به علت عدم تادیه قروض شخصی شرکا در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارائی شخص مدیون (شریک شرکت تضامنی) وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تادیه طلب آنها نباشد می توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند به شرط اینکه لااقل ۶ ماه قبل قصد خود را به وسیله اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند. در این صورت شرکت یا بعضی از شرکا می توانند مادامی که حکم نهائی صادر نشده با تادیه طلب دائن مزبور تا حد دارائی مدیو در شرکت یا با جلب رضایت وی به طریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند. دوم - در شرکتهای سرمایه شرکت سهامی عام و خاص نمونه بارز شرکتهای سرمایه است و با توجه به ماده ۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مسئولیت هر سهامدار محدود به مبلغ اسمی سهم او می باشد. لذا ورشکستگی شخص سهامدار بنا به محدودیت مسئولیت او موجب ورشکستگی شرکت نمی شود ولی قانونگذار برای حفظ حقوق طلبکاران شرکتهای سهامی در ماده ۱۴۳ (ل.ا.ق.ت) مسئولیت فری یا تضامنی مدیران را پیش بینی نموده و اگر شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم گردد که دارائی شرکت برای ادای دیون آن تکافو نمی نماید هر طلبکاری می تواند از دادگاه ذیصلاح محکومیت مدیران شرکت سهامی را که با ارتکاب تقصیر موجبات ورشکستگی شرکت و عدم تکافوی دارائی آن را فراهم ساخته اند به پرداخت آن قسمت از دیون که وصول آن از دارائی شرکت امکانپذیر نیست تقاضا نماید.

۸- آثار حکم ورشکستگی نسبت به قراردادهای ورشکسته

ورشکستگی و تصفیه اموال - آثار حکم ورشکستگی نسبت به قراردادهای ورشکسته الف - معاملات تاجر ورشکسته قبل از تاریخ توقف اول - معاملات به قصد فرار از دین یا برای اضرار طلبکاران ماده ۴۲۴ ق.ت. می گوید (هر گاه در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری برای اشخاصی که با تاجر طرف معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آنها ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار طلبکارها معامله نموده که متضمن ضرری بیش از ربع (۴/۱) قیمت حین معامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگر اینکه طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را پردازد دعوی فسخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می شود. در این ماده اصل صحت معاملات تاجر قبل از توقف به لحاظ ثبات معاملات مورد توجه بود و فقط تحت شرایط مندرج در ماده قابل فسخ می باشد در عین حال به طرف معامله امکان داده می شود که قبل از صدور حکم فسخ معامله از دادگاه تفاوت قیمت را پرداخت نموده و از فسخ معامله جلوگیری نماید. دوم - نحوه پرداخت قیمت حین معامله به محکوم علیه هر گاه محکمه به موجب ماده قبل حکم فسخ معامله را صادر نماید محکوم علیه باید پس از قطعی شدن حکم مالی را که موضوع معامله بوده است عینا به مدیر تصفیه تسلیم و قیمت حین معامله آن را قبل از آنکه دارائی تاجر بین غرما تقسیم شود دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد تفاوت قیمت را خواهد داد (ماده ۴۲۵ ق.ت.). این ماده معاملات معاوضی را مورد توجه قرارداده و معاملات غیر معاوضی مثل هبه و سایر نقل و انتقالات بلاعوض بخاطر ثبات معاملات مدنظر نمی باشد. سوم - معاملات صوری یا مسبوق به تبانی اگر تاجر معامله ای قبل از تاریخ توقف بنماید که صوری بوده و یا مسبوق به تبانی باشد پس از ثابت شدن در دادگاه آن معامله خود بخود باطل بوده و عین و منافع مال موضوع معامله به تاجر مسترد می گردد و طرف معامله اگر طلبکار شود جز غرما حصه ای خواهد بود (مستفاد از ماده ۴۲۶ ق.ت.). ب - معاملات تاجر ورشکسته از تاریخ توقف تا صدور حکم ورشکستگی بین تاریخ توقیف یعنی تاریخی که تاجر از پرداخت دیون و قروضی که بر عهده دارد

عاجز و متوقف می شود تا تاریخ صدور حکم ورشکستگی از دادگاه عمومی که اصطلاحاً به دوران مشکوک معروف است گاهی اتفاق می افتد که تاجر معاملاتی انجام می دهد که به ضرر بستانکاران است و یا با سونیت بعضی اموال خود را به دیگران منتقل می نماید. برای حمایت از حقوق بستانکاران و برای جلوگیری از سلب اعتماد آنان نسبت به واحدهای تجارتي در حقوق اغلب کشورهای جهان مقرراتی وضع شده است. ماده ۴۲۳ ق.ت. می گوید: هر گاه تاجر پس از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثر خواهد بود: هر صلح محاباتی یا هبه و بطور کلی هر گونه نقل و انتقالات بلاعوض اعم از اینکه راجع به منقول یا غیرمنقول باشد. تادیه هر قرض اعم از حال یا موجد به هر وسیله که به عمل آمده باشد. هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود. ج - معاملات تاجر ورشکسته بعد از صدور حکم ورشکستگی از تاریخ صدور حکم ورشکستگی تاجر ورشکسته از مداخله در تمام اموال خود اعم از اعیانی و منافع و حقوق مالی از قبیل حق دائن بر مدیون حق شفعه حق خیار حق تحجیر و غیره حتی اموالی که ممکن است بعداً عاید او گردد ممنوع می باشد و مدیر تصفیه یا اداره تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته می باشد و چنانچه تاجر بعد از صدور حکم معاملاتی نسبت به دارائی خود بنماید باطل و بلااثر است. اول - تعلیق دعاوی فردی در حقوق مدنی هر کس باید مراقب منافع فردی خود باشد و در صورت اقدام فوری نسبت به دیگران در وصول طلب خود شانس بهتری خواهد داشت اما در حقوق تجارت هدف اساسی قوانین و مقررات ورشکستگی ایجاد تساوی بین طلبکاران تاجر یا شرت تجارتي ورشکسته در امر وصول مطالبات می باشد. به همین جهت ماده ۴۱۹ ق.ت. مقرر می دارد: از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوائی از منقول یا غیر منقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند. کلیه اقدامات اجرائی نیز مشمول همین دستور خواهد بود. در همین زمینه قانونگذار با تعیین مدیر تصفیه یا اداره تصفیه دعاوی و تعقیبات فردی را علیه تاجر ورشکسته تعلیق کرده و تصریح نموده است که مدیر تصفیه یا اداره تصفیه به نمایندگی قانونی از طرف طلبکاران و تاجر ورشکسته وظایف محوله را انجام خواهد داد. از طرف دیگر نسبت به تصمیمات مدیر تصفیه یا اداره تصفیه می توان به دادگاه صادرکننده حکم توقف شکایت نمود. دوم - حال شدن دیون موجد تجاوز ورشکسته ماده ۴۲۱ ق.ت. مقرر می دارد: همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض موجد با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به قروض حال مبدل می شود. مساله حال شدن دیون موجد این طور توجیه شده که چون طلبکار در بدو امر به تاجر یا شرکت تجارتي به لحاظ اعتبار آنان اعتماد می نماید لذا حاضر می شود به تاجر یا شرکت تجارتي در ادای دیون مهلت دهد ولی به علت وخیم شدن وضع مالی تاجر و ورشکستگی او طلب طلبکار در معرض تضییع قرار می گیرد بنابراین باید از ورود ضرر به طلبکار جلوگیری شود و برای این منظور طلب وی حال گردد. زیرا اگر اجل تبدیل به حال نشود مدیر تصفیه یا اداره تصفیه اموال تاجر را بین طلبکارانی که طلب مال دارند به نسبت حصه آنان تقسیم می نماید و دیگر مالی باقی نخواهد ماند تا صاحب طلب موجد پس از حال شدن طلب اسناد مربوطه را ارائه و طلب خود را وصول نماید و از این بابت متضرر خواهد شد.

۴۳- مقررات مالیاتی شرکتها و موسسات ایرانی و خارجی

۱- مالیات بر درآمد شرکتهای تجارتي و موسسات غیر تجارتي

مقررات مالیاتی شرکتها و موسسات ایرانی و خارجی - مالیات بر درآمد شرکتهای تجارتي و موسسات غیر تجارتي شرکتهای تجارتي مشمول مالیات را می توان به شرح زیر طبقه بندی نمود: الف - شرکتهایی که صددرصد سرمایه آنها متعلق به دولت یا شهرداری ها می باشد. این شرکتها باید در ظرف چهارماه بعد از سال مالی به حوزه مالیاتی مرکزی شرکت مراجعه نموده و ترازنامه و حساب سود و زیان خود را به حوزه مزبور ارائه و مالیات متعلقه را پرداخت نمایند و از کل درآمد مشمول مالیات به نرخ ۱۰٪ به

عنوان مالیات اخذ نموده و نیز از جمع درآمد پس از کسر ۱۰٪ مالیات مزبور نسبت به بقیه نرخ ماده ۱۳۱ قانون مالیاتهای مستقیم اصلاحی ۷/۲/۱۳۷۱ مالیات تعلق می‌گیرد. در صورتی که شرکت تجارتي سهامداران متعدد دولتی داشته باشد ۹۰٪ بقیه درآمد به نسبت سهام آنان تقسیم و سهم هر یک از آنان به طور مجزا مشمول مالیات به نرخ ماده ۱۳۱ خواهد بود (مستفاد از بند الف ماده ۱۰۵ ق.م.م) شرکتهای دولتی فوق‌الذکر از معافیت‌های مالیاتی (به استثنای معافیت کشاورزی) استفاده نمی‌کنند و چنانچه صورتهای مالی مورد رسیدگی سازمان حسابرسی دولتی قرار گرفته و به تأیید مجمع عمومی نیز برسد و در موعد مقرر ارائه گردد از نظر مالیاتی محتاج به رسیدگی مجدد نخواهد بود. ب - شرکتهایی که قسمتی از سرمایه آنها به طور مستقیم متعلق به دولت یا شهرداری ها می‌باشد. این شرکتها به دو دسته تقسیم می‌شوند: اول - سهام دولت بیش از ۵۰٪ باشد. دوم - سهام دولت معادل ۵۰٪ و یا کمتر در شرت باشد. در شرکت اول باید ترازنامه و حساب سود و زیان ظرف مدت چهار ماه پس از پایان سال مالی به حوزه مالیاتی محل مرکزی اصلی شرکت تسلیم و مالیات متعلقه ۱۰٪ به نسبت درآمد سهم دولت بوده و بقیه به نرخ ماده ۱۳۱ ق.م.م خواهد بود و چنانچه سهم الشرکه دولت به چند شرکت تعلق داشته باشد سهم مزبور به نسبت سهام شرکتها تقسیم شده و مالیات براساس ماده ۱۳۱ مذکور محاسبه می‌شود. در شرکت دوم سهم دولت از معافیت مالیاتی برخوردار نبوده ولی سهم بخش خصوصی از معافیت مالیاتی منتفع می‌گردد. ج - سایر اشخاص حقوقی شرکتهای سهامی عام و خاص مختلط سهامی و شرکتهای تعاونی و اتحادیه آنها شرکت با مسئولیت محدود تضامنی نسبی مختلط غیرسهامی در این شرکتها ۱۰٪ از کل درآمد به عنوان مالیات شرکت محاسبه و وصول شده و از کل درآمد مشمول مالیات پس از کسر ۱۰٪ نسبت به بقیه به شرح زیر عمل خواهد شد: اول: شرکتهای سهامی مختلط سهامی تعاونی و اتحادیه آنها ۱ - از درآمد سهم صاحبان سهام بی نام به نرخ ماده ۱۳۱ ق.م.م ۲ - از اندوخته سهم صاحبان سهام با نام و شرکای ضامن و یا اعضای شرکتهای تعاونی به نسبت سهم هر یک از آنها به نرخ ماده ۱۳۱ ق.م.م ۳ - از بقیه درآمد مشمول مالیات اعم از سود تقسیم نشده به نسبت هر یک از آنها به نرخ ماده ۱۳۱ ق.م.م. ضمناً افزایش بها ناشی از ارزیابی مجدد دارایی شرکتهایی که بیش از ۵۰٪ سرمایه آنها به طور مسقیم یا با واسطه به وزارت خانه ها شرکتها و موسسات دولتی متعلق می‌باشد برای یک مرتبه و تا سقف زیان مندرج در ترازنامه مصوب مجمع عمومی شرکت با رعایت شرایط زیر در طول مدت اجرای قانون برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از پرداخت مالیات معاف خواهند بود: ۱ - سهام شرکت پذیرفته شده در بورس یا سهام شرکتي که یک سال پس از ارزیابی در دفاتر ثبت و در بورس پذیرفته شود. ۲ - زیان سنواتی از محل افزایش مذکور مستهلک شده باشند. دوم: شرکت های با مسئولیت محدود تضامنی نسبی مختلط غیر سهامی پس از کسر ۱۰٪ کل درآمد به عنوان مالیات شرکت بقیه درآمد مشمول مالیات به نسبت سرمایه یا سهم الشرکه یا به نسبتی که در اساسنامه تعیین گردیده تقسیم و سهم هر یک به طور جداگانه مشمول مالیات به نرخ ماده ۱۳۱ خواهد بود. مالیات موسسات غیر تجارتي اشخاص حقوقی ایرانی غیر تجارتي که به منظور تقسیم سود تاسیس نشده اند در صورتی که دارای فعالیت انتفاعی باشند و در جمع فعالیت های خود سود داشته باشند این سود درآمد مشمول مالیات محسوب و به نرخ ماده ۱۳۱ قانون مالیاتهای مستقیم مشمول مالیات خواهد بود.

۲- مالیات اشخاص حقوقی خارجی

مقررات مالیاتی شرکتها و موسسات ایرانی و خارجی - مالیات اشخاص حقوقی خارجی الف - مالیات اشخاص حقوقی خارجی که در ایران درآمد حاصل می‌کنند (مواد ۱۰۵ - ۱۱۳ - ۱۳۰ ق.م.م) این شرکتها در صورتی که در ایران تحصیل درآمد بنمایند خواه از بابت بهره برداری سرمایه و یا واگذاری امتیازات و سایر حقوق متعلق به خود از بابت دادت تعلیمات کمک های فنی مشمول مالیات به نرخ ماده ۱۳۱ ق.م.م خواهند بود (ماده ۱۰۵ ق.م.م) بر طبق بند ج ماده ۱۰۵ ناظر به ماده ۱۱۳ ق.م.م. مالیات موسسات

کشتیرانی و هواپیمایی خارجی بابت کرایه مسافر و حمل کالا و امثال آنها از ایران بطور مقطوع ۵ در صدر کلیه رجوهی است که از این بابت عاید آنها می گردد. اعم از اینکه وجوه مزبور در ایران یا در مقصد یا در بین راه دریافت گردد. تبصره - در مواردی که مالیات متعلق بر درآمد موسسات کشتیرانی و هواپیمایی ایرانی در کشورهای دیگر بیش از ۵٪ کرایه دریافتی باشد با اعلام سازمان ذیربط ایرانی وزارت امور اقتصادی و دارائی موظف است مالیات شرکتهای کشتیرانی و هواپیمایی تابع کشورهای فوق را معادل نرخ مالیاتی آنها افزایش دهد. ب - اجتناب از اخذ مالیات مضاعف بر اساس تصویب نامه هیئت وزیران راجع به اجتناب از اخذ مالیات مضاعف بر اساس ماده (۱۶۸) قانون مالیاتهای مستقیم کلیه قراردادهای و موافقت نامه های مربوط به اجتناب از اخذ مالیات مضاعف که قبلاً بر اساس ماده ۱۶۰ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۴۵ و تبصره آن به تصویب قانونگذار یا هیات وزیران رسیده است بنا به دلایل مشروحه زیر باید ادامه یابد و مراتب توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی به نمایندگی از طرف دولت به مجلس شورای اسلامی گزار گردد. ۱- عدم لغو این قرارداد و موافقتنامه ها از سوی کشورهای مقابل و لزوم رعایت این موضوع از نظر عرف بین المللی. ۲- مطرح بودن شرط عمل متقابل در کلیه این قراردادهای و موافقتنامه ها. ۳- امکان فراهم شدن زمینه استفاده آتی از برخی موافقتنامه هایی که در حال حاضر به دلیل مناسبات سیاسی قابل استفاده نیستند. ۴- نقش این قرارداد در توسعه فعالیتهای تجاری و حمل و نقل دریایی و هوایی بین ایران و کشورهای مقابل.

۳- معافیت از مالیات بر درآمد - جرائم مالیاتی

مقررات مالیاتی شرکتهای و موسسات ایرانی و خارجی - معافیت از مالیات بر درآمد - جرائم مالیاتی معافیتها معافیتهای مالیاتی مندرج در مواد ۲ و ۱۳۲ تا ۱۴۶ ق.م.م. به شرح زیر می باشد: ۱- مقررات ماده ۱۸۹ ق.م.م. ۲- درآمد حاصله از کلیه فعالیتهای مربوط به رشته کشاورزی دامداری دامپروری پرورش ماهی زنبور عسل و پرورش طیور.. ۳- موسسات عام المنفعه واحدهای تولیدی و معدنی که در خارج از شعاع ۱۲۰ کیلومتری مرکز تهران و ۵۰ کیلومتری مرکز اصفهان بخصوص در نقاط محروم کشور ایجاد گردد. ۴- مرکز فرهنگی - هنری که دارای پروانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشند برای مدت ۵ سال و در صورتی که حوزه فعالیت مراکز مذکور در مناطق محروم کشور باشد این معافیت تا ۸ سال نیز قابل افزایش می باشد. ۵- در آمد شرکتهای تعاونی و روستائی عشایری کشاورزی صیادان کارمندی دانشجویان دانش آموزان و اتحادیه های آنها. ۷- ماده ۱۴۳ ق.م.م. معافیت مالیاتی شرکتهائی را پیش بینی می کند که در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده اند. جرائم مالیاتی ۱- عدم تسلیم اظهارنامه مالیاتی مودی یا تکمیل نمودن قسمتهائی که مربوط به مشخصات وی می باشد و عدم تسلیم ترازنامه و حساب سود و زیان و عدم ارائه دفاتر قانونی (دفتر روزنامه - دفتر کل) به ممیز مالیاتی مستوجب پرداخت جریمه بین ۱ تا ۲۰ درصد می باشد. ۲- عدم پرداخت مالیات موعده قانونی موجب تعلق جریمه ای معادل ۵/۲٪ مالیات به از هر ماه خواهد بود (ماد ۱۹۰ اصلاحی ۱/۱/۷۲). ۳- مدیران اشخاص حقوقی مجتمعا یا منفردا نسبت به پرداخت مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی و همچنین مالیاتهایی که اشخاص حقوقی به موجب مقررات قانونی مالیاتهای مستقیم مکلف به کسر و ایصال ان بوده و مربوط به دوران مدیریت آنان باشد با شخص حقوقی (اعم از شرکت یا موسسه) مسئولیت تضامنی دارند (ماد ۱۹۸ ق.م.م). ۴- در صورت تخلف شخص حقیقی یا حقوقی از انجام وظایف مقرر در ماده ۱۹۸ علاوه بر مسئولیت تضامنی مشمول جریمه ای معادل ۲۰٪ مالیات پرداخت نشده خواهد بود. ۵- تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و استناد به دفاتر برخلاف حقیقت به منظور فرار از پرداخت مالیات مستوجب مجازات حبس از ۳ ماده تا ۲ سال می باشد این مجازات در مرودمدیر یا مدیرانی که از انجام وظایف فوق خودداری کرده و موجبات تشخیص مالیات کمتر از میزان واقعه را فراهم سازند اعمال خواهد شد. ۶- در مورد ممنوع الخروج شدن بدهکاران مالیاتی ماده ۲۰۲ ق.م.م. مطابق تبصره ۱ این ماده در مواردی که بدهی مالیاتی قطعی نشده باشد حکم این ماده در صورت سپردن تضمین معتبر جاری نخواهد بود و نیز بنا بر تبصره ۲

این ماده در صورتی که مودیان مالیاتی به قصد فرار از پرداخت مالیات اقدام به نقل و انتقال اموال خود به همسر یا فرزندان نمایند وزارت امور اقتصادی و دارایی می تواند نسبت به ابطال اسناد مذکور از طریق مراجع قضائی اقدام نماید.

۴۴- شرایط اشتغال به کار اتباع بیگانه در ایران

۱- شرایط اشتغال تبعه بیگانه از نظر قانون کار

شرایط اشتغال به کار اتباع بیگانه در ایران - شرایط اشتغال تبعه بیگانه از نظر قانون کار الف - بخش دولتی مانند آموزش و پرورش و وزارت بهداشت و ... ب - بخش پروژه این بخش کسانی هستند که با دولت قرارداد دارند برای نصب و راه اندازی مجتمع هائی مانند فولاد پتروشیمی و نفت و غیره مشروط بر اینکه کلیه کارمندان و کارکنان استخدامی شان با ایرانیان تشابه تخصصی نداشته باشند (اینان کارفرمایان خارجی هستند). مانند شرکتهای بللی فوکی یا سایپم. ج - بخش خصوصی این بخش شامل بخش های تجاری بازرگانی نمایندگی های خارجی و نیز شرکتهای داخلی که نیاز به کارشناس خارجی دارند می باشد شرکتهای این بخش باید در ایران به ثبت رسیده باشند چه شرکت خارجی باشد مانند میتسوبیشی و چه ایرانی باشد مانند فرش کاشان. ارائه روزنامه رسمی جهت اثبات موضوع فوق به وزارت کار الزامی است. د- بخش کارفرما در این بخش همسر تبعه خارجی ایرانی است همسر ایرانی و او را به کار می گمارد. در این صورت بدون دیگر پروانه کار صادر می شود و حداکثر همکاری با حداقل شرایط نسبت به آنها صورت می گیرد. اداره اتباع بیگانه (وزارت کار) مشخصا پروانه کار صادر می نماید و نیاز به کسب مجوز سایر مقدمات نیست دخالت نیروی انتظامی جهت اقامت تبعه خارجی می باشد.

۲- تشریفات صدور پروانه کار

شرایط اشتغال به کار اتباع بیگانه در ایران - تشریفات صدور پروانه کار جهت ورود شخص خارجی به ایران بعد از اعلام کارفرما با پرکردن فرم شماره ۱ و سپردن تعهد فرم شماره ۲ به وزارت کار و وزارتخانه مذکور به وزارت امور خارجه اعلام و وزارتخانه اخیر به کنسولگری یا سفارت تلکس زده و با پیگیری کارگر خارجی در کشور متبوع نامبرده به ایران می آید. سپس فرم شماره ۳ توسط کارفرما جهت صدور پروانه کار تکمیل می گردد. بخش دولتی فرم شماره ۴ را نیز تکمیل می کنند نمایندگان سیاسی و کنسولی تنها فرم شماره ۵ را تکمیل می کنند.

۳- اشتغال به کار بیگانگان در ایران از نظر قانون تامین اجتماعی

شرایط اشتغال به کار اتباع بیگانه در ایران - اشتغال به کار بیگانگان در ایران از نظر قانون تامین اجتماعی اتباع خارجی جهت اشتغال در ایران بایستی بیمه شوند و در خصوص بیمه با آنان مطابق اتباع ایرانی رفتار می شود. اگر تبعه بیگانه در کشور خود بیمه بود باید بیمه نامه موسسه بیمه گذار و مزایای مورد استفاده و ... را که به تائید سفارت ایران در کشور خارجی رسیده است ارائه داده تا اگر با مقررات تامین اجتماعی ایران انطباق داشت نامبرده را از پرداخت حق بیمه معاف و در صورت عدم انطباق پرداخت بیمه اجباری است. نتیجه با مطالعه و تجزیه و تحلیل قانون تجارت ایران و حقوق فرانسه و انگلیس درباره شرکتهای تجاری و موسسات غیر تجاری و بررسی مقررات مالیاتی و ثبت شرکتهای خارجی و اشتغال به کار اتباع بیگانه ملاحظه شد که قانون ایران دارای نواقص فراوانی می باشد و مشکلات عدیده ای را تنظیم روابط بازرگانی بین افراد جامعه با یکدیگر و با شرکتهای خارجی فراهم

ساخته است.

۴۵- پیشنهاد اصلاحی به صورت پرسش و پاسخ

۱- شرکت های سهامی عام و خاص

پیشنهاد اصلاحی به صورت پرسش و پاسخ - شرکت های سهامی عام و خاص سؤال ۱- مجمع عمومی عادی در دعوت اول با حضور دارندگان حداقل بیش از نصف سهامی که حق رای دارند رسمیت پیدا می کند. پیشنهاد اصلاحی چیست؟ پاسخ: قسمت اول ماده ۸۷ ل.ا.ق.ت. رسمیت جلسه مجمع عمومی عادی را در دعوت اول با حضور دارندگان حداقل بیش از نصف سهامی که حق رای دارند ضروری دانسته است. منظور از کلمات (سهامی که حق رای دارند) این است که برخی از سهام مانند (سهام موسس) در حقوق فرانسه فاقد حق رای می باشند و جزو نصاب مذکور محاسبه نمی شود. البته قانون تجارت ایران کلمه (سهام موسس) را پیش بینی ننموده اما در بند ۷ ماده ۹ (ل.ا.ق.ت) به (مزایای موسسین) اشاره کرده است. سهم موسس در قانون تجارت فرانسه در ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۷ به علت شک و تردید که در سایر سهامداران ایجاد می کرد نسخ گردید. به طوری که ملاحظه شد در قسمت اول ماده ۸۷ (ل.ا.ق.ت) نصاب سرمایه مورد نظر قانونگذار می باشد. بطور مثال اگر کل سهام شرکت به تعداد ۳۰۰۰۰ باشد حضور عده ای که بیش از ۱۵۰۰۰ سهم داشته باشند برای رسمیت جلسه اول کافی است. اما در مورد دعوت دوم مجمع ماده مزبور مقرر می دارد: (... اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.) قسمت اخیر ماده مبهم بوده و معلوم نیست که منظور قانونگذار از (هر عده) چند نفر می باشد و در لسان عرف (عده) ممکن است به ۱۵ یا ۱۰ و یا ۴ نفر و غیره اطلاق شود و این ابهام در ماده قانونی فلسفه وجودی مجمع عمومی را که طبق ماده ۸۸ (ل.ا.ق.ت) دارای صلاحیت وسیع برای اتخاذ تصمیم برای امور شرکت می باشد مورد سؤال قرار می دهد. به نظر می رسد که با اصلاح این قسمت از ماده به جای کلمه (عده) نصاب حداقل ۳/۱ که کمتر از ۳ نفر نباشد پیش بینی گردد تا سهامداران اقلیت بتوانند از حقوق خود محروم نشده و انتخاب هیئت رئیسه نیز امکانپذیر باشد. سؤال ۲- تصمیمات در مجمع عمومی عادی به موجب ماده ۸۸ ل.ا.ق.ت. با اکثریت مطلق (نصف +۱) آرا حاضر در جلسه معتبر می باشد این قسمت از ماده در مورد آرا ممتنع اظهار نظر ننموده پیشنهاد اصلاحی چیست؟ پاسخ: این قسمت از ماده ۸۸ (ل.ا.ق.ت) از بند اول ماده ۲۸ قانون ۲۴ ژوئیه ۱۸۶۷ فرانسه اصلاحی ۲۵ فوریه ۱۹۵۳ که می گوید: تصمیمات مجمع عمومی عادی با اکثریت آرا معتبر اتخاذ خواهد شد الهام گرفته است ولی تغییرات بعدی در حقوق فرانسه مورد توجه قانونگذار ایرانی واقع نشده و آرا سفید مورد ارزیابی قرار نگرفته است در صورتی که در ماده ۱۵۵ قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶ فرانسه راه حل بهتری مورد پذیرش واقع نشده که می گوید: مجمع عمومی عادی با اکثریت آرا محاسبه نمی شود. به طوری که ملاحظه می شود در مورد ارزش و اعتبار رای سفید سهامدار در مجمع عمومی عادی قانون سکوت اختیار نموده است و اصولاً به نحوه رای دادن سهامداران که آیا به صورت کتبی یا با قیام و قعود و یا با بلند کردن دست می باشد اشاره ای ننموده است. امروز در حقوق اتحادیه اروپا نوع رای دادن و اینکه می تواند به صورت مخفی هم باشد پیش بینی شده است. بنابراین قسمت اول مواد ۸۷ و ۸۸ ل.ا.ق.ت. بشرح زیر ضروری می باشد: (در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت آرا حاضر توأم با اظهار نظر بعمل آید اوراق سفید در نظر گرفته نخواهد شد. سؤال ۳- به موجب ماده ۹۰ ل.ا.ق.ت. تقسیم سود ویژه بین صاحبان سهام تا ۱۰٪ اجباری است نظر اصلاحی چیست؟ پاسخ: سود ویژه یا سود ناخالص که پس از کسر استهلاکات هزینه ها اندوخته های قانونی و اختیاری زیان سنوات قبل با در نظر گرفتن مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ ل.ا.ق.ت. تعیین می

گردد ملاک برای تقسیم حداقل تا ۱۰٪ سود مزبور بین سهامداران می باشد. آنچه مسلم است مدیران شرکت می توانند ۹۰٪ باقیمانده سود را به مصارف مختلف برسانند و این امر به ضرر سهامداران می باشد زیرا سرمایه گذار می خواهد بطور نسبی از سود سرمایه خود بهره مند گردد نه اینکه مبلغ ناچیزی را دریافت نموده و در انتظار اقدام مبهم بعدی مدیران باشد. لذا بهتر است که میزان ۱۰٪ به حداقل ۴۰٪ سود افزایش یابد و تقسیم مبلغ اخیر شاید بتواند سهامداران را به سرمایه گذاری بیشتر تشویق نماید. سؤال ۴- آیا پیش بینی ذکر مبلغ سرمایه و تاریخ تاسیس در اسناد آگهی ها صورت حسابها و نشریات شرکت ها ضروری است؟ پاسخ: در بسیاری از کشورها قانونگذار پیش بینی کرده است که مبلغ سرمایه شرکت های سهامی باید در کلیه اسناد آگهی ها صورت حسابها و نشریات مختلف شرکت قید شود. در قانون تجارت ایران چنین تکلیفی مقرر نشده است. در حالی که الزامی کردن این اصل به شفافیت فعالیت شرکت ها کمک کرده و به کسانی که از طریق بروس سهام شرکت را رد و بدل می کنند امکان می دهد که با دید بازتری معاملات سهام را انجام دهند. گرچه در حال حاضر اداره ثبت شرکت ها برای ثبت صورتجلسات ذکر میزان سرمایه شرکت را عملاً الزامی کرده است و این خود اقدام مفید و موثری است به نظر می رسد که بایسته است قانونگذار برای تحقق مراتب پیش بینی لازم را بنماید. سؤال ۵- افزایش سرمایه در شرکت سهامی عام با انتشار سهام جدید و فروش به نقد در بند ۱ از ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت. پیش بنی شده است و شرکت زمانی می تواند به این نوع افزایش سرمایه متوسل شود که از سلامت اقتصادی و مدیریت شایسته برخوردار باشد تا مردم با اعتماد به آینده شرکت و برنامه هایی که ارائه داده شده از سهام پیشنهادی شرکت خریداری نمایند. به این ترتیب بخش های یا صنعتی کشور خواهند توانست نقدینگی کافی را برای گسترش فعالیتی خود که نتیجه آن شکوفایی اقتصادی کشور می باشد فراهم نمایند. در این طریق افزایش نه تنها برای دولت بار مالی نخواهد داشت بلکه از طریق وصول مالیات به منبع درآمد مالی قابل توجهی دسترسی پیدا خواهد نمود که در صورت استفاده بهینه از آن رفاه و آسایش مردم فراهم می گردد. سؤال ۶- کاهش سرمایه در قانون تجارت ایران و حقوق کشورهای دیگر چه فلسفه وجودی دارد؟ پاسخ: فلسفه وجودی کاهش سرمایه در حقوق تجارت ایران و در کشورهای دیگر اعلام واقعیت مالی شرکت به سهامداران و سرمایه گذاران می باشد تا اعتماد آنان به احیاناً مبادرت به پرداخت سود موهوم نماید نه تنها به اعتبار شرکت بازرگانی لطمه بزرگی وارد می کند بلکه این عمل قابل مجازات نیز می باشد (ماده ۲۵۸ ل.ا.ق.ت.). گرچه قانون تجارت ایران عدم مبادرت رئیس و هیئت مدیره را در صورت تخلف از اجرای ماده ۱۴۱ همان قانون در مورد زیان وارده به بیش از نصف سرمایه شرکت جنبه کیفی داده ولی کاهش اختیاری سرمایه را فاقد ضمانت اجرایی دانسته است (ماده ۲۶۵ ل.ا.ق.ت.). سؤال ۷- آیا موسسان می توانند تعداد سهامی را که هر پذیره نویس تعهد کرده کم کنند یا خیر؟ پاسخ: قانون تجارت و لایحه اصلاحی آن به این سؤال جوابی نداده است. به نظر میرسد در مواردی که شرکت برای سرمایه حدی تعیین نکرده و سرمایه جمع اوری شده از طریق پذیره نویسی بیش از حد نیاز لازم باشد میزان سهام همه پذیره نویسان به نسبت پذیره نویسی آنها راه حل مناسبی است و این امر متضمن این فایده است که همه اشخاص پذیره نویس در شرکت باقی ماده و صاحب سهم شوند و نهایت امر سرمایه های کوچک جلب شده و تعداد سهامداران زیاد می شود و از نفوذ اشخاصی که سهام بیشتری خریداری کرده اند جلوگیری می کند. در اغلب قوانین تجارت دنیا چنین راه حلی پیش بینی شده است. سؤال ۸- سهام انتفاعی و موسس چگونه سهامی است و چه مزایای دارد؟ پاسخ: این دو نوع سهام در قانون تجارت ایران پیش بینی نشده ولی از لحاظ شرکت شریک است ولی وقتی از سرمایه شرکت سهم می برد که سرمایه دارندگان سهام پرداخت شده باشد. صدور سهام انتفاعی در مواقعی است که شرکت امتیازی در مورد انجام صنایع جز یا اعمال تجارت خاص از دولت تحصیل کرده و شرط شده باشد که در پایان مدت شرکت سرمایه آن به دولت واگذار شود. در این حالت ممکن است شرکت منافی به دست آورد و بخواهد منافع حاصله که مازاد بر سرمایه است مستهلک سازد. آن گاه به جای اینکه منافع بر سرمایه شرکت افزوده شود تبدیل به سهامی انتفاعی گردیده و به نسبت به صاحبان سهام تسلیم می گردد. سهام موسس به لحاظ ابتکار یا

کوشش و زحمت موسسین شرکت به آنان داده می شود این قبیل سهام دارای امتیازی در تقسیم سود بین شرکا است که بر این سهام معمولاً در صد بیشتری نسبت به سهام سود تعلق می گیرد. جا دارد قانونگذار این دو نوع سهام یاد شده را در مواد قانونی پیش بینی نموده یا حداقل ضرورت درج آن را در اساسنامه مشخص نماید. سؤال ۹ - تبدیل شرکت سهامی عام به خاص و بالعکس در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده است اگر ادغام شرکت ها در حقوق تجارت ایران پذیرفته شده و در صلاحیت مجمع اخیر آیا مفید خواهد بود؟ پاسخ: ادغام شرکت های در حقوق انگلیس و آمریکا و سایر کشورها مدتهاست تحت عنوان فشن پیش بینی شده است ولی متأسفانه این امر در قانون تجارت ۱۳۱۱ و ۱۳۴۷ شرکت های سهامی عام و خاص مورد توجه قرار نگرفته است. در حال حاضر بعلت نبودن مقررات راجع به ادغام دو یا چند شرکت با هم مشکلاتی برای فعالیت واحدهای تولیدی و صنعتی ایجاد گردیده است لذا پیش بینی قانونی در این زمینه ضروری به نظر می رسد. سؤال ۱۰ - در ماده ۱۰۷ ل.ا.ق.ت تعداد مدیران شرکت های سهامی عمومی ۵ نفر و برای سهامی خاص در ماده ۳ ل.ا.ق.ت تعداد شرکا ۳ نفر قید شده است چه اشکالاتی در این مواد وجود دارد؟ پاسخ: ماده ۳ ل.ا.ق.ت می گوید که تعداد شرکا نباید از ۳ نفر کمتر باشد بهتر است به جای شرکا کلمه مدیران قید شود زیرا در ماده ۱۰۷ ل.ا.ق.ت قانونگذار حداقل تعداد مدیران شرکت سهامی عام را ۵ نفر پیش بینی نموده است و اصولاً به کاربردن واژه شرکا در شرکت های سهامی تناسبی ندارد زیرا در شرکت های شخص استفاده از کلمات شریک و سهم الشرکه و در شرکت های سرمایه قید سهامدار و سهام مورد پذیرش قرار نگرفته است. سؤال ۱۱ - در مورد حد نصاب رسمیت جلسه در مجمع عمومی موسس و مجمع عمومی عادی نظر پیشنهادی چیست؟ پاسخ: جلسه مجمع عمومی موسس در دعوت اول و دوم با حضور عده ای است که حداقل ۳/۲ کل سرمایه شرکت را داشته باشند و در دعوت دوم حضور دارندگان با حضور حداقل ۳/۱ صاحبان کل سرمایه رسمیت پیدا می نماید (ماده ۷۵ ل.ا.ق.ت) به نظر میرسد که نصاب رسمیت جلسه مجمع عمومی مزبور که در انتخاب مدیران تاثیر بسزایی دارد و در دو دعوت به ترتیب: با نصف بعلاوه یک و حداقل ۳/۱+ تشکیل گردد اما در مورد مجمع عمومی عادی به طوری که اشاره شده در دعوت دوم حضور حداقل بیشتر از ۳/۱ سهامداران برای نصاب رسمیت جلسه ضروری به نظر می رسد. سؤال ۱۲ - آیا مجمع می تواند بدون احراز تقصیر مدیر شرکت را عزل نماید؟ پیشنهاد اصلاحی چیست؟ پاسخ: مدیران در شرکت ای سهامی عام و خاص از طرف مجمع عمومی عادی سالیانه حداکثر برای مدت ۲ سال انتخاب می شوند و عزل آنان نیز بوسیله همان مجمع با در موارد استثنایی بوسیله مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده صورت می گیرد (مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ ل.ا.ق.ت) عزل مدیران نیازی به توجیه ندارد و این امر به ثبات مدیر لطمه وارد می سازد. به نظر می رسد که اگر عزل مدیر توسط مجمع عمومی عادی مستند به ارتکاب تقصیر عمده نباشد شرکت مکلف به جبران خسارت وارده به مدیر خواهد بود. سؤال ۱۳ - مدت مدیریت مدیران حداکثر ۲ سال می باشد. آیا پس از انقضا مدت مذکور مدیر می تواند به مدیریت خود ادامه دهد؟ به چه دلیل؟ پاسخ: گرچه به مدیریت ماده ۱۰۹ ل.ا.ق.ت مدیریت مدیران که در اساسنامه معین می شود نباید از دو سال تجاوز نماید لیکن قانونگذار برای جلوگیری از اختلال در امر مدیریت شرکت در ماده ۱۳۶ مقرر داشته که: (در صورت انقضا مدت مأموریت مدیران و تا زمان انتخاب مدیران جدید سابق کما کان مسئول امور شرکت و اداره آن خواهند بود...) لذا تاکید بر این بوده که مدیران سابق بازرس یا صاحبان حداقل ۳/۱ سهام مجمع عمومی عادی سهامداران را برای انتخاب مدیران لایحق دعوت نمایند در غیر این صورت قسمتاخیر ماده مزبور به هر ذینفع حق داده شده که از مرجع ثبت شرکت ها دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا کند. سؤال ۱۴ - آیا مدیران می توانند در هر موقعی از سال استعفا دهد اگر چنین حقی را دارا باشد چه مسئولیتی دارد؟ پاسخ: استعفا مدیر در ماده ۱۱۲ ل.ا.ق.ت پیش بینی شده است در این صورت اعضای علی البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه وظیفه مدیریت را عهده دار می شوند و الا هیئت مدیره مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده را دعوت کرده و مدیر جدید را انتخاب می نماید. قانونگذار برای استعفا مدیر یا مدیران شرایط خاصی را پیش بینی نکرده و در این مورد منع قانونی ندارد ولی به نظر می رسد

که اگر مدیری با قصد اضرار به شرکت استعفا دهد یا مرتکب تقصیر غیر عمدی مهم گردد مسئول جبران زیان وارده به شرکت مدنی مصوب ۷/۲/۱۳۳۹ خواهد بود. سؤال ۱۵- آیا مدیر می تواند در دو شرکت مدیریت بنماید و این امر مفاسدی دارد؟ هر چند که ماده ۱۲۶ داشتن سمت مدیر عاملی را در دو شرکت را ممنون نموده است نظر اصلاحی چیست؟ پاسخ: ماده ۱۲۶ ل.ا.ق.ت. داشتن سمت مدیر عاملی در دو شرکت را منع نموده و این امر مفاسدی دارد زیرا در مدیر نمی تواند در عین حال مدیریت دو شرکت را بنحو احسن اداره نماید و لازمه مدیریت داشتن دقت و مراقبت بیشتر می باشد. از طرف دیگر مدیر ممکن است بین دو شرکت معاملاتی انجام داده و از این بابت مرتکب سو استفاده هایی گردد. سؤال ۱۶- قلمرو محدودیت اختیارات مدیران در شرکت سهامی عام و خاص که در مواد ۱۲۹ الی ۱۳۴ و سایر مواد ل.ا.ق.ت. پیش بینی شده است چه ایرادات قانونی دارد؟ پاسخ: ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت. مقرر می دارد: (اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت و هم چنین موسسات و شرکت هایی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل شرکت شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل آنها باشند نمی توانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شود بطور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهام شوند... این قسمت از ماده که نگارش مطلوبی نداشته و فهم مطلب را دشوار می سازد می توان به شرح زیر انشا نمود: (اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت نمی توانند در معاملات با شرکت یا به حساب شرکت بطور مستقیم یا غیر مستقیم بدون اجازه هیئت مدیره طرف معامله واقع یا سهام شوند بهمین ترتیب است در صورتی که اشخاص مذکور در شرکت دیگری هم سمت مدیریت داشته باشند...) ماده ۱۳۰ ل.ا.ق.ت. معاملات موضوع ماده ۱۲۹ را که بدون اجازه هیئت مدیره صورت گرفته باشد ولو اینکه به تصویب مجمع عمومی عادی نرسد در مقابل اشخاص ثالث معتبر دانسته است. حال اگر بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد مدیران ذینفع و مدیرانی که اجاز معامله را داده اند بنحو تضامن مسئول جبران خسارت وارده از معامله به شرکت می باشند. به نظر می رسد که قید کلمات (در صورت عدم تصویب مجمع) در ماده برای مسئولیت تضامنی مدیران ضروری می باشد. در ماده ۱۳۲ ل.ا.ق.ت. اصلاح است که اخذ وام علاوه بر شخص حقیقی به اشخاص حقوقی هم تسری داده شود. سؤال ۱۷- اگر مدیر خارج از موضوع شرکت اقداماتی نموده و تصمیمات اتخاذ نماید طبق ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. چه مسئولیت مدنی دارد نظر و پیشنهاد چیست؟ پاسخ: اگر مدیر خارج از موضوع شرکت عمل نماید بر خلاف ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. اقدام نموده است. ضمانت اجرایی این مورد در ماده مزبور پیش بینی نشده است. حال باید دید که آیا مدیر در مقابل شرکت یا اشخاص ثالث و یا هر دو مسئولیت مدنی در قبال اقدام و تصمیم خلاف قانون دارد یا خیر؟ در چنین موارد حقوق فرانسه شرکت در مقابل شخص ثالث مسئول می داند اما ماده ۱۴۲ ل.ا.ق.ت. ایران مقرر می دارد: (مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی... منفردا یا مشترکا مسئول می باشند...) به عبارت دیگر اگر مدیر یا شرکتی خارج از موضوع شرکت اقدام نماید شخصا در مقابل شرکت و اشخاص ثالث مسئولیت مدنی دارد. به نظر می رسد به منظور حفظ حقوق سهامداران و اشخاص ثالث اصلاح است که مدیران بنحو تضامن در مقابل آنان برای جبران زیان وارده جوابگو باشند. سؤال ۱۸- آیا مسئولیت های جزایی پیش بینی شده برای مدیران در شرکت های سهامی عام و خاص نیاز به اصلاحاتی پیشنهاد چیست؟ پاسخ: مواد ۲۵۴ ناظر به ماده ۲۳۳ (عدم دعوت مجمع و عدم تنظیم اسناد) ۲۵۵ (عدم تنظیم صورت حاضرین در مجمع) ۲۵۳ و ۲۵۷ ناظر به ماده ۲۵۵ (جلوگیری از حضور سهامداران در مجامع عمومی و عدم رعایت حق رای) ۲۵۸ (تقسیم سود موهوم) ۲۵۸ (استفاده خلاف از اموال و اعتبارات شرکت) ۲۶۲ و ۲۶۳ (سلب حق تقدم به هنگام افزایش سرمایه و دادن اطلاعات نادرست) ۲۶۴ (عدم رعایت مقررات راجع به کاهش سرمایه) ماده ۲۶۵ (از میان رفتن بیش از نصف سرمایه) ماده ۵۵۱ (ورشکستگی شرکت) در سال ۱۳۴۷ مجازات هایی را پیش بینی نموده که با توجه به گذشت حدود ۳۴ سال و سقوط ارزش پول بخصوص در مورد جزای نقدی نیاز به تجدید نظر دارد. سؤال ۱۹- آیا ترکیب هیئت مدیره در شرکت های سهامی خاص که شامل مدیرعامل رئیس هیئت مدیره نایب رئیس و اعضای هیئت مدیره می باشد نیاز به

اصلاحاتی دارد؟ پاسخ: با توجه به اینکه شرکت سهامی خاص از جمله شرکت های سرمایه است و در ماده ۳ ل.ا.ق.ت مدیرعامل را می توان از خارج شرکت انتخاب نمود (مستفاد از مفهوم مخالف ۱۲۴). النهایه چون مدیر مزبور سهام با نام به عنوان وثیقه در صندوق شرکت می سپارد جزور سهامداران محسوب خواهد شد. اصلاح ماده مذکور به جای جمله: (... در صورتی که مدیرعامل عضو هیئت مدیره باشد...) جمله: (... در صورتی که مدیرعامل خارج از سهامداران باشد...) قید گردد. سؤال ۲۰- آیا بازرس طبق آیین نامه اجرایی تبصره ماده ۱۴۴ ل.ا.ق.ت در شرکت سهامی عام باید درجه لیسانس و تجربه کافی برای اشتغال به شغل داشته باشد یا خیر؟ پاسخ: آیین نامه اجرایی ماده ۱۴۴ ل.ا.ق.ت. مصوب بهمن ۱۳۴۹ شرایط لازم را برای انتخاب بازرس شرکت سهامی عام پیش بینی نموده است که به موجب آن بازرس باید دارای درجه لیسانس یا بالاتر در یکی از رشته های متناسب با وظایف و مسئولیت های بازرسی بوده و نباید و موسسات دولتی یا وابسته به آن شهرداری بطور تمام وقت اشتغال به کار داشت باشد. هم چنین بازرس مزبور با داشتن ۵ سال تجربه کاری در کمیونی که به موجب ماده ۲ آیین نامه مزبور تعیین گردیده از نظر صلاحیت مورد بررسی قرار گرفته و در آزمایش مربوط نیز موفق گردد. متأسفانه این آیین نامه تاکنون اجرا نگردیده در صورتی که در حقوق کشورهای پیشرفته مانند: فرانسه و ایالات متحده آمریکا و انگلیس بازرس حساب دوره های تخصصی را گذرانده و پس از احراز صلاحیت به سمت بازرسی انتخاب می شود. نظر بازرس در صحت و درستی حساب های شرکت و اطلاعات داده شده از اهمیت ویژه برخوردار است و موجبات تحرت در بازار بورس را با جلب اعتماد مردم به حساب های شرکت و عملیات مدیران فراهم می سازد. سؤال ۲۱- چرا آیین نامه مزبور تا کنون در شرکت های سهامی عام به مورد اجرا در نیامده است؟ پاسخ: اجرای آیین نامه راجع به شرایط انتخاب بازرس برای شرکت های عام مصوب ۱۳۴۹ تا کنون بدون هیچ گونه دلیلی به تعویق افتاده که از هر لحاظ به صحت معاملات بورسی و اعتماد مردم به سرمایه گذاری در واحدهای بزرگ تولیدی صنعتی و خدماتی لطمه وارد می سازیم. سؤال ۲۲- آیا در شرکت های سهامی خاص نیاز به تخصص بازرس وجود دارد یا خیر؟ پاسخ: به نظر می رسد در شرکت سهامی خاص نیز بازرس یا بازرسان اصلی انتخاب شوند که تخصص و شرایط لازم را بر طبق آیین نامه مزبور داشته باشند. سؤال ۲۳- آیا مقررات راجع به مسئولیت مدنی و جزایی بازرس که در قانون ۱۳۴۷ پیش بینی شده کافی به نظر می رسد؟ پاسخ: مقررات جزایی راجع به تخلفات بازرس و بازرسان در مواد ۲۶۶ و ۲۶۷ ل.ا.ق.ت پیش بینی شده است به نظر می رسد میزان جزی نقدی که از ۲۰ هزار ریال تا ۱۰۰ هزار ریال پیش بینی شده است با توجه به تاریخ تصویب قانون و سقوط ارزش پول اصلاح گردد. سؤال ۲۴- آیا سیستم بازرسی خارج از شرکت برای شرت سهامی عام مورد نیاز می باشد یا خیر؟ پاسخ: سیستم ارگان بازرسی خارج از شرکت در حقوق اغلب کشورهای پیشرفته صنعتی وجود دارد. در ایالات متحده آمریکا کمیسیون بورس اوراق بهادار که به موجب قانون فدرال ۱۹۳۳ اصلاحی ۱۹۶۴ تشکیل گردیده است حساب ها و گزارشات مدیران و بازرسان شرکت های سهامی پذیرفته شده در بورس را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در صورت لزوم شرکت متخلف را ارشاد می نماید و در مواردی می تواند خرید و فروش سهام شرکتی که مقرراتی کمیسیون بورس اوراق بهادار را نقض نموده باشد در بازار بورس بطور موقت تعلیق نماید. در حقوق فرانسه نیز سازمانی به نام کمیسیون بورس اوراق بهادار مشابه ایالات متحده آمریکا در کنترل حسابهای شرکت های سهامی عام تاسیس گردیده است به نظر می رسد که در حقوق ایران کمیسیون مشابهی برای جلوگیری از انتشار ترازنامه و اطلاعات برخلاف واقع پیش بینی گردد.

۲- شرکت با مسئولیت محدود

پیشنهاد اصلاحی به صورت پرسش و پاسخ - شرکت با مسئولیت محدود سؤال ۲۵- در شرکت با مسئولیت محدود تشکیل مجمع عمومی عادی و فوق العاده پیش بینی نشده فقط قانونگذار در ماده ۱۰۶ ق.ت. تصمیمات راجع به شرکت را به اکثریت لااقل نصف

سرمایه و در دعوت دوم با اکثریت عددی شرکا پذیرفته است پیشنهاد اصلاحی چیست؟ پاسخ: گرچه در ماده ۱۰۶ ق.ت. تصمیمات راجع به شرکت با مسئولیت محدود در دعوت اول با اکثریت لااقل نصف کل سرمایه شرکت بوده و اگر در دعوت اول اکثریت مزبور حاصل نشد با اکثریت عددی شرکت شرکا (نصاب عددی) اتخاذ می گردد و ظاهراً نیازی به تشکیل مجمع وجود ندارد ولی اداره ثبت شرکت ها سالهاست با ارائه اساسنامه نمونه پیشنهاد نموده که در این قبیل شرکت ها مجمع عمومی عادی و فوق العاده پیش بینی گردد که به صورت عرف در ثبت شرکت مورد استفاده قرار میگیرد. در حقوق فرانسه تشکیل مجمع عمومی عادی سالیانه برای شرکت با مسئولیت محدود قانونی شناخته شده است و این مجمع به حساب های شرکت رسیدگی و آن را تصویب کرده و سود قابل تقسیم را تعیین می نماید (ماده ۵۸ قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶). بنابراین به نظر می رسد که همانند حقوق سایر کشورها موادی راجع به مجمع عمومی عادی و فوق العاده برای شرکت مزبور با حذف ماده ۱۰۶ ق.ت. به تصویب برسد. سؤال ۲۶- در ماده ۱۱۱ ق.ت. تغییرات راجع به اساسنامه با اکثریت عددی شرکایی که حداقل ۴/۳ سرمایه را هم داشته باشند صورت می گیرد. در این زمینه نظر اصلاحی چیست؟ پاسخ: تغییرات راجع به اساسنامه با اکثریت عددی شرکایی که حداقل ۴/۳ سرمایه را هم داشته باشند صورت میگیرد که ممکن است بدون تشکیل مجمع صورت بگیرد. به نظر می رسد که این امر در صلاحیت و اختیارات مجمع عمومی فوق العاده قرار بگیرد و نصاب ۴/۳ سرمایه نیز به ۳/۲ تقلیل داده شود تا تصمیم گیری از سهولت نسبی برخوردار باشد. سؤال ۲۷- شرکت با مسئولیت محدود حداقل از ۲ نفر تشکیل می گردد. اگر یکی از شرکا فوت نماید آیا شرکت می تواند با یک مدیر به فعالیت تجاری خود ادامه دهد یا خیر؟ پاسخ: شرکت با مسئولیت محدود با استناد به ماده ۹۴ ق.ت. حداقل از ۲ نفر تشکیل می گردد. حال اگر یکی از شرکا فوت نماید نص قانونی وجود ندارد که شرکت بتواند با یک شریک به بقا خود ادامه دهد اما برای جلوگیری از انحلال بهتر است که شرکت به فعالیت خود ادامه دهد. پیش بینی ماده قانونی در این زمینه ضروری است تا اشخاص ذینفع بتوانند از دادگاه تقاضای انحلال شرکت مزبور را بنمایند. سؤال ۲۸- شرکت با مسئولیت محدود که حداقل بوسیله یک مدیر موظف یا غیرموظف اداره می شود می تواند از بین شرکا یا خارج از آنان برای مدت محدود یا نامحدود انتخاب شود. نظر پیشنهاد چیست؟ پاسخ: انتخاب مدیر شرکت با مسئولیت محدود برای مدت نامحدود مشکلات زیادی برای شرکای اقلیت فراهم می سازد زیرا آنان نمی توانند مدیر سهل انگار و یا متخلف را عزل نمایند زیرا تصمیمات در شرکت با مسئولیت محدود با شرکایی است که اکثریت سهم شرکت را دارا می باشند. بنابراین اقلیت قادر به عزل مدیر مادام العمر نمی باشند. از طرف دیگر امکان اقامه دعوی در دادگاه نیز پیش بینی نشده است. اصلح است که مدیر یا مدیران شرکت با مسئولیت محدود مانند شرکت های سهامی عام و خاص برای مدت معین انتخاب شوند. سؤال ۲۹- مدیر یا مدیران در شرکت با مسئولیت محدود با اکثریت محدود با اکثریت حداقل نصف سرمایه انتخاب می شوند اگر این نصاب حاصل نشد در دعوت دوم با اکثریت عددی که دارای نصف سرمایه نیست انتخاب می شوند پیشنهاد اصلاحی در این زمینه چیست؟ پاسخ: در مورد انتخاب مدیران شرکت با مسئولیت محدود نص صریحی وجود ندارد اما ماده ۱۰۶ ق.ت. کلیه تصمیمات راجع به شرکت را در دعوت اول با اکثریت حداقل نصف سرمایه شرکت قابل قبول می داند. به کاربردن کلمه اکثریت (لااقل نصف سرمایه) تا حدود مبهم می باشد زیرا معلوم نیست که آیا منظور اکثریت مطلق بوده و یا ۵۰٪ کل سهم شرکت؟ در دعوت دوم تصمیمات با اکثریت عددی که دارای نصف سرمایه نیستند اتخاذ میگردد. به نظر می رسد که انتخاب مدیران با اکثریت نسبی آرا شرکا با توجه به میزان سهم شرکت آنان صورت پذیرد. سؤال ۳۰- در مورد عزل مدیر یا مدیران در شرکت با مسئولیت محدود نصب صریحی وجود ندارد و در عمل مشکلاتی در صورت بروز اختلاف بین شرکا ایجاد کرده است. برای رفع این مشکل پیشنهاد قانونی چیست؟ پاسخ: به موجب ماده ۱۰۴ ق.ت. شرکت با مسئولیت محدود ممکن است توسط یک یا چند مدیر موظف یا غیرموظف از بین شرکا یا خارج از آنان انتخاب می گردند اداره شود. ملاحظه می شود که قانونگذار انتخاب مدیر یا مدیران را برای مدت محدود یا نامحدود در اختیار شرکا گذاشته و در مورد عزل آنان تصریحی ننموده

است که در عمل مشکلات زیادی به هنگام بروز اختلاف ایجاد می کند. بعضی از حقوقدانان معتقدند که قابل عزل بودن مدیران ممکن است در اساسنامه شرکت تصریح گردد. عده ای دیگر معتقدند عزل مدیر با در دست داشتن دلایل موجه و با تقدم دادخواست از دادگاه تقاضا گردد. در حقوق فرانسه رضایت عده ای از شرکا که بیش از نصف سرمایه و دلایل موجه نیز داشته باشند برای عزل مدیر کافی می باشد ضمناً شرکا می توانند از دادگاه تجارت نیز به موجب ماده ۵۵ قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶ تقاضای عزل مدیر را به شرط داشتن دلایل کافی درخواست نمایند. در حال حاضر به نظر می رسد که مجمع عمومی عادی در صورت تقصیر مدیره می تواند نسبت به عزل مدیر متخلف اتخاذ تصمیم نماید. سؤال ۳۱- قلمرو محدودیت اختیارات مدیران در ماده ۱۰۵ ق.ت. به اجمال برگزار شده و به اساسنامه محول گردیده است که گاهی موجبات سو استفاده مدیران را فراهم می سازد. نظر پیشنهادی چیست؟ پاسخ: ماده ۱۰۵ ق.ت. به مدیر شرکت با مسئولیت محدود اختیارات تام تفویض نموده است مگر اینکه اساسنامه قلمرو آن را محدود نماید. به نظر می رسد که ممکن است مدیران از اختیارات خود در اداره امور شرکت سو استفاده نمایند. به همین جهت اصلح است که محدودیت هایی در قانون تجارت همانند شرکت سهامی عام برای حفظ حقوق شرکای اقلیت پیش بینی گردد. سؤال ۳۲- مسئولیت مدنی و جزایی مدیران همانند شرکت های سهامی عام و خاص در قانون بطور دقیق پیش بینی نشده است. در این مورد پیشنهاد چیست؟ پاسخ: مقررات جزایی طبق قانون شرکت سهامی عام و خاص پیش بینی گردد. سؤال ۳۳- مسئولیت جزایی مدیران در بند (ج) ماده ۱۱۵ ق.ت. کلاهبرداری پیش بینی شده و آن در صورتی است که مدیر با نبودن صورت دارایی یا با استناد به صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین شرکا تقسیم شده را جهت جبران زیان وارده بنماید. نظر اصلاحی چیست؟ پاسخ: ماده ۱۱۵ ق.ت. مجازات متخلفین را در شرکت با مسئولیت محدود در چند مورد مانند پرداخت برخلاف واقع سهم الشرکه نقدی و غیرنقدی تقویم غیر واقعی آورده های غیرنقدی و تنظیم صورت دارایی مزور و ارائه منافع موهوم جرم کلاهبرداری محسوب داشته است. با توجه به اینکه در سال ۱۳۱۱ مجازات جرم مزبور از درجه جنحه و خفیف بوده ولی در حال حاضر طبق قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۲۸/۶/۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی و تائید مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورخ ۱۵/۹/۱۳۶۷ مجازات کلاهبرداری علاوه بر مجازات در حقوق شرکت ها هیچ گونه تعادلی با جرایم ارتكابی مندرج در ماده مذکور ندارد. سؤال ۳۴- نحوه کنترل شرکت با مسئولیت محدود با توجه به مواد ۹۴ تا ۱۱۵ ق.ت. چه اشکالاتی دارد؟ پاسخ: ارگان کنترل کننده در شرکت با مسئولیت محدود پیش بینی نشده است اما بنابه ماده ۱۰۹ ق.ت. ناظر به مواد ۹۶ و ۹۷ و ۱۶۵ و ۱۶۸ و ۱۷۰ همان قانون در صورتی که عده شرکای شرکت بیش از ۱۲ نفر باشد حداقل ۳ نفر تحت عنوان هیئت نظار از بین شرکا برای اولین بار برای مدت یک سال انتخاب می شوند تا نسبت به کنترل آورده های نقدی و غیرنقدی دفاتر و دارایی شرکت و دعوت مجمع عمومی عادی و فوق العاده اقدام نمایند و مسئله قرابت سببی یا نسبی هیئت نظار با مدیران و سایر شرایط قانونی لازم پیش بینی نشده است و این امر موجبات ضعف نظارت را فراهم ساخته است. سؤال ۳۵- آیا هیئت نظارت در شرکت مذکرو که از حقوق فرانسه اقتباس شده در ایران عملاً مورد استفاده قرار می گیرد؟ پاسخ: هیئت نظار در ایران مورد استفاده زیادی قرار نگرفته است زیرا اغلب شرکت های با مسئولیت محدود با تعداد کمتر از ۱۲ نفر تاسیس می شوند و این امراضولا به دلیل ضعف همکاری دسته جمعی است. سؤال ۳۶- با توجه به استقبال مردم از شرکت با مسئولیت محدود پیشنهاد برای سیستم بازرسی این شرکت چیست و برای حمایت از طلبکاران چه مقرراتی ضروری می باشد؟ پاسخ: به نظر می رسد با توجه به استقبال مردم از شرکت با مسئولیت محدود به دلیل مسئولیت مدنی شرکا که در حدود سهم الشرکه می باشد سیستم بازرسی همانند شرکت های سهامی عام و خاص پیش بینی گردیده و برای حمایت از طلبکاران مسئولیت مدنی مدیران به بعد از انحلال ورشکستگی شرکت تسری داده شود. سؤال ۳۷- در ارزیابی آورده های نقدی برای مقومی که گزارش خلاف واقع داده باشد جرم کلاهبرداری پیش بینی شده است. آیا به جای مجازات مزبور می توان از تدابیر تامینی جرم کلاهبرداری پیش بینی شده است. آیا به

جای مجازات مزبور می توان از تدابیر تامینی و ضمانت اجرایی دیگری استفاده نمود؟ پاسخ: مجازات جرم کلاهبرداری که در حال حاضر به موجب قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۵/۹/۱۳۶۷ علاوه بر رد اصل مال به حبس از ۲ تا ۱۰ سال در نظر گرفته شده است اعمال آن برای مقومی که گزارش خلاف واقع داده باشد به دلیل عدم تطبیق جرم ارتكابی با میزان مجازات تعیین شده بر خلاف عدالت و انصاف می باشد بنابراین می توان حتی به جای مجازات از تدابیر تامینی از قبیل نظر کارشناس رسمی دادگستری و تصویب مجمع استفاده نمود. س

۳- سایر شرکت ها

پیشنهاد اصلاحی به صورت پرسش و پاسخ - سایر شرکت ها سؤال ۳۸ - سیستم بازرسی در شرکت های تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیر سهامی چه اشکالاتی دارد؟ پاسخ: در شرکتهای تضامنی نسبی و مختلط غیر سهامی بازرس یا بازرسان پیش بینی نشده است اما در شرکت مختلط سهامی همانند شرکت با مسئولیت محدود هیئت نظار در نظر گرفته شده است به نظر می رسد که مشابه شرکتهای سهامی عام و خاص در این شرکت های مقرراتی راجع به سیستم کنترل کننده پیش بینی گردد. سؤال ۳۹- در مورد مجامع عمومی عادی و فوق العاده در شرکت های تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیر سهامی اشاره نشده و به اساسنامه موکول شده است نظر پیشنهاد چیست؟ پاسخ: در شرکت تضامنی نسبی مختلط سهامی و غیر سهامی مجامع عمومی عادی فوق العاده وجود ندارد ولی عرف اداره ثبت شرکت ها مبنی بر پیش بینی آنها در اساسنامه می باشد بهتر است ماده قانونی در این مورد تدوین گردد. سؤال ۴۰- در شرکت های تعاون که بازرس یا بازرسان برای کنترل حسابهای شرکت و اقدامات مدیران پیش بینی شده چه ایراداتی به نظر می رسد؟ پاسخ: در شرکت های تعاونی که بازرس یا بازرسان برای کنترل حساب های شرکت و اقدامات مدیران پیش بینی شده فاقد شرایط لازم بازرسی براساس آیین نامه اجرایی ماده ۱۴۴ ل.ا.ق.ت. می باشد و اصلاح مقررات راجع به بازرسی با آیین نامه اجرایی مزبور ضروری به نظر می رسد. سؤال ۴۱- شرکت های تضامنی و نسبی هر کدام توسط حداقل یک مدیر که از میان خود یا از خارج انتخاب می نمایند اداره می شود. قانونگذار در مورد عزل مدیری که انتخاب او با قید در شرکت نامه صورت گرفته باشد اشاره ای ننموده نظر پیشنهادی در این مورد چیست؟ پاسخ: در شرکت تضامنی یا نسبی (ماده ۱۸۵ ناظر به ماده ۱۲۰ ق.ت) شرکا باید لااقل یک نفر از میان خود یا از خارج به سمت مدیر انتخاب نمایند. در این مواد به مدت مدیریت مدیر اشاره ای نشده است و شرکا می توانند در اساسنامه تعداد مدیران و مدت مدیریت را تعیین نمایند. عزل مدیر نیز در قانون پیش بینی نشده است که در عمل مشکلات حقوقی ایجاد می نماید. در شرکت تضامنی اصولا محور اعتبار قائم به شخص می باشد. بنابراین مدیر یا مدیران مندرج در شرکت نامه قابل عزل نمی باشند و حق استعفا ندارند مگر با رضایت کلیه شرکا شرکت. سؤال ۴۲- مدیر یا مدیرانی که در اساسنامه انتخاب شده باشند به چه ترتیب در شرکت های مزبور قابل عزل می باشند؟ پاسخ: چنانچه مدیر یا مدیران در اساسنامه انتخاب شده باشند ممکن است طبق اساسنامه نسبت به تغییر مدیر یا مدیران مذکور عمل شود. سؤال ۴۳- مدیر یا مدیرانی که در شرکت نامه یا اساسنامه انتخاب نشده اما انتخاب آنان بعدا صورت گرفته باشد به چه ترتیب قابل عزل می باشند؟ پاسخ: اگر مدیر یا مدیران در شرکت نامه یا اساسنامه انتخاب نشده ولی انتخاب آنان بعدا صورت گرفته باشد در این صورت شرکا می توانند مدیر یا مدیران فوق لا معزول نمایند. بدیهی است مدیر ای مدیران فوق حق استعفا خواهند داشت. سؤال ۴۴- مدیر شرکت تضامنی در چه مواردی شخصا مسئول می باشد؟ پاسخ: برابر ماده ۱۲۱ ق.ت. : حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ ق.ت. مقرر شده است و ماده ۵۱ اخیر الذکر مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا را مانند مسئولیت وکیل در مقابل موکل خود می داند. به نظر می رسد منظور از موکل شرکت می باشد که مدیر در صورت تعدی و تفریط در اقدامات و تصمیمات خود به نمایندگی از طرف شرکت دارای مسئولیت مدنی می باشد اما مسئولیت مدنی مدیر در مقابل شرکا

تابع اصول کلی حقوقی مدنی از باب تسبیت و باعنایت به قانون مسئولیت مدنی خواهد بود. سؤال ۴۵- محدودیت اختیارات مدیران در مورد ضررهای وارده به شرکت و انجام عملیات تجارتي از نوع تجارت شرکت در مواد ۱۳۲ و ۱۳۴ ق.ت. پیش بینی شده است. پیشنهاد موارد دیگر چیست؟ پاسخ: محدودیت اختیارات مدیر در شرکت تضامنی انجام تجارتي از نوع تجارت شرکت بدون رضایت شرکا و ضررهای وارده به شرکت می باشد. مادام که کمبود زیانهای مزبور جبران نشود تادیه هر نوع منفعت به شرکا ممنوع است. ضمناً بهتر است محدودیت معاملات مدیر در مواردی که با شرکت خود معامله می نماید یا در شرکت دیگر شریک می باشد برای حفظ حقوق شرکا پیش بینی گردد. سؤال ۴۶- مسئولیت مدیران در ماده ۱۲۱ ق.ت. ناظر بر ماده ۵۱ در مقابل شرکت همان مسئولیت وکیل در مقابل موکل می باشد. پیشنهاد برای رفع ابهام این مواد چیست؟ پاسخ: به نظر می رسد با توجه به ابهام ماده ۱۲۱ ق.ت. نص جدیدی مانند ماده ۱۴۲ ل.ا.ق.ت. پیش بینی گردد که میگوید: (مدیران و مدیرعامل در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً و مشترکاً مسئول می باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود). ضمناً اقدامات مدیر نیز در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت نافذ و معتبر بوده و به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان رانبايد غير معتبر دانست (مستفاد از ماده ۱۳۵ ل.ا.ق.ت) این قسمت از ماده نیز در شرکت تضامنی مفقود می باشد. سؤال ۴۷- مدیریت در شرکت مختلط سهامی و غیر سهامی با شریک ضامن می باشد و شرکای دیگر حق اداره کردن شرکت را ندارند. آیا شرکت ضامن می تواند انجام امور و کالت به شریک غیرضامن تفویض نماید؟ پاسخ: اداره امور شرکت های مختلط غیرسهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن می باشد و شریک با مسئولیت محدود حق مداخله در امور مدیریت و انجام معامله را برای شرکت ندارد مگر اینکه با سمت و کالت از طرف شرکت اقدام نماید (مستفاد از مواد ۱۴۵ و ۱۴۶ ق.ت). این قسمت از ماده قابل انتقاد می باشد زیرا طرف معامله ممکن است با تصور اینکه شریک با مسئولیت محدود دارای اختیارات نامحدود و تضامنی است مبادرت به امضای قرارداد بنماید در حالی که شریک مزبور فاقد مسئولیت تضامنی است و از طرف دیگر مدیران غیر ضامن در انجام معاملات شرکت بی احتیاطی نمایند. سؤال ۴۸- آیا مدیر می تواند استعفا داده یا توسط شرکای دیگر عزل شود؟ و تحت چه شرایط صورت می گیرد؟ پاسخ: راجع به استعفا یا عزل مدیران در شرکت مختلط غیر سهامی موادی پیش بینی نشده است ولی مدیرضامن همانند شرکت تضامنی که اشاره شده بر حسب اینکه نام او در شرکت نامه یا اساسنامه قید شده یا نشده باشد عمل می شود به عبارت دیگر ممکن است عزل مدیر به اتفاق آرا یا بر طبق اساسنامه و یا نظر اکثریت شرکا باشد. سؤال ۴۹- هیئت مدیره در تعاونی ها مرکب از حداقل ۳ نفر و حداکثر ۷ نفر عضو اصلی و تا ۳/۱ اعضای اصلی علی البدل می باشند و برای تعاونی های بیش از ۴۰۰ نفر یک نفر به اعضای اصلی و یک نفر به اعضای علی البدل اضافه می گردد و به شرط آنکه بیشتر از ۱۵ نفر نباشند. آیا بهتر است که تعداد مدیران با شرکت های سهامی عام و خاص هماهنگ گردد؟ پاسخ: تعداد مدیران در شرکت های تعاونی که به موجب ماده ۳۶ حداقل ۳ و حداکثر ۷ نفر عضو اصلی و به تعداد ۳/۱ اعضای اصلی علی البدل انتخاب می گردد از طرف دیگر در تعاونی های بیش از ۴۰۰ نفر یک نفر به اعضای اصلی و یک نفر به اعضای علی البدل اضافه می شود. به نظر می رسد بهتر است که شرکت تعاونی همانند شرکت سهامی خاص حداقل توسط ۳ نفر به عنوان مدیران اصلی و در صورت لزوم با عضو یا اعضای علی البدل اداره می شود. سؤال ۵۰- مدت مدیریت در تعاونی ها حداکثر ۲ سال می باشد و این مدت قابل تمدیدی بوده و انتخاب مجدد هر مدیر بلامانع است. در این مورد پیشنهاد اصلاحی چیست؟ پاسخ: به نظر می رسد مدت مدیریت که در تعاونی ها حداکثر ۲ سال پیش بینی شده است فقط یکبار قابل تمدید باشد تا اعضای دیگر بتوانند در اداره امور تعاونی که کمک متقابل محسوب می شود مشارکت نمایند. سؤال ۵۱- هیئت مدیره از میان خود یک نفر رئیس یک نفر نایب رئیس یک یا دو نفر منشی انتخاب می نماید و سپس فرد واجد شرایطی از بین اعضای خود یا از خارج تعاونی به عنوان مدیرعامل انتخاب می نماید. پیشنهاد اصلاحی در

این مورد چیست؟ پاسخ: مدیرعامل که به موجب ماده ۳۹ قانون بخش تعاون ممکن است از بین اعضای تعاونی یا از خارج از آن برای مدت ۲ سال انتخاب گردد ظاهراً همانند شرکت های سهامی عام و خاص می باشد ولی پیش بینی نشده که مدیرعامل تعدادی سهام به عنوان وثیقه در صندوق شرکت برای دوران مدیریت خود بسپارد تا در صورت احراز تخلف زیان وارده به شرکت از محل مزبور تامین گردد. سؤال ۵۲- مجمع عادی در شرکت تعاونی یک بار در سال تشکیل می گردد و وظایف این مجمع با شرکت های سهامی عام و خاص اختلاف فاحشی دارد. آیا هماهنگی مواد ۳۳ و ۳۴ و ۳۷ این قانون با مواد ۸۳ و ۸۴ و ۸۶ و ۸۸ ل.ا.ق.ت. ضروری است؟ پاسخ: مجمع عمومی عادی در شرکت تعاونی سالی یک مرتبه تشکیل می گردد. و وظایف مجمع مذکور عبارتند از: انتخاب هیئت مدیره و بازرس یا بازرسان برای مدت ۲ سال رسیدگی و اتخاذ تصمیم درباره ترانزنامه و حساب سود و زیان سایر گزارش های مالی هیئت مدیره تعیین برنامه شرکت و تصویب بودجه سال جاری و سرمایه گذاری و اعتبارات و وام های درخواستی و سایر عملیات مالی بنا به پیشنهاد هیئت مدیره و بالاخره افزایش و کاهش سرمایه و اتخاذ تصمیم راجع به اندوخته ها. به نریم رسد که افزایش و کاهش سرمایه در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده قرار گیرد زیرا آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و بعلاوه با حقوق شرکت های سهامی عام و خاص نیز هماهنگ می گردد. سؤال ۵۳- تصمیمات در مورد مجمع عمومی فوق العاده با حضور حداقل ۳/۲ اعضا (به استثنای تعاونی های بیش از ۵۰۰ نفر) اتخاذ می گردد. در مورد هماهنگی نصاب مزبور با ماده ۸۴ ل.ا.ق.ت. پیشنهاد اصلاحی چیست؟ پاسخ: دلیلی به نظر نمی رسد که تعاونی های بیش از ۵۰۰ نفر از نصاب اتخاذ تصمیم برای مجمع عمومی فوق العاده مستثنی شوند و در هر حال حضور حداقل ۳/۲ اعضا برای تصمیم گیری در مجمع مزبور بدون توجه به تعداد اعضا ضروری می باشد. سؤال ۵۴- وظایف مجمع عمومی فوق العاده طبق ماده ۳۵ بخش تعاونی عبارت از تغییر در مواد اساسنامه عزل یا قبول استعفای هیئت مدیره انحلال و ادغام تعاونی می باشد. آیا اصلح است که این ماده با ماده ۸۳ شرکت های سهامی عام و خاص هماهنگ گردد؟ پاسخ: وظایف مجمع عمومی فوق العاده در بخش تعاون بطور ناهماهنگ با شرکت های سهامی عام و خاص احصا شده به نظر می رسد که با توجه به ماده ۸۳ ل.ا.ق.ت فقط افزایش سرمایه کاهش سرمایه تغییرات در اساسنامه و انحلال شرکت یا تبدیل نوع شرکت و ادغام تعاونی در صلاحیت مجمع مذکور باشد. سؤال ۵۵- وظایف و اختیارات هیئت مدیره در ماده ۳۷ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ با اصلاحات بعدی بطور ناهماهنگ پیش بینی شده آیا بهتر است با مقررات شرکت های سهامی عام و خاص هماهنگ گردد؟ پاسخ: به نظر می رسد که وظایف و اختیارات هیئت مدیره با مقایسه شرکت های سهامی عام و خاص ناقص بوده و مواردی از قبیل ارائه گزارش های توجیهی به هنگام افزایش سرمایه و خودداری از دعوت و تقسیم سود پیش بینی شود.

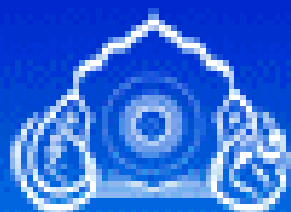
۴۶- نتیجه

نتیجه - نتیجه در شرکت تضامنی یا نسبی که مدیر از بین اعضا یا خارج از آن بطور محدود و یا نامحدود انتخاب می شود مشکلاتی از نظر عزل بوجود آمده است. زیرا مدیر مندرج در شرکت نامه فقط با رضایت کلیه شرکا قابل عزل می باشد و در سایر موارد نیز عدم امکان عزل مدیر موجبات اضرار آنان را فراهم می سازد. در قانون شرکت های تضامنی ماده (۱۲) حدود مسئولیت مدیر یا مدیران را به ماده ۵۱ قانون تجارت منسوخه ۱۳۱۲ شرکت سهامی احاله داده است و معلوم نیست که مسئولیت مدیر در مقابل شرکا مانند مسئولیت وکیل در مقابل موکل خود می باشد و یا فقط در مقابل شرکت براساس قانون وکالت مسئولیت دارد. لذا اصلاح ماده مزبور ضروری به نظر می رسد. در شرکت مختلط سهامی و غیر سهامی اداره امور شرکت به عهده شریک یا شرکای ضامن می باشد و شریک سهامی و یا با مسئولیت محدود حق مداخله در امور مدیریت و انجام معامله را برای شرکت ندارد. مگر اینکه وکالت مخصوص از طرف شرکت

داشته باشد (مستفاد از مواد ۱۴۵ و ۱۴۶ ق.ت.). و به نظر می‌رسد که طرف معامله با شرکت ممکن است به تصور اینکه شریک با مسئولیت محدود دارای مسئولیت تضامنی است معاملات انجام داده و از این بابت متضرر گردد. بطور کلی ارگان کنترل کننده شامل بازرس یا بازرسان در شرکت های مزبور پیش بینی نشده ولی در شرکت مختلط سهامی فقط هیئت نظار در گرفته شده است که کارایی لازم را از نظر کنترل صحت و درستی حسابهای شرکت از قبیل ترازنامه حساب سود و زیان و گزارش سالیانه مدیران ندارد. در شرکت تعاونی تعداد مدیران مندرج در ماده ۳۶ قانون شرکت تعاونی که حداقل ۳ و حداکثر ۷ نفر پیش بینی شده است در شرکت های بیش از ۴۰۰ نفر این تعداد اضافه شده است هماهنگی این قسمت از ماده با شرکت سهامی مفید به نظر می‌رسد تا تعداد مدیران به ۳ یا ۵ نفر تقلیل پیدا نماید و مدیران نیز از بین اعضای تعاونی که آشنایی به مسائل شرکت دارند انتخاب گردند. ضمناً در خصوص قلمرو اختیارات و وظایف مدیران در شرکت تعاونی مانند شرکت های سهامی مقرراتی وضع نگردیده است. برخی دیگر از مواد قانون شرکت های تعاونی نقایصی دارند مثلاً در ماده ۱۰ نحوه حق نظارت اعضا در تعاونی مشخص نگردیده و در بند ۱ ماده ۱۳ سلب شرایط عضویت یا شرایط اختصاصی بطور مشخص روشن نشده است و بالاخره تقویم آورده های غیرنقدی ممکن است منتهی به ارزیابی غیرواقع گردد و در صورتی که در شرکت های سهامی برای قسمتی از تقویم آورده های غیرنقدی موسسین جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری و تصویب مجمع عمومی موسسین (با محدودیت رعایت میزان ارزیابی کارشناس) و بالاخره عدم لحاظ میزان آورده غیرنقدی در حد نصاب رسمیت مجمع عمومی موسسین و سلب حق رای از دارنده آورده غیرنقدی مزبور در مواد ۷۵ و ۷۶ به بعد (ل.ا.ق.ت.) پیش بینی شده است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

